



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

پرس و جو با موضوع

فرهنگ و اجتماع



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فرهنگ و اجتماع

نویسنده:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر چاپی:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

.....	فهرست	۵
.....	فرهنگ و اجتماع	۱۵۶
.....	مشخصات کتاب	۱۵۶
.....	مسائل اجتماعی	۱۵۶
.....	روابط اجتماعی	۱۵۶
.....	این مُثَل "خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو" را در چه موقع به کار می‌برند؟ اگر در جمعی هم کار خلاف شرع انجام دهند و ما متوجه شویم، باید هم‌رنگ شویم و اگر هم رأی دادند، ما بی دلیل قبول کنیم؟	۱۵۶
.....	پرسش	۱۵۶
.....	پاسخ	۱۵۶
.....	اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست؟	۱۵۹
.....	پرسش	۱۵۹
.....	پاسخ	۱۵۹
.....	مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟	۱۵۹
.....	پرسش	۱۵۹
.....	پاسخ	۱۶۰
.....	: قرآن برای «امت‌ها» (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قابل است (رجوع شود به المیزان، ۴/۱۰۲) بدیهی است که «امت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قر	
.....	پرسش	۱۶۱
.....	پاسخ	۱۶۱
.....	چه ویژگی انسانی باعث تکامل اجتماعی زندگی اوست؟	۱۶۲
.....	پرسش	۱۶۲
.....	پاسخ	۱۶۲
.....	چرا قرآن، انسانهای نخستین را «امت واحده» می‌نامد؟ پرسش	۱۶۲
.....	اشاره	۱۶۲
.....	پاسخ	۱۶۲
.....	آیا ادعای جدا بودن خون‌ها و نژادها صحیح است؟	۱۶۴
.....	پرسش	۱۶۴
.....	پاسخ	۱۶۴
.....	آیا ادعای جدا بودن خون‌ها و نژادها صحیح است؟	۱۶۶
.....	پرسش	۱۶۶
.....	پاسخ	۱۶۶
.....	دیدگاه قرآن نسبت به برخورد اسلام با اقلیت‌های مذهبی چیست؟ پرسش	۱۶۷
.....	اشاره	۱۶۷
.....	پاسخ	۱۶۷
.....	دیدگاه امام علی(ع) در برخورد با اهل ذمه چیست؟ پرسش	۱۶۹
.....	اشاره	۱۶۹
.....	پاسخ	۱۶۹
.....	رفتار مسلمانان با غیر اهل ذمه چگونه است؟ پرسش	۱۶۹
.....	اشاره	۱۶۹
.....	پاسخ	۱۶۹
.....	صمیمیت و استحکام روابط، از کجا پیدا می‌شود؟ پرسش	۱۷۱
.....	اشاره	۱۷۱

- ۱۷۱ ..... پاسخ
- ۱۷۲ ..... در اسلام چند نوع برادری وجود دارد؟
- ۱۷۳ ..... پرسش
- ۱۷۳ ..... پاسخ
- ۱۷۳ ..... چرا بشر به زندگی اجتماعی تن در می دهد؟ پرسش
- ۱۷۳ ..... اشاره
- ۱۷۴ ..... پاسخ
- ۱۷۴ ..... علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟
- ۱۷۴ ..... پرسش
- ۱۷۴ ..... پاسخ
- ۱۷۶ ..... محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟
- ۱۷۶ ..... پرسش
- ۱۷۶ ..... پاسخ
- ۱۷۶ ..... چرا در جامعه انسانی، انسان ها برخلاف حیوانات، که براساس قانون تنازع بقا زندگی می کنند، حق ندارند انسان ضعیف تر از خود را از بین ببرند؟ و باید از قانون تعاون بقا پیروی کنند؟
- ۱۷۶ ..... پرسش
- ۱۷۷ ..... پاسخ
- ۱۷۷ ..... آیا تنشی که در جامعه ابتدایی انسانی پدید آمد، مولود ابزار تولید بود؟
- ۱۷۷ ..... پرسش
- ۱۷۷ ..... پاسخ
- ۱۷۷ ..... من در یک محیط اجتماعی با یکی از افراد اهل تسنن مجبورم رابطه داشته باشم ولی متأسفانه رفتار و اعمال این فرد در برابر مسلمانان شیعه بسیار زشت و زننده است. برای حفظ این رابطه وظیفه من در مقابل فرد چیست؟
- ۱۷۸ ..... پرسش
- ۱۷۸ ..... پاسخ
- ۱۸۰ ..... آیا اینکه کسی از دیگران مطلقاً چیزی نخواهد حتی در جایی که نیاز شدید دارد و دیگران به راحتی قادر به حل آن مشکل هستند حُسن است یا نه؟ محدوده کمک خواستن یا درخواست کمک از دیگران را معین کنید.
- ۱۸۰ ..... پرسش
- ۱۸۰ ..... پاسخ
- ۱۸۰ ..... آیا با گفت و گو می توان همه اختلافات را حل کرد؟
- ۱۸۰ ..... پرسش
- ۱۸۱ ..... پاسخ
- ۱۸۲ ..... پرسش: زوج جوانی به خاطر دخالت بستگان با داشتن یک فرزند پنج ساله از هم جدا شدند. ....
- ۱۸۲ ..... اشاره
- ۱۸۲ ..... پرسش
- ۱۸۲ ..... پاسخ
- ۱۸۴ ..... علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟
- ۱۸۴ ..... پرسش
- ۱۸۴ ..... پاسخ
- ۱۸۶ ..... سفارش اسلام در مورد عهد و پیمان و تعهدات دو طرفه چه می باشد؟
- ۱۸۶ ..... پرسش
- ۱۸۶ ..... پاسخ
- ۱۸۸ ..... آیا زندگی در اجتماع از نظر اسلام امری ارزشمند محسوب می گردد؟
- ۱۸۸ ..... پرسش
- ۱۸۹ ..... پاسخ

- ۱۹۰..... آیا زندگی اجتماعی ضرورت دارد؟ علت عزت برخی از مردان الهی چیست ؟
- پرسش ..... ۱۹۰
- پاسخ ..... ۱۹۰
- ۱۹۱..... آیا اختلاف در جامعه اولیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟
- پرسش ..... ۱۹۱
- پاسخ ..... ۱۹۱
- ۱۹۱..... نظر اسلام در باره صله رحم و اهمیت آن چیست؟
- پرسش ..... ۱۹۱
- پاسخ ..... ۱۹۱
- ۱۹۲..... بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟
- پرسش ..... ۱۹۲
- پاسخ ..... ۱۹۲
- ۱۹۲..... چگونه می توان در برخورد با مسائل جامعه از گزند تصدیقها و تکذیبهای بی جا در امان بود؟
- پرسش ..... ۱۹۲
- پاسخ ..... ۱۹۳
- ۱۹۴..... هدف از صله رحم در اسلام چیست ؟ ( بطور کامل )
- پرسش ..... ۱۹۴
- پاسخ ..... ۱۹۴
- ۱۹۴..... ارتباط فرهنگی بین پسران و دختران و مشکلات فعلی در این باب؟
- پرسش ..... ۱۹۴
- پاسخ ..... ۱۹۴
- ۱۹۵..... خداوند متعال، عاقبت کسی را که، به همنوع خود، خیانت میکند، را چگونه بیان میکنند؟
- پرسش ..... ۱۹۵
- پاسخ ..... ۱۹۵
- ۱۹۷..... قرآن در مورد این که غالب مردم، تابع بیچون و چرا اقتدار در انجام کنشهای معین هستند چه میگوید؟ و این تبعیت را دارای چه آثار و رویکردهای میدانند؟
- پرسش ..... ۱۹۷
- پاسخ ..... ۱۹۷
- ۲۰۰..... لطفاً بفرمایید در آیات و روایات چه مطالبی درباره خدمت به مردم و وظیفه مسئولان جامعه آمده است
- پرسش ..... ۲۰۰
- پاسخ ..... ۲۰۰
- ۲۰۳..... دستورات قرآنی در زمینه "خدمت به مردم را بیان کنید و پیامدهای مثبت دنیایی و آخرتی آن را توضیح دهید؟
- پرسش ..... ۲۰۳
- پاسخ ..... ۲۰۴
- ۲۱۳..... لطفاً آیهایی را که به هدف اجتماعی زیستن انسان اشاره دارد، ذکر کنید.
- پرسش ..... ۲۱۳
- پاسخ ..... ۲۱۳
- ۲۱۸..... آیا کلمه روحانی از غرب آمده است و ما به جای آن عالم اسلامی داریم ؟
- پرسش ..... ۲۱۸
- پاسخ ..... ۲۱۸
- ۲۱۸..... بررسی و تحقیق در مورد برخی مسایل و یا گذشته دانشجویان یا مسئولین دانشگاه و تحقیق در مورد کارهایی که انجام می دهند توسط عده ای از دانشجویان البته به صورت مخفی درست است یا نه ؟
- پرسش ..... ۲۱۸

- ۲۱۸..... پاسخ
- با عرض سلام نیدانم چرا علمای ما بین مردم ظاهر نمیشوند؟ چرا طلبه های جوان کمتر بین مردم هستند؟ حادثه بم را بنگرید ... چطور این طلبه ها بین مردم حضور پیدا کردند و چقدر مردم خوشحال شدند ... به اطفال عروسک میدادند ... با آنها نقاشی میکشیدند و ... همه میدانی
- ۲۲۳..... پرسش
- ۲۲۳..... پاسخ
- ۲۲۵..... مگر وظیفه روحانی تبلیغ نیست پس چرا علمای سیاه و سفید دارند اگر یک رنگ بود چه می شد آیا به نحوی کاسبی نیست؟
- ۲۲۵..... پرسش
- ۲۲۵..... پاسخ
- ۲۲۷..... آیا جواب شما ربطی به درخواست من داشت؟ من پرسیدم چرا علمای ما هم فرق می کنند در صورتی که کار هر دو گروه یکی است چه شیخ و چه سید. متشکرم
- ۲۲۷..... پرسش
- ۲۲۷..... پاسخ
- ۲۲۹..... ۱- چرا علماء شیعه آنقدر احادیث ودین و روایات را در بین مردم بیان نمی کنند تا مردم از نظر مذهب یقین داشته باشند و در بین خود فقط گسترش می دهند؟
- ۲۲۹..... پرسش
- ۲۲۹..... پاسخ
- ۲۲۹..... لطفاً تمام حقوق همسایه بر همسایه را بنویسید و مواردی که هم ضروری است توضیح دهید، واجب و مستحب را هم معلوم کنید، لطفاً آدرس هیچ کتابی را ندهید.
- ۲۳۰..... پرسش
- ۲۳۰..... پاسخ
- ۲۳۲..... چرا تبلیغات اسلام بسیار کم شده در مقابل ادیان دیگر؟
- ۲۳۲..... پرسش
- ۲۳۲..... پاسخ
- ۲۳۵..... در موردی که زن و مرد به یکدیگر قول می دهند، سپس یکی از آن ها به عهد خود وفا نمی کند، آیا فقط کسی که عهد و پیمان خویش را شکسته گناهکار است یا هر دو طرف
- ۲۳۵..... پرسش
- ۲۳۵..... پاسخ
- ۲۳۶..... چرا تعصبات مذهبی در کشور بقدری است که با دیدن شخصی از مذهب دیگر مثل دشمن یا او رفتار می کنند.
- ۲۳۶..... پرسش
- ۲۳۶..... پاسخ
- ۲۳۷..... چرا روحانیان گرفتار تجر و جمود می شوند و چه اقدامی برای ارتباط با نسل جوان انجام داده اید؟
- ۲۳۷..... پرسش
- ۲۳۷..... پاسخ
- ۲۳۹..... آیا اگر دانشکده ها مختلط نباشد از جاذبه آن کم خواهد شد.
- ۲۳۹..... پرسش
- ۲۳۹..... پاسخ
- ۲۳۹..... شیعیان مدعی وحدت هستند و دولت ایران شیعی مذهب است پس چرا اجازه نشر کتابهای منحرف و بی ارزش را می دهد؟
- ۲۳۹..... پرسش
- ۲۳۹..... پاسخ
- ۲۴۳..... مگر اسلام زنان و مردان را خواهر و برادر یکدیگر نمی داند؟ پس چرا در جامعه از ارتباط دختران و پسران بدون قصد بد جلوگیری می شود؟
- ۲۴۳..... پرسش
- ۲۴۳..... پاسخ
- ۲۴۴..... اگر پسر نامحرمی در خیابان به دختر سلام کند، جواش واجب است؟
- ۲۴۴..... پرسش
- ۲۴۴..... پاسخ
- ۲۴۴..... اگر خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شوا به نظر شما آیا باید کارهای یک جمع را اگر اشتباه هم بود، تایید کرد و استقلال فکری و عملی نداشت ، مثلاً اگر جمع همگی مشغول نوشیدن شراب هستند، باید شراب خورد تارسوا نشد؟!.....



- ۲۴۴ ..... پرسش
- ۲۴۵ ..... پاسخ
- ۲۴۶ ..... چرا اکثر روحانیونی که به سراسر کشور اعزام می شوند، بیش تر پیرامون موضوعات فرعی صحبت می کنند، نه اصلی؟ بیش تر به مستحبات می پردازند، نه واجبات؟
- ۲۴۶ ..... پرسش
- ۲۴۶ ..... پاسخ
- ۲۴۸ ..... پدرم رفتار ما با پسرهای قامیل چون پسر عمو، دایی و حساسیت به خرج می دهد و اجازه نمی دهد که با آن ها به صحبت بپردازیم و یا در داخل اتاق به تماشای تلویزیون و غیره مشغول شویم. آیا این کار صحیح است؟
- ۲۴۸ ..... پرسش
- ۲۴۸ ..... پاسخ
- ۲۵۲ ..... من تا قبل از نامزدیم بسیار با حجاب بودم. البته با مانتو بیرون می رفتم، ولی از وقتی که نامزد گرفتم، نامزد از من می خواهد در کوچه و خیابان آرایش کرده و کمی از موهایم را از روسری بیرون بگذارم. خیلی هم به او می گویم که این کار را درخواست نکنند ولی او دوست د
- ۲۵۲ ..... پرسش
- ۲۵۳ ..... پاسخ
- ۲۵۴ ..... مردم در مراسم عزاداری کمتر از مراسم جشن ها شرکت می کنند . علت چیست؟
- ۲۵۴ ..... پرسش
- ۲۵۴ ..... پاسخ
- ۲۵۴ ..... گاهی انسان به افرادی کمک می کند که نه تنها تشکر نمی کنند، بلکه طلب کار هم می شوند و خیال می کنند وظیفه ما است که کمک کنیم. آیا به چنین افرادی باز کمک نماییم؟
- ۲۵۴ ..... پرسش
- ۲۵۴ ..... پاسخ
- ۲۵۶ ..... چگونه می توان به فن بیان عالی دست یافت؟
- ۲۵۶ ..... پرسش
- ۲۵۶ ..... پاسخ
- ۲۵۸ ..... خواهانان با حجاب و با تقوا که در جامعه رفت و آمد می کنند، چگونه از شر جوانان بزهکار در امان باشند؟
- ۲۵۸ ..... پرسش
- ۲۵۸ ..... پاسخ
- ۲۵۹ ..... این که پیامبر اسلام از سؤال و خواهش از دیگران نهی نموده آیا فقط در خصوص مسائل مالی و اقتصادی است یا شامل مسائل علمی و سایر مسائل نیز می شود؟
- ۲۵۹ ..... پرسش
- ۲۶۰ ..... پاسخ
- ۲۶۱ ..... همسرم دوست ندارد هیچ کس حتی دشمن از او ناراحت شود. آیا این فکر و روش صحیح است
- ۲۶۱ ..... پرسش
- ۲۶۱ ..... پاسخ
- ۲۶۳ ..... چه جادیه ای در رهبر وجود دارد که به قلبهای مردم اثر عمیق و پایدار می گذارد؟
- ۲۶۳ ..... پرسش
- ۲۶۳ ..... پاسخ
- ۲۶۶ ..... چرا خوبی کردن سخت است؟
- ۲۶۷ ..... پرسش
- ۲۶۷ ..... پاسخ
- ۲۶۹ ..... می گویند انسان ها نسبت به چیزی که از آن منع می شوند، حریص تر می گردند، پس چرا اسلام بر پوشش و عدم روابط زن و مرد تأکید دارد؟
- ۲۶۹ ..... پرسش
- ۲۶۹ ..... پاسخ
- ۲۷۳ ..... چرا انسان اجتماعی زندگی کردن را دوست دارد؟
- ۲۷۳ ..... پرسش
- ۲۷۳ ..... پاسخ

- ۲۷۵..... بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نبوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟
- ۲۷۵..... پرسش
- ۲۷۵..... پاسخ
- ۲۷۷..... چرا هر چه میزان سواد دانشگاهی افراد اضافه می شود، به تنهایی آن ها نیز افزوده می گردد؟
- ۲۷۷..... پرسش
- ۲۷۷..... پاسخ
- ۲۷۸..... اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟
- ۲۷۸..... پرسش
- ۲۷۸..... پاسخ
- ۲۷۸..... از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟
- ۲۷۸..... پرسش
- ۲۷۸..... پاسخ
- ۲۸۰..... از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟
- ۲۸۰..... پرسش
- ۲۸۰..... پاسخ
- ۲۸۱..... از نظر قرآن آیا امت ها حیات مستقل دارند؟
- ۲۸۱..... پرسش
- ۲۸۱..... پاسخ
- ۲۸۱..... اسلام شرایط و موانع پذیرش دعوت را چه می داند؟
- ۲۸۱..... پرسش
- ۲۸۱..... پاسخ
- ۲۸۲..... شرط رفتن جامعه به سوی فلاح از نظر علامه طباطبائی چیست؟
- ۲۸۲..... پرسش
- ۲۸۲..... پاسخ
- ۲۸۳..... محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟
- ۲۸۳..... پرسش
- ۲۸۳..... پاسخ
- ۲۸۳..... ( اختلاف امتی رحمه ) مصادیق این اختلاف چه چیزهایی می باشد؟
- ۲۸۳..... پرسش
- ۲۸۳..... پاسخ
- ۲۸۴..... اشتغال
- ۲۸۴..... مادری هستم دارای چهار فرزند پسر و بی سرپرست . از شوهرم طلاق گرفته ام . مدت (نه سال و سه ما) در بهداری خدمت کردم و بعد به اصرار شوهر باز خرید شدم . بعد از طلاق با مشکلاتی روبه رو و دوباره در شبکه بهداشت و درمان خدمتکار هستم . می خواستم ترتیبی بدهید ادا،
- ۲۸۴..... پرسش
- ۲۸۴..... پاسخ
- ۲۸۴..... بر اساس پیشنهادی که داده بودید که مرا به کمیته امداد معرفی کنید، تقاضا دارم به خاطر عائله مندی و کمبود فراوانی که دارم سفارش مرا به آن جابجاییید.....
- ۲۸۴..... پرسش
- ۲۸۴..... پاسخ
- ۲۸۵..... فعالیت افرادی که در نقاط مختلف به عنوان دعا نویس مشغول اند چگونه است ؟ بعضاً مشاهده می شود که افرادی که به آن ها مراجعه می کنند نتیجه می گیرند و راضی اند؛ نظر اسلام چیست ؟
- ۲۸۵..... پرسش
- ۲۸۵..... پاسخ
- ۲۸۵..... شغل آینده را چگونه انتخاب کنیم ؟

- ۲۸۵ ..... پرسش
- ۲۸۵ ..... پاسخ
- به نظر خودم بدشانس هستم و کار پیدا نمی کنم ، ولی امیدوارم با توکل به خدا این مشکل حل گردد، هم چنین پدرم سال ها کارگری کرده ، ولی چون با صاحب کار دوست قدیمی هستیم نمی توانیم از اوشکابت کنیم و پدرم مجبور شده است شخصاً خود را بیمه کند. لطفاً ما را در اید
- ۲۸۷ ..... پرسش
- ۲۸۷ ..... پاسخ
- علاقه فراوانی به قرآن دارم . از سال ۷۴ تا ۷۹ در طرح تابستانی ارشاد اسلامی ، سپاه و سازمان تبلیغات اسلامی در پایه ابتدایی و راهنمایی سابقه تدریس دارم . با توجه به این آیا ممکن است در جایی به عنوان مرتبی قرآن یا مربی پرورشی استخدام شوم ؟
- ۲۸۹ ..... پرسش
- ۲۸۹ ..... پاسخ
- اینجانب دارای مدرک دیپلم ، مدت دو سال است که بیکار هستم و هر کجا برای کار می روم ، کاری برایم پیشتر نمی شود، در صورتی که مهارت هایی در زمینه های خطاطی ، نویسندگی ، متاخی ، فیلمنامه نویسی ومهارت در مدیریت دارم . خواهشمندم اگر می توانید کار آبرومندی برا
- ۲۸۹ ..... پرسش
- ۲۹۰ ..... پاسخ
- اینجانب ۱۹ ساله، دانشجوی سال اول رشته مهندسی صنایع، گرایش برنامه ریزی و تحلیل سیستم ها هستم. در خصوص معرفی این رشته و آینده شغلی و منابع و مطالب مربوط به آن مرا راهنمایی کنید؟
- ۲۹۰ ..... پرسش
- ۲۹۰ ..... پاسخ
- منبع در آمد افغانی ها ی مقیم کشورهای خارجی مثل ایران چیست ؟
- ۲۹۱ ..... پرسش
- ۲۹۱ ..... پاسخ
- آیا می توان با داشتن شغل مهندسی کامپیوتر، خلبان شد؟
- ۲۹۱ ..... پرسش
- ۲۹۱ ..... پاسخ
- اکنون که شرایط جامعه طوری است که چند میلیون جوان بیکار وجود دارد شما برای جوانان بیکار چه پیشنهاد می نمایید؟ پیشنهاد شما برای دولت و خانواده در برابر جوانان بیکار چیست؟
- ۲۹۱ ..... پرسش
- ۲۹۲ ..... پاسخ
- از نظر اسلام برای احراز مشاغل اجتماعی، سید و یا روحانی بودن شرط است؟
- ۲۹۳ ..... پرسش
- ۲۹۳ ..... پاسخ
- علت اصلی بیکاری و گرانی چیست؟ چرا جوانان به آینده خود امیدوار نیستند و از هر چیز متنفرند؟
- ۲۹۳ ..... پرسش
- ۲۹۳ ..... پاسخ
- در حالی که ائمه(علیهم السلام)) برای امرار معاش کار می کردند چرا روحانیون برای امرار معاش کار نمی کنند؟
- ۲۹۶ ..... پرسش
- ۲۹۷ ..... پاسخ
- آیا متاخی برای اهل بیت(علیهم السلام)) شغل پسندیده ای است؟
- ۲۹۷ ..... پرسش
- ۲۹۷ ..... پاسخ
- چرا در وضعیت اشتغال جوانان بهبود حاصل نمی گردد ؟
- ۲۹۷ ..... پرسش
- ۲۹۸ ..... پاسخ
- چرا دیرانی که بیرو و فرسوده می شوند، بازنشسته نمی کنند و جوانهای پرانرژی را جای آنها بگیرند و حق التدریس که چند سال کار کردند با برج ۱۲۵ هزار یا ۲۵ هزار کار کردند استخدام کنند، می گویند خواهیم گرفت ولی اول اقدام آموزش و پرورشهاست، کسی مطمئن نظارت کن
- ۳۰۲ ..... پرسش
- ۳۰۲ ..... پاسخ

در رشته زراعت و اصلاح نباتات مشغول تحصیل و نسبت به نبود بازار کار از آینده بسیار مایوس و از ادامه تحصیل ناامید گشته ام راه چاره چیست ؟

پرسش

پاسخ

الآن شانس کار زنان در جامعه بیشتر از مردان است چرا؟ و چرا در کشور ما زنان را ترجیح می دهند تا مردان؟

پرسش

پاسخ

انسجام اجتماعی

رمز شکست و فتنای ملتها در چیست ؟

پرسش

پاسخ

سراتجام جامعه ها، از نظر احادیث اسلامی چیست؟

پرسش

پاسخ

منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

پرسش

پاسخ

علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

پرسش

پاسخ

علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و ... نمی شود؟

پرسش

پاسخ

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پرسش

پاسخ

اصل محاکات چیست؟

پرسش

پاسخ

آیا اختلاف در جامعه اولیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

پرسش

پاسخ

خواهشاً در مورد جو سیاسی و فرهنگی اجتماع یک دیدگاه کلی که به عنوان یک مداوا باشد راهنمایی کنید؟ که از این بدبینی که در جامعه وجود دارد تا حدودی شفافیتی نشان دهد.

پرسش

پاسخ

قرآن ویژگیهای یک جامعه ایدهآل و خوب را چه میداند؟

پرسش

پاسخ

فروپاشی اجتماعی چه آثاری بر جامعه دارد؟

پرسش

پاسخ

چرا علما و اسلام شناسان در مورد مشکلات اجتماعی و فکری راه حل ارائه نمی دهند

پرسش

- ۳۲۰ پرسش .....  
۳۲۰ پاسخ .....  
۳۲۴ معنای جامعه پیشرفته و وارسته چیست ؟ .....  
۳۲۴ پرسش .....  
۳۲۴ پاسخ .....  
۳۲۴ آیا تا بحال فکری برای مسأله طلاق که در کشور ما آمار بالایی دارد شده است ؟ .....  
۳۲۴ پرسش .....  
۳۲۵ پاسخ .....  
۳۲۷ منظور از آیات اجتماعی قرآن کریم چیست آیا مجموعه ای در این باره گردآوری شده است .....  
۳۲۷ پرسش .....  
۳۲۷ پاسخ .....  
۳۲۹ مسایل اجتماعی و سیر آن ها در قرآن را توضیح دهید؟ .....  
۳۲۹ پرسش .....  
۳۲۹ پاسخ .....  
۳۳۱ در ایام فاطمیه و ایام دیگر که از حضرت فاطمه(س) سخن می گویند و ظلم هایی که بر او شده گفته می شود، چرا نامی از ظلم کننده ها بر او عمر و... برده نمی شود، تا در ذهن مردم و بچه ها بماند؟ .....  
۳۳۱ پرسش .....  
۳۳۱ پاسخ .....  
۳۳۱ در شهر ما چهار نفر روحانی زندگی می کنند و همیشه مردم را به وحدت و یکدلی دعوت می کنند اما تاکنون یک بار کسی ندیده خودشان یک جا جمع شوند، وقتی چهار نفر روحانی نتوانند با هم توافق کنند، از مردم چه انتظاری دارند؟! .....  
۳۳۲ پرسش .....  
۳۳۲ پاسخ .....  
۳۳۳ قرآن برای فراهم شدن زمینه هم زیستی مسالمت آمیز جهان مسلمانان و اهل کتاب، چه راه حلی را پیشنهاد می کند؟ .....  
۳۳۳ پرسش .....  
۳۳۳ پاسخ .....  
۳۳۴ دیدگاه روایات اسلامی پیرامون هم زیستی با بیروان دیگر مذاهب چیست؟ .....  
۳۳۴ پرسش .....  
۳۳۴ پاسخ .....  
۳۳۷ اجتماع بشری که منبع همه پیشرفتها و موفقیت‌های علمی و اجتماعی است به چه صورتی می تواند به هدف مطلوب خود برسد؟ .....  
۳۳۷ پرسش .....  
۳۳۷ پاسخ .....  
۳۳۸ قرآن برای ایجاد «پیوند» و «روح اجتماعی» از چه وسائلی استفاده کرده است؟ .....  
۳۳۸ پرسش .....  
۳۳۸ پاسخ .....  
۳۴۰ دیدگاه قرآن درباره فیض حضور مؤمنان در صحنه های اجتماعی چیست؟ .....  
۳۴۰ پرسش .....  
۳۴۰ پاسخ .....  
۳۴۱ نشانه های وحدت نوعی انسان چیست؟ .....  
۳۴۱ پرسش .....  
۳۴۱ پاسخ .....  
۳۴۳ عناصر تقریب مسلمانان چیست؟ .....  
۳۴۳ پرسش .....  
۳۴۳ پاسخ .....

- ۳۴۸ ..... موانع تقریب مسلمانان چیست؟
- ۳۴۸ ..... پرسش
- ۳۴۸ ..... پاسخ
- ۳۴۸ ..... یک طلبه و دانشجو چگونه باید آرمان های انقلاب اسلامی را با همدیگر مستحکم کنند؟
- ۳۴۹ ..... پرسش
- ۳۴۹ ..... پاسخ
- ۳۵۰ ..... بهترین راه ایجاد وحدت و یکپارچگی بیشتر بین تشیع و تسنن در محیط علمی ، مانند دانشگاه چیست ؟
- ۳۵۰ ..... پرسش
- ۳۵۰ ..... پاسخ
- ۳۵۰ ..... چگونه میشود بین روایات وارده راجع به مودت اهل بیت و دوستی با دوستانشان و دشمنی با دشمنانشان ، وسیله وحدت و برابری بین شیعه و سنی جمع کرد؟
- ۳۵۰ ..... پرسش
- ۳۵۰ ..... پاسخ
- ۳۵۰ ..... آیا مسلمانان با مذاهب مختلف می توانند با هم متحد باشند؟
- ۳۵۰ ..... پرسش
- ۳۵۱ ..... پاسخ
- ۳۵۱ ..... وحدت شیعه و اهل سنت به چه معنی است؟
- ۳۵۱ ..... پرسش
- ۳۵۱ ..... پاسخ
- ۳۵۱ ..... چرا با وجود اینکه در این زمان نیاز به اتحاد وجود دارد، از مطالبی که درباره اختلاف مذاهب است سخن گفته می شود؟
- ۳۵۱ ..... پرسش
- ۳۵۲ ..... پاسخ
- ۳۵۲ ..... چه کسانی از تفرقه میان شیعیان و اهل سنت سود می برند؟
- ۳۵۲ ..... پرسش
- ۳۵۲ ..... پاسخ
- ۳۵۳ ..... با اینکه شیعه باید اهل سنت را امر به معروف و نهی از منکر کند، وحدت با آنان چگونه میسر است؟
- ۳۵۳ ..... پرسش
- ۳۵۳ ..... پاسخ
- ۳۵۳ ..... ایجاد وحدت حقیقی بین مسلمانان امکان پذیر است؟
- ۳۵۳ ..... پرسش
- ۳۵۳ ..... پاسخ
- ۳۵۴ ..... راه اساسی از میان برداشتن تفرقه و نفاق در اجتماعی چیست؟
- ۳۵۴ ..... پرسش
- ۳۵۴ ..... پاسخ
- ۳۵۴ ..... وحدت مسلمین حول چه محوری باید صورت گیرد؟
- ۳۵۴ ..... پرسش
- ۳۵۴ ..... پاسخ
- ۳۵۵ ..... آیا وجود اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان با حقانیت اسلام منافات ندارد؟
- ۳۵۵ ..... پرسش
- ۳۵۵ ..... پاسخ
- ۳۵۵ ..... آیا عاشورا می تواند به عنوان یک محور اتحاد ملی مطرح شود؟
- ۳۵۵ ..... پرسش

- ۳۵۵..... پاسخ
- اگر هدف ما این هست که مسلمانان به وحدت برسند و باید سعی کنیم که فاصله میان شیعه و سنی از بین برود پس چرا اشتباه گذشته ها را ما تکرار می کنیم این سؤال اهل سنت هست فرضاً گذشتگان ما (خلفاء سه گانه) دچار اشتباه شده اند چرا شیعیان هر روز و شب آن را به رخ
- ۳۵۸..... پرسش
- ۳۵۹..... پاسخ
- ۳۶۰..... مصلحت جهان اسلام و از طرفی حق گرای شیعه و تعصب برادران اهل سنت با توجه به همه این ها، چرا نباید به تفکر و منطق شیعه گردش نکنند؟ چرا ما با آن ها سازش نکنیم مگر نه این که برادران اهل سنت مأمور به خطاب "لا تفرقوا" و... می باشند؟
- ۳۶۰..... پرسش
- ۳۶۰..... پاسخ
- ۳۶۳..... چرا با تائیدی که مقام معظم رهبری و مسئولین نظام به وحدت حوزه و دانشگاه دارند به حوزه ها کمتر رسیدگی می شود؟
- ۳۶۳..... پرسش
- ۳۶۳..... پاسخ
- ۳۶۳..... وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟
- ۳۶۳..... پرسش
- ۳۶۳..... پاسخ
- ۳۶۴..... بهترین راه ایجاد وحدت و یکپارچگی بیشتر بین تشیع و تسنن در محیط علمی ، مانند دانشگاه چیست ؟
- ۳۶۴..... پرسش
- ۳۶۴..... پاسخ
- ۳۶۴..... برای از بین بردن اختلافات قومی و طایفه ای در بعضی از مناطق که عواقب شومی در پی دارد چه راههایی را پیشنهاد می نمایند ؟
- ۳۶۴..... پرسش
- ۳۶۴..... پاسخ
- ۳۶۴..... مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه چیست و در زمینه اصلاح حوزه ها چه اقداماتی انجام گرفته است ؟
- ۳۶۴..... پرسش
- ۳۶۴..... پاسخ
- ۳۷۰..... راه وحدت بیشتر بین حوزه و دانشگاهها چیست
- ۳۷۰..... پرسش
- ۳۷۰..... پاسخ
- ۳۷۰..... در برخورد با یک سنی چه رفتاری داشته باشیم و آیا لازم است در جهت شیعه شدن او تلاش کنیم ؟
- ۳۷۰..... پرسش
- ۳۷۰..... پاسخ
- ۳۷۱..... چرا وحدت حوزه و دانشگاه هنوز تحقق پیدا نکرده است
- ۳۷۱..... پرسش
- ۳۷۱..... پاسخ
- ۳۷۲..... آیا برای وحدت بین مسلمانان بهتر نیست از شعارهایی که موجب اختلاف است دست برداریم
- ۳۷۲..... پرسش
- ۳۷۲..... پاسخ
- ۳۷۲..... دوست دشمن علی؛ دشمن علی است، چرا اهل تسنن که دوست دشمن علی هستند را برادران اهل تسنن می خوانیم؟
- ۳۷۲..... پرسش
- ۳۷۲..... پاسخ
- ۳۷۴..... مشکلات ارتباط با حوزه بین دانشگاه چیست؟
- ۳۷۴..... پرسش
- ۳۷۴..... پاسخ
- ۳۷۶..... آیا تا کنون علمای شیعه و اهل سنت میزگردی در خصوص مسایل مورد اختلاف داشته اند؟

- ۳۷۶ پرسش
- ۳۷۶ پاسخ
- ۳۷۶ منظور از امت واحد اسلامی با وجود اختلاف میان شیعه و سنی، چه می باشد؟
- ۳۷۶ پرسش
- ۳۷۶ پاسخ
- ۳۷۷ گفته اند مسلمانان به خاطر به وجود آمدن اتحاد رو به قبله نماز می خوانند، در حالی که این فائده در عمل وجود ندارد، پس چگونه این اتحاد به وجود می آید؟
- ۳۷۷ پرسش
- ۳۷۷ پاسخ
- ۳۷۷ برای این که بین شیعه و سنی رابطه برقرار کنیم ، و بین آنان وحدت ایجاد نماییم، چه باید کنیم ؟
- ۳۷۷ پرسش
- ۳۷۸ پاسخ
- ۳۸۲ آیا مسلمانان نتیجه اختلاف را دیده اند ؟ علت دعوت آنها به آن چیست ( اختلاف امتی رحمه ) ؟ و جمع آن با دعوت قرآن به وحدت چگونه ممکن است ؟
- ۳۸۲ پرسش
- ۳۸۲ پاسخ
- ۳۸۳ چه عاملی باعث شده بود که حضرت آیه الله العظمی بروجردی علاقه فراوانی به مسئله وحدت اسلامی از خود نشان دهد؟
- ۳۸۳ پرسش
- ۳۸۳ پاسخ
- ۳۸۴ دیدگاه اسلام در مورد تعصبات قوی و نژادی چیست؟
- ۳۸۴ پرسش
- ۳۸۴ پاسخ
- ۳۸۵ آثار وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟
- ۳۸۵ پرسش
- ۳۸۵ پاسخ
- ۳۸۷ محورهای وحدت در حوزه ادیان توحیدی، چیست ؟
- ۳۸۷ پرسش
- ۳۸۷ پاسخ
- ۳۸۹ قرآن چگونه به مسأله وحدت در حوزه پیروان ادیان توحیدی پرداخته است؟
- ۳۸۹ پرسش
- ۳۸۹ پاسخ
- ۳۹۳ نظر قرآن در مورد وحدت میان همه جوامع بشری چیست ؟
- ۳۹۳ پرسش
- ۳۹۳ پاسخ
- ۳۹۳ محور اتحاد انسانی چیست؟
- ۳۹۳ پرسش
- ۳۹۳ پاسخ
- ۳۹۷ قرآن چگونه به مسأله اختلاف مقدس و نامقدس پرداخته است؟ پرسش
- ۳۹۷ اشاره
- ۳۹۷ پاسخ
- ۴۰۱ محورهای اختلاف مقدس چیست؟ پرسش
- ۴۰۱ اشاره
- ۴۰۱ پاسخ



اختلاف نامقدس در دین و منشاء آن چیست؟ پرسش ..... ۴۰۱

اشاره ..... ۴۰۱

پاسخ ..... ۴۰۱

بی آمدهای تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟ پرسش ..... ۴۰۳

اشاره ..... ۴۰۳

پاسخ ..... ۴۰۳

مبدأ فاعلی تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟ ..... ۴۰۸

پرسش ..... ۴۰۸

پاسخ ..... ۴۰۸

راههای مبارزه با تفرقه و اختلاف نامقدس از نظر قرآن چیست؟ ..... ۴۱۰

پرسش ..... ۴۱۰

پاسخ ..... ۴۱۰

اهمیت وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟ ..... ۴۱۶

پرسش ..... ۴۱۶

پاسخ ..... ۴۱۶

از دیدگاه علی (ع) آیا هر اتحادی نیکو و مقدس است؟ پرسش ..... ۴۱۸

اشاره ..... ۴۱۸

پاسخ ..... ۴۱۹

وحدت صحیح چگونه حاصل می شود؟ ..... ۴۲۰

پرسش ..... ۴۲۰

پاسخ ..... ۴۲۰

چرا دین محور وحدت است؟ ..... ۴۲۱

پرسش ..... ۴۲۱

پاسخ ..... ۴۲۱

آیا قرآن برای وحدت مسلمانان کافی است یا عترت هم عامل لازم وحدت است؟ پرسش ..... ۴۲۴

اشاره ..... ۴۲۴

پاسخ ..... ۴۲۴

زمینه های پیدایی وحدت اسلامی کدامند؟ پرسش ..... ۴۲۷

اشاره ..... ۴۲۷

پاسخ ..... ۴۲۷

نقش اجتماعی ..... ۴۳۰

تاریخ جنگهای مذهبی فراوانی را بخاطر دارد و خونهای زیادی که در این راه ریخته شده بنابراین ادیان و مذاهب موجب تفرقه و نفاق میان افراد بشر شده اند؟ ..... ۴۳۰

پرسش ..... ۴۳۰

پاسخ ..... ۴۳۰

معنای این سخن که انسان سازنده محیط خودش چیست؟ ..... ۴۳۰

پرسش ..... ۴۳۰

پاسخ ..... ۴۳۱

چرا سکوت می کنیم یا سکوت می کنند قشر فعال جامعه به خاطر اینکه کارشان ریا نشود و خود را از صحنه کنار می گذارند؟ ..... ۴۳۱

پرسش ..... ۴۳۱

پاسخ ..... ۴۳۱

چه کنیم تا محیط از ما تاثیر پذیر باشد نه ما از محیط ..... ۴۳۲

- ۴۳۲..... پرسش
- ۴۳۲..... پاسخ
- ۴۳۳..... علت بیکاری در ایران چیست ؟
- ۴۳۳..... پرسش
- ۴۳۳..... پاسخ
- ۴۳۳..... آیا مسئولان حکومتی در قبال اوقات تلف شدهٔ سربازان مسوئول نیستند؟
- ۴۳۳..... پرسش
- ۴۳۳..... پاسخ
- ۴۳۳..... توحید چه نقش اجتماعی دارد؟
- ۴۳۳..... پرسش
- ۴۳۴..... پاسخ
- ۴۳۴..... یک «میغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟
- ۴۳۴..... پرسش
- ۴۳۴..... پاسخ
- ۴۳۶..... انتظار از یک مجموعه فرهنگی در دانشگاه چیست ؟
- ۴۳۶..... پرسش
- ۴۳۶..... پاسخ
- ۴۳۶..... وظیفه یک دانشجوی بسیجی جانباز، در این مقطع انقلاب چیست ؟
- ۴۳۶..... پرسش
- ۴۳۶..... پاسخ
- ۴۳۶..... چگونه می توان در زندگی اجتماعی مسالمت آمیز و راحت زندگی کرد؟
- ۴۳۶..... پرسش
- ۴۳۷..... پاسخ
- ۴۳۷..... توحید چه نقش اجتماعی دارد؟
- ۴۳۷..... پرسش
- ۴۳۷..... پاسخ
- ۴۳۸..... یک فرد مسلمان، رفتارش چگونه باید باشد؟
- ۴۳۸..... پرسش
- ۴۳۸..... پاسخ
- ۴۳۸..... وظیفه هر مسلمان، در جمهوری اسلامی چیست؟
- ۴۳۸..... پرسش
- ۴۳۸..... پاسخ
- ۴۳۹..... چگونه میتوانیم در جامعه، جاذبه اجتماعی داشته باشیم؟
- ۴۳۹..... پرسش
- ۴۳۹..... پاسخ
- ۴۴۰..... وظایف یک طلبه در حال حاضر براساس قرآن کریم چیست
- ۴۴۰..... پرسش
- ۴۴۰..... پاسخ
- ۴۴۰..... بنده به عنوان دانشجوی سال دوم الهیات چگونه می توانم بهترین خدمت را به جامعه ارائه دهم ؟
- ۴۴۰..... پرسش
- ۴۴۰..... پاسخ

- از نظر شرعی آیا حوزه نیز در گسیل نکردن روحانیان خبره به مناطق محروم مسئول نیست؟ چه کسی باید پاسخگوی سوالات و شبهات فراوان جوانان و هدایت صحیح آنان باشد؟
- پرسش ۴۴۱
- پاسخ ۴۴۱
- آیا نمی توان گفت: ززندگی بازی است و ما خود صحنه می سازیم تا بازیگر بازی های خویشتن باشیم؟
- پرسش ۴۴۲
- پاسخ ۴۴۲
- بسیجی کیست؟
- پرسش ۴۴۳
- پاسخ ۴۴۳
- وظیفه و مسئولیت ما در برابر خدا، دین، پیامبر، ائمه، جامعه، انقلاب و خانواده و خودمان چیست؟
- پرسش ۴۴۷
- پاسخ ۴۴۷
- دختران و پسرای که نیاز به ازدواج داشتند خدمت پیامبر اسلام(ص) می رسیدند، خود را معرفی و نیاز خود را مطرح می کردند و آن حضرت زمینه ازدواج آنان را فراهم می کرد. چرا هم اکنون روحانیون این کار را انجام می دهند؟
- پرسش ۴۴۹
- پاسخ ۴۴۹
- آیا افرادی که دعاهایی مثل زیارت عاشورا یا کمیل را یم خوانند و فیلم مدیر کل را می بینند، می توانند مدعی اعمال دینی باشند؟
- پرسش ۴۵۰
- پاسخ ۴۵۰
- مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟
- پرسش ۴۵۱
- پاسخ ۴۵۱
- چگونه میتوان بین درس خواندن و فعالیت در تشکل های اسلامی راجع کرد؟
- پرسش ۴۵۲
- پاسخ ۴۵۲
- روش های جلب اعتماد مردم چگونه است
- پرسش ۴۵۲
- پاسخ ۴۵۲
- شرکت در تظاهراتی که انجام می شود مثل روز قدس یا روز ۲۲ بهمن و .. چه حکمی دارد؟ در صورتی که شرایط شرکت را نداشته باشیم مثلا کاری پیش بیاید یا امتحان داشته باشیم و وظیفه ما چیست؟
- پرسش ۴۵۴
- پاسخ ۴۵۴
- چرا باید حوزویان و طلاب ما از جامعه جدا باشند و در بطن مسایل قرار نگیرند؟ یک طلبه شنبه تا پنجشنبه به حوزه میرود و درس می خواند و فردا که آخوند گردید در قسمتی از جامعه مشغول به کار می شود یک آخوند باید یک ساعت در حوزه باشد و پنج ساعت فعالیت اجتماعی
- پرسش ۴۵۴
- پاسخ ۴۵۵
- چه عواملی باعث کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی شده است؟
- پرسش ۴۵۶
- پاسخ ۴۵۶
- مهمترین وظایف جوان دانشجو به عنوان قشر تحصیل کرده در شرایط کنونی چیست؟
- پرسش ۴۵۹
- پاسخ ۴۵۹
- چرا لباس روحانیون و مبلغان ما به این شکل است؟مگر نه اینکه در زمان پیامبر وقتی کسی وارد مسجد می شد و پیامبر را نمی شناخت نمی توانست تشخیص دهد پیامبر خدا آن هم با این عظمتش کدام است در حالی که روحانی الان ما از کیلومترها قابل تشخیص است؟
- پرسش ۴۶۰
- پاسخ ۴۶۰

۴۶۰ ..... پاسخ

۴۶۳ ..... آیا مراجع تقلید و مبلغان دین اسلام توانسته اند اسلام ناب را به مردم معرفی کنند و آن شور و شوق لازم را برای رواج اسلام در مردم ایجاد کنند؟

۴۶۳ ..... پرسش

۴۶۳ ..... پاسخ

۴۶۴ ..... چرا علمای ما هم در مسائل علمی و هم فقهی بارز نیستند و فقط در مسائل فقهی تامل و تدبر می کنند مگر پیامبر ما که الگوی آنهاست به هر دو مساله توجه نداشتند.

۴۶۴ ..... پرسش

۴۶۴ ..... پاسخ

چطور شده که در دانشگاه های ما قباحات کارهای زشت و وجهات کارهای خوب رخت برسته و دانشگاه ها به جای مراکز علم و دانش به مراکز تجمع عشاق تبدیل شده و چه طور می شه که وضع اسلامی برگرده و دانشجویان حق دانشگاه و جامعه را بر دوش خودشان حس کنند که ک

۴۶۶ ..... پرسش

۴۶۷ ..... پاسخ

۴۷۵ ..... چرا از آموزه های ثابت قرآن، در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم؟

۴۷۵ ..... پرسش

۴۷۵ ..... پاسخ

۴۷۹ ..... چرا ارتباط طلاب با جوانان کم شده و روحانیت وظیفه خود را درست اداء نمی کند؟

۴۷۹ ..... پرسش

۴۷۹ ..... پاسخ

۴۸۱ ..... یک فرد در خانواده خود، چه جایگاهی دارد و به انجام چه کارهایی ملزم است ؟

۴۸۱ ..... پرسش

۴۸۱ ..... پاسخ

۴۸۴ ..... برای یک دانشجو درس مقدم است یا فعالیت های فرهنگی ؟

۴۸۴ ..... پرسش

۴۸۴ ..... پاسخ

۴۸۴ ..... تفاوت بین یک طلبه و دانشجو چیست ؟

۴۸۴ ..... پرسش

۴۸۴ ..... پاسخ

۴۸۴ ..... اخلاق و کردار و رفتار و گفتار بسیجی نمونه را شرح دهید.

۴۸۴ ..... پرسش

۴۸۵ ..... پاسخ

۴۸۷ ..... کسی که دوستدار ولی فقیه است ، چه وظیفه ای دارد؟

۴۸۷ ..... پرسش

۴۸۷ ..... پاسخ

۴۸۷ ..... چرا سخنرانان فقط در یک زمینه - مثلا اخلاقی - سخنرانی می کنند؟ آیا بحث دشمن شناسی ضرورت ندارد؟

۴۸۷ ..... پرسش

۴۸۷ ..... پاسخ

۴۸۸ ..... وظیفه ما در اجتماع کنونی چیست؟

۴۸۸ ..... پرسش

۴۸۸ ..... پاسخ

۴۸۸ ..... عدالت اجتماعی

۴۸۸ ..... تساوی مثبت و منفی یعنی چه؟

۴۸۸ ..... پرسش

۴۸۸ ..... پاسخ

قرآن چه اصلی را به عنوان زیربنای همه قوانین اجتماعی پذیرفته است؟ ۱ قرآن اصل «عدالت» را بعنوان زیربنای همه قوانین اجتماعی پذیرفته و می گوید حکومت و قضاوت حتماً باید بر پایه عدالت باشد «وَإِذَا حُكِمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»

پرسش ..... ۴۸۹

پاسخ ..... ۴۹۲

مساوات در اسلام چگونه است؟

پرسش ..... ۴۹۲

پاسخ ..... ۴۹۲

چرا در جوامع ما این اندازه فقر وجود دارد؟

پرسش ..... ۴۹۳

پاسخ ..... ۴۹۳

خداوند متعال در قرآن کریم، در مورد "فقر" چه میفرماید و در این باره چه وظیفه‌های را برعهده مسئولان نهاده است؟

پرسش ..... ۴۹۳

پاسخ ..... ۴۹۳

چرا در جامعه ما این قدر تضاد طبقاتی به چشم می خورد؟

پرسش ..... ۴۹۷

پاسخ ..... ۴۹۷

در فقر و بدبختی و گرسنگی و بزه‌نگی و زندگی کرده ایم حال اینکه عده ای در از و نعمت به سر می برند آیا مملکتی که منادی عدالت است باید چنین باشد

پرسش ..... ۴۹۷

پاسخ ..... ۴۹۷

بیعدالتی هایی که در جامعه مشاهده می کنیم مرا نسبت به آینده و ادامه تحصیلات مایوس کرده است اینها را چگونه توجیه می کنید؟

پرسش ..... ۵۰۲

پاسخ ..... ۵۰۲

چرا در جامعه ما، ثروتمندان و افراد بی دین در آسایش و مستضعفین در رنج و زحمت اند؟

پرسش ..... ۵۰۴

پاسخ ..... ۵۰۴

در جامعه کنونی ما که یک جامعه اسلامی و دینی می باشد باید این همه تضاد طبقاتی وجود داشته باشد به طوریکه دقیقاً مردم از نظر مادی به دو گروه تقسیم شده اند چه کسی پاسخگوی وضعیت بوجود آمده است؟

پرسش ..... ۵۰۴

پاسخ ..... ۵۰۴

موضوع ۱. آزادی : تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲. اقتدار : استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. سعادت : معنویت، رفاه، امنیت

پرسش ..... ۵۰۹

پاسخ ..... ۵۰۹

آیا فقیر و غنی همیشه وجود خواهد داشت یا ممکن است روزی کاملاً از بین برود؟ چگونه، لطفاً توضیح دهید.

پرسش ..... ۵۱۲

پاسخ ..... ۵۱۳

جنبش عدالت خواهی چیست؟ ابتدا کجا مطرح شد؟ راهکارهای عملی کردن آن در سطح جامعه و دانشگاه توسط دانشجویان چیست.

پرسش ..... ۵۱۴

پاسخ ..... ۵۱۵

آیا نحوه تخصیص اعتبارات، صنایع، دانشگاهها، مدارس، خدمات شهری و ... به استانهای کشور با توجه به اینکه همه استانها مال یک کشورند مردم همه مسلمان یا بهتر بگویم مخلوق خدا هستند با عدالت سازگاری دارد یا تبعیض است.

پرسش ..... ۵۲۲

پاسخ ..... ۵۲۲

آیا در این زمان یک مسئول می تواند مطابق دستورهای اسلام عمل کند؟ زیرا در صورت اجرای حق و عدالت افرادی که پذیرش عدل برایشان سخت است ، از دور و برش پراکنده می شوند و او را تنها می گذارند؛ در نتیجه از انجام مسئولیت باز می ماند؛ پس تکلیف چیست ؟

پرسش ..... ۵۲۳

- ۵۲۳ ..... پرسش
- ۵۲۳ ..... پاسخ
- ۵۲۳ ..... مشکلات اداری مشکل مسکن و تبعیض در جامعه .
- ۵۲۳ ..... پرسش
- ۵۲۴ ..... پاسخ
- ۵۲۵ ..... عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟
- ۵۲۵ ..... پرسش
- ۵۲۵ ..... پاسخ
- ۵۲۷ ..... بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟
- ۵۲۷ ..... پرسش
- ۵۲۷ ..... پاسخ
- ۵۲۸ ..... بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟
- ۵۲۸ ..... پرسش
- ۵۲۸ ..... پاسخ
- ۵۳۰ ..... عدالت به چه معناست؟
- ۵۳۰ ..... پرسش
- ۵۳۰ ..... پاسخ
- ۵۳۰ ..... از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟
- ۵۳۰ ..... پرسش
- ۵۳۰ ..... پاسخ
- ۵۳۲ ..... از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟
- ۵۳۲ ..... پرسش
- ۵۳۲ ..... پاسخ
- ۵۳۳ ..... عدالت به چه معناست؟
- ۵۳۳ ..... پرسش
- ۵۳۳ ..... پاسخ
- ۵۳۳ ..... منظور از عدالت در فقه اصغر، حکمت و عرفان چیست؟
- ۵۳۳ ..... پرسش
- ۵۳۳ ..... پاسخ
- ۵۳۷ ..... ارکان تضمین کننده عدالت اجتماعی و اجرای قوانین در جوامع فعلی چه چیزهایی هستند؟
- ۵۳۷ ..... پرسش
- ۵۳۷ ..... پاسخ
- ۵۴۳ ..... برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه ، چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟
- ۵۴۳ ..... پرسش
- ۵۴۴ ..... پاسخ
- ۵۴۸ ..... آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟
- ۵۴۸ ..... پرسش
- ۵۴۹ ..... پاسخ
- ۵۵۱ ..... دیدگاه مرحوم مطهری درباره ارتباط عدالت و استحقاق چیست؟
- ۵۵۱ ..... پرسش
- ۵۵۱ ..... پاسخ

۵۵۱ ..... چه بسا عدالت اجتماعی، بی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

۵۵۱ ..... پرسش

۵۵۱ ..... پاسخ

۵۵۳ ..... با اینکه در اسلام تبعیض نژادی نیست پس این جمله روایت چه معنی دارد؟ «علیکم بالوجوه الملاح و الحدق السود»؟

۵۵۳ ..... پرسش

۵۵۳ ..... پاسخ

۵۵۴ ..... مسألات در اسلام چگونه است؟

۵۵۴ ..... پرسش

۵۵۴ ..... پاسخ

۵۵۵ ..... چه بسا عدالت اجتماعی، بی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

۵۵۵ ..... پرسش

۵۵۵ ..... پاسخ

۵۵۶ ..... آیا ظلم بالسویه عدل محسوب می شود؟

۵۵۶ ..... پرسش

۵۵۶ ..... پاسخ

۵۵۶ ..... چرا تبعیضات نژادی از نظر اسلام مردود است و چرا باید فقیر و ثروتمند باهم برابر

۵۵۶ ..... پرسش

۵۵۷ ..... پاسخ

۵۵۷ ..... چه بسا عدالت اجتماعی، بی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

۵۵۷ ..... پرسش

۵۵۸ ..... پاسخ

۵۵۹ ..... آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

۵۵۹ ..... پرسش

۵۵۹ ..... پاسخ

۵۶۲ ..... چه بسا عدالت اجتماعی، بی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

۵۶۲ ..... پرسش

۵۶۲ ..... پاسخ

۵۶۳ ..... آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

۵۶۳ ..... پرسش

۵۶۳ ..... پاسخ

۵۶۶ ..... چرا در خیابانهای شهر ما یعنی دومین کلانشهر مذهبی دنیا، هر مرد شهوت رانی می تواند با صرف تنها چند دقیقه خادم بدکاری را به خدمت بگیرد؟ چرا اینچنین آزادیهایی را از مردم سلب نمی نمایند؟

۵۶۶ ..... پرسش

۵۶۶ ..... پاسخ

۵۶۸ ..... چگونه می توان عدالت را در زوایای زندگی خودمان و جامعه برقرار کرد؟

۵۶۸ ..... پرسش

۵۶۸ ..... پاسخ

۵۶۸ ..... آیا در جامعه ما عدل به معنای واقعی برقرار است؟

۵۶۸ ..... پرسش

۵۶۹ ..... پاسخ

انقلاب شد بر علیه طاغوت و ظلم و بیدادگری اکنون از گذشت ۲۵ سال: دنیاگرانی مسئولین، تبعیض و فاصله طبقاتی، فساد اداری و پارتی بازی، خفه شدن و زیر پارفتن فقراء، گفتار شیرین مسئولین و خالی از عمل، در سال ۱۷۹ اینجانب و شکست کردم و کلاه مرا برداشتند دو سال د

۵۶۹ ..... پرسش

- پاسخ ..... ۵۶۹
- چرا باید همیشه مردم گناباد مورد تبعیض قرار گیرند(این سوالی است که خواهش دارم رهبر یا رئیس جمهور پاسخ بدهند) چرا باید مردم این شهر به طور وحشتناکی مهاجرت کنند ، چرا اگر تبعیض وجود ندارد ( از طرف شما آقایان) امکانات و تجهیزاتی که به این شهر و مردم اختصاص
- پرسش ..... ۵۷۲
- پاسخ ..... ۵۷۳
- چرا این قدر اجناس گران است؟..... ۵۷۴
- پرسش ..... ۵۷۴
- پاسخ ..... ۵۷۴
- آیا در جامعه باید تبعیض وجود داشته باشد؟..... ۵۷۷
- پرسش ..... ۵۷۷
- پاسخ ..... ۵۷۷
- راه اجرای عدالت اجتماعی در جامعه از نظر قرآن چیست و چرا در کشور ما این امر هنوز به خوبی اجرا نمی شود؟..... ۵۷۷
- پرسش ..... ۵۷۷
- پاسخ ..... ۵۷۷
- علت اصلی انحراف مسلمین از عدل اسلامی چیست ..... ۵۸۰
- پرسش ..... ۵۸۰
- پاسخ ..... ۵۸۰
- یکی از اصول مذهب ما عدل است یعنی خدا عادل است و ظالم نیست ما انسان ها، که خلیفه خدا در روی زمین هستیم چقدر می توانیم در زمینه عدالت کار کنیم ملاک عدل و ظلم چیست از کجا می توانیم تشخیص دهیم کاری که در جامعه انجام می دهیم عین عدالت است و همه
- پرسش ..... ۵۸۱
- پاسخ ..... ۵۸۱
- تکلیف این همه دروغ ریا، بی عدالتی و... در یک جامعه ای که به نام جامعه اسلامی است چیست آیا همین رفتار نادرست عاملی برای تروریسم خواندن مسلمانان (که دارای بهترین دین هستند) نیست لطفاً فرمایید تکلیف ما در این باره چیست ..... ۵۸۲
- پرسش ..... ۵۸۲
- پاسخ ..... ۵۸۲
- چرا در جامعه عدالت اجرا نمی شود بین درآمدها تفاوت فاحش وجود دارد ..... ۵۸۴
- پرسش ..... ۵۸۴
- پاسخ ..... ۵۸۴
- نظر شما درباره حیف و میل بودجه کشور و فاصله طبقاتی چیست ؟ ..... ۵۸۶
- پرسش ..... ۵۸۶
- پاسخ ..... ۵۸۶
- به نظر شما فاصله طبقاتی موجود در جامعه به چه عواملی بستگی دارد؟..... ۵۸۶
- پرسش ..... ۵۸۶
- پاسخ ..... ۵۸۶
- چرا مسئولان ما مثل ائمه ( ع ) ساده زیست نیستند؟..... ۵۸۹
- پرسش ..... ۵۸۹
- پاسخ ..... ۵۸۹
- با سلام ..... ۵۹۰
- اشاره ..... ۵۹۰
- پرسش ..... ۵۹۱
- پاسخ ..... ۵۹۱
- برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه ، چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟..... ۵۹۳
- پرسش ..... ۵۹۳
- پاسخ ..... ۵۹۳



علت تجمل گرایی و اسراف بیت المال و فساد اداری در بین مسئولان دولتی چیست ؟

۵۹۷

پرسش

۵۹۷

پاسخ

۵۹۷

آیا جامعه ما واقعا اسلامی است یا به زور داریم نام مقدس اسلام را به یدک میکشیم آیا عدالت در این جامعه حکم فرماست آیا تا کنون سعی شده حق مردم مستضعف را نگذارند پایمال شود آیا انهایی که دم از اصلاحات میزنند کمی هم به فکر مردم فقیر هستند چرا من فارغ التحصیل

پرسش

۶۰۱

پاسخ

۶۰۲

چرا معیارهای ساده زیستی به مرور در طول عمر انقلاب شکوهمند بالا رفت ،یعنی مثلا در سالهای اولیه انقلاب مسئولان در دفتر کار خودشان میز و میل آنجنابن نداشتند و لباسهای ساده می پوشیدند و با اتومبیل های معمولی رفت و آمد می کردند اما اکنون دیگر خیلی ساده زیستی

پرسش

۶۱۰

پاسخ

۶۱۱

ضمن ارادتی که به رهبر انقلاب دارم اما چند سنوال در مورد زندگی ایشان دارم آیا ایشان ساده زیستی مطلوب یک حاکم اسلامی را دارند مگر حضرت امام خمینی نبودند که اجازه نداده بودند دیوارها را گچ کنند و در آن فضای ساده جملران سخترانی می کردند اما می بینیم که آیت ال

پرسش

۶۱۶

پاسخ

۶۱۶

اینجناب سوالی داشتم در ارتباط با امور اجتماعی جامعه خودتان از شما خواهش می کنم بدون در نظر گرفتن وجه سیاسی خاصی به سؤال اینجناب جواب دهید. چرا که من احساس می کنم وقتی یکسری سؤالات باین محتوا به ذهن می رسد و مطرح می شود فکر می کنند طرف مال

پرسش

۶۱۷

پاسخ

۶۱۸

در زمان گذشته روحانیان خیلی بهتر بودند. اما اکنون می بینیم که روحانیت درد جامعه را حس نمی کند.

اشاره

۶۲۰

پرسش

۶۲۰

پاسخ

۶۲۰

عدالت را تعریف کرده و چگونگی عمل به آن را در اجتماع امروز توضیح دهید ؟

پرسش

۶۲۳

پاسخ

۶۲۴

چرا مرجعیت در مقابل این همه ظلم و ستم و ارتشاء و بی عدالتی جامعه سکوت کرده اند و هیچ کار عملی نمی کنند. مگر فقط تذکر دادن کافی است. آیا واقعا این جامعه را اسلامی می دانید.

پرسش

۶۲۹

پاسخ(قسمت اول)

۶۳۰

پاسخ(قسمت دوم)

۶۳۵

نایسامانی های اجتماع عدم وجود امنیت به خصوص برای زنان جامعه- عدم وجود عدالت اقتصادی - وضعیت قشر جوان دارد مرا دیوانه می کند . نمی دانم که چه کار کنم نمی توانم توجیهی برای اینگونه مسایل در کشور اسلامی و حکومت اسلامی پیدا نمایم حرف و سخن اطرافیان نی

پرسش

۶۴۲

پاسخ

۶۴۲

به نام خدا باتوجه به اینکه پیامبر در فرمایشاتشان تاکید کرده اند که حاکم حکومت اسلامی باید هم سطح یا پایین ترین قشر مردم زندگی کنند چرا در مملکت ما این موضوع اصلا رعایت نمی شود؟ اگر پاسخ شما این است که رهبر به محلی برای اجتماع عمومی احتیاج دارند باید بگو

پرسش

۶۵۳

پاسخ

۶۵۳

عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟

پرسش

۶۵۹

پاسخ

۶۵۹

برای چه در ادارات پارتی بازی می کنند ؟

پرسش

۶۶۳

پاسخ

۶۶۳

چرا در جامعه ما تبعیض زیاد است ؟

پرسش

۶۶۶

پاسخ

۶۶۶

در وضعیت کنونی که اقتصاد مملکت وضعیت بسیار بدی دارد و به نقل روایتی از پیامبر( که فرمودند : " از هردری که فقر وارد شود ازدر دیگر ایمان خارج می شود" مردم در فقر بسیار زیادی به سر می برند و این باعث بدبین شدن افراد نسبت به دولت شده است.در این باره توضیح دهید

پرسش ..... ۶۶۹

پاسخ ..... ۶۶۹

۱- چرا قانون گذاری به نفع احاد مردم فراموش شده است؟..... ۶۷۰

اشاره ..... ۶۷۰

پرسش ..... ۶۷۰

پاسخ ..... ۶۷۰

برای ایستادگی درمقابل آمریکا، انسجام و وحدت ملی لازم است که مهمترین زمینه ایجاد آن عدالت اجتماعی است، ولی عملاً جز تبعیض و بی عدالتی نمی بینیم که نتیجه آن ناهنجاری فحشا و سرکشی و بیپهودگی است واز بین رفتن انگیزه برای منافع ملی پس در چه راهی می شود در،

پرسش ..... ۶۷۲

پاسخ ..... ۶۷۲

نقش جامعه در قبال بعضی مسئولین که با سوء استفاده از مسئولیت از رانت های ویژه اقتصادی استفاده می نمایند که بعضاً زیر نظر مقام معظم رهبری می باشند چه می باشد؟ آیا برخورد با این رانت خواری ها موجب دلگرم شدن مردم نسبت به نظام می باشد؟..... ۶۷۲

پرسش ..... ۶۷۲

پاسخ ..... ۶۷۲

نگرانی شما و ما در رابطه با انتخابات مجلس هفتم بیشتر ریشه در عملکرد مسئولین دارد که در چند ساله اخیر برملا شده (فساد اقتصادی، جریان آقازاده ها و...) آیا برای اصلاح مسئولین و پاسخگویی روش آنها، فکری شده است؟..... ۶۷۳

پرسش ..... ۶۷۳

پاسخ ..... ۶۷۳

چرا استعدادهایی که در این مملکت هستند حمایت نمی کنید و آنها را می کشید و خفه می کنید؟ ما نخبگانی داریم که می توانند این مملکت را به اوج اعلاء برسانند ولی حمایت نمی شوند، به همین دلیل است که بیشترین آمار فرار مغزها را در جهان، ایران دارد. .... ۶۷۳

پرسش ..... ۶۷۳

پاسخ ..... ۶۷۳

چرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی حقوق گزافی می گیرند درحالی که این همه مردم فقیر وگرسنه هستند؟چه قانونی است؟ آیا اسلام اجازه می دهد؟..... ۶۷۴

پرسش ..... ۶۷۴

پاسخ ..... ۶۷۴

با توجه به قدرت نفوذ پول سرمایه داران چطور می شود از بوجود آمدن برخی معضلات اجتماعی و تشنج علیه نظام جلوگیری نمود؟..... ۶۷۷

پرسش ..... ۶۷۷

پاسخ ..... ۶۷۷

چرا دولت شغل برای جوانان ایجاد نمی کند من که در کارهای خیر هستم می بینم ازدواج برای جوانها کم شد و فحشاء زیاد، شما را به خدا به مسئولین بگویید برای جوانها شغل ایجاد کنند تا جوانها ترستند و ازدواج کنند؟..... ۶۷۸

پرسش ..... ۶۷۸

پاسخ ..... ۶۷۸

۱- چرا وقتی که از آدمهای(نسبتاً) فهمیده می برسیم ثبت نام درحوزه علمیه به نظر شما چه طوری است، تعداد زیادی از آنها جوابشان منفی است واز سخت بودن درسها و به تضعیف کردن فرد می بردازند وروحیه فرد را نسبت به آن تضعیف می کنند به نظر شما گفته های ایشان قابل ة

پرسش ..... ۶۸۰

پاسخ ..... ۶۸۱

چرا کسی به فکر ازدواج جوانان نیست؟ حتی همین وام اندک ازدواج را هم کسی که پارتنی ندارد نمی تواند بگیرد. برای گرفتن وام چه باید کرد؟..... ۶۸۳

پرسش ..... ۶۸۳

پاسخ ..... ۶۸۳

چرا اینقدر گدا کنار خیابان و کوچه ها است؟..... ۶۸۶

پرسش ..... ۶۸۶

پاسخ ..... ۶۸۶

برای چه اینقدر گرانی است؟ اصلاً گرانی از چه چیزی می آید؟..... ۶۸۸

پرسش ..... ۶۸۸

پاسخ ..... ۶۸۸

با توجه به این که اسلام مخالف نظام طبقاتی و برتری قومی و قبیله ای است پس چرا سادات بر دیگران برتری دارند؟..... ۶۹۱

- ۶۹۱ ..... پرسش
- ۶۹۱ ..... پاسخ
- ۶۹۵ ..... نظر قرآن و روایات در باره عدالت اجتماعی داشتن جامعه خوب و رابطه مردم در اجتماع چیست
- ۶۹۵ ..... پرسش
- ۶۹۵ ..... پاسخ
- ۶۹۸ - ۴ چرا در جامعه دزدی رواج یافته است ؟
- ۶۹۸ ..... پرسش
- ۶۹۸ ..... پاسخ
- ۶۹۸ ..... عکس العمل مقام معظم رهبری نسبت به تخلفات و مصرف نایجای بیت المال چیست ؟
- ۶۹۸ ..... پرسش
- ۶۹۹ ..... پاسخ
- ۶۹۹ ..... آیا ظلم نیست که عده ای در خوشی زندگی می کنند و گروهی در فلاکت و بدبختی ؟
- ۶۹۹ ..... پرسش
- ۶۹۹ ..... پاسخ
- ۷۰۱ ..... نظر شما در مورد فساد اداری حاکم در دستگاه های اجرایی چیست ؟
- ۷۰۱ ..... پرسش
- ۷۰۱ ..... پاسخ
- ۷۰۱ ..... آیا این عدالت است که در جامعه ما یک فردی ۵۰ هزار تومان و فرد دیگری پانصد هزار تومان حقوق دریافت کنند؟
- ۷۰۱ ..... پرسش
- ۷۰۱ ..... پاسخ
- ۷۰۱ ..... چرا در کشور ما پارتی بازی و تبعیض وجود دارد؟
- ۷۰۱ ..... پرسش
- ۷۰۱ ..... پاسخ
- ۷۰۲ ..... چرا با این که از بسیاری جهات خودکفا هستیم هنوز هم افراد بسیاری در شهرستان ها و روستاها از گرسنگی و فقر رنج می برند؟
- ۷۰۲ ..... پرسش
- ۷۰۲ ..... پاسخ
- ۷۰۸ ..... چرا در ایران اسلامی معضلاتی چون فقر، بی عدالتی ، تبعیض ، پارتی بازی ، رشوه و مفاسد اداری وجود دارد؟
- ۷۰۸ ..... پرسش
- ۷۰۸ ..... پاسخ
- ۷۱۸ ..... عدل و میزان به چه معنا هستند؟
- ۷۱۸ ..... پرسش
- ۷۱۸ ..... پاسخ
- ۷۱۸ ..... چه بسا عدالت اجتماعی، بی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟
- ۷۱۸ ..... پرسش
- ۷۱۹ ..... پاسخ
- ۷۲۰ ..... تفاوت میان عدالت و ظلم چیست؟
- ۷۲۰ ..... پرسش
- ۷۲۰ ..... پاسخ
- ۷۲۰ ..... آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟
- ۷۲۰ ..... پرسش
- ۷۲۰ ..... پاسخ

عَلت این که فساد سراسر کشورهای اسلامی را گرفته است چیست آیا علت این نیست که دین ضامن اجرایی ندارد؟

پرسش

پاسخ

عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟

پرسش

پاسخ

چرا کسی به فکر وضع معیشتی مردم نیست ؟ چرا عده ای خانه و ماشین آن چنانی دارند؟ وعده ای به زحمت می توانند نان شبشان را تهیه کنند؟ چرا در یک مملکت اسلامی کسی به فکر تهیدستان نیست .

پرسش

پاسخ

در شهری که بنده زندگی می کنم ، تبعیض هایی در سطح ادارات به چشم می خورد. یک عده که وضع مالی خوبی دارند و شاید چند جا خانه داشته باشند. در بهترین نقطه شهر به آنان زمین واگذار می شود. ولی به افرادی که نه خانه دارند و نه امکاناتی ، در جاهای پست یا هزار مت

پرسش

پاسخ

چرا مسئولان کشور از فرماندار و شهردار یک شهر کوچک تا استانداران، وزرا و نمایندگان مجلس و رؤسای سه قوه مانند اکثر مردم زندگی نمی کنند، بلکه از بهترین امکانات زندگی، ساختمان ها و اتومبیل ها برخوردارند در حالی که اکثر مردم از ابتدایی ترین امکانات بی بهره اند

پرسش

پاسخ

مدتی است دولت جمهوری اسلامی ، خدمت سربازی را میفروشد و پول دارها می خرند و بی پول هایاید اجباراً به خدمت سربازی بروند. آیا این عمل از عدالت اسلامی است ؟

پرسش

پاسخ

آیا ارفاق کردن به طور مساوی به همه دانش آموزان صحیح است یا باید مثلاً به دانش آموز زرنگ مثلاً ۲ نمره اضاف داد و به ضعیف ۱نمره؟ عدالت کدام است؟

پرسش

پاسخ

وقتی که به مردم و جامعه خودمان نگاه می کنیم احساس می کنیم که به شدت جامعه ما طبقاتی شده است . جامعه روستایی و شهری و طبقات مختلف شهری وقتی این چیزها را می بینم ناراحت می شوم به طوری که حتی نسبت به دین و معنویت بی تفاوت می شوم علت این مسئله

پرسش

پاسخ

پارتی بازی در مسائل اجتماعی را توضیح دهید.

پرسش

پاسخ

آیا گرانی تمام می شود، یعنی تا کی می خواهد ادامه پیدا کند؟

پرسش

پاسخ

آیا اختلاف طبقاتی در جامعه باید باشد) اگر نه، پس چه کسی کارهای سطح پایین جامعه را انجام دهد؟ اگر آری، پس عدالت اجتماعی چه می شود؟

پرسش

پاسخ

علت این که در جامعه اسلامی، فساد و تباهی وجود دارد چیست؟

پرسش

پاسخ

چرا در جامعه اسلامی شاهد این همه ظلم و ستم می باشیم، در حالی که خدا ناظر بر عمل ما است؟

پرسش

پاسخ

زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می کنند، آیا واقعاً آن ها می توانند وضعیت انسان های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟

پرسش

۷۴۴ ..... پاسخ

۷۴۶ ..... در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟

۷۴۶ ..... پرسش

۷۴۶ ..... پاسخ

۷۴۷ ..... ۱- چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفساد اجتماعی فراوان شده است؟

۷۴۷ ..... اشاره

۷۴۷ ..... پرسش

۷۵۲ ..... پاسخ

۷۵۴ ..... زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می کنند، آیا واقعاً آن ها می توانند وضعیت انسان های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟

۷۵۴ ..... پرسش

۷۵۵ ..... پاسخ

۷۵۷ ..... در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟

۷۵۷ ..... پرسش

۷۵۷ ..... پاسخ

۷۵۸ ..... ۱- چرا حق انسان ها (عدالت) همیشه به درستی ادا نمی شود و انسان ها با هم برابری نمی کنند؟

۷۵۸ ..... پرسش

۷۵۸ ..... پاسخ

۷۶۲ ..... چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفساد اجتماعی فراوان شده است؟

۷۶۲ ..... اشاره

۷۶۲ ..... پرسش

۷۶۷ ..... پاسخ

۷۶۹ ..... با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟

۷۶۹ ..... پرسش

۷۷۰ ..... پاسخ

۷۷۱ ..... با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟

۷۷۱ ..... پرسش

۷۷۱ ..... پاسخ

۷۷۳ ..... ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست؟

۷۷۳ ..... پرسش

۷۷۳ ..... پاسخ

۷۷۳ ..... ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست؟

۷۷۳ ..... پرسش

۷۷۴ ..... پاسخ

۷۷۴ ..... مقصود از جامعه بی امتیاز توحیدی چیست؟

۷۷۴ ..... پرسش

۷۷۴ ..... پاسخ

۷۷۶ ..... عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

۷۷۶ ..... پرسش

۷۷۶ ..... پاسخ

۷۷۸ ..... کلیات

۷۷۸ ..... از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

- ۷۷۸ ..... پرسش
- ۷۷۸ ..... پاسخ
- ۷۸۰ ..... رابطه فرد، جامعه و مهاجرت چگونه است؟
- ۷۸۰ ..... پرسش
- ۷۸۰ ..... پاسخ
- ۷۸۰ ..... واژه (ملت) در زبان عربی چه معنایی دارد؟
- ۷۸۰ ..... پرسش
- ۷۸۰ ..... پاسخ
- ۷۸۲ ..... واژه (ملت) در زبان عربی چه معنایی دارد؟
- ۷۸۲ ..... پرسش
- ۷۸۲ ..... پاسخ
- ۷۸۳ ..... بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟
- ۷۸۳ ..... پرسش
- ۷۸۳ ..... پاسخ
- ۷۸۳ ..... با توجه به گستردگی علوم اسلامی چگونه می‌توانیم همه را بخوانیم؟
- ۷۸۳ ..... پرسش
- ۷۸۳ ..... پاسخ
- ۷۸۴ ..... برای موفقیت در درس و زندگی چه باید کرد؟
- ۷۸۴ ..... پرسش
- ۷۸۴ ..... پاسخ
- ۷۹۳ ..... مشکل اصلی کشور چیست؟
- ۷۹۳ ..... پرسش
- ۷۹۳ ..... پاسخ
- ۷۹۳ ..... چگونه جامعه‌ای سالم با جوانان سالم داشته باشیم؟
- ۷۹۳ ..... پرسش
- ۷۹۴ ..... پاسخ
- ۷۹۵ ..... درباره یک موضوع اجتماعی در چه مکان‌هایی می‌توان قضاوت کرد؟
- ۷۹۵ ..... پرسش
- ۷۹۶ ..... پاسخ
- ۷۹۷ ..... آذرباره بسیج توضیح دهید؟
- ۷۹۷ ..... پرسش
- ۷۹۷ ..... پاسخ
- ۷۹۹ ..... ۱ یک جامعه چگونه باید تربیت شود راههای آن را لطفاً بگویید؟
- ۷۹۹ ..... پرسش
- ۷۹۹ ..... پاسخ
- ۸۰۲ ..... آینده ایران و اسلام را چگونه می‌بینید؟
- ۸۰۲ ..... پرسش
- ۸۰۳ ..... پاسخ
- ۸۰۹ ..... چه راهکارهایی را می‌توان برای بهتر شدن وضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه به صورت عملی به تئوریک پیشنهاد می‌کنید؟
- ۸۰۹ ..... پرسش
- ۸۰۹ ..... پاسخ

- ۸۱۲ ..... مهم ترین نیاز جامعه اسلامی در عصر کنونی چیست ؟
- ۸۱۲ ..... پرسش
- ۸۱۲ ..... پاسخ
- ۸۱۶ ..... برای سعادت مند شدن چه نکاتی قابل توجه است ؟
- ۸۱۶ ..... پرسش
- ۸۱۶ ..... پاسخ
- ۸۱۸ ..... بسج یعنی چه ؟
- ۸۱۸ ..... پرسش
- ۸۱۸ ..... پاسخ
- ۸۱۹ ..... یک فرد مسلمان باید چه خصوصیاتی اعم از سیاسی و اجتماعی داشته باشد؟
- ۸۱۹ ..... پرسش
- ۸۲۰ ..... پاسخ
- ۸۲۱ ..... به نظر شما مشکل اصلی جامعه ما و سایر جوامع بشری چیست؟
- ۸۲۱ ..... پرسش
- ۸۲۱ ..... پاسخ
- ۸۲۱ ..... بهترین نوع تحصیل در چه رشته ای است، در حوزه یا در دانشگاه؟
- ۸۲۱ ..... پرسش
- ۸۲۱ ..... پاسخ
- ۸۲۲ ..... عامل تحرک تاریخ و تطور اجتماعی چیست؟
- ۸۲۲ ..... پرسش
- ۸۲۲ ..... پاسخ
- ۸۲۴ ..... علامت و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.
- ۸۲۴ ..... پرسش
- ۸۲۴ ..... پاسخ
- ۸۲۶ ..... بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟
- ۸۲۶ ..... پرسش
- ۸۲۶ ..... پاسخ
- ۸۲۶ ..... چگونه مسلمانان می توانند به سعادت دست یابند؟
- ۸۲۶ ..... پرسش
- ۸۲۶ ..... پاسخ
- ۸۲۷ ..... علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟
- ۸۲۷ ..... پرسش
- ۸۲۷ ..... پاسخ
- ۸۲۷ ..... قرآن کریم، جامعه ایده آل را چگونه معرفی میکند؟
- ۸۲۷ ..... پرسش
- ۸۲۷ ..... پاسخ
- ۸۲۹ ..... استقلال فردی اجتماعی و شیوه هایی که قرآن برای کسب آن ها بیان کرده چیست
- ۸۲۹ ..... پرسش
- ۸۲۹ ..... پاسخ
- ۸۳۱ ..... مهمترین موفقه های دانشگاه اسلامی چیست ؟ آیا کارهایی جهت اسلامی کردن دانشگاهها انجام شده است ؟
- ۸۳۱ ..... پرسش

- ۸۳۱ ..... پاسخ
- ۸۳۱ ..... ویژگی های یک دانشگاه اسلامی چیست و ما دانشجویان برای تحقق آن چه وظیفه ای داریم. ....
- ۸۳۱ ..... پرسش
- ۸۳۱ ..... پاسخ
- ۸۳۳ ..... مهمترین معضلات و مشکلات جامعه ما چیست. ....
- ۸۳۳ ..... پرسش
- ۸۳۳ ..... پاسخ
- یک گروه تحقیقاتی از کانون دانش آموختگان دوره های طرح ولایت برای بخش نظر سنجی این کانون قصد انجام تحقیقات میدانی در دو زمینه اجتماعی فرهنگی را دارند به نظر کارشناسان محترم از کجا باید شروع کرد؟ چه چیزهایی در اولویت قرار دارند؟ گستره فعالیت را چگونه در
- ۸۳۳ ..... پرسش
- ۸۳۴ ..... پاسخ
- ۸۳۴ ..... تا چه مقدار وضع جامعه را سالم می بینید؟ .....
- ۸۳۴ ..... پرسش
- ۸۳۴ ..... پاسخ
- ۸۴۲ ..... راه های بقای یک مجموعه فرهنگی مذهبی که علاقه دارند تا آخر عمر به اسلام خدمت کنند چیست؟ .....
- ۸۴۲ ..... پرسش
- ۸۴۲ ..... پاسخ
- ستاد احیا امر به معروف و نهی از منکر یا ستاد بسیج در این چند سال: ۱- چه طرحی داشته اند ۲- موفق یا ناموفق بودند ۳- مخاطبانشان که هستند ۴- به هدف رسیده اند ۵- چه ترکیبی سنی، جنسی، درآمدی، شغلی، تحصیلاتی را دربردارند ۶- چه آداب و رسوم را دنبال می کند
- ۸۴۲ ..... پرسش
- ۸۴۲ ..... پاسخ
- ۸۵۴ ..... به نظر شما، جوانان ما در شیعه چه چیزی نمی بینند که شیفته مکتب های بیگانه می شوند؟ .....
- ۸۵۴ ..... پرسش
- ۸۵۴ ..... پاسخ
- ۸۵۹ ..... آیا الزام ها و ضرورت های اجتماعی، جامعه را به زندگی آمیخته با صلح و عدالت سوق می دهد؟ .....
- ۸۵۹ ..... پرسش
- ۸۵۹ ..... پاسخ
- ۸۶۱ ..... آیا برای ایجاد تحوّل در جامعه احتیاج به اصلاحات تدریجی است یا انقلاب بنیادی؟ .....
- ۸۶۱ ..... پرسش
- ۸۶۱ ..... پاسخ
- ۸۶۲ ..... چرا در جهت رفع ابهامات جوانان اقداماتی ریشه ای انجام نمی شود؟ .....
- ۸۶۲ ..... پرسش
- ۸۶۲ ..... پاسخ
- ۸۶۵ ..... انحرافات .....
- ۸۶۵ ..... انحرافات فردی و گروهی .....
- ۸۶۵ ..... چرا در جامعه ما دست دزد قطع نمی شود تا عبرت دیگران شود. ....
- ۸۶۵ ..... پرسش
- ۸۶۵ ..... پاسخ
- ۸۶۵ ..... چرا در کشور ما با مجرمان و قاچاقچیان برخورد جدی نمی شود؟ .....
- ۸۶۵ ..... پرسش
- ۸۶۵ ..... پاسخ
- ۸۶۵ ..... چرا با وجود نسل های جدید کشور ما رو به فساد است؟ .....
- ۸۶۶ ..... پرسش



پاسخ ..... ۸۶۶

چرا در زمانهای قدیم مردم لوطی صفت و با معرفت تر بودند و با این وجود که در آن زمان دین اسلام زیاد محکم و استوار نبود ولی در این زمان آدم نمی تواند به همسایه خود اطمینان کند و با این وجود که در این زمان دین اسلام محکم تر و استوارتر است؟ چرا؟..... ۸۶۹

پرسش ..... ۸۶۹

پاسخ ..... ۸۶۹

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟..... ۸۷۲

پرسش ..... ۸۷۲

پاسخ ..... ۸۷۲

تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟..... ۸۷۲

پرسش ..... ۸۷۲

پاسخ ..... ۸۷۳

موارد چهار گانه تحقیق و پژوهش در مورد اعتیاد (نقش دوستان نایاب، عوامل زمینه ساز اعتیاد، مضرات جسمانی، اخلاقی، اجتماعی و روش های کاربردی ترک اعتیاد) را بیان کنید؟..... ۸۷۴

پرسش ..... ۸۷۴

پاسخ ..... ۸۷۴

علت گرایش بعضی از جوانان به مواد مخدر و الکل چیست ؟..... ۸۷۴

پرسش ..... ۸۷۴

پاسخ ..... ۸۷۴

اگر بخواهیم ریشه های فساد را در جامعه نام ببریم و به اصطلاح از لحاظ آسیب شناسی فرهنگی بخواهیم بحث کنیم ، عوامل و ریشه های فساد چیست ؟..... ۸۸۱

پرسش ..... ۸۸۱

پاسخ ..... ۸۸۱

اگر گدایی را ببینیم و به او کمک نکنیم ، اشکال دارد؟ به بودن این افراد شک داریم و فکر می کنیم درصندوق صدقات بیندازیم بهتر است . بعضی از این افراد کمک های کم را رد می کنند..... ۸۸۴

پرسش ..... ۸۸۴

پاسخ ..... ۸۸۵

چرا در مورد مسائل انحرافی و لغزش های اخلاقی فقط دخترها آسیب می بینند؟ (مثلا دخترهایی که گول مردهای پست را می خورند و غفت خود را از دست می دهند و یک عمر باید با سرشکستگی و بدبختی زندگی کنند)..... ۸۸۵

پرسش ..... ۸۸۵

پاسخ ..... ۸۸۵

چرا بعضی پسر ها و دخترها امروز عاشق کسی هستند و فردا عاشق کس دیگر؟..... ۸۹۰

پرسش ..... ۸۹۰

پاسخ ..... ۸۹۰

چرا بعضی از مردم بد کارند؟..... ۸۹۳

پرسش ..... ۸۹۳

پاسخ ..... ۸۹۳

علت خودکشی در جوانان چیست؟..... ۸۹۵

پرسش ..... ۸۹۵

پاسخ ..... ۸۹۵

با توجه به این که چپاول گران و سودجویان در شهرها قیمت زمین ها و مصالح ساختمانی را بالا می برند و جوانان نمی توانند برای خود سرپناهی داشته باشد، حال چه باید کرد؟ چرا علمای حوزه در این مورد کاری نکرده و نمی کنند؟..... ۸۹۶

پرسش ..... ۸۹۶

پاسخ ..... ۸۹۶

چرا برخی از افراد با وجود داشتن زن و فرزند به دنبال ناموس مردم می روند، درحالی که پیامبر فرمود: ازدواج کنید تا به فساد کشیده نشوید؟..... ۸۹۸

پرسش ..... ۸۹۸

پاسخ ..... ۸۹۸

راه مبارزه با علل انحراف چیست ؟..... ۸۹۸

پرسش ..... ۸۹۸

پاسخ ..... ۸۹۹

چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد، افسردگی و خودکشی نجات بدهیم؟ ..... ۸۹۹

پرسش ..... ۸۹۹

پاسخ ..... ۸۹۹

چه راه هایی برای جلوگیری از منکرات اخلاقی و اجتماعی یک فرد پیشنهاد می کنید؟ ..... ۹۰۰

پرسش ..... ۹۰۰

پاسخ ..... ۹۰۰

علت گرایش شدید به فساد و بی بندوباری در کشورهای صنعتی و پیشرفته چیست؟ ..... ۹۰۱

پرسش ..... ۹۰۱

پاسخ ..... ۹۰۲

اگر کسی باعث انحراف دیگری شد، راه جبران آن چیست؟ ..... ۹۰۲

پرسش ..... ۹۰۲

پاسخ ..... ۹۰۲

چرا در جامعه ما بی حجابی گسترش یافته است؟ ..... ۹۰۳

پرسش ..... ۹۰۳

پاسخ ..... ۹۰۳

چرا اینقدر آمار معتادین بالا رفته است؟ ..... ۹۰۶

پرسش ..... ۹۰۶

پاسخ ..... ۹۰۶

دلیل ابتلای جوانان به اعتیاد چیست؟ ..... ۹۰۷

پرسش ..... ۹۰۷

پاسخ ..... ۹۰۷

چرا ما مردم مسلمان دروغگو و حيله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟ ..... ۹۰۷

پرسش ..... ۹۰۷

پاسخ ..... ۹۰۸

برای چه اینقدر جامعه خراب است؟ به خاطر این پسرهای ابله نمی توان به تنهایی جایی رفت؟ ..... ۹۰۹

پرسش ..... ۹۰۹

پاسخ ..... ۹۰۹

چند وقتی است نسبت به اعتقادات و اصول دچار شک و تردید شده ام مانند اینکه چرا خدا رامی پرستیم و نماز می خوانیم و بسیاری مسائل دیگر دلیل این شک و تردید ها چیست. و راه حل آن کدام است. .... ۹۱۳

پرسش ..... ۹۱۳

پاسخ ..... ۹۱۳

علت مهاجرت نخبگان به خارج از کشور چیست؟ ..... ۹۲۵

پرسش ..... ۹۲۵

پاسخ ..... ۹۲۵

علت گرایش به فحشاء پنهان چیست؟ ..... ۹۲۶

پرسش ..... ۹۲۶

پاسخ ..... ۹۲۶

علل انحرافات ..... ۹۲۶

تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟ ..... ۹۲۶

پرسش ..... ۹۲۶

پاسخ ..... ۹۳۶

با توجه به اهمیت روحانیت در تشکیل فرهنگ اسلامی آیا شما مسؤول مفاسد جامعه را وزارت ارشاد می دانید یا این قشر محترم؟ ..... ۹۳۸

پرسش ..... ۹۳۸

پاسخ ..... ۹۳۸

رغم پیش رفتن علم، آمار طلاق بالا است. نتایج منفی طلاق برای خانواده و بچه ها را بنویسید. .... ۹۳۹

پرسش ..... ۹۳۹

پاسخ ..... ۹۳۹

چرا در جامعه، آمار هم جنس بازی و استمنای این قدر بالا رفته است؟ آیا با مسائل خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ربطی دارد؟ چرا در مناطق محروم و روستایی این انحراف بیش تر است؟ ..... ۹۳۱

پرسش ..... ۹۳۱

پاسخ ..... ۹۳۱

علت شکاف بین خانواده ها و رشد طلاق بین آن ها در چیست؟ ..... ۹۳۳

پرسش ..... ۹۳۳

پاسخ ..... ۹۳۳

راه مبارزه با علل انحراف و بی دینی چیست ؟ ..... ۹۳۹

پرسش ..... ۹۳۹

پاسخ ..... ۹۳۹

باوجود اینکه هر کس نیک و بد را از یکدیگر تشخیص می دهد چرا عده ای منحرف می شوند؟ ..... ۹۳۹

پرسش ..... ۹۳۹

پاسخ ..... ۹۴۰

مهم ترین عاملی که جوانان ما را در حال حاضر به فساد می کشاند چیست؟ ..... ۹۴۱

پرسش ..... ۹۴۱

پاسخ ..... ۹۴۱

علت پیدایش جرائم و گناهان و مبداء خلافتکاریها در انسان چیست؟ ..... ۹۴۳

پرسش ..... ۹۴۳

پاسخ ..... ۹۴۳

چرا مردم از ارزش های اسلامی و روحانیت فاصله گرفته اند ..... ۹۴۵

پرسش ..... ۹۴۵

پاسخ ..... ۹۴۵

۲- چرا صیغه در جامعه اسلامی جای خود را به زنا و لواط داده است ؟ ..... ۹۴۶

پرسش ..... ۹۴۶

پاسخ ..... ۹۴۶

علل به انحراف کشیده شدن جوانان چیست ؟ ..... ۹۴۸

پرسش ..... ۹۴۸

پاسخ ..... ۹۴۸

من فکر می کنم عامل انحراف قشر تحصیل کرده این نیست که مثلاً اصول عقایدشان درست نیست، بلکه عامل مهم آن، این است که می بیند عملکرد کسانی که به اصول عقاید واقفند برخلاف آن اصول است، می بیند معتقدین به دین، اعمالی مرتکب می شوند که با آن عقاید ..... ۹۴۸

پرسش ..... ۹۴۸

پاسخ ..... ۹۴۹

نظارت اجتماعی ..... ۹۵۲

نظارت اجتماعی رسمی ..... ۹۵۲

چرا علما و مراجع تقلید در مقابل تسلیمه ۷۰ نفرین که کتابی شبیه آیات شیطانی نوشت عکس العملی نشان ندادند؟ ..... ۹۵۲

پرسش ..... ۹۵۲

پاسخ ..... ۹۵۲

برای شهر فردوس چون امام جمعه ندارد از مسئولین درخواست امام جمعه نمائید. .... ۹۵۳

پرسش ..... ۹۵۳

پاسخ ..... ۹۵۳

چرا وزارت ارشاد اجازه پخش نوارهای غیر اسلامی را می دهد؟ ..... ۹۵۳

پرسش ..... ۹۵۳

پاسخ ..... ۹۵۳

آیا روشهای تعلیم و تربیت دینی در مدارس و جامعه با روشهای تربیتی قرآن هم خوانی دارد؟ ..... ۹۵۳

پرسش ..... ۹۵۳

پاسخ ..... ۹۵۴

بفرمایید جلوی این همه بیحجابی و بد حجابیها را چه کسی باید بگیرد؟ ..... ۹۵۵

پرسش ..... ۹۵۵

پاسخ ..... ۹۵۵

چرا بعد از ۲۵ سال که از انقلاب اسلامی می گذرد هنوز هم بحث اعتیاد و سیگار و حشیش و مشروبات الکلی در جامعه ما زیاد شده است؟ شاید سؤال من خنده دار باشد ولی خیر منشاء همه اعتیادها جامعه که جوانان ما را به تباهی کشانده بله حرف اصلی بنده این است که چرا آ

پرسش ..... ۹۵۷

پاسخ ..... ۹۵۸

نظام جمهوری اسلامی ایران چه تمهید و تعبیراتی در خصوص تربیت دختران و پسران چه در خانواده های مذهبی و غیر مذهبی که متأسفانه هیچ تقید و پابندی به تربیت دینی فرزندان وجود ندارد و نظر به جنابیت های کاذبی که در راستای انحراف فرزندان از اصول دینی و معرا

پرسش ..... ۹۶۰

پاسخ ..... ۹۶۰

به چه دلیل جلو بی حجابی گرفته نمی شود و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می شود. و پوشش این افراد کمتر می شود آیا ما می توانیم صبر کنیم تا زمانی که فرهنگ این افراد درست شود که خودشان حجاب را رعایت نمایند. به چه دلیل ما اگر فردی اسلحه به دست بگیرد و خ

پرسش ..... ۹۶۲

پاسخ ..... ۹۶۲

یکی از بزرگترین بدبختی های جامعه ما مواد مخدر و دخانیات می باشد پس چرا دولت دم از ترک آن می زند و آن را خطر بزرگ می داند و اعتیاد مرگ تدریجی می گویند. چرا خود دولت دخانیات تولید می کند و چرا مقام معظم رهبری آن را حرام نمی کنند مثل آیت الله شیراز

پرسش ..... ۹۶۷

پاسخ ..... ۹۶۷

چرا در جامعه اسلامی ما با توجه به ارزش حجاب و امور معنوی فیلمهایی در سینما و تلویزیون پخش می شود که اسباب هتک حرمت زن را فراهم کرده و پاکی و معنویت جامعه را خدشه دار می سازد؟ چه کسی مسئول است ..... ۹۷۱

پرسش ..... ۹۷۱

پاسخ ..... ۹۷۱

با این که اصل حجاب در قرآن آمده، چرا در برنامههای تلویزیونی حجاب رعایت نمیشود؟ و چرا رهبر و دیگر مراجع تذکر نمیدهند؟ ..... ۹۷۱

پرسش ..... ۹۷۱

پاسخ ..... ۹۷۱

چرا مسئولان رده بالای کشوری به مسأله نهاجم فرهنگی اعتنایی ندارند، البته حرفش را میزنند و نصیحتهای خوب و تأثیر گذاری میکنند ولی به گفتههای خود جامه عمل نمیپوشانند (که شاید مشکل اصلی نظارت نادرست باشد)؟ ..... ۹۷۳

پرسش ..... ۹۷۳

پاسخ ..... ۹۷۳

مدت ۲۱ سال است که در شهر سبز در مسجد حضرت علی و در مساجد دیگر کلاس های روخوانی روان خوانی و تجوید برقرار است اما یک رسمی و یک مربی رسمی حقوق بگیر در این مساجد نداریم علاوه من و پدرم ۸ سال است برای ارتقاء سطح فکری و بالا بردن فهم قرآنی دان

پرسش ..... ۹۷۶

پاسخ ..... ۹۷۷

چرا وسایل و ابزار تبلیغاتی در زمینه قرآن و علوم قرآنی به صورت انبوه و رایگان در اختیار عموم قرار نمی گیرد؟ برای نمونه بنده یک قرآن به خط مصباح زاده دارم که نسبت به خط عثمان طه خیلی سطح آن پایین است ..... ۹۷۷

پرسش ..... ۹۷۷

پاسخ ..... ۹۷۷

اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران در دراز مدت درمقابل دشمن و تهاجم فرهنگی غرب چیست ؟ ..... ۹۷۸

پرسش ..... ۹۷۸

پاسخ ..... ۹۷۸

می گویند هرکس پول و پارتی دارد همه چیز دارد و این درست است چون مصادیقش در جامعه زیاد است این ضعف از کجا ناشی می شود؟

پرسش ..... ۹۷۹

پاسخ ..... ۹۷۹

کاهش تدریجی گرایش های دینی در جامعه اسلامی -بویزه دربین جوانان -معلول چه عواملی است و آياتاکنون دولت برای حل مشکلات دینی واقتصادی واجتماعی چه قدمی برداشته ؟

پرسش ..... ۹۷۹

پاسخ ..... ۹۷۹

طلبه هایی که به دانشگاه می آیند، در جواب دادن به مشکلات دینی ضعیف هستند، چرا حوزه برای تربیت این افراد برنامه ای ندارد؟

پرسش ..... ۹۸۰

پاسخ ..... ۹۸۰

حوزه برای احیای ارزش های اسلامی در دانشگاه ها چه کارها کرده است ، لطفا فهرست وار بیان کنید؟

پرسش ..... ۹۸۰

پاسخ ..... ۹۸۰

در گرایش جوانان به مذهب غربی آیا آنان مقصرتند یا تولید کنندگان و اگر تولید کنندگان چرا دولت ممانعت نمی کند؟

پرسش ..... ۹۸۱

پاسخ ..... ۹۸۱

یک موقع استفاده از ماهواره آزاد شد ولی بعدا آن را ممنوع کردند چرا؟

پرسش ..... ۹۸۱

پاسخ ..... ۹۸۱

اقدامات حکومت اسلامی ایران را برای مهار کردن تهاجم فرهنگی توضیح دهید؟

پرسش ..... ۹۸۱

پاسخ ..... ۹۸۲

چرا مسئولین از حضور هنرپیشه هایی که مسائل مذهبی را رعایت نمی کنند جلوگیری نمی کنند؟

پرسش ..... ۹۸۲

پاسخ ..... ۹۸۲

با توجه به تهاجم فرهنگی مسئولین نظام جمهوری اسلامی چه تدابیری را برای استفاده از کالاهای خارجی اندیشیده اند ؟

پرسش ..... ۹۸۲

پاسخ ..... ۹۸۳

آیا نظارت بر فعالیت های فرهنگی انجمن های اسلامی دانشگاه انجام می گیرد،دانه واگر صورت می گیرد چرا در دانشگاه اصفهان این نظارت نیست ؟

پرسش ..... ۹۸۳

پاسخ ..... ۹۸۳

در مقابل تهاجم فرهنگی از راه فیلم های سینمایی چرا اقدام نمی شود؟

پرسش ..... ۹۸۳

پاسخ ..... ۹۸۳

چرا در سیمای ایران فیلمهایی نشان داده می شود که زیرگردن و بیخ گوش زنها پیداست

پرسش ..... ۹۸۴

پاسخ ..... ۹۸۴

چرا دولت و مسئولین در مورد بی حجایی اقدامات جدی به عمل نمی آورند؟

پرسش ..... ۹۸۴

پاسخ ..... ۹۸۴

- دانشگاه ما انجمن اسلامی ندارد و اجازه تشکیل آنرا به ما نمی دهند چرا ..... ۹۸۵
- پرسش ..... ۹۸۵
- پاسخ ..... ۹۸۵
- چرا حوزه علمیه جواب شبهات مطرح شده را نمی دهد ..... ۹۸۵
- پرسش ..... ۹۸۵
- پاسخ ..... ۹۸۵
- چرا در دانشگاهها وضع حجاب ضعیف است ..... ۹۸۶
- پرسش ..... ۹۸۶
- پاسخ ..... ۹۸۶
- چرا نیروی انتظامی با بدحجابی برخورد جدی نمی کند؟ ..... ۹۸۶
- پرسش ..... ۹۸۶
- پاسخ ..... ۹۸۶
- چرا گروه های امر به معروف ، نسبت به این همه بی حجابی و فساد جوانان ، عکس العمل نشان نمی دهند؟ ..... ۹۸۷
- پرسش ..... ۹۸۷
- پاسخ ..... ۹۸۷
- مبارزه با منکرات و مفسدات اجتماعی ، بر عهده چه ارگان هایی است ؟ ..... ۹۸۷
- پرسش ..... ۹۸۷
- پاسخ ..... ۹۸۷
- چرا کنترلی بر بعضی برنامه های صدا و سیما وجود ندارد؟ ..... ۹۹۰
- پرسش ..... ۹۹۰
- پاسخ ..... ۹۹۰
- اگر واقعا اختلاط دختر و پسر اشکال دارد چرا دانشگاهها را بصورت جدا در نمی آورید؟ ..... ۹۹۳
- پرسش ..... ۹۹۳
- پاسخ ..... ۹۹۳
- چرا در جامعه امروزی ما میل و رغبت جوانان نسبت به مسایل عقیدتی و مذهبی کم رنگ شده است . آیا در جامعه این گونه فسادها و آزادیها را نمی توان گرفت یا اینکه این یک سیاست است ؟ ..... ۹۹۵
- پرسش ..... ۹۹۵
- پاسخ ..... ۹۹۶
- موزیکهایی که از صدا و سیما بخش می شود به خصوص تلویزیون شباهت بسیار زیادی با آن ترانه ها دارد و نوارهایی که به اصطلاح مجوز از وزارت ارشاد دارند مگر اینها زیر نظر مقام معظم رهبری فعالیت نمی کنند و مگر رهبر خودشان بارها در سخنرانی ها فرموده اند که جلوی
- پرسش ..... ۹۹۷
- پاسخ ..... ۹۹۷
- امروزه فساد اخلاقی زیاد شده است و برخی از مجازات های مفسدات اخلاقی به پرداخت جریمه میدل گشته است و تساهل و تسامح مسئولین هم در این امر مزید بر علت شده است . آیا این امر باعث رواج فساد اخلاقی در جامعه نمی شود ؟ ..... ۹۹۸
- پرسش ..... ۹۹۸
- پاسخ ..... ۹۹۸
- چرا جلوی سینماهای افشاح ایران را نمی گیرند؟ ..... ۹۹۹
- پرسش ..... ۹۹۹
- پاسخ ..... ۹۹۹
- برخورد منطقی و مؤثر با کسانی که ظاهر اسلامی را رعایت نمی کنند بر عهده چه ارگانها و نهادهایی است؟ ..... ۱۰۰۱
- پرسش ..... ۱۰۰۱
- پاسخ ..... ۱۰۰۱
- به چه دلیل بازی بیلیارد را با اینکه مجتهدین آن را حرام کرده اند ولی این گونه در کشور ما رواج پیدا کرده است؟ ..... ۱۰۰۴
- پرسش ..... ۱۰۰۴

پاسخ - ۱۰۰۴

آیا در دنیایی که کلیه مکاتب و مذاهب و حتی کلوب های شبانه برای جذب همفکر و عضو با تمام امکانات و آدرس های پستی و الکترونیکی به صورت رایگان فیلم و سی دی و مجله و کتاب به صورت آونمان مادام العمر دست به تبلیغات انبوه زده است اشاعه معقول و حداقل در ز

پرسش - ۱۰۰۵

پاسخ - ۱۰۰۶

در دین مبارک ما آمده که زن نباید با صدای بلند در بین نامحرم بخندد و بهتر است که نامحرم صدای او را نشنود تا شیطان بین آنها وسوسه ایجاد نکند در این صورت در رسانه ها و تلویزیون به شدت عکس این مطلب مشاهده می شود توضیح دهید.

پرسش - ۱۰۰۹

پاسخ - ۱۰۰۹

در نظام اسلامی اعمال نفوذ و قدرت ارزشهای مذهبی چگونه در جامعه عملی می شود ارزشهای مذهبی به چه قدرتی باید وارد جامعه شود تا بتواند نفوذ کامل بر افراد داشته باشد.

پرسش - ۱۰۱۰

پاسخ - ۱۰۱۰

لطفا در زمینه ستاد امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مراکز اجرایی آنها و دامنه اختیاراتی که این مرکز دارند توضیح دهید؟

پرسش - ۱۰۱۰

پاسخ - ۱۰۱۱

با سلام چرا با توجه به فساد گسترده اداری و ناکارآمدی مدیران و همچنین فساد ایشان در زمینه برخورد با آنان اقدام موثر به عمل نمی آید. نهادهای نظارتی ما که شامل دادگستری و سازمان بازرسی کل کشور و وزارت اطلاعات و دیوان محاسبات مجلس خود دچار فساد خانمان

پرسش - ۱۰۲۰

پاسخ - ۱۰۲۰

با توجه به دستور حضرت عالی جهت برخورد بارشوه خواری و اسراف در بیت المال چرا همچنان در جامعه شاهد این رویداد زشت هستیم.

پرسش - ۱۰۲۷

پاسخ - ۱۰۲۷

برای من سوال است که چرا در یک کشور اسلامی سایتی اینترنتی سگسی به راحتی در دسترس تمام جوانان است . تورم اقتصادی - عدم امکان ازدواج برای بیشتر جوانان - فساد اجتماعی و اعتیاد... واقعا نقش مسئولین در این رابطه چیست؟ شاید اینها همه برنامه ریزی تعیین

پرسش - ۱۰۲۸

پاسخ - ۱۰۲۸

چرا عقاید وهابیت در جامعه ما بر احنی گسترش می یابد و هیچ مسئولی یا ارگانی اقدامی برای جلوگیری از پیشرفت آن نمیکنند؟

پرسش - ۱۰۳۱

پاسخ - ۱۰۳۱

با سلام و احترام بنده نه دانشجو هستم و نه بیسواد و از مسائل سیاسی هم زیاد سر در نمی یارم . ولی می خوام بدونم که با وجود این همه فقر که منجر به هزاران فحشا می شود چرا شما ساکت نشستید و همینطور فقط به این همه بی عدالتی که خودتون بهتر از همه می دونید

پرسش - ۱۰۳۲

پاسخ - ۱۰۳۳

۱- چرا در مقطع پیش دانشگاهی و خصوصاً دانشگاه به درس قرآن اهمیت زیادی نمی دهند و یاصلاً تدریس نمی شود؟ یا توجه به اینکه جوانان در این مقطع بیشتر به قرآن و داستانهای اهلبیت نیاز دارند ؟

اشاره - ۱۰۴۴

پرسش - ۱۰۴۴

پاسخ - ۱۰۴۵

قبل از روی کار آمدن آقای خاتمی، کمیته منکرات وجود داشت چرا بعد از ایشان این کمیته فعالیتی ندارد؟

پرسش - ۱۰۴۷

پاسخ - ۱۰۴۷

۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز در جامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد را بگیرند و چرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟

پرسش - ۱۰۴۷

پاسخ(قسمت اول) - ۱۰۴۷

پاسخ(قسمت دوم) - ۱۰۵۴

۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز در جامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد را بگیرند و چرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟

پرسش - ۱۰۶۱

- پاسخ(قسمت اول) ..... ۱۰۶۱
- پاسخ(قسمت دوم) ..... ۱۰۶۸
- چرا با مسأله بدحجابی در جامعه برخورد جدی صورت نمی گیرد؟ یا کوناهای مسئولین وسکوت آنها علنی دارد؟ ..... ۱۰۷۵
- پرسش ..... ۱۰۷۵
- پاسخ ..... ۱۰۷۵
- با نظر به اینکه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه کمزنگ شده و با آنکه در احادیث و در کتاب آسمانی به آن خیلی تأکید شده، چرا از آن توسط مقامات بالا حمایت نمی شود؟ چرا توسط مقام معظم رهبری این امر مهم حمایت خاصی نمی شود؟ ..... ۱۰۷۷
- پرسش ..... ۱۰۷۷
- پاسخ ..... ۱۰۷۸
- چرا کنترل کامل بر روی مواردی که باعث انحراف جوانان می شود وجود ندارد؟ مثلاً در آدرس زیر فروشنده های دوره گر به راحتی در میان جمع کثیری از مردم راه می روند و CD و عکس ها و پاسورهای غیرمجاز و خلاف شرع به جوانان می فروشند و درحالی که هیچ کس جلوی آن پرسش ..... ۱۰۸۱
- پاسخ ..... ۱۰۸۱
- چرا مسئولین مانع از روابط بعضاً نامشروع و اختلاطهای آزادانه دختران و پسران در جامعه نمی شوند؟ ..... ۱۰۸۲
- پرسش ..... ۱۰۸۲
- پاسخ ..... ۱۰۸۲
- چرا دولت نمی تواند جلوی بدحجابی را بگیرد؟ ..... ۱۰۸۳
- پرسش ..... ۱۰۸۳
- پاسخ ..... ۱۰۸۳
- چرا جامعه امروزی در قبال این همه بی بند و باری و فساد کاری انجام نمی دهد در حالیکه مأموران انتظامی در گوشه و کنار سطح مشهد پراکنده هستند؟ ..... ۱۰۸۶
- پرسش ..... ۱۰۸۶
- پاسخ(قسمت اول) ..... ۱۰۸۶
- پاسخ(قسمت دوم) ..... ۱۰۹۲
- چنانچه موزیک در اسلام حرام می باشد به چه علت در کشوری اسلامی روز بروز در حال توسعه است؟ چه مرجعی باید پاسخگو و بازدارنده باشد؟ ..... ۱۰۹۸
- پرسش ..... ۱۰۹۸
- پاسخ ..... ۱۰۹۹
- چرا حکومت به جمع آوری عکس های مینتل و غیرمجاز و سی دی ها و ... اقدام نمی کند؟ ..... ۱۱۰۰
- پرسش ..... ۱۱۰۰
- پاسخ ..... ۱۱۰۰
- با توجه به وضعیت بد و دلخراش حجاب زنان در جامعه علت آن را بیان کرده و در ضمن، رسیدگی این وضع به عهده کدام نهاد و سازمان می باشد؟ ..... ۱۱۰۰
- پرسش ..... ۱۱۰۰
- پاسخ ..... ۱۱۰۰
- در مناطق محروم روحانی باسواد و باتجربه کمتر وجود دارد چرا دولت جمهوری اسلامی در این خصوص سرمایه گذاری نمی کند برخلاف بلاد کفر و اینکه چرا دولت به روحانیون پول نمی دهد تا از مردم چیزی نطلبند؟ ..... ۱۱۰۴
- پرسش ..... ۱۱۰۴
- پاسخ ..... ۱۱۰۴
- ۱ چرا با این که حکومت اسلامی است در جامعه فساد زیاد است با وجود آن که شما به خودتان خیلی مغرور هستید؟ ..... ۱۱۰۶
- پرسش ..... ۱۱۰۶
- پاسخ ..... ۱۱۰۶
- چرا اساساً برنامه هایی در خصوص جلوگیری از فساد و عدم گسترش آن انطور که باید تدوین نمی شود ؟ لطفاً توضیح دهید؟ ..... ۱۱۰۸
- پرسش ..... ۱۱۰۸
- پاسخ ..... ۱۱۰۸
- با چه کارهایی می توان از تعداد سوداگران مرگ کاست ؟ ..... ۱۱۱۰
- پرسش ..... ۱۱۱۰



پاسخ -..... ۱۱۱۰

الان مواد مخدر در میان جوانان جامعه بسیار شایع است آیا دولت برای مبارزه با آن برنامه ای ندارد؟ -..... ۱۱۱۰

پرسش -..... ۱۱۱۰

پاسخ -..... ۱۱۱۰

چرا از کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند عملاً هیچ حمایتی نمی شود؟ -..... ۱۱۱۱

پرسش -..... ۱۱۱۱

پاسخ -..... ۱۱۱۱

چرا در دانشگاه ها با تجاوز به حریم عفت عمومی، برخورد نمی شود؟ -..... ۱۱۱۲

پرسش -..... ۱۱۱۲

پاسخ -..... ۱۱۱۲

نظر شما در مورد مختلط بودن کلاسها و دانشکده چیست. چه فایده هایی دارد؟ اگر ندارد پس چرا هست؟ -..... ۱۱۱۳

پرسش -..... ۱۱۱۳

پاسخ -..... ۱۱۱۳

چرا دولت اسلامی راجع به ازدواج (دائم و موقت ) جوانان توجه چندانی ندارد و برای اجرای صحیح آن در جامعه اقدام نمی کند؟ بنده برای بهبودی این وضعیت پیشنهادهایی ارائه داده ام . -..... ۱۱۱۶

پرسش -..... ۱۱۱۶

پاسخ -..... ۱۱۱۷

اصولاً وقتی جامعه به پستی می گراید، برکات و رحمت خداوند بر آن هاننگ تر می شود. جامعه کنونی ما چنین وضعی دارد. جوانان فاسق و پیران ریاکار و عالمان بی عمل و ظاهرسازی در تمام رسانه های گروهی و عوامل دیگر به چشم می خورد. که باعث تأسف است . این گوند

پرسش -..... ۱۱۱۷

پاسخ -..... ۱۱۱۸

روحانی ای یا سماجت از مردم گوسفند و بزغاله به عنوان خمس و زکات می گیرد و در همان محل سر می برد و گوشتش را برای خانواده خود می برد، یا در منبر می گوید: عیالوارم . به من بیشتر کمک کنید و پولی که بابت تبلیغ به من می دهید، از مزد یک کارگر بیش تر نیسه

پرسش -..... ۱۱۱۹

پاسخ -..... ۱۱۱۹

مسئولان جامعه نسبت به پوشیدن بعضی از لباس ها از نظر مدل و رنگ و... به دختران ایراد می گیرند. اگر پوشیدن این گونه لباس ها اشکال دارد، چرا تولید می شود و یا به کشور وارد می شود؟ آیا تولید و وارد کردن این لباس ها به کشور اسلامی دلیل بر جواز بودن پوشیدن آن

پرسش -..... ۱۱۲۰

پاسخ -..... ۱۱۲۰

آیا نهادهای دینی مربوط به امور مساجد، وظیفهء خود را در مورد جذب جوانان به مسجد انجام داده اند؟ -..... ۱۱۲۰

پرسش -..... ۱۱۲۰

پاسخ -..... ۱۱۲۰

آیا ماهواره آزاد است؟ اگر نیست، چرا آنتن های آن در تهران و دیگر شهرها وجود دارد؟ چرا دولت آن ها را جمع آوری نمی کند؟ -..... ۱۱۲۱

پرسش -..... ۱۱۲۱

پاسخ -..... ۱۱۲۱

عکسی را که به پیوست ارسال کرده ام ، نمونه ای از همان چیزی بود که مدت ها می ترسیدیم . سرانجام به وقوع پیوست و باردیگر دست هایی مرموز برای کمرتنگ کردن مسائل مذهبی و روح معنوی اقدام کرده اند. این عکس از یکی از مجلات مجاز داخل ایران است . مجلهء خانوا

پرسش -..... ۱۱۲۱

پاسخ -..... ۱۱۲۲

آیا در این مملکت جایی یا کسی را می شناسید که درد دل های انسان ها را گوش کند؟ جلو ده ها کورتاز را بگیرد و بدون پارتی بازی عرق فروشان و باند های مواد مخدر را نابود کرده و خانه های فساد را بسته و دلان فروش ناموس را دستگیر کند؟! مستدعی است نتویسید در خه

پرسش -..... ۱۱۲۳

پاسخ -..... ۱۱۲۳

آیا تا کنون دولت به فکر کمک به مساجد افتاده است یا از هیأت امنای مساجد دعوت به عمل آورده تا از آنان گزارش کار بخواهد یا رهنمودها و تبادل نظر صورت گیرد؟ -..... ۱۱۲۴

پرسش -..... ۱۱۲۴

پاسخ -..... ۱۱۲۴

چرا مسئولان اجازه می دهند مباحث تخصصی درباره دین و احکام در دست عوام افتاده و باعث خلجان فکر شود؟ -..... ۱۱۲۴

- پریش ..... ۱۱۲۴
- پاسخ ..... ۱۱۲۴
- چرا مسئولان محترم با مفاسد اجتماعی مبارزه جدی نمی کنند و مراجع عظام و علمای اعلام در این مورد اعتراض نمی فرمایند؟ ..... ۱۱۲۵
- پریش ..... ۱۱۲۵
- پاسخ ..... ۱۱۲۵
- آیا بزرگان کشور، نمی توانند جلوی فساد را که از نحوه لباس پوشیدن جوانان در جامعه مطرح است بگیرند؟ توضیح دهید. .... ۱۱۲۶
- پریش ..... ۱۱۲۶
- پاسخ ..... ۱۱۲۶
- چرا علمای دین و مسئولان نظام اسلامی در مورد موسیقی و احکامی از این قبیل موضع گیری محکمی نمی کنند و به اصطلاح تکلیف را روشن نمی کنند تا عده ای از این موضوع سوء استفاده نکنند؟ ..... ۱۱۲۷
- پریش ..... ۱۱۲۷
- پاسخ ..... ۱۱۲۷
- چرا برای جلوگیری از اعتیاد، تبلیغات دینی و مذهبی به طور گسترده صورت نمی گیرد؟ ..... ۱۱۲۸
- پریش ..... ۱۱۲۸
- پاسخ ..... ۱۱۲۸
- چه عاملی باعث شده جلوی بی حجابی که به طور وسیعی جامعه را فرا گرفته و به فرهنگ منحط غرب نزدیک می شویم، گرفته نشود و این قدر نیروهای انتظامی در برابر آن بی خیال باشند؟ ..... ۱۱۲۹
- پریش ..... ۱۱۲۹
- پاسخ ..... ۱۱۲۹
- نیروی انتظامی که مسئول نظم کشور است، آیا نباید با زنان کم حجاب برخورد کند؟ اگر این نیرو نمی تواند، پس چه نیرویی و یا چه کسی می تواند جلوی این کار را بگیرد؟ ..... ۱۱۳۱
- پریش ..... ۱۱۳۱
- پاسخ ..... ۱۱۳۱
- آیا نباید مسئولان صدا و سیما از تولید فیلم ها با زنان کم حجاب جلوگیری و برخورد کنند؟ ..... ۱۱۳۱
- پریش ..... ۱۱۳۱
- پاسخ ..... ۱۱۳۱
- چند سالی است بی حجابی و بد حجابی در خیابان ها عادی شده است، اگر این گونه اعمال از نظر اسلام صحیح نیست، چرا جلوی آن در جامعه اسلامی گرفته نمی شود؟ چرا در فیلم های سینمایی، فرهنگ غرب را ترویج می کنند؟ چرا مراجع تقلید اقدام نمی کنند و... تکلیف من د ..... ۱۱۳۲
- پریش ..... ۱۱۳۲
- پاسخ ..... ۱۱۳۲
- این همه تشریفات که برای ورود بعضی از مسئولان جمهوری اسلامی صورت می گیرد، منع شرعی ندارد؟ ..... ۱۱۳۶
- پریش ..... ۱۱۳۶
- پاسخ ..... ۱۱۳۶
- چرا بعضی از مقامات دولتی برخی از تکالیف شرعی به ظاهر ریز را رعایت نمی کنند؟ چرا این افراد انتخاب می شوند؟ ..... ۱۱۳۷
- پریش ..... ۱۱۳۷
- پاسخ ..... ۱۱۳۷
- بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟ ..... ۱۱۳۷
- پریش ..... ۱۱۳۷
- پاسخ ..... ۱۱۳۸
- با این که در روایات ما شطرنج مذمت شده است ، چرا در کشور اسلامی اینقدر شطرنج رایج شده است ؟ ..... ۱۱۳۹
- پریش ..... ۱۱۳۹
- پاسخ ..... ۱۱۳۹
- آیا ایراد ضرب افراد توسط نیروهای امنیتی مثل برادران بسیجی یا نیروهای انتظامی (حتی اگر کسی تخلفی بکند) درست و صحیح است؟ اگر جواب منفی است پس چرا روزانه ما شاهد این قضیه به کرات هستیم؟ ..... ۱۱۴۱
- پریش ..... ۱۱۴۱
- پاسخ ..... ۱۱۴۱

چرا علی رغم وجود کمیته انضباطی دانشگاه و نصب پوستره‌های مختلف مبنی بر رعایت شؤونات اسلامی هیچ کس جلو این بی بندباری‌ها را نمی‌گیرد و از بسیج دانشجویی که در این مسائل که دستش بازتر است خواهش می‌کنیم به کمیته انضباطی اطلاع داده و بخواهد واقعاً جلو

پرسش ..... ۱۱۴۱

پاسخ ..... ۱۱۴۲

نظارت اجتماعی غیر رسمی ..... ۱۱۴۲

امربه معروف و نهی از منکر ..... ۱۱۴۲

چگونه می‌توان دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کرد که ناراحت نشوند؟ ..... ۱۱۴۲

پرسش ..... ۱۱۴۲

پاسخ ..... ۱۱۴۲

در اکثر کتاب‌ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می‌کند و روزی می‌دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می‌کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟ ..... ۱۱۴۴

پرسش ..... ۱۱۴۴

پاسخ ..... ۱۱۴۴

اگر ما مثلاً فرد یا افرادی را در حال ارتکاب گناه، نهی از منکر کنیم آیا رفتار ما درست است؟ یا باخسونت؟ ..... ۱۱۴۴

پرسش ..... ۱۱۴۴

پاسخ ..... ۱۱۴۴

اگر در مجلسی بنشینم که گناه می‌کنند (مانند خانه خاله، نواز ترانه گذاشته اند و نمی‌توانی بگویی خاموش کن چون آبروی تو جلوی جمع می‌رود و مثلاً رفیق‌ها دارند غیبت می‌کنند و نمی‌توان گفت ساکت شو...) این چه اشکالی دارد خیلی توضیح دهید. .... ۱۱۴۶

پرسش ..... ۱۱۴۶

پاسخ ..... ۱۱۴۶

فردی که دوست دارد بنده واقعی خداوند باشد و همه دستوره‌های اسلام را عملی کند، لکن اطرافیان و دوستانی دارد که به رعایت دستوره‌های الهی پای بند نیستند؛ در این مورد وظیفه چیست گاهی انسان در مجلسی حاضر می‌شود که بعضی غیبت می‌کنند و اگر آن‌ها را نهی

پرسش ..... ۱۱۴۸

پاسخ ..... ۱۱۴۸

هنگامیکه شخص در صورت انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر باینکه توانایی هم دارد مورد تمسخر قرار می‌گیرد باید چگونه وظیفه اش را انجام دهد بطوریکه هم رضایت خداوند جلب شود و هم نهایت راهنمایی را درقبال مردم مسلمان به انجام رساند؟ ..... ۱۱۵۰

پرسش ..... ۱۱۵۰

پاسخ ..... ۱۱۵۰

بسیار علاقه مندم که طعم شیرین طاعت و بندگی خدا و معارف الهی را که به فضل خدا تا حدودی به من چشانده شده است و حقانیت آنها را درک کرده‌ام به سایر دوستان و هم سن و سال‌های خود تذکر دهم لازمه حرکت در مسیر الی الله تقید به احکام شرعی و در اولین

پرسش ..... ۱۱۵۱

پاسخ ..... ۱۱۵۲

با رفقایی که در برخورد‌ها و صحبت‌هایشان مراعات ادب نمی‌کنند و حرف‌های رکبک می‌زنند چه برخوردی داشته باشیم ..... ۱۱۵۵

پرسش ..... ۱۱۵۵

پاسخ ..... ۱۱۵۵

اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به حرمت مهمان می‌توان او را نهی نکرد؟ ..... ۱۱۵۵

پرسش ..... ۱۱۵۶

پاسخ ..... ۱۱۵۶

یک مسلمان در برابر رفتار غیر اخلاقی دیگران چه وظیفه‌ای دارد؟ ..... ۱۱۵۶

پرسش ..... ۱۱۵۶

پاسخ ..... ۱۱۵۶

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟ ..... ۱۱۵۸

پرسش ..... ۱۱۵۸

پاسخ ..... ۱۱۵۸

آیا می‌توان به گناه دیگران بی‌اعتنا بود؟ ..... ۱۱۵۸

پرسش ..... ۱۱۵۸

پاسخ ..... ۱۱۵۸

- ۱۱۵۹ ..... آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟
- ۱۱۵۹ ..... پرسش
- ۱۱۵۹ ..... پاسخ
- ۱۱۵۹ ..... برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟
- ۱۱۵۹ ..... پرسش
- ۱۱۶۰ ..... پاسخ
- ۱۱۶۰ ..... آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟
- ۱۱۶۰ ..... پرسش
- ۱۱۶۰ ..... پاسخ
- ۱۱۶۱ ..... آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟
- ۱۱۶۱ ..... پرسش
- ۱۱۶۱ ..... پاسخ
- ۱۱۶۱ ..... آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟
- ۱۱۶۱ ..... پرسش
- ۱۱۶۱ ..... پاسخ
- ۱۱۶۲ ..... برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟
- ۱۱۶۲ ..... پرسش
- ۱۱۶۲ ..... پاسخ
- ۱۱۶۳ ..... وظیفه کسی که دائم در محل کار و سکونت غیبت و تهمت می شنود، چیست
- ۱۱۶۳ ..... پرسش
- ۱۱۶۳ ..... پاسخ
- ۱۱۶۴ ..... همیشه دیگران را امر به معروف می کنم اما در مجالس گناه مانند مجالس غیبت قدرت جلوگیری از منکر را ندارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟
- ۱۱۶۴ ..... پرسش
- ۱۱۶۴ ..... پاسخ
- ۱۱۶۴ ..... لطفاً وظیفه و چگونگی امر به معروف و نهی از منکر را درباره رانندگان و همسایگانی که اقدام به پخش موسیقی می کنند یا برخی افرادی که در مجالس عروسی می رقصند و به ارشادات ما گوش نمی دهند، بیان کنید؟
- ۱۱۶۴ ..... پرسش
- ۱۱۶۴ ..... پاسخ
- ۱۱۶۷ ..... اگر در محلی مردم یا جمعی از دوستانمان از مسائل دینی بد می گویند، آیا باید آن ها را نصیحت کرد یا باید آن جا را ترک کنیم
- ۱۱۶۷ ..... پرسش
- ۱۱۶۸ ..... پاسخ
- ۱۱۶۸ ..... الف آیا این حدیث درست است که خداوند افراد خوب قوم حضرت موسی غ را به علت امر به معروف و نهی از منکر نکردن و به خاطر سکوت در برابر گناه دیگران همراه با آن ها عذاب کرد؟ ب آیا از نظر خداوند و امام زمان غ درست است که در جامعه دختران و زنان با مانتوها
- ۱۱۶۸ ..... پرسش
- ۱۱۶۹ ..... پاسخ
- ۱۱۷۰ ..... با همسایگانی که نوار ترانه گوش می دهند و صدای نواهای آنها ما را اذیت می کند چگونه برخورد کنیم ؟
- ۱۱۷۰ ..... پرسش
- ۱۱۷۰ ..... پاسخ
- ۱۱۷۰ ..... چگونه می توان افراد را از ارتکاب محرمات باز داشت
- ۱۱۷۰ ..... پرسش
- ۱۱۷۰ ..... پاسخ
- ۱۱۷۳ ..... چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا دیگران ناراحت نند و آیا مشترک ان به علت ناراحتی دیگران جایز
- ۱۱۷۳ ..... پرسش

- ۱۱۷۳ ..... پاسخ
- ۱۱۷۵ ..... یا راننده ای که نوار غیر مجاز پخش می کند چگونه برخورد نماییم؟
- ۱۱۷۵ ..... پرسش
- ۱۱۷۵ ..... پاسخ
- ۱۱۷۶ ..... بهترین وظیفه ما در مقابل افرادی که موسیقی غیرمجاز گوش می دهند چیست؟ اگر این افراد مثلا هم اتاقیهای ما در خوابگاه باشند چطور؟
- ۱۱۷۶ ..... پرسش
- ۱۱۷۶ ..... پاسخ
- ۱۱۷۸ ..... چرا مردم از امر به معروف و نهی از منکر ناراحت می شوند؟
- ۱۱۷۸ ..... پرسش
- ۱۱۷۸ ..... پاسخ
- ۱۱۷۸ ..... برای برخورد با افرادی که در خوابگاه ها تمایل به هم جنس بازی دارند چه باید کرد؟
- ۱۱۷۸ ..... پرسش
- ۱۱۷۸ ..... پاسخ
- ۱۱۸۰ ..... لطفا در مورد امر به معروف و نهی از منکر مراحل و مراتب آن و منابعی که می توانم از آن استفاده کنم برابم بگویید؟
- ۱۱۸۰ ..... پرسش
- ۱۱۸۰ ..... پاسخ
- ۱۱۸۲ ..... رفتار ما با کسانی که اعتنایی به انقلاب و روحانیت ندارند چگونه باید باشد؟
- ۱۱۸۲ ..... پرسش
- ۱۱۸۲ ..... پاسخ
- ۱۱۸۲ ..... روش برخورد با افرادی که از نظر دینی و اعتقادی مشکل دارند چگونه باشد؟
- ۱۱۸۲ ..... پرسش
- ۱۱۸۲ ..... پاسخ
- ۱۱۸۸ ..... تعریف امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۱۸۸ ..... آیا در زمان کنونی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای داریم ، یا وظیفه دولت و حکومت اسلامی است ؟ چرا قوانینی که در قرآن آمده مانند قطع دست دزد اجرا نمی شود؟
- ۱۱۸۸ ..... پرسش
- ۱۱۸۸ ..... پاسخ
- ۱۱۹۰ ..... در مورد راننده هایی که در ماشینشان نوارهای مبتذل روشن می کنند یا در مورد افراد بی حجاب ، باید نهی از منکر کنیم ؟
- ۱۱۹۰ ..... پرسش
- ۱۱۹۰ ..... پاسخ
- ۱۱۹۱ ..... آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟ پرسش
- ۱۱۹۱ ..... اشاره
- ۱۱۹۱ ..... پاسخ
- ۱۱۹۱ ..... دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش
- ۱۱۹۱ ..... اشاره
- ۱۱۹۲ ..... پاسخ
- ۱۱۹۳ ..... فلسفه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش
- ۱۱۹۳ ..... اشاره
- ۱۱۹۳ ..... پاسخ
- ۱۱۹۳ ..... چه عواملی در دایره امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد؟ پرسش
- ۱۱۹۳ ..... اشاره
- ۱۱۹۳ ..... پاسخ

- ۱۱۹۴ ..... آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟ پرسش
- ۱۱۹۴ ..... اشاره -
- ۱۱۹۴ ..... پاسخ -
- ۱۱۹۴ ..... نظر علی(ع) در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ -
- ۱۱۹۴ ..... پرسش -
- ۱۱۹۵ ..... پاسخ -
- ۱۱۹۷ ..... فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟ -
- ۱۱۹۷ ..... پرسش -
- ۱۱۹۷ ..... پاسخ -
- ۱۱۹۸ ..... فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟ -
- ۱۱۹۸ ..... پرسش -
- ۱۱۹۸ ..... پاسخ -
- ۱۱۹۹ ..... فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟ -
- ۱۱۹۹ ..... پرسش -
- ۱۱۹۹ ..... پاسخ -
- ۱۲۰۰ ..... در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟ -
- ۱۲۰۰ ..... پرسش -
- ۱۲۰۰ ..... پاسخ -
- ۱۲۰۲ ..... آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟ -
- ۱۲۰۲ ..... پرسش -
- ۱۲۰۲ ..... پاسخ -
- ۱۲۰۲ ..... آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟ -
- ۱۲۰۲ ..... پرسش -
- ۱۲۰۲ ..... پاسخ -
- ۱۲۰۳ ..... آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟ -
- ۱۲۰۳ ..... پرسش -
- ۱۲۰۳ ..... پاسخ -
- ۱۲۰۴ ..... چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود ؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟) -
- ۱۲۰۴ ..... پرسش -
- ۱۲۰۴ ..... پاسخ -
- ۱۲۰۵ ..... اگر عمل حرامی را ببینیم و سکوت کنیم چه حکمی دارد چنانچه این فرد یک فرد عادی باشد؟ چنانچه یک فرد مسئول اجتماع باشد؟ -
- ۱۲۰۵ ..... پرسش -
- ۱۲۰۵ ..... پاسخ -
- ۱۲۰۵ ..... وظیفه دانشجو در برابر هم اتاقهایی که از ترانه و موسیقی و پاسور استفاده می کنند چیست ؟ -
- ۱۲۰۶ ..... پرسش -
- ۱۲۰۶ ..... پاسخ -
- ۱۲۰۶ ..... با این وضعیت دانشگاهها، آیا فریضه امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است ؟ -
- ۱۲۰۶ ..... پرسش -
- ۱۲۰۶ ..... پاسخ -
- ۱۲۰۷ ..... وظیفه در مورد افرادی با وضع غیرقابل قبولی در دانشگاه رفت و آمد می کنند (مخصوصاً خواهران) چیست؟ آیا می توان امر به معروف و نهی از منکر کرد یا خیر؟ -
- ۱۲۰۷ ..... پرسش -

- ۱۲۰۸ - پاسخ
- آیه و لا تزرأ وئزراً ووزر اخیری که در چند سوره از قرآن آمده است، هیچ کس گناه دیگری را به گردن نمی گیرد.
- ۱۲۱۲ - اشاره
- ۱۲۱۲ - پرسش
- ۱۲۱۲ - پاسخ
- دوستی داشتم که بنا بر تصادف چند ترمی با هم دوست بودیم. کم کم متوجه برخی رفتارهای زشت وی می شوم. تا اینک یک شب بی ادبی را از حد گذرانید و از هم جدا شدیم؛ دیگر حاضر نیستم با وی صحبت کنم. با شناختی که از افکار و رفتارش دارم ... و طبیعاً صد :
- ۱۲۱۵ - پرسش
- ۱۲۱۵ - پاسخ
- امر به معروف و نهی از منکر در حکومت دینی و از جانب حاکمان در امر حکومت تا چه اندازه قابل پذیرش است؟
- ۱۲۱۵ - پرسش
- ۱۲۱۵ - پاسخ
- آقای ایکس در یک خانواده ۵ نفره زندگی می کند او متوجه می شود که برادرش رفت و آمدهای مشکوکی دارد و با افراد بی نماز و صاحب گناهان کبیره دوست است آقای ایکس متوجه می شود که برادرش در استعمال مواد مخدر، تماشای فیلم های مستهجن و غیره با آنها
- ۱۲۲۸ - پرسش
- ۱۲۲۸ - پاسخ
- اگر افرادی از مساله ای غافل باشند آیا وظیفه داریم آنان را آگاه کنیم؟
- ۱۲۳۰ - پرسش
- ۱۲۳۰ - پاسخ
- با توجه به کاهش حجاب اسلامی در دختران در دانشگاهها آیا یک پسر حق دارد دختران بی حجاب را امر به معروف و نهی از منکر کند یا نه؟ چگونه؟
- ۱۲۳۰ - پرسش
- ۱۲۳۰ - پاسخ
- آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟
- ۱۲۳۹ - پرسش
- ۱۲۳۹ - پاسخ
- در چه صورتی امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست؟
- ۱۲۴۰ - پرسش
- ۱۲۴۰ - پاسخ
- آیا امر به معروف و نهی از منکر برای همه واجب است ، حتی اگر بیم جان رود و انسان بترسد، و یا خود انسان همان تقص را داشته باشد؟
- ۱۲۴۰ - پرسش
- ۱۲۴۰ - پاسخ
- امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام را توضیح دهید.
- ۱۲۴۲ - پرسش
- ۱۲۴۲ - پاسخ
- امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه؟
- ۱۲۴۴ - پرسش
- ۱۲۴۴ - پاسخ
- در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟
- ۱۲۴۴ - پرسش
- ۱۲۴۴ - پاسخ
- آیا امر به معروف و نهی از منکر موجب سلب آزادی است؟
- ۱۲۴۵ - پرسش
- ۱۲۴۵ - پاسخ

از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی ، کاملاً باز گذارده است . با در نظر گرفتن چنین اصلی ،چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند واز کارهای بد با ۱۲۴۵

پرسش ..... ۱۲۴۵

پاسخ ..... ۱۲۴۵

سوال آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟ آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده وفاقه تحریک بیرون آمده به ..... ۱۲۵۱

پرسش ..... ۱۲۵۱

پاسخ ..... ۱۲۵۱

سوال آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟ آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده وفاقه تحریک بیرون آمده به ..... ۱۲۵۱

پرسش ..... ۱۲۵۱

پاسخ ..... ۱۲۵۱

آیه ۴۷ سوره آل عمران می گوید : در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دووظیفه بزرگ اجتماعی ( امر به معروف و نهی از منکر ) را انجام دهند اینکه می گوید از میان آنها باید امتی باشند بعضی از جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهد نه همه آنها را و به این ترتب

پرسش ..... ۱۲۵۱

پاسخ ..... ۱۲۵۲

از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی ، کاملاً باز گذارده است . با در نظر گرفتن چنین اصلی ،چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند واز کارهای بد با ۱۲۵۲

پرسش ..... ۱۲۵۲

پاسخ ..... ۱۲۵۲

سوال آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟ آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تول ..... ۱۲۵۷

پرسش ..... ۱۲۵۷

پاسخ ..... ۱۲۵۷

سوال آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟ ..... ۱۲۵۷

پرسش ..... ۱۲۵۷

پاسخ ..... ۱۲۵۷

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟ ..... ۱۲۵۷

پرسش ..... ۱۲۵۷

پاسخ ..... ۱۲۵۷

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟ ..... ۱۲۵۹

پرسش ..... ۱۲۵۹

پاسخ ..... ۱۲۵۹

مسئولیت مردم در مقابل تحریفاتی که در مجالس روضه خوانی میشود چیست؟ ..... ۱۲۵۹

پرسش ..... ۱۲۵۹

پاسخ ..... ۱۲۵۹

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟ ..... ۱۲۶۰

پرسش ..... ۱۲۶۰

پاسخ ..... ۱۲۶۰

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟ ..... ۱۲۶۱

پرسش ..... ۱۲۶۱

پاسخ ..... ۱۲۶۱

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟ ..... ۱۲۶۲

پرسش ..... ۱۲۶۲

پاسخ ..... ۱۲۶۲

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟ ..... ۱۲۶۲

پرسش ..... ۱۲۶۲



- ۱۲۶۲ - پاسخ
- ۱۲۶۳ - امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده‌اند؟
- ۱۲۶۳ - پرسش
- ۱۲۶۳ - پاسخ
- ۱۲۶۳ - دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش
- ۱۲۶۳ - اشاره
- ۱۲۶۳ - پاسخ
- ۱۲۶۵ - فلسفه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش
- ۱۲۶۵ - اشاره
- ۱۲۶۵ - پاسخ
- ۱۲۶۵ - چه عواملی در دایره امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد؟ پرسش
- ۱۲۶۵ - اشاره
- ۱۲۶۵ - پاسخ
- ۱۲۶۶ - آیه "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ..." به چه معناست.
- ۱۲۶۶ - پرسش
- ۱۲۶۶ - پاسخ
- ۱۲۶۶ - اهمیت امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۲۶۶ - چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می‌شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می‌شود؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)
- ۱۲۶۶ - پرسش
- ۱۲۶۷ - پاسخ
- ۱۲۶۸ - ارزش امر به معروف و نهی از منکر تا چه حد است که امام حسین ۷ در این راه به شهادت رسید؟
- ۱۲۶۸ - پرسش
- ۱۲۶۸ - پاسخ
- ۱۲۶۸ - جوانان در ترویج امر به معروف و نهی از منکر چه نقشی دارند؟
- ۱۲۶۸ - پرسش
- ۱۲۶۸ - پاسخ
- ۱۲۶۹ - آیا کشته شدن در راه امر به معروف و نهی از منکر حکم شهید را دارد؟
- ۱۲۶۹ - پرسش
- ۱۲۶۹ - پاسخ
- ۲۶۹ - امروزه فریضه امر به معروف و نهی از منکر غبار گرفته است. در روایت آمده است که گروهی را به جهنم می‌برند، در حالی که در اطاعت خدا بودند، ولی علت دچار شدن به عذاب الهی به خاطر عدم انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود. لطفاً توضیح دهید؟
- ۱۲۶۹ - پرسش
- ۱۲۶۹ - پاسخ
- ۱۲۷۱ - امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟
- ۱۲۷۱ - پرسش
- ۱۲۷۱ - پاسخ
- ۱۲۷۲ - قرآن چه شرطی را برای اینکه مسلمانان بهترین ملت‌ها شوند بیان می‌کند؟
- ۱۲۷۲ - پرسش
- ۱۲۷۲ - پاسخ
- ۱۲۷۲ - پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده‌اند؟
- ۱۲۷۲ - پرسش
- ۱۲۷۲ - پاسخ

- ۱۲۷۵ ..... پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟
- پرسش ..... ۱۲۷۵
- پاسخ ..... ۱۲۷۵
- ۱۲۷۷ ..... امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟
- پرسش ..... ۱۲۷۷
- پاسخ ..... ۱۲۷۷
- ۱۲۷۷ ..... امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟
- پرسش ..... ۱۲۷۷
- پاسخ ..... ۱۲۷۷
- ۱۲۷۸ ..... امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟
- پرسش ..... ۱۲۷۸
- پاسخ ..... ۱۲۷۸
- ۱۲۷۸ ..... امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟ پرسش
- اشاره ..... ۱۲۷۸
- پاسخ ..... ۱۲۷۹
- ۱۲۷۹ ..... امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟ پرسش
- اشاره ..... ۱۲۷۹
- پاسخ ..... ۱۲۷۹
- ۱۲۷۹ ..... علی(ع) در مورد تارکان امر به معروف و نهی از منکر چه می فرماید؟
- پرسش ..... ۱۲۷۹
- پاسخ ..... ۱۲۸۰
- ۱۲۸۰ ..... جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟
- پرسش ..... ۱۲۸۰
- پاسخ ..... ۱۲۸۰
- ۱۲۸۴ ..... آیا این ادعای قاضی عبدالجبار معتزلی در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر صحیح است که می گویند: «در میان امت کسی با وجوب آن مخالف نیست، جز گروه امامیه؟»
- پرسش ..... ۱۲۸۴
- پاسخ ..... ۱۲۸۴
- ۱۲۸۶ ..... جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟
- پرسش ..... ۱۲۸۶
- پاسخ ..... ۱۲۸۷
- ۱۲۹۱ ..... جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟
- پرسش ..... ۱۲۹۱
- پاسخ ..... ۱۲۹۱
- ۱۲۹۵ ..... درباره اهمیت امر به معروف و زبان های ترک آن توضیح دهید.
- پرسش ..... ۱۲۹۵
- پاسخ ..... ۱۲۹۵
- ۱۲۹۵ ..... از نظر قرآن امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مسلمانان است یا وظیفه عده ای یا گروهی خاص است.
- پرسش ..... ۱۲۹۵
- پاسخ ..... ۱۲۹۵
- ۱۲۹۷ ..... آیا انسان در اصلاح جامعه خود مسؤول است؟
- پرسش ..... ۱۲۹۷

پاسخ - ۱۲۹۷

آیا می توان به خاطر کمرویی و همچنین یقین به عدم ترتب اثر امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه را ترک کرد؟ اینجانب خیلی وقتها فکر می کنم کسی که گناه می کند حرام انجام داده و او که امر به معروف نمی کند ترک واجب نموده است پس آیا این دو نزد حضر

پرسش - ۱۲۹۷

پاسخ - ۱۲۹۸

درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.

پرسش - ۱۲۹۸

پاسخ - ۱۲۹۸

در باره تفسیر آیه (لا یكلف الله نفسا الا وسعها) و ارتباط آن با امر به معروف و نهی از منکر توضیح دهید؟

پرسش - ۱۲۹۹

پاسخ - ۱۲۹۹

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

ما در روستایی زندگی می کنیم که برای کار و کشاورزی هم باهم به طور دسته جمعی کار می کنیم و چون گناه و غیبت و غیره صورت می گیرد و از طرفی بنده نمی توانم امر به معروف کنم، چون تأثیری ندارد، آیا می توانم از آنجا به جای دیگر هجرت کنم؟

پرسش - ۱۲۹۹

پاسخ - ۱۲۹۹

هنگامی که در مسجد برق قطع می شود، بعضی افراد شروع بر سر مردم می یاشند. آیا معرفی آنان به نیروی انتظامی کار درستی است؟

پرسش - ۱۳۰۰

پاسخ - ۱۳۰۰

وظیفه انسان در مجلسی که شخصی غیبت می کند، چیست؟

پرسش - ۱۳۰۰

پاسخ - ۱۳۰۰

اگر در مجلس گناه بودیم، و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم، وظیفه ما چیست؟

پرسش - ۱۳۰۰

پاسخ - ۱۳۰۱

اگر در مجلس گناه بودیم و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم وظیفه ما چیست؟

پرسش - ۱۳۰۱

پاسخ - ۱۳۰۱

آیا این که ما بسیجی باشیم و یا ضابط امر به معروف و نهی از منکر تا دیدم کسی در کوچه و بازار اعمال ضد اخلاقی می کند مانند متکل گفتن به دختران و یا مزاحمت های دیگر یا برقراری رابطه نامشروع در ملا عام ما می توانیم بدون حکم قاضی اینها را دست و پا بسته م

پرسش - ۱۳۰۲

پاسخ - ۱۳۰۳

وظیفه طلبه های علوم دینی در قبال افرادی که به آسانی گناه می کنند و گناه برای آنان عادی می باشد، چیست

پرسش - ۱۳۰۵

پاسخ - ۱۳۰۵

وظیفه ما، در مقابل کسانی که مرتکب گناه می شوند، چیست چگونه می توان از نظر قانونی و رسمی قدرت پیدا کنیم تا بتوانیم در مقابل آن ها ایستادگی نماییم

پرسش - ۱۳۰۶

پاسخ - ۱۳۰۶

همسر من با ترانه و موسیقی میانه خوبی دارد اگر بعد از امر به معروف و نهی از منکر همسرم اصلاح نشد می توانم برخورد جدی کنم یا نه؟

پرسش - ۱۳۰۷

پاسخ - ۱۳۰۷

آیا این شیوه امر به معروف است که سرجوانی را بترانند و او را جریمه کنند؟ آیا بدین وسیله به طرف اسلام برمی گردد یا از آن روی گردان می شود؟

پرسش - ۱۳۰۷

پاسخ - ۱۳۰۷

- ۱۳۰۷ ..... اگر بخواهیم فردی را که درآمدش از راه حرام است امر به معروف نماییم شیوه صحیح این کار چیست؟
- پرسش ..... ۱۳۰۸
- پاسخ ..... ۱۳۰۸
- ۱۳۰۹ ..... در مورد افرادی که به مسائل دینی معتقد هستند ولی در مساله موسیقی محدودیتی برای خود قائل نمی شوند چه باید کرد؟
- پرسش ..... ۱۳۰۹
- پاسخ ..... ۱۳۰۹
- ۱۳۱۰ ..... امر به معروف ونهی از منکر در خصوص کسانی که به احتمال زیاد در آنها تاثیر ندارد چگونه است یعنی اگر انسان احتمال قوی بدهد که اگر کسی را نهی از منکر کند در وی تاثیر نخواهد داشت و نیز انسان را بدهد که حتی با نهی از منکر کردن آن شخص آن
- پرسش ..... ۱۳۱۰
- پاسخ ..... ۱۳۱۰
- ۱۳۱۰ ..... مهمان به خانه ما می آید ولی غیبت می کند. از این کار متنفرم. از این رو آن جا را ترک می کنم. آیا این کار من گناه است؟
- پرسش ..... ۱۳۱۰
- پاسخ ..... ۱۳۱۰
- ۱۳۱۱ ..... امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟
- پرسش ..... ۱۳۱۱
- پاسخ ..... ۱۳۱۱
- ۱۳۱۱ ..... اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟
- پرسش ..... ۱۳۱۱
- پاسخ ..... ۱۳۱۱
- ۱۳۱۲ ..... امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟
- پرسش ..... ۱۳۱۲
- پاسخ ..... ۱۳۱۲
- ۱۳۱۲ ..... امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟
- پرسش ..... ۱۳۱۲
- پاسخ ..... ۱۳۱۲
- ۱۳۱۳ ..... پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟
- پرسش ..... ۱۳۱۳
- پاسخ ..... ۱۳۱۳
- ۱۳۱۳ ..... پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟
- پرسش ..... ۱۳۱۳
- پاسخ ..... ۱۳۱۳
- ۱۳۱۴ ..... پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟
- پرسش ..... ۱۳۱۴
- پاسخ ..... ۱۳۱۴
- ۱۳۱۴ ..... آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟
- پرسش ..... ۱۳۱۴
- پاسخ ..... ۱۳۱۴
- ۱۳۱۶ ..... آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟
- پرسش ..... ۱۳۱۶
- پاسخ ..... ۱۳۱۶
- ۱۳۱۷ ..... آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟
- پرسش ..... ۱۳۱۷

- ۱۳۱۷ - پاسخ
- ۱۳۱۸ - امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟
- ۱۳۱۸ - پرسش
- ۱۳۱۸ - پاسخ
- ۱۳۱۸ - امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟
- ۱۳۱۸ - پرسش
- ۱۳۱۸ - پاسخ
- ۱۳۱۹ - امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟
- ۱۳۱۹ - پرسش
- ۱۳۱۹ - پاسخ
- ۱۳۱۹ - امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟
- ۱۳۱۹ - پرسش
- ۱۳۱۹ - پاسخ
- ۱۳۲۰ - اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟
- ۱۳۲۰ - پرسش
- ۱۳۲۰ - پاسخ
- ۱۳۲۰ - اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟
- ۱۳۲۰ - پرسش
- ۱۳۲۰ - پاسخ
- ۱۳۲۱ - از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟
- ۱۳۲۱ - پرسش
- ۱۳۲۱ - پاسخ
- ۱۳۲۲ - از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟
- ۱۳۲۲ - پرسش
- ۱۳۲۲ - پاسخ
- ۱۳۲۳ - کدام قسم از اقسام امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه عموم مردم است؟ پرسش
- ۱۳۲۳ - اشاره
- ۱۳۲۳ - پاسخ
- ۱۳۲۳ - دلیل وجوب امر به معروف عقلی است یا شرعی؟
- ۱۳۲۳ - پرسش
- ۱۳۲۳ - پاسخ
- ۱۳۲۶ - مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.
- ۱۳۲۶ - پرسش
- ۱۳۲۶ - پاسخ
- ۱۳۲۷ - مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.
- ۱۳۲۷ - پرسش
- ۱۳۲۷ - پاسخ
- ۱۳۲۸ - برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟
- ۱۳۲۸ - پرسش
- ۱۳۲۸ - پاسخ
- ۱۳۲۸ - شرایط امر به معروف و نهی از منکر

- ۱۳۲۹ ..... آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرا دیگری؛ خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می کنند؟
- پرسش ..... ۱۳۲۹
- پاسخ ..... ۱۳۲۹
- دست دادن افراد نامحرم که با هم فامیل می باشند ، چه حکمی دارد؟ ..... ۱۳۲۹
- اشاره ..... ۱۳۲۹
- پرسش ..... ۱۳۲۹
- پاسخ ..... ۱۳۲۹
- به خاطر ترس از آزار جسمی و روحی دیگران ، از انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر خودداری کرده و آن را ترک می کنم . چگونه می توان بر این ترس غلبه نمود؟ ..... ۱۳۳۲
- پرسش ..... ۱۳۳۲
- پاسخ ..... ۱۳۳۲
- یکی از شرایط عمومی تکالیف شرعی، داشتن قدرت است و در روایات اهل بیت عصمت و طهارت، بیان شده است که این فریضه صرفاً بر عهده کسانی است که قدرت بر این کار داشته باشند؛ در حالی که در نهضت حسینی(ع)، آن حضرت به دلیل جهالت یا سست عنصری
- پرسش ..... ۱۳۳۳
- پاسخ ..... ۱۳۳۴
- شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ ..... ۱۳۳۶
- پرسش ..... ۱۳۳۶
- پاسخ ..... ۱۳۳۶
- آیا امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسانی که تحت تأثیر واقع نمی شوند و با انسان برخوردناشایستی انجام می دهند، واجب است ؟ ..... ۱۳۳۶
- پرسش ..... ۱۳۳۶
- پاسخ ..... ۱۳۳۷
- شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست ؟ ..... ۱۳۳۸
- پرسش ..... ۱۳۳۸
- پاسخ ..... ۱۳۳۸
- از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟ ..... ۱۳۴۰
- پرسش ..... ۱۳۴۰
- پاسخ ..... ۱۳۴۰
- از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟ ..... ۱۳۴۱
- پرسش ..... ۱۳۴۱
- پاسخ ..... ۱۳۴۱
- از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟ ..... ۱۳۴۲
- پرسش ..... ۱۳۴۲
- پاسخ ..... ۱۳۴۲
- از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟ ..... ۱۳۴۳
- پرسش ..... ۱۳۴۳
- پاسخ ..... ۱۳۴۳
- از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟ ..... ۱۳۴۴
- پرسش ..... ۱۳۴۴
- پاسخ ..... ۱۳۴۴
- شرایط امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید. .... ۱۳۴۵
- پرسش ..... ۱۳۴۵
- پاسخ ..... ۱۳۴۵
- شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست ؟ ..... ۱۳۴۵

- پرسش ..... ۱۳۴۵
- پاسخ ..... ۱۳۴۵
- معاشرت با افراد منحرف آنگاه که قصد راهنمایی در بین باشد دارای چه ضوابطی است؟ ..... ۱۳۴۷
- پرسش ..... ۱۳۴۷
- پاسخ ..... ۱۳۴۷
- آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرای دیگر خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می کنند؟ ..... ۱۳۴۸
- پرسش ..... ۱۳۴۸
- پاسخ ..... ۱۳۴۸
- ما چه موقع باید (واجب است) که امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟ چه مواقعی نباید دست به امر به معروف و نهی از منکر بزنیم؟ ..... ۱۳۴۸
- پرسش ..... ۱۳۴۸
- پاسخ ..... ۱۳۴۸
- لطفاً بفرمایید آیا امر به معروف و نهی از منکر برای افرادی که به وضو، نماز و... اهمیت نمی دهند و در خیابان ها با ظاهری ناهنجار ظاهر می شوند واجب است چنانچه واجب است بهترین روش کدام است ..... ۱۳۵۰
- پرسش ..... ۱۳۵۰
- پاسخ ..... ۱۳۵۱
- امر به معروف و نهی از منکر دارای چه شرایطی است؟ ..... ۱۳۵۲
- پرسش ..... ۱۳۵۲
- پاسخ ..... ۱۳۵۲
- وظیفه ما در برابر فیلم های مبتذل چیست؟ ..... ۱۳۵۲
- پرسش ..... ۱۳۵۲
- پاسخ ..... ۱۳۵۲
- حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای چه شرایطی است؟ ..... ۱۳۵۳
- پرسش ..... ۱۳۵۳
- پاسخ ..... ۱۳۵۳
- چگونه می توان صلاحیت امر به معروف و نهی از منکر را به دست آورد؟ ..... ۱۳۵۴
- پرسش ..... ۱۳۵۴
- پاسخ ..... ۱۳۵۴
- آیا کسی که خود عمل به معروف نمیکند می تواند امر به معروف کند یا خیر؟ به عنوان مثال کسی را که سیگار میکشد میتواند ما را به نهی از سیگار کشیدن کند یا مثلاً کسی که خود بی حجاب است یا بد حجاب امکانش است که خود ما را امر به معروف و نهی از منکر ..... ۱۳۵۵
- پرسش ..... ۱۳۵۵
- پاسخ ..... ۱۳۵۷
- درجایی دوم خردادی های زیادی نشسته اند و از رهبر بد می گویند (مثلاً در مدرسه) خوب ما اگر از رهبر دفاع کنیم با ما بد شده و دعوا راه می اندازند و مدیر هم ما را دعوا می کند و اگر ساکت باشیم هم خوب نیست وظیفه چیست؟ توضیح دهید؟ ..... ۱۳۵۸
- پرسش ..... ۱۳۵۸
- پاسخ ..... ۱۳۵۸
۱. برای اینکه جوانان به معطلات اجتماعی روی نیاورند برای امر به معروف و نهی از منکر چه اقداماتی را باید انجام داد؟ (در ضمن بنده معلم هستم و بیشتر با جوانهای دبیرستانی تماس دارم) ..... ۱۳۵۹
- پرسش ..... ۱۳۵۹
- پاسخ ..... ۱۳۵۹
- نهی از منکر به چه کسی و چه کسانی واجب است؟ لطفاً توضیح دهید. .... ۱۳۶۳
- پرسش ..... ۱۳۶۳
- پاسخ ..... ۱۳۶۳
- آیا امر به معروف فردی را که تا اندازه ای احکام شرعی را رعایت می کند می توان پذیرفت تجربه های اشخاص درباره معروف و منکر، تا چه اندازه در قبول امر و نهی آنان اعتبار دارد؟ ..... ۱۳۶۵
- پرسش ..... ۱۳۶۵
- پاسخ ..... ۱۳۶۵

- ۱۳۶۷ ..... امر به معروف و نهی از منکر چه شرایطی دارد و وظیفه در این مورد چیست ؟
- پرسش ..... ۱۳۶۷
- پاسخ ..... ۱۳۶۷
- ۱۳۶۸ ..... آیا برای تاثیر بیشتر ابتدا می شود از نهی از منکر چشم پوشی کرد؟
- پرسش ..... ۱۳۶۸
- پاسخ ..... ۱۳۶۸
- ۱۳۶۸ ..... شیوه های امر به معروف و نهی از منکر
- پرسش ..... ۱۳۶۸
- پاسخ ..... ۱۳۶۸
- ۱۳۶۸ ..... در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟
- پرسش ..... ۱۳۶۸
- پاسخ ..... ۱۳۶۸
- ۱۳۷۱ ..... اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟
- پرسش ..... ۱۳۷۱
- پاسخ ..... ۱۳۷۱
- ۱۳۷۱ ..... اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟
- پرسش ..... ۱۳۷۱
- پاسخ ..... ۱۳۷۱
- ۱۳۷۲ ..... اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟
- پرسش ..... ۱۳۷۲
- پاسخ ..... ۱۳۷۲
- ۱۳۷۴ ..... در جامعه الآن که آزادی وجود دارد، چگونه می توان حجاب را به طور صحیح رعایت کرد؟ و با افرادی که بی حجابند، چطور باید برخورد کرد؟
- پرسش ..... ۱۳۷۴
- پاسخ ..... ۱۳۷۴
- ۱۳۷۶ ..... چه فعالیتهایی در حوزه علمیه صورت گرفته است تا ارتباط بیشتری با مردم داشته باشند؟ و مطالعات و تحقیقات آنها مطابق نیازهای مردم مخصوصاً نسل جوان باشد؟
- پرسش ..... ۱۳۷۶
- پاسخ ..... ۱۳۷۶
- ۱۳۷۷ ..... رفتار ما با کسانی که به رهبر و یا دیگر مسئولین نظر سوتی دارند و بدگویی می کنند چگونه باید باشد؟
- پرسش ..... ۱۳۷۷
- پاسخ ..... ۱۳۷۷
- ۱۳۷۷ ..... وظیفه ما در مقابل افرادی که ادعا می کنند مستجاب الدعوه بوده و می توانند با اهل بیت : و به خصوص امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط برقرار کنند و حتی دیگران را به حضور ائمه : شرفیاب کنند و آنان را موفق به دیدار ائمه کنند، و یا بیماران را با ادعای
- پرسش ..... ۱۳۷۹
- پاسخ ..... ۱۳۷۹
- ۱۳۸۲ ..... چرا در مقابل غیبت و تهمت مثل بی حجابی شدت عمل به خرج داده نمی شود
- پرسش ..... ۱۳۸۲
- پاسخ ..... ۱۳۸۲
- ۱۳۸۳ ..... چگونه می توان یک فرد بدبین را به نظام و انقلاب خوشبین کرد
- پرسش ..... ۱۳۸۳
- پاسخ ..... ۱۳۸۳
- ۱۳۸۳ ..... با مخالفین نظام چگونه برخورد کنیم
- پرسش ..... ۱۳۸۳
- پاسخ ..... ۱۳۸۳
- ۱۳۸۴ ..... اگر بخواهید در قالب یک نامه ی دوستانه شخصی را امر به محجبه بودن و نهی از بی حجابی بکنید چه نامه ای می نویسید، خواهشمندم در رابطه با این سؤال یک نمونه ی نامه بنویسید.
- پرسش ..... ۱۳۸۴
- پاسخ ..... ۱۳۸۴

در مقابل افرادی که از نظام بد می گویند ولایت را سرزنش می کنند چگونه بایستیم حتی اگر بزرگتر من باشند و حتی اگر جوان و نامحرم باشند چگونه به آنها بفهمانیم که همه یک طور نیستند برای نظام و مسئولین که واقع خوب هستند احترام بگذارم و در مقابل مسئولین



- پرسش ..... ۱۳۸۵
- پاسخ ..... ۱۳۸۶
- چگونه می توان جوانان را به سوی معنویت دعوت کرد؟ ..... ۱۳۸۷
- پرسش ..... ۱۳۸۷
- پاسخ ..... ۱۳۸۷
- چگونه باید با منتقدان نظام و ولایت فقیه برخورد کرد؟ ..... ۱۳۸۷
- پرسش ..... ۱۳۸۷
- پاسخ ..... ۱۳۸۷
- فرزند شهیدی بعثت مسائل اجتماعی از شهادت پدرش ناراضی است e چگونه وی را آگاه سازیم ؟ ..... ۱۳۸۸
- پرسش ..... ۱۳۸۸
- پاسخ ..... ۱۳۸۸
- آیا با افرادی که توهین به نظام جمهوری اسلامی یا ولایت فقیه یا روحانیون می کنند می توانیم برخورد کنیم و وظیفه ما در این مورد چیست؟ ..... ۱۳۹۰
- پرسش ..... ۱۳۹۰
- پاسخ ..... ۱۳۹۰
- میسوط ..... ۱۳۹۲
- پرسش ..... ۱۳۹۲
- پاسخ ..... ۱۳۹۲
- در پاسخ به افرادی که ضدروحانیت و ضد انقلاب اسلامی سخن می گویند و حرف از گرانی می زنند چه بگوییم؟ ..... ۱۳۹۴
- پرسش ..... ۱۳۹۴
- پاسخ ..... ۱۳۹۴
- در گشتهای شب وقتی افرادی را می گیریم که به سؤاها جواب نمی دهند گاهی اوقات آنها را می زنییم، آیا به نظر شما و شرع مقدس اسلام اشکال دارد؟ ..... ۱۳۹۶
- پرسش ..... ۱۳۹۶
- پاسخ ..... ۱۳۹۶
- آیا این صحیح است که ما برای ارشاد دیگران باید خود را الگو قرار دهیم ..... ۱۳۹۷
- پرسش ..... ۱۳۹۷
- پاسخ ..... ۱۳۹۷
- در مورد اینکه هم اکنون در محیط دانشگاه و خارج از آن عده ای هستند که به قشر روحانیت توهین می کنند وظیفه ما در برابر این اشخاص چیست. سکوت یا برخورد؟ ..... ۱۳۹۷
- پرسش ..... ۱۳۹۷
- پاسخ ..... ۱۳۹۷
- یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است و این وضعیت در نهضت موجود نبود؛ چه اینکه معلوم بود یزید و پیروانش نه از حکومت کنار می روند و نه از روش خود دست برمی دارند! پس امام حسین(ع) با چه منطق و حجت شرعی به این کار اقد ..... ۱۴۰۰
- پرسش ..... ۱۴۰۰
- پاسخ ..... ۱۴۰۰
- راه مسلمان کردن یک غیر مسلمان چگونه می باشد؟ ..... ۱۴۰۵
- پرسش ..... ۱۴۰۵
- پاسخ ..... ۱۴۰۵
- برخورد با رباخوار چگونه باید باشد؟ ..... ۱۴۱۴
- پرسش ..... ۱۴۱۴
- پاسخ ..... ۱۴۱۴
- چگونه می توان کسی را به معروف و نهی از منکر کرد و او را به اسلام و نماز خواندن دعوت نمود بدون این که احساس ناراحتی کند؟ ..... ۱۴۱۴
- پرسش ..... ۱۴۱۴
- پاسخ ..... ۱۴۱۴

چگونه می توانم در خود اراده انجام امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد و یا تقویت کنم؟ ..... ۱۴۱۶

پرسش ..... ۱۴۱۶

پاسخ ..... ۱۴۱۶

مادرم غیبت زیاد می کند دوری از وی امکان ندارد و نهی از منکر هم در او تأثیر ندارد. چه رفتاری می توان باوی داشت؟ ..... ۱۴۱۶

پرسش ..... ۱۴۱۶

پاسخ ..... ۱۴۱۶

اگر برای ارشاد شخصی، به شخصیت فرد دیگر توهین کنم تا مخاطب بفهمد کارش اشتباه است، گناه محسوب می شود؟ اگر گناه است، چرا پیامبر شخصی را که تند نماز می خواند، به کلاغی تشبیه کرد که به زمین نوک می زند؟ ..... ۱۴۱۷

پرسش ..... ۱۴۱۷

پاسخ ..... ۱۴۱۷

وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟ ..... ۱۴۱۸

پرسش ..... ۱۴۱۸

پاسخ ..... ۱۴۱۸

در صورتی که در خانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟ ..... ۱۴۱۸

پرسش ..... ۱۴۱۸

پاسخ ..... ۱۴۱۸

وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟ ..... ۱۴۱۹

پرسش ..... ۱۴۱۹

پاسخ ..... ۱۴۱۹

در صورتی که در خانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟ ..... ۱۴۱۹

پرسش ..... ۱۴۱۹

پاسخ ..... ۱۴۲۰

وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟ ..... ۱۴۲۰

پرسش ..... ۱۴۲۰

پاسخ ..... ۱۴۲۰

بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند. برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟ ..... ۱۴۲۰

پرسش ..... ۱۴۲۰

پاسخ ..... ۱۴۲۱

برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟ ..... ۱۴۲۱

پرسش ..... ۱۴۲۱

پاسخ ..... ۱۴۲۱

بهترین روش امر به معروف و نهی از منکر - که تأثیر در باطن روح افراد داشته باشد - بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید . ..... ۱۴۲۲

پرسش ..... ۱۴۲۲

پاسخ ..... ۱۴۲۳

وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟ ..... ۱۴۲۳

پرسش ..... ۱۴۲۳

پاسخ ..... ۱۴۲۳

در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد، نصیحت یا گزارش به مسئولین ، اگر فایده نداشته باشد چگونه؟ ..... ۱۴۲۳

پرسش ..... ۱۴۲۴

پاسخ ..... ۱۴۲۴

اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به خاطر حفظ حرمت مهمان می توان او را نهی نکرد؟ ..... ۱۴۲۴

پرسش ..... ۱۴۲۴

- پاسخ - ۱۴۲۴
- آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدیتر لازم است؟ - ۱۴۲۴
- پرسش - ۱۴۲۴
- پاسخ - ۱۴۲۵
- بهترین شیوه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ - ۱۴۲۵
- پرسش - ۱۴۲۵
- پاسخ - ۱۴۲۵
- چگونگی انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تفاوت‌های نحوه عمل به این فریضه در محیط اجتماع و دانشگاه را بیان فرمایید. - ۱۴۲۶
- پرسش - ۱۴۲۶
- پاسخ - ۱۴۲۶
- امر به معروف و نهی از منکر در جامعه امروزی چگونه است؟ - ۱۴۲۷
- پرسش - ۱۴۲۷
- پاسخ - ۱۴۲۷
- وظیفه احاد مردم در امر به معروف و نهی از منکر در جامعه چگونه است؟ - ۱۴۳۱
- پرسش - ۱۴۳۱
- پاسخ - ۱۴۳۱
- در امر به معروف و نهی از منکر خواهرانی که خود میل به کارهای خراب دارند و با برادران گفتگوی غیر مجاز و بیش از حد شرم آور دارند چگونه باید عمل کرد؟ یا به چه مکان ها و شماره تلفنی تماس گرفت که سریعتر عمل کنند؟ - ۱۴۳۵
- پرسش - ۱۴۳۵
- پاسخ - ۱۴۳۵
- اگر از شما بخواهند چند جوان که شاید ظاهر نادرستی از لحاظ پوشش داشته باشند منظور این که مثلاً فردی که فرضاً موهای خود را بسته و لباس چسبیده به تن دارد را به گونه ای ارشاد کنید که به نماز جماعت بیایند که خودتان نیز پیش نماز باشید چگونه برخورد می - ۱۴۳۶
- پرسش - ۱۴۳۶
- پاسخ - ۱۴۳۶
- در حال حاضر که اینقدر نوارهای موسیقی چه صوتی و چه تصویری رواج پیدا کرده است و ما در هر زمانی شاهد اینگونه ماجرا هستیم و نمی شود علم آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد و آیا در چنین مواقعی شنیدن اینگونه مبتذلها و دیدن نوارها و سی دی های تحر - ۱۴۳۸
- پرسش - ۱۴۳۸
- پاسخ - ۱۴۳۸
- دوستی دارم که هر وقت به خانه آنها می روم برایم نوار ترانه و شو می گذارد ولی من دوست ندارم نگاه کنم و از طرفی خجالت می کشم که به او بگویم. البته جو خانه آنها همینطور است ولی دوستم را از نظر اخلاقی، معرفتی و دینی خیلی دوست دارم او اهل نماز روزه و ده - ۱۴۴۲
- پرسش - ۱۴۴۲
- پاسخ - ۱۴۴۲
- اگر ما در مجلس عروسی حاضر گردیم و آن مجلس از موسیقی مبتذل استفاده نموده آن موسیقی به گوش برسد چه کار کنیم اگر هم عروسی را ترک کنیم صاحب خانه ناراحت می شود باز هم باید از آنجا برویم؟ راهنمایی کنید؟ - ۱۴۴۳
- پرسش - ۱۴۴۳
- پاسخ - ۱۴۴۳
- اگر فردی به مجلس عروسی دعوت شود و پس از ورود با میهمانان که مشغول رقص و پایکوبی هستند روبرو شود و بر فرض آنکه با ترک مجلس، امر به معروف و نهی از منکر نیز محقق نشود وظیفه فرد چیست؟ ماندن در آن مجلس چه حکمی دارد؟ - ۱۴۴۷
- پرسش - ۱۴۴۷
- پاسخ - ۱۴۴۷
- وقتی روزانه در خیابان محرمات زیادی صورت می گیرد وظیفه افراد جامعه در قبال امر به معروف و نهی از منکر چیست - ۱۴۴۸
- پرسش - ۱۴۴۸
- پاسخ - ۱۴۴۸
- هم اکنون در جامعه بی بندوباری روابط نامشروع فساد، قاچاق مواد مخدر، بی اعتنائی به شعائر مذهبی نشر فرهنگ بیگانه زیر پا گذاشتن حرمت حجاب دهن کجی به اسلام روی کار آمدن مطرب ها و رقص ها، رمالی دعائوسی جادوگری جرأت پیدا کردن اراذل و اوباش - ۱۴۴۸
- پرسش - ۱۴۴۸
- پاسخ - ۱۴۴۸
- اگر بخواهیم شخصی را که به نوار ترانه و حرام گوش می دهد، از آن بازداریم باید چه کنیم - ۱۴۵۱

- پرسش ..... ۱۴۵۱
- پاسخ ..... ۱۴۵۱
- در برخورد با زنان بدحجاب در جامعه چه وظیفه ای داریم ..... ۱۴۵۲
- پرسش ..... ۱۴۵۲
- پاسخ ..... ۱۴۵۲
- پدر و مادری که دچار منکر شده اند چگونه می توان آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد، اگر نصیحت تاثیر نکرده، می توان به آنها اخم یا تندی کرد؟ ..... ۱۴۵۳
- پرسش ..... ۱۴۵۳
- پاسخ ..... ۱۴۵۴
- وظیفه زن در قبال شوهری که ریش می تراشد و در مجالس عروسی شرکت می کند و خیلی طبق احکام رفتار نمی کند، چیست ؟ ..... ۱۴۵۴
- پرسش ..... ۱۴۵۴
- پاسخ ..... ۱۴۵۴
- وظیفه مادر قبال دختر دانشجویی که ازدواج کرده، ولی بایک دکتر متخصص ارتباط پیدا کرده و قصد دارد شوهر خود طلاق بگیرد، در حالی که شوهرش از این امر مطلع نیست، چیست ؟ ..... ۱۴۵۴
- پرسش ..... ۱۴۵۴
- پاسخ ..... ۱۴۵۴
- می خواهیم برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر گروهی به نام ناصحین تشکیل دهیم ما را راهنمایی کنید. .... ۱۴۵۵
- پرسش ..... ۱۴۵۵
- پاسخ ..... ۱۴۵۵
- وظیفه داماد در مقابل منکرانی که در جشن ازدواج انجام می شود چیست ؟ ..... ۱۴۵۶
- پرسش ..... ۱۴۵۶
- پاسخ ..... ۱۴۵۶
- آیا تند روی در اجرای احکام اسلامی در دانشگاه ها درست است ؟ ..... ۱۴۵۷
- پرسش ..... ۱۴۵۷
- پاسخ ..... ۱۴۵۷
- با توجه به اینکه در اکثر خانوادهها نوارهای غیرمجاز گوش می دهند ما چه کنیم که متزوی نشویم ؟ ..... ۱۴۵۷
- پرسش ..... ۱۴۵۷
- پاسخ ..... ۱۴۵۷
- وظیفه من به عنوان یک دانشجوی مذهبی در امور امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه است؟ ..... ۱۴۵۸
- پرسش ..... ۱۴۵۸
- پاسخ ..... ۱۴۵۸
- پدرم نماز نمی خواند چگونه او را به نماز خواندن ترغیب و تشویق نمایم ..... ۱۴۶۱
- پرسش ..... ۱۴۶۱
- پاسخ ..... ۱۴۶۱
- در مورد تخلفاتی نظیر ارتشاء و اختلاس چه باید کرد؟ ..... ۱۴۶۴
- پرسش ..... ۱۴۶۴
- پاسخ ..... ۱۴۶۴
- اصلاً راه و روش امر به معروف کردن را بلد نیستم در اتوبوس، در سطح شهر، در دانشگاه به دوستانم هم حتی نمی توانم تذکر بدهم که مثلاً حجابشان را رعایت کنید و ... لطفاً کمکم کنید. .... ۱۴۶۴
- پرسش ..... ۱۴۶۵
- پاسخ ..... ۱۴۶۵
- امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه باید باشد؟ ..... ۱۴۶۶
- پرسش ..... ۱۴۶۶
- پاسخ ..... ۱۴۶۶

در مقابل کسانی که جوانان نامحرم هستند و گناه می کنند چگونه برخورد کنیم اگر آنها را راهنمایی کنیم در واقع با آنها حرف بزنم آنها برداشت بد کرده مرا مورد آزار قرار دهند چه؟ و با آن مردان نامحرم حرف بزنم چه؟ آنان که از نیت من خیر ندارند می ترسم که گناه باشم

پرسش ..... ۱۴۶۶

پاسخ ..... ۱۴۶۷

بنده دو سال پیش خواهرم را بخاطر علاقه زیادی که به هنر سینما داشت به تهران برده و وارد یک مؤسسه آموزشی سینمایی نمودم و پس از آن پدرم با رغبت کامل بقیه مقدمات را اعم از تأمین مسکن، خوراک و تأمین خرج تحصیل و ... را خودش بر عهده گرفت. همانطور

پرسش ..... ۱۴۶۸

پاسخ ..... ۱۴۶۹

وظیفه ما در مجالسی مثل جشن عقد و عروسی که زن در مقابل مرد می رقصد چیست ؟

پرسش ..... ۱۴۷۰

پاسخ ..... ۱۴۷۰

با شخصی که نماز نمی خواند و حرف های بد می زند، چگونه باید برخورد کرد؟

پرسش ..... ۱۴۷۰

پاسخ ..... ۱۴۷۰

مادر فرد بسیار خوبی بود اما نماز نمی خواند الان چه کاری باید من انجام دهم تا در آن دنیا مورد مواخذه قرار نگیرد؟

پرسش ..... ۱۴۷۱

پاسخ ..... ۱۴۷۱

با کسی که علاقه مند به دیدن فیلم های شبکه های خارجی است چه باید کرد؟

پرسش ..... ۱۴۷۲

پاسخ ..... ۱۴۷۲

در خیابانها دیده می شود که دختر و پسر با هم ارتباط دارند و کارهای خلافی را انجام می دهند، وظیفه چیست ؟

پرسش ..... ۱۴۷۴

پاسخ ..... ۱۴۷۴

با برادرم که مرتکب کار خلاف شرع می شود و خواهرم که از او متاثر شده ، چگونه رفتار کنم ؟

پرسش ..... ۱۴۷۴

پاسخ ..... ۱۴۷۴

برای بازداشتن نزدیکان از دوستان ناباب و مجالس گناه وظیفه عقلی و شرعی و اجتماعی ما چیست ؟

پرسش ..... ۱۴۸۰

پاسخ ..... ۱۴۸۰

با فساد و ناهنجاری دانشجویان چگونه برخورد کنیم ؟ در این میان چگونه می توانم همسر خوب انتخاب کنم ؟

پرسش ..... ۱۴۸۵

پاسخ ..... ۱۴۸۵

بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا - که تاثیر در باطن روح افراد داشته باشد - بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید.

پرسش ..... ۱۴۸۹

پاسخ ..... ۱۴۸۹

در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد، نصیحت یا گزارش به مسئولین ، اگر فایده نداشته باشد چگونه؟

پرسش ..... ۱۴۹۰

پاسخ ..... ۱۴۹۰

لطفا نحوه برخورد با افراد بی حجاب و مفسد را بیان کنید؟

پرسش ..... ۱۴۹۰

پاسخ ..... ۱۴۹۰

متأسفانه در مورد مسائل اساسی دینی نیز وقتی که کسی را به معرفی چون نماز توصیه و تذکر داده می شود به شدت برخورد می کنند و می گویند به شما ربطی ندارد در مقابل این افراد چه باید کرد آیا باید به حال رها شوند و یا روشی بهتر برای مطرح کردن و نتیجه

پرسش ..... ۱۴۹۲

- پاسخ ..... ۱۴۹۲
- به چه شکلی امر به معروف ونهی از منکر کنیم که موجب ناراحتی طرف مقابل نشود ..... ۱۴۹۵
- پرسش ..... ۱۴۹۵
- پاسخ ..... ۱۴۹۵
- روش برخورد با اساتیدی که در کلاس مسائل غیر اخلاقی را مطرح می کنند چگونه باید باشد؟ ..... ۱۴۹۷
- پرسش ..... ۱۴۹۷
- پاسخ ..... ۱۴۹۷
- با احترام به استحضار می رساند اینجانب دانشجوی سال آخر رشته ریاضی مرکز آموزش عالی ایرانشهر هستم از بهمن ۷۶ وارد این مرکز شده و چون به علت مشکلات موجود و همچنین این موضوع که مسئولین اجرایی (مدیریت) و مسئولین فرهنگی مرکز از برادران اهل س ..... ۱۴۹۷
- پرسش ..... ۱۴۹۷
- پاسخ ..... ۱۵۰۰
- وظیفه در مورد مسئولینی که ترویج فساد را می کنند مثلا به دانشجویان سال ۸۱ می گویند شما برای خودتان دوستانی انتخاب کنید که از دخترهای ورودی ۸۱ باشند تا بین شما و سال ۸۰ ها دعوا نشود چیست؟ ..... ۱۵۰۲
- پرسش ..... ۱۵۰۲
- پاسخ ..... ۱۵۰۲
- وظیفه نسبت به رفتارهای نادرست دیگران چیست ؟ ..... ۱۵۰۴
- پرسش ..... ۱۵۰۴
- پاسخ ..... ۱۵۰۴
- دوستم برای نماز نخواندن می گوید بسیاری از نماز خوانان به گناه می افتند او را چگونه راهنمایی نمایم ؟ ..... ۱۵۰۴
- پرسش ..... ۱۵۰۴
- پاسخ ..... ۱۵۰۴
- در دانشگاهها دخترها و پسرها با هم ارتباط صحیحی ندارند، برای راهنمایی آنها چه کارهایی را باید انجام دهیم ؟ ..... ۱۵۰۶
- پرسش ..... ۱۵۰۶
- پاسخ ..... ۱۵۰۶
- چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا موثر واقع شود؟ ..... ۱۵۰۶
- پرسش ..... ۱۵۰۶
- پاسخ ..... ۱۵۰۷
- با افرادی که نماز را سبک می شمارند و ما را به انجام منکرات دعوت می کنند چگونه برخورد نماییم ؟ ..... ۱۵۰۸
- پرسش ..... ۱۵۰۸
- پاسخ ..... ۱۵۰۸
- وظیفه فرزند نسبت به پدری که سوء ظن به افراد دارد و گاهی هم دروغ می گوید چیست ؟ ..... ۱۵۱۰
- پرسش ..... ۱۵۱۰
- پاسخ ..... ۱۵۱۰
- متوجه شدم پسری با خواهرم ارتباط دارد چه برخوردی داشته باشم ؟ ..... ۱۵۱۲
- پرسش ..... ۱۵۱۲
- پاسخ ..... ۱۵۱۲
- در دانشگاه ما روابط پسر و دختر در راهروهای دانشگاه غوغا می کند. لذا خواهشمند است راه های نهی از منکر (فرهنگی و عقیدتی) که مورد توجه و اصلاح خاطیان باشد و همچنین این راهکارها مطابق شرع و نسبت به مقتضیات زمان تازه و جوان بسند و دانشجویبند باشد ..... ۱۵۱۴
- پرسش ..... ۱۵۱۴
- پاسخ ..... ۱۵۱۴
- با توجه به وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اگر بخواهیم یک دختری را که از لحاظ حجاب وضع درستی ندارد را امر به معروف و نهی از منکر کنیم با توجه به این که ممکن است دیگران این عمل انسان را چیز دیگری تلقی کرده و برداشت نادرستی از انسان داشت ..... ۱۵۱۹
- پرسش ..... ۱۵۱۹
- پاسخ ..... ۱۵۲۰
- نمی دادم وظیفه ام در زمان فعلی چیست و در زمینه امر به معروف و نهی از منکر که بیشتر اوقات از نتیجه آن می ترسم و خود را کنار می کشم. .... ۱۵۲۳

پرسش ..... ۱۵۲۳

پاسخ ..... ۱۵۲۳

چون خودم در دوران راهنمایی و دبیرستان خیلی گناه آلوده بودم الان دوست دارم برادر کوچکترم که ۱۷ سال سن دارد را راهنمایی کنم. یعنی از قبل از بلوغش تصمیم به این کار گرفتم اما نتوانستم به زبان خودش با وی صحبت کنم و علی رغم اینکه گاهی نصیحت می

پرسش ..... ۱۵۲۵

پاسخ ..... ۱۵۲۶

ما چگونه برادر و خواهر کوچکتر خود را از دیدن این فیلمها که مصداق واقعی کلمه «لغو و لعب» اند دور سازیم؟.....

پرسش ..... ۱۵۲۹

پاسخ ..... ۱۵۲۹

اقوام درجه ۱ مادر من یعنی خاله، دایی و ... وقتی دور هم جمع می شوند اکثراً ترجیح می دهند فقط صحبت کنند و بخندند و من مدت زیادی نمی توانم این وضعیت آنها را تحمل کنم. ضمناً بعضی از آنها زیاد اهمیتی به حجاب و ... نمی دهند یعنی تقریباً فقط گذران ع

پرسش ..... ۱۵۳۰

پاسخ ..... ۱۵۳۱

گاهی اوقات در محیط دانشجویی مواردی پیش می آید که کارهایی خلاف شرع و شئون اسلامی انجام می گیرد از جمله بخش موسیقی های مستهجن و بازی با پاسور و ... گاهی اوقات امکان ترک مکان نیست و یا ترک مکان به موجب ناراحتی و دشمنی با دیگران می شود

پرسش ..... ۱۵۳۴

پاسخ ..... ۱۵۳۴

برخورد ما با کسانی که فحاشی می کنند یا دروغ می گویند و گاهی گناهی که با زبان انجام می دهند چگونه باید باشد.....

پرسش ..... ۱۵۳۵

پاسخ ..... ۱۵۳۵

این سوالی که مطرح می کنم مربوط به کسی است که خیلی برایم عزیز است و دوست دارم و وظیفه خودم می دانم که کمکش کنم و آن این است او دختری ۱۴ ساله است ولی با این سن با توجه که بسیار زیرک است اما بسیار ساده لوح و بی آرایش است یعنی هر چه در

پرسش ..... ۱۵۴۰

پاسخ ..... ۱۵۴۲

آیا با وجود این همه گناههای آشکار مثلا بی حجایی دختران، آرایش کردن آنها و... باز امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است چون تعداد افراد زیاد است که ما همه را امر به معروف و نهی از منکر کنیم و نیز برخورد مردم تند و خجالت آور شده است.....

پرسش ..... ۱۵۴۴

پاسخ ..... ۱۵۴۴

معمولا در اکثر جشن ها این حرمت شکنی ها مشاهده می شود وظیفه ما در قبال این موارد چیست؟.....

پرسش ..... ۱۵۴۵

پاسخ ..... ۱۵۴۵

چگونه یک فرد را می توانیم به دین نزدیک کنیم و نور ایمان را در دلش بتابانیم البته شخصی که در خانواده ای معتقد است و خود هم اعتقاداتی دارد اما در عمل به آنها تنبلی کرده و یا بی تفاوتی نشان می دهد.....

پرسش ..... ۱۵۴۵

پاسخ ..... ۱۵۴۵

من دوستی دارم که به خاطر مسائل دینی و مذهبی خیلی به او نزدیک شدم تا بتوانم رویش تاثیر گذارم (شاید با گفتن مشکل سؤال قبل این حرفم خنده دار باشد) اما خیلی کم موثر بودم حال می بینم که دو بار است او از روی شوخی به امام حسین و حضرت فاطمه توهین

پرسش ..... ۱۵۴۸

پاسخ ..... ۱۵۴۸

مغازه ای رابه فردی اجاره داده ام اوازاین مغازه درجهت اشاعه فحشا استفاده میکند مراهنمایی کنید.....

پرسش ..... ۱۵۵۰

پاسخ ..... ۱۵۵۰

فردی را می شناسم که چون جوان است و در پارک ها بطور رایگان دیگران به او تریاک می دهند و او این مواد را به افراد معتاد می دهد و از آنها دخترشان را برای مدتی کرایه می کند. پیش آ پیش تشکر می کنم.....

پرسش ..... ۱۵۵۱

پاسخ ..... ۱۵۵۱

با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات مثلا در نماز جماعت میبینم که افرادی که حتی سن آنها بالا است اشکالاتی در نمازشان است و من خجالت میکشم با توجه به سنشان به آنها توضیح دهم آیا دین شرعی

پرسش ..... ۱۵۵۲

پاسخ ..... ۱۵۵۲

با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات که در تاکسی و یا شخصیهای مسافربر که هستم آنها از نوارهای میتدل استفاده میکنند که من بسیار ناراحت میشوم اما نمیخواهم با یک فرد سطح پایین جامعه بحث کن

پرسش ..... 1552

پاسخ ..... 1552

باسلام وتسلیمت متاسفانه اخیرا در خوابگاههای دانشجویی عمدتا شایعه گرایش برخی از دانشجویان به آیین مسیحیت به وفور مشاهده میشود لذا لازم است نهاد محترم قدری به این مسئله با جدیت بیشتری پاسخگو باشند وهمچنین راه کار برخورد (علمی ) را برای بنده ب

پرسش ..... 1552

پاسخ ..... 1552

الان در بسیج پستی را قبول کردم که با مشکلات عدیده ای مواجه شدم به نظر شما از چه الگوهای رفتاری برای برخورد و صحبت کردن استفاده کنم خواهشمندم مرا راهنمایی کنید و از این بزرخ مرا بیرون بیاورید؟

پرسش ..... 1556

پاسخ ..... 1557

یکی از خانه های اطراف منزل ما مواد مخدر توزیع می کند. با توجه به بی اعتنائی سایر همسایه ها حتی مامورین نیروی انتظامی شهر خودمان (که با تماس های گرفته شده کاری از پیش نبرده اند) و با توجه به مخالفت های زیاد پدر و مادر و اینکه اگر آنها دستگیر شون

پرسش ..... 1562

پاسخ ..... 1562

بسمه تعالی اللهم عجل لولیک الفرج با عرض سلام و خسته نباشید سوال من در مورد چگونگی هدایت جوانان است امیدوارم که جوابی کاملاً کاربردی به سوال من داده شود حتماً در مورد تهاجم فرهنگی از طریق اینترنت اطلاعات کافی دارید و اینکه چه مطالب و عکس ها

پرسش ..... 1565

پاسخ ..... 1566

در زمینه ی امر به معروف و نهی از منکر در چنین وضع جامعه بسیار مشکل دارم -با اینکه شرایط آن را می دانم وقتی با شرایطی مواجه می شوم که احتمال تاثیر می دهم (زیرا دلیلی نمی بینم که تاثیر نداشته باشد)یک حس بسیار بدی به من دست می دهد با خود کمی

پرسش ..... 1569

پاسخ ..... 1569

چه کار کنیم که بتوانیم زنان بد حجاب را امر به معروف ونهی ازمنکر کنیم؟

پرسش ..... 1572

پاسخ ..... 1572

چگونگی امر به معروف ونهی از منکر در دوره آخر الزمان با توجه به کاهش یافتن آن در این دوره از زمان؟

پرسش ..... 1573

پاسخ ..... 1573

به نظر شما واکنش مانسبت به اوضاع موجود درجامعه باید چگونه باشد؟(منظور اوضاع به هم ریخته است)

پرسش ..... 1575

پاسخ ..... 1575

وظیفه بسیجیان درحال حاضر نسبت به اوضاع جامعه چیست؟(گرانی و فساد در جامعه)

پرسش ..... 1576

پاسخ ..... 1576

۱- اگر در مجالس اهل بیت عصمت و طهارت "علیهم السلام" از نام سگ و...استفاده کنیم و دست بزنجب اشکالی ندارد؟

اشاره ..... 1578

پرسش ..... 1578

پاسخ ..... 1578

۱- چرا با وجود سربازان امام زمان و پایگاههای مردمی درمساجد ودرقالب قانون و پوشش نیروی انتظامی واینکه شهر مشهدشهرمذهبی ویاوجود مقام ولایت امام رضا(این قدرگناه ومعصیت می شودجلوی آنرا نمی گیرند؟

اشاره ..... 1581

پرسش ..... 1581

پاسخ ..... 1581

یکی از بستگان نزدیک من تقریباً تمامی میانی و اصول دین اسلام را قبول دارد، اما نماز نمی خواند، و از طرفی بچه های او در سنی هستند که باید شروع به خواندن نماز کنند و مادر خانه از این بابت بسیار ناراحت و دل نگران است. می خواستم ببرسم آیا این شخص کافر

پرسش ..... 1584

پاسخ ..... 1585



- چگونه می توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ برای فردی که امر به معروف در او تأثیری ندارد بیان کنید؟  
 پرسش ..... ۱۵۸۸  
 پاسخ ..... ۱۵۸۸
- وظیفه ما نسبت به کسی که امر به معروف و نهی از منکر کردیم ولی اعتنایی نمی کند چیست  
 پرسش ..... ۱۵۹۰  
 پاسخ ..... ۱۵۹۰
- همان گونه که خوانده ام و شنیده ام در خانه ای که نورهای ترانه و آهنگ های مبتذل باشد، امامان به آن خانه ها کاری ندارند. اگر کسی در محیطی زندگی می کند که هیچ علاقه ای به این مسائل ندارد، ولی یکی از اهل خانواده اهل ترانه گوش کردن است و امر به معروه  
 پرسش ..... ۱۵۹۲  
 پاسخ ..... ۱۵۹۳
- باتوجه به وضعیت تهاجم فرهنگی و شرایط سیاسی واجتماعی چه کنیم تا امر به معروف و نهی از منکر نماییم و هم این عمل ما موجبات ناراحتی دیگران را فراهم نسازد؟  
 پرسش ..... ۱۵۹۴  
 پاسخ ..... ۱۵۹۵
- لطفاً فرمایید روش مناسب جهت نهی از منکر دخترانی که با آرایش و بد حجاب در کوچه و بازار مشاهده مینماییم چیست و ما چه وظیفه شرعی داریم ؟  
 پرسش ..... ۱۵۹۷  
 اشاره ..... ۱۵۹۷  
 پرسش ..... ۱۵۹۷  
 پاسخ ..... ۱۵۹۷
- با متناقضین چگونه باید رفتار کرد.  
 پرسش ..... ۱۵۹۸  
 پاسخ ..... ۱۵۹۸
- در خانه ما مرد سالاری حاکم است پدرم بشدت مادرمان را با زورگویی اش تحت فشار قرار داده @ لطفا بگویید چگونه می توان او را راهنمایی کرد؟  
 پرسش ..... ۱۵۹۸  
 پاسخ ..... ۱۵۹۹
- وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟  
 پرسش ..... ۱۶۰۰  
 پاسخ ..... ۱۶۰۰
- در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟  
 پرسش ..... ۱۶۰۰  
 پاسخ ..... ۱۶۰۱
- چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟  
 پرسش ..... ۱۶۰۳  
 پاسخ ..... ۱۶۰۳
- افرادی را می شناسیم که هرزه و لایبالی هستند ولی نوحه خوانی امام حسین (ع) می کند، با این گونه افراد چگونه برخورد کنیم ؟  
 پرسش ..... ۱۶۰۳  
 پاسخ ..... ۱۶۰۴
- ضمناً در مورد سوال سوم نامه قبلی ۱۳۰۰۸ که در مورد امر به معروف و نهی از منکر است برایم مبهم بود من در مورد ترک این مهم از طرف خودم نگرانم ولی بیشتر اوقات که آن را ترک می کنم به دلیل این است که نمی دانم چگونه موضوع را مطرح کنم که وضع طرف  
 پرسش ..... ۱۶۰۴  
 پاسخ ..... ۱۶۰۴
- وظیفه شخص در خوابگاه دانشجویی ، هنگام شنیدن موسیقی حرام چیست ؟  
 پرسش ..... ۱۶۰۷  
 پاسخ ..... ۱۶۰۷
- بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند. برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟  
 پرسش ..... ۱۶۰۷

پرسش ..... ۱۶۰۷

پاسخ ..... ۱۶۰۷

چگونه برادرم را که با دروغ گفتن به پدر و مادر کارهای خلاف می کند هدایت کنم ؟

پرسش ..... ۱۶۰۸

پاسخ ..... ۱۶۰۸

با توجه به رواج بد حجابی در جامعه علت آن چیست و روش راهنمایی این افراد در جامعه چه می باشد؟

پرسش ..... ۱۶۰۹

پاسخ ..... ۱۶۰۹

امر به معروف و نهی از منکر نسبت به اشخاصی که نوارهای موسیقی گوش می دهند چگونه است ؟

پرسش ..... ۱۶۱۱

پاسخ ..... ۱۶۱۱

اگر محیط و موقعیت ایجاب کند که خواسته یا ناخواسته با فردی بدحجاب روبرو شویم چه روشی را پیش بگیریم تا مرتکب هیچ گناهی نشویم و تا چه حد مسئول اصلاح این امر هستیم.

پرسش ..... ۱۶۱۱

پاسخ ..... ۱۶۱۱

در جامعه امروزی که وضعیت حجاب بسیار نامناسب است و عده ای از دانشجویان دختر یا را فراتر گذاشته و از حجاب اسلامی تجاوز کرده اند وظیفه ما و امثال ما در برابر این افراد هم از نظر احکام و هم از نظر امر به معروف چیست و باید چه اقدامی انجام داد چون باید در

پرسش ..... ۱۶۱۵

پاسخ ..... ۱۶۱۶

هر زمان که می خواهم با افراد بی نماز و بی دین صحبتی کنم و آنها را روشن کنم نمی توانم و در برابر آن ها کم می آورم و گاهی صحبت های آنها باعث شک در من می شود و ترس باعث می شود که دیگر صحبت با آنان را دنبال نکنم چه کنم تا این گونه نباشم.

پرسش ..... ۱۶۲۵

پاسخ ..... ۱۶۲۵

من دانشجوی ۲۴ ساله هستم و ساکن خوابگاه و از شهری محروم و شهید پرور به اینجا آمده ام . در خانواده ای مذهبی و پایبند به اسلام بزرگ شده ام و در اینجا با مشکل عمده ای روبرو شده ام هم اتافی های من دست به کارهایی می زنند که خلاف موازین دینی است ک

پرسش ..... ۱۶۳۱

پاسخ ..... ۱۶۳۱

دوستی دارم که از زمانی که وارد دانشگاه شد یک سری رفتارهایی انجام می دهد که مناسب شأن خانوادگی شان نیست مثل اصلاح سر و صورت و آرایش آن البته خانواده اش هم می خواهند به او بفهمانند که اینها در شأن خانواده شان نیست و البته خودم می خواهم نامه

پرسش ..... ۱۶۳۸

پاسخ ..... ۱۶۳۹

یکی از روحانیون در یکی از مساجد هنگام سخنرانی طی مراسم ترحیم یکی از آشنایان در بالای منبر حرکتی ناشایست انجام داد که توجه همگان به آن جلب گردید با توجه به آن که ایشان ملبس به لباس مقدس اسلام بوده و مروجین دین مبین اسلام هستند آیا این بره

پرسش ..... ۱۶۴۱

پاسخ ..... ۱۶۴۲

در مورد وضعیت های بد پوشش، امر به معروف و نهی از منکر چگونه است؟ در صورتی که احتمال زیاد می دهیم که بی اثر است. همچنین در مورد نوارهای غیر مجاز بخصوص در تاکسی های شهری؟ لطفا دقیق پاسخ دهید.

پرسش ..... ۱۶۴۳

پاسخ ..... ۱۶۴۳

من مدتی است که در دانشگاه آزاد کار می کنم و مسئول خوابگاه می باشم تعدادی از دانشجویان هستند که رعایت حجاب نمی کنند و هر چه به آنها تذکر داده می شود موثر نمی باشد. به نظر شما ما باید چگونه عمل کنیم که اثر داشته باشد و مثر نمر باشد و دیگر اینک

پرسش ..... ۱۶۴۳

پاسخ ..... ۱۶۴۴

. از جمله شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، ایمن بودن از خطر و ضرر است، این شرط نه تنها همیشه موارد فراوان از نادیده گرفتن شئونات اسلامی و حفظ حجاب و ارزشهای دینی مشاهده می شود تکلیف ما چیست و چطور می توان در این زمینه امر به معروف و نهی از منکر پیش

پرسش ..... ۱۶۵۲

پاسخ ..... ۱۶۵۲

تکلیف ما درباره اوضاع فرهنگی و اجتماعی حاضر در جامعه چیست. با توجه به اینکه همیشه موارد فراوان از نادیده گرفتن شئونات اسلامی و حفظ حجاب و ارزشهای دینی مشاهده می شود تکلیف ما چیست و چطور می توان در این زمینه امر به معروف و نهی از منکر نمود

پرسش ..... ۱۶۵۶

پاسخ ..... ۱۶۵۷

متأسفانه برخی از اساتید از نظر روابط اجتماعی بالاخص در نگاه و گفتار درست عمل نمی کنند و می خواهیم بدانم که آیا صرف اینکه نمره ما در دست آنهاست ما مجبور به سکوت و مراعات هستیم و آیا تکلیف شرعی ما تحمل آنهاست. چون برخی از درس ها تنها به یک

پرسش ..... ۱۶۵۷ -

پاسخ ..... ۱۶۵۸ -

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟..... ۱۶۵۸ -

پرسش ..... ۱۶۵۸ -

پاسخ ..... ۱۶۵۸ -

انتقاد صحیح کدام است و چه ضوابطی دارد؟..... ۱۶۵۹ -

پرسش ..... ۱۶۵۹ -

پاسخ ..... ۱۶۵۹ -

با دوستانی که پای بند به مسائل اسلامی نیستند، چه برخوردی مناسب است؟..... ۱۶۶۰ -

پرسش ..... ۱۶۶۰ -

پاسخ ..... ۱۶۶۰ -

بند دانشجوی رشته رایانه می باشم . دوستی کوچک تر از خودم دارم که با افراد نابابی معاشرت دارد و به دلیل کم تجربگی دست به بعضی کارهای خلاف شرع و عقل می زند. او می گوید انسان باید همه چیز را تجربه کند! چه کار کنم او را از مهلکه نجات دهم ؟ ۱۶۶۰

پرسش ..... ۱۶۶۱ -

پاسخ ..... ۱۶۶۱ -

مادرم کارهای ناروایی می کند و چون او را نهی کرده ام ، قصد جانم را کرده است . کمکم کنید..... ۱۶۶۳ -

پرسش ..... ۱۶۶۳ -

پاسخ ..... ۱۶۶۳ -

چگونه می توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ این مورد را برای فردی که امر به معروف و نهی از منکر در او هیچ اثری ندارد، بیان کنید..... ۱۶۶۴ -

پرسش ..... ۱۶۶۴ -

پاسخ ..... ۱۶۶۴ -

آیا نحوه برخورد، با منکرات اجتماعی ، مثلاً زدن افراد صحیح است ؟..... ۱۶۶۹ -

پرسش ..... ۱۶۶۹ -

پاسخ ..... ۱۶۶۹ -

یکی از اعضای خانواده من که از من بزرگتر است مشروب می خورد و تقریباً برای او عادت شده است . من بارها ناراحتی خود را نشان داده ام و افاق را ترک کرده ام ، صحبت ها و راهنمایی های من اثری نداشته است چه کنم که او را وادار به ترک کنم ؟ ..... ۱۶۷۰ -

پرسش ..... ۱۶۷۰ -

پاسخ ..... ۱۶۷۰ -

یک روش مناسب برای امر به معروف خانم های بی حجاب پیشنهاد کنید..... ۱۶۷۰ -

پرسش ..... ۱۶۷۰ -

پاسخ ..... ۱۶۷۰ -

در مورد کسانی که دچار فساد و شهوترانی شده اند، راهنمایی کنید که چگونه آن ها را امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟ ..... ۱۶۷۲ -

پرسش ..... ۱۶۷۲ -

پاسخ ..... ۱۶۷۲ -

با راننده ای که در ماشین نوار میندل روشن می کند، چگونه برخورد کنیم ؟ ..... ۱۶۷۲ -

پرسش ..... ۱۶۷۲ -

پاسخ ..... ۱۶۷۲ -

درخانه ما موسیقی حرام ( ترانه ) پخش می شود، من چه بایدکنم ؟ ..... ۱۶۷۴ -

پرسش ..... ۱۶۷۴ -

پاسخ ..... ۱۶۷۴ -

امروزه در تعداد زیادی از وسائل حمل و نقل مسافر درون شهری یا برون شهری، نوار موسیقی میندل روشن می کنند، وقتی که به راننده ها تذکر می دهیم، ناراحت می شوند و گاهی مسافران با ما مقابله می کنند و از راننده می خواهند نوار روشن بماند، به طوری که معموا

پرسش ..... ۱۶۷۴ -

پاسخ ----- ۱۶۷۴

پدرم به اعتیاد رو آورده است . برادرم افزون بر آن به مشروبات الکلی و به مقدسات بد می گویند و باین وجود متعصبند و ظاهر سازی می کنند. این ها مرا رنج می دهد، لطفاً راهنمایی کنید. ----- ۱۶۷۵

پرسش ----- ۱۶۷۵

پاسخ ----- ۱۶۷۵

بعضی از دوستان مرتکب کارهای زشت می شوند، مانده ام که با آن ها چه کار کنم! اگر قطع رابطه نکنم می ترسم آلوده شوم و اگر قطع رابطه بکنم، مشکل دیگری پیش می آید. کمک کنید که چه کار کنم؟ ----- ۱۶۷۶

پرسش ----- ۱۶۷۶

پاسخ ----- ۱۶۷۶

در یک مدرسه شبانه روزی مربی بودم. یکی از سرپرست های مدرسه نسبت به نماز بی اهمیت بود و با یک پسر دوست بود. وقتی مسئولان اداره از من جویا شدند، من واقعیت را گفتم و آنان او را از سرپرستی مدرسه برکنار کردند. حالا احساس گناه می کنم. آیا لازم است ----- ۱۶۷۷

پرسش ----- ۱۶۷۷

پاسخ ----- ۱۶۷۷

در این دوره و زمان وظیفه ما در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ وقتی که ما می دانیم که نمی توانیم امر به معروف کنیم و یا اگر امر به معروف کردیم به ما بگویند: (به تو مربوط نیست) وظیفه ما چیست؟ ----- ۱۶۷۷

پرسش ----- ۱۶۷۸

پاسخ ----- ۱۶۷۸

اگر به مطالب توهین آمیز و خلاف مقررات برخورد نمودیم، آن را با ذکر منبع نوشته و به مراجع قانونی ارسال کرده و منتظر اقدام آنان می باشیم. به هر حال شخصاً نباید به مقابله پرداخت که موجب هرج و مرج خواهد شد. ----- ۱۶۷۹

اشاره ----- ۱۶۷۹

پرسش ----- ۱۶۷۹

پاسخ ----- ۱۶۷۹

در امر به معروف و نهی از منکر موفق نیستیم . چه کار کنم ؟ ----- ۱۶۸۱

پرسش ----- ۱۶۸۱

پاسخ ----- ۱۶۸۱

این روزها مراسم جشن و عروسی و تولد اغلب آمیخته با گناه و غنا و رقص و... است . برای جلوگیری از این امر چه می توانیم بکنیم ؟ ----- ۱۶۸۳

پرسش ----- ۱۶۸۳

پاسخ ----- ۱۶۸۳

با کسانی که روی پشت پام می آیند و به حیاط همسایگان سرک می کشند، چگونه باید برخورد کرد؟! ----- ۱۶۸۳

پرسش ----- ۱۶۸۳

پاسخ ----- ۱۶۸۳

با فردی که نماز نمی خواند حجایش را رعایت نمی کند و با آرایش در کوه و خیابان ظاهر می شود، باید چگونه برخورد کرد؟ اگر او بزرگ تر یا همسن و یا کوچکتر از ما باشد، چگونه باید برخورد شود؟ ----- ۱۶۸۴

پرسش ----- ۱۶۸۴

پاسخ ----- ۱۶۸۴

دوست دارم سخنور باشم تا امر به معروف و نهی از منکر کنم. متأسفانه می ترسم و خجالتی هستم و نمی توانم از عهده این کار برآیم. لطفاً برای موفقیت در این کار کمک کنید. چنانچه کتابی در این خصوص وجود دارد، معرفی نمایید. ----- ۱۶۸۵

پرسش ----- ۱۶۸۵

پاسخ ----- ۱۶۸۵

با توجه به مشکلاتی که در رابطه با برخورد خود یا خواهر و برادرم برایتان نوشته ام لطفاً در مورد روش های صحیح و اصولی انتقاد کردن از دیگران بخصوص نوجوانان و جوانان توضیح دهید؟ ----- ۱۶۹۰

پرسش ----- ۱۶۹۰

پاسخ ----- ۱۶۹۰

خواهر ۱۶ ساله ای دارم که در دبیرستان تحصیل می کند او دختر با حجایی است، ولی اخیراً از خاطراتش فهمیدم که عاشق پسر شده است او را چگونه راهنمایی کنم؟ ----- ۱۶۹۳

پرسش ----- ۱۶۹۳

پاسخ ----- ۱۶۹۴

دوستم با این که چادری با شخصیتی است، ولی نسبت به شهدا، امام خمینی و مقام معظم رهبری بدگویی می کند هر قدر نصیحتش می کنم بی فایده است؟ برای راهنمایی او چه کنم؟ ----- ۱۶۹۴

پرسش ----- ۱۶۹۴

پاسخ ----- ۱۶۹۴

وظیفه من در مقابل دوستان بد حجابم چیست؟

پرسش

پاسخ

برای این که دیگران را به اخلاق نیک دعوت کنیم چه آیه‌ای برای آن‌ها بخوانیم

پرسش

پاسخ

فرهنگ

رسانه‌ها

نقش ارتباطات در جامعه چیست ؟

پرسش

پاسخ

چرا اینقدر در فیلمهای تلویزیون ازدواج را تبلیغ میکنند این در بعضی موارد باعث اختلاف بین جوانان میشود.

پرسش

پاسخ

نظر شما در مورد فیلم مارمولک و نکات مثبت و منفی آن چیست؟

پرسش

پاسخ

یکی از رسالت‌های صداوسیما تلاش در بهبود وضع فرهنگی جامعه است و یک راه آن تقویت موسیقی سنتی است. ما دانشجویان از شما می‌خواهیم که به صداوسیما گوشزد کنید که این قدر از رهبری مایه نگذارد مگر رهبری موافق موسیقی باب و جاز است ؟ چرا آقای علی معلم ما

پرسش

پاسخ

از جنابعالی تقاضا دارم توضیح دهید که چرا مسائل مربوط به اغتشاشات دانشجویان و مردمی هیچ‌گاه بطور شفاف و واضح در رسانه‌های گروهی بخصوص در تلویزیون به نمایش گزارده نمی‌شود؟

پرسش

پاسخ

چرا در جامعه‌ای مثل کشور ما که یک جامعه اسلامی است از طرق مختلف سازمان‌های مختلف باعث بدآموزی کودکان معصوم و بی‌گناه می‌شوند؟ مثلا با پخش فیلم‌های خارجی به حساب خودشان دوبله شده باعث می‌شوند که چشم نوجوانان حالتی پیدا کند که تنها دنبال فیلم

پرسش

پاسخ

۱- چرا اگر داشتن مرجع تقلید برای افراد ضروری است متولیان فرهنگی بخصوص صدا و سیما اهمیت آن را تبلیغ نمی‌کنند؟

اشاره

پرسش

پاسخ

۱- نظر شما در باره فیلم «مارمولک» و طرفداران آن چیست ؟

پرسش

پاسخ

نظر شما درباره انتقاداتی که نسبت به صدا و سیما وجود دارد، چیست و برای رفع آنها چه اقداماتی لازم است ؟

پرسش

پاسخ

آیا نوشتن و گفتن فسادهای موجود در مملکت در مطبوعات، منافاتی با آیه ۱۹ سوره (نور) ندارد؟

پرسش

پاسخ

آیا با توجه به وجود برخی فیلم‌های مساله‌دار سینمای ایران نجیب‌ترین سینماست؟

پرسش

پرسش

- ۱۷۲۲ ..... پاسخ
- ۱۷۲۳ ..... چرا صدا و سیما به خاطر یک عده معدود، فیلم های زشت و زننده پخش می کند و در نتیجه عده ای جوان خراب می شوند و تصمیم به گناه می گیرند؟
- ۱۷۲۳ ..... پرسش
- ۱۷۲۴ ..... پاسخ
- ۱۷۲۴ ..... مدتی است در تلویزیون فیلم هایی پخش می شود که برتری زنان را به مردان در خانه نشان می دهد. چرا به صدا و سیما اعتراض نمی کنید که با این کار زشتشان زندگی عده ای را تباه می کنند؟
- ۱۷۲۴ ..... پرسش
- ۱۷۲۴ ..... پاسخ
- ۱۷۲۴ ..... چرا می گویند حجاب را رعایت کنید و از طرف دیگر در این جا و آن جا خانم ها با وضع نامناسبی در مجلات و روزنامه ها ظاهر می شوند؟ این ها اصلاً با هم هم خوانی ندارد. البته من تحت تأثیر قرار نمی گیرم ، بلکه برعکس عمل می کنم .
- ۱۷۲۴ ..... پرسش
- ۱۷۲۵ ..... پاسخ
- ۱۷۲۵ ..... نظر اسلام راجع به ماهواره، ویدئو، سینما و... چیست؟
- ۱۷۲۵ ..... پرسش
- ۱۷۲۵ ..... پاسخ
- ۱۷۲۵ ..... آیا پخش فیلمی مانند "مدیر کل" به جز فساد و رواج بی حجابی ره آورد دیگری دارد؟
- ۱۷۲۶ ..... پرسش
- ۱۷۲۶ ..... پاسخ
- ۱۷۲۶ ..... آیا این همه تبلیغات که در رسانه های عمومی خصوصاً تلویزیون انجام و روز به روز بر تعداد آن افزوده می شود، توجیه شرعی دارد؟
- ۱۷۲۶ ..... پرسش
- ۱۷۲۶ ..... پاسخ
- ۱۷۲۷ ..... آیا پخش سریال مدیر کل، آقای دغل و سواران باد همسویی با فرهنگ غرب نیست؟
- ۱۷۲۷ ..... پرسش
- ۱۷۲۷ ..... پاسخ
- ۱۷۲۸ ..... برنامه های تلویزیون از نظر شما شرعی هستند؟
- ۱۷۲۸ ..... پرسش
- ۱۷۲۸ ..... پاسخ
- ۱۷۲۹ ..... آیا مؤسسه ای وجود دارد که کاست های سخنرانی آقای الهی قمشه ای را تهیه و توزیع کند؟ آیا این مطلب واقعیت دارد که ایشان برای هر سخنرانی مبلغ هنگفتی پول دریافت می کنند؟
- ۱۷۲۹ ..... پرسش
- ۱۷۲۹ ..... پاسخ
- ۱۷۲۹ ..... کار مرکز پاسخگویی به سؤالات دفتر تبلیغات چیست و چه کمکی به ما می تواند بکند؟ مراکز دیگری که می توانند پاسخگو باشند، کدام است؟ چگونه با دفتر مراجع ارتباط داشته باشیم؟
- ۱۷۲۹ ..... پرسش
- ۱۷۲۹ ..... پاسخ
- ۱۷۳۱ ..... تبلیغ به چه معناست؟ و شرایط موفقیت در ابلاغ یک پیام چیست؟
- ۱۷۳۱ ..... پرسش
- ۱۷۳۱ ..... پاسخ
- ۱۷۳۱ ..... نظر شما در مورد فیلم مارمولک چیست؟ و از نظر شرعی چه حکمی دارد؟
- ۱۷۳۱ ..... پرسش
- ۱۷۳۱ ..... پاسخ
- ۱۷۳۳ ..... برای فیلم مارمولک چه اقداماتی انجام شده است، ما را در جریان بگذارید؟
- ۱۷۳۳ ..... پرسش
- ۱۷۳۳ ..... پاسخ
- ۱۷۳۳ ..... لطفاً در مورد فیلم "خانه ای بر روی آب که می گویند فیلمی قرآنی است توضیح دهید؟

- ۱۷۳۳ پرسش .....  
۱۷۳۳ پاسخ .....  
۱۷۳۶ چرا بعضی از فیلم ها را که در سینما نمایش می دهند سانسور نمی کنند ولی وقتی آن را در سیما به نمایش می گذارند سانسور می کنند؟ .....  
۱۷۳۶ پرسش .....  
۱۷۳۶ پاسخ .....  
۱۷۳۶ اگر نگاه زن به بدن مرد نامحرم حرام است چرا صداوسیما ای ایران تصاویر ورزشکاران را نمایش می دهد .....  
۱۷۳۶ پرسش .....  
۱۷۳۶ پاسخ .....  
۱۷۳۶ چرا صداوسیما در حالیکه زیر نظر رهبری است موسیقی های مبتذل و برنامه های غیر اسلامی پخش می کند .....  
۱۷۳۶ پرسش .....  
۱۷۳۶ پاسخ .....  
۱۷۳۷ چرا فیلم های خارجی تحریک آمیز از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می شود؟ .....  
۱۷۳۷ پرسش .....  
۱۷۳۷ پاسخ .....  
۱۷۳۸ بهترین راه جهت آشنایی با مسایل اجتماعی چیست ؟ .....  
۱۷۳۸ پرسش .....  
۱۷۳۸ پاسخ .....  
۱۷۳۸ چرا صدا و سیما ارزش های منفی را ترویج می دهد؟ .....  
۱۷۳۸ پرسش .....  
۱۷۳۸ پاسخ .....  
۱۷۴۰ نگاه کردن به سریال هایی که از صدا و سیما پخش می شود برای جوانان مضر هست یاخیر؟ اگر هست چرا پخش می شود؟ .....  
۱۷۴۰ پرسش .....  
۱۷۴۱ پاسخ .....  
۱۷۴۳ چرا آهنگ های بدی می گذارد در تلوزیون؟ .....  
۱۷۴۳ پرسش .....  
۱۷۴۳ پاسخ .....  
۱۷۴۷ در ایران بعضی از کارها حرام است چرا بطور رایج انجام می گیرد و اصولا مگر وظیفه مرجع تقلید نیست که نسبت به آن هشدار دهد؟ مثل استعمال سیگار، دروغ گفتن ، سوالم این است چرا این احکام گفته نمی شود از تلویزیون یا جراید؟ .....  
۱۷۴۷ پرسش .....  
۱۷۴۷ پاسخ .....  
۱۷۴۸ بارها از دوستان و غیر دوستان می شنویم که می گویند فیلم های سینمایی و تلویزیونی ما دینی نیست و با ارزشهای ما در تعارض است و یا در فیلم های کارگردانان می بینیم که برای دینی کردن فیلم تنها کاری که می کنند این است که در فیلم شان شخصی را نشان می دهند که ، .....  
۱۷۴۸ پرسش .....  
۱۷۴۹ پاسخ .....  
۱۷۵۳ تعریف فرهنگ .....  
۱۷۵۳ نظر اسلام درباره از خود بیگانگی چیست .....  
۱۷۵۳ پرسش .....  
۱۷۵۳ پاسخ .....  
۱۷۵۵ از دیدگاه شما ارزش های اسلامی چیست ؟ و به چه چیزهایی ارزش اسلامی می گویند؟ آیا احکام اسلامی مانند ازدواج دائم یا موقت را می توان از ارزشهای اسلامی دانست ؟ .....  
۱۷۵۵ پرسش .....  
۱۷۵۵ پاسخ .....  
۱۷۵۸ شهید کیست و شهادت چیست؟ فرهنگ شهادت چیست؟ .....  
۱۷۵۸ پرسش .....

- ۱۷۵۸ ..... پاسخ
- ۱۷۵۹ ..... تمدن اسلامی چیست و راه های بسط و گسترش آن کدام است؟
- ۱۷۵۹ ..... پرسش
- ۱۷۶۰ ..... پاسخ
- ۱۷۶۲ ..... تعریف(دین) و(فرهنگ) چیست؟ وجه رابطه ای میان این دو وجود دارد؟
- ۱۷۶۲ ..... پرسش
- ۱۷۶۲ ..... پاسخ
- ۱۷۶۳ ..... تعریف کار فرهنگی چیست ؟
- ۱۷۶۳ ..... پرسش
- ۱۷۶۳ ..... پاسخ
- ۱۷۶۳ ..... فلسفه عزاداری و گریه بر اهل بیت( چیست؟
- ۱۷۶۳ ..... پرسش
- ۱۷۶۳ ..... پاسخ
- ۱۷۶۶ ..... چه تفاوتی بین ایدئولوژی و فرهنگ است؟
- ۱۷۶۶ ..... پرسش
- ۱۷۶۶ ..... پاسخ
- ۱۷۶۹ ..... از نظر قرآن، بهترین تمدن، چه تمدنی است؟
- ۱۷۶۹ ..... پرسش
- ۱۷۶۹ ..... پاسخ
- ۱۷۷۱ ..... بعضی قائل شده اند که بخشی از فرهنگ آداب و رسوم مردم هم عصر نزول قرآن کریم (فرهنگ جاهلیت در قرآن وارد شده است آن هم با لحنی موافق و به رسم مملات آیا این ادعا صحیح است
- ۱۷۷۱ ..... پرسش
- ۱۷۷۱ ..... پاسخ
- ۱۷۷۵ ..... لطفاً در مورد فرهنگ از دیدگاه قرآن کریم توضیح دهید؟
- ۱۷۷۵ ..... پرسش
- ۱۷۷۵ ..... پاسخ
- ۱۷۷۸ ..... آیا افتخار کردن به تمدن ایرانی در کنار تمدن اسلامی اشکال دارد
- ۱۷۷۸ ..... پرسش
- ۱۷۷۸ ..... پاسخ
- ۱۷۷۸ ..... با توجه به ضرورت کار فرهنگی برای ما دانشجویان سوال این است که مرز این گونه فعالیتها تا چه حد باید باشد
- ۱۷۷۸ ..... پرسش
- ۱۷۷۸ ..... پاسخ
- ۱۷۷۹ ..... وجه تمایز فرهنگ شرق و غرب چیست ؟
- ۱۷۷۹ ..... پرسش
- ۱۷۷۹ ..... پاسخ
- ۱۷۸۱ ..... پایداری یک فرهنگ تابع چه عواملی است ؟
- ۱۷۸۱ ..... پرسش
- ۱۷۸۱ ..... پاسخ
- ۱۷۸۲ ..... راههای فهم و مطالعه فرهنگ و معارف اسلامی در جامعه چیست؟
- ۱۷۸۲ ..... پرسش
- ۱۷۸۲ ..... پاسخ
- ۱۷۸۲ ..... مقام معظم رهبری در فرمایشی بیان فرمودند که کرپلا نه یک واقعه است بلکه یک فرهنگ است . فرهنگ کرپلا و کرپلایی بودن را توضیح فرمایید؟



- ۱۷۸۲ پرسش
- ۱۷۸۲ پاسخ
- ۱۷۸۷ فرهنگ به چه معناست؟
- ۱۷۸۷ پرسش
- ۱۷۸۷ پاسخ
- ۱۷۸۸ چرا فرهنگ اسلام، در خارج از کشور مشتاقان زیادی دارد؟
- ۱۷۸۸ پرسش
- ۱۷۸۸ پاسخ
- ۱۷۸۸ آیا افتخار به هویت ملی صحیح است و بحران هویت و عوامل آن و راهای مبارزه با آنرا بیان کنید
- ۱۷۸۸ پرسش
- ۱۷۸۸ پاسخ
- ۱۷۹۴ از خود بیگانگی چیست؟
- ۱۷۹۴ پرسش
- ۱۷۹۴ پاسخ
- ۱۷۹۴ آیا تمدن امروزی واقعاً تمدن است؟
- ۱۷۹۴ پرسش
- ۱۷۹۴ پاسخ
- ۱۷۹۵ هنجارها و ناهنجاریها
- ۱۷۹۶ میسوط
- ۱۷۹۶ پرسش
- ۱۷۹۶ پاسخ
- سؤال ما این است که از لحاظ مکتب اسلام تکثیر چنین عکس هایی که در نگاه سلیم اجتماعی-فرهنگی غیر متعارف است مبنای اسلامی دارد در حالی که ما معتقدیم اثرات بد روانی و هیجانی دارد (نظر مراجع و علما و فضلا را هم می خواهیم در این مورد خاص بدانیم) آیا این چنین
- ۱۸۰۵ پرسش
- ۱۸۰۶ پاسخ
- توی جامعه ما همه بد هستند مگر اینکه خلاف این ثابت شود همه از یکدیگر غیبت و بدگویی می کنند احزاب مختلف توی سر و کله یکدیگر می زنند و مدام از هم بدگویی می کنند و این باعث شده است که من به عنوان یک جوان و همچنین بسیاری از دوستانم از هر چی سیاست
- ۱۸۰۶ پرسش
- ۱۸۰۷ پاسخ
- ۱۸۱۰ نظر اسلام در مورد تفریح چیست و کدام تفریح ارزنده است؟
- ۱۸۱۰ پرسش
- ۱۸۱۱ پاسخ
- ۱۸۱۲ قرآن سرچشمه فساد در روی زمین را چه می داند؟ پرسش
- ۱۸۱۲ اشاره
- ۱۸۱۲ پاسخ
- ۱۸۱۲ جایگاه عرف و هنجارهای اجتماعی در شرع چیست؟ عمل به هنجارهای اجتماعی لازم است یا نه؟
- ۱۸۱۲ پرسش
- ۱۸۱۲ پاسخ
- ۱۸۱۴ چرا در این زمان حرف اول را پول و پارتی می زند؟
- ۱۸۱۴ پرسش
- ۱۸۱۴ پاسخ
- ۱۸۱۴ با توجه به وضعیت فعلی دانشگاه ها که رعایت مسایل شرعی، نشانه بی فرهنگی و عقب ماندگی اجتماعی و عدم رعایت موازین شرعی نشانه تجدد و فرهنگ تلقی می شود، چگونه می توان بین دین و دنیا و حفظ موقعیت دینی و اجتماعی، جمع نمود؟
- ۱۸۱۴ پرسش
- ۱۸۱۴ پرسش

- پاسخ ..... ۱۸۱۴
- چرا هنوز در مراکز مهم مذهبی مسأله رشوه و پارتیبازی حل نشده است، آیا این مراکز، قرآن را مطالعه نکرده‌اند؟ ..... ۱۸۱۶
- پرسش ..... ۱۸۱۶
- پاسخ ..... ۱۸۱۶
- قرآن کریم در مورد "شایعه" چه آیه‌ای را بیان میکند؟ ..... ۱۸۱۶
- پرسش ..... ۱۸۱۶
- پاسخ ..... ۱۸۱۷
- چگونه می‌توان با چپاولگران و مفساد اقتصادی مبارزه کرد؟ ..... ۱۸۲۰
- پرسش ..... ۱۸۲۰
- پاسخ ..... ۱۸۲۰
- چرا دولت جمهوری اسلامی با ماهواره مخالفت می‌کند و دلیل آن را هم جنبه منفی ماهواره می‌داند، در صورتی که هر پدیده جدید، دارای جنبه مثبت نیز هست مثلاً، ویدئو زمانی در نظام ما جرم محسوب می‌شد، ولی اکنون در تلویزیون نیز از آن تبلیغ می‌شود؟! ..... ۱۸۲۲
- پرسش ..... ۱۸۲۲
- پاسخ ..... ۱۸۲۲
- شایعه چیست؟ چگونه شکل می‌گیرد و پراکندگان شایعه در ایران چه کسانی‌اند؟ ..... ۱۸۲۳
- پرسش ..... ۱۸۲۳
- پاسخ ..... ۱۸۲۳
- چرا مردم به ترک زبان‌ها اهانت می‌کنند و موجب رنجش آنان می‌شوند؟ ..... ۱۸۲۳
- پرسش ..... ۱۸۲۳
- پاسخ ..... ۱۸۲۳
- علت روی آوردن جوانان به اعتیاد را بیان کنید؟ ..... ۱۸۲۴
- پرسش ..... ۱۸۲۴
- پاسخ ..... ۱۸۲۴
- با وجودی که مراجع تراشیدن ریش را حرام دانسته‌اند اما در جامعه خیلی‌ها ریش خود را می‌تراشند و یک دید منفی نسبت به کسانی که ریش می‌گذارند هم در جامعه به وجود آمده است. دلیل چیست که یک فرد مسلمان بیرو مراجع این چنین حکم اسلامی را کنار گذاشته و به بی ..... ۱۸۲۵
- پرسش ..... ۱۸۲۵
- پاسخ ..... ۱۸۲۶
- با سلام در جامعه امر روضه خوانی از دیر باز به عنوان یک سمبل دینی حفظ شده و در زمانهای مشخص و مکانهای مشخص به عنوان یک امر اطلاع رسانی به حفظ دین کمک زیادی کرده است ولی در حال حاضر در تمامی طول سال به انحای مختلف روضه‌های زنانه باب شده و متاد ..... ۱۸۲۸
- پرسش ..... ۱۸۲۸
- پاسخ ..... ۱۸۲۹
- چرا با وجود اینکه خدا در قرآن صراحتاً فرموده است که دست افراد دزد را قطع کنید ولی در جامعه ما شاهد قطع دست دزدان نیستیم؟ درحالی‌که جامعه مملو از افراد دزد است ..... ۱۸۳۲
- پرسش ..... ۱۸۳۲
- پاسخ ..... ۱۸۳۲
- چرا مغزهای متفکر ایران در کشورهای خارجی به درس خواندن می‌پردازند؟ ..... ۱۸۳۹
- پرسش ..... ۱۸۳۹
- پاسخ ..... ۱۸۳۹
- اینهمه تبعیض و فساد و رشوه را چگونه می‌توان در جامعه اسلامی حل کرد، و نقش جوانان در این امر مهم چیست؟ ..... ۱۸۳۹
- پرسش ..... ۱۸۳۹
- پاسخ ..... ۱۸۳۹
- چرا در جامعه ما پارتی بازی روز به روز، رو به گسترش است؟ ..... ۱۸۴۰
- پرسش ..... ۱۸۴۰
- پاسخ ..... ۱۸۴۰
- چرا الان استفاده از ماهواره ممنوع شده است؟ ..... ۱۸۴۰

- ۱۸۴۰ ..... پرسش
- ۱۸۴۰ ..... پاسخ
- ۱۸۴۱ ..... چرا در جامعه ما جلو گسترش فساد و ارتشاه گرفته نمی شود؟
- ۱۸۴۱ ..... پرسش
- ۱۸۴۱ ..... پاسخ
- ۱۸۴۱ ..... چرا در برنامه ها و فیلم های صدا و سیما به ترک زبانان اهانت و بی احترامی می شود و چرا از طرف رهبری و ریاست سازمان کاری در جهت رفع این توهین و بی احترامی صورت نمی گیرد؟
- ۱۸۴۱ ..... پرسش
- ۱۸۴۱ ..... پاسخ
- ۱۸۴۲ ..... روشن کردن آتش در مقبره امام زاده ها و غیر امام زاده ها چه صورتی دارد؟
- ۱۸۴۲ ..... پرسش
- ۱۸۴۲ ..... پاسخ
- ۱۸۴۲ ..... کلمه تاسوعا و عاشورا از کجا گرفته شده و چرا به این نام نامگذاری شده است؟
- ۱۸۴۲ ..... پرسش
- ۱۸۴۲ ..... پاسخ
- ۱۸۴۴ ..... عشق در چه مواردی صحیح و در چه مواردی نادرست است ؟
- ۱۸۴۴ ..... پرسش
- ۱۸۴۴ ..... پاسخ
- ۱۸۴۶ ..... اختلاف سن در مورد ازدواج چطور است ؟
- ۱۸۴۶ ..... پرسش
- ۱۸۴۶ ..... پاسخ
- ۱۸۴۶ ..... آیا خرید شمع و سوزاندن آن در زیارتگاهها اسراف نیست ؟
- ۱۸۴۷ ..... پرسش
- ۱۸۴۷ ..... پاسخ
- ۱۸۴۷ ..... آرایش برای مرد چه لزومی دارد؟
- ۱۸۴۷ ..... پرسش
- ۱۸۴۷ ..... پاسخ
- ۱۸۴۸ ..... روشن نمودن چراغ و شمع بر قبر متنی که تازه فوت نموده ، چگونه است ؟
- ۱۸۴۸ ..... پرسش
- ۱۸۴۸ ..... پاسخ
- ۱۸۴۸ ..... آیا خندیدن در ماه محرم حرام است ؟
- ۱۸۴۸ ..... پرسش
- ۱۸۴۸ ..... پاسخ
- ۱۸۴۹ ..... آیا خندیدن و شوخی کردن و خوردن خوراکی (تخمه) در شب های ماه های محرم و صفر اشکال دارد؟
- ۱۸۴۹ ..... پرسش
- ۱۸۴۹ ..... پاسخ
- ۱۸۴۹ ..... آیا چیزی به بر عهده زن است و باید آن را تهیه کند؟
- ۱۸۴۹ ..... پرسش
- ۱۸۴۹ ..... پاسخ
- ۱۸۵۰ ..... چه حکمتی دارد که وقتی بچه متولد می شود، آنان و اقامه در گوش او می خوانند؟
- ۱۸۵۰ ..... پرسش
- ۱۸۵۰ ..... پاسخ

آیا حجاب اسلامی که مدّ نظر قرآن و ائمه : است ، در مناطق مختلف مانند شمال و جنوب یا درقبایل مختلف مانند لرها و کردها و بلوچ ها متفاوت است که هر کدام به شکلی حجاب دارند، مثلاً در بعضی روستاهاحجاب را رعایت نمی کنند؟ آیا حجاب مخصوص شهری ها است ؟ ۵۰

پرسش ..... ۱۸۵۰

پاسخ ..... ۱۸۵۰

به این جمله توجه شود: در سرزمین های جنگ هشت ساله دفاع مقدس ، نباید با کفش به قدم زدن بپردازیم ، چرا که زمین آغشته به خون شهیدای جنگ است و لگد مال کردن خون شهیدان معصیت است .

اشاره ..... ۱۸۵۱

پرسش ..... ۱۸۵۱

پاسخ ..... ۱۸۵۱

چرا عصر روزهای جمعه هر هفته عبار غمی بر دل انسان می نشیند؟

پرسش ..... ۱۸۵۲

پاسخ ..... ۱۸۵۲

چرا خانواده های اسلامی به ویژه شیعه از انتخاب نام کاظم و قنبر برای فرزندان خود امتناع می ورزند

پرسش ..... ۱۸۵۳

پاسخ ..... ۱۸۵۳

آب ریختن بر سنگ قبرها و شستن آن ها چه ارزش معنوی برای میت دارد؟

پرسش ..... ۱۸۵۳

پاسخ ..... ۱۸۵۳

چرا پسرها هر نوع لیبسی را می توانند بپوشند، ولی دخترها نمی توانند؟

پرسش ..... ۱۸۵۴

پاسخ ..... ۱۸۵۴

کلمه (مهبازار) چه واژه ای است؟ آیا واژه بیگانه است؟ چرا ثبت احوال این نام را برای فرزندان نمی پذیرد؟

پرسش ..... ۱۸۵۴

پاسخ ..... ۱۸۵۴

مخارجی که در زمان فوت تا چهلم برای مرده انجام می شود چه توصیه شرعی دارد؟

پرسش ..... ۱۸۵۴

پاسخ ..... ۱۸۵۴

با توجه به این که عید امسال با ماه محرم الحرام مصادف است، تکلیف مسلمانان چیست و از نظر برگزاری مراسم کدام یک از این دو مهم تر است؟

پرسش ..... ۱۸۵۸

پاسخ ..... ۱۸۵۸

چرا آخوندها فوتبال بازی نمی کنند؟

پرسش ..... ۱۸۵۹

پاسخ ..... ۱۸۵۹

سال ها را چگونه و توسط چه کسانی نامگذاری می کنند؟ سال های ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و... چه نام دارند؟ برای مثال سال ۸۰ سال مار می باشد.

پرسش ..... ۱۸۵۹

پاسخ ..... ۱۸۶۰

فلسفه پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری چیست ؟

پرسش ..... ۱۸۶۰

پاسخ ..... ۱۸۶۰

مراد از تعزیه خوانی در اسلام چیست ؟ آیا تعزیه خوانی عزاداری خوبی است ؟

پرسش ..... ۱۸۶۱

پاسخ ..... ۱۸۶۱

چرا روز تاسوعا سر خاک شهدا و مردگان می روند؟

پرسش ..... ۱۸۶۱

پرسش ..... ۱۸۶۱

پاسخ ..... ۱۸۶۲

چرا روز عاشورا یا برهنه می شوند؟ ..... ۱۸۶۲

پرسش ..... ۱۸۶۲

پاسخ ..... ۱۸۶۲

چرا ده شب اول ماه محرم عزاداری می شود؟ مگر نباید بعد از عاشورا عزاداری نمود؟ ..... ۱۸۶۴

پرسش ..... ۱۸۶۴

پاسخ ..... ۱۸۶۴

فلسفه علامت که در جلوی دسته زنجیرزنی و سینه زنی حرکت می دهند چیست ؟ ..... ۱۸۶۴

پرسش ..... ۱۸۶۴

پاسخ ..... ۱۸۶۴

آیا آوردن برچم قرمز در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی خوب است ؟ ..... ۱۸۶۵

پرسش ..... ۱۸۶۵

پاسخ ..... ۱۸۶۵

از چه طریقی می توان برای بچه یا مکان و یا هر چیز دیگری نامی انتخاب کرد؟ شنیده ام بعضی قرآن را باز می کنند و یک کلمه از آن در نظر گرفته و نام بچه را انتخاب می نمایند، با این که در آن صفحه اصلاً نامی وجود ندارد. آیا این مطلب صحیح است؟! توضیح دهید. .... ۱۸۶۵

پرسش ..... ۱۸۶۵

پاسخ ..... ۱۸۶۵

بعضی از افراد به عطسه کردن اعتقاد دارند و می گویند در عطسه های فرد باید دست از کار کشید و در عطسه های زوج به کار خویش ادامه داد! آیا چنین چیزی درست است ؟ اگر درست نیست ، چگونه احادیث متعددی در این باره وجود دارد؟ ..... ۱۸۶۶

پرسش ..... ۱۸۶۶

پاسخ ..... ۱۸۶۶

بیشتر اداان مراسم عروسی و عزای خود را در اماکن دینی برگزار می کنند. چرا مراسم ازدواج مسلمانان در مساجد برگزار نمی شود؟ ..... ۱۸۶۷

پرسش ..... ۱۸۶۷

پاسخ ..... ۱۸۶۷

در همسایگی ما چند فقیر زندگی می کنند. پدرم هر ماه به این ها کمک می رساند. این کار چگونه است ؟ ..... ۱۸۶۷

پرسش ..... ۱۸۶۷

پاسخ ..... ۱۸۶۷

در ایام محرم مرسوم است که بعضی شیعیان در مجالس مرثیه خوانی ، حجله حضرت قاسم ۷ رست می کنند و از بین حضار یک نفر را به نام عروس حجله لباس پوشانده و کنار حجله نشانده و به نذر و نیاز ودعا می پردازند. آیا این مطلب از نظر شیعه صحیح است ؟ ..... ۱۸۶۸

پرسش ..... ۱۸۶۸

پاسخ ..... ۱۸۶۸

۱ فلسفه بلند نمودن علم هایی که در محرم بر دوش می کشند چیست ؟ وجه اسلامی آن کدام است ؟ ..... ۱۸۷۰

پرسش ..... ۱۸۷۰

پاسخ ..... ۱۸۷۰

این شهر آشوب روایت کرده : منصور به موسب بن جعفر ۷ پیشنهاد کرد: نوروز را برای تبریک جلوس کند و هرچه نزد او آوردند، دریافت کند. وی فرمود: . حال آیا نوروز بیهوده است ؟ اسلام و امامان چه سلوکی داشته اند؟ ..... ۱۸۷۰

پرسش ..... ۱۸۷۰

پاسخ ..... ۱۸۷۲

فلسفه سینه زنی در عزاداریها چیست؟ ..... ۱۸۷۳

پرسش ..... ۱۸۷۳

پاسخ ..... ۱۸۷۳

اگر مراسم سینه زنی و زنجیر زنی یک سنت است ، چرا علما زنجیر نمی زنند؟ ..... ۱۸۷۳

پرسش ..... ۱۸۷۳

پاسخ ..... ۱۸۷۴

- ۱۸۷۴ ..... فلسفه حمل علم ها در مراسم عزاداری امام حسین (ع) چیست؟ اکثر مردم شهرهای ایران این علم ها را می بوسند و نذر می کنند تا حاجت هایشان برآورده شود. آیا این اعتقاد صحیح است و عدم اعتقاد موجب گناه است؟
- ۱۸۷۴ ..... پرسش
- ۱۸۷۴ ..... پاسخ
- ۱۸۷۶ ..... ناموس و ناموس داری دینی یعنی چه؟
- ۱۸۷۶ ..... پرسش
- ۱۸۷۶ ..... پاسخ
- ۱۸۷۶ ..... ایام فاطمیه چه ایامی است؟
- ۱۸۷۶ ..... پرسش
- ۱۸۷۶ ..... پاسخ
- ۱۸۷۷ ..... منشأ کلمات عاشورا و تاسوعا چیست؟
- ۱۸۷۷ ..... پرسش
- ۱۸۷۷ ..... پاسخ
- ۱۸۷۷ ..... طریقه فاتح گرفتن برای مردگان را تشریح کنید؟ آیا اگر چاقو روی سفره باشد ، در هنگام فاتحه گفتن اشکال دارد؟
- ۱۸۷۷ ..... پرسش
- ۱۸۷۷ ..... پاسخ
- ۱۸۷۷ ..... چرا از اول محرم و قبل از شهادت امام حسین(ع) لباس سیاه می پوشند؟ در حالی که امام حسین(ع) در روز عاشورا به شهادت رسیده اند و طبق معمول باید از روز عاشورا به بعد لباس سیاه پوشیده شود، لطفاً در این مورد توضیح دهید؟
- ۱۸۷۷ ..... پرسش
- ۱۸۷۷ ..... پاسخ
- ۱۸۷۹ ..... بعضی از افراد نظر دارند کسانی که غم امام حسین را بلند می کنند و عزاداری می کنند، باید انسان های آرام و ساکنی باشند و در ادارات دولتی مشغول به کار نباشند.
- ۱۸۷۹ ..... پرسش
- ۱۸۸۰ ..... پاسخ
- ۱۸۸۰ ..... می خواستم در مورد عطسه اطلاعاتی بدهید. آیا مطالبی که در مورد عطسه شایع است صحت دارد یا این که خرافات است؟
- ۱۸۸۰ ..... پرسش
- ۱۸۸۰ ..... پاسخ
- ۱۸۸۰ ..... چرا درباره علما که این همه زحمت برای انقلاب کشیده و می کشند، بد می گویند؟
- ۱۸۸۰ ..... پرسش
- ۱۸۸۰ ..... پاسخ
- ۱۸۸۱ ..... آیا ناخن گرفتن در شب ایراد دارد؟ بهترین موقع ناخن گرفتن چیست؟
- ۱۸۸۱ ..... پرسش
- ۱۸۸۱ ..... پاسخ
- ۱۸۸۲ ..... اگر زنی حامله باشد و مرده ای ببیند ، چه حکمی دارد ؟ این که می گویند بچه چشمانش شور می شود یعنی چشم زخم می زند ، آیا واقعیت دارد؟
- ۱۸۸۲ ..... پرسش
- ۱۸۸۲ ..... پاسخ
- ۱۸۸۲ ..... آیا در محرم و صفر می توان مراسم عقد و خواستگاری را برگزار نمود؟
- ۱۸۸۲ ..... پرسش
- ۱۸۸۲ ..... پاسخ
- ۱۸۸۳ ..... آیا تسبیح در دست گرداندن گرفتاری می آورد؟
- ۱۸۸۳ ..... پرسش
- ۱۸۸۳ ..... پاسخ
- ۱۸۸۳ ..... آیا عطسه در کمی یا زیادی عمر مؤثر است؟ آیا در عطسه تک باید صبر کرد؟
- ۱۸۸۳ ..... پرسش

- ۱۸۸۳ ..... پاسخ
- ۱۸۸۳ ..... بسیار مشتاقم بدانم جزء عوام الناس هستم یا جزء اهل دانش؟ دانستن این امر چگونه میسر است؟
- ۱۸۸۳ ..... پرسش
- ۱۸۸۴ ..... پاسخ
- ۱۸۸۴ ..... می گویند: وقتی در کاری صبری و عطسه آمد، در انجام آن عجله نکنید و یا آن را ترک کنید، آیا این حرف صحیح است؟
- ۱۸۸۴ ..... پرسش
- ۱۸۸۴ ..... پاسخ
- ۱۸۸۵ ..... آیا دود اسفند برای کسانی که به اصطلاح چشم خورده و مورد حسادت قرار گرفته، مفید است؟ در این خصوص روایتی از معصومان(ع) وارد شده یا خرافات است؟
- ۱۸۸۵ ..... پرسش
- ۱۸۸۵ ..... پاسخ
- ۱۸۸۷ ..... جمله "یا علی" یعنی چه و چرا عده زیادی این جمله را بر زبان جاری می کنند؟
- ۱۸۸۷ ..... پرسش
- ۱۸۸۷ ..... پاسخ
- ۱۸۸۷ ..... چرا دور خانه خدا را با پارچه مشکل پوشانیده اند؟
- ۱۸۸۷ ..... پرسش
- ۱۸۸۸ ..... پاسخ
- ۱۸۸۹ ..... چرا جن باعث ترس در مردم می شود؟
- ۱۸۸۹ ..... پرسش
- ۱۸۸۹ ..... پاسخ
- ۱۸۸۹ ..... امروزه سه امر: بانک، تلویزیون و فوتبالیست ها مردم را به خود مشغول داشته است. چرا این گونه شده است؟
- ۱۸۸۹ ..... پرسش
- ۱۸۸۹ ..... پاسخ
- ۱۸۹۰ ..... نام صبا و ملیکه برای دختر آیا جزء اسامی مذهبی است؟
- ۱۸۹۰ ..... پرسش
- ۱۸۹۰ ..... پاسخ
- ۱۸۹۴ ..... به عقیده برخی از مردم بعد از طلوع و غروب خورشید، خواندن فاتحه و صلوات برای مردگان خوب است و به آن ها می رسد، ولی پس از غروب و شب ها گفتن فاتحه سودی به حال آن ها ندارد. این گفته ها تا چه حد درست است؟
- ۱۸۹۴ ..... پرسش
- ۱۸۹۴ ..... پاسخ
- ۱۸۹۵ ..... آیا به کسی که به حج عمره می رود می توان حاجی گفت؟
- ۱۸۹۵ ..... پرسش
- ۱۸۹۵ ..... پاسخ
- ۱۸۹۵ ..... آیا وجود خال در طرف راست و یا چپ صورت نشانه شانس و اقبال است؟
- ۱۸۹۵ ..... پرسش
- ۱۸۹۵ ..... پاسخ
- ۱۸۹۵ ..... آیا این گفته درست است که موقع سال تحویل هر کس در هر موقعیتی است، در همان موقعیت باقی می ماند مثلاً اگر خواب باشد یا در حال خواندن قرآن باشد در طول سال همیشه این حالات را به خود می گیرد؟
- ۱۸۹۵ ..... پرسش
- ۱۸۹۶ ..... پاسخ
- ۱۸۹۶ ..... چرا می گویند اگر هنگام شب خواستی آب بر روی زمین بریزی بسم الله بگو. آیا جنی ها در شب فعالیتی دارند؟
- ۱۸۹۶ ..... پرسش
- ۱۸۹۶ ..... پاسخ
- ۱۸۹۶ ..... آیا درست است که در خانه و یا مسجد جانماز پهن باشد، شیطان نماز می خواند؟

- پرسش ..... ۱۸۹۶
- پاسخ ..... ۱۸۹۶
- در مورد مراسم آشپزی، در برخی مناطق مرسوم است که زنی پاره‌پاره برای جمع کردن پول به در خانه هفت نفر که نام آن‌ها فاطمه است می‌رود و هیچ نمی‌گوید بلکه فقط ذکر می‌گوید و مواد لازم برای پختن آش را از آنان تهیه و جمع‌آوری می‌کند. آیا این مطلب دلیلی دارد؟ ۷
- پرسش ..... ۱۸۹۷
- پاسخ ..... ۱۸۹۷
- گذاشتن سنگ مرمر و آرامگاه روی قبر چه تأثیری به حال افراد متوفی دارد؟
- پرسش ..... ۱۸۹۷
- پاسخ ..... ۱۸۹۷
- فلسفه سینه زدن چیست و از چه زمانی بوجود آمد؟
- پرسش ..... ۱۸۹۸
- پاسخ ..... ۱۸۹۸
- چرا به امام هشتم (ع) قبله هفتم می‌گویند؟
- پرسش ..... ۱۸۹۹
- پاسخ ..... ۱۸۹۹
- عاشورا و تاسوعا به چند معنا است و چرا روز نهم و دهم محرم به نام عاشورا و تاسوعای حسینی یاد می‌شود؟
- پرسش ..... ۱۸۹۹
- پاسخ ..... ۱۸۹۹
- چرا عید قربان و عید غدیر به این نام شناخته شده است؟
- پرسش ..... ۱۹۰۱
- پاسخ ..... ۱۹۰۱
- اگر بعضی‌ها بعد از دهم محرم که مردم عزاداری می‌کنند، به سی‌دی و فیلم‌های شاد نگاه کنند، درست است؟
- پرسش ..... ۱۹۰۱
- پاسخ ..... ۱۹۰۱
- بعد از مرگ افراد معمولاً مراسم سوم هفتم چهلم و سالگرد برگزار می‌شود. چرا روزهای را مراسم می‌گیرند. آیا این مراسم تأثیری بر حال مرده دارد؟
- پرسش ..... ۱۹۰۲
- پاسخ ..... ۱۹۰۲
- ایام نحس چه ایامی است آیا بستگی به اعمال و رفتار انسان دارد؟
- پرسش ..... ۱۹۰۳
- پاسخ ..... ۱۹۰۳
- چرا برای شهادت امام حسین (ع) مراسم اربعین برگزار می‌شود، ولی در رحلت پیامبر و سایر ائمه این کار صورت نمی‌گیرد؟ توضیح دهید.
- پرسش ..... ۱۹۰۵
- پاسخ ..... ۱۹۰۶
- منظور از حقام منجباب که گاه علما از آن نام می‌برند چیست؟
- پرسش ..... ۱۹۰۷
- پاسخ ..... ۱۹۰۷
- بعضی‌گاه‌ها با آنکه وضع خوبی دارند، باز اقدام به تکدی می‌کنند. آیا می‌توان به این افراد چیزی نداد یا آن‌ها را از خود راند؟ با این افراد به طور کلی چگونه باید برخورد نماییم؟
- پرسش ..... ۱۹۰۸
- پاسخ ..... ۱۹۰۸
- عزاداری خوب و مقبول برای ائمه چه ویژگی‌هایی دارد؟
- پرسش ..... ۱۹۰۹
- پاسخ ..... ۱۹۰۹



- چرا ماه رجب را رجب المرجب نامیده است ..... ۱۹۱۰
- پرسش ..... ۱۹۱۰
- پاسخ ..... ۱۹۱۰
- چرا قاریان موقع تلاوت قرآن دست ها را بر گوش خود قرار می دهند؟ ..... ۱۹۱۰
- پرسش ..... ۱۹۱۰
- پاسخ ..... ۱۹۱۰
- بودن کیوتران در حرم بعضی از ائمه(ع) نشانه چه می باشد؟ ..... ۱۹۱۲
- پرسش ..... ۱۹۱۲
- پاسخ ..... ۱۹۱۲
- آیا این گفته صحیح است که هر وقت انسان ناخودآگاه تکلی می خورد، می گویند این عزرائیل است که به او تنه می زند و مرگ را یادآور می شود؟ ..... ۱۹۱۲
- پرسش ..... ۱۹۱۲
- پاسخ ..... ۱۹۱۲
- منظور از روز بزرگداشت شخصیت هایی که در تقویم آمده، آیا سالروز تولد است یا سالروز رحلت؟ ..... ۱۹۱۲
- پرسش ..... ۱۹۱۲
- پاسخ ..... ۱۹۱۳
- آیا انداختن شال سبز یا نیت جلب احترام به دیگران و یا خود را فرزند ائمه اطهار (ع) دانستن موجب نارضایتی اهل بیت می گردد؟ آیا صحیح است ..... ۱۹۱۳
- پرسش ..... ۱۹۱۳
- پاسخ ..... ۱۹۱۳
- امروز رسم شده که صاحب عزا لباس مشکی به تن می کند. آیا از قدیم رسم بوده؟ حکم علما در این مورد چیست؟ آیا مراسم هایی مانند مجلس ختم، هفت و چهارم لازم است؟ ..... ۱۹۱۳
- پرسش ..... ۱۹۱۳
- پاسخ ..... ۱۹۱۳
- آیا شاد بودن در مجالس ائمه اطهار(ع) نواب دارد؟ ..... ۱۹۱۴
- پرسش ..... ۱۹۱۴
- پاسخ ..... ۱۹۱۴
- ساختن دوتار را منسوب به حضرت ... می دانند و اهل سنت هم به این علت در خانه خود دوتاری را به عنوان تبرک نگه می داند. آیا این گفته حقیقت دارد؟ ..... ۱۹۱۵
- پرسش ..... ۱۹۱۵
- پاسخ ..... ۱۹۱۵
- آیا لباس سیاه برای مرده اثرات بدی دارد؟ اگر لباس سیاه خوب نیست، برای امامان معصوم چطور است؟ آیا نواب پوشیدن لباس سیاه برای امام حسین تا ده روز یا تا آخر ماه می باشد؟ ..... ۱۹۱۹
- پرسش ..... ۱۹۱۹
- پاسخ ..... ۱۹۱۹
- چرا حرم مقدس ائمه اطهار(ع) و اماکن مقدسه را به صورت گنبد درست می کنند؟ ..... ۱۹۲۱
- پرسش ..... ۱۹۲۱
- پاسخ ..... ۱۹۲۱
- چرا برای مردگان هفت، چهارم و سالگرد می گیرند؟ ..... ۱۹۲۵
- پرسش ..... ۱۹۲۵
- پاسخ ..... ۱۹۲۵
- مراد از ایام الله چیست؟ ..... ۱۹۲۷
- پرسش ..... ۱۹۲۷
- پاسخ ..... ۱۹۲۷
- چرا امروزه کسانی را که بیش از یک همسر دارند به چشم بد نگاه می کنند؟ ..... ۱۹۲۸
- پرسش ..... ۱۹۲۸

- ۱۹۲۸ ..... پاسخ
- این که تعداد کمی از آخوند ها و دکترها سیگار می کشند، تأثیر بد ندارد؟ .....  
۱۹۲۸ ..... پرسش
- ۱۹۲۸ ..... پاسخ
- بسیاری از مردم معتقدند هنگامی که عطسه می کنند، اگر یک عطسه کردند، معنای صبر کردن است و اگر دو عطسه کردند، باید در آن کار عجله کنند. آیا این حرف درست است؟ .....  
۱۹۲۹ ..... پرسش
- ۱۹۲۹ ..... پاسخ
- نقل شده که بعد از ماه صفر از شب اول ماه ربیع الاول مستحب است در نیمه شب به بعد به هفت مسجد رفته و در مسجد را کوفته و حاجت خواست. خداوند هر حاجتی که شخص داشته باشد، عطا می کند. آیا این مطلب صحیح است؟ .....  
۱۹۲۹ ..... پرسش
- ۱۹۳۰ ..... پاسخ
- .. شهید به چه کسی گفته می شود، چرا کسانی را که در مسیر کربلا جان می بازند، به آن ها شهید نمی گویند ولی به نیروهای مسلح که کشته می شوند، شهید گفته می شود؟ .....  
۱۹۳۰ ..... پرسش
- ۱۹۳۰ ..... پاسخ
- ورزش و پیاده روی چه نقش در تندرستی و سلامتی دارد؟ و نظر اسلام چیست؟ .....  
۱۹۳۱ ..... پرسش
- ۱۹۳۱ ..... پاسخ
- لقب آیت الله العظمی در زیارت به حضرت علی(ع) نسبت داده شده است. چرا به مراجع هم این را می گوئیم؟ معنی "قدس سره" چیست؟ .....  
۱۹۳۳ ..... پرسش
- ۱۹۳۳ ..... پاسخ
- فلسفه روشن کردن شمع در سقاخانه ها و فلسفه طشت گذاری چیست؟ .....  
۱۹۳۵ ..... پرسش
- ۱۹۳۵ ..... پاسخ
- حکم پوشیدن لباس سیاه چیست؟ چه معصومانی سفارش کرده اند که در عزاداری لباس مشکی بپوشیم؟ این که زن ها جادر مشکی می پوشند، آیا ریشه روایی دارد؟ .....  
۱۹۳۶ ..... پرسش
- ۱۹۳۶ ..... پاسخ
- چرا از نگاه کردن به آئینه و جارو کردن در شب نهی شده است؟ .....  
۱۹۳۷ ..... پرسش
- ۱۹۳۷ ..... پاسخ
- چرا به امامان لقب می دهند؟ .....  
۱۹۳۹ ..... پرسش
- ۱۹۳۹ ..... پاسخ
- آیا بین گناهان فرقی است؟ در جامعه می بینیم فرضاً استفاده از بیت المال هیچ گونه زشتی ندارد، ولی صحبت با یک زن نامحرم خیلی زشت شمرده می شود! دلیل این گونه تفاوت ها چیست؟ .....  
۱۹۴۰ ..... پرسش
- ۱۹۴۰ ..... پاسخ
- چرا وقتی کسی می میرد، تا سه شب بالای سر قبر او فانوس یا چراغ روشن می کنند؟ .....  
۱۹۴۱ ..... پرسش
- ۱۹۴۱ ..... پاسخ
- پیراهن مشکی برای مصائب اهل بیت (ع) و ایام شهادت پوشیده می شود. حال اگر امیلی کسی فوت کند، پوشیدنش مانعی دارد؟ .....  
۱۹۴۱ ..... پرسش
- ۱۹۴۱ ..... پاسخ
- یکی از وظایف شیعیان برخاستن به هنگام آوردن نام امام زمان (ع) است ، پس چرا عیضی روحانیون قیام نمی کنند؟ .....  
۱۹۴۲

- ۱۹۴۲ پرسش
- ۱۹۴۲ پاسخ
- ۱۹۴۲ بهترین مهره ای که یک دختر مسلمان در این زمان می تواند بطلید چیست؟
- ۱۹۴۲ پرسش
- ۱۹۴۲ پاسخ
- ۱۹۴۴ آیا درباره اسپند دود کردن روایتی رسیده است؟ و کلمه اسپند به عربی چیست؟
- ۱۹۴۴ پرسش
- ۱۹۴۴ پاسخ
- ۱۹۴۴ آیا عطسه کردن فرد دلالت بر صبر دارد و اصلاً در روایتی آمده است؟
- ۱۹۴۴ پرسش
- ۱۹۴۴ پاسخ
- ۱۹۴۵ چرا وقتی خانمی می میرد، عکس او را در اعلامیه ها نمی زنند؟
- ۱۹۴۵ پرسش
- ۱۹۴۵ پاسخ
- ۱۹۴۵ حرف شوخی و جدی را چگونه می توان تشخیص داد؟
- ۱۹۴۵ پرسش
- ۱۹۴۶ پاسخ
- ۱۹۴۶ چگونه می توان با ایدئولوژی و فلسفه رایج در کشور پیشرفته ای مثل آمریکا آشنا شد، و اصولاً زندگی کردن در کشور نپذیرفته ای مثل آمریکا بهتر است یا در ایران عقب مانده؟
- ۱۹۴۶ پرسش
- ۱۹۴۶ پاسخ
- ۱۹۴۹ چرا کام نوزاد را با آب فرات برمی دارند، مگر آب فرات تصفیه شده و بهداشتی است؟
- ۱۹۴۹ پرسش
- ۱۹۴۹ پاسخ
- ۱۹۵۱ چرا پرچم امام حسین(ع) در کرپلا قرمز است؟ چرا سبز نیست؟
- ۱۹۵۱ پرسش
- ۱۹۵۱ پاسخ
- ۱۹۵۱ چرا در جامعه اسلامی بین پسران و دختران تفاوت زیادی وجود دارد، یعنی بسیار مشاهده می شود که برای پسران ارزش و احترام بیشتری نسبت به دختران قائلند؟
- ۱۹۵۱ پرسش
- ۱۹۵۲ پاسخ
- ۱۹۵۳ چرا در مراسم عزاداری امام حسین(ع) غم یا پرچم های گوناگون و طوق های بزرگ چلچراغ و غیره می آورند؟ این ها سنبل چه چیزی است؟ چه چیز را می فهمانند؟
- ۱۹۵۳ اشاره
- ۱۹۵۳ پرسش
- ۱۹۵۳ پاسخ
- ۱۹۵۸ آیا درست است که یک جوان با زیرپوش رکاکی جلو مردم ظاهر شود و خود را در جامعه در معرض نمایش بگذارد؟
- ۱۹۵۸ پرسش
- ۱۹۵۸ پاسخ
- ۱۹۵۸ چرا در ایام محرم و صفر، بعضی از هیأت های عزاداری زنجیر می زنند؟
- ۱۹۵۸ پرسش
- ۱۹۵۸ پاسخ
- ۱۹۶۰ علت این که وقتی کسی از دنیا می رود، فردایش بعد از نماز صبح به سر قبرش می روند چیست؟
- ۱۹۶۰ پرسش

- پاسخ ..... ۱۹۶۰
- آیا فال حافظ حقیقت دارد و درست است؟ ..... ۱۹۶۰
- پرسش ..... ۱۹۶۰
- پاسخ ..... ۱۹۶۱
- با وجودی که امامت در دوازده امام معصوم(ع) محدود است، چرا به آیت الله خمینی امام اطلاق می شود؟ چرا همین عنوان را به آیت الله خامنه ای، جانشین ایشان اطلاق نمی کنند؟ ..... ۱۹۶۲
- پرسش ..... ۱۹۶۲
- پاسخ ..... ۱۹۶۲
- معنای کلمه نقد چیست؟ آیا نقد کتاب های شهید مطهری و حضرت امام با نقد ایشان جایز است؟ ..... ۱۹۶۳
- پرسش ..... ۱۹۶۳
- پاسخ ..... ۱۹۶۳
- مراسم برای اموات را باید با سال قمری حساب کنیم یا سال شمسی؟ ..... ۱۹۶۴
- پرسش ..... ۱۹۶۴
- پاسخ ..... ۱۹۶۴
- آیا سینه زنی و زنجیر زنی به شکل مرسوم فعلی در روایات مطرح گردیده و یا این که صرف عزاداری مطرح شده است؟ ..... ۱۹۶۴
- پرسش ..... ۱۹۶۴
- پاسخ ..... ۱۹۶۵
- در حالی که زمینه ازدواج در حال حاضر فراهم نیست، برای ارضای غریزه چه باید کرد؟ ..... ۱۹۶۵
- پرسش ..... ۱۹۶۵
- پاسخ ..... ۱۹۶۵
- چرا همانند عزایی که برای مردگان خود می گیریم، برای پیامبران و امامان(ع) عزاداری برقرار نمی کنیم؟ ..... ۱۹۶۸
- پرسش ..... ۱۹۶۸
- پاسخ ..... ۱۹۶۹
- ۱-گاهی که در حضور فردی شتی "یا علی" می گوئیم، می پرسند چرا "یا خدا" نمی گوئید، در صورتی که علی(ع) بنده خدا است، لطفاً بفرمایید ریشه "یا علی" گفتن چیست؟ ..... ۱۹۷۰
- پرسش ..... ۱۹۷۰
- پاسخ ..... ۱۹۷۰
- چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟ ..... ۱۹۷۱
- پرسش ..... ۱۹۷۱
- پاسخ ..... ۱۹۷۱
- در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جتی ها اذیت می شود. آیا این مسئله صحت دارد؟ اگر صحت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جن دارد، مثلاً جن چه می شود؟ - ۱۹۷۴
- پرسش ..... ۱۹۷۴
- پاسخ ..... ۱۹۷۴
- مهریه و مقدار آن چقدر باید باشد؟ ..... ۱۹۷۴
- پرسش ..... ۱۹۷۴
- پاسخ ..... ۱۹۷۵
- روز اول ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می زنند و عرض حاجت می کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟ ..... ۱۹۷۶
- پرسش ..... ۱۹۷۶
- پاسخ ..... ۱۹۷۶
- گاهی که در حضور فردی شتی "یا علی" می گوئیم، می پرسند چرا "یا خدا" نمی گوئید، در صورتی که علی(ع) بنده خدا است، لطفاً بفرمایید ریشه "یا علی" گفتن چیست؟ ..... ۱۹۷۷
- پرسش ..... ۱۹۷۷
- پاسخ ..... ۱۹۷۷
- پرسش: در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(پ) ..... ۱۹۷۸

- ۱۹۷۸ پرسش
- ۱۹۷۸ پاسخ
- ۱۹۸۰ در روایات اهمیت زیادی بر احترام سادات هست. آنان این امتیاز را از کجا کسب کرده اند و این امر چه توجیهی دارد؟
- ۱۹۸۰ پرسش
- ۱۹۸۰ پاسخ
- ۱۹۸۱ آیا گریه برای مرده گناه است؟
- ۱۹۸۱ پرسش
- ۱۹۸۱ پاسخ
- ۱۹۸۲ برای چه روی قبرها آب می ریزند؟
- ۱۹۸۲ پرسش
- ۱۹۸۲ پاسخ
- ۱۹۸۳ آیا می شود در ماه محرم موهای خود را حنا زد؟
- ۱۹۸۳ پرسش
- ۱۹۸۳ پاسخ
- ۱۹۸۳ چرا عکس زن در اعلامیه فوت او زده نمی شود؟
- ۱۹۸۳ پرسش
- ۱۹۸۳ پاسخ
- ۱۹۸۳ نظر اسلام درباره حفظ ظاهر چیست؟
- ۱۹۸۴ پرسش
- ۱۹۸۴ پاسخ
- ۱۹۸۵ چرا عکس زن در اعلامیه فوت او زده نمی شود؟
- ۱۹۸۵ پرسش
- ۱۹۸۵ پاسخ
- ۱۹۸۵ در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(پ)
- ۱۹۸۵ پرسش
- ۱۹۸۵ پاسخ
- ۱۹۸۶ روز اول ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می زنند و عرض حاجت می کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟
- ۱۹۸۷ پرسش
- ۱۹۸۷ پاسخ
- ۱- آیا اختلاف آداب نشان دهنده نسیبیت اصل آن است؟
- ۱۹۸۷ پرسش
- ۱۹۸۸ پاسخ
- ۱۹۸۸ عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟
- ۱۹۸۸ پرسش
- ۱۹۸۸ پاسخ
- ۱۹۸۹ حسن و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟
- ۱۹۸۹ پرسش
- ۱۹۸۹ پاسخ
- ۱۹۹۰ منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟
- ۱۹۹۰ پرسش
- ۱۹۹۰ پاسخ

- چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم؟ ..... ۱۹۹۰
- پرسش ..... ۱۹۹۰
- پاسخ ..... ۱۹۹۰
- برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهاد می کنید؟ ..... ۱۹۹۶
- پرسش ..... ۱۹۹۶
- پاسخ ..... ۱۹۹۶
- آیا درست است که در ازدواج ، هیچ فرقی بین یک دختر و کالای یک مغازه نیست ؟ ..... ۱۹۹۹
- پرسش ..... ۱۹۹۹
- پاسخ ..... ۱۹۹۹
- وضعیت فرهنگی مردم ایران نسبت به جوامع دیگر، در چه سطحی است ؟ ..... ۲۰۰۰
- پرسش ..... ۲۰۰۰
- پاسخ ..... ۲۰۰۰
- آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟ ..... ۲۰۰۱
- پرسش ..... ۲۰۰۱
- پاسخ ..... ۲۰۰۱
- آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟ ..... ۲۰۰۲
- پرسش ..... ۲۰۰۲
- پاسخ ..... ۲۰۰۲
- گذشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟ ..... ۲۰۰۲
- پرسش ..... ۲۰۰۲
- پاسخ ..... ۲۰۰۲
- چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟ ..... ۲۰۰۳
- پرسش ..... ۲۰۰۳
- پاسخ ..... ۲۰۰۳
- هنگام سعد و نحس چه هنگامی است؟ ..... ۲۰۰۳
- پرسش ..... ۲۰۰۳
- پاسخ ..... ۲۰۰۳
- آیا تعطیلی در ایام ولادت یا شهادت ائمه(علیهم السلام) نوعی تعظیم شعائر است؟ ..... ۲۰۰۴
- پرسش ..... ۲۰۰۴
- پاسخ ..... ۲۰۰۴
- آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟ ..... ۲۰۰۴
- پرسش ..... ۲۰۰۴
- پاسخ ..... ۲۰۰۴
- چرا در اطلاعیه های شهادت، تبریک و تسلیت می گوئیم، آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟ ..... ۲۰۰۵
- پرسش ..... ۲۰۰۵
- پاسخ ..... ۲۰۰۵
- آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟ ..... ۲۰۰۵
- پرسش ..... ۲۰۰۵
- پاسخ ..... ۲۰۰۵
- گذشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟ ..... ۲۰۰۶
- پرسش ..... ۲۰۰۶

- ۲۰۰۶..... پاسخ
- ۲۰۰۶..... چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟.....
- ۲۰۰۶..... پرسش
- ۲۰۰۶..... پاسخ
- ۲۰۰۷..... آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟.....
- ۲۰۰۷..... پرسش
- ۲۰۰۷..... پاسخ
- ۲۰۰۸..... آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟.....
- ۲۰۰۸..... پرسش
- ۲۰۰۸..... پاسخ
- ۲۰۱۰..... آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟.....
- ۲۰۱۰..... پرسش
- ۲۰۱۰..... پاسخ
- ۲۰۱۰..... گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟.....
- ۲۰۱۰..... پرسش
- ۲۰۱۱..... پاسخ
- ۲۰۱۱..... چرا باید روحانیون و بسیجیان ریش (محاسن) بگذارند. دلیل این کار چیست؟.....
- ۲۰۱۱..... پرسش
- ۲۰۱۱..... پاسخ
- ۲۰۱۳..... در محل سکونت ما رسم بر این است که وقتی فردی از دنیا می رود افراد فامیل به مدت ۲۱ یا ۴۰ روز از اصلاح سر و صورت و بیرون آوردن پیراهن مشکی خودداری می نمایند استدعا دارم وجه شرعی این چنین رسومی را بیان فرمایید.....
- ۲۰۱۳..... پرسش
- ۲۰۱۳..... پاسخ
- ۲۰۱۴..... مقدار ولیمه و نوع آن در عروسی چگونه باید باشد؟.....
- ۲۰۱۴..... پرسش
- ۲۰۱۴..... پاسخ
- ۲۰۱۴..... از نظر شما از حیث سیاسی، عقیدتی و اموری که یک مسئول فرهنگی در زندگی شخصی خود باید رعایت کند، چیست؟.....
- ۲۰۱۴..... پرسش
- ۲۰۱۴..... پاسخ
- ۲۰۱۵..... چرا در دین اسلام اینهمه برای امام حسین ( و دیگر ائمه ) گریه می کنند و فقط یک روز مراسم عزاداری انجام نمی دهند بلکه در هر مکان مذهبی و هر سخن مذهبی گریزی به عاشورا می شود و مردم گریه می کنند. این امر باعث می شود روح افسردگی بر جامعه حاکم شود و اصلاً چه
- ۲۰۱۵..... پرسش
- ۲۰۱۶..... پاسخ
- ۲۰۱۹..... مسأله مداحی در عزاداریها و مراسمات گوناگون از بحث شرعی یا غیر شرعی بودن مداحیهای مداحان (ممکن است بعضی جاها از خود چیزهایی درآورند).....
- ۲۰۱۹..... پرسش
- ۲۰۱۹..... پاسخ
- ۲۰۱۹..... چرا در صحن های حرم رضوی مردم نمی توانند بخوابند و استراحت کنند؟ بخصوص زوّار.....
- ۲۰۱۹..... پرسش
- ۲۰۲۰..... پاسخ
- ۲۰۲۰..... فلسفه سینه زنی در عزای اباعبدا..الحسین( و دیگر ائمه اطهار) چیست؟ و شیعیان یا سینه زدن چه هدفی را دنبال می کنند؟.....
- ۲۰۲۰..... پرسش
- ۲۰۲۰..... پاسخ
- ۲۰۲۳..... با توجه به اینکه شهادت امام حسین( در روز عاشورا است، چرا ما از اول محرم عزاداری و تعزیه می گیریم؟.....

- پرسش ..... ۲۰۲۳
- پاسخ ..... ۲۰۲۳
- آیا این نوع عزاداری رایج، ریشه در روایات دینی ما دارد؟ ..... ۲۰۲۶
- پرسش ..... ۲۰۲۶
- پاسخ ..... ۲۰۲۶
- درخصوص برهنه کردن در هنگام سینه زنی و همچنین سینه زدن و خراشیدن صورت و ... توضیح دهید، و واقعاً درست است که مثلاً یکی دیده ام که غلاسه سگ را به گردن انداخته بود و از این قبیل کارها انجام می دهند و اگر درست است پس حضرت زهرا( و حضرت زینب) و ... که
- پرسش ..... ۲۰۲۸
- پاسخ ..... ۲۰۲۸
- در خصوص اینکه وقتی اسم حضرت خامنه ای می آید با تمام احترامی که برای ایشان قائل هستیم، صلوات فرستاده می شود؟ ..... ۲۰۳۰
- پرسش ..... ۲۰۳۰
- پاسخ ..... ۲۰۳۰
- چرا روحانی های محترم عمامه بر سر می گذارند؟ ..... ۲۰۳۲
- پرسش ..... ۲۰۳۲
- پاسخ ..... ۲۰۳۲
- بهترین نوع عزاداری برای ائمه چیست ؟ نظر شما در مورد شیوه جدید عزاداری ها چیست ؟ ..... ۲۰۳۳
- پرسش ..... ۲۰۳۳
- پاسخ ..... ۲۰۳۳
- با توجه به اینکه اغلب ائمه معصومین(ع) در کشورهای عربی متولد و وفات یافته اند و آنها با توجه به عرق ملی و موطنی و مذهبی باید نسبت به برگزاری مراسم تولد و وفات آنها حساسیت بیشتری به خرج دهند و می بینیم که آنها زیاد حساسیتی ندارد و خصوصاً در مراسم وفات خ
- پرسش ..... ۲۰۳۸
- پاسخ ..... ۲۰۳۹
- چرا طرح خانه عفاف رد شد؟ ..... ۲۰۴۲
- پرسش ..... ۲۰۴۲
- پاسخ ..... ۲۰۴۲
- چرا ناهنجاری ها روز به روز در حال افزایش است ..... ۲۰۴۲
- پرسش ..... ۲۰۴۲
- پاسخ ..... ۲۰۴۲
- نمونه هایی از واژه های ارزشی که جای خود را به ضد ارزش ها داده اند را با استفاده از قرآن کریم که در اقوام گذشته اتفاق افتاده را با روش های امروزی و مصادیق آن ذکر کنید. .... ۲۰۴۷
- پرسش ..... ۲۰۴۷
- پاسخ ..... ۲۰۴۷
- با توجه به اسلامی بودن کشور چرا سیگار - که برای جامعه ضرر دارد - به فروش می رسد؟ ..... ۲۰۴۹
- پرسش ..... ۲۰۴۹
- پاسخ ..... ۲۰۴۹
- چرا تمام مشکلات ضد اخلاقی را به غرب نسبت می دهند در حالی که بسیاری از افراد جامعه و مسوولان خود علت و عامل مشکلات و معضلات اجتماعی اند؟ ..... ۲۰۴۹
- پرسش ..... ۲۰۴۹
- پاسخ ..... ۲۰۴۹
- با توجه به فقر بعضی مسلمین انجام جشنها نوعی اسراف نیست ؟ ..... ۲۰۴۹
- پرسش ..... ۲۰۵۰
- پاسخ ..... ۲۰۵۰
- برگزاری مراسم ترحیم ، چه فوایدی دارد؟ ..... ۲۰۵۱
- پرسش ..... ۲۰۵۱
- پاسخ ..... ۲۰۵۱



کسب که می خواهد نام فرزند خود را از نام ائمه بگذارد در حد نام شناسنامه کفایت می کند یا اینکه اسمی که همیشه صدا می شود؟ ۲۰۵۳

پرسش ..... ۲۰۵۳

پاسخ ..... ۲۰۵۳

جهت جذب نونهالان و نوجوانان به کانونهای فرهنگی مساجد چه باید کرد؟ ۲۰۵۳

پرسش ..... ۲۰۵۳

پاسخ ..... ۲۰۵۳

چرا بیشتر مردم ایران دوست دارند شاعر باشند و شعر بگویند؟ ۲۰۵۴

پرسش ..... ۲۰۵۴

پاسخ ..... ۲۰۵۴

اولویت هایی که بجای تعزیه در مراسم مذهبی ما می تواند جایگزین شود چه می باشند؟ ۲۰۵۵

پرسش ..... ۲۰۵۵

پاسخ ..... ۲۰۵۵

چرا در ایام شهادت ائمه خوردن تخمه اشکال دارد؟ ۲۰۵۵

پرسش ..... ۲۰۵۵

پاسخ ..... ۲۰۵۵

نظرسما در باره تعدد هیات مذهبی در شرایط فعلی جامعه چیست. بعضا مشاهده شده از درون برخی هیات های جدیدی تشکیل و فعالیت می کنند آیا این باعث اختلاف نیروهای مذهبی نمی شود. و یا برعکس سبب گسترش نیروهای مذهبی می شود. ۲۰۵۵

پرسش ..... ۲۰۵۵

پاسخ ..... ۲۰۵۵

در مورد ریش گذاشتن توضیح دهید. ۲۰۵۶

پرسش ..... ۲۰۵۶

پاسخ ..... ۲۰۵۶

فلسفه ی انداختن پیراهن روی شلوار چیست؟ ۲۰۶۵

پرسش ..... ۲۰۶۵

پاسخ ..... ۲۰۶۵

تقدس لباس روحانیت به چیست به طور مستدل پاسخ دهید؟ ۲۰۶۵

پرسش ..... ۲۰۶۵

پاسخ ..... ۲۰۶۵

چرا برای مراجع آیه الله العظمی که مختص حضرت امیر در زیارت موجود در مقاتب می باشد استفاده می شود مگر علمای قبلی مثل شیخ مفید و کلینی و ... از نظر بسیاری از جهات از موجودین افضل نبودند؟ ۲۰۶۷

پرسش ..... ۲۰۶۷

پاسخ ..... ۲۰۶۷

چرا شیعیان در ماه محرم و در ایام شهادت امام حسین(ع) گریه می کنند و به عزاداری می پردازند؟ ۲۰۶۸

پرسش ..... ۲۰۶۸

پاسخ ..... ۲۰۶۸

چرا به امام خمینی می گویند امام؟ حتی بعضی ها می گویند اما سیزدهم است؟ ۲۰۷۲

اشاره ..... ۲۰۷۲

پرسش ..... ۲۰۷۲

پاسخ ..... ۲۰۷۲

۱- نحوه عزاداری برای امام حسین (ع) چگونه باید باشد؟ با توجه به اینکه در ایران از زنجیرزدن و سینه خیز رفتن و ... که با معروح شدن بدن همراه است استفاده می کنند آیا این روشها عذر شرعی ندارد؟ ۲۰۷۴

اشاره ..... ۲۰۷۴

پرسش ..... ۲۰۷۴

پاسخ ..... ۲۰۷۴

چگونه و با چه عملی می توانیم مدیون خون شهیدان نباشیم؟ ..... ۲۰۷۸

پرسش ..... ۲۰۷۸

پاسخ ..... ۲۰۷۸

گاهی در حرم مطهر امام رضا یا صدای بوق و طبل مواجه می شویم لطفاً فرمایید این ..... ۲۰۸۲

اشاره ..... ۲۰۸۲

پرسش ..... ۲۰۸۲

پاسخ ..... ۲۰۸۲

نظر شما در رابطه با اینکه رهبر یک انقلاب دست خود را دراز کنند تا اشخاص آن را ببوسند و بعد از آنهم که نوبت زنان شد حوله روی آن بیندازند تا آنان هم ببوسند آیا این درست است؟ ..... ۲۰۸۴

پرسش ..... ۲۰۸۴

پاسخ ..... ۲۰۸۴

آیا روحانیونیکه در اطراف ضریح مقدس امام رضا ( ع ) یا دراماکن متبر که حرم مشغول روضه خوانی می باشند و عده ای اطراف آنها جمع می شوند کار درستی است یا خیر؟ لطفاً توضیح دهید؟ ..... ۲۰۸۶

پرسش ..... ۲۰۸۶

پاسخ ..... ۲۰۸۶

۱- چگونه می توانیم راه و هدف شهدا را ادامه دهیم؟ ..... ۲۰۸۷

پرسش ..... ۲۰۸۷

پاسخ ..... ۲۰۸۷

۲- «شیخ» و «آخوند» به چه معناست؟ ..... ۲۰۹۱

اشاره ..... ۲۰۹۱

پرسش ..... ۲۰۹۱

پاسخ ..... ۲۰۹۱

آیا به مدهایی که در جامعه هست باید عمل کرد؟ ..... ۲۰۹۳

پرسش ..... ۲۰۹۳

پاسخ ..... ۲۰۹۳

تهیه جهیزیه بر عهده چه کسی است؟ ..... ۲۰۹۳

پرسش ..... ۲۰۹۳

پاسخ ..... ۲۰۹۳

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم؟ ..... ۲۰۹۴

پرسش ..... ۲۰۹۴

پاسخ ..... ۲۰۹۴

من شهدا را خیلی دوست دارم و دلم می خواهد کاری که در رابطه با شهدا باشد انجام دهم می خواهم برای شهدا کار کنم می خواهم با آنها بیشتر آشنا شوم ولی نمی دانم از کجا و چگونه آغاز کنم مرا راهنمایی کنید. .... ۲۰۹۸

پرسش ..... ۲۰۹۸

پاسخ ..... ۲۰۹۸

با وجود مراکز خیریه حکم کمک به متکدیان و نیازمندان چگونه است؟ ..... ۲۱۰۰

پرسش ..... ۲۱۰۰

پاسخ ..... ۲۱۰۰

چرا در تعزیه خوانی از طبل استفاده می شود؟ ..... ۲۱۰۰

پرسش ..... ۲۱۰۰

پاسخ ..... ۲۱۰۰

با توجه به فرمایشات حضرت علی ( ع ) لقب معظم برای رهبر انقلاب نوعی مدح نیست؟ ..... ۲۱۰۱

پرسش ..... ۲۱۰۱

پاسخ ..... ۲۱۰۱

- ۲۱۰۳ ..... علت استفاده از واژه هایی نظیر آیت الله و... در بین علمای شیعه چیست ؟
- ۲۱۰۳ ..... پرسش
- ۲۱۰۳ ..... پاسخ
- ۲۱۰۳ ..... برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهاد می کنید؟
- ۲۱۰۳ ..... پرسش
- ۲۱۰۳ ..... پاسخ
- ۲۱۰۷ ..... مبنای ((عرف جامعه)) چیست و چه معنایی دارد؟
- ۲۱۰۷ ..... پرسش
- ۲۱۰۷ ..... پاسخ
- ۲۱۱۱ ..... برای بررسی مد و مطالعاتی از این دست چه کتابهایی را پیشنهاد می کنید.
- ۲۱۱۱ ..... پرسش
- ۲۱۱۱ ..... پاسخ(قسمت اول)
- ۲۱۱۹ ..... پاسخ(قسمت دوم)
- ۲۱۲۶ ..... شنیده ام خود را به کوچه علی چپ زدن را مسیحیان ساخته اند و منظور از علی، حضرت علی (ع) است و به کار بردن آن صحیح نیست.
- ۲۱۲۶ ..... پرسش
- ۲۱۲۶ ..... پاسخ
- ۲۱۲۷ ..... مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟
- ۲۱۲۷ ..... پرسش
- ۲۱۲۷ ..... پاسخ
- ۲۱۲۸ ..... به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟
- ۲۱۲۸ ..... پرسش
- ۲۱۲۸ ..... پاسخ
- ۲۱۲۹ ..... معیارها و ضوابط در فرم و شکل لباس مطلوب چیست و آیا لباس شیک و زیبا مانعی دارد؟
- ۲۱۲۹ ..... پرسش
- ۲۱۲۹ ..... پاسخ
- ۲۱۳۰ ..... منشأ مراسم چهلم برای مردگان چیست؟
- ۲۱۳۰ ..... پرسش
- ۲۱۳۰ ..... پاسخ
- ۲۱۳۲ ..... از نظر دین و فرهنگ آیا زن می تواند از مرد خواستگاری کند؟ اگر می تواند از چه راهی اقدام کند؟
- ۲۱۳۲ ..... پرسش
- ۲۱۳۲ ..... پاسخ
- ۲۱۳۳ ..... آیا پوشیدن لباس سیاه در مرگ افراد، ریشه مذهبی دارد و یا دعوت کردن مردم به صرف شام یا نهار، ریشه مذهبی دارد یا رسم ملی است . نظر اسلام چیست ؟
- ۲۱۳۳ ..... پرسش
- ۲۱۳۳ ..... پاسخ
- ۲۱۳۴ ..... در مراسم عزاداری اهل بیت : مشاهده می شود که عده ای از جوانان ، لباس از تن در آورده ، سینه می زنند، در حالیکه روحانی ها آرام و بدون سر و صدا سینه می زنند. کدام یک از این دو برتر است و ثواب بیشتری دارد؟
- ۲۱۳۴ ..... پرسش
- ۲۱۳۴ ..... پاسخ
- ۲۱۳۴ ..... چه دلیلی بر نحوه خاص عزاداری برای ائمه ، همچون سینه زنی یا زنجیر زنی وجود دارد؟
- ۲۱۳۴ ..... پرسش
- ۲۱۳۴ ..... پاسخ
- ۲۱۳۶ ..... چرا سؤال های شخصی جوانان را جواب نمی دهید؟ آیا تیپ زدن اشکال دارد؟

- پرسش ..... ۲۱۳۶
- پاسخ ..... ۲۱۳۶
- یک نوجوان موهایش را چگونه و به چه مدلی کوتاه کند؟ آیا زدن عطر و ادکلن اشکال دارد؟..... ۲۱۳۶
- پرسش ..... ۲۱۳۶
- پاسخ ..... ۲۱۳۶
- جوان هایی که در کنکور قبول نمی شوند چگونه باید اوقات فراغت خود را بگذرانند؟..... ۲۱۳۸
- پرسش ..... ۲۱۳۸
- پاسخ ..... ۲۱۳۸
- سفره ای به نام حضرت زهرا ۳مرسوم است که می گویند باید این سفره در محلّ تاریک بازشود و هیچ مردی نباید سر سفره باشد! آیا این درست است ؟..... ۲۱۳۹
- پرسش ..... ۲۱۳۹
- پاسخ ..... ۲۱۳۹
- آیا عطسه نشانه درستی موضوع است ؟..... ۲۱۳۹
- پرسش ..... ۲۱۳۹
- پاسخ ..... ۲۱۳۹
- فامیلی هایی که به نام (محمدی ) یا (حسینی ) است ، به افراد سیّد و صالح مربوط می شود ویا فامیلی به نام (مرادی ) به این ملجم مرادی مربوط می شود، مشاهده می شود بعضی از افراد که به نام محمدی یا حسینی هستند، آدم های بدی هستند و یا بعضی از افرادی که به نام (مراد) پرسش ..... ۲۱۴۰
- پاسخ ..... ۲۱۴۰
- چرا اجازه می دهند زنان و دختران به ورزشگاه ها بیایند و به مردان و پسران نگاه کنند؟متأسفانه شما تا به حال تذکر نداده اید. .... ۲۱۴۱
- پرسش ..... ۲۱۴۱
- پاسخ ..... ۲۱۴۱
- چرا می گویند: کَلْ یوم عاشور و کَلْ أرض کربلا..... ۲۱۴۱
- پرسش ..... ۲۱۴۱
- پاسخ ..... ۲۱۴۱
- چرا به روز نهم و دهم محرم تاسوعا و عاشورا گفته می شود؟ آیا فلسفه خاصی دارد یا چون در زبان عربی به این دو روز تاسوعا و عاشورا می گویند، ما هم به همان اسم می خوانیم ؟..... ۲۱۴۲
- پرسش ..... ۲۱۴۲
- پاسخ ..... ۲۱۴۲
- فرق بین مرد و پسر چیست ؟..... ۲۱۴۴
- پرسش ..... ۲۱۴۴
- پاسخ ..... ۲۱۴۴
- به نظر من روز عید غدیر باید به دیدار افرادی رفت که در عصرخودشان بر محور ولایت فقیه حرکت می کنند و اگر از سادات باشند، بهترند.حال نظر شما در خصوص رسم موجود در جامعه که صرف نظر از ویژگی های سادات و رویه آنان به دیدارشان می روند چیست ؟ و اگر آن را نه پرسش ..... ۲۱۴۴
- پاسخ ..... ۲۱۴۴
- معنای این جمله چیست ؛ کس پیراهن ندوخت که آخر قبا نکرد؟!..... ۲۱۴۷
- پرسش ..... ۲۱۴۷
- پاسخ ..... ۲۱۴۸
- این شعر به چه معنا است ؟ اگر با دیگرانش بود میلی چراظرف مرا بشکست لیلی ؟..... ۲۱۴۸
- پرسش ..... ۲۱۴۸
- پاسخ ..... ۲۱۴۸
- آیا فقط هر کس لیاقت داشت ، شهید می شود، اگر چنین است ،چرا بعضی افراد لایالی که حتی اهل نماز نبودند، در جنگ به شهادت رسیدند؟..... ۲۱۴۸
- پرسش ..... ۲۱۴۸
- پاسخ ..... ۲۱۴۸

چرا وقتی از واقعه کربلا یاد می‌آید، نام حضرت زینب از بین بقیه زنان حاضر در آن واقعه، گیراتر و بیش‌تر مطرح است؟ چرا نامی از زنان یا دختران حضرت که رنج‌های فراوانی کشیدند، برده نمی‌شود؟

پرسش - ۲۱۴۹

پاسخ - ۲۱۴۹

سنت چهارشنبه سوری در ایران ریشه از چه اعتقادی دارد؟

پرسش - ۲۱۵۰

پاسخ - ۲۱۵۰

سنت سفره هفت سین در ایران ریشه در چه اعتقادی دارد و هفت سین سمبل چه چیزهایی است؟

پرسش - ۲۱۵۱

پاسخ - ۲۱۵۱

در صحن پشتی امامزادگان پنج تن، واقعی در جمران، در اطراف یک درخت را میله کشیده اند و افرادی در آن جا راز و نیاز و نذر می‌کنند و آن رازیارت می‌کنند. آیا این کار درست است؟

پرسش - ۲۱۵۱

پاسخ - ۲۱۵۱

به نظر شما موقع ازدواج یک دختر چه وقت است؟

پرسش - ۲۱۵۲

پاسخ - ۲۱۵۲

تهاجم فرهنگی

تعریف تهاجم فرهنگی

آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

پرسش - ۲۱۵۳

پاسخ - ۲۱۵۳

تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

پرسش - ۲۱۵۵

پاسخ - ۲۱۵۵

تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

پرسش - ۲۱۵۵

پاسخ - ۲۱۵۵

در چه صورت چیزی که از خارج سرزمینی وارد آن سرزمین شود اجنبی و ضد ملی شمرده می‌شود؟

پرسش - ۲۱۵۶

پاسخ - ۲۱۵۶

منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است؟

پرسش - ۲۱۵۸

پاسخ - ۲۱۵۸

گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست؟

پرسش - ۲۱۶۲

پاسخ - ۲۱۶۲

معنای رب ( rāb ) چیست و چه آرمانی دادند؟

پرسش - ۲۱۶۳

پاسخ - ۲۱۶۳

در مورد "مد گرایی جوانان" چه آیه‌ای در قرآن، آمده است؟

پرسش - ۲۱۶۵

پاسخ - ۲۱۶۵

۲۱۶۸ ..... آیا در تاریخ اسلام، تهاجم فرهنگی وجود داشته است؟

۲۱۶۸ ..... پرسش

۲۱۶۸ ..... پاسخ

۲۱۷۰ ..... چرا در رسانه ها گفته می شود ما غریزه هستیم در صورتی که بیشتر شربه هایی که به ما می رسد از اعراب است ؟

۲۱۷۰ ..... پرسش

۲۱۷۰ ..... پاسخ

۲۱۷۰ ..... هنرمندان و فیلم سازان ما منعقد نیستند و مدگرا هستند. اینان به نوعی در تهاجم فرهنگی شریکند، پس چرایی گویم تهاجم فرهنگی کارکشورهای غربی است ؟

۲۱۷۰ ..... پرسش

۲۱۷۰ ..... پاسخ

۲۱۷۰ ..... خیلی می خواهم در مورد لباس هایی که از غرب می آید بدانم که آیا در این لباسها نیز تهاجم فرهنگی نهفته است یا خیر. تا چه حد.

۲۱۷۰ ..... پرسش

۲۱۷۱ ..... پاسخ

۲۱۷۱ ..... چرا روند تهاجم فرهنگی را یک روند ناخودآگاه نامیده و هیچ گروهی را مسوول و برنامه ریز آن ندانسته اند. بودجه هایی که در آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی به شبکه های مستهجن ماهواره ای و رادیویی و ... اختصاص داده می شود اگر تهاجم فرهنگی نیست پس چیست.

۲۱۷۸ ..... پرسش

۲۱۷۸ ..... پاسخ

۲۱۸۳ ..... مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

۲۱۸۳ ..... پرسش

۲۱۸۳ ..... پاسخ

۲۱۸۶ ..... درباره تهاجم فرهنگی توضیح دهید و کتابهایی معرفی کنید.

۲۱۸۶ ..... پرسش

۲۱۸۶ ..... پاسخ

۲۱۹۱ ..... شبیه خون به چه می گویند؟ آیا همان تهاجم فرهنگی است؟

۲۱۹۱ ..... پرسش

۲۱۹۱ ..... پاسخ

۲۱۹۳ ..... منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

۲۱۹۳ ..... پرسش

۲۱۹۳ ..... پاسخ

۲۱۹۷ ..... موسیقی های راک (ب آ پ ت ) و پاپ (پ پ) چه نوع موسیقی هایی هستند؟

۲۱۹۷ ..... پرسش

۲۱۹۷ ..... پاسخ

۲۱۹۷ ..... به نظر شما آیا در زمان ما پدیده ای به نام تهاجم فرهنگی وجود دارد یا تبادل فرهنگی است؟ اگر تهاجم فرهنگی وجود دارد، وظیفه جوانان برای مقابله با آن چیست؟

۲۱۹۷ ..... پرسش

۲۱۹۸ ..... پاسخ

۲۱۹۸ ..... تهاجم فرهنگی را تعریف کنید؟

۲۱۹۸ ..... پرسش

۲۱۹۸ ..... پاسخ

۲۱۹۹ ..... فرهنگ را تعریف کنید، و ویژگی های فرهنگ اسلامی را بیان کنید.

۲۱۹۹ ..... پرسش

۲۱۹۹ ..... پاسخ

۲۲۰۱ ..... مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

۲۲۰۱ ..... پرسش

۲۲۰۱ - پاسخ

۲۲۰۳ - مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

۲۲۰۳ - پرسش

۲۲۰۳ - پاسخ

۲۲۰۶ - مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

۲۲۰۶ - پرسش

۲۲۰۶ - پاسخ

۲۲۰۸ - تهاجم فرهنگی و موارد آن را توضیح دهید؟

۲۲۰۸ - پرسش

۲۲۰۸ - پاسخ

۲۲۱۰ - چرا جوانان ایرانی فرهنگ خودمان را قبول ندارند و از غربی ها تقلید می کنند؟

۲۲۱۰ - پرسش

۲۲۱۰ - پاسخ

۲۲۱۲ - ضرر نوار های ترانه چیست؟

۲۲۱۲ - پرسش

۲۲۱۲ - پاسخ

۲۲۱۲ - آیا دانشگاه محل فساد است؟ بعضی با این حرف پدر و مادرها را بدبین کرده اند. آیا این حرف صحیح است؟

۲۲۱۲ - پرسش

۲۲۱۳ - پاسخ

۲۲۱۳ - خودباختگی چیست و آثار و پیامدهای آن کدام است؟

۲۲۱۳ - پرسش

۲۲۱۳ - پاسخ

۲۲۱۶ - آیا می توان گفت علت گسترش فساد و بی حجابی که شاهد آن هستیم پس از انقلاب اسلامی ایران فقط تهاجم فرهنگی بوده است آیا می شود روزی بی حجابی در ایران از بین برود؟

۲۲۱۶ - پرسش

۲۲۱۶ - پاسخ

۲۲۱۷ - تهاجم غربی برای مسلمانان شامل چه مواردی در اسلام می شود (در کل فرهنگ غرب)؟

۲۲۱۷ - پرسش

۲۲۱۸ - پاسخ

۲۲۱۹ - چرا به اندازه ای که تبلیغات غربی ها بر جوانان ما تأثیر گذار بوده، تبلیغات ما روی جوانان غرب چنین تأثیری را نداشته است؟

۲۲۱۹ - پرسش

۲۲۱۹ - پاسخ

۲۲۲۰ - اهداف تهاجم فرهنگی

۲۲۲۰ - رب، آیا گروه خاصی هستند؟ چه هدف و خط مشی دارند؟

۲۲۲۰ - پرسش

۲۲۲۰ - پاسخ

۲۲۲۲ - علت این که مردم ایران و جهان به فساد و کارهای زشت و شهوت رانی کشیده می شوند چیست؟ چرا باید به خاطر کارهای زشت و بی بندوباری بعضی از جوانان ایرانی که هر کاری می خواهند انجام می دهند، دیگران هم باید در تنگنا باشند و باید خشک و تر با هم بسوزند؟

۲۲۲۲ - پرسش

۲۲۲۲ - پاسخ

۲۲۲۵ - آیا این درست است که می گویند آمریکا به ایران حمله نظامی نمی کند ولی تبلیغات فرهنگی می کند روی نسل جوان که تا حدود زیادی هم موفق شده است؟ نظر شما چیست؟

۲۲۲۵ - پرسش

۲۲۲۵ - پاسخ

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که این همه فساد و بی اعتقادی و ناهنجاری در بین جوانان امروز که در جمهوری اسلامی بدنیا آمده و تربیت یافته اند زیاد می باشد؟ در عین حال که قبول داریم جوانان معتقد نیز کم نیستند. .... ۲۲۲۷

پرسش ..... ۲۲۲۷

پاسخ ..... ۲۲۲۷

علل تنزل اوضاع فرهنگی کشور در سال های اخیر چیست؟ ..... ۲۲۲۷

پرسش ..... ۲۲۲۷

پاسخ ..... ۲۲۲۸

علل گرایش جوانان به فساد چیست؟ ..... ۲۲۲۸

پرسش ..... ۲۲۲۸

پاسخ ..... ۲۲۲۸

ارتباط فرهنگ کشورها را از جنبه مثبت و منفی بنویسید؟ ..... ۲۲۳۰

پرسش ..... ۲۲۳۰

پاسخ ..... ۲۲۳۰

گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست؟ ..... ۲۲۳۰

پرسش ..... ۲۲۳۰

پاسخ ..... ۲۲۳۰

علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟ ..... ۲۲۳۲

پرسش ..... ۲۲۳۲

پاسخ ..... ۲۲۳۲

چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟ ..... ۲۲۳۴

پرسش ..... ۲۲۳۴

پاسخ ..... ۲۲۳۴

علت انحراف جوانان چیست؟ ..... ۲۲۳۴

پرسش ..... ۲۲۳۵

پاسخ ..... ۲۲۳۵

علت انحراف جوانان ما چیست؟ ..... ۲۲۳۸

پرسش ..... ۲۲۳۸

پاسخ ..... ۲۲۳۸

چرا تهاجم فرهنگی بر ضد ایران است؟ ..... ۲۲۴۳

پرسش ..... ۲۲۴۳

پاسخ ..... ۲۲۴۳

چرا غرب با تهاجم فرهنگی خود به مقابله با کشورهای جهان سوم برخاسته است؟ ..... ۲۲۴۶

پرسش ..... ۲۲۴۶

پاسخ ..... ۲۲۴۶

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟ ..... ۲۲۴۹

پرسش ..... ۲۲۴۹

پاسخ ..... ۲۲۴۹

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟ ..... ۲۲۵۸

پرسش ..... ۲۲۵۸

پاسخ ..... ۲۲۵۸

دلیل بی حجابی در جامعه اسلامی ایران چیست و برای مقابله با آن چه کار باید کرد؟ ..... ۲۲۶۷

پرسش ..... ۲۲۶۷



- ۲۲۶۷ ..... پاسخ
- ۲۲۷۱ ..... عوامل بدحجابی در جامعه چیست ؟
- ۲۲۷۱ ..... پرسش
- ۲۲۷۱ ..... پاسخ
- ۲۲۷۵ ..... علت اصلی گمراه شدن جوانان چیست؟ و چطور می توان آنان را به دین اسلام دعوت کرد؟
- ۲۲۷۵ ..... پرسش
- ۲۲۷۵ ..... پاسخ
- ۲۲۷۶ ..... علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟
- ۲۲۷۶ ..... پرسش
- ۲۲۷۶ ..... پاسخ
- ۲۲۷۸ ..... در مورد گروههای غربی که در میان جوانان رواج پیدا کرده مثل گروه هیپی و... لطفاً توضیح داده و چگونگی پیدایش آن و از چه کشوری وارد شده، راهکارها و اهداف این گروهها را توضیح دهید؟
- ۲۲۷۸ ..... پرسش
- ۲۲۷۸ ..... پاسخ
- ۲۲۸۰ ..... چرا در جامعه ما فرهنگ مصرف گرایی روز به روز و لحظه به لحظه رو به افزایش است و چرا هیچکس کاری نمی کند؟ چرا؟
- ۲۲۸۰ ..... پرسش
- ۲۲۸۱ ..... پاسخ
- ۲۲۸۲ ..... دلیل بدحجابی هایی که امروزه در جامعه اسلامی می بینیم چیست و آیا نمی شود جلوی این بدحجابی ها را گرفت تا جوانان کمتر به فساد کشیده شوند و جامعه ما به عنوان یک جامعه اسلامی نمونه و دارای پیشرفت محسوب شود؟
- ۲۲۸۲ ..... پرسش
- ۲۲۸۲ ..... پاسخ
- ۲۲۸۷ ..... چرا فرهنگ غرب در بین جوانان کشور ما اینقدر گسترش پیدا کرده است بخصوص در بین دختران آیا راه پیشگی ندارد؟
- ۲۲۸۷ ..... پرسش
- ۲۲۸۷ ..... پاسخ
- ۲۲۹۵ ..... علت گسترش فرهنگ ابتذال در جامعه ما چیست
- ۲۲۹۵ ..... پرسش
- ۲۲۹۵ ..... پاسخ
- ۲۲۹۵ ..... علت گستردگی تهاجم فرهنگی چیست؟ و چگونه می توان از آن جلوگیری کرد؟
- ۲۲۹۶ ..... پرسش
- ۲۲۹۶ ..... پاسخ
- ۲۲۹۶ ..... علت روی آوردن مردم به مصرف گرایی ، تجمل و افزایش فساد و قاچاق چیست ؟
- ۲۲۹۶ ..... پرسش
- ۲۲۹۶ ..... پاسخ
- ۲۲۹۶ ..... دقیقاً بفرمائید مدگرایی به چه انگیزه ای است
- ۲۲۹۶ ..... پرسش
- ۲۲۹۶ ..... پاسخ
- ۲۲۹۹ ..... شبهات چه اثرات خوب و بد اجتماعی در بر دارد؟
- ۲۲۹۹ ..... پرسش
- ۲۲۹۹ ..... پاسخ
- ۲۲۹۹ ..... ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی چیست ؟
- ۲۲۹۹ ..... پرسش
- ۲۲۹۹ ..... پاسخ
- ۲۳۰۱ ..... آیا جامعه ای که فرهنگ قوی و غنی دارد از تهاجم فرهنگی می ترسد پس دلیل اینهمه وحشت چیست

پرسش ..... ۲۳۰۱

پاسخ ..... ۲۳۰۱

پوشیدن لباس های مد به تقلید از غرب چه عواقبی دارد؟ ..... ۲۳۰۸

پرسش ..... ۲۳۰۸

پاسخ ..... ۲۳۰۸

دلیل گرایش جوانان به الگوهای بیگانه چیست ؟ ..... ۲۳۱۰

پرسش ..... ۲۳۱۰

پاسخ ..... ۲۳۱۰

علت این که جوامع مختلف به پوشیدن لباس های تنگ و کوتاه روی آورده اند چیست ؟ ..... ۲۳۱۰

پرسش ..... ۲۳۱۰

پاسخ ..... ۲۳۱۱

علت ترویج فرهنگ غرب در بعضی موارد با توجه به اینکه ما یک کشور اسلامی هستیم چیست ؟ ..... ۲۳۱۱

پرسش ..... ۲۳۱۱

پاسخ ..... ۲۳۱۱

دلیل روح بی حجابی در شهرهای بزرگ ایران چیست؟ ..... ۲۳۱۶

پرسش ..... ۲۳۱۶

پاسخ ..... ۲۳۱۶

علت پائین آمدن سن تماشای فیلم های مبتذل در جامعه چیست ؟ و چه کسانی این فیلمها را وارد می کنند؟ ..... ۲۳۲۲

پرسش ..... ۲۳۲۲

پاسخ ..... ۲۳۲۲

ایزوروشها تهاجم فرهنگی ..... ۲۳۲۴

با این وضع حجاب در دخترخانم های جوان و ظاهر نامناسب پسرهای جوان آینده دین را چگونه می بینید؟ ..... ۲۳۲۴

پرسش ..... ۲۳۲۴

پاسخ ..... ۲۳۲۴

نوارهای مبتذل به چه نوارهایی می گویند؟ ..... ۲۳۲۶

پرسش ..... ۲۳۲۶

پاسخ ..... ۲۳۲۶

چرا بی حجابی روز به روز بیشتر می شود؟ ..... ۲۳۲۶

پرسش ..... ۲۳۲۶

پاسخ ..... ۲۳۲۶

هدف دخترها از پوشیدن لباس های غیر اسلامی چیست؟ ..... ۲۳۲۸

پرسش ..... ۲۳۲۸

پاسخ ..... ۲۳۲۸

دشمن از چه راه هایی می خواهد جوانان را؟ به فساد بکشاند و از اسلام دور سازند؟ ..... ۲۳۳۱

پرسش ..... ۲۳۳۱

پاسخ ..... ۲۳۳۱

گاه گاهی مطالبی را به جاب می رسانند منبئ بر این که فلان مطلب را پیامبر در عالم خواب به شخصی فرموده و دستور داده که آن را پنجاه مرتبه جاب کنید و هر کس این کار را نکند مثلا فلان بلا گرفتار می شود و اگر این کار را بکند چقدر حاجات او ..... ۲۳۳۲

پرسش ..... ۲۳۳۲

پاسخ ..... ۲۳۳۲

راههای نفوذ دشمن در قشر جوان را برشمردید؟ ..... ۲۳۳۳

پرسش ..... ۲۳۳۳

- ۲۳۳۳ ..... پاسخ
- ۲۳۳۳ ..... علل و عوامل پیدایش و گسترش «الحاد» را بر شمرید؟
- ۲۳۳۳ ..... پرسش
- ۲۳۳۴ ..... پاسخ
- ۲۳۳۴ ..... چه عواملی، ما جوانان را گمراه می کند؟
- ۲۳۳۴ ..... پرسش
- ۲۳۳۴ ..... پاسخ
- ۲۳۳۶ ..... با توجه به گذشت ۲۳ سال از پیروزی انقلاب و با توجه به برقراری حکومت اسلامی چرا سطح فساد در جامعه نسبت به سال ۱۳۵۸ رو به افزایش می باشد؟
- ۲۳۳۶ ..... پرسش
- ۲۳۳۶ ..... پاسخ
- ۲۳۴۲ ..... علت اصلی دوری از مسائل اخلاقی جوانان آنهم جوانان تحصیل کرده چه می باشد؟
- ۲۳۴۲ ..... پرسش
- ۲۳۴۲ ..... پاسخ
- ۲۳۴۴ ..... چرا در جامعه ما برای تهیه کتاب یا سی دی یا نوار مذهبی برای نمونه تفسیر قرآن باید پول زیادی بدهیم ولی برای کتابها یا نوارها یا سی دی میتدل پول زیادی لازم نیست؟
- ۲۳۴۴ ..... پرسش
- ۲۳۴۴ ..... پاسخ
- ۲۳۴۷ ..... چرا در جامعه بی بندوباری و فساد زیاد شده است
- ۲۳۴۷ ..... پرسش
- ۲۳۴۷ ..... پاسخ
- ۲۳۴۸ ..... علت بی توجهی جوانان به نماز و معنویت و سستی ایمان و اعتقاد آنها چیست
- ۲۳۴۸ ..... پرسش
- ۲۳۴۸ ..... پاسخ
- ۲۳۴۹ ..... علت بی رغبتی جوانان به نماز و مسائل مذهبی چیست
- ۲۳۴۹ ..... پرسش
- ۲۳۴۹ ..... پاسخ
- ۲۳۵۰ ..... چرا گرایش بزرگسالان به مساجد نسبت به جوانان بیشتر است؟
- ۲۳۵۰ ..... پرسش
- ۲۳۵۰ ..... پاسخ
- ۲۳۵۰ ..... چرا در تهران بی حجابی رواج بیشتری دارد؟
- ۲۳۵۰ ..... پرسش
- ۲۳۵۰ ..... پاسخ
- ۲۳۵۱ ..... با توجه به اینکه اعتقاد داریم حکومت اسلامی کامل ترین قوانین حکومتی را دارد، چرا گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه روز به روز افزایش می یابد؟
- ۲۳۵۱ ..... پرسش
- ۲۳۵۱ ..... پاسخ
- ۲۳۵۱ ..... علت تقلید جوانان کشورهای اسلامی در مسائل گوناگون از غرب چیست؟
- ۲۳۵۱ ..... پرسش
- ۲۳۵۱ ..... پاسخ
- ۲۳۵۴ ..... عوامل فساد و چگونگی تهاجم فرهنگی دشمن را بیان کنید و وظایف ما در برابر آن چیست؟
- ۲۳۵۴ ..... پرسش
- ۲۳۵۵ ..... پاسخ
- ۲۳۶۱ ..... ریشه های مد و مدگرایی از کجا منشأ می گیرد و آیا جنبه ها مثبتی هم دارد؟ در خصوص جنبه های منفی آن در اجتماع چه باید کرد؟

پرسش ..... ۲۳۶۱

پاسخ ..... ۲۳۶۱

به نظر شما شیوع و رشد بی بند و باریهای اخلاقی به ویژه جنسی در جامعه اسلامی ما چرا رشد کرده است؟..... ۲۳۶۴

پرسش ..... ۲۳۶۴

پاسخ ..... ۲۳۶۴

دیدن کمی از موی زن برای نامحرم چه فرقی با دیدن تمام موی آن زن دارد؟ اگر فرقی ندارد چه فرقی بین جامعه ما با جامعه غربی وجود دارد زیرا در جامعه ما کمی از موی زنها معلوم است ولی در جوامع غربی تمام موی زن..... ۲۳۶۶

پرسش ..... ۲۳۶۶

پاسخ ..... ۲۳۶۶

مظاهر تهاجم فرهنگی در جامعه کدامند؟..... ۲۳۶۸

پرسش ..... ۲۳۶۸

پاسخ ..... ۲۳۶۸

ابزارهای تهاجم فرهنگی چیست ؟ ..... ۲۳۶۸

پرسش ..... ۲۳۶۸

پاسخ ..... ۲۳۶۸

علت عادی بودن رقص در جامعه ما چیست؟..... ۲۳۷۰

پرسش ..... ۲۳۷۰

پاسخ ..... ۲۳۷۰

علت اصلی روی آوردن جوانان روشن فکر کشور عزیز ما به فرهنگ غرب و دوری از فرهنگ غنی اسلامی و نخواندن نماز و فرائض دینی را انجام ندادن و نسبت به دین و مسئولین نظام بدبین بودن چیست، و چرا باید این تازه میوه های رسیده کشور ما در دست دشمن قسم خورده بی..... ۲۳۷۲

پرسش ..... ۲۳۷۲

پاسخ ..... ۲۳۷۲

مقابله باتهاجم فرهنگی ..... ۲۳۷۷

با توجه به تهاجم فرهنگی غرب ، آینده کشور را چگونه پیش بینی می کنید؟..... ۲۳۷۷

پرسش ..... ۲۳۷۷

پاسخ ..... ۲۳۷۷

چرا جوانان از روحانیون و انقلاب فاصله می گیرند؟ چه باید کرد؟..... ۲۳۷۹

پرسش ..... ۲۳۷۹

پاسخ ..... ۲۳۷۹

بهترین مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟..... ۲۳۸۵

پرسش ..... ۲۳۸۵

پاسخ ..... ۲۳۸۵

در دیگر کشورهای اسلامی یکتاپرستی چگونه روالی را طی می کند؟ و آیا آن ها نیز دچارمشکلات دامنگیری چون تهاجم فرهنگی می باشند در صورت مطلع بودن راه های مقابله این ملل را بامشکلات شرح دهید؟..... ۲۳۸۸

پرسش ..... ۲۳۸۸

پاسخ ..... ۲۳۸۸

وقتی نمی توانیم جلوی ابتئال در دانشگاهها را بگیریم چگونه با ابتئال عمومی در نقاط مختلف مبارزه کنیم؟..... ۲۳۸۸

پرسش ..... ۲۳۸۸

پاسخ ..... ۲۳۸۸

چنانچه موجی به داخل جامعه ای راه یافت ، مقابله با آن چگونه خواهد بود ؟ آن را نمی کنیم و مقاومت کنیم یا این که جامعه را با آن به نحوی سازگار کنیم که خطر ابتئال فرهنگی بیشتر نشود ؟..... ۲۳۸۹

پرسش ..... ۲۳۸۹

پاسخ ..... ۲۳۹۰

وظیفه ما در قبال فساد فرهنگی که در جامعه حاکم است چه می باشد؟..... ۲۳۹۲

پرسش ..... ۲۳۹۲

- ۲۳۹۲ - پاسخ
- ۲۳۹۴ - راه عملی مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ (راهی که با توجه به شرایط کنونی عملی باشد)
- ۲۳۹۴ - پرسش
- ۲۳۹۴ - پاسخ
- ۲۳۹۶ - توسعه فرهنگی خوب بوده است ولی قدرت تهاجم فرهنگی و تلاشهای دشمن بیشتر می باشد چرا این وضع را پیدا کرده ایم؟
- ۲۳۹۶ - پرسش
- ۲۳۹۶ - پاسخ
- ۲۳۹۷ - آیا برای از بین بردن این فرهنگ غرب که با لباس های مبتذل وارد شهر می شوند و همه را به طرف خود می کشانند چه باید کرد؟
- ۲۳۹۷ - پرسش
- ۲۳۹۷ - پاسخ
- ۲۴۰۳ - آیا تبلیغاتی که کشورهای دیگر برای جوانان شیعه و انقلابی ایران برای به فساد کشاندن آنها می کنند ما نیز برای مبارزه با این تبلیغات و مبارزه با این شیخون فرهنگی انجام می دهیم؟ آیا این مقدار مبارزه کافی است؟
- ۲۴۰۳ - پرسش
- ۲۴۰۳ - پاسخ
- ۲۴۰۶ - مطالب لازم در مورد تهاجم فرهنگی و راههای جلوگیری آن و مصادیق تهاجم فرهنگی که راهگشای جوانان در حل مشکلات آنان در این زمینه باشد، را بفرمایید.
- ۲۴۰۶ - پرسش
- ۲۴۰۶ - پاسخ
- ۲۴۰۷ - با توجه به گستره تهاجم فرهنگی به گفته مقام معظم رهبری شیخون فرهنگی در حوزه مقدس علمیه قم برای مقابله با آن چه راه های عملی در پیش گرفته شده است
- ۲۴۰۷ - پرسش
- ۲۴۰۷ - پاسخ
- ۲۴۰۹ - با توجه به این که در جامعه امروز، عده ای با اشاعه فساد و بی بند و باری و... قصد دارند جامعه را از مسیر درست منحرف کنند؛ نظر قرآن درباره این را موضوع تشریح فرمایید؟
- ۲۴۰۹ - پرسش
- ۲۴۰۹ - پاسخ
- ۲۴۱۲ - یک نوجوان چگونه با تهاجم فرهنگی مبارزه کند
- ۲۴۱۲ - پرسش
- ۲۴۱۲ - پاسخ
- ۲۴۱۳ - در مقابل تهاجم فرهنگی، چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم؟
- ۲۴۱۳ - پرسش
- ۲۴۱۳ - پاسخ
- ۲۴۱۴ - به نظر شما بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی چیست؟
- ۲۴۱۴ - پرسش
- ۲۴۱۴ - پاسخ
- ۲۴۱۴ - در خصوص تهاجم فرهنگی چه باید کرد؟
- ۲۴۱۴ - پرسش
- ۲۴۱۴ - پاسخ
- ۲۴۱۴ - برای جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب به جامعه اسلامی چه باید کرد؟
- ۲۴۱۴ - پرسش
- ۲۴۱۴ - پاسخ
- ۲۴۱۵ - در برابر شبهات چه باید کرد؟
- ۲۴۱۵ - پرسش
- ۲۴۱۵ - پاسخ
- ۲۴۱۵ - برای برطرف کردن معضلاتی از قبیل غرب زدگی، عدم رعایت شئون اسلامی و غیره چه باید کرد؟

۲۴۱۵ ..... پرسش

۲۴۱۶ ..... پاسخ

۲۴۱۷ ..... وظیفه یک دانشجو در مقابل تهاجم فرهنگی چیست ؟

۲۴۱۷ ..... پرسش

۲۴۱۷ ..... پاسخ

۲۴۱۸ ..... وظیفه ما در مقابل مشکلات فرهنگی و غیرفرهنگی جامعه چیست ؟

۲۴۱۸ ..... پرسش

۲۴۱۸ ..... پاسخ

۲۴۲۰ ..... راه مقابله با نفوذ تهاجم فرهنگی در خود و اطرافیان چیست ؟

۲۴۲۰ ..... پرسش

۲۴۲۰ ..... پاسخ

۲۴۲۵ ..... در مقابل هجوم تبلیغات جهانی(اینترنت) چگونه باید رفتار کرد که از عوارض نامطلوب آن در امان بود؟

۲۴۲۵ ..... پرسش

۲۴۲۵ ..... پاسخ

۲۴۳۰ ..... برای بهبود یافتن وضعیت فرهنگی چگونه رفتار و برخورد کنیم ؟

۲۴۳۰ ..... پرسش

۲۴۳۰ ..... پاسخ

۲۴۳۳ ..... با توجه به جو درسی دانشگاه و تهاجم فرهنگی غرب چگونه می توانیم به یاد خدا باشیم و با اشتیاق وظایف دینی را انجام دهیم ؟

۲۴۳۳ ..... پرسش

۲۴۳۳ ..... پاسخ

۲۴۳۵ ..... آیا واقعا از تهاجم فرهنگی به ستوه آمده اید، آیا دانشجویان را دوست دارید؟

۲۴۳۵ ..... پرسش

۲۴۳۵ ..... پاسخ

۲۴۳۵ ..... با توجه به این که جدیداً در شهر ما فرقه صوفیه مشغول فعالیت هستند در این خصوص راهنمایی لازم و راهکارهای مقابله را مطرح فرمائید.

۲۴۳۵ ..... پرسش

۲۴۳۵ ..... پاسخ

۲۴۴۲ ..... امر بمعروف و نهی از منکر اکنون در کشور دچار حجه فرهنگی غرب شده و جوانان نیز گرفتار شده اند و فساد در جوانان و ترویج اخلاق فرنگی رونق پیدا کرده چگونه است تکلیف ما با برخورد با اینها؟

۲۴۴۲ ..... پرسش

۲۴۴۲ ..... پاسخ

۲۴۴۷ ..... چگونه می توان در برابر شبهه افکنی مغرضان ایستادگی کرد و دچار شک و تردید نشد؟

۲۴۴۷ ..... پرسش

۲۴۴۷ ..... پاسخ

۲۴۴۸ ..... وظیفه تشکلهای دانشجویی در زمینه رفع معضلات فرهنگی فوق چیست.

۲۴۴۸ ..... پرسش

۲۴۴۸ ..... پاسخ

۲۴۵۰ ..... چطور می شود از تهاجم فرهنگی جلوگیری کرد؟

۲۴۵۰ ..... پرسش

۲۴۵۰ ..... پاسخ

۲۴۵۳ ..... چه کنیم که بتوانیم به طور جدی از اعتقادات خود حفاظت کنیم؟

۲۴۵۳ ..... پرسش

۲۴۵۳ ..... پاسخ

- ۲- چه کنیم تا بتوانیم از فردیکه در کوچه و خیابان میبینیم الگو پذیری نکنیم؟ ..... ۲۴۵۵
- پرسش ..... ۲۴۵۵
- پاسخ ..... ۲۴۵۵
- با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظائف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟ ..... ۲۴۶۰
- پرسش ..... ۲۴۶۰
- پاسخ ..... ۲۴۶۰
- چرا پس از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب جوانان از دین روی گردان شده اند و راه حل معضلات اجتماعی و اخلاقی در جامعه چیست ؟ ..... ۲۴۶۰
- پرسش ..... ۲۴۶۰
- پاسخ ..... ۲۴۶۰
- چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد، افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟ ..... ۲۴۶۴
- پرسش ..... ۲۴۶۴
- پاسخ ..... ۲۴۶۴
- چگونه می توان با تهاجم فرهنگی مبارزه کرد؟ ..... ۲۴۶۵
- پرسش ..... ۲۴۶۵
- پاسخ ..... ۲۴۶۵
- نقش رسانه های گروهی در تهاجم فرهنگی چیست ؟ ..... ۲۴۶۶
- پرسش ..... ۲۴۶۶
- پاسخ ..... ۲۴۶۶
- چگونه برخورد دانشجو با شبهاتی که در کلاس یا محیط مطرح می شود؟ ..... ۲۴۶۶
- پرسش ..... ۲۴۶۶
- پاسخ ..... ۲۴۶۶
- بهترین راه حفظ نفس از تهاجم فرهنگی و غرق شدن در فساد چیست ؟ ..... ۲۴۶۷
- پرسش ..... ۲۴۶۷
- پاسخ ..... ۲۴۶۷
- همانطور که مستحضرد عروسک **Barby** یکی از مظاهر شوم تهاجم فرهنگی صهیونیست هاست که متأسفانه در سالهای اخیر با هجمه وسیع تبلیغاتی آنان به جامعه ما راه یافته است و تقریباً هیچ فروشگاه وجود ندارد که فاقد اجناسی با تصویر این عروسک باشد. لطفاً در مورد ..... ۲۴۶۸
- پرسش ..... ۲۴۶۸
- پاسخ(قسمت اول) ..... ۲۴۶۸
- پاسخ(قسمت دوم) ..... ۲۴۷۸
- چه راه عملی در جهت رشد فرهنگی و کاهش بی بندو باری جامعه پیشنهاد می کنید؟ ..... ۲۴۸۷
- پرسش ..... ۲۴۸۷
- پاسخ ..... ۲۴۸۷
- بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ ..... ۲۴۹۶
- پرسش ..... ۲۴۹۶
- پاسخ ..... ۲۴۹۶
- دشمنان اسلام با شیخون فرهنگی سعی در نابودی افکار آزادیخواهی ، ناموس پرستی ،ارزش خواهی در چارچوب اسلام ناب را دارند. وظیفه ما چیست و چگونه در مقابل آنها مقاومت کنیم ؟ ..... ۲۴۹۷
- پرسش ..... ۲۴۹۷
- پاسخ ..... ۲۴۹۷
- چرا مردم برای گرفتن حاجات خود مستقیماً نزد خدا نمی روند و ائمه اطهار و امام زاده ها را وسیله و شفیع قرار می دهند؟ ..... ۲۴۹۸
- پرسش ..... ۲۴۹۸
- پاسخ ..... ۲۴۹۸
- علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست مخصوصاً برای جوانانی که در دانشگاه هامشغول هستند ؟ ..... ۲۵۰۰

پرسش ..... ۲۵۰۰

پاسخ ..... ۲۵۰۱

جوانان برای مبارزه با تهاجم فرهنگی چه باید بکنند؟ ..... ۲۵۰۶

پرسش ..... ۲۵۰۶

پاسخ ..... ۲۵۰۶

حجاب را دوست دارم، اما در مجالس عروسی و خیابان و نزد آشنایان چه کنم؟ ..... ۲۵۰۸

پرسش ..... ۲۵۰۸

پاسخ ..... ۲۵۰۸

برای خنثی کردن شبهات و تردیدها و دغدغه های فکری، و مقابله با جنگ روانی که دشمنان اسلام و بعضی از روزنامه های سرسپرده و برخی از جناح های سیاسی... به وجود می آورند، چه باید کرد؟ ..... ۲۵۰۸

پرسش ..... ۲۵۰۸

پاسخ ..... ۲۵۰۹

اگر ترانه را از جوانان بگیریم، چه چیزی را جایگزین کنیم؟ ..... ۲۵۰۹

پرسش ..... ۲۵۰۹

پاسخ ..... ۲۵۰۹

چرا در برنامه های تلویزیون بعضی از مسایل مُخرم و نامحرمی، و یا مسایل دیگر را رعایت نمی کنند؟ ..... ۲۵۱۱

پرسش ..... ۲۵۱۱

پاسخ ..... ۲۵۱۱

وظیفه جوانان در برابر تهاجم فرهنگی دشمن چیست؟ ..... ۲۵۱۱

پرسش ..... ۲۵۱۱

پاسخ ..... ۲۵۱۱

ما جوانان چگونه می توانیم خود را از فساد تهاجم فرهنگی دور سازیم، در صورتی که همه این ها را جلوی چشم مان هر روز مشاهده می کنیم؟ ..... ۲۵۱۳

پرسش ..... ۲۵۱۳

پاسخ ..... ۲۵۱۳

آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی بیروز شویم؟ ..... ۲۵۱۶

پرسش ..... ۲۵۱۶

پاسخ ..... ۲۵۱۶

چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟ ..... ۲۵۱۷

پرسش ..... ۲۵۱۷

پاسخ ..... ۲۵۱۷

آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی بیروز شویم؟ ..... ۲۵۱۹

پرسش ..... ۲۵۱۹

پاسخ ..... ۲۵۱۹

علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست؟ ..... ۲۵۲۱

پرسش ..... ۲۵۲۱

پاسخ ..... ۲۵۲۱

در روستایی زندگی می کنم که پر از خرافات و عقاید بیهوده است لطفاً مرا راهنمایی کنید؟ ..... ۲۵۲۷

پرسش ..... ۲۵۲۷

پاسخ ..... ۲۵۲۷

راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ ..... ۲۵۳۰

پرسش ..... ۲۵۳۰

پاسخ ..... ۲۵۳۰



- ۲۵۳۲ ..... راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟
- ۲۵۳۲ ..... پرسش
- ۲۵۳۲ ..... پاسخ
- ۲۵۳۴ ..... در مقابل تهاجم فرهنگی در دانشگاه ها، چه فعالیتی می توان داشت ؟
- ۲۵۳۴ ..... پرسش
- ۲۵۳۴ ..... پاسخ
- ۲۵۳۶ ..... قشر جوان و دانشجویی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟
- ۲۵۳۶ ..... پرسش
- ۲۵۳۶ ..... پاسخ
- ۲۵۳۸ ..... با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظایف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟
- ۲۵۳۸ ..... پرسش
- ۲۵۳۸ ..... پاسخ
- ۲۵۳۸ ..... در مقابل تهاجم فرهنگی ، چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟
- ۲۵۳۸ ..... پرسش
- ۲۵۳۹ ..... پاسخ
- ۲۵۳۹ ..... برای جلوگیری از فساد، در جوانان شهرستانی چه پیشنهادی می شود؟
- ۲۵۳۹ ..... پرسش
- ۲۵۳۹ ..... پاسخ
- ۲۵۴۱ ..... بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟
- ۲۵۴۱ ..... پرسش
- ۲۵۴۱ ..... پاسخ
- ۲۵۴۲ ..... دلیل اینکه ارزشهای دینی و فرهنگی ما کم رنگ شده اند چیست و چه کاری باید برای بهبود آن انجام شود.
- ۲۵۴۲ ..... پرسش
- ۲۵۴۲ ..... پاسخ
- ۲۵۴۴ ..... فرهنگ سازی ..
- دوست دارم در مورد مفهوم توسعه فرهنگی و نقش فرهنگ در توسعه در طول تاریخ بفرزای و نشیب ایران بعد از اسلام و قبل از اسلام و مخصوصا عوامل و موانع توسعه فرهنگی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی به دلیل جدید بودن مطلب توضیحاتی داده شود و به عبارتی آیا می شود گفت
- ۲۵۴۴ ..... پرسش
- ۲۵۴۴ ..... پاسخ
- ۲۵۵۲ ..... یک «میلغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟
- ۲۵۵۲ ..... پرسش
- ۲۵۵۲ ..... پاسخ
- ۲۵۵۵ ..... چرا از آموزه های ثابت قرآن در درس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟
- ۲۵۵۵ ..... پرسش
- ۲۵۵۵ ..... پاسخ
- ۲۵۶۰ ..... چرا به افرادی مانند نویسندگان و مخترعان اهمیت داده نمیشود، در حالی که آثار آنان باقی میماند؛ ولی به گروهی مثل ورزشکاران یا بازیگران بها داده میشود، در حالی که کار آنان محصور در زمان است؟
- ۲۵۶۰ ..... پرسش
- ۲۵۶۰ ..... پاسخ
- ۲۵۶۱ ..... حاجیان خانه خدا که برای حج به کشور عربستان می روند، از طرف آن کشور، قرآن هایی دریافت می کنند؛ الف آیا این قرآن ها از هر نظر صحیح است ب هدف کشور عربستان از دادن قرآن به زائران چیست ج آیا اگر این کار در کشور ایران قبل از این که حاجیان به مکه بر
- ۲۵۶۱ ..... پرسش
- ۲۵۶۱ ..... پاسخ
- ۲۵۶۲ ..... با توجه به این که زبان هر ملتی جزئی از فرهنگ آن ملت است که آن را بر سایر زبان ها ترجیح می دهند، پذیرش و ترویج زبان عربی از سوی دیگر ملت های اسلامی چگونه توجیه پذیر است

- پرسش ..... ۲۵۶۲
- پاسخ ..... ۲۵۶۲
- شما به منظور جذب دانشجویان و پیاده کردن فرهنگ قرآنی در دانشگاه و جامعه به ویژه قشر دانشجوی، و شناساندن قرآن کریم به دانشجویان چه راه کارهایی را پیشنهاد می کنید و چگونه می توان با این سازمان ارتباطی تنگاتنگ و نزدیک برقرار نمود؟..... ۲۵۶۴
- پرسش ..... ۲۵۶۴
- پاسخ ..... ۲۵۶۴
- دستاورد های فرهنگی انقلاب بعد از بیست سال چیست ؟ ..... ۲۵۶۷
- پرسش ..... ۲۵۶۷
- پاسخ ..... ۲۵۶۷
- چرا در دانشگاه های ما در کلاس درس استادان از اسلام دفاع که نمی کنند هیچ، همه چیز را سر اسلام خراب می کنند. به ولایت توهین می کنند به مقدسات توهین می کنند. عقب افتادگی ما را در اسلام و مسلمانی بودن می دانند چرا و چرا ... واقعاً قلب من با دیدن این همه مظلومی
- پرسش ..... ۲۵۶۸
- پاسخ ..... ۲۵۶۹
- ما به عنوان مسلمان که در کشور اسلامی زندگی می کنیم چرا در مدارس ما فقط قرآن در حد روخوانی تدریس می شود و از تفسیر آن در مدارس کشور بی بهره ایم. .... ۲۵۷۰
- پرسش ..... ۲۵۷۰
- پاسخ ..... ۲۵۷۰
- همانطور که حضرت علی(ع) اسامی فرزندان خود را که خداوند بر آنها نهاد را، درخواست کرد از عبری به عربی برگردانده شود؟ چرا ما هم اسامی عربی را و از جمله نام اهل بیت را که عربی است به فارسی برنگردانیم و یا اصلاً استفاده نکنیم؟..... ۲۵۷۲
- پرسش ..... ۲۵۷۲
- پاسخ ..... ۲۵۷۲
- برای چه اینقدر برای ازدواج جوانها سخت گیری می کنند ؟..... ۲۵۷۷
- پرسش ..... ۲۵۷۷
- پاسخ ..... ۲۵۷۸
- چرا در بخش فرهنگی در کشور ما زیاد مسئولان سرمایه گذاری نمی کنند؟..... ۲۵۸۰
- پرسش ..... ۲۵۸۰
- پاسخ ..... ۲۵۸۰
- چگونه می توان به جوانان امروزی فهماند که به بزرگان خود احترام بگذارند؟یرا جوانان امروزی به این امر کم توجه شده اند. .... ۲۵۸۰
- پرسش ..... ۲۵۸۰
- پاسخ ..... ۲۵۸۰
- آیا افزایش جلسات مذهبی در کشور دلیل برانزجار مردم از جامعه نمی باشد، مراجع در کفرگویی بعضی از مداحان چه عکس العملی نشان داده اند؟..... ۲۵۸۴
- پرسش ..... ۲۵۸۴
- پاسخ ..... ۲۵۸۴
- چرا عموم مردم نسبت به دین بیگانه شده اند؟..... ۲۵۸۴
- پرسش ..... ۲۵۸۴
- پاسخ ..... ۲۵۸۵
- چرا پس از دو سه سال از انقلاب که گذشت در ارتباط با مردم حشر و نشر و تعامل اجتماعی از صداقت افراد کاسته شده است و مردم در نتیجه بیشتر دچار استرس و اضطراب می گردند، آن قناعت و باکی که در مردم وجود داشت، وجود ندارد، سوال من این است چه کنیم تا این صداقت
- پرسش ..... ۲۵۸۸
- پاسخ ..... ۲۵۸۸
- من نمی دانم به کدام از گان یا شخص و جایی مربوط می شود ولی از شما سؤال می کنم آیا شما صبح ها از ساعت ۴ الی ۸ تا ۵/۸ سری به پارک ملت در ملأ عام زده اید که ببینید جوانان ما که برای امر به این پاکیزه و سالمی به نام ورزش به چه وضعی هستند؟! وقتی جوان و نوجوان
- پرسش ..... ۲۵۹۱
- پاسخ ..... ۲۵۹۲
- بهترین صورت شناساندن ولایت فقیه به مردم عام با تحصیلات کم چیست؟..... ۲۵۹۵
- پرسش ..... ۲۵۹۵
- پاسخ ..... ۲۵۹۵

آیا ذکر نام مبارک امام حسین ( با آهنگی تند و سریع برای تحریک جوانان سینه زن و همچنین مقابله با آهنگ های محرک هیجان آور غربی و داخلی کار درستی است؟ آیا این بی احترامی به اهل بیت( که مقامی بس بالاتر از اینها دارند نیست؟ آیا به جای اینکه برای مبارزه با فرهنگ

پرسش ..... ۲۵۹۶ -

پاسخ ..... ۲۵۹۶ -

۱- چرا کسانی که می خواهند برای نسل جوان برنامه ریزی کنند اول نظر خودآنها و نیاز آنها را از خودایشان سوال نمی کنند ؟ ..... ۲۵۹۸ -

اشاره ..... ۲۵۹۸ -

پرسش ..... ۲۵۹۸ -

پاسخ ..... ۲۵۹۸ -

در پاسخ به افرادی که می گویند کسانی که در عزاداری ها شرکت می کنند ابتدا باید سیره عملی را یاد بگیرند بعد عزاداری کنند چه بگوئیم؟ ..... ۲۶۰۱ -

پرسش ..... ۲۶۰۱ -

پاسخ ..... ۲۶۰۱ -

چرا امروزه به راحتی از کنار برخی از مفاسد اجتماعی می گذریم؟ ..... ۲۶۰۴ -

پرسش ..... ۲۶۰۴ -

پاسخ ..... ۲۶۰۴ -

چرا نوجوانان و جوانان نسبت به مسائل دینی و امور مذهبی کم رغبت می باشند؟ ..... ۲۶۰۵ -

پرسش ..... ۲۶۰۵ -

پاسخ ..... ۲۶۰۵ -

چگونه می توان برادران کوچکم را به نماز تشویق کنیم؟ ..... ۲۶۰۵ -

پرسش ..... ۲۶۰۵ -

پاسخ ..... ۲۶۰۵ -

برای معرفی اسلام و انقلاب و امام به مردم به ویژه نسل جوان چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟ ..... ۲۶۰۶ -

پرسش ..... ۲۶۰۶ -

پاسخ ..... ۲۶۰۶ -

در شرایطی که روحانی محل به دلیل کهنوت سن نمی تواند به وظیفه تبلیغی خود عمل نماید ما چه وظیفه ای داریم؟ ..... ۲۶۰۶ -

پرسش ..... ۲۶۰۶ -

پاسخ ..... ۲۶۰۶ -

یکتاپرستی به خصوص در دوره جوانی را بین کشور عزیزمان ایران و دیگر کشورهای اسلامی مقایسه نمایید؟ ..... ۲۶۰۶ -

پرسش ..... ۲۶۰۶ -

پاسخ ..... ۲۶۰۶ -

چه کمبودهایی را در جامعه احساس می کنید که موجب دوری ما از یکتاپرستی ایده آل گشته است ؟ ..... ۲۶۰۷ -

پرسش ..... ۲۶۰۷ -

پاسخ ..... ۲۶۰۷ -

چرا اداره مساجد وضعیت مطلوبی ندارد؟ و گاهی افراد بدسابقه مجاور مسجد هستند؟ چرا در عصر کامپیوتر و تکنولوژی ، امور مساجد به طور رایانه این انجام نمی گیرد و وظایف روحانیون مشخص نمی شود تا آن هامسئولیت داشته باشند؟ ..... ۲۶۰۷ -

پرسش ..... ۲۶۰۷ -

پاسخ ..... ۲۶۰۷ -

چگونه می توان شخصی را که اعتقاد به مذهب و دین ندارد، به راه راست هدایت کرد؟ ..... ۲۶۰۷ -

پرسش ..... ۲۶۰۷ -

پاسخ ..... ۲۶۰۸ -

آیا هم اکنون یزیدیان وجود دارند؟ در چه مناطقی زندگی می کنند و وظیفه ما در برخورد با آنان چگونه باید باشد؟ ..... ۲۶۰۸ -

پرسش ..... ۲۶۰۸ -

پاسخ ..... ۲۶۰۸ -

عبرت های عاشورا برای جامعه و نسل جوان چیست ؟ ..... ۲۶۰۹ -

- ۲۶۰۹ ..... پرسش
- ۲۶۰۹ ..... پاسخ
- ۲۶۱۱ ..... چه کنیم نسل جوان ، عاشق قرآن و اهل بیت : شوند؟
- ۲۶۱۱ ..... پرسش
- ۲۶۱۱ ..... پاسخ
- ۲۶۱۳ ..... چند مجله و نشریه خوب برای دانش آموزان نام ببرید.
- ۲۶۱۳ ..... پرسش
- ۲۶۱۳ ..... پاسخ
- ۲۶۱۳ ..... رزمندگان در جبهه بیش تر نمازشان را به جماعت می خواندند یا انفرادی ؟
- ۲۶۱۳ ..... پرسش
- ۲۶۱۴ ..... پاسخ
- ۲۶۱۴ ..... معنای لغوی واژه نماز چیست و چه راه هایی برای جذب جوانان به نماز پیشنهاد می کنید؟
- ۲۶۱۴ ..... پرسش
- ۲۶۱۴ ..... پاسخ
- ۲۶۱۶ ..... در خانواده ای مذهبی بزرگ شده ام ، ولی پسرم که در دوم دبستان است ، علاقه ای به قرآن و حفظان ندارد و بیش تر به موسیقی و ترانه علاقه دارد. چه کنم ؟
- ۲۶۱۶ ..... پرسش
- ۲۶۱۶ ..... پاسخ
- ۲۶۱۷ ..... مقصود از این که مردم باید با سنت های ماندگار علی ۷ آشنا شوند، چیست ؟
- ۲۶۱۷ ..... پرسش
- ۲۶۱۷ ..... پاسخ
- ۲۶۱۹ ..... آیا وجود آموزشگاه ازدواج برای جوانان زیر نظر دولت خوب است ؟
- ۲۶۱۹ ..... پرسش
- ۲۶۲۰ ..... پاسخ
- ۲۶۲۰ ..... چرا با وجود نهادهای دینی ( حوزه های ، ارشاد، امور تربیتی ... ) با هم جوانان روبرو از دین گریزان می شوند. آیا شیوه تبلیغی این نهادها ایراد دارد. مثلاً شیوه های ایراد دارد. مثلاً شیوه های تبلیغی خشک و سستی است و مبتنی بر اصول روان شناسی و علمی نیست ...؟
- ۲۶۲۰ ..... پرسش
- ۲۶۲۰ ..... پاسخ
- ۲۶۲۳ ..... یک هیئت عزاداری بر چه اساسی تأسیس می شود و نحوه پیشرفت و هدایت امر تبلیغ با چه روشی امکان پذیر است ؟
- ۲۶۲۳ ..... پرسش
- ۲۶۲۳ ..... پاسخ
- ۲۶۲۴ ..... پیام عاشورا برای جوانان چیست ؟
- ۲۶۲۴ ..... پرسش
- ۲۶۲۴ ..... پاسخ
- ۲۶۲۵ ..... به نظر شما آیا عزاداری ما فقط باید در دهه محرم باشد؟ آیا تبلیغات ما در این زمینه کم نیست ؟ در این صورت وظیفه چیست ؟
- ۲۶۲۵ ..... پرسش
- ۲۶۲۶ ..... پاسخ
- ۲۶۲۶ ..... آیا در جامعه ما تمام اهداف امام حسین ۷ پیاده می شود؟
- ۲۶۲۶ ..... پرسش
- ۲۶۲۶ ..... پاسخ
- ۲۶۲۷ ..... قیام عاشورا و امام حسین ۷ در دین و افکار جامعه های دیگر چه تأثیری گذاشته است ؟
- ۲۶۲۷ ..... پرسش
- ۲۶۲۷ ..... پاسخ

- نقش مساجد در تربیت جوانان چگونه است ؟ ..... ۲۶۲۹
- پرسش ..... ۲۶۲۹
- پاسخ ..... ۲۶۲۹
- راه های جذب جوانان به مسجد چگونه است ؟ ..... ۲۶۳۰
- پرسش ..... ۲۶۳۰
- پاسخ ..... ۲۶۳۰
- آیا جواب بودن امام جماعت و یا حتی خادم مسجد، در گرایش جوانان به مسجد نقش دارد؟ ..... ۲۶۳۱
- پرسش ..... ۲۶۳۱
- پاسخ ..... ۲۶۳۱
- آیا وجود کانون فرهنگی ، بسیج ، کتابخانه و امثال آن را می توان از علل جذب جوانان به مسجد دانست ؟ ..... ۲۶۳۲
- پرسش ..... ۲۶۳۲
- پاسخ ..... ۲۶۳۲
- استقبال جوانان را در مساجد مختلف چگونه می بینید؟ علت عدم حضور برخی جوانان در مساجد چیست ؟ ..... ۲۶۳۳
- پرسش ..... ۲۶۳۳
- پاسخ ..... ۲۶۳۳
- خصوصیات مسجد فعال و امام جماعت خوب را بنویسید. .... ۲۶۳۴
- پرسش ..... ۲۶۳۴
- پاسخ ..... ۲۶۳۴
- ویژگی های یک مسجد جوان پسند کدام است ؟ ..... ۲۶۳۶
- پرسش ..... ۲۶۳۶
- پاسخ ..... ۲۶۳۶
- برای نهادینه شدن اصول عقاید جوانان چه باید کرد؟ ..... ۲۶۳۶
- پرسش ..... ۲۶۳۶
- پاسخ ..... ۲۶۳۷
- برای تشکر از علمای دین و روحانیون چه باید کرد؟ ..... ۲۶۳۷
- پرسش ..... ۲۶۳۷
- پاسخ ..... ۲۶۳۷
- قبل از انقلاب در تهران مرکزی برای برطرف نمودن غریزه جنسی بود، اما بعد از انقلاب آن جا را خراب کردند و همه زن ها که شوهرانشان به علت فروش مواد مخدر و جرایم دیگر به زندان افتاده اند، مجبور به خودفروشی در سطح شهر تهران شده اند و هیچ کس نیست که رسیدگی کند ..... ۲۶۳۹
- پرسش ..... ۲۶۳۹
- پاسخ ..... ۲۶۳۹
- علت کم رنگ شدن مسایل دینی و مذهبی در میان خانواده ها و نیز جامعه چیست ؟ باتوجه به این که بعضی مواقع ظاهراً مشکل اقتصادی وجود نداشته و یا شدید نیست ؟ ..... ۲۶۳۹
- پرسش ..... ۲۶۳۹
- پاسخ ..... ۲۶۴۰
- روند قانونی و متعارف جهت چاپ یک کتاب چیست ؟ چه مواردی باید لحاظ شود تا یک اثر آسان تر و سریع تر به چاپ برسد؟ نظر به عدم تمکن مالی اینجانب چگونه و از چه مرجعی می توانم مورد مساعدت قرار گیرم ؟ در صورت تأیید مطالب از طرف شما، آیا می توانم از کمک و مس ..... ۲۶۴۲
- پرسش ..... ۲۶۴۲
- پاسخ ..... ۲۶۴۲
- پرسش: نقش نماز در اصلاحات فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی و... چیست ؟ ..... ۲۶۴۴
- پرسش ..... ۲۶۴۴
- پاسخ ..... ۲۶۴۴
- تزیین مساجد باعث کم شدن مقام معنوی آن نمی گردد؟ چرا بر ساده بودن مساجد تأکید شده است ؟ ..... ۲۶۴۶
- پرسش ..... ۲۶۴۶

پاسخ ..... ۲۶۴۶

منظور از احیای رفتار علوی چیست؟ ..... ۲۶۴۸

پرسش ..... ۲۶۴۸

پاسخ ..... ۲۶۴۸

دسترسی به دانش افرادی که دارای سمت استادی در یک علم هستند از چند راه امکان پذیر است ؟ آیا برای دسترسی به علم یک استاد در هر رشته ای حتماً باید به دانشگاه برویم ؟ یعنی در کنکور قبول شویم یا به حوزه علمیه بیاییم و چند سال درس بخوانیم ؟ آیا خارج از برنامه ها

پرسش ..... ۲۶۵۱

پاسخ ..... ۲۶۵۱

آداب و رسوم منطقه ما چند سالی است که متزلزل شده و رسم های خوب از بین رفته، ریا کاری ، چشم هم چشمی، تجملات گرایی فراوان شده است . آنان که از نظر مادی وضعشان بهتر است بیشتر مورد احترام اند حتی این مسئله در ساختن قبرها هم اثر کرده وقتی من این ها را می

پرسش ..... ۲۶۵۲

پاسخ ..... ۲۶۵۲

آیا انسان می تواند کمک های مردمی را روی کاغذ بنویسد و در تابلوی مسجد نام اشخاصی را که کمک کرده اند، برای تشویق دیگران نصب کند؟ ..... ۲۶۵۴

پرسش ..... ۲۶۵۴

پاسخ ..... ۲۶۵۴

امروزه که همه جان سخن از تهاجم خانمانسوز فرهنگی و اثرات مخرب و زیانبار آن بر ارزش ها و بنیان های دینی جامعه است، آیا مادر ارايه صحيح و بهينه اسلام تعاليم انسان ساز آن به جوانان و نوجوانان موفق بوده ايم. .... ۲۶۵۴

پرسش ..... ۲۶۵۴

پاسخ ..... ۲۶۵۴

چرا ازدواج سخت شده است؟ علل سختی و مشکلات ازدواج چیست؟ ..... ۲۶۵۵

پرسش ..... ۲۶۵۵

پاسخ ..... ۲۶۵۵

جشن عروسی هایی که در این دوره می گیرند، سراسر گناه و بی عفتی است. جوان مؤمن اگر شرکت کند، دچار گناه می شود. اگر شرکت نکنند مورد ملامت واقع می شود و می گویند: فلانی اجتماعی نیست. لطفاً بگوید اگر جوان مؤمنی بخواهد جشن عروسی بگیرد، باید چه کار کند، ؟

پرسش ..... ۲۶۵۶

پاسخ ..... ۲۶۵۶

اوقات فراغت خود را چگونه پر کنیم، در حالی که در روستا نه کلاس آموزشی هست و نه تفریح؟ چگونه زندگیم را در دوران مجردی و متاهلی از حالت یکنواختی خارج کنیم؟ ..... ۲۶۵۷

پرسش ..... ۲۶۵۷

پاسخ ..... ۲۶۵۷

متأسفانه در شهر ما در مراسم ازدواج و عروسی از کنسرت موسیقی استفاده می کنند و بنده هم به شدت مخالف این مسئله هستم واین امر، سدّ راه بزرگی بر سر ازدواج اینجانب قرار گرفته است، خواهشمندم برای این که بتوانم یک ازدواج ساده ای را ترتیب دهم، مرا راهنمایی بفرمای ۸

پرسش ..... ۲۶۵۸

پاسخ ..... ۲۶۵۸

در کشور ما چه قدر به برنامههای مذهبی و تبلیغ برای جوانان اهمیت داده می شود؟ ..... ۲۶۶۰

پرسش ..... ۲۶۶۰

پاسخ ..... ۲۶۶۰

چرا برای کشیدن جوانان و نوجوانان به مساجد بودجه ای منظور نمی شود؟ ..... ۲۶۶۰

پرسش ..... ۲۶۶۰

پاسخ ..... ۲۶۶۰

چگونه می توان شاخمه ها و ویژگی های عزت و افتخار را در عصر کنونی مد نظر قرار داد؟ راهکار های کاربردی ایجاد عزت حسینی چیست؟ ..... ۲۶۶۱

پرسش ..... ۲۶۶۱

پاسخ ..... ۲۶۶۱

چه نقاط مشترکی بین سال ۱۳۸۱ یا سال شمسی ۶۱۰ هجری قمری وجود دارد که سال امام حسین(ع) نامیده شد؟ ..... ۲۶۶۸

پرسش ..... ۲۶۶۸

پاسخ ..... ۲۶۶۹

واژه های عزت وافتخار حسینی را تفسیر و توضیح دهید. .... ۲۶۷۶

- ۲۶۷۶ ..... پرسش
- ۲۶۷۷ ..... پاسخ
- ۲۶۸۰ ..... چگونه می شود قرآن را در دانشگاه ها پیاده نمود؟
- ۲۶۸۰ ..... پرسش
- ۲۶۸۰ ..... پاسخ
- ۲۶۸۱ ..... آیا ورزش در طول عمر انسان تأثیر دارد، تا چه حد؟
- ۲۶۸۱ ..... پرسش
- ۲۶۸۱ ..... پاسخ
- ۲۶۸۲ ..... متأسفانه در جامعه خیلی از منکرات، منکر به حساب نمی آید. در برابر این جریان چه باید کرد؟
- ۲۶۸۲ ..... پرسش
- ۲۶۸۳ ..... پاسخ
- ۲۶۸۵ ..... آیا می شود نمایندگانی از تمام ادیان جمع شوند و دین خود را ارایه دهند و دیدگاه ادیان خود را در ارتباط با انسان مرگ، سعادت و ... عنوان نمایند تا مردم جهان بتوانند راه درست و دین کامل را بشناسند؟
- ۲۶۸۵ ..... پرسش
- ۲۶۸۵ ..... پاسخ
- ۲۶۸۷ ..... ما جوانان چگونه می توانیم از علوم اسلامی به نحو احسن آگاه شویم و همانند یک روحانی متعهد به اسلام اظهار نظر نماییم؟ نظر شما در مورد قرار دادن درسی به نام تفسیر موضوعی قرآن در دانشگاه ها و علاقه مند نمودن دانشجویان به علم قرآنی چیست؟
- ۲۶۸۷ ..... پرسش
- ۲۶۸۷ ..... پاسخ
- ۲۶۸۹ ..... فرزندم در اسفند ماه جاری به سنّ تکلیف می رسد. قصد دارم مراسم با شکوهی برای جشن تکلیف او بگیرم. وظیفه من به عنوان پدر نسبت به پسرم در این زمینه و چگونگی معرفی مراجع تقلید و به دست آوردن رساله چیست؟ محتاج راهنمایی هستم.
- ۲۶۸۹ ..... پرسش
- ۲۶۸۹ ..... پاسخ
- ۲۶۹۰ ..... روش نوین برای حفظ ایمان جوانان و نوجوانان کنونی چیست؟
- ۲۶۹۰ ..... پرسش
- ۲۶۹۰ ..... پاسخ
- ۲۶۹۱ ..... جامعه امروز طوری شده که به همه نیازهای نفسانی خود می توان رسید، از نوار و فیلم و سی دی و مشروبات الکلی و خیلی لذّات دیگر!...! چگونه می توانیم خود را از کثافات نکه داری کنیم؟ آیا ما هم باید با این روند همسو شویم؟ خیلی از رفقای ما می گویند چرا خود را با نماز ۲۶۹۱
- ۲۶۹۱ ..... پرسش
- ۲۶۹۱ ..... پاسخ
- ۲۶۹۴ ..... من دوستان زیادی داشتم که چندین سال پیش با هم به مسجد می رفتیم. کم کم دیدم خودم و چند پیرمرد در مسجد مانده ایم! در عوض کلوپ ها و سی دی فروشی ها پر شده از جوانان شلوار تنگ و یا موهای آن چنانی! می دانم اگر خود را رها کنم مانند آن ها می شوم. توصیه شه
- ۲۶۹۴ ..... پرسش
- ۲۶۹۴ ..... پاسخ
- ۲۶۹۷ ..... دختری دارم در کلاس دوم راهنمایی درس می خواند. قبل از زمان تکلیف مرتب نماز، قرآن، دعای توسل و دعای کمیل می خواند و برای نماز صبح بیدار می شد ولی از دوران راهنمایی نسبت به نماز و دعا و قرآن کم اهمیت شده است. از شما راهنمایی می خواهم.
- ۲۶۹۷ ..... پرسش
- ۲۶۹۷ ..... پاسخ
- ۲۶۹۹ ..... برای درخواست احداث مسجد در منطقه ای که فاقد مسجد است باید به کدام اداره یا مسئول مراجعه کنیم؟
- ۲۶۹۹ ..... پرسش
- ۲۶۹۹ ..... پاسخ
- ۲۶۹۹ ..... از دیدگاه اسلام و قرآن، نقش بسیج در اهداف الهی جامعه را بیان کنید؟
- ۲۶۹۹ ..... پرسش
- ۲۶۹۹ ..... پاسخ
- ۲۷۰۱ ..... کسی که قبلاً نماز می خواند ولی مدتی است که نماز را ترک کرده، چگونه می توان او را دوباره به خواندن نماز تشویق و ترغیب نمود؟
- ۲۷۰۱ ..... پرسش
- ۲۷۰۱ ..... پاسخ

چرا در کشور ما که کشور قرآن، روحانیت و معنویت است، وضعیت جامعه به این جا رسیده است؟ چرا آن هایی که قرآن و نهج البلاغه می خوانند کارهایی می کنند که مناسب با شأنشان نیست؟

پرسش ..... ۲۷۰۲

پاسخ ..... ۲۷۰۲

می خواستم بدانم که چرا مردم ما زمانی که عزاداری ها برگزار می شود، مانند عزاداری امام حسین(ع) آن را با شور و شوق برگزار می کنند، ولی فساد در این جامعه زیاد است؟

پرسش ..... ۲۷۰۲

پاسخ ..... ۲۷۰۲

نظر اسلام درباره ورزش چیست؟ آیا آیه ای در این باره آمده است؟

پرسش ..... ۲۷۰۴

پاسخ ..... ۲۷۰۴

چرا کارمندان ادارات با ارباب رجوع برخورد خوبی ندارند؟

پرسش ..... ۲۷۰۵

پاسخ ..... ۲۷۰۵

کسانی که مدعی هستند با گوش دادن به موسیقی اعصاب آرامش پیدا می کند چه باید گفت

پرسش ..... ۲۷۰۶

پاسخ ..... ۲۷۰۶

چگونه باید جوانی را که دچار بیماری عشق شده است، نجات داد؟

پرسش ..... ۲۷۰۷

پاسخ ..... ۲۷۰۷

با توجه به این که شرکت در مجالس روضه و ذکر مصیبت اهل بیت (ع) بسیار مطلوب است مشاهده می شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می کنند. جواز برخورد با آن ها و راه برچیده شدن خرافات را

پرسش ..... ۲۷۰۸

پاسخ ..... ۲۷۰۹

برای دفاع از ارزش های اسلامی حوزه علمیه چگونه می تواند از جانبازان دفاع بنماید؟ بسیاری از جانبازان یکی یکی شهید می شوند. ۱۵ سال است که جانباز شده ام ولی نا امید نیستم و اعتراض ندارم چون داوطلب بوده ام ولی خیلی از جانبازان هستند

پرسش ..... ۲۷۱۰

پاسخ ..... ۲۷۱۰

این که حضرت امام فرمود: "جبهه دانشگاه انسان سازی است این چه دانشگاهی است و این چه انسانی است

پرسش ..... ۲۷۱۱

پاسخ ..... ۲۷۱۱

با توجه به این که شرکت در مجالس روضه و ذکر مصیبت اهل بیت ع بسیار مطلوب است مشاهده می شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می کنند. جواز برخورد با آن ها و راه برچیده شدن خرافات را ب

پرسش ..... ۲۷۱۱

پاسخ ..... ۲۷۱۲

نظر اسلام درباره ورزش چیست؟

پرسش ..... ۲۷۱۳

پاسخ ..... ۲۷۱۳

منظور از تفریحات سالم که در احادیث به آن اشاره شده چیست؟ چگونه در جامعه کنونی زمینه تفریحات سالم را در جامعه باید ایجاد کرد؟

پرسش ..... ۲۷۱۴

پاسخ ..... ۲۷۱۴

جوانی که در معرض خواش های نفسانی قرار دارد و نیاز به ازدواج دارد، ولی از لحاظ اقتصادی و جهات دیگر قادر به ازدواج نیست و خانواده اش هم نمی توانند به او کمک بکنند، چه باید بکند و چگونه خود را از این بحران نجات دهد؟

پرسش ..... ۲۷۱۶

پاسخ ..... ۲۷۱۶

به من ایراد می گیرند که چرا در عروسی ها مثل پیر زن ها شرکت می کنی! به نظر شما موها را از نامحرم پوشاندن، جلو نامحرم ظاهر نشدن و حرام و حلال را رعایت کردن رفتار پیر زن ها است؟

پرسش ..... ۲۷۱۸



- پاسخ ..... ۲۷۱۸
- بهترین طریقه مداحی و روضه خوانی چگونه است چه کنیم تا به گونه مطلوبی جلسه را اداره کنیم و در آن خطایی رخ ندهد؟ ..... ۲۷۱۹
- پرسش ..... ۲۷۱۹
- پاسخ ..... ۲۷۱۹
- پسری هفتم ۲۷ ساله که ده ماه است با دختری ۱۹ ساله ازدواج کرده ام و هر دو دیپلم داریم. خانواده همسر از نظر مالی بهتر و از نظر اعتقادی ضعیف تر است. چگونه می توانم این اختلاف فرهنگی را که بسیار کم است، از بین ببرم؟ ..... ۲۷۲۰
- پرسش ..... ۲۷۲۰
- پاسخ ..... ۲۷۲۱
- استفاده صحیح از اینترنت برای جوانان چگونه باید باشد؟ آیا این وسیله یک وسیله آموزشی برای جوانان است یا راهی برای انحراف جوانان؟ ..... ۲۷۲۲
- پرسش ..... ۲۷۲۲
- پاسخ ..... ۲۷۲۲
- چگونه می توان از تبعیض قائل شدن برخی معلمان نسبت به بعضی دانش آموزان مثل دانش آموزهای پولدار و لوس جلوگیری کرد؟ ..... ۲۷۲۳
- پرسش ..... ۲۷۲۳
- پاسخ ..... ۲۷۲۳
- چگونه می توان از خود و دوست خویش شخصیتی همانند شهید بابایی ساخت؟ ..... ۲۷۲۴
- پرسش ..... ۲۷۲۴
- پاسخ ..... ۲۷۲۴
- علل بی رغبتی دانشجویان به تحقیق و پژوهش چیست؟ پاسخ این سؤال را با ذکر منابع بیان نمایید. .... ۲۷۲۶
- پرسش ..... ۲۷۲۶
- پاسخ ..... ۲۷۲۶
- نحوه برخورد یک جوان شیعه با انحرافات اجتماعی چگونه باید باشد؟ ..... ۲۷۲۸
- پرسش ..... ۲۷۲۸
- پاسخ ..... ۲۷۲۸
- در روستای ما افرادی به عنوان هیأت امنای مسجد هستند که بعد از ساختن مسجد هیچ گونه فعالیت فرهنگی و تبلیغی ندارند و برخی از آن ها غیر از ماه رمضان به مسجد نمی آیند و از عضویت در هیأت هم استعفا نمی دهند؛ از طرفی جوانان محل هم در معرض خطر تهاجم فرهنگی
- پرسش ..... ۲۷۳۱
- پاسخ ..... ۲۷۳۲
- در حال حاضر با توجه به جزّ فرهنگی حاکم بر کشور ما نیازی به فرهنگ شهید و شهادت و احیای این فرهنگ هست؟ ضرورت وجود چنین فرهنگی را چگونه ارزیابی می نمایید؟ مشروحاً توضیح دهید. .... ۲۷۳۳
- پرسش ..... ۲۷۳۳
- پاسخ ..... ۲۷۳۳
- به منظور پاسخ گویی سریع و علمی و دقیق به سؤالات دینی و مذهبی نسل جوان چه راهکاری را ارائه می دهید؟ ..... ۲۷۳۴
- پرسش ..... ۲۷۳۴
- پاسخ ..... ۲۷۳۴
- مبارزه با مفاسد اجتماعی از قبیل بدحجابی چگونه باید صورت گیرد؟ ..... ۲۷۳۵
- پرسش ..... ۲۷۳۵
- پاسخ ..... ۲۷۳۵
- برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟ ..... ۲۷۳۹
- پرسش ..... ۲۷۳۹
- پاسخ ..... ۲۷۳۹
- چه راهی وجود دارد تا افراد کوچک تر به افراد بزرگ تر احترام بگذارند و به صورت یک عرف در جامعه درآید؟ ..... ۲۷۴۳
- پرسش ..... ۲۷۴۳
- پاسخ ..... ۲۷۴۳
- برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟ ..... ۲۷۴۵

- ۲۷۴۵ ..... پرسش
- ۲۷۴۵ ..... پاسخ
- ۲۷۵۰ ..... با توجه به این که اکثر مشکلات جامعه به نوعی به نمایات جنسی برمی گردد، چرا به جای محکوم کردن یا سرکوب نمودن، راهکارهای مناسبی برای آن پیدا نمی کنند؟ نقش حوزه علمیه چیست؟
- ۲۷۵۰ ..... پرسش
- ۲۷۵۱ ..... پاسخ
- ۲۷۵۲ ..... چرا با وجودی که امام حسن(ع) فرزند بزرگ امام علی(ع) است، در سخنرانی ها کمتر از ایشان صحبت می شود و به مراسم میلاد و عزاداری ایشان کم تر توجه می شود؟
- ۲۷۵۲ ..... پرسش
- ۲۷۵۳ ..... پاسخ
- ۲۷۵۴ ..... بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟
- ۲۷۵۴ ..... پرسش
- ۲۷۵۴ ..... پاسخ
- ۲۷۵۵ ..... چگونه عشق و معرفت ائمه را در دل های خود و دیگران تقویت کنیم؟ آیا این گفته که جوان چون احساسی است، باید با او از راه احساس وارد شد و استدلال عقلی آن چنان اثری ندارد، صحیح است؟
- ۲۷۵۵ ..... پرسش
- ۲۷۵۵ ..... پاسخ
- ۲۷۶۲ ..... بهترین راه های گرایش جوانان به دین و اسلام چیست؟
- ۲۷۶۲ ..... پرسش
- ۲۷۶۲ ..... پاسخ
- ۲۷۶۸ ..... راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.
- ۲۷۶۸ ..... پرسش
- ۲۷۶۸ ..... پاسخ
- ۲۷۷۰ ..... چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟
- ۲۷۷۰ ..... پرسش
- ۲۷۷۰ ..... پاسخ
- ۲۷۷۱ ..... بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نبوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟
- ۲۷۷۱ ..... پرسش
- ۲۷۷۱ ..... پاسخ
- ۲۷۷۲ ..... روزی یکی از هم کلاس هایم از این که دوست پسر ندارم، به من خندید و مرا امل صدا زد. هر جا از حجاب گفتم، مرا به تمسخر گرفتند. حرف از خدا زدن این همه دردمس دارد؟
- ۲۷۷۲ ..... پرسش
- ۲۷۷۲ ..... پاسخ
- ۲۷۷۷ ..... افرادی که محیط آلوده یا وراثت باعث آلودگی آنان شده است، نزد خدا چگونه اند؟
- ۲۷۷۷ ..... پرسش
- ۲۷۷۷ ..... پاسخ
- ۲۷۷۹ ..... بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟
- ۲۷۷۹ ..... پرسش
- ۲۷۷۹ ..... پاسخ
- ۲۷۸۰ ..... راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.
- ۲۷۸۰ ..... پرسش
- ۲۷۸۰ ..... پاسخ
- ۲۷۸۲ ..... چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟
- ۲۷۸۲ ..... پرسش
- ۲۷۸۲ ..... پاسخ

- چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟  
پرسش  
پاسخ
- چرا ما ایرانیان با وجود داشتن تمدن کهن و میراث فرهنگی غنی و نقش بزرگ ایرانیان در تمدن اسلامی اکنون به این روز رسیده ایم و فساد در مملکت ما زیاد است؟  
پرسش  
پاسخ
- چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟  
پرسش  
پاسخ
- آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟  
پرسش  
پاسخ
- چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟  
پرسش  
پاسخ
- راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.  
پرسش  
پاسخ
- علل دین گریزی و افول فرهنگی جوانان و نسل امروز چیست؟  
پرسش  
پاسخ
- چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟  
پرسش  
پاسخ
- چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟  
پرسش  
پاسخ
- با وجود این که متأسفانه جوان های ما از اسلام روی گردان شده اند، چگونه با آن ها رفتار کنیم که از مذهب زده نشوند و پایبند نماز شوند؟  
پرسش  
پاسخ
- چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی، چه راهی را باید انتخاب نمود؟  
پرسش  
پاسخ
- چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی، چه راهی را باید انتخاب نمود؟  
پرسش  
پاسخ
- چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی، چه راهی را باید انتخاب نمود؟  
پرسش  
پاسخ
- علما و مخترعین و مکتشفین بیشتر به بشر خدمت کرده اند یا شهدا؟  
پرسش  
پاسخ

- ۲۸۱۸ ..... پاسخ
- ۲۸۱۸ ..... چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟
- ۲۸۱۸ ..... پرسش
- ۲۸۱۸ ..... پاسخ
- ۲۸۱۹ ..... چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟
- ۲۸۱۹ ..... پرسش
- ۲۸۱۹ ..... پاسخ
- ۲۸۱۹ ..... برای فرهنگ سازی اسلامی در جامعه اسلامی چه باید کرد؟
- ۲۸۱۹ ..... پرسش
- ۲۸۱۹ ..... پاسخ
- ۲۸۲۱ ..... راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟
- ۲۸۲۱ ..... پرسش
- ۲۸۲۱ ..... پاسخ
- ۲۸۲۳ ..... راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟
- ۲۸۲۳ ..... پرسش
- ۲۸۲۳ ..... پاسخ
- ۲۸۲۵ ..... چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟
- ۲۸۲۵ ..... پرسش
- ۲۸۲۵ ..... پاسخ
- ۲۸۲۵ ..... تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟
- ۲۸۲۵ ..... پرسش
- ۲۸۲۵ ..... پاسخ
- ۲۸۲۷ ..... روش های گسترش فرهنگ نمازخوانی چگونه است ؟
- ۲۸۲۷ ..... پرسش
- ۲۸۲۷ ..... پاسخ
- ۲۸۲۸ ..... پاسخ
- ۲۸۲۹ ..... چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟
- ۲۸۲۹ ..... پرسش
- ۲۸۲۹ ..... پاسخ
- ۲۸۲۹ ..... برای این که بتوانم در حل اختلافات خانواده ام موثر عمل نمایم چه کنم ؟
- ۲۸۲۹ ..... پرسش
- ۲۸۲۹ ..... پاسخ
- ۲۸۳۱ ..... چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟
- ۲۸۳۱ ..... پرسش
- ۲۸۳۱ ..... پاسخ
- ۲۸۳۱ ..... چه کنیم تا فریب زر، زور و تزویر را نخوریم ؟
- ۲۸۳۱ ..... پرسش
- ۲۸۳۱ ..... پاسخ
- ۲۸۳۴ ..... راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید .
- ۲۸۳۴ ..... پرسش
- ۲۸۳۴ ..... پاسخ
- ۲۸۳۵ ..... چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نمایم ؟

- ۲۸۳۵ ..... پرسش
- ۲۸۳۵ ..... پاسخ
- ۲۸۳۵ ..... قیام امام حسین(علیه السلام) چه آثاری در جامعه اسلامی بر جای گذاشت؟
- ۲۸۳۵ ..... پرسش
- ۲۸۳۵ ..... پاسخ
- ۲۸۳۷ ..... چگونه می توان جوانی را که در آستانه بلوغ است، به پیروی از دستورات دینی دعوت کرد؟
- ۲۸۳۷ ..... پرسش
- ۲۸۳۷ ..... پاسخ
- ۲۸۳۷ ..... چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟
- ۲۸۳۷ ..... پرسش
- ۲۸۳۷ ..... پاسخ
- ۲۸۳۸ ..... با مجموعه از جوانان هستیم و می خواهیم کار تبلیغی داشته باشیم تا در مسیر هدایت و ارشاد قرار گیرند. کیفیت برنامه به صورت بهتر چگونه است؟
- ۲۸۳۸ ..... پرسش
- ۲۸۳۸ ..... پاسخ
- ۲۸۳۹ ..... چگونه کسی که از دین بریده است، با دین آشتی دهیم؟
- ۲۸۳۹ ..... پرسش
- ۲۸۳۹ ..... پاسخ
- ۲۸۴۱ ..... آیا می توان با کنار نگذاشتن ارزشهای اسلامی و انسانی در علم و صنعت پیشرفت کرد؟
- ۲۸۴۱ ..... پرسش
- ۲۸۴۱ ..... پاسخ
- ۲۸۴۲ ..... چرا ما مسلمانان دروغگو و حيله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟
- ۲۸۴۲ ..... پرسش
- ۲۸۴۲ ..... پاسخ
- ۲۸۴۳ ..... آیا اگر رویدادهای اسلامی را با تقویم شمسی حساب کنیم، بهتر نیست؟
- ۲۸۴۳ ..... پرسش
- ۲۸۴۳ ..... پاسخ
- ۲۸۴۳ ..... برای جلوگیری از مفاسد خانوادگی چه کارهایی بایستی صورت گیرد؟
- ۲۸۴۳ ..... پرسش
- ۲۸۴۳ ..... پاسخ
- ۲۸۴۸ ..... برای این که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ما همگانی گردد و همه افراد از این وظیفه الهی که دارند هیچ هراسی نداشته باشند، چه باید کرد؟ (با این توضیح که این یک امر واجب است و البته در سطح جوانان کارساز نبوده است).
- ۲۸۴۸ ..... پرسش
- ۲۸۴۸ ..... پاسخ
- ۲۸۵۰ ..... با وجود نیروی مخلص بیسج، چرا باز هم متأسفانه شاهد مفاسد اجتماعی هستیم، بخصوص در مراکز آموزشی، و چرا با سازماندهی درست و کمک گرفتن از مبانی روانشناسی، سعی نمی کنید، جوانان را هرچه بیشتر به معنویت جذب کنید؟
- ۲۸۵۰ ..... پرسش
- ۲۸۵۰ ..... پاسخ
- ۲۸۵۱ ..... برای گسترش و همه گیر شدن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه چه باید کرد ؟ چرا این مسئله و آموزش آن در سطح مدارس وجود ندارد ؟
- ۲۸۵۱ ..... پرسش
- ۲۸۵۱ ..... پاسخ
- ۲۸۵۵ ..... راه حل نشان دادن چهره جذاب دین برای قشر جوان چیست و به عهده کیست ؟ و چگونه می توان با (بریدن سردین بوسیله دین ) مبارزه کرد.
- ۲۸۵۵ ..... پرسش
- ۲۸۵۵ ..... پاسخ

جدیداً رسم شده که هیئتهای مذهبی در شهرستانها بالأخص مشهد مقدس سینه زنی را همراه با جهش و به سرو صورت کوبیدن انجام می دهند یا اینکه در حین مداحی مداح صداهای ناچور در می آورند حال سوال اینجاست که آیا این نحوه عزاداری برای اهل بیت و بخصوص برای ام

پرسش ..... ۲۸۵۶

پاسخ ..... ۲۸۵۶

بهترین راه مانوس کردن نوجوانان با مضامین بلند عرفانی قرآن کریم چیست؟ شرایط توبه را لطفاً بیان فرمائید؟..... ۲۸۵۹

پرسش ..... ۲۸۵۹

پاسخ ..... ۲۸۵۹

چرا مسائل فرهنگی در حرف بسیار گفته می شود ولی مسؤولین اصلاً هیچ اهمیتی به فرهنگ ملت نمی دهند؟..... ۲۸۶۰

پرسش ..... ۲۸۶۰

پاسخ ..... ۲۸۶۰

آیا بدلیل قیاحت عرف عمومی جایز است ازدواج موقت بعنوان یکی از زیباترین راه حل های بحران جوانان که توسط خدا حلال شده است را ترک کرد ؟ راه حل اجرایی شما برای این مساله چیست؟..... ۲۸۶۰

پرسش ..... ۲۸۶۰

پاسخ ..... ۲۸۶۲

آیا ایجاد یک فضای باز فرهنگی برای تبادل همه انواع فرهنگها در کشور ما امکان پذیر است یا نه؟..... ۲۸۶۳

اشاره ..... ۲۸۶۳

پرسش ..... ۲۸۶۳

پاسخ ..... ۲۸۶۳

آیا ما در مقابل کشورهای مستکبر سلاح علم و تلاش و کوشش در راه علم و صنعت بهتر است بکار ببریم یا شعار؟..... ۲۸۶۵

پرسش ..... ۲۸۶۵

پاسخ ..... ۲۸۶۵

چرا بعد از انقلاب حتی آزادی های که از نظر اسلام مجاز بودند را نداریم همچون ازدواج موقت و ...؟..... ۲۸۶۷

پرسش ..... ۲۸۶۷

پاسخ ..... ۲۸۶۷

چرا خود بسیج هم در استفاده از بیت المال و تلاش و کوشش و خلوص نیت و بخصوص لحظه استخدام که اقوام مسؤولین در اولویت می باشند و استفاده از کلاس های آموزشی عقاید و طریقه تحلیل مسائل بهترین وجه اقدام لازم تا الآن نداشته است؟..... ۲۸۶۷

پرسش ..... ۲۸۶۷

پاسخ ..... ۲۸۶۷

چرا مسؤولین تزکیه ندارند؟..... ۲۸۶۸

پرسش ..... ۲۸۶۸

پاسخ ..... ۲۸۶۸

چرا کشور اجازه خروج مفرها را می دهد یعنی قراردادن کمی بودجه برای این کار، کار دشواری است چرا این کار به عنوان یک قانون ممنوع نمی کنند و چرا کشور از این افراد با استعداد استفاده نمی کند؟..... ۲۸۶۸

پرسش ..... ۲۸۶۸

پاسخ ..... ۲۸۶۸

فرهنگ کشور رو به ابتذال است میخوا هم بدانم که فکری برای این وضع شده یا خواهد شده ؟..... ۲۸۶۸

پرسش ..... ۲۸۶۹

پاسخ ..... ۲۸۶۹

چرا در جامعه ای که فرهنگ صحیح آزادی جای نیفتاده مسأله آزادی زودتر مطرح شده است؟..... ۲۸۷۰

پرسش ..... ۲۸۷۰

پاسخ ..... ۲۸۷۰

چرا در جامعه ما من که چادر می پوشم به صورت تمسخر نگاه می کنند و مورد آزار و اذیت قرار می دهند؟..... ۲۸۷۱

پرسش ..... ۲۸۷۱

پاسخ ..... ۲۸۷۱

چرا در جامعه ما به فردی که چادر می پوشد با دید دیگر نگاه می کنند و مورد اهانت قرار می گیرد؟..... ۲۸۷۲

- پرسش ..... ۲۸۷۲
- پاسخ ..... ۲۸۷۲
- نقص و ضعف در برنامه ریزی آموزشی و مدیریتی تا کی؟ کی و چگونه می خواهیم فرهنگ خود را اصلاح کنیم؟ ..... ۲۸۷۲
- پرسش ..... ۲۸۷۲
- پاسخ ..... ۲۸۷۲
- چگونه می توانیم به بهترین صورت حق رسالتی را که شهدا بر دشمنان گذاشتند، ادا کنیم؟ ..... ۲۸۷۴
- پرسش ..... ۲۸۷۴
- پاسخ ..... ۲۸۷۴
- چرا در جامعه ای که این قدر فساد رواج پیدا کرده است، و جوانها هم قدرت ازدواج ندارند، چرا ازدواج موقت در جامعه ما جا نیفتاده است و چنین مراکزی هم نیست که کسانی که نمی توانند ازدواج کنند به آنجا مراجعه کنند؟ ..... ۲۸۷۵
- پرسش ..... ۲۸۷۵
- پاسخ ..... ۲۸۷۵
- چرا با اینکه عوامل مشروع ازدواج و صیغه وجود دارد جوانان به عوامل نامشروع متوسل می شوند؟ ..... ۲۸۷۶
- پرسش ..... ۲۸۷۶
- پاسخ ..... ۲۸۷۶
- چرا در رابطه با عذاب های جهنم به وسیله گناه صحبت نمی شود؟ ..... ۲۸۷۷
- پرسش ..... ۲۸۷۷
- پاسخ ..... ۲۸۷۸
- چرا در رسانه های گروهی از خانمهایی کد بانو سازگار استفاده نمی کنند، که اینطور زننده صحبت می کنند، با همسرانشان و بعضی از دختران الگو برای خودشان می گیرند و پیاده می کنند، بعضی از خانمهایی که با آبروداری زندگی می کنند و اموراتشان را خوب می گذرانند من باره ..... ۲۸۷۸
- پرسش ..... ۲۸۷۸
- پاسخ ..... ۲۸۷۸
- به نظر شما مشکلات عمده فرهنگی کشور با گسترش فرهنگ نماز و زکات در شهر و روستا و امر به معروف و نهی از منکر و انجام فرهنگی چگونه بایستی حل شود؟هدف مهمی که از تحقق آرمان های اسلام عزیز برای شما مجموعه های فرهنگی چه می باشد؟ ..... ۲۸۷۹
- پرسش ..... ۲۸۷۹
- پاسخ ..... ۲۸۷۹
- هدف از برگزاری گفتمان دینی در مساجد چیست؟ ..... ۲۸۸۰
- پرسش ..... ۲۸۸۰
- پاسخ ..... ۲۸۸۰
- چرا جوانان در این زمان که نظام جمهوری اسلامی بر ایران اسلامی حاکم می باشد و از نظر اعتقادات اسلامی و دینی مذهبی نسبتاً ضعیف و کم رنگ می باشد؟ ..... ۲۸۸۱
- پرسش ..... ۲۸۸۱
- پاسخ ..... ۲۸۸۲
- چه کار کنیم اینقدر رشوه خواری و پارتی بازی کم شود؟ ..... ۲۸۸۴
- پرسش ..... ۲۸۸۴
- پاسخ ..... ۲۸۸۴
- چرا در جامعه اسلامی ایران که در بین مردم قرآن حضور دارد مردم از لحاظ علمی خیلی کند عمل می کنند ولی در جامعه های بیگانه زیادی که دینی چون اسلام وجود ندارد آن مردم از لحاظ علمی بالاتر از جامعه اسلامی هستند ، دلیل چیست ؟ چه کسی باعث شده است که جامعه ..... ۲۸۸۷
- پرسش ..... ۲۸۸۷
- پاسخ ..... ۲۸۸۷
- با توجه به این امر که مردم کشور ما مسلمانان و دوستدار ائمه اطهار(ع) هستند، چرا باید در این کشور بی بندوباری و فساد رایج شده است؟ چرا در مشهد که شهری مذهبی است باید این وضع فجیع اتفاق افتاده باشد؟ ..... ۲۸۸۹
- پرسش ..... ۲۸۸۹
- پاسخ(قسمت اول) ..... ۲۸۹۰
- پاسخ(قسمت دوم) ..... ۲۸۹۷
- چرا از یک جوان نه هر جوانی که خود را مسلمان می داند اگر پرسیده شود دلیل انتخاب اسلام چیست ؟ نمی تواند جواب درست دهد . آیا شما علمای دین را در این زمان مسئول و مقصر نمی دانید ؟ ..... ۲۹۰۲
- پرسش ..... ۲۹۰۲

پاسخ ..... ۲۹۰۳

زمان امام عزیز و شهیدای گرانقدر ما شاهد اینگونه بی حرمتی و بی عفتی‌ها از سوی زنانمان و بی غیرتی از سوی مردانمان و آرایش کردن مردها و مرد پوشش زنانه داشته باشد؟ این مسائل از سونی قوه قضائیه و نیروی انتظامی و مقامات دیگر پیگیری می شوند اگر نمی شود چرا از نیر

پرسش ..... ۲۹۰۴

پاسخ ..... ۲۹۰۵

با توجه به اینکه ما مسلمانان فقط یک کتاب آسمانی (قرآن) را داریم چرا دولت برای حفظ قرآن و تشویق جوانان به این امر سرمایه گذاری قابل توجهی نمی کند در صورتیکه برای خوابانیدن سرمایه در بانکها برای ثبت نام خودرو پیکان و یا قرعه کشی در بانکها مرتب از تلویزیون ت

پرسش ..... ۲۹۰۷

پاسخ ..... ۲۹۰۸

با توجه به اینکه صدای افان بلا را از زمین دور می کند صدای بلند گوه‌های مساجد بسته شده که مزاحم همسایه های مسجد نباشد در صورتی که صدای نواهای موسیقی که شرعاً حرام است در خیابانها و جاده ها و پارک ها و داخل خودروهای در حال حرکت کاملاً واضح و با صدای بلند

پرسش ..... ۲۹۱۰

پاسخ ..... ۲۹۱۰

چرا نظام آموزشی و پرورشی ما از ریشه خراب است دلیل آن اینست که یک فرد لیسانس یا فوق لیسانس در ایران اول بی سواد است و نمی تواند مسائل شرعی خود را به خوبی بشناسد و به اعتقادات خود پای بند باشد؟

پرسش ..... ۲۹۱۲

پاسخ ..... ۲۹۱۲

چرا امروزه در کشور ما ایران جلوی زنان بی حجاب گرفته نمی شود؟

پرسش ..... ۲۹۱۴

پاسخ ..... ۲۹۱۴

را ههای کشاندن افرادی که بدبین به اسلام هستند به مسجد چیست؟

پرسش ..... ۲۹۱۷

پاسخ ..... ۲۹۱۷

چه کنیم تا مساجد ما به رسالت مساجد زمان رسول ا... ( نزدیک شود صرفاً گفتنمان دینی نه، بلکه جنبه های مصلحتی و تطبیق اجتماعی، بومی و محلی؟

پرسش ..... ۲۹۱۸

پاسخ ..... ۲۹۱۸

چرا در کشور ما دین روز به روز کم رنگتر و در دیگر ملل فهمیدند که تازه باید دنبال دین بروند؟

پرسش ..... ۲۹۱۹

پاسخ ..... ۲۹۱۹

با عنایت به سخن امام راحل در مورد شهید مطهری که ایشان و آثارش را بی اثنتنا مفید دانسته اند چرا حوزه های علمیه بخصوص مشهد و قم تا بحال همایش و یا سمینار و حرکتی مشابه حرکت امسال صدا و سیما انجام نداده اند؟

پرسش ..... ۲۹۲۱

پاسخ ..... ۲۹۲۱

چه کار کنیم قرآن و معارف جذب جوانان گردد؟

پرسش ..... ۲۹۲۳

پاسخ ..... ۲۹۲۳

چرا ما در مراسم عزاداری قرآن می خوانیم در مراسم عروسی و دیگر مراسمها قرآن نمی خوانیم؟

پرسش ..... ۲۹۲۵

پاسخ ..... ۲۹۲۵

اینکه به بهانه حفظ شأن حکومت ساختمانهای آنچنانی ساخته شود و صندلی های آنچنانی تکیه گاه بعضی شود آیا درست است؟

اشاره ..... ۲۹۲۷

پرسش ..... ۲۹۲۷

پاسخ ..... ۲۹۲۷

چه چیزهایی برای جذب جوانان و نوجوان در نظر دارید؟

پرسش ..... ۲۹۲۸

پاسخ ..... ۲۹۲۸



اگر بگویم شاید باورتان نشود، من همیشه در سلام کردن سعی می کنم پیش قدم باشم چرا که: ۲۹۳۰

اشاره ..... ۲۹۳۰

پرسش ..... ۲۹۳۰

پاسخ ..... ۲۹۳۰

در مورد متولی های مسجد و سازمانهای مسؤول در مورد این سنگر اسلام توضیح بفرمایید. چرا مساجد اینقدر راکد و بی جاذبه هستند و چه راهکاری را در این زمینه (پویایی مساجد) پیشنهاد می کنید. ۲۹۳۳

پرسش ..... ۲۹۳۳

پاسخ ..... ۲۹۳۳

آیا با این همه فساد اداری که در کشور وجود دارد، ارزشهای فرهنگی و ایرانی و اسلامی ما می تواند اسلحه ای در مقابل استعمار باشد؟ چرا در انجام تکالیف اسلامیمان درمادیم نمونه های مختلف بی عدالتی را می بینیم مثلاً شنیده ام که در زندانی توسط مأموران در قالب سا ۲۹۳۷

پرسش ..... ۲۹۳۷

پاسخ ..... ۲۹۳۸

چگونه می توان به عنوان یک خواهر شهید در مقابل تبلیغات تهاجم فرهنگی کمرنگ شدن ارزشها، تخریب نیروهای حزب اللهی و همچنین نگرانی نسبت به دختران و پسران به خصوص نسل آینده ایفای وظیفه نمود و مانع از باهمال شدن خون شهیدان شد. ۲۹۳۹

پرسش ..... ۲۹۳۹

پاسخ ..... ۲۹۴۰

چرا قرآن میگوید: سختیها باعث تکامل افراد جامعه است؟ ۲۹۴۱

پرسش ..... ۲۹۴۱

پاسخ ..... ۲۹۴۱

چرا با وجود تبلیغات بیش از اندازه درباره نماز و... هر روز از تعداد نمازگزاران کاسته میشود؟ آیا در قرآن در اینباره دستور و راهکاری وجود دارد؟ ۲۹۴۲

پرسش ..... ۲۹۴۲

پاسخ ..... ۲۹۴۲

آیا از نظر قرآن دین میتواند تمدن ساز باشد یا خیر؟ ۲۹۴۳

پرسش ..... ۲۹۴۳

پاسخ ..... ۲۹۴۳

لطفاً به طور صریح بفرمایید که چگونه میتوان یک ایدئولوژی (جهان بینی) و یا تفکرات سنتی، فرهنگی و یا مذهبی ملت یا نژاد و... را گسترش داد؟ و یا به ملت های مختلف دیگر قهمانید و یا مسلط نمود؟ ۲۹۴۶

پرسش ..... ۲۹۴۶

پاسخ ..... ۲۹۴۷

چگونه کودک خود را با قرآن مانوس کنیم؟ ۲۹۴۹

پرسش ..... ۲۹۴۹

پاسخ ..... ۲۹۴۹

چگونه می توان پایه های فرهنگی و استقلال یک کشور، در بُعد فرهنگی را تقویت کرد؟ ۲۹۴۹

پرسش ..... ۲۹۴۹

پاسخ ..... ۲۹۵۰

چرا مراکزى مثل مرکز شما، مانع خواندن قرآن در قبرستان ها، توسط افراد بد صوت و با قرائت غلط و ظاهری غیر شایسته نمی شوید؟ آیا این اقدام آنان از ارزش قرآن نزد قشر جوان نمی کاهد؟ ۲۹۵۲

پرسش ..... ۲۹۵۲

پاسخ ..... ۲۹۵۲

لطفاً خاطره ای از رزمندگان اسلام درباره قرآن از کتاب "فرهنگ جبهه می توان استفاده کرد برام بنویسید؛ البته به جز خاطره زیر: من در دست دشمن اسیر بودم عراقی ها به ما قرآن نمی دادند؛ بنابراین هر کس "آیه یا" حدیثی حفظ بود، با انگشت روی خاک می نوش -- ۲۹۵۲

پرسش ..... ۲۹۵۲

پاسخ ..... ۲۹۵۴

چگونه می توان دانشجویان را به ویژه دانشجویان دانشگاه پیام نور را که کم تر در دانشگاه حضور دارند، با معارف قرآن آشنا کرد؟ ۲۹۵۵

پرسش ..... ۲۹۵۵

پاسخ ..... ۲۹۵۵

چگونه می توانم قرآن و دستورات آن را در روستای خود به دیگران بیاموزم و به آن عمل کنم ..... ۲۹۵۶

- ۲۹۵۶ ..... پرسش
- ۲۹۵۶ ..... پاسخ
- ۲۹۵۷ ..... جهان بینی برای یک فرهنگ و یک کشور، چه آثاری در پی دارد؟
- ۲۹۵۷ ..... پرسش
- ۲۹۵۷ ..... پاسخ
- ۲۹۵۹ ..... لطفاً نکته های قرآنی که در مورد تبلیغ دین مبین اسلام آمده است را بیان کنید و مرا با فرستادن کتاب ها و مجلات در راه تبلیغ و نشر فرهنگ قرآن یاری فرمایید.
- ۲۹۵۹ ..... پرسش
- ۲۹۵۹ ..... پاسخ
- ۲۹۶۰ ..... برای داشتن یک جلسه خوب آموزش قرآن در قسمت های مختلف مانند: نحوه اداره جلسه آموزش قواعد و... چه توصیه و راهکاری ارائه می فرمایید؟
- ۲۹۶۰ ..... پرسش
- ۲۹۶۰ ..... پاسخ
- ۲۹۶۱ ..... قرآن مجید بهترین شیوه تبلیغ اسلامی را در چه می داند، به عبارت دیگر برای تبلیغ دین باید از چه شیوه ای بهره جست
- ۲۹۶۳ ..... پرسش
- ۲۹۶۳ ..... پاسخ
- ۲۹۶۳ ..... الف دیدگاه قرآن به طور کلی درباره معرفی و عمل به احکام دین چیست ب آیا به خاطر سقوط فرهنگی جامعه درست است که برخی احکام تعطیل شود؟ ج در جامعه ای که اساس نامه آن قرآن است و بیش ترین افراد آن جامعه را شیعیان تشکیل می دهند، چرا به طور جدی جلوی
- ۲۹۶۵ ..... پرسش
- ۲۹۶۵ ..... پاسخ
- ۲۹۶۷ ..... جهت ترویج نماز در مساجد و مدارس چه باید کرد؟
- ۲۹۶۷ ..... پرسش
- ۲۹۶۷ ..... پاسخ
- ۲۹۶۷ ..... نماز چگونه در بهبود اجتماع و فرهنگ و سیاست یک کشور مؤثر است
- ۲۹۶۷ ..... پرسش
- ۲۹۶۷ ..... پاسخ
- ۲۹۶۸ ..... چگونه افراد را به نماز تشویق و ترغیب کنیم
- ۲۹۷۰ ..... پرسش
- ۲۹۷۰ ..... پاسخ
- ۲۹۷۲ ..... چگونه میتوان اعتقادات مذهبی افراد بزرگسال را تقویت کرد
- ۲۹۷۲ ..... پرسش
- ۲۹۷۲ ..... پاسخ
- ۲۹۷۴ ..... آیا ستاد اقامه نماز برای جذب جوانان به مساجد برنامه ریزی کرده است
- ۲۹۷۴ ..... پرسش
- ۲۹۷۴ ..... پاسخ
- ۲۹۷۵ ..... نماز چه آثار فرهنگی در جامعه دارد؟
- ۲۹۷۵ ..... پرسش
- ۲۹۷۵ ..... پاسخ
- ۲۹۷۷ ..... برای ترویج فرهنگ نماز چه راههایی وجود دارد
- ۲۹۷۷ ..... پرسش
- ۲۹۷۷ ..... پاسخ
- ۲۹۷۸ ..... چه راهکارهایی برای تعمیق گرایش جوانان و نوجوان به مسائل مذهبی وجود دارد
- ۲۹۷۸ ..... پرسش
- ۲۹۷۸ ..... پاسخ

- چگونه می توان افراد تارک نماز را به نماز تشویق و ترغیب کرد ..... ۲۹۷۸
- پرسش ..... ۲۹۷۸
- پاسخ ..... ۲۹۷۸
- راههای جذب و رغبت جوانان و نوجوانان به نماز چیست ..... ۲۹۷۸
- پرسش ..... ۲۹۷۸
- پاسخ ..... ۲۹۷۸
- بهترین راه برای جذب بیشتر دانشجویان برای امور مذهبی وهمچنین نمازجماعت چیست و بهترین راه برای وحدت بین اهل تشیع و تسنن چیست ؟ ..... ۲۹۸۲
- پرسش ..... ۲۹۸۲
- پاسخ ..... ۲۹۸۲
- با محیط و جوی که در آن دختران دانشجو بالباس های کنزایی وبدحجایی جوانان را به سوی خود می کشند چه باید کرد؟ ..... ۲۹۸۳
- پرسش ..... ۲۹۸۳
- پاسخ ..... ۲۹۸۳
- علت مختلط شدن دانشکاهیان چیست وچرا از هم دیگر جدا نمی کنند که این اختلاط برای روح جوانان خیلی مضرت است علنش را جواب دهید؟ ..... ۲۹۸۳
- پرسش ..... ۲۹۸۳
- پاسخ ..... ۲۹۸۳
- چرا اعتقاد مردم و جوانان امروزی نسبت به دین و احکام بسیار پایین آمده است ؟ ..... ۲۹۸۳
- پرسش ..... ۲۹۸۳
- پاسخ ..... ۲۹۸۳
- بهترین راه برای اینکه خواهر و برادرهایم را علاقه مند به نماز و قرآن کنم چیست ؟ ..... ۲۹۸۴
- پرسش ..... ۲۹۸۴
- پاسخ ..... ۲۹۸۴
- پیشنهاد شما برای هرچه غنی تر شدن فرهنگ اسلامی در دانشگاه ها چیست ؟ ..... ۲۹۸۴
- پرسش ..... ۲۹۸۴
- پاسخ ..... ۲۹۸۴
- چرا با اینکه ایران یک کشور توریستی است اما هیچ گونه اقدامی برای جلب توریست صورت نمی گیرد و صرفا جلسات بی مورد و بی فایده تشکیل می دهند؟ ..... ۲۹۸۵
- پرسش ..... ۲۹۸۵
- پاسخ ..... ۲۹۸۵
- حضور در مراسم مذهبی و مساجد چقدر در جلوگیری از تهاجم فرهنگی موثر است ؟ ..... ۲۹۸۵
- پرسش ..... ۲۹۸۵
- پاسخ ..... ۲۹۸۵
- چرا مسئولین نمی توانند الگویی مناسب جایگزین الگوهای نامناسب کنند؟ ..... ۲۹۸۵
- پرسش ..... ۲۹۸۵
- پاسخ ..... ۲۹۸۵
- با توجه به ادعای اسلامی بودن چرا نمی توانید مشکل ازدواج جوانان را حل کنید؟ حال که نمی توانید چرا نمی گذارید به شیوه غرب مسائل جنسی حل شود؟ ..... ۲۹۸۶
- پرسش ..... ۲۹۸۶
- پاسخ ..... ۲۹۸۶
- در دانشگاه ها هنوز مشکلاتی از قبیل غریبزدگی و عدم تعهد برخی اساتید و ... وجود دارد، آیا زمان آن نرسیده که برای رفع این نقایص اقدام شود؟ ..... ۲۹۸۹
- پرسش ..... ۲۹۸۹
- پاسخ ..... ۲۹۸۹
- چرا برای جلوگیری از فساد و مشکلاتی که در جامعه از حیث اخلاقی وجود دارد قیام همگانی نمی شود؟ ..... ۲۹۸۹
- پرسش ..... ۲۹۸۹

- ۲۹۸۹ ..... پاسخ
- ۲۹۸۹ ..... وظیفه ء ما در مقابل مشکلات فرهنگی محیطمان چیست ؟
- ۲۹۸۹ ..... پرسش
- ۲۹۹۰ ..... پاسخ
- ۲۹۹۰ ..... چرا ازدواج موقت در جامعه ء ما امری منفور و زشت تلقی می شود؟
- ۲۹۹۰ ..... پرسش
- ۲۹۹۰ ..... پاسخ
- ۲۹۹۰ ..... برای آگاهی و شناخت عمیقتر نسبت به اسلام و قرآن از کجا شروع کنیم ؟
- ۲۹۹۰ ..... پرسش
- ۲۹۹۰ ..... پاسخ
- ۲۹۹۱ ..... با توجه به تکنولوژی پیشرفته دنیا مخصوصا ماهواره آیا میتوان در را بروی خود بست و از آن استفاده نکرد و شما چه تدابیری در این زمینه دارید؟
- ۲۹۹۱ ..... پرسش
- ۲۹۹۱ ..... پاسخ
- ۲۹۹۲ ..... با توجه باینکه ریشه های مفاسداجتماعی را ازدواج ازبین می برد لکن مشکلات و رسوم غلط باعث تاثیر در این امر شده \* چه راه های علمی برای اینکار وجود دارد؟
- ۲۹۹۲ ..... پرسش
- ۲۹۹۲ ..... پاسخ
- ۲۹۹۲ ..... اسلامی شدن دانشگاهها یعنی چه ؟ آیا معنایش این است که دختر و پسر با هم نباشند؟
- ۲۹۹۲ ..... پرسش
- ۲۹۹۲ ..... پاسخ
- ۲۹۹۳ ..... نحوه انتقاد از روحانیون مستول در حالیکه حرمت آنان حفظ شود چگونه است
- ۲۹۹۳ ..... پرسش
- ۲۹۹۳ ..... پاسخ
- ۲۹۹۵ ..... چرا به زندانها رسیدگی نمی شود و بجای اینکه با فرهنگ و ایجاد شغل آنها بسازند آنها را زندانی می کنند؟
- ۲۹۹۵ ..... پرسش
- ۲۹۹۵ ..... پاسخ
- ۲۹۹۵ ..... چرا ما آذربایجانها از ابتدایی ترین حقوق (زبان و فرهنگ مطبوعات و) محرومیم ؟
- ۲۹۹۵ ..... پرسش
- ۲۹۹۶ ..... پاسخ
- ۲۹۹۸ ..... آیا ازدواج موقت الان در جامعه ما رایج است ؟
- ۲۹۹۸ ..... پرسش
- ۲۹۹۸ ..... پاسخ
- ۲۹۹۸ ..... اسلامی کردن دانشگاهها به چه صورت انجام می پذیرد
- ۲۹۹۸ ..... پرسش
- ۲۹۹۸ ..... پاسخ
- ۲۹۹۸ ..... چرا با صرف هزینه می خواهید به سنولات ما پاسخ دهید
- ۲۹۹۸ ..... پرسش
- ۲۹۹۸ ..... پاسخ
- ۲۹۹۹ ..... چرا جوانان به مدل های غربی و غربگرایی علاقه دارند چرا نظام در این مورد اقدام نمی کند
- ۲۹۹۹ ..... پرسش
- ۳۰۰۰ ..... پاسخ
- ۳۰۰۱ ..... چرا ازدواج موقت که یکی از احکام ناب اسلام است در جامعه ما انجام نمی شود؟

پرسش ..... ۳۰۰۱

پاسخ ..... ۳۰۰۱

چرا ازدواج موقت مورد پذیرش افکار عمومی مردم نیست؟ ..... ۳۰۰۱

پرسش ..... ۳۰۰۱

پاسخ ..... ۳۰۰۱

چرا به جای گرفتن مهریه های سنگین برای جلوگیری از طلاق قوانین دیگری وضع نمی کنند؟ ..... ۳۰۰۲

پرسش ..... ۳۰۰۲

پاسخ ..... ۳۰۰۲

چرا مردم به ظواهر بیشتر از امور بنیادی می پردازند؟ ..... ۳۰۰۲

پرسش ..... ۳۰۰۲

پاسخ ..... ۳۰۰۲

برای حل مشکل ماهواره چه راه حلهایی وجود دارد؟ ..... ۳۰۰۳

پرسش ..... ۳۰۰۳

پاسخ ..... ۳۰۰۳

با توجه به واقعیت موسیقی در جامعه و مخالفت روحانیت با آن با این معضل چگونه باید برخورد کرد ..... ۳۰۰۳

پرسش ..... ۳۰۰۳

پاسخ ..... ۳۰۰۳

وظیفه بسیج در رویارویی با مشکلات و مسائل اجتماعی چیست ؟ ..... ۳۰۰۳

پرسش ..... ۳۰۰۳

پاسخ ..... ۳۰۰۳

بسیجیان چگونه تفکر بسیجی را در میان دانشجویان و نسل جوان ترویج نمایند ..... ۳۰۰۴

پرسش ..... ۳۰۰۴

پاسخ ..... ۳۰۰۴

روش صحیح تبلیغ در دانشگاهها چیست ..... ۳۰۰۴

پرسش ..... ۳۰۰۴

پاسخ ..... ۳۰۰۴

با اینکه حضرت امام ( ره ) فرموده اند باید دانشگاه کارخانه آدم سازی باشد اما امروز کاملا بر عکس شده است . چرا؟ ..... ۳۰۰۵

پرسش ..... ۳۰۰۵

پاسخ ..... ۳۰۰۵

با توجه به فراوانی فساد و گناه در جامعه چطور می توان با خداوند در ارتباط بود و تا عمق معنویات پیش رفت و در جامعه هم نقش فعال داشت؟ آیا حفظ دین با این وضعیت جامعه و دانشگاه ها ممکن است؟ ..... ۳۰۰۵

پرسش ..... ۳۰۰۵

پاسخ ..... ۳۰۰۵

چرا امر به معروف و نهی از منکر در کشور ما اجرا نمی شود؟ ..... ۳۰۰۸

پرسش ..... ۳۰۰۸

پاسخ ..... ۳۰۰۸

به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه و خوابگاه های دانشگاه چیست ؟ ..... ۳۰۱۰

پرسش ..... ۳۰۱۰

پاسخ ..... ۳۰۱۰

چرا بیشتر جوانان ما نسبت به دین و مسائل آن بی اطلاع اند؟ ..... ۳۰۱۰

پرسش ..... ۳۰۱۰

پاسخ ..... ۳۰۱۰

- ۳۰۱۰ ..... در مورد الگوسازی عملی از ائمه اطهار(ع) بیشتر توضیح دهید.
- ۳۰۱۱ ..... پرسش
- ۳۰۱۱ ..... پاسخ
- ۳۰۱۵ ..... چرا فرهنگ ازدواج در جامعه تغییر کرده است؟
- ۳۰۱۵ ..... پرسش
- ۳۰۱۵ ..... پاسخ
- ۳۰۱۵ ..... برای جلوگیری از رقص و ترائه در مراسم عروسی چه باید کرد؟
- ۳۰۱۵ ..... پرسش
- ۳۰۱۵ ..... پاسخ
- ۳۰۱۶ ..... بهترین راه ها برای حل مشکلات فرهنگی چیست؟
- ۳۰۱۶ ..... پرسش
- ۳۰۱۶ ..... پاسخ
- ۳۰۱۷ ..... دوستم نماز نمی خواند برای این که او را به سوی نماز بکشانم هم چنین برای این که اخلاق او در ما تاثیر نگذارد چه کنم؟
- ۳۰۱۷ ..... پرسش
- ۳۰۱۷ ..... پاسخ
- ۳۰۱۸ ..... چگونه می توان اصل (دانشگاه اسلامی) را بین دانشجویان مطرح کرد؟
- ۳۰۱۸ ..... پرسش
- ۳۰۱۸ ..... پاسخ
- ۳۰۱۸ ..... چگونه می توان از راه فرهنگی زمینه رشد فکری دانشجویان را بالا برد؟
- ۳۰۱۸ ..... پرسش
- ۳۰۱۸ ..... پاسخ
- ۳۰۱۹ ..... چرا به جوانان این قدر امر و نهی می شود و با مهربانی و عطوفت، آنها را راهنمایی نمی کنند؟
- ۳۰۱۹ ..... پرسش
- ۳۰۱۹ ..... پاسخ
- ۳۰۱۹ ..... چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟
- ۳۰۱۹ ..... پرسش
- ۳۰۱۹ ..... پاسخ
- ۳۰۲۰ ..... چگونه می توان جوانان را درباره ولایت فقیه توجیه کرد؟
- ۳۰۲۰ ..... پرسش
- ۳۰۲۰ ..... پاسخ
- ۳۰۲۳ ..... علل بی رغبتی جوانان به اسلام و مسایل معنوی چیست؟
- ۳۰۲۳ ..... پرسش
- ۳۰۲۳ ..... پاسخ
- ۳۰۲۴ ..... چگونه می توان جوانان را نسبت به ولایت فقیه آشنا ساخت؟
- ۳۰۲۴ ..... پرسش
- ۳۰۲۴ ..... پاسخ
- ۳۰۲۹ ..... علت فاصله گرفتن جوانان از ارزش های اسلامی چیست؟ و راه حل آن کدام است؟
- ۳۰۲۹ ..... پرسش
- ۳۰۲۹ ..... پاسخ
- ۳۰۲۴ ..... چه راهکارهای برای رفع مشکلات فرهنگی دانشگاهها متناسب است؟
- ۳۰۲۴ ..... پرسش

- ۳۰۳۴ ..... پاسخ
- ۳۰۳۶ ..... برای رواج بیشتر مسائل دینی در بین دانشجویان چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟
- ۳۰۳۶ ..... پرسش
- ۳۰۳۶ ..... پاسخ
- ۳۰۳۷ ..... برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟
- ۳۰۳۷ ..... پرسش
- ۳۰۳۷ ..... پاسخ
- ۳۰۳۹ ..... با توجه به شرایط دانشگاه برای احیاء نماز جماعت در سطح دانشکده چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟
- ۳۰۳۹ ..... پرسش
- ۳۰۴۰ ..... پاسخ
- ۳۰۴۱ ..... بینش دانشجویی نسبت به مسائل سیاسی و فرهنگی را چگونه بالا ببریم ؟
- ۳۰۴۱ ..... پرسش
- ۳۰۴۱ ..... پاسخ
- ۳۰۵۳ ..... در کارهای قرآنی و فرهنگی چه عواملی موجب تداوم و جذابیت کار می شود؟
- ۳۰۵۳ ..... پرسش
- ۳۰۵۳ ..... پاسخ
- ۳۰۵۴ ..... جامعه امروز چه نیازهایی را در اولویت می بیند و طلاب در چه زمینه ای باید کار کنند تا پاسخ گوی این نیازها باشند؟
- ۳۰۵۴ ..... پرسش
- ۳۰۵۴ ..... پاسخ
- ۳۰۵۷ ..... علت دین گریزی جوانان چیستو چگونه می توان آنها را از این راه منحرف کرد ؟
- ۳۰۵۷ ..... پرسش
- ۳۰۵۷ ..... پاسخ
- گاهی هنگامی که با بعضی از دوستان در مورد مسائل دینی و اخلاقی صحبت می کنیم ،حرفهای ما در ابتدا تاثیر بسیار خوبی روی آنها می گذارد ولی کم کم از بین می رود همچنین نمیدانم چرا چنین دوستانی بیشتر مایل به دوستی با افراد نایاب هستند در واقع مثل اینکه افراد خلاف
- ۳۰۶۴ ..... پرسش
- ۳۰۶۴ ..... پاسخ
- ۳۰۷۰ ..... دوستم به گریه کردن در عزاداری سیدالشهداء اعتقاد ندارد چگونه او را راهنمایی کنم ؟
- ۳۰۷۰ ..... پرسش
- ۳۰۷۰ ..... پاسخ
- ۳۰۷۰ ..... چگونه افراد بی نماز و بی هدف را ارشاد کنیم ؟
- ۳۰۷۰ ..... پرسش
- ۳۰۷۰ ..... پاسخ
- ۳۰۷۱ ..... چه شیوه ای را بکار گیریم تا جوانان ما با قرآن و نهج البلاغه بیشتر نزدیک شوند؟
- ۳۰۷۱ ..... پرسش
- ۳۰۷۱ ..... پاسخ
- ۳۰۷۲ ..... به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه چه می باشد؟
- ۳۰۷۲ ..... پرسش
- ۳۰۷۲ ..... پاسخ
- آنچه در کتابها درباره غرب نوشته شده صرفاً نشان دادن نکات منفی آن است و از ذکر نکات مثبت غفلت می شود، چه بسا این نکات مثبت غالب بر منفی ها باشد و چه بسا مکاتب و دیدگاه های آنان جامع تر و پیشرفته تر از ما و اسلام باشد (این پاسخ را به دیدگاه کسی مرقوم فرمایز
- ۳۰۷۲ ..... پرسش
- ۳۰۷۳ ..... پاسخ
- ۳۰۷۶ ..... چرا بعضی ارگان های دینی و حتی بعضی از روحانیون (اصلاً قصد توهین ندارم اما این یک واقعیت در جامعه ماست) با رفتارهای خشک مقدس مآبانه جلوی گسترش اسلام و احکام دینی را می گیرند و البته در بعضی موارد مانع ترویج آن می شوند؟

پرسش ..... ۳۰۷۶

پاسخ ..... ۳۰۷۶

با توجه به اینکه مسؤول واحد فرهنگی بسیج دانشجویی دانشکده می باشد، راهنماییهایی را در این زمینه خواستارم. .... ۳۰۷۸

پرسش ..... ۳۰۷۸

پاسخ ..... ۳۰۷۸

مهمترین مشکلات فرهنگی جامعه خصوصاً جامعه دانشگاهی و دانشجویی کدام است؟ لطفاً دلایل ظهور مشکلات را بفرمایید. .... ۳۰۸۰

پرسش ..... ۳۰۸۰

پاسخ ..... ۳۰۸۰

میسوط ..... ۳۰۸۲

اشاره ..... ۳۰۸۲

پرسش ..... ۳۰۸۲

پاسخ ..... ۳۰۸۲

میسوط ..... ۳۰۸۴

اشاره ..... ۳۰۸۴

پرسش ..... ۳۰۸۴

پاسخ ..... ۳۰۸۴

چرا در جامعه ما به شغل پرستاری اهمیت داده نمی شود ،جامعه ای که تمام افراد آن مسلمان هستند جامعه ای که الگوی پرستاری آن حضرت زینب است .من فکر می کنم مردم ما فقط صحبت می کنند تا اینکه عمل کنند مثلا همه برای حضرت زینب گریه می کنند ولی وقتی به ی

پرسش ..... ۳۰۸۷

پاسخ ..... ۳۰۸۸

با وجود آنکه سالها از جنگ عراق علیه ایران می گذرد و شرایط اجتماعی عوض گردیده است و نگرش ها نسبت به مسائل گذشته تغییر کرده پس چرا هنوز هم از جبهه و جنگ و ۸ سال دفاع مقدس نام برده می شود؟ .....

پرسش ..... ۳۰۸۹

پاسخ ..... ۳۰۹۰

دفن کردن شهدای گمنام در دانشگاهها و پارکها و یا اماکن عمومی چه معنایی دارد؟! آیا فرهنگ شهید و شهادت در این است که اجساد مجهول الهویه را سرمایه بقای نظام گردانیم و از این طریق از این اجساد استفاده ایزاری کنیم ؟ .....

پرسش ..... ۳۰۹۱

پاسخ ..... ۳۰۹۱

نظر شما در مورد فعالیت در تشکلهای دانشجویی چیست؟ آیا برای دانشجو که وظیفه او درس خواندن است این گونه فعالیتها اشکالی ندارد؟ و در چه تشکلی فعالیت کنیم برای خود و جامعه مفید خواهد بود. ....

پرسش ..... ۳۰۹۶

پاسخ ..... ۳۰۹۶

دانشگاه ما از نظر فعالیتهای فرهنگی گسترده بسیار در فقر به سر می برد و ما گروهی هستیم که قصد انجام این کار را داریم و بدون سابقه قبلی و اطلاعاتی در این زمینه از شما خواستارم طرحی قابل اجرا پیشنهاد کنید تا هم بتوانیم از نظر فرهنگی تاثیر گذار باشیم هم از نظر

پرسش ..... ۳۰۹۸

پاسخ ..... ۳۰۹۸

چگونه می توان ارزشهای واقعی و دین را به جامعه بشری تعلیم داد؟ .....

پرسش ..... ۳۰۹۹

پاسخ ..... ۳۰۹۹

لذا با توجه به افزایش فساد اخلاقی اعم از روابط نامشروع زناشویی فیلم مبتذل ،عکس ،اینترنت ،خانه فساد و فحشا ،فرار دختران از خانه که صدا و سیما برنامه به صورت مداوم و سراسری پخش نماید که در ازدواج والدین سخت نگیرند تا این عوامل به وجود نیاید و جامعه به فساد

پرسش ..... ۳۱۰۲

پاسخ ..... ۳۱۰۳

موسیقی هایی که از صدا سیما جمهوری اسلامی پخش می شود یا از طریق رادیو جوان و... و کنسرت هایی که درمحیط های دانشجویی و در شهرهای مختلف این مملکت اسلامی در جریان است کاملا غیر شرعی و خلاف اعتقادات روایات و آیات الهی می باشد . بنده در این مورد به قفا

پرسش ..... ۳۱۰۴

پاسخ ..... ۳۱۰۴

در روایات و احادیث و مخصوصا قرآن بسیار تاکید شده است به دستگیری از فقرا. ولی جامعه امروز ما پر شده از بسیاری از اشخاص که به بهانه های گوناگون دست نیاز به سوی انسان دراز می کنند. و این مسئله باعث شده که تشخیص نیازمند واقعی از گدایان حرفه ای مشکل شود. با



- ۳۱۰۴ پرسش
- ۳۱۰۵ پاسخ
- ۳۱۰۶ آیا می توانیم بگوییم به علت اینکه علوم غربی از فکر غربی (امانیستی) نشأت می گیرد این علوم را نمی توان برای مقاصد الهی به کار برد یعنی مثلا تلویزیون اسلامی داشته باشیم و...
- ۳۱۰۶ پرسش
- ۳۱۰۶ پاسخ
- ۳۱۰۸ دلایل عدم رعایت فرهنگ حجاب و رابطه نامناسب دختر و پسر در محیطهای دانشگاهی چیست. با چه نمونه کارهای فرهنگی می توان در جهت اصلاح این معضلات فرهنگی قدم برداشت.
- ۳۱۰۸ پرسش
- ۳۱۰۸ پاسخ
- جامعه ما جامعه ای است اسلامی و ما جوانان این مرز و بوم برای ممت و حیات خود نیاز به راهبران و مشاورانی داریم که ما را هدایت کنند و راه درست زندگی و درست اندیشیدن را نشان دهند یکی قرآن این کتاب آسمانی است که باید آن را به عنوان الگوی خود قرار دهیم ای کاش
- ۳۱۱۵ پرسش
- ۳۱۱۵ پاسخ
- ۳۱۱۷ وظیفه ما در جایی که مقابل ما به پیامبر و مقدسات یا امام راحل و انقلاب توهین می شود چیست؟
- ۳۱۱۷ پرسش
- ۳۱۱۷ پاسخ
- ۳۱۱۸ مادانشجویان مذهبی چه کنیم تا بتوانیم در دانشگاه اثرگذار باشیم ؟
- ۳۱۱۸ پرسش
- ۳۱۱۸ پاسخ
- ۳۱۲۲ چرا با برخی قوانین برای استخدام مانند متدین بودن و یا سایر خصوصیات ظاهری به ریا کاری در جامعه کمک می کنیم.
- ۳۱۲۲ پرسش
- ۳۱۲۳ پاسخ
- ۳۱۲۵ تعریف کار فرهنگی چیست. به چه کاری فرهنگی و به چه کاری غیر فرهنگی می گویند.
- ۳۱۲۵ پرسش
- ۳۱۲۵ پاسخ
- ۳۱۲۶ تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید.
- ۳۱۲۶ پرسش
- ۳۱۲۶ پاسخ(قسمت اول)
- ۳۱۲۳ پاسخ(قسمت دوم)
- ۳۱۴۱ چرا مردم حاضر نیستند تفکراتشان را تغییر دهند این قدر که به تغییر و تعویض لباس و وسایل و تجملات اهمیت می دهند؟ارتقاء سطح فکری و تغییر و رشد عقلی اهمیت قائل نمی شوند.راه درمان چیست؟
- ۳۱۴۱ پرسش
- ۳۱۴۱ پاسخ
- ۳۱۴۴ لطفا در مورد بحران هویت توضیح دهید و راههای پشت سر گذاشتن این بحران را بیان کنید.
- ۳۱۴۴ پرسش
- ۳۱۴۴ پاسخ
- ۳۱۴۸ لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.
- ۳۱۴۸ پرسش
- ۳۱۴۸ پاسخ
- ۳۱۵۰ چرا به سوگواری و مداحی امامان اینقدر اهمیت داده می شود به جای شناخت آنها
- ۳۱۵۰ پرسش
- ۳۱۵۰ پاسخ
- اگر امکان دارد کمتر از پلاکاردها و اعلامیه ها استفاده شود درست است که به مناسبتها ی مختلف این کار انجام میشود و برای یادآوری ارزشها مناسبتها است اما در بسیاری از موارد اسراف است و باین هزینه ای که صرف میشود میتوان کارهای زیادی به نفع مردم انجام داد که جن ۵۲
- ۳۱۵۲ پرسش

پاسخ ..... ۳۱۵۲

نظر شما اگر ازدواج موقت شیوع پیدا کند کسی دنبال ازدواج دائم می رود..... ۳۱۵۳

پرسش ..... ۳۱۵۳

پاسخ ..... ۳۱۵۳

بسیاری از روحانیون به راحتی در خیابان راه می روند و نسبت به اطراف خود حداقل واکنشی نشان نمی دهند چرا؟..... ۳۱۵۳

پرسش ..... ۳۱۵۳

پاسخ ..... ۳۱۵۳

از کارشناسان محترم نهاد تقاضا دارم تخصصها و منابع و روشهایی را که یک نیروی فرهنگی برای انجام کار فرهنگی در دانشگاه و دیگر مکانهای فرهنگی نیاز دارد را برای اینجانب شرح دهنداگر جدول و برنامه خاصی در این زمینه نیز وجود دارد برای اینجانب معرفی نمایید. ۳۱۵۳

پرسش ..... ۳۱۵۳

پاسخ ..... ۳۱۵۴

چرا تعداد الگوهای اعتقادی و عملی در فرایند اسلامی شدن دانشگاهها اندک هست؟..... ۳۱۵۸

پرسش ..... ۳۱۵۸

پاسخ ..... ۳۱۵۸

درباره پیشگیری از اعتیاد نوجوانان و جوانان چه راهکارهای عملی پیشنهاد میکنید. "لطفا پاسخ را بصورت کاملا تشریحی بیان کنید..... ۳۱۶۱

پرسش ..... ۳۱۶۱

پاسخ ..... ۳۱۶۱

وقتی مردم اجتماع نمی خواهند درست شوند چه باید کرد؟..... ۳۱۶۴

پرسش ..... ۳۱۶۴

پاسخ ..... ۳۱۶۴

چرا مسلمانان روزی را با عنوان عید قربان جشن می گیرند و چرا گوسفند قربانی می کنند؟..... ۳۱۶۴

پرسش ..... ۳۱۶۴

پاسخ ..... ۳۱۶۴

آیا مراجع با گناه کردن مردم آن هم علناً راضی هستند؟..... ۳۱۶۵

پرسش ..... ۳۱۶۵

پاسخ ..... ۳۱۶۵

چرا با اقداماتی نظیر...باعث کاهش علاقه جوانان برای حضور در مساجد می شوید؟..... ۳۱۶۶

پرسش ..... ۳۱۶۶

پاسخ ..... ۳۱۶۶

چرا کسانی که می خواهند پسرشان را داماد کنند به ظاهر زندگی و ثروت نگاه می کنند ولی به نجابت دختر نگاه نمی کنند؟..... ۳۱۶۷

پرسش ..... ۳۱۶۷

پاسخ ..... ۳۱۶۷

چرا ارزشهای مذهبی در نزد جوانان ما کم رنگ شده است؟..... ۳۱۶۸

پرسش ..... ۳۱۶۸

پاسخ ..... ۳۱۶۸

برای کار کردن یا مبادله کالا همه دروغ می گویند. آیا این حرفهایی که زده می شود درست است؟..... ۳۱۷۰

پرسش ..... ۳۱۷۰

پاسخ ..... ۳۱۷۰

❖- آیدر مجالس روضه ویامیهمانی های مذهبی مثل عاشورا اربعین و.....که به خاطرنامه (ع) برگزار می شود وعده ای میهمان دعوت می شوند اینکه خیلی ساده برگزار نشود و کمی باسلیقه تر ومرتب تر ویا ذوق بیشتر دروسایل ولباس های افراد باشد اشکال دارد ؟ یعنی ممکن است مو

پرسش ..... ۳۱۷۳

پاسخ ..... ۳۱۷۳

۱- لطفاً شیوه ترویج فرهنگ اطاعت از اهل بیت علیه السلام « به جای تشریفات برای اهل بیت علیهم السلام » را بیان فرمایید؟ اطاعت بهتر است یا تشریفات و مراسم؟ - ۳۱۷۴

پرسش - ۳۱۷۴

پاسخ - ۳۱۷۴

۱- لطفاً بفرمایید چگونه میتوان ازدواج آسان توأم با احکام الهی را در جامعه امروزی بصورت یک فرهنگ در آورد؟ - ۳۱۷۷

پرسش - ۳۱۷۷

پاسخ - ۳۱۷۷

۱- چگونه می توان از جریان حادثه کربلا در زندگی فردی و اجتماعی الگو برداری کرد؟ - ۳۱۸۴

پرسش - ۳۱۸۴

پاسخ - ۳۱۸۴

چه نوع فعالیت های فرهنگی می توان در مساجد داشت؟ - ۳۱۹۰

پرسش - ۳۱۹۰

پاسخ - ۳۱۹۰

چرا به جای موسیقی های حرام ، نواهای اسلامی جایگزین نمی شود؟ - ۳۱۹۰

پرسش - ۳۱۹۰

پاسخ - ۳۱۹۰

چگونه می توان فعالیت فرهنگی انجام داد بدون این که لطمه ای به درس و ... برسد؟ - ۳۱۹۰

پرسش - ۳۱۹۰

پاسخ - ۳۱۹۰

هدف زندگی دانشجویی و اموری که وقت دانشجو باید برای آن صرف شود چیست؟ - ۳۱۹۱

پرسش - ۳۱۹۱

پاسخ - ۳۱۹۱

اگر ازدواج موقت حلال است ، چرا عده ای خاص از آن بهره مندند؟ - ۳۱۹۵

پرسش - ۳۱۹۵

پاسخ - ۳۱۹۵

قدر جوان و دانشجوی ما در بی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟ - ۳۱۹۶

پرسش - ۳۱۹۶

پاسخ - ۳۱۹۶

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت؟ - ۳۱۹۸

پرسش - ۳۱۹۸

پاسخ - ۳۱۹۸

چگونه در طول مدت دانشجویی برنامه هایمان را در خوابگاهها تنظیم کنیم که از وقتمان استفاده بهینه داشته باشیم؟ - ۳۱۹۸

پرسش - ۳۱۹۸

پاسخ - ۳۱۹۹

یک دانشجو چگونه باید اوقاتش را پر کند و همه ء جنبه ها را رعایت کند؟ - ۳۱۹۹

پرسش - ۳۱۹۹

پاسخ - ۳۱۹۹

برای اداره صحیح یک گروه فرهنگی و اخلاص در کار این گروه ها چه برنامه هایی باید مد نظر قرار گیرد؟ - ۳۲۰۳

پرسش - ۳۲۰۳

پاسخ - ۳۲۰۴

در جامعه ای که انسان صحنه های تأسف باری از فساد مانند اختلاط زن و مرد نامحرم پوشیدن لباسهای مبتذل بی حجابی و آرایش غلیظ زنان و ... را می بیند گاهی احساس پوچ گرایی زندگی، احساس دوری از خدا و آخرت را می کنیم چه کنیم تا بنیه اعتقادیمان همچنان استوار به

پرسش - ۳۲۰۴

- ۳۲۰۴ ..... پاسخ
- ۳۲۰۸ ..... راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.
- ۳۲۰۸ ..... پرسش
- ۳۲۰۸ ..... پاسخ
- ۳۲۱۰ ..... چگونه می توان فردی که از اسلام و روحانیت گریزان است را هدایت کرد؟
- ۳۲۱۰ ..... پرسش
- ۳۲۱۰ ..... پاسخ
- ۳۲۱۳ ..... چگونه می توان فرد لجوج را به نماز و روزه و انجام امور مذهبی تشویق کرد؟
- ۳۲۱۳ ..... پرسش
- ۳۲۱۳ ..... پاسخ
- ۳۲۱۶ ..... تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟
- ۳۲۱۶ ..... پرسش
- ۳۲۱۶ ..... پاسخ
- ۳۲۱۸ ..... چرا برخلاف کشورهای توسعه یافته ، مردم ایران کم مطالعه می کنند و بیشتر تلویزیون تماشا می کنند؟
- ۳۲۱۸ ..... پرسش
- ۳۲۱۸ ..... پاسخ
- ۳۲۱۸ ..... با این که دانشجویان را به تقوا دعوت می کنید، چرا مسوولان تقوا را رعایت نمی کنند؟
- ۳۲۱۸ ..... پرسش
- ۳۲۱۸ ..... پاسخ
- ۳۲۲۰ ..... دلیل نام گذاری سال امام علی ( ع ) و یکصدمین سال امام ( ره ) و اختصاص بودجه های کلان از بیت المال ، چگونه توجیه می شود؟
- ۳۲۲۰ ..... پرسش
- ۳۲۲۰ ..... پاسخ
- ۳۲۲۳ ..... چرا در کشور ما فرهنگ انتقاد پذیری وجود ندارد ؟
- ۳۲۲۳ ..... پرسش
- ۳۲۲۳ ..... پاسخ
- ۳۲۲۷ ..... با توجه به این همه فساد و فحشا در دنیا چگونه باید زندگی کرد که بتوان از نعمت های این دنیا استفاده نمود وهم بتوان برای سفر آخرت مهیا بود؟
- ۳۲۲۷ ..... پرسش
- ۳۲۲۷ ..... پاسخ
- ۳۲۲۹ ..... راهکار مطالعاتی برای انجام کارهای اساسی و تبلیغاتی در دانشگاه چیست؟
- ۳۲۲۹ ..... پرسش
- ۳۲۲۹ ..... پاسخ
- ۳۲۳۲ ..... برای اصلاح وضعیت اجتماعی دانشگاه و حفظ اخلاق دانشجویان از این محیط ناساعد چه کنیم؟
- ۳۲۳۲ ..... پرسش
- ۳۲۳۲ ..... پاسخ
- ۳۲۳۴ ..... نظر شما درباره اردوهای مختلط دانشجویی و وظیفه ما در این رابطه چیست؟
- ۳۲۳۴ ..... پرسش
- ۳۲۳۴ ..... پاسخ
- ۳۲۳۶ ..... چرا با وجود نیاز به عالمان دینی در مناطق محروم، آنها خود را در محیط های بخصوصی محدود کرده اند؟
- ۳۲۳۶ ..... پرسش
- ۳۲۳۶ ..... پاسخ
- ۳۲۳۹ ..... آیا با توجه به شرایط نامناسب جامعه می توان پاسخگوی نیازهای جوانان بود؟

- ۳۲۳۹ ..... پرسش
- ۳۲۳۹ ..... پاسخ
- ۳۲۴۳ ..... چه توصیه ای به جوان دارید؟
- ۳۲۴۳ ..... پرسش
- ۳۲۴۳ ..... پاسخ
- ۳۲۴۳ ..... بهترین خدمت به جامعه و مردم چیست ؟
- ۳۲۴۳ ..... پرسش
- ۳۲۴۴ ..... پاسخ
- ۳۲۴۴ ..... در مورد مشکل ((هویت جوانان)) دست اندرکاران فرهنگی چه باید بکنند؟
- ۳۲۴۴ ..... پرسش
- ۳۲۴۴ ..... پاسخ
- ۳۲۴۹ ..... برخی عقیده دارند پایه گذاری دانشگاه در ایران غلط بوده است و با فرهنگ ما سازگاری نداشت امروز می بینیم که دانشجو دنبال هر چیزی است جز دانش . اولاً می خواهم ریشه یابی این معضل را بدانم ثانیاً راه حل قابل دسترسی برای اصلاح این وضع چیست.
- ۳۲۴۹ ..... پرسش
- ۳۲۴۹ ..... پاسخ
- ۳۲۴۹ ..... در سراسر کشور کارهای هماهنگ انجام شده (مانند گسترش جمله هایی نظیر حجاب مصونیت است و ... از طریق اماکن دولتی و تاکسی ها و ...) ولی چرا تبلیغات ما اثر نمی کند و در عوض تبلیغات ماهواره ای دشمن در جوانان اثر می کند مشکل کجاست. آیا راه حل را نمی دانیم اما
- ۳۲۵۷ ..... پرسش
- ۳۲۵۷ ..... پاسخ
- ۳۲۶۱ ..... تأثیرگذاری روی دیگران بخصوص جوانان چگونه ممکن است؟
- ۳۲۶۱ ..... پرسش
- ۳۲۶۱ ..... پاسخ
- ۳۲۶۲ ..... تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفاً مصداق ها را به دقت نام ببرید.
- ۳۲۶۲ ..... پرسش
- ۳۲۶۲ ..... پاسخ(قسمت اول)
- ۳۲۶۸ ..... پاسخ(قسمت دوم)
- ۳۲۷۴ ..... لطفاً درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.
- ۳۲۷۴ ..... پرسش
- ۳۲۷۴ ..... پاسخ
- ۳۲۷۷ ..... چگونه می توان شخصی را که از نظر مذهبی کامل نیست هدایت کرد به طوری که در طرف مقابل اثر داشته باشد؟
- ۳۲۷۷ ..... پرسش
- ۳۲۷۷ ..... پاسخ
- ۳۲۸۲ ..... مشکلات فرهنگی دانشگاه را در چه موضوعاتی می دانید؟ همچنین اگر بخواهیم در قالب یک گروه دانشجویی روی شناسایی و سپس مقابله با آنها کار کنیم ، چه توصیه ای برای ما در ابتدای کار دارید؟
- ۳۲۸۲ ..... پرسش
- ۳۲۸۲ ..... پاسخ
- ۳۲۸۵ ..... چرا برای امر ازدواج فرهنگ سازی نمی شود.
- ۳۲۸۵ ..... پرسش
- ۳۲۸۵ ..... پاسخ
- ۳۲۸۷ ..... با توجه به اینکه قشر دانشجویی ما اکثر اوقاتش را به بطالت می گذراند وقتی فارغ التحصیل می شود چندان بار علمی ندارد آیا به فکر پرورش روحی فکری و علمی دانشجویان هستید.
- ۳۲۸۷ ..... پرسش
- ۳۲۸۷ ..... پاسخ
- ۳۲۸۹ ..... در محله ما یک حسینیه است که امکانات خوبی برای کارهای فرهنگی دارد اما مسئولیت آن با یک پیرمردی است که به جوانها خیلی میدان نمی دهد و یک خوی استبدادی دارد. لذا محیط آن به گونه ای نمی باشد که جوانها را جذب کند و حتی خیلی از جوانها محله از رفتن به آن
- ۳۲۸۹ ..... پرسش

- ۳۲۹۰ ..... پاسخ
- من دانشجویی هستم که می توان گفت امروزی نیستم و تیب هایی که امروزه در دانشگاهها مد است سرکاری ندارم ولی از این وضعیت نیز دل خوشی ندارم دلم می خواهد یک برنامه ای در دانشگاهها وجود داشته باشد که این جوانان راه گم کرده را راهنمایی کنند نه با زبان توهین و ت
- ۳۲۹۱ ..... پرسش
- ۳۲۹۲ ..... پاسخ
- ۳۲۹۳ ..... کتاب و کتابخانه در ارتقای سطح فرهنگ مردم چگونه و در چه حدی می تواند تاثیر گذار باشد؟
- ۳۲۹۳ ..... پرسش
- ۳۲۹۳ ..... پاسخ
- ۳۲۹۶ ..... علاقه شدیدی به جذب نوجوانان به مکتب اهل بیت دارم لطفاً راهبردهایی کا کاربرد فراوانی داشته باشند را برای من عنایت فرمایید
- ۳۲۹۶ ..... پرسش
- ۳۲۹۶ ..... پاسخ
- ۳۲۹۷ ..... فرهنگ دینی
- ۳۲۹۷ ..... سنتهای دینی
- ۳۲۹۷ ..... آیا مسلمان آمریکایی به جز اعیاد اسلامی می تواند در اعیاد سایر مذاهب به ویژه عید زائویه و عید پاک یا، مراسم تهیه درخت کاج، ارسال تبریک هدیه و مانند آن ... شرکت کند؟
- ۳۲۹۷ ..... پرسش
- ۳۲۹۷ ..... پاسخ
- ۳۲۹۷ ..... چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم(علیهم السلام)، فرق می گذارند؟
- ۳۲۹۷ ..... پرسش
- ۳۲۹۸ ..... پاسخ
- ۳۲۹۸ ..... چرا اکثر مناسبت ها مانند ولادت پیامبر عو شب های قدر، به شب زیارتی علی ۷میدل می شود؟
- ۳۲۹۸ ..... پرسش
- ۳۲۹۸ ..... پاسخ
- ۳۳۰۰ ..... آیا نماز نخواندن پدر و مادر در زندگی فرزندانشان تأثیری دارد؟
- ۳۳۰۰ ..... پرسش
- ۳۳۰۰ ..... پاسخ
- ۳۳۰۱ ..... در فرهنگ بعضی از مناطق رایج است که در مجالس ترحیم سیگار توزیع می کنند و بعد از کشیدن سیگار برای اموال فاتحه طلب می کنند، آیا چنین کاری صحیح است؟ اگر صحیح نیست، وظیفه ما در مقابل این عمل چیست؟
- ۳۳۰۱ ..... پرسش
- ۳۳۰۱ ..... پاسخ
- ۳۳۰۴ ..... آیا درست است که "اسپند" دود کردن هفتاد بلا را دفع می کند؟ آیا سند دارد؟
- ۳۳۰۴ ..... پرسش
- ۳۳۰۴ ..... پاسخ
- ۳۳۰۴ ..... سنن و روایات در مورد سرمه کشیدن و یا استفاده از عبا و عمامه وارد شده است. آیا در عصر حاضر که این امور با عرف مخالفت دارد، باز از این ها استفاده شود؟
- ۳۳۰۴ ..... پرسش
- ۳۳۰۴ ..... پاسخ
- ۳۳۰۵ ..... در قرآن احسان به پدر و مادر، یادآور شده اما در مورد خواهر و برادر حکم چگونه است؟
- ۳۳۰۵ ..... پرسش
- ۳۳۰۵ ..... پاسخ
- ۳۳۰۷ ..... آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می شود؟
- ۳۳۰۷ ..... پرسش
- ۳۳۰۷ ..... پاسخ
- ۳۳۰۸ ..... در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(ب)
- ۳۳۰۸ ..... پرسش

- ۳۳۰۸ - پاسخ
- ۳۳۱۰ - برگزاری نکردن مجلس ختم و یادواره شهدای عزیز چه حکمی دارد؟
- ۳۳۱۰ - پرسش
- ۳۳۱۰ - پاسخ
- ۳۳۱۱ - چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟
- ۳۳۱۱ - پرسش
- ۳۳۱۱ - پاسخ
- ۳۳۱۲ - آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می شود؟
- ۳۳۱۲ - پرسش
- ۳۳۱۲ - پاسخ
- ۳۳۱۲ - آیا دلیلی وجود دارد که آب زمزم و خاک کربلا شفا است؟ آیا اینها خرافات نیست؟
- ۳۳۱۲ - پرسش
- ۳۳۱۲ - پاسخ
- ۳۳۱۴ - علت تقدس بعضی از اعداد مانند چهل به چه علت است؟
- ۳۳۱۴ - پرسش
- ۳۳۱۴ - پاسخ
- ۳۳۱۵ - دلیل اینکه در دین مقدس اسلام عدد ۷ هفت دارای اهمیت است و در خیلی از امور جمله طواف کعبه صفا و مروه و غیره .... و همچنین علت اینکه در فرهنگ ملی ما نیز به آن اهمیت داشته اند چیست.
- ۳۳۱۵ - پرسش
- ۳۳۱۵ - پاسخ
- ۳۳۱۷ - در اقوام ما گاه اظهار می شود که فلان نوزاد توسط فرشتگان و بدون حضور بزشک ختنه شده است. آیا این مسئله واقعی است.
- ۳۳۱۷ - پرسش
- ۳۳۱۷ - پاسخ
- ۳۳۱۷ - اینجانب دانشجوی دکترای رشته مهندسی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوانسته ام به برخی از آنها که در ذیل می آید پاسخ قانع کننده بدهم:
- ۳۳۱۷ - اشاره
- ۳۳۱۷ - پرسش
- ۳۳۱۸ - پاسخ
- ۳۳۲۱ - آیا زیارت قبور شهدا، مختص ۵ روزهای پنجشنبه و جمعه است و زیارت در روزهای دیگر اشکال دارد؟ (مادر من این کار می شود و بنده نیز برای اطاعت از پدر و مادر، چیزی نمی گویم)
- ۳۳۲۱ - پرسش
- ۳۳۲۱ - پاسخ
- ۳۳۲۳ - اگر ماه مبارک رمضان ضیافت خداوند است پس چرا اتمام آن را یعنی عید فطر را جشن می گیریم.
- ۳۳۲۳ - پرسش
- ۳۳۲۳ - پاسخ
- ۳۳۲۳ - عید یعنی چه؟ و فلسفه اعیاد اسلامی چیست.
- ۳۳۲۳ - پرسش
- ۳۳۲۳ - پاسخ
- ۳۳۲۶ - چرا عده ای در هنگام فاتحه خواندن دست را بر روی قبر می گذارند؟
- ۳۳۲۶ - پرسش
- ۳۳۲۶ - پاسخ
- ۳۳۲۶ - آغاز کردن کارها یا نام خدا چه فایده ای دارد؟
- ۳۳۲۶ - پرسش
- ۳۳۲۶ - پاسخ

چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم «علیهم السلام» فرق می گذارند؟ ..... ۳۳۲۷

پرسش ..... ۳۳۲۷

پاسخ ..... ۳۳۲۷

آیا تعطیلی در ایام ولادت یا شهادت ائمه «علیهم السلام» نوعی تعظیم شعائر است؟ ..... ۳۳۲۷

پرسش ..... ۳۳۲۷

پاسخ ..... ۳۳۲۷

آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟ ..... ۳۳۲۸

پرسش ..... ۳۳۲۸

پاسخ ..... ۳۳۲۸

آیا اگر کودکی را به نام امام و پیامبر نام گذاری نکنند گناه دارد؟ ..... ۳۳۲۸

پرسش ..... ۳۳۲۸

پاسخ ..... ۳۳۲۸

آیا در دین مقدس اسلام درباره مراسم ترحیم (سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟ ..... ۳۳۲۹

پرسش ..... ۳۳۲۹

پاسخ ..... ۳۳۲۹

آیا نام آدمها در وضعیت سعادت و شقاوت و یا شادمانی و ناراحتی آنها تأثیر دارد برای مثال آسیه که به مفهوم زن غمگین است برای صاحب نام عقیده ای ایجاد نمی کند؟ ..... ۳۳۲۹

پرسش ..... ۳۳۳۰

پاسخ ..... ۳۳۳۰

در کتاب مفاتیح الجنان آمده که هر ساعتی از شبانه روز مخصوص یک امام بزرگوار است. مقصود چیست؟ برای متوسل شدن به امام رضاع) ساعت مختص به ایشان را چطور محاسبه کنیم؟ ..... ۳۳۳۱

اشاره ..... ۳۳۳۱

پرسش ..... ۳۳۳۱

پاسخ ..... ۳۳۳۲

شهادت ..... ۳۳۳۲

به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟ ..... ۳۳۳۲

پرسش ..... ۳۳۳۲

پاسخ ..... ۳۳۳۲

شهادت چیست؟ (هدف، وسیله، عشق و آرزو ...) رسیدن به مقام شهادت می تواند هدف باشد؟ ..... ۳۳۳۳

پرسش ..... ۳۳۳۳

پاسخ ..... ۳۳۳۳

آیا شهیدان افراد استثنایی بودند یا اکنون نیز از آن اشخاص در جامعه وجود دارد برای نزدیک شدن به شخصیت آنها چه باید کرد ..... ۳۳۳۷

پرسش ..... ۳۳۳۷

پاسخ ..... ۳۳۳۷

چه کسانی شهید محسوب می شوند ..... ۳۳۳۷

پرسش ..... ۳۳۳۸

پاسخ ..... ۳۳۳۸

راه حفظ حرمت شهدا چیست ؟ ..... ۳۳۳۸

پرسش ..... ۳۳۳۸

پاسخ ..... ۳۳۳۸

در باره شهادت و اینکه چطور می توان آرزوی شهادت را دل نگه داشت برای من توضیح دهید ؟ ..... ۳۳۳۸

پرسش ..... ۳۳۳۸

پاسخ ..... ۳۳۳۹



در مورد شهدا سوآلی داشتیم که مذهباست ذهن مرا به خود مشغول کرده است آیا همه کسانی که در جنگ کشته شده اند شهید نامیده می شوند آیا همه آدمهای خوبی بوده اند. مثلا شاید یکی داشته دزدی می کرده و خمپاره ای به او خورده باشد و جانباز یا شهید شده باشد؟ یا ا

پریش ..... ۳۳۴۱

پاسخ ..... ۳۳۴۲

چرا در اطلاعیه های شهادت، تیریک و تسلیت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟..... ۳۳۴۴

پریش ..... ۳۳۴۴

پاسخ ..... ۳۳۴۴

آیا هر کسی به هر دلیلی در مدرسه فوت کند، شهید محسوب می شود؟..... ۳۳۴۴

پریش ..... ۳۳۴۴

پاسخ ..... ۳۳۴۴

افرادی که در مراسم شهدای جنگ تحمیلی شرکت نمی کنند، چه حکمی دارند؟..... ۳۳۴۵

پریش ..... ۳۳۴۵

پاسخ ..... ۳۳۴۵

آیا کسانی که از هموطنان ما به قصد زیارت عتبات عالیات به عراق سفر می کنند و در آن جابه دست آمریکایی ها کشته می شوند، نزد پروردگار از جایگاه یک شهید برخوردارند؟..... ۳۳۴۶

پریش ..... ۳۳۴۶

پاسخ ..... ۳۳۴۶

در حالی که می دانیم نیش قبر در اسلام جائز نیست، چ... آستانخوان های شهدای جنگ تحمیلی را بیرون می آورند و تشییع می کنند؟..... ۳۳۴۷

پریش ..... ۳۳۴۷

پاسخ ..... ۳۳۴۷

چرا به کسانی که اکنون در عراق توسط نیروهای آمریکایی کشته می شوند، شهید اطلاق نمی شود اما به افرادی که در فلسطین کشته می شوند، شهید می گویند؟..... ۳۳۴۷

پریش ..... ۳۳۴۷

پاسخ ..... ۳۳۴۷

چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟..... ۳۳۴۹

پریش ..... ۳۳۴۹

پاسخ ..... ۳۳۴۹

چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟..... ۳۳۵۱

پریش ..... ۳۳۵۱

پاسخ ..... ۳۳۵۱

سربازانی که در حین مأموریت در برابر اشرار کشته می شوند، آیا حکم شهید را دارند؟ آیا می توان آنان را شهید نامید؟..... ۳۳۵۲

پریش ..... ۳۳۵۲

پاسخ ..... ۳۳۵۲

چرا یک سری از شهدا پس از شهادت ، بدنشان سالم می ماند، ولی بعضی دیگر فقط استخوان شان باقی می ماند؟!..... ۳۳۵۴

پریش ..... ۳۳۵۴

پاسخ ..... ۳۳۵۴

آیا این فرضیه که می گویند اگر بر سر نماز و یا در مسجد فوت کنی، شهید تلقی می شوی، درست است، چرا؟..... ۳۳۵۶

پریش ..... ۳۳۵۶

پاسخ ..... ۳۳۵۶

کلمه شهید و شهادت به چه معناست؟..... ۳۳۵۹

پریش ..... ۳۳۵۹

پاسخ ..... ۳۳۶۰

دلیل اینکه اگر غیرمسلمان در نبرد با دشمنان خدا کشته شود، شهید گفته نمی شود چیست؟..... ۳۳۶۰

پریش ..... ۳۳۶۰

- ۳۳۶۰ - پاسخ
- ۳۳۶۱ - اگر روح همه انسان ها زنده و باقی است دیگر حیات امتیازی برای شهداء محسوب نمی شود؟
- ۳۳۶۱ - پرسش
- ۳۳۶۱ - پاسخ
- ۳۳۶۱ - شهیدان در این جهان و جهان آخرت چه مقامی دارند؟
- ۳۳۶۱ - پرسش
- ۳۳۶۲ - پاسخ
- ۳۳۶۳ - خداوند متعال بهترین راه برای بسج نمودن مردم و متحد شدن آنان در برابر دشمن را چه می داند؟
- ۳۳۶۳ - پرسش
- ۳۳۶۳ - پاسخ
- ۳۳۶۵ - الف با توجه به آیه ی ۱۵۴ بقره که می فرماید: و به آن ها که در راه خدا کشته می شوند مرده نگویید؛ بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید. منظور نفهمیدن چه چیزی است ب فرق بین "شهادت و مرگ طبیعی را بیان کنید؟
- ۳۳۶۵ - پرسش
- ۳۳۶۵ - پاسخ
- ۳۳۶۷ - تعریف دقیق شهادت و شهید از نظر شارع مقدس اسلام چیست
- ۳۳۶۷ - پرسش
- ۳۳۶۷ - پاسخ
- ۳۳۶۹ - شهید کیست و منظور از زنده بودن شهدا چیست؟
- ۳۳۶۹ - پرسش
- ۳۳۶۹ - پاسخ
- ۳۳۶۹ - شرایط اطلاق واژه شهید به افراد چیست؟
- ۳۳۶۹ - پرسش
- ۳۳۶۹ - پاسخ
- ۳۳۷۱ - آیا شهادت طلبی با توجه به مسئولیت انسان در قبال خانواده اش ، یک نوع خودخواهی نیست؟
- ۳۳۷۱ - پرسش
- ۳۳۷۱ - پاسخ
- ۳۳۷۱ - آیا کسانی که در راه مأموریت کشته می شوند (تصادف) نزد خداوند شهید هستند؟
- ۳۳۷۱ - پرسش
- ۳۳۷۱ - پاسخ
- ۳۳۷۳ - برخی معتقدند کشته شدگان در زلزله شهید هستند آیا صحت دارد؟
- ۳۳۷۳ - پرسش
- ۳۳۷۳ - پاسخ
- ۳۳۷۵ - شهیدان راه قرآن چه کسانی هستند؟
- ۳۳۷۵ - پرسش
- ۳۳۷۵ - پاسخ
- ۳۳۷۵ - آیا حق الناس از شهید بخشیده می شود؟
- ۳۳۷۵ - پرسش
- ۳۳۷۶ - پاسخ
- ۳۳۷۶ - شهید به چه کسی گفته می شود؟
- ۳۳۷۶ - پرسش
- ۳۳۷۶ - پاسخ
- ۳۳۷۸ - دلم می خواهد برای مبارزه با اسرائیل جنایتکار و کمک به مردم مظلوم فلسطین ، به آن جا بروم تا دراین راه کشته شوم . آیا کشته شدن در این راه شهادت در راه خدا محسوب می شود؟

۳۳۷۸ ..... پرسش

۳۳۷۸ ..... پاسخ

۳۳۷۹ ..... آیا آرزوی شهادت برای کسی که مسئولیت زن و فرزند بر عهده او است ، اشکال ندارد؟

۳۳۷۹ ..... پرسش

۳۳۷۹ ..... پاسخ

۳۳۷۹ ..... چگونه می شود در این زمان انسان به مقام شهادت نائل آید؟ همچنین شهید شدن مقاماتی می خواهد چگونه می توان به این مقام ها راه پیدا کرد؟

۳۳۷۹ ..... پرسش

۳۳۷۹ ..... پاسخ

۳۳۸۰ ..... چگونه باید باشیم تا شهادت نصیب ما شود؟

۳۳۸۰ ..... پرسش

۳۳۸۰ ..... پاسخ

۳۳۸۰ ..... منظور از باقیاتُ الصالحات چیست؟

۳۳۸۰ ..... پرسش

۳۳۸۰ ..... پاسخ

۳۳۸۱ ..... وژه شهید در قرآن به چه مفهومی است و منظور آیه به انبیا و صالحین وشهدا نعمت داده شده چیست ؟

۳۳۸۱ ..... پرسش

۳۳۸۱ ..... پاسخ

۳۳۸۱ ..... مشورت

۳۳۸۱ ..... مشورت از دیدگاه قرآن چه جایگاهی دارد؟ پرسش

۳۳۸۱ ..... اشاره

۳۳۸۱ ..... پاسخ

۳۳۸۲ ..... از دیدگاه روایات، مشورت چه جایگاهی دارد؟ پرسش

۳۳۸۲ ..... اشاره

۳۳۸۲ ..... پاسخ

۳۳۸۵ ..... از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی شایسته مشورت معرفی شده اند؟ پرسش

۳۳۸۵ ..... اشاره

۳۳۸۵ ..... پاسخ

۳۳۸۶ ..... از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی غیر شایسته برای مشورت معرفی شده اند؟

۳۳۸۶ ..... پرسش

۳۳۸۶ ..... پاسخ

۳۳۸۶ ..... آیا هر کس را می توان به عنوان مشاور بویژه در کارهای مهم و سنگین انتخاب نمود؟ پرسش

۳۳۸۶ ..... اشاره

۳۳۸۷ ..... پاسخ

۳۳۸۷ ..... از دیدگاه امام علی(ع) با چه کسانی نباید مشورت کرد؟ پرسش

۳۳۸۷ ..... اشاره

۳۳۸۷ ..... پاسخ

۳۳۸۸ ..... آیا مشورت که مورد تاکید اسلام است، یک وظیفه اخلاقی است یا الزامی؟ پرسش

۳۳۸۸ ..... اشاره

۳۳۸۸ ..... پاسخ

۳۳۸۹ ..... بر اساس آیات قرآن آیا در همه امور و شئون اجتماعی باید مشورت کرد یا در پاره ای از آن ها؟ آیا حاکم برای تدبیر و اداره جامعه باید با دیگران به مشورت بنشیند؟

۳۳۸۹ ..... پرسش

- ۳۳۸۹ ..... پاسخ
- ۳۳۹۱ ..... در چه مواردی بهتر است با دوستان، مشورت کرد؟
- ۳۳۹۱ ..... پرسش
- ۳۳۹۱ ..... پاسخ
- ۳۳۹۲ ..... چرا باید با دیگران مشورت کنیم
- ۳۳۹۲ ..... پرسش
- ۳۳۹۲ ..... پاسخ
- ۳۳۹۳ ..... آیا محور مشورت، کوچک و بزرگی و زیادی سن است؟
- ۳۳۹۳ ..... پرسش
- ۳۳۹۳ ..... پاسخ
- ۳۳۹۴ ..... درباره مشورت از نظر معنا و مفهوم توضیح دهید.
- ۳۳۹۴ ..... پرسش
- ۳۳۹۴ ..... پاسخ
- ۳۳۹۶ ..... هنر و ادبیات
- ۳۳۹۶ ..... اهمیت هنر در جامعه اسلامی چگونه است؟ آیا هنرمند مسلمان کم نداریم علت این خلاء چیست؟ روند بهبود آن چیست؟
- ۳۳۹۶ ..... پرسش
- ۳۳۹۷ ..... پاسخ
- ۳۳۹۷ ..... چرا قرآن از شعر نکوهش می کند با آنکه شعر یکی از هنرهای هفتگانه است؟
- ۳۳۹۷ ..... پرسش
- ۳۳۹۷ ..... پاسخ
- ۳۴۰۱ ..... دیدگاه پیامبر اکرم در مورد «شعر» چگونه است؟
- ۳۴۰۱ ..... پرسش
- ۳۴۰۱ ..... پاسخ
- ۳۴۰۲ ..... شعر در لغت عرب و در اصطلاح ادیبان به چه معنی است؟
- ۳۴۰۲ ..... پرسش
- ۳۴۰۲ ..... پاسخ
- ۳۴۰۲ ..... نظر اسلام در مورد مقام و موقعیت شعر و شعراء چیست؟
- ۳۴۰۲ ..... پرسش
- ۳۴۰۲ ..... پاسخ
- ۳۴۰۸ ..... با توجه به آیاتی از سوره شعرا که در مذمت شعر و شاعری است آیا این نگرش شامل همه اشعار و شاعران می شود؟
- ۳۴۰۸ ..... پرسش
- ۳۴۰۸ ..... پاسخ
- ۳۴۱۳ ..... آیا در قرآن کریم آیاتی در رابطه با هنر وجود دارد؟
- ۳۴۱۳ ..... پرسش
- ۳۴۱۳ ..... پاسخ
- ۳۴۱۴ ..... هنر چیست انواع آن را توضیح دهید.
- ۳۴۱۴ ..... پرسش
- ۳۴۱۴ ..... پاسخ
- ۳۴۱۹ ..... نظر اسلام درباره هنر مجسمه سازی و نقاشی چیست؟ آیا صحیح است که همه مجسمه ها شکسته شود و آثار باستانی از بین برود؟
- ۳۴۱۹ ..... پرسش
- ۳۴۱۹ ..... پاسخ(قسمت اول)

- ۳۴۲۶ ..... پاسخ (قسمت دوم)
- ۳۴۲۳ ..... سنتهای ملی
- ۳۴۲۳ ..... مبدأ سال های میلادی و شمسی چیست؟
- ۳۴۲۳ ..... پرسش
- ۳۴۲۳ ..... پاسخ
- ۳۴۲۴ ..... ما باید اول مسلمان باشیم بعد ایرانی یا برعکس؟
- ۳۴۲۴ ..... پرسش
- ۳۴۲۴ ..... پاسخ
- ۳۴۲۴ ..... ریختن آب پشت سر مسافر تایید شرعی دارد یا خرافات است؟
- ۳۴۲۴ ..... پرسش
- ۳۴۲۴ ..... پاسخ
- ۳۴۲۵ ..... آیا برای یک مسلمان افتخار به هویت ملی اشکال دارد؟ مصادیق مثبت و منفی این افتخار کدام اند؟
- ۳۴۲۵ ..... پرسش
- ۳۴۲۵ ..... پاسخ
- ۳۴۲۶ ..... چرا از قدیم مرسوم بوده است حلقه ازدواج را به دست چپ بیندازند؟
- ۳۴۲۶ ..... پرسش
- ۳۴۲۶ ..... پاسخ
- ۳۴۲۶ ..... نظر اسلام درباره نوروز چیست؟
- ۳۴۲۶ ..... اشاره
- ۳۴۲۷ ..... پرسش
- ۳۴۲۷ ..... پاسخ
- ۳۴۲۷ ..... آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟
- ۳۴۲۷ ..... پرسش
- ۳۴۲۷ ..... پاسخ
- ۳۴۲۸ ..... گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟
- ۳۴۲۸ ..... پرسش
- ۳۴۲۸ ..... پاسخ
- ۳۴۲۸ ..... چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟
- ۳۴۲۸ ..... پرسش
- ۳۴۲۸ ..... پاسخ
- ۳۴۲۸ ..... آیا در دین مقدس اسلام درباره مراسم ترحیم (سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟
- ۳۴۲۸ ..... پرسش
- ۳۴۲۹ ..... پاسخ
- ۳۴۲۹ ..... باورهای خرافی
- ۳۴۲۹ ..... جدا نمودن آیین مقدس اسلام از سنتهای باطل چگونه است؟
- ۳۴۲۹ ..... پرسش
- ۳۴۲۹ ..... پاسخ
- ۳۴۴۰ ..... مراسم چهارشنبه سوری چه حکمی دارد؟
- ۳۴۴۰ ..... پرسش
- ۳۴۴۰ ..... پاسخ
- ۳۴۴۰ ..... مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟

- ۳۴۴۰ ..... پرسش
- ۳۴۴۰ ..... پاسخ
- ۳۴۴۲ ..... شایعانی در خرم دره زنجان پخش شده که «علم» در حسینیّه جوش آورده و شفا یافتن مریض ها در این مکان زیاد شده، حال، ماندن در این مکان ها و طلب شفا و زیارت و امثال ذلک چگونه است؟
- ۳۴۴۲ ..... پرسش
- ۳۴۴۲ ..... پاسخ
- ۳۴۴۲ ..... نامه ها و ادعیه هایی که هر از گاهی در منازل انداخته می شود یا در قرآن ها و مفاتیح ها در حرم مطهر نوشته می شود و در آن داستان هایی بیان می شود و تقاضای رونویسی به دفعات ۲۵ و ۳۰ و... در نامه های مذکور آورده می شود؛ آیا پایه و اساس درستی دارد و انجام خواسته ۲
- ۳۴۴۳ ..... پرسش
- ۳۴۴۴ ..... پاسخ
- ۳۴۴۴ ..... شنیده شده کسی بعد از این که با قرآن استخاره کرده و بد آمده، قرآن را پاره کرده و از نیم تنه تبدیل به خرچنگ شده است. چنین چیزهایی صحت دارد؟ پاسخ ما در قبال برخورد با این مسائل چه باید باشد؟
- ۳۴۴۴ ..... پرسش
- ۳۴۴۴ ..... پاسخ
- ۳۴۴۴ ..... شخصی از شهر مدینه وصیت نامه ای فرستاده که مشتمل بر مطالب زیر می باشد: پیامبر اکرم (۹) را در خواب دیدم که به من فرمودند: حاج شیخ احمد در این هفته شصت هزار نفر مرده اند در حالی که یک نفر هم ایمان نداشتند، مردم احکام شرع را رعایت نمی کنند، زنان حجاب ا...
- ۳۴۴۵ ..... پرسش
- ۳۴۴۶ ..... پاسخ
- ۳۴۴۷ ..... چرا بعضی ها روز سیزده را نحس می دانند؟ آیا اهل سنت این روز را نحس کرده اند به نام سیزده رجب که روز تولد آقا امیرالمؤمنین (است)؟
- ۳۴۴۷ ..... پرسش
- ۳۴۴۷ ..... پاسخ
- ۳۴۵۱ ..... اینکه گاهی اوقات در بعضی از کتابها مثل منتخب الادعیه نوشته است که مثلاً: یک روحانی در خواب دیده فلان جریان را وبعد مثلاً نوشته باید سه بار نوشته شود و آآ اتفاقاً برای انسان می افتد آیا این جریانات درست می باشد یا خیر توضیح کامل عنا یت فرمایید .
- ۳۴۵۱ ..... پرسش
- ۳۴۵۱ ..... پاسخ
- ۳۴۵۲ ..... در میانی اسلامی عطسه زدن چه حکمی دارد؟ آیا نظر عرف مبنی بر این که دلالت بر صبر و مکت دارد، حجت است؟
- ۳۴۵۲ ..... پرسش
- ۳۴۵۲ ..... پاسخ
- ۳۴۵۲ ..... در بخش مهربان وایسته به تیریز یک روستایی است به نام شاه باغی. در ایام محرم و صفر یک غم دارند به صورت پنج دست. آن را روی یک چوب وصل می کنند، مردم بول و نذری می برند و کسی که نذر دارد، پنجه می آید روی دوش او می نشیند. آیا چنین چیزی امکان دارد یا ؟
- ۳۴۵۳ ..... پرسش
- ۳۴۵۳ ..... پاسخ
- ۳۴۵۳ ..... در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جتنی ها اذیت می شود. آیا این مسئله صحت دارد؟ اگر صحت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جتن دارد، مثلاً جتن چه می شود؟ -
- ۳۴۵۳ ..... پرسش
- ۳۴۵۴ ..... پاسخ
- ۳۴۵۴ ..... آیا موقعی که عطسه می کنیم حتماً باید صبر کنیم؟
- ۳۴۵۴ ..... پرسش
- ۳۴۵۴ ..... پاسخ
- ۳۴۵۴ ..... مراکز دینی
- ۳۴۵۴ ..... حوزه علمیه
- ۳۴۵۴ ..... میسوط
- ۳۴۵۴ ..... پرسش
- ۳۴۵۴ ..... پاسخ
- ۳۴۵۷ ..... فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟
- ۳۴۵۷ ..... اشاره
- ۳۴۵۷ ..... پرسش
- ۳۴۵۷ ..... پاسخ

- ۳۴۶۰ ..... وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟
- ۳۴۶۰ ..... پرسش
- ۳۴۶۰ ..... پاسخ
- ۳۴۶۱ ..... بنده تمایل به طلبه شدن دارم ولی پدر و مادرم مخالفت می کنند تکلیف من چیست ؟
- ۳۴۶۱ ..... پرسش
- ۳۴۶۱ ..... پاسخ
- ۳۴۶۱ ..... چرا در حوزه به علوم طبیعی توجه نمی شود در صورتی که علمای اسلامی همگی در چندین رشته صاحب نظر بوده اند؟
- ۳۴۶۱ ..... پرسش
- ۳۴۶۱ ..... پاسخ
- ۳۴۶۱ ..... چرا ائمه(علیهم السلام) کار می کردند و روحانیون برای امرای معاش کار نمی کنند؟
- ۳۴۶۱ ..... پرسش
- ۳۴۶۲ ..... پاسخ
- ۳۴۶۲ ..... پاسخ ما در برابر افرادی که مقصر تمام مشکلات موجود در جامعه و جوانان را روحانیت می دانند چه می باشد؟
- ۳۴۶۲ ..... پرسش
- ۳۴۶۲ ..... پاسخ
- ۳۴۶۵ ..... چرا دید مردم نسبت به روحانیت نسبت به زمان انقلاب تغییر بسیار کرده است و آیا این تغییر ناشی از رفتار و عملکرد روحانیون است یا از طرف مردم؟
- ۳۴۶۵ ..... پرسش
- ۳۴۶۵ ..... پاسخ
- در زمینه تبلیغ روحانیون محترم شبهه ای مطرح می شود مبنی بر اینکه چرا برای آموختن احکام دین، روحانیون پول می گیرند؟ و همینطور برای نماز جماعت، بنده در پاسخ به دوستان دانشجوی خود و مردم عوام نمی توانم پاسخ کاملی بدهم. بویژه اینکه این قضیه را به صوفیان
- ۳۴۷۲ ..... پرسش
- ۳۴۷۳ ..... پاسخ
- ۳۴۷۵ ..... لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه را بیان کنید؟
- ۳۴۷۵ ..... پرسش
- ۳۴۷۵ ..... پاسخ
- ۳۴۷۶ ..... شرایط ثبت نام در جامعه الزهراء قم چیست ؟
- ۳۴۷۶ ..... پرسش
- ۳۴۷۶ ..... پاسخ
- ۳۴۷۷ ..... چگونه و از چه راهی می توانم وارد حوزه شوم و به تحصیلات حوزوی مشغول شوم ..
- ۳۴۷۷ ..... پرسش
- ۳۴۷۷ ..... پاسخ
- ۳۴۷۸ ..... آیا در حوزه اساتیدی هستند که به تدریس دروس فلسفه ، اخلاق و تفسیر مشغول باشند؟
- ۳۴۷۸ ..... پرسش
- ۳۴۷۸ ..... پاسخ
- ۳۴۷۸ ..... در تعارض اندیشمندان حوزه و دانشگاه کدام طیف را پیشنهاد می کنید؟
- ۳۴۷۸ ..... پرسش
- ۳۴۷۸ ..... پاسخ
- ۳۴۷۹ ..... این جانب علاقه شدیدی به حوزه دارم حاضرم خدمت سربازی هم بروم ، بعد وارد حوزه شوم ، چه راهی برای مشکل من پیشنهاد می کنید؟
- ۳۴۷۹ ..... پرسش
- ۳۴۷۹ ..... پاسخ
- ۳۴۷۹ ..... مردم روستای تولدم احکام شرعی نماز،روزه و... را نمی دانند نیاز به مبلغ وکسی که احکام را آموزش دهد داریم ، آیا من می توانم درکنارتحصیلاتم دروس حوزه را بخوانم ؟
- ۳۴۷۹ ..... پرسش

- ۳۴۸۰ - پاسخ
- ۳۴۸۰ - فلسفه وجود روحانیت در اسلام چیست روحانیت برای اجتماع اسلامی چه می کند؟
- ۳۴۸۰ - پرسش
- ۳۴۸۰ - پاسخ
- ۳۴۸۱ - چرا روحانیت در مقابل کار تبلیغی که انجام می دهند مزد می گیرند؟
- ۳۴۸۱ - پرسش
- ۳۴۸۱ - پاسخ
- ۳۴۸۱ - دلیل کم رنگ شدن گرایش به علما در سال های اخیر چیست ؟
- ۳۴۸۱ - پرسش
- ۳۴۸۱ - پاسخ
- ۳۴۸۱ - پوشیدن لباس روحانیت با این مقدار زیاد پارچه اسراف نیست و آیا ضرورت دارد؟
- ۳۴۸۱ - پرسش
- ۳۴۸۱ - پاسخ
- ۳۴۸۲ - چرا طلاب حوزه علمیه مجبورند با شهریه طلبگی بسازند و نمی توانند اشتغالات دیگری داشته باشند؟
- ۳۴۸۲ - پرسش
- ۳۴۸۲ - پاسخ
- ۳۴۸۵ - استفاده از شهریه و معافیت طلبه ها را در مقایسه با دانشجویان چگونه توجیه می نمایند؟
- ۳۴۸۵ - پرسش
- ۳۴۸۵ - پاسخ
- ۳۴۸۷ - وظیفه و جایگاه حوزه های اسلامی چیست. آیا فقط تربیت افرادی است که می توانند و می خواهند برای خود عالمی باشند یا بیشتر تربیت افرادی است که به مبادی اسلام آگاهی دارند و به اینجا پناه آورده اند تا از حوزویون کمک بطلبند.
- ۳۴۸۷ - پرسش
- ۳۴۸۷ - پاسخ
- ۳۴۸۹ - آیا بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه می توانم در حوزه درس بخوانم ؟
- ۳۴۸۹ - پرسش
- ۳۴۸۹ - پاسخ
- ۳۴۹۱ - چگونه می توانم بعد از لیسانس ادبیات وارد حوزه شوم و آیا الان می توانم دو رشته را با هم بخوانم آیا سه ماه تابستان می توانم به حوزه بیایم و از استادان و کتابهای آنجا استفاده کنم و اگر هم شد چند واحد درسی بگیرم.
- ۳۴۹۱ - پرسش
- ۳۴۹۱ - پاسخ
- ۳۴۹۴ - شهریه آخوندها از کجا تامین می شود.
- ۳۴۹۴ - پرسش
- ۳۴۹۴ - پاسخ
- ۳۴۹۵ - با بعضی از دوستان تصمیم گرفتیم دروس حوزه را آغاز کنیم. آیا به نظر شما حوزه الکترونیک سایت تبیان یا حوزه مجازی علوم اسلامی مؤثر است یا نه؟
- ۳۴۹۵ - اشاره
- ۳۴۹۵ - پرسش
- ۳۴۹۵ - پاسخ
- ۳۴۹۷ - ۱- برای ورود به حوزه علمیه چه شرایطی باید داشته باشیم ؟
- ۳۴۹۷ - اشاره
- ۳۴۹۷ - پرسش
- ۳۴۹۸ - پاسخ
- ۳۴۹۹ - ۲- چه رابطه ای میان حوزه علمیه ودانشگاه وجود دارد ؟
- ۳۴۹۹ - پرسش



- ۳۴۹۹ - پاسخ
- ۳۵۰۰ - علاقمندم که در حوزه علمیه تحصیل کنم . خواهشمندم دراین رابطه مرا راهنمایی کنید؟
- ۳۵۰۰ - پرسش
- ۳۵۰۰ - پاسخ
- ۳۵۰۲ - چرا به حوزویان کمک هزینه تحصیلی می دهند ولی به دانشجویان نمی دهند؟
- ۳۵۰۲ - پرسش
- ۳۵۰۲ - پاسخ
- ۳۵۰۲ - از وقتی که طلبه ای وارد حوزه می شود تا وقتی که به درجه اجتهاد می رسد چه مراحل را باید طی کند و چه مجتهدی می تواند مرجع تقلید شود ؟
- ۳۵۰۲ - پرسش
- ۳۵۰۳ - پاسخ
- ۳۵۰۳ - تحصیل در حوزه به صورت مکاتبه ای چه شرایطی دارد و من در صورت امکان می خواهم تحصیل کنم؟
- ۳۵۰۳ - پرسش
- ۳۵۰۳ - پاسخ
- ۳ - با توجه به اینکه پیامبر اکرم و تمامی ائمه اطهار با کار و تلاش تأمین معاش می کرده اند و به کارهایی چون کشاورزی و... می برداختند چرا برخی از روحانیون تنها از راه منبر و روضه خوانی کسب روزی می کنند آیا مگر پیامبر اکرم نفرموده است هر کس از راه گریاندن مردم روز ۳
- ۳۵۰۳ - پرسش
- ۳۵۰۳ - پاسخ
- ۳۵۰۹ - شرایط ورود به حوزه علمیه قم چیست ؟
- ۳۵۰۹ - پرسش
- ۳۵۰۹ - پاسخ
- ۳۵۰۹ - برای کسب علوم حوزوی به طور یکه منافات با کارم نداشته باشد مرا راهنمایی کنید.
- ۳۵۰۹ - پرسش
- ۳۵۰۹ - پاسخ
- ۳۵۰۹ - دوست دارم طلبه شوم ، لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟
- ۳۵۱۰ - پرسش
- ۳۵۱۰ - پاسخ
- ۳۵۱۱ - به شغل معلمی مشغول بوده و از طرفی علاقه مند به تحصیل در حوزه علمیه هستم . لطفاً راهنمایی ام بفرمایید.
- ۳۵۱۱ - پرسش
- ۳۵۱۱ - پاسخ
- ۳۵۱۱ - علاقه زیادی به تحصیل در حوزه علمیه قم دارم . حضوراً امکان ندارد به خدمتتان شرفیاب شوم . لطفاً کمک کنید و بگویید: چگونه می توانم وارد حوزه شوم ؟
- ۳۵۱۱ - پرسش
- ۳۵۱۱ - پاسخ
- ۳۵۱۲ - چگونه می توان از طریق مکاتبه در دروس حوزه شرکت نمود؟
- ۳۵۱۲ - اشاره
- ۳۵۱۲ - پرسش
- ۳۵۱۲ - پاسخ
- علاقه زیادی به تحصیل در حوزه علمیه خواجهان دارم ، به صورتی دیگر به ادامه تحصیل در دبیرستان بی علاقه شدم ، ولی هر چه با حوزه علمیه الزهراء مسجد سلیمان تماس می گیرم به من پاسخ نمی دهند. شما لطف کنید با این حوزه تماس بگیرید، تا قبل از عید نوروز از من
- ۳۵۱۳ - پرسش
- ۳۵۱۳ - پاسخ
- ۳۵۱۴ - لطفاً درباره گرایش های تحصیلی و برخی دروس حوزوی و دانشگاهی مرتبط با رشته های دانشگاه رضوی و مؤسسه امام خمینی توضیح دهید.
- ۳۵۱۴ - پرسش
- ۳۵۱۴ - پاسخ

آیا برای دانشجویان و دیپلمه های مراکز حوزوی ، نام هایی از قبیل وجوددارد؟ اگر دارد، جزئیات آن را بنویسید.....

پرسش ..... ۳۵۱۴

پاسخ ..... ۳۵۱۴

آیا طلبه در پایه های سوم و چهارم و بالاتر می توانند به صورت غیر حضوری به صورت طلبه آزادتحصیل کنند؟.....

پرسش ..... ۳۵۱۴

پاسخ ..... ۳۵۱۵

متأسفانه هیأت امانا و شورای محل ما به مسجد رسیدگی نکرده و روحانی دعوت نمی کنند. به اداره اوقاف و سازمان تبلیغات مراجعه کردم ، اثری نداشته است . برخی از روحانیان نیز هزینه های گزاف برای تبلیغ می خواهند و به هدایت مردم نمی پردازند. لطفاً به سازمان تبلیغات ،

پرسش ..... ۳۵۱۵

پاسخ ..... ۳۵۱۵

دختری ۱۸ ساله از شهرستان فسا هستم و اکنون در مقطع پیش انشگاهی مشغول تحصیل هستم و به عقد یکی از بستگان که طلبه حوزه علمیه شیراز است، درآمدم، پس از اتمام دوره پیش دانشگاهی، به اتفاق همسرم عازم قم خواهیم شد و من قصد درس خواندن در جامعهازهر(

پرسش ..... ۳۵۱۹

پاسخ ..... ۳۵۱۹

دختری هجده ساله هستم که دارای افت تحصیلی می باشم و به همین خاطر هم از طرف نفس خودم و هم از طرف O.J.....سرزنش می شوم . خلی دلم گرفته ا...و دیگر نمی دان چه کنم !از طرفی بسابرعلاقه مند به جامعه الزهرای حوزه علمیه هستم . چه کنم که راهی به طرف

پرسش ..... ۳۵۱۹

پاسخ ..... ۳۵۲۰

علاقه به تحصیل علوم حوزوی دارم. خواهشمندم مرا در این خصوص راهنمایی نمایید؟.....

پرسش ..... ۳۵۲۳

پاسخ ..... ۳۵۲۳

چرا شورای مدیریت حوزه علمیه قم تمام حوزه های کشور را الزام می کند که تحت پوشش شورا قرار گیرند؟.....

پرسش ..... ۳۵۲۳

پاسخ ..... ۳۵۲۴

سالیانی از سفر مقام معظم رهبری به قم، دستور ایشان مبنی بر رسیدگی سریع به وضع درسی حوزه ها و جلوگیری از اتلاف عمر طلبان و ماندن طولانی در دوره سطح و اصلاح کتب درسی و حذف و جایگزینی برخی از دروس، می گذرد. چرا تا کنون اقدامی در خود توجه صورت نگر

پرسش ..... ۳۵۲۴

پاسخ ..... ۳۵۲۴

مقام معظم رهبری عقیده داشتند که دوره سطح در طول پنج سال به اتمام رسد تا طلاب با ورود سریع تر به دوره خارج، زودتر استعداد خود را تشخیص دهند و آن را دنبال کنند. آیا عمل به فرمایش های ایشان این قدر پیچ و خم دارد که این مهم این قدر معطل مانده است؟ ۲۴

پرسش ..... ۳۵۲۴

پاسخ ..... ۳۵۲۵

روال مدرک معادل در حوزه هنوز متداول است؟ آیا طرح اختصاص حقوق و مزایا به حوزه و حوزویان مورد موافقت قرار گرفت؟.....

پرسش ..... ۳۵۲۵

پاسخ ..... ۳۵۲۵

بنده درروستای مرزبان از توابع شهرستان سنقرکلیایی در استان کرمانشاه زندگی می کنم . این روستاحدود ۳۵۰ تا۴۰۰ نفر جمعیت دارد، ولی در ایام محرم و رمضان و اعیاد و وقیات از روحانی و مبلغ دینی محروم هستیم . لطفاً در این مورد اقدامی بنمایید. ....

پرسش ..... ۳۵۲۵

پاسخ ..... ۳۵۲۵

دختری هستم ۱۸ساله که به حجاب و دینداری اهمیت می دهم و با دیگران رفت و آمد ندارم وهمین سبب شده است برخی من را مقدس مآب بدانند. علاقه دارم درس حوزوی بخوانم . لطفاً مرا راهنمایی نمایید. ....

پرسش ..... ۳۵۲۶

پاسخ ..... ۳۵۲۶

آیا با توجه به تعدد و تنوع سؤالات فقهی و کلامی و فلسفی و... حوزه و روحانیت برنامه مشخص ومدیونی دارد؟ چند مرکز پاسخگویی رسمی وجود دارد؟ آیا صلاحیت این مراکز مورد تأیید بزرگان حوزه وروحانیت است ؟ آیا چاپ کتب و نشریات مذهبی با نظارت و مجوز روحانیت ص

پرسش ..... ۳۵۲۷

پاسخ ..... ۳۵۲۷

تحصیلات حوزوی غیر حضوری چند سال طول می کشد؟ کتب و جزوات مربوطه را از کجا باید تهیه کرد؟ هزینه اش چقدر است؟ آیا امتحانش حضوری است یا غیر حضوری؟ چند نوبت امتحان می گیرند؟ آیا در این سن بیش از ۵۰ سال می توانم در دروس حوزوی ادامه تحصیل ؛

پرسش ..... ۳۵۲۸

- ۳۵۲۸ ..... پاسخ
- ۳۵۲۸ ..... آیا برای تحصیل در حوزه های دینی داشتن شرایط خاصی لازم است ؟ آیا تحصیل در حوزه های دینی به صورت غیر حضوری امکان پذیر است ؟
- ۳۵۲۸ ..... پرسش
- ۳۵۲۸ ..... پاسخ
- ۳۵۲۹ ..... شغل روحانیون در جامعه چیست و از چه طریقی امرار معاش می کنند و نتیجه درس خواندن آنان چیست؟
- ۳۵۲۹ ..... پرسش
- ۳۵۲۹ ..... پاسخ
- ۳۵۲۲ ..... خانمی ۳۳ ساله ام و مدتی است که شوهرم را از دست داده ام و یک پسر دارم. مدتی است که دنبال شغلی هستم اما هنوز نیافته ام از طرفی مایلیم در مدارس حوزه تحصیل کنم، لطفاً مرا راهنمایی کنید؟
- ۳۵۲۲ ..... پرسش
- ۳۵۲۲ ..... پاسخ
- ۳۵۲۲ ..... دانشجوی دوره کارشناسی رشته ادبیات فارسی هستم. آیا می توانم پس از گرفتن مدرک لیسانس برای طلبه شدن در حوزه علمیه قم ثبت نام کنم؟ در صورت امکان لطفاً تاریخ ثبت نام وش رابط آن و هم چنین آدرس حوزه علمیه خواجهان را ذکر نمایید تا مکاتبه نمایم؟
- ۳۵۲۳ ..... پرسش
- ۳۵۲۳ ..... پاسخ
- ۳۵۲۳ ..... غیر از مرجع تقلید، به کدام روحانی می توان اطمینان کرد؟
- ۳۵۲۳ ..... پرسش
- ۳۵۲۳ ..... پاسخ
- ۳۵۲۳ ..... آیا همه روحانیون، طلبه هستند؟
- ۳۵۲۳ ..... پرسش
- ۳۵۲۴ ..... پاسخ
- ۳۵۲۴ ..... بی شک در دنیای کنونی ترویج اسلام احتیاج به روشهای جدید مناسب با پیشرفت زمان علاقه دارم در حوزه علمیه مشغول به تحصیل شوم لطفاً مرا راهنمایی کنید.
- ۳۵۲۴ ..... پرسش
- ۳۵۲۴ ..... پاسخ
- ۳۵۲۴ ..... علاقه زیادی به طلبه شدن دارم ، ولی دوبار به حوزه قم مراجعه کردم نپذیرفتند، لطفاً راهنمایی فرمایید.
- ۳۵۲۴ ..... پرسش
- ۳۵۲۵ ..... پاسخ
- ۳۵۲۵ ..... علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟
- ۳۵۲۵ ..... پرسش
- ۳۵۲۵ ..... پاسخ
- ۳۵۲۶ ..... آیا در حوزه های علمیه مدرک رسمی می دهند و امکان استخدام در ادارات دولتی یا مدرک حوزه هست ؟ اگر کسی پس از گذراندن دوره ای در حوزه ادامه تحصیل دهد، شهریه های گرفته شد، استرداد می شود؟ آیا کتب درسی را خود طلاب باید تهیه کنند؟ در حوزه چه دروسی
- ۳۵۲۶ ..... پرسش
- ۳۵۲۷ ..... پاسخ
- ۳۵۲۸ ..... تقاضای اشتغال در حوزه علمیه قم را دارم ، راهنماییم فرمایید.
- ۳۵۲۸ ..... پرسش
- ۳۵۲۸ ..... پاسخ
- ۳۵۲۹ ..... علاقه مند به تحصیل دروس حوزه علمیه هستم . آیا می توانم به شکل غیر حضوری و با استفاده ازتوزار به این هدف برسیم ؟
- ۳۵۲۹ ..... پرسش
- ۳۵۲۹ ..... پاسخ
- ۳۵۲۹ ..... در حال اتمام دوره سطح یک تربیت معلم قرآن مجید در سازمان تبلیغات اسلامی هستم . آیا حوزه می تواند برای این چنین اشخاصی دوره های آموزش بازی با اعداد و کلمات و کتاب ره توشه برای کودکان و نوجوان را فراهم آورد؟
- ۳۵۲۹ ..... پرسش
- ۳۵۲۹ ..... پاسخ
- ۳۵۴۰ ..... دوست دارم به حوزه علمیه قم بیایم، ولی از شرایط آن برخوردار نیستم. لطفاً راهنمایی فرمایید.

پرسش ..... ۳۵۴۰

پاسخ ..... ۳۵۴۰

دانشجوی سال اول کاردانی الکترونیک هستم. علاقه وافری به دروس حوزوی دارم، منتها در اثر بعضی تلقینات منفی و شیطانی گاهی متصرف می شوم. قصدم این است ان شاء الله بعد از اخذ فوق دیپلم وارد حوزه شوم. نظر شما چیست؟ شرایط و نحوه ثبت نام را بیان کنید. ۳۵۴۰

پرسش ..... ۳۵۴۰

پاسخ ..... ۳۵۴۱

آیا درس های حوزه علمیه سخت است؟ ..... ۳۵۴۲

پرسش ..... ۳۵۴۲

پاسخ ..... ۳۵۴۲

چرا بین بعضی از روحانیون محترم اختلاف و درگیری است؟ ..... ۳۵۴۲

پرسش ..... ۳۵۴۲

پاسخ ..... ۳۵۴۲

بعضی ها برای رد کردن روحانیت به جریان قند و جای استناد می کنند و می گویند آخوندها اول می گفتند قند نجس است، ولی اگر آن را در جای غسل دهند بخورند پاک می شود ریشه این جور چیزها به کجا برمی گردد؟ و آیا این مطلب واقعیت دارد؟ ..... ۳۵۴۳

پرسش ..... ۳۵۴۳

پاسخ ..... ۳۵۴۴

از همان ابتدا علاقه ای به تحصیل در علوم پزشکی نداشتم و آن را به خواسته اطرافیان و متأثر شدن از جو قبول کردم . در عین حال نسبت به تحصیل و فراگیری علوم حوزوی علاقمند هستم. چگونه می توانم از دوس پزشکی جدا شده و به تحصیل در حوزه علمیه بپردازم؟ ۳۵۴۶

پرسش ..... ۳۵۴۶

پاسخ ..... ۳۵۴۷

اینجانب داوطلب آزمون سراسری حوزه های علمیه می باشم. در صورت قبولی و اتمام سطح (یک) حوزه، چگونه می توان تحت پوشش سازمان تبلیغات اسلامی درآیم؟ به طور کلی بعد از سطح یک چه مشاغلی را یک روحانی می تواند عهده دار شود؟ ..... ۳۵۴۸

پرسش ..... ۳۵۴۸

پاسخ ..... ۳۵۴۹

حوزه علمیه قم در چه سالی و با چه هدفی تأسیس شد. .... ۳۵۴۹

پرسش ..... ۳۵۴۹

پاسخ ..... ۳۵۴۹

علاقتمند به تحصیل در رشته علوم و معارف اسلامی هستم و چون این رشته در شهرستان وجود ندارد مجبور شدم در رشته علوم انسانی تحصیلاتم را ادامه دهم. الان به این نتیجه رسیده ام که دارم از استعداد خود دور می شوم. آیا در حوزه علمیه قم چنین وضعی وجود دارد که به

پرسش ..... ۳۵۴۹

پاسخ ..... ۳۵۵۰

آیا امکان دارد فردی هم زمان در دانشگاه و حوزه تحصیل کند؟ ..... ۳۵۵۰

پرسش ..... ۳۵۵۰

پاسخ ..... ۳۵۵۰

حوزه علمیه از نظر روایات و آیات چه جایگاهی دارد؟ ..... ۳۵۵۰

پرسش ..... ۳۵۵۰

پاسخ ..... ۳۵۵۱

دوست دارم به مراتب عالی علم و ایمان برسم و طالب خوب ترین هستم. می خواهم در حوزه علمیه درس بخوانم و تحصیلات در رشته های مهم دانشگاهی را داشته باشم و این دو برای من میسر نیست. لطفاً مرا راهنمایی کنید. .... ۳۵۵۲

پرسش ..... ۳۵۵۲

پاسخ ..... ۳۵۵۲

آیا در حوزه علمیه هم چیزی شبیه پیام نور وجود دارد که فقط امتحان بگیرند؟ ..... ۳۵۵۴

پرسش ..... ۳۵۵۴

پاسخ ..... ۳۵۵۴

در اداره کارمند روحانی داریم. وی در ماه های محرم و رمضان اداره را ترک می کند و در سائر ایام نیز به موقع رفت و آمد نمی کند و منظم نیست ولی حقوق و اضافه کاریش را کامل می گیرد و با افراد شوخی می کند و گاهی دروغ می گوید! آیا می توانیم به ایشان اقتدا کنیم؟ ۱۴

پرسش ..... ۳۵۵۴

پاسخ ..... ۳۵۵۵

آیا می شود همراه درس دانشگاه، دروس حوزه را خواند و یا به صورت غیر حضوری فقط تابستان شرکت کرد و امتحان داد؟

پرسش - ۳۵۵۶

پاسخ - ۳۵۵۶

مشاقق مهاجرت به قم و تحصیل در حوزه علمیه هستیم، آیا با توجه به وضع این جانب، این کار میسر است؟

پرسش - ۳۵۵۷

پاسخ - ۳۵۵۷

علاقه به درس خواندن در حوزه علمیه را دارم اما به علت بالا بودن سن مورد پذیرش قرار نگرتم در صورت امکان راهنمایی نمایید.

پرسش - ۳۵۵۷

پاسخ - ۳۵۵۷

در دانشگاه تحصیل می کنم، اما علاقه خاصی به فراگیری علوم حوزوی دارم، لطفاً نحوه ثبت نام و شرایط آن را ذکر فرمایید.

پرسش - ۳۵۵۸

پاسخ - ۳۵۵۸

چرا مرکز مدیریت حوزه علمیه قم برای طلبه شدن شرایط مشکلی درست کرده است؟

پرسش - ۳۵۵۸

پاسخ - ۳۵۵۹

شرایط تحصیل آزاد در حوزه علمیه قم چیست؟

پرسش - ۳۵۵۹

پاسخ - ۳۵۵۹

چرا غیر از قم شهر های دیگر از نظام مرکز مدیریت قم خارج است؟

پرسش - ۳۵۵۹

پاسخ - ۳۵۵۹

دختری هستم بیست و دو سال دارم، ترک تحصیلی سال اول دبیرستان می باشم و به خاطر مشکلات مادی و خانوادگی نتوانستم ادامه تحصیل دهم، علاقه دارم در جامعه الزهرا ادامه تحصیل دهم، لطفاً در مورد شرایط ثبت نام توضیحاتی بدهید.

پرسش - ۳۵۶۰

پاسخ - ۳۵۶۰

طلبه با مدرک سیکل با طلبه با مدرک دیپلم پایه شش حوزه را به اتمام می رسانند، آیا هر دو دارای یک مدرک حوزوی هستند یا با هم فرق می کنند؟ آیا هر دو را مدرک لیسانس می دهند یا تفاوت دارند؟

پرسش - ۳۵۶۰

پاسخ - ۳۵۶۰

آیا در قم به طلبه دختر شهریه می دهند؟ ماهانه چقدر شهریه می دهند؟ آیا به طلابی که متأهل هستند، مسکن می دهند؟

پرسش - ۳۵۶۰

پاسخ - ۳۵۶۰

جهت ارتباط مستمر با حوزه علمیه قم و دفاتر مراجع تقلید و حضرات آیات راهنمایی و مساعدت فرمایید.

پرسش - ۳۵۶۱

پاسخ - ۳۵۶۱

لباس روحانیت (عمامه و عبا) از چه زمانی مرسوم شد؟

پرسش - ۳۵۶۱

پاسخ - ۳۵۶۱

در حوزه علمیه قم خواهران تا چه سطحی تحصیل می کنند؟ آیا شهریه می گیرند؟

پرسش - ۳۵۶۳

پاسخ - ۳۵۶۳

اینجانب با مدرک لیسانس معارف الهی "الهیات" مشغول انجام وظیفه هستم، آیا می توانم دروس حوزوی بخوانم و مدرک فوق لیسانس یا دکترا بگیریم! اگر می توانم در کجا و با چه شرایطی؟

پرسش - ۳۵۶۳

پاسخ - ۳۵۶۳

پاسخ ----- ۳۵۶۳

اگر بخواهیم درس حوزوی را بخوانیم، از چه طریقی ممکن است؟ در صورتی که شاغل باشیم چطور ----- ۳۵۶۴

پرسش ----- ۳۵۶۴

پاسخ ----- ۳۵۶۴

چگونه می توانم از درس حوزوی بهره مند شوم؟ آیا با وجود داشتن لیسانس می توانم در مقطع کارشناسی ارشد به صورت مکاتبه ای درس حوزوی بخوانم؟ ----- ۳۵۶۴

پرسش ----- ۳۵۶۴

پاسخ ----- ۳۵۶۴

اینجانب دانشجویی ۲۴ ساله ام و الحمدلله از نظر شغلی و معیشتی مشکلی ندارم. علاقه مند به تحصیل در حوزه می باشم، ولی به علت سن زیاد، قادر به تحصیل در دوره روزانه نمی باشم. خواهشمندم در خصوص چگونگی تحصیل غیر حضوری در حوزه علمیه، بدون توجه به مدر -----

پرسش ----- ۳۵۶۵

پاسخ ----- ۳۵۶۵

در حال اتمام تحصیلات دانشگاهی هستم و علاقه مند به گذراندن درس حوزوی مخصوصاً فقه و فلسفه هستم. اولاً ورود به حوزه چه شرایطی دارد و چه مراحل را باید گذرانم، ثانیاً آیا با تحصیلات حوزوی، اشتغال به کار در رشته تحصیلاتم برایم مقدور است؟ ----- ۳۵۶۵

پرسش ----- ۳۵۶۶

پاسخ ----- ۳۵۶۶

حوزه علمیه نجف توسط چه کسی و در چه تاریخی ساخته شد؟ ----- ۳۵۶۶

پرسش ----- ۳۵۶۶

پاسخ ----- ۳۵۶۶

تفاوت بین تقهالاسلام، حجهالاسلام، آیت الله و آیت الله العظمی چیست؟ آیا رسیدن به این درجات بدون حضور در کلاس امکان پذیر است؟ ----- ۳۵۶۹

پرسش ----- ۳۵۶۹

پاسخ ----- ۳۵۶۹

اینجانب با داشتن کارشناسی چگونه می توانم در حوزه های علمیه تحصیل کنم؟ ----- ۳۵۷۱

پرسش ----- ۳۵۷۱

پاسخ ----- ۳۵۷۱

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نبوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟ ----- ۳۵۷۱

پرسش ----- ۳۵۷۱

پاسخ ----- ۳۵۷۱

فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟ ----- ۳۵۷۲

اشاره ----- ۳۵۷۲

پرسش ----- ۳۵۷۲

پاسخ ----- ۳۵۷۲

چگونه می توان همزمان در دانشگاه و حوزه تحصیل نمود؟ ----- ۳۵۷۶

پرسش ----- ۳۵۷۶

پاسخ ----- ۳۵۷۶

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نبوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟ ----- ۳۵۷۷

پرسش ----- ۳۵۷۷

پاسخ ----- ۳۵۷۷

منظور از دور؟ غیر حضوری پنج سال؟ کوتاه مدت حوز؟ علمیه چیست؟ ----- ۳۵۷۸

پرسش ----- ۳۵۷۸

پاسخ ----- ۳۵۷۸

جامعه منهای روحانیت به چه معناست و چه کسانی این شعار را می دهند ----- ۳۵۷۸

پرسش ----- ۳۵۷۸

پاسخ ----- ۳۵۷۸

مقاله آقای دکتر سروش درباره حریت و روحانیت که در کیان ۲۴ چاپ شده تا چه اندازه درست است؟ ..... ۳۵۷۹

پرسش ..... ۳۵۷۹

پاسخ ..... ۳۵۷۹

در مورد چگونگی تحصیل فلسفه در حوزه و مدت زمان آن توضیح دهید؟ ..... ۳۵۸۴

پرسش ..... ۳۵۸۴

پاسخ ..... ۳۵۸۴

آیا اگر حوزه به علوم طبیعی و ریاضی مجهز شود بهتر نیست؟ ..... ۳۵۸۴

پرسش ..... ۳۵۸۵

پاسخ ..... ۳۵۸۵

حوزه علمیه قم چرا به وجود آمد اهدافش چیست چه مسائلی در آن آموزش داده می شود؟ ..... ۳۵۸۵

پرسش ..... ۳۵۸۵

پاسخ ..... ۳۵۸۵

حوزه علمیه قم تا چه اندازه به حکومت و دولت وابسته است؟ ..... ۳۵۸۵

پرسش ..... ۳۵۸۵

پاسخ ..... ۳۵۸۶

اساتید و طلاب حوزه علمیه قم در زمینه های فکری و سیاسی چگونه اند و درجه خطوطی حرکت می کنند؟ ..... ۳۵۸۶

پرسش ..... ۳۵۸۶

پاسخ ..... ۳۵۸۶

آیا در حوزه کسانی مثل شهید بهشتی و مطهری وجود دارند که جوانان و دانشجویان را ارشاد کنند؟ ..... ۳۵۸۶

پرسش ..... ۳۵۸۶

پاسخ ..... ۳۵۸۶

راه ورود به حوزه برای دانشجویانی که خدمت سربازی نرفته اند چیست؟ ..... ۳۵۸۷

پرسش ..... ۳۵۸۷

پاسخ ..... ۳۵۸۷

علاقه زیادی به علوم حوزوی علم الحدیث دارم و چگونه می توانم در ضمن تحصیل دانشگاهی به این علم دسترسی پیدا کنم ..... ۳۵۸۹

پرسش ..... ۳۵۸۹

پاسخ ..... ۳۵۸۹

در حوزه علمیه چه دروسی تدریس می شود ..... ۳۵۸۹

پرسش ..... ۳۵۸۹

پاسخ ..... ۳۵۹۰

آیا می توان مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوقی را در حوزه علمیه قم ادامه تحصیل دهم؟ ..... ۳۵۹۰

پرسش ..... ۳۵۹۰

پاسخ ..... ۳۵۹۰

مراحل دروس عمومی و تخصصی حوزه را برایم توضیح دهید ..... ۳۵۹۱

پرسش ..... ۳۵۹۱

پاسخ ..... ۳۵۹۱

چرا حوزه های علمیه پاسخگوی شبهات جوانان نیستند؟ ..... ۳۵۹۴

پرسش ..... ۳۵۹۴

پاسخ ..... ۳۵۹۴

حوزه علمیه چه تاثیری در جامعه دارد؟ ..... ۳۵۹۴

پرسش ..... ۳۵۹۴

- پاسخ - ۳۵۹۵
- چگونه می توانم دروس حوزه را مطالعه نمایم \* آیا سیستم نوار با توجه به شرایط بنده \* روش مناسبی است ؟ (یعنی مطالعه کتاب یا نوار و بعد مباحثه ) - ۳۵۹۵
- پرسش - ۳۵۹۵
- پاسخ - ۳۵۹۵
- برنامه درسی حوزه و نحوه گذراندن سطوح آنرا شرح دهید؟ - ۳۵۹۵
- پرسش - ۳۵۹۵
- پاسخ - ۳۵۹۶
- علاقمنده به تحصیل علوم حوزوی هستم بفرمایید به چه نحوی میسر است و شرایطش چیست و لطفاً کتبی در زمینه های اعتقادی اخلاقی و سیره اهل بیت (ع) ذکر کنید - ۳۶۰۰
- پرسش - ۳۶۰۰
- پاسخ - ۳۶۰۰
- اگر دانشجویی بخواهد تحصیلات حوزوی و به خصوص علوم قرآنی را فرا بگیرد بدون آنکه تحصیلات طولانی و وقت گیر حوزه را بگذراند آیا راهی هست ؟ - ۳۶۰۱
- پرسش - ۳۶۰۱
- پاسخ - ۳۶۰۱
- در مورد دروس حوزوی سطوح و پایه ها و ... و کلاً نظام آموزشی حاکم بر حوزه ها توضیح دهید. - ۳۶۰۱
- پرسش - ۳۶۰۱
- پاسخ - ۳۶۰۲
- آیا تحصیل علوم حوزوی از طریق سی دیهای درسی مفید هست یا نه؟ و آیا می توان با استفاده از این سی دی ها دروس را خوب فرا گرفت؟ توجه داشته باشید که بنده در خارج زندگی می کنم - ۳۶۰۵
- پرسش - ۳۶۰۵
- پاسخ - ۳۶۰۵
- از درجه صفر تا به درجه اجتهاد رسیدن چگونه میباشد؟ پیش نیازها را نام ببرید لطفاً ... به اضافه اینکه چند سال طول میکشد معمولاً... - ۳۶۰۷
- پرسش - ۳۶۰۷
- پاسخ - ۳۶۰۷
- یکی از الزامات حضور در حوزه های علمیه داشتن موی سر کوتاه است. در غیر این صورت طلبه از مدرسه اخراج خواهد شد. هنگامی که صحبت از الگو بودن ائمه برای زندگی ما شیعیان می شود یکی از خصوصیات ظاهری آن بزرگواران ظاهر آراسته آنان است. در کتب معتبر شیعه د - ۳۶۱۱
- پرسش - ۳۶۱۱
- پاسخ - ۳۶۱۱
- بسم الله الرحمن الرحيم با سپاس فراوان به خاطر پاسخ های مدون دست اندرکاران من دانشجویی هستم که بسیار علاقمند هستم در زمینه دروس مذهبی و حوزوی مطالعات مدون و منظمی داشته باشم . اما نمی دانم از کجا شروع کنم . اگر چه منتخب اصول کافی را به عنوان یه - ۳۶۱۶
- پرسش - ۳۶۱۶
- پاسخ - ۳۶۱۸
- آیا برای آشنایی هر چه بیشتر با علوم اسلامی امکانات و خدماتی وجود دارد؟ - ۳۶۱۸
- پرسش - ۳۶۱۸
- پاسخ - ۳۶۱۸
- لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه را بیان کنید؟ - ۳۶۲۰
- پرسش - ۳۶۲۰
- پاسخ - ۳۶۲۰
- جامعه الزهراء قم چه مرکزی است ؟ - ۳۶۲۵
- پرسش - ۳۶۲۵
- پاسخ - ۳۶۲۵
- آیا کلمه روحانیت - آن گونه که دکتر شریعتی در کتاب (بازگشت به خویشتن) بیان کرده - از تحریفات عصر صفویه بوده و از مسیحیت وارد جامعه مسلمانان شده است ؟ - ۳۶۲۶
- پرسش - ۳۶۲۶
- پاسخ - ۳۶۲۶
- فهرستی از دروس حوزه را بیان نمایند؟ - ۳۶۳۰



- پریش ..... ۳۶۲۰
- پاسخ ..... ۳۶۲۰
- سوال ۱۰: فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟..... ۳۶۲۳
- پریش ..... ۳۶۲۳
- پاسخ ..... ۳۶۲۳
- من علاقه به فراگیری علوم و دروس حوزوی دارم و می‌خواهم بدانم مدت آن چند سال است و هم چنین در رشته علوم سیاسی چه درس‌هایی از همه‌ی‌تر نیاز است؟..... ۳۶۲۶
- پریش ..... ۳۶۲۶
- پاسخ ..... ۳۶۲۶
- ۴ چرا در گزینش طلبه دقت کافی نمی‌شود؟ چرا مانند بودایی‌ها که برای مسئولیت و رهبری معبدی، از دوران کودکی شخص مورد نظر را کنترل می‌کنند، عمل نمی‌شود و مثلاً دانش‌آموزی را که در سوم راهنمایی متوقف شده، می‌پذیرند و بعد هم در آمد روحانیت آغشته به د..... ۳۶۲۷
- پریش ..... ۳۶۲۷
- پاسخ ..... ۳۶۲۷
- شنیده‌ام که می‌شود از قم کتاب مجانی دریافت کرد. لطفاً راهنمایی کنید؟..... ۳۶۲۸
- پریش ..... ۳۶۲۸
- پاسخ ..... ۳۶۲۸
- علاقه به دروس حوزوی دارم، ولی بندر انزلی نه جَو خوبی دارد و نه حوزه مناسبی. آیا می‌توانم در حوزه علمیه قم مشغول شوم، لطفاً از کم و کیف مسئله مرا مطلع فرمایید..... ۳۶۲۸
- پریش ..... ۳۶۲۸
- پاسخ ..... ۳۶۲۸
- نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چگونه است، آیا تحصیل در حوزه‌ها مختص رشته‌های علوم دینی و مذهبی است؟..... ۳۶۲۹
- اشاره ..... ۳۶۲۹
- پریش ..... ۳۶۲۹
- پاسخ ..... ۳۶۲۹
- در آزمون سراسری سال ۷۹ شرکت کرده‌ام و دوست دارم در دانشگاه قم قبول شده و یا درحوزه مشغول شوم، چون در مورد درس عربی مشکل دارم، لطفاً مرا راهنمایی کنید..... ۳۶۴۰
- پریش ..... ۳۶۴۰
- پاسخ ..... ۳۶۴۰
- نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چیست؟ آیا تحصیل در حوزه‌ها مختص رشته‌های علوم دینی و مذهبی است و حوزه، تعمدهی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد. آیا لباس روحانی اجباری است؟..... ۳۶۴۰
- پریش ..... ۳۶۴۰
- پاسخ ..... ۳۶۴۱
- علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟..... ۳۶۴۲
- پریش ..... ۳۶۴۲
- پاسخ ..... ۳۶۴۲
- چگونه می‌توانیم برگه پریش‌ها و شبهات را تهیه نماییم؟..... ۳۶۴۲
- پریش ..... ۳۶۴۲
- پاسخ ..... ۳۶۴۳
- مایلم وقتی بزرگ شدم، در حوزه علمیه قم تحصیل کنم. لطفاً مرا راهنمایی کنید باید چه کار کنم..... ۳۶۴۳
- پریش ..... ۳۶۴۳
- پاسخ ..... ۳۶۴۳
- خانمی هستم متولد ۱۳۳۴ و شاغل در یکی از مراکز درمانی. در یک بحران شدیدروحي قرار گرفته‌ام و در سال آخر رشته علوم تربیتی پیام نور درس می‌خوانم. لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه‌را بنویسید..... ۳۶۴۳
- پریش ..... ۳۶۴۳
- پاسخ ..... ۳۶۴۴
- پسری هفده ساله هستم و دوست دارم طلبه شوم، مدرک و شرایط لازم برای ورود به حوزه علمیه چیست؟ و امتحان ورودی آن چه زمانی است و مدت زمان برای مائتس شدن چند سال است؟..... ۳۶۴۵
- پریش ..... ۳۶۴۵

پاسخ - ۳۶۴۵

لطفاً درباره تحصیل در حوزه به صورت عموم و یا همراه با تحصیل در دانشگاه توضیح دهید. - ۳۶۴۵

پرسش - ۳۶۴۵

پاسخ - ۳۶۴۵

دوست دارم وارد حوزه شوم ، راه هایی را که می توانم از آن طریق وارد حوزه شوم ، بیان کنید. - ۳۶۴۶

پرسش - ۳۶۴۶

پاسخ - ۳۶۴۶

بنده طلبه ای هستم که پدرم نابینا و زمین گیر شده و خانواده ما شش نفری است و مقدار زیادی مقروض هستیم . اگر مقدرتان است ما را کمک کنید. - ۳۶۴۶

پرسش - ۳۶۴۶

پاسخ - ۳۶۴۶

دارای لیسانس معارف اسلامی و مشتاق هستم در زمینه تفسیر و معانی قرآن مجید ادامه تحصیل بدهم . آیا در قم جایی هست که به صورت غیر حضوری و مکاتبه ای بتوانم ادامه تحصیل بدهم ؟ - ۳۶۴۷

پرسش - ۳۶۴۷

پاسخ - ۳۶۴۷

علاقه زیادی به شهر قم و اقامت در آن دارم ، تنها راه رسیدن به آن را حوزه علمیه می دانم . امسال ثبت نام کرده ام ، ولی ذخیره قبول شده ام اگر در حوزه علمیه قم قبول نشوم راه چاره ای برای مقصود من هست ؟ - ۳۶۴۷

پرسش - ۳۶۴۷

پاسخ - ۳۶۴۷

برای تفقه در دین چه راهنمایی دارید؟ - ۳۶۴۹

پرسش - ۳۶۴۹

پاسخ - ۳۶۴۹

چه کسانی به سؤالات ما پاسخ می دهند؟ آیا بنده می توانم از طریق مکاتبه ای به تحصیل علوم حوزوی بپردازم ؟ - ۳۶۵۰

پرسش - ۳۶۵۰

پاسخ - ۳۶۵۰

دوست عزیز! نامه شما رسید. در نامه خود به نکات فراوانی اشاره نموده بودید؛ گاه انتقاداتی پسندیده داشتید و گاه پیشنهاداتی مفید. در عین حال نقدی که شما از وضعیت موجود جوانان ، جامعه و روحانیت داشتید بیش از سایر موضوعات مطروحه به چشم می آمد. لذا ناچاریم ا

پرسش - ۳۶۵۱

پاسخ - ۳۶۵۲

آیا امکان تحصیل غیر حضوری در حوزه علمیه قم وجود دارد؟ لطفاً از کم و کیف آن مرا مطلع کنید. - ۳۶۵۶

پرسش - ۳۶۵۶

پاسخ - ۳۶۵۶

در صورت امکان چگونگی راه یافتن ه حوزه علمیه خواهران را برام ارسال فرمایید؟ - ۳۶۵۶

پرسش - ۳۶۵۶

پاسخ - ۳۶۵۷

آیا فارغ التحصیلان جامعهالزهرای استخدام می شوند؟ - ۳۶۵۷

پرسش - ۳۶۵۷

پاسخ - ۳۶۵۷

دوست دارم طلبه شوم ، لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟ - ۳۶۵۷

پرسش - ۳۶۵۷

پاسخ - ۳۶۵۷

مساجد - ۳۶۵۹

از نظر قرآن کریم ساختن مسجد چه حکمی دارد؟ - ۳۶۵۹

پرسش - ۳۶۵۹

پاسخ - ۳۶۵۹

اگر در محلی یا روستایی مسجد و حسینیه وجود داشته باشد و افرادی بخواهند در رقابت با هیئت امنأ مسجد دیگری همانجا بنا کنند. آیا بانیان این مسجد از نظر قرآن در آخرت اجر و پاداش نیک دارند یا خیر؟----- ۳۶۵۹

پرسش ----- ۳۶۵۹

پاسخ ----- ۳۶۶۰

آبادانی مساجد به چیست ----- ۳۶۶۰

پرسش ----- ۳۶۶۰

پاسخ ----- ۳۶۶۰

در محل گنبد سبزه اردستان حسینیه ای ساخته شده که تصمیم گرفتیم کتابخانه ای هم در آن مکان تاسیس شود. لذا احتیاج مبرم به قرآن و مفاتیح و مقداری کتاب های مفید برای جوانان و نوجوانان داریم لطفاً ما را یاری کنید. ----- ۳۶۶۲

پرسش ----- ۳۶۶۲

پاسخ ----- ۳۶۶۲

اولین مسجدی که درایران ساخته شد، چه نام دارد؟----- ۳۶۶۲

پرسش ----- ۳۶۶۲

پاسخ ----- ۳۶۶۳

قطع ارتباط با مسجد، چه پیامدهایی دارد؟ ----- ۳۶۶۴

پرسش ----- ۳۶۶۴

پاسخ ----- ۳۶۶۴

فواید ارتباط با مسجد چیست ----- ۳۶۶۷

پرسش ----- ۳۶۶۷

پاسخ ----- ۳۶۶۷

"مسجد خانه خداست یعنی چه ----- ۳۶۶۹

پرسش ----- ۳۶۶۹

پاسخ ----- ۳۶۶۹

مسجد چیست؟ ----- ۳۶۶۹

پرسش ----- ۳۶۶۹

پاسخ ----- ۳۶۷۰

منظور از مسجد الحرام چیست و آیا مسجد می تواند حرام باشد؟----- ۳۶۷۱

پرسش ----- ۳۶۷۱

پاسخ ----- ۳۶۷۱

آیا مسلمان در برابر مسجد وظیفه دارد ----- ۳۶۷۱

پرسش ----- ۳۶۷۱

پاسخ ----- ۳۶۷۱

مسجد شرار به معنای چیست؟ ----- ۳۶۷۳

پرسش ----- ۳۶۷۳

پاسخ ----- ۳۶۷۳

درباره مرکز ----- ۳۶۷۷

نویسنده: مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر: مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

### مسائل اجتماعی

### روابط اجتماعی

**این مثل "خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو" را در چه موقع به کار می برند؟ اگر در جمعی هم کار خلاف شرع انجام دهند و ما متوجه شویم، باید همرنگ شویم و اگر هم یک رأی دادند، ما بی دلیل قبول کنیم؟**

### پرسش

این مثل "خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو" را در چه موقع به کار می برند؟ اگر در جمعی هم کار خلاف شرع انجام دهند و ما متوجه شویم، باید همرنگ شویم و اگر هم یک رأی دادند، ما بی دلیل قبول کنیم؟

### پاسخ

در ابتدا باید توجه داشت که این تنها یک ضرب المثل است و حکم قطعی عقلانی یا حکم شرعی نیست که لازم باشد تا آن را به هر گونه که شده حفظ کرد.

با صرف نظر از این مسئله، این ضرب المثل به عنوان یک مسئله رایج در جامعه ما، دو معنا می تواند داشته باشد:

۱ گاهی انسان در جامعه ای زندگی می کند که ارزش و سنت های مشروع و مقبول در آن فراموش شده و اکثر مردم به فرهنگ و سنت های غیر منطقی عادت کرده، همان سنت ها را قبول دارند. در چنین فضایی گاهی گفته می شود: خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو. اگر انسان در چنین جامعه ای قرار گیرد، نه تنها نباید با جماعت همرنگ شود، بلکه باید با رعایت شرایط، با سنت های غیر مشروع مبارزه نماید. هنر مؤمنان و دین مداران در جوّ زدایی چنین جامعه ای ظهور می کند؛ چنان که پیامبران و بزرگان دین با سنت های غیر منطقی جوامع خویش مبارزه نموده و با فضای جامعه خویش همسو و همرنگ نشده اند. از این رو عدم همرنگ شدن آنان با سنت های غیر منطقی و غیر مشروع از امتیازات انبیا به حساب آمده است. حضرت ابراهیم(ع) در جامعه ای زندگی می کرد که بت پرستی و خرافه گرایی به اوج خود رسیده بود، ولی به رغم آنکه

تنها بود، با مردم عصر خویش همسو نشد و تحت فضای جامعه خویش قرار نگرفت، گرچه عدم همسویی او با سنت های پذیرفته شده عصر خود، سختی را در پی داشت؛ از این رو خداوند او را ستود.[۱۷]

پیامبر اسلام(ص) در زمانی مبعوث شد که فرهنگ جاهلیت جزیره العرب را فرا گرفته بود.[۱۸] و پیامبر نه تنها جذب و هم رنگ جامعه آن روز نشد بلکه عملاً با سنت های جامعه مبارزه نمود و به فرهنگ سازی پرداخته و پیام آور عدل و معنویت بود و در راه رسیدن به این هدف سختی ها و اهانت ها را تحمل نمود تا آنجا که به او ساحر گفتند! [۱۹]

به طور کلی اگر قرار بر این بود که هم رنگ جماعت شوند، هیچ پیامبری نباید به تبلیغ دین خدا و دستوره های الهی می پرداخت و به آداب و سنت ها و عقاید باطل جامعه زمان خود به مبارزه می پرداخت.

ائمه(ع) نیز از وضعیت جامعه خویش راضی نبوده و با سنت های اشتباه هم رنگ نمی شدند، گرچه در جامعه ای که آنها زندگی می کردند، دین و ارزش های آن نادیده گرفته شده بود؛ [۲۰] از این رو امام علی(ع) یکی از اهداف حکومت خویش را حکامیت دین و ارزش های آن بیان نمود.[۲۱] و مدیران خود را به دین سالاری و ارزش مداری دعوت کرد.[۲۲]

امام حسین(ع) نیز یکی از اهداف قیام خویش را امر به معروف و نهی از منکر بیان نمود.[۲۳]

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ناهنجارها است. البته مبارزه با وضع جامعه غیر مطلوب باید بر اساس شرایط و سازکارهای خاص

صورت گیرد. از این رو در آموزه های دینی تقیه و سکوت نمودن نیز در برخی موارد خاص مد نظر قرار گرفته است. بنابراین اگر جامعه ای که انسان در آن زندگی می کند، مطلوب نباشد، نباید با آن همسو شد و به بهانه همرنگی با جماعت کارهای خلاف شرع انجام داد و یا به آن رأی مثبت داد و تنها اکثریت را در نظر داشت. اگر مبارزه با سنت های جامعه غیر مطلوب، پیامدهای منفی را در پی داشت و شرایط مبارزه فراهم نبود، لازم نیست مبارزه نمود، بلکه انسان یعنی کند گناه و کارهای خلاف شرع انجام ندهد.

۲ گاهی مقصود از همرنگ شدن جماعت بدان معنا است که انسان در جامعه ای زندگی می کند که بر اساس سنت ها و ارزش های دینی اداره می شود و فضای جامعه، فضای دین داری و ارزش محوری است. طبیعی است در چنین جامعه ای همسویی و همرنگی وظیفه همه ارزشمداران و دین باوران است. عدم همگرایی و وادادگی از جامعه مطلوب نه تنها ارزش نیست، بلکه نوعی مخالفت با نظام دینی به حساب می آید. در جامعه آرمانی همسویی همگان لازم است.

شاید لزوم بیعت نمودن همگان و حضور همه مردم، به ویژه شخصیت ها بدان جهت است که همسویی و همرنگی در جامعه مطلوب ضروری است.

در یک جامعه کوچک به نام خانواده و محفل دوستانه نیز دو احتمال مذکور را می توان لحاظ نمود؛ از این رو در خانواده و محافل دوستانه که در آن خلاف شرع صورت می گیرد، نمی توان به بهانه همرنگ شدن با جماعت کار خلاف شرع انجام داد. با خانواده و محفلی که در

آن ارزش و دین مداری حاکمیت دارد؛ باید هم‌رنگ شد.

در مورد آداب و سنت های قومی و ملی که مخالف با ارزش های دینی نیست و چه بسا پسندیده نیز هست، هم‌رنگی و همسویی و حداقل احترام به آنها مطلوب و پسندیده است.

[۱۸] فروغ ابدیت، ج ۱ - ۲، ص ۴۳ به بعد.

[۱۹] ص (۳۸) آیه ۳۸؛ یونس (۱۰) آیه ۲.

[۲۰] مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۱۴۵.

[۲۱] نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

[۲۲] همان، نامه ۵۳.

[۲۳] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۴؛ مقتل مقرر، ص ۱۳۹؛ بحارالانوار، ج ۴۴ ص ۳۲۹؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸؛ موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۲۹۱.

### اساس زندگي اجتماعي در اسلام چيست ؟

#### پرسش

اساس زندگي اجتماعي در اسلام چيست ؟

#### پاسخ

هدف نظام های اجتماعی مادی و غیر الهی، بهره مندی از مزایای زندگی دنیا و به عبارتی سعادت دنیایی است. از این رو آنها اساس زندگی اجتماعی را قوانین مورد پذیرش و قراردادی میان اعضای اجتماع می دانند. اما اسلام از آنجا که برای انسان سعادت اخروی نیز قایل است و می داند که نیل به این سعادت ممکن نیست مگر از طریق معارف الهی که جمله آنها به توحید برمی گردند. اساس اجتماع را دین توحیدی قرارداده است و بر اساس همین دین توحیدی است که قوانین گوناگون جعل کرده است. ضمان اجرای این قوانین را نیز اولاً به دست حکومت اسلامی سپرده و سپس بر عهده جامعه اسلامی قرار داده است.

### مسئولیت فرد از نظر اجتماعي در اسلام چگونه است؟

#### پرسش

در اسلام مسأله ای وجود دارد که در ملتهای دیگر امروز دنیا به صورت یک قانون دینی وجود ندارد (البته نمیگوئیم پیغمبران سلف نداشته اند) و آن این است که اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند از نظر شخص خود مسؤول و متعهد میدانند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسؤول و متعهد می داند. امر به معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان! تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسؤول و متعهد نیستی، تو در مقابل اجتماع خود هم مسؤولیت و تعهد داری. آیا می توان گفت چنین دینی دین قضا و قدری است؟ البته قضا و قدری به مفهومی که آنها می گویند که کارها را خدا باید انجام دهد و بشر از این جریان و مسیر خارج است و مسؤولیتی ندارد، آنچنان قضا و قدری که از بشر نفی و سلب آزادی و مسؤولیت و تعهد می کند. قرآن چنین قضا و قدری را نمی پذیرد. آیا شما در این زمینه جمله ای بالاتر از آن آیه کوچک که با تفاوت مختصری در دو جای قرآن آمده است پیدا میکنید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» رعد/۱۱ این آیه آب بسیار صاف و پاکی است که بر سر منتظرها، آنهایی که به انتظار هستند که همیشه خدا از یک راه غیر عادی کارها را درست کند، می ریزد. انتظار بیهوده نکشید. «إِنَّ» یعنی تحقیقا مطلب این است. تحقق و واقعیت این است که



هرگز خداوند اوضاع و احوال را به سود مردم عوض نمیکند «حَتَّىٰ يُعْطُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ» مگر وقتی که خود آن مردم آنچه مربوط به خودشان است، آنچه که در خودشان هست: اخلاق، روحیه، ملکات، جهت، نیت و بالآخره خودشان را عوض کنند. آیا شما می توانید صریحتر از این، مسؤولیت پیدا کنید؟ آنهم مسؤولیت در برابر یک اجتماع، یعنی اجتماع را برای مسؤولیت مخاطب قرار بدهد.

**: قرآن برای «امت‌ها» (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قابل است (رجوع شود به المیزان، ۴/۱۰۲) بدیهی است که «امت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی**

### پرسش

: قرآن برای «امت‌ها» (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قابل است (رجوع شود به المیزان، ۴/۱۰۲) بدیهی است که «امت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی حیات قائل است، که حیات جمعی و اجتماعی است.

جامعه‌ها از آن جهت که در شمار موجودات زنده و شاعر و مکلف و قابل تخاطب هستند و اراده و اختیار دارند، نامه عمل دارند و به سوی نامه عمل خود خوانده می شوند.

یک امت، شعور واحد، معیارهای خاص، طرز تفکر خاص پیدا می کند و فهم و شعور و ادراک هر امتی مخصوص خود آن است؛ هر امتی با معیارهای خاصی قضاوت می کند (لااقل در مسائل مربوط به ادراکات عملی)؛ هر امتی ذوق و ذائقه ادراکی خاص دارد؛ بسا کارها که در دیده امتی زیبا و در دیده امتی دیگر نازیباست؛ جو اجتماعی امت است که ذائقه ادراکی افراد خود را اینچنین می سازد.

### پاسخ

: قرآن برای «امت‌ها» (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قابل است (رجوع شود به المیزان، ۴/۱۰۲) بدیهی است که «امت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی حیات قائل است، که حیات جمعی و اجتماعی است.

جامعه‌ها از آن جهت که در شمار موجودات زنده و شاعر و مکلف و قابل تخاطب هستند و اراده و اختیار دارند، نامه عمل دارند و به سوی نامه عمل خود خوانده می شوند.

یک امت، شعور واحد، معیارهای

خاص، طرز تفکر خاص پیدا می کند و فهم و شعور و ادراک هر امتی مخصوص خود آن است؛ هر امتی با معیارهای خاصی قضاوت می کند (لااقل در مسائل مربوط به ادراکات عملی)؛ هر امتی ذوق و ذائقه ادراکی خاص دارد؛ بسا کارها که در دیده امتی زیبا و در دیده امتی دیگر نازیباست؛ جو اجتماعی امت است که ذائقه ادراکی افراد خود را اینچنین می سازد.

### چه ویژگی انسانی باعث تکامل اجتماعی زندگی اوست؟

#### پرسش

چه ویژگی انسانی باعث تکامل اجتماعی زندگی اوست؟

#### پاسخ

انسان خصایصی دارد که به موجب آن خصایص، زندگی اجتماعی اش متکامل است. یکی از آن خصایص و استعدادها، حفظ و جمع تجارب است؛ آنچه را که وسیله تجربه و اکتساب به دست می آورد، آن را نگهداری می کند و پایه تجارب بعدی قرار می دهد.

یکی دیگر استعداد یادگیری از راه بیان و قلم است. تجارب و مکتوبات دیگران را نیز از راه زبان و در مرحله عالی تر از راه خط به خود منتقل می کند. تجارب یک نسل، از طریق مکالمه و از طریق نوشتن برای نسلهای بعد باقی می ماند و روی هم انباشته می شود.

ویژگی سوم، مجهز بودن انسان به نیروی عقل و ابتکار است. انسان به واسطه این نیروی مرموز، قدرت آفرینندگی و ابداع دارد، مظهر خلاقیت و ابداع الهی است.

چهارمین ویژگی او، میل ذاتی و علاقه فطری به نوآوری است.

### چرا قرآن، انسانهای نخستین را «امت واحده» می نامد؟ پرسش

#### اشاره

چرا قرآن، انسانهای نخستین را «امت واحده» می نامد؟

#### پاسخ

انسان های اولی، بر اساس اندیشه و فطرت ساده خود، از بینش و منش مشترکی برخوردار بودند؛ یعنی هم در جهان بینی و بینش واحدی داشتند و هم در تشخیص حق و باطل و مصالح و مفاسد، روش مشترکی داشتند. از این رو، خداوند آنان را به «امت واحده» ستوده است

«أُمَّت» به جمعیتی می گویند که مقصد خاص و مقصود و امام معینی را دنبال می کنند. و وصف تأ کیدی «واحد» در «أُمَّة واحد» نشان گر آن است که مردم در فطرت اولی خویش، سمت و سوی واحدی را دنبال می کردند و هیچ گونه اختلاف و مشاجره ای در بین آنان نبوده است؛ چون یا اختلاف فکری و علمی نداشتند یا بسیار کم بود و اختلافات عملی نیز اگر در بین آنان راه پیدا می کرد، به وسیله فطرت توحیدی و نصایح انبیای پیشین از حضرت آدم (ع) تا نوح (ع) حلّ می شد؛ چون وحی آسمانی در حدّ موعظه در رفع اختلاف راه گشاست.

نفی اختلاف و مشاجره در انسانهای اولی، یا برای آن است که همه آنان مانند فرشتگان به فعلیت و کمال خویش رسیده بودند. از این رو، اختلاف و مزاحمتی با یک دیگر نداشتند، یا این که مردم اولی در بساطت زندگی می کردند و هنوز به سوی کمال حرکت نکرده بودند تا با یک دیگر بر خوردی داشته باشند؛ نظیر درختی که هنوز به فعلیت نرسیده است و در هسته است و به تنه و شاخه و خوشه تبدیل نشده، هیچ مشاجره و مزاحمتی در بین آنها نیست؛ چون همه این کمالات

را «بالقوه» دارد؛ نه «بالفعل».

امّا هسته، وقتی در درون خاک، جا گرفت و زمین را شکافت و جوانه زد و به سوی کمال حرکت کرد، یا مزاحمت هایی را بر سر راه خود می یابد، یا شاخه ها با یک دیگر برخورد می کنند؛ چون می خواهند به فعلیت برسند و اگر از اختلاف بین انسان ها به مشاجره یاد می کنند، به خاطر همین تنازع شاخه های درخت است.

انسان های اولی همانند هسته جامد، بدون مشاجره بودند؛ چون آنان از نظر جهان بینی، محیط زیست و روابط اجتماعی در بساطت به سر می بردند و در حدّ حیات حیوان زندگی می کردند (حیوان بالفعل و انسان بالقوه بودند)؛ نیازی به وسایل کشاورزی و دامداری و صنعتی نداشتند و جز تحصیل مواد غذایی رنجی را تحمل نمی کردند؛ چون، نه نیاز به ذخیره سازی آن داشتند و نه نیاز به حمل و نقل آن به مکان های دور دست. زندگی بسیط و بی آرایش آنان همراه با اندیشه ابتدایی، زمینه وحدت و اتحاد آنان را فراهم می کرد؛ ولی کم کم بر اثر پیشرفت علم و اندیشه و صنعت و گسترش روابط اجتماعی، اختلافات علمی عمیق و عملی در آنان راه پیدا کرد و زمینه بعثت پیامبران اولوالعزم و نزول کتاب و قانون را فراهم کرد تا بار دیگر به اتحاد مطلوب دست یابند.

## آیا ادعای جدا بودن خون ها و نژادها صحیح است؟

### پرسش

آیا ادعای جدا بودن خون ها و نژادها صحیح است؟

### پاسخ

حقیقت این است که ادعای جدا بودن خون ها و نژادها خرافه ای بیش نیست. نژاد سامی و آریائی و غیره به صورت جدا و مستقل از یکدیگر فقط در گذشته بوده است اما حالا آنقدر اختلاط و امتزاج و نقل و انتقال صورت گرفته است که اثری از نژادهای مستقل باقی نمانده است.

بسیاری از مردم امروز ایران که ایرانی و فارسی زبانند و داعیه ایرانی گری دارند یا عربند یا ترک یا مغول، همچنانکه بسیاری از اعراب که با حماسه زیادی دم از عربیت میزنند از نژاد ایرانی یا ترک یا مغول میباشند. شما اگر همین حالا سفری به مکه و مدینه بروید، اکثر مردم ساکن آنجا را میبینید که در اصل اهل هند یا ایران یا بلخ یا بخارا یا جای دیگری هستند. شاید بسیاری از کسانی که نژادشان از کورش و داریوش است، الآن در کشورهای عربی تعصب شدید عربیت دارند و بالعکس شاید بسیاری از اولاد ابو سفیانها امروز سنگ تعصب ایرانیت به سینه میزنند.

چند سال پیش یکی از اساتید دانشگاه تهران کوشش داشت با دلیل اثبات کند که یزید بن معاویه یک ایرانی اصیل بوده تا چه رسد به فرزندان، اگر در این سرزمین باشند.

پس آنچه به نام ملت فعلاً- وجود دارد این است که ما فعلاً- مردمی هستیم که در یک سرزمین و در زیر یک پرچم و با یک رژیم حکومتی و با قوانین خاصی زندگی میکنیم، اما اینکه نیاکان و اجداد ما هم حتماً ایرانی بوده‌اند یا یونانی یا عرب یا مغول یا چیز دیگر، نمیدانیم.

اگر ما ایرانیان بخواهیم بر

اساس نژاد قضاوت کنیم و کسانی را ایرانی بدانیم که نژاد آریا داشته باشند، بیشتر ملت ایران را باید غیر ایرانی بدانیم و بسیاری از مفاخر خود را از دست بدهیم، یعنی از این راه بزرگترین ضربت را بر ملت ایرانی زده‌ایم. الآن در ایران قوما و قبایلی زندگی میکنند که نه زبانشان فارسی است و نه خود را از نژاد آریا میدانند.

به هر حال در عصر حاضر دم زدن از استقلال خونی و نژادی خرافه‌های بیش نیست.

## آیا ادعای جدا بودن خون‌ها و نژادها صحیح است؟

### پرسش

آیا ادعای جدا بودن خون‌ها و نژادها صحیح است؟

### پاسخ

حقیقت این است که ادعای جدا بودن خون‌ها و نژادها خرافه‌ای بیش نیست. نژاد سامی و آریائی و غیره به صورت جدا و مستقل از یکدیگر فقط در گذشته بوده است اما حالا آنقدر اختلاط و امتزاج و نقل و انتقال صورت گرفته است که اثری از نژادهای مستقل باقی نمانده است.

بسیاری از مردم امروز ایران که ایرانی و فارسی‌زبانند و داعیه ایرانی‌گری دارند یا عربند یا ترک یا مغول، همچنانکه بسیاری از اعراب که با حماسه زیادی دم از عربیت میزنند از نژاد ایرانی یا ترک یا مغول میباشند. شما اگر همین حالا سفری به مکه و مدینه بروید، اکثر مردم ساکن آنجا را میبینید که در اصل اهل هند یا ایران یا بلخ یا بخارا یا جای دیگری هستند. شاید بسیاری از کسانی که نژادشان از کورش و داریوش است، الآن در کشورهای عربی تعصب شدید عربیت دارند و بالعکس شاید بسیاری از اولاد ابو سفیانها امروز سنگ تعصب ایرانیت به سینه میزنند.

چند سال پیش یکی از اساتید دانشگاه تهران کوشش داشت با دلیل اثبات کند که یزید بن معاویه یک ایرانی اصیل بوده تا چه رسد به فرزندان، اگر در این سرزمین باشند.

پس آنچه به نام ملت فعلاً وجود دارد این است که ما فعلاً مردمی هستیم که در یک سرزمین و در زیر یک پرچم و با یک رژیم حکومتی و با قوانین خاصی زندگی میکنیم، اما اینکه نیاکان و اجداد ما هم حتماً ایرانی بوده‌اند یا یونانی یا عرب یا مغول یا چیز دیگر، نمیدانیم.

اگر ما ایرانیان خواهیم بر

اساس نژاد قضاوت کنیم و کسانی را ایرانی بدانیم که نژاد آریا داشته باشند، بیشتر ملت ایران را باید غیر ایرانی بدانیم و بسیاری از مفاخر خود را از دست بدهیم، یعنی از این راه بزرگترین ضربت را بر ملت ایرانی زده‌ایم. الآن در ایران قوما و قبایلی زندگی میکنند که نه زبانشان فارسی است و نه خود را از نژاد آریا میدانند.

به هر حال در عصر حاضر دم زدن از استقلال خونی و نژادی خرافهای بیش نیست.

## دیدگاه قرآن نسبت به برخورد اسلام با اقلیت های مذهبی چیست؟ پرسش

### اشاره

دیدگاه قرآن نسبت به برخورد اسلام با اقلیت های مذهبی چیست؟

### پاسخ

دیدگاه قرآن چگونگی برخورد مسلمانان با غیر مسلمانان را مورد توجه قرار داده است می فرماید

۱ «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُقْسِمِينَ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» ممتحنه ۸/ و ۹

۲ «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» توبه/ ۲۹

۳ «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَّ وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» عنكبوت/ ۴۶

۴ «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَنْ لَا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» آل عمران/ ۶۴

۵ «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» مائده/ ۸۲

۱ [خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی کند، چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد تنها شما را از دوستی کسانی

نهی می کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند، یا به بیرون راندن شما کمک کردند، با آنها دوستی نداشته باشید و هر کس آنها را دوست دارد ظالم و ستمگر است.].

۲] با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا ایمان دارند و نه به روز جزا و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده، حرام می شمردند و نه آیین حق را می پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم «جزیه» را به دست خود پردازند.].

۳] با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند و (به آنها) بگویید ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده ایم و معبود ما و شما یکی است و ما در برابر او تسلیم هستیم.].

۴] بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را، غیر از خدای یگانه، به خدایی نپذیرد، هر گاه (از این دعوت) سر باز زنند بگویید گواه باشید که ما مسلمانیم (و در برابر فرمان خداوند یگانه تسلیم هستیم).].

۵] به یقین، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را یهود و مشرکان خواهی یافت و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می یابی که می گویند «ما نصاری هستیم» این به خاطر آن است که در میان آنها افرادی عالم و تارک دنیا هستند و آنها (در برابر



حق) تکبر نمی ورزند.]

## دیدگاه امام علی(ع) در برخورد با اهل ذمه چیست؟ پرسش

### اشاره

دیدگاه امام علی(ع) در برخورد با اهل ذمه چیست؟

### پاسخ

(هنگامی که به امام امیرمؤمنان علی(ع) خبر دادند که غارتگران سپاه معاویه به شهر مرزی «انبار» ریخته و نماینده آن حضرت، «حسان بن حسان» را کشته و اموال مسلمانان و غیر مسلمانان را غارت کرده اند، مردم را به جهاد دعوت فرمود و خطبه معروف جهاد را خواند و در اثناء این خطبه چنین بیان کرد) «به من خبر داده اند که بعضی از مردان آنها به خانه زن مسلمان و زن غیر مسلمانی که معاهد بوده (و باید جان و مال و ناموسش در پناه اسلام محفوظ بماند) وارد شده و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره های آنها را از تنشان بیرون آورده، در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع از خود، جز گریه و التماس کردن نداشته اند... اگر به خاطر این حادثه دردناک، مسلمانی از روی تأسف دق کند و بمیرد ملامت نخواهد شد، بلکه از نظر من شایسته و سزاوار است».

در اینجا امام(ع)، زنان معاهد غیر مسلمان را همطراز زنان مسلمان، در لزوم دفاع از آنها قرار داده و از غارت اموال آنان، آن چنان ناراحت شده که می فرماید «اگر کسی این خبر را بشنود و از اندوه و غصه بمیرد، جای سرزنش ندارد!».

تعبیری از این گویاتر درباره دفاع از حیثیت اهل ذمه و جان و مال و ناموس آنها پیدا نمی شود.

## رفتار مسلمانان با غیر اهل ذمه چگونه است؟ پرسش

### اشاره

رفتار مسلمانان با غیر اهل ذمه چگونه است؟

### پاسخ

گاه تصور می شود که غیر مسلمانان تنها به دو گروه تقسیم می شوند، «اهل ذمه» و «محرابین» یعنی گروهی با مسلمانان پیمان همزیستی مسالمت آمیز دارند و گروهی در حال جنگ و نبرد هستند، بنابراین هر کس اهل ذمه نیست، محارب است و جان و مالش محترم نیست.

ولی غیر مسلمانان در حقیقت چهار گروهند زیرا غیر از دو گروه بالا، گروه سوّمی به عنوان «معاهد» (کسانی که عهد و پیمان

با مسلمانان دارند، هر چند در خارج محیط اسلامی زندگی کنند و صورت اقلیت نداشته باشند) و «مهادن» که نه جزء اقلیتها است و نه «معاهد» است که پیمانی با مسلمین داشته باشد و نه در حال جنگ است، بلکه جداگانه از مسلمانان در کشور خود زندگی می کند و هیچ گونه مزاحمتی با مسلمین ندارد.

در دنیای امروز این چهار گروه، مصادیق روشنی دارد

۱ اقلیتهایی هستند که در داخل کشورهای اسلامی زندگی می کنند و مشمول قوانین آن کشورند و حکومت اسلامی متعهد است جان و مال و ناموس آنها را حفظ کند و از حقوق آنها دفاع نماید، آنها مالیاتی به حکومتهای اسلامی می پردازند که همان مالیات را می توان به جای مالیات «جزیه» حساب کرد، زیرا «جزیه»، از ماده «جزاء» به معنی چیزی است که حکومت اسلامی به عنوان هزینه و پاداش دفاع از آنها می گیرد و اینها همان اهل ذمه هستند.

۲ کشورهایی هستند که مانند «اسرائیل» و «آمریکا» که در حال حاضر با مسلمین در حال جنگند و از هیچ گونه کارشکنی بر ضد آنها کوتاهی نمی کنند، اینها کافران حربی هستند که ما هیچ گونه تعهدی در

مقابل آنها نداریم.

۳ غیر مسلمانانی هستند که با ما مناسبات دوستی دارند، و سفیر با ما مبادله کرده اند و گاه پیمانهای تجاری و اقتصادی و فرهنگی با آنها داریم، یا از طریق سازمانهای بین المللی در برابر یکدیگر تعهدهایی سپرده ایم، همه اینها مصداق «معاهد» هستند و باید طبق تعهداتی که با آنها به طور مستقیم یا غیر مستقیم (از طریق سازمانهای بین المللی) داریم رفتار کنیم و احترام متقابل را رعایت کنیم. بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی را می توان در این گروه نام برد.

۴ ممکن است کشورهایایی باشند که نه در حال جنگند و نه پیمانی با ما دارند، نه سفیر با آنها مبادله کرده ایم، نه معاهده ای با آنها داریم، ولی نه آنان مزاحم ما هستند و نه ما مزاحم آنها، در برابر چنین کشورهایی نیز ما باید رعایت اصول انسانی و اخلاقی را داشته باشیم.

از آنچه در بالا گفته شد این نکته روشن است که «اهل ذمه» تنها آن گروهی از اهل کتاب هستند که در داخل کشورهای اسلامی زندگی می کنند، و احکام جزیه، یا عدم تظاهر به معاصی و گناهان کبیره و مانند آن از احکام ذمه مربوط به اینهاست و اما اهل کتاب که در کشورهای خودشان زندگی دارند، مصداق اهل ذمه محسوب نمی شوند، هر چند با ما پیمانهایی داشته باشند، آنها مصداق «معاهد» و گاه «محارب» و گاه مصداق «مهادن» هستند.

### صمیمیت و استحکام روابط، از کجا پیدا می شود؟ پرسش

#### اشاره

صمیمیت و استحکام روابط، از کجا پیدا می شود؟

#### پاسخ

منافع مادی، معمولاً منشا ایجاد انواع اختلافات و کینه ها و از بین رفتن صمیمیت است. باید برای رسیدن به این هدف، به یک سلسله اصول غیر مادی پایبند بود. یعنی حسن نیت و صمیمیت در سایه ایمان تامین می شود نه به وسیله حساب های بی روح مادی.

به همین جهت، هیچ حکومتی، غیر از حکومت دین و اخلاق قدرت ندارد تا گزینه استخدام و خودخواهی را در بشر کنترل کند، به اجتماع او نظم و آرامش دهد. اگر دستورات صحیح مذهبی به صورت شایسته، مورد استفاده قرار گیرد، در نتیجه جامعه به سوی کمال مخصوص خود، هدایت می شود.

دین با قوانین خود، شرایطی در محیط زندگی افراد بشر ایجاد می کند که باعث رشد و پرورش کافی آنها می شود. به وسیله قوانین محکم و مقررات خود، در بین دلهای افراد، الفت و صمیمیت ایجاد می کند و عللی را که موجب فاصله و دوری افراد از یکدیگر است، از بین می برد. دین به خاطر ایجاد وحدت عقیده، انسان ها را از پراکنندگی فکری نجات داده، هدف های

مادی را تعدیل می کند و سرانجام، افراد یک جامعه را مانند اعضا یک بدن، تحت فرمان یک روح، یک اراده و یک فکر قرار می دهد.

اجتماعی که افراد آن به اصول ایمان و اخلاق پایبند نیستند، صحنه مبارزه قدرت های مادی است و هر کس برای استفاده بیشتر خود، تلاش بیشتری می کند. در نتیجه، اجتماع به صورت یک صحنه (تنازع بقاء) و (نبرد زندگی) در می آید. لازم به توضیح

نیست که در چنین اجتماعی تامین آزادی برای رشد و نمو افراد و تهیه وسایل ممکن برای کمک به تکامل فکری، اخلاقی و عملی ممکن نیست، زیرا این امور با اصل تنازع، هیچ گونه سازشی ندارد.

اما در اجتماعی که اصل ایمان و اخلاق، حکومت می کند، یک محیط گرم همکاری و هماهنگی کامل برای رفع مشکلات زندگی به وجود می آید که به جای (تنازع بقاء)، (تعاون بقاء) بر آن حکومت می کند. در چنین اجتماعی افراد می توانند از حداکثر آزادی به منظور رشد فکری، اخلاقی و عملی استفاده کنند و به کمک یکدیگر، وسایل رسیدن به این هدف مقدس را برای عموم فراهم سازند.

## در اسلام چند نوع برادری وجود دارد؟

### پرسش

در اسلام چند نوع برادری وجود دارد؟

### پاسخ

در اسلام دو نوع برادری دیده میشود؛ یکی برادری عمومی که تمام افراد مسلمان در آن مشترکند، و دیگری برادری خصوصی که از طریق عقد مواخاه (بستن پیمان برادری) حاصل میشود و هر کدام از این دو نوع اخوت، تعهدات و وظائفی را دربردارد.

نمونه «اخوت خصوصی» همان است که پیغمبر گرامی اسلام (ص) ۵ یا ۸ ماه بعد از آمدن به مدینه، میان یک دسته ۴۵ یا ۵۰ نفری از مهاجران، با دسته دیگری بهمین تعداد از انصار برقرار ساخت، و میان بعضی از مهاجران نیز این معنی را ایجاد نمود.

از جمله طبق روایتی که میان دانشمندان اسلام مسلم است عقد، اخوت میان «خودش» و «علی» (ع) بست.

این پیمان برادری خصوصی اسلامی، به قدری عمیق و ریشه دار بود که حتی طبق پاره ای از روایات اسلامی اینگونه برادران از یکدیگر ارث نیز می بردند، تا بعد از غزوه بدر که آیه شریفه «اولوا الارحام...» نازل گردید و وارث منحصراً خویشاوندان (در طبقات نخستین ارث) شدند.

و به این ترتیب قرآن بزرگترین سد تشکل اجتماعی که همان امتیازات مختلف از جمله امتیازات (نژادی)، (قبیله ای)، و (طبقاتی) بود برداشت، و راه را برای حکومت واحد جهانی در پرتو قانون واحدی هموار ساخت.

## چرا بشر به زندگی اجتماعی تن در می دهد؟ پرسش

### اشاره

چرا بشر به زندگی اجتماعی تن در می دهد؟

جامعه‌شناسان پس از مطالعات فراوان، به این حقیقت اعتراف کرده‌اند که «بشر طبعاً اجتماعی است و بدون اجتماع نمی‌تواند زندگی کند. بنابراین طبق غریزه فطری و احساسات درونی خود، به زندگی اجتماعی تن در می‌دهد؛ زیرا می‌بیند که به تنهایی قادر به حل مشکلات زندگی و رسیدن به کمال نیست و یا حداقل، همکاری با افراد، آسان‌ترین راه، برای رسیدن به این هدف است و چون بهره‌ر هر کس از سرمایه‌های روحی و جسمی، محدود است و از عهده هر کاری بر نمی‌آید؛ به ناچار باید از سرمایه‌های فکری و بدنی که در اختیار دیگران است کمک بگیرد و از طرفی، دیگران هم معمولاً حاضر نیستند تا به طور رایگان، سرمایه‌های خود را در اختیارش بگذارند. نتیجه این می‌شود که این موضوع از راه مبادله سرمایه‌های فکری و بدنی و نتایج آنها به انجام برسد.» و این که جمعی از علمای سوسیولوژی معتقدند «که منشا پیدایش مدنیت در ابتدا، ترس انسان از حیوانات درنده بود، تنها یک گوشه از این احتیاجاتی را که با کمک‌های متقابل افراد، انجام پذیر است و نه تمام جوانب آن را نشان می‌دهد.»

### **علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟**

#### **پرسش**

علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟

#### **پاسخ**

گسترش زندگی دسته‌جمعی بشر، و برچیده شدن زندگی فردی او در بیابانها و بیغوله‌ها و جنگلها و شکاف کوهها، همگی از یک حقیقت روشن حکایت می‌کنند، و آن اینکه بشر خواهان زندگی دسته‌جمعی است که در پرتو معاونت و همکاری یکدیگر، بتواند بر بسیاری از مشکلات چیره گردد، و موانعی را که بر سر راه زندگی سعادت‌مندان اوست، از میان بردارد. درباره علت زندگی اجتماعی بشر نظریات گوناگونی مطرح شده است که ذیلاً به آن اشاره می‌کنیم:

بر پایه یک نظریه، ممکن است ما گرایش انسان به زندگی اجتماعی را جزو سرشت و از فطریات او بشماریم و معتقد گردیم که یکی از غرایز و تمایلات درونی وی این است که در کنار هم‌نوع خود زندگی کند و از زندگی فردی دوری گزیند چنانکه گروهی از دانشمندان بر این عقیده‌اند، و از قدیم گفته‌اند، «الإنسان مدنی بالطبع».

نظریه دیگر مقتضی است که یا گرایش مزبور را اثر مستقیم غریزه «استخدام طلبی» بشر بدانیم و بگوییم: «استخدام» و استفاده از هر موجودی به نفع خویش، از غرایز اصلی بشر است، یعنی همانطور که انسان از میوه و شاخه و برگ و ریشه و چوب و هیزم درختها در زندگی استفاده می‌کند و آنها را در راه مقاصد خود به کار می‌برد و یا از گوشت و پوست و پشم و خون و شیر و شاخ انواع حیوانات بهره می‌برد و همه را در راه مقاصد حیاتی خود «استخدام» می‌نماید، همچنین در راه پیشبرد مقاصد زندگی خود، از وجود هم‌نوعان استفاده نموده، و به حکم غریزه «استخدام» به

زندگی دسته جمعی که از آثار بارز آن استفاده متقابل از دسترنج دیگران است، تن می دهد و این گزینه را درباره هموعان خود به کار می برد. چیزی که هست، موجودات دیگر در برابر قدرت و نیروی فکری وی بدون قید و شرط تسلیم می گردند، ولی از آنجا که انسان دارای درک و شعور و تفکر است، نمی توان کار و کوشش او را رایگان تملک نمود؛ زیرا او نیز انسانی است همانند دیگران، حس و شعور دارد، «خود خواه» و «خود دوست» است، و خواهان همان چیزی است که دیگری از او می خواهد، از این نظر انسانی که خواهان استفاده از دسترنج دیگران است ناچار است مقداری از نتایج کار و کوشش خود را در اختیار دیگران بگذارد تا متقابلاً از نتایج آنها برخوردار گردد.

اینجاست که «روح استخدام طلبی» انسان به صورت بهره برداری متقابل و بر اساس «تعاون» و «همکاری» تجلی می نماید و همه افراد، نتایج کار و کوشش خود را روی هم ریخته و هر فردی به اندازه وزن اجتماعی و موقعیت خود، رفع نیاز می کند.

برخی درباره علت زندگی اجتماعی بشر نظر سومی را ابراز داشته اند، که تا حدودی از دو نظر گذشته روشنتر و مفهومتر می باشد و آن این است که: سرچشمه میل انسان به زندگی اجتماعی همان گزینه «حب ذات و خود دوستی او» به ضمیمه یک استدلال و راهنمایی عقلی است. توضیح اینکه: هر فردی به حکم گزینه «خود دوستی»، خواهان تکامل و گسترش شعاع قدرت و زندگی خود می باشد، و روی این گزینه می خواهد از مواهب طبیعی و نیروهای نهفته جهان ماده هر چه بیشتر استفاده کند، ولی از

آنجا که مشکلات زندگی بی شمار است و شعاع قدرت هر فردی کاملاً محدود می باشد، ناچار باید به ضمیمه قدرتهای دیگر، نیروهای سرکش طبیعت را مهار کند، و به جنگ مشکلات حیات رفته و بر آنها پیروز گردد.

این همان راهی است که عقل پیش پای انسانهای خواهان تکامل و ترقی می گذارد، و راه نیل به سعادت را در پرتو زندگی دسته جمعی، آن هم بر اساس تعاون و همکاری، می داند. بنابر این اگر انسان خواهان مدنیت و زندگی اجتماعی است و یا اگر به دنبال استخدام موجودات طبیعی و هموعان خود می رود، نه از این نظر است که مدنیت جزو سرشت اوست و یا «استخدام موجودات» از غرایز انسان می باشد، بلکه از آنجا که گزینه «خود دوستی» او را به تکامل و گسترش شعاع قدرت و زندگی پرلذت دعوت می نماید و راه رسیدن به درخواست این گزینه، در نظر عقل، جز زندگی اجتماعی و تعاون و همکاری نیست، از این جهت با راهنمایی عقل، به سوی زندگی دسته جمعی کشیده می شود و پایه گذار مدنیت می گردد.

### محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟

#### پرسش

محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟

#### پاسخ

خداوند عواطف اجتماعی را بر محور ایمان و تقوا و بر اساس دین الهی، کنترل و محدود کرده و اجازه تجاوز از این حدود را نمی دهد. مخالفت قرآن با عواطف و دوستی هایی که از چارچوب ملاک نامبرده تجاوز کرده باشد، شدید است و با تعابیر تند، در آیه های بسیاری، مسلمانان را از آن منع می کند. در این جا نمونه ای از این آیه ها را می آوریم:

(لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين و من يفعل ذلك فليس من الله في شئ الا ان تتقوا منهم تقاه يحذرکم الله نفسه و الی الله المصیر) .

((مؤمنین نباید کافران را دوست خود گیرند و هر کس چنین کند، از سوی خدا چیزی به حساب نمی آید (و رابطه اش با خدا قطع می شود) مگر آن که بخواهد برای حفظ خود از شر آنها تقیه کند. خداوند شما را از عقاب خود می ترساند و بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود.))

شاید بتون گفت که این آیه از صریح ترین و گویا ترین آیه ها در این زمینه است که با لحنی تند، مؤمنان را از برقراری روابط دوستانه با کفار بر حذر می دارد.

**چرا در جامعه انسانی، انسان ها برخلاف حیوانات، که بر اساس قانون تنازع بقا زندگی می کنند، حق ندارند انسان ضعیف تر از خود را از بین ببرند؟ و باید از قانون تعاون بقا پیروی کنند؟**

#### پرسش



چرا در جامعه انسانی، انسان ها برخلاف حیوانات، که بر اساس قانون تنازع بقا زندگی می کنند، حق ندارند انسان ضعیف تر از خود را از بین ببرند؟ و باید از قانون تعاون بقا پیروی کنند؟

### پاسخ

نخست، باید به این نکته توجه داشت که در بسیاری از حیوانات هم، زندگی اجتماعی و اصل تعاون بقا وجود دارد. و اساساً زندگی به صورت جمعی نمی تواند جز بر اساس اصل تعاون صورت بگیرد. چیزی که هست در حیوانات این امر به صورت غریزی است ولی در انسان ها این امر با قوانین موضوعه صورت می گیرد. که کامل ترین و انسانی ترین شکل آن در جامعه ای که بر اساس وحی و قوانین الهی اداره می شود صورت می پذیرد.

بنابراین، انسان موجودی اجتماعی است. و نکته اجتماعی بودن انسان و حکمت آن این است که نیازهای متنوع و گسترده بشر جز در اجتماع و با اجتماع تأمین نمی شود و از آنجا که انسان موجودی مدنی و اجتماعی است باید زندگی اجتماعی او بر اساس تعاون و همکاری، نه تنازع و درگیری باشد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۵۱

### آیا تنشی که در جامعه ابتدایی انسانی پدید آمد، مولود ابزار تولید بود؟

### پرسش

آیا تنشی که در جامعه ابتدایی انسانی پدید آمد، مولود ابزار تولید بود؟

### پاسخ

آنچه از منابع دینی به دست می آید این است که تنش در جامعه ابتدایی انسان به دلیل ترکیب انسان از ابعاد گوناگون و داشتن اختیار پدید آمده است. نخستین اختلاف انسانها، اختلاف هابیل و قابیل، فرزندان آدم ((علیه السلام))، بود که در اثر امری معنوی و نه در اثر ابزار تولید به وجود آمد. در قرآن کریم در این باره آمده است: «اِذَا قَرَّبَا قَرْبَانًا فَتَقَابُلَا مِنْ اِحْدِهِمَا وَ لَمْ يَتَقَابِلَا مِنْ الْاٰخِرِ قَالَا لَقْتُلْنَاكَ» آن گاه که آن دو قربانی کردند و قربانی یکی از آن دو (یعنی هابیل) قبول شد و قربانی دیگری (یعنی قابیل) پذیرفته نشد، پس او (قابیل) گفت: «هر آینه تو را خواهم کشت.»

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴

من در یک محیط اجتماعی با یکی از افراد اهل تسنن مجبورم رابطه داشته باشم ولی متأسفانه رفتار و اعمال این فرد در برابر مسلمانان

## شیعه بسیار زشت و زننده است. برای حفظ این رابطه وظیفه من در مقابل فرد چیست؟

### پرسش

من در یک محیط اجتماعی با یکی از افراد اهل تسنن مجبورم رابطه داشته باشم ولی متأسفانه رفتار و اعمال این فرد در برابر مسلمانان شیعه بسیار زشت و زننده است. برای حفظ این رابطه وظیفه من در مقابل فرد چیست؟

### پاسخ

ابتدا لازم می‌دانم از حسن توجه و علاقه شما به ارتباط سالم و سازنده با فرد مذکور تشکر و سپاسگزاری نمایم. در خصوص چگونگی ارتباط با افراد جامعه اعم از همکیشان و غیر همکیشان به نظر می‌رسد رفتار بزرگان دین از پیامبر بزرگوار اسلام (، امیر المؤمنین ( و دیگر امامان و رهبران معصوم ( و علماء و رهبران دین بهترین الگو و اسوه رفتاری باشد. در حالات پیامبر اکرم ( نقل شده است که فردی یهودی هر روز بر سر راه پیامبر (خاشاک می‌ریخت و ایشان را اذیت و آزار می‌کرد. یک روز وقتی حضرت از کوچه عبور کردند و با برخورد هر روز آن فرد مواجه نشدند پرسیدند این مرد چه شده است؟ گفتند در بستر مرض افتاده است. فرمود به عیادتش برویم و به عیادت او رفتند. حضرت هرگز ابراز خوشحالی نکردند که دشمن آزار دهنده ایشان در بستر مریضی افتاده و یک مزاحم از سر راهشان برداشته شده است بلکه در صدد تألیف قلب او بر آمدند و با عیادت از او زمینه مسلمان شدنش را فراهم ساختند. این رفتار در سیره امامان و بزرگان دین اسلام فراوان مشاهده می‌شود.

شما می‌توانی با مطالعه سیره زندگی بزرگان دین از این نوع رفتارها بیشتر آگاهی پیدا کنی و مشابه آن رفتار نمایی حتی اگر رفتاری برگرفته شده از رهبران و شخصیت‌های

مورد احترام او را برایش تجسم بیخشی بسیار مجذوب خواهد شد. متأسفانه برخورد سنی ها و شیعیان در برخی موارد دوستانه و برادرانه نیست، بلکه خصمانه است. گاهی تعامل با اقلیت ها راحت تر صورت می گیرد تا برادران ایمانی و مسلمان. باید یاد بگیریم چگونه ضمن حفظ اعتقادات و باورها به اعتقادات و باورهای دیگران احترام بگذاریم و آنها را محترم بشماریم. شما اگر بتوانی با رفتار پیامبر گونه و علوی، قلب او را تسخیر کنی نه تنها رفتار او نسبت به شیعیان تغییر خواهد یافت بلکه ممکن است گرایش به تشیع نیز پیدا کند. باید در عمل نیکی و صداقت و برجستگی شیعه را مشاهده و لمس کند. در این صورت نه تنها از مخالفت و برخورد تند و خشن اجتناب خواهد کرد بلکه مرید نیز خواهد شد و به ابراز محبت روی خواهد آورد.

توصیه می کنیم با ایشان رفتاری توأم با ملاحظت و مهربانی و احترام به عقاید و باورهای وی داشته باشید و به سایر همکاران نیز سفارش اکید بکنید از رفتارهای تند و زننده و توهین آمیز به ایشان یا رهبران و بزرگان مورد قبول و احترام شان بشدت اجتناب و احتراز ورزند. طبیعی است وقتی به شخصیت مورد احترام آنان توهین و اهانت شود اگر آنان به شخصیت های مورد احترام ما توهینی نکنند قطعاً به خود ما توهین می کنند. وقتی برخی برادران شیعه به خلیفه دوم که شخصیت مورد احترام برادران اهل سنت است، وقیحانه توهین و لعن می کنند باید انتظار داشته باشیم آنها نیز چنین کنند که معمولاً به امامان شیعه توهین نمی کنند ولی طبعاً به دیگران توهین خواهند کرد. احترام به شخصیت های مورد

احترام آنان بمنزله قبول آنان است. احترام به انسانیت و اعتقادات و باورهای آنهاست.

در مقام بحث و استدلال بصورت منطقی و استدلالی می توان وارد شد ولی توهین به هیچ وجه به صلاح جامعه اسلامی نیست ما باید همه نیرو و توانمان را اعم از شیعه و سنی برای مقابله با دشمن مشترک خودمان بکار گیریم و از تفرقه و هدر دادن نیرو و انرژی خودمان بشدت اجتناب ورزیم.

موفق و پیروز باشی

منابع و مأخذ :

داستان راستان شهید مطهری

**آیا اینکه کسی از دیگران مطلقاً چیزی نخواهد حتی در جایی که نیاز شدید دارد و دیگران به راحتی قادر به حل آن مشکل هستند حُسن است یا نه؟ محدوده کمک خواستن یا درخواست کمک از دیگران را معین کنید.**

**پرسش**

آیا اینکه کسی از دیگران مطلقاً چیزی نخواهد حتی در جایی که نیاز شدید دارد و دیگران به راحتی قادر به حل آن مشکل هستند حُسن است یا نه؟ محدوده کمک خواستن یا درخواست کمک از دیگران را معین کنید.

**پاسخ**

زندگی اجتماعی، دارای قوانین و روابط خاص خود است که باید رعایت شود. در هر حال در زندگی اجتماعی ما نیازمندیم که حوائج و نیازهای خود را از راه ارتباط با دیگران حل کنیم. بی نیاز مطلق وجود ندارد و همه انسانها در رابطه نیازمندی و تأثیر و تأثری متقابل با یکدیگر هستیم. پس این که کسی مطلقاً از دیگری چیزی نخواهد نه تنها مذموم است بلکه شدنی هم نیست و اساس زندگی اجتماعی را منهدم می کند. اما باید توجه داشت که درخواست کمک از دیگران محدوده خاصی دارد:

اولاً، رفع نیاز از دیگران با حفظ استقلال و خود اتکایی آدمی باید باشد. گدایی، درپوزگی و تکدی مذموم و ممنوع است. درخواست کمک نباید به عزت نفس انسان ضربه بزند. پس محدوده کمک خواستن یا درخواست کمک از دیگران عزت نفس آدمی است. ثانیاً، باید توجه داشت که همه انسان ها همانند او نیازمندند و تنها خداوند بی نیاز مطلق است. پس تنها در واقع باید از خداوند متعال درخواست رفع نیاز کرد و در مقابل از افراد و مردم به عنوان وسیله رفع نیاز و کسانی که خداوند متعال رفع خواسته ها و نیازها را به دست آنها قرار داده درخواست رفع مشکل را کرد.

**آیا با گفت و گو می توان همه اختلافات را حل کرد؟**

**پرسش**

آیا با گفت و گو می توان همه اختلافات را حل کرد؟

## پاسخ

باید گفت: بعضی از موارد اختلاف، از طریق گفت‌وگو قابل حل نیست، از باب این که یکی حق مسلم و مسجل دیگری را گرفته و به حق او تجاوز کرده و سپس به طرف می گوید: بیا بنشینیم، اختلافمان را از راه گفت و گو حل کنیم. به عنوان مثال شخصی با زور و به صورت عُدوانی زمین، یا خانه دیگری را تصاحب کند و مالک بیچاره بخواهد مال خود را بگیرد، اما طرف بگوید: داد زن، فریاد نکن، بیا بنشینیم و از طریق گفت و گو مشکلمان را حل نماییم! مشخص است در این گونه موارد، حل اختلاف از راه گفت‌وگو معقول نخواهد بود.

و یا از باب این که طرف، شخصی متکبر و لجباز و قلدر و مکار و غیر منطقی است و به هیچ وجه حاضر به پذیرش حق نیست، مثل صدام و معاویه و خوارج و خشک مقدّسان بی منطق و امثال طلحه و زبیر و آدم های ریاست طلب، در این گونه موارد تنها راه حل اختلاف، جنگیدن و اعمال زور و قدرت است.

البته در بعضی موارد می توان از طریق گفت و گو اختلافات را حل کرد، که بسیار مناسب می باشد.

معمولاً وقتی بین دو نفر یا دو قبیله و یا دو کشور اختلاف پیش می آید، عده ای مغرض و دشمن اما در لباس دوست و یا در واقع دوست، اما نادان، همیشه حرف های طرف مقابل را برای دیگری می آورد و حتی

گاه اضافه و کم می کند و کینه طرفین را نسبت به هم شدیدتر می کند.

بدیهی است در این گونه موارد یکی از بهترین راه کارها این است که طرفین ، به دور از لجبازی و دشمنی کنارهم بنشینند و صادقانه موضوع اختلاف را مطرح کرده و طبق آداب و رسوم خود یا قانون متداول و یا طبق موازین اسلامی حل نمایند، و چون مستقیماً با هم صحبت می کنند و واسطه ای وجود ندارد و اگر هم باشد، از خودشان است ، زودتر به نتیجه خواهند رسید.

در قرآن توصیه های زیادی به گفت و گو، از جمله :

(.) (پاورقی ۱. حجرات (۴۹ آیه ۹

چنان که ملاحظه می فرمایید ابتدا وظیفه حل اختلاف از طریق گفت و گو مشخص شده است و سپس از طریق جنگ و زور و اعمال قدرت ..

**پرسش: زوج جوانی به خاطر دخالت بستگان با داشتن یک فرزند پنج ساله از هم جدا شدند.**

**اشاره**

مرد علی رغم خانواده به ویژه والدین خود میل دارد با همسر مطلقه خود مجدداً تشکیل زندگی دهد، در صورتی که می داند ازدواج مجددش منجر به قطع رابطه با والدین می شود. به نظر شما چنی

**پرسش**

پرسش: زوج جوانی به خاطر دخالت بستگان با داشتن یک فرزند پنج ساله از هم جدا شدند.

مرد علی رغم خانواده به ویژه والدین خود میل دارد با همسر مطلقه خود مجدداً تشکیل زندگی دهد، در صورتی که می داند ازدواج مجددش منجر به قطع رابطه با والدین می شود. به نظر شما چنین امری صلاح است و قطع رحم گناه ندارد؟

**پاسخ**

در اسلام ، صلهء رحم تمجید شده و از قطع رحم نکوهش شده است ، تا آن که حضرت امام سجاده<sup>۷</sup>رمود: خداوند متعال در سه جای قرآن قاطع رحم را لعن کرده است .

۱ بقره (۲ آیه ۲۵ .

خاسر در قطع رحم ، مصداق قطعی ملعون است .

۲ رعد (۱۳ آیه ۲۶).

۳ محمد (۴۷ آیه ۲۴).

اخبار زیادی هم در این مورد وارد شده است ، از جمله این که : شخصب به پیغمبر اکرم ۶ عرض کرد: یا رسول الله ! مبعوض ترین عمل ، نزد خدا چیست ؟ فرمود: شرک به خدا. عرض کرد: بعد از آن : سپس فرمود: قطع رحم .عرض کرد: بعد از آن ؟ فرمود: امر به منکر و نهی از معروف .(۱)

و مردی خدمت امام صادق ۷ آمد و از بستگان خویش شکایت کرد. حضرت فرمود: خشم خود را فرو ببر و به آن ها نیکی کن . عرض کرد: به من چنین و چنان کردند و می کنند. حضرت فرمود: آیا می خواهی شما هم مثل آنان قطع رحم کنی ؟ اگر چنین کنی ، خدای تبارک و تعالی در دنیا و آخرت نظر لطفش را از همهء شما بر می دارد.<

خلاصه این که اگر چه اسلام از

قطع رحم بسیار مذمت کرده است، اما اگر قطع از ناحیه آن زوج نباشد، در پیشگاه خدا مسئول نخواهند بود.

به نظر ما، تشکیل زندگی مجدد با همسر مطلقه و زیر بال و مهر و عطف قرار دادن آن طفل معصوم و تربیت کردن او خیلی مهم است، چون در صورت عدم تشکیل زندگی، آن طفل بی گناه باید همیشه از محبت مادر یا پدر محروم بماند، در حالی که قهر و غضب والدین موقتی است و پس از اندی آشتی خواهند کرد.

(پاورقی ۱. شهید دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱ ص ۱۵۹ به نقل از اصول کافی).

## علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟

### پرسش

علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟

### پاسخ

گسترش زندگی دسته جمعی بشر، و برچیده شدن زندگی فردی او در بیابانها و بیغوله ها و جنگلها و شکاف کوهها، همگی از یک حقیقت روشن حکایت می کنند، و آن اینکه بشر خواهان زندگی دسته جمعی است که در پرتو معاونت و همکاری یکدیگر، بتواند بر بسیاری از مشکلات چیره گردد، و موانعی را که بر سر راه زندگی سعادت‌مندان اوست، از میان بردارد. درباره علت زندگی اجتماعی بشر نظریات گوناگونی مطرح شده است که ذیلاً به آن اشاره می کنیم:

بر پایه یک نظریه، ممکن است ما گرایش انسان به زندگی اجتماعی را جزو سرشت و از فطریات او بشماریم و معتقد گردیم که یکی از غرایز و تمایلات درونی وی این است که در کنار هم‌نوع خود زندگی کند و از زندگی فردی دوری گزیند چنانکه گروهی از دانشمندان بر این عقیده اند، و از قدیم گفته اند، «الإنسان مدنی بالطبع».

نظریه دیگر مقتضی است که یا گرایش مزبور را اثر مستقیم غریزه «استخدام طلبی» بشر بدانیم و بگوییم: «استخدام» و استفاده از هر موجودی به نفع خویش، از غرایز اصلی بشر است، یعنی همانطور که انسان از میوه و شاخه و برگ و ریشه و چوب و هیزم درختها در زندگی استفاده می کند و آنها را در راه مقاصد خود به کار می برد و یا از گوشت و پوست و پشم و خون و شیر و شاخ انواع حیوانات بهره می برد و همه را در راه مقاصد حیاتی خود «استخدام» می نماید، همچنین در راه پیشبرد مقاصد زندگی خود، از وجود هم‌نوعان استفاده نموده، و به حکم غریزه «استخدام» به



زندگی دسته جمعی که از آثار بارز آن استفاده متقابل از دسترنج دیگران است، تن می دهد و این غریزه را درباره هموعان خود به کار می برد. چیزی که هست، موجودات دیگر در برابر قدرت و نیروی فکری وی بدون قید و شرط تسلیم می گردند، ولی از آنجا که انسان دارای درک و شعور و تفکر است، نمی توان کار و کوشش او را رایگان تملک نمود؛ زیرا او نیز انسانی است همانند دیگران، حس و شعور دارد، «خود خواه» و «خود دوست» است، و خواهان همان چیزی است که دیگری از او می خواهد، از این نظر انسانی که خواهان استفاده از دسترنج دیگران است ناچار است مقداری از نتایج کار و کوشش خود را در اختیار دیگران بگذارد تا متقابلاً از نتایج آنها برخوردار گردد.

اینجاست که «روح استخدام طلبی» انسان به صورت بهره برداری متقابل و بر اساس «تعاون» و «همکاری» تجلی می نماید و همه افراد، نتایج کار و کوشش خود را روی هم ریخته و هر فردی به اندازه وزن اجتماعی و موقعیت خود، رفع نیاز می کند.

برخی درباره علت زندگی اجتماعی بشر نظر سومی را ابراز داشته اند، که تا حدودی از دو نظر گذشته روشنتر و مفهومتر می باشد و آن این است که: سرچشمه میل انسان به زندگی اجتماعی همان غریزه «حب ذات و خود دوستی او» به ضمیمه یک استدلال و راهنمایی عقلی است. توضیح اینکه: هر فردی به حکم غریزه «خود دوستی»، خواهان تکامل و گسترش شعاع قدرت و زندگی خود می باشد، و روی این غریزه می خواهد از مواهب طبیعی و نیروهای نهفته جهان ماده هر چه بیشتر استفاده کند، ولی از

آنجا که مشکلات زندگی بی شمار است و شعاع قدرت هر فردی کاملاً محدود می باشد، ناچار باید به ضمیمه قدرتهای دیگر، نیروهای سرکش طبیعت را مهار کند، و به جنگ مشکلات حیات رفته و بر آنها پیروز گردد.

این همان راهی است که عقل پیش پای انسانهای خواهان تکامل و ترقی می گذارد، و راه نیل به سعادت را در پرتو زندگی دسته جمعی، آن هم بر اساس تعاون و همکاری، می داند. بنابر این اگر انسان خواهان مدنیت و زندگی اجتماعی است و یا اگر به دنبال استخدام موجودات طبیعی و همنوعان خود می رود، نه از این نظر است که مدنیت جزو سرشت اوست و یا «استخدام موجودات» از غرایز انسان می باشد، بلکه از آنجا که گزینه «خود دوستی» او را به تکامل و گسترش شعاع قدرت و زندگی پرلذت دعوت می نماید و راه رسیدن به درخواست این گزینه، در نظر عقل، جز زندگی اجتماعی و تعاون و همکاری نیست، از این جهت با راهنمایی عقل، به سوی زندگی دسته جمعی کشیده می شود و پایه گذار مدنیت می گردد.

### سفارش اسلام در مورد عهد و پیمان و تعهدات دو طرفه چه می باشد؟

#### پرسش

سفارش اسلام در مورد عهد و پیمان و تعهدات دو طرفه چه می باشد؟

#### پاسخ

در مورد تعهدات اجتماعی، یک دسته از آیات، با تعبیر گوناگون به ما توصیه کرده یا فرمان می دهند که به تعهدات خود، در برابر دیگران، پای بند باشیم یا افراد پای بند به عهد را ستایش می کنند و از این طریق، انسان را متوجه لزوم و رجحان پای بندی به عهد می کنند.

قرآن در یک جا، کارهای نیک را بر می شمارد و افراد نیکوکار را به خاطر کارهای نیکشان ستایش کرده، می فرماید:

(والموفون بعهدهم اذا عاهدوا)(۱)

در این آیه، به وفای به عهد، به عنوان یکی از کارهای نیک اشاره می کند که پای بندی به آن، ستایش بر انگیز است و باید مورد توجه باشد.

در آیه دیگری خداوند با صراحت فرمان وفای به عهد می دهد و انسان را در برابر تعهدات خود مسئول دانسته، می فرماید:

(و اوفوا بالعهد ان العهد كان مسؤولاً)(۲)

((در برابر عهد (خود با دیگران) پای بند باش که مورد سؤال و بازخواست قرار می گیرد.))

در دو آیه نیز در مقام معرفی مؤمن و بیان صفات لازم و برجسته او می فرماید:

(والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون) (۳)

(مؤمنان) آن کسانی هستند که امانتها و عهد خود را رعایت کنند (و به آن ها پای بند باشند).

در مورد این گونه آیات، باید توجه داشت که امانت هم در واقع، مصداقی از مصادیق عهد است و شخص امانت دار با قبول امانت از شخص دیگر، در برابر او متعهد شده و با او قرار داد بسته است که تا هنگام مطالبه امانت، آن

را نگهداری و از آن مراقبت کند. بنا بر این، قبول امانت به منزله عهد طرفینی است و ادای امانت، به منزله وفای به عهد و خیانت در امانت، به منزله نقض عهد خواهد بود.

دسته دیگری از آیات، افراد عهد شکن و بی توجه به پیمان های اجتماعی را نکوهش می کند. در یکی از این آیات، در مذمت بنی اسرائیل می فرماید:

(او کلما عاهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لا یؤمنون) (۴)

((چرا هنگامی که عهدی می بندند گروهی از عهد کنندگان پیمان شکنی می کنند.))

در این آیه، در مورد پیمان شکنی، از واژه نبذ استفاده شده که به معنای دور انداختن و پرت کردن است و با استفهام توییخی، آنان را به خاطر عهد شکنی نکوهش کرده است.

در آیه دیگری می فرماید:

(الذین عاهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره و هم لا یتقون) (۵)

((بدترین جانوران نزد خدا آنانند که کفر ورزیده، ایمان نمی آورند آن کسانی که تو با آن ها پیمان می بندی، ولی آنان همیشه پیمانشان را نقض می کنند.))

همان طور که ملاحظه می شود، در این آیه، با گزنده ترین تعابیر، عهد شکنان اجتماعی نکوهش شده و از این رهگذر، ارزش بسیار منفی عهد شکنی آشکار می شود.

پاورقی ۱: بقره ۱۷۷

پاورقی ۲: اسراء ۳۴

پاورقی ۳: مؤمنون ۸

پاورقی ۴: بقره ۱۰۰

پاورقی ۵: انفال ۵۶

**آیا زندگی در اجتماع از نظر اسلام امری ارزشمند محسوب می گردد؟**

**پرسش**

آیا زندگی در اجتماع از نظر اسلام امری ارزشمند محسوب می گردد؟

زندگی اجتماعی را با همه اهمیتی که دارد و با وجود احکام فراوانی که اسلام درباره آن صادر نموده است، نمی توان آن را یک ارزش مطلق تلقی کرد، بلکه مطلوبیت آن، تابع شرایطی است که زندگی فرد را با زندگی دیگران پیوند می دهد و در ورای همه این شرایط، بستگی به نیت فرد در مشارکت در زندگی اجتماعی دارد.

عوامل روانی، که زندگی فرد را به جامعه پیوند می دهند، عبارتند از: عامل غریزی، عامل عاطفی و عامل عقلانی. این عوامل، شخص را وامی دارند تا به جامعه گرایش یابد و زندگی خویش را با زندگی دیگران پیوند دهد؛ اما ارزش اخلاقی زندگی اجتماعی، بستگی به انتخاب عقلانی دارد. وقتی که انسان، بر سر دوراهی قرار می گیرد و انگیزه های مختلفی وی را به این سو و آن سو می کشانند، این عقل است که تعیین می کند کدام انگیزه، ارزش بیش تری دارد و باید به دنبال آن رفت. پس در سایه راهنمایی عقل است که ارزش اخلاقی تعیین می شود.

در مسائل فردی هم، صرف وجود انگیزه طبیعی، دلیل بر ارزش اخلاقی نیست، بلکه با دخالت عقل است که می توان ارزش اخلاقی هر یک از کارها را مشخص کرد؛ مثلاً شهوت جنسی، یک انگیزه طبیعی است و تعیین ارزش اخلاقی آن، بستگی به حکم عقل دارد. عقل هم به تناسب شرایط مختلف، ممکن است به ارزش مثبت یا منفی بودن این میل، حکم کند. در واقع، میل های طبیعی، ابزاری برای تحقق اهداف عقلانی اند؛ زیرا هدف خلقت، متوقف

است بر این که نسل انسان باقی بماند و این میل، ابزاری است برای تحقق آن هدف. این از الطاف خداوند است که در انسان، ابزارهای طبیعی قرار داده تا او برای انجام کارهایی در مسیر تحقق اهداف ارزشمند، برانگیزد.

تشکیل زندگی اجتماعی وجود دارد، ولی ارزش اخلاقی آن‌ها به انتخاب عقل وابسته است. عقل می‌گوید: رسیدن انسان به مطلوب‌های مادی و معنوی اش در گرو زندگی اجتماعی است و اگر فرد بخواهد تنها زندگی کند، برای تأمین مصالح مادی و معنوی اش با دشواری‌ها و مشکلاتی رو به رو خواهد شد.

انسان برای رسیدن به کمال نهایی، آفریده شده است که مقدمات دست‌یابی به آن، تنها در جامعه فراهم می‌شود. پس به حکم عقل، زندگی اجتماعی، مطلوب خواهد بود و ضرورت بالقیاس پیدا می‌کند.

### آیا زندگی اجتماعی ضرورت دارد؟ علت عزلت برخی از مردان الهی چیست؟

#### پرسش

آیا زندگی اجتماعی ضرورت دارد؟ علت عزلت برخی از مردان الهی چیست؟

#### پاسخ

زندگی اجتماعی در اسلام هدف نیست و ارزش مطلق ندارد، بلکه ارزش آن نسبی است. زندگی اجتماعی، وسیله‌ای است برای تأمین ارزش‌های بالاتر. مطلوبیت زندگی اجتماعی، تابع شرایطی است که زندگی فردی را با زندگی دیگران پیوند می‌دهد. عواملی که زندگی فرد را به جامعه و اجتماع پیوند می‌دهند، عبارتند از: عامل غریزی به عامل عاطفی و عامل عقلانی. این عوامل انسان را وادار می‌دارد تا به جامعه گرایش یابد و زندگی خویش را با زندگی دیگران پیوند دهد. کمالات انسان در سایه‌ی اجتماع حاصل می‌شود و بدون آن، انسان از چنین کمالاتی محروم خواهد ماند؛ البته این بدین معنا نیست که بگوییم اجتماع دارای ارزش مطلق است. در قرآن کریم به همان اندازه که به محبت کردن مردم به همدیگر اهمیت داده شده است، به تبری و بیزاری جستن از بعضی انسان‌ها هم اهمیت داده شده است. از جمله - در داستا اصحاب کهف آمده است که آن جوانان صالح از اجتماع فاسد زمان خود کنار گرفته، به غاری پناه بردند: (( و اذ اعتزلتموهم و ما یعبدون ... ))، (سوره کهف آیه ۱۶). قرآن این کناره‌گیری را می‌ستاید؛ زیرا آنان برای آن که دین خود را حفظ کنند از آن جامعه هجرت کردند و از آن منجلا بفساد کناره‌گیری کردند. داستان گوشه‌گیری ابوذر را بعد از رحلت پیامبر می‌توان در همین

مقوله (فساددستگاه حکومتی) توجیه کرد و الا ابوذر عزلت انتخاب نکرد. اگر تاریخ زندگی ابوذر مطالعه شود، پرخاشگری های ابوذر نسبت به عمال خلفا، نشانگرسوز و گداز اجتماعی اوست. به عبارت دیگر، ابوذر از اجتماع نبرید، بلکه او را از اجتماع بریدند. کناره گیری حضرت ابراهیم (ع) از جامعه ی شرک آلودنمرودی که در قرآن آمده است، (سوره مریم، آیه ۴۸) (و اعتزلکم و ماتدعون...) یا رهبانیت اصحاب حضرت عیسی (ع) که در سوره مریم آیه ۴۹ و ۵۰ آمده است، به دلیل شرایط بد زنانشان بود که می خواستند دین خودشان را حفظ کنند. اما در جایی که خشنودی خدا در بازگشت به جامعه و اجتماع است، برای هدایت دیگران و معاشرت با آن ها، رهبانیت و دیرینشی و گوشه گیری و عزلت ارزشی ندارد. پس زندگی اجتماع در اسلام دارای ارزش مطلق نیست، بلکه نسبی است و تابع شرایط زمانه است، (معارف قرآن و اخلاق در قرآن، استاد مصباح یزدی).

### آیا اختلاف در جامعه اولیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

#### پرسش

آیا اختلاف در جامعه اولیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

#### پاسخ

آنچه که از منابع دینی به دست می آید این است که اختلاف در جامعه ابتدایی انسانی به خاطر ترکیب انسان داشتن اختیار به وجود آمده است. اولین اختلاف در بین انسان ها، اختلاف هاییل و قایل، فرزندان آدم ((علیه السلام)) بود که در اثر امری معنوی و نه در اثر ابزار تولید به وجود آمد. در قرآن کریم در این باره آمده است:

«اذا قَرَّبَا قُرْبَانًا مِنْ تَقْبِيلٍ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ»؛ آنگاه که آن دو قربانی کردند و قربانی یکی از آن دو (هاییل) قبول شد و قربانی دیگری (قایل) پذیرفته نشد. پس او (قایل) گفت هر آینه تو را خواهم کشت».

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۶

### نظر اسلام در باره صله رحم و اهمیت آن چیست؟

#### پرسش

نظر اسلام در باره صله رحم و اهمیت آن چیست؟

#### پاسخ

در روایات و احادیث بسیاری درباره صله رحم و پیوند با خویشان تأکید و سفارش به عمل آمده و نتایج خوب و ثوابهای بسیار برای آن نقل شده است. در این زمینه چند حدیث را یادآور می شویم:

در حدیثی از پیامبر اسلام روایت شده که فرمود: «صله رحم عمر انسان را زیاد می کند و فقر را از بین می برد».

و در روایتی دیگر از پیامبر نقل شده: «گاهی انسان صله رحم می کند، و صله رحم باعث می شود که خداوند عمرش را درجایی که از عمر وی سه سال بیش نمانده، طولانی کرده و سه سال تبدیل به سی سال شود. گاهی هم برعکس است؛ یعنی از عمر انسان سی سال مانده، اما در اثر قطع رحم تبدیل به سه سال می شود.

همچنین در حدیث دیگری از آن حضرت روایت شده: «صله رحم حساب را آسان

۱۸۳۲

می کند و انسان را از مرگ بد ننگه می دارد».

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۸۳۳

## بعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

### پرسش

بعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

### پاسخ

اسلام زندگی اجتماعی انسانها را از جنبه های گوناگون آن مورد توجه قرار داده است. بخش عمده ای از احکام و نظامهای اسلام، اجتماعی است؛ از قبیل تعیین امام و رهبر، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، احکام مربوط به اقتصاد و مانند اینها. وجود چنین نظامها و احکامی در اسلام بدان جهت است که انسان بدون اجتماع و همکاری با یکدیگر نمی تواند به سعادت برسد، همان گونه که انسان در زندگی فردی خویش نیاز به راهنمایی الهی دارد در زمینه ی زندگی اجتماعی نیز نیاز به وحی الهی دارد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

## چگونه می توان در برخورد با مسائل جامعه از گزند تصدیقها و تکذیبهای بی جا در امان بود؟

### پرسش



چگونه می توان در برخورد با مسائل جامعه از گزند تصدیقها و تکذیبهای بی جا درامان بود؟

## پاسخ

حضرت امام خمینی (ره) در اربعین حدیث (حدیث ۳۲) مردم رادو طائفه دانند که یایقین، آنها رابه جایی رسانده که تمام اسباب ظاهری را مسخر اراده حق تعالی دانند و از غیر حق چیزی رانمی بینند و نمی خواهند و به حقیقت او ایمان آورده اند و قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء، را باور نمودند، اینان دارای قلب الهی شده و رضای مردم و سخط آنها راجیزی ندانند و جز رضای حق طالب نباشند، پس دیدگان خود را از مردم و عطیات آنها و دنیای آنها ببندند؛ و طائفه دوم آنها هستند که از حق بی خبرند، یا اگر خبر دارند خبری ناقص و ایمان غیر کامل است، اینان رضایت مخلوق رامی طلبند و گاه کارشان به جایی می رسد که رضایت مخلوقی ضعیف راجلب کرده و اسباب سخط و غضب خداوند رافراهم می کنند.

چنانچه موافقت با اهل معصیت می کنند یا تصدیق و تکذیب بی مورد کنیم، چنانچه در مضمون عبارت حضرت امام خمینی (ره) روشن شد، اگر بخواهیم از تصدیق یا تکذیب بی مورد نجات پیدا کنیم، باید از اهل طائفه اول شد و یقین و اعتقاد قلبی به باورها پیدا نمود و راه تقوای الهی را طی نمود و دیگر از مواضع تهمت اجتناب نمود و خود رادر برابر برداشت اجتماع مسؤول دانست و در جهت رفع تهمت و کذب تلاش نمود و برای آنکه انسان خود دچار خطای در قضاوت نباشد نیز علاج حقیقی تقوای الهی است.

چنانکه قرآن کریم می فرماید: "ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا" که یک احتمال در فرقان قدرت تشخیص حق و باطل است، اگر انسان حق راحق و باطل راباطل تشخیص دهد دیگر مبتلا به تصدیق

و تکذیب بی مورد نمی شود ، البته تقوا مفهومی عام است که یکی از مصداقیق آن پرهیز از جهالت و بی خبری است که ملازم با کسب علم و دانش و داشتن مطالعات و تحقیقات لازم می باشد، که خدای مهربان به واسطه آن نور معرفت را در دل انسان می تاباند " العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء " خوبست در این زمینه هم به حدیث ۳۲ اربعین حدیث امام (ره) و هم تفسیر آیه مذکور مراجعه کنید .

## هدف از صله رحم در اسلام چیست ؟ (بطور کامل)

### پرسش

هدف از صله رحم در اسلام چیست ؟ (بطور کامل)

### پاسخ

اجتماعی زیستن انسان از ضروریات اجتناب ناپذیر اوست در میان موجودات اجتماعی با توجه به ویژگی آزادی و انتخابگری انسان ساختار زندگی اجتماعی او می تواند بر اساس ارزشها و زیباییها استوار گردد بگونه ای که مردم از زیستن در کنار یکدیگر لذت برده و افتخار همسایگی ، همکاری ، همشاگردی ، همخدمتی ، همسنگری و پیوند اجتماعی را داشته باشند و این با گذشت از خویشتن و در پیوستن به مردم و پانهادن بر منیتها بدست می آید و از مؤثرترین عوامل در رسیدن به چنین جایگاه اجتماعی صله رحم و تقویت روزه روز پیوند خانوادگی می باشد که سنگ زیرین روابط اجتماعی می باشد .

امام صادق( فرمودند :

صله رحم سبب دارا شدن صفت جمیله حسن خلق و سخا و کرم می شود ( زیرا برای انجام این تکلیف مهم الهی ناچار است که در معاشرت ارحام رعایت حسن سلوک را بنماید و پس از تمرین و و ممارست دارای ملکه حسن خلق می شود حتی نسبت به دیگران و همچنین به برکت صله رحم و تکرار آن دارای ملکه سخا و جود می شود و از مرض مهلک بخل نجات پیدا می کند) و نیز نفسش از مرض کینه و حسد پاک می شود و از بلای دشمنی با خلق راحت می شود (چون به سبب صله رحم محبوب نزدیکان بلکه سایر خلق شده و از شر آنها در امان خواهد بود) برای اطلاع بیشتر به کتاب گناهان کبیره ج ۱ ص ۷۲ اثر استاد شهید دستغیب مراجعه فرمایید .

## ارتباط فرهنگی بین پسران و دختران و مشکلات فعلی در این باب؟

### پرسش

ارتباط فرهنگی بین پسران و دختران و مشکلات فعلی در این باب؟

### پاسخ

پر واضح است بر آوردن نیازمندیها به صورت دلخواه و غیر قانونمند نظیر درمان بر اساس خواست و میل بیمار پیامد ناگوار . جبران ناپذیر جسمی، روحی و روانی را بدنبال خواهد داشت.

از این رهگذر پدید آورنده انسان و نظام هستی و آگاه به نیازهای واقعی انسان و تأمین آن بگونه ایکه بایسته های روابط پسران و دختران را در بر داشته باشد و مجاز دانسته است.

گفتگو و ملاقات بدون انگیزه جنسی با رعایت پوشش مناسب و اطمینان به نیفتادن در چالشها و مفسد.

س ۲۴۴: جوانانی که در مدارس و دانشگاهها مشغول تحصیل هستند با دختران هم برخورد و ملاقات دارند و به حکم همکلاسی و همدرس بودن با آنان راجع مسائل درس و غیر آن گفتگو می کنند که گاهی بعضی از صحبتها با خنده و شوخی همراه است که البته به قصد ریبه و لذت نیست آیا این کار جایز است؟

ج: اگر همراه با مراعات حجاب و بدون قصد ریبه و همراه با اطمینان به عدم وقوع در مفسد باشد، اشکال ندارد، و الا جایز نیست.

### خداوند متعال، عاقبت کسی را که، به ممنوع خود، خیانت میکند، را چگونه بیان میکند؟

#### پرسش

خداوند متعال، عاقبت کسی را که، به ممنوع خود، خیانت میکند، را چگونه بیان میکند؟

#### پاسخ

"خیانت" در اصل به معنای خودداری از پرداخت حقی است، که انسان پرداختن آن را تعهد کرده، و آن ضد "امانت" است. امانت گرچه معمولاً به امانتهای مالی گفته میشود، ولی در منطبق قرآن مفهوم وسیعی دارد که تمام شئون زندگی اجتماعی و سیاسی و اخلاقی را در بر میگیرد، لذا در حدیث وارد شده است که "المجالس بالامانه": "گفتگوهایی که در جلسه خصوصی میشود امانت است". و در حدیث دیگری میخوانیم: "هنگامی که کسی برای دیگری سخنی نقل میکند، سپس به اطراف خود بنگرد (که آیا کسی آن را شنید یا نه) این سخن امانت است".

در سوره انفال، آیه ۲۷، میخوانیم: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أُمَّتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ" ای کسانی که ایمان آوردهاید به خدا و پیامبر خیانت نکنید و (نیز) در امانات خود، خیانت روا مدارید، در حالی که متوجهید و میدانید.

بعضی از مفسرین گفتهاند امانت خدا آیین اوست، و امانت پیامبر سنت اوست، و امانت مؤمنان اموال و اسرار آنها میباشد، ولی امانت در آیه فوق همه را شامل میشود.

قرآن کریم، عاقبت و سرانجام "خیانت" را خواری و رسوایی در روز قیامت بیان میکند و میفرماید: "وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ"

وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ (آل عمران، ۱۶۱) [شما گمان کردید ممکن است پیامبر به شما خیانت کند، در حالی که] ممکن نیست، هیچ پیامبری خیانت کند، و هر کس خیانت کند، در روز رستاخیز آن چه را

در آن خیانت کرده با خود [به صحنه محشر] می‌آورد، سپس به هر کس آن چه تحصیل کرده داده میشود، و [به همین دلیل] به آنها ستم نخواهد شد [زیرا محصول اعمال خود را خواهند دید]

"یغل" از واژه "غلل" به معنای خیانت گرفته شده و "غلل" در اصل به معنای نفوذ تدریجی و مخفیانه آب در ریشه درختان است، و از آن جا که خیانت به صورت مخفیانه و تدریجی صورت میگیرد، به آن "غلول" میگویند. در هر صورت مفهوم این فراز از آیه که میفرماید: "وَمَنْ يَعْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ..." این است که: هر کس خیانت کند، روز رستاخیز آن چه را در آن خیانت کرده به عنوان مدرک جنایت بر دوش خویش حمل میکند و یا همراه خود به صحنه محشر می‌آورد و به این ترتیب، در برابر همگان رسوا میشود. (تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۳، ص ۱۵۲؛ همان، ج ۷، ص ۱۳۶).

البته خیانت در دوستی، سبب سست شدن روابط اجتماعی و متزلزل گردیدن روابط دوستی و محبت‌آمیز میان افراد شده و نهایتاً منجر به سلب اعتماد عمومی میگردد، گرچه تمام مصادیق خیانت نکوهیده و مذموم است، اما زشتی برخی از مصادیق آن به گونهای است، که دامنه تبعات آن جامعه را نیز فرا میگیرد.

## قرآن در مورد این که غالب مردم، تابع بیچون و چرا اقتدار در انجام کنشهای معین هستند چه میگوید؟ و این تبعیت را دارای چه آثار و رویکردهای میداند؟

### پرسش

قرآن در مورد این که غالب مردم، تابع بیچون و چرا اقتدار در انجام کنشهای معین هستند چه میگوید؟ و این تبعیت را دارای چه آثار و رویکردهای میداند؟

### پاسخ

برادر گرامی، انسان از روی غریزه و فطرت خود، الگوپذیر و تقلید کننده است مخصوصاً در اموری که به عنوان کمال مطرح میباشد و تقلید پسندیده، تنها راه زندگی جمعی است. تقلید یعنی اعتماد انسان، بر اهل خبره که در آن فن آگاهی لازم را دارند ولی برای شخص او ممکن و میسر نیست که به طور کامل از دلیل آن آگاه شود، در جامعه قطعاً فرصت تخصص در همه کارها، برای همگان، فراهم نمیشود. لذا انسان در غالب کارهای خود ناگزیر است به دیگران که تخصص دارند، اعتماد نماید و برای اصلاح زندگی خود، از رأی آنها تبعیت نماید. و محال است شخصی پیدا شود که خود مستقلاً در همه امور، بتواند تصمیم صحیح بگیرد. (تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۰۸، جامعه مدرسین).

لذا، اصل تقلید تبعیت چیزی، فطری و ناگزیر است. اما قرآن مجید، سعی میکند که این غریزه را همچون، دیگر غرایز، جهتدهی نماید و از فروغلتیدن آن در انحراف جلوگیری نماید، لذا از کسانی که بیچون و چرا و بدون دلیل، از اعمال دیگران تقلید میکنند، انتقاد میکند.

و میفرماید: "وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

شَيْءٌ إِلَّا وَلَا يَهْتَدُونَ؛ (مائده، ۱۰۴)، هنگامی که به آنها گفته میشود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر ۶ بیایید؛  
میگویند: آنچه از پدرانمان یافتیم ما را

بس است. آیا چنین است که پدران آنها چیز نمیدانستند و هدایت نیافته بودند؟

قرآن تقلید کورکورانه و بیدلیل تبعیت از بتی به نام نیاکان را مذمت میکند این سنت جاهلی را درهم میشکند. (تفسیر نمونه، آیت الله مکارم، ج ۵، ص ۱۰۶، دارالکتب الاسلامیه.)

لذا، تلاش قرآن در جهت‌دهی تقلید است و این که از چه کسی باید الگو گرفت؟

قرآن پیامبر اکرم‌الگو و اسوه، معرفی میکند و میفرماید: "لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ".

امّا غالب مردم، به دلیل این که، اهل تحلیل و تعمق نیستند، قادر به جهت‌دهی این غریزه نبوده و معمولاً از قدرت حاکمان و دیگران تبعیت بیچون و چرا دارند (از این رو که اقتدار را نوعی کمال میبینند سعی میکنند خود را با آن هماهنگ نمایند و اگر خود به اقتدار نرسند در پناه اقتدار قرار میگیرند و این واقعیتی است که در احادیث اسلامی و به تبع، در فرهنگ و ادب مسلمین مطرح شده است. امام علی میفرماید: ان الناس مع الملوک (المیزان الحکمه، ج ۹، ص ۱۸۹) مردم با قدرتمندان و امرأ هستند یا جمله معروف الناس علی دین ملوکهم، مردم به مسلک حاکمان خود هستند.)، و یا بعضی قدرت تحلیل دارند میفهمند امّا به دلیل منافع و طمع، از قدرت تبعیت میکنند، و لذا اگر قدرت در دست نااهل بیافتد در مسیر تخریبی قرار گرفته و مذموم میشود، چون اولاً دیگران، میخواهند به آنها تشبیه بیابند، ثانیاً قدرتمندان، مردم را مجبور به تبعیت و الگوگیری میکنند. خلاصه آنکه، قرآن مجید سعی در جهت‌دهی این غریزه در انسان دارد و اگر در مسیر واقعی خود قرار نگیرد آثار مخرب

و زیانباری به بار خواهد آورد که یک نمونه آن در آیه شریفه مطرح شد نپذیرفتن هدایت الهی و محروم کردن خود از همه مواهب آسمانی به خاطر تبعیت کورکورانه هست. اثر دیگری که به آن بار میشود، محرومیت از رحمت الهی و گرفتار شدن به غضب اوست امام صادق فرمود: قوم یهود، چون تقلید بیچون و چرا از علمای خود داشتند و با این

که میدانستند، حرام الهی را حلال کرده‌اند، باز هم تبعیت داشتند گرفتار سخط الهی شدند. (میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۵۶).

## لطفاً بفرمایید در آیات و روایات چه مطالبی درباره خدمت به مردم و وظیفه مسئولان جامعه آمده است

### پرسش

لطفاً بفرمایید در آیات و روایات چه مطالبی درباره خدمت به مردم و وظیفه مسئولان جامعه آمده است

### پاسخ

در مورد عنوان های بالا نمونه ای از آیات و روایات بیان می شود:

دستور به عدل و احسان و نیکی به نزدیکان "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ سِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نمل ۹۰) خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد، و از فحشا و منکر و ظلم و ستم نهی می کند، خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید."

پاداش خدمت به مردم

امام صادق می فرماید: "کسی که حاجتی از مؤمنی بر آورده کند خداوند در روز قیامت صد هزار حاجت او را بر آورده می کند که اولین آن این است که او و خویشان و دوستان او را داخل در بهشت می نماید." پیامبر اکرم در این باره می فرماید: "کسی که حاجت مسلمانی را بر آورده کند و مشکل او را حل نماید و او را از غم و ناراحتی خاج کند، خداوند ثواب ده حسنه برای او ثبت می کند و اجر ده بنده آزاد کردن به او عطا می کند و ده درجه مقام او را بالاتر می برد و ده بلا از او دفع می کند و روز قیامت ده نفر آماده شفاعت کردن او خواهند بود."

هم چنین آن حضرت می فرماید: "مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيسَ بِمُسْلِمٍ؛ کسی که صدای انسانی را بشنود که فریاد می زند ای مسلمانان به دادم برسید، پاسخ نگوید، مسلمان نیست"

در روایات از رشوه به شدت نهی شده است "رسول خدا ۹۱ در این باره



می فرماید: "از گرفتن رشوه پرهیزید، زیرا رشوه کفر است و گیرنده رشوه بوی بهشت استشمام نمی کند." هم چنین در روایت دیگری از آن حضرت آمده است "خداوند گیرنده و دهنده رشوه و آن کس که واسط میان آن دو است را از رحمت خود دور گرداند." (بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۲۷۴، نشر مؤسسه وفا.)

وظیفه مسئولان و مدیران ۱. رعایت عدالت و تبعیض نگذاشتن بین مردم "وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ" (نساء، ۵۸) و هنگامی که میان مردم داوری می کنید از روی عدالت داوری کنید."

۲. خوش رویی و اخلاق نیک در برخورد با مردم "فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ" (آل عمران ۱۵۹) به برکت رحمت الهی در برابر آنان [مردم نرم] و مهربان شدی و اگر خشن و سنگ دل بودی از اطراف تو، پراکنده می شدند."

علی در نامه ای به اشعث بن قیس می فرماید: "فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست بلکه امانتی است در گردنت تو نیز باید مطیع ما فوق باشی در مورد رعیت حق نداری استبداد به خرج دهی در مورد بیت المال به هیچ کاری جز با احتیاط و اطمینان اقدام مکن اموال خدا در اختیار تو است و تو یکی از خزانه داران او هستی که باید آن را به دست من بسپاری"

دستور حضرت به یکی از کار گزاران خود: "او را به تقوا و ترس از خدا در امور پنهانی و اعمال مخفی فرمان می دهم و به او

دستور می‌دهم که اِرعیت و زیر دستان را نرنجانند و به آن‌ها دروغ نگویند و به آن‌ها به حساب برتری جویی به خاطر این که رئیس است بی‌اعتنایی نکنند، چه این که آن‌ها برادران دینی هستند." (نهج البلاغه نامه ۴، ص ۸۳۰ و نامه ۲۶، ص ۸۷۵، فیض الاسلام)

پاسخ:

امیدوارم که در پناه خدا پیروز و سربلند و سلامت باشی پرسش‌های دقیق و کنجکاوانه تو را خواندم همراه با پاسخ این پرسش‌ها، سه برگه پرسشنامه هم برایت می‌فرستم که آن‌ها را به دوستانت بدهی یا خودت برای نوشتن پرسش‌های دیگری استفاده کنی

خواهرم پرسش اولت درباره وجود خدا بود. برای روشن شدن این پاسخ دو مثال بیان می‌کنم حتماً می‌دانی که نور ماه باز تاب نور خورشید است پس اگر کسی بپرسد نور ماه از کجاست می‌گوییم نور ماه از نور خورشید است اما نور خورشید از نور ستاره‌ای دیگر نیست بلکه مال خود خورشید است مثال دیگر: اگر کسی بپرسد شوری این غذا از چیست می‌گوییم از نمک است اما اگر بپرسد شوری نمک از چیست پاسخ می‌دهیم که از خود نمک است

دانشمندان بزرگ مسلمان مانند ابوعلی سینا، خواجه نصیر الدین طوسی ملاً صدرا و دیگران ثابت کرده‌اند که وجود خدا از جایی نیست بلکه خدا همیشه بوده و خواهد بود. چون ما در دنیا با موجودات محدودی سر و کار داریم که وجود خود را از جای دیگر می‌گیرند، چنین می‌پنداریم که هر موجودی باید از جای دیگری وجود خود را به دست آورده باشد. بدون اعتقاد به

وجود خدا نمی توانیم پاسخ روشنی برای ایجاد جهان ارائه کنیم مطالعه کتاب های اعتقادی مخصوصاً کتاب آموزش عقاید استاد مصباح یزدی تو را برای دریافت پاسخ کامل تر یاری خواهد کرد.

در سؤال دوّم نوشته بودی که پیامبران چگونه آیاتی را که خدا به آنها نازل می کرد دریافت و حفظ می کردند و به مردم می رساندند؟ نزول آیات خدا درباره همه پیامبران یکسان نبوده است اما پیامبر ما آیات قرآن را به وسیله جبرئیل دریافت می کرد. جبرئیل آیات قرآن را بر قلب نورانی پیامبر نازل می کرد و پیامبر هم آن آیات را که بر قلب شریفش نقش می بست برای مردم می خواند.

سومین پرسش مربوط به نوشتن قرآن توسط پیامبر بود. در پاسخ باید بگویم که پیامبر هرگز در دوران پیامبری خود چیزی نوشت آن حضرت آیات قرآن را برای مردم می خواند و گروهی از آنان که سواد داشتند، قرآن را بر روی پوست حیوانات می نوشتند. این گروه در تاریخ به کاتبان وحی شهرت دارند که از جمله آنها می توان به امام علی اشاره کرد. ضمناً توجه داشته باش که گرچه پیامبر هرگز به مکتب درس نرفت و با دست خود چیزی ننوشت ولی این به معنای بیسواد بودن پیامبر نیست همچنین باید بدانی که نوشتن پیامبر بدان خاطر بود که مردم بدانند آیات قرآن از طرف خداست و نه نوشته خود آن حضرت برای همین اگر پیامبر قلم به دست نمی گرفت دلیل بی توجهی آن حضرت به علم نبوده بلکه برای تقویت ایمان مردم به قرآن کریم بوده است

**دستورات قرآنی در زمینه "خدمت به مردم را بیان کنید و پیامدهای مثبت دنیایی و آخرتی آن را توضیح دهید؟"**

**پرسش**

دستورات قرآنی در زمینه "خدمت به مردم را بیان کنید و پیامدهای مثبت

## پاسخ

با توجه به مفهوم "نهضت خدمت رسانی و خدمت به مردم که عام بوده و هم خدمت رسانی از جانب مسئولان و کارگزاران حکومتی را شامل شده و هم خدمت رسانی اقشار مردم نسبت به یکدیگر را، چند مطلب قابل ذکر است

۱. "خدمت، تنها در حوزه خدمات اقتصادی صنعتی و یا خدمات اجتماعی به مردم خلاصه نمی شود، بلکه این واژه خدمات فرهنگی تربیتی و نظامی یا انتظامی و حتی خدمات قضائی را نیز شامل می گردد.

بنابر این می توان گفت قرآن کریم بزرگ ترین خدمت را همان خدمت فرهنگی انبیاء الهی به مردم می شمارد، پیامبرانی که هر یک در راه هدایت مردم به سوی حق از هیچ چیز دریغ نکرده و تمامی آزارها را تحمل نموده و تا پای جان برای "اقامه دین الهی ایستادند. بزرگ ترین خدمت آنان همان "تزکیه و تعلیم انسان ها و هدایت آنان از تاریکی جهان و کفر به سوی نور بوده خداوند می فرماید: "او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن ها می خواند و آن ها را تزکیه کرده و به آنان کتاب [قرآن و حکمت می آموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند." (جمعه ۲) (ملاحظه کنید بقره ۱۲۹ و ۱۵۱).

در همین راستا، یکی دیگر از خدمات سیاسی فرهنگی آنان آزادی انسان ها، از بند اسارت بوده می فرماید: "وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (اعراف ۱۵۷) و بارهای سنگین و

زنجیره‌هایی را که به آن‌ها بود [از دوش و گردن‌شان بر می‌دارد.]" (ر. ک تفسیر موضوعی پیام قرآن آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۲۵، نشر مطبوعاتی هدف )

۲. افزون بر مطلب فوق در مورد "خدمت به مردم در قرآن کریم به چند دسته از آیات می‌توان اشاره کرد:

الف آیه تعاون می‌فرماید: "وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ - وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ" (مائده ۲) [و همواره در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و [هرگز] در راه گناه و تعدی هم کار یکدیگر نباشید.]"

روشن است که خدمت به مردم نوعی تعاون و هم‌کاری با آنان در رفع مشکلات آن‌ها است

ب آیه احسان می‌فرماید: "وَاحْسِبُوا أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ" (بقره ۱۹۵) و نیکی کنید که خداوند، نیکوکاران را دوست دارد."

[ملاحظه کنید: (اسراء، ۷)؛ (یونس ۲۶)؛ (قصص ۷۷)] روشن است که خدمت کردن به مردم یکی از مصادیق "نیکی کردن به آنها است

ج آیه انفاق خداوند، در آیات بسیاری سفارش به این امر می‌فرماید و یکی از اوصاف پرهیزکاران را انفاق در حال توانگری و تنگدستی معرفی کرده می‌فرماید: "بهشتی که وسعت آن آسمان‌ها و زمین است برای پرهیزکاران آماده شده است. همان‌ها که در توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند." (آل عمران ۱۳۳ و ۱۳۴) هر چند انفاق دارای اقسام و درجه‌های مختلفی است که یک نوع آن صدقه زکات و خمس است

که از نوع انفاق مالی است و نوع دیگر انفاق جان و یا انفاق وقت می باشد، به هر جهت انفاق و رسیدگی به محرومان و مساکین یکی از بزرگ ترین خدمات اجتماعی به مردم است [ملاحظه کنید: (بقره ۲۶۷)؛ (توبه ۱۰۳)؛ (ذاریات ۱۹)].

د) آیه اطعام قرآن کریم یکی از عوامل مهم عبور از گردنه دشوار قیامت را "اطعام دادن شمرده می فرماید: "و تو نمی دانی آن گردنه چیست آزاد کردن برده ای . یا غذا دادن در روز گرسنگی . یتیمی از خویشاوندان . یا مستمندی خاک نشین را." (بلد، ۱۶۱۲) و در مقابل اطعام نکردن و عدم رسیدگی به مستمندان را یکی از عوامل رفتن به جهنم محسوب فرموده [ملاحظه کنید: (مدثر، ۴۲ ۴۴)].

ا' آیه قرض الحسنه خداوند قرض الحسنه به مردم را قرض به خود قلمداد کرده و می فرماید: "مَنْ ذَا الَّذِي يُقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضِعَّهُ عَفْوَ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً" (بقره ۲۴۹) کیست که به خدا "قرض الحسنه ای دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده انفاق کند) تا آن را برای او، چندین برابر کند؟

و) امر به معروف و نهی از منکر یکی دیگر از مصادیق خدمت فرهنگی تربیتی به مردم را می توان این مورد شمرد زیرا افزون بر جلوگیری فساد و فحشا و اعمال زشت در میان جامعه یک نوع آرامش و امنیت اجتماعی را، برای مردم به ارمغان می آورد خداوند می فرماید: "كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ" (آل عمران ۱۱۰) شما بهترین امتی

هستید که برای مردم پدیدار شده اید؛ [چه این که به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به خدا ایمان دارید.]" که این در واقع یک وظیفه عمومی تمام اقشار جامعه می باشد و از طرفی از شئون و وظایف حکومت اسلامی و کارگزاران آن است در مواردی که نیاز به شدت عمل دارد. (ر. ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۳۵، دارالکتب الاسلامیه )

م آیه ایثار: خداوند در مدح انصار چنین می فرماید: "آنان کسانی را که به سوی شان هجرت کنند درست دارند و دل خود نیازی به آن چه که مهاجرین داده شده احساس نمی کنند و آن ها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند. (حشر، ۹)

۳. در قرآن مجید، آیاتی بیانگر این معنا است که برخی از انبیاء، افزون بر وظیفه تبلیغی و خدمت هدایتگری مردم خدمات دیگری نیز داشته اند، که بخشی از آن عبارت است

الف زره سازی حضرت داوود ۷: می فرماید: "وَعَلَّمَنَّهُ مِصْرَ نَعَه - لَبَّسَ لَكُمْ لِتُحِصَةَ نَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَكْرُونَ (انبیاء، ۸۰) و ساختن زره را به خاطر شما به او تعلیم دادیم تا شما را در چنگک هایتان حفظ کند، آیا شکر گزار (این نعمت های خدا) هستید؟"

ب خزانه داری حضرت یوسف می فرماید: "(یوسف گفت "مرا سرپرست خزاین سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم" و این گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم" (یوسف ۵۵ ۵۶) حضرت یوسف در جریان کمک به مردم و مدیریت بحران

اقتصادی شدیدی که کشور مصر را تحدید می کرد، به یاری مستضعفان شتافت تا از تبعیض ها بکاهد و حق مظلومان را از ظالمان بستاند و به وضع آن کشور سروسامان بخشد. (رجوع کنید: تفسیر نمونه همان ج ۱۰، ص ۵).

ج خدمت رسانی حضرت موسی به دختران حضرت شعیب قرآن می فرماید: "فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ" (قصص ۲۴) موسی برای (گوسفندان) آن دو زن آب کشید، سپس رو به سایه آورد. "که و به وسیله این خدمت فصل تازه ای در زندگانی حضرت موسی گشوده شد.

د) قرآن کریم یکی از اهداف مهم نهضت انبیا را برقراری و بسط عدالت اجتماعی در میان مردم ذکر کرده [حدید، ۲۵] و یکی از وظایف آنان را رفع اختلاف و قضاوت و داوری بین مردم بیان می دارد: "خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می کرد را، با آنان نازل نمود تا در میان مردم در آن چه اختلاف داشتند داوری کند." (بقره ۲۱۳) و یکی از دستورهایش به حضرت داوود این است "ای داوود! ما تو را خلیفه [و نماینده خود] در زمین قرار دادیم پس در میان مردم به حق داوری کن" (ص ۲۶) بنابراین یکی از راه های خدمت رسانی به مردم خدمت قضائی است (ر. ک تفسیر موضوعی پیام قرآن همان ج ۷، ص ۳۱ / تفسیر نمونه همان ج ۱۹، ص ۲۶۱).

'û) در قرآن از خدمات "ذوالقرنین نیز سخن



به میان آمده هر چند او از انبیا الهی نیست د...بخشی از آیات به ظلم ستیزی او اشاره شد و در بخش دیگر به بیان سدسازی او در برابر هجوم قوم یاجوج و ماجوج می پردازد و می فرماید: "(ذوالقرنین گفت) قطعات بزرگ آهن را برای من بیاورید (و آن ها را به روی هم چیند) تا کاملاً میان دو کوه را پوشانید، سپس گفت (آتش در اطراف آن بیافروزید و) در آتش بدمید. (آنها دمیدند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، گفت (اکنون مس ذوب شده برای من بیاورید تا به روی آن بریزم" (کهف ۹۶) رجوع کنید به تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۲، ص ۵۲۳ ۵۵۲، دارالکتب الاسلامیه )

۴. در آیاتی از قرآن کریم خداوند انسان ها را تشویق به کار و تلاش فرموده است و بدیهی است که خدمت به مردم در ضمن کار و تلاش است می فرماید: "او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید و کشتی ها را می بینی که سینه دریا را می شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید، شاید شکر نعمت های او را به جای آورید. (نحل ۱۴) (ر. ک (فاطر، ۱۲)؛ (اسراء، ۱۲)؛ (قصص ۷۳).) قرآن کریم تلاش برای معاش و خدمت به مردم را همردیف جهاد در راه خدا بیان می کند: "گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی و

خدمت به مردم به سفر می روند و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می کنند... " (مزمّل ۲۰) و این اهمیت اسلام به این موضوع را نشان می دهد. (ر. ک تفسیر نمونه همان ج ۲۵، ص ۲۰۰ و ج ۹، ص ۲۱).

در سیره انبیاء و اولیاء خداوند، می خوانیم که آنان با کار و تلاش خویش و ارائه خدمتی به مردم ارتزاق می کردند؛ مثلاً در حدیثی از امام علی می خوانیم که "حضرت داوود با دست خویش از برگ خرما بوریا می بافت و به همنشینانش می گفت کدام یک از شما برای فروش آن مرا یاری می کند؟ و آن گاه از بهای آن قرص نان جو می خورد." (نهج البلاغه خطبه ۱۶۰). و یا حضرت ادریس و یا لقمان دو زندگی می کردند. (رجوع کنید به توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث محمد محمدی ری شهری ترجمه سید ابوالقاسم حسینی (ژرقا)، ج ۱، ص ۱۸۲، ۲۵۰، دارالحدیث)

افزون بر این در روایات اهل بیت سفارش اکیدی نسبت به بجا آوردن درخواست برادران ایمانی شده به طوری که یکی از مهم ترین حقوق برادری در پی حوایج و خدمت به مردم شمرده شده است که پرداختن به آن خارج از این پاسخ نامه می باشد. فقط به روایتی از "جمیل بسنده می کنیم که از امام صادق نقل می کند: "مؤمنان خدمت کار یکدیگرند، (جمیل گوید): عرض کردم چگونه خدمتکار یکدیگرند؟ فرمود: به یکدیگر سود می رسانند." (اصول کافی ثقه الاسلام کلینی رحمه الله ج ۲، ص ۱۶۷، ح ۹، دارالتعارف رجوع کنید: میزان الحکمه محمد محمدی

ری شهری ترجمه جمید رضا شیخی ج ۳، ص ۱۳۷۷، دارالحدیث الف حدیث فی المؤمن شیخ هادی نجفی نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مستدرک الوسایل محدث نوری رحمه الله، ج ۹، ص ۵۰، نشر مؤسسه آل البیت )

۵. پیامدهای دنیوی و اخروی خدمت به مردم از آن جا که زندگی بشر، به طور اجتماعی است و با توجه به مختلف بودن استعداد و توان و ذوق هر فرد اجتماع در زمینه های مختلف ناگزیر از تعامل صحیح افراد یک جامعه با هم هستیم و این همان در خدمت یک دیگر بودن و تعاون داشتن در زمینه های مختلف را می طلبد. قرآن کریم در این مورد می فرماید: "لَنَجْنُ قَسِيًّا مِمَّا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا" (زخرف ۳۲)، معیشت آن ها را در زندگی دنیا، در میان آن ها تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده (و با هم تعاون و خدمت نمایند)."

در مورد پیامدهای دنیوی خدمت رسانی به مردم می توان گفت از برخی آیات قرآن کریم چنین استفاده می شود که خداوند برای مردم آرامش امنیت رفاه را در این دنیا می خواهد، تا در سایه آن ها به عبادت و بندگی خداوند پردازد و از همین روست که آسمان ها و زمین را مسخر انسان قرار می دهد.

خدمات مالی به انسان ها، کمترین پیامدش در این دنیا، رفع نیاز مندی مستمندان و درماندگان است افزون بر این که یک حالت قرب معنوی را در همین دنیا، برای خادمین آن به دنبال

دارد. و همچنین است در مورد خدمات فرهنگی که سعادت دنیوی را به همراه داشته و یک نوع آرامش روحی و روانی به انسان ها عطا می کند.

پیامدهای اخروی آن با توجه به آیات و روایات بهشت جاویدان است (البته اگر برای خدا باشد) و تمام ثواب های مطرح شده برای انفاق و قرض الحسنه و صدقه و جهاد در راه نجات مستضعفان و... را می توان به عنوان پیامدهای اخروی بیان داشت

در روایتی از رسول اکرم آمده است "هر مسلمانی که گروهی از مسلمانان را خدمت کند، خداوند به تعداد آنان در بهشت به او خدمتکار دهد." (اصول کافی همان ج ۲، ص ۲۰۷، ح ۱).

خلاصه از منظر آیات و احادیث اهل بیت دسته ای دلالت بر تشویق و ترغیب مردم به کار و تلاش و خدمت گذاری می کند، حتی اگر ارائه آن خدمت برای گذران زندگی باشد، به طوری که پیامبر اکرم دست سعد انصاری را که در اثر ریسمان و بیل رشته رشته شده بود می بوسند.

برخی از روایات بیان گر پاداش های اخروی خدمت گذاری است که به آن اشاره شد.

بعضی دیگر از احادیث به پاره ای از راه های خدمت گذاری اشاره دارد، مثلاً امام علی در بیان وضع زندگی مردم در روزگار پیشوایی خودشان می فرمایند: "در کوفه کسی نمانده جز آن که از نعمت برخوردار بوده و زندگی آسوده ای دارد." فرومایه ترین مردم نان گندم می خورد، زیر سایبانی مسکن دارد و از آب گوارای فرات می نوشد. (توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث همان ج ۱، ص ۴۳۰، ح ۷۷۳).

و در نامه مشهورشان به

مالک اشتر، آن گاه که وی را به گارگزاری مصر می گمارند؛ می فرماید: "باید بیش از آن که به گردآوری خراج (و مالیات بیندیشی در اندیشه عمران و آبادسازی زمین باشی زیرا خراج گرد نیاید مگر به آبادانی نهج البلاغه سیدرضی رحمه الله کتاب (۵۳).

و روایات فراوانی که حکایت از برآوردن نیاز مردم و محتاجان دارد؛ امام علی در نامه ای به یکی از کارگزاران خویش چنین آورده اند: "پس از دل و جان با مردم انصاف ورزید و برای برآوردن نیازهایشان شکبیا باشید، که همانا شما خزانه داران مردم و کیلان امت و سفیران پیشوایان هستید و...". (نهج البلاغه کتاب ۵۱، رجوع کنید: میزان الحکمه همان ج ۳، ص ۱۳۱۶ (۱۳۲۷).

**لطفاً آیاتی را که به هدف اجتماعی زیستن انسان اشاره دارد، ذکر کنید.**

**پرسش**

لطفاً آیاتی را که به هدف اجتماعی زیستن انسان اشاره دارد، ذکر کنید.

**پاسخ**

پاسخ پرسش نیازمند بررسی واژه مدینه در قرآن و بررسی مدینه است واژه "مدینه و مشتقات آن در قرآن مجید حدود هفده بار به معنی "شهر و مدینه منوره به کار رفته و واژه "قریه و مشتقات آن ۳۳ بار به معنی "شهر، بیت المقدس و دهکده به کار رفته است (ر.ک المیزان علامه طباطبایی ج ۱، ۱۵، ذیل آیات ۵۸ و ۲۵۹/بقره ج ۸، ص ۲۶۶، ج ۱۵، ص ۵۳۰، ج ۹، ص ۵۱۱، ج ۱، ص ۲۸۵، ج ۲، ص ۵۳۲، تفسیر نمونه ج ۶، ص ۴۱۴، ذیل ۱۶۱ اعراف و...)

بعضی از مفسران "قریه را به معنی "محل اجتماع انسانها، اعم از شهر و روستا" گرفته اند. (تفسیر نمونه ج ۲۴، ص ۲۵۵، ذیل آیه ۸ طلاق)

از آیات قرآن استفاده می شود که واژه "المدینه و مشتقات آن غیر از چند مورد خاص که مراد مدینه النبی ۶ و اهالی آن است در بقیه جاها، مجتمع و به اصطلاح شهری است که عده ای از مردم در آنجا زندگی می کنند.

جامعه مدنی از نظر قرآن

اگر مقصود از جامعه مدنی همان زندگی اجتماعی انسانها باشد، بسیاری از آیات قرآن در مورد آن است و علامه طباطبایی رحمه الله مطالب گسترده ای را در ذیل آیه دویست سوره آل عمران (یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطو...) بیان کرده است که در اینجا بخشی از آن را به طور فشرده می آوریم

۱. انسان موجودی است که اجتماعی آفریده شده است قرآن با بهترین بیان از این حقیقت خبر داده "یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عندالله اتقیکم ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌های مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. شریفترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست (حجرات ۱۳)

۲. قرآن خبر داده اولین باری که انسان متوجه منافع و مصالح اجتماع شده و در صدد حفظ آن برآمده با راهنمایی پیامبران بوده که در میان ایشان مبعوث شده اند. "کان الناس امه واحده فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا..." (بقره ۲۱۳) این آیه شریفه می فرماید مردم در ابتدا امت واحد بودند. در بینشان اختلاف نبود پس اختلاف پیدا شد از این رو، خداوند پیامبران را با کتاب فرستاد تا اختلافات را بردارند و با عمل به قوانین شرع وحدت اجتماع را حفظ کنند. پس تنها ضامن اجتماع دین است "شرع لکم من الدین ما وصی به نوحاً و الذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابرهیم و موسی و عیسی ان اقیموا الدین و لاتتفرقوا فیه (شوری ۱۳) بنابراین دعوت به اجتماع از ناحیه نبوت شروع شده است

۳. اولین ندایی که بشر را دعوت کرد تا به امر اجتماع اعتنا و اهتمام ورزد و آن را از کنج اهمال و تبعیت حکومتها خارج سازند، ندای شارع اسلام خاتم الانبیاء ۶ بوده که مردم

را آیات قرآن به زندگانی سعادت‌مندانه اجتماعی دعوت فرمود: "و ان هذا صراطي مستقيما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بكم (انعام ۱۵۳)

۴. اسلام مهمترین احکام و شرایع خود را از قبیل حج جهاد، نماز، انفاق و خلاصه تقوای دینی را بر اساس اجتماع قرار داد، و برای حفظ وحدت اجتماعی هدف مشترکی را برای جامعه اعلام کرد که عبارت است از سعادت حقیقی و رسیدن به قرب و منزلت نزد خدا.

۵. دلیل بر ضمانت اجرایی سنت اجتماعی اسلام همین بس که با وجود کوتاه بودن زمان عرصه حکومتش بر عالم سیطره داشته و تحولی شگرف ایجاد کرده که آثارش تا به امروز باقی است اسلام صلاحیتش را برای مردم ثابت کرده و روزی خواهد آمد که زمام امور جامعه را (در سراسر عالم به عهده خواهد گرفت "وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض (نور، ۵۵) با این توضیحات و بیان آیات به خوبی روشن است که مدنیت و زندگی اجتماعی و تشکیل آن در رأس دستورهای قرآن قرار گرفته است (ر.ک المیزان علامه طباطبایی ج ۴، ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران .

اگر مقصود شما از "مدنیت در قرآن ، این است که آیا "جامعه مدنی مطرح شده در محافل سیاسی اجتماعی امروزه ریشه قرآنی دارد یا نه در این زمینه مطالبی را به طور فشرده به عرض می رسانیم واژه "جامعه مدنی معادل "evilSociety" است و در قرن هیجده میلادی در غرب رواج

داشته اما علی رغم طولانی بودن تاریخچه آن کسانی که آن را به کار برده اند، معنای یکسانی را از آن اراده نکرده اند. این فکر، همانند فکر "دموکراسی مشروطه و..." "از غرب به ایران رسیده و متأسفانه در هاله ای از ابهام قرار دارد.

دانشمندان غربی در برخی از تعاریف آن را جامعه ای می دانند که مردم در آن جامعه جایگاه نخست را داشته باشند و سرنوشت خود را تعیین کنند، و آخرین سخن تعیین کننده نیز سخن مردم و قوانین حاکم بر آن جامعه باشد که برخاسته از میل اکثریت مردم آن جامعه است حال از آنجا که زیربنای قوانین در جامعه دینی در قرآن احکام خداوند است این جامعه مدنی هیچگونه تطابقی با جامعه قرآنی ندارد. به همین جهت برخی برای تحقق جامعه مدنی زمزمه دین زدایی را سر داده اند و بعد از رنسانس شعار جدایی طلبان دین از سیاست بوده است

به طور کلی جامعه مدنی در طول تاریخ خود در غرب سه تلقی مهم داشته است ۱. جامعه مدنی مرادف با مدنیت که مارکس و انگلس در ایدئولوژی آلمانی به این معنی نظر دارند. ۲. جامعه مدنی در مقابل وضع طبیعی جامعه و جوامع بدوی و غیرمتمدن (جامعه متمدن که جان لاک، توماس هابز و ژان ژاک روسو از نامداران این اندیشه اند. ۳. جامعه مدنی میدان رقابت و منازعه اقشار و طبقات برای حمایت هرچه بیشتر از منافع صنفی و گروهی خویش است که هگل و جین کوهن و از متأخران آلتوسر به آن معتقدند.

این واژه طبق این



معانی جایگاهی در فرهنگ قرآنی ما ندارد. عده ای معتقدند که اگر ما به دنبال جامعه ای هستیم که ملهم از مدینه النبی و ارزشهای حاکم بر آن است و مقصود هم همان فرهنگ قرآنی و ارزشهای اسلامی است آیا معقولتر و مناسبتر این نیست که از "جامعه اسلامی سخن بگوییم و از کاربرد چنین واژه های پیچیده بپرهیزیم چرا که ما در فرهنگ قرآنی خود واژه هایی شفافتر، مثل جامعه دینی اسلام حکومت دینی و... سراغ داریم لکن عده ای از نویسندگان اسلامی آن را به گونه ای که شامل جامعه دینی نیز بشود تعریف کرده اند:

۱. جامعه مدنی عبارت است از مجموعه ای از افراد انسانی که با نظامها سنن آداب و قوانین مشترک به یکدیگر پیوند خورده زندگی مشترک و دستجمعی دارند. نیازها، بر خورداری ها، فرهنگها و خلق و خویهای آنان یکسان است و در یک مدینه و شهر با آرامی زندگی می کنند. بدین سان می توان مدینه النبی و تمدن نوینی که پیامبر ۶ ایجاد کردند را نیز به این مفهوم "جامعه مدنی دانست ۲. جامعه مدنی تجمع عاملی است که عقلانیت پایه آن عقلانیتی جامع است یعنی هدف کلان مطرح شده در آن "نیل به سعادت (توسعه انسانی برای همه اعضاست اگر گروهی از مردم با اختیار خود جمع شوند و تجمع عاملی را تشکیل دهند و سازماندهی خاصی را برقرار سازند تا از این راه تک تک اعضا به سعادت رسند (با بهترین زمینه رشد انسانی خود را بیابند)، در آن صورت یک جامعه مدنی پیدا شده که مطابق تعریف مقسم اصلی

عقلانیت پایه آن است که می توانیم از جامعه مدنی لیبرال جامعه مدنی مارکسیستی و جامعه مدنی اسلامی نیز سخن بگوییم چرا که اینها سه نوع عقلانیت هستند. (ر.ک مجله اندیشه حوزه سال چهارم شماره دوم ویژه جامعه مدنی پاییز ۷۷ مقالات آیت الله محمدهادی معرفت دکتر صادق لاریجانی و علی اکبر نوایی و فرهنگ علوم سیاسی دفتر مطالعات و مدارک علمی ایران فارسی انگلیسی و انگلیسی فارسی شماره ۳۶۸ ص ۵۱).

### آیا کلمه روحانی از غرب آمده است و ما به جای آن عالم اسلامی داریم؟

#### پرسش

آیا کلمه روحانی از غرب آمده است و ما به جای آن عالم اسلامی داریم؟

#### پاسخ

{بله، کلمه «روحانی» از واژه هایی است که بیشتر در فرهنگ غرب کاربرد دارد و در حال حاضر تقریباً به صورت تکلمه ای بین المللی در مورد عالمان و پیشوایان دینی مورد استفاده قرار می گیرد.}

### بررسی و تحقیق در مورد برخی مسایل و یا گذشته دانشجویان یا مسئولین دانشگاه و تحقیق در مورد کارهایی که انجام می دهند توسط عده ای از دانشجویان البته به صورت مخفی درست است یا نه؟

#### پرسش

بررسی و تحقیق در مورد برخی مسایل و یا گذشته دانشجویان یا مسئولین دانشگاه و تحقیق در مورد کارهایی که انجام می دهند توسط عده ای از دانشجویان البته به صورت مخفی درست است یا نه؟

#### پاسخ

ارایه پاسخ مناسب به این سؤال نیازمند توجه به مطالب ذیل است :

الف- تحقیق و جستجو در امور شخصی افراد از دیدگاه اسلام :

از مسائل بسیار مهمی که دین اسلام به آن شدیداً اهتمام دارد، نگهداری حرمت و آبروی مسلمین و پرهیز از جستجو و تفتیش عقاید آنها است. تجسس و خبر جویی از اندرون زندگی شخصی مردم جایز نیست و به هیچ کس اجازه داده نشده است که اسرار و لغزشهای مردم را افشا کند. امنیت و آسایش خاطر همگانی مردم با موارد فوق فراهم می شود و ادله متعددی شامل آیات و روایات نیز بر عدم جواز چنین مسئله ای دلالت دارد که عبارتند از :

۱. خداوند متعال می فرماید «یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم، و لا تجسوا و لا یغتب بعضکم بعضا، ایحب احدکم ان یا کل ...» ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری گمانها درباره دیگران پرهیزید، به راستی که برخی از

گمانها گناه است درباره یکدیگر جاسوسی نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ که البته از آن بدتان می آید. طبق نظر مفسرین منظور از کلمه ( و لا- تجسوا) تحریم کنجکاوی و دنبال کردن لغزشهای اهل اسلام است چنانچه در مجمع البیان مرحوم طبرسی فرموده است که در پی جستجوی عیبهای مردم

نباشید . امام صادق در این باره می فرماید اگر کسی لغزشها و گناهانی را که از مومنین با دو چشم خود دیده و یا با دو گوش خود شنیده باشد و برای دیگران بازگو کند او از مصاریق این آیه شریفه است که می فرماید: آنان که نقل و پخش کردن کار بد در میان مومنان را دوست دارند، در آخرت برایشان عذابی دردناک وجود دارد . (اصول کافی ج ۲ / ۳۵۷، کتاب الایمان و الکو، باب الغیمه والتهمه، حدیث ۲)

و پیامبر اسلام نیز می فرمایند: در باره لغزشهای مومنین تجسس نکنید، چون که هر کس لغزشهای برادران مومن خود را پی جویی کند، خداوند نیز لغزشهای خود او را پی جویی خواهد کرد و او را بی آبرو و رسوا خواهد کرد هرچند که در درون خانه اش باشد . (اصول کافی ج ۲ / ۳۳۵۵، کتاب ایمان و کو، باب من طلب ثمرات المومنین ج ۵)

امام علی در نامه معروف خود به مالک به عنوان حاکم مصر چنین می نویسد: کم ارج ترین افراد نزد تو باید کسانی باشند که نسبت به کشف و پخش عیوب و اسرار مردم حریص تر و بی باک ترند برای اینکه نوعا مردم دارای عیوبی هستند که حاکم برای پنهان داشتن آنها از همه سزاوارتر است . پس هرگز در صدد کشف کردن آن لغزشهایی که پنهان از تو (پنهان از حکومت) صورت گرفته بر نیا . چون تو به عنوان حاکم مسلمین فقط مسئول پاکسازی جامعه از آلودگی های آشکار و ظاهری هستی، درباره لغزشهای پنهان مردم خداوند خود داوری خواهد کرد . بنابراین تا آنجا که می

توانی اسرار مردم را پنهان نگه دار تا خداوند نیز اسرار تو را از مردم پنهان نگه دارد. (نهج البلاغه نامه ۵۳) مجموعه آیات و روایاتی که در این زمینه وجود دارد به خوبی بیانگر آن است که از دیدگاه اسلام هرگز نباید حقوق افراد مسلمان با استراق سمع، تفتیش و تجسس و افشاگری مورد تعرض قرار گیرد.

ب- تحقیق و تفحص در امور شخصی افراد از دیدگاه قانون اساسی: در اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد مواخذه قرار داد. و در اصل ۲۵ قانون اساسی نیز آمده است: بازرسی و رساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، سانسور، عدم مخابره آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

ج- موارد استثنا: همچنانکه گذشت اصل کلی از نظر اسلام و قانون اساسی بر عدم جواز تحقیق و تفحص در امور شخصی و مسائل پنهانی افراد جامعه است و حتی برای ماموران امنیتی نیز تفتیش در امور شخصی جایز نیست با این حال از بررسی مجموع آیات و روایات و اصول قانون اساسی مربوط به این موضوع مشخص می شود که قلمرو محدوده این تحریم فقط اسرار شخصی و خانوادگی است که با مصالح عمومی جامعه هیچ گونه ارتباطی ندارد اما مسائل و اموری که به مصالح عمومی، امنیت، استقلال و منافع ملی و حفظ نظام اسلامی ارتباط دارند به ناچار باید در چارچوب مقررات ویژه ای مورد بازرسی و مراقبت قرار گیرد و این از نظر عقل سلیم و شرع

مقدس امری لازم است . و در تمامی حکومت های دنیا نیز چنین مواردی بر آزادی های فردی ترجیح داده شده است . دولت اسلامی جهت بقاء و اداره هر چه بهتر جامعه و انجام مسئولیت های خویش هم باید از اوضاع دولتی و ملتهای بیگانه و توطئه های نقشه های آنان مطلع باشد و هم باید تحرکات و برنامه های جاسوسان و دشمنان داخلی را زیر نظر داشته باشد و هم جهت حفظ سلامت خود و جلوگیری از نفوذ عناصر نامطلوب در دستگاههای مهم و اعمال گزینش صحیح ، از سوابق و عملکرد افراد مسئول اطلاع دقیق داشته باشد . چنانکه امام علی در عهد نانه خود با مالک اشتر بعد از آنکه به او دستور داد که کارگزاران و مامورین خود را از میان افراد با حیا و با تجربه ، و از بین خانواده های شایسته و پاک و پیشگام در اسلام برگزیند ، راجع به ضرورت اعمال تفتیش در کارها و رفتار آنان چنین می فرماید : سپس بر رفتار و کردار آنان مراقبت کن و مراقبین و گزارشگران مخفی از افراد راستگو ، باوفا و متعهد بر آنان بگمار . چون مراقبت و بازرسی سری تو درباره آنان ، آنها را وادار می کند و انگیزه می دهد که در منصب خودشان به عنوان یک امانت نگریسته و کارایی بیشتری به خرج دهند ، و با مردم به خوبی و مهربانی رفتار کنند . البته همچنانکه مشخص است اسن اقدام باید توسط دستگاههای حکومتی و از طریق مجاری قانونی اعمال شود و افراد غیر مسئول به هیچ وجه مجاز به تحقیق و جستجو در امور شخصی دیگران نبوده

و چنین اقدامی شرعا حرام و غیر قانونی است .

**با عرض سلام نمیدانم چرا علمای ما بین مردم ظاهر نمیشوند ؟ چرا طلبه های جوان کمتر بین مردم هستند ؟ حادثه بم را بنگرید ... چطور این طلبه ها بین مردم حضور پیدا کردند و چقدر مردم خوشحال شدند ... به اطفال عروسک میدادند ... با آنها نقاشی میکشیدند و ... همه میدانی**

### **پرسش**

با عرض سلام نمیدانم چرا علمای ما بین مردم ظاهر نمیشوند ؟ چرا طلبه های جوان کمتر بین مردم هستند ؟ حادثه بم را بنگرید ... چطور این طلبه ها بین مردم حضور پیدا کردند و چقدر مردم خوشحال شدند ... به اطفال عروسک میدادند ... با آنها نقاشی میکشیدند و ... همه میدانیم که در کوچکی بهترین مرحله تبلیغ است ... پس چرا کند هستید ؟ چرا حضور شما کم رنگ است در جامعه ؟ با اینکه این همه امکانات عقلی و اجتماعی و روانی دارید ؟ تبلیغات حوزه به نظر من زیر صفر است .. چرا در مدارس حضور ندارید ؟

### **پاسخ**

ارزیابی و قضاوت درباره هر برنامه ای نیازمند بررسی و مطالعه همه جانبه و تسلط بر همه ابعاد آن است. انصاف حکم می کند در مورد فعالیت های فرهنگی و دینی در حوزه های علمیه و کم و کیف آن یا خود از نزدیک شاهد و ناظر باشیم و یا از منابعی که مورد اعتمادند و در جریان این نوع فعالیت ها و تبلیغات می باشند، کسب آگاهی کنیم. بهترین راه آگاهی از این فعالیت ها مطالعه مجلاتی است که در خود حوزه ها منتشر می شود مانند مجله حوزه و پگاه. اکنون حوزه های علمیه علاوه بر اعزام مبلغین در ماه های رمضان و محرم که دو فرصت طلایی برای تبلیغ و رساندن پیام های دین و انتقال آموزه های دینی و معارف الهی می باشد، عده ای از طلاب را که بیشتر طلبه های جوان و مستعد هستند به عنوان روحانی ثابت و مستقر به همه نقاط ایران به ویژه نقاط

محروم اعزام می کند. طرح هجرت که برنامه ای تابستانی برای تبلیغ است، برنامه ای است چندین سال از عمر آن می گذرد و تاثیرات سودمندی بر وضع فرهنگی و دینی مردم داشته است. الان مدارس فراوانی در سراسر کشور، نماز جماعت خود را با امامت طلاب جوان برگزار کرده و برنامه های دینی دیگری نیز مانند بیان احکام و روایات معصومین (ع) و از همه مهمتر تماس و ارتباط با دانش آموزان و نسل جوان در کنار آن دنبال می شود. در فرصت های تبلیغی به ویژه ماه مبارک رمضان و ماه محرم الحرام، کمتر دانشگاهی است که از حضور طلاب فاضل و پرنشاط بی بهره باشد.

پاسخ به شبهات از طریق نامه و تلفن مستقیم و اینترنت و تحقیق درباره مسائل مختلف دینی و اسلامی و تألیف صدها کتاب در راستای پاطخگویی به نیازهای نسل جوان و اعزام عده ای از طلاب محترم به کشورهای خارجی، همگی نمونه هایی از فعالیت های فرهنگی و دینی حوزه های علمیه است.

البته مدعی نیستیم این فعالیت های بی نقص و جامع و در حد مورد انتظار است، بلکه اذعان داریم که این نوع تبلیغات هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت در حد مطلوب نمی باشد و باید افزایش و بهبود یابد و به ویژه استفاده از شیوه های نو و تازه و استفاده بهینه از فن آوری های روز دنیا در جهت ابلاغ تعالیم دینی باید در دستور کار حوزه های علمیه قرار گیرد. پس تبلیغات حوزه زیر صفر و یخ زده نمی باشد بلکه ولرم و معتدل است که البته باید به تدریج



با برنامه ریزی جامع و ریشه یابی کاستی ها و نقص ها گرم بلکه داغ گردد به گونه ای که جوابگوی نیازهای نسل جوان و عطش معنوی و دینی مردم جهان باشد.

**مگر وظیفه روحانی تبلیغ نیست پس چرا عمامه سیاه و سفید دارند اگر یک رنگ بود چه می شد آیا به نحوی کاسبی نیست؟**

**پرسش**

مگر وظیفه روحانی تبلیغ نیست پس چرا عمامه سیاه و سفید دارند اگر یک رنگ بود چه می شد آیا به نحوی کاسبی نیست؟

**پاسخ**

یکم: این نوع لباس از زمان پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ص) رایج بوده است و آن بزرگواران، چنین لباس می پوشیدند.

دوم: عمامه بر سر بستن، از مستحبات بوده و تأکید فراوانی بر آن شده است. احادیث متعددی در این زمینه از حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) وارد شده است؛ از جمله: امام رضا (ع) می فرمایند: «حضرت رسول (ص) عمامه بر سر بستند و یک طرف آن را به جلو و طرف دیگر را به عقب انداختند.» از حضرت امام صادق (ع) نقل شده است که حضرت رسول (ص) با دست خود بر سر حضرت علی (ع) عمامه پیچیدند، (ر.ک: علامه مجلسی: حلیه المتقین، ص ۱۸).

سوم: جایگاه صنفی بسیاری از اقشار جامعه اقتضا می کند که از سایر اقشار مردم باز شناخته شوند؛ لذا دارای یک نوع لباس مشخص می باشند. مانند نیروهای نظامی و انتظامی و... درباره روحانیان نیز چنین است بر اساس روایات متعدد «العلماء ورثه الانبیاء» «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و... روحانیان، امانت داران ائمه اطهار (ع) و مرجع روحی و معنوی و اجتماعی و... مردم می باشند؛ لذا نیازمند لباسی مشخص می باشند تا بدین وسیله در جامعه مشخص شوند و مراجعه به آن ها در مواقع نیاز آسان تر باشد. و یا مثلا در موقع نماز جماعت تأکید شده که امام جماعت دارای لباس خاصی روحانیت باشد چنان که امام صادق (ع) فرمود: «شایسته نیست که امام جماعت بودن عبا و عمامه باشد» (وسایل، ج ۳، ص ۳۲۹، باب ۵۳، ح ۱).

چهارم: پوشیدن این

لباس، هر چند شأن و منزلتی نسبت به سایر اقشار مردم برای روحانیان ایجاد نمی کند، ولی موجب تعظیم شعائر الهی می گردد که مورد اهتمام قرآن است. وجود شخصیت‌های وارسته جامعه که به عنوان سمبل و مظهر علم و تقوا و وارستگی و ارزش های اسلامی و ملیس به لباس رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) باشند، از شعائر الهی می باشد و در حفظ و گسترش ارزش های الهی و اسلامی در جامعه و تقویت هویت مذهبی در مقابل تهاجم ارزش های بیگانه، بسیار مؤثر است.

خصوصاً در جامعه ما که متأسفانه تحت تأثیر تهاجم فرهنگی غرب، حتی لباس سنتی و بومی خویش را حفظ نکرده است. بنابراین وجود قشر خاصی در جامعه با لباس مذهبی و سنتی، نماد پایداری در مقابل هجوم فرهنگ و ارزش های غربی است و مایه فخر و مباهات محسوب می گردد.

می ماند مسأله رعایت تواضع و مساوات با مردم که از دیدگاه اسلام یک اصل و ارزش بسیار مهمی است که همه خصوصاً رهبران و پیشوایان مذهبی، مکلف به رعایت آن می باشند. هر چند این موضوع نیز گاهی مواقع به تناسب مقتضیات زمان می تواند اشکال مختلفی داشته باشد.

در هر صورت آنچه که از سیره امامان معصوم (ع) و پیامبر اکرم (ص) برداشت می شود اصل رعایت تواضع، مساوات و برابری با مردم است که بحمدالله علماء و بزرگان دینی در طول تاریخ تاکنون نسبت به رعایت آن پای بند بوده و می باشند و مسأله لباس آنها، نه تنها با اصل تواضع و مساوات با دیگران منافات نداشته بلکه خود نقش مهمی در تبلیغ ارزش های اسلامی و تعظیم شعائر الهی و انجام وظایف و کار

ویژه های صنفی روحانیت و مقابله با تهاجم فرهنگی ایفا می نماید.

آنچه که باید به آن زیاد توجه کرد این است که در زمان های قدیم عمامه، عبا و قبا، مختص گروه خاصی از مؤمنان نبود بلکه در آن زمان ها رسم این بود که افراد صالح و متدین این لباس ها را می پوشیدند و بعدها به تدریج تنها علمای دینی در این لباس ماندند و این لباس به عنوان علامت و نشانه علمای اسلام به حساب آمد. در حال حاضر هم یکی از شرایط پوشیدن عمامه، قبا و عبا داشتن صلاحیت لازم است و اگر کسی دارای آن شرایط نباشد اگر بپوشد، کار نادرست انجام داده است و مانند کسی می ماند که لباس پزشکی بپوشد در حالی که شرایط پزشک را ندارد. در زمان های قدیم برای پوشیدن این لباس، تنها صلاحیت اخلاقی کافی بود به همین جهت بسیاری از تاجران و پزشکان هم این لباس را می پوشیدند ولی در عصرهای اخیر یکی از شرایط این لباس، کسب علوم اسلامی و تبلیغ دین شد و در حقیقت باید به عنوان یک انیفرم و لباس کار و اعلام آمادگی برای پاسخ گویی به پرسش های اندیشه دینی، به آن نگاه شود. نه یک امتیاز اجتماعی و از سوء استفاده احتمالی برخی در این لباس باید جلوگیری کرد.

**آیا جواب شما ربطی به درخواست من داشت؟ من پرسیدم چرا عمامه با هم فرق می کند در صورتی که کار هر دو گروه یکی است چه شیخ و چه سید. متشکرم**

**پرسش**

آیا جواب شما ربطی به درخواست من داشت؟ من پرسیدم چرا عمامه با هم فرق می کند در صورتی که کار هر دو گروه یکی است چه شیخ و چه سید. متشکرم

**پاسخ**

در این باره گفتنی است که هر کدام از لباس های ویژه و یا رنگ های مخصوص و یا علامت های خاص دارای پیام جداگانه هستند و حتی گاهی لباس ویژه موجب شخصیت حقوقی برای افراد می شود به طوری که بی احترامی به آن افراد در آن لباس پیگرد قانونی دارد. به طور مثال در میان نظامیان و نیروهای انتظامی رنگ سفید شناسه نیروی دریایی است و رنگ خاکی شناسه نیروی زمینی است و حتی نشانه ها و تعداد درجات هر کدام پیام خاصی دارد. درباره لباس روحانیت نیز علاوه بر اینکه مدل آن شناسه وظیفه اجتماعی آنان است به طوری که هر کس سوال دینی دارد به آنان مراجعه کنند. رنگ عمامه نیز شناسه دو گروه از روحانیان می باشد که برای افکار عمومی مسلمانان و حتی رعایت حقوق آنان موثر است.

لازم است به این نکته توجه شود که لباس فعلی روحانیون، لباس سنتی و اصیل مسلمانان در قرن های گذشته بوده است و بعد از عقب ماندگی مسلمانان در زمان شاهان بی لیاقت قاجار و جریان خودباختگی فرهنگی، شیوه لباس پوشیدن شرقی ها به تبع بسیاری از لوازم فرهنگی دیگرشان تابع فرهنگ غالب زمانه گردید. اما روحانیان تنها قشری بودند که در مقابل این تغییر ایستادند.

بر اساس این توضیح، در گذشته با توجه به جایگاه ویژه فرزندان پیامبر(ص) در میان مردم (اعم از شیعه و سنی) مشخص شدن



دیگران نیز به صورت خواسته ای اجتماعی درآمد. تا آن که در مصر به آنان لقب شریف داده و پوشیدن لباس خاص سادات در آن زمان متداول گردید. البته بحث ارتباط لباس با اعتقادات سیاسی و مذهبی و اجتماعی قبل از آن نیز مطرح بوده است. کما این که بنی عباس در ابتدای قیام بر علیه بنی امیه به نشانه عزاداری برای شهدای اهل بیت (ع) لباس سیاه پوشیدند و این لباس بعدها نیز به عنوان شعار آنان باقی ماند.

به هر حال از زمان های گذشته سادات اعم از روحانی و غیر روحانی دارای لباس مشخص بودند و این به دلیل خواست عمومی برای شناختن، احترام و ادای سایر وظایف نسبت به فرزندان پیامبر (ص) بود.

بعدها که مرز بین لباس روحانیان و غیرروحانیان مشخص تر گردید. سادات غیرروحانی نیز به تدریج مانند مردم عادی لباس پوشیدند (شما در بین سادات مسن تر، افرادی که کلاه یا شال سبز دارند را مشاهده می کنید) اما سادات روحانی لباس خاص سیادت خود را حفظ نمودند. بنابراین این تفاوت در رنگ نشان دهنده تفاوت در کارکرد نیست.

## **۱- چرا علماء شیعه آنقدر احادیث و روایات را در بین مردم بیان نمی کنند تا مردم از نظر مذهب یقین داشته باشند و درین خود فقط گسترش می دهند ؟**

### **پرسش**

۱- چرا علماء شیعه آنقدر احادیث و روایات را در بین مردم بیان نمی کنند تا مردم از نظر مذهب یقین داشته باشند و درین خود فقط گسترش می دهند ؟

### **پاسخ**

۱- البته علماء و مبلغین شیعه یکی از رسالتهای مهمشان انتشار احکام و اعتقادات دین و احادیث پیامبر و اهلیت (ع) در بین مردم است. و علیرغم فعالیت های گسترده برنامه ای و خودجوش که در این مورد وجود دارد زمینه کار خیلی بیشتر از اینها فراهم است و تلاش وسیع تری را می طلبد.

۲. اگر منظور جنابعالی حوزه های درسی و علمی است باید گفت: بیان همه احادیث و مطالب چون جنبه گفتنی داشته و فهم دقیق آنها به داشتن علوم و مقدمات ویژه ای نیازمند است و عموم مردم این آمادگی را ندارند لذا جنبه های تخصصی و دقت های علمی آنها در حوزه های علمی مورد بررسی قرار می گیرد.

عیناً همین مسأله در مورد دیگر علوم هم وجود دارد. مثلاً جامعه پزشکی آن مقدار از علم پزشکی را که در حد فهم و استفاده عموم باشد به مردم می گویند و مطالب دقیق و تخصصی در همان محیط دانشگاه بحث می شود.

**لطفاً تمام حقوق همسایه بر همسایه را بنویسید و مواردی که هم ضروری است توضیح دهید، واجب و مستحب را هم معلوم کنید، لطفاً آدرس هیچ کتابی را ندهید.**

لطفاً تمام حقوق همسایه بر همسایه را بنویسید و مواردی که هم ضروری است توضیح دهید، واجب و مستحب را هم معلوم کنید، لطفاً آدرس هیچ کتابی را ندهید.

همسایگی مقتضی حقوقی است بالاتر از حقوق برادری، در اسلام همسایه تمام حقوقی را که یک مسلمان دارد، با اضافاتی دارا است.

حق همسایه این است که به او سلام کنی، با او صحبت طولانی نکنی، زیاد از حالش سؤال نکنی، بطوری که خسته شود، و یا نیاز باشد اسرار خود را بازگو کند، در مرض عیادتش کنی، در مصیبت تسلیتش دهی، و در عزا با او شریک باشی، در شادی تبریکش گویی، و شرکت را در شادی او اظهار کنی از لغزشهایش چشم پوشی، از بام به امور پنهانیش نگاه نکنی، اگر خواست شاخه ای بر دیوار بگذرد بر او سخت نگیری، در مسأله آب ناودان و خاکروبه ریختن در پشت دیوارش بر او سخت نگیری، یعنی سعی کن در ریختن آب ناودان و ریختن زباله در پشت دیوارش رضایت همسایه را جلب نمایی، راهش را تنگ نکنی، به این معنی که در صورتی که با همسایه از یک راه مشترک استفاده می کنی، با گذاشتن ماشین یا چیزهای دیگر بر سر راه همسایه، موجب اذیت همسایه نشوی، و اگر مجبور به گذاشتن چیزی بر سر راه همسایه شدی، که موجب تنگ شدن راه او شد، از او حلالیت و رضایت بطلبی، دقت نکنی که چه چیزی به خانه می برد، آنچه از اسرارش منکشف می شود بر او پوشانی، و هنگامی که مصیبتی به او می رسد و زمین می خورد، زیر بغلش را بگیری و

او را بلند کنی، به بیان دیگر وقتی که گرفتاری به او عارض می شود، در رفع گرفتاری از او بکوشی، و دیگر حقوق همسایه این است که در غیبتش از مواظبت خانه اش غافل نشوی، پنهانی به سخنانش گوش ندهی، و از جرمش چشم پوشی (به ناموس همسایه نظر سوء نداشته باشی)، و به خادمه او نظر نکنی، و به فرزندش مهربانی کنی، و او را در امر دین و دنیایش ارشاد کنی.

در حدیثی از پیامبر اسلام (، آمده است که آیا می دانید حق همسایه چیست؟ اینکه اگر یاری خواست یاری کنی، و اگر طلب قرض کرد قرضش دهی، و اگر تو را طلبید در پیش او آماده شوی، و اگر مریض شد عیادتش کنی، و اگر مرد جنازه اش را تشییع کنی. و اگر خیری به او رسید تبریکش گویی، و اگر مصیبتی به او رسید تسلیتش دهی، و بدون اجازه او ساختمان خانه ات را از او بلندتر نکنی، که راه باد را بر او ببندی، و هنگامی که میوه ای خریدی آن را به او هدیه کن، و اگر هدیه نکردی در پنهانی برایش ببر،

اگر هدیه کردن میوه سبب خجالت کشیدن همسایه در پیش دیگران می شود، پنهانی به او برسان. و بوسیله بوی غذایت او را اذیت نکن، مگر آنکه از آن غذا برایش مقداری ببری."

در حدیث از امام صادق (آمده است : "خوشرفتاری در همسایگی، رزق را زیاد می کند." و همچنین می فرماید : "از ما نیست کسی که با همسایگانش خوشرفتار نباشد."

امام باقر (می فرماید : "از هر جهت تا چهل خانه، همسایه محسوب می شود."

به بیان دیگر، حقوقی که بر همسایه لازم است، در رساله امام سجاده (بطور فهرست وار آمده، که برایتان ذکر می نمایم:

۱. در غیابش حقش را مراعات کنی.
۲. در حضورش اکرامش نمایی.
۳. اگر مورد ظلم قرار گرفت، یاریش دهی.
۴. در اسرار او تجسس نکنی.
۵. زشتیهایش را پرده پوشی.
۶. اگر مطمئن شدی پذیرش نصیحت دارد، او را در پنهانی نصیحت کنی.
۷. در گرفتاریها او را به حال خود رها نکنی.
۸. لغزشهای او را ندیده بگیری.
۹. گناهانش را ببخشی.
۱۰. با او محرمانه معاشرت کنی.

منابع و مآخذ :

۱. ترجمه اخلاق، محمد رضا جباران، باب هشتم، حقوق همسایگی، ص ۱۸۹

۲. ترجمه اخلاق، ص ۱۴۰

### چرا تبلیغات اسلام بسیار کم شده در مقابل ادیان دیگر؟

#### پرسش

چرا تبلیغات اسلام بسیار کم شده در مقابل ادیان دیگر؟

#### پاسخ

بدون تردید، تبلیغ و ترویج اسلام در برابر سایر ادیان، به مراتب کمتر است. و در برابر تبلیغات گسترده جهانی، تبلیغات



اسلامی بسیار ناچیز و محدود است. علاوه بر این که تبلیغات اسلامی در برابر تبلیغات غیراسلامی، محدود و بسیار کم است.

متأسفانه سالهاست که تبلیغات منفی زیادی بر ضد اسلام، در سراسر جهان در جریان است. بخصوص با توسعه ارتباطات و راه اندازی ماهواره ها و اینترنت، این تبلیغات مسموم از سرعت محیرالعقولی برخوردار گردیده است. لحظه به لحظه در ذهن و اندیشه جوانان ما شبهه افکنی می کنند. و هنوز بزرگان و رهبران اسلامی به شبهه پاسخ نگفته اند، شبهه و شبهاتی جدید مطرح می گردد.

البته ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است، که اگر بتوانیم از ابزار و رسانه های جدید برای تبلیغ استفاده کنیم، درصد موفقیت نسبت به گذشته افزایش خواهد یافت. در گذشته شبهات و نسبت های ناروایی به اسلام می دادند، ولی امکان پاسخگویی وجود نداشت. ولی اکنون با استفاده از وسایل ارتباطی، براحتی می توان به آنها پاسخ داد، و احکام و دستورات نورانی اسلام را بر امواج سوار کرد، و به اقصی نقاط دنیا ارسال کرد؛ تا تشنگان حقیقت را سیراب سازد.

پرسشگر گرامی، این احساس که تبلیغات اسلامی نسبت به سایر ادیان کم شده است، شاید دور از واقعیت باشد. ولی بدون تردید هجمه ها به اسلام شدیدتر، وسیع تر، و بی محابا تر شده است. لذا تبلیغات اسلامی به چشم نمی آید. علت این هجوم بیرحمانه، ترس و وحشتی است که اسلام و انقلاب اسلامی ایران، در دل آنان افکنده

است. قبل از وقوع انقلاب اسلامی، اندیشمندان جهان غرب بر این باور بودند، که مذهب به مرور زمان از زندگی مردم حذف شده، به مسأله ای فردی تبدیل خواهد شد. ولی انقلاب اسلامی این تئوری را باطل کرد، و مذهب را در کانون توجه جهانیان و مردم قرار داد، و گرایش به دین بخصوص اسلام، در سراسر جهان افزایش یافت، و قرن اخیر را که می خواستند قرن لاتیک و بی دینی بنامند، قرن مذهب و حاکمیت مذهب کرد. بسیاری از اندیشمندان غربی، عصر حاضر را عصر خمینی نامیدند، و قرن ۲۱ را قرن حاکمیت مذهب در اروپا و غرب، و حتی برخی قرن ۲۱ را قرن سلطه مذهب اسلام بر غرب دانستند. اگر تبلیغات کم شده باشد، با این هجوم وسیع و دامنه دار، چنین تعابیر و تفاسیری چه مفهومی می تواند داشته باشد.

البته ما به آنچه واقع می شود، نباید قانع باشیم. و همه مردم مسلمان همانند شما، باید احساس کنند که تبلیغ کم است، و همت بکنند که به حجم تبلیغ دین مبین اسلام بیفزایند. و به هیچ حد و سطحی قانع نشوند. که اگر چنین شد، اولین گام به سوی شکست است. لذا باید همگان سعی و تلاششان بر ترویج و تبلیغ اسلام باشد. و البته در این راه، همه مسؤول هستند. و ضمن این که باید این وظیفه را از دیگران مطالبه کنیم، خودمان نیز نباید ساکت و آرام بنشینیم، و بگوییم فلان و فلان مسؤول است، و ما مسؤولیت نداریم. همه ما مسؤول تبلیغ اسلام هستیم. و همه باید از یکدیگر این وظیفه را مطالبه بنماییم.

جهت آگاهی بیشتر از وظایف

مبلغان، و دیدگاه‌های اندیشمندان، توصیه می‌کنم دو کتاب زیر را مطالعه کنید :

۱. عصر امام خمینی)

پیرامون انقلاب اسلامی، از شهید مطهری

**در موردی که زن و مرد به یکدیگر قول می‌دهند، سپس یکی از آن‌ها به عهد خود وفا نمی‌کند، آیا فقط کسی که عهد و پیمان خویش را شکسته گناهکار است یا هر دو طرف**

**پرسش**

در موردی که زن و مرد به یکدیگر قول می‌دهند، سپس یکی از آن‌ها به عهد خود وفا نمی‌کند، آیا فقط کسی که عهد و پیمان خویش را شکسته گناهکار است یا هر دو طرف

**پاسخ**

چند نکته قابل توجه است

۱. بدون شک سرمایه زندگی اجتماعی اعتماد متقابل افراد جامعه است از جمله گناهی که رشته اعتماد و اطمینان را در بین جامعه می‌گسلد و زیربنای روابط اجتماعی را سست می‌کند ترک وفای به عهد است که باعث هرج و مرج می‌گردد، به همین جهت در آیات قرآن تأکید فراوانی به وفای به عهد و پیمان شده است

می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ" (مائده ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها (و قراردادهای) وفا کنید." که این عهد و پیمان معنای وسیعی دارد که هر نوع قرارداد و عهد و پیمان در میان افراد را شامل می‌شود چه پیمان‌های سیاسی و اقتصادی و یا اجتماعی باشد و چه عهد و پیمان خانوادگی و زناشویی [ر.ک (بقره ۱۷۷)؛ (نحل ۹۱)؛ (رعد، ۲۰)؛ (مریم ۵۴)؛ (مؤمنون ۸)؛ (معارج ۳۲)] (تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱، ص ۶۰۰ و ج ۴، ص ۲۴۵ و ج ۱۱، ص ۳۸۲، دارالکتب الاسلامیه)

و در آیه ای دیگر می‌فرماید: "وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا" (اسراء، ۳۴) و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود." و در روایات نیز می‌خوانیم که مسلمانان موظفند که سه برنامه را در مورد همگان انجام دهند خواه طرف مقابل مسلمان باشد

یا کافر، نیکوکار باشد یا بدکار، که آن سه عبارتند از: وفای به عهد، ادای امانت و احترام به پدر و مادر. (ر.ک میزان الحکمه محمدی ری شهری ترجمه حمید رضا شیخی ج ۹، ص ۴۱۰۰، دارالحدیث)

۲. بر طبق مسئله فقهی اگر زن و شوهری در ضمن عقد خود شرطی کنند، آن شرط لازم و واجب است رعایت شود، مثلاً اگر زنی در هنگام خواندن عقد خود با مرد شرط کند که او را از فلان شهر بیرون نبرد و مرد هم قبول کند، نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد. (توضیح المسائل مراجع سید محمد حسن بنی هاشمی ج ۲، ص ۴۲۷، مسئله ۲۴۵۱، دفتر نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

۳. در موردی که عهد و پیمانی بسته می شود، فقط کسی که در ابتداء آن عهد را شکسته مرتکب گناه شده البته بدیهی است که عهد و پیمان نباید خلاف شرع بوده باشد.

**چرا تعصبات مذهبی در کشور بقدری است که با دیدن شخصی از مذهب دیگر مثل دشمن با او رفتار می کنند.**

### پرسش

چرا تعصبات مذهبی در کشور بقدری است که با دیدن شخصی از مذهب دیگر مثل دشمن با او رفتار می کنند.

### پاسخ

قبل از پرداختن به پاسخ ذکر این نکته لازم است که الحمدلله به برکت وجود انقلاب اسلامی و وحدت و همدلی ایجاد شده بین سایر گروه های مذهبی و قومی کشور اختلافات مذهبی نسبت به سایر کشورهایی که وضعیت مشابهی ما دارند. مانند هند، پاکستان و... و چه نسبت به زمان های قبل از انقلاب، بسیار نادر و به صورت استثنایی وجود دارد. البته این مقدار کم هم، زیننده جامعه اسلامی ما نمی باشد و وجود آن یکی از خطرات بسیار مهم و اساسی برای امنیت، وحدت و یکپارچگی کشور اسلامیمان می باشد و توجه دشمنان را نیز برای بهره برداری از آن به خود جلب کرده است. اما در مورد عوامل این تعصبات به صورت مختصر می توان به دو دسته از آنها اشاره کرد:

الف) بررسی عوامل داخلی تعصبات: ۱- مسائلی که ریشه در تاریخ گذشته مذاهب گوناگون دارد و پیروان آن تعلق شدیدی به آن داشته و با هرگونه اهانت و تعرض به شدت برخورد می نمایند.

۲- دخالت هوای نفس: از قبیل، خودبینی و برتری جویی، حب جاه و مقام و...

ب) بررسی عوامل خارجی اختلافات مذهبی: از زمان های بسیار گذشته، درگیری ها و تعارضات و جنگ های مذهبی بین مسلمین به وسیله قدرتمندان جهانی هدایت شده است در زمان حال که کشور ما به اتحاد داخلی بین تمامگروه ها و مذاهب و همچنین اتحاد با سایر ملت های مسلمان به شدت نیاز دارد، فاجعه آمیزترین مانع در راه حاکمیت و سیادت اسلام، اوج گیری اختلافات و تعصبات مذهبی می باشد و برای مقابله با آن راهی جز دست برداشتن از تعصبات مذهبی و اهانت به

مقدسات دیگر مذاهب و تکیه بر نقاط مشترک بین مذاهب نمی باشد.

البته چه خوب بود در سؤال به صورت جزئی مورد دقیق این مسأله ذکر می شد تا بتوان، مسأله را بهتر مورد بررسی قرار داد.

### چرا روحانیان گرفتار تحجر و جمود می شوند و چه اقدامی برای ارتباط با نسل جوان انجام داده اید؟

#### پرسش

چرا روحانیان گرفتار تحجر و جمود می شوند و چه اقدامی برای ارتباط با نسل جوان انجام داده اید؟

#### پاسخ

- با نگرشی واقع بینانه و منصفانه به این مسائله درمی یابیم که همچنان که تاریخ حوزه و روحانیت نشان می دهد و در زمان کنونی شاهد آن هستیم نمی توان یک حکم کلی در این زمینه ارائه نمود بلکه هر چند متأسفانه در قبل از انقلاب به دلایل متعددی تا حدودی شاهد تحجر و جمود و بی خبری از مسائل روز و علوم و موضوعات جدید در گوشه و کنار حوزه ها بودیم اما در عین حال در کنار آن نیز شاهد حضور و مشارکت فعال بسیاری از اندیشمندان و متفکران روحانیت در عرصه های مختلف علمی، فرهنگی جامعه و مجامع دانشگاه بوده و می باشیم که به عنوان مثال می توان از متفکرانی مانند: علامه طباطبایی، مرحوم امام (ره)، شهید مطهری، دکتر مفتح، دکتر بهشتی، مرحوم طالقانی را نام برد. اما در بعد از انقلاب با توجه به شرایط جدید و نیازهای جدید ناشی از حکومت اسلامی این خلا و نقصان به صورت بسیار جدی در زمینه تطبیق مسائل و موضوعات جدید با احکام و ارزش های الهی و مقتضیات زمان و مکان و یافتن پاسخ های مناسب برای آنان و... احساس شد و حوزه ها به علت این ضرورت ها و با استفاده از فضای باز ایجاد شده بعد از انقلاب به چنان رشد و بالندگی و تحولی دست یافت که شاید تا قبل از این در تاریخ حوزه ها کم سابقه بود مراکز و مؤسسات پژوهشی تحقیقاتی و

مطالعاتی متعددی در راستای تأمین نیازهای روحانیون در رشته های مختلف علوم جدید در دانشگاه ها و سایر مراکز علمی می باشیم و در بسیاری از رشته های علوم اجتماعی صاحب نظران و اساتید برجسته ای که به جدیدترین مباحث و موضوعات رایج در محافل آکادمیک و دانشگاهی غرب تسلط و اشراف کامل داشته باشند در میان روحانیون و دین پژوهان حوزه خصوصاً "حوزه علمیه قم و جود دارند که معارف و ارزشهای اسلامی را با توجه به شناخت کامل موضوعات و مسائل جدید و با استفاده از پیشرفته ترین و جالب ترین روشهای هنری، تکنولوژی پیشرفته و وسایل ارتباطی به مخاطبان و علاقه مندان انتقال می دهند. کلیه اقدامات فوق در جهت جبران عقب ماندگیهای گذشته حوزه و برقراری رابطه بر اساس تفاهم و تبادل دیدگاه ها با مخاطبین حوزه خصوصاً "قشر جوان که تشکیل دهنده اکثریت جامعه و آینده سازان ایران اسلامی عزیز می باشند انجام شده و می شود به عنوان مثال می توان از برگزاری اردوهای تفریحی، سیاحتی و زیارتی برای جوانان و نوجوانان در مقاطع مختلف تحصیلی با استفاده از روحانیون خوش فکر و اندیشمند و در عین حال خوش برخورد و مسلط به اصول روانشناسی و تربیتی برای بررسی و شناخت مشکلات و مسائل مورد نیاز آنها و راهنمایی و ارائه مشورت به آنان نام برد در هر صورت مطالب فوق به معنای موفقیت کامل حوزه در جذب جوانان و مخاطبان خود نیست بلکه گویای اینست که حوزه ها علیرغم وجود مشکلات تاریخی و مالی که دارند شدیداً" به این موضوع بسیار مهم اهمیت داده و در صدد

رفع نواقص خود در حوزه تبلیغ و اطلاع رسانی می باشند.

**آیا اگر دانشکده ها مختلط نباشد از جاذبه آن کم خواهد شد.**

**پرسش**

آیا اگر دانشکده ها مختلط نباشد از جاذبه آن کم خواهد شد.

**پاسخ**

ابتدا باید منظور از «جاذبه» مشخص شود و این که دانشکده های مختلط چه نوع جاذبه ای دارند که دانشکده های غیر مختلط ندارند؟ و در مرحله بعد باید توجه شود که آیا هر جاذبه ای برای دانشجویان مفید است؟

اگر بخواهیم از منظر جایگاه و کار ویژه های دانشگاه در یک جامعه اسلامی به مسأله نگاه کنیم باید گفت که اصلی ترین و یا به عبارتی واقعی ترین جاذبه یک دانشگاه برای دانشجویان همان بعد علمی و تحصیلی آن است - و الا بقیه جاذبه ها در سایر مکان های غیر دانشگاهی نیز وجود دارد - و چنین ویژگی و جاذبه ای نه تنها در دانشکده های غیر مختلط کم نشده بلکه همانگونه که تجربه به کرات نشان داده است بیشتر نیز خواهد شد و جذابیت علمی دانشگاه را بیشتر نمایان کرده و از سایر جذابیت های کاذب آن خواهد کاست.

**شیعیان مدعی وحدت هستند و دولت ایران شیعی مذهب است پس چرا اجازه نشر کتابهای منحرف و بی ارزش را می دهد؟**

**پرسش**

شیعیان مدعی وحدت هستند و دولت ایران شیعی مذهب است پس چرا اجازه نشر کتابهای منحرف و بی ارزش را می دهد؟

**پاسخ**

برای روشن شدن مفهوم وحدت و ضرورت آن توضیحاتی چند لازم است. وحدت در لغت به معنی یکی بودن - یگانه بودن و یگانه شدن است که این کلمه در علوم مختلف کاربرد مختلفی دارد، مثلا در فلسفه کلمه وحدت به همان معنی یکی بودن حقیقی است. وحدت در عرصه سیاسی وحدت مسلمین و وحدت امت اسلامی است که کاربرد خاصی می یابد. وحدت ملی یعنی اشتراک همه افراد یک ملت در آمال و مقاصد چنانکه به منزله مجموعه ای واحد به شمار آیند. همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی در حلول سال شمسی ۱۳۷۹ فرمودند: وحدت ملی یکی از شعارها و اهداف نظام اسلامی در آن سال می بود یعنی همه افراد و مردمی که ساکن کشور ایران هستند با هر نوع دین و مذهب و گرایش فکری و مذهبی برای بدست آوردن یک هدف خاص و یا اهداف متعددی با هم همکاری داشته تا به آن مقصود برسند. بعضی از این اهداف که از اهداف تشکیل حکومت اسلامی را نیز تشکیل در قرآن کریم آمده در آیه ۱۵۷ سوره اعراف آمده است: «الذین يتبعون الرسول الامی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوراه و الانجیل یا مرهم بالمعروف و ینههم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم

الخبث و يضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت عليهم فالذين امنوا به و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذي انزل مع اولئك هم المفلحون». همانا که از فرستاده خدا که پیامبر امی است پیروی می کنند. پیامبری که



صفاتش را در تورات و انجیل که نزد آنهاست می یابند. آنها را به معروف دستور می دهد و از منکر باز می دارد، اشیای پاکیزه را برای آنها حلال می شمارد و ناپاکیها را تحریم می کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود برمی دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاریش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند. آنان رستگارانند.

از این آیه شریفه می توان نتیجه گرفت که بخشی از هدف رسالت و به تبع آن حکومت اسلامی امر به معروف و هدایت است به کارهای نیک و آنچه خواسته خداوند تبارک و تعالی است و نهی بندگان از منکر و اعمال خلاف شرع و جلوگیری از ظلم و ستم و در یک جمله می توان اهداف داخلی یک نظام اسلامی را پیروی از قرآن و پیاده کردن احکام و حدود الهی در جامعه اسلامی دانست.

امام علی(ع) در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه می فرمایند: «آن اموری که موجب عزت و شوکت امتهای گذشته شد دوری گزیدن از تفرقه و پراکندگی و همت گماشتن و توصیه و ترغیب یکدیگر بر رعایت اتحاد و همبستگی بوده است آنها از هر امری که ستون فقراتشان را می شکست و قدرتشان را سست می کرد اجتناب می ورزیدند؛ اموری مانند کینه توزی، بخل، حسادت، ناهم فکری، پشت کردن و دوری گزیدن از یکدیگر. بنگرید چه حالی داشتند هنگامی که با هم مجتمع بودند و هدف و آرمانشان یک چیز بود - دلهایشان هماهنگ و موافق - دستها و شمشیرهایشان در یک مسیر بود، بصیرتی کافی داشتند و تصمیمها در یک جهت بود، آیا وقتی چنین بودند فرمانروای

اقطار جهان و مالک رقاب عالمیان نبودند؟».

منظور از وحدت امت اسلامی وحدت معقول و وحدت اضافیه است. وحدت اضافی به وحدتی گفته می شود که دو چیز از یک جنس که متصل به یکدیگر هستند و دارای یک حکم نیز می باشند با هم وحدت پیدا کنند مثل دو آب رودخانه که یکی شوند که هر دو باقی هستند و قدرت و توانشان افزون گردد. این وحدت خواسته تمامی دلسوزان، علما و اندیشمندان از قرون اولیه اسلامی تاکنون بوده و هست.

و اما در مورد این بخش از سوال که چرا اجازه نشر کتابهای منحرف و بی ارزش داده می شود؟

با توجه به بخش اول پرسش شما و پیش شرط طرح سؤال که بحث وحدت می باشد به نظر می رسد منظورتان چاپ کتابهای تاریخی و اعتقادی است که انتقاداتی در مورد حکومتها و خلافتهای اولیه اسلام و یا بعضی اعمال و رفتار مردمان و دوران حکومت امام علی(ع) دارند.

در پاسخ باید گفت هر کتابی که نوشته می شود نویسنده ای ضرورت نوشتن و پرداختن به آن موضوع را از دیدگاه خود تشخیص داده و اقدام به نگارش آن کرده است و بی ارزش بودن یک کتاب را بایستی صاحبان آرا و آگاهان در آن موضوع تشخیص دهند و نمی توان به عباراتی چند زحمات چندین ساله شخصی را نادیده گرفت.

بی شک این کتابها دارای استدلالها، برهانها و ادله ای از قرآن، روایات و یا کتب تاریخی معتبر هستند که می توان با مطالعه دقیق آنها و تحقیق در مورد قسمت ادعاهایشان در مورد آنها قضاوت نمود. در کشور اسلامی ما که حوزه های علمیه متعددی وجود دارد و کتب و نشریات مختلف مذهبی به چاپ می رسد و پیروان

هر یک از مذاهب آزادانه به تربیت عالمان و مبلغان مذهبی خود می پردازند، نشر کتاب جای تأمل ندارد هر چند خوشایند کسی و یا مذهبی نباشد البته اگر کتاب منتشر شده به اصول اعتقادی پیروان مذاهب دیگر توهین کرده باشد جلوی نشر و خرید و فروش آن گرفته خواهد شد و نویسندگان آنها مورد مجازات قانونی قرار می گیرند.

و در آخر به این آیه شریفه اشاره نماییم که «الذین یستمعون القول فابتعون احسنه» {۱}

از اوصاف مؤمنان و دینداران این است که سخنان را می شنوند و با مطالعه و دقت واقعی و کامل بهترین آنها را انتخاب می نمایند.

[۱]. سوره زمر، آیه ۳۹.

**مگر اسلام زنان و مردان را خواهر و برادر یکدیگر نمی داند؟ پس چرا در جامعه از ارتباط دختران و پسران بدون قصد بد جلوگیری می شود؟**

**پرسش**

مگر اسلام زنان و مردان را خواهر و برادر یکدیگر نمی داند؟ پس چرا در جامعه از ارتباط دختران و پسران بدون قصد بد جلوگیری می شود؟

**پاسخ**

در هیچ آیه و روایتی این مطلب نیامده که زنان و مردان، خواهر و برادر یکدیگرند. این مغالطه ای بیش نیست و اگر کسی بگوید، شبیه تعارف است.

ثانیاً: مگر خواهر و برادر بودن دلیل می شود که با همدیگر ارتباط نامشروع و خلاف شرع داشته باشند؟ گناه و معصیت الهی چه از خواهر و برادر تنی صورت بگیرد و چه از خواهر و برادر ناتنی حرام است. ارتباط و اختلاط بین مرد و زن که خواه ناخواه با گناه ملازم است، از خواهر و برادر، زشت تر و شدیدتر است. بنابراین اگر بر فرض قبول کنیم زنان و مردان، خواهر و برادر یکدیگرند، پس بیشتر باید حرمت یکدیگر را حفظ کنند. اگر پسری ببیند که می خواهند به خواهرش دست بزنند و به او بی احترامی بکنند، از او دفاع می کند. پس بر فرض قبول آن که (مردان و زنان برادر و خواهر یکدیگرند، برعکس نتیجه ای که شما گرفته اید، نتیجه می گیریم و می گوئیم: پس باید در جامعه مردان و زنان حرمت یکدیگر را نگه دارند و نه تنها نگاه بد به یکدیگر نکنند، بلکه از بی حرمتی به هم جلوگیری کنند.

ثالثاً: مگر قابل قبول است که مرد و زن نامحرم مخصوصاً دختر و پسر که عذب هستند و غریزه شهوت در آنان غالب است، با هم ارتباط داشته باشند و به یکدیگر نگاه بد نکنند؟ به مقدس اردبیلی که تقوا و قدس او بی نظیر بوده، گفتند: اگر تو را با زنی یا دختری

نامحرم در یک باغ تنها بگذارند، چه می کنی؟ گفت: به خدا پناه می برم! یا؛ ح این که مقدس اردبیلی هم عالم و فقیه با تقوا بود و هم پیرمرد و مسن، چگونه قابل قبول است دختران و پسران که در اوج شهوت هستند، با هم ارتباط داشته باشند و نگاه بد و شهوت آلود به یکدیگر نداشته باشند!؟

رابعاً: در ارتباط بین دختران و پسران، آن که بیشتر ضربه می خورد و عفت و آبرویش از بین می رود، دختران هستند. آن وقت بعد از سوءاستفاده از آنان، این بندگان خدا رها می شوند و مردان دنبال صید دیگری می روند! آیا این بدترین ظلم به بانوان نیست؟ آیا آنان که دم از حقوق زن می زنند، این گونه می خواهند از حقوق زنان دفاع کنند؟

### **اگر پسر نامحرمی در خیابان به دختر سلام کند، جوابش واجب است؟**

#### **پرسش**

اگر پسر نامحرمی در خیابان به دختر سلام کند، جوابش واجب است؟

#### **پاسخ**

در مثل ها آمده "سلام... بی طمع نیست". دختران باید بدانند سلام هایی که پسران به آنان می کنند، نه از این باب است که می خواهند امر مستحب اسلامی را انجام دهند، بلکه می خواهند سدّ گفت و گو را بشکنند و راه را برای خود باز کنند و به اهداف خود برسند. لذا جواب این گونه سلام ها واجب نیست، بلکه شاید همراه با گناه باشد.

در روایات اسلامی آمده: چند خصلت برای مردان بد است، ولی برای زنان خوب است:

۱ - تکبر؛ تکبر به معنای سنگینی و وقار و خود را به دست بیگانه ندادن و بی اعتنایی به نامحرمان است.

۲ - بخل برای زنان خوب است، اما برای مردان صف بدی است.

۳ - ترسو بودن. (۱)

پی نوشت ها:

۱ - بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸.

**اگر خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو! به نظر شما آیا باید کارهای یک جمع را اگر اشتباه هم بود، تایید کرد و استقلال فکری و عملی نداشت، مثلاً اگر جمعی مشغول نوشیدن شراب هستند، باید شراب خورد تارسوا نشد؟!؟**

#### **پرسش**

اگر خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو! به نظر شما آیا باید کارهای یک جمع را اگر اشتباه هم بود، تایید کرد و

استقلال فکری و عملی نداشت ، مثلاً اگر جمع همگی مشغول نوشیدن شراب هستند، باید شراب خورد تارسوا نشد؟!

## پاسخ

متأسفانه این مثل دستاویز بسیاری از مردم شده است که به غلط از آن استفاده می کنند. در نظام هستی جمع عقلایی جز در مراکز خاص تشکیل نمی شود. این جمع عقلایی نوعاً از میان توده مردم خارج شده و در پناهی مأوی می گیرند و سخت از عادات و رسوم عوام الناس می پرهیزند. این فاصله موجب می شود مردم عادی به رفتارهایی رو آورند که از گردونه اخلاق و حتی عرف عادی خارج است . همین به عرفی ها موجب تشکیل نموده‌ها والگوهای قابل پیروی برای سایرین می شود.

مردمی که از آداب و رسوم و سنت حسنه اسلامی بهره ای نبرده باشند، به اقتضای حال روی کردهای خاصی خواهند داشت که هر کدام مظنه تأثیر در جمع دیگر دارد و حتی افرادی را به کیش خویش دعوت کرده وادار به پیروی می کنند. عادات کوچک و بازار حتی اگر از گناه و معصیت به دور باشد، نمی تواند جهت الگو گرفتن و تبعیت کردن مناسب باشد، تا چه رسد به حضور در شب نشینی هایی که خدای ناکرده شیطان آن را هدایت می کند.

جمعی به کشیدن سیگار و یا استفاده از مواد مخدر مشغول می شوند و علاوه بر این که خود را آلوده و گمراه می کنند، از دوستان دعوت به عمل آورده و ایشان را نیز به

تباهی می کشانند. اگر شخص به دلایل مختلف، حاضر به حضور در جمع ایشان نشود، او را عقب افتاده پنداشته و طرد می کنند، حال آن که ملاک امتیاز و برتری انسان هانسبت به یک دیگر جز به تقوا و عبودیت نیست. خداوند متعال می فرماید: (۱). خداوند انسان را عاقل و با شعور آفرید که با تکیه بر عقل راه خویش را انتخاب کند و راه از چاه تشخیص دهد و اگر دید جمعی مشغول به کاری هستند، آن را بسنجد؛ اگر دید مطابق با عقل و مذهب و عرف است، به آن جمع بپیوندد و گرنه از ایشان پرهیز کرده و از شماتت و از ناصواب گویی آن ها در رأس و گفتار نهراسید، چون خدای متعال پشتیبان او است: . (۲)

(پاورقی ۱. حجات (۴۹) آیه ۱۳)

(پاورقی ۲. زمر (۳۹) آیه ۳۸)

**چرا اکثر روحانیونی که به سراسر کشور اعزام می شوند، بیش تر پیرامون موضوعات فرعی صحبت می کنند، نه اصلی؟ بیش تر به مستحبات می پردازند، نه واجبات؟**

### پرسش

چرا اکثر روحانیونی که به سراسر کشور اعزام می شوند، بیش تر پیرامون موضوعات فرعی صحبت می کنند، نه اصلی؟ بیش تر به مستحبات می پردازند، نه واجبات؟

### پاسخ

متأسفانه با همه تلخی ها باید بپذیریم مطلب همان است که اظهار کرده اید. از شما به خاطر تیزهوشی و این که طالب مسایل اصلی و وجوبی هستید، باید قدردانی نمود.

البته همه روحانیون این گونه نیستند. زیادند افرادی که در منابع خواسته شما را مطرح می سازند.

مگر اثبات وجود خدا، معاد و قبر و برزخ و گفتن حدیث پیامبر و امام و ولایت و اجاز و عدم تحریف قرآن و... از مسایل اصولی و وجوبی و اعتقادی نیستند که بسیاری از روحانیون پیرامون آن ها بحث می کنند؟

عده ای که غالباً مسایل فرعی را مطرح می سازند، شاید به خاطر جهات زیر باشد:

۱ متأسفانه برخی از توانایی علمی برخوردار نیستند و نمی توانند از عهده طرح برآیند.

۲ مثلی است معروف بین طلبه که صرفیون چنان کردند، ما هم چنین می کنیم. از قدیم رسم چنان بود که مسایل شرعی مثل نماز، روزه، معاملات و اصول دین در ماه رمضان گفته می شد. متأسفانه همان شیوه در امروز هم برای عده ای محفوظ می باشد.

۳ معمولاً- در اکثر شهرها و روستاها مجالس قرائت قرآن و بیان احکام برقرار است . لذا این عده طرح آن گونه مسایل را ضروری نمیدانند.

۴ نوعاً در مجالس عمومی افراد مختلفی اعم از بی سواد و کم سواد و با سواد, شهری و روستایی , اداری و بازاری و... شرکت می کنند. چون طرح مطالب استدلالی , زمان و شرایط

خاصی را می‌طلبد، از طرح این گونه مسایل خودداری می‌شود.

۵ در هر عصر و زمانی یکسری مسایل سیاسی و تاریخی و اقتصادی و عقیدتی و... در جامعه پیدا می‌شود که در مجالس عمومی طرح آن‌ها ضرورت دارد.

۶ در مواردی مؤسسان و اقامه‌کنندگان مجالس مقصرونند، چون افراد متعددی را در ظرف چند ساعت دعوت می‌کنند که برای هر کدام بیست الی نیم ساعت وقت بیشتر نیست. بدیهی است طرح مسایل استدلالی در این گونه مجالس خیلی مناسب نیست.

با همه این توجیحات باید بپذیریم که کیفیت تبلیغات روحانیون مطلوب نیست. امیدواریم بعداً بهتر شود.

**پدرم رفتار ما با پسرهای فامیل چون پسر عمو، دایی و حساسیت به خرج می‌دهد و اجازه نمی‌دهد که با آن‌ها به صحبت بپردازیم و یا در داخل اتاق به تماشای تلویزیون و غیره مشغول شویم. آیا این کار صحیح است؟**

**پرسش**

پدرم رفتار ما با پسرهای فامیل چون پسر عمو، دایی و حساسیت به خرج می‌دهد و اجازه نمی‌دهد که با آن‌ها به صحبت بپردازیم و یا در داخل اتاق به تماشای تلویزیون و غیره مشغول شویم. آیا این کار صحیح است؟

**پاسخ**

قبل از پاسخ دادن به سؤالتان می‌بایست مقدمه‌ای را بیان کنیم.

انسان موجودی مدنی و اجتماعی است و در روابط محتاج به ممنوع می‌باشد.

احتیاجاتی که نوع بشر نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند، متفاوت است. احتیاج در معیشت، احتیاج در فراگیری علوم و صنایع، احتیاج در معاملات و عقود. نیاز به رفاقت‌ها و دوستی‌ها.

اما احتیاج دیگری وجود دارد که شاید از همه مهم‌تر باشد و آن احتیاج زن و مرد نسبت به هم است که به واسطه داشتن غریزه‌های خاصی لازم می‌شود.

تمام ادیان و شریعت‌هایی را که پیامبران برای هدایت بشر به ارمغان آورده‌اند، می‌گویند: بشر عاقل آفریده شد تا خوب و بد را تشخیص دهد. با این حال عقل نمی‌تواند بد و خوب بسیاری از امور را تشخیص داده و راهکار اجرایی نشان دهد، مثلاً در بحث غریزه و تمایلات جنسی، عقل محکوم قدرتی به نام نفس و شهوت است و یا در بحث قدرت طلبی، مال دوستی، افزون خواهی و دنیا پرستی، عقل مقهور است. به همین جهت خداوند عالم پیامبران را فرستاد تا مردم را به راه راست هدایت و عقلشان را در مسیر بهبودی راه بیندازد.



از جمله ادیان الهی دین اسلام می باشد که آخرین و برترین و کامل ترین دین است و توسط پیامبر گرامی اسلام، از طرف خداوند متعال به مردم عرضه شد. دین اسلام در تمامی آداب و رسوم

و شئون اجتماعی توصیه و دستورهایی دارد. از جمله آن ها حفظ حریم در روابط زن و مرد و پرهیز از آداب و معاشرت های ولنگار است. خداوند متعال در قرآن می فرماید: "به مردان مؤمن بگو دیدگان را (از نظر بازی) فرو گذارند و ناموسشان را محفوظ بدارند. این برای آنان پاکیزه تر است. بی گمان خداوند به آنچه می کنند، آگاه است.

و به زنان مؤمن بگو: دیدگانشان را فرو گذارند و ناموسشان را محفوظ بدارند و زینتشان را جز آنچه آشکار است، آشکار نکنند. روسری هایشان را بر گریبانهایشان بیندازند و زینتشان را آشکار نکنند، مگر بر شوهرشان یا پدرشان یا پدران شوهرشان یا پسرانشان یا پسران شوهرشان یا برادرشان یا پسر برادرشان یا پسران خواهرشان". (۱)

علاوه بر آیات، روایات بسیاری در این باب آمده است که زن و مرد اجنبی و نامحرم نمی توانند در مکان خلوت، کنار هم باشند، هر چند به دعا و یا نماز مشغول شوند. علت این مسئله کاملاً مشخص است که انسان همواره نسبت به جنس مخالف، میل و هوس دارد، و این جزء غریزه های انسان و سرشت او است.

آفرینش رای انسان چنین مقدر کرده است. رابطه زن با مرد و یا به عکس جایز دانسته نشده است مگر در موارد محرمیت، مثلاً زن در مقابل شوهر یا پدر و یا جد و برادر و برادر زاده یا خواهر زاده و عمو و دایی، یا مرد در مقابل زن، مادر، مادر زن، خاله، عمه، مادر بزرگ، برادر زاده و خواهرزاده.

به جز زن و شوهر که نسبت به یکدیگر کاملاً محرم هستند و اصولاً یکی از علت های زناشویی، تمتع و بهره مندی متقابل است، آن ها با

دیگر محارم و افراد نامحرمی چون پسر عمو، پسر خاله، پسر دایی و پسر عمه رفتاری جدا دارند، چون ایشان هر چند خویشاوندی و نسبت فامیلی دارند، ولی در نظر اسلام، پسر خاله و پسر عمه و پسر دایی و پسر عمو با محرم های دیگر تفاوتی ندارند، همان طور که در آیه اشاره به افراد محرم شده است.

پس به نظریات پدر و عمویان احترام بگذارید، زیرا آن ها افرادی متشرع و دیندار هستند. دین اسلام می گوید: دو نفر نامحرم خصوصاً جوان نمی توانند در یک اتاق باشند، زیرا حضور دو نامحرم در محیط خلوت، موجب جاذبه های شیطانی می شود، اگر چه آن دو با یکدیگر نسبت نزدیکی داشته باشند.

دین مقدس اسلام در این گونه موارد وسواس زیادی به خرج می دهد و حتی در بیانات معصومان(ع) سفارش شده است که وقتی فرزندان در یک خانه به سن ده سالگی برسند، باید رختخواب هایشان از یکدیگر جدا شود. (۱) در این روایت حداکثر سن مجاز تا ده سالگی و در بعضی روایت ها تا شش سالگی آمده است که بستگی به نظر و تشخیص والدین و رفتار فرزندان دارد. احادیث مربوط اشاره به داخل منزل و افراد محرم چون برادر و خواهر دارد. پس اگر از این سن گذشته و وارد مرحله نوجوانی و جوانی شده اند، پیش گیری های وسیع تری باید انجام شود و مثلاً برادر و خواهری که نوجوان یا جوان هستند، نمی بایست در یک اتاق خلوت و به دور از حضور پدر و مادر به استراحت بپردازند. پس تربیت نقش اساسی و پرهیز دهنده ای در تمام شئون زندگی دارد.

علما و فقها در باب اجتناب از ارتباط با نامحرم و حضور در محل خاص

مثل اتاق دربسته و یا مکان های خلوت می فرمایند: "بودن مرد و زن نامحرم در محل خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمی تواند وارد شود، حرام است، چه به ذکر خدا مشغول باشند یا به صحبت. خواب باشند یا بیدار. نمازشان هم در آن جا صحیح نیست، ولی اگر طولی باشد که شخص دیگری بتواند وارد شود یا بچه ای که خوب و بد را می فهمد، در آن جا باشد، اشکالی ندارد". (۲)

پس اگر می بینید بزرگترها مثل پدر و مادر، دایی، عمو و پدر بزرگ در رفتار شما با فرزندانشان حساسیت نشان می دهند، این مسئله را به فال نیک بگیرید و حساسیت آن ها را مذهبی و غیرت دینی بدانید. افرادی چون پسر عمو و پسر دایی و پسر عمه و پسر خاله مثل بقیه نامحرم ها هستند. اگر چه در بعضی موارد خاص می شود مثلاً در حضور افراد دیگر به بحث های علمی با آنها پرداخت و اگر چیزی می دانند از آنها یاد گرفت. و سعی کنید چنین ارتباط هایی در محل خلوت و بدون حضور دیگران نباشد. چنین دیدارهایی می بایست با رعایت حجاب کامل و پرهیز از شوخی و مزاح و خنده بلند انجام گیرد. ان شاء الله در آینده نزدیک وقتی به مراحل بالاتر زندگی رسیدید، تجربه های بهتری را کسب خواهید کرد.

**من تا قبل از نامزدیم بسیار با حجاب بودم. البته با مانتو بیرون می رفتم، ولی از وقتی که نامزد گرفتم، نامزدم از من می خواهد در کوچه و خیابان آرایش کرده و کمی از موهایم را از روسری بیرون بگذارم. خیلی هم به او می گویم که این کار را درخواست نکند ولی او دوست د**

### **پرسش**

من تا قبل از نامزدیم بسیار با حجاب بودم. البته با مانتو بیرون می رفتم، ولی از وقتی که نامزد گرفتم، نامزدم از من می خواهد در کوچه و خیابان آرایش کرده و کمی از موهایم را از روسری بیرون بگذارم. خیلی هم به او می گویم که این کار را درخواست نکند ولی

او دوست دارد. در این صورت آیا من گناهکار هستم؟ باید چکار بکنم؟

## پاسخ

خواهر عزیز! ضمن احترام به شوهرتان و رعایت ادب به ایشان باید به وظیفه شرعی خود عمل کنید. البته او چون جوان است، هوی و هوس هایی دارد. شما با اخلاق و رفتار پسندیده و با خنده رویی طوری او را به خود جلب کنید که شیفته و شیدای شما بشود. وقتی که محبت او را به خود جلب کردید، حرف ها و نصیحت های شما برای او مؤثر تر خواهد شد. در عین حال دلبستگی او به شما بیشتر و مستحکم تر خواهد شد. او فعلاً نمی داند اگر شما با چهره ای آراسته در کوچه و خیابان ظاهر شوید، برای شما خطر آفرین است. چه بسا دخترانی که تازه ازدواج کردند و با ظاهری آرایش کرده، از خانه بیرون آمدند و در دام صیادان افتادند و بعد از آن ها خبری نشد. در برخی از موارد تازه داماد همراه با عروس خانم بزرگ کرده، سوار بر ماشین شدند و راننده هوسباز با ترفندهای گوناگون تازه داماد بی تجربه را به دامی انداخت و عروس را برد. اگر آمار این گونه مسائل را شوهر شما بداند، هرگز از شما درخواست نمی کند این گونه از خانه بیرون آید. بدانید دام صیادان برای امثال شما گسترده است. باید حواستان جمع باشد. با زبان نرم از نامزدتان بخواهید که از درخواست خود صرف نظر کند. بدانید که حجاب محافظ مردان و زنان است، مخصوصاً کسانی که مانند شما تازه داماد و عروس هستند.

ضمناً مسائل دینداری شوخی نیست. همسر نمی تواند شما

را به گناه وا دارد . باید دید انگیزه ایشان از این کار چیست؟ مایل است زیبایی همسرش را به همه مردم نشان دهد که این علامت بی غیرتی است اگر می خواهد حسرت دیگران را برانگیزاند بگویند عجب شانسی دارد که این نشانه کم عقلی و احساس حقارت است. در هر صورت شما به عنوان یک زن مسلمان قرص و محکم ایستادگی کنید و بفرمایید بنده هرگز به خاطر رضای شوهر، غضب پروردگار را نمی خرم . اگر بخواهی پافشاری کنی از تو جدا می شوم . البته او هرگز به فکر جدایی نمی افتد . اگر مانعی نبود با تلفن مستقیماً مسئول واحد، آقای شریعتی سبزواری صحبت کرده و گوشی را به دست شوهر بدهید تا ایشان را با منطق قانع نمایند.

### **مردم در مراسم عزاداری کمتر از مراسم جنس ها شرکت می کنند . علت چیست؟**

#### **پرسش**

مردم در مراسم عزاداری کمتر از مراسم جنس ها شرکت می کنند . علت چیست؟

#### **پاسخ**

انسان طبیعتاً با شادی ها بیشتر مأنوس است. همه انسان ها این چنین هستند. البته اگر مراسم عزاداری از جدائیت بیشتری برخوردار باشد و از مداحان خوش صوت و از منبری های معروف دعوت شود، مردم بیشتر شرکت می کنند.

**گاهی انسان به افرادی کمک می کند که نه تنها تشکر نمی کنند، بلکه طلب کار هم می شوند و خیال می کنند وظیفه ما است که کمک کنیم. آیا به چنین افرادی باز کمک نماییم؟**

#### **پرسش**

گاهی انسان به افرادی کمک می کند که نه تنها تشکر نمی کنند، بلکه طلب کار هم می شوند و خیال می کنند وظیفه ما است که کمک کنیم. آیا به چنین افرادی باز کمک نماییم؟

#### **پاسخ**

نیکی به دیگران و احسان به آنان و برآوردن نیاز بندگان الهی از صفات بسیار پسندیده و مفید به حال انسان است. قرآن حدود چهل بار از نیکو کاران یاد کرده و در حد بالا آن ها را مورد ستایش قرار داده است: "خدا با نیکو کاران است [۱]" و "خداوند نیکو کاران را دوست دارد [۲]".

یکی در محضر امام حسین علیه السلام گفت: اگر به نا اهل نیکی شود، به هدر رفته است. حضرت فرمود: "چنین نیست. نیکی و احسان بایستی مانند باران سیل آسا باشد که هر نیک و بدی را شامل گردد [۳]". پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: "کار خیر را درباره هیچ کسچه نیک و چه بد، شایسته و ناشایست، دریغ مدار که اگر وی شایسته نیکی نبود، تو خود به این کار شایسته خواهی بود [۴]". امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: "هرگز ناسپاسی ناسپاسان تو را از احسان و نیکی، بی رغبت و دل

سرد نسازد. چه بسا کسی از تو قدردانی کند که به وی احسانی ننموده باشی. [به علاوه] خداوند نیکوکاران را دوست می دارد[۵]. حضرت در حدیث دیگر فرمود: "هر کس که با بد کار نیکی کند، به حقیقت همه ابعاد فضیلت را دارا شده است[۶]. همان گونه که آن بزرگوار از شیری که برایش آوردند، به ابن ملجم داد. اصولاً سیره اهل بیت این بود که به بدگویان و دشمنان شان نیکی می کردند.

امام زین العابدین علیه السلام پسر عموی مستمند داشت. حضرت

شب هنگام چنان که وی او را شناسد، نزدش رفت و چند دینار به او بخشید. پسر عمو گفت: علی ابن الحسین رعایت خویشاوندی را نمی کند. خدا او را سزا دهد. امام این سخنان را شنید و شکیبایی و بردباری کرد، و خود را به پسر عمویش شناساند. وقتی حضرت شهید شد و آن احسان قطع شد، آن وقت فهمید مرد نیکوکار امام زین العابدین (ع) بود. [۷]

تو نیکی می کن و درد دجله انداز

## چگونه می توان به فن بیان عالی دست یافت؟

### پرسش

چگونه می توان به فن بیان عالی دست یافت؟

### پاسخ

سخنوران معتقدند که خطابه همچون فنون و علوم بشری، اصول و ضوابطی دارد که هر کس بتواند با دقت کافی اصول و قواعد فن خطابه را به کار بگیرد، خطیب ماهری می شود. می گویند: ارسطو واضح فن خطابه بود ولی خودش خطیب و سخنور نبود. سخنور کسی است که اسلوب خطابه را در سخنرانی هایش مراعات کند.

رسیدن به مقصد اصلی و اعلا در سخنوری به سادگی امکان پذیر نیست بلکه به تمرین بسیار و اطلاعات وسیع و استقامت نیاز دارد. راه های دست یابی به این هدف عالی را می توان در چند موضوع خلاصه کرد:

الف) استعداد ذاتی:

خطیب موفق کسی است که به طور طبیعی، آهنگی جالب، بیانی فصیح و حنجره ای گرم و گیرا داشته باشد. مخارج حروف را صحیح ادا کند. گرفتار لکنت زبان و سردی بیان نشود. دلی پرسوز و سر پر شور و قلب پاک داشته باشد. به زیبایی منظر و حضور ذهن قوی و هوش سرشار آراسته باشد. چنین فردی با تمرین می تواند به قله بلند خطابه دست بیابد.

ب) مطالعه سخنان ادیبان.

سخنران نخست باید گفتار ادیبان و سخنوران زبردست را مطالعه نماید تا اسرار فصاحت و بلاغت را در کلام آن ها بیابد و تعبیرات زیبا و نغز را دریابد و شیوه به کارگیری الفاظ و روش خوب و زیبایی آن را بشناسد.

بسیاری از گویندگان معروف، در آغاز از سخنرانی های مکتوب دیگران بهره می جستند تا زمینه ذهنی خود را برای تدوین سخنرانی آماده سازند.

ج) تسلط بر نفس:



خطیب باید خود را برای تحمل شداید آماده سازد و در مقابل اشکالات

و اعتراضات و احیاناً تمسخرها صبور و بردبار باشد و از سخنرانی دلسر نشود.

(د) ریاضت و تمریم مداوم:

دیده نشده است که سخنرانی در شروع امر عیوب زیادی نداشته باشد؛ از لکننت زبان گرفته تا نارسایی بیان و فقدان الفاظ و جملات. تمامی سخنرانان این گونه عیوب را داشته اند ولی کم کم برطرف شده است.

(۵) جرأت و اعتماد به نفس:

ترس و دلهره و عدم اعتماد به نفس از عوامل بازدارنده از سخنور شدن است. اگر کسی بخواهد سخنور خوبی بشود، باید با تمرین و سخن گفتن در برابر مردم و در اجتماعات، ترس و دلهره را از خود بزدايد.

(و) معلومات و محفوظات لازم:

سخنران باید هر چه می تواند بر محفوظات خود بیافزاید. اشعار زیبا و مناسب، سخنان نغز و شیوا از بزرگانی مانند سعدی و حفظ احادیث و آیات مناسب با موضوع بحث را در حافظه داشته باشد تا سخنرانی او از جذابیت خاصی برخوردار باشد. [۲۲]

[۲۲] محمد باقر شریعتی سبزواری، درباره سخن و سخنوری، ص ۶۲ به بعد، با تلخیص.

### خواهران با حجاب و با تقوا که در جامعه رفت و آمد می کنند، چگونه از شرّ جوانان بزهکار در امان باشند؟

#### پرسش

خواهران با حجاب و با تقوا که در جامعه رفت و آمد می کنند، چگونه از شرّ جوانان بزهکار در امان باشند؟

#### پاسخ

عامل مهمی که در شرایط ناسالم، فرد را از آلوده شدن به گناه باز می دارد، شرم و حیا است. هر چه حیا بیش تر باشد، نیروی بازدارنده قوی تر خواهد بود. امام علی (ع) می فرماید: "عفت و پاکدامنی به اندازه شرم و حیای انسان است". [۱۸]

پیشوایان دین به منظور حفظ عفت عمومی و امان بودن از تیررس نگاه های آلوده صیادانِ هوس ران به زنان توصیه کرده اند جز به ضرورت از خانه خارج نشوند. امام علی (ع) می فرماید: "آن ها را در پرده حجاب قرار داده تا نامحرمان را ننگرند، زیرا سخت گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است". [۱۹] اگر از منزل خارج شدند، با متانت و وقار سخن بگویند و رفت و آمد داشته باشند. قرآن مجید به زنان پیغمبر دستور می دهد که به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند. [۲۰] تجربه نشان داده است که مراعات حجاب و حیا توسط دختران موجب حراست و سلامت روحی آن ها می شود. جوانان بزهکار معمولاً سراغ افرادی می روند که چراغ سبزی از آن ها ببینند اما اگر با افرادی متین و با وقار و با شخصیت مواجه شوند، ممکن است ابتدا سخنی ناپسند بگویند اما قطعاً وقتی با عکس العمل سخن طرف رو به رو شوند، از

ادامه و تکرار آن جلوگیری می کنند.

[۱۸] غررالحکم، ج ۴، ص ۳۱۲.

[۱۹] نهج البلاغه، نامه ۳۱.

[۲۰] احزاب (۳۳) آیه ۳۲.

**این که پیامبر اسلام از سؤال و خواهش از دیگران نهی نموده آیا فقط در خصوص مسائل مالی و اقتصادی است یا شامل مسائل علمی و سائر مسائل نیز می شود؟**

**پرسش**

این که پیامبر اسلام از سؤال و خواهش از دیگران نهی نموده آیا فقط در خصوص مسائل مالی و اقتصادی است یا شامل مسائل علمی

## پاسخ

سؤال و پرسش های علمی از اهل علم و متخصصان لازم و ضروری است قرآن می فرماید: " فاستلوا أهل الذکر ان کنتم لا تعلمون؛ [۱۵] اگر نمی دانید از متخصصان سؤال کنید ". امیرالمؤمنین ع فرمود: " القلوب أفعال مفتاحها السؤال؛ [۱۶] قلبها قفل زده شده کلید آن سؤال است ".

پیامبر(ص فرمود: " العلم خزائن و مفتاحها السؤال فاستلوا یرحمکم الله فانّه یوجر فیہ اربعه السائل والمعلّم و المستمع و المسامع والمحّب لهم؛ [۱۷] کلید خزینه های علم سؤال است پس برسید تا مورد رحم الهی قرار گیرید. درباره سؤال چهار دسته اجر می برند: سؤال کننده و معلّم و شنونده و دوستداران علم و عالم ".

باز پیامبر(ص فرمود: " السؤال نصف العلم؛ [۱۸] سؤال نیمی از علم است ".

بنابراین سؤال کردن در باب مسائل علمی نه تنها مذموم نیست بلکه خوب است البته در این باب باید سؤال های علمی مفید و به قصد یادگیری باشد، نه به قصد مفتضح کردن دیگری یا سؤال های بی فائده همان طور که در روایات به آن ها اشاره شده است

قرآن می فرماید: " فقیرانی که مؤمن هستند، از دیگران سؤال نمی کنند. هر کس آنان را نشناسد، می پندارد که غنی هستند، چون ظاهر خود را طوری نشان می دهند که آبروی خود را حفظ کنند ". [۱۹]

پیامبر(ص به ابوذر فرمود: " از سؤال و درخواست از دیگران پرهیز کن چون باعث ذلت و خواری است و حساب طولانی روز قیامت گردنگیر سائل خواهد شد ". [۲۰]

امیرالمؤمنین ع فرمود: " سؤال کردن طوق مذلت و خواری است که

عزیز را ذلیل

می نماید و حسب و نسب را زائل می کند". [۲۱]

امام صادق ع فرمود: " شیعیان ما حتی اگر از گرسنگی بمیرند، دست گدایی به سوی کسی دراز نمی کنند". [۲۲]

پیامبر (ص فرمود: " اگر کسی باب سؤال را روی خود باز کند، بابتی از فقر به سوی او باز می شود". [۲۳]

[۱۵] نحل (۱۶) آیه ۴۳.

[۱۶] میزان الحکمه عنوان ۱۷۰۲.

[۱۷] همان

[۱۸] همان

[۱۹] مضمون آیه ۲۷۲ بقره

[۲۰] میزان الحکمه عنوان ۱۷۰۸

[۲۱] همان

[۲۲] همان

[۲۳] همان عنوان ۱۷۱۱.

**همسرم دوست ندارد هیچ کس حتی دشمن از او ناراحت شود. آیا این فکر و روش صحیح است**

**پرسش**

همسرم دوست ندارد هیچ کس حتی دشمن از او ناراحت شود. آیا این فکر و روش صحیح است

**پاسخ**

دوست داشتن مردم صفت پسندیده ای است که در اولیای الهی دیده می شود. قرآن مجید پیامبر اسلام (ص) را "رحمه للعالمین معرفی می کند و می فرماید: "تو نفرستادیم مگر این که برای جهانیان مهر و رحمت باشی" [۱] حضرت سمبل عشق و محبت انسانی بود و به همه چیز مهر می ورزید، حتی حیوانات و جمادات

در تاریخ آمده است وقتی از کنار کوه احد می گذشت با چشمان پرفروغ و نگاه محبت آمیز احد را مورد عنایت قرار داد و

گفت " جیل یحٰبنا و نجبه ؛ کوهی است که ما را دوست دارد و ما آن را دوست داریم " [۲]

استاد مطهری می گوید: معنای محبت آن نیست که با هر کسی مطابق میل و خوشایند او عمل کنیم با او طوری رفتار کنیم که او خوشش بیاید و به سوی ما کشیده شود. این محبت نیست بلکه نفاق و دورویی است [۳] علاوه بر این " محبت تنها داروی علاج بشریت نیست در مذاق ها و مزاج هایی خشونت نیز ضرورت دارد و مبارزه و دفع و طرد لازم است اسلام هم دین جذب و محبت است و هم دین دفع و نقت [۴] انسان کامل هم جابه دارد و هم دافعه نمونه اش شخصیت جامع امام علی (ع) است که به قول استاد مطهری مردی دشمن ساز و ناراضی ساز بود. [۵] علی در راه خدا از کسی ملاحظه نداشت بلکه اگر به کسی عنایت می ورزید و از کسی ملاحظه می کرد، به

خاطر خدا بود. این حالت دشمن ساز است و روح های پرطمع و پرآرزو را رنجیده می کند و به درد می آورد.

"در میان اصحاب پیغمبر هیچ کس مانند علی دوستانی فداکار نداشت هم چنان که هیچ کس مانند او دشمنانی این چنین جسور و خطرناک نداشت مردی بود که حتی بعد از مرگ، جنازه اش مورد هجوم دشمنان واقع گشت. [۶]

تولی و تبری یعنی دوست داشتن دوستان خدا و دشمن داشتن دشمنان خدا، که از موضوعات مهم مکتب اسلام است تا جایی که جزء فروع دین و در کنار نماز و روزه است

پاورقی:

۱ - انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۷.

۲ - بحارالانوار ج ۲۱، ص ۲۴۸.

۳ - استاد مطهری، جاذبه و دافعه، ص ۱۴.

۴ - همان، ص ۱۶.

۵ - همان، ص ۱۰۸.

۶ - همان، ص ۱۰۹.

### چه جاذبه ای در رهبر وجود دارد که به قلبهای مردم اثر عمیق و پایدار می گذارد؟

#### پرسش

چه جاذبه ای در رهبر وجود دارد که به قلبهای مردم اثر عمیق و پایدار می گذارد؟

#### پاسخ

قبل از هر چیز توجه شما را به دو نکته جلب می نمایم.

نخست آنکه رهبری در جامعه دینی از یک جایگاه خاص، ویژه و والایی برخوردار است که در وهله اول، حاکمیت از آن خداوند، سپس انبیا (ع) و ائمه هدی (ع) است و در زمان غیبت امام معصوم (عج)؛ رهبری برعهده فقیه یا فقیهان جامع الشرائط است.

بنابراین در جامعه اسلامی شیعه، رهبری فقیه، یعنی استمرار رهبری انبیا و اولیا، در قالب و مرحله ی نازل تر، که امروزه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان ولی فقیه تجلی و اشتهار یافت.

نکته دوم اینکه همان طور که از آیات و احادیث استفاده می شود؛ رهبرانی چون انبیا و ائمه هدی (ع) می بایست مصون از هرگونه عیب و نقص پنهانی و آشکار باشند و علاوه بر عصمت در گفتار و کردار، عصمت در اندیشه نیز داشته باشند؛ و از لحاظ علمی، اخلاقی، اجتماعی، فردی و... سرآمد افراد جامعه باشند و به عبارت دیگر جامع همه خوبی ها و مبرا از هرگونه عیب باشند تا در نزد مردم جایگاه لازم را بدست آورده و در نتیجه محبوب دلها گشته و کلامشان در جان ناس و مردم نافذ افتد.

(اگر چه ما قصد مقایسه کسی را با ائمه هدی نداریم چون احدی را مقایسه با آنان نسزد) ولی بسیاری از این ویژگی ها - به غیر از عصمت به معنای خاص خودش، علم غیب و... - در مرحله نازلتر نیز می بایست در فردی که رهبری جامعه دینی را در زمان غیبت امام معصوم به عنوان



رهبر و ولی فقیه به عهده می گیرد؛ یافت شود؛ تا هم نزد عده ای از خرده گیران مغرض و کوتاه نظر که حتی بر پیامبر (ص) ایراد می گرفتند که چرا غذا می خورد، در بازار راه می رود و... مورد طعنه قرار نگیرد و هم نزد آحاد مردم، به جایگاه محبوبیت و نفوذ کلام نائل آید؛ و بتواند همچون ناخدایی با درایت و ماهر، سکان داری امین برای کشتی در حال حرکت جامعه اسلامی باشد و آن را به ساحل سعادت، پیشرفت و تکامل مادی و معنوی رهنمون گردد.

مخاطب گرامی! اگر چه سؤال شما کلی است ولی از آنجا که به نظر می رسد مقصود شما رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای ادام الله ظلّه علی رئوس المسلمین باشد؛ به طور اختصار در حد بضاعت اندک خویش نکاتی را به قلم می آوریم:

۱ - اخلاص: اگر کسی سعی کند در تمامی مراحل زندگی، برای خداوند متعال زندگی کند و زندگی اش را صبغه ی الهی ببخشد یقیناً کلام او، شخصیت او و حتی نام او به خاطر همین رنگ الهی، محبوب بندگان مخلص خداوند خواهد شد. و رهبری از جمله کسانی است که از دوران طلبگی، دوران مبارزات، دوران تبعید و غربت،

دوران ریاست جمهوری و عزت و دوران کنونی، چرخه ی زندگی و مراحل یاد شده را بر محور اخلاص خدایی بودن به چرخش درآورد.

۲ - ساده زیستن: به طور کلی مردم شخصیتها و چهره های علمی و مذهبی جامعه را که دارای زندگی ساده و دور از تجملات و پرزرق و برق باشد را دوست می دارند. و گفتار او را با عمل او صادق دانسته و نسبت بدان ها، شنوا خواهند بود.

و طبق اظهارات افراد مطلع، زندگی معظم له از همان ابتدا ساده بود و به خصوص در دوران رهبری که چه بسا نقل برخی خصوصیات و ویژگی های زندگی زاهدانه ایشان برای بسیاری قابل باور نباشد.

۳ - مظلومیت: همواره مردم، فرد مظلوم را دوست می داشتند به خصوص مظلومی که خود در رأس حکومت قرار داشته باشد. به یاد سخنی از امام علی (ع) که فرمود: تاکنون می پنداشتم! این حکومت هایند که به مردم خویش ستم می دارند اما اکنون دریافتم که حکومت و رهبری هم ممکن است مظلوم واقع شود.

باور بفرمایید که رهبری انقلاب نیز از سوی برخی دوست نماها و یا دوستان ناآگاه مورد ظلم قرار گرفتند. که فرمود: اگر فردای قیامت اجازه یابم خواهم گفت!

۴ - تسامح و تساهل: گذشت و اغماض نسبت به آن چه که مربوط به حقوق شخصی باشد.

۵ - قاطعیت در برابر حقوق جامعه و ارزش های اسلامی و دینی

۶ - ابهت و صلابت در برابر دشمنان؛

۷ - تواضع و مهربانی در برابر مؤمنان و دوستان؛

۸ - شرح صدر و دریادلی، در جهت تحمل مخالفان؛

۹ - عملکرد فراجناحی؛

۱۰ - غمخواری دلسوزی محرومان و صاحبان اصلی انقلاب؛

۱۱ - دارا بودن مدال افتخار جانبازی؛

۱۲ - افتخار سیادت و کسوت روحانیت ؛

۱۳ - تدبیر و کاردانی در امور داخلی و خارجی و عبور دادن کشور و جامعه از بحرانی ترین حوادث؛

۱۴ - اطاعت، همراهی و پیروی از خط امام خمینی (ره)؛

۱۵ - حسن خلق؛

۱۶ - و...

همه ی این ها از عواملی است که موجب محبوبیت و نفوذ کلام رهبری در جامعه اسلامی است.

**چرا خوبی کردن سخت است؟**

چرا خوبی کردن سخت است؟

پاسخ

خوبی کردن سخت است. واقعیتی است که در بسیاری از انسان ها و بلکه اغلب آن ها وجود دارد: جهت شفافیت مطلب به مقدمه ذیل توجه کنید:

"انسان در بدو تولد حیوان بالفعل و انسان بالقوه است، یعنی بُعد حیوانی انسان که متضمن حفظ و اراده حیات او است، به صورت بالفعل موجود است. تمامی غرایزی که با هدف حفظ و بقای حیات در انسان وجود دارند از قبیل خوردن، خوابیدن، میل جنسی (و هوس گرایی و دنیاطلبی) همگی از بُعد حیوانی او سرچشمه می گیرند.

بر خلاف بُعد حیوانی که در بدو تولد به صورت بالفعل موجود است، بُعد انسانی او در این هنگام به صورت بالقوه است، یعنی به مثابه بذرهایی است که در درون او پاشیده شده و در صورت پرورش صحیح به صورت آن چه که ارزش های والای انسانی یا فطرت انسانی نامیده می شود، درخواهد آمد.

هم چنان که اگر این بذرها در درون انسان در زیر خروارها غفلت و فراموشی دفن گردد یا به دست خود انسان ضایع شود، وی از مرز حیوانیت تجاوز نکرده و احیاناً به مراحل پست تر از حیوانات  $G$ .....می نماید". (۱)

به دیگر بیان: نیکی گرایی و فضیلت طلبی که از ابعاد فطرت انسانی است و به صورت بذرهایی در درون آدمی نهفته می باشد، نیازمند تربیت صحیح و محیط پرورشی مساعد است.

اگر همان گونه که دانه های گندم استعداد رشد و نمو دارد، داخل گونی و در انبار بماند یا در زمین شوره زار و هوای نامساعد افشانده شود، به خوشه و مزرعه گندم تبدیل نمی شود، ابعاد فطرت آدمی (مثل نیکی گرایی که منشأ خوبی کردن است) تا در فضای تربیتی سالم

و محیط پرورشی مناسب قرار نمی گیرد و از غفلت و فراموشی بیرون نیاید، به مقام انسانیت نمی رسد. در این صورت اگر چه به ظاهر انسان است اما در درون یک موجود مسخ شده و منقلب از حقیقت خود و ماهیت انسانی خویش است. از این رو تمایلی به کمالات انسانی از جمله گرایش به خوبی نخواهد داشت. البته باید توجه داشت که اگر چه نیروهای غریزی در انسان ها بالفعل و گرایش به نیکی ها

و ارزش های انسانی به صورت فطری در انسان قرار دارد، اما خداوند برای تأیید و تقویت نیروهای فطری و شکوفایی استعداد های عالی انسانیت و ارزش ها و فضایل اخلاقی، عقل را به صورت رسول باطنی در انسان قرار داده و پیامبران و رسولان ظاهری را نیز فرستاده است.

از این جهت انسان ها دچار کمبود و نقصان نیستند.

رابطه معرفت و گرایش به نیکی ها

همان گونه که غفلت و توجه بیش از حد به غرایز و تمایلات حیوانی و کم بها دادن به جنبه های انسانی و فطرت خدا جو و کمال طلب انسان، او را از رسیدن به مقام انسانیت محروم می کند، در نتیجه یا گرایش به سوی خوبی ها نخواهد داشت و یا با سختی و بی میلی کارهای خوب را انجام می دهد، شکوفایی و ظهور هماهنگ ابعاد فطرت کمال جو و گرایش های عالی انسانی نیز، انجام دادن مطلق کارهای خوب را شیرین و لذت بخش خواهد کرد. میزان سهولت و شیرینی انجام کارهای خوب (اگر چه سنگین و ذاتاً سخت باشد) به میزان "عشق و علاقه" فرد بستگی دارد. کمیت عشق و علاقه نیز به میزان شکوفایی فطرت و بروز استعدادهای بالقوه و گرایش های عالی و

خداجوی انسان وابسته است.

چنان که میزان شکوفایی فطرت به میزان معرفت و آگاهی است.

هر چه معرفت و شناخت بیشتر باشد، جنبه قدسی و معنوی و خشوع و تسلیم پذیری در برابر فرمان خدا بیشتر است: "إنما یخشی الله من عباده العلماء". (۲)

چون کارهای خوب را فرمان محبوبش (خدا) می داند و انجام آن را وسیله نزدیکی و تقرب به معشوق می شناسد، عشق به انجامش در وی پدیدار می گردد.

"صفات و ملکات فاضله اخلاقی از طریق تکرار اعمال مناسب با آن ها در درون انسان به وجود می آیند. طبیعی است تا عملی در سایه تکرار به صورت صفت ثابت و ملکه در نیامده، انجامش مشکل و غالباً همراه با زحمت و مشقت است". (۳) باید کارهای خوب را آن قدر تکرار کرد تا به صورت کرامت اخلاقی و ملکه درونی در آید.

پی نوشت ها:

۱. اخلاق اسلامی (درس مشترک کلیه رشته ها) سال اول مراکز تربیت معلم، کد ۱۰۲۰، ص ۱۵.

۲. فاطر (۳۵) آیه ۲۸.

۳. اخلاق اسلامی، درس مشترک کلیه رشته ها، سال اول مراکز تربیت معلم، کد ۱۰۲۰، ص ۲۰۶.

**می گویند انسان ها نسبت به چیزی که از آن منع می شوند، حریص تر می گردند، پس چرا اسلام بر پوشش و عدم روابط زن و مرد تأکید دارد؟**

**پرسش**

می گویند انسان ها نسبت به چیزی که از آن منع می شوند، حریص تر می گردند، پس چرا اسلام بر پوشش و عدم روابط زن و مرد تأکید دارد؟

**پاسخ**

طرفداران اخلاق جنسی معتقدند: آتش میل و رغبت بشر در اثر منع و محدودیت فزونی می گیرد و مشتعل تر می گردد اما در اثر ارضا و اشباع، کاهش می یابد و آرام می گیرد. برای این که بشر را از توجه دائم به امور جنسی و عوارض ناشی از آن منصرف کنیم، یگانه راه صحیح آن است که هر گونه قید و ممنوعیتی را از جلوی پایش برداریم و به او آزادی بدهیم. (۱) فروید و پیروان وی بر این اساس معتقد به آزادی غریزه جنسی شده اند اما استاد مطهری می گوید: "اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته اند تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع بی حد و حصر آن ها است. این ها فقط متوجه محدودیت ها

و ممنوعیت ها و عواقب سوء آن ها شده اند. طرحشان این است که برای ایجاد آرامش این گزینه باید به آن آزادی مطلق داد. این ها چون یک طرف قضیه را خوانده اند، توجه نکرده اند همان طور که محدودیت و ممنوعیت، گزینه را سرکوب و تولید عقده می کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات در آوردن، آن را دیوانه می سازد و چون این امکان وجود ندارد که هر خواسته ای برای هر فردی برآورده شود، بلکه امکان ندارد همه خواسته های بی پایان یک فرد برآورده شود، گزینه بدتر سرکوب می

شود و عقده روحی به وجود می آید". (۲) به نظر استاد مطهری برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: ارضای غریزه در حد نیاز طبیعی و دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن. (۳) اما این که می گویند: انسان نسبت به چیزی که از آن منع شود حریص است، مطلب صحیحی است، ولی نیازمند به توضیح است. انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود. به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کنند اما او را ممنوع سازند. اگر امری اصلاً عرضه نشود یا کم تر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت بدان کم تر خواهد بود. (۴)

"فروید" که طرفدار سرسخت آزادی غریزه جنسی بود، متوجه شد خطا رفته است، از این رو پیشنهاد کرد باید آن را از راه خاص خودش به مسیر دیگری منحرف کرد. "راسل" نیز که به آزادی جنسی معتقد است، اعتراف کرده که عطش روحی در مسائل جنسی غیر از حرارت جسمی است. آن چه با ارضا تسکین می یابد، حرارت جسمی است، نه عطش روحی. یعنی روح انسان سیری ناپذیر است و اگر چه شاید از نظر حرارت جسمی در زمانی ارضا شود، اما چون انسان روح سیری ناپذیر دارد، به آن حد قناعت نمی کند و می خواهد از آن هم بالاتر رود. پس باید گفت: آزادی در روابط زن و مرد و یا بی توجهی به حجاب، از حرص و ولع نسبت به شهوت، پیشگیری نمی کند، بلکه سبب شعله ور شدن شهوات می گردد. آمار موجود در جهان گویای این واقعیت است. ره

آورد آزادی جنسی در عصر حاضر، رفتارهای خشونت آمیز در روابط جنسی و استفاده قهر آمیز از زنان و آزار جنسی در محل کار و بیماری های مقاربتی از جمله ایدز است. در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دوره زندگی شغلی خود به مدت طولانی دچار آزار جنسی می گردند. در مورد تجاوز جنسی نیز بررسی ها در لندن آشکار ساخت که از هر شش تن یک تن مورد تجاوز قرار گرفته بود. (۶) بر این اطلاعات باید آمار همجنس بازی ها و کشانده شدن به راه های دیگر را اضافه کنیم که همه نشان از آن دارد که عطش روحی هیچ گاه سیری پذیری نیست. اگر آزادی جنسی و روابط آزاد زن و مرد، حرص و ولع را کاهش می دهد، پس اتفاقات در غرب ناشی از چیست؟ بهتر است بگوییم آن قدر پیامدهای بد زیاد است که نسبت به آن بی اهمیت شده اند، نه آن که دیگر تجاوزات و راه های انحراف مانند همجنس بازی دیگر وجود ندارد. مانند این که کسی به خانه ای وارد می شود و می بیند بچه های خانه دیوار را خراب کرده، فرش ها را پاره کرده و ظرف ها را شکسته، آن وقت می بیند مادر خانه اصلاً ناراحت نیست یا توجه نمی کند. عدم توجه مادر، نشان آن نیست که وضع خانه به هم ریخته و خراب نیست، بلکه ناشی از بی توجهی مادر به وضعیت است. اسلام نه به صورت مطلق، غریزه جنسی را محدود و سرکوب کرده و نه آن را به طور مطلق آزاد گذارده است. به نظر می



رسد راه میانه ای را مطرح کرده است و آن عبارت است از: ارضای غریزه جنسی به صورت طبیعی و قانونمند با حفظ کرامت انسانی و امنیت روانی جامعه؛ پرهیز از تحریک و تهییج غریزه جنسی و تأکید بر آسان گیری در ازدواج.

فلسفه اصلی پوشش، حیا و عفت است که خصلت بشری است و تمامی انسان ها آن را پذیرفته اند. البته نتایج دیگری نیز بر پوشش مترتب است، مانند سلامت جامعه و حفظ اصالت خانواده.

جهت مطالعه بیشتر، کتاب مسئله حجاب از استاد مطهری، کتاب زن از مهدی مهریزی را معرفی می نمایم.

پی نوشت ها:

۱. استاد مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، ص ۲۶.

۲. همان، مسئله حجاب، ص ۱۳۰-۱۴۰.

۳. همان، ص ۱۰۴.

۴. همان، ص ۱۰۵.

۵. همان، ص ۹۸.

۶. مجله کتاب نقد، ش ۱۷، ص ۲۷۵.

## چرا انسان اجتماعی زندگی کردن را دوست دارد؟

### پرسش

چرا انسان اجتماعی زندگی کردن را دوست دارد؟

### پاسخ

آیا انسان تنها زندگی کردن را دوست دارد؟ آیا می تواند احتیاجاتش را به تنهایی برآورد؟ آیا می تواند جدا از جامعه قرار گیرد؟! روشن است که به تنهایی قادر نیست زندگی را اداره کند. به چرخش درآورد، بلکه در این امر نیاز به دیگران دارد و با کمک و همیاری آنها می تواند به زندگی ادامه دهد.

تاریخ این مسئله را به خوبی نشان می دهد که انسان ها به طور اجتماعی و دسته جمعی زندگی کرده اند و بنیان آفرینش بر اساس "اجتماعی بودن انسان" نهاده شده است. خدا در قرآن می فرماید: "ای مردم! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و به صورت ملت ها و قبیله ها درآوردیم که یکدیگر را بشناسید". (۱) و "هر یک از شما وابسته به دیگری است". (۲) و "

مردم جز یک امت نبودند که بعداً پراکنده شدند". (۳)

پس می توان نتیجه گرفت که "اجتماعی بودن انسان" اصل است، زیرا هر فرد فطرتاً اجتماعی است. (۴) و از تنهایی و تنها زندگی کردن خوشش نیامده، بلکه آن را بد می داند، چرا که رشد و تکامل انسان در اجتماع است، به همین دلیل اسلام همه احکام خود را در قالب اجتماع ریخته و روح اجتماع را تا آخرین حد ممکن در انسان دمیده است". (۵)

از این رو انسان دوست دارد اجتماعی باشد و در جامعه زندگی کند. البته این نظریه مطابق با نظریه "مدنی بالطبع بودن" انسان است که درباره اجتماعی بودن آدمی بیان شده است.

اما نظریه دیگر این است که در انسان میلی است که او را به

انزوا و زندگی فردی می راند و او دوست دارد همواره در خود فرو رود و مجرد پیشه کند، اما از آن جا که زیستن در انزوا مخاطره آمیز است و انسان نمی تواند به تنهایی نیازهای خود را تأمین کند، مجبور است در اجتماع به سر برد. مطابق این دیدگاه انسان منزوی بالطبع و مدنی بالجبر" است؛ (۶) یعنی به اضطرار و اجبار زندگی اجتماعی را برگزیده، زیرا با خود حساب کرده که جز در زندگی اجتماعی نمی تواند به خواسته ها و نیازهای خود دست یابد، به همین خاطر زندگی اجتماعی را به رغم تمام مشکلات و محدودیت هایی که برای انسان ایجاد می کند، برگزیده است.

پی نوشت ها :

۱ - حجرات (۴۹) آیه ۱۳.

۲ - آل عمران (۳) آیه ۱۹۵.

۳ - یونس (۱۰) آیه ۱۹.

۴ - علامه طباطبایی، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۵.

۵ - همان، ص ۱۱.

۶ - محمد اسفندیاری، بعد اجتماعی اسلام، ص ۱۶.

**بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟**

### **پرسش**

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

### **پاسخ**

اگر چه پوشیدن یا نپوشیدن لباس طلبگی ارتباطی به شخصیت حقیقی افراد ندارد، نیز تأثیری بر آن نخواهد گذارد، اما به عنوان نماد و ابزار تبلیغ، کاربرد وسیعی دارد. شخصی که طلبه می شود، اگر بخواهد تبلیغ دین کند با پوشیدن این لباس مقدس، خود را به عنوان عالم به احکام و معارف دینی معرفی می کند تا بشناسند و بدانند احکام اسلامی و اصول و فروع دین را باید از چه کسی بیاموزند.

البته در این بین هستند کسانی که خودسازی نکرده اند و با پوشیدن لباس طلبگی، از این موقعیت سوء استفاده می کنند یا ناگاهانه موجب بدگمانی دیگران می شوند، با این حال دلیل نمی شود شخصی که به خاطر تبلیغ اسلام به طلبگی رو می

آورد و به این هدف مقدس ایمان و اعتقاد دارد، به خاطر عملکرد غلط بعضی که منجر به سوء ظن افراد شده یا می شود ، از پوشیدن لباس روحانی منصرف شود، بر عکس، چنین فردی می بایست در این راه قاطعانه تر عمل کند تا با الگو شدن نزد مردم، نقایص و کاستی های دیگر هم صنفان خود را جبران کند. به عبارت دیگر افراد شایسته باید این لباس را بپوشند، تا شأن و مقام روحانیت و ارزش این لباس حفظ شود. کنار رفتن افراد شایسته ، به معنای تأیید کار کسانی است که احیاناً از این لباس استفاده نامطلوب می کنند.

نیز باید یادآوری کرد افراد

و شخصیت های با عظمتی چون حضرت امام را که هیچ کس حداقل در قرن اخیر به پایه او نرسیده است. او همین لباس را می پوشید و یا مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری.

پس به خاطر حرف دیگران نباید از ادامه کار مأیوس شد. لباس روحانیت دارای پیام است و آن، دعوت به اسلام و یاد خدا و آخرت می باشد. در این شرایط که زخم زبان ها زیاد شده، پوشیدن لباس روحانیت یک نوع مجاهده با نفس حساب می شود که اگر برای خدا باشد، ثواب دارد. این تصور که بدون این لباس، بهتر می توان از دین اسلام تبلیغ کرد، به دلایل متعدد نمی تواند مورد قبول باشد. از مهم ترین آفات این تفکر، جدایی انداختن بین دین و روحانیت است و این فکر اشتباه که مردم معارف و حقایق دین را از شخص غیر روحانی بهتر و صحیح تر می آموزند.

### **چرا هر چه میزان سواد دانشگاهی افراد اضافه می شود، به تنهایی آن ها نیز افزوده می گردد؟**

#### **پرسش**

چرا هر چه میزان سواد دانشگاهی افراد اضافه می شود، به تنهایی آن ها نیز افزوده می گردد؟

#### **پاسخ**

این جمله و مفهوم نمی تواند کلی باشد و در مورد همه صادق باشد. در مورد انسان ها ، می تواند نتایج متفاوت داشته باشد. در طرف عکس آن نیز به گونه کلی، نمی تواند درست باشد.

در هر حال یکی از عوامل احساس تنهایی، غفلت از یاد خدا است و در این جهت فرقی نیست بین این که شخصی سواد دانشگاهی داشته باشد یا در این سطح نباشد. البته هر چه به علم انسان افزوده می شود، آسیب پذیری او نیز بیش تر می گردد، زیرا غرور علمی باعث می شود برای خود شأن و منزلتی قائل باشد. در این صورت زمینه غفلت و فراموشی خدا فراهم می گردد. قرآن مجید تنها عامل آرام بخش دل ها را یاد خدا می داند : "ألا بذكر الله تطمئن القلوب؛ یاد خدا موجب آرامش دل ها است". (۱) کسی که خدا را فراموش کرده و دنیا را به جای آن برگزیده است، همواره از بابت آن چه دارد، در بیم و نگرانی می باشد و از بابت آن چه ندارد، در حسرت و اندوه به سر می برد.

قرآن مجید یکی از آثار روگردانی از یاد خدا را تنگی زندگانی دنیوی معرفی کرده است. (۲)

اما کسی که به خدا توجه دارد، برای خود تکیه گاهی مطمئن یافته است و با شدید ترین طوفان ها به تلاطم نمی افتد.

او با خود می گوید که اگر تنها ترین هم باشم ، باز او با من است ، چرا که او همه

جا هست و از رگ گردن به انسان نزدیک تر است.

یکی از مظاهر غرور علمی به خصوص میان قشر تحصیل کرده ما دین گریزی است، زیرا کسی که دچار این حالت شد، روح خضوع را از دست می دهد و نمی تواند با تذلل اظهار بندگی نماید، از این رو اسلام در کنار علم، تهذیب نفس را مطرح کرده است، زیرا علم اگر با تقوا همراه نباشد، حجاب و مانع خداپرستی خواهد شد.

پی نوشت ها :

۱ - رعد (۱۳) آیه ۲۸.

۲ - طه (۲۰) آیه ۱۲۴.

### اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟

#### پرسش

اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟

#### پاسخ

هدف نظام های اجتماعی مادی و غیر الهی، بهره مندی از مزایای زندگی دنیا و به عبارتی سعادت دنیایی است. از این رو آنها اساس زندگی اجتماعی را قوانین مورد پذیرش و قراردادی میان اعضای اجتماع می دانند. اما اسلام از آنجا که برای انسان سعادت اخروی نیز قایل است و می داند که نیل به این سعادت ممکن نیست مگر از طریق معارف الهی که جمله آنها به توحید برمی گردند. اساس اجتماع را دین توحیدی قرارداده است و بر اساس همین دین توحیدی است که قوانین گوناگون جعل کرده است. ضمان اجرای این قوانین را نیز اولاً به دست حکومت اسلامی سپرده و سپس بر عهده جامعه اسلامی قرار داده است.

### از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

#### پرسش

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

#### پاسخ

از آیات کریمه قرآن استفاده می شود که اجتماعی بودن انسان، در متن خلقت و آفرینش او پی ریزی شده است. در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ إِكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ إِتْقَانُكُمْ».

[ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید (نه اینکه به این وسیله بر یکدیگر تفاخر کنید). همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند متقی‌ترین شماست.]

انسان به گونه‌ای آفریده شده که به صورت گروه‌های مختلف ملی و قبیله‌ای درآمده است؛ با انتساب به ملیت‌ها و قبیله‌ها، بازشناسی یکدیگر که شرط لاینفک زندگی اجتماعی است صورت می‌گیرد؛ یعنی اگر این انتساب‌ها که از جهت‌ی وجه اشتراک افراد و از جهت‌ی وجه افتراق افراد است نبود، بازشناسی ناممکن بود و در نتیجه زندگی اجتماعی که بر اساس روابط انسان‌ها با یکدیگر است امکان‌پذیر نبود.

انسانها از نظر امکانات و استعدادها یکسان و همانند آفریده نشده‌اند، که اگر چنین آفریده شده بودند، هر کس همان را داشت که دیگری دارد و همان را فاقد بود که دیگری فاقد است و طبعاً نیاز متقابلی و پیوندی و خدمت متبادلی در کار نبود. خداوند انسانها را از نظر استعدادها و امکانات جسمی و روحی و عقلی و عاطفی، مختلف و متفاوت آفریده است؛ بعضی را در بعضی از مواهب، بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داده است و احیاناً آن بعض دیگر را بر این بعض، در بعضی دیگر از

مواهب برتری داده است و به این وسیله همه را بالطبع نیازمند به هم و مایل به پیوستن به هم قرار داده و به این وسیله زمینه زندگی به هم پیوسته اجتماعی را فراهم نموده است.

## از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

### پرسش

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

### پاسخ

از آیات کریمه قرآن استفاده می شود که اجتماعی بودن انسان، در متن خلقت و آفرینش او پی ریزی شده است. در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ إِكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ إِتْقَانُكُمْ».

[ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید (نه اینکه به این وسیله بر یکدیگر تفاخر کنید). همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند متقی‌ترین شماست.]

انسان به گونه‌ای آفریده شده که به صورت گروه‌های مختلف ملی و قبیله‌ای درآمده است؛ با انتساب به ملیت‌ها و قبیله‌ها، بازشناسی یکدیگر که شرط لاینفک زندگی اجتماعی است صورت می‌گیرد؛ یعنی اگر این انتساب‌ها که از جهتی وجه اشتراک افراد و از جهتی وجه افتراق افراد است نبود، بازشناسی ناممکن بود و در نتیجه زندگی اجتماعی که بر اساس روابط انسانها با یکدیگر است امکان پذیر نبود.

انسانها از نظر امکانات و استعدادها یکسان و همانند آفریده نشده‌اند، که اگر چنین آفریده شده بودند، هر کس همان را داشت که دیگری دارد و همان را فاقد بود که دیگری فاقد است و طبعاً نیاز متقابلی و پیوندی و خدمت متبادلی در کار نبود. خداوند انسانها را از نظر استعدادها و امکانات جسمی و روحی و عقلی و عاطفی، مختلف و متفاوت آفریده است؛ بعضی را در بعضی از مواهب، بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داده است و احیاناً آن بعض دیگر را بر این بعض، در بعضی دیگر از



مواهب برتری داده است و به این وسیله همه را بالطبع نیازمند به هم و مایل به پیوستن به هم قرار داده و به این وسیله زمینه زندگی به هم پیوسته اجتماعی را فراهم نموده است.

## از نظر قرآن آیا امت ها حیات مستقل دارند؟

### پرسش

از نظر قرآن آیا امت ها حیات مستقل دارند؟

### پاسخ

قرآن برای «امت‌ها» (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قایل است (رجوع شود به المیزان، ۴/۱۰۲) بدیهی است که «امت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی حیات قائل است، که حیات جمعی و اجتماعی است.

جامعه‌ها از آن جهت که در شمار موجودات زنده و شاعر و مکلف و قابل تخاطب هستند و اراده و اختیار دارند، نامه عمل دارند و به سوی نامه عمل خود خوانده می‌شوند.

یک امت، شعور واحد، معیارهای خاص، طرز تفکر خاص پیدا می‌کند و فهم و شعور و ادراک هر امتی مخصوص خود آن است؛ هر امتی با معیارهای خاصی قضاوت می‌کند (لااقل در مسائل مربوط به ادراکات عملی)؛ هر امتی ذوق و ذائقه ادراکی خاص دارد؛ بسا کارها که در دیده امتی زیبا و در دیده امتی دیگر نازیباست؛ جو اجتماعی امت است که ذائقه ادراکی افراد خود را اینچنین می‌سازد.

## اسلام شرایط و موانع پذیرش دعوت را چه می‌داند؟

### پرسش

اسلام شرایط و موانع پذیرش دعوت را چه می‌داند؟

### پاسخ

در اسلام شرایط و موانع غالباً و یا همیشه در حول فطرت دور می‌زند. اسلام شرط پذیرش دعوت خود را پاک بودن، دغدغه و نگرانی و احساس مسؤولیت در برابر آفرینش داشتن و زنده به حیات فطری بودن می‌داند. متقابلاً در موانع، از فساد روحی و اخلاقی، اثم قلب (بقره / ۲۸۳)، رین (زنگار) قلب (مطففین / ۱۴)، مختوم شدن دلها (بقره / ۷)، نابینا شدن چشم بصیرت (حج / ۴۶)، ناشنوا شدن گوش دل (حم سجده / ۴۴)، تحریف شدن کتاب نفس (شمس / ۱۰)، پیروی از عادات پدران (زخرف / ۲۳)، پیروی از کُبرا و شخصیتها (احزاب / ۶۷)، پیروی از ظن و گمان (انعام / ۱۱۶) و امثال این امور یاد می‌کند.

اسراف و ترف و تنعم زدگی را نیز از آن جهت مانع تلقی می کند که خویهای حیوانی را تقویت و آدمی را تبدیل به یک بهیمه و یا یک درنده می نماید. این امور از نظر قرآن مانع حرکت و جنبش در جهت خیر و صلاح و تکامل جامعه است.

از نظر تعلیمات اسلامی، جوانان از کهنسالان و درویشان از ثروتمندان آمادگی بیشتری برای پذیرش دارند.

### شرط رفتن جامعه به سوی فلاح از نظر علامه طباطبائی چیست؟

#### پرسش

شرط رفتن جامعه به سوی فلاح از نظر علامه طباطبائی چیست؟

#### پاسخ

جامعه به تعبیر استاد، علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) در صورتی به سمت فلاح حرکت می کند که از سه عامل برخوردار باشد:

۱- محققانی باشند که معارف الهی را بین مردم گسترش بدهند، و جامعه را به اندیشه های عمیق دینی آگاه کنند.

۲- وعظی باشند که دلهای مردم را از راه پند و اندرز نرم کنند.

۳- دل های افراد جامعه پذیرا و رئوف باشد.

اگر جامعه ای عالم و محقق نداشت که مسائل اعتقادی را عالمانه تحلیل و بازگو کند، یا دانشمندانی محقق داشت؛ ولی واعظ نداشت که با پند و اندرز در بین مردم روحیه پذیرش ایجاد کند، یا دل های مردم پذیرای معارف نبود، هرگز آن جامعه به سمت کمال حرکت نمی کند و راهی مسیر تقوا نخواهد شد و در نتیجه حقیقتی برای آن مکشوف نمی گردد.

قرآن کریم ملتی را می ستاید که هم علما و محقق دارند، هم وعاظ و نصیحتگر و هم دل های افراد آن جامعه رقیق و مهربان است. جامعه ای که دل های افراد آن نرم و پذیرای حق نباشد، هرگز روی فلاح را نمی بیند، نظیر اسرائیل. که قرآن کریم آنها را گرفتار قساوت قلب می داند، لذا نه سخن حقی در آنها نفوذ می کند نه خیرشان به کسی می رسد. اهمیت قلب خاشع همان است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مقام نیایش می فرمود: «اللهم إني وأعوذ بك... و من قلب لا- يخشع» (بحارالانوار ۱۶/۶۳/ح ۱۰؛ مفاتیح الجنان،

تعقیب نماز عصر).

قلبی که نیت خالص دارد و مبدأ پیدایش عمل صالح است، خاشع است و قلبی که خشوع ندارد، قسی است.

### محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟

#### پرسش

محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟

#### پاسخ

خداوند عواطف اجتماعی را بر محور ایمان و تقوا و بر اساس دین الهی، کنترل و محدود کرده و اجازه تجاوز از این حدود را نمی دهد. مخالفت قرآن با عواطف و دوستی هایی که از چارچوب ملاک نامبرده تجاوز کرده باشد، شدید است و با تعابیر تند، در آیه های بسیاری، مسلمانان را از آن منع می کند. در این جا نمونه ای از این آیه ها را می آوریم:

(لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين و من يفعل ذلك فليس من الله في شئ الا ان تتقوا منهم تقاه يحذرکم الله نفسه و الى الله المصير) .

((مؤمنین نباید کافران را دوست خود گیرند و هر کس چنین کند، از سوی خدا چیزی به حساب نمی آید (و رابطه اش با خدا قطع می شود) مگر آن که بخواهد برای حفظ خود از شر آنها تقیه کند. خداوند شما را از عقاب خود می ترساند و بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود.))

شاید بتون گفت که این آیه از صریح ترین و گویا ترین آیه ها در این زمینه است که با لحنی تند، مؤمنان را از برقراری روابط دوستانه با کفار بر حذر می دارد.

### ( اختلاف امتی رحمه ) مصادیق این اختلاف چه چیزهایی می باشد؟

#### پرسش

( اختلاف امتی رحمه ) مصادیق این اختلاف چه چیزهایی می باشد؟

#### پاسخ

مقصود از (( اختلاف )) رفت و آمد و نشست و برخاست می باشد نه تضاد و درگیری ؛ مانند کلمه (( اختلاف )) در آیه شریفه : (( ان فی خلق السموات والارض و اختلاف الليل والنهار لایات لاولی الالباب )) ( آل عمران آیه ۱۹ ) که به معنای رفت و آمد شب و روز می باشد . و تفاوت آرا را از این رو اختلاف می گویند که گاه نظریه جدیدی می آید و نظر دیگر

## اشتغال

**مادری هستم دارای چهار فرزند پسر و بی سرپرست . از شوهرم طلاق گرفته ام . مدت (نه سال و سه ما) در بهداری خدمت کردم و بعد به اصرار شوهر باز خرید شدم . بعد از طلاق با مشکلاتی روبه رو و دوباره در شبکه بهداشت و درمان خدمتکار هستم . می خواستم ترتیبی بدهید اداره**

## پرسش

مادری هستم دارای چهار فرزند پسر و بی سرپرست . از شوهرم طلاق گرفته ام . مدت (نه سال و سه ما) در بهداری خدمت کردم و بعد به اصرار شوهر باز خرید شدم . بعد از طلاق با مشکلاتی روبه رو و دوباره در شبکه بهداشت و درمان خدمتکار هستم . می خواستم ترتیبی بدهید اداره بهداری آن نه سال را جزء خدمت بنده محسوب کند، تا مشکلات من حل شود.

## پاسخ

خواهر گرامی ! به علت این که جناب عالی باز خرید خدمت شده اید به نظر نمی رسد که سوابق نه ساله خدمت را برای شما مجدداً منظور کنند. اگر غیر از این باشد می توانید از کارگزینی اداره مربوطه سؤال بفرمایید.

در هر حال این واحد در مسائل اجرایی دخالت نمی کند و وظیفه پاسخ گویی به سؤالات مذهبی ، اعتقادی ، خانوادگی و... را بر عهده دارد. شما می توانید با مسئول واحد حاج آقای شریعتی سبزواری با شماره تلفن ۷۴۳۱۸۳ تماس بگیرید.

**بر اساس پیشنهادی که داده بودید که مرا به کمیته امداد معرفی کنید، تقاضا دارم به خاطر عائله مندی و کمبود فراوانی که دارم سفارش مرا به آن جابنمایید.**

## پرسش

بر اساس پیشنهادی که داده بودید که مرا به کمیته امداد معرفی کنید، تقاضا دارم به خاطر عائله مندی و کمبود فراوانی که دارم سفارش مرا به آن جابنمایید.

## پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از خداوند منان می خواهیم با دست بی منت خود به شما عنایاتش را مبذول دارد. امید است با تلاش و مقاومت و صبر در مقابل مشکلات ، همان طور که دیگران به درجات عالی رسیده اند، شما هم نایل شوید. ماسفارش شما را به کمیته امداد امام خمینی شهرتان می نمایم . امیدواریم آنان کمک خود را دریغ ندارند. البته سعی کنید به نماز جماعت حاضر شوید و بعد از نماز هادعا کنید که خداوند وسعت رزق به شما عنایت فرماید.

برای شما آرزوی موفقیت داریم .

**فعالیت افرادی که در نقاط مختلف به عنوان دعا نویس مشغول اند چگونه است ؟ بعضاً مشاهده می شود که افرادی که به آن ها مراجعه می کنند نتیجه می گیرند و راضی اند؛ نظر اسلام چیست ؟**

**پرسش**

فعالیت افرادی که در نقاط مختلف به عنوان دعا نویس مشغول اند چگونه است ؟ بعضاً مشاهده می شود که افرادی که به آن ها مراجعه می کنند نتیجه می گیرند و راضی اند؛ نظر اسلام چیست ؟

**پاسخ**

شکی نیست که یکی از عوامل مؤثر در عالم اسباب و مسببات ، دعا است ، همان طور که صله ، رحم باعث طول عمر، یا صدقه ، سبب برطرف شدن بلاها می شود، و این ها از سنت های الهی هستند، دعا هم یکی از این سنت ها است .

یکی از شرایط استجاب دعا این است که شخصی که دعا می کند یا دعا می نویسد، انسان پاک و با تقوایی باشد، چنان که نمونه هایی در بین مردم و علما داشته ایم که دعاهایشان بی جواب نمی مانده است ؛ بنابراین ، اگر دعانویس آدم خوبی بوده و دارای تقوا و نفس پاکی باشد، دعایش مستجاب می شود، اما کسانی هم پیدامی شوند که دعانویسی را وسیله امرار معاش خود قرار داده و مردم را از این راه فریب می دهند، در این صورت نمی توان به آنان اعتماد کرد و مراجعه به آنان جایز نیست .

البته پولی را که به دعانویس ها هدیه می شود، اشکالی ندارد.(۱)

(پاورقی ۱. آیت الله فاضل لنکرانی ، جامع المسائل ، ج ۱ ص ۶۲۹)

**شغل آینده را چگونه انتخاب کنیم ؟**

**پرسش**

شغل آینده را چگونه انتخاب کنیم ؟

**پاسخ**

انتخاب شغل و این که چه کاری برای انسان مفید است و آینده او را تأمین می کند، کار بسیارمشکلی است . چند نکته در مورد تصمیم گیری راجع به شغل مهم است :

۱ ذوق و سلیقه : چه بسا افرادی که در امور فنی ، ذوق و سلیقه ای ندارند و مدتی خود را معطل می کنند و بالاخره از این

کار سرخورده و ناتوان می شوند و یا افرادی دست به کاسبی می زنند و حال آن که توانایی آن کار را ندارند و بعد از مدتی شکست می خورند؛ بنابراین هر کس مخصوصاً جوانان باید ذوق و سلیقه خود را نسبت به شغل آینده شان بسنجند و ببینند چه کاری به مذاقشان می خورد.

۲ مشورت کردن با پدر یا بزرگان مخصوصاً با صاحبان حرفه و فن و آگاهی از کم و کیف آن شغل ها، بسیار مهم است هر شغلی را که علاقه دارید یا ذوقتان به آن می خورد، با افراد خوش سلیقه و صاحب همان فن مشورت کنید و از آنان پرسید: آیا این کار لازم و مفید است؟ آیا در این شهر یا روستا ظرفیت این شغل وجود دارد؟ گاهی انسان در محلی سرمایه ای را برای شغلی به کار می زند، ولی آن جا ظرفیت آن شغل را ندارد، در نتیجه با شکست روبه رو می شود. مکان شغل بسیار مهم است.

۳ پس از انتخاب شغل، انصاف و صداقت و درستکای و حُسن خلق و برخورد خوب با مشتریان بسیار مهم است.

۴ توکل بر خدا و این که رزق و روزی

به دست خدا است و او وسایل را فراهم می کند، از نکات مهم انتخاب شغل به حساب می آید.

**به نظر خودم بدشانس هستم و کار پیدا نمی کنم ، ولی امیدوارم با توکل به خدا این مشکل حل گردد، هم چنین پدرم سال ها کارگری کرده ، ولی چون با صاحب کار دوست قدیمی هستیم نمی توانیم از اوشکایت کنیم و پدرم مجبور شده است شخصاً خود را بیمه کند. لطفاً ما را در این مورد**

### پرسش

به نظر خودم بدشانس هستم و کار پیدا نمی کنم ، ولی امیدوارم با توکل به خدا این مشکل حل گردد، هم چنین پدرم سال ها کارگری کرده ، ولی چون با صاحب کار دوست قدیمی هستیم نمی توانیم از اوشکایت کنیم و پدرم مجبور شده است شخصاً خود را بیمه کند. لطفاً ما را در این مورد راهنمایی کنید.

### پاسخ

قبل از هر چیز خاطر نشان کنیم اعتقاد به بدشانسی را از ذهنتان حذف کنید، زیرا یک نوع تلقین ناپسند است ، که اگر کسی گرفتار آن شد، تا آخر عمر از آن رها نمی شود و در هر جا که زمینه نبود یا کوتاهی شد و یا مانعی وجود داشت ، تقصیر را به گردن بدشانسی می اندازد و اگر احیاناً در جایی امکان موفقیت بود، وقتی باین روحیه گام بر می دارد، چون متزلزل است و از پیش قضاوت می کند که حتماً موفق نخواهد شد، موفق نمی شود و فرصت ها را از دست می دهد.

[تو چون خود کنی اختر خویش را بدمدار از فلک چشم نیک اختر را

[وقتی خودت را بدون دلیل بدشانس معرفی می کنی ، باید تسلیم شوی و شیطان همین را می خواهد. وقتی انسان مأیوس و ناامید شد، دیگر حرکتی به سوی بهروزی و خوش وقتی نمی کند و به دنبال نیک بختی نیست .

چنین انسانی که روحیه کفر در وجودش هست ، رفته رفته نا امید و افسرده می گردد و نعمت ها و خوبی ها و توانایی ها را نادیده می گیرد و رفته رفته به یک انسان ناامید تبدیل می گردد که دیگر امیدی به او نیست

هرگز فال بد نزنید و خود را بدشانس ندانید که عاقبت خوبی ندارد.

انسان وظیفه دارد حرکت کند و دنبال کار برود و تلاش کند و امیدوار باشد و اعتماد به نفس را از کسانی یادبگیرد که بدون داشتن امکانات کافی، خود را به آب و آتش می زنند و مطلوب و مقصود خود را به دست می آورند. سعی کنید نعمت های خدادادی و توانایی هایتان را شماره کنید. آن وقت است که به حرکت درمی آید، ولی اگر نگاهتان به ناتوانایی ها باشد، جز ناتوانی به دست نخواهید آورد.

[برو کارگر باش و امیدوار که از یأس جز مرگ ناید به بار

[در مورد پدرتان و صاحب کار او لازم نیست از راه شکایت وارد شوید. پیشنهاد می کنیم از راه مسالمت آمیز و دوستی وارد شوید، مثلاً یک نفر بزرگ تر، یک ریش سفید یا کسی که مورد احترام صاحب کار است و حرف او را می شنود، پیدا کنید و مسئله را با او در میان بگذارید و از او کمک بخواهید، که در این امر خیر پادرمیانی کند و با صاحب کار صحبت کند و بگوید: چه خوب است در حق فلانی که سال ها کارگر تو و نیازمند است، کارخیری انجام دهی یا او را بیمه کنی یا حق بیمه او را بدهی و یا هر طور که می دانی، به او کمک کنی؛ بدانی که این کار خیلی به جا و مناسب و گذشت و جوانمردی است

اگر چنین کسی یافت نمی شود یا زمینه چنین اقدامی نیست، با موافقت پدرتان نامه ای محترمانه خطاب به صاحب کار بنویسید و



با تمجید و تکریم از وی درخواست کنید پدرتان را بیمه کند یا مخارج بیمه اش را بپردازد و یا از هر راه دیگری صلاح می داند، به شما کمک کنید. در ضمن گرفتاری های معیشتی خود را بنویسید و بگویید: این یک پیشنهاد دوستانه است که در عمل به آن آزاد است .

در خاتمه خوش حالیم به درس خواندن علاقه پیدا کرده اید. کمی بیش تر درباره فواید درس و با سواد شدن و مدرک داشتن فکر کن و آینده را در نظر بگیر. امید است علاقه و تحرک بیش تری پیدا کنی . بی کاری برای روح و روان و جسم بسیار زیان بار است و خمودی و افسردگی را به دنبال دارد. از همین حالا به فکر برنامه های تابستان باشد و در کارها نظم و انضباط را رعایت کن . امیدوایم .

**علاقه فراوانی به قرآن دارم . از سال ۷۴ ۷۹ در طرح تابستانی ارشاد اسلامی ، سپاه و سازمان تبلیغات اسلامی در پایه ابتدایی و راهنمایی سابقه تدریس دارم . با توجه به این آیا ممکن است در جایی به عنوان مربی قرآن یا مربی پرورشی استخدام شوم ؟**

**پرسش**

علاقه فراوانی به قرآن دارم . از سال ۷۴ ۷۹ در طرح تابستانی ارشاد اسلامی ، سپاه و سازمان تبلیغات اسلامی در پایه ابتدایی و راهنمایی سابقه تدریس دارم . با توجه به این آیا ممکن است در جایی به عنوان مربی قرآن یا مربی پرورشی استخدام شوم ؟

**پاسخ**

خواهر گرامی ! علاقه به قرآن و کلام الله مجید بسیار خوب و ارزنده است و یکی از سعادت های بزرگ آدمی آن است که با قرآن انس داشته باشد.. حتماً کسانی مثل شما که سابقه تدریس چند ساله داشته باشند، برای استخدام در آموزش و پرورش و جاهای دیگر، اولویت دارند. برای آگاهی بیش تر به آموزش و پرورش یا سازمان تبلیغات و یا بسیج مساجد شهرستان خود مراجعه فرمایید.

در پایان باید یادآوری کرد که غرض ما از نامه قبلی این بود که اگر تلفن و نامه بدون مشورت پدر و مادر صورت گیرد، درست نیست و هم چنین موارد دیگری که ذکر کردید همه به صورت کلی و نصیحت گونه بود و گرنه ما نسبت به پاکی و پاک دامنی افرادی چون شما که بی ریا مشکلات خود را با ما در میان می گذارید، شک و تردیدی نداریم .

برای شما در همهء امور آرزوی موفقیت داریم .

**اینجانب دارای مدرک دیپلم ، مدت دو سال است که بیکار هستم و هر کجا برای کار می روم ، کاری برایم میسر نمی شود، در صورتی که مهارت هایی در زمینه های خطاطی ، نویسندگی ، مدآچی ، فیلمنامه نویسی و مهارت در مدیریت دارم . خواهشمندم اگر می توانید کار آبرومندی برایم**

**پرسش**

اینجانب دارای مدرک دیپلم، مدت دو سال است که بیکار هستم و هر کجا برای کار می‌روم، کاری برایم میسر نمی‌شود. در صورتی که مهارت‌هایی در زمینه‌های خطاطی، نویسندگی، مداحی، فیلمنامه‌نویسی و مهارت در مدیریت دارم. خواهشمندم اگر می‌توانید کار آبرومندی برایم میسر نمایید.

## پاسخ

برادر عزیز و گرامی! مشکل شما دامنگیر بسیاری از جوانان این کشور بلکه بیشتر کشورها است. متقاضی کار فراوان است، اما زمینه‌های شغل و کار کم است. در نتیجه دسترسی به شغل مطلوب مشکل است، ولی خوشبختانه جنابعالی از هنرها و توانایی‌هایی برخوردار هستید و می‌توانید در رشته‌های مختلف شغلی دست به کار شوید و ضمن این که اقدام به پیدا کردن شغل مناسب می‌کنید، در زمینه‌های یاد شده فعالیت کنید. سعی کنید به شغل‌های آزاد رو بیاورید و منتظر نشینید. فعالیت‌ها و شغل‌های خصوصی و آزاد از درآمد بیشتر و بهتری برخوردار است و نیز از آزادی بیشتری بهره‌مند هستید.

مطلب دیگر در مورد شغل یابی این است که به روستا و شهر خودتان اکتفا نکنید و در صورت توان به شهرهای مجاور یا مناطق دیگر برای شغل یابی حرکت کنید. از رحمت خدا ناامید نشوید.

امید به خدا باعث گشایش در کارها است. در ضمن بعد از نمازهایتان دست به دعا بردارید و از خداوند استمداد کنید. از پدر پیرتان هم درخواست دعا کنید، زیرا دعای پدر در حق فرزند مستجاب است.

**اینجانب ۱۹ ساله، دانشجوی سال اول رشته مهندسی صنایع، گرایش برنامه‌ریزی و تحلیل سیستم‌ها هستم. در خصوص معرفی این رشته و آینده شغلی و منابع و مطالب مربوط به آن مرا راهنمایی کنید؟**

## پرسش

اینجانب ۱۹ ساله، دانشجوی سال اول رشته مهندسی صنایع، گرایش برنامه‌ریزی و تحلیل سیستم‌ها هستم. در خصوص معرفی این رشته و آینده شغلی و منابع و مطالب مربوط به آن مرا راهنمایی کنید؟

## پاسخ

رشته مهندسی صنایع گرایش برنامه‌ریزی و تحلیل سیستم‌ها، رشته‌ای است که به خاطر آینده شغلی در منصب‌های مدیریتی صنایع زمینه اشتغال دارد و همین‌طور در خصوص راه‌اندازی و گسترش و کنترل خط تولید کارخانه‌ها یا به اصطلاح گلوگاه‌های کارخانه‌ها از جمله کارهای تخصصی مربوط به رشته شما است. از این رو شما فرصت‌های شغلی متنوعی را مانند صنایع فولاد، ماشین‌سازی و... فراروی خود خواهید داشت. در مورد کتاب‌ها و منابع این رشته گفتنی است که بهتر است در دوران تحصیل دانشگاهی درس‌های اصلی خود را خوب بخوانید اگر از توان علمی بالایی برخوردار بودید، می‌توانید با مشورت و مساعدت اساتید خود، از منابع دیگر هم استفاده کنید، اما آن‌چه در آینده شغلی شما مهم است، بالا بودن توان علمیتان است و این که بتوانید بعد از اتمام تحصیل یک مهندس با سواد و شرط اولیه آن نیز جدیت در تحصیل و تلاش و کوشش مستمر

است. ما برای شما آرزوی موفقیت در عرصه علم و دانش داریم.

## منبع در آمد افغانی های مقیم کشورهای خارجی مثل ایران چیست ؟

### پرسش

منبع در آمد افغانی های مقیم کشورهای خارجی مثل ایران چیست ؟

### پاسخ

از آن هایی که مردم مسلمان افغانستان بسیار سخت کوش و پرتلاش هستند و از کارهای سخت و با زحمت هم به هیچ وجه شانه خالی نمی کنند، درهر کشوری که باشند به خوبی از عهدهء اداره زندگی برمی آیند، به عنوان نمونه الآن در شهر مقدس قم اکثر جوانان محلی بیکارند، اما برادران افغانی مقیم قم تقریباً همه شان مشغول کار هستن البته ممکن است شخص به علل خاصی مدتی بیکار نماند و این ربطی به تابعیت او ندارد

## آیا می توان با داشتن شغل مهندسی کامپیوتر، خلبان شد؟

### پرسش

آیا می توان با داشتن شغل مهندسی کامپیوتر، خلبان شد؟

### پاسخ

امکان این که شخص با داشتن شغل مهندسی کامپیوتر، خلبان باشد وجود دارد، ولی با تخصصی شدن علوم، امروزه شاهد هستیم هر شخص برای موفقیت بیشتر در عرصه تخصص مورد نظر خود باید بسیار کوشا و جدی باشد تا بتواند ماهر و متخصص شود. جمع بین مشاغل امکان دارد، اما افرادی که مشاغل متعددی دارند، در عرصه هر شغل معمولاً از مهارت و تخصص افراد ماهر در آن رشته برخوردار نیستند. از این رو انسان باید سعی کند در یک رشته صاحب نظر و متبحر گردد و بتواند منشأ خدمات مفید و مؤثری شود. البته این امکان برای معدودی از انسان های بسیار مستعد و قوی مهیا است که در ابعاد مختلف کار کنند، ولی این مطلب عمومیت ندارد و برای عموم مردم بهتر است در یک زمینه تخصص پیدا کرده و اشتغال به کار داشته باشند.

## اکنون که شرایط جامعه طوری است که چند میلیون جوان بیکار وجود دارد شما برای جوانان بیکار چه پیشنهاد می نمایید؟ پیشنهاد شما برای دولت و خانواده در برابر جوانان بیکار چیست؟

### پرسش

اکنون که شرایط جامعه طوری است که چند میلیون جوان بیکار وجود دارد شما برای جوانان بیکار چه پیشنهاد می نمایید؟

## پاسخ

بیکاری یک معضل مهم جامعه کنونی ما است که برای حل آن عوامل مختلفی دخیل است که از سوی کارشناسان مسائل اقتصادی و اجتماعی مطرح می شود. به نظر ما مهم ترین امر، به وجود آوردن فرهنگ کار در جامعه است. در این جهت والدین و مسئولان وظیفه خطیری دارند. متأسفانه در حال حاضر فرهنگ کار جای خود را به مدرک گرایی و مصرف گرایی داده و همین امر باعث شده است بسیاری از فارغ التحصیلان دانشگاه در جامعه بیکار باشند و شغل مناسبی را پیدا نکنند. وظیفه نهادهای فرهنگی و صدا و سیما آن است که ایجاد فرهنگ کار و تلاش و فعالیت و اصالت دادن به آموزش های فنی حرفه ای و بها دادن به افراد خلاق و کار آفرین و توجه به قشر کارگر و کشاورز را دستور کار خود قرار دهند، تا جوانان به این باور برسند که کار نه تنها عیب نیست بلکه افتخارات. این توقع که همه پشت میز بنشینند و کارهای اداری را انجام دهند هرگز برآورده نمی شود.

اسلام یکی از وظایف پدران را تعلیم حرفه و کار مناسب به فرزندان می داند. رسول خدا(ص) می فرماید: "حق فرزند بر پدرش آن است که برای وی نام خوب انتخاب کند و در تربیتش بکوشد و او را به کار شایسته ای بگمارد". [۱۴]

نکته دیگر توجه به پروژه های زود بازده و اشتغال زا به خصوص در بخش کشاورزی است.

دولت باید همگان را در امر تولید تشویق نماید و تسهیلاتی را فراهم کند مانند وام های دراز مدت. نیز مراکز آموزشی فنی حرفه ای را در سطح کشور فعال نماید تا جوانان بتوانند به سرعت مهارت های لازم را به دست آورند و صادرات تولیدات داخلی را آسان سازد.

### از نظر اسلام برای احراز مشاغل اجتماعی، سید و یا روحانی بودن شرط است؟

#### پرسش

از نظر اسلام برای احراز مشاغل اجتماعی، سید و یا روحانی بودن شرط است؟

#### پاسخ

از نظر اسلام ملاک احراز پست ها و مسئولیت های اجتماعی، تقوا و توانایی انجام مسئولیت است. همان چیزی که امروزه از آن به عنوان تعهد و تخصص یاد می شود. علی (ع) خطاب به مالک اشتر می فرماید: "در امور کارگزاران ژرف بنگر، و بر مبنای ارزیابی درست به کارشان بگمار، نه به انگیزه گرایش های شخصی و نه بر مبنای خود کامگی، که این دو شاخه های جور و خیانت را ریشه اند". [۲]

در قانون اساسی آمده که مسئولیت ها باید طبق شایستگی افراد و دارا بودن شرایط احراز آن مسئولیت محول شود. سید یا روحانی بودن را در هیچ یک از مشاغل و پست ها به عنوان شرط ذکر نکرده اند.

[۲] نهج البلاغه (فیض الاسلام) نامه ۵۳، ص ۱۰۰۲.

### علت اصلی بیکاری و گرانی چیست؟ چرا جوانان به آینده خود امیدوار نیستند و از هر چیز متنفرند؟

#### پرسش

علت اصلی بیکاری و گرانی چیست؟ چرا جوانان به آینده خود امیدوار نیستند و از هر چیز متنفرند؟

#### پاسخ

در هر جامعه ای، افزایش بی تناسب مقدار پول در گردش یا افزایش بی تناسب اعتبارات، نسبت به احتیاجات اقتصادی، تورم را به همراه دارد.

نتیجه آن است که ارزش پول پایین می آید و مردم می کوشند پول خود را به کالا تبدیل نمایند. (۱) و قیمت کالاها افزایش می یابد.

افزایش سطح عمومی قیمت ها موجب عدم توازن در توزیع می شود، زیرا افرادی که دارای دارایی های ثابت از قبیل مسکن، اتومبیل، انبارهای کالا- و یا سایر ثروت های حقیقی اند، از تورّم بهره مند می گردند. به این دلیل، قیمت دارایی های ثابت افزایش می یابد، در مقابل، اقشاری که فاقد این نوع دارایی ها هستند، برای دسترسی به آن ها همیشه با مشکلاتی بیش از پیش مواجه می شوند. همچنین درآمدهای متغیر با نرخ تورّم هماهنگ می گردند، ولی درآمدهای ثابت و نیمه ثابت مانند حقوق و دستمزد و باید بار سنگین تورّم را به دوش بکشند، مالیات غیر مستقیم، قیمت برخی از کالاها را افزایش می دهد و یا عوامل فصلی و طبیعی موجب افزایش قیمت گروهی از کالاهای شود. آنچه نامطلوب است، رشد مدام سطح عمومی قیمت ها در مدت زمان نسبتاً طولانی است که اگر به صورت مستمر افزایش قیمت و گرانی وجود داشته باشد، تورّم محسوب می شود.

در جوامعی که نرخ رشد جمعیت درصد بالایی دارد و در این جوامع میزان اشتغال زایی در هر سال با روند رو به رشد جمعیت آن کشور هماهنگی ندارد، به تدریج بر میزان بیکاران افزوده می شود اما بر عکس در جوامعی که از رونق اقتصادی برخوردار است و نرخ رشد جمعیت بالا نیست،

میزان اشتغال زایی بالا است و زمینه های اشتغال برای نسلی که می خواهد وارد عرصه اجتماع شود، فراهم است. (۲)

به جهت افزایش میزان اشتغال در مرحله فعلی، نیاز به استراتژی توسعه صنعتی است که در کشورهای جهان سوم مطرح می باشد. توسعه صنعتی به جهت رقابت با جهان پیشرفته نمی باشد، بلکه نیاز به تأمین اشتغال در سطح کشور است تا این که تکنولوژی مدرن و پیشرفته در فعالیت های اقتصادی به کار گرفته شود و میزان اشتغال در مسیر رو به رشدی قرار گیرد. اگر در جامعه ای برنامه ریزی اقتصادی در مسیری باشد که پاسخگوی خواسته های جامعه و متناسب با اقشار گوناگون جامعه باشد، نیز در مسیر ضد تورمی و در مسیر اشتغال زایی تدوین و تنظیم شود، می تواند در حد مطلوبی نیازهای جامعه را برطرف کند.

عوامل مهم بیکاری و گرانی، از یک طرف به تئوری پردازان و سیاست گذاران وابسته است و از طرف دیگر به اقشار جامعه. در عین حال می تواند عوامل بسیاری در آن نقش داشته باشد.

در خصوص مورد دوم سؤال، جوانان را باید افرادی نامید که سرا پای امید و عشق به آینده و خوبی ها هستند. این گروه از جامعه نقش خلاق و سازنده ای در هر جامعه ای ایفا می کنند. اگر این نسل به قابلیت ها و توانایی های خود پی برد، می تواند جامعه را در یک حرکت رو به جلو پیش برد و نشاط و شادابی را در جامعه ایجاد کند. جامعه جوان جامعه ای است که نا امیدی و یأس را به گوشه افکنده و همواره امیدواری و شوق به آینده ای روشن را به همراه دارد. اما در این مسیر جوان باید اولاً خود را بشناسد

و قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را بدانند. ثانیاً اراده و عزم را به طور جدی در مسیری قرار دهد تا بتواند بر اساس قابلیت‌هایی که دارد در جامعه شخص مؤثر و مفیدی باشد.

نکته مهم و اساسی که در همه حال جوان باید فراموش نکند، یاد خدا و دل به او سپردن است. عشق به خدا، عشق به همه خوبی‌ها و کلید موفقیت انسان است. در این صورت هیچ‌گاه انسان به سوی ناامیدی و تنفر رهنمون نمی‌شود. امروزه جوانانی هستند که در عرصه‌های علم، ورزش و زندگی به قلّه‌های رفیع موفقیت می‌رسند.

عوامل تنفر و بدبینی جوان نسبت به زندگی و آینده می‌تواند در چند چیز باشد:

۱- عدم عشق و امید و ایمان به پروردگار قادر و حکیم.

۲- عدم تلاش و مجاهده برای زندگی سالم و خو کردن به راحتی و تبلی.

۳- بی‌اعتمادی نسبت به دیگران و حتی کشور و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند.

۴- عدم فهم معنای واقعی خوشبختی و راه رسیدن به آن.

۵- تبلیغات نامطلوب فرهنگی از طرف دیگران و کشانده شدن به راه‌های ناپسند و بعضاً مواد مخدر.

عوامل بسیاری دیگر نیز می‌توانند در این جهت نقش داشته باشند که یک جوان مسلمان با شناخت آن‌ها و با شناخت هویت خود و با استمداد از خدا می‌تواند از مشکلات فکری و عملی نجات یافته و آینده‌ای روشن و امیدبخش برای خود ترسیم نماید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. غلامحسین مصاحب، دایره‌المعارف فارسی، ج ۱، ص ۶۸۶.

۲. مجله معرفت، شماره ۲۳، ص ۴۰ و ۴۱، با تلخیص.

**در حالی که ائمه (علیهم‌السلام) برای امرار معاش کار می‌کردند چرا روحانیون برای امرار معاش کار نمی‌کنند؟**

**پرسش**

در حالی که ائمه (علیهم‌السلام) برای امرار معاش کار می‌کردند چرا روحانیون برای امرار معاش



کار نمی کنند؟

### پاسخ

این صحیح است که امامان ما ((علیهم السلام)) کار می کرده اند ولی باید توجه داشت که اگر روحانیون بخواهند به تحصیل و اشتغالات علمی و دینی پردازند امکان اینکه بتوانند به کارهای اقتصادی نیز اشتغال داشته باشند وجود ندارد. امامان چون از علوم لدنی برخوردار بوده اند و برای علوم خویش به تحصیل نیاز نداشته اند می توانستند به کار اشتغال داشته باشند.

توجه به این نکته نیز لازم است، که به عنوان مثال امام علی ((علیه السلام)) زمانی به کار پرداخت و زمین را شخم زد که از کار کردن بر روی استعداد انسان ها، که کار اصلی پیامبران ((علیهم السلام)) و پیروان سیره آنهاست، ممنوع و محروم شده بود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

### آیا مدّاحی برای اهل بیت ((علیهم السلام)) شغل پسندیده ای است؟

#### پرسش

آیا مدّاحی برای اهل بیت ((علیهم السلام)) شغل پسندیده ای است؟

#### پاسخ

مدّاحی برای اهل بیت ((علیهم السلام)) بسیار ارزشمند و دارای قداست است. گریاندن دوستان اهل بیت ((علیهم السلام)) و ذکر مصایب آنان دارای ثواب است. توجه به این نکته لازم است که مدّاح باید به مسئولیت مهمّ خویش توجه کند و سعی کند اشعاری را انتخاب کند که دارای مضامینی صحیح باشد، نه مضامین نادرستی که موجب هتک حرمت اهل بیت ((علیهم السلام)) شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۶۱۹

### چرا در وضعیت اشتغال جوانان بهبود حاصل نمی گردد؟

#### پرسش

چرا در وضعیت اشتغال جوانان بهبود حاصل نمی گردد؟

## پاسخ

در پاسخ باید جهات مختلفی مورد بررسی قرار گیرد که ما به اهم آن اشاره می کنیم . یک مسئله جریان طبیعی وعادی ایجاد اشتغال در گذشته وحال است . این جریان به این صورت است که انسانها در زندگی اجتماعی به هم نیازمند هستند از این رو اگر کسی نانوا و دیگری کشاورز است در این تعامل ورابطه متقابل افراد و اجتماع ، معاملاتی صورت گرفته است. در قرون اولیه معاملات کالا به کالا بوده و بعد که پول جایگزین شد نیز این جریان طبیعی ادامه یافت .

هر چه نیازهای افراد بیشتر شود احتیاج به همکاری افراد با هم نیز زیاد می شود . هر جا کار موجود بود نیازها وبهره هایی به هم می رسانده اند . هیچگاه قابل تصور نیست که این اقتضاء طبیعی از بین برود و مشکلی به نام بیکاری به وجود آید و نیازی به کار نباشد . پس باید به دنبال علت پدیده بیکاری گشت ، از اسباب و علل اساسی این مطلب این است که افراد به دنبال آن عامل اساسی مذکور که نیاز به کار را دائمی می کند ، نروند و به تولیدی که نیاز اصلی است نپردازند و بیشتر به سراغ کارهای دلالی و غیر تولیدی بروند ، این مسیر طبیعی را بر هم می زند .

یا کارها متناسب با نیازهای جامعه پیگیری نمی شود بلکه همه در یک رشته خاصی مثل طبابت مشغول می شوند که در مرحله کار ، نیاز به امکاناتی دارد . در این رشته خاص ، امکانات موجود قدرت جذب معدودی

را خواهد داشت و بقیه بیکار می شوند .

اگر کارها مطابق نیازها انتخاب شود و تراکم در یک کار نشود انسانها همیشه به هم نیازمند هستند که البته در این عامل دوم هم مردم و هم برنامه ریزان دولت و مملکت در این انتخاب ناصحیح نقش دارند که بدون پیش بینی های صحیح ، جوانان را به رشته های تحصیلی جذب می کنند اما در ایجاد اشتغال عملاً ناتوان هستند . مطلب دیگر اینکه ، ارزش گذاری و تعیین قیمت کارهای مختلف یکی از علل بحران بیکاری است . مثلاً در کشاورزی وقتی که به کار کشاورزان و محصول آنها کم اعتنایی می شود و بهای اندکی در مقابل محصول آنها پرداخت می شود ، کشاورزی بی رونق می شود. در حالی که مملکت نیازمند گندم و وارد کننده آن است و لی مردم به این کار رو نمی آورند و این نتیجه سیاستهای غلط توزیع ثروت در یک مصداق جزئی است . در مقابل ، بهای بسیار زیادی به کارهای غیر تولیدی مثل دلایها و سایر کارهایی از این قبیل داده می شود . یعنی عملاً مانع اشتغال مردم به کارهایی می شوند که نیاز مردم در آن است . و حال آنکه زمین عامل عمده بر طرف کننده نیازهای مردم است و اگر بهای لازم به این کارها داده شود و قیمت محصولات آن را بالا ببرند ، مردم به این کار رو می آورند و کم نیست زمینهای بایری که منتظر نیروهای کار است که مشکل بیکاری معنی و مفهوم ندارد و نیز عواملی دیگر از جمله : روحیه ثروت اندوزی در مقابل کمال طلبی و مهارت یابی

و غیر آن هم وجود دارد که قابل توجه است . مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند:

" صدا و سیما و روزنامه ها نباید همواره برای جوان الگوی یک جوان اشرافی بی درد تن به راحت داده ی عیاش را مطرح کنند . بعضی از مطبوعات نباید در فلسفه بافیهای خود طوری حرف بزنند که جوان خیال کند همه هدف انسان این است که از هر راهی شد ، یک مشت پول به دست آورد . اگر توانست یک گواهی علمی برای خودش فراهم کند ، وسیله ای برای پول در آوردن در دستش هست ، اگر نشد، هر راه دیگری که شد ، ولو قاچاق ، ولو تن دادن به ذلت و خفت و اهانت ، ولو با دستبرد زدن به این و آن ! نباید پول را عمده کرد ، پول ارزش نیست، هدف ، در آوردن پول نیست ، پول یک وسیله برای گذراندن زندگی است . پول خیلی کوچکتر از این است که هدف انسان بشود . برای جوان ، الگو را یک الگوی غلط قرار ندهند تا او احساس کند که به جای استعداد و ابتکار و تلاش فراوان و کسب تخصص و علم ، باید سراغ پول رفت . با این پول اگر بشود بیکار و عیاش و مصرف کننده محض بود ، باز هم از نظر او مانعی ندارد ! آیا این طرز فکر درست است ؟ این طرز فکر غلط ترین طرز فکرها است . بنابراین رسانه های جمعی هم متعهد و مسئولند . " (۱)

اما پاسخ اصلی سؤال این است که علت‌های واقعی اگر اینها هستند هم

مردم مخصوصاً جوانان مسئولند که باید در انتخاب خود تجدید نظر کنند و هم مسئولان و برنامه ریزان . همچنانکه مقام معظم رهبری فرموده اند :

" اگر به برنامه ریزی لازم فکر نکنند و برای نسلی که دارد از راه می رسد ، در جامعه جا باز نکنند ، چه پیش می آید ؟ یک لشکر بیکار و بی توان روی دست ملت می ماند ؟ نه احساس امیدی ، نه احساس شوق و شوری ، نه آینده یی ، نه زبانی برای ابراز غرور نسبت به میهن خود ، و نه اصلاً غروری . البته این کمترینش است که گفتم ، از این بدتر هم فرضهایی وجود دارد . همه مسئولند ، هم برنامه ریزان ، هم مجریان و هم متصدیان رسانه ها ، صدا و سیما هم مسئول است ، روزنامه ها هم مسئولند . "

(۲)

و تا زمانیکه این تغییرات صورت نپذیرد بر مشکلات افزوده خواهد شد و به طور کلی این انتظار نا بجا است که کسی دیگر بیاید و مشکلات ما را حل بکند . دولت و ملت هر کدام به نوبه خود باید در این سازندگی جدیت کنند .

مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند : " به نظر من ، مشکل اقتصاد کشور ، قابل حل است و برنامه های قابل قبولی هم در این زمینه فراهم شده است . سال گذشته ، آقای رئیس جمهور به کمک جماعتی ، بعد از تلاش زیاد برنامه یی را فراهم کردند که به نام ( برنامه ی ساماندهی اقتصادی ) معروف شد . " (۳)

( ۱ ) پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ، ص ۳۷۲ ، ۲۲۶

۲) پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ، ص ۳۷۲ ، ۲۲۶ ، ۲۲۵ .

۳) پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ، ص ۳۷۲ ، ۲۲۶ ، ۲۲۵ .

**چرا دبیرانی که پیرو و فرسوده می شوند، بازنشسته نمی کنند و جوانهای پرانرژی را جای آنها بگیرند و حق التدریس که چند سال کار کردند با برج ۱۲۵ هزار یا ۲۵ هزار کار کردند استخدام کنند، می گویند خواهیم گرفت ولی اول اقدام آموزش و پرورشهاست، کسی مطمئن نظارت کند؟**

### پرسش

چرا دبیرانی که پیرو و فرسوده می شوند، بازنشسته نمی کنند و جوانهای پرانرژی را جای آنها بگیرند و حق التدریس که چند سال کار کردند با برج ۱۲۵ هزار یا ۲۵ هزار کار کردند استخدام کنند، می گویند خواهیم گرفت ولی اول اقدام آموزش و پرورشهاست، کسی مطمئن نظارت کند؟

### پاسخ

درک و بینش خوب و مسئولانه شما نسبت به مسایل اجتماعی و اشتغال نسل جوان قابل تحسین و تقدیر و خرسندی است. ما نیز همانند شما معتقدیم اشتغال جوانان می تواند به فعالیت ها و کارهای گوناگون جامعه تحرك و پویایی ببخشد. البته مشکل بیکاری فقط با استخدام در بخشهای اداری و آموزشی قابل حل نیست. بیکاری یکی از معضلات عمده و مهم کشور ماست که باید از جنبه های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد و با توجه به افزایش جمعیت ایران در دهه ۶۰، در حال حاضر بحران بیکاری در جامعه نمود و بروز یافته است که برای مقابله با آن همه دستگاههای اداری و غیر اداری دولتی و خصوصی و نیز همه مسئولان و مردم باید همت و تلاش کنند تا انشاء... بر این معضل فایق آیند، که یکی از روشها همانطور که شما پیشنهاد کرده اید بازنشسته کردن افراد مسن و استخدام نیروهای جدید است که البته با دستورات ابلاغ شده، این طرح حتی قبل از اتمام خدمت (۳۰ سال) صورت می گیرد.

آموزش و پرورش مخصوصاً اعلام کرده است هر کس در هر مقطعی از سال که ۳۰ سالش تمام شد، باید بازنشت شود، ولی برای کادر آموزشی فقط یک استثناء قایل شده است و اعلام کرده اگر در بین سال تحصیلی ۳۰ سال

خدمتش تمام شد، تا پایان سال تحصیلی ادامه فعالیت بدهد و از سال تحصیلی جدید بازنشسته شود.

## در رشته زراعت و اصلاح نباتات مشغول تحصیل و نسبت به نبود بازار کار از آینده بسیار مایوس و از ادامه تحصیل ناامید گشته ام راه چاره چیست؟

### پرسش

در رشته زراعت و اصلاح نباتات مشغول تحصیل و نسبت به نبود بازار کار از آینده بسیار مایوس و از ادامه تحصیل ناامید گشته ام راه چاره چیست؟

### پاسخ

در سنین جوانی انسان دائما با تغییر نظریه و حال و هوای خود روبه روست. بنابراین قدری از حالات شما طبیعی است و نباید خوف داشته باشید. اما با مرور زمان انسان در هر کاری که با حکم عقل سازگار و بدان علاقه داشته و انجام داده است مواجه شود پشیمان نمی شود. بنابراین اگر کسی مطابق علاقه اش عمل کرد لذت می برد و لو آنکه سودمادی بعدا عائد او نشود. بر خلاف اینکه اگر عمری را با بی علاقه‌گی و تحسین دیگران و درآمد خوب بگذرانند باز هملذت نمی برد و همیشه یکنوع پشیمانی دارد.

پیشنهاد ما این است که شما به هر کاری که واقعا علاقه دارید (درس یا کار) ادامه دهید و از تذبذب و تغییر پیامیپرهیزید. با عزم جدی مشکلات راه کم کم بیشتر هویدا و راه حل آنها نیز به دنبالش یافت می شود و عاقلانه ترمی توانید تصمیم بگیرید. خدا هم به شرط علاقه داشتن و زحمت کشیدن روزی را می رساند. }J

## الآن شانس کار زنان در جامعه بیشتر از مردان است چرا؟ و چرا در کشور ما زنان را ترجیح می دهند تا مردان؟

### پرسش

الآن شانس کار زنان در جامعه بیشتر از مردان است چرا؟ و چرا در کشور ما زنان را ترجیح می دهند تا مردان؟

### پاسخ

یکی از مسایل مطرح در سطح جهان مسأله حقوق زنان است. تاریخ بشریت گواه این مطلب است که در طول دوره های مختلف تاریخ به استثنای مواردی جزئی، زنان مورد ظلم و تعدی و تجاوز و بیرحمی قرار گرفته اند. حتی در ردیف انسان ها به حساب نیامده اند یا انسان درجه ۲ تلقی شده اند. از دوره های متمایز تاریخ که می توان مطرح کرد عصر رسول گرامی اسلام (و دوران انقلاب اسلامی ایران است. در این دو دوره زنان به نسبت سایر دوره ها بسیار دارای قرب و منزلت بوده و هستند ولی در دنیا به لحاظ ظلم و تعدی مضاعفی که بر زنان روا داشته شده است امروزه نهضت فمینیستی راه افتاده است. این نهضت عکس العمل بی مهری هایی است که به زنان شده و می شود. در غرب با همه شعارهای بشر دوستانه ای که سر می

دهد هنوز که هنوز است زن به طفیل مرد انسان است لذا زنان پس از ازدواج اسمشان عوض می شود و به نام شوهرشان نامگذاری شده و شناخته می شوند. در ایران پس از انقلاب اسلامی به زنان توجه ویژه ای شده است، و زنان بسیاری از حقوق و آزادی های دینی و مدنی را به برکت این انقلاب مقدس بازیافته اند ولی هنوز هم در مناطق مختلف کشور شاهد ظلم و بی عدالتی نسبت به این قشر خدوم و ارزشمند که به تعبیر حضرت امام خمینی ( پرورش دهنده مردان جامعه هستند، می



باشیم و امیدواریم روزی فرا رسد که هیچ زنی به خاطر زن بودن و هیچ مردی به خاطر مرد بودن مورد ظلم و تعدی و یا توجه و محبت قرار نگیرد.

باتوجه به آنچه اشاره شد بخشی از احساسی که در جامعه در مورد ترجیح بیشتر زنان بر مردان وجود دارد در واقع ترجیح نیست بلکه حق و حقوقی است که در گذشته از آن محروم بوده اند و در عصر حاضر آنرا کسب کرده اند و چون در گذشته وجود نداشته چنین احساس می کنیم که آنها بیشتر مورد توجه هستند و حال آنکه چنین نیست، و هنوز هم زنان از بسیاری از حقوق انسانی و الهی خویش محروم هستند. بنابراین آنچه امروز زنان در جامعه ما کسب کرده اند در بسیاری از موارد هنوز با شرع مقدس فاصله دارد و البته بسیاری از زنان نیز از حدود الهی و انسانی خارج شده و از آزادی های داده شده و احترامی که بر ایشان در جامعه بوجود آمده به خوبی استفاده نکرده و بعضاً از آن سوءاستفاده کرده اند.

نکته دیگری که در بحث اشتغال زنان قابل توجه است این است که متأسفانه بسیاری از کارفرمایان در بخش خصوصی بدلیل تراکم نیروی کار و وجود معضل بیکاری در کشور، از وجود زنان سوء استفاده کرده و آنان را با قیمت های بسیار پایین تر از مردان به کار می گمارند و زنان نیز به دلیل رقابت شدید بازار کار و مشکلات موجود خانوادگی و رسیدن به حداقلی حتی جزئی از درآمد و کسب استقلال نسبی معیشتی و اقتصادی با نرخهای بسیار کم تن به کار می دهند. آنان مجبور به

پرداخت هزینه زندگی نیستند بنابراین هر چند درآمد کمی داشته باشند همان درآمد کم هم از نداشتن درآمد برایشان بهتر است و احساس می کنند می توانند بخشی از مشکلاتشان را حل کنند و به خانواده شان یا خرید جهیزیه و تأمین مایحتاج اولیه و ضروری خودشان کمک نمایند.

از سوی دیگر افزایش سن ازدواج، بالا رفتن هزینه های زندگی و خرید جهیزیه و تب و تاب حقوق زنان نیز باعث می شود زنان (دختران) بیشتر به دنبال شغل باشند. امروزه وقتی یک دختری تحصیلات متوسطه را به پایان می رساند بلافاصله وارد زندگی مشترک نمی شود بلکه ممکن است چند سالی در خانه بماند و این بیکاری در منزل غیر قابل تحمل است، لذا یکی از راههای سرگرمی و خلاصی از بیکاری و نشستن در منزل، کار کردن در خارج از منزل است. لذا به جستجوی کار می پردازد تا هم از بیکاری خلاص شود و هم اندکی به معیشت خود و خانواده اش کمک برساند. مضافاً بر اینکه به دلیل بالا رفتن هزینه های زندگی، بسیاری از پسران در ازدواج دختران (زنان) شاغل را بر بیکار ترجیح می دهند، زیرا چنین استنباط می کنند که در شرایط کنونی با درآمد مرد به تنهایی قادر به ادامه زندگی نیستند. این انگیزه و باور مردان (پسران) نیز موجب می گردد زنان (دختران) برای افزایش شانس ازدواج به دنبال کار بروند.

نکته آخری که در باب اشتغال زنان (دختران) یادآور می شویم این است که با کمال تأسف برخی از کارفرمایان در بخش خصوصی (مغازه ها، مطب های پزشکان و ...) برای جلب و جذب بیشتر مشتری از کارکنان زن جوان استفاده می کنند و در حقیقت

از جسم آنان سوء استفاده می کنند، لذا مشاهده می کنید که اغلب منشی ها در مراکز مختلف، فروشندگان های بسیاری از فروشگاههای بزرگ و ... را زنان جوانی که خود را بزرگ کرده اند تشکیل می دهند ولی خودشان شاید غافل اند که ابزار و وسیله ای در دست طماعان پول پرست شده اند!

در پایان به این نکته اشاره می کنیم که نگرانی شما در مواردی بیجا می باشد و ما نیز معتقدیم که در میدان اقتصادی به مردان نیز باید توجه بیشتری شود چرا که مردان محور درآمد خانواده و جامعه هستند اما این توجه نباید به قیمت بی توجهی و نادیده گرفتن نیازهای زنان به کار باشد، زیرا بسیاری از زنان شاغل در واقع نان آور خانه نیز هستند.

جهت اطلاع بیشتر مراجعه کنید به :

۱- نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری

۲- جایگاه زن در اندیشه امام خمینی

۳- زن از دیدگاه مقام معظم رهبری

۴- عشق در نگاه دوم (مقایسه وضعیت زنان ایران و غرب)، سونیا لندگراف

## انجام اجتماعی

### رمز شکست و فنای ملتها در چیست ؟

#### پرسش

رمز شکست و فنای ملتها در چیست ؟

#### پاسخ

قرآن شکست را در اثر پدید آمدن کشمکشها و جنگهای داخلی می داند ، ملتی که در برابر هم صف آرایی کنند و سنگ تفرقه در میانشان انداخته شود و به جای کمک به یکدیگر به جان هم بیفتند و در پی تصرف اموال و سرزمین های هم برآیند و برای ریختن خون یکدیگر آستین ها را بالا زنند و هر دسته برای آواره ساختن و تصرف اموال دیگری قد برافزاد دیر یا زود نابود می گردند . همچنین یکی دیگر از عوامل سقوط ملتها همان تبعیض در اجرای قوانین است که هر قانونی حافظ منافع شخصی شان باشد اجرا کنند و آنچه به سود جامعه است فراموش نمایند .

### سرانجام جامعه ها، از نظر احادیث اسلامی چیست؟

#### پرسش

## پاسخ

### ۱. تکامل عقول و خردها

مرور زمان و تجارب تلخ و شیرین، مایه شکوفایی عقل انسانی می گردد و بشر در پرتو الطاف الهی در می یابد که: دیگر، سازمانهای بشری و تدابیر انسانی قادر به حل تضادها و مشکلات نیست، از این جهت بی درنگ به ندای حضرت قائم پاسخ می گوید و انسانها با رضایت خاطر، به انقلاب امام می پیوندند.

امام باقر(ع) در این مورد می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَيَجْمَعُ بَهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ» (کافی/۱)

[آنگاه که قائم ما قیام کند، خداوند دست لطف و رحمت خود را بر سر بندگان خود می گذارد و از این طریق، به عقول آنان وحدت می بخشد و به وسیله او خردهای آنان تکامل پیدا می کنند.]

### ۲. تکامل صنایع

یک انقلاب جهانی، بدون تکامل صنایع امکان پذیر نیست، رهبر انقلاب که می خواهد صدای خود را به آخرین نقطه جهان برساند، بدون تکامل تکنیک، امکان پذیر نمی باشد، از این جهت احادیث اسلامی نوید می دهد که در عصر ظهور امام، صنایع به حدی تکامل پیدا می کند که جهان حکم یک شهر را پیدا می کند و افرادی که در خاور زندگی می کنند، کسانی را که در باختر زندگی می کنند، می بینند و سخنان آنان را می شنوند.

چنان که امام در این مورد می فرماید:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ بِالْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ»

[در زمان قائم، فرد با ایمان که در مشرق زندگی می کند، برادر خود را که در مغرب زندگی می کند می بیند.]

در حدیث دیگر مطلب به طور روشن تر بیان شده است و آن این است که:

«أَنَّ

قائماً إذا قام مدّ الله لشيعتنا في أسماعهم و أبصارهم حتى لا يكون بينهم و بين القائم يريد يكلمهم فيسمعون، وينظرون إليه وهو مكانه». (منتخب الأثر/ ۴۸۳)

[آنگاه که قائم ما قیام می کند خدا به دیدگان و گوشهای پیروان او قدرت می بخشد تا آنجا که میان آنان و رهبر خود، حائلی باقی نمی ماند او با آنان سخن می گوید، و سخنان او را می شنوند و به او می نگرند در حالی که او در جای خود قرار دارد. (تکامل و سایل ارتباطی)]

۳. جهانیان در پوشش اسلام در می آیند

احادیث اسلامی نویدهای قرآنی را درباره جهانی گشتن آیین اسلام، بر ظهور امام قائم تطبیق می دهد، آنجا که امام باقر(ع) می فرماید: «يبلغ سلطانة المشرق و المغرب و يُظهر الله عزّوجلّ به دينه على الدين كله و لو كره المشركون» (منتخب الأثر/ ۲۹۲)

[قدرت و تسلط او شرق و غرب را فرا می گیرد و خدا بوسیله او، دین خود را بر تمام ادیان پیروز می گرداند هر چند مشرکان دوست نداشته باشند.]

۴. تکامل اخلاقی

احادیث اسلامی از تکامل اخلاقی در عصر ظهور امام دوازدهم گزارش می دهد، آنجا که همه محدثان اسلامی این جمله را از پیامبر نقل می کنند که یکی از ویژگیهای حکومت امام قائم، گسترش عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و ستمگری است و جمله «يملأ الأرض قسطاً و عدلاً» بیانگر این تکامل اخلاقی است.

۵. ترمیم خرابی ها

احادیث اسلامی از آبادی جهان و تسلط بشر بر گنجینه های نهفته در دل زمین در زمان ظهور امام به روشنی گزارش می دهد و جمله یاد شده در زیر در روایات ما وارد شده است.

«وتظهر له الكنوز و لا يبقى في الأرض خراب إلا يعمره» (منتخب الأثر/ ۴۸۲)

[گنجینه های نهفته در دل زمین در

اختیار امام قرار می گیرد و او با نفوذ و قدرت مادی و معنوی که دارد، تمام ویرانی های موروث از تسلط ظلم و جور را آباد می کند.

نتیجه این که آنچه را که محاسبات عقلی و اجتماعی درباره سرانجام جامعه ها نشان می دهد، مورد تصدیق قرآن و احادیث اسلامی است، چیزی که هست، احادیث اسلامی، زمان و وقت این تکامل ها را به روشنی تعیین می کند و ظهور امام قائم را همگام با این تحولات می داند.

### منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

#### پرسش

منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

#### پاسخ

اصلاح و افساد از ریشه صلاح و فساد اشتقاق یافته اند و در مواردی به کار می روند که موجودی، کمال مناسب با نوع خود و آن چه که از او انتظار می رود را به دست آورد یا از دست بدهد. هر موجودی که در این جهان در مسیر حرکت و دگرگونی است، می تواند در شرایط خاصی به کمالاتی متناسب با نوع خود، دست پیدا کند که اگر به آن کمال دست پیدا کرد، از این وضع، مفهوم صلاح انتزاع می شود و اگر عواملی او را از وصول به کمال لایق خود، باز داشت، یا پس از وصول به آن، تداوم آن کمال را ناممکن ساخت، در این صورت، مفهوم فساد از آن انتزاع می شود.

### علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

#### پرسش

علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

#### پاسخ

علائم و شرایط جامعه صالح را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

شرط نخست، این است که افراد و اجزای جامعه بتوانند بی اضطراب و دغدغه در آن، به زندگی خود ادامه دهند و زندگی و سلامتی آنان تهدید نشود و جان همه در امان بماند. جامعه ای که اعضایش امنیت جانی نداشته باشند، بی شک جامعه فاسدی است.

شرط دوم، آن است که اعضای جامعه، امنیت مالی داشته باشند. اگر در جامعه، اموال مردم را نابود کنند، بمب بریزند و خانه

هایشان را ویران کنند، کشتزارهایشان را به آتش بکشند، یا آفتی برای باغها و مزارعشان ایجاد کنند که بازده کامل را نداشته باشد و یا به هر شکل دیگر، زیان مالی به اعضای جامعه وارد شود، این هم نوعی فساد اجتماعی است و کسانی که دست به این گونه خیانت‌ها بزنند و این کارها را بکنند، مفسد هستند. آیه شریفه ((یهلک الحرث و النسل)) به همه این موارد نظر دارد.

شرط سوم، حفظ آبرو و حیثیت افراد در جامعه است. اعضای جامعه، انتظار دارند عرض، آبرو، شخصیت و حرمتشان، در جامعه محفوظ بماند، اگر در جامعه‌ای شخصیت افراد مصونیت ندارد، کسانی به ناحق ترور شخصیت می‌شوند، افراد بی‌گناه متهم می‌گردند و آبرویشان تهدید می‌شود، چنین جامعه‌ای نیز آلوده به یک نوع فساد اجتماعی است.

شرط چهارم، وحدت، همدلی و عواطف متقابل است که باید در بین افراد جامعه حاکم باشد. در یک جامعه صالح باید بین افراد و گروه‌های جامعه روابط صحیح برقرار باشد؛ چنان که در زندگی خانوادگی، بین

زن و شوهر، پدر و فرزند، مادر و فرزند، خواهر و برادر و ... وجود دارد.

شرط پنجم، حفظ حیثیت معنوی اعضای جامعه است. البته ((حیثیت معنوی)) مفهوم وسیعی دارد و به یک معنی موضوع شخصیت و عرض و آبرو را هم می توان حیثیت معنوی تلقی کرد، اما منظور ما از حیثیت معنوی در این جا، صرف ابعاد مربوط به عقل و روان انسان است؛ مثل عقاید و افکار که مربوط به مسائل عقلی و نظری است و اخلاق که مربوط به مسائل روانی است.

## علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و ... نمی شود؟

### پرسش

علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و ... نمی شود؟

### پاسخ

هر چند تعطیلات بیش از اندازه را می توان یکی از عوامل موثر در عقب ماندگی رکود اقتصادی و صنعتی و ... دانست . اما با بررسی دقیق می توان به این نتیجه دست یافت که وجود تعطیلات رسمی به این اندازه ( مثلاً ۲۵ روز ) نمی تواند عامل مهمی در وجود مشکلات و عقب ماندگی های جامعه تلقی شود به دلایل ذیل : اولاً"، در بسیاری از کشورهای پیشرفته ، تقریباً " مشابه این تعطیلات به صورت رسمی وجود دارد مثلاً" در آلمان در حدود ۱۹ روز تعطیل رسمی می باشد که در حدود ۷۶ درصد آن تعطیل مذهبی می باشد ( حدود ۱۵ روز ) ، ( فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، ص ۳۰۷ ) بنابراین نفس این مقدار تعطیلات نمی تواند مانع عمده ای در توسعه باشد . ثانیاً"، اهمیت دادن به اعیاد مذهبی ( مانند عید قربان ، فطر، غدیر خم و ... ) و عزاداری ، سالروز، رحلت یا شهادت بزرگان دین ( مانند رحلت رسول اکرم ( ص ) ، عاشورا و ... ) نقش بسیار زیادی در گسترش فرهنگ و ارزش های حاکم بر جامعه اسلامی دارد و خود از تعظیم شعائر بوده که در قرآن کریم خداوند بر آن توصیه فرموده است ( حج ، آیه ۳۲ ) و ایمه معصومین ( ع ) نیز بر آن تاکید نموده اند . امام باقر ( ع ) در زمینه برپایی عزا برای امام حسین ( ع ) دستور می فرمایند : ( که برای امام حسین ( ع ) ندبه و عزاداری و گریه کنند و به اهل خانه خود



دستور دهد که بر او بگریند و مراسم عزاداری برپا کنند ) ، ( کامل الزیارات ، ص ۱۷۵ ) . و همچنین از ایامه اطهار ( ع ) وارد شده است که شیعیان ما در عزای ما محزون و در شادی ما شادمی باشند . برای این روزها در کتب روایی اعمال و آداب مخصوص وارد شده ( مانند نماز در روزهای عید و .. ) که نشانگر اهتمام ایامه اطهار به این روزهایی باشد، بنابراین اگر چه از لحاظ اقتصادی در روزهای تعطیل ، جامعه در ظاهر پیشرفتی ندارد، ولی از لحاظ معنوی و فرهنگی تاثیر بسیاری در پیشرفت و ترقی جامعه دارد که غیرمستقیم می تواند اثرات آن به بخش های مادی جامعه از قبیل اقتصادی ، صنعتی و ... نیز سرایت کرده و باعث شکوفایی و پیشرفت آنها می شود . به عنوان نمونه بیشترین مشکل در بخش های اداری و دولتی ما نبود وجدان کاری می باشد که باعث ایجاد یک نظام اداری غیر کارآمد همراه با بازدهی خیلی پایین و سایر مشکلات شده است . در صورتی که دستگاه های فرهنگی و رسانه های عمومی بتوانند بر اثر آموزه هایی که در بزرگداشت مراسم مذهبی و ... به افراد می آموزند، باعث تقویت ایمان ، تقوا، تعهد و ... افراد جامعه شوند، بسیاری از مشکلات اداری ، اقتصادی و ... جامعه حل خواهد شد و در تقویت انگیزه و میزان کارآیی نیروهای تولیدی و ... بسیار موثر خواهد بود، لذا در کشورهای پیشرفته به نقش مذهب برای کارکرد بخش های دیگر جامعه و نهایتاً " نظام اجتماعی بسیار توجه می شود و بسیاری از روزهای مهم و اعیاد مذهبی خود را

به

صورت تعطیل رسمی درآورده اند، ( فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، ص ۳۰۷ ). ثالثاً، چرا وقتی سخن از کثرت تعطیلات می آید بلافاصله تعطیلات مذهبی را نشانه رویم . مگر تعطیلات باستانی نوروزی را نمی توان کاهش داد . یکی از سیاست های دولت شهید رجایی همین مساله بود، ولی متأسفانه حتی برای یک سال هم نشد که تعطیلات سیزده روز نوروزی را درمراکز آموزشی به ۵ روز تقلیل دهند .۷

## علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

### پرسش

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

### پاسخ

علت اساسی تمام نابسامانیها را می توان پایبند نبودن به یک مذهب صحیح دانست، زیرا تجربیات تاریخی ملل پیشین ثابت می کند که جامعه ی انسانی بدون پایبندی به یک مکتب آسمانی، که عقل و وجدان انسان را راضی کند، نمی تواند سعادت‌مند شود. هیچگاه قوانین انسانی نمی تواند جایگزین ایمان و عقیده دینی گردد. تا زا طریق ایمان در افراد جامعه انگیزه ی خیر و نیکی و دوری از زشتی و پلیدی ایجاد نشود، با هیچ نیرویی نمی توان جامعه را به سوی کمال و سعادت سوق داد. بزرگترین اشتباه تمدن کنونی همین است که برای اصلاح نابسامانیها به هر چیزی جز به دین و مذهب فکر می کند و نیروی عظیم ایمان و عقیده را به حساب نیاورده، نقش عمده ی آن را در اصلاح جامعه ی انسانی نادیده می گیرد. به همین علت از کوششهای فراوانی که انجام می گیرد نتیجه ای به دست نمی آید، بر نابسامانیها افزوده می شود و هیچ جنبه ای از جنبه های فساد و تباهی اصلاح نمی شود مگر آنکه آن مشکل از گوشه ای دیگر و در شکلی دیگر بروز می کند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۵۱

## اصل محاکات چیست؟

### پرسش

اصل محاکات چیست؟

### پاسخ

محاکات در لغت به معنای حکایت و بازگور کردن و مانند چیزی را به وسیله کردار یا گفتار آوردن است. محاکات در اصطلاح یعنی هم‌رنگ شدن با دیگران. اصولاً- ترقی فرد و جامعه به واسطه همین اصل است. کودک براساس همین اصل،

حرف زدن، راه رفتن و امور دیگر را یاد می‌گیرد. آموزش نوآموز و یادگرفتن مطالب از آموزگار به واسطه‌ی همین اصل صورت می‌گیرد.

بنابراین، محاکات همان تقلید از دیگران است. نکته‌ی قابل توجه این‌که تقلید انسان از دیگران چنانچه با فکر و تعقل همراه باشد، بسیار مفید و موجب ترقی فرد و جامعه است. اسلام نیز آن را ستوده و بدان تشویق کرده است.

اما اگر بدون فکر و به اصطلاح طوطی وار تقلید نماید، بسیار بد و مذموم است و موجب بدبختی فرد و جامعه است. بهترین گواه زنده تقلید کورکورانه‌ی مسلمانان از غرب

۱۸۰۹

است، که بدون توجه و به طور ناخودآگاه در اعتیادهای خطرناک، شهوت رانی و غیره از آنها تقلید می‌کنند.

قرآن مجید می‌فرماید: «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» ای پیامبر مژده ده بندگان مرا، کسانی که گفتارها را می‌شنوند، اما خوبهایش را پیروی می‌کنند».

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۸۱۰

### آیا اختلاف در جامعه اولیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

#### پرسش

آیا اختلاف در جامعه اولیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

#### پاسخ

آنچه که از منابع دینی به دست می‌آید این است که اختلاف در جامعه ابتدایی انسانی به خاطر ترکیب انسان داشتن اختیار به وجود آمده است. اولین اختلاف در بین انسان‌ها، اختلاف هابیل و قابیل، فرزندان آدم ((علیه السلام)) بود که در اثر امری معنوی و نه در اثر ابزار تولید به وجود آمد. در قرآن کریم در این باره آمده است:

«اذا قرَّبنا قُرَباناً منقبَل من احدهما و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنک»؛ آنگاه که آن دو قربانی کردند و قربانی یکی از آن دو (هابیل) قبول شد و قربانی دیگری (قابیل) پذیرفته نشد. پس او (قابیل) گفت هر آینه تو را خواهم کشت».

(بخش پاسخ به سؤالات)

**خواهشاً در مورد جو سیاسی و فرهنگی اجتماع یک دیدگاه کلی که به عنوان یک مداوا باشد راهنمایی کنید؟ که از این بدبینی که در جامعه وجود دارد تا حدودی شفافیتی نشان دهد.**

### پرسش

خواهشاً در مورد جو سیاسی و فرهنگی اجتماع یک دیدگاه کلی که به عنوان یک مداوا باشد راهنمایی کنید؟ که از این بدبینی که در جامعه وجود دارد تا حدودی شفافیتی نشان دهد.

### پاسخ

باید دید عوامل بدبینی چیست؟

یا عدم شناخت کافی است، یا سوء ظن است یا پیش فرض هایی است که انسان دارد و ممکن است بعضی از بدبینیها بر اساس یکسری واقعیت ها باشد.

در عین حال یک نظام سیاسی از دو حال خارج نیست یا حق است یا باطل اگر، اصل نظام را نظام حق می دانیم کاستیها در آن مشاهده می شود باید به اندازه توان در صدد رفع آن کاستیها برآئیم.

نکته اساسی در قضاوتها به ملاک مطلوبیت یک نظام در نظر افراد باز می گردد که می تواند رفاه مادی عموم طبقات باشد و نیز می تواند ملاکهای ارزشی مانند استقلال و برپایی حکومت دینی و انتخاب آزادانه مردم و جهت گیری برنامه های نظام برای اجراء قوانین اسلام باشد. طبیعی است برای افرادی که شاخص مطلوبیت در نزد آنها رفاه مادی است ارتفاع و نزول قیمتها تعیین کننده مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت است انصاف حکم می کند که در بخش اقتصادی نیز با توجه به محاصره اقتصادی و دشمنیهای استکبار و فرمولهای پیچیده مبارزه اقتصادی آنها و ده ها عامل مهم دیگر به این حقیقت باور داشته باشیم که جهت گیری قوانین مجلس و اهتمام برنامه های کلان اقتصادی در جهت محرومیت زدائی است و دلایل و نشانه های صدق این ادعا خدمات قابل توجه به مناطق محروم و روستاها است که نسبت به تمام دوره حکومت طاغوت قابل مقایسه نیست. شرایط حاکم بر اوضاع اقتصادی جامعه را می توان به اوضاع فردی تشبیه نمود

که طوفانی سخت همه اساس البیت او را در صحرا پراکنده ساخته است و او می خواهد در ضمن وزش چنین طوفانی اموال متفرق خود را گردآوری کند، هرچه را جمع کرده کنار هم می چیند و به آن نظم می بخشد دوباره طوفان برهم می زند و اگر قسمتی را اصلاح می کند قسمت دیگری از هم می پاشد. در شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه ترورهای اقتصادی و دشمنیهای استکبار

به منزله همین طوفان عمل می کند که قرار و آرام را گرفته اوضاع بسیار سختی ایجاد می نماید ولی غالباً این دشمنیها و عوامل، پنهان از دید عامه مردم است. رقمهای کلان بودجه هایی که دولت آمریکا در ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران تصویب می نماید و طرفندهای سیاسی پنهانی که به کار می گیرد قدرت تشخیص علت نابسامانیها اقتصادی و حل آن را دشوار می سازد و اما در دید کسانی که شاخص های مطلوبیت نظام نفس جدیت و کوشش در راه دستیابی به ارزشهای متعالی اسلام است فرق نمی کند که در کشاکش مبارزه چه اوضاع و شرایطی پیش آید مهم آن است که به تکلیف الهی عمل شود و در مقابل دشمنیها سر تسلیم فرود آورده نشود. اگر اراده خدای متعال تعلق گرفت پیروزی و غلبه نصیب گردد و یا شهادت و جانبازی در راه اسلام، در منظر چنین کسانی تا وقتی که این جهاد مقدس برپا است و رهبران فداکار و صادقی دارد باید با همه وجود از انقلاب دفاع نمود و خوشبینی و امید با هیچ حادثه ای از دست نخواهد رفت.

## قرآن ویژگیهای یک جامعه ایدهآل و خوب را چه میداند؟

### پرسش

قرآن ویژگیهای یک جامعه ایدهآل و خوب را چه میداند؟

### پاسخ

جامعه ایدهآل قرآنی به نحو کامل و اتم در زمان ظهور حضرت مهدیغ تحقق مییابد و آرزوی دیرینه بشریت جامعه عمل میپوشد.

برخی از مؤلفهها و ویژگیهای جامعه آرمانی از دیدگاه قرآن:

جامعه دینی از دیدگاه قرآن ایدهآل و مطلوب است که ضمن تن دادن به حکومت و داوری دین، این مؤلفهها را نیز داراست.

۱. حق مداری، اولین مؤلفه جامعه دینی، پیروی از حق در فکر و عمل است در حوزه فکری، حاکمیت عقل و اندیشه و تبعیت از حق و حق مداری را توصیه و ترغیب میکند و کسانی که از این نعمت خدائی استفاده نمیکنند را مذمت مینماید و میفرماید "أَفَلَا تَعْقِلُونَ" (بقره، ۴۴) چرا تعقل نمیکنید.

در حوزه عملی نیز توصیه به حق محوری مینماید و میفرماید حق مدار باشید و لو به ضرر خودتان یا بستگانتان باشد.

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوِّمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ" (نساء، ۱۳۵) ای کسانی که ایمان

آورده‌اید به عدالت قیام و عمل کنید و برای خدا شهادت دهید گرچه به زیان شما یا نزدیکانتان باشد."

لذا جامعه دینی پیرو حق است و لو اکثریت با آن سرناسازگاری داشته باشند.

## ۲. عدالت محوری

دومین شاخصه جامعه مطلوب، عدالت محوری است که هدف اجتماعی بعثت پیامبران نیز همین اقامه قسط و عدل بوده است لذا تحقق بخشیدن به این هدف محوری باید در سرلوحه جامعه ایده‌آل قرآنی قرار بگیرد.

"لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ" (حدید، ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با

آن کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند."

رعایت عدالت اجتماعی در عرصه اقتصاد، حقوق و... نیز از رعایت عدالت در منابع و منافع از شاخصه‌های جامعه ایده‌آل قرآنی است.

### ۳. قانونگرایی

جامعه ایده‌آل قرآنی، قانونگر است و از هرج و مرج پرهیز دارد. ضمن آن که قانونی جز قانون الهی را نمیپذیرد و وحی و تعالیم انبیا را منبع قانونگذاری در جامعه میداند و خود را پایبند این قانون میداند.

"اسلام چون دامنه حیات انسانی را منحصر به همین زندگی دنیا ندانسته و حیات واقعی را حیات آخرت میداند قانون را بر این اساس و بر اساس توحید وضع کرده است و در مرحله قانونگذاری، تنها به تعدیل اراده‌ها در اعمال و افعال مردم بسنده نکرده بلکه آن را با یک سلسله وظایف عبادی و معارف حقه و اخلاق فاضله تکمیل کرده است.

بر خلاف تمدن امروز که قانون را بر اساس بهره‌مندی از لذت‌های مادی وضع میکند. (المیزان، علامه طباطبایی، ج ۴، ص ۱۲۱۱).

### ۴. حکومت دینی

یکی دیگر از مؤلفه‌های جامعه ایده‌آل قرآنی، برپایی حکومت دینی است که بدون شکلگیری حکومت دینی، احکام و اهداف دین محقق نخواهد شد.

و حکومت دینی در سایه زمامدار دینی میسر است و تفسیرهای ناصواب از حکومت دینی منهای زمامدار دینی در حقیقت، رد و طرح اصل حکومت دینی است.

قرآن مجید میفرماید: "إِنَّمَا وَدَّعَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ" (مائده، ۵۵) سرپرست و رهبر شما تنها خداست و پیامبر او و مؤمنانی که نماز به پا میدارند و در حال رکوع زکات میپردازند."

آیت الله مکارم میگوید: روشن

است که منظور از ولی در آیه فوق به معنای سرپرستی و تصرف و رهبری مادی و معنوی است. (تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۴، ص ۴۲۴، دارالکتب الاسلامیه.)

اینها نگاهی گذرا به شاخصهها و ویژگیهای کلی جامعه ایده آل از منظر قرآن بود شاخصههای دیگری نیز وجود دارد که در صورت تمایل میتوانید به کتاب جامعه برین نوشته میرمدرس مراجعه فرمایید.

## فروپاشی اجتماعی چه آثاری بر جامعه دارد؟

### پرسش

فروپاشی اجتماعی چه آثاری بر جامعه دارد؟

### پاسخ

پرسشگر گرامی قرآن کریم فروپاشی و نابودی اجتماعی جوامع را نتیجه گناه و نافرمانی از دستورهای خداوند متعال می داند و می فرماید: "وَ إِذْ أَرْذُنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَدُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا تَدْمِيرًا" (اسراء، ۱۶) و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم اوامر خود را برای "مترفین آن ها [ثروتمندان مست شهوت بیان می داریم سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند آن ها را به شدت در هم می کویم

هنگامی که اجتماعی بر اثر عوامل مختلف از جمله گناه و نافرمانی مردم آن اجتماع از دستورهای خداوند متعال فروپاشید دیگر جامعه ای باقی نمی ماند که آثارش بر آن مترتب شود. (ر.ک تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۲، ص ۵۸۶۱، دارالکتب الاسلامیه تهران)

پرسشگر محترم اگر از تأثیر فروپاشی اجتماعی در جامعه تصور و منظور دیگری دارید، در مکاتبات بعدی توضیح دهید.

## چرا علما و اسلام شناسان در مورد مشکلات اجتماعی و فکری راه حل ارائه نمی دهند

### پرسش

چرا علما و اسلام شناسان در مورد مشکلات اجتماعی و فکری راه حل ارائه نمی دهند

### پاسخ

گرچه به دلیل تراکم کار، از پاسخ مشروح به نامه دردمندانه شما عذر می خواهیم؛ ولی به اجمال، نامه شما را در چند محور مورد بحث قرار می دهیم:

۱- علت عدم ارائه روشی برای مسائل فکری از سوی علمای اسلام،



۲- ارائه راه حل در تمامی علوم انسانی از سوی دانشمندان،

۳- مسائل مستحدثه،

۴- مشکلات جامعه در حال حاضر و احساس دوگانگی جوانان،

۵- استفاده از راه های علمی و شیوه آزمون و خطا،

۶- عدم ارائه مقاله و کتاب های انبوه،

۷- محافظه کاری و مصلحت اندیشی.

در برخی از زمینه های یاد شده، ما نیز با شما هم داستانی؛ ولی در مواردی نیز جای نقد و گفت و گو وجود دارد.

۱- دانشمندان اسلامی از قرن ها پیش تاکنون، در مسائل فکری مورد نیاز بشریت گام برداشته اند. آنان بسیاری از نیازها را شناخته و در پرتو وحی به آن پاسخ داده اند. گسترش منطق، فلسفه، ریاضیات، نجوم، طب، اصول زبان شناسی، فقه، علوم قرآن و ده ها رشته خرد و کلان از علوم و معارف بشری، ثمره این تلاش تاریخی است.

البته اگر ما با آنها آشنا نباشیم، نباید تصور کنیم که کسی به آنها نپرداخته است.

فلسفه و کلام اسلامی، لبریز از پاسخ به نیازهای فکری است. علاوه بر این، فرزاندانی در هر عصر به نقد و بررسی افکار پرداخته و آن را در اختیار همگان قرار داده اند. هم چنین علامه طباطبایی (ره)، شهید مطهری (ره)، علامه حسنزاده آملی و... با آثار خود در زمینه های مختلف، گام های بلندی در این عصر برداشته اند.

البته کسی هرگز نباید ادعا کند که آنچه گفته شده، پایان راه است. علم همواره باید رو به کمال باشد؛ ولی منکر شدن انبوه گران سنگ

تراث اسلامی، نشان از بی‌اطلاعی شخص دارد.

۲- بسیاری از رشته‌های علوم انسانی در قرن حاضر، به صورت ویژه و به شکل رشته خاصی از دانش درآمده‌است.

جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و رشته‌های مختلف آنها از آن جمله است. البته در گذشته نیز موضوعات و مسایل اینعلوم مطرح بوده است؛ مثلاً ابن خلدون در مقدمه تاریخ خود، درباره «علم الاجتماع و فلسفه تاریخ» نظریاتی را مطرح کرده است، به گونه‌ای که وی را طراح دانش جامعه‌شناسی می‌دانند. در آثار فارابی، ابن سینا و ده‌ها دانشمند دیگر نیز مقولاتی پیرامون روان‌شناسی و دیگر رشته‌ها وجود دارد.

متأسفانه در یکی دو قرن گذشته، به دلایل مختلف سیاسی و اجتماعی - که شرح آن مجال وسیع می‌طلبد - مسلمانان از تراث خود بیگانه شده و به جای ابتکار و خلاقیت، تنها به نشخوار کردن آموزه‌های بیگانگان پرداختند؛ که خود آنان با جدیتی تمام در این عرصه وارد شده بودند. از همین رو از تولید کننده فکر، به مصرف کننده آن تبدیل شدند.

فشارهایی که در آن دوران بر حوزه‌های علمیه - که وارثان دانش پیشینیان بودند - وارد شد، آنان را چنان در تنگنا قرار داد که به ناچار در حفظ میراث علمی گذشتگان و توسعه آن، تنها در محدوده‌ای اندک به تلاش پرداختند. بقیه نیز یا در لابه‌لای سطور کتاب‌ها باقی ماند و یا توسط بیگانگان تاراج شد و یا از بین رفت.

مجال کوتاه پس از انقلاب نیز - که به راستی در برابر عمر دانش لحظه‌ای نیز به حساب نمی‌آید - بنا به دلایل مختلف، این اجازه را نداد که دانشمندان، به طور کامل به شناخت کامل میراث گذشته و دانش روز بپردازند و در توسعه بایسته آن

بکوشند. در حقیقت گویا حوزه های علمیه و متفکران اسلامی، از خوابی گران بیدار شدند؛ ولی بانبوهی از موضوعات تحقیق نشده روبه رو گشتند، که می بایست در آنها به ابداع و نوآوری می پرداختند. حال با توجه به این که حرکت دانش و علم، دارای حرکتی بسیار کند است و به سال ها و دهه ها و حتی قرن ها زمان نیاز دارد، چگونه می توان در عرض یکی دو دهه به تمامی این مسائل پرداخت و در آنها اظهار نظر نمود؟

البته با همه آنچه که گفته شد، متفکرانی در این عرصه گام های بلندی برداشته و برمی دارند؛ ولی انتظار حل یک شبه همه مسائل رؤیایی بیش نیست.

۳- اما درباره مسائل مستحدثه؛ اگر مقصود مسائل فقهی است که در این زمینه فقهای بزرگ گام هایی بلند برداشته اند و متناسب با نیازها نظرات خویش را اعلام کرده و می کنند؛ ولی اگر مقصود موضوعات علوم و دانش ها است، که در قسمت قبل مورد گفت و گو قرار گرفت.

۴- بلی، یکی از عوامل احساس دوگانگی جوانان، مطرح نشدن راه حل های مناسب و صریح در موارد گوناگون است. ولی نباید این را، تنها عامل به حساب آورد؛ بلکه عوامل مختلف فرهنگی و سیاسی در این زمینه دارای نقش است که بایستی در جای خود به تحلیل آن پرداخت. از سوی دیگر، موانع اجتماعی و اقتصادی از جمله عوامل بازدارنده در این زمینه است؛ مثلاً نکاح موقت از احکام قطعی فقه شیعه است؛ ولی پیاده سازی آن با موانع عظیم اجتماعی و فرهنگی روبه رو است و ...

۵- مسلماً در حل مشکلات، باید از راه حل های علمی بهره برد. تاکنون نیز در موضوع برنامه ریزی های خرد و کلان کشور، از وجود متخصصان رشته های مختلف - که در سازمان ها و

ارگان ها حضور دارند - بهره برده می شود؛ ولی تصور اینکه تنها با تکیه بر این نظریات همه مشکلات قابل حل است، قضاوتی ساده اندیشانه است. موضوع آزمون و خطا نیز، در بسیاری از مسائل مورد عمل قرار گرفته است؛ از جمله در مسائل اقتصادی و بعضی از مسائل فرهنگی.

۶- در این زمینه انتقاد شما را تا حدودی وارد می دانیم. با توجه به انبوه تبلیغات غرب و بلندگوهای نیرومند آنها، برای حفظ فرهنگ و استقلال کشور، باید سرمایه گذاری های عظیمی صورت گیرد؛ ولی متأسفانه به دلایل اقتصادی و تنگناهای دیگر، این کار انجام نگرفته است؛ چه گام های بلندی نیز در این عرصه برداشته شده است.

۷- کاش می دانستیم مقصود شما از محافظه کاری و مصلحت اندیشی، مربوط به کدام موضوع است، تا بهتر می توانستیم درباره آن گفت و گو کنیم!

### معنای جامعه پیشرفته و وارسته چیست ؟

#### پرسش

معنای جامعه پیشرفته و وارسته چیست ؟

#### پاسخ

خلاصه ویژگی های جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن و اسلام:

۱- گذر کرده از خود پرستی به خدا پرستی و عبودیت در برابر او،

۲- آکنده از عدل و قسط در همه ابعاد،

۳- متحد و یکپارچه در برابر دشمنان،

۴- مهربان و با عطوفت در داخل جامعه،

۵- آمر به معروف و ناهی از منکر،

۶- قدرتمند و موفق در عرصه های مختلف اجتماعی - اقتصادی - سیاسی،

۷- دارای نظم و ترتیب و برنامه در همه امور.

آیا تا بحال فکری برای مسأله طلاق که در کشور ما آمار بالایی دارد شده است ؟

#### پرسش

آیا تا بحال فکری برای مسأله طلاق که در کشور ما آمار بالایی دارد شده است؟

## پاسخ

ارائه هر گونه راه حلی برای پیشگیری و مقابله با مسئله طلاق، نیازمند بررسی ریشه ای و دقیق و عوامل جامعه شناختن آن می باشد که به اختصار به بیان مهمترین آنها می پردازیم:

۱. طبق آمار موجود در مجتمع های قضایی خانواده، یکی از مهمترین عوامل طلاق در کشور ناشی از معضل شوم اعتیاد و عواقب ناشی از آن از قبیل بیکاری، فقر، اختلافات خانوادگی و... می باشد. که البته خود این عامل و اعتیاد متأثر از عوامل دیگری است که در ادامه بررسی می شود.

۲. معضلات اقتصادی و اجتماعی از قبیل، بیکاری و عدم اشتغال، سطح پایین درآمدها، مشکل مسکن و امکانات رفاهی و... یکی از عوامل می باشد که زمینه های طلاق و جدایی را فراهم می آورند.

۳. تغییر ارزش های حاکم بر جامعه از سال ۱۳۶۸ به بعد: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و ناهنجاریهای متعدد گردید به گونه ای که توسعه نتایجی از قبیل تغییر ارزشهای اجتماعی از سنتی به سوی مدرن، از ساده زیستی به تجمل، از کمک و همیاری و ایثار و گذشت برای جامعه و حتی خانواده به سودجویی فردی، و از ارزش قناعت به ارزش ثروت و از انسجام به فردگرایی و از ارزش دین و خدا به ارزش پول و دنیا، را در پی داشت. یکی از عواقب شوم تغییر ارزشها، سست شدن بنیاد و کانون خانواده و گسترش طلاق می باشد.

۴. تهاجم فرهنگی: هجوم شوم فرهنگی افسار گسیخته و سراپا مبتذل

و بی بنسب و باری غرب، تمامی ارکان جامعه از جمله خانواده را مورد تهدید قرار داده است، فرهنگ غرب که ریشه در فردگرایی اصالت لذت و... دارد همانطور که موجب انحطاط اخلاق و فروپاشی کانون خانواده در غرب شده این تأثیران را برای سایر جوامعی که در معرض هجوم این فرهنگ قرار دارند نیز به ارمغان آورده است.

خلاصه آنکه زمانی که مشکلات و معضلات اقتصادی اکثریت خانواده ها را در فشار قرار داده باشد و از طرف دیگر ارزش های اسلامی و تعهدات اخلاقی از قبیل ایمان، توکل، قناعت و صبر احساس مسئولیت به اعضای خانواده و... نیز در اثر تغییر جو و ارزشهای حاکم در جامعه و همچنین تهاجم فرهنگی، دگرگون شده باشد، جامعه با سست شدن ارکان خانواده و بروز طلاق مواجه می شود. اما در مورد اینکه آیا این مسأله قابل پیشگیری می باشد و اقداماتی انجام شده است یا نه؟ باید گفت که از آنجا که معضل طلاق بصورت مستقیم یا غیر مستقیم نای از عوامل فوق می باشد، بنابراین مسئولین در برنامه ریزی های خود سعی در حل اساسی و ریشه ای این معضل داشته و اقدامات متعددی را نیز به انجام رسانیده اند.

مثلاً- برای مبارزه با اعتیاد و جلوگیری از عواقب شوم آن از قبل سست شدن ارکان خانواده، اقداماتی از قبیل: اشتغال زایی و حل مشکل بیکاری، گسترش امکانات تفریحی، ورزشی، مبارزه قاطع با پخش مواد مخدر و همچنین در جهت مقابله با مشکلات و معضلات اقتصادی، توجه به وضعیت حقوقی و معیشتی اقشار مستضعف و آسیب پذیر جامعه مبارزه با مفاسد اقتصادی به منظور بسط عدالت اجتماعی توجه به بخش مسکن اشتغال مولد و... و همچنین در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی، بالا

بردن تولیدات فرهنگی داخلی هم از لحاظ کمی و کیفی در جهت‌ترویج، تثبیت و نهادینه نمودن ارزش‌های اسلامی و تقویت روحیه ایمان و تلاش برای حل مشکلات احساس مسئولیت و وفاداری به کانون خانواده و... چه از طریق صدا و سیما و چه از طریق مطبوعات، اقدامات بسیار مفید و متعددی صورت گرفته است.

علاوه بر اقدامات فوق که بصورت غیر مستقیم و زیربنای موجب حل مشکلات طلاق می‌شود، ایجاد و گسترش مراکز مشاوره برای حل مشکلات و اختلافات خانوادگی و برخی اقدامات دیگر در مجتمع‌های قضایی خانواده برای پیشگیری از جدایی خانواده‌ها، قابل توجهی باشد.

انشاءالله امید می‌رود با حل عوامل طلاق که در منابع اسلامی به عنوان مبعوفترین حلال خداوند نام برده شده، و آثار و پیامدهای منفی بسیار زیادی بر جامعه دارد، به هیچ وجه شاهد چنین معضلی در جامعه اسلامی نباشیم. }]

### منظور از آیات اجتماعی قرآن کریم چیست آیا مجموعه‌ای در این باره گردآوری شده است

#### پرسش

منظور از آیات اجتماعی قرآن کریم چیست آیا مجموعه‌ای در این باره گردآوری شده است

#### پاسخ

پیش از پرداختن به آیات اجتماعی لازم است ابتدا مفهوم "علوم اجتماعی روشن شود تا از رهگذر آن بتوانیم حوزه آیات اجتماعی را به درستی شناخته و آیات آن را پی بگیریم

اصطلاح "علوم اجتماعی در معانی گوناگونی به کار رفته است گاه به معنای مترادف با "علوم انسانی (تاریخ اقتصاد، روان‌شناسی و حقوق گرفته می‌شود و گاه آن را تنها بر بخشی از علوم انسانی که ناظر به امور و شؤون اجتماعی انسان است تطبیق می‌کنند و گاه معنا را تنگ‌تر کرده تنها به علوم انسانی که ناظر به امور و شؤون اجتماعی بوده و جنبه توصیفی داشته باشد (و نه دستوری اطلاق می‌کنند (علم توصیفی در پی کشف تکوینات و واقعیت‌های زندگی اجتماعی انسان است و علم دستوری یا هنجاری و یا ارزش بیان‌کننده تشریفات و ارزش‌های زندگی اجتماعی انسان است (برای آگاهی بیشتر ر.ک جامعه و تاریخ از دیدگاه امام خمینی، محمد تقی مصباح یزدی ص ۱۶ و ۱۷، سازمان تبلیغات اسلامی

بنابراین با توجه به هر یک از تعریف‌های یاد شده بخشی از آیات قرآن را می‌توان مورد مطالعه قرار داد.

ولی از آن جا که همه آیات قرآن گاه به جنبه‌های گوناگونی پرداخته است و هر مفسّری در حوزه فکری و تفسیری خود، به گوشه‌هایی از آن می‌پردازد، نمی‌توان آیات را در یک تقسیم‌بندی کلی به اجتماعی و غیر آن تقسیم کرد، مگر آن که

جداسازی آیات اجتماعی تنها به ملاحظه جهت های اجتماعی آن ها باشد؛ به عبارت دیگر یک آیه می تواند هم در دسته آیات اجتماعی قرار گیرد و هم در دسته آیات مربوط احکام فردی

آیات اجتماعی با توجه به معانی وسیع آن بسیار متنوع و فراوان است و شاید بتوان بیشترین آیات قرآن را در این حوزه مطرح کرد؛ مانند احکام پیروی از ولی امر، قصاص دفاع خمس و زکات نمازهای مسجد و جماعت حج معاملات و... و نیز آیات مربوط به چگونگی معاشرت با دیگران احکام زناشویی و...

آیات اجتماعی متناسب با شاخه ها و عناصر علوم اجتماعی در زیر مجموعه هایی مستقل جای می گیرند؛ برای مثال آیات اقتصادی نظامی سیاسی فرهنگی روانشناس و... هر یک در مجموعه هایی مستقل بحث می شوند.

درباره آیات اجتماعی تفسیرها و تک نگاری های فراوانی ارائه شده است حتی درباره برخی از شاخه های علوم اجتماعی فرهنگ هایی مستقل تر را تدوین گردیده مانند "الكشاف الاقتصادي لآيات القرآن الكريم اثر محیی الدین عطیة الدار العالمیه للكتاب الاسلامی والمعهد العالمی للفکر الاسلامی

برخی از منابع آیات اجتماعی عبارت است از: "جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، استاد محمد تقی مصباح یزدی" حقوق و سیاست در قرآن، استاد محمد تقی مصباح یزدی انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ "اسلام و جامعه (چهار جلد)، جمعی از نویسندگان مرکز جهانی علوم اسلامی" زندگی اجتماعی از دیدگاه اسلام، دکتر احمد شبلی ترجمه دکتر سید محمود اسد اللهی آستان قدس رضوی "نقش



قرآن در جهان معاصر" محمد غزالی ترجمه محمد صدیق خالق پناه "بعد اجتماعی اسلام" محمد اسفندیاری و...

## مسائل اجتماعی و سیر آن ها در قرآن را توضیح دهید؟

### پرسش

مسائل اجتماعی و سیر آن ها در قرآن را توضیح دهید؟

### پاسخ

مسائل اجتماعی در تعالیم اسلام و قرآن کریم جایگاه ویژه ای دارند و قرآن کریم همواره بر اصلاح و هدایت جامعه و اجتماع تأکید می کند، در این جا به برخی از مواردی که به مناسبت قرآن کریم درباره مسائل اجتماعی بحث کرده است اشاره می شود:

۱. اهمیت روابط زندگی اجتماعی چنان که خداوند متعال می فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" (آل عمران ۲۰۰) ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید."

آیه مذکور در بردارنده یک برنامه جامع چهار ماده ای برای عموم مسلمانان است الف صبر و ایستادگی در برابر حوادث و مشکلات

ب صبر و مقاومت در برابر مقاومت دیگران ج دستور آماده باش در برابر دشمنان و مراقبت دائم از مرزهای کشور و سرزمین های اسلامی

د. پرهیزگار باشید. (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۲۳۴ و ۲۳۵، دارالکتب الاسلامیه )

۲. عوامل نابسامانی های اجتماعی مثل خیانت در اموال یتیمان آمیختن مال حلال با حرام و خوردن مال شبهه ناک و... (نساء، ۲)

۳. راهکار دادن در حل برخی مسائل اجتماعی و برداشتن عوامل اختلاف در اجتماع مثل تعیین سهم ارث هر کدام از بازماندگان و... (نساء، ۱۱ و ۱۲)

۴. آزادی های اجتماعی و محدوده آن و دفاع از حقوق زنان (نساء، ۱۹)، (هود، ۸۸)

۵. عوامل پایداری گروه های اجتماعی (انفال ۶۶)

۶. ویژگی های مراکز دینی و اجتماعی

۷. عوامل تحکیم و ایجاد امنیت و پیوندهای اجتماعی (حجرات ۱۲)

۸. رعایت حقوق افراد جامعه مثل نهی از غیبت مسخره نکردن دیگران اجتناب از سوءظن (حجرات ۱۱ و ۱۲)

۹. مشورت و تعاون و همکاری در امور (شوری ۳۸)، (مائده ۲)

۱۰. اخوت و برادری و اتحاد میان مسلمانان (حجرات ۱۰)

۱۱. عدالت اجتماعی (نساء، ۱۳۵)، (حدید، ۲۵)

...

قرآن کریم می فرماید: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَاتِّبَاعِ سَبِيلِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ" (نحل ۹۰) خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم نهی می کند؛ خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید!"

در این آیه شریفه به مسائل اجتماعی انسانی اخلاقی در شش اصل مهم بیان شده است

۱ عدل که قانون وسیع تر، گیراتر و جامع تر از آن تصور نمی شود.

۲ احسان در طول زندگی انسان ها مواقع حساس پیش می آید که حل مشکلات به کمک اصل عدالت به تنهایی امکان پذیر نیست بلکه نیاز به ایثار و گذشت و فداکاری دارد، که با استفاده از اصل "احسان باید تحقق یابد.

۳ نیکی به نزدیکان "ایتای س ذی القربی"، که بخشی از مسأله احسان است با این تفاوت که احسان مربوط به کل جامعه است و "ایتای ذی القربی" در خصوص خویشاوندان و بستگان است که جامعه کوچک محسوب می شود، و با توجه به این که جامعه بزرگ از جامعه کوچک تر، (یعنی جامعه فامیلی ترکیب شده هرگاه این واحدهای کوچک تر از انسجام بیشتری برخوردار گردند، اثر

آن در کل جامعه ظاهر می شود؛ افزون بر آن مسأله کمک به جامعه های کوچک یعنی بستگان و خویشاوندان از آن نظر که پشتوانه عاطفی نیرومندی برخوردار است از ضمانت اجرایی بیشتری بهره مند خواهد بود.

۴، ۵، ۶ دوری از "فحشا"، "منکر" و "بغی".

برخی از مفسران در توضیح این قسمت از آیه فرموده اند: "فحشا"، اشاره به گناهان پنهانی "منکر"، اشاره به گناهان آشکار، و "بغی" هرگونه تجاوز از حق خویش و ظلم و خود برتری نسبت به دیگران است

احیای اصول سه گانه عدل و احسان و ایتای ذی القربی و مبارزه با انحرافات سه گانه فحشا، منکر و بغی در سطح جهانی کافی است که دنیای آباد و آرام و خالی از هرگونه بدبختی و فساد بسازد، به همین خاطر این آیه شریفه را می توان از جامع ترین آیات قرآن در مورد مسائل اجتماعی شمرد. (ر.ک تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۳۶۶۳۷۲، دارالکتب الاسلامیه)

**در ایام فاطمیه و ایام دیگر که از حضرت فاطمه (س) سخن می گویند و ظلم هایی که بر او شده گفته می شود، چرا نامی از ظلم کننده ها بر او عمر و... برده نمی شود، تا در ذهن مردم و بچه ها بماند؟**

**پرسش**

در ایام فاطمیه و ایام دیگر که از حضرت فاطمه (س) سخن می گویند و ظلم هایی که بر او شده گفته می شود، چرا نامی از ظلم کننده ها بر او عمر و... برده نمی شود، تا در ذهن مردم و بچه ها بماند؟

**پاسخ**

این هم یکی از ابعاد مظلومیت آن حضرت است یکی از افرادی که بعد از رسول خدا مورد ظلم فراوان قرار گرفت، حضرت زهرا (س) بود، ولی امیرالمؤمنین علی (ع) و بسیار از شیعیان در آن زمان به خاطر حفظ اسلام و تفرقه نیافتادن بین مسلمانان، سکوت کردند و در عین مظلومیت، صبر نمودند امیرالمؤمنین (ع) فرمود: صبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی اری تراثی نهبا [۲]؛ صبر کردم، در حالی که خاری در چشمم و استخوانی در گلویم بود. می دیدم که ارث مرا به غارت بردند". در زمان ما هم هنوز آن مظلومیت ادامه دارد. خاندان عصمت و طهارت در عین عظمت و بلندی و کمال معنویت همواره مظلوم بوده اند و هنوز به خاطر این که برادران اهل سنت از ما شیعیان آزرده خاطر نشوند و ما را خارج از اسلام ندانند، مجبوریم کوتاه بیائیم.

([۲] نهج البلاغه، خطبه ۳.

**در شهر ما چهار نفر روحانی زندگی می کنند و همیشه مردم را به وحدت و یکدلی دعوت می کنند اما تاکنون یک بار کسی ندیده خودشان یک جا جمع شوند، وقتی چهار نفر روحانی بتوانند با هم توافق کنند، از مردم چه انتظاری دارند!؟**

در شهر ما چهار نفر روحانی زندگی می کنند و همیشه مردم را به وحدت و یکدلی دعوت می کنند اما تاکنون یک بار کسی ندیده خودشان یک جا جمع شوند، وقتی چهار نفر روحانی بتوانند با هم توافق کنند، از مردم چه انتظاری دارند؟!

تردیدی نیست که دین مقدس اسلام آیین وحدت و یگانگی است و از هر گونه نفاق و تفرقه و پراکندگی بیزار است. توحید نه تنها یکی از اصول دین است، بلکه تمام اصول و فروع اسلام و همه برنامه های آن بر محور توحید دور می زند.

توحید روحی است در کالبد همه تعلیمات اسلام و جانی است که در پیکر اسلام است. (۱)

اتحاد و یکپارچگی اثر اعجاز آمیزی در پیشرفت اهداف اجتماعی دارد.

امرز سدهای عظیمی در جها بر پا شده که مبدء تولید بزرگترین نیرو است و سرزمین های وسیعی را زیر پوشش آب یا روشنایی قرار داده است.

اگر دسرت فکر کنیم می بینیم این قدرت عظیم چیزی جز نتیجه پیوستن قدرت های ناچیز دانه های باران نیست. آن گاه بهاهملت اتحاد انسان ها واقف می شویم.

رسول خدا(ص) فرمود: "مثل افراد مؤمن در دوستی و نیکی به یکدیگر همچون اعضای یک پیکر است که چون بعضی از آن رنجور شود و به درد آید، اعضای دیگر را قرار و آرامش نخواهد بود". (۲)

برادر عزیز، اگر روحانیون شهرتان همان طوری باشند که شما نوشتید، اما شما قتل فهمیدید اتحاد و توافق اثر فوق العاده ای دارد، باید طبق آنعمل کنید، خواه گویندگان عمل بکنند و خواه ترک نمایند.

ولی فکر نمی کنیم روحانیون شهرتان چنان باشند و حتماً با هم تماس دارند و با هم تبادل نظر می کنند و از علم یکدیگر

بهره مند می شوند، اما ممکن است شما ندیده باشید.

البته بهتر است تجمع آنان گاهی در انظار مردم باشد تا خدای ناکرده ایجاد تفرقه در دیگران نکند.

پی نوشت ها:

۱ - تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۵۰.

۲ - تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۲، ص ۴۵۰، طبق نقل نمونه، ج ۳، ص ۳۳.

## قرآن برای فراهم شدن زمینه هم زیستی مسالمت آمیز جهان مسلمانان و اهل کتاب، چه راه حلی را پیشنهاد می کند؟

### پرسش

قرآن برای فراهم شدن زمینه هم زیستی مسالمت آمیز جهان مسلمانان و اهل کتاب، چه راه حلی را پیشنهاد می کند؟

### پاسخ

قرآن، اهل کتاب را مخاطب ساخته و به پافشاری به موارد اشتراک که اصل توحید و شاخه های آن است، دعوت می کند، می فرماید [بگو ای اهل کتاب بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را جز خداوند یگانه به خدایی نپذیرند] «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ». آل عمران/۶۴

و در پایان می افزاید [هر گاه از این دعوت سرپیچی کنند بگویند گواه باشید که ما مسلمانیم] (و بر خط توحید پیش می رویم).

دعوت به سوی قدر مشترک، بهترین راه برای همزیستی دو مذهب مختلف است، چرا که غالباً نمی توان از یک گروه بخواهیم تمام عقاید خود را رها کند و تابع دیگری گردد و اگر هم منطقی باشد، عملی نیست، پس بهتر این است که اگر پیروان ادیان دیگر، بعد از شنیدن دلایل مختلف به اسلام نگریند، آنها را در عقاید خاص خودشان رها کنیم و در قدر مشترک همکاری نماییم و بهترین قدر مشترک بین همه ادیان آسمانی، همان اصل توحید و یگانگی خدا در ذات و صفات است.

در واقع این دعوت به همزیستی مسالمت آمیز و تکیه بر جنبه های مشترک، یکی از مصداقهای روشن «مجادله بالثی هی احسن» است و به خوبی نشان می دهد که اسلام هرگز نمی خواهد با توسل به زور،

پیروان مذاهب دیگر را به آیین اسلام بکشاند.

جالب اینکه در سال هفتم هجرت (بعد از فتح حدیبیه) که پیامبر اسلام (ص) نامه‌هایی به سران حکومت‌های بزرگ جهان مانند «مقوقس» زمامدار مصر و «هرقل» پادشاه روم و «کسری» پادشاه ایران، نوشت و آنها را به سوی اسلام دعوت نمود، در ذیل بسیاری از این نامه‌ها به آیه فوق اشاره فرمود، یعنی حدّ اقل بیاید در آن اصل مهمی که حلقه اتصال همه ادیان آسمانی است، اصل توحید، با یکدیگر همکاری و سپس همزیستی کنیم.

این خود، بهترین نشانه برای روح صلح طلبی اسلام و آمادگی برای همزیستی مسالمت آمیز با پیروان سایر ادیان آسمانی است، که ریشه در عصر پیامبر(ص) دارد.

### دیدگاه روایات اسلامی پیرامون هم زیستی با پیروان دیگر مذاهب چیست؟

#### پرسش

دیدگاه روایات اسلامی پیرامون هم زیستی با پیروان دیگر مذاهب چیست؟

#### پاسخ

در روایات اسلامی نکات زیادی در این زمینه به چشم می‌خورد از جمله

۱ امام علی در فرمان معروف مالک اشتر می‌فرماید

«وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ، إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرَ لِمَكَ فِي الْخَلْقِ» [قلب خود را نسبت به ملت خویش، سرشار از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان درنده ای مباش که خوردن آنان را غنیمت بدانی، زیرا آنها دو گروهند یا برادر دینی تواند و یا انسانی همانند تو!]

تعبیری از این گویاتر و رساتر درباره همزیستی محبت آمیز نسبت به غیر مسلمانان پیدا نمی‌شود و با توجه به اینکه علی(ع) در این فرمان این محبت و مدارا و رحمت و لطف را وظیفه رئیس حکومت اسلامی می‌شناسد، تکلیف افراد یک جامعه در مقابل یکدیگر کاملاً روشن می‌شود.

۲ در حدیث دیگری از امام صادق(ع) می‌خوانیم که علی(ع) با یک کافر ذمی همسفر بود، ذمی از آن حضرت پرسید شما عازم کجا هستید؟ فرمود کوفه، هنگامی که آن مرد ذمی سر دو راهی از علی(ع) جدا شد، امیرمؤمنان نیز همراه او آمد، مرد ذمی گفت مگر نفرمودی که شما عازم کوفه هستی؟! فرمود آری چنین است، عرض کرد پس چرا راه کوفه را رها کردی؟ فرمود دانسته این کار را کردم! عرض کرد پس چرا با این که می‌دانستی چنین کردی؟ فرمود

«هَذَا مِنْ تَمَامِ حُسْنِ الصُّحْبَةِ أَنْ يُشَيِّعَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ هُنَيْئَةً إِذَا فَارَقَهُ، وَ كَذَلِكَ أَمَرْنَا نَبِيَّنَا» (بحارالانوار ۴۱/۵۳) [این از کمال حسن



که انسان هنگامی که همسفرش از او جدا شد، کمی او را بدرقه کند، این گونه پیامبر به ما دستور داده است.

مرد ذمی از روی تعجب پرسید راستی چنین است؟ امام فرمود آری مرد ذمی گفت بنابراین کسانی که از او پیروی می کنند به خاطر همین اعمال بزرگوارانه اوست، و من گواهی می دهم که به دین توام!

۳ در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) می خوانیم

«مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا وَ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ فَأَنَا حَجِيجُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (فتوح البلدان/۱۶۷) [هر کس بر غیر مسلمانی که پیمان (دوستی و همزیستی) با مسلمانان دارد ستم کند، یا به او بیش از توان و قدرتش تکلیف نماید، در روز قیامت، من خودم طرف حساب او هستم و حق او را مطالبه می کنم!]

۴ در حدیث دیگری که در کتاب خراج ابو یوسف آمده است می خوانیم

«حکیم بن حزام» مشاهده کرد که «عیاض بن غنم» جمعی از اهل ذمه را در آفتاب نگهداشته به خاطر اینکه «جزیه» خود را نپرداخته بودند (و از این طریق می خواست آنها را تحت فشار قرار دهد) «حکیم» گفت ای عیاض! این چه کاری است می کنی؟ من از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود «إِنَّ الَّذِينَ يُعَذِّبُونَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا يُعَذَّبُونَ فِي الْآخِرَةِ» (الخداج/۱۲۴) [کسانی که مردم را در دنیا آزار می دهند، خداوند آنها را در آخرت مجازات خواهد کرد.]

این مسأله به قدری در میان مسلمین معروف بود که از «عمر بن عبدالعزیز» نقل می کنند که یکی از فرماندارانش به نام «علی بن ارطاه» به او نوشت گروهی نزد ما هستند که خراجشان را بدون اینکه آنها را آزار دهند و ایذاء کنند نمی پردازند، عمر بن عبدالعزیز



به او نوشت «راستی بسیار عجیب است که تو از من اجازه می خواهی انسانی را شکنجه کنی! گویی من سپر تو در مقابل عذاب الهی هستم و گویی اجازه و رضایت من تو را از عذاب الهی رهایی می بخشد (اگر چنین فکر می کنی، سخت اشتباه کرده ای) هنگامی که نامه من به تو می رسد هر کس خراج خود را با میل خود پردازد مشکلی ندارد و الا او را سوگند بده (که توانایی ندارد و به همین سوگند قناعت کن) سپس افزود به خدا سوگند من روز قیامت، خدا را در حالی ملاقات کنم که آنان جنایت کرده اند (و حق بیت المال را نپرداخته اند) نزد من محبوبتر است از این که خدا را ملاقات کنم درحالی که آنها را شکنجه یا آزار کرده باشم!»

## اجتماع بشری که منبع همه پیشرفتها و موفقیت‌های علمی و اجتماعی است به چه صورتی می تواند به هدف مطلوب خود برسد؟

### پرسش

اجتماع بشری که منبع همه پیشرفتها و موفقیت‌های علمی و اجتماعی است به چه صورتی می تواند به هدف مطلوب خود برسد؟

### پاسخ

در صورتی می تواند، به هدف مطلوب خود برسد که محکمترین پیوند را داشته باشد و گرنه تبدیل به جهنم سوزانی می شود، که زحمات و مشکلات اجتماع را دارد، بی آنکه از برکات آن بهره مند گردد.

از یک سو بر وحدت عمومی جهان بشریت به عنوان اعضای یک خانواده و برادرانی که از یک پدر و مادر متولد شده اند تأکید می نهد.

و از سوی دیگر مؤمنان را عضو یک پیکر، صرف نظر از اختلاف زبان و نژاد می شمرد و می گوید «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» [شما همگی هم نوعید و همجنس یکدیگر و عضو یک پیکر]. آل عمران/ ۱۹۵

و در جای دیگر می فرماید «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» [مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند]. توبه/ ۷۱

به این نیز قناعت نمی کند و علاوه بر پیوند بشریت و پیوند ایمان نسبت به پیوندهای خویشاوندی، که در دایره فشرده تر و نزدیکتری است نیز توصیه و تأکید می کند و شکستن این پیمان را گناهی بزرگ می شمرد و می فرماید «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» [فاسقان آنها هستند که پیمان خدا را پس از آنکه محکم ساختند می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند قطع می نمایند و در جهان فساد می کنند اینها زیانکارانند]. بقره/ ۲۷

و در سوره محمد (ص) آیه ۲۲ و ۲۳ می خوانیم «فَهَلْ

عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ» [اما اگر روی گردان شوید، آیا جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی را قطع کنید چنین افراد کسانی هستند که خداوند آنها را از رحمتش دور ساخته، گوشه‌ایشان را کر، و چشمهایشان را کور کرده است.]

و به این ترتیب قطع این پیوندها را همدیف فساد در زمین و مایه کوری و کری چشم و گوش باطن می‌داند.

اهمیت این پیوندها در اسلام تا آنجاست که هر چیزی که کمک به تحکیم پیوندهای اجتماعی کند، مطلوب شمرده شده حتی دورگی که بدترین گناه است برای اصلاح ذات البین مجاز می‌باشد.

و به عکس، هر چیزی که مایه از هم گسستگی پیوندها گردد منفور و مردود شمرده شده، تحت هر عنوان و هر نامی که باشد.

### قرآن برای ایجاد «پیوند» و «روح اجتماعی» از چه وسائلی استفاده کرده است؟

#### پرسش

قرآن برای ایجاد «پیوند» و «روح اجتماعی» از چه وسائلی استفاده کرده است؟

#### پاسخ

دقت در تعبیرات قرآن نشان می‌دهد که برای ایجاد این رابطه، نزدیک ترین راه را پیموده، و اخوت و برادری را که نزدیک ترین و عمیقترین رابطه دو انسان با یکدیگر بر اساس مساوات و احترام متقابل است، اصل اساسی پیوند اجتماعی انسان‌ها شمرده است.

و این اخوت را، هم از نظر جسمانی بخاطر بازگشت همه انسانها به یک پدر و مادر و هم از نظر روحانی، بخاطر پیروی از یک مبدأ واحد فکری، یعنی ایمان به خداوند یگانه و آئین و قانون واحد، معتبر شناخته است.

قرآن روی کلمه «رفیق» یا «همنوع» و مانند اینها که در دنیای امروز بعنوان یک شعار مهم اجتماعی روی آنها تکیه میشود، تکیه نکرده، بلکه همه جا سخن از «برادری» به میان آورده است، آیات زیر شاهد گویای این مدعاست

۱. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» حجرات/۱۰ [مؤمنان برادر یکدیگرند، بنابراین در میان برادرانتان صلح و صفا ایجاد کنید.]

۲. «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» آل عمران/۱۰۳ [بخاطر بیاورید نعمت خداوند را بر خود، هنگامیکه دشمن یکدیگر بودید، خداوند در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به لطف و نعمت الهی برادر یکدیگر شدید.]

۳. «وان تخالطوهم فاحوانکم» بقره ۲۱۹ [اگر با یتیمان آمیزش داشته باشید آنها برادران شما هستند.]

۴. «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ حشر ۱۰ [پروردگارا ما و برادرانمان را که پیش از ما ایمان آوردند ببخشا.]

۵. قرآن یکی از صفات برجسته بهشتیان را همین «اخوت» شمرده آنجا که می گوید «وَنَزَعْنَا مَا فِي

صِدُّرِهِمْ مِنْ عَتَلِ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ» حجر ۴۷ [ما تمام کینه ها را از درون سینه های آنها برمی کنیم، در حالی که احساس برادری می کنند، روی تختها در برابر یکدیگر قرار خواهند داشت] (هم برادرند و هم برابر و این دو میتوانند بهشت را در همین دنیا نیز بوجود آورند).

## دیدگاه قرآن درباره فیض حضور مؤمنان در صحنه های اجتماعی چیست؟

### پرسش

دیدگاه قرآن درباره فیض حضور مؤمنان در صحنه های اجتماعی چیست؟

### پاسخ

خدای سبحان در بیان بخشی از وظایف مؤمنان، نسبت به رسول اکرم (ص) می فرماید: «انما المؤمنون الذين امنوا بالله ورسوله و اذا كان معه على امر جامع لم يذهبوا حتى يستأذنه ان الذين يستأذنونك اولئك الذين يؤمنون بالله ورسوله فاذا استأذنونك لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم و استغفر لهم الله ان الله غفور رحيم» نور/۶۲؛ مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و پیامبر ایمان آورده، در امور اجتماعی که حضور همگان در صحنه لازم است، هرگز پیامبر را تنها نمی گذارند و بدون اجازه پیامبر از صحنه خارج نمی شوند. البته استیذان از پیامبر، ناشی از قصور است، زیرا فرد استیذان کننده موفق به فوز عظیم همراهی با رسول گرامی (ص) نشده و بر اثر ناکامی به او ترخیص داده شده تا با اذن قبلی از محضر پیامبر بیرون رود.

آنگاه خداوند به پیامبر دستور می دهد تا برای چنین معذوری طلب آمرزش کند، زیرا گرچه او معذور است لیکن بر اثر این قصور از فیضی بزرگ محروم شده است و تنها به پاس استیذانش، پیامبر برای او استغفار می کند تا نقص او جبران شود.

بنابر این از آن جا که مراد، اعم از شخصیت حقیقی و حقوقی پیامبر است، این آیه برای همیشه زنده است و هم اکنون نیز در امور اجتماعی، کسی بدون اجازه قرآن و عترت حق ترک صحنه را ندارد ولی در صورت مأذون بودن نیز ولی عصر (ارواحنا فداه) برای وی آمرزش می خواهد و به یقین دعا و استغفار پیامبر و وصی او مستجاب است و گرنه دستور به استغفار لغو خواهد بود.

شاهد استجابت دعایشان، آیه ۶۴ سوره نساء است که در باره کسانی که به خود ستم روا داشته اند، می فرماید: اگر توبه کنند و پیامبر برایشان طلب آمرزش کند خداوند توبه آنها و استغفار پیامبر را می پذیرد: «لَوْ جَدَّوَاللَّهُ تَوَاباً رَحِيماً» نساء/۶۴. گرچه در آیه محل بحث، توبه خود تبهکار قید نشد، ولی متمم پذیرش توبه و آمرزش گناه او، طلب آمرزش رسول گرامی قرار داده شد.

## نشانه های وحدت نوعی انسان چیست؟

### پرسش

نشانه های وحدت نوعی انسان چیست؟

### پاسخ

۱ تبادل آرا و رسیدن به نظر واحد

تمام نسلها در همه عصرها و مصرها به تبادل آرا، تضارب اندیشهها، تعامل فرهنگ و تعاهد حقوقها... مبادرت میورزند. در هر کشور، شرقی یا غربی، شمالی یا جنوبی، حوزه یا دانشگاه تأسیس شود و علوم متنوعی در آن تدریس گردد طالب شرقی در جوار طالب غربی مینشیند و دانشجوی غربی در کنار دانشجوی شرقی میآرمد، همگان با داشتن آداب، رسوم، سنن، و عادات مختلف از رشتههای گوناگون علوم بهره میبرند و از استاد شرقی یا غربی، شمالی یا جنوبی دانش میآموزند، این هماهنگی گسترده در تمام دانشهای بشری نشان میدهد که انسان به منزله جنس نیست که دارای انواع متعدد باشد، بلکه نوع و حقیقت واحدی است که اصناف گوناگون دارد.

۲ انتظار همگانی وحدت و صلح جهان شمول

وحدت نوعی انسان را با شواهد تجربی دیگر میتوان کاملاً روشن کرد و در تأیید آن میتوان گفت که همه انسانها در انتظار روزی به سر میبرند که وحدتی فراگیر و جهان شمول حاکم گردد، همه منتظر روزی هستند که صلح جهانی حاکم شده و مصلح جهانی، حضرت بقیه الله ظهور کند. بنابراین، معلوم میشود، انسانیت دارای یک نوع است؛ زیرا اگر انسانها انواع گوناگون بودند، خواستههای آنها گوناگون میشد و اگر خواستهها گوناگون بود، راهها گوناگون میشد و اگر راهها گوناگون بود اهداف گوناگون میشد و با تعدد هدف و راه و رونده، هماهنگی و اتحاد محال بود. این که میبینیم، همگان میکوشند، تا انسانها را با قانون واحد هماهنگ کنند، برای آن است که همه پذیرفتهاند که انسانیت نوع واحد است، نه

این که انسانیت جنس باشد و اگر اختلافی هست، در صنف یا شخص باشد؛ یعنی انسانها ذاتاً مختلف نیستند بلکه اختلاف خارج از حقیقت انسانی و حریم ذات اوست.

البته بعضی انسانها، از باب خطای در تطبیق، فکر میکنند بدون وحی میتوان وحدت جهان شمول را تحصیل کرد، ولی همین مقدار کافی است که بگوییم: انسان نوع واحد است و با دین و وحی جهان شمول، میتوان او را متحد ساخت.

### ۳ تکامل اجتماعی

اگر انسانیت به منزله جنس بوده و دارای حقایق متباینه باشد، نه به منزله نوع، هرگز تکامل انسانها میسر نخواهد بود؛ زیرا اگر انسان پیشین و انسان فعلی و آینده، انواع گوناگون بودند، هرگز با تجارب یک نوع، زمینه رشد نوع دیگر فراهم نمیشد. و در نتیجه نوع فعلی زمینه تکامل نوع آینده را فراهم نمیکرد؛ زیرا نوع گذشته با همه پیشرفتهایش مسیر تکاملی خاص خودش را طی کرده و نوع جدید فعالیت تازه خود را شروع میکند.

اگر مشاهده میشود، تجارب نسل گذشته، زیر بنای رشد نسل فعلی و تکامل عصر حاضر، زمینه تعالی عصر آینده قرار میگیرد، دلیل آن است که انسانیت در همه امصار و اعصار یک نوع است. انسان هم از نظر بعد زمانی و هم از نظر بعد مکانی، نوع واحد است و گرنه تبادل فرهنگ و مناظره و گفتگو و مناقشه و استدلال ممکن و معقول نبود.

این که مشاهده میشود که تمام انسانها، خواه کسانی که همزمان زندگی میکنند و خواه آنها که در عصرهای متعدد به سر میبرند، هم تبادل فرهنگی دارند و هم زمینه رشد بعدی را فراهم میسازند و هم درباره گذشتگان اظهار نظر میکنند

که آنها درست فکر کردند یا نادرست، برای آن است که انسانیت نوع واحد است و اگر انسان نوع واحد بود، ناگزیر دارای یک راه و یک هدف خواهد بود که آن راه واحد، اسلام است و آن هدف واحد، لقاء الله.

براساس این شواهد، انسانیت نوع واحد است و لذا قرآن میفرماید: «فَطَرَّ النَّاسَ عَلَيْهَا» نه این که انسان انواع گوناگون بوده، فطرت‌های متعدد داشته باشد و در نتیجه اهداف فراوان و راه‌های جداگانه برای او تصویر شود، بلکه فقط به سمت خدا متوجه است چنانکه از نزد خدا آمده و به سمت خدا می‌رود و به سمت خدا رفتن، راه مشخص می‌طلبد.

هدف اصیل آفرینش انسان نیل به مقام شامخ لقاء الله است و اگر از سعادت‌های دیگر یاد میشود، در واقع اهداف متوسط و مقاصد میانه است و راه مطلوب فطرت که با پیمودن آن انسان به هدف میرسد اسلام است.

### عناصر تقریب مسلمانان چیست؟

#### پرسش

عناصر تقریب مسلمانان چیست؟

#### پاسخ

عناصر و مایه‌هایی که میتواند امت اسلامی را در نقطه واحدی گرد آورد، دو گونه است:

الف: «عقیدتی و آرمانی».

ب: «کرداری و رفتاری».

درباره عنصر نخست، باید بگوییم که قرآن مجید بر یگانگی صراط تاکید می‌ورزد و می‌گوید برای پیمودن راه رستگاری بیش از یک راه وجود ندارد و دیگر راه‌ها همگی انحراف از آن صراط است. چنان که می‌فرماید:

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَنُوقَ بَكُمُ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكَمُ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». اعراف/۱۵۳

[آگاه باشید که این است راه راست، از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر که شما را از آن راه پراکنده می‌سازد نروید، اینها است که خدا شما را به آن سفارش کرده تا به تقوا بگرایید.]

برای رسیدن به کمال از طریق عقیده و عمل، یک صراط بیش نیست و هر نوع راهی برخلاف آن، کژراهی است که انسان را از پیمودن راه سعادت باز میدارد. تصور نشود که این صراط واحد، مربوط به پیامبر عظیم‌الشان اسلام است، بلکه تمام پیامبران مردم را به پیمودن یک راه دعوت کرده‌اند و آن تسلیم در برابر خداوند است.

آنچه که امروزه از آن به «صراط‌ها» یاد میشود، درست نقطه مقابل وحی الهی است که همواره بر «وحدت صراط» تاکید

داشته و دارد.

بخاطر همین وحدت صراط است که قرآن و حدیث در تمام موارد از «دین واحد» سخن بمیان می آورد نه از «ادیان» و تنها در یک روایت و آن از امام هشتم (ع) است که لفظ «دین» به صورت جمع آمده و



احتمال می‌رود که حدیث نقل به معنا شده است.

اصرار قرآن بر لفظ « دین » به صورت مفرد، برای این است که اصول عقیدتی و قوانین کلی در مسائل عملی، در تمام ادوار یکسان بوده و خداوند یک دین بیش نداشته و نخواهد داشت، چنان که می‌فرماید:

«ان الدین عند الله الاسلام». آل عمران/ ۱۹

و همه شرایع در جوهر دین و قوانین سعادت، مانند حرمت شراب و قمار، اختلاف ندارند.

اکنون «تبیین عناصر وحدت ساز در قلمرو عقیده و آرمان»

#### ۱. یکتا پرستی و یکتا گرایی

«توحید» در جلوه های مختلف، رابطه ای است که می‌تواند همه مسلمانان را در نقطه واحدی گرد آورد. مسلمانان جهان به خدای یکتا، خالق و آفریدگار یکتا و مدبر و گرداننده یکتا اعتقاد و باور دارند و آیات قرآن و همچنین دلایل عقلی، بر توحید در ذات و توحید در خالقیت و توحید در تدبیر گواهی می‌دهند. در زیر آسمان خدا، مسلمانی پیدا نمی‌شود که ثنویت در ذات را بپذیرد و به خالقی جز خدا و یا مدبری جز او بیندیشد مگر این که از صراط مستقیم منحرف گردد.

یکی از مراتب توحید، توحید در عبادت است که همگان به آن معتقدیم و در نماز پیوسته می‌گوییم:

«ایاک نعبد و ایاک نستعین». حمد/ ۵

اعتقاد به اصل توحید در عبادت، برای یک مسلمان کافی است، دیگر لازم نیست در فروع آن به بحث و گفتگو پردازد.

از توحید که بگذریم، نبوت عامه و نبوت خاتم رسولان، عنصر وحدت ساز است و همه مسلمانان در این اصل یک صدا هستند و یک نظریه دارند.

مساله «خاتمیت» اصل مستحکمی

است که همه مسلمانان در آن وحدت نظریه دارند و معتقدند که با آمدن پیامبر خاتم، باب نبوت لاک و مهر گردید و دیگر این باب به روی کسی باز نخواهد شد.

از این اصل که بگذریم اصل سومی به نام « معاد » مطرح است و همه مسلمانان معتقدند که خداوند بزرگ روزی همه را زنده می کند و نیکوکاران را پاداش و یدکاران را کیفر میدهد.

قال سبحانه:

« کتب علی نفسه الرحمه لیجمعنکم الی یوم القیامه » انعام/ ۱۲

[خداوند رحمت و بخشش را بر خویش واجب گردانید و به یقین شما را در روز قیامت که در آن شکی نیست، گرد خواهد آورد.]

این اصول سه گانه که از آن بعنوان «عقیده و آرمان» تعبیر میشود، عناصری است که یک میلیارد مسلمان در آن وحدت نظریه دارند و اختلاف در جزئیات، جزو مسائل کلامی است و نباید مایه اختلاف شود.

اعتراف به این اصول سه گانه، مایه ایمان، و انحراف از آن مایه کفر است، بنابراین نباید گروهی گروه دیگر را، که هر دو در این اصول وحدت نظریه دارند، تکفیر کنند.

## ۲. یگانگی شریعت و آیین

مقصود از شریعت و آیین، همان احکامی است که رفتار و کردار ما را از نظر فعل و ترک، محدود می سازد، برخی را واجب و برخی دیگر را مستحب و مواردی را مکروه و ... معرفی می کند.

سر چشمه شریعت، کتاب خدا و سنت پیامبر است و همه مسلمانان در حجیت این دو اصل اختلافی ندارند و خوشبختانه امیر مؤمنان علی (ع) هم نگهبان قرائت قرآن و هم حافظ سنت پیامبر است و در روزگاری که نگارش سنت بدعت بود، او

سنت پیامبر را در کتابی که بعدها به نام «کتاب علی» معروف شد، گرد آورد و تا عصر حضرت صادق (ع) در اختیار عترت بوده است.

### ۳. وحدت رهبری

از عناصر سازنده «تقریب»، اتفاق مسلمانان بر وحدت رهبری است و این که رهبری را از آن خدا و رسول وی، و اولی الامر می دانند و همگان این اصل را از وحی الهی برگرفته اند، آنجا که می فرماید:

«...اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم...» نساء/۵۹

[از خدا اطاعت کنید و از رسول و صاحبان فرمان از خودتان نیز اطاعت کنید.]

رهبری این گروه، در مسائل خاص سیاسی خلاصه نمی شود، بلکه همه جوانب زندگی جامعه اسلامی را فرا میگیرد. از این جهت باید در گروه سوم، شرایطی مانند تقوا و علم و دانش برتر وجود داشته باشد که صلاحیت آنان را برای امر رهبری بیمه کند.

۴. وحدت درهدف وحدت: وحدت در هدف نیز از عوامل سازنده وحدت است. امت اسلامی معتقد است که باید جامعه را به سوی خوبی ها و نیکی ها و فضیلت و مکرمت سوق داد، چنان که می فرماید:

«کنتم خیر امه أُخرجت لِلنّاس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله و لو آمن اهل الکتاب لکان خیراً لهم منهم المومنون و اکثرهم الفاسقون» آل عمران/۱۱۰

[شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شدید، به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به خدا ایمان دارید. اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند، قطعاً؛ برایشان بهتر بود، برخی از آنان مؤمنند ولی بیشترشان نافرمانند.]

یکی از اهداف رسالت پیامبر که همه

مسلمانان باید در تحقق آن کوشا باشند، محو شرک و بت پرستی در جهان و جایگزین ساختن توحید به جای آن است و این هدف بزرگ به وسیله مسلمانان در جهان تحقق خواهد پذیرفت و از شرک و بت پرستی اثری باقی نخواهد ماند چنان که می فرماید:

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» توبه/۳۳

[او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند]

بنابراین، امت اسلامی در عقیده و شریعت، در امر قیادت و رهبری و در غرض و هدف، وحدت نظریه دارند و باید در مجامع جهانی با هم همکاری کنند، نه این که به تکفیر و تفسیق یکدیگر پردازند.

### موانع تقریب مسلمانان چیست؟

#### پرسش

موانع تقریب مسلمانان چیست؟

#### پاسخ

۱. اختلافات کلامی و فقهی

پس از گذشت سه قرن از آغاز اختلافات کلامی، اهل سنت سرانجام در اصول عقاید مقلد یکی از دو امام گردیده اند و آنان عبارتند از: «اشعری» و «ماتریدی».

اما معتزله که از نظر ما شاخه ای از اهل سنت هستند - هر چند از نظر اهل سنت جزو آنان نمی باشند - برای خود مکتب خاصی دارند و به مرور زمان نابود شده و از آنان اثری جز چند کتاب باقی نیست.

شیعه در مسائل کلامی به سه گروه تقسیم میشوند: «اثنی عشری»، «زیدی» و «اسماعیلی» ولی اگر حقیقت این مذاهب کلامی، چه در سنی و چه در شیعه، شکافته شود خواهیم دید اختلاف در مسائلی است که ارتباطی به ایمان و اسلام ندارد و اگر مسلمان درباره آنها سخن نگوید مشکلی نخواهد داشت، مسائلی مانند:

الف: صفات خدا عین ذات اوست یا زاید بر آن؟

ب: قرآن کریم قدیم است یا حادث؟

**یک طلبه و دانشجو چگونه باید آرمان های انقلاب اسلامی را با همدیگر مستحکم کنند؟**

یک طلبه و دانشجو چگونه باید آرمان های انقلاب اسلامی را با همدیگر مستحکم کنند؟

همانگونه که پیروزی انقلاب اسلامی دستاورد همدلی و همکاری طلاب و دانشجویان بوده ، دستیابی به آرمان های انقلاب و استحکام آن نیز به رعایت نکات ذیل بستگی دارد : ۱-همدلی و همکاری این دو قشر که می تواند در ابعاد بسیار متنوعی مطرح باشد، مثلاً" در بعد فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی ، پژوهشی . همکاری سیستماتیک علمی و عملی این دو قشر می تواند تولید کننده فکر وهدف گذاری و تامین کننده نیازهای عمیق اندیشه و عمل برای دستیابی واستحکام آرمان های انقلاب اسلامی باشد . ۲- جدیت و تلاش برای انجام مسوولیت ها و وظایف شخصی و اجتماعی مانند : تحصیل ، مطالعه ،خودسازی و انجام واجبات ، دوری از محرّمات ، حساسیت نسبت به مسایل عمومی و سیاسی و حضور فعال و در جایی که لازم به مشارکت می باشد و...۳- پرهیز از تفرقه و مبارزه با تفرقه افکنی میان طلبه و دانشجو و خنثی نمودن توطیه های دشمن در دستیابی به این مهم ، زیرا دشمن از طریق تهاجم فرهنگی ، این دو قشر را نشانه گرفته تا بتواند این دو را که برای جامعه به منزله روح و جسم هستند از یکدیگر جدا کند . ۴- آگاهی بخشیدن به مردم درمورد اهداف و آرمان های انقلاب ، مشکلات راه و گوشزد نمودن توطیه های دشمنان و ...۵- حرکت در خط امام و رهبری که یگانه راه سعادت جامعه واستحکام آرمان های انقلاب می باشد . برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- رسالت حوزه و دانشگاه سید عباس صالحی

## بهترین راه ایجاد وحدت و یکپارچگی بیشتر بین تشیع و تسنن در محیط علمی ، مانند دانشگاه چیست ؟

### پرسش

بهترین راه ایجاد وحدت و یکپارچگی بیشتر بین تشیع و تسنن در محیط علمی ، مانند دانشگاه چیست ؟

### پاسخ

برای حفظ و استحکام وحدت باید از طرح مسایل اختلافی پرهیز نمود و همگام با یکدیگر در مسایل مشترک به تحقیق و مطالعه و مساعی پرداخت از امور حساسیت برانگیز دوری جسته و افکار و اندیشه ها را متوجه دشمنان مشترک نمود .

**چگونه میشود بین روایات وارده راجع به مودت اهل بیت و دوستی با دوستانشان و دشمنی بادشمنانشان ، وسیله وحدت و برابری بین شیعه و سنی جمع کرد؟**

### پرسش

چگونه میشود بین روایات وارده راجع به مودت اهل بیت و دوستی با دوستانشان و دشمنی بادشمنانشان ، وسیله وحدت و برابری بین شیعه و سنی جمع کرد؟

### پاسخ

مساله دوستی با دوستان اهل بیت ( ع ) و دشمنی با دشمنان آنان منافاتی با وحدت اسلامی بین شیعه و سنی ندارد؛ زیرا چنان نیست که اهل تسنن از دشمنان اهل بیت ( ع ) باشند× بلکه بسیاری از آنان به حکم آیه شریفه ( ( قل لااسیلم علیہ اجرا الالموده فی القربی - شوری ۲۳ ) ) دوستی و مودت اهل بیت ( ع ) را واجب می شمارند . بنابراین دستور فوق تنها شامل کسانی می شود که با اهل بیت ( ع ) از سرناسازگاری در آمده و با آنان به مقابله برخاستند؛ مانند حاکمان ستمگر و یاوران آنها . افزون بر آن سر منع دوستی با دشمنان اهل بیت قرار گرفتن در خط و جریان انحرافی آنهاست . از این رو پیوندهایی که در این راستا قرار نگیرد چندان اشکالی ندارد . البته این نکته نیز لازم به تذکر است که دوستی با خاندان عصمت و طهارت مراتبی دارد ولیکن از امتیازات شیعه آن است که با تمام ابعاد به این دستور الهی جامه عمل پوشانده است . بنابراین اگر دوست شما از کسانی نباشد که نسبت به ایمه اطهار ( ع ) اظهار عداوت کند دوستی با او اشکالی ندارد .

**آیا مسلمانان با مذاهب مختلف می توانند با هم متحد باشند؟**

### پرسش

آیا مسلمانان با مذاهب مختلف می توانند با هم متحد باشند؟

مسلمانان با اینکه مذاهب مختلفی دارند اما با وجود اختلاف در مذاهب چون در اصل اسلام با هم متفقند، باید در راه مبارزه علیه کفر و استکبار جهان، با هم متحد شوند و اختلافات مذهبی آنان، مانع پیکار آنان، علیه کفر جهانی نمی شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۰۴

### وحدت شیعه و اهل سنت به چه معنی است؟

#### پرسش

وحدت شیعه و اهل سنت به چه معنی است؟

#### پاسخ

بی تردید در حال حاضر، ملت مسلمان ما بیش از هر چیز دیگر نیاز به وحدت داد، ولی توجه به یک نکته لازم است که معنای وحدت این نیست که شیعه مسائل اعتقادی اساسی خویش را نادیده بگیرد، یا اهل سنت از مسائل اساسی اعتقادی خود دست بردارد، بلکه معنای وحدت آن است که مسلمانان با حفظ آنچه بدان عقیده دارند، به این نکته توجه داشته باشند که دشمن مشترکی دارند که برای مقابله با آن، باید هر چه بیشتر با یکدیگر همکاری و وحدت داشته و درگیری و نزاع نداشته باشند، بنابراین وحدت با بحث و گفتگو درباره مسائل مذهبی با تفاهم و صمیمیت منافات ندارد؛ آری، طرح این مسائل نباید به گونه ای اختلاف برانگیز باشد، تا باعث برخورد و خصومت شود؛ بلکه بیان مطالب تنها باید به انگیزه روشن شدن حقیقت باشد،

همچنین باید سعی کرد که توطئه گران و دشمنان اسلام، از این امر سوءاستفاده نکنند و چنانچه زمینه برای چنین سوءاستفاده هایی باشد، مسائل مذکور را نیز نباید طرح کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۶۸

### چرا با وجود اینکه در این زمان نیاز به اتحاد وجود دارد، از مطالبی که درباره اختلاف مذاهب است سخن گفته می شود؟

#### پرسش

چرا با وجود اینکه در این زمان نیاز به اتحاد وجود دارد، از مطالبی که درباره اختلاف مذاهب است سخن گفته می شود؟

اتحاد بین مسلمانان به این معنی است که مسلمانان در برابر دشمنان خویش، به طور مشترک مبارزه کرده و با یکدیگر اختلاف و تفرقه نداشته باشند. در برابر دشمنانشان ست نگشته، ناتوان گردند و ولی این بدان معنی نیست که بحث های علمی و منطقی را کنار بگذارند، یا یکی از دو طرف تسلیم معتقدات دیگری شود و درصدد تحقیق و بررسی درباره اعتقادات خویش نباشد.

بدیهی است، مسائلی که به اتحاد اسلامی ضربه وارد می سازد، مسائلی است که اختلاف و نزاع و کینه توزی را به دنبال دارد، ولی بحث علمی و استدلالی برای روشن شدن حق است و برای شخص بی طرف و منصف، منشاء هیچ گونه اختلاف و کینه توزی و دشمنی نخواهد بود.

۱۲۸۰

امروز، دستهای مرموزی در گوشه و کنار، برای دورساختن مردم، بویژه جوانان، از حریم دین و رهبران راستین شیعه، به فعالیت هایی دست زده اند و شبهات و اشکالاتی در این زمینه در میان آنان منتشر می سازند که اگر جوانان ما در معتقدات مذهبی خویش، با دلیل و برهان آشنائی نداشته باشند، تحت تاثیر واقع شده، بتدریج، اعتقادات خویش را از دست می دهند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۸۱

### چه کسانی از تفرقه میان شیعیان و اهل سنت سود می برند؟

پرسش

چه کسانی از تفرقه میان شیعیان و اهل سنت سود می برند؟

پاسخ

تفرقه افکنی میان شیعه و سنی یکی از نقشه ها و توطئه های شوم استعمار است، زیرا استعمار برای غارت منابع مادی و معنوی ملتها، از هر راه ممکن وارد می شود. یکی از نقشه های کارساز و ابزارهایی که استعمار، در سایه آن می تواند بخوبی به اهداف پلید خود شود، ایجاد تفرقه میان مسلمانان است و وقتی نیروها در اثر تفرقه به ضعف گرایید، استعمار به مقصد خویش می رسد. البته باید توجه داشت که اگر شیعه و سنی به این معنی نیست که شیعه از اعتقادات مذهبی خویش دست بردارد بلکه منظور این است که از موضع گیری خصمانه نسبت به یکدیگر احترام کرد، علیه دشمن مشترک متحد شوند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۹۶



## با اینکه شیعه باید اهل سنت را امر به معروف و نهی از منکر کند، وحدت با آنان چگونه میسر است؟

### پرسش

با اینکه شیعه باید اهل سنت را امر به معروف و نهی از منکر کند، وحدت با آنان چگونه میسر است؟

### پاسخ

معنای وحدت این نیست که شیعه از اعتقاد خویش دست بردارد و به مذهب آنان گرایش پیدا کند؛ بلکه به این معناست که مشترکاتی در بین مسلمانان وجود دارد، مانند این که همه مسلمانان به خدا و قرآن و پیامبران الهی و معاد معتقدند. ضمن اینکه دشمنان مشترکی نیز دارند و برای ما وجود دارند، برای مقابله و رویارویی با دشمنان باید متحد شوند و با دشمنان مقابله کنند. در نتیجه اتحاد، منافاتی با بحث در باره مسائل مذهبی، براساس ادله و براهین ندارد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۹۷

## ایجاد وحدت حقیقی بین مسلمانان امکان پذیر است؟

### پرسش

ایجاد وحدت حقیقی بین مسلمانان امکان پذیر است؟

### پاسخ

لازم است مسلمانان وحدت خویش را در مقابل دشمنانشان حفظ کنند و نباید اختلافات مذهبی آنان، مانع از مقابله و در صورت لزوم نبود با دشمن به طور دسته جمعی نگردد؛ اما این بدان معنی نیست که هر یک، دست از اعتقادات مذهبی خویش بردارد.

اساساً، باید توجه داشت که در این باره مطلب وجود دارد که نباید با یکدیگر خلط شوند؛ یکی بحث درباره این که پس از درگذشت پیامبر، جانشین وی که بوده است، که این بحثی اعتقادی و علمی است و بحث و استدلال در باره آن نباید به اختلافات ظاهری کشیده شود.

دیگر این که هر دو گروه، دشمنان مشترکی، مانند صهیونیسم و الحاد غرب دارند و بر هر دو گروه لازم است مبارزه مشترک، این نیست که هر دو، ویژگی ها و اعتقادات مذهبی خویش را رها کنند و تنها به جنبه های اشتراکی توجه نمایند؛ بلکه باید به آنچه استدلالی و منطقی است تن بدهند، تا اختلاف اعتقادی و عملی باعث کینه توزی و دشمنی نگردد و آنان را از مبارزه

علیه دشمن مشترک باز ندارد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۳۰۱

### راه اساسی از میان برداشتن تفرقه و نفاق در اجتماعی چیست؟

**پرسش**

راه اساسی از میان برداشتن تفرقه و نفاق در اجتماعی چیست؟

**پاسخ**

بهترین راه برای از بین بردن دشمنی ها و اختلافها، تقویت روح ایمان در افراد است. در این صورت روح گذشت و فداکاری در میان افراد جامعه زنده می شود و اختلافات جزئی باعث تفرقه و دشمنی و کینه توزی نمی گردد.

قرآن مجید مسلمانان را مورد خطاب قرار داده، می فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا وادكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداء فاللف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا» همگی به ريسمان خدا چنگ بزنيد و پراکنده نشويد و نعمت خدا بر خودتان را ياد بياوريد، آن هنگام که با يکديگر دشمن بوديد، خدا بين دلهاي شما الفت داد در نتيجه در اثر نعمت خدا [نعمت ايمان] با يکديگر برادر شديد.»

(بخش پاسخ به سؤالات)

(۱) - سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۱۲۱۸

### وحدت مسلمین حول چه محوری باید صورت گیرد؟

**پرسش**

وحدت مسلمین حول چه محوری باید صورت گیرد؟

**پاسخ**

آنچه افراد باید در آن وحدت داشته باشند خط اسلام راستین است که در خط امام متبلور است و اگر افراد اسلام را معیار قرار دهند به هیچ وجه درگیری بوجود نمی آید و اختلاف باقی نمی ماند و اختلاف سلیقه ای بزودی حل می شود و ضرری ایجاد

نمی کند بر این اساس باید توجه داشت که افراد تا چه مقدار معیارهای اسلامی را در نظر بگیرند و تا چه اندازه به اهداف گروهی توجه می کنند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۳۶

### آیا وجود اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان با حقانیت اسلام منافات ندارد؟

**پرسش**

آیا وجود اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان با حقانیت اسلام منافات ندارد؟

**پاسخ**

این استدلال که اگر دین یا نظریه ای درست بود مردم درباره آن اختلاف پیدا نمی کردند صحیح نیست چه بسیار حقایق و واقعیهایی که هر انسان با انصاف و حقیقت جویی می تواند درستی آنها را به خوبی درک کند و به صحت آن اذعان نماید ولی عوامل گوناگون عده ی زیادی را از درک حقیقت باز می دارد و آنها را در مورد آن دچار شک و تردید می سازد. وجود اختلاف در حقایق دینی و نیز حقایق علمی موجب آن نشده است که انسانهای آزاده و حق جو لحظه ای از تلاش و کوشش برای درک حقیقت و واقعیت باز ایستند، بلکه درباره هر دین و نظریه ای به تحقیق و کاوش خود ادامه می دهند تا با دلیلهای روشن حقایق را درک کنند اسلام نیز یکی از همان حقایق است که اختلافهایی که در باره آن پیدا شده است. هیچ انسان منطقی را از تحقیق و کاوش درباره ی آن باز نمی دارد زیرا که با وجود اختلافهای مذهبی و فرقه ای اصولی ثابت و مورد اتفاق وجود دارد که از راه آنها می توان حقیقت را درک کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۳۹

### آیا عاشورا می تواند به عنوان یک محور اتحاد ملی مطرح شود؟

**پرسش**

آیا عاشورا می تواند به عنوان یک محور اتحاد ملی مطرح شود؟

**پاسخ**

قیام سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله...الحسین (منیع الهام بخشی است برای به ثمر رساندن حق و عدالت در هر عصر و

زمانی. حسین ( دارای چنان ایمان و بصیرت و همت و استقامتی است که برای اقامه و اعتلای حق و عدل از همه چیز خود می گذرد. سخنان و رجزهای مردانه و سرشار از روح ایمان او در روز عاشورا، سراسر درس زندگی است. آنجا که در سخنانش خطاب به لشکر دشمن می فرماید: "ای مردم، رسول خدا( فرمود: هر کس در جامعه ببیند حاکمی بر سر کار است که ظلم می کند، حرام خدا را حلال می شمارد، حکم خدا را کنار می گذارد و عمل نمی کند، و با سنت رسول خدا( مخالفت می کند، در میان مردم با ظلم و ستم و دشمنی عمل می کند، و سپس (این فرد) با زبان و عمل علیه او اقدام نکند، خداوند در قیامت این ساکتِ بی تفاوتِ بی عمل را به همان سرنوشتی دچار می کند که آن ظالم را دچار کرده است." (۱) این سخن بیانگر ایجاد یک حرکت است در انسانهای خمود و افسرده و بی تحرک و زبون و راضی به هر ظلم و ستمی، به سوی یک وحدت و همدلی برای نابودی ستم. و آن زمان که در صحنه جنگ و درگیری امام فریاد بر می آورد که: "هل من ناصر ینصرنی. آیا کسی هست که مرا یاری کند" یعنی آیا هیچ انسان شرافتمندی پیدا می شود که از حریم مقدس رسول خدا( پاسداری کند، در واقع

دعوت به اتحاد و همبستگی برای حفاظت و صیانت از مقدسات الهی است.

امام با قیام خود به بشریت آموخت، ملتی که اسیر و در بند است، ملتی که دچار فساد سران است، ملتی که دشمنان دین بر او حکومت می کنند و زندگی و سرنوشت او را بدست گرفته اند، باید بداند که تکلیفش چیست، و نهضت حسینی تکلیف تک تک افراد را از کوچک و بزرگ، پیر و جوان، زن و مرد را مشخص کرده و آن تکلیف این است که اگر موطن اصلی ما لقاء پروردگار است، باید چون حسین (و یارانش آهنگ سفر کرد).

در طول تاریخ، در هر زمانی، یک جبهه و خصم جهانی اسلام و مسلمین را تهدید کرده و می کند، لذا باید این جبهه را شناخت و زمان را از دست نداد، و برای مقابله با آن متحد شد و تا پای جان و قربانی کردن همه چیز، دست از مبارزه برنداشت، این پیامی است که عاشورا به ما می دهد، شناخت باطل، دانستن تکلیف در برابر او، آنگاه وحدت و اتحاد در براندازی باطل.

امروز با موج تبلیغاتی گسترده ای که دشمن استکباری از هر سو و به هر طریقی علیه اسلام و مسلمین به راه انداخته، بر آحاد مسلمانان واجب است که با درس گرفتن از نهضت حسین (و یارانش، برای مقابله با این دشمنیهای آشکار، وحدت نظر و وحدت عمل را بدست آورند، تا پرده های ظلمات را که سالیان سال است آنان را فرا گرفته و تفرقه و جدایی را میان آنان دامن زده، شکافته و علیه دشمن مشترک به مبارزه پردازند. البته این امر مقدس سختیها

و مرارت‌های فراوانی دارد؛ و نیاز به همتی والا و استقامتی مثال زدنی، آنگونه که در امام حسین ( و اصحاب بزرگوارش بود، دارد. امری است مشکل، ولی شدنی. نمونه عینی این اتحاد و ایمان و استقامت در انقلاب اسلامی سال ۵۷ به وضوح لمس است. آنچه در بهمن ۵۷ اتفاق افتاد، نتیجه درسی است که مردم متدین و شجاع ایران از قیام حسین ( گرفتند. با یک وحدت نظری و عملی، باطل را شناختند و تکلیف خود را در برابر او دانستند، آنگاه در یک جبهه واحد و با یک اتحاد ملی، تیشه بر ریشه حکومت ۲۵۰۰ ساله ظلم و بیاد زدند و آن را از بیخ و بن در آورده و این نتیجه همان عشق به حسین ( و آرمانهای والای او بود، الهام از همان درس ایمان و استقامت و شهادتی بود که او به پیروانش داد. چیزی که تمام ملل مسلمان شدیداً به آن نیازمند و در عین حال غافل از آن هستند.

منابع و مأخذ :

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲

\* حماسه خمینی، شهید مطهری

امانتداران عاشورا، بیانات مقام معظم رهبری

**اگر هدف ما این هست که مسلمانان به وحدت برسند و باید سعی کنیم که فاصله میان شیعه و سنی از بین برود پس چرا اشتباه گذشته ها را ما تکرار می کنیم این سؤال اهل سنت هست فرضاً گذشتگان ما (خلفاء سه گانه) دچار اشتباه شده اند چرا شیعیان هر روز و شب آن را به رخ اهل سن**

**پرسش**

اگر هدف ما این هست که مسلمانان به وحدت برسند و باید سعی کنیم که فاصله میان شیعه و سنی از بین برود پس چرا اشتباه گذشته ها را ما تکرار می کنیم این سؤال اهل سنت هست فرضاً گذشتگان ما (خلفاء سه گانه) دچار اشتباه شده اند چرا شیعیان هر روز و شب آن را به رخ اهل سنت می کشند و این باعث فاصله و کینه بیشتر مسلمین می شود و چطور انتظار دارند که اهل سنت گفته شیعیان را قبول می کنند در صورتیکه پدران ما

را فحش می دهند. اگر کسی پدر و اجداد شما را فحش بدهد آیا شما حاضر هستید که حتی گفته های او را اگر به نفع شما باشد گوش دهید؟

## پاسخ

در خصوص سؤال شما باید عرض کرد که هیچ یک از اهل تشیع خصوصاً علمای شیعه، نه با اهل تسنن و علمای آنها، دعوا دارند و نه به آنها فحش می دهند مگر اینکه فردی یا افرادی ساده لوح و جاهل و فریب خورده باشند که دست به چنین کاری بزنند و گرنه هیچ یک از عقلا و علمای شیعه دست به چنین اعمالی نزده و نمی زنند. ولی از آن طرف بارها این مسأله رعایت نشده است و در کتابهای شیعه و سنی مدارک زیادی را می توان از بی انصافی بعضی از علمای سنی نسبت به شیعه بدست آورد. به علاوه اینکه وحدت میان شیعه و سنی هیچ منافاتی با اختلاف نظر و عقیده ندارد بلکه آن چیزی که وحدت را از بین می برد دعوا کردن و فحش دادن و توهین کردن است که از هر دو طرف قبیح و حرام است و این یکی از همان حربه های مهمی است که استعمار گران، بارها توانسته اند به توسط آن، منابع آنها را غارت و ممالک آنها را استعمار و مردم مسلمان را ذلیل کنند. اصل (فَرْقٌ تَسِيدٌ) [تفرقه بینداز، آقایی کن]، از اصول مهم استعمارگری و چپاول است که هنوز هم به وضوح شواهد آن را می توان در عراق و شهرهای سنی نشین ایران و مناطق دیگر مشاهده کرد.

برای مطالعه بیشتر می توانید به اوائل کتاب شبهای پیشاور مراجعه بفرمایید

که برای شما بسیار مفید و آموزنده خواهد بود و همچنین کتاب دستهای ناپیدا (خاطرات مستر همفر) را اگر مطالعه نموده اید حتماً رجوع نموده و استفاده کنید.

قسمتی از کتاب شبهای پیشاور آمده (... آقایان محترمی که می گویند تحریک احساسات نباید نمود آیا نظری به کتابها و مقالات و حملات بعضی نویسندگان سنی نما نمی نمایند تا ببینند آن قلمها احساسات می نماید نه دفاعهایی که علماء و دانشمندان شیعه می نمایند)(۱)

در پایان این نکته نیز قابل توجه است که اگر اهل تسنن واقعاً به اشتباه خلفاء سه گانه پی برده اند و فهمیده اند که تمام مصائب امت اسلام به خاطر اشتباهات آنها در غصب خلافت و خانه نشین کردن امیرالمؤمنین علی (ع) است، پس نباید همچنان از آنان دفاع کنند. پس اصل این شبهه ای که بیان فرموده اید (و این شبهه از مکاید استعماری است) فقط برای خلع سلاح کردن تشیع است نه برای حفظ وحدت مسلمین.

منابع و مأخذ :

۱. شبهای پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی(رحمه ...)، ص ۱۳

**مصلحت جهان اسلام و از طرفی حق گرایی شیعه و تعصب برادران اهل سنت با توجه به همه این ها؛ چرا نباید به تفکر و منطق شیعه گردش نکنند؟ چرا ما با آن ها سازش نکنیم مگر نه این که برادران اهل سنت مأمور به خطاب "لا تفرقوا" و... می باشند؟**

**پرسش**

مصلحت جهان اسلام و از طرفی حق گرایی شیعه و تعصب برادران اهل سنت با توجه به همه این ها؛ چرا نباید به تفکر و منطق شیعه گردش نکنند؟ چرا ما با آن ها سازش نکنیم مگر نه این که برادران اهل سنت مأمور به خطاب "لا تفرقوا" و... می باشند؟

**پاسخ**

آری قرآن همه مسلمانان را به وحدت وعدم تفرقه فراخوانده می فرماید: "همگی به ریسمان خدا [قرآن اسلام و هر گونه وسیله وحدت، چنگ زنید، و پراکنده نشوید]" (آل عمران ۱۰۳) اما وحدت شیعه و سنی به معنای سازش با اهل سنت و دست کشیدن از مذهب حق اهل بیت نیست چنان که وحدت به معنای شیعه شدن اهل سنت نیست

معنای صحیح وحدت این است که

۱. همدیگر را مسلمان بدانیم به یکدیگر نسبت کفر ندهیم چرا که همه ما معتقد به خدای یگانه نبوت پیامبر اکرم ۶ بوده قبله و کتاب آسمانیمان یکی است



۲. از نزاع و درگیری با یکدیگر پرهیز کنیم و به حکم مسلمان بودن مدافع یکدیگر باشیم چرا که نزاع و درگیری باعث ضعف مسلمانان و ضربه وارد شدن به اصل اسلام و قرآن خواهد شد: "وَلَا تَنزَعُوا أَسْهُلَ دُونِهَا وَتَدْعُوا إِلَىٰ مَا يَسُوءُ وَكَرِهْتُمُوهُ وَتُذْهِبُ رِيحُكُمْ (انفال ۴۶) نزاع و کشمکش نکنید، که سست شوید، و قدرت و شوکت شما از بین برود."

۳. با تأکید بر مشترکات دست به دست هم دهیم و در مقابل دشمنان مشترک که کمر به نابودی اسلام و قرآن بسته اند ایستادگی نماییم

۴. یکدیگر را تحمل کنیم و در موارد اختلافی با یکدیگر برخورد منطقی داشته باشیم به این معنا که افراد

غیرمتخصص از وارد شدن در بحث‌ها و گفتگوهای بی‌ثمر پرهیز نموده و افرادی که شایستگی بیان مسائل دینی را دارند، در جای مناسب و با شیوه مناسب مسائل اسلامی را بیان نمایند تا حقیقت برای حقیقت‌جویان روشن شود. چنان‌که در این زمینه قدم‌های مثبتی برداشته شده است به عنوان نمونه الان هر ساله در مناطق اهل سنت ایران (بیشتر در سیستان و بلوچستان، همایش‌های علمی تحقیقی برگزار می‌شود و علما و دانشمندان شیعه و سنی درباره موضوعات مطرح شده مقاله می‌نویسند و به بحث و گفتگو می‌پردازند، در پایان نتیجه آن هم اعلام و به صورت کتاب چاپ و منتشر می‌شود). ر.ک به سوی تفاهم مجموعه مقالات همایش‌های علمی تحقیقی دیدگاه‌های مذاهب اسلامی / ره‌آورد گفت‌وگوهای دست‌آورد ۲۹ کمیسیون علمی تحقیقی علمای تشیع و تسنن / هم‌اندیشی مذاهب اسلامی مجموعه مقالات همایش علمی تحقیقی مذاهب اسلامی این کتاب توسط مؤسسه آموزشی و پژوهشی مذاهب اسلامی قم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان گردآوری و منتشر شده است)

بنابراین آن‌چه وظیفه ماست این است که با حفظ مذهب و پرهیز از نزاع و درگیری حق و حقیقت را در جای خود و با شیوه مناسب بیان کنیم

"وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ" (یس ۱۷) و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست. و "إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ" وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ" (قصص ۵۶) تو نمی‌توانی کسی را که

دوست داری هدایت کنی ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند؛ و او به هدایت یافتگان آگاه تر است

در پایان لازم به یادآوری است که برادران اهل سنت همه متعصب نیستند، بلکه در بین آنان افراد حقیقت جو و طالب حق نیز وجود دارد.

**چرا با تاکیدی که مقام معظم رهبری و مسئولین نظام به وحدت حوزه و دانشگاه دارند به حوزه ها کمتر رسیدگی می شود؟**

**پرسش**

چرا با تاکیدی که مقام معظم رهبری و مسئولین نظام به وحدت حوزه و دانشگاه دارند به حوزه ها کمتر رسیدگی می شود؟

**پاسخ**

حوزه های علمیه شیعه پیوسته در طول تاریخ بر آن بوده اند که با وجود مشکلات فراوان دست نیاز به سوی دولت هادراز نکنند و همین امر موجب وجود روح آزادی و حریت و ضامن استقلال حوزه ها از دخالت حکام بوده است. در زمان کنونی نیز هر چند نظام حاکم اسلامی و برخاسته از حوزه است ولی همچنان این اصل باقی است و ضامن سلامت حوزه ها از وابستگی می باشد. لذا هر چند ممکن است بی مهری هایی توسط برخی نسبت به حوزه انجام گیرد و در اصل این انتخابی است از سوی حوزویان که حتی الامکان مشکلات را با امکانات محدود داخلی برطرف سازند و از سرازیر شدن سیل امکانات دولتی که سرانجامی نه چندان شایسته دارد خودداری کنند. }]

**وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟**

**پرسش**

وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟

**پاسخ**

مسأله وحدت حوزه و دانشگاه نه تنها ممکن بلکه یک ضرورت حیاتی برای جامعه ماست. جدایی این دو گروه علمی-فکری در جامعه ما نقش تخریبی بسیار زیانباری دارد و مملکت را به بدنی شبیه می سازد که دارای دو مغز است. این دو مغز اگر به همفکری بشتابند فعالیت ها و کنش های بدن را بهتر و حساب شده تر می سازند ولی اگر بیگانهاز یکدیگر باشند هرج و مرجی وصف ناپذیر پدید می آورند. البته در رابطه با این که «تعریف این وحدت چیست و چگونه وحدتی بین این دو نهاد مقدس مطلوب و شدنی است» بررسی های انجام شده کافی نیست و از سوی هر دو گروه باید بررسی ها و کاوش های عمیق تری به عمل آید. تاکنون از دو سو شیوه های متعددی پیشنهاد گردیده؛ از جمله: الف) وحدت اخلاقی، ب) وحدت معرفتی، ج) وحدت ایدئولوژیک در معرفت بشری، د) وحدت سازمانی (ارگانیک)، ه) وحدت عملی (پراگماتیک)، و) وحدت سیاسی، ز) وحدت استراتژیک.

مهمترین شیوه از موارد بالا وحدت استراتژیک است. }J

**بهترین راه ایجاد وحدت و یکپارچگی بیشتر بین تشیع و تسنن در محیط علمی , مانند دانشگاه چیست ؟**

**پرسش**

بهترین راه ایجاد وحدت و یکپارچگی بیشتر بین تشیع و تسنن در محیط علمی , مانند دانشگاه چیست ؟

**پاسخ**

برای حفظ و استحکام وحدت باید از طرح مسائل اختلافی پرهیز نمود و همگام با یکدیگر در مسائل مشترک به تحقیق و مطالعه و مساعی پرداخت از امور حساسیت برانگیز دوری جسته و افکار و اندیشه ها را متوجه دشمنان مشترک نمود. }J

**برای از بین بردن اختلافات قومی و طایفه ای در بعضی از مناطق که عواقب شومی در پی دارد چه راههایی را پیشنهاد می نمائید ؟**

**پرسش**

برای از بین بردن اختلافات قومی و طایفه ای در بعضی از مناطق که عواقب شومی در پی دارد چه راههایی را پیشنهاد می نمائید ؟

**پاسخ**

وجود تعصبات و اختلافات ذکر شده در نامه جناب عالی علل و زمینه های متعدد فرهنگی تاریخی و ... داشته و در جامعه مورد نظر نهادینه شده و به صورت فرهنگ عام در آمده است طبیعی است مبارزه با چنین پدیده شومی تا حدودی دشوار و نیازمند زمانی طولانی و در عین حال بسیار ضروری و حیاتی است بهترین شیوه تغییر این کیفیت خط دهی از مجاری فرهنگی و نفوذ در عناصر فرهنگ پذیر است به نظر می رسد با توجه به اینکه جناب عالی در آینده بهوظیفه مقدس دبیری اشتغال خواهید یافت موقعیت بسیار ارزنده ای در جهت تصحیح و تنویر افکار نوجوانان آن خطه خواهید یافت و می توانید نقش موثری در دگرگون سازی تدریجی وضعیت فوق در نسل جوان داشته باشید همچنین مشارکت و همکاری در دیگر کانونهای فعالیت فرهنگی و دینی مانند مساجد و ... زمینه خوبی برای افکار صحیح اسلامی در این زمینه است. }J

**مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه چیست و در زمینه اصلاح حوزه ها چه اقداماتی انجام گرفته است ؟**

**پرسش**

مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه چیست و در زمینه اصلاح حوزه ها چه اقداماتی انجام گرفته است ؟

**پاسخ**

وحدت حوزه و دانشگاه، یکی از ره آوردهای عظیم و پربرکت انقلاب اسلامی است. بدون شک تداوم انقلاب و بنیان گذاری تمدن نوین اسلامی و رشد و توسعه فراگیر آن، جز در پرتو وحدت و پیوند گسست ناپذیر این دو نهاد مقدس امکان پذیر نیست. آنچه در این روند، بایسته و اجتناب ناپذیر است، در درجه اول شناخت ماهیت این دو پایگاه عظیم، توانمندی ها و کاستی های هر یک و سپس داشتن الگویی مناسب جهت پیوند و وحدت آن دو است.

در رابطه با ماهیت حوزه و دانشگاه، تردیدی نیست که وجه مشترکشان این است که هر دو نهادهایی علمی و پرورش دهنده شخصیت های علمی و فکری هستند. در عین حال هر یک خاستگاهی ویژه و ساختار و روش خاص خود و تاریخچه و کارنامه ای جداگانه دارند.

- خاستگاه اساسی حوزه های علمیه، شور و اشتیاق زاید الوصف دینی و علاقه به ژرفکاوی در معارف سعادتبخش و هدایت آفرین الهی و کنجکاوی در دستورات جامع و زندگی ساز اسلام و شناخت جهان بر اساس رهنمودهای وحیانیو آموختن هنجارهای دینی در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی انسان است. این انگیزه باعث پیدایش حوزه های بزرگ علمیه در طول تاریخ و پرورش چهره های علمی درخشانی شده است که علاوه بر علوم خاص دینی در دیگر رشته ها مانند: فلسفه، ریاضیات، هیئت، طب و ... نیز سرآمد روزگار خویش بوده و افزون بر خدمات علمی، دارایی فعالیت های اجتماعی و سیاسی بسیار ارزنده ای نیز بوده اند. در این حیات می توان از چهره هایی چون: بوعلی سینا، شیخ طوسی، شیخ بهایی، ملا صدرا، علامه طباطبایی، شهید مطهری، آیت الله حسن زاده، حضرت

امام خمینی و ... نام برد. بر اساس آنچه در دستور رضا خان جهت تأسیس دانشگاه تهران - که اولین دانشگاه ایرانی به سبک جدید در ایران است - بیان شده در رابطه با خاستگاه دانشگاه های جدید در ایران دو نکته بیان شده است: ۱- آشنایی با علم و تکنولوژی غرب، ۲- تربیت کادر نظام.

این دو نکته در دستور رضا شاه برای تأسیس دانشگاه تهران به چشم می خورد. در این رابطه اولاً توجه به غنای داخلی و رشد و توسعه علمی با تکیه بر امکانات بالقوه و فرهنگ داخلی، فراموش گردیده و این تلقی را در ضمن خود دارد که در راستای رشد علمی همواره باید مصرف کننده تولیدات غرب باشد. ثانیاً در تربیت کادر نظام با توجه به وابستگی کل نظام به سلطه های غربی، شیوه ای را می طلبید که در آن افرادی وابسته و مقلد غرب پرورش یابند. ثمرات این حرکت به گونه ای شد که ناگهان فریاد شریعتی ها بلند شد و پرده از خیانت های پرورش یافتگان نظام تربیتی غربی برداشته شد و کسانی چون شریعتی ها بانگ بر آوردند که پای هر قرارداد استعماری، امضای یکی از تربیت یافتگان دانشگاه ها دیده می شود، در حالی که هیچ روحانی حوزه رفته ای در این امور مشارکت ندارد. البته این به معنای آن نیست که همه دانشگاهیان این گونه تربیت می شدند، بلکه مقصود آن است که یکی از اهداف بنیان گذاران دانشگاه جدید این بوده است، لیکن دانشگاهیان به دو دسته انسانی های شریف و مستقل و انسان های با گرایش های غربی بدون شک نقش فعال و گسترده گروه اول - بویژه پس از انقلاب اسلامی - بسیار حایز اهمیت و چشمگیر است.

البته در این بین یک واقعیت نیز قابل انکار نیست و آن

این است که حوزه های علمیه در عین آن که در طول تاریخ فعالیت خود، علاوه بر آثار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و شخصیت های بزرگی که در خود پرورش داده اند، به دلیل فشارهای سیاسی و اجتماعی و نیز برخی نگرش ها و بینش های درونی خود، در یکی دو قرن اخیر دچار تضیقاتشدیدی شده و از همین رو دچار ضعف هایی نیز گشته است. از جمله آن که به دلیل فشارهای مختلف به خصوص در عهد رضا خان، بسیاری از رشته های علمی کنار گذاشته شد و به حداقل اکتفا گردید؛ مثل رشته های پزشکی، نجوم، هندسه، علوم طبیعی و ... .

علاوه بر این شرایط موج غربگرایی و خود باختگی در برابر آن و نیز شعار غربی جدایی دین از سیاست نیز، بیش از پیش حوزه ها را دچار اختلاف و محدودیت نمود.

اکنون نیز این باور در بسیاری از اذهان وجود دارد که بایستی دین و رجال دین از سیاست جدا باشند که این نیز از ازارمغان های تفکر غربی است.

پیشنهاد نویسنده عزیز نامه در مورد مرتبط شدن حوزه ها با علوم دانشگاهی در همین راستا نکته ای قابل توجه است؛ ولی نبایستی از وحدت برداشتی فیزیکی داشت. اگر امام راحل «ره» و نیز شخصیت های بارز فرهنگی دیگر برای دفاع از کیان فرهنگ، اسلام و استقلال فکری شعار وحدت حوزه و دانشگاه را سر داده اند بدان معنا نیست که باید از نظر فیزیکی و اداری در یک چارچوب قرار بگیرند - که چنین وحدتی نه ممکن است و نه مفید - وحدت، وحدت در اهداف و اصول و راهبردها و راهکارهاست، نه وحدت صوری و فیزیکی.

در نوشته دوست عزیز درباره تفکر آزاد نیز بحث شد و ادعا شده که در دانشگاه تفکر آزاد وجود دارد و نه

در حوزه‌ها دارد.

اگر مقصود آن است که در حوزه شبهات مورد بحث و نقد قرار نمی‌گیرد که سخنی برخلاف واقع است از گذشته‌های بسیار دور بزرگ‌ترین شبهات ملحدین و پیروان ادیان و مذاهب دیگر، در حوزه‌ها مطرح و بدان پاسخ داده می‌شده‌است.

البته حوزه‌ها بنا بر رسالت خویش وظیفه تبلیغ و گسترش فرهنگ دینی و آنچه را که حق می‌دانند بر عهده دارند و کسانی نیز که در این سلك وارد می‌شوند به همین انگیزه در این راه گام می‌نهند. از این رو علی‌الاصول نمی‌توانند ونبایستی که در مسیری جز آن گام بردارند.

ولی این بدان معنا نیست که فکر خود را نیز سانسور کنند و در مسائل اساسی نیندیشیده و به بررسی و نقدپردازند.

در مورد مشکل حاکمیت کشور به اقتضای قانون اساسی و نیز ضرورت‌های انقلاب در حال حاضر، چنین وضعیت‌پیش آمده است ولی باید توجه داشت که امام راحل «ره» از آغاز نظرشان آن بود که کلیه مناصب اجرایی به غیرروحانی واگذار گردد؛ ولی شرایط ویژه و حساس پس از انقلاب و چند تجربه ناموفق از شخصیت‌های غیرروحانی آنزمان، این ضرورت را اقتضا کرد که برای مدتی تا پرورش نسل‌های نو و دارای ویژگی‌های لازم برای حفظ استقلال‌فکری و سیاسی مملکت، شخصیت‌های روحانی قدرت را در دست داشته باشند. امید است شرایط به گونه‌ای پیشبرود که نیازی به وجود و حضور روحانی در پست‌های اجرایی نباشد.

مقتضای تفکر آزاد آن است که بیندیشیم در شرایط بحرانی پس از انقلاب و جنگ تحمیلی، کدام سیستم و روشمی توانست کارا باشد؟ به هر صورت تحلیل گذشته‌ها خود عرصه‌ای وسیع می‌طلبد.

درباره پیشنهاد‌های دوست عزیزمان چند نکته را به اختصار یاد آور



۱- چنان که گفته شد مقصود از وحدت، وحدت فیزیکی حوزه و دانشگاه نیست؛ بلکه وحدت مسیر و هدف است. علاوه بر آن که یکسان شدن محیط آم وزشی حوزه و دانشگاه به دولتی شدن حوزه ها منجر می شود و دولتی شدنحوزه، خطر بزرگی است که همواره حوزه ها از آن پرهیز می کرده اند.

اگر حوزه ها توانسته اند در شرایط مختلفی همانند انقلاب مشروطه انقلاب ضد انگلیسی در عراق و ... و بالاخرهانقلاب اسلامی نقشی ایفا نمایند به دلیل استقلال خود از حکومت بوده است؛ همان خبری که دوست عزیزمان برایآن نگران هستند ولی در پیشنهاد خود عملاً آنچه را از آن می گریخته اند به عنوان راه حل ارائه نموده اند.

۲- پیش از انقلاب بنا به دلایلی - که برخی از آنها اشاره شد - حوزه ها حداقل شرایط را در جذب و گزینش مدّ نظرقرار داده می شد؛ ولی پس از انقلاب گزینش و ورودی ها بر اساس صلاحیت ها انجام گرفت و در مواد درسی و سیستمآموزشی نیز تحولاتی به وجود آمد، گرچه هنوز جای اصلاح فراوان باقی مانده است.

البته شاید با فرمول خاصی مشروط بر آن که منجر به دولتی شدن حوزه نشود از طریق کنکور نیز طلبه پذیرش نمود؛ ولی بنا بر همین نکته (دولتی شدن) تاکنون حوزه رغبتی به این امر نشان نداده است. در عین حال پیشنهاد دوستعزیزمان مبنی ر این که از استعدادهای خوب و برتر برای حوزه استفاده شود پیشنهادی بسیار مغتنم و با ارزش است کهباید راهی برای انجام آن یافت (البته ما نیز متصدی حوزه هستیم).

۳- آزادی تفکر در حوزه وجود دارد و دلیل آن وجود صدها دانشمند، نویسنده و متفکر با سلیق و اندیشه هایگوناگون و هم چنین وجود

هزاران کتاب، مقاله، تحقیق و ... که هر کس آزادانه نظر و بینش خود را ارائه می دهد و هیچمنعی تا بحال در این زمینه مشاهده نشده است و این خود بارزترین نشانه بر وجود آزادی تفکر است. البته معیار و چارچوبی در این زمینه وجود دارد و آن قرآن و روایات ائمه معصومین (ع) است که همه خود را موظف می دانند در این چارچوب حرکت و فعالیت کنند.

۴- درباره شغل نبودن تبلیغ دین؛ این سخنی اساسی است و هرگز نیز مبلغ دین نبایستی آن را شغلی همانند مشاغل دیگر بدانند. ولی نکته ای در این جا قابل بحث است و آن این که با توجه به تخصصی شدن دانش ها و نیاز عظیم جامعه اسلامی و جهان، آیا این امکان وجود دارد که شخص در رشته ای که نیاز به بیست الی سی سال تحصیل دارد متخصص شود در عین حال شغل دیگری هم داشته باشد؟

در شرایط فعلی حتی کسب اطلاعات و آموزش های عمومی و پایه ای با این فرض قابل تحقق نیست مگر به صورت تیم بند و غیر اصولی.

بنابراین همان گونه که دانش های دیگر منجر به شغل می شوند، این رشته نیز باید منجر به شغل شود.

### راه وحدت بیشتر بین حوزه و دانشگاه چیست

#### پرسش

راه وحدت بیشتر بین حوزه و دانشگاه چیست

#### پاسخ

در این زمینه تلاش بسیاری صورت می گیرد، البته باید اذعان نمود که تلاش های موجود کافی نیست. از طرف دیگر عوامل خنثی کننده ای نیز هست که سعی در دور نگه داشتن این دو نهاد علمی از هم دارند؛ لیکن مهم این است که حوزویان و دانشگاهیان، هر دو در این زمینه مسئولیت دارند و باید با تمام وجود و با به کارگیری بهترین طرح ها و امکانات در نزدیک شدن و روابط و تفاهم با هم، تلاش کنند.

### در برخورد با یک سنی چه رفتاری داشته باشیم و آیا لازم است در جهت شیعه شدن او تلاش کنیم؟

#### پرسش

در برخورد با یک سنی چه رفتاری داشته باشیم و آیا لازم است در جهت شیعه شدن او تلاش کنیم؟

#### پاسخ

چگونگی رابطه با اهل سنت در محیط ها و شرایط مختلف متفاوت است. در هر صورت اصل اخوت و برادری اسلامی را باید

محفوظ داشت. اما دعوت شخص یا اشخاصی از آنان به تشیع بستگی به توانایی های فکری و استدلالی دعوت کننده و روحیات و قابلیت های دعوت شونده دارد و کار نسبتاً دشواری است. و در صورتی که پیش بینی نتیجه سودمندی نسبت به مورد اشاره شده نمی کنید لازم نیست با ایشان وارد گفت و گو در این مقولات شوید.

جهت آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- امامت و رهبری شهید مطهری

۲- شیعه و تهمت های ناروا سید جواد شری

۳- رهبری امام علی(ع) در قرآن، ترجمه المراجعات، ترجمه سیاهپوش

}]

## چرا وحدت حوزه و دانشگاه هنوز تحقق پیدا نکرده است

### پرسش

چرا وحدت حوزه و دانشگاه هنوز تحقق پیدا نکرده است

### پاسخ

بحث وحدت حوزه و دانشگاه از اندیشه های بزرگ امام خمینی و بسیاری از مصلحان و متفکران جامعه ما بوده وهست ولی در آغاز باید تعریف صحیحی از آن نموده سپس به بررسی امکان یا عدم امکان آن پرداخت. وحدت حوزه و دانشگاه نه به معنای ادغام فیزیکی است و نه ادغام محتوایی. چه این که هم اکنون نیز حوزه و دانشگاه در بسیاری از رشته ها با یکدیگر تشابه و هم گونی دارند مانند رشته های: الهیات، ادبیات، حقوق، فقه، تفسیر و... بلکه محور این وحدت اتحادی استراتژیکی برای نیل به آرمان های انقلاب و اعتلای کشور و فرهنگ جامعه است. جامعه ما و بلکه تمامی جوامع اسلامی بارها طعم تلخ جدایی این دو طیف از یکدیگر را چشیده اند. زمانی هجوم و سیطره غربزدگی جایی برای طرح اندیشه های حوزه و تقارب افکار باقی نگذاشته بود. در نقطه مقابل برخی حوزویان نیز دانشگاهیان رابه هیچ می انگاشتند و راه خویش را در تضاد با آن می دیدند. در حقیقت جدایی آرمانی این دو از یکدیگر بهترین راه نفوذ برای بیگانگان و ایادی آنه است. این وحدتی است که امام، حوزویان و دانشگاهیان را به آن فرا می خواندند. ولی اینکه آنان از نظر رشته ها متحد شوند و یا... نه امری عملی است و نه مفید. بنابراین آنان که می گویند این وحدت ممکن نیست اگر وحدت قسم اول را می گویند سخت در اشتباهند؛ ولی اگر مراد آنها قسم دوم است ما نیز برآن مهر تایید می زنیم. وحدت حوزه و دانشگاه در کلام امام؛ یعنی وحدت آرمانی و همنوایی برای ساختن کشور و اعتلای فرهنگ و تمدن

و رشد آن از جنبه های گوناگون.

## آیا برای وحدت بین مسلمانان بهتر نیست از شعارهایی که موجب اختلاف است دست برداریم

### پرسش

آیا برای وحدت بین مسلمانان بهتر نیست از شعارهایی که موجب اختلاف است دست برداریم

### پاسخ

لازم نیست از عقاید خود دست بکشیم. البته اگر بر بعضی از شعارها تأکید نشود مطلوب است. البته در صورتی که همه مذاهب چنین رویه ای را در پیش گیرند، نه این که یک مذهب از بعضی مشخصه ها و شعارهای خود دست بردارد و بقیه کما کان به آن ادامه دهند.

## دوست دشمن علی؛ دشمن علی است، چرا اهل تسنن که دوست دشمن علی هستند را برادران اهل تسنن می خوانیم؟

### پرسش

دوست دشمن علی؛ دشمن علی است، چرا اهل تسنن که دوست دشمن علی هستند را برادران اهل تسنن می خوانیم؟

### پاسخ

در خصوص سؤالی که فرمودید نکات زیر قابل توجه است :

۱. روایاتی موجود است که بیان کننده این مطلب می باشند. که دشمن علی، کافر، منافق و مبغوض خدا و رسول ( است.

۲- منتها باید به این نکته مهم توجه داشت، که به چند دلیل ما آنها را برادر می خوانیم :

الف : اکثر اهل تسنن، و خصوصاً عوام الناس آنها، به خاطر تبلیغات زیاد و مسمومی که وجود داشته، این اعتقاد را پیدا کرده اند. و خیلی از آنها واقعاً معذورند. و مسأله چند سنی متعصب و وهابی مسلک، از این گروه جداست.

ب : همانطور که تاریخ گواه خوبی بر این مطلب است، بزرگترین حربه و نقشه استعمارگران برای محو و نابودی اسلام، همین ایجاد اختلاف و تفرقه بین مسلمین بوده است. به جرأت می توان گفت که استعمارگران منافعی را که به سبب تفرقه به دست آوردند، به هیچ سبب دیگر نمی توانستند به دست بیاورند. زیرا وقتی گروههای مسلمان اتحاد نداشته باشند، و از همدیگر بیزار بچویند، و یکدیگر را فحش دهند و لعن کنند، دشمن می تواند به راحتی اهداف استعماری خود را پیاده کرده، بر ممالک اسلامی تسلط بیابد. قرآن کریم می فرماید : "ولا تنازعوا فتشلوها و تذهب ریحکم" (۱) ، یعنی (نزاع و اختلاف نکنید، به سبب اختلاف آراء و عقیده ها؛ که اگر چنین کنید، بد دل می شوید و آبروی شما می رود).

ج مسأله دل و درون، با مسأله ظاهر فرق می کند. زیرا توریه، تقیّه و

... ، چیزهایی است که در اسلام، مورد سفارص اکید واقع شده؛ که در مواقع آن، حتماً از آنها استفاده شده است. چه بسا یک فرد شیعه در دل دشمن سرسخت و اهل تسنن متعصب است، که آگاهانه دشمنان حضرت علی (را دوست می دارند؛ اما در ظاهر تقیه می کند، و به زبان این دشمنی را اظهار نمی کند. زیرا این قبیل کارها در اسلام بسیار سفارش شده است.

خداوند متعال همه ما را از شیعیان واقعی معصومین (قرار بدهد. ان شاء...

منابع و مآخذ :

۱. سوره مبارکه انفال/آیه ۴۸

شبهای پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی "رحمه الله... علیه" ، ص ۷۸۲ و ۷۸۳ و ۱۰۰۳ و ۱۰۰۵

### مشکلات ارتباط با حوزه بین دانشگاه چیست؟

#### پرسش

مشکلات ارتباط با حوزه بین دانشگاه چیست؟

#### پاسخ

شاید اولین گام و اساسی ترین قدم در پیوند بین این دو مراکز (حوزه و دانشگاه)، همین احساس نیاز و ضرورت باشد، که شما به این مسأله مهم و حیاتی عنایت داشته اید. اگر این توجه و تأمل در میان حوزویان و دانشگاهیان گسترش یابد، و به صورت امری عمومی و همگانی درآید، و قاطبه عناصر و اعضای این دو مرکز، برای محقق ساختن آن تفکر و تدبیر کنند، و آنرا از افراد مسؤول و مافوق خودشان مطالبه کنند، پیوند بین حوزه و دانشگاه، جنبه عملی به خودش خواهد گرفت.

ولی تا زمانی که فقط شعار تعداد اندکی از افراد در دو مرکز باشد، شمار کثیری از اعضای شاغل در حوزه و دانشگاه، به این امر نیندیشند... فکر نکنند، و تنها تعداد اندکی در سالروز شهادت استاد شهید دکتر مفتح، به برپایی مراسمی محدود و سمبلیک اکتفا کنند، مراسمی که حتی قاطبه دانشگاهیان و حوزویان نیز از آن مطلع نشوند، تا زمانی که بخش اعظمی از روحانیان و استادان مراکز آموزش، ممکن است حتی از سالروز شهادت شهید مفتح و روز وحدت حوزه و دانشگاه بی خبر باشند، و بمانند، چه رسد به این که برای تحقق آن فکر و اندیشه کنند، وحدت بین حوزه و دانشگاه عملی نخواهد شد.

بنابراین عمده ترین مانع و مشکل به نظر ما، این است که صاحبان خرد و اندیشه، و حاملان کتاب و فن در این دو مرکز، ضرورت و اهمیّت وحدت حوزه و دانشگاه را به روشنی درک و فهم نکرده اند. اگر این درک و نیاز توأمان در دو قشر بوجود آید،

طبعاً نشستها و تجمّعها و رایزنی ها، منجر به پیدا کردن راهها و روشهای وحدت، و شناسایی موانع و مشکلات، خواهد شد.

علاوه بر آنچه ذکر شد، که مهم ترین مشکل است، می توان مواردی از قبیل سیستم متفاوت آموزشی حوزه و دانشگاه، مدارک اخذ شده متفاوت، تفاوت اعتبار مدارک، و تفاوت دروس و سرفصل دروس، و... از مسایلی است که به عدم وحدت دامن می زند. ولی اگر روزی دو مرکز از یک اعتبار و جایگاه، و دارای مدارک معتبر و شناخته شده، متون آموزشی مورد قبول طرفین، سیستم مورد قبول دو مرکز، و... برخوردار شوند، و به این صورت راه اندازی شود، شاید در کانون فوق (حوزه و دانشگاه) احساس جدایی بین خودشان نکنند.

ولی تا زمانی که حوزویان احساس کنند آنها هستند که اسلام شناس تربیت می کنند، و در مسایل مهم فلسفه و عرفان و کلام و... صاحب نظرند، و دانشگاهها در این رشته ها غنا ندارند، و متقابلاً دانشگاهها نیز احساس کنند در این رشته ها از غنای بیشتری از حوزه برخوردارند. تا زمانی که حوزه، سیستم آموزشی خودش را بهترین سیستم و دانشگاه، سیستم خودش را بهتر بداند، تا زمانی که حوزه احساس کند بهترین متون آموزشی با همه تفاوتهایی که در مراکز مختلف وجود دارد، و در سطح کشور از یکنواختی برخوردار نیست را دارد، و دانشگاه نیز چنین احساس متقابلی داشته باشد، تا زمانی که هر کدام از مراکز فوق به انکار دیگری پردازد، حوزه، دانشگاهها را مرکز پرورش افراد بی دین و لامذهب بشمارد، و دانشگاه، حوزه را به نحو دیگری متهم نماید، تا

زمانی که هر کدام خود را از دیگری برتر بدانند، و ... ، وحدت بین حوزه و دانشگاه امری محال و ناشدنی است.

بنابراین در ابتدا باید یک باور عمیق در ضرورت وحدت بین افراد این دو کانون دین و دانش، برقرار گردد، و در مراحل بعد از انکار و تخریب یکدیگر بپرهیزند، و هر کدام مؤید و مکمل دیگری بشود، و...؛ در این صورت، حوزه و دانشگاه نه تنها به هم نزدیک، بلکه یکی خواهد شد.

### آیا تا کنون علمای شیعه و اهل سنت میزگردی در خصوص مسایل مورد اختلاف داشته اند؟

#### پرسش

آیا تا کنون علمای شیعه و اهل سنت میزگردی در خصوص مسایل مورد اختلاف داشته اند؟

#### پاسخ

علمای شیعه و سنی در حیات فرهنگی شان بارها با هم نشستند و در خصوص مسائل مورد اختلاف با یکدیگر مباحثه و رایزنی کردند.

در عصر حاضر عالمانی همانند "علامه امینی"، "سید عبدالحسین شرف الدین" و "سلطان الواعظین شیرازی" در این امر قدم های خوبی برداشتند که حاصل این تلاش ها در چند کتاب پر ارزش همانند "المراجعات"، "گروه رستگاران یا فرقه ناجیه"، "شب های پیشاور" و "الغدیر" مندرج است.

آیت الله بروجردی و رئیس دانشگاه الازهر، شیخ شلتوت در پی تقریب بین مذاهب اسلامی بر آمدند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به دستور امام خمینی "مجمع جهانی تقریب بین مذاهب تشکیل شد.

علمای شیعه و سنی در هر سال در آستانه سالروز ولادت پیامبر اسلام(ص) و هفته وحدت دور هم جمع می شوند و مسایل را با هدف تقریب و تفاهم با هم در میان می گذارند. در همین باره دکتر بی آزار شیرازی کتابی تحت عنوان "همبستگی" تدوین نموده است. برای توضیح بیش تر می توان به این کتاب مراجعه نمود.

### منظور از امت واحد اسلامی با وجود اختلاف میان شیعه و سنی، چه می باشد؟

#### پرسش

منظور از امت واحد اسلامی با وجود اختلاف میان شیعه و سنی، چه می باشد؟

#### پاسخ

منظور از امت واحد اسلامی این است که در برابر بیگانگان همه مسلمانان از هر گروه و مذهبی که هستند، متحد باشند.



اختلافات جغرافیایی، سیاسی، مذهبی و مانند این ها نباید مانع وحدت در استراتژی مسلمانان گردد.

شهید مطهری درباره مفهوم وحدت اسلامی در آغاز سه احتمال را ذکر می کند و می گوید:

۱- آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی تنها یک مذهب انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟

۲- آیا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود و همه غیر مشترکات کنار گذاشته شود و از این مشترکات یک مذهب جدیدی ساخته شود که با همه مذاهب موجود فرق داشته باشد؟

۴- آیا مراد از وحدت اسلامی این است که مسلمانان اعم از شیعه و سنی در برابر بیگانگان متحد باشند؟

شهید مطهری می افزاید: مقصود از اتحاد مسلمانان، اتحاد پیروان مذاهب مختلف است. این ها در عین داشتن اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان متحد و در صف واحد باشند. بدیهی است منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذهب و طرد مفترقات آنها نیست، بلکه مراد معنای سوم است. [۱۷]

**گفته اند مسلمانان به خاطر به وجود آمدن اتحاد رو به قبله نماز می خوانند، در حالی که این فائده در عمل وجود ندارد، پس چگونه این اتحاد به وجود می آید؟**

**پرسش**

گفته اند مسلمانان به خاطر به وجود آمدن اتحاد رو به قبله نماز می خوانند، در حالی که این فائده در عمل وجود ندارد، پس چگونه این اتحاد به وجود می آید؟

**پاسخ**

فلسفه قبله تنها دست یابی به اتحاد و وحدت اسلامی نیست، هر چند می تواند یکی از حکمت های آن باشد، زیرا توجه تمام مسلمانان هنگام نماز به سمت و سویی خاص به معنای قرار گرفتن و ایستادن به یک جهت خاص است که در همدلی امت اسلامی بسیار مؤثر است، ولی تنها این امر کافی نیست. همسویی در صورتی مفید است که در کنار آن، عواملی چون: وحدت رویه، پرهیز از عوامل تنش زا، عمل به قرآن و دستورهای دین، تعامل و همکاری دولت های اسلامی، مقابله با تبلیغات گسترده دشمن و خنثی سازی توطئه های آنان به کار گرفته شود. اگر می بینیم مسلمانان با وجود قبله مشترک، به وحدت کامل نرسیده اند، دلیلش فاصله گرفتن از اسلام و دامن زدن به اختلافات نژادی و جغرافیایی و غافل ماندن از ترفند شیطانی دشمنان می باشد.

**برای این که بین شیعه و سنی رابطه برقرار کنیم، و بین آنان وحدت ایجاد نماییم، چه باید کنیم؟**

**پرسش**

برای این که بین شیعه و سنی رابطه برقرار کنیم، و بین آنان وحدت ایجاد نماییم، چه باید کنیم؟

## پاسخ

برای ایجاد وحدت اسلامی راهکارهای متعددی وجود دارد که به بعضی اشاره می شود:

### (۱) گفتگو (دیالوگ)

اولین و مهم ترین راهکار جهت همگرایی مسلمانان، گفتمان علمی است، بدین معنا که نظریه پردازان و عالمان دینی فرقه های اسلامی در کنار هم قرار گرفته، گفتگوهای علمی انجام دهند. در این گفتگوها بر مسایل مشترک تأکید شده و عالمان اسلامی از مبانی یکدیگر آشنا شوند؛ زیرا خیلی از مسایل اختلافی بین مسلمانان ناشی از آن است که فرقه های اسلامی از بعضی اصول و مبانی یکدیگر آشنایی کامل ندارند. عدم آشنایی کامل آنها از اصول یکدیگر موجب شده که مسلمانان که برداشت های نادرستی از هم داشته و نسبت به یکدیگر بدبین گردند، حتی حکم تکفیر یکدیگر را صادر نموده و زمینه های برخوردهای فیزیکی فراهم گردد. بیشتر تعصبات مذهبی و قومی نیز ریشه در عدم آگاهی از مبانی گروه های اسلامی دارد.

عدم آشنایی مذاهب از عقاید یکدیگر موجب می شود دشمنان اسلام و آنها که از تفرقه ها میان فرقه های اسلامی سود می برند. به واسطه جهل و ناآگاهی مردم، موارد اختلاف برانگیز را پررنگ تر کرده و مواردی را که موجب اتحاد بین مسلمانان می شود، نادیده گیرند.

علامه شرف الدین یکی از اندیشمندان شیعی است که به گفتمان علمی پرداخته و بین او و شیخ سلیم بشری (از علمای اهل سنت) سؤال و جواب هایی مطرح شده است که نتیجه آن کتاب "المراجعات" است که نقش بنیادی در زمینه و فرهنگ سازی

برای وحدت اسلامی دارد.

۲ - توجه به نقاط مشترک و دشمن مشترک:

یکی از عوامل مهمی که در جهان معاصر می تواند موجب وحدت بین دو گروه بزرگ اسلام شود، توجه به نقاط مشترک بین این دو مذهب است. مطمئناً مسائل مورد اتفاق میان این دو مذهب بسیار فراتر از موارد اختلاف می باشد اما غالباً مسائل مورد اختلاف مورد توجه قرار گرفته و مسائل و اعتقادات مشترک نادیده نگاشته می شود، که یکی از عوامل ایجاد اختلاف و دوری هر چه بیشتر مسلمانان از یکدیگر است.

هم چنین توجه به دشمن مشترکی که اصل اسلام و کشورهای اسلامی و مردم جهان اسلام را مورد مذمت قرار داده است، یکی از عوامل مهم اتفاق نظر و وحدت میان کشورهای اسلامی می تواند می باشد. اگر به صدر اسلام نیز نگاه کنیم، علت اساسی سکوت امیر مؤمنان و ائمه معصومین (ع) و همراهی با مخالفان فکری و عقیدتی در جهان اسلام، توجه به دشمن مشترک و مورد تهدید قرار گرفتن مرزهای اسلامی به وسیله دشمنان اسلام بوده است.

۳ - تدوین آثار فرشت های علمی

یکی از شیوه های کاربردی در ایجاد وحدت اسلامی تدوین آثار علمی در قالب کتاب ، مجله و روزنامه ، نیز برگزاری نشست های علمی و تبادل افکار و نظریات است . در آثار علمی باید به عوامل وحدت و عوامل اختلاف پرداخته شده و مشکلات جهان اسلام بررسی گردد. تدوین فقه مقارن و عقاید تطبیقی و مقایسه ای نیز باید از محورهای مهم آثار علمی باشند . کتاب هایی مانند "الفصول المهمه" تألیف علامه شرف الدین و انتشار مجله ای مانند "رسالهالتقریب" نقش بنیادی در

زمینه سازی وحدت اسلامی داشتند. از سوی دیگر با تدوین سریال ها و نمایش نامه ها نیز می توان جهت ایجاد وحدت اسلامی زمینه سازی نمود. بهتر است این دست از آثار به زبان های مختلف ترجمه شوند و در اختیار مسلمانان قرار گیرند.

#### ۴ - صدور فتوای همگرایی

بی تردید صدور فتوای مجتهدان فرقه های اسلامی نقش بنیادی در وحدت اسلامی دارد، همان گونه که نقش اساسی در اختلافات مسلمانان دارد. اگر مجتهدان فتاویی مانند جواز شرکت نمودن مسلمانان در مراسم عبادی همدیگر را صادر نمایند، زمینه های همسویی مسلمانان را فراهم می کند. بعضی از مجتهدان و عالمان اهل سنت و تشیع در این خصوص پیشگام بوده اند.

شیخ محمود شلتوت ، رئیس دانشگاه الازهر مصر در زمان جمال عبدالناصر یکی از کسانی است که در فتوای معروف خود، مذهب جعفری و فقه شیعه را به عنوان یک مذهب رسمی و فقهی تأیید کرد.(۱) فتوای معروف او در زمان خود در نزدیکی اهل سنت به شیعه تأثیر به سزایی داشت.

#### ۵ - آشنایی با معارف اسلامی

یکی از راهکارهای وحدت اسلامی، آشنایی مسلمانان با آموزه های دینی است. در آیات متعدد مسلمانان به همگرایی دعوت شده اند.(۲) در برخی از آیات همه مسلمانان برادران دینی خوانده شده و مرزهای جغرافیایی و ملی نادیده گرفته شده است:

"انما المؤمنون اخوه..."(۳)

"واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا..."(۴) در روایات اسلامی نیز همه مسلمانان به همبستگی و اتحاد اسلامی سفارش شده است. (۵)

چرا مسلمانان وحدت ندارند؟

یکی از عوامل مهم آن فاصله گیری از معارف و آموزه های دینی است. شخصیت هایی مانند امام راحل و علامه شرف الدین بر این

باور بودند که جهت "ایجاد وحدت اسلامی" آشنایی کامل مسلمانان با معارف اسلامی لازم است. نکته قابل دقت آن است که یکی از موارد قانون اساسی "جماعه التقریب بین المذاهب الاسلامیه" که در قاهره تشکیل شده، آن بود که مسلمانان با معارف اسلامی آشنایی پیدا کنند.

#### ۶- شناسایی عوامل اختلاف

برای ایجاد وحدت اسلامی، همان گونه که شناخت عوامل و زمینه های همگرایی ضرورت دارد، شناخت عوامل و زمینه های اختلاف نیز بایسته است. بر این اساس برای ایجاد وحدت اسلامی، باید عوامل اختلاف همانند تعصبات قومی، قدرت گرایی و پیروی از هواهای نفسانی، شناسایی و با آنها مبارزه گردد. دشمنان خارجی نیز نقش بنیادی در ایجاد اختلاف داشته و دارند استعمارگران با شعار "اختلاف بینداز و حکومت کن" بین مسلمانان اختلاف ایجاد کرده اند. داده های تاریخی نشان از آن دارد که استعمارگران در حوادث ناگواری که در جهان اسلام به وجود آمدند، نقش اساسی داشتند. آنان با ایجاد اختلاف جنگ های داخلی را به وجود آوردند. حتی می توان عامل اساسی و ریشه ای ایجاد و پیدایش بعضی از فرقه ها میان اهل سنت و شیعه را استعمارگران دانست و دست های مرموز آنها را پیدا کرد.

بر این اساس برای ایجاد وحدت اسلامی، شناخت عوامل داخلی و خارجی اختلاف ضرورت دارد. مرحوم آیت الله بروجردی در آخرین لحظات عمر خویش یکی از راه های ایجاد وحدت اسلامی را شناسایی عوامل اختلاف دانست وی می گوید: "من برای ایجاد حسن تفاهم میان مسلمانان آرزوهای بسیار داشتم و درصدد بودم در نامه ای به شیخ محمود شلتوت بنویسم و به ایشان یادآور شوم

که موجبات رفع اختلاف را فراهم سازند". (۶)

## ۷- اتخاذ سیاست های مشترک

یکی از شیوه های ایجاد وحدت اسلامی، اتخاذ سیاست مشترک توسط کشورهای اسلامی است. این سیاست ها می توانند در روابط بین المللی و سیاست های اقتصادی و تشکیل بازارهای مشترک اقتصادی شکل گیرد هم چنین می توان در صحنه های سیاسی در برابر دشمنان مسلمانان سیاست های راهبردی اتخاذ نموده و به حمایت از مظلومان و آسیب دیدگان جهان اسلام پرداخت.

پی نوشت ها :

۱- عبدالکریم بی آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی . ص ۳۱۰ - ۳۱۱.

۲- آل عمران، آیه ۱۰۳؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۳.

۳- حجرات، (۴۹) آیه ۱۰.

۴- آل عمران، آیه ۱۳.

۵- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۶.

۶- عبدالکریم شیرازی، پیشین، ۱۱۵.

**آیا مسلمانان نتیجه اختلاف را دیده اند ؟ علت دعوت آنها به آن چیست ( اختلاف امتی رحمه ) ؟ و جمع آن با دعوت قرآن به وحدت چگونه ممکن است ؟**

## پرسش

آیا مسلمانان نتیجه اختلاف را دیده اند ؟ علت دعوت آنها به آن چیست ( اختلاف امتی رحمه ) ؟ و جمع آن با دعوت قرآن به وحدت چگونه ممکن است ؟

## پاسخ

وجود اختلاف نه تنها برای بشر ضروری است بلکه ضروری طبیعت هم هست ، یعنی در عالم از نظر شب و روز ، سرما و گرما ، تابستان و زمستان ، مرض و صحت ، و امثال آن اختلاف وجود دارد ، و در حقیقت اختلاف آراء موجب حفظ نظام عالم و تکامل و پیشرفت بشر است و اینکه بشر در فکر کردن و انتخاب رای و نظر آزاد باشد از مواهب و نعمتهای بزرگ الهی می باشد ، و مسلم است که اختلاف آراء و مذاهب موجب دشمنی و بغض و کینه نمی باشد . و اما وحدتی که قرآن داعی به آن

است وحدت در آراء نیست چون آن وحدت بحسب طبیعت بشر محال است ، بلکه مراد وحدت اخلاقی و ایمانی است و قرآن انسانها را به سوی برادری و مودت دعوت می کند ، که این وحدت با وجود اختلاف آراء هم میسر است چون اتحاد در اصول و اختلاف در فروع می باشد . گذشته از آنکه حدیث نبوی در معانی الاخبار به گونه ای دیگر تفسیر شده است . امام صادق (ع) آن را به آمد و شد از شهرهای دور برای آموختن دین معنا کرده اند (معانی الاخبار ج ۱ ص ۱۵۷) .

### چه عاملی باعث شده بود که حضرت آیه الله العظمی بروجردی علاقه فراوانی به مسئله وحدت اسلامی از خود نشان دهد؟

#### پرسش

چه عاملی باعث شده بود که حضرت آیه الله العظمی بروجردی علاقه فراوانی به مسئله وحدت اسلامی از خود نشان دهد؟

#### پاسخ

حضرت آیت الله بروجردی چون به تاریخ و مذاهب اسلامی آشنا بود، می دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است، وهم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می کنند و بلکه آن را دامن می زنند، وهم توجه داشت که بعد و دوری شیعه از سایر فرق، سبب شده که آنها شیعه را شناسند و درباره آنها تصوراتی دور از حقیقت بنمایند. به این جهات، بسیار علاقه مند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه آن طور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می دهند معرفی شود.

از حسن تصادف چند سال قبل از زعامت و ریاست معظم له که هنوز ایشان در بروجرد بودند «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» به همت جمعی از روشنفکران سنی و شیعه تأسیس شد. معظم له در دوره زعامت خود تا حد ممکن با این فکر و با این مؤسسه کمک و همکاری کرد. برای اولین بار بعد از چندین صد سال بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی سنی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او به فاصله دو سه سال شیخ محمود شلتوت، مفتی مصر و رئیس جامع ازهر روابط دوستانه ای برقرار شد و نامه ها مبادله گردید.

قطعاً طرز تفکر معظم

له و حسن تفاهمی که بین ایشان و شیخ شلتوت بود موثر بود در این که آن فتوای تاریخی معروف را در مورد به رسمیت شناختن مذهب شیعه بدهد.

معظم له را نباید گفت نسبت به این مسئله علاقه مند بود، بلکه باید گفت عاشق و دلباخته این موضوع بود و مرغ دلش برای این موضوع پر می زد.

عجیب این است که از دو منبع موثق شنیدم که در حادثه قلبی که منجر به فوت ایشان شد، بعد از حمله قلبی اول که عارض شد و مدتی بیهوش بوده اند و بعد به هوش آمدند، قبل از آنکه توجهی به حال خود بکنند و در این موضوع حرفی بزنند موضوع تقریب و وحدت اسلامی را طرح می کنند و می گویند من آرزوها در این زمینه داشتم.

## دیدگاه اسلام در مورد تعصبات قوی و نژادی چیست؟

### پرسش

دیدگاه اسلام در مورد تعصبات قوی و نژادی چیست؟

### پاسخ

اسلام نه تنها به این احساسات تعصب آمیز توجهی نکرد، بلکه با شدت با آنان مبارزه کرد. قرآن کریم در کمال صراحت فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ» [حجرات/۱۳] ای مردم، ما همه شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را گروهها و قبیله ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بشناسید، گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. [این آیه و بیانات و تأکید رسول اکرم (ص) و طرز رفتار آن حضرت با غیر اعراب و نیز قبایل مختلف عرب، راه اسلام را کاملاً مشخص کرد.

به اعتراف همه مورخین، حضرت رسول اکرم (ص) در مواقع زیاد این جمله را تذکر می داد: «أَيُّهَا النَّاسُ كُلُّكُمْ لِآدَمَ وَآدَمُ مِنْ تُرَابٍ، لَا- فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَىٰ عَجَمِيٍّ إِلَّا- بِالتَّقْوَىٰ» [تحف العقول/۳۴] همه شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است، عرب نمی تواند بر غیر عرب دعوی برتری کند مگر به پرهیزکاری. [

پیغمبر اکرم (ص) در روایتی افتخار به اقوام گذشته را یک چیز گندناک می خواند و مردمی را که بدین گونه کارها خود را مشغول می کنند به «جُعَل» [سوسک] تشبیه می کند. اصل روایت چنین است: «لِيُدْعَنَ رِجَالٌ فَخَرَهُمْ بِأَقْوَامٍ، إِنَّمَا هُمْ فَحْمٌ مِنْ فَحْمِ جَهَنَّمَ أَوْ لِيَكُونَنَّ أَهْوَنَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْجِجَلَانِ الَّتِي تَدْفَعُ بِأَنْفِهَا النَّتْنَ» (سنن ابی داود، ۲/۶۲۴) [آنان که به قومیت خود تفاخر می کنند، این کار را رها کنند و بدانند که آن مایه های افتخار جز زغال جهنم نیستند و اگر آنان دست از این کار نکشند، نزد خدا از



جعلهایی که کثافت را با بینی خود حمل می کنند پست تر خواهند بود.]

پیغمبر اکرم (ص) سلمان ایرانی و بلال حبشی را همانگونه با آغوش باز می پذیرفت که فی المثل ابوذر غفاری و مقداد بن اسود کندی و عمار یاسر را، و چون سلمان فارسی توانسته بود گوی سبقت را از دیگران برآید به شرف «سَلِمَانَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» (سفینه البحار، ماده «سلم») نائل شد.

رسول اکرم (ص) همواره مراقبت می کرد که در میان مسلمین پای تعصبات قومی به میان نیاید. در جنگ احد یک جوانی ایرانی در میان مسلمین بود. این جوان مسلمان ایرانی پس از آنکه ضربتی به یکی از افراد دشمن وارد آورد، از روی غرور گفت: «خُذْهَا وَ أَنَا الْغَلَامَ الْفَارِسِيَّ» [یعنی این ضربت را از من تحویل بگیر که منم یک جوان ایرانی]. پیغمبر اکرم (ص) احساس کرد که هم اکنون این سخن تعصبات دیگران را برخواهد انگیخت؛ فوراً به آن جوان فرمود که چرا نگفتی منم یک جوان انصاری؛ (سنن ابی داود، ۲/۶۲۵). یعنی چرا به چیزی که به آیین و مسلکت مربوط است افتخار نکردی و پای تفاخر قومی و نژادی را به میان کشیدی؟

## آثار وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟

### پرسش

آثار وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟

### پاسخ

مهم ترین آثار وحدت اجتماعی، عبارتند از

۱ عزت ملی.

۲ اقتدار ملی.

۳ امنیت.

۴ حاکمیت بر دنیا.

امیر مؤمنان آن گاه که درباره گذشتگان سخن گفته اند، به آثار یاد شده تصریح کرده اند؛ چنان که در خطبه ۱۹۲ از نهج البلاغه می خوانیم از کیفیهایی که در اثر کردار بد و کارهای ناپسند بر امت های پیشین واقع شده است، برحذر باشید و حالات آن ها را در خوبی ها و سختی ها همواره به یاد آرید؛ نکنند شما مانند آنان باشید! پس، آن گاه که در تفاوت حال آنان به هنگامی که در خوبی بودند و زمانی که در شر و بدی قرار داشتند اندیشه نمودید، به سراغ کارهایی روید که موجب عزت و اقتدار آنان شد و دشمنان را از آنان دور نموده، عافیت و سلامت به آن ها روی آورد و نعمت را در اختیارشان قرار

داد و کرامت و شخصیت باعث پیوند اجتماعی آنان شد؛ یعنی از تفرقه و پراکندگی اجتناب ورزیدند و بر الفت و هم گامی همت گماشتند و یک دیگر را به آن توصیه و تحریض نمودند. از هر کاری که ستون فقرات آن ها را در هم شکست و قدرت شان را سست کرد اجتناب ورزید؛ یعنی از کینه های درونی، بخل و حسادت و پشت کردن به هم و ایجاد فتور و سستی بین جامعه دوری گزینید در شرح حال مؤمنان پیشین تدبر کنید که چگونه در حال آزمایش و امتحان بودند! آیا بیش از همه، مردم در شدت و زحمت نبودند؟ آیا از همه جهانیان در تنگنای بیشتری قرار نداشتند؟ فرعون ها

آنان را برده خویش ساخته بودند و همواره در بدترین شکنجه‌ها قرار داشتند. تلخی‌های روزگار را به آن‌ها چشانده و این همچنان باذلت و هلاکت و مقهوریت ادامه داشت؛ نه راهی داشتند که از این وضع سر باز زنند و نه طریقی برای دفاع از خود می‌یافتند؛ تا آن‌گاه که خداوند؛ جدیت و استقامت و صبر در برابر ناملازمات به خاطر محبتش و تحمل ناراحتی‌ها از خوف و خشیتش را در آن‌ها یافت؛ در این موقع از درون حلقه‌های تنگ بلا، راه نجاتی برایشان گشود و ذلت را به عزت و ترس را به امنیت تبدیل کرد؛ یعنی آن‌ها را حاکم؛ زمامدار و پیشوا گردانید. آن قدر کرامت و احترام از ناحیه خداوند به آنان رسید که حتی خیال آن‌ها در سر نمی‌پروراندند. بنگرید آن‌ها چگونه بودند؛ هنگامی که جمعیت‌هاشان متحد، خواسته‌ها متفق، قلب‌ها و اندیشه‌ها معتدل، دست‌ها پشتیان هم، شمشیرها یاری‌کننده یک‌دیگر، دیده‌ها نافذ و عزم‌ها و مقصود‌ها شان همه یکی بودند. آیا آن‌ها مالک و سرپرست اقطار زمین نگردیدند؟ آیا زمامدار و رئیس همه جهانیان نشدند؟

## محورهای وحدت در حوزه ادیان توحیدی، چیست؟

### پرسش

محورهای وحدت در حوزه ادیان توحیدی، چیست؟

### پاسخ

خدای سبحان در آیه «قل یا أهل الکتاب تعالوا...» آل عمران / ۶۴ سه محور اتحاد بین موحدان عالم را بیان کرده است

#### ۱ پرستش خدا

اولین محور اتحاد در حوزه پیروان ادیان توحیدی، توحید در عبادت (اتفاق بر پرستش خدای سبحان) است (أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ). بر پایه آیات قرآن کریم، همه پیامبران الهی، مأمور به توحید عبادی بودند و نیز انسانها را به توحید عبادی فراخوانده‌اند «وما أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» انبیاء / ۲۵ «... یا قوم اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِهِ...» اعراف / ۶۵ گرچه لسان «اعْبُدُوا اللَّهَ» در آیه دوم زبان حصر نیست، لیکن جمله (ما لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِهِ) بیان‌گر حصر عبادت، در خدای سبحان و مفسر گویای کلمه ((لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ)) است.

#### ۲ نفی شرک

دومین محور اتحاد در حوزه پیروان ادیان توحیدی، نفی شرک ذاتی است «وَلَا تُشْرِكْ بِهِ شَيْئًا». در قرآن کریم هر جا سخن از عبادت ناب و نفی شرک عملی است، میان این دو (عبادت و نفی شرک) «واو» عطف نیامده است؛ مانند «یَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» نور / ۵۵ زیرا عبادت ناب و خالص، با شرک عملی سازگار نیست.

از این رو، اگر گاهی بین عبادت و نفی شرک، «واو» عطف آمده است مانند آیه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا...» آل عمران / ۶۴ در این گونه موارد، مراد نفی شرک ذاتی است؛ زیرا ممکن است کسی در عبارت موحّد باشد، ولی در ذات مشرک؛ مانند

یهودیان که «عزیر» را پسر خدا می دانند یا مسیحیان که به حلول معتقدند.

بنابراین، برای آن که هر یک از شرک عملی و ذاتی، به طور مجزا به مخاطب تفهیم شود، یک بار مستقل و بار دیگر با «واو» عطف ذکر می شود، تا یکی درباره توحید عملی و دیگری برای نفی شرک ذاتی باشد.

### ۳ نفی سلطه بر یک دیگر

محور سوم در حوزه پیروان ادیان توحیدی، نفی سلطه است «وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» در بیان این محور، به دو نکته اشاره می کنیم

یک. افراد جامعه، اعضاء یک حقیقت و شریک و شبیه یک دیگرند و از نظر روابط اجتماعی، کسی را بر دیگری برتری نیست. پس، کسی نمی تواند اراده اش را بر دیگری تحمیل کند؛ مگر آن که معادل آن را از دیگران تحمّل کند.

دو. ربوبیت، از مختصات الهیت است و این دو، با یک دیگر هماهنگ و متلازمند. بنابراین، اولاً دلیل وجود ندارد که بعضی انسان ها که شریک و شبیه یک دیگرند، ربوبیت دیگران را به عهده بگیرند. ثانیاً ربوبیت از ویژگیهای الهیت است و تنها خداست که شایستگی ربوبیت انسان و جهان را داراست.

## قرآن چگونه به مسأله وحدت در حوزه پیروان ادیان توحیدی پرداخته است؟

### پرسش

قرآن چگونه به مسأله وحدت در حوزه پیروان ادیان توحیدی پرداخته است؟

### پاسخ

در این باره به دو آیه از قرآن کریم اشاره می کنیم و درباره آن دو مطالبی بیان می نمایم.

آیه ایمان به همه پیامبران و کتب آنان

«أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَنْفُرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ...» بقره / ۲۸۵  
[پیامبر (ص) بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است و مؤمنان، همگی به خدا و فرشتگان و کتاب معاد و فرستادگانش ایمان آورده اند [و گفتند] میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی گذاریم...]

آیه مزبور، همه موحدان عالم را به اتحاد دعوت می کند و ما باید در دو جبهه اتحاد تلاش و کوشش کنیم یکی اتحاد در داخله مسلمین، که بیش از یک میلیارد مسلمان به عنوان امت اسلام در صف واحد باشند و دیگر آن که پس از تحصیل وحدت اسلامی، باید پای را فراتر نهاد، برای تأمین وحدت موحدان عالم اقدام کنیم تا همه مسلمانان با همه کسانی که دارای کتاب آسمانی اند متحد شده، بتوانند بر ضد ملحدان جهان قیام کنند؛ زیرا الحاد و انکار ماورای طبیعت و حصر موجود، در ماده و انکار وحی و رسالت و قیامت و معاد و نبوت و معجزه و سایر معارف غیبی، پیامدهای تلخ و سوانح سنگین غیر قابل

تحمّل را به دنبال دارد. لذا، خدای سبحان گذشته از دعوت مسلمانان به اتحاد، موحدان عالم را هم دعوت به اتحاد می کند.

اکنون در دنیای پیشرفته از نظر علوم و صنایع بسیاری از مردم به ذلّت بت پرستی تن داده اند؛ بت پرستی مرامی نیست که

در شرایط کنونی بتواند باقی بماند اگر موحدان عالم، جبهه واحدی تشکیل دهند و از فرهنگ الهی و توحیدی طرفی ببندند، می توانند بت پرستان عالم را از فرومایگی رهایی بخشند؛ وگرنه بت پرستان را خطر الحاد تهدید می کند که قابل جبران نیست؛ گرچه الحادو بی دینی مورد قبول فطرت نیست و دوام نمی یابد و بت پرستان خود را بر ملحدان ترجیح می دهند.

اتحاد دینی موحدان، سهم به سزایی در رهایی جوامع بشری از ذلت به عزت دارد. لذا خدای سبحان هم به رسول اکرم (ص) دستور داد «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...» آل عمران / ۶۴ و هم به مسلمین آموخت که با همه موحدان عالم از راه جدال احسن مجادله کرده، بگویند خدای همه ما یکی است و به آنچه نازل کرده ایمان داریم؛ مگر گروهی که در کسوت اهل کتاب، اهل شرک و الحاد و نفاقند و امید به هدایت آنها نیست «وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»؛ عنکبوت / ۴۶ [خدای ما و شما یکی است و ما در برابر خدای یگانه و یکتا مسلم و متقادیم و شما نیز چنین باشید.] این مکتب می تواند تمامی موحدان عالم را، که اکثریت قاطع انسان های عصر حاضر را تشکیل می دهند و در برابر ملحدان اقلیتی بیش نیستند، در صف واحد قرار دهد.

آیه دعوت اهل کتاب به وحدت

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» آل عمران / ۶۴ [بگو ای اهل کتاب!

بیاید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است، پیروی کنیم و آن کلمه این است که جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم و برخی، برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. [پس، اگر آن ها از حق روی گردانند، بگوئید شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم. گرچه دین، نزد خدای سبحان یکی است «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ...» آل عمران / ۶۴ لیکن آنچه رایج است، ادیانی مانند یهودیت، مسیحیت و اسلام است که دارای اصول مشترک فراوانند که اگر همه موحدان عالم حول آن اصول مشترک گرد آیند، بسیاری از عقاید شرک آلود؛ مانند تثلیث، و ثنیت و رفتارهای ظالمانه اجتماعی رخت بر خواهد بست.

از این رو، قرآن کریم، نه تنها همه مسلمانان را به اتحاد حول محور جبل الله دعوت می کند «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا...» آل عمران / ۱۰۳ بلکه همه موحدان عالم را به اتحاد دعوت می کند؛ چنان که می فرماید «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» آل عمران / ۱۰۳

گفتنی است «کلمه» در آیه یاد شده، به معنای حقیقتی است که در قلب جای می گیرد و در عمل ظهور می کند و در محاوره ها نیز بیان می شود و از آن به «حرف» و «قول» نیز تعبیر شده است. بنابراین، «قول»، «حرف» و «کلمه» بر آن معانی و معارفی اطلاق می شود که هم در قلب ریشه دارد، هم در عمل ظهور می کند



و هم بر زبان جاری می شود.

همچنین خطاب با کلمه «یا اهل الکتاب» همانند خطاب با کلمه «یا اهل القرآن» به مسلمانان، زیباترین خطاب به یهودیان و مسیحیان است که جاذبه ای ویژه دارد.

### نظر قرآن در مورد وحدت میان همه جوامع بشری چیست؟

#### پرسش

نظر قرآن در مورد وحدت میان همه جوامع بشری چیست؟

#### پاسخ

این اتحاد، یک اتحاد و وحدت جهان شمول است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید کافران و مشرکانی که با شما کاری ندارند و به جامعه اسلامی ضرری نمی رسانند و توطئه ای بر ضد مسلمانان نکرده اند، گرچه دین و اعتقادشان مبعوض شماست، ولی خدای سبحان شما را نهی نمی کند که با آنان رابطه مسالمت آمیز و نیکی و عدالت داشته باشید؛ چون خداوند، عدالت گران را دوست دارد «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». ممتحنه/ ۸

همچنین قرآن در جای دیگر، صلح و سازش بین دولت اسلامی و دولت کفر را مطرح کرده، می فرماید چنانچه کافران به شما پیشنهاد صلح و سازش دادند، اظهار تمایل نشان بدهید «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا...» انفال/ ۶۱ لیکن این پذیرش صلح، در صورتی است که آنان به شما تهاجم و حمله ای نداشته باشند؛ زیرا اگر آنان حمله کرده، بعضی از شما را کشتند و اموالتان را به غارت بردند، وظیفه تان مبارزه است؛ نه صلح. هرگز وهن و سستی به خود راه ندهید و آنان را به سوی صلح و سازش فرا نخوانید؛ چون شما برترید و خدا با شماست و هرگز اعمال شما را بی نتیجه نمی گذارد؛ بلکه وقتی مبارزه کردید و شهید یا جان باز یا اسیر دادید، اعمالتان را به هدف می رساند و مشفوع نتیجه قرار میدهد.

### محور اتحاد انسانی چیست؟

#### پرسش

محور اتحاد انسانی چیست؟

#### پاسخ

انسان از آن جهت که به جامعه نیازمند است و بی هماهنگی بادیگران، خطوط اصیل سعادت او ترسیم نمی شود، باید باهموعان خویش متحد باشد و چون انسان، موجودی عینی و تکوینی است؛ نه ذهنی یا اعتباری و نیز سعادت او همسان با

هستی او، حقیقتی عینی است؛ نه امری ذهنی یا قراردادی، پیوند او با دیگران نیز باید بر محورهای عینی و تکوینی باشد؛ نه اعتباری همانند قراردادهای تجاری، صناعی و زراعی که تحت عناوین بیع، اجاره، صلح، مضارعه و مانند آن منعقد و با تغییر اوضاع فسخ می گردد و قرارداد جدیدی منعقد می شود.

پیوند و اتحاد انسان با هموعان خود، در عین آن که ربطی عینی و تکوینی است و نه قراردادی و ذهنی، باید سهمی از جاودانگی و ابدیت داشته باشد؛ به طوری که در هر زمان و زمینی و در هر عصر و مصر و نسلی قابل اجرا باشد و از دگرگونی های جغرافیایی و تاریخی محفوظ بماند. پیداست چیزی که در دسترس تطاول حوادث واقع نمی شود و با تحول زمان، عوض نمی گردد، جنبه جسمانی و مادی بشر نیست؛ زیرا جسم او از خاک و گل معین و در زمان و شرایط خاص واقع است و ناجار رنگ آن ها را به همراه دارد و با فرهنگ نشأت گرفته از خواص مادی قرین خواهد بود.

ویژگی مزبور، منشأ اختلاف قومی، نژادی و زبانی، و مبدأ تفاوت در سنن، آداب، رسوم و نظایر آن هاست که در عین سودمندی، اصالت ندارد و در ساختار گوهر جاوید آدمی سهم مؤثری نخواهد داشت؛ زیرا از هر سرزمین و در میان هر نژاد و قوم و

از میان مردم هر عصر و مصر، فرد صالح یا طالح پرورش می یابد.

از این رو، خدای سبحان به این گونه امور که جنبه مادی دارد و مایه کثرت است، اصالت نمی بخشد؛ یعنی هم تعدد ناشی از آن ها را امضا می کند و هم به عدم تأثیر آن ها در تکامل اصیل انسان اشاره می کند «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إنَّ أکرمکم عندالله أتقیکم...» حجرات / ۱۳

بر اساس این آیه، تعدد نژاد در شناسایی یک دیگر، به اندازه شناسنامه طبیعی اثر دارد؛ و گرنه در نظام ارزشی اسلام، هیچ مؤثر نیست. هرچند همین کثرت مادی، به نوبه خود، می تواند همانند سایر اختلاف ها و تعددها نشانه قدرت خداوند سبحان باشد، لیکن امتیاز ارزشی به همراه ندارد «و من آیاته خلقت السموات والأرض و اختلاف السنتکم و ألوانکم إن فی ذلک لآیات للعالمین». روم / ۲۲

بنابراین، مصوبات سازمان ملل بر فرض سداد و صلاح آن و نیز آئین نامه های نژادی و قومی و ملی، تنها اموری قراردادی است که توان تأمین سعادت تکوینی جوامع بشری را ندارد؛ زیرا حقیقت تکوینی انسان، برتر از قرارداد اعتباری است، و ابدیت او والاتر از امور مادی ناپایدار.

فطرت توحیدی، سرمایه وحدت جهانی

خدای سبحان سرمایه سعادت همه جانبه و وحدت گسترده با همه جوامع بشری را به عنوان اصلی «ثابت»، «همسان»، «همگانی» و «همیشگی» در نهاد انسان گذارده است؛ به طوری که هیچ فرد در هیچ عصر و مصر و نسلی فاقد آن نیست. این دست مایه تکامل تکوینی، همان زبان فطرت توحیدی است که بدون نیاز به هرگونه اعتبار و قرار داد و تصویب، توان پیوند انسانها را

دارد «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»  
روم / ۳۰

راز عدم تبدیل فطرت توحیدی انسان این است که نه خداوند آن را تغییر می دهد چون وی را به «احسن تقویم» ساخت و هیچ نقص و عیبی در نهان توحیدی او نیست تا تبدیل شود و نه هیچ کس جز خداوند، توان تأثیر در نظام آفرینش انسان را دارد. از این رو، به عنوان نفی محض فرمود «لا تبدل لخلق الله».

تنها محور وحدت انسان ها و اتحاد جوامع بشری، فطرت توحیدی آنان است که امری عینی و تکوینی و نیز جاودانه و پایدار است؛ زیرا فطرت؛ نه از خصوصیت اقلیمی نشأت گرفته است تا با تغییر آن دگرگون گردد و نه در زمانه مخصوص محصور است تا با گذشت آن سپری شود و نه در معرض حوادث دیگر واقع می شود تا با تحول رخدادها فرسوده گردد؛ بلکه هم چنان مشرف بر هر زمین و محیط بر هر زمان و حاکم بر هر سنت و رسم قومی و نژادی و مانند آن است؛ زیرا روح انسان، مجرد است و فطرت توحیدی که با هستی او عجین شده، منزّه از ماده و مبرّای از قوانین حاکم بر طبیعت تاریخ است.

از این رو، نه در محدوده «نفی و دفع» پیرو قواعد و مبانی مادی است و نه در اثبات و جذب تابع آن هاست، زیرا اولاً روح ملکوتی و مجرد، سنخیت با ماده ندارد و ثانیاً کامل تر از آن است و به این دو جهت، از قلمرو تأثیر مستقیم و اصیل ماده دور است. از این رو، خدای

سبحان فرمود فقط خداوند است که دل های آنان را همسو و هماهنگ قرار داد و تو ای پیامبر! اگر همه منابع مادی زمین و هر آنچه را که در آن است، هزینه می کردی تا دل های آن ها را پیوند دهی، توان آن را نداشتی؛ لیکن خدای سبحان آنان را متحد و قلوب آن ها را تألیف کرد «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». (سوره انفال، آیه ۶۳) در این پیوند قلوب و آلفت دل ها، دو نام از اسمای حسنی خداوند یعنی عزیز و حکیم سهم به سزایی دارد. از این رو، دل های عزیزان و حکیمان باهم متحد است.

حاصل آن که «وحدت جهانی»، بدون پیوند تکوینی و همگانی میسر نخواهد بود و هرگونه پیوندی که با سرشت توحیدی انسان ها مطابق نباشد، اعتباری و زوال پذیر است.

## قرآن، چگونه به مسأله اختلاف مقدس و نامقدس پرداخته است؟ پرسش

### اشاره

قرآن، چگونه به مسأله اختلاف مقدس و نامقدس پرداخته است؟

### پاسخ

در فرهنگ قرآن، اختلاف، گاهی ممدوح و مقدس است که از آن به «اختلاف قبل از علم» تعبیر می شود و گاهی اختلاف مذموم و نامقدس است که از آن به «اختلاف بعد از علم» یاد می شود.

### اختلاف مقدس

اختلافی که برای ظهور حق و واقعیت، در بین افراد گوناگون پدید می آید، اختلاف مقدس است؛ مانند اختلاف صاحب نظران برای روشن شدن حق. این افراد به بحث و گفت و گو می نشینند و تبادل نظر می کنند تا در سایه آن، حقیقت آشکار شود.

این اختلاف، چون زمینهرشدو کمال را فراهم می سازد و انسان ها را به قله اتحاد و هماهنگی می رساند، ممدوح و مقدس است.

اختلاف قبل از علم، انسان را محقق بار می آورد؛ چون تا چیزی برای او معلوم نشده است، نباید آن را بپذیرد. روح تحقیق و پژوهش، مایه ترقی انسان هاست؛ زیرا اگر بین آنان اختلاف نظر و تضارب آراء نبود، بلکه از اندیشه یکسان بهره مند بودند، علم و صنعت هرگز پیشرفت نمی کرد و زمینه حل مسائل پیچیده فراهم نمی شد.

این اختلاف، هیچ گونه منافاتی با «امت بودن» و «وحدت هدف» ندارد؛ چون هر دو طرف اختلاف، مقصد و هدف واحدی را که همان ظهور حق و واقع است، دنبال می کنند؛ همانند دو کفه مختلف ترازو که هدف واحدی را دنبال می کنند؛ در اثر عدم تطابق کفه وزن با کفه کالا و سبک بودن یکی و سنگینی دیگری اختلاف پدید می آید. اگر کفه وزن سنگین تر باشد،

با اعتراض می گوید باید مقداری بر کالا بیفزایی و آن را معادل من قرار دهی تا با هم حرکت

کنیم و اگر کفه کالا- و موزون سنگین تر باشد، او نیز اعتراض می کند که چرا وزن، معادل من نیست. دو کفه ترازو باید هماهنگ و همپای هم حرکت کنند تا اختلاف پایان یابد. بنابراین، نزاع و اختلاف دو کفه ترازو برای رسیدن به مقصد و هدف واحد، یعنی همان برقراری قسط و عدل است.

### اختلاف نامقدس

این اختلاف، پس از ظهور حق و واقع است و بر اثر ظلم و هوای نفس پدید می آید. دو صاحب نظر، اگر پس از تبادل نظر و روشن شدن حق برای آنان، خواه به وسیله عقل یا وحی، پیروی شیطان و هوای نفس کرده، در برابر حق ایستادند و اختلاف کردند، اختلافشان مذموم و برای از بین بردن حق و احقاق باطل است؛ نظیر آن که کسی بخواهد پس از هماهنگی دو کفه ترازو با «تطفیف» و کم فروشی، نیرنگ بزند و بین دو کفه اختلاف ایجاد کند.

خدای سبحان مسلمانان را از این اختلاف مذموم نهی کرده، می فرماید شما مانند آنان نباشید که پس از روشن شدن حق، در دین و متن کتاب اختلاف کردند «ولا تكونوا كاللذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات...» آل عمران / ۱۰۵

### قرآن و اختلاف مقدس و نامقدس

قرآن کریم در آیه «كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين وأنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه وما اختلف فيه إلا الذين أوتوه من بعدما جاءتهم البينات بغيا بينهم...» بقره / ۲۱۳ اختلاف ممدوح را تلویحاً و اختلاف مذموم را تصریحاً ذکر کرده است.

خدای سبحان در آغاز این آیه می فرماید مردم گروه واحدی بودند و زندگی ساده و بسیطی داشتند. سپس بر اثر پیشرفت علم

وصنعت، در تشخیص حق و باطل و تبیین مصالح و مفاسد، اختلاف کردند. این اختلاف تلویحی، چون پیش از آمدن انبیا و کتاب بوده، ممدوح است. سپس خدای سبحان پیامبران را مبعوث کرد و کتاب الاهی را به همراه آنان نازل کرد تا به اختلافات آنان پایان دهند «... فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا...». از این تعبیر استفاده می شود که وزان آیه چنین بوده است «كان الناس أُمَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ اخْتَلَفُوا فَبَعَثَ...»؛ چنان که قرینه داخلی و خارجی نیز این برداشت قرآنی را تأیید می کند.

شاهد داخلی جمله «لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا» است؛ چون اگر وحدت انسان های اولی محفوظ می ماند و در جهان بینی، ملکات نفسانی و امور فردی و اجتماعی اختلاف نمی کردند، اولاً آوردن این جمله لغو بود؛ چون اختلافی نداشتند. ثانیاً نیاز به نزول مجموعه قوانین به نام کتاب نبود. پس، باید اختلافی بین آنان باشد تا زمینه بعثت انبیا و نزول کتاب فراهم آمده باشد.

شاهد خارجی آیه «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» یونس / ۱۹ است که تصریح به اختلاف قبل از وحی دارد.

این اختلاف اول، ممدوح و مقدس است؛ مگر آن که به ظهور حق منتهی نشود که در آن صورت مذموم است.

آن گاه خدای سبحان به دنبال آیه، به اختلاف مذموم تصریح نموده، می فرماید مردم در برابر نزول وحی و ابلاغ آن توسیط پیامبران، دو دسته شدند؛ عدّه ای دستورات آنان را پذیرفتند و تسلیم حق شدند و گروهی از عالمان دین و حاملان وحی، با وجود آن همه بیّنات



و معجزات الاهی و ظهور حق، از روی بغی و حسد و سرکشی حق را نپذیرفتند و زمینه اختلاف در دین را فراهم کردند...»  
وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغِيًّا بَيْنَهُمْ...» بقره / ۲۱۳

شاید برخی برای توجیه «اختلاف نامقدس» بگویند این اختلاف نیز نوعی اختلاف نظر است و عالمان دینی، نظر شخصی خود را در برابر انبیا ارائه داده اند؛ لیکن این سخن نادرست است؛ زیرا اولاً پایه اختلاف مذموم را هوا و هوس و بغی و سرکشی تشکیل می دهد «بغياً بینهم» بقره / ۲۱۳. ثانیاً خدای سبحان برای حلّ اختلاف نظر راه هایی را نشان داده است که پیروی عالمان دینی از یک دیگر جایز است؛ مگر آن که به علم وجدانی ثابت شده باشد که طرف مقابل خطا رفته است و وجود علم وجدانی در مسایل فقهی، بسیار اندک است.

### محورهای اختلاف مقدس چیست؟ پرسش

#### اشاره

محورهای اختلاف مقدس چیست؟

#### پاسخ

اختلاف مقدس که پیش از نزول وحی رخ می دهد و انبیا برای رفع آن آمده اند، محورهای گوناگونی دارد که به آن ها اشاره می کنیم

الف اختلاف در باره آداب زندگی و وظایف فردی؛ مانند اختلاف در کیفیت و مقدار تغذیه و چگونگی خواب و استراحت. گرچه این اختلاف موجب هرج و مرج در جامعه نمی شود، لیکن باید معلوم شود که حق با کیست؟

ب اختلاف در زمینه مسایل اجتماعی و روابط عمومی؛ مانند اختلاف در قوانین تجاری و غیر تجاری. این اختلاف اگر حل نشود، موجب هرج و مرج در جامعه است.

### اختلاف نامقدس در دین و منشاء آن چیست؟ پرسش

#### اشاره

اختلاف نامقدس در دین و منشاء آن چیست؟

#### پاسخ

مردم در برابر دعوا و دعوت پیامبران الاهی دو گروهند گروهی که می پذیرند و برخی که انکار می کنند. آنان که نبوت انبیا و وحی الاهی را نپذیرفتند و آن را اسطوره یا افسانه پنداشتند، کافر نام دارند و از دایره بحث بیرونند؛ اما کسانی که نبوت انبیا را

پذیرفته، معجزه را نشانه صدق دعوی آنان دانستند، درباره دین و متن کتاب، دو دسته شدند گروهی که به وحی الاهی ایمان آوردند و به برکت دستورات حیات بخش انبیا (ع) مشمول هدایت پاداشی خداوند شدند و به اذن الاهی، حق و وحی را شناخته، در پرتو آن فهمیدند که چگونه در مسایل فردی و اجتماعی و کیفیت بهره برداری از مواهب طبیعی، در کمال صلح و آرامش زندگی کنند «... فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ...» بقره / ۲۱۳

ولی گروهی فرصت طلب نیز دین را وسیله دنیا قرار دادند و از روی بغی و سرکشی و سوء برداشت، در دین الاهی اختلاف کردند. این اختلاف چون اختلاف بعد از علم و نامقدس است راه علاج و درمانی جز عذاب الاهی به وسیله شمشیر یا آتش دوزخ ندارد.

منشأ اختلاف نامقدس در دین

اختلاف در دین، خطر بزرگی است که موجب پیدایی مذاهب گوناگون شده است. این اختلاف، ناشی از ابهام در دین خدا یاسخن انبیا نیست؛ چون دین و پیام انبیا، نه تنها بین و روشن است، بلکه «بینه» و «بینات» است و هیچ ابهامی در آن نیست «... مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ...» بقره / ۲۱۳ همچنین منشأ اختلاف در دین، جهل، نسیان یا غفلت اختلاف کنندگان نیست؛ چون این عناوین، قابل عفو

و اغماض است و موجب وعیدالاهی نیست.

تنها منشأ اختلاف در دین، ظلم، حسد و ریاست طلبی برخی از منسوبان به دین، مانند عالمان سوء است؛ چنان که قرآن می‌فرماید «... وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَ تَهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغِيًّا بَيْنَهُمْ...» بقره / ۲۱۳ از این آیه بر می‌آید که اختلاف در دین، ریشه فطری ندارد؛ بلکه مستند به بغی و تعدی از حدود و مقررات فطرت است؛ زیرا دین الاهی مطابق فطرت است و هرگز از ناحیه دستگاه آفرینش، تغییر و اختلافی در آن راه پیدا نمی‌کند «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ...» روم / ۳۰.

خدای سبحان در آیات دیگر نیز منشأ اختلاف در دین را بغی و سرکشی و خود محوری برخی از عالمان دینی دانسته است؛ مانند «... وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...» \* «وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَ هُمُ الْعِلْمُ بَغِيًّا بَيْنَهُمْ...» شوری / ۳ [هرگز در دین تفرقه و اختلاف مکنید... و مردم در دین، راه تفرقه و اختلاف نپیمودند؛ مگر پس از آن که علم و برهان از جانب حق بر آن‌ها آمده؛ آن هم به صرف حسادت و برتری جویی میان یک دیگر.]

### پی آمدهای تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟ پرسش

#### اشاره

پی آمدهای تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟

#### پاسخ

در این جا به سه موضوع اساسی اشاره می‌نمایم.

#### ۱ زوال قدرت و شوکت

قرآن کریم درباره تنازع میان مسلمانان و آثار شوم آن می‌فرماید با یک دیگر نزاع نکنید؛ چون تنازع موجب ضعف و سستی شما می‌شود و با آمدن «فشل» و ضعف، عزت و شکوهتان از بین می‌رود. بنابراین، گرچه حفظ وحدت و تفرقه شکنی کار بسیار دشواری است، لیکن شما این دشواری را تحمل کنید؛ چون خدا با صابران است و سرانجام در سایه صبر و استقامت، موفق خواهید شد «و أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» انفال/ ۴۶

نزاعی که پس از روشن شدن حق از باطل است و از هوای نفس سرچشمه می‌گیرد، عامل مهمی برای نابودی افراد و جامعه است؛ زیرا نزاع، جدای از آن که اختلاف است، اتحادی نیز در آن نهفته است.

سرّ تأثیر نزاع و ویران گری آن نیز همان اتفاق است؛ چون اختلاف کنندگان، خواه دو فرد یا دو گروه، نتیجه تلاششان دو چیز است از بین بردن قدرت طرف مقابل و هدر دادن توان خود برای مقابله با قدرت طرف مخالف.

بنابراین، اختلاف گران بر نابودی قدرت یک دیگر اتفاق دارند و همین امر، موجب زوال قدرت و شوکت جامعه خواهد شد.  
از این رو، قرآن کریم می فرماید «...لا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم...». انفال / ۴۶

## ۲ ذلت و بردگی

حضرت علی (ع) پس از جنگ با ناکثین و مارقین و قاسطین، تقریباً در اواخر عمر مبارک خود، مقاطع تاریخی را ترسیم می کند و هشدار میدهد و می فرماید مردم! من سه حلقه تاریخ پیامبر زادگان را برای شما

شرح بدهم تا شما خیال نکنید که خداوند، اهل سهل انگاری است و اگر این تجربه تلخ را یک بار چشیدید و به ذلت افتادید، بار دیگر تلخ کام نشوید.

حلقه اول تاریخ این سلسله، مرحله قیام خلیل حق، ابراهیم (ع) است که به برکت آن، فرزندان ایشان به عنوان انبیای ابراهیمی و امامزادگان و پیامبرزادگان و به تعبیر قرآن کریم، «ملوک» بر مردم شدند «... وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» مائده / ۲۰. در این مقطع، شما به برکت خلیل حق (ع) به اوج عظمت رسیدید و این، همان حلقه اول از تاریخ این سلسله است.

آن گاه در تبیین حلقه دوم از تاریخ این سلسله فرمود شما سرگذشت پیامبرزادگان و امامزادگانی چون فرزندان اسماعیل و اسحاق و یعقوب (اسرائیل) (ع) را شنیده اید «فَاعْتَبِرُوا بِحَالِ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ وَبَنِي إِسْحَاقَ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ (ع) فَمَا أَشَدَّ اعْتِدَالَ الْأَحْوَالِ وَاقْرَبَ اشْتِبَاءَ الْأَمْثَالِ» ( نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، بند ۹۳). آنان، انسان های شریف از تبار ابراهیم و پیامبرزاده و امامزاده بودند؛ ببینند چه روزگاری را گذراندند

«تَأَمَّلُوا أَمْرَهُمْ فِي حَالِ تَشْتَتِهِمْ وَتَفَرُّقِهِمْ لِيَالِي كَانَتْ الْأَكَاْسِرَهُ وَالْقِيَاصِرَهُ أَرْبَابًا لَهُمْ يَحْتَازُونَهُمْ عَنِ رَيْفِ الْأَفَاقِ وَبِحَرِّ الْعِرَاقِ وَخُضْرِهِ الدُّنْيَا إِلَى مَنَابِتِ الشَّيْحِ وَمَهَا فِي الرِّيحِ وَنَكْدِ الْمَعَاشِ فَتَرَكُوهُمْ عَالَةً مَسَاكِينَ إِخْوَانَ دَبْرٍ وَوَبْرٍ...» ( نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، بند ۹۳).

[آیا ندیدید تبه کاران، با امامزادگان و پیامبرزادگان چه کردند؟! از یک سو کسراهای ایران و از سوی دیگر قیصرهای روم، بر امامزادگان حکومت کردند و آنان را به بردگی و گدایی کشاندند.

کسراهای ایران و قیصرهای روم، نه تنها ربّ این امامزادگان بودند، بلکه

آنان را «حیازت» کردند؛ آنان را جزء موات می دانستند. آیا ندیدند که مناطق سرسبز و خرم را از تصرف آنان خارج کردند و سرزمین های خوش آب و هوا را از دست آنان گرفتند و آنان را به مناطق بد آب و هوا تبعید کرده، در آن جا اسکان دادند و معادن و منابع و ذخایر آنان را غارت نمودند؟ «وَنَكِدِ الْمَعَاشِ».

آیا به یاد ندارید که قلمرو سلطنت کسراهای ایران، منطقه نفوذ امامزادگان و پیامبرزادگان را زیر پوشش داشت و منطقه نفوذ سلطنت قیصره روم، آنان را در بر گرفت تا جایی که آنان گدایان ایران و روم شدند؟ آیا شما فکر می کردید که پیامبر زادگان، روزی «چارپادار» شوند؟!

این حکایت تاریخ است که نوادگان ابراهیم (ع)، نوادگان اسماعیل (ع) و نوادگان اسحاق (ع)، «اصحاب دَبَر و وَبَر» شدند و کسراها و قیصرها آنان را یک مُشت گدا کردند. مبادا فراموش کنید که چرا پیامبرزادگان ابراهیم (ع) به گدایی افتادند و اصحاب دَبَر و وَبَر شدند؛ آنچه مایه ذلّت این سلسله گشت، چیزی جز «ترک دین» و «دامن زدن به اختلاف» نبود.

بنابراین، برای این که به آن مقطع ذلّت بار باز نگردید، اولاً دین دار و دین باور باشید و ثانیاً هماهنگ و متحد. این، سرگذشت مقطع دوم از زندگی امامزادگان و پیامبرزادگان است؛ تا پیش از ظهور اسلام.

آن گاه در مقطع سوم از تاریخ این سلسله، به برکت حضرت رسول اکرم (ص) اسلام ظهور کرد و با ظهور خود، «توحید کلمه» و «کلمه توحید» را به ارمغان آورد و فکر آنان را احیا نمود؛ به آنان دین داد و آنان را از باز تشّت و تفرّق رهایی

بخشید و در نهایت، آزادی و آبادی را به ایشان اهدا کرد؛ چنان که در پرتو اسلام، همین چارپاداران به جایی رسیدند که فرمانروا شدند

«فَهُمْ حُكَّامٌ عَلَى الْعَالَمِينَ وَمُلُوكٌ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِينَ يَمْلِكُونَ الْأُمُورَ عَلَى مَنْ كَانَ يَمْلِكُهَا عَلَيْهِمْ وَيُضَوِّنُونَ الْأَحْكَامَ فِيمَنْ كَانَ يُمِضِيهَا فِيهِمْ لِاتُّعْمَزَ لَهُمْ قَنَاهُ وَلَا تُقْرَعُ لَهُمْ صَفَاهُ». (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، بند ۱۰۱)

در سایه همین اسلام که مجد فراموش شده را به آنان بازگرداند همه حاکمان، محکوم گشتند و این اصحاب دَبر و وَبر، بر قیصره روم و آکاسره ایران سلطه یافتند و غنایم جنگی شرق و غرب را به حجاز آورده، حُکام و ملوک شدند. این مقطع، مقطع سؤم از تاریخ این سلسله است.

امیر المؤمنین (ع) پس از تبیین حلقات سه گانه یاد شده و تحلیل ادوار تاریخی سلسله امامزادگان و پیامبر زادگان، شرایط اجتماعی عصر خود را تشریح می کند و چنین می فرماید ای کسانی که با من نساخید و از اطاعت من سرباز زدید! آیا می خواهید به آن مقطع ذلت بار که اکاسره و قیصره شما را حیات می کردند و اربابتان بودند برگردید یا به مقطع شکوه مندی که در تحت رهبری قرآن و عترت حرکت می کردید «أَلَا وَإِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ وَ تَلَمَّثْتُمْ حِصْنَ اللَّهِ الْمَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأَحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، بند ۱۰۳) [شما طناب اطاعت را از دست خود رها کردید و این قلعه مستحکم را سوراخ نمودید و مرا تنها گذاشتید.]

آن گاه فرمود «فَإِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ قَدْ امْتَنَ عَلَى جَمَاعِهِ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا وَيَأْوُونَ إِلَيْهَا كَيْفَ يَنْعَمُ لَيْعْرِفَ أَحَدٌ مِنْ

المخلوقين لها قيمه لأنّها أرجح من كلّ ثَمَنٍ وأجلّ من كلّ خطرٍ». (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، بند ۱۰۳) [خداوند سبحان منتی بر این مردم نهاد که آنان را در سایه «حبل الله» متحد کرد و نعمتی به آنان داد که احدی نمی تواند آن نعمت را حق شناسی کند؛ زیرا قیمت آن را نمی داند. این نعمت، از هر کالایی پر بهایی گران تر و از هر چیز ارزش مندی قیمتی تر و از هر امر خطیری خطرتر است و شما به این مقطع والا رسیدید.] اکنون اگر در نظام اسلامی از وحدت الاهی خود حراست نکنید و از عترت اطاعت ننمایید، همان مقطع اول دامنگیر شما خواهد شد.

### ۳ دشمنی و قضاوت ناحق

دشمنی های ناصحیح که از اختلاف های نامقدس سرچشمه می گیرد، در نظر دهی و قضاوت انسان تأثیر به سزایی دارد؛ تا آن جا که موجب کوری و کری در برابر حقایق و واقعیت ها می شود؛ چنان که دوستی ها گاهی این گونه است «حَبْكُ لِلشَّيْءِ يُعْمَى وَيَصْمُ» (بحار، ۷۴/۱۶۵). انسان اگر چیزی یا کسی را دوست داشته باشد، عیوب و نقاط ضعفش را نمی بیند و نمی شنود و نیز اگر واقعاً از چیزی یا کسی بدش بیاید و با او دشمنی داشته باشد، زیبایی ها و نقاط قوتش را نادیده و نشنیده می گیرد.

«اختلاف» از گناهانی است که حد و مرزی ندارد؛ لیکن شیطان روان کاوانه کار می کند که انسان به کارهای خود صبغه دینی بدهد و کارهای رقیب خود را کفر آلود بیند؛ با این وصف، هر روز دامنه اختلافات گسترده تر و عمق کینه و عداوت بیشتر خواهد شد.

### مبدأ فاعلی تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟

#### پرسش

مبدأ فاعلی تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟

#### پاسخ

خدای سبحان، پس از آن که مؤمنان را در حوزه ایمانی و اسلامی به انقیاد و اتحاد همگانی که همان راه انبیاست دعوت کرد، آنان را از پیروی گام های شیطان نهی فرمود؛ زیرا شیطان، دشمن آشکار است و قدم های او برای افراد زیان بار است «یا أَيُّهَا الْحَدِيثُ امْنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَأَنَّهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» بقره / ۲۰۸ از تقابل صدر و ذیل این آیه استفاده می شود که اختلاف و تفرقه، یکی از راه های شیطان است؛ زیرا از این که صدر آیه، مؤمنان را به اتحاد و انقیاد همگانی دعوت می کند و ذیل آیه، از پیروی راه های شیطان، نهی می کند، معلوم می شود که تفرقه، راه شیطان است؛ چنان که صلح و اتحاد، راه انبیاست.

بنابراین، فکر اختلاف در هر کسی پیدا شد، باید بداند که این فکر را شیطان آورده است؛ چون اولاً راه شیطان، در برابر صراط مستقیم و وحی و برهان است «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ...» انعام / ۱۵۳. ثانیاً فکر



و اندیشه، یک امر وجودی است و خود به خود پیدا نمی شود؛ بلکه سبب فاعلی می خواهد. ثالثاً ایجاد کننده اندیشه نمی تواند خود ذهن باشد؛ زیرا ذهن، قبول کننده اندیشه است؛ نه سازنده آن. پس، برای آن که بفهمیم آیا سبب فاعلی افکار تازه، از الهامات فرشتگان است «تَنْزَّلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ» فصلت / ۳۰ یا از القائنات شیاطین «... وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ...» انعام / ۱۲۱ باید از میزان وحی و عقل سالم بهره ببریم؛ یعنی هر آنچه در مقام نظر

و اندیشه یا در مقام عمل و انگیزه، مطابق با میزان الاهی عقل و وحی نبود، القا و وسوسه شیطان است.

قرآن کریم، بارها مؤمنان را از پیروی گامهای شیطان، در مسائل فردی و اجتماعی، نهی کرده است؛ چون دشمنی شیطان، آشکار است و کار دشمن جز ضرر و زیان زدن نیست «وَلَا تَتَّبِعُوا الْاَسْطِطَانَ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» بقره / ۲۰۸ و سیاست شیطان نیز گام به گام است. او آهسته و پیوسته می آید و وسوسه می کند تا گوهر تابناک ایمان مؤمن را بزدايد و او را بی آبرو نماید و در نهایت، او را کافر و گمراه کند «كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ اِذْ قَالَ لِلْاِنْسَانِ اٰكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ اِنِّىٓ بَرِيٌّ مِّنْكَ اِنِّىٓ اَخَافُ اللّٰهَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ» حشر / ۱۶

## راههای مبارزه با تفرقه و اختلاف نامقدس از نظر قرآن چیست؟

### پرسش

راههای مبارزه با تفرقه و اختلاف نامقدس از نظر قرآن چیست؟

### پاسخ

۱ اقامه برهان

قرآن کریم درباره تشریح اختلافات می فرماید علل اختلاف و این که گروهی خود را برتر از دیگران دانسته، سایرین را طرد می کنند به امور طبیعی یا به امور اعتباری یا به برداشت های علمی و فقهی برمی گردد. این ها گرچه مایه اختلاف هستند، ولی هیچ کدام ایجاد امتیاز و برتری نمی کنند.

امتیاز نبودن تفاوت های طبیعی

قرآن کریم درباره عوامل طبیعی اختلاف، مانند قومیت ها و نژادهای گوناگون و لهجه ها و زبان های مختلف، می فرماید این ها شناسنامه طبیعی شناخت افراد است و هرگز مایه افتخار نیست؛ چون تقوا مایه امتیاز و برتری افراد است و تقوا زمینه وحدت را ایجاد می کند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» حجرات / ۱۳.

در عصر جاهلیت، بسیاری از اختلاف ها و نزاع ها ناشی از تفاخر به نژاد و قبیله بود. از این رو، قرآن کریم و شخص رسول اکرم (ص) اهتمام زیادی به زدودن این سبب اختلاف داشتند.

پیامبر اکرم (ص) در مکه در خطبه ای به مردم فرمود ای مردم! خداوند از شما ننگ جاهلیت و تفاخر به پدران و نیکان را زدود. پس، مردم دو گروه بیش نیستند انسان نیکوکار و با تقوا و ارزش مند نزد خدا و انسان بدکار و شقاوت مند در پیشگاه حق. همه مردم، فرزند آدمند و خداوند آدم را از خاک آفرید؛ آن گاه آن حضرت، آیه شریفه پیش گفته را قرائت فرمود.

(تفسیر قرطبی، ۸/ ۳۰۹)

آن حضرت (ص) در همین زمینه می فرماید ای مردم!

بدانید خدای شما یکی است و پدرتان یکی؛ نه عرب بر عجم برتری دارد و نه عجم بر عرب و نه سیاه پوست بر گندمگون و نه گندمگون بر سیاه پوست مگر به تقوا.

آیا من دستور الاهی را ابلاغ کردم؟ همه گفتند آری. فرمود این سخن را حاضران به غایبان برسانند. (تفسیر قرطبی، ۸/۳۰۹)

هنچنین در حدیث دیگر چنین فرمود خداوند به وضع خانوادگی، نسب، اجسام و اموال شما نگاه نمی کند؛ ولی نگاه به دل های شما می کند؛ کسی که قلب صالحی دارد، خدابه او لطف و محبت می کند. شما همگی فرزندان آدمید و محبوب ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست (تفسیر قرطبی، ۸/۳۰۹)

بنابراین اسلام با عصبیت جاهلی اعم از نژاد و رنگ و قبیله و هرشکلی دیگر آن مبارزه کرد تا مسلمانان جهان را از هر نژاد و قوم و قبیله، زیر پرچم واحدی جمع آوری کند.

امتیاز نبودن علل اعتباری

قرآن کریم درباره عوامل اعتباری مانند مال و منال و مقام می فرماید این امور اعتباری را برای آزمایش به افراد می دهیم و هرگز مایه تفاخر و برتری افراد نخواهد بود.

پس هر فرد یا اُمّتی که بخواهد با این امور اعتباری، خود را برتر از دیگران ببیند و از برتری جویی لَدَّت ببرد، بدانند که لَدَّت کاذبی است؛ مانند لذتی که معتاد از موادّ مخدّر دارد و وقتی لَدَّت و برجستگی او کاذب شد، رنج و کوچکی وی صادق است؛ چون ممکن نیست که دو طرف نقیض، صادق یا کاذب باشد. او به خیال لَدَّت بردن، درحقیقت، درد را زیر پوشش لَدَّت تحمّل می کند.

بنابراین کسی که می داند امور طبیعی و اعتباری، دلیل افتخار و امتیاز نیست،

ولی به دنبال آن می رود، راه شیطان را می پیماید و شیطنت، با عقل سازگار نیست.

تعیین مرجع برای برداشت های علمی

قرآن کریم درباره برداشت های علمی و فقهی می فرماید گرچه اینها می توانند زمینه اختلاف را فراهم کند، لیکن اگر به کتاب و سنت مراجعه کنید، این اختلافات حل می شود «... فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ...» نساء/ ۵۹ (به شرط آن که رجوع به محضر قرآن و سنت، با پیش داوری و تحمیل فهم نادرست و منحرف خود به آن ها نباشد؛ بلکه خود و اختلافات را به قرآن و سنت عرضه کنند تا مشکلشان حل شود.

اگر با مراجعه به کتاب و سنت، اختلاف نظرهای علمی و فقهی حل نشد، نباید زمینه تفرقه را فراهم کند؛ چون این اختلاف نظرها آن قدر مقدس و محمود است که اولاً مایه کشف و پدیدار شدن نظریه صحیح و حقیقی است؛ چنان که امیر المؤمنین (ع) فرمود «إِضْرَبُوا بَعْضَ الرَّأْسِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ» (غررالحکم آمدی، ۲، ۲۶۶/۲) ثانیاً بزرگان فقهی، در بحث اجتهاد و تقلید، به این مطلب رسیده اند که اختلاف نظرها مانع اقتدای یکی از آنان به دیگری در نماز نمی باشد؛ گرچه اختلافشان در حد اجتهاد و فتوا باشد، مگر موردی که جزم و علم وجدانی به بطلان نماز او داشته باشد که این مورد بسیار نادر است؛ چون فتواها نوعاً استظهار از ادله است که یقین آور نیست. افزون بر آن، ممکن نیست کسی که با قلب پاک و اراده اصلاح به محکمه قرآن و سنت برود و اختلاف او حل نشود.

۲ موعظه حسنه

قرآن کریم، ریشه همه اختلافات عملی را هوای نفسانی و دوستی ها و دشمنی های نابه جا و

شیطانی می داند. از این رو، همراه ریشه یابی، تلاش فراوان دارد که انسان ها را از نظر اخلاقی به کمال نفس برساند تا از چاه شهوت و غضب بیرون آمده، به اوج و کمال حکمت و معرفت نایل آیند. خدای سبحان، درباره اوصاف بهشتیان می فرماید ما هرگونه کینه و دشمنی را از دل های آنان زدودیم «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ...» اعراف / ۴۳

مؤمنان صدر اسلام (مهاجر و انصار) نیز همین صفت وارسته و مقام بلند را در دعاهایشان از خدا مسألت می کردند «... يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا...» حشر / ۱۰ [خدایا! ما و برادران ایمانی مان را بیامرز و در دل های ما هیچ گونه کینه و عداوتی نسبت به آنان قرار مده.]

یعنی دیگران با مردن و دیدن برزخ و تحمّل مشکلات آن و پاک شدن به بهشت می روند و به این صفت وارسته می رسند که بینشان اختلافی و کینه ای نیست؛ لیکن مردان الاهی، این نعمت برزگ بهشتیان را در دنیا از خداوند طلب می کنند؛ چون زیبا ترین و لذت بخش ترین زندگی در پرتو وحدت و اتحاد، امکان پذیر است.

بنابراین، اگر جامعه، حکیم و عاقل باشند، همیشه در بهشت به سر می برند؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) حکمت را به بهشت تفسیر نمودند «أنا مدينة الحكمه وهي الجنة وأنت يا علي (ع) بابها...» (بحار، ۴۰، ۲۰۰/۲)؛ [من شهر حکمتم که بهشت است و تو ای علی، در آن شهر هستی.]

۳ جلوگیری از مغالطه و اشتباه

قرآن کریم همراه دستور به وحدت و اتحاد، هرگونه دستاویزی را از دست بهانه جویان می گیرد؛ چون شیطان از هر

راهی که بتواند جلوی اجرای احکام دین را می گیرد؛ گاهی در مسائل علمی و نظری مغالطه می کند و گاهی در مسائل عملی، انسان را به هوا و هوس می اندازد؛ در تحلیل مسائل علمی، القای شبهه در ذهن می کند و از این راه، ایجاد تفرقه می کند و در مسائل عملی با وسوسه و تحریک هواهای نفسانی، زمینه اختلاف را فراهم می کند. از این رو، خدای سبحان در این آیه فرمود «... وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» بقره / ۲۰۸ [از گام های شیطان پیروی نکنید؛ چون او دشمن آشکار شماست].

قرآن کریم، پس از تبیین ادله ضرورت اتحاد و بطلان اختلاف، می فرماید نباید دعوت به سِلم و اتحاد همگانی، بهانه و زمینه ای برای بی تفاوتی، به مدهانه کاری و تسامح و تساهل نابجا و ترک امر به معروف و نهی از منکر باشد چون امر به معروف و نهی از منکر جایگاه خود را دارد. معروف، همان چیزی است که عقل و قرآن و روایات آن را به رسمیت می شناسد. و منکر، امری است که برخلاف عقل و قرآن باشد.

امر به معروف و نهی از منکر و تلاش در جهت قلع ریشه های فساد و گناه، از بهترین زمینه های ایجاد وحدت و اُلفت در جامعه اسلامی است، زیرا فطرت انسان هماهنگ با معروف و مخالف با منکر است و تعامل بر طبق منکر، جز تفرقه به همراه ندارد.

از این رو خداوند از یک سو در این آیه می فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً...» بقره / ۲۰۸ [ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی به اطاعت خدا در آید و گام های شیطان را دنبال نکنید که او برای

و از سوی دیگر می فرماید باید اُمَّت و گروهی از شما، همیشه مردم را به سوی خیر و نیکی دعوت کند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» آل عمران / ۱۰۴ «گنتم خیر اُمَّه أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»؛ [شما بهترین اُمَّتی هستید که برای مردم پایدار شده اید؛ به کار پسندیده فرمان می دهید از کار ناپسند باز می دارید] (آل عمران / ۱۱۰).

بنابراین، اتحاد و برادری به معنای دست برداشتن از امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ بلکه اگر با داشتن «حجّت بالغه»، موعظه کردید و دین و معارف را به طرف مقابل رساندید و آن شخص، باز هم تعدی و تجاوز کرد، باید او را امر به معروف و نهی از منکر کنید تا آن جا که شخص با اِذْنِ وَلِيِّهِ الْمُسْلِمِينَ، می تواند به وسیله ضرب و قتل که آخرین مرحله نهی از منکر است جلوی فساد او را بگیرد و اگر پنهانی مرتکب آن شده، به وسیله حدّ و تعذیر، جلوی او را سدّ کند.

</body>

</html>

## اهمیت وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟

### پرسش

اهمیت وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟

### پاسخ

امیر مؤمنان (ع) وحدت را مَنّت بزرگ خدای سبحان بر مردم دانسته است؛ آن جا که فرمود

«فَإِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ قَدْ اِمْتَنَّ عَلَى جَمَاعِهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا وَيَأْوُونَ إِلَيْهَا كَنْفَهَا بِنِعْمِهِ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيمَةً لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ تَمَنٍّ وَأَجَلٌّ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ». (نهج البلاغه خطبه ۱۹۲)

[خداوند بر این اُمَّت، مَنّت گذارده و بین آنان الفت و اتحاد ایجاد کرده است که در سایه آن زندگی کنند و به کنف حمایت آن پناهنده شوند؛ این نعمتی است که احدی نمی تواند بهایی برایش بگذارد؛ زیرا از هر بهایی گران قدرتر و از هر چیز پرارزشی، با ارزش تر است.]

تعبیر مَنّتِ اِلهی از وحدت، بیان گر اهمیّت این موضوع است؛ زیرا به نعمت عظیم، مَنّت گفته می شود؛ چنان که خدای سبحان از بعثت پیامبر (ص) به عنوان مَنّت یاد کرده است «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ». آل



حضرت علی (ع) به همراهی با جماعت و کناره گیری از جدایی فرمان داده، می فرماید «أَلْزَمُوا الْجَمَاعَةَ وَاجْتَنِبُوا الْفِرْقَةَ». (شرح غرر الحک، ۲/ ۲۴۰) نیز می فرماید «وَإِيَّاكَ وَالْفِرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ»؛ [از جدایی دوری کن؛ زیرا نادر از مردم، از آن شیطان است.] (شرح غرر الحکم ۲/ ۳۰۵)

وحدت، آن قدر مهم است که حضرت علی (ع) با وجود مصایب سنگین، به شدت، حافظ اتحاد جامعه اسلامی بود. آن حضرت در نامه ای به ابو موسی اشعری می فرماید «وَلَيْسَ رَجُلٌ فَاعْلَمَ أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةِ أُمِّهِ مُحَمَّدٍ (ص) وَأُلْفَتِهَا

مِنِّي أبتغى بِذَلِكَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَكَرَمَ الْمَابِ» (نهج البلاغه، نامه ۷۸)؛ [یدان، هیچ کس نیست که نسبت به وحدت و اتحاد امت محمد (ص) از من حریص تر و اُنسش به آن از من بیشتر باشد. من در این کار، پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می طلبم].

صبر آن حضرت (ع) نیز برای حفظ وحدت بود؛ صبری که درباره اش فرمود «فَرَأَيْتَ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحَجَى فَصَبْرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَدَى وَفِي الْحَلْقِ شَجًّا» (نهج البلاغه، خطبه ۳)؛ [عاقبت دیدم که بردباری و صبر به عقل و خرد نزدیک تر است و شکیبایی ورزیدم، ولی به کسی می ماندم که خاشاک چشمش را پر کرده است و استخوان راه گلویش را گرفته است].

آن حضرت (ع) درباره دلیل سکوت خود فرمود

«وَأَيْمَ اللَّهِ لَوْلَا مَخَافَةُ الْفُرْقَةِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَ أَنْ يَعُودَ الْكُفْرَ وَ يَبُورَ الدِّينَ لَكُنَّا عَلَى غَيْرِ مَا كُنَّا لَهُمْ عَلَيْهِ». (بحار ۳۲/۶۱)

[به خدا سوگند! اگر بیم وقوع تفرقه میان مسلمین و بازگشت کفر و تباهی دین نبود رفتار ما با آنان به گونه ای دیگر بود.] (بحار ۳۲/۶۱)

حضرت علی (ع) پس از انتخاب عثمان برای خلافت مسلمانان فرمود

«لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي وَ وَاللَّهِ لَأُسَلِّمَنَّ مَا سَلَمْتُ أُمُورَ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً».

[شما می دانید که من از همه برای خلافت شایسته ترم. به خدا سوگند! مادامی که کار مسلمانان رو به راه نباشد و تنها بر من جفا شده باشد، مخالفتی نخواهم نکرد.]

این سخنان نشان می دهد که وحدت از اهمیت ویژه ای برخوردار است و حضرت علی (ع) از هیچ کوششی برای ایجاد و حفظ وحدت دریغ نورزید.

**از دیدگاه علی (ع) آیا هر اتحادی نیکو و مقدس است؟ پرسش**

**اشاره**

از دیدگاه علی (ع) آیا هر اتحادی نیکو

## پاسخ

اگر اتحاد و اجتماع بر مدار اجرای حق نباشد، برضاللت و گمراهی خواهد بود و چنین اتحادی نمی تواند مقدس و مطلوب باشد.

حضرت امیر المؤمنین (ع) درباره جامعه پیش از اسلام که جامعه ای مجتمع بر محور شرک و جاهلیت بوده است، می فرماید «وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ الرَّسُولِ اللَّهُ (ص) نَقْتُلُ آبَاؤَنَا وَأَبْنَاؤَنَا وَإِخْوَانَنَا وَأَعْمَامَنَا، مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا أَيْمَانًا وَتَسْلِيمًا... فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدَؤْنَا الْكِتَابَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ...». (نهج البلاغه، خطبه ۵۶)

[ما در رکاب رسول خدا (ص) بودیم و با پدران، فرزندان، برادران و عموهای خود جنگ می کردیم و این مبارزه، بر ایمان و تسلیم ما می افزود... پس، آن گاه که خدا راستی و اخلاص ما را دید، خواری و ذلت را بر دشمنان ما و پیروزی را بر ما نازل کرد.]

همچنین آن حضرت درباره اتحاد بر تفرقه که امری زیان بخش است و نیز پراکندگی و اختلاف بر محور اتحاد می فرماید

«...فَمَا جَمَعَ الْقَوْمَ عَلَى الْفُرْقَةِ وَافْتَرَقُوا عَلَى الْجَمَاعَةِ كَأَنَّهُمْ أُمَّةُ الْكِتَابِ وَ لَيْسَ الْكِتَابُ إِمَامَهُمْ فَلَمْ يَبْقَ عِنْدَهُمْ مِنْهُ إِلَّا إِسْمُهُ وَ لَا يَعْرِفُونَ إِلَّا حَطَّهُ وَزُبْرَهُ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷)

[مردم در آن روز بر تفرقه و پراکندگی اتحاد می کنند و در اتحاد و یگانگی، پراکندگی دارند؛ گویا این مردم، پیشوایان قرآنند و قرآن پیشوای آنان نیست. در این هنگام جز نامی از قرآن نزدشان باقی نماند و جز خطوط آن چیزی نشناسد...].

پس، هر اتحادی مطلوب نیست؛ بلکه باید محور و هدف اتحاد مورد دقت قرار گیرد و با توجه به آن، حق یا باطل بودن اتحاد و مرتبه آن تعیین گردد و به سخن دیگر، حسن اتحاد ذاتی نیست؛ بلکه اتحاد، اقتضای

حسن یا قبیح را دارد؛ اگر بر محور حق بود، نیکو است و همگان باید تلاش کنند آن را به وجود آورند و پس از ایجاد نیز در حفظ آن کوشا باشند و اگر اتحاد بر محور باطل بود، قبیح است و نبود کردن چنین اتحادی بر همگان لازم است. به دیگر سخن، می توان با توجه به محور و هدف اتحاد، آن را به احکام خمس و جوب، حرمت، استحباب، کراهت و مباح تقسیم کرد؛ اگر گروهی بر امر باطلی اتحاد کردند، چنین اجتماعی مقدس نیست؛ مانند اتحاد قریشیان بر ضد حضرت علی (ع) «فَأَنَّهُمْ قَدْ أَجْمَعُوا عَلٰی حَرْبِي كَأَجْمَاعِهِمْ عَلٰی حَرْبِ رَسُولِ اللَّهِ قَبْلِي». (نهج البلاغه، نامه ۳۶). و مانند اتحاد شامیان بر امر باطل خود که امیر مؤمنان (ع) درباره اش فرمود «وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأُظَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ سَيِّدَالِوَنٍ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلٰی بَاطِلِهِمْ» (نهج البلاغه خطبه ۲۵) و نیز مانند اتحاد مردم اوباش که حضرت علی (ع) درباره اش فرمود «هُمُ الدَّيْنِ إِذْ اجْتَمَعُوا غَلَبُوا وَإِذَا تَفَرَّقُوا لَمْ يَعْرِفُوا ... هُمُ الدَّيْنِ إِذَا اجْتَمَعُوا ضَرَّوْا وَإِذَا تَفَرَّقُوا نَفَعُوا» (نهج البلاغه حکمت ۱۹۹) که این گونه اتحادها را باید از بین برد.

## وحدت صحیح، چگونه حاصل می شود؟

### پرسش

وحدت صحیح، چگونه حاصل می شود؟

### پاسخ

انسان از یک عامل «کثرت» به نام طبیعت و یک عامل «وحدت» به نام روح ماورای طبیعی، تشکیل یافته است. حال اگر او جنبه طبیعی خود را فرجه کند، جز اختلاف و نزاع چیزی نمی یابد؛ ولی اگر جنبه ماورای طبیعی خویش را تزکیه کند، از گزند هر گونه درگیری مصون و به شهد مسالمت و صفا کامیاب می گردد.

خدای سبحان، آفرینش پیکر آدمی را به «تراب»، «طین»، «حمأ مسنون» و «صلصال» نسبت داد که از نشأه کثرت و همواره سبب نزاع است «وَاللَّهِ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ...» فاطر / ۱۱ «... إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ» ص / ۷۱ «... إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» حجر / ۲۸ و آفرینش روح انسانی را به خود نسبت داد که عین وحدت و همواره سبب اتحاد و رآفت و مایه التیام و محبت است «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي...» حجر / ۲۹ «ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِي...» سجده / ۹

سر کثرت طبیعت و ماده را باید در ضیق هستی آن جست جو کرد؛ زیرا هر موجود مادی، شرایط خاصی دارد که نه در دیگری است و نه پذیرای غیر خود.

راز وحدت ماورای طبیعت را نیز باید در سعه وجودی آن یافت؛ زیرا هر موجود مجرد، نه در حضور دیگری محجوب است و نه از شهود غیر خود، محروم. از این رو، نه بهشتیان، کینه و نزاع دارند «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ» اعراف / ۴۳ و نه در دل های مردان با ایمان که با ماورای طبیعت ارتباط دارند و به دستوره های وحی آسمانی عمل می کنند، نسبت به یک

دیگر عداوت و بغض است «... رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» حشر / ۱۰.

## چرا دین, محور وحدت است؟

### پرسش

چرا دین, محور وحدت است؟

### پاسخ

دین الاهی, محور وحدت مسلمانان جهان است؛ چنان که علی (ع) هنگام نکوهش کوفیان که در برابر عامل معاویه یعنی نعمان بن بشیر بی تفاوت بودند فرمود «... لا أَبَا لَكُمْ! مَا تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ رَبِّكُمْ؟ أَمَا دِينَ يَجْمَعُكُمْ وَلَا حَمِيَّةَ تُحْمِشُكُمْ...» [ای بی اصل ها! در یاری پروردگارتان منتظر چه چیزی هستید؟ آیا دینی ندارید که شما را گرد آورد؟ یا غیرتی که شما را به خشم آورد؟] (نهج البلاغه, خطبه ۳۹)

امیر مؤمنان (ع) در این خطبه, به وحدت آفرینی دین تصریح می کند؛ لیکن چون دین, در قرآن و سنت پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) متبلور می شود, باید این سه محور را بررسی نماییم.

محوریت رسول اکرم (ص)

امیر مؤمنان (ع) در باره وجود پیامبر اسلام (ص) می فرماید

به برکت وجودش خداوند کینه ها را دفن کرد و آتش دشمنی ها را با او خاموش ساخت و به واسطه وجود او در میان دل ها اُلفت افکند «دَفَنَ اللَّهُ بِهِ الضُّعَائِنَ وَ أَطْفَأَ بِهِ النَّوَّارَ, اَلْفَ بِهِ إِخْوَانًا...». (نهج البلاغه, خطبه ۹۶)

انسان سالکِ اِلی الله, همواره نیازمند اُسوه و الگوست تا عقاید و اخلاق و رفتار خود را بر عقیده و خلق و کردار او منطبق کند و چون رسول اکرم (ص) از لحاظ علمی و عملی سرآمد همه راهیان به سوی حق است, اُسوه همگان قرار می گیرد و قلمرو اُسوه بودن او همسان منطقه رسالت او, جهانی خواهد بود.

خدای سبحان حضرت رسول (ص) را ابتدا به آداب خاص متأدب ساخت, سپس او را اُسوه دیگران قرار داد و تمام جوامع بشری را به اقتدای به وحی امر کرد. همه اوامر علمی

و عملی آن حضرت خواه در معراج و خواه در غیر معراج و خواه به صورت وحی قرآنی و خواه به صورت الهام و حدیث قدسی، به عنوان تعلیم کتاب و حکمت و تأدیبه به آداب الاهی است. رسول اکرم نیز در قبول آن مواهب غیبی، قابلیت تمام داشت و همه فیض‌هایی را که از مبدأ «تام الفاعلیه» تنزل یافت، دریافت کرد؛ مانند «خَذَ الْعَفْوَ وَأَمَرَ بِالْعُرْفِ وَأَعْرَضَ عَنِ الْجَاهِلِينَ» اعراف / ۱۹۹ «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَهُ لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا». اِسْرَاءُ / ۷۹

همچنین آیاتی که کمال‌های علمی و عملی را در بردارند؛ مانند «شرح صدر»، «تلقى قرآن از نزد خداوند به عنوان أم الكتاب»، «استقامت در برابر هر سانحه سنگین و رویداد دردناک»، «هجرت و جهاد»، «اجتهاد»، «قیام به قسط و عدل و انصاف و...»، همگی نشانه کمال انسانی حضرت رسول اکرم (ص) است.

آن گاه خدای سبحان به تخلق آن حضرت به خُلق عظیم الاهی اشاره کرد و فرمود «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (سوره قلم، آیه ۴) گرچه این آیه، قبل از بسیاری از آیات دیگر که شارح اخلاق برجسته آن حضرت است، نازل شده است؛ ولی سیر طولی بحث و نظم صناعی آن، همین است که قبلاً اصل اتصاف به کمال حاصل شود، سپس تصدیق به خلق عظیم محقق گردد.

چون رسول اکرم (ص) دارای خلق عظیم است، سنت و سیرت و همه شوؤن زندگی آن حضرت (ص) اُسوه همه سالکان است؛ مگر آن که دلیلی بر اختصاص در مورد وصف یا فعل معین اقام گردد «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسُوهٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ

ذَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا» احزاب / ۲۱ «... و ما اتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا و اتقوا الله إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» حشر / ۷

سرّ آن که باید همه اوامر و نواهی آن حضرت را امتثال کرد، این است که طبق آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» اعراف / ۱۵۷ همه رهنمودهای آنحضرت، بر اساس مصالح و حکمت های الهی است که ضامن کمال همه انسان ها در همه ابعاد و جهات علمی و عملی خواهد بود.

قرآن کریم به صراحت از پیامبر (ص) به عنوان محور و حداث و رفع اختلاف امت یاد کرده است «... فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ...» نساء / ۵۹

هچنین امیر مؤمنان (ع) درباره محوریت پیامبر اسلام (ص) می فرماید «من تقدّمها مرق و من تخلف عنها زهق و من لزّمها لحق»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰) [هر کسی که از آن پیشی گیرد، از دین خارج شود و آن کسی که از آن عقب بماند، هلاک گردد و هر کسی که از آن جدا نشود، به او رسد].

محوریت قرآن و عترت (حبل الله)

سیر تکاملی انسان به سوی خداوند، سیر صعودی است. از این رو، قرآن کریم می فرماید که به حبل و ریسمان الهی چنگ بزنید «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا...»؛ آل عمران / ۱۰۳. چنان که کوه نوردان برای صعود بر صخره های بلند، نیازمند طناب و دستگیره اند تا سقوط نکنند.

قرآن کریم در آیه

دیگر، اعتصام به الله را مطرح کرده، می فرماید «...وَمَنْ يَعْتَصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ (سوره آل عمران، آیه ۱۰۱) [هرکس به خداوند اعتصام کند، قطعاً به صراط مستقیم هدایت شده است.]

حبل الله، همان دین خداست که مشتمل بر عقاید، اخلاق و احکام است و اعتصام به حبل الله، اعتصام به الله است. دین، حقیقت واحدی است که در قرآن و عترت ظهور کرده است و قرآن و عترت، بیان تفصیلی رسول اکرم (ص) هستند. پس، برای نجات خود، راهی جز تمسک به قرآن نداریم و چون حقیقت قرآن در عقاید، اخلاق و اعمال عترت پاک رسول الله (ع) ظهور کرده است، عترت نیز حبل خدایند؛ چنان که در ادعیه، اهل بیت (ع) را با عبارت «حبل الله المتین» و «العروه الوثقی» (مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین (ع)) می خوانیم و آنان نیز قرآن را با این وصف معرفی می کنند؛ نظیر این که امیرمؤمنان (ع) می فرماید «عَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ...»؛ (نهج البلاغه، ۸۵۶، بند ۷) [بر شما باد عمل به قرآن زیرا آن ریسمان محکم الاهی است...].

### آیا قرآن برای وحدت مسلمانان، کافی است یا عترت هم، عامل لازم وحدت است؟ پرسش

#### اشاره

آیا قرآن برای وحدت مسلمانان، کافی است یا عترت هم، عامل لازم وحدت است؟

#### پاسخ

قرآن و عترت، دو حبل مجزا و مستقل و متکثر نیستند؛ زیرا در آن صورت، باید از همدیگر قابل تفکیک باشند؛ حال آن که رسول اکرم (ص) در حدیث ثقلین فرمودند این ها هرگز از یک دیگر جدا نخواهند شد «لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ» (بحار ۲۳، ۱۵۴).

از این رو، نباید گفت که قرآن کافی است؛ چنان که برخی گفتند «حسبنا کتاب الله» و همچنان نمی توان گفت «حسبنا العتره» و نمی توان با اخذ یکی و ترک دیگری، اهل نجات بود.

قرآن بدون امام معصوم، نه تنها مایه اتحاد نیست، بلکه موجب اختلاف است؛ زیرا دل های مریض با عرضه افکار خود بر آن، مذهب سازی و فرقه سازی می کنند؛ چنان که قرآن می فرماید «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرٌ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ...» آل عمران / ۷

برخی نیز به قراءت آن اکتفا می کنند و مفاهیم و اصول و رهنمودهای آن را نادیده می گیرند. از این رو، به تشتت و اختلاف گرفتار می شوند؛ چنان که حضرت امیر (ع) می فرماید «فَاجْتَمِعِ الْقَوْمَ عَلَى الْفُرْقَةِ وَأَفْتَرِقُوا عَلَى الْجَمَاعَةِ كَأَنَّهُمْ أُمَّةُ الْكِتَابِ وَلَيْسَ الْكِتَابُ إِمامَهُمْ فَلَمْ يَبْقَ عِنْدَهُمْ مِنْهُ إِلَّا إِسْمُهُ وَلَا يَعْرِفُونَ إِلَّا خَطَّهُ وَزِبْرَهُ». (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷)

امام علی بن الحسین (ع) فرمود معصوم کسی است که به حبل الاهی اعتصام می کند و حبل الله همان قرآن است. معصوم و



قرآن, تا روز قیامت, از یک دیگر جدا نخواهند شد و امام به قرآن هدایت

می کند و قرآن به امام و این است معنای سخن خدای تبارک و تعالی که فرمود «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» اسراء / ۹.

«... فقال (ع) هُوَ مُعْتَصِمٌ بِحَبْلِ اللَّهِ وَ حَبْلِ اللَّهِ هُوَ الْقُرْآنُ لَا يَفْتَرِقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْإِمَامُ يَهْدِي إِلَى الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ يَهْدِي إِلَى الْإِمَامِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ». (نورالثقلین, ۱/۳۷۷)

امام باقر (ع) درباره آیه «... وَلَا تَفَرَّقُوا» فرمود «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَّمَ أَنَّهُمْ سَيَفْتَرِقُونَ بَعْدَ نَبِيِّهِمْ وَ يَخْتَلِفُونَ فَهَاهُمْ عَنِ التَّفَرُّقِ كَمَا نَهَى مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ فَأَمْرُهُمْ أَنْ يَجْتَمِعُوا عَلَى وِلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) وَلَا يَتَفَرَّقُوا»؛ [خداوند می دانست که مردم پس از رحلت رسول اکرم (ص) متفرق خواهند شد. پس، آنان را همانند امت های پیشین از تفرقه نهی فرمود و به آنان امر کرد که بر ولایت آل محمد (ص) اجتماع کنند و متفرق نشوند. (نورالثقلین, ۱/۳۷۸) بنابراین، امام همان قطبی است که آسیاب جامعه بی آن راکد است و جامعه راکد، گرفتار تشنگی و سیر قهقراپی خواهد بود.

گفته شد که عترت پیامبر (ص)، مصداق حبل الله هستند. اکنون به روایاتی در این زمینه اشاره می کنیم

۱ امام کاظم (ع) در پاسخ به پرسشی درباره آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» آل عمران / ۱۰۳ فرمود «عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ». (نورالثقلین, ۱ / ۳۷۷)

۲ امام باقر (ع) فرمود «ال محمد (ص) هم حبل الله الذي أمر بالاعتصام به فقال «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...»؛ [آل محمد (ص) همان حبل الله هستند که خداوند فرمان اعتصام به آنان را داده است. پس از آن فرمود «وَاعْتَصِمُوا...» (نورالثقلین, ۱ / ۳۷۷)

۳ حضرت امام صادق

(ع) درباره آیه «واعتصموا بحبل الله جميعاً» فرمود «نحن الحبل» (نورالثقلین ۱/۳۷۷)

## زمینه های پیدایی وحدت اسلامی کدامند؟ پرسش

### اشاره

زمینه های پیدایی وحدت اسلامی کدامند؟

### پاسخ

زمینه های پیدایی وحدت، عبارت است از

۱ دادن هدف مشترک.

۲ ارائه اصول و مبانی خط مشی مشترک .

۳ راهنمایی خط مشی مشترک.

۴ تعلیم فروغ جزئی زیر پوشش خط مشی کلی.

۵ پیروی از راهنمای واحد و رهبر مشترک.

عناوین کلی زمینه های پیدایی وحدت را می توان در سخن حضرت علی (ع) یافت؛ آن جا که فرمود

«تَرَدَ عَلَيَّ أَحَدُهُم الْقَضِيَةَ فِي حُكْمٍ مِنَ الْأَحْكَامِ فَيُحْكَمُ فِيهَا بِرَأْيِهِ ثُمَّ تَرَدَ تِلْكَ الْقَضِيَةَ بَعَيْنِهَا عَلَيَّ غَيْرَ فَيُحْكَمُ فِيهَا بِخِلَافِ قَوْلِهِ ثُمَّ يَجْتَمِعُ الْقَضَاءُ بِذَلِكَ عِنْدَ الْإِمَامِ الَّذِي اسْتَفْضَاهُمْ فَيُصَوِّبُ أَرَاءَهُمْ جَمِيعاً وَإِلَهُمْ وَاحِدًا! وَبَيْنَهُمْ وَاحِدٌ وَأَفْأَمَرَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِالْإِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ! أَمْ نَهَاهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ!» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

[گاهی دعوایی مطرح می شود و قاضی به رأی خود حکم می کند. پس از آن، همین دعوا نزد قاضی دیگری عنوان می گردد، او بر خلاف قاضی اول نظر می دهد. سپس همه نزد پیشوایشان که آنها را نصب کرده می آیند و او رأی همه را تصدیق می کند! در صورتی که خدای آن ها یکی! و پیامبرشان یکی و کتابشان یکی است!]

سخن ان حضرت به خوبی نشان می دهد که هدف و اعتقادات مشترک «إلههم واحد» و رهبری واحد «نبیهم واحد» و برنامه و خط مشی مشترک «و کتابهم واحد»، وحدت آفرین است. بنابراین، مسلمانان باید از این عوامل وحدت زا به خوبی پاسداری کنند تا به وحدت جوامع اسلامی آسیبی وارد نشود؛ آن گونه که در زمان حضرت علی (ع) واقع شد.

آن حضرت در این باره می فرماید

«فَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَإِنَّ الْقَتْلَ لَيَدُورُ عَلَى الْآبَاءِ وَالْأَبْنَاءِ وَالْإِخْوَانَ وَالْقَرَابَاتِ فَمَا نَزَادَ عَلَيَّ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَشِدَّةٍ إِلَّا إِيمَانًا

و مُضِيًّا عَلَى الْحَقِّ وَ تَسْلِيمًا لِلْأَمْرِ وَ صَبْرًا عَلَى مُضَضِّ الْجِرَاحِ وَلَكِنَّا إِنَّمَا أَصْبَحْنَا نُقَاتِلُ إِخْوَانَنَا فِي الْإِسْلَامِ عَلَى مَا دَخَلَ فِيهِ مِنَ الزَّيْغِ وَ الْإِعْوَجَاجِ وَ الشُّبُهَةِ وَ التَّأْوِيلِ فَإِذَا طَمِعْنَا فِي خِصْلِهِ يَلُمُ اللَّهُ بِهَا شَعْتَنَا وَ نَتَدَانِي بِهَا إِلَى الْبَقِيَّةِ فِيمَا بَيْنَنَا رَغْبًا فِيهَا وَ أَمْسَكْنَا عَمَّا سِوَاهَا!.

یعنی [در زمان پیامبر (ص) ما با پیامبر بودیم و قتل و کشتار گرداگرد پدران، فرزندان، برادران، و خویشان دور می زد و با وارد شدن هر مصیبتی بر ایمان ما افزوده می شد و شکایا و مصمم بودیم؛ اما امروز با پیدایش زنگارها در دین و ظهور کثری ها و نفوذ شبهه ها در افکار و تفسیر و تأویل دروغین در دین، با برادران مسلمان خود به جنگ خونین کشانده شدیم. پس، هر گاه احساس کنیم چیزی باعث وحدت ماست و به وسیله آن به یکدیگر نزدیک می شویم و شکاف ها را پر و باقیمانده پیوندها را محکم می کنیم، به آن تمایل نشان می دهیم و آن را گرفته و دیگر راه جنگ را ترک می کنیم.]

امیر مؤمنان (ع) در جای دیگر نیز به وحدت آفرینی اعتقاد به نبوت و پیروی از رهبری الهی، اشاره کرده است «فَانظُرُوا إِلَى مَوَاقِعِ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طَاعَتَهُمْ وَ جَمَعَ عَلَى دَعْوَتِهِ أَلْفَتَهُمْ...»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، بند ۹۸) [حال به نعمت های بزرگی بنگرید که خداوند به هنگام بعثت پیامبر اسلام به آنان ارزانی داشت که اطاعت آنان را با آیین خود پیوند داد و با دعوتش آنها را متحد ساخت...].

نیز در جای دیگر می فرماید

«فَصَدَعَ بِمَا أُمِرَ بِهِ وَ بَلَّغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ فَلَمَّ اللَّهُ بِهِ الصَّدْعَ وَ رَتَقَ بِهِ

الْفَتْقِ وَأَلْفَ بِهِ الشِّمْلَ بَيْنَ ذَوِي الْأَرْحَامِ بَعْدَ الْعِيدَاوَةِ الْوَاغْرَةِ فِي الصَّيْدِ دُورَ وَالضَّغَائِنِ الْقَادِحَةِ فِي الْقُلُوبِ». (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۱)

[پیامبر برای انجام فرمان خدا قیام کرد و رسالت های پروردگارش را ابلاغ کرد و خداوند به وسیله او شکاف های اجتماعی را پر کرد و فاصله ها را پیوستگی بخشید و بین خویشاوندان یگانگی برقرار ساخت؛ پس از آن که آتش دشمنی در سینه ها و کینه های برافروخته در دل ها جایگزین شده بود.]

## نقش اجتماعی

**تاریخ جنگهای مذهبی فراوانی را بخاطر دارد و خونهای زیادی که در این راه ریخته شده بنابراین ادیان و مذاهب موجب تفرقه و نفاق میان افراد بشر شده اند؟**

### پرسش

تاریخ جنگهای مذهبی فراوانی را بخاطر دارد و خونهای زیادی که در این راه ریخته شده بنابراین ادیان و مذاهب موجب تفرقه و نفاق میان افراد بشر شده اند؟

### پاسخ

اولاً: اختلافات در حقیقت میان پیروان راستین و حقیقی مذاهب نبوده بلکه میان پیروان و مخالفان مذهب صورت گرفته ، و این نه به خاطر تعلیمات مذهبی آنها بوده بلکه بخاطر تحریف مذاهب و تعصبهای ناروا و آمیختن مذاهب آسمانی با خرافات صورت گرفته است ثانیاً : امروز مذهب یا لاقول تاثیر مذهب از قسمتی از جوامع بشری برچیده شده در حالی که جنگها به صورت وحشتناکتری گسترش یافته است و این افراد سرکش هستند که گناهکارند و آتش جنگها را به بهانه های گوناگون شعله ور می سازند ثالثاً : مذاهب آسمانی مخصوصاً اسلام بر اثر خاصیت ضد نژاد پر ... و ملیت پرستی سبب شدند که بسیاری از مرزهای نژادی و جغرافیایی و ... ای برچیده شود و به این ترتیب جنگها در پرتو مذهب از تاریخ زندگی بشر حذف شد . رابعاً : یکی از رسالتهای مذاهب آسمانی آزاد ساختن طبقات محروم و رنج دیده بوده است به همین دلیل جنگهایی در میان پیامبران و پیروان آنها با ستمگران و استعمار کنندگان همچون فرعونها و نمرودها درمی گرفته است و این جنگها که در حقیقت جهاد آزادی بخش انسانها محسوب می شدند نه تنها برای مذاهب عیب نبودند بلکه نقطه قوت آنها به حساب می آیند .

**معنای این سخن که انسان سازنده محیط خودش چیست؟**

### پرسش

معنای این سخن که انسان سازنده محیط خودش چیست؟

این جمله در برابر کسانی گفته می شود که می گویند انسان باید هم رنگ با جماعت شود و با رفتار و کردار آنان هماهنگی کند. انسان باید سازنده محیط خود باشد یعنی اینکه تحت تأثیر افکار و اعمال حاکم و بر محیط قرار نگیرد و با استواری اراده و تصمیم کاری کند که در دیگران اثر بگذارد؛ تحت تأثیر محیط قرار نگیرد، بلکه محیط را تحت تأثیر عقاید و فضایل اخلاقی و اعمال نیک خویش قرار دهد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۷۵

**چرا سکوت می کنیم یا سکوت می کنند قشر فعال جامعه به خاطر اینکه کارشان ریا نشود و خود را از صحنه کنار می گذارند؟**

پرسش

چرا سکوت می کنیم یا سکوت می کنند قشر فعال جامعه به خاطر اینکه کارشان ریا نشود و خود را از صحنه کنار می گذارند؟

پاسخ

یکی از مشکلاتی که جامعه اسلامی بدان مبتلی است متأسفانه همان نکته ای است که شما نوشته اید و حضرت امام خمینی (هم در نامه ای که به فرزند خود نوشته از چنین کاری او را پرهیز داده اند و می فرمایند: "آنچه گفتم بدان معنی نیست که خود را از خدمت به جامعه کنار بکشی و گوشه گیر و کل بر خلق الله باشی که این از صفات جاهلان متنسک است یا درویشان دکان دار، سیره انبیاء عظام ( و ائمه اطهار ) که سر آمد عارفان بالله و رستگاران از هر قید و بند و وابستگان به ساحت الهی در قیام به همه قوی علیه حکومت های طاغوتی و فرعون های زمان بوده و در اجراء عدالت در جهان رنجه برده و کوششها کرده اند به ما درس می دهد و اگر چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم راه گشایمان خواهد بود "من اصبح و لم یتهم بامور المسلمین فلیس بمسلم" (۱)

و اینکه علت چنین امری چیست؟ باید گفت گاه برداشت غلط از مبانی دینی و اینکه برخی فکر می کنند اگر گوشه گیری کنند نشان پیوستن انسان بخدا و عدم توجه به دنیا است و حال آنکه ملائکه انگیزه و قصد آدم است، و گاه راحت طلبی است. چون آدمی هر چه بدور از صحنه اجتماع باشد و دردها را ندیده و به درمان آن نپردازد راحت تر خواهد بود، این راحت طلبی هم چون آفتی بسیاری را دور نگه داشته و البته توجیهاتی هم برای خویش درست خواهند نمود.

(۱)

تفصیل فرمایشان امام ( را می توانید در کتاب ره عشق صفحه ۱۳ مطالعه فرمایید.

## چه کنیم تا محیط از ما تاثیر پذیر باشد نه ما از محیط

### پرسش

چه کنیم تا محیط از ما تاثیر پذیر باشد نه ما از محیط

### پاسخ

برای تاثیر گذاری در محیط، راه کارهای زیر توجه کنید و متناسب با روحیات خود و محیط پیرامون، عمل به آنها را در راس برنامه های خود قرار دهید:

۱. به گفتارها و کردارهای خود، یقین و اعتقاد داشته باشید و هیچ وقت از

روی اجبار و یا ظاهر سازی عمل نکنید؛

۲. به آنچه می گوئید، عامل باشید و قبل از بیان مطلب یا نصیحت و

سفارشی، خود به آن عمل کنید.

۳. خوش برخورد و عطف باشید و در برخوردهایتان هیچ وقت نقطه

ضعفی از خود بروز ندهید.

۴. دیگران را دوست داشته باشید و همواره به آنان احترام بگذارید.

۵. رفتار و برخوردهای پیامبر(ص)، امامان معصوم، اولیای الهی و عالمان

دین را الگو و اسوه خود قرار دهید (و لکم فی رسول الله اسوه حسنه).

۶. در کارهای خوب خود، هیچ وقت منت نگذارید و آن را برای خدا انجام

دهید.

۷. در محافل مذهبی (نمازهای جماعت، جلسات دعا، جشن های مذهبی،



کارهای خیر و... شرکت کرده و پیشقدم باشید.

۸. راستگویی، صداقت و درستکاری را در راس کارهای خود قرار دهید.

## علت بیکاری در ایران چیست ؟

### پرسش

علت بیکاری در ایران چیست ؟

### پاسخ

این مسأله علل مختلفی دارد و یک مسأله جهانی است. (۱) یکی از علل عمده این مسأله در سطح بین المللی رشد تکنولوژی و امکان تولید ماشینی است زیرا یک دستگاه واحد ممکن است جای صدها کارگر را بگیرد. (۲) عامل دیگر آن به ویژه در کشور ما کمبود سرمایه گذاری در کارهای تولیدی و اشتغال زا است. (۳) عامل دیگر فرهنگ کار در جامعه است. متأسفانه این مشکل از دوران پهلوی در ایران پدید آمد که بسیاری از افراد به ویژه عناصر تحصیل کرده در جستجوی مشاغل اداری و به اصطلاح (پشت میز نشینی) هستند و به هر کاری تن نمی دهند. این مسأله پس از انقلاب با گسترش کمی آموزش عالی شدیدتر می شود زیرا به طور طبیعی فارغ التحصیلان این مرحله آموزشی انتظارات شغلی خاص خود را دارند در حالی که جامعه توان پاسخ گویی به این نیاز را ندارد از این رو افراد ناچار می شوند به خاطر کاریابی هم سوابق علمی خود را نادیده بگیرند و به کارهای دیگری روی آورند.

## آیا مسئولان حکومتی در قبال اوقات تلف شده ء سربازان مسوول نیستند؟

### پرسش

آیا مسئولان حکومتی در قبال اوقات تلف شده ء سربازان مسوول نیستند؟

### پاسخ

اصل نظام وظیفه یکی از نیازهای جامعه است و بدون آن آمادگی دفاعی لازم از دست خواهد رفت. در تمام دنیا این اصل وجود دارد که پرسنل نظامی - اعم از کادر و وظیفه - مدت های مدید ممکن است معطل بمانند؛ اما وجود آنها نوعی آماده باش رزمی برای واکنش سریع در شرایط خطر اجتماعی است. بنابراین رسالت آنها همین حفظ آمادگی است و اگر کار عینی خاصی نیز در شرایط صلح نداشته باشند به معنای هدر دادن وقت نیست.

## توحید چه نقش اجتماعی دارد؟

### پرسش

توحید چه نقش اجتماعی دارد؟

## پاسخ

اعتقاد به وحدانیت خداوند عالی ترین نقش را در اجتماع دارد بدین لحاظ که یکی از ابعاد توحید یگانه دانستن خداوند از جهت عبادت است و همانگونه که باید تنها خدا را پرستید تنها باید از خدا اطاعت کرد و اگر از رهبران الهی مانند پیامبر و امام اطاعت می شود از این لحاظ است که اطاعت آنها به خداوند برمی گردد بر این اساس کسی که معتقد به یگانگی خدا است تنها از فرمان خداوند الهام می گیرد و زیر بار اطاعت و بندگی طاغوتها که به زور بر مردم فرمانروایی می کنند نمی رود.

## یک «مبلغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟

### پرسش

یک «مبلغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟

### پاسخ

اولین شرط برای یک نفر مبلغ شناسایی خود مکتب است، شناسایی ماهیت پیام است؛ یعنی کسی که می خواهد پیامی را به جامعه برساند باید خودش با ماهیت آن پیام آشنا باشد، باید فهمیده باشد که هدف این مکتب، اصول و پایه های این مکتب و راه این مکتب چیست و به کجا می رسد، اخلاق و اقتصاد و سیاست این مکتب چیست، معارف این مکتب، توحید و معاد این مکتب، احکام و مقررات این مکتب چیست. آخر مگر کسی می تواند پیامی را به مردم برساند بدون آنکه خودش آن پیام را شناخته و درک کرده باشد؟! این مثل این است که بگوییم یک نفر مرجع تقلید باشد اما فقه نخوانده باشد. چطور می شود کسی مرجع تقلید باشد و بخواهد بر اساس فقه فتوا بدهد و فقه نخوانده باشد؟! و یا مثل این است که یک نفر می خواهد طبیب باشد اما پزشکی نخوانده باشد. از اینجا معلوم می شود که برای یک نفر مبلغ تا چه اندازه وسعت اطلاعات علمی و شناخت اسلام، آنهم به صورت یک مکتب لازم است

دومین شرط برای کسی که حامل یک پیام است اولاً مهارت در به کار بردن وسایل تبلیغ و ثانیاً شناسایی آنهاست؛ یعنی باید بداند چه ابزاری را مورد استفاده قرار بدهد و چه ابزاری را مورد استفاده قرار ندهد و بلکه خودش از نظر ابزارهای طبیعی، چه ابزاری را داشته باشد و چه ابزاری را نداشته باشد. داستان بعثت موسی بن عمران به رسالت را حتماً شنیده اید. بعد از ده سال که دوباره

می خواهد به مصر برگردد، با همسرش حرکت می کند. شبی تاریک و بارانی است. زن حامله اش را درد زایمان می گیرد. هوا هم سرد است و باید زنش را گرم کند ولی وسیله گرم کردن هم ندارد. ناگهان در نقطه ای از آن بیابان نوری را می بیند (در وادی طور، وادی سینا). فکر می کند آتش است. می رود آنجا، معلوم می شود که آتش نیست؛ جریان، جریان دیگری است. در همان جا موسی بن عمران مبعوث می شود؛ ندا می رسد که از این به بعد رسول ما هستی یعنی مبلغ خدا هستی، پیام ما را باید به فرعون و فرعونیان برسانی. موسی می فهمد که یک مبلغ شرایطی دارد. پیغمبری خودش را کافی نمی داند، تقاضاهایی دارد: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» خدایا به من حوصله فراوان بده، شرح صدر بده آنچنان که عصبانی نشوم، ناراحت نشوم، به تنگ نیام، دریادلم کن که کار تبلیغ دریادلی می خواهد، «وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي» طه/۲۵ و ۲۶ این مأموریت سنگین را بر من آسان گردان (ببینید کار تبلیغ را ما چقدر کوچک می شماریم و موسی بن عمران چقدر بزرگ می شمارد). مؤید این مطلب مطلبی است راجع به پیغمبر اکرم. قرآن کریم به پیغمبر اکرم راجع به مأموریتش یعنی تبلیغ اسلام و هدایت مردم می فرماید: «أَنَا سَيُنَلِّقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» مزمل/۵ عن قریب یک بار سنگین به دوش تو خواهیم گذاشت. باری است که به دوش پیغمبر سنگینی می کند، به دوش پیغمبران سنگینی می کند! چه می گوئیم ما؟! موسی(ع) در ادامه تقاضاهای خود گفت: «وَأَحْلِلْ لِي لِسَانِي» خدایا گره را از زبان من

باز کن، به من بیانی رسا و گوارا بده، قدرت سخنوری و ناطقه بده، «یَفْقَهُوا قَوْلِي» طه/۲۷، ۲۸ به من قدرت تفهیم بده که آن حقیقتی را که به من وحی می کنی به مردم القاء کنم و مردم بفهمند، درک کنند؛ رابطه ای بین من و مردم برقرار کن که مردم مطلب را عینا آن طوری که تو می خواهی از من بگیرند نه اینکه من چیزی بگویم و آنها پیش خود چیز دیگری خیال کنند و من نتوانم آنچه را که دارم بیان کنم. قدرت و قوه بیان یک امر طبیعی است (البته مقداری از آن اکتسابی است) ولی امور طبیعی باید با تمرین و اکتساب تقویت بشوند، مثل کارهای ورزشی که شخص باید یک استعدادی داشته باشد و این استعداد در اثر تمرینهای ورزشی تکمیل می شود.

### انتظار از یک مجموعه فرهنگی در دانشگاه چیست ؟

#### پرسش

انتظار از یک مجموعه فرهنگی در دانشگاه چیست ؟

#### پاسخ

انتظار اساسی از آنها این است که : ۱- وضعیت فرهنگی و نقاط ضعف و قوت آن را به خوبی بازشناسند و همواره به ارتقای سطح بینش خود در جریان شناسی فرهنگی بپردازند؛ ۲- برای اصلاح نقصان های فرهنگی برنامه های خوب ، جذاب و متنوع داشته باشند؛ ۳- در فعالیت های فرهنگی بنا را بر همکاری و تفاهم ، نه رویا رویی و با یکدیگر بگذارند.

### وظیفه یک دانشجوی بسیجی جانباز، در این مقطع انقلاب چیست ؟

#### پرسش

وظیفه یک دانشجوی بسیجی جانباز، در این مقطع انقلاب چیست ؟

#### پاسخ

در این مقطع انقلاب هر دانشجوی متعهد و با ایمان با سه جهاد پیگیر و پردامنه روبه روست : ۱- جهاد علمی و تلاش پیوسته جهت شناخت هر چه بیشتر اسلام و معارف آن و محتویات دین در عرصه های مختلف و شناخت و درک درست مسایل سیاسی و اجتماعی . ۲- جهاد عملی در راستای تقویت بنیان معنوی و ایمانی خویش از طریق ارتباط پیوسته با خدا ، قرآن و پیشوایان دین . ۳- جهاد اجتماعی ؛ یعنی ، تلاش در جهت گستراندن نور معنویت در محیط دانشگاه و تقویت بخشیدن به آگاهی ، شعور و احساس دینی در دانشگاهیان .

### چگونه می توان در زندگی اجتماعی سلامت آمیز و راحت زندگی کرد؟

#### پرسش

چگونه می توان در زندگی اجتماعی مسالمت آمیز و راحت زندگی کرد؟

## پاسخ

انسان ها در زندگی اجتماعی از حقوق متقابلی نسبت به یکدیگر برخوردارند که در صورت آشنائی با آن حقوق و بکار بستن آن، روابط اجتماعی باموازنه انجام خواهد شد. پس وظیفه ما در مرحله نخست، آشنائی با این حقوق، و در مرحله بعد، به کار گرفتن آن می باشد. و اگر در جامعه تصادم و تزاومی هست، از کمبود در یکی از این مراحل است؛ یعنی یا حقوق و موازین را نمی شناسیم و یا آن ها را درست بکار نمی گیریم.

با رعایت موازین و حقوق اجتماعی، به طور قطع انسان ها زندگی راحتی را کنار هم خواهند داشت، اما از آنجا که تصور کامل امنیت و راحتی به سادگی ممکن نیست، اندیشه دینی به انسان بینش و ظرفیتی را می بخشد که توقع راحتی مطلق را در دنیا نداشته باشد، در دعای روز سه شنبه می خوانیم: «واصلح امر آخرتی فانها دار مقری و الیها من

۱۹۰۹

مجاوره اللّٰم مقری(۱)؛ خدایا! امر آخرتم را سامان بخش، چون آنجا خانه پایدار من است و همان جا گریزگاه من از آدمهای پست است».

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - مفاتیح الجنان، دعای روزها، سه شنبه.

۱۹۱۰

اخلاق و تربیت

فضائل اخلاقی توکل

**توحید چه نقش اجتماعی دارد؟**

## پرسش

توحید چه نقش اجتماعی دارد؟

## پاسخ

اعتقاد به وحدانیت خداوند عالیتین نقش را در اجتماع دارد بدین لحاظ که یکی از ابعاد توحید یگانه دانستن خداوند از

جهت عبادت است و همانگونه که باید تنها خدا را پرستید تنها باید از خدا اطاعت کرد و اگر از رهبران الهی مانند پیامب رو امام اطاعت می شود از این لحاظ است که اطاعت آنها به خداوند برمی گردد براین اساس کسی که معتقد به یگانگی خدا است تنها از فرمان خداوند الهام می گردد و زیر بار اطاعت و بندگی طاغوتها که به زور بر مردم فرمانروائی می کنند نمی رود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۲

آفریدگار

خداشناسی انگیزه های انکار خدا

**یک فرد مسلمان، رفتارش چگونه باید باشد؟**

**پرسش**

یک فرد مسلمان، رفتارش چگونه باید باشد؟

**پاسخ**

مسلمانی که بخواهد خدا و مردم از وی راضی باشند، باید به دستوراتی که در رابطه با خداست مانند احکام عقیدتی و عبادی اسلام و نیز به دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام که در رابطه با دیگران است، عمل کند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳۳

**وظیفه هر مسلمان، در جمهوری اسلامی چیست؟**

**پرسش**

وظیفه هر مسلمان، در جمهوری اسلامی چیست؟

**پاسخ**

وظیفه دینی و الهی ما که شهدای اسلام هم براساس همین وظایف جان باخته اند، این است که برای اجرای احکام اسلام تلاش کنیم و جهت پیشرفت انقلاب تا جایی که می توانیم فعالیت نماییم.

## چگونه میتوانیم در جامعه، جاذبه اجتماعی داشته باشیم؟

### پرسش

چگونه میتوانیم در جامعه، جاذبه اجتماعی داشته باشیم؟

### پاسخ

از دیدگاه قرآن کریم، آنچه که میزان فضیلت انسان و سبب ایجاد محبت در دل دیگران است، باعث جاذبه انسان در اجتماع خواهد بود. برخی از آن فضیلتها عبارتاند از:

۱. تقوا: قرآن کریم، اصالت و واقعیت را به مسأله تقوا و پرهیزکاری و خداترسی داده و درباره آن میفرماید: "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَوُّكُمْ" (حجرات، ۱۳) به درستی گرامیترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است. "آری! تقوای الهی و احساس مسئولیت درونی و ایستادگی در برابر شهوات و پایبند بودن به راستی، درستی، پاکی، حق و عدالت، تنها معیار ارزش انسان و برتری او در بین افراد دیگر است.

۲. علم: از نظر قرآن کریم، عالمان، از عظمت و مقام ویژه‌ای در برابر جاهلان برخوردار هستند: "قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ" (زمر، ۹) بگو: آیا کسانی که میدانند، با کسانی که نمیدانند یکسانند؟"

امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره ارزش علم میفرماید: مردم، به سبب [کسب] علوم [مختلف] و عقلهایشان، به هم برتری میابند، نه به سبب اموال و اصل و ریشه و نسبشان. "میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۳، ص ۲۰۶۲، ح ۱۳۶۳۱، دارالحدیث).

۳. ایمان: اظهار خضوع، قبول شریعت در آن چه نبی اکرم آورده و انجام واجبات و ترک محرمات، از صفات شخص مؤمن است. قرآن کریم درباره فضیلت مؤمن و ارزش ایمان به سایرین میفرماید: "يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ" (مجادله، ۱۱) خداوند آنها را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که از علم بهره دارند، درجات عظیمی میبخشد."

۴. حب و دوستی با خداوند: کسی که مدعی حب پروردگار است، باید

آثار علاقه قلبی خود را در عمل نسبت به خداوند منعکس نماید. نخستین نشانه آن، این است که از پیامبر ۶ و فرستاده او پیروی کند: "قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ..."; (آل عمران، ۳۱) بگو: اگر خدا را دوست میدارید، از من پیروی کنید، تا خدا [هم] شما را دوست بدارد." به ناچار، کسی که مورد علاقه خداوند واقع شود، مورد علاقه مردم نیز قرار میگیرد و... (ر.ک: تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۹، ص ۳۹۶؛ ج ۲، ص ۳۸۶؛ ج ۲۳، ص ۴۴۲، دارالکتب الاسلامیه.)

## وظایف یک طلبه در حال حاضر براساس قرآن کریم چیست

### پرسش

وظایف یک طلبه در حال حاضر براساس قرآن کریم چیست

### پاسخ

یک طلبه از جهت این که یک مسلمان است تمام وظایف یک مسلمان را بر عهده دارد و باید انجام دهد، و از جهت این که طلبه است وظایف ویژه ای بر عهده دارد.

۱. تفقه در دین و دین شناسی "...فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ..." (توبه ۱۲۲)... چرا از هر گروهی از آنان طایفه ای کوچ نمی کنند، تا در دین [و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند...

۲. تبلیغ احکام و معارف اسلامی "...وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ..." (توبه ۱۲۲)... و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنان را بیم دهند، شاید [از مخالفت پروردگار] بترسند و خودداری کنند.

۳. شب زنده داری از آن جا که مسئولیت یک طلبه سنگین است باید برای به سر منزل رساندن این بار سنگین از شب زنده داری و نماز شب کمک بگیرد. از همین روست که خداوند به پیامبرش دستور می دهد: "يَا أَيُّهَا الْمُرْسَلُ قُمْ اللَّيْلَ - إِلَّا قَلِيلًا نَّضْفَهُ وَ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ - تَرْتِيلًا" (مزمل ۱۴) ای جامه به خود پیچیده شب را، جز کمی بپا خیز، نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن یا بر نصف آن بیفزای و قرآن را با دقت و تأمل بخوان "

۴. آگاهی از مسائل سیاسی و پیدا کردن بینش سیاسی

## بنده به عنوان دانشجوی سال دوم الهیات چگونه می توانم بهترین خدمت را به جامعه ارائه دهم ؟

### پرسش

بنده به عنوان دانشجوی سال دوم الهیات چگونه می توانم بهترین خدمت را به جامعه ارائه دهم ؟

### پاسخ



طبیعی است هر اندازه درک و آگاهی خود را نسبت به مسائل اجتماعی شرایط ویژه انقلاب خطرات و زیان هایی که ممکن است بر انقلاب وارد شود و ... بالا ببرید در برابر آن نیز می توانید راه حل هایی بیندیشید و خدماتی را ارائه دهید. بنابراین بهتر است به چند توصیه عمل کنید:

الف) اولاً- بکوشید همواره روح خدمت گذاری و عشق به خدمت به جامعه و انقلاب را در خود زنده نگهدارید و مسائل و منافع شخصی شما را از این آرمان باز ندارید.

ب) آگاهی های دینی سیاسی و اجتماعی خود را پیوسته افزایش دهید.

ج) ارتباط خود را با جوانان و نوجوانان حفظ کنید و حتی الامکان بکوشید در برابر کثرتی ها و ناهنجاری هایی که در میان آنان رخ می دهد و رشد می نماید نقش سازنده ارشادی و بازداشتن از انحراف داشته باشید.

د) در صحنه های مسائل سیاسی و اجتماعی مانند راهپیمایی ها و ... حضور فعال داشته باشید.

ه) در آثار گفته ها و پیام های حضرت امام سیری بکنید و همواره در جهت حفظ راه و آرمان امام (ره) جدی باشید. {J}

**از نظر شرعی آیا حوزه نیز در گسیل نکردن روحانیان خبره به مناطق محروم مسئول نیست؟ چه کسی باید پاسخگوی سؤالات و شبهات فراوان جوانان و هدایت صحیح آنان باشد؟**

**پرسش**

از نظر شرعی آیا حوزه نیز در گسیل نکردن روحانیان خبره به مناطق محروم مسئول نیست؟ چه کسی باید پاسخگوی سؤالات و شبهات فراوان جوانان و هدایت صحیح آنان باشد؟

**پاسخ**

همه ارگان ها و همه مسلمانان وظیفه دارند در صورت توانایی به اصلاح امور مسلمانان و هموطنان خود به ویژه ساکنان مناطق محروم بپردازند. در این میان وظیفه حوزه های علمیه در اصلاح امور معنوی و فکری جوانان به خصوص در سرزمین های دور افتاده و محروم، بسیار سنگین است و اولین مسئولیت متوجه آنان است. امیدواریم با توجه به اظهارات اخیر مقام رهبری خطاب به حوزه ها و به ویژه حوزه علمیه قم، زمینه اجرای این مسئولیت آماده شود و نتیجه مطلوب به بار آید.

در ضمن جوانان باید خود پیشقدم شوند و با فرستادن نامه و طومار به دفتر مقام رهبری و حوزه های علمیه خواهان حضور فردی جامع و کامل و اسلام شناس در شهر خود باشند تا مسایل و مشکلات فکری و مذهبی خود را با او در میان بگذارند. به امید موفقیت شما.

**آیا نمی توان گفت: ززندگی بازی است و ما خود صحنه می سازیم تا بازیگر بازی های خویشتن باشیم؟**

آیا نمی توان گفت: ززندگی بازی است و ما خود صحنه می سازیم تا بازیگر بازی های خویشتن باشیم؟

هنگامی که فضای تیره و آلوده به انواع گناهان و ظلم ها و تبعیض ها مشاهده می شود و در عرصه جهانی، واژه های مقدس مانند حق، عدالت، حقوق بشر و... حقیقت خود را از دست می دهند ممکن است گروهی بپندارند که زندگی یازی است! اما این دیدی سطحی و ابتدایی است. لحظاتی به جای "بصر" از "بصیرت" مدد جوییم و به عمق و باطن هستی بیندیشیم. خدا را می بینیم. خدای مهربان، رؤوف، بخشنده، کریم، لطیف و خطاپوشی که عیب های بندگانش را از دیگران مخفی و مستور می سازد. عذر گناه را زود می پذیرد و توبه را قبول می کند و با لطافت و شفقت به گناهکاران می گوید: بنده گنه کارم! کجا می روی؟ فرار نکن! بیا به سوی من، خوشبختی و سعادت و هر چه می خواهی،

نزد من است. با همه گناهانت باز تو را دوست دارم. (۱) اگر خدا و جهان و انسانی را که او آفریده می شناختیم، جهان را مجموعه ای هماهنگ هدفدار و رهسپار به سوی "هدف آفرینش" می دانستیم و با عشقی گدازنده و سر از پا نشناخته، برای فتح قله های آن به حرکت در می آمدیم.

اما انسانی که قرآن او را "ظلوم و جهول" (۲) نامیده است، به خاطر کثرت نادانیش، به گناه و فساد و نافرمانی رو می آورد.

آیا هر چیزی و هر کسی "نفس" می کشد، حرکت می کند، می خورد و می آشامد و ارضای شهوت می کند، تعامل و تنازع دارد، می توان گفت او زنده است و زندگی می کند؟ اگر زندگی معنایش همین است، آیا نمی توان گفت:

گاوان و خران باربردار

به ز آدمیان مردم

خواهر! زندگی بازی نیست، بلکه این بازیگران آدم نما و میمون صفت، مظلوم و جهول هستند که عرصه زندگی را به صحنه بازی تبدیل نموده اند. زنده کسی است که "حیاتش" را با حیات آفرین مرتبط ساخته است.

جامعه ای که با حیات آفرین پیوند و ارتباط داشته باشد، صفا و صمیمیت، یکی رنگی و همدلی، مهر و محبت در آن خواهد بود و زندگی جهت و معنی و حقیقت خواهد داشت. در غیر این صورت بازی بیش نیست. چنان که قرآن می فرماید: "انما الحیاه الدنیا لعب و لهو؛ (۳) زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی است به بیان دیگر: "اگر ایمان و تقوا نباشد، زندگی پوچ و بی هدف و بازی و سرگرمی است.

به انتظار روزی در تلاش و تکاپویییم که خورشید منتظر بیاید و زمان و زمین تفتیده و جامعه مرده انسان نما را حیاتی الهی بخشد و سراسر گیتی را با ندای توحیدی خویش به سوی وحدت و یگانگی سوق دهد و به انسانیت و زندگی، حیات حقیقی هدیه نماید.

پی نوشت ها:

۱ - لو علم المدبرون کیف اشتیاقی بهم لما تواسوقا؛ اگر پشت کنندگان به خدا می دانستند، چقدر خدا مشتاق آنان است، از شوق و ذوق می مردند، ر. ک: تذکره المتقین، شیخ محمد بهاری همدانی، ص ۱۰۱.

۲ - احزاب (۳۳) آیه ۷۲.

۳ - محمد (۴۷) آیه ۳۶. به آیات ۳۲ سوره انعام و ۶۴ عنکبوت و ۲۰ حدید مراجعه شود.

## بسیجی کیست؟

### پرسش

بسیجی کیست؟

### پاسخ

بسیج در لغت به معنای ساختگی کارها، کارسازی ها و ساخته شدن و آماده گردیدن است. [۵۰] در اصطلاح عبارت است از وجود نیروهای مردمی به منظوز حفظ نظام و تأمین امنیت.

بعد از پیروزی انقلاب به دستور امام بسیج تشکیل شد و نقش بنیادی در حفظ نظام و هشت سال دفاع مقدس داشت.

روحیه ایثار گری، دین مداری و اخلاص بسیجیان موجب شد که امام خمینی (س) از بسیجیان ستایش کند و آرزو نماید

بسیجی باشد. از سوی دیگر از بسیج به عنوان مدرسه عشق یاد نمود.

[۱] لرداویری خوشی های زندگی، ص ۶۷.

[۲] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۹۷؛ غررالحکم، ج ۲ ص ۱۲۳؛ نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۳۱.

[۳] غررالحکم، ج ۳، ص ۴۲۶.

[۴] بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۵۱ و همان، ج ۷۸، ص ۲۵۱ (چ ایران).

[۵] تصنیف غررالحکم، ص ۴۱۴، ج ۹۴۵۵.

[۶] توبه ( ) آیه ۱۱۹.

[۷] نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۸.

[۸] نهج البلاغه کلمات قصار، شماره ۳۸.

[۹] نساء ( ) آیه ۶۹.

[۱۰] هود ( ) آیه ۴۶؛ تفسیر نمونه ج ۹، ص ۱۱۴ به بعد.

[۱۱] فرقان ( ) آیه ۲۸.

[۱۲] صافی گلپایگانی منتخب الاثر، ص ۵۷۷ - ۵۷۹.

[۱۳] هود ( ) آیه ۸۸.

[۱۴] منتخب الاثر، ص ۴۶۸؛ محمد نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۷.

[۱۵] صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۸۰.

[۱۶] مهدی موعود، ص ۱۰۷۴.

[۱۷] منتخب الاثر، ص ۴۶۹.

[۱۸] مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان، ص ۳۰۸، ۳۰۹.

[۱۹] میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۲.

[٢٠] هاشم بحرانى البرهان، ج ٢، ص ٤٠١٢١؛ كترالعمال، ج ١٤ ص ٢٦٤.

[٢١] قمر ( ) آيه ١.

[٢٢] الميزان (مترجم)، ج ١٩، ص ١١٥.

[٢٣] تفسير نمونه، ج ٢٣، ص ٨-٩.

[٢٤] الميزان (مترجم)، ج ١٩، ص ١١٦ - ١١٨.

[٢٥]

تفسير نمونه، ج ٢٣، ص ١٣ - ١٦.

[٢٦] بحار الانوار، ج ٧١، ص ٣٨٩.

[٢٧] همان، ج ٧٣، ص ٢٩٧؛ سفينه البحار، ج ١، ص ٤١٠؛ اصول كافي ج ٢ ص ١٢٢.

[٢٨] قلم ( ) آيه ٤.

[٢٩] مشكوه الانوار، ج ١٧٩.

[٣٠] فرقان ( ) آيه ٦٣.

[٣١] نهج البلاغه صبحي صالح، خطبه ١٩٣.

[٣٢] مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٣٠٥.

[٣٣] امالي طوسي، ص ٥.

[٣٤] محدث نوري، دار السلام، ج ٢، ص ١٧٢.

[٣٥] نساء آيه ٨٦ و ابراهيم آيه ٢٣.

[٣٦] بحار الانوار، ج ٧٦، ص ١١.

[٣٧] حجرات ( آيه ١٢؛ وسايل الشيعه، ج ٨، ص ٦٠٨؛ جامع السعادات، ج ٢، ص ٣٠٤؛ محجه البيضاء، ج ٥، ص ٢٥١.

[٣٨] جامع السعادات، ج ٢، ص ٣٠٥؛ انوارالنعمانيه، ص ٢٥٩.

[٣٩] اصول كافي، ج ٢، ص ٣٥٧.

[٤٠] كشف الريبه، ص ٦.

[٤١] كشف الريبه، ص ٧؛ تفسير قرطبي، ج ١٦، ص ٣٣٣.

[٤٢] من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٦٣.

[٤٣] وسايل الشيعه، ج ١٨، ص ١٣؛ دعائم الاسلام، ج ١، ص ١٢.

[٤٤] زمر ( ) آيه ٩.

[۴۵] وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۳؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۲.

[۴۶] الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۲.

[۴۷] نساء ( ) آیه ۹۵.

[۴۸] عین الله خادمی، مطالعه روشمند، ص ۷۰.

[۴۹] جواد محدثی روش ها، ص ۱۸ - ۱۹؛ عین الله خادمی، پشین، ص ۷۲.

[۵۰] علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، واژه بسیج؛ محمد معین، فرهنگ معین، واژه بسیج.

### **وظیفه و مسئولیت ما در برابر خدا، دین، پیامبر، ائمه، جامعه، انقلاب و خانواده و خودمان چیست؟**

#### **پرسش**

وظیفه و مسئولیت ما در برابر خدا، دین، پیامبر، ائمه، جامعه، انقلاب و خانواده و خودمان چیست؟

#### **پاسخ**

یکی از یاران امام سجاد(ع) نامه ای خدمت حضرت نوشت و از حقوقی که یک انسان بر عهده دارد و وظایف و مسئولیت های مختلفی که بر گردن او است، سؤال کرد. امام چهارم(ع) در پاسخ نامه ای نگاشت که به رساله حقوق معروف است.

این حقوق یا شرح وظایف و مسئولیت های انسان در زمینه های فردی و خانوادگی و اجتماعی است و شامل پنجاه و یک حق است. از جمله آن ها است: حق خداوند بر بندگان، حق خویشتن بر خود، حق کسانی که بر ما ولایت دارند و عهده دار امور دنیوی ما هستند، حقوق عامه مردم و مسئولیت هایی که در برابر جامعه داریم حقوق غیر مسلمانانی که در کشور اسلامی زندگی می کنند، حقوق پدر و مادر، همسر، فرزند، برادر، معلم، شاگردان، زبردستان و آنان که عهده دار امور آنان هستیم، حقوق همسایه، همراه و هم سفر، همکار، هم منزل، بزرگ ترها و کوچک تر و ...

کتاب های بسیاری در شرح و توضیح نامه چهارمیت امام شیعه، تحت عناوین مختلف از جمله " رساله حقوق " نوشته شده است. آیت الله جوادی آملی قسمت هایی از آن نامه را در کتاب " فلسفه حقوق بشر " آورده است. آقای علی غفوری همه آن رساله را با عنوان " راه و رسم زندگی از نظر امام سجاد(ع) " با نثری روان و آزاد ترجمه نموده است.

می توانید این کتاب را تهیه کنید و با مطالعه دقیق پاسخ بسیاری از سؤالات خویش را، در زمینه وظایف و مسئولیت های انسان در

عرصه های مختلف دریافت دارید. به یک نمونه از آن اشاره می شود:

حق خداوند بر بندگان: نخستین تکلیف و مسئولیتی که بر عهده انسان وجود دارد و امام سجاد (ع) بر فراز حقوق دیگر از آن یاد کرده، حق خداوند است. اولی حقی که خدا بر انسان دارد این است که او را بشناسد: "بدان - خدایت رحمت کند که همانا خدا بر تو حقوقی دارد که آن حقوق برخاسته از نعمت های بی شمار او است که در هر حال و در هر موقعیت و منزلتی که باشی، چه در حال حرکت و چه در سکون بر تو احاطه دارد. بعضی از این حقوق از بعضی دیگر بزرگ تر است و بزرگ ترین آن ها همان است که برای نفس خویش بر تو واجب ساخته و ریشه و اساس پیدایش حقوق دیگر است. آن گاه نوبت به حقوقی می رسد که برای نفس خودت بر تو واجب ساخته، حقوقی نیز برای همه اعضای بدنت از سر تا قدم است.

امّا حق بزرگ تری که خدا بر تو دارد این است که فقط او را پرستی و به او شرک نورزی و کسی یا چیزی را جز او در سرنوشت خویش مؤثر ندانی. پس هر گاه با اخلاص، این گونه و این حق را بگزاری خدا به عهده گرفته که در امر دنیا و آخرت تو را بی نیاز گرداند و کارهای این جهان و آن جهان تو را به خوبی اصلاح نماید."

برای فهم وظایف خویش در برابر انقلاب باید دید مردم به رهبری امام خمینی (ره) برای احیای چه ارزش هایی انقلاب کردند؟  
شهادت برای پاسداری



از کدامین ارزش ها جان عزیز خویش را تقدیم کردند، این حقیقت، را با خواندن وصیت نامه های آنان به آسانی می توان به دست آورد. در دنیای پر آشوبی که سیاست بازان دغل کار ایجاد کرده اند، تنها با اطاعت از ولی فقیه و پیروی از رهبری حضرت آیت الله خامنه ای می توان از ارزش های انقلاب و خون شهدا پاسداری نمود.

جهت آگاهی در این زمینه کتاب های : ۱\_ نهضت های صد ساله اخیر.

۲\_ پیرامون انقلاب اسلامی.

۳\_ پیرامون جمهوری اسلامی ، هر سه از شهید مطهری را مطالعه کنید.

**دختران و پسرانی که نیاز به ازدواج داشتند خدمت پیامبر اسلام(ص) می رسیدند، خود را معرفی و نیاز خود را مطرح می کردند و آن حضرت زمینه ازدواج آنان را فراهم می کرد. چرا هم اکنون روحانیون این کار را انجام می دهند؟**

### پرسش

دختران و پسرانی که نیاز به ازدواج داشتند خدمت پیامبر اسلام(ص) می رسیدند، خود را معرفی و نیاز خود را مطرح می کردند و آن حضرت زمینه ازدواج آنان را فراهم می کرد. چرا هم اکنون روحانیون این کار را انجام می دهند؟

### پاسخ

وساطت و میانجیگری در امر ازدواج و تهیه مقدمات، امری مستحب و پسندیده است. امام هفتم (ع) فرمود: "سه کس روز قیامت که جز پناه عرش سایه ای نیست، در پناه عرش الهی قرار دارند...".

اولین فردی را که حضرت نام برد، کسی است که مقدمات ازدواج برادر و خواهر مسلمانی را فراهم می سازد.[۳]

خداوند متعال می فرماید: "زنان و مردان مجرد و غلام و کنیزهای شایسته تان را همسر دهید (مقدمات ازدواج آن ها را فراهم سازید). اگر فقیر باشند، خدا از فضل خود بی نیازشان گرداند. خداوند بخشنده و دانا است".[۴]

پیامبر اکرم(ص) فرمود: "یکی از نشانه های بخت بلند و خوشبختی مسلمان این است که زمینه ازدواج دختران و زنان بی شوهر را فراهم سازد و با وساطت خود آنان را به خانه شوهر فرستد".[۵]

سیره عملی منقول از پیامبر اکرم(ص) و برخی از امامان نیز بر استحباب و پسندیده بودن این عمل دلالت دارد. بنابراین پیشنهاد شما قابل بررسی و تأمل است و به صورت جزئی توسط برخی از روحانیون در زمان ما نیز انجام می گیرد. طرح گسترده و وسیع آن در اوایل پیروزی انقلاب توسط یکی از بزرگان مطرح شد، لیکن با توجه به توسعه جوامع بشری و اختلاط فرهنگ ها و آداب و رسوم ها از یک سو، و تنوع گرایی افراطی و تعدد دام ها و کیده های شیطان

صفتانِ آدم نما و فرصت طلبانی که با توجه به دگرگونی اوضاع جامعه، لباس و چهره عوض می کنند ضرورت تأمل و تدبّر بیشتر و برنامه ریزی جامع و دقیق تری را می طلبد، عمومیت دادن به طرح و اجرای پروژه های گسترده ای مثل "همسریابی" که راهکار مجرب و آزمایش شده ای ندارند دور از عقلانیت و خردورزی است.

پروژه های مهمی که به افکار یا حیثیت خانواده ها و عفت عمومی جامعه بستگی دارد، باید در آغاز در محیط کوچکی، با رعایت احتیاط لازم، شروع گردد و حساسیت ها امتحان شود. نیز نقاط ضعف و قوت آن توسط کارشناسان مسایل دینی و اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد.

در صورت موفقیت آمیز بودن طرح، می توان با نظارت و ارزیابی مستمر و آسیب شناسی و آسیب زدایی طرح را توسعه داد و فراگیر نمود.

مدتی است که این امر در سطحی محدود در قم شروع شده است. می توانید با نشانی زیر مکاتبه کنید:

قم، خیابان انقلاب (چهار مردان)، چهار راه سجادیه، بنیاد حضرت فاطمه زهرا(س).

[۳] شیخ الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ۲۷، چاپ بیروت تصحیح و تحقیق آیت الله ربانی شیرازی.

[۴] نور ( ) آیه ۲۳.

[۵] علی مشکینی، ازدواج در اسلام، باب اول، فصل اول، حدیث شماره ۱، ص ۱۱.

**آیا افرادی که دعاهایی مثل زیارت عاشورا یا کمیل را یم خوانند و فیلم مدیر کل را می بینند، می توانند مدعی اعمال دینی باشند؟**

**پرسش**

آیا افرادی که دعاهایی مثل زیارت عاشورا یا کمیل را یم خوانند و فیلم مدیر کل را می بینند، می توانند مدعی اعمال دینی باشند؟

**پاسخ**

دیدن این فیلم و نظائر آن که زنان بی حجاب در آن ایفای نقش می کنند، برای همه افراد حکم واحدی ندارد. حضرت امام خمینی (ره) در پاسخ به سؤال، حکم نگاه کردن به فیلم های تلویزیونی که گاهی زن های بی حجاب نیز دارد " فرموده اند: نظر به فیلم اجنبیه (زن نامحرم) که صاحبش را نمی شناسد و ریبه و فساد در آن نیست، اشکال ندارد. [۷]

بنابراین اگر کسی فیلم مذکور را با این شرایط دیده باشد، گناهی مرتکب نشده و منافاتی با دیانت ندارد، ولی اگر کسی آن را به قصد لذت و شهوت ببیند، گناه کرده و او را نمی توان دیندار واقعی دانست. انسان نمی تواند از قصد و نیت افراد اطلاع داشته باشد و یا درباره آن ها حکم کند که با قصد شهوت نگاه می کردند.

بنابراین انسان از لحاظ دینی باید متوجه قضاوت کردن در مورد دیگران باشد.

## مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟

### پرسش

مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟

### پاسخ

در اسلام مسأله ای وجود دارد که در ملتهای دیگر امروز دنیا به صورت یک قانون دینی وجود ندارد (البته نمیگوئیم پیغمبران سلف نداشته اند) و آن این است که اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند از نظر شخص خود مسؤول و متعهد میدانند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسؤول و متعهد می داند. امر به معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان! تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسؤول و متعهد نیستی، تو در مقابل اجتماع خود هم مسؤولیت و تعهد داری. آیا می توان گفت چنین دینی دین قضا و قدری است؟ البته قضا و قدری به مفهومی که آنها می گویند که کارها را خدا باید انجام دهد و بشر از این جریان و مسیر خارج است و مسؤولیتی ندارد، آنچنان قضا و قدری که از بشر نفی و سلب آزادی و مسؤولیت و تعهد می کند. قرآن چنین قضا و قدری را نمی پذیرد. آیا شما در این زمینه جمله ای بالاتر از آن آیه کوچک که با تفاوت مختصری در دو جای قرآن آمده است پیدا میکنید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» رعد/۱۱ این آیه آب بسیار صاف و پاکی است که بر سر منتظرها، آنهایی که به انتظار هستند که همیشه خدا از یک راه غیر عادی کارها را درست کند، می ریزد. انتظار بیهوده نکشید. «إِنَّ» یعنی تحقیقا مطلب این است. تحقق و واقعیت این است که

هرگز خداوند اوضاع و احوال را به سود مردم عوض نمیکند «حَتَّىٰ يُعْطُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ» مگر وقتی که خود آن مردم آنچه مربوط به خودشان است، آنچه که در خودشان هست: اخلاق، روحیه، ملکات، جهت، نیت و بالاخره خودشان را عوض کنند. آیا شما می توانید صریحتر از این، مسؤولیت پیدا کنید؟ آنها مسؤولیت در برابر یک اجتماع، یعنی اجتماع را برای مسؤولیت مخاطب قرار بدهد.

### چگونه میتوان بین درس خواندن و فعالیت در تشکل های اسلامی راجع کرد؟

#### پرسش

چگونه میتوان بین درس خواندن و فعالیت در تشکل های اسلامی راجع کرد؟

#### پاسخ

تعهد و احساس مسؤولیت شما در قبال مسائل فرهنگی در خور تحسین است. امید است این روحیه هم چنان در شما زنده بماند. مشکلی را که در مورد ندانستن وظیفه مطرح کرده اید به نظر می رسد بیشتر در مورد طرح های عملی و برنامه ای باشد، زیرا اصل وظیفه معلوم و مشخص است.

اگر دانشجویی در حین تحصیل بی تفاوت باشد بازگشت او به تعهد پس از ایام تحصیل امری غریب می نماید.

بنابراین جوش و خروش داشتن در ایام تحصیل نیز جزئی از زندگی هدفدار و مکتبی فرد است. این نکته نیز روشناست که درس خواندن و پیشرفت علمی نیز جدای از این وظیفه نیست. حال چگونه باید بین این دو جمع کرد؟

این جاست که ضرورت برنامه ریزی و کار گروهی و جذب افراد متعهد مطرح می شود. یعنی باید به نحوی تقسیمکار صورت پذیرد تا از یک سو افراد مختلف جذب تشکل ها شوند و از سوی دیگر با تقسیم کارها و تنوع آن، جاذبه ها افزایش یابد و نیز فرصت بیشتری برای هر یک از افراد باقی بماند تا به جنبه درسی و تحصیلی آنان لطمه ای وارد نیاید.

تردید نیست که در این صحنه دانشجویان متعهد می بایستی از فرصت های آسودن خود سرمایه گذار میکنند.

بنابراین می توان با برنامه ریزی حساب شده - جذب افراد - تقسیم کار هم به درس ها رسیدگی کرد و هم در تشکل ها فعالیت داشت. مشورت با دیگر تشکل ها در دانشگاه های مختلف نیز می تواند راهکارهایی را به شما نشان دهد.

گنجاندن برنامه های درسی و مباحثات علمی در کار تشکل ها نیز می تواند به این امر کمک نماید. }]

### روش های جلب اعتماد مردم چگونه است

#### پرسش

## پاسخ

جلب اعتماد دیگران، مرهون ارزش واقعی شخصیت هر فرد است. به هر اندازه شخصیت فرد، ثبات و ارتقای بیشتری داشته باشد، به همان مقدار اعتماد دیگران به او افزایش خواهد یافت.

اما چگونه می توان ارزش خود را بالا برد و به ثبات شخصیت رسید؟ پیش از هر چیز از این که به فکر ارتقای کمالات و دستیابی به ثبات شخصیت خود هستید، اظهار خوشوقتی می کنیم؛ چرا که اولین مرحله هر کمال، «بیداری» است؛ بیداری و آگاهی نسبت به نواقص و سعی برای جبران آنها. بنابراین، این کشمکش های فکری و روحی را، باید روندی سازنده و مثبت تلقی کرد. حضرت عیسی (ع) فرموده است: «مريض کسی نیست که دردی دارد؛ بلکه مريض واقعی کسی است که بیمار است، ولی خود را سالم می پندارد».

اما ثبات شخصیت؛ ثبات شخصیت (نوع مثبت آن) گوهری گران سنگ است که آسان به کف نمی آید و به سرعت حاصل نمی شود. «ثبات شخصیت»، در مرحله اول رهین معرفت است. تا آدمی معرفت خویش را نسبت به هستی و آفریننده آن و جایگاه خود در هستی و نیز وظایفی که برای او ترسیم می گردد بالا نبرد و به سطح مناسبی از کمال نرساند، همواره دستخوش بی ثباتی خواهد بود و هر روز تحت تأثیر موج ها به این سو و آن سو خواهد رفت.

اگر کشتی لنگری نداشته باشد، امواج دریا، آن را به هر طرف خواهند کشید و چه بسا در این کشاکش، آسیب سختی هم ببیند و یا منهدم گردد.

لنگر آدمی در اقیانوس بی کران هستی، همان «معرفت» است؛ معرفتی منطقی و عقلانی درباره حیات و آن گاه به مقتضای معرفت، عمل کردن.

قرآن مجید به زیبایی

هر چه تمام تر این حقیقت را بدین گونه بیان فرموده است: «آدمی ناپایدار و بی ثبات آفریده شده است؛ زمانی که ناگواری به او رو کند، ناله سر می دهد و زمانی که خیر به او رسد، بخل می ورزد، مگر نماز گزاران؛ آنانی که بر نماز خود مداومت می کنند و کسانی که در اموالشان حقی معلوم برای سائل

و محروم است (حق فقرا و نیازمندان را پرداخت می کنند) و کسانی که روز جزا را تصدیق می کنند و از عذاب پروردگارشان ترسان هستند... و کسانی که خود را از نامحرمان باز می دارند... و کسانی که به امانت و عهد خویش وفای می کنند و کسانی که [در جای لازم خود] شهادت های خود را ادا می کنند و بدان استوارند و کسانی که بر نماز خود محافظت دارند...»، (سوره معارج، آیه ۱۹ به بعد).

عصبانیت و کم ظرفیتی نیز ناشی از بی ثباتی است. انسان فهمیده و دارای معرفت، هرگز عنان اختیار خویش را، به دست نفس سرکش نمی سپارد؛ زیرا نفس بد اندیش را دشمن می دارد و می داند که اگر مهار نشود، آدمی را به ورطه سقوط خواهد کشاند. بنابراین او به کنترل نفس خویش می پردازد و هنگام هیجان نه سخنی می گوید و نه تصمیمی عجولانه می گیرد.

**شرکت در تظاهراتی که انجام می شود مثل روز قدس یا روز ۲۲ بهمن و .. چه حکمی دارد؟ در صورتی که شرایط شرکت را نداشته باشیم مثلا کاری پیش بیاید یا امتحان داشته باشیم و وظیفه ما چیست؟**

### پرسش

شرکت در تظاهراتی که انجام می شود مثل روز قدس یا روز ۲۲ بهمن و .. چه حکمی دارد؟ در صورتی که شرایط شرکت را نداشته باشیم مثلا کاری پیش بیاید یا امتحان داشته باشیم و وظیفه ما چیست؟

### پاسخ

دفاع از اسلام و مستضعفین وظیفه هر مسلمان است. گاهی این دفاع فقط در حد راهپیمایی است در نتیجه آن راهپیمایی واجب می شود.

بله، اگر برای شخصی عذر موجهی پیش آید، مسلما معذور خواهد بود.

**چرا باید حوزویان و طلاب ما از جامعه جدا باشند و در بطن مسایل قرار نگیرند؟ یک طلبه شنبه تا پنجشنبه به حوزه میرود و درس می خواند و فردا که آخوند گردید در قسمتی از جامعه مشغول به کار می شود یک آخوند باید یک ساعت در حوزه باشد و پنج ساعت فعالیت اجتماعی داشته ب**

### پرسش

چرا باید حوزویان و طلاب ما از جامعه جدا باشند و در بطن مسایل قرار نگیرند؟ یک طلبه شنبه تا پنجشنبه به حوزه میرود و درس می خواند و فردا که آخوند گردید در قسمتی از جامعه مشغول به کار می شود یک آخوند باید یک ساعت در حوزه

باشد و پنج ساعت فعالیت اجتماعی داشته باشد. آیا این علتی مهم برای جدایی روحانیت و اجتماع نمی باشد؟

## پاسخ

همه افراد از آن حیث که عضوی از جامعه هستند باید به نوبه خود فعالیت اجتماعی داشته باشند. سهم مشارکت هر فرد در امور اجتماعی را هم، منزلت اجتماعی وی تعیین می کند.

حال افرادی که به نوعی عهده دار نهاد فرهنگی کشور می باشند، سهم بیشتری را دارا هستند. از آن جمله می توان به روحانیون در نهاد دینی کشور اشاره کرد. روحانیون به عنوان اعضاء نهاد دینی نیز ملزم به شرکت در چنان فعالیت هایی هستند. پس تا به حال به بحث در مورد ضرورت فعالیت اجتماعی پرداخته شد.

اما مسأله دیگر تعیین مصداق برای شکل فعالیت اجتماعی هر فرد است. آیا همان طور که یک کارمند اداره فعالیت اجتماعی یک استاد دانشگاه هم باید به همان شکل و به همان اندازه فعالیت داشته باشد؟ به عنوان مثال محققى که در منزل خویش تنها با کتاب سر و کار دارد، فعالیت اجتماعی ندارد؟ بالاخره اجتماع به نوعی از محصولات فکری اوست که منتفع می گردد.

در حوزه علمیه نیز به طور خاص روحانیونی که وظیفه و هدف تحقیق دارند اهتمام اجتماعی ایشان در مورد مقولات فکری و ذهنی است. اما آن دسته که هدفشان تبلیغ است به

ناچار باید با مردم و مخاطبین خویش تعامل داشته باشند.

نتیجه: در هر قشر از اقشار جامعه بسته به نوع اهداف و وظایف معین شده برای آنها باید فعالیت اجتماعی متناسب با آن را تعریف کرد. البته این به معنای عمل کردن تمام روحانیون به وظایف خویش نیست.

البته ممکن است در قشر حوزوی نیز افرادی بدون درک حساسیت زمانی و موقعیت خطیر روحانیت آنچنان که شما عزیزان و جامعه انقلابی ما توقع دارید، در عرصه فعالیت های اجتماعی حضور نداشته باشند و یا کنج انزوا اختیار کنند که این مسأله از نظر ما و جامعه روحانیت قابل قبول نیست ولی تفکر و عمل عام حوزه و حوزویان چنین نیست.

### چه عواملی باعث کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی شده است ؟

#### پرسش

چه عواملی باعث کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی شده است ؟

#### پاسخ

این مسأله دارای دلایل متعددی می باشد که در ذیل به صورت مختصر مهمترین آنها را در دو بخش عوامل داخلی و عوامل خارجی مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) بررسی عوامل داخلی کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی: منظور از عوامل داخلی، مجموعه کارکردها و اعمال و رفتار این اقشار می باشد که مسأله فوق را به وجود آورده است که عبارتند از:

۱- برخی رفتارها و اقدامات ناشایسته بعضی از مدیران، کزار گزاران و مأموران دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی، موجب پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده مردم گشت. مردم انتظار داشتند که نه تنها در رده های سطح اول مسؤولان نظام، که در سایر رده ها و به خصوص در بدنه نظام اداره کننده کشور، شاهد صداقت، درستکاری، امانت داری و گرایش خدمت به مردم و حل مشکلات باشد، ولی رفتار برخی دست اندرکاراندر جهت توجیه و ترجیح منافع شخصی و خانوادگی، تظاهر و ریاکاری، بی اعتنائی به اقشار ضعیف و محروم جامعه... موجب بدگمانی و بدبینی اقشاری از مردم نسبت به افراد مذهبی و روحانیون و کاسته شدن از وجهه آنان گردید.

۲- اختلاف و تفرقه میان جناح ها و گروه های متشکل از روحانیون و افراد مذهبی و تضعیف افراد هر جناح توسط جناح مقابل و در نتیجه ایجاد بدبینی در بین مردم نسبت به همه افراد دو جناح.

۳- کوتاهی و کم کاری حوزه های علمیه و مراکز فرهنگی کشور در شناساندن صحیح معارف و تاریخ اسلام و ارائه عمل اسلام به جهان معاصر و شناخت صحیح مقتضیات زمان و مکان و استفاده کارآمد از روش های نوین و وسایل ارتباطاتی مدرن، برای شناساندن احکام و ارزش های



اصیل اسلام به مردم از جمله جوانان و تقویت هویت دینی و مذهبی و ملی در آنان.

ب) بررسی عوامل خارجی کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی:

۱- مشکلات اقتصادی، اجتماعی و... ناشی از وقوع جنگ و پیامدهای آن، محاصره های سیاسی، اقتصادی و... سبب می شود که مردم وقتی تحت فشار مادی و فقر و مشکلات بیکاری، مسکن و... قرار گیرند کم و بیش و دیر یا زود تمایل آنها نسبت به مسبب این فشارها و کسانی که از نظر آنها با این مشکلات مستقما یا به طور غیرمستقیم در رابطه اند کم خواهد شد.

۲- پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخص های مطلوب گردید، به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود.

۳- تحول نسل در جامعه و به صحنه آمدن نسل جدید که باورها و یافته های آنان با نسل انقلاب تا حدی متفاوت است، فقدان برنامه های جامع و همه جانبه برای تربیت، آموزش و توجیه آن و نیز بی توجهی به ایجاد تغییرات اساسی ریشه ای در نگرش خانواده ها به اصول و آداب تربیت نسل جوان، موجب بروز شکاف در دیدگاه های دو نسل کنونیو پیشین گشته و اصول و شاخص های ارزشی نسل نو را متفاوت با اصول و شاخص های انقلاب نموده است و این امر از یک طرف موجبات فاصله گرفتن از افراد مذهبی و از طرف دیگر استقبال از الگوهای و ارزش های غربی شده است.

۴- سازماندهی تهاجم فرهنگی توسط دشمنان اسلام به خصوص آمریکا با استفاده از ابزارهای جدید اطلاع رسانیو تبلیغات گسترده و نیروهای سکولار، روشنفکران

غریزده و مزدوران اجیر شده در داخل و با سوء استفاده از نارسایی ها، معضلات و ضعف های مدیریتی و اجرایی برای حمله و هجوم به ماهیت اسلام و قوانین الهی و ایجاد روحیه یأس و ناامیدی در مردم، به ویژه در نسل جوان، با ترویج و اشاعه غیرقابل اجرا بودن ارزش های والای الهی در جامعه و ناکارآمد بودن تئوری حکومت دینی و در نتیجه ایجاد شکاف میان نسل جوان جامعه با مدیران حکومتی که عموماً از افراد روحانی و مذهبی می باشند و ایجاد بدبینی نسبت به آنها و شک و تردید در توان مدیریتی افراد مذهب‌پسرای رفع مشکلات و پیشبرد جامعه در ابعاد مختلف لازم است بدانید که حداقل یک قرن است که جهان استکباری باتمام توان و با بکارگیری همه ایادی خود برای کوبیدن روحانیت تلاش می کند، زیرا روحانیت را محکم ترین سد در برابر سلطه استعماری خود می بیند.

۵- اصولاً قدرت در دست هر کس باشد مردم به طور طبیعی مقداری از آنها فاصله می گیرند (من ملکاستأثر).

مجموعه این عوامل سبب شده تا مقداری از وجهه روحانیون و افراد مذهبی در بین پاره ای از افراد کاسته شده و بخشی از نسل جوان به طرف الگوهای خارجی متمایل گردند. البته نکته ای که قابل توجه می باشد این است که علیرغم این مسأله به واسطه بالا بودن سطح بینش و آگاهی های سیاسی، مردم و اقشار جوان بین روحانی و فرد مذهب‌متعهد، دلسوز و فعال با افراد غیر متعهد تفاوت قائل می باشند و نسبت به افراد مذهبی و روحانیون متعهد و دلسوز علاقه مند می باشند و یا با مختصر برخوردی به شدت جذب شده و بدبینی ایجاد می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- انقلاب و ارزش ها علی زوعلم

۲- ایران و آمریکا حسن واعظی

## مهمترین وظایف جوان دانشجو به عنوان قشر تحصیل کرده در شرایط کنونی چیست؟

### پرسش

مهمترین وظایف جوان دانشجو به عنوان قشر تحصیل کرده در شرایط کنونی چیست؟

### پاسخ

مهمترین وظایف جوان دانشجو عبارتند از:

۱- قدردانی از جوانی: مهمترین مظهر قدردانی از جوانی همین است که از این صفا و نورانیت و از این ناآلودگی و پیراستگی طبیعی انسان جوان استفاده کنید و خودتان را در زمینه های تزکیه و اخلاق پیش ببرید. این انشاءالله ذخیره همه زندگی شما خواهد شد. راهش هم رعایت دو نکته است: ذکر و توبه. ذکر یعنی یاد، یاد در مقابل غفلت است. غفلت از خدا، غفلت از وظیفه و مسئولیت، غفلت از آن هنگام حساس مواجهه با مأموران الهی در عالم ملکوت عالم بعد از عبور از جسمانیت و محاسبه بزرگ انسان در مقابل خدا در قیامت، اینها یاد است... نکته دیگر توبه است ممکن است کسی بگوید ما که جوانیم و هنوز عمری از ما نگذشته است که مثل شما ها گناه زیادی کرده باشیم و محتاج توبه باشیم. نه این درست نیست. توبه وظیفه همیشگی انسان است. پاکترین انسانها هم باید توبه کنند. توبه یعنی برگشت به خدا. (پرسمان، سال دوم، شماره دهم، تیر، ص ۲)

۲- جدی گرفتن علم و تحقیق: شما باید در محیط دانشگاه مسئله علم و تحقیق را جدی بگیرید... بدون پیشرفت علم نمی شود کشور را پیش برد. امروز حتی دشمنان بشریت از علم استفاده می کنند. ما برای آرمانهای والا برای ارزشهای حقیقی برای فضایل انسانی و گسترش آنها ناگزیریم از علم و شرافت ذاتی علم استفاده کنیم. (همان، ص ۸؛ پاسخ و پرسش رهبر معظم انقلاب با دانشجویان)

۳- در مقابل جریانهای سیاسی از اندیشه ناب اسلامی بگوید و به

فرموده رهبری «درست فکر کردن، درست تحلیل کردن، تحلیل درست را به دیگران منتقل کردن، سعی در روشن و آگاه کردن کسی که فکر می کنید ناآگاه است وظیفه دانشجوی آگاه و آماده است.»

۴- هر دانشجوی مسلمانی علاوه بر تحصیل علم و نگرهبانی از صفای درونی خویش باید از وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چشم پوشی نکند و با محبت و مهربانی به اصلاح دیگران پردازد.

**چرا لباس روحانیون و مبلغان ما به این شکل است؟ مگر نه اینکه در زمان پیامبر وقتی کسی وارد مسجد می شد و پیامبر را نمی شناخت نمی توانست تشخیص دهد پیامبر خدا آن هم با این عظمتش کدام است در حالی که روحانی الان ما از کیلومترها قابل تشخیص است؟**

### پرسش

چرا لباس روحانیون و مبلغان ما به این شکل است؟ مگر نه اینکه در زمان پیامبر وقتی کسی وارد مسجد می شد و پیامبر را نمی شناخت نمی توانست تشخیص دهد پیامبر خدا آن هم با این عظمتش کدام است در حالی که روحانی الان ما از کیلومترها قابل تشخیص است؟

### پاسخ

درباره قسمت اول سؤال (لباس روحانیان) نکات ذیل قابل توجه می باشد:

یکم: این نوع لباس از زمان پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ص) رایج بوده است و آن بزرگواران، چنین لباس می پوشیدند.

دوم: عمامه بر سر بستن، از مستحبات بوده و تأکید فراوانی بر آن شده است. احادیث متعددی در این زمینه از حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) وارد شده است؛ از جمله: امام رضا (ع) می فرمایند: «حضرت رسول (ص) عمامه بر سر بستند و یک طرف آن را به جلو و طرف دیگر را به عقب انداختند.» از حضرت امام صادق (ع) نقل شده است که حضرت رسول (ص) با دست خود بر سر حضرت علی (ع) عمامه پیچیدند، (ر.ک: علامه مجلسی: حلیه المتقین، ص ۱۸).

سوم: جایگاه صنفی بسیاری از اقشار جامعه اقتضا می کند که از سایر اقشار مردم باز شناخته شوند؛ لذا دارای یک نوع لباس مشخص می باشند. مانند نیروهای نظامی و انتظامی و... درباره روحانیان نیز چنین است بر اساس روایات متعدد «العلماء ورثة الانبیاء» «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و... روحانیان، امانت داران ائمه اطهار (ع) و مرجع روحی و معنوی و اجتماعی و... مردم می باشند؛ لذا نیازمند لباسی مشخص می باشند تا بدین وسیله در جامعه مشخص شوند و مراجعه به آن ها در مواقع نیاز آسان تر باشد. و یا مثلاً در موقع نماز جماعت

تأکید شده که امام جماعت دارای لباس خاصی روحانیت باشد چنان که امام صادق(ع) فرمود: «شایسته نیست که امام جماعت بودن عبا و عمامه باشد» (وسائل، ج ۳، ص ۳۲۹، باب ۵۳، ح ۱).

چهارم: پوشیدن این لباس، هر چند شأن و منزلتی نسبت به سایر اقشار مردم برای روحانیان ایجاد نمی کند، ولی موجب تعظیم شعائر الهی می گردد که مورد اهتمام قرآن است. وجود شخصیت‌های وارسته جامعه که به عنوان سمبل و مظهر علم و تقوا و وارستگی و ارزش های اسلامی و ملبس به لباس رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) باشند، از شعائر الهی می باشد و در حفظ و گسترش ارزش های الهی و اسلامی در جامعه و تقویت هویت مذهبی در مقابل تهاجم ارزش های بیگانه، بسیار مؤثر است.

خصوصاً در جامعه ما که متأسفانه تحت تأثیر تهاجم فرهنگی غرب، حتی لباس سنتی و بومی خویش را حفظ نکرده است. بنابراین وجود قشر خاصی در جامعه با لباس مذهبی و سنتی، نماد پایداری در مقابل هجوم فرهنگ و ارزش های غربی است و مایه فخر و مباهات محسوب می گردد.

اما در مورد قسمت دوم سؤال گفتنی است آنچه از سیره پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) برداشت می شود این است که منظور از چنین رفتارهایی نشان دادن نهایت تواضع رهبر جامعه اسلامی و مساوات آن با سایر مردم است نه این که منظور عدم شناسایی آنان توسط مردم باشد.

به عبارت دیگر مشخص نبودن آن بزرگواران اصالتاً و بالذات هدف آنان نبوده است، بلکه پیامدی طبیعی و ناشی از دو موضوع است:

۱. رعایت تواضع و مساوات آنان با مردم در همه زمینه ها حتی در نشستن.

۲. یک دست بودن لباس

اما در زمان ما موضوع یک دست بودن لباس - به دلیل این که جامعه به غیر از علماء لباس سنتی را کنار گذاشته اند - منتفی است. می ماند مسأله رعایت تواضع و مساوات با مردم که از دیدگاه اسلام یک اصل و ارزش بسیار مهمی است که همه خصوصاً رهبران و پیشوایان مذهبی، مکلف به رعایت آن می باشند. هر چند این موضوع نیز گاهی مواقع به تناسب مقتضیات زمان می تواند اشکال مختلفی داشته باشد.

در هر صورت آنچه که از سیره امامان معصوم (ع) و پیامبر اکرم (ص) برداشت می شود اصل رعایت تواضع، مساوات و برابری با مردم است که بحمدالله علماء و بزرگان دینی در طول تاریخ تاکنون نسبت به رعایت آن پای بند بوده و می باشند و مسأله لباس آنها، نه تنها با اصل تواضع و مساوات با دیگران منافات نداشته بلکه خود نقش مهمی در تبلیغ ارزش های اسلامی و تعظیم شعائر الهی و انجام وظایف و کار ویژه های صنفی روحانیت و مقابله با تهاجم فرهنگی ایفا می نماید.

آنچه که باید به آن زیاد توجه کرد این است که در زمان های قدیم عمامه، عبا و قبا، مختص گروه خاصی از مؤمنان نبود بلکه در آن زمان ها رسم این بود که افراد صالح و متدین این لباس ها را می پوشیدند و بعدها به تدریج تنها علمای دینی در این لباس ماندند و این لباس به عنوان علامت و نشانه علمای اسلام به حساب آمد. در حال حاضر هم یکی از شرایط پوشیدن عمامه، قبا و عبا داشتن صلاحیت لازم است و اگر کسی دارای آن شرایط نباشد اگر بپوشد، کار نادرست

انجام داده است و مانند کسی می ماند که لباس پزشکی بپوشد در حالی که شرایط پزشکی را ندارد. در زمان های قدیم برای پوشیدن این لباس، تنها صلاحیت اخلاقی کافی بود به همین جهت بسیاری از تاجران و پزشکان هم این لباس را می پوشیدند ولی در عصرهای اخیر یکی از شرایط این لباس، کسب علوم اسلامی و تبلیغ دین شد و در حقیقت باید به عنوان یک انیفرم و لباس کار و اعلام آمادگی برای پاسخ گویی به پرسش های اندیشه دینی، به آن نگاه شود. نه یک امتیاز اجتماعی و از سوء استفاده احتمالی برخی در این لباس باید جلوگیری کرد.

## **آیا مراجع تقلید و مبلغان دین اسلام توانسته اند اسلام ناب را به مردم معرفی کنند و آن شور و شوق لازم را برای رواج اسلام در مردم ایجاد کنند؟**

### **پرسش**

آیا مراجع تقلید و مبلغان دین اسلام توانسته اند اسلام ناب را به مردم معرفی کنند و آن شور و شوق لازم را برای رواج اسلام در مردم ایجاد کنند؟

### **پاسخ**

در باب وظایف اقشار مختلف جامعه از ۲ حیث می توان بحث کرد: هست ها و بایدها. یعنی آنچه اقشار و طبقات جامعه در حال انجام آن هستند و آنچه باید به آن عمل کنند. یکی از اقشار جامعه ما نیز طبقه روحانیون هستند. این قشر نیز به عنوان عضوی از جامعه، وظیفه خدمت رسانی به دیگر افراد جامعه را دارد (یعنی در قبال استفاده از امکانات جامعه باید سودی نیز برساند).

حال در بحث از بایدها و نبایدهای مربوط به وظایف این طبقه باید گفت: خدمت رسانی ایشان از قبیل خدمات معنوی و فرهنگی در یک جامعه است. زیرا ایشان متولیان نهاد دینی در جامعه می باشند از وظایف اصلی ایشان آشنا کردن دیگر اقشار مردم با دین حقیقی است. ایشان وظیفه دارند تا غبار خرافات و اوهامی که به دور دین بسته شده را بزدایند و دین اصلی و بدون پرده را به مردم بنمایانند. همچنین وظیفه دارند تا مردم را برای طی این مسیر تشویق و تحریض کنند.

اما از بعد هست ها و این که اکنون شاهد چه نوع عملکردی هستیم باید گفت: همانند دیگر اقشار جامعه شاهد عمل کردن مشفقانه و مخلصانه برخی از این گروه به وظایفشان هستیم. (لازم به ذکر نام نیست و برای همگان آشنایی دارند) اما برخی نیز در ایفای وظایف خود کوتاهی می نمایند.

مطلبی که مسأله را خطیر می کند، رسالت سنگینی است که بر دوش این

طبقه بوده و با تشکیل حکومت اسلامی بیش از پیش برایشان به وجود آمده.

توصیه می شود در این خصوص به مباحث مقام معظم رهبری در کتاب «حوزه و روحانیت» مراجعه گردد.

بنابراین روحانیت و مراجع تقلید با ایفاء نقش تاریخی خود نه تنها اسلام را در ایران معرفی کردند به طوری که کودکان نیز امروز با آموزه هایی آشنا هستند که در سابق حتی بزرگسالان نیز با بسیاری از آنها آشنا نبودند جز در خانواده های متدین و... بلکه صدای اسلام به گوش جهانیان نیز رسیده است و امروز اسلام گراها رشد عجیبی در غرب دارد. اما در عین حال هم کاستی های فراوانی داریم و هم پس از وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی در مسیر آن توقعات و زمینه های زیادی برای تبلیغ دین اسلام ایجاد شده است.

ضمناً از یاد نبریم با توجه به عمق نداشتن ایمان بسیاری از مردم، عملکردهای نادرست حکومت اسلامی یا کارگزاران و سایر افراد مسلمان تا حد زیادی تبلیغات را خنثی می کند بلکه به لحاظ مغایرت عمل با حرف، تأثیر معکوس دارد.

**چرا علمای ما هم در مسائل علمی و هم فقهی بارز نیستند و فقط در مسائل فقهی تامل و تدبر می کنند مگر پیامبر ما که الگوی آنهاست به هر دو مساله توجه نداشتند.**

### پرسش

چرا علمای ما هم در مسائل علمی و هم فقهی بارز نیستند و فقط در مسائل فقهی تامل و تدبر می کنند مگر پیامبر ما که الگوی آنهاست به هر دو مساله توجه نداشتند.

### پاسخ

در پاسخ به سؤال فوق گفتنی است:

اولاً باید مشخص شود منظور شما از علم چیست. اگر علوم تجربی است که طبیعی است حوزه چنین علمی جدا بوده و موضوعاً با تخصص فقها و کار ویژه آنان متفاوت است اما اگر مطلق علم منظور است در این صورت مسائل فقهی قطعاً مسائلی علمی می باشند. نظیر علم حقوق و...

ثانیاً، تعبیر علمای ما (اسلام) فقط منحصر به فقه نیست، بلکه علمی نظیر فلسفه اسلامی، تفسیر، کلام و الهیات، منطق، رجال و درایه، حدیث و حتی اگر علمی را که در حوزه های فرهنگی اسلامی رشد و نما یافته اند، مانند علم نجوم [برای آشنایی با این علوم ر.ک: کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین کوب] و... را هم از علوم اسلامی بدانیم، باز هم در حوزه تخصص علمای اسلامی می باشند. به عنوان نمونه ابوریحان بیرونی، زکریای رازی، بوعلی سینا، ملاصدرا، شیخ بهایی و... از علمای اسلام می باشند.

ثالثاً، سیره فقها در گذشته فراگیری علوم مختلف بوده است و هنوز نیز فقیهان بزرگواری وجود دارند که علاوه بر تخصص در



علم فقه در علوم دیگری مانند ریاضیات، هندسه، نجوم، طب و... تخصص دارند.

اما باید به این نکته مهم توجه داشت همچنان که پیشرفت جوامع بشری و گسترش موضوعات، باعث تفکیک و استقلال بسیاری از علوم در مجامع آکادمیک و دانشگاهی دنیا شد و در هر علم و رشته ای متخصصان ویژه ای به خود اختصاص داد،

در علوم اسلامی نیز تکامل و گسترش این علوم تفکیک و استقلال آنها را به دنبال داشت، لذا مشاهده می‌نماییم که در زمان حاضر علمای اسلامی برخلاف گذشته، دیگر به دنبال تخصص در علومی نظیر طب، نجوم، ریاضیات و... نیستند.

به عبارت دیگر به وجود آمدن مجامع دانشگاهی که متکفل تعلیم و تعلم این علوم اند، این بار را از عهده علمای اسلامی برداشته تا آنان بهتر و بیشتر بتوانند در حوزه علوم اختصاصی خویش به تحقیق، تفحص و نوآوری بپردازند.

رابعاً، هر چند داشتن تخصص در علوم جدید برای علماء امری ضروری نیست، اما این مسأله به معنای بی‌نیازی علوم اسلامی و علماء از آشنایی با علوم جدید نمی‌باشد. به عنوان نمونه فقیه قبل از تشخیص حکم باید موضوع را بشناسد تا بتواند حکم آن را صادر نماید و از طرف دیگر احکام شرعی شامل جمیع شؤونات زندگی و در نتیجه شامل همه موضوعات موجود در جهان می‌باشد، بنابراین تشخیص حکم شرعی در گرو شناخت همه موضوعات و داشتن حد لازم و ضروری از علوم روز به تناسب موضوعات احکام است (ر.ک: مرجعیت، سید هدایت الله طالقانی، تهران، نشر ارغنون، ۱۳۷۴، ص ۲۴۶).

بنابراین اطلاع فقها و علمای اسلامی از برخی مسائل و ابعاد علوم جدید لازم است. از این رو مراجع، فقها و علمای اسلامی در مسائل و موضوعات مبتلابه در حد نیاز و ضرورت و حتی بیش از آن از علوم جدید مطلع و آگاهند و حتی در مواقع نیاز با متخصصان این علوم به مشورت پرداخته توضیحات و اطلاعات لازم را کسب می‌نمایند.

**چطور شده که در دانشگاه‌های ما قباح کارهای زشت و وجاهت کارهای خوب رخت بر بسته و دانشگاه‌ها به جای مراکز علم و دانش به مراکز تجمع عشاق تبدیل شده و چه طور می‌شه که وضع اسلامی برگرده و دانشجویان حق دانشگاه و جامعه را بر دوش خودشان حس کنند که کارشان درس خواندن**

**پرسش**

چطور شده که در دانشگاه‌های

ما قباحت کارهای زشت و وجاهت کارهای خوب رخت بریسته و دانشگاه ها به جای مراکز علم و دانش به مراکز تجمع عشاق تبدیل شده و چه طور می شه که وضع اسلامی برگرده و دانشجویان حق دانشگاه و جامعه را بر دوش خودشان حس کنند که کارشان درس خواندن است به ازاء استفاده از خوابگاه و سلف و نوارخانه و ... باید درس بخوانند و باید این حق را اداء کنند و الا- حق الناس را اداء نکرده اند، وظیفه مسولان و دانشجویان چیست و تا وضع درست می شود چه کنیم که افراد بیشتری از راه به بیراهه نروند و بتوانند خودشان را حفظ کنند.

## پاسخ

چگونگی احیاء ارزش های اسلامی در جامعه همه مراکز فرهنگی از جمله حوزه علمیه قم، وزارتخانه های دولتی، مخصوصا اداره ارشاد و صدا و سیما و... و در دانشگاه ها در درجه اول عبارتند از:

- دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

- مدیر فرهنگی دانشگاه ها

- تشکل های اسلامی دانشجویی مخصوصا بسیج

- تشکل های اسلامی اساتید دانشگاه ها از جمله بسیج اساتید دانشگاه ها

اما واقعیت این است که براساس حدیث شریف نبوی «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة» همه ما در این زمینه مسؤول هستیم و حتی اگر عده ای شانه از زیر مسؤولیت های خود خالی کنند نه تنها بهانه ای برای ترک وظیفه ما نخواهد بود، بلکه بار مسؤولیت آنها را نیز باید به دوش بکشیم و از این طریق ادامه دهندگان راه شهدا و پرچمداران حق باشیم.

ضمنا به منظور تکمیل این پاسخ و نیز راهکار عملی برای پاسخ سؤال شماره ۲ و

۳ نکات ذیل را یادآوری می کنیم:

در این زمینه خوب است به منابع زیر که چندان مفصل نیستند مراجعه فرمایید:

مجله پرسمان، چرایی پوشش بانوان، آقای حسینی

مجله پرسمان، ش ۸، روابط دختر و پسر، آقای احمدی

تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران

شش نکته مهم که توجه بدانها ضروری تر است:

اولا، آگاهی دقیق و عمیق برادران و خواهران متعهد و حزب اللهی در دانشگاه ها نسبت به موارد و مصادیق معروف و منکر.

ثانیا، کار تشکیلاتی با انسجام همه نیروهای معتقد به مبانی دینی و انقلابی اعم از تشکل های اسلامی بسیج و سایر تشکل های مذهبی و متعهد و نیز با همکاری و ارشاد و اقدام جدی دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها در ضمن از این طریق می توانید:

۱- کلاس های آشنایی بیشتر با مبحث امر به معروف و نهی از منکر و راه کارهای اجرایی آن برگزار کنید.

۲- در شورای فرهنگی دانشگاه و سایر مراکز فرهنگی دانشگاه در تصویب مقررات خوب و نیز تضمین اجرای آن نقش خوبی را ایفا کنید.

۳- گاهی برخورد با بعضی از منکرات به لحاظ حساسیت یا ویژگی خاص، نیاز به جریان سازی دارد، تشکل منسجم نیروهای خودی در این راستا، کارآیی خوبی می تواند داشته باشد.

ثالثا، کار مطبوعاتی و نشریاتی و درج مقالات علمی و نه تهاجمی تند و بی منطق و پر از شعار.

رابعا، تشکیل یک هسته امر به معروف و نهی از منکر دانشجویی. البته با نهایت دقت که به نام شما با حرکت های بی منطق و تند نابه جا و غیرمنطقی، سوء استفاده نشود بهتر است این اقدام در قالب کار تشکیلاتی

مذکور صورت پذیرد.

خامسا، دوستی و محبت و نفوذ در دل خاطیان و همان کسانی که با زبان نصیحت پذیرای سخن شما نیستند، در اردوها، در کلاس ها، در اوقات فراغت. چه این که نصیحت به معنای خیرخواهی است باید راه کار عملی ساختن نصیحت را جستجو نمود. قطعاً محبت یکی از بهترین شیوه های ممکن است.

سادسا، مبارزه با منکرات و مفسدات اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه یک واجب قطعی بر عهده یکایک دانشجویان و همه مسئولین و مدیران دانشگاه ها و کل جامعه است، لیکن این امر مهم را می توان در دو بخش انجام داد:

۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند، فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه ی عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ از جمله: "اولاً": فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد. ثانیاً، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثاً، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده، اصرار بر استمرار آن داشته باشد. رابعاً، در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد. علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه

ی پایین تر، جایز نیست که به مرتبه ی بالاتر تعدی کند. در مرتبه ی اول ناراحتی قلبی و تنفر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت، روی بر گرداندن و.. از او، ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه ی دوم امر و نهی زبانی، موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن، گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه ی سوم، مرحله ی اقدامات عملی است. اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت، واجب است از اعمال قدرت استفاده کند، (تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵). البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولان ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، (استفتاآت آیت الله خامنه ای، ترجمه ی فارسی، ج ۱، ص ۲۳۱).

۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی، قوه قضائیه، دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ستاد مبارزه با مواد مخدر و...) موظف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون، نسبت به انجام مسئولیت های خود کوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند. در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه

با منکرات و مفسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است، ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات، مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است. راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، ازدواج، تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی، اجرا شدن فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر، فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاه های مربوطه با افراد شرور و مخل به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های اسلامی و تهدید کننده ی سلامت جامعه، مطلوب است. در مورد محیط و اطرافیان: مسلماً حفظ ایمان و ارزش های آن در محیط نامساعد بسی دشوار است ولی ارزش افزون تری دارد. خداوند در سوره ((تحریم)) آیه ۱۱ نمونه ای را برای این گونه افراد یادآوری می نماید. خداوند برای مؤمنان آسیه همسر فرعون را مثال و نمونه می آورد هنگامی که از شوهرش بیزار می گشت و عرضه داشت: خدایا! من از قصر فرعون و زیورهای دنیوی گذشتم و تو خانه ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش. حفظ ارزش ها در محیط مناسب و مساعد هنر نیست. هنر آن است که در تندباد ضد

ارزش ها ارزش ها مطرح شود. بنابراین سعی کنید با اعتماد به خدا و یقین به درستی راه دین و ایمان خود را حفظ نموده و همواره آن را تقویت کنید. از مطالعه قرآن و توجه به معانی آن و همچنین کتاب های سودمند دیگر و شرکت در مجالس و عظ و دیگر محافل دینی غفلت نکنید. باید بدانید که خداوند قدرت و توان مقابله با گناه را در وجود شما قرار داده است و لیکن با عزم و همتی سترگ باید به مبارزه با گناه برخیزید و همواره کوشش کنید که برای اولین بار که میل به گناه آمد با جدیت تمام در برابر آن مقاومت کنید، آن گاه به تدریج مبارزه آسان خواهد شد. در هر صورت نگاه کردن عمدی و یا خیره شدن به نامحرم از روی لذت حرام است، اما اگر در حال عبور از کوچه و بازار و... چشم انسان به نامحرم افتاد اشکال ندارد. البته نگاه کردن به صورت و دست های زنان نامحرم تا میچ اگر به قصد لذت و شهوت نباشد اشکال ندارد.

برخی از کارهای فرهنگی که در دانشگاه ها می توانید انجام دهید و در برخورد با فساد از زاویه کارهای فرهنگی عمل نمایید عبارتند از:

الف) برگزاری جلسات دینی اعم از کلاس، سمینار، فوق برنامه و...

ب) برگزاری مسابقات جهت دار که به روشنگری و اشاعه افکار ناب اسلامی و انقلابی بپردازد.

یکی از بهترین مسابقات، مسابقات قرآنی، نهج البلاغه، کتب مذهبی و سیاسی خوب مانند پرسش ها و پاسخ های آیت الله مصباح یزدی است. البته باید طرح این مسابقات با یک کارشناسی، از حالت



کلیشه ای و قالب خشک در آید تا با جذابیت خوب برگزار گردد.

ج) نشریات دیواری، هفتگی، ماهیانه و یا فصلنامه و یا گاهنامه با مطالب مفید و متنوع و جذاب.

د) خنثی کردن تبلیغات سوء افراد جاهل یا مفروض به طرق مختلف از جمله پاسخ گویی به شبهات در سخنرانی ها، نشریات، بردها و...

و) برگزاری اردوهای مفید به دور از اختلاط و اجرای برنامه های اطلاع رسانی (جلسه گفتگوی صمیمانه با حضور برخی صاحب نظران فرهنگی اسلامی) و...

ناگفته نماند که کار فرهنگی یک تعریف مشخص و معینی ندارد و ما به برخی از مصادیق و نیز راهکارهای اجرایی آنها بود.

ما چند وظیفه در قبال مشکلات جامعه داریم:

۱- اولاً سعی کنید این روحیه تعهد و مسئولیت پذیری را همواره در خود حفظ کنید.

۲- مراقب باشید که خودتان به این گونه اشتباهات آلوده نشوید.

۳- در صورت امکان و احتمال تأثیر از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نکنید که یکی از علل شیوع این مشکلات عمل نکردن مردم به این وظیفه همگانی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است البته اگر احتمال اثر نمی دهید و یا ممکن است برای شما خطر جدی به دنبال داشته باشد همان تأثیر و ناراحتی درونی شما کافی است ولی در صورت امکان به هر اندازه ای که می توانید باید به تکلیف شرعی خود عمل نمایید و لازمه این کار آشنایی با احکام امر به معروف و نهی از منکر است.

۴- سعی نمایید با خودسازی، کسب مهارت های لازم خودتان را آماده خدمت به جامعه کنید تا حداقل جای یکی از افرادی که موجب این نابسامانی ها

می شوند را پر نمایند.

۵- وجود این گونه کاستیها و نابسامانی ها یا مشکلات فرهنگی و اخلاقی از قبیل بی حجابی نباید موجب یأس و ناامیدی شما شود بلکه باید شما را مصمم کند تا خود برای اصلاح و بهبود وضع موجود مهیا کنید و از خداوند بخواهید که این امکان و توفیق را به شما بدهد تا در کنار دیگر دردمندان دلسوز بتوانید گام های مؤثر در جهت رفع این مشکلات بردارید.

جهت انجام فعالیت های فرهنگی در دانشگاه نکاتی را باید رعایت نمود تا فعالیت فرهنگی از نظر کمی و کیفی نتیجه مطلوب را داشته باشد. برخی از آن نکات عبارتند از:

۱. درست شناختن کاری که در پی انجام آن هستیم - تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند - باید اولاً کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید.

۲. در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلاً اگر می خواهید نشریه داشته باشید - کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگاری آشنایی کافی را دارند.

۳. از افراط و تفریط پرهیز نمایید.

۴. اهل مدارا و گذشت و ملاحظت باشید زیرا کار فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود.

۵. صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد.

۶.

از افراد با انگیزه ای به عنوان همکار کمک بگیرید. پراکنگیزه باشید و صرفاً برای وقت گذرانی یا کسب درآمد به آن کار نپرداخته‌اند.

۷. نمونه کاری را که می‌خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بازرسی و دیدن و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید.

۸. هیچ‌گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید.

۹. هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پربار و با برکت خواهد بود.

### چرا از آموزه های ثابت قرآن، در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی‌کنیم؟

#### پرسش

چرا از آموزه های ثابت قرآن، در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی‌کنیم؟

#### پاسخ

اسلام با ظهور خود، فرهنگ نوینی را به بشریت عرضه داشت و با طرح مفاهیم جدید، بینش انسان‌ها را دگرگون ساخت. این مفاهیم که از مجرای وحی و سنت رسول خدا(ص) - که ترجمان حقیقی وحی بود - نازل شد و با عمل و رفتار مؤمنان در شبه جزیره عربستان بسط یافت؛ بنیان‌های تکوین یک «امت واحد جهانی» را فراهم آورد.

قرآن شریف، سفارش‌های مکرری به اندیشیدن و تمیز درست از نادرست دارد و این رهنمودها کاملاً منطقی است. این کتاب عظیم همان‌طور که عقل را راهنمای انسان می‌داند، از افراد بشر می‌خواهد تا حکمت و رشد خود را گسترش دهند. در این باب نگاه: عباس محمود عقاد، تفکر از دیدگاه اسلام، ترجمه محمدرضا عطائی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: چاپ اول ۱۳۷۱ ش، صص ۹-۲۶. همچنین در این کتاب بی‌نظیر، آموزه‌هایی وجود دارد که سمت و سوی حرکت آدمی را به کلی دگرگون ساخته است. آموزه‌هایی در باب اخلاق، خداشناسی، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، تاریخ و....

حضرت رسول(ص) با سیره عملی و گفتار زبانی و بعد از او ائمه(ع)، کوشش کردند تا این آموزه‌ها را به طور صحیح و درست برای ما تفسیر کنند؛ هر چند به دلایلی نشد آنچه را که حق این کتاب بود، به بشریت ارزانی دارند.

اما باید به این نکته توجه داشت که هدف اصلی و اولی قرآن شریف، کدام یک از این آموزه‌ها بوده است؟ آیا علاوه بر طرح مسائلی چون خداشناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی و اخلاق؛ مواردی چون جهان‌شناسی به معنای شناخت جهان و طبیعت (مانند فیزیک، گیاه‌شناسی،

زمین‌شناسی، ستاره‌شناسی) و در یک کلام دانش تجربی نیز مد نظر وحی بوده است تا ما انتظار داشته باشیم که چنین قضایایی نیز در قرآن طرح شده باشد؟!

قرآن، کتاب انسان‌سازی است تا آنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی؛ یعنی، تقرب به خدای متعال نیاز دارد، به او بیاموزد. بر این اساس، آموزه‌هایی که در ارتباط مستقیم با این مسأله بوده‌اند مورد اهتمام آیات قرآن‌اند؛ یعنی، در باب خداشناسی، انسان‌شناسی، معادشناسی، راهنماشناسی، اخلاق و احکام عبادی.

اما درباره جهان، طبیعت و مسائل فیزیکی و جسمانی بدن، قرآن به طور اجمالی و استطرادی، بحث کرده است و شاید هیچ‌آیه‌ای را نیابیم که مستقلاً و مستقیماً، به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان‌ها و زمین پرداخته باشد.

در برخی موارد، گفت و گو از آفرینش جهان و انواع آفریده‌ها، برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی او به عظمت الهی و سترگی حکمت‌هایی است که خداوند در آفرینش به کار برده است. در پاره‌ای مواضع، نعمت‌های خدا در آسمان و زمین، به تفصیل یادآوری شده است تا انگیزه‌ای برای شکر و حق‌شناسی باشد. و در همه جا ممکن است این هدف مد نظر باشد که انسان، با نگرش به عالم - از آن جهت که آفریده خدا و در چنبره تدبیر او است - «معرفت فطری» و «شناخت حضوری» خود را شکوفا کند و به آن شدت و نیروی بیشتری بخشد. محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن، مؤسسه در راه حق، قم: چاپ اول ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۲۲۶ و ۲۲۵.

با توجه به این نکته، در پاسخ به این پرسش خاطرنشان می‌شویم که اگر مقصود از «نظریات قرآن» در باب

آموزه‌هایی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن است؛ بلکه در این جهت ما باید کوشش کنیم تا آموزه‌های قرآنی را محور نظریات علمی خود قرار دهیم و از آنها سود جویم. به راستی ما در انسان‌شناسی و اخلاق و حتی مباحث خداشناسی، راهنماشناسی و معادشناسی، هنوز مطالب ناگفته بسیاری در قرآن داریم که با استخراج و انتظام منطقی آنها، می‌توانیم مسائل جدیدی را در این ساحت‌ها، به جهان بشری عرضه کنیم.

اما اگر منظور، آموزه‌هایی در ساحت دانش تجربی باشد - که هدف اولی و اصلی قرآن نبوده و در این مورد تنها به ذکر کلیاتی اکتفا شده است - به نظر ما نباید تلاش بیهوده‌ای را آغاز کنیم؛ همان‌گونه که برخی چون رشید رضا در تفسیر «المنار» و طنطاوی در تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن» کوشش کرده‌اند که بسیاری از مسائل علمی را با آیات قرآن تطبیق دهند. این آیات از آن‌جا که جنبه غیراصولی و استطرادی دارد، در هیچ زمینه، هیچ‌گاه به بحث‌های تفصیلی در این باب نپرداخته است؛ بلکه به همان اندازه که هدف قرآن در هدایت مردم تأمین می‌شده، بسنده کرده است. به همین جهت برخلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات غالباً دارای ابهام‌هایی است و کمتر می‌توانیم نظر قطعی در این مورد به قرآن نسبت دهیم. برای آگاهی بیشتر ر.ک: همان، صص ۲۲۸ - ۲۳۲.

در این جا تذکر چند نکته لازم و ضروری است:

۱. هر چند قرآن به دانش تجربی - چنان که توضیحش گذشت - نپرداخته است؛ ولی با لحن خاصی انسان را تشویق و ترغیب نموده است که در این باره به کند و کاو

و جست و جو و کشف عالم طبیعت پردازد. (نگاه: اعراف، آیه ۱۸۵؛ غاشیه، آیه ۲۰ - ۱۷؛ بقره، آیه ۱۶۴ و...)

۲. خداوند، عقل را به عنوان «حجت باطنی» برای انسان قرار داده است تا در پرتو آن، بشر خود دست به خلاقیت زده و با استفاده از آن، مجهولات جهان طبیعت را کشف کند. در حقیقت، این موضوع به انسان واگذار شده است؛ از این رو در این باره باید از عقول دیگران و تجارب آنان، سود جوید.

۳. علوم اسلامی، همچون تفسیر، فقه، اصول، حدیث، نحو، بلاغت، تاریخ، اخلاق، فلسفه و کلام، هر چند در پرتو هدایت های رسول خدا(ص) و پایه گذاری حضرت علی(ع) پدید آمده است؛ ولی بسط و تسدید آن به وسیله ی انسان صورت گرفت و آدمی با عقل خود، آن را توسعه بخشید. بنابراین علوم غیراسلامی نیز می تواند با خود آدمی، رشد و بالندگی خود را به دست آورد. در این باب نگاه: علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، ظهور شیعه، انتشارات فقیه، تهران: چاپ اول، ۱۳۶۰ ش، ص ۳۳ و ۳۴.

۴. طفیلی و استطرادی بودن بعضی از آموزه های قرآنی درباره ی «دانش تجربی»، به این معنا نیست که آنها پندارهای خیالی اند که برای ارائه یک پیام ارزشی ساخته و پرداخته شده باشند. هرگز چنین نیست! گزارش های «وحی» از خلقت آسمان و زمین، کلام آن خداوندی است که بهتر و برتر از همگان به اسرار خلقت و چگونگی آفرینش آگاه است. قرآن، در پی تبیین چنین آموزه هایی نبوده است و از این رو این سلسله آیات، با ابهام مطرح شده است. در واقع با این سلسله آیات، خداوند آدمی را تحریک، تشویق و ترغیب کرده

است تا با استمداد از عقل خود، به کشف رازهای مجهول آن نایل آید.

۵. ناگفته نماند که نگاه دینی قرآن به طبیعت و تاریخ، از یک امتیاز عمده نسبت به نگاه مفسران مادی طبیعت برخوردار است؛ زیرا قرآن، همراه با طرح این مسائل، به «علت فاعلی و غایی» حوادث طبیعی و تاریخی نیز توجه نشان می دهد و در نتیجه علوم طبیعی و اجتماعی را با دو بال «هو الاول» و «هو الاخر» تا اوج گاه «مبدأ» و «معاد» پرواز می دهد. آیت الله عبداللّه جوادی آملی، شریعت در آئینه معرفت، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۲، صص ۱۶۴ - ۱۶۶. به هر حال ما باید در بعضی از آموزه های قرآنی - که اهتمام اولی به آن شده است - نظریات آن را استخراج کرده، به جهانیان عرضه نماییم؛ ولی در بعضی از دانش ها (چون دانش تجربی و تاریخی) باید با استمداد از عقل بشری و تبادل آرا و افکار، از دیدگاه دانشمندان، در کشف مجهولات خویش استفاده کنیم.

### چرا ارتباط طلاب با جوانان کم شده و روحانیت وظیفه خود را درست اداء نمی کند؟

#### پرسش

چرا ارتباط طلاب با جوانان کم شده و روحانیت وظیفه خود را درست اداء نمی کند؟

#### پاسخ

روحانیت عظیم الشان در جهان تشیع، از عظمت و قداست بسیار بالا و والایی برخوردار بوده، و پرچمدار نهضت ها و مبارزات ضد استکباری و ضد استبدادی در دوره های مختلف تاریخ بوده است. نگاهی کوتاه و اجمالی به سابقه درخشان روحانیت، نشانگر این حقیقت است. نهضت مشروطه، ملی شدن صنعت نفت، نهضت تنباکو، مبارزات سیدجمال الدین اسدآبادی، و بالاخص انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (، حاصل و نتیجه فعالیت مبارزاتی و هدایتگر روحانیت است.

اما به نظر می رسد پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به چند دلیل عمده روحانیت آنگونه که باید، نتوانسته است پاسخگوی جامعه، بخصوص نسل جوان باشد :

۱. با پیروزی انقلاب اسلامی، و تشکیل حکومت اسلامی، و حاکمیت اسلام و مقررات بر شئون کشور، بسیاری از رسانه ها از جمله صدا و سیما، روزنامه، مجلات، و ... ، فعالیت های فرهنگی و تبلیغی را که قبل از انقلاب به عهده روحانیت بود، در برنامه کاری خودشان قرار دادند. لذا بخشی از اعضای جامعه، با بهره برداری از این رسانه ها، خود را بی نیاز از برقراری ارتباط با روحانیت دیدند، و کمتر در مجالس و محافل حضور یافتند، و مساجد کم رونق شد. از سوی دیگر برادران روحانی نیز که با عدم استقبال مردمی مواجه شدند، برای برقراری ارتباطی دوستانه تلاش نکردند، و چنین احساسی در آنها نیز بوجود نیامد. شاید ضرورتی نمی دیدند که همانند گذشته فعال و پرتلاش باشند، چون احساس می کردند که سایر دستگاهها کار آنان را انجام می دهند. مباحثی که

در سطح رسانه ها مطرح می شد، با توجه به این که از استادان عالی رتبه و مجتهدان والامقام دعوت می شد، تا به وعظ و خطابه و نگارش مقاله پردازند، طبعاً گزیرایی و استحکام سخن و کلام و قلم آنها، بیش از طلاب جوانی بود که در یک محله و از یک مسجد، به وعظ و خطابه می پرداختند.

۲. متأسفانه برادران عزیز و روحانی، که انتظار داشتند مردم و جوانان به سوی آنان بروند (همانند قبل از انقلاب)، چون احساس کردند جوانان نمی آیند، آنها نیز برای برقراری ارتباط دوستانه و صمیمی ضرورتی احساس نکردند. و نیز در ارائه مواعظ و سخنرانی ها، به مطالعه عمیق پرداختند، تا مراجعان و جوانانی که پای صحبت آنان می نشینند، احساس کنند مطالب نویی می شنوند. در اکثر موارد، مسائل و مطالب تکراری که از رسانه ها شنیده بودند، در مساجد طرح شده، موجب زدگی مردم شده است.

۳. برادران عزیز روحانی، متناسب با پیشرفت و تحول جامعه، متحول نشده اند. و حال آنکه یکی از شرایط واعظ و مبلغ، درک زمانه است. ولی این اتفاق حاصل نشده، و موجب بی اقبالی جوانان به مجالس و محافل گردیده است.

۴. اشتغالات سیاسی، فرهنگی و اداری برخی از روحانیون، و احتمالاً خطاها و اشتباهات آنان، یا حداقل برآورده نساختن خواسته های مردم، به حق یا به ناحق موجب شده که چهره بسیاری از افراد خدوم و با تقوای روحانی، نیز خدشه دار شود، و از اقبال مردم به آنان بکاهد.

در پایان توصیه می کنم مصاحبه استاد شهید مرتضی مطهری را، در خصوص وظایف روحانیت بعد از انقلاب، که قبل از شهادتشان



صورت گرفته است، و کتاب نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر را، بطور دقیق مطالعه بفرمایید. (۱)

## یک فرد در خانواده خود، چه جایگاهی دارد و به انجام چه کارهایی ملزم است ؟

### پرسش

یک فرد در خانواده خود، چه جایگاهی دارد و به انجام چه کارهایی ملزم است ؟

### پاسخ

هر فرد در خانواده با توجه به جایگاهی که دارد، نقش و مسئولیت مخصوصی که هر کدام با دیگری متفاوت است ؛ برای مثال مسئولیت پدر و مادر، با مسئولیت فرزندان و جایگاه آنان فرق دارد که در این جا به گوشه ای از آن ها از دیدگاه قرآن اشاره می شود:

الف جایگاه و مسئولیت مشترک پدر و مادر

۱. ایجاد آرامش و امانت و حفاظت از انحراف یک دیگر: "أَحِلَّ لَكُم لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَشِرُوهُنَّ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاكِينِ ذَلِكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لِّلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (بقره ۱۸۷) آن ها [= زنان لباس شما هستند و شما] مردان لباس آن ها هستند." لباس افزون بر جهت امنیتی از سرما و گرما و... عیوب را می پوشانند و زینت محسوب می شود. دو همسر، یک دیگر را از انحرافات حفظ می کنند و عیوب یک دیگر را می پوشانند و وسیله راحتی و آرامش یک دیگرند، و هر یک زینت دیگری محسوب می شود. (تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ص نشر دارالکتب الاسلامیه )

۲. تولید نسل و تربیت فرزندان صالح "نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ - وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ مُلْقَوَةٌ - وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (بقره ۲۲۳) زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان

که بخواهید، می توانید با آن ها آمیزش کنید. و [سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته با پرورش فرزندان صالح اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید. " در روایتی از پیامبر ۹ وارد شده است که فرمود: " وقتی که انسان می میرد، امید او جز از سه چیز قطع می شود: ۱. صدقات جاریه ۲. علمی که از آن سود می برند ۳. فرزند صالحی که برای او دعا می کند. " (همان ج ص ۱۴۱۴۲).

#### ب مسئولیت سرپرست خانواده

۱. تربیت صحیح همسر و فرزندان خداوند در سوره فرقان این ویژگی را از صفات مؤمنان راستین بر می شمارد و می فرماید: "وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا" (فرقان ۷۴) آن ها = مؤمنان راستین کسانی هستند که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندان ما، مایه روشنی چشم ما قرار ده " بدیهی است که منظور این نیست که فقط در گوشه ای بنشینند و دعا کنند، بلکه دعا، علامت شوق درونی و رمز تلاش و کوشش است (همان ج ۱۵، ص ۱۶۷).  
۲. امر به معروف و نهی از منکر همسر و فرزندان "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقَوُّدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَغَ كَهٗ ءَعْلَاطٍ عَلَيْهِمْ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (تحریم ۶) ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتش که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است نگاه دارید. " هنگام نزول این آیه شخصی از پیامبر ۹ پرسید: چگونه خانواده خود را از آتش دوزخ حفظ کنم پیامبر ۹ فرمود: " آن ها را امر به معروف و نهی از منکر کن اگر از تو

پذیرفتند، آن‌ها را از آتش دوزخ حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرفتند، وظیفه خود را انجام داده‌ای "

ج مسئولیت مادر از جهت مادری و همسری

۱. رازداری "وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ تَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْحَخِيرُ (تحریم ۳) به خاطر بیاورید هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود." از مجموع آیه به دست می‌آید که همسر انسان بایستی رازدار اسرار شوهر خود باشد.

۲. رسیدگی به امور خانه مانند نظافت غذا و...: "وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنَ كَامِلَيْنِ (بقره ۲۳۳) مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند."

د مسئولیت فرزندان ۱. اطاعت از پدر و مادر: در اسلام اطاعت از پدر و مادر لازم شمرده شده است مگر آن که انسان را به گناه و یا به ترک واجب امر کنند، که در این صورت اطاعت آنان لازم بلکه جایز نیست (عنکبوت ۸)

۲. احسان و نیکی به آن‌ها: "وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (عنکبوت ۸) ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند."

۳. تشکر و قدردانی از آن‌ها: "وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ"

أُمَّهُ وَهَنَّا عَلَى وَهْنٍ وَفَضِيلُهُ فِي عَامِنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلَوْلَا تَدْيِكِ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (لقمان ۱۴) [آری به او توصیه کردم که شکر برای من و برای پدر و مادرت به جا آور." ]

۴. رفتار شایسته با آنان " وَإِنْ جَهَّدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (لقمان ۱۵) و با آن ها در دنیا به طرز شایسته ای رفتار کن "

### برای یک دانشجو درس مقدم است یا فعالیت های فرهنگی ؟

#### پرسش

برای یک دانشجو درس مقدم است یا فعالیت های فرهنگی ؟

#### پاسخ

وظیفه دانشجو در درجه اول خوب درس خواندن است. البته انجام فعالیت های فرهنگی نیز وظیفه بزرگی است؛ ولی نباید درس را به خاطر آنها فدا کرد. بنابراین در حد امکان طریق اعتدال و میانه روی را پیش گیرید. }]

### تفاوت بین یک طلبه و دانشجو چیست ؟

#### پرسش

تفاوت بین یک طلبه و دانشجو چیست ؟

#### پاسخ

مهمترین تفاوتی را که می توان میان یک دانشجو با یک طلبه برشمرد، تفاوت در نوع مسئولیت و وظیفه هر کدام می باشد که خود برخواسته از هویت صنفی و شغلی است. به عبارت دیگر در جایگاه و نقشی که هر کدام از آن ها در جامعه دارند وظایف و کارکردها و اهدافی مورد انتظار می باشد که هر کدام برای تحقق آن پرورش یافته اند. مثلاً "مهمترین مسئولیت یک طلبه تلاش و کوشش در جهت فراگیری احکام و معارف اسلامی برای تبلیغ و عرضه آنها به جامعه و تحقق عملی آنها در ابعاد فردی و اجتماعی زندگی می باشد و مسئولیت یک دانشجو خوب درس خواندن و کسب تخصص در رشته تحصیلی خود برای پیشرفت و توسعه کشور است. ضمن این که هر دو گروه باید با یکدیگر تعامل داشته و علاوه برخودسازی دست در دست یکدیگر برای اعتلای فرهنگی و علمی و استقلال و سربلندی جامعه کوشا باشند.

### اخلاق و کردار و رفتار و گفتار بسیجی نمونه را شرح دهید.

#### پرسش

اخلاق و کردار و رفتار و گفتار بسیجی نمونه را شرح دهید.

## پاسخ

یک بسیجی نمونه به نظر ما دارای صفات و ویژگی هایی است که او را از سایرین ممتاز می سازد. برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

اول، نقش الگویی: یک بسیجی نمونه یعنی یک الگوی اخلاقی و رفتاری، یک انسان ارزشی، یک مسلمان و مؤمن واقعی. در جامعه اسلامی کنونی ایران که اکثریت افراد آن را جوانان تشکیل می دهند، بسیجی ها می توانند الگوی مناسبی برای ایمان، اخلاق و رفتار سایرین، خصوصاً جوانان باشند. مردم نیز به آنها به دیده یک انسان خود ساخته نظر می کنند کاری که یک بسیجی انجام می دهد به هر کیفیت که باشد به پای اسلام و نظام اسلامی نوشته می شود و مردم به هیچ وجه از یک بسیجی توقع رفتار یا گفتار نامناسب را ندارند.

بسیجی یعنی یک انسان موفق، کسی که هم در تحصیل علم و شناخت زمین و زمان موفق می باشد و هم اهل آسمان و معنویت است و در تحصیل ایمان و اخلاق موفق می باشد. بسیجی از این منظر یعنی ارزش های نهادینه شده در یک انسان والا.

دوم. عشق و اطاعت از رهبری: یکی از ویژگی های یک بسیجی نمونه عشق او نسبت به رهبر و مقتدای خویش است. بسیجی مدرسه عشق است و بسیجی یعنی عاشق؛ یعنی مطیع رهبر یعنی یک مخلص، یک مرد خدا. بسیجی ولایت فقیه را می شناسد و به آن اعتقاد دارد و تنها فقیه عادل را شایسته رهبری امت و حکومت بر جامعه اسلامی می داند. بسیجی اطاعت از رهبر را واجب می شمارد،

نیروی است که به اشاره رهبر حرکت می کند و بازوی توانمند رهبری در حفظ نظام اسلامی است.

۳. روحیه ایثار و فداکاری: بسیجی یعنی یک انسان هدفدار. هدفی که فراتر از اهداف مادی و زمین است. هدف بسیجی اعتلای کلمه الله در زمین است و در مسیر تحقق این مقصد، از هیچ فداکاری دریغ نمی کند. بسیجی یعنی یک فدایی راه خدا و یک قربانی راه ایمان. کسی که از خودش گذشته، برای خودش هیچ نمی خواهد و منیت و خودخواهی خویش را فدای خواست و رضایت خداوند ساخته است.

بسیجی یعنی یک انسان آماده شهادت، کسی که حاضر است برای رسیدن به آرمان الهی خویش جانش را نثار کند. این حالت اصلی ترین مشخصه یک بسیجی نمونه و واقعی است. هنگامی که آدمی احساس می کند در هر لحظه حاضر است از مال و جان خویش در راه رضایت خداوند بگذرد یک بسیجی واقعی است.

۴. حضور در صحنه: یکی از خصوصیات بسیجی نمونه حضور در صحنه است بسیجی در هر شرایطی که احساس کند آرمانش و موجودیت ارزش ها و اهداف انقلاب اش در خطر است، در صحنه حضور مؤثر دارد. بسیجی هم در صحنه های دفاع حضور دارد و هم در صحنه های سازندگی کشور هم در عرصه های دفاع و سازندگی فرهنگی حاضر می شود و هم در میدان های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی.

بسیجی یعنی یک نیروی آماده است، یک امداد الهی، کسی که در هر لحظه آماده دفاع و تأمین منافع اسلام و انقلاب است و در هر کجا که کشور به او نیاز دارد، حضور دارد. یک نیروی منتظر. یک منتظر واقعی

امام زمان(عج) و کسی که معتقد است، تنها با جهاد و اجتهاد زمینه ظهور حضرت(ع) فراهم می شود.

۵. روحیه عدالت خواهی و ستم ستیزی: یکی از ابعاد مهم کار بسیجی، عدالت خواهی و ستم ستیزی در سطح جامعه است. بسیجی یعنی کسی که تحمل ستم را ندارد و برای اجرای عدالت واقعی تلاش می کند. اساسی ترین اصل در سیاست داخلی و خارجی حکومت اسلامی، تأمین و گسترش عدالت در سطح جامعه بشری است آرمانی که تمامی انبیاء و اولیاء الهی برای تحقق آن کوشیده اند و عدالت، یعنی (اعطاء کل ذی حق حقه) هر کس به حق و حقوق خویش برسد، هر کس در جای خویش بنشیند و هر کاری به موقع انجام شود. یکی از آرمان های بزرگ یک بسیجی نمونه احقاق حقوق و توزیع عادلانه ثروت و قدرت در سطح جامعه است و برای این منظور تلاش می کند.

و بالاخره بسیجی نمونه، یعنی یک شیعه واقعی، کسی که در اخلاق و عمل به مولا و امیر مؤمنان علی و اولاد طاهرینش(ع) اقتدا می کند و پیرو آنها است.

### کسی که دوستدار ولی فقیه است، چه وظیفه ای دارد؟

#### پرسش

کسی که دوستدار ولی فقیه است، چه وظیفه ای دارد؟

#### پاسخ

انجام وظایف و تلاش و جدیت برای تحصیل و پیشرفت علمی، غافل نبودن از شرایط زمان و داشتن بینش سیاسی و الزام به احکام دین مهمترین پایه هایی است که رضایت خدا و رضایت امام زمان و نایب ایشان را در پی دارد.

### چرا سخنرانان فقط در یک زمینه - مثلا اخلاقی - سخنرانی می کنند\* آیا بحث دشمن شناسی ضرورت ندارد؟

#### پرسش

چرا سخنرانان فقط در یک زمینه - مثلا اخلاقی - سخنرانی می کنند\* آیا بحث دشمن شناسی ضرورت ندارد؟

#### پاسخ

وظیفه سخنران مذهبی و کسانی که مسئولیت خطیر تبلیغ را بر عهده دارند این است که همه مسائل اسلامی اعم از اخلاقی و اعتقادی، احکام و سیاسی را بیان کنند و مردم را به شناخت دشمنان و وظایف آنها در قبال فرد و جامعه متوجه سازند و مطابق شائن مخاطبین سخن بگویند و در صورتی که سخنرانی افراط در یک جهت دارد می توانید با او با آرامی سخن بگوییم و با مطرح کردن نیاز مخاطبان سعی کنید مجلس پربارتر و مفیدتر گردد.

## وظیفه ما در اجتماع کنونی چیست؟

### پرسش

وظیفه ما در اجتماع کنونی چیست؟

### پاسخ

هر انسان متعهد و مسؤول دارای دو وظیفه است: یک وظیفه فردی و یک وظیفه اجتماعی:

وظیفه فردی نسبت به شخص خود، آن است که با اراده ای قوی و عزمی راسخ و ایمانی راستین، خویشتن را از عوامل گناه و فساد برکنار دارد و دامن خویش را از ناپاکی ها و آلودگی ها پاکیزه نگه دارد و این مطلب، نیاز شدیدی به خودسازی و تقویت روح و اراده و ایمان دارد. کسی که اراده وی در مسیر خواسته های عادی و معمولی در جریان است و در کارهای زندگی هم رنگ جماعت است و آزادی و استقلال اراده ندارد، نمی تواند خویشتن را از انحراف نجات دهد. و اما وظیفه اجتماعی، آن است که تا می تواند با راهنمایی و دلسوزی و امر به معروف، دیگران را به فضیلت و پاکی رهنمون گردد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

## عدالت اجتماعی

### تساوی مثبت و منفی یعنی چه؟

### پرسش

تساوی مثبت و منفی یعنی چه؟

### پاسخ

تساوی منفی، یعنی به حساب نیاوردن امتیازات طبیعی افراد و سلب امتیازات اکتسابی آنها برای برقراری برابری؛ تساوی مثبت، یعنی ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلق مکتسبات هر فرد به خویش و سلب امتیازات موهوم و ظالمانه.

تساوی منفی از قبیل تساوی ای است که در داستانها آورده اند که جباری در کوهستانی زندگی می کرد و از عابرنی که از آنجا می گذشتند به عنوان مهمان پذیرایی می نمود. هنگام خواب، مهمان باید روی تختخواب معینی بخوابد. غلامان میزبان، مهمان را روی تختخواب می خوابانیدند. اگر اتفاقاً اندام مهمان از تخت نه کوتاه تر بود و نه بلندتر، اجازه داده می شد که بخوابد، اما وای به حال مهمان نگوینخت اگر اندامش با تخت مساوی نبود. اگر اندامش بلندتر بود، از طرف پا یا سر با اژه



مساوی می کردند و اگر کوتاهتر بود، آنقدر از دو طرف می کشیدند تا برابر شود و به هر حال پایان کارش معلوم بود.

اما تساوی مثبت از نوع بی نظری یک معلم مهربان دلسوز است که به همه شاگردان با یک چشم نگاه می کند؛ در صورت تساوی جوابها نمره مساوی می دهد و در صورت اختلاف در جوابها به هر کس همان نمره را می دهد که استحقاق دارد.

**قرآن چه اصلی را به عنوان زیربنای همه قوانین اجتماعی پذیرفته است؟ ۱ قرآن اصل «عدالت» را بعنوان زیربنای همه قوانین اجتماعی پذیرفته و می گوید حکومت و قضاوت حتماً باید بر پایه عدالت باشد «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»**

### پرسش

قرآن چه اصلی را به عنوان زیربنای همه قوانین اجتماعی پذیرفته است؟ ۱ قرآن اصل «عدالت» را بعنوان زیربنای همه قوانین اجتماعی پذیرفته و می گوید حکومت و قضاوت حتماً باید بر پایه عدالت باشد «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» نساء / ۵۸ [هنگامی که میان مردم قضاوت و حکومت میکنید به عدالت حکم کنید.] سخن حتی در غیر دایره دادرسی و حکومت باید از روی عدالت باشد،

و حب و بغضهای ناشی از دوستی و خویشاوندی، یا بیگانگی و عداوت، نباید مانع از این امر باشد «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» انعام/۱۵۲ [هنگامیکه سخن می گوئید عدالت را رعایت کنید اگرچه در مورد خویشاوندان باشد.] سرچشمه ظلم و بیدادگری هوا پرستی است، و ظلم باید همچون هواپرستی محکوم گردد «فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا» نساء/۱۳۵ [پیروی از هوی شما را از عدالت باز ندارد.] مبادلات اقتصادی همه باید روی «عدل و داد» صورت گیرد «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ» انعام/۱۵۲ [پیمان‌ه و وزن را با عدالت وفا کنید.] سرپرستی یتیمان باید از روی عدالت باشد «وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ» نساء/۱۲۷ [در باره یتیمان قیام به عدالت کنید.] خلاصه همه چیز باید بر پایه عدالت، و از آن بالاتر نیکوکاری و گذشت باشد «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيُنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ» نحل/۹۰ [خداوند به عدالت و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد، و از اعمال زشت و ناپسند، و ستم، نهی می‌کند.] همانطور که هواپرستی بطور مطلق و علاقه بی حساب به بستگان و نزدیکان از اجرای عدل بازمی‌دارد، دشمنی و خصومت با افراد نیز ممکن است مانع از این کار گردد «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» مائده/۸ بنابراین باید به شدت از این خطراتی که اصل عدالت را تهدید میکند برحذر بود، همچنین از اینکه علاقه بخود یا پدر و مادر و سایر نزدیکان و یا ملاحظه ترحم و عواطف کاذب، مانع از اجرای عدالت گردد باید برحذر بود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ

شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا» نساء/ ۱۳۴ [ای کسانی که ایمان آورده اید همواره بعدل و داد قیام کنید و برای خدا شهادت به حق دهید، گرچه به زیان شما یا پدران و مادران و بستگانتان باشد، اگر آنها غنی یا فقیر باشند خداوند نسبت به آنها (و کمک به ایشان) شایسته تر است.] با توجه به کلمه «قوامین» روشن می شود که قرآن تنها قیام به عدالت را کافی نمی داند، بلکه روی کلمه «قوام» که صیغه مبالغه است و دلالت بر تأکید و شدت و تکرار و ادامه دارد، تکیه نموده است. ۲ قرآن اصل عدالت را به عنوان «هدف نهائی بعثت پیامبران» پذیرفته و می گوید «لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» حدید / ۲۵ [پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و بهمراه آنها کتاب آسمانی و قانون نازل گردانیدیم تا مردم (جهان) عدالت را برپا دارند] و به این ترتیب نقش اساسی پیامبران از نظر اجتماعی، همان اقامه اصول عدل و داد می باشد. ۳ قرآن «قتل آمران به عدل و داد» را در ردیف کفر نسبت به خدا و قتل پیامبران دانسته و می گوید «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّاتِ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» آل عمران/ ۲۱ [کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را بدون دلیل بقتل میرسانند و آمران بعدل و داد را، می کشند، به آنها بشارت ده که عذاب دردناکی در انتظارشان است.] ۴ در آیات متعددی از قرآن به این مطلب تصریح شده که اجرا

کنندگان اصول عدالت محبوب پروردگار عالمند «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِمِينَ» مائده/۴۲ حجرات/۹ ممتحنه/۸ [خداوند عادلان را دوست می دارد]. لذا این اصل بعنوان «روح» در بزرگترین و کوچکترین مقررات اجتماعی اسلامی حلول کرده، تا آنجا که به دادرسان دستور داده شده که نه تنها در اجرای حکم میان دادخواهان کمترین انحرافی از اصل عدالت پیدا نکنند، بلکه در تشریفات جلسات دادرسی، و حتی در سلام و تعارف، نشستن و ایستادن و سخن گفتن عادی و معمولی در میان طرفین دعوا، رعایت عدالت و مساوات و برابری را فراموش ننمایند.

## پاسخ

### مساوات در اسلام چگونه است؟

## پرسش

مساوات در اسلام چگونه است؟

## پاسخ

در اسلام، ارزش های موهومی که معیار برای فضیلت و برتری انسانها شمرده شده، نفی شده است و تنها ارزش بر مبنای تقوی و علم و مجاهد است. بنابراین ملیت و رنگ و نژاد و ثروت و امثال اینها، معیار فضیلت نیست و هیچ ملتی از این جهات بر ملت دیگر فضیلت و برتری ندارد و بنابر فرمایش حضرت رسول اکرم ((صلی الله علیه و آله)) «لا فضل لعربی علی عجمی و لعجمی علی عربی و لا لابیض علی اسود و لا لاسود علی ابیض الا بالتقوی»؛ هیچ عربی بر عجم و هیچ عجمی بر عرب و هیچ سفیدی بر سیاه و هیچ سیاهی بر سفید برتری ندارد جز به تقوی» (۱).

از نظر حقوق نیز افراد از حقوق مساوی برخوردار هستند و قوانین اسلامی بر اساس قسط و عدل استوار شده است، یادآوری یک نکته لازم است و آن اینکه تساوی به گونه ای که برخی از گروه ها تحت عنوان جامعه ای طبقه مطرح می کنند و می گویند باید تساوی مطلق و از تمام جهات در جامعه حکومت کند، صحیح نیست. زیرا تساوی به این معنی، موجب ظلم بر بسیاری از افراد می شود. برخی افراد هستند که تلاش و کار بیشتری انجام می دهند؛ اگر حقوق اینان به اندازه افرادی باشد که کار کمتر انجام می دهند، این ظلم است.

بنابراین وقتی گفته می شود انسان ها از حقوق مساوی برخوردار هستند، اندازه استحقاقها و کارها نیز ملحوظ است و در این گونه موارد تعبیر صحیح تر این است که به جای «تساوی» از «قسط» و «عدل» استفاده شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

## چرا در جوامع ما این اندازه فقر وجود دارد؟

### پرسش

چرا در جوامع ما این اندازه فقر وجود دارد؟

### پاسخ

اگر رفتار مسئولین در یک جامعه براساس عدالت باشد و متمکنین نیز حقوق مالی خویش را بپردازند نه بر فقرا ظلم می شود و نه عده ای رشد مادی غیرمعقول خواهند داشت لذا در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی آنگونه که در روایات آمده است فقیر پیدا نخواهد شد به گونه ای که زکات را از شهری به شهر دیگر می برند تا فقری پیدا کنند. اما حکومت اسلامی ما گرچه در راستای تحقق برنامه های اسلام است لکن تا رسیدن به این آرمان فاصله زیادی دارد.

## خداوند متعال در قرآن کریم، در مورد "فقر" چه میفرماید و در این باره چه وظیفهای را برعهده مسئولان نهاده است؟

### پرسش

خداوند متعال در قرآن کریم، در مورد "فقر" چه میفرماید و در این باره چه وظیفهای را برعهده مسئولان نهاده است؟

### پاسخ

در قرآن کریم، فقر به طور کلی به دو معنا آمده است:

الف فقر ذاتی؛ که این نوع فقر برای همه موجودات عالم است. که همان احتیاج و نیاز همه موجودات است به خداوند متعال در اصل وجودشان، میفرماید: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ" (فاطر، ۱۵) ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید، تنها خداوند است که بینای و شایسته هر گونه حمد و ستایش است."

که این آیه در واقع "برهان فقر و غنی" است که یکی از دلائل توحید خداوند به شمار میآید. (رجوع کنید به: تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۸، ص ۲۲۰؛ ج ۲۲، ص ۵۲۵، دارالکتب الاسلامیه.)

ب فقر نسبی؛ که همان فقر مادی است که بعضی از افراد یک جامعه نسبت به یکدیگر دارند، که از این نوع فقر میتوان به "فقر عارضی" تعبیر کرد. این نوع فقر در قرآن به چند شکل مطرح شده: ۱. قرآن کریم از این نوع فقر گاهی به عنوان نعمت و عذاب الهی یاد کرده و میفرماید: "خداوند (برای آنان که کفران نعمت میکنند)، مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و

آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا میرسید، اما به نعمتهای خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام میدادند، لباس گرسنگی و ترس را براندامشان پوشانید." (نحل، ۱۱۲) (رجوع کنید به: آل عمران، ۱۱۲؛ ابراهیم، ۲۸).

۲. و گاهی فقر مادی افراد به سبب آزمایش الهی

است که در واقع سنت خداوند میباشد که در این مورد میفرماید: "وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ" (بقره، ۱۵۵) قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و میوهها، آزمایش میکنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان."

که در واقع این نوع فقر هم آزمایشی است از برای فقراً و هم امتحان و آزمونی است برای ثروتمندان جامعه.

۳. نوع دیگر فقر مادی که قرآن کریم از آن یاد میکند فقری است که جهادگران در راه خدا دچار آن گشتهاند، کسانی که جهادشان به آنان اجازه تجارت و کسب را برای تأمین هزینه زندگیشان نمیدهد و میفرماید: "انفاق شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفتهاند (و توجه به آیین خدا، آنها را از وطنهای خویش آواره ساخته، و شرکت در میدان جهاد به آنها اجازه نمیدهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتي بزنند) نمیتوانند مسافرتی کنند (و سرمایههای به دست آورند) و از شدت خویشتن داری، افراد ناآگاه آنها را بیناز میندازند) اما آنها را از چهرههایشان میشناسی، و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمیخواهند." (بقره، ۲۷۳)

اما وظیفه مسئولان در قبال فقر: بیگمان فقر، بیش از آنکه یک مشکل فردی باشد معضل اجتماعی محسوب شده و همه افراد جامعه در قبال آن مسئولند، به همین جهت خداوند متعال در آیات فراوانی از قرآن کریم، همه مؤمنان را تشویق به "صدقه" میکند و حتی به انفاق مال در راه خداوند، از برای فقراً و

مساکین، امر میفرماید. (رجوع کنید به: بقره، ۲۶۱-۲۷۴).

و در این میان وظیفه مضاعفی را بر دوش مسئولان نهاده و در تقسیم "زکات" و "خمس" که در واقع یک نوع مالیات اسلامی است، از فقراً و مساکین، به عنوان اولین گروهی که باید مورد حمایت مالی دولت اسلامی از این بودجه قرار گیرند یاد کرده و میفرماید: "زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت میکشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام میشود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه، این یک فریضه (مهم) الهی است." (توبه، ۶۰) (رجوع کنید به: انفال، ۴۱؛ حشر، ۷؛ ذاریات، ۱۹؛ معارج، ۲۵).

البته پرداختن بخشی از زکات و خمس و فیء، تنها عمل به حداقل وظیفه در این مورد است و الاً وظایف دیگری نیز مسئولین در این زمینه برعهده دارند که به اختصار عبارتند از: اجرای عدالت اقتصادی، مراقبت از بازار، تأمین مایحتاج اساسی عامه مردم، جلوگیری از ریخت و پاش در اموال عمومی و... که در این مورد روایات فراوانی داریم.

خلاصه وظیفه مهم دولت مردان در ریشه کنی فقر از نظر قرآن کریم، این است که چاره‌های اندیشه کنند تا ثروت فقط در دست اغنیاء و ثروتمندان و ثروت اندوزان گردش نکند؛ میفرماید: "آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش باز گرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است؛" "كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ؛" (حشر، ۷) تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما



دست به دست نگردد." (برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: التمنیه الأقتصادية فی الكتاب و السنه، محمد ری شهری، ص ۲۵۷، دارالحدیث / الأخلاق، آیت الله سید عبدالله شبّر، ص ۱۸۸، منشورات مکتبه بصیرتی.)

### چرا در جامعه ما این قدر تضاد طبقاتی به چشم می خورد؟

#### پرسش

چرا در جامعه ما این قدر تضاد طبقاتی به چشم می خورد؟

#### پاسخ

آنچه در جامعه وجود دارد سطوح مختلف طبقاتی است نه تضاد طبقاتی و علت وجود آن هم یکی دو تا نیست. به علاوه وجود طبقات در تمام جوامع بشری هست و حتی در نظام های مارکسیستی نیز نتوانسته اند آن را ریشه کن سازند. بلکه چنین چیزی شدنی نیست. آنچه می توان و باید در پی آن بود ایجاد عدالت و مناسبات صحیح انسانی و تبعیض زدایی در میان طبقات مختلف اجتماعی است. }]

### در فقر و بدبختی و گرسنگی و برهنگی و زندگی کرده ایم حال اینکه عده ای در از و نعمت به سر می برند آیا مملکتی که منادی عدالت است باید چنین باشد

#### پرسش

در فقر و بدبختی و گرسنگی و برهنگی و زندگی کرده ایم حال اینکه عده ای در از و نعمت به سر می برند آیا مملکتی که منادی عدالت است باید چنین باشد

#### پاسخ

با تشکر از اینکه مسائل خود را با ما در میان گذاشته اید و ضمن تبریک به شما بدان جهت که توانسته اید در شرایط دشوار و طاقت فرسا به تحصیلات عالی، در رشته ای ممتاز پردازید. مناسب دیدیم، که با شما صحبت بیشتری داشته باشیم. شما و خانواده اتان، در شرایط دشوار بوده و هستید، لیکن همواره می دانیم که بسیاری از مردان بزرگ تاریخ، در زمینه های مختلف، علمی، هنری و... در شرایط دشوار و سخت قرار داشته اند. درست است که شما رنج می برید و ملالت می کشید، ولی همین سختی هاست که شخصیت آدمی را پرورش و همت های بلند را شکل می دهد. شرایطی که شما در آن قرار گرفته اید، بهترین انگیزه برای تلاش بیشتر و کوشش جدی تر شماست. بحمدالله مسیر شما مشخص است. بسیاری از افراد با داشتن بهترین امکانات، از موقعیت فردی چون شما برخوردار نیستند و چه بسا آرزو می کنند هیچ نداشته باشند ولی دانشجوی رشته پزشکی و دارای استعدادی مثل شما بودند. این شرایط می تواند احساسات انسانو روحی رأفت و رحمت نسبت به بینوایان و بیچارگان را در شما پرورش دهد، تا انشاءالله در آینده بتوانید از آنان دستگیری کنید و درد آنها را حس نمایید. افزون بر این

در این جا نکته دیگری نیز مطرح است و آن این که ارزش آدمیه چیست؟ آیا کسی که مال و منال و وضعیت بهتری دارد، از ارزش بیشتری نیز برخوردار است؟ در دید اهل دنیا چنین است، ولی نزد خدا ارزش به چیست؟ آیا نزد خدا که

حق و حقیقت جهان است، سرمایه داران بزرگ دنیا بیشتر ارزشدارند یا همان پدر و مادر شما که با وجود بیماری و کهولت سن، با فداکاری سعی در آن دارد که فرزندشان را به جایبرساند؟ و با وجود احتیاج از لقمه نان خویش می گذرد تا گرسنه ای را سیر نماید. پیامبر خدا(ص) فرمود: «الفقر فخری». «بی چیزی افتخار من است». باید روی ارزش های حقیقی بیشتر تکیه کرد و حقایق را از اعتبارات عرفی جدانمود. آری روی پای خود بایستید و به فقر خود افتخار کنید. چرا که شما با چنین زمینه هایی به این جا رسیده اید. البته آن که اظهار فقر کنید بلکه عزت خود را حفظ کنید. و از تنگدستی خود احساس کمبود و کوچکی نکنید. شما ارزشدارید یا آن کس که با وجود شرایط نسبتا خوب و آماده برای تحصیل، همیشه بهانه می گیرد و به جای استفاده از شرایطدر مقابل خدا و خلق خدا ناسپاس است؟ شما وقتی لیوانی آب سرد می نوشید و به فکر خانواده اشک می ریزید، بهترین صفات انسانی در شما تجلی یافته است و امید آن می رود که این احساس تبدیل به درکی عمیق از مشکلاتهمه محرومان و مستضعفان گردد و در آینده ای نه چندان دور، با پیمودن مدارج عالی تحصیل، خدمتگزاری صادق و لایق برای جامعه و خواهران و برادران ایمانی خود باشید. مشکلات با توکل به خدا و عنایات الهی قابل حل است و باقدری پایداری بیشتر رفع خواهد شد. تردیدی نیست که شما مشکلات و سختی های فراوانی را تحمل کرده و با آندست به گریبان بوده اید و مشکلات زیاد فشار روانی مضاعفی را بر شما وارد کرده است.. ولی در عین حال وضعیت شما در مقایسه با افراد بسیاری

نسبتاً روشن تر و بهتر است. نمونه های فراوانی وجود دارد (انبوه نامه های ما شاهد آن است) که برخی در وضعیتی صدها بار اسفبارتر و دردناک تر زندگی می کنند. نمونه های رنج و سختی فراوان است که سخن گفتن از آن عمر نوح می خواهد و هفتاد هزار تن کاغذ نه مثنوی هفتاد من. برادر من. از اینها که بگذریم، درست است که سختی های شما جانکاه و کمر شکن بوده و هست، ولی می دانید که سختی ها خود سکوی ترقی و رشد و کمال انسانی است؛ مگر نه این است که اکثریت قریب به اتفاق شخصیت های بزرگ علمی، هنری، اجتماعی، سیاسی... از کوره سختی ها بیرون آمده اند. کسانی که با سختی ها دست و پنجه نرم نکرده و هیچ گاه طعم نداری و محرومیت را نچشیده اند، احساسات متعالی را نیز کمتر در وجود خود می یابند، گرچه الان از ما و شما بهتران در ناز و نعمتند ولی آنها کجا می توانند احساس شما و امثال شما را در مورد محرومیت، جهل و... داشته باشند. می دانید که مرتاضان، چهرنج ها بر خود هموار می کنند تا بتوانند به قدرت روح دسترسی پیدا کنند. شما سختی ها را پشت سر گذاشته اید، از آنبرو بگیریید نه اینکه آنها را در راه تخریب شخصیت خود به کار گیرید. آیا شما که این همه بار گران غم و اندوه را پشت سر گذاشته اید، باید از خود بی زار و متنفر باشید یا آنانی که اگر کمترین دشواری ببینند فریادشان به آسمان بلند می شود. قدر خود را بدان، که کوهی از صبر، استقامت و احساس های متعالی هستی و این ویژگی ها آسان و ارزان به دست نیامده است. آینده ای را برای خود ترسیم کن که با موقعیت مناسب شغلی بتوانی دست افتادگان را

بگیری و بهخانواده خود رسیدگی کنی و مرهمی بر زخم ها و دردهای آنان باشی.

<Table align=center width=۹۵% cellspacing=۱ > <TR align=Center><TD >  
اوست هیچ است و تو همه E/> <TD> چیز تا چند ای همه چیز غم بهر هیچ خوری </TR></TD></TR></Table >>  
اهدافی بلند، زندگانی آبرومند، شخصیتی ممتاز و به تمام معنا انسان و دلسوز، و همسری مناسب مهربان و ...  
اینهارا در نظر بگیر و با توکل بر خداوند عزم خود را برای رسیدن به آن جزم کن، بدون کمترین تردید به آنها خواهی  
رسید.واقعیت خود را بشناس و به آن ایمان داشته باش و خود را دست کم نگیر. تو همان هستی که کوه رنج و سختی را  
بردوش داشته ای و به این جا رسیده ای استقامت کن.. نیرویت را به جای تلف کردن برای گذشته در اهداف آتیه  
خویشمتمرکز کن. از گذشته فقط درس های آن را به یاد داشته باش. برخیز، بکوش، دگرگون شو، دگرگون کن، بشتاب،  
همتکن، و شکر خداوند مهربان بگذار که ترا از گردنه های بلند حوادث، سالم عبورداد و هم از او مدد بجوی که همواره  
یاورو پشتیبانت خواهد بود.. و بالاخره بگذار که بازبان حافظ شیرازی حرف را به آخر برسانیم.

<Table align=center width=۹۵% cellspacing=۱ > <TR align=Center><TD >  
آید به کنعان غم مخور E/> <TD> کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور </TR></TD></TR></Table >>  
<align=Center><TD > ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن E/> <TD> وین سر شوریده باز آید به  
سامان غم مخور </TR><TR align=Center><TD/> دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت  
<TD> E/> <TD> دائما یکسان نباشد حال دوران غم مخور </TR><TR align=Center><TD/>

هان مشو

نومید چون واقف نبی از سر غیب <TD> E/> <TD> باشد اندر پرده بازی های پنهان غم مخور </TR></TD>  
<</Table> ضمنا درموقع اندوه این ذکر را تکرار کن. لا اله الا انت سبحانک انی كنت من الظالمین در کتاب «تهذیب» (ج ۶ ، ص ۱۷۰) از امام صادق(ع) روایت شده است که ذکر فوق برای رفع اندوه است و چون بنده آن را بگوید خداوند می فرماید: فاستجبناله ونجیناه من الغم و کذالك ننج المومنین .

ضمنا نامه شما را بدون نام و آدرس به مسئولین منعکس خواهیم کرد.

**بیعدالتی هایی که در جامعه مشاهده می کنم مرا نسبت به آینده و ادامه تحصیلات مایوس کرده است اینها را چگونه توجیه می کنید؟**

**پرسش**

بیعدالتی هایی که در جامعه مشاهده می کنم مرا نسبت به آینده و ادامه تحصیلات مایوس کرده است اینها را چگونه توجیه می کنید؟

**پاسخ**

در اینکه مقید به عبادت و سایر جهات شرعی هستید، جای بسی خوشوقتی است. امید است این راه را، همیشه و توأم با معرفت و معنویت ادامه دهید و به درجات و مراحل کمال دست یابید.

در جواب این سؤال که در جامعه چه می گذرد و چرا برخی باید ماشین چهل میلیونی سوار شوند و برخی در مشکلات اولیه زندگی گرفتار باشند؟ می گوئیم: درست است که جامعه ما نباید چنین باشد ولی این دلیل نمی شود که شما خود را نگران ساخته و نسبت به آینده خویش بدبین باشید. چون نفس این افکار و تخیلات، منجر به تضعیف و عقب ماندگی شما خواهد شد. البته همگی باید در مورد بی عدالتی، حساس باشیم؛ چرا که عدالت از ارزشمندترین آرمان های انسانی است، ولی در نحوه برخورد با این مسأله، باید دقیق بود و به دور از شتابزدگی عمل نمود؛ زیرا برخوردهای احساسی و شتابزده با این موضوع، عوارض نامطلوبی از خود به جا خواهد گذاشت.

پس درس را با جدیت بخوانید، چون در سایه علم و کسب دانش است که انسان به مدارج عالی کمال نائل می شود. علاوه بر اینکه همین تحصیلات، مایه اشتغال بهتر و حل مشکلات مادی نیز خواهد شد.

اگر افراد درست درس بخوانند و از منفی گرایی برحذر باشند و با شادی و جدیت وظایف دانشجویی خویش را انجام دهند، مطمئن باشید آینده خوش و سرنوشت درخشانی خواهند داشت. کسی باید از آینده خویش نگران باشد که دچار سستی، کسالت، منفی گرایی و به بیراهه رفتن است. بلی افراد تنبل، لاابالی و هوسران باید

از آینده خویشنگران باشند، ولی افراد جدی، پرکار، صالح و پرهیزگار، نباید نگران بیکاری آینده باشند. آن همه دانشجو پس از فراغت از تحصیل، به هر حال جذب بازار کار می شوند. به شما توصیه می کنیم که کتاب هایی را که تحت عناوین رازموفقیت و... نوشته شده مطالعه کنید که حتما در روحیه شما مؤثر خواهد بود. شگفتا که شما نگران این هستید که آیا در آینده کاری پیدا می کنید یا با مشکل بیکاری روبه رو خواهید شد، در حالی که باید در فکر ابتکار، خلاقیت و طرحی نو در سطح کشور بلکه در سطح جهان باشید، «فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم». ما به شما اطمینان خاطر می دهیم که اگر:

الف) به درستی و با جدیت درس بخوانید،

ب) تقوا و تعهد الهی را شعار و پیشه خود گردانید،

ج) از منفی گرایی بر حذر باشید، آینده درخشانی را در پیش روی خواهید داشت.

بنابر این بدبینی نسبت به آینده را کنار بگذارید، البته منظور از این حرف، داشتن یک خوش بینی کاذب نیست، بلکه مقصود این است که اولاً بدانید بدبینی، موجب دلسردی، یأس و همان ناراحتی هایی می شود که از آن رنج می برید. دوم اینکه انسان هدف دار و آرمان خواه، باید از هیچ مشکلی باک نداشته باشد و از مشکلات و سختی ها به گرمی استقبال کند و با دست و پنجه نرم کردن با ناملازمات، راه را به سوی هدف هموار نماید. تاریخ بشریت نشان می دهد که انسان های مرفه و کام جو، در هیچ زمینه ای برجستگی و فرزاندگی نیافته اند و بنیانگذاران کاخ رفیع رشد و تکامل بشری در همه امور، انسان هایی بوده اند که از کوره راه و تنگناهای سخت و طاقت فرسای زندگی، عبور کرده و در راستای اهداف بلند خویش

اندکی از پای ننشسته اند. دیگر آنکه مطمئن باشید اگر شما در درس های خود، فردی کوشاو موفق باشید و برای آینده کشور از نظر علمی، فردی توانا و برازنده باشید، لازم نیست دنبال کار بروید؛ بلکه کار به دنبال شما خواهد آمد و از هر سو دیگران در جست و جوی شما خواهند بود. بنابر این کوشش خود را با عشق و علاقه مندی و با صلابت و استواری، هم چنین با اخلاص و با اتکا به خداوند متعال صد چندان کنید. بدون شکعنايات ربانی یار و مددکار شما خواهد بود. }J

### چرا در جامعه ما، ثروتمندان و افراد بی دین در آسایش و مستضعفین در رنج و زحمت اند؟

#### پرسش

چرا در جامعه ما، ثروتمندان و افراد بی دین در آسایش و مستضعفین در رنج و زحمت اند؟

#### پاسخ

اقتصاد سالم به این معنا نیست که افراد جامعه به هیچ وجه از نظر مالی با هم تفاوت نداشته باشند و همه با هم مساوی باشند، بلکه اقتصاد سالم اقتصادی است که هر کس به ازای زحمت و فعالیت اقتصادی خویش به نتیجه برسد و این طور نباشد که بعضی با زحمات طاقت فرسا مستضعف باشند و در مقابل گروهی از ثروت های بادآورده، بهره مند گردند، اما در این که جامعه فعلی ما دارای نواقص و مشکلاتی است، شکی نیست و این نواقص علت های مختلفی می تواند داشته باشد، از قبیل: بیماری نظام اقتصادی کشور، عدم تقید گروهی از مردم و مسؤولان به احکام و موازین شرع که منجر به رعایت نمودن حقوق دیگران می شود و عدم عزم همگانی برای رفع این مشکل. امید است با عمل به دستورهای علمی و عملی اسلام و پیروی از نصایح دلسوزان انقلاب، جامعه به جایگاه مطلوب برسد.

**در جامعه کنونی ما که یک جامعه اسلامی و دینی می باشد باید این همه تضاد طبقاتی وجود داشته باشد به طوریکه دقیقا مردم از نظر مادی به دو گروه تقسیم شده اند چه کسی پاسخگوی وضعیت بوجود آمده است؟**

#### پرسش

در جامعه کنونی ما که یک جامعه اسلامی و دینی می باشد باید این همه تضاد طبقاتی وجود داشته باشد به طوریکه دقیقا مردم از نظر مادی به دو گروه تقسیم شده اند چه کسی پاسخگوی وضعیت بوجود آمده است؟

#### پاسخ

سؤال دامنه وسیع و گسترده ای دارد، ولی ما تلاش می کنیم که با رعایت اختصار چند نکته را بررسی نماییم:

الف) در این که هم اکنون در جامعه اسلامی ما فاصله طبقاتی رنج آوری وجود دارد جای بحث نیست. البته ممکن است گفته شود شکاف طبقاتی در کشورهای سرمایه داری به مراتب وسیع تر و عمیق تر از ایران اسلامی ماست ولی بدون تردید جامعه ما نیز به نوبه خود به این بلیه جانکاه مبتلا است.



ب) اما این که چه عواملی منجر به فاصله طبقاتی گشته است طبیعی است که عوامل گوناگونی دخیل است.

۱- آنچه از فاصله طبقاتی هم اکنون در ایران می گذرد مسأله نوظهوری نیست، بلکه میراث شومی است که از گذشته به ما رسیده است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۲- استعداد ذاتی افراد را نباید از نظر دور داشت، برخی تواناتر و برخی کندتر هستند و برخی دچار معلولیت های جسمی و ذهنی بوده و در نتیجه عقب می مانند،

۳- مسأله تکنولوژی و صنعت نیز نقش مؤثری را ایفا می کند. به عنوان مثال: دیروز محیط کارگری محدود به کارگاه های کوچک می شد و تفاوت فاحشی بین حقوق کارگر و کارفرما احساس نمی شد ولی «غول صنعت» ناگهان سر برآورد و کارگاه کوچک مبدل به کارخانه عظیمی شد و با افزایش تولید ثروت سرمایه داران به طور تصاعدی افزونی گرفت درحالی که حقوق کارگر تقریباً ثابت ماند؛ (همین نکته را در کشاورزی و

سایر ابعاد تولید و درآمد مقایسه کنید)،

۴- نظام اقتصادی غلط و بیمار گونه،

۵- طفره رفتن از پرداخت حقوق قانونی (مالیات) و حقوق شرعی (خمس و زکات)،

۶- احتکار و گران فروشی،

۷- رباخواری،

۸- خیانت به بیت المال و اموال دولتی،

۹- کلاهبرداری و خیانت به دیگران،

۱۰- اخیانا و به ندرت حوادث غیرمترقبه هم دخیل است. نظیر این که تاجری مقدار زیادی از یک جنس را خریده و ناگهان بر اثر پیشامدی قیمت آن چند برابر شده است یا فرض بفرمایید کسی چند هکتار زمین زراعی داشته و بر اثر موقعیت غیرمترقبی که آن زمین پیدا کرده، قیمت آن به چندین برابر افزایش یافته است و...

۱۱- ضعف مدیریت کار گزاران اقتصادی،

۱۲- نقش واسطه ها و دلال ها در اجحاف به طبقه ضعیف،

۱۳- اسراف و ریخت و پاش های کلان که در نهایت به دوش فقرا و قشر آسیب پذیر بار می شود،

۱۴- فشار و دخالت عوامل خارجی،

۱۵- نبود کار و اشتغال نیز عقب ماندگی و فلاکت را در پی خواهد داشت.

ج) اما چگونه می توان از پیشرفت این فاصله جلوگیری کرد؟ راه کارهای گوناگونی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- در درجه اول باید این نظام اقتصادی بیمار را جراحی و معالجه کرد،

۲- پرورش مدیران کارآمد و با تجربه،

۳- جدی گرفتن پرداخت مالیات های قانونی و هم چنین گرفتن اخماس و زکوات و پرداخت آن در مصالح عامه ای که شرع مقدس تعیین فرموده است،

۴- زمینه کار و تولید را به طور عادلانه برای همه اقشار فراهم ساختن،

۵- تا آنجا که امکان دارد به مقابله با فشارهای خارجی پرداختن و کوتاه کردن دست های مرئی و نامرئی عوامل خارجی،

۶- جلوگیری از اسراف و حیف و میل و با صرفه جویی زمینه رفاه عامه مردم

فراهم کردن،

۷- همان گونه که اسلام اخطار شدید فرموده (سوره توبه، آیه ۳۴) با زر اندوزی و انباشتن ثروت، قاطعانه برخورد کردن،

۸- برخورد جدی با افراد خائن و اختلاس گر در بیت المال،

۹- سیاست تربیتی نظام به گونه ای باشد که مردم از دوران ابتدایی تا مراحل عالی، مملکت را خانه خود و سایر افراد را همچون اعضاء یک خانواده احساس کنند و رهیافت هر کس تنها به منافع شخصی نباشد. ۱۰- حقوق کارگر منصفانه ادا گردد و از بیمه و سهام و سایر مزایا برخوردار شوند و در جمع از میزان سود کارخانه دار کاسته و به میزان حقوق کارگر افزودن،

۱۱- به طوری که ملاحظه می شود پدیده تورم و تبعیض ناشی از عوامل و آسیب های متعددی است و نمی توان این ضعف را ناشی از یک شخص یا سازمان و وزارتخانه دانست. برای حل این مشکل مکانیسم نظام و دولت بسیار سرنوشت ساز خواهد بود و صدا و سیما باید در ترویج الگوی مصرف سالم کمک کند و آحاد مردم باید با نظارت عمومی و همیاری این مشکل را به حداقل برسانند. البته با روشن بینی مردم و دل زدگی از افراطیون سیاسی، امید حضور بیشتر نیروهای ارزشی، کم توقع و پر کار در عرصه های مختلف جامعه می رود.

در خاتمه این قسمت، جهت اطلاع بیشتر مطالعه چند کتاب پیشنهاد می گردد:

۱- اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۵۳ و ج ۲، ص ۳۰۳، سید محمد باقر صدر

۲- اسلام و اجتماع، ص ۳۸ و ص ۹۲، علامه طباطبایی

۳- مسائل عصر ما، ص ۱۰۳، شهید هاشمی نژاد

۴- نابرابری اجتماعی، ادوارد ج. کرب، ترجمه: محمد سیاهپوش

۵- جامعه شناسی قشرها و نابرابری ها، گروهی از

۶- اسلام و نظام طبقاتی، ص ۱۲۳، محمد قطب

۷- شناخت اسلام، ۵۰۶، شهید بهشتی و باهنر و علی گلزاده غفوری

**موضوع ۱. آزادی: تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲. اقتدار: استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. سعادت: معنویت، رفاه، امنیت**

### اشاره

نقش نسل نوجوان و جوان کشور در تحقق این آرمانها چیست؟

### پرسش

موضوع ۱. آزادی: تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲. اقتدار: استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. سعادت: معنویت، رفاه، امنیت

نقش نسل نوجوان و جوان کشور در تحقق این آرمانها چیست؟

### پاسخ

طبیعی است از جوانی با درایت و درک شما، جز این انتظار نمی رود. این که فقط انسان از دیگران انتقاد و گلایه داشته باشد ولی به نقد خودش نپردازد و در شناخت وظیفه خویش و تکلیف خودش در شرایط گوناگون سیاسی و اجتماعی همت نگمارد، نباید انتظار داشته باشد تحوّل در جامعه اش صورت بگیرد، ولی اگر همزمان به ادای تکلیف و وظیفه دینی، ملی، اجتماعی و صنفی خویش همت بگمارد و انجام وظیفه را از دیگران نیز مطالبه کند و این تفکر و اندیشه به عنوان یک فرهنگ عمومیت پیدا کند، بسیاری از معضلات اجتماعی و نابسامانیها مرتفع خواهد شد.

در سؤال قبلی توضیح داده شد که در اسلام تساوی در حقوق وجود ندارد و بلکه عدالت مطرح است. آنچه می توان عنوان کرد، این است که در شرایط کاملاً مساوی، افراد از حقوق مشابه و همانندی برخوردارند؛ البته چنین تشابه و تساوی محقق شد!

و نیز در همان سؤال، به وظایف جوانان و نوجوانان اشاره شد. در تکمیل آن نکاتی بیان می شود. امید آن که شما جوان عزیز و باصفا و پرانرژی، با همت والا و همسو نمودن دیگر دوستان، بتوانی طرح نو دراندازی و رونق و پیشرفتی مضاعف در امور حاصل شود.

امام خمینی (می فرماید: "راه اصلاح یک مملکت، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود. دست



فرهنگ ما کارهای بزرگ می کند، نمی گذارد جوانهای ما مستقل بار بیایند، نمی گذارند در دانشگاه جوانهای ما درست رشد بکنند. اگر فرهنگ درست بشود، یک مملکت اصلاح می شود، برای اینکه از فرهنگ است که در وزارتخانه ها می رود، از فرهنگ است که در مجلس می رود، از فرهنگ است که کارمند درست می شود." (۱) برادر عزیز، مشاهده می کنی که آن امام فقید، اصلاح فرهنگ (اعتقادات و باورها و ارزشها و سیستم آموزشی و آداب و رسوم و ...) را شرط اصلاح جامعه می داند. اگر نسل جوان اصلاح بشود، جامعه در آینده نزدیک اصلاح خواهد شد و اگر جوان به فساد کشیده شوند، جامعه در منجلاب تباهی فروخواهد غلطید. باید مراکز آموزشی (مدارس و دانشگاهها)، محیطی باشد که انسانهای مهذب پروراند و اصلاح این محیطها تا

حدود بسیار زیادی به فعالیت و تلاش جوانان پرشور و نشاط حاضر در آن محیطها بستگی دارد. اگر خود جوانان انگیزه برای پیشرفت و تعالی نداشته باشند، معلم کاری از او ساخته نیست؛ البته معلم می تواند نقش ایفا کند ولی برای دانش آموزی که پذیرفته باشد حضورش در مدرسه و عمل به سخنان معلم، موجب سعادت است؛ ولی اگر جوان در کلاس احساس کند برای فرار از خانه یا دل خوشی پدر و مادر یا این که بیسواد نباشد تا مردم مسخره اش کنند و یا رسیدن به مقام و منصب، سرکلاس حاضر باشد و درس را نه به عنوان یک تکلیف، بلکه به عنوان یک وظیفه زوری و جبری بخواند، پیشرفتی حاصل نمی شود.

امام خمینی (ع)، در خصوص چگونگی اصلاح فرهنگی، می

فرماید: باید در فرهنگ توجه به آن داشته باشید و کوشش بشود که خودتان را پیدا کنید. گم کرده ایم خودمان را. تمام مفاخر شرقی را گذاشته ایم و هی رفتیم سراغ مفاخر غرب؛ آن هم نه آنی که آنها دارند، آنی که به ما می دهند. (۲) ملاحظه می کنی که امام راه اصلاح فرهنگ را، اصلاح خویش و رسیدن به خودباوری و دوری از خودباختگی می داند. باید گذشته خودمان را بشناسیم، مفاخر را بشناسیم و باور کنیم که ما هم می توانیم مثل آنان بشویم، اگر بخواهیم. اخلاق فردی و اجتماعی یکی از مسائل عمده ای است که در اصلاح فرهنگ تأثیر بسزایی دارد. مثلاً اگر افراد یک جامعه وقت شناس باشند، سرنوشت فوق العاده ای پیدا می کنند. اگر وجدان کاری و انضباط کاری داشته باشند، پیشرفت و سعادت فوق العاده ای نصیب آنها می شود. اگر خطرپذیر باشند و عافیت طلبی نکنند و دنبال راحتی خودشان نباشند و حاضر باشند در میدانهای سخت وارد بشوند، مسلماً پیشرفت خواهند کرد و ...

آرزو می کنم شما جوانان عزیز، با همت والا، در جهت اصلاح فرهنگ جامعه تلاش کنید؛ با فراگیری علم و دانش عمل به آن، اصلاح اخلاق فردی و اجتماعی و روحیه کار و تلاش و پشتکار و جدیت روزافزون و دوری از تنبلی و سستی و رکود و رخوت.

علاج مشکلات کشور اصلاح فرهنگی است و اصلاح فرهنگ نیز جز با همت و پشتکار و جدیت بی وقفه و تحرک و پویایی و آگاهی و فضیلت خواهی نسل جوان، محقق نمی شود.

موفق و سربلند باشی.

منابع و مأخذ:

۱. ۱۹/۱۰/۱۳۵۶

۲۲/۶/۱۳۵۸

**آیا فقیر و غنی همیشه وجود خواهد داشت یا ممکن است روزی کاملاً از بین برود؟ چگونه، لطفاً توضیح دهید.**

**پرسش**

آیا فقیر و



غنی همیشه وجود خواهد داشت یا ممکن است روزی کاملاً از بین برود؟ چگونه، لطفاً توضیح دهید.

## پاسخ

دوست خوبم سلام؛ سؤال شما مرا به یاد مدینه فاضله موعود انداخت. همان مدینه که در قرآن و روایات وعده تحقق آن داده شده است. اگر مروری کوتاه بر تاریخ بشریت داشته باشیم به وضوح در می یابیم که فقیر و غنی در طول تاریخ وجود داشته است. اگر چه فقر و ثروت وسیله آزمایش الهی است اما از این نکته نباید غافل بود که نا برابری طبقاتی و وجود فقیر و غنی در همه جوامع از یک سو به خود افراد بستگی دارد که به دنبال کار و تلاش بروند یا نه از سوی دیگر به عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروتها وابسته است.

آرزوی بهتر زیستن و داشتن زندگی آرام با زندگی بشر عجین شده است. محرومیت روز افزون طبقه ضعیف، استمداد گرسنگان جهان و گسترش فقر و بیکاری، وجدانهای زنده و حساس را پریشان نموده است. در این میان مسلمانان آگاه به ویژه شیعیان از یأس و نومیدی دوری گزیده و منتظر روز موعود اسلام و مدینه فاضله آن هستند.

در عصر ظهور، مدینه فاضله اسلامی، در حقیقت آرمان شهر و آسایش همگانی. رفاه تنعم به گونه ای خواهد بود که دیگر نیازمندی در سطح جامعه یافت نمی شود، چون توزیع عادلانه منابع و ثروت جایی برای فقر و طبقه ضعیف باقی نمی گذارد در این جامعه دیگر مانند جوامع امروزی عمل نمی شود. امروزه بیش از ۸۰٪ ثروت در دست کمتر از بیست درصد و ۲۰٪ ثروت دیگر در دست هشتاد درصد مردم است

و در جامعه مهدوی چنین نخواهد بود. به علاوه در این عصر به جهت اجرای عدالت، آسمان برکات خود را از مردم دریغ نمی کند. و زمین هر چه دارد در اختیار بشر قرار می دهد. بنابر این در شهر عدالت رفاه و آسایش عمومی خواهد بود. حقوق افراد، آنقدر بالا می رود که در هیچ جامعه ای فقیری پیدا نمی شود و همه به سرحد خود کفائی می رسند.

رسول خدا؟ می فرمایند: زمین در آن عصر قطعات کبد خود را برای او بیرون میفرستد و او ثروت بدون شماره خود را در میان مردم پخش می کند.

و در حدیثی دیگر میفرمایند: شمارا به ظهور حضرت مهدی؟ بشارت می دهم که زمین را پراز عدالت می کند، همان جور که پراز جور ستم شده است. ساکنان آسمانها و زمین از او راضی می شوند و اموال و ثروتها را به طور صحیح تقسیم می کند.

شخصی پرسید: تقسیم صحیح ثروت چیست؟ فرمود: به طور مساوی در میان مردم تقسیم شود و دلهای پیروان محمدا را پراز بی نیازی کند و عدالتش همه را فرا گیرد، تا آنجا که دستور دهد کسی با صدای بلند صدا زند که هر کس نیاز مالی دارد، برخیزد.

هیچ کس جز یک نفر بر نمی خیزد، سپس امام دستور می دهد مال قابل ملاحظه ای به او بدهند، اما او به زودی پشیمان میشود که چرا آنقدر حریص بوده و مال را بر می گرداند.

پس هموطن گرامی روزی خواهد رسید که فقیر و غنی در جامعه وجود نداشته باشند بلکه همه افرادی غنی و بی نیاز باشند. بیاید با اعمال خود و باد عازمینه ظهور مهدی؟ رامهیا کنیم انشاءالله بزودی شاهد عدالت مهدوی در مدینه فاضله باشیم.

**جنبش عدالت خواهی چیست؟ ابتدا کجا مطرح شد؟ راهکارهای عملی کردن آن در سطح جامعه و دانشگاه توسط دانشجویان چیست.**

**پرسش**

جنبش عدالت خواهی چیست؟ ابتدا کجا

مطرح شد؟ راهکارهای عملی کردن آن در سطح جامعه و دانشگاه توسط دانشجویان چیست.

## پاسخ

: عدالت اجتماعی از آرمانهای مقدس اسلام و همه مصلحان می باشد و در این میان آنچه مهم است، راه رسیدن به عدالت اجتماعی است. تقسیم بالسویه امکانات در جامعه اسلامی، از جمله پایه های اجرای عدالت است؛ ولی باید توجه داشت که تقسیم بالسویه امکانات، الزاما مساوی با کار یکسان و دستمزد یکسان نیست.

به عبارت دیگر امکان رشد و بالندگی و برخورداری از مواهب اجتماعی برای همه طبقات و اقشار بدون تبعیض فراهم باشد و عده ای خاص به دلیل برخورداری از قدرت یا نفوذ و ثروت و... رانت خواری نکنند و بدون استحقاق از بیت المال یا امتیازات اجتماعی، استفاده نکنند.

بنا بر این بین معنای مساوات و عدالت نباید خلط شود چون که مساوات دو معنی می تواند داشته باشد. اگر مقصود عدم توجه به استحقاق افراد باشد بی شک با عدالت اجتماعی (رعایت حقوق) منافات دارد و در واقع عین ظلم است. مثلا "اگر کسی دو برابر دیگری از جهت کمی و کیفی کار کند ولی به هر دو مزد یکسان داده شود (در حالی که یکی استحقاق بیشتری از دیگری داشته) چنین عملی بی شک ظلم است. اما مساوات معنای دیگری دارد که در تعابیر عرفی نیز بسیار به کار می رود و آن به معنای عدم تبعیض و برخورد یکسان با افراد است که در واقع به این معناست که اگر دو نفر استحقاق یکسان دارند بین آنان تفاوت و تبعیض گذاشته نشود، چنین معنایی

بی شک همان عدالت اجتماعی است و عدم رعایت مساوات (در این معنا) ظلم است. مثل آن که یکی را صرفاً" به دلیل قرابت فامیلی یا قدرت و نفوذ سیاسی یا مالی بر دیگری ترجیح دهند در حالی که هر دو از استحقاق یکسان برخوردارند و بلکه شاید شخص طرد شده استحقاق بیشتری داشته است. در واقع پارتی بازی و بحث استفاده از رانت و امثال آن که در دوران ما مطرح است نقض چنین معنایی است، (ر.ک: عدل الهی، شهید مطهری، ص ۵۶).

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه اسلامی ما شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچ وجه زیننده حکومت و جامعه اسلامی نبوده، و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی اشکال بی عدالتی در جامعه می باشد بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود در جامعه را می توان در موارد ذیل به صورت مختص بیان نمود:

الف - توجه جدی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزیهای توسعه و سازندگی کشور: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخص های مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها

را تشدید نمود. این عامل در برخی از تحلیل‌ها و تحقیقات به عمل آمده، عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای ضمن انتقاد از این روند، می‌فرماید: ((در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن، رفاه مادی هم راه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام، تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد))، (حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷).

و در جای دیگر می‌فرماید: ((در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت‌ها باید مبتنی بر عدالت باشد زیرا قسط و عدل از همه آرمان‌ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست، بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و رکن دیگر عبارت از عدالت است... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی، یا در مجموع برنامه‌ها ما را به هدف عدالت نزدیک کند، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست))، (روزنامه رسالت، ۹/۳/۱۳۷۲).

برخورد فیزیکی، مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروتهای نامشروع و بادآورده: امام علی (ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدل خویش قرار دادند: ۱- مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان ۲- احیا سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال.

حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: ((... با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطة مشروع زندگی مردم، جمع شود...))، (حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۷). و در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر، عزم، همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می باشد.

ج - پیشگیری از پیدایش ثروتها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راههای مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه، جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کاپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است در این راستا اهم اقدامات پیشگیرانه عبارتند از:

۱- اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران: امام علی (ع) می فرمایند: ((ان الله تعالی فرض علی ائمه الحق ان یقدروا انفسهم بضعفه الناس، کیلا یتبیغ بالفقیر فقره؛ خداوند بر امامان حق فرض و واجب فرموده، خود را با اقشار ناتوان و محروم

جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند. تا تنگدستی فقیر، او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد))، (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵)

۲- زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان: حضرت علی (ع) در فرازی از عهدنامه مالک اشتر، در این زمینه می فرمایند ((والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد، کمتر حاضر به رعایت انصافند، وظیفه تو، آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی))، (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۱).

۳- بازرسی، نظارت، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران: حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: ((باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان، نظارت بر کار آنان نیز ضروری است، چون مقام و قدرت، غالباً "اخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می دهد، بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان، از بالا- بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند...))، (فجر انقلاب در بهار قرآن، ص ۲۰۳ و ۲۰۵).

د - بالا- بردن میزان آگاهی مردم: با بالا رفتن میزان آگاهی مردم، درک آنها از حقوقشان افزایش می یابد و بی عدالتی را نمی پذیرند و به انحاء مختلف برای دستیابی به حقوقشان می کوشند از این

طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیمگیریهای سیاسی افزایش می یابد.

ه - توجه جدی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه: زیرا وجود ارزشهای اسلامی مانند ایمان، تقوا، تعهد و... موجب ایجاد و اجرای عدالت در سطح جامعه می شود قرآن کریم می فرماید ((اعدلوا هو اقرب للتقوی))، (مائده / ۸) امام علی (ع) نیز می فرماید: ((قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه؛ هر که می خواهد به حلیه عدل و داد آراسته شود می بایست هوا و هوسهای گوناگون را از خود دور کند))، (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). لذا برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه، تحقق باوری عمیق، درونی ریشه دارد، عقلای و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه - به معنی کسانی که در دستگاههای رسمی تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، و انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاهها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده، ایفا می کنند، لازم و ضروری می باشد و باید این نظام ارزشی در ۱- رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ۲- ساختار کلان کشور ۳- برنامه های اجرایی، تبلور و تجلی یابد.

و - فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصتهای مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات، اشتغال، مسکن، رفاه و... که در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور می باشد.

توجه: برای پیدا کردن راهکارهای عملی آن در سطح جامعه و دانشگاه مراجعه و کار پژوهشی عمیق نسبت



به فرمان حکومتی امام علی (ع) به مالک اشتر که در نهج البلاغه نامه ۵۳ (فیض الاسلام) بسیار ضروری و مفید است برای مثال دستگاه نظارتی قوی و سالم که به طور پنهانی بر عملکرد کارگزاران (وزراء و همه مسؤولین حکومت) نظارت کننده، گزارش بازرسی را برای رؤسای حکومت ارسال دارند. ولی مشکل این است که «هر چه بگنجد نمکش می زنند وای به روزی که بگنجد نمک». لذا علی (ع) مکانیسم نظارت را به گونه ای مطرح می کنند که از زد و بند آنها با دیگر دست اندرکاران حکومت و رانت خواری آنها جلوگیری کند. آیا اگر سازمان بازرسی کشور ما درست عمل می کرد و قوه قضائیه با قاطعیت علی گونه عمل می کرد و برخی از مسؤولین رده بالایی مملکت به جای تأیید مبارزه با فساد، به خاطر اشخاص یا جریانات خاص با آن مقابله نمی کردند کار به جایی می رسید که به گفته وزیر اطلاعات برخی از شرکت ها حتی یک درصد آن مالیاتی را که باید پرداخت کنند، پرداخت نمی کنند، می رسید؟!!

وظیفه همه آحاد مردم مخصوصا دانشجویان و روشنفکران جامعه این است که عدالت خواهی را با فریاد خود در تریبون ها، رسانه ها و... همگانی و همه جایی و تبدیل به یک فرهنگ عمومی کنند به طوری که از مطالبات درجه اول مردم باشد که حکومت خود را بدان ملزم بداند و پاسخگو باشد. به امید آن روز.

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

فصلنامه حکومت اسلامی ، شماره ۱۷، ص ۴۸

فصلنامه حکومت اسلامی ، شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶

محمدتقی نظرپور، ارزشها و توسعه ، ص ۱۹۶

علی

**آیا نحوه تخصیص اعتبارات، صنایع، دانشگاهها، مدارس، خدمات شهری و ... به استانهای کشور با توجه به اینکه همه استانها مال یک کشورند مردم همه مسلمان یا بهتر بگوییم مخلوق خدا هستند با عدالت سازگاری دارد یا تبعیض است.**

### پرسش

آیا نحوه تخصیص اعتبارات، صنایع، دانشگاهها، مدارس، خدمات شهری و ... به استانهای کشور با توجه به اینکه همه استانها مال یک کشورند مردم همه مسلمان یا بهتر بگوییم مخلوق خدا هستند با عدالت سازگاری دارد یا تبعیض است.

### پاسخ

قبل از پرداختن به سؤال باید به تفکیک تفاوت های منطقی با مواردی که واقعا تبعیض محسوب می گردد توجه داشت زیرا در مواردی به دلیل شرایط خاص جغرافیایی آن استان و یا سایر شرایط ها سیاستگذاری خاصی اعمال می گردد که چه بسا در مورد سایر مناطق نتوان آن کار را کرد. گذشته از این، متأسفانه علی رغم تأکید اصول متعدد قانون اساسی بر رفع تبعیض و بی عدالتی در عرصه های مختلف جامعه و اهتمام ویژه ای که مقام معظم رهبری به این امر دارند به دلایل متعددی هنوز در بخش هایی از جامعه شاهد تبعیضاتی چه در مرحله سیاستگذاری ها و چه در مرحله اجرا می باشیم. در یک بررسی اجمالی می توان دلایل این موضوع را از یک سو در مشکلات ساختاری و غیرساختاری و نیازهای تمامی بخش های کشور و کمبود امکانات موجود - در حدی که بتوان به صورت همزمان به تمامی بخشها توجه نمود - دانست و مهمتر از آن نوع نگاه و رویکرد حاکم بر بخش هایی از مجموعه مؤثر بر قانونگذاری و اجرا در بدنه نظام - خصوصا از دوران سازندگی تاکنون - است که به دلیل فاصله گرفتن از ارزش های انقلابی و اسلامی، در توجه به مهمترین هدف نظام اسلامی یعنی اجرای قسط و عدالت، وقفه هایی به وجود آورد و این دقیقا یکی از

دغدغه های اصلی نظام اسلامی و مقام معظم رهبری است تا جایی که به شدت بر زدودن این نگرش ها تأکید جدی داشته اند و مجموعه نظام را به اتخاذ سیاست ها و راهکارهای اساسی برای حل این قبیل مشکلات رهنمون ساخته اند. نگاهی به چشم انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه که در اصول و مواد متعددی از آنها بر رفع تبعیض در بخش های مختلف جامعه تأکید شده است، مبین این واقعیت می باشد.

کافی است در جهت اثبات این موضوع که نظام اسلامی به رفع تبعیض در بخش های مختلف جامعه خصوصا از اقشار و استان های محروم اهتمام ویژه ای دارد، به این مسأله توجه شود که هم مقام معظم رهبری و هم ریاست محترم جمهور و سایر مسئولین عالی رتبه همواره در مسافرت های خویش به استان های محروم، اعتبارات قابل توجهی - علاوه بر بودجه های مصوب - در جهت حل مشکلات این مناطق اختصاص داده و بر اجرای طرح های عمرانی و... در این مناطق پیگیری و نظارت می نمایند که بحمدالله نتایج بسیار مطلوبی در پی داشته است هر چند به دلیل نیازهای متعدد و مشکلات ساختاری در این استانها، تا دستیابی به وضعیت مطلوب راه طولانی مانده است.

**آیا در این زمان یک مسئول می تواند مطابق دستورهای اسلام عمل کند؟ زیرا در صورت اجرای حق و عدالت افرادی که پذیرش عدل برایشان سخت است ، از دور و برش پراکنده می شوند و او را تنها می گذارند؛ در نتیجه از انجام مسئولیت باز می ماند؛ پس تکلیف چیست ؟**

**پرسش**

آیا در این زمان یک مسئول می تواند مطابق دستورهای اسلام عمل کند؟ زیرا در صورت اجرای حق و عدالت افرادی که پذیرش عدل برایشان سخت است ، از دور و برش پراکنده می شوند و او را تنها می گذارند؛ در نتیجه از انجام مسئولیت باز می ماند؛ پس تکلیف چیست ؟

**پاسخ**

توجه به این نکته ضروری است که دستورهای مدیریتی اسلام از قاطعیت برخوردار است و بر اساس مدارا با مردم استوار شده است . بنابراین اگر مسئولی درست به وظیفه عمل کند و همهء دستورهای اجرایی را با رعایت شرایط و توأم با عواطف انسانی به کار بندد، موفق خواهد شد. در این صورت بفرض اگر کسانی از اجرای عدالت ناراحت شدند، باکی نیست و نگرانی وجود ندارد، چون نگرانی جایی است که بی عدالتی و تبعیض در اجرای قانون ، مایهء دلسردی افراد شود. مطالعهء کتاب هایی که در زمینهء مدیریت اسلامی نوشته شده است ، می تواند در این زمینه برای شما راهنما و راهگشا باشد، مانند که به قلم چند تن از علما شرح شده است و نیز کتاب به قلم آیهالله مکارم شیرازی .

**مشکلات اداری مشکل مسکن و تبعیض در جامعه .**

**پرسش**

## پاسخ

این واحد از پاسخ گویی به مسائل اداری و اجرایی معذور است و تنها به مسائل فکری از فلسفی و کلامی و تاریخی و غیره می پردازد. البته ما قبول داریم در هر مؤسسه و اداره یا نهادی ممکن است تخلفاتی انجام گیرد و مشکلات قشر زحمت کش کارمند با توجه به تورم و گرانی بر کسی پوشیده نیست . این نکته را باید در نظر داشته باشید که این واحد تازه تأسیس نشده است ، بلکه سابقه ده ساله دارد و معضلات فکری مردم ، به ویژه نسل جوان را با استفاده از کلام بزرگان برطرف کرده است . رسالت ما تنها گفتن مستحبات و مکروهات مانند گذاشتن پای چپ یا راست در موقع توالی رفتن نیست ، چون این گونه مسائل جزئی اهمیتی ندارد. برای رفع مشکلات و حل معضلات اداری و رفع تبعیض باید از راه های قانونی وارد شوید. اگر واحد حراست آن اداره را قبول ندارید، با مدیر کل حراست یا حتی وزارت اطلاعات یا مجلس شورای اسلامی کمیسیون مربوطه و یا نهاد ریاست جمهوری و غیره موضوع را در میان بگذارید. در مورد مسئله ای که سؤال کردید، باید عرض کنیم اگر بدون رضایت شما از حقوقتان پول برداشته اند و با آن فرش خریداری کرده اند، این کار خلاف شرع و حرام است و نماز خواندن با آن فرش جایز نیست .

برای کاهش مشکلات زندگی شغل دومی را در نظر بگیرید تا از این طریق کمکی به مخارج سنگین زندگی باشد. ما تعجب می کنیم چطور در

مدت ۲۵ سال خدمت برای منزل مسکونی خود اقدامی نکرده اید. در سال های اوایل انقلاب که مسکن گران نبود و وضع مساعدتری فراهم بود، باید اقدام می کردید. امیدواریم گشایشی فراهم شود و با استفاده از تسهیلات بانکی یا تعاونی مسکن مشکل شما حل شود.

## عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

### پرسش

عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

### پاسخ

عدالت از اصول مهم و از تعالیم و اهداف عمده دعوت اسلام است که آیات قرآن مجید و احادیث شریف با کمال تأکید و صراحت، همه را به آن مأمور و متعهد اجرای آن ساخته است.

از جمله در سوره مائده می فرماید:

«اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» مائده/۸

[عدالت ورزید که عدل به تقوی نزدیکتر است.]

و در سوره انعام می فرماید:

«وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» انعام/۱۵۲

[وقتی سخن گفتید، به عدالت سخن بگوئید.]

و در سوره نحل می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» نحل/۹۰

[خداوند متعال امر می فرماید به عدل و احسان.]

در نهج البلاغه حکمت ۳۷۴، پس از آنکه امر به معروف و نهی از منکر را فرموده است، می فرماید:

«وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدْلِ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ» (نهج البلاغه فیض الاسلام، ۱۰۲۱، نامه ۵۳)

[برتر از امر به معروف و نهی از منکر، سخن عدل است که در حضور پیشوا و زمامدار ستمکار گفته شود.]

و نیز حضرت امیر المؤمنین (ع) در آغاز خلافت ظاهری چنانکه در نهج البلاغه است روش صریح خود را در اجرای عدالت چنین اعلام می نماید:

آگاه باشید هر زمینی که عثمان (از اموال متعلق به حکومت اسلامی که باید عوائد آن صرف مصالح مسلمین و رفع حوائج نیازمندان گردد) به کسی بخشیده باشد و هر مالی را از مال خدا اعطا کرده باشد، به بیت المال برگردانده می شود، برای اینکه حق قدیم است (یعنی با اساس و با ریشه و سابقه است) و چیزی حق را باطل نمی کند.

اگر بیابم آن اموال عمومی را (که عثمان بخشیده است) در حالی که مهر زنان

کرده باشند، یا کنیزان را با آن خریده باشند، آن را به بیت المال بر می گردانم که در عدل، وسعت و گشایش است و آن کس که عدل بر او تنگ باشد، ظلم بر او تنگ تر خواهد بود.

از آن حضرت روایت است که رسول خدا(ص) فرمود:

«لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَّعَةٍ»

[هرگز پاک و مقدس نشود امت و مردمی که در آنها حق ضعیف از قوی بدون ترس گرفته نشود]

برای درک و فهم ابعاد این عدالت اجتماعی مطالعه سیره و روش رسول اکرم(ص) و حضرت(ع) را باید راهنما قرار داد.

## بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟

### پرسش

بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟

### پاسخ

اولاً: قوانین صحیح، روابط افراد را با یکدیگر و روابط آنها را با حکومت، بر اساس عدل و حق و منزه از استکبار و استضعاف مقرر می دارد و به تمام افراد، حق نظارت بر اجرای قوانین داده می شود که طبق:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» توبه/۷۱

[مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند، مردم را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می کنند.]

امر به معروف و نهی از منکر نمایند و بلکه مسؤول و متعهد باشند که این نظارت را انجام دهند.

علاوه با یکدیگر در روی کار آمدن و روی کار بودن نظام صالح همکاری داشته باشند.

ثانیاً: افراد، به پیروی از قانون و ندای ایمان و وجدان مکلف هستند که تمام مقررات عدل و قسط را در رشته های مختلف، نسبت به خود و دیگران رعایت نمایند که جامعه و افراد، از جانب هر فردی امتیث داشته باشند و حسن ظن و حمل بر صحت در هر مورد، خیال هر کس را راحت سازد و خیانت و غش و تقلب در جامعه مطرود و معدوم یا بسیار نادر و کم زمینه گردد.

ثالثاً: حکومت هم باید در این امور مشارکت کند و برنامه هائی اجرا نماید و وضع سلوک و استقبالش را از مردم متواضعانه و به نحوی قرار دهد که مردم، در نظارت بر امور تشویق و تقدیر شوند. چنانکه باید تعلیم و تربیت و ارشاد نیز در اینجا با نقش مهم و سازنده، افراد را رشید و زنده و آگاه بسازد که خود را مسؤول و

متعهد حسن جریان امور بشناسند و از تجاوز به حق و سهم دیگری و جنایت، پرهیز نمایند.

علاوه بر این ابعاد، ابعاد دیگر نیز هست، مثل: عدل در تعلیم و تربیت که علم و دانش و آموزش و پرورش برای همگان باشد نه فقط قانون، انحصاری بودن آن را لغو کرده باشد، بلکه عملاً نیز به نحوی باشد که افراد مستعد بتوانند ترقی علمی داشته و تا آنجا که امکان دارد برابر امثال و اقران خود جلو بروند.

باید از استعدادها که مواهب خدا به همه خلق است استفاده شود و تعلیم و تعلم، کار و شغل، مقدّس، و عبادت خدا تلقی شود و تأسیس مدارس و دانشگاهها برای کسب و جلب منافع مادی نباشد.

بالآخره تمام ابعاد مختلفی که عدل دارد باید تأمین شود تا عدل مطلق مستقر و برقرار شود.

و از همه مهم تر عدل فکری و اعتقادی که به منزله زیر بنا است، باید تأمین شود تا عدل مطلق، مستقر و برقرار شود.

## بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟

### پرسش

بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟

### پاسخ

اولاً: قوانین صحیح، روابط افراد را با یکدیگر و روابط آنها را با حکومت، بر اساس عدل و حق و منزه از استکبار و استضعاف مقرر می دارد و به تمام افراد، حق نظارت بر اجرای قوانین داده می شود که طبق:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» توبه/۷۱

[مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند، مردم را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می کنند.]

امر به معروف و نهی از منکر نمایند و بلکه مسؤول و متعهد باشند که این نظارت را انجام دهند.

علاوه با یکدیگر در روی کار آمدن و روی کار بودن نظام صالح همکاری داشته باشند.

ثانیاً: افراد، به پیروی از قانون و ندای ایمان و وجدان مکلف هستند که تمام مقررات عدل و قسط را در رشته های مختلف، نسبت به خود و دیگران رعایت نمایند که جامعه و افراد، از جانب هر فردی امتیّت داشته باشند و حسن ظن و حمل بر صحت در هر مورد، خیال هر کس را راحت سازد و خیانت و غش و تقلب در جامعه مطرود و معدوم یا بسیار نادر و کم زمینه گردد.

ثالثاً: حکومت هم باید در این امور مشارکت کند و برنامه هائی اجرا نماید و وضع سلوک و استقبالش را از مردم متواضعانه و



به نحوی قرار دهد که مردم، در نظارت بر امور تشویق و تقدیر شوند. چنانکه باید تعلیم و تربیت و ارشاد نیز در اینجا با نقش مهم و سازنده، افراد را رشید و زنده و آگاه بسازد که خود را مسؤول و

متعهد حسن جریان امور بشناسند و از تجاوز به حق و سهم دیگری و جنایت، پرهیز نمایند.

علاوه بر این ابعاد، ابعاد دیگر نیز هست، مثل: عدل در تعلیم و تربیت که علم و دانش و آموزش و پرورش برای همگان باشد نه فقط قانون، انحصاری بودن آن را لغو کرده باشد، بلکه عملاً نیز به نحوی باشد که افراد مستعد بتوانند ترقی علمی داشته و تا آنجا که امکان دارد برابر امثال و اقران خود جلو بروند.

باید از استعدادها که مواهب خدا به همه خلق است استفاده شود و تعلیم و تعلم، کار و شغل، مقدّس، و عبادت خدا تلقی شود و تأسیس مدارس و دانشگاهها برای کسب و جلب منافع مادی نباشد.

بالآخره تمام ابعاد مختلفی که عدل دارد باید تأمین شود تا عدل مطلق مستقر و برقرار شود.

و از همه مهم تر عدل فکری و اعتقادی که به منزله زیر بنا است، باید تأمین شود تا عدل مطلق، مستقر و برقرار شود.

### عدالت به چه معناست؟

#### پرسش

عدالت به چه معناست؟

#### پاسخ

عدالت نقطه مقابل ظلم است، نقطه مقابل تبعیض است و به عبارت دیگر: افراد بشر در دنیا به حسب خلقت خودشان و به حسب فعالیتهایی که میکنند و استعدادهایی که از خود نشان میدهند، استحقاقهایی پیدا میکنند؛ عدالت عبارت است از اینکه آن استحقاق و آن حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است به او داده شود؛ نقطه مقابل ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند و نقطه مقابل تبعیض است که دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند، یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند.

### از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟

#### پرسش

از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟

#### پاسخ

در قرآن مجموعاً به چهار عامل مؤثر در اعتلاها و انحطاطها برمی خوریم.

الف. عدالت و بی عدالتی: قرآن این مطلب را در آیات بسیاری منعکس کرده است، از آن جمله است چهارمین آیه از سوره قصص.

در این آیه کریمه پس از آنکه از برتری جویی فرعون که ادعای ربوبیت اعلی داشت و دیگران را به منزله بندگان خود می دانست، و از تفرقه افکنی میان مردم که به عناوین گوناگون میان آنها تبعیض قائل می شد و آنها را در برابر یکدیگر قرار می داد، و از ذلیل ساختن گروه خاصی از مردم کشور خود و کشتن پسران آنها و نگه داشتن زنانشان (به منظور خدمت فرعون و فرعونیان) یاد می کند، او را به عنوان یکی از تباهگران نام می برد. بدیهی است که جمله «إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» اشاره است به اینکه این گونه مظالم اجتماعی، جامعه را از بیخ و بن برمی کند.

ب. اتحاد و تفرق: در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ دستور صریح می دهد که بر مبنای ایمان و گرایش به ریسمان الهی متحد و متفق باشید و از تفرق و تشتت پرهیزید.

در سوره انفال آیه ۴۶ می فرماید:

[با یکدیگر نزاع نکنید که نزاع داخلی سستی می آورد و سستی، شما را زایل می کند.]

ج. اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر: آیه ۷۹ از سوره مائده، یکی از علل دور افتادن کافران بنی اسرائیل از رحمت خدا را، بازنداشتن یکدیگر از منکرات، یعنی ترک نهی از منکر ذکر کرده است.

د. فسق و فجور و فساد اخلاق: هر فسق و فجور و هر خروج از مسیر درست انسانیت، ظلم است.

ظلم در قرآن در حقیقت مفهوم اعمی دارد که هم شامل ظلم به غیر می گردد و هم شامل فسق و فجور و کارهای ضدّ اخلاقی. غالباً مورد استعمال این کلمه مصداق دوم است. آیاتی از قرآن که ظلم به معنی اعم را علت هلاک یک قوم شمرده بسیار زیاد است.

## از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟

### پرسش

از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟

### پاسخ

در قرآن مجموعاً به چهار عامل مؤثر در اعتلاها و انحطاطها برمی خوریم.

الف. عدالت و بی عدالتی: قرآن این مطلب را در آیات بسیاری منعکس کرده است، از آن جمله است چهارمین آیه از سوره قصص.

در این آیه کریمه پس از آنکه از برتری جویی فرعون که ادعای ربوبیت اعلی داشت و دیگران را به منزله بندگان خود می دانست، و از تفرقه افکنی میان مردم که به عنوان گوناگون میان آنها تبعیض قائل می شد و آنها را در برابر یکدیگر قرار می داد، و از ذلیل ساختن گروه خاصی از مردم کشور خود و کشتن پسران آنها و نگه داشتن زنانشان (به منظور خدمت فرعون و فرعونیان) یاد می کند، او را به عنوان یکی از تباهگران نام می برد. بدیهی است که جمله «إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» اشاره است به اینکه این گونه مظالم اجتماعی، جامعه را از بیخ و بن برمی کند.

ب. اتحاد و تفرّق: در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ دستور صریح می دهد که بر مبنای ایمان و گرایش به ریسمان الهی متحد و متفق باشید و از تفرّق و تشّتت بپرهیزید.

در سوره انفال آیه ۴۶ می فرماید:

[با یکدیگر نزاع نکنید که نزاع داخلی سستی می آورد و سستی، شما را زایل می کند].

ج. اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر: آیه ۷۹ از سوره مائده، یکی از علل دور افتادن کافران بنی اسرائیل از رحمت خدا را، بازداشتن یکدیگر از منکرات، یعنی ترک نهی از منکر ذکر کرده است.

د. فسق و فجور و فساد اخلاق: هر فسق و فجور و هر خروج از مسیر درست انسانیت، ظلم است.

ظلم در قرآن در حقیقت مفهوم اعمی دارد که هم شامل ظلم به غیر می گردد و هم شامل فسق و فجور و کارهای ضد اخلاقی. غالباً مورد استعمال این کلمه مصداق دوم است. آیاتی از قرآن که ظلم به معنی اعم را علت هلاک یک قوم شمرده بسیار زیاد است.

## عدالت به چه معناست؟

### پرسش

عدالت به چه معناست؟

### پاسخ

عدالت نقطه مقابل ظلم است، نقطه مقابل تبعیض است و به عبارت دیگر: افراد بشر در دنیا به حسب خلقت خودشان و به حسب فعالیت‌هایی که میکنند و استعدادهایی که از خود نشان میدهند، استحقاق‌هایی پیدا میکنند؛ عدالت عبارت است از اینکه آن استحقاق و آن حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است به او داده شود؛ نقطه مقابل ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند و نقطه مقابل تبعیض است که دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند، یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند.

## منظور از عدالت در فقه اصغر، حکمت و عرفان چیست؟

### پرسش

منظور از عدالت در فقه اصغر، حکمت و عرفان چیست؟

### پاسخ

عدالتی که در فقه اصغر فقه اصطلاحی مطرح است، عدالتی است که در اثر التزام به واجبات و ملحقیات آن و ترک محرمات و ملحقیات آن حاصل می شود و کاری با سایر صفات و ملکات انسان ندارد. اگر چنین عدالتی برای کسی حاصل شد، احکام فقهی آن نیز برای او ثابت می شود. یعنی اقتدای به او جایز، شهادت او در محکمه قضا مسموع است و می تواند شاهد بر ایقاع طلاق باشد و ... این مرتبه، مرتبه نازله عدالت است که از آن به حداقل بر تکلیف یاد می شود. بنابراین، شخص افزون طلبی که از مرز عدالت تجاوز نمی کند به نظر فقه اصغر عادل است، در حالی که در حکمت و فقه اوسط عادل کسی است که علاوه بر التزام به واجبات و ترک محرمات، ملکات خود را نیز تعدیل کند و آنها را در هسته مرکزی عدل قرار دهد.

توضیح این که: حکما می گویند: قوای اداره کننده آدمی سه چیز است: فاهمه، شهویه و غضبیه. عادل کسی است که بتواند هر یک از این سه قوه را مهار کند و آنها را در هسته مرکزی آنها، که حالت اعتدال آنهاست، حفظ کند.

قوه فاهمه و دزاکه انسان که که حالت اعتدال و هسته مرکزی آن «حکمت» نامیده می شود، گاهی حالت افراط دارد و آن زمانی است که وقتی استدلال و برهان برای او اقامه می شود، قبل از بررسی نهایی و دقیق برهان، از این شاخه به آن شاخه می پرد، اشکالات و نقض های بی ربط وارد می کند و زیر بار مطالب مبرهن و مستدل نمی رود. از این حالت نفسانی

به «جربزه» تعبیر می شود. چنانکه در مقابل ممکن است اهل تفریط باشد که هر چه استاد می خواهد با اقامه برهان و استدلال، مطلبی را به او تفهیم کند، قدرت درک و فهم مطالب استاد را ندارد. از این حالت به «بلاغت و کودنی» تعبیر می شود.

قوه شهویّه که برای جذب منفعت و امور پسندیده و ملائم با طبع است و حالت اعتدال و هسته مرکزی آن «عفت» و سخاوت نامیده می شود نیز گاهی در حدّ افراط است که به مقدار لازم و نیاز خود اکتفا نمی کند بلکه همواره افزون طلب است و سیری ناپذیر (البته در محدوده حلال و نه حرام) این حالت را «شره» می گویند. و گاهی در حدّ تفریط است و قادر به برخورداری و جذب مقدار لازم و مورد نیاز خود هم نیست که به آن «خمود» می گویند.

نیز قوه غضبیه که برای دفع ناملايمات و ناگواری هاست و حالت اعتدال و هسته مرکزی آن «شجاعت» نامیده می شود حالت زیاده روی و افراطی دارد که آن را «تهور» می نامند و این همان است که انسان را به انتقامجویی و کینه توزی زاید وادار می کند. و حالت تفریط آن «جبن» است که انسان در آن حالت از اِعمال غضب در جای خودش و دفاع از خودش عاجز می ماند.

اگر کسی توانست قوه فاهمه و قوه شهویّه و قوه غضبیه را در هسته مرکزی و حالت اعتدال شان نگه دارد، یعنی حالت حکمت، عفت و سخاوت و شجاعت را حفظ کند، در نظر حکما و فقه اوسط عادل است.

طبق این معیار، کسی که با کوشش برای تولید بیشتر در صدد حلّ مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی بر می آید، البته

در حال عبادت است، لیکن اگر اهل وجود و سخا و دارای روح قناعت نباشد و بخواهد از راه حلال بر ارقام ثروت خود بیفزاید و مال حلال بیشتری به دست آورد (هر چند که همه حقوق واجب را بپردازد و از کسب مال حرام بپرهیزد) از عدالت وسطی بی نصیب خواهد بود. چنانکه اگر از نظر اعمال غرایز، نتواند خود را به حدّ اقلّ استفاده از حلال قانع کند و در بهره مندی از حلال افراط نماید یا انسان ترسویی باشد و از شجاعت برخوردار نگردد، محروم از این قسم از عدالت است؛ هر چند که هیچ یک از این امور به عدالت صغرای مطرح در فقه اصغر لطمه ای نمی زند.

بنابراین، اگر کسی همه این مراحل را پشت سر گذاشت یعنی هم قوای ادراکی و هم قوای تحریکی او به اعتدال رسید، خوش فهم و نیکوکار شد، ملکات فاضله ای چون سخاوت، قناعت، عفت، شجاعت، جود و بخشش را تحصیل کرد؛ در حکمت و فلسفه الهی به مقام عدالت می رسد و حکیمان او را عادل می خوانند (فلسفه حقوق بشر، ص ۲۰۶-۲۰۳). لیکن هنوز عرفا او را عادل نمی دانند؛ زیرا قلمرو شهود عارف، بسیار وسیع تر از منطقه فهم حکیم و متکلم است.

در نظر عارف، عادل کسی است که مظهر همه اسمای حسنای الهی باشد و در هر وقت به اسمی از اسمای حسنای الهی که مناسب همان وقت است، ظهور کرده آن را در جای خود اجرا کند. بنابراین، در بینش عارفانه، عدالت وصف کسی است که مظهریتش نسبت به همه اسمای حسنی همتا و همسان باشد و خود در هسته مرکزی آن قرار گیرد و اختلاف موضعی آنها را برطرف



کند.

## ارکان تضمین کننده عدالت اجتماعی و اجرای قوانین در جوامع فعلی چه چیزهایی هستند؟

### پرسش

ارکان تضمین کننده عدالت اجتماعی و اجرای قوانین در جوامع فعلی چه چیزهایی هستند؟

### پاسخ

ضمانت اجرایی در نظامات کنونی بشر، از دو عامل ترکیب یافته است: ۱- نیروی بازدارنده از گناه یا قوای انتظامی. ۲- مجازات متخلفان از طریق قوه مجریه.

نیروهای بازدارنده گناه، خلاف را در نطفه خفه می کند و نمی گذارد خلاف در اجتماع پدید آید و از این جهت شایسته است نام چنین قدرتی را «نیروی انتظامی» بنامیم. مجازات و کیفر دادن متخلفان، مربوط به کسانی است که گناه را مرتکب شده اند و اکنون باید قانون درباره آنان به وسیله قوه مجریه اجرا گردد. این دو عامل هر چند تأثیر مشترکی دارند زیرا اجرای قانون درباره گنهکاران، خود نیز یکنوع عامل بازدارنده است نسبت به دیگران، ولی در عین حال، دو نوع تأثیر مختلف نیز دارند اینکه بحثی فشرده درباره عامل نخست:

وجود نیروی انتظامی در معابر و مراکز، خود نیروی بازدارنده اجتماع از ارتکاب گناه است. زیرا برخی از مردم در غیاب دیدگاه پلیس، آماده قانون شکنی هستند و با خود چنین می اندیشند که در این فرصت می توانند به مقصد برسند و در چنگال قانون گرفتار نشوند و با وجود مشاهده پلیس حاضر به خلاف نمی باشند برای چنین گروه، نیروهای انتظامی، بهترین عامل بازدارنده از گناه و قانون شکنی است. هیچ حکومتی حتی حکومت اسلامی از چنین قوایی بی نیاز نیست و اصولاً هیچ حکومتی در جهان نمی تواند بدون چنین نیرویی پایدار باشد. قوای انتظامی در حکومت اسلامی جزئی از گروه امر به معروف است که باید آن را نظارت خصوصی نام نهاد و قرآن آن را با جمله زیر بیان کرده است آنجا

که می فرماید: «و لتكن منكم امة يدعون إلى الخير يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنکر» آل عمران/ ۱۰۴ [باید از شما گروهی باشند که نیکی ها را در میان مردم اشاعه دهند و از بدیها باز دارند]. به طور مسلم امر به معروف دارای مراتب مختلف و گوناگونی است و هر مرتبه ای برای خود، مأمور و مسئول مشخصی دارد و مجریان تمام قوانین در تمام مراحل حتی مراقبان مواد غذایی جزو آمران معروفند که ستونی از حکومت اسلامی را تشکیل می دهند. اسلام برای تأمین این اهداف و بازداری مردم از گناه از دو راه دیگر نیز وارد شده است و با تأسیس نظارت عمومی و پرورش ایمان و اعتقاد به خدا و روز رستاخیز توانسته است قوانین خود را در سطوح مختلف اجرا سازد.

بیان این دو قسمت:

الف: نظارت عمومی

نظارت عمومی این است که تمام افراد می توانند بر اجرای قوانین نظارت کنند البته این نوع نظارت از حدود نصیحت و اندرز و آگاه ساختن مراجع صلاحیتدار از جرمها و مجرمها، خارج نیست و یک چنین نظارت به عنوان یک وظیفه مهم مذهبی است که تخلف از آن گناه و مایه دوری از رحمت حق است.

یک چنین نظارت عمومی که همه جامعه را نسبت به یکدیگر سراپا گوش و چشم، قرار می دهد، نقش مهم در اجرای قوانین دارد. چه بسا در پرتو نظارت عمومی، گناه و جرم در همین مراحل خنثی می گردد و نوبت به مراحل دیگر نمی رسد، هدف آیاتی که همه افراد جامعه را موظف می سازد که باید امر به معروف کنند، نظارت عمومی است و وظیفه این گروه از قوه مجریه که ما آن را نظارت خصوصی

می‌نامیم کاملاً جدا است.

ب: ایمان به خدا و اعتقاد به سرای دیگر

این نوع اجرا در مناطقی می‌تواند فعالیت کند که از کنترل مأموران نظارت خصوصی و عمومی بیرون باشد و اجرای قوانین برای آنان در آن مراحل ممکن نباشد. تأثیر ایمان به خدا و کیفی‌های الهی در بازداری انسان از گناه، آنچنان روشن است که ما خود را از هر نوع توضیحی بی‌نیاز می‌دانیم و در این مورد به طور فشرده به یک واقعه تاریخی اشاره می‌کنیم:

جرمهای مکتوم و پنهانی در خلوتخانه‌ها و تاریکخانه‌ها ضامن اجرایی جز ایمان ندارد و از این جهت قوانین اسلام از نظر وسعت ضامن اجرا، جلوه خاصی دارد و عظمت خود را در برابر دیگر قوانین و نظامات مادی که فاقد این نوع ضمانت اجرایی هستند نشان می‌دهد. این حقیقت را دادستان دیوانعالی ایالات متحده «ماربرت هوگوت جاکسون» در مقدمه کتاب «حقوق در اسلام» به خوبی درک کرده است و پس از گفتاری چنین می‌نویسد:

«قانون در امریکا فقط یک تماس محدودی با اجرای وظایف اخلاقی دارد در حقیقت یک شخص امریکایی در همان حال که ممکن است یک فرد مطیع قانون باشد، ممکن است یک فرد پست و فاسدی هم از حیث اخلاق باشد. ولی به عکس آن، در قوانین اسلامی سرچشمه و منبع قانون اراده خدا است، اراده‌ای که به رسول او «محمد» مکشوف و عیان گردیده است، این قانون و این اراده الهی، تمام مؤمنان را جامعه واحدی می‌شناسد گرچه از قبایل و عشایر گوناگون تشکیل یافته در مواضع و محل‌های دور و مجزای از یکدیگر واقع شده باشند، در این جا مذهب، نیروی صحیح و

سالم التصاق دهنده جماعت می باشد، نه ملیت و حدود جغرافیایی. در اینجا خود دولت هم مطیع و فرمانبردار قرآن است و مجالی برای قانونگذار دیگری باقی نمی گذارد تا چه رسد به این که اجازه انتقاد و شقاق و نفاق بدهد. به نظر مؤمن این جهان دهلیزی است به جهان دیگر که جهان بهتر باشد و قرآن قواعد و قوانین و طرز سلوک افراد را نسبت به یکدیگر و نسبت به اجتماع آنها معین می کند تا آن تحول سالم را از این عالم به عالم دیگر نماید.

غیر ممکن است تئوریهها و نظریات سیای.....قضایی را از تعلیمات پیامبر تفکیک نمود؛ تعلیماتی که طرز رفتار را نسبت به اصول مذهبی و طرز زندگی شخصی و اجتماعی و سیاسی همه را تعیین می کند. دین تعلیمات بیشتر و وظیفه و تکلیف برای انسان تعیین می کند تا حقوق، یعنی تعهدات اخلاقی که فرد، ملزم به اجرای آن می باشد مطرح است و هیچ مقامی در روی زمین نمی تواند فرد را از انجام آن معاف بدارد و اگر از اطاعت سرپیچی کند حیات آینده خود را به مخاطره انداخته است».

از آنجا که آمریکاییها اساس مذهبی و یا فلسفی قوانین اسلامی را قبول ندارند اینطور فکر می کنند که هر چیز بر اساس مذهب مبتنی گردیده نمی تواند نظر و توجه ما را جلب کند. ولی حقیقت این است که همین سیستمی که غیر عملی قلمداد می شود اعمال بزرگی را توانسته است به طرز حیرت انگیزی انجام دهد بگونه ای که نیروی حیاتبخش و التصاق دهنده آیین محمدی را قادر ساخت تا بر سواحل آفریقایی مدیترانه ای، استیلاء یابد. (مقدمه حقوق در اسلام به قلم هوگون جاکسون،

## عامل دوم

### مجازات متخلفان

مجازات و کیفرهای دنیوی دومین رکن تأمین کننده عدالت اجتماعی و اجرای قوانین است و در حقیقت نمی توان موضوع مجازات متخلفان را رکن جداگانه ای شمرد بلکه مجازات به ضمیمه عامل پیشین، عامل واحدی است که می تواند اجرای قوانین را در سطوحی تضمین کند ولی اسلام در مسئله مجازات و کیفرها راه خاصی دارد که می تواند مسئله اجرای قوانین را به صورت کاملتری درآورد.

اولا: اسلام مخالفان و متمردان را تنها به کیفرهای دنیوی مانند قتل و زندان و تبعید و تنبیه های بدنی تهدید نکرده است بلکه برای مجرم دو نوع کیفر قرار داده است:

۱- کیفرهای دنیوی: که باید به وسیله قوه مجریه اجرا گردد از قبیل بریدن دست دزد، قصاص قاتل و شلاق زدن.

۲- کیفرهای اخروی: شاهکار قوانین الهی در همین نقطه است که به کیفرهای دنیوی اکتفا نکرده و برای گناه، کیفر اخروی که چاره و فراری از آن نیست قائل شده است. ممکن است مجرم به عناوینی بتواند از چنگال کیفرهای دنیوی خود را برهاند اما کیفرهای اخروی آنچنان در کمین گنهکار نشسته است که چاره ای از آن نیست چه بسا برخی از این کیفرها لازمه عمل و صورت واقعی گناه است و به این معنی که گناه در روز رستاخیز به آتشی تبدیل می گردد.

راستی اگر فردی به مفاد آیه زیر که درباره زر اندوزان وارد شده است مؤمن باشد، ممکن نیست دور گناه بگردد.

«وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ - يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ» توبه/۳۵ و ۳۴

[گروهی را که طلا و نقره را گنج می کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی نمایند، به عذاب دردناک بشارت بده روزی همان طلاها در آتش دوزخ سرخ می گردند و پیشانی و پشت آنها داغ زده می شود [به آنان گفته می شود] که این آتشها همان گنجها است پس عذاب دردناک را بچشید.]

همچنین اگر گنهکار از کیفرهای الهی درباره قتل مؤمن و رباخوار و ... آگاه گردد به طور مسلم از میزان جرایم به وضع روشنی کاسته می شود.

از نظر یک فرد با ایمان جهان سراسر چشم و گوش است و دستگاههای گیرنده و منعکس کننده، کلیه افعال و کارهای انسان را ضبط نموده، و منعکس می نمایند و روزی فرا می رسد که تمام این اسناد در برابر محکمه عدل الهی قرار گرفته مطابق این اسناد قطعی کیفر می بیند قرآن این حقیقت را در آیات زیر بیان می کند.

«هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إنا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ». جاثیه/ ۲۹

[این نوشته های ما است که به حق سخن می گوید ما آنچه را عمل می کردیم می نوشتیم.]

«ما يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» ق/ ۱۸ [سخن نمی گوید مگر اینکه مراقبی برای ضبط آن آماده است.]

پاداش ها

ثانیا: اسلام علاوه بر تعدد کیفر، به شرحی که بیان گردید به موضوع پاداش توجه کرده و در پرتو آن به موضوع اجرای قوانین کمک شایان تقدیری نموده است. در قوانین امروز برای عامل به قانون، پاداشی در نظر گرفته نشده است. زیرا قانونگذار تصور می کند که عمل به قانون وظیفه انسانی و اجتماعی است که برای تأمین عدالت اجتماعی که سود آن عاید عامل می گردد و این مطلب منطقی است ولی آیا تمام افراد

این منطق را درک می کنند؟ و آیا توده مردم که اکثر قوانین متوجه آنهاست خلاف آن را انتظار ندارند؟ آنان با خود می گویند همان طور که تخلف کیفر دارد باید عامل به قانون نیز پاداشی داشته باشد. اسلام با تعیین پاداشها توانسته است این خلأ را در ذهن توده ها پر کند، تا آنان به طور خودکار از گناهان دوری جویند و به اطاعت و پیروی از قوانین بگرایند.

در مضمون آیه زیر دقت بفرمایید که چگونه در افراد، روح آزادگی و گذشت از جان و مال را در برابر گسترش آیین خدا پرورش می دهد:

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ وَيُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ» توبه/۱۱۱

[خداوند جان و مال افراد با ایمان را در برابر بهشت خریداری نموده است، آنان در راه خدا جهاد می کنند، می کشند و کشته می شوند.]

انگیزه بسیاری از افراد با ایمان برای رعایت قوانین اعم از فرایض و نوافل همین پاداشهاست که آنان را به سوی هدف اعزام می کند و هرگز نباید از یک چنین عامل مؤثر غفلت نمود. اسلام برای نفوذ قانون در دل اجتماع، هرگز کیفر متخلف را با پاداش مطیع یکسان نگرفته است بلکه به خاطر رعایت عدالت، کیفر را معادل جرم قرار داده در حالی که پاداش بر عمل نیک را ده برابر معرفی کرده چنانکه می فرماید:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا» انعام/۱۶۰.

[هر کس یک کار نیک انجام دهد ده برابر پاداش دارد و هر کس گناهی انجام دهد به مقدار تخلف، کیفر می بیند.]

**برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه ، چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟**

**پرسش**

برای مبارزه با بی عدالتی

موجود در جامعه ، چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

## پاسخ

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه ، و تأکیدات فراوان امام راحل ( ره ) و مقام معظم رهبری در این خصوص ، هنوز در جامعه اسلامی ما شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچ وجه زیبنده حکومت و جامعه اسلامی نبوده ، و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی اشکال بی عدالتی در جامعه می باشد بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود در جامعه را می توان در موارد ذیل بصورت مختص بیان نمود : الف - توجه جدی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزیهای توسعه و سازندگی کشور : پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی درپیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخصهای مطلوب گردید . به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود . این عامل در برخی از تحلیلها و تحقیقات به عمل آمده ، عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است . حضرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از این روند ، می فرمایند : ( ( در این مرحله از انقلاب ، هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن ، رفاه مادی هم راه باعدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی ، با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام ، تامین شود . هر یک



از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد )، ( حدیث ولایت ، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷ ) . و در جای دیگر می فرمایند : ( در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت ها باید مبتنی بر عدالت باشد زیرا قسط و عدل از همه آرمان ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد . رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست ، بلکه رشد اقتصادی جزیی از هدف ماست و جز دیگر عبارت از عدالت است ... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی ، یا در مجموع برنامه ها ما را به هدف عدالت نزدیک کند، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست ) ، ( روزنامه رسالت ، ۹/۳/۱۳۷۲ ) . ب - برخورد فیزیکی ، مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروتهای نامشروع و بادآورده : امام علی ( ع ) دو اقدام مهم و انقلابی راسرلوحه اقدامات حکومت عدل خویش قرار دادند : ۱- مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان ۲- احیا سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال . حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند : ( ... با قوانین لازم و تامین امنیت قضایی در کشور بساط

تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطة مشروع‌زندگی مردم ، جمع شود ...) ، ( حدیث ولایت ، ج ۱ ، ص ۲۸۷ ) . و در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند براین امر مهم تاکید نمودند که خود بیانگر، عزم ، همدلی و همکاری قوای سه گانه باین برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می باشد . ج - پیشگیری از پیدایش ثروتها و ثروتمندان نامشروع جدید : یکی دیگر از راههای مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه ، جلوگیری از روی آوردن و دل‌باختگی والیان و کاپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است در این راستا اهم اقدامات پیشگیرانه عبارتند از : ۱- اسوه و نمونه بودن مسوولان حکومت برای دیگر کارگزاران : امام علی ( ع ) می فرماید : ( ان الله تعالی فرض علی ایمة العدل ان یقدروا انفسهم بضعفه الناس ، کیلا- یتبیغ بالفقیر فقره ؛ خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده ، خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند . تا تنگدستی فقیر، او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد ) ( نهج البلاغه ، خطبه ۲۰۹ ، ص ۳۲۵ ) ۲- زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان : حضرت علی ( ع ) در فرازی از عهدنامه مالک اشتر، در این زمینه می فرماید ( والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی

برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد، کمتر حاضر به رعایت انصافند، وظیفه تو، آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی ) ( ) ، ( نهج البلاغه ، نامه ۵۳ ، ص ۴۴۱ ) . ۳- بازرسی ، نظارت ، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران : حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرماید : ( ( باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان ، نظارت بر کار آنان نیز ضروری است ، چون مقام و قدرت ، غالباً "اخلاق و رفتار مسوولان را تغییر می دهد، بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارساو کاردان ، از بالا- بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند ... ) ) ، ( فجر انقلاب در بهار قرآن ، ص ۲۰۳ و ۲۰۵ ) . د- بالا- بردن میزان آگاهی مردم : با بالا رفتن میزان آگاهی مردم ، درک آنها از حقوقشان افزایش می یابد و بی عدالتی را نمی پذیرند و به انحاء مختلف برای دستیابی به حقوقشان می کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیمگیریهای سیاسی افزایش می یابد . ه - توجه جدی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه : زیرا وجود ارزشهای اسلامی مانند ایمان ، تقوا، تعهد و ... موجب ایجاد و اجرای عدالت در سطح جامعه می شود قرآن کریم می فرماید ( ( اعدلوا هو اقرب للتقوی

(( ( مایده / ۸ ) امام علی ( ع ) نیز می فرماید : (( قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه ؛ هر که می خواهد به حلیه عدل و دادآراسته شود می بایست هوا و هوسهای گوناگون را از خود دور کند )) ، ( نهج البلاغه ، خطبه ۸۷ ) . لذا برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه ، تحقق باوری عمیق ، درونی ریشه دارد ، عقلای و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه - به معنی کسانی که در دستگاههای رسمی تقنینی ، اجرایی ، قضایی ، نظامی ، و انتظامی ، آموزشی ، فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاهها و نهادهای غیر رسمی ولی موثر جامعه نقش تعیین کننده ، ایفا می کنند ، لازم و ضروری می باشد و باید این نظام ارزشی در ۱- رفتار حقیقی و حقوقی مدیران ، ۲- ساختار کلان کشور ۳- برنامه های اجرایی ، تبلور و تجلی یابد . و - فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصتهای مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات ، اشتغال ، مسکن ؛ رفاه و ... که در اصول متعددی از قانون اساسی ج . ا . ا . متبلور می باشد . برای آگاهی بیشتر ر.ک : فصلنامه حکومت اسلامی ، شماره ۱۷ ، ص ۴۸ فصلنامه حکومت اسلامی ، شماره ۱۸ ، ص ۲۶ و ص ۵۶ محمدنقی نظرپور ، ارزشها و توسعه ، ص ۱۹۶ علی ذو علم ، انقلاب و ارزشها ، ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴ دکتر فرامرز رفیع پور ، آناتومی جامعه ، ص ۴۸۰ ؛

### آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

#### پرسش

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه

## پاسخ

امروزه، عدالت اجتماعی همانند آزادی و دموکراسی و بعضی کلمات دیگر، ظاهری جالب و فریبنده دارد و برای همین است که در سرلوحه برنامه هر مکتب و حزبی این جمله به چشم می خورد.

مفهوم حقیقی عدالت اجتماعی حاکمیت قوانین عادلانه در اجتماع است که در زیر سایه چنین قوانینی، هر صاحب حقی بحقش برسد؛ استعدادها پرورش یابد و عقل ها بارور شود. به گونه ای که هیچ حقی نادیده گرفته نشود و از این رهگذر، کسی ستم نبیند. جامعه بشری به عنوان بخشی از جهان هستی، باید با نظام عادلانه آفرینش همانند و همسو باشد؛ حال برای اینکه بقوانین عادلانه جهان هستی بهتر پی ببریم، تا قوانین اجتماعی بر پایه آن، استنساخ کنیم،

به چهار آیه از قرآن کریم می نگریم:

- در سوره فاطر (۴۱) می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا»؛ خداوند، آسمان ها و زمین را از نابودی حفظ می فرماید.

- در سوره فرقان (۲) می فرماید:

«وخلق كل شيء فقدره تقديراً»؛ خدا هر چیز را آفریده و برای آن اندازه خاص مقرر فرمود.

- در سوره آل عمران (۱۸) می فرماید:

«شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوالعلم قائما بالقسط»؛ خدا آگاه است که جز خودش خدایی نیست و فرشتگان نیز گواهند در حالی که جهان را به عدالت برپاداشته است.

- در سوره فاطر (۴۳) می فرماید:

۵۳۱

«فلن تجد لسنة الله تبديلاً ولن تجد لسنة الله تحويلاً»؛ هرگز در سنت خدا تغییر و تبدیلی نخواهد یافت.

از این چهار آیه می فهمیم که اولاً: یک قدرت بر تمام جهان مسلط است که هر موجود را به جای خود و همه جهان را مجموعاً نگهداری می کند. ثانیاً:

هر موجودی به اندازه معینی و دارای استعداد خاصی آفریده شده است؛ ثالثاً: میان موجودات از کوچک و بزرگ به قانون عدالت توازن و هم آهنگی برقرار گشته که از مجموع آنها واحدی به نام جهان تشکیل یافته و همه دارای یک نظم و یک روشند که همان قانون جهان یا سنت خدا نامیده می شود؛ رابعاً: سنت خدا که قوانین عالم باشد ثابت است و هرگز در آنها تغییر و تبدیلی رخ نمی دهد.

این مطالب را هم از آیات قرآن و هم از راه عقل و مشاهده احوال موجودات می فهمیم. افراد بشر نیز هم جزئی از این جهانند و ناچار محکوم این قوانین هستند.

جهان هستی به قدرت و عدالت برپاست. قدرت است که هر جسم را در جای خود نگاه می دارد و آن را از متلاشی شدن حفظ می کند. و عدالت تکوینی است که هر موجودی را آن گونه که باید در جایگاه شایسته قرار می دهد و همه را به کمال لایق خود می رساند. و در نتیجه این قدرت و عدالت است که هیچ چیز از حد خود تجاوز نمی کند و حد هر چیزی برای خودش محفوظ می ماند.

در جامعه بشری نیز باید قدرتی باشد که آن جامعه را از فروپاشی نگهداری کند و عدالتی باشد که هر طبقه و فرد را در حد خود قرار دهد و حد او را برایش حفظ کند تا نه کسی از حد خود تجاوز کند و نه کسی از حد خود محروم بماند.

در جهان قوانینی ثابت حکم فرماست که هر موجودی از آن تخلف کند، نابود می شود. برای بقاء نظام

اجتماعی نیز به قوانین ثابتی نیاز است که هر جامعه ای آن قوانین را نشناسد و یا

۵۳۲

بشناسد و از آن پیروی نکند، روبه فنا می رود.

(بخش پرسش و پاسخ)

۵۳۳

### دیدگاه مرحوم مطهری درباره ارتباط عدالت و استحقاق چیست؟

**پرسش**

دیدگاه مرحوم مطهری درباره ارتباط عدالت و استحقاق چیست؟

**پاسخ**

شما توضیح مطلبی از کتاب عدل الهی نوشته مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری بود در پاسخ یادآور می شویم همانگونه که خود ایشان توضیح داده اند "استحقاق" این است که یک انسان بطور طبیعی یا اکتسابی دارای حقی باشد که مراعات حق او در این صورت عدالت خواهد بود مثلاً اگر انسان با کارگری قرار داد کرد که یک روز برای انسان کار کند و در مقابل ۲۰۰۰ تومان دریافت دارد این کاردگر در برابر یک روز استحقاق دریافت ۲۰۰۰ تومان در دارد و اگر این استحقاق مراعات نشود و از این ۲۰۰۰ تومان چیزی به او کم داده شود عدالت مراعات نشد و باور ستم شده است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۷۵

### چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

**پرسش**

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

**پاسخ**

منظور از عدالتی که از پی آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به

توحید و یگانه پرستی است که می تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی در آیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشریح در عقیده و پراگندگی در ایده ثلوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسر و عملی نیست.

اساساً در جامعه ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد.

آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلاً سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون



ثابت و عادلانه ای وضع کند، بکه این کار تنها باید به دست خداوند که آفریدگار همه است و اندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی

۴۸۳

و حکومت الهی آنان میسر است.

( بخش پاسخ به سؤالات )

۴۸۴

**با اینکه در اسلام تبعیض نژادی نیست پس این جمله روایت چه معنی دارد؟ «علیکم بالوجوه الملاح و الحدق السود»؟**

**پرسش**

با اینکه در اسلام تبعیض نژادی نیست پس این جمله روایت چه معنی دارد؟ «علیکم بالوجوه الملاح و الحدق السود»؟

**پاسخ**

انکار تبعیض نژادی در اسلام معنایش این نیست که واقعیات زندگی هم نادیده گرفته شود، شکی نیست که سلامتی و شادابی جسم در سلامتی روح اثر دارد و افراد زیبا صورت و خوش قدم و قامت قطعاً بر اثر داشتن بنیه ای نیرومندتر از نظر جسمی در شئون اجتماعی و معاشرتی خوش برخوردتر و با نشاط ترند و این مطلب مسلم است که طبع هر انسانی به کامل هر چیزی تمایل بیشتری دارد تا به ناقص آن و اصولاً- انسانی که از نظر زیبایی و ملاحظت بهره یی کافی دارد جاذبه ی بیشتری خواهد داشت.

و روایت هم گویا در مقام ارشاد به همین واقعیت است که هر انسانی قطعاً به آن تمایل دارد و اصلاً در مقام بیان برتری افراد از نظر جنبه های ایمانی نیست تا گفته شود برنامه اسلام در مقام بربری فقط زیباییهای ظاهری و جسمی توجه ندارد بلکه مسلم

۱۱۱۰

است که زیباترین افراد هم اگر از نظر معنویت فاسد باشد دارای ایمان و تقوی نباشد از زشت ترین فردی که با ایان و تقوی باشد پست تر است، همان که خود پیامبر گرامی اسلام ((صلی الله علیه و آله)) برخی از افراد زشت و سیاه که دلشان مملو از نور خدا و ایمان بود بر ثروتمندترین و زیباترین افراد غیر مسلمان و مسلمانان کم تقوی ترجیح می داد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

## مساوات در اسلام چگونه است؟

### پرسش

مساوات در اسلام چگونه است؟

### پاسخ

در اسلام، ارزش های موهومی که معیار برای فضیلت و برتری انسانها شمرده شده، نفی شده است و تنها ارزش بر مبنای تقوی و علم و مجاده است. بنابراین ملیت و رنگ و نژاد و ثروت و امثال اینها، معیار فضیلت نیست و هیچ ملّتی از این جهات بر ملّت دیگر فضیلت و برتری ندارد و بنا بر فرمایش حضرت رسول اکرم ((صلی الله علیه و آله)) «لا فضل لعربی علی عجمی و لعجمی علی عربی و لا لابیض علی اسود و لا لاسود علی ابیض الا بالتقوی»؛ هیچ عربی بر عجم و هیچ عجمی بر عرب و هیچ سفیدی بر سیاه و هیچ سیاهی بر سفید برتری ندارد جز به تقوی» (۱).

از نظر حقوق نیز افراد از حقوق مساوی برخوردار هستند و قوانین اسلامی بر اساس قسط و عدل استوار شده است، یادآوری یک نکته لازم است و آن اینکه تساوی به

- ۱

۱۱۹۵

گونه ای که برخی از گروه ها تحت عنوان جامعه یی طبقه مطرح می کنند و می گویند باید تساوی مطلق و از تمام جهات در جامعه حکومت کند، صحیح نیست. زیرا تساوی به این معنی، موجب ظلم بر بسیاری از افراد می شود. برخی افراد هستند که تلاش و کار بیشتری انجام می دهند؛ اگر حقوق اینان به اندازه افرادی باشد که کار کمتر انجام می دهند، این ظلم است.

بنابراین وقتی گفته می شود انسان ها از حقوق مساوی برخوردار هستند، اندازه استحقاقها و کارها نیز ملحوظ است و در این گونه موارد تعبیر صحیح تر این است که به جای «تساوی» از «قسط» و «عدل» استفاده شود.

(بخش پاسخ)

**چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟**

### پرسش

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

### پاسخ

منظور از عدالتی که از پی آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به توحید و یگانه پرستی است که می تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی در آیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشنت در عقیده و پراگندگی در ایده ثولوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسر و عملی نیست.

اساساً در جامعه ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد.

آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلاً سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون

ثابت و عادلانه ای وضع کند، بکه این کار تنها باید به دست خداوند که آفریدگار همه است و اندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی

۱۳۱

و حکومت الهی آنان میسر است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۳۲

اسلام

مسلمین و انحطاط

**آیا ظلم بالسویه عدل محسوب می شود؟**

**پرسش**

آیا ظلم بالسویه عدل محسوب می شود؟

**پاسخ**

ظلم بالسویه ظلم عمومی است زیرا معنای آن این است که حق همه بطور مساوی پایمال می شود و پایمال کردن حقوق عموم مردم ظلم و تجاوز عمومی نام خواهد داشت همچنانکه نسبت به بعضی از افراد ظلم کردن خصوصی است و ظلم با عدالت نمی سازد زیرا عدالت به معنای آن است که حق هر شخص به صاحبش داده شود بنابراین اگر جمعیتی باشد و هر کدام حقی داشته باشند عدالت آن است که بدون اینکه بین آنان فرق قائل شوند حق هر کسی را باو بدهند و اگر بخواهند حق یکنفر را بدهند و دیگری را ندهند ظلم است همچنین اگر حق هیچکس را ندهند باز ظلم است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۴۷

**چرا تبعیضات نژادی از نظر اسلام مردود است و چرا باید فقیر و ثروتمند باهم برابر**

**پرسش**

چرا تبعیضات نژادی از نظر اسلام مردود است و چرا باید فقیر و ثروتمند باهم برابر

۴۶۱

باشند؟

**پاسخ**

علت اینکه اسلام تبعیضات نژادی و تبعیض بین طبقات مختلف اجتماع را مردود و محکوم می‌داند این است که اصولاً دید اسلام نسبت به انسان یک دید وسیع و عمیق است و انسان از نظر اسلام یک حقیقت واحد و دارای خواسته‌های و نیازهای اساسی واحدی است و همه‌ی افراد نوع انسانی از این لحاظ یکسان می‌باشند و نژاد و رنگ و سایر خصوصیات، حقیقت انسانی را تغییر نمی‌دهد بنابراین دلیلی ندارد که سفیدپوست "مثلاً" خود را برتر از سیاهپوست بداند و برای خود حقوق بیشتری قابل باشد با آنکه هر دو در حقیقت انسانیت با هم مساویند، مساوات بین فقیر و غنی از نظر حقوق و قوانین نیز از همین جا سرچشمه گرفته است زیرا که فقیر یعنی شخصی که از نظر مالی متمکن نیست با ثروتمند از نظر انسانیت و سایر شؤون مربوط به آفرینش مساوی است لذا باید به هر دو حقوق اجتماعی واحدی داده شود و نداشتن ثروت نباید ارزش واقعی او را کم کند.

۴۶۲

اسلام ملاک فضیلت و برتری ر روی پایه‌های معنوی استوار کرده و صریحاً می‌گوید ان اکرمکم عندالله اتقیکم گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.

آن کسی که در راه انجام دستورات دینی و اوامر الهی تسلیم محض باشد و روح پاک خود را به گناه آلوده نکند او برتر از دیگرانست خواه سیاه باشد یا سفید غنی باشد یا فقیر، شئون مادی از نظر اسلام ابداً ملاک فضیلت و برتری نیست.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۶۳

**چه بسا عدالت اجتماعی، پی‌آمد اعتقاد به توحید شمرده می‌شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی‌توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟**

**پرسش**

چه بسا عدالت اجتماعی، پی‌آمد اعتقاد به توحید شمرده می‌شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی‌توان

منظور از عدالتی که از پی آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به توحید و یگانه پرستی است که می تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی در آیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشتت در عقیده و پراگندگی در ایده ثلوثی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسر و عملی نیست.

اساساً در جامعه ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد.

آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلاً سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون ثابت و عادلانه ای وضع کند، بکه این کار تنها باید به دست خداوند که آفریدگار همه است

و اندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی و حکومت الهی آنان میسر است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

آفریدگار، خداشناسی

راههای شناخت خدا آفاتی عقلی

## آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

### پرسش

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

### پاسخ

امروزه، عدالت اجتماعی همانند آزادی و دموکراسی و بعضی کلمات دیگر، ظاهری جالب و فریبنده دارد و برای همین است که در سرلوحه برنامه هر مکتب و حزبی این جمله به چشم می خورد.

مفهوم حقیقی عدالت اجتماعی حاکمیت قوانین عادلانه در اجتماع است که در زیر سایه چنین قوانینی، هر صاحب حقی بحقش برسد؛ استعدادها پرورش یابد و عقل ها بارور شود. به گونه ای که هیچ حقی نادیده گرفته نشود و از این رهگذر، کسی ستم نبیند. جامعه بشری به عنوان بخشی از جهان هستی، باید با نظام عادلانه آفرینش همانند و همسو باشد؛ حال برای اینکه بقوانین عادلانه جهان هستی بهتر پی ببریم، تا قوانین اجتماعی بر پایه آن، استنساخ کنیم،

به چهار آیه از قرآن کریم می نگریم:

- در سوره فاطر (۴۱) می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا»؛ خداوند، آسمان ها و زمین را از نابودی حفظ می فرماید.

- در سوره فرقان (۲) می فرماید:

«وخلق كل شيء فقدره تقديراً»؛ خدا هر چیز را آفریده و برای آن اندازه خاص مقرر فرمود.

- در سوره آل عمران (۱۸) می فرماید:

«شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوالعلم قائما بالقسط»؛ خدا آگاه است که جز خودش خدایی نیست و فرشتگان نیز گواهند

در حالی که جهان را به عدالت برپاداشته است.

- در سوره فاطر (۴۳) می فرماید:

۲

«فلن تجد لسنة الله تبديلا ولن تجد لسنة الله تحويلا»؛ هرگز در سنت خدا تغییر و تبدیلی نخواهد یافت.

از این چهار آیه می فهمیم که اولاً: یک قدرت بر تمام جهان مسلط است که هر موجود را به جای خود و



همه جهان را مجموعاً نگهداری می کند. ثانیاً: هر موجودی به اندازه معینی و دارای استعداد خاصی آفریده شده است؛ ثالثاً: میان موجودات از کوچک و بزرگ به قانون عدالت توازن و هم آهنگی برقرار گشته که از مجموع آنها واحدی به نام جهان تشکیل یافته و همه دارای یک نظم و یک روشند که همان قانون جهان یا سنت خدا نامیده می شود؛ رابعاً: سنت خدا که قوانین عالم باشد ثابت است و هرگز در آنها تغییر و تبدیلی رخ نمی دهد.

این مطالب را هم از آیات قرآن و هم از راه عقل و مشاهده احوال موجودات می فهمیم. افراد بشر نیز هم جزئی از این جهانند و ناچار محکوم این قوانین هستند.

جهان هستی به قدرت و عدالت برپاست. قدرت است که هر جسم را در جای خود نگاه می دارد و آن را از متلاشی شدن حفظ می کند. و عدالت تکوینی است که هر موجودی را آن گونه که باید در جایگاه شایسته قرار می دهد و همه را به کمال لایق خود می رساند. و در نتیجه این قدرت و عدالت است که هیچ چیز از حد خود تجاوز نمی کند و حد هر چیزی برای خودش محفوظ می ماند.

در جامعه بشری نیز باید قدرتی باشد که آن جامعه را از فروپاشی نگهداری کند و عدالتی باشد که هر طبقه و فرد را در حد خود قرار دهد و حد او را برایش حفظ کند تا نه کسی از حد خود تجاوز کند و نه کسی از حد خود محروم بماند.

در جهان قوانینی ثابت حکم فرماست که هر موجودی از آن

تخلف کند، نابود می شود.

۳

برای بقاء نظام اجتماعی نیز به قوانین ثابتی نیاز است که هر جامعه ای آن قوانین را شناسد و یا بشناسد و از آن پیروی نکند، روبه فنا می رود.

( بخش پرسش و پاسخ )

۴

**چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟**

**پرسش**

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

**پاسخ**

منظور از عدالتی که از پی آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به توحید و یگانه پرستی است که می تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی در آیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشنت در عقیده و پراگندگی در ایده ثولوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسر و عملی نیست.

اساساً در جامعه ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد.

آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلاً سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون

ثابت و عادلانه ای وضع کند، بکه این کار تنها باید به دست خداوند که آفریدگار همه است و اندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی

۴۸۳

و حکومت الهی آنان میسر است.

( بخش پاسخ به سؤالات )

۴۸۴

### آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

#### پرسش

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

#### پاسخ

امروزه، عدالت اجتماعی همانند آزادی و دموکراسی و بعضی کلمات دیگر، ظاهری جالب و فریبنده دارد و برای همین است که در سرلوحه برنامه هر مکتب و حزبی این جمله به چشم می خورد.

مفهوم حقیقی عدالت اجتماعی حاکمیت قوانین عادلانه در اجتماع است که در زیر سایه چنین قوانینی، هر صاحب حقی بحقش برسد؛ استعدادها پرورش یابد و عقل ها بارور شود. به گونه ای که هیچ حقی نادیده گرفته نشود و از این رهگذر، کسی ستم نبیند. جامعه بشری به عنوان بخشی از جهان هستی، باید با نظام عادلانه آفرینش همانند و همسو باشد؛ حال برای اینکه بقوانین عادلانه جهان هستی بهتر پی ببریم، تا قوانین اجتماعی بر پایه آن، استنساخ کنیم،

به چهار آیه از قرآن کریم می نگریم:

- در سوره فاطر (۴۱) می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا»؛ خداوند، آسمان ها و زمین را از نابودی حفظ می فرماید.

- در سوره فرقان (۲) می فرماید:

«وخلق كل شيء فقدره تقديراً»؛ خدا هر چیز را آفریده و برای آن اندازه خاص مقرر فرمود.

- در سوره آل عمران (۱۸) می فرماید:

«شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوالعلم قائما بالقسط»؛ خدا آگاه است که جز خودش خدایی نیست و فرشتگان نیز گواهند در حالی که جهان را به عدالت برپاداشته است.

- در سوره فاطر (۴۳) می فرماید:

۵۳۱

«فلن تجد لسنة الله تبديلا ولن تجد لسنة الله تحويلا»؛ هرگز در سنت خدا تغییر و تبدیلی نخواهد یافت.

از این چهار آیه می فهمیم که اولاً: یک قدرت بر تمام جهان مسلط است که هر موجود را به جای خود و

همه جهان را مجموعاً نگهداری می کند. ثانیاً: هر موجودی به اندازه معینی و دارای استعداد خاصی آفریده شده است؛ ثالثاً: میان موجودات از کوچک و بزرگ به قانون عدالت توازن و هم آهنگی برقرار گشته که از مجموع آنها واحدی به نام جهان تشکیل یافته و همه دارای یک نظم و یک روشند که همان قانون جهان یا سنت خدا نامیده می شود؛ رابعاً: سنت خدا که قوانین عالم باشد ثابت است و هرگز در آنها تغییر و تبدیلی رخ نمی دهد.

این مطالب را هم از آیات قرآن و هم از راه عقل و مشاهده احوال موجودات می فهمیم. افراد بشر نیز هم جزئی از این جهانند و ناچار محکوم این قوانین هستند.

جهان هستی به قدرت و عدالت برپاست. قدرت است که هر جسم را در جای خود نگاه می دارد و آن را از متلاشی شدن حفظ می کند. و عدالت تکوینی است که هر موجودی را آن گونه که باید در جایگاه شایسته قرار می دهد و همه را به کمال لایق خود می رساند. و در نتیجه این قدرت و عدالت است که هیچ چیز از حد خود تجاوز نمی کند و حد هر چیزی برای خودش محفوظ می ماند.

در جامعه بشری نیز باید قدرتی باشد که آن جامعه را از فروپاشی نگهداری کند و عدالتی باشد که هر طبقه و فرد را در حد خود قرار دهد و حد او را برایش حفظ کند تا نه کسی از حد خود تجاوز کند و نه کسی از حد خود محروم بماند.

در جهان قوانینی ثابت حکم فرماست که هر موجودی از آن

تخلف کند، نابود می شود. برای بقاء نظام اجتماعی نیز به قوانین ثابتی نیاز است که هر جامعه ای آن قوانین را نشناسد و یا

۵۳۲

بشناسد و از آن پیروی نکند، روبه فنا می رود.

( بخش پرسش و پاسخ )

۵۳۳

**چرا در خیابانهای شهر ما یعنی دومین کلانشهر مذهبی دنیا، هر مرد شهوت رانی می تواند با صرف تنها چند دقیقه خانم بدکاری را به خدمت بگیرد؟ چرا اینچنین آزادیهایی را از مردم سلب نمی نمائید؟**

**پرسش**

چرا در خیابانهای شهر ما یعنی دومین کلانشهر مذهبی دنیا، هر مرد شهوت رانی می تواند با صرف تنها چند دقیقه خانم بدکاری را به خدمت بگیرد؟ چرا اینچنین آزادیهایی را از مردم سلب نمی نمائید؟

**پاسخ**

می دانیم که موضوع مورد اشاره یکی از پدیده های شوم اجتماعی است و عوامل متعددی در آن نقش دارند که به بعضی از آنها اشاره می کنیم.

۱. بوجود آمدن فاصله طبقاتی ( فقر نابجا و ثروت نابجا فساد به دنبال دارد )

۲. افزایش آمار اعتیاد و پایین آمدن سن اعتیاد و به تبع آن از هم پاشیدن بنیان خانواده.

۳. عدم تأمین هزینه عائله مندی توسط سرپرست خانواده که به اعتیاد کشیده شده اند.

۴. افزایش آمار طلاق، (آنگونه که در اخبار عنوان شد ایران مقام چهارم از نظر طلاق بعد از آمریکا، کانادا و مصر را دارد) در شهر بزرگی مثل تهران از هر ۴ ازدواج یک ازدواج منجر به طلاق می شود و بیش از ۶۰٪ طلاقهای انجام گرفته در اثر اعتیاد همسران بوده است. نتیجهچنین طلاقهایی، بوجود آمدن کودکان خیابانی، بی سرپرست و فرار دختران و پسران از منزل را به دنبال دارد.

۵. افزایش افسار گسیخته شهر نشینی بویژه در شهرهای بزرگ و بالتبع بالارفتن هزینه زندگی خانواده.

۶. نقص قوانین در برخورد با چنین معضلاتی.

۷. کمبود امکانات دولتی برای تربیت و تحت پوشش قرار دادن چنین افرادی.

۸. ضعف عمل کردن دستگاه انتظامی بخاطر و به محاکمه کشیدن فرماندهی نیرو در شهر بزرگی مثل تهران و برکناری فرماندهی.

۹. نقص دستگاه قضایی

البته با توجه به پیچیده بودن مسائل اجتماعی به همین میزان عوامل و پیش زمینه ها نیز پیچیده می باشند همه عوامل نامبرده شده به ترک نمودن آن اساسی باز می گردد که اسلام بر آن تأکید نموده است و

آن چیزی جز امر به معروف و نهی از منکر نیست و همه مردم به نوعی در تعطیلی آن نقش داشته اند فلذا مسیر انحراف و فحشا اگر برای آن چاره ای اساسی نشود به سویی پیش می رود که پیامبر اسلام ( فرموده اند:

"لا یتزال امتی بخیر ما امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و تعاونوا علی البر فاذا لم يفعلوا ذلک نزعتم منهم البرکات و سلط بعضهم علی بعض ولم یکن لهم ناصر فی الارض و لافی السماء"

### چگونه می توان عدالت را در زوایای زندگی خودمان و جامعه برقرار کرد؟

#### پرسش

چگونه می توان عدالت را در زوایای زندگی خودمان و جامعه برقرار کرد؟

#### پاسخ

از آنجائیکه عدالت جز تعدیل قوا و توان نفسانی و گزینش میانه روی و اقتصاد در امور نیست با پرهیز از افراط و تفریط، تندروری و کندروی و تنظیم زندگی در ابعاد فردی و اجتماعی بر آن اساس می توان به عدالت که سرمنزل مقصود سیر تکامل است دست یازید.

آنچه در این راستا از اهمیت ویژه برخوردار است شناخت نقطه افراط و تفریط، تندروری و کندروی و شفاف نمودن موضع اعتدال و میانه و اقتصاد است که علم فقه و دانش اخلاق هر یک بگونه ای در صدد نشان دادن آن موضع که همان تکلیف بشر است می باشند.

بر این اساس عمل به بایدها و نبایدهای الهی که همان تکلیف عادلانه و معتدلانه است را سرمشق قراردادن و درگام اول ترک محرمات و عمل به واجبات و اصلاح اخلاقیات که مشتمل بر تحصیل فضایل اخلاقی و ترک رذایل آن و نیز عقاید که مشتمل بر زدودن جهل و تحصیل معارف می باشد حرکت در مسیر اعتدال در قوای ادراکی و تحریکی به تعبیر امام رضوان الله تعالی علیه می باشد که نمودار مختصر آن از کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل ص ۱۴۹ چنین می باشد:

عقل نظری که اعتدال آن = حکمت

قوه ادراک عقل عملی که اعتدال آن = عدالت

قوای نفسدفع (غضب) که اعتدال آن = شجاعت

قوه تحریک جذب (شهوته) که اعتدال آن = عفت

### آیا در جامعه ما عدل به معنای واقعی برقرار است؟



آیا در جامعه ما عدل به معنای واقعی برقرار است؟

### پاسخ

از آنجائیکه عدل قراردادن هر چیز بجای خود و انجام شایسته هر کاری است و هرگونه جابجائی خلاف عدالت و ملازم با ظلم می باشد بنابراین رعایت دقیق عدالت در جامعه ملازم با شناخت دقیق همه هستی و همه نیازهای واقعی بشر و تأمین آن بطور شایسته آن است چنین معرفتی از گستره اندیشه های بشر خارج، و فکر بشر ناتوان از دستیابی به آن است از این رهگذر برای اجرای عدالت واقعی چاره ای جز تنظیم عملکردها بر اساس وحی و مقررات الهی نیست مقرراتی از سوی دردآشنای حقیقی و مهندس توانای هستی و بشر، با دانشی نامحدود و محبت و مهر فوق تصور نسبت به انسان و وارسته از هر نیاز به غیر و امداد از دیگران.

بنابراین اساس میزان موفقیت در اجرای بایدها و نبایدها الهی در زندگی فردی و اجتماعی ضریب دستیازی به عدالت واقعی خواهد بود. و بین توفیق اجرای احکام الهی و گسترش عدالت رابطه مستقیم است.

در جامعه ما احدی مدعی اجرای کامل احکام الهی نمی باشد ولی راه برای رسیدن به آن همواره باز است و روندگان آن مورد تشویق خدایند که حکومت اسلامی ایران بسوی آن در حرکت است.

**انقلاب شد بر علیه طاغوت و ظلم و بیدادگری اکنون از گذشت ۲۵ سال: دنیاگرایی مسئولین، تبعیض و فاصله طبقاتی، فساد اداری و پارتی بازی، خفه شدن و زیر پارتن فقراء، گفتار شیرین مسئولین و خالی از عمل، در سال ۷۹ اینجانب ور شکست کردم و کلاه مرا برداشتند دو سال در دا**

### پرسش

انقلاب شد بر علیه طاغوت و ظلم و بیدادگری اکنون از گذشت ۲۵ سال: دنیاگرایی مسئولین، تبعیض و فاصله طبقاتی، فساد اداری و پارتی بازی، خفه شدن و زیر پارتن فقراء، گفتار شیرین مسئولین و خالی از عمل، در سال ۷۹ اینجانب ور شکست کردم و کلاه مرا برداشتند دو سال در دادگستری مشهد دویدم ولی به علت نداشتن امکانات و پول نتوانستم وکیل بگیرم حقم ضایع شد.

### پاسخ

از این که با ما ارتباط برقرار کرده ای و درد دل نموده ای خوشحال و سپاسگزاریم. امید است سنگ صبور خوبی برایت باشیم. با تو اظهار همدردی نموده و از این که با مشکل مواجه شده ای بی نهایت نگران و ناراحت شدیم ولی می دانی که دنیای کنونی پر است از مشکلات و اصولاً دنیا زندان صاحبان خرد اندیشه و فضیلت است. ما نیز همانند تو از دنیا طلبی برخی مسئولان کشور در سطوح مختلف کشور استان و شهرستانها بشدت رنج می بریم و آنرا خطری بزرگ برای آینده و سرنوشت

کشور و نظام می دانیم. دنیاطلبی و چسبیدن به مادیات صرف برای همه مضر است و سم مهلکی است که همانند خوره جان افراد را می خورد مال و ثروت دنیا و تجارت و باغ و ملک و خانه و ... خوب است مشروط بر این که در خدمت جامعه و محرومان باشد و دردی از دردهای جانکاه دردمندان برطرف سازد.

تاریخ نشان می دهد هرگاه مسئولان کشوری به دنیاطلبی و تجمل گرایی و عیش و عشرت اشتغال ورزیده اند جامعه به سرعت به سوی سقوط و انحطاط سیاسی، اخلاقی و اجتماعی فقر و فلاکت پیش رفته است. ثروت اندوزی بی حد و حصر برای همه افراد

و اعضای جامعه مضر و کشنده است و برای مسئولان یک کشور فاجعه آمیز و خطرناک است. تبعیض و بیعدالتی و اختلاف طبقاتی، پارتی بازی، پایمال شدن حقوق ضعیفان و ... همه و همه ریشه در ثروت اندوزی و ریاست طلبی مسئولان دارد به گونه ای که حتی موجب نابودی و از بین رفتن فضیلت ها و ارزشهای انسانی می شود و انسانهای خدوم، عدالت گستر و والا مقامی همانند امیرالمؤمنین علی ( را با شمشیر جهالت و تعصب به شهادت می رساند. لذا گفته اند علی ( در محراب عبادت به شهادت رسید زیرا بشدت عدالت می و رزید و می فرمود: حقوق افراد را به صاحبان آن باز می گردانم حتی اگر به کابین زنان رفته باشد.

دنیا طلبی و ثروت اندوزی و حب ریاست و مقام نه تنها بیعدالتی و تبعیض و ... را به دنبال دارد بلکه ارزشها و فضایل انسانی و سمبل های فضیلت را به کام نیستی و نابودی می کشاند تا در مسیر چپاول و غارت، مانعی برای خود نبیند.

دوست عزیز و بزرگوار آنچه شما بیان کرده ای یک واقعیت تلخ است که روزانه انسانهای مختلفی با آن مواجه هستند و بسیاری از این موارد را من و شما از آن بی اطلاع هستیم. چه بسا افرادی که به دلیل مشکلاتی مشابه مشکل شما از هستی ساقط شده اند. چه خانواده هایی که متلاشی شده اند. چه انسانهای بیگناهی که به مجازات و زندان و ... گرفتار شدند و می شوند و ...

اما همه ما باید این حقیقت را به روشنی ببینیم و درک کنیم که حق چیزی است که باید آن را گرفت. در راه توسعه عدالت باید تلاش و مبارزه کرد. به

افشاگری و بیان حقیقت پرداخت. به افراد مختلف و مسئولان عالی رتبه کشور گوشزد کرد اگر اعتراض و انتقاد و نقد منصفانه عملکرد مسئولان بصورت فرهنگی همگانی درآید یقیناً بسیاری از صاحبان مناصب از ترس فشار افکار عمومی از بسیاری از کارهای ناشایست و خلاف حق و عدالت و وجدان بشری خودداری خواهند ورزید ولی اگر در جامعه هر کس فقط به فکراین باشد که گلیم خویش را از آب بکشد و به دیگری کار نداشته باشد حق مظلومین و دردمندان پایمال خواهد شد.

برادر عزیز، دنیا پر از افکار و اندیشه ها و اعمال ناشایست و نادرست است مهم این است که ما مراقب باشیم اولاً به آن آلوده نشویم و ثانیاً برای مقابله و مبارزه و اصلاح جامعه از تباهی ها و بدبختی ها تلاش خستگی ناپذیر و همگانی را آغاز کنیم و با مشورت با افراد زبده و خبره در راه احقاق حق و عدالت با جدیت بکوشیم. شما نیز با مشورت با بعضی از افراد نیکوکار و صاحب رأی و اندیشه در این جهاد مقدس سهیم شوید. امید آن که با تلاش همه جانبه و فراگیر شاهد جامعه ای نسبتاً سالم و عاری از مفاسد کلان و گسترده باشیم. امید است در راه اعتلای کلمه حق و حاکمیت عدالت و حقیقت خداوند پشتیبان و یاورت باشد.

**چرا باید همیشه مردم گناباد مورد تبعیض قرار گیرند (این سؤالی است که خواهش دارم رهبر یا رئیس جمهور پاسخ بدهند) چرا باید مردم این شهر به طور وحشتناکی مهاجرت کنند ، چرا اگر تبعیض وجود ندارد ( از طرف شما آقایان) امکانات و تجهیزاتی که به این شهر و مردم اختصاص داد**

### **پرسش**

چرا باید همیشه مردم گناباد مورد تبعیض قرار گیرند (این سؤالی است که خواهش دارم رهبر یا رئیس جمهور پاسخ بدهند) چرا باید مردم این شهر به طور وحشتناکی مهاجرت کنند ، چرا اگر تبعیض وجود ندارد ( از طرف شما آقایان) امکانات و تجهیزاتی که به این شهر و مردم اختصاص داده

شده بودند از این شهر هنوز نرسیده رخت بر بستند و چرا امکانات وعده داده شده به این مردم خیلی ضعیف ترتیب اثر داده نمی شود چرا چرا؟؟؟

## پاسخ

مسئولان و مردم در یک جامعه جلوه و نمود یکدیگر هستند وقتی مسئولان به سمت مسأله ای خاص توجه نمایند مردم نیز اکثریت آنها به همان مسأله توجه عمده ای پیدا می کنند. اگر امروز شاهد رفاه طلبی و تجمل گرایی و بی عدالتی هستیم و مردم هر کدام به زور خودشان سعی می کنند از نظر مادی خودشان را ارتقاء بخشند و وضعیت برتر و بالاتری پیدا کنند نشان دهنده این است که مسئولان و کارگزاران کشور نیز در سالهای گذشته و حاضر دارای چنین روحیه ای هستند ، طبیعی است که مردم بیشتر بدین جهت سوق پیدا کنند .

برادر عزیز یکی از راه های مقابله با این بیعدالتی و تبعیض های ناروا و تجمل گرایی و رفاه گرایی ها افزایش آگاهی و بینش مردم است تا از طریق رسانه های مکتوب و غیر مکتوب مسئولان را مورد مؤاخذه و بازخواست قرار دهند قطعاً و مسلماً این مؤاخذه ها اگر جنبه عمومی و گسترده پیدا کند مسئولان را به تجدید نظر در مشی و روش خود وادار خواهد کرد و نیز از ترس افکار عمومی بسیاری از کارهای خلاف و ناشایست را انجام نخواهند داد ولی اگر تعداد اندکی از مردم آنها بصورت علنی بلکه از راه نق زدن فقط در جمع های خانوادگی و ... به گلایه و شکوه از مسئولان پردازند بلاشک تأثیری در اصطلاح روند موجود نخواهد داشت . ولی اگر بجای نق زدن در جمع های خودمانی ، گلایه ها و شکوه ها و

خلاف ها و اشتباهات مسئولان به رسانه های گروهی کشیده بشود و از آنان حق و حقوق جامعه و افراد مطالبه بشود ناگزیر خواهند شد به افکار عمومی پاسخ بگویند و از بسیاری از خلاف ها و احجاف و تعدی ها دست بر خواهند داشت شما جوانان برومند کشور باید با این انگیزه و نیت، نه برای تخریب و تضعیف بلکه برای اصلاح روند امور به نقد و ارزیابی عملکرد مسئولان با دلایل روشن و متقن همت بگذارید .

روش دیگر گسترش عدالت و کاهش تبعیض و بیعدالتی نظارت بر عملکرد دستگاهها و مسئولان از طریق نمایندگان منتخب مردم است. نماینده هر شهرستان نه تنها بر روند جاری امور در شهر و منطقه خودش باید نظارت بکند بلکه بر جریان کل امور کشور می تواند نظارت بکند و عملکرد مسئولان را به بوته نقد بگذارد، احزاب ، جمعیت ها ، سازمانها و مؤسسات غیر دولتی نیز می توانند با نقد عملکرد مسئولان بر درستی و صحت روند جریانات امور نظارت کنند و از بسیاری از تخلفات جلوگیری نمایند ، بنابراین برای آنچه دغدغه شما و تمامی جوانان خوب و با فضیلت کشور و شهر شماست باید افکار عمومی بر عملکرد مسئولان نظارت همگانی داشته باشند، دستگاهها و نمایندگان منتخب مردم نیز یکی از وظایف مهم شان نظارت بر درستی عملکرد است. امید است همواره انشاء ... عدالت گستر و عدالت خواه باشید.

## چرا این قدر اجناس گران است؟

### پرسش

چرا این قدر اجناس گران است؟

### پاسخ

تورم و گرانی یکی از معضلات و گرفتاریهای اجتماعی جامعه امروزی است که بسیاری از جوامع انسانی با آن دست به گریبان هستند و بر اثر فشار تورم شانه های بسیاری از مردم خم شده است. گرانی علل و عوامل گوناگونی دارد که برخی از آنها از حیظه قدرت داخلی، خارج است و بخشی از تورم کشور ما ناشی از تورم جهانی و نوسانات قیمت ها در سطح جهان است. اگر گفته می شود جهان امروز دهکده جهانی است یعنی آنقدر ارتباطات و وابستگی ها زیاد شده است که هرگونه تغییر و تحول در بخشی از کره خاک می تواند سایر بلاد و نقاط را تحت تأثیر قرار دهد. نوسانات قیمت ها، افزایش درآمدها، کاهش درآمدها و قیمت ها در برخی کالاها و خدمات به دلیل وابستگی های جهانی در هر منطقه ای از جهان بوقوع بپیوندد سایر مناطق را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. به عنوان مثال وقتی در عراق بحران بوجود می آید و احتمال کاهش یا قطع نفت صادراتی این کشور مطرح می شود قیمت نفت افزایش می یابد طبیعتاً افزایش قیمت نفت برای کشورهای صادر کننده افزایش درآمد را در پی دارد ولی برای کشورهای مصرف کننده افزایش هزینه ها را به دنبال خواهد داشت. طبیعی است که اگر این افزایش استمرار یابد موجب افزایش کالاها و خدمات در کشورهای مصرف کننده خواهد شد لذا تمامی کسانی که مصرف کننده کالاها و خدمات آن کشورها هستند با افزایش قیمت کالاها و خدمات مواجه خواهند شد.

بنابراین برخی از افزایش یا کاهش قیمت ها متأثر از شرایط جهانی و تورم جهانی است که چاره ای جز تحمل آنرا نداریم و



افزایش قیمت ها شد بلکه می توان برای مقابله با آثار و عواقب آن تدبیر و اندیشه کرد زیرا مهار آن از قدرت ما خارج است. بنابراین اگر تورم ناشی از شرایط جهانی باشد باید تدبیرهای خاصی برای کاهش اثرات آن توسط مسئولان عالی رتبه دولتی اتخاذ گردد.

بخشی دیگری از عوامل تورم داخلی است که مهم ترین آن کاهش تولید یا ممکن است ناشی از افزایش قیمت مواد اولیه و در نتیجه افزایش قیمت تمام شده کالاها و خدمات باشد در این صورت تولید کننده ناگزیر است کالای تولیدی خودش را با قیمت بیشتری ارایه نماید. در این صورت نیز مسئولان باید با تدابیر خاص و ویژه به مردم افزایش می یابد افراد برای خرید به بازار هجوم می برند و طبعاً وقتی تقاضا برای خرید یک یا چند کالا افزایش پیدا کند ولی تولید و عرضه با تقاضا تناسب نداشته باشد قیمت ها افزایش خواهد یافت و کمبود کالا، احتکار و گران فروشی گسترش خواهد یافت. در این صورت مسئولان اقتصادی و دست اندرکاران دولتی می توانند با اعمال سیاستهای پولی نقدینگی موجود در جامعه را کاهش دهند و برای تثبیت، کاهش و یا متعادل ساختن قیمت ها اقدام کنند.

عامل دیگری که به افزایش قیمت ها و تورم کمک می کند عامل روانی است. شایعه در ایجاد نیاز کاذب در جامعه و هجوم افراد جامعه برای خرید کالا یا کالاهایی خاص نقش مهمی دارد. افراد سودجو با استفاده از این حربه در مدت زمان کوتاهی موفق می شوند تعداد زیادی کالهای خود را با قیمت های گزاف و چند برابر به جامعه عرضه کنند و از قبل به ثروت های باد آورده ای دست یابند. علل و عوامل دیگری



نیز می توان بر شمرد که مجال بحث آن نیست.

## آیا در جامعه باید تبعیض وجود داشته باشد؟

### پرسش

آیا در جامعه باید تبعیض وجود داشته باشد؟

### پاسخ

خیر، تبعیض از نظر عقل و شرع امری قبیح و نامطلوب است و این مسئله نیز مانند آفات دیگر اجتماعی زائیده فقر فرهنگی و دینی است که ریشه کن کردن آن نیاز به کار فرهنگی زیاد و اصلاح جامعه دارد، که البته اصلاح جامعه از اصلاح افراد آن آغاز می شود. پس باید از خود شروع کنیم ولی این نکته نیز قابل توجه است که تشخیص موردی که واقعاً چنین تبعیض است از مواردی که تبعیض نما می باشد یعنی از نظر ما تبعیض است ولی در واقع چنین نیست نیاز به دقت و سنجش همه جانبه دارد.

## راه اجرای عدالت اجتماعی در جامعه از نظر قرآن چیست و چرا در کشور ما این امر هنوز به خوبی اجرا نمی شود؟

### پرسش

راه اجرای عدالت اجتماعی در جامعه از نظر قرآن چیست و چرا در کشور ما این امر هنوز به خوبی اجرا نمی شود؟

### پاسخ

می دانیم عدل به معنای واقعی کلمه آن است که هر چیزی در جای خود قرار بگیرد؛ بنابراین هر گونه انحراف افراط، تفریط، تجاوز از حد، تجاوز به حقوق دیگران بر خلاف اصل عدل است یک انسان سالم کسی است که تمام دستگاہ های بدن او، هر یک کار خودش را بی کم و زیاد انجام دهد. جامعه انسانی نیز همانند بدن یک انسان است که بدون رعایت اصل عدالت بیمار خواهد بود: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (نحل ۹۰) خداوند، فرمان به عدل و احسان می دهد." از این رو، در اسلام عدالت اجتماعی (عبارت است از مساوات بزرگ انسانی که تعادل همه ارزش ها، از جمله ارزش اقتصادی را در نظر دارد؛ پس در اسلام نه تنها عدالت یک دستور صریح است بلکه روش و سلوک خاصی را به عنوان قصد یا راه میانه و حد وسط، معین نموده است که در همه موارد، خطوط روشن عدالت را مشخص می نماید؛ برای نمونه قرآن می فرماید: "خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید." (نساء، ۵۸)؛ "عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک تر است" (مائده ۸)؛ "به هنگام اظهار نظر، هر چند در مورد نزدیکان باشد، به عدالت سخن گوید." (انعام ۱۵۲)؛ "خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد، و از فحشا و منکر

و ستم نهی می کند، خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید." (نحل ۹۰)

از آیات فوق استفاده می شود که اسلام برای رسیدن به عدالت اجتماعی راه کارهای آن را هم مشخص نموده و به این مطلب اشاره دارد که عدالت اجتماعی با معنویت (پرهیزگاری و تذکر) هم مرتبط است

از سوی دیگر، اسلام افزون بر تأکید بر دادگری و دادخواهی راه های اجرای عدالت و استقامت در دادگری را در نمودهای اخلاقی و تربیتی خود نشان داده است به گونه ای که در موارد متعدد، از حرص و آز نهی نموده و پی آمدهای بد و خطرات ناشی از آن را به صراحت توضیح داده است قرآن در این باره می فرماید: "و کسانی که به آن چه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده بخل می ورزند، هرگز تصور نکنند که آن [بخل برای آنان خوب است بلکه برایشان بد است" (آل عمران ۱۸۰) و همین طور، قرآن از اسراف و تبذیر نهی کرده و به مفاصد آن ها اشاره فرموده است مانند: "اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد." (انعام ۱۴۱); "چرا که تبذیر کنندگان برادران شیطانند" (اسراء، ۲۷); "هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی" (اسراء، ۲۹)

خداوند در برخورد با حوادث و مصائب به صبر و تحمل مشکلات امر فرموده است و افراد شکیبا را بر صبرشان ستوده و به آن ها نوید پاداش عظیم داده است

(زمر، ۱۰) با این حال دست مظلوم را در مقابل ظالم نبسته و به او اجازه داده است به اندازه ای که مورد تجاوز قرار گرفته آن را جبران نماید تا ریشه فساد را براندازد، و بنیاد عدالت اجتماعی بر قرار گردد. (بقره ۱۹۴؛ اسراء، ۳۳)

از این آیات نیز بر می آید که راه اجرای عدالت اجتماعی در مسائل کیفری مراعات امور اخلاقی و ارزشی در موضوعات اقتصادی دوری از اسراف و رسیدگی به فقرا، و در مقوله های دفاعی استفاده از قدرت و استقامت در آن است

این در حالی است که در آیات بسیاری مردم را به طلب علم فرا خوانده و در عین حال برای آن ها لذت های زندگی دنیا را حلال قرار داده اعراف (۳۲) و راه های دنیایی را هم در رابطه با مردم به روی آن ها گشوده است مانند: خرید و فروش وفاداری به پیمان و ازدواج و رفتار شایسته با همسر و پدر و مادر. این آیات عبارت است از: بقره ۲۷۵؛ مائده ۱؛ نور، ۳۲ و نساء، ۱۹ و ۳۶؛ هم چنین در آیه ای دیگر می فرماید: "و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش که خدا مفسدان را دوست ندارد." (قصص ۷۷)

این آیات روشن کننده این امر است که اوامر قرآن تنها به امور آخرت محدود نمی شود؛ به همین دلیل می توان گفت قرآن یک کتاب عدالت اجتماعی است که متکفل صلاح دنیا و آخرت است زیرا "قسط" که اساس عدالت اجتماعی و صریح در آن است و فلسفه بعثت

انبیا را نیز تشکیل می دهد، در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است "لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ" (حدید، ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن ها کتاب [آسمانی و میزان] شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. "؛ بنابراین اسلام در تحقق عدالت اجتماعی با دو اصل بزرگ ۱. وحدت همه جانبه متناسب و متعادل ۲. تکامل و تضامن عمومی بین افراد و اجتماعات پیش می رود. علت عدم تحقق این امر در جامعه ما به صورت واقعی کمبود معنویت و تقوا، رعایت نکرده امور اخلاقی و اعتنا نکردن به امر به معروف و نهی از منکر است (برای اطلاع بیشتر ر.ک عدالت اجتماعی در اسلام سیدجمال الدین موسوی ص ؟، نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر / عدالت اجتماعی در اسلام سید قطب ص ؟، نشر شروق )

## علت اصلی انحراف مسلمین از عدل اسلامی چیست

### پرسش

علت اصلی انحراف مسلمین از عدل اسلامی چیست

### پاسخ

هر چند برخی از مسلمانان به قوانین و دستورات اسلام آن گونه که هست در تمام نقاط دنیا به صورت کامل و صحیح عمل نمی کنند، ولی این بدان معنا نیست که بگوییم همه مسلمانان به این قوانین عمل نمی کنند و مسلمانان از عدل اسلامی عدول کرده اند.

آری دنیای غرب و مسیحیت چنین تبلیغاتی را بر ضد اسلام دارند که در واقع تهمت و افترا به مسلمانان است و می خواهند، از طریق این گونه تبلیغات حقیقت را بپوشانند و کاری کنند که مردم دنیا آهنگ حقانیت اسلام را نشنوند.

ایشان در تبلیغات مسموم خود چنین تبلیغ می کنند که اسلام سر راه پیشرفت و ترقی مسلمانان را گرفته و برای آن ها مشکلات فراوان ایجاد کرده است، فقر، ظلم نبود قانون محروم ماندن ملل مسلمان از تحول و انقلابی که در شؤون مختلف مردم دنیا به وجود آمده است و غیره از جمله مشکلاتی است که معول عقاید مذهبی و پیروی آن ها از دستورات دینی است !!.

هر چند، برخی از عوامل فوق در بعضی از کشورهای اسلامی به چشم می خورد، ولی علت آن را باید در ادعای اسلام و ادعای پایبند بودن مسلمانان این کشورها به تعلیمات دینی انبیا: بررسی نمود. با کمال تأسف امروز اصول تعلیمات اسلام و پیامبران خدا در بسیاری از جوامع اسلامی متروک یا نیمه متروک مانده است و چهره این جوامع چهره مسلمانان راستین نیست اگر اسلام به صورت کامل و صحیح پیاده شود، صلح و امنیت همه انسان ها را

فرا می گیرد و تمام انسان ها، به سعادت واقعی خود نائل می شوند و به آخرین حد رفاه و آسایش و عزت و سربلندی و بی نیازی و اخلاق نیک می رسند و دیگر در دنیا، ستم از ریشه قطع خواهد شد و محبت و برادری و احترام به قانون در بین همه انسان ها، رعایت خواهد شد و فقر و تهیدستی و فلاکت از صفحه روزگار برچیده می شود.

در حقیقت اوضاع اسفناک و شرم آور در بین این کشورهای اسلامی از همان اول و به سبب عمل نکردن به روح و دستورات واقعی اسلام در بین مسلمانان به وجود آمده است

و علت عقب افتادگی و بی عدالتی و ظلم و ستم ها، دوری از تعلیم اسلام و سبک شمردن قوانین آن است (ر.ک مسائل اعتقادی از دیدگاه تشیع شیخ محمد رضا مظفر، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی ص ۶۷۶۴، اسلام و سیمای تمدن غرب سید مجتبی موسوی لاری ص ۴۹، دفتر انتشارات اسلامی)

**یکی از اصول مذهب ما عدل است یعنی خدا عادل است و ظالم نیست ما انسان ها، که خلیفه خدا در روی زمین هستیم چقدر می توانیم در زمینه عدالت کار کنیم ملاک عدل و ظلم چیست از کجا می توانیم تشخیص دهیم کاری که در جامعه انجام می دهیم عین عدالت است و همه ا**

### پرسش

یکی از اصول مذهب ما عدل است یعنی خدا عادل است و ظالم نیست ما انسان ها، که خلیفه خدا در روی زمین هستیم چقدر می توانیم در زمینه عدالت کار کنیم ملاک عدل و ظلم چیست از کجا می توانیم تشخیص دهیم کاری که در جامعه انجام می دهیم عین عدالت است و همه افراد جامعه از آن بهره مند شده اند؟

### پاسخ

برای ایجاد عدالت و رفتار عادلانه باید عدالت و معیارهای تشخیص آن را شناخت

عدالت یعنی هر چیزی در جای خودش باشد، پس هرگونه انحراف افراط، تفریط، تجاوز از حد و تجاوز به حقوق دیگران بر خلاف اصل عدل است برای تشخیص مصادیق عدل باید از عقل و شریعت کمک گرفت عقل انسان به حسن و نیکویی عدل و قبح و زشتی ظلم حکم می کند و مصادیق کلی عدل و ظلم را تشخیص می دهد. مثلاً عقل هر انسانی کشتن کودکان بی گناه را ظلم می داند و زشت می شمارد.

بسیاری از مصادیق جزئی را نمی توان از راه عقل تشخیص داد و باید برای تشخیص آن ها به شریعت رجوع کرد زیرا تمام احکام دین بر پایه عدل استوار است "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ..." (نحل ۹۰) حضرت امیرالمؤمنین در مورد قرآن کریم می فرماید: قرآن سرچشمه عدالت و نهر جاری عدل است (نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی ص ۴۱۹، خطبه ۱۹۸، انتشارات زهد). بنابراین از طریق عقل و قرآن و روایات می توان عدالت را تشخیص داد. عدالت در سه زمینه مطرح می شود:

۱. عدالت در اعتقاد؛ عدالت در اعتقاد در صورتی تحقق می یابد که به

آنچه حق است ایمان بیاوریم

۲. عدالت در صفات و رفتارهای شخصی عدالت در این مورد، متوقف بر این است که آنچه موجب سعادت انسان انجام دهیم و از آنچه مایه شقاوت است دوری نماییم

۳. عدالت در جامعه عدالت در این مورد، در صورتی تحقق می یابد که هر چیزی را در جای خودش قرار داده هر کسی که از نظر عقل یا شرع مستحق پاداش است پاداش داده شود، و اگر مستحق کیفر است کیفر داده شود، و هر حقی به مستحق آن داده شود. اگر رفتارهای انسان در این سه زمینه با معیارهای تشخیص عدالت سازگار بود، رفتاری عادلانه خواهد بود. (ر.ک المیزان علامه طباطبایی ج ۱۲، ص ۳۳۱، دفتر انتشارات اسلامی / تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۳۶۶)

**تکلیف این همه دروغ ریا، بی عدالتی و...، در یک جامعه ای که به نام جامعه اسلامی است چیست آیا همین رفتار نادرست عاملی برای تروریسم خواندن مسلمانان (که دارای بهترین دین هستند) نیست لطفاً بفرمایید تکلیف ما در این باره چیست**

**پرسش**

تکلیف این همه دروغ ریا، بی عدالتی و...، در یک جامعه ای که به نام جامعه اسلامی است چیست آیا همین رفتار نادرست عاملی برای تروریسم خواندن مسلمانان (که دارای بهترین دین هستند) نیست لطفاً بفرمایید تکلیف ما در این باره چیست

**پاسخ**

نکته هایی درباره مطالب بالا شایان یاد است

۱. امور ضد ارزشی از قبیل کفر، شرک بی عدالتی دروغ ریا، فساد، ظلم و... در جوامع دیگر به ویژه در دنیای غرب در مقایسه با جامعه ما بیش تر است

۲. وجود امور منفی و ضد ارزشی مانند: دروغ ریا، بی عدالتی و...، در جامعه اسلامی انکارناپذیر است و رواج آن حتی اگر کم باشد، سبب تأسف است و برای ریشه کن کردن آن بسیج همگانی را می طلبد. برخی امور به تک تک افراد جامعه باز می گردد برای مثال این فرد است که نباید دروغ بگوید، یا نباید ریا کند، یا نباید ارزش های منفی در وجودش راه دهد؛ اما بعضی مسائل درباره حکومت و مدیریت است دولت مردان می توانند با قوانین خوب و اجرای خوب بخش عمده ای از بی عدالتی ها و... را از بین ببرند؛ از این رو، برای از بین بردن ضد ارزش ها، هم ملت و هم دولت باید با جدیت کامل برخورد کنند، و این مهم تنها در سایه ایمان و تقوا، محقق می شود:

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ" (انفال ۲۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از [

مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، برای شما وسیله ای برای جدایی حق از باطل قرار می دهد [و روشن بینی خاصی که در پرتو آن حق را از باطل خواهید شناخت و گناهان شما را می پوشاند و شما را می آمرزد و خداوند فضل و بخشش عظیم دارد.]

بدیهی است راه نجات از بدهی های اخلاقی و عملی تقوا است پیامبر اکرم در این باره می فرماید: "من آیه ای را می شناسم که اگر تمام انسان ها دست به دامن آن زنند، برای حل آن مشکل ها کافی است سپس آیه ۲ سوره طلاق که درباره تقوا است را تلاوت فرمود و بارها آن را تکرار کرد." (بحارالانوار، مجلسی، ج ۶۷، ص ۲۸۱، مؤسسه الوفا.)

هم چنین امام علی در این باره می فرماید: "انسان هیچ گاه طعم ایمان را نمی چشد تا دروغ را ترک گوید، خواه شوخی یا جدی باشد." (کافی کلینی، ج ۳، ص ۳۴۰، دار الکتب الاسلامیه)

از این آیات و روایات استفاده می شود، بهترین راه از بین بردن بدی ها در جامعه تقویت ایمان و تقوا در تک تک افراد است

معارف و احکام اسلام همه اش خیر، برکت معنویت عدالت برابری صفا، صمیمیت محبت ایثار، یاری کردن هم نوع پرهیز از صفات ناپسند، مانند: دروغ ظلم و... است این که مسلمانان به بخشی از دستورها عمل نموده به بخش های دیگر آن عمل نمی کنند و چهره اسلام را بد جلوه می دهند، حساب دیگری دارد و اسلام از این گونه افراد ضربه های بسیار دیده است اصل در اسلام رحمت و بخشش است

مگر آن که در جایی ظلم فساد و بی عدالتی باشد که با آن مبارزه می کنند؛ اما برخی اعمال از سوی بعضی مسلمانان مانند: طالبان در افغانستان بن لادن و القاعده که که از تربیت یافتگان دست استکبار هستند و با تفکرهای خشک و متحجرانه و اعمال خشن خود، اسلام را دینِ خشونت معرفی می کنند و باعث می شوند مسلمانان را تروریسم بخوانند، به اسلام ناب محمدی ربطی ندارد و صدافسوس که اسلام عزیز، همواره این گونه انحراف ها را در کنار خود تحمل کرده است به تعبیر دیگر، عنوان خشونت طلبی به مسلمانان دادن یا مسلمانان را به تروریسم متهم کردن نه به خاطر این است که بن لادن یا طالبان یا صدام... مرتکب پاره ای کارها شده یا می شوند، بلکه این اتهامات به عنوان یک دکتین و شیوه ای است که استکبار جهت مقابله با اسلام واقعی به کار گرفته است تا اسلام خواهی ملل مسلمان و غیرمسلمان که روز به روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رشد و بالندگی بیش تری می یابد به رکود و ایستادگی وادارد. (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۴، ص ۲۳۶ - ۲۳۸، دار الکتب الاسلامیه / همان ج ۱۱، ص ۴۱۴ - ۴۱۵).

### چرا در جامعه عدالت اجرا نمی شود بین درآمدها تفاوت فاحش وجود دارد

#### پرسش

چرا در جامعه عدالت اجرا نمی شود بین درآمدها تفاوت فاحش وجود دارد

#### پاسخ

عدالت اجتماعی از آرمانهای مقدس اسلام و همه مصلحان می باشد و در این میان آنچه مهم است، راه رسیدن به عدالت اجتماعی است.

تقسیم بالسویه امکانات در جامعه اسلامی، از جمله پایه های اجرای عدالت است؛ ولی باید توجه داشت که تقسیم بالسویه امکانات، الزاماً مساوی با کار یکسان و دستمزد یکسان نیست.

پزشکی که حدود دو دهه از بهترین ایام عمر خود را وقف تحصیل می کند و پس از آن با یک دهه کار و تلاش، تجربه کافی کسب می کند و بالاخره یک طیب حاذق می شود، اگر بنا باشد با کسی که زحمتی به خود نداده و به ساده ترین کارها اشتغال ورزیده یکسان باشد، آیا عدالت است؟ پس نتیجه سی سال کار علمی پزشکی کی و کجا باید محاسبه شود؟

بنابراین امکانات باید بالسویه تقسیم شود؛ یعنی همگان از حق تحصیل و امکانات عمومی آن بهره مند باشند و هرکس نیز به مقدار زحمت و تلاشی که در مجموع انجام می دهد، بایستی از موهبت های الهی بهره مند گردد.

در مورد مدرک گرایی نیز گفتنی است گرچه مدرک برای برخی، صرفاً ممر درآمد است و آن چیزی که فراموش شده علم و هنر است، ولی باید توجه داشت که ارزش دادن به مدرک، در مجموع موجب رونق علم و دانش می گردد و رونق علم و دانش، موجب بالا رفتن سطح آگاهی های جامعه و رشد و بالندگی آن خواهد شد. در حقیقت مدرک، عاملی است برای برانگیختگی مردم جهت تحصیل علم. و در نتیجه باید گفت که تفاوت ها یک ضرورت اجتماعی است؛ ولی تبعیض هرگز روا



نیست.

در این جا ذکر یک تجربه تاریخی نیز مفید است و آن این

که در زمان تسلط کمونیستها بر بلوک شرق، آنان مدتی سعی کردند که دستمزد مساوی برای همه مشاغل برقرار نمایند؛ ولی این کار عملاً به متوقف شدن چرخه اقتصادی جامعه منجر گردید تا آن جا که مجبور به اصلاح آن شدند. و این کار موجب آن گردید که بلوک شرق، از نظر صنعت و پیشرفت در رشته های مختلف باز بمانند و نهایتاً نیز موجب از هم گسیختگی نظام آنان شد.

### نظر شما درباره حیف و میل بودجه کشور و فاصله طبقاتی چیست ؟

#### پرسش

نظر شما درباره حیف و میل بودجه کشور و فاصله طبقاتی چیست ؟

#### پاسخ

در این باره ما نمی توانیم همه آنچه را که در جامعه می گذرد تأیید کنیم، در عین حال باید توجه داشت که صرف بالا بودن حقوق در برخی از مشاغل یا داشتن تلفن همراه و یا اتومبیل های پیشرفته را نمی توان تبعیض و خلاف عدالت برشمرد. در مثل بالا بودن حقوق و مزایای نمایندگان مجلس با توجه به مخارج سنگینی که برای دفاتر و مراجعات خود دارند توجیه پذیر است. داشتن تلفن همراه نیز برای مسئولان بالای کشور یک امتیاز نیست؛ بلکه نوعی ضرورت برای امکان دسترسی به آنان در هر زمان و مکان است و در حال حاضر استفاده از تلفن همراه تا رده مدیر کل ها قطع شده و فقط در مسؤولیت های بالاتر قابل استفاده است. در عین حال مسئولان نظام همواره باید سیره امام علی(ع) را مدنظر داشته و از امکانات بیت المال تنها در حد ضرورت استفاده کنند و به طور جدی از حیف و میل اموال جلوگیری نمایند. }

### به نظر شما فاصله طبقاتی موجود در جامعه به چه عواملی بستگی دارد؟

#### پرسش

به نظر شما فاصله طبقاتی موجود در جامعه به چه عواملی بستگی دارد؟

#### پاسخ

گرچه مورد سؤال دامنه وسیع و گسترده ای دارد، ولی ما تلاش می کنیم که با رعایت اختصار چند نکته را بررسینماییم:

الف) در این که هم اکنون در جامعه اسلامی ما فاصله طبقاتی رنج آوری وجود دارد جای بحث نیست. البته ممکن است گفته شود شکاف طبقاتی در کشورهای سرمایه داری به مراتب وسیع تر و عمیق تر از ایران اسلامی ماست ولی بدون تردید جامعه ما نیز به نوبه خود به این بلیه جانکاه مبتلا است.

ب) اما این که چه عواملی منجر به فاصله طبقاتی گشته است طبیعی است که عوامل گوناگونی دخیل است.

۱- آنچه از فاصله طبقاتی هم اکنون در ایران می گذرد مسأله نوظهوری نیست، بلکه میراث شومی است که از گذشته به ما رسیده است،

۲- استعداد ذاتی افراد را نباید از نظر دور داشت، برخی تواناتر و برخی کندتر هستند و برخی دچار معلولیت های جسمی و ذهنی بوده و در نتیجه عقب می مانند،

۳- مسأله تکنولوژی و صنعت نیز نقش مؤثری را ایفا می کند. به عنوان مثال: دیروز محیط کارگری محدود به کارگاه های کوچک می شد و تفاوت فاحشی بین حقوق کارگر و کارفرما احساس نمی شد ولی «غول صنعت» ناگهان سر برآورد و کارگاه کوچک مبدل به کارخانه عظیمی شد و با افزایش تولید ثروت سرمایه داران به طور تصاعدی افزونی گرفت در حالی که حقوق کارگر تقریباً ثابت ماند؛ (همین نکته را در کشاورزی و سایر ابعاد تولید و درآمد مقایسه کنید)،

۴- نظام اقتصادی غلط و بیمارگونه،

۵- طفره رفتن از پرداخت حقوق قانونی (مالیات) و حقوق شرعی (خمس و زکات)،

۶- احتکار و گران فروشی،

۷- رباخواری،

۸- خیانت به بیت المال و اموال دولتی،

۹- کلاهبرداری و خیانت به دیگران،

۱۰- اخیانا

و به ندرت حوادث غیرمترقبه هم دخیل است. نظیر این که تاجری مقدار زیادی از یک جنس را خریده و ناگهان بر اثر پیشامدی قیمت آن چند برابر شده است یا فرض بفرمایید کسی چند هکتار زمین زراعی داشته و بر اثر موقعیت غیرمترقی که آن زمین پیدا کرده، قیمت آن بهچندین برابر افزایش یافته است و...

۱۱- ضعف مدیریت کارگزاران اقتصادی،

۱۲- نقش واسطه ها و دلال ها در اجحاف به طبقه ضعیف،

۱۳- اسراف و ریخت و پاش های کلان که در نهایت به دوش فقرا و قشر آسیب پذیر بار می شود،

۱۴- فشار و دخالت عوامل خارجی،

۱۵- نبود کار و اشتغال نیز عقب ماندگی و فلاکت را در پی خواهد داشت.

ج) اما چگونه می توان از پیشرفت این فاصله جلوگیری کرد؟ راه کارهای گوناگونی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- در درجه اول باید این نظام اقتصادی بیمار را جراحی و معالجه کرد،

۲- پرورش مدیران کارآمد و با تجربه،

۳- جدی گرفتن پرداخت مالیات های قانونی و هم چنین گرفتن اخماس و زکوات و پرداخت آن در مصالح عامه ای که شرع مقدس تعیین فرموده است،

۴- زمینه کار و تولید را به طور عادلانه برای همه اقشار فراهم ساختن،

۵- تا آنجا که امکان دارد به مقابله با فشارهای خارجی پرداختن و کوتاه کردن دست های مرئی و نامرئی عوامل خارجی،

۶- جلوگیری از اسراف و حیف و میل و با صرفه جویی زمینه رفاه عامه مردم فراهم کردن،

۷- همان گونه که اسلام اخطار شدید فرموده (سوره توبه، آیه ۳۴) با زر اندوزی و انباشتن ثروت، قاطعانه برخورد کردن،

۸- برخورد جدی با افراد خائن و اختلاس گر در بیت المال،

۹- سیاست تربیتی نظام به گونه ای باشد که مردم از دوران ابتدایی تا مراحل عالی،

مملکت را خانه خود و سایر افراد را همچون اعضاء یک خانوادهاحساس کنند و رهیافت هر کس تنها به منافع شخصی نباشد؛ زیرا وقتی کشتی صحیح و سالم بود همه را با خود به ساحل نجات می رساند ولیاگر کشتی آسیب دید همه را غرقاب هلاکت خواهد ساخت.

۱۰- حقوق کارگر منصفانه ادا گردد و از بیمه و سهام و سایر مزایا برخوردار شوند و در جمع از میزان سود کارخانه دار کاسته و به میزان حقوق کارگزارفزون،

۱۱- در همه مواردی که ذکر شد، مکانیسم نظام و دولت بسیار سرنوشت ساز خواهد بود.

در خاتمه این قسمت، جهت اطلاع بیشتر مطالعه چند کتاب پیشنهاد می گردد:

۱- اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۵۳ و ج ۲، ص ۳۰۳ سید محمد باقر صدر

۲- اسلام و اجتماع، ص ۳۸ و ص ۹۲ علامه طباطبایی

۳- مسائل عصر ما، ص ۱۰۳ شهید هاشمی نژاد

۴- نابرابری اجتماعی ادوارد ج. کرب، ترجمه: محمد سیاهپوش

۵- جامعه شناسی قشرها و نابرابری ها گروهی از نویسندگان

۶- اسلام و نظام طبقاتی، ص ۱۲۳ محمد قطب

۷- شناخت اسلام، ۵۰۶ شهید بهشتی و باهنر و علی گلزاده غفوری

**چرا مسئولان ما مثل ائمه (ع) ساده زیست نیستند؟**

**پرسش**

چرا مسئولان ما مثل ائمه (ع) ساده زیست نیستند؟

**پاسخ**

{ ساده زیستی زمامداران و پیشوایان جامعه توصیه اکید اسلام و تعالیم آن است. سیره پیامبر(ص) و حضرتعلی(ع) نیز چنین بوده و این روش از سازنده ترین برنامه ها برای حفظ مسئولان از لغزش های مختلف است؛ چرا که باین کار اولاً از زندگی محرومان جامعه و حداقل ها فاصله نمی گیرند و واقعیت ها را درک می کنند و ثانیاً در معرضفتنه های اربابان زر قرار نمی گیرند و... .

حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری نیز در عمل و گفتار این رویه را مورد تأکید قرار داده و همواره مسئولان را به آن توصیه کرده اند. زندگی شخصی مسئولان نظام گواه روشنی بر این مطلب است؛ گرچه گاه، در رده های دیگر از این خط روشن فاصله گرفته می شود.

در هر صورت حساسیت جامعه در برابر این موضوع، بسیار به جا است؛ زیرا که این حساسیت خود زمینه ایجاد انحراف را تنگ تر می کند. ضمناً هر گونه رفت و آمد و به اصطلاح «برو و بیا» را نیز نمی توان دلیل عدم ساده زیستیدانست؛ چرا که گاه اقتضای ذات کار چنین است نه این که مسئولی این چنین بخواهد؛ مثلاً- طبیعی است که وقتیرئیس جمهور به یک شهر وارد می شود، تمامی دانشگاه ها و بسیاری از مردم به دلایل کاری مراجعاتی دارند که در برخی موارد شمایی از آنچه که نوشته اید ترسیم می کند. در هر صورت هیچ مصلحتی نمی تواند و نباید این توصیه مهمو اکید اسلام را تحت تأثیر قرار دهد. }

**با سلام**

**اشاره**

همان طور که استحضار دارید مظاهر تمدن و تکنولوژی به محض شکل گیری قبل از هر چیز در اختیار سرمایه دار و مرفه قرار دارد و اگر چیزی باقی بماند قشر مستضعف جامعه از آن بهره مند می گردد. با این اوصاف هر گونه تلاش در

## پرسش

با سلام

همان طور که استحضار دارید مظاهر تمدن و تکنولوژی به محض شکل گیری قبل از هر چیز در اختیار سرمایه دار و مرفه قرار دارد و اگر چیزی باقی بماند قشر مستضعف جامعه از آن بهره مند می گردد . با این اوصاف هر گونه تلاش در جهت ارتقاء سطح زندگی انسانها منجر به ازدیاد راحتی و آسایش مرفهین (در درجه اول) می گردد .

حال اگر انگیزه تحصیل ما دانشجویان خدمت به فقرا و مستمندان جامعه اسلامی باشد . این چنین تلاش هایی چه لطفی می تواند داشته باشد ؟

## پاسخ

باید توجه داشت که خود انگیزه و نیت انسان بر طبق آیات و روایات فراوان دارای اهمیت به سزایی است و نباید نیت ها و انگیزه ها را کوچک و بی ارزش دانست. در روایت داریم که انسان با نیت خود همراه است و نیز آمده است: نیت مؤمن بهتر از عمل او و نیت کافر بدتر از عمل اوست. بنابراین همین نیت درس خواندن به قصد خدمت به بینوایان و فتوا در جامعه اسلامی، دارای ارزش فراوانی است که منشأ و سرچشمه بسیاری از اعمال خوب و کارهای شایسته است.

از طرف دیگر درس نخواندن و تحصیل نکردن شما به این دلیل که ثمره آن در درجه اول به مرفهین بی درد و سرمایه داران طمعکار می رسد مشکلی را حل نمی کند، چون به هر حال شما هم درس نخوانید و در پیشبرد تکنولوژی سهمی نداشته باشید، این امور مشتری فراوان دارد و کسانی دیگر که اصلاً تعهد و انگیزه انسانی و الهی ندارند به جای شما در کلاس درس حاضر می شوند

و همان بهره کمی هم که به فقرا و مستمندان با وجود افرادی خوش نیت همانند شما می رسد دیگر به آنها نمی رسد و این فاصله بین ثروتمند و فقراء بیشتر و عمیق تر می گردد.

از زاویه دیگر درس خواندن شما و کسب افتخار در علم و نوآوری و خلاقیت و پیشبرد سطح علمی کشور، در درجه اول افتخاری برای اسلام و مسلمانان و جامعه اسلامی است که باعث می شود موقعیت جهانی آنها در برابر اردوگاه شرک و استکبار تقویت گردد و وابستگی علمی و صنعتی آنها به استکبار جهانی کمتر گردد و این خود ارزش والا و نکته مهمی است.

در ضمن باید توجه داشت که اگر این پیشرفت های علمی و فن آوری نبود، حال و روز فقرا نیز بهتر از این نبود چون به هر حال هر چند کم و مختصر آنها نیز از مواهب این پیشرفت ها استفاده می کنند و این خود در بهبود وضع زندگی آنها مؤثر است.

نکته پایانی این است که به هر حال وضع عالم دنیا به گونه ای است که بهره مندی هایی و شایسته با بهره مندی های نابجای آن در هم آمیخته است و این خود انسانها هستند که باید با درایت و تعقل و اندیشه و آینده نگری از هر چیز بهره شایسته و در راستای سعادت دنیا و آخرت خود بردارند. مثلا- نمی شود گفت چون اینترنت مورد استفاده ناشایست قرار می گیرد، پس انسان نباید آن را اختراع می کرد و یا چون تلویزیون و ویدیو، مورد استفاده غیر اخلاقی هم قرار می گیرد. پس اصل بودنش درست نیست، خیر به هر



حال عالم آفرینش، محل آزمایش الهی و امتحان است و هر کسی باید مورد آزمایش قرار گیرد.

## برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه، چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

### پرسش

برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه، چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

### پاسخ

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه اسلامی ما شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچوجه زیننده حکومت و جامعه اسلامی نبوده، و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی اشکال بی عدالتی در جامعه می باشد بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود در جامعه را می توان در موارد ذیل بصورت مختص بیان نمود:

الف توجه جدی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزیهای توسعه و سازندگی کشور: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخصهای مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود. این عامل در برخی از تحلیلهای و تحقیقات به عمل آمده، عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است. حضرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از این روند، می فرمایند: «در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن، رفاه مادی هم راه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام، تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن

ممکن نخواهد شد»، (حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷).

و در جای دیگر می فرمایند: «در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت ها باید مبتنی بر عدالت باشد زیرا قسط و عدل از همه آرمان ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آنمبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست، بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و جزء دیگر عبارت از عدالت است... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی، یا در مجموع برنامه ها ما را به هدف عدالت نزدیک کند، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست»، (روزنامه رسالت، ۹/۳/۱۳۷۲).

ب برخورد فیزیکی، مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروتهای نامشروع و بادآورده:

امام علی (ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدل خویش قرار دادند: ۱ مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان ۲ احیاء سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال. حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: «... با قوانین لازم و تأمینانیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطة مشروع زندگی مردم، جمع شود...»، (حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۷).

و در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر، عزم، همدلی و همکاری قوای سه

گانه با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی باشد.

ج پیشگیری از پیدایش ثروتها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راههای مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه، جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کاپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است در این راستا اهم اقدامات پیشگیرانه عبارتند از:

۱ اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران: امام علی (ع) می فرماید: ان الله تعالی فرض علی ائمه العدل ان یقَدِّروا انفسهم بضعه الناس، کیلا یتبَّعَ بالفقیر فقره؛ خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده، خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند. تا تنگدستی فقیر، او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد {M}، (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵)

۲ زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان: حضرت علی (ع) در فرازی از عهدنامه مالک اشتر، در این زمینه می فرماید «والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد، کمتر حاضر به رعایت انصافند، وظیفه تو، آن است که همیشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی»، (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۱).

۳ بازرسی، نظارت، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران: حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرماید: «باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینشِ خوبان، نظارت بر کار آنان نیز ضروری است، چون مقام و قدرت، غالباً اخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می دهد، بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا

و کاردان، از بالا- بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند...» (فجر انقلاب در بهار قرآن، ص ۲۰۳ و ۲۰۵).

د بالا- بردن میزان آگاهی مردم: با بالا رفتن میزان آگاهی مردم، درک آنها از حقوقشان افزایش می یابد و بی عدالتی را نمی پذیرند و به انحاء مختلف برای دستیابی به حقوقشان می کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیمگیریهای سیاسی افزایش می یابد.

ه توجه جدی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه: زیرا وجود ارزشهای اسلامی مانند ایمان، تقوا، تعهد و... موجب ایجاد و اجرای عدالت در سطح جامعه می شود قرآن کریم می فرماید اعدلوا هو اقرب للتقوی (مائده / ۸) امام علی (ع) نیز می فرماید: قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه؛ هر که می خواهد به حلیه عدل و داد آراسته شود می بایست هوا و هوسهای گوناگون را از خود دور کند {M}، (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). لذا برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه، تحقق باوری عمیق، درونی ریشه دارد، عقلایی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاہهای رسمی تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، و انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاہها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده، ایفا می کنند، لازم و ضروری می باشد و باید این نظام ارزشی در ۱ رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ۲ ساختار کلان کشور ۳ برنامه های اجرایی، تبلور و تجلی یابد.

و فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصتهای

مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات، اشتغال، مسکن؛ رفاه و... که در اصول متعددی از قانون اساسی ج.ا.ا. متبلور می باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ص ۴۸

فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶

محمدنقی نظرپور، ارزشها و توسعه، ص ۱۹۶

علی ذو علم، انقلاب و ارزشها، ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴

دکتر فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۴۸۰

### علت تجمل گرایی و اسراف بیت المال و فساد اداری در بین مسئولان دولتی چیست ؟

#### پرسش

علت تجمل گرایی و اسراف بیت المال و فساد اداری در بین مسئولان دولتی چیست ؟

#### پاسخ

ضمن تشکر از مکاتبه با این واحد و سؤالات خوب و مهمی که نگاشته اید در آغاز ذکر این نکته لازم است که مسؤولیت و وظیفه این مرکز ارائه نظریات مشورتی، حل شبهات و پاسخ به سؤالات دانشجویان عزیز است و هیچ گونه مسؤولیت اجرایی ندارد. بنابراین نباید از اینرو، انتظار برخورد با بعضی از مشکلات موجود در جامعه را داشت. نکته دیگر این که این مرکز هیچ گونه ارتباطی با دفتر مقام معظم رهبری ندارد. شما می توانید مطالب و نظرات خود را به دفتر ایشان در تهران ارسال نمایید.

متأسفانه مسأله اشرافی گری، نادیده گرفتن بیت المال، اسراف و تجمل گرایی، فساد اداری و برخوردهای غیراسلامی با ارباب رجوع در ادارات و پارتی بازی و رشوه خواری یکی از مشکلات کشور و مانع تحقق عدالت اجتماعی بوده و همواره یکی از دغدغه های مسؤولین نظام مخصوصاً مقام معظم رهبری می باشد. معظم له مکرراً نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از مولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می باشد از این رو می فرمایند: «در نظام اسلامی، رابطه اخلاق با مردم، رابطه مخصوصی است، مردم را در همه کارها و صاحب امر دانستن یک مراجع را مزاحم ندانستن حقیقتاً مردم ولی نعمت ما و کارگزاران این نظام هستند» (آیت الله خامنه ای، حدیث ولایت ج ۶ ص ۴۸). در جای دیگری ایشان به کارگزاران نظام اسلامی می فرمایند: «شما چگونه می خواهید محبت و اطمینان مردم را جلب کنید؟ مردم

باید به من و شما اعتماد داشته باشند اگر ما دنبال مسائل خودمان رفتیم در خرج کردن بیت المال هیچ حدی برای خودمان قائل نشدیم مگر حدی که در دسر قضایی درستبکند و هرچه توانستیم خرج کردیم مگر اعتماد مردم باقی می ماند؟». اما در مورد چرایی وجود این پدیده شوم و ارایه پاسخی مناسب و منطقی و واقع بینانه لازم است. از منظر جامعه شناختی باید این مسأله را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. مهمترین دلایل وجود این موضوع عبارتند از: ۱- ادامه و بقای فرهنگ فاسد و منحوس ۲۵۰۰ ساله پادشاهی در ایران از قبیل رشوه خواری، پارتی، روابط را مقدم بر ضوابط دانستن، استبداد رأی جاه پرستی و سلطه پذیری و... .

۲- عدم تثبیت ارزش های اسلامی و قانون گرایی و پایبندی به ضوابط در حدی که مسؤول یا مدیر اداره خودش را خدمتگزار بدانند نه سوار بر مردم و... که این خود ناشی از عوامل مختلفی از قبیل: فقدان برنامه ای جامع و همه جانبه برای تربیت، آموزش و توجیه آنان، کمکاری یا بعضاً عملکردهای غلط نهادهای فرهنگی کشور، سردرگمی مسؤولان امور فرهنگی و عدم ارائه برنامه منسجم فرهنگی، فقدان اجماع نظر دولتمردان در کیفیت برخورد با این مسأله و... می باشد.

۳- عدم تصفیه کامل افراد در سطوح پایین بعد از وقوع انقلاب از یک سو و رعایت نمودن مسائل اصیل اسلامی از قبیل: لیاقت و شایستگی، تعهد و تقوا، تجربه و مهارت و تخصص و... در گزینشها چنانچه حضرت علی (ع) در عهد نامه خود به مالک اشتر می فرماید: ثم انظر فی امور عمالک فاستعملهم اختیاراً و لا-تولهم محاباه و اثره فانهما جماع من شعب الجور و الخیانه

و توخّ منهم اهل التجربهو الحياء من اهل البيوتات الصالحه والقدم في الاسلام المتقدمه...؛ در امور و کارهای کارمندان و کارگزاران خود دقت کن و پس ازاینکه آنها را امتحان نمودی به کار بگمار و در تعیین آنان چنین کن: قبل از این که آنها را به کاری بگماری آنانرا مورد آزمایش و امتحان قرار بده بهخاطر تمایل خاص به شخصی کسی را به کاری منصوب مکن خود سرانه و بدون مشورت و یا استبداد رأی آنها را به کار مگمار زیرا اینگونه انتخاب و منصوب نمودن یعنی از روی تمایل شخصی و بدون مشورت و آزمایش خود ستمگری و ظلم و خیانت است و برای انتخاب کارمندان و کارگزاراندولت اینگونه افراد را انتخاب نما افرادی که اهل تجربه هستند و در کشاکش کارها ساخته و پرداخته شده اند اهل شرم و حیاء و عفت هستند از خاندانهایپاک دامن و صالح باشند سابقه و حسن سابقه آنها در اسلام بیش از دیگران باشد... {M}، (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و از طرف دیگر ضعف در بازرسی نظارت، حراست و مراقبتدولتی، حضرت آیت الله خامنه ای می فرمایند: «باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان نظارت بر کار آنان نیز ضرورت است چون مقام و قدرت غالباً اخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می دهد بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیق نشود ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه، موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند. لذا نظام انقلابی در چگونگی انجام امور توسط کارگزاران

و مسؤولان باید نظارت مستمر به کارآنان داشته باشد.» (فجر انقلاب در بهار قرآن ص ۲۰۳ و ص ۲۰۵).

۴- تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها پس از دوران دفاع مقدس مانند با ارزش شدن پول شهرت، مدرک گرایی، رفاه طلبی، و تجمل پرستی و ... .

۵- اجرا نشدن امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی و همگانی که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه و اجزاء اداری و... می باشد حضرت علی(ع) در بستر شهادت به فرزندان خویش امام حسن و امام حسین(ع) چنین سفارش می نمایند «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در این صورت اشرار شما بر شما حاکم می شوند سپس شما برای دفع آنها دعا کنید اما دعای شما اجابت نمی شود»، (نهج البلاغه، نامه ۴۷) و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این فریضه الهی در اصل هشتم در سه قسم مردم نسبت به یکدیگر دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت در نظر گرفته شده هر چند متأسفانه راهکارها عملی شده این فریضه مهم و اساسی در جامعه تبیین و اجرا نشده است.

۶- ضعت دستگاه های نظارتی و قوه قضاییه در برخورد قاطع با متخلفین.

۷- پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخص های مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود و باعث تغییر ارزش ها و با ارزش شدن پول و ثروت در نزد افراد جامعه گردید.

با توجه به عوامل فوق و عوامل دیگری از این



قبیل می توان به این نتیجه رسید که: تحت شرایط کنونی ایران، وقتی که پول و ثروت با ارزش شود و از طرف دیگر ارزش های اسلامی، ایمان و تقوا و سیستم کنترل درونی (مذهب) آنها و سیستم کنترل بیرونی (نظارت دستگاه های مربوطه، امر به معروف و نهی از منکر) ضعیف باشد، آنها برای ارضاء امیال نفسانی خود به راه های نامشروع از قبیل رشوه خواری، پارتی بازی، اشرافی گری و ریخت و پاش بیت المال روی می آورند، بنابراین هم چنان که ملاحظه می نمایم این چنین نیست که علت مفاسد اداری فقط به خاطر عدم نظارت مسئولین حکومتی و فقدان برخورد قاطع آنان باشد، بلکه مسأله بسیار ریشه ای تر و حل کامل آن نیز راه کارهای مناسب و بسیار دقیق، آن هم در طولانی مدت می طلبد، اما ما با شما موافقیم که باید با متخلفین برخورد بشود و این کار هم به کرات توسط دادگاه ها بامتخلفین شده و می شود ولی در هر صورت باید به ریشه های آن پرداخت و امید می رود ان شاءالله با انجام اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، اداری و... به هیچ وجه شاهد این گونه ناهنجاری ها و تخلفات در جامعه اسلامی نباشیم. نکته مهم قابل توجه این که در این گونه قضاوت ها باید جایگاه و مسئولیت رهبری و انتظاراتی را که از ایشان می توان داشت در نظر گرفت. قانون اساسی رهبر را در رأس هرم قدرت حاکمیت قرار داده است. اعمال قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه را تحت نظر رهبری گذاشته و تعیین سیاست های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام از وظایف رهبری شمرده شده است، (اصل یکصد و دهم قانون اساسی). {J}

**آیا جامعه ما واقعا اسلامی است یا به زور داریم نام مقدس اسلام را به یدک میکشیم آیا عدالت در این جامعه حکم فرماست آیا تا کنون سعی شده حق مردم مستضعف را نگذارند پایمال شود آیا آنهایی که دم از اصلاحات میزنند کمی هم به فکر مردم فقیر هستند چرا من فارغ التحصیل ب**

**پرسش**

آیا جامعه ما واقعا اسلامی است یا به زور داریم نام مقدس اسلام را به

یدک میکشیم آیا عدالت در این جامعه حکم فرماست آیا تا کنون سعی شده حق مردم مستضعف را نگذارند پایمال شود آیا آنهایی که دم از اصلاحات میزنند کمی هم به فکر مردم فقیر هستند چرا من فارغ التحصیل بعد از اتمام درس با کوهی از مشکلات روبرو هستم واقعا چه کسی باید جوابگوی این مشکلات باشد آخر این چه جامعه ای است که حرف اول و آخر آن را پول میزند به درس عشق می ورزم ملی با این شرایط امکان آرامه تحصیل وجود ندارد توضیح دهید؟

## پاسخ

نامه ی شما حاوی موضوعات و مطالب مختلفی است. اما کلیدی ترین تکیه گاه آن، وجود مشکلات و معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر مفاسد اقتصادی، تبعیض، عدم اجرای کامل عدالت اجتماعی و... در سطح جامعه ی اسلامی است که به هیچ وجه زیننده ی نظام اسلامی نیست. در این موضوع ما نیز با شما موافق هستیم. اما در مورد این که آیا با وجود این قبیل مشکلات می توان به جامعه ی ما جامعه ی اسلامی گفت یا نه؟ نیازمند شناخت دقیق جامعه ی اسلامی، ویژگی های آن و تطبیق آن بر جامعه ی کنونی ماست:

الف) تعریف جامعه ی اسلامی و ویژگی های آن:

جامع ترین تعریفی که از جامعه ی دینی وجود دارد این است: جامعه ی دینی، جامعه ای است «دین باور»، «دین مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین» (جامعه ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ - ۲۱۰)..

جامعه ی دینی جامعه ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه های آن تنظیم شده باشد. جامعه ی دینی جامعه ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه ی

دینی دغدغه‌ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی‌شود؛ بلکه نسبت میان دین و کلیه‌ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه‌ی خطوط و زوایای تمامی شبکه‌ی روابط اجتماعی نافذ باشد (جامعه‌ی دینی، جامعه‌ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ - ۹۰).

بر این اساس ویژگی‌های جامعه‌ی دینی عبارتند از (حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف):

۱ دین باوری و اعتقاد به آموزه‌های دینی.

۲ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت‌مداری).

۳ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را بر نمی‌تابد (نظام دینی).

۴ در جامعه‌ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می‌کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند (دین داوری).

۵ چنین جامعه‌ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین).

جامعه‌ای که بر اساس مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فوق شکل گرفته باشد، جامعه‌ای دینی است.

بر این اساس می‌توان دو معیار اصلی برای جامعه‌ی اسلامی نام برد:

۱ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند.

۲ کلیه نظام‌های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد.

نکته‌ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه‌ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه‌ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیت آن جامعه بالاتر می‌رود.

ب) بررسی اسلامی بودن جامعه‌ی کنونی ایران:

با نگاهی به واقعیات جامعه‌ی کنونی ایران مشخص می‌شود که بحمدالله

جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه‌ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابراین در اصل اسلامی بودن جامعه‌ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده‌ی جامعه‌ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسئولین، نهادها و دستگاه‌های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه‌های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه‌های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت‌ها و سنت‌های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و..). وجود نداشته باشد؛ و گرنه هرگز

آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین (ع) نیز مطرح است.

حضرت علی (ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم تراز پیامبر اکرم (ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم (ص)، موجب اكمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است.

جنگ های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گسترده شدن بدعت ها و سنت های فاسد و آلودگی های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه ای از مشکلات ایجاد شده در حکومت عدل امام علی (ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه رو بودند؛ ولی در همان حال آن حضرت شایسته ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی ها هیچ گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی کند.

حال آیا می توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی (ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود.

بر این اساس مهم ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از:

۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان عبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...» نحل، آیه ۳۶).

روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی اجتماعی است.

۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان ها و رهایی و... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم يتلوا عليهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین»، (جمعه، آیه ۲).

۳. آزادسازی و رهایی توده های مردم و انسان های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الّتی کانت علیهم...»، (اعراف، آیه ۱۵۷).

۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...»، (حدید، آیه ۲۵).

۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..).

پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه های کمال انسان ها را فراهم نموده، زمینه های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با فراهم بودن تمامی این زمینه ها و بسترسازی ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً

اسلامی خواهد شد، در جواب می توان به این آیه اشاره کرد که: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...؛ خداوند هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱).

بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش ها و معارف اسلامی به وجود آمده استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرند. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شرایط محیطی (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و...) هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) در جامعه بوده اند و تمام شرایط و زمینه های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شناخت عمیق نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد.

به علاوه، همان طور که پیشوایان معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را

ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف اند زمینه های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خود افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد.

در هر صورت مسأله مفسد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش ها و آرمان های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه های مسئولین نظام خصوصاً مقام معظم رهبری بوده است.

معظم له مکرراً نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسئولین اداره کننده نظام می باشد.

بنابر آن چه که گذشت مشخص می شود که در جامعه ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی توان همه ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسئولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه ها تلاش جدی نمایند، می توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت.

اما در مورد کسانی که دم از اصلاحات می زنند... باید گفت که اینان دو دسته اند: عده ای اصلاح طلبان دروغین هستند که از دیدگاه ابزاری به مردم نگاه می کنند؛ رأی مردم را وسیله ای جهت دستیابی به منافع فردی یا حزبی خود



می دانند، نه خدمت به مردم و جامعه. و بر این اساس ژست اصلاح طلبی و دفاع از حقوق مردم را به خود گرفته اند و برخی دیگر از اینان نیز نه تنها هدف خدمت به مردم هم ندارند، بلکه مقصودشان از اصلاحات، انجام اصلاحات آمریکایی در ایران به منظور نابودی نظام اسلامی است که با خواست و جانفشانی مردم شکل گرفته است. مسلماً این دسته اصلاً به فکر مردم نیستند. تنها به منافع شخصی، حزبی، یا اربابان خویش می اندیشند. و به فرموده قرآن کریم و اذا قيل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون. الا- انهم هم المفسدون و لكن لا یشرعون چون به آنان گفته می شود که در زمین فساد نکنید، می گویند: ما مصلحانیم، آگاه باشید که اینان خود تبهکارانند و نمی دانند {M} (بقره، آیه ی ۱۱ و ۱۲).

اما دسته ی دوم، اصلاح طبان راستین هستند. آنان که بدون هیچ گونه ادعایی در راه خدمت به مردم و جامعه ی اسلامی و سعادت و تعالی آن، صادقانه از تمام هستی خویش گذشته اند و تمامی اهانت ها را در این راه به جان خریده اند و جهت دفاع از حقوق مردم از هیچ گونه تلاشی فروگذار نکرده اند. اما همچنان که گذشت اصلاح کامل جامعه نیازمند عوامل متعددی است که تا همه آن ها به صورت کامل محقق نشود، این مهم نیز تحقق نخواهد پذیرفت. امام علی (ع) می فرماید: فلیست تصلح الرعیة الا بصلاح الولاة و لاتصلح الولاة الا باستقامة الرعیة مردمان اصلاح نشوند مگر زمامداران اصلاح شوند و اینان اصلاح نیابند مگر به درستی مردم {M} (نهج البلاغه، ۶۸۳).

در این فرمایش هم بر نقش مسئولین و هم بر نقش مردم تأکید می شود.

با این همه وظایف دانشجویان متعهد و دلسوز برای

اصلاح جامعه سنگین تر می شود و مشکلات و معضلات جامعه نه تنها نباید باعث یأس و ناامیدی و تردید در انجام وظایف فردی و اجتماعی ما شود، بلکه باید انگیزه و عزم ما را در اصلاح جامعه راسخ تر نماید. اتکاء به خداوند متعال و یاری خواستن از او و توسل به ائمه اطهار(ع) بهترین پشتوانه ی هر فرد در چنین شرایطی است. و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق، آیه ی ۳). که هم باعث جلوگیری از سستی و ضعف ایمان می شود و هم راه های هدایت و خروج از مشکلات را بر روی انسان می گشاید. البته همچنان به دنبال شغل و یا رشته ی تحصیلی مورد علاقه ی خویش باشید و در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی خود از هیچ گونه تلاش و مجاهدتی دریغ نورزید و به این وعده ی الهی مطمئن باشید که والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنين (عنکبوت، آیه ی ۶۹).

مشاوران این مرکز به خوبی به وجود این قبیل مشکلات در جامعه که بسیاری از جوانان و دانشجویان ما با آن دست به گریبانند، واقف بوده، اما ارائه راهنمایی های دقیق و اساسی مبتنی بر ارائه اطلاعات دقیق از سوی شما عزیزان است، لذا مناسب است در مکاتبات بعدی به صورت دقیق به رشته ی تحصیلی خود، موانع ادامه ی تحصیل خود (از قبیل مشکلات ذهنی، روحی، اقتصادی و...) اشاره نمایید.

**چرا معیارهای ساده زیستی به مرور در طول عمر انقلاب شکوهمند بالا رفت، یعنی مثلا در سالهای اولیه انقلاب مسئولان در دفتر کار خودشان میز و مبل آنچنانی نداشتند و لباسهای ساده می پوشیدند و با اتومبیل های معمولی رفت و آمد می کردند اما اکنون دیگر خیلی ساده زیستی!**

**پرسش**

چرا معیارهای ساده زیستی به مرور در طول عمر انقلاب شکوهمند بالا رفت، یعنی مثلا در سالهای اولیه انقلاب مسئولان در دفتر کار خودشان میز و مبل آنچنانی نداشتند و لباسهای ساده می پوشیدند و با اتومبیل های معمولی رفت و آمد

می کردند اما اکنون دیگر خیلی ساده زیستی اگر باشد اتومبیل پیکان با قیمت چند میلیون زیر پای یک مسؤل جزئی ملاک ساده زیستی است (با چند میلیون تومان چند جوان می توانند ازدواج کنند) اگر بخواهیم بیشتر توضیح دهیم می توانم اشاره به آن جریانی بکنم که از یکی از ائمه سؤال شد چرا لباسهای فاخر پوشیده اند در صورتی که مولی علی لباسهای ساده می پوشیدند و آن امام همام در جواب گفته بودند که زمان فرق کرده است و سطح زندگی مردم با زمان حضرت علی تفاوت دارد. می خواهم بدانم ایا زمان حال با زمان اول انقلاب و جنگ تحمیلی خیلی تفاوت دارد مگر الان فقیرانی نداریم که در اتاقی کوچک با غذایی اگر باشد اندک و لباسهای فرسوده و در شرایط بسیار سخت زندگی می کنند.

## پاسخ

ما نیز با شما هم عقیده هستیم و مقام معظم رهبری بارها بر ساده زیستی مسؤلان تأکید ورزیده اند، لذا سؤالات شما را بدون هرگونه دخل و تصرف به دفتر ریاست جمهوری و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد و توضیحاتی برای برخی از سؤال های شما ارسال می گردد.

در بررسی این گونه مسائل باید با دیدی واقع بینانه و با در نظر گرفتن مجموعه عوامل و شرایط محیطی به قضاوت پرداخت. واقعیت این است که:

۱. بررسی واقعیات کنونی در بعد مدیریت کلان جامعه، طرح چنین ادعایی را به صورت کلی و فراگیر خصوصاً نسبت به مسؤلان عالی رتبه نظام، زیر سؤال می برد. زیرا مسؤلان عالی رتبه نظام و بسیاری از مدیران سطوح دیگر بحمدالله افرادی معتقد، متعهد و ملتزم به ارزش های انقلاب و اسلام

هستند. مسلماً کسانی که از نزدیک با زندگی آنان ارتباط و آشنایی کامل دارند، ساده زیستی و رعایت کامل بیت المال را در زندگی این مسئولین، تصدیق می نمایند. حتی برخی از این افراد علی رغم استحقاق بسیاری از حقوق و مزایای قانونی و به خاطر رعایت ساده زیستی و همدردی با اقشار کم درآمد جامعه، دارای زندگی سطح پایین و با حداقل امکانات هستند (ر.ک، ضمیمه «گفتگو با حجت الاسلام محمدی گلپایگانی، روزنامه اطلاعات، ۹ دی ۱۳۷۷).

و به خوبی به این موضوع مهم واقفند که یکی از آسیب ها و آفت های تهدید کننده انقلاب اسلامی رواج روحیه اشرافی گری در جامعه و به خصوص در مسئولین جامعه است. جامعه اسلامی، مظهر عدالت، تقوا، انضباط، ... و دوری از مظاهر مادی پرستی و پول محوری است. از این رو اگر طبقه اشراف و مترف در آن به وجود آید، علامت خطری جدی برای تداوم انقلاب و نظام اسلامی است، لذا مقام معظم رهبری بارها بر لزوم ساده زیستی مسئولین و مبارزه با اشرافی گری اشاره کرده و فرموده اند:

«امروز در جمهوری اسلامی، اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافی گری می رود، بلا-شک این یک انحراف است؛ برو و برگرد ندارد. ما باید به سمت زهد حرکت بکنیم. نمی گوییم همه زهدهای آن چنانی که متعلق به اولیاء الله است؛ نه مسئولان درجه یک، مسئولان درجه دو تا آن مسئولان درجات بعد هم باید در حد خود زهد داشته باشند؛ بعد هم به عامه مردم می رسد... این وضع زندگی های تجمل آمیز، این روز به روز افزودن بر ظواهر

تجملاتی، در زندگی های شخصی غلط است» (حدیث ولایت، مجموعه سخنان آیت الله خامنه ای، ج ۷، ص ۵۲).

و در جایی دیگر در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام می فرمایند: «برادران، نمی شود ما در زندگی مادی مثل حیوان بچریم و بغلتیم و بخواهیم مردم به ما به شکل یک اسوه نگاه کنند؛ مردمی که خیلی شان از اولیات زندگی محرومند... من و شما، همان طلبه یا معلم پیش از انقلابیم. اما حالا مثل عروسی اشرافی، عروسی بگیریم؟ مثل خانه اشراف، خانه درست کنیم... نه ما هم مترفین می شویم. والله در جامعه اسلامی هم ممکن است مترف به وجود بیاید. از آیه شریفه «و اذا اردنا ان نهلك قریه امرنا متفریها ففسقوا فیها» (اسراء، آیه ۱۶) بترسیم، ترف، فسق هم دنبال خودش می آورد. از این رو نظام اسلامی مبارزه با این آفت را یکی از وظایف اصلی خود می داند و «اجازه هیچ گونه انحراف و فساد را به مسؤولان نمی دهد و بر مبنای ارزش های اسلامی با رخنه هرگونه فساد در مجموعه مدیریتی کشور برخورد می کند» (حدیث ولایت، پیشین، ص ۲۶۰ و ۲۶۱).

اما متأسفانه علیرغم تأکیدات مقام معظم رهبری و اهتمام عملی بسیاری از مسؤولین حکومتی، عملکرد و رفتار تعداد محدودی از مسؤولین و افراد روحانی که در دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی اشتغال دارند موجب پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده مردم گشته و این امر موجبات بدبینی به تمامی مسؤولین نظام روحانیت را فراهم آورده است . مردم انتظار دارند که نه تنها در رده های سطح اول مسؤولان

نظام ، بلکه در سایر رده ها نیز شاهد صداقت ، درست کاری ، امانت داری ، گرایش به خدمت به مردم ، بی توجهی به تجملات و زخارف دنیا و... باشند و ولی رفتار عده انگشت شماری از آنان موجب بدگمانی و بدبینی اقشاری از مردم نسبت به روحانیت شده است .

۲. تغییر ارزشهای جامعه یکی دیگر از عوامل بروز این مشکل است . گفتنی است پس از پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادها و تغییر ارزشهای جامعه به سوی ارزش های مادی ، تجمل پرستی ، مدرک گرایی و... شد. و برخی از مسؤولین از این خطر در امان نماندند.

۳. انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از مسؤولین داشتن چه در حل مشکلات در زمینه های گوناگون ، و چه در شیوه های سلوک فردی و اجتماعی نیز صحیح نمی باشد. مثلا اگر ما از مسؤولین توقع داشته باشیم که حتی با یک پیکان هم رفت و آمد نکنند، این دیگر با هیچ منطقی سازگار نیست، آیا در زمان امام علی(ع)، شخص ایشان یا زمامدارانشان از داشتن مرکب مناسب آن زمان (اسب، شتر و...) محروم بودند و آیا می توان توقع داشت که در زمان کنونی با این همه پیچیدگی و گستردگی جامعه و لوازم اداره آن، از حد معمول امکانات استفاده نکرد. اگر مشکل هست در استفاده های بی جا و یا خارج از حد متعارف و نیاز برخی مسؤولین باید جستجو نمود.

در هر صورت تمامی امکانات بیت المال باید در جهت اداره صحیح جامعه پیشرفت

و تکامل آن و خدمت به محرومین باشد.

۹. تعمیم نادرست اشکالات مشاهده شده از پاره ای عناصر به مجموعه و تمامی روحانیت، چنانچه اگر شخصی از یک فرد روحانی خطایی ببیند فریاد می زند که کل روحانیت منحرف گشته است .

مجموعه عوامل فوق و عواملی از این قبیل موجبات بدبینی برخی از افراد جامعه را که دارای قوه تحلیل و شناخت کامل نبوده و یا این که از بسیاری از مشکلات مانند تبعیض ، فساد، معضلات اجتماعی ، بیکاری به ستوه آمده بودند را، فراهم آورد. اما در مورد راهکارهای حل این معضل ، هم می توان آنها را به دو بخش تقسیم نمود:

الف . راهکارهایی که خود مسئولین و روحانیت باید انجام دهد از قبیل ، دقت در گزینش ها خصوصا " افراد روحانی که در دستگاههای دولتی و نهادهای حکومتی مشغول به کار هستند یا می شوند و نظارت دقیق بر اعمال آنان و برخورد با افراد خاطی پرهیز از اختلافات جناحی و تفرقه و...

ب . اقداماتی که در جامعه باید انجام بگیرد مانند بالا- بردن درک و شناخت مردم و شناساندن علل و عوامل مشکلات اقتصادی و اجتماعی ، توطئه های دشمنان در تضعیف روحانیت و... مسئولین عالی رتبه نظام از طریق ارائه برنامه های فرهنگی دقیق و کارشناسانه بوسیله مطبوعات و رسانه های ملی و آشنا نمودن مردم با جزئیات زندگی مسئولین عالی رتبه و یادآوری و تبیین دستاوردهای با ارزش و مفیدی که در کشور ما به برکت رهبری و روحانیت و سایر مسئولین متعهد و دلسوز نظام حاصل شده در مقایسه با سایر کشورهای همسایه و زمان قبل از

انقلاب .

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱. علی ذو علم ، انقلاب و ارزشها.

۲. امام خمینی و حکومت اسلامی ، ج ۸، روحانیت ، اجتهاد و دولت .

۳. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد.

**ضمن ارادتی که به رهبر انقلاب دارم اما چند سؤال در مورد زندگی ایشان دارم آیا ایشان ساده زیستی مطلوب یک حاکم اسلامی را دارند مگر حضرت امام خمینی نبودند که اجازه نداده بودند دیوارها را گچ کنند و در آن فضای ساده جماران سخنرانی می کردند اما می بینیم که آیت ال**

### پرسش

ضمن ارادتی که به رهبر انقلاب دارم اما چند سؤال در مورد زندگی ایشان دارم آیا ایشان ساده زیستی مطلوب یک حاکم اسلامی را دارند مگر حضرت امام خمینی نبودند که اجازه نداده بودند دیوارها را گچ کنند و در آن فضای ساده جماران سخنرانی می کردند اما می بینیم که آیت الله خامنه ای در حسینیه امام خمینی که با اجر نما مزین شده سخنرانی می کنند و چرا ایشان در در مجالس که عده زیادی دور ایشان نشسته اند روی مبل و صندلی می نشینند مگر پیامبر اسلام به صورت حلقه ای در جلسه نمی نشستند شاید بگویید ایشان در زندگی شخصی ساده اند اما شکل همین جاست که آن کارگری که از صبح تا شب کار کرده و سیاه و سوخته و خسته شده و شب تلویزیون را روشن می کند همان حسینیه را می بیند شما تصور کنید که اگر در یک محل ساده مانند جماران ایشان سخنرانی می کردند روی آن فرد مستضعف چه تاثیری داشت شاید بگویید زمان الان با زمان جنگ و اول انقلاب فرق کرده است اما من می گویم نه .

چرا اجازه نمی دهند زندگی ساده مسئولان انعکاس داشته باشد صحنه های کوتاه از زندگی شهید رجایی که در تلویزیون نشان داده می شود می دانید چه تاثیری بر مردم دارد.

### پاسخ

کسانی که از نزدیک با زندگی مقام معظم رهبری ارتباط داشته و در جریان امورات شخصی ایشان می باشند، به سرآمد بودن ساده زیستی ایشان در زمان کنونی آن هم در حد پایین ترین طبقات جامعه اذعان دارند.

جهت آشنایی شما با گوشه هایی از این موضوع، دو



کتاب «در سایه خورشید، هادی قطبی، انتشارات معبود، ۱۳۸۱ (به پیوست ارسال می گردد)» و «آب، آینه، آفتاب، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲» را مطالعه فرمایید.

**اینجانب سؤالی داشتم در ارتباط با امور اجتماعی جامعه خودتان از شما خواهش می کنم بدون در نظر گرفتن وجه سیاسی خاصی به سؤال اینجانب جواب دهید. چرا که من احساس می کنم وقتی یکسری سؤالات با این محتوا به ذهن می رسد و مطرح می شود فکر می کنند طرف مال فلان جناح خاص ا**

### **پرسش**

اینجانب سؤالی داشتم در ارتباط با امور اجتماعی جامعه خودتان از شما خواهش می کنم بدون در نظر گرفتن وجه سیاسی خاصی به سؤال اینجانب جواب دهید. چرا که من احساس می کنم وقتی یکسری سؤالات با این محتوا به ذهن می رسد و مطرح می شود فکر می کنند طرف مال فلان جناح خاص است یا قصد ضربه زدن به نظام را دارد. من هیچ گونه قصد و غرض خاصی ندارم. و فقط می خواهم جواب سؤال خود را بیابم.

می دانیم که حکومت حاکم بر جامعه ما اسلامی است. با توجه به دستورات اسلام و بررسی اهداف آن حکومت اسلامی می بایستی دارای یکسری ویژگی ها باشد. ولی متأسفانه در جامعه ما یکسری مسائلی مطرح است که بر خلاف این اهداف است. چرا در جامعه ما فاصله طبقاتی جامعه بسیار زیاد است چرا بیشتر مردم در فشارهای اقتصادی و مالی به سر می برند. چرا در جامعه ما سن ازدواج در میان جوانان بالا رفته است چرا اکثر جوانان بیکار هستند در حکومت علی(ع) کسی گرسنه در بستر نمی خوابید ولی حالا هزاران نفر شب ها نه تنها گرسنه می خوابند بلکه با چشمانی غرق از اشک سر بر بستر می نهند و مشکلات دیگر.

حالا ممکن است مطرح شود که در چنین اوضاعی باید بر خدا توکل کرد و اوست که رزاق و علیم است و اینها همه از علائم ظهور حضرت مهدی(عج) است ولی حال

اگر کسی که پایه اعتقادی مذهبی قوی ندارد این سؤالات را مطرح کند چه جوابی باید به او داد. من این سؤال را از خیلی ها شنیدم که مطرح می کنند اگر حکومت اسلامی است چرا چنین و چونان است؟

## پاسخ

اگر بخواهیم جانب انصاف را رعایت نماییم و واقعیات جامعه را در نظر بگیریم، باید بگوییم که انقلاب اسلامی ایران با هدف اجرای احکام و ارزش های الهی، دفاع از حقوق مظلومان، رعایت عدالت اجتماعی، نفی تبعیض و... شکل گرفت و به پیروزی رسید. از اول انقلاب اسلامی تا کنون، مسئولان عالی رتبه نظام - چه در گفتار و ارائه خط مشی و اصول کلی نظام و تدوین برنامه های دولت و چه در عمل - همیشه بر این اصول تأکید و پافشاری داشته و برای بهبود سطح معیشتی، رفاه و... این اقشار اقدامات متعددی انجام داده اند؛ اما این که در بعضی جاها تبعیض و بی عدالتی وجود دارد و یا حقی پایمال می شود، ما هم در این مقدار با شما موافقیم و مسئولین عالی رتبه نظام نیز ضمن اذعان به آن همیشه دغدغه و نگرانی خود را از این وضع اعلام داشته و به مسئولین مربوطه تذکرات و توصیه های لازم را ارائه نموده اند.

در اینجا ابتدا به بررسی ریشه ای و پرداختن به علل و عوامل این قبیل مشکلات و نارسایی ها - که حتی مقدار کم آن نیز زیبنده جامعه اسلامی نمی باشد - نیاز به بررسی دقیق علل و عوامل جامعه شناختی آن دارد که به اختصار مهم ترین آن ها را بیان می کنیم و سپس به ارائه راه کارهای حل این مشکلات می پردازیم:

ساله پادشاهی در ایران از قبیل رشوه خواری، پارتی، روابط را مقدم بر ضوابط دانستن، استبداد رأی جاه پرستی و سلطه پذیری و تقدم منافع شخصی بر منافع اجتماعی و قانون، بی اعتنایی به حقوق محرومان و...

۲- عدم تثبیت ارزش های اسلامی و قانون گرایی و پابندی به ضوابط در حدی که مسؤول یا مدیر اداره خودش را خدمتگزار بدانند نه سوار بر مردم و... که این خود ناشی از عوامل مختلفی از قبیل: فقدان برنامه ای جامع و همه جانبه برای تربیت، آموزش و توجیه آنان، کم کاری یا بعضاً عملکردهای غلط نهادهای فرهنگی کشور، سردر گمی مسؤولان امور فرهنگی و عدم ارائه برنامه منسجم فرهنگی، فقدان اجماع نظر دولتمردان در کیفیت برخورد با این مسأله و... می باشد.

۳- عدم تصفیه کامل افراد در سطوح پایین بعد از وقوع انقلاب از یک سو و رعایت نمودن مسائل اصیل اسلامی از قبیل: لیاقت و شایستگی، تعهد و تقوا، تجربه و مهارت و تخصص و... در گزینش ها.

۴- تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها پس از دوران دفاع مقدس مانند با ارزش شدن پول، شهرت، مدرک گرایی، رفاه طلبی، و تجمل پرستی و منفعت طلبی و بی توجهی به ارزش های اسلامی.

۵- اجرا نشدن امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی و همگانی که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه و اجزاء اداری و... می باشد حضرت علی(ع) در بستر شهادت به فرزندان خویش امام حسن و امام حسین(ع) چنین سفارش می نمایند «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در این صورت اشرار شما بر شما حاکم می شوند سپس شما برای رفع آنها دعا کنید اما دعای شما اجابت نمی شود»، (نهج البلاغه،

نامه ۴۷) و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این فریضه الهی در اصل هشتم در سه قسم مردم نسبت به یکدیگر دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت در نظر گرفته شده هر چند متأسفانه راهکارها عملی شده این فریضه مهم و اساسی در جامعه تبیین و اجرا نشده است. بنابراین، تا حساسیت قابل توجهی که منجر به عزم ملی برای برخورد با این معضلات (تبعیض و بی عدالتی، مفاسد اقتصادی و...) به وجود نیاید، قطعاً این معضل همچنان باقی می ماند، هر چند بقیه عوامل نیز اصلاح بشوند؛ قرآن کریم می فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند»، (سوره رعد، آیه ۱۱).

در اندیشه سیاسی اسلام، انسان قادر به تغییر سرنوشت خویش و سمت دهی آن در جهت خواست خود و نیز اصلاح ساختار اجتماعی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود می باشد.

در خاتمه پاسخ را در یک جمله خلاصه می کنیم و آن این که اگر مسؤولی هم در این زمینه بد عمل می کند او از متن همین جامعه برخوردار است و تا فرهنگ عدالت طلبی و وجدان کاری و انضباط اجتماعی بر جامعه حاکم نشود و مردم اصلاح نشوند هیچ حاکمی نمی تواند این مشکل را حل کند همان طور که حضرت علی نتوانست چون مردم عملاً نخواستند.

**در زمان گذشته روحانیان خیلی بهتر بودند. اما اکنون می بینیم که روحانیت درد جامعه را حس نمی کند.**

## اشاره

چرا در زمانی که جامعه نمی پذیرد یک روحانی ماشین مدل بالا سوار شود. خیلی از روحانیون سوار می شوند؟

چرا در حالی که حکومت در دست روحانیان است. وضع جامعه و اقتصاد

## پرسش

در زمان گذشته روحانیان خیلی بهتر بودند. اما اکنون می بینیم که روحانیت درد جامعه را حس نمی کند.

چرا در زمانی که جامعه نمی پذیرد یک روحانی ماشین مدل بالا سوار شود. خیلی از روحانیون سوار می شوند؟

چرا در حالی که حکومت در دست روحانیان است. وضع جامعه و اقتصاد ما و ... به شکلی است که خیلی از مردم به دیده نفرت به آنان نگاه می کنند؟

## پاسخ

هر چند این مسأله در بدبینی عده ای از مردم به روحانیون مؤثر است، ولی باید با دیدی واقع بینانه مجموعه عوامل مؤثر و میزان تأثیر هر کدام را مورد بررسی قرار داد. واقعیت اینست که:

۱. عملکرد و رفتار تعداد محدودی از افراد روحانی که در دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی اشتغال دارند موجب پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده مردم گشته و این امر موجبات بدبینی به تمامی روحانیت را فراهم آورده است. مردم انتظار دارند که نه تنها در رده های سطح اول مسئولان نظام، بلکه در سایر رده ها نیز شاهد صداقت و درست کاری، امانت داری، گرایش به خدمت به مردم، بی توجهی به تجملات و زخارف دنیا و... باشند ولی رفتار عده انگشت شماری از آنان موجب بدگمانی و بدبینی اقشاری از مردم نسبت به روحانیت شده است.

۲. برخی افراط و تفریط، رفتارها و برخوردهای ناصحیح در بیان احکام شرع و... موجبات بدبینی عده ای از افراد را فراهم آورده است.

۳. اختلافات جناحی و سلیقه ای در مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... باعث

افت جایگاه و منزلت روحانیت در دیدگاه مردم شده است .

۴. از دیگر علل آن ، حل نشدن برخی از مشکلات و معضلات ، عدم اجرای ارزش های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی ، مبارزه با مظاهر فساد و...) و تحلیل نادرست مردم (یعنی مشکلات را همواره از چشم روحانیت دیدن ) است .

۵. تغییر ارزشهای جامعه یکی دیگر از عوامل بروز این مشکل است . گفتنی است پس از پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادها و تغییر ارزشهای جامعه به سوی ارزش های مادی ، تجمل پرستی ، مدرک گرایی و... شد. و برخی از روحانیان از این خطر در امان نماندند.

۶. تهاجم شدید و گسترده فرهنگی غرب علیه ارزشهای اسلامی با استفاده از تمامی امکانات نرم افزاری و سخت افزاری و تکنولوژی های پیشرفته ، عناصر وابسته داخلی و مطبوعات وابسته و... برای ضربه زدن به مهمترین رکن انقلاب اسلامی یعنی ولایت فقیه و حوزه های علمیه و روحانیت با ناکارآمد خواندن مدیریت فقهی و فراهم آوردن موجبات بدبینی مردم نسبت به این گروه شد.

۷. به فرموده امام علی (ع) (من ملک استأثر) قدرت در دست هر کسی باشد مردم به طور طبیعی از آنها فاصله می گیرند.

۸. انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از روحانیت داشتن چه در حل مشکلات در زمینه های گوناگون ، و چه در شیوه های سلوک فردی و اجتماعی .

۹. تعمیم نادرست اشکالات مشاهده شده از پاره ای عناصر به مجموعه و تمامی روحانیت،

چنانچه اگر شخصی از یک فرد روحانی خطایی ببیند فریاد می زند که کل روحانیت منحرف گشته است . مجموعه عوامل فوق و عواملی از این قبیل موجبات بدبینی برخی از افراد جامعه را که دارای قوه تحلیل و شناخت کامل نبوده و یا این که از بسیاری از مشکلات مانند تبعیض , فساد, معضلات اجتماعی , بیکاری به ستوه آمده بودند را, فراهم آورد. اما در مورد راهکارهای حل این معضل , هم می توان آنها را به دو بخش تقسیم نمود:

الف . راهکارهایی که خود قشر روحانیت باید انجام دهد از قبیل , دقت در گزینش ها خصوصا" افراد روحانی که در دستگاههای دولتی و نهادهای حکومتی مشغول به کار هستند یا می شوند و نظارت دقیق بر اعمال آنان و برخورد با افراد خاطی پرهیز از اختلافات جناحی و تفرقه و ...

ب . اقداماتی که در جامعه باید انجام بگیرد مانند بالا- بردن درک و شناخت مردم و شناساندن علل و عوامل مشکلات اقتصادی و اجتماعی , توطئه های دشمنان در تضعیف روحانیت و... از طریق ارائه برنامه های فرهنگی دقیق و کارشناسانه بوسیله مطبوعات و رسانه های ملی و... و یادآوری و تبیین دستاوردهای با ارزش و مفیدی که در کشور ما به برکت رهبری و روحانیت حاصل شده در مقایسه با سایر کشورهای همسایه و زمان قبل از انقلاب .

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱. علی ذو علم , انقلاب و ارزشها.

۲. امام خمینی و حکومت اسلامی , ج ۸, روحانیت , اجتهاد و دولت .

۳. فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد.

**عدالت را تعریف کرده و چگونگی عمل به آن را در اجتماع امروز توضیح دهید ؟**

**پرسش**

عدالت را تعریف کرده و چگونگی عمل

به آن را در اجتماع امروز توضیح دهید؟

## پاسخ

عدالت اجتماعی از آرمانهای مقدس اسلام و همه مصلحان می باشد و در این میان آنچه مهم است ، راه رسیدن به عدالت اجتماعی است . تقسیم بالسویه امکانات در جامعه اسلامی ، از جمله پایه های اجرای عدالت است ؛ ولی باید توجه داشت که تقسیم بالسویه امکانات ، الزاما مساوی با کار یکسان و دستمزد یکسان نیست.

بنا بر این بین معنای مساوات و عدالت نباید خلط شود چون که مساوات دو معنی می تواند داشته باشد. اگر مقصود عدم توجه به استحقاق افراد باشد بی شک با عدالت اجتماعی (رعایت حقوق ) منافات دارد و در واقع عین ظلم است . مثلا" اگر کسی دو برابر دیگری از جهت کمی و کیفی کار کند ولی به هر دو مزد یکسان داده شود (در حالی که یکی استحقاق بیشتری از دیگری داشته ) چنین عملی بی شک ظلم است . اما مساوات معنای دیگری دارد که در تعبیر عرفی نیز بسیار به کار می رود و آن به معنای عدم تبعیض و برخورد یکسان با افراد است که در واقع به این معنا است که اگر دو نفر استحقاق یکسان دارند بین آنان تفاوت و تبعیض گذاشته نشود، چنین معنایی بی شک همان عدالت اجتماعی است و عدم رعایت مساوات (در این معنا) ظلم است . مثل آن که یکی را صرفا" به دلیل قرابت فامیلی یا قدرت و نفوذ سیاسی یا مالی بر دیگری ترجیح دهند در حالی که هر دو از استحقاق یکسان برخوردارند و بلکه شاید شخص طرد شده استحقاق بیشتری داشته



است. در واقع پارتی بازی و بحث استفاده از رانت و امثال آن که در دوران ما مطرح است نقض چنین معنایی است, (ر.ک: عدل الهی, شهید مطهری, ص ۵۶).

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه, و تأکیدات فراوان امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص, هنوز در جامعه اسلامی ما شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچ وجه زیننده حکومت و جامعه اسلامی نبوده, و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی اشکال بی عدالتی در جامعه می باشد بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود در جامعه را می توان در موارد ذیل به صورت مختص بیان نمود:

الف - توجه جدی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزیهای توسعه و سازندگی کشور: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخصهای مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود. این عامل در برخی از تحلیلهای و تحقیقات به عمل آمده, عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است. حضرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از این روند, می فرمایند: ((در این مرحله از انقلاب, هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در

آن، رفاه مادی هم راه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام، تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد))، (حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷). و در جای دیگر می فرمایند: ((در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت ها باید مبتنی بر عدالت باشد زیرا قسط و عدل از همه آرمان ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست، بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و رکن دیگر عبارت از عدالت است... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی، یا در مجموع برنامه ها ما را به هدف عدالت نزدیک کند، و الا- اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست))، (روزنامه رسالت، ۹/۳/۱۳۷۲).

ب - برخورد فیزیکی، مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروتهای نامشروع و بادآورده: امام علی (ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدل خویش قرار دادند: ۱- مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان ۲- احیا سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال.

حضرت آیت الله

خامنه ای در این زمینه می فرمایند: ((... با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطة مشروع زندگی مردم , جمع شود...)), (حدیث ولایت , ج ۱, ص ۲۸۷). و در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر, عزم , همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می باشد.

ج - پیشگیری از پیدایش ثروتها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راههای مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه , جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کاپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است در این راستا اهم اقدامات پیشگیرانه عبارتند از:

۱- اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران : امام علی (ع) می فرمایند: ((ان الله تعالی فرض علی ائمه العدل ان یقدروا انفسهم بضعفه الناس , کیلا یتبذغ بالفقیر فقره ; خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده , خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند. تا تنگدستی فقیر, او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد)), (نهج البلاغه , خطبه ۲۰۹, ص ۳۲۵)

۲- زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان : حضرت علی (ع) در فرازی از عهدنامه مالک اشتر, در این زمینه می فرمایند

((والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد، کمتر حاضر به رعایت انصافند، وظیفه تو، آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی))، (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۱).

۳- بازرسی، نظارت، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران: حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرماید: ((باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان، نظارت بر کار آنان نیز ضروری است، چون مقام و قدرت، غالباً "اخلاق و رفتار مسئولان را تغییر می دهد، بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان، از بالا- بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند...))، (فجر انقلاب در بهار قرآن، ص ۲۰۳ و ۲۰۵).

د - بالا- بردن میزان آگاهی مردم: با بالا رفتن میزان آگاهی مردم، درک آنها از حقوقشان افزایش می یابد و بی عدالتی را نمی پذیرند و به انحای مختلف برای دستیابی به حقوقشان می کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیمگیریهای سیاسی افزایش می یابد.

ه - توجه جدی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه: زیرا وجود ارزشهای اسلامی مانند ایمان، تقوا، تعهد و... موجب ایجاد و اجرای عدالت در سطح جامعه می شود قرآن کریم می فرماید ((اعدلوا هو اقرب للتقوی))، (مائده / ۸)

امام علی (ع) نیز می فرماید: ((قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه ؛ هر که می خواهد به حلیه عدل و داد آراسته شود می بایست هوا و هوسهای گوناگون را از خود دور کند))، (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). لذا برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه، تحقق باوری عمیق، درونی ریشه دارد، عقلای و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه - به معنی کسانی که در دستگاههای رسمی تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، و انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاهها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده، ایفا می کنند، لازم و ضروری می باشد و باید این نظام ارزشی در ۱- رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ۲- ساختار کلان کشور ۳- برنامه های اجرایی، تبلور و تجلی یابد.

و - فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصتهای مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات، اشتغال، مسکن، رفاه و... که در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور می باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ص ۴۸

فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶

محمدنقی نظرپور، ارزشها و توسعه، ص ۱۹۶

علی ذو علم، انقلاب و ارزشها، ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴

دکتر فرامرزی رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۴۸۰

**چرا مرجعیت در مقابل این همه ظلم و ستم و ارتشاء و بی عدالتی جامعه سکوت کرده اند و هیچ کار عملی نمی کنند. مگر فقط تذکر دادن کافی است. آیا واقعا این جامعه را اسلامی می دانید.**

**پرسش**

چرا مرجعیت در مقابل این همه ظلم و ستم و ارتشاء و بی عدالتی جامعه سکوت کرده اند و هیچ کار عملی نمی کنند. مگر

فقط تذکر دادن کافی است. آیا واقعا این جامعه را اسلامی می دانید.

## پاسخ (قسمت اول)

گذشته از میزان و عوامل معضلاتی که نام بردید و در ادامه به آن می پردازیم، درباره قسمت اول سؤال گفتنی است: بررسی عمل کرد و اقدامات مراجع عظام تقلید، در مقابل مشکلات و معضلاتی که متأسفانه گریبانگیر جامعه اسلامی شده و به هیچ وجه زیننده نظام اسلامی نیست؛ این واقعیت را آشکار می سازد که این موضوع یکی از دغدغه های اصلی آنان بوده و به کرات به صورت مستقیم و غیرمستقیم به مسؤولان تذکرات لازم را داده و نارضایتی خود را از وضعیت موجود اعلام کرده اند. به عنوان نمونه می توان از تحصن و اجتماع اعتراض آمیز علما و طلاب حوزه علمیه قم در قبال اوضاع اسفناک فرهنگی جامعه اشاره کرده این اقدام با حضور تعدادی از مراجع همراه بود و منجر به استعفا و کناره گیری وزیر فرهنگ و ارشاد وقت شد یا اخیراً آیت الله مکارم، آیت الله فاضل و... در مورد مشکلات و معضلات جامعه به مسؤولین هشدار داده اند. موارد متعدد دیگری هم هست که معمولاً از طریق رسانه ها به اطلاع عموم می رسد.

بنابراین مراجع عظام تقلید تا آنجا که احساس وظیفه کرده و انجام برخی اقدامات را در راستای بهبود معضلات و مشکلات جامعه مفید ارزیابی نموده، کوتاهی نکرده اند هر چند ما نیز منکر این مطلب نیستیم که نهاد «مرجعیت» با اتخاذ ساز و کارها و تدابیر مناسب تری، می تواند وظایف و کار ویژه های خود را به نحو بسیار مؤثری انجام دهد.

درباره چرایی عدم اتخاذ اقدامات شدیدتر از سوی مراجع و تلاش بر علیه وضع موجود گفتنی است که

می توان دو کار ویژه مهم و اساسی را برای مراجع در قبال مشکلات و معضلات جامعه در نظر گرفت:

یکم. نظارت بر عملکرد مسؤولان انتقاد و ارشاد نسبت به عملکرد آنان و مشکلات و معضلات؛

این کار ویژه محدوده وسیع و گسترده ای داشته و تمامی زمان ها را در برمی گیرد؛ یعنی هم در زمان تشکیل حکومت اسلامی از سوی حاکم اسلامی (مانند ولی فقیه واجدالشرايط در زمان غیبت) و هم در حکومت های جور (البته تا آن جا که شرایط اجازه بدهد).

مراجع عظام شیعه در عمل نیز چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن به این وظیفه مهم مبادرت ورزیده اند.

دوم. قیام و تلاش برای تغییر سیستم سیاسی حاکم،

این کار ویژه، محدوده خاص و شرایط ویژه ای دارد و مسلماً از آنجا که قیام علیه حاکم مسأله مهم و سرنوشت سازی بوده و تأثیرات و نتایج مهمی را به دنبال دارد، دارای شرایط و ویژگی های خاصی نیز است. مهم ترین آن این است که سیستم حکومتی حاکم حکومتی نامشروع بوده و علت و عامل اصلی این معضلات و ناهنجاری ها باشد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «من رأی سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام الله، ناکثاً عهداً، مخالفاً لسنه رسول الله، یعمل فی عبادالله بالاثم و العدوان...» از این رو می بینیم که امام حسین (ع) علیه یزید، و امام راحل (ره) علیه حکومت طاغوتی شاه، قیام کردند.

بنابراین شرط اصلی برای قیام، این است که ثابت شود کسی که خلافت و حکومت را در دست دارد، علت اصلی این همه جور و فساد است. اما اگر این شرط وجود نداشته باشد؛ بلکه برعکس سیستم سیاسی حاکم، حکومتی کاملاً مشروع و قانونی بوده و در

رأس آن «ولی فقیهی» واجدالشرائط و مورد قبول و اعتماد اکثریت مردم قرار دارد و خود ضمن اعلام نارضایتی از این معضلات، بیشترین سعی و کوشش خود را در جهت بسیج قوای سه گانه و امکانات کشور، برای مقابله و مبارزه با مفاسد سیاسی و اقتصادی و حل معضلات فرهنگی و اجتماعی دارد؛ در این جا نه تنها قیام علیه چنین حاکمی مخالف اصول و اهداف اسلامی است، بلکه به پاخاستن و قیام مراجع در کنار او برای مبارزه با مفاسد جامعه، امری واجب و بایسته است. همانگونه که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مراجع عظام تقلید با تمام توان در کنار ولی فقیه ایستاده و از مسؤولین اجرایی، قانونگذار، نظارتی، خواهان حل اساسی مشکلات و معضلات جامعه می باشند.

اما در مورد قسمت دوم سؤال و این که آیا علی رغم وجود معضلات نامبرده، باز هم جامعه ما اسلامی است یا نه، در ابتدا لازم است به مسأله فساد و معضلات با دیدی واقع بینانه برخورد شود و از هرگونه تغافل یا بزرگ نمایی - که هر دو مضر برای پیشرفت و تکامل جامعه اسلامی است - پرهیز شود. در این که در بخش هایی از بدنه نظام یا جامعه مفاسد و معضلات وجود دارد شکی نیست و مسؤولین عالی رتبه نظام ضمن اعتراف به آن، شدیداً به دنبال حل اساسی آن هستند که این خود نیازمند بررسی و مطالعات دقیق و وسیع و برنامه های طولانی مدت همراه با همکاری و جدیت تمامی بخش های دولت است.

اما کلیدی ترین تکیه گاه آن، وجود مشکلات و معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر مفاسد اقتصادی، تبعیض، عدم اجرای کامل عدالت



اجتماعی و... در سطح جامعه ی اسلامی است که به هیچ وجه زینده ی نظام اسلامی نیست. در این موضوع ما نیز با شما موافق هستیم. اما در مورد این که آیا با وجود این قبیل مشکلات می توان به جامعه ی ما جامعه ی اسلامی گفت یا نه؟ نیازمند شناخت دقیق جامعه ی اسلامی، ویژگی های آن و تطبیق آن بر جامعه ی کنونی ماست:

الف) تعریف جامعه ی اسلامی و ویژگی های آن:

جامع ترین تعریفی که از جامعه ی دینی وجود دارد این است: جامعه ی دینی، جامعه ای است «دین باور»، «دین مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین» (جامعه ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ - ۲۱۰)..

جامعه ی دینی جامعه ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه های آن تنظیم شده باشد. جامعه ی دینی جامعه ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه ی دینی دغدغه ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه ی روابط اجتماعی نافذ باشد (جامعه ی دینی، جامعه ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ - ۹۰).

بر این اساس ویژگی های جامعه ی دینی عبارتند از (حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف):

۱ دین باوری و اعتقاد به آموزه های دینی.

۲ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت مداری).

۳ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را بر نمی تابد (نظام دینی).

۴ در جامعه ی دینی، مردم سلوک و رفتار

فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند (دین داوری).

۵ چنین جامعه ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین).

جامعه ای که بر اساس مؤلفه ها و ویژگی های فوق شکل گرفته باشد، جامعه ای دینی است.

بر این اساس می توان دو معیار اصلی برای جامعه ی اسلامی نام برد:

۱ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند.

۲ کلیه نظام های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد.

نکته ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیت آن جامعه بالاتر می رود.

ب) بررسی اسلامی بودن جامعه ی کنونی ایران:

با نگاهی به واقعیات جامعه ی کنونی ایران مشخص می شود که بحمدالله جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابر این در اصل اسلامی بودن جامعه ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده ی جامعه ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسئولین، نهادها و دستگاه های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی

سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت ها و سنت های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و..). وجود نداشته باشد؛ و گرنه هرگز آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین (ع) نیز مطرح است.

حضرت علی (ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم تراز پیامبر اکرم (ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم (ص)، موجب اكمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است.

### **پاسخ (قسمت دوم)**

جنگ های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت

مشکلات، گسترده‌گی بدعت‌ها و سنت‌های فاسد و آلودگی‌های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه‌ای از مشکلات ایجاد شده در حکومت عدل امام علی (ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه‌رو بودند؛ ولی در همان حال آن حضرت شایسته‌ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی‌ها هیچ‌گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی‌کند.

حال آیا می‌توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی (ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می‌توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم‌ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از:

۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...» نحل، آیه ۳۶).

روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی اجتماعی است.

۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان‌ها و رهایی و... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه و ان كانوا من قبل لفی ضلال مبین»، (جمعه، آیه ۲).

۳. آزادسازی و رهایی توده‌های مردم و انسان‌های مستضعف از چنگال ظالمان و

ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و يضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت عليهم...» (اعراف، آیه ۱۵۷).

۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط...» (حدید، آیه ۲۵).

۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..).

پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه های کمال انسان ها را فراهم نموده، زمینه های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با فراهم بودن تمامی این زمینه ها و بسترسازی ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً اسلامی خواهد شد، در جواب می توان به این آیه اشاره کرد که: «ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم...؛ خداوند هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱).

بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش ها و معارف اسلامی به وجود آمده استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در

پیش گیرند. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شرایط محیطی (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و...) هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) در جامعه بوده اند و تمام شرایط و زمینه های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شناخت عمیق نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد.

به علاوه، همان طور که پیشوایان معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف اند زمینه های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خود افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد.

در هر صورت مسأله مفاسد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش ها و آرمان های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه های مسؤولین نظام خصوصاً مقام معظم رهبری بوده است.

معظم له مکرراً نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه

با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسئولین اداره کننده نظام می باشد.

به عنوان نمونه معظم له در دیدار با نمایندگان مجلس هفتم، در تأکید با مسأله فساد و اهتمام نظام به این مسأله و راهکارهای اجرای آن می فرماید:

از جمله ی مهمترین کارها، مبارزه ی با فساد است. مبارزه ی با فساد، یک جنبه ی اخلاقی محض نیست؛ اداره ی کشور متوقف به مبارزه ی با فساد است. بنده دو سه سال پیش که آن نامه را درباره ی مبارزه ی با فساد به مسؤولان کشور نوشتم، به دنبال یک کار طولانی و یک بررسی و مطالعه ی وسیع و همه جانبه بود. از هر طرف می رویم، می بینیم اگر با فساد مبارزه نشود، همه ی کارها لنگ خواهد ماند. این همه کار خوب دارد در کشور انجام می گیرد - کارهایی که انجام گرفته، کم نیست - اما وجود فساد، بعضی از آنها را خنثی می کند. استخری را در نظر بگیرید که از چند چاه عمیق با لوله های چند اینچی مرتب در آن آب ریخته می شود، اما استخر پُر نمی شود. وقتی نگاه می کنید، می بینید بدنه ی استخر ترک خورده و ته آن سوراخ است؛ هرچه از این طرف آب می ریزید، از آن طرف بیرون می رود؛ به کانلهایی که شما در نظر گرفته اید آبیاری کنید، اصلاً آب نمی رسد. فساد در جامعه، این طوری است. فساد مالی، مثل خوره، ایدز و سرطان است؛ باید با آن مبارزه کرد. البته نباید بزرگنمایی کرد. بعضی ها جنجال و بزرگنمایی می کنند و

طوری حرف می زنند که کانه این سرطان همه جا را گرفته؛ نخیر، این طوری نیست. این همه ما دستهای پاکیزه، چهره های پاکیزه و انسانهای پاکیزه در دستگاه های گوناگون از بالا تا پایین داریم؛ اکثریت هم با اینهاست؛ منتها یک نقطه ی فساد، همه ی بدن را آلوده می کند. وقتی یک جای بدن بیمار می شود و درد می گیرد - مثلاً وقتی دندان فاسد می شود - انسان شب خوابش نمی برد. قلب، سالم؛ معده، سالم؛ ریه، سالم؛ جریان خون، سالم؛ اما یک دندانِ ناسالم خواب را از انسان می گیرد. فساد، این طوری است؛ باید با فساد مبارزه ی جدی کرد. یک پایه ی مبارزه، شما باید. آن روزی که بنده مسأله ی مبارزه ی با فساد را گفتم، توقعم این بود که مجلس شورای اسلامی سینه سپر کند و جلو بیاید و در این میدان حرکت کند تا ما دیگر احتیاج نداشته باشیم دنبال کنیم؛ اما متأسفانه این طور نشد. آنها نکردند، شما بکنید. البته به قول برادر ظریف و نکته سنج مان، با دستمال کثیف نمی شود شیشه را تمیز کرد. اگر انسان بخواهد با فساد مبارزه کند، باید در درجه ی اول مراقب باشد که فساد دامن خودش را نگیرد. داخل خودتان و درون مجلس مراقب باشید. دست پاک، دامن پاک، زبان پاک و چشم پاک خواهد توانست در حوزه ی اقتدار وسیعی که شما دارید، همه چیز را پاک کند.

به دنبال این توصیه، این را هم عرض کنم که از لغزشگاه ها بترسید. امام سجاد (علیه الصلاه والصلوات) در دعای صحیفه ی سجادیه، وقتی برای سربازان اسلام دعا



می کنند، از جمله ی چیزهایی که روی آن تکیه می کنند، این است که خدایا! یاد و محبت و علاقه ی به «المال الفتون» - مال فتنه انگیز - را از دل اینها بگیر. مال و پول، خیلی خطرناک و فتنه انگیز است و خیلی ها را می لغزاند. ما آدمهای درشتی را در تاریخ دیدیم که وقتی پایشان به این جا رسید، لغزید؛ بنابراین خیلی باید مراقب باشید. در شرع مقدس، اسم این مراقبت چیست؟ تقوا. این که در قرآن از اول تا آخر این همه به تقوا توصیه شده، معنایش همین مراقبت و مواظبت از خود است. نفس انسان، زیاده خواه است. من وقتی در مطبوعات خواندم که شماها تصمیم گرفته اید در بعضی از مسائل مجلس و برخی از برخورداری های بیخودی تجدیدنظر کنید، حقیقتاً خوشحال شدم و به بانیا این کار دعا کردم. مثلاً فرض بفرمایید آدمی خانه دارد، باز خانه می خواهد؛ امتیاز دارد، باز امتیاز می خواهد. واقعاً من تشکر می کنم از این که شما در این راه وارد شدید و همت گماشتید. این راه را ادامه دهید و بر سر این کارها پای بفشیرید. هرچه می توانید، منطقی و صحیح رفتار کنید. البته ما توصیه نمی کنیم و توقع هم نداریم که مثلاً در مجلس، نمایندگان گشنگی و تشنگی بکشند و زهد به خرج دهند - نه ما این طوریم، نه شما این گونه اید - ما می گوئیم زیاده روی و اسراف نشود و کارهای بی قاعده و خرجهای بیخودی انجام نگیرد. ممکن است سرجمع همه ی این خرجها مبلغ خیلی کلانی هم در مجلس

نشود؛ اما وقتی شما این راه را قطع کردید، دست مردم و دستگاه‌ها الگو می‌دهید و راه و جهت را مشخص می‌کنید. کار شما خیلی ارزش دارد و بسیار خوب است؛ این را دنبال کنید.

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷ / ۰۳ / ۱۳۸۳).

بنابر آن چه که گذشت مشخص می‌شود که در جامعه‌ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی‌توان همه‌ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حل همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسئولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه‌ها تلاش جدی نمایند، می‌توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت.

در پایان تذکر این مسأله لازم است که شبیه چنین سؤالی را قبلاً در نامه ۹۸۳۳ مطرح نموده بودید، مناسب بود در صورتی که از پاسخ ارسالی این مرکز ایراد و انتقادی داشتید، آن را به صورت دقیق بیان می‌کردید، تا در راستای نقطه نظرات شما پاسخ جدید را ارسال می‌داشتیم.

**نابسامانی های اجتماع عدم وجود امنیت به خصوص برای زنان جامعه - عدم وجود عدالت اقتصادی - وضعیت قشر جوان دارد مرا دیوانه می کند . نمی دانم که چه کار کنم نمی توانم توجیهی برای اینگونه مسایل در کشور اسلامی و حکومت اسلامی پیدا نمایم حرف و سخن اطرافیان نیز که مزی**

### پرسش

نابسامانی های اجتماع عدم وجود امنیت به خصوص برای زنان جامعه - عدم وجود عدالت اقتصادی - وضعیت قشر جوان دارد مرا دیوانه می کند . نمی دانم که چه کار کنم نمی توانم توجیهی برای اینگونه مسایل در کشور اسلامی و حکومت اسلامی پیدا نمایم حرف و سخن اطرافیان نیز که مزید علت است!!! لطفاً مرا راهنمایی کنید.

### پاسخ

آن گونه که از سؤال شما برداشت می‌شود وجود برخی مشکلات و معضلات در جامعه نظیر بی‌عدالتی، فقر، فساد و ... موجب شبهاتی برای شما و برخی جوانان شده است و بین وضعیت موجود با باورها، اعتقادات و انتظاراتی که از یک حکومت اسلامی ایده آل داشته‌اید، ناهمخوانی و دوگانگی، به وجود آورده. رفع این گونه شبهات و ابهامات در گرو توجه به امور ذیل است:

اولاً اصل وجود این قبیل مشکلات در جامعه امری مسلم و غیر قابل انکار است اما نکته اساسی قضاوت و ارزیابی صحیح پیرامون میزان این امور و علل یا عوامل اصلی آن است: باید اقدامات مثبت و سازنده‌ای که برای زنان و یا قشر جوان انجام شده آنها را نیز در نظر گرفت و بعلاوه توجه کرد که بزرگ‌نمایی مشکلات و معضلات ... آیا منصفانه و منطبق بر واقعیات

موجود است؟! درصد اسلامیت جامعه ما و دستاوردهای نظام اسلامی در مقایسه با زمان قبل از انقلاب و یا سایر کشورهای مسلمان، به چه میزان است؟ چه معیارها و ملاک هایی را باید برای شناخت نظام اسلامی و کارآمدی آن در نظر گرفت و ...؟

آیا واقعا آن چنان که دشمنان تبلیغ می کنند اکثریت جامعه ما از

انقلاب اسلامی ناراضی اند؟! اگر چنین است پس با حضور میلیونی مردم در انتخابات متعدد و راهپیمایی ها و سایر مراسم انقلابی و... که بیانگر حمایت مردم از نظام اسلامی است، چگونه قابل جمع است؟!

افزون بر این، آیا از وجود برخی مشکلات در جامعه، می توان هرگونه نتیجه ای را گرفت؟ آیا به خاطر برخی مشکلات باید منکر تمامی جهات مثبت نظام و منطبق بر تعالیم اصیل اسلامی شد؟ یا این که برعکس باید با بها دادن به این جهات و دستاوردهای مثبت، در صدد رفع کاستی ها و نقاط ضعف برآمد؟ آیا می توان دستاوردهای عظیم نظام اسلامی را در اسلامی کردن و اصلاح جامعه حفظ استقلال، تمامیت ارضی، عزت جهان اسلام، رشد و شکوفایی در عرصه های مختلف و... نادیده گرفت؟ آیا منصفانه است که تلاش های خالصانه رهبری و مسئولین نظام را در جهت مقابله با مفاسد و مشکلات و نتایج مثبت آن را نادیده گرفت؟

ثانیا، اگر بخواهیم قضاوت صحیح در مورد میزان اسلامیت جامعه و نظام سیاسی خویش داشته باشیم ابتدا باید به شناختی دقیق از جامعه و نظام اسلامی و ویژگی های آن رسیده و سپس با وضعیت کنونی جامعه مقایسه نماییم:

الف) تعریف جامعه ی اسلامی و ویژگی های آن:

جامع ترین تعریفی که از جامعه ی دینی وجود دارد این است: جامعه ی دینی، جامعه ای است «دین باور»، «دین مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین» (جامعه ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ - ۲۱۰)..

جامعه ی دینی جامعه ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه های آن تنظیم شده باشد. جامعه ی دینی جامعه ای است که در آن داوری با

دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه ی دینی دغدغه ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی شود؛ بلکه نسبت میان دین و کلیه ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه ی روابط اجتماعی نافذ باشد(جامعه ی دینی، جامعه ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ - ۹۰).

بر این اساس ویژگی های جامعه ی دینی عبارتند از(حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف):

۱ دین باوری و اعتقاد به آموزه های دینی.

۲ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت مداری).

۳ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را بر نمی تابد(نظام دینی).

۴ در جامعه ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند(دین داوری).

۵ چنین جامعه ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین).

جامعه ای که بر اساس مؤلفه ها و ویژگی های فوق شکل گرفته باشد، جامعه ای دینی است.

بر این اساس می توان دو معیار اصلی برای جامعه ی اسلامی نام برد:

۱ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند.

۲ کلیه نظام های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد.

نکته ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیت آن جامعه بالاتر می رود.

ب) بررسی اسلامی بودن

با نگاهی به واقعیات جامعه‌ی کنونی ایران مشخص می‌شود که بحمدالله جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه‌ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابراین در اصل اسلامی بودن جامعه‌ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده‌ی جامعه‌ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسئولین، نهادها و دستگاه‌های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه‌های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه‌های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و...) مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی،

بدعت‌ها و سنت‌های غلط، دنیاگرایی تجمل‌پرستی و... وجود نداشته باشد؛ و گرنه هرگز آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین (ع) نیز مطرح است.

حضرت علی (ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم‌تراز پیامبر اکرم (ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم (ص)، موجب اكمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می‌شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است.

جنگ‌های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گسترده‌گی بدعت‌ها و سنت‌های فاسد و آلودگی‌های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه‌ای از مشکلات موجود در برابر حکومت عدل امام علی (ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه‌رو بودند؛ ولی در همان حال آن حضرت شایسته‌ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی‌ها هیچ‌گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی‌کند.

حال آیا می‌توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی (ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت

اسلامی و نهایت چیزی که می توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از:

۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان عبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...» (نحل، آیه ۳۶).

روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی اجتماعی است.

۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان ها و رهایی و... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم يتلوا عليهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین» (جمعه، آیه ۲).

۳. آزادسازی و رهایی توده های مردم و انسان های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الّتی کانت علیهم...» (اعراف، آیه ۱۵۷).

۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...» (حدید، آیه ۲۵).

۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..).

پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه های کمال انسان ها را فراهم نموده، زمینه های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با



فراهم بودن تمامی این زمینه ها و بسترسازی ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً اسلامی خواهد شد، در جواب می توان به این آیه اشاره کرد که: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم... خداوند هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱).

بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش ها و معارف اسلامی به وجود آمده استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرند. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شرایط محیطی (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و..). هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) در جامعه بوده اند و تمام شرایط و زمینه های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شناخت عمیق نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد.

به علاوه، همان طور که پیشوایان معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل

جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف اند زمینه های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خود افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد.

در هر صورت مسأله مفسد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش ها و آرمان های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه های مسؤولین نظام خصوصاً مقام معظم رهبری بوده است.

معظم له مکرراً نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می باشد.

بنابر آن چه گذشت، مشخص می شود که در جامعه ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی توان همه ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسؤولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه ها تلاش جدی نمایند، می توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت.

امام علی (ع) می فرماید: «فلیست تصلح الرعیه الا بصلاح الولاه و لاتصلح الولاه الا باستقامه الرعیه؛ مردمان اصلاح نشوند مگر زمامداران اصلاح شوند و اینان اصلاح نیابند

در این فرمایش هم بر نقش مسئولین و هم بر نقش مردم تأکید می شود.

با این همه وظایف دانشجویان متعهد و دلسوز برای اصلاح جامعه سنگین تر می شود و مشکلات و معضلات جامعه نه تنها نباید باعث یأس و ناامیدی و تردید در انجام وظایف فردی و اجتماعی ما شود، بلکه باید انگیزه و عزم ما را در اصلاح جامعه راسخ تر نماید. اتکاء به خداوند متعال و یاری خواستن از او و توسل به ائمه اطهار(ع) بهترین پشتوانه ی هر فرد در چنین شرایطی است. «و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق، آیه ی ۳). که هم باعث جلوگیری از سستی و ضعف ایمان می شود و هم راه های هدایت و خروج از مشکلات را بر روی انسان می گشاید. البته همچنان به دنبال شغل و یا رشته ی تحصیلی مورد علاقه ی خویش باشید و در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی خود از هیچ گونه تلاش و مجاهدتی دریغ نورزید و به این وعده ی الهی مطمئن باشید که والذین جاهدوا فینا لنهدیهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (عنکبوت، آیه ی ۶۹).

ثالثاً و نکته آخر این که، در ریشه یابی مشکلات جامعه می توان از رهیافت های متعددی استفاده نمود. از قبیل رهیافت تک عاملی که ریشه همه مشکلات را ناشی از یک عامل مثلاً اقتصاد یا مدیریت کشور می داند و یا رهیافت چند عامل که به صورت واقع بینانه و با ارائه آمار، شواهد و شاخص های مورد نیاز و به دور از هیاهوهای سیاسی و... به بررسی میزان دخالت و تأثیر عوامل مختلف در ایجاد یک پدیده پرداخته و نقش هر کدام

را مشخص می نماید.

به نظر می رسد از میان این دو رهیافت، رهیافت تک عاملی، خصوصا درباره جامعه کنونی ما نه روش علمی و نه منطبق با واقعیات است لذا باید سراغ رهیافت دوم رفت و در بررسی علمی و محققانه این موضوع، زمینه ها و شرایط و ابعاد مختلف آن، موانع تاریخی، داخلی، بین المللی، امکانات و توانایی ها و... را به صورت واقع بینانه بررسی و ارزیابی نماییم.

مسئله طبیعی است جامعه ای مانند جامعه ما که از نظر سوابق تاریخی و مشکلات عظیمی که از نظر ساختار اقتصادی [تک محصولی بودن آن وضعیت وخیم صنعت، کشاورزی و...] و ساختار سیاسی، فرهنگی و اداری از قبل از انقلاب به ما منتقل شده و چه از نظر مشکلات طبیعی مربوط به انقلاب و ناشی از جنگ و خسارات عظیم آن [بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار، معادل هزینه ۷۰ سال کشور] و محاصره های بین المللی، تورم بین المللی و مشکلات ناشی از دوران سازندگی و رشد سریع جهت مشکلات ناشی از آن و...

معضلات ناشی از ساختار ناسالم اداری، تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها و رواج فرهنگ مصرف گرایی، تجمل پرستی و... ماهیتا دارای مشکل می باشد. البته هر چند مسأله مدیریت قوی و کارآمد و عاری از سوء استفاده و فساد در بخشهای مختلف آن می تواند در کاهش مشکلات و تأمین نیازمندی های اساسی جامعه نقش مؤثری داشته باشد، ولی با توجه به دخالت متغیرهای دیگر به هیچ وجه نباید انتظار معجزه داشته باشیم، بنابراین حل مشکلات اساسی کشور نیازمند عوامل متعددی علاوه بر مدیریت کارآمد و ... می باشد. و مسلما مجموعه این

عوامل می تواند با همیاری و همدلی همه مسئولین، جناح های سیاسی، مردم و جوانان متعهد ما مهیا شود و روند توسعه، پیشرفت و تکامل در جهت حل مشکلات و دست یابی به سعادت دنیوی و رشد و فضایل معنوی، بیش از پیش ادامه یابد.

**به نام خدا باتوجه به اینکه پیامبر در فرمایشاتشان تاکید کرده اند که حاکم حکومت اسلامی باید هم سطح با پایین ترین قشر مردم زندگی کنند چرا در مملکت ما این موضوع اصلا رعایت نمی شود؟ اگر پاسخ شما این است که رهبر به محلی برای اجتماع عمومی احتیاج دارند باید بگوییم**

### پرسش

به نام خدا باتوجه به اینکه پیامبر در فرمایشاتشان تاکید کرده اند که حاکم حکومت اسلامی باید هم سطح با پایین ترین قشر مردم زندگی کنند چرا در مملکت ما این موضوع اصلا رعایت نمی شود؟ اگر پاسخ شما این است که رهبر به محلی برای اجتماع عمومی احتیاج دارند باید بگوییم که مساجد برای این منظور بسیار مناسب هستند اگر اینگونه از مساجد استفاده می کردیم هم مساجد ما رونق بیشتری می گرفت و هم نماز بیشتر از این ترویج پیدا میکرد. اسلامی توانستیم به جای این همه ساختمانهای مجلل ادارات از مساجدمان که از رونق آنها کاسته می شود استفاده میکردیم ما مسلمانیم اسراف حرام است ان هم در شرایطی که در سرزمینمان بسیاری از مردم به غذا شبانه شان محتاج اند.

### پاسخ

سؤال شما از جنبه های مختلف قابل بررسی و تحلیل می باشد که به اختصار پیرامون هر کدام مطالبی را بیان می نمایم:

اولاً همانگونه که بیان نمودید در آموزه های مبین اسلامی تأکیدات بسیار زیادی بر ساده زیستی حاکم و مسئولین نظام اسلامی و هم سطح بودن آنان با پایین ترین اقشار مردم شده است و سیره عملی حکومت پیامبر اکرم(ص)، امام علی(ع) و سایر بزرگان دینی مؤید آن می باشد.

اما نکته مهمی که حتما باید بدان توجه شود شناخت نوع و ماهیت این ساده زیستی و زندگی در سطح اقشار مستضعف جامعه است؛ به عبارت دیگر این آموزه گهربار دو نوع قابل تحلیل و تبیین است: حالت اول این که بگوییم مراد از این آموزه، زندگی شخصی فرد حاکم یا مسؤول و خواسته ها انتفاعاتی است که یک صاحب منصب

در دوران عهده داری یک مسؤولیت در نظام اسلامی می تواند داشته باشد.

اما حالت دوم این است که منظور از آن، پایین آوردن سطح وسایل، ابزار و شیوه های حکومت داری باشد. از میان این دو حالت قطعاً حالت اول منظور و مراد آموزه های دینی است و از پشتوانه های منطقی و عقلی بسیار متعددی برخوردار می باشد، اما حالت دوم به هیچ وجه منظور این آموزه ها نیست و نه تنها پشتوانه منطقی و عقلی ندارد بلکه آموزه های اسلام، سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) و سایر بزرگان اسلام مخالف آن می باشد.

توضیح این که: دین مبین اسلام همانگونه که بر ساده زیستی جنبه های شخصی حاکم و مسؤولین تأکید دارد در طرف مقابل بر استفاده حکومت از پیشرفته ترین، منطقی ترین ابزار و شیوه های لازم حکومتی براساس مقتضیات زمان و مکان اهمیت بسیار ویژه ای قائل است، کافی است برای اثبات این موضوع نگاهی به سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) داشته باشیم:

الف - اقدامات اداری:

یکی از اولین اقدامات آن بزرگوار در بدو ورود به مدینه ارائه برنامه ای برای هر چه اداره بهتر و کارآمدتر آن شهر و در نظر گرفتن ساز و کارهای لازم برای این موضوع بود: «شهر مدینه به چندین ناحیه یا بخش تقسیم می شد، به طوری که جمعیت هر قبیله در یک محل با یکدیگر و به دور از دیگران زندگی می کردند. در هر ناحیه یا بخشی یک رئیس (نقیب) چندین نایب رئیس (عریف) و یک محل اجتماع (سقیفه) نیز وجود داشت.

پیامبر (ص) برای اداره کل نقبا رئیسی تعیین کردند که به او «نقیب النقباء» گفته می شد. به این

ترتیب مجموعه شورای سیاسی دولت مدینه از ۴۹ نفر تشکیل می یافت. هر نقیب دارای سه عریف بود که بر امور مالی، اجتماعی و اطلاعاتی رسیدگی می کردند.

شخص پیامبر(ص) در رأس قدرت قرار گرفته بود و تمامی مسائل اجتماعی در نهایت با تصمیم گیری شخص حضرت محمد(ص) حل می شد» (ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی، سید محمد ثقفی، انتشارات هجرت، ۱۳۷۶، ص ۹۱).

اقدامات بسیار متعدد دیگری نظیر تدوین قانون اساسی دولت مدینه، نصب فرمانروایان و استانداران، تشکیل دیوان رسایل، صدور بخشنامه های دولتی برای فرمانروایان و... در این راستا قابل تحلیل و ارزیابی است.

ب - اقدامات فرهنگی:

پیامبر(ص) برای گسترش اسلام و آموزش قرآن در مدینه خانه مخرمه بن نوفل را به عنوان «دارالقرء» (خانه قاریان) و مرکز اعزام معلم قرار دادند و از این مرکز معلمان قرآن را به خارج از مدینه و به دیگر شهرها اعزام می کردند و یا این که برای گسترش سطح فرهنگی و انتقال آموزه های اسلامی به سایر ملل به برخی افراد نظیر زید بن ثابت دستور دادند که زبان عبری و سریانی را بیاموزد و... (همان، ص ۱۵۳ - ۱۵۱).

د - در زمینه اقتصادی:

بیشتر درآمدهای مالی دولت اسلامی در حکومت پیامبر اکرم(ص) از راه جزیه، خمس غنایم، زکات، صدقات واجبه و خراج یا مالیات بر زمین ها تأمین می شد. پیامبر(ص) برای تنظیم «عایدات مالی» یک سازمان مالی تشکیل داد که مرکب از عاملان صدقات، نگهبانان، نویسندگان اموال و... بود (همان، ص ۱۸۸).

و مرکزی برای جمع آوری این اموال به نام بیت المال یا «خانه صدقات» با مسؤولیت شخص معینی به وجود می آید

و حتی آن بزرگوار در خارج مدینه برای نگهداری اسب های مسلمانان، از انصار و مهاجر، چراگاه مخصوصی ساخته بود و... (احکام السلطانیه، ماوردی، ص ۲۳۳).

ج - در زمینه قضایی:

پیامبر اسلام (ص) علاوه بر این که شخصا به اختلافات رسیدگی و حکم صادر می کرد تشکیلاتی برای اجرای حدود، داشت و حتی برای زنان مجرم، زمان خاصی داشتند (التراتب الادادیه، عبدالحمی الکتانی، ج ۱، ص ۲۹۴ و ۳۰۰).

و یا تشکیل نظامی به نام «حسبه» و «محتسب» برای بازرسی و نظارت بر روابط اجتماعی و اقتصادی و...

د - در زمینه نظامی و امنیتی و سیاست خارجی:

پیامبر اکرم (ص) تشکیلات و نظام اداری خاصی داشتند فرماندهان سپاه را انتخاب و به بالا بردن نظم و انضباط و سطح قدرت نظامیان و تعلیم آنان و داشتن نقشه ها و طرح ها و تاکتیک های جنگی و اعزام مأموران اطلاعاتی و تحقیقاتی، اعزام سفیر و عقد پیمان های سیاسی و... همت می گماردند.

همانگونه که از نمونه های فوق مشخص می شود، پیامبر (ص) در آن جامعه ساده (در مقابل جوامع پیچیده کنونی) تشکیلاتی پیشرفته و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی آن روز به وجود آورده بود و همچنین حکومت امام علی (ع) نیز بر مبنای همین اصل جریان داشت و حتی در موارد زیادی از تشکیلاتی پیشرفته تر استفاده می نمودند مانند تأسیس مکان خاصی به نام زندان و یا استفاده از مرکزی خاص به نام دارالحکومه و... بنابراین منظور از ساده زیستی و در سطح پایین زندگی کردن ارتباطی با شیوه های حکومتی و استفاده از امکانات لازم برای اداره جامعه ندارد.

بله، حاکم و مسئولین نظام اسلامی باید در



ضمن این که از شیوه ها و راه کارهای مطلوب برای اداره جامعه بهره می جویند، از هرگونه استفاده غیر ضروری از امکانات دولتی و حیف و میل بیت المال خودداری نمایند.

ثانیا، در زمان ماقطعا اداره جامعه نسبت به زمان پیامبر اکرم(ص) بسیار پیچیده تر شده و ابزارها و امکانات پیشرفته تر و حتی متفاوتی نسبت به آن زمان می طلبد و با توجه به گسترش جامعه بشری و تنوع نیازهای آن دیگر نمی شود از یک مسجد یا یک دارالحکومه و امثال آن به اداره جامعه پرداخت. همانگونه که پیامبر(ص) و امام علی(ع) در آن زمان تنها به مسجد اکتفا نکردند و تشکیلات مورد نیاز آن روز را به وجود آوردند، در این زمان به طریق اولی چنین کار ویژه ای از مساجد ساخته نیست و به هیچ وجه نمی توان به آن اکتفا کرد. البته این موضوع به معنای نادیده گرفتن اهمیت و جایگاه مهم مسجد و مکان های مذهبی در نظام جمهوری اسلامی نیست، بلکه برعکس نظام اسلامی ایران به دلیل ماهیت مذهبی خویش همواره به کانون های مذهبی و مساجد وابسته و وامدار می باشد، جرقه های انقلاب اسلامی از مساجد برخاست و به تمامی سطوح جامعه منتشر شد. قطعا تداوم آن نیز باید با تکیه بر نقش مسجد و کانون های مذهبی باشد، البته هر جایگاه و نهادی کار ویژه ای دارد که کار ویژه مسجد فرهنگ سازی، تبلیغ و گسترش آموزه ها و ارزش های اسلامی در سایر ابعاد مختلف جامعه و امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی و... می باشد - چنان که مقام معظم رهبری از

حسینیه امام خمینی بسیاری از سیاستگذاری های کلان نظام و هدایت های لازم برای جامعه را بیان می نماید و بر این اساس مسؤولین نظام اسلامی می توانند با اهمیت دادن به این موضوع و جلب افکار جوانان به این کانون های نورانی گام های اساسی در راه اصلاح و تکامل مادی و معنوی جامعه بردارند. البته متولیان مساجد هم باید با برنامه های مفید و جذاب و متناسب با شرایط زمانی و مکانی، جاذبه های لازم را برای رویکرد گسترده و مجدد طبقات مختلف جامعه به سوی مساجد را فراهم آورند.

ثالثاً، مقام معظم رهبری در زندگی شخصی خویش همواره و در طی تمام مسؤولیت هایی که در دوران انقلاب داشته اند به اصل مهم ساده زیستی و زندگی در سطح اقشار مستضعف جامعه، پای بند بوده و هستند و حتی از امکانات قانونی و شرعی هم در حد بسیار کم استفاده می نمایند (پرتوی از خورشید، علی شیرازی، بوستان کتاب قم ۱۳۸۲).

در مسائل رهبری علیرغم گستردگی وظایف با ابتدایی ترین و کمترین وسایل و امکانات مورد نیاز به انجام مسؤولیت خویش می پردازند و نهادها و بخش های وابسته به ایشان عموماً در این سطح هستند و اگر تخلفی مشاهده شود به شدت برخورد می نمایند و همانگونه که بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسؤولین نظارتی کشور بارها اعلام کرده اند، این مجموعه از سالم ترین و کم هزینه ترین بخش های نظام جمهوری اسلامی است. اما متأسفانه علی رغم تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری و اهتمام ویژه ایشان بر ساده زیستی مسؤولین و پرهیز از تجملات و ریخت و پاش

های دولتی خصوصا در شرایط کنونی که بسیاری از اقشار جامعه با مشکلات اقتصادی مواجه هستند، در بخش های دولتی و برخی وزارت خانه ها مواردی مشاهده می شود که به هیچ وجه زینده نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی آنها را بر نمی تابد. از این رو برخورد اساسی با این پدیده که خطر اساسی برای مشروعیت و تداوم نظام اسلامی محسوب می گردد، در دستور کار جدی مجموعه کلان نظام قرار دارد که امید می رود با همکاری و همیاری تمامی بخش های نظام و قوای سه گانه و دور شدن از آفات جناحی، دیگر شاهد این قبیل تجاوزات به اموال عمومی نباشیم و بودجه های دولتی به سمت رفع مشکلات مردم و پیشرفت جامعه سوق داده شود، انشاءالله.

## عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟

### پرسش

عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟

### پاسخ

واژه عدالت، درباره انسان دو گونه کاربرد دارد:

۱. گاه درباره فعل انسان نسبت به خویش استعمال می شود که در این صورت، عادل به کسی گفته می شود که آنچه موجب سعادت اوست به جا آورد و از کارهایی که برای سعادتش زیان بار است، دوری گزیند؛

۲. گاه واژه عدالت، درباره فعل انسان نسبت به دیگری به کار می رود؛ بدین معنا که انسان با هر فرد از افراد جامعه، آن چنان که حق اوست، رفتار می نماید و هر کس را در جای مناسب خود قرار می دهد. وقتی معنای اخیر عدالت درباره همه شخصیت های حقیقی و حقوقی یک جامعه، اعم از مردم و دولت، در نظر گرفته شود، مفهوم عدالت اجتماعی پدید می آید. بر این اساس، «عدالت اجتماعی» بدین معنا است که در جامعه حقوق همگان رعایت شود. در مقابل عدالت اجتماعی، ظلم اجتماعی قرار دارد که به معنای پایمال کردن حقوق دیگران است. امیر مؤمنان علی(ع) را شهید عدالت نامیده اند. روشن است عدالتی که زمینه ساز شهادت حضرت شد، عدالت در بُعد اجتماعی قرار دارد که به معنای پایمال کردن حقوق دیگران است. در واقع عدالتی که سبب شهادت آن امام همام گردید، عدالت در بُعد اجتماعی و نوع تفکر مخصوصی بود که آن حضرت درباره عدالت اجتماعی داشت؛ تفکری که نه تنها بارها و بارها در ضمن سخنان خویش بر آن تأکید می ورزید، بلکه در طول عمر مبارک خویش، بویژه در دوران کوتاه حکومتش، در عمل بدان پایبند بود و در این راه هیچ مسامحه و انعطافی را روا نمی دانست تا آن جا که این شیوه قاطع را

حتی نسبت به نزدیک ترین کسان خویش نیز آن را اجرا می کرد؛ چنان که این شیوه در داستان برخورد آن حضرت با برادرش عقیل به خوبی مشهود است. شخصی از آن حضرت پرسید: «أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟ الْعَدْلُ أَمْ الْجُودُ»؛ عدل برتر است یا جود؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَ مَعَهَا وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا» {۱}؛ عدل بهتر است؛ زیرا عدل هر چیزی را در جای خود قرار می دهد و هر حقی را به ذی حق واقعی خود می رساند، اما جود و بخشش، امور را از محل و مدار خود خارج می سازد» {۲} سپس فرمود: «وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ» {۳}؛ عدالت تدبیر عمومی مردم است، اما در حالیکه بخشش گروه خاصی را شامل می شود. عدالت، اداره کننده عموم است و پایه و مبنای زندگی عمومی است، اما جود و بخشش حالتی استثنایی است که در موقعیتی خاص به کسی عطا می شود. جود و ایثار را نمی توان مبنای اصلی زندگی عمومی قرار داد و بر اساس آن مقررات و قانون وضع کرد؛ زیرا در این صورت دیگر جود و بخشش نام نمی گیرد. ایثار وجود، زمانی ایثار وجود است که هیچ قانون و مقررات حتمی و لازم الاجرا نداشته باشد و آدمی تنها از روی کرم و بزرگواری و گذشت و نوع دوستی جود و ایثار کند؛ از این روی اگر در جامعه ای جود نباشد، آن قدر مشکل پیش نمی آید که در صورت عدم وجود عدالت پیش می آید. پاسخ آن حضرت که عدل را از جود بالاتر می داند به روشنی نشان می دهد که آن حضرت با نظر به بعد اجتماعی عدالت این سخن را فرموده اند؛ زیرا افزون بر این

که از نظر فردی و اخلاقی جود بالاتر از عدل است، کسی که تفکر اجتماعی ندارد و با مقیاس های فردی محاسبه می کند، هیچ گاه عدل را از جود بالاتر نمی داند. شخص عادل کسی است که در آن حد از کمال انسانی است که به حق دیگران تجاوز نمی کند، اما آن که جود می کند و ایثار می نماید، نه تنها به حقوق دیگران تجاوز نمی کند، بلکه از دسترنج و حق خویشتن می گذرد و آن را به دیگران می بخشد. بنابراین از دیدگاه فردی و اخلاقی جود از عدل بالاتر است. اما از دیدگاه اجتماعی درست به عکس است؛ زیرا عدل در اجتماع به منزله پایه های ساختمان است و جود و احسان به منزله رنگ آمیزی و نقاشی و زینت ساختمان. اول باید پایه درست باشد تا آن گاه نوبت به زینت و رنگ آمیزی برسد. اگر خانه ای از پای بست ویران باشد، دیگر چه فایده که خواجه در بند نقش ایوان باشد؟ اما اگر پایه محکم باشد، در ساختمان بی زینت هم می توان زندگی کرد. ممکن است ساختمانی از نظر زینت و رنگ آمیزی فوق العاده خواب باشد، اما چون پایه اش سست است، با یک باران بر سر اهتش خراب شود. این پرسش و پاسخ به روشنی نشان می دهد که آن حضرت عدالت را از بعد اجتماعی می نگریسته و همین نگرش ها در سیره حکومتی خویش اجرا فرموده است تا آن جا که می توان گفت: عدالت برای آن حضرت به صورت یک فلسفه اجتماعی اسلامی مطرح بود و آن حضرت عدالت اجتماعی را از هر چیز دیگری بالاتر می دانست و سیاست خود را بر مبنای همین اصل تأسیس کرد و در این راه هیچ

منظور و هدف دیگری نتوانسته آن حضرت را از اجرای عدالت باز دارد، هر چند همین مسأله مشکلات فراوانی را برای آن حضرت در طول دوران حکومتش ایجاد کرد. در پایان سخن، تنها به ذکر چند نمونه از سیره حکومتی آن حضرت که به خوبی جایگاه عدالت اجتماعی در آن روشن می شود، بسنده می کنیم:

۱. درباره قطایع عثمان (اراضی ای که متعلق به همه مسلمانان بود و خلیفه سوم آنها را در اختیار اشخاصی خاص قرار داده بود)، فرمود: «وَاللَّهِ لَوْ وَجِدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْأَمَّا لَرَدَدْتُهُ، فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعًّا»؛ {۴} به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا بیابم به صاحبان اصلی آن باز می گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده و یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است /

۲. عمرو عاص در نامه ای به معاویه نوشت: «مَا كُنْتُ صَانِعًا فَاصْنَعْ، إِذَا قَشَرَكَ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنْ كُلِّ مَالٍ تَمْلِكُهُ كَمَا تَقَشَّرُ عَنِ الْعَصَا لِحَاها»؛ {۵} هر کاری از تو ساخته است بکن که پسر ابوطالب هر چه را در این مدت جمع کرده ای از تو باز پس خواهد گرفت، آن گونه که پوست عصای دستی را از آن جدا می کنند.

۳. عبدالله بن زمعه {۶} که یکی از یاران آن حضرت بود، در زمان خلافت آن حضرت نزد وی آمد و درخواست کرد که از بیت المال مالی به او ببخشد. آن حضرت در پاسخ فرمود: «إِنَّ هَذَا الْمَالِ لَيْسَ لِي وَلَا لِمَكَ وَأِنَّمَا هُوَ فِئَةٌ لِلْمُسْلِمِينَ، جَلْبُ أَسْيَافِهِمْ، فَإِنَّ شَرِكْتَهُمْ فِي حَرْبِهِمْ، كَأَنَّ لَكَ مِثْلَ حَظِّهِمْ»؛ {۷} این اموال که می بینی نه مال من و نه از آن توست،

بلکه غنیمتی گرد آمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آورده اند. اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی چونان سهم آنان داشتی. به هر حال نمود عدالت آن خورشید فروزان عالم هستی چنان است که نویسنده ای مسیحی درباره آن حضرت کتابی می نویسد و عنوان آن را «علی، صدای رسای عدالت انسانی» قرار می دهد. {۸}

[۱]. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷/

[۲]. لازم به یادآوری است که این کلام به معنای مذمت جود نیست؛ چنان که توضیح داده خواهد شد/

[۳]. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۴۳۷/

[۴]. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۵/

[۵]. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۷۰، (چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی)/

[۶]. عبدالله بن زمعه کسی است که پدر و عمو و برادرش در جنگ بدر به دست مسلمانان کشته شدند. جد او أسود، رسول خدا را فراوان آزار می داد، اما او از یاران امام علی(ع) شد و فکر می کرد در تقسیم بیت المال به او بیش تر توجه می شود، اما پاسخ قاطع امام او را بیدار کرد.

[۷]. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۲۳۲/

[۸]. ر.ک: علی و حقوق بشر، جورج جرداق، ترجمه عظامحمد سردارنیا، (مؤسسه انتشارات فراهانی، تهران)/

## برای چه در ادارات پارتی بازی می کنند؟

### پرسش

برای چه در ادارات پارتی بازی می کنند؟

### پاسخ

در پاسخ به سوال خوب شما دوست عزیز ابتدا پارتی بازی را معنا می کنیم: "پارتی بازی زمانی صورت می گیرد که کسی باعث شود تا فرصت موجود در یک اداره یا سازمان که متعلق به همه مردم یا گروه معینی (مثلاً واجدین مدرک لیسانس) است به فرد یا گروه خاصی داده شود بدون اینکه ملاکهای تدوین شده آن اداره را داشته باشد". حال با توجه به معنای پارتی بازی معرفی کردن و راهنمایی کردن افراد یا حتی آشنایان جهت دادن آزمون ورودی و استفاده از فرصتهای موجود پارتی بازی نیست البته به شرطی که حق دیگران در ارتباط با اطلاع یافتن از این موضوع ضایع نشود. اما اگر کسی باعث شود که حق قانونی عموم مردم زیر پا گذاشته شود و به هر نحوی در اختیار افراد غیر شایسته و نالایق قرار بگیرد این پارتی بازی است و متأسفانه افرادی که از این طریق نادرست به استخدام ادارات و نهادها در می آیند کم نیستند.

برای حل این مشکل از دو راه می توان وارد شد : یکی برنامه ریزی و عملکرد قاطعانه مسئولین کشور در کنترل ادارات و سازمانها و دیگری نظارت عمومی مردم بر وضعیت جامعه . در توضیح مورد دوم باید گفت : اگر فردی زشتی پارتی بازی را متوجه شد در مرحله اول خود از این شیوه استفاده نمی کند و در مرحله دوم نسبت به آشنایان یا افراد جامعه تذکر داده و به طور جدی و با توضیح ضررهای استخدام چنین فردی مانع انجام این



امر می شود و در صورت عدم توجه به تذکر دوستانه اش باز هم از تلاش دست بر نداشته مسئولین ذیربط و نهادهای مراقب و برخورد کننده با تخلفات در هر نهاد و اداره را در جریان امر قرار داده و از این طریق مسئولیت خود را در قبال جامعه ادا می کند زیرا همه ما مسئول حفظ و نگهداری یکدیگر هستیم همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته .

البته باید گفت این دو امر در کنار هم نتیجه مطلوب را خواهد داد و گرنه در صورتیکه برنامه ریزی مسئولین باشد اما مردم همکاری نکرده و اقدامی در جهت بهبود وضعیت موجود نکنند و فقط عیب کار را در عدم کنترل شایسته

مسئولین ببینند و یا مسئولین ، برنامه ریزی قاطعانه ای در این زمینه نداشته و فقط عدم همکاری و رفتار نادرست مردم را مسؤول وضعیت نامناسب موجود ببینند کار به جایی نخواهد رسید و با اداره سازمانها توسط افراد نالایق جامعه روی ترقی و پیشرفت را نخواهد دید. در این زمینه مولوی مثل جالبی آورده، می گوید: "چهار مرد به مسجدی رفتند و مشغول نماز شدند در این هنگام مؤذن وارد مسجد شد یکی از آنها به او گفت: اذان نشده بود که اذان گفتی؟ مرد دوم به اولی گفت تو در نماز سخن گفتی و نمازت باطل شد، مرد سوم به دومی گفت: برای چه به رفیقت طعنه می زنی نماز خودت باطل شد. چهارمی گفت: خدا را شکر که من مانند شما سه نفر سخن نگفتم و نمازم باطل

نشد و به این ترتیب نماز هر چهار نفر باطل شد.

پس نماز هر چهاران شد تباه‌عیب گویان بیشتر گم کرده راه

ای خنک جایی که عیب خویش دیده‌ر که عیبی گفت آن بر خود خرید

چون که بر سر مر ترا ده ریش هستم همی بر خویش باید کار بست

### چرا در جامعه ما تبعیض زیاد است؟

#### پرسش

چرا در جامعه ما تبعیض زیاد است؟

#### پاسخ

در پاسخ سوال شما دوست گرامی در ابتدا برای واضح تر شدن مفهوم عدالت و تبعیض مقدمه ای عرض می شود: استاد مطهری (ره) در کتاب بیست گفتار در توضیح مفهوم عدالت می گوید: آیا هر نوع تفاوت که در جامعه بین افراد باشد تبعیض و مخالف عدالت است و لازمه عدالت مساوات مطلق است؟ یا عدالت مستلزم مساوات مطلق نیست و گاهی عدالت ایجاب می کند که تفاوت و امتیاز گذاشته شود اما این تفاوت بی جا و بلا استحقاق نباشد مسلماً تعریف صحیح عدالت تعریف دوم است. به بیان دیگر مقتضای عدالت مساوات است در شرایط حقوقی مساوی نه در شرایط نامساوی یعنی نباید میان شرکت کنندگان در یک مسابقه علمی یا در یک مسابقه قهرمانی در غیر آنچه مربوط به استعداد و هنر و لیاقت است فرق گذاشته شود مثلاً یکی اشراف زاده است و یکی فرزند فقیری یکی توحیه و پارتی دارد و دیگری ندارد و... آنچه نباید ملاک قرار بگیرد این امور است که مربوط به لیاقت و استعداد و یا فعالیت و مجاهدت افراد نیست و عدالت هنگامی تحقق می یابد که هیچ ملاحظه شخصی و تبعیض و تفاوت و تقدمی غیر از مبنای فضیلت و تقوی و عمل و لیاقت در کار باشد اما تقدمهایی مبنی بر فضیلت و تقوی و عمل باید وجود داشته باشد قرآن کریم نیز امتیازات مبتنی بر فضایل را به رسمیت می شناسد و می فرماید: " فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً " یعنی خداوند مجاهدان

بر خانه نشینان را بر اجر عظیمی برتری داده است . بنابراین با توجه به مطالب فوق با مشاهده هر نوع امتیاز و تقدم در جامعه نمی توانیم آنرا از مصادیق تبعیض به شمار آوریم بلکه تبعیض موقعی تحقق پیدا می کند که تقدم و امتیاز در مورد شخصی بکار گرفته شود که شایسته و لایق آن نباشد .

پس از روشن شدن معنای عدالت و تبعیض در پاسخ به سوال شما که فرموده بودید چرا در جامعه ما تبعیض زیاد است عرض می شود که پیدا شدن تبعیض و فاصله طبقاتی در جامعه از نظر اقتصادی به دلیل اختلاف سطح در آمدها و اختلاف ارزش خدمات که افراد جامعه ارائه می دهند و به دلیل اختلاف سطح علمی و مهارتهای فنی افراد با یکدیگر امر طبیعی

است قران کریم در سوره مبارکه زخرف می فرماید : " ما هستیم که مایه معیشت و استعدادهای گوناگون را در میان مردم تقسیم کرده ایم تا در نتیجه ، اختلاف طبیعی در میان آنها پیدا شود و همین اختلاف و تفاوتها سبب می شود که بعضی افراد مسخر بعضی دیگر قرار گیرند و نظام اجتماعی زندگی بشر استوار شود " و این امر در همه جوامع بشری بدون استثناء وجود داشته و دارد اما آنچه مهم است وجود برنامه ریزی صحیح برای کم کردن این فاصله هاست تا این فاصله طبقاتی به حد متعادل و منطقی و عادلانه خود برسد و تبعیضات ناروا برطرف گردد که در این زمینه علیرغم وجود برنامه های مفید و موثر در مکتب اقتصادی اسلام و اجرا شدن بخشهایی از آن در جامعه

به دلیل عملی نشدن بسیاری از این برنامه ها و گاه دامن زدن به این تبعیضات ناروا توسط بخش خصوصی و دستگاههای حکومتی شاهد نارساییهای موجود هستیم. و ریشه همه این تبعیضها فقدان فرهنگ عدالت و عدالت پذیری است و اگر این فرهنگ ایجاد شود برای رفع تبعیض نیاز به هیچ لایحه و مصوبه ای نداریم. بلکه مصوبه مجلس وجدان انسانها محکمترین مصوبه با ضمانت اجرایی ۱۰۰٪ می باشد.

اما در حال حاضر برای حل مشکلات جامعه از جمله موارد فوق می توان از دو راه وارد شد :

- ۱- برنامه ریزی و عملکرد قاطعانه مسئولین کشور با توجه به تاکیدات فراوان و راه حلها و راه کارها توسط مقام معظم رهبری
- ۲- نظارت عمومی مردم بر وضعیت جامعه که در هر کجا فساد اداری، تبعیض، و مانند اینها دیدند نسبت به آنها بی تفاوت نبوده و از تذکر زبانی به افراد متخلف گرفته تا گزارش و خبرگزاری پنهانی یا آشکار به مسئولین ذیربط و نهادی مراقب و برخورد کننده با تخلفات در هر نهاد و اداره.

البته باید گفت این دو امر در کنار هم نتیجه مطلوب را خواهد داد و گرنه در صورتیکه برنامه ریزی مسئولین باشد اما مردم همکاری نکرده و اقدامی در جهت بهبود وضعیت موجود نکنند و فقط عیب کار را در عدم کنترل شایسته مسئولان ببینند و یا مسئولین برنامه ریزی قاطعانه ای در این زمینه نداشته و فقط عدم همکاری مردم را مسئول وضعیت نامناسب موجود ببینند به جایی نخواهند رسید و مشکلات به قوت خود باقی خواهد ماند.

با تشکر از شما دوست عزیز

که وقت خود را صرف مطالعه این اوراق نمودید امیدواریم مطالب فوق تا حدی راهگشای مشکل شما بوده باشد .

**در وضعیت کنونی که اقتصاد مملکت وضعیت بسیار بدی دارد و به نقل روایتی از پیامبر ( که فرمودند : " از هردری که فقر وارد شود از در دیگر ایمان خارج می شود" مردم در فقر بسیار زیادی به سر می برند و این باعث بدبین شدن افراد نسبت به دولت شده است، در این باره توضیح دهید.**

### پرسش

در وضعیت کنونی که اقتصاد مملکت وضعیت بسیار بدی دارد و به نقل روایتی از پیامبر ( که فرمودند : " از هردری که فقر وارد شود از در دیگر ایمان خارج می شود" مردم در فقر بسیار زیادی به سر می برند و این باعث بدبین شدن افراد نسبت به دولت شده است، در این باره توضیح دهید.

### پاسخ

اقتصاد کشور وضعیت چندان بدی ندارد. مشکلات موجود بدلیل نابسامانی در امور اقتصادی است توزیع ناعادلانه ثروت، تبعیض اقتصادی، رانت خواری و ثروتهای باد آورده برای عده ای باعث شده است که گروهایی از مردم در فقر بسر برده و مشکلات معیشتی سختی داشته باشند. علیرغم تأکیدات مقام معظم رهبری در خصوص رسیدگی جدی به وضعیت اقتصادی مردم بویژه خدمت رسانی به مردم در سال ۸۲ متأسفانه بخش هایی از دولت و نیز اکثریت نمایندگان مجلس بجای توجه به مشکلات اصلی مردم، گرفتار سیاست زدگی و باندهازی شده و فرصت های طلایی را از دست داده اند و گرنه کشور ما دارای منابع غنی اقتصادی است که اگر بطور صحیح استفاده شود و درآمدها نیز عادلانه توزیع شود و نیز نظارت و بازرسی اساسی و دقیق بر روند استخراج منابع، تولید و مصرف صورت بگیرد امید است که فاصله طبقاتی فقیر و غنی کم شود و قشر آسیب پذیر جامعه از فقر نجات یابند.

در مورد بدبینی که حضرتعالی فرمودید که مردم به دولت بدبین می شوند تا حدودی صحیح است اما در بعضی بخشها هم مردم حامی دولت و نظام و طرفدار آن هستند چرا که مردم جامعه ما انسانهای فهیم و آگاهی هستند و می دانند نباید تمام مشکلات را به گردن تمام دولت نهاد. بخشهایی از دولت ضعیف عمل می کنند و موجب نابسامانیهایی شده اند که

انتقاد مردم هم متوجه همان بخشهاست نه همه دولت و نظام.

## ۱- چرا قانون گذاری به نفع آحاد مردم فراموش شده است؟

### اشاره

۲- چرا تورم و بیکاری مهار نمی شود؟

۳- و ۴- چرا جرم و جنایت و فساد و رشوه خواری و سرگردانی مردم در ادارات زیاد شده است؟ چرا پارتی و تبعیض زیاد شده است؟

### پرسش

۱- چرا قانون گذاری به نفع آحاد مردم فراموش شده است؟

۲- چرا تورم و بیکاری مهار نمی شود؟

۳- و ۴- چرا جرم و جنایت و فساد و رشوه خواری و سرگردانی مردم در ادارات زیاد شده است؟ چرا پارتی و تبعیض زیاد شده است؟

### پاسخ

۱- مرجع قانون گذاری در کشور مجلس شورای اسلامی است که با رأی مستقیم مردم انتخاب می شوند و عمدتاً قوانین مصوب در مجلس بدنبال رفع مشکلات و تأمین منافع مردم می باشد، آنچه می تواند مورد نقد باشد متأسفانه عدم اولویت بندی درست در امر قانون گذاری و تأمین منافع مردم است که بعضاً بخاطر بازیهای سیاسی بین احزاب و گروهها و رقابتهای بانندی و حزبی صورت می گیرد بگونه ای که این رقابتهای ناسالم خدمات واقعی را هم زیر سؤال می برد بهر حال نمایندگان مجلس و نوع نگاهشان به امر قانون گذاری امری است و به قولی آشی است که در پختن آن آراء هر یک از افراد جامعه نقش دارد، و بایستی در هنگام انتخابات درست توجه کنیم که چه کسی را با آراء خود به مجلس می فرستیم.

قبل از هر چیز لازم است بدانیم که این مشکل خاص جمهوری اسلامی نیست و مشکل تورم و بیکاری حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی به عنوان یک مسأله و معضل مورد توجه است رشد صنعت و زندگی مصرفی و انتظار رفاه هر چه بیشتر عمده زندگی ها را با انتظارات فراینده روبرو کرده و از طرفی محدودیتهای اقتصاد کشور و جوان بودن جمعیت کشور که هر سال جمع زیادی را به متقاضیان کار می افزاید از مشکلاتی است که هر چه تلاش صورت می گیرد باز ورود افراد جدید به جمع

متقاضیان کار در حقیقت مشکل همچنان باقی می ماند. کنترل جمعیت از مواردی بوده است که متأسفانه در کشور ما جدی گرفته نشده است و لذا نتیجه آن شده است که در طول ۲۵ سال پس از انقلاب، جمعیت کشور، دو برابر شده که تورم و بیکاری یکی از پی آمدهای امروز آن است .

۳- و ۴- مواردی مانند رشوه خواری و پارتی بازی و تبعیض و فساد اداری دارای ریشه ها و عوامل مختلفی است از مشکلات فرهنگی گرفته تا مشکلات اقتصادی و ناتوانی های مدیریتی و قضائی و... که هر یک می تواند بصورت جداگانه علت این مسائل باشد. متأسفانه در دوران پس از جنگ که برنامه های دولت در جهت توسعه اقتصادی و بازسازی اقتصادی کشور شد لازمه این شرایط وارد شدن سرمایه به جامعه و دنبال سرمایه رفتن بود و رفته رفته بجای ارزشهای انقلاب آنچه که در جامعه تبلیغ شد و می شود مصرف زدگی و رفاه زدگی به جای زندگی سالم و ارزشی است زیرا تولید زیاد نیازمند مصرف کننده است و چون شرایط اقتصادی کشور پاسخگوی نیازهای عمومی نیست. عده ای برای رسیدن به رفاه هر چه بیشتر آلوده به مفاسد اداری و رشوه خواری شده وعده ای بدلیل ناتوانی از رسیدن به این امکانات است به جرم و جنایت می زنند و این از مشکلاتی است که بارها مقام معظم رهبری به مسئولین امر توصیه کرده اند و امسال را نیز به نام سال خدمات رسانی به مردم نامگذاری کردند و در هفته دولت نیز یکی از مطالباتی که ایشان از دولت مطرح فرمودند رسیدگی به همین

امور بود.

**برای ایستادگی درمقابل آمریکا، انسجام و وحدت ملی لازم است که مهمترین زمینه ایجاد آن عدالت اجتماعی است، ولی عملاً جز تبعیض و بی عدالتی نمی بینیم که نتیجه آن ناهنجاری فحشا و سرکشی و بیهودگی است و از بین رفتن انگیزه برای منافع ملی پس در چه راهی می شود درمقابل د**

**پرسش**

برای ایستادگی درمقابل آمریکا، انسجام و وحدت ملی لازم است که مهمترین زمینه ایجاد آن عدالت اجتماعی است، ولی عملاً جز تبعیض و بی عدالتی نمی بینیم که نتیجه آن ناهنجاری فحشا و سرکشی و بیهودگی است و از بین رفتن انگیزه برای منافع ملی پس در چه راهی می شود درمقابل دشمن ایستاد؟

**پاسخ**

همانطور که مقام معظم رهبری درسخنرانی های اخیر خودشان درورامین و دیدار با نمایندگان مجلس و غیره مکرراً تأکید فرمودند حقیقت مطلب همین است که بهترین و ضروری ترین کار و برنامه برای ایستادن در برابر توطئه ها و تهدیدات آمریکا، همین است که ملت ایران انسجام و یکپارچگی خود و وحدت کلمه را حفظ کنند و مسئولین و دولتمردان برای راضی نگه داشتن این مردم و حفظ پایگاه مردمی نظام، واقعاً به مردم صبور و غیرتمند و مسلمان ایران خدمت نمایند. وقتی دولتمردان و مسئولین نظام در کنار مردم باشند و همه با هم اتحاد داشته باشند هیچ جای نگرانی وجود ندارد.

**نقش جامعه در قبال بعضی مسئولین که با سوء استفاده از مسئولیت از رانت های ویژه اقتصادی استفاده می نمایند که بعضاً زیر نظر مقام معظم رهبری می باشند چه می باشد؟ آیا برخورد با این رانت خواری ها موجب دلگرم شدن مردم نسبت به نظام می باشد؟**

**پرسش**

نقش جامعه در قبال بعضی مسئولین که با سوء استفاده از مسئولیت از رانت های ویژه اقتصادی استفاده می نمایند که بعضاً زیر نظر مقام معظم رهبری می باشند چه می باشد؟ آیا برخورد با این رانت خواری ها موجب دلگرم شدن مردم نسبت به نظام می باشد؟

**پاسخ**

بر خلاف گفته های بعضی از گروه ها، نهادهایی که زیر نظر مقام معظم رهبری هستند به دلیل اهمیت مسأله بیشتر تحت نظارت هستند. علاوه بر نظارت سازمانهای نظارتی دولت، مجلس و قوه قضائیه، از طرف واحد بازرسی دفتر مقام معظم رهبری هم مورد بازرسی قرار می گیرند و تأکید ایشان این است که بدون ملاحظه با افرادی که از موقعیت خویش سوءاستفاده می کنند برخورد شود. مثلاً در جریان پرونده شهرام جزایری که بعضی افراد متهم بودند به مقام معظم رهبری نامه نوشتند که ایشان کاری بکنند، قبول نکردند و فرمودند بایستی طبق قانون پی گیری شود.



در نهایت باید گفت: نظارت مردم بر عملکرد مسئولین وظیفه فرد فرد مردم است و برای پیشرفت جامعه ضروری و لازم است.

**نگرانی شما و ما در رابطه با انتخابات مجلس هفتم بیشتر ریشه در عملکرد مسئولین دارد که در چند ساله اخیر برملا شده (فساد اقتصادی، جریان آقازاده ها و...) آیا برای اصلاح مسئولین و پاسخگویی روش آنها، فکری شده است؟**

**پرسش**

نگرانی شما و ما در رابطه با انتخابات مجلس هفتم بیشتر ریشه در عملکرد مسئولین دارد که در چند ساله اخیر برملا شده (فساد اقتصادی، جریان آقازاده ها و...) آیا برای اصلاح مسئولین و پاسخگویی روش آنها، فکری شده است؟

**پاسخ**

بر خلاف گفته های بعضی از گروه ها، نهادهایی که زیر نظر مقام معظم رهبری هستند به دلیل اهمیت مسأله بیشتر تحت نظارت هستند. علاوه بر نظارت سازمانهای نظارتی دولت، مجلس و قوه قضائیه، از طرف واحد بازرسی دفتر مقام معظم رهبری هم مورد بازرسی قرار می گیرند و تأکید ایشان این است که بدون ملاحظه با افرادی که از موقعیت خویش سوءاستفاده می کنند برخورد شود. مثلاً در جریان پرونده شهرام جزایری که بعضی افراد متهم بودند به مقام معظم رهبری نامه نوشتند که ایشان کاری نکنند، قبول نکردند و فرمودند بایستی طبق قانون پی گیری شود.

در نهایت باید گفت: نظارت مردم بر عملکرد مسئولین وظیفه فرد فرد مردم است و برای پیشرفت جامعه ضروری و لازم است.

**چرا استعدادهایی که در این مملکت هستند حمایت نمی کنید و آنها را می کشید و خفه می کنید؟ ما نخبگانی داریم که می توانند این مملکت را به اوج اعلاء برسانند ولی حمایت نمی شوند، به همین دلیل است که بیشترین آمار فرار مغزها را در جهان، ایران دارد.**

**پرسش**

چرا استعدادهایی که در این مملکت هستند حمایت نمی کنید و آنها را می کشید و خفه می کنید؟ ما نخبگانی داریم که می توانند این مملکت را به اوج اعلاء برسانند ولی حمایت نمی شوند، به همین دلیل است که بیشترین آمار فرار مغزها را در جهان، ایران دارد.

**پاسخ**

آنچه عقل و منطق و بویژه شرع مقدس ما را به آن توصیه می کند آن است که در قضاوتهای خود در مورد موضوعات مختلف منصفانه و عادلانه قضاوت کنیم. طرح سؤال با این عبارات نشانه نوعی پیش داوری عجولانه و قضاوتی غیر منطقی است. بخش اول عبارت را که مدعی عدم حمایت از استعدادهای و حتی کشتن و خفه کردن استعدادهاست جالب توجه است چون صرفاً یک ادعا است و سؤال کننده محترم بایستی دلیلی بر صحت مدعای خود بیاورند اما پاسخی که می توان در رد این ادعا ارائه داد حداقل این است که یک مقایسه ای بین وضعیت امروز جامعه با گذشته داشته باشند در تمامی زمینه ها

جمهوری اسلامی زمینه بروز استعدادها و شکوفائی آنها را فراهم کرده است. کشوری که قبل از پیروزی انقلاب وحتى پس از پیروزی انقلاب حتی در شهرستانها و مراکز استان از پزشکهای عمومی هندی و پاکستانی و... برای تأمین کادر پزشکی بیمارستانها استفاده می کرد امروز در دورترین روستاها از پزشکان ایرانی استفاده کرده و حتی مشکل ایجاد اشتغال برای فارغ التحصیلان این رشته را دارد و به مرکزی قابل اعتبار برای عملهای جراحی مهم در سطح منطقه تبدیل شده است. کشوری که حتی آسفالت جاده هایش را بایستی ایتالیایی ها و یا کشورهای خارجی

دیگر انجام می دادند امروز به لحاظ فن آوری توسط مهندسین خود بزرگترین اتوبهانه‌های کشور، خطوط راه آهن، شهرهای بزرگ، پالایشگاهها و نیروگاههای برق و... را توسط متخصصان داخلی خود به بهره برداری می رساند و کشوری که در ابتدای جنگ حتی برای سیم خاردار، گلوله آرپی جی خود محتاج خارج بود امروز به حدی از خودکفائی رسیده است که موشکهای شهاب ۳ آن خواب را از چشم صهیونیستها ربوده است و امروز در علوم هسته ای به جایگاهی رسیده است که این توانایی به عنوان یک عامل مهم اختلاف بین ایران و قدرتهای اتمی بویژه آمریکا شده است و همه این پیشرفتها در شرایطی صورت گرفته است که همیشه در معرض تهاجم خارجی و محاصره اقتصادی و فشارهای گوناگون داخلی و خارجی از سوی آمریکا و نوکران منطقه ایش بوده ایم. در سال ۷۱ تورگرت اوزال رئیس جمهور وقت ترکیه در یک مؤسسه تحقیقاتی در آمریکا در پاسخ به سؤالی پیرامون خطر صدور انقلاب ایران به ترکیه مطلب جالبی را در رد این خطر بیان کرد که قابل توجه است او گفت: در سال ۵۶ ایران سالانه ۲۵ میلیارد دلار درآمد نفتی و حدود ۳۵ میلیون جمعیت داشت، امروز که من (تورگرت اوزال) با شما صحبت می کنم ایران ۵/۱۲ میلیارد دلار درآمد نفتی و حدود شصت میلیون جمعیت دارد یعنی درآمدش نصف جمعیتش دو برابر شده است مضاف بر اینکه از جنگی فارغ شده است که به ادعای ایران هزار میلیارد دلار خسارت و به ادعای سازمان ملل صد میلیارد خسارت وارد شده و امروز دشمنان بزرگی چون آمریکا و اسرائیل دارد که قبل از

انقلاب حامی ایران بودند با این وضعیت که ایران دارد نمی تواند خطری برای ترکیه داشته باشد به لحاظ صدور انقلاب، اگر چه پیروزی اسلامگرایان در سالهای بعد در ترکیه باطل بودن این تحلیل را ثابت کرد اما صحبت وی از این جهت قابل توجه است که اگر منصفانه قضاوت کنیم کشوری که امروز با حدود هفتاد میلیون جمعیت و درآمد نفتی حدود ۱۷ میلیارد دلار (با توجه به تورم جهانی که ارزش دلار با ۲۵ سال قبل بسیار متفاوت است و پایین تر آمده است) همه این پیشرفتهای در علم و صنعت و کشاورزی و... ناشی از بروز استعدادها و کمک گرفتن از آنها در اداره کشور بوده است اگر چه باید پذیرفت که به علل مختلف فرهنگی و اقتصادی و بعضاً تصمیمات غلط مدیریتی مشکلاتی پیش آمده است که بهتر از این می شد از استعدادها استفاده کرد.

**چرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی حقوق گزافی می گیرند در حالی که این همه مردم فقیر و گرسنه هستند؟ چه قانونی است؟ آیا اسلام اجازه می دهد؟**

### پرسش

چرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی حقوق گزافی می گیرند در حالی که این همه مردم فقیر و گرسنه هستند؟ چه قانونی است؟ آیا اسلام اجازه می دهد؟

### پاسخ

آنچه از منابع اسلامی استفاده می شود، مخصوصاً سیره عملی پیامبر اکرم "ص" و امیر المؤمنین علی "ع" در زمان خلافت و حکومت اسلامی خودشان با کمترین امکانات مادی زندگی می کردند تا با محروم ترین افراد جامعه همدردی کرده باشند و فقر آنها آزارشان ندهد و برایشان بهتر قابل تحمل باشد. این نظر اسلام است. البته در میزان حقوق عوامل حکومتی در همین منابع اسلامی سفارشات شده است که حساسیت مشاغل ملاحظه شود تا افراد خدای نکرده بخاطر تأمین نشدن زندگیشان آلوده به رشوه و تخلفات مالی نشوند. (مانند قضات نیروهای مسلح و...). در مجموع باید عرض کرد در بین همین نمایندگان افرادی هم هستند که این موضوع را فوق العاده رعایت می کنند و بخاطر اینکه از منابع دیگر هزینه زندگیشان تأمین می شود از حقوق مجلس استفاده نمی کنند (مانند آقای دکتر حداد عادل و چند نفر دیگر). و در نهایت استفاده از حقوق بیت المال حتی الامکان باید به مقدار ضرورت و اقتضای کار و حساسیت و اهمیت شغل کارگزاران و مطابق قوانین اسلامی و جاری کشور باشد والا قابل توجیه نیست.

آنچه در اینجا قابل ذکر است این است که انجام وظائف خطیر نمایندگی مردم مستلزم مقدماتی است که گاهی وصول به این اهداف همراه با هزینه ها و مخارجی است. بطور مثال یک نماینده مجلس برای سکونت در تهران و ایاب و ذهاب به شهرستان محل انتخاب خود و ایجاد دفتر برای سهولت ارتباط با مردم متحمل هزینه هایی می شود که اگر مساعدت مالی صورت نگیرد حقیقتاً انجام این وظائف در مخاطره قرار می گیرد. تاکنون

از سوی مراجع قانونی و سازمان بازرسی کل کشور تخلف قابل توجهی در این خصوص گزارش نشده است.

**با توجه به قدرت نفوذ پول سرمایه داران چطور می شود از بوجود آمدن برخی معضلات اجتماعی و تشنج علیه نظام جلوگیری نمود؟**

### پرسش

با توجه به قدرت نفوذ پول سرمایه داران چطور می شود از بوجود آمدن برخی معضلات اجتماعی و تشنج علیه نظام جلوگیری نمود؟

### پاسخ

ذکر این مطلب ضروری است که وجود چنین دغدغه هایی در بین جوانان قابل تقدیر است ، مفسد اقتصادی غده های چرکینی در اندام جامعه اند که باید هر عضوی از اعضای جامعه نسبت به آنها احساسی نظیر شما داشته باشد .

در پاسخ نکاتی چند به عرض می رسد . همه ما شاهد تاکیدات مکرر مقام معظم رهبری در رابطه با مبارزه اساسی با فقر و فساد و تبعیض بوده و هستیم . اما متأسفانه ثمرات عملی کار مطابق با انتظار واقع نبوده است . گویا اندامی مجری این فرامین اساسی است که خود دچار ضعف و سستی است .

این امر حکایت از نفوذ عناصری در رپیکر تشکیلات نظام مقدس ما می کند که جز به خود و منافع خود نمی اندیشند . و این عناصر به نحوی جریان این مبارزه را یا کند می کند یا خدای ناکرده با مانع مواجه می نماید .

از این روی به نظر می رسد از طریق راههای ذیل این مبارزه تشدید گردد .

۱- تقویت ابودرهای زمان ، کسانی که بادید روشن و روحیه ای مخلصانه و پاک به افشاگری نسبت به اشخاص و جریان های مفسد از لحاظ اقتصادی و اجتماعی می پردازند .

۲- گسترش جریان فوق ، یا تقویت آنها از طریق روزنامه ها یا لااقل برخی از آنها ، روزنامه ها که حلقه ارتباطی عموم با مسائل هستند هم در شناسایی هم در افشاء مفسد و هم مراحل بعدی بایستی جدی تر وارد عمل شوند .

۳- نهضتی مردمی در مقابله با مفسد اجتماعی و اقتصادی که این امر می تواند

با شروع از جریانات دانشجویی، بومی و... آغاز گردد. منتهی مطالبه اصلی در این جریانات مبارزه و تشدید آن با مفاسد است، در مرحله تکمیلی رسیدن محتوای این مبارزه در راهپیماییهای ملی و انقلابی نظیر راه پیمایی ۲۲ بهمن و... است به گونه ای که حرکت مردم لرزه به پیکر مسامحه کاران بیاندازد و با این جریان خودجوش، تحقق فرامین رهبر معظم انقلاب جامعه عمل به خود ببوشاند.

البته در این میان نکته دیگری نیز هست و آن اینکه قدرت خدای متعال و تقدیر او بی تردید از حرکت پاک انقلاب اسلامی حمایت کرده و به هر شکلی که صلاح حضرت حق باشد این جریان که در حال حاضر مانع اصلی اشائه معنویت در عالم است سرکوب خواهند شد. چرا که این انقلاب با خون شهدای بسیاری بیمه شده است و با خود، دعای صالحان و اولیاء خدا را دارد.

**چرا دولت شغل برای جوانان ایجاد نمی کند من که در کارهای خیر هستم می بینم ازدواج برای جوانها کم شد و فحشاء زیاد، شما را به خدا به مسئولین بگوئید برای جوانها شغل ایجاد کنند تا جوانها نترستند و ازدواج کنند؟**

#### پرسش

چرا دولت شغل برای جوانان ایجاد نمی کند من که در کارهای خیر هستم می بینم ازدواج برای جوانها کم شد و فحشاء زیاد، شما را به خدا به مسئولین بگوئید برای جوانها شغل ایجاد کنند تا جوانها نترستند و ازدواج کنند؟

#### پاسخ

مشکل بیکاری که یکی از معضلات جامعه جوان کشورمان است، بارها رهبر بزرگوار انقلاب و دیگر مسئولان نظام بر حل آن تأکید داشته اند و در برنامه های توسعه اقتصادی کشور و طرح ضربتی اشتغال که اخیراً مطرح شده است به دنبال ارائه کارشناسی برای حل این مشکل هستند چنانکه مقام معظم رهبری فرموده اند: "اگر به برنامه ریزی لازم فکر کنند و برای نسلی که دارد از راه می رسد، در جامعه جا باز نکنند، چه پیش می آید؟ یک لشکر بیکار و بی توان روی دست ملت می ماند نه احساس امیدی، نه احساس شوق و شوری، نه آینده یی نه زبانی برای ابراز غرور نسبت به میهن خود، و نه اصلاً غروری البته این کمترینش است که گفتیم از این بدتر هم فرضهایی وجود دارد. همه مسئولند، هم برنامه ریزان هم مجریان و هم متصدیان رسانه ها، صدا و سیما هم مسئول است، روزنامه ها هم مسئولند." "۱"

بنابراین همانطور که مشاهده می کنید رهبر معظم انقلاب به این مشکل واقف بوده و در موارد مختلف تأکید بر حل این مشکل داشته اند اما برای اینکه توصیه های رهبری به ظهور برسد ملت، دولت، مجلس و طبق سخن مقام معظم رهبری همه مسئولند و باید در این راه جدیت و تلاش کنند.

مردم باید با انتخاب افراد لایق و شایسته بعنوان نماینده مجلس اعضای

شورای شهر و رئیس جمهور در این راه قدم بردارند و از طرف دیگر نمایندگان مجلس، رئیس جمهور و وزراء انتخابی ایشان و بطور کلی مسئولین نظام در تحقق توصیه های رهبری قدمهای عملی بردارند.

سؤال کننده محترم، وظیفه من و شما و سایر مردم این است که وظایف نهادهای مربوطه در این امر را به آنان گوشزد کنیم و اگر نواقصی به چشم می خورد تذکر دهیم و در واقع آنچه مصوب مجلس است و وظیفه نهادهای دولتی مطالبه نماییم البته به چشم اصلاح بین و زبان خیرخواه تا خدای ناکرده خود این وظیفه مردمی تبدیل به یک معضل و مشکل جدید برای نظام و مردم نشود.

البته باید عرض کنیم طبق بیان رهبر عزیزمان "مشکل اقتصاد کشور قابل حل است و برنامه های قابل قبولی هم در این زمینه فراهم شده است." "۲" و طبق آماری که ستاد اشتغال اعلام کرده اند تعداد شغل‌های زیادی در کشور ایجاد شده و کارهای خوبی نیز در دست اجرا می باشد.

اما در خصوص ازدواج نکردن جوانان باید گفت بخشی از این مشکل بر اثر بیکاری است اما این مشکل علت‌های دیگری دارد که از آن جمله ضعف اعتقاد دیدگاه‌های غلط در باب ازدواج و تجمل گرایی می باشد. امام خمینی "ره" در این رابطه می فرمایند: "سزاوار نیست که فقر و احتیاج مانع از ازدواج باشد، بعد از آنکه خدای عزوجل وعده فرموده که غنی می کند و گشایش در زندگی می بخشد به قول خودش "اگر فقیر باشند خداوند ایشان را از فضلش غنی می کند" "ان یكونوا فقراء و یغنهم الله من فضله" (سوره نور/۳۲) پس از پیغمبر (است که: "کسی که ازدواج

را به خاطر ترس از احتیاج ترک نماید تحقیقاً بدگمان به خدای عزوجل شده است. "۳"

بنابراین ترس از ازدواج ریشه در اعتقاد شخصی افراد دارد و همچنین موانعی که خود خانواده ها بر سر راه ازدواج جوانان ایجاد می کنند، مثل مخارج سنگین جشن ازدواج، تجمل گرایی، اسرافها، مهریه های بالا که این موانع با ایجاد فرهنگ صحیح قابل حل می باشد، بنابراین ایجاد اشتغال تنها کافی برای ترغیب جوانان به ازدواج نمی باشد.

در سؤالتان اشاره به فحشاء کرده بودید و خواسته بودید با ایجاد اشتغال و ازدواج جوانان این مشکل حل شود قابل ذکر است. ازدواج یکی از راههای کنترل فحشاء است. عمده جلوگیری از فحشاء در جامعه، رعایت عفت و اخلاق جنسی است که اگر این مسأله رعایت نشود فحشاء دامن افراد متأهل را نیز گرفته به کام خود فرود می برد کما اینکه در جامعه مشکلات زیادی از جانب افرادی است که ازدواج کرده اند اما بدلیل رعایت نکردن حجاب و عفت و نداشتن اخلاق جنسی و همچنین عدم تربیت صحیح فرزندانیشان از لحاظ جنسی مشکلات زیادی در جامعه ایجاد شده است.

(۱) پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب، ص ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۳۷۲

(۲) پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب، ص ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۳۷۲

تحریر الوسیله امام خمینی "ره" ج ۳، ص ۴۲۰

**۱- چرا وقتی که از آدمهای (نسبتاً) فهمیده می پرسیم ثبت نام در حوزه علمیه به نظر شما چه طوری است، تعداد زیادی از آنها جوابشان منفی است و از سخت بودن درسها و به تضعیف کردن فرد می پردازند و روحیه فرد را نسبت به آن تضعیف می کنند به نظر شما گفته های ایشان قابل قبول است**

**پرسش**

۱- چرا وقتی که از آدمهای (نسبتاً) فهمیده می پرسیم ثبت نام در حوزه علمیه به نظر شما چه طوری است، تعداد زیادی از آنها جوابشان منفی است و از سخت بودن درسها و به تضعیف کردن فرد می پردازند و روحیه فرد را نسبت به آن تضعیف می کنند به نظر شما گفته های ایشان قابل قبول است؟

۲- مردم سلحشور ما انقلاب کردند که مردم جامعه از کارگر و



رئیس همه از نظر احترام و ثروت نسبتاً با هم برابر باشند اما برعکس تضاد طبقاتی و بی حجابی در جامعه امروزی بسیار زیاد شده و کسی نیست به آنها کوچکترین اعتراضی بکند

۳- آیا نگاه کردن تلویزیون حرام است یا خیر؟

### پاسخ

۱) در مورد سوال اول شما باید عرض کرد که این گفته های انسانهای بزرگوار در مورد حوزه، تماماً یا اکثر آنها قابل قبول است، زیرا که این بزرگواران این راه را رفته و تا حدود زیادی به سختیهای آن واقفند و فرموده های این عزیزان به هیچ وجه برای تضعیف افراد و نهاد حوزه نیست، بلکه برای این است که روحیه داوطلبان حوزه را قوی نمایند و برای مشکلات بی شماری که در این راه ممکن است پیش بیاید مهیا باشد حرمت آن را نگه دارد و با تمام وجود از آن تبعیت کند حتی جانش را در این راه بدهد. واقعاً مسئولیت روحانیت بسیار دشوار است به خاطر اینکه خدای عزوجل این مسئولیت خطیر را برعهده آنان گذاشته و وظیفه رساندن دینش را به آنان سپرده است، پس باید به وظیفه خود با تمام وجود عمل کنند و گرنه خیانت درامانت کرده اند "ان... یا مرمکم أن تؤدوا الأمانات الی أهلها" ۱

روحانی به عنوان عالم دین و حامل امانت انبیاء (علیهم السلام) مسئول هدایت مردم است، وظیفه ای که پیامبران و ائمه اطهار (علیهم السلام) داشتند، در زمان غیبت برعهده روحانیت است و یک فرد روحانی نباید از این امر شانه خالی کند.

روحانی پاسدار ولایت و حریم ارزشهاست، روحانی وارث انبیاست "العلماء ورثه الانبیاء... " ۲ این نعمت با عظمت را خدای متعال فقط به آنان ارزانی داشته است .

حال با این وجود باید گفت : دوست عزیز! هر چند که این راه شریفترین و عاشقانه ترین مسلک

است، اما هر کسی نباید

وارد این سلک شود، باید کسی وارد شود که عاشق این لباس و عاشق خدمت به مردم و امام زمان ارواحنا فداه باشد که تمام جوانب این کار را در نظر گرفته و خود را برای تمام سختیهایش آماده کرده باشد، خلاصه باید کسی وارد شود که با تمام وجود حرمت این لباس را نگه دارد، و گرنه هم خود زیان کار می شود و هم گروهی را گمراه و زیانکار خواهد کرد. "۳"

(۲) در مورد سؤال دوم شما نکات زیر قابل توجه می باشد :

الف اینکه فرمودید کسی نیست که به آنها کوچکترین اعتراضی بکند، قابل قبول نمی باشد، زیرا بسیاری از بزرگان و فضلاء، خصوصاً پرچمدار انقلاب اسلامی مقام معظم رهبری (حفظه...) در مقاطع مختلف به این مسائل و مشکلات اشاره کرده و بارها به گوش مردم خصوصاً مسئولین، این مشکلات را رسانده اند و درباره آن هشدار داده اند . بطور مثال مقام معظم رهبری در چند سخنرانی مهم به این امور اشاره کرده اند از جمله :

۱) در دیدار جمعی از جوانان با مقام معظم رهبری (حفظه...) (۱۳/۱۱/۷۷، ۲) دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان (۷/۲/۷۷، ۳) روز عید غدیر در اجتماع زائران حضرت امام رضا (ع) (۶/۱/۷۹، ۴) دیدار با بسیجیان استان خراسان (۱۰/۶/۷۸، ۵) دیدار کنندگان و معلمان (۱۴/۲/۷۹، ۶) دیدار از دانشگاه صنعتی شریف (۱/۹/۷۸، ۷) کتاب شریف حدیث ولایت و...

ب با قبول اینکه در جامعه فساد و تضاد طبقاتی و رانت خواری و بی حجابی و... وجود دارد، نباید آنرا طوری وانمود کرد که حالت یأس و ناامیدی حاکم شود باید با تذکروه حکم سازنده امر به معروف و نهی از منکر از مفاسد پیشگیری نمود. در مورد عوامل ترویج انحراف می توان به دلایل ذیل

اشاره کرد :

۱. تهاجم فرهنگی، با تمام وسائل ممکن و پیشرفته در جهت ناکارآمد نشان دادن انقلاب

۲. فساد مالی و سوءاستفاده های مالی و رانت خواری بعضی افراد و احزاب

۳. سوءتدبیر در بعضی از عملکردهای مسئولین

۴. رواج سیاست زدگی در ابعاد جامعه و فراموش کردن طبقات محروم و مستضعف و پابرنه

۵. اشرافیگری بعضی افراد و فاصله عمیق طبقاتی "۴"

امیدواریم با تلاش مسئولین دلسوز و مردم علاقمند به نظام و توجه به فرمایشات حکیمانه رهبر معظم انقلاب (حفظه ...) و همچنین تلاش پیگیر قشر تحصیل کرده خصوصاً روحانیون و دانشجویان، کشور ما بر این مشکلات فائق آید، انشاء...

۳) در مورد سؤال سوم شما باید گفت که نگاه کردن به تلویزیون جمهوری اسلامی ایران فی نفسه اشکالی ندارد مگر اینکه مفسده ای بر آن مترتب شود. "۵" تفصیل آنرا می توان در کتب فقهی جستجو نمود.

(۱) نساء/۵۸

(۲) وسائل الشیعه، ج ۲۷، باب ۸، ص ۷۸

(۳) با استفاده از کتاب مباحثی درباره حوزه آیت ... مصباح یزدی (حفظه ...) ص ۶۶ و ۶۷

(۴) با استفاده از کتاب پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه ...) موسسه فرهنگی قدر ولایت

با استفاده از کتاب احکام روابط زن و مرد، سید مسعود معصومی، ص ۷۵ به بعد

**چرا کسی به فکر ازدواج جوانان نیست؟ حتی همین وام اندک ازدواج را هم کسی که پارتی ندارد نمی تواند بگیرد. برای گرفتن وام چه باید کرد؟**

**پرسش**

چرا کسی به فکر ازدواج جوانان نیست؟ حتی همین وام اندک ازدواج را هم کسی که پارتی ندارد نمی تواند بگیرد. برای گرفتن وام چه باید کرد؟

**پاسخ**

پیامبر بزرگوار اسلام، حضرت رسول اکرم (فرمود: "سه چیز نشانه سعادت انسان است، زن پارسا، مرکب راهوار و خانه وسیع" (۱)

ویل دورانت، فیلسوف مشهور فرانسوی می گوید: "تشکیل خانواده راهی برای جاودان ماندن انسان است، از این رو در میان بشر، خانواده اساسی ترین بنیان است." (۲)

دوست عزیز، امر عظیم ازدواج از دیرباز از دیدگاه ادیان و مکاتب و جوامع مختلف، دارای اهمیت و ارزش فوق العاده ای بوده است؛ و یکی از مهم ترین انتخاب های انسان در دوران حیات بشمار می رفته است. این امر مهم امروزه با دشواری های مضاعفی روبرو گشته است. تبدیل جامعه کشاورزی به صنعتی، و زندگی ایلی و روستایی به شهری، و افزایش تجملات و هزینه های جانبی و غیرضروری زندگی و ازدواج، پیدا کردن شغل و درآمد مناسب، ادامه تحصیل و ... همه مسایلی است که در این انتخاب سرنوشت ساز انسانی مؤثر است.

دوست گرامی، اگر چه وام ازدواج تا حدود اندکی می تواند برای جوانان رهگشا باشد، ولی باید دانست که تنها مشکل بر سرراه ازدواج جوانان فقط وام نیست، مشکلات عمده دیگری وجود دارد که این انتخاب مقدس را دچار نوسان و بحران ساخته است.

افزایش جمعیت نامتعادل ایران در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در شرایط کنونی فشار مضاعفی بر پیکره دولت و جامعه وارد می سازد. کودکان سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم اکنون جوانان برومندی شده اند، که به انتظار شغل

مسکن و ازدواج نشده اند، و مشکلات مسکن و شغل و ازدواج برای اولیاء و مسؤولان کشور هم حالت بحرانی به خود گرفته است.

جوانی که صاحب درآمد نشده است، و از شغلی که بتواند زندگی متوسطی را اداره کند برخوردار نیست، چگونه می تواند تن به ازدواج بدهد؟ گیرم مشکل وام ازدواج حل بشود، اگر وام گیرنده صاحب درآمد نباشد تا بتواند اقساط وام را بازپرداخت نماید، چه اتفاقی خواهد افتاد مشکل عمده دیگری که برای برخی جوانان مانع از تشکیل خانواده است، نداشتن مسکن مناسب است؛ هر چند اگر مشکل اولیه (داشتن شغل) برطرف شود، شاید بتوان مشکل مسکن را با اجاره حل کرد.

و مشکل دیگری که بر سر راه جوانان در امر ازدواج جلوه گر است، رقابت های سنگین و کمرشکن در تعیین مهریه، و برگزاری مجالس پرخرج و پرهزینه ای است، که بسیاری از آنها هیچ نفعی به حال زوجین جوان ندارد، و چیزی جز چشم و هم چشمی نیست.

بنابراین برای حل مشکل ازدواج به نظر ما قبل از هر چیز باید جوان شغل مناسب با درآمد مُکفی برای خودش دست و پا کند، اگر این امر محقق شود، می تواند اقدام به ازدواج نماید؛ و با توکل بر ذات حق که ارتزاق بندگانش را متعهد شده است، بقیه مشکلات هم انشاء... به مرور مرتفع می شود.

در خصوص وام نیز درست است که شرایط سخت است، که امیدواریم سازمان ملی جوانان بتواند چاره اندیشی نماید ولی راه آن این است که پس از ثبت ازدواج، با ارایه مدرک (فتو کپی قباله) به یکی از بانک ها درخواست وام داده بشود

تا در نوبت اخذ وام قرار گیرید. البته این درخواست باید سریع صورت گیرد و بین زمان ازدواج و درخواست وام فاصله زیادی نباشد.

نکته دیگری که درباره ساده کردن و سهل نمودن ازدواج می توان پیشنهاد کرد، این است که دختر یا پسر پس از این که احساس کردند نیازمند به ازدواج هستند، حتی اگر سایر شرایط مثل مسکن و شغل و... فراهم نبود، اقدام به ازدواج نمایند، تا به صورت رسمی زن و شوهر بشوند ولی زندگی مشترک خودشان را پس از فراهم شدن حداقل های لازم آغاز کنند، و تا آن زمان هر دو در منزل والدین خودشان باشند (استمرار دوران عقد تا عروسی).

منابع و مآخذ:

۱. راهنمای انسانیت، (ترجمه موضوعی نهج البلاغه)، فرید تنکابنی، ص ۳۸۱

تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی، ص ۴۳۷

### چرا اینقدر گدا کنار خیابان و کوچه ها است؟

#### پرسش

چرا اینقدر گدا کنار خیابان و کوچه ها است؟

#### پاسخ

اما اصولاً فقر و ناداری ما علل و عوامل متعدد و مختلفی دارد، که یکی از عوامل مهم آن وجود شکاف طبقاتی در جامعه است. وقتی زمینه و شرایط جامعه به گونه ای باشد که عده ای اندک با لطایف الحیل، به ثروتهای کلان و محیرالعقولی دست یابند، و ره صد ساله را یک شبه ببینند، عده ای دیگر نیز دچار فقر و ناداری خواهند شد، چه آنها که ثروتمند شده اند، حق دیگران را خورده اند؛ و گرنه در شرایط طبیعی و در شرایطی که افراد به حقوق انسانی و شرعی و اجتماعی خود پای بند باشند و به آن عمل کنند، و حقوق دیگران و بیت المال را پرداخت کنند، و به دروغ و تزویر و نیرنگ و دزدی و احتکار و قاچاق و گران فروشی متوسل نشوند، هرگز شکاف و تضاد طبقاتی پیدا نخواهد شد. اگر احکام نورانی اسلام در بُعد مسایل اقتصادی و اجتماعی عمل بشود، دچار چنین پدیده و معضل زشتی که شما اشاره کرده ای، نخواهیم شد.

اما از منشأ و علت پیدایش آن که بگذریم، متأسفانه در جامعه ما عامل دیگری نیز برای وجود این پدیده مشاهده می شود و آن گدا صفتی برخی افراد و دلسوزی نابجای بعضی مردم است. عده ای متأسفانه گدایی را شغل خودشان قرار داده اند و از این راه به کتز و جمع آوری ثروت پرداخته اند، و گرنه کمیته امداد امام خمینی (و مؤسسات خیریه، اگر واقعاً کسی نیازمند باشد، او را تأمین می کنند و تحت پوشش قرار می دهند ولی متأسفانه بسیاری از

این افراد حرفه ای هستند و مردم هم حوصله ندارند تحقیق کنند که گدای مورد نظر واقعاً گداست و یا حرفه ای است. ولی اگر مردم به آنها بی اعتنا بشوند و بگویند به کمیته امداد برو و به آنها کمک نکنند، یا مثلاً می گوید در راه مانده ام، او را ببرد و بلیط برایش تهیه کند و سوار اتوبوس نماید، دیگر در راه ماندن، وسیله ای برای گدایی نخواهد.

برادری می گفت: خانمی آمده بود درمانگاه و می گفت: می خواهم بروم دکتر، پول ندارم، شماره بگیرم، بیمه هم نیستم، من رفتم برایش ویزیت پزشک بگیرم. ویزیتور گفت: این خانم الآن شماره خودش را پس داد. معلوم شد قبل از من کس دیگری برایش شماره گرفته بود و او پس داده بود و مجدد می خواست پول بگیرد، یا شماره بگیرد و مجدد پس بدهد و پولش را بگیرد. بله

واقعاً برخی گدایی را وسیله ثروت اندوزی قرار داده اند. و گدایی برایشان پست نیست، عادت کرده اند. مردم نباید به اینها کمک کنند و یا مثل آن برادر که می رود و شماره می گیرد، اقدام کنند. مواردی نیز وجود دارد که مراجعه کنند و اظهار می دارند در راه مانده اند و پولشان را زده اند و مثلاً برای رفتن به زابل ۵۰۰۰ تومان کرایه اتوبوس لازم دارند. برخی افراد دلسوز نیز بلافاصله پول می دهند، ولی اگر بگوییم بیا برویم برایت بلیط بگیرم، پیش می کشند. یا ممکن است حتی بعد بلیط را پس بدهند. اگر افرادی وقت صرف کنند و این افراد را از عمل خودشان باز دارند،

کم کم این عمل از رواج خواهد افتاد.

بنابراین گدا صفتی و وجود گدا در خیابانها و کوچه ها منشأ اقتصادی و اجتماعی دارد: فقر و ناداری و تضاد طبقاتی و گدا صفتی برخی افراد و دلسوزی مردم. امید است روزی شاهد جمع آوری این افراد، توسط سازمانهای مسئول باشیم، که البته وظیفه دارند، ولی گاهی اغماض می کنند و اقدام به جمع آوری نمی کنند و گاهی نیز متوجه و خبردار نمی شوند که مردم باید همکاری کنند و این افراد گدا صفت را به عوامل و نیروهای مربوطه (عوامل انتظامی) تحویل دهند.

به امید برچیده شدن پدیده گدایی، از صفحه و صحنه جامعه عزیزمان، انشاءا...

### برای چه اینقدر گرانی است؟ اصلاً گرانی از چه چیزی می آید؟

#### پرسش

برای چه اینقدر گرانی است؟ اصلاً گرانی از چه چیزی می آید؟

#### پاسخ

گرانی و تورم علل و عوامل مختلف و گوناگونی دارد، که می باید در کتابها و مقالات مربوط به اقتصاد و تورم، مطالعه کنی و در جوامع گوناگون و شرایط متفاوت، این عوامل نیز متفاوت است.

یکی از عوامل عمده وجود گرانی، کاهش عرضه و تولید است. وقتی عرضه کالا افزایش یابد، خود به خود قیمتها کاهش پیدا می کند و قیمتها سیر نزولی می یابد؛ ولی وقتی عرضه کم است ولی تقاضا زیاد، خواه ناخواه قیمتها سیر صعودی پیدا می کند.

از عوامل مهم دیگر، شکاف طبقاتی است که در جامعه وجود دارد. آنهایی که از وضع اقتصادی خوبی برخوردارند، توانایی و تمکن برای خرید کالا با قیمتهای بالا را دارند؛ نه تنها توانایی تأمین را دارند، بلکه بیش از مصرف خودشان هم مصرف می کنند و به تعبیر دیگر، اسراف می کنند و کالاها را دور می ریزند.

عامل دیگری که در افزایش قیمتها نقش دارد، چشم و هم چشمی هاست. طبقه مرفه همیشه می خواهند یک سروگردن بالاتر از دیگران باشند و طبقات دیگر نیز همیشه می خواهند مثل آنها بشوند، لذا می بینید که طبقه اشراف مرتب در دکور منزل و معماری ساختمان و مبلمان و لباس پوشیدن و آداب مسافرت و مهمانیا و ... بطور مرتب تغییر ایجاد می کنند، تا نسبت به دیگر افراد جامعه، از برجستگی برخوردار باشند و به قول معروف، تک باشند. وقتی آنها چیز جدیدی را مُد می کنند، به مرور دیگران هم می خواهند مثل آنها تک باشند، لذا از مُد پیروی می کنند و به



مرور زمان، مُید جدید یک حالت عمومی پیدا می کند و دیگر مُید به حساب نمی آید، بلکه عادت و رسم جامعه می شود. طبقه مرفه و اشراف می بینند دیگران هم مثل آنها شدند، لذا دوباره سعی می کنند مُیدهای جدیدی وارد کنند و این سیر همیشه ادامه دارد و جامعه را دچار مشکل می کند و به قول معروف عوام، برجهای زندگی بیش از خرجهای آن می شود.

برادر عزیز، لحظه ای به زندگی خود و دیگران فکر کن، ببین چقدر از موارد رایج در زندگی می توانی پیدا کنی، که نبودنش

هیچ لطمه ای به ادامه حیات زندگی انسان وارد نمی کند. این که مثلاً انسان حتماً فلان فرش را داشته باشد، حتماً قالی داشته باشد، اگر موکت باشد، نمی توان زندگی کرد و زندگی مختل می شود، یا می گویند چرا این آدم موکت دارد یا صاحب خانه خودش در برابر میهمانان خجالت می کشد. اگر منزل مبلمان نداشته باشد، آیا روی زمین نمی توان نشست؟ ولی می گویند مبلمان بخریم. می گوئیم چرا؟ می گویند رسم است. اگر رسومات اجرا بشود، مانعی ندارد، ولی بشرطی که انسان دچار مشکل نشود شب نشینی ها و رفت و آمدهای خانوادگی و دوستانه این چشم و هم چشمی ها را زیاد می کند. عده ای اگر رفت و آمد نکنند، متهم به انزوا می شوند و اصولاً انسان نیازمند و محتاج به معاشرت است ولی قاعدتاً معاشرت باید با افراد هم سطح یا پایین تر از نظر اقتصادی صورت گیرد، تا انسان از زندگی موجود خودش راضی باشد. ولی اگر با انسانهایی که از نظر اقتصادی و

تجملات زندگی در سطح بالاتری قرار دارند، دچار خجالت و سرافکنندگی می‌گردد و گاهی نیز ممکن است مورد سرزنش خانواده و فرزندان قرار گیرد و خود را با آنها مقایسه کند، این چشم و هم‌چشمی‌ها تقاضاها را افزایش می‌دهد و وقتی تقاضا افزایش پیدا کرد، قیمت‌ها نیز افزایش می‌یابد.

عامل دیگری که در افزایش قیمت‌ها مؤثر است، تنبلی و بیکاری است، که خود باعث کاهش تولید و در نتیجه افزایش قیمت‌ها می‌گردد. میزان تولید در هر جامعه‌ای تعیین‌کننده ثروت آن جامعه است. توجه به تولید و رشد آن و مبارزه با موانع رشد، در اسلام بسیار حائز اهمیت است. امیرالمؤمنین حضرت علی (در مورد اموالش وصیت می‌فرماید: "با کسی که سرپرستی اموال را عهده دار شده است، شرط می‌کنم که اصل اموال مرا باقی بگذارد و فقط عواید آن را به طریقی که دستور داده شده است، انفاق کند و شرط می‌کنم که جوانه‌های نخل‌های این ده نیز فروخته نشود، تا در این زمینه نخلها شاخه درهم فرو برده و بر بینندگان مشکل شود. (۱) ملاحظه می‌کنی که امام (سفارش می‌فرماید سرمایه‌اش به عنوان مبنای تولید محفوظ بماند و انفاق نشود، بلکه سود و عایدی آن انفاق شود، تا مراتب تولید ادامه پیدا کند، ولی اگر اصل آن انفاق شود، تولید مختل می‌شود. ولی متأسفانه در جامعه ما کارهای دلالی و تجاری، رونق دارد، نه تولید، برخی از بنگاه‌های معاملات، خودشان منازل را می‌خرند و با قیمت بالاتری به دیگران می‌فروشند و از این خرید و فروش،

علاوه بر حقوق بنگاهی که فروشنده و خریدار می گیرند یک سودی هم می برند. و نیز خرید و فروش تلفن همراه و ...

با کمال تأسف بجای این که سرمایه های سرمایه داران کشور در امور تولیدی و زیربنایی مصرف بشود، در دلال بازی مصرف می شود و اجناس تا زمانی که از تولید کننده به مصرف کننده می رسد، چندین واسطه غیرضروری را پشت سر می گذارد و همه این واسطه ها نیز می خواهند سود ببرند. تولید کننده که به تعبیر این آقایان حماقت کرده، سودی نمی برد و به مرور دلسرد می شود و کارش را رها می کند و تولیدش متوقف می شود و ورشکست و ... مصرف کننده بیچاره نیز کالاها را با دهها برابر قیمت، باید بخرد و ...

اقتصاد کشور ما بیمار است و مردم و مسئولان ما هم متأسفانه سوء تدبیر داشته اند و آن گونه که باید، در تولید و افزایش آن همت نکرده اند: امید می رود نسل جوان کشور با مطالعه عمیق و شناسایی ریشه ها و موانع، موفق شوند این اقتصاد بیمار را نجات دهند و در آینده شاهد شکوفایی اقتصادی باشیم. انشاء...

موفق و پیروز باشی.

منابع و مأخذ:

نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۲۴

**با توجه به این که اسلام مخالف نظام طبقاتی و برتری قومی و قبیله ای است پس چرا سادات بر دیگران برتری دارند؟**

**پرسش**

با توجه به این که اسلام مخالف نظام طبقاتی و برتری قومی و قبیله ای است پس چرا سادات بر دیگران برتری دارند؟

**پاسخ**

علت برتری سادات بر غیر سادات را می توان در برخی زمینه ها مورد بررسی قرار داد:

۱. در زمینه برتری مالی با توجه به نکات ذیل اختصاص نیمی از سهم خمس به بنی هاشم با روح عدالت اجتماعی اسلام هیچ گونه منافاتی ندارد:

اولاً؛ سهمی که در خمس برای سادات معین شده فقط به نیازمندان آن ها اختصاص می یابد، آن هم به اندازه نیاز یک سال آن ها، بنابراین تنها از کار افتادگان بیماران کودکان یتیم و یا افراد دیگری که به علتی مشکل مادی از نظر هزینه زندگی پیدا کرده اند، حق استفاده از آن را دارند.

ثانیاً؛ مستمندان و نیازمندان سادات حق ندارند، چیزی از زکات مصرف نمایند.

ثالثاً؛ اگر سهم سادات از نیازمندی سادات موجود بیشتر باشد، باید آن را به بیت المال ریخت و در مصارف دیگر مصرف نمود. حال با توجه به نکات فوق روشن است که در حقیقت هیچ گونه تفاوت و امتیازی از نظر مادی بین سادات و غیر سادات گذارده نشده است زیرا نیازمندان غیر سادات می توانند مخارج سال خود را از محل زکات بگیرند، ولی از خمس محرومند، و نیازمندان سادات نیز تنها می توانند از محل خمس استفاده کنند، اما حق استفاده از زکات را ندارند؛ زیرا محروم بودن سادات از دست یابی به اموال عمومی (زکات در حقیقت برای دور نگهداشتن خویشاوندان پیامبر ۹ از این سهم است تا بهانه ای به دست مخالفان نیفتد که

پیامبر ۹ خویشان خود را بر اموال عمومی مسلط کرده است از طرف دیگر، خداوند متعال می خواهد، سادات به خاطر نزدیکی که به پیامبر ۹ دارند، منزّه و محترم باشند. و به چرک (زکات اموال مردم محتاج نباشند، لذا خمس را تا حدی که رفع نیازشان بکند، برای آنان قرار داد تا به ذلت و خواری نیفتند، بدیهی است این احترام معنوی که خداوند نسبت به سادات مقرر فرموده است یک نوع احترام نسبت به شخص پیامبر ۹ و احترام به زحمات بی پایان او در راه هدایت مردم است به دیگر سخن باید پذیرفت که اهل بیت و سادات محترم و مکرمند، لکن نه به عنوان یک قوم یا نژاد، بلکه به اعتبار اینکه ذریه پیامبر ۹ هستند، تجلیل از آن ها، تجلیل از پیامبر ۹ و تکریم از ارزش ها، توحید، عدالت و... است ( ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۱۸۲؛ ج ۲۰، ص ۴۰۲، دارالکتب الاسلامیه / تفسیر المیزان علامه طباطبایی ، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی ج ۹، ص ۱۵۷؛ ج ۱۶، ص ۴۸۱، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی / پرسشها و پاسخهای مذهبی آیت الله مکارم شیرازی و جعفر سبحانی ص ۱۶۸ ۱۷۲، انتشارات نسل جوان )

قرآن کریم در این باره می فرماید: "قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ" (شوری ۲۳) بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم " از روایات متعدد، استفاده می شود، منظور از محبت به نزدیکان

محبت علی و فاطمه و فرزندان آن دو: می باشد.

آثار این محبت نیز، احترام و قیام به ادا حقوق آنان می باشد.

۲. در امور و مناصب اجتماعی هر چند اهل بیت پیامبر ۹ و امامان معصوم در مورد منصب امامت از همه برتری دارند، زیرا یک منصب الهی و خدادادی است که تمام شئون والا و فضایل را در بردارد و جز بر امامان معصوم بر فرد دیگری تعلق نمی گیرد، برای رسیدن به این مقام و منصب صلاحیت و قابلیت ذاتی لازم است کسی که می خواهد به مقام امامت نایل گردد، باید دارای کمالات نفسانی و شرایط مخصوص باشد، از عهده امتحانات الهی برآید، بر نفس خویش کاملاً مسلط باشد، مرتکب گناه نگردد، در مورد معاصی صبر داشته باشد و خودداری کند و در مورد انجام واجبات بردبار باشد و آن ها را به جای آورد.

ولی در مورد مناصب دیگر اجتماعی فرقی بین سادات و غیر سادات نیست هر کس متعهد و متخصص به حرفه یا رشته ای باشد. او از دیگران به آن منصب لایق تر است

۳. در فضایل و پاداش اخروی اهل بیت ، به جهت سطح بالای معرفت علم و تقوا و قابلیت ها و شایستگی ها و لیاقت های فردی انتساب به پیامبر اکرم از جهت فضیلت و پاداش اخروی بر دیگران ارجحیت دارند، امّا غیر از معصومین دیگران چه سادات و چه غیر سادات در کسب فضایل و ثواب اخروی از یک درجه برخوردار هستند، حتی منتسب بودن به اهل بیت ، دلیل بر فضیلت و برتری آنان نیست بلکه معیار تقوا و ایمان آن ها است

البته انتساب به این خاندان پاداش و کیفرشان را دوچندان می کند، زیرا مسئولیت آنان در حفظ حرمت و پاسداری از حریم این خاندان سنگین تر است قرآن کریم درباره زنان پیامبر ۹ می فرماید: "يُنْسَاءُ النَّبِيِّ لَسِيْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ... (احزاب ۳۲) ای همسران پیامبر: شما هم چون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید..."، آیه فوق بر برابر نبودن زنان پیامبر ۹ بر سایر زنان اشاره دارد، واجب است بر آنان که در امثال تکالیف الهی کوشش و رعایت بیشتری داشته باشند و بیشتر از زنان دیگر در دین خدا احتیاط به خرج دهند. (ر.ک بررسی مسائل کلی امامت ابراهیم امینی ص ۵۵، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلام / پیام قرآن آیت ..مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۱۹۴، ج ۹، ص ۲۷، دارالکتب الاسلامیه )

## نظر قرآن و روایات در باره عدالت اجتماعی داشتن جامعه خوب و رابطه مردم در اجتماع چیست

### پرسش

نظر قرآن و روایات در باره عدالت اجتماعی داشتن جامعه خوب و رابطه مردم در اجتماع چیست

### پاسخ

از امتیازات بزرگ اسلام توجه شدیدی است که به موضوع عدالت دارد، تا آن جا که عدل یکی از پایه های مهم اسلام به شمار می آید. اسلام برای ایجاد جامعه ای سالم که در آن برادری و برابری مهر و محبت صفا، و صمیمیت عشق و دوستی حاکم باشد، از همه پیروان خود خواسته که در تمام مراحل زندگی عدالت را رعایت کنند، و هرگز از مسیر عدل خارج نشوند. در سوره نساء می خوانیم "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ (نساء، ۱۳۵) ای مؤمنین نگه دار عدالت باشید و برای خدا [موافق حکم خدا] گواهی دهید، هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد." اسلام برای تأمین عدالت اجتماعی هر نوع تبعیض و محرومیت را منع کرده و همه مؤمنان را برادر هم دیگر می داند: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ" (حجرات ۱۰) همانا مؤمنین با هم دیگر برادرند. اسلام به این مطلب عنایت فراوانی دارد که روابط اجتماعی براساس عدل باشد؛ از این رو، حقوقی برای همه افراد وضع کرده است که حق خدا، پدر و مادر، فرزندی، همسر، همسایه یتیم فقیر و جامعه را شامل می شود. امام سجاد ۷ در رساله حقوق برای هر فردی پنجاه حق مشخص کرده اند. بدیهی است اگر مسلمانان به این حقوق عمل می کردند، رفاه و آسایش صفا و صمیمیت در جامعه برقرار می شد، و زندگی

برای انسان بسیار شیرین و لذت بخش می گشت اسلام همه افراد را در برابر قانون مساوی می داند، و هرگز فرقی بین ثروتمند و فقیر، شهری و روستایی زن و مرد، نمی گذارد. از دیدگاه اسلام همه انسان ها از یک پدر و مادرند: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ" (حجرات ۱۳) ای مردم ما همه شما را از مرد و زنی آفریدیم "اهمیت اصل تساوی همه انسان ها در برابر قانون به اندازه ای است که قرآن اطاعت و تسلیم در برابر قانون را، از شرایط تحقق ایمان می داند. (نساء، آیه ۶۵). اسلام برنامه اقتصادی خود را براساس عدالت وضع کرده است و بر حاکم اسلامی واجب نموده که عدالت را در تمام زمینه های اقتصادی و با تمام وسایل ممکن گسترش دهد. و از هر نوع ظلم و تجاوز اقتصادی مانند ربا، احتکار، کم فروشی منع کرده با وضع قوانین جزایی دستور مجازات متخلفان را صادر نموده است (ر.ک مبانی حکومت اسلامی جعفر سبحانی ص ۳۸۹). قرآن مجید، برای ایجاد عدالت اجتماعی به مسلمانان دستور می دهد که اگر بین دو طایفه اختلافی شد و جنگی در گرفت وظیفه دیگران است که میان آن ها، صلح و آشتی برقرار سازند: "وَإِنْ طَآغَ فِتَانٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ" (حجرات ۹) اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتال و دشمنی برخیزند، البته شما مؤمنان بین آن ها صلح برقرار سازید و اگر یکی از آن ها بر دیگری



ظلم کرد، با آن ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا باز آید." در احادیثی که از امامان معصوم درباره حقوق مؤمنان و رابطه مردم در اجتماع آمده چند نمونه بیان می شود: امام صادق فرمود: "مسلمان برادر مسلمان است به منزله چشم اوست [خوبی ها و بدی هایش به او می نمایاند]. همانند آینه او است [زشتی ها و زیبایی هایش را نشان می دهد]. راهنمای او است هرگز شخص مسلمان به برادر خود خیانت نمی کند، به او ستم روا نمی دارد، در کارش نیرنگ و خدعه به کار نمی برد، به او دروغ نمی گوید، و عیب جوئی و غیبت او را جایز نمی شمارد." (اصول کافی شیخ کلینی ج ص ۱۶۶ و ۱۷۴). هم چنین آن حضرت در حدیث دیگری فرمود: "مسلمان برادر مسلمان است به او ظلم نمی کند، او را خوار و کوچک نمی شمرد، به او خیانت نمی کند، و سزاوار است بر مسلمین که سعی و کوشش کنند در هم کاری نمودن و مساعدت و یاری هم دیگر و کمک به کسانی که نیازمند هستند و عنایت و توجه نمایند بعضی بر بعضی دیگر، تا آن که چنان باشند که خداوند بدان امر کرده" (همان ) "رُحِمَاءُ بَيْنَهُمْ اشاره به آیه ۲۹ سوره فتح است که می فرماید: "محمد فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوی دل و سخت و با یک دیگر بسیار مشفق و مهربانند."

باز آن حضرت در روایت دیگری امام صادق فرموده اند: "برای برادر مسلمان دوست بدار، آن چه را برای خودت دوست داری اگر به چیزی احتیاج پیدا کردی از او بخواه و اگر

او به چیزی احتیاج پیدا کرد، از او مضایقه مکن از خدمت و احسان در حق او خودداری و اظهار ملال مکن و او هم نسبت به تو از نیکی ها، خودداری نکنند. پشتیبان او باش که او نیز پشتیبان تو است وقتی غایب است آبرویش را حفظ کن چون او از سفر برگردد، به دیدنش برو. او را تجلیل کن و گرامی بدار. او از تو و تو از او هستی" (همان ص ۱۷۰).

#### ۴- چرا در جامعه دزدی رواج یافته است؟

##### پرسش

۴- چرا در جامعه دزدی رواج یافته است؟

##### پاسخ

ج ۴- رواج و دزدی در جوامع به عوامل مختلفی بستگی دارد و جامعه ما هم مستثنی از این عوامل نیست .

۱- ضعف ایمان.

۲- فقر .

۳- بیکاری.

۱- ضعف ایمان : ضعف ایمان ناشی از کم توکلی است ، کسی که کم توکل است تمام عوامل و پدیده ها را از نگاه مادی می نگرد . ممکن است فردی در فقر زندگی کند. اما با قدرت ایمان و توکل به خداوند بر آن غالب شود و دست تبعدی به حقوق دیگران دراز نکند .

۲- فقر : امام صادق علیه السلام « می فرمایند : {کاد الفقر ان یكون کفرا} ایشان مرز کفر و فقر را بسیار نزدیک به هم معرفی می کنند . شکاف بین فقیر و غنی باعث می شود که فقر دامنه اش در جامعه گسترش یابد و دزدی و تعدی به اموال دیگران زیاد شود .

۳- بیکاری : این خصیصه را می توان زیر مجموعه فقر قرار داد. یعنی: وقتی کسی شغلی نداشته باشد و برای امرار معاش خود دچار مشکل باشد دست به دزدی می زند .

به هر صورت هر یک از عوامل فوق به اندازه ای بر رواج دزدی در جامعه تأثیر دارد و نمی توان منشأ همه دزدی ها را به یکی از عوامل فوق وابسته دانست در جامعه ما هم متأسفانه زمینه هر سه عامل فوق وجود دارد .

#### عکس العمل مقام معظم رهبری نسبت به تخلفات و مصرف نابجای بیت المال چیست ؟

##### پرسش

عکس العمل مقام معظم رهبری نسبت به تخلفات و مصرف نابجای بیت المال چیست ؟

## پاسخ

ایشان بارها فرموده اند من به طور خصوصی تذکرات فراوانی به برخی از مسؤولان می دهم و قاطعیت های به جایی نیز اعمال می دارند؛ ولی صلاح نیست همه چیز از رادیو و تلویزیون پخش شود. پخش بسیاری از این موارد ممکن است اثر عکس داشته باشد؛ مگر این که شرایط خاص دیگری پیش آید که مصلحت در اعلام عمومی باشد.

علاوه این که همه مشکلات با قاطعیت یک مسؤول حل نمی گردد و نیاز به تدبیر، سیاست و برنامه ریزی دارد. آنچه اهمیت دارد، اصلاح آحاد جامعه است؛ در غیر این صورت اگر همه کارمندی های یک اداره متخلف باشند، از دست رئیس اداره چه کاری ساخته است؟

نکته دیگر این که وظیفه مهم رهبری ترسیم سیاست های کلی نظام است و اگر یک مسؤول تراز اول در مسائل گوناگون و جزئی دخالت کند، از وظایف اصلی و مهم خود باز می ماند. }J

## آیا ظلم نیست که عده ای در خوشی زندگی می کنند و گروهی در فلاکت و بدبختی ؟

### پرسش

آیا ظلم نیست که عده ای در خوشی زندگی می کنند و گروهی در فلاکت و بدبختی ؟

### پاسخ

افراد بشر هم از نظر استعداد و هم از نظر شرایط اقتصادی و سیاسی در وضعیت های مختلفی قرار دارند. این تفاوت به دلیل اهداف و فلسفه خاصی است که بر جریان آفرینش انسان حاکم است. [PRG] شما دنیایی را فرض کنید که همه انسان های موجود در آن از نظر شرایط فکری، اقتصادی و... یکسان بودند و هیچ تفاوت و تغییری نیز در آن حاصل نبود، آن گاه شکل زندگی و حیات اجتماعی به چه صورتی در می آمد؟ آیا در این صورت کارخانه ای به گردش در می آمد و زمینی کاشته می شد؟ مسلماً نه! چرا که کسی به کس دیگری نیازی ندارد و همه یکسان فرض شده اند. هم چنین هیچ تحرّکی در آنان مشاهده نمی شد؛ چون هیچ کس از دیگری عقب نیست تا بخواهد به او برسد. می بینیم که نظام انسانی در این طبیعت، بنا به سلسله علل و اهداف آفرینش، به گونه ای خاص تنظیم شده است. لذا روزی روم و ایران دو ابر قدرت جهان و منبع ثروت و قدرت بودند و روز دیگر اروپا چنین می شود و سپس رو به زوال می گذارد. تمدن ها، قدرت ها و ... به وجود می آیند و با درگیر شدن با شرایط خاصی، متلاشی شده و از بین می روند و از خاکستر آنها تمدن جدیدی پا به عرصه وجود می گذارد. [PRG] فلسفه همه این حرکت ها، در تفاوت ها و اختلاف هاست؛ چنان که قرآن می فرماید: و من آیاته خلق السماوات والارض و اختلاف السنتکم والوانکم از آیات او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبان ها و رنگ های شماست {M، روم،

آیه ۲۲). [PRG] اگر از زاویه ای دیگر به بحث نگاه کنیم، خواهیم دید که بسیاری از ارزش ها در پرتو همین اختلافات شکل می گیرد. عدالت وقتی معنا پیدا می کند که ظلمی نیز مشهود و ملموس باشد و عدالت خواه نیز وقتی منصور است که ستمگری در کار باشد. در تقابل فقر و غنا نیز همین نکات وجود دارد. بسیاری از احساسات عمیق و ارزشمند انسانی در این تقابل ها شکل می گیرد. کتاب بینوایان که حاکی از احساسات متعالی درباره پدیده فقر است، از کجا نشأت گرفته است؟ [PRG] نکته دیگر در این باب آن است که تکالیف خداوند و بازخواست او از بندگان در قیامت، متناسب با امکاناتی است که در اختیار آنان قرار دارد. [PRG] حساب و بازخواست از اغنیا در قیامت و نیز مسؤولیت آنان در دنیا، با حساب فقرا و مسؤولیتشان برابر نیست. بنابراین روزی عدالت به طور کامل برقرار خواهد شد، اگر چه در دنیا و بر حسب ظاهر تفاوت ها به چشم بیایند. مسأله مهم دیگر، امتحان نمودن اقشار مختلف مردم است که فقیر و غنی به فقر و غنایشان مورد امتحان قرار گیرند. [PRG] علاوه بر آنچه گفته شد نباید ظلم ستمگران و تبهکاری دنیا طلبان را به حساب ناعدالتی خداوند گذاشت. چنان که معاویه در هنگام گفت و گو با ابوذر درباره کاخ سبز خودش استدلال کرد. خدا خواسته که من این چنین در رفاه باشم و شما در فقر باشید. ابوذر در مقابل گفت: خداوند رزقش را برای همگان نازل کرده است ولی تو در این میان رهنمی کرده و مانع شده ای. [PRG] علاوه بر آنچه گفته شد نباید ظلم ستمگران و تبهکاری دنیا طلبان را به حساب

ناعدالتی خداوند گذاشت. چنان که معاویه در هنگام گفت و گو با ابوذر درباره کاخ سبز خودش استدلال کرد، خدا خواسته که من این چنین در رفاه باشم و شما در فقر باشید. ابوذر در مقابل گفت: خداوند رزقش را برای همگان نازل کرده است ولی تو در این میان رهنمی کرده و مانع شده ای. برای آگاهی بیشتر در این مورد به کتاب «عدل الهی» (شهید مطهری) مراجعه فرمایید. }J

### نظر شما در مورد فساد اداری حاکم در دستگاه های اجرایی چیست ؟

#### پرسش

نظر شما در مورد فساد اداری حاکم در دستگاه های اجرایی چیست ؟

#### پاسخ

ما نیز در موضوع فساد اداری و لزوم مبارزه قاطع، با شما هم نظر هستیم و متأسفانه بسیاری از این امور به اسم اسلام تمام می شود.

### آیا این عدالت است که در جامعه ما یک فردی ۵۰ هزار تومان و فرد دیگری پانصد هزار تومان حقوق دریافت کنند؟

#### پرسش

آیا این عدالت است که در جامعه ما یک فردی ۵۰ هزار تومان و فرد دیگری پانصد هزار تومان حقوق دریافت کنند؟

#### پاسخ

یکی از مشخصه های اقتصاد سالم، این است که هر کس با توجه به ارزش کاری که انجام می دهد، مزد دریافت کند. اگر این قاعده به شکل صحیح اجرا شود، اختلاف دستمزد حتما وجود خواهد داشت؛ ولی نه به اندازه ای که ذکر کرده اید. آن هم به شکل وسیع. بلی، ممکن است اشخاص نادری با توجه به مهارت ها و تخصص هایی که دارند، درآمد بسیار زیادی را کسب کنند؛ ولی مسلماً این نمی تواند مسأله ای عمومی و وسیع باشد و در دستگاه های اجرایی و دولتی هم قابل توجیه نیست و موجب تحقق فاصله طبقاتی می گردد. }J

### چرا در کشور ما پارتی بازی و تبعیض وجود دارد؟

#### پرسش

چرا در کشور ما پارتی بازی و تبعیض وجود دارد؟

#### پاسخ

تبعیض و پارتی بازی و بی قانونی از بدترین آفت هایی است که می تواند ارکان یک جامعه را متزلزل نماید که متأسفانه همان گونه که نوشته اید در برخی جاها دیده می شود. وظیفه همه مسئولین و مردم رفع این ناهنجاری ها است.

ضمناً اگر موارد مستندی سراغ دارید می توانید به مسئولین مربوطه رجوع نمایید.

### **چرا با این که از بسیاری جهات خودکفا هستیم هنوز هم افراد بسیاری در شهرستان ها و روستاها از گرسنگی و فقر رنج می برند؟**

#### **پرسش**

چرا با این که از بسیاری جهات خودکفا هستیم هنوز هم افراد بسیاری در شهرستان ها و روستاها از گرسنگی و فقر رنج می برند؟

#### **پاسخ**

هر چند بررسی عوامل مشکلات اقتصادی و معیشتی در کشور نیازمند تحقیقاتی عمیق است اما به صورت مختصر می توان عوامل آن را به دو دسته (عوامل ارادی و غیر ارادی فقر) تقسیم کرد. گاهی فقر به سبب عواملی که خود فرد در ایجاد آن نقش داشته پدید می آید و گاهی فرد آگاهانه یا ناآگاهانه کاری می کند که نتیجه ای جز فقر ندارد این عوامل عبارت است از: ۱- تنبلی و استقامت نداشتن ؛ بسیاری از فقرها در تنبلی و پشتکار نداشتن افرا... ریشه دارد حضرت علی (ع) می فرماید هر کس بر رنج (ناشی از کار) بردباری نوزد باید فقر را تحمل کند. (الحیاه ج ۴, ص ۳۱۸) ۲- بی برنامه گی ؛ رمز موفقیت هر فرد داشتن برنامه ای متناسب با موقعیت خود و جامعه و تنظیم مخارج زندگی است در سطح کلان نیز کشورها با تنظیم برنامه های کوتاه و بلند مدت به سامان دهی وضعیت اقتصادی خود می پردازند. بنابراین بی برنامه گی و یا برنامه ریزی نادرست به پیدایش فقر می انجامد به همین جهت امام علی (ع) نداشتن برنامه در زندگی و سوئی تدبیر را عامل فقر دانس... ۳- (ه... ۳۲۱) بعضی از روایات نیز اسراف را سبب زوال نعمت دانسته اند. ۳- امامان معصوم (ع) گناه را سبب کم شدن روزی انسان و از عوامل فقر می دانند دسته ای از این روایات از گناهان خاص مانند دروغ, خیانت, گسستن

پیوندهای خویشاوندی، اسراف و ستم نام برده اند. (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۹۶) و بعضی دیگر به طور کلی گناه را موجب زوال نعمت دانسته اند. (همان، ص ۹۹۴) در مقابل بسیاری از روایت‌ها نعمت خداوند و وسعت روزی را به ایمان و تقوا و کردار نیکی چون خوش اخلاقی، امانت‌داری، دعا و صدقه وابسته ساخته‌اند. ۴- تکدی و اظهار نیاز؛ افرادی که خود را بدین کار می‌آلایند از تلاش دست برمی‌دارند و به درمان اساسی مشکل خود نمی‌اندیشند و حاضر نمی‌شوند دشواری آن را تحمل کنند در نتیجه روز به روز بر دامنه فقرشان افزوده می‌شود. ۵- دیدگاه غلط نسبت به دنیا و آخرت؛ گروهی چنان می‌پندارند که نیک بختی دنیا و آخرت، جمع‌شدنی نیست و اگر بخواهند در جهان دیگر کامیاب شوند باید در دنیا در فقر و بیچارگی به سر برند. اینان به سبب برداشت‌های نادرست از مفاهیمی پر ارزش مانند زهد، تقدیر و تصور نقش داشتن فرد در سرنوشت خویش تلاش اقتصادی ندارند و دچار تنگدستی می‌شوند اما در مقابل گاهی افراد در فقر خود نقش ندارند، بلکه این پدیده بر آنها تحمیل شده است و آنان ناگزیرند با آن دست و پنجه نرم کنند. مهمترین عوامل آن عبارت است از: الف) عوامل طبیعی: گاه حوادثی رخ می‌دهد که شیرازه زندگی‌ها را فرو می‌پاشد و زمینه‌ساز فقری جانکاه می‌شود، مهمترین عوامل آن عبارت است از حوادثی مانند زلزله، آتش‌سوزی، سرقت و

خشکسالی، جنگ و... البته برخی از آیات و روایات نشان می‌دهد که بخشی از این حوادث نتیجه کردار انسان‌هاست و بخشی دیگر برای آزمون و ایجاد زمینه ارتقای معنوی آن‌ها طراحی می‌شود. (شوری، ۳۰ روم، ۴۱، میزان الحکمه ج ۱، ص ۳۰۰ و ۳۰۳ و ۳۰۹) ب) عوامل اقتصادی: مهمترین عوامل پیدایش فقر تحمیلی را باید در عرصه اقتصاد جست و جو کرد و عامل اصلی در بین این عوامل نوع روابط اقتصادی حاکم بر جامعه است روابط ناسالم اقتصادی بر بسیاری از مردم تاثیر می‌نهد شکاف طبقاتی میان اقلیت پر درآمد و اکثریت تهیدست را فزونی می‌بخشد و ممکن است سرانجام اقتصاد کشور را فلج کند برای مثال اجرای اقتصاد سرمایه داری در کشورها توسعه نیافته می‌تواند پیآمدهای زیانبار در پی داشته باشد پیآمدهایی که هر یک از عوامل مهم ایجاد و گسترش فقر به شمار می‌آید بخشی از این آثار عبارت است از: ۱- توزیع ناعادلانه ثروت: در جوامعی که ثروت‌ها و منابع طبیعی که براساس آیات قرآن کریم برای بهره برداری فقر فراگیر می‌شود و به تدریج فاصله طبقاتی روز افزون می‌گردد. امام صادق (ع) می‌فرماید: آنچه بر سر فقرا، نیازمندان، گرسنگان و برهنگان می‌آید همه در اثر گناه توانگران است. (الحیاه، ج ۴، ص ۳۲۹) و در روایتی دیگر آمده: هر گاه میان مردم به عدالت رفتار می‌شد بی‌نیاز می‌شدند. (اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴۲) این سخن میزان تاثیر بی‌عدالتی در تنگدستی



جوامع را نشان می دهد. ۲- افزایش بی رویه قیمت ها: یکی از ویژگیهای اقتصاد سالم ثبات نسبی قیمت هاست تورم های لجام گسیخته آثار سوئی فراوانی در ابعاد مختلف اقتصاد بر جای می نهد بخشی از این آثار در توزیع درآمدها، پس انداز، تولید، بودجه دولت و موازنه تراز پرداخت ها قابل مشاهده است که هر یک به نحوی در پدیده فقر تاثیر می نهد. ۳- فقدان امکانات شغلی: بی کاری بلای اجتماعی، اقتصادی شناخته شده ای است که موجب از دست دادن حیثیت و کاهش تولید و پس انداز می انجامد و از عوامل مهم پیدایش و تشدید فقر شمرده می شود. ۴- ضعف مدیریت و تخصص نیروی انسانی: یکی از علل عمده فقر کشورها، فقدان مدیریت متخصص و کاردان در امور اقتصادی است آیات و روایات بسیاری، مؤمنان را از سپردن کارها به غیر متخصصان و ناآگاهان باز داشته است در قرآن کریم می خوانیم: ((ولاتوتوا السفهائ اموالکم التی جعل الله لکم قیاما" یعنی اموالتان را که خدا مایه سامان یابی زندگی شما قرار داده است، در اختیار کم خردان قرار ندهید))، (نسائی، آیه ۵). ۵- بازدهی پایین و عدم کارآیی در تخصیص منابع: بیش تر اقتصاددانان اقتصاد را به معنای استفاده بهیمة از منابع کمیاب می دانند هر کشوری که از منابع خود بهتر استفاده کند در توسعه موفق تر خواهد بود یکی از اشکال نادرست استفاده از این منابع که بسیاری از کشورهای جهان سوم از جمله ایران با آن دست به گریبانند، فروش منابع طبیعی به صورت خام است. کشورهای ثروتمند

و استعمارگران این منابع را به بهای ارزان می‌خرند و پس از انجام تغییراتی به بهای گزاف به صاحبان اولیه آن‌ها می‌فروشند و حتی گاهی از نیروی ارزان و نیز پس‌انداز همین کشورها در بانک‌های کشورهای توسعه‌یافته برای تبدیل این منابع استفاده می‌شود. ج) عوامل فرهنگی - اجتماعی : ۱- خودباختگی : گروهی از مردم کشورهای جهان سوم در اثر تبلیغات مسموم کشورهای ثروتمند، دچار باورهای غلط شده‌اند که نتیجه‌ای جز عقب‌ماندگی و فقر ندارد خودباختگان چنین می‌پندارند که کشورهای جهان سوم از نوآوری استعداد و نبوغ بی‌بهره‌اند و همیشه باید منتظر بمانند تا نظریه‌های علمی و اختراع‌ها و اکتشافات از سرزمین‌های توسعه‌یافته به سمت جهان سوم سرازیر شود. ۲- انحصاری بودن دانش و فن‌آوری : کشورهای توسعه‌یافته اغلب به جهت خوی استعمارگرانه‌شان از انتقال این ابزارها به جهان سوم جلوگیری می‌کنند یکی دیگر از نقشه‌های استعمار در جهان سوم فراهم ساختن زمینه برای فرار مغزهاست نتیجه این فعالیتها عقب‌ماندگی و فقر بیش‌تر این کشورهاست. ۳- اعتیاد، مفاسد اجتماعی و...: ترویج اعتیاد در سطح جامعه از دیگر عوامل اجتماعی فقر است. افکندن جوانان در دام اعتیاد، آسان‌ترین و موثرترین روش برای از بین بردن روحیه انقلابی و تلاش و فعالیت در یک کشور است و دشمنان برای رسیدن به اهداف خود از آن بهره‌می‌گیرند. د) سایر عوامل از قبیل : الف) انتخاب مدلی برای توسعه که به عدالت اجتماعی و ارزشهای اسلامی و

ملی توجه نشده بود. ب) محاصره های اقتصادی، سیاسی و... ج) مشکلات ناشی از بازسازی. د) خسارتهای ناشی از جنگ تحمیلی. ه) کاهش فاحش قیمت نفت پس از پیروزی انقلاب آن هم با توجه به تک محصولی بودن اقتصاد ایران که از سیاستهای استعماری حاکم بر ایران بوده است. و) تاثیر تورم جهانی بر اقتصاد داخلی. ز) رشد و افزایش بی رویه جمعیت. ح) تغییر الگوی مصرف در جامعه و پدیدار شدن یک سری نیازها که در گذشته نبوده و... مجموعه این عوامل سبب شده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی هنوز ما در بخشهایی از کشور شاهد مشکلات اقتصادی و فقر و... باشیم البته این مطلب بدین معنا نمی باشد که نظام جمهوری اسلامی ایران به این وضعیت راضی بوده و یا هیچ اقدامی را در جهت حل این مشکلات انجام نداده باشد بلکه بر عکس مسوئلین عالی رتبه نظام اسلامی خصوصاً "مقام معظم رهبری همواره نگرانی شدید خود را از وضعیت بد اقتصادی و مشکلات معیشتی طبقات محروم و مستضعف جامعه اظهار داشته اند و در این زمینه ضمن هشدار به مسوئلین می فرمایند: (در وضعیت کنونی ثروت در کشور می جوشد و کسانی هستند که می توانند ثروت های زیادی را به دست آورند و بسیار مجذوب آن می شوند و از یاد می برند که هدف آنها از قیام و مبارزه چه بوده است لذا در این برهه حساس که خطر فراموشی نیز وجود دارد توجه و مراقبت دولت مردان یک مسئله مهم و اساسی است)

و در جای دیگر ضمن تأکید لزوم رعایت بر عدالت اجتماعی در جامعه می فرمایند: (تمتع قشرهای مختلف مردم از امکانات مشارکت در امور باید متعادل باشد و به گونه ای عمل نشود که برخی افراد زرننگ حتی با استفاده از قوانین بتوانند در سایه مسئله مشارکت در امور ثروت های باد آورده جمع کنند لازمه وجود ثروت های کلان و باد آورده برخی ها، استمرار فقر و محرومیت برخی از فشرهاست و تا وقتی این وضعیت ادامه یابد فقر ریشه کن نمی شود) (روزنامه ایران، ۱۰ / ۶ / ۱۳۷۵) و در راه فقرزدایی و تحقق عدالت اجتماعی و بهبود بخشیدن به مشکلات اقتصادی اقشار آسیب پذیر جامعه از اوائل انقلاب تاکنون اقدامات اساسی و زیر بنایی زیادی توسط ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی مانند جهاد سازندگی، کمیته امداد و... صورت گرفته است ولی برطرف نمودن آن شکل کامل نیازمند حل اساسی زمینه ها و عوامل فقر و بسیج تمامی دستگاهها و امکانات دولتی و بالابردن سطح فرهنگ کار و تولید در جامعه و... می باشد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- سعید فراهانی خرد، نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام، ص ۳۹-۲ دکتر فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، ص ۱۸۳

### چرا در ایران اسلامی معضلاتی چون فقر، بی عدالتی، تبعیض، پارتی بازی، رشوه و مفاسد اداری وجود دارد؟

#### پرسش

چرا در ایران اسلامی معضلاتی چون فقر، بی عدالتی، تبعیض، پارتی بازی، رشوه و مفاسد اداری وجود دارد؟

#### پاسخ

اگر بخواهیم جانب انصاف را رعایت نماییم و واقعیات جامعه را در نظر بگیریم، باید بگوییم که انقلاب اسلامی ایران با هدف اجرای احکام و ارزش های الهی، دفاع از حقوق مظلومان، رعایت عدالت اجتماعی، نفی تبعیض و... شکل گرفت و به پیروزی رسید. از اول انقلاب اسلامی تا کنون، مسؤولان عالی رتبه نظام - چه در گفتار و ارائه خط مشی و اصول کلی نظام و تدوین برنامه های دولت و چه در عمل - همیشه بر این اصول تأکید و پافشاری داشته و برای بهبود سطح معیشتی، رفاه و... این اقشار اقداماتی انجام داده اند؛ بنابراین ما با شما در کلیت مواردی را که ذکر نمودید موافق نیستیم، زیرا بسیاری از مردم که قبل از انقلاب از وضعیت مناسب اقتصادی برخوردار نبودند، به برکت انقلاب اسلامی و برنامه های دولت از اقشار مستضعف، وضعیت مناسب تری دارند. و این با مراجعه به آمار، کاملاً قابل اثبات می باشد؛ مثلاً "مواردی که برای معافیت از سربازی در قانون وجود دارد، از قبیل تک فرزندی، نواقص جسمی، طرح معافیت فرزندان شهدا و جانبازان و آزادگان و اقوام درجه اول آن ها، طرح دوبرادری (عنایت رهبری)، خرید سربازی و... همه برای تمامی افراد جامعه اعم از ثروتمند یا مستضعف که شامل این قوانین بشوند، یکسان است. هم چنین تحصیل در دانشگاه های دولتی، بدون هیچ گونه تبعیضی و بر اساس ضوابط و

مقررات مربوط صورت می پذیرد. اما اگر منظور تان این است که در بعضی جاها تبعیض وجود دارد و یا حقی پایمال می شود، ما هم در این مقدار با شما موافقیم و مسئولین عالی رتبه نظام نیز ضمن اذعان به آن همیشه دغدغه و نگرانی خود را از این وضع اعلام داشته و به مسئولین مربوطه تذکرات و توصیه های لازم را ارائه نموده اند؛ در فرمان مبارزه با فساد و تبعیض که در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ به سران سه قوه ابلاغ گردید، شاهد آن بودیم. بررسی ریشه ای و پرداختن به علل و عوامل این قبیل مشکلات و نارسایی ها - که حتی مقدار کم آن نیز زاینده جامعه اسلامی نمی باشد - نیاز به بررسی دقیق علل و عوامل جامعه شناختی آن دارد که به اختصار مهم ترین آن ها را بیان می کنیم.

۱. وجود فقر در کشور تا حدودی ناشی از ساختار اقتصادی کشور، وابستگی به صادرات نفت، جمعیت زیاد، عدم رشد صنایع مادر، وابستگی در بسیاری از مواد صنعتی به خارج از کشور، مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی و سیاسی و... است. شاید بتوان مهم ترین عامل آن را عدم اجرای کامل عدالت اجتماعی در کشور دانست؛ چنان که مقام معظم رهبری می فرمایند: ((... در وضعیت کنونی، ثروت در کشور می جوشد و کسانی هستند که می توانند ثروت های زیادی را به دست آورند... عدالت اجتماعی بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخوردارهای نا به حق و محرومیت ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگام که

همواره مطمئن ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت حرکتی جدی و صادقانه انجام می گیرند...))، (آیت الله خامنه ای : حدیث ولایت ، ج ۱، ص ۲۸۷).

۲. درباره برخی از مسائلی که ذکر کرده اید (خریدن سربازی ، تحصیل در دانشگاه های آزاد و...) حتی کسانی که این قوانین را تصویب نموده اند، این دغدغه ها را نیز داشته اند، از همین رو این مسئله مورد مخالفت های زیاد و با فراز و نشیب بوده و هم اکنون نیز مورد مخالفت است .

۳. معضل پارتی بازی ، رشوه ، مفاسد اداری و... از منظر جامعه شناختی و روان شناختی دارای عوامل متعددی می باشد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱- ادامه و بقای فرهنگ فاسد و منحوس ۲۵۰۰ ساله پادشاهی در ایران از قبیل رشوه خواری ، پارتی ، روابط را مقدم بر ضوابط دانستن ، استبداد رأی جاه پرستی و سلطه پذیری و... .

۲- عدم تثبیت ارزش های اسلامی و قانون گرایی و پایبندی به ضوابط در حدی که مسؤول یا مدیر اداره خودش را خدمتگزار بدانند نه سوار بر مردم و... که این خود ناشی از عوامل مختلفی از قبیل : فقدان برنامه ای جامع و همه جانبه برای تربیت ، آموزش و توجیه آنان ، کم کاری یا بعضاً "عملکردهای غلط نهادهای فرهنگی کشور، سردرگمی مسؤولان امور فرهنگی و عدم ارائه برنامه منسجم فرهنگی ، فقدان اجماع نظر دولتمردان در کیفیت برخورد با این مسأله و... می باشد.

۳- عدم تصفیه کامل افراد در سطوح پایین بعد از وقوع انقلاب از یک

سو و رعایت نمودن مسائل اصیل اسلامی از قبیل: لیاقت و شایستگی، تعهد و تقوا، تجربه و مهارت و تخصص و... در گزینشها چنانچه حضرت علی (ع) در عهد نامه خود به مالک اشتر می فرماید: ((ثم انظر فی امور عمالک فاستعملهم اختیاراً" و لا-تولهم محاباه و اثره فانهما جماع من شعب الجور و الخیانه و توخ منهم اهل التجربه و الحیاء من اهل البیوتات الصالحه و القدم فی الاسلام المتقدمه...)) در امور و کارهای کارمندان و کارگزاران خود دقت کن و پس از اینکه آنها را امتحان نمودی به کار بگمار و در تعیین آنان چنین کن: قبل از این که آنها را به کاری بگماری آنانرا مورد آزمایش و امتحان قرار بده به خاطر تمایل خاص به شخصی کسی را به کاری منصوب مکن خود سرانه و بدون مشورت و یا استبداد رأی آنها را به کار مگمار زیرا اینگونه انتخاب و منصوب نمودن یعنی از روی تمایل شخصی و بدون مشورت و آزمایش خود ستمگری و ظلم و خیانت است و برای انتخاب کارمندان و کارگزاران دولت اینگونه افراد را انتخاب نما افرادی که اهل تجربه هستند و در کشاکش کارها ساخته و پرداخته شده اند اهل شرم و حیاء و عفت هستند از خاندانهای پاک دامن و صالح باشند سابقه و حسن سابقه آنها در اسلام بیش از دیگران باشد...))، (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و از طرف دیگر ضعف در بازرسی نظارت، حراست و مراقبت دولتی، حضرت آیت الله خامنه ای می فرماید: ((باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد

و به

دنبال‌گزینش خوبان نظارت بر کار آنان نیز ضرورت است چون مقام و قدرت غالباً "اخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می‌دهد بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیق نشود ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه، موجب بی‌اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند. لذا نظام انقلابی در چگونگی انجام امور توسط کارگزاران و مسؤولان باید نظارت مستمر به کار آنان داشته باشد." (فجر انقلاب در بهار قرآن ص ۲۰۳ و ص ۲۰۵).

۴- تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها پس از دوران دفاع مقدس مانند با ارزش شدن پول شهرت، مدرک گرایی، رفاه طلبی، و تجمل پرستی و... .

۵- اجرا نشدن امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی و همگانی که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه و اجزاء اداری و... می‌باشد حضرت علی (ع) در بستر شهادت به فرزندان خویش امام حسن و امام حسین (ع) چنین سفارش می‌نماید ((امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در این صورت اشرار شما بر شما حاکم می‌شوند سپس شما برای رفع آنها دعا کنید اما دعای شما اجابت نمی‌شود))، (نهج البلاغه، نامه ۴۷) و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این فریضه الهی در اصل هشتم در سه قسم مردم نسبت به یکدیگر دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت در نظر گرفته شده هر چند متأسفانه راهکارها عملی شده این فریضه مهم و اساسی



در جامعه تبیین و اجرا نشده است. بنابراین، تا حساسیت قابل توجهی که منجر به عزم ملی برای برخورد با این معضلات (رشوه خواری، پارتی بازی و...) به وجود نیاید، قطعاً این معضل همچنان باقی می ماند، هر چند بقیه عوامل نیز اصلاح بشوند. قرآن کریم می فرماید: ((ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند))، (سوره رعد، آیه ۱۱). در اندیشه سیاسی اسلام، انسان قادر به تغییر سرنوشت خویش و سمت دهی آن در جهت خواست خود و نیز اصلاح ساختار اجتماعی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود می باشد.

۶- وجود مشکلات و نارسایی های اقتصادی، ناکافی بودن درآمدها، وجود تورم و خلاصه عدم تأمین نیازهای معیشتی و رفاهی کارمندان.

۷- پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخص های مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود و باعث تغییر ارزش ها و با ارزش شدن پول و ثروت در نزد افراد جامعه گردید. با توجه به عوامل فوق و عوامل دیگری از این قبیل می توان به این نتیجه رسید که: تحت شرایط کنونی ایران، وقتی که پول و ثروت با ارزش شود و از یک طرف در انسان ها نیاز به انواع کالا به

وجود آید و هم زمان درآمدها کاهش یابد و در نتیجه انسان ها نیاز شدید به پول داشته باشند و از طرف دیگر امکانات برایشان فراهم نباشد و همه راه های مشروع بسته باشد و سیستم کنترل درونی (مذهب) آنها و سیستم کنترل بیرونی (نظارت دستگاه های مربوطه، امر به معروف و نهی از منکر) ضعیف باشد، آنها برای ارضاء نیازهایشان به راه های نامشروع از قبیل رشوه خواری، پارتی بازی و... روی می آورند، بنابراین هم چنان که ملاحظه می نمایم این چنین نیست که علت مفاسد اداری فقط به خاطر عدم نظارت مسئولین حکومتی و فقدان برخورد قاطع آنان باشد، بلکه مسأله بسیار ریشه ای تر و حل کامل آن نیز راه کارهای مناسب و بسیار دقیق، آن هم در طولانی مدت می طلبد، اما ما با شما موافقیم که باید با متخلفین برخورد بشود و این کار هم به کرات توسط دادگاه ها با متخلفین شده و می شود ولی در هر صورت باید به ریشه های آن پرداخت و امید می رود ان شاءالله با انجام اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، اداری و... به هیچ وجه شاهد این گونه ناهنجاری ها و تخلفات در جامعه اسلامی نباشیم. این نکته در خور توجه است که هم چنان که مسؤولان عالی رتبه نظام به کرات اعلام کرده اند که ما این انقلاب را برای تحقق احکام و ارزش های اسلامی شروع کرده و به پیش می رویم و تا دستیابی کامل به این هدف فاصله زیادی مانده است؛ بنابراین صرف وجود کشور اسلامی، علت تامه برای

برطرف شدن این گونه مفاسد اداری نمی باشد بلکه عوامل دیگری نیز دخیل می باشند که با فقدان آنها، عنصر مدیریتی ایده آل نیز در رسیدن به هدف تأثیر عمده ای نمی تواند داشته باشد. این عوامل عبارتند از:

۱- حاکم شدن ارزش های الهی خصوصاً " در سایر مراتب و رده بندی های بدنه اجرایی نظام از مسئولین گرفته تا رده های پایین (نظارت درونی).

۲- حل شدن مشکلات اقتصادی و معیشتی کارکنان و...

۳- نظارت دقیق و قاطع نسبت به عملکردهای کارکنان و مأموران و... (نظارت بیرونی) و برخورد با متخلفین.

۴- همکاری مردم با مسئولین و به وجود آمدن یک نوع عزم ملی در مبارزه با مفاسد اداری از قبیل رشوه خواری، پارتی بازی و... با ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر و برخورد با افراد متخلف.

۵- وحدت و همدلی میان جناح های سیاسی و مسئولان قوای سه گانه و سایر دستگاه های دولتی و بسیج کلیه امکانات برای برخورد با این گونه مسائل و حل ریشه ای آنان.

و در آخر ذکر این نکته لازم است که با وجود تمامی این مشکلات نظام اداری ما نسبت به سال های قبل از انقلاب و سایر کشورهایی که در وضعیت مشابهی با کشور ما بوده و دوران گذار و سازندگی و... را پشت سر می گذارند در وضعیت بسیار مناسب تری قرار دارد هر چند تا رسیدن به حکومت عدل الهی و تحقق خواسته های مشروع مردم عزیزمان راه طولانی در پیش داریم. اما درباره مقایسه اوایل انقلاب با وضع فعلی باید بگوییم که اهتمام جدی و بیش تر

جامعه و نظام اداری به رعایت ارزش های اسلامی و پرهیز از سوء استفاده، تبعیض، پارتی بازی، رشوه خواری و... در اوایل انقلاب نسبت به زمان کنونی، ناشی از عوالم مختلفی می باشد که به صورت مختصر عبارتند از:

۱. در دهه اول انقلاب جامعه تحت تأثیر فضای معنوی ناشی از وقوع انقلاب، دفاع مقدس و... بود که باعث تقویت همدلی، هم‌رنگی، پرهیز از مادیات و منافع شخصی، و به طور کلی ارزش های اسلامی در جامعه گردید؛ بنابراین تحت تأثیر این فضای حاکم، مفاسد اداری و اجتماعی کم تر مجال بروز پیدا می کرد؛ اما به دلایل متعددی، از جمله:

۱. کم کاری مسئولین و دستگاه های فرهنگی در تعمیق و تثبیت ارزش ها در جامعه؛

۲. رفتارها و اقدامات ناشایست بعضی از مدیران و کارگزاران نهادهای دولتی و نادیده گرفتن ارزش های اسلامی؛

۳. تغییر ارزش ها پس از دوران دفاع مقدس؛ مانند با ارزش شدن پول، شهرت، مدرک گرای، رفاه طلبی، تجمل پرستی و... به بهانه توسعه اقتصادی و اجتماعی و بر اثر تهاجم فرهنگی علیه ارزش های اسلامی و ملی؛

۴. به صحنه آمدن نسل جدیدی که باورها و یافته های آنان با نسل انقلاب متفاوت بود و فقدان برنامه ای جامع برای تربیت و توجیه آنان نسبت به ارزش های اسلامی. در روایات متعددی وجود فقر در جامعه اسلامی نکوهش شده و آثار مخرب اقتصادی، فرهنگی (ضعف عقیدتی و علمی، اضطراب و ناراحتی های روحی و...) و اجتماعی و سیاسی آن

بیان شده است . پیامبر اکرم (ص) می فرماید: ((اگر رحمت پروردگارم بر فقرا نبود، نزدیک بود فقر به کفر بینجامد))، (الحیاه ، ج ۴، ص ۳۰۹).

امام صادق (ع) می فرماید: ((چند چیز است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد، زندگی اش دچار کاستی و عقلش پریشان و ذهنش مشوش است : سلامتی ، امنیت ، وسعت روزی .))، (الحیاه ، ج ۴، ص ۳۰۳).

باید توجه داشت که هرگز فقر به تنهایی نمی تواند دنیا و آخرت انسان را به تباهی کشاند. چه بسیارند انسان هایی که با وجود فقر، توانسته اند دین و ایمان خود را حفظ کنند. البته چنان که پیش تر گفتیم ، خداوند هیچ فرد یا ملتی را تکویناً "محکوم به فقر نکرده است ؛ بلکه در نظام اقتصادی اسلام - بر خلاف نظام سرمایه داری و مارکسیسم - فقر از کمبود منابع طبیعی یا نهاد مالکیت خصوصی بر نمی خیزد. هرگاه نظام اقتصادی مورد قبول اسلام در جامعه محقق گردد و از پیدایش عوامل فقر جلوگیری شود، این پدیده به طور کلی رخت بر می بندد؛ زیرا بر اساس نصوص دینی ، منابع اولیه مورد نیاز همه انسان ها در طبیعت وجود دارد: ((وآتیکم من کل ما سألتموه و ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها؛ هر چه از او خواستید، به شما عطا کرد و اگر نعمت خدا را شماره کنید، نمی توانید آن را به شمارش آورید))، (سوره ابراهیم ، آیه ۳۴).

بنابراین ، بسیاری از عوامل فقر، انتخابی و ارادی می باشد؛ مانند: تبلی و عدم استقامت ، بی برنامهگی ، ارتکاب گناه ، دیدگاه

غلط نسبت به دنیا و آخرت، توزیع ناعادلانه ثروت، ضعف مدیریت و تخصص نیروی انسان، خودباختگی، انحصاری بودن دانش و فن آوری، اعتیاد و... که حل آن نیز به همت و کوشش انسان‌ها بستگی دارد. اما این که غنی، هم دنیا را در رفاه و هم آخرتش آباد باشد، در صورتی است که هم در کسب ثروت و هم در مصرف آن، از راه‌های مشروع و طبق موازین شرعی عمل بکند و بتواند از این ثروت در راه رضای خداوند و خدمت به بندگان استفاده نماید و الا چه بسیار ثروتمندانی که ثروت آنها وزر و وبال دنیا و آخرت می‌شود.

برای مطالعه بیشتر ر.ک :

فرامرز رفیع پوره توسعه و تضاد

فرامرز رفیع پوره آناتومی جامعه

علی ذو علم، انقلاب و ارزش‌ها

سعید فراهانی فرد، نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام

## عدل و میزان به چه معنا هستند؟

### پرسش

عدل و میزان به چه معنا هستند؟

### پاسخ

عدل و عدالت دارای مفهوم روشنی هستند عدل این است که انسان حق هر ذی‌حقی را بطور کامل بدهد ولی میزان وسیله‌ی سنجش است مثلاً کسی که فروشنده است و جنس را بوسیله‌ی ترازو می‌کشد و در اختیار مشتری قرار می‌دهد پرداخت جنس بهمان اندازه که مشتری استحقاق آن را داشته عدل است و ترازو میزان و وسیله‌ی سنجش و تشخیص اندازه‌ی استحقاق مشتری است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

**چه بسا عدالت اجتماعی، پی‌آمد اعتقاد به توحید شمرده می‌شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی‌توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟**

### پرسش

چه بسا عدالت اجتماعی، پی‌آمد اعتقاد به توحید شمرده می‌شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی‌توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

منظور از عدالتی که از پی آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به توحید و یگانه پرستی است که می تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی در آیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشبث در عقیده و پراگندگی در ایده نولوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسر و عملی نیست.

اساساً در جامعه ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد.

آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلاً سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بلکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون ثابت و عادلانه ای وضع کند، بلکه این کار تنها باید به دست خداوند

که آفریدگار همه است و اندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی و حکومت الهی آنان میسر است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

## تفاوت میان عدالت و ظلم چیست؟

### پرسش

تفاوت میان عدالت و ظلم چیست؟

### پاسخ

عدالت به معنای این است که حقّ هر کس را ارج نهند و با او به اندازه جایگاه و شایستگی اش رفتار کنند و ظلم در برابر آن عبارت است از ارج ننهادن به حقوق دیگران و در نظر گرفتن حدود اشخاص. بنابراین، ظلم دارای مفهومی گسترده است و شامل انواع تجاوز افراد به حقوق یکدیگر و نافرمانی انسان از خدا و بلکه شامل رفتار ناشایست و زیان رسانیدن انسان به خویش نیز می شود.

« بخش پاسخ به سؤالات »

## آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

### پرسش

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

### پاسخ

امروزه، عدالت اجتماعی همانند آزادی و دموکراسی و بعضی کلمات دیگر، ظاهری جالب و فریبنده دارد و برای همین است که در سرلوحه برنامه هر مکتب و حزبی این جمله به چشم می خورد.

مفهوم حقیقی عدالت اجتماعی حاکمیت قوانین عادلانه در اجتماع است که در زیر سایه چنین قوانینی، هر صاحب حقی بحقش برسد؛ استعدادها پرورش یابد و عقل ها بارور شود. به گونه ای که هیچ حقی نادیده گرفته نشود و از این رهگذر، کسی ستم نبیند. جامعه بشری به عنوان بخشی از جهان هستی، باید با نظام عادلانه آفرینش همانند و همسو باشد؛ حال برای اینکه بقوانین عادلانه جهان هستی بهتر پی ببریم، تا قوانین اجتماعی بر پایه آن، استنساخ کنیم،



به چهار آیه از قرآن کریم می‌نگریم:

۱ - در سوره فاطر (۴۱) می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا»؛ خداوند، آسمان‌ها و زمین را از نابودی حفظ می‌فرماید.

۲ - در سوره فرقان (۲۵) می‌فرماید:

«وخلق كل شيء فقدره تقديراً»؛ خدا هر چیز را آفریده و برای آن اندازه خاص مقرر فرمود.

۳ - در سوره آل عمران (۱۸) می‌فرماید:

«شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولو العلم قائما بالقسط»؛ خدا آگاه است که جز خودش خدایی نیست و فرشتگان نیز گواهند در حالی که جهان را به عدالت برپاداشته است.

۴ - در سوره فاطر (۴۳) می‌فرماید:

«فلن تجد لسنة الله تبديلاً ولن تجد لسنة الله تحويلاً»؛ هرگز در سنت خدا تغییر و تبدیلی نخواهد یافت.

از این چهار آیه می‌فهمیم که اولاً: یک قدرت بر تمام جهان مسلط است که هر موجود را به جای خود و همه جهان را مجموعاً نگهداری می‌کند. ثانیاً: هر

موجودی به اندازه معینی و دارای استعداد خاصی آفریده شده است؛ ثالثاً: میان موجودات از کوچک و بزرگ به قانون عدالت توازن و هم آهنگی برقرار گشته که از مجموع آنها واحدی به نام جهان تشکیل یافته و همه دارای یک نظم و یک روشند که همان قانون جهان یا سنّت خدا نامیده می شود؛ رابعاً: سنّت خدا که قوانین عالم باشد ثابت است و هرگز در آنها تغییر و تبدیلی رخ نمی دهد.

این مطالب را هم از آیات قرآن و هم از راه عقل و مشاهده احوال موجودات می فهمیم. افراد بشر نیز هم جزئی از این جهانند و ناچار محکوم این قوانین هستند.

جهان هستی به قدرت و عدالت برپاست. قدرت است که هر جسم را در جای خود نگاه می دارد و آن را از متلاشی شدن حفظ می کند. و عدالت تکوینی است که هر موجودی را آن گونه که باید در جایگاه شایسته قرار می دهد و همه را به کمال لایق خود می رساند. و در نتیجه این قدرت و عدالت است که هیچ چیز از حد خود تجاوز نمی کند و حد هر چیزی برای خودش محفوظ می ماند.

در جامعه بشری نیز باید قدرتی باشد که آن جامعه را از فروپاشی نگهداری کند و عدالتی باشد که هر طبقه و فرد را در حد خود قرار دهد و حد او را برایش حفظ کند تا نه کسی از حد خود تجاوز کند و نه کسی از حد خود محروم بماند.

در جهان قوانینی ثابت حکم فرماست که هر موجودی از آن تخلف کند، نابود می شود. برای بقاء نظام اجتماعی نیز به قوانین ثابتی نیاز است که هر جامعه ای آن

قوانین را شناسد و یا بشناسد و از آن پیروی نکند، روبه فنا می رود.

« بخش پرسش و پاسخ »

## علت این که فساد سراسر کشورهای اسلامی را گرفته است چیست آیا علت این نیست که دین ضامن اجرایی ندارد؟

### پرسش

علت این که فساد سراسر کشورهای اسلامی را گرفته است چیست آیا علت این نیست که دین ضامن اجرایی ندارد؟

### پاسخ

۱. کسی که این اشکال را می کند باید نخست کشورهای غربی را در نظر بگیرد و بالا بودن ارقام جنایات و جرایم و انحرافات گسترده که زندگی را در آن منطقه ها در ذائقه افراد تلخ نموده است مشاهده کند و با ممالک شرقی که نسبتاً تحت حکومت دین قرار دارند بسنجد تا معلوم شود تا چه اندازه ایمان و دین می تواند در برکناری انسانها از فساد و انحراف مؤثر باشد.

۲. بهترین و عالی ترین ضامن اجراء برای عمل به قانون عبارت از ایمان است و این حقیقتی است که با اندک تأمل قابل تصدیق می باشد زیرا اگر نفوذ ایمان و دین نباشد افراد تا آنجا که تحت سیطره قانون می باشند پیروی از قانون را تحمل می کنند ولی در مواردی که از قلمرو حکومت قانون خارج شدند مانند گوشه های مخفی که هیچ کس از آنها آگاهی ندارد از قانون تخلف می نمایند. اما ایمان و دین هر جا انسان باشد همراه انسان است و در اندیشه و فکر انسان را کنترل می کند و از تجاوز و ستم به طور کلی باز می دارد و علت وجود فساد و انحراف در کشورهای اسلامی عمل نکردن مسلمان به طور کامل به تعلیمات دینی است و این را باید به حساب تقصیر آنان گذارد نه به حساب نقص قوانین اسلام.

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ما است.

۳. در تجربه حکومت اسلامی نشان داده شد که احکام اسلام، باید همراه قدرت نیز باشد و نظام برای

کنترل اوضاع دخالت نماید. به همین دلیل است که امام «رحمه الله» فقه را فلسفه عملی حکومت می داند.

یعنی دستورات دین در بستر حکومت به نتیجه می رسند. برای جلوگیری فساد باید هم جنبه ایجابی یعنی قدرت، تبلیغ و امکانات ارشادی و هم جنبه سلیمی باز دارندگی از حرکات مفسدانه انجام گیرد.

۴. در کشورهای اسلامی غیر از جمهوری اسلامی هم فقط نام اسلامی یدک کشیده می شود و گرنه نظامها و دولتها هرگز اسلامی نیستند. با این وجود مقایسه مفسد و گرفتاریهای غرب و آنجا که دین حضور حتی کمرنگ دارد قابل مقایسه نیست.

« بخش پاسخ به سؤالات »

### عدالت اجتماعی در سیره امام علی (ع) چگونه بود؟

#### پرسش

عدالت اجتماعی در سیره امام علی (ع) چگونه بود؟

#### پاسخ

واژه عدالت، در مورد انسان دو گونه کاربرد دارد:

۱. گاه در مورد فعل انسان نسبت به خویش استعمال می شود؛ در این صورت، عادل به کسی گفته می شود که آنچه موجب سعادت اوست به جا می آورد و از کارهایی که برای سعادتش زیان بار است، دوری میگزیند/

۲. گاه واژه عدالت، در مورد فعل انسان نسبت به دیگری به کار می رود؛ بدین معنا که انسان با هر فرد از افراد جامعه، آن چنان که حق اوست، رفتار می نماید و هر کس را در جای مناسب خود قرار می دهد.

وقتی معنای اخیر عدالت در مورد همه شخصیت های حقیقی و حقوقی یک جامعه اعم از مردم و دولت، در نظر گرفته شود، مفهوم عدالت اجتماعی پدید می آید.

بر این اساس می توان گفت: «عدالت اجتماعی» آن است که در جامعه، حقوق همگان رعایت شود. در مقابل عدالت اجتماعی ظلم اجتماعی قرار دارد که به معنای پایمال کردن حقوق دیگران است.

امیر مؤمنان علی (ع) را شهید عدالت نامیده اند. روشن است عدالتی که زمینه ساز به شهادت رسیدن آن حضرت شد، عدالت در بعد اخلاقی و فردی نبود، - هر چند عدالت فردی به معنای صحیح آن از عدالت اجتماعی انفکاک پذیر نیست - /

در واقع، عدالتی که سبب به شهادت رسیدن آن امام همام گردید، عدالت در بعد اجتماعی و نوع تفکر مخصوصی بود که آن حضرت درباره عدالت اجتماعی داشت، تفکری که نه تنها بارها و بارها در ضمن سخنان خویش بر آن تأکید می ورزید، بلکه

در طول عمر مبارک خویش بویژه در دوران کوتاه حکومتش در عمل به شدت بدان پایبند بود و

اندکی در این راه مسامحه و انعطاف را روا نمی دانست تا آنجا که نسبت به نزدیک ترین کسان خویش نیز آن را اجرا می کرد، که در این مورد داستان برخورد آن حضرت با برادرش عقیل مشهور است.

شخصی از آن حضرت پرسید: «ایهما افضل؟ العدل ام الجود»، عدل برتر است یا جود؟ فقال(ع): «العدل يضع الامور مواضعها و الجود يخرجهما من جهتها» {۱} حضرت در پاسخ فرمود: عدل بهتر است زیرا عدل هر چیزی را در جای خود قرار می دهد و هر حقی را به ذی حق واقعی خود می رساند، اما جود و بخشش، امور را از محل و مدار خود خارج می سازند، {۲} سپس فرمود: «و العدل سائسٌ عامٌّ و الجود عارضٌ خاص» {۳} عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل می شود. عدالت سائس و اداره کننده عموم است و پایه و مبنای زندگی عمومی است اما جود و بخشش حالتی استثنایی است که در موقع خاص کسی به کسی می بخشد و ایثار می کند/

جود و ایثار را نمی توان مبنای اصلی زندگی عمومی قرار داد و بر اساس آن مقررات و قانون وضع کرد. زیرا در این صورت دیگر جود و بخشش نام نمی گیرد زیرا ایثار و جود زمانی ایثار و جود است که هیچ قانون و مقررات حتمی و لازم الاجرا نداشته باشد و آدمی تنها از روی کرم و بزرگواری و گذشت و نועدوستی جود و ایثار کند؛ لذا اگر در جامعه جود نباشد آن قدر مشکل پیش نمی آید که در صورت عدم وجود عدالت پیش می آید.

پاسخ آن حضرت که عدل را از جود بالاتر می داند به روشنی نشان می دهد که

آن حضرت با نظر به بعد اجتماعی عدالت این سخن را فرموده اند زیرا افزون بر این که از نظر فردی جود بالاتر از عدل است - و علمای اخلاق نیز به این مطلب اذعان دارند - کسی که تفکر اجتماعی ندارد و با مقیاس های فردی محاسبه می کند، هیچ گاه عدل را از جود بالاتر نمی داند چرا که شخص عادل کسی است که در آن حد از کمال انسانی است که به حق دیگران تجاوز نمی کند اما آن که جود می کند و ایثار می نماید نه تنها به حقوق دیگران تجاوز نمی کند بلکه از مال و دسترنج خود و از حق خویشتن گذشته و آن را به دیگران می بخشد، بنابراین از دیدگاه فردی جود از عدل بالاتر است.

اما از دیدگاه اجتماعی درست به عکس است، زیرا عدل در اجتماع به منزله پایه های ساختمان است و جود و احسان به منزله رنگ آمیز و نقاشی و زینت ساختمان، اول باید پایه درست باشد تا آنگاه نوبت به زینت و رنگ آمیزی برسد. اگر خانه از پای بست ویران باشد، دیگر چه فایده که خواجه در بند نقش ایوان باشد؟ اما اگر پایه محکم باشد، در ساختمان بی زینت هم می توان زندگی کرد، ممکن است ساختمان فوق العاده از نظر زینت و رنگ آمیزی خوب باشد اما چون پایه اش سست است با یک باران بر سر اهلش خراب می شود.

این پرسش و پاسخ به روشنی نشان می دهد که آن حضرت عدالت را از بعد اجتماعی می نگریسته و همین مسأله است که در سیره حکومتی آن حضرت نمود یافته تا آنجا که می توان گفت: عدالت برای آن حضرت به صورت یک فلسفه اجتماعی اسلامی مطرح

بوده و آن حضرت عدالت اجتماعی را از هر چیز دیگری بالاتر می دانسته و سیاست خود را بر مبنای همین اصل تأسیس کرده بود و می بینیم که در این راه هیچ منظور و هدف دیگری نمی توانست آن حضرت را از اجرای عدالت باز دارد و در واقع همین مسأله بود که مشکلات زیادی برای او در طول دوران حکومتش ایجاد کرد.

در پایان سخن، تنها به ذکر چند نمونه از سیره حکومتی آن حضرت که به خوبی جایگاه عدالت اجتماعی در آن روشن می شود، بسنده می کنیم:

۱. درباره قتیب عثمان - یعنی اراضی که متعلق به همه مسلمانان بود و خلیفه سوم آنها را در اختیار اشخاصی خاص قرار داده بود - فرمود: «و الله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملک به الامأ لرددته، فان فی العدل سَعٌّ»؛ {۴} بیت المال تاراج شده را هر کجا بیابم به صاحبان اصلی آن باز می گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است/

۲. عمرو عاص در نامه ای به معاویه نوشت: «ما کنت صانعا فاصنع، اذا قشرك ابن ابی طالب من کل مال تملکه کما تقشر عن العصالها»؛ {۵} هر کاری از تو ساخته است بکن که پسر ابی طالب هر چه داری در این مدت جمع کرده ای از تو باز پس خواهد گرفت، و از تو جدا خواهد کرد، آن گونه که پوست عصای دستی را از آن جدا می کنند.

۳. عبدالله بن زمعه {۶} که یکی از یاران آن حضرت بود، در زمان خلافت آن حضرت نزد وی آمده و درخواست کرد که از بیت المال، مالی به او ببخشد، آن حضرت در



پاسخ فرمود: «ان هذا المال ليس لي ولا لك و انما هو في للمسلمين، جلب اسيا فهم، فان شركتهم في حربهم، كان لك مثل حظهم»؛ {۷} این اموال که می بینی نه مال من و نه از آن تو است، غنیمی گرد آمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آوردند، اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی همچون سهم آنان داشتی /

به هر حال نمود عدالت آن خورشید فروزان عالم هستی چنان است که نویسنده ای مسیحی درباره آن حضرت کتابی می نویسد و عنوان آن را علی صدای رسای عدالت انسانی قرار می دهد. {۸}

[۱]. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷ /

[۲]. لازم به یادآوری است که این کلام به معنای مذمت جود نیست؛ چنان که توضیح داده خواهد شد /

[۳]. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۴۳۷ /

[۴]. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۵ /

[۵]. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۷۰، چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی /

[۶]. عبدالله بن زمعه کسی است که پدر و عمو و برادرش در جنگ بدر به دست مسلمانان کشته شدند، جد او أسود، رسول خدا را فراوان آزار می داد، اما او از یاران امام علی (ع) شد و فکر می کرد، در تقسیم بیت المال به او بیشتر توجه می شود، اما پاسخ قاطع امام او را بیدار کرد /

[۷]. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۲۳۲ /

[۸]. علی و حقوق بشر، جورج جرداق، ترجمه عظامحمد سردارپناه، مؤسسه انتشارات فراهانی تهران /

**چرا کسی به فکر وضع معیشتی مردم نیست؟ چرا عده ای خانه و ماشین آن چنانی دارند؟ وعده ای به زحمت می توانند نان شبشان را تهیه کنند؟ چرا در یک مملکت اسلامی کسی به فکر تهیدستان نیست .**

**پرسش**

چرا کسی به فکر وضع معیشتی مردم نیست؟ چرا عده ای خانه و ماشین آن چنانی دارند؟ وعده ای به زحمت می توانند نان شبشان را تهیه کنند؟ چرا در یک مملکت اسلامی کسی به فکر تهیدستان نیست .

**پاسخ**

خوشبختانه در این روزها شاهدیم مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس ششم، در رهنمودهای خود، مهم ترین مسئله ای را که مطرح کردند، وضع معیشتی مردم بود. همهء مسئولان جمهوری اسلامی ایران از این مسئله رنج می برند و

منتظرند به تدریج وضع اقتصادی مردم بهبود یابد. همان طور که شما اشاره کردید، این وضع بسیار تأسف بار و رقت آمیز است که عده ای این همه اموال باد آورده را جمع و ذخیره واسراف کنند و عده ای به نان شب خود محتاج باشند! برای تعدیل ثروت ها و کمک به خانواده های مستضعف و آسب پذیر باید فکری جدی کرد. نباید منتظر اقدامات آینده و وعده سرخرمن شویم. باید همه ملت مسلمان دست در دست یک دیگر و با بسیج عمومی به یاری تهیدستان بشتابند و حال که مسئولان و دولتمردان نمی توانند کاری اصلاحی برای مردم انجام دهند، کسانی که وضع نسبتاً خوبی دارند، گذشت و فداکاری کنند و به یاری نیازمندان بشتابند.

**در شهری که بنده زندگی می کنم، تبعیض هایی در سطح ادارات به چشم می خورد. یک عده که وضع مالی خوبی دارند و شاید چند جا خانه داشته باشند، در بهترین نقطه شهر به آنان زمین واگذار می شود، ولی به افرادی که نه خانه دارند و نه امکاناتی، در جاهای پست با هزار مشکلا**

### پرسش

در شهری که بنده زندگی می کنم، تبعیض هایی در سطح ادارات به چشم می خورد. یک عده که وضع مالی خوبی دارند و شاید چند جا خانه داشته باشند، در بهترین نقطه شهر به آنان زمین واگذار می شود، ولی به افرادی که نه خانه دارند و نه امکاناتی، در جاهای پست با هزار مشکلات پس از مدت ها یک قطعه زمین می دهند! تقاضای کم این مطلب را به مسئولان متذکر شوید.

### پاسخ

برادر عزیز و گرامی! از جنابعالی تشکر می کنیم. مشکلی که مطرح کرده اید، متأسفانه فراگیر است. شاید در بیشتر مواضع و در بخش های مختلف، این تبعیض ها وجود دارد و این ناشی از فساد اداری است که باید تحوّل جدی در نظام ادارات کشور به وجود آید. اگر با این گونه تبعیض ها که فراوان است، مبارزه جدی بشود، بسیاری از بدبینی ها و ناهنجاری های جامعه افول پیدا می کند. ما سعی می کنیم مشکل شما را به مسئولان و در صورت توان به فرماندار سراوان ابلاغ کنیم و نامه ای به فرماندار می نویسیم تا بدانند این تبعیض ها به گوش مقامات می رسد.

**چرا مسئولان کشور از فرماندار و شهردار یک شهر کوچک تا استانداران، وزرا و نمایندگان مجلس و رؤسای سه قوه مانند اکثر مردم زندگی نمی کنند، بلکه از بهترین امکانات زندگی، ساختمان ها و اتومبیل ها برخوردارند در حالی که اکثر مردم از ابتدایی ترین امکانات بی بهره اند**

### پرسش

چرا مسئولان کشور از فرماندار و شهردار یک شهر کوچک تا استانداران، وزرا و نمایندگان مجلس و رؤسای سه قوه مانند اکثر مردم زندگی نمی کنند، بلکه از بهترین امکانات زندگی، ساختمان ها و اتومبیل ها برخوردارند در حالی که اکثر مردم از ابتدایی ترین امکانات بی بهره اند و در فقر و فلاکت دست و پا می زنند؟!

برادر گرامی، غصه ها و درد دل های شما را به یاد داستانی انداخت که می گویند: روزی حضرت امیرالمؤمنین از راهی می گذشت. صدای گریه ای شنید. به سوی او رفت و از وی دلجویی کرد. سپس پرسید ای بنده خدا چرا گریه می کنی؟

آیا گرسنه ای، تشنه ای یا بیماری تا به شما کمک کنم؟ آن شخص گفت: نه، به من ظلم شده است. من مظلوم واقع شده ام. حضرت فرمود: پس بیا با هم گریه کنیم. با هم فریاد بزنیم که من هم مثل تو مظلومم. چه کسی همانند من ظلم شده است؟

قسمتی از غصه ها و ناراحتی های ما از قلم شما بیان شده است. اگر چه نمی خواهیم بگوییم هیچ صاحب منصبی نیست که به درد دل های مردم محروم و مستضعف توجه کند، چرا هستند، اما این گونه افراد دلسوز که بخواهند همانند اکثر مردم زندگی کنند، در میان صاحب منصبان آن قدر کم اند که تحت الشعاع و دور از انظار عمومی مردم قرار گرفته اند. قبول داریم که هر چه از زمان صدر انقلاب فاصله می گیریم، فاصله شیوه زندگی برخی از صاحب منصبان با اکثر مردم بیشتر می شود، اما تذکر سه نکته را لازم می بینیم:

۱ - آیا شیوه زندگی همه صاحب منصبان و دولت مردان حکومت حضرت علی (ع) مثل خود آن حضرت زاهدانه و هم سطح زندگی آحاد مردم

بود؟

برای این که واقعیات موجود آن عصر را بهتر متوجه شویم، لازم است خطبه ها و نامه های حضرت را در نهج البلاغه مطالعه کنیم. مخصوصاً نامه های زیر را که به اشخاص مختلف نوشته شده است و ما شماره آن ها را از روی نهج البلاغه با ترجمه فیض الاسلام ذکر کرده ایم:

۱ - نامه ۴۵، خطاب به عثمان بن حنیف، استاندار بصره؛

۲ - نامه ۴۳؛ به مصقله، والی بلادی از فارس؛

۳ - نامه ۴۱؛

۴ - درد دل های جان سوز آن حضرت را در نامه ۳۵ که به عبدالله بن عباس نوشته است بخوانید.

۵ - نامه های شماره ۲۰ و ۴۴ را که برای زیاد بن ابیه، معاون و جانشین عبدالله بن عباس که استاندار بصره و اهواز و فارس و کرمان بود، با دقت مطالعه کنید.

۶ - بالاخره نامه شماره سه را به "شریح بن الحارث" که منصب قضاوت کوفه را در زمان حضرت و خلیفه اول و دوم داشت، مطالعه نمایید که حضرت با شریح قاضی به خاطر خرید خانه مجلل چگونه خشمگینانه برخورد می کند.

۲ - رهبریت انقلاب، چه در زمان حضرت امام خمینی (ره) و چه در عصر حضرت آیت الله خامنه ای حفظ الله تعالی نه تنها پیوسته آحاد مردم مخصوصاً دولت مردان و صاحب منصبان را به ساده زیستی و قناعت و پرهیز از اسراف و همانند توده مردم زندگی کردن توصیه کرده اند، بلکه در زندگی شخصی هیچ گاه از بیت المال استفاده نمی کنند و بسیار ساده و زاهدانه زندگی می کنند. خانه شخصی رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای هم اکنون با یک فرش که متعلق به جهیزه خانمش است، همراه با چند قطعه موکت مفروش

شده است. فردی که مسئولیت خرید وسایل خانه رهبری را به عهده دارد، می گوید: روزی رهبری چند قطعه "قطیفه و حوله" قدیمی را به من داد و فرمود: این ها را ببر بفروش. گفتم: شما دختر عزب دارید. بگذارید برای جهیزیه دخترتان. فرمود: این ماه برای مخارج منزل کسری آوردم. این حوله ها را سال ها پیش از انقلاب از مال خودم خریده بودم. ببر بفروش، فعلاً به پول آن نیاز داریم.

آیا این گونه زندگی کردن رهبر انقلاب شباهتی به زندگی حضرت علی (ع) ندارد؟ اگر چه کسی نمی تواند عیناً مثل آن حضرت زندگی کند و به قول خود حضرت: "لا یقاس بآل محمد صلی الله علیه و آله من هذه الامه أحد و لا یسوی بهم من جرت نعمتهم علیه ابداً، هم اساس الدین، و عماد الیقین. الیهم ینفیء الغالی و بهم ینلحق التالی و لهم خصایص حق الولایه و فیهم الوصیه و الوراثه؛ هیچ کسی را نمی توان با آل محمد (ص) مقایسه کرد. آنان که از هر جهت از آل محمد بهره مندند، با آن ها برابر نیستند. آل محمد (ص) اساس دین و ارکان یقینند. هر آن که غلو کرده باید به سوی آنان بازگردد و هر که عقب گرد نموده. باید به آنان ملحق شود و ویژگی ها و اختصاصات ولایت و زعامت و حکومت از آن آنان است و وصایت وراثت پیامبر (ص) نیز در میان آنان است". (۱)

۳ - نبی مکرم اسلام (ص) خطاب به همه امت اسلام فرمود: "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة، همه شما (نسبت به دین و جامعه) نگهبانید و همه شما نسبت به آن چه که نگهبانید، مسئولیت دارید".

نگهبانی از قوانین و ارزش های دین و

پاسداری از حدود و ثغور احکام الهی، وظیفه قشر و صنف خاصی نیست، بلکه همه آحاد امت در پیشگاه حق تعالی باید پاسخگو باشند، آن روزی که خداوند فرمان دهد: "وقفوهم انهم مسئولون". (۲) هر کسی در هر مقامی است، موظف می باشد به اندازه سعی و توان خود در عمل و گفتار به توسعه و تحکیم مبانی احکام و قوانین و حکومت اسلامی پردازد و قرآن را در عرصه عمل، از "مجبوریت" خارج سازیم و گرنه اولین کسی که در قیامت در پیشگاه حق تعالی از ما شکایت خواهد کرد. (۳) پیامبر است.

آری بر اساس "حدیث ثقلین". (۴) تمام بدبختی بشریت به خاطر دور شدن از فرهنگ قرآن و فاصله گرفتن از تعالیم حیات بخش اهل بیت است. آن دو تا قیامت از هم جدا شدنی نیستند.

پی نوشت ها:

۱ - فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۲.

۲ - صافات (۳۷) آیه ۲۴.

۳ - "یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً" فرقان (۲۵) آیه ۳۰.

۴ - شیعه و سنی از پیامبر نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: "انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی، ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا ابداً، و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض".

**مدتی است دولت جمهوری اسلامی، خدمت سربازی را میفروشد و پول دارها می خرند و بی پول ها باید اجباراً به خدمت سربازی بروند. آیا این عمل از عدالت اسلامی است؟**

**پرسش**

مدتی است دولت جمهوری اسلامی، خدمت سربازی را میفروشد و پول دارها می خرند و بی پول ها باید اجباراً به خدمت سربازی بروند. آیا این عمل از عدالت اسلامی است؟

**پاسخ**

خدمت سربازی وظیفه همه مسلمانان است و بر همه واجب است که آمادگی نظامی داشته باشیم تا در مواقع نیاز بتوانیم از اسلام و کشور عزیزمان دفاع کنیم. بر پول دارها هم واجب است که به خدمت سربازی بروند، ولی در برهه ای از زمان به جهت مشکلات اقتصادی مجبور شدند که خدمت سربازی را بفروشند.

**آیا ارفاق کردن به طور مساوی به همه دانش آموزان صحیح است یا باید مثلاً به دانش آموز زرنگ مثلاً ۲ نمره اضاف داد و به ضعیف انمره؟ عدالت کدام است؟**

آیا ارفاق کردن به طور مساوی به همه دانش آموزان صحیح است یا باید مثلاً به دانش آموز زرنگ مثلاً ۲ نمره اضافی داد و به ضعیف ۱ نمره؟ عدالت کدام است؟

### پاسخ

عدالت این است که به هیچ کدام از دانش آموزان نمره اضافی و ارفاقی داده نشود و به هر دانش آموز به همان اندازه که استحقاق دارد نمره داده شود.

حال اگر معلمی خواست که نمره ارفاقی بدهد باید به هر دانش آموز بر اساس مزایای انضباطی و اخلاقی نمره اضافی بدهد و به آنان بفهماند که این نمره بر اساس انضباط و اخلاق است.

**وقتی که به مردم و جامعه خودمان نگاه می‌کنم احساس می‌کنم که به شدت جامعه ما طبقاتی شده است. جامعه روستایی و شهری و طبقات مختلف شهری وقتی این چیزها را می‌بینم ناراحت می‌شوم به طوری که حتی نسبت به دین و معنویت بی تفاوت می‌شوم علت این مسئله چیست؟**

### پرسش

وقتی که به مردم و جامعه خودمان نگاه می‌کنم احساس می‌کنم که به شدت جامعه ما طبقاتی شده است. جامعه روستایی و شهری و طبقات مختلف شهری وقتی این چیزها را می‌بینم ناراحت می‌شوم به طوری که حتی نسبت به دین و معنویت بی تفاوت می‌شوم علت این مسئله چیست؟

### پاسخ

برادر عزیز و دانشجوی گرامی! با درود و سلام خدمت شما امیدواریم در پناه خداوند متعال در تمامی مراحل زندگی.

در مورد سؤال شما باید عرض شود که جامعه ایران از قدیم یک جامعه طبقاتی بوده و حتی گوی سبقت از برخی از کشورها می‌رود در زمان های قبل از انقلاب که ما شاهد آن بودیم کأن روستائیان، خدمتکار شهرنشینان بودند. بایستی امکانات غذایی از قبیل شیر و ماست و پنیر و تخم مرغ و میوه را برای شهرنشینان تهیه بکنند و تحت فشار زندگی همراه با کمبودهای فراوان زندگی سختی را بگذرانند حتی اگر زنی از روستائیان می‌خواست زایمان کند یک وسیله نقلیه پیدا نمی‌شد او را به شهر برساند در همان روستا یا در بین راه از بین می‌رفت در روستاها نه بهداشتی در کار بود، نه جاده ای، نه تلفن، نه برق، نه مخابرات، نه پزشکی و درمانگاه. انقلاب اسلامی به وجود آمد. در حالی که شاه و دارو دسته او بسیاری از امکانات کشور را به خارج منتقل کردند و اموال زیادی را در کشورها و بانک های خارجی ذخیره کردند که هنوز هم فرزندان شاه معدوم و خاندان او از آن ها استفاده می‌کنند به اضافه پول های فراوان

و تجهیزات هواپیماهای جنگی و غیر جنگی که از آمریکا خریداری شده بود به ایران انتقال ندادند و اموال فراوانی در کشورهای غربی و آمریکا مصادره شد. در همین حال جنگی فرسایشی بر ایران تحمیل کردند و بیشتر شهرها و امکانات کشور را از بین بردند و اگر رشادت و جوانمردی مردم و به خصوص جوانان مؤمن این کشور نبود الآن هیچ برای ایران باقی نمی گذاشتند نه عزت و آبرویی نه امکاناتی. بعد از جنگ دوران سازندگی شروع شد در مدت کوتاهی تمامی شهرهای تخریب شده ساخته شد. کارخانه ها به کار افتاد راه ها ساخته شد حتی به روستاهای دور افتاده راه و برق و تلفن و حتی گاز رسانده شد دانشگاه های فراوانی ساخته و به راه انداخته شد و کشوری که قبل از انقلاب پر از پزشک های هندی و پاکستانی بود الآن آنقدر پزشک دارد که می تواند به کشورهای دیگر صادر بکند قبل از انقلاب مهندسان ما اجازه نداشتند حتی یک پیچ هواپیما را به دون اجازه مستشاران آمریکایی باز کنند الآن نه تنها انواع ماشین ها در داخل به دست متخصصان داخلی ساخته می شود بلکه صنعت هواپیماسازی و کشتی سازی شروع شده است. بحمدالله الآن زمینه رشد و تکامل در تمامی زمینه ها برای تمامی افراد مملکت فراهم است. باید همه همت کنند در این راه قدم های مثبتی بردارند. در این راستا طبیعی است که برخی از افراد با زرنگی ها و تدبیرها از برخی از امکانات سوء استفاده کنند و برای خود و خاندان خود امکانات ویژه ای را به جیب بزنند. دولت



باید جلوی باند بازی ها و زد و بند ها و رشوه خواری ها را بگیرد و نگذارد دزدان شب و غارتگران روز از این فرصت ها سوء استفاده کنند. بد عمل کردن برخی از افراد دلیل نمی شود که ما نسبت به اصل نظام و نسبت به اسلام بدبین بشویم.

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ما ست

## پارتی بازی در مسائل اجتماعی را توضیح دهید.

### پرسش

پارتی بازی در مسائل اجتماعی را توضیح دهید.

### پاسخ

پارتی بازی ربودن حق دیگران است. تضييع حق دیگران بدون رضایت آنان حرام است. افرادی که در جامعه زندگی می کنند باید حقوق مدنی خود و دیگران را مراعات کنند. از این رو در اسلام حق همسایگی کنار حق مسلمانی، برادری و خویشاوندی قرار گرفته است. ضایع کردن حقوق دیگران باعث هرج و مرج اجتماعی و قانون شکنی می شود. رعایت قانون از بدیهیات جامعه سالم انسانی است. در اسلام بر رعایت حق حیوانات تأکید فراوان شده، بنابراین پارتی بازی اولاً رعایت نکردن قوانین اجتماعی است، ثانیاً پایمال کردن حق دیگران است، ثالثاً در بعضی موارد باعث رواج عادت بد رشوه خواری بین کارمندان یا افراد دیگر می شود. در این صورت آنان که توانایی دادن رشوه ندارند با مشکلات رو به رو خواهند شد.

۱ آیت الله فاضل، جامع المسائل ج ۱، ص ۱۷۹، ص ۶۸۶.

۲ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۷.

۳ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۷۰.

۴ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۷.

۵ استفاد از مکاسب محرمة امام خمینی، ج ۱، ص ۲۸۵.

۶ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۲، ص ۹۶۸.

۷ همان، ج ۱ ص ۳۸۵.

۸ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۴۸۵.

۹ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۸.

## آیا گرانی تمام می شود، یعنی تا کی می خواهد ادامه پیدا کند؟

### پرسش

آیا گرانی تمام می شود، یعنی تا کی می خواهد ادامه پیدا کند؟

### پاسخ

اقتصاد دانان و مجریان امور اقتصادی می گویند: چون اقتصاد ایران از پایه و اساس خراب بوده و همه اش بر پایه نفت و ذخائر ارضی استوار بوده است برای بیرون رفتن از این وضع باید برنامه های طولانی مدت پنج ساله اول و دوم و سوم و... اجرا شود تا کم کم اقتصاد کشور سر و سامان بگیرد و روال و جریان طبیعی خود را بیابد. در این مدت طبیعی است که فشارهای زیادی بر مردم وارد می شود. برای این که این فشار کم تر بر مردم اثر بگذارد، دادن سوبسید برای ارزاق عمومی و برخی از اقلام دیگر این فشار را کم تر می کند. در هر صورت اقتصاد کشوری اگر بیمار باشد، مانند مریضی است که در بیمارستان بستری شده است باید بعضی از دردها را تحمل کند تا کم کم بهبودی حاصل شود. در این مدت با تنش ها و کمبودها و دردها همراه است و بخش ها را باید تحمل می کند. مسئولان اقتصادی کشور می گویند: همان طور که در زمان جنگ باید مردم شدائد و مصیبت ها و کمبودها را تحمل کنند، برای برون رفت از وضع بد اقتصادی باید مدتی تحمل و صبر و استقامت داشته باشند.

البته گرانی عوامل دیگر نیز دارد:

۱ بیجا مصرف شدن برخی از هزینه ها و تکرار کاری ها و ناهماهنگی بین ارگان های دولتی مثلاً اداره گاز و سازمان آب و شهرداری در برخی از مواقع هماهنگی نیست یک سازمان خیابان را می کند، پس از مدتی آن را آسفالت می کنند، دوباره اداره دیگر می کند. تکرار کارها و ناهماهنگی ها باعث هزینه های

سرسام آور می شود.

از خرج های بیهوده وجود روزنامه های متعدد است در حالی که تمامی مطالب آن ها تکراری و همناخت است

۲ وجود تبعیض و عدم نظارت بر استفاده صحیح از هزینه ها و مخارج باعث می شود که هزینه ها به برخی جاها می رسد و به برخی نمی رسد، مثل این که بودجه به برخی از مناطق شهر بیش تر می رسد و در برخی مناطق کم تر هزینه می شود.

در هر صورت تا عوامل گرانی برطرف نشود و تولید زیاد نشود و نظارت صحیح و قاطع در کار نباشد و جلوی اسراف کاری ها گرفته نشود، اقتصاد بیمار دیرتر بهبودی حاصل خواهد کرد. البته دست دشمنان خارجی و تحریم های خارجی نیز در این زمینه ها دخالت دارد.

**آیا اختلاف طبقاتی در جامعه باید باشد) اگر نه، پس چه کسی کارهای سطح پایین جامعه را انجام دهد؟ اگر آری، پس عدالت اجتماعی چه می شود؟**

**پرسش**

آیا اختلاف طبقاتی در جامعه باید باشد) اگر نه، پس چه کسی کارهای سطح پایین جامعه را انجام دهد؟ اگر آری، پس عدالت اجتماعی چه می شود؟

**پاسخ**

عدالت اجتماعی این است که روابط مردم با یکدیگر براساس عدالت و حفظ حقوق و عدم تجاوز به حقوق یک دیگر باشد و کسی به دیگری ظلم و تجاوز نکند و زمام داران و سردمداران حکومت حق مردم را رعایت نمایند و درباره آنان ستم نکنند.

مرتضی مطهری، بیست گفتار، ص ۴۹؛ مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۲۹۱، ماده عدالت.

بنابراین عدالت اجتماعی بدین معنا است که مردم اعم از زمامداران و اقشار مختلف جامعه حقوق یکدیگر را رعایت کنند و نسبت به همدیگر ستم روا ندارند. نه به این معنا که همه افراد جامعه رئیس جمهور باشند، یا رئیس مجلس باشند، یا استاد دانشگاه چون این مسئله، نشدنی است. اصولاً فلسفه زندگی اجتماعی بشر این است که انسان نیازهای گوناگون دارد و به تنهایی قادر نیست همه آن ها را برآورده کند. از این رو زندگی اجتماعی تشکیل داد تا با تعاون و همکاری یک دیگر به ضرورت های زندگی دست یابد.

پس عدالت اجتماعی وجود شغل ها و پست های مختلف در جامعه منافات ندارد. اگر در هر جامعه ای که ضرورتاً دارای افراد مختلف و پست های متعدد و شغل های متفاوت است، مردم حقوق متقابل را رعایت نمایند، عدالت اجتماعی برقرار است و اگر رعایت نکردند، عدالت اجتماعی لگدمال شده است.

پست ها و شغل های دولتی هم اگر طبق شایستگی افراد تقسیم شود و در هر مسندی فرد لایق گذاشته شود، مطابق عدالت اجتماعی است و اما اگر براساس پول

یا پارتی یا رشوه و یا ملاک های دیگری غیر از لیاقت اشخاص تقسیم کار نشود، برخلاف عدالت اجتماعی است.

## علت این که در جامعه اسلامی، فساد و تباهی وجود دارد چیست؟

### پرسش

علت این که در جامعه اسلامی، فساد و تباهی وجود دارد چیست؟

### پاسخ

علت فساد و تباهی در جامعه به دو گروه بر می گردد: گروهی که عامل به این امور هستند و به فساد و تباهی دامن زده و یا آن را گسترش می دهند و گروهی که نظاره گر این امور هستند. آنان که عامل فسادند و خودشان در آن غوطه ورنند، عوامل متعدّد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... می تواند علت آن باشد.

در بخش اقتصادی، کسانی که صرفاً به فکر منافع خود و تأمین هر چه بیشتر خواسته و شهوات هستند و اشتباهی سیری ناپذیر در جمع ثروت به هر طریق و تکاثر و زیاده خواهی دارند و در این راه در پایمال کردن حقوق دیگران و استفاده از هر ابزار و شیوه ای دریغ نمی کنند. در بخش فرهنگی که محسوس تر است، انواع و اقسام رسانه های ارتباطی با شیوه های مختلف تبلیغاتی و با وقت گذاشتن روی نیازهای غریزی انسان ها عمل می کنند.

جهان غرب به خاطر شهوت پرستی و زیاده خواهی و به جهت منافع اقتصادی و برای سلطه سیاسی و فرهنگی از هیچ کوششی در این مسیر فروگذاری نمی کند. با صرف نظر از علل ایجاد کننده فساد و تباهی و عاملین به آن ها، بخشی از این همه فساد مربوط به خود ما است که نظاره گریم.

اگر در جامعه اسلامی شاهد انواع فسادها می باشیم، به دلیل عمل نکردن به اسلام و دستورهای دین است.

از قرآن مجید و روایات معصومین استفاده می شود که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان و دعوت به حق و مبارزه با فساد ممکن نیست. از آیه "کنتم خیر امت أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و

تنهون عن المنكر و تؤمنون بالله". (۱) بر می آید که مسلمانان تا زمانی یک امت ممتاز محسوب می شوند که امر به معروف و نهی از منکر نمایند و هرگاه این دو را ترک کنند، نه بهترین امت اند و نه به سود جامعه بشریت خواهند بود.

امام باقر(ع) در این باره می فرماید: "امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آن ها بر پا می شوند و به وسیله این دو، راه ها امن می گردد و کسب و کار مردم حلال می شود. حقوق افراد تأمین می گردد و در سایه آن زمین ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می شود و در پرتو آن کارها سر و سامان می گیرد". (۲)

بنابراین اگر خواهان اصلاحات در بخش های مختلف اجتماع اعم از بخش های اداری، اقتصادی، قضایی، سیاسی و غیره می باشیم، باید فرهنگ نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه حاکم سازیم.

پی نوشت ها:

۱. آل عمران (۳) آیه ۱۱۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵.

### چرا در جامعه اسلامی شاهد این همه ظلم و ستم می باشیم، در حالی که خدا ناظر بر عمل ما است؟

#### پرسش

چرا در جامعه اسلامی شاهد این همه ظلم و ستم می باشیم، در حالی که خدا ناظر بر عمل ما است؟

#### پاسخ

اگر منظور، ظلم آحاد جامعه و عدم رعایت حقوق یکدیگراست، بدیهی است که یکی از علل اصلی آن را باید در ضعف ایمان و باورهای مذهبی جستجو کرد، زیرا علت و انگیزه ستم به فرمایش امام علی(ع) حرص، خودکامگی، جاه طلبی، خشم و کینه توزی است. همه این عوامل حاکی از فراموشی خدا و سست بودن عنصر ارزشمند ایمان به خدا است. کسی که خدا را در نظر داشته باشد و از حساب روز جزا بترسد، هرگز حقوق دیگران را پایمال نمی کند، بلکه از ستم هراس دارد، چنان که امام علی(ع) می فرماید: "به خدا سوگند! اگر شب ها را بر بستر خارهای سعدان به صبح آورم و دست و پام به غل و زنجیر کشیده شود، تحملش برایم بسی دلپذیر تر از آن است که در قیامت خدا و رسولش را در حالتی ملاقات کنم که به بنده ای از بندگانش ستم روا داشته یا از دنیا چیزی به ناحق بر گرفته باشم". (۱)

اما اگر منظور از سؤال ظلمی باشد که از سوی دستگاه های اجرائی بر مردم صورت می گیرد، باید آن را معلول عوامل زیر دانست:

بی کفایتی بعضی از مسئولان، عدم اجرای صحیح قانون، کوتاهی دستگاه های قضایی، فقدان قانون جامعه که جلو بی عدالتی

ها را بگیرد، اتخاذ تصمیم های عجولانه و ناپخته، عدم اطلاع کافی مسئولان از واقعیت های جامعه و یا نفوذ عناصر وابسته به اجانب و غیر متعهد. بر این باوریم که اگر به اسلام عمل شود

و مجریان قانون اولاً به احکام اسلام آشنا باشند، ثانیاً در اجرای آن خود را متعهد بدانند، ثالثاً از تجربیات کشورهای موفق بهره مند گردند، رابعاً خود را از مردم بدانند و دردهای آنان را حس نمایند و خامساً عنصر دنیاپرستی و هواپرستی را از خود دور کنند، دیگر شاهد ظلم و ستم در جامعه نخواهیم بود. امیدواریم این امر هر چه زودتر محقق گردد. البته باید اذعان کرد که با وجود کاستی‌ها، نظام اسلامی در مقایسه با نظام‌های دیگر، نقاط قوت بسیاری دارد و در مواردی در جهت تحقیق عدالت اجتماعی موفق بوده است مانند: گسترش خدمات عمومی مانند برق و گاز و تلفن و توسعه مراکز آموزشی و دانشگاهی و خودکفایی در بخش‌هایی از امور کشاورزی و صنعتی و قطع وابستگی‌ها و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود.

پی نوشت‌ها:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵ فیض الاسلام.

**زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین‌ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می‌کنند، آیا واقعاً آن‌ها می‌توانند وضعیت انسان‌های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟**

**پرسش**

زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین‌ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می‌کنند، آیا واقعاً آن‌ها می‌توانند وضعیت انسان‌های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟

**پاسخ**

حقیقت آن است که نباید همه رهبران حکومت اسلامی را زیر سؤال برده و آنان را متهم به ثروت اندوزی و دنیا گرایی نمود. رهبران حکومت اسلامی را می‌توان به سه گروه تقسیم نمود:

۱) عده‌ای از رهبران جامعه اسلامی، زهد و ساده زیستی را رعایت کرده و مانند توده مردم زندگی می‌کنند. نمونه بارز آن امام راحل(س) است که یکی از زاهدترین انسان‌ها بود. امروزه جهانیان وی را به عنوان رهبر موفق قبول داشته و ساده زیستی وی جهانیان را شگفت زده نموده است. امام نه تنها ساده زیست می‌نمود که همه رهبران و مسئولان حکومت را به ساده زیستی فرا می‌خواند.

در حوزه‌های علمیه نیز مراجع و رهبران دینی، ساده زیستی را رعایت نموده و ساده زندگی نمودن آن‌ها می‌تواند الگوی خوبی برای دیگران باشد.

۲) برخی از رهبران هستند که مانند گروه اول نیستند، ولی زندگی آنان به گونه‌ای است که در شأن یک رهبر جامعه اسلامی است و افکار عمومی نیز آنان را متهم به دنیا گرایی نمی‌کند؛ یعنی زندگی آنان قابل قبول بوده و تا اندازه‌ای درد و مشکلات مردم را درک می‌کنند. آنان کسانی هستند که در مسیر زندگی خود درد و رنج فقر را چشیده و یا در جامعه با فقیران و محرومان، در



ارتباط هستند؛ مضافاً بر این که برخی از این گروه به رغم آن که امکانات در اختیار دارند، به گونه ای زندگی می کنند که بین آن ها و مردم فاصله چندانی نباشد.

۳) گروهی از رهبران جامعه همان گونه که اشاره کرده اید کسانی هستند که ساده زیستی را رعایت نکرده و چگونگی زندگی آنان با شاخصه های جامعه دینی همسویی ندارد. اینان کسانی هستند که باید در رفتار خود تجدید نظر کنند. یکی از آسیب های جدی نظام جمهوری اسلامی ایران، عدم رعایت ساده زیستی می باشد که بارها حضرت امام (ره) به آنها هشدار داده است.

اینان باید بیشتر از همه سفارش امام علی (ع) را مورد توجه قرار دهند، آن جا که رهبران جامعه را به زهد فرا می خواند و یکی از علل آن را همدردی با فقیران می داند. امام علی (ع) یکی از علل زهد گرایی خود را همدردی با فقرا خوانده و فرمود: "چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی بهترین خوراک ها بکشاند، در صورتی که شاید در حجاز یا "یمامه" افرادی یافت شوند که امید یک قرص نان را هم ندارند و دیر زمانی است که شکمشان سیر نشده است؟! آیا سزاوار است شب را صبح کنم، در صورتی که در اطرافم شکم های گرسنه و جگرهای سوزان قرار دارد؟!". (۲)

یکی از علت های اساسی که حضرت امیر (ع) این شیوه را در زندگی خود بر گزیده، قرار گرفتن در رأس حکومت و رهبری جامعه اسلامی است. وظیفه رهبران و مسئولان جامعه اسلامی از این جهت بیشتر است. یکی از علت های آن آشنا

شدن بهتر با دردها و مشکلات انسان ها و چگونگی زندگی آن ها است تا زمانی که انسان با مشکلات و سختی ها زندگی نکند، نمی تواند مشکلات و سختی های دیگران و توده مردم را درک نماید. حضرت علی (ع) صراحتاً آن را در نامه خود به عثمان بن حنیف و خطبه ها و نامه های دیگر بیان داشته، در کلمات و سخنان امام (ره) و حضرت آیت الله خامنه ای نیز به آن اشاره شده است.

پی نوشت ها:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷.

۲. سیری در نهج البلاغه، ص ۲۲۷ ۲۲۸.

### **در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟**

#### **پرسش**

در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟

#### **پاسخ**

معنای اسلامی بودن یک کشور و مسلمان بودن افراد، این نیست که در آن جامعه همه شاخصه های عدالت رعایت شود. در جامعه ای که در صدد تشکیل جامعه آرمانی است و رهبر آن را انسان های غیر معصوم بر عهده دارند، نباید انتظار داشت که در آن حقوق همه انسان ها به صورت کامل و تمام رعایت شود و هیچ ظلمی در آن وجود نداشته باشد؛ زیرا برای از بین بردن ظلم و ایجاد عدالت در ابعاد گسترده آن، باید زمینه ها به وجود آمده و موانع رفع گردد. همه انبیا و رهبران الهی در صدد تشکیل مدینه فاضله بودند، ولی عملاً موفق نشدند، زیرا عدالت ستیزان نگذاشتند که قسط و عدالت به وجود آید. از سوی دیگر مردم نیز از نظر فکری به آن حد نرسیده بودند که خود به گسترش عدالت پرداخته و با ستمگران و ناهنجاری ها مبارزه همه جانبه داشته باشند.

بی تردید امام علی (ع) طلایه دار و منادی عدالت بود، ولی وی نیز نتوانست عدالت همه جانبه را به وجود بیاورد؛ زیرا افکار عمومی آمادگی پذیرش عدالت امام را نداشته و سیاست های عادلانه امام را دشمنان وی و حتی مردم عادی و در برخی موارد یاران او بر نمی تابیدند.

البته این مطلب را نباید از نظر دور داشت که در جامعه اسلامی ایران باید عدالت بیشتر از این رعایت شود و جامعه ما بهتر از این که است، باید باشد، زیرا در جامعه ای که

بر اساس قانون اسلامی اداره می شود و مردم آن را مسلمانان تشکیل می دهند، انتظار می رود که در آن عدالت بیشتر رعایت شود. بر اساس ضرورت حاکمیت عدالت است که بارها مقام معظم رهبری، مسئولان نظام را به برقراری عدالت و تبعیض زدایی فرا خواند. رسیدن به مهم ترین و اصلی ترین نیاز جامعه و انسان ها یا حتی نزدیک شدن به آن (که هدف از بعث پیامبران در قرآن برقراری قسط و عدل شناخته شده) تلاش همه جانبه ای را هم از طرف مردم مسلمان و هم از طرف مسئولان و حاکمان می طلبد.

دولتمردان باید سعی کنند که در تصمیم گیری ها و تعریف سیاست ها به گونه ای عمل کنند که زمینه های بی عدالتی از بین برود. مردم نیز باید با رعایت حقوق یکدیگر و پرهیز از زیاده خواهی و زیاده طلبی با عوامل بی عدالتی مبارزه کرده و عوامل و زمینه های گسترش عدالت را فراهم نمایند؛ زیرا حکومت و مردم مکمل یکدیگر در ایجاد و گسترش عدالت هستند.

### ۱- چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟

#### اشاره

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه

#### پرسش

چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه اسلامی، شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچوجه زیننده حکومت و جامعه اسلامی نبوده، و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی گونه های بی عدالتی در جامعه می باشد. بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود در جامعه را می توان در موارد زیر به صورت مختصر بیان کرد:

الف توجه جدی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزی های توسعه و سازندگی کشور:

پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخص های مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه، نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود.

این عامل در برخی از تحلیل ها و تحقیقات به عمل آمده، عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است. حضرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از این روند، می فرمایند:

"در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم

با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام، تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد" (۱).

در جای دیگر می فرمایند: "در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت ها باید مبتنی بر عدالت باشد، زیرا قسط و عدل از همه آرمان ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست، بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و جزء دیگر عبارت از عدالت است... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی، یا در مجموع برنامه ها ما را به هدف عدالت نزدیک کند، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست" (۲).

ب) برخورد فیزیکی، مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروت های نامشروع و بادآورده:

امام علی (ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدل خویش قرار دادند:

۱ مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان

۲ احیای سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال.

حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: "... با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروع زندگی مردم، جمع شود..." (۳).

در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه

قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر، عزم، همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می باشد.

ج) پیشگیری از پیدایش ثروت ها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راه های مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه، جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کارپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است. در این راستا مهم ترین اقدامات پیشگیرانه عبارتند از:

۱ اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران: امام علی(ع) می فرمایند: ان الله تعالی فرض علی ائمه العدل ان یقَدِّروا انفسهم بضعفه الناس، کیلا یتبغ بالفقیر فقره؛ خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده، خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند تا تنگدستی فقیر، او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد". (۴)

۲ زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان: حضرت علی(ع) در فرازی از عهدنامه مالک اشتر، در این زمینه می فرمایند: "والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد، کمتر حاضر به رعایت انصافند. وظیفه تو، آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی"، (۵).

۳ بازرسی، نظارت، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران: حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: "باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان، نظارت بر کار آنان نیز ضروری است، چون مقام و قدرت، غالباً اخلاق

و رفتار مسؤولان را تغییر می دهد، بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان، از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند..."، (۶).

(د) بالا بردن میزان آگاهی مردم: با بالا رفتن میزان آگاهی مردم، درک آنها از حقوقشان افزایش می یابد و بی عدالتی را نمی پذیرند و به انحاء مختلف برای دستیابی به حقوقشان می کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیم گیری های سیاسی افزایش می یابد.

(ه) توجه جدی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه: وجود ارزش های اسلامی مانند ایمان، تقوا و تعهد موجب اجرای عدالت در سطح جامعه می شود. قرآن کریم می فرماید: " اعدلوا هو اقرب للتقوی"، (۷) امام علی (ع) نیز می فرماید: " من قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه؛ هر که می خواهد به حلیه عدل و داد آراسته شود، می بایست هوا و هوس های گوناگون را از خود دور کند، (۸). برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه، تحقق باوری عمیق، درونی ریشه دارد عقلایی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه لازم است، به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، و انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاه ها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده، ایفا می کنند. باید این نظام ارزشی در

۱ رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ۲ ساختار کلان کشور ۳ برنامه های اجرایی، تبلور و تجلی یابد.

( و) فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصت های

مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات، اشتغال، مسکن و رفاه که در اصول متعددی از قانون اساسی ج.ا.ا. متبلور می باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ص ۴۸

شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶ محمدنقی نظریور، ارزشها و توسعه، ص ۱۹۶

علی ذو علم، انقلاب و ارزشها، ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴

دکتر فرامرزی رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۴۸۰

پی نوشت ها :

۱ - حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۲ - روزنامه رسالت، ۹/۳/۱۳۷۲.

۳ - حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۷.

۴ - نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵.

۵ - نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۱.

۶ - فجر انقلاب در بهار قرآن، ص ۲۰۳ و ۲۰۵.

۷ - مائده (۵) آیه ۸.

۸ - نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

پرسش: بعضی از خطیبان جماعت که در ماه های رمضان یا محرم به روستاها می فرستید، بر چه اصولی تعیین می گردند؟

بعضی از آنها حتی از سواد اولیه برای ارشاد مردم برخوردار نیستند و فقط بلدند برای مردم مصیبت تکراری بخوانند!

**پاسخ**

تبلیغ به معنای رسانیدن پیغام می باشد و در اصطلاح تبلیغ دینی به معنای رسانیدن و انتقال پیام دینی می باشد، آیات و روایات توصیه به تبلیغ و نشر فرهنگ دینی کرده اند،

قرآن کریم می فرماید: "الذین یبَلِّغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله و کفی بالله خسییا؛ آنان که پیام های خدا



را ( به خلق خدا) می رسانند و از او بیم دارند و جز از خدا از کسی دیگر نمی ترسند و (همان) خدا در مراقبت و نظارت بر اعمال بس است".

در ایام تبلیغ مبلغان

و مروجان احکام الهی جهت اقامه و عظم و ارشاد مردم به نقاط مختلف کشور می روند مناطق مختلف را با فرهنگ اصیل اسلامی و دینی خدا آشنا نمایند. در این راستا سعی شده از مبلغان و روحانیون در راستای توانایی های علمی و قدرت سخنوری استفاده شود. در این عرصه ممکن است نقیصه و کمبودی مشاهده شود یا شخصی از توان علمی لازم یا قدرت سخنوری شایسته برخوردار نباشد. اما در هر حال سعی می شود توزیع مبلغان در سطح کشور براساس توانایی مبلغ و میزان استقبال مردم از او به عمل آید و مبلغان با استفاده از ابزارهای تبلیغی و آشنایی با علم روز در جهت پاسخگویی به مشکلات دینی مردم موفق تر می باشند. اما در هر حال حرکت حوزه های علمیه مخصوصاً حوزه مقدسه قم براین اساس است که روحانیون و مبلغان حوزه ها، افرادی عالم و آگاه به مسایل علمی و مباحث روز باشند و با این ویژگی برای تبلیغ اعزام شوند و در دورترین نقطه ایران منشأ اثر و مروج دین باشند. حال ممکن است در این حرکت عظیم و گسترده تبلیغی کمبودی مشاهده شود یا مبلغی در انجام وظایف تبلیغی خود موفق نباشد که امید است با بررسی و بازبینی مجدد عملکرد افراد، این مشکل برطرف شود.

البته این بخش از دفتر تبلیغات اسلامی، مسئولیتی در مورد مبلغان اعزامی ندارد، بلکه صرفاً به منظور پاسخگویی به سؤالات اعتقادی، فقهی، تاریخی، اخلاقی و... تأسیس شده است.

**زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می کنند، آیا واقعاً آن ها می توانند وضعیت انسان های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟**

**پرسش**

زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می

کنند، آیا واقعاً آن‌ها می‌توانند وضعیت انسان‌های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟

## پاسخ

حقیقت آن است که نباید همه رهبران حکومت اسلامی را زیر سؤال برده و آنان را متهم به ثروت اندوزی و دنیا گرایی نمود. رهبران حکومت اسلامی را می‌توان به سه گروه تقسیم نمود:

۱) عده‌ای از رهبران جامعه اسلامی، زهد و ساده زیستی را رعایت کرده و مانند توده مردم زندگی می‌کنند. نمونه بارز آن امام راحل(س) است که یکی از زاهدترین انسان‌ها بود. امروزه جهانیان وی را به عنوان رهبر موفق قبول داشته و ساده زیستی وی جهانیان را شگفت زده نموده است. امام نه تنها ساده زیست می‌نمود که همه رهبران و مسئولان حکومت را به ساده زیستی فرا می‌خواند.

در حوزه‌های علمیه نیز مراجع و رهبران دینی، ساده زیستی را رعایت نموده و ساده زندگی نمودن آن‌ها می‌تواند الگوی خوبی برای دیگران باشد.

۲) برخی از رهبران هستند که مانند گروه اول نیستند، ولی زندگی آنان به گونه‌ای است که در شأن یک رهبر جامعه اسلامی است و افکار عمومی نیز آنان را متهم به دنیا گرایی نمی‌کند؛ یعنی زندگی آنان قابل قبول بوده و تا اندازه‌ای درد و مشکلات مردم را درک می‌کنند. آنان کسانی هستند که در مسیر زندگی خود درد و رنج فقر را چشیده و یا در جامعه با فقیران و محرومان، در ارتباط هستند؛ مضافاً بر این که برخی از این گروه به رغم آن که امکانات در اختیار دارند، به گونه‌ای زندگی

می کنند که بین آن ها و مردم فاصله چندانی نباشد.

۳) گروهی از رهبران جامعه همان گونه که اشاره کرده اید کسانی هستند که ساده زیستی را رعایت نکرده و چگونگی زندگی آنان با شاخصه های جامعه دینی همسویی ندارد. اینان کسانی هستند که باید در رفتار خود تجدید نظر کنند. یکی از آسیب های جدی نظام جمهوری اسلامی ایران، عدم رعایت ساده زیستی می باشد که بارها حضرت امام (ره) به آنها هشدار داده است.

اینان باید بیشتر از همه سفارش امام علی (ع) را مورد توجه قرار دهند، آن جا که رهبران جامعه را به زهد فرا می خواند و یکی از علل آن را همدردی با فقیران می داند. امام علی (ع) یکی از علل زهد گرایی خود را همدردی با فقرا خوانده و فرمود: "چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی بهترین خوراک ها بکشاند، در صورتی که شاید در حجاز یا "یمامه" افرادی یافت شوند که امید یک قرص نان را هم ندارند و دیر زمانی است که شکمشان سیر نشده است؟! آیا سزاوار است شب را صبح کنم، در صورتی که در اطرافم شکم های گرسنه و جگرهای سوزان قرار دارد؟!". (۲)

یکی از علت های اساسی که حضرت امیر (ع) این شیوه را در زندگی خود بر گزیده، قرار گرفتن در رأس حکومت و رهبری جامعه اسلامی است. وظیفه رهبران و مسئولان جامعه اسلامی از این جهت بیشتر است. یکی از علت های آن آشنا شدن بهتر با دردها و مشکلات انسان ها و چگونگی زندگی آن ها است تا زمانی که انسان با مشکلات و سختی

ها زندگی نکند، نمی تواند مشکلات و سختی های دیگران و توده مردم را درک نماید. حضرت علی(ع) صراحتاً آن را در نامه خود به عثمان بن حنیف و خطبه ها و نامه های دیگر بیان داشته، در کلمات و سخنان امام(ره) و حضرت آیت الله خامنه ای نیز به آن اشاره شده است.

پی نوشت ها:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷.

۲. سیری در نهج البلاغه، ص ۲۲۷ ۲۲۸.

**در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟**

**پرسش**

در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟

**پاسخ**

معنای اسلامی بودن یک کشور و مسلمان بودن افراد، این نیست که در آن جامعه همه شاخصه های عدالت رعایت شود. در جامعه ای که در صدد تشکیل جامعه آرمانی است و رهبر آن را انسان های غیر معصوم بر عهده دارند، نباید انتظار داشت که در آن حقوق همه انسان ها به صورت کامل و تمام رعایت شود و هیچ ظلمی در آن وجود نداشته باشد؛ زیرا برای از بین بردن ظلم و ایجاد عدالت در ابعاد گسترده آن، باید زمینه ها به وجود آمده و موانع رفع گردد. همه انبیا و رهبران الهی در صدد تشکیل مدینه فاضله بودند، ولی عملاً موفق نشدند، زیرا عدالت ستیزان نگذاشتند که قسط و عدالت به وجود آید. از سوی دیگر مردم نیز از نظر فکری به آن حد نرسیده بودند که خود به گسترش عدالت پرداخته و با ستمگران و ناهنجاری ها مبارزه همه جانبه داشته باشند.

بی تردید امام علی(ع) طلایه دار و منادی عدالت بود، ولی وی نیز نتوانست عدالت همه جانبه را به وجود بیاورد؛ زیرا افکار عمومی آمادگی پذیرش عدالت امام را نداشته و سیاست های عادلانه امام را دشمنان وی و حتی مردم عادی و در برخی موارد یاران او بر نمی تابیدند.

البته این مطلب را نباید از نظر دور داشت که در جامعه اسلامی ایران باید عدالت بیشتر از این رعایت شود و جامعه ما بهتر از این که است، باید باشد، زیرا در جامعه ای که

بر اساس قانون اسلامی اداره می شود و مردم آن را مسلمانان تشکیل می دهند، انتظار می رود که در آن عدالت بیشتر رعایت شود. بر اساس ضرورت حاکمیت عدالت است که بارها مقام معظم رهبری، مسئولان نظام را به برقراری عدالت و تبعیض زدایی فرا خواند. رسیدن به مهم ترین و اصلی ترین نیاز جامعه و انسان ها یا حتی نزدیک شدن به آن (که هدف از بعث پیامبران در قرآن برقراری قسط و عدل شناخته شده) تلاش همه جانبه ای را هم از طرف مردم مسلمان و هم از طرف مسئولان و حاکمان می طلبد.

دولتمردان باید سعی کنند که در تصمیم گیری ها و تعریف سیاست ها به گونه ای عمل کنند که زمینه های بی عدالتی از بین برود. مردم نیز باید با رعایت حقوق یکدیگر و پرهیز از زیاده خواهی و زیاده طلبی با عوامل بی عدالتی مبارزه کرده و عوامل و زمینه های گسترش عدالت را فراهم نمایند؛ زیرا حکومت و مردم مکمل یکدیگر در ایجاد و گسترش عدالت هستند.

### ۱- چرا حق انسان ها (عدالت) همیشه به درستی ادا نمی شود و انسان ها با هم برابری نمی کنند؟

#### پرسش

چرا حق انسان ها (عدالت) همیشه به درستی ادا نمی شود و انسان ها با هم برابری نمی کنند؟

#### پاسخ

آنچه در پاسخ به این پرسش و سؤالات مشابه در ابتدا باید توجه داشت، آن است که تمام مواردی که در آفرینش انسان ها و موجودات دیگر به عنوان نابرابری لحاظ می شود، تفاوت هایی است که در جهان وجود دارد، نه تبعیض ها.

فرق تفاوت و تبعیض آن است که در فرض تبعیض، چند موجود قرار دارند که همه شایستگی و حق یکسان دارند و به یکی داده می شود و به دیگری داده نمی شود یا کم تر داده می شود، اما در صورت تفاوت در آفرینش اصلاً حقی مطرح نیست یا دارای قابلیت های متفاوت هستند و به همان شکل داده می شود. در مورد آفرینش انسان، از ابتدا انسانی نبوده تا حقی مطرح باشد. بنابر این این تصور که از طرف خداوند حق انسان ها ادا نمی شود تصور صحیحی نیست.

از طرف دیگر دلیلی وجود ندارد که خداوند بین آفریده ها تبعیض قائل شود یا ظلمی بر کسی روا ندارد. چون تبعیض و ظلم یا ناشی از جهل است یا کمبود و نیاز و یا... در حالی که همه آفریده گان نسبت مساوی با خداوند داشته و همه آفریده او هستند و او از هر عیب و نقصی مبرا است.

اگر هم نابرابری ها در جامعه انسانی و مربوط به خود  $\Theta \dots \Theta$ ...ها باشد این بحث مستقل و جدا گانه ای است.

اما این که راز تفاوت های انسان ها برای چیست باید گفت: اشیا از نظر خوبی و بدی اگر تنها و منفرد و مستقل از اشیای دیگر در نظر گرفته

شوند، یک حکم دارند و اگر جزء یک نظام و به عنوان عضوی از اندام در نظر گرفته شوند، حکم دیگری پیدا می کنند، مثلاً اگر از ما پرسند که خط راست بهتر است یا خط کج، ممکن است بگوییم خط راست بهتر از خط کج است، ولی اگر خط مورد سؤال جزئی از یک مجموعه شد، در یک مجموعه به طور مطلق، نه خط مستقیم پسندیده است و نه خط منحنی. وقتی که جهان را جمعاً مورد نظر قرار می دهیم، ناچاریم بپذیریم که در نظام کل و در توازن عمومی، وجود پستی ها و بلندی ها، فراز و نشیب ها، تاریکی و روشنایی ها، همه لازم است.

جهان چون چشم و خط و خال و ابروست که هر چیزش به جای خویش نیکو است اگر اختلاف و تفاوت وجود نداشته باشد، دیگر مجموعه و نظام مفهومی ندارد. شکوه و زیبایی جهان در تنوع و اختلاف های رنگارنگ آن است. قرآن کریم وجود اختلاف ها را از آیات و نشانه های قدرت الهی می شمرد.

زشتی ها، نه تنها از این نظر ضروری می باشند که جزئی از مجموعه جهانند و نظام کل به وجود آن ها بستگی دارد، بلکه از نظر نمایان ساختن و جلوه داده به زیبایی ها نیز وجود آن ها لازم است.

اگر در جهان زشتی نبود، زیبایی هم نبود. اگر همه مردم زیبا بودند، هیچ کس زیبا نبود، همان طوری که اگر همه مردم زشت بودند، هیچ کس زشت نبود. (۱)

ممکن است این سؤال پیش آید: چرا زشت زیبا نشد و بالعکس؟ در پاسخ استاد مطهری می گوید: "خداوند متعال به هر موجودی همان وجود و همان اندازه از کمال و زیبایی را می دهد که می تواند بپذیرد.

نقصانات از ناحیه ذات خود آن‌ها است، نه از ناحیه فیض باری تعالی، نظیر خواص اشکال هندسی که ذاتی موجودات است، مثلاً. خاصیت مثلث این است که مجموعه زاویه هایش برابر با دو قائمه است و خاصیت مربع این است که مجموع زوایایش برابر با چهار قائمه است. معنایش این نیست که به آن، خاصیت دو قائمه و به این خاصیت چهار قائمه داشتن را اعطا کرده اند تا گفته شود چرا به مثلث ستم کرده اند. تفاوت موجودات جهان همین طور است. بوعلی سینا گفته است: خدا زردآلو را زردآلو نکرده بلکه زردآلو را ایجاد کرده است.

زردآلو از باب مثال است، منظور همه موجودات است، خدا اشیا را آفریده و آن‌ها ذاتاً اختلاف دارند. قرآن مجید این مطلب را با یک تمثیل بیان کرده و فرموده است:

"خدا از آسمان آبی فرود آورد و هر رودخانه‌ای به قدر ظرفیت خودش سیلان یافت".<sup>(۲)</sup> یعنی رحمت فیض پروردگار هیچ موجود مستعدی را محروم نمی‌سازد و برای همه یکسان است، ولی استعداد و ظرفیت موجودات یکسان نیست. استعداها مختلف است. هر ظرفی به قدری که گنجایش دارد، از رحمت خدا لبریز می‌گردد. پس هر موجودی، حق خود را که امکان داشته دریافت دارد، دریافت کرده است.<sup>(۳)</sup>

نباید تصور کرد که خداوند یکی را که ممکن بود زیبا باشد، زشت قرار داد و دیگری را که ممکن بود زشت باشد، زیبا قرار داد و با قید قرعه و یا یک اراده تبعیض آمیز هر یک از آن‌ها را انتخاب کرد، بلکه هر جزء از اجزای جهان تنها به همین جور که هست، امکان وجود داشته و خدا همان آفرینش را



به آن داده است. اگر بخواهیم از دیدگاه علمی سخن گوئیم، این گونه نمی توان گفت که هر ماده با توجه به ویژگی و شرایط خود از وجود و کمالات وجود برخوردار می شود. تفاوت هایی که در جهان مادی و طبیعی وجود دارد، براساس تفاوت در عناصر مادی است، مثلاً کسی که از نظر زیبایی یا زشتی، شکل و وضعی خاص دارد، بر اثر تفاوت ژنتیکی و عوامل محیطی و مادی وراثت و... است که هزاران مورد شناخته شده و یا ناشناخته در طبیعت در آن ها دخالت دارد و یا حتی امور غیر مادی مانند نحوه آمیزش یا مواد و غذاهایی که پدر و مادر قبل از آمیزش، یا مادر بعد از آن در دوران جنینی تغذیه می کنند یا مانند تأثیر الکل و مواد اعتیادزا در شکل و حالت و وضع و سلامت و بهره هوشی و استعداد کودک که امروزه بدون تردید شناخته شده است.

طبق این سخن فیض الهی از ناحیه خدا تمام است و او در حق هیچ موجودی تبعیض روا نمی دارد، بلکه موجودات هستند که به فراخور شأن و جایگاه و مرتبه خود و عوامل دیگر قبول فیض می کنند و به اندازه استحقاق، در مرتبه ای از عالم هستی جا می دارند. در جهان خلقت آنچه که وجود دارد تبعیض نیست، بلکه تفاوت است، همان طور که ظرف یک لیتری نسبت به ظرف پنج لیتری مقدار کمتری آب در خود جای می دهد. آری هر موجودی در نظام هستی به میزان ظرفیت خود دریافت فیض می کند.

در عین حال آنچه در پایان می تواند مکمل این پاسخ باشد و هر گونه اشکالی را برطرف کند، آن است که:

نباید نگاهمان را فقط معطوف به دنیا و زندگی دنیا نماییم و همچنان این اشکال برای ما وجود داشته باشد که تفاوت ها ربط به انسان ندارد. درست است که تفاوت های ایجاد شده به سبب وراثت و محیط و... انسان نقشی در آن ها ندارد، اما زندگی انسان که منحصر به این عالم نیست، بلکه این عالم تنها بخش کوچکی از حیات است و در مقابل حیات جاودانه و حقیقی بسیار ناچیز است.

در این نگاه هر چه بیشتر از نعمت های دنیا و کمالات هستی داده شده باشد، به همان اندازه دارای مسئولیت بیشتر باید باشد و در مقابل هر یک از نعمت های الهی از او سؤال شود که آیا حق آن را به جا آورده است؟ اما آن که کمتر به او داده شده، سبک بارتر است. از طرف دیگر با توجه به روایات به دست می آید که خداوند بعضی از کاستی های دنیا را در عالم دیگر جبران می نماید و به هیچ بنده ای ظلم روا نمی شود.

پی نوشت ها:

۱ - استاد مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۶۷ - ۱۶۶، با تلخیص.

۲ - رعد (۱۳) آیه ۱۷.

۳ - استاد مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۷۲ - ۱۷۱، با تلخیص.

### چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟

#### اشاره

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه

#### پرسش

چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه اسلامی، شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچوجه زیننده حکومت و جامعه اسلامی نبوده، و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی گونه های بی عدالتی در جامعه می باشد. بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود در جامعه را می توان در موارد زیر به صورت مختصر بیان کرد:

الف توجه جدی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزی های توسعه و سازندگی کشور:

پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخص های مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه، نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود.

این عامل در برخی از تحلیل ها و تحقیقات به عمل آمده، عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است. حضرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از این روند، می فرمایند:

"در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم

با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام، تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد" (۱).

در جای دیگر می فرمایند: "در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت ها باید مبتنی بر عدالت باشد، زیرا قسط و عدل از همه آرمان ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست، بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و جزء دیگر عبارت از عدالت است... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی، یا در مجموع برنامه ها ما را به هدف عدالت نزدیک کند، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست" (۲).

ب) برخورد فیزیکی، مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروت های نامشروع و بادآورده:

امام علی (ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدل خویش قرار دادند:

۱ مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان

۲ احیای سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال.

حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: "... با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروع زندگی مردم، جمع شود..." (۳).

در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه

قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر، عزم، همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می باشد.

ج) پیشگیری از پیدایش ثروت ها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راه های مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه، جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کارپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است. در این راستا مهم ترین اقدامات پیشگیرانه عبارتند از:

۱ اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران: امام علی (ع) می فرمایند: ان الله تعالی فرض علی ائمه العدل ان یقَدِّروا انفسهم بضعفه الناس، کیلا یتبغ بالفقیر فقره؛ خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده، خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند تا تنگدستی فقیر، او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد". (۴)

۲ زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان: حضرت علی (ع) در فرازی از عهدنامه مالک اشتر، در این زمینه می فرمایند: "والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد، کمتر حاضر به رعایت انصافند. وظیفه تو، آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی"، (۵).

۳ بازرسی، نظارت، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران: حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: "باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان، نظارت بر کار آنان نیز ضروری است، چون مقام و قدرت، غالباً اخلاق

و رفتار مسؤولان را تغییر می دهد، بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان، از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند... " (۶).

د) بالا بردن میزان آگاهی مردم: با بالا رفتن میزان آگاهی مردم، درک آنها از حقوقشان افزایش می یابد و بی عدالتی را نمی پذیرند و به انحاء مختلف برای دستیابی به حقوقشان می کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیم گیری های سیاسی افزایش می یابد.

ه) توجه جدی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه: وجود ارزش های اسلامی مانند ایمان، تقوا و تعهد موجب اجرای عدالت در سطح جامعه می شود. قرآن کریم می فرماید: " اعدلوا هو اقرب للتقوی " (۷) امام علی (ع) نیز می فرماید: " من قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه؛ هر که می خواهد به حلیه عدل و داد آراسته شود، می بایست هوا و هوس های گوناگون را از خود دور کند، (۸). برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه، تحقق باوری عمیق، درونی ریشه دارد عقلایی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه لازم است، به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، و انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاه ها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده، ایفا می کنند. باید این نظام ارزشی در

۱ رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ۲ ساختار کلان کشور ۳ برنامه های اجرایی، تبلور و تجلی یابد.

و) فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصت های

مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات، اشتغال، مسکن و رفاه که در اصول متعددی از قانون اساسی ج.ا.ا. متبلور می باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ص ۴۸

شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶ محمدنقی نظریور، ارزشها و توسعه، ص ۱۹۶

علی ذو علم، انقلاب و ارزشها، ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴

دکتر فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۴۸۰

پی نوشت ها :

۱ - حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۲ - روزنامه رسالت، ۹/۳/۱۳۷۲.

۳ - حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۷.

۴ - نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵.

۵ - نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۱.

۶ - فجر انقلاب در بهار قرآن، ص ۲۰۳ و ۲۰۵.

۷ - مائده (۵) آیه ۸.

۸ - نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

پرسش: بعضی از خطیبان جماعت که در ماه های رمضان یا محرم به روستاها می فرستید، بر چه اصولی تعیین می گردند؟

بعضی از آنها حتی از سواد اولیه برای ارشاد مردم برخوردار نیستند و فقط بلدند برای مردم مصیبت تکراری بخوانند!

**پاسخ**

تبلیغ به معنای رسانیدن پیغام می باشد و در اصطلاح تبلیغ دینی به معنای رسانیدن و انتقال پیام دینی می باشد، آیات و روایات توصیه به تبلیغ و نشر فرهنگ دینی کرده اند،

قرآن کریم می فرماید: "الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله و کفی بالله خسییا؛ آنان که پیام های خدا

را ( به خلق خدا) می رسانند و از او بیم دارند و جز از خدا از کسی دیگر نمی ترسند و (همان) خدا در مراقبت و نظارت بر اعمال بس است".

در ایام تبلیغ مبلغان



و مروجان احکام الهی جهت اقامه و عظم و ارشاد مردم به نقاط مختلف کشور می روند مناطق مختلف را با فرهنگ اصیل اسلامی و دینی خدا آشنا نمایند. در این راستا سعی شده از مبلغان و روحانیون در راستای توانایی های علمی و قدرت سخنوری استفاده شود. در این عرصه ممکن است نقیصه و کمبودی مشاهده شود یا شخصی از توان علمی لازم یا قدرت سخنوری شایسته برخوردار نباشد. اما در هر حال سعی می شود توزیع مبلغان در سطح کشور براساس توانایی مبلغ و میزان استقبال مردم از او به عمل آید و مبلغان با استفاده از ابزارهای تبلیغی و آشنایی با علم روز در جهت پاسخگویی به مشکلات دینی مردم موفق تر می باشند. اما در هر حال حرکت حوزه های علمیه مخصوصاً حوزه مقدسه قم براین اساس است که روحانیون و مبلغان حوزه ها، افرادی عالم و آگاه به مسایل علمی و مباحث روز باشند و با این ویژگی برای تبلیغ اعزام شوند و در دورترین نقطه ایران منشأ اثر و مروج دین باشند. حال ممکن است در این حرکت عظیم و گسترده تبلیغی کمبودی مشاهده شود یا مبلغی در انجام وظایف تبلیغی خود موفق نباشد که امید است با بررسی و بازبینی مجدد عملکرد افراد، این مشکل برطرف شود.

البته این بخش از دفتر تبلیغات اسلامی، مسئولیتی در مورد مبلغان اعزامی ندارد، بلکه صرفاً به منظور پاسخگویی به سؤالات اعتقادی، فقهی، تاریخی، اخلاقی و... تأسیس شده است.

**با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟**

**پرسش**

با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی، رشوه خواری و رابطه بازی وجود

عدالت کلمه ای زیبا و خوشایند همه انسان ها است ، ولی دلنشین تر و شادی بخش تر از آن پیاده شدن عدالت در جامعه است که بسیار سخت و سنگین است. قرآن کریم بیش از همه بر اقامه قسط و عدل تأکید دارد و به همه انسان ها دستور می دهد که رعایت عدالت در تمام شئون فردی و اجتماعی را لازم دانسته و آن را سرلوحه زندگی خود قرار دهند. قرآن می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید، کاملاً قیام به عدالت کنید". (۱) پس قرآن و اسلام با تأکیدهای فراوان از مسلمانان خواسته عدالت را در مورد خود، خانواده و جامعه بر پا کنند، لیکن عمل به این اصل اساسی به عهده همه افراد جامعه است، نه فقط به عهده دولت؛ بلی دولت نقش مؤثرتری در اجرای عدالت دارد. دولت با حمایت از روستائیان و کشاورزان و بردن آب و برق و تلفن و جاده آسفالت به روستاها و تخصیص بودجه به مناطق محروم، در پی اجرای عدالت اجتماعی است، گرچه این فعالیت ها در حدی نیست که انقلاب اسلامی می طلبد و منابع مالی کشور توانایی پیاده کردنش را دارد.

در مورد رشوه خواری و پارتی بازی ، دولت و ملت مقصرند.

دولت از این جهت که در بازرسی و دستگیری و مجازات متخلفان خیلی جدی نیست و مردم از جهت اینکه بسیاری از آنان اقدام به پارتی بازی و رشوه دهی می کنند و با اقدام خود به رشوه خواری و پارتی بازی رسمیت می بخشند. مسئولی که پشت میز اداره نشسته ، انسان است و جایز الخطا می باشد.

به او پیشنهاد رشوه شود، ممکن است قبول کند، ولی رشوه دهنده نباید بدهد، زیرا همان گونه که با رشوه گرفتن و با پارتی بازی، حقی را ناحق کردن گناه است، رشوه دادن و به وسیله رشوه و پارتی بازی حق کسی را ضایع کردن، حرام است و موجب آتش جهنم می شود.

برای از بین بردن رشوه خواری و پارتی بازی، فرهنگ سازی و عزم ملی لازم است. دولت موظف است زمینه رشوه خواری و پارتی بازی را از بین ببرد و مردم حاضر به استفاده از رشوه و پارتی برای انجام کارشان نشوند. اگر کارشان انجام نگرفت، به مسئولان بالاتر مراجعه نمایند و حق شان را بگیرند.

عوامل بسیاری می تواند در مشکلات جامعه دخالت داشته باشد، مانند مشکلات اداری و کاغذ بازی و مشکلات اقتصادی، نیز مشکلات فرهنگی و فکری افراد و ضعف اعتقاد و باورهای دینی و...

به امید روزی که عدالت اجتماعی در کشورمان به نحو احسن برقرار گردد و رشوه خواری و پارتی بازی برچیده شود.

پی نوشت ها :

۱ - نساء (۴)، آیه ۱۳۵.

### **با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟**

#### **پرسش**

با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟

#### **پاسخ**

عدالت کلمه ای زیبا و خوشایند همه انسان ها است، ولی دلنشین تر و شادی بخش تر از آن پیاده شدن عدالت در جامعه است که بسیار سخت و سنگین است. قرآن کریم بیش از همه بر اقامه قسط و عدل تأکید دارد و به همه انسان ها دستور می دهد که رعایت عدالت در تمام شئون فردی و اجتماعی را لازم دانسته و آن را سرلوحه زندگی خود قرار دهند. قرآن می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید، کاملاً قیام به عدالت کنید". (۱) پس قرآن و اسلام با تأکیدهای فراوان از مسلمانان خواسته عدالت را در مورد خود، خانواده و جامعه بر پا کنند، لیکن عمل به این اصل اساسی به عهده همه افراد جامعه است، نه فقط به عهده دولت؛ بلی دولت نقش مؤثرتری در اجرای عدالت دارد. دولت با حمایت از روستائیان و کشاورزان و بردن آب و برق و تلفن و جاده آسفالت به روستاها و تخصیص بودجه به مناطق محروم، در پی اجرای عدالت اجتماعی است، گرچه این فعالیت ها در حدی نیست که انقلاب اسلامی می طلبد و منابع مالی کشور توانایی پیاده کردنش را دارد.

در مورد رشوه خواری و پارتی بازی، دولت و ملت مقصرند.

دولت از این جهت که در بازرسی و دستگیری و مجازات متخلفان خیلی جدی نیست و مردم از جهت اینکه بسیاری از آنان اقدام به پارتی بازی و رشوه دهی می کنند و با اقدام خود به

رشوه خواری و پارتی بازی رسمیت می بخشند. مسئولی که پشت میز اداره نشسته ، انسان است و جایز الخطا می باشد.

اگر به او پیشنهاد رشوه شود، ممکن است قبول کند، ولی رشوه دهنده نباید بدهد، زیرا همان گونه که با رشوه گرفتن و با پارتی بازی، حقی را ناحق کردن گناه است، رشوه دادن و به وسیله رشوه و پارتی بازی حق کسی را ضایع کردن، حرام است و موجب آتش جهنم می شود.

برای از بین بردن رشوه خواری و پارتی بازی، فرهنگ سازی و عزم ملی لازم است. دولت موظف است زمینه رشوه خواری و پارتی بازی را از بین ببرد و مردم حاضر به استفاده از رشوه و پارتی برای انجام کارشان

نشوند. اگر کارشان انجام نگرفت، به مسئولان بالاتر مراجعه نمایند و حق شان را بگیرند.

عوامل بسیاری می تواند در مشکلات جامعه دخالت داشته باشد، مانند مشکلات اداری و کاغذ بازی و مشکلات اقتصادی ، نیز مشکلات فرهنگی و فکری افراد و ضعف اعتقاد و باورهای دینی و...

به امید روزی که عدالت اجتماعی در کشورمان به نحو احسن برقرار گردد و رشوه خواری و پارتی بازی برچیده شود.

پی نوشت ها :

۱ - نساء (۴) ، آیه ۱۳۵.

## ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟

### پرسش

ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟

### پاسخ

هنگامی که انقلابی در محیطی روی می دهد مسلما منافع گروهی غارتگر و ظالم و خودکامه به خطر می افتد ، آنها نخست با تمسخر و استهزاء و سپس با استفاده از نیروی مسلح ، فشار اقتصادی ، تبلیغات مستمر اجتماعی ، سعی می کنند انقلاب را در هم بشکنند اینها که به خاطر داشتن دو چهره مختلف ، منافق نامیده می شوند خطرناکترین دشمنان انقلابند و در یک کلام : بروز نفاق در یک اجتماع معمولا معلول یکی از دو چیز است : نخست پیروزی و قدرت آیین انقلاب موجود و تسلط آن بر اجتماع و دیگر ضعف روحیه و فقدان شخصیت و شهامت کافی برای رویارویی با حوادث سخت .

## ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟

### پرسش

ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست؟

## پاسخ

هنگامی که انقلابی در محیطی روی می دهد مسلماً منافع گروهی غارتگر و ظالم و خودکامه به خطر می افتد، آنها نخست با تمسخر و استهزاء و سپس با استفاده از نیروی مسلح، فشار اقتصادی، تبلیغات مستمر اجتماعی، سعی می کنند انقلاب را در هم بشکنند اینها که به خاطر داشتن دو چهره مختلف، منافق نامیده می شوند خطرناکترین دشمنان انقلابند و در یک کلام: بروز نفاق در یک اجتماع معمولاً معلول یکی از دو چیز است: نخست پیروزی و قدرت آیین انقلاب موجود و تسلط آن بر اجتماع و دیگر ضعف روحیه و فقدان شخصیت و شهامت کافی برای رویارویی با حوادث سخت.

## مقصود از جامعه بی امتیاز توحیدی چیست؟

### پرسش

مقصود از جامعه بی امتیاز توحیدی چیست؟

### پاسخ

مقصود از جامعه بی امتیاز توحیدی، جامعه ای است که افراد در برابر حق و قانون، مساوی و برابر باشند و قانون نسبت به همه، از مرد و زن، کوچک و بزرگ، توانگر و نیازمند، عالم و جاهل و سیاه و سفید، یکسان اجرا شود و تفاوت‌های طبقاتی موجب نشود که قانون در حق بعضی اجرا شود و در حق بعضی دیگر اجرا نشود. و یا هر یک از این تفاوتها که به صلاحیت افراد ارتباط ندارد، موجب شود که برای بعضی به علت این تفاوتها امتیازی قائل شوند، و مثلاً آنها را در کارها بیشتر مداخله بدهند یا بیشتر احترام کنند، که بدیهی است این حرفها در اسلام نیست، و حتی در احادیث است که:

«مَنْ تَوَاضَعَ لِعَنِي لِعِنَاهُ ذَهَبٌ ثَلَاثًا دِينَهِ» [هر کس برای توانگری برای توانگریش فروتنی کند، دو ثلث دین او می رود.]

اما نظام بی طبقه توحیدی که بعضی چپ‌گرایان و گرایش‌مندان به مارکسیسم و اصالت اقتصاد، آن را شعار خود ساخته اند، و با کلمه «نظام بی طبقه توحیدی» ساده‌دلان مسلمان را می‌فریبند و دعوت شعار خود را اسلامی جلوه می‌دهند، با برنامه‌های اسلام و آیات قرآن مجید و احادیث شریف، سازگار نیست؛ و وقوع آن در خارج، امکان‌پذیر نمی‌باشد، و همانگونه که در عالم تکوین تفاوت و تفاضل وجود داد و همه در برخورداری از نعمتها و مواهب مادی و معنوی یکسان نیستند، در عالم گیاهان و درختان، و انسان و حیوان نیز، همه جا تفاوت به چشم می‌خورد و این یکی از سنت‌های الهیه است که حتی می‌گویند: در عالم تکوین تکرار نیست.

میزان بهره‌گیری

یک درخت از آب و زمین و هوا با درخت دیگر یکسان نیست، میزان استفاده دو دانش آموز در یک کلاس از یک آموزگار مساوی نیست و استعدادات آنها برابر نیست. آنانکه در مناطق معتدل زندگی می کنند، یک نوع آمادگیهای برای ترقی دارند که اهل مناطق دیگر ندارند.

این مسائل در عالم تکوینی با توحید منافی نیست و قابل تغییر نمی باشد. در امور غیر تکوینی نیز همین طور است، جامعه، طبقات مختلف دارد، به حسب استعداداتی که دارند و موجبات و حوادث قهری و اتفاقی یا کسبی و ارادی، استفاده آنها از نعمتها و مواهب، مختلف می شود؛ چنانکه مشاغل و نقشهای آنها نیز تفاوت پیدا می کند، و بالأخره با اینکه امکانات همه برابر نیست، نمی توان از فعالیت آن کسانی که استعداد بیشتر در استخراج و تصاحب مواهب طبیعی یا نیل به مقامات اجتماعی دارند، یا کوشش بیشتر می کنند جلوگیری کرد. دنیا جایی است که همه باید در میدان کار و کوشش عرض وجود نمایند. می توان برای هر کس به قدر امکاناتی که دارد وسیله استفاده و بهره برداری فراهم کرد و امکانات اختیاری را، برای همه یکسان قرار داد. مثلاً می توان برای همه امکان تحصیل فراهم نمود، اما نمی توان ترقی همه را در تحصیل، یک نواخت ساخت.

و بالأخره باید بگوئیم نظام بی طبقه ای، در حدی با مدنیت بشر ناسازگار است. زیرا نظام زندگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی بشر، بدون طبقه ای بودن مشاغل و کارها، که قهراً بازده آنها و موضع صاحبان آنها در اجتماع متفاوت است، امکان پذیر نیست، بنای مدنیت بر این است که اصناف و طبقات باشند. دسته ای مستقیماً در کار تولید وارد باشند،

دسته ای ابزار تولید بسازند، دسته ای بهداشت تولید کنندگان را متعهد شوند و دسته ای تبدیل و مبادله اشیای تولید شده و توزیع و رساندن آن را به دیگران عهده دار باشند، دسته ای برقراری عدالت و نظم و امنیت را، و دسته ای هدایتهای اخلاقی و تربیتی و آموزش را به عهده بگیرند.

## عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

### پرسش

عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

### پاسخ

عدالت از اصول مهم و از تعالیم و اهداف عمده دعوت اسلام است که آیات قرآن مجید و احادیث شریف با کمال تأکید و صراحت، همه را به آن مأمور و متعهد اجرای آن ساخته است.

از جمله در سوره مائده می فرماید:

«اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» مائده/۸

[عدالت ورزید که عدل به تقوی نزدیکتر است.]

و در سوره انعام می فرماید:

«وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» انعام/۱۵۲

[وقتی سخن گفتید، به عدالت سخن بگوئید.]

و در سوره نحل می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» نحل/۹۰

[خداوند متعال امر می فرماید به عدل و احسان.]

در نهج البلاغه حکمت ۳۷۴، پس از آنکه امر به معروف و نهی از منکر را فرموده است، می فرماید:

«وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدْلِ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ» (نهج البلاغه فیض الاسلام، ۱۰۲۱، نامه ۵۳)

[برتر از امر به معروف و نهی از منکر، سخن عدل است که در حضور پیشوا و زمامدار ستمکار گفته شود.]



و نیز حضرت امیر المؤمنین (ع) در آغاز خلافت ظاهری چنانکه در نهج البلاغه است روش صریح خود را در اجرای عدالت چنین اعلام می نماید:

آگاه باشید هر زمینی که عثمان (از اموال متعلق به حکومت اسلامی که باید عوائد آن صرف مصالح مسلمین و رفع حوائج نیازمندان گردد) به کسی بخشیده باشد و هر مالی را از مال خدا اعطا کرده باشد، به بیت المال برگردانده می شود، برای اینکه حق قدیم است (یعنی با اساس و با ریشه و سابقه است) و چیزی حق را باطل نمی کند.

اگر بیابم آن اموال عمومی را (که عثمان بخشیده است) در حالی که مهر زنان

کرده باشند، یا کنیزان را با آن خریده باشند، آن را به بیت المال بر می گردانم که در عدل، وسعت و گشایش است و آن کس که عدل بر او تنگ باشد، ظلم بر او تنگ تر خواهد بود.

از آن حضرت روایت است که رسول خدا(ص) فرمود:

«لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخِّدُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَّعَتٍ»

[هرگز پاک و مقدس نشود امت و مردمی که در آنها حق ضعیف از قوی بدون ترس گرفته نشود]

برای درک و فهم ابعاد این عدالت اجتماعی مطالعه سیره و روش رسول اکرم(ص) و حضرت(ع) را باید راهنما قرار داد.

## کلیات

### از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

## پرسش

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

## پاسخ

از آیات کریمه قرآن استفاده می شود که اجتماعی بودن انسان، در متن خلقت و آفرینش او پی ریزی شده است. در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ إِتْقَانُكُمْ».

[ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید (نه اینکه به این وسیله بر یکدیگر تفاخر کنید). همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند متقی‌ترین شماست.]

انسان به گونه‌ای آفریده شده که به صورت گروه‌های مختلف ملی و قبیله‌ای درآمده است؛ با انتساب به ملیتها و قبیله‌ها، بازشناسی یکدیگر که شرط لاینفک زندگی اجتماعی است صورت می‌گیرد؛ یعنی اگر این انتسابها که از جهتی وجه اشتراک افراد و از جهتی وجه افتراق افراد است نبود، بازشناسی ناممکن بود و در نتیجه زندگی اجتماعی که بر اساس روابط انسانها با یکدیگر است امکان پذیر نبود.

انسانها از نظر امکانات و استعدادها یکسان و همانند آفریده نشده‌اند، که اگر چنین آفریده شده بودند، هر کس همان را داشت که دیگری دارد و همان را فاقد بود که دیگری فاقد است و طبعاً نیاز متقابلی و پیوندی و خدمت متبادلی در کار نبود. خداوند انسانها را از نظر استعدادها و امکانات جسمی و روحی و عقلی و عاطفی، مختلف و متفاوت آفریده است؛ بعضی را در

بعضی از مواهب، بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داده است و احیاناً آن بعض دیگر را بر این بعض، در بعضی دیگر از

مواهب برتری داده است و به این وسیله همه را بالطبع نیازمند به هم و مایل به پیوستن به هم قرار داده و به این وسیله زمینه زندگی به هم پیوسته اجتماعی را فراهم نموده است.

## رابطه فرد، جامعه و مهاجرت چگونه است؟

### پرسش

رابطه فرد، جامعه و مهاجرت چگونه است؟

### پاسخ

قرآن کریم در عین اینکه برای جامعه، طبیعت و شخصیت و عیبت و نیرو و حیات و مرگ و اجل و وجدان و طاعت و عصیان قائل است، صریحاً فرد را از نظر امکان سرپیچی از فرمان جامعه توانا می داند. تکیه قرآن بر آن چیزی است که آن را «فطره الله» می نامد و می خواند. در سوره نساء آیه ۹۷ درباره گروهی که خود را «مستضعفین» و ناتوانان در جامعه مکه می نامیدند و استضعاف خود را عذری برای ترک مسئولیتهای فطری خود می شمردند، و در واقع، خود را در برابر جامعه خود مجبور قلمداد می کردند، می فرماید: به هیچ عذر آنها پذیرفته نیست، زیرا حداقل، امکان مهاجرت از آن جو اجتماعی و رساندن خود به جو اجتماعی دیگر بود.

## واژه (ملت) در زبان عربی چه معنایی دارد؟

### پرسش

واژه (ملت) در زبان عربی چه معنایی دارد؟

### پاسخ

کلمه (ملت) کلمه‌های عربی است و به معنای راه و روش است. در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنا آمده است. این کلمه [پانزده] بار (در ۱۵ آیه) در قرآن کریم آمده است، ولی مفهومی که این کلمه در قرآن کریم دارد با مفهومی که امروز مصطلح فارسی زبانان است و از آن کلمه «ملیت» را مشتق کرده‌اند متفاوت است. «ملت در اصطلاح قرآن به معنی راه و روش و طریقه‌ایست که از طرف یک رهبر الهی بر مردم عرضه شده است؛ مثلاً می فرماید «مَلَّةَ اِبْرَاهِیْمَ» حج/۷۸ [یعنی راه و روش پدر شما ابراهیم]، یا میفرماید: «مَلَّةَ اِبْرَاهِیْمَ حَنِیْفًا» انعام/۱۶۱ راغب اصفهانی در کتاب مفردات القرآن میگوید: «ملت و املا که همان املاء است از یک ریشه است». «فَلِیْمِلِ وَلِیُّهُ بِالْعَدْلِ» بقره/۲۸۲ [یعنی ولی او را از روی عدالت املا کند]. راغب می گوید: «علت اینکه یک طریقه الهی «ملت» نامیده شده است این است که از طرف خداوند املاء و دیکته شده است».

پس، از نظر قرآن یک مجموعه فکری و علمی و یک روشی که مردم باید طبق آن عمل کنند، ملت نامیده می شود؛ بنابراین، ملت با دین یک معنا دارد با این تفاوت که یک چیز به اعتباری دین و به اعتبار دیگری ملت نامیده میشود، به آن اعتبار ملت

نامیده می شود که آن چیز از طرف خدا به پیامبری املاء می شود که به مردم ابلاغ نماید و مردم را بر اساس آن رهبری نماید.

علمای فقه اللغه میگویند: یک تفاوت میان کلمه «دین» و کلمه «ملت» این است که کلمه «دین» را به خدا می توان اضافه کرد و مثلاً گفت «دین الله» یعنی دین خدا، و

همچنین به فرد پیرو نیز اضافه میشود؛ مثلاً گفته می شود «دین زید، دین عمرو». ولی کلمه «ملت نه به خدا اضافه میشود و نه به فرد پیرو، گفته نمیشود: ملت خدا یا ملت زید یا ملت عمرو، بلکه به آن رهبری که از طرف خدا مأمور رهبری مردم بر طبق طریقه خاصی است اضافه می شود، مثلاً گفته میشود: «ملت ابراهیم» یا «ملت عیسی» یا «ملت محمد(ص)». مثل این است که در مفهوم این کلمه رهبری گنجانده شده است.

از این نظر می توان گفت کلمه «ملت» نزدیک است با کلمه «مکتب» در اصطلاح جدید. کلمه «مکتب» نیز معمولاً به رهبر یک روش و مسلک اضافه می شود. اگر این جهت را که در کلمه «ملت» نیز مانند کلمه «مکتب» املاء و دیکته کردن گنجانیده شده است مورد توجه قرار دهیم، شباهت و نزدیکی این دو کلمه بیشتر روشن می شود.

## واژه (ملت) در زبان عربی چه معنایی دارد؟

### پرسش

واژه (ملت) در زبان عربی چه معنایی دارد؟

### پاسخ

کلمه (ملت) کلمه‌های عربی است و به معنای راه و روش است. در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنا آمده است. این کلمه [پانزده] بار (در ۱۵ آیه) در قرآن کریم آمده است، ولی مفهومی که این کلمه در قرآن کریم دارد با مفهومی که امروز مصطلح فارسی زبانان است و از آن کلمه «ملیت» را مشتق کرده‌اند متفاوت است. «ملت در اصطلاح قرآن به معنی راه و روش و طریقه‌ایست که از طرف یک رهبر الهی بر مردم عرضه شده است؛ مثلاً می فرماید «مِلَّةَ اِبْرَاهِيْمَ» حج/۷۸ [یعنی راه و روش پدر شما ابراهیم]، یا میفرماید: «مِلَّةَ اِبْرَاهِيْمَ حَنِيفًا» انعام/۱۶۱ راغب اصفهانی در کتاب مفردات القرآن میگوید: «ملت و املا ل که همان املاء است از یک ریشه است». «فَلْيَمْلِكْ وَوَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ» بقره/۲۸۲ [یعنی ولی او را از روی عدالت املا کند]. راغب می گوید: «ملت اینک یک طریقه الهی «ملت» نامیده شده است این است که از طرف خداوند املاء و دیکته شده است».

پس، از نظر قرآن یک مجموعه فکری و علمی و یک روشی که مردم باید طبق آن عمل کنند، ملت نامیده می شود؛ بنابراین، ملت با دین یک معنا دارد با این تفاوت که یک چیز به اعتباری دین و به اعتبار دیگری ملت نامیده میشود، به آن اعتبار ملت نامیده می شود که آن چیز از طرف خدا به پیامبری املاء می شود که به مردم ابلاغ نماید و مردم را بر اساس آن رهبری نماید.

علمای فقه اللغه میگویند: یک تفاوت میان کلمه «دین» و کلمه «ملت» این است که کلمه «دین» را به خدا می توان اضافه کرد و مثلاً گفت «دین الله» یعنی دین خدا، و

همچنین به فرد پیرو نیز اضافه میشود؛ مثلاً گفته می شود «دین زید، دین عمرو». ولی کلمه «ملت نه به خدا اضافه میشود و نه به فرد پیرو، گفته نمیشود: ملت خدا یا ملت زید یا ملت عمرو، بلکه به آن رهبری که از طرف خدا مأمور رهبری مردم بر طبق طریقه خاصی است اضافه می شود، مثلاً گفته میشود: «ملت ابراهیم» یا «ملت عیسی» یا «ملت محمد(ص)». مثل این است که در مفهوم این کلمه رهبری گنجانده شده است.

از این نظر می توان گفت کلمه «ملت» نزدیک است با کلمه «مکتب» در اصطلاح جدید. کلمه «مکتب» نیز معمولاً به رهبر یک روش و مسلک اضافه می شود. اگر این جهت را که در کلمه «ملت» نیز مانند کلمه «مکتب» املاء و دیکته کردن گنجانیده شده است مورد توجه قرار دهیم، شباهت و نزدیکی این دو کلمه بیشتر روشن می شود.

## بعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

### پرسش

بعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

### پاسخ

اسلام زندگی اجتماعی انسانها را از جنبه های گوناگون آن مورد توجه قرار داده است. بخش عمده ای از احکام و نظامهای اسلام، اجتماعی است؛ از قبیل تعیین امام و رهبر، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، احکام مربوط به اقتصاد و مانند اینها. وجود چنین نظامها و احکامی در اسلام بدان جهت است که انسان بدون اجتماع و همکاری با یکدیگر نمی تواند به سعادت برسد، همان گونه که انسان در زندگی فردی خویش نیاز به راهنمایی الهی دارد در زمینه ی زندگی اجتماعی نیز نیاز به وحی الهی دارد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

## با توجه به گستردگی علوم اسلامی چگونه می توانیم همه را بخوانیم؟

### پرسش

با توجه به گستردگی علوم اسلامی چگونه می توانیم همه را بخوانیم؟

### پاسخ

اولاً- همان طوری که نوشتید دامنه علوم و معارف اسلامی بسیار گسترده است که برای یک فرد معمولی "غیر نابغه" ممکن نیست در تمام رشته های آن "صرف و نحو، معانی و بیان، فقه، اصول، منطق، فلسفه، کلام، تفسیر، علم رجال، علم الحدیث و..." تخصص پیدا کند.

ثانیاً لازم نیست که فرد مسلمان از همه علوم اسلامی آگاهی داشته باشد بلکه تنها یاد گرفتن مسائل مورد نیاز و مبتلا به کافی است. مثلاً در مسائل نماز، روزه، خمس، زکات، حج، امر به معروف و نهی از منکر، عقاید و... فقط آن هائی را که مبتلا می باشد یاد بگیرد کافی است. دیگر لازم نیست حتماً تفسیر، فلسفه، کلام و دیگر علوم را نیز بداند و بالاخره اگر واجبات را عمل، و محرّمات را ترک نموده و بقیه ساعات در فکر رفع مشکلات زندگی باشد فردای قیامت مسئولیتی نخواهد داشت.

ثالثاً اگر به خاطر علاقه بخواند از همه علوم اسلامی به اندازه نیاز آگاهی داشته باشد باید درس بخواند و زحمت بکشد و بیش از اندازه مطالعه نماید.

## برای موفقیت در درس و زندگی چه باید کرد؟

### پرسش

برای موفقیت در درس و زندگی چه باید کرد؟

### پاسخ

خواهر گرامی! از این که با ما مکاتبه نمودید و خواست های خود را از ما مطالبه کردید سپاس گزاریم. موفقیت در کار و زندگی از جمله در درس رموزی دارد که به برخی اشاره می شود:

۱ رشته و کار باید مطابق ذوق و سلیقه فکری باشد؛

دستگاه آفرینش همه را یک نواخت نیافریده و در همه افراد بشر توانایی هر کاری را به ودیعت نهاده است. بلکه افراد با ذوق و سلیقه های مخصوصی آفریده شده اند، بر این اساس باید هر کسی رشته و کاری را دنبال کند که استعداد ذوق آن را دارد.

پارهای از شکست ها معلول انحراف از این اصل مسلم است که گاهی بر اثربلیغات غلط و تربیت های نادرست کاری را تعقیب می کنند که استعداد آن را ندارند.

از ادیسون پرسیدند چرا اغلب جوان ها موفق نمی شوند؟ گفت: برای این که راه خود را نمی شناسند و در جاده دیگری گام بر می دارند. (۱)

تمایلات درونی ما همانند آهن ربایی است که شبیه خود را جذب کرده و درمخزنی به نام انبار می کند و در موقعیت های مناسب از آن بهره برداری می نماید. اگر آن چه می آموزیم مطابق ذوق و میل درونی و تمایلات باشد به آسانی وارد مخزن شده و تا مدتی قرار خود را حفظ می کند و اگر کاری را پی بگیریم که ذوق آن را نداشته باشیم در اندک زمانی از حافظه فرار می کند و در نتیجه موفقیت کم می شود.



۲ کار و کوشش ؛ یکی از عوامل پیروزی کار و تلاش است

. عدم پیروزی جوان ها عللی دارد از جمله این که روح کارکردن در بعضی از آنان مرده است .

هجوم اکثر جوانها به ادارات و اشغال کرسی های دولتی گواه روشنی است که عشق به کارهای سنگین کم تر شده است ، این دسته جوان ها به جای این که مولد ثروت باشند مصرف کننده آن هستند.

زندگی مردان موفق نشان می دهد که مرد کار و زحمت بوده اند.

الکساندر هامیلتن ، نابغهء عصر خود می گوید: مردم می گویند: تو نابغه هستی ، اما من از نبوغ خبر ندارم فقط می توانم بگویم : که شخص زحمت کشی هستم .

در شرح حال حضرت آیت الله شیخ محمد حسن نجفی ، صاحب کتاب نفیس که یکی از مدارک مهم فقه اسلامی است ، می نویسند:فرزند ارشد و دانشمندش می میرد موقعی مراسم غسلش به پایان رسید که هواتاریک شده بود. به همین دلیل تصمیم گرفتند جسدش را در یکی از مقبره های صحن مطهر حضرت علیؑ بگذارند و فردا دفن کنند. مقرر شد خودش آن شب در کنار بدن فرزندش بماند. این مرد بزرگ با این که داغدار بود با این وصف همان شب با کمال صبر و استقامت به مطالعه و نوشتن صفحاتی از کتاب جواهرپرداخت .(۲)

۳ ایمان به هدف ؛ از جمله عوامل موفقیت ایمان به هدف است . ایمان به هدف محرک درونی است که خواه نا خواه انسان را به سوی هدف می کشاند. درپرتو ایمان به هدف انسان تمام سختی ها و مرارت ها را تحمل می کند و گاهی نیز برای عشق به هدف از هستی ساقط شده و جان

و مال خود را فدای آن کرده و باچهره بشاش به استقبال مرگ می روند. در جنگ بدر تعداد سیصد و سیزده نفرمسلمان که از ابزار جنگی و دفاعی تجهیز کافی نداشتند در مقابل ارتش مجهز و قدرتمند و تا دندان مسلح قریش ایستادند و در ظرف چند ساعت همه را تار و مار کردند.

علت کام یابی این اقلیت تنها همان ایمان به هدف بود که مرگ و شهادت را برای آنان آسان کرده بود.

[نشان مرد مؤمن با تو گویم اگر مرگش رسد خندان بمیرد

[۴] استقامت و ثبات قدم از جمله عوامل پیروزی صبر و استقامت است. صبر و شکیبایی از شیوه مردان بزرگ است. برخی این صفت ارزش مند و فضیلت عالی انسانی را با یک رذیله اخلاقی به نام سستی و دست روی دست گذاشتن و زیر بار هر نوع ظلم و ستم اشتباه می گیرند و خیال می کنند صبر و بردباری یعنی در مقابل ظلم و جور خاموش بودن و زیر بار ظلم و ستم رفتن است. در صورتی که شکیبایی و ثبات قدم ضامن سعادت است و بی حالی و تن پروری موجب تیره روزی و سیه بختی.

ممکن است کسی بگوید: این عامل چهارم < کار و کوشش > یکی است. اما در پاسخ می توان گفت: این طور نیست که هر دو یکی باشد، چون ممکن است کسی در آغاز روحیه کار و کوشش را داشته باشد، ولی وقتی مواجه با سختی ها می شود فوق العاده ناتوان شده و آن روحیه را از دست می دهد، لذا باید بردباری را پشتوانه کار و کوشش دانست نه عین آن

یکی از سخن وران بزرگ جهان در فن خطابه و سخن وری پی درپی شکست می خورد، لکنت پیدا می کرد، زبانش می گرفت نمی توانست خوب صحبت بکند، اما هرگز روحیه خود را از دست نداد، در زیرزمین به تمرین می پرداخت. برای این که ثبات قدمش از بین نرود گاهی نصف سر و صورتش رامی تراشید و قیافه خنده آوری پیدا می کرد و به همین دلیل مجبور می شدهفته ها و ماه ها در خانه بماند و مشغول تمرین خطابه گردد.

[پافشاری و استقامت میخ سزد عبرت بشر گردد

بر سر هر چه بیش تر کوبی پافشاریش بیش تر گردد

[۵] تمرکز فکر: یکی دیگر از عوامل پیروزی تمرکز فکر است، تمرکز دادن فکر در یک نقطه و یک موضوع و یک کار معین باعث می شود که فشار در همان نقطه متوجه شده و هر گونه مانع را از جلو پای خود بردارد.

نقش تمرکز فکر مثل نقش یک اهرم در فیزیک است، اهرم همه نیروها را در یک جا جمع می کند و سپس با یک فشار متناسب جسم سنگینی را بلند می کند.

قوای عقلی در حل مشکلات به سان اشعه خورشید است که اگر به وسیله ذره بین در نقطه ای متمرکز شود آن شیء را می سوزاند. اشعه فکر انسانی نیز تادر یک نقطه معینی نتابد موانع را برطرف نکرده و جوانب موضوع را روشن نمی کند.

اصولاً یکی از وسایل عقب ماندگی گروهی از افراد این است که بنا بر عللی گرفتار تلون مزاج می شوند، هنوز کاری را انجام نداده و آن را پایان نرسانده دست به کار

دیگری می زنند و از این شاخه به آن شاخه می پرند، چنین افرادی غالباً و بلکه هیچ وقت در کار موفق نمی شوند.

اگر نهالی را چند بار جا به جا کنید سرانجام پژمرده می شود، ولی نهال های ثابت همیشه خرم و شاداب است .

۶ نظم و انضباط ؛ عامل دیگر موفقیت نظم داشتن در کار است ، کاخ بلند آفرینش روی نظم استوار است .

اگر منظومه شمسی برقرار است و سیارات دور آن می گردند و کوچک ترین خلی در طی قرون در آن رخ نداده است به این دلیل است که بنیاد آفرینش آن رانظم و محاسبه تشکیل داده است . قرآن می فرماید:

وضع المیزان ؛ و آسمان را برافراشت و میزان و قانون در آن قرار داد.(۳)

حضرت امیرمؤمنان ۷در آخرین لحظات عمر خویش (بعد از ضربت خوردن ) نخستین سفارشش به فرزندان گرامیش این بود که .(۴)

حضرت علی ۷می فرماید: (۵)

از وزیر لایقی که به همه همکاران خود به طور دقیق رسیدگی می کرد پرسیدند چطور به این همه کار می رسی ؟

گفت : آن چه را امروز می توانم بکنم به فردا نمی اندازم و هیچ وقت تأخیر در کاری را روا نمی دارم .

۷ شروع کار از جای کوچک ؛ یکی دیگر از عوامل موفقیت این است که کار را از جای کوچک شروع کنیم . مقصود این است که برای رسیدن به هدف اول بادقت و همت عالی نقشه رسیدن به هدف به طور وسیع طراحی شده و همهء جوانب و شرایط و امکانات و مقدمات آن بررسی شود، ولی هنگام شروع اقدام به کار همهء نقشه را یک جا پیاده نکنیم

، بلکه پله به پله به مقصود بزرگ جامع عمل بیوشانیم .

ناصرالدین شاه در مسافرتی که به اروپا کرده بود در بازدید از انگلیس در لندن با ملکه انگلستان ملاقات کرد پس از تعارفات از ملکه پرسید رمز موفقیت مردم مغرب زمین در امور مادی مخصوصاً در اقتصاد چیست ؟

ملکه گفت : ملت ما هرگز اسرار پیروزی خود را به ملل بیگانه اظهار نمی کنند، اما من به پاس احترام شما نکته ای را متذکر می شوم : ما مردم مغرب زمین همواره کار را از جای کوچک شروع می کنیم تا اگر سودی نبردیم راه بازگشت داشته باشیم و با دادن ضرر ناچیز نقشه را دگرگون کنیم و اگر سودی بردیم فوراً وضع را توسعه داده و قدم بعدی را بر می داریم ، ولی شما شرقی ها برخلاف ما کار را از جای بزرگ شروع کرده و همه نقشه را یکباره پیاده می کنید و در صورت مواجه شدن با ضرر راه بازگشت ندارید به ناچار با دادن خسارات زیاد نقشه را پیاده کرده و خود را به زحمت به هدف می رسانید.

۸ تقلید و دنباله روی کورکورانه ؛ از عوامل دیگر پیروزی تقلید و پیروزی نسنجیده است ؛ غرور و حسادت و یا کم درایتی گاهی سبب می شود که از کارهای نابخردانه دیگران تقلید کنیم . مولای متقیان به کمیل فرمود: (۶)

اقبال لاهوری می گوید:

[خلق را تقلیدشان بر باد دادای دو صد لعنت بر این تقلید باد

[هم چنین می گوید:

[چون ز تلی بر جهد یک گوسفند گله گله گوسفندان می جهند

[۹ شور و مشاوره و تبادل نظر با خبرگان ؛ یکی دیگر از عوامل موفقیت

مشورت کردن با صاحب نظران است. از مشاوره و تقابل دو اندیشه نور می جهد که گاهی پیش پای انسان را و گاهی نیز افق وسیعی را روشن می سازد. چنان که از اصطکاک دو سیم مثبت و منفی برق به وجود می آید.

مشاوره یکی از تعالیم اسلامی است، خدای بزرگ به پیامبرش که عقل کل است دستور میدهد در کارها با مردم مشورت کن (۷).

۱۰ مطالعه سرگذشت افراد پیروزمند؛ با خواندن سرگذشت آنان متوجه خواهد شد که آن ها که بودند و چگونه در کار خود موفق شدند؟ قرآن می فرماید: (۸)

۱۱ استفاده از فرصت؛ یکی از عوامل پیروزی این که از فرصت به دست آمده کمال استفاده را بنماید. یک انسان موفق کسی است که کار امروز را به فردا نیندازد. از ابومسلم خراسانی پرسیدند راز موفقیت شما چه بود؟ گفت هرگز کار امروز را به فردا نیفکنم.

[سعیدیا دی رفت و فردا هم چنان موجود نیست در میان این و آن فرصت شما امروز را

[در شعر منسوب به حضرت علی ۷ آمده است :

[مافات مضی و ما سیأتیک فاین قم فاغتنم الفرصه بین العدمین

[آن چه از دست رفته گذشت. آینده هم هنوز نرسیده است برخیز لحظه این عدم را (یعنی الاءن را) غنیمت بشمار.

۱۲ قاطعیت و تصمیم؛ عامل دیگر موفقیت قاطعیت است؛ یعنی وقتی سود و زیان کاری را سنجیدیم و عقل آن را پسندید و فهمیدیم در مجموع به نفع انسان است باید با قاطعیت و بدون هیچگونه تردیدی آن را تعقیب کنیم و بدانیم هر کاری به اندازه سختی هایش ارادهء راسخ لازم دارد.

گویند: تیمور لنگ و نادر که از

نوابغ نظامی جهان اند، دیر تصمیم می گرفتند، لیکن از تصمیم خود بر نمی گشتند.

در جنگ جمل حضرت علی ۷ پرچم را به دست فرزندش محمد حنفیه داد و برای تقویت اراده پسرش فرمود: اگر کوه های اطراف بصره از جا کنده شود تو هرگز از جای خود تکان نخور. دندان های خود را روی هم بگذار و فشار ده. (۹)

در بیان دیگر فرمود: واللّٰه لو تظاهرت العرب علی قتالی لما و لیت عنها؛ به خدا سوگند اگر همه عرب بر ضد من بسیج شوند هرگز به آن ها پشت نخواهم کرد. (۱۰)

۱۳ آشنایی به اوضاع زمان / یکی از عوامل پیروزی آشنایی به شرایط و مقتضیات زمان است ، اگر دانش آموز و محصل است قبل از انتخاب رشته باید دقت کند مملکت به چه نوع رشته ای نیازمند است . پزشکی ، مهندسی ، کشاورزی ، معلّمی ، ... این طور نباشد که به دلخواه رشته ای را برگزیند و بعد از پایان کار متوجه شود که مملکت به چنین رشته ای خیلی نیاز نداشته است ، اگر بازاری است باید اصناف را تشخیص بدهد و بداند چه صنفی بیش از دیگران پر رونق ترند و اگر کشاورز است باید دقت کند چه نوع کشتی پر محصول تر و پرمقاصی تر است .

امام صادق ۷ می فرماید: (۱۱)

برای اطلاع بیشتر به کتاب رمز پیروزی مردان بزرگ نوشته استاد جعفر سبحانی رجوع کنید.

(پاورقی ۱. جعفر سبحانی ، رمز پیروزی ، ص ۱۰ ۱۲)

(پاورقی ۲. همان ، ص ۱۸ ۲۱)

(پاورقی ۳. همان ، آیه ۷)

(پاورقی ۴. نهج البلاغه ، نامه ۴۷)

(پاورقی ۵. نهج البلاغه ، کلمات قصار ، شماره ۳۹۰)

(پاورقی ۶. نهج البلاغه ، حکمت شماره ۱۴۷)

(پاورقی ۷. آل عمران (۳ آیه ۱۵۹)

(پاورقی ۸. روم (۳۰ آیه ۹)

(پاورقی ۹ له



نهج البلاغه صبحی صالح ، خطبه ۱۱

(پاورقی ۱۰. همان ، ص ۴۵)

(پاورقی ۱۱. علامه محمد باقر مجلسی ، بحارالانوار، ج ۶۸ ص ۳۰۷)

## مشکل اصلی کشور چیست؟

### پرسش

مشکل اصلی کشور چیست؟

### پاسخ

هر کشوری در اداره امور داخلی خود، و در جهت رسیدن به آرمانها و اهداف خود، مشکلاتی را نیز در پیش رو دارد. کشور ما هم از این قاعده کلی مستثنی نیست. مخصوصاً با توجه به مشکلات فراوانی که دشمنان این کشور و ملت برای ما ایجاد کرده اند.

به هر حال اگر بخواهیم مطلبی را به عنوان مشکل اصلی کشور مطرح نماییم، بهتر است به موارد زیر اشاره شود :

۱. برنامه ریزی وسیع و حساب شده، همراه با سرمایه گذاری کافی، برای حفظ و گسترش فرهنگ اصیل اسلامی، و مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن، در تمام قالبها و اشکال مختلف آن.

۲. شناختن گرههای اقتصادی، و باز کردن آنها.

۳. رسیدگی فوری و حساب شده به وضع معیشتی و زندگی روزمره مردم کم درآمد و محروم جامعه.

۴. ادامه و گسترش فعالیتهای علمی و صنعتی.

۵. کنترل و نظارت جامع بر دستگاههای اجرایی و مدیریتی کشور.

برای اطلاع بیشتر نسبت به این موضوع، می توانید به خطبه نماز جمعه مقام معظم رهبری، در مورد اصلاحات، که محورهای مورد نیاز اصلاحات را در کشور ما بیان فرمودند، مراجعه نمایید.

## چگونه جامعه ای سالم با جوانان سالم داشته باشیم؟

### پرسش

چگونه جامعه ای سالم با جوانان سالم داشته باشیم؟

## پاسخ

به جهت آنکه از منبع وحی و امام سرچشمه گرفته، و ریشه در علم نامتناهی خالق هستی دارد، و از تمام زوایای درونی و بیرونی انسان آگاه است، برای همه دوره های گذشته و حال و آینده بشر مفید است. زیرا خالق سبحان، علاوه بر علم نامتناهی از اصول درونی و بیرونی انسانها، نسبت به مصلحتها و مفسده های حقیقی انسان، نیز آگاه است. هیچ کس و هیچ مکتب و هیچ فرهنگ و هیچ تمدن دیگری، جز خالق هستی، از چنین علم و آگاهی و احاطه به تمام شؤون بشری و مصالح و مفاسد آنها، آگاه نیست.

در میان ادیان آسمانی، کامل ترین دین، دین اسلام است. اسلام چگونه زیستن، و راههای صحیح زندگی را، حتی در اجزاء اعمال و رفتار، و حتی در افکار نیتها بیان کرده است، و اگر افراد جامعه اسلامی به احکام و دستورات به درستی عمل کنند، از یک زندگی خوب و متعال برخوردار خواهند شد.

احکام و دستورات اسلام، علاوه بر این که از همه ادیان دیگر کاملتر و وسیعتر است، تعالیم اصلیش از دستبرد تحریف و تغییر، نیز در امان مانده است. بنابراین تنها دین اسلام، و بخصوص مذهب مرفعی شیعه است، که دسترسی به تمام اصول و ارکان زندگی صحیح، و آگاهی از راه و رسم بهتر زندگی کردن، و سلامت جامعه، داشته است؛ و هیچ دینی در حد اسلام نیست.

آیین اسلام بهترین آیین زندگی است، و پاسخگوی تمام نیازهای فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، جسمی و روحی، دنیوی و اخروی و ظاهری و باطنی است. و برای تمام مسائل

زندگی، دستورات محکم، منطقی و روشنی دارد، و الگوهای برتری از دیگر ادیان دارد.

دختر عزیزم، ستاره خانم صادقی، اگر بکشیم که احکام و دستورات نورانی اسلام به درستی توسط افراد جامعه عمل بشود، و از تندروری و کندروی اجتناب کنند، و جامعه ای معتدل، که جامعه ای قرآنی است، ساخته بشود، چنین جامعه ای، جامعه ای سالم است. بنابراین برای ایجاد جامعه ای سالم، به نظر ما باید بکشیم که اسلام و مقررات و قوانین و قواعد و دستورات عملیاتی را، بصورت درست و صحیح و به دور از برداشتهای سطحی و فردی، از طریق اسلام شناسان حقیقی بشناسیم؛ و در مرحله بعد، به آن عمل نماییم. سالم ترین جامعه را بر پا خواهیم کرد. برای تحقق چنین جامعه ای، همه باید همت کنند، و تمام نیرو و توان خود را، برای شناخت و معرفی و شناساندن اسلام و دستورات آن، و پیاده کردن آنها، بکار گیرند. در این مسیر، بیشترین نقش را می توانند نوجوانان و جوانان عهده دار شوند. و در بین نوجوانان و جوانان، دختران نوجوان، بیش از پسران می توانند ایفای نقش کنند. که بدون شک، تو دختر خوب و عزیزم، یکی از آنان هستی، که از روحیه ات چنین ایده ای و منشی، استنباط می شود. پس بکوش و بکوشید و بکشیم که احکام نورانی و مترقی اسلام را بشناسیم و بشناسانیم، و خالصانه به آن عمل کنیم، و عمل به آن را، به روشهای معقول و منطقی، از دیگران مطالبه کنیم.

توفیق روز افزون برای تو و دیگر جوانان فداکار و سلیم النفس این آب و خاک، آرزو می کنم.

**درباره یک موضوع اجتماعی در چه مکان هایی می توان قضاوت کرد؟**

**پرسش**

درباره یک

رسیدگی و قضاوت درباره موضوعات اجتماعی از نظر زمانی و مکانی باید به گونه ای باشد که به تأمین آثار مثبت اجتماعی آن قضاوت کمک کند؛ به همین جهت به نظر می رسد که درباره هر موضوعی باید مکان مناسب آن موضوع را در نظر گرفت برای مثال اگر می خواهیم درباره مسئله ای که صبغه فرهنگی و دانشگاهی دارد، به قضاوت و بررسی پردازیم بهترین و مناسب ترین مکان برای این کار، دانشگاه ها و مراکز فرهنگی هستند، و اگر درباره مسائل شهر و آبادی آن اظهار نظر کنیم بهتر است در شهرداری ها انجام شود، و درباره اداره شهر در فرمانداری ها و... البته مسجد از جمله مکان هایی بوده که از صدر اسلام محل طرح و بررسی موضوعات اجتماعی بوده است به گونه ای که از طرح مسائل دینی گرفته تا مسائل بین المللی مانند پذیرایی از سفرا و نامه به دولت ها... در مسجد انجام می شده است البته امروزه نیز بهترین مکان برای بررسی برخی مسائل همان مساجد است ولی این فقط منحصر به مسائلی است که مربوط به اصل اسلام و مصالح کلی نظام اسلامی می شود که جنبه اجتماعی پیدا کرده باشد و امام مسلمانان لازم بداند در حضور مردم به بررسی آن پردازد. شبیه آن را می توان در قسمتی از خطبه های نماز جمعه مشاهده کرد که چگونه امام جمعه به بررسی برخی امور دینی اجتماعی مردم می پردازد، ولی نمی توان گفت مسجد امروزه جایگاه طرح هر مسئله اجتماعی

است زیرا مسجد جایگاه عبادت و طهارت می باشد و در حد امکان باید به همین منظور از آن استفاده شود؛ چنان که قرآن می فرماید: "لَمَسِّ جِدِّ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا" (توبه ۱۰۸) آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر است که در آن [به عبادت بایستی در آن مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند. " تذکر این نکته لازم است که اگر می بینیم در صدر اسلام از مسجد، به عنوان محل طریح همه مسائل استفاده می شده است جهتش این بوده که هنوز ارگان های نظام اسلامی نهادینه نشده بودند؛ تا امکان آن باشد که هر کدام در محل و مکان مناسب خود، به کار پردازند؛ مانند آن که ما در اول انقلاب از مساجد، انواع بهره برداری ها را از اقامه نماز تا آموزش نظامی می کردیم ولی امروزه برای نظام یافتن امور و اختصاص مکان های مناسب برای هر یک از کاری نیازی به این امر نیست خلاصه آن که بررسی هر امری باید در مکانی که با آن امر، تناسب دارد انجام بگیرد.

### ۳درباره بسیج توضیح دهید ؟

#### پرسش

۳درباره بسیج توضیح دهید ؟

#### پاسخ

ج ۳- در باره بسیج حضرت امام خمینی «ره» که همیشه بر نقش مردم و اهمیت حیاتی آن در تأمین سلامت و موفقیت نظام تأکید می کردند با درایت خاصی در آذرماه ۱۳۵۸ طی بیانات مبارکی، ضرورت تشکیل مدرسه ای عمومی و کار بردی بنام بسیج مستضعفین را اعلام نمودند. درسرخان امام «ره» سابقه بسیج به بیداری قوم بنی اسرائیل و قیام آن برضد ظلم فرعون و به زمان حضرت موسی (ع) بر می گردد و بسیج اصحاب پا برهنه و فقیر صدر اسلام در مقابل بت پرستان مکه در نظر می آید.

مراد امام حضرت امام خمینی «ره» از بسیج فراتر از معانی کلمه مذکور در لغتنامه ها و یا ذهنیت مرد ماست در اندیشه امام به عنوان مؤسس یک چنین نهادی بنا شدن سازمانی اجتماعی است با ابعاد متعدد و با مشارکت تمام اقشار جامعه در راه رشد و آزادی.

سابقه بسیج در نظر امام گویای این مطلب است: که ملت ها در قرون و اعصار به دعوت رهبران الهی بسیج شده اند تا ضمن دست یابی به دین الهی به رشد و آزادی و استقلال مطلوب برسند بعد از پیروزی انقلاب امام فرمان دادند تا برای دفاع از مملکتی که آن موقع ۲۰ میلیون جوان داشت بسیج ۲۰ میلیونی تشکیل شود. بنظر امام این اسلام است که به سوی رشد و آزادی حقیقی ندا میدهد و هم اسلام است که همه قشر ها را در یک جامعه به هم می پیوند و می تواند فعالیتی نو در جامعه پیا کند. بسیج عمومی یعنی:

اما چرا مساجد به عنوان پایگاه ها انتخاب شد ؟ ریشه اسلامی و وحدت گرایانه و سادگی و دور از تشریفات که از مختصات پیش بینی شده برای این نهاد بود . بهترین مکان را در آغاز انقلاب مساجد دید چون از صدر اسلام همواره مسجد به عنوان یک سنگر و مکان جمعی در حکومت اسلامی مطرح بوده است . امام خمینی حتی جهان اسلام را فرا می خواند . ایشان می فرمایند : من پیشنهادی کردم که اگر عمل کنند ان شاء الله تمام مستضعفین جهان چه مسلمان و چه غیر مسلمان با یک حزب جهانی با حزب مستضعفین که همان حزب الله است اینهمه مشکل را در عالم رفع کنند و هیچ قدرتی نمی تواند با این قدرت های الهی مقابله کند ( ۳/۶/۵۸ ) روز قدس که از سوی امام به عنوان یک روز جهانی در آخرین جمعه هر ماه مبارک رمضان تعیین شد قدس در همین راستا بود . بسیج خود یاری برای محرومیت زدایی یکی از ابعاد همگانی این طرح بزرگ ملی است . امام حسابی به شماره ۱۰۰ در تمام شعب بانکی افتتاح کردند، و از تمام کسانی که توانایی داشتند . دعوت نمودند که برای مشارکت در خانه سازی برای محرومان به این حساب پول واریز کنند .

بسیج سواد آموزی یکی دیگر از ابعاد این طرح است . نهضت سواد آموزی ایران امروزه به عنوان یک الگو از طرف سازمان ملل متحد کشورها در حال توسعه و جهانی سوم معرفی می شود . بسیج در امر سازندگی و خود کفائی بویژه در امر کشاورزی منجر به تشکیل جهاد سازندگی شد . در دانشگاه ها

نهادی بنام جهاد دانشگاهی تأسیس شد که امروز واقعا طرح های بزرگ علمی و صنعتی را به پیش می برد . آری جایگاه بسیج در آن موقعیتی که مردم تصور دارند نیست. بلکه نهضتی است برای رشد و آزادی و ادامه استقلال بر اساس اسلام و در تمام جنبه های زندگی . برای اطلاع بیشتر می توانید به کتاب بسیج در اندیشه امام خمینی «ره» , آثار موضوعی دفتر ۲۹ مراجعه کنید .

## ۱ یک جامعه چگونه باید تربیت شود راههای آن را لطفا بگویید ؟

### پرسش

۱ یک جامعه چگونه باید تربیت شود راههای آن را لطفا بگویید ؟

### پاسخ

ج ۱ از آنجا که جامعه را افراد تشکیل می دهند پس لازم است ابتدا افراد تربیت شوند ، تابتوانند جامعه ای سعادت مند متکامل و متفرقی بوجود آورند ، اگر انسانها مباحث تربیتی را بشناسند وهدف آن رابدانند وبا روشهای صحیح تربیت آشنایی پیداکنند و اصلاح نمایند وبه سوی خوبی ها وارزشهای اخلاقی سوق پیدا کنند، همواره به سوی تکامل و ترقی در حرکتند وعقب ماندگی وشکست ذلت وخواری ومفاسد اخلاقی واجتماعی دامن گیرشان نخواهد شد، که از نظر قرآن کریم ونهج البلاغه هدف اساسی همه انبیا وپیامبران الهی تحقق این آرمان ارزنده است ومی دانیم که مکتب اسلام کامل ترین مکتب تربیتی است که دستورات وقوائد وروشهای تربیتی آن از چشمه سار همیشه جاری، وحی الهی گرفته شده وبا رهنمودهای مداوم امامان معصوم «علیهم السلام» درتئوری وعمل لباس حقیقت پوشیده است اکنون این سؤال مطرح می شود که آیا اصلا تربیت ممکن است ، آیا موانع تربیت را می شود از میان برداشت ، روشهای تربیتی کدامند ، چگونه باید فرد وجامعه را تربیت کرد از آنجاکه نهج البلاغه بهترین و گویا ترین زبان قرآن و تبیین کننده مباحث تربیتی اسلامی است گوش جان به کلمات گوهر بار مولا- علی «علیه السلام» می سپاریم : از دیدگاه نهج البلاغه تربیت ممکن وروشهای تربیتی مشخص وروشن است وبهترین روشهای مقابله با موانع وآفات تربیت نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است . علی «علیه السلام» می فرماید : زنهار! زنهار! در تربیت وسازندگی خویشتن تلاش کن ، زیرا خداوند راهی

را که باید بروی ، برایت روشن ساخته است و آینده رفتن تو را مشخص و تبیین فرموده است و سپس امیدواری می دهد که اگر از راه روشن الهی بروید و در تربیت خود و دیگران بکوشید حتما پیروز شده و به سرچشمه سعادت خواهید رسید .

نکته دوم : تربیت پذیری انسان است ، انسان با برخورداری از عقل و تدبیر و عواطف انسانی تربیت پذیر تر از دیگر موجودات است و می شود انسان را تربیت کرد. و در خودسازی و جامعه سازی موفق نمود . علی « علیه السلام » می فرماید : از کسانی نباش که پند و اندرز به آنها سودی نمی بخشد مگر آنکه سخت در توبیخ آنها مبالغه شود زیرا انسانهای عاقل با اندرز و آداب پند می پذیرند اما چهارپایان با زدن. (۲)

با توجه به پندپذیری انسان امام « علیه السلام » سفارش می کنند که در تربیت کودک ، در تربیت نفس و در تربیت افراد جامعه باید شتاب نمود و تربیت را بر هر کار دیگر مقدم داشت ، زیرا ممکن است آداب و روشهای زشت و ناروا دلهای پاک را آلوده سازد و تربیت و سازندگی را ناممکن . لذا در نامه ۳۱ خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی « علیه السلام » می فرماید : من در تعلیم و تربیت تو پیش از آنکه قلبت سخت شود و عقل و فکرت به امور دیگر مشغول گردد مبادرت ورزیدم ، تا با تصمیم جدی به استقبال کارهایی بشتابی که اندیشمندان و اهل تجربه زحمت آزمون آن را کشیده اند.

نکته سوم ارزش و جایگاه تربیت است ، که امام « علیه السلام » آن را بالاترین میراث معرفی می نماید. ( هیچ ثروتی مثل عقل نیست هیچ فقری چون جهل نمی باشد و هیچ میراثی چون ادب و تربیت



نکته چهارم: هدفداری تربیت می باشد زیرا امکان تربیت و ضرورت خودسازی و بازپروری جامعه را بسیاری از مکتب ها پذیرفتند. اما می پرسند چرا خود را تربیت کنیم ورنج فراوان خودسازی بر خود هموار کنیم و از لذتها و خوشی ها بگذریم؟

اما آنچه اسلام را در برابر دیگر مکاتب توحیدی ممتاز میکند هدفداری انسان و تربیت اوست بدیهی است تا مبانی اعتقادی قرآن و نهج البلاغه را نپذیریم به هدفداری انسان و حرکت تکاملی بشر به سوی قیامت و بهشت جاویدان را باور نکنیم تربیت و مقررات و احکام تربیتی بدون پشتوانه اخلاقی و اجرایی است. پس ابتدا باید مبانی اعتقادی قوی و محکم بوجود آورد تا افراد باور کنند که در این دنیا برای هدفی آمده اند و بیهوده آفریده نشده اند پس از آن با شناخت عوامل تربیت و تقویت آنها و سازندگی فرد و جامعه پرداخت

از جمله عوامل تربیت: ۱- پدر و مادر آموزشگاه آغازین هر فردی خانه و خانواده می باشند و پدر و مادر و دیگر افراد خانواده می توانند مربی لایق و موفق فرزندان باشند یا عامل اساسی انحراف آنها

۲- خانواده: فرزندان و کودکان از اعضای خانواده الگو می گیرند از این رو امام « علیه السلام » سفارش می کند با خانواده خوب و صالح روابط دوستانه برقرار کنید.

۳- استاد و آموزگار: لذا در دستورات دینی به هم نشینی با علما و دانشمندان توصیه شده است.

۴- جامعه و محیط زندگی: پس در انتخاب مکان زندگی و محیط اجتماعی باید دقت نمود.

۵- دوستان: امام « علیه السلام » می فرماید بر حذر باش از دوستی با احمق که می خواهد به تو نفع برساند ولی زیان می رساند. (۴)

۶- علما و نصیحت کنندگان: علما از عوامل مهم تربیت به شمار می آیند که باید به آنان

احترام گذاشت و گوش دل به سخنانشان سپرد .

۷- حکومت ورهبری : که هم مسئولیت تربیت فرد و جامعه را دارد و هم به عنوان یکی از الگوهای تربیتی مطرح است.

۸- الگوهای موفق تربیت شده.

۹- قرآن و تعالیم انسان ساز آن.

۱۰- همسایه و همسایگان زیرا بدون روابط با همسایگان نمی شود به زندگی اجتماعی تداوم بخشید لذا باید در خرید منزل و انتخاب همسایه دقت نمود.

۱۱- تبلیغات : که گاهی به شکل وعظ و خطابه یا نصیحت و اندرز وزمانی به عنوان امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی مطرح می شود.

۱۲- سنن و آداب صحیح اجتماعی.

۱۳- تاریخ گذشتگان و عبرت گرفتن از آن.

۱۴- انقلاب و قیام و حرکت موفق یک امت : بهترین و ارزنده ترین مربی و آموزگار دلهای آماده تربیت است. نعمت انقلاب از بزرگترین عوامل تربیتی است امید است انشاءالله انقلاب ما به انقلاب مهدی موعود « علیه السلام » متصل گردد.

منابع :

۱- المعجم المقهرس الالفاظ نهج البلاغه, نامه ۳۰/۳

۲- المعجم المقهرس الالفاظ نهج البلاغه, نامه ۳۱/۱۰۸

۳- المعجم المقهرس الالفاظ نهج البلاغه, حکمت ۵۴

۴- المعجم المقهرس الالفاظ نهج البلاغه, حکمت ۳۸/۲

تربیت در نهج البلاغه, مؤلف دفتر نشر امام علی « علیه السلام » انتشارات ضریح آفتاب.

**آینده ایران و اسلام را چگونه می بینید؟**

**پرسش**

آینده ایران و اسلام را چگونه می بینید؟

با استفاده از آیات و روایات بسیار متعددی که وعده پیروزی، گسترش و جهانگیر شدن اسلام را داده از قبیل: ((و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين))، (قصص / ۵) ((الاسلام يعلو و لا يعلى عليه)) و...، آینده بسیار درخشانی برای دین مبین اسلام وجود دارد و این از وعده های حتمی و تخلف ناپذیر خداوند می باشد. البته زمان تحقق آن را فقط خداوند می داند. ولی می توان علائم و زمینه های تحقق آنرا با توجه به حوادثی از قبیل وقوع انقلاب اسلامی ایران و تأثیراتی که این انقلاب در بیداری مسلمانان و گسترش اسلام در بسیاری از نقاط دنیا داشته است، مشاهده نمود.

مطالعه حوادث تاریخی که در حوزه اسلام و مسلمانان روی داده است این واقعیت را نشان می دهد که علیرغم اینکه روند گسترش اسلام در جهان در مجموع یک روند صعودی می باشد، ولی دارای یکسری فراز و نشیب هایی بوده وقفه های طولانی در این خط سیر بوجود آورده، و برخی از دولتهای اسلامی نابود شده اند، همه این حوادث بیانگر این اصل مهم قرآنی می باشد که ((ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند))، (رعد / ۱۱).

در این آیه مبارکه ((ما بقوم)) رو بنا و ((ما بانفسهم)) زیر بنا است. بنابراین بقاء و دوام هر تحولی و

انقلابی، همانند اصل هر گونه تغییر و تحول و انقلاب در جوامع بشری و سرنوشت آنان، بستگی به خودشان دارد. بر این اساس با توجه به در نظر گرفتن واقعیاتی از قبیل تهاجم همه جانبه غرب در مقابل گسترش اسلام، وجود حکومت‌های وابسته به غرب، در کشورهای اسلامی وجود اسرائیل به عنوان دشمن اصلی اسلام در قلب جهان اسلام، و... که همه تهدید کننده ماهیت اسلام می باشد، و وجود و استمرار مؤلفه های ذیل می تواند در تداوم و بهبود وضعیت مسلمانان، و گسترش اسلام خواهی در جهان مؤثر باشد:

۱- تداوم انقلاب اسلامی ایران به عنوان ام القری کشورهای اسلامی، به عنوان کانون امید بخش و حامی نهضت‌های اسلامی و آزادیبخش در سراسر جهان.

۲- وحدت و همدلی تمامی مذاهب اسلامی، تکیه بر نقاط مشترک و پرهیز از تفرقه.

۳- تلاش مجدانه مسلمانان برای پیشرفت در زمینه های مختلف علمی، صنعتی، تکنولوژیکی و... و رها شدن از عقب ماندگی و وابستگی به غرب در اقتصاد، صنعت، دانش و فن آوری و...

۴- عمل به تعالیم و ارزشهای والای اسلامی و...

اما در مورد آینده ایران اسلامی باید گفت: انقلاب پدیده ای اجتماعی است و به مثابه موجودی زنده در دریای حوادث به حیات خویش ادامه می دهد و چه بسا با موانع و آفاتی روبرو شود، شناخت آفات و دشمنان انقلاب عامل مهم در تحقق یافتن آرمان های انقلاب، حفظ دستاوردها، تنظیم سیاستهای کل نظام، حل مشکلات و حفظ مشروعیت حکومت محسوب شده و آینده هر انقلابی را رقم می زند.

استاد مطهری(ره) پس از پیروزی انقلاب فرمود:

«امروز نیز ما درست در وضعی قرار داریم نظیر اوضاع ایام آخر عمر پیامبر(ص)... اکنون باد از خود ترس داشته باشید. از منحرف شدن نهضت و انقلاب است که باید ترس داشته باشید. اگر با واقع بینی و دقت کامل با مسایل فعلی انقلاب مواجه نشویم، و در آن تعصبات و خودخواهی ها را دخالت دهیم، شکست انقلابمان بر اساس قاعده «واخشون» و بر اساس قاعده ان الله لا یغیر حتمی الوقوع خواهد بود. درست به همانگونه که نهضت صدر اسلام نیز بر همین اساس با شکست روبرو شد.» (مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، صص ۲۷-۲۸).

مقام معظم رهبری نیز در ارتباط با ضرورت و اهمیت آسیب شناسی انقلاب می فرمایند: «میکرب رجعت یا ارتجاع، دشمن بزرگ هر انقلاب است که به درون جوامع انقلابی نفوذ کرده و در آن رشد می یابد، نفوذ فساد و ایجاد تردید در اذهان جوانان نسبت به آرمانها، دنیاطلبی، اشتغال به زینت های دنیوی و زندگی راحت در جامعه و بروز علائم زندگی تجملاتی در میان عناصر انقلابی، نشانه هایی از تأثیر میکرب ارتجاع و عقب گرد است. پرداختن به مال و مال اندوزی دچار شدن به فسادهای اخلاقی مالی و فساد اداری، درگیر شدن در اختلافات داخلی که خود یک فساد بسیار خطرناک است، و نیز جاه طلبی های غلط و نامشروع، کاخ آرمانی انقلاب اسلامی و هر حقیقت دیگری را ویران می کند.» (کیهان، ۱۳۷۳/۱۰/۱۷)

امام راحل در وصیت نامه سیاسی الهی خود رمز تداوم انقلاب را چنین معرفی می کنند: «بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو

رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد می باشد.»

امام علی(ع) مهمترین موانع انقلاب و اسباب شکست نهضت ها را کینه توزی، تفرقه، پشت کردن به یکدیگر و ترک یاری معرفی می نمایند: «ما نظروا الهی ما صاروا الیه فی آخر امورهم حین وقعت الفرقة و تشتت الالفه»؛ (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۱۸۵).

بر این اساس آینده ایران اسلامی بستگی به این دارد که آیا نظام اسلامی با همکاری مردم می تواند آسیب های متعددی که این انقلاب نوپا را تهدید می کند پشت سر گذاشته و با موفقیت از آنها بیرون آیند یا نه: این آسیبها را می توان در چند دسته خلاصه نمود:

الف آسیبهای فرهنگی اجتماعی عبارتند از:

۱ نفوذ اندیشه های بیگانه.

۲ تغییر جهت دادن اندیشه ها از اهداف و نیات خدایی به اهداف و نیات غیر خدایی.

۳ تجدد گرایی افراطی یا التقاط و زهد گرایی منفی.

۴ جدا کردن دین از علم و سیاست و تفرقه بین حوزه و دانشگاه.

۵ بوروکراسی مفرط و فساد اداری و اجتماعی.

۶ دنیا طلبی و اشتغال به زینتهای دنیوی.

۷ اشائه فحشاء و مراکز فساد و تأثیر پذیری از جنگ روانی و تبلیغاتی دشمن.

۸ تغییر ارزشهای انقلاب.

ب آسیب های سیاسی عبارتند از:

۱ ناتمام گذاشتن تحقق آرمانهای نهضت از قبیل، آرمانهای جهانی انقلاب اسلامی، مبارزه با ظلم و اقامه قسط و عدل در سراسر جهان و اتحاد امت اسلامی.

۲ رخنه فرصت طلبان: استاد مطهری در این باره می فرماید: «... هر چه از دشواریها کاسته می شود و موعد چیدن ثمر نزدیک تر می گردد، فرصت طلبان محکم تر و پرشورتر پای

علم نهضت سینه می زنند، تا آنجا که تدریجا انقلابیون مؤمن و فداکاران اولیه را از میدان به در می کنند...»، (مرتضی مطهری، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۹۲).

۳ تفرقه و درگیر شدن در گرداب اختلافات داخلی و استفاده نکردن از نیروهای بالقوه مردمی.

۴ بی تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت اجتماعی خویش و غیر سیاسی شدن دانشگاهها.

۵ ایجاد تردید نسبت به آرمانهای انقلاب.

۶ جاه طلبی های غلط و نامشروع.

۷ تحت الشعاع قرار گرفتن استقلال و آزادی.

۸ بازگشت استعمار به طریق آشکار و نهان و وابستگی نظامی و سیاسی به ابرقدرتها و...

ج آسیب های اقتصادی انقلاب اسلامی:

امام علی(ع) علل سقوط اقتصادی سیاسی حکومتها را چنین بیان می کند: «یستدل الادبار باریع: سوء التدبیر، و قبح التبذیر و قله الاعتبار و کثره الاعتذار؛ می توان چهار علت برای زوال دول برشمرد: سوء تدبیر و ضعف مدیریت تبذیر ناروا و هزینه های زیانبار اقتصادی عبرت نگرفتن از تجارب سودمند عذرخواهی مکرر به جای جبران خطاهای گذشته» (غرر و درر، ص ۳۵۴)

مهمترین آسیب های اقتصادی انقلاب اسلامی را می توان در موارد ذیل برشمرد:

۱ وابستگی اقتصادی به ابرقدرتها، بالاخص آمریکا

۲ تحت الشعاع قرار گرفتن توسعه اقتصادی یا عدم توجه به بحرانهای ناشی از توسعه اقتصادی

۳ وابستگی به نفت به عنوان مهمترین اقلام صادرات و منبع ارزی کشور.

۴ عدم وجود فرهنگ کار و انضباط اجتماعی

۵ جدا شدن مردم از برنامه های دولت در طرح های سازندگی

۶ مال اندوزی و تکاثر ثروت اندوزان

۷ تحت الشعاع قرار گرفتن عدالت اجتماعی و زیاد شدن فاصله فقیر و غنی.

۸ بی توجهی به مستضعفین و ولی نعمتان انقلاب و عنایت علیحده به اغنیاء؛





خواسته های مشروع نسل جوان (از قبیل اشتغال مسکن، ازدواج و...) که آینده سازان انقلاب و ایران اسلامی بوده، و عدم شکل گیری روند کامل و صحیح جامعه پذیری در انتقال ارزش های انقلاب و اسلام به نسل جوان در جهت تقویت هویت اسلامی و ملی آنان و جلوگیری از آفات مخرب تهاجم فرهنگی و...

اما علیرغم آسیبهای فوق که انقلاب اسلامی را تهدید می نماید و آینده ای تاریک و مبهم را برای ما ترسیم می نماید نگاهی به موفقیتها و دستاوردهای مثبت و ارزنده انقلاب اسلامی در حل مشکلات و بحرانهای متعدد، وجود مردمی با ایمان و پایبند به ارزشهای اسلامی، خط امام و رهبری، وجود مسئولان آگاه، دلسوز، و متعهد و عزم جدی آنها برای حل مشکلات و تلاش در جهت پیشرفت مادی و معنوی جامعه و ارتقاء سطح علمی، فرهنگی، صنعتی، تکنولوژیکی و... می توان به آینده ای کاملاً "درخشان برای ایران اسلامی امیدوار بود انشاء الله .

**چه راهکارهایی را می توان برای بهتر شدن وضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه به صورت عملی به تئوریک پیشنهاد می کنید؟**

**پرسش**

چه راهکارهایی را می توان برای بهتر شدن وضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه به صورت عملی به تئوریک پیشنهاد می کنید؟

**پاسخ**

ضمن تشکر از جناب عالی هم به خاطر دغدغه تان نسبت به رشد و تعالی و پیشرفت وضع جامعه و هم به خاطر ارتباط با ما، در پاسخ به پرسش شما نکات ذیل را خاطر نشان می سازیم:

اولاً: راهکارهای عملی نه تنها از تئوری جدا نیستند بلکه مبتنی بر آن است، از این رو در پاسخ به همین سؤال هر کس با دیدگاه نظری خود راهکارهایی عملی را ترسیم خواهد نمود.

ثانیاً: با مبنای تئوریک ما دین عامل سعادت دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی بشر است، و دین اسلام جامع ترین ادیان الهی و شریعت محمدی(ص)، شریعت خاتم است، موارد ذیل به نظر می رسد که در بهتر شدن وضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه به عنوان راهکارهای عملی مفید و مؤثر باشد:

۱- اجرای صحیح و تمام عیار و بی مسامحه، بی توجیه، بی شائبه و بی واهمه احکام اسلامی

بر اساس دستورات دینی مفسد فی الارض، حکمش اعدام است، متعددی و متعرض به ناموس مسلمین و اهانت کنندگان به شعائر دینی باید تعزیر شوند، دست دزد قطع گردد، اما آیا ما به ندای رهبر عظیم الشان انقلاب در این زمینه عمل کردیم؟! آیا مسئولین محترم نظام، آنچنان که بایسته و شایسته بود در راستای مبارزه با فساد اجتماعی و اقتصادی اقدام نمودند.

جناح بندی و سیاسی کاری، وا همه از نظرات مدعیان حقوق بشر، تبعیض در بین افراد و جریانات در مقام اجرا و نیز برخی فرصت طلب

ها و منفعت طلبان از جمله موانع این راه هستند که باید برطرف شود.

## ۲- عدالت اجتماعی و اقتصادی

شکاف طبقاتی، تبعیض و بهره مندی وافر عده ای و محرومیت مطلق عده ای دیگر ظلم است که بنیان های یک اجتماع را سست و متزلزل می کند. باید با وضع قوانین مناسب، ترتیبی اتخاذ شود که از فرصت های کاری، همه یا اکثر مردم به حسب تخصص و توانمندی های خود بهره مند گردند، نه این که یک عده از چندین شغل رسمی و غیر رسمی بهره مند باشند و دیگران آه بکشند.

در وضع مالیات ها هم، در موقع قانون گذاری باید دقت شود و هم در هنگام أخذ که متأسفانه در بسیاری از موارد هم در وضع قانون، به نحو غیر کارشناسانه است و هم در مقام گرفتن مالیات با دست و دلبازی های برخی و تبعیض و اهمال برخی دیگر مواجه می شویم.

۳. بازرسی از همه نهادهای حکومتی به گونه ای که علی (ع) به مالک اشتر فرمودند: یا مالک تو باید در دولت خود جاسوس داشته باشی اما نه جاسوس برای مردم و ایجاد محدودیت و سلب آزادی از آنان بلکه جاسوس برای کارگزاران و عمال خودت تا درست کار کنند.

چه نهادی در مجلس، قوه قضائیه، مجریه، شرکت ها و مؤسسات دولتی و ... این مسئولیت را به عهده دارد؟ چه گونه عمل می کنند؟ اگر به گونه صحیح عمل می شد آیا ما شاهد این همه پارتی بازی، رشوه گیری ها و مفاسد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بودیم؟! آیا همه استانداران خود را موظف به این فرمان می دانند؟ آیا اصولاً بر اساس

اعتقاد به این اصول منصوب می شوند؟

۴. قاطعیت در برخورد با حیف و میل کنندگان بیت المال، متصدیان به حقوق عمومی

۵. تشدید روحیه استبکار ستیزی و معامله نکردن ارزش ها با مصالح سیاسی

۶. امر به معروف و نهی از منکر و حضور جدی مردم در افشاء انحرافات، برخورد با انحرافات، پشتیبانی از مقام ولایت.

### مهم ترین نیاز جامعه اسلامی در عصر کنونی چیست ؟

#### پرسش

مهم ترین نیاز جامعه اسلامی در عصر کنونی چیست ؟

#### پاسخ

پاسخ جامع به این سؤال ، نیازمند ترسیم ویژگی های مسلمانان عصر کنونی است ؛ یعنی بدانیم آنان از لحاظ فکری و فرهنگی و اخلاقی و سیاسی و اجتماعی و نیز از جهات علمی و صنعتی و کشاورزی و استقلال و خودکفایی ، در چه موقعیتی قرار دارند و در گذشته چه موقعیتی داشته اند؟ پس از مقایسه و وضع حاضر و گذشته ، علل پیدایش وضعیت متفاوت ، مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار گیرد. این گونه نقد و بررسی و تجزیه و تجلیل به عهده است و از حوصله و ظرفیت این گفتار بیرون است ، اما جهت آگاهی و هشدار اشاره ای می کنیم تا از خواب های پریشانی که فتنه انگیزان خود باخته و فرهنگ فروشان بیگانه پرست در یکی دو قرن اخیر، مخصوصاً از زمان پهلوی تا کنون برای امت اسلامی به خصوص جوانان غیرتمند شیعه علوی دیده اند، بیداری حاصل گردد.

به اعتراف دوست و دشمن هنوز از تولد اسلام نیم قرن نگذشته بود که قسمت عمده آباد کره زمین از آسیا تا آفریقا و از آن جا تا اروپا، در سیطره نفوذ نظامی و علمی و فرهنگی و اخلاقی و سیاسی و سازندگی اسلام قرار گرفت .

مسلمانان هر کجا را فتح می کردند، به آبادانی آن و تبلیغ و تدریس فرهنگ و علوم می پرداختند و به تأسیس مسجد و مدرسه اقدام می نمودند و برخوردشان با جامعه مغلوب و افکار و عقاید آنان به گونه ای بود که می گوید:

و در آه و حسرت خویش می سوخت و می گفت :

پروردگارا! ای کاش همه ملت های اروپا، روش مسلمانان را سرمشق خود قرار می دادند. (۱)

اما در عصر کنونی ورق برگشت و مسلمانان پوستین پیشرفت و ترقی را وارونه به تن کردند و دوران انحطاط و عقب ماندگی را طی می کنند و دنیای غرب، اگر چه در بُعد اخلاقی و انسانی از مرحلهء فاجعه گذشته و به سقوطسرازیر گشته، لکن از جنبه های علمی و فنی پیشرفت نموده اند. آیا جوانان که طلایه داران آینده جامعه و امت اسلامی هستند، نباید علل پیشرفت عظیم مسلمانان و پس رفت و انحطاط ذلت آمیز کنونی را مورد بررسی قرار دهیم تا ریشه های عزت و ذلت را شناسایی نماییم ؟

جهت آشنایی با تاریخ درخشان اسلام و خدمتی که دین الهی و پیروانش به فرهنگ و تمدن بشریت در تمامی رشته های علمی و فنی نموده اند، چند کتاب زیر را جهت مطالعه معرفی می کنیم و به اختصار سؤال شما را پاسخ می دهیم :

۱ دانش مسلمین، محمد رضا حکیمی .

۲ خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مطهری .

۳ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، زین العابدین قربانی .

۴ علل پیشرفت و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی .

برادر عزیز، نیاز اساسی امت اسلامی در همه اعصار و قرون، شناخت قرآن و پیروی از آن است. به عبارت دیگر، اقتدار و عظمت مسلمانان و بازگشت قدرت و شوکت ممتاز آنان در سایه دو امر نهفته است، که یکی اصل و دیگری فرع آن است.

۱ بازگشت به زندگی قرآنی و آن را تابلوی راهنمای زندگی خویش در همه عرصه های زندگی فردی

و اجتماعی قرار دادن .

۲ اتحاد همه امت اسلام و فرقه ها در زیر پرچم قرآن .

بازگشت به قرآن نیازمند رو آوردن به شناخت و معرفت صحیح آن است و این را باید از اهل البیت و ائمه : که قرآن ناطق و مفسران حقیقی قرآن هستند، اخذ نمود. وقتی قرآن ، راهنمای عمل انسان قرار گرفت ، اتحاد و وحدت محقق می گردد، زیرا قرآن از یک سو می گوید:

زیند و پراکنده نشوید < (۲).

این امر مهم را مکرر تذکر می دهد و می فرماید دشمنان نه تنها در صدند میان مسلمانان اختلاف ایجاد کنند، بلکه می خواهند در محتوای دین هم نفوذ کنند، زیرا آن ها حیات و هستی و منافع خود را در اختلاف و تفرقه میان مسلمانان می بینند، چنان که با تفرقه و تبعیض میان انبیا در صدد تضعیف دین و ارزش های آن برآمدند:

پیامبران جدایی افکنند < .

قرآن در سوره انعام یکی دیگر از طرح های توطئه آمیز آنان را برای ایجاد اختلاف میان مسلمانان افشا می کند و می فرماید: . گرچه برای خداشناسی راه های مختلفی و به تعبیر امام خمینی ، به شمار انسان ها وجود دارد، ولی دین و راه حق ، یکی بیش نیست . راه حق (صراط) را مفرد ذکر کرده ، اما راه انحرافی را که جمیع سبیل است ، ذکر نموده است .

قرآن با دل سوزی ، آثار و نتایج خسارت بار و جبران ناپذیر اختلافات ، نزاع ها و کشمکش های داخلی میان مسلمانان را گوشزد می کند و می فرماید: محور وفاق و وحدت باید اطاعت از دستورهای خدا و پیروی از فرامین

رهبری باشد: .

سید جمال الدین اسد آبادی می گوید: (۳)

از سویی دیگر قرآن می فرماید: (۴)

چرا قرآن می گوید: بیایید دعوت قرآن را بپذیرید تا شما را زنده کند؟ مگر مخاطبان قرآن , مردگان قبرستان بودند یا انسان های فعال و متحرک در دنیا؟

از دیدگاه قرآن فرد یا جامعه ای که در جهل و نادانی به سر می برد و محبت و مهربانی و تعاون و دستگیری ازضعفا و همدلی و اتحاد, جای خود را به انتقام جویی و اختلاف و تفرقه و دشمنی و تجاوز داده است , آن ها, مرده های متحرکی هستند که به جای قرار گرفتن در زیر خاک , روی زمین راه می روند و لذا خداوند به پیامبر می گوید: و یا می فرماید:

القبور (۵) تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گورها خفته اند برسانی . هر مرده ای را داخل قبر می گذارند, اما

کسی که روح حیات و زندگی در او مرده است , در قبرهای مختلفی مدفون است . قبر شهوت , قدرت , ثروت , ملیت و قومیت , تحزب و جناح گرایی , بلکه جناح پرستی و... شاید تعبیر به در آیه شریفه به همین نکته اشاره داشته باشد. اقبال لاهوری می گوید: امروز روح اسلامی در مسلمانان مرده است (چون قرآن را از صحنه زندگی خود کنار گذاشته اند) از تاریخ مردن تفکر اسلامی پانصد سال می گذرد. (۶)

شیخ محمد عبده مصری می گوید: (۷)

(پاورقی ۱. محمد رضا حکیمی , دانش مسلمین , ص ۱۰۵

(پاورقی ۲. آل عمران (۳) آیه ۱۰۳

(پاورقی ۳. حسن عاشوری لنگرودی , بررسی علل پیشرفت و عقب ماندگی در جهان اسلام و راه

(پاورقی ۴. انفال (۸ آیه ۲۴)

(پاورقی ۵. فاطر (۳۵ آیه ۲۲)

(پاورقی ۶. مرتضی مطهری، احیای تفکر اسلامی، ص ۸۴ با تلخیص.

(پاورقی ۷. جمعی از نویسندگان، محمد خاتم پیامبران، ج ۱ مقدمه، ص ۱۹)

### برای سعادت مند شدن چه نکاتی قابل توجه است؟

#### پرسش

برای سعادت مند شدن چه نکاتی قابل توجه است؟

#### پاسخ

سعادت به حسب ریشه لغوی، متضمن مفهوم عون و کمک است. عرب از آن جهت به کسی را اطلاق کرده است که علل و اسباب به کمک و معاونت او آمده باشد، اما به حسب عرف، معنی سرور و خوشی و آسایش را می دهد. (۱) در واقع سعادت به معنای لذت بردن و خوش بودن و نیل به آرزوها نیست، چون سعادت، همه جانبه است. استاد مطهری می گوید: طرح و تنظیم برنامه سعادت، فرع بر این است که انسان با تمام استعدادهای مکتومی که دارد، شناخته شود، زیرا سعادت از شکفته شدن استعدادها و بروز و ظهور و فعلیت یافتن قوه ها پیدامی شود. سعادت حقیقی وقتی حاصل می شود که تمام استعدادهای انسانی، بالاخص استعدادهای عالی وجود وی، از قوه به فعلیت برسد.

انسان با همه استعدادهایش باید شناخته شود، تا طرح و تنظیم چنین برنامه ای ممکن و میسر گردد. از طرف دیگر با توجه به این که با همه پیشرفت های عظیمی که نصیب بشر در علم و صنعت شده و با همه کشفیات شگفت آوری که در دنیای جمادات و نباتات و جانداران صورت گرفته، انسان هنوز موجودی ناشناخته است؛ پس باید قبول کرد هنوز علم بشر نتوانسته است مدعی شود می تواند طرح سعادت بشر را تنظیم کند. (۲) بر این اساس برای شناخت عوامل سعادت و خوش بختی باید به سراغ قرآن و عترت برویم. اسلام بشر را از جنبه جسم و جان و از جهت معنوی و مادی مورد توجه قرار داده



است و سعادت انسان را در برخورداری از کمالات روحی و استفاده صحیح از تمایلات مادی می داند؛ از این رو عواملی مادی و معنوی را در تحصیل سعادت مؤثر می داند، که عبارتند از:

۱ ایمان به خدا؛ قرآن مجید در سوره عصر، افرادی را از خسران مستثنی کرده است و آن افراد مؤمن و نیکوکارند. آن ها به فلاح و رستگار نائل می شوند.

۲ تقوا و خودسازی؛ قرآن مجید پس از یازده سوگند به صراحت می فرماید: (۳)

استاد مطهری می گوید: پیغمبران الهی آمده اند که به ما راه زندگی و درِ ورودی زندگی و خوش بختی را نشان دهند. آمده اند به بشر بفهمانند بدی، بدکاری، هوس بازی، دروغ، خیانت، منفعت پرستی، کینه توزی و خود پرستی، راه ورودی زندگی و طریق رسیدن به سعادت و آرامش و رضایت خاطر نیست. درِ ورودی زندگی و خوش بختی، نیکویی و نیکوکاری، راستی و درستی و استحکام اخلاقی و خیرخواهی و مهربانی است. تنها ایمان و اعتقاد به معنویات و سپس نیکوکاری بر اساس آن اعتقادات مقدس است که قلب را آرام و رضایت خاطر را تأمین می کند و سعادت را میسر می سازد. (۴)

۳ یاد خدا؛ قرآن مجید مهم ترین عامل و وسیله برای خوشی و آرامش روح را یاد خدا می داند و می فرماید: (۵) و روی گرداندن از یاد خدا را عامل سیه روزی می داند و می فرماید:

گرداند، زندگی اش تنگ می شود. (۵)

۴ عمل صالح؛ قرآن کریم اموری همانند جهاد در راه خدا، امر به معروف، نهی از منکر،

شکر نعمت های الهی و توبه را مایه حیات و سعادت انسان می شناسد.

۵ هم نشینی با بزرگان / پیامبر اکرم ۶ می فرماید: (۶)

۶ همسر، فرزند و منزل شایسته / در روایتی رسول خدا ۶ می فرماید: (۷)

۷ پند پذیری / امام علی ۷ می فرماید: (۸)

۸ عاقبت به خیری / امام صادق ۷ از امام علی ۷ نقل می کند: (۹)

در مورد مفهوم گسترده سعادت، از مطالعه کتاب کودک از نظر وراثت و تربیت، ج اول بهره مند شوید.

(پاورقی ۱. استاد مطهری، مقالات فلسفی، ج ۲ ص ۶۰)

(پاورقی ۲. استاد مطهری، مقالات فلسفی، ج ۲ ص ۹۶)

(پاورقی ۳. شمس (۹۱ آیه ۹)

(پاورقی ۴. حکمت ها و اندرزها، ص ۴۰ ۴۱ با تلخیص .

(پاورقی ۵. طه (۲۰ آیه ۱۲۴)

(پاورقی ۶. بحار الانوار، ج ۷۴ ص ۱۸۵)

(پاورقی ۷. بحار الانوار، ج ۱۰۴ ص ۹۸)

(پاورقی ۸. نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۸۵)

(پاورقی ۹. تفسیر نمونه، ج ۹ ص ۲۵۰)

**بسیج یعنی چه ؟**

**پرسش**

بسیج یعنی چه ؟

**پاسخ**

بسیج یعنی آمادگی و مجهز بودن. (بسیج مشتضعفان برای حفظ و حراست از دست آوردهای انقلاب (پاورقی ۱. فرهنگ

معین : ماده ۷: بسیج .

و خنثی سازی توطئه های دشمنان داخلی و خارجی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به فرمان حضرت امام خمینی ره که تمام سعی و کوشش خود را برای اعتلای کلمه اسلام و عزت و شرافت ملت ایران صرف کرد, در ۱۳۵۸/۹/۵ تشکیل شد.

امام خمینی فرمود: .

پس از تشکیل بسیج مستضعفان جوانان عزیز با مراجعه به محل های اعلام شده از طرف سپاه پاسداران در همه شهرهای میهن اسلامی , شروع به فراگرفتن تعلیمات نظامی کردند. بسیجیان قهرمان در دوران دفاع مقدس در جبهه های حق علیه باطل حماسه های به یادماندنی آفریدند و با حضور عاشقانه در رزمگاه های سخت و خطوتمقدم جبهه , قلب مولای خود امام زمان ۷و نایب بر حقش حضرت امام خمینی را شاد و دشمن را ناکام نمودند. باحضور بسیجیان در جبهه , نیروهای نظامی اعم از سپاه و ارتش , قوت روح و قدرت بازوی بیش تر احساس می کردند و حملات مؤثر علیه دشمن بعثی انجام دادند. امروز هم هراس اصلی دشمنان انقلاب از حضور بسیجیان جان بر کف و مردم مؤمن در صحنه می باشد. مناطق دلاوری های بسیجیان و سایر نیروهای نظامی در میدان های رزم , همه ساله زیارتگاه عاشقان و دلسوختگان و مردم عزیز کشورمان می باشد. در دیدگاه امام خمینی ره بسیجیان از چنان ارزشی برخوردار بودند که فرمود: . خداوندا! به احترام اولیاءت , روحیه بسیجی را برای جوانان عزیز کشور در همه دوران عنایت فرما.

**یک فرد مسلمان باید چه خصوصیات اعم از سیاسی و اجتماعی داشته باشد؟**

**پرسش**

یک فرد مسلمان باید چه خصوصیات اعم

## پاسخ

یک مسلمان اسلام را به عنوان یک ایده برتر پذیرفته است و باید به آن پای بند و متعهد باشد و نسبت به قوانین اسلام و اجرای آن ها در جامعه کوشا باشد و نگذارد که فساد و گناه جامعه را فرا بگیرد و از مفسدان و غوغاسالاران حمایت نکند و چون در کشور عزیز ما حکومتی به عنوان اسلام بر پا شده است که با چپاولگران داخلی و خارجی سرسازش ندارد و آمریکا را شیطان بزرگ می داند و تمام مفاسدی که در دنیای اسلام به وجود می آید نقش آمریکا و دیگر قدرتهای استعمارگر را مشاهده می کند آمریکا که با انقلاب اسلامی و با شعار الله اکبر و باجانشانی هزاران مرد و زن و جوان و کودک این مرز و بوم از این کشور رانده شده سعی می کند از پنجره وارد شود و پس از بیست سال مبارزه دوباره به سرخانه اول برگردد و متأسفانه عده ای غربزده و بی هویت با انواع ترفندها سعی در این کار دارند ولی شما جوانان عزیز با اطاعت از ولایت فقیه که رکن اصلی انقلاب اسلامی است اجازه نخواهید داد که آمریکا و اسرائیل دوباره بر این کشور مسلط شود و سیاستهای خود را به مسئولان کشور دیکته کند. امام خمینی (ره) فرمود: همواره پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به انقلاب شما آسیبی نرسد.

نکته دوم این که باید جوانان با شیطنت هایی که فرهنگ غربی از آسمان و زمین بر این کشور وارد می کند مبارزه کند. فرهنگ غربی که غیرت و عفت و مردانگی و شرافت و کرامت انسانی را

از انسان می گیرد و انسان را از هویت خود تهی می کند و سیل وار به کشور ما هجوم برده و نسل جوان انقلاب را با ماهواره و اینترنت و عکس ها و فیلم ها و نوارهای مبتذل به خود جذب می کند. جوانان ما باید بادقت و بینش از ترندهای دشمن و به تعبیر رهبر معظم انقلاب از شیخون فرهنگی خود را سالم نگه دارد.

نکته سوم: با مطالعه قرآن و نهج البلاغه و راز و نیاز با خدا و اهمیت دادن به نماز مخصوصاً با حضور در مساجد و نمازهای جمعه بُعد دینی و اسلامی خود را تقویت کنیم و بر آگاهی های اسلامی و معرفتی خود بیافزاییم ان شاءالله شما جوانان عزیز در سایه محبت های حضرت بقیه الله الاعظم از گزند حوادث مصون و محفوظ بمانید و باعث روشنی چشم آن حضرت باشید.

### به نظر شما مشکل اصلی جامعه ما و سایر جوامع بشری چیست؟

#### پرسش

به نظر شما مشکل اصلی جامعه ما و سایر جوامع بشری چیست؟

#### پاسخ

به نظر ما مشکل تمام جوامع بشری از ابتدا تا کنون کمبود اخلاق و تهذیب نفس است. بیشترین دردی که دامنگیر جوامع بشری شده از ناحیه این کمبود است. اگر همه انسان ها مهذب و متخلق به اخلاق اسلامی به تمام معنا باشند جهان گلستان بلکه بهشت می شود که همه در کنار هم بدون هیچ ظلم و تجاوزی زندگی می کنند. این همه جنایات در دنیا به خاطر این است که انسان ها دنبال تهذیب نفس نیستند. از زبان ها، قلمها، اسلحه ها، قدرتها و مقام ها، مفسادی در جهان بروز می کند که بشریت را زیر سؤال می برد. بی جهت نبود که وقتی خداوند می خواست انسان را بیافریند ملائکه گفتند: أتعجل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدك و نقدر لك. [۵] آیا می خواهی موجودی بیافرینی که در روی زمین فساد کند و خونریزی کند. ما ملائکه تو را تسبیح می گوئیم و تو را تقدیس می کنیم.

اما در بین انسان ها، افراد پاک مهذبی نیز هستند که از جانب آنان هیچگونه ظلم و جنایتی به افراد دیگر وارد نمی شود.

۱[۵] بقره (۲) آیه ۳۰.

### بهترین نوع تحصیل در چه رشته ای است، در حوزه یا در دانشگاه؟

#### پرسش

بهترین نوع تحصیل در چه رشته ای است، در حوزه یا در دانشگاه؟

#### پاسخ

یکی از رموز کامیابی این است که جوان رشته ای را تعقیب کند که مطابق ذوق و سلیقه و توانایی روحی و فکری او باشد. دستگاه آفرینش همه را یکنواخت نیافریده و در همه افراد بشر توانایی همه کار را به ودیعت نهاده است، بلکه برای گردش چرخ های اجتماع، افراد را با ذوق و استعداد های مخصوصی آفریده است. تا هر یک رشته ای را دنبال کند که ذوق آن را دارد، و کاری را انجام دهد که از عشق باطن و نیروی فطری او سرچشمه می گیرد.

پاره ای از شکست ها و ناکامی های جوانان، معلول انحراف از این اصل مسلم است که در هر سری شوری است. خوش بخت کسی است که ذوقش را دریابد. بنابراین اگر شما در هر رشته ای که مورد علاقه تان است تحصیل نمایید، موفقیتش بیشتر است.

البته چنان چه به دورس حوزوی علاقه مند باشید و استعدادش را داشته باشید و آینده اش را از نظر مادی و معنوی در نظر داشته باشید و با ملاحظه همه جوانب باز علاقه داشته باشید بهتر است که علوم حوزوی را انتخاب نمایید.

## عامل تحرک تاریخ و تطور اجتماعی چیست؟

### پرسش

عامل تحرک تاریخ و تطور اجتماعی چیست؟

### پاسخ

درباره این مسأله نظریاتی به این شکل طرح می شود:

۱. نظریه نژادی: طبق این نظریه، عامل اساسی پیش برنده تاریخ، برخی نژادها هستند. بعضی نژادها استعداد تمدن آفرینی و فرهنگ آفرینی دارند و بعضی دیگر ندارند.

«کنت گوینو» فیلسوف معروف فرانسوی طرفدار این نظریه است.

۲. نظریه جغرافیایی: طبق این نظریه، عامل سازنده تمدن و به وجود آورنده فرهنگ و تولیدکننده صنعت، محیط طبیعی است. این اقلیمهای خاص و منطقه های خاص می باشند که پیش برنده و نوآفرین می باشند. منتسکیو دانشمند جامعه شناس فرانسوی قرن هفدهم، در کتاب معروف روح القوانین طرفدار این نظریه است.

۳. نظریه قهرمانان: طبق این نظریه اکثریت افراد بشر فاقد ابتکارند، دنباله روند، مصرف کننده اندیشه و صنعت دیگران اند؛ اما همواره کم و بیش در هر جامعه ای یک اقلیت مبتکر، ابداعگر، پیشرو و پیشتاز، تولیدکننده اندیشه و آفریننده صنعت وجود دارد و آنان هستند که تاریخ را به جلو می رانند و وارد مرحله جدیدی می کنند. «کارل لایب» فیلسوف انگلیسی چنین نظریه ای دارد.

۴. نظریه اقتصادی: کارل و مارکس طرفدار این نظریه است.

۵. نظریه الهی: تحولات و تطورات تاریخ، جلوگاه مشیت حکیمانه و حکمت بالغه الهی است. پس آنچه تاریخ را جلو می برد و دگرگون می سازد اراده خداوند است. «بوسوئه» مورخ و اسقف معروف، طرفدار این نظریه است.

اینها نظریاتی است که معمولاً در کتب فلسفه تاریخ به عنوان علل محرکه تاریخ طرح می شود،

از نظر ما غالباً این نظریات به علت محرکه تاریخ که در پی کشف آن هستیم مربوط نمی شود. مثلاً نظریه نژادیک نظریه جامعه شناسانه است و از این جهت قابل طرح است، اما راز فلسفه تاریخ همچنان مهجول می ماند. اینکه عامل،

یک نژاد باشد یا همه نژادها راز تحرک تاریخ را نمی گشاید.

همچنین نظریه جغرافیایی. این نظریه نیز به نوبه خود مربوط به یک مسأله جامعه شناسی مفیدی است. اما پرسش اصلی سر جای خود باقی است.

از اینها بی ربط تر نظریه الهی است. مگر تنها تاریخ است که جلوه گاه مشیت الهی است؟ همه عالم، از آغاز تا انجام با همه اسباب و علل و موجبات و موانع، جلوه گاه مشیت الهی است. نسبت مشیت الهی با همه اسباب و علل جهان علی السویه است. همچنانکه زندگی متحول و متطور انسان جلوه گاه مشیت الهی است، زندگی ثابت و یکنواخت زنبور عسل هم جلوه گاه مشیت الهی است.

نظریه اقتصادی تاریخ نیز فاقد جنبه فنی و اصولی است. نظریه اقتصادی تاریخ به این صورت که طرح شده، فقط ماهیت و هویت تاریخ را روشن می کند که مادی و اقتصادی است و همه شؤون دیگر به منزله أعراض این جوهر تاریخی است.

نظریه قهرمانان، اعم از اینکه درست باشد یا نادرست، مستقیماً به فلسفه تاریخ، یعنی به عامل محرک تاریخ مربوط می شود.

### علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

#### پرسش

علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

#### پاسخ

علائم و شرایط جامعه صالح را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

شرط نخست، این است که افراد و اجزای جامعه بتوانند بی اضطراب و دغدغه در آن، به زندگی خود ادامه دهند و زندگی و سلامتی آنان تهدید نشود و جان همه در امان بماند. جامعه ای که اعضایش امنیت جانی نداشته باشند، بی شک جامعه فاسدی است.

شرط دوم، آن است که اعضای جامعه، امنیت مالی داشته باشند. اگر در جامعه، اموال مردم را نابود کنند، بمب بریزند و خانه هایشان را ویران کنند، کشتزارهایشان را به آتش بکشند، یا آفتی برای باغها و مزارعشان ایجاد کنند که بازده کامل را نداشته باشد و یا به هر شکل دیگر، زیان مالی به اعضای جامعه وارد شود، این هم نوعی فساد اجتماعی است و کسانی که دست به این گونه خیانت ها بزنند و این کارها را بکنند، مفسد هستند. آیه شریفه ((یهلک الحرث و النسل)) به همه این موارد نظر دارد.

شرط سوم، حفظ آبرو و حیثیت افراد در جامعه است. اعضای جامعه، انتظار دارند عرض، آبرو، شخصیت و حرمتشان، در



جامعه محفوظ بماند، اگر در جامعه ای شخصیت افراد مصونیت ندارد، کسانی به ناحق ترور شخصیت می شوند، افراد بی گناه متهم می گردند و آبرویشان تهدید می شود، چنین جامعه ای نیز آلوده به یک نوع فساد اجتماعی است.

شرط چهارم، وحدت، همدلی و عواطف متقابل است که باید در بین افراد جامعه حاکم باشد. در یک جامعه صالح باید بین افراد و گروههای جامعه روابط صحیح برقرار باشد؛ چنان که در زندگی خانوادگی، بین

زن و شوهر، پدر و فرزند، مادر و فرزند، خواهر و برادر و ... وجود دارد.

شرط پنجم، حفظ حیثیت معنوی اعضای جامعه است. البته ((حیثیت معنوی)) مفهوم وسیعی دارد و به یک معنی موضوع شخصیت و عرض و آبرو را هم می توان حیثیت معنوی تلقی کرد، اما منظور ما از حیثیت معنوی در این جا، صرف ابعاد مربوط به عقل و روان انسان است؛ مثل عقاید و افکار که مربوط به مسائل عقلی و نظری است و اخلاق که مربوط به مسائل روانی است.

## بعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

### پرسش

بعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

### پاسخ

اسلام زندگی اجتماعی انسانها را از جنبه های گوناگون آن مورد توجه قرار داده است. بخش عمده ای از احکام و نظامهای اسلام، اجتماعی است؛ از قبیل تعیین امام و رهبر، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، احکام مربوط به اقتصاد و مانند اینها. وجود چنین نظامها و احکامی در اسلام بدان جهت است که انسان بدون اجتماع و همکاری با یکدیگر نمی تواند به سعادت برسد، همان گونه که انسان در زندگی فردی خویش نیاز به راهنمایی الهی دارد در زمینه ی زندگی اجتماعی نیز نیاز به وحی الهی دارد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

## چگونه مسلمانان می توانند به سعادت دست یابند؟

### پرسش

چگونه مسلمانان می توانند به سعادت دست یابند؟

### پاسخ

مسلمانان در صورتی می توانند سعادت و عظمت را کسب کنند که دارای حکومتهای مستقل و غیر متکی باشند؛ زیرا تا وقتی که ملتها تحت اسارت کشورهای بزرگ استعماری و حکومتهای مزدور و دست نشانده هستند، نمی توانند رشد علمی و عظمت و سعادت داشته باشند و ناگزیر بازاری برای کشورهای مترقی خواهند بود.

امید است با الهام گرفتن ملتها از انقلاب اسلامی ایران با کوتاه کردن دست ابرقدرتها بتوانند در پرتو تعلیمات مترقی اسلام

تعالی و عظمت یابند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۴۱

### علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

#### پرسش

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

#### پاسخ

علت اساسی تمام نابسامانیها را می توان پایبند نبودن به یک مذهب صحیح دانست، زیرا تجربیات تاریخی ملل پیشین ثابت می کند که جامعه ی انسانی بدون پایبندی به یک مکتب آسمانی، که عقل و وجدان انسان را راضی کند، نمی تواند سعادت مند شود. هیچگاه قوانین انسانی نمی تواند جایگزین ایمان و عقیده دینی گردد. تا زا طریق ایمان در افراد جامعه انگیزه ی خیر و نیکی و دوری از زشتی و پلیسادی ایجاد نشود، با هیچ نیرویی نمی توان جامعه را به سوی کمال و سعادت سوق داد. بزرگترین اشتباه تمدن کنونی همین است که برای اصلاح نابسامانیها به هر چیزی جز به دین و مذهب فکر می کند و نیروی عظیم ایمان و عقیده را به حساب نیاورده، نقش عمده ی آن را در اصلاح جامعه ی انسانی نادیده می گیرد. به همین علت از کوششهای فراوانی که انجام می گیرد نتیجه ای به دست نمی آید، بر نابسامانیها افزوده می شود و هیچ جنبه ای از جنبه های فساد و تباهی اصلاح نمی شود مگر آنکه آن مشکل از گوشه ای دیگر و در شکلی دیگر بروز می کند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۵۱

### قرآن کریم، جامعه ایده آل را چگونه معرفی میکند؟

#### پرسش

قرآن کریم، جامعه ایده آل را چگونه معرفی میکند؟

#### پاسخ

جامعه ایده آل، از نظر قرآن کریم، جامعهای است که:

۱. قانون آن، حکم خداست؛ هنگامی که بپذیریم سراسر عالم آفرینش مخلوق خداست، باید قبول کنیم که "ملک تام" اوست و طبیعی است که "حاکمیت مطلق" بر چنین جهانی قبل از هر کس و هر چیز از آن او خواهد بود: "إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ" (انعام، ۵۷) حاکمیت و فرمان تنها از آن خداست، حکومت در درجه اول مخصوص ذات پاک خداوند است، سپس برای هر کس که او حکومت را به او عطا کند، خواهد بود.

۲. رهبری آن، پیامبران الهی و امامان و جانشینان پیامبر اکرم است؛ اطاعت همه پیامبران الهیو امامان معصوم: واجب است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ..." (نساء، ۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر را..."

۳. در این جامعه، امنیت، قسط و عدل، تعلیم و تربیت و... حاکم است؛ "هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ..." (جمعه، ۲) او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت، تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را پاکیزه کند و کتاب و حکمت بیاموزد...، در آیه‌های دیگر به یکی از اهداف مهم بعثت انبیاء اشاره کرده و میفرماید: "لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ" (حدید، ۲۵) رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق و قوانین عادلانه] نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند."

۴. مردم در

این حکومت مؤمن هستند و از قوانین اسلامی تبعیت میکنند؛ مردم بر اساس حق داوری کرده و از تبعیت هوا و هوس دوری میورزند، اقامه نماز، ایتا زکات، امر به معروف و نهی از منکر از برنامه‌های این مردم است: "الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ... (بقره، ۳) آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا میدارند و... " و آیه ۴۱ سوره حج. (ر.ک: ولایت فقیه، آیت الله جوادی آملی، مرکز نشر فرهنگی رجأ / پیام قرآن، آیت‌الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۰، ص ۳۵۱۱۱، دارالکتب الاسلامیه / حقوق و سیاست در قرآن، استاد محمد تقی مصباح یزدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.؛)

## استقلال فردی اجتماعی و شیوه‌هایی که قرآن برای کسب آن‌ها بیان کرده چیست

### پرسش

استقلال فردی اجتماعی و شیوه‌هایی که قرآن برای کسب آن‌ها بیان کرده چیست

### پاسخ

انسان‌ها بر حسب طبع مدنی هستند و هرگز از زندگی دسته جمعی بی‌نیاز نیستند. (ر.ک المیزان علامه طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی ج ۲، ص ۱۷۵۱۷۶، دفتر انتشارات اسلامی / تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۳، ص ۳۸۹، دارالکتب الاسلامیه) لذا برای ادامه حیات به یکدیگر نیازمندند. استقلال انسان‌ها و جوامع به معنای بی‌نیازی کامل و صد در صد از یکدیگر نیست زیرا هیچ انسانی به تنهایی نمی‌تواند همه نیازهایش را پاسخ‌گو باشد.

استقلال یعنی وابسته نبودن و برای برطرف شدن نیازها، اطاعت بی‌چون و چرا نکردن از دیگران

اگر فرد یا جامعه‌ای به این مرحله برسد که برای رسیدن به خواسته‌ها و نیازهایش هر چه دیگران می‌گویند اطاعت کند، گرچه بر خلاف عزت و شرف انسانی و عقل و دستورات الهی باشد، چنین فرد یا جامعه از خود استقلال ندارد.

برخی از راه‌هی بدست آوردن استقلال فردی و اجتماعی عبارت است از:

۱. توکل و تکیه بر خداوند و از منبع فناپذیر قدرت الهی کمک طلبیدن یکی از چیزهایی که ممکن است به استقلال ضربه بزند، مشکلات و حوادث سخت زندگی است توکل بر خدا، سبب می‌شود تا مقاوت انسان در برابر مشکلات افزایش یابد.

"...وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ" (ابراهیم ۱۲)... و توکل کنندگان باید تنها بر خدا توکل کنند."

از مجموع آیات قرآن استفاده می‌شود که منظور از توکل این است که در برابر عظمت مشکلات

انسان احساس حقارت و ضعف نکنند، بلکه با اتکا بر قدرت بی پایان خدا، خود را پیروز بدانند. بنابراین توکل امید آفرین نیروبخش و سبب فزونی مقاومت است

توکل بر خدا آدمی را از وابستگی‌ها که سرچشمه ذلت و بردگی است نجات می‌دهد و به او استقلال و آزادگی می‌بخشد.

۲. تلاش و فعالیت در تمام ابعاد زندگی "وَأَنْ لَّيْسَ لِيْلًا؟ نَسَنَ إِلَّا مَا سَعَىٰ" (نجم ۳۹) و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ... (انفال ۶۰) و هر چه در توان دارید از نیرو بسیج کنید..." "هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ.. (ملک ۱۵) اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی خدا بخورید..."

این آیات و مانند آن مسلمانان را به تلاش و فعالیت ترغیب می‌کند.

۳. اعتماد به نفس و در برابر بیگانه احساس حقارت نکردن و خود را کوچک تر از آنان ندیدن و توانایی خود را کم تر از آنان ندانستن

۴. اتحاد مسلمانان تفرقه و اختلاف سبب به هدر رفتن امکانات و نیروها و زمینه ساز وابستگی است "وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا... (آل عمران ۱۰۳) و همگی به رسیمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید..." "وَأَطِيعُوا اللَّهَ - وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَزَعَوْا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ.. (انفال ۴۶) و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود..."

۵. صبر و استقامت در برابر مشکلات فردی و اجتماعی

و پایداری بر اصول اسلامی "وَأَلِّهِ تَقْمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَا تَشَقِّقْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا" (جن ۱۶) و اگر مردم در راه راست پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم" (ر.ک المیزان علامه طباطبایی ج ۴، ص ۶۵؛ ج ۱۹، ص ۳۵۷؛ ج ۹، ص ۱۱۴۱۱۵، ۹۵؛ ج ۲۰، ص ۴۶، مؤسسه اسماعیلیان / تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۰، ص ۲۹۶۲۹۸؛ ج ۱۲، ص ۲۳۳ و ۲۴۶؛ ج ۱۹، ص ۴۲۶؛ ج ۲۰، ص ۱۴۹؛ ج ۲۳، ص ۳۰۷، دارالکتب الاسلامیه )

## مهمترین مولفه های دانشگاه اسلامی چیست ؟ آیا کارهایی جهت اسلامی کردن دانشگاهها انجام شده است ؟

### پرسش

مهمترین مولفه های دانشگاه اسلامی چیست ؟ آیا کارهایی جهت اسلامی کردن دانشگاهها انجام شده است ؟

### پاسخ

مؤلفه های مهم دانشگاه اسلامی - که باید در پی تحقق آنها بود - عبارت است از :

۱- علم و تخصص ۲- معارف دینی ۳- اخلاق و تهذیب ۴- خودباوری و اعتماد به نفس ۴- استقلال و اتکای ذاتی در عین استفاده از یافته ها و تجارب دیگران ۶- جامع نگری و بینش اجتماعی و سیاسی ۷- آرمان گرایی و هدفداری ۸- تعهد و دلسوزی در راستای اصلاح و سامان بخشیدن به امور جامعه.

بنابراین تعهد و تخصص، دو مؤلفه لازم و همراه در دانشگاه اسلامی هستند.

در رابطه با اسلامی کردن دانشگاه ها، مسلماً تلاش هایی صورت گرفته؛ لیکن تا رسیدن به مقصد و مطلوب نهایی، همچنان راه درازی در پیش است و مشارکت جدی همگان را می طلبد. {J}

## ویژگی های یک دانشگاه اسلامی چیست. و ما دانشجویان برای تحقق آن چه وظیفه ای داریم.

### پرسش

ویژگی های یک دانشگاه اسلامی چیست. و ما دانشجویان برای تحقق آن چه وظیفه ای داریم.

### پاسخ

ویژگی های دانشگاه اسلامی فراوان و متعدد است: مهمترین ویژگی آن است که باید روح حاکم بر دانشگاه و سیاست ها و مدیریت ها و برنامه ریزی ها سرچشمه گرفته از تعالیم عالیه اسلامی باشد. مسؤولان و اساتید و دانشجویان با مبانی فکری و عقیدتی اسلام عمیقاً آشنا بوده و از نظر روش و عملکرد، میزان و ملاک آموزه های دینی باشد. چنین دانشگاه باید سرشار از نشاط و پویایی نشأت گرفته از ایمان و اخلاص باشد و هدف و انگیزه همگی تعالی و تکامل خود و اجتماع و نظام اسلامی و

پیشی گرفتن در علم و دستاوردهای علمی و ترقی کمی و کیفی آن باشد. رفع نیازهای نظام اسلامی و قطع وابستگی های علمی و فنی آن و جبران عقب ماندگی ها و فاصله از دیگر کشورها از هدف های مهم دانشگاه اسلامی است. نوآوری و خلاقیت و ابداع و به کار گرفتن تمام نیرو و فکر و اندیشه در راه تولید علم از ویژگی های دانشگاه اسلامی و دانشجوی مسلمان متعهد است.

هر دانشجو می تواند به نسبت خود در رسیدن به دانشگاه ایده آل اسلامی سهم مهمی بر عهده داشته باشد. با مطالعه عمیق مبانی دینی و اسلامی و سعی در آراسته شدن به فضایل اخلاقی و الهی و ایجاد ارتباط با دیگر دانشجویان همفکر و انتقال افکار و اندیشه های خود به یکدیگر و داشتن اتحاد و در صف واحد بودن و موضع گیری های مناسب و عقلایی در موارد ضروری و مهم و از همه مهمتر



با تلاش پیگیر علمی و تحصیلی و فتح قله های علم و دانش در تحقق این مهم می توان نقش مؤثری ایفا نمود.

## مهمترین معضلات و مشکلات جامعه ما چیست.

### پرسش

مهمترین معضلات و مشکلات جامعه ما چیست.

### پاسخ

عبارتند از:

۱. بحران هویت در جوانان ناشی از تهاجم فرهنگی دشمنان و نفوذ برخی نامحرمان و نا اهلان در ارکان کشور.

۲. مشکلات اقتصادی ناشی از عدم کمبود اشتغال، شکاف طبقاتی و...

۳. مفاسد اداری ناشی از رشوه گرفتن، پارتی بازی، عدم نظارت صحیح و...

۴. سیاسی کاری و باندا بازی که آثار مخرب در همه سطوح.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک:

- آسیب شناسی انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات، نشر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۹

- توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۷

- آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸

- شیوه های درمانی مفاسد اجتماعی، انتشارات دانش و ادب، ۱۳۸۱

- ۲۵ گفتار پیرامون انقلاب اسلامی، نشر هماهنگ، ۱۳۸۲

**یک گروه تحقیقاتی از کانون دانش آموختگان دوره های طرح ولایت برای بخش نظر سنجی این کانون قصد انجام تحقیقات میدانی در دو زمینه اجتماعی فرهنگی را دارند به نظر کارشناسان محترم از کجا باید شروع کرد؟ چه چیزهایی در اولویت قرار دارند؟ گستره فعالیت را چگونه در نظر**

### پرسش

یک گروه تحقیقاتی از کانون دانش آموختگان دوره های طرح ولایت برای بخش نظر سنجی این کانون قصد انجام تحقیقات

میدانی در دو زمینه اجتماعی فرهنگی را دارند به نظر کارشناسان محترم از کجا باید شروع کرد؟ چه چیزهایی در اولویت قرار دارند؟ گستره فعالیت را چگونه در نظر بگیرند؟

### پاسخ

کاربرد روش تحقیقات میدانی آنهم در زمینه های اجتماعی و فرهنگی، یکی از نیازها و ضرورت های اساسی جامعه ماست که متأسفانه به دلایلی به این موضوع مهم، توجه جدی نشده است. از اینرو اقدام شما عزیزان مورد تقدیر و تحسین است.

اما اینکه از کجا باید شروع کرد و چه چیزهایی در اولویت قرار دارد؟ و دامنه و گستره تحقیق چه مقدار باشد؟ به موضوعاتی نظیر میزان امکانات، زمان و انگیزه و دغدغه اصلی شما از انجام این تحقیقات، باز می گردد، که باید با محاسبه صحیح و واقع بینانه، به تشخیص آن پردازید.

در گام اول باید یک پرسش نامه تنظیم گردد که نیازها و گرایش های جوانان از نتایج آن قابل استحصال باشد. و در این باره می توانید با برخی مراکز نظرسنجی و استادان جامعه شناسی ارتباط برقرار کرده و نمونه گیری کنید.

### تا چه مقدار وضع جامعه را سالم می بینید؟

#### پرسش

تا چه مقدار وضع جامعه را سالم می بینید؟

#### پاسخ

در ابتدا باید به این موضوع پردازیم که منظور از جامعه سالم چیست؟ و چه تعریف و شاخص هایی از جامعه سالم داریم؟ مسلماً پاسخ این سوال نسبت به نوع جهان بینی و دیدگاه های افراد متفاوت است؛ دیدگاهی که بر جهان بینی مادی و منقطع از ماوراء استوار است، به ظواهر جامعه و شاخصه های ویژه ای (نظیر نظم، بهداشت، امنیت و ...) که بر این اساس ترسیم شده است، اکتفا می کند، اما دیدگاهی که مبتنی بر جهان بینی الهی است و با دیدی واقع بینانه به تمام ابعاد وجودی انسان نظر دارد، هرگز به چنین تعریفی از جامعه سالم اکتفا نمی کند. بلکه جامعه ای را سالم می داند که علاوه بر این شاخصه های مادی، به ابعاد معنوی و روحی انسان در راستای تکامل فرد و جامعه توجه داشته و آنها را در نظر بگیرد.

بر این اساس از دیدگاه توحیدی جامعه سالم در واقع همان جامعه اسلامی و جامعه مبتنی بر دین است. در هر صورت پی بردن به اینکه آیا جامعه ما جامعه ای سالم است نیازمند شناخت دقیق جامعه ی اسلامی، ویژگی های آن و تطبیق آن بر جامعه ی کنونی ماست:

الف) تعریف جامعه ی اسلامی و ویژگی های آن:

جامع ترین تعریفی که از جامعه ی دینی وجود دارد این است: جامعه ی دینی، جامعه ای است «دین باور»، «دین مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین» (جامعه ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ - ۲۱۰) ..

جامعه ی دینی جامعه ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه های آن تنظیم شده باشد. جامعه ی دینی

جامعه ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه ی دینی دغدغه ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه ی روابط اجتماعی نافذ باشد (جامعه ی دینی، جامعه ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ - ۹۰).

بر این اساس ویژگی های جامعه ی دینی عبارتند از (حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف):

۱ دین باوری و اعتقاد به آموزه های دینی.

۲ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت مداری).

۳ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را بر نمی تابد (نظام دینی).

۴ در جامعه ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند (دین داوری).

۵ چنین جامعه ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین).

جامعه ای که بر اساس مؤلفه ها و ویژگی های فوق شکل گرفته باشد، جامعه ای دینی است.

بر این اساس می توان دو معیار اصلی برای جامعه ی اسلامی نام برد:

۱ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند.

۲ کلیه نظام های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد.

نکته ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیت

آن جامعه بالاتر می رود.

ب) بررسی اسلامی بودن جامعه ی کنونی ایران:

با نگاهی به واقعیات جامعه ی کنونی ایران مشخص می شود که بحمدالله جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابر این در اصل اسلامی بودن جامعه ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده ی جامعه ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسئولین، نهادها و دستگاه های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و

فرهنگی، محاصره های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت ها و سنت های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و... وجود نداشته باشد؛ و گرنه هرگز آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین (ع) نیز مطرح است.

حضرت علی (ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم تراز پیامبر اکرم (ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم (ص)، موجب اکمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است.

جنگ های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گسترده گی بدعت ها و سنت های فاسد و آلودگی های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه ای از مشکلات ایجاد شده در حکومت عدل امام علی (ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه رو بودند؛ ولی در همان حال آن حضرت شایسته ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی ها هیچ گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی کند.

حال آیا می توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی (ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم

است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از:

۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امه رسولاً ان عبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...» نحل، آیه ۳۶).

روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی اجتماعی است.

۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان ها و رهایی و... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم يتلوا عليهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین»، (جمعه، آیه ۲).

۳. آزادسازی و رهایی توده های مردم و انسان های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم...»، (اعراف، آیه ۱۵۷).

۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...»، (حدید، آیه ۲۵).

۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..).

پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه های کمال انسان ها را فراهم نموده، زمینه های فساد را از

میان بردارد. اما آیا اینکه با فراهم بودن تمامی این زمینه ها و بسترسازی ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً اسلامی خواهد شد، در جواب می توان به این آیه اشاره کرد که: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...؛ خداوند هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱).

بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش ها و معارف اسلامی به وجود آمده استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرند. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شرایط محیطی (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و...) هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) در جامعه بوده اند و تمام شرایط و زمینه های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شناخت عمیق نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد.

به علاوه، همان طور که پیشوایان



معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسئولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف اند زمینه های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خود افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد.

در هر صورت باید بدانیم که مسأله مفساد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی در جامعه ما، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش ها و آرمان های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه های مسئولین نظام خصوصاً مقام معظم رهبری بوده است.

معظم له مکرراً نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسئولین اداره کننده نظام می باشد.

نکته دیگر آنکه در جامعه ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسئولند و به نسبت مسئولیت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی توان همه ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسئولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه ها تلاش جدی نمایند، می توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت.

بر این اساس وظایف دانشجویان متعهد و دلسوز برای اصلاح جامعه سنگین تر می شود و مشکلات و معضلات جامعه

نه تنها نباید باعث یأس و ناامیدی و تردید در انجام وظایف فردی و اجتماعی ما شود، بلکه باید انگیزه و عزم ما را در اصلاح جامعه راسخ تر نماید. اتکاء به خداوند متعال و یاری خواستن از او و توسل به ائمه اطهار(ع) بهترین پشتوانه ی هر فرد در چنین شرایطی است. و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق، آیه ی ۳). که هم باعث جلوگیری از سستی و ضعف ایمان می شود و هم راه های هدایت و خروج از مشکلات را بر روی انسان می گشاید. و در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی خود از هیچ گونه تلاش و مجاهدتی دریغ نورزید و به این وعده ی الهی مطمئن باشید که والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (عنکبوت، آیه ی ۶۹).

## راه های بقای یک مجموعه فرهنگی مذهبی که علاقه دارند تا آخر عمر به اسلام خدمت کنند چیست؟

### پرسش

راه های بقای یک مجموعه فرهنگی مذهبی که علاقه دارند تا آخر عمر به اسلام خدمت کنند چیست؟

### پاسخ

هر خرده گروهی در ابتدا باید هدف وجودی خود را تعیین و تبیین کند، بالاخص اگر بدنبال اهداف فرهنگی هم باشد. یعنی باید قبل از بکارگیری وسایل، هدف نهایی را مشخص نموده، سپس وسایل مشروع را برای رسیدن به آن هدف بکار بست.

شما نیز که مایل به دوام گروه فرهنگی خود هستید در ابتدا باید چارتی مشخص را بدور از هر گونه کلی گویی شعار ریخته سپس آنرا با توانائی ها و وسائل خویش بسنجید (سعی کنید در این زمینه به افراط و تفریط نیفتید) سپس در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکنید. معمولاً در ابتدای تشکیل، گروهها بخاطر عدم آگاهی از سختی راه اعلام آمادگی کرده ولی در ادامه مسیر آمادگی کمتری نشان می دهند.

پس در قدم اول باید هدف تشکیل گروه خود را در چارت و سازماندهی مشخص متناسب با نیازهای جامعه و توانائی های خویش ترسیم کنید. سپس باید با استقامت به آن جامه عمل ببوشانید.

در آخر باید نکته ای را متذکر شد و آن اینکه: علت عدم استمرار بسیاری از گروه های فرهنگی \_ دانشجویی که حتی سازماندهی هم شده است آن است که خود را از لحاظ تخصص علمی بالا نیاورده به تولید علمی دست نمی زنند. به انجام برخی کارهای سطحی و تکراری بسنده کرده در حالیکه نیاز اصلی کشور ما در حال حاضر داشتن تخصص علمی و تولید فکری است (آنها متناسب با نیازهای اسلامی). شما نیز اگر برای رسیدن به چنین هدفی برنامه ریزی و سازماندهی دقیق درسی

و فرهنگی داشته باشید، ان شاء الله موفق خواهید بود.

برای اطلاعات بیشتر به سخنان مقام معظم رهبری \_حفظه الله\_ خطاب به دانشجویان دانشگاه تهران در رابطه با تولید فکری و نهضت نرم افزاری مراجعه کنید.

**ستاد احیا امر به معروف و نهی از منکر یا ستاد بسیج در این چند سال: ۱- چه طرحی داشته اند ۲-موفق یا ناموفق بودند ۳- مخاطبانشان که هستند ۴- به هدف رسیده اند ۵- چه ترکیبی . سنی. جنسی . درآمدی .شغلی . تحصیلاتی رادربدارند ۶- چه آداب ورسومی را دنبال می کنند ۷- چ**

### پرسش

ستاد احیا امر به معروف و نهی از منکر یا ستاد بسیج در این چند سال: ۱- چه طرحی داشته اند ۲-موفق یا ناموفق بودند ۳- مخاطبانشان که هستند ۴- به هدف رسیده اند ۵- چه ترکیبی . سنی. جنسی . درآمدی .شغلی . تحصیلاتی رادربدارند ۶- چه آداب ورسومی را دنبال می کنند ۷- چه رسانه ای را برای تبلیغش انتخاب کرده ۸- اجرا و باز خوردش چه بوده ??? معذرت می خواهم اگر تعداده سوالات زیاد بود .....

### پاسخ

ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر نسبتاً تشکیلات نوپایی است که علاوه بر اینکه اطلاع رسانی دقیق پیرامون آن صورت پذیرفته، از نظر جایگاه قانونی و حوزه وظایف و اختیارات آن نیز برخی ابهامات وجود دارد، از این رو در راستای پاسخ گویی به ابعاد مختلف سوال شما ابتدا گفتگوی یکی از نشریات با دبیر کل این ستاد آورده می شود و سپس جدیدترین تصمیم گیری پیرامون این ستاد از سوی قوه قضاییه مطالبی آورده می شود

الف. گفتگو با دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر

سوال:اصلاً ایده تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر از کی بوجود آمد و هدف تشکیلش چه بود؟

امر به معروف و نهی از منکر با تعریف صحیح آن یک چیز جدیدی نیست که ما آورده باشیم یا حتی اسلام آن را آورده باشد، در طول تاریخ امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته. این مساله اختصاص به یک دوره و زمان خاص یا حتی اختصاص به یک دین خاص ندارد، در تمام ادیان الهی و حتی

غیر الهی وجود داشته است و اسلام تنها این فرضیه را تایید و تاکید کرده است. اما این تعریف صحیحی که از این مسئله باید بشود و اسلام آن را تایید می کند و عقلی و فطری هم هست ، این است که این مساله به معنای نظارت همگانی است ، نه اینکه یک گروه باشند که دایم به دیگران امر و نهی کنند. باید یک نظارت همگانی در جامعه شکل بگیرد. اگر آن نظارت همگانی وجود داشته باشد، زمینه احیای کارهای خوب فراهم می شود و جلوی بسیاری از مفاسد هم گرفته می شود. احیای امر به معروف و نهی از منکر، یعنی اینکه ما این فرهنگ نظارت همگانی را زنده کنیم.

اما در مورد تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، این کار بر مبنای نظر مقام رهبری صورت گرفت. ایشان فرمودند همانطوری که در مورد نماز و روزه کار شده است ، در مورد این فریضه هم کار بشود.

این طور بود که تعدادی از افراد متدین و مذهبی تصمیم گرفتند تا در این مورد در یک مجموعه و محور مشترک کار کنند و تمامی فعالیتهایشان را در این زمینه متمرکز کنند. ما چند بار به این دلیل خدمت مقام رهبری رفتیم و گفتیم که نظرها این است که ستاد امر به معروف و نهی از منکر را تشکیل بدهیم.

حتی برخی از این هم جلوتر رفتند و گفتند «ستاد اجرای امر به معروف و نهی از منکر» را می خواهیم پایه گذاری کنیم. اما ایشان روی این مسأله تأکید کردند که اگر می خواهید کار کنید باید ستاد «احیای امر به معروف

ونهی از منکر باشد نه ستاد اجرای آن. مگر با ۲۰ یا ۳۰ نفر می شود کاری به این بزرگی را انجام داد؟ نظر ایشان این بود که فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر باید در میان مردم بوجود بیاید نه اینکه ما خودمان برویم مستقیماً این کار را انجام دهیم. ایشان معتقد بودند که باید آنقدر کار فرهنگی انجام بدهیم که این فرهنگ در میان مردم جا بیفتد که همانطوری که نماز و روزه واجب است، این کار هم واجب است. بر اساس رهنمودهای ایشان کار ما از همان اول به صورت یک کار کاملاً فرهنگی تعریف شد.

سؤال: اما ذهنیت بعضی مردم این است که شما کار اجرایی می کنید. نمونه ای هم که مد نظر آنهاست برخی برخوردهایی است که در سطح شهر شاهد آن بوده اند؟

ما به هیچ وجه کار اجرایی نمی کنیم. کار ما فرهنگ سازی است. ما در زمینه اجرایی وارد نشده ایم.

به اعتقاد ما برخوردهای انتظامی و قضایی صرف درست نیست، نمی شود که تمام کارها را با برخورد یا دستگیری حل کرد و یا برای احیای معروفها به فشار متوسل شد. انسان به این نوع برخورد به طور طبیعی عکس العمل نشان می دهد و مقاومت می کند. اما اگر با این دید نگاه کنیم که مردم وظیفه دارند برای امر به معروف و نهی از منکر اقدام کنند، همانطوری که برای نماز و روزه وظیفه دارند، خیلی از مسایل و مشکلات حل می شود.

روی این اصل ما در تمام معاونتهای ستاد، یعنی معاونتهای فرهنگی، تشکلهای مردمی، سازمانهای اجرایی، معاونت ادارات و

کارخانجات خودمان تنها این کار را انجام می دهیم که گروهها و تشکلهای درون سازمانی و مردمی را و حتی خانواده های آنها را برای امر به معروف و نهی از منکر فعال کنیم.

آنچه که در اولویت اول ما قرار دارد این است که نظارت همگانی مردم فرهنگ بشود که اگر این انجام شود خیلی از معضلات را نخواهیم داشت.

سوال: فکر می کنید این کار چقدر زمان و انرژی می برد؟ هدف خیلی بزرگی نیست؟

ببینید یک مثال ساده ای که در مورد هدف خودمان می توانم بزنم این است که من خودم شاهد بودم که در آن زمانی که مقررات تردد پلاکهای زوج و فرد برای تردد ماشینها در روزهای مختلف اجرا می شد، ماشینی که در روز تردد ماشینهای زوج با پلاک فرد به خیابان آمده بود، همه مردم بهش نگاهش می کردند و این می شد که خود فرد دایم در عذاب بود و سرش را می انداخت پایین وزیر چشمی نگاه می کرد و این باعث می شد تا دفعه بعد این مساله را تکرار نکند و اگر هم کرد سرش را بیندازد پایین و این آنقدر تکرار بشود تا او این کار را دیگر نکند. این همان چیزی است که ما از احیای امر به معروف و نهی از منکر دنبال آن هستیم. این که امر به معروف و نهی از منکر فرهنگ شود. این فرهنگ که ۱۰ تا چشم به فرد خاطی جوری نگاه کند که او سرش را بیندازد پایین و دیگر آن کار را تکرار نکند. ما معتقدیم کدام پیامبر تا به مردم چیزی گفت حرفش را فوراً گوش

دادند که حرف ما را گوش بدهند؟ نوح (ع) ۹۵۰ سال گفت فقط یک عده کمی شنیدند.

اما اگر این فرهنگ در میان خود مردم بوجود بیاید که به فرد خاطی فشار اجتماعی بیاورند که او عمل ناپسندش را ترک کند یا به عمل صالح و معروف تشویق شود، آن وقت است که فعالیت ما مثمر ثمر بوده است.

سوال: طبیعتاً شما برای ایجاد این فرهنگ و فرهنگ سازی، پیش از همه با ذهنیتهای نامناسب موجود در این زمینه مواجهید. در این زمینه چه کارهایی انجام داده اید؟

متأسفانه ذهنیتهای نامناسب قبلی در این مورد مشکل بزرگی است که ما به آن مواجه ایم، اصلاً سختی کار ما همین است. ما نه تنها در زمینه آموزش نیروهایمان با دشواری های زیادی مواجه هستیم، بلکه ذهنیت منفی و حداقل نادرستی که نسبت به این ستاد و حتی این فریضه در جامعه ایجاد شده است نیز به ما به ارث رسیده است. متأسفانه در اوایل انقلاب عده ای با احساس وظیفه نسبت به اقامه این فریضه وارد کار شدند. بالاخره آنها دغدغه این کار را داشتند، نظرشان ادای تکلیف بود، دیده و شنیده بودند که باید امر به معروف و نهی از منکر بشود، اما درست نفهمیده بودند، آموزش ندیده بودند، فکر می کردند که وظیفه آنها زدودن کامل منکرهاست، درگیر می شدند و مشکلاتی را بوجود می آوردند.

در حالی که وظیفه امر به معروف، گفتن و رفتن است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب نه اینکه یک نفر ۱۰ دفعه بگوید، بلکه ۱۰ نفر یک دفعه بگویند. آنها نمی دانستند که کار امر به معروف و نهی از

منکر مبارزه با مفاسد و زدودن آنها نیست ، آن کار نیروی انتظامی و ضابطان است. برخورد هم با قوه قضاییه است ، آن هم تحت ضوابط قانونی و مشخص. متأسفانه این فرهنگ در آنجا بوجود نیامده بود و باعث بوجود آمدن ذهنیت منفی شد، اما ما در سالهای گذشته با آموزشهایی که شروع کرده ایم سعی کرده ایم تا این آموزشها را به افراد بدهیم که معنا و مفهوم صحیح امر به معروف و نهی از منکر چیست.

سوال: مثلاً چه آموزشهایی؟

ببینید علاوه بر آموزش و یاد گرفتن مسایل مذهبی و اعتقادی ، خود شیوه امر به معروف و نهی از منکر هم آموزش می خواهد. نماز را یک بار یاد می گیرید، تا همان آخر همین است. شرایطش یکسان است ، روزه هم همین طور، اما امر به معروف این طوری نیست که تا آخر به یک صورت باشد. فرد باید با توجه به زمان و مکان خودش این وظیفه را انجام دهد، هر جا و موقعیتی شرایط خاص خودش را دارد.

ما باید علاوه بر آموزش احکام به افراد، به آنها نحوه بیان احکام را هم یاد بدهیم. یک آدم یک جا می تواند امر به معروف کند و نتیجه بگیرد و در همان جا با شرایط دیگر یک فرد دیگر امر به معروف می کند و نتیجه عکس می دهد، چرا که نه تنها شرایط را در نظر نمی گیرد که حتی نحوه بیان صحیح را هم نمی داند. شرایط مکان و زمان روی این مسأله تأثیر می گذارد. توی کوچه یک جور باید امر به معروف کرد و توی خانه یک جور دیگر. طرف



می گوید در خانه میهمان بودیم ، ۵۰ نفر دیگر هم بودند، دیدم منکر انجام می شود، با صاحبخانه برخورد کردم ، اما در اینجا باید به او گفت تو ممکنست که منکر شرعی را بتوانی تشخیص بدهی ، اما آموزش ندیده ای ، نمی دانی اینجا که در خانه مردم نمی شود درگیر شد.

اگر با اخم شد، که شد و گرنه تو پاشو برو. این را اسلام می گوید، من نمی گویم. پاشو برو، با اخم هم برو، اگر تو رفتی و ۱۰ یا ۱۵ نفر دیگر هم این کار را کردند، طرف می فهمد، این واقعا اثر می گذارد.

این باید اساس کار ما باشد، این یک نمونه از آموزشهای ریز و ظریفی است که ما باید به اعضایمان که تمام مردم هستند بدهیم. ظاهرا هنوز هم در زمینه امر به معروف و نهی از منکر چارچوب خاصی وجود ندارد و این می شود که در بسیاری از موارد اعمال سلیقه می شود.

سوال: از جمله اینکه در برخی از موارد با مسایلی برخورد می شود که از دید جامعه و عرف ممکنست منکر و تخلف نباشد یا اینکه لااقل در آن شرایط نباشد؟

همانطوری که گفتم ما در این زمینه با مشکل مواجهیم ، آموزش ندیده ایم. ببینید ما حرام اجتماعی و واجب اجتماعی داریم ، حرام عرفی ، شرعی و فردی داریم. نمی شود که یک حرام عرفی را یک نفر بگوید که حرام شرعی است. اگر ما می گوئیم امر به معروف و نهی از منکر کنید، منظورمان حرام بین (آشکار) است. نمی خواهیم برویم دنبال آن چیزهایی که شک در موردشان وجود دارد. یکی

از مسایل امر به معروف این است که بدانند که این قطعا و شرعا منکر است و اگر شك دارد نباید وارد عمل بشود، ما کاری به شبهات نداریم. خیلی وقتها که می‌گوییم چرا این مسئله بوجود آمد، می‌گویند که مردم منکر را نمی‌شناسند و درگیری ایجاد می‌شود. منظور ما از منکر بین (آشکار) آن حرامی است که وقتی خود فرد هم انجام می‌دهد هم خودش و هم جامعه بدانند که مطمئنا این مساله حرام است. کاری که فرد وقتی کرد و به او انتقاد کردی سرش را بیندازد پایین. کاری که اگر فرد کرد تمام مردم نگاهش کنند.

تفکر اساسی که ما به دنبال آن هستیم این نگاههای انتقادی مردمی است. امر به معروف و نهی از منکر این است که مردم احساس کنند که چشمهایی آنها را نگاه می‌کنند و آنهایی که اشتباه کردند مردم نگاهشان می‌کنند. در این صورت اگر فرد اشتباه کرد پیش خودش ناراحت می‌شود. اما شاید بعضی مردم به این خاطر کمتر به این فریضه توجه می‌کنند که خیلی از منکرها را کسانی انجام می‌دهند که در ساختار قدرت هستند. به این‌ها نمی‌شود چیزی گفت، نمی‌پذیرند و ممکن است برای کسی که دارد وظیفه اش را انجام می‌دهد مشکل پیدا شود. خودتان بهتر می‌دانید که منکر فقط بدحجابی و این حرف‌ها نیست. سوء استفاده از منصب و مقام و اموال عمومی هم منکر بزرگی است... خوب البته مشکل امر به معروف و نهی از منکر همین است. مثل نماز و روزه نیست که طرف خداوند

بخشنده باشد. طرفت انسانی است که ممکن است قدرتمند باشد. این است که امام علی وقتی بین تمام خوبی ها و جهاد قضاوت می کند، می گوید جهاد از همه برتر است ، اما وقتی بین تمام خوبی ها باضافه جهاد با امر به معروف و نهی از منکر مقایسه می کند، می گوید امر به معروف و نهی از منکر.

سوال:بله این مشکل وجود دارد که طرف عکس العمل نشان بدهد، در این شرایط انتقاد و حتی تشویق سخت می شود. بعضی وقتها هست که شما به خاطر یک کار خوب هم از طرف تشکر می کنی و تشویقش می کنی و طرف می گوید به تو چه؟ مگر برای تو کردم؟ اصلا تو چه کاره ای؟

کار امر به معروف این دشواری را دارد. یعنی هم انتقاد کننده و آمر به معروف و ناهی از منکر و هم کسی که به او انتقاد می شود باید آموزش ببینند. این کار مهمی است. ما باید این را جا بیندازیم که در جامعه فرد تنها نیست ، او در یک اجتماع زندگی می کند که یک سری شرایطی را دارد. یک سری امر و نهی هایی دارد، اینها باید جا بیفتند. اما من به این مساله فرهنگ سازی خوش بینم. تا چند سال قبل ، خیلی از مردم از گلهای پارک می کنند و می بردند خانه شان. اما حالا این فرهنگ جا افتاده است که این گلها مال پارک است و نه تنها بقیه افراد آن را درست نمی دانند که فرد هم خودش از این کار معذب است ، خب حالا دیگر این یک فرهنگ شده است

، یک فرهنگ عمومی. این فرهنگ انتقاد کردن و انتقاد پذیری هم فرهنگی است که کم کم جا می افتد. البته ممکن است به خاطر ذهنیتهای قبلی کمی مشکل باشد.

متأسفانه جایگاه این فریضه در میان مردم روشن نیست. خیلی از مردم متدین در مورد وجوب فریضه نماز، روزه، حج، و هیچ تردیدی ندارند. اما در مورد امر به معروف و نهی از منکر این طوری نیست، واقعا جا نیفتاده است. هنوز هم خیلی از مردم حتی متدینین وقتی کار منکر و خلافی را می بینند ممکنست با خودشان بگویند به ما چه ربطی دارد، در صورتیکه در مورد سایر فرایض خیلی دقیق هستند.

این دقت را باید همگانی کرد.

(روزنامه جام جم، ۸ اسفندماه ۱۳۸۲)

ب. مدیر کل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه گفت: فلسفه تشکیل ستاد حفاظت اجتماعی، تامین و تضمین حقوق و آزادی های شهروندان و جلوگیری از تعرض های نابجا به زنان، دختران، پسران و جوانان است.

سیداحسان قاضی زاده درباره هدف تشکیل این ستاد که اخیرا طی بخشنامه ای از سوی رییس قوه قضاییه به رؤسای کل دادگستری های سراسر کشور نیز ابلاغ شده است، به ایسنا گفت: در جامعه ما بخش اندکی از جرایم از سوی ضابطان قضایی کشف می شود و در واقع قسمت عمده ای از جرایم، آسیب های اجتماعی و سوءرفتارهای اجتماعی که نتیجه آن منتج به وقوع جرم می شود، بدون کشف باقی می ماند.

مدیر کل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه در پاسخ به اینکه آیا «تشکیل این ستاد منجر به افزایش حدود اختیارات ضابطان قضایی نخواهد شد؟»، گفت: ملاک برخورد با جرایم، قانون است نه تشخیص ضابط؛ بر همین اساس هر فعل یا ترک فعلی که

قانون برای آن عنوان مجرمانه و مجازات در نظر گرفته باشد جرم محسوب می شود و ضابط نمی تواند به تشخیص خود عمل کند.

قاضی زاده با بیان اینکه برخورد خودسرانه ضابطان قضایی آموزش ندیده، به بی نظمی در اجتماع منجر می شود، اظهار داشت: هدف این بخشنامه ایجاد محدودیت اجتماعی و یا گسترش حیطه اختیارات ضابطان نیست، بلکه قوه قضاییه با این بخشنامه درصدد تشکیل یکی از بزرگترین مجموعه های مردمی است تا در کشف جرایم به قوه قضاییه و خصوصا دادسرا کمک شود.

مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه با بیان اینکه جامعه ما از نظر امنیتی و سلامت اجتماعی دچار بحران است، گفت: وقتی نمی توانیم سلامت اجتماعی و امنیت عمومی پایدار را به صورت کامل در جامعه حاکم کنیم باید از کانال دیگری این سلامت و امنیت را ایجاد کنیم، که تشکیل ستادهای حفاظت اجتماعی و کنترل اجتماعی نیز در این راستا است.

از قاضی زاده درباره احتمال اقدامات موازی این ستاد با ستاد امر به معروف و نهی از منکر سؤال شد. وی پاسخ داد: ستادهای احیای امر به معروف و نهی از منکر و یا نهادهای دیگری که در این راستا حرکت می کنند از حمایت لازم قضایی و قانونی برخوردار نیستند، برای رفع این مشکلات قوه قضاییه با چاره اندیشی در این باره، این تشکیلات را بوجود آورده است.

وی با بیان اینکه مدیریت، هدایت و کنترل ستاد حفاظت اجتماعی بر عهده قوه قضاییه است، اظهار داشت: بسیاری از جوانان متدین و انقلابی بنا به احساس وظیفه شرعی شان امر به معروف و نهی از منکر می کنند که قوه قضاییه درصدد است با تشکیل این ستاد ضمن آموزش به این افراد، این اشخاص را تحت

کنترل و هدایت خود قرار دهد تا در این راستا از فعالیت های غیرقانونی جلوگیری شود تا تمامی فعالیت ها تحت کنترل قانون و دستگاه قضایی صورت گیرد.

مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه با تاکید بر اینکه قوه قضاییه درصدد است تا از هر اقدام خودسرانه ای جلوگیری کند، به اصل ۱۵۶ قانون اساسی و وظایف این قوه برای پیشگیری از وقوع جرم اشاره کرد و اظهار داشت: این قوه برای اینکه بتواند از هر اقدام خودسرانه، غیرقانونی و خلاف قانون جلوگیری کند، اقدام به ساماندهی علاقمندانی که دارای شرایط لازم هستند، می کند.

وی تاکید کرد: افراد فعال در این ستاد، ضابط قوه قضاییه محسوب نمی شوند، اما تحت پوشش قانونی و قضایی، به عنوان نیروهای مردمی تحت حمایت دادرها هستند.

وی رکن قضایی ستاد حفاظت اجتماعی را دادرها و دادستان و رکن اجرایی این ستاد را معاونت اجرایی قوه قضاییه عنوان کرد.

قاضی زاده در پاسخ به این سؤال مبنی بر اینکه آیا قوه قضاییه با تشکیل این ستاد درصدد ایجاد سازمانی جدید و جذب و استخدام افراد جدیدی است، گفت: دستگاه قضایی با تشکیل این ستاد درصدد جذب و استخدام افراد رسمی نیست، مجموعه ستاد حفاظت اجتماعی یک مجموعه غیرانتفاعی است و شبیه ترین نهاد به شوراهای حل اختلاف است.

(به نقل از: سایت بازتاب، ۱۷/۸/۸۳)

### **به نظر شما، جوانان ما در شیعه چه چیزی نمی بینند که شیفته مکتب های بیگانه می شوند؟**

#### **پرسش**

به نظر شما، جوانان ما در شیعه چه چیزی نمی بینند که شیفته مکتب های بیگانه می شوند؟

#### **پاسخ**

سؤال کننده محترم توجه دارد که «ندیدن» با نبودن، متفاوت است، به چشم نیامدن عنصری خاص در یک فرهنگ علل مختلف دارد. شماری از این علت ها عبارت است از:

۱. عدم مطالعه کافی

گاه مطالعه کافی در فرهنگ مورد نظر نه در سطح و نه در عمق صورت نمی گیرد. اقبال می گوید: مسلمانان آنگاه که از فرهنگ خود بیگانه شدند، جذب فرهنگ بیگانه گردیدند.

در این موقعیت، حتی باید دشمنی با فرهنگ خودی را نیز محتمل می دانست؛ چنان که امام علی (ع) در حکمت ۱۷۳ نهج

البلاغه می فرماید: «الناس اعداء ما جهلوا؛ مردم دشمنان آنچه نمی دانند هستند». به قول مولانا:

آدمی مر خویش را ارزان فروخت بود اطلس خویش را بر دلق دوخت

هر که دو ارزان خرد ارزان دهد گوهری طفلی به قرص نان دهد

اقبال لاهوری در این باره می گوید:

آه از قومی که چشم از خویش بست دل به غیر الله داد از خود گسست

تا خودی در سینه ملت بُمرد کوه گاهی کرد و باد او را ببرد ۱

به نظر می رسد، اگر به فرهنگ شیعی چنان که باید، معرفت پیدا شود بسیاری از نادیده ها دیده می شود. چنان که از ائمه اطهار (ع) رسیده است: «علم جز از نزد اهل بیت (ع) بیرون نمی آید.» امام باقر (ع) به سلمه بن کُهیل و حکم بن عتیبه ۲ می فرماید: «به مشرق بروید یا به مغرب علم درست به دست نیاورید جز آنچه از نزد ما خاندان بیرون آمده است.» ۳.

۲. کردار حاملان فرهنگ

سبب دیگر به چشم نیامدن چیزی در فرهنگ شیعی، عمل پیروان و حاملان آن است. معمولاً

کردار و رفتار مریبان و حاملان یک فرهنگ عامل داوری دیگران در مورد محتوای فرهنگ شمرده می شود. این عامل به مسلمانان منحصر نیست. در گزارش هایی که از بی اعتقادی و تمسخر دین داری در اروپای قرن هیجدهم رسیده، جنگ های فرقه ای و نزاع های گروهی مسیحیان عامل اصلی تمسخر دین و دین داری در اروپا ۴ شمرده شده است و در واقع مذهب مسیحی را بانی واقعی جنگ ها و خصوصاً جنگ های مذهبی سی ساله در قرن ۱۷م دانسته اند. ۵

مارکی در آرژانسون هوشمند در ۱۷۵۳م بر خطای کشیشان انگشت گذاشته، می نویسد: «عامل نابودی دین را نه در نفوذ فلسفه انگلستان که جز صد فیلسوف پاریسی کسی با آن آشنایی ندارد بلکه باید در خشم و نفرت مردم از کشیشان جست و جو کرد. خشم و نفرتی که اکنون به اوج شدت خود رسیده است.» ۶

### ۳. تولید علوم و فنون در فرهنگ بیگانه

وجود توانایی های فرهنگ بیگانه در تولید علوم و فنون و صنایع در مقابل محروم بودن کشورهای اسلامی از هر پیشرفتی در سده های اخیر از عوامل مهم جذب شدن به فرهنگ بیگانه است. حضرت علی (ع) توصیه می فرماید: «والله الله فی القرآن ان لایسبکم بالعمل به غیر کم؛ ۷ خدا را، خدا را دربارہ قرآن، مبادا دیگران در عمل کردن به دستورهایش از شما پیشی گیرند».

چنان که ملاحظه می شود، فرهنگ جدید و تلاش، استقلال و خود اتکایی، نشاط و شادابی، وجدان کاری و تحمل سختی ها و عزم و اراده مصمم که ساخت یک تمدن مرهون آن است، بخشی از آموزه های اصیل قرآن و سنت به شمار می آید. متأسفانه این امر در کشورهای اسلامی مورد غفلت قرار می گیرد و حتی دست هایی خائن علیه دست آوردهای خودی



و کوچک و یا ناچیز نمایاندن فعالیت هایی که برای پیشرفت انجام می شود، تلاش می کنند. ۸. در نتیجه امروز دنیای اسلام به جایی می رسد که در تولید علوم نقش بسیار ناچیز دارد و جوانانش که احیاناً قدرت تحلیل علل عقب افتادگی ها را ندارند، به فرهنگ بیگانه روی می آورند.

البته جوانان فراوانی نیز وجود دارند که علوم و فنون را از فرهنگ بیگانه به دست آورده، جذب فرهنگ بیگانه نشده اند و در جهت رفع کاستی ها و عقب ماندگی ها می کوشند.

۴. عدم پاسخ به دغدغه ها و سؤالات جوانان

مرحوم استاد مطهری که خود اسوه و شهید راه تعلیم و تربیت است در موضوع رهبری نسل جوان به ضرورت جنبه طرح جامع دین به این سه نسل اشاره کرده، سر تفوق و جاذبه مکاتب ماتریالیستی در میان این نسل را ارائه و طرح جامع مکتب و پاسخ گویی به تمام نیازهای فکری آن ها می داند. وی در کتاب ده گفتار آورده است: «اتفاقاً دیگران از راه شناختن درد این نسل آن ها را منحرف کرده اند و از آن ها استفاده کرده اند. مکتب های ماتریالیستی که در همین کشور به وجود آمد و اشخاص فداکار درست کرد برای مقاصد الحادی، از چه راه کرد؟ از همین راه! می دانست که این نسل احتیاج دارد به یک مکتب فکری که به سؤالاتش پاسخ دهد، یک مکتب فکری؛ و او عرضه کرد. می دانست که این نسل یک سلسله آرمان های اجتماعی بزرگی دارد و درصدد تحقق دادن به آن ها است، خود را با آن آرمان ها هماهنگ نشان داده در نتیجه افراد زیادی را دور خود جمع کرد با چه فداکاری و صمیمیتی...»

روح هم اگر به حدی رسید

که تشنه یک مکتب فکری شد که روی اصول معین و مشخص به سؤالاتش پاسخ دهد و همه مسائل جهانی و اجتماعی را یکنواخت برایش حل کند و جلوی بگذارند، اهمیت نمی دهد که منطقاً قوی است یا نیست. بشر آن قدرها هم دنبال حرف محکم و منطقی نیست دنبال یک فکر منظم و آماده است که یکنواخت در مقابل هر سؤالی جوابی بگذارد. ۸.

هر فرهنگی هر چند ریاکارانه دغدغه ها را رفع کند و خود را پاسخگوی خواسته ها و نیازها و سؤالات بداند از جاذبه بیش تری برخوردار است. به دلایل تاریخی و خصوصاً پس از قرن های اولیه ظهور اسلام، به تدریج رهبران فکری، سیاسی و اجتماعی امور حاشیه ای را بر امور اصلی ترجیح دادند. در نتیجه بسیاری از سؤالات بی پاسخ ماند.

## ۵. پیروزی

باید توجه داشت که نفس پیروزی یک جریان گاه عامل تبعیت و مجذوب شدن دیگران است. فرهنگ های پیروز و موفق زمینه جذب بسیار بالایی دارند. پیروزی یک فرهنگ، هر چند همه جانبه نباشد، چنان چشم ها را خیره می کند که فرصت مقایسه بین فرهنگ ها و سنجش مجموعه توانایی ها را از بین می برد. در این موقعیت، فرهنگ مغلوب هر چند ظرفیت های بالایی در ابعاد دیگر داشته باشد تا مدت ها در محاق فرو می رود. بنابراین یا باید نقص خود را جبران کند و یا باید منتظر سرخوردگی شیفتگان فرهنگ دیگر و بازگشت آن ها به سوی خویش باشد؛ چنان که امروز شاهد بازگشت غرب به معنویت و خیزش روز افزون بشریت به سمت ارزش ها و اوامر اساسی اسلامی هستیم؛ بلکه در جهان اسلام نیز حرکت به سمت عقلانیت گسترش یافته و بازگشت به ارزش های فرهنگ شیعی

شتاب گرفته است. از سوی دیگر شکست یک فرهنگ و عدم توان آن در تأمین اهداف و برنامه های اعلام شده نیز سبب گریز مردم از آن می شود که نمونه روشن آن در مارکسیسم مشاهده شد.

خلاصه آن که روی آوردن به یک فرهنگ و بریدن از فرهنگ دیگر در عوامل متعدد ریشه دارد. امروز باید همه دنیای اسلام، خصوصاً مذهب تشیع، از فرصتی که در پرتو انقلاب اسلامی ایجاد شده و بیداری و معنویت خواهی گسترده ای که در جهان پدید آمده، بهره گیرد؛ از میان برهای موجود به علوم و فنون دست یابد و خود را در قافله تمدن تثبیت کند؛ به عبارت دیگر، وظیفه، آن است که فرهنگ تشیع را متجلی سازیم و جامعیت اسلام را به اثبات رسانیم؛ سیر پرافتخار پیروزی دین را که امام خمینی آغاز کرد، ادامه دهیم و با وحدت و همدلی و سخت کوشی و صبوری و تحمل مشقات و مشکلات در جهت شکوفایی فرهنگ تشیع بکوشیم.

پی نوشت:

۱. کلیات اقبال، ص ۲۱۸.

۲. مجلسی(ره): این دو نفر از فقهای اهل سنت هستند.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۱، حدیث ۳.

۴. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۸، ص ۱۰۸.

۵. همان، ج ۷، ص ۶۶۸.

۶. همان، ج ۹، ص ۶۸۰.

۷. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۸. وصیت نامه الهی و سیاسی امام خمینی(ره).

۹. ده گفتار، ص ۲۱۷ تا ۲۱۸.

**آیا الزام ها و ضرورت های اجتماعی، جامعه را به زندگی آمیخته با صلح و عدالت سوق می دهد؟**

**پرسش**

آیا الزام ها و ضرورت های اجتماعی، جامعه را به زندگی آمیخته با صلح و عدالت سوق می دهد؟

**پاسخ**

مقصود از "الزام اجتماعی" آن است که وضع زندگی اجتماعی بشر به چنان مرحله ای برسد که احساس نیاز به مطلبی کند و آن را به عنوان یک ضرورت بپذیرد. ولی مهم آن است که یک نیاز واقعی جامعه آن قدر آشکار گردد که ضرورت بودنش را همه یا حداقل متفکران و رهبران جامعه بپذیرند، و این در درجه اول، بستگی به بالابردن سطح آگاهی و شعور اجتماعی مردم دارد، و سپس با آشکار شدن نتایج نامطلوب وجود جامعه و عدم امکان ادامه راه، ارتباط پیدا می کند.

شاید بسیاری از مردم در قرون ۱۷ و ۱۸ با مشاهده پیشرفت های چشمگیر صنعتی، ترسیمی که از قرن بیستم داشتند، ترسیم یک بهشت برین بود، ولی باور نمی کردند که انسان صنعتی و ماشینی، زندگی مرفه تری نخواهد داشت، بلکه پا به پای پیشرفت تکنولوژی، نابسامانی های تازه و مشکلات جدیدتری پدید خواهد آمد. عفریت جنگ های جهانی سایه وحشتناک خود را بر کانون های ماشین و صنعت خواهند افکند. تازه می فهمند که چقدر زندگی آنها خطرناک شده است. کم کم می فهمند برای حفظ وضع موجود و پیروزی های بزرگ صنعتی و تمدن، مقررات گذشته هرگز کافی نیستند، و باید تن به مقررات تازه ای داد.

زمانی فرا می رسد که وجود حکومت واحد جهانی برای پایان دادن به مسابقه کمرشکن تسلیحاتی و پایان دادن به کشمکش های روز افزون قدرت های بزرگ و کنار زدن دنیا از لب پرتگاه جنگ، به عنوان یک ضرورت و واقعیت اجتناب ناپذیر احساس می گردد که باید سرانجام این مرزهای ساختگی و دردسرساز برچیده شود و همه مردم جهان زیر یک پرچم و با یک قانون زندگی کنند.

بنابر قانون "الزام اجتماعی" عامل مؤثر دیگری وجود دارد که با

کاربرد نیرومند خود، مردم جهان را خواه ناخواه به سوی یک زندگی آمیخته با صلح و عدالت پیش می برد و پایه های یک حکومت جهانی را براساس طرح تازه ای مستحکم می سازد.

## آیا برای ایجاد تحوّل در جامعه احتیاج به اصلاحات تدریجی است یا انقلاب بنیادی؟

### پرسش

آیا برای ایجاد تحوّل در جامعه احتیاج به اصلاحات تدریجی است یا انقلاب بنیادی؟

### پاسخ

در مورد اینکه اصلاحات اجتماعی باید از چه راه انجام پذیرد عقیده واحدی وجود ندارد، بلکه جمعی طرفدار اصلاحات تدریجی هستند که به آنها "رفورمیست" می گویند. و گروهی دیگر "انقلابیون" هستند که هیچ دگرگونی اساسی را در وضع جوامع انسانی بدون انقلاب ممکن نمی دانند و برخی دیگر می گویند: درجه فساد در اجتماعات متفاوت است، آنجا که فساد به صورت همه گیر و همه جانبه در نیامده، اصلاحات تدریجی می تواند اساس برنامه های اصلاحی را تشکیل دهد، اما آنجا که فساد همه جا را فرا گرفت و یا در بیشتر سازمان های اجتماعی نفوذ کرد، جز با یک انقلاب بنیادی نمی توان بر نابسامانی ها چیره گشت.

شواهد زیادی مؤید نظر سوم است:

- ۱ - اصلاحات تدریجی همیشه بر شالوده ها و ضوابط والگوهای سالم بنا می شود و در غیر این صورت باید به سراغ الگوها و ضوابط جدید رفت و مسائل زیربنایی را در مسیر دگرگونی قرار داد.
- ۲ - اصلاحات تدریجی غالباً از طریق مسالمت آمیز صورت می گیرد، و این در صورتی اثر دارد که آمادگی فکری و زمینه اجتماعی وجود داشته باشد. ولی آنجا که این زمینه ها وجود ندارد باید از منطق انقلاب که منطق قدرت است استفاده کرد.
- ۳ - در جامعه ای که فساد به ریشه ها نفوذ کرده، عناصر قدرتمند ضد اصلاح، تمام مراکز حسّاس اجتماع را در دست دارند و به آسانی می توانند هر طرح تدریجی را از کار بیندازند، مگر آنکه با یک حمله انقلابی غافلگیر شوند.
- ۴ - نیروهای عظیم اصلاحی و انقلابی را معمولاً نمی توان برای مدّت زیادی پر حرارت و پر جوش نگاه داشت و اگر به موقع از آنها استفاده نشود ممکن است با گذشت زمان کارآیی خود را

از دست بدهند.

۵- با مراجعه به تاریخ به دست می آید که اجتماعی که فساد در آنها بنیادی شده، خردمندان آن جوامع خصوصاً انبیا و اولیا و مردان اصلاح طلب همواره روش انقلابی را در پیش گرفته اند.

در مورد اصلاح وضع عمومی جهان و برجیده شدن نظام کنونی که بر اساس ظلم و تبعیض بنا شده و احتیاج به جانشین شدن یک نظام عادلانه است، به طور حتم پدید آمدن یک انقلاب و دگرگونی عظیم را می طلبد، انقلابی وسیع و در همه زمینه ها.

### چرا در جهت رفع ابهامات جوانان اقداماتی ریشه ای انجام نمی شود؟

#### پرسش

چرا در جهت رفع ابهامات جوانان اقداماتی ریشه ای انجام نمی شود؟

#### پاسخ

از این که می بینیم نوجوانان و جوانان برومند ایران زمین در برابر فرهنگ ارزشهای اسلامی احساس مسئولیت می کنند و ابهامات و سؤالات بوجود آمده و بدون پاسخ، آنان را رنج و آزار می دهد احساس غرور می کنیم و امیدواریم این احساس جوانان با بازخواست و مطالبه از مسئولان و دست اندرکاران امور فرهنگی، روحانیون بزرگوار، معلمان و استادان و مؤسسات فرهنگی پاسخ ابهامات و سؤالات خود را دریافت کنند و نه تنها به این امر قانع نباشند بلکه با مطالعه و تحقیق قدرت یابند پاسخ دیگران را بدهند و اما چرا تاکنون اقدام اساسی صورت نگرفته است دلایلی دارد که برخی از آنها بدین شرح است :

۱- کسانی که وظیفه انتقال مفاهیم فرهنگی را به نسل امروز دارند، بسیاری از مفاهیم بر ایشان واضح و روشن است لذا تصور می کنند جوانان نیز چنین هستند بنابراین در جهت استحکام بخشی به آن مفاهیم تلاشی صورت نمی گیرد.

۲- متولیان امور فرهنگی شبهات و پرسشهای مهم دینی را که امروز نسل جوان با آن مواجه هستند شناسایی نکرده اند؟ و در مرحله بعد دلیل دفاعی در برابر چالش بوجود آمده نساخته اند. نسل جوان باید از اصول عقاید بصورت عقلانی دفاع کند باید ابتدا با استدلال و منطق خدا را بپذیرد و سپس بفهمد که اگر ایمان به خدا داشته باشد چه حالات روحی و روانی خواهد داشت.

البته این بدان معنا نیست که مخاطبان نسل جوان امروز خدا را قبول ندارند. بلکه مطالعات تجربی نشان می دهد ۹۹٪ مخاطبان قبول دارند خدا هست و یکی است. پیامبری را که از طرف او آمده است قبول دارند. ولی سؤال های دیگری دارند مثلاً به

بعضی احکام دین ایراد وارد می کنند و چون خدا و پیامبر را قبول دارند می گویند این سخن، سخن خدا نیست. او دین خدا را قبول دارد ولی نقل گویندگان را قبول نمی کند. وقتی سند و مدرک ارائه می شود چون با فهم و زبان او تطابق ندارد برایش قابل فهم نیست. متولیان باید دقت کنند و گام به گام او را به

پیش ببرند و به او بفهمانند دین چیست.

در طول تاریخ دین بزرگان از دین دفاع عقلانی کرده اند و علم کلام را بوجود آورده اند تا از دین دفاع عقلانی بکنند. اگر شبهه فلسفی بوجود آمده پاسخ متناسب داده شده است و...

- وجود سازمانها و نهادهای متعدد فرهنگی یکی از علل نابسامانیهای فرهنگی است. نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، مراکز وابسته به حوزه های علمیه، مؤسسات، بنیادها، کانونهای فرهنگی، مساجد، مراکز فرهنگی وابسته به دانشگاهها، وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی، نیروهای مسلح و...

البته وجود مراکز متعدد در بخشهای مختلف می تواند جنبه مثبت داشته باشد مشروط به این که بر اساس اهداف راهبردها و خط مشی مشخصی همگی در جهت تکمیل فعالیت ها و تحقق اهداف تلاش کنند و از موازی کاری و تکرار برنامه های کم محتوا و کم اثر و... اجتناب ورزند. بنابراین اگر این مراکز بتوانند با یک برنامه ریزی مدون و مشخص، بین خودشان تقسیم کار نمایند و اهداف نیز دقیقاً تعریف شده باشد و برنامه ها نیز متناسب با نیازها طراحی شده و با استفاده از ابزار و شیوه های مناسب تأثیر گذار اجرا شود تحول عظیمی در وضعیت فرهنگی کشور پیش خواهد آمد.

۴- مجهز نبودن مبلغان و مروجان فرهنگی به ابزار و سازوکار مناسب روز

و فقدان آگاهی از شیوه های تبلیغ و تأثیر گذاری و عدم بهره مندی از ابزار و رسانه های مختلف یکی دیگر از عوامل نابسامانی فرهنگی کشور است.

۵- تهاجم و شیخون فرهنگی و جنگ رسانه ای استکبار و عوامل آن که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سالهای اخیر بشدت افزایش یافته است و نیز غفلت و خواب آلودگی برخی متولیان و دست اندرکاران در نهادهای مسؤول به دلیل اشتغالات فراوان و وعده سیاسی و... از معضلات و مشکلات دیگری است که فرهنگ کشور با آن مواجه است.

با توجه به آنچه ذکر شد مسئولان و متولیان امور دینی در حوزه ودانشگاه و مؤسسات و مراکز مختلف باید با انسجام و وحدت و اجتناب از موازی کار و هدر دادن انرژی انسانی و مادی خود در موارد زیر بصورت یکپارچه اقدام نمایند:

۱. باید هیأتی مشخص شود تا دائماً مسایل و سؤالات و ابهامات را بیابند و با کتاب و... پاسخ بدهند.

۲. در جامعه در حال تحول عمر کتابها دو سال بیشتر نیست باید مرتب کتابهای نو با زبان روز نگاشته شود.

۳. استادان درس معارف، روحانیان بزرگوار و مبلغان عرصه تبلیغ و وعظ باید چالش ها را کشف، و مهیا برای پاسخگویی به سؤالات باشند.

۴. پاسخگویی به سؤالات در اسرع وقت در یک سیستم فعال باید صورت بگیرد. کنندی در پاسخگویی موجب می گردد پاسخها در زمانی عرضه شود که سؤال از میان رفته و سؤالات جدیدی بوجود آمده باشد.

۵. مروجان و مبلغان و استادان باید در میان مخاطبانشان زندگی کنند، چالش های آنها را کشف و پاسخ دهند.

۶. مراکز مختلف در سطح کشور باید با یکدیگر در ارتباط بوده و ضمن ارائه پاسخ های متمرکز و متین، از یک مرکز قوی علمی دریافت کنند.

ما و شما



باید از همه متولیان امر فرهنگ، روحانیون معزز، استادان دانشگاه، معلمان بزرگوار، مسئولان سازمانها و مراکز فرهنگی باید بخواهیم مساعی جمیله خویش را در این امر مهم مصروف سازند.

## انحرافات

### انحرافات فردی و گروهی

**چرا در جامعه ما دست دزد قطع نمی شود تا عبرت دیگران شود**

#### پرسش

چرا در جامعه ما دست دزد قطع نمی شود تا عبرت دیگران شود

#### پاسخ

اولاً، قطع دست دزد حدود بیست شرط دارد که کمتر محقق می شود. ثانیاً، اجرای حد نیز باید در شرایط مناسب صورت بگیرد. در حال حاضر شرایط تبلیغاتی اجازه چنین کاری را نمی دهد. }J

**چرا در کشور ما با مجرمان و قاچاقچیان برخورد جدی نمی شود؟**

#### پرسش

چرا در کشور ما با مجرمان و قاچاقچیان برخورد جدی نمی شود؟

#### پاسخ

برخورد با مفسدان و کسانی که سلامت جامعه را به خطر می اندازند، باید بسیار جدی و شدید باشد. قوانین جمهوری اسلامی نیز در برخورد با قاچاقچیان مواد مخدر، بسیار قاطع است.

تاکنون در میان کشورهای مختلف، ایران قاطعانه ترین برخوردها را با این عناصر داشته و دارد. آمار کسانی که به همین جهت تاکنون اعدام شده اند، گواه این ادعا است. به هر حال اگر در جایی نیز سهل انگاری و تسامحی برخلاف قانون صورت گیرد، باید آن را با ذکر موارد به مراجع ذی صلاح ارائه نمود تا در جهت اصلاح آن اقدام کنند.

**چرا با وجود نسل های جدید کشور ما رو به فساد است؟**

چرا با وجود نسل های جدید کشور ما رو به فساد است؟

پاسخ

آلوده شدن جامعه به گناه و فساد، عوامل متعدد و زیادی دارد، که از آن جمله می توان به فقر و ناداری، و تأمین نشدن مایحتاج عمومی، و وجود فاصله طبقاتی بین فقرا و نیازمندان با اغنیاء و ثروتمندان، و تفاوت زندگی مسؤولان و رهبران جامعه با زندگی عامه مردم، و گرایش و توجه اکثریت مردم به تجمل گرایی و رفاه زدگی و رواج زندگیهای تجملاتی، و ارزش پیدا کردن مادیات و کالاهای لوکس و اشرافی، و نیز دارایی و ثروت و اجرا نشدن عدالت و رواج بیعدالتی، و تهاجم سهمگین و بی پروای فرهنگی جبهه استکبار و دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی در قالب رسانه های گروهی و اینترنت و ماهواره، مجله و ... ، اشاره کرد. همه اینها از جمله عواملی است که موجب ترویج فساد و تباهی در جامعه می گردد، و نسل جوان را که از شور و نشاط و انرژی بسیار متراکمی برخوردار است، و هنوز بینه های علمی و دینیش از استحکام کافی و لازم برخوردار نیست، به کام تباهی و ضلالت فرو می برد.

در قبال هجوم وسیع و بی حد و حساب رسانه های بیگانه، برای تخریب اخلاق و مبتلا ساختن نسل جوان ما، استعداد و توانایی ما در برابر آنها اگر چه ناچیز و ناکافی است، ولی اگر به خوبی از آن استفاده شود، بیگانگان و اجانب در مأموریت شیطانی خویش، و به فساد کشاندن جامعه، ناکام خواهند ماند. همانطور که شما مشاهده کردی، درانتخابات اخیر، تمام رسانه های خارجی، مردم را از رأی

دادن منع کردند، پارلمان و کنگره آمریکا ۲ تا ۳ قانون بر ضد انتخابات ایران تصویب کرد. اتحادیه اروپا مردم ایران را از شرکت در انتخابات منع کرد. بسیاری از رادیوها مثل رادیو بی بی سی، آمریکا، اسرائیل، و...، القاء می کردند که انتخابات ایران آزاد نیست، غیر قانونی است و... و از مردم درخواست می کردند در انتخابات شرکت نکنند. برخی حرکتها نیز در داخل کشور به این هدف کمک می کرد. ولی مردم بر خلاف خواسته آمریکا و جهان غرب، پرشور و با نشاط در میدان مبارزه، پای صندوق های اخذ رأی حضور یافتند. و آمریکا اعلام کرد: "انتخابات ایران، ما را مأیوس کرد."

دختر خوبم، ستاره خانم، نسل جدید خود به خود نه اصلاح می شود، و نه فاسد؛ بلکه عوامل گوناگونی ممکن است به اصلاح و پیشرفت و سعادت این نسل، یا خدای ناکرده، به فساد و تباهی آنها کمک کند. نسل جدید را نمی توان تشویق و توبیخ کرد بلکه اگر بخواهیم تشویق یا توبیخ کنیم، باید نسلی را که این نسلها را تربیت می کند و می سازد، تشویق یا توبیخ کنیم. اگر بتوانند نسلی تربیت کنند و بسازند، که بتواند در مقابل سیلها و طوفانهای بنیان برافکن دشمنان غدار ایستادگی و مقاومت کند، و دشمن عنود را زمین گیر و منکوب کند، باید به مربیان این نسل احسنت و آفرین گفت. و اگر در تربیت نسل جدید اهمال و سستی کنند، مستحق توبیخ و تنبیه هستند.

ستاره خانم عزیزم، جامعه از تو و امثال تو، که با وجود کمی سن، از درک و فهم خوبی برخورداری، و از روحیه و

عشق و امید و نشاط و انرژی و تحرک و پویایی جوانی و عطف و مهربانی زنانه و نوجوانانه برخوردار، انتظار دارد که در هدایت و رهبری و کمک به دوستان خودتان، برای حرکت سریعتر، بادوام تر، با نشاط تر، و پویاتر، با همه تلاش و توان وارد شوید. متأسفانه یکی از اشکالات جامعه ما اینست که همه به همدیگر اشکال می کنند، و دیگران را مقصّر می دانند، و گناه را به گردن دیگران می اندازند. و کمتر کسی می توان یافت که بگوید مثلاً من کم کاری کردم، و یا اشتباه کردم، اگر هر کس هر آنچه می داند عمل کند، و در مرحله بعد تلاش کند دیگران را تا جایی که برایش مقدور است به راه درست و صحیح هدایت کند، و اشکالات را برطرف کند، و برای اصلاح جامعه هر آنچه در توان دارد به کار بندد، باور کن دنیا بهشت می شود. ولی افسوس که حرف زدن بیشتر از عمل است؛ و اگر عملی باشد، برای اصلاح دیگران، از روشهای درست و صحیح استفاده نمی کند. و گاهی نیز برخی از عزیزان بر اثر ناآگاهی، به جای این که افراد را جذب کنند، با برخوردهای نادرست و غیرمعقول، نسل حسّاس و جوان را دفع می کنند.

ستاره خانم، دختر خوب و باصفا، هر چند سالهاست عوامل مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه ای استکبار جهانی، برای انهدام پایه های اخلاق و ایمان نسل امروز، در تلاش و تکاپور هستند. و دست اندرکاران امور فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه، نیز آن گونه که باید برای اقناع و تأمین نسل جدید تلاش و مجاهدت نورزیده

اند، ولی خوشبختانه اکثریت نسل امروز دانشجویان و دانش آموزان، به خوبی قادر به تشخیص مصالح عالیّه کشور و نظام و فضایل و کرامات انسانی هستند، و در تحقیقات متعدد نشان داده شده که به اسلام و نظام وفادارند؛ اگر چه برخی ظواهر را رعایت نمی کنند، و تحت تأثیر جریانات فرهنگی و هجمه های متعدد قرار دارند، ولی گرایش به عرفان و معنویت در این نسل رو به افزایش است، و این از نشانه های امیدواری است.

آرزو می کنم شما دخترکم، و سایر دختران نوجوان و با محبت، در همه دوره ها و صحنه های زندگی، بخصوص در حفظ اصول و مبانی دینی، و غیرت و پاکی و ترویج فضیلتها و خوبیها و ناپاکیها، و گسترش اخلاق و معنویت و دوستیها، و کاهش دشمنیها و نزاعها، و گرم شدن روابط دوستانه، با تأسی از مکتب عظیم عاشورا، و رابطه محبت آمیز وصف ناپذیر ابوالفضل العباس و زینب کبری و سیدالشهداء، بیش از پیش موفق و مؤید باشی. به خدای لایزال و قادر متعال می سپارم.

**چرا در زمانهای قدیم مردم لوطی صفت و با معرفت تر بودند و با این وجود که در آن زمان دین اسلام زیاد محکم و استوار نبود ولی در این زمان آدم نمی تواند به همسایه خود اطمینان کند و با این وجود که در این زمان دین اسلام محکم تر و استوارتر است؟ چرا؟**

**پرسش**

چرا در زمانهای قدیم مردم لوطی صفت و با معرفت تر بودند و با این وجود که در آن زمان دین اسلام زیاد محکم و استوار نبود ولی در این زمان آدم نمی تواند به همسایه خود اطمینان کند و با این وجود که در این زمان دین اسلام محکم تر و استوارتر است؟ چرا؟

**پاسخ**

همین که شما دوست و برادر عزیز احساس می کنی معرفت در گذشته بیشتر بوده و امروزه کمتر شده، و معضلات افزایش یافته است، نشان از این است که هنوز هم معرفت هست و اسلام استحکام دارد و در گذشته نیز استحکام داشته، و گرنه به ما نمی رسید. ولی تفاوت آن در گذشته و حال در این است که استحکام گذشته اش نسبت به همان زمان بوده است و استحکام فعلیش نسبت به زمان فعلی اگر اسلام همانند ۱۶ سال قبل از استحکام برخوردار بود، امروزه در برابر هجمه ها دوام نمی آورد، ولی در آن روزها نسبت به هجوم همان زمان، از استحکام برخوردار بوده و باقی و پایدار مانده است و در آینده نیز استحکامش نسبت به الآن بیشتر خواهد بود، چرا که مخالفتها و هجمه ها شدیدتر و قوی تر خواهد بود.

اگر بپذیریم که اسلام در گذشته ضعیف تر بوده و محکم و استوار نبوده و امروز استوار شده، ولی مردم از نظر دینی ضعیفتر شده اند و ایمانشان را دارند از دست می دهند، فکر نمی کنید به نبوت و امامت و اصل رهبری در اسلام خدشه وارد می شود.

خداوند متعال پیامبران و رهبران الهی را برای هدایت بشر فرستاده است: "هو الذی بعث فی الامیین رسولا

منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم ..."(۱) پیامبر آمده است تا مردم را تربیت کند. امامان نیز چنین رسالتی دارند. سایر رهبران دینی در همه دوره های تاریخ نیز چنین مسؤولیتی داشته و دارند. حال اگر مردم روز به روز بدتر می شوند، پس نعوذ بالله انبیاء و پیامبران و امامان و رهبران الهی و دینی، در مأموریت تربیت جامعه و مردم، موفق نبوده اند. اگر این حرف درست باشد، پس می توان گفت آمدن و بودن آنها هم ضرورت نداشته است و حال آنکه اینطور نیست. جامعه انسانی بطور مرتب به سوی کمال و سعادت حقیقی در حرکت است و این سیری است که خدای عزوجل برای آن ترسیم فرموده است. و آنچه ما می گوئیم واحساس می کنیم، واقعیت خارجی ندارد، احساس است نه حقیقت؛ اگر قرار باشد شرارت در جامعه افزایش یابد و نیکی ها و خیرات کاهش یابد، پس هدایت چه نقشی داشته و دارد؟

آنچه مسلم است این است که روزبروز نیکیها و خوبیها افزایش می یابد و جبهه حق و حقیقت از دوام و بقاء و استحکام بیشتری برخوردار می گردد. به همان نسبت که قدرت حق افزایش می یابد، قدرت باطل نیز افزایش می یابد و چون ما قدرت او را با گذشته مقایسه می کنیم، احساس می کنیم جبهه حق تضعیف شده و باطل تقویت شده، ایمانها ضعیف شده و بی دینی ها افزایش یافته است

و حال آن که در مجموع این گونه نیست.

در شرایط کنونی جامعه، به دلیل گسترش ارتباطات و رسانه ها، شرارتها و بدیها، به سرعت توزیع و پخش می شود و اصولاً انسانها در نقل

قول بدیها بیشتر همت می گمارند تا خوبیها. کسانی که کار خوب انجام می دهند، به دلایل مختلف، از جمله به این جهت که به ریا و خودنمایی متهم نشوند، از ابراز آن خودداری می ورزند و از سوی دیگر، افراد جامعه هم وقتی کار نیکی بینند و یا بشنوند، برای دیگران با آب و تاب نقل نمی کنند، ولی اگر یک فرد کار بدی انجام دهد، وقتی افراد به یکدیگر می رسند، اولین چیزی که مطرح می کنند، همان کار است : - خیر داری فلانی را گرفتند؟ - چرا؟ - برای این که فلان ... و...

نکته دیگری که حایز اهمیت است، این است که هر چقدر جامعه گسترش پیدا کند و جمعیت زیادتر بشود، تعداد متخلفان نیز بطور طبیعی زیاد می شوند. همچنانکه افراد نیک نیز با افزایش جمعیت، زیاد می شوند. در یک شهر پرجمعیت، تعداد افراد شرور به مراتب از یک شهر کم جمعیت بیشتر است، لذا مردم احساس می کنند چقدر افراد ناباب زیاد شده اند، ولی متوجه نیستند که بخشی از این افزایش افراد نابکار مربوط به افزایش جمعیت است. عامل دیگری که به تشدید و گسترش مفاسد می انجامد زندگی، ماشینی و افزایش اوقات فراغت و بیکاری و کاهش ارتباطات عاطفی و تغییر زندگی سنتی به زندگی مدرن و ماشینی است. نوع زندگی، شهرنشینی و ... نیز به گسترش مفاسد کمک می کند. فقر و ناداری و تضاد طبقاتی نیز موجب ضعف و گاهی حتی نابودی ایمان می شود. توجه بیش از حد به زندگی مادی و رواج زندگی های تجملاتی و ارزش یافتن آنها نیز خود از دلایل

گسترش مفاسد است. افزایش بیکاری و پرسه زدن جوانان بیکار در کوچه و بازار و خیابان، و عدم تأمین معیشتی، افزایش سن ازدواج و عدم امکان ازدواج در شرایط و زمان مناسب برای جوانان، افزایش هزینه های غیرضروری زندگی و ازدواج و رواج زندگی اشرافی و ... نیز از عوامل لوطی صفت نبودن برخی از مردم امروزه است.

عدم تخلیه نیرو و انرژی جوانان و نوجوانان به روشها و طریقه های صحیح و عدم ارضاء نیازهای جوان در ابعاد گوناگون و نبود فضای کافی برای تفریح و بازی و ... موجب می شود به جای اینکه انرژی و نیروی خودش را در راه تولید و افزایش سرمایه به کار گیرد در هرزگی و عیاشی و ... مصرف نماید و ...

امید است جوانان رشیدی مثل شما همت کنند با فکر و اندیشه و عمل و سازمان یافتن، بتوانند بخشی از نابسامانیها را تقلیل دهند. انشاء...

### **علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟**

#### **پرسش**

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

#### **پاسخ**

علت اساسی تمام نابسامانیها را می توان پایبند نبودن به یک مذهب صحیح دانست، زیرا تجربیات تاریخی ملل پیشین ثابت می کند که جامعه ی انسانی بدون پایبندی به یک مکتب آسمانی، که عقل و وجدان انسان را راضی کند، نمی تواند سعادت مند شود. هیچگاه قوانین انسانی نمی تواند جایگزین ایمان و عقیده دینی گردد. تا زا طریق ایمان در افراد جامعه انگیزه ی خیر و نیکی و دوری از زشتی و پلیدی ایجاد نشود، با هیچ نیرویی نمی توان جامعه را به سوی کمال و سعادت سوق داد. بزرگ ترین اشتباه تمدن کنونی همین است که برای اصلاح نابسامانیها به هر چیزی جز به دین و مذهب فکر می کند و نیروی عظیم ایمان و عقیده را به حساب نیاورده، نقش عمده ی آن را در اصلاح جامعه ی انسانی نادیده می گیرد. به همین علت از کوششهای فراوانی که انجام می گیرد نتیجه ای به دست نمی آید، بر نابسامانیها افزوده می شود و هیچ جنبه ای از جنبه های فساد و تباهی اصلاح نمی شود مگر آنکه آن مشکل از گوشه ای دیگر و در شکلی دیگر بروز می کند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

**تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟**

#### **پرسش**



تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟

## پاسخ

اولاً؛ باید توجه داشت کسانی که گرایش به فساد و انحراف دارند و جز هرزگی و بی بندوباری و نشانیدن هوسهای خویش ایده و اندیشه ای ندارند رفتن به مراکز فساد آنان را از تجاوز باز نمی دارد دلیل آن وقوع این گونه حوادث و جنایات با وجود مراکز مذکور است.

ثانیاً؛ زنان فاسدی که در آن مراکز بسر می برند مگر انسان نیستند؟ مگر آنان از احساسات و عواطف انسانی برخوردار نمی باشند مگر آنها دوست ندارند که در یک کانون خانواده از زندگی خانوادگی برخوردار باشند؟ چه عاملی آنان را به آنجا کشانده است؟ چرا باید یک دختر جوان پس از اینکه در اثر لحظه ای غلفت و اشتباه اغفال گردید برای همیشه از زندگی انسانی محروم باشد و هر ساعتی برای خاموش ساختن هوس افراد هرزه خویشان را آماده سازد؟ آیا وجود این مراکز به سیه روزی و ت...ب...بختی آنان کمک نمی کند؟

بر این اساس وجود مراکز فحشاء را باید در کنار صدها مفسد دیگر دانست که باید با همه آنها مبارزه کرد و تمام آنها معلول پایین بودن سطح ایمان و اخلاق در جامعه است. در ضمن زنانی که در آن مراکز هستند از کجا تأمین شوند؟ آیا این هم مثل اجناس و ارادتی، وارد می شود؟ یا باید عدّه ای را فاسد کنیم. برای آنجا بفرستیم؟ این ساختن لجن و به روی خود مالیدن است. آن وقت مانند ابلهی خواهیم بود که چوب را در لجن فرو کرده و روی دیوار تمیز می نویسد لطفاً نظافت را رعایت کنید!!

بخش پاسخ به سؤال...»

**موارد چهار گانه تحقیق و پژوهش در مورد اعتیاد (نقش دوستان ناباب، عوامل زمینه ساز اعتیاد، مضرات جسمانی، اخلاقی، اجتماعی و روش های کاربردی ترک اعتیاد) را بیان کنید؟**

**پرسش**

موارد چهار گانه تحقیق و پژوهش در مورد اعتیاد (نقش دوستان ناباب، عوامل زمینه ساز اعتیاد، مضرات جسمانی، اخلاقی، اجتماعی و روش های کاربردی ترک اعتیاد) را بیان کنید؟

**پاسخ**

راجع به عناوین چهارگانه برای تحقیق و پژوهش:

۱- نقش دوستان ناباب و تأثیر سیگار در گرایش به اعتیاد.

۲- عوامل زمینه ساز اعتیاد جوانان و نوجوانان.

۳- مضرات جسمانی، روانی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی اعتیاد.

۴- روش کاربردی برای ترک اعتیاد و احساس تنفر نسبت به این پدیده شوم...

به نظر ما بهترین منبع و مرجع، کتاب ها و جزوه هایی است که از ستاد مبارزه با مواد مخدر انتشار یافته است. از جمله کتاب های بررسی مواد مخدر در متون اسلامی و کتاب اضرار به نفس، و ویژه نامه ای درباره وضعیت مواد مخدر در جهان و ایران و... اطلاعات عمومی و ویژه نامه ای درباره ملاقات ها و مذاکرات جناب آقای فلاح دبیر ستاد مبارزه با حضرات مراجع عظام تقلید در قم ۱۳۷۵ می باشد. حتماً آن ها را تهیه کرده و مواد مقالات خود را از آن ها آماده نمایید.

**علت گرایش بعضی از جوانان به مواد مخدر و الکل چیست ؟**

**پرسش**

علت گرایش بعضی از جوانان به مواد مخدر و الکل چیست ؟

**پاسخ**

این گونه پرسش نشانه پاکی روح و صداقت بیان و صافی قلب و از همه مهم تر عزم و اراده والای شما برای شناخت راه های دست یابی به سعادت و خوشبختی و رشد و کمال انسانی است . آدمی نمی تواند به آرمان ها و اندیشه های بلند انسانی الهی نائل گردد. مگر این که موانع یا عواملی را که سدّ راه رشد و ترقی او هستند و شیاطین شوم خوشبختی نامیده می شوند، بشناسد و این دو را شما در سؤالات خود گنجانده اید.

امیدواریم با چشمانی باز و بصیرتی نافذ و معرفتی ره گشا، با مطالعه کتب اخلاقی و اسلامی مخصوصاً در زمینه علوم و معارف قرآنی ، حقیقت ناب زندگی انسانی الهی را بر محور خداشناسی و توحید یافته و از پیچ و خم های زندگی اجتماعی امروز به سلامت به منزل مقصود و هدف آفرینش نائل گردی .

پرسش سوم شما را در دو قسمت پاسخ می دهیم :

الف ) علل گرایش نوجوانان و جوانان به انحرافات و عبور از مرز اعتدال ؛

ب ) در بیان علل گرایش به مشروبات الکلی .

الف ) علل گرایش نوجوانان و جوانان به انحرافات :

۱ بیکاری : جوان پر از انرژی و موتور محرّکه و چرخ های جامعه است . اگر این انرژی و محرک در مسیر صحیح برای اعتلای فرهنگ و تمدّن جامعه و برطرف کردن فقر و نیازهای اقتصادی و پر کردن خلاءهای گوناگون اجتماعی به کار گرفته نشود، مانند آب جاری حیات بخشی که راکد بماند، به هرز خواهد رفت و در شوره زارها و لجنزارهای شیطان

دام گستر فرو خواهد رفت و به جای زندگی ساز شدن، زندگی اجتماعی در معرض خطر قرار خواهد داد.

علی‌آفرمود: (۱)

پیامبر اکرم ۶در مذمت بیکاری و انسان بیکار فرمود:

دشمن می‌دارد؛ زیرا نتیجه بیکاری و نداشتن کار مفید، غلبه احساس بیهودگی و بی‌هدفی بر روان و اندیشه انسان است که به تدریج او را به پوچگرایی (نیهیلیسم) در مود نظام هستی سوق می‌دهد.

علی‌آفرمود: (۲) زیرا کار علاوه بر این که وسیله‌ای برای تأمین معاش

است، طریقی جهت ایجاد نشاط روحی و از میان رفتن افسردگی و رخوت و مخصوصاً زدودن احساس بیهودگی و پوچی و بروز بحران هویت است.

می‌گوید: (۳)

۲ فقر اقتصادی: تا فقر وجود دارد، فساد اخلاقی هست، تا فقر مسدود نگردد، انحطاط فکری و ضعف فرهنگی و عقیدتی و کفر و شرک ریشه کن نمی‌شود، چه این که همسایه دیوار به دیوارند.

علی‌آفرمود: (۴) و در حدیث دیگر از آن حضرت نقل شده: (۵)

۳ فقر علمی و فرهنگی: فقر فرهنگی و جهل و نادانی، انسان را به فساد اخلاقی و اجتماعی، از جمله موارد مخدر و انواع پلیدی‌های دیگر می‌کشاند. علی‌آفرمود:

جهل موجب تباهی آخرت و معاد است.

گروهی از دانشمندان علم و کلام و اخلاق معتقدند: (۶)

اگر چه این عقیده را ما به طور درست و صددرصد نمی‌پذیریم، اما شکی نیست که این اعتقاد یکی از علل عمده است.

۴ ساده‌اندیشی و سطحی‌نگری: جوانان به خاطر صافی قلبشان و عدم تجربه کافی در زندگی اجتماعی، گاهی از ترفند

و دام هایی که شیادان سودجو و منفعت طلب و یا خیانت پیشهء وابسته به استثمارگران اقتصادی و استثمارگران سیاسی در مسیر زندگی شان گسترده اند، غافلند و طعمهء دام های غیر انسانی آنان می گردند و اسیر و گرفتار می شوند.

۵ انحراف در تنوع طلبی یا بحران هویت : طبیعت نوجوان و جوان ، تنوع و تجدّد طلب و نوگرا است . این روحیه موجب رشد و تکامل اندیشه و علم و تمدّن و فرهنگ می گردد. از طرفی شخصیت طلبی و استقلال گرایی و ابراز وجود و هویت ریشه در سرشت و فطرت آنان دارد.

این دو نوع میل فطری و طبیعی بالقوهء درونی ، گاهی به علت عدم آگاهی و بصیرت و فقدان تجربهء کافی ، به جای سوق دادن فرد یا جامعه در مسیر تکامل و ترقی ، آنان را در جادهء پر پیچ و خم ، سرگردان و رها می سازد.

تداوم این تحیّر و استمرار غفلت ، گاهی چنان در تار و پود فرد یا جامعه ریشه می دواند که آنان را از هویت انسانی خویش در تمامی ابعاد تهی می سازد. بحران هویت حاصله به جای استقلال . وابستگی همه جانبه را به تدریج نصیب آنان می سازد.

رو آوردن جوانان به سیگار و مشروبات الکلی و انواع مواد مخدّر و مُد گرایی و حتی انتخاب اسم های خراجی برای اشخاص و اماکن و لباس ها و خیابان ها و جاده ها و تغییر یافتن طرز معاشرت از حالت ملّی و مذهبی ، از نمودهای بارز یا پیدایش انحراف در تنوع طلبی است .

۶ خودفریبی : همان گونه که تکوین و شکل

گیری رشد و تکامل جسمی و فکری و علمی و اجتماعی تدریجی است خروج از خط اعتدال و انسانیت نیز دفعی و یکباره نخواهد بود، بلکه از امور ساده و ابتدایی شروع می شود و قدم به قدم تا مرز یا اعتیاد کشیده می شود. جوان می پندارد با یک یا چند بار مصروف کردن، معتاد خواهد شد و قدرت اراده خویش را از دست نمی دهد.

۷ رفاقت و مصاحبت با افراد مبتلا: از جنبه علمی و عملی ثابت شده انسان از دوست و هم نشین، تحت تأثیر قرار می گیرد. آیات و روایات کثیری مؤید این سخن است. رسول اکرم ۶ فرمود: «یعنی تأثیر گذاری افکار و روحیات دوست بر ذهنیات و (۷)»

روحیات، به اندازه است که هر کس را می توان از دوستان او شناخت.

امیرالمؤمنین ۷ فرمود: (۸).

اگر چه یکی از نیازهای روحی و عاطفی انسان، داشتن دوست است، اما تنهایی بسی بهتر از دوستی با افراد فاسد و ناباب است. (۹).

۸ محیط یا اجتماع آلوده: همان گونه که محل ریختن زباله ها موجب پیدایش ویروس و عمل رشد میکرب است، محیط و اجتماع فاسد نیز موجب گسترش افکار و عقاید و عملکردهای فاسد می گردد.

محیط خانه و مدرسه و دانشگاه و حوزه علمیه و فرهنگ عمومی جامعه و اداره و بیمارستان و مجلس و یارسانه هایی که رسالت اطلاع رسانی جامعه را به عهده دارند، اعم از رادیو و تلویزیون و روزنامه ها، اگر در مسیر هجوم ویروس های اعتقادی و اخلاقی قرار گیرند و پادزهرهای مناسب در آن جامعه به موقع تولید نگردد و آفت زدایی

انجام نشود، به تدریج فساد به فضا و فرهنگ عمومی جامعه سرایت می کند و همه را مبتلامی سازد، مگر آن دسته از خواص که حامل پادزهرهای درونی قوی هستند.

عوامل دیگری از قبیل تلقین و تقلید و التقاط و تحریف و جوّ زدگی یا عوام زدگی و تحقیر شخصیت جوانان، زمینه ساز گرایش به انواع فسادهای اخلاقی و اجتماعی اند.

ب) علل گرایش به مشروبات الکلی :

برخی از عوامل که در گسترش شراب خواری به طور ویژه، تأثیر به سزایی دارد، عبارتند از:

۱ تقدیس شراب به نام عیسی ۷ پس از استیلای فاسدان و ناصالحان بر مصلحان کشورهای اروپایی و امریکایی، برای این که قبح اعمال زشت از جمله شراب خواری و مضرات آن را از انظار عمومی مخفی نگه دارند، به تعمیم تولید و مصرف شراب خواری با عنوان پرداختند و این اقدام شیطانی را به یک پیشوای مقدس ربّانی نسبت دادند. امروزه در کلیساها علناً شراب پخش می کنند و به نام حضرت عیسی ۷ بَرک می گردانند، در حالی که در آداب و اصول دین مسیحیت، چنین بدعتی زشت و مضر وجود نداشته و نامعقول است.

پرفسور پل پرن، استاد طب اجتماعی دانشکده پزشکی نانت فرانسه، در نامه ای به یکی از کشیش های مسیحی می نویسد:

(۱۰)

در اثر قرن ها تبلیغ کلیسا، نه تنها شراب مایعی مقدس جلوه داده شد. بلکه حتی انگور که ماده اولیه به شمار می رود. در نظر برخی از فرق های مسیحی مقدس گردید، تا آن جا که در کشور اسلامی ایران نیز با آداب و رسوم ظاهراً مذهبی خاص

برگزار می کنند و از جمله اعیاد رسمی و جشن های مذهبی کلیساهای آرامنه است .

۲ سود اقتصادی : امروزه حکومت ها از فروش مشروبات الکلی همانند فروش سیگار سودهای کلانی می برند. از طرفی مصالحه و سازش محرمانه بین کمپانی ها و صاحبان صنایع مشروب سازی و محافل مسئول اجتماعی در کشورهای غربی موجب شده است علی رغم گسترش فسادهای اخلاقی و بزهکاری های اجتماعی و ناهنجاری های عصبی ، از مضرات و عواقب خطرناک میگزساری ها کم تر سخن بگویند و وجود شراب را در سر سفره های خود به عنوان تلقی و تلقین نمایند.

۳ لاقیدی و بی بندوباری و دادن آزادی عمل نامحدود به نوجوانان ، قبل از رشد فکری و بلوغ عقلی کافی ، به تصور یک امتیاز و تفوق انسانی ، سفره را برای سودجویان استثمارگر جهت گسترش فرهنگ میگزساری پهن تر نمود.

۴ استعمار سیاسی ، جهت شکست حرمت و قداست قوانین اسلامی و تضعیف اعتقادات دینی و پایین آوردن میزان تقییدات مذهبی ، به توسعه شراب خواری به عنوان یک ژست روشنفکری و نشانه تمدن و پیشرفت پرداخت تا بدین وسیله جوانان کشورهای اسلامی را از تحصیلات بالا و انجام فعالیت های مفید علمی و اجتماعی ، به سمت عیاشی و خوشگذرانی سوق دهد و اندیشه و اراده سیاسی آنان برای حفظ و حراست از استقلال و ارزش های ملی و مذهبی شان را محو و نابود سازد.

جهت حُسن ختام ، کلام و مقال را با روایتی از امیرالمؤمنین ۷تزیین می کنیم :

نفس آدمی به مقتضای طبیعت سرکش خویش در صحنه های اجتماعی ، به مخالفت با فضایل اخلاقی می پردازد، اما بندهء درستکار الهی



کوشش می کند مسیر او را از آرزوهای ناروا تغییر دهد.

کسانی که افسار نفس سرکش خود را رها کنند و در ارضای تمایلات نادرست، آزادش بگذارند، به تباهی و فساد و هلاکت نفس خویش کمک کرده اند. (۱۱)

(پاورقی ۱. بینش اسلامی سال اول دبیرستان، (نظام جدید)، ص ۷۹

(پاورقی ۲. همان، ص ۷۸

(پاورقی ۳. در جستجوی خوشبختی، ص ۲۲ به نقل از هاشم رسولی محلاتی، کیفر گناه.

(پاورقی ۴. حسین نوری، اقتصاد اسلامی، ج ۲ ص ۵۸

(پاورقی ۵. همان.

(پاورقی ۶. زین العابدین قربانی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۴

(پاورقی ۷. محسن قرائتی، گناه شناسی، ص ۱۶۶

(پاورقی ۸. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲ کلمه ۱۴۷

(پاورقی ۹. غررالحکم، ص ۶۹۵

(پاورقی ۱۰. صبور اردوبادی، بررسی فرآورده های الکل، ص ۱۵۱ با تلخیص.

(پاورقی ۱۱. محمد تقی فلسفی، در مکتب اهل بیت، ص ۱۱۰

**اگر بخواهیم ریشه های فساد را در جامعه نام ببریم و به اصطلاح از لحاظ آسیب شناسی فرهنگی بخواهیم بحث کنیم، عوامل و ریشه های فساد چیست؟**

**پرسش**

اگر بخواهیم ریشه های فساد را در جامعه نام ببریم و به اصطلاح از لحاظ آسیب شناسی فرهنگی بخواهیم بحث کنیم، عوامل و ریشه های فساد چیست؟

**پاسخ**

عوامل و ریشه های فساد مختلف است . برخی ریشه فرهنگ دارد, برخی ریشه در فقر و غنا دارد و برخی ریشه سیاسی دارد  
ممکن است چند عامل موجب فساد در جامعه بشود. درباره هر کدام مقداری بحث می کنیم :

۱ فقدان بینش صحیح سیاسی اجتماعی .

بی اطلاعی از ماهیت و اهداف واقعی جریان های موجود در جامعه و اکتفا کردن به مسموعات و شایعات رایج و تحت تأثیر  
شعارهای میان تهی قرار گرفتن , یکی از عوامل فساد در جامعه است .

چه بسا جوانانی که چشم و گوش بسته تحت تأثیر جریان های خطرناک قرار می گیرند, در حالی که هیچ اطلاع صحیحی از  
واقعیت قضایا ندارند. ناآگاهی دردی است بزرگ و در شمار بزرگ ترین دردهای بشریت است که مایه تباهی همه امور,  
از جمله تباهی حیات ابدی آدمی است . بسیاری از لغزش ها, انحرافات و دشمنی ها میوه های گندیده ای هستند که از درخت  
پر آفت ناآگاهی و بی بصیرتی می رویند. چند روایت در این زمینه ذکر می شود:

(۱).

بی اطلاعی از نفوذ فرهنگ ها و مکاتب بیگانه که از کانال های مختلف علمی به نهان خانه اندیشه و اعتقاد افراد, سیلان و  
سریان می یابد, خواسته یا ناخواسته انسان تحت تأثیر آن ها قرار می گیرد. چه بسا به خاطر بی اطلاعی, انحرافات فکری  
بزرگی در عقیده و بینش اسلامی مردم پدید آید و مفسد بزرگ اجتماعی و بزه کاری های فراوانی

از بیگانگان، به جامعه و افراد آن القا کند.

بی اطلاعی و جهل باعث بازیچه شدن دست جاه طلبان فاسد و منافقان زیرک می شود.

ناآگاهی و بی اطلاعی باعث شیوع خرافات و رسومات غلط در قالب های مقدّس مآبانه می شود.

بی خبری و ناآگاهی سبب نفوذ و جاذبه یافتن شعارهای عوام فریبانه و دروغین خیانت پیشگان و سیاست بازان می گردد.

بی خبری و ناآگاهی مردم سبب می شود اندیشه ها و مکتب های بیگانه، با عظمت و پر جاذبه قلمداد شود و معارف و اندیشه های بلند دینی، کم ارج به نظر آید.

بی خبری و ناآگاهی مردم باعث می شود امام حسین (ع) کشته شود و امام علی (ع) مظلومانه تنها و بی یاور گردد و وقتی آنان از دست رفتند، مردم به هوش آیند، در حالی که کار از کار گذشته است.

شیطنت ها و مکر و نیرنگ های امثال عمرو عاص و معاویه در فروپاشی حکومت علی (ع) به واسطه ناآگاهی مردم صورت گرفت.

شخصیت های فاسد یک جامعه برای این که خوب به مطامع خود نایل گردند، دو کار می کنند: از طرفی هوس ها و غرائز نفسانی مردم را تحریک می کنند تا مردم همانند آنان شوند و همدل و همراه آنان گردند و از طرف دیگر بامشغول ساختن مردم به مسائل سطحی و کم اهمیت، در تخدیر و غفلت و بی خبری مردم می کوشند و مسیر صحیح و حقیقی را عوض می کنند. (۲)

۲ فقر و نداری :

یکی از عوامل مهم بزهکاری ها و مفساد اجتماعی، فقر مردم است. مشکلات اقتصادی علت عمده آسیب های اجتماعی است. بعضی از جامعه شناسان با

مطالعاتی که انجام داده اند، منشأ عمده انحرافات اجتماعی در سطح پایین جامعه را در عوامل اقتصادی اعلام کرده اند و در تبیین علل پیدایش بزهکاری جرم و الکلیسم و روسپیگری و امراض روانی، بیش تر به عوامل اقتصادی اشاره کرده اند. (۳)

بدیهی است که جوان و نوجوانی که در خانه ای پر از کمبود و فقر بزرگ می شود، برای فرار از آن خانه لحظه شماری می کند و خود را به آب و آتش می زند. چون موقع ازدواج اش می رسد، نه هزینه ازدواج را دارد و نه خانه و محل زندگی، که خواه ناخواه به دنبال مفاسد اجتماعی می رود یا به دزدی و چپاول مال مردم دست می زند یا به موادمخدر رو می آورد. از رسول گرامی اسلام نقل شده است: .

البته باید بگوییم فقر تنها عامل و علت انحرافات اجتماعی نیست، بلکه می تواند یکی از عوامل مؤثر باشد.

۳ غنا و ثروت اندروزی:

یکی از عوامل مهم مفاسد اجتماعی در سطح بالای جامعه، غنا و توانمندی اقتصادی است. بیش تر انحرافات جنسی و اعتیاد به الکل و مشروبات و مواد مخدر، ناشی از استغنا و ثروتمندی است، قرآن نیز این حقیقت را بیان کرده است: (۴).

(پاورقی ۱. غررالحکم .

(پاورقی ۲. غلامعلی نعیم آبادی، آسیب شناسی خواص .

(پاورقی ۳. دکتر محمد حسین فرجاد، آسیب شناسی اجتماعی .

(پاورقی ۴. علق (۹۶ آیه ۶

**اگر گدایی را ببینیم و به او کمک نکنیم، اشکال دارد؟ به بودن این افراد شک داریم و فکر می کنیم در صندوق صدقات بیندازیم بهتر است . بعضی از این افراد کمک های کم را رد می کنند.**

**پرسش**

اگر گدایی را ببینیم و به او کمک نکنیم، اشکال دارد؟ به بودن این افراد شک داریم و فکر می کنیم در صندوق صدقات بیندازیم بهتر است . بعضی از این افراد کمک های کم

را رد می کنند.

## پاسخ

یکی از مشکلات جامعه ما گدا پروری است. بعضی افراد گدایی را شغل خود قرار داده و از این راه به سرمایه های هنگفتی دست می یابند. برای این که چنین افرادی در جامعه رشد نکنند، بایستی مردم به آنها کمک نکنند و در صورتی که افرادی را در خانواده و فامیل و یا در همسایگی خود می شناسند که نیازمندند، به طور شایسته و باحفظ آبروی آنها از راه های مختلف به آنان کمک کنند. اگر کسی را نمی شناسند، همان بهتر که صدقات و کمک های خود را در صندوق های مورد اعتماد مانند کمیته امداد بریزند. از این که گدایی را ببینید و به او کمک نکنید، ترس نداشته باشید، مگر این که احساس کنید واقعاً نیازمند است. در این صورت صدقه و کمک شما قابل پذیرش است، زیرا تیت شما کمک به نیازمند بوده است. گداهایی که کمک های کم را رد می کنند، قابل ترحم نیستند و بایستی به آنها کمک کرد..

**چرا در مورد مسائل انحرافی و لغزش های اخلاقی فقط دخترها آسیب می بینند؟ (مثلاً دخترهایی که گول مردهای پست را می خورند و عفت خود را از دست می دهند و یک عمر باید با سرشکستگی و بدبختی زندگی کنند)؟**

## پرسش

چرا در مورد مسائل انحرافی و لغزش های اخلاقی فقط دخترها آسیب می بینند؟ (مثلاً دخترهایی که گول مردهای پست را می خورند و عفت خود را از دست می دهند و یک عمر باید با سرشکستگی و بدبختی زندگی کنند)؟

## پاسخ

خواننده می شود، ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گرفته و جوان را از جادهء مستقیم کمال، منحرف سازد. عشق، نوعی وجاذبه ای نیرومند است که بین انسان و یک موجود خارجی، برای رسیدن به یک هدف، ایجاد می گردد. اگر منشأ آگاهانه و مبدئی الهی داشته باشد، یکی از عالی ترین تجلیات روحی انسان و از پرشکوه ترین جلوه های آفرینش به شمار می رود. اما اگر به همین جاذبه تنها ریشه ای غریزی و شهوانی داشته باشد و منشأ شیطنانی پیدا کند، از مظاهر نفس اماره بوده و در این حالت، عقل و ایمان را در وجود آدمی تضعیف می کند، به طوری که فرد عاشق، دیوانه وار برای رسیدن به معشوق خود، به هر کار نامشروعی دست می زند تا به کام خود برسد، حتی اگر در نظر مردم هم رسوایی هایی به بار آورد. دختران جوان باید مراقب این دام های خطرناک و گوناگون باشند که با نام دروغین بر سر راه آنان قرار می گیرد. دام هایی که پس از افتادن در آن، غالباً رهایی از آن بسیار دشوار است و کفارهء لحظه ای غفلت و خوش بینی بیجا و تسلیم شدن در برابر الفاظ ریاکارانه و توخالی را گاهی در یک عمر نمی توان پرداخت. دخترانی که از نظر کمبودهایی داشته و در محرومیت به سر برده باشند،

خیلی زود تسلیم این اظهار عشق‌ها و محبت‌های ظاهری دروغین شده و به دام افراد منحرف و حرفه‌ای می‌افتند که با کمال تأسف و موجب ارتباط‌های نامشروع - به صورت نامه، تلفن و ملاقات در کوچه و خیابان - می‌شود که عشق‌های دروغین و هوس‌های زودگذری بیش نخواهد بود و نقطه پایانی آن ارضای کام‌جویی‌های گناه‌آلود و بی‌قید و شرط است و پس از آن با فرونشستن آتش هوس و شهوت از یکدیگر جدا شده و بعد از اندکی همه چیز فراموش می‌گردد و مبدل به حالت پشیمانی و غم و اندوه و بی‌آبرویی و سردرگمی، در آغاز زندگی خواهد شد و این خود اختلال‌ها و ناسازگاری‌های مراحل بعدی زندگی را به دنبال خواهد داشت. میدان ندادن به عقل و بازگذاشتن عرصه شهوت، چشم و گوش انسان را کور و کر می‌کند، به طوری که عواقب وخیم و خطرناک آن را تنها پس از ارتکاب عمل می‌فهمد؛ زیرا قبل از عمل، رسوایی کار ناپیدا و پوشیده است. به تعبیر حضرت علی: ربّ شهره ساعتورث حزناً طویلاً یعنی چه بسا یک ساعت شهوت رانی اندوهی طولانی بیار آورد. (۱) اما

علل پیدایش انحراف جنسی:

مساعده نبودن شرایط خانوادگی و محیط زندگی. رعایت نکردن حریم بین زن و مرد. عدم توجه والدین به احکام دینی زناشویی درباره یکدیگر. بی‌توجهی در مجالست‌ها و همنشینی با افراد بی‌بندوبار و لایبالی و خانواده‌های منحرف فامیل. برنامه نداشتن در اوقات فراغت و بیکار

بودن . رفت و آمد در محیطهای آلوده و چشم چرانی . گوش دادن به گفت و گوهای افراد منحرف و آلوده درباره مسائل جنسی و کسب اطلاع نادرست و نامناسب و نداشتن آگاهی صحیح به مسائل بلوغ . نارسایی های ذهنی و عدم کسب موفقیت های تحصیلی و درسی . خیال پردازی های انحراف آمیز در هنگام تنهایی و خلوت گزینی . تحریک های جنسی از طریق عکس ها و تصویرها . ضعف ایمان و نداشتن تربیت صحیح دینی همنشینی با دوست و رفیق منحرف . اگر بخواهیم همه این عوامل را در یک کلام خلاصه کنیم , باید بگوئیم که رعایت نکردن راه و روش زندگی و سنت های اسلامی در محیطخانوادگی و اجتماعی , چه در زمان کار و یا در ایام فراغت موجبات پدید آمدن این انحرافات را فراهم خواهد ساخت .

هشدار:

باید دانست که خطرناکتر از پیدایش حالت انحراف جنسی برای جوان , پس از آگاهی به پی آمدهای شوم آن , یأس و ناامیدی است که در راه مبارزه با این عادت به خود راه می دهد . پس جوان به جای هرگونه سستی و یأس واضطراب بی فایده , باید با اعتماد کامل به نصرت الهی , اقدام به ترک آن کند و بداند که اگر واقعاً قصد ترک آن را داشته باشد , قطعاً موفق خواهد شد .

بازگشت :

جوان مبتلا به انحراف جنسی با قدری همت و یاری خواستن از خدا , به زودی می تواند از این رفتار نابهنجار که ویرانگر سلامتی و سرمایه جوانی اوست دست بردارد و خود را از چنگال

این عادت شوم نجات دهد و به زندگی عادی و پاک خویش بازگردد. (۲) در خاتمه باید گفت از آن جا که دخترها از عاطفه و لطافت خاصی برخوردارند و خیلی زود تسلیم الفاظ یا کارانه و توخالی را می خورند، زودتر در دامهای بر سر راهشان می افتند و آسیب پذیرترند و این به آن معنا نیست که پسرها آسیب اخلاقی ببینند، بلکه پسرها نیز آسیب بزرگی از حیث ایمان و اخلاق و حتی در صورت آشکار شدن این مسئله از حیث اجتماع می بینند، که موجب آبروریزی و هتک شخصیت آن ها است که قطعاً در آینده هر دختر نجیبی حاضر نخواهد شد با او ازدواج نماید. در پایان توصیه های برادرانه را به شما گوشزد می نمائیم

توصیه ها و مراقبت های لازم دختران جوان :

دختر جوان باید خود را از محیطها و موقعیت های تحریک آمیز دور نگه دارد و از گوش دادن به موزیک های محرک و دیدن فیلم های فاسد اجتناب ورزد. از پوشیدن لباس های تنگ و چسبنده ، حتی در مقابل برادر و خویشان محرم خود هم خودداری می کند. خود را از محیطی که مورد نگاه نامحرم است ، دور نگاه دارد. تخیلات و تفکرات خود را کنترل کند و بداند هر چه که به ذهن و اندیشه اش می گذرد، خداوند بر آن آگاه است . بیکاری منشأ تمام انحراف ها است ، دختر جوان باید با یاد گرفتن آشپزی ، زمینه موفقیت آینده خود را فراهم سازد. در جلسه های فرهنگی و مذهبی شرکت نماید و پرسش هایی که برایش پیش می آید مطرح



کرده و پاسخ آن‌ها را بیابد توجه داشته باشد که در ایام عادت ماهانه از ورزش‌های سخت و کارهای دشوار خودداری و از آب سرد و شنا در آن پرهیزد با دوستان مؤمن و خوب رفت و آمد و مجالست داشته باشد، حتی المقدور سعی کند نمازها را در اوّل وقت به جا آورد. قبل از خواب حتماً وضو بگیرد و هنگام خواب سوره‌های (معوذتین) و آیةالکرسی را با حضور قلب بخواند. حتی المقدور هفته‌ای یکبار روزه بگیرد، این عمل در تقویت اراده اش نقش بسزایی دارد. از پرخوری و تغذیه مداوم از مواد مقوی و گرم، پرهیز، زیرا علاوه بر اختلال‌های جسمی، این نیروی اضافی محرک میل جنسی است. دختر جوان باید حریم محرم و نامحرم را حفظ نماید و از توقّف در محلّ خلوت با فرد نامحرم جداً دوری گزیند. از شوخی و خنده با نامحرمان خودداری کرده و در صحبت کردن با آنان مراعات جدی بودن کلام را بنماید و حالت و صدا را طوری نازک و ظریف نکند که موجب انحراف پسر جوان شود چنانچه قرآن مجید در آیه ۳۲ سوره احزاب به این مسأله اشاره کرده است. جوان باید تمایلات و افکار خود را از توجه به روابط نامشروع به روابط صحیح و مشروع و به سوی ازدواج و زندگی آینده معطوف سازد و بداند که دیر یا زود این ایام سپری خواهد شد و او در آینده‌ای نه چندان دور باید به انتخاب همسری پاک پردازد و در خود آمادگی‌های لازم را برای چنین

زندگی سعادت‌مندان ای که نیاز به سلامتی جسمی و روانی دارد، فراهم سازد. (۳)

(پاورقی ۱. میزان الحکمه، ج ۱ ص ۳۸۱)

(پاورقی ۲. رضا فرهادیان، آنچه یک جوان باید بداند (ویژه دختران) ص ۷۷۷۱)

(پاورقی ۳. رضا فرهادیان، آنچه یک جوان باید بداند (ویژه دختران) ص ۷ ص ۸۲)

### **چرا بعضی پسر ها و دخترها امروز عاشق کسی هستند و فردا عاشق کس دیگر؟**

#### **پرسش**

چرا بعضی پسر ها و دخترها امروز عاشق کسی هستند و فردا عاشق کس دیگر؟

#### **پاسخ**

در پاسخ سؤال اول گفتیم که یکی از خصوصیات دوره جوانی رسیدن انسان به بلوغ عشق ورزیدن، محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن است. عشق ورزیدن اولین گام در ایجاد ارتباطات اجتماعی و سپس تشکیل خانواده است. از این رو عاشقی کردن بسیاری از موانع در کنار جوانی کردن آسان است:

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد

منتها باید توجه داشت که عشق ورزیدن در کنار نیاز به محبت و نیاز به برطرف ساختن نیروی جنسی است و نباید در آن ها افراط کرد. متأسفانه بسیاری از عشق‌های امروزی از عنصر "هوس" نشأت می‌گیرند و هوس چیزی نیست جز غلبه میل به ارضای شهوات بر میل دوست داشتن و عشق.

از این رو، دختران و پسران امروز به جای توجه عمیق به مسایل مهم زندگی خویش، تنها در لایه ای سطحی از زندگی به تکاپو می‌پردازند و با مراودات و ایجاد ارتباطات متنوع، موقت و بدون ضابطه به رواج بی بند و باری دامن می‌زنند. از سویی، از آنجا که این روابط در تعالی روح و جان ایشان تأثیر به‌سزایی ندارد و حتی گاهی اوقات به تخریب روانی می‌انجامد، دائماً شاهد گسسته شدن این روابط و تشکیل یک سری روابط دیگر هستیم.

در این جا دوست داریم نظر شما را به این نکته جلب کنیم که مفهوم بی بند و باری و فساد تنها در "اعمال منافی عفت" خلاصه نمی‌شود. این را از آن جهت آوردیم که امروزه در جامعه ما

سخن از محسِنات "عشق آزاد" با عناوینی چون "عشق پاک"، "روابط خواهر برادری"، دوستی های مسالمت آمیز"، "روابط افلاطونی"، "ارتباط روحی" و ... گفته می شود و عده بسیاری این سؤال را دادند که مگر چه عیبی دارد ما این گونه با هم رابطه داشته باشیم؟ ما که گناهی نمی کنیم؟ یا مثلاً می نویسند که "دوست پسر من اهل نماز و روزه و هیئت و ... است و به خاطر همین مذهبی بودنش با او رابطه دارم!؟"، این ها تمام از جنس لباس حق بر پیکر باطل پوشاندن است. فقط الفاظ با تربیت تر و کلیدی تر شده اند و گرنه تمامی آن ها تحت عنوان "روابط بدون ضابطه" می گنجد.

البته شاید شما را این کلام ما خوش نیاید و گمان کنید که ما از سر تعصّب و تزید این کلمات را می گوئیم، ولی می توانید مطمئن باشید که چنین نیست. علت این امر را در دو مثال و با دو بیان عرض می کنیم:

۱- بیان اول سؤالی است از شما و آن این که آیا دوست داری همسر فرضی آینده شما از این نوع عشق های افلاطونی و معاشرت های مسالمت آمیز با دیگری غیر از شما داشته باشد؟

همسر فرضی شما چگونه؟ آیا او می پسندد از این عشق های پاک با دیگری داشته باشید؟

از این مثال می خواهیم این نتیجه را بگیریم که در جایی که فطرت و غیرت آدمی از کاری کراهت دارد و حاضر به تحمل آن نیست، چگونه می توان آن را در جامعه توصیه کرد و با هر عنوان زیبا یا زشتی و به هر بهانه ای

به آن اقدام کرد؟!

۲- مسئله دوم: چرا این روابط پنهان است؟ اگر احیاناً آشکار باشد، از آن به "دریدگی" و "بی آبرویی" تعبیر می شود؟ اصولاً مگر فرق میان ازدواج و این نوع روابط چیست؟

به نظر ما فرق این است که ازدواج به صورت آشکار و با ظابطه است و قانونی دارد که طبق آن مرد و زن دارای حقوقی مشخص می گردند و مسئولیت هایی نسبت به هم پیدا می کنند. در حدیثی زیبا از رسول خدا می خوانیم که "فرق میان زنا و نکاح در آشکار بودن آن است". در کدام یک از این روابط خیلی پاک، حقوق عاطفی (بگذریم از مادی) دختران و پسران جوان رعایت می شود؟ مگر عاطفه، روح، علائق و اصلاً خود انسان لباس است که پوشیم و اگر خوشمان نیامد دورش بیاندازیم و پی نفری دیگر برویم؟! در اطراف مشکلات روحی و روانی این گونه روابط سخن بسیار می توان گفت که مجال آن نیست.

متأسفانه امروزه بسیاری از جوانان گمان می کنند که دستورهای اسلام کهنه شده و عمل به آن ارتجاع، کهنه پرستی و مقدس بازی است. در حالی که اسلام در قلمرو دستورها و تعالیم خود، سلامت روانی جامعه، سلامت روانی افراد و حقوق اجتماع را در نظر گرفته و اهتمام ویژه بر عدم تضييع این هر سه دارد.

علت بسیاری از این روابط آزاد و متنوع که در جامعه می بینیم، عدم توجه افراد به پیامدها و زمینه های افزایش این گونه روابط و عدم توجه شان به تضييع حقوق متقابل است. نتیجه آن همین است که ما و شما در سطح جامعه مشاهده می کنیم.

## چرا بعضی از مردم بد کارند؟

### پرسش

چرا بعضی از مردم بد کارند؟

### پاسخ

عوامل مختلف در فساد افراد دخالت دارد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱ - محیط ناسالم خانواده:

اولین محیطی که زمینه انحراف را در فرد به وجود می آورد، خانواده است. تحقیقات و شواهد زیادی گویای این واقعیت است که بسیاری از منحرفان به خانواده هایی تعلق دارند که از نظر تربیتی ضعیف می باشند و مادر یا پدر منحرفی داشته اند. از پدر مشروبخوار و مادر بدکار فرزندان صالح کمتر بار می آید. یا در خانواده ای بوده که از محبت و تفاهم چندان خبری نبوده و یا از نعمت پدر محرم بوده است و یا مادرش طلاق گرفته و همواره شاهد درگیری و زاع های پدر و مادر بوده است.

۲ - محیط ناسالم مدرسه و محل زندگی:

دوستان و اطرفیان نقش مؤثری در شکل گیری شخصیت انسان دارند. رفاقت با افراد منحرف خواه ناخواه در گرایش آدمی به زشتی ها و پلیدی های اخلاقی و عملی مؤثر است .

امام صادق(ع) می فرماید: "آن که با دوست ناباب رفاقت داشته باشد، حتما آلوده می شود". (۱)

۳ - بیکاری:

آن چه بیش تر جوانان را به انحراف می کشاند، بیکاری است، امام علی(ع) می فرماید: "... فراغت زیاد باعث تباهی می شود". (۲)

۴ - فقر:

یکی از عوامل انحراف و بدکاری، فقر و تهیدستی است. امام علی(ع) می فرماید: "فقر باعث نقصان دین، سراسیمگی عقل و برانگیختن خشم می شود". (۳)

۵ - ضعف ایمان:

بسیاری از مفاسد اجتماعی ریشه در عدم التزام به اصول اسلامی دارد.

کسی که ایمان واقعی نداشته باشد، به راحتی دست به جنایت و ظلم و تزییع حقوق دیگران می زند.

پی نوشت ها:

۱ - بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۹۰.

۲ - ارشاد مفید، ترجمه

### علت خودکشی در جوانان چیست؟

#### پرسش

علت خودکشی در جوانان چیست؟

#### پاسخ

خودکشی امری ناپسند، مردود و زشت است.

انسان عاقل حتی در بدترین وضع، با جان خود معامله نمی کند و آن را به بازی نمی گیرد، بلکه با صبر و متانت و توکل به خدا از چنین مهلکه ای می گریزد.

نداشتن هدف، تضعیف پایه های اعتقادی ناکامی و شکست در رسیدن به بعضی از خاسته ها، از دست دادن انگیزه، افسردگی بیش از حد و مزمن، نبود امید و توقعات بیش از حد از عوامل جدی زمینه ساز برای خودکشی است.

انسان های ضعیف النفس خودکشی را راه چاره می دانند.

اینان دنیا را برای خود مکانی دائمی می پندارند و در صورت ناکامی و بروز مشکل، همه چیز را تمام شده پنداشته و برای فرار از آن به خودکشی روی می آورند و از این نکته غافلند که بعد از خودکشی در پیشگاه خدا با گناهی بزرگ و غیر قابل بخشش حاضر و به عذاب بزرگ دچار می شوند و راه هر گونه بازگشت و جبران را به روی خود بسته می بینند. تقویت ایمان و باورهای دینی و مطالعه در مورد قیامت و معاد می تواند در جلوگیری از پوچ گرایی و تصمیم های غلط، مؤثر باشد.

محققان معتقدند که ۸۳ درصد از جوانانی که فکر خودکشی دارند، دچار افسردگی هستند. با این حال اکثر جوانان افسرده اقدام به خودکشی نمی کنند. آشکارترین دلایل خودکشی نوجوانان، احساسات منفی و ناامیدی و از دست دادن کنترل خود است. احساس گناه شدید، احساس تنهایی و بی کسی و بی پناهی، فقدان حمایت، ضعف روانی برای تأثیر کام روایی، ناتوانی در کنترل فشارهای وارده،

ناتوانی در کنترل احساسات و رشد نیافتگی و عدم آمادگی برای مقابله با مشکلاتی که پیش روی نوجوان قرار می گیرد، مهم ترین دلایلی است که ممکن است او را به فکر یا عمل خودکشی وادار کند. ناامیدی و بی پناهی نوجوان ممکن است ناشی از وضع خانواده، مدرسه، همسالان و حتی شکست در عشق باشد. [۴]

[۴] روزنامه انتخاب، شماره ۹۶۳، تاریخ ۵/۶/۸۱.

**با توجه به این که چپاول گران و سودجویان در شهرها قیمت زمین ها و مصالح ساختمانی را بالا می برند و جوانان نمی توانند برای خود سرپناهی داشته باشد، حال چه باید کرد؟ چرا علمای حوزه در این مورد کاری نکرده و نمی کنند؟**

### پرسش

با توجه به این که چپاول گران و سودجویان در شهرها قیمت زمین ها و مصالح ساختمانی را بالا می برند و جوانان نمی توانند برای خود سرپناهی داشته باشد، حال چه باید کرد؟ چرا علمای حوزه در این مورد کاری نکرده و نمی کنند؟

### پاسخ

در خصوص جلوگیری از فعالیت های سودجویان اقتصادی، زمینه ها و راه کارهایی متعددی وجود دارد که باید همه آنها مد نظر قرار گیرد.

#### ۱ - نظارت عالمان دینی

یکی از راهکارهای مهم، تذکر و هشدارهای عالمان دینی است که هم باید به سودجویان اقتصادی صورت گیرد و هم به مسئولان نظام. به نظر می رسد حوزه علمیه و عالمان دینی در انجام وظایف خود مبنی بر هدایت و اندرز سودجویان تا اندازه ای موفق بوده اند، زیرا بارها حوزه های علمیه و مراجع تقلید، مسئولان نظام را به رفع مشکلات اقتصادی و اتخاذ سیاست های راهبردی در خصوص جلوگیری از فعالیت برخی از سودجویان فراخوانده اند، به برخی از سودجویان اقتصادی نیز با بیان احکام الهی و صدور فتاواها، هشدار داده اند.

همچنین عالمان دینی به مسئولان نظام در خصوص گران شدن زمین و اشتغال جوانان تذکر داده اند و برخی از موارد، راهکارها را نیز ارائه نموده اند.

#### ۲ - سیاست های درست اقتصادی

جلوگیری از گران شدن زمین و مصالح ساختمانی نیاز به سیاست های اقتصادی مفید و تصمیم گیری کلان دارد و تنها با تذکر عالمان دینی این مشکل حل نمی شود.



باید مسئولان نظام سعی کنند با بهره‌گیری از هدایت و مبانی عالمان دینی و سازکارهای مفید و کارآمد، جلو افزایش قیمت زمین و مصالح ساختمانی و تورم را بگیرند، البته دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در خصوص رفع مشکلات اقتصادی و جلوگیری از

فعالیت سودجویان، از برخی اهرم ها و استراتژی ها بهره گرفته اند، ولی امید است هم عالمان دینی و هم دولتمردان نظام در خصوص مشکل مردم - بویژه جوانان فعالیت های بیشتری انجام دهند.

**چرا برخی از افراد با وجود داشتن زن و فرزند به دنبال ناموس مردم می روند، درحالی که پیامبر فرمود: ازدواج کنید تا به فساد کشیده نشوید؟**

**پرسش**

چرا برخی از افراد با وجود داشتن زن و فرزند به دنبال ناموس مردم می روند، درحالی که پیامبر فرمود: ازدواج کنید تا به فساد کشیده نشوید؟

**پاسخ**

ازدواج سهم بزرگی در کنترل غریزه جنسی و پیشگیری از فساد در جامعه دارد. رسول اکرم(ص) حفظ نیمی از دین را در گرو ازدواج دانسته اند،(۱) ولی این سخن به معنای آن نیست که با ازدواج، فساد از جامعه رخت بر می بندد، زیرا فساد و بی بند و باری و گناه، معلول عوامل مختلفی است.

ازدواج زمینه عفت عمومی و پاکدامنی را فراهم می کند، ولی علت تمام و کافی برای آن نیست.

اگر کسی با وجود داشتن همسر و فرزند باز به فکر شهوت رانی است و به دنبال ناموس مردم است، علت آن را باید در شخصیت فرد و طرز تربیت خانوادگی و محیط اجتماعی و دوستان نا اهل وی جستجو کرد. چه بسا افرادی به عادت ناپسند چشم چرانی خو گرفته و آن گناه به صورت ملکه (عادت) درآمده است و خواه ناخواه به ناموس دیگران نگاه می کنند، با آن که غریزه جنسی شان ارضا شده است، یا افرادی اراده ضعیفی دارند و نمی توانند نگاه خود را کنترل نمایند، یا این که زیاده خواهی و هوای نفس و شهوت در او قوی بوده و نتوانسته آن را کنترل نماید و یا خانواده و دوستان او را به این سمت و سو کشانده اند.

در بعضی موارد مرد از نظر جنسی تأمین نشده و به خواسته های خود نرسیده و با نگاه به نامحرم خود را ارضا می کند.

پی نوشت ها:

۱ - سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۵۱.

**راه مبارزه با علل انحراف چیست ؟**

**پرسش**

## پاسخ

با توجه به تنوع و گونه گونی علل و عوامل انحراف ، روشن می شود که مبارزه و برخورد با هر یک از آنها شیوه خاص و محل و شرایط ویژه ای می طلبد مثلا علل روانی و اخلاقی را باید بوسیله تربیت صحیح و توجه به ضررهای مترتب بر آنها ، و برای جلوگیری از تاثیر سوء عوامل اجتماعی علاوه بر جلوگیری عملی از بروز چنین عواملی ، می بایست فرق بین نادرستی دین با نادرستی رفتار دینداران را روشن ساخت و نیز برای جلوگیری از تاثیرات سوء عوامل فکری باید شیوه های متناسبی را اتخاذ کرد از جمله اینکه عقاید انحرافی را از عقاید صحیح تفکیک کرد و از بکار گرفتن استدلالات ضعیف و غیر منطقی برای اثبات عقاید دینی اجتناب ورزید و نیز باید روشن کرد که ضعف دلیل نشانه نادرستی مدعی نیست .

## چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد، افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟

### پرسش

چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد، افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟

### پاسخ

مشکل اعتیاد بلای خانمان سوزی است که ناشی از فقر فرهنگی و بیکاری است . ما و شما باید تلاش کنیم که با آگاه کردن جوانان و خانواده های آنها پوچی و بی هدفی و لاابالی گری را از جوانان دور کنیم و آنها را با وظایفشان آشنا سازیم . شمامی توانید با فراهم کردن ارتباط و دوستی مناسب و صحیح با آنها و راه اندازی مکان های فرهنگی - تفریحی و مذهبی خوب و جذاب و برگزار نمودن مجالس مذهبی و دعوت اهالی ، جوانان را جذب کرده و خلاهای فکری و فرهنگی آنها را پر نموده آنها را به فکر اشتغال مناسب و مفید و فعال بودن در جامعه بیاندازیم و از بیکاری و بیهودگی و هدر رفتن وقت آنها جلوگیری کنیم و از طرف دیگر با شناسایی افراد فاسد و سودجو و جنایتکار که جوانان را منحرف می کنند و معرفی آنها به نیروهای انتظامی و مراکز قضایی و ضابطین آنها جلوی گسترش فساد را بگیریم و زمینه را برای پاک بودن جوانان فراهم سازیم . به هر حال ؛ ارایه الگوهای صحیح، گسترش فرهنگ دینی ، هدفمند کردن جوانان در زندگی ، فراهم کردن اشتغال مناسب ، ایجاد ارتباط و دوستی صمیمانه و صحیح، فراهم کردن امکان مطالعه و پیشرفت و تفریحات سالم ، سوق دادن افراد به سمت مراکز دینی مثل مساجد و مراکز فرهنگی اسلامی می تواند جوانان ما را از افسردگی و اعتیاد نجات بخشد . شما باید خود در حد توان و امکاناتی که در اختیار دارید بابت کارگیری راه های فوق الذکر به

این هدف ایده آل دست یابید و بدانید که این کار فعالیتی بس مشکل و در عین حال سرشار از ثواب و پاداش است و دنیا و آخرت شما و دیگران را آباد می سازد. لازم است با ذوق و سلیقه و پشتکار و به تناسب افراد و موقعیت ها از راه های ارابه شده استفاده کنید و هرگز احساس خستگی و ناتوانی نکنید. به هر قیمتی شده با جوانان دوست شوید و آنها را جذب کنید تا جذب مراکز فساد نشوند. لذا ایثار و از خود گذشتگی تنها سرمایه این کار است که می تواند شما را به هدف برساند. در پایان از دلسوزی عاقلانه و دوراندیشی مدبرانه شما عزیز دانشجو تقدیر و تشکر می کنیم و امیدواریم به دعای خیر حضرت صاحب الزمان (عج) در این کار خطیر موفق باشید.

### **چه راه هایی برای جلوگیری از منکرات اخلاقی و اجتماعی یک فرد پیشنهاد می کنید؟**

#### **پرسش**

چه راه هایی برای جلوگیری از منکرات اخلاقی و اجتماعی یک فرد پیشنهاد می کنید؟

#### **پاسخ**

مساله ای را که مطرح فرمودید بسیار تاثیر برانگیز و موجب تاسف فراوان است. از اینکه احساس مسیولیت نموده و به فکر راه حل مناسبی برای آن هستید خوشحالیم. انشا الله خداوند شما و همه کسانی که قصد خدمت به دین و نهادهای مقدس دینی و انقلابی را دارند موید فرماید. در امور پنهانی و مخفی اولین قدم آن است که باید علم و یقین به مساله پیدا کنید و به صرف احتمال و سوظن اکتفا کنید (اگر چه اینگونه مسایل در ارتباط با بسیج و مسجد که مکانهای مقدسی هستند از چنان حساسیتی برخوردار است که حتی با احتمال در معرض اتهام بودن فرد نیز باید از آن جلوگیری کرد و مانع حضور چنین افرادی گردید لیکن نه با آبروریزی و اتهام بلکه با روشی مناسب و محترمانه) بلکه باید شواهد قطعی و یقینی برای آن داشته باشید. چنانچه در این حد نمی توانید شواهد قطعی ارابه کنید لازم است بامسولین بالاتر بسیج که احتمال همدستی با ایشان را ندارند مساله را ابتدابه صورت غیر حضوری یعنی به صورت نامه یا تلفن مطرح کنید و کار تحقیق در این زمینه را با خود آنها واگذار نمایید تا خودشان اقدام کنند. اگر دیدید نتیجه نداد و ایشان به فسق خویش ادامه می دهند باید با تدارک اسناد قطعی و شواهد یقینی و جمع آوری شاهدان عینی به مراجع ذی صلاح از ایشان شکایت کرده و به هر نحو ممکن جلوی این منکر و فساد را بگیرید و نوجوانان

بی پناه را از افتادن در این دام نجات دهید. باز هم تذکر می‌دهم چنانکه بر اساس حرف دیگران و بدون شواهد عینی به این نتیجه رسیده‌اید لازم است ابتدا درباره قضیه خوب تحقیق کنید. چه بسا ممکن است این مسایل شایعاتی باشد که افراد مغرض برای بد نام کردن بسیج به آن دامن می‌زنند. اما اگر خود عیناً شاهد قضیه بوده‌اید و یا شواهد و قراین کافی برای آن دارید وظیفه شرعی شما آن است که از طریق صحیح و کم‌مفسده تر جلوی این منکر زشت و ناپسند را بگیرید و راه آن هم جمع آوری اسناد گویامانند شهادت افرادی که به وقوع دقیق جرم شهادت می‌دهند (ضبط آنها) تهیه عکس و یا فیلم - اقرار افرادی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند (ضبط حرفهای آنها بصورت مفصل و تشریح شده)، در مرحله بعد گزارش ابتدایی بصورت تلفنی، نامه به مسوولین رده بالاتر و در صورت ترتیب اثر ندادن ارسال نامه به رده بالا و بالاتر و ارسال عکس و یا فیلم به مسوولین). در عین حال در صورتی که نسبت به مساله یقین دارید و می‌توانید نام و آدرس پایگاه را همراه با نام و مشخصات دقیق مسوول یاد شده به این واحد ارسال کنید، تا به طور محرمانه مساله پیگیری شد. در پایان مجدداً توفیقات روزافزون شما را از درگاه حضرت حق خواستار و به دقت نظر و خیرخواهی شما آفرین می‌گوییم امید داریم که حساسیت دینی شما با دقت و تدبیر عقلایی؟؟؟؟ همراه باشد.

**علت گرایش شدید به فساد و بی بندوباری در کشورهای صنعتی و پیشرفته چیست؟**

**پرسش**

علت گرایش شدید

به فساد و بی بندوباری در کشورهای صنعتی و پیشرفته چیست؟

## پاسخ

فروید در کتابی گفته بود سرنوشت آدمی تابع تشریح اوست. این کلام فروید در عین خوبی یک اشکال اساسی داشت. او باید می گفت سرنوشت آدمی تابع تشریح صحیح اوست. آنها انسان را ناقص و محدود تشریح کردند. همین فروید نابهنجاریهای رفتاری را در انسان فقط معلول سرکوبی میل جنسی دانست و به همین دلیل آزادی آن را توصیه کرد. همانطور که افراط در محرومیت در تاریخ اخلاقی غرب محکوم بود. این توصیه بیمارگونه نیز باعث از هم گسیختگی روابط اخلاقی و عفت عمومی شد. چنانکه یکی از جامعه شناسان غربی گفته است. برای تثبیت عقیده فروید بیست سال کوشش شد. اما برای جمع آوری آثار مخرب آن دویست سال کار لازم است. انسان ابعاد وسیع و ناشناخته ای دارد که تنها تأمین کننده جامع آن دین و آموزش های انبیاست. و تحلیل صحیح نیز از خالق و آفریننده او صادر می شود.

۲. آن بینش غلط، جهت گیری اجتماعی و سیاسی غلط دیگری را شکل داد که نظامهای حاکم اخلاق در سیاست را کنار نهادند و در نتیجه در برنامه ریزی آنان مبانی اخلاقی ضعیف شمرده شد.

۳. نقش فرقه صهیونیست که عقاید ویژه آنان سیاست ناپاکی را نتیجه می دهد قابل تأمل و مطالعه است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

**اگر کسی باعث انحراف دیگری شد، راه جبران آن چیست؟**

## پرسش

اگر کسی باعث انحراف دیگری شد، راه جبران آن چیست؟

## پاسخ

شخصی که باعث انحراف شخص دیگری شده، ابتدا باید توبه کند که دیگر مرتکب آن انحراف نشود. سپس بر او لازم است که شخص منحرف شده را چنانچه زنده است و دسترسی به او دارد، باید به او آگاهی دهد و او را از آن انحراف باز دارد.

پس از آنکه آن شخص آگاهی به انحراف پیدا کرد و فهمید که ارتکاب آن گناه است، وظیفه انسان انجام شده است. این آیه قرآنی بر این وظیفه دلالت دارد که: «الا-الذین تابوا و اصلحو» (۱) کسانی که توبه کرده و کاستیهای گذشته و خطاها را

اصلاح کنند، توبه شان مورد قبول واقع می شود».

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره بقره، آیه ۱۶۰.

۴

### چرا در جامعه ما بی حجابی گسترش یافته است ؟

#### پرسش

چرا در جامعه ما بی حجابی گسترش یافته است ؟

#### پاسخ

در خصوص سؤال شما دوست عزیز باید عرض کنیم آنچه بیشتر جامعه ما مبتلا به آن است بد حجابی است نه بی حجابی با این تصحیح کوچک در سؤال شما ، باید گفت که مسأله بد حجابی از معضلات کنونی جامعه است. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته ها و ریشه های تاریخی مسأله که بگذریم ، متأسفانه خود باختگی در برابر غرب ، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را در جامعه دیده اید . البته با وجود آنچه نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات، نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد :

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد . ب ) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی .

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات بسیاری از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است ، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب ، آثار

آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد.

نکته دیگر این که متأسفانه شهرهای مرزی (مانند اهواز) بیش از نقاط مرکزی کشور در زیر فشارهای تبلیغاتی دشمنان قرار دارند و لغزیدن به سمت شهوت و بی بند و باری نیز کار آسانی است؛ چرا که حرکت در سراسیبه سقوط است، ولی بالا رفتن از قله و کمال یابی، کاری دشوار است. از سوی دیگر در حال حاضر بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دهند و این نیز خود مزید بر علت شده است. این نکته را هم فراموش نکنیم که بدحجابی از میوه های شجره خبیثه فساد و بی بند و باری است، اگر مسئولین امور نیز مدتی به صورت قهری و جبری با این مقوله برخورد کنند گرچه برای دوره ای کوتاه افراد شئون اسلامی و اجتماعی را رعایت می کنند اما این حالت پایداری نیست و بعد از مدتی دوباره این گونه هنجارهای رفتاری به شکل دیگری در جامعه ظهور و بروز می کند. مانند بیماری که برای معالجه غده سرطانی خود نیاز به اطاق عمل و جراحی داشته باشد، اما پزشک او مرتب به جای برداشتن غده و علت دردش برایش مسکن تجویز کند. بهترین درمان برای معالجه مرض بدحجابی در جامعه مبارزه با عوامل و ریشه های این جریان است که آن تهاجم فرهنگی غرب به سرکردگی آمریکا \_ سنبل و نماد استکبار جهانی \_ است. امید است غیرت و



حمیت اسلامی ، در افراد متدین فراموش نشود و آنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند و قانون نیز با راهکاری مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند و باری بردارد و همگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم. برادر عزیز! زندگی در جامعه سالم و مدینه ای فاضله آرزو و آرمان همه بندگان خداست ؛ ولی می دانیم که پاکان و تقوا پیشگان همواره در چه شرایطی سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه بر نداشته و حتی جان خود را در این راه داده اند. پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار و معنادار ، یعنی مبارزه با فساد و تباهی و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابر این به جای یأس و نومیدی و گوشه گیری از فعالیتهای جمعی در مساجد ، از خون شهیدان پیام بگیریم و با تشکیل هسته های فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه به روشنگری پردازیم .

و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشیم. در این صورت خداوند نیز ما را یاری خواهد کرد و به اهداف خود نایل خواهیم شد. ( ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم ).

علاوه بر موارد و عوامل فوق ، بی توجهی نسبت به مفسد اجتماعی ، دلایل مختلفی می تواند داشته باشد . از جمله طبیعی شدن موضوع به خاطر کثرت آن مانند همین پدیده بد حجابی نسبت به اول انقلاب و یا بی توجهی و عدم برخورد قاطع ارگانهای مسؤول با موضوع که دیگران را در برخورد با مفسد بی انگیزه کرده است و یا آلوده شدن خود افراد و ضعف

ایمان، در هر حال برای مؤمنین در هر شرایطی امر به معروف و نهی از منکر جزء وظایف دینی است که در این راستا باید از اطلاعات کافی در شناخت معروف و منکر و نحوه انجام آن برخوردار باشد. به فرمایش شهید مطهری (ره) امر به معروف و نهی از منکر از بند شروع می شود و به بند ختم می شود ولی فاصله بند و بند راههای زیادی است که اگر در نهایت آنها مؤثر واقع نشد باید از بند استفاده کرد اما متأسفانه عده ای فکر می کنند اولین وسیله برای برخورد و امر به معروف و نهی از منکر توسل و استفاده از بند است.

۱ \* برگرفته از سایت پرسش و پاسخ نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها [www.nahad.net](http://www.nahad.net)

### چرا اینقدر آمار معتادین بالا رفته است؟

#### پرسش

چرا اینقدر آمار معتادین بالا رفته است؟

#### پاسخ

سوز و گداز و دلسوزی شما نسبت به آینده جامعه و نسل جوان و آینده ساز کشور قابل تحسین و تقدیر است. تشخیص شما نیز در خصوص معضل بزرگ اعتیاد و خطرات ناشی از آن نیز بسیار قابل توجه و ارزشمند است. خوشحالیم که افرادی متعهد، مسئول و دلسوز در جامعه وجود دارند و مشکلات را به خوبی درک می کنند و آنرا یادآوری می شوند.

بحث مواد مخدر و علل و عوامل گسترش آن بسیار پیچیده و گسترده است. متأسفانه کشور ما در مسیر ترانزیت مواد مخدر و در همسایگی افغانستان قرار گرفته که بیش از ۹۰ درصد مواد مصرف شده کل دنیا را تولید می کند.

مسئولان کشور در مراحل و تقاطع گوناگون با این پدیده شوم همیشه مبارزه کرده اند و تاکنون سرمایه های زیاد انسانی و غیر انسانی، در راه مقابله و مبارزه با پدیده زشت مواد مخدر از بین رفته است. چه بسیار انسانهای خدومی که در مقابله با اشرار مسلح و قاچاقچیان حرفه ای بین المللی به شهادت رسیده اند، چه امکانات فراوان و زیادی که در راه مقابله با آن بکار گرفته شده ولی تولید و انتقال مواد و پیچیدگی موضوع و ابعاد بین المللی آن آنقدر زیاد و گسترده و حجیم بوده است که این تلاشها و زحمات و خدمات نمود و بروز جدی و چندانی نداشته است ولی تصور کنید اگر این اقدام ها صورت نمی گرفت آیا حالا می توانستیم حتی با ذره بین هم افراد غیر معتادی پیدا کنیم، بعید بود! مواد مخدر تأمین کننده دنیای بسیاری از افراد دوست با درآمد کلان آن کشور افغانستان اداره شود. این

مواد خانمانسوز یکی از ابزار مهم و عمده استعمار و استکبار برای مقابله نسل جوان مسلمان و ایرانی است. دشمنان با استفاده از آلوده کردن جوانان و مردم کشور ما می خواهند جامعه ما را به تباهی و نابودی بکشانند ولی با همه هجوم گسترده و بین المللی بسیار پیچیده و خطرناکی که تا بحال داشته اند خوشبختانه نتوانسته اند به اهداف پلید خودشان نایل آیند.

با تدابیر جدید عوامل انتظامی و برنامه ریزان اجتماعی خوشبختانه ترک اعتیاد در کشور رو به افزایش است و امیدواریم بتوانیم این معضل خانمان برانداز را کاهش بدهیم. البته مقابله با اعتیاد و مواد مخدر تنها با یک فتوا و فرمان قابل اجرا نیست.

حل مشکل اعتیاد نیازمند بسیج همگانی و عزمی ملی است. باید به گونه ای افراد دلسوز و نسل جوان و فهیم و ... به مقابله با این پدیده شوم بروند و آن چنان قبح و زشتی برای آن در فرهنگ عمومی مطرح شود که افراد از مصرف آن احساس قباح و زشتی بکنند. قبیح بودن مصرف مواد باید فرهنگ عمومی بشود. اگر چنین شد موفقیت حاصل می شود و گرنه از عهده یک یا چند دستگاه ساخته نیست.

### **دلیل ابتلای جوانان به اعتیاد چیست ؟**

#### **پرسش**

دلیل ابتلای جوانان به اعتیاد چیست ؟

#### **پاسخ**

اعتیاد دارای زمینه های مختلف فردی و اجتماعی است؛ از جمله:

۱ تقلید کورکورانه از افراد معتاد؛

۲ تخیل بزرگی و رشد؛

۳ رفت و آمد با افراد ناباب و معتاد؛

۴ سرخوردگی ها و مشکلات روحی.}}

### **چرا ما مردم مسلمان دروغگو و حيله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟**

#### **پرسش**

چرا ما مردم مسلمان دروغگو و حيله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟

در این پرسش چند موضوع دقیق نهفته است

۱. یکی از علت‌های ایجاد این پرسش، تصور ناصحیحی است که از اخلاق غریبان داده شده دروغ نمی‌گویند و... در حالی که حقیقت این نیست. نظام حاکم بر آن جامعه و نظارت‌های الکترونیکی در خیابانها، فروشگاهها و محل کار، اخلاق امانت‌دارانه را تحمیل می‌کند و هیچکس نمی‌تواند به راحتی خطا کند چنانکه اگر کسی در خیابانها از چراغ قرمز رد شده و یا تخلفی دیگر انجام شود به چشم‌های الکترونیکی کنترل و ضبط شده و خلافکار تنبیه می‌شود.

پس این اخلاق زیربنای صحیحی ندارد و از ارزش اخلاقی که با اراده. تصمیم و انتخاب شخص مشخص می‌شود، برخوردار نیست. دلیل روشن آن در یکی دو دهه گذشته دو ساعت برق در نیویورک می‌رود و بدترین دزدیها و تجاوزها انجام می‌شود که جریان مستند است. البته هیچگاه رفتارهای خوبی را که آنان دارند منکر نیستیم

۲. در ضمن آنکه به بدی بسیاری رفتارهای؟؟؟ اعتراف داریم اما باید توجه کنیم فرهنگ اسلامی عقاید زیربنای متین و محکمی را به مسلمان ارائه می‌دهد که بر اساس آن زیباترین جلوه‌های راستی و صداقت شکل می‌گیرد. اما شیطان که دشمنی قسم خورده انسان مؤمن است برای تخریب عقیده‌ها اقدام می‌کند وقتی نتوانست ریشه را بزند سراغ اعمال می‌رود سراغ میوه‌ها می‌رود و؟؟؟ را فاسد می‌کند. در حالی که آن فرد بی‌اعتقاد و

با فساد عقیده در؟؟؟ خود شیطان است. دلیلی برای وسوسه او نیست.؟؟؟ این مسئله را زمانی شاهد می شویم که تصمیم بر اصلاح خویش می گیریم. در آن زمان

۳۸

هجوم شیطان و وسوسه ها گسترده تر می گردند.

۳. اگر برای اصلاح رفتار انسان از مکانیزم مکتبی کمک نگیریم و کنترل و نظارتها مثل امر به معروف و نهی از منکر ترک بشود، چنین فجایع اخلاقی گسترده تر می شود. در حالی که اگر غربی این ساختار دفاعی را ندارد، کنترل و نظارت الکترونیکی و قانونی را اعمال می کند.

۴. فراموش نکنیم در همین جامعه ای که ما از آن شاکی هستیم بسیاری مشکلات اخلاقی هست که باید دقت کرد و دید. و از فسادهای گسترده پنهان و پیدای غرب نیز نباید غافل شد. گزارش های خارجی چیزهای دیگری می گویند.

۵. راه نجات همانا گسترش و تقویت ایمان و اعتقاد و نظارت های مکتبی و قانونی می باشد که به قاطعیت محتاج است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳۹

**برای چه اینقدر جامعه خراب است؟ به خاطر این پسرهای ابله نمی توان به تنهایی جایی رفت؟**

**پرسش**

برای چه اینقدر جامعه خراب است؟ به خاطر این پسرهای ابله نمی توان به تنهایی جایی رفت؟

**پاسخ**

از نوع سؤالی که مطرح کرده ای، معلوم می شود که اگر چه جوان هستی، ولی همانند برخی از دختران، تمایلات جوانی و حیوانی برای تو اصل قرار ندارد، بلکه به معنویت و عفت و پاکی و کرامت زن می اندیشی. درود بر تو دختر عزیز و آزاده و پاک و عفیف.

دختر نازنینم، آزاده خانم، توصیه می کنم با مطالعه برخی کتابها، سطح آگاهی و دانش خودت را افزایش بده، تا نسبت به این مباحث و علل و عوامل پیدایش آن آگاهی پیدا کنی، در پایان پاسخ، چند نمونه کتاب برایت معرفی شده است.

تغییر جوامع از سنتی به مدرنیته، تغییرات اجتماعی و رفتاری خاصی را به دنبال آورده است. در جوامع سنتی روابط خانواده ها

و افراد، نوع معاشرتها، نوع زندگیها، خورد و خوراک، مسکن و پوشاک، بکلی با جامعه مدرن متفاوت بود. منازل به شکل خاصی ساخته می شد، که حتی اگر درب منزل هم باز بود، و اعضای خانه بدون پوشش مناسب بودند، هیچ کس نمی توانست آنها را ببیند. ولی مسکنهای امروز به نحوی است که اگر پرده جلو درب منزل یا پنجره ها کنار برود، از خیابان و کوچه هر آنچه درون خانه است، مشاهده می شود. به تعبیر فیلسوف شهیر فرانسوی، ویل دورانت، خانه ها تبدیل به زندان (آپارتمان) شده است. اعضای خانواده که همگی به نحوی مشغول کار و تلاش بودند، از دایره فعالیت و کار کنار ماندند، و پدر به تنهایی مشغول به کار شد، و بقیه مصرف کردند. مادران که اوقاتشان بیشتر صرف رسیدگی به

فرزندان و خانه می شد، به کارخانه و اداره رفتند، و بچه ها به کودکانستان، و ... و در نهایت شرایط سیاسی، اجتماعی، معاشرتها، آداب و رسوم و ... ، با تشکیل شهرها و ایجاد شغل های جدید تغییر کرد، و متناسب با تغییرات و تحولات جدید، ساز و کارهای متناسب معنوی در جوامع ایجاد نشد، و از سوی دیگر، کشورهای غربی با راه اندازی رنسانس انقلاب علمی و صنعتی، تلاش کردند برخی مفاهیم را در جامعه پیاده کنند، و پایه های اخلاق، انسانیت، معنویت و تمایلات فطری و ... را متزلزل سازند. تا جامعه ای سکولار و مبتنی بر اخلاق سودانگاران بسازند.

بنابراین بخشی از مشکلاتی که امروزه گریبانگیر آن هستیم، محصول تمدن جدید و زندگی مدرن غربی است، که با جامعه مذهبی ما ناسازگار است. بسیاری از اموری که از دیدگاه ما قبیح و زشت است، در جوامع غربی هیچ قباحت و زشتی ندارد. اگر جوامع شرقی و اسلامی و حکومتهايش می توانستند تمدن جدید غربی را متناسب با شرایط مذهبی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

جامعه خودشان بازسازی کنند، امروزه کمتر دچار معضلاتی بودیم که امثال شما دختران جوان و خوب و نیک سیرت جامعه از

وجود آن رنج می برید.

نکته دیگر این است که نزاع بین حق و باطل، پاکی و آلودگی و نور و ظلمت در همه دوره های تاریخ وجود داشته و خواهد داشت. حتی در عصر رسول اکرم (نیز وجود داشته، و در عصر امام زمان (نیز وجود خواهد داشت. آنچه ممکن است تفاوت داشته باشد، میزان و مقدار آن است. در برخی دوره ها ممکن است حتی غلبه و جلوه بیشتری داشته

باشد، و در برخی دوره ها و زمانها جلوه اش کمتر باشد.

دختر خوبم، نگرانی شما بجا و حق است، ولی حتماً به این نکته نیز توجه داری که افراد مبتذل و پست فطرت، همیشه در جوامع وجود داشته و خواهند داشت. وحتى کسانی که افراد خوبی هستند، ممکن است فریب شیطان را بخورند. در عصر پیامبر (، آن حضرت فردی را برای مراقبت از ناموس مجاهدان، در مدینه گمارد. آن فرد شبانگاه تصمیم گرفت از بام منزل یکی از صحابه، به منزل او برود. و سوسه شیطان نزدیک بود او را به بزرگترین گناه آلوده کند (خیانت به برادر دینی خودش، و بی عفتی و بی حرمتی به ناموس برادر مؤمن خودش، که او را امین می دانست). در عصر ما هم افراد رذل و پست هستند. آنچه ضرورت دارد این است که همه مسؤولان و متولیان امر تأمین امنیت، و همه صاحبان قلم و اندیشه و تریبون و رسانه ها، موظفند برای افزایش ضریب امنیتی شهروندان، تلاش و مجاهدت نمایند.

عامل دیگر ابله شدن پسران نیز متأسفانه بی عفتی برخی از دختران نوجوان است، که از مسیر پاکی و صداقت و طهارت نفس خارج شده، زمینه تعرض پسران بدکاره را به دختران (اعم از خوب و بد) فراهم می سازند. دختران خوب و نیک همانند شما باید با هموعان خودتان، با روشهای درست و صحیح و با ترویج ارزشهای والا، این عروسکها را به مسیر صحیح و درست راهنمایی کنند.

یادآوری این نکته نیز ضرورت دارد که تنها با برخورد فیزیکی و استفاده از اهرم زور و قدرت، نمی توان معضلات فرهنگی و اجتماعی را از میان برد، و یا میزان



آن را کاهش داد، بلکه تلطیف فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه، فقط و فقط با شیوه‌ها و ابزارهای درست فرهنگی و اجتماعی، و با استفاده از تکنیکها و یافته‌های علمی میسر است.

امیدواریم شما عزیز گرانقدر، در ایفای نقش و رسالت فرهنگی و اجتماعی خویش، بیش از پیش موفق باشی. و سایر دوستان را نیز به این مسیر بکشانی. البته گام زدن در این مسیر، نیازمند همت و تلاش مجدانه و فراگیر، روش‌ها و آگاهیهای متنوع در شناخت انسان و ویژگیهای او، و نیز روشهای تربیت و تأثیرگذاری است.

به عنوان نمونه چند کتاب زیر را جهت مطالعه شما دختر خوبم معرفی می‌کنم:

۱. تعلیم و تربیت اسلامی، شهید مطهری

۲. لذات فلسفه، ویل دورانت

۳. گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات

۴. اخلاق جنسی، شهید مطهری

۵. نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری

۶. آیین بهزیستی اسلام (جلد ۴)، دکتر صبور اردوباری

فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، حدّاد عادل

**چند وقتی است نسبت به اعتقادات و اصول دچار شک و تردید شده‌ام مانند اینکه چرا خدا رامی پرستیم و نماز می‌خوانیم و بسیاری مسائل دیگر دلیل این شک و تردیدها چیست. و راه حل آن کدام است.**

**پرسش**

چند وقتی است نسبت به اعتقادات و اصول دچار شک و تردید شده‌ام مانند اینکه چرا خدا رامی پرستیم و نماز می‌خوانیم و بسیاری مسائل دیگر دلیل این شک و تردیدها چیست. و راه حل آن کدام است.

**پاسخ**

مهم‌ترین محورهای مطرح شده در نامه شما، عبارت است از:

۱ شک و تردید در همه چیز: توحید و ... ،

قبل از پرداختن به موضوعات، لازم است این نکته را یادآور شویم که «شک و تردید مقدمه ای برای رشد و کمال فکری است». بنابراین از بروز آن نباید نگران بود.

شک و تردید انگیزه ای است که موجب تلاش فکری می شود و آدمی را از نقاط تاریک، به وادی نور و روشنایی سوق می دهد. پس باید از این انگیزه استقبال کرد و در جست و جوی راه کارهای مناسب جهت حل مشکلات بود. البته اگر آدمی تسلیم تردیدها بشود و برای رسیدن به حقیقت تلاش نکند، بدیهی است که در گرداب اوهام و تردیدهای خویش غرق خواهد شد.

بنابراین از بروز این حالت که تقریباً مسأله ای متناسب با سن شماسست نگران نباشید و با برنامه ای منظم و حساب شده، به رفع تردیدها و کشف حقیقت پردازید.

ریشه اضطراب و دلتنگی شما را نیز در همین حیطه باید جست و جو کرد. می دانید که فطرت آدمی حقیقت طلب است و تا آن را نیابد، آرام نمی گیرد. به گفته مولوی :

کز نیستان تا مرا بریده اند از نفیرم مرد و زن نالیده اند

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

آدمی آن

روز آرام می‌گیرد که جرعه‌ای از زلال حقیقت بچشد و حلاوت آن را در دل خویش احساس کند. حال چگونه باید حرکت کرد تا این تردیدها برطرف شده و جای خود را به اطمینان بدهد. به گفته بزرگان برای کشف حقیقت و وصول به آن، دو کار لازم است:

۱ سیر فکری و عقلانی، ۲ تهذیب نفس و صفای باطن.

در مقوله اول باید به تفکر منظم و مطالعه مناسب روی آورد. شما بهتر است دفتری را به مجموعه عقاید خود اختصاص داده و هر فصل را پس از تحقیق و تأمل و نتیجه‌گیری، به اتمام رسانده و به فصل دیگر پردازید. از هر کجا که می‌خواهید شروع کنید، ولی بهترین شروع از خداست.

آیا می‌توان درباره قدرتی بزرگ و شعوری لایزال که جهان بر محور آن در حرکت است تردید نمود؟ و اگر خدایی هست چرا یکی باشد؟ آیا نظم و هماهنگی شگفت‌انگیز هستی تردیدی در یگانگی طراح و خلاق این عالم باقی می‌گذارد؟

این مختصر گنجایش بیان همه آنچه که در باب خداشناسی است را ندارد لذا توصیه می‌کنیم در این زمینه با تعمق و تفکر منظم، به مطالعه کتاب‌های زیر پردازید:

۱ اثبات وجود خدا احمد آرام

۲ بهترین راه شناخت خدا محمدی ری شهری

۳ اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵ شهید مطهری

۴ خدا در قرآن شهید بهشتی

۵ آفریدگار و آفریده ناصر مکارم

۶ راه خداشناسی جعفر سبحانی

مطالعه دقیق و منظم این کتاب‌ها و بیش از همه تفکر درباره هستی و پدیده‌های آن، شما را به این نتیجه خواهد رساند که جهان خدا دارد و اگر دارد یکی بیش نیست.

البته نباید انتظار داشته باشید که پس

از این مرحله، یقین کامل برای شما حاصل شود؛ زیرا تحصیل یقین راهی دشوار در پیش دارد که پس از طی آن، می توان به درجاتی از آن نائل آمد؛ ولی در این مرحله «اطمینان» قابل حصول است.

پس از این مرحله، باید قلب و دل را صفا داد تا نور حق در آن تجلی یابد. تخلق به اخلاق کریمه، پرهیز از رذایل و مراقبت از نفس، زمینه را برای اشراق نور حق فراهم خواهد ساخت. ایمان و اطمینانی که از این طریق به دست می آید، به مراتب بالاتر از آن حدی است که در سیر عقلانی و فکری حاصل می گردد.

برای اثبات تلازم فطری بودن و صدق یک چیز راههای مختلفی وجود دارد یکی از آن روشها که برهان زیست شناختی نامیده می شود این است که گرایشات درونی و ذاتی انسان ربط دهنده درون و عواطف انسان با جهان خارج و واقعیات عینی است یعنی اگر مثلاً کسی احساس تشنگی و اشتیاق به آب می کند در متن واقع آبی وجود دارد که شبیه جاذبه مغناطیسی از درون انسان را به سمت خود فرا می خواند از این طریق می توان قیاسی اینچنین ترتیب داد:

(۱) خداشناسی و خداجویی فطری و طبیعی است.

(۲) در برابر هر امر ذاتی طبیعی واقعیتی در خارج هست.

(۳) خدایی واقعی وجود دارد.

شبیه چنین استدلالی از نظر فلسفی نیز وجود دارد زیرا گرایش و کشش از امور تعلق و ذات اضافه طرفینی است و حقایق اضافی و نسبی تقومشان به طرفین نسبت و تعلق است و بدون آنها امکان وجود ندارند. در عرفان نیز استدلال مشابهی وجود دارد و گویند «عشق فعلی بدون

معشوق فعلی محال است « سیر این استدلال همان ماهیت امور اضافی است که بدون وجود عاشق و معشوق محال است.

برای آگاهی بیشتر ر. ک:

۱- خدا در فلسفه (ترجمه الهیات دایره المعارف فلسفی پل ادواردز)، بهاءالدین خرمشاهی

۲- دروس کلام جدید، مصطفی ملکیان

همین احساس دوری از خداوند خود از الطاف آن رب مهربان است و حکایت می کند که رشته ارتباط بین بنده و پروردگارش بریده نشده و هنوز شعاعی از انوار الهی در آینه دل می تابد و این خود بشارتی است:

گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

قلب انسان آینه انوار الهی است و گاهی در اثر غفلت ها و غرق شدن در روزمره گی و اشتغال بیش از حد نیاز به امور دنیا این آینه خدای نما زنگار می گیرد و آن ارتباط مستحکم و ازلی سستی و نقصان می پذیرد و در چنین حالی طیبیان روحانی و غمگساران دلسوز و الهی یعنی انبیا و اولیا(ع) راه معالجه و داروی این بیماری را در توبه و ذکر حق و اقبال به درگاه خداوندی دانسته تا در سایه این ذکر و توجه و استغفار از خطاها و تقصیرها زنگار دل پاک گردد و انوار الهی در قلب انسان بتابد و بین بنده و خالقش صلح و آتشی برقرار گردد. تلاوت آیات نورانی قرآن نماز با حضور قلب دعای با توجه و از سر اخلاص و همنشینی با دوستان شایسته و صالحی که دیدنشان خداوند را به یاد انسان آورد و مطالعه زندگی مردان خدا و پاکان درگاه اله برای ایجاد ارتباط و کم کردن فاصله بین بنده و خدایش اثری به سزا دارند.

- در این باره دو

جهاد علمی و عملی لازم است؛ یعنی تلاش پیوسته در جهت معرفت هر چه بیشتر نسبت به خدا. و در عمل نیز ایجاد ارتباط و انس دائمی با او و تطبیق رفتار با خواست و رضای خدا. می بایست انسان عزم خود را جزم کرده و تصمیم قاطع بگیرد همیشه تابع خواست خداوند بوده و همواره در صدد انجام تکالیف الهی باشد. چه در اموری عبادی و چه در امور اجتماعی و دیگر ابعاد زندگی. هر قدمی که بر می دارد و هر سخنی که می گوید و هر برنامه ای که دارد نخست ببیند آیا رضای خداوند در آن می باشد یا نه والا از آن صرف نظر نماید. در حدیثی آمده است: «کمال در این است که انسان خواسته هایش را در مسیر الهی قرار دهد و نیرویش را در جهت رضایت حضرتش صرف کند. در مرحله اول باید انسان خود را مقید به انجام واجبات و ترک محرمات نماید و پس از مدتی که بدین کار عادت کرد و انجام آن برایش آسان شده خود را مقید به انجام مستحبات و ترک مکروهات نماید و گرنه چنین تقیدی در قدم های اولیه آثار سوئی به دنبال خواهد داشت. به هر حال رعایت تقوا و انجام تکالیف الهی در هر مرحله ای خود زمینه ساز درک بیشتر و توفیق افزون تر و توجه و تقرب و الاثری به ذات باری تعالی خواهد بود. چنانکه در سوره «انفال آیه ۲۹» آمده است: «یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله يجعل لکم فرقانا و یکفر عنکم سیئاتکم و یغفر لکم و الله ذو الفضل العظیم؛ ای اهل ایمان! اگر پرهیزگار بوده و تقوای الهی پیشه کنید خداوند برای

شما نیروی تشخیص حق از باطل قرار داده و بدی های شما را پوشانده و شما را بیامرزد و خداوند دارای فضل و رحمت بزرگ است». آری اگر قدم های اولیه برداشته شود زمینه ای برای دریافت برنامه ادامه مسیر فراهم می شود. به قول شاعر:

گر مرد رهی میان خون باید رفت از پای فتاده سرنگون باید رفت

تو پای در راه نه و هیچ مترس خود راه بگویدت که چون باید رفت

و به تعبیر خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم: «والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا؛ کسانی که در راه ما تلاش نمایند ما ایشان را به راه های خویش هدایت می کنیم». برای تقویت این حرکت و رشد آن توجه به چند نکته لازم است:

۱- پرهیز از مجالست و همنشینی با اهل دنیا و دور از معنویت. چه آنکه از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «به خاطر برخورد با اهل دنیا قلبم زنگار گرفته و مکدر می شود و برای جبران آن روزی هفتاد مرتبه استغفار می کنم». خداوند نیز در سوره «نجم آیه ۲۹» می فرماید: «فاعرض عن من تولى عن ذکرنا ولم یردالا الحیوه الدنیا . پس از کسانی که از یاد ما روی گرداندند و جز زندگی دنیا را نخواستند اعراض کن و روی بگردان».

۲- محاسبه نفس که هر شب یا هر هفته و یا لااقل هر ماه گذشته خود را بررسی نماید و به تعبیری به خود نمره بدهد. اگر کار شایسته ای انجام داده سپاسگزار بوده و از خداوند ادامه توفیق را بخواهد و اگر مرتکب خلافی شده استغفار نموده و تصمیم بر ترک آن بگیرد.

۳- بهره گیری از ثقل اکبر و قرآن کریم و انس با آن.

چه این که هم تلاوت و حفظ قرآن به انسان نورانیت بخشیده و معنویت می دهد و هم آشنایی با معارف آن (هرکسی در حد خودش حتی در حد ترجمه) موجب رشد روحی می باشد. زیرا معارف قرآن و آیاتش نسخه هایی است برای درمان دردها و مشکلات. گرچه در برداشت از آیات متشابه باید جانب احتیاط را پیشه کرد و آن را به اهلش واگذار نمود و گرنه ممکن است خود آن موجب گرفتاری گردد. بهره گیری از ثقل اصغر و ائمه هدی(ع) و توسل به ایشان در این باره بسیار مهم است. باید توجه داشت که توسل به حضرات معصومین(ع) هم خود توجه به حق تعالی و عالم ملکوت است و هم زمینه ساز بهره گیری بیشتر از فیض ربوبی و کسب توفیقات بیشتر. بنابراین نمی توان چنین پنداشت که به ائمه(ع) توسل داشته ایم ولی جوابی نگرفته ایم. زیرا همان توفیق توسل خود توجه به حق بوده است و مایه دوری از غفلت. پس خود جواب بوده است و چه بسا که همین روحیه کمال خواهی و به دنبال معنویت بودن از آثار و برکات همان توسلات باشد که باید ادامه یابد. چه بسیارند کسانی که از غفلت خود نیز غافلند و یا پس از توجه در صدد درمان بر نمی آیند. از این رو باید سپاسگزار نعمت ها و معنویات به دست آمده بود و درخواست استمرار و افزایش آن را از خداوند داشت. نیز تقویت ایمان و اعتقاد قلبی و عشق الهی بر آیند تقوا و پرهیزگاری است. هم چنان که در بهاران نهال ناخشکیده شکوفه می زند تقوای الهی انجام واجبات ترک محرمات و تهذیب نفس نیز بوستان دل را خرم



و سرسبز نگه می دارد و جوانه عشق الهی را در آن شکوفا می سازد. بنابراین در گام اول باید بر انجام واجبات و ترک گناهان استواری نمود و در گام دوم به پالودن نفس از رذایل و آراستن به فضایل پرداخت و حب دنیا و تعلقات دنیوی را از ژرفای ضمیر بیرون راند آن گاه دل کانون عشق خدا می شود و با اخراج شیطان نفسانیت و دنیا پرستی که خانه دل را غصب نموده صاحب خانه در آن لانه می گزیند.

ناگفته نماند برای بسیاری از جوانان که دارای جولان فکری هستند و پیگیر حالات معنوی خود می باشند و به سالم سازی فضای فکری خود می اندیشند. این گونه فراز و نشیب های روحی پیش می آید. اوج این شک و تردیدها و هجوم «چرا»ها و «چگونه»ها در سال های نوجوانی و جوانی رخ می نمایاند.

زیرا که جوانی از یک سو هنگامه «نگاه نو» به سنت های گذشته و عادت های بزرگان است و از سوی دیگر هنگام پی ریزی بنیان فکری و ترسیم آینده زندگی است.

از جهت روحی و عاطفی نیز، از یک سو «وابستگی» به خانه پدر و مادر کم می شود و از سوی دیگر هنوز «دلبستگی» به کانون گرم دیگر حاصل نشده است. در میانه این خلاء عاطفی هجوم افکار فزونی می یابد.

اما باید دانست دیری نمی پاید که کشتی در میانه امواج دریا به ساحت نجات لنگر می اندازد و اگر در هنگامه طوفان آدمی به یاد خداوند دل خویش را آرام سازد و خود را در سفینه نجات اهل بیت قرار دهد به طور یقین، بحران ها به آرامش می رسد و شک ها به یقین تبدیل می گردد.

این که ما انسانها با خود می اندیشیم که خداوند چگونه ماهیتی دارد

به خاطر آن است که ما در دنیای خود همواره با ماهیات سر و کار داریم. از همین رو ذهنمان عادت کرده است که هر چیز را در قالب ماهیتی بنگریم و چون سخن از خدا به میان می آید بلافاصله به دنبال قالبی ماهوی می گردیم تا خدا را بدان سان و در آن شکل و قالب تصور نماییم. البته این ویژگی ذهن ناورزیده و نا آشنا به حقایق فلسفی و وجود شناختی است ولی خرد ورزی فلسفی بر این رهبرد خط بطلان می کشد و اعلام می دارد که این گونه خداانگاری از اساس نادرست است. زیرا خداوند وجود و هستی محض و مطلق است و دارای ماهیت و چیستی نیست تا از چگونگی او سؤال شود. بنا بر این خداوند وجود صرف و دارای جمله کمالات وجودی است. عین بلکه آنهاست و چند و چونی برایش متصور نیست.

فکر و اندیشه بشر، به ذات غیبی او راه ندارد و به جز تحیر و سرگردانی یا انحراف و ضلال، بهره دیگری نخواهد داشت. ذات حق که از آن به «هویت غیبیه»، «غیب ذات»، «مقام ذات»، «مرتبه ذات» و گاهی هم به الفاظ دیگر (مانند «عناء» و «غیب الغیوب») تعبیر می شود، وجود صرف است؛ هیچ گونه حدی ندارد؛ از جمیع تعینات - چه مفهومی، و چه مصداقی - مبرا است؛ نه نامی دارد و نه نشانی؛ نه اسمی دارد، و نه رسم و صفتی؛ نه با اسم یا صفتی مقید است و نه با عدم آن اسم یا صفت؛ نه با تعین خاصی متعین است و نه با عدم همان تعین. حتی با

«اطلاق» و «عدم تعین» هم مقید نیست زیرا «اطلاق» و «عدم تعین» نیز به جای خود، نوعی تعین و قید است و مقام ذات از آن هم منزله و میرا است. اما تعینات اسمی و وصفی (اسما و صفات حق) همه از مقام ذات متأثر بوده و در مقام تجلی به ظهور می‌رسند. از این رو به مقام ذات خداوند راهی نیست زیرا فکر بدان مقام راه دارد و نه عقل و نه وهم و کشف ارباب شهود. همه اینها از این مقام قاصر و در این میدان کاملاً عاجزاند. اگر قدم پیش بگذارند، حیران می‌گردند و یا به راه ضلالت و خطا می‌روند، علاوه بر نرسیدن، از آن دورتر هم می‌شوند: «یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون به علما»، (طه، آیه ۱۱۰).

ادراک بشر، به آنچه متعین است راه دارد نه به ذاتی که از همه تعین‌ها بالاتر است و تعین‌ها همه متأخر از آن، بعد از آن و مخلوق آن هستند. اشاره نیز بدان مقام راه ندارد چه اشاره حسی باشد و چه اشاره ذهنی، عقلی و وهمی. چگونه می‌توان به ذاتی که تعین ندارد، اشاره نمود؟ به همین جهت از فکر در «ذات حق» نهی شده است. امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌فرماید: «... فلیس الله عرف من عرف بالتشبيه ذاته، و لا-ایاه و حد من اکتنه، و لا حقیقته اصاب من مثله، و لا به صدق من نهایه، و لا صمد صمد من اشار الیه پس، و

خدای را نشناخته، آن کس که ذات او را به چیزی تشبیه کرده است و به توحید او نایل نگشته، آن کس که خواسته است به کنه ذات او برسد، و به حقیقت او نرسیده، آن کس که ذات او را تصویر ذهنی نموده است و به او تصدیق نکرده است آن کس که ذات او را حدی قائل شده و به جانب او روی نیاورده است؛ آن کس که به ذات او اشاره نموده است...» (کتاب التوحید صدوق، باب التوحید و نفی التشبیه، ص ۳۴).

حتی اگر عقل و عشق همگام باشند و با بلند پروازی های خود بخواهند، به سوی مقام ذات اوج بگیرند، راه به جایی نبرده، به حیرت خواهند افتاد، و بر عجز و قصور خود در این میدان با کمال شرمساری اعتراف خواهند کرد.

ناگفته نماند برای قانع ساختن ذهن درباره حقایقی که فراتر از حس و قالب مادی هستند می توان از روش مقایسه ای و فرض عکس و برهان عقلی محض استفاده کرد. مثلاً وقتی می گوئیم خداوند از چه به وجود آمده، باز سؤال را نسبت به آن چیز قبلی ادامه بدهیم، تا آنجا که از نظر برهان عقلی به این نتیجه می رسیم که تسلسل باطل است و باید به سرچشمه هستی معتقد شد و به تسلسل سؤال ها پایان داد و یا از فرض عکس استفاده کنیم که بر فرض که نتوانیم تصویری از خدا داشته باشیم آیا می توانیم نبود خدا را اثبات کنیم؟ آیا حتی از نظر مادی ما به تمام منظومه ها و کهکشان ها دسترسی

پیدا کرده ایم؟ و آیا از نظر عقلی اگر سرچشمه هستی فراتر از ماده نباشد آیا می شود که ماده خود به خود به وجود آید؟ و یا از طریق مقایسه ای می توانیم خودمان را قانع کنیم که حقیقت بسیاری از واقعیت ها را به طور کامل درک نمی کنیم اما مطمئن هستیم وجود دارند.

به طور مثال آیا حقیقت روح و گستره فعالیت های آن برای انسان به طور کامل آشکار است؟ اما با وجود کم اطلاعی ما نسبت به روح، وجود آن را به عنوان یک واقعیت می پذیریم و برخی آثار آن برای ما مشهود است.

نسبت به خداوند نیز بهترین روش تفکر در آثار و آیات اوست و روش روشن تر، رابطه محبتی و کشف شهودی با خداست که در حدیث قدسی آمده است «قلب المؤمن عرش الرحمن» (مجلسی، محمد باقر، بحار، ج ۵۵، ص ۳۹).

برای آگاهی به صفات خدا و قانع ساختن ذهن خود می توانیم تصویری از صفات خدا در ذهن داشته باشیم و سپس «او» را از هر آنچه که در محدوده آمده منزله و پاک بدانیم تا به توحید ناب دست بیابیم.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵، ص ۱۳۸.

## علت مهاجرت نخبگان به خارج از کشور چیست ؟

### پرسش

علت مهاجرت نخبگان به خارج از کشور چیست ؟

### پاسخ

بررسی ریشه ای و پرداختن به علل و عوامل ایجاد و بقای مشکلاتی از این قبیل واقعا<sup>۱</sup> نیاز به کارشناسی دقیق و جامعه شناختی دارد که از حوصله یک نامه خارج است و نظرات متفاوت و گوناگون وجود دارد اما به عنوان مثال می توان یکی از عوامل مهاجرت به خارج را این چنین مورد تحلیل قرارداد به واسطه مجموعه کارکردهای تهاجم فرهنگی که یکی از نتایج آن بر جسته تر شدن نقش تائمین نیازهای مادی و جسمی انسان ها از ره گذر نشان دادن نمودهای جامعه پیشرفته غربی است معمولا<sup>۲</sup> در جوامعی که تهاجم فرهنگی آثار خود را تثبیت نموده جامعه موجود به رشته های تحصیلی که پاسخ دهنده نیازهای جسمی و مادی است پاداش بیش تری می دهد و لذا استعدادهای درخشان بیش از اندازه لازم به سمت رشته های فنی و مهندسی و پزشکی هدایت می شوند این پدیده در همه کشورهای جهان سوم آسیب وارد می کند و چون این جوامع مسیر توسعه منطق خود را نمی توانند حل کنند استعدادهای درخشان امکان جذب در جامعه را پیدا نکرده و زمینه برای مهاجرت آنها به کشورهای توسعه یافته فراهم می گردد (ر.ک: کتاب آسیب شناسی انقلاب اسلامی مهندس حسن بنیانان ص ۱۵۷ علی ذوعلم انقلاب و ارزشها). ضمنا<sup>۳</sup> شما می توانید سوئالات خود را (در صورت جا نشدن در یک برگ) در برگه های معمولی نوشته و همه را در داخل یکی از این اوراق مخصوص و یا فتوکی آن قرار دهید و ارسال نمایید

## علت گرایش به فحشاء پنهان چیست؟

### پرسش

علت گرایش به فحشاء پنهان چیست؟

### پاسخ

علت آلودگی به فحشاء پنهان، ایمان ضعیف و معرفت اندک است و روشن است که در جامعه اسلامی وقتی تظاهر به فساد جرم محسوب می شود. مجرمین این جریان را مخفی می کنند. این موضوع در کلیت خویش اشکالی بر نظام اسلامی نیست. زیرا حکومت مأمور است که مظاهر آشکار فساد را جمع نماید. اما افراد با آزادی و اختیار خود فساد پنهان دارند.

البته نظام باید با برنامه ریزی جامع، علت و اسباب ایجاد را حتی الامکان کمتر نماید. از آنجا که در دین بخشی از پرونده انسان مربوط به آن جهان است. مأمور به تجسس در امور خصوصی افراد نیستیم، مگر دست به شیوع فساد بزنند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

### علل انحرافات

**تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟**

### پرسش

تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟

### پاسخ

اولاً؛ باید توجه داشت کسانی که گرایش به فساد و انحراف دارند و جز هرزگی و بی بندوباری و نشاندن هوسهای خویش ایده و اندیشه ای ندارند رفتن به مراکز فساد آنان را از تجاوز باز نمی دارد دلیل آن وقوع این گونه حوادث و جنایات با وجود مراکز مذکور است.

ثانیاً؛ زنان فاسدی که در آن مراکز بسر می برند مگر انسان نیستند؟ مگر آنان از احساسات و عواطف انسانی برخوردار نمی

باشند مگر آنها دوست ندارند که در یک کانون خانواده از زندگی خانوادگی برخوردار باشند؟ چه عاملی آنان را به آنجا کشانده است؟ چرا باید یک دختر جوان پس از اینکه در اثر لحظه ای غلفت و اشتباه اغفال گردید برای همیشه از زندگی انسانی محروم باشد و هر ساعتی برای خاموش ساختن هوس افراد هرزه خویشان را آماده سازد؟ آیا وجود این مراکز به سیه روزی و تیره بختی آنان کمک نمی کند؟

بر این اساس وجود مراکز فحشاء را باید در کنار صدها مفسد دیگر دانست که باید با همه آنها مبارزه کرد و تمام آنها معلول پایین بودن سطح ایمان و اخلاق در جامعه است. در ضمن زنانی که در آن مراکز هستند از کجا تأمین شوند؟ آیا این هم مثل اجناس و ارادتی، وارد می شود؟ یا باید عده ای را فاسد کنیم. برای آنجا بفرستیم؟ این ساختن لجن

۲

و به روی خود مالیدن است. آن وقت مانند ابلهی خواهیم بود که چوب را در

لجن فرو کرده و روی دیوار تمیز می نویسد لطفاً نظافت را رعایت کنید!!.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳

**با توجه به اهمیت روحانیت در تشکیل فرهنگ اسلامی آیا شما مسؤول مفسد جامعه را وزارت ارشاد می دانید یا این قشر محترم؟**

**پرسش**

با توجه به اهمیت روحانیت در تشکیل فرهنگ اسلامی آیا شما مسؤول مفسد جامعه را وزارت ارشاد می دانید یا این قشر محترم؟

**پاسخ**

مفسد اجتماعی همچون دیگر پدیده ها و حوادث معلول علل مختلف و نارسائیهها و کوتاهی های افراد و گروههای مختلف می تواند باشد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. حاکمان، و دولتمردان، و مدیران جامعه

۲. سازمانها، نهادهای دست اندرکار و مسئول فرهنگ و ارشاد و هدایت جامعه

۳. روحانیت قویترین عناصر تأثیر گذارند در تعالی و تنزل ارزشهای اسلامی و انسانی

۴. معلمان و مربیان مؤثرترین الگوهای ساختار شخصیت افرادند در صعود و سقوط

۵. پدر و مادر به عنوان اولین و مؤثرترین عامل تربیت و شکوفاسازی استعدادهای فرزندان چنانکه سرنوشت سازترین علت رشد و تکاملند در صورت کوتاهی و نارسایی مؤثرترین علت مفسد و چالشهای اجتماعی اند.

۶. آحاد و تک تک افراد جامعه که می توانند عامل چالشهای اجتماعی باشند زیرا از توان و استعدادهای الهی خود آنچنان که باید بهره برداری نکرده و کوتاهی و سستی و تنبلی بستر ساز مناسبی برای مفسد اجتماعی اند.

بنابراین، حقیقت مسئولیت داشتن همه متناسب با نقش خود در جامعه می باشد. "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة" لکن ترتیب ذکر شده بر اساس شماره حکایتگر نقش بیشتر قشرهای تأثیر گذار در جامعه می باشد. در پایان نقش دشمنان در وجود ناهنجاریهای موجود را نباید از نظر دور داشت.



رغم پیش رفتن علم، آمار طلاق بالا است. نتایج منفی طلاق برای خانواده و بچه ها را بنویسید.

## پرسش

رغم پیش رفتن علم، آمار طلاق بالا است. نتایج منفی طلاق برای خانواده و بچه ها را بنویسید.

## پاسخ

طلاق علل گوناگونی دارد از جمله:

۱ ناسازگاری زن یا شوهر و یا هر دو.

۲ اختلاف در ذوق و سلیقه.

۳ فزون طلبی.

۴ تنوع جویی.

۵ عدم رعایت وظایف محوله و ...

طلاق به هر علتی باشد، باعث ویرانی ارکان زندگی و پدید آمدن رنج و عذاب برای فرزندان می شود.

طلاق، برای فرزندان همانند بریدن عضوی از بدن است که طاقت فرسا است. آنان خانه بی مادر را تاریک می بینند و فکر می کنند در آن جا دیگر نمی توان انس و محبت پیدا کرد، و حتی اگر جوان تحصیل کرده باشند، مفارقت پدر و مادر را نمی توانند تحمل کنند.

طلاق موجب تغییر رفتار فرزندان می شود.

بسیاری از آن ها، حالت تهاجم به خود گرفته و راه ناسازگاری و سخت گیری را پیش می گیرند. هم چنین عده ای بهانه گیر شده و در فکر خود هستند و احساس ناامنی و کوچکی می کنند و گاهی تصمیم بر فرار از خانه می گیرند. گروهی دچار اضطراب شده و گرفتار بیماری های روانی می شوند.

بی نظمی، اختلال در اخلاق، هوس بازی، لجاجت و پر توقعی از جمله آثار طلاق است.

زندگی توأم با درگیری و ناله و نفرین، که سرانجام آن طلاق باشد، درس بد آموزی برای فرزندان است. دختری که می بیند مادرش مورد ظلم و ستم قرار گرفته، به زندگی آینده و شوهر داری بدبین می شود. به نظر او همه مثل پدرش هستند و پسری

که شاهد نق زدن و سخت گیری های مادر است و

پدرش را مظلوم می داند، از آینده هراسناک است و رغبتی به ازدواج ندارد، چون فکر می کند همه زن ها این گونه هستند.  
(۱)

۱. دکتر قائمی ، خانواده و مسایل نوجوان و جوان ، ص ۵۷-۶۰.

**چرا در جامعه، آمار هم جنس بازی و استمنا این قدر بالا رفته است؟ آیا با مسائل خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ربطی دارد؟ چرا در مناطق محروم و روستایی این انحراف بیش تر است؟**

### پرسش

چرا در جامعه، آمار هم جنس بازی و استمنا این قدر بالا رفته است؟ آیا با مسائل خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ربطی دارد؟ چرا در مناطق محروم و روستایی این انحراف بیش تر است؟

### پاسخ

در پیدایش انحراف جنسی به طور کلی و استمنا به طور ویژه، علل مختلفی مؤثر است که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

۱ - تحولات بلوغ: "به دلیل تحولاتی که در دوره بلوغ در فرد به وجود می آید، فرد تمایل درونی به جنس مخالف در خود احساس می کند، ولی چون تماس بدنی با جنس مخالف برایش امکان ندارد، برای رهایی از تنش ناشی از این تمایلات درونی به این عمل روی می آورد".

محمود محمدیان، بلوغ تولدی دیگر، ص ۴۰.

۲ - عوامل تحریک زا: عواملی چون نگاه شهوت آمیز، تخیلات تحریک کننده، تماس با اجنبی و گفتگو با نامحرم، صحبت کردن در مورد چیزهایی که موجب تحریک جنسی می شود و دیدن فیلم ها و عکس های مبتذل، افراد را به سوی انحراف جنسی سوق می دهد. متأسفانه عوامل تحریک زا در روستاها بیش تر است، مثلاً بچه روستایی، همه روزه شاهد جفت گیری حیوانات هستند و در مواردی مشکل جغرافیایی روستا و آداب و رسوم خاص آن محل، تحریک پذیری را بیش تر کرده است.

۳ - عقده حقارت: "به اعتقاد بسیاری از روان شناسان، استمنا ناشی از کمبود توجه و محبت و عقده حقارت است". یعنی یکی از عوامل مهم آن، همین است.

محمود محمدیان، بلوغ تولدی دیگر، ص ۴۰.

۴ - مساعد نبودن محیط خانواده: ریشه بسیاری از انحرافات جنسی را باید در محیط خانواده و شرایط

زندگی افراد جست و جو کرد. مراعات نکردن اصل

مهم حیا و طرز لباس پوشیدن و به کارگیری الفاظ نا مناسب و تماس بدنی با کودکان و عدم کنترل بر روابط کودکان، جدا نکردن محل خواب، فرزندان، زمینه انحراف جنسی در دوران بلوغ را فراهم می کند حتی "خانواده هایی که به علت اختلاف و ناسازگاری میان پدر و مادر و بدرفتاری والدین با فرزندان، فرزندان را بیش تر در معرض انحراف جنسی قرار می دهند".

محمد علی سادات، راهنمای پدران و مادران، ج ۱، ص ۹۳.

۵ - معاشرت با منحرفان: آلودگی و انحراف، به سرعت از طریق دوستان نا اهل به افراد پاک سرایت می کند.

۶ - ضعف ایمان: غفلت از خدا، زمینه وسوسه شیطان را فراهم می کند و افراد را در منجلا ب گناه و انحرافات جنسی غوطه ور می سازد.

### علت شکاف بین خانواده ها و رشد طلاق بین آن ها در چیست؟

#### پرسش

علت شکاف بین خانواده ها و رشد طلاق بین آن ها در چیست؟

#### پاسخ

جستجوی علل پیدایش و افزایش بحران ها و جدایی ها در کانون خانواده از منظر دانش های متفاوتی می تواند پیگیری شود. هر گروه از دانشمندان رشته های مختلفی که پیگیر کشف علل این مشکل اجتماعی هستند، از نگاه خود دلایل محکم و همخوان با واقعیت ها ارائه می دهند.

به ذکر برخی علل بسنده می کنیم:

۱ - آشنا نبودن با وظایف خانوادگی

کسی که در اندیشه تشکیل کانون خانوادگی است، نخ... باید بدن... که سازمان خانواده مانند هر سازمان اجتماعی دیگر دارای اصولی است که تنها در سایه شناخت اصول و انجام وظایف می تواند به هدف های مقدس ازدواج دست یابد نا آگاهی از اصول سبب می شود آسیب های جبران ناپذیری بر پیکر خانواده وارد آید و زن و شوهر نتوانند خوشبختی خود و فرزندان شان را در پیوند زناشویی تضمین کنند.

برخی زوج های جوان بدون آمادگی قلبی و بی آن که با وظایف و مسئولیت های خود و حقوق شریک زندگی اش به درستی آشنا شوند و راه و روش سلوک در زندگی خانوادگی را بیاموزند، به تشکیل خانواده اقدام می کنند و پس از گذشت مدت زمانی در می یابند چه اشتباه بزرگی را مرتکب شده اند

۲ - عدم شناخت زوجین از یکدیگر: کسی که در اندیشه ازدواج است ، پس از آشنایی با وظایف و مسئولیت های خود و حقوق شریک زندگی اش باید بداند با چه کسی ازدواج می کند. نیز معیارهای مهمی که از دید صاحب نظران ، از شرایط ازدواج موفق بیان شده، تا چه میزان وجود دارد

. شناخت زن و شوهر از وضعیت اخلاقی و معنوی و تفکر اجتماعی و بینش اقتصادی و میزان پای بندی به آداب و رسوم یا گرایش به مدرنیسم، قبل از ازدواج امری لازم است.

اسلام اجازه داده است هنگامی که زن و مرد قصد ازدواج دارند، همدیگر را ببینند، با هم گفتگو کنند، به شرطی که این کار از روی هوسرانی نباشد. باید توجه داشت که تحقیق، با معاشرت ها و انتخاب دوست غیر همجنس که منشأ آن هوس های زود گذر است، تفاوت دارد

۳ - سست شدن مبانی اعتقادی و عدم پایبندی و عدم پایبندی به مقررات دینی:

اگر با نگاه جستجو گرانه وضع خانواده هایی را که متلاشی شده اند، مورد مطالعه قرار دهیم، درمی یابیم که مهم ترین عامل آن ضعف اصول اخلاقی می باشد.

تجربه نشان می دهد کسانی که فاقد تعهدات ایمانی هستند و حتی اگر قبل از ازدواج مدت ها با هم آشنایی داشته باشند، پس از تشکیل زندگی مشترک به دلیل نداشتن ارزش های ثابت و یکسان و نداشتن پشتوانه درونی، با کوچک ترین آسیب، پیوندشان سست شده، چه بسا از هم می گسلد. (۱)

غرق شدن در مادیات و لذت جویی ها و روی گردانی عملی از دین (اگر چه در ذهن معتقد باشد) هیچ نقطه مشترک و عاملی برای وحدت باقی نمی گذارد تا موجب استمرار صمیمیت استواری بنیان خانواده گردد.

۴ - گرایش به فرهنگ مصرف غرب و گسترش فساد و بی بند و باری های جنسی و آزادی های افسار گسیخته:

تفکری حاکم بر جامعه امریکا است، مبنی بر این که "خوشی و لذت مقدم بر استواری

و نگهداری کانون خانوادگی است".

ترویج این اندیشه در جوامع دیگر از جمله ایران یکی از عوامل گسترش جدایی ها و سست شدن بنیان خانواده است.

شهید مطهری در این مورد می گوید:

"در هر جا که آداب و رسوم جدید غربی بیشتر نفوذ کرده است، آمار طلاق هم افزایش یافته است. آمار طلاق ها در شهرها بیشتر از روستاها و شهرهای بزرگ تری که آداب غربی را بیشتر پذیرفته اند، زیادتر است، مثلاً بیش از یک چهارم طلاق های ثبت شده سراسر کشور (یعنی ۲۷ درصد) مربوط به تهران است، در حالی که نسبت جمعیت تهران به جمعیت سراسر کشور تقریباً ده درصد می باشد". (۲)

۵- ازدیاد اعتیاد: اعتیاد به مواد مخدر، قاچاق، الکل، قمار و سایر مفاسد باعث اختلال در سلامت جسمی، روحی و شخصیت خانوادگی و اجتماعی شده، در نتیجه آمار طلاق را بالا برده است.

۶- بالا بودن میزان مهریه ها: یکی از علل طلاق بالا بودن میزان مهریه ها و هوس گرایی زنان جهت دریافت مهریه ها و ازدواج مجدد با مردی دیگر و اخذ مهریه ای دیگر است.

۷- قرار گرفتن طلاق به بهانه های مختلف در دست زنان:

یکی از احکام اسلام این است که طلاق را در دست مرد قرار داده است، علاوه بر قرآن که در آیاتی چند نظیر ۴۹ احزاب و ۲۳۱ بقره، روایات (۳) معتبر زیادی، قرار گرفتن طلاق به دست مردان را بحث کرده است.

جهت روش شدن ارزش این حکم، و این که یکی از عوامل شکاف بین خانواده ها، انحراف از این قانون به بهانه های متفاوت است، به گزارش زیر توجه کنید.

"طلاق های ثبت



شده در دادگاه های فرانسه نشان می دهد که بیش از هفتاد درصد طلاق ها به درخواست زنان بوده است". (۴)

لوسون دانشمند امریکایی ، ضمن بیان آمارهای هولناک طلاق در امریکا می نویسد: "قابل توجه این که هشتاد درصد طلاق ها به تقاضای زنان واقع شده است".

خانم مونیکا ، نویسنده انگلیسی ، ضمن اظهار تأسف شدید از آمارهای وحشت افزای طلاق در آن کشور می نویسد:

"دوام و استحکام هر ازدواجی در درجه اول به درایت و سبکسر نبودن زنان بسته است و با توجه به این حقیقت تلخ اعتراف می کنم که آمارها و پرونده های دادگاه ها در انگلیس نشان می دهد که از هر صد ازدواجی که به طلاق منجر می شود، در نود و نه درصد آنان زنان مقصرند". (۵)

این وضعیت به بهانه های مختلف در سال های بعد از انقلاب در ایران افزایش یافته است.

#### ۸ - صنعتی و ماشینی شدن زندگی زنان و مردان

صنعتی شدن زندگی و زنان و مردان موجب بالا رفتن سطح توقعات بانوان و زیاده طلبی و تنوع خواهی مردان گشته و زمینه را برای بروز اختلاف و جدایی ها فراهم ساخته است.

نویسنده کتاب "طلاق یا فاجعه انحلال" می نویسد: "طبق آمار ، زن و شوهرهای تهرانی ماهانه دو هزار دادخواست طلاق به دادگستری می دهند.

یکی از قضات در این باره اظهار می دارد که : اکثر دادخواست های طلاق از طرف زنان به دادگستری داده می شود. اختلافات این زن و شوهر ها بیشتر در نتیجه ماشینی شدن زندگی و بیشتر شدن توقعات زنان و زیاده طلبی و تنوع خواهی مردان است". (۶)

دکتر آذرمان روانپزشک می گوید: "بخشی

از مشکلات خانواده های جدید، ریشه در تغییر و تحول روحی زنان مدرن دارد. همان گونه که مشکلات مردان جدید هم شکل عوض کرده و چهره تازه تری را به رخ می کشد، اما این مشکل خاص یعنی تحمل ناپذیری برخی از زنان به خصوص قشر فرهیخته، به دلیل تغییر مشکل جامعه است. در واقع جامعه ما به سرعت از جامعه سنتی به سوی صنعتی شدن پیش می رود، طبیعی است که در این مسیر زنانی بیشتر درگیر تحول می شوند که در جریان مستقیم این تغییرات قرار دارند". (۷)

۹- ناهماهنگی زن و شوهر از جهت وضعیت اقتصادی، علمی و سطح تحصیلات:

اسلام توصیه کرده است با کسی ازدواج کنید که "هم کفو" شما باشد، یعنی از جهت اعتقادی، فکری، سطح علمی و موقعیت مالی، به هم نزدیک باشید تا بتوانید همدیگر را درک کنید و به احساسات یکدیگر پاسخ مناسبی بدهید. نادیده گرفتن این اصل، یکی دیگر از علل جدایی ها و ناسازگارهای زن و شوهرها می باشد، به خصوص اگر زن از جهت سطح تحصیلات یا موقعیت مالی فراهم شده از طریق خانواده، ارث یا شغل و درآمد، وضعیت برتری نسبت به شوهر داشته باشد، زمینه برای تنش و اختلاف سریع تر فراهم می شود.

ناماهنگی قدرت علمی، اقتصادی و فکری موجب متفاوت شدن انتظارات می شود و زمینه را برای بروز ناسازگاری فراهم می سازد.

عوامل دیگری نیز در گسترش جدایی ها دخالت دارند، مانند برق دیدگاه ها و مبانی نظری در مسئله طلاق. جهت آگاهی بیشتر به کتاب نظام حقوق زن در اسلام، نوشته شهید مطهری

، از ص ۲۶۳ به بعد مراجعه شود.

پی نوشت ها :

۱ - بینش اسلامی پیش دانشگاهی ، ص ۹۳.

۲ - حقوق زن در اسلام، ص ۲۶۱.

۳ - وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۳۴۰، باب الطلاق بیدالرجل دون المرأه.

۴ - طلاق یا فاجعه انحلال خانواده، حسین حقانی زنجانی، ص ۸۶.

۵ - همان، ص ۹۹.

۶ - ص ۹۴.

۷ - روزنامه کیهان، شماره ۱۷۸۵۶، شنبه ۲۰ دی ۱۳۸۲، ص ۵.

### **راه مبارزه با علل انحراف و بی دینی چیست ؟**

#### **پرسش**

راه مبارزه با علل انحراف و بی دینی چیست ؟

#### **پاسخ**

با توجه به تنوع و گونه گونی علل و عوامل انحراف ، مبارزه و برخورد با هر یک از آنها شیوه خاص و محل و شرایط ویژه ای می طلبد مثلاً «علل روانی و اخلاقی» را باید به وسیله تربیت صحیح و توجه به ضررهای مترتب بر آنها ، و برای جلوگیری از تأثیر سوء « علل اجتماعی» علاوه بر جلوگیری عملی از بروز چنین عواملی ، می بایست فرق بین نادرستی دین با نادرستی رفتار دینداران را روشن ساخت و همچنین برای جلوگیری از تأثیرات سوء « عوامل فکری» باید شیوه های متناسبی را اتخاذ کرد از جمله اینکه عقاید انحرافی را از عقاید صحیح تفکیک کرد و از بکار گرفتن استدلالات ضعیف و غیر منطقی برای اثبات عقاید دینی اجتناب ورزید و نیز باید روشن کرد که ضعف دلیل ، نشانه نادرستی مدعی نیست و ...

**باوجود اینکه هر کس نیک و بد را از یکدیگر تشخیص می دهد چرا عده ای منحرف می شوند؟**

#### **پرسش**

باوجود اینکه هر کس نیک و بد را از یکدیگر تشخیص می دهد چرا عده ای منحرف می شوند؟

**پاسخ**

تنها نیروی عقل و وجدان اخلاقی که انسان با آن نیک را از بد تشخیص می دهد نمی تواند از انحرافات بشر جلوگیری بعمل آورد و گر چه این مطلب انکارناپذیر است که عقل و وجدان اخلاقی در سعادت و رستگاری آدمی سهم بسزایی دارند و بسیاری انحرافات، از نادانی و نشناختن راه صحیح ناشی می شود ولی موضوع قابل توجه این است که تنها وجود عقل و وجدان نمی توانند صد در صد سعادت انسان را تأمین کنند از این رو که غرائز سرکشی در انسان وجود دارد که نمی توان به آسانی آنها را مهار کرده و تعدیل نمود.

۲۴۷۷

اما چیزی که در هر حال می تواند انسان را کنترل نموده و از فساد و انحراف نگهدارد اراده ی قوی و تصمیم قاطع او است و آن هم در سایه ی ایمان به مبدأ و معاد بوجود می آید.

یک نفر مؤمن که معتقد است جزئیات کارهای وی ضبط می شود و نسبت به اعمال وی محاسبه ی دقیق صورت می گیرد و در برابر هر یک از کارهای نیک و بد پاداش مناسب به او داده می شود این ایمان وی را از اقدام به اعمال ضد انسانی و دینی که با شرف و شخصیت او نیز سازگار نیست و از نظر دین گناه محسوب می گردد کاملاً جلوگیری می کند، شاهد زنده ی این موضوع این است که در تمام ممالک مرفعی علاوه بر وضع قوانین برای متخلفین از قانون مجازات و کیفرهایی قرارداده می شود تا

کیفر و مجازات باعث شود که در مقابل قانون احترام گذاشته و تخلف از آن ننمایند.

از مجموعه گفتار می توان چنین نتیجه گرفت که وجدان (یعنی نیروی دریافت خوب از بد) تحت تأثیر محیط، غریزه، و عادت قرار می گیرد مگر آن که تحت تربیت دینی بارور گردد. البته فراموش نکنیم که انحراف از جاده حق، گاهی حاصل آزادی و انتخاب آدمی است. در قرآن می خوانیم و حجدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلماً و علواً (۱)... و این بخاطر ظلم و برتری طلبی آنان بود. که همان توان آدمی در انتخاب است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سورع نمل آیه ۱۴

۲۴۷۹

جوانان ، نوجوانی و بلوغ

مسائل دوران بلوغ تحوّل ها در اخلاق

**مهم ترین عاملی که جوانان ما را در حال حاضر به فساد می کشاند چیست؟**

**پرسش**

مهم ترین عاملی که جوانان ما را در حال حاضر به فساد می کشاند چیست؟

**پاسخ**

در معرض فساد بودن، ویژه جوان نیست. با مطالعه کمی درباره انسان می بینیم فساد و صلاح دو نتیجه حتمی است که از انتخاب او سرچشمه می گیرد. و این انتخاب در همه شرایط موجود است فقط گاهی عوامل فساد و صلاح تقویت و تضعیف می شوند آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این انسان و قابلیت های شگفت انگیز اوست که می تواند در هر شرایطی راه فساد و صلاح را دنبال کند. می بینید اکنون که انقلاب در جامعه شده و مظاهر دینی به لطف خدا آشکارتر و مهیاتر است باز عده ای شیفته فسادند و برعکس در غرب فاسد، دلباخته های حق و حقیقت با عطش به اسلام روی می آورند که نمونه هایش را شاهد هستید.

اما آنچه شما خواسته اید که نمونه اصلی فساد را به شما معرفی کنیم و نمره بزرگ را به تهاجم فرهنگی یا مطبوعات نامناسب داخلی، یا فسادهای جنسی از طریق فیلمها را بدهیم، نمی توانیم. آنچه عامل مهم به نظر می رسد همانا غافل ماندن از ارزش خویش و به ویژه در دوران جوانیست. چون ما بر فرض عوامل خارجی را هم کم یا نابود کنیم، عاملی مثل نفس و شیطان را در درون خود داریم که کمر به گمراهی ما بسته است. این غفلت که آدمی همه ارزش ها را جوابگویی به هیجانها و انعکاسات جسم و تمایلات بدهد و تحت تأثیر این فکر قرار گیرد مهم ترین خطر است و آنچه بر این فکر حظ می دهد مهم ترین

عامل انحراف و همچنین آن چیزهایی که جوان را از راه سعادت یعنی انتخاب آگاهانه مکتب اصیل اسلام و تشیع باز می دارد. همانکه توجه بی قید و شرط به معیارهای غربی می دهد در میان همین موانع رشد است. چقدر زیبا فرمود امام ((علیه السلام)) که مَنْ کَرَمَتْ عَلَیْهِ تَوَسَّرَ هَانَتْ عَلَیْهِ شَهْوَاتُهُ - نَهَجُ الْبَلَاغَةُ - آنکه برای نفس خویش

۸

ارزش و قیمتی شناخت، از تسلیم در برابر شهوات سرباز می زند و آلوده نمی شود. انسان آمیز شهوات می شود نه اسیر.

اما راه حل، گفته اند که جوانی یک شعبه از مستی و مدهوشی است. همانطور که شراب مستی می آورد. اما این حالت ویژه کسی است که از دیگر ویژگیهای انسانی غافل بماند پس در این دوره بهترین کار خود یابی، الگویی مثبت، و مکتب را آگاهانه برگزیدن است.

ما مذهب را سنتی و عاطفی برگزیده ایم این است که با موجهها از پا می افتیم مذهب اصیل با تفکر شروع می شود که در قرآن واژه عقل و فکر صدمبار تکرار شده خود و دیگران و جوانان را به چنین انتخابی دعوت کنید.

نکته آخر آنکه از تأمین نیازهای مشروع جوان اگر غفلت شد، ضربه مهمی به انحراف او زده می شود این کار به عهده همه ما و مسئولین امر است که باید انجام می شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۹

## علت پیدایش جرائم و گناهان و مبداء خلافاکاریها در انسان چیست؟

**پرسش**

علت پیدایش جرائم و گناهان و مبداء خلافاکاریها در انسان چیست؟

**پاسخ**

یکی از موجوداتی که از دیر زمان افکار دانشمندان را به خود جلب نموده و آنان را به مطالعه و بررسی وا داشته است انسان است انسان معجونی است که از نیروها و قوای مختلفی ترکیب یافته و غرایز بسیاری در نهاد وی آفریده شده است. در روان آدمی استعدادهای شگرف و قابل ملاحظه ای وجود دارد تا در پرتو بکار انداختن آنها مدارج عالی کمال را به پیماید، سرانجام به سعادت و خوشبختی واقعی که هدف از آفرینش وی بوده است نائل گردد.

یکی از مسایل مهم روانی عبارت از تأثیر و پذیرش روح انسان است که عوامل خارجی از بیرون و عوامل درونی یعنی افکار و اندیشه های وی در درون او اثر می گذارد ولی در عین حال اثر گرفتن روح انسان هم می تواند بر اساس اختیار صورت گیرد. چه اینکه تربیت و پرورش صحیح روح انسان را نیرومند می کند و می تواند در سایه رهبری خود و راهنمایی انبیاء و جانشینان آنان راه صحیحی را انتخاب نموده و در آن گام بردارد و اجتماع طوری نیست که بتواند اختیار را از انسان سلب کرده و او را بی اختیار در دامن فساد و انحراف محیط افکنده و ناخود آگاه انسان را آلوده و گناهکار سازد و همچنین وسوسه های شیطان به اختیار انسان ضربه ای وارد نمی کند بلکه وسوسه شیطان در واقع پیشنهاد و دادن طرحی بیش نیست این انسان است که می تواند با بکار انداختن تصمیم قاطع و اراده آهنین و عزم خلل ناپذیر خود در



سایه رهبری عقل و دین با همه عوامل فساد مبارزه کرده و با عمل کردن به دستورات و تعالیم دینی به سعادت و رستگاری جاودانی نائل گردد.

شاهد زنده وجود برخی از افراد است که در محیط های فاسد و ناپاک خویشتن را نگاه داشتند و علیرغم آلودگی محیط سلامت خویش را حفظ کردند و نه تنها از محیط رنگ نگرفتند بلکه تا سر حد امکان محیط را از فساد و انحراف پاک کردند.

پس عوامل انحراف در دو مورد کلی خلاصه می شوند:

۱. بیرونی؛

۲. درونی.

عوامل بیرونی: طاغوت ها، تشویق های آدمها و حرفها و جلوه های دنیا؛

عوامل درونی: شیطان و وسوسه های نفس. امّا همانطور که ذکر شد عوامل قوی مثبت نیز در درون (مثل اراده و ایمان، شناخت) و عوامل بیرونی مثل هدایت انبیاء و قانونها و تربیت آدمی را کنترل می کنند و اگر عوامل منفی نبود انتخاب منفی نبود انتخاب راه خیر و نیکی معنی و ارزش نداشت.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳

**چرا مردم از ارزش های اسلامی و روحانیت فاصله گرفته اند**

**پرسش**

چرا مردم از ارزش های اسلامی و روحانیت فاصله گرفته اند

**پاسخ**

اندک نه بلکه بسیار. مسأله فاصله گرفتن برخی از اقشار با روحانیت، نیازمند بررسی جامعه شناختی از موضوع است که در این مجال نمی گنجد؛ ولی علل اجمالی آن به شرح زیر است:

الف) مشکلات انقلاب و جنگ تحمیلی

ب) بالا رفتن سطح توقع و انتظار مردم به واسطه شعارهای انقلاب

ج) تبلیغات جهانی علیه انقلاب و رهبران آن

د) عملکرد روحانیت

ه) قدرت در دست هر کس باشد مردم به طور طبیعی مقداری از آنها فاصله می گیرند (من ملک استأثر)

}]

## ۲- چرا صیغه در جامعه اسلامی جای خود را به زنا ولواط داده است ؟

### پرسش

۲- چرا صیغه در جامعه اسلامی جای خود را به زنا ولواط داده است ؟

### پاسخ

ج ۲- ابتدا ضمن پذیرش وجود انحرافات و نابسامانیها در مسائل مختلف از جمله انحرافات جنسی بی حجابی کم توجهی به نماز و غیره اما باید عرض شود تعداد افراد مقید به مسائل دینی هم در جامعه فراوان و در یک دیدگاه متعادل خواهیم دید که جمعیت بسیاری را در برمیگیرد در هر صورت برای پاسخ دادن به این سوال ابتدا انگیزه رفتن به سوی انحرافات را مورد توجه قرار می دهیم هر انسانی دارای غریزه شهوت ( میل به سوی خوردن و آشامیدن و مسائل جنسی ) است و سرکوب کردن آن در برخی مسائل غیر ممکن و در مواردی هم بسیار مشکل است. و در هر صورت پاسخ متناسب و مثبت به این خواسته ها امری لازم و برطبق فطرت و عقل است اما این که چرا عده ای در پاسخگویی به این غریزه راه غلط را انتخاب می کنند علل متفاوتی دارد .

۱ - فرهنگ عمومی که در خصوص متعه ( صیغه) غیرت بیجا به خرج داده و آن را ناپسند می شمارند که بفرمایش علی (ع) اگر خلیفه دوم متعه را حرام نمی کرد ( فرهنگ غلط ایجاد نمی کرد ) هیچ مومن غیرتمندی زنا نمی کرد ( ۴ ).

۲ - ترویج فرهنگ غیراسلامی و تخریب منادیان دعوت به دینداری.

۳ - نا آگاهی نسبت به آثار مثبت اعمال مشروع و آثار منفی اعمال نامشروع.

۴ سوء استفاده عده ای از این عمل مشروع (متعه) و تبدیل آن به یک نوع هوسرانی ۵ - ندانستن کیفیت برقراری یک رابطه مشروع.

جهت اطلاع بیشتر در این زمینه به کتاب نظام حقوق زن در اسلام اثر استاد شهید مطهری، بخش دوم ازدواج موقت مراجعه کنید.

منابع:

(۱) نهج البلاغه، ترجمه علامه جعفری، ص ۱۰۴۳، کلمات قصار کلمه ۳۱.

(۲) توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۲۴، مسله ۲۸۲۶ تا ۲۸۳۷

(۳) منتهی الآمال، زندگی امام صادق « علیه السلام » و معجزات امام صادق (ع).

(۴) رساله متعه، مرحوم شیخ مفید .

## **علل به انحراف کشیده شدن جوانان چیست ؟**

### **پرسش**

علل به انحراف کشیده شدن جوانان چیست ؟

### **پاسخ**

در این باره باید به چند نکته توجه نمود:

اولاً: این مسأله کلیت ندارد و در کنار افرادی که گرفتار برخی از انحرافات شده اند، جوانان بسیاری نیز در پناه انقلاب رشد معنوی و هدایت یافته اند، به گونه ای که وضع جوانان در انقلاب و پیش از انقلاب تفاوت‌های چشمگیری دارد.

ثانیاً: بروز انحراف در میان برخی از جوانان علل مختلفی دارد، البته یکی از این عوامل نیز ممکن است کم کاری برخی از حوزویان باشد، لیکن این نه در مورد همگان صادق است، نه تمام علت مسأله می باشد. بنابراین به جای یکسونگری، و انداختن تقصیر به عهده یک عده خاص باید با نگاه دقیق علمی از منظر جامعه شناختی و انسان شناختی به این پدیده نگریست و عوامل گوناگون، میزان تأثیر هر یک و راه اصلاح را بازشناسی کرد.

**من فکر می کنم عامل انحراف قشر تحصیل کرده این نیست که مثلاً اصول عقایدشان درست نیست، بلکه عامل مهم آن، این است که می بیند عملکرد کسانی که به اصول عقاید واقفند برخلاف آن اصول است، می بیند معتقدین به دین، اعمالی مرتکب می شوند که با آن عقاید سازگار نیست و چون**

### **پرسش**

من فکر می کنم عامل انحراف قشر تحصیل کرده این نیست که مثلاً اصول عقایدشان درست نیست، بلکه عامل مهم آن، این است که می بیند عملکرد کسانی که به اصول عقاید واقفند برخلاف آن اصول است، می بیند معتقدین به دین، اعمالی مرتکب می شوند که با آن عقاید سازگار نیست و چون نوع تحصیل کرده ها تازه کارند، با دیدن این ناسازگاری پس می

زنند. وقتی ما مدعی اسلام هستیم، آیا نباید احکام آن را تا آنجا که در حد توانمان هست پیاده کنیم؟

## پاسخ

این سؤال یکی از دو انگیزه زیرا را می تواند داشته باشد:

۱. اینکه صاحب سؤال خواسته باشد قشر تحصیل کرده را از این راه تبرئه کند و بگوید که اگر این قشر در صدد تحصیل عقاید حقه از راه استدلال بر نمی آید، بخاطر رفتاری است که از بسیاری از افراد بظاهر متدین می بیند/

۲. اینکه بخواهد از علت انحراف این قشر (یعنی طبقه متدین) سر در آورد/

اگر منظور از سؤال تبرئه کردن قشر تحصیل کرده است، در پاسخ می گوئیم علت و ریشه هر گناهی جهل به مقام پروردگار و نداشتن شناخت به مقام و شرافت انسانیت است و جاهل به این دو مقام، دو نوع است یکی آن جاهلی که در جهلش تقصیری ندارد و دیگری آن جاهلی که در جهلش مقصر است/

آنکه جاهل قاصر است، عذر موجه دارد و خدای تعالی او را مورد مؤاخذه قرار نمی دهد و ما حق نداریم که او را مورد مؤاخذه قرار داده، عملکرد او را معیار کار خود قرار دهیم و آنکه جاهل مقصر است (یعنی می تواند جهل را از خود برطرف سازد ولی کوتاهی می کند) هر چند که در گناهِش مؤاخذه می شود

لیکن گناه او از گناه فرد تحصیل کرده که در جاده علم است خفیف تر است /

پس قشر تحصیل کرده نمی تواند در درگاه خدای عزوجل این طور بهانه بیاورد که من دیدم قشر متدین که گفتیم بیشتر جاهل قاصر و مقصرند - اعمالی مرتکب می شد که با عقاید دینی او سازگار نبود، لذا پس زدم و از تحصیل عقاید درست و تشخیص دین صحیح از راه استدلال بیزار شدم، زیرا در تشخیص حق از باطل عملکرد افراد معیار نیست، حق حق است هر چند که همه مردم خلاف آن را بگویند و برخلاف آن عمل کنند و باطل هم باطل است هر چند که همه مردم طرفدار آن باشند و بر طبق آن عمل کنند /

و اگر انگیزه سؤال، پی بردن به علت انحراف باشد می گوئیم: تأثیر رفتار ناپسند این طبقه و مخصوصاً آنهایی که تظاهر بیشتری به دینداری می کنند، در افراد ساده لوح قابل انکار نیست و ما اگر بخواهیم این تأثیر را انکار کنیم، همان اشکال بالا به خود ما متوجه می شود یعنی قشر متدین را به ناحق تبرئه کرده ایم،

زیرا عمل زشت، زشت است و سخن باطل، باطل است هر چند که در قشر متدین دیده شود، لیکن اگر به نظر انصاف مسأله را مورد دقت قرار دهیم می بینیم که حداقل ده درصد خلاف کاریهایی که در قشر متدین دیده می شود، به وسیله افرادی ارتکاب می شود که جاهل قاصرند و بیش از پنجاه درصد آن به وسیله افرادی ارتکاب می شود که متدین نیستند یعنی در دل، عقیده راسخی به اصول عقاید اسلامی ندارند و اگر تظاهر به دینداری می کنند، برای این است که می خواهند مردم را

به دام خود بیندازند و در حقیقت با زبان شکار حرف می زنند؛ در سابق نیز گفتیم یک شکارچی ماهر وقتی می خواهد مثلاً خرس را شکار کند، برای اینکه در تیررس خود قرارش دهد، صدای خرس در می آورد، افراد منافق در هر جمعیتی چه در بین مسلمین و چه مسیحیان و چه جمعیت‌های دیگر اگر تظاهر به دینداری می کنند بخاطر همین است که در چشم‌ها عزیز و بزرگ آیند و دل‌ها را صید نموده، آنگاه در سایه این اعتماد، اغراض شوم خود را به دست آورند/

و اگر چهل درصد باقی مانده از خلافکارها را دقیقاً مورد نظر قرار دهیم خواهیم دید که بیش از سی درصد آن گناهانی است که افراد متدین واقعی مرتکب می شوند که بینش دینی آنان و چشم عقلشان از دید افتاده یعنی کورانی از خشم، یا شهوت، و یا کینه و یا کورانهایی دیگر در دل‌هایشان بپا خاسته و در آن حال مرتکب خلافی شده اند، گناه در این حال، معیار دینداری و بی دینی افراد نیست/

در بحث عدالت می گویند اگر عادل‌ی که مردم دنبال او به نماز می ایستند، در حال خشم غیبتی کرد و یا فحش داد باید ببینیم بعد از برطرف شدن خشمش چه وضعی دارد اگر دیدیم که شدیداً اندوهگین شد که چرا من جلو خشم خود را نگرفتم و در حال خشم فحش دادم و به درگاه خدا گریه و زاری می کند که خدایا از تقصیرم در گذر - و - در مثل - حالتی در او دیدیم نظیر حالت کسی که در حضور جمعی از افراد محترم حرکت بی ادبانه ای بکند که هر وقت به یاد آن رفتار ناهنجار می افتد،

از خجالت عرق می کند چنین کسی باز هم عادل است و ما می توانیم در نماز جماعت به او اقتدا کنیم، و خدای تعالی هم از گناه او در گذشته است، چون توبه همان حالت شرمندگی است که پس از گناه به انسان متدین دست می دهد و وقتی که خدای تعالی او را مؤاخذه نمی کند، ما حق نداریم از او انتقاد کنیم و اگر احیاناً خود ما از او خلافتی دیدیم، باید رفتارش را حمل بر صحت نموده بگوییم در حالی انجام داده که بینش درستی نداشته است /

بنابراین از درصد گناهایی که از قشر بظاهر متدین دیده می شود علت نود درصد آن معلوم شد باقی می ماند درصد که صدور آن از قشر متدین برای ما و شما معلوم نیست یعنی شایعه است و اگر در مقام تحقیق برآییم خواهیم دید که تهمتی بیش نیست و این مطلب قابل انکار نیست که در زندگی خود، به بسیاری از این موارد برخوردیم که درباره شخصی چیزی شنیده ایم که بعداً نادرستیش مسلم شده است /

## نظارت اجتماعی

### نظارت اجتماعی رسمی

**چرا علما و مراجع تقلید در مقابل تسلیمه ءنسرین که کتابی شبیه آیات شیطانی نوشت عکس العملی نشان ندادند؟**

### پرسش

چرا علما و مراجع تقلید در مقابل تسلیمه ءنسرین که کتابی شبیه آیات شیطانی نوشت عکس العملی نشان ندادند؟

### پاسخ

حکم کسانی که مسلمان بوده و مرتد شده اند، از نظر فقهی کاملاً روشن است. علاوه بر آن که توهین به مقدسات نیز، خود از نظر فقهی دارای احکام معین و مشخص است. ولی اگر بنا باشد در کلیه این موارد، همانند قضیه سلمانرشدی، از سوی مراجع و یا مسؤولین حکمی صادر گردد، به نظر می رسد در هر چند روز بایستی یک چنین احکامی صادر گردد و این موضوع در شرایط فعلی نمی تواند چندان معتبر باشد.

اما مسأله سلمان رشدی دارای ویژگی خاصی بود و آن حمایت استکبار جهانی از او و تلاش برای گسترش افکار شیطانی وی بود.

این موضوع، امام را بر آن داشت تا موضعی قوی و نیرومند در برابر آن اتخاذ نمایند تا هم درسی برای دیگران باشد و هم آن که استکبار جهانی و صهیونیسم، از آن بهره ای نبرند. ولی این بدان معنا نیست که برای هر مرتدی باید اطلاعیه ای صادر کرد. در این صورت چه بسا که نتیجه معکوس دهد و باعث اشاعه آن بشود.

خواهید گفت حکم الهی چه می شود؟ احکام الهی در صورتی به اجرا درمی آیند که قدرت بر انجام آن باشد. بسیاری دیگر



از احکام الهی هست که ما قادر نیستیم آن را در جهان پیاده کنیم؛ آیا باید بر سر آنها هر روز سر و صداییه پا کنیم؟

پس بایستی شرایط زمان و مکان، کاملاً سنجیده شود و آن گاه حکم صادر گردد و جنبه اجرایی پیدا کند. }J

**برای شهر فردوس چون امام جمعه ندارد از مسئولین درخواست امام جمعه نمائید.**

**پرسش**

برای شهر فردوس چون امام جمعه ندارد از مسئولین درخواست امام جمعه نمائید.

**پاسخ**

جهت تعیین امام جمعه برای شهر فردوس از طریق شورای سیاست گذاری ائمه جمعه استان و مرکز باید اقدام کرد. مردم مؤمن و متدین شهرستان فردوس می توانند با نوشتن طومار و نامه درخواست امام جمعه کنند البته زمانی که ما برای شما این مطلب را می نویسیم به نظر می رسد امام جمعه جدید به شهر فردوس منصوب شده باشند و برای ایشان آرزوی موفقیت داریم و برای حل مشکلات می توانید با امام جمعه در تماس باشید.

**چرا وزارت ارشاد اجازه پخش نوارهای غیر اسلامی را می دهد؟**

**پرسش**

چرا وزارت ارشاد اجازه پخش نوارهای غیر اسلامی را می دهد؟

**پاسخ**

این موضوع شایعه ای بیش نیست. اگر می توانید چند نوع از این گونه نوارها را نام برده، دلایل غیراسلامی بودن آن را بنویسید و برای ما ارسال نمایید، تا ما به وزارت ارشاد ارسال کنیم و علت پخش آن را جویا شویم. عده ای در این مملکت کارشان شایعه سازی است.

**آیا روشهای تعلیم و تربیت دینی در مدارس و جامعه با روشهای تربیتی قرآن هم خوانی دارد؟**

**پرسش**

آیا روشهای تعلیم و تربیت دینی در مدارس و جامعه با روشهای تربیتی قرآن هم خوانی دارد؟

## پاسخ

۱. پاسخ جامع به سؤال شما نیازمند تحقیق در دو امر است.

اول؛ هدف و روشهای تعلیم و تربیت در قرآن چیست؟

دوم؛ هدف و روشهای تعلیم و تربیت در جامعه چگونه است؟

بعد از معلوم شدن این دو مطلب پاسخ سؤال شما آشکار می گردد.

۲. بدیهی است پاسخ جامع به این دو سؤال نیازمند زمان و بررسی میدانی در این خصوص است اما بطور اجمال اشاره می کنم که :

هدف قرآن کریم از تعلیم و تربیت، در یک کلام به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان و رشد اوست و روشهای متفاوتی را نیز در قرآن کریم به این منظور ارایه نموده است از آن جمله :

(۱) آموزش به وسیله عمل (۲) آموزش همراه با ترغیب و تهدید و مانند آن (۱) در این آموزش فراگیری، ممزوج با تزکیه است و به گونه ای صورت می گیرد که فرد، حقیقت مورد نظر را می یابد یا به اصطلاح "وجدان" می کند. یعنی نه تنها از نظر عقلی می فهمد بلکه با تمام وجود آن را می یابد. قرآن بدنبال یاد دادن معلومات نیست بلکه به دنبال ایجاد معرفت و شناخت است.

۳. در این که آیا چنین روشهایی در جامعه پیاده می شود به طور اجمال می توان گفت بخشی از این آموزشها در مدارس و مؤسسات فرهنگی مورد توجه قرار می گیرد و استفاده می شود اما آنچه که مد نظر قرآن است عملاً کمتر تحقق پیدا می کند چرا که یکی از شرایط تربیت قرآنی، مربی پاک است. یعنی علاوه بر معارف بلندی که

دارد، کسی که آن را منتقل می کند نیز باید پاک و طاهر باشد. لذا گرچه اقدامهای نسبتاً خوبی در این باره صورت گرفته اما تا تحقق کامل تعالیم قرآن راهی بس طولانی را در پیش داریم.

تکمیل و ارسال فرم نظر سنجی موجب تکامل و پویایی کارماست.

منابع و مآخذ :

۱. دانشنامه قرآن، ج ۱، ص ۵۱۲، ذیل تربیت از دیدگاه قرآن

**بفرمایید جلوی این همه بیحجابی و بد حجابیها را چه کسی باید بگیرد؟**

**پرسش**

بفرمایید جلوی این همه بیحجابی و بد حجابیها را چه کسی باید بگیرد؟

**پاسخ**

احساس مسئولیت شما در قبال حجاب و پوشش زنان جامعه قابل تقدیر و تحسین است و اما در خصوص جلوگیری از بدحجابی و بی حجابی در جامعه لازم می دانیم نکاتی را یادآور شویم .

در خصوص وضعیت موجود اولین نکته ای که باید مورد توجه همگان اعم از مسئولان حکومتی فرهنگی، امامان جمعه و جماعت، مدیران مراکز آموزش (مدارس و دانشگاهها) و حوزه های مقدسه علمیه و عموم گویندگان و خطیبان و رهبران فکری جامعه که وظیفه هدایت جامعه را بر عهده دارند، قرار گیرد این است که علل و عوامل بی حجابی و بدحجابی را موشکافی و ریشه یابی و کالبد شکافی کنند و در مرحله بعد راهکارهایی برای مقابله روند موجود طراحی و برنامه ریزی نمایند. در عصر حاضر و در جهان کنونی قدر مسلم آن است که با روش ها و شیوه های سنتی گذشته و امر و نهی صرف و بدون توجه و تبیین و تفسیر و اقصاع افکار عمومی نمی توان با پدیده ای مقابله و مبارزه کرد و آنرا از میان برد. اگر بدون شناسایی علل و عوامل پیدایش پدیده های اجتماعی همانند بدحجابی و بی حجابی به ممانعت از نوعی پوشش و اجبار به پوشش خاص پردازیم نه تنها آثار مثبتی به دنبال ندارد بلکه افراد را به عکس العمل متقابل وادار می سازد و از روی لجاجت بازی پرچم مقابله و مبارزه برخواهند افراشت.

به عنوان مثال در یکی از مراکز آموزشی در سال ۱۳۷۲ از دختران دانشجو بصورت غیر مستقیم و بدون این که اسم خودشان را ذکر بکنند سؤال کرده بودند آیا داشتن حجاب را

برای کرامت انسانی لازم می دانید؟

۹۵ درصد جواب مثبت داده بودند ولی در بررسی ظاهری در محیط و فضای دانشگاه متوجه شدند تنها ۳۵ درصد رعایت حجاب شرعی را می نمایند. حال اگر به این دختران دانشجو گفته شود حجاب خودتان را حفظ کنید یا تحت فشاری قرار گیرند تا حجاب را حفظ کنند آیا فکر می کنید نتایج مثبتی در پی داشته باشد. قطعاً خیر. تا زمانی که بترسد رعایت خواهد کرد ولی همین که از درب دانشگاه خارج شد چادرش را بر خواهد داشت و ... و گاهی برای انتقام جویی به برخی کارهای ناشایست اقدام خواهد کرد. نمونه های فراوانی در جامعه که نتیجه عکس العمل تند بوده است مشاهده شده است. زن باید ایمان و اعتقاد قلبی داشته باشد تا حجاب را رعایت کند. به زور و اجبار نمی توان حجاب و پوشش را ترویج کرد: لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی .... در دین زور و اجباری نیست، ایمان امری فردی و اختیاری و آگاهانه است که هر کس خودش باید خداوند را بپذیرد نه به زور واکراه و اجبار. حجاب نیز که از ضروریات اسلام است از این امر مستثنی نیست.

مادر گرامی و ارجمند برای مقابله با بدحجابی و بی حجابی همگان باید تلاش کنند، مسئولان کشوری و بخصوص روحانیان، فرهنگیان، دانشگاهیان، صدا و سیما، روزنامه ها و تمام مردم در این زمینه مسئولیت دارند و همه باید با هم هماهنگ عمل کنند. حال تصور کنید خانواده به فرزندانش اصرار می ورزد چادر بپوشد و فرزندان، زنان و دختران دیگر را در جامعه و تلویزیون با وضعیت دیگری مشاهده می کنند می پرسند مگر سیمای جمهوری اسلامی سیمای

اسلامی نیست اگر این پوشش که خانواده اصرار می ورزد اسلامی است چرا در تلویزیون و دانشگاهها و بازار و کوچه و ... رعایت نمی شود، بخصوص اگر مورد تحقیر و تمسخر قرار گیرد خیلی زود ممکن است تغییر پیدا کند.

اگر مسئولان دم از اسلام بزنند و خودشان به دستورات اسلامی عمل نکنند، رشوه بگیرند، کار مردم را راه نیندازند، به وعده های خودشان عمل نکنند و ... و از طرف دیگر فریاد و اسلاما سر دهند که اسلام از بین رفت آیا فکر می کنید اثر مثبت دارد

وقتی فقر و بیعدالتی، پارتی بازی، رشوه و ... در جامعه رواج پیدا کند. مفسد اجتماعی و بی حجابی و بد حجابی نیز در جامعه گسترش پیدا می کند و وقتی عدالت اسلامی توسعه یابد، مسئولان خادم و خدمتگذار باشند و رفتار و گفتارشان با هم یکسان باشد و ... جامعه به سوی صلاح پیش خواهد رفت. وقتی اعضای جامعه خود را مقید به رعایت مسایل دینی و اسلامی بکنند خود به خود جامعه اصلاح می شود و حجاب و پوشش اسلامی رواج می یابد. عمل به اسلام وظیفه همگانی است و مقابله با تخلفات نیز.

**چرا بعد از ۲۵ سال که از انقلاب اسلامی می گذرد هنوز هم بحث اعتیاد و سیگار و حشیش و مشروبات الکلی در جامعه ما زیاد شده است؟ شاید سؤال من خنده دار باشد ولی خیر منشاء همه اعتیادها جامعه که جوانان ما را به تباهی کشانده بله حرف اصلی بنده این است که چرا آیت ...**

### **پرسش**

چرا بعد از ۲۵ سال که از انقلاب اسلامی می گذرد هنوز هم بحث اعتیاد و سیگار و حشیش و مشروبات الکلی در جامعه ما زیاد شده است؟ شاید سؤال من خنده دار باشد ولی خیر منشاء همه اعتیادها جامعه که جوانان ما را به تباهی کشانده بله حرف اصلی بنده این است که چرا آیت ... میرزا شیرازی جرأت داشت حرام کند یعنی فتوا داد و مردم انجام دادند ولی نه حضرت امام ( این کار را انجام داد و نه

مقام معظم رهبری چرا؟ اگر در جامعه ای سیگار وجود نداشته باشد جوانان ما به ورطه نابودی کشانده نمی شوند منشاء تمام اعتیادها مخدر از سیگار شروع می شود حتی قیمت این وسیله ها آنقدر ارزان است که به سادگی بدست همه پیدا می شود مثال یک شیشه الکل در داروخانه ها ۳۰۰ تومان است اگر بکند ۳۰۰۰۰ تومان هیچ موقع جوان به طرف نابودی نمی رود توضیح دهید؟

## پاسخ

سوز و گداز و دلسوزی شما نسبت به آینده جامعه و نسل جوان و آینده ساز کشور قابل تحسین و تقدیر است. تشخیص شما نیز در خصوص معضل بزرگ اعتیاد و خطرات ناشی از آن نیز بسیار قابل توجه و ارزشمند است. خوشحالیم که افرادی متعهد، مسئول و دلسوز در جامعه وجود دارند و مشکلات را به خوبی درک می کنند و آنرا یادآوری می شوند.

بحث مواد مخدر و علل و عوامل گسترش آن بسیار پیچیده و گسترده است. متأسفانه کشور ما در مسیر ترانزیت مواد مخدر و در همسایگی افغانستان قرار گرفته که بیش از ۹۰ درصد مواد مصرف شده کل دنیا را تولید می کند.

مسئولان کشور در مراحل و مقاطع گوناگون با این پدیده شوم همیشه مبارزه کرده اند و تاکنون سرمایه های زیاد انسانی و غیر انسانی، در راه مقابله و مبارزه با پدید زشت مواد مخدر از بین رفته است. چه بسیار انسانهای خدمی که در مقابله با اشرار مسلح و قاچاقچیان حرفه ای بین المللی به شهادت رسیده اند چه امکانات فراوان و زیادی که در راه مقابله با آن بکار گرفته شده ولی حجیم تولید و انتقال مواد و پیچیدگی موضوع و ابعاد بین المللی آن آنقدر زیاد و گسترده و حجیم بوده

است که این تلاشها و زحمات و خدمات نمود و بروز جدی و چندانی نداشته است ولی تصور کنید اگر این اقدام ها صورت نمی گرفت آیا حالا می توانستیم حتی با ذره بینی هم افراد غیر معتادی پیدا کنیم. بعید بوده. مواد مخدر تأمین کننده گسترده و بین المللی بسیار پیچیده و خطرناکی که تا بحال داشته اند خوشبختانه نتوانسته اند به اهداف پلید خودتان نایل آیند.

با تدابیر جدید عوامل انتظامی و برنامه ریزان اجتماعی خوشبختانه ترک اعتیاد در کشور رو به افزایش است و امیدواریم بتوانیم این معضل خانمان برانداز را کاهش بدهیم. البته مقابله با اعتیاد و مواد مخدر تنها با یک فتوا و فرمان قابل اجرا نیست. مقایسه زمان کنونی با عصر میرزای شیرازی نیز درست و صحیح به نظر نمی رسد قدرت و اقتدار دستگاه مرجعیت و روحانیت و تدبیر و اطاعت پذیری مردم در حال حاضر با آن زمان نیز قابل مقایسه نیست. چنانچه میزان آگاهی و بینش مردم نیز متفاوت است. از طرف دیگر فتوای میرزای شیرازی جنبه سیاسی و مبارزه با حکومت و قرارداد ننگین دستگاه حکومت ایران با اجانب بود نه منع مصرف تنباکو. صرف مصرف نبود بلکه خرید و فروش و مصرف و ... به عنوان کمک به اجانب و اسارت ملت تلقی می شد. ولی امروز اگر چه بحث مواد مخدر بعد استعمار و استکباری دارد ولی برای آحاد جامعه و افراد به عنوان یک معضل اجتماعی فردی مطرح است نه کمک به اجانب و بیگانگان. حل مشکل اعتیاد نیازمند بسیج همگانی و عزمی ملی است. باید به گونه ای افراد دلسوز و نسل جوان و فهیم و ... به مقابله با این پدیده شوم

بروند و آن چنان قبیح و زشتی برای آن در فرهنگ عمومی مطرح شود که افراد از مصرف آن احساس قباح و زشتی بکنند. قبیح بودن مصرف مواد باید فرهنگ عمومی بشود. اگر چنین شد موفقیت حاصل می شود و گرنه از عهده یک یا چند دستگاه ساخته نیست. از شما می پرسیم آیا تعدد همسر بوسیله مقامات مسئول منع شده است در حالی که از نظر اسلام داشتن چند زن جایز است ولی چرا جامعه نمی پذیرد و ازدواج مجدد قبیح و زشت شده، چون فرهنگ شده است.

**نظام جمهوری اسلامی ایران چه تمهید و تعبیراتی در خصوص تربیت دختران و پسران چه در خانواده های مذهبی و غیر مذهبی که متأسفانه هیچ تقید و پایبندی به تربیت دینی فرزندان وجود ندارد و نظر به جذابیت های کاذبی که در راستای انحراف فرزندان از اصول دینی و معرفی وجود**

### پرسش

نظام جمهوری اسلامی ایران چه تمهید و تعبیراتی در خصوص تربیت دختران و پسران چه در خانواده های مذهبی و غیر مذهبی که متأسفانه هیچ تقید و پایبندی به تربیت دینی فرزندان وجود ندارد و نظر به جذابیت های کاذبی که در راستای انحراف فرزندان از اصول دینی و معرفی وجود دارد و نصایح پدر و مادر و تبلیغات دینی را تحت شعاع قرار داده اندیشیده است و برای به راه آوردن این نسل آینده ساز چه کاری می بایست کرد؟

### پاسخ

تربیت امری فراگیر و همه جانبه است و یک فرد یا دستگاه در برابر آن مسئول نیستند. همه اعضای جامعه، خانواده، مدرسه، حکومت و دستگاههای گوناگون برای تعلیم و تربیت فرزندان جامعه مسئولیت دارند. همه و همه باید برای رشد تعالی نسل جوان با تلاش و جدیت بیشتر اقدام کنند. این که افراد یکدیگر را مسئول بدانند یا دولت را مسئول بشمارند و خود هیچ گونه اقدامی نکنند، نوعی فرار از مسئولیت است، نوعی شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت سنگینی است که بر عهده دارند.

متأسفانه پس از انقلاب اسلامی همه نابسامانی ها را به دولت ربط می دهیم و همه چیز را از دولت می خواهیم و غافل هستیم از اینکه دولت ما هستیم و ما دولتییم. همه و همه مسئولیم "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت" در مرحله اول برای تربیت فرزندان پدر و مادر و خانواده مسئول هستند در مرحله بعد مدرسه و مربیان و کادر آموزشی و سپس دانشگاه ها و نهادهای مسئول و کل جامعه برای تربیت نسلی فهیم و با شرافت و فضیلت مسئولیت دارند.

ما باید به



دیگران مسؤولیت خطیرشان را مرتب یادآور شویم و متذکر شویم که مدرسه و دانشگاه و سازمانهای فرهنگی و آموزشی و وزارت خانه ها و نهادهای مختلف و مسؤولان عالیرتبه کشوری چه مسؤولیت های خطیر و حساسی برای تربیت نسل امروز بر عهده دارند. باید به آنان یادآور شویم که در قبال این نسل باید پاسخگو باشند و همه جدّ و جهد خویش را بکار گیرند تا نسلی پویا، با نشاط، پر تحرک، عالم، اندیشمند و با فضیلت بارآورند و البته همزمان با این یادآوری نباید از مسؤولیت خودمان غفلت کنیم ما و شما که احساس می کنیم نسل امروز در برابر سیل و طوفان سهمگین تهاجم فرهنگی و انواع انحرافات گوناگون قرار دارد در برابر این نسل مسؤولیت بسیار خطیری داریم. آیا اگر دیگران به وظیفه شان عمل نکردند ما نیز نباید آنچه از دستمان ساخته است انجام بدهیم. آیا ما قادر نیستیم حتی یک نفر را هدایت کنیم. تصور کنید هر کدام از ما که چنین احساسی داریم همزمان با اینکه به دیگران مسؤولیت شان را یادآور می شویم خود نیز دست به کار شویم و برای هدایت و تربیت نسل فعلی آنچه از دستمان ساخته است انجام دهیم، چه خواهد شد، اگر هر کدام از ما حداقل یک نفر را هدایت کنیم و از خطا و گناه حفظ کنیم بخش وسیعی از جوانان هدایت می یابند ولی افسوس که همه یاد گرفته ایم انتقاد کنیم که البته انتقاد خوب است ولی کافی نیست. باید هم انتقاد کنیم و هم خودمان به وظیفه خویش عمل کنیم و تا جایی که برای ما مقدور است

از توان و امکان خود و بستگان و دستگاہها برای هدایت نسل جوان استفاده کنیم. تربیت جز با تلاش همگانی و تفکر مقدور نیست. پس پیش بسوی این ایده.

**به چه دلیل جلو بی حجابی گرفته نمی شود و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می شود. و پوشش این افراد کمتر می شود آیا ما می توانیم صبر کنیم تا زمانی که فرهنگ این افراد درست شود که خودشان حجاب را رعایت نمایند. به چه دلیل ما اگر فردی اسلحه به دست بگیرد و خواسته**

### **پرسش**

به چه دلیل جلو بی حجابی گرفته نمی شود و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می شود. و پوشش این افراد کمتر می شود آیا ما می توانیم صبر کنیم تا زمانی که فرهنگ این افراد درست شود که خودشان حجاب را رعایت نمایند. به چه دلیل ما اگر فردی اسلحه به دست بگیرد و خواسته باشد کسی را بکشد همه جلو او را می گیرند ولی این افراد بی حجاب روح مسلمین را نشانه گرفته اند و متأسفانه مسئولین در این زمینه اقدامی نمی کنند و به قدری روی این افراد بی حجاب زیاد شده اند که کسی جرأت نمی کند آنها را امر به معروف بکند چون نتیجه عکس می گیریم آیا اسلام و جمهوری اسلامی در این زمینه فکری کرده است یا خیر؟

### **پاسخ**

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد.

از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود همه آنچه که نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد: الف) کار

بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی.

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز کرده است. امید است با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد. بهبود وضعیت حجاب نیاز به برنامه ریزی وسیع فرهنگی و اجتماعی دارد. در این راستا علاوه بر تکالیف فردی، در جهت ارشاد دیگران بایستی با برنامه های کلان تلاش کرد. عوامل بد حجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود: الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلفه هایی است که در به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است:

الف) - از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را و قرآن می فرماید: *إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا* (۱)

بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما - که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای نیست -

بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از طرف برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت است و ... می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، برخی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند. یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می باشد. قرآن کریم فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**. خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند. (۲)

ب)- ریشه های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ غربی به ویژه در بعد فرهنگی، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند رو این معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد.

ج)- کوتاهی و بی توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در

تثیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است. گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی، محاصره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه کار و برنامه هایی در جهت تثیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد.

د)- بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و... گردید

ه)- عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

و)- برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز

و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

(ز)- اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف احاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

(ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی- اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد

(الف)- راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد.

(ب)- کار بنیادی فرهنگی. مسلماً برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی

و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاههای فرهنگی نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند. برای آگاهی بیشتر ر. ک: ۱- حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد ۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها ۴. شهید مطهری، مسأله حجاب.

منابع و مأخذ:

(۱) انسان، آیه ۳

(۲) رعد، آیه ۱۱

**یکی از بزرگترین بدبختی های جامعه ما مواد مخدر و دخانیات می باشد پس چرا دولت دم از ترک آن می زند و آن را خطر بزرگ می داند و اعتیاد مرگ تدریجی می گویند. چرا خود دولت دخانیات تولید می کند و چرا مقام معظم رهبری آن را حرام نمی کنند مثل آیت الله شیرازی؟**

**پرسش**

یکی از بزرگترین بدبختی های جامعه ما مواد مخدر و دخانیات می باشد پس چرا دولت دم از ترک آن می زند و آن را خطر بزرگ می داند و اعتیاد مرگ تدریجی می گویند. چرا خود دولت دخانیات تولید می کند و چرا مقام معظم رهبری آن را حرام نمی کنند مثل آیت الله شیرازی؟

**پاسخ**

حضرت آیت الله خامنه ای:

استعمال سیگار حرام است در صورت داشتن ضرر متشابه.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

کشیدن سیگار و انواع دخانیات اگر به تصدیق اهل اطلاع ضرر مهمی داشته باشد حرام است.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

چنانچه موجب اعتیاد شود جایز نیست و معتاد به آن در صورت عدم ضرر آن را ترک کند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

برای هر کس ضرر متعدّبه داشته باشد جایز نیست.

حضرت آیت الله تبریزی:

کار خوبی نیست بهتر آن است ترک شود.

حضرت آیت الله سیستانی:

کسی که می داند سیگار برای او ضرر مهمی مانند بیماری های مهلک دارد جایز نیست بکشد و سیگار کشیدن در جمع اگر کسی حاضر باشد که برای او ضرر مهمی دارد مانند بیماران ریوی جایز نیست.

سوز و گداز و دلسوزی شما نسبت به آینده جامعه و نسل جوان و آینده ساز کشور قابل تحسین و تقدیر است. تشخیص شما نیز در خصوص معضل بزرگ اعتیاد و خطرات ناشی از آن نیز بسیار قابل توجه و ارزشمند است. خوشحالیم که افرادی متعهد، مسئول و دلسوز در جامعه وجود دارند و مشکلات را به خوبی درک می کنند و آنرا یادآوری می شوند.

بحث مواد مخدر و علل و عوامل گسترش آن بسیار پیچیده و گسترده است. متأسفانه کشور ما در مسیر ترانزیت مواد مخدر و



در همسایگی افغانستان قرار گرفته که بیش از ۹۰ درصد مواد مصرف شده کل دنیا را تولید می کند.

مسئولان کشور در مراحل و تقاطع گوناگون با این پدیده شوم همیشه مبارزه کرده اند و تاکنون سرمایه های زیاد انسانی و غیر انسانی، در راه مقابله و مبارزه با پدیده زشت مواد مخدر از بین رفته است. چه بسیار انسانهای خدمتی که در مقابله با اشرار مسلح و قاچاقچیان حرفه ای بین المللی به شهادت رسیده اند چه امکانات فراوان و زیادی که در راه مقابله با آن بکار گرفته شده ولی حجم تولید و انتقال مواد و پیچیدگی موضوع و ابعاد بین المللی آن آنقدر زیاد و گسترده و حجیم بوده است که این تلاشها و زحمات و خدمات نمود و بروز جدی و چندانی نداشته است ولی تصور کنید اگر این اقدام ها صورت نمی گرفت آیا حالا می توانستیم حتی با ذره بینی هم افراد غیر معتادی پیدا کنیم. بعید بود مواد مخدر تأمین کننده دنیای بسیاری از افراد است و باید با درآمد کلان آن، کشور افغانستان اداره می شود. این مواد خانمانسوز یکی از ابزار مهم و عمده استعمار و استکبار برای مقابله با نسل جوان مسلمان و ایرانی است. دشمنان با استفاده از آلوده کردن جوانان و مردم کشور ما می خواهند جامعه ما را به تباهی و نابودی بکشانند ولی با همه هجوم گسترده و بین المللی بسیار پیچیده و خطرناکی که تا بحال داشته اند خوشبختانه نتوانسته اند به اهداف پلید خودشان نایل آیند.

با تدابیر جدید عوامل انتظامی و برنامه ریزان اجتماعی خوشبختانه ترک اعتیاد در کشور رو به افزایش است و امیدواریم بتوانیم این معضل خانمان برانداز را کاهش بدهیم.

البته مقابله با اعتیاد و مواد مخدر تنها با یک فتوا و فرمان قابل اجرا نیست. مقایسه زمان کنونی با عصر میرزای شیرازی نیز درست و صحیح به نظر نمی رسد قدرت و اقتدار دستگاه مرجعیت و روحانیت و تدبر و اطاعت پذیری مردم در حال حاضر با آن زمان نیز قابل مقایسه نیست. چنانچه میزان آگاهی و بینش مردم نیز متفاوت است. از طرف دیگر فتوای میرزای شیرازی جنبه سیاسی و مبارزه با حکومت و قرارداد ننگین دستگاه حکومت ایران با اجانب بود نه منع مصرف تنباکو. صرف مصرف نبود بلکه خرید و فروش و مصرف و ... به عنوان کمک به اجانب و اسارت ملت تلقی می شد. ولی امروز اگر چه بحث مواد مخدر بعد استعمار و استکباری دارد ولی برای آحاد جامعه و افراد به عنوان یک معضل اجتماعی فردی مطرح است نه کمک به اجانب و بیگانگان. حل مشکل اعتیاد نیازمند بسیج همگانی و عزمی ملی است. باید به گونه ای افراد دلسوز و نسل جوان و فهیم و ... به مقابله با این پدیده شوم بروند و آن چنان قبیح و زشتی برای آن در فرهنگ عمومی مطرح شود که افراد از مصرف آن احساس قباح و زشتی بکنند. قبیح بودن مصرف مواد باید فرهنگ عمومی بشود. اگر چنین شد موفقیت حاصل می شود و گرنه از عهده یک یا چند دستگاه ساخته نیست. از شما می پرسم آیا تعدد همسر بوسیله مقامات مسئول منع شده است در حالی که از نظر اسلام داشتن چند زن جایز است ولی چرا جامعه نمی پذیرد و ازدواج مجدد قبیح و زشت شده، چون فرهنگ شده است.

منابع و مأخذ:

مسائل

جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۱، ص ۱۴۷۱۴۸، سید محسن محمودی

**چرا در جامعه اسلامی ما با توجه به ارزش حجاب و امور معنوی فیلمهایی در سینما و تلویزیون پخش می شود که اسباب هتک حرمت زن را فراهم کرده و پاکی و معنویت جامعه را خدشه دار می سازد؟ چه کسی مسئول است**

**پرسش**

چرا در جامعه اسلامی ما با توجه به ارزش حجاب و امور معنوی فیلمهایی در سینما و تلویزیون پخش می شود که اسباب هتک حرمت زن را فراهم کرده و پاکی و معنویت جامعه را خدشه دار می سازد؟ چه کسی مسئول است

**پاسخ**

دوست عزیز، متأسفانه یکی از معضلات اجتماعی ما فیلمها و نشریاتی است که با صحنه های زشت و به دور از شئون اسلامی در سطح جامعه پخش می شود که این باعث خون دل خوردن قشر مذهبی و دلسوز جامعه گردیده است اما از آنجا که این امور در حیطه مسئولیت وزارت ارشاد اسلامی است خیرخواهان باید به آن مقامات تذکر دهند.

**با این که اصل حجاب در قرآن آمده، چرا در برنامههای تلویزیونی حجاب رعایت نمیشود؟ و چرا رهبر و دیگر مراجع تذکر نمیدهند؟**

**پرسش**

با این که اصل حجاب در قرآن آمده، چرا در برنامههای تلویزیونی حجاب رعایت نمیشود؟ و چرا رهبر و دیگر مراجع تذکر نمیدهند؟

**پاسخ**

انحرافات اجتماعی و ترویج فساد، فحشا و بدحجابی در بین اجتماع از طرف افراد فاسد، مطلبی است که همواره از آغاز آفرینش انسان بوده و هست و انبیای عظام و اولیای الهی همیشه با این افراد درگیر بودهاند.

قطعاً افراد بدحجاب و مفسد از مرام، فکر و خواستههای اولیا و شهدا فرسنگها دورند. در مقطع کنونی، مقابله با این مظاهر فساد، کار فرهنگی و جدی و ریشه‌داری می‌طلبد که باید مردم و مسئولان به آن همت گمارند.

برای مقابله و پیشگیری از بدحجابی و فساد به عنوان یک وظیفه برای فرد فرد مسلمانان به چند راه کار اشاره میشود:

۱. تقویت باورهای دینی: اگر کسی به این مرحله از باور برسد که خداوند را همیشه حاضر و ناظر بر کارهایش بداند دیگر

سعی میکند گناه نکند.

۲. احیای فرهنگ اصیل اسلامی و شناساندن حجاب به عنوان یک ارزش:

۳. امر به معروف و نهی از منکر:

بهترین روش مبارزه با ضد ارزشها امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن درباره یاوران [دین] الهی میفرماید: "همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز بر پا میدارند و زکات میدهند و به کارهای پسندیده وا میدارند و از کارهای ناپسند باز میدارند و فرجام همه کارها از آن خداست". (حج، ۴۱)

۴. شناساندن الگوهای والا:

امروز یکی از تأسفهای جدی این است که زن مسلمان آن چنان که بایسته و شایسته است با چهره‌های بلند تاریخ

اسلام آشنا نیست؛ زندگانی حضرت زهرا ۳ و فرزند برومندش پیامآور عاشورا حضرت زینب دیگر چهره‌های والای تاریخ گذشته و معاصر باید برای زن مؤمن نشان داده شود تا بنگرد چه سان با حفظ هویت، شخصیت، وقار و متانت میتواند در جامعه حضور پیدا کند و ایفای نقش نماید؛ "قل إن كنتم تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي" (آل عمران، ۳۱) (ای پیامبر) بگو: اگر خداوند را دوست میدارید، از من پیروی کنید." (ر.ک: حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، فتحیه فتاحی زاده، ص ۱۸۰ ۱۸۹، دفتر تبلیغات اسلامی).

اگر در برخی از برنامه‌های سیمای جمهوری اسلامی، حجاب رعایت نمیشود، این یک منکر است و همه مردم مکلفند، تذکر دهند و نهی از منکر نمایند، رهبر و مراجع تقلید هم، بارها تذکر داده‌اند.

اگر همه مؤمنان همگام با رهبر و مراجع، تذکر دهند، از منکرات کاسته شده و صدا و سیما به اهداف دینی نزدیکتر خواهد شد.

در ضمن هر کس مسئول کار خودش است. اگر در برخی از مراکز دولتی، منکری صورت گیرد، کسانی که مسئول آن مرکز هستند، مسئول میباشند.

**چرا مسؤولان رده بالای کشوری به مسأله تهاجم فرهنگی اعتنایی ندارند، البته حرفش را میزنند و نصیحت‌های خوب و تأثیر گذاری میکنند ولی به گفته‌های خود جامه عمل نمیپوشانند (که شاید مشکل اصلی نظارت نادرست باشد)؟**

**پرسش**

چرا مسؤولان رده بالای کشوری به مسأله تهاجم فرهنگی اعتنایی ندارند، البته حرفش را میزنند و نصیحت‌های خوب و تأثیر گذاری میکنند ولی به گفته‌های خود جامه عمل نمیپوشانند (که شاید مشکل اصلی نظارت نادرست باشد)؟

**پاسخ**

تهاجم فرهنگی از جمله ابزارها و روشهای دینستیزی و مبارزه با خداپرستی است که همواره از سوی دشمنان خداپرستی به کار گرفته شده است؛ نمونه‌هایی از آن را در داستانهایی که قرآن از امتهای پیشین مطرح میکند، به خوبی مشاهده میکنیم. (طه، ۸۵ و...) دشمنان اسلام نیز با استفاده از پیشرفتهترین ابزارهای تبلیغاتی، همواره سعی در منحرف کردن مسلمین داشته‌اند که نمونه آن را در فریبکاریهای معاویه و یزید که منجر به شهادت علیو امام حسین شد در تاریخ ملاحظه میکنیم. اسلام و قرآن برنامه‌های جامع و عملی جهت مقابله و پیشگیری از این تهاجم را از قبل پیشبینی نموده از جمله: توصیه به پرستش خدا به جای اطاعت از شیطان (یس، ۶۰۶۱)، حفظ روحیه دشمنستیزی (فتح، ۲۹)، تقویت و تعمیق باورهای دینی (انعام، ۷۱ و اسراء، ۳۶)، اقامه و احیای فرهنگ نماز در جامعه (عنکبوت، ۴۵)، احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه (آل عمران، ۱۰۴) عبرتآموزی از امتهای گذشته (یوسف، ۱۱۱ و حشر، ۲) و...

اما آنچه موجب ساخته شدن سد محکم در مقابل دشمن شده و از نفوذ او جلوگیری میکند، عمل کردن به این دستورها است و از آنجا که خداوند انسان را آزاد و با اختیار خلق کرده تا خود مسیر صحیح را انتخاب کند. در مقام انتخاب، عده‌های لذتهای دنیوی را بر آخرت ترجیح میدهند. (آل عمران، ۱۵۲ و نساء، ۲۷)؛ چرا

که نفس آدمی سرکش بوده (یوسف، ۵۳) و اگر آن را در حال افسارگسیختگی رها کنند، همه عمر را به فسق و فجور میگذرانند. (قیامت، ۵)، بنابراین اگر مسلمین از اسلام فاصله بگیرند و به دستورهای قرآن جامه عمل نپوشانند، چنین سدی هرگز ساخته نخواهد شد. البته بخشی از کار بر عهده دولتها و مسئولین اجرایی و قضایی جامعه اسلامی است ولی بخش عمده آن بر عهده ملت و فرد فرد مسلمین میباشد، به عنوان نمونه، جمعآوری آنتنهای ماهواره‌های امری است که به وسیله دولت صورت میگیرد؛ اما این خود فرد است که میبایست به گونه‌های تربیت شود تا در برابر هر ندای انحرافی مصون بماند. (ر.ک: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، مهدی نوید / تهاجم فرهنگی، آیت الله مصباح یزدی / فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سخنان مقام معظم رهبری / تاریخ تهاجم فرهنگی غرب و رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی و ستیز / تهاجم فرهنگی غرب و ...).

بدیهی است که در مقابله با تهاجم فرهنگی، شیوه‌های فرهنگی مؤثرتر از شیوه‌های نظامی و زورمدارانه است و نمیتوان سدی آهنین بین ایران و سایر کشورها ساخت که فیلم و ماهواره و... وارد نشود. بلکه ما باید نخست خودمان را تربیت اسلامی و قرآنی کنیم و سپس به تربیت سایر جوانان همت گماریم البته دولت هم باید وظیفه خودش را انجام دهد.

اما وظیفه ما، در برابر تهاجم فرهنگی و گناهان، در وهله اول، آن است که خود و اطرافیانمان را از این آسیبها حفظ کنیم: "يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوا قُومُوا لِنَفْسِكُمْ وَاٰهْلِكُمْ نَارًا" (تحریم، ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی [که... نگه دارید. " ما

اگر با وضع امروز دنیا بخواهیم، بر زنانی که با حجاب کامل در جامعه ظاهر نمیشوند، و یا بر کسانی که به اسلام و قرآن و ائمه اطهار: اهانت میکنند، و یا در مقابل جمهوری اسلامی قد علم میکنند، سخت بگیریم؛ شیاطین دنیا ساکت ننشسته، و با توسل به عناوینی، مانند آزادی، حقوق بشر، حقوق زن، آزادی بیان و... که مورد قبول مردم دنیا است، به ما حملهور شده و ما را به عنوان ضد آزادی و امتیت، قلمداد میکنند؛ در این صورت است که به خاطر رعایت مسائل جزئی گرچه در جای خود بسیار اهمیت دارند مانند بدحجابی، موسیقی و... اصل کیان اسلام به خطر میافتد، و با بهانههای واهی که به دنبال آن هستند، ما را با توسل قوانین بین المللی، منزوی کرده، سپس نابود میکنند. گاهی مصلحت اسلام اقتضا میکند که مسلمان به قاعده "دفع افسد به فاسد" تمسک کند. گاهی مصلحت و ناچاری، اقتضا میکند که انسان به قاعده "اضطرار" تمسک کند. خلاصه آن که اجرای دقیق و کامل احکام اسلام برای فرد یا جامعه زمانی میسر است که انسان یا جامعه، مزاحمی نداشته باشد؛ به طوری که اجرای آن حکم، از گردن انسان یا جامعه ساقط شود.

به هر حال، وظیفه عمومی "امر به معروف و نهی از منکر" را همه باید به بهترین وجه انجام دهند.

**مدت ۲۱ سال است که در شهر سقز در مسجد حضرت علی و در مساجد دیگر کلاس های روخوانی روان خوانی و تجوید برقرار است اما یک رسمی و یک مربی رسمی حقوق بگیر در این مساجد نداریم علاوه من و پدرم ۸ سال است برای ارتقا سطح فکری و بالا بردن فهم قرآنی دانش آموزان و د**

**پرسش**

مدت ۲۱ سال است که در شهر سقز در مسجد حضرت علی و در مساجد دیگر کلاس های روخوانی روان خوانی و تجوید برقرار است اما یک رسمی و یک مربی رسمی حقوق بگیر در این مساجد نداریم



علاوه من و پدرم ۸ سال است برای ارتقاء سطح فکری و بالا بردن فهم قرآنی دانش آموزان و دانش جویان کلاس تفسیر داریم ولی هیچ گونه خدمتی جهت بارور کردن این کلاس ها از سوی مسئولان به ما نشده است اولاً: چرا مسئولان بی توجه هستند و کمتر ارزش قائلند؟ ثانیاً: تقاضا می شود امکاناتی از قبیل فیلم یا سی دی قرآنی و مذهبی در اختیار ما بگذارند تا به این وسیله خدمت بیشتری به جوانان و جلوگیری از فحشا و منکرات آنان بشود.

## پاسخ

نکاتی چند توصیه می شود:

۱. بخشی از پاسخ این پرسش در پاسخ قبل بیان شد.

۲. خداوند متعال می فرماید: "لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا" (بقره ۲۸۶)، خداوند هیچ کسی را، جز به اندازه توانایش تکلیف نمی کند."

لذا ضمن آرزوی موفقیت و مقبولیت تلاش هایتان در احیای معارف قرآن و ضمن این که توصیه می کنیم تمام تلاش تان را برای گرفتن امکانات از مسئولان و ارگان های مربوطه شهر خودتان [ولو با رفت و آمدهای مکرر داشته باشید] اما بدانید خداوند متعال هر کس را به اندازه امکاناتی که دارد تکلیف می خواهد.

۳. این مرکز چون یک مرکز دولتی نیست به خاطر نبود هزینه لازم از کمک مالی و مادی به شما عزیزان معذور است اما می تواند شما را در اموری که مربوط به تفسیر و علوم قرآنی است یاری دهد. ضمناً در صورت اجرای طرح خادمان قرآن انشاء الله از همکاری شما مرکز برخوردار خواهد شد.

**چرا وسایل و ابزار تبلیغاتی در زمینه قرآن و علوم قرآنی به صورت انبوه و رایگان در اختیار عموم قرار نمی گیرد؟ برای نمونه بنده یک قرآن به خط مصباح زاده دارم که نسبت به خط عثمان طه خیلی سطح آن پایین است**

## پرسش

چرا وسایل و ابزار تبلیغاتی در زمینه قرآن و علوم قرآنی به صورت انبوه و رایگان در اختیار عموم قرار نمی گیرد؟ برای نمونه بنده یک قرآن به خط مصباح زاده دارم که نسبت به خط عثمان طه خیلی سطح آن پایین است

## پاسخ

بسیاری از کتاب هایی که در زمینه قرآن و علوم قرآنی نوشته شده است کتاب های تخصصی است و برای همگان قابل استفاده نیست لذا نمی توان آن ها را در تیراژ انبوه چاپ و منتشر نمود. قرآن کریم به خط عثمان طه بدون ترجمه و با ترجمه

های مختلف در قطعه های متفاوت به صورت فراوان چاپ و منتشر شده و در دست رس همگان قرار دارد. چاپ و انتشار انبوه قرآن و کتاب های پیرامون قرآن که برای عموم مردم قابل استفاده است و اهدای رایگان آن به طالبان آن ها، مربوط به مراکز تبلیغات دینی مانند سازمان تبلیغات اسلامی وزارت ارشاد و... است شما می توانید، پیشنهادتان را به آن مراکز اطلاع دهید. این مرکز، امکانات انجام چنین کاری را ندارد.

## **اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران در دراز مدت درمقابل دشمن و تهاجم فرهنگی غرب چیست ؟**

### **پرسش**

اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران در دراز مدت درمقابل دشمن و تهاجم فرهنگی غرب چیست ؟

### **پاسخ**

در رابطه با مقابله با شیخون فرهنگی دشمنان وظایفی بر عهده دولت و وظایفی بر دوش مردم بویژه جواناناست:

الف) وظایف دولت:

- ۱) اصلاح برنامه های رادیو و تلویزیون.
- ۲) احیای مساجد و کانون های دینی فرهنگی و تربیتی.
- ۳) سرمایه گذاری جدی در اصلاح وضعیت مدارس و دانشگاه ها.
- ۴) جدیت در برخورد با منکرات اجتماعی.
- ۵) آگاهی بخشیدن به جامعه از ترفندهای دشمن و خطرات آن و راه های پیشگیری و مقابله و...
- ۶) ایجاد سرگرمی های سالم و مفید و جاذب که مانع بزرگ از توجه مردم به برنامه های مبتذل دشمن گردد.

ب) وظایف مردم:

- ۱) حضور هر چه بیشتر در مراسم دینی.
- ۲) کیفیت و غنا بخشیدن به برنامه های مذهبی.
- ۳) بالا بردن سطح معلومات و تعمیق آگاهی های دینی و استحکام بخشیدن به ایمان و اعتقادات مذهبی.

۴) احیای هر چه بهتر امر به معروف و نهی از منکر.

**می گویند هر کس پول و پارتی دارد همه چیز دارد و این درست است چون مصادیقش در جامعه زیاد است این ضعف از کجا ناشی می شود؟**

**پرسش**

می گویند هر کس پول و پارتی دارد همه چیز دارد و این درست است چون مصادیقش در جامعه زیاد است این ضعف از کجا ناشی می شود؟

**پاسخ**

متأسفانه پول و پارتی در کشور ما تا حدی وجود دارد ولی نه با آن شدت که در نامه ذکر شده است. زیرا در بسیاری از موارد افراد پول و پارتی دار هم از چنگ قانون نتوانسته اند فرار کنند. البته همین مقداری هم که هست نباید باشد و در رفع آن باید با جدیت و قاطعیت تمام گام برداشت. اما این که در این زمینه ضعف از مردم است یا دستگاه های اجرایی قضایی کشور باید گفت بخش عظیمی مربوط به خود مردم است و بخشی نیز به عهده دستگاه هاست. زیرا از طرفی خود مردم ابتدا برای اصلاح سریع و یا خارج از مراحل قانونی کارهای خود پیشنهاد رشوه می دهند و کم کم آن را به صورت فرهنگ در می آورند و نیروهای اجرایی را به این سمت سوق و عادت می دهند و در صورت گسترش بیش از حد آن دیگر دستگاه های قضایی نیز از برخورد با آن عاجز می شوند. به هر حال در وضعیت کنونی کشور هنوز به آن حد نرسیده ایم و لازم است مردم و دستگاه های قضایی و اجرایی جهت ریشه کن کردن این گونه مفاسد دست به دستیکدیگر دهند تا شاهد جامعه ای از هر جهت سالم و اسلامی باشیم. }]

**کاهش تدریجی گرایش های دینی در جامعه اسلامی - بویژه در بین جوانان - معلول چه عواملی است و آیاتاکنون دولت برای حل مشکلات دینی و اقتصادی و اجتماعی چه قدمی برداشته ؟**

**پرسش**

کاهش تدریجی گرایش های دینی در جامعه اسلامی - بویژه در بین جوانان - معلول چه عواملی است و آیاتاکنون دولت برای حل مشکلات دینی و اقتصادی و اجتماعی چه قدمی برداشته ؟

**پاسخ**

کاهش تدریجی گرایش های دینی و معنوی عوامل متعددی دارد؛ از جمله: تغییر سریع و بدون الگوی بافت اجتماعی کاستی در

برنامه ریزی های فرهنگی نارسایی برخی از تبلیغات دینی و تهاجم و شیخون فرهنگی غرب. در برابر چنین موج خطرناکی دولت و اقشار مختلف جامعه بویژه فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی رسالت سنگینی دارند و آنحیای امر به معروف و نهی از منکر در سطح کلان و با عمق و ژرفایی و بینش و برنامه ریزی دقیق. به صورت انفرادینیز هرکس باید آگاهی های دینی خویش را وسعت بخشد و در برخورد با پدیده های انحرافی با جذاب ترین شیوه ممکن دیگران را مورد ارشاد و راهنمایی قرار دهد. در کنار این جریان دستگاه های تبلیغاتی کشور؛ مانند صدا و سیما و اهرمهای قانونی مانند قوه قضائیه نیز باید دارای نقش سازنده و فعالی باشند. }J

**طلبه هایی که به دانشگاه می آیند، در جواب دادن به مشکلات دینی ضعیف هستند، چرا حوزه برای تربیت این افراد برنامه ای ندارد؟**

**پرسش**

طلبه هایی که به دانشگاه می آیند، در جواب دادن به مشکلات دینی ضعیف هستند، چرا حوزه برای تربیت این افراد برنامه ای ندارد؟

**پاسخ**

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها بنا دارد از طلاب فاضل و مناسب با محیط دانشگاهی برای ارتقای بینش های دینی و ویژگی هایی اخلاقی و معنوی استفاده کند. چنان که در مواردی برخی از روحانیون مورد استفاده در دانشگاه را از این جهت ضعیف یافتید با ذکر دلایل به نهاد نمایندگی آن دانشگاه گزارش نمایید و در صورت عدم ترتیب اثر این واحد را مطلع سازید. }J

**حوزه برای احیای ارزش های اسلامی در دانشگاه ها چه کارها کرده است ، لطفا فهرست وار بیان کنید؟**

**پرسش**

حوزه برای احیای ارزش های اسلامی در دانشگاه ها چه کارها کرده است ، لطفا فهرست وار بیان کنید؟

**پاسخ**

فعالیت های حوزویان که بعضا با همکاری های برادران دانشگاهی توأم بوده است ابعاد مختلفی دارد. برخی از آنها عبارتند از:

(۱) تلاش گسترده جهت تنظیم متون دروس تخصصی مربوط به علوم انسانی و اجتماعی و الهیات

(۲) گنجاندن برخی از دروس دینی و سیاسی در همه رشته ها مانند معارف اسلامی و ...

(۳) اعزام مبلغ جهت بازسازی اندیشه دینی و شخصیت معنوی و اخلاقی دانشجویان

(۴) هدایت فکری و معنوی دانشگاهها و همکاری با تشکلات اسلامی دانشجویی از طریق نهادهای نمایندگی مقام معظم رهبری و... }]

**در گرایش جوانان به مدهای غربی آیا آنان مقصرند یا تولید کنندگان و اگر تولید کنندگان چرا دولت ممانعت نمی کند؟**

**پرسش**

در گرایش جوانان به مدهای غربی آیا آنان مقصرند یا تولید کنندگان و اگر تولید کنندگان چرا دولت ممانعت نمی کند؟

**پاسخ**

در این موارد مقصر تنها یک طرف نیست و هر کدام به نوبه خود در این رابطه سهیمند مسوولین نیز در صورتی که چیزی واقعا برخلاف ارزش های اسلامی و انقلاب باشد باید با هوشیاری و مراقبت کامل برخوردی در خور و شایسته داشته باشند. }]

**یک موقع استفاده از ماهواره آزاد شد ولی بعدا آن را ممنوع کردند چرا؟**

**پرسش**

یک موقع استفاده از ماهواره آزاد شد ولی بعدا آن را ممنوع کردند چرا؟

**پاسخ**

مساله ماهواره ها از آغاز مورد بحث بود. برخی معتقد به امکان استفاده علمی از آن بودند ولی با بررسی ها و تحقیقات انجام شده به دست آمد که میزان آموزش علمی آن در برابر تخریب و ویرانگری فرهنگی آن بسیار ناچیز است. }]

**اقدامات حکومت اسلامی ایران را برای مهار کردن تهاجم فرهنگی توضیح دهید؟**

**پرسش**

اقدامات حکومت اسلامی ایران را برای مهار کردن تهاجم فرهنگی توضیح دهید؟

- ۱- ایجاد تغییرات و اصلاحاتی در برنامه های صدا و سیما و افزایش برنامه های سازنده و معنوی.
- ۲- اجرا و تقویت برنامه های دینی و تربیتی در مدارس دانشگاه ها ادارات و ... مانند طرح نماز و ...
- ۳- کنترل مرزها و جلوگیری از ورود مواد مخدر و ابزارها و وسایل فساد انگیز.
- ۴- کشف شبکه های گسترش فساد و انهدام آنها.
- ۵- ارائه آموزشهایی در سطح مدیران مدارس جهت آشنایی با شیوه های تهاجم فرهنگی در مدارس و راه های برخورد با آنها.
- ۶- ایجاد و ممنوعیت و محدودیت استفاده از برنامه های ماهواره ای.
- ۷- کوشش های فوق و اقدامات دیگر در سطح وسیعی انجام گردیده و با توجه به گستردگی بسیار بالای توطئه دشمنان نتایج درخشانی نیز به بار آمده ولی هرگز نباید پنداشت که این امور کافی است و با این تلاش ها توطئه تهاجم فرهنگی ریشه کن می شود. بلکه هر یک از عوامل فوق تأثیری در حد خود و در زمینه خاصی دارد و بدون همکاری جدی و بی وقفه مردم و مسوولین مصونیت از گزند تهاجم فرهنگی ممکن نیست. }J

**چرا مسئولین از حضور هنرپیشه هایی که مسائل مذهبی را رعایت نمی کنند جلوگیری نمی کنند؟**

پرسش

چرا مسئولین از حضور هنرپیشه هایی که مسائل مذهبی را رعایت نمی کنند جلوگیری نمی کنند؟

پاسخ

در این رابطه اقداماتی انجام گرفته است ولی برخورد بیشتر و جدی تری نیز لازم است و راه عملی آن همکاری همهجانبه مردم و مسوولین می باشد. }J

**با توجه به تهاجم فرهنگی مسئولین نظام جمهوری اسلامی چه تدابیری را برای استفاده از کالاهای خارجی اندیشیده اند ؟**

پرسش

با توجه به تهاجم فرهنگی مسئولین نظام جمهوری اسلامی چه تدابیری را برای استفاده از کالاهای خارجی اندیشیده اند ؟

## پاسخ

در این رابطه محدودیتهایی از سوی دولت جمهوری اسلامی وضع گردیده از جمله :

الف : ممنوعیت و بعضاً محدود سازی ورود بعضی کالاها

ب : ایجاد تغییراتی در جنبه های مخرب برخی از کالاهای وارداتی {J}

**آیا نظارت بر فعالیت های فرهنگی انجمن های اسلامی دانشگاه انجام می گیرد یا نه و اگر صورت می گیرد چرا در دانشگاه اصفهان این نظارت نیست ؟**

## پرسش

آیا نظارت بر فعالیت های فرهنگی انجمن های اسلامی دانشگاه انجام می گیرد یا نه و اگر صورت می گیرد چرا در دانشگاه اصفهان این نظارت نیست ؟

## پاسخ

نظارت دو گونه است: ۱ کمی ۲ کیفی. آنچه در نوشته شما پیرامون دفتر انجمن اسلامی دانشگاه اقتصاد آمده مربوط به نوع اول است که نسبت به آن کاری صورت نمی گیرد؛ زیرا انجمن اسلامی و دیگر تشکلات دانشجویی نهادهایی خود جوشند که حدود فعالیتشان وابسته به میزان تحرک اعضاست. {J}

**در مقابل تهاجم فرهنگی از راه فیلم های سینمایی چرا اقدام نمی شود؟**

## پرسش

در مقابل تهاجم فرهنگی از راه فیلم های سینمایی چرا اقدام نمی شود؟

## پاسخ

احساس وظیفه و تعهد شما در قبال مسائل فرهنگی کشور قابل تقدیر است. امید است همچنان این روحیه و تیزبینی در شما زنده و تقویت گردد.

چنان که مرقوم کرده اید در برخی از فیلم های پخش شده، صحنه هایی ناسازگار با احکام و ضوابط شرعی وجود دارد.

البته دیدگاه‌هایی نیز وجود دارد که در حرمت برخی از این موارد تردید می‌کند؛ چرا که احکام نظر و نگاه را محدود به موجود زنده دانسته و تصاویر را از این حکم مستثنی می‌دانند.

برخی نیز این گونه رویارویی با فیلم‌های غربی را چاره‌ای موقت برای جلوگیری از بسط فرهنگ غربی می‌دانند. در هر صورت نمی‌توان آثار مخرب این گونه فیلم‌ها را انکار کرد.

امید است با تولید فیلم‌های سازنده و عاری از عوارض نامطلوب، بتوان فضای جدیدی در فرهنگ کشور ایجاد نمود. }J

### **چرا در سیمای ایران فیلمهایی نشان داده می‌شود که زیرگردن و بیخ گوش زنها پیداست**

#### **پرسش**

چرا در سیمای ایران فیلمهایی نشان داده می‌شود که زیرگردن و بیخ گوش زنها پیداست

#### **پاسخ**

انتقاد شما از سر دلسوزی و تعهد نسبت به احکام اسلام است، ولی بالاخره با توجه به آن که برنامه‌های مناسب‌جایگزین وجود ندارد و خطر فرو رفتن کشور در کام تبلیغات زهراگین جهانی وجود دارد، چه باید کرد؟ البته شعار دادنکار آسانی است، ولی تولید یک فیلم مناسب که بتواند تأثیر گذار و فاقد هر گونه جنبه منفی باشد، بسیار مشکل طاقتفرسایی است. اشکال اصلی در این است که سرمایه‌گذاری کافی بر روی این بخش انجام نشده است. }J

### **چرا دولت و مسئولین در مورد بی‌حجابی اقدامات جدی به عمل نمی‌آورند؟**

#### **پرسش**

چرا دولت و مسئولین در مورد بی‌حجابی اقدامات جدی به عمل نمی‌آورند؟

#### **پاسخ**

مسئله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوسپهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد.

از گذشته‌ها و ریشه تاریخی مسئله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت



پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود همه آنچه که نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد:

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد.

ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی.

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد.

### **دانشگاه ما انجمن اسلامی ندارد و اجازه تشکیل آنرا به ما نمی دهند چرا**

#### **پرسش**

دانشگاه ما انجمن اسلامی ندارد و اجازه تشکیل آنرا به ما نمی دهند چرا

#### **پاسخ**

دایر نمودن جامعه یا انجمن اسلامی، تنها با همت دانشجویان میسر است و منع از ایجاد آن، حرکتی غیر قانونی است. بنابراین دانشجویان متدین و متعهد باید با جدیت، همدلی و پشتکار، به ایجاد تشکل های سالم اسلامی پرداخته و آنها را فعال سازند و از تهدیدات توخالی و بی اساس نهراسند.

### **چرا حوزه علمیه جواب شبهات مطرح شده را نمی دهد**

#### **پرسش**

چرا حوزه علمیه جواب شبهات مطرح شده را نمی دهد

#### **پاسخ**

در رابطه با اقدامات عالمان حوزوی، چنان نیست که دست روی دست گذاشته، مسایل را بدون پاسخ رها کرده باشند. البته چه بسا اقدامات انجام شده، کافی نباشد و در این رابطه از هیچ گونه تلاش و کوششی نباید دریغ کرد. درعین حال تلاش و پیشنهاد های شما جوانان عزیز و دلسوز نیز، به نوبه خود می تواند راهکشا و کارساز و باشد.

### چرا در دانشگاهها وضع حجاب ضعیف است

#### پرسش

چرا در دانشگاهها وضع حجاب ضعیف است

#### پاسخ

البته در مجموع وضعیت حجاب در دانشگاهها در حد مطلوبی قرار دارد؛ گرچه در برخی از شهرها بنا به دلایل محیطی و فرهنگی، مواردی از بدحجابی دیده می شود.

این موضوع بیشتر از آنچه که به قوانین مربوط شود، به فرهنگ عمومی جامعه و نیز نفوذ سبک های غربی مرتبط است. اصلاح آن نیز، نیازمند برنامه های درازمدت و دقیق فرهنگی است؛ چرا که تنها وضع قوانین نمی تواند ضامن اجرای مقررات اسلامی باشد.

### چرا نیروی انتظامی با بدحجابی برخورد جدی نمی کند؟

#### پرسش

چرا نیروی انتظامی با بدحجابی برخورد جدی نمی کند؟

#### پاسخ

اسلام دینی است که همراه با ملایمت است و می خواهد افراد خودشان با فکر و توجه و از روی اختیار راه شرع را انتخاب کنند و در مسائل فردی (مثل نماز، روزه، حج، خمس، رعایت حجاب و...) افراد را مجبور به انجام اینها نمی کند و هر مسلمانی اگر واقعا معتقد به مبانی دین باشد و بداند روزی به عنوان معاد و جزا در پیش دارد که از ریز و درشت اعمالش بازجویی می شود و در مقابل تخلفات باید عذاب سنگینی را تحمل نماید، خود به خود اوامر و نواهی الهی را رعایت خواهد کرد. اما اگر نفع و یا ضرر مسأله ای متوجه جامعه شود (مثل کشتن افراد، سرقت و...) البته در این جا حکومت اسلامی وظیفه دارد که فرد نامبرده را مجازات نماید. بنابراین در رابطه با حجاب وظیفه حکومت و همه ما این است که این افراد را آگاه کنیم و مضرات عدم

رعایت حجاب را برای آنان توضیح دهیم؛ چون خیلی از این افراد نسبت به حکم مسأله اطلاعی ندارند و وقتی برای آنها توضیح داده شود، به آن عمل می کنند. }

**چرا گروه های امر به معروف ، نسبت به این همه بی حجابی و فساد جوانان ، عکس العمل نشان نمی دهند؟**

**پرسش**

چرا گروه های امر به معروف ، نسبت به این همه بی حجابی و فساد جوانان ، عکس العمل نشان نمی دهند؟

**پاسخ**

در پاسخ این سؤال به اختصار باید گفت که این مسأله دارای دلایل متعددی است. تنها بخشی از آن مربوط به کوتاهی و کم کاری گروه های امر به معروف می باشد. به دیگر سخن، رواج و گسترش مفسد اخلاقی و اجتماعی و مظاهر تمدن غرب در جامعه معلول عوامل تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، روان شناختی، تهاجم فرهنگی و عدم اجرای کامل فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر می باشد. برای حل این معضلات تکیه بر یک عامل، ما را به نتیجه غایی و اصلاح جامعه نمی رساند. فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی می تواند مؤثر واقع شود که اجرای آن به صورت یک فرهنگ و ارزش در تمامی سطوح جامعه عملی شود.

تشکیل گروه های امر به معروف و نهی از منکر، هر چند اقدامی لازم و شایسته است، اما نمی توان از آن ها انتظار اصلاح و مبارزه با تمامی مظاهر فساد را داشت؛ زیرا چنین کاری نه در توان آنها است و نه می تواند مؤثر واقع شود. در هر صورت مبارزه با انواع مفسد اجتماعی و اخلاقی، نیاز به سرمایه گذاری های کلان فرهنگی و اقتصادی و استفاده از کارشناسان و متخصصان متعهد دارد که امید است مسئولین محترم با برنامه ریزی دقیق و استفاده از تمام امکانات معنوی و مردمی و شیوه های کارآمد تبلیغی و رسانه های جمعی، جامعه اسلامی را از ناپاکی ها و مفسد پیراسته دارند و کشورمان را شایسته توجه حضرت ولی عصر(عج) بنمایند، ان شاء الله. }]

**مبارزه با منکرات و مفسد اجتماعی ، بر عهده چه ارگان هایی است ؟**

**پرسش**

مبارزه با منکرات و مفسد اجتماعی ، بر عهده چه ارگان هایی است ؟

**پاسخ**

مبارزه با منکرات و مفسدات اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه را می توان در دو بخش انجام داد:

۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند، فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ از جمله:

اولاً: فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد.

ثانیا، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد.

ثالثا، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده، اصرار بر استمرار آن داشته باشد.

رابعاً، در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد.

علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه پایین تر، جایز نیست که به مرتبه بالاتر تعدی کند. در مرتبه اول ناراحتی قلبی و تنفر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت، روی بر گرداندن و.. از او، ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه دوم امر و نهی زبانی، موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن، گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه سوم، مرحله اقدامات عملی است. اگر دو مرتبه یاد شده

اثر نداشت، واجب است از اعمال قدرت استفاده کند، (تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵).

البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسؤولان ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، (استفتاآت آیت الله خامنه ای، ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۳۱).

۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی، قوه قضائیه، دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ستاد مبارزه با مواد مخدر و...) موظف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون، نسبت به انجام مسؤولیت های خود کوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند.

در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفسدات اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است، ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات، مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفسدات و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است. راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، ازدواج، تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی، اجرا شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر، فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاههای مربوطه با افراد شرور و مخلّ به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های

اسلامی و تهدید کننده سلامت جامعه، مطلوب است. }J

## چرا کنترلی بر بعضی برنامه های صدا و سیما وجود ندارد؟

### پرسش

چرا کنترلی ... بعضی برنامه های صدا و سیما وجود ندارد؟

### پاسخ

مسئله کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه ها خالی از عیب و نقص نمی باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش های جامعه و وظایف سنگینی که این رسانه ملی خصوصاً بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن، آن هم در حدی که زیننده حکومت اسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان سازی نامبرد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام ..... زباید گفت: علیرغم وجود برخی مشکلات و معضلاتی که به هیچ وجه زیننده رسانه ملی نظام اسلامی ایران نمی باشد، صدا و سیما جمهوری اسلامی دستاوردها و برنامه های بسیار مفید و مثبت و سازنده فراوانی داشته و دارد و این چنین نیست که کارش فقط تبلیغ بدحجابی، مدگرایی، تجمل گرایی و... باشد.

گذشته از برخی مظاهر نامناسب با ارزش های اسلامی، اکثریت برنامه های صدا و سیما برنامه هایی آموزنده و در راستای تأمین نیازهای متنوع اقشار مختلف جامعه می باشد که البته به واسطه برخی عوامل، هنوز مشکلات و معضلات و نواقص در دستیابی به نقطه مطلوب و برآوردن انتظارات مسئولین نظام اسلامی و مردم عالیقدر وجود دارد که بخشی از اینها مربوط به وزارت ارشاد و صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده و مخاطبین آن می باشد.

اما در مورد اول باید

گفت که هم در زمان امام که این رسانه ها زیر نظر مشترک قوای سه گانه اداره می شد و چه در زمان حال که نصب و عزل رئیس آن با مقام معظم رهبری می باشد و شورایی مرکب از نمایندگان سه قوه بر سازمان نظارت دارند، خود این بزرگواران انتقادات زیادی به برخی از برنامه های این رسانه داشته، تذکرات متعددی در جهت بهبودبخشی آن داده اند.

معظم له در ۲۴ آذر ۷۸ در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «... من به صدا و سیما هفته ای یک بار یا کم تر، اعتراض می کنم و پیغام تند می دهم؛ اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلام انجام داده و برنامه های اسلامی درست کرده است. برنامه های هنری، اسلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد...» بنابراین چنین نیست که مقام معظم رهبری هیچ گونه نظارت و کنترل بر این رسانه نداشته باشند بلکه برعکس با توجه به جایگاه و وظایف آن نسبت به این رسانه حساس بوده و اهتمام جدی دارند. اما نکته ای که باید توجه شود این است که نظارت و کنترل مقام معظم رهبری به تنهایی نمی تواند علت تامه برای حل مشکلات و معضلات جامعه و سازمان ها و نهادها از جمله صدا و سیما باشد بلکه حل اساسی آنان نیازمند ریشه یابی دقیق مشکلات و انجام اقدامات اصولی و صحیح برای برطرف کردن آن مشکلات می باشد که عبارتند از:

۱- نظارت دقیق بر گزینش افراد و برنامه ها در صدا و سیما و استفاده از هنرمندان متعهد و انقلابی.

۲- کنار گذاشتن افراد منحرف و غیرقابل اصلاح از رادیو و تلویزیون و جلوگیری از نفوذ افراد وابسته به درون صدا و سیما.

۳- نظارت همه جانبه بر پخش رادیو و

تلویزیون با استفاده از متخصصین و کارشناسان متعهد و نظارت دقیق بر فیلم سازان و محتوای فیلم ها.

۴- برخورد با مسئولان پخش مطالب توهین آمیز یا منافی ارزش های اسلامی.

۵- صدا و سیما به عنوان دانشگاه عمومی و مرکز ترویج ارزش های اسلامی باید از تقلید برنامه های خارجی بدون مطابقت با آیین اسلام و بسط فرهنگ تجمل گرایی و... در تهیه برنامه های خود، دست برداشته و زمینه هدایت جامعه را فراهم آورد.

حال با توجه به مشکلاتی که در صدا و سیما و برخی برنامه های آن وجود دارد و به هر دلیلی شاید این مسائل در کوتاه مدت قابل حل نباشد بینندگان و مخاطبان نیز باید یکسری نکات را مد نظر داشته و رعایت نمایند:

اولاً: هر چند برخی از فیلم ها یا سریال های خارجی که از صدا و سیما پخش می شود از نظر شرعی نتوان مشکل ذاتی برای آنها نام برد ولی اگر برای برخی بینندگان مفسده ای به دنبال داشته باشد باید آن فرد از آنها اجتناب نماید و صرف پخش آن برنامه از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه دلیل بر مشروعیت آن نمی شود.

ثانیاً: وجود این قبیل مشکلات و نقائص وظیفه نیروهای انقلابی و متعهد را در کسب تخصص ها و مهارت های گوناگون، مضاعف می نماید زیرا پاره ای از عوامل این نارسائی ها به کمبود نیروی انسانی و متخصصین متعهد بازمی گردد.

ثالثاً: با توجه به تهاجم فرهنگی از طریق ارتباطات و فن آوری پیشرفته به حدی که در آینده ای بسیار نزدیک هیچ مانع و کنترل بیرونی برای دستیابی به این امواج مسموم وجود نخواهد داشت، مطمئن ترین راه برای دورماندن از انحراف و آلوده شدن به گناه، تقویت ایمان و تقوای الهی (کنترل درونی) می باشد که البته این موضوع



به هیچ وجه توجیه کننده مشکلات برخی برنامه های صدا و سیما نمی باشد ولی در مورد مخاطبان حائز اهمیت می باشد.

## اگر واقعا اختلاط دختر و پسر اشکال دارد چرا دانشگاهها را بصورت جدا در نمی آورید؟

### پرسش

اگر واقعا اختلاط دختر و پسر اشکال دارد چرا دانشگاهها را بصورت جدا در نمی آورید؟

### پاسخ

به نظر ما در وضعیت کنونی و با توجه به واقعیات موجود در بسیاری از دانشگاهها مبنی بر عدم رعایت ارزشها و شئون اسلامی و برخی مشکلات و ناهنجاری های ناشی از آن که به هیچ وجه شایسته و زیبنده جو مقدس و محیط علمی دانشگاه نمی باشد، اختلاط پسر و دختر در دانشگاهها مضرات و آفتی را به دنبال دارد.. والا صرف وجود دو جنس در کلاس حرام نیست به شرط آنکه دقیقاً هنجارهای شرعی رعایت گردد.

اما بررسی کامل این آفات یا فواید اختلاط نیازمند تحقیقات گسترده جامعه شناختی و نظر سنجی های آماری و... می باشد که از حوصله یک نامه خارج است لذا ما به اختصار به تعدادی از مهمترین آن ها می پردازیم:

الف) بررسی آفات و معایب: قبل از پرداختن به این بخش ذکر این نکته لازم است که معایبی که در ذیل می آید مبتنی بر پیش فرضهایی می باشد از قبیل عدم تثبیت کامل این ارزش های اسلامی، و عدم نظارت و کنترل و هدایت صحیح از سوی مسئولان دانشگاه و...

مهم ترین آثار اختلاط عبارتند از:

۱- بوجود آمدن برخی انحرافات جنسی، اخلاقی و اجتماعی در اثر عدم رعایت شئون اسلامی از قبیل حجاب کامل و...

۲- افت تحصیلی در اثر مشغول شدن روح، فکر و قوه خیال دانشجو به... و عدم توجه کافی به مطالب استاد یا مطالب کتاب در زمان مطالعه و...

۳- اضطراب و نگرانی ناشی از انگیزش شهوانی و دشواری ارضای صحیح و مشروع.

ب) بررسی فواید: این بخش نیز مبتنی بر یک پیش فرض می باشد

و آن این که در صورتی که معایب فوق در اختلاط دانشجویان پسر و دختر وجود نداشته باشد یا در حدی که قابل توجه نباشد والا دیگر این فواید در مقابل مشکلات فوق قابل اعتنا نبوده و مسأله مهمتر چشم پوشی از این فواید و حل مشکلات و آفتهای ناشی از آن می باشد. در هر صورت مهمترین فوایدی که قابل تصور می باشد عبارتند از:

۱- فواید اقتصادی از قبیل: صرفه جویی در هزینه ها و بودجه ها، وقت استاد، فضاهای آموزشی و امکانات دانشگاه و...

۲- تمرین تقوا، عفت و پاکدامنی و قرار گرفتن در معرکه کار زار و جهاد جدی با نفس اماره.

۳- شناخت روحیات جنسی مخالف و کسب تجربه های علمی و عملی.

۴- پیدا نمودن شریک زندگی کفو و هم شأن.

ج) بررسی وظایف راهکارهای مقابله با مشکلات ناشی از اختلاط پسر و دختر در دانشگاه: به طور مختصر می توان وظایف و راه کارهای مقابله با این ناهنجاریها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- وظایف و راه کارهای فردی: دانشجو باید در درجه نخست ارزش ها و معارف و احکام اسلامی را به صورت دقیق شناخته و در خود نهادینه سازد رهبر معظم انقلاب در این خصوص می فرمایند: «آن چه برای دانشجویها در دانشگاهها مهم است رشد ایمان مذهبی و اندیشه اسلامی در ذهن ها و دل های آنان است و مسأله رشد و روحیه تعبد در آنان تعبد با استدلال عقلی و گرایش به مسائل عقلانی با اعتقاد به علم و فعالیت های علمی و دانشگاهی و دانشجویی هیچ منافاتی ندارد و حقیقتاً برای نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مایه افتخار است که در ایام البیض ماه رجب

در مسجد دانشگاه تهران دانشجویها اعتکاف بکنند این خیلی چیز مهمی است» رسالت دانشجوی مسلمان رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با تشکل های دانشجویی و در درجه دوم پای بندی در عمل به ارزش ها و احکام الهی و سایر وظایف عبادی و از دیگر اموری که می تواند در این زمینه مؤثر باشد پیوند دانشجویان با مراکز مذهبی بالاخص علماء دینی می باشد.

۲- وظایف و راه کارهای اجتماعی: اگر دانشجویان دغدغه صیانت از خود را داشته باشند نمی توانند نسبت به محیط اطرافیان خود بی تفاوت باشند زیرا نقش محیط غیر قابل انکار می باشد لذا دانشجویان باید نسبت به تهذیب محیط خود اهمیت داده و سعی در ترویج و گسترش ارزشهای الهی در محیط دانشگاه خصوصاً در جامعه عموماً داشته باشند و به فریضه امر به معروف و نهی از منکر به زیباترین و مناسب ترین روشها عمل نمایند و با اجرای برنامه های فرهنگی و تفریحی مفید و سالم و سازنده از طریق مراکز موجود در دانشگاهها و جذب سایر دانشجویان اخلاق و رفتار مطابق با ارزشهای اسلامی در برخورد با جنس مخالف و رعایت حدود و موازین شرعی و.. فلسفه احکام اسلامی آفات و مشکلات فردی و اجتماعی رعایت نکردن موازین شرعی و... را به صورت گسترده نهادینه سازند و خدای ناکرده اگر بعضی موارد یافت شد که دست به برخی اقدامات ناشایست می زنند از طرق راه کارهای قانونی مراجعه به مسئولین دانشگاه و تهیه طومار و... اقدام نمایند.

**چرا در جامعه امروزی ما میل و رغبت جوانان نسبت به مسایل عقیدتی و مذهبی کم رنگ شده است . آیا در جامعه این گونه فسادها و آزادیها را نمی توان گرفت یا اینکه این یک سیاست است ؟**

**پرسش**

چرا در جامعه امروزی ما میل و رغبت جوانان نسبت به مسایل عقیدتی و مذهبی کم رنگ شده است . آیا در جامعه این گونه فسادها و آزادیها را نمی

توان گرفت یا اینکه این یک سیاست است ؟

## پاسخ

این که جوانان کشور به اسلام، مسائل معنوی بی رغبت شده اند، تعبیری درست و مطابق با واقع نیست و بحمداله جوانان زیادی در محیطهای علمی و دانشگاهی و... عملاً "به اسلام و ظواهر دین پایبند هستند و آمار و ارقام نیز این موضوع را تأیید می کنند. از طرفی مایه های تشکیل دهنده هویت فرهنگی جامعه اسلامی ما، از استحکام و توانایی زیادی برخوردار است و جوانان کشور در برابر آسیب ها و خطرات فراوان در طول تاریخ - حداقل در طول بیست و چند سال گذشته - مقاومت کرده اند و هر موقع به فداکاری، ایثار و حضور آنان نیاز بوده، از ارزش های دینی و اخلاقی دفاع کرده اند. لیکن باید توجه داشت که همواره آفاتی جوانان ما را تهدید می کند و گاهی انسان به سبب اختیاری که دارد، تحت تاثیر عوامل شیطانی مختلف، گاهی به این سو و آن سو کشیده می شود و شیطان های ظاهری و باطنی نیز همیشه و در طول تاریخ، به دنبال به انحراف کشاندن اهل ایمان بوده اند؛ ولی در عین حال می توان به بعضی عواملی که باعث کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی از جوانان به مسائل معنوی و ارزشی شده، اشاره کرد. ۱- گسترش تهاجم فرهنگی بیگانه، ۲- فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصه مطبوعات کشور، ۳- دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد، ۴- تلاقی با فرهنگ

بیگانه در پرتو توسعه و تاثیرگذاری آن بر عناصر داخلی، ۵- جدی نگرفتن خطر تهاجم فرهنگی و عدم جدیت کافی در حفظ فرهنگ ناب اسلام محمدی از سوی برخی از عناصر داخلی، حتی در سطح برخی از مسئولیت های اجرایی و فرهنگی کشور.

**موزیکهایی که از صدا و سیما پخش می شود به خصوص تلویزیون شباهت بسیار زیادی با آن ترانه ها دارد و نوارهایی که به اصطلاح مجوز از وزارت ارشاد دارند مگر اینها زیر نظر مقام معظم رهبری فعالیت نمی کنند و مگر رهبر خودشان بارها در سخنرانی ها فرموده اند که جلوی اشتباه**

### پرسش

موزیکهایی که از صدا و سیما پخش می شود به خصوص تلویزیون شباهت بسیار زیادی با آن ترانه ها دارد و نوارهایی که به اصطلاح مجوز از وزارت ارشاد دارند مگر اینها زیر نظر مقام معظم رهبری فعالیت نمی کنند و مگر رهبر خودشان بارها در سخنرانی ها فرموده اند که جلوی اشتباه کاری ها را می گیرند؟ این مسأله برای من و جوانان بسیار زیادی سؤال شده است؟

### پاسخ

واقعیت آن است که همان طور که شما بیان کردید متأسفانه برخی از موزیک ها و موسیقی هائی که از صدا و سیما پخش می شوند تفاوت ماهوی با ترانه های غیر مجاز و حرام ندارند. ضمن اعتراف به این واقعیت، آنچه که در پاسخ سوال شما می توان گفت آن است که :

اولاً- مقام معظم رهبری بر همه قوای حاکم و دستگاههای حکومتی از جمله صدا و سیما نظارت دارند، لیکن به دلیل گستردگی تمامی ارکان حکومت و شعاع کارها و فعالیت های آنان، مقام معظم رهبری به طور طبیعی نمی توانند در تمام جزئیات آن فعالیت ها نظارت نمایند. بلکه عمده نظارت ها در بخش سیاست گذاری هاست که دستگاههای حکومتی در مسیر صحیح حرکت کنند اما در مصداق ها احياناً اشتباه کمتر به طور طبیعی خارج از دید مقام رهبری قرار می گیرد. علاوه بر آن که مشی رهبری با توجه به ضرورت قانونمند شدن فعالیت های جامعه و نهادینه شدن مسئولیت و پاسخ گوئی قوای حاکم در برابر ملت، مقام معظم رهبری حتی الامکان نظارت می کنند نه دخالت مگر آن که مسئله بسیار حاد باشد که ناچار به مداخله گردند مانند

طرح مطبوعات در مجلس ششم.

این نکته هم مغفول نماند که مقام معظم رهبری در بسیار موارد به مسئولین تذکر می دهند ولی لازم نیست این تذکرات علنی بوده باعث تضعیف آنان گردد.

ثانیا گرچه تشخیص ها سلیقه ای است و همان چیزی را که من و شما مثل ترانه می پنداریم از دید مسئولین پخش یا عده ای دیگر، عادی و متمایز از ترانه باشد، ولی مع ذلک اصل این مسئله قابل کتمان نیست.

علاوه بر آن که به طور طبیعی همیشه در مرحله عمل و تشخیص مصداق در مرحله ارزیابی خطاها و اشتباهاتی رخ می دهد، اما یک توجیه دیگر از سوی برخی دست اندرکاران ف هنگ مطرح می شود و آن دفع افسد به فاسد است. با این استدلال اگر ما این برنامه های شاد را نگذاریم، بسیاری از مخاطبین به سراغ برنامه های بدتر از قبیل برنامه های ماهواره ای می روند و این خطرش بیشتر است. پس برای پرهیز از زیان بیشتر به زیان کمتر تن در دهیم.

البته به نظر می رسد این معیار قابل تأمل و مورد مناقشه جدی باشد چون این امر حد یقینی ندارد یعنی معلوم نیست مرز این گونه تسلیم شدن در مقابل فساد ها به بهانه دفع افسد تا کجاست و آیا نقطه پایانی دارد یا نه؟

**امروزه فساد اخلاقی زیاد شده است و برخی از مجازات های مفاسد اخلاقی به پرداخت جریمه مبدل گشته است و تساهل و تسامح مسئولین هم در این امر مزید بر علت شده است. آیا این امر باعث رواج فساد اخلاقی در جامعه نمی شود؟**

**پرسش**

امروزه فساد اخلاقی زیاد شده است و برخی از مجازات های مفاسد اخلاقی به پرداخت جریمه مبدل گشته است و تساهل و تسامح مسئولین هم در این امر مزید بر علت شده است. آیا این امر باعث رواج فساد اخلاقی در جامعه نمی شود؟

**پاسخ**

رشد فساد و بی بند و باری در جامعه ما معلول سه عامل است:

۱- حرکت گسترده و توطئه وسیع استکبار جهانی در جهت نابودی اسلام و انقلاب.

۲- کوتاهی و بی توجهی برخی از مسئولان فرهنگی کشور.

۳- عدم اهتمام جدی به امر به معروف و نهی از منکر در سطح عمومی.

مبارزه با این پدیده نیز حرکت جدی و سازمان یافته و برنامه ریزی شده گسترده ای با مشارکت دولت و مردم می طلبد.

برای موفقیت در این باره باید فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر به طور زبانی در جامعه احیا شود و افراد متدین با رفتار شایسته و موفقیت های علمی و کاری، الگوی مناسبی ارائه دهند تا بی بند و بارها به بهانه نقطه ضعف افراد متدین توجیهی برای کار خود نداشته باشند. افراد متدین به طور دسته جمعی و گروهی حرکت های نمادین در عرصه های مختلف جامعه بدون تنش و درگیری داشته باشند. مثلاً کوه نوردی دسته جمعی و علاوه بر حرکت های مردمی، پشتیبانی مسئولین را نیز باید جلب کرد تا به توفیق الهی رفته رفته این مشکل به حداقل برسد.

ناگفته نماند بسیاری از ناهنجاری ها معلول وضعیت اقتصادی و نابسامانی آینده جوانان می باشد که نیاز به برنامه ریزی و پیگیری جدی دارد.

## چرا جلوی سینماهای افتضاح ایران را نمی گیرند؟

### پرسش

چرا جلوی سینماهای افتضاح ایران را نمی گیرند؟

### پاسخ

با تشکر از اهتمام شما به ارزش های دینی، توجه شما را به نکات ذیل جلب می کنیم:

۱- واقعیت آن است که چون تاکنون یک نظام اسلامی براساس تفکرات شیعه قبل از جمهوری اسلامی ایران تحقق نیافته بوده، به دلیل بی تجربگی، برخی از مشکلات در مرحله عمل رخ خواهد داد و گریزی از آن نیست.

علاوه بر آن که به دلیل سابقه بد سینماها و عرصه های هنری در قبل از انقلاب، معمولاً افراد متدین در این عرصه حضور پیدا نمی کنند، از این رو با تراکم حضور افراد نه چندان معتقد و احیاناً معاند، مشکلات بیشتر خواهد شد.

۲- متأسفانه برخی از مسئولین مربوطه خود عامل این افتضاح هستند، چه این که تفکرات آنها مقتضی تأیید این برنامه ها هست کافی است در این خصوص به عملکرد وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی نظری بیفکنید که مقام معظم رهبری با صراحت تمام در حضور اعضای شورای انقلاب فرهنگی از جمله آقای خاتمی فرمودند: ایشان در طول این مدت، یک کار برای اسلام نکردند بلکه برخی از کارهای صد در صد ضد اسلامی انجام دادند.

تأسف آنکه بیشتر می شود که علی رغم تذکر ایشان و نیز هشدارها و تذکرات صریح مراجع معظم تقلید در قم، کسی به این اعتراضات ترتیب اثر ندادند بلکه ایشان تا یک سال دیگر در این سمت ماندند و بعد از استعفا نیز به ریاست مرکز گفتگوی تمدن ها منصوب شدند.

۳- ما و شما و همه مردم موظف هستیم با بصیرت و هوشیاری و آگاهی لازم و کافی در انتخابات شرکت نماییم تا با  
کارگزاران



شایسته، زمینه را برای تحقق ارزش های اسلامی آماده کنیم نه آن که حتی رهبری نیز خاری در چشم و استخوانی در گلو داشته باشند.

سرعت پاسخ دهی از انتظارات پرسشگران است. خواهشمند است با اولویت بندی و پیرایش سؤالات، ما را یاری کنید. بدیهی است با ارتباط مکرر، پاسخ گوی دیگر پرسش های شما خواهیم بود

**برخورد منطقی و مؤثر با کسانی که ظاهر اسلامی را رعایت نمی کنند بر عهده چه ارگانها و نهادهایی است؟**

**پرسش**

برخورد منطقی و مؤثر با کسانی که ظاهر اسلامی را رعایت نمی کنند بر عهده چه ارگانها و نهادهایی است؟

**پاسخ**

اولا- با توجه به نهاد مقدس «امر به معروف و نهی از منکر» در شریعت اسلامی، این امر وظیفه ای است همگانی، لکن در سطوح مختلف مسئولیت آن متفاوت می گردد. امر به معروف و نهی از منکر با زبان وظیفه آحاد مردم است. البته باید با توجه به شیوه های صحیح تبلیغ و روانشناسی به نحوی که بیشترین تاثیر و کارایی را داشته باشد ولی در سطوح بالاتر فعالا وظیفه دستگاههای دولتی اعم از وزارت کشور، وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات، نهادهای نمایندگی رهبری در دانشگاهها، قوه قضائیه و ... است. بلکه اگر چنانچه قصور یا تقصیر این دستگاهها به قدری بود که رهبری تشخیص دادند یا اجازه دادند مانند ۲۳ تیر ۷۸ مردم خود وارد صحنه شوند آنگاه رفع مانع می شود.

لابد توجه دارید که منطقی بودن به معنای چشم پوشی کردن نیست، بلکه به معنای معقول، متناسب با روحیات، با شناخت و احترام به طرف مقابل و ... است.

توجه به نکات زیر می تواند توضیح مناسبی باشد:

۱- اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر: یکی از آموزه های حساس و کارآمد در مجموعه قوانین اسلامی، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که در منطق وحی بر هر زن و مرد مسلمان واجب است و ترک آن موجب گناه و معصیت خداوند و باعث غرق شدن جامعه در گرداب فساد و گمراهی خواهد شد. اسلام به موجب این فریضه (واجب) به پیروان خود واجب کرده است که

کارهای نیک را در جامعه نشر و گسترش بدهند و از کارهای زشت جلوگیری نمایند.

در این باره از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: یک فرد تبه‌کار در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار بر کشتی شود، وقتی کشتی در وسط دریا قرار گیرد، تبری برداشته و به سوراخ کردن محلی که در آن نشسته است پردازد. هرگاه افراد دیگر به کار او اعتراض کنند در جواب گوید که من در نقطه ای که نشسته ام تصرف می‌کنم. اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند طولی نمی‌کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یک باره همگی در دریا غرق شوند. (شیخ ابوالفتح رازی، روض الجنان، به نقل از جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه داود الهامی، قم، موسسه علمی و فرهنگی سید الشهداء، پائیز ۱۳۷۰، ص ۲۷۷)

۲- شرایط و مراحل امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر اگرچه نسبت به قوانین بشری از گستره و شمول بیشتری (با توجه به جریان آن در دو حوزه فردی و اجتماعی) برخوردار است، اما از آنجا که هر قانونی به دلایلی و حداقل به دلیل حسن تأثیر آن با محدودیت‌ها و شرایطی روبرو است، لذا این دو فریضه هم دارای شرایط و مراحل هستند.

اما شرایط آن عبارتند از:

الف) علم؛ امر به معروف و ناهی از منکر باید معروف و منکر را بشناسد.

ب) احتمال تأثیر؛ امر و ناهی احتمال بدهد که امر به معروف و نهی از منکر تأثیر دارد. البته لازم

نیست احتمال تأثیر حتماً با همین گفتار و بالفعل باشد بلکه اگر من بگویم، شما بگوئید، دیگری نیز بگوید و در همین گفتن ما احتمال تأثیر بدهیم بر همه واجب است اقدام کنیم.

ج) تکرار مرتکب؛ ترک کننده معروف و عامل به منکر، بر ادامه رفتار خویش اصرار داشته باشد.

د) عدم مفسده؛ امر به معروف و نهی از منکر در گناهان کوچک موجب خسارت سنگین جانی، آبرویی و مالی نشود (البته در منکرات بزرگ و ریشه بر انداز و نیز در دفاع، شرط اخیر مطرح نخواهد بود چرا که مصداق دو امر مقدس به نام جهاد و دفاع می شود).

و مراحل و مراتب آن دو واجب عبارتند از:

ترک معاشرت، ارشاد زبانی، اتمام حجت و اقدام عملی.

با توجه به نکات پیش گفته و به طور خلاصه می توان گفت که امر به معروف موجب تحکیم و استحکام هنجارهای قانونی و شرعی در جامعه و با هدف استقرار نظم و امنیت در جامعه است.

همین طور نهی از منکر نیز مبارزه با هنجار شکنی و هنجار شکنان با همان هدف می باشد.

بنابراین باید در مراحل اجرای این دو فریضه الهی با استفاده از دانش دینی و تجربی به گونه ای اقدام کرد که علاوه بر توفیق انجام یک وظیفه دینی، خسارتی به ارکان نظم و امنیت جامعه وارد نشود.

بر این اساس، نهی از منکر، مبارزه ای است که در دو سطح قابل طرح است:

۱- مبارزه ابتدائی و غیر فیزیکی با هنجار شکنی و هنجار شکنان: در این مبارزه همه مسلمانان مسئولند و باید امر به معروف و نهی از منکر کنند، یعنی همه شهروندان باید با ابزارهای

لازم اعم از انکار قلبی و انزجار قلبی نسبت به گناه و ارشاد زبانی و رعایت ادب و اخلاق و تکریم انسانیت، به جنگ موارد منکر بروند (به شرطی که به برخورد فیزیکی کشیده نشود، چرا که این برخورد با هر کس، هر کجا و هر زمان خود عامل نا امنی و هنجار شکنی خواهد بود).

۲- مبارزه جدی و برخورد فیزیکی با هنجار شکنان: در این مرحله که مرحله بسیار حساسی است، شهروندان وظیفه ای در این زمینه ندارند بلکه همه شرایط را برای نهادهای مسئول که دارای امکانات می باشند فراهم کنند. گرچه متأسفانه برخی از دستگاههای حکومتی به جای انجام فریضه الهی «امر به معروف و نهی از منکر» با همه چیز حتی رعایت مقدمات با دید تساهل و تسامح می نگرند، و این امر نگران کننده است.

**به چه دلیل بازی بیلیارد را با اینکه مجتهدین آن را حرام کرده اند ولی این گونه در کشور ما رواج پیدا کرده است؟**

### پرسش

به چه دلیل بازی بیلیارد را با اینکه مجتهدین آن را حرام کرده اند ولی این گونه در کشور ما رواج پیدا کرده است؟

### پاسخ

این مسأله می تواند عوامل مختلفی داشته باشد:

عامل اول؛ مربوط به حکم شرعی آن است. حرمت بازی بیلیارد در زمان حاضر براساس نظر کارشناسی برخی از مراجع مانند مقام معظم رهبری و آیت الله فاضل لنکرانی مطلق نبوده، بلکه با قیود و شرایطی است که اگر این قیود و شرایط نباشند، از دیدگاه برخی مراجع اشکالی ندارد. به عنوان نمونه «بیلیارد اگر از آلت قمار باشد، بازی با آن مطلقاً حرام است، اما اگر از آلات قمار نباشد بدون شرط بندی و برد و باخت اشکال ندارد» (استفتا از دفتر آیت الله فاضل لنکرانی - استفتاآت جدید امام خمینی، ج ۲، ص ۹ - اجوبه الاستفتاآت، ص ۲۴۶ و ۲۴۷).

بنابراین طبیعی است که این چنین مواردی که تشخیص موضوع آن به عهده عرف است و با رعایت برخی قیود (در صورتی که عرفاً از آلات قمار محسوب نگردد) مشکل شرعی آن نیز مرتفع می گردد، در جامعه شیوع پیدا کند.

عامل دوم؛ نوع افرادی که به این بازی مبادرت می کنند باز می گردد. متأسفانه، به غیر از تعداد کمی از علاقه مندان به این بازی که دارای علاقه و پای بندی به احکام مذهبی بوده، اکثریت آنان و یا کسانی که کلاس سرخ بازی های حرام و یا شبهه ناک می روند، اصلاً به احکام الهی و حلال و حرام آن کار ندارند و این ناشی از ضعف باورهای دینی آنان و نهادینه نشدن فرهنگ و ارزش های اسلامی در آنان است

که عوامل متعددی نظیر سوء اختیار و پیروی از هواها و هوس های نفسانی، عدم تربیت صحیح خانوادگی و مسائل محیطی می تواند در بروز این پدیده مؤثر باشد.

عامل سوم؛ نقش مهم تهاجم فرهنگی است که با استفاده از تکنولوژی ها و وسایل پیشرفته ارتباط جمعی نظیر تلویزیون، ماهواره، اینترنت و... ارزش های مخرب و سبک های زندگی خود را در درون سایر جوامع می گستراند. بی اعتنایی به دین و ارزش های دینی یکی از پیامدهای این مسأله است.

عامل چهارم؛ تغییر ارزش های جامعه ما است. متأسفانه به دلیل برخی سیاست هایی که در دوران پس از جنگ در زمینه توسعه اقتصادی انجام شد، ارزش های حاکم در جامعه از ارزش های مادی به ارزش های معنوی تغییر یافت و توجه به ابعاد معنوی و احکام الهی کم رنگ گردیده و این مسأله به شکل بسیار فزاینده ای در سال های اخیر استمرار یافت بلکه تسهیلات لازم برای آن ایجاد شد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم

۲. توسعه و تضاد، فرامز رفیع پور

نتیجه عوامل فوق بی اعتنایی برخی از افراد جامعه به احکام الهی و پیروی از خواسته ها و هواهای نفسانی خویش است و حل آن نیز با کار فرهنگی مستمر و دقیق، توسط مسئولین و دستگاه های فرهنگی کشور و سایر نهادها و مراجعی است که در زمینه فرهنگ سازی جامعه نقش ایفا می نمایند.

**آیا در دنیایی که کلیه مکاتب و مذاهب و حتی کلپ های شبانه برای جذب همفکر و عضو با تمام امکانات و آدرس های پستی و الکترونیکی به صورت رایگان فیلم و سی دی و مجله و کتاب به صورت آبونمان مادام العمر دست به تبلیغات انبوه زده است اشاعه معقول و حداقل در زمینه افکا**

**پرسش**

آیا در دنیایی که کلیه مکاتب و مذاهب و حتی کلپ های شبانه برای جذب همفکر و عضو با تمام امکانات و آدرس های پستی و الکترونیکی به صورت رایگان فیلم و سی دی

و مجله و کتاب به صورت آبونمان مادام العمر دست به تبلیغات انبوه زده است اشاعه معقول و حداقل در زمینه افکار اسلامی نیاز به مبالغ بسیار ناچیز آبونمان مجلات و کتب مذهبی دارد؟ و آیا امکان پذیر نیست این هزینه از محل پرداخت وجوهات مردمی به بزرگان دینی ما پرداخت گردد؟ آیا با هزینه بسیار اندک نمی توان کلیه امکانات پرسش و پاسخ در مورد قرآن و نهج البلاغه و کلیه کتب مرجع را در سی دی های تبلیغاتی جای داد و به صورت رایگان در اختیار مردم قرار داد؟ مگر زبان تبلیغ فقط مختص پیامبر بوده است؟ آیا می دانید نسبت افراد مثبت و منفی اجتماع ما در صورتی که تبلیغات در دست گروههای مخالف خارج از کشور است و اعمال تشویق و تنبیه در دست گروههای داخل کشور به چه میزان است؟ آیا وقت آن نرسیده تبلیغات و تشویق و تنبیه را با هم موازنه کنیم؟ آیا تبلیغ فقط مختص دانشجویان است؟ آیا با لیلی به لالیلی دانشجویان گذاردن مشکلاتی نظیر کوی دانشگاه به وجود نیامده است؟

## پاسخ

به علت پراکندگی حوزه های مورد سؤال، در ۴ قسمت اختصارا جواب داده می شود:

- قسمت اول: در ضرورت تبلیغات صحیح در دنیای امروز هیچ مشکلی نیست. مخصوصا اگر کسی دغدغه اشاعه تفکرات اسلامی داشته باشد باید بتواند با استفاده از ابزارهای تبلیغی مؤثر و جذاب، تفکرات خود را عرضه کند و ما از دغدغه شما ستایش می کنیم بلکه براساس روایات خود این دلسوزی ها در پیشگاه الهی ثواب زیاد دارد.

اما ۲ نکته قابل توجه در این مقوله عبارتند از:

۱. جامعه جهانی کنونی به یک جامعه تک صدایی

تبدیل شده و نباید انتظار داشت که سایر صداها نیز در کنار آن صدای برتر نیز قابل شنیدن باشد اکنون تبلیغات ضد فرهنگ غربی، هر چه قدر که قوی هم باشد باز در کنار بوق بزرگ تبلیغاتی آنها گم می شود. پس متصدیان امر باید بر خطیر بودن مسئولیت خویش واقف شده بر کوشش و تلاش خویش در این عرصه بیفزایند.

۲. برای عرضه تفکرات نوین اسلامی باید به تولید فکر دست یازید. یعنی نرم افزار فکری باید به عنوان جریان اصلی پژوهشی و آموزشی در کشور درآید. باید متفکران و دانشمندان در عرصه های مختلف به تولید فکر پرداخته و تفکرات خود را بر مبنای پیش فرض های غربیان استوار نسازند. این امر هم، خود نیاز به فعالیت همه جانبه ای از سوی همه اساتید و دانشجویان و طلاب دارد.

- قسمت دوم: در مورد امکان پرداخت هزینه تبلیغات از وجوهات مردمی باید گفت: در متن احادیث وارد شده در زمینه مصرف وجوهات، راه های آن مشخص گردیده که از جمله مصرف وجوهات همین موضوعی که شما اشاره فرمودید می باشد و نیز فراتر از آن برای جذب قلوب کفار و معاندین به دین اسلام است.

- قسمت سوم: نکته اساسی در ترویج تفکرات اسلامی، تنها نیازهای مادی و پولی نیست بلکه نیاز اصلی نبود فکر جدید مطابق با فضای جامعه کنونی است. مشکل اصلی را نباید در فقدان ابزارهای تبلیغاتی (همچون سی دی، فیلم و...) جستجو کرد، بلکه مشکل اساسی فقدان تولید فکری در عرصه های مختلف است.

البته باید ضمن اعتراف به لزوم هماهنگی همه مراجع و مراکز دینی غیر دولتی، بر تفریط برخی از مسئولین دولتی

مربوطه از جمله وزارت ارشاد و صدا و سیما و سازمان تبلیغات اسلامی اظهار تأسف کرد. یکی از کار ویژه دولت اسلامی، تلاش بر نشر فضایل اخلاقی و ترویج شعائر دینی است. متأسفانه به پروژه های سیاسی (بلکه سیاسی کاری) یارانه هایی پرداخت می شود که عشر آن نیز به این مسائل فرهنگی بنیادین اختصاص پیدا نمی کند.

چه کتب و مجلات و روزنامه های غیر لازم بلکه مضر و مروج ابتذال و بی دینی که از یارانه های دولت اسلامی بودجه دریافت می کنند ولی برعکس آن نه؟ چه بسیار برنامه ها و فیلم های بی محتوا با هزینه های سرسام آور از بیت المال ساخته می شود ولی برعکس نه؟...

- قسمت چهارم: بحث تشویق و تنبیه دانشجویان و موازنه کردن آنها، باید طبق آمار و داده های دقیق و رسمی صورت گیرد. علل ایجاد مسائلی نظیر کوی دانشگاه نیز ریشه دارتر از بحث لیلی به لالای دانشجویان گذاردن است.

البته باید اعتراف کرد متأسفانه برخی از مسئولین یا گروه های سیاسی این بی عدالتی فاحش را بنیان نهاده به آن دامن می زنند در نظام اسلامی فرقی بین طلبه و دانشجو و نظامی و کارمند و کارگر و کشاورز نیست، اما متأسفانه طوری شده است که حتی با قطعی شدن اقدامات براندازی (به اعتراف برخی از متهمین در غائله اخیر) به همین بهانه، نه تنها از اجرای احکام با اعمال فشارها جلوگیری می شود بلکه موجب تجری و جسور شدن بیشتر آنها می گردند.

البته باید دو نکته را از نظر دور نداشت: اولاً، ما هم قبول داریم که برخورد با جوانان به ویژه قشر



فرهیخته و دانشگاهی باید با ظرافت ویژه ای صورت پذیرد. ثانیاً، هدف از طرح شعار دانشجویی به وسیله گروه های سیاسی مزبور، صادقانه نیست بلکه استفاده ابزاری از این عزیزان است.

نتیجه: مهم در بحث ابزارهای تبلیغاتی، در کشور ما، محتوای فکری است که قرار است توسط آن ابزارها عرضه شود. در کشور ما الان چنین متفکرانی با چنان تفکرانی بسیار کم یافت می شود. حال اگر خوراک فکری لازم برای تغذیه ابزارهای تبلیغاتی موجود شد، بحث ثانوی روی تهیه ابزارهای تبلیغاتی متناسب با آن است. ابزارهای تبلیغاتی تنها جنبه پیام رسانی دارند. در حالی که محتوای آن را باید با جریان نرم افزار فکری در کلیه رشته ها تأمین کرد.

تأکید مقام معظم رهبری نیز بر عرصه تولید نرم افزار فکری در بین دانشجویان، به خاطر همین امر است.

**در دین مبارک ما آمده که زن نباید با صدای بلند در بین نامحرم بخندد و بهتر است که نامحرم صدای او را نشنود. تا شیطان بین آنها وسوسه ایجاد نکند در این صورت در رسانه ها و تلویزیون به شدت عکس این مطلب مشاهده می شود توضیح دهید.**

### پرسش

در دین مبارک ما آمده که زن نباید با صدای بلند در بین نامحرم بخندد و بهتر است که نامحرم صدای او را نشنود. تا شیطان بین آنها وسوسه ایجاد نکند در این صورت در رسانه ها و تلویزیون به شدت عکس این مطلب مشاهده می شود توضیح دهید.

### پاسخ

مسئله حضور و عدم حضور زن در اجتماع و چگونگی آن، یکی از مسایل بسیار حساس و ظریف است که کم دقتی درباره آن، پیامدهای نامطلوبی را به دنبال دارد. به قول استاد شهید مطهری: «صراط مستقیم باریک است، کمی از این طرف برویم، پرت می شویم، کمی از آن طرف برویم هم پرت می شویم، اندکی به نام عفت، عصمت و پاکی، زن را بکشانیم به گوشه صندوق خانه ها، پرت شده ایم. یک ذره به نام دخالت خانم ها در اجتماعات و فعالیت ها حریم را بشکنیم نیز از آن طرف افتاده ایم» (باقری، مجید، ۱۱۰ سؤال از استاد مطهری، سازمان بسیج دانشجویی، ص ۸۶).

با پذیرش مذموم بودن برخورد افراطی و تفریطی در مورد حضور زن در اجتماع بر این باوریم که تعادل در این زمینه بهترین گزینه است، منتهی همین قسم نیز دارای مراتب گوناگونی است. حداقل انتظار آن است که زن با حضور خود واجبات و محرمات اسلام را مانند حجاب، صحبت با عشوه و ناز و... زیر پا نگذارد و حداکثر انتظار آن است که زنی که در صحنه اجتماع حاضر می شود، همه احکام والای اسلامی، مانند وقار، متانت، عفت را رعایت کند.

آنچه که در تلویزیون مشاهده می شود، حداقل انتظار و البته در برخی موارد خلاف انتظار از نحوه حضور

زن در جامعه است. هر چند حضور زن در برخی رسانه ها، همراه با زیر پا گذاشتن احکام مترقی اسلام است که ما نیز با آن مخالفیم. خلاصه این که بسیاری از واقعیت های تلخ را باید اعتراف کرد و برای رفع آن چاره ای اندیشید. هرگاه ارزش های اسلامی بر جامعه بیشتر حاکمیت یابد، این ناهنجاری ها کاهش می یابد.

**در نظام اسلامی اعمال نفوذ و قدرت ارزشهای مذهبی، چگونه در جامعه عملی می شود ارزشهای مذهبی به چه قدرتی باید وارد جامعه شود تا بتواند نفوذ کامل بر افراد داشته باشد.**

### پرسش

در نظام اسلامی اعمال نفوذ و قدرت ارزشهای مذهبی، چگونه در جامعه عملی می شود ارزشهای مذهبی به چه قدرتی باید وارد جامعه شود تا بتواند نفوذ کامل بر افراد داشته باشد.

### پاسخ

وظایف و امکانات این مرکز مشاوره، در راستای پاسخگویی به شبهات و سؤالات مهم و اساسی دانشجویان در زمینه هایی نظیر کلام و اعتقادات مذهبی، احکام، اندیشه سیاسی و مسائل مربوط به حکومت دینی و موضوعات کلان نظام و جامعه اسلامی می باشد، از این رو به دلیل محدودیت امکانات از یک سو و گسترده بودن سؤالات دانشجویان، لذا در پاسخ سؤالات شما چند منبع را برای مطالعه معرفی می نمایم:

۱. توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، تهران، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۹

۲. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸

۳. انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹

۴. جامعه سازی قرآن، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸

۵. اندیشه های فقهی - سیاسی امام خمینی، کاظم قاضی زاده، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری

**لطفا در زمینه ستاد امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مراکز اجرایی آنها و دامنه اختیاراتی که این مرکز دارند توضیح دهید؟**

### پرسش

لطفا در زمینه ستاد امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مراکز اجرایی آنها و دامنه اختیاراتی که این مرکز دارند توضیح دهید؟

جهت آشنایی بیشتر با چگونگی شکل گیری این ستاد، وظایف و چگونگی فعالیت های آن، گفتگویی توسط یکی از نشریات با دبیر آن انجام شده است که در ذیل می آید.

گفتگو با دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر

سوال: اصلا ایده تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر از کی بوجود آمد و هدف تشکیلش چه بود؟

امر به معروف و نهی از منکر با تعریف صحیح آن یک چیز جدیدی نیست که ما آورده باشیم یا حتی اسلام آن را آورده باشد، در طول تاریخ امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته. این مساله اختصاص به یک دوره و زمان خاص یا حتی اختصاص به یک دین خاص ندارد، در تمام ادیان الهی و حتی غیر الهی وجود داشته است و اسلام تنها این فرضیه را تایید و تاکید کرده است. اما این تعریف صحیحی که از این مسئله باید بشود و اسلام آن را تایید می کند و عقلی و فطری هم هست، این است که این مساله به معنای نظارت همگانی است، نه اینکه یک گروه باشند که دایم به دیگران امر و نهی کنند. باید یک نظارت همگانی در جامعه شکل بگیرد. اگر آن نظارت همگانی وجود داشته باشد، زمینه احیای کارهای خوب فراهم می شود و جلوی بسیاری از مفاسد هم گرفته می شود. احیای امر به معروف و نهی از منکر، یعنی اینکه ما این فرهنگ

نظارت همگانی را زنده کنیم.

اما در مورد تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، این کار بر مبنای نظر مقام رهبری صورت گرفت. ایشان فرمودند همانطوری که در مورد نماز و روزه کار شده است، در مورد این فریضه هم کار بشود.

این طور بود که تعدادی از افراد متدین و مذهبی تصمیم گرفتند تا در این مورد در یک مجموعه و محور مشترک کار کنند و تمامی فعالیتهایشان را در این زمینه متمرکز کنند. ما چند بار به این دلیل خدمت مقام رهبری رفتیم و گفتیم که نظرم آن این است که ستاد امر به معروف و نهی از منکر را تشکیل بدهیم.

حتی برخی از این هم جلوتر رفتند و گفتند «ستاد اجرای امر به معروف و نهی از منکر» را می خواهیم پایه گذاری کنیم. اما ایشان روی این مسأله تأکید کردند که اگر می خواهید کار کنید باید ستاد «احیای امر به معروف و نهی از منکر» باشد نه ستاد اجرای آن. مگر با ۲۰ یا ۳۰ نفر می شود کاری به این بزرگی را انجام داد؟ نظر ایشان این بود که فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر باید در میان مردم بوجود بیاید نه اینکه ما خودمان برویم مستقیماً این کار را انجام دهیم. ایشان معتقد بودند که باید آنقدر کار فرهنگی انجام بدهیم که این فرهنگ در میان مردم جا بیفتد که همانطوری که نماز و روزه واجب است، این کار هم واجب است. بر اساس رهنمودهای ایشان کار ما از همان اول به صورت یک کار کاملاً فرهنگی تعریف شد.

سؤال: اما ذهنیت بعضی مردم این است

که شما کار اجرایی می کنید. نمونه ای هم که مد نظر آنهاست برخی برخوردهایی است که در سطح شهر شاهد آن بوده اند؟  
ما به هیچ وجه کار اجرایی نمی کنیم. کار ما فرهنگ سازی است. ما در زمینه اجرایی وارد نشده ایم.

به اعتقاد ما برخوردهای انتظامی و قضایی صرف درست نیست، نمی شود که تمام کارها را با برخورد یا دستگیری حل کرد و یا برای احیای معروفها به فشار متوسل شد. انسان به این نوع برخورد به طور طبیعی عکس العمل نشان می دهد و مقاومت می کند. اما اگر با این دید نگاه کنیم که مردم وظیفه دارند برای امر به معروف و نهی از منکر اقدام کنند، همانطوری که برای نماز و روزه وظیفه دارند، خیلی از مسایل و مشکلات حل می شود.

روی این اصل ما در تمام معاونت های ستاد، یعنی معاونت های فرهنگی، تشکلهای مردمی، سازمانهای اجرایی، معاونت ادارات و کارخانجات خودمان تنها این کار را انجام می دهیم که گروهها و تشکلهای درون سازمانی و مردمی را و حتی خانواده های آنها را برای امر به معروف و نهی از منکر فعال کنیم.

آنچه که در اولویت اول ما قرار دارد این است که نظارت همگانی مردم فرهنگ بشود که اگر این انجام شود خیلی از معضلات را نخواهیم داشت.

سوال: فکر می کنید این کار چقدر زمان و انرژی می برد؟ هدف خیلی بزرگی نیست؟

ببینید یک مثال ساده ای که در مورد هدف خودمان می توانم بزنم این است که من خودم شاهد بودم که در آن زمانی که مقررات تردد پلاکهای زوج و فرد برای تردد

ماشینها در روزهای مختلف اجرا می شد، ماشینی که در روز تردد ماشینهای زوج با پلاک فرد به خیابان آمده بود، همه مردم بهش نگاهش می کردند و این می شد که خود فرد دایم در عذاب بود و سرش را می انداخت پایین وزیر چشمی نگاه می کرد و این باعث می شد تا دفعه بعد این مساله را تکرار نکند و اگر هم کرد سرش را بیندازد پایین و این آنقدر تکرار بشود تا او این کار را دیگر نکند. این همان چیزی است که ما از احیای امر به معروف ونهی از منکر دنبال آن هستیم. این که امر به معروف ونهی از منکر فرهنگ شود. این فرهنگ که ۱۰ تا چشم به فرد خاطی جوری نگاه کند که او سرش را بیندازد پایین و دیگر آن کار را تکرار نکند. ما معتقدیم کدام پیامبر تا به مردم چیزی گفت حرفش را فوراً گوش دادند که حرف ما را گوش بدهند؟ نوح (ع) ۹۵۰ سال گفت فقط یک عده کمی شنیدند.

اما اگر این فرهنگ در میان خود مردم بوجود بیاید که به فرد خاطی فشار اجتماعی بیاورند که او عمل ناپسندش را ترک کند یا به عمل صالح و معروف تشویق شود، آن وقت است که فعالیت ما مثمر ثمر بوده است.

سوال: طبیعتاً شما برای ایجاد این فرهنگ و فرهنگ سازی ، پیش از همه با ذهنیتهای نامناسب موجود در این زمینه مواجهید. در این زمینه چه کارهایی انجام داده اید؟

متأسفانه ذهنیتهای نامناسب قبلی در این مورد مشکل بزرگی است که ما به آن مواجه ایم ، اصلاً سختی کار ما همین است.

ما نه تنها در زمینه آموزش نیروهایمان با دشواری های زیادی مواجه هستیم ، بلکه ذهنیت منفی و حداقل نادرستی که نسبت به این ستاد و حتی این فریضه در جامعه ایجاد شده است نیز به ما به ارث رسیده است. متاسفانه در اوایل انقلاب عده ای با احساس وظیفه نسبت به اقامه این فریضه وارد کار شدند. بالاخره آنها دغدغه این کار را داشتند، نظرشان ادای تکلیف بود، دیده و شنیده بودند که باید امر به معروف و نهی از منکر بشود، اما درست نفهمیده بودند، آموزش ندیده بودند، فکر می کردند که وظیفه آنها زدودن کامل منکرهاست ، درگیر می شدند و مشکلاتی را بوجود می آوردند.

در حالی که وظیفه امر به معروف ، گفتن و رفتن است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب نه اینکه یک نفر ۱۰دفعه بگوید، بلکه ۱۰ نفر یک دفعه بگویند. آنها نمی دانستند که کار امر به معروف و نهی از منکر مبارزه با مفسد و زدودن آنها نیست ، آن کار نیروی انتظامی و ضابطان است. برخورد هم با قوه قضاییه است ، آن هم تحت ضوابط قانونی و مشخص. متاسفانه این فرهنگ در آنجا بوجود نیامده بود و باعث بوجود آمدن ذهنیت منفی شد، اما ما در سالهای گذشته با آموزشهایی که شروع کرده ایم سعی کرده ایم تا این آموزشها را به افراد بدهیم که معنا و مفهوم صحیح امر به معروف و نهی از منکر چیست.

سوال:مثلا چه آموزشهایی؟

ببینید علاوه بر آموزش و یاد گرفتن مسایل مذهبی و اعتقادی ، خود شیوه امر به معروف و نهی از منکر هم آموزش می خواهد. نماز را یک

بار یاد می گیرید، تا همان آخر همین است. شرایطش یکسان است ، روزه هم همین طور، اما امر به معروف این طوری نیست که تا آخر به یک صورت باشد. فرد باید با توجه به زمان و مکان خودش این وظیفه را انجام دهد، هر جا و موقعیتی شرایط خاص خودش را دارد.

ما باید علاوه بر آموزش احکام به افراد، به آنها نحوه بیان احکام را هم یاد بدهیم. یک آدم یک جا می تواند امر به معروف کند و نتیجه بگیرد و در همان جا با شرایط دیگر یک فرد دیگر امر به معروف می کند و نتیجه عکس می دهد، چرا که نه تنها شرایط را در نظر نمی گیرد که حتی نحوه بیان صحیح را هم نمی داند. شرایط مکان و زمان روی این مسأله تأثیر می گذارد. توی کوچه یک جور باید امر به معروف کرد و توی خانه یک جور دیگر. طرف می گوید در خانه میهمان بودیم ، ۵۰ نفر دیگر هم بودند، دیدم منکر انجام می شود، با صاحبخانه برخورد کردم ، اما در اینجا باید به او گفت تو ممکنست که منکر شرعی را بتوانی تشخیص بدهی ، اما آموزش ندیده ای ، نمی دانی اینجا که در خانه مردم نمی شود درگیر شد.

اگر با اخم شد، که شد و گرنه تو پاشو برو. این را اسلام می گوید، من نمی گویم. پاشو برو، با اخم هم برو، اگر تو رفتی و ۱۰ یا ۱۵ نفر دیگر هم این کار را کردند، طرف می فهمد، این واقعا اثر می گذارد.

این باید اساس کار ما باشد، این یک



نمونه از آموزشهای ریز وظرفی است که ما باید به اعضایمان که تمام مردم هستند بدهیم. ظاهراً هنوز هم در زمینه امر به معروف و نهی از منکر چارچوب خاصی وجود ندارد و این می شود که در بسیاری از موارد اعمال سلیقه می شود.

سوال: از جمله اینکه در برخی از موارد با مسایلی برخورد می شود که از دید جامعه و عرف ممکنست منکر و تخلف نباشد یا اینکه لااقل در آن شرایط نباشد؟

همانطوری که گفتم ما در این زمینه با مشکل مواجهیم، آموزش ندیده ایم. ببینید ما حرام اجتماعی و واجب اجتماعی داریم، حرام عرفی، شرعی و فردی داریم. نمی شود که یک حرام عرفی را یک نفر بگوید که حرام شرعی است. اگر ما می گوئیم امر به معروف و نهی از منکر کنید، منظورمان حرام بین (آشکار) است. نمی خواهیم برویم دنبال آن چیزهایی که شک در موردشان وجود دارد. یکی از مسایل امر به معروف این است که بدانند که این قطعاً و شرعاً منکر است و اگر شک دارد نباید وارد عمل بشود، ما کاری به شبهات نداریم. خیلی وقتها که می گوئیم چرا این مسئله بوجود آمد، می گویند که مردم منکر را نمی شناسند و درگیری ایجاد می شود. منظور ما از منکر بین (آشکار) آن حرامی است که وقتی خود فرد هم انجام می دهد هم خودش و هم جامعه بدانند که مطمئناً این مساله حرام است. کاری که فرد وقتی کرد و به او انتقاد کردی سرش را بیندازد پایین. کاری که اگر فرد کرد تمام مردم نگاهش کنند.

تفکر اساسی که ما به

دنبال آن هستیم این نگاههای انتقادی مردمی است. امر به معروف و نهی از منکر این است که مردم احساس کنند که چشمهایی آنها را نگاه می کنند و آنهایی که اشتباه کردند مردم نگاهشان می کنند. در این صورت اگر فرد اشتباه کرد پیش خودش ناراحت می شود. اما شاید بعضی مردم به این خاطر کمتر به این فریضه توجه می کنند که خیلی از منکرها را کسانی انجام می دهند که در ساختار قدرت هستند. به این ها نمی شود چیزی گفت ، نمی پذیرند و ممکن است برای کسی که دارد وظیفه اش را انجام می دهد مشکل پیدا شود. خودتان بهتر می دانید که منکر فقط بدحجابی و این حرف ها نیست. سوء استفاده از منصب و مقام و اموال عمومی هم منکر بزرگی است... خب البته مشکل امر به معروف و نهی از منکر همین است. مثل نماز و روزه نیست که طرف خداوند بخشنده باشد. طرف انسانی است که ممکن است قدرتمند باشد. این است که امام علی وقتی بین تمام خوبی ها و جهاد قضاوت می کند، می گوید جهاد از همه برتر است ، اما وقتی بین تمام خوبی ها باضافه جهاد با امر به معروف و نهی از منکر مقایسه می کند، می گوید امر به معروف و نهی از منکر.

سوال: بله این مشکل وجود دارد که طرف عکس العمل نشان بدهد، در این شرایط انتقاد و حتی تشویق سخت می شود. بعضی وقتها هست که شما به خاطر یک کار خوب هم از طرف تشکر می کنی و تشویقش می کنی و طرف می گوید به تو چه؟ مگر

برای تو کردم؟ اصلا تو چه کاره ای؟

کار امر به معروف این دشواری را دارد. یعنی هم انتقاد کننده و آمر به معروف و ناهی از منکر و هم کسی که به او انتقاد می شود باید آموزش ببینند. این کار مهمی است. ما باید این را جا بیندازیم که در جامعه فرد تنها نیست، او در یک اجتماع زندگی می کند که یک سری شرایطی را دارد. یک سری امر و نهی هایی دارد، اینها باید جا بیفتند. اما من به این مساله فرهنگ سازی خوش بینم. تا چند سال قبل، خیلی از مردم از گلهای پارک می کردند و می بردند خانه شان. اما حالا این فرهنگ جا افتاده است که این گلهای پارک است و نه تنها بقیه افراد آن را درست نمی دانند که فرد هم خودش از این کار معذب است، خوب حالا دیگر این یک فرهنگ شده است، یک فرهنگ عمومی. این فرهنگ انتقاد کردن و انتقاد پذیری هم فرهنگی است که کم کم جا می افتد. البته ممکن است به خاطر ذهنیتهای قبلی کمی مشکل باشد.

متأسفانه جایگاه این فریضه در میان مردم روشن نیست. خیلی از مردم متدین در مورد وجوب فریضه نماز، روزه، حج، و هیچ تردیدی ندارند. اما در مورد امر به معروف و نهی از منکر این طوری نیست، واقعا جا نیفتاده است. هنوز هم خیلی از مردم حتی متدینین وقتی کار منکر و خلافی را می بینند ممکنست با خودشان بگویند به ما چه ربطی دارد، در صورتیکه در مورد سایر فرایض خیلی دقیق هستند.

این دقت را

باید همگانی کرد.

(روزنامه جام جم، ۸ اسفندماه ۱۳۸۲)

**با سلام چرا با توجه به فساد گسترده اداری و ناکارآمدی مدیران و همچنین فساد ایشان در زمینه برخورد با آنان اقدام موثر به عمل نمی آید. نهادهای نظارتی ما که شامل دادگستری و سازمان بازرسی کل کشور و وزارت اطلاعات و دیوان محاسبات مجلس خود دچار فساد خانمان بر اندا**

### پرسش

با سلام چرا با توجه به فساد گسترده اداری و ناکارآمدی مدیران و همچنین فساد ایشان در زمینه برخورد با آنان اقدام موثر به عمل نمی آید. نهادهای نظارتی ما که شامل دادگستری و سازمان بازرسی کل کشور و وزارت اطلاعات و دیوان محاسبات مجلس خود دچار فساد خانمان بر انداز میباشند. رشوه گیری که در اسلام از ۷۰ بار زنا با محارم در خانه خدا قبیح تر میباشد قبح ان ریخته است در حالیکه هم اکنون مدیرانی وجود دارد که رشما اقدام به ارتشا نموده سازمانهای نظارتی هم در جریان میباشند لیکن با کمال تاسف همچنان به عنوان مدیر جمهوری اسلامی در حال کار میباشند چنانچه نمونه و مورد خاصی مد نظر باشد نمونه های فراوانی ذکر خواهد گردید. حال سوال اینست آیا شیوه امیرالمومنین هم اینگونه بود؟ یا اینکه باید به فکر مصلحت بود. آیا اگر مدیر ارشد فاسد نباشد مدیر زیر دست میتواند فاسد باشد؟

### پاسخ

سوال شما از جهات متعدد قابل تامل و بررسی است:

۱. اینکه بگوییم عملکرد قوی یا ضعیف جامعه و یا وجود برخی ضعفها در سیستم اداری کشور به مدیر ارشد برمی گردد. استنتاج کلی و قاعده قابل اثباتی نیست هرچند در حیطه عملکردها و وظایف و با در نظر گرفتن امکانات و اختیارات آن مدیر ارشد چنین امری مصداق می تواند داشته باشد ولی به عنوان یک قاعده کلی نمی توان آن را اثبات کرد. چه اینکه هدایت نشدن قوم نوح را نمی توان به عملکرد حضرت نوح(ع) نسبت داد و یا عدالت گریزی و انحطاط فکری مسلمین صدر اسلام در زمان حضرت علی(ع) و یا وجود برخی کارگزاران فاسد در دستگاه اداری

ایشان را نمی توان به آن حضرت تسری داده و مسؤولیت آن را بر دوش ایشان گذاشت، اساساً خداوند رهبران الهی و دینی را موظف به تذکر و انذار به جوامع و اجرای احکام الهی می نماید و آنان نیز به تناسب توانمندی و وسع خویش نسبت به اجرای فرامین خداوند مسئولند، حال اینکه چه مقدار در تحقق عینی جامعه دینی و هدایت مردم توفیق حاصل کنند. بستگی زیادی به خواست عمومی و درک افراد و نخبگان جوامع از مقوله فوق و تمکین در برابر آن دارد

درباره وجود فساد هم در سیستم اداری ما نیز چنین است؛ آنچه که از مدیران الهی شایسته و سزاوار است، سعی و اهتمام به انتخاب مدیران و کارگزاران صالح و در نظر گرفتن ساز و کارهای نظارتی برای جلوگیری از خطاهای آنان است؛ حال اگر مدیری صالح با اعمال این قبیل مسائل اهتمام به ایجاد تشکیلاتی سالم داشت و تمام سعی و تلاش خود را برای مقابله با آفت ها و مفاسد کرد، دیگر با وجود نمونه هایی از فساد نمی شود آن رهبر یا مدیر ارشد را به کوتاهی و قصور متهم نمود. و یا ادعا کرد که فساد از او نشات می گیرد!!!

اکنون با توجه به این موضوع درباره وجود برخی مفاسد در دستگاه های اداری کشور بهتر است به دو مقوله اساسی با عنایت به آنچه در بالا گفته شد توجه کرد. اولاً قانون اساسی اختیارات مشخصی را به عهده رهبری به عنوان یکی از مدیران گذاشته و اختیار عزل و نصب افراد و شخصیت های خاص را به رهبری داده که ایشان نیز با در نظر گرفتن توانمندی ها

و امکانات در کنار نیازها و اولویت های کشور نسبت به انتصاب و یا عزل افراد در سمت های مدیریتی کشور اقدام می نماید و به طور اصولی ایشان در عزل و نصب سایر مدیریت های کشور در بدنه قوای سه گانه دخالتی نمی کند مگر اینکه حضور فرد یا افرادی را بر خلاف مصالح اسلام و انقلاب و کلیت نظام احساس کند که مقوله فوق امری مستثنی است.

ثانیاً تعبیر رهبری از مدیریت مفسد و یا بی اعتنا به حقوق مردم مطمئناً بر یک سری چارچوب ها و اصول عقلانی و قابل اثبات استوار است که در صورت اثبات فاسد بودن بخشهایی از مدیریت کشور در برابر آن موضعگیری خواهند کرد که چنین امری مسبوق به سابقه هم است و مسلماً ایشان نمی تواند بر اساس یافته های مطبوعاتی و حدس و گمان و داده های غیر قابل اثبات در رابطه با عملکرد مدیریت های زیر نظرشان قضاوت کنند.

متأسفانه به رغم تأکیدات و اهتمام زیاد مقام رهبری برای مقابله با مفاسد اقتصادی، و نیز برخی اقدامات عملی قوای سه گانه و سایر نهادها و دستگاههای حکومتی، برای مقابله با این پدیده، هنوز دستاوردهای مثبت آن، آشکار نشده و کما کان اقشار محروم و مستضعف جامع از اثرات زیان بار مفاسد اقتصادی رنج می برند. مقام معظم رهبری به سؤالی در مورد اقدامات قوای سه گانه در این خصوص، می فرمایند: «من خصوص به شما عرض می کنم: نه! واقعاً من از آنچه که اتفاق افتاده راضی باشم؟ نه؛ یعنی کمتر از آن حدی است که بنده را خشنود و راضی کند؛ اما انصافاً تلاش کردند. در همین جلسه یی که اخیراً با مسئولان قوای سه گانه داشتیم،

به آنها گفتم دو سال گذشت. قوه ی قضائیه و مجریه گزارش فعالیت‌هایی را که کرده اند، آوردند که حکم فعالیت‌ها خوب است؛ در این تردیدی نمی شود داشت. ستادی هم تشکیل داده اند که نسبتاً فعال است، و لیکن نه، آن مقداری که بنده را راضی کند، نیست.» (دیدار یار، بیانات مقام معظم رهبری در پاسخ به پرسشهای دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲، ص ۵۵)

بنابراین اقدامات مناسبی \_ علی‌رغم عدم کفایت آن \_ انجام و در حال پی گیری است . اما در مورد ناکافی بودن مشهود نبودن این اقدامات و یا طولانی شدن رسیدگی به پرونده های متهمین و ... باید گفت که این موضوع به مسائلی از قبیل سیاست دولت در اجرای کامل عدالت و حقوق متهمین و حفظ آبروی و حیثیت آنان و ... باز می گردد؛ مقام معظم رهبری در این زمینه چنین بیان می دارند: «با آن کسانی که قاطع برخورد نمی کنند چگونه برخورد کنیم؛ برخورد همین است که تذکر و هشدار بدهیم و به آنها بگوییم؛ برخورد لازم در این جا این است؛ اما شفافیت لازم در این مورد برای مردم صورت نمی گیرد. یک وقت انتظار هست که مرتب اعلامیه داده شود و بگویند فلان کس را گرفتیم، پدر فلان کس را در آوردیم، فلان کس این فساد را کرده، این درست نیست و برخلاف سیاست اعلام شده ی ماست؛ ما گفتیم اصلاً نگوئید. در آن مواردی هم که اعلام و جنجال شد، بنده با آن وضعیت موافق نبودم. این تصمیم گیری است که بر اساس یک محاسبه یی کردیم و این محاسبه هم

محاسبه‌ی حکیمانه است و بر این اساس نیست که چیزی لا پوشی و پنهان نگه داشته شود؛ ابداً بنده نمی‌خواهم ملاحظه‌ی کسی را بکنم، منتها فکر نمی‌کنم که تا چیزی قطعی و اثبات نشده، بزرگ بودن و اهمیتش ثابت نشده، محاکمه نشده و رویش قضاوتی نیست، باید سرزبانها بیفتد و مطرح شود. هر کس این کار را بکند، بنده موافق نیستیم؛ چه مطبوعات، چه رادیو تلویزیون و چه دیگران؛ اما آمار کارشان را بیان کنند؛ آن هم در صورتی که اسم افراد آورده نشود. این را من به شما عرض بکنم؛ یک نفر جرمی می‌کند. آدم خیلی بدی هم هست، بایست هم مجازات بشود؛ اما اگر اسم او را ما اعلام کردیم، این پسر یا دخترش در دانشگاه، خانه، محله؛ می‌دانید با این اعلان چند نفر مجازات می‌شوند؟ چه لزومی دارد؟ بگذارید او زندان برود و فی‌الجمله هم گفته شود که این کار انجام گرفته، دیگر چه لزومی دارد که ما بچه‌های دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی‌اش را هم \_ که هیچ گناهی ندارد \_ مجازات کنیم؟ مگر وقتی که اجبار باشد: یعنی زمانی که وضعیت به گونه‌ای است که غیر از این امکان ندارد، آن جا، چاره‌ی نیست؛ اما تا مادامی که می‌شود، خیلی با این طور کارها موافق نیستم.»، (همان، صص ۵۶\_۵۷)

مسئله بررسی ریشه‌ی مفاسد اقتصادی و علل عدم موفقیت کامل اقدامات دولت در این خصوص، نیازمند ارائه تحقیقات گسترده و مفصلی است که خارج از ظرفیت یک نامه است. آنچه که به صورت مختصر می‌توان از بررسی نظرات کارشناسان



مسائل اقتصادی و سیاسی، به دست آورد، این است که:

مفاسد و تخلفات اقتصادی، محصول ساختار معیوب اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و روند شکل‌گیری تدریجی آن است. از بین بردن آن نیز جز با تغییر و اصلاح این ساختارها آن هم با اقداماتی اساسی و در دراز مدت ممکن نیست.

مفاسد و تخلفات اقتصادی، رانت خواری، فعالیت‌های اقتصادی پنهان و معلول زمینه‌ها و شرایط متعددی است؛ از جمله:

۱. ساختار اقتصادی: اتکا به نفت، به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمدهای دولت و تأمین هزینه‌های جاری آن از طریق فروش منابع طبیعی، زمینه‌های گسترش فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی و زیرزمینی را تسهیل می‌کند. در نتیجه حاکمان را از مشارکت شهروندان، در تأمین هزینه‌های جاری بی‌نیاز می‌سازد؛ نظام مالیاتی را تضعیف می‌کند؛ رانت‌های گسترده‌ای فراهم می‌آورد؛ زمینه‌های رانت خواری را ترویج می‌کند؛ عدم پاسخ‌گویی را موجب می‌شود؛ نابرابری‌های عظیم در توزیع ثروت را پدید می‌آورد و وابستگی را تعمیق می‌بخشد.

۲. وجود بعضی از ضعفها و سوء مدیریت‌ها در ساختار سیاسی و حقوقی (از قبیل دولتی بودن امور جامعه، فقدان سیاست مشخص اقتصادی) و یا بعضی از پیامدهای منفی سیاست خصوصی‌سازی در فرایند انتقال دارایی‌ها به مالکان خصوصی که به دلیل فقدان نهادهای ناظر مردمی، پاسخگو نبودن صاحب‌منصبان در استفاده از قدرت وجود بعضی نارسایی‌ها در دستگاه‌های قضایی و نظارتی، رواج و غلبه روابط بر ضوابط، فقدان قوانین دقیق و تعریف شده و... از عوامل مهم در شکل‌گیری این پدیده‌ی مخرب اقتصادی می‌باشند.

۳. تغییر جو ارزشی جامعه به سوی پول و ثروت و مصرف‌گرایی؛ بی‌اعتقادی و ضعف مبانی دینی و مذهبی افراد، بی‌اعتنایی برخی از مسئولان و افراد

نسبت به ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی، از دیگر عوامل این مسأله است.

علاوه بر مسائل یاد شده، عواملی از قبیل حمایت های جناحی و عدم برخورد با هم طیفها، اعمال نفوذ برای ممانعت از نظارت یا کيفردهی، سوء مدیریت ها و... بر عمق و پیچیدگی موضوع افزوده است. بنابراین تا زمانی که بسترهای فراوان و مستعدی در جامعه ی ما وجود دارد، نمی توان انتظار سریع و قاطع رفع این مشکل را داشت و پیامد این بسترها را از میان برداشت.

رشد نظام ارزشی مردم، اطلاع رسانی دقیق درباره ی پیامدهای وجود این پدیده ی مخرب، و آگاه کردن مردم از حقوقشان، با گسترش دستگاه های نظارتی و قضایی و بازگذاشتن دست این نهادها در برخورد عادلانه و بی طرفانه، رفع بعضی از دخالت های بی جای دولت در امر اقتصادی، ممنوعیت قانونی تجارت برای سیاست مداران و حتی اطرافیان نزدیک آنان، دخالت جدی تر نهادهای آموزشی، تربیتی و رسانه ای در امر جامعه پذیری و تشریح ابعاد گوناگون این مسأله برای مردم، رفع بسیاری ممنوعیت های بی دلیل بازرگانی خارجی و... در کوتاه مدت در کاهش این مفسده مؤثر خواهد بود؛ لیکن تا عبور قطعی از دوران گذار و رسیدن به توسعه اقتصادی سیاسی مطلوب و موافق با ارزش های انقلاب اسلامی، ایجاد ثبات اقتصادی و امنیت شغلی که به ما امکان کنار نهادن راهبرد توسعه ی درون گرا و کوچک کردن محدوده ی دخالت های اقتصادی دولت را می دهد و تعیین تکلیف وضع الگوهای ما در بلند مدت، حل قطعی مسأله و رساندن آن به اندازه های مقبول میسر نخواهد شد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آسیب شناسی فساد مالی در ایران، سارا فقیری، پگاه حوزه، خرداد ۱۳۸۱، ش ۵۲، ص ۲.

۲. ریشه و سرآغاز مفاسد

**با توجه به دستور حضرت عالی جهت برخورد بارشوه خواری و اسراف در بیت المال چراهمچنان در جامعه شاهد این رویداد زشت هستیم.**

### **پرسش**

با توجه به دستور حضرت عالی جهت برخورد بارشوه خواری و اسراف در بیت المال چراهمچنان در جامعه شاهد این رویداد زشت هستیم.

### **پاسخ**

به نظر می رسد علت اصلی چنین مشکلاتی را نمی توان بصورت جزئی بررسی کرد. این قبیل ناهنجاری ها در سیستم سازمانی کشور را باید بصورت ساختاری مورد بررسی قرار داد و تا ساختار اصلاح نیابد این مشکل همچنان گریبانگیر جامعه خواهد بود. برخی گمان می کنند صرفا با بیان کردن برخی روایات و احادیث شریفه می توانند جلوی این معضل اجتماعی را بگیرند، در صورتی که اگر به آن احادیث و روایات در بعد ساختاری و کلان عمل نشود نتیجه محصلی نخواهد داشت.

اما برای توضیح معضلات ساختاری از قبیل رشوه باید به شیوه تبادل در ساختار و قدرت و ثروت کشور عطف توجه نمود. در کشور ما نباید با تحمیل کار بر طبقات پائین دست، ارزش کار ایشان را به سود طبقات ثروتمندان وابسته به قدرت بهره برداری کرد. (کارش را شخص دیگری کرده، سودش را کس دیگری ببرد). طبقات پائین دست و متوسط هم که اکثر بدنه نظام را تشکیل می دهند با دیدن این روند خود به فکر اندوختن بیشتر افتاده و اخلاق زراندوزی در ایشان تقویت می شود. بهمین دلیل دچار ناهنجاری هایی از قبیل رشوه و ... می شوند.

همانطور که مقام معظم رهبری \_حفظه الله\_ نیز بارها بر مسئولین همین امر را خطاب فرموده اند که مسئولین نباید سطح و شیوه عمل زندگی فردی و اجتماعی خود را فراتر از حد متوسط جامعه ببینند و به فکر رفاه عمومی طبقه متوسط و پائین نباشند. زیرا این امر ۲

مفسده ایجاد خواهد کرد: اولاً) مردم پائین دست وقتی از طریق قانونی نتوانستند کسب سود و رفاه کنند از طریق نامشروع به آن دست می یازند. ثانیاً) روحیه رفاه طلبی بیش از حد بخاطر نگاه به بالادستی ها در بینشان افزایش خواهد یافت.

ان شاء الله روزی با عمل به اوامر مقام معظم رهبری \_حفظه الله\_ که برگرفته از شیوهء حکومت علوی(علیه السلام) است، در تصحیح اساسی و ساختاری این قبیل معضلات برآیند.

**برای من سوال است که چرا در یک کشور اسلامی سایتهای اینترنتی سکسی به راحتی در دسترس تمام جوانان است . تورم اقتصادی - عدم امکان ازدواج برای بیشتر جوانان - فساد اجتماعی و اعتیادو... واقعا نقش مسئولین در این رابطه چیست؟ شاید اینها همه برنامه ریزی تعیین شده است**

### پرسش

برای من سوال است که چرا در یک کشور اسلامی سایتهای اینترنتی سکسی به راحتی در دسترس تمام جوانان است . تورم اقتصادی - عدم امکان ازدواج برای بیشتر جوانان - فساد اجتماعی و اعتیادو... واقعا نقش مسئولین در این رابطه چیست؟ شاید اینها همه برنامه ریزی تعیین شده است که الان در حال اجراست؟

### پاسخ

متأسفانه تا مدتی قبل، در زمینه فیلتر گذاری و کنترل سایت های ضد اخلاقی و حاوی موضوعات مستهجن و ضد ارزشهای دینی، اهمال و کوتاهی هایی از سوی مسئولینی مربوطه وجود داشت و این خود جای تعجب و تأسف برای بسیاری از دلسوزان نظام و جامعه بود، اما خوشبختانه از مدتی قبل، با اجرای برنامه فیلتر گذاری از سوی مخابرات، تا حدود زیادی از دسترسی سریع و راحت به این سایتهای جلوگیری می شود، هر چند مسئولینی مربوطه باید مکانیزمهای دقیق تر و مطمئن تری را در این زمینه بکار بگیرند. اما با این همه باید به این موضوع مهم توجه شود که حفظ سلامت فکری، روحی و روانی جوانان علاوه بر کنترل های فیزیکی، نیازمند گامهای اساسی تری از سوی فحشا و مراکز فرهنگی کشور است تا جوانان را در مقابل تهدیدهای گوناگون تهاجم فرهنگی که در برخی موارد امکان کنترل فیزیکی هم به لختی وجود دارد، واکسینه نمایند.

اما در مورد قسمت دوم سوال باید گفت عمدتاً مسئولین عالی رتبه نظام از وجود مشکلات و معضلاتی که جامعه ما خصوصاً نسل جوان با آن دست به گریبانند، نگران بوده و در پی حل این قبیل مشکلات بوده و می باشند و انصافاً تلاش های آنان دستاوردهای بسیار مثبتی برای جامعه به دنبال داشته است.

نگاهی واقع بینانه به سیاستهای کل نظام از

ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، چشم انداز ۲۰ ساله، جهت گیری برنامه های دولت و عملکردهای آن، همه مبین اهتمام شدید نظام اسلامی به امور اساسی جامع و جوانان می باشد. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که چند مسأله مدیریت قوی و کارآمد همراه با برنامه های صحیح و منطبق با نیازها و شرایط عینی جامعه، می تواند در کاهش مشکلات و تأمین نیازهای اساسی جامعه نقش مؤثری داشته باشد، اما در این فرایند متغیرهای اساسی دیگری نیز وجود دارد که به هیچ وجه نمی توان از آنان غفلت نموده، به عبارت دیگر نظام اسلامی در صورتی می تواند در اجرای کامل تعالیم و ارزشهای اسلامی در سطوح مختلف جامعه و حل نیازهای اساسی آن و زدودن معضلات، موفق باشد که سایر شرایط و زمینه های لازم از قبیل منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیران صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و... مهیاد بوده و به علاوه موانع و مشکلات ناشی از تعهدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت ها و سنت های غلط، دنیاگرایی و.. وجود نداشته باشد. و حال آنکه انقلاب اسلامی علی رغم بسیاری امتیازات و توانایی ها با مشکلات و مانعی روبرو بوده که کارکردهای نظام را در زمینه تأمین نیازهای اساسی جامع و حل معضلات آن با کندی مواجه کرده است؛ مسلماً طبیعی است که جامعه ای مانند جامعه ما که از نظر سوابق تاریخی و مشکلات عظمی که از نظر ساختار اقتصادی (تک محصول بودن آن، وضعیت وخیم صنعت و کشاورزی...) و ساختار سیاسی، فرهنگی و اداری از قبل از انقلاب، به ما منتقل شده و

چه از نظر مشکلات طبیعی مربوط به انقلاب و ناشی از جنگ تحمیلی و خسارت عظیم آن (بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار معادل هزینه ۷۰ سال کشور) و محاصره های بین المللی (که تاوان اسلام گرایی و استقلال خواهی ملت ما می باشد) تورم بین المللی و پایین بودن درآمدهای نفتی و کاهش قدرت خرید دلار و مشکلات ناشی از دوران سازندگی و رشد سریع جمعیت و مشکلات ناشی از آن و معضلات ناشی از ساختار ناسالم اداری و رقابت های غیر قانونمند جناحها (که هزینه های زیادی بر منافع، امنیت و کارآیی نظام برجای می گذارد)، تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها و مشکلات ناشی از آن و... دارای مشکل باشد.

در هر صورت ضمن در نظر گرفتن متغیرهای فوق باید جایگاه و نقش هر مسئول را بر اساس میزان کارآمدی آن در حل مشکلات مردم، تعهد و تخصص، مبارزه با تبعیض و بی عدالتی، دغدغه خدمت به مردم و داشتن کارنامه درخشان در این زمینه، دوری از سیاست زدگی و تعصب حزبی و جناح زدگی سنجید.

و آخرین نکته اینکه خوشبختانه تمامی بخشهای اجرایی و قانون گذاری کشور چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم، منتخب مردم بوده و با آراء مردم جریان امور کشور را در دست گرفته اند. از اینرو اگر مردم مشاهده می نمایند در بخشهایی ناکارآمدی وجود دارد باید در انتخاب های بعدی خود دقت بیشتری مبذول داشته تا انشاءالله مجموعه نظام اسلامی بتواند با سرعت بیشتر وبدون اتلاف انرژی و وقت، روند پیشرفت و توسعه کشور در ابعاد مختلف را ادامه داده و نیازهای اساسی جامعه و جوانان را برطرف و مظاهر بی عدالتی، تبعیض، فقر و....

## چرا عقاید وهابیت در جامعه ما براحتی گسترش می یابد و هیچ مسئولی یا ارگانی اقدامی برای جلوگیری از پیشرفت آن نمیکنند؟

### پرسش

چرا عقاید وهابیت در جامعه ما براحتی گسترش می یابد و هیچ مسئولی یا ارگانی اقدامی برای جلوگیری از پیشرفت آن نمیکنند؟

### پاسخ

چند عامل را می توان در ارتباط با این موضوع نام برد:

۱. تشدید فعالیت های تبلیغاتی و فرهنگی وهابیت در داخل ایران و حوزه های مسلمان نشین خارجی (نظیر حوزه قفقاز، بالکان و سایر کشورهای مجاور ایران) که آمادگی برای تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران مشاهده می شود، وهابیت به عنوان جریانی انحرافی در جهان اسلام و وابسته به استعمارگران، وظیفه جلوگیری از تداوم و گسترش جریان اسلام گرایی اصیل – که به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در سطح جهانی در حال پیشرفت است – را بر عهده داشته و از اینرو تخریب و ایجاد تزلزل در مبانی فکری و اعتقادی شیعیان به عنوان محور اصلی این جریان را دنبال می نماید. از این رو در سالهای اخیر در جهت همسویی با تهاجم فرهنگی و نظامی آمریکا علیه کشورهای اسلامی و به خصوص ایران، فعالیت های تبلیغی خود را در ایران توسعه بخشیده است. البته در مقابل این تهاجم حوزه های علمیه و نظام اسلامی، اقدامات و تدابیر امنیتی و فرهنگی مناسبی – هر چند ناکافی – اعمال نموده اند.

۲. متأسفانه علی رغم اقدامات فوق، آنگونه که شایسته است به این مسأله توجه جدی خصوصاً از سوی دستگاه های فرهنگی کشور داده نشده است و علاوه بر ناهماهنگی هایی که بین این مراکز با حوزه های علمیه مشاهده می شود به رواج اختلافات جناحی و حزبی و سیاسی شدن مسائل و غفلت از مسائل اساسی فضای مساعد، را برای سوء استفاده دشمنان فراهم ساخته است.

وجود مشکلات و معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خصوصا در مناطق اهل تسنن باعث بهره برداری وهابیت و ترویج عقاید موهوم خود با استفاده از امکانات مالی فراوان شده است.

مسئله هرگونه برخوردی در جهت مقابله با این جریان باید ضمن توجه اساسی به زمینه های فوق و کوشش دولت در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه، اولویت را به راهکارهای فکری و فرهنگی داده و با تقویت مبانی فکری و اعتقادی جوانان شیعه آنها را در برابر شبهات فکری و عقیدتی وهابیت، واکسینه نماید.

البته دستگاه های امنیتی و انتظامی نیز می توانند با زیر نظر داشتن کلیه تحرکات وهابیت و جلوگیری از اقدامات مرموزانه آنان، به انجام هر چه بهتر وظایف خود همت بگمارند.

**با سلام و احترام بنده نه دانشجو هستم و نه بیسواد و از مسائل سیاسی هم زیاد سر در نمی یارم . ولی می خوام بدونم که با وجود این همه فقر که منجر به هزاران فحشا می شود چرا شما ساکت نشسته اید و همینطور فقط به این همه بی عدالتی که خودتون بهتر از همه می دونید که د**

#### **پرسش**

با سلام و احترام بنده نه دانشجو هستم و نه بیسواد و از مسائل سیاسی هم زیاد سر در نمی یارم . ولی می خوام بدونم که با وجود این همه فقر که منجر به هزاران فحشا می شود چرا شما ساکت نشسته اید و همینطور فقط به این همه بی عدالتی که خودتون بهتر از همه می دونید که در دستگاه دولتی شما داره انجام می شه فقط سکوت می کنید . درحالیکه شما اسم این سال رو سال پاسخگویی گذاشته اید چرا خود شما به مردم پاسخ نمی دید که چرا وقتی می دونید چه کسانی در چه پستهایی دارند از بیت المال مسلمین می دزدند و آن را از مملکت خارج می کنند هیچ عکس العملی نشون نمی دید . حتما می خواهید بگویید که تنها هستید . نه اصلا این طور نیست شما فقط کافست که اعلام کنید



که چه کسانی این کارها رو می کنند . ببینید خود این مردم چه می کنند و اثری از آنها باقی نمی گذارند . پس خودتون باید به همه پاسخ بدید قبل از دیگران که چرا؟

## پاسخ

ضمن عرض ادب و احترام به جایگاه علمی و شخصیتی شما دوست گرامی، از آنجا که یکی از محورهای اساسی سؤال ما مسأله پاسخگویی است ابتدا به تبیین این مسأله از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته و سپس سایر محورهای سؤال را بررسی می نمایم:

الف. پاسخگویی از دیدگاه مقام معظم رهبری:

«سال پاسخگویی هم که ما مطرح کردیم، باید به آن توجه شود؛ منتها یکی دو نکته ی ظریف در این جا وجود دارد که باید به آن توجه شود: اولاً وقتی شما سؤال می کنید و پاسخ می خواهید، باید سؤالی بکنید که پاسخ آن - از سوی هر کسی - قابل تشخیص و ارزیابی کمی باشد؛ والا این که شما بگویید «آیا می دانید که از قبل بیکاری چه مشکلاتی پیش می آید؟»، جوابش این است که بله، می دانیم. «چه کار می کنید؟» همین کارهایی که می بینید داریم می کنیم. این طور طرح پرسش، چیزی عاید نخواهد کرد. یا از قوه ی قضاییه پرسید «شما برای رفع این ویرانه در پنج سال گذشته چه کار کردید؟» آنها چند صفحه به شما آمار خواهند داد که این کارها را کرده ایم. پاسخگویی مقوله ی بسیار حساسی است. چیزی که شما باید به آن اهتمام داشته باشید، خواست است. خواست عدالت و رفع فساد، بسیار مهم است. این خواستها باید وجود داشته باشد. در کنار این خواستها،

این طور هم نباشد که همه ی کارهایی را که مسؤولان کرده اند، انسان زیر سؤال ببرد و مورد تردید قرار دهد؛ نه، واقعاً در همین زمینه هایی که شما مطرح کردید، کارهای خوب و زیادی صورت گرفته؛ منتها اداره ی کشور در مقطع امروز کار بسیار مشکلی است. می دانید امروز ما در یک چالش عظیم قرار داریم با مراکز قدرتی که فکر آنها این است که اگر این نظام کارآمدی خود را به طور کامل اثبات کند، عرصه برای آنها تنگ خواهد شد؛ کمالین که همین الان هم آنها می بینند در مقابل نظام جمهوری اسلامی کم کاری کرده اند که نظام ما توانسته به پیشرفتهایی که دوستان اشاره کردند، نایل آید. البته به شما عرض بکنم؛ پیشرفتها در بخشهای مختلف، بیش از اینهاست. گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است و - همان طور هم که چند روز پیش در جلسه ی مطرح کردم - همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم. این گفتمان را باید همه گیر کنید؛ به گونه یی که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد؛ این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید؛ این مهم است. اما در برخورد با آنچه شده، باید خانگی برخورد کنید؛ نه بیگانه وار و معترض. بالا-خره کارهای زیادی انجام گرفته، احیاناً کوتاهی هایی هم شده؛ اما باید مشکل را حل کرد. نباید

نتیجه ی قهری نحوه ی بیان این باشد که بعد از چندی انسان احساس کند که به کل مجموعه بشدت معترض است؛ نه، شما برای موفقیت کل مجموعه دارید تلاش می کنید؛ اصلاً همه ی تلاشتان این است که نظام را پیش ببرید. هرچه می توانید، جزئیات را تکمیل کنید. در بخشهایی که خلأ وجود دارد، هرچه می توانید، کمک کنید تا خلأ برطرف شود. هرچه می توانید، شعار اصلی عدالت و آنچه را مربوط به عدالت است، تقویت و همگانی و در ذهن ها تعمیق کنید و روی پشتوانه و فلسفه ی فکری آن کار کنید - اینها لازم است - اما کاری نکنید که مخالفان شما این تردید را دامن بزنند که آیا نظام اسلامی می تواند؟ آیا نظامی اسلامی توانسته؟ البته که می تواند؛ البته که توانسته! مدعی دستگاه های مختلف از لحاظ کارآمدی، خود بنده هستم. من دائماً نسبت به کارآمدی، از اینها سؤال و مطالبه می کنم؛ اما بنده اعتقاد این است که نظام اسلامی از همه ی دولتهایی که در دوران استعمار و دوران نزدیک به استعمار در کشور ما وجود داشته، قوی تر عمل کرده است. بدون تردید نظام جمهوری اسلامی در همه ی بخشها قوی عمل کرده است. عناصر مؤمن و کارآمد در نظام وجود داشته اند؛ پشتوانه ی مردمی هم به آنها کمک کرده است. در بخشهایی ما با قدرت وارد میدان شده ایم که فکرش را نمی توانستیم بکنیم. در همه ی بخشها این طور است. الان جای توضیح و بیان آمار نیست. البته اقتضای این دوره ی از نظام جمهوری اسلامی، اقتضای کار بیشتر،

انقلابی تر، مؤمنانه تر و همه ی امکانات را بیش از این به میدان آوردن است؛ این را قبول داریم. البته کم کاری وجود دارد، اما ناکارآمدی وجود ندارد؛ بین اینها باید تفکیک قائل شد. ناکارآمدی وجود ندارد؛ نظام اسلامی کارایی دارد. یک نشانه ی کارایی نظام، وجود شماسست. جوان دانشجوی مؤمن و معتقد به نظام می تواند حرف و انگیزه ی خودش را قوی در فضای جامعه مطرح کند. حرف شما فردا در تمام فضای جامعه منتشر می شود؛ این نکته ی خیلی مهمی است؛ این خودش کارآمدی این نظام است. کارآمدی نظام غیر از کارآمدی این دستگاه یا آن دستگاه است؛ نظام، نظام کارآمدی است. البته کارآمدی نظام، مجموعه ی عملکرد مثبت و منفی یی است که دستگاه های نظام دارند؛ اما این برآیند مثبت است». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۱۰/۰۸/۱۳۸۳)

«رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و هیات وزیران، با اشاره به بخش هایی از نامه حضرت امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر و تأکید ایشان بر لزوم آبادانی جامعه و ایجاد رفاه برای مردم و بهره گیری از توانایی ها و نشاط آنان، خاطر نشان کردند: حضرت علی (ع) شرط آبادانی دنیا و جامعه را کنترل و مراقبت مسئولان و مدیران می داند، زیرا امور کشور و مردم به دست آنان است.

ایشان همچنین با اشاره به نام گذاری سال جاری به عنوان سال پاسخگویی و تأثیر پاسخگویی مسئولان در آگاهی مردم از نقاط قوت و ضعف و افزایش امید آنان به آینده، بر لزوم همکاری متقابل دستگاه ها و سازمان

های مسئول و رسانه ها به ویژه صدا و سیما برای تحقق جدی و عملی پاسخگویی مسئولان تأکید کردند». (روزنامه همشهری ۲۱ آبان ۱۳۸۳)

ب. ریشه یابی مشکلات جامعه و اقدامات نظام اسلامی در مقابل آن:

یکم. البته اصل وجود برخی مفاسد و معضلات نظیر تبعیض، بی عدالتی، مفاسد اداری، رانت خواری و ... در گوشه هایی از جامعه و یا سازمان مدیریتی کشور، امری غیر قابل انکار است. ولی نباید این موضوع را به کل جامعه و نظام تسری داد. زیرا:

اولاً: علیرغم وجود برخی مفاسد، اکثریت جامعه اسلامی و نظام دینی ما از الودگی به این معضلات و مفاسد بری می باشد.

ثانیاً: نظام اسلامی بیشترین سعی خود را در اصلاح معضلات و مشکلات جامعه و برخورد با مفاسد گذاشته است. و اقدامات اساسی نظیر حل مشکل اشتغال مولد، مسکن و ... جهت بسط عدالت اجتماعی و زدودن فقر و مفاسد اجتماعی از یکسو و برخورد با افراد سودجو و رانت خوار، در هر پست و موقعیت به عمل آورده و یا در دست اجرا دارد.

دوم. اینکه بگوییم عملکرد قوی یا ضعیف جامعه و یا وجود برخی ضعفها در سیستم اداری کشور به مدیر ارشد برمی گردد. استنتاج کلی و قاعده قابل اثباتی نیست هرچند در حیطه عملکردها و وظایف و با در نظر گرفتن امکانات و اختیارات آن مدیر ارشد چنین امری مصداق می تواند داشته باشد ولی به عنوان یک قاعده کلی نمی توان آن را اثبات کرد. چه اینکه هدایت نشدن قوم نوح را نمی توان به عملکرد حضرت نوح(ع) نسبت داد و یا عدالت گریزی و انحطاط فکری مسلمین صدر اسلام در زمان حضرت علی(ع) و یا

وجود برخی کارگزاران فاسد در دستگاه اداری ایشان را نمی توان به آن حضرت تسری داده و مسئولیت آن را بر دوش ایشان گذاشت، اساساً خداوند رهبران الهی و دینی را موظف به تذکر و انذار به جوامع و اجرای احکام الهی می نماید و آنان نیز به تناسب توانمندی و وسع خویش نسبت به اجرای فرامین خداوند مسئولند، حال اینکه چه مقدار در تحقق عینی جامعه دینی و هدایت مردم توفیق حاصل کنند. بستگی زیادی به خواست عمومی و درک افراد و نخبگان جوامع از مقوله فوق و تمکین در برابر آن دارد.

درباره وجود فساد هم در سیستم اداری ما نیز چنین است؛ آنچه که از مدیران الهی شایسته و سزاوار است، سعی و اهتمام به انتخاب مدیران و کارگزاران صالح و در نظر گرفتن ساز و کارهای نظارتی برای جلوگیری از خطاهای آنان است؛ حال اگر مدیری صالح با اعمال این قبیل مسائل اهتمام به ایجاد تشکیلاتی سالم داشت و تمام سعی و تلاش خود را برای مقابله با آفت ها و مفسد کرد، دیگر با وجود نمونه هایی از فساد نمی شود آن رهبر یا مدیر ارشد را به کوتاهی و قصور متهم نمود. و یا ادعا کرد که فساد از او نشات می گیرد!!!

اکنون با توجه به این موضوع درباره وجود برخی مفسد در دستگاه های اداری کشور بهتر است به دو مقوله اساسی با عنایت به آنچه در بالا گفته شد توجه کرد. اولاً قانون اساسی اختیارات مشخصی را به عهده رهبری به عنوان یکی از مدیران گذاشته و اختیار عزل و نصب افراد و شخصیت های خاص را به رهبری داده که

ایشان نیز با در نظر گرفتن توانمندی‌ها و امکانات در کنار نیازها و اولویت‌های کشور نسبت به انتصاب و یا عزل افراد در سمت‌های مدیریتی کشور اقدام می‌نماید و به طور اصولی ایشان در عزل و نصب سایر مدیریت‌های کشور در بدنه قوای سه‌گانه دخالتی نمی‌کند مگر اینکه حضور فرد یا افرادی را بر خلاف مصالح اسلام و انقلاب و کلیت نظام احساس کند که مقوله فوق‌امری مستثنی است.

ثانیاً تعبیر رهبری از مدیریت مفسد و یا بی‌اعتنا به حقوق مردم مطمئناً بر یک سری چارچوب‌ها و اصول عقلانی و قابل اثبات استوار است که در صورت اثبات فاسد بودن بخشهایی از مدیریت کشور در برابر آن موضعگیری خواهند کرد که چنین امری مسبوق به سابقه هم است و مسلماً ایشان نمی‌تواند بر اساس یافته‌های مطبوعاتی و حدس و گمان و داده‌های غیر قابل اثبات در رابطه با عملکرد مدیریت‌های زیر نظرشان قضاوت کنند. چنانکه ایشان در پاسخ به سؤال در این زمینه می‌فرماید: «نسبت به مسؤولان اغماض نمی‌شود اما باید جرم و میزان آن را به طور دقیق شناخت ضمن آنکه اگر یقین کنیم فساد در مسؤولین وجود دارد و مسائل مطرح شده شایعه نیست، قطعاً برخورد می‌کنیم». (دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، روزنامه کیهان، ۲۳/۲/۸۲)

متأسفانه به رغم تأکیدات و اهتمام زیاد مقام رهبری برای مقابله با مفاسد اقتصادی، و نیز برخی اقدامات عملی قوای سه‌گانه و سایر نهادها و دستگاه‌های حکومتی، برای مقابله با این پدیده، هنوز دستاوردهای مثبت آن، آشکار نشده و کماکان اقشار محروم و مستضعف جامع از اثرات زیان‌بار مفاسد اقتصادی رنج می‌برند.

مقام معظم رهبری به سؤالی در مورد اقدامات قوای سه گانه در این خصوص، می فرمایند: «من خصوص به شما عرض می کنم: نه! واقعاً من از آنچه که اتفاق افتاده راضی باشم؟ نه؛ یعنی کمتر از آن حدی است که بنده را خشنود و راضی کند؛ اما انصافاً تلاش کردند. در همین جلسه یی که اخیراً با مسئولان قوای سه گانه داشتیم، به آنها گفتم دو سال گذشت. قوه ی قضائیه و مجریه گزارش فعالیتهایی را که کرده اند، آوردند که حکم فعالیتها خوب است؛ در این تردیدی نمی شود داشت. ستادی هم تشکیل داده اند که نسبتاً فعال است، و لیکن نه، آن مقداری که بنده را راضی کند، نیست.» (دیدار یار، بیانات مقام معظم رهبری در پاسخ به پرسشهای دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲، ص ۵۵)

بنابراین اقدامات مناسبی \_ علیرغم عدم کفایت آن \_ انجام و در حال پی گیری است . اما در مورد ناکافی بودن مشهود نبودن این اقدامات و یا طولانی شدن رسیدگی به پرونده های متهمین و ... باید گفت که این موضوع به مسائلی از قبیل سیاست دولت در اجرای کامل عدالت و حقوق متهمین و حفظ آبروی و حیثیت آنان و ... باز می گردد؛ مقام معظم رهبری در این زمینه چنین بیان می دارند: «با آن کسانی که قاطع برخورد نمی کنند چگونه برخورد کنیم؛ برخورد همین است که تذکر و هشدار بدهیم و به آنها بگوییم؛ برخورد لازم در این جا این است؛ اما شفافیت لازم در این مورد برای مردم صورت نمی گیرد. یک وقت انتظار هست که مرتب اعلامیه



داده شود و بگویند فلان کس را گرفتیم، پدر فلان کس را در آوردیم، فلان کس این فساد را کرده، این درست نیست و برخلاف سیاست اعلام شده ی ماست؛ ما گفتیم اصلاً نگوید. در آن مواردی هم که اعلام و جنجال شد، بنده با آن وضعیت موافق نبودم. این تصمیم گیری است که بر اساس یک محاسبه یی کردیم و این محاسبه هم محاسبه یی حکیمانه است و بر این اساس نیست که چیزی لا پوشی و پنهان نگه داشته شود؛ ابدأً بنده نمی خواهم ملاحظه ی کسی را بکنم، منتها فکر نمی کنم که تا چیزی قطعی و اثبات نشده، بزرگ بودن و اهمیتش ثابت نشده، محاکمه نشده و رویش قضاوتی نیست، باید سرزبانها بیفتد و مطرح شود. هر کس این کار را بکند، بنده موافق نیستیم؛ چه مطبوعاتیها، چه رادیو تلویزیون و چه دیگران؛ اما آمار کارشان را بیان کنند؛ آن هم در صورتی که اسم افراد آورده نشود. این را من به شما عرض بکنم؛ یک نفر جرمی می کند. آدم خیلی بدی هم هست، بایست هم مجازات بشود؛ اما اگر اسم او را ما اعلام کردیم، این پسر یا دخترش در دانشگاه، خانه، محله؛ می دانید با این اعلان چند نفر مجازات می شوند؟ چه لزومی دارد؟ بگذارید او زندان برود و فی الجمله هم گفته شود که این کار انجام گرفته، دیگر چه لزومی دارد که ما بچه های دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی اش را هم \_ که هیچ گناهی ندارد \_ مجازات کنیم؟ مگر وقتی که اجبار باشد: یعنی زمانی که وضعیت به گونه ایی است که غیر از

این امکان ندارد، آن جا، چاره یی نیست؛ اما تا مادامی که می شود، خیلی با این طور کارها موافق نیستم.»، (همان، صص ۵۶\_۵۷)

مسئله بررسی ریشه ای مفاسد اقتصادی و علل عدم موفقیت کامل اقدامات دولت در این خصوص، نیازمند ارائه تحقیقات گسترده و مفصلی است که خارج از ظرفیت یک نامه است. آنچه که به صورت مختصر می توان از بررسی نظرات کارشناسان مسائل اقتصادی و سیاسی، به دست آورد، این است که:

مفاسد و تخلفات اقتصادی، محصول ساختار معیوب اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و روند شکل گیری تدریجی آن است. از بین بردن آن نیز جز با تغییر و اصلاح این ساختارها آن هم با اقداماتی اساسی و در دراز مدت ممکن نیست.

سوم. مفاسد و تخلفات اقتصادی، رانت خواری، فعالیت های اقتصادی پنهان و معلول زمینه ها و شرایط متعددی است؛ از جمله:

۱. ساختار اقتصادی: اتکا به نفت، به عنوان اصلی ترین منبع درآمدهای دولت و تأمین هزینه های جاری آن از طریق فروش منابع طبیعی، زمینه های گسترش فعالیت های اقتصادی غیرقانونی و زیرزمینی را تسهیل می کند. در نتیجه حاکمان را از مشارکت شهروندان، در تأمین هزینه های جاری بی نیاز می سازد؛ نظام مالیاتی را تضعیف می کند؛ رانت های گسترده ای فراهم می آورد؛ زمینه های رانت خواری را ترویج می کند؛ عدم پاسخ گویی را موجب می شود؛ نابرابری های عظیم در توزیع ثروت را پدید می آورد و وابستگی را تعمیق می بخشد.

۲. وجود بعضی از ضعفها و سوء مدیریت ها در ساختار سیاسی و حقوقی (از قبیل دولتی بودن امور جامعه، فقدان سیاست مشخص اقتصادی) و یا بعضی از پیامدهای منفی سیاست خصوصی سازی در فرایند انتقال دارایی ها به مالکان خصوصی که به دلیل فقدان نهادهای ناظر مردمی، پاسخگو

نبودن صاحب منصبان در استفاده از قدرت وجود بعضی نارسایی‌ها در دستگاه‌های قضایی و نظارتی، رواج و غلبه روابط بر ضوابط، فقدان قوانین دقیق و تعریف شده و... از عوامل مهم در شکل‌گیری این پدیده‌ی مخرب اقتصادی می‌باشند.

۳. تغییر جو ارزشی جامعه به سوی پول و ثروت و مصرف‌گرایی؛ بی‌اعتقادی و ضعف مبانی دینی و مذهبی افراد، بی‌اعتنایی برخی از مسئولان و افراد نسبت به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، از دیگر عوامل این مسأله است.

علاوه بر مسائل یاد شده، عواملی از قبیل حمایت‌های جناحی و عدم برخورد با هم‌طیفها، اعمال نفوذ برای ممانعت از نظارت یا کيفردهی، سوء مدیریت‌ها و... بر عمق و پیچیدگی موضوع افزوده است. بنابراین تا زمانی که بسترهای فراوان و مستعدی در جامعه‌ی ما وجود دارد، نمی‌توان انتظار سریع و قاطع رفع این مشکل را داشت و پیامد این بسترها را از میان برداشت.

رشد نظام ارزشی مردم، اطلاع‌رسانی دقیق درباره‌ی پیامدهای وجود این پدیده‌ی مخرب، و آگاه کردن مردم از حقوقشان، با گسترش دستگاه‌های نظارتی و قضایی و بازگذاشتن دست این نهادها در برخورد عادلانه و بی‌طرفانه، رفع بعضی از دخالت‌های بی‌جای دولت در امر اقتصادی، ممنوعیت قانونی تجارت برای سیاست‌مداران و حتی اطرافیان نزدیک آنان، دخالت جدی تر نهادهای آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای در امر جامعه‌پذیری و تشریح ابعاد گوناگون این مسأله برای مردم، رفع بسیاری ممنوعیت‌های بی‌دلیل بازرگانی خارجی و... در کوتاه مدت در کاهش این مفسده مؤثر خواهد بود؛ لیکن تا عبور قطعی از دوران گذار و رسیدن به توسعه اقتصادی سیاسی مطلوب و موافق با ارزش‌های انقلاب اسلامی، ایجاد ثبات اقتصادی و

امنیت شغلی که به ما امکان کنار نهادن راهبرد توسعه‌ی درون‌گرا و کوچک کردن محدوده‌ی دخالت‌های اقتصادی دولت را می‌دهد و تعیین تکلیف وضع الگوهای ما در بلندمدت، حل قطعی مسأله و رساندن آن به اندازه‌های مقبول میسر نخواهد شد.

خوب است در پایان این نکته را یادآوری کنیم که مجموعه نظراتی که در پاسخ این نامه آمد، نظرات محققین و کارشناسان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها است که در صددند در حوزه سؤالات سیاسی با توجه به اصول و مبنای نظام اسلامی و جهت‌گیری‌های مقام معظم رهبری، با دانشجو همفکری نموده و شبهات و مشکلات آنان را پاسخ گویند. اما اگر نظر شخص مقام معظم رهبری را می‌خواهید لازم است با دفتر ایشان به نشانی تهران، خ پاسستور، دفتر مقام معظم رهبری، ص پ ۱۶۵۵/۱۳۱۸۵ مکاتبه نمایید.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آسیب‌شناسی فساد مالی در ایران، سارا فقیری، پگاه... □ خرداد ۱۳۸۱، ش ۵۲، ص ۲.

۲. ریشه و سرآغاز مفاسد اقتصادی در یک جامعه‌ی اسلامی، گفتگو با صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه، پگاه حوزه، اردیبهشت ۱۳۸۰، شماره ۱۲، ص ۲۲

**۱- چرا در مقطع پیش‌دانشگاهی و خصوصاً دانشگاه به درس قرآن اهمیت زیادی نمی‌دهند و یا اصلاً تدریس نمی‌شود؟ با توجه به اینکه جوانان در این مقطع بیشتر به قرآن و داستانهای اهل بیت نیاز دارند؟**

## اشاره

۲- چرا در تجملات و تشریفات مسئولین کشوری اسراف می‌شود؟ البته ناگفته نماند که

## پرسش

۱- چرا در مقطع پیش‌دانشگاهی و خصوصاً دانشگاه به درس قرآن اهمیت زیادی نمی‌دهند و یا اصلاً تدریس نمی‌شود؟ با توجه به اینکه جوانان در این مقطع بیشتر به قرآن و داستانهای اهل بیت نیاز دارند؟

۲- چرا در تجملات و تشریفات مسئولین کشوری اسراف می‌شود؟ البته ناگفته نماند که بنده هم با تشریفات موافقم ولی تاحدی نه اینقدر که در کشور ما هست؟

۳- وظیفه یک مسلمان در برابر ظالم چیست؟

۴- آیا ساعت و انگشتر طلا برای مرد حرام است؟

ج س ۱: پس از تعطیلی موقت دانشگاهها و مطرح شدن انقلاب فرهنگی، و اسلامی شدن دانشگاهها، اولیاء امور برنامههایی برای مطرح شدن مسائل دینی درقشر دانشجو تدوین نمودند. که متأسفانه هم از نظر کمیت و مقدار متون و واحد درسی محدودیت دارد، و هم از نظر کیفی و موضوعات انتخاب شده که بسیاری از موضوعات ضروری و مهم از جمله آشنایی باقرآن و اهلیت (ع) مورد کم توجهی قرار گرفته اند.

و بسیار بجا و ضروری است که مسئولین امر در زمینه تهیه متون درسی هم در دانشگاه و هم پیش دانشگاهی و سایر مقاطع تحصیلی با تجدید نظر و ارتقاء کمی و کیفی متون معارف اسلامی روح تازه ای به پیکره آن بدهند.

ج س ۲: همانطور که جنابعالی هم فرمودید و احتمالاً منظور شما همین است که برای رفت و آمدهای دیپلماتیک و روابط خارجی با سایر کشورها، به منظور رعایت شئون حکومتی و احترام به مهمان و عمل به عرف بین المللی داشتن و استفاده از برخی امکانات و وسائل لازم است.

اما مسلماً زیاده روی و تذبذب و اتلاف بیت المال به هیچ وجه قابل

تائید نیست .

ج س ۳: ۱) شناخت ظلم و ظالم و مظلوم به نحو صحیح عمیق

۲) کمک و یاری رساندن به مظلوم و خصومت با ظالم . امیرالمومنین حضرت علی (ع) در این باره چنین می فرماید :

كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا . (۳)

یعنی : دشمن ظالم و یاور ستمدیده باشید .

۳) در مجموع رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر (از قبیل احتمال تاثیر و پرهیز از مفسده و ...) مد نظر قرار دادن رهنمودهای ولی امر در این زمینه لازم است .

ج س ۴ : زینت کردن به طلا مانند آویختن زنجیر طلا به سینه وانگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است . ولی زینت کردن به طلا برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد . (۲)

ج س ۵ : ۱) وقت ظهور آن حضرت راقط خدا می داند . و از تعیین وقت برای ظهور امام زمان (عج) در متون و منابع اسلامی به شدت نهی شده است .

امام باقر (ع) در پاسخ به وقت ظهور حضرت مهدی (عج) فرموده اند : کذب الوقاتون . یعنی کسانی که برای ظهور آنحضرت وقت معین می کنند دروغ می گویند . (۱)

۲) هر شیعه ای می تواند با تقویت اعتقادات و زیاد کردن اعمال صالح خود ، سرباز خوب و شایسته ای برای آقا امام زمان (عج) باشد و با تخلق به اخلاق حسنه و الهی خودش را به آنحضرت نزدیک گرداند ، هر چند شرایط ظهور امام زمان (عج) را درک نکند و موفق به دیدار ایشان نشود .

۳) مسلماً یکی از برترین اعمال صالح و بهترین علامت صداقت در اطاعت و محبت به

امام زمان (عج) ، محبت و اطاعت نسبت به نایب ایشان مقام معظم رهبری حضرت ایت ا... العظمی خامنه ای می باشد .

## قبل از روی کار آمدن آقای خاتمی، کمیته منکرات وجود داشت چرا بعد از ایشان این کمیته فعالیت ندارد؟

### پرسش

قبل از روی کار آمدن آقای خاتمی، کمیته منکرات وجود داشت چرا بعد از ایشان این کمیته فعالیت ندارد؟

### پاسخ

در مجموع به دلیل سیاستهای باز فرهنگی و افراط در میدان دادن به عناصر غیر ارزشی توسط مراکز دولتی و ایجاد محدودیت برای نهادهای مسئول در امر مبارزه با منکرات و مفساد اجتماعی، به تدریج امر به معروف و نهی از منکر در جامعه کمرنگ شد و متأسفانه این فریضه مهم اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، و ابتذال، بدحجابی و بی بندوباری ناشی از سیاستهای باز فرهنگی توسط مراکز فرهنگی و اجتماعی دولتی است. یک تفکر در بعضی از دولتمردان وجود دارد که امر به معروف و نهی از منکر را دخالت در زندگی دیگران می دانند. هر چند این تفکر درست نیست، ولی باعث ابتذال شده است. البته نباید فعالیت بعضی نهادهای ارزشی را در این امر نادیده گرفت. نیروهای امر به معروف و نهی از منکر بسیج در برنامه های منظم به این فریضه عمل کرده اند و می کنند. امیدواریم با همت مردم و پشتیبانی انسانهای مؤمنی چون شما فضای مناسب برای عمل به این فریضه مهم ایجاد شود.

**۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز در جامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد را بگیرند و چرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟**

### پرسش

۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز در جامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد را بگیرند و چرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟

### پاسخ (قسمت اول)

شما در قالب یک سوال خواسته اید علل گسترش تهاجم فرهنگی، علت عدم جلوگیری و عدم ورود قطعی مقام معظم رهبری را جویا شدیم پاسخ به سوال جنابعالی دامنه ای بسیار گسترده دارد ولی سعی می کنیم به هر سه جنبه آن بصورت اختصار بپردازیم.

از آنجا که شما از ذهنی خلاق، پویا و جوان برخوردار هستید، تأمل، تدبیر و تعمق در آنچه ذکر می شود مابانی اندیشه شمارا سامان خواهد بخشید.

تبادل و تعامل فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است. تنویر افکار و رشد فرهنگی جامعه در پرتو تفاهم فرهنگی با دیگران قابل حصول است. لیکن اگر جامعه ای از درون تهی و آسیب پذیر شد، تبادل فرهنگی تبدیل به تهاجم فرهنگی می شود. بنابراین نفس هجوم فرهنگی دشمنان و حشمتناک نیست، بلکه خطر درضعف و ناتوانی و آسیب پذیری درونی است که زمینه سلطه پذیری را فراهم می سازد. از دشمنان نباید انتظار داشت هجوم نیاورند. حیات امپریالیسم جهانی وابسته به سلطه گری است بویژه آنکه رشد اسلام گرایی مرگ فرهنگ غرب را به همراه خواهد داشت. باید عوامل درونی سلطه پذیری را شناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسیب پذیری به حداقل برسد. در مقام تشبیه، می توان از هجوم میکروبها به بدن انسان نام برد که همواره هجوم و برخورد میکروب با بدن وجود دارد. هر چند باید تلاش کرد تا از این تلاقی و قرار گرفتن بدن در فضای آلوده جلوگیری شود لکن انسانهایی بیمار



می شوند که بدن مجروح، مستعد و آسیب پذیر داشته و قوای دفاعی شان به تحلیل رفته و قدرت مقابله با ایجاد پادزهر مناسب را نداشته باشند.

بنابراین در بررسی عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی، در مرحله اول باید به این سوال پاسخ داد که: چرا جامعه سلطه پذیر می شود؟ چرا افراد جامعه تسلیم هجوم فرهنگی دشمن می شوند؟ چرا جامعه قدرت صیانت از فرهنگ و هویت خودی را داده و به فرهنگ بیگانه روی می آورد؟ چرا جوانان و نوجوانان فرهنگ بیگانه را بر فرهنگ خودی ترجیح می دهند؟ و یا بطور کلی باید از دست دو سوال زیر را پاسخ داد:

۱- چرا فرد آسیب پذیر می شود؟

۲- چرا جامعه آسیب پذیر می شود؟ با توجه به آنچه بیان شد برخی از علل و عوامل آسیب پذیری فرد و جامعه که در واقع همان عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی است، به اختصار بیان می گردد:

۱- احساس حقارت و کهتری: نوجوانان و جوانان گاهی به علت داشتن نقایص بدنی و یا به علت مسایل و دشواری های خانوادگی، شکست ها، محرومیت ها، ناآگاهی های دوران گذشته زندگی، تمسخر و استهزای دوستان و همسالان، سرزنش های مکرر معلمان و شاگردان، و یا به دلیل طرد شدن ها و بی توجهی ها و یادداشتن مسایل روانی دیگر، اعتماد به نفس خود را از دست داده دچار احساس حقارت می شوند و تصور می کنند دیگران برتری هایی دارند که آنها ندارند و در انجام اموراتوان تر از دیگران هستند و مسولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند. مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه کمتری خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است و آن اصل جبران یا تلافی است. "۱"

۲- عدم ارضاء نیازها: جوانان همانند سایر

مردم دارای مجموع ای از نیازها و احتیاجات می باشند که برای حل یا رفع آنها تلاش می کنند. نیازهای جوانان در یک تقسیم بندی کلی به دو گروه نیازهای زیستی (خوردن، خوابیدن، پوشیدن و...) و نیازهای روانی (نیاز به محبت، تعلق خاطر، امنیت، مقبولیت و...) تقسیم می شود "۲" ارضاء شدن یا بدارضاء شدن این نیازها، مسایل و مشکلاتی را برای نوجوان ایجاد می کند. در چنین شرایطی جوان احساس تنش و ناآرامی می کند و این تنش باعث ایجاد بی قراری و عدم تعادل می شود. نوجوان برای برطرف کردن این حالت از مکانیزمهای دفاعی یا رفتار جبرانی استفاده می کند. مکانیزم های دفاعی که بادرجات مختلفی توسط افراد به کار برده می شوند عبارتند از: پرخاشگری، جبران، والایش، همانند سازی (درون فکنی)، دلیل تراشی، فرافکنی، سرکوبی، عکس العمل سازی، خودمداری، منفی گرایی، عقب نشینی و فرار، بازگشت به عقب، جابجایی، و... "۳". به عنوان مثال دختر جوانی که نتواند زیبایی خویش را در مدرسه و در بین همسالان به نمایش بگذارد با استفاده از مکانیزم دفاعی "جابجایی" در خیابان و خارج از مدرسه نیاز خود را ارضاء می کند. دانش آموزی که نتواند محبت لازم را در مدرسه از معلم دریافت کند با بهره گیری از رفتار جبرانی "خودمداری" به پوشیدن لباسهای مبتذل و آرایش نامناسب موی سر روی می آورد تا کانون توجه دیگران قرار گیرد...

۳- عدم مقبولیت و محبوبیت: هرانسانی دوست دارد دیگران او را دوست داشته و محبوب بدانند. این نیاز در کودکان و نوجوانان گستره تر و عمیق تر است و در جوانی شدیدتر میشود زیرا جوانی و سن بلوغ، سن غرور و خود دوستی است. نوجوان تمایل دارد هر چه سریعتر وارد دنیای بزرگسالی گشته و مورد احترام و تکریم دیگران قرار گیرد. او

می خواهد دیگران باور کنند که دوران کودکی راسپری کرده و نیازی به کنترل و تسلط دیگران به ویژه پدر و مادر ندارد. جوان دوست دارد روی پای خویش بایستد و خودش برای خود تصمیم بگیرد و استقلال خویش را حفظ نماید. او به دنبال کسب محبوبیت و مقبولیت بخصوص در بین همسالان است. اگر این نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشوند بهداشت روانی جوان و نوجوان آسیب می پذیرد و اختلالات عاطفی و رفتاری بروز می کند. پذیرش فرهنگ بیگانه و پشت پازدن آگاهانه به هنجارها، آداب، رسوم و اخلاقیات حاکم بر جامعه می تواند نمودی از عدم ارضاء این نیاز باشد. تبعیت جوانان از افکار جدید حضور فعال آنان در صحنه ها و جریانات مخالف وضع موجود رد و بدل کردن مخفیانه و ساییل غیرمجاز نظیر فیلم و نوار و مجلات و ... نشانگر عدم پاسخگویی به نیاز استقلال طلبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است.

۴- فشار دوستان و همسالان: یکی از ویژگیهای سنین کودکی و نوجوانی، دوست یابی است. نوجوان و جوان نیاز دارد تا فرد یا افرادی را به دوستی برگزیند و در یک ارتباط عاطفی و صمیمی به همانند سازی برسد. "هراس از گمنامی و تنهایی، نوجوان را برمی انگیزد تا خود را در ارتباط با گروه همسالان قرار دهد .... در مواردی، نوجوان، سرخورده از گروه به باندها و گروههای ناسالم اجتماعی می پیوندد تا بر تنهایی و عدم تعلق اجتماعی خویش فایق آید." "۴"

از عوامل مهم انحرافات نوجوانان و تسلیم پذیری آنان در برابر تهاجم دشمن، پیدا نمودن دوستان نامناسب و فاسد است که زمینه اعمال بزهکارانه را در آنها تقویت می کنند. ترس و اضطراب از انجام اعمال بزهکارانه را در آنها تقویت می کنند. ترس و اضطراب از برخورد همسالان و طرد آنها در صورت تخلفی از آداب و رفتار

گروه، سبب می شود تا فرد تسلیم گروه باشد. تشکیل مهمانی ها، شب نشینی ها، جلسات نمایش فیلم، کوهنوردی های گروهی، گردشهای دسته جمعی، مسافرتها و... اگر بدون نظارت و هماهنگی بزرگترها صورت گیرد می تواند زمینه ساز آلودگی های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی باشد.

۵- بی هدفی و بی ثمری: زندگی بدون هدف پوچ و فاقد معناست، و هر کس نیاز دارد که فعالیت های خود را متوجه هدف یا هدفهای مشخص نماید. هدف هر چه بزرگتر و مقدس تر باشد، انگیزه حرکت بیشتر، وقوی تر است. داشتن هدف در زندگی به فرد، احساس رضایت و تحرک بیشتر می دهد. انسانهای بی هدف، انسانهای خود گم کرده هستند که ثبات شخصیت و سلامت روانی خود را از دست می دهند. جوانانی که در زندگی هدف مشخصی ندارند و یا هدفهای کوچک را دنبال می کنند غالباً در تزلزل و ناامنی بسر برده و دچار افسردگی، یا س و نومیدی می شوند.

۶- احساس ناامنی اقتصادی (بیکاری و فقر): صرف انرژی جوان در اوقات فراغت داشتن شغل و درآمد برای او اهمیت دارد. معمولاً اکثر نوجوانان قبل از پایان تحصیلات به شغل آینده خود فکر می کنند. داشتن کاری مناسب و شغلی مفید و پردرآمد در این دوره باعث بی نیازی و عزت نفس و اعتماد به نفس آنها می شود و برعکس بیکاری بخصوص در سنین جوانی منشاء بسیاری از ضعفها و مفاسد و آلودگیها می باشد و امنیت روانی فرد را به خطر می اندازد بر اساس تحقیقات، بسیاری از موارد شدید بزهکاری، ناشی از بیکاری و احساس پوچی و بیهودگی در جوانان است. "۵"

۷- خلاء فرهنگی جامعه: یکی از مهمترین ریشه های تهاجم فرهنگی، پیدایش خلاء فرهنگی در جامعه است. هیچ جامعه ای تا آمادگی نداشته باشد از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پذیرد.

معمولاً جوامعی که دچار آشفتگی و ناآرامی اند برای بخورد و پیوند فرهنگی آماده ترند. البته هیچ جامعه ای نیست که از هر جهت در هر زمان آرام و سامان یافته باشد ولی گاهی بی آرامی و بی سامانی جامعه شدت می گیرد و سازمان اجتماعی را به خطر می اندازد. جامعه در این گونه موارد ناگزیر است با تدابیری بی آرامی و بی سازمانی مفرط را از بین ببرد. "۶"

بنابراین تهاجم فرهنگی به خودی خود کار ساز نیست بلکه نیاز به زمینه مساعد یعنی خلاء فرهنگی و فکری دارد. اگر جامعه امروز نتواند نیازهای فکری و فرهنگی افراد جامعه بویژه نسل جوان و تحصیل کرده و تشنه حقیقت و انسانیت را پاسخ دهد، خلاء حاصله میدان را برای موفقیت هجوم فکری و تبلیغی غرب و مکاتب آن باز می کند و عطش نسل جوان با سراب بیگانه و آبهای آلوده غریبان سیراب می شود.

۸- تضعیف نهاد دولت: دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسئولیت حراست از استقلال و امنیت ملی و تمامیت ارضی و پاسداری از بقاء و رشد و رفاه ملت را به عهده دارد. هرچه نهاد دولت قویتر و توانمندتر باشد آسیب پذیری آن در برابر تهاجم دشمنان کمتر است. همچنانکه در تهاجمات نظامی دولتهای ضعیف مجبور به تسلیم و قبول شرایط دولتهای قوی و مهاجم هستند، در تهاجمات فرهنگی و سیاسی نیز این اصل حاکم است و دولتهای ضعیف قدرت مقابله با تهاجم بیگانگان و پاسداری از حریم هویت ملی و فرهنگ خودی را ندارند. دولتهای ضعیف و ناتوان مرعوب توانمندی و اقتدار دولتهای سلطه گر شده و خواسته یا ناخواسته سیاست، فرهنگ و راه آنان را الگوی خود قرار می دهند. نهاد دولت برای ایفای نقش و وظایف خویش نیاز به قدرت و اقتدار دارد که

این اقتدار نه از طریق استبداد و حکومت جبارانه، بلکه از طریق وفاق، مشارکت و پشتیبانی مردم باید بوجود آید تا زمینه رشد و توسعه و استقلال کشور را فراهم آورد.

۹- ضعف و ناهماهنگی نهادهای اجتماعی: اگر هر یک از نهادهای اجتماعی وظایف خویش را به خوبی و بادقت در راستای اهداف نهایی جامعه انجام داده و با هماهنگی سایر نهادها در حفظ و حراست از فرهنگ خودی و هویت اسلامی و ملی کوشا باشند، تهاجم فرهنگی دشمنان آسیبی نخواهد رساند. آسیب پذیری زمانی آغاز می شود که هر یک از نهادها یا

وظایف خودشان را انجام ندهند و یا همسو و هم راستا با اهداف کلی جامعه حرکت نمایند در چنین شرایطی تهاجم فرهنگی به بار می نشیند.

اگر در جامعه انقلابی و اسلامی ما الگوهای مورد قبول، نظیر روحانیت و دولتمردان نتوانند آرمانها و باورهای اسلامی و انقلابی را در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی خویش پیاده نمایند در نتیجه عملکرد آنان زمینه ساز موفقیت تهاجم فرهنگی می شود. رسانه های گروهی اگر همسو با رهبری و دولت در پاسداری از آرمانهای مکتب اسلام و هویت ملی حرکت نکنند خود به ابزاری برای انتقال فرهنگ بیگانه تبدیل خواهند شد.

### **پاسخ (قسمت دوم)**

۱۰- گسستگی عواطف و پیوندهای اجتماعی: جامعه یکپارچه و آسیب ناپذیر در برابر تهاجمات دشمنان جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسست ناپذیر وجود داشته باشد. این جامعه نه تنها مرعوب و مقهور تهاجم بیگانگان نمی شود بلکه همچون دژی مستحکم در مقابل تهاجم آنان پایداری می کند. نمونه این پایداری را می توان در دوران دفاع مقدس و جاودانه امت مسلمان ایران در برابر تهاجم بیگانگان به روشنی نظاره کرد. متقابلاً عدم پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشار مختلف به ویژه عدم پیوند عمیق

بین شنوندگان و حکومت کنندگان به شدت جامعه را آسیب پذیر می کند. اگر حکومت کنندگان، مردم را نابالغ، ناآگاه، متخلف، نیازمند سرپرستی و... انگارند و اگر مردم حکومت کنندگان خود رامستبد، خودخواه، دنیا پرست، غیر مسوول، نالایق بیندارند، اگر توانمندان مردم ضعیف و مستمند را بی خرد، بی تدبیر، تنبل و کاهل و لایق بدبختی ببینند و اگر فقراء ثروتمندان را مال اندوز، متجاوز، حيله گر و ستمگر بدانند، اگر تحصیل کرده ها توده مردم را قبول نداشته باشند و اگر مردم عادی روشنفکران و تحصیل کرده های خود را از خودندانند و اگر... درچنین شرایطی که عواطف و پیوندهای اجتماعی به حداقل خود رسیده است، جامعه به شدت آسیب پذیر است و تهاجم دشمنان درهرزمینه می تواند اساس جامعه را ازهم متلاشی سازد.

همچنین اگر قبایل، نژادها و اقوام مختلف یک جامعه به تمسخر و تحقیر و استهزاء هم برخیزند آسیب پذیری جامعه حتمی است و احساس هویت ملی و هویت اسلامی درچنین شرایطی از بین می رود و پیدایی چنین بیگانگی هایی از سوی مردم نسبت به نظامات حاکم و از سوی نظام نسبت به مردم و از سوی مردم نسبت به هم، برهم اثر متقابل داشته و رفته رفته به مراحل سهمگین و خطرناکی کشیده می شود. روابط تنش زایی بین نظام و ملت بوجو می آید و خشم و انزجار ملت و سقوط دولت رابه دنبال خواهدداشت. درچنین شرایطی هر نهاد و هر قشری از جامعه درصدد کسب هویت برای خویش است تا به حیات خود ادامه دهد. اگر این هویت را در درون جامعه خویش نیافت به بیگانه متمسک می شود و هویت خود را در فرهنگ و اندیشه و حکومت بیگانه جستجو می کند.

۱۱- عدم عدالت اجتماعی: جامعه آسیب پذیر در برابر تهاجم فرهنگی

دشمنان، جامعه ای است که از درون پوسیده و سست گردیده و قدرت مقابله با تهاجمات رانداشته باشد. یکی از مهم ترین عوامل پوسیدگی جوامع عدم عدالت اجتماعی در آن جوامع است. عدالت اجتماعی عامل پیوند اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر و موجب پیوستگی نهادهای اجتماعی است.

ستون انقلاب و رکن اساسی حرکتهای سازنده اجتماعی، تأمین و تعمیم عدالت است. بویژه عدالت اقتصادی و اجتماعی که همه مردم به خصوص انسانهای محروم و انقلابگر با آن سروکار دارند به همین دلیل حضرت علی (ع) فرمود: "العدل حیاة الاحکام" سبب زنده شدن و زنده ماندن احکام خدا در میان مردم عدالت است. "۷" تهاجم فرهنگی و آسیب رسانی آن با جریان سرنوشت ساز عدالت اجتماعی و حرکتهای اقتصادی جامعه پیوستگی مستقیم دارد. هر چه عملکرد های اقتصادی با عدالت بیشتری عجین باشد آسیب پذیری کمتر می شود و جامعه به صورت یک مجموعه به هم پیوسته در برابر تهاجمات پایداری می کند. به بیان دیگر در جامعه قرآنی، احکام قرآن قابل اجراست و جامعه قرآنی جامعه قائم به قسط و عامل به عدل است یعنی برخوردار از قسط و پی ریخته و ساخته شده بر شالوده عدالت، یعنی اگر عدالت نباشد بطور قطع تکاثر و فقر خواهد بود و این پدیده هر دو نفی کننده زمینه اعتقاد و عمل به احکام الهی اند.

۱۲- فقر و توسعه نیافتگی: صیانت از فرهنگ اسلامی و هویت ملی و دستیابی به استقلال فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در بستری از توسعه و رشد یافتگی و کسب قدرت مادی و معنوی امکان پذیر است. حفظ ارزشهای آرمانی نیازمند استقلال و توجه است. استقلال قدرت اعمال اراده یک ملت درباره هر گونه عمل، سیاست و یا حرکت داخلی و خارجی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر مبنای تشخیص منافع و مصالح خود



می باشد. بدیهی است هرچه توان اقتصادی، سیاسی و علمی و استحکام و انسجام اجتماعی و ظرفیت فرهنگی یک ملت بیشتر و در مقایسه با جهان پیرامون خود قویتر باشد استقلال او نیز بیشتر است. بنابراین بیشتر و بهتر می تواند از فرهنگ و اندیشه و باورهای خود دفاع نماید. فقر، نیازمندی می آفریند و نیازمندی، وابستگی به وجود می آورد. در فرهنگ تحت اسلام فقر محکوم گردیده و پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام با گسترش فقر به مخالفت برخاسته اند چنانکه فرموده اند: "كاد الفقران يكون كفرا" "۸"

قرآن کریم نیز می فرماید شیطان ابتدا به فقر و سپس به فحشاء فرا می خواند: الشيطان يعدكم الفقر و يأمرکم بالفحشاء... "۹" (شیطان شما را به سوی فقر فرامی خواند و به فحشاء فرمان می دهد)

در شرایطی که فقر و توسعه نیافتگی بر کشور حاکم است ورود کالا و تکنولوژی بیگانه، ورود فرهنگ و ایدئولوژی خاص آنان رانیز به همراه دارد که این همان مصداق عینی تهاجم فرهنگی است. فقرزدایی و توسعه بر اساس ارزشها و معیارهای خودی و منبعث با منابع و امکانات خودی، ارزشمند و قابل تحقق است و توسعه مبتنی بر الگوها و ارزشهای بیگانه و استوار بر پایه منابع و امکانات آنان، خود نیز زمینه ساز تهاجم فرهنگی بوده و موجبات توسعه د ر توسعه نیافتگی را فراهم می آورد.

۱۳- مهاجرت، تجارت، جنگ: مهاجرت، تجارت و جنگ سه عامل مهم در طول تاریخ برای برخورد فرهنگی جوامع با یکدیگر بوده اند. یکی از جالب ترین صحنه های تاریخ، بسط ملتها از طریق کوچ نشینی مسالمت آمیز می باشد. "۱۰" مهاجرت و کوچ نشینی هر چند دارای اثرات مثبت در تاریخ بشری بوده و زمینه بسط و گسترش دانش اقوام را فراهم آورده است لکن در شرایط تهاجم فرهنگی مهاجرین می توانند به عوامل انتقال فرهنگ بیگانه به داخل

کشور و جامعه خود تبدیل کردند. تجارت و جنگ نیز دربرخورد فرهنگی ملتها ایفای نقش می کنند. تجاروبازرگانان با انتقال کالا، تکنولوژی و خدمات درواقع فرهنگ کشورها را به هم منتقل می کنند. "کالاها و ابزارهای مشرق زمین که به وسیله تجارت و در طی جنگهای صلیب به اروپا راه یافتند بیش از آثار علمی شرقی زندگی اجتماعی اروپا را دگرگون کردند." "۱۱"

۱۴- گسترش فحشاء، فساد، منکرات: زیر پا نهادن قوانین و شکستن حدود، مقررات و متلاشی نمودن روابط سالم اجتماعی، جامعه را به سوی بی ثباتی و هرج و مرج سوق داده و آنرا به شدت آسیب پذیر می سازد. یکی از شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد و منکرات بویژه روابط جنسی و شهواتی می باشد. جامعه آلوده به کژیها و زشتیها، جامعه ی بیماری است که در برابر میکروبهای مهاجم قدرت دفاع از خویش را نخواهد داشت. به همین دلیل ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، منکرات، بدحجابی، روابط نامشروع به صورت سازمان یافته و برنامه ریزی شده در جامعه انقلابی ما در سرلوحه فعالیت های مهاجمان فرهنگی قرار دارد.

در تعالیم اسلامی، نابودی جامعه فاسد و مفسد، به عنوان یک سنت تغییر ناپذیر اجتماعی در قانونمندی الهی مطرح شده است. و در آیات زیادی امتها و اقوام گذشته به دلایل شیوع فساد و فحشا و بی تفاوتی در برابر معاصی، در بین آنان مطرح شده است. گسترش رشوه فساد اداری باند بازی تقلب قانون شکنی دزدی طلاق فرار از خانه خود کشی و نیز رواج منکرات و اعمال خلاف اخلاق، همچون موریانه ستونهای استوار جامعه را از پای درمی آورند و آن را آسیب پذیر می کنند. برادر ارجمند و بزرگوار اکنون که برخی از علل و عوامل موفقیت روزافزون تهاجم فرهنگ را

بیان کردیم. حتماً دریافته اید که جلوگیری از آن نیز کار ساده ای نیست ولی به هر حال همان گونه که قبلاً بیان شد درمقابله با تهاجم فرهنگی برخلاف تهاجم نظامی، دولت به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ با اندیشه ها و باورها و اعتقادات مردم سروکار دارد که این امر زورپذیر نیست بلکه باید با مبانی و عقاید عقلانی و مبتنی بر فطرت و بصیرت زمینه پذیرش یانفی یک فرهنگ را پدید آورد و به بیان دیگر ایجاد محدودیت توسط دولتها نمی تواند راه گشا باشد بلکه باید با ایجاد "مصونیت" از ارزشها و فرهنگ خودی دفاع کرد. در رویارویی با فرهنگ مهاجم باید علل و عوامل ساعد کننده تهاجم را از بین برد و مصونیت سازی راه کارهای استوار و مطمئنی می طلبد که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- بازیابی هویت: هویت جویی، از اصلی ترین و مهم ترین نیازهای نسل امروز است و بازیابی هویت در حقیقت بازشناسی نفسی است که این نسل برعهده دارد. جوانان ما باید برای پرسشهای اساسی زیر پاسخهای روشن و مستدلی بیابند:

- غایت و مقصود زندگی چیست؟

- جایگاه من در حیات معقول چیست؟

- چه عاملی فلسفه وجودی جوانان را در نظام هستی، توجیه و تبیین می کند؟

- آیا جوانان در نظام هستی، از کرامت و منزلتی برخوردارند؟ پاسخ به این پرسشها، جوان را از جایگاه رفیعی که نزد پروردگار دارد، مطمئن نموده و او را از رنج درون تهی بودن و آسیب پذیری می رهااند.

۲- درک هویت فرهنگی: شناخت یک فرهنگ، در حقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها و برتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگهاست. نسل جوان، باید به امتیازات فرهنگ اسلامی و ملی خویش، آشنا باشد تا درمقابله با فرهنگ بیگانه،

از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد. تاریخ تحلیلی و فرهنگ خودی و مطالعات تطبیقی فرهنگ های معاصر و به ویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که بر معادلات سیاسی و اجتماعی جهان معاصر داشته است، جوانان را در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقارم می کند. و با این امر بازگشت به فرهنگ خودی، امکان پذیر خواهد بود.

۳- غرب شناسی زمینه غرب ستیزی: برای مقابله با هر پدیده ای، ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نموده تا بتوان سازو کارهای لازم را مهیا کرد. غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت، عملکرد، باطن و جوهر حقیقی این فرهنگ است. جوانان، چون غالباً ظاهر گرا هستند به باطن و درون چندان معطوف نیستند. شناخت عمیق و مستدل فرهنگ غرب، به معنای این است که آنها بتوانند از ظاهر فریبنده آن، پرده برگیرند و به درون آن راه یابند، مغرب زمین، از درون به شدت احساس تزلزل، روزمرگی و تهی شدن می کند. زیرا قادر نیست به نسل جوان خویش، معنا و مفهومی برای زیستن ببخشد و فلسفه ارضاء کننده ای برای زندگی آنان، تبیین نماید. و به گفته نیچه "کسی که نداند برای چه زندگی می کند، قادر نخواهد بود با هر "چگونه ای" بسازد." ۱۲"

گمان می کنم با این توضیحات ارایه شده پاسخ بخش سوم سوال خود را دریافت کرده باشید. مقام معظم رهبری در سال ۱۳۶۹ با همه توان و وجود وارد میدان مبارزه با تهاجم فرهنگی شدند و در آن زمان آنرا شیخون فرهنگ نامیدند ولی انصاف قضیه این است که ایستادگی و مقاومت در برابر تهاجم فرهنگ نیازمند عزم ملی است.

(۱) خدایاری فرد، محمد: مسایل جوانان و جوانان (انتشارات انجمن اولیاء و مربیان ۱۳۷۲) ص ۶۸

(۲) برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: دکتر شعاری نژاد، علی

(۳) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و ناهنجار در کودکان و نوجوانان (انتشارات ابتکار ۱۳۶۲) ص ۱۲۸

(۴) شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان (انتشارات تربیت، ۱۳۷۰) ص ۳۰۶

(۵) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و ناهنجار در کودکان و نوجوانان ص ۱۱۷

(۶) بارنفروبوکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان (جلد اول نشرنی تهران) ص ۳۰۷

(۷) غررالحمک و دررالکلم، ص ۳۰

(۸) حکیمی محمد رضا، الحیاء، جلد ۴ ص ۳۰۸

(۹) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۶۸

(۱۰) بارنفروبوکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، جلد اول ص ۲

(۱۱) همان ص ۳۰۶

دکتر شرفی محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی، ص ۶۸

**۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز در جامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد را بگیرند و چرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟**

**پرسش**

۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز در جامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد را بگیرند و چرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟

**پاسخ (قسمت اول)**

از آنجا که شما از ذهنی خلاق، پویا و جوان برخوردار هستید، تأمل، تدبیر و تعمق در آنچه ذکر می شود مبانی اندیشه شمارا سامان خواهد بخشید.

تبادل و تعامل فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است. تنویر افکار و رشد فرهنگی جامعه در پرتو تفاهم فرهنگی با دیگران قابل حصول است. لیکن اگر جامعه ای از درون تهی و آسیب پذیر شد، تبادل فرهنگی تبدیل به تهاجم

فرهنگی می شود . بنابراین نفس هجوم فرهنگی دشمنان وحشتناک نیست، بلکه خطر درضعف و ناتوانی و آسیب پذیری درونی است که زمینه سلطه پذیری را فراهم می سازد. از دشمنان نباید انتظار داشت هجوم نیاورند. حیات امپریالیسم جهانی وابسته به سلطه گری است بویژه آنکه رشد اسلام گرایی مرگ فرهنگ غرب را به همراه خواهد داشت. باید عوامل درونی سلطه پذیری را شناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسیب پذیری به حداقل برسد . درمقام تشبیه، می توان از هجوم میکروبها به بدن انسان نام برد که همواره هجوم و برخورد میکروب با بدن وجود دارد . هر چند باید تلاش کرد تا از این تلاقی و قرار گرفتن بدن در فضای آلوده جلوگیری شود لکن انسانهایی بیمار می شوند که بدن مجروح، مستعد و آسیب پذیر داشته و قوای دفاعی شان به تحلیل رفته و قدرت مقابله با ایجاد پادزهر مناسب را نداشته باشند.

بنابراین دربررسی عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی، درمرحله اول باید به این سوال پاسخ داد که : چرا جامعه سلطه

می شود؟ چرا افراد جامعه تسلیم هجوم فرهنگی دشمن می شوند؟ چرا جامعه قدرت صیانت از فرهنگ و هویت خودی را از دست داده و به فرهنگ بیگانه روی می آورد؟ چرا جوانان و نوجوانان فرهنگ بیگانه را بر فرهنگ خودی ترجیح می دهند؟ و یا بطور کلی باید دو سوال زیر را پاسخ داد :

۱- چرا فرد آسیب پذیر می شود؟

۲- چرا جامعه آسیب پذیر می شود؟ با توجه به آنچه بیان شد برخی از علل و عوامل آسیب پذیری فرد و جامعه که در واقع همان عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی است، به اختصار بیان می گردد :

۱- احساس حقارت و کهتری : نوجوانان و جوانان گاهی به علت داشتن نقایص بدنی و یا به علت مسایل ودشواری های خانوادگی، شکست ها، محرومیت ها، ناآگاهی های دوران گذشته زندگی، تمسخر واستهزای دوستان وهمسالان، سرزنش های مکررمعلمان و شاگردان، و یا به دلیل طرد شدنها و بی توجهی ها و یادداشتن مسایل روانی دیگر، اعتماد به نفس خودرا از دست داده دچار احساس حقارت می شوند وتصور می کنند دیگران برتری هایی دارند که آنها ندارند ودر انجام اموراتوان تر از دیگران هستند ومسولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند . مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه کمتری خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است وآن اصل جبران یا تلافی است."۱"

۲-عدم ارضاء نیازها : جوانان همانند سایر مردم دارای مجموع ای از نیازها واحتیاجات می باشند که برای حل یا رفع آنها تلاش می کنند . نیازهای جوانان دریک تقسیم بندی کلی به دو گروه نیازهای زیستی(خوردن، خوابیدن، پوشیدن و...) ونیازهای روانی(نیازبه محبت، تعلق خاطر، امنیت، مقبولیت و ...) تقسیم

می شود "۲" ارضاء شدن یا بدارضاء شدن این نیازها، مسایل و مشکلاتی را برای نوجوان ایجاد می کند . در چنین شرایطی جوان احساس تنش و ناآرامی می کند و این تنش باعث ایجاد بی قراری و عدم تعادل می شود. نوجوان برای برطرف کردن این حالت از مکانیزمهای دفاعی یا رفتار جبرانی استفاده می کند. مکانیزم های دفاعی که با درجات مختلفی توسط افراد به کار برده می شوند عبارتند از: پرخاشگری، جبران، والایش، همانند سازی (درون فکنی)، دلیل تراشی، فرافکنی، سرکوبی، عکس العمل سازی، خودمداری، منفی گرایی، عقب نشینی و فرار، بازگشت به عقب، جابجایی، و... "۳". به عنوان مثال دختر جوانی که نتواند زیبایی خویش را در مدرسه و در بین همسالان به نمایش بگذارد با استفاده از مکانیزم دفاعی "جابجایی" در خیابان و خارج از مدرسه نیاز خود را ارضاء می کند. دانش آموزی که نتواند محبت لازم را در مدرسه از معلم دریافت کند با بهره گیری از رفتار جبرانی "خودمداری" به پوشیدن لباسهای مبتذل و آرایش نامناسب موی سر روی می آورد تا کانون توجه دیگران قرار گیرد...

۳- عدم مقبولیت و محبوبیت : هرانسانی دوست دارد دیگران او را دوست داشته و محبوب بدانند . این نیاز در کودکان و نوجوانان گستره تر و عمیق تر است و در جوانی شدیدتر میشود زیرا جوانی و سن بلوغ، سن غرور و خود دوستی است . نوجوان تمایل دارد هر چه سریعتر وارد دنیای بزرگسالی گشته و مورد احترام و تکریم دیگران قرار گیرد. او می خواهد دیگران باور کنند که دوران کودکی راسپری کرده و نیازی به کنترل و تسلط دیگران به ویژه پدر و

مادر ندارد . جوان دوست دارد روی پای خویش بایستد و خودش برای خود تصمیم بگیرد و استقلال خویش را حفظ نماید . او به دنبال



کسب محبوبیت و مقبولیت بخصوص در بین همسالان است. اگر این نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشوند بهداشت روانی جوان و نوجوان آسیب می پذیرد و اختلالات عاطفی و رفتاری بروز می کند. پذیرش فرهنگ بیگانه و پشت پازدن آگاهانه به هنجارها، آداب، رسوم و اخلاقیات حاکم بر جامعه می تواند نمودی از عدم ارضاء این نیاز باشد. تبعیت جوانان از افکار جدید حضور فعال آنان در صحنه ها و جریانات مخالف وضع موجود رد و بدل کردن مخفیانه وسایل غیرمجاز نظیر فیلم و نوار و مجلات و ... نشانگر عدم پاسخگویی به نیاز استقلال طلبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است.

۴- فشار دوستان و همسالان: یکی از ویژگیهای سنین کودکی و نوجوانی، دوست یابی است. نوجوان و جوان نیاز دارد تا فرد یا افرادی را به دوستی برگزیند و در یک ارتباط عاطفی و صمیمی به همانند سازی برسد. "هراس از گمنامی و تنهایی، نوجوان را برمی انگیزد تا خود را در ارتباط با گروه همسالان قرار دهد .... در مواردی، نوجوان، سرخورده از گروه به باندها و گروههای ناسالم اجتماعی می پیوندد تا بر تنهایی و عدم تعلق اجتماعی خویش فایق آید." "۴"

از عوامل مهم انحرافات نوجوانان و تسلیم پذیری آنان در برابر تهاجم دشمن، پیدا نمودن دوستان نامناسب و فاسد است که زمینه اعمال بزهکارانه را در آنها تقویت می کنند. ترس و اضطراب از انجام اعمال بزهکارانه را در آنها تقویت می کنند. ترس و اضطراب از برخورد همسالان و طرد آنها در صورت تخلفی از آداب و رفتار گروه، سبب می شود تا فرد تسلیم گروه باشد. تشکیل مهمانی ها، شب نشینی ها، جلسات نمایش فیلم، کوهنوردی های گروهی، گردشهای دسته جمعی، مسافرتها و... اگر بدون نظارت و هماهنگی بزرگترها صورت گیرد می تواند زمینه ساز آلودگی های فرهنگی، اجتماعی

۵- بی هدفی و بی ثمری: زندگی بدون هدف پوچ و فاقد معناست، و هر کس نیاز دارد که فعالیت های خود را متوجه هدف یا هدفهای مشخص نماید. هدف هر چه بزرگتر و مقدس تر باشد، انگیزه حرکت بیشتر، و قوی تر است. داشتن هدف در زندگی به فرد، احساس رضایت و تحرک بیشتر می دهد. انسانهای بی هدف، انسانهای خود گم کرده هستند که ثبات شخصیت و سلامت روانی خود را از دست می دهند. جوانانی که در زندگی هدف مشخصی ندارند و یا هدفهای کوچک را دنبال می کنند غالباً در تزلزل و ناامنی بسر برده و دچار افسردگی، یا س و نومیدی می شوند.

۶- احساس ناامنی اقتصادی (بیکاری و فقر): صرف انرژی جوان در اوقات فراغت داشتن شغل و درآمد برای او اهمیت دارد. معمولاً اکثر نوجوانان قبل از پایان تحصیلات به شغل آینده خود فکر می کنند. داشتن کاری مناسب و شغلی مفید و پردرآمد در این دوره باعث بی نیازی و عزت نفس و اعتماد به نفس آنها می شود و برعکس بیکاری بخصوص در سنین جوانی منشاء بسیاری از ضعفها و مفاسد و آلودگیها می باشد و امنیت روانی فرد را به خطر می اندازد بر اساس تحقیقات، بسیاری از موارد شدید بزهکاری، ناشی از بیکاری و احساس پوچی و بیهودگی در جوانان است. "۵"

۷- خلاء فرهنگی جامعه: یکی از مهمترین ریشه های تهاجم فرهنگی، پیدایش خلاء فرهنگی در جامعه است. هیچ جامعه ای تا آمادگی نداشته باشد از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پذیرد. معمولاً جوامعی که دچار آشفتگی و ناآرامی اند برای بخورد و پیوند فرهنگی آماده ترند. البته هیچ جامعه ای نیست که از هر جهت در هر زمان آرام و سامان یافته باشد ولی گاهی بی آرامی و بی سامانی جامعه شدت می گیرد و سازمان

اجتماعی را به خطر می اندازد. جامعه در این گونه موارد ناگزیر است با تدابیری بی آرامی و بی سازمانی مفرط را از بین ببرد. "۶"

بنابراین تهاجم فرهنگی به خودی خود کار ساز نیست بلکه نیاز به زمینه مساعد یعنی خلاء فرهنگی و فکری دارد. اگر جامعه امروز نتواند نیازهای فکری و فرهنگی افراد جامعه بویژه نسل جوان و تحصیل کرده و تشنه حقیقت و انسانیت را پاسخ دهد، خلاء حاصله میدان را برای موفقیت هجوم فکری و تبلیغی غرب و مکاتب آن باز می کند و عطش نسل جوان با سراب بیگانه و آبهای آلوده غریبان سیراب می شود.

۸- تضعیف نهاد دولت : دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسئولیت حراست از استقلال و امنیت ملی و تمامیت ارضی و پاسداری از بقاء و رشد و رفاه ملت را به عهده دارد. هرچه نهاد دولت قویتر و توانمندتر باشد آسیب پذیری آن در برابر تهاجم دشمنان کمتر است. همچنانکه در تهاجمات نظامی دولتهای ضعیف مجبور به تسلیم و قبول شرایط دولتهای قوی و مهاجم هستند، در تهاجمات فرهنگی و سیاسی نیز این اصل حاکم است و دولتهای ضعیف قدرت مقابله با تهاجم بیگانگان و پاسداری از حریم هویت ملی و فرهنگ خودی را ندارند. دولتهای ضعیف و ناتوان مرعوب توانمندی و اقتدار دولتهای سلطه گر شده و خواسته یا ناخواسته سیاست، فرهنگ و راه آنان را الگوی خود قرار می دهند. نهاد دولت برای ایفای نقش و وظایف خویش نیاز به قدرت و اقتدار دارد که این اقتدار نه از طریق استبداد و حکومت جبارانه، بلکه از طریق وفاق، مشارکت و پشتیبانی مردم باید بوجود آید تا زمینه رشد و توسعه و استقلال کشور را فراهم آورد.

۹- ضعف و ناهماهنگی نهادهای اجتماعی : اگر هر یک از نهادهای اجتماعی وظایف خویش را به خوبی و بادقت در راستای

اهداف نهایی جامعه انجام داده و با هماهنگی سایر نهادها در حفظ و حراست از فرهنگ خودی و هویت اسلامی و ملی کوشا باشند، تهاجم فرهنگی دشمنان

آسیبی نخواهد رساند. آسیب پذیری زمانی آغاز می شود که هر یک از نهادها یا وظایف خودشان را انجام ندهند و یا همسو و هم راستا با اهداف کلی جامعه حرکت نمایند درچنین شرایطی تهاجم فرهنگی به بار می نشیند.

اگر در جامعه انقلابی و اسلامی ما الگوهای مورد قبول، نظیر روحانیت و دولتمردان نتوانند آرمانها و باورهای اسلامی و انقلابی را در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی خویش پیاده نمایند در نتیجه عملکرد آنان زمینه ساز موفقیت تهاجم فرهنگی می شود. رسانه های گروهی اگر همسو با رهبری و دولت در پاسداری از آرمانهای مکتب اسلام و هویت ملی حرکت نکنند خود به ابزاری برای انتقال فرهنگ بیگانه تبدیل خواهند شد .

### **پاسخ (قسمت دوم)**

۱۰- گسستگی عواطف و پیوندهای اجتماعی : جامعه یکپارچه و آسیب ناپذیر در برابر تهاجمات دشمنان جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسست ناپذیر وجود داشته باشد . این جامعه نه تنها مرعوب و مقهور تهاجم بیگانگان نمی شود بلکه همچون دژی مستحکم در مقابل تهاجم آنان پایداری می کند . نمونه این پایداری را می توان در دوران دفاع مقدس و جاودانه امت مسلمان ایران در برابر تهاجم بیگانگان به روشنی نظاره کرد. متقابلاً عدم پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشار مختلف به ویژه عدم پیوند عمیق بین شنوندگان و حکومت کنندگان به شدت جامعه را آسیب پذیر می کند . اگر حکومت کنندگان، مردم را نابالغ، ناآگاه، متخلف، نیازمند سرپرستی و... انگارند و اگر مردم حکومت کنندگان خود رامستبد، خودخواه، دنیا پرست، غیر مسوول، نالایق بپندارند، اگر توانمندان مردم ضعیف

و مستمند را بی خرد، بی تدبیر، تنبل و کاهل و لایق بدبختی بینند و اگر فقراء ثروتمندان را مال اندوز، متجاوز، حيله گر و ستمگر بدانند، اگر تحصیل کرده ها توده مردم را قبول نداشته باشند و اگر مردم عادی روشنفکران و تحصیل کرده های خود را از خود ندانند و اگر... در چنین شرایطی که عواطف و پیوندهای اجتماعی به حداقل خود رسیده است، جامعه به شدت آسیب پذیر است و تهاجم دشمنان در هر زمینه می تواند اساس جامعه را از هم متلاشی سازد.

همچنین اگر قبایل، نژادها و اقوام مختلف یک جامعه به تمسخر و تحقیر و استهزاء هم برخیزند آسیب پذیری جامعه حتمی است و احساس هویت ملی و هویت اسلامی در چنین شرایطی از بین می رود و پیدایی چنین بیگانگی هایی از سوی مردم نسبت به نظامات حاکم و از سوی نظام نسبت به مردم و از سوی مردم نسبت به هم، برهم اثر متقابل داشته و رفته رفته به مراحل سهمگین و خطرناکی کشیده می شود. روابط تنش زایی بین نظام و ملت بوجو می آید و خشم و انزجار ملت و سقوط دولت رابه دنبال خواهد داشت. در چنین شرایطی هر نهاد و هر قشری از جامعه در صدد کسب هویت برای خویش است تا به حیات خود ادامه دهد. اگر این هویت را در درون جامعه خویش نیافت به بیگانه متمسک می شود و هویت خود را در فرهنگ و اندیشه و حکومت بیگانه جستجو می کند.

۱۱- عدم عدالت اجتماعی: جامعه آسیب پذیر در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان، جامعه ای است که از درون پوسیده و سست گردیده و قدرت مقابله با تهاجمات رانداشته باشد. یکی از مهم ترین عوامل پوسیدگی جوامع عدم عدالت اجتماعی در آن جوامع است. عدالت اجتماعی عامل پیوند اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر و موجب پیوستگی

نهادهای اجتماعی است.

ستون انقلاب و رکن اساسی حرکتهای سازنده اجتماعی، تأمین و تعمیم عدالت است بویژه عدالت اقتصادی و اجتماعی که همه مردم به خصوص انسانهای محروم و انقلابگر با آن سروکار دارند به همین دلیل حضرت علی (ع) فرمود: "العدل حیاة الاحکام" سبب زنده شدن و زنده ماندن احکام خدا در میان مردم عدالت است. "۷" تهاجم فرهنگی و آسیب رسانی آن با جریان سرنوشت ساز عدالت اجتماعی و حرکتهای اقتصادی جامعه پیوستگی مستقیم دارد. هر چه

عملکرد های اقتصادی باعدالت بیشتری عجین باشد آسب پذیری کمتر می شود و جامعه به صورت یک مجموعه به هم پیوسته در برابر تهاجمات پایداری می کند. به بیان دیگر در جامعه قرآنی، احکام قرآن قابل اجراست و جامعه قرآنی

جامعه قائم به قسط و عامل به عدل است یعنی برخوردار از قسط و پی ریخته و ساخته شده برشالوده عدالت، یعنی اگر عدالت نباشد بطور قطع تکاثر و فقر خواهد بود و این پدیده هر دوفی کننده زمینه اعتقاد و عمل به احکام الهی اند.

۱۲- فقر و توسعه نیافتگی: صیانت از فرهنگ اسلامی و هویت ملی و دستیابی به استقلال فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در بستری از توسعه و رشد یافتگی و کسب قدرت مادی و معنوی امکان پذیر است. حفظ ارزشهای آرمانی نیازمند استقلال و توجه است. استقلال قدرت اعمال اراده یک ملت درباره هر گونه عمل، سیاست و یا حرکت داخلی و خارجی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر مبنای تشخیص منافع و مصالح خود می باشد. بدیهی است هر چه توان اقتصادی، سیاسی و علمی و استحکام و انسجام اجتماعی و ظرفیت فرهنگی یک ملت بیشتر و در مقایسه با جهان پیرامون خود قویتر باشد استقلال او نیز بیشتر است. بنابراین بیشتر و بهتر می تواند از فرهنگ و اندیشه و باورهای خود دفاع نماید.

فقر، نیازمندی می آفریند و نیازمندی، وابستگی به وجود می آورد. در فرهنگ تحت اسلام فقر محکوم گردیده و پیامبر اکرم (ص) وائمه معصومین علیهم السلام با گسترش فقر به مخالفت برخاسته اند چنانکه فرموده اند: "کاد الفقران یكون کفرا"<sup>۸</sup>

قرآن کریم نیز می فرماید شیطان ابتدا به فقر و سپس به فحشاء فرا می خواند: الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء...<sup>۹</sup>" (شیطان شما را به سوی فقر فرامی خواند و به فحشاء فرمان می دهد)

در شرایطی که فقر و توسعه نیافتگی بر کشور حاکم است ورود کالا و تکنولوژی بیگانه، ورود فرهنگ و ایدئولوژی خاص آنان رانیز به همراه دار دکه این همان مصداق عینی تهاجم فرهنگی است. فقرزدایی و توسعه براساس ارزشها و معیارهای خودی و منبعث با منابع و امکانات خودی، ارزشمند و قابل تحقق است و توسعه مبتنی برالگوها و ارزشهای بیگانه و استوار بر پایه منابع و امکانات آنان، خود نیز زمینه ساز تهاجم فرهنگی بوده و موجبات توسعه د توسعه نیافتگی را فراهم می آورد.

۱۳- مهاجرت، تجارت، جنگ: مهاجرت، تجارت و جنگ سه عامل مهم در طول تاریخ برای برخورد فرهنگی جوامع با یکدیگر بوده اند. یکی از جالب ترین صحنه های تاریخ، بسط ملتها از طریق کوچ نشینی مسالمت آمیز می باشد.<sup>۱۰</sup>"  
مهاجرت و کوچ نشینی هر چند دارای اثرات مثبت در تاریخ بشری بوده و زمینه بسط و گسترش دانش اقوام را فراهم آورده است لکن در شرایط تهاجم فرهنگی مهاجرین می توانند به عوامل انتقال فرهنگ بیگانه به داخل کشور و جامعه خود تبدیل گردند. تجارت و جنگ نیز در برخورد فرهنگی ملتها ایفای نقش می کنند. تجار و بازرگانان با انتقال کالا، تکنولوژی و خدمات در واقع فرهنگ کشورها را به هم منتقل می کنند. "کالاها و ابزارهای مشرق زمین که به وسیله تجارت

و در طی جنگهای صلیب به اروپا راه یافتند بیش از آثار علمی شرقی زندگی اجتماعی اروپا را دگرگون کردند. "۱۱"

۱۴- گسترش فحشاء، فساد، منکرات: زیر پا نهادن قوانین و شکستن حدود، مقررات و متلاشی نمودن روابط سالم اجتماعی، جامعه را به سوی بی ثباتی و هرج و مرج سوق داده و آنرا به شدت آسیب پذیر می سازد. یکی از شیوه های

مهاجمان فرهنگی گسترش فساد و منکرات بویژه روابط جنسی و شهواتی می باشد. جامعه آلوده به کژیها و زشتیها، جامعه ی بیماری است که در برابر میکروبهای مهاجم قدرت دفاع از خویش را نخواهد داشت. به همین دلیل ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، منکرات، بدحجابی، روابط نامشروع به صورت سازمان یافته و برنامه ریزی شده در جامعه انقلابی ما درس لوحه فعالیت های مهاجمان فرهنگی قرار دارد.

در تعالیم اسلامی، نابودی جامعه فاسد و مفسد، به عنوان یک سنت تغییر ناپذیر اجتماعی در قانونمندی الهی مطرح شده است. و در آیات زیادی امتها و اقوام گذشته به دلایل شیوع فساد و فحشا و بی تفاوتی در برابر معاصی، در بین آنان مطرح شده است. گسترش رشوه فساد اداری باند بازی تقلب قانون شکنی دزدی طلاق فرار از خانه خودکشی و نیز رواج منکرات و اعمال خلاف اخلاق، همچون موریانه ستونهای استوار جامعه را از پای درمی آورند و آن را آسیب پذیر می کنند. برادر ارجمند و بزرگوار اکنون که برخی از علل و عوامل موفقیت روزافزون تهاجم فرهنگ را بیان کردیم. حتماً دریافته اید که جلوگیری از آن نیز کار ساده ای نیست ولی به هر حال همان گونه که قبلاً بیان شد در مقابله با تهاجم فرهنگی برخلاف تهاجم نظامی، دولت به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ با



اندیشه‌ها و باورها و اعتقادات مردم سروکار دارد که این امر زورپذیر نیست بلکه باید با مبانی و عقاید عقلانی و مبتنی بر فطرت و بصیرت زمینه پذیرش یا نفی یک فرهنگ را پدید آورد و به بیان دیگر ایجاد محدودیت توسط دولت‌ها نمی‌تواند راه گشا باشد بلکه باید با ایجاد "مصونیت" ارزشها و فرهنگ خودی دفاع کرد. در رویارویی با فرهنگ مهاجم باید علل و عوامل ساعد کننده مهاجم را از بین برد و مصونیت سازی راه کارهای استوار و مطمئنی می‌طلبد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- بازیابی هویت: هویت جویی، از اصلی‌ترین و مهم‌ترین نیازهای نسل امروز است و بازیابی هویت در حقیقت بازشناسی نفسی است که این نسل برعهده دارد. جوانان ما باید برای پرسشهای اساسی زیر پاسخهای روشن و مستدلی بیابند:

- غایت و مقصود زندگی چیست؟

- جایگاه من در حیات معقول چیست؟

- چه عاملی فلسفه وجودی جوانان را در نظام هستی، توجیه و تبیین می‌کند؟

- آیا جوانان در نظام هستی، از کرامت و منزلتی برخوردارند؟ پاسخ به این پرسشها، جوان را از جایگاه رفیعی که نزد پروردگار دارد، مطمئن نموده و او را از رنج درون تهی بودن و آسیب پذیری می‌رهاند.

۲- درک هویت فرهنگی: شناخت یک فرهنگ، در حقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها و برتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگهاست. نسل جوان، باید به امتیازات فرهنگ اسلامی و ملی خویش، آشنا باشد تا در مقابله با فرهنگ بیگانه، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد. تاریخ تحلیلی و فرهنگ خودی و مطالعات تطبیقی فرهنگ‌های معاصر و به ویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که بر معادلات سیاسی و اجتماعی

جهان معاصر داشته‌است، جوانان را در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقارم می‌کند. و با

این امر بازگشت به فرهنگ خودی، امکان پذیر خواهد بود .

۳- غرب شناسی زمینه غرب ستیزی: برای مقابله با هر پدیده ای، ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نموده تا بتوان سازو کارهای لازم را مهیا کرد . غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت، عملکرد، باطن و جوهر حقیقی این فرهنگ است . جوانان، چون غالباً ظاهر گرا هستند به باطن و درون چندان معطوف نیستند . شناخت عمیق و مستدل فرهنگ غرب، به معنای این است که آنها بتوانند از ظاهر فریبنده آن، پرده برگیرند و به درون آن راه یابند، مغرب زمین، از درون به شدت احساس تزلزل، روزمرگی و تهی شدن می کند . زیرا قادر نیست به نسل جوان خویش، معنا و مفهومی برای زیستن ببخشد و فلسفه ارضاء کننده ای برای زندگی آنان، تبیین نماید. و به گفته نیچه "کسی که نداند برای چه زندگی می کند، قادر نخواهد بود با هر "چگونه ای" بسازد." ۱۲"

گمان می کنم با این توضیحات ارایه شده پاسخ بخش سوم سوال خود را دریافت کرده باشید . مقام معظم رهبری در سال ۱۳۶۹ با همه توان و وجود وارد میدان مبارزه با تهاجم فرهنگی شدند و در آئینمان آنرا شیخون فرهنگ نامیدند ولی انصاف قضیه این است که ایستادگی و مقاومت در برابر تهاجم فرهنگ نیازمند عزم ملی است .

(۱) خدایاری فرد، محمد: مسایل جوانان و جوانان (انتشارات انجمن اولیاء و مربیان ۱۳۷۲) ص ۶۸

(۲) برای اطلاع بیشتر رجوع شود به : دکتر شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، موسسه اطلاعات ۱۳۶۴

(۳) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و ناهنجار در کودکان و نوجوانان (انتشارات ابتکار ۱۳۶۲) ص ۱۲۸

(۴) شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان (انتشارات تربیت، ۱۳۷۰) ص ۳۰۶

(۵) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و ناهنجار در کودکان و نوجوانان ص ۱۱۷

(۶) بارنفروبرکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه

جواد یوسفیان (جلد اول نشرنی تهران) ص ۳۰۷

(۷) غررالحکم ودررالکلم، ص ۳۰

(۸) حکیمی محمد رضا، الحیاه، جلد ۴ ص ۳۰۸

(۹) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۶۸

(۱۰) بارنفروبوکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، جلد اول ص ۲

(۱۱) همان ص ۳۰۶

دکتر شرفی محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی، ص ۶۸

### **چرا با مسأله بدحجابی در جامعه برخورد جدی صورت نمی گیرد؟ آیا کوتاهی مسؤلین وسکوت آنها علتی دارد؟**

#### **پرسش**

چرا با مسأله بدحجابی در جامعه برخورد جدی صورت نمی گیرد؟ آیا کوتاهی مسؤلین وسکوت آنها علتی دارد؟

#### **پاسخ**

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی ونیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، وتقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود همه آنچه که نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب وحفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است وتا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله تحصولات فرهنگی مانند فیلم ها ومجلات توعی تمایل به اینگونه رفتارها درسطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد:

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد.

ب) کار قانونی وکنترل رفتار فیزیکی.

هر یک از دو طریق از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود ونهایتاً منجر به شکست وتاثير وارونه خواهد شد. که البته در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت ومسؤلین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی دقیق وحساب شده فرهنگی وقانونی

در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد. نکته دیگر این که متاسفانه شهرهای مرزی (مانند اهواز) بیش از نقاط مرکزی در زیر فشارهای تبلیغاتی دشمنان قرار دارند و لغزیدن به سمت شهوات و

بی بند وباری نیز کار آسانی است؛ چراکه حرکت در سراسیمه سقوط است، ولی بالا رفتن از قله و کمال یابی، کاری دشوار است. از سوی دیگر در حال حاضر بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دهند و این نیز خود مزید بر علت شده است. ولی این که وضعیت از زمان طاغوت بدتر باشد واقعیت ندارد؛ چرا که ماهم آن زمان را دیده ایم و هم حال را. امید است غیرت و حمیت اسلامی، در افراد متدین فراموش نشود و آنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند و قانون نیز با راه کارهای مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند وباری بردارد و همگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم. برادر عزیز! زندگی در جامعه ای سالم آرمان همه بندگان خدا است؛ ولی می دانیم که پاکان و تقوای پیشگان همواره در چه شرایط سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه برنداشته و حتی جان خود را در این راه داده اند. پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار و معنادار؛ یعنی، مبارزه با فساد و تباهی ها و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابراین به جای یأس، از خون شهیدان پیام بگیری و باتشکیل هسته های فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه به روشنگری پردازید و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشید. در این صورت خداوند شما را یاری خواهد کرد و به اهداف خود نایل خواهید شد. "ان ینصروا... ینصرکم و یشبث اقدامکم" موفق باشید.

\* برگرفته از سایت پرسش و پاسخ نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه [www.nahad.net](http://www.nahad.net)

**با نظر به اینکه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه کمرنگ شده و با آنکه در احادیث و در کتاب آسمانی به آن خیلی تأکید شده، چرا از آن توسط مقامات بالا حمایت نمی شود و چرا توسط مقام معظم رهبری این امر مهم حمایت خاصی نمی شود؟**

**پرسش**

با نظر به اینکه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه کمرنگ شده و با آنکه در احادیث و در کتاب آسمانی به آن خیلی

تأکید شده، چرا از آن توسط مقامات بالا حمایت نمی شود و چرا توسط مقام معظم رهبری این امر مهم حمایت خاصی نمی شود؟

## پاسخ

این حق و عدالت خواهی اگر چه در هنگام بحث و گفتگو با هر انسان حق طلب و عدالت جوئی مورد قبول او می باشد ولی در هنگام عمل چنین مقبولیتی از همه دیده نمی شود زیرا انسانهای زیادی هستند که عدالت و دین حق را تا موقعی می خواهند که کامشان را تلخ نکند از طرف دیگر مصالح و ارزشهای اسلام همگی به یک اندازه اهمیت و ارزش ندارند و بعضی از آنها، بر بعضی دیگر حق اولویت دارند، و بالاخره، افراد با توجه به موقعیتهای خاصی که هر کدام در اجتماع دارند، از نظر تکالیف و وظایفشان یکسان نیستند و افراد ضمن آنکه به عنوان مکلف و وظایفی در برابر جلوگیری از انحرافات دارند به خاطر موقعیت اجتماعی آنها نیز وظایف سنگینی بر دوش آنهاست، فلذا در اجرا کردن امر به معروف و نهی از منکر شرایط خاصی مطرح می شود و هر کسی باید طبق موقعیت خاصی که دارد از ارزشهای اسلامی دفاع بنماید و دیگران را از انحرافات نهی بنماید.

بنابراین آن چیزی که برای همه افراد، خصوصاً رهبران و عالمان دینی بالا-ترین اهمیت را دارد، حفظ اصل و اساس و کیان اسلام است. و مقام معظم رهبری و بزرگان و مسئولان هر گاه احساس کنند که خطری متوجه اصل اسلام و احکام نورانی اسلام می باشد، نه تنها سکوت نمی کنند بلکه اعلام خطر خواهند کرد.

باید توجه داشت که وظیفه مقام معظم رهبری این نیست که برای تک تک انحرافات، سخنرانی کرده و مردم را از آن نهی نماید و یا به تک تک کارهای خیر امر نماید، بلکه ایشان عهده دار

پایه گذاری سیاستهای کلان حکومت هستند و بعد از توضیح و تشریح آن سیاستها مسؤولان را موظف می کند که آنها را انجام دهند و خود نیز بر آنها نظارت می نماید و همه مسؤولان ملزم به اطاعت و اجرای اوامر او هستند. با این وجود یک مشکل همیشگی رهبران دینی چگونگی برخورد با کسانی است که از نظر فکر دینی کاستیهائی دارند و عمل آنها مطابق اسلام نیست، اما به خاطر اینکه مهمترین مسأله برای رهبران دینی و مسؤولان آن حفظ اصل نظام است گاهی مواقع باید در مقابل بعضی انحرافات فقط به تذکر اکتفا نمایند و گاهی مواقع هم حفظ اساس نظام اقتضا می کند که سکوت کنند و موضع گیری صریح و تندی، نگیرند تا باعث تضعیف نظام نشود.

البته باید توجه داشت که این نوع سکوت و حمایت نکردن هرگز به معنای تساهل و تسامح نیست بلکه از خون دل خوردن و حفظ نظام و اسلام حکایت می کند، می توان شکل حاد موفقیت رهبران دینی در مقابل انحرافات و کج رویهای مردم خصوصاً مسؤولان را در این سخن امیرمؤمنان علی "ع" دید که فرمودند: "فصبرت وفي العين قذی وفي الحلق شجاً" (۱) "...لذا شکیبایی ورزیدم ولی به کسی می ماندم که خاشاک چشمش را پر کرده و استخوان راه گلویش را گرفته)

در آخر به این مطلب اشاره می نمائیم که عوامل دیگری علاوه بر اطلاع رهبری از برخی نواقص و معایب و منکرات در بدنه اجرائی کشور اهتمام ایشان بر اصلاح آن وجود دارد که با نبود آنها، اصلاحات اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر تأثیر عمده ای نخواهد داشت و باعث کم رنگ شدن این حکم الهی خواهد شد:

۱. حاکم شدن ارزشهای الهی خصوصاً

در سایر مراتب ورده بندی های بدنه اجرائی نظام از مسؤلین گرفته تا رده های پائین (نظارت درونی)

۲. حل مشکلات اقتصادی و معیشتی کارکنان و...

۳. نظارت دقیق وقاطع نسبت به عملکردهای کارکنان و مأموران و... (نظارت بیرونی) و برخورد با متخلفین.

۴. همکاری مردم با مسؤلین و به وجود آمدن یک نوع عزم ملی در مبارزه با مفاسد اداری از قبیل رشوه خواری، پارتی بازی و... با ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر و برخورد با افراد متخلف

۵. وحدت و همدلی میان جناحهای سیاسی و مسؤلان قوای سه گانه و سایر دستگاههای دولتی و بسیج کلیه امکانات برای برخورد با این گونه مسائل و حل ریشه های آن.

نکته قابل توجه این که در زمان امام خمینی "ره" نیز با توجه به فضای معنوی جامعه ناشی از حضور مردم در انقلاب و پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و... تخلفات متعددی صورت می گرفت ولی به لحاظ وجود جنگ تحمیلی و توجه تام به آن، در جامعه این تخلفات خیلی منعکس نمی شد، به علاوه شرایط محیطی نیز بسیار متفاوت بود؛ زیرا: اولاً، هنوز ارزشهای اسلام هم بر مردم و هم بر مسؤلین حاکم بود. ثانیاً، اثرات بی رویه رشد جمعیت مانند نیاز به بازار کار، تحصیل، مسکن، ازدواج و... خودش را نشان نداده بود. ثالثاً، بسیاری از مشکلات و عوارض ناشی از جنگ مانند بازسازی و... خودش را بعد از سال های جنگ نشان و هزینه های بالایی را به خود اختصاص داد. رابعاً، در شرایط عادی که فضای ناشی از انقلاب و جنگ فروکش کرده و مردم به فکر مسایل دنیوی و... افتاده و ارزش ها بر اثر تهاجم فرهنگی و... تغییر کرده اند و بسیاری از اختلافات سیاسی بروز نموده اند و...



جامعه را اداره ورهبری نمودن کاری بس مشکل است که بحمد... با رهبری قاطع ودرایت مقام معظم رهبری این امر به بهترین صورت علیرغم تمامی مشکلات درحال اجرا می باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور

آنا تومی جامعه، علی ذوعلم

انقلاب و ارزش ها. ( نهج البلاغه خطبه سوم <شششقیه> ص ۶۵

\* با استفاده از کتاب پرسشها و پاسخ ها، ج ۳، ص ۸۶ به بعد آیت... مصباح یزدی

\* برگرفته از سایت مقام معظم رهبری در دانشگاه [www.nahad.net](http://www.nahad.net)

**چرا کنترل کامل بر روی مواردی که باعث انحراف جوانان می شود وجود ندارد؟ مثلاً در آدرس زیر فروشنده های دوره گر به راحتی در میان جمع کثیری از مردم راه می روند و CD و عکس ها و پاسورهای غیرمجاز و خلاف شرع به جوانان می فروشند و درحالی که هیچ کس جلوی آنها را نمی گیر**

**پرسش**

چرا کنترل کامل بر روی مواردی که باعث انحراف جوانان می شود وجود ندارد؟ مثلاً در آدرس زیر فروشنده های دوره گر به راحتی در میان جمع کثیری از مردم راه می روند و CD و عکس ها و پاسورهای غیرمجاز و خلاف شرع به جوانان می فروشند و درحالی که هیچ کس جلوی آنها را نمی گیرد. (مشهد، پنجره، میدان عدالت، خیابان روبروی حرم مطهر امام رضا "ع")

**پاسخ**

همانگونه که در سؤال شما هم آمده است کنترل کامل صورت نمی گیرد یعنی کنترل هست اما به صورت صددرصد نیست. این امر دغدغه ای است که همه مسؤولان و دلسوزان انقلاب دارند اما برخورد با این موارد تنها راه علاج واقعه نیست بلکه باید زمینه های آن را نیز مورد توجه قرار داد زمینه هایی مانند مشکلات اقتصادی و مسائل ناشی از آن نظیر فقر و بیکاری و از طرفی تهاجم فرهنگی دشمن برای از بین بردن فرهنگ مقاومت در بین جوانان از طریق اشاعه فساد و فحشا با سرمایه گذاری و ترویج وسائل و ابزارهای آن نظیر CD و عکس و... و از طرفی امر به معروف و نهی از منکر و جلوگیری از فساد در نظام اسلامی و فرهنگ اسلام تنها وظیفه حکومت نیست بلکه وظیفه آحاد مردم است که هر کس در حد توان خود با مصادیق منکر مبارزه و آمر به معروف باشد به هر حال گزارش این امور به مراکز مربوطه قطعاً مورد توجه قرار می گیرد به ویژه اگر همه مردم برای مقابله با این امور احساس مسؤولیت کرده و از مسؤولین مقابله با این ناهنجاریها مکرراً درخواست مقابله را داشته باشند قطعاً آثار بسیار خوبی را بدنبال خواهد داشت باید باور داشته باشیم که فقط انتقاد مشکل راحل نمی کند بایستی برای

حل هر مشکل راه کار آن را پیدا کرد و خود رانیز در رفع آن مشکل مسئول دانست.

## چرا مسئولین مانع از روابط بعضاً نامشروع و اختلاطهای آزادانه دختران و پسران در جامعه نمی شوند؟

### پرسش

چرا مسئولین مانع از روابط بعضاً نامشروع و اختلاطهای آزادانه دختران و پسران در جامعه نمی شوند؟

### پاسخ

مسائل فرهنگی و اجتماعی چیزی نیست که با تهدید و ارعاب و برخوردهای خشن بتوان آنرا ریشه کن ساخت بلکه برای توسعه فرهنگی و اصلاح ساختار اجتماعی و کاهش نابهنجاریهای اجتماعی بایستی نگرش ها و باورها اصلاح و دگرگون شود و گرنه برخورد فیزیکی و ارعاب نه تنها کارساز نیست بلکه در بسیاری از موارد نتیجه عکس می دهد.

در میان روشهای تربیتی و اصلاحی آخرین روش تنبیه و مجازات است و حال آنکه متأسفانه در طول سالیان گذشته ما برای اصلاح جامعه آنرا به عنوان اولین ابزار و وسیله به کار برده ایم. اصلاح جامعه و روابط حاکم بر آن از جمله روابط دختران و پسران نیازمند بستر سازی مناسب و کارهای تأثیر گذار فرهنگی است لابد می دانید تا زمانی که امری برای کسی قبح و زشتی پیدا نکند از آن اجتناب نخواهد ورزید و اگر کسی یا کسانی مانع از انجام آن امر بشوند وقوع آن امر صورت مخفی و غیرعلنی پیدا خواهد کرد و درخفا گسترش خواهد یافت و به مرور در صحنه اجتماع بروز و نمود خواهد یافت و چون از گستردگی برخوردار گردد عملاً ممانعت و مخالفت عملی با آن میسر نخواهد بود.

نکته دیگری که حائز اهمیت است اینکه متأسفانه همه ما عادت کرده ایم، همه چیز را از مسئولان بخواهیم.

سالهاست که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت...العظمی خامنه ای بر فریضه بسیار مهم امر به معروف و نهی از منکر بصورت لسانی تأکید ورزیدند ولی متولیان بجای امر و نهی لسانی به امر و نهی عملی و برخورد فیزیکی پرداختند و بجای اصلاح امور، به تشدید آن کمک کردند. ما نیز همانند شما از مسئولان انتظار داریم راهکارهای عملی و تأثیر گذاری

در این امر حیاتی ارائه و دنبال کنند. همه ما باید از مسئولان در درجه اول واز یکدیگر در مرحله بعدی بخواهیم برای اصلاح این امر تلاش کنیم .

و آخرین نکته ای که یادآور می شویم این است که برادر عزیز درشرایطی که دشمنان با همه وجود و توان بطور همه جانبه علیه نظام مقدس اسلامی، اقدام به تجاوز نموده اند گسترش بخشی از ناهنجاریهای اجتماعی و مفسد و روابط غیر مشروع از این تجاوزات ریشه می گیرد. لذا با توجه به آنچه ذکر شد همه ما باید کمر همت را بر بندیم و هر آنچه در توان داریم برای اصلاح امور بکار گیریم و اگر هر کدام از ما که احساس دلسوزی نسبت به نظام می کنیم تنها یک نفر از کسانی که احساس می کنیم در مسیر باطل و گناه قرار گرفته اصلاح کنیم کاربرگی صورت خواهد گرفت و نیز با انتقاد سازنده و ارائه راه حل به مسئولان نیز می توانیم به اصلاح امور کمک نماییم. " کلهم راع و کلهم مسوول عن رعیتة " مسئولان عالیرتبه فرهنگی متولیان امور جامعه نیز با درایت و تدبیر و با بهره مندی از اصول علمی و روانشناسی باید با جدیت در این راه تلاش کنند. و ما نیز بصورت دسته جمعی و همگانی از مسئولان امر باید تحقق این مهم را مطالبه نماییم. توصیه می کنیم کتاب حماسه حسینی شهید مطهری بخش عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی را مطالعه بفرمایید.

### چرا دولت نمی تواند جلوی بد حجابی را بگیرد؟

#### پرسش

چرا دولت نمی تواند جلوی بد حجابی را بگیرد؟

#### پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد . البته وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد . ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات نوعی تمایل به اینگونه رفتارها درسطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد :

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد.

ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی .

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تاثیر وارونه خواهد شد. که البته در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. و برخورد فیزیکی و ارباب در اینگونه موارد نه تنها کارساز نیست بلکه در بسیاری موارد نتیجه عکس می دهد و از لحاظ روانشناسی نیز روش تنبیه و مجازات آخرین حربه تربیتی می باشد حال

آنکه در طول سالیان گذشته ما برای اصلاح جامعه آنرا به عنوان اولین ابزار و وسیله بکار بردیم و با آنکه رهبر معظم انقلاب حضرت آیت ا...خامنه ای بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر به صورت لسانی تأکید ورزیدند اما متولیان امر به جای امر و نهی زبانی به امر و نهی عملی و برخورد فیزیکی پرداختند و به جای اصلاح

امور به تشدید آن کمک کردند.

بنابراین بهترین راه برای کاهش ناهنجاریهای اجتماعی و از آن جمله مسأله بدحجابی کار بنیادی فرهنگی و اصلاح و دگرگونی نگرشها و باورهاست. اصلاح ساختار اجتماعی و کاهش ناهنجاری بدحجابی نیازمند بستر سازی مناسب و کارهای تأثیر گذار فرهنگی است. لابد می دانید تا زمانیکه زشتی امری برای فردی آشکار نشود از آن اجتناب نخواهد کرد و اگر شخص یا اشخاصی مانع از انجام آن امر شوند وقوع آن امر صورت مخفی و غیر علنی پیدا کرده و در خفا گسترش می یابد و به مرور در صحنه اجتماع بروز و نمو خواهد یافت و چون از گستردگی برخوردار گردد ممانعت و مخالفت عملی با آن به آسانی میسر نخواهد بود.

امید است غیرت و حمیت اسلامی، در افراد متدین فراموش نشود و آنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند و قانون نیز با راه کارهای مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند وباری بردارد و همگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم. برادر عزیز! زندگی در جامعه ای سالم آرمان همه بندگان خداست؛ ولی می دانیم که پاکان و تقوای پیشگان همواره در چه شرایط سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه برنداشته و حتی جان خود را در این راه داده اند. پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار و معنادار؛ یعنی، مبارزه با فساد و تباهی ها و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابراین به جای یأس، از خون شهیدان پیام بگیریید و باتشکیل هسته های فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه به روشنگری پردازید و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشید. در این صورت خداوند شما

را یاری خواهد کرد و به اهداف خود نایل خواهید شد." ان تنصروا... ینصرکم و یتبیت اقدامکم"

برگرفته از سایت پرسش و پاسخ نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه [www.nahad.net](http://www.nahad.net)

**چرا جامعه امروزی در قبال این همه بی بند و باری و فساد کاری انجام نمی دهد در حالیکه مأموران انتظامی در گوشه و کنار سطح مشهد پراکنده هستند؟**

**پرسش**

چرا جامعه امروزی در قبال این همه بی بند و باری و فساد کاری انجام نمی دهد در حالیکه مأموران انتظامی در گوشه و کنار سطح مشهد پراکنده هستند؟

**پاسخ (قسمت اول)**

تبادل و تعامل فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است. تنویر افکار و رشد فرهنگی جامعه در پرتو تفاهم فرهنگی با دیگران قابل حصول است. لیکن اگر جامعه ای از درون تهی و آسیب پذیر شد، تبادل فرهنگی تبدیل به تهاجم فرهنگی می شود. بنابراین نفس هجوم فرهنگی دشمنان و حشتناک نیست، بلکه خطر درضعف و ناتوانی و آسیب پذیری درونی است که زمینه سلطه پذیری را فراهم می سازد. از دشمنان نباید انتظار داشت هجوم نیاورند. حیات امپریالیسم جهانی وابسته به سلطه گری است بویژه آنکه رشد اسلام گرایی مرگ فرهنگ غرب را به همراه خواهد داشت. باید عوامل درونی سلطه پذیری را شناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسیب پذیری به حداقل برسد. در مقام تشبیه، می توان از هجوم میکروباها به بدن انسان نام برد که همواره هجوم و برخورد میکروب با بدن وجود دارد. هر چند باید تلاش کرد تا از این تلاقی و قرار گرفتن بدن در فضای آلوده جلوگیری شود لکن انسانهایی بیمار می شوند که بدن مجروح، مستعد و آسیب پذیر داشته و قوای دفاعی شان به تحلیل رفته و قدرت مقابله با ایجاد پادزهر مناسب را نداشته باشند.

بنابراین در بررسی عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی، در مرحله اول باید به این سوال پاسخ داد که: چرا جامعه سلطه پذیر

می شود؟ چرا افراد جامعه تسلیم هجوم فرهنگی دشمن می شوند؟ چرا جامعه قدرت صیانت از فرهنگ و هویت خودی را از دست داده و به فرهنگ بیگانه روی می آورد؟

چرا جوانان و نوجوانان فرهنگ بیگانه را بفرهنگ خودی ترجیح می دهند؟ و یا بطور کلی باید دو سوال زیر را پاسخ داد :

۱- چرا فرد آسیب پذیر می شود؟

۲- چرا جامعه آسیب پذیر می شود؟ با توجه به آنچه بیان شد برخی از علل و عوامل آسیب پذیری فرد و جامعه که در واقع همان

عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی است، به اختصار بیان می گردد: ۱- احساس حقارت و کهنتری: نوجوانان و جوانان گاهی به علت داشتن نقایص بدنی و یا به علت مسایل ودشواری های

خانوادگی، شکست ها، محرومیت ها، ناآگاهی های دوران گذشته زندگی، تمسخر واستهزای دوستان وهمسالان، سرزنش های مکررمعلمان و شاگردان، و یا به دلیل طرد شدنها و بی توجهی ها و یادداشتن مسایل روانی دیگر، اعتماد به نفس خود را از دست داده دچار احساس حقارت می شوند و تصور می کنند دیگران برتری هایی دارند که آنها ندارند و در انجام اموراتوان تر از دیگران هستند ومسولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند. مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه کمتری خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است و آن اصل جبران یا تلافی است."۱"

۲-عدم ارضاء نیازها: جوانان همانند سایر مردم دارای مجموع ای از نیازها و احتیاجات می باشند که برای حل یا رفع آنها تلاش می کنند. نیازهای جوانان دریک تقسیم بندی کلی به دو گروه نیازهای زیستی(خوردن، خوابیدن، پوشیدن و...) و نیازهای روانی(نیازبه محبت، تعلق خاطر، امنیت، مقبولیت و...) تقسیم می شود"۲" ارضاء شدن یا بدارضاء شدن این نیازها، مسایل ومشکلاتی را برای نوجوان ایجاد می کند. در چنین شرایطی جوان احساس تنش و ناآرامی می کند و این تنش باعث ایجاد بی قراری

وعدم تعادل می شود. نوجوان برای برطرف کردن این حالت از مکانیزمهای دفاعی یا رفتار جبرانی استفاده می کند. مکانیزم های دفاعی که با درجات مختلفی توسط افراد به کار برده می شوند عبارتند از: پرخاشگری، جبران، والایش، همانند سازی (درون فکنی)، دلیل تراشی، فرافکنی، سرکوبی، عکس العمل سازی، خودمداری، منفی گرایی، عقب نشینی و فرار، بازگشت به عقب، جابجایی، و... "۳". به عنوان مثال دختر جوانی که نتواند زیبایی خویش را در مدرسه و در بین همسالان به نمایش بگذارد با استفاده از مکانیزم دفاعی "جابجایی" در خیابان و خارج از مدرسه نیاز خود را ارضاء می کند. دانش آموزی که نتواند محبت لازم را در مدرسه از معلم دریافت کند با بهره گیری از رفتار جبرانی "خودمداری" به پوشیدن لباسهای مبتذل و آرایش نامناسب موی سر روی می آورد تا کانون توجه دیگران قرار گیرد...

۳-عدم مقبولیت و محبوبیت : هرانسانی دوست دارد دیگران او را دوست داشته و محبوب بدانند . این نیاز در کودکان و نوجوانان گستره تر و عمیق تر است و در جوانی شدیدتر میشود زیرا جوانی و سن بلوغ، سن غرور و خود دوستی است . نوجوان تمایل دارد هر چه سریعتر وارد دنیای بزرگسالی گشته و مورد احترام و تکریم دیگران قرار گیرد. او می خواهد دیگران باور کنند که دوران کودکی راسپری کرده و نیازی به کنترل و تسلط دیگران به ویژه پدر و

مادر ندارد . جوان دوست دارد روی پای خویش بایستد و خودش برای خود تصمیم بگیرد و استقلال خویش را حفظ نماید . او به دنبال کسب محبوبیت و مقبولیت بخصوص در بین همسالان است . اگر این نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشوند بهداشت روانی جوان و نوجوان آسیب می پذیرد و اختلالات عاطفی و رفتاری بروز می کند.



پذیرش فرهنگ بیگانه و پشت پازدن آگاهانه به هنجارها، آداب، رسوم و اخلاقیات حاکم بر جامعه می تواند نمودی از عدم ارضاء این نیاز باشد. تبعیت جوانان از افکار جدید حضور فعال آنان در صحنه ها و جریانات مخالف وضع موجود رد و بدل کردن مخفیانه وسایل غیرمجاز نظیر فیلم و نوار و مجلات و ... نشانگر عدم پاسخگویی به نیاز استقلال طلبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است.

۴- فشار دوستان و همسالان: یکی از ویژگیهای سنین کودکی و نوجوانی، دوست یابی است. نوجوان و جوان نیاز دارد تا فرد یا افرادی را به دوستی برگزیند و در یک ارتباط عاطفی و صمیمی به همانند سازی برسد. "هراس از گمنامی و تنهایی، نوجوان را برمی انگیزد تا خود را در ارتباط با گروه همسالان قرار دهد .... در مواردی، نوجوان، سرخورده از گروه به باندها و گروههای ناسالم اجتماعی می پیوندد تا بر تنهایی و عدم تعلق اجتماعی خویش فایق آید." "۴"

از عوامل مهم انحرافات نوجوانان و تسلیم پذیری آنان در برابر تهاجم دشمن، پیدا نمودن دوستان نامناسب و فاسد است که زمینه اعمال بزهکارانه را در آنها تقویت می کنند. ترس و اضطراب از انجام اعمال بزهکارانه را در آنها تقویت می کنند. ترس و اضطراب از برخورد همسالان و طرد آنها در صورت تخلفی از آداب و رفتار گروه، سبب می شود تا فرد تسلیم گروه باشد. تشکیل مهمانی ها، شب نشینی ها، جلسات نمایش فیلم، کوهنوردی های گروهی، گردشهای دسته جمعی، مسافرتها و... اگر بدون نظارت و هماهنگی بزرگترها صورت گیرد می تواند زمینه ساز آلودگی های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی باشد.

۵- بی هدفی و بی ثمری: زندگی بدون هدف پوچ و فاقد معناست، و هر کس نیاز دارد که فعالیت های خود را متوجه هدف یا هدفهای مشخص نماید. هدف هر چه بزرگتر و

مقدس تر باشد، انگیزه حرکت بیشتر، وقوی تر است. داشتن هدف درزندگی به فرد، احساس رضایت و تحرک بیشتر می دهد. انسانهای بی هدف، انسانهای خودگم کرده هستند که ثبات شخصیت و سلامت روانی خود را از دست می دهند. جوانانی که درزندگی هدف مشخصی ندارند ویا هدفهای کوچک را دنبال می کنند غالباً درتزلزل و ناامنی بسربرده و دچار افسردگی، یا س ونومیدی می شوند.

۶- احساس ناامنی اقتصادی (بیکاری و فقر) : صرف انرژی جوان در اوقات فراغت داشتن شغل و درآمد برای او اهمیت دارد. معمولاً اکثر نوجوانان قبل از پایان تحصیلات به شغل آینده خود فکر می کنند. داشتن کاری مناسب و شغلی مفید و پردرآمد در این دوره باعث بی نیازی و عزت نفس و اعتماد به نفس آنها می شود و برعکس بیکاری بخصوص در سنین جوانی منشاء بسیاری از ضعفها و مفاسد و آلودگیها می باشد و امنیت روانی فرد را به خطر می اندازد براساس تحقیقات، بسیاری از موارد شدید بزهکاری، ناشی از بیکاری و احساس پوچی و بیهودگی در جوانان است. "۵"

۷- خلاء فرهنگی جامعه : یکی از مهمترین ریشه های تهاجم فرهنگی، پیدایش خلاء فرهنگی در جامعه است. هیچ جامعه ای تا آمادگی نداشته باشد از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پذیرد. معمولاً جوامعی که دچار آشفتگی و ناآرامی اند برای بخورد و پیوند فرهنگی آماده ترند. البته هیچ جامعه ای نیست که از هر جهت در هر زمان آرام و سامان یافته باشد ولی گاهی بی آرامی و بی سامانی جامعه شدت می گیرد و سازمان اجتماعی را به خطر می اندازد. جامعه در این گونه موارد ناگزیر است با تدابیری بی آرامی و بی سازمانی مفرط را از بین ببرد. "۶"

بنابراین تهاجم فرهنگی به خودی خود کار ساز نیست بلکه

نیاز به زمینه مساعد یعنی خلاء فرهنگی و فکری دارد. اگر جامعه امروز نتواند نیازهای فکری و فرهنگی افراد جامعه بویژه نسل جوان و تحصیل کرده و تشنه حقیقت و انسانیت را

پاسخ دهد، خلاء حاصله میدان را برای موفقیت هجوم فکری و تبلیغی غرب و مکاتب آن باز می کند و عطش نسل جوان با سراب بیگانه و آبهای آلوده غریبان سیراب می شود.

۸- تضعیف نهاد دولت: دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسئولیت حراست از استقلال و امنیت ملی و تمامیت ارضی و پاسداری از بقاء و رشد و رفاه ملت را به عهده دارد. هرچه نهاد دولت قویتر و توانمندتر باشد آسیب پذیری آن در برابر تهاجم دشمنان کمتر است. همچنانکه در تهاجمات نظامی دولتهای ضعیف مجبور به تسلیم و قبول شرایط دولتهای قوی و مهاجم هستند، در تهاجمات فرهنگی و سیاسی نیز این اصل حاکم است و دولتهای ضعیف قدرت مقابله با تهاجم بیگانگان و پاسداری از حریم هویت ملی و فرهنگ خودی را ندارند. دولتهای ضعیف و ناتوان مرعوب توانمندی و اقتدار دولتهای سلطه گر شده و خواسته یا ناخواسته سیاست، فرهنگ و راه آنان را الگوی خود قرار می دهند. نهاد دولت برای ایفای نقش و وظایف خویش نیاز به قدرت و اقتدار دارد که این اقتدار نه از طریق استبداد و حکومت جبارانه، بلکه از طریق وفاق، مشارکت و پشتیبانی مردم باید بوجود آید تا زمینه رشد و توسعه و استقلال کشور را فراهم آورد.

۹- ضعف و ناهماهنگی نهادهای اجتماعی: اگر هر یک از نهادهای اجتماعی وظایف خویش را به خوبی و بادقت در راستای اهداف نهایی جامعه انجام داده و با هماهنگی سایر نهادها در حفظ و حراست از فرهنگ خودی و هویت اسلامی و ملی کوشا باشند، تهاجم فرهنگی دشمنان

آسیبی نخواهد رساند. آسیب پذیری زمانی آغاز

می شو دکه هر يک از نهادها يا وظايف خودشان را انجام ندهند و يا همسو وهم راستا با اهداف کلي جامعه حرکت نمايند درچنين شرايطي تهاجم فرهنگي به بار مي نشيند.

اگر در جامعه انقلابي و اسلامي ما الگوهاي مورد قبول، نظير روحانيت و دولتمردان نتوانند آرمانها و باورهاي اسلامي و انقلابي را در زندگي فردي و خانوادگي و اجتماعي خویش پياده نمايند در نتيجه عملکرد آنان زمينه ساز موفقيت تهاجم فرهنگي مي شود. رسانه هاي گروهی اگر همسو با رهبري و دولت در پاسداري از آرمانهاي مکتب اسلام و هويت ملي حرکت نکنند خود به ابزاري براي انتقال فرهنگ بيگانه تبديل خواهند شد .

### **پاسخ (قسمت دوم)**

۱۰- گسستگی عواطف و پیوندهای اجتماعی : جامعه یکپارچه و آسیب ناپذیر در برابر تهاجمات دشمنان جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسست ناپذیر وجود داشته باشد . این جامعه نه تنها مرعوب و مقهور تهاجم بیگانگان نمی شود بلکه همچون دژی مستحکم در مقابل تهاجم آنان پایداری می کند . نمونه این پایداری را می توان در دوران دفاع مقدس و جاودانه امت مسلمان ایران در برابر تهاجم بیگانگان به روشنی نظاره کرد. متقابلاً عدم پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشار مختلف به ویژه عدم پیوند عمیق بین شنوندگان و حکومت کنندگان به شدت جامعه را آسیب پذیر می کند . اگر حکومت کنندگان، مردم را نابالغ، ناآگاه، متخلف، نیازمند سرپرستی و... انگارند و اگر مردم حکومت کنندگان خود رامستبد، خودخواه، دنیا پرست، غیر مسوول، نالایق بیندارند، اگر توانمندان مردم ضعیف و مستمند را بی خرد، بی تدبیر، تنبل و کاهل ولایق بدبختی بینند و اگر فقراء ثروتمندان را مال اندوز، متجاوز، حيله گر و ستمگر بدانند، اگر تحصیل کرده ها توده مردم را قبول نداشته باشند

واگر مردم عادی روشنفکران و تحصیل کرده های خود را از خود ندانند و اگر... در چنین شرایطی که عواطف و پیوندهای اجتماعی به حداقل خود رسیده است، جامعه به شدت آسیب پذیر است و تهاجم دشمنان در هر زمینه می تواند اساس جامعه را از هم متلاشی سازد.

همچنین اگر قبایل، نژادها و اقوام مختلف یک جامعه به تمسخر و تحقیر و استهزاء هم بر خیزند آسیب پذیری جامعه حتمی است و احساس هویت ملی و هویت اسلامی در چنین شرایطی از بین می رود و پیدایی چنین بیگانگی هایی از سوی مردم نسبت به نظامات حاکم و از سوی نظام نسبت به مردم و از سوی مردم نسبت به هم، برهم اثر متقابل داشته و رفته رفته به مراحل سهمگین و خطرناکی کشیده می شود. روابط تنش زایی بین نظام و ملت بوجو می آید و خشم و انزجار ملت و سقوط دولت رابه دنبال خواهد داشت. در چنین شرایطی هر نهاد و هر قشری از جامعه در صدد کسب هویت برای خویش است تا به حیات خود ادامه دهد. اگر این هویت را در درون جامعه خویش نیافت به بیگانه متمسک می شود و هویت خود را در فرهنگ و اندیشه و حکومت بیگانه جستجو می کند.

۱۱- عدم عدالت اجتماعی: جامعه آسیب پذیر در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان، جامعه ای است که از درون پوسیده و سست گردیده و قدرت مقابله با تهاجمات رانداشته باشد. یکی از مهم ترین عوامل پوسیدگی جوامع عدم عدالت اجتماعی در آن جوامع است. عدالت اجتماعی عامل پیوند اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر و موجب پیوستگی نهادهای اجتماعی است.

ستون انقلاب و رکن اساسی حرکتهای سازنده اجتماعی، تأمین و تعمیم عدالت است بویژه عدالت اقتصادی و اجتماعی که همه مردم به خصوص انسانهای محروم و انقلابگر با آن سروکار دارند به همین دلیل

حضرت علی (ع) فرمود: "العدل حیاة الاحکام" سبب زنده شدن و زنده ماندن احکام خدا در میان مردم عدالت است. "۷"  
تهاجم فرهنگی و آسیب رسانی آن با جریان سرنوشت ساز عدالت اجتماعی و حرکتهای اقتصادی جامعه پیوستگی مستقیم دارد.  
. هر چه عملکردهای اقتصادی باعدالت بیشتری عجین باشد آسیب پذیری کمتر می شود و جامعه به صورت یک مجموعه به  
هم پیوسته در برابر تهاجمات پایداری می کند. به بیان دیگر در جامعه قرآنی، احکام قرآن قابل اجراست و جامعه قرآنی جامعه  
قائم به قسط و عامل به عدل است یعنی برخوردار از قسط و پی ریخته و ساخته شده برشالوده عدالت، یعنی اگر عدالت نباشد  
بطور قطع تکاثر و فقر خواهد بود و این پدیده هر دو نفی کننده زمینه اعتقاد و عمل به احکام الهی اند.

۱۲- فقر و توسعه نایافتگی: سیانت از فرهنگ اسلامی و هویت ملی و دستیابی به استقلال فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در بستری  
از توسعه و رشد یافتگی و کسب قدرت مادی و معنوی امکان پذیر است. حفظ ارزشهای آرمانی نیازمند استقلال و توجه است.  
استقلال قدرت اعمال اراده یک ملت درباره هر گونه عمل، سیاست و یا حرکت داخلی و خارجی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و  
فرهنگی بر مبنای تشخیص منافع و مصالح خود می باشد. بدیهی است هر چه توان اقتصادی، سیاسی و علمی و استحکام و انسجام  
اجتماعی و ظرفیت فرهنگی یک ملت بیشتر و در مقایسه با جهان پیرامون خود قویتر باشد استقلال او نیز بیشتر است. بنابراین  
بیشتر و بهتر می تواند از فرهنگ و اندیشه و باورهای خود دفاع نماید. فقر، نیازمندی می آفریند و نیازمندی، وابستگی به وجود  
می آورد. در فرهنگ تحت اسلام فقر محکوم گردیده و پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام با گسترش فقر به  
مخالفت برخاسته اند چنانکه فرموده

اند : "کاد الفقران یكون کفرا" "۸"

قرآن کریم نیز می فرماید شیطان ابتدا به فقر و سپس به فحشاء فرا می خواند : الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء... "۹" ( شیطان شما را به سوی فقر فرامی خواند و به فحشاء فرمان می دهد )

در شرایطی که فقر و توسعه نیافتگی بر کشور حاکم است ورود کالا و تکنولوژی بیگانه، ورود فرهنگ و ایدئولوژی خاص آنان رانیز به همراه دار دکه این همان مصداق عینی تهاجم فرهنگی است . فقرزدایی و توسعه براساس ارزشها و معیارهای خودی و منبعث با منابع و امکانات خودی، ارزشمند و قابل تحقق است و توسعه مبتنی برالگوها و ارزشهای بیگانه و استوار بر پایه منابع و امکانات آنان، خود نیز زمینه ساز تهاجم فرهنگی بوده و موجبات توسعه د توسعه نیافتگی را فراهم می آورد.

۱۳- مهاجرت، تجارت، جنگ : مهاجرت، تجارت و جنگ سه عامل مهم در طول تاریخ برای برخورد فرهنگی جوامع با یکدیگر بوده اند . یکی از جالب ترین صحنه های تاریخ، بسط ملتها از طریق کوچ نشینی مسالمت آمیز می باشد. "۱۰" مهاجرت و کوچ نشینی هر چند دارای اثرات مثبت در تاریخ بشری بوده و زمینه بسط و گسترش دانش اقوام را فراهم آورده است لکن در شرایط تهاجم فرهنگی مهاجرین می توانند به عوامل انتقال فرهنگ بیگانه به داخل کشور و جامعه خود تبدیل گردند . تجارت و جنگ نیز در برخورد فرهنگی ملتها ایفای نقش می کنند . تجار و بازرگانان با انتقال کالا، تکنولوژی و خدمات در واقع فرهنگ کشورها را به هم منتقل می کنند . "کالاها و ابزارهای مشرق زمین که به وسیله تجارت و در طی جنگهای صلیب به اروپا راه یافتند بیش از آثار علمی شرقی زندگی اجتماعی اروپا را دگرگون کردند . "۱۱"

۱۴- گسترش فحشاء، فساد، منکرات : زیر پا نهادن قوانین و شکستن حدود،

مقررات و متلاشی نمودن روابط سالم اجتماعی، جامعه را به سوی بی ثباتی و هرج و مرج سوق داده و آنرا به شدت آسیب پذیر می سازد. یکی از شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد و منکرات بویژه روابط جنسی و شهواتی می باشد. جامعه آلوده به کژیها و زشتیها، جامعه ی بیماری است که در برابر میکروبیهای مهاجم قدرت دفاع از خویش را نخواهد داشت. به همین دلیل ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، منکرات، بدحجابی، روابط نامشروع به صورت سازمان یافته و برنامه ریزی شده در جامعه انقلابی ما در سرلوحه فعالیت های مهاجمان فرهنگی قرار دارد.

در تعالیم اسلامی، نابودی جامعه فاسد و مفسد، به عنوان یک سنت تغییر ناپذیر اجتماعی در قانونمندی الهی مطرح شده است. و در آیات زیادی امتهای واقوام گذشته به دلایل شیوع فساد و فحشا و بی تفاوتی در برابر معاصی، در بین آنان مطرح شده است. گسترش رشوه فساد اداری باند بازی تقلب قانون شکنی دزدی طلاق فرار از خانه خودکشی و نیز رواج منکرات و اعمال خلاف اخلاق، همچون موریانه ستونهای استوار جامعه را از پای درمی آورند و آن را آسیب پذیر می کنند.

برادر ارجمند و بزرگوار، اکنون که برخی از علل و عوامل موفقیت روزافزون تهاجم فرهنگ را بیان کردیم. حتماً دریافته اید که جلوگیری از آن نیز کار ساده ای نیست ولی به هر حال همان گونه که قبلاً بیان شد در مقابله با تهاجم فرهنگی برخلاف تهاجم نظامی، دولت و نیروی انتظامی به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ با اندیشه ها و باورها و اعتقادات مردم سروکار دارد که این امر زورپذیر نیست بلکه باید با مبانی و عقاید عقلانی و مبتنی بر فطرت و بصیرت زمینه پذیرش یا نفی یک فرهنگ را پدید آورد



و به بیان دیگر ایجاد محدودیت توسط دولتها نمی تواند راه گشا باشد بلکه باید با ایجاد "مصونیت" از ارزشها و فرهنگ خودی دفاع کرد. در رویارویی با فرهنگ مهاجم باید علل و عوامل ساعد کننده تهاجم را از بین برد و مصونیت سازی راه کارهای استوار و مطمئن می طلبد که به برخی از آنها اشاره می شود :

۱- بازیابی هویت : هویت جویی، از اصلی ترین و مهم ترین نیازهای نسل امروز است و بازیابی هویت در حقیقت بازشناسی نفسی است که این نسل برعهده دارد . جوانان ما باید برای پرسشهای اساسی زیر پاسخهای روشن و مستدلی بیابند :

- غایت و مقصود زندگی چیست؟

- جایگاه من در حیات معقول چیست؟

- چه عاملی فلسفه وجودی جوانان را در نظام هستی، توجیه و تبیین می کند؟

- آیا جوانان در نظام هستی، ا... کرامت و منزلتی برخوردارند؟ پاسخ به این پرسشها، جوان را از جایگاه رفیعی که نزد پروردگار دارد، مطمئن نموده و او را از رنج درون تهی بودن و آسیب پذیری می رهاند .

۲- درک هویت فرهنگی : شناخت یک فرهنگ، در حقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها و برتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگهاست . نسل جوان، باید به امتیازات فرهنگ اسلامی و ملی خویش، آشنا باشد تا در مقابله با فرهنگ بیگانه، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد . تاریخ تحلیلی و فرهنگ خودی و مطالعات تطبیقی فرهنگ های معاصر و به ویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که بر معادلات سیاسی و اجتماعی جهان معاصر داشته..... جوانان را در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقارم می کند . و با این امر بازگشت به فرهنگ خودی، امکان پذیر خواهد بود .

۳- غرب شناسی زمینه غرب ستیزی: برای مقابله با هر پدیده ای، ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نموده تا بتوان

سازو کارهای لازم را مهیا کرد. غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت، عملکرد، باطن و جوهر حقیقی این فرهنگ است. جوانان، چون غالباً ظاهر گرا هستند به باطن و درون چندان معطوف نیستند. شناخت عمیق و مستدل فرهنگ غرب، به معنای این است که آنها بتوانند از ظاهر فریبده آن، پرده بگیرند و به درون آن راه یابند، مغرب زمین، از درون به شدت احساس تزلزل، روزمرگی و تهی شدن می کند. زیرا قادر نیست به نسل جوان خویش، معنا و مفهومی برای زیستن ببخشد و فلسفه ارضاء کننده ای برای زندگی آنان، تبیین نماید. و به گفته نیچه "کسی که نداند برای چه زندگی می کند، قادر نخواهد بود با هر "چگونه ای" بسازد." ۱۲"

(۱) خدایاری فرد، محمد: مسایل جوانان و جوانان (انتشارات انجمن اولیاء و مربیان ۱۳۷۲) ص ۶۸

(۲) برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: دکتر شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، موسسه اطلاعات ۱۳۶۴

(۳) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و ناهنجار در کودکان و نوجوانان (انتشارات ابتکار ۱۳۶۲) ص ۱۲۸

(۴) شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان (انتشارات تربیت، ۱۳۷۰) ص ۳۰۶

(۵) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و ناهنجار در کودکان و نوجوانان ص ۱۱۷

(۶) بارنفرو بکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان (جلد اول نشرنی تهران) ص ۳۰۷

(۷) غررال حکم و دررال کلم، ص ۳۰

(۸) حکیمی محمد رضا، الحیاء، جلد ۴ ص ۳۰۸

(۹) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۶۸

(۱۰) بارنفرو بکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، جلد اول ص ۲

(۱۱) همان ص ۳۰۶

دکتر شرفی محمد رضا، جوان و نیروی چهارم زندگی، ص ۶۸

**چنانچه موزیک در اسلام حرام می باشد به چه علت در کشوری اسلامی روز بروز در حال توسعه است؟ چه مرجعی باید پاسخگو و بازدارنده باشد؟**

**پرسش**

چنانچه موزیک در اسلام حرام می باشد به چه علت در کشوری اسلامی روز بروز در حال توسعه است؟ چه مرجعی باید

در ارتباط با موسیقی، مطابق با استفتائاتی که از حضرت امام خمینی (و مقام معظم رهبری گردیده است، بطور کلی موسیقی به دو قسم تقسیم می شود:

۱. موسیقی هایی که مطرب و مناسب مجالس لهو و لعب است، که نواختن و گوش دادن به آنها حرام می باشد.

۲. موسیقی هایی که ویژگی های قسم اول را ندارد. نواختن و گوش دادن به آنها اشکال ندارد.

بنابراین نمی توان گفت که موسیقی بطور کلی حرام است. بلکه مطابق با همان توضیحی که در بالا آمد، به دو دسته تقسیم می شود.

و اما علت توسعه آن در کشورهای اسلامی، اینست که استفاده از این وسیله و ابزار برای مصارف مختلف هنری، نمایشی، جنگی، سرگرمی، تفریحی و غیر آن، طرفداران و علاقه مندان زیادی در بین مردم دارد. و به عبارت دیگر طبق قانون عرضه و تقاضا، هر چه موسیقی خواهان بیشتری در جامعه بشری پیدا می کند، زمینه گسترش و ترویج آن هم بیشتر فراهم می گردد.

البته با توجه به نقش مخرب و ویرانگر موسیقی های مطرب و حرام، لازم است که مسئولین کشورهای اسلامی، بین استفاده صحیح و مخرب از این وسیله فرق قایل شوند؛ و از ترویج موسیقی های مبتذل جلوگیری بعمل آورند. و مرجع پاسخگو در حقیقت دستگاههای دولتی و غیردولتی هستند، که صادرکننده مجوز برای این موارد می باشند. و باید در این امر سختگیری و دقت بیشتری به خرج داده شود.

البته برخوردهای مناسب همه مؤمنین در جهت امر به معروف و

نهی از منکر، و همچنین برخوردهای قانونی نیروهای انتظامی و قضائی در این راستا نیز، مسلماً مؤثر می باشد.

### **چرا حکومت به جمع آوری عکس های مبتذل و غیرمجاز و سی دی ها و ... اقدام نمی کند؟**

#### **پرسش**

چرا حکومت به جمع آوری عکس های مبتذل و غیرمجاز و سی دی ها و ... اقدام نمی کند؟

#### **پاسخ**

۱. در حال حاضر، پخش عکس و فیلم و سی دی های مبتذل آنقدر گسترش یافته، که باید به دنبال شناسایی و جمع آوری مراکز تهیه و تکثیر آنها همت کنند. و دیگر کنترل مغازه های فروش سی دی، کار مشکلی شده است.

۲. راه اساسی مبارزه با گسترش فرهنگ مبتذل در جامعه، کار فرهنگی صحیح و اسلامی، با استفاده از روشهای جدید و امکانات پیشرفته است. یعنی با تهیه و توزیع سی دی و فیلم و نوار خوب و مشروع و سازنده، باید به جنگ و مبارزه با آنها رفت. و فقط جمع آوری و برخورد قضائی کفایت نمی کند. و متأسفانه در این زمینه خوب سرمایه گذاری نمی شود.

۳. با همه مطالب فوق، باز هم وجود افراد دلسوز و حزب اللهی و با مسؤولیت، در بین نیروهای انتظامی و قضائی، مایه امیدواری است. و اگر مورد خاصی سراغ دارید، می توانید به ۱۱۰ و مراکز ذیربط، اطلاع دهید.

### **با توجه به وضعیت بد و دلخراش حجاب زنان در جامعه علت آن را بیان کرده و در ضمن، رسیدگی این وضع به عهده کدام نهاد و سازمان می باشد؟**

#### **پرسش**

با توجه به وضعیت بد و دلخراش حجاب زنان در جامعه علت آن را بیان کرده و در ضمن، رسیدگی این وضع به عهده کدام نهاد و سازمان می باشد؟

#### **پاسخ**

احساس مسؤولیت جنابعالی در برابر وضعیت نامساعد حجاب و پوشش زنان و دختران در جامعه، قابل تحسین و تقدیر است. و اگر آحاد جوانان (دختران و پسران) به این مهم توجه کنند، و درباره آن اندیشه کنند، بدون شک وضعیت بهبود می یابد. ما نیز همانند شما از وضعیت موجود نگران و ناراضی هستیم، و با شما همنوا و همصدا می شویم، و شما و دیگر جوانان فهیم

کشور را به تأمل و تفکر، و مطالعه و تحقیق در این خصوص فرا می خوانیم.

قبل از آنکه درباره علت و علل این امر سخن بگوییم، لازم می دانیم توضیحاتی در خصوص حجاب و پوشش عرض کنیم.

دوست عزیز، پوشش و لباس و زینت های هر جامعه، اساسی ترین و مشخص ترین شکل یک جامعه است، که بلافاصله به چشم می آید؛ و به عنوان سمبل و نشانه آن جامعه شناخته می شود. با توجه به لباس و پوشش و آرایش و پیرایش افراد جامعه، می توان نوع جامعه را تشخیص داد. مثلاً چادر نشانه جامعه اسلامی است، که به محض مشاهده می توان فهمید افراد این جامعه مسلمان هستند.

ولی اگر بخواهیم از عوامل دیگری مثل روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان، نوع جامعه را تشخیص دهیم، به سرعت نمی توان اسلامی بودن جامعه را تشخیص داد؛ چرا که در وهله اول نمود و بروز نمی یابد. به همین جهت قدرتهای استعماری نیز برای غلبه و سلطه پیدا کردن

بر جوامع مسلمان، تلاش می کنند از طریق تسلط بر زنان مسلمان، و برداشتن حجاب و پوشش اسلامی بر جامعه سلطه پیدا کنند.

استعمارگران فرانسه برای تسلط بر جامعه الجزایر، مسأله زنان را در ردیف اول اهمیت قرار دادند، و برکشف حجاب زن الجزایری حرص داشتند، و برای مقابله با چادر تلاشهای فراوانی انجام دادند. آنان تلاش کردند با تحقیر زنان مسلمان فقیر و گرسنه، و کمک به آنان، و بردن آنان به مجالس جشن و...، چادر را از او بگیرند؛ و سپس با چهره ای مکشوف و عریان او را به بازار و خیابان بکشانند، و به عنوان جلوه ای از اروپا عرضه کنند. یک ضرب المثل قدیمی اروپایی می گوید: "زنها را در دست بگیریم، همه چیز به دنبال آن خواهد آمد." (۱)

برادر عزیز، عامل عمده و مهم در وضعیت بد و نابهنجار حجاب و پوشش زنان، در وهله اول مربوط به توطئه سنگین استعمار است. استعمار بخوبی دریافته است که تسلط بر جوامع، تنها از طریق زنان امکان پذیر است. و تسلط بر زنان نیز از طریق نابودی پوشش و کشف حجاب است؛ همانطور که رضاخان این امر را در برنامه خویش قرار داد. امروزه نیز کشف حجاب و کم رنگ شدن و بی اهمیت شدن آن، و از بین بردن قبح و زشتی بی حجابی، از اهداف و برنامه های استعماری است که به شدت برای آن برنامه ریزی کرده اند. استعمار می خواهد با حذف پوشش اسلامی، زنان مسلمان را از هویت دینی خودشان تهی سازد. زن بی حجاب زن بی هویت و مسخ شده است، و سلطه بر او بر احوالی امکان

پذیر خواهد بود؛ وسلطه بر زنان به منزله سلطه بر جامعه است. همچنانکه صلاح و اصلاح زنان نیز صلاح و سعادت جامعه را به دنبال دارد. استاد شهید مرتضی مطهری می گوید: "انقلاب ۱۵ خرداد به دلیل عدم همراهی زنان به ثمر نرسید؛ و قیام منتهی به ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسید، چون زنان در آن حضور داشتند." (۲) زنان در اصلاح و فساد جامعه به مراتب بیش از مردان نقش دارند. از یک طرف خودشان در مسایل جامعه مشارکت و همراهی می کنند، و یا مخالفت می ورزند، و از سوی دیگر در به میدان آوردن مردان و برادران و فرزندان خود به صحنه، یا خارج کردن آنها از صحنه، نقش اساسی دارند. حفظ جامعه با اصلاح زنان محقق می شود، و صالح ماندن زنان با حفظ حجاب و پوشش. فساد جامعه نیز با فاسد شدن زنان عملی می شود، و فاسد شدن زنان با برداشتن حجاب و پوشش. لذا سرمایه گذاری برای مقابله با حجاب اسلامی و ترویج بی حجابی، از برنامه های کلان استعمار است. و عامل عمده در وضعیت نابسامان فعلی، تهاجم فرهنگی همه جانبه غرب است.

عامل دیگری که از نظر داخلی در وضعیت نامساعد حجاب و پوشش زنان در جامعه مؤثر است، روشهای نادرست برخورد مسؤولان و دست اندرکاران جامعه، با این معضل اجتماعی است. اصولاً برخوردها صحیح، درست و اصولی، حساب شده، عمیق و علمی، و مبتنی بر آموزه های دینی و تعالیم حیات بخش وحی و فطرت نیست. روشهای مقابله تاکنون کمتر اثر داشته، و گاهی نیز آثار منفی و عکس داشته است؛ و تنها به

مقابله فیزیکی با افراد پرداخته شده است، و کمتر به صورت ریشه ای، علل و عوامل و آثار مخرب و زیان بخش آن ترسیم و تصویر شده است.

مقابله با این وضع یک وظیفه همگانی است، و تنها با برخورد انتظامی، نظامی و قضایی، این معضل حل شدنی نیست. تا زمانی که معضل محدود باشد، می توان با روشهای زورمدارانه با آن مقابله کرد؛ ولی وقتی گسترش یافت، امکان مقابله فیزیکی سلب می شود؛ بنابراین سالم سازی فضای جامعه و احیاء پوشش مقدس اسلامی، نیازمند همتی جمعی و همگانی است؛ تا به مرور کشف حجاب قبیح و زشت تلقی شود.

منابع و مآخذ :

۱. جهت اطلاع بیشتر رک : بررسی جامعه شناسی یک انقلاب یا سال پنجم انقلاب الجزایر، نوشته فرانتس فانون، ترجمه تابنده، ص ۴۷-۳۳

رجوع کنید به : "پیرامون انقلاب اسلامی"، مطلب "نقش زنان ایران در دوره معاصر"؛ و نیز "زن از دیدگاه مقام معظم رهبری، حضرت آیت ا... خامنه ای"

**در مناطق محروم روحانی باسواد و باتجربه کمتر وجود دارد چرا دولت جمهوری اسلامی در این خصوص سرمایه گزاری نمی کند برخلاف بلاد کفر و اینکه چرا دولت به روحانیون پول نمی دهد تا از مردم چیزی نطلبند؟**

**پرسش**

در مناطق محروم روحانی باسواد و باتجربه کمتر وجود دارد چرا دولت جمهوری اسلامی در این خصوص سرمایه گزاری نمی کند برخلاف بلاد کفر و اینکه چرا دولت به روحانیون پول نمی دهد تا از مردم چیزی نطلبند؟

**پاسخ**

نهاد روحانیت ( شیعه ) حوزه های علمیه از هیچ دولتی حتی دولت جمهوری اسلامی هزینه اش را تأمین نمی کند مراجع و علمای حوزه از دولت درخواست هزینه نکرده و ردیف بودجه ای در مجلس ندارند. البته محاسنی هم دارد و معایبی

اما اینکه چرا آنها کمک نمی کند از مسئولین دولتی و محلی خودتان سؤال کنید و مکاتبه با آنها کنید ( سازمان تبلیغات اسلامی ، دفتر تبلیغات ، دفتر امام جمعه ) اما کمک کردن ما به هزینه های طلاب محترم اگر آنها هم درخواست نکنند وظیفه ما است که تأمین زندگی آنها را بکنیم چون راهی جز این نیست چه گذشته و چه الان . همیشه هزینه های حوزه ها از توده های مؤمن و علاقمند به دین تأمین می شده است .

نکته : ۱- مراجعه به علما و روحانیون محلی خود شما چه در شهر خودتان و چه در مراکز علمی مثل قم و مشهد حضور دارند



جهت اعزام روحانیون به شهرها و روستاها

۲-مراجعه خود شما به مسئولین دولتی محلی برای تأمین بعضی از امکانات مخصوصاً مسکن مناسب ، البته با همکاری مردم ممکن است از مشکلات کاسته شود (انشاءالله)

نکته دیگر اینکه هیچگاه روحانیون از مردم چیزی طلب نکرده و نخواهند کرد . این را بدانید مردم بخاطر امورات دینی خود محتاج به روحانیون هستند نه برعکس . چون یک انسان مؤمن از هنگام تولد تا لحظه مرگ پیوسته با روحانیون سروکار دارد و اگر مردم به روحانیون کمک

کرده اند از طریق وظیفه شرعی خودشان بوده که همان پرداخت خمس بوده است انجام شده که یک پنجم مال تقسیم بر دو می شود یک سهم مربوط به سیدهای فقیر و یک سهم مربوط به امام زمان (ع) است که صرف حوزه های علمیه می شود و در اختیار روحانیون قرار می گیرد.

## ۱ چرا با این که حکومت اسلامی است در جامعه فساد زیاد است با وجود آن که شما به خودتان خیلی مغرور هستید؟

### پرسش

۱ چرا با این که حکومت اسلامی است در جامعه فساد زیاد است با وجود آن که شما به خودتان خیلی مغرور هستید؟

### پاسخ

ما دقیقاً متوجه نشدیم که چه رابطه ای است بین غرور خطیب و فساد اجتماعی وجود دارد. اما نکته ای عرض می کنم تلاش در راه برقراری صلح و رفع فساد شخصی و تبعیض اجتماعی و بیان مواظب الهی از بزرگترین تکالیف الهی است و شما هم به عنوان یک انسان مسلمان علاقمند به فضیلتها باید تلاش کنید و این وظیفه همگانی است در همه زمانها و از همه افراد و اقشار جامعه نسبت به توان و اقتضای فردی، اصولاً جامعه مثل یک ماشین است که برای حرکت صحیح آن باید تمام اجزاء کوچک و بزرگ از مهره چرخ گرفته تا جعبه دنده باید سالم باشد، وقتی یک جامعه صالح و پاکیزه می شود که همه افراد آن از من و شما که یک فرد عادی جامعه هستیم تا بالاترین سطح مدیران و کارگزاران صالح باشند آیا شخص حضرتعالی که انشاءالله شخصی عدالت خواه و مؤمنی هستید اگر همسایه شما و یا یکی از رفقای شما بد باشد، که خود یک نوع فساد اجتماعی و فردی است اگر در رفع بدی او کوتاهی کنید و حداقل تذکر ندهید مسئولیت ندارید؟ که حتما دارید. برادر عزیز به تصریح قرآن از اول خلقت هابیل و قابیل که کوچکترین خانواده جهان بودند فساد هم شکل گرفت و تا الآن هم که هنوز موجود است و در آینده هم خواهد بود اما رسالت من و شما و تمام بشرها کردن خود در جامعه نیست وظیفه

همگانی است که با تمام قدرت و توان در رفع مشکلات آن کوشا باشیم و حتی ممکن است به تماماً نتوانیم مگر در زمان انبیاء دیگر مثل عیسی و ابراهیم(ع) فساد نبود، مگر زمان پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم مشکلات و فساد نبود، حتما تاریخ را مطالعه کنید. لکن وظیفه ما رها کردن نیست.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

ثانیاً: شما چشم بر خوبیها نبندید همیشه انصاف داشته باشیم و خوبیها و بدیها را کنار هم بگذاریم مگر شما در بین دوستانان و در خانواده و در برادر و خواهر خودتان و در محل کار یا تحصیل همه چیز را صد درصد صالح و بی اشکال می دانید و اگر اشکال دارد باید به طور کلی به آنها بد بین باشی و فقط خاراها را ببینید.

ثالثاً: هر چیزی را به ضد خود آن چیز بشناس آیا واقعا در حکومت وابسته شاه که اگر یک آمریکایی با ناموس ملت تجاوز می کرد و یا در خیابان تصادف می کرد حق محاکمه او را در ایران نداشتید آیا ذلت از این بالاتر و با حضور چندین هزار مستشار اجنبی آیا نباید به روح امام و شهداء بخاطر این عزتی که به ما دادند و اینکه لباس ذلت و بردگی آمریکا را از تن ما بیرون آوردند درود بفرستیم و هزاران نکته مثبت دیگر که مجال بیان نیست و گفتگو کنیم.

حتی جرأت تعمیر یک هواپیما را نداشتیم از کوچکترین وسایل تا بزرگترین آنها با اختیار آنها وارد می شد. وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی محض. به بیگانگان بودیم. مگر در طول سالهای حکومت طاغوت چقدر

فضائل مادی و معنوی وجود داشت در طول ۲۵ سال انقلاب ۸ سال جنگ تمام عیار آیا قابل مقایسه است با صدها سال حکومت بیگانگان و البته صد البته که هنوز مشکلات و فساد وجود دارد و فاصله با مدینه فاصله زیاد است که انشاءالله به یاری خداوند و تلاش و مجاهدت علمی و عملی انسانها دلسوز و میهن دوست و آزاده در تمام اقشار به پیش خواهیم رفت.

رابعاً برادر عزیز: مگر مسئولین و مدیران جامعه را واعظان و خطیبان و یا روحانیون تعیین می کنند، که البته در میان مدیران کشور همه گونه افراد خوب و بد هستند کما اینکه دوران حکومت پیامبر و علی(ع) هم انسانها و افراد نالایق بودند که در نهج البلاغه آنها را توبیخ کرده است. اگر مایل باشید حضوری خدمتتان برسیم به آدرس ذکر شده تشریف بیاورید تا از نزدیک با شما گفتگو نماییم .

**چرا اساساً برنامه هایی در خصوص جلوگیری از فساد و عدم گسترش آن آنطور که باید تدوین نمی شود ؟ لطفاً توضیح دهید؟**

**پرسش**

چرا اساساً برنامه هایی در خصوص جلوگیری از فساد و عدم گسترش آن آنطور که باید تدوین نمی شود ؟ لطفاً توضیح دهید؟

**پاسخ**

فساد که نقطه مقابل آن صلاح است به هر گونه تخریب و ویرانگری گفته می شود تمام نابسامانیهایی که در کارها ایجاد می گردد و همه افراطها و تفریطها در کل مسائل فردی و اجتماعی مصداق فساد است . در قرآن کریم آیات متعددی در مقابله با فساد و مفسده فی الارض که مجازات سنگینی چون اعدام و قطع دست و پا و... برایش در نظر گرفته است . در سوره رعد آیه ۲۵ می خوانیم :

«ان یوصل و یفسدون فی الارض اولک لهم اللعنه و لهم سؤا لدار»

ترجمه : و آنانکه عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور بر قراری آن را داده قطع می کنند و در روی زمین فساد می نمایند لعنت برای آنهاست و بدی و مجازات آنان برای آخرت است .

آیه می گوید : پیمان شکنان و مفسدان فی الارض تنها به زندگی دنیا خشنودند در حالیکه زندگی دنیا در برابر آخرت متاعی ناچیز بیش نیست . در آیات دیگر بحث فساد و افساد و گناهان دیگری که بزرگتر است و آن جنگ با خدا و رسول و جانشین او و ولی امر مسلمین که همان پیمان شکنان هستند صحبت به میان آورده و عده عذاب در دنیا و آخرت داده است . واز مجموع آیات کریمه قرآن در سوره های مختلف به خوبی می توان استفاده کرد که فساد فی الارض معنی گسترده و وسیعی دارد

مانند جنایت فرعون مروجین فحشا و منکرات دایر کننده مجالس لهو و لعب بد حجابی ، بی حجابی کمفروشی و صدها مصداق دیگر که می توان نام برد که یک مرتبه شما اشاره فرمودید و باید قبول کرد که فساد در زمین و افساد یک واقعی است در زندگی اجتماعی انسانها که متأسفانه موضعی نیست و در یکجا متوقف نمی شود بلکه در سطح اجتماع و در روی زمین گسترش پیدا میکند و از یک گروه مانند میکروب مسری و خطرناک زود گسترش پیدا کرده و همه گیر می شود و جامعه را آلوده می سازد پس باید برای ریشه کن کردن مفسد اجتماعی و اخلاقی به هر وسیله ممکن متوسل شد و جلوی فساد را گرفت و به توزیع شرایط امر به معروف و نهی از منکر را اجرا نمود . اول به زبان خوش امر به معروف و نهی از منکر که از واجبات ترک شده است ! و نصیحت و پند و اندرز و ارتقاء سطح فکری و فرهنگی و ... که آخرین درجه شدت عمل به جنگ متوسل شد . و از آیات قرآن این استفاده هم می شود که : یکی از اهداف بزرگ بعثت پیامبران پایان دادن به فساد در روی زمین بمعنی وسیعش بوده است آنجا که از قول شعیب پدر زن موسی ( ع ) می گوید : إن اريد الاصلاح ما استطعت

شعیب در برابر فساد آن قوم سرکش می گوید « تنها هدف من این است که تا آنجا که در قدرت دارم به مبارزه با فساد برخیزم و اصلاح کنم .

پس قرآن وظیفه همه را

روشن نموده است که باید در حید توان از خود شروع کرد و سپس خانواده و اقوام و محله و جامعه را از هر گونه فساد جلوگیری نموده امر به معروف و نهی از منکر و شرایط آن که مذکور شد انجام دهیم تا در مقابل خون شهداء و ائمه اطهار شرمند نگردیم .

بنابراین زمینه و پذیرش یک جامعه در روند اصلاحات فکری و اخلاقی و اجتماعی یک جامعه موثر است و اصلاح کار همگانی دولت و ملت فرد و اجتماع است البته برای بستر سازی آن نهاد فرهنگی و فرهیختگان باید بیشتر تلاش کنند . ضمن اینکه در مرحله اول برای رفع موانع فساد باید از خود شروع کنیم قوا انفسکم و اهلیکم نارا

از خودتان و کسانیکه تحت تکفل و در حیطه وسعت و اثر پذیری شماست شروع کنید هر کسی در هر جا باشد خود را اصلاح کند جامعه اصلاح می شود . امام خمینی

### **با چه کارهایی می توان از تعداد سوداگران مرگ کاست ؟**

#### **پرسش**

با چه کارهایی می توان از تعداد سوداگران مرگ کاست ؟

#### **پاسخ**

این کار نیز مبارزه دولت و مردم را می طلبد. از نظر دولتی نیروی انتظامی، فعالیتهای چشمگیری را انجام داده است. وظیفه مردم نیز این است که به محض آگاهی یافتن از وجود چنین اشخاصی، مسئولان مربوطه را در جریان بگذارند. بدیهی است اطلاع دادن به موقع در تقویت و تسریع برخورد با آنان بسیار مؤثر است.

### **الان مواد مخدر در میان جوانان جامعه بسیار شایع است آیا دولت برای مبارزه با آن برنامه ای ندارد؟**

#### **پرسش**

الان مواد مخدر در میان جوانان جامعه بسیار شایع است آیا دولت برای مبارزه با آن برنامه ای ندارد؟

#### **پاسخ**

احساس پاک شما نسبت به هم نوعان موجب خوشحالی ما گردید؛ اما همان طور که اشاره کرده اید این یک مشکل اجتماعی است که متأسفانه دامن گیر جامعه ما شده و مبارزه طولانی و دراز مدت را می طلبد. البته دولت برای ریشه کنی آن تلاش

های خوبی داشته؛ لکن ابعاد این مشکل بسیار گسترده تر از آن است که این مقدار فعالیت ها بتواند جلوی آن را بگیرد. از این رو نیاز به یک عزم جدی و تلاش همه جانبه مردم دارد هر فردی در این زمینه بهاندازه توانایی خود مسؤول است. از این رو بهتر است مواردی را که شخصا سراغ دارید، پی گیری کرده و با مسؤولان مربوطه در میان بگذارید تا قدمی برای رفع آن برداشته باشید.

### چرا از کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند عملا هیچ حمایتی نمی شود؟

#### پرسش

چرا از کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند عملا هیچ حمایتی نمی شود؟

#### پاسخ

مسئله امر به معروف و نهی از منکر علی رغم تأکیدات فراوانی که در قرآن و احادیث و روایات در اهمیت آن وارد شده و نسبت به عواقب وخیم ناشی از ترک آنها هشدارهای متعددی داده شده ، متأسفانه در جامعه ما مورد بی مهری می باشد و این فریضه الهی با این که به عنوان یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد، ولی هنوز راه کارهای قانونی برای عملی شدن آن در سطوح مختلف جامعه تبیین نشده است و این خود از مهم ترین دلایل عدم حمایت از آمرین به معروف می باشد. البته عوامل دیگری از جمله ، تغییر ارزش ها و گرایش جامعه به سوی مادیات و تجملات ، تهاجم فرهنگی در جهت کنار گذاشتن ارزش ها و احکام اسلامی ، کم کاری دستگاه های فرهنگی در ترویج احکام و ارزش های اسلامی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و... عامل مهم دیگری که نقش عمده ای در این مسئله دارد، حاکم شدن جریانات جناحی و درگیر ساختن دستگاه های اجرایی نسبت به آنها و برچسب دولت ستیزی به طرفداران حفظ ارزش ها و در نتیجه حمایت نکردن و تضعیف آنها است به گونه ای که متأسفانه حمایت از امر به معروف و نهی از منکر و سایر ارزشها خود نوعی ناهنجاری تلقی می شود. در هر صورت با وجود تمامی این مشکلات ، وظایف فردی و اجتماعی ما در قبال جامعه و مسائل آن ساقط نشده و ما

موظفیم برای حفظ نظام و دستاوردهای آن این فریضه الهی را در بدترین شرایط انجام دهیم و از اصول و ارزش های اسلامی عقب نشینی ننماییم .

}]

### چرا در دانشگاه ها با تجاوز به حریم عفت عمومی، برخورد نمی شود؟

#### پرسش

چرا در دانشگاه ها با تجاوز به حریم عفت عمومی، برخورد نمی شود؟

#### پاسخ

مسأله ای را که شما مطرح نموده اید از دو جهت می توان مد نظر قرار داد. یکی از جهت اصلاح فردی که عمل حرام را مرتکب می شود و دیگری از جهت پاک نگه داشتن فضای جامعه. قوانین و مجازات اسلامی به هر دو جهت نظر دارد. البته اصلاح یک فرد تنها با مجازات امکان پذیر نیست و اقدامات مناسب تربیتی بیشتری را می طلبد. از طرف دیگر برخی گناهان در خفا صورت می گیرد و خداوند از آن جا که ستار العیوب است و بنا بر پرده دری ندارد به فرد مهلت پشیمانی و توبه می دهد. اما اگر گناهی به حسب طبیعت آشکار بود و یا در انظار عمومی گناهی صورت گرفت و یا به دلایلی آشکار شد گناهانی این چنین یا تجاوز به حریم اشخاص است و یا تجاوز به حریم عمومی است به عنوان مثال قتل

تجاوز به حق حیات معقول است اما گناهانی نظیر بدحجابی و یا اعمالی که عفت عمومی را جریحه دار می سازد تجاوز به فرهنگ و هنجارهای اجتماعی و شکستن حریم عمومی است که رعایت حرمت آن بر آحاد جامعه لازم است. با یک نگاه اجمالی به قانون مجازات اسلامی مشخص می شود که این قبیل جرایم از دید قانون گذار مخفی نمانده. به عبارت دیگر ما در این رابطه خلاء قانونی نداریم.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: حسین کریمی، جرم ها و مجازات ها، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸،

ص ۲۴، ۲۶، ۳۷، ۴۴ و ۵۵ به ترتیب عناوین بی حجابی، پوشیدن و آرایش خلاف شرع و خلافت عفت عمومی، تظاهر به عمل حرام، جریحه دار نمودن عفت عمومی، رابطه نامشروع). به علاوه نسبت به برخی



از محیط‌ها نظیر محیط‌های آموزشی ما بخش نامه و مقررات ویژه داریم. حتماً شما دانشجوی عزیز تابلوی «رعایت حجاب اسلامی الزامی است» و تعابیری از این نوع را بر در و دیوار انتظامات

دانشگاه مشاهده کرده‌اید. از همین جا می‌توان پی برد که افراد و یا نهادی که متولی اجرای این قوانین و مقررات هستند در انجام وظایف خویش کوتاهی می‌کنند. به نظر می‌رسد ما به عنوان افراد مسؤول در برخورد با این منکرات (چه بسا مواردی که ما با آن روبرو می‌شویم اما در واقع از مصادیق منکر نیست) در صورت وجود زمینه مناسب برای امر به معروف و نهی از منکر باید روش مناسب برای انجام این

فریضه را به کار ببریم. اما برخورد اصولی این است که در دانشگاه مرجع مسؤول حفظ حریم عفت عمومی را شناسایی کنیم و از آن بخواهیم تا نسبت به وظایف خویش پاسخ گو باشد مثلاً کمیته انضباطی و حراست دانشگاه و نهادهای فرهنگی در این زمینه‌ها باید فعال باشند و وظیفه قانونی خود را انجام دهند. در صورتی که در دانشگاهی به این وظایف قانونی عمل نشود افراد می‌توانند و وظیفه دارند به نهادها و مسؤولین بالاتر شکایت کنند.

**نظر شما در مورد مختلط بودن کلاسها و دانشکده چیست. چه فایده‌هایی دارد؟ اگر ندارد پس چرا هست؟**

**پرسش**

نظر شما در مورد مختلط بودن کلاسها و دانشکده چیست. چه فایده‌هایی دارد؟ اگر ندارد پس چرا هست؟

**پاسخ**

به نظر ما در وضعیت کنونی و با توجه به واقعیات موجود در بسیاری از دانشگاهها مبنی بر عدم رعایت ارزشها و شئون اسلامی و برخی مشکلات و ناهنجاری‌های ناشی از آن که به هیچ وجه شایسته و زیننده جو مقدس و محیط علمی دانشگاه نمی‌باشد، اختلاط پسر و دختر در دانشگاهها مضرات و آفت‌هایی را به دنبال دارد.. والا صرف وجود دو جنس در کلاس حرام نیست به شرط آنکه دقیقاً هنجارهای شرعی رعایت گردد.

اما بررسی کامل این آفات یا فواید اختلاط نیازمند تحقیقات گسترده جامعه‌شناختی و نظرسنجی‌های آماری و... می‌باشد که از حوصله یک نامه خارج است لذا ما به اختصار به تعدادی از مهمترین آن‌ها می‌پردازیم:

الف) بررسی آفات و معایب: قبل از پرداختن به این بخش ذکر این نکته لازم است که معایبی که در ذیل می‌آید مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی می‌باشد از قبیل عدم تثبیت کامل این ارزش‌های اسلامی، و عدم نظارت و کنترل و هدایت صحیح از سوی مسؤولان دانشگاه و...

مهم‌ترین آثار اختلاط عبارتند از:

۱- بوجود آمدن برخی انحرافات جنسی، اخلاقی و اجتماعی در اثر عدم رعایت شئونات اسلامی از قبیل حجاب کامل و...

۲- افت تحصیلی در اثر مشغول شدن روح، فکر و قوه خیال دانشجو به... و عدم توجه کافی به مطالب استاد یا مطالب کتاب در زمان مطالعه و...

۳- اضطراب و نگرانی ناشی از انگیزش شهوانی و دشواری ارضای صحیح و مشروع.

ب) بررسی فواید: این بخش نیز مبتنی بر یک

پیش فرض می باشد و آن این که در صورتی که معایب فوق در اختلاط دانشجویان پسر و دختر وجود نداشته باشد یا در حدی که قابل توجه نباشد والا دیگر این فواید در مقابل مشکلات فوق قابل اعتنا نبوده و مسأله مهمتر چشم پوشی از این فواید و حل مشکلات و آفتهای ناشی از آن می باشد. در هر صورت مهمترین فوایدی که قابل تصور می باشد عبارتند از:

۱- فواید اقتصادی از قبیل: صرفه جویی در هزینه ها و بودجه ها، وقت استاد، فضاهای آموزشی و امکانات دانشگاه ...

۲- تمرین تقوا، عفت و پاکدامنی و قرار گرفتن در معرکه کار زار و جهاد جدی با نفس اماره.

۳- شناخت روحيات جنسی مخالف و کسب تجربه های علمی و عملی.

۴- پیدا نمودن شریک زندگی کفو و هم شأن.

ج) بررسی وظایف راهکارهای مقابله با مشکلات ناشی از اختلاط پسر و دختر در دانشگاه: به طور مختصر می توان وظایف و راه کارهای مقابله با این ناهنجاریها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- وظایف و راه کارهای فردی: دانشجو باید در درجه نخست ارزش ها و معارف و احکام اسلامی را به صورت دقیق شناخته و در خود نهادینه سازد رهبر معظم انقلاب در این خصوص می فرمایند: «آن چه برای دانشجویها در دانشگاهها مهم است رشد ایمان مذهبی و اندیشه اسلامی در ذهن ها و دل های آنان است و مسأله رشد و روحیه تعبد در آنان تعبد با استدلال عقلی و گرایش به مسائل عقلانی با اعتقاد به علم و فعالیت های علمی و دانشگاهی و دانشجویی هیچ منافاتی ندارد و حقیقتاً برای نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مایه افتخار است که در

ایام البیض ماه رجب در مسجد دانشگاه تهران دانشجویها اعتکاف بکنند این خیلی چیز مهمی است» رسالت دانشجوی مسلمان رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با تشکل های دانشجویی و در درجه دوم پای بندی در عمل به ارزش ها و احکام الهی و سایر وظایف عبادی و از دیگر اموردی که می تواند در این زمینه مؤثر باشد پیوند دانشجویان با مراکز مذهبی بالاخص علماء دینی می باشد.

۲- وظایف و راه کارهای اجتماعی: اگر دانشجویان دغدغه صیانت از خود را داشته باشند نمی توانند نسبت به محیط و اطرافیان خود بی تفاوت باشند زیرا نقش محیط غیر قابل انکار می باشد لذا دانشجویان باید نسبت به تهذیب محیط خود اهمیت داده و سعی در ترویج و گسترش ارزشهای الهی در محیط دانشگاه خصوصاً در جامعه عموماً داشته باشند و به فریضه امر به معروف و نهی از منکر به زیباترین و مناسب ترین روشها عمل نمایند و با اجرای برنامه های فرهنگی و تفریحی مفید و سالم و سازنده از طریق مراکز موجود در دانشگاهها و جذب سایر دانشجویان اخلاق و رفتار مطابق با ارزشهای اسلامی در برخورد با جنس مخالف و رعایت حدود و موازین شرعی و.. فلسفه احکام اسلامی آفات و مشکلات فردی و اجتماعی رعایت نکردن موازین شرعی و... را به صورت گسترده نهادینه سازند و خدای ناکرده اگر بعضی موارد یافت شد که دست به برخی اقدامات ناشایست می زنند از طرق راه کارهای قانونی مراجعه به مسئولین دانشگاه و تهیه طومار و... اقدام نمایند.

**چرا دولت اسلامی راجع به ازدواج (دائم و موقت) جوانان توجه چندانی ندارد و برای اجرای صحیح آن در جامعه اقدام نمی کند؟  
بنده برای بهبودی این وضعیت پیشنهادهایی ارائه داده ام .**

**پرسش**

چرا دولت اسلامی راجع به ازدواج (دائم و موقت) جوانان توجه چندانی ندارد و برای اجرای صحیح آن در جامعه اقدام نمی کند؟ بنده برای

بهبودی این وضعیت پیشنهادهایی ارائه داده ام .

## پاسخ

دولت اسلامی برنامه هایی در مورد جوانان و ازدواج آنان دارد. کمک های مالی به صورت وامهای ازدواج دارد، اما همه این مسئله مربوط به دولت نمی شود. در جامعه ما عرضه و تقاضا موجود است؛ پس هم دختر فراوان است و هم پسر و هیچ مانعی برای ازدواج وجود ندارد، نه از طرف دوست و نه از طرف دیگران، بلکه پدران و مادران و جوانان هستند که باید اقدام کنند. ممکن است بگویید مشکلات مالی مانع سر راه ازدواج است. جواب این است که بیش تر این مشکلات و تجملات را خود مردم درست کرده اند، نه دولت و اسلام. آنچه در یک ازدواج سالم لازم است، انتخاب درست و دقیق یک جوان در مورد همسر آینده خود و خواستگاری و برگزاری یک مجلس جشن مختصر و عادی است.

پیشنهادها و طرح ها و برنامه های شما بسیار خوب و مورد تأیید ما است، اما در جامعه ما تنها مطرح دادن مشکل را حل نمی کند، بلکه طرح های خوب باید پشتوانه اجرایی خوبی نیز داشته باشد. مشکل در اجرای آن ها است. باز از جنابعالی تشکر می کنیم و امیدواریم خداوند متعال بر توفیقات شما بیافزاید تا در سایه تحصیل و تعلم و بندگی به کمالات معنوی و بالاتری دست یابید. باز از نظریات شما استفاده خواهیم کرد.

**اصولاً وقتی جامعه به پستی می گراید، برکات و رحمت خداوند بر آن هائنگ تر می شود. جامعه کنونی ما چنین وضعی دارد. جوانان فاسق و پیران ریاکار و عالمان بی عمل و ظاهر سازی در تمام رسانه های گروهی و عوامل دیگر به چشم می خورد، که باعث تأسف است . این گونه امور در**

## پرسش

اصولاً وقتی جامعه به پستی می گراید، برکات و رحمت خداوند بر آن هائنگ تر می شود. جامعه کنونی ما چنین وضعی دارد. جوانان فاسق و پیران ریاکار و عالمان بی عمل و ظاهر سازی در تمام رسانه های گروهی و عوامل دیگر به

چشم می خورد، که باعث تأسف است . این گونه امور در جامعه چگونه قابل توجیه است ؟

## پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از این که شما را فردی واقع گرا و دلسوز جامعه یافتیم ، بسیار خوشحالیم . ایده همهء ما و شما این است که هیچ فردی در جامعه فاسد یا فاسق یا ریاکار و یا ظاهر فریب نباشد. دوست داریم هر فردی از هر قشری متعهد و متدین و متعبد و مخلص و پاک و با تقوا باشد، ولی چه می شود کرد!

آیا از ابتدای خلقت زمانی را یافته اید که افراد جامعه همان طور که می خواهید، باشند؟ همیشه خوب و بد بوده و خواهد بود و این اختصاص به زمان ما ندارد. تاریخ زمان هایی را سراغ دارد که ظلم و بیداد بیشتر از این زمان ها بود. در حملهء مغول ها حتی به گربه ها رحم نکردند و جنگ و قتل و غارت و نا امنی همه جا فراگیر شد. در حملهء حاکمان عباسی وضعیت شیعیان آن چنان وخیم شد و ظلم و جور نسبت به شیعیان و سادات آن چنان بود که تاریخ نقل کرده است دختران سادات وقتی می خواستند نماز بخوانند، لباس به اندازهء کافی نداشتند. یکی نماز می خواند و بعد لباسش را بیرون می آورد و به دیگری می داد تا او هم نماز بخواند.

در حکومت ظالمان بر کشورها مخصوصاً بر کشورهای اسلامی حتی در زمان ما ظلم و جور فراوان است . در کشور عراق شیعیان قتل عام می شوند. در افغانستان شیعیان از خانه و کاشانهء خود رانده شده و خانه هاشان را خراب می

کنند. در کشورهای غیر اسلامی نیز مفاسد فراوان است. در هر صورت این که بعضی مسائل را شاهد می کنید، اختصاص به زمان ما ندارد. بلکه همیشه بوده است. اسلام برای جلوگیری از مفاسد، تهذیب نفس و اخلاق اسلامی را پیشنهاد کرده است. اگر مردم از هر صنف و قشر و از هر نوع و قبیله ای و از هر جا و مکانی، برنامه های تهذیب نفس را اجرا و عملی سازند، مشکلات و مفاسد به حداقل می رسد، ولی هواهای نفسانی و مطامع دنیوی و شیطان دست به دست هم اند نمی گذارند تزکیه شود.

**روحانی ای با سماجت از مردم گوسفند و بزغاله به عنوان خمس و زکات می گیرد و در همان محل سر می برد و گوشتش را برای خانواده خود می برد، یا در منبر می گوید: عیالوارم. به من بیشتر کمک کنید و پولی که بابت تبلیغ به من می دهید، از مزد یک کارگر بیش تر نیست. وظیفه**

### پرسش

روحانی ای با سماجت از مردم گوسفند و بزغاله به عنوان خمس و زکات می گیرد و در همان محل سر می برد و گوشتش را برای خانواده خود می برد، یا در منبر می گوید: عیالوارم. به من بیشتر کمک کنید و پولی که بابت تبلیغ به من می دهید، از مزد یک کارگر بیش تر نیست. وظیفه مردم در برابر این دسته روحانی ها چیست؟

### پاسخ

چگونه می توان باور کرد یک نفر روحانی واقعی و آبرومند و متدین و عاقل، مرتکب چنین عمل زشت و ناپسندی شود؟! می گویند: به مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم رسانند که فلان طلبه دزدی کرده است، با او چه کنیم؟ مرحوم حاج شیخ عکس العملی از خود نشان نداد و به کارش ادامه داد. گزارشگران خیال کردن آقا متوجه نشد، لذا حرف خود را تکرار کردند، اما در کمال ناباوری دیدند مرحوم حاج شیخ باز عکس العملی بروز نداد.

وقتی بار سوم تکرار کردند، حاج شیخ فرمود: چرا می گوئید طلبه دزدی کرده؟! چرا نمی گوئید دزد طلبه شده است؟! مگر طلبه حقیقی دزدی می کند؟!

مگر می شود طلبه ای گوسفند یا بزغاله را به عنوان خمس از مردم بگیرد و در همان محل بکشد و استفاده شخصی نماید؟!

ثانیاً: از امام جمعه محترم شهر خود یا یکی از روحانیون بزرگوار استمداد کرده و از آنان راه حل بخواهید و شخصاً دخالت نکنید.

ثالثاً: در صورت امکان، مشخصات کامل او را نوشته و به شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم، قسمت بازرسی ارسال نموده تا

اقدامات لازم را مبذول نمایند.

**مسئولان جامعه نسبت به پوشیدن بعضی از لباس ها از نظر مدل و رنگ و... به دختران ایراد می گیرند. اگر پوشیدن این گونه لباس ها اشکال دارد، چرا تولید می شود و یا به کشور وارد می شود؟ آیا تولید و وارد کردن این لباس ها به کشور اسلامی دلیل بر جواز بودن پوشیدن آن ها**

**پرسش**

مسئولان جامعه نسبت به پوشیدن بعضی از لباس ها از نظر مدل و رنگ و... به دختران ایراد می گیرند. اگر پوشیدن این گونه لباس ها اشکال دارد، چرا تولید می شود و یا به کشور وارد می شود؟ آیا تولید و وارد کردن این لباس ها به کشور اسلامی دلیل بر جواز بودن پوشیدن آن ها نیست؟

**پاسخ**

دولت اسلامی نمی تواند برای تک تک افراد مأمور بگذارد تا از وارد کردن و تولید این گونه لباس ها جلوگیری نماید. باید فرهنگ جامعه، اسلامی بشود و مردم ما و بعضی از مسئولان، از غرب زدگی و خودباختگی نسبت به مظاهر غربی دست بردارند. این گونه مدها بخشی از توطئه آمریکا و غرب است که ناآگاهان با بی توجهی به هدف دشمن، برای از بین بردن ماهیت انقلاب اسلامی بدان دست می زنند.

آنان نمی دانند تمام ارزش ها در اسلام و استقلال کشور و تقوا و ایمان است. هجوم فرهنگ غربی به کشور ما نوعی جنگ علیه ملت مسلمان ایران است. خداوند مسلمانان را از خواب غفلت بیدار کند.

**آیا نهادهای دینی مربوط به امور مساجد، وظیفه خود را در مورد جذب جوانان به مسجد انجام داده اند؟**

**پرسش**

آیا نهادهای دینی مربوط به امور مساجد، وظیفه خود را در مورد جذب جوانان به مسجد انجام داده اند؟

**پاسخ**

نهادهای دینی مربوط به امور مساجد، برای جلب و جذب جوانان به مسجد تلاش نموده اند سنجش این که نهادهای مزبور وظیفه خود را به خوبی انجام داده اند یا نه، برای ما میسر نیست. می توانید با امور مساجد کشور مکاتبه کنی دو در این خصوص اطلاعات و آمار مورد نظر خود را کسب نمایید.



ظاهراً چنان که بایسته و شایسته است، نتوانسته اند وظیفه خود را ادا نمایند. امری که در خصوص نهادهای دینی مربوط به امور مساجد باید مورد عنایت قرار گیرد، کافی نبودن کارهایی است که تا کنون انجام شده است. به جهت جوان بودن جمعیت کشور باید سرمایه گذاری کلان و برنامه ریزی فراگیرتری به عمل آید تا نیازهای معنوی و روحی این قشر جوان، با لطافت و مهربانی و با هدایت صحیح تأمین شود و مسجد تبدیل به پایگاه اساسی و یک سنگر مهم برای نسل جوان شود.

**آیا ماهواره آزاد است؟ اگر نیست، چرا آنتن های آن در تهران و دیگر شهرها وجود دارد؟ چرا دولت آن ها را جمع آوری نمی کند؟**

**پرسش**

آیا ماهواره آزاد است؟ اگر نیست، چرا آنتن های آن در تهران و دیگر شهرها وجود دارد؟ چرا دولت آن ها را جمع آوری نمی کند؟

**پاسخ**

حتماً توجه دارید که ماهواره وسیله خوبی است که می شود از آن بهترین استفاده را نمود. به عنوان مثال در کوتاه ترین زمان می شود از حوادث و تحولاتی که در دورترین نقطه جهان رخ می دهد، چه علمی و چه طبیعی و چه سیاسی - اجتماعی اطلاعات تصویری به دست آورد.

اما به خاطر سوء استفاده های غلط و نامشروعی که امروزه از آن می شود، مثل پخش فیلم های گمراه کننده و سکسی و ضد ارزشی و نیز پخش و تعلیم برنامه های تحریک آمیز و ضد امتی ملی، از نظر اسلام حرام و نامشروع است و کسی حق ندارد از آن استفاده علنی کند. این که چرا دولت آن ها را جمع آورد نمی کند، باید از خودشان پرسید. ما اطلاع نداریم، اما برای جمع آوری آن اقداماتی صورت گرفته است.

**عکسی را که به پیوست ارسال کرده ام، نمونه ای از همان چیزی بود که مدت ها می ترسیدیم. سرانجام به وقوع پیوست و باردیگر دست هایی مرموز برای کمرنگ کردن مسائل مذهبی و روح معنوی اقدام کرده اند. این عکس از یکی از مجلات مجاز داخل ایران است. مجله خانواده سبز (ش)**

**پرسش**

عکسی را که به پیوست ارسال کرده ام، نمونه ای از همان چیزی بود که مدت ها می ترسیدیم. سرانجام به وقوع پیوست و باردیگر دست هایی مرموز برای کمرنگ کردن مسائل مذهبی و روح معنوی اقدام کرده اند. این عکس از یکی از مجلات مجاز داخل ایران است. مجله خانواده سبز (شماره ۵۳ سال سوم، آبان ۱۳۸۰ تهران). آیا از لحاظ شرعی چاپ این گونه تصاویر بر روی مجلات حرام نمی باشد؟

برادر گرامی! این گونه تصاویر یک نمونه از صدها نمونه از تهاجم فرهنگی است که مدت ها است عالمان متعهد و مخصوصاً رهبر معظم انقلاب به آن هشدار داده اند، ولی کسی توجه نکرد و توطئه گران به کار خود ادامه داده و می دهند. این توطئه ها برای از بین بردن غیرت دینی جامعه اسلامی ایران، تهیه دیده شده تا بتوانند روح دینی و مذهبی که منشأ زنده بودن و پویایی مردم است و انقلاب اسلامی به برکت آن به وجود آمد، تضعیف کنند و دوباره اسلام را به گوشه خانه ها و داخل مسجدها محصور کنند و افراد لایابالی بر مسند قدرت تکیه زنند و راه را بر روی غرب و فرهنگ منحط غربی باز کنند. گردانندگان این صحنه ها نزد خدا عذابی الیم خواهند داشت. آنان که با برنامه های خود، انقلاب اسلامی را که ثمره خون هزاران شهید راه خدا است، تضعیف می کنند و از درون آن را منحرف یا مضمحل می گردانند. در این راستا کمک های مادی امریکا و قدرت های غربی و پخش انواع ابتدال فرهنگی و طراحی انواع فتنه های

زیرکانه داخلی و ایجاد تفرقه ملت مسلمان و طرح جدایی دین از سیاست و ایجاد شک و شبهه در اذهان ناپخته و ناتوان و خوشحالی و تأیید موج سوارانی که از دیر باز در کنار انقلاب بوده اند، همه دست به دست هم داده و معجونی به وجود می آورد که نتایجش همین است که شما به آن توجه نموده اید. باید با ارشاد و هدایت مردم مخصوصاً جوانان و با صبر و متانت و با برنامه ریزی و با دعا و انابه به درگاه خدا از انقلاب اسلامی و ارزش های دینی حراست نماییم .

**آیا در این مملکت جایی یا کسی را می شناسید که درد دل های انسان ها را گوش کند؟ جلوه ها کورتاژ را بگیرد و بدون پارتی بازی عرق فروشان و باند های مواد مخدر را نابود کرده و خانه های فساد را بسته و دلالان فروش ناموس را دستگیر کند؟! مستدعی است نویسد در خصوص م**

### پرسش

آیا در این مملکت جایی یا کسی را می شناسید که درد دل های انسان ها را گوش کند؟ جلوه ها کورتاژ را بگیرد و بدون پارتی بازی عرق فروشان و باند های مواد مخدر را نابود کرده و خانه های فساد را بسته و دلالان فروش ناموس را دستگیر کند؟! مستدعی است نویسد در خصوص مواد مخدر، با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرید، چون همچون چیزی واقعیت ندارد.

### پاسخ

برادر عزیز و گرامی! از این که با ما مکاتبه کرده و پرسش های خود را مطرح ساختید سپاسگزاریم.

به نظر ما بی اعتمادی یا عدم اعتقاد شما به دستگاه ها و نهادهای رسمی کشور مثل دادگستری، دادگاه انقلاب ، پلیس نیروی انتظامی درست نیست. در مراکز مذکور کم کاری و ضعف وجود دارد، اما نه در آن حدی که اصلاً نتواند مشکل را بر طرف کنند و مراکز فساد را متلاشی سازند. آیا حضرت عالی در زمینه این مسایل با دائره مبارزه با منکرات تماس گرفته اید؟ می توانید شماره های دادگاه انقلاب یا اطلاعات را بگیرید و مشکل را در میان بگذارید. غیر از موارد مذکور جایی برای پاسخ عملی و مبارزه نیست. برای شنیدن درد دل ها ما همواره آمادگی داریم. حداقل می توانیم بگوییم بدبینی شما بیش از حد است. حضرت عالی اگر نشانی آن مراکز را بازگو نمایید، در صورتی که مراکز ذیربط رسیدگی نکردند، واحد در خدمت شما است. ما نمیگوییم مفسد نیست. هم اکنون نظام پزشکی در سراسر کشور آماده شنیدن تخلفات پزشکی است، چون می دانید کورتاژ جرم است. هر دکتری چنین کاری بکند، محکوم به دیه می شود. تا آن جا

که می دانیم بدون مجوز کسی نمی تواند چنین عملی را انجام بدهد.

**آیا تا کنون دولت به فکر کمک به مساجد افتاده است یا از هیأت امنای مساجد دعوت به عمل آورده تا از آنان گزارش کار بخواهد یا رهنمودها و تبادل نظر صورت گیرد؟**

**پرسش**

آیا تا کنون دولت به فکر کمک به مساجد افتاده است یا از هیأت امنای مساجد دعوت به عمل آورده تا از آنان گزارش کار بخواهد یا رهنمودها و تبادل نظر صورت گیرد؟

**پاسخ**

یکی از غریب ترین مراکزی که باید بیشتر بدان توجه شود، مساجد است. در ایران اسلامی چند مرکز برای مساجد تصمیم گیری هایی دارند: سازمان تبلیغات اسلامی و مرکز رسیدگی به امور مساجد از این جمله هستند، ولی این دو مرکز کارایی چندانی در رسیدگی به مساجد نداشته اند. مساجد مانند سابق توسط مردم اداره می شود. بزرگان و ریش سفیدان و فرهنگیان هر محلی باید گروهی در محل تشکیل دهند و از مردم اعانات و کمک هایی جمع آوری کنند و مساجد را آباد کنند. "انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر". ساختن و آباد کردن مساجد باید توسط مؤمنان صورت گیرد. خدمت گذاری به مساجد از توفیقات الهی است که به هر کس داده نمی شود.

**چرا مسئولان اجازه می دهند مباحث تخصصی درباره دین و احکام در دست عوام افتاده و باعث خلعان فکر شود؟**

**پرسش**

چرا مسئولان اجازه می دهند مباحث تخصصی درباره دین و احکام در دست عوام افتاده و باعث خلعان فکر شود؟

**پاسخ**

اگر مرادتان مطالبی است که اخیرا در روزنامه ها و هفته نامه ها و ماه نامه ها یا در بعضی از کتاب ها است، این سؤالی است که باید از وزارت ارشاد پرسیده شود. آن ها هستند که مجوز انتشار می دهند. شاید این مطلب بخشی از توطئه های غیر مستقیمی باشد که دشمن با دست خودمان اجرا می کند. این افکار انحرافی برای تضعیف روحیه ایمانی مردم مخصوصا جوانان نشر و پخش می شود. وقتی که روحیه ایمانی و دینی مردم سست شد، دیگر مقاومتی در برابر آمریکا و غرب صورت نمی گیرد و آنان به راحتی می توانند بر کرده مردم سوار شوند و بدتر از آن چه که قبل از انقلاب بی ارن مملکت وارد شد، وارد می شود. ما این برنامه ها را جزئی از توطئه های دشمن می دانیم.

در حوزه مسائل دینی و اعتقادی راه بحث و مجادله باز است. اما این گونه مباحث باید با اندیشمندان و عامان دینی در محیطهای بسته صورت گیرد، سپس نتایج آن در معرض افکار عمومی گذارده شود. عجیب ایناست که کوشش می شود پفک و شکلات استاندارد باشد، اما در مورد این گونه مسائل بسیار مهم هیچ گونه کنترلی نیست و هر کس هر چه دلش خواست، می نویسد، در حالی که از نظر علمی و مبنای هیچ گونه صلاحیتی برای طرح این گونه مسائل ندارند.

### **چرا مسئولان محترم با مفسد اجتماعی مبارزه جدی نمی کنند و مراجع عظام و علمای اعلام در این مورد اعتراض نمی فرمایند؟**

#### **پرسش**

چرا مسئولان محترم با مفسد اجتماعی مبارزه جدی نمی کنند و مراجع عظام و علمای اعلام در این مورد اعتراض نمی فرمایند؟

#### **پاسخ**

سیاست مسئولان محترم نظام خصوصا رهبری و مراجع معظم تقلید و علمای اعلام، مبارزه با منکرات و مفسد اجتماعی است، چرا که امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین است.

اگر این فریضه انجام شود، فرائض و واجبات دیگر به وسیله آن پا بر جا و پایدار می گردند، و گرنه فریضه های دیگر فراموش می گردند.

در روایتی از امام باقر(ع) می خوانیم: "ان الامر با لمعروف و النهی عن المنکر سیل الانبیاء و منهج الصلحاء، فریضه عظیمه بهاتقام الفرائض، تأمن المذاهب و تحل المكاسب". (۱) این هشدارها را از زبان مسئولان بلند پایه نظام اسلامی و مراجع معظم و علمای اعلام و ائمه محترم جمعه شنیده و یا مطالعه می کنیم.

اگر مسئولی و یا اشخاصی در راه های پایین تر و یا در مسندهای اجرایی کوتاهی می کنند، کار آن ها را نباید به حساب مسئولان کل نظام و یا علمای اعلام بگذاریم.

امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه همگانی است، یعنی اگر شرایز آن محقق شود، باید انجامش داد، آن هم با اوضاع جامعه ما، که دشمنان می خواهند و با نقشه ها و ترفندهای زیرکانه خود و از راه ترویج فساد و بی بند و باری و تهاجم فرهنگی، به اهداف شوم خود برسند.

باید با مسئولان و مجریان این وظیفه شرعی و قانونی همکاری داشت، تا جامعه به سمت اصلاح پیش رود. همه باید کمک کنیم و دست به دست هم بدهیم تا هجمه فرهنگی و نقشه حساب شده دشمن خصوصا در ارتباط با جوانان و آن ها

را از مرزهای اعتقاد و ایمان و جوانان که سرمایه های اصلی کشورند عقب برانیم.

وظایف مسئولان سنگین تر است، امیدواریم متوجه وظیفه سنگین خود شده و جدی تر با این معطل اجتماعی برخورد کنند.

شما هم در شهر و دیارتان تذکر دهید تا ان شاء الله کار ساز شود. به امید ظهور مصلح کل حضرت بقیه الله (عج)، که در زمان ایشان عدالت سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت و فساد و ظلم رخت خواهد بست.

پی نوشت ها:

۱ - کافی، ج ۵، ص ۵۶، حدیث اول و میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۹۴۳، حدیث ۱۲۷۱۳.

**آیا بزرگان کشور، نمی توانند جلوی فساد را که از نحوه لباس پوشیدن جوانان در جامعه مطرح است بگیرند؟ توضیح دهید.**

**پرسش**

آیا بزرگان کشور، نمی توانند جلوی فساد را که از نحوه لباس پوشیدن جوانان در جامعه مطرح است بگیرند؟ توضیح دهید.

**پاسخ**

برای مقابله با منکرات، باید زمینه های فساد در جامعه ریشه کن شود و اصلاح لباس ظاهری چندان ریشه ای نمی باشد و لجاجت یک عده را تحریک خواهد کرد.

در کوتاه مدت تصویب قانون و اعمال مجازات قضایی، تا حدی می تواند از اشاعه فساد در جامعه جلوگیری نماید و این کار از دستگاه های قانون گذاری و اجرایی بر می آید اما این راه و روش در دراز مدت کارایی ندارد و چه بسا اثر معکوس دارد. ما به تجربه این موضوع را پس از انقلاب دیده ایم. راه درست و منطقی، مبارزه با علت ها و تولید فکر و ارائه خدمات فرهنگی و حفظ هویت ملی و اسلامی می باشد.

فرض کنیم قانون ناظر بر کتاب و فیلم و مطبوعات با قاطعیت اجرا شود و با مفاصد اجتماعی برخورد فیزیکی صورت گیرد. همه این ها در حکم مسکن است که اثر مقطعی دارد. اگر درمان دائمی و اساسی فراهم نشود، مسکن جز مخدّری برای فراموش کردن و به تأخیر انداختن مداوا و معالجه اساسی، در نتیجه عمیق تر و پنهان تر شدن عفونت نخواهد بود. البته به وجود آوردن جریان های وسیع فکری کار آسانی نیست و در یک ماه و یک سال پدید نمی آید. انسان بی فرهنگ انسان مجهول الهویه است. انسانی که هویت فرهنگی ندارد، یتیم است، و خواه ناخواه چنین فردی، شکاری برای همه و صیدی برای هر صیادی است. پس باید با کاری ریشه ای و حساب

شده فرهنگ سازی کرد که در آن صورت حالت الزان باطنی و فشار درونی دارد. راه حل های قانونی و قضایی به جای خودش لازم و مفید است ولی هر جامعه ای برای حراست از هویت خود هیچ راهی جز ارتقا و اعتلای آگاهی و معرفت و علم ندارد. باید جوانان را چنان بار آوریم که با هر بانگی از راه به در نروند و با هر موج و نوایی، اختیار عقل و اندیشه خود را از دست ندهند و این کار بسیار بزرگی است که باید با همکاری اولیا و مربیان از مهد کودک تا دانشگاه و با برنامه ریزی دقیق و مدوّن و راهنمایی علما و روشنفکران و جهت دهی رسانه های گروهی مانند صدا و سیما و جرائد انجام گیرد که امیدواریم چنین شود.

**چرا علمای دین و مسئولان نظام اسلامی در مورد موسیقی و احکامی از این قبیل موضع گیری محکمی نمی کنند و به اصطلاح تکلیف را روشن نمی کنند تا عده ای از این موضوع سوء استفاده نکنند؟**

**پرسش**

چرا علمای دین و مسئولان نظام اسلامی در مورد موسیقی و احکامی از این قبیل موضع گیری محکمی نمی کنند و به اصطلاح تکلیف را روشن نمی کنند تا عده ای از این موضوع سوء استفاده نکنند؟

**پاسخ**

علمای دین در مورد موسیقی و خوانندگی حکم شرعی را بیان کرده اند و گفته اند که اگر موسیقی مناسب مجالس عیاشی و لهو و لعب باشد حرام و آوازه خوانی هم علاوه بر ملاک فوق چنانکه محتوای باطل و فسادانگیز داشته باشد حرام است. در این میان بعضی از مصادیق موسیقی و آواز قطعاً از مصادیق حرام هستند و ملاک فوق برای حرمت آن ها وجود دارد که این قسم را کمتر در برنامه های صدا و سیما می توان دید و برخی موارد حالتی دو گانه و مشتبه دارند که به واسطه معلوم نبودن وضعیت آن ها و بعضاً به جهت اختلاف فتوای فقها و مراجع (مانند برخی از مسائل که اختلاف فتوایی در آن ها به طور طبیعی وجود دارد) نمی توان صراحتاً حکم به حرمت آن ها داد که حجم این قسم در برنامه های صدا و سیما بیشتر است که به خاطر مشکوک بودن موضوع و تعدّد این موارد نمی توان به طور قطعی حکمی برای آن ها صادر کرد. اما به نظر می رسد سؤال اصلی شما در مورد موسیقی ها و آوازه های است که در بازار وجود دارد که بسیاری از آن ها به لحاظ حکم قطعاً از مصادیق حرام هستند و حکم آن ها را علما روشن کرده اند، ولی متأسفانه برخی از مسئولان اجرایی، به طور قاطع با این موارد برخورد نمی کنند. به عبارت دیگر در

این موارد گرچه حکم روشن است، اما به لحاظ اجرایی کوتاهی وجود

دارد. نظیر بسیاری از کتاب های گمراه کنند که به فتوای همه مراجع چاپ و انتشار آن ها حرام است، ولی می بینیم که دستگاه های اجرایی به طور کامل از انتشار و توزیع آن ها جلوگیری نمی کنند.

### **چرا برای جلوگیری از اعتیاد، تبلیغات دینی و مذهبی به طور گسترده صورت نمی گیرد؟**

#### **پرسش**

چرا برای جلوگیری از اعتیاد، تبلیغات دینی و مذهبی به طور گسترده صورت نمی گیرد؟

#### **پاسخ**

غرق کردن یک ملت خصوصاً نسل جوان در دره هولناک اعتیاد به مواد مخدر، یک ساعت بیان شده توسط استعمار و استکبار است. انسان اگر جایگاه وجودی خود را بشناسد، هرگز با مواد مخدر ارتباط برقرار نمی کند، برای این که اعتیاد مستلزم خروج از انسانیت است بدین خاطر علمای اسلام و مراجع معظم تقلید، اعتیاد به مواد مخدر را تحریم نموده اند. [۱۳]

برای ریشه کن کردن یا به حداقل رساندن اعتیاد به مواد مخدر، تبلیغات و کارهای فرهنگی همه جانبه و گسترده از طرف نهادها و سازمان های فرهنگی و رسانه های گروهی لازم و ضروری است و این را همگان می دانند و تا حدود زیادی کار انجام گرفته است. مراجع معظم تقلید فتوا به تحریم، مصرف مواد مخدر داده اند و روحانیون در مواردی که احتمال تأثیر داده اند، حرمت و مفسد مواد مخدر را توضیح می دهند. سازمان های دیگر با ابزاری که در دست دارند، مانند چاپ پوستر و نصب آن در مکان های عمومی یا بیان مضرات استعمال مواد مخدر از طریق رادیو و تلویزیون، کارهای تبلیغی انجام می دهند، لیکن به علت تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان اسلام علیه جامعه ایران که هر روز مشکل و جو تازه ای بر ضد ایران درست می کنند، فرصت کار تبلیغی بیشتر در مورد مواد مخدر باقی نمی ماند. یکی از عوامل عدم تبلیغ گسترده در مورد با این وجود باید پذیرفت که تا کنون، در حد و اندازه تهاجم دشمن، ظاهر نشده ایم. شاید یکی



از دلایل آن تعدد مراکز تصمیم‌گیری در حوزه فرهنگی و عدم تمرکز در یک نهاد مسئول و عدم اختصاص بودجه لازم باشد که امیدواریم این معضل بر طرف گردد.

[۱۳] ویژه نامه مواد مخدر، ص ۱۹ و ۲۴.

**چه عاملی باعث شده جلوی بی‌حجابی که به طور وسیعی جامعه را فرا گرفته و به فرهنگ منحط غرب نزدیک می‌شویم، گرفته نشود و این قدر نیروهای انتظامی در برابر آن بی‌خیال باشند؟**

### پرسش

چه عاملی باعث شده جلوی بی‌حجابی که به طور وسیعی جامعه را فرا گرفته و به فرهنگ منحط غرب نزدیک می‌شویم، گرفته نشود و این قدر نیروهای انتظامی در برابر آن بی‌خیال باشند؟

### پاسخ

اصل اولیه در برخورد با هر مسئله‌ای آن است که با ابزارها و شیوه‌های متناسب برخورد شود، مثلاً مشکل اقتصادی تورم در یک جامعه را نمی‌توان با ساختن جنگ افزارها بر طرف کرد یا مشکل و شبهه اعتقادی را با اعلام کردن بر طرف کرد.

بنابراین یکی از مسائلی امروزه جامعه ما با آن روبرو شده، بی‌حجابی و گسترش فرهنگ منحط غربی است که این مسئله عوامل متعدد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... دارد. مهم‌ترین عامل گسترش فرهنگ غربی، عامل اولی یعنی مسئله فرهنگی است. امروز جامعه ما با حجم وسیع تهاجم فرهنگی به خصوص از طرف جهان غرب روبرو است. بدیهی است که با این مسئله نمی‌توان صرفاً با نیروی انتظامی و با ابزار قدرت برخورد کرد. وقتی قشری از جامعه از لحاظ تفکر و عقیده، اعتقاد به بی‌بند و باری و آزادی ارتباط دارند، وقتی انواع و اقسام نوشتارها یا فیلم‌ها از راه‌های مختلف در دست جوانان قرار می‌گیرد که راهی برای جلوگیری آن‌ها وجود ندارد (مانند اینترنت) طبعاً برخورد از موضع قدرت و انتظامی نمی‌تواند کارساز باشد یا مثلاً مشکلات اقتصادی برای ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج را نمی‌توان با نیروی انتظامی برطرف کرد.

بنابراین با شناخت عوامل مختلف ایجاد بی‌حجابی و از بین بردن زمینه‌های هر یک و برطرف کردن مشکلات مربوط به

آن‌ها از لحاظ فرهنگی و سیاسی و ... می‌توان گام بعدی را برداشت که استفاده از نیروهای انتظامی است؛ زیرا اگر چه عوامل مخرب در یک جامعه ضعیف شده و یا از بین می‌رود، اما در هر حال عده معدودی هستند که نمی‌توان به هر صورت آن‌ها را مطیع قانون و فرهنگ دینی جامعه کرد. در این جا باید از ابزارهای قدرت استفاده کرد.

مسئله دیگر: نسل کنونی که در جامعه زندگی می‌کنند، غالباً جوان هستند و با آن نسل اولیه که انقلاب کرده و با مشکلات و ماهیت رژیم گذشته آشنا هستند و فساد فرهنگی گذشته را دیده‌اند، تفاوت دارند. بنابراین آگاهی بخشی در این میان از اهمیت زیادی برخوردار است.

مسئله تعمیق بخشیدن اعتقادات و ایمان دینی و رفع موانع و شبهاتی که باعث تزلزل در ایمان و اعتقادات دینی می‌شود، نیز یکی از عوامل مهم در برخورد با فرهنگ منحط غربی است.

هماهنگ عمل نمودن نیرو و ابزار قدرت یعنی نیروی انتظامی با مسایل فرهنگی جامعه و دستگاه‌ها و سازمان‌هایی که متولی مسائل فرهنگی و مشکلات زن هستند، دیگر سازمان‌ها که به نوعی با این مسئله ارتباط دارند، می‌توانند بسیار مؤثر باشند. هم چنین مشکل کشورهای غربی و صاحبان قدرت که کشور ایران را در مسایل مختلف مانند مسئله حقوق بشر و آزادی بیان تحت فشار قرار می‌دهند و هر روز بر حجم تبلیغات و فشارهای خود می‌افزایند، نباید از نظر دور داشت، در هر حال، هر انسان آگاه و صاحب درد در جامعه به سهم خود در مقابل این مسئله، مسئولیت

دارد. با شناخت و آگاهی از شرایط امر به معروف و با آگاهی بیشتر نسبت به مسایل دینی و عوامل ایجاد کننده فرهنگ بی حجابی نیز آشنایی با مشکلاتی که این مسایل برای جامعه و برای زندگی انسان ها ایجاد می کند مانند تزلزل بنیان خانواده، رواج بی اعتمادی، تنهایی و افسردگی می تواند در زدودن ریشه های فساد و بی بند و باری، نقش مهمی داشته باشد.

**نیروی انتظامی که مسئول نظم کشور است، آیا نباید با زنان کم حجاب برخورد کند؟ اگر این نیرو نمی تواند، پس چه نیرویی و یا چه کسی می تواند جلوی این کار را بگیرد؟**

**پرسش**

نیروی انتظامی که مسئول نظم کشور است، آیا نباید با زنان کم حجاب برخورد کند؟ اگر این نیرو نمی تواند، پس چه نیرویی و یا چه کسی می تواند جلوی این کار را بگیرد؟

**پاسخ**

در ابتدا توجه شما را به این نکته جلب نموده و تأکید می کنیم که مسئله بی حجابی یا بدحجابی یک مسئله فرهنگی است و برخورد با آن بیش از آن که مربوط به نیروی انتظامی باشد، بر عهده مسئولان فرهنگی و اصلاح فرهنگ عمومی جامعه است.

هم چنین برخورد با پدیده شوم بی حجابی، وظیفه آحاد جامعه در راستای عمل کردن به امر به معروف و نهی از منکر است. البته در کشور ما افراد خاصی مانند دایره مبارزه با منکرات نیروی انتظامی در این باره مسئولیت ویژه دارند که طبق قانون باید به این موضوع بپردازند، ولی از آن جا که به دلیل تهاجم فرهنگی دشمن و عوامل خانوادگی و اجتماعی دیگر، این مسئله شیوع پیدا کرده، برخورد فیزیکی نمی تواند جوابگو باشد. از طرفی بعضی معتقدند به جای مبارزه با معلول باید با علت ها مبارزه کرد. از این رو اگر می خواهیم در جامعه شاهد بدحجابی نباشیم، باید آموزش در خانواده و مدارس را جدی بگیریم و حجاب را به عنوان یک فرهنگ در آوریم. البته برای حفظ عفت عمومی، نمی توان از وظیفه امر به معروف و نهی از منکر غافل بود. اگر از ناحیه نیروی انتظامی، غفلت یا قصوری می بینید، باید به مقامات مسئول گزارش دهید. قطعاً پیگیری و مطالبه مردم اثر خود را خواهد گذاشت.

**آیا نباید مسئولان صدا و سیما از تولید فیلم ها با زنان کم حجاب جلوگیری و برخورد کنند؟**

**پرسش**

آیا نباید مسئولان صدا و سیما از تولید فیلم ها با زنان کم حجاب جلوگیری و برخورد کنند؟

**پاسخ**

برای جا افتادن فرهنگ حجاب، بستر سازی لازم است و صدا و سیما به عنوان رسانه ملی در این باره، وظیفه و رسالت مهمی بر عهده دارد. یکی از راهکارها این است که از هنرمندان و هنر پیشه هایی استفاده شود که ظاهر و رفتارشان بد آموزی نداشته باشد. البته در این جهت سرمایه گذاری شده و تا حدی هم رعایت می شود اما تا رسیدن به هدف مطلوب فاصله زیادی است. این واقعیت را باید پذیرفت که در عرصه هنر، عناصر ارزشی کم تر حضور می یابند و همین امرک زمینه ورود دیگران را فراهم می کند و به ناچار نقش بازیگران به عهده آن ها گذاشته می شود.

در عین حال کاستی و کمبودها را باید منعکس کرد و به گوش مسئولان رساند.

اگر نیروهای مذهبی با روابط عمومی صدا و سیما در ارتباط باشند و انتقادات و پیشنهادهای خود را مطرح کنند، قطعاً در برنامه ریزی مسئولان تأثیر خواهد گذاشت.

**چند سالی است بی حجابی و بد حجابی در خیابان ها عادی شده است. اگر این گونه اعمال از نظر اسلام صحیح نیست، چرا جلوی آن در جامعه اسلامی گرفته نمی شود؟ چرا در فیلم های سینمایی، فرهنگ غرب را ترویج می کنند؟ چرا مراجع تقلید اقدام نمی کنند و... تکلیف من در خیابان و**

### **پرسش**

چند سالی است بی حجابی و بد حجابی در خیابان ها عادی شده است. اگر این گونه اعمال از نظر اسلام صحیح نیست، چرا جلوی آن در جامعه اسلامی گرفته نمی شود؟ چرا در فیلم های سینمایی، فرهنگ غرب را ترویج می کنند؟ چرا مراجع تقلید اقدام نمی کنند و... تکلیف من در خیابان و دانشگاه چیست؟

### **پاسخ**

تألمات خاطری که از مشاهده فرهنگ ابتذال در جامعه پیدا کرده اید، نشانه احساسات پاک و غیرت دینی و شکوفایی فطرت قدسی و مذهبی شما است و شایسته تقدیر می باشد.

بر هر فرد مسلمانی، در هر موقعیت علمی و اجتماعی و دینی باشد، به خصوص شخصیت های مؤثر و دولت که ابزار لازم جلوگیری را در اختیار دارند، لازم است از بروز انواع فساد و گسترش فرهنگ ابتذال و هر فرهنگ و مودی که زمینه ساز فساد اخلاقی است، مانند بد حجابی یا بی حجابی جلوگیری کنند. بر دیگران نیز لازم است با رعایت مراتب، امر به معروف و نهی از منکر کنند.

وظیفه مردم به خصوص جوانان حزب اللهی در قبال فساد اجتماعی از دیدگاه امام خمینی(ره)

جلوگیری از آزادی های افسار گسیخته، و اموری که خلاف عفت عمومی و مصالح امت اسلامی است، وظیفه همه مسلمانان

است، اگر چه برخی از زنان به خاطر داشتن نفوذ و تأثیر گذاری بیشتر، مسئولیت زیادتری دارند. امام خمینی در ص ۲۸ وصیت نامه الهی سیاسی خویش، تکلیف و وظیفه همه طبقات را در این زمینه روشن نموده است. برای شفاف شدن تکلیف شما و همه اقشار ملت، قسمتی از آن را نقل می کنیم:

"اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده، و رئیس جمهور و رؤسای جمهوری بعد،

و به شورای نگهبان، و شورای قضایی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاه های خبری و مطبوعات و مجله ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آن ها واجب است، و از آزادی های غرب باید جلوگیری شود... و مردم و جوانان حزب اللّهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند، به دستگاه های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند".

جنابعالی در قسمتی از نامه تان نوشته اید: از نظر من کسی می تواند مرجع تقلید باشد که این مشکل را حل کند و گرنه مرجع تقلید بودن یک عده پیرمرد و پیرزن بودن هنر نیست.

علما و مراجع تقلید به تعبیر روایات، امنا و خلفا و جانشینان انبیا و ائمه(ع) می باشند.

آنان شریعت و احکام الهی را از طریق وحی دریافت می کردند و به مردم ابلاغ می نمودند. علما و فقها هنرشان شناخت کارشناسانه و مجتهدانه اصول و فروع گسترده اسلام از روی آیات و روایات، و تطبیق کلیات بر جزئیات و مصادیق، و موضوعات نوظهور و ارائه پاسخ آن به جامعه است.

آنان ندای قرآن و پیامبر اسلام و ائمه معصومین(ع) را در مواقع مختلف و از راه های متفاوت (اعم از سخنرانی، کتاب، رساله عملیه، اطلاعیه ها و اعزام مبلغ و بالاخره مستقیم و غیر مستقیم) به گوش

مردم می‌رسانند. البته در این میان می‌تواند عده‌ای نیز باشند که به وظیفه اساسی خود عمل نکنند و دچار هوای نفس و یا دنیا زدگی شوند.

مطمئناً چنین کسانی اساس این طبقه و مطابق با فلسفه وجودی روحانیت نیستند. در عین حال مسئله مهمی مانند این مسئله که یک معطل پیچیده فرهنگی است، تنها یک عامل یا حتی یکسری عوامل کاملاً شناخته شده ندارد تا با دادن فتاوا و یا سخنرانی‌ها بتوان جلوی آن را گرفت و یا حتی مانع گسترش آن شد. هنگامی که بخشی از امور فرهنگی جامعه به طور مستقیم یا غیر مستقیم به ترویج این وضعیت کمک می‌کند، هنگامی که رواج بی‌بند و باری تئوریزه می‌شود، هنگامی که هر از چند گاهی، کشور ایران و حکومت آن به خاطر نقض حقوق بشر و منع آزادی‌های فردی محکوم می‌شود، هنگامی که مشکلات اقتصادی و فرهنگی و فکری و اعتقادی موجب افزایش سن ازدواج می‌شود، هنگامی که آزادی جنسی به عنوان یک حق بشری با ابزارهای مختلف و پیچیده تبلیغ شده و محق جلوه داده می‌شود، هنگامی که مشکلات سیاسی و اقتصادی و بازی‌های سیاسی، مسئولان و مدیران فرهنگی جامعه را به خود مشغول داشته و هنگامی که... حال چه مقدار می‌تواند سخن مراجع و هشدارهای آنان و حتی فتوا مؤثر باشد؟! گاه بعضاً حتی تأثیر منفی نخواهد داشت؟ آیا اگر اجتهاد دقیق و فتاوی عمیق در این مسائل داده شود و سخن‌های بسیار زیبا و دلنشین هم بیان شود، اما دیگران گوش فرا ندهند و عمل نکنند، باز تقصیر را باید متوجه مراجع دانست؟

در هر حال شما به عنوان یک مسلمان

که وظیفه امر به معروف را انجام می دهید، باید هر چه بیشتر سعی در حفظ و مراقبت از خویش نمایید.

تا حدّ امکان باید سعی در حفظ نگاه خویش از نامحرمان داشته باشید. البته در صورت سهوی بودن نگاه بر شما گناهی نیست، اما نگاه های بعدی را که در اختیار خودتان است، حفظ کنید. می توانید زمینه های نگاه سهوی را نیز برطرف کنید، به این صورت که از معاشرت یا مکانی که نامحرمان تجمع دارند و یا از صحبت کردن دوری نمایید. اگر چه در شرایطی که زمینه گناه بیشتر وجود داشته باشد، خودداری و مراقبت از خویشان مشکل تر است، اما مطمئناً اجر و پاداش بیشتری داشته و انسان را به کمالات اخلاقی بالاتری می رساند. البته کمک خواستن و راز و نیاز به درگاه الهی، پشتوانه محکمی برای انسان در این راه پر خطر است.

### **این همه تشریفات که برای ورود بعضی از مسئولان جمهوری اسلامی صورت می گیرد، منع شرعی ندارد؟**

#### **پرسش**

این همه تشریفات که برای ورود بعضی از مسئولان جمهوری اسلامی صورت می گیرد، منع شرعی ندارد؟

#### **پاسخ**

اگر تشریفات برای مسئولان نظام موجب اسراف، تبذیر و از بین بردن بیت المال شده و با شأن و موقعیت جمهوری اسلامی همسویی نداشته باشد، حرام بوده و جایز نیست. بر این اساس باید مسئولان نظام ساده زیست بوده و بیت المال را رعایت کنند، زیرا یکی از ویژگی های حکومت دینی در ساده زیستی و دوری از تشریفات ظهور می کند.

امام علی(ع) ساده زیست بوده(۱) و مدیران حکومتی خویش را به ساده زیستی فرا می خواند.(۲) ساده زیستی موجب می شود که مسئولان نظام بیشتر مشکلات اقتصادی مردم را درک کرده و در تصمیم گیری های آن ها مشکلات مردم تأثیر گزار باشند، از همین رو است که امام علی(ع) یکی از علل ساده زیستی خویش را همدردی با فقیران دانست.(۳)

امام راحل(س) بارها مسئولان نظام را به ساده زیستی و دوری از هر گونه تشریفات دعوت نمود که متأسفانه برخی از مسئولان این مسئله را نادیده می گیرند. در عین حال باید این مطلب را مدّ نظر قرار داد که ساده زیستی به گونه ای باشد که اسلام و حکومتی دینی متهم به دنیا گریزی نشود. اگر مسئولان نظام در استقبال از رهبران جهان به گونه ای رفتار نمایند که تصور شود اسلام با پیشرفت های علمی مخالف بوده و هنوز مانند انسان های عقب مانده زندگی می کنند، این رویکرد قابل قبول نیست. بر این اساس مسئولان نظام باید در بهره گیری از بیت المال به گونه ای بهره گیرند که از تشریفات پرهیز شده و آموزه های دین درباره دنیا نیز زیر سؤال نرفته و شأن مقام جمهوری اسلامی در تمام ابعاد



حفظ گردد.

پی نوشت ها:

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۰۸ به بعد.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۳. سیری در نهج البلاغه، ص ۲۲۴ به بعد؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۰۱؛ دانشنامه امام علی (ع) ج ۴، ص ۱۸۵.

**چرا بعضی از مقامات دولتی برخی از تکالیف شرعی به ظاهر ریز را رعایت نمی کنند؟ چرا این افراد انتخاب می شوند؟**

**پرسش**

چرا بعضی از مقامات دولتی برخی از تکالیف شرعی به ظاهر ریز را رعایت نمی کنند؟ چرا این افراد انتخاب می شوند؟

**پاسخ**

عدم التزام به تکالیف شرعی ناشی از عدم شناخت صحیح از مسائل شرعی، یا عدم اعتقاد راسخ به مبانی دینی و یا وسوسه مقام و ثروت و فریب نفس شیطانی است. در این راستا، نقش خانواده محیط و تربیت بسیار تعیین کننده است. در این جهت فرقی بین کارگزاران نظام و دیگران نیست. چه بسا بعضی از مقامات دولتی مسائل اولیه را (که ظواهر اسلامی باشد) رعایت نکنند! این اشکال به نظام اداری و نحوه گزینش بر می گردد و به این حقیقت می توان پی برد که به جای شایسته سالاری و انتخاب اصلح، منافع فرد و گروه مورد توجه قرار گرفته است. باید دستگاه های نظارتی، فعالیت خود را بیشتر نمایند و نظام اداری به جا مانده از فرهنگ منحط طاغوتی متحول گردد. در این امر همه افراد جامعه سهیم و دخیل اند. البته بسیاری از افراد قبل از انتخاب شدن شاید این گونه نیستند یا حداقل معلوم نیست که افراد شایسته نباشند، اما پس از رسیدن به موقعیت اجتماعی و در دست گرفتن مسئولیت و مقام دچار انحراف می شوند و گاهی نه تنها مسایل شرعی به ظاهر کوچک، بلکه مسایل مهم شرعی را نیز نادیده می گیرند. تغییر چنین افرادی مشکلات خود را دارد.

**بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟**

**پرسش**

بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به

آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

**پاسخ**

هر چند قانون منع استفاده از ماهواره، راه حل نهایی و اصولی برای کنترل جوانان نیست، ولی با توجه به حجم گسترده تبلیغات دشمن از طریق ماهواره و گسترش فحشا و فیلم‌ها (یی که با فرهنگ و هویت ملی و اسلامی همخوانی ندارد، چه بسا موجب ترویج و آموزش ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی و دینی می‌شود) آزاد گذاشتن آن نیز به صلاح نمی‌باشد، تا به انتخاب خود افراد آن را ترک کنند. این سخن مانند آن است که بگوییم مغازه‌های شرابخواری یا مراکز قماربازی و غیره را آزاد بگذاریم و به مردم بگوییم خودتان از رفتن به آن اماکن دوری کنید! بدیهی است گناه لذت و جاذبه‌ای دارد که بسیاری از جوانان را به سوی خود می‌کشاند. از طرفی از نظر اسلام موظفیم زمینه گناه را از بین ببریم.

ماهواره هرگز با ویدئو قابل مقایسه نیست. اگر مردم ویدئو را رها کردند، دلیلش آن نبود که ویدئو آزاد شد، بلکه دلیل مهم اش آن بود که به جای ویدئو، استفاده از اینترنت و ماهواره برای افرادی که دوست داشتند فراهم شد. از طرف دیگر صدا و سیما با ارائه فیلم‌ها و برنامه‌های ورزشی تا حدی توانست وقت جوانان را پر کند و به سوی خود جذب نماید. در ضمن تهیه فیلم‌های خاص ویدئویی با مشکلاتی مواجه است و هزینه دارد و فراهم آوردن آن نیاز

به صرف وقت دارد، هر وقت و هر کس بخواهد آماده، مانند ماهواره نیست.

در ضمن ماهواره ها تنها در نمایش فیلم خلاصه نمی شود؛ برنامه های هنری و تبلیغاتی و سیاسی (که با فرهنگ و هنجارهای جامعه دینی، کاملاً تضاد دارد) در واقع یک نوع فرهنگ و تفکری هم از جهت ظاهر و هم از جهت درونی القا می کند.

هر کشور و هر نظامی بالاخره به زبان خودش حلال و حرامی دارد؛ مجاز و ممنوعی دارد؛ فرهنگ خاص خود را دارد. در آمریکا هم شرابخواری علنی در معابر عمومی قانوناً ممنوع است و این ممنوعیت را ضد آزادی نمی دانند. البته کار سلبی به برکت کار ایجابی است که مؤثر است، یعنی علاوه بر ممنوعیت استفاده از ماهواره، باید جریان جدید فکری ایجاد کرد و با دشمن به رقابت برخاست. فرهنگ هر چه دارای جوهر قوی تر و هویت اصیل تر باشد، جریان های تازه وارد را بهتر می تواند در خود حل و هضم کند و نکات منفی آن را دفع کند. همان طوری که یک دریای عمیق، جریان ها و موج ها را در دل خود حل می کند، پس باید به فرهنگ خود بها دهیم؛ فرهنگی که مبتنی بر میراث عظیم و درخشان تاریخی است. چنین فرهنگی مصونیت دارد. (۱)

پی نوشت ها:

۱. جلال رفیع، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، ص ۴۵۷.

**با این که در روایات ما شطرنج مذمت شده است ، چرا در کشور اسلامی اینقدر شطرنج رایج شده است ؟**

**پرسش**

با این که در روایات ما شطرنج مذمت شده است ، چرا در کشور اسلامی اینقدر شطرنج رایج شده است ؟

**پاسخ**

در رابطه با سوال شما باید عرض کنیم که حکم خدا یعنی حلال و حرام او تا روز قیامت قابل تغییر نیست و هیچ کس اعم از فقیه و غیر فقیه نمی تواند آن را تغییر دهد که از جمله مسیله قمار است که شطرنج یکی از مصادیق آن می باشد و بنابر اصل شرع و فتوای همه مراجع حرام است و شطرنج از این قبیل است و همانگونه که در زمان رسول خدا ( ص ) و ایمه حرام بوده اکنون نیز حکم شطرنج در صورتی که آلت قمار باشد همان است و آنچه اخیراً از بعضی مراجع بزرگوار مثل امام ( ره ) و یا آیت الله فاضل و مقام رهبری شنیده اید آن است که می فرمایند تا وقتی که شطرنج در عرف متدین جامعه عنوان آلت قمار را دارد بازی با آن اگر چه بدون برد و باخت باشد حرام است اما اگر در جامعه طوری شد که شطرنج عنوان آلت قمار بودنش را از دست داد و هیچکس آن را آلت قمار به حساب نیاورد بلکه به عنوان یک ورزش فکری تلقی شد در این صورت دیگر موضوع عوض شد و در واقع دیگر قمار نیست بلکه مانند فوتبال است که اگر برد و باخت و شرط بندی در آن نباشد حلال است بنابراین حکم اصلی یعنی حرمت قمار در جای خود محفوظ است و کسی آن را عوض نکرده و نخواهد کرد اما اگر

موضوع عوض شده‌مانند همان شرابی که تبدیل به سرکه می‌شود حکمش نیز

عوض خواهد شد و این یک قاعده کلی است که فقها از روایات استنباط کرده اند و چیزی نیست که از خودشان بگویند. البته بعضی از فقها بازی بدون برد و باخت با آن را هم جایز نمی دانند.

**آیا ایراد ضرب افراد توسط نیروهای امنیتی مثل برادران بسیجی یا نیروهای انتظامی (حتی اگر کسی تخلفی نکند) درست و صحیح است؟ اگر جواب منفی است پس چرا روزانه ما شاهد این قضیه به کرات هستیم؟**

**پرسش**

آیا ایراد ضرب افراد توسط نیروهای امنیتی مثل برادران بسیجی یا نیروهای انتظامی (حتی اگر کسی تخلفی نکند) درست و صحیح است؟ اگر جواب منفی است پس چرا روزانه ما شاهد این قضیه به کرات هستیم؟

**پاسخ**

به: فرماندهی محترم نیروی مقاومت بسیج

با احترام و آرزوی موفقیت به پیوسته پرسش یکی از دانشجویان جهت بررسی و پاسخ تقدیم می گردد:

با تشکر

رونوشت:

نویسنده پرسش

نظیر همین نامه به فرماندهی نیروی انتظامی تحریر گردد.

پرسشگر گرامی

پرسش شما به فرماندهی محترم نیروی مقاومت و نیروی انتظامی جهت بررسی و پاسخ ارسال شد در صورت دریافت پاسخ در اولین فرصت انشاءالله تقدیم خواهیم نمود.

**چرا علی رغم وجود کمیته انضباطی دانشگاه و نصب پوسترهای مختلف مبنی بر رعایت شؤونات اسلامی هیچ کس جلو این بی بندباری ها را نمی گیرد و از بسیج دانشجویی که در این مسائل که دستش بازتر است خواهش می کنیم به کمیته انضباطی اطلاع داده و بخواهد واقعاً جلو این آرایش**

**پرسش**

چرا علی رغم وجود کمیته انضباطی دانشگاه و نصب پوسترهای مختلف مبنی بر رعایت شؤونات اسلامی هیچ کس جلو این بی بندباری ها را نمی گیرد و از بسیج دانشجویی که در این مسائل که دستش بازتر است خواهش می کنیم به کمیته انضباطی اطلاع داده و بخواهد واقعاً جلو این آرایش ها و لباس های مبتذل را بگیرد.

## پاسخ

از آنجائیکه پاسخ سؤال جنابعالی در حیطه وظائف نیروی مقاومت بسیج می باشد عین نامه حضرتعالی را به فرماندهی آن نیرو ارسال نمودیم در صورت دریافت پاسخ خدمت شما تقدیم خواهد شد. با تشکر از ارتباط شما .

## نظارت اجتماعی غیر رسمی

### امربه معروف و نهی از منکر

### چگونه می توان دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کرد که ناراحت نشوند؟

## پرسش

چگونه می توان دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کرد که ناراحت نشوند؟

## پاسخ

حتماً می دانید وجوب امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد و از جمله :

۱ خود آمر و ناهی از آن چه می خواهد نهی کند و یا ارشاد کند آگاهی داشته باشد؛

۲ بداند حرفش اثر دارد؛

۳ این که برای خودش و خانواده و بستگانش ضرر جانی و مالی و آبرویی و... نداشته باشد.

در صورت وجود چنین شرایطی اولاً: در میان جمع و افرادی طرف پیش آن ها آبرو و حیثیت دارد نباشد ثانیاً: با زبان نرم و لطیف با او برخورد کند. وقتی حضرت موسی به مقام نبوت رسید از طرف خداوند مأموریت پیدا کرد به اتفاق برادرش هارون پیش فرعون بروند و او را امر به معروف و نهی از منکر کنند خداوند به آن ها فرمود: وقتی پیش او رفتید با خشونت برخورد نکنید با زبان خوش و شیرین به او متذکر شوید. اذها الی فرعون انه طغی و قولاً له قولاً لئیناً. (۱)

و ثالثاً: ابتدا به صورت کنایه و غیر مستقیم به او متذکر شوید.

امام حسن مجتبی و امام حسین ۸ در حال طفولیت مردی را می بینند که وضوی کامل نمی گیرد و وضویش عیب دارد برای این که امر به معروف کنند. از این طریق وارد شدند که جناب آقا من و برادرم بر سر وضوی صحیح با هم اختلاف داریم . آمدیم پیش شما داوری کنید، هر دو وضو می گیریم بفرمایید وضوی کدام یک از ما صحیح است . وضوی صحیح گرفتند. پیرمرد متوجه شدند. هر دو را بوسیدند و گفتند: جانم

به قربان شما بسیار از راهنمایی شما متشکرم .

(پاورقی ۱. طه (۱۶) آیه ۴۳)

**در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟**

### پرسش

در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟

### پاسخ

در مورد سؤال، وظیفه شما برخورد با گناه است. چون امر به معروف و نهی از منکر در صورت شرایط واجب است، ولی اگر امر و نهی شما تأثیری ندارد، چیزی بر عهده شما نیست و از جمع ایشان فاصله بگیرید. صبر تفسیر دیگری دارد و آن صبر در برابر گناهی که برای خود او پیش آمده و در مصیبت و سختی طاعت خدا است.

صبر به معنای بی اعتنایی و سکوت و رضایت از گناه نیست.

**اگر ما مثلاً فرد یا افرادی را در حال ارتکاب گناه، نهی از منکر کنیم آیا رفتار ما درست است؟ یا باخشونت؟**

### پرسش

اگر ما مثلاً فرد یا افرادی را در حال ارتکاب گناه، نهی از منکر کنیم آیا رفتار ما درست است؟ یا باخشونت؟

### پاسخ

در خصوص سؤال شما تفصیلاً به عرض می رسانیم که امر به معروف و نهی از منکر در میدان گفتار و تذکر زبانی دارای شرایط ذیل است :

۱. شناخت واجب ترک شده توسط متخلف و شناخت منکر و حرام انجام شده توسط او

۲. احتمال تأثیر تذکر و امر و نهی

۳. علم به تکرار تخلف توسط متخلف



۴. عدم وجود مفسده در امر به معروف ونهي ازمنکر

بنابراین امر به معروف با شرایط فوق واجب و لازم و در صورت فقدان شرایط مذکور واجب نخواهد بود یعنی با شرایط ذیل واجب نیست :

۱. نداند آنچه انجام شده حرام است و ترک واجب

۲. بداند یا احتمال دهد عدم تأثیر گفتار و امر ونهیش را

۳. بداند یا احتمال دهد مفسده و ضرری را مگر در موارد مسائل پر اهمیتی مثل اصول دین و مذهب، حفظ قرآن و آرمانهای آن و عقاید و احکام ضروری اسلام که در آن صورت شرط سوم حذف خواهد گردید.

لازم به یادآوری است با فقدان شرایط امر به معروف ونهي ازمنکر حکم وجوب گفتاری و تذکر کلامی برداشته خواهد شد ولی امر به معروف عملی در حذف بسترهای گناه و منکرات و استفاده از ابزار بازدارنده و وظیفه دیگری است که فعلاً به عهده قوه قضائیه و نیروی انتظامی است. حضرت آیت ا...العظمی خامنه ای "مدظله العالی" در این باره فرموده اند : "با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می توان مراتب دیگر امر به معروف ونهي ازمنکر را که بعد از مرحله امر ونهي زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره ای جز اعمال قدرت از

طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز با توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند و این منافاتی با فتاوی امام راحل "ره" در این رابطه ندارد. ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی نیست، بر کلفین واجب است در صورت وجود شرائط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند."

برای پژوهش بیشتر به رساله توضیح المسائل حضرت امام "ره" رجوع کنید.

(۱) اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری، ج ۲، ص ۳۳۱، ص ۱۰۸۸

**اگر در مجلسی بنشینید که گناه می کنند (مانند خانه خاله، نوار ترانه گذاشته اند و نمی توانی بگویی خاموش کن چون آبروی تو جلوی جمع می رود و مثلاً رفیق ها دارند غیبت می کنند و نمی توان گفت ساکت شو...) این چه اشکالی دارد خیلی توضیح دهید.**

#### پرسش

اگر در مجلسی بنشینید که گناه می کنند (مانند خانه خاله، نوار ترانه گذاشته اند و نمی توانی بگویی خاموش کن چون آبروی تو جلوی جمع می رود و مثلاً رفیق ها دارند غیبت می کنند و نمی توان گفت ساکت شو...) این چه اشکالی دارد خیلی توضیح دهید.

#### پاسخ

در مورد حضور در مجلسی که در آن مجلس یقیناً گناه و معصیت خدا صورت می گیرد بدون شک باید شما تکلیف خودتان را مشخص کنید. انجام وظیفه شرعی و دینی خجالت و حیا بردار نیست. اگر کسی به دلیل خجالت و امثال آن از ادای تکلیف سرباز زند مسلماً برخلاف دستورات شرعی و دینی عمل کرده است. اگر می توانید مانع ادامه گناه و معصیت شوید جلوگیری از آن بر شما لازم و واجب است. و اگر نمی توانید، و یا کلام و بیان شما تأثیری ندارد باید در آن مجالس شرکت نکنید. البته اگر بتوانید با تدبیر و اظهار محبت و علاقه بحث را عوض کرده و مسیر صحبت را تغییر بدهید بسیار خوب است. درباره چگونگی عمل در این موارد نمی توان یک نسخه عمومی پیچید تا همگان اجرا کنند چرا که روحیات افراد، فرهنگ و آداب و رسوم و اخلاق و سلیقه های مردم با یکدیگر متفاوت است بنابراین متناسب با موقعیت زمانی و مکانی و افراد مورد خطاب باید اقدام اصلاح گرایانه انجام داد. مثلاً با توجه به شناختی که از مجالسی شبیه آنچه ذکر کرده اید، قبلاً نوارهای موسیقی و آهنگ های مجاز و متناسب با مجلس تهیه کنید و قبل از آنکه دیگران نوار بگذارند، شما آن نوار یا نوارها را برای پخش ببرید و در وصف آن توضیح دهید. ممکن است موفق شوید مسیر را عوض کنید. اگر مقاومت کردند و حاضر نبودند به گفته شما عمل بکنند با مهربانی و عطف و بیان مضرات و آثار مخرب موسیقی غنایی و عذرخواهی مجلس

را ترک کنید. سعی کنید زیاد مقدس مآبی در نیاورید چنانکه تمام آهنگها را غیر مجاز بشمارید و از سوی دیگر در برابر آهنگ ها و موسیقی های نامشروع بی تفاوت نباشید. در مورد مجلس غیبت نیز تکلیف این است که در صورت امکان مانع از غیبت شویم که البته شاید بهترین روش عوض کردن موضوع بحث باشد به گونه ای که حاضران نیز متوجه نشوند شما قصد دارید بحث را عوض کنید بلکه القاء کنید که واقعاً خواهان بحث و مناظره در یک موضوع خاص هستید. این کار نیازمند برنامه ریزی و فکر و تأمل قبلی است. اگر با این روش نتوانستید مانع انجام گناه و معصیت (غیبت) شوید با بیان آثار مخرب غیبت به حاضران تنبه بدهید.<sup>۱۱</sup> "در صورتی که متقاعد نشدند، با کمال احترام و ادب و بدون هیچگونه توهین و اهانت حتی به کنایه و با عذرخواهی مجلس را ترک کنید. البته نه اینکه قهر کنید و از آن پس دیگر با آن افراد رابطه نداشته باشید بلکه باید القاء کنید که از عمل آنها ناراحت بودید نه شخص خودشان. اگر محبت و علاقه مندی شما رانسبت به خودشان احساس کنند متنبه شده و از کار خلاف دست خواهند کشید و یا به احترام شما از آن اجتناب خواهند ورزید. مهم این است که شما با نهایت عزت و احترام و کرامت انسانی رفتار کنید در این صورت هم از محبوبیت برخوردار خواهید شد و هم قادر خواهید بود در جامعه تأثیر گذار و هدایتگر باشید.

یک راه دیگر برای دوری از محیط گناه این است که از مجلس به بهانه کاری خارج شوید و یا اینکه به بهانه کمک به متولیان و همکاری در تدارک کارهای بیرونی محیط را ترک کنید. خلاصه این که دینداری هزینه هایی دارد که شخص دیندار باید آنرا پردازد. "بهشت را به بها می

(۱) از جمله این آیه قرآن را می توانید ذکر کنید که می فرماید: "ولا یغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان تأکل لحم اخیه میتاً فکرمه" (غیبت همدیگر را نکنید زیرا مثل خوردن گوشت مردار برادر دینی است که از آن کراهت دارید...)

شهید مظلوم آیت... دکتر بهشتی

**فردی که دوست دارد بنده واقعی خداوند باشد و همه دستورهای اسلام را عملی کند، لکن اطرافیان و دوستانی دارد که به رعایت دستورهای الهی پای بند نیستند؛ در این مورد وظیفه چیست گاهی انسان در مجلسی حاضر می شود که بعضی غیبت می کنند و اگر آن ها را نهی از منکر کند،**

### پرسش

فردی که دوست دارد بنده واقعی خداوند باشد و همه دستورهای اسلام را عملی کند، لکن اطرافیان و دوستانی دارد که به رعایت دستورهای الهی پای بند نیستند؛ در این مورد وظیفه چیست گاهی انسان در مجلسی حاضر می شود که بعضی غیبت می کنند و اگر آن ها را نهی از منکر کند، اعتنا نمی کنند؛ در این مورد چه باید کرد؟

### پاسخ

تصمیم و اراده نیک و ارزش مندی که شما در راه رسیدن به سعادت و کمال گرفته اید، قابل ستایش است امید است توفیق الهی شامل حال شما شود که بتوانید همه دستورهای اسلام را عملی کنید، و بنده واقعی خدا باشید. یکی از شرایط مهم برای رسیدن به این هدف دوری از افرادی است که ضعف اخلاق و ایمان دارند، و به دستورهای دینی بی توجهی می کنند. آرزو و تصمیم گرفتن فرد برای نایل شدن به کمال و رسیدن به درجه بالایی تقوا، با معاشرت کردن با افرادی که ایمان ضعیف دارند، سازگار نیست مگر این که شما بتوانید در آن ها اثر گذارید، و آنان را به رعایت دستورهای اسلام وادار سازید؛ در غیر این صورت باید از آن ها دوری کنید. تأثیر معاشرت در خوش بختی و سعادت و یا بدبختی و شقاوت امری انکارناپذیر است قرآن مجید، ضمن یک آیه سرنوشت افرادی که در اثر معاشرت به انحراف کشیده شده اند، بازگو می فرماید: "و یوم یعض الظالم علی یدیه یقول ۞ یلینتی اتخذت ۞ مع الرسول ۞ سیلا یویلتی ۞ لینتی لم اتخذ فلاناً خلیلاً لقد اضللتنی عن الذکر بعد إذ جانی وکان الشیطن ۞ للانس ۞ خذولاً ۞ (فرقان ۲۷۲۹)" و به خاطر بیاور روزی که ظالم

دست خویش را از شدت حسرت به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با رسول خدا ۹ راهی برگزیده بودم ای وای بر من کاش فلان [شخص گمراه را دوست خود انتخاب نکرده بودم او مرا... یاد حق گمراه ساخت بعد از آن که آگاهی به سراغ من آمده بود. " اما اگر انسان در مجلسی شرکت کند که عده ای در حال غیبت کردن هستند، چنان چه نهی از منکر وی در آنان اثر نکند، باید از مجلس خارج شود و گوش دادن به غیبت مانند خود غیبت کردن حرام است و غیبت از گناهان کبیره ای است که قرآن با تشبیه بی سابقه ای از آن نهی فرموده است "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (حجرات ۱۲) هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد. [به یقین همه شما از این امر کراهت دارید. " عرفا و بزرگان اخلاق در انجام وظایف دینی و ترک محرمات خیلی جدی بودند. در مجلس مرحوم میرزا جواد آقا ملکی که از علمای بزرگ اخلاق و عرفان بودند، روزی یکی از حاضران غیبتی کرده بود، این عالم بزرگ به شدت ناراحت می‌شود و به وی خطاب می‌کند: "چهل روز مرا به زحمت انداختی ( رساله لقاء الله، میرزا جواد آقا، ملکی تبریزی ص ) غیبتی که بی اختیار یک عالم بزرگ می‌شود، برای این که اثر این غیبت را در روح خود از

بین

ببرد، به چهل روز عبادت و بندگی بیش تر در برابر ذات الهی نیاز پیدا می کند؛ بنابراین برای اصلاح نفس و رسیدن به کمال باید به طور کامل مراقب بود که هیچ گونه کار حرامی از انسان سر نزنند. بدیهی است هر فردی با اراده جدی و ایجاد شرایط لازم می تواند به مطلوب و خواست خود نایل شود و برای توفیق در هر امر، باید از ذات الهی و امامان کمک گرفت قرآن در این باره می فرماید: "وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت ۶۹) کسانی که در راه ما جهد و کوشش کردند، محققاً آن ها را به راه خوبش هدایت می کنیم و خدا همیشه با نیکوکاران است "

**هنگامیکه شخص در صورت انجام فریضه امر به معروف ونهی از منکر با اینکه توانایی هم دارد مورد تمسخر قرار می گیرد باید چگونه وظیفه اش را انجام دهد بطوریکه هم رضایت خداوند جلب شود وهم نهایت راهنمایی را درقبال مردم مسلمان به انجام رساند؟**

### پرسش

هنگامیکه شخص در صورت انجام فریضه امر به معروف ونهی از منکر با اینکه توانایی هم دارد مورد تمسخر قرار می گیرد باید چگونه وظیفه اش را انجام دهد بطوریکه هم رضایت خداوند جلب شود وهم نهایت راهنمایی را درقبال مردم مسلمان به انجام رساند؟

### پاسخ

مسأله امر به معروف ونهی از منکر یکی از بزرگترین فرائض و واجبات الهی است که به تعبیر روایت «بها تقام الفرائض» قوام واجبات دیگر الهی بستگی به اقامه این فریضه بزرگ دارد ولی این واجب بزرگ همراه با شرائطی است که در صورت وجود آن شرائط واجب می شود بر هر کس که توان آن را دارد. که از جمله آن شرائط احتمال تأثیر است. اگر انسان می داند که تأثیر نمی کند واجب نیست و یکی دیگر از شرائط این است که موجب ضرر جانی یا آبرویی برای امر به معروف یا برای دیگران نشود و دیگر اینکه بدانیم آن فرد قصد تکرار و ادامه آن گناه را دارد پس با بودن شرائط لازم این فریضه بزرگ واجب می شود و مجرد اینکه مورد استهزاء و تمسخر قرار گرفت مجوز برای ترک نیست. نهایت امر این است که مراحل امر به معروف کاملاً رعایت شود.

و نحوه برخورد و زمان برخورد مکان برخورد همه کاملاً به دقت مورد توجه قرار گیرد و کسی که تصمیم بر اقامه این فریضه بزرگ گرفته کاملاً به موارد و ریزه کاریهای آن آشنا باشد چه بسا این فریضه با یک ترک معاشرت و یا انجام آن و یا اخم کردن و یا با روی باز برخورد کردن انجام شود و این نسبت به افراد و روحیات فرق می کند پس اگر در موردی که باید با زبان خوش برخورد کند

باتندی و خشونت برخورد کرد و یا برعکس قطعاً اثر لازم را نخواهد داشت.

پس این فریضه بزرگ از مهمترین فرائض الهی است ولی برای انجامش زمان و مکان و شرائط خاص می طلبد که در صورت وجود آن شرائط برمکلف واجد شرائط واجب می شود و در این صورت . صرف تمسخر کردن دلیل بر ترک آن نخواهد بود مگر اینکه منجر به ریختن آبروی خود فرد و یا دیگری شود و گرنه در هر عصر و زمانی عده ای از شیاطین انسی هستند که روش اهل حق را به تمسخر می گیرند و تمام تلاششان عدم پیاده شدن برنامه های الهی در جامعه است و در بسیاری از موارد هم با برخورد سنجیده و حساب شده ای که انجام می شود همین افراد تحت تأثیر واقع می شوند و از کرده خود پشیمان می شوند.

**بسیار علاقه مندم که طعم شیرین طاعت و بندگی خدا و معارف الهی را که به فضل خدا تا حدودی به من چشانده شده است و حقانیت آنها را درک کرده ام به سایر دوستان و هم سن و سال های خودم تذکر دهم لازمه حرکت در مسیر الی الله تقید به احکام شرعی و در اولین قدم آن داشتن مر**

### پرسش

بسیار علاقه مندم که طعم شیرین طاعت و بندگی خدا و معارف الهی را که به فضل خدا تا حدودی به من چشانده شده است و حقانیت آنها را درک کرده ام به سایر دوستان و هم سن و سال های خودم تذکر دهم لازمه حرکت در مسیر الی الله تقید به احکام شرعی و در اولین قدم آن داشتن مرجع تقلید است اما در بحث با دیگران و به تعبیری کار فرهنگی انجام دادن ، طرف مقابل بحث به رفتار و کردار برخی حاملان فرهنگ اسلام ( برخی روحانیون ) بحث را منحرف می کنند و اساساً به دلیل عملکرد بعضی ها دیگر حرف اسلام و قرآن و اهل بیت را هم نمی شنوند و به نوعی همه حرف هایی را که در کتب معارف مدرسه هم خوانده ایم تکذیب می کند و می گوید اینها

(روحانیون) به ما دروغ گفته اند. در شرایط فعلی وظیفه ما در قالب امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

## پاسخ

درباره چگونگی امر به معروف، نخست باید انگیزه کسانی که سستی می ورزند شناخته شود چنان که در قرآن مجید انگیزه برخی منکران معاد را هوسرانی دانسته است «بل یرید الانسان لیفجر امامه؛ [انسان برهان برخلاف معاد ندارد] بلکه او می خواهد رها باشد و جلو خود را [برای گناه] باز کند» (قیامت، آیه ۵).

بنابراین برای کسانی که آمادگی گفت و گو دارند باید توجیه شود که نقطه ضعف برخی روحانیان نباید موجب عدم التزام به احکام شرعی باشد، زیرا احکام شرعی مربوط به اصل دین است و از سوی مراجع تقلیدی است که به طور عموم انسان های وارسته و عالم می باشند، لذا به آنها گفته شود که اصول اعتقادی نیاز به تقلید ندارد بلکه خودشان با تفکر و تحقیق باید توحید و نبوت و امامت و معاد را باور کنند.

و درباره مسائل ضروری دین مانند اصل نماز و روزه و... باز هم نیاز به تقلید نیست اما هر مسلمانی باید علاوه بر رعایت ارزش های انسانی صداقت و امانت و پاکی از گناه، باید به احکام شریعت اسلام نیز پایبند باشد اگر خود او تحصیلات لازم برای به دست آوردن احکام را دارد نیازی به تقلید ندارد و در غیر این صورت از حاصل تلاش های مرجع تقلید می تواند استفاده کند و مسؤولیت حکم الهی را به عهده او بگذارد.

بنابراین در هنگام گفت و گو با دیگران باید انگیزه مخالفت آنان ریشه یابی شود و متناسب با هر کدام به



رفع آن پرداخت. در ادامه به برخی از شرایط امر به معروف به طور کلی اشاره می شود.

مسأله امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امر به معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعاً منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند، لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت:

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقاً فراگیرند.

۲- امر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق و التزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتر است امر به معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق، چند گونه اند:

گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند، نه تنها ناراحت نمی شوند، بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند.

گونه دوم- انسان های بی

تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد، استقبال نمی کنند.

گونه سوم - انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما" در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند.

در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما" اگر آمر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او، شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند، عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا- خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم :

۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید.

۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد.

۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه و اشاره گوشزد کنید.

۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبہ ایشان پردازید.

۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید.

۶- از تندى و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید.

۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت

سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی پیرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید.

۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید.

۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذكر فان الذكري تنفع المؤمنين»، (ذاریات، آیه ۵۵). از این رو تا آنجا که احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید.

۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید، شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین» پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور، آیه ۵۴).

شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است:

الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار.

ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند.

ج. احتمال تأثیر بدهد.

د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد.

مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

**با رفقایی که در برخوردها و صحبتهایشان مراعات ادب نمی کنند و حرف های رکیک می زنند چه برخوردی داشته باشیم**

**پرسش**

با رفقایی که در برخوردها و صحبتهایشان مراعات ادب نمی کنند و حرف های رکیک می زنند چه برخوردی داشته باشیم

**پاسخ**

اگر احتمال می دهید که امر به معروف و نهی از منکر در آنها تأثیر داشته باشد، لازم است که آنها را ارشاد نمایید، ولیاگر امیدی به اصلاح آنها ندارید و ترس داشته باشید که رفت و آمد و همنشینی با آنها در اخلاق و رفتار شما تأثیر سوء داشته باشد، سزاوار است که از ادامه مجالست و همنشینی با آنان خودداری کنید. شرط های بی جا نیز گرچه چیز لغوی است، ولی تا وقتی که همراه با غیبت، دروغ، توهین، تمسخر و فحش نباشد حرام نیست.

**اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به حرمت مهمان می توان او را نهی نکرد؟**

## پرسش

اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به حرمت مهمان می توان او را نهی نکرد؟

## پاسخ

کسی که غیبت می کند چه در منزل خود انسان باشد و چه در منزل دیگر باید انسان به وظیفه اش عمل کند و امر به معروف و نهی از منکر را با شرایطی که دارد در مورد او انجام دهد. چه بسا حق و حرمت مهمان، شایسته انسان باشد که از گناه محفوظ ماند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

## یک مسلمان در برابر رفتار غیر اخلاقی دیگران چه وظیفه ای دارد؟

## پرسش

یک مسلمان در برابر رفتار غیر اخلاقی دیگران چه وظیفه ای دارد؟

## پاسخ

در پاسخ باید گفت: در این جا ما با دو ارزش متقابل و متزاحم، رو به رو هستیم که رعایت هر دو با هم ممکن نیست؛ چرا که از یک سو، ما نباید در مورد رفتار دیگران بی تفاوت باشیم و در یک نظام اسلامی، همه اعضای جامعه، باید بر رفتار یکدیگر نظارت داشته باشند؛ زیرا در نظام اسلامی وظایفی به عهده مسلمانان گذارده شده است؛ مانند لزوم ارشاد مردم و دعوت انسان ها به انجام کارهای خیر، توصیه یکدیگر به حق و امر به معروف و نهی از منکر، که این با بی تفاوتی و گذشتن از هر گونه کاری که دیگران انجام دهند، سازش ندارد.

و از سوی دیگر، کار غیر اخلاقی ای که او مرتکب می شود، پنهان و دور از دید دیگران است و هیچگاه مایل نیست کسی از این کار او آگاه شود. بنا بر این، رعایت کرامت انسان و حفظ عرض و آبروی او مطرح است و خدای متعال هیچ گاه راضی نیست که آبروی انسانی ریخته شود، هر چند که او انسان گنهکاری باشد.

بنا بر این، از یک سو، نباید راز او کشف شود و از سوی دیگر، باید او را درمان کرد و از مهلکه نجات داد.

حال اگر این دو ارزش، قابل جمع باشند و بتوان کاری کرد که بدون آبرو ریزی او، حتی نزد شخص ارشاد کننده، به خود آید و دست از آن کار زشت بردارد، در این صورت، اشکالی پیش نمی آید؛ مانند آن که ارشاد کننده، شخص گنهکار را به خواندن یک

کتاب توصیه کند و یا به صورت کلی او را نصیحت و موعظه کند و بدون آن که او متوجه شود که از کار زشتش با خبر است، زیان های آن کار را به وی گوشزد کند تا بدین وسیله، هم آبرویش حفظ شود و هم به کار زشت خویش متنبه گردد.

ولی با کمال تأسف باید بگوییم که غالباً، این کار میسر نیست و جمع این دو ارزش، عملاً امکان ندارد. اگر انسان بخواهد شخص گنهکار را ارشاد کند، خواه و نا خواه، او در می یابد که او از گناهش آگاه شده است. بنا بر این، بدون شک، نباید کاری کنیم که شخص ثالثی از کار مخفیانه شخص گنهکار، آگاه گردد و سر او نزد دیگران فاش شود.

پرسش دیگر این است که با فرض این که کتمان سر و ارشاد گنهکار، هر دو با هم میسر نیست، آیا شایسته است برای ارشاد او در مورد گناه مخفی وی اظهار اطلاع کند یا به شکلی با وی سخن بگوید که بفهمد رازش نزد او فاش شده است؟

در پاسخ می توان گفت: اگر راه اصلاح وی منحصر به چنین اظهار اطلاع یا گفتار و رفتاری که نشانه آگاهی او است، باشد، مصلحت نجات او مقدم بر حفظ اسرار او خواهد بود؛ چون اگر هیچ نگوید، به گناه خود ادامه خواهد داد و تداوم گناه، سبب هلاکت او می شود. بنا بر این، در چنین فرضی باید دست او را گرفت و از سقوط نجاتش داد؛ ولی به گونه ای که تا آن جا که ممکن است آبرویش حفظ شود و موجب شرمساری و رسوایی او نشود

که در غیر این صورت، خود ارشاد کننده نیز مرتکب گناه دیگری شده و نیاز به ارشاد دیگران خواهد داشت.

**آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟**

**پرسش**

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟

**پاسخ**

به نظر امام خمینی ((رحمه الله)) در صورتی که ترسی از فتنه و فساد نباشد، لازم نیست با خانواده - بخصوص مادر و پدر- قطع رابطه شود؛ بلکه باز هم باید آنان را نصیحت و ارشاد نمود و با خشونت با آنان برخورد نکرد آری باید سعی کنیم که تحت تأثیر دعوت آنان به مطالب خلاف شرع قرار نگیریم. در آیه ای از قرآن چنین می خوانیم: «و ما به انسان توصیه نمودیم که به والدین خود نیکی کند و اگر آنان کوشش نمودند که در آن چیزی که تو به آن دانش نداری به من (خداوند) شرک بورزی اطاعت نکن. بازگشت شما به سوی من است پس شما را از آنچه عمل می کنید، با خبر خواهم کرد.» (۱)

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره عنکبوت، آیه ۷.

۳

**آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟**

**پرسش**

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

**پاسخ**

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به

گناهکاران نگاه کنیم و با این که از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، اما قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفق کند تا از گناه منصرف شوند راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۹

### آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

#### پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

#### پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، اما قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

### برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

#### پرسش

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

### پاسخ

کسانی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند، ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود، نداشته باشند.

اما تحریک جامعه به سوی اصلاح عنصر گنجانده شده است: ۱. تبیین اهداف بلند و خوبیها. ۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در راه این اهداف.

کسانی که تحریک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند را از آنچه می توانند باشند نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده، انتظار چای نمی تواند داشته باشد در قرآن کریم اهتمام بسیاری به سازندگی وجود دارد. با این وجود یونس ((علیه السلام)) را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ امامان ((علیهم السلام)) و احادیث آنان نیز چگونگی دعوت و پایداری در راه آن و طبقه بندی افراد، فرهنگ تحریک و اصلاح بیان شده است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳

**آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟**

### پرسش

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟

### پاسخ

به نظر امام خمینی ((رحمه الله)) در صورتی که ترسی از فتنه و فساد نباشد، لازم نیست با خانواده - بخصوص مادر و پدر- قطع رابطه شود؛ بلکه باز هم باید آنان را نصیحت و ارشاد نمود و با خشونت با آنان برخورد نکرد آری باید سعی کنیم که تحت تأثیر دعوت آنان به مطالب خلاف شرع قرار نگیریم. در آیه ای از قرآن چنین می خوانیم: «و ما به انسان توصیه نمودیم که به والدین خود نیکی کند و اگر آنان کوشش نمودند که در آن چیزی که تو به آن دانش نداری به من (خداوند) شرک بورزی اطاعت نکن. بازگشت شما به سوی من است پس شما را از آنچه عمل می کنید، با خبر خواهم کرد.» (۱)



(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره عنكبوت، آیه ۷.

۳

### آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

#### پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

#### پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با این که از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، اما قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفق کند تا از گناه منصرف شوند راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۹

### آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

#### پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

#### پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد.

این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، اما قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

### برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

#### پرسش

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

#### پاسخ

کسانی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند، ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود، نداشته باشند.

اما تحریک جامعه به سوی اصلاح عنصر گنجانده شده است: ۱. تبیین اهداف بلند و خوبیها. ۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در راه این اهداف.

کسانی که تحریک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند را از آنچه می توانند باشند نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده، انتظار چای نمی تواند داشته باشد در قرآن کریم اهتمام بسیاری به سازندگی وجود دارد. با این وجود یونس ((علیه السلام)) را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ امامان ((علیهم السلام)) و احادیث آنان نیز چگونگی دعوت و پایداری در راه آن و طبقه بندی افراد، فرهنگ تحریک و اصلاح بیان شده است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳

## وظیفه کسی که دائم در محل کار و سکونت غیبت و تهمت می شنود، چیست

### پرسش

وظیفه کسی که دائم در محل کار و سکونت غیبت و تهمت می شنود، چیست

### پاسخ

خواهر عزیز، پاسخ شما را با یک مثال ساده بیان می کنیم اگر روزی به شما خبر بدهند که در محیط کار و حتی حیثاً در محل سکونتتان ویروسی خطرناک و کشنده وجود دارد، شما چه می کنید؟ از دو راه می توانید وارد عمل شوید: یا محیط آلوده را ترک کرده راه فرار را انتخاب می کنید یا با آن ویروس مبارزه می نمائید که این راه مؤثرتر است مخصوصاً اگر روش و ابزار مبارزه را در اختیار داشته باشید. اگر فرار چاره کار شما باشد به هر وسیله متوسل می شوید تا فرار کنید حتی اگر محتاج نان شب باشید و یا سرپناهی به جز محل سکونتتان نداشته باشید. اما در این صورت هم شما می توانید مطمئن باشید که با فرار، از خطر این ویروس در امان هستید! چرا که ممکن است این ویروس در مکانهای دیگر هم باشد مخصوصاً اگر از نوع سرایت کننده نیز باشد. پس مفیدترین و عاقلانه ترین راه مبارزه و از بین بردن آن است

### حال در مورد غیبت

در این مورد نیز دو راه پیش رو دارید. مسلماً فرار، همیشه راه نجات نیست به خصوص که نمی توانید مطمئن باشید که در هیچ محل دیگری غیبت نمی شود. بنابراین مفیدترین و عاقلانه ترین راه مبارزه و از بین بردن آن است تا نه تنها شما، بلکه افراد دیگر جامعه نیز در امان باشند.

در نتیجه اگر کسی در حضور شما از فردی غیبت کرد، شما باید هم او را منع و هم از غیبت

شونده دفاع کنید و چنانچه زمینه امر به معروف و نهی از منکر فراهم باشد، این کار واجب است حتی اگر غیبت کننده تذکر شما را نپذیرد، نباید راضی شوید، بلکه باید اظهار نارضایتی کرده و از غیبت شونده دفاع و در بعضی موارد مجلس را ترک کنید. در هر صورت برای غیبت شونده نیز طلب مغفرت نمائید. در مورد تهمت نیز همین امر حاکم است در هر صورت شما نباید در برابر این دو گناه کبیره که موجبات عذاب الهی را فراهم می سازد، بی تفاوت بوده یا خدای ناکرده دیگران را در این کار همراهی نمائید.

امیدواریم با توکل به خداوند متعال و عزم خود، به سالم سازی محیط کار و سکونت خود پرداخته در این امر عنایت الهی نیز شامل حالتان شود.

**همیشه دیگران را امر به معروف می کنم اما در مجالس گناه مانند مجالس غیبت قدرت جلوگیری از منکر را ندارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟**

**پرسش**

همیشه دیگران را امر به معروف می کنم اما در مجالس گناه مانند مجالس غیبت قدرت جلوگیری از منکر را ندارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

**پاسخ**

خواهر گرامی امر به معروف و نهی از منکر بر تک تک ما، واجب است اما با وجود این اگر احساس می کنید که قدرت جلوگیری از منکری را ندارید، وظیفه شما این است که به عنوان اعتراض به انجام معصیت محل را ترک کنید. و این خود به نوعی جلوگیری از گناه است و اگر امکان ترک محل نیست به هر صورتی که می توانید، از وضع موجود، اظهار ناراحتی نمایید، گر چه به صورت بی اعتنایی و گوش ندادن به صحبت طرف مقابل باشد. و در صورتی که هیچ یک از این راهها برای شما ممکن نباشد برای شخصی که غیبت او را شنیده اید، طلب استغفار نمایید.

**لطفاً وظیفه و چگونگی امر به معروف و نهی از منکر را درباره رانندگان و همسایگانی که اقدام به پخش موسیقی می کنند یا برخی افرادی که در مجالس عروسی می رقصند و به ارشادات ما گوش نمی دهند، بیان کنید؟**

**پرسش**

لطفاً وظیفه و چگونگی امر به معروف و نهی از منکر را درباره رانندگان و همسایگانی که اقدام به پخش موسیقی می کنند یا برخی افرادی که در مجالس عروسی می رقصند و به ارشادات ما گوش نمی دهند، بیان کنید؟

**پاسخ**

در قرآن کریم آیات متعددی درباره امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که شماری از آن ها عبارتند از: آیات و ۱۱۴ آل عمران ۷۱ و ۱۱۲ توبه ۱۷ لقمان و ۴۱ حج

خدای متعال در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می فرماید: "شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید، به کار پسندیده فرمان می دهید،" تأمرون بالمعروف و از کار ناپسند باز می دارید،" و تنهون عن المنکر" و به خدا ایمان دارید...". در آیه ۱۱۲ توبه آمده است "(آن مؤمنان همان توبه کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه داران رکوع کنندگان سجده کنندگان وادارندگان به کارهای پسندیده بازدارندگان از کارهای ناپسند، و پاسداران مقررات خدایند و مؤمنان را بشارت ده " در آیه ۱۷ سوره لقمان آمده است لقمان پسر خود را نصیحت می کند و می گوید: "ای پسر کوچک من نماز را به پادار و به کار پسندیده وادار، و از کار ناپسند بازدار، و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکبیا باش این [حاکمی از عزم] و اراده تو در [امور است"

خدای بزرگ در آیه ۳۴ سوره نساء، شیوه امر به معروف را بیان می فرماید:

در این آیه سلسله مراتبی در امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است که ابتدا از پند و نصیحت

شروع می شود و به صورت بی اعتنایی تنبیه ابتدایی و... تا مراحل دشوار پیش می رود. به عبارت دیگر، از آسان ترین مرحله شروع می شود و چنانچه لازم باشد تا سخت ترین مرحله مجاز ادامه می یابد؛ البته این سیر کلی در امر به معروف و نهی از منکر است ولی این که آسان ترین مرحله و شیوه های برخورد اولیه چیست و چگونه و تحت چه ضوابطی این کار را باید شروع کرد در قرآن کریم در این باره آیاتی وجود دارد، از جمله

۱. خیرخواهی خداوند متعال می فرماید: "پیغام ها و رسالت های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و همانا برای شما خیرخواهی امینم . (اعراف ۶۸) آمر و ناهی باید خیرخواه شخص نصیحت شونده باشد.

۲. جدال احسن خداوند متعال می فرماید: "ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ - أَحْسَنُ... (نحل ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آن به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره نما..."

حکمت به معنای دانش و منطق و استدلال و موعظه نیکو، استفاده از عواطف انسان هاست جدال احسن در صورتی است که حق عدالت امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هر گونه جسارت توهین تحقیر و... پرهیز شود.

۳. صلابت در سخن آمر و ناهی باید در سخن خود قاطع باشد.

۴. تطابق قول و فعل قرآن کریم می فرماید: "آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خودتان را فراموش می کنید [خود آن را ترک می کنید]..." (بقره ۴۴) پس قول و

فعل آمر و ناهی باید مطابق هم باشد.

۵. رهنمودهای روان شناسی روان شناسان با استفاده از تجربه به نکاتی در زمینه هدایت و پرورش و چگونگی و راهبردهای آن رسیده اند که آگاهی از آن ها در پیشبرد تکریم شخصیت مخاطب مؤثر است قبل از برخورد و نصیحت می توان نکات مثبتی از اخلاق درس ورزش و... را از مخاطب به زبان آورد و وی را به خاطر آن تمجید کرد؛ آن گاه تذکر داد که چنین شخصیتی (مثلاً در رتبه علمی و یا سطح ورزشی شایسته نیست چنین کار ناپسندی را مرتکب شود و... (ر.ک تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۳۵۴۸ و ج ۴، ص ۳۷، دارالکتب الاسلامیه )

از نظر اسلام امر به معروف و نهی از منکر در انجام امور واجب و ترک محرمات بر همه مسلمانان بر اساس شرایط و ضوابط آن واجب است و در انجام امور مستحب و ترک مکروهات مستحب است

ضمناً وجوب امر به معروف و نهی از منکر چهار شرط دارد:

۱. شناخت معروف و منکر توسط آمر و ناهی ۲. احتمال تأثیر

۳. عدم مفسده جانی عرضی و مالی برای آمر و دیگر مؤمنین ۴. تصمیم گناهکار بر اصرار بر گناه ر.ک رسائل توضیح المسائل امام خمینی مسئله ۲۷۸۶ ۲۸۲۵).

در این باره مطالعه کتاب امر به معروف و نهی از منکر، اثر حجه الاسلام قرائتی بسیار مفید است

**اگر در محلی مردم یا جمعی از دوستانمان از مسائل دینی بد می گویند، آیا باید آن ها را نصیحت کرد یا باید آن جا را ترک کنیم**

**پرسش**

اگر در محلی مردم یا جمعی از دوستانمان از مسائل دینی بد می گویند، آیا باید آن ها

را نصیحت کرد یا باید آن جا را ترک کنیم

## پاسخ

پرسش گرامی اگر می دانید که توضیحات شما درباره مسائل دینی و تشریح اهداف و حکمت و فلسفه احکام دینی و معارف اسلامی برای هدایت آن ها مؤثر است اقدام به توضیح و تشریح حکمت و فواید احکام و معارف اسلامی کنید و آن جمع را امر به معروف و نهی از منکر نمایید؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّهٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" (آل عمران ۱۰۴) باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن ها همان رستگارانند."

و در صورتی که احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر نیز منتفی است شما باید آن جمع و گروه را ترک کنی و از میان آن ها فاصله بگیری (برای آگاهی بیشتر، ر.ک توضیح المسائل مراجع سیدمحمد حسن بنی هاشمی خمینی ج ۲، ص ۶۱۸۶ تا ۲۷۸۶، فتاوی حضرت امام خمینی، انتشارات اسلامی قم)

پرسشگر گرامی مرکز فرهنگ و معارف قرآن طرحی را در دست تهیه و تدوین دارد با عنوان "طرح خادمان قرآن کریم که انشاءالله به زودی تکمیل و فعالیت خود را آغاز می کند در این طرح تمام پرسشگران محترم می توانند به عضویت آن دربیایند، با این مرکز قرآنی در ارتباط باشید، و جزئیات آن را در مکاتبات بعدی جویا شوید.

**الف آیا این حدیث درست است که خداوند افراد خوب قوم حضرت موسی غ را به علت امر به معروف و نهی از منکر نکردن و به خاطر سکوت در برابر گناه دیگران همراه با آن ها عذاب کرد؟ ب آیا از نظر خداوند و امام زمان غ درست است که در جامعه دختران و زنان با مانتوهای**

## پرسش

الف آیا این حدیث درست است که خداوند افراد خوب قوم حضرت موسی غ را به علت امر به معروف و نهی از منکر نکردن و به خاطر سکوت در



برابر گناه دیگران همراه با آن ها عذاب کرد؟ ب آیا از نظر خداوند و امام زمان غ درست است که در جامعه دختران و زنان با مانتوهای تنگ و آرایش به خیابان ها بیایند که اگر این وضع ادامه یابد، بی حجابی رواج پیدا می کند؟ آیا حوزه علمیه در سامان دهی این گونه امور، وظیفه ای ندارد؟

## پاسخ

الف آن چه در بخش نخست پرسش مطرح کرده اید، هم در قرآن کریم و هم در روایات بیان شده است داستان از این قرار است بعضی از بنی اسرائیل که در کنار دریا زندگی می کردند، در مقابل فرمان خداوند سرپیچی کردند و دیگر افراد آن قبیله در برابر این نافرمانی دو گروه شدند: نخست کسانی که در برابر این نافرمانی امر به معروف و نهی از منکر کرده و به وظیفه خود عمل نمودند، اما افراد دیگری که از خوبان نیز به حساب می آمدند، سکوت اختیار کردند و حتی به کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کردند، اعتراض نموده می گفتند چرا این کار را می کنید، خوب است چیزی نگویید. از آیات ۱۶۳ ۱۶۶ سوره مبارک اعراف استفاده می شود، گناه کاران و آن ها که در برابر این گناه سکوت اختیار کردند، هر دو عذاب شدند؛ هر چند عذاب گناه کاران سنگین تر بود: "فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَشِيرٍ يَمَسُّهُمْ فِي مَا هُمْ كَانُوا يَفْسُقُونَ (اعراف ۱۶۵) اما هنگامی که تذکراتی را که به آن ها داده شده بود فراموش کردند، نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم و آن ها را که ستم

کردند، به عذاب شدیدی به خاطر نافرمانی شان گرفتار ساختیم" این که در آیه آمده است نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم معنایش این است که دو گروه دیگر [گناه کاران و سکوت کنندگان را عذاب دادیم (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۶، ص ۴۱۷ ۴۲۴، دارالکتب الاسلامیه )

ب به یقین رعایت حجاب برای همه به ویژه زنان و بیرون نیامدن بانوان در حال زینت و با لباس تنگ امری واجب است و آیات ۳۱ ۳۳ سوره نور، به این مطالب اشاره فرموده است حوزه علمیه و همه افراد جامعه وظیفه دارند با رعایت مراحل امر به معروف و نهی از منکر، جلوی آن را بگیرند، هم چنان که کم و بیش به این تکلیف عمل می شود و به یقین اگر افراد سکوت کنند، نه تنها بی حجابی رواج می یابد، بلکه برای سکوت کنندگان عذاب الهی خواهد بود و خداوند و امام زمان غ به این امر راضی نیستند. امید آن که همه در هر جا به وظایف الهی خود عمل کنند تا جامعه شاهد این گونه نابسامانی ها نباشد. البته در به وجود آمدن این گونه شرایط، عواملی دخالت دارند که ریشه یابی آن عوامل از حوصله این پاسخ نامه خارج است

**با همسایگانی که نوار ترانه گوش می دهند و صدای نوارهای آنها ما را اذیت می کند چگونه برخورد کنیم ؟**

**پرسش**

با همسایگانی که نوار ترانه گوش می دهند و صدای نوارهای آنها ما را اذیت می کند چگونه برخورد کنیم ؟

**پاسخ**

**چگونه می توان افراد را از ارتکاب محرمات باز داشت**

**پرسش**

چگونه می توان افراد را از ارتکاب محرمات باز داشت

**پاسخ**

باید با شیوه صحیح آنها را امر به معروف و

نهی از منکر نمود، لذا شایسته است جهات

متعددی در نظر گرفته شود:

الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط

وجوب و مراتب آن.

ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود.

ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شود و سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود.

د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود آنها است.

ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت.

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنید یا شنید کس

و) جدولی برای خود تنظیم کنید و شرح شیوه های

کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در

پی بکارگیری شیوه ای موثرتر باشید.

ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و

از خداوند توفیق

بخواهید.

## **چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا دیگران ناراحت نند و آیا شرک ان به علت ناراحتی دیگران جایز**

### **پرسش**

چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا دیگران ناراحت نند و آیا شرک ان به علت ناراحتی دیگران جایز

### **پاسخ**

در مسئله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات

متعددی در نظر گرفته شود: الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و

شرایط وجوب و مراتب آن. ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل.

طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم

است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج)

حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا

امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شود و سپس تدریجا به بیان

ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک

مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی

یکی به دیگر مسائل پرداخته شود. د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود

که آنچه به ایشان تذکر داده می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود آنها

است. ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که بهیچوجه افراد از

امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول

صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی اینکه بپذیرند یا نه و

خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل

داشت. حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش

که نشنید یا شنید کس و) جدولی برای خود تنظیم کنید و شرح شیوه های

کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری

شیوه ای موثرتر باشید. ز) اخلاص در نیت

را حفظ نموده و از خداوند توفیق

بخواهید.

## با راننده ای که نوار غیر مجاز پخش می کند چگونه برخورد نماییم؟

### پرسش

با راننده ای که نوار غیر مجاز پخش می کند چگونه برخورد نماییم؟

### پاسخ

باید با شیوه صحیح آنها را امر به معروف و نهی از منکر نمود، لذا شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود:

الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن.

ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود.

ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شود و سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود.

د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود آنها است.

ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت.

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنید یا شنید کس و (جدولی برای خود تنظیم کنید و

شرح شیوه های کاربردی خود را با میزان تأثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه ای موثرتر باشید.

ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

**بهترین وظیفه ما در مقابل افرادی که موسیقی غیرمجاز گوش می دهند چیست؟ اگر این افراد مثلا هم اتاقیهای ما در خوابگاه باشند چطور؟**

**پرسش**

بهترین وظیفه ما در مقابل افرادی که موسیقی غیرمجاز گوش می دهند چیست؟ اگر این افراد مثلا هم اتاقیهای ما در خوابگاه باشند چطور؟

**پاسخ**

افرادی که در یک مکان با هم زندگی می کنند شایسته است به آداب و شرایطی که بر زمان و مکان حاکم است احترام بگذارند تا با مراعات آن آداب، محیطی مطلوب برای ایشان مهیا شود.

انسان آزاده و فرهیخته، حرمت و ادب حضور دیگران را نگه می دارد و از آنچه موجب رنجش هم نوع شود می پرهیزد بر همین اساس اگر به امور دینی هم نگاه کنیم حرمت ها و مرزها کاملا حفظ شده است برای مثال اگر چه مسجد محل عبادت است ولی صدای بلندگوی مسجد نبایستی موجب آزار همسایگان شود. یا فردی که مایل است قرآن را با صوت بلند و خوش تلاوت کند شایسته است مکان خلوتی را برای خود برگزیند و ... هر کس در امور مربوط به خود آزادی هایی نسبی دارد و در عین حال تا جایی که آزادی دیگران خدشه دار نشود، از نعمت آزادی عمل برخوردار است. هر کجا آزادی عمل شخص با آزادی دیگران تنافر و تناقض ایجاد کند، باید شخص حدود و اندازه های خود را بشناسد و سپس در حفظ حریم دیگران بکوشد همان طور که خود نیز دوست دارد تا حرمتش محفوظ بماند در خصوص افرادی که از موسیقی غیر مجاز و حتی مجاز استفاده می کنند همین قاعده جاری است که افراد باید قوانین و ضوابط و اخلاق فردی و اجتماعی را مراعات کنند مخصوصا در محیط خوابگاه یا خانه جمعی که اخلاق و آداب خاصی دارد



و لازم است این آداب بصورت یک فهرست مکتوب در اتاق ها نصب شود تا با استناد به آن آداب هر فرد خود را موظف به پایبند بودن به آنها نماید.

علاوه بر این مواردی که برخلاف عرف و شرع رخ می دهد باید با فرد خاطی از سر خیرخواهی و مصلحت اندیشی، گفتگو شود و با بیان متین و بهترین و مؤثرترین شیوه مواجهه صورت گیرد تا انشاءالله متنبه شود و یا حداقل خود را متعهد سازد در اندازه ای که دیگران حتی متوجه نشوند و مزاحمتی برای دیگران ایجاد نشود آزادی عمل داشته باشد.

اگر گروه غالب در خوابگاه مرتکب چنین عملی می شوند باز باید در جهت آگاه سازی ایشان اقدام کرد و چنانچه مؤثر نشد خود شما با یک برنامه زمان بندی شده سعی کنید کمترین زمان را در جمع آنها باشید و در زمان های دیگر از مکانهایی که از امنیت و آسایش بیشتری برخوردار است استفاده کنید تا انشاءالله ایشان از روش خود باز گردند به هر جهت برای اینکه دچار تأثیر وضعی اصوات نامشروع نشوید سعی کنید محل اسکان خود را تغییر دهید و حتی اگر هزینه ای در بر دارد آنرا تحمل نمائید تا از آثار سوء موسیقی غیر مجاز در امان بمانید.

و در صورتی که ناچار از بودن در جمع آنها هستید با عملکرد خوب انسانی و الهی با ایشان رفتار نمائید تا به تدریج بتوانید در آنها تأثیر بگذارید و به کار های خود مشغول باشید و به اصوات نامشروع گوش نکنید. و چنانچه عمدا گوش نکنید و ناچار از ماندن در آن مکان باشید در این

صورت خوردن صدای آن به گوش شما اشکال ندارد.

### **چرا مردم از امر به معروف و نهی از منکر ناراحت می شوند؟**

#### **پرسش**

چرا مردم از امر به معروف و نهی از منکر ناراحت می شوند؟

#### **پاسخ**

انسان ها در برخورد با حق، چند گونه اند:

۱- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند، نه تنها ناراحت نمی شوند، بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند.

۲- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت. چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد، استقبال نمی کنند.

۳- انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلماً در برابر حرف حق، واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروهانند کند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند.

در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است. مسلماً اگر امر به معروف، با در کدرستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی، اخلاقی و تربیتی او، شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند، عکس العمل مثبت طرف مقابل، بسیار بالا خواهد بود.

### **برای برخورد با افرادی که در خوابگاه ها تمایل به هم جنس بازی دارند چه باید کرد؟**

#### **پرسش**

برای برخورد با افرادی که در خوابگاه ها تمایل به هم جنس بازی دارند چه باید کرد؟

#### **پاسخ**

در راستای این سؤال، چند پیشنهاد به نظر می رسد که امید است مؤثر واقع شود:

۱ نهی از منکر از طریق ارشاد و گوشزد نمودن مفسد این رفتار (البته در کمال ملایمت و آرامش).

۲ جداسازی این افراد از یکدیگر و قرار دادن آنها در مجاورت افراد سالم.

۳ از طرف کمیته انضباطی یا دفتر نهاد نمایندگی و یا ارگان مربوطه دیگری، برای آنها اخطار کتبی فرستاده شود. البته این کار بسیار ظریفی است، فلذا دو نکته را باید رعایت کرد:

الف) ممکن است علیه ارگان و یا کسانی که چنین اخطاری را برای آنها می فرستند، دست به جو سازی بزنند، بنابراین باید مجهول و نامشخص باشد.

ب) ممکن است بفهمند که چه کسی راجع به آنها گزارش داده است و در نتیجه علیه خود او جو سازی کنند، که باید به گونه ای عمل نمود که چنین مشکلی ایجاد نشد.

۴- به اساتید معارف و اخلاق گوشزد شود که در وقت متناسبی، این عمل را به طور کلی و سربسته متذکر شوند.

۵ خودتان شخصا سعی کنید از این محیط و این گونه افراد فاصله بگیرید.

۶ می توان در این زمینه، جزوه ای تهیه نمود و مفسده این عمل را یادآور شد؛ لکن خود این مسأله ظریفی است که باید به گونه ای عمل نکرد که موجب اشاعه فحشا شود و تازه افرادی هم که مبتلا نیستند، حساس شوند.

۷ سرگرمی های سالم و اشغال وقت فراغت به فعالیت های متنوع نیز بی تأثیر نیست؛ گرچه مرقوم فرموده اید که بی فایده است؛ ولی به اعتقاد ما اگر به نحو مدبرانه ای عمل شود، در جلوگیری از این رفتار،

بی تأثیر نخواهد بود. }J

**لطفا در مورد امر به معروف و نهی از منکر مراحل و مراتب آن و منابعی که می توانم از آن استفاده کنم برایم بگویید؟**

**پرسش**

لطفا در مورد امر به معروف و نهی از منکر مراحل و مراتب آن و منابعی که می توانم از آن استفاده کنم برایم بگویید؟

**پاسخ**

در مسأله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود:

الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن.

امر بمعروف در مورد ترک واجبات و نهی از منکر در مورد انجام محرمات است و شرایطی دارد که بعضی از آن عبارتند از:

۱ امر به معروف و ناهی از منکر واجبات و محرمات را بشناسد

۲ کسی که مرتکب معصیت شده قصد تکرار آن را داشته باشد

۳ مراحل امر به معروف و نهی از منکر از آسان به شدید رعایت شود مثلاً- اگر با آرامش می توان نهی کرد از پرخاش خودداری شود.

۴ احتمال تأثیر داده شود.

۵ برای امر به معروف ضرر جانی یا مالی قابل توجهی نداشته باشد.

ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود.

ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شود و سپس تدریجاً به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود.

د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده

می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود آنها است.

ه ( ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت.

<Table align=center width=۹۵% cellpadding=۱> <TR align=Center><TD >  
گفتن است و بس <TD/> <TD/> در بند این مباحث که نشنید یا شنید کس </Table/> <TD/> ( و ) جدولی  
برای خود تنظیم کنید و شرح شیوه های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه ای  
موثرتر باشید.

ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی:

۱- امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد: قلبی، زبانی و عملی که به ترتیب باید اجرا شود، چنانچه مخالفت قلبی  
سودی نبخشید باید با زبان به نهی پرداخت و چنانچه با زبان نیز مؤثر نبود عملاً شخص را از کار بد باید بازداشت.

۲- اظهار ناراحتی قلبی در برابر بدی ها عبارت است از چهره درهم کشیدن، روی گرداندن، دوری گزیدن و ترک رفت و  
آمد و مانند آن به طوری که به طرف بفهماند که او کار بدی می کند و از او می خواهد که دست از آن بردارد.

۳- راضی بودن به ارتکاب گناه خود حرام است (رساله نوین، ج ۴، ص ۱۵۵).

در مجموع امر به معروف و نهی

از منکر از مهمترین وظایف است و والاترین و مؤثرترین و دلنشین ترین آن در قلب ها، وقتی است که عهده دار امر به معروف و نهی از منکر، خود آراسته به نیکی ها چه واجب و چه مستحب بوده، از بدی ها حتی از مکروهات بر کنار و اخلاقی پیامبرگونه و روحانی داشته باشد و از اخلاق نادانان و اهل دنیا منزّه بوده تا جایی که با عمل و رفتارش مردم را به نیکی ها ترغیب و از بدی ها بازدارد و مردم از وی پیروی کنند.

برای کسب آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- رساله نوین، ج ۴، مسائل سیاسی و حقوقی، امام خمینی

۲- امر به معروف و نهی از منکر، آیت الله حسین نوری

۳- دو فریضه بزرگ، سید جعفر میرعظیمی

۴- امر به معروف و نهی از منکر، سید حسن اسلامی

### **رفتار ما با کسانی که اعتنایی به انقلاب و روحانیت ندارند چگونه باید باشد؟**

#### **پرسش**

رفتار ما با کسانی که اعتنایی به انقلاب و روحانیت ندارند چگونه باید باشد؟

#### **پاسخ**

{بایستی با روش صحیح و عمل درست، آنها را نسبت به مسائل حقیقی اسلام و انقلاب آشنا کنید و از بدبینی و سوء برداشت آنان جلوگیری نمایید. }

### **روش برخورد با افرادی که از نظر دینی و اعتقادی مشکل دارند چگونه باشد؟**

#### **پرسش**

روش برخورد با افرادی که از نظر دینی و اعتقادی مشکل دارند چگونه باشد؟

#### **پاسخ**

این سؤال شما بسیار کلی و چند پهلو است، چرا که امور اعتقادی جملگی اهمیت یکسان ندارند و همگی در یک سطح نیستند؛ مثلاً یکی از اعتقادات ما مسلمانان، «اعتقاد به وجود خداوند متعالی» است و دیگری «اعتقاد به رجعت»؛ در حالی که اهمیت و تأثیر آنها در رفتار و پیامدهای این دو اعتقاد، یکسان نیست. از طرف دیگر شخص منکر چگونه شخصیتی دارد و

انکار او بر چه اساس است؛ خود موضوع دیگری است که باید بدان اهتمام داشت؛ چه بسا منکری که انکارش برخاسته از سؤال ذهنی باشد و یا منکری انکارش ناشی از لجاجت و یاناتوانی فکری و یا بی صبری و عدم ظرفیت روحی است که بی تردید شکل بخورد با هر یک از این منکران نیز متفاوت است. افزون بر آن چه بیان شد، مهم ترین نکته دیدگاه برخورد با این گروه افراد است که آیا از زاویه حقوقی می خواهید با این انکار مواجه شوید و یا از دریچه تربیتی، فقهی، اجتماعی اصلاح گری یا روشنگری فکری در صدد علاج آن هستید، به هر حال سؤال شما جوانب متعدد دارد که در این میان به بعضی از روی کردهای مهم آن می پردازیم:

یکم - از دریچه تربیتی و اخلاقی: اگر خواسته باشید از این زاویه با این گونه افراد برخورد کنید، لازم است به اصول اخلاقی سخت پایبند بوده و در برابر حرکات ناپسند و اظهار نظرهای نسنجیده آنان عکس العمل نشاندهید و به گونه ای ارتباط خود را حفظ کرده تا با حفظ ارتباط، بتوانید از نسیم وارونه (روش غیر مستقیم)، بهره

جسته و او را هدایت کنید. روشن است که اگر او را از دست بدهید و ارتباط خود را با او قطع کنید و یا او را فراری دهید، دیگر زمینه هر تأثیر مثبت و یا منفی را از دست داده، راه اصلاح را به روی خود سدّ خواهید کرد. در این موقعیت باید با حفظ ارتباط، به اتخاذ تدابیر بعدی روی آورید. انکارها کمتر به کفر منتهی می شود و یا اگر هم به کفر منتهی شود، تا به یقین برسیم و تکلیف دیگری داشته باشیم بهتر است ارتباط دوستانه همراه با ارشاد خود را حفظ کنیم تا زمینه انجام وظیفه را از کف ندهیم.

در صورت حفظ ارتباط قبلی، می توانید راه کارهای زیر را برای هدایت او به کار بگیرید:

۱. ارشاد مستقیم به وسیله خودتان با بیان علمی سطحی؛

۲. ارشاد مستقیم به وسیله خودتان با پیام های پندآمیز و موعظه گری؛

۳. ارشاد مستقیم به وسیله خودتان با استدلال علمی که شرح سخن در بند (۲) خواهد آمد؛

۴. ارشاد غیر مستقیم با کمک گرفتن از افرادی که دارای نفوذ کلام هستند و آن شخص منکر نیز به آنها ارادت قبلی و اعتقاد اخلاقی دارد.

۵. ارشاد غیر مستقیم با بیان پیامدهای انکار حق و یا دست کشیدن از حق، هر چند واقعیت همان چیزی باشد که او معتقد است.

۶. ارشاد غیر مستقیم با بردن او به مسافرت های زیارتی و سیاحتی و ملاقات با افراد صاحب نفس قدسی؛

۷. ارشاد غیر مستقیم با شرکت دادن فرد مورد نظر در مجالس موعظه، پند و یا در اختیار نهادن کتاب های دینی با محتوای وعظ و روشنگری ضمیر مانند مجموعه کتب شهید دستغیب و کتب اخلاقی



حضرت امام(ره) و یا برخی کتاب های عرفانی سطح پایین.

۸. ارشاد غیر مستقیم با بیان عواقب منکران در زمان های قدیم و افراد پیشین؛

۹. ارشاد غیر مستقیم با بیان تأثیرات، معجزات و کرامات شخص و یا شی مورد انکار واقع شده.

دوم - برخورد از زاویه روشنگری علمی: اگر شما در صدد هستید که با شخص منکر، برخورد علمی داشته باشید باید به نکات زیر اهتمام داشته باشید:

۱. از نظر توانمندی علمی خود را همسنگ و یا برتر از آن بیابید و او نیز چنین عقیده ای داشته باشد،

۲. شخص منکر نیز در صدد شناخت باشد، نه آن که به رغم انکار و انحراف خود را بی نیاز از روشنگری بداند و بر حرف خود اصرار و لجاجت و از پذیرفتن حق عناد داشته باشد.

۳. موضوع مورد نظر (انکار) کاملاً دقیق معین شده و مکتوب گردد و با بهتر ادعای هر یک از شما و ایشان به صورت شناخت و به دور از الفاظ مبهم نوشته شود.

۴. بعد از مشخص شدن ادعا و انکار هر یک باید بر موضوع منکر شده یا ادعا شده احاطه علمی لازم را داشته باشید و برای اثبات سخن خود دلیل آورید. توجه داشته باشید که دلیل، باید با مدعا کاملاً مطابقت داشته باشید؛ نه فراتر و نه کوتاه تر از مدعا باشد؛ مثلاً اگر شخص منکر عصمت است، باید مفاد دلیل او عدم ضرورت عصمت باشد و یا دلیل بر عصمت غیر معصومین ارائه کند، نه این که به لوازم غیر قابل درک و تردید پذیر عصمت استناد کند و اصل عصمت را زیر سؤال ببرد.

۵. در حین بحث از مباحث پراکنده و شاخه به شاخه پریدن

اجتناب کنید و صرفاً در اطراف همانچه موضوع سخن است سخن بگویید. بشنوید.

۶. به دلیل استناد کنید نه به گفته‌ها و شنیده‌ها؛ روشن است که باید هر سخنی را به عقل محک بزنید؛ نه این که فلانی چنین گفته و یا فلان نشریه یا فلان کتاب چنین نوشته است.

۷. قبل از ورود به سخن و یا پاسخ به انکار منکر، خود را به دانش مورد نیاز مسلح سازید و اگر چنین توانایی ندارید وارد بحث نشوید و بدانید که ورود به این شکل ضرری بیشتر از سود دارد

۸. گاهی اوقات برای جواب دادن به برخی از این منکران، کافی است به معرفی کتاب اکتفا کنید و از بحث خودداری ورزید. البته در صورتی که خودتان اطمینان دارید که آن کتاب پاسخ وی را خواهد داد.

۹. بگو مگوی علمی را به الفاظ، حرکات خلاف اخلاق آلوده نسازید، همان گونه که نباید به جهت ورزی افراطی روی آورید.

۱۰. اشخاص شرکت کننده در بحث باید محدود و معین باشند، نه این که عده ای گرد هم نشسته و هر کسی از هر چه به ذهنش، رسد بگوید و پرسد، دیگران باید با سکوت و شنیدن بحث را هدایت کنند. نه شرکت کننده و نه تحریک و تهبج کننده‌ها باشند.

در پایان این بخش متذکر می‌گردم که شما می‌توانید برای برخورد با این گروه افراد، هر دو دیدگاه را به کار بگیرید، یعنی، هم برخورد اخلاقی داشته و هم برخورد روشنگرانه. بی تردید اجرای هر دو خوب است؛ مشروط به آن که شرایط انجام برخورد علمی فراهم باشد؛ یعنی، منکر ظرفیت علمی داشته باشد و در صدد روشن شدن حقیقت باشد و در صدد

عناد و لجاجت نباشد.

سوم - برخورد حقوقی: برخورد حقوقی با منکرین - در هر سطحی که باشد - فراتر از مسئولیت قانونی و شرعی ما و شما است، چرا که برخورد حقیقی و وظیفه مسئولان نظام است و در مرحله اول تکلیف حکومتی است؛ مگر آن که خود حکومت آن را به مردم واگذار کرده باشد (مانند برخورد با سلمان رشدی). و از جانب دیگر اگر هر شخصی بخواهد خود برخورد حقوقی نماید، موجب هرج و مرج شده و بی نظمی و اغتشاش اجتماعی را در پی خواهد داشت. لذا نباید به صورت خودسرانه و مطابق تشخیص شخصی وارد عمل شد و عمل کرد.

امیدواریم با رعایت اصول کلی بیان شده مقصود حاصل گردد. البته پاسخ جزئی تر و مشخص تر نیازمند سؤال روشن تر با تعیین جوانب بیان شده است که اگر در صدد آن هستید، باید به صورت روشن و با تعیین جوانب بر شمرده شده، سؤال خود را مطرح نمایید. اما در مورد معرفی کتاب نیز باید به عرض برسانیم که باز چون موضوع خاصی را تعیین نفرموده اید، حوزه کتاب های مورد نظر برای ما مبهم است و نمی توانیم به صورت تخصصی تر و کاملاً دقیق ارائه خدمت نماییم. اما (به صورت کلی مسلح شدن بهدانش مورد نیاز در سطح عمومی با مطالعه کتاب های شهید مطهری (ره) مطابق جزوه «صراط اندیشه» فراهم می گردد. افزون بر آن در زمینه تقویت اصول اعتقادی، می توانید از کتاب های آموزش «عقاید؛ نوشته آقای مصباح؛ «آموزش فلسفه»، بحث خداشناسی، ج ۲، نوشته آقای مصباح؛ «آموزش دین\*»، نوشته علامه طباطبایی؛ «آموزش اصولی عقاید» نوشته میرباقری و آقای غرویان بهره بگیرید.

و در حوزه پاسخ به برخی نیازهای فکری روزمره به کتاب «پرسش و

پاسخ»، ج ۱، تاج ۴، از انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و «جستارها و پاسخها» نوشته آقای هادوی؛ «معارف قرآن»، خداشناسی جهان شناسی و انسان شناسی) نوشته آقای مصباح؛ «آموزش کلام اسلامی» نوشته آقای سعیدی مهر، مراجعه نمایید. }J

### تعریف امر به معروف و نهی از منکر

آیا در زمان کنونی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای داریم ، یا وظیفه دولت و حکومت اسلامی است ؟ چرا قوانینی که در قرآن آمده مانند قطع دست دزد اجرا نمی شود؟

### پرسش

آیا در زمان کنونی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای داریم ، یا وظیفه دولت و حکومت اسلامی است ؟ چرا قوانینی که در قرآن آمده مانند قطع دست دزد اجرا نمی شود؟

### پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر از تکالیف مهم هر مسلمان است . مسلمان وظیفه دارد مسائلی را که در اطراف او واقع می شود تأیید یا تکذیب کند و واکنش نشان دهد. بی اعتنائی نسبت به وقوع حوادث و گناهان آثار نامطلوبی برای فرد و جامعه دارد، درست مانند این که اگر شخصی بفهمد در نزدیکی خانه ای یا کارخانه ای آتش گرفته و فریاد نزنند و دیگران را به یاری دعوت نکنند و سکوت کند تا آتش فراگیر شود، سرانجام آتش دامن او را هم می گیرد. گناه در جامعه مانند این مثال است ...

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است :

۱ قلبی ؛

۲ زبانی ؛

۳ عملی و جوارحی .

در مرحله اول همه مردم موظف اند از انجام گناه ناراضی باشند و از خوبی ها شاد و راضی باشند.

در مرحله دوم آنان که می توانند و حرفشان مؤثر است باید در مقابل گناه بایستند و با زبانشان امر به معروف و نهی از منکر کنند.

در مرحله سوم آنان که با گفتارشان نمی توانند جلوی فساد را بگیرند، در صورت توانایی باید در دستگیری مجرم و تأدیب و

کتک زدن تا جایی که موجب ديه نشود اقدام کنند, ولی اگر به مرحلهء شدیدتری نیاز است , وظیفهء حاکم اسلامی است ,  
مثل شلاق یا اعدام یا جاری کردن حد. این کارها

وظیفهء تک تک افراد جامعه نیست . این مرحله از امر به معروف باید زیر نظر حاکم اسلامی که در زمان غیبت فقیه می باشد، اجرا شود.

در این جا دو مسئله از تحریرالوسیله نقل می کنیم ، امام می فرماید:

اگر نمی تواند امر به معروف بکند مگر با کتک زدن و اذیت کردن، ظاهراً جایز است . البته مقدار لازم و ضروری را مراعات بکند و خوب است از حاکم شرع اجازه بگیرد.

اگر نهی از منکر موجب جرح و یا قتل باشد بدون اجازه امام (ع) جایز نیست در زمان ما فقیه جامع شرایط جانشین امام (ع) می باشد. (۱)

نقش مردم در این مرحله به عنوان یار و یاور دولت اسلامی، در شناسایی مجرمان و دستگیری آنان بسیار لازم و ضروری است . اجرای حدود الهی از وظایف دولت اسلامی است و آن چه را که در قرآن و قانون است باید اجرا کند. دولت اسلامی بعضی حدود از قبیل شلاق ، اعدام و قطع دست را اجرا می کند، اما اجرای حدود دیگر، چون شرایط زیاد دارد، کم تر برای حاکم محرز می شود تا حکم قطعی را در آن مورد جاری کند، مثلاً قطع دست دزد، متجاوز از بیست شرط دارد، از این رو کمتر اتفاق می افتد که شرایطی مانند قطع دست محقق شود.

پاورقی:

۱ - تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۸۱، مسئله ۱۰ و ۱۱.

**در مورد راننده هایی که در ماشینشان نوارهای مبتذل روشن می کنند یا در مورد افراد بی حجاب ، باید نهی از منکر کنیم ؟**

**پرسش**

در مورد راننده هایی که در ماشینشان نوارهای مبتذل روشن می کنند یا در مورد افراد بی حجاب ، باید نهی از منکر کنیم ؟

**پاسخ**

امر به معروف و نهی از منکر با شرایطی واجب است . در روایات آمده : دو واجب بسیار مهم ، امر به معروف و نهی از منکر است که بسیاری از مردم از آن ها غافل اند.

امر به معروف و نهی از منکر، بی اثر نیست . ممکن است از گفتن یک نفر، آن شخص متأثر نشود، اما اگر دومی و سومی و چهارمی و... امر به معروف و نهی از منکر کردند، تأثیر خوبی خواهد داشت و در این امر نباید کوتاهی کرد.

قرآن از صفات مؤمنان ، امر به معروف و نهی از منکر را بر می شمارد:

می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

### **آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟ پرسش**

#### **اشاره**

آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟

#### **پاسخ**

خیر، زیرا اسلام دخالت در زندگی خصوصی دیگران و تجسس در این امور را حرام می شمرد و قرآن مجید ناطق به آن است (سوره حجرات). ولی محدوده امر به معروف و نهی از منکر، ناهنجاریهای آشکار اجتماعی است که در سرنوشت جامعه دخالت دارد و سرنوشتها در آن جا به هم گره خورده است و تخلف و انحراف در هر یک از افراد، در کل جامعه اثر می گذارد.

بنابراین هیچ کس حق ندارد در این گونه مسائل به کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند بگوید به شما چه مربوط است؟! پاسخش این است که به همه ما مربوط است، زیرا سرنوشت ما به یکدیگر پیوسته است.

آیا در برابر هجوم بیماریهای واگیردار، هنگامی که دولت مأموران خود را برای زدن واکسن بسیج می کند، کسی حق دارد بگوید به شما چه مربوط است؟ من بیمار می شوم و جان من به خطر می افتد، بگذارید بیفتد، چرا در زندگی شخصی من دخالت می کنید؟!

همه به او جواب می دهند سلامت تو از سلامت دیگران جدا نیست و بیماری تو سبب بیماری دیگران می شود و به همین دلیل به ما مربوط است و به همه مربوط است، بنابراین باید قبول کرد انجام این دو وظیفه، از آثار زندگی گروهی انسانها و از حقوق و واجبات اجتماعی محسوب می شود.

### **دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش**

#### **اشاره**

دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

در روایات اسلامی، تأکیدهای فوق العاده ای درباره این دو وظیفه مهم دیده می شود و آن را ضامن اجرای تمام فرایض الهی و سبب امتیت و آبادی و سبب گسترش عدالت می شمرد.

۱ در حدیثی از پیغمبر اکرم (ص) می خوانیم

«مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ، وَ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ» (مجمع البيان ۲/۴۸۴) [کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین، و جانشین پیامبر (ص) و کتاب اوست]. یعنی دقیقاً کار آنها را انجام می دهد.

۲ در حدیث دیگری از آن حضرت، تعبیر گویاتری دیده می شود که پیامبر (ص) بر منبر بود، مردی عرض کرد ای رسول خدا! مَنْ خَيْرِ النَّاسِ؟ (چه کسی از همه مردم بهتر است؟! فرمود

«أَمْرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّقَاهُمْ لِلَّهِ، وَ أَرْضَاهُمْ» (مجمع البيان ۲/۴۸۴) [کسی که از همه بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کند و از همه با تقواتر و خشنودتر به رضای الهی باشد].

۳ در حدیث دیگری از پیامبر اکرم (ص) می خوانیم

«لَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُعَذِّبَنَّكُمْ عَذَابُ اللَّهِ» (وسائل الشیعه ۱۱/۴۰۷) [به یقین، همگی باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه به طور قطع عذاب الهی شما را فرا می گیرد].

۴ در حدیث معروفی، نیز از علی (ع) می خوانیم که فرمود

«وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجِّي» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۷۴) [تمام اعمال نیک و حتی جهاد



در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همچون آب دهان است در برابر یک دریای پهناور.]

## فلسفه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش

### اشاره

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

### پاسخ

امام باقر (ع) در یک بیان کوتاه و گویا، فلسفه امر به معروف و نهی از منکر را چنین بیان فرموده است

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمِذَاهِبُ وَتُحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتَعْمُرُ الْأَرْضُ وَيُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (وسائل الشيعه ۱/۳۹۵)

در این عبارت کوتاه به هفت فلسفه از فلسفه های این دو فریضه عظیم الهی اشاره شده است، می فرماید [امر به معروف و نهی از منکر فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرایض به وسیله آن بر پا می شود، به وسیله این دو، راهها امن و امان می گردد، کسب و کارها حلال می شود، حقوق مظلومان به آنها می رسد، زمینها آباد می گردد، از دشمنان انتقام گرفته می شود و کارها رو به راه می گردد.]

## چه عواملی در دایره امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد؟ پرسش

### اشاره

چه عواملی در دایره امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد؟

### پاسخ

تمام رسانه های گروهی و تمام تبلیغهای سمعی و بصری که به نحوی برای بالا بردن سطح آگاهی مردم و توجه آنها به نیکیها و پاکیها و اخلاق انسانی و اصول فضیلت و بیزاری از فساد سر و کار دارند، همه آنها در دایره امر به معروف و نهی از منکر، جای می گیرند و حتی مراکز آموزش و پرورش و علوم عالی که نوجوانان و جوانان را با اصول اعتقادی صحیح و موازین انسانی و قوانین و آداب اجتماعی، آشنا می سازد و در تعلیم و تربیت آنها گام بر می دارد نیز در این دایره جای دارد، چرا که همه این امور می توانند در امر به معروف و نهی از منکر سهم باشند، بنابراین نقش این مراکز در پیاده کردن این دو اصل مهم

اجتماعی روشن می شود.

این نکته نیز حائز اهمیت است که معمولاً امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو بخش از فروع دین شمرده می شود، ولی از یک نظر دامنه آن چنان گسترده است که بخش عظیمی از اصول اعتقادات را در بر می گیرد، چرا که همه آنها در این مسیر مؤثر و کارسازند و از طریق تحکیم پایه های عقاید، با مفسد مبارزه می شود، همچنین عبادات نیز مقدمه ای برای آن است.

### آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟ پرسش

#### اشاره

آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟

#### پاسخ

خیر، زیرا اسلام دخالت در زندگی خصوصی دیگران و تجسس در این امور را حرام می شمرد و قرآن مجید ناطق به آن است (سوره حجرات). ولی محدوده امر به معروف و نهی از منکر، ناهنجاریهای آشکار اجتماعی است که در سرنوشت جامعه دخالت دارد و سرنوشتها در آن جا به هم گره خورده است و تخلف و انحراف در هر یک از افراد، در کل جامعه اثر می گذارد.

بنابراین هیچ کس حق ندارد در این گونه مسائل به کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند بگوید به شما چه مربوط است؟! پاسخش این است که به همه ما مربوط است، زیرا سرنوشت ما به یکدیگر پیوسته است.

آیا در برابر هجوم بیماریهای واگیردار، هنگامی که دولت مأموران خود را برای زدن واکسن بسیج می کند، کسی حق دارد بگوید به شما چه مربوط است؟ من بیمار می شوم و جان من به خطر می افتد، بگذارید بیفتد، چرا در زندگی شخصی من دخالت می کنید؟!

همه به او جواب می دهند سلامت تو از سلامت دیگران جدا نیست و بیماری تو سبب بیماری دیگران می شود و به همین دلیل به ما مربوط است و به همه مربوط است، بنابراین باید قبول کرد انجام این دو وظیفه، از آثار زندگی گروهی انسانها و از حقوق و واجبات اجتماعی محسوب می شود.

### نظر علی(ع) در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

#### پرسش

امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: جهاد چهار شعبه و پایه دارد: یکی از آنها امر به معروف است و دیگری نهی از منکر... کسی که امر به معروف می کند پشت مؤمنان را گرم و محکم می کند. همان طور که نهی از منکر بینی کافران و منافقان را به خاک می مالد؛ «والجهاد منها علی أربع شعب: علی الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر... فمن أمر بالمعروف شد ظهور المؤمنین و من نهی عن المنکر أرغم أنوف الكافرين(المنافقين)». (نهج البلاغه، حکمت ۳۱، بند ۸-۹)

و در تشریح فلسفه این واجب بزرگ الهی فرمود: «فرض الله... الأمر بالمعروف مصلحة للعوام والنهي عن المنکر ردعاً للسفهاء»؛ (همان، حکمت ۲۵۲، بند ۲) [امر به معروف را برای اصلاح جامعه مسلمین واجب کرد و نهی از منکر را جهت باز داشتن نابخردان از اعمال و کردار زشت].

در وصیت نامه خود امر به معروف و نهی از منکر را مانع تسلط اشرار معرفی کرد و فرمود: «لا تتركوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر فَيُولَى عَلَيْكُمْ شَرَّارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَاب لَكُمْ»؛ (همان، نامه ۴۷). امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید و گرنه اشرار جامعه بر شما مسلط می شوند. آن گاه هر چه دعا کنید به اجابت نمی رسد.

در بیانی دیگر در ارائه مسیر صحیح اعمال خشم و غضب، افراد جامعه را به چند گروه تقسیم کرد و فرمود:

عده ای در سه مرحله عملی، زبانی و قلبی نهی از منکر می کنند. اینها کسانی هستند که همه خصال خیر را در خود جمع کرده اند.

عده ای نهی از منکر زبانی و قلبی دارند، ولی نهی از منکر

عملی را رها کرده اند. اینها کسانی هستند که یکی از خصلتهای خیر را رها کرده و به دوتای آن تمسک بسته اند.

گروه سوم کسانی هستند که فقط نهی از منکر قلبی دارند و فقط در درون دلشان از زشتی‌ها متفردند اما با دست و زبانشان اقدامی نمی‌کنند. اینها دو خصلت از خصلتهای سه‌گانه مزبور را از دست داده و فقط به یکی از آنها دست یافته‌اند.

گروه چهارم کسانی هستند که مراحل سه‌گانه آن را رها کرده و به هیچ نحوی از منکر، نهی نمی‌کنند. اینها مرده‌های متحرکی هستند که از آثار حیات انسانی برخوردار نیستند و فقط به خور و خواب و استهلاک امکانات معیشتی که از آثار حیات حیوانی بشر است اکتفا می‌کنند.

آن‌گاه درباره جایگاه امر به معروف و نهی از منکر فرمود: **جميع اعمال نیک بندگان خدا حتی جهاد و پیکار در راه او در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همانند قطره‌ای از اقیانوس پهناور است.**

امر به معروف و نهی از منکر نه پایان زندگی و اجل کسی را نزدیک می‌کند و نه مایه کاهش روزی کسی می‌گردد.

در پایان می‌فرماید: از همه اینها بالاتر، کلمه حقی است که در برابر پیشوایی ستمگر بیان می‌شود. البته این نیز یکی از موارد و مصادیق نهی از منکر است.

این کلام در بیان دیگری از آن حضرت بدین صورت آمده است: **«أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّهُ مَنْ رَأَى عُيُوبَنَا يُعْمَلُ بِهِ وَمُنْكَرًا يُدْعَى إِلَيْهِ فَأَنْكَرَهُ فَقَدْ سَلِمَ وَبَرِيَءٌ وَمَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أُجِرَ وَهُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَمَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا**

كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَقَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَنَوَّرَ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ؛ (همان، حکمت ۳۷۳) [اگر کسی قلباً از ظلم و منکر اظهار انزجار کند، خودش سالم می ماند. و اگر علاوه بر انزجار قلبی با زبان خود نیز نهی از منکر نماید اجر بیشتری می برد و از اولی بالاتر است. و اگر علاوه بر انزجار قلبی و نهی از منکر زبانی با شمشیر نیز جلوی ظلم را بگیرد تا نام خدا گرامی و نام ظالمان سرنگون گردد، اوست که در راه هدایت به مقصد رسیده، در متن راه راست قرار گرفته، نور دین در قلب او تابیده و قلبش نورانی شده است.]

بنابراین، از نظر امیرالمؤمنین (ع) کسی که با شمشیر جلوی ظلم را بگیرد و اهل جهاد و مبارزه باشد بنده ای است که خدا قلب او را روشن کرده است.

### فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

#### پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

#### پاسخ

فرق بین امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی آن است که، در امر به معروف و نهی از منکر، کوشش می شود تا دیگران تکالیف الهی را انجام دهند؛ زیرا امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای واجب وادار نمودن و نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای حرام بازداشتن.

امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد. اولین مرتبه نهی از منکر انزجار قلبی است و آخرین مرتبه اش، ضرب و جرح. مراتب عملی آن باید به اذن ولی مسلمین باشد.

اثر امر به معروف و نهی از منکر آن است که معصیت واقع نشود. اما اگر کسی تحت تأثیر قرار نگرفت و مرتکب گناه شد، نوبت به حفظ حدود الهی از لحاظ اجرای حدود و تعزیرات و قصاص می رسد که اصل اثبات و نیز اجرای آن بر عهده مسئولان قضایی است. به عبارت دیگر: امر به معروف و نهی از منکر برای پیشگیری از وقوع جرم و معصیت است، اما حدود و تعزیرات برای تنبیه و تأدیب معصیت کار است.

انسان هدایت یافته کسی است که بعد از اصلاح خود از جهات گوناگون به اصلاح جامعه قیام کند، یعنی برای دفع و رفع گناه بکوشد و نگذارد خلاف شرع واقع شود، و اگر واقع شد، کوشش کند تا متخلف را از راه قانون الهی با حد و تعزیر، تنبیه کند.

انسان مهتدی کسی است که هم در وظایف فردی کوشا بوده و هم در ارشاد و هدایت دیگران سعی بلیغ داشته باشد و هم در حفظ حدود الهی دریغ نکند.

انسانی که می‌کوشد وظایف اجتماعی را همانند وظایف فردی انجام بدهد، در حقیقت می‌کوشد که خواسته درونی خود را، که همان دین خداست اجرا کند. و این همان است که خدا فرمود: «علیکم أنفسکم» یعنی جانتان را رها نکنید، در منازل روحتان سفر نمایید و اوصاف کمال جانتان را یکی پس از دیگری تحصیل کنید تا به مرحله لقاءالله برسید.

### فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

#### پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

#### پاسخ

فرق بین امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی آن است که، در امر به معروف و نهی از منکر، کوشش می‌شود تا دیگران تکالیف الهی را انجام دهند؛ زیرا امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای واجب وادار نمودن و نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای حرام بازداشتن.

امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد. اولین مرتبه نهی از منکر انزجار قلبی است و آخرین مرتبه اش، ضرب و جرح. مراتب عملی آن باید به اذن ولی مسلمین باشد.

اثر امر به معروف و نهی از منکر آن است که معصیت واقع نشود. اما اگر کسی تحت تأثیر قرار نگرفت و مرتکب گناه شد، نوبت به حفظ حدود الهی از لحاظ اجرای حدود و تعزیرات و قصاص می‌رسد که اصل اثبات و نیز اجرای آن بر عهده مسئولان قضایی است. به عبارت دیگر: امر به معروف و نهی از منکر برای پیشگیری از وقوع جرم و معصیت است، اما حدود و تعزیرات برای تنبیه و تأدیب معصیت کار است.

انسان هدایت یافته کسی است که بعد از اصلاح خود از جهات گوناگون به اصلاح جامعه قیام کند، یعنی برای دفع و رفع گناه بکوشد و نگذارد خلاف شرع واقع شود، و اگر واقع شد، کوشش کند تا متخلف را از راه قانون الهی با حد و تعزیر، تنبیه کند.

انسان مهتدی کسی است که هم در وظایف فردی کوشا بوده و هم در ارشاد و هدایت دیگران سعی بلیغ داشته باشد و هم در حفظ حدود الهی دریغ نکند.

انسانی که می‌کوشد وظایف اجتماعی را همانند وظایف فردی انجام بدهد، در حقیقت می‌کوشد که خواسته درونی خود را، که همان دین خداست اجرا کند. و این همان است که خدا فرمود: «علیکم أنفسکم» یعنی جانتان را رها نکنید، در منازل روحتان سفر نمایید و اوصاف کمال جانتان را یکی پس از دیگری تحصیل کنید تا به مرحله لقاءالله برسید.

### فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

#### پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

#### پاسخ

فرق بین امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی آن است که، در امر به معروف و نهی از منکر، کوشش می‌شود تا دیگران تکالیف الهی را انجام دهند؛ زیرا امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای واجب وادار نمودن و نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای حرام بازداشتن.

امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد. اولین مرتبه نهی از منکر انزجار قلبی است و آخرین مرتبه اش، ضرب و جرح. مراتب عملی آن باید به اذن ولی مسلمین باشد.

اثر امر به معروف و نهی از منکر آن است که معصیت واقع نشود. اما اگر کسی تحت تأثیر قرار نگرفت و مرتکب گناه شد، نوبت به حفظ حدود الهی از لحاظ اجرای حدود و تعزیرات و قصاص می‌رسد که اصل اثبات و نیز اجرای آن بر عهده مسئولان قضایی است. به عبارت دیگر: امر به معروف و نهی از منکر برای پیشگیری از وقوع جرم و معصیت است، اما حدود و تعزیرات برای تنبیه و تأدیب معصیت کار است.

انسان هدایت یافته کسی است که بعد از اصلاح خود از جهات گوناگون به اصلاح جامعه قیام کند، یعنی برای دفع و رفع گناه بکوشد و نگذارد خلاف شرع واقع شود، و اگر واقع شد، کوشش کند تا متخلف را از راه قانون الهی با حد و تعزیر، تنبیه کند.

انسان مهتدی کسی است که هم در وظایف فردی کوشا بوده و هم در ارشاد و هدایت دیگران سعی بلیغ داشته باشد و هم در حفظ حدود الهی دریغ نکند.

انسانی که می کوشد وظایف اجتماعی را همانند وظایف فردی انجام بدهد، در حقیقت می کوشد که خواسته درونی خود را، که همان دین خداست اجرا کند. و این همان است که خدا فرمود: «علیکم أنفسکم» یعنی جانتان را رها نکنید، در منازل روحتان سفر نمایید و اوصاف کمال جانتان را یکی پس از دیگری تحصیل کنید تا به مرحله لقاءالله برسید.

### در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

#### پرسش

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

#### پاسخ

نصوص معتبر دینی باصراحت و قاطعیت مسوولیت افراد را نسبت به انحرافات اجتماعی مطرح ساخته اند. در چشم انداز اسلامی پیدایش و بقای جامعه سالم بدون مسوولیت همگانی ناممکن است. البته در این راستا مسوولیت افراد متفاوت است و هر کس به تناسب توانایی ها دانش ها و شرایط ویژه ای که در آن قرار دارد مسوول است. مساله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب و همسویی برخی از جریان‌های داخلی دارد. از گذشته ها و ریشه تاریخی مساله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارایه کرده اید. اکنون باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد: الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی. هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تاثیر وارونه خواهد شد. در این رابطه نکات چندی رایادآور می شویم: الف) تنها به معضلات و ابعاد منفی اجتماع فکر نکنید، بلکه به جنبه های مثبتی که به شکرانه انقلاب برای ملت ما پیش آمده نیز بیندیشید. اگر شما بتوانید دوران پس از انقلاب را بادوران قبل از آن مقایسه کنید نگرش دیگری خواهید داشت. ب) علاوه بر این نباید از معضلات اجتماعی آنچنان



ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه ور سازید، چون خود این حالت نیز باعث کنندی کار و سد راه تکامل شما خواهد بود. نبی اکرم (ص) درباره نابسامانی اجتماع و عدم ایمان مردم به شدت ناراحت می شدند تا این که خدای سبحان حضرتش را دلداری داده و می فرماید: (( طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى ؛ پیامبر ما این قرآن را برای این نفرستادیم که به خاطر کفر و عدم گرایش این مردم خود را به رنج و مشقت بیفکنی ))، (( طه ، آیه ۱ )) و نیز می فرماید: (( لعلک باخع نفسک الا یكونوا مومنین ؛ ای رسول ، تو چنان در اندیشه این خلقی که از غم بی ایمانی این مردم خود را هلاک کنی ))، (( شعرا ، آیه ۲۳ )) . ملاحظه می کنید که قرآن مجید چگونه نبی اکرم (ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذر داشته است و نیز تعبیر حکیمانه علی (ع) در این راستا حایز اهمیت است که می فرماید: (( اللهم نصف الهمم ؛ هم و غم نصف پیری را تشکیل می دهد ))، (( نهج البلاغه قصار ۱۴۳ )) ؛ یعنی ، غصه و اندوه انسان رامی شکند و زود از پا در می آورد. با این نگرش ، گرچه ما به احساس پاک شما ارج می نهیم ولی رهنمود ما این است که خود را چنان دچار اندوه و حسرت نکنید که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید. ج) و

اما چه باید کرد؟ از نکات مزبور چنین برداشت نکنید که پس مامسولیتی در ازای این رویدادها نداریم؛ بلکه به پیشنهادی چند، نیک بیندیشید. ۱- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امر به معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت و ظرافت به انجام برسانید. ۲- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشکل داشته باشید. ۳- و در محافل و مجالسی که تشکیل می دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری از دانشجویان به طور فعال و کوشا در این راه گام بردارید و مطمئن باشید که خدای کریم در صدد ارشاد چنین فرزانه‌گانی است. و امیدوار باشید که در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت. چند از این الفاظ واضمار و مجاز سوزخواهم سوز با آن سوز ساز:

### آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

#### پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

#### پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادت مند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، اما قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

### آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

#### پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

**پاسخ**

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با این که از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، اما قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موقّق کند تا از گناه منصرف شوند راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۹

**آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟**

**پرسش**

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

**پاسخ**

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خدا... گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، اما قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موقّق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد

آقا تهرانی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۹۱۴

**چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود ؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)**

**پرسش**

چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود ؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)

**پاسخ**

در جوابی سؤالی که مطرح کردید باید تصدیق کرد که موضوع امر به معروف و نهی از منکر اختصاصی به مسأله بدحجابی ندارد و همه منکرات را شامل می شود، مانند احتکار، کم کاری، گران فروشی و صدها عنوان دیگر و لیکن برخی از منکرات، در اسلام مهم تر شمرده شده اند و دلیل آن هم ایجاد جو غیر اسلامی و حاکمیت فضای غیر دینی در جامعه می باشد، چه آنکه منکرات تا زمانیکه علنی و آشکار نگشته اند آثار تخریبی کمتری دارند نسبت به زمانی که فضای حاکم بر اجتماع مسلمین فحشاء و منکرات علنی و ظاهری باشد که در این صورت اثرات تخریبی آن قابل محاسبه نیست از جمله مسأله بدحجابی، که فهرست برخی از آثار آن را می توان چنین شمارش نمود :

۱- زنان بی تقوا و بی حجاب بهترین دام برای شیطان اند ۲- زنی که بد حجاب است و خود را برای خارج از منزل معطر می کند زناکار است. ۳- زن بی حجاب و بد حجاب، ننگ و آتش جهنم است. ۴- زنان بی حجاب و بد حجاب بدترین فتنه اند. ۵- زن بد حجاب به شوهرش خیانت می کند. ۶ زن بد حجاب بر قلب شوهرش تسلط ندارد. ۷ زن بدحجاب و بی حجاب بجای آرامش اضطراب دارد. ۸ فساد و گناه و سقط جنین در بین زنان بی حجاب و بد حجاب بیشتر است.

۹ آثار مخرب بدحجابی در فرزندان. ۱۰ ضرر بدحجابی از لحاظ اقتصادی ۱۱ اثر بدحجابی در ضعف اعصاب ۱۲ بدحجابی و فرهنگ مبتذل غرب زمینه ای برای مجذوب کفر شدن. ۱۳ بدحجابی سبب سرد مزاجی در مردان می شود. ۱۴ زن بدحجاب دل دشمنان اسلام بویژه آمریکا را شاد می کند!

۱ برگرفته از کتاب آنچه یک زن باید بداند، اسد الله محمدی نیا

**اگر عمل حرامی را ببینیم و سکوت کنیم چه حکمی دارد چنانچه این فرد یک فرد عادی باشد؟ چنانچه یک فرد مسئول اجتماع باشد؟**

**پرسش**

اگر عمل حرامی را ببینیم و سکوت کنیم چه حکمی دارد چنانچه این فرد یک فرد عادی باشد؟ چنانچه یک فرد مسئول اجتماع باشد؟

**پاسخ**

اگر سکوت شما (نسبت به فرد عادی جامعه)، به معنای بی توجهی، و یا کوتاه آمدن نسبت به عمل این شخص باشد، قطعاً حرام است. اما اگر بهترین راه را برای امر به معروف و نهی از منکر، در مورد خاصی، سکوت می بینید، که دارای اثر است، یعنی با سکوت شما، شخص دست از عمل حرام می کشد، یا سراغ آن نمی رود، وظیفه شما در این موقعیت، سکوت است.

ولی اگر عمل حرامی از مسؤلی، برای شما ثابت شود، دو صورت دارد :

۱. در صورتی که آن عمل، مربوط به زندگی خصوصی آن مسؤل است، و ارتباطی با مسائل کاری مسؤل ندارد، وظیفه شما در صورت جمع بودن شرایط، این است که به شیوه مناسبی، مسؤل را به صورت خصوصی، امر به معروف کنید.

۲. اما اگر در مورد ضایع کردن حقوق مردم، در حوزه تحت سرپرستی آن مسؤل باشد، در صورت جمع بودن شرایط، به شیوه مناسبی امر به معروف کنید. و در صورت ناتوانی از امر به معروف، بنا به توصیه مقام معظم رهبری عمل کنید :

"با وجود حکومت اسلامی، که اهتمام به این فریضه الهی (امر به معروف و نهی از منکر) دارد، کسی که خود از امر به معروف و نهی از منکر عاجز است، برایش لازمست که دستگاه مخصوص این کار را، که از طرف دولت مأمور است، مطلع سازد. و پیگیری موضوع، تا ریشه کن نمودن فاسد و مفسد، ادامه یابد." (۱)

منابع و مأخذ:

۱ استفتانات مقام معظم رهبری، ج ۱، ص ۳۱۱

**وظیفه دانشجو در برابر هم اتاقهایی که از ترانه و موسیقی و پاسور استفاده می کنند چیست ؟**

وظیفه دانشجو در برابر هم اتاقهایی که از ترانه و موسیقی و پاسور استفاده می کنند چیست؟

وظیفه اصلی او نهی از منکر با زبانی منطقی و سازنده است و اگر موثر واقع نشد در صورت امکان از آنان جدا شود؛ ولی اگر ترک آن اتاق ممکن نیست بر او گناهی نمی باشد.

**با این وضعیت دانشگاهها، آیا فریضه ء امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است؟**

با این وضعیت دانشگاهها، آیا فریضه ء امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است؟

در پاسخ این سؤال توجه به نکات ذیل حایز اهمیت می باشد:

اولاً: نگاهی گذرا به احادیث و روایاتی که در زمینه فلسفه امر به معروف و نهی از منکر وارد شده این نکته مهم را مشخص می سازد که یکی از مهمترین عوامل تداوم و شکوفایی و پیشرفت و تعالی جوامع بشری و همین طور انحطاط و سقوط آن در گرو عمل به این فریضه مهم والهی می باشد. چنانچه پیامبر گرامی اسلام می فرمایند: اذا لم یأمروا بمعروف و لم ینهوا عن منکر و لم یتبعوا الاخيار من اهل بیتی، سلط الله علیهم شرارهم فیدعوا عند ذلک خیارهم فلا یتجاب لهم؛ هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر ننمایند و از خوبان اهل بیت من پیروی نکنند، خداوند بدان را بر آنان مسلط خواهد کرد. در آن شرایط خوبان آنها دعا می کنند اجابت نمی شود {M}، (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۲).

در روایت دیگر نیز فرموده اند: لتأمرن بالمعروف و لتنهن عن المنکر او لیعمنکم عذاب الله؛ باید امر به معروف و نهی از منکر کنید یا عذاب خدا همه شما را فرا می گیرد {M}، (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۷).

شهید مطهری در بحث تعالی و انحطاط جوامع که می توان آن را تعبیر دیگر عوامل تداوم و سقوط انقلاب ها دانست و براساس قرآن چهار عامل عدالت و بی عدالتی، اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر، اتحاد و تفرق، فسق و فجور و فساد یا صلاح اخلاق، را مؤثر در اعتلا و انحطاط جوامع می داند، (شهید مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۲۰۵).

در مقاله اجتهاد و نظریه انقلاب دائمی می گوید: در اعتقاد اسلام، بر مبنای سه اصل، می توان انقلاب را دائمی کرد و سپس اجتهاد و امر به معروف و نهی از منکر و هجرت را عوامل انقلاب دائمی می داند، (اجتهاد و نظریه دائمیانقلاب، ص ۲۲ تا ۲۵).

ثانیا: وجود و گسترش برخی از مفسد فردی و اجتماعی و ناهنجاری ها که در اثر عواملی از قبیل تغییر ارزش ها و توجه به مادیات و تهاجم فرهنگی و... به وجود آمده و خطر عمده ای برای نظام اسلامی محسوب می شود، توجه به عملی شدن و اجرا این فریضه الهی را در تمامی سطوح مورد تأکید قرار می دهد و از آنجا که یکی از مهمترین راه مقابله با این مفسد انحرافات کار بنیادی فرهنگی می باشد، دانشجویان به عنوان قشری تحصیل کرده، نقش بسزایی را بر عهده دارند.

ثالثا: امر به معروف و نهی از منکر بر تمام افراد عاقل و بالغ از هر قشر و گروهی در صورتی که شرایط ذیل موجود باشد واجب می باشد:

۱- کسی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند باید یقین داشته باشد که طرف مقابل مشغول انجام حرام یا ترک کار واجبی است.

۲- احتمال دهد که امر و نهی او اثر دارد، خواه اثر فوری داشته باشد یا غیرفوری، کامل یا ناقص، بنابراین اگر بداند هیچ اثر نمی کند واجب نیست.

۳- در امر و نهی او مفسده و ضرری نباشد، پس اگر بداند یا برسد که امر یا نهی او ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه برای او یا بعضی از مؤمنین دارد واجب نیست. }J

**وظیفه در مورد افرادی با وضع غیرقابل قبولی در دانشگاه رفت و آمد می کنند (مخصوصا خواهران) چیست؟ آیا می توان امر به معروف و نهی از منکر کرد یا خیر؟**

**پرسش**

وظیفه در مورد افرادی با وضع غیرقابل قبولی در دانشگاه رفت

و آمد می کنند (مخصوصا خواهران) چیست؟ آیا می توان امر به معروف و نهی از منکر کرد یا خیر؟

**پاسخ**

در این زمینه خوب است به منابع زیر که چندان مفصل نیستند مراجعه فرمایید:

مجله پرسمان، چرایی پوشش بانوان، آقای حسینی

مجله پرسمان، ش ۸، روابط دختر و پسر، آقای احمدی

تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران

شش نکته مهم که توجه بدانها ضروری تر است:

اولا، آگاهی دقیق و عمیق برادران و خواهران متعهد و حزب اللهی در دانشگاه ها نسبت به موارد و مصادیق معروف و منکر.

ثانیا، کار تشکیلاتی با انسجام همه نیروهای معتقد به مبانی دینی و انقلابی اعم از تشکل های اسلامی، بسیج و سایر تشکل های مذهبی و متعهد و نیز با همکاری و ارشاد و اقدام جدی دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها در ضمن از این طریق می توانید:

۱- کلاس های آشنایی بیشتر با مبحث امر به معروف و نهی از منکر و راه کارهای اجرایی آن برگزار کنید.

۲- در شورای فرهنگی دانشگاه و سایر مراکز فرهنگی دانشگاه در تصویب مقررات خوب و نیز تضمین اجرای آن نقش خوبی را ایفا کنید.

۳- گاهی برخورد با بعضی از منکرات به لحاظ حساسیت یا ویژگی خاص، نیاز به جریان سازی دارد، تشکل منجسم نیروهای خودی در این راستا، کارآیی خوبی می تواند داشته باشد.

ثالثا، کار مطبوعاتی و نشریاتی و درج مقالات علمی و نه تهاجمی تند و بی منطق و پر از شعار.

رابعا، تشکیل یک هسته امر به معروف و نهی از منکر دانشجویی. البته با نهایت دقت که به نام شما با حرکت های بی منطق و تند نابه جا



و غیر منطقی، سوء استفاده نشود بهتر است این اقدام در قالب کار تشکیلاتی مذکور صورت پذیرد.

خامسا، دوستی و محبت و نفوذ در دل خاطیان و همان کسانی که با زبان نصیحت پذیرای سخن شما نیستند، در اردوها، در کلاس ها، در اوقات فراغت. چه این که نصیحت به معنای خیرخواهی است باید راه کار عملی ساختن نصیحت را جستجو نمود. قطعاً محبت یکی از بهترین شیوه های ممکن است.

سادسا، مبارزه با منکرات و مفسدات اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه یک واجب قطعی بر عهده یکایک دانشجویان و همه مسئولین و مدیران دانشگاه ها و کل جامعه است، لیکن این امر مهم را می توان در دو بخش انجام داد:

۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند، فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه ی عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ از جمله: "اولاً": فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد. ثانیاً، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثاً، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده، اصرار بر استمرار آن داشته باشد. رابعاً، در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد. علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مراعات مراتب امر به معروف و

نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه ی پایین تر، جایز نیست که به مرتبه ی بالاتر تعدی کند. در مرتبه ی اول ناراحتی قلبی و تنفر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت، روی بر گرداندن و.. از او، ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه ی دوم امر و نهی زبانی، موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن، گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه ی سوم، مرحله ی اقدامات عملی است. اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت، واجب است از اعمال قدرت استفاده کند، (تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵). البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسؤولان ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، (استفتاآت آیت الله خامنه ای، ترجمه ی فارسی، ج ۱، ص ۲۳۱).

۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی، قوه قضائیه، دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ستاد مبارزه با مواد مخدر و...) موظف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون، نسبت به انجام مسوئولیت های خود کوشا باشند و از اقدامات عملی

و قهری دریغ نوزند. در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است، ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات، مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است. راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، ازدواج، تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی، اجرا شدن فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر، فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاه های مربوطه با افراد شرور و مخل به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های اسلامی و تهدید کننده ی سلامت جامعه، مطلوب است. در مورد محیط و اطرافیان: مسلما حفظ ایمان و ارزش های آن در محیط نامساعد بسی دشوار است ولی ارزش افزون تری دارد. خداوند در سوره ((تحریم)) آیه ۱۱ نمونه ای را برای این گونه افراد یادآوری می نماید. خداوند برای مؤمنان آسیه همسر فرعون را مثال و نمونه می آورد هنگامی که از شوهرش بیزاری جست و عرضه داشت: خدایا! من از قصر فرعون و زیورهای دنیوی گذشتم و تو خانه ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش. حفظ ارزش ها در محیط

مناسب و مساعد هنر نیست . هنر آن است که در تندباد ضد ارزش ها ارزش ها مطرح شود. بنابراین سعی کنید با اعتماد به خدا و یقین به درستی راه دین و ایمان خود را حفظ نموده و همواره آن را تقویت کنید. از مطالعه قرآن و توجه به معانی آن و همچنین کتاب های سودمند دیگر و شرکت در مجالس وعظ و دیگر محافل دینی غفلت نکنید. باید بدانید که خداوند قدرت و توان مقابله با گناه را در وجود شما قرار داده است , لیکن با عزم و همتی سترگ باید به مبارزه با گناه برخیزید و همواره کوشش کنید که برای اولین بار که میل به گناه آمد با جدیت تمام در برابر آن مقاومت کنید, آن گاه به تدریج مبارزه آسان خواهد شد. در هر صورت نگاه کردن عمدی و یا خیره شدن به نامحرم از روی لذت حرام است , اما اگر در حال عبور از کوچه و بازار و... چشم انسان به نامحرم افتاد اشکال ندارد. البته نگاه کردن به صورت و دست های زنان نامحرم تا میچ اگر به قصد لذت و شهوت نباشد اشکال ندارد.

**آیه و لا تزر وازراؤ وزر اخری که در چند سوره از قرآن آمده است، هیچ کس گناه دیگری را به گردن نمی گیرد،**

### اشاره

چطور در یک جامعه گذشته از مسئله عرف که می گویند آتشی که گرفت خشک و تر می سوزد منظور باز شدن عرفی آن نیست و این ضرب المثل نیست بلکه باز شدن شرعی آن است چطو

### پرسش

آیه و لا تزر وازراؤ وزر اخری که در چند سوره از قرآن آمده است، هیچ کس گناه دیگری را به گردن نمی گیرد،

چطور در یک جامعه گذشته از مسئله عرف که می گویند آتشی که گرفت خشک و تر می سوزد منظور باز شدن عرفی آن نیست و این ضرب المثل نیست بلکه باز شدن شرعی آن است چطور مسئولیم در قبال دیگران و رابطه امر به معروف و نهی از منکر با این آیه و امثال این آیه چیست؟

حتی در محیط خانواده، ممکن است یک فردی خطائی را مرتکب شود و به علت خطای همان یک نفر، تمام افراد خانواده تا آخر عمر باید چوب خطای او را بخورند هر چند بگوییم در عرف اینطور است ولی ممکن است این عرف لطامت زیادی به شرع بزند، رابطه اش را برایم تشریح کنید.

### پاسخ

آیه یاد شده که در چندین سوره آمده است، در واقع جوابی است به افرادی که ملامت گناه خویش را به گردن دیگران می اندازند و می گویند کسی در آن جا نبود که مرا هدایت کند یا این که حکومت و جامعه فاسد مرا گمراه کرد و...

این آیات گوشزد می کنند که چنین نیست. خداوند به هر کس قدرت کشف حقیقت و راه یابی را عنایت کرده است و فرصت را برای هدایت او فراهم آورده است ولی انسان گناه کار به جهت پیروی از هوای نفس خویش راهی را که آسان تر و نزدیک تر به طبیعت جاهلی خویش است انتخاب می کند، بنابراین هر کسی همان گونه که مسؤول گمراهی خویش است مسؤول اعمال خود نیز هست و خود باید آن را به دوش بکشد.

این مفهوم، با

آیاتی که انسان را به امر به معروف و نهی منکر تشویق می کنند منافی نیست، زیرا در آیه «وزره» انسان را مسؤول اعمال خویش پس از ارتکاب آن می داند ولی آیات امر به معروف و نهی از منکر وظیفه انسان را نسبت به دیگران و جامعه مشخص می کند.

وظیفه هر فردی در جامعه، دور نگه داشتن دیگران از منکرات است تا منکرات در جامعه گسترش نیابند، چرا که جرم در جامعه قابل سرایت است. یک خلاف از یک فرد، در همه جامعه اثر می گذارد، برای مثال، یک نفر سیگاری هوای همه محیط را آلوده می کند، یک دروغ نیز همه ارتباطات را به هم می ریزد. چنان که پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «گناه مخفیانه تنها به گناهکار ضربه می زند ولی اگر از گناه علنی نهی نشود، به همه مردم ضربه خواهد زد» (میزان الحکمه، ری شهری، ح ۱۲۴۴۴).

حال اگر مسلمانی این مسؤولیت را به خوبی انجام ندهد، چون علت و سبب گسترش منکرات در جامعه است، مستحق عقوبت خواهد بود. به همین جهت است که در آیات و روایاتی که از تارکان امر به معروف و نهی از منکر انتقاد شده، تأکید روی سکوت افراد، رضایت آنان به گسترش فحشاء و... است.

در حدیثی می خوانیم: «اگر گناه مخفیانه انجام شود، خطری برای همه مردم ندارد ولی اگر افراد خاصی گناه را آشکار انجام دهند و سایر مردم قدرت تغییر دادن داشته باشند ولی ساکت بمانند، خداوند همه مردم را با هم مورد قهر و عذاب خود قرار می دهد» (همان، ۱۲۴۴۷).

خالصه اگر فردی مرتکب گناهی شد، خودش مسؤول گمراهی و عمل خویش است و در جرم آن دیگری شریک نیست ولی اگر دیگران او را به

گناه ترغیب یا در مقابل گناه علنی او سکوت کنند، چون سبب و علت گناه او و سرایت آن به جامعه می شوند مستحق عقوبت خواهند بود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه ۱۵ سوره اسراء

۲- تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ذیل آیه ۱۶ سوره انعام

۳- امر به معروف و نهی از منکر، محسن قرائتی

**دوستی داشتیم که بنابر تصادف چند ترمی با هم دوست بودیم. کم کم متوجه برخی رفتارهای زشت وی می شوم. تا اینک یک شب بی ادبی را از حد گذرانید و از هم جدا شدیم؛ دیگر حاضر نیستم با وی صحبت کنم \_ با شناختی که از افکار و رفتارش دارم \_ و طبعاً صد برابر او این چنین می خ**

**پرسش**

دوستی داشتیم که بنابر تصادف چند ترمی با هم دوست بودیم. کم کم متوجه برخی رفتارهای زشت وی می شوم. تا اینک یک شب بی ادبی را از حد گذرانید و از هم جدا شدیم؛ دیگر حاضر نیستم با وی صحبت کنم \_ با شناختی که از افکار و رفتارش دارم \_ و طبعاً صد برابر او این چنین می خواهد فکر کنم اصلاً احساس گناه نمی کند \_ از رفتارهایش \_ سؤال من این است وظیفه ی من الان چیست؟ آیا گناهکارم؟

**پاسخ**

شما گناهکار نیستید و اگر گناهی هم مرتکب شده باشید پشیمانی دلیل بر توبه و آمرزش شماست و در صورتی که می توانید در او اثر بگذارید، معاشرت و رفت و آمد با او را ترک نکنید ولی چنانچه می بینید رفتارش در شما تأثیر می گذارد و شما هیچ گونه اثری نمی توانید داشته باشید، حتما معاشرت خود را با او کم کنید.

**امر به معروف و نهی از منکر در حکومت دینی و از جانب حاکمان در امر حکومت تا چه اندازه قابل پذیرش است؟**

**پرسش**

امر به معروف و نهی از منکر در حکومت دینی و از جانب حاکمان در امر حکومت تا چه اندازه قابل پذیرش است؟

**پاسخ**

در این باره باید دو نکته را از یکدیگر تفکیک کرده، جداگانه مورد بررسی قرار داد:

یک. حاکمان و کارگزاران حکومت دینی باید چه موضعی در برابر «امر به معروف و نهی از منکر» اتخاذ کنند؟

دو. افراد یاد شده در عمل، چه می کنند و واقعیت های موجود در حکومت های دینی چه وضعیتی را نشان می دهد؟

حاکمان دین بایستی امور زیر را رعایت کنند:

۱. بستری در جامعه فراهم کنند که افراد، بتوانند به خوبی بر رفتار آنان نظارت کرده، صحیح را از نادرست باز شناسند و به هنگام لزوم، بتوانند به راحتی، رهنمودهای لازم را به مسئولان ارائه کنند.

۲. رهنمودها و امر به معروف و نهی از منکر مردم را بدون هیچ گونه پیش داوری و با تقوای لازم، مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. آنان اگر پس از بررسی های لازم، سخن مردم را درست یافتند، با شهامت و شجاعت آن را بپذیرند و تسلیم آن گردند و اگر آن را بر خطا یافتند، با منطقی استوار و بیانی نرم پاسخ دهند، و یا کریمانه از آن درگذرند.

اما اینکه حاکمان در حکومت دینی، تا چه اندازه نسبت به امر به معروف و نهی از منکر پذیرش دارند، باید گفت: کلمه «حاکمان» تعبیری کلی و تا حدودی ابهام آمیز است؛ یعنی، دقیقاً مشخص نیست چه کسانی و تا چه رده هایی مورد نظر است. افراد بسیار متفاوتند و نمی توان پاسخ قاطعی - که شامل همگان شود - ارائه داد. اما باید حاکمان، از شایسته ترین افراد جامعه و حداقل امکان افرادی



حقیقت پذیر و واقع نگر انتخاب شوند. هر اندازه در انتخاب این افراد، دقت نظر بیشتری به عمل آید؛ میزان پذیرش امر به معروف و نهی از منکر بیشتر خواهد بود.

اما اینکه حکومت دینی در طول تاریخ، چه تجربه ای را نشان داده است؛ باید گفت: نمونه های برجسته و عینی حکومت دینی، حکومت پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) بوده است. رسول اکرم(ص) در دوران حکومت الهی خود، چنان مردمی رفتار می کرد و فضایی پدید آورده بود که با وجود عصمت آن حضرت؛ هر کسی می توانست به راحتی، در حوزه مسائل اجتماعی و رفتاری پیامبر(ص) اظهار نظر کند.

جانشین حقیقی آن حضرت، امیرالمؤمنین(ع) نیز همین گونه رفتار می کرد. برخوردهای امیرالمؤمنین(ع) نشانگر این واقعیت است که آن حضرت، خواستار تربیت جامعه به نحوی بودند که هرگز بین خود و مسؤولان جدایی احساس نکنند و به راحتی سخنان خود را با آنان مطرح نمایند.

یکی از سخنان ارزشمند آن حضرت - که به زیباترین شکلی از چنین رابطه ای پرده برمی دارد - این است:

«خوش ندارم گمان کنید که دوست دارم مرا بستایید و ثنا گوئید ... پس با من آن گونه که با گردن کشان سخن گویند، سخن مگوئید ... نمی خواهم مرا بزرگ انگارید ... پس از گفتن حق یا رای زدن در عدالت باز نایستید ...». «و قد کرهت ان یکون جال فی ظنکم انی احب الاطراء و استماع الثناء ... فلا تکلمونی بما تکلم به الجابره ... و لا التماس اعظام لِنفسی ... فلا تکفوا عن مقاله بحق او مشوره بعدل»؛ نهج البلاغه، خ ۲۱۶.

چنین برخوردی، به جامعه «شخصیت» می دهد و آنان را برای اظهار نظر و انتقاد و امر به معروف و نهی از منکر،

تا بالاترین سطوح اجتماعی، آماده می سازد. شبیه همین روش در سیره امام خمینی (ره) نیز مشاهده می شود. ایشان می فرماید:

«همه ملت موظفند که نظارت کنند بر امور، نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است بگوید پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن». ر.ک: امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۷، صص ۳۱ - ۳۵.

نیز می فرماید:

«باید مسلمان این طور باشد که اگر هر که می خواهد باشد، خلیفه مسلمین و هر که باشد اگر دید پایش را کج گذاشت، شمشیرش را بکشد که پایش را راست بگذارد». همان، ص ۳۴.

کتابنامه قرآن کریم نهج البلاغه انجیل لوقا

انجیل یوحنا

- ۱- آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.
- ۲- ابراهیمی ورکیانی، محمد، اسلام و آزادی، بی نا، بی تا.
- ۳- ابن حجر، هیشمی مکی، الصواعق المحرقة، دار الطباعة المحمدیه، قاهره، و ط ۱۴۰۳ ه.
- ۴- ابن طاووس، کشف المحججه لثمره المهجه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۰.
- ۵- ابن کثیر، عماد الدین اسماعیل دمشقی، البدایه و النهایه، تحقیق لجنه من العلماء، دار الکتب علمیه بیروت.
- ۶- ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۰۵.
- ۷- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن ایوب حمیری، سیره ابن هشام، مصر مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۵۵ ه.
- ۸- ابو عبدالرحمن، احمد بن شعیب، سنن نسائی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۹- ارسطو، محمدجواد، قدرت سیاسی در اسلام، درآمدی بر اندیشه سیاسی اسلام، ویراستار سید صادق حقیقت، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۱۰- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، قاهره، مکتبه عبدالحمید احمد حنفی، ۱۳۱۴ ه.
- ۱۱- برگر، پیتال، افول سکولاریزم، ترجمه افشار امیری، نشر پنگان، ۱۳۸۰.
- ۱۲- بشیریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی، نشر نی، ۱۳۷۴.



غلامرضا، زبان سیاسی اسلام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۴- پیشوایی، مهدی، سیمای پیشوایان در آینه تاریخ، قم: دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۵- -، سیره پیشوایان، قم: توحید، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۱.

۱۶- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، قم؛ نشر اسراء، ۱۳۷۸.

۱۷- -، نسبت دین و دنیا، قم؛ نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۸- جوینی خراسانی، فرائد السمطین، بیروت مؤسسه المحمودی، ۱۴۰۰ ه.

۱۹- الحر العاملی، محمد بن الحسین، وسائل الشیعه، المکتبه الاسلامیه، الطبعة السادسة، ۱۳۶۷.

۲۰- الحسین الحائری، سید کاظم، ولایه الامر فی عصر الغیبه، مجمع الفکر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ ه.

۲۱- حقیقت، سید صادق، درآمدی بر اندیشه سیاسی اسلام (مجموعه مقالات)، انتشارات بین المللی الجدی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۲- الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، العلمانیه، المکتب الطیب، القاها، الطبعة الثانية، ۱۴۲۰ ه.

۲۳- دانش پژوه، مصطفی، فلسفه حقوق، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۲۴- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۴، گروه مترجمان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

۲۵- ربانی گلپایگانی، علی، دین و دولت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۱.

۲۶- -، سکولاریسم، کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۲۷- -، جامعیت و کمال دین، کانون اندیشه جوان.

۲۸- رحیمی برجردی، علیرضا، سیر تحول تفکر جدید در اروپا، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۲۹- رهنمایی، سید احمد، غرب شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۳۰- سبحانی، جعفر، حکومت اسلامی، ترجمه داود الهامی، انتشارات توحید، ۱۳۷۰.

۳۱- -، معالم الحکومه الاسلامیه، به قلم جعفر الهادی، مکتبه امیرالمؤمنین، اصفهان، ۱۴۰۱ ق.

۳۲- سروش، محمد، دین و دولت در اندیشه اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۳۳- سیوطی،

جلال الدین، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، مطبعهالسعاده، مصر، ۱۳۷۱ ق، چاپ اول.

۳۴- شاکرین، حمیدرضا، سکولاریسم، کانون اندیشه جوان.

۳۵- شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، نشر اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۳۶- صدر، سید محمد باقر، اقتصاد ما، ترجمه اسپهبدی، ج ۱ و ۲، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.

۳۷- صرامی، سیف اله، عقل قطعی منبع استنباط قوانین جامعه و حکومت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال ششم، شماره ۲، ۱۳۸۰.

۳۸- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چاپ ششم، ۱۳۷۹.

۳۹- عبدالرزاق، علی، الاسلام و اصول الحکم، القاہرہ، ۱۹۲۵ م.

۴۰- عسکری، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه البعثه، ۱۴۰۵ ه.

۴۱- علیخانی، علی اکبر، مشارکت سیاسی، نشر سفیر، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۴۲- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی اسلام، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۴۳- فتحعلی، محمود، تساهل و تسامح، مؤسسه طه، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۴۴- قدردان قراملکی، محمدحسن، سکولاریسم در مسیحیت و اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۴۵- -، تقابل مشی ائمه با سکولاریسم، مجله معرفت، ش ۱۹.

۴۶- القشیری، مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۸ ق، چاپ دوم.

۴۷- قوامی، سید صمصام الدین، ساختار حکومت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره اول.

۴۸- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ اهل البیت (ع)، بی تا.

۴۹- کواکبیان، مصطفی، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، انتشارت عروج، ۱۳۷۸.

۵۰- گلباغی ماسوله، سید علی جبار، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)

۵۱- گیب، هامیلتون، آر، مذهب و سیاست، ترجمه مهدی قائنی، انتشارات دارالفکر.

۵۲- لاریجانی، محمدجواد، نقد دینداری و مدرنیسم، نشر اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۵۳- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن و الاقول

و الافعال، ط . بیروت.

۵۴- - ، منتخب کنز العمال، ط. بیروت.

۵۵- محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، نشر دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۶.

۵۶- محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ج ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۱.

۵۷- محمودی، سید علی، عدالت و آزادی، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۵۸- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ ۴، ۱۳۵۷.

۵۹- مصباح یزدی، محمدتقی، پرسشها و پاسخها، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۶۰- - ، حکومت و مشروعیت، کتاب نقد، شماره ۷، تابستان ۱۳۷۷.

۶۱- - ، نظریه سیاسی اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۶۲- مطهری، مهدی، «قدرت، انسان، حکومت»، نشر رستمخانی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۶۳- مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.

۶۴- - ، پیرامون انقلاب اسلامی، قم: صدرا، ۱۳۶۹.

۶۵- - ، ختم نبوت، قم؛ صدرا، چاپ نهم، ۱۳۷۴.

۶۶- - ، سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، قم: صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۷۴.

۶۷- معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، قم، انتشارات التمهید، ۱۳۷۷.

۶۸- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۷.

۶۹- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، فلسفه سیاست، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۷۰- موسوی خمینی(ره)، روح الله، ولایت فقیه، انتشارات مرکز تنظیم و نشر آثار امام(ره).

۷۱- - ، کتاب البیع، انتشارات اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۶۳.



۷۲- - ، صحیفه ی نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.

۷۳- منصورى، خليل رضا، دراسه موضوعيه حول نظريه العرف و دورها فى عمليه الاستنباط.

۷۴- ميرمدرس، سيد موسى، جامعه ی برين، بوستان كتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۷۵- نبوى، سيد عباس، فلسفه قدرت، پژوهشگاه، حوزه و دانشگاه، چاپ اول،

۷۶- - ، مردم سالاری در حاکمیت اسلامی، مؤسسه تمدن و توسعه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۷۷- نصری، عبدالله، انتظار بشر از دین، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹.

۷۸- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، چاپ دوم، مؤسسه آل البیت، بیروت ۱۴۰۸ هـ.

۷۹- نوروزی، محمدجواد، نظام سیاسی اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۸۰- نووی، شرح صحیح مسلم، بینا، بیتا.

۸۱- واعظی، احمد، حکومت دینی، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۸۲- - ، «جامعه ی دینی، جامعه ی مدنی» پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۸۳- وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ترجمه منوچهری، ترابی نژاد، عمادزاده، انتشارات مولوی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.

۸۴- ویلم، ژان پل، جامعه شناسی ادیان، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، انتشارات تبیان، ۱۳۷۷.

۸۵- وینسنت، اندرو، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، ۱۳۷۶.

۸۶- هادوی تهرانی، مهدی، ولایت و دیانت، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

۸۷- - ، باورها و پرسش ها، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ اول، ۱۳۷۸.

Arendt, Hannah on Violence: chapter ۲. Penguin Books Ltd. London, ۰۱۹۱ -۱ منابع انگلیسی

John Locke, A Letter Concerning Toleration.ed. P.Romanell, )New York: the Bobbs \_ -۲  
Merrill, ۵۵۹۱, J

Poulantzas, Nicos; Potitcal Power and Social Classes; translation editor Timotony -۳  
O'hagan, London, newleft, ۳۷۹۱

Russel Bertrand; Power; Unwin Books, George, Allen and Unwin Ltd, Roskin House -۴  
Street. London, ۷۶۹۱

.Robert A.Dahl; Modern Politcal Analysis Shrid -۵

مجلات:

۱- اندیشه حوزه، سال پنجم، شماره اول و دوم، ۱۳۷۸، انتشارات آستان قدس رضوی.

۲- پیام زن، سال پنجم، شماره اول، فروردین ۱۳۷۵.

۳- فصلنامه حکومت اسلامی سال ششم شماره ۲ و ۴، ۱۳۸۰.

۴- مجله کیان، ش ۲۸.

۵- مجله معرفت، ش ۱۹ و ش

**آقای ایکس در یک خانواده ۵ نفره زندگی می کند او متوجه می شود که برادرش رفت و آمدهای مشکوکی دارد و با افراد بی نماز و صاحب گناهان کبیره دوست است آقای ایکس متوجه می شود که برادرش در استعمال مواد مخدر، تماشای فیلم های مستهجن و غیره با آنها شرکت دارد او بعد از**

### پرسش

آقای ایکس در یک خانواده ۵ نفره زندگی می کند او متوجه می شود که برادرش رفت و آمدهای مشکوکی دارد و با افراد بی نماز و صاحب گناهان کبیره دوست است آقای ایکس متوجه می شود که برادرش در استعمال مواد مخدر، تماشای فیلم های مستهجن و غیره با آنها شرکت دارد او بعد از اینکه با زبان امر به معروف و نهی از منکر می کند و سود نمی بخشد تصمیم می گیرد با برادرش سخن نگوید این کار ممکن است سالها طول بکشد آیا از نظر اسلام چنین رفتاری پسندیده است. آیا به عنوان امر به معروف و نهی از منکر پذیرفته می شود.

### پاسخ

در ابتدا باید دلسوزی و احساس مسؤولیت در مقابل برادرتان را بستیم. مطمئناً خداوند در این مسیر به شما کمک خواهد کرد باید تا آنجا که ممکن است تلاش کرد تا به او کمک کرد و برای او خیرخواهی نمود و از هرگونه تلاش دریغ نکرد. بنابراین برای اصلاح و نجات وی از خطراتی که وی را تهدید کرده و می کند از روی دلسوزی تلاش کرد اما از آنجا که این تلاش ها و دلسوزی ها باید متناسب با اصول خاص خود باشد تا بتوانید تأثیر مناسب را داشته باشید ما کلیاتی را در زمینه چگونگی تأثیرگذاری و راهکارهای آن خدمتان عرض می کنیم و امیدواریم با بهره گرفتن از آن اصول و راهکارها بتواند به برادر خود کمک کند.

مسئله تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری در حدود کیفیت آن بستگی به توان ها و قابلیت های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم ترین اموری که در تأثیرگذاری دخالت دارند ویژگی های روحی از

قبیل اراده استوار، اخلاق نیکو، حسن معاشرت و آگاهی ها و توانهای علمی بالا است. تأثیرپذیری مثبت نیز تا حدودی به این امور و نیز به میزان انعطاف پذیری و حقیقت طلبی شخص ارتباط دارد و تأثیر پذیری های منفی برخاسته از ضعف آگاهی و اراده می باشد. بنابراین هر اندازه در تقویت اراده خود گسترش صفات حسنه و خلق و خوی پسندیده و افزون سازی آگاهی ها و دانش های خود به ویژه در زمینه مسایل دینی فرهنگی و اجتماعی تلاش کنید تدریجا توان تأثیرگذاری بیشتری خواهید یافت.

بنابراین تأثیرگذاری یک مهارتی است که به تدریج حاصل می شود و تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی برخوردار باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می شود.

باید دانست که از شرایط امر به معروف انتخاب روشی است که احتمال تأثیر بدهید بنابراین اگر روگردانی و صحبت نکردن مؤثر نیست و احتمال دارد سال ها طول بکشد. به امر به معروف عمل نشده است و باید از طریق دیگری اقدام کند مگر این که راهی برای او نمانده باشد و ارتباط با مرتکب خلاف موجب تأثیر سوء بر خودش یا خانواده اش می شود.

مثلا- در صورت امکان از فرد یا افراد دیگری در بین فامیل و اقوام یا دوستان کمک بگیرد تا از راه های مختلف وی را کنترل کنند و گمان نشود که وی تنها فردی است که می تواند تأثیرگذار باشد. چه بسا آنها بهتر بتوانند نقش امر به معروف و نهی از منکر را ایفا کنند. زیرا گاهی اوقات با تذکر دادن فقط یک نفر به کسی که مرتکب خلاف می شود، دست

از خلاف بر نمی دارد ولی اگر افراد مختلف و با روش های متفاوت وی را از عمل خاصی بازدارند ممکن است تأثیر گذار باشد. پس چه بهتر که تعدادی از اعضاء خانواده و یا فامیل دور هم جمع شوند و هر کدام با زبان خاص خودشان با این فرد گفتگو کنند و او را از آن عمل نهی کنند.

گفتنی است که در این گونه موارد، دوستان فرد خلاف کار نقش عمده ای در به انحراف کشاندن فرد دارند چه خوب و شایسته است که دوستانش را از وی دور کنند و به جای آنها از برخی هم سن و سال های شایسته و دوستان خوب بخواهید که دور او جمع شوند و با ایجاد ارتباط دوستانه و صمیمانه اجازه ندهند با افراد ناشایست و دوستان ناباب ارتباط برقرار کند.

خلاصه آن که همت جمعی اعضا خانواده و فامیل و دوستان را می طلبد. امید است با تلاش دسته جمعی آنها در اصلاح وی مؤثر باشد.

### **اگر افرادی از مساله ای غافل باشند، آیا وظیفه داریم آنان را آگاه کنیم؟**

#### **پرسش**

اگر افرادی از مساله ای غافل باشند، آیا وظیفه داریم آنان را آگاه کنیم؟

#### **پاسخ**

در صورتی که شرایط امر به معروف جمع باشد و احتمال تأثیر داده شود، لازم است آنها را امر به معروف نمایند و الا مسؤولیتی نسبت به آنها ندارند و اگر حکم شرعی چیزی را نمی دانند از باب ارشاد جاهل به آنها تذکر داده شود.

**با توجه به کاهش حجاب اسلامی در دختران در دانشگاهها، آیا یک پسر حق دارد دختران بی حجاب را امر به معروف و نهی از منکر کند یا نه؟ چگونه؟**

#### **پرسش**

با توجه به کاهش حجاب اسلامی در دختران در دانشگاهها، آیا یک پسر حق دارد دختران بی حجاب را امر به معروف و نهی از منکر کند یا نه؟ چگونه؟

#### **پاسخ**

مسأله امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امر به معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعاً منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای

انتظامی و قضایی نهاده اند، لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت :

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط و مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقاً فراگیرند.

۲- آمر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق و التزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتر است امر به معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری ، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق ، چند گونه اند:

گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند، نه تنها

ناراحت نمی شوند، بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند.

گونه دوم - انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد، استقبال نمی کنند.

گونه سوم - انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما" در برابر حرف حق ، واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند.

در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما" اگر امر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی ، اخلاقی و تربیتی او، شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند، عکس العمل مثبت طرف مقابل ، بسیار بالا- خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم :

۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید.

۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد.

۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه و اشاره گوشزد کنید.

۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبیه ایشان پردازید.

۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید.

۶- از تندى و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار



خود سازید.

۷- اگر زمینه‌ی مساعدی می‌بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه‌ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی پرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید.

۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید.

۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذكر فان الذكري تنفع المؤمنين»، (ذاریات، آیه ۵۵). از این رو تا آنجا که احتمال تأثیر می‌دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید.

۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید، شما وظیفه خویش را به انجام رسانده‌اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین» پیامبر وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور، آیه ۵۴).

شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است:

الف. کسی که امر یا نهی می‌کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعاً واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضاً انجام می‌دهد شرعاً حرام است مانند قمار.

ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند.

ج. احتمال تأثیر بدهد.

د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد.

مطالعه کنید: حکایت‌های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

ضمناً برای برخورد منطقی و مبتنی بر عقلانیت شناخت ریشه‌های این معضل بسیار مفید بلکه ضروری است. از این رو در

این زمینه نکاتی را یادآوری می‌کنیم:

در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در ایران ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حساب شده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلفه‌هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. از نظر انسان‌شناختی و روان‌شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می‌باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا»، (انسان، آیه ۳).

بر این اساس در جامعه‌ای مانند جامعه اسلامی ما که بسیاری از احکام، ارزش‌ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچگونه عذر و بهانه‌ای نیست بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می‌شود، به این اصل و عنصر روان‌شناختی باز می‌گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت است و... می‌باشد و در مظاهری از قبیل تجمل‌گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می‌کند.

در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم

اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می‌گردد. بر اثر خودباختگی ملائک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می‌دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش‌های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه‌های عالی و معرفت صحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می‌دهد.

یکی از راه‌های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان‌شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم...» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱).

این عامل درونی اختصاص به جامعه‌ای خاص یا پیروان دین مخصوصی ندارد اما در هر جامعه‌ای عوامل تشدیدکننده یا کنترل‌کننده وجود دارد که باید پیشینه تاریخی و وضعیت فرهنگی را بررسی کرد. در خصوص جامعه ایرانی به ریشه‌های تاریخی آن اشاره می‌کنیم.

۲. ریشه‌های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی‌بند و باری و کشف حجاب بر می‌گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی‌حجابی را در خانواده‌ها

به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترش این معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد.

۳. کوتاهی و بی توجهی برخی از مسئولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.

گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسئولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد.

۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و... گردید.

۵. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر

جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب.

مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد:

۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده

۲. کار بنیادی فرهنگی. مسلماً برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه ها نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شؤونات اسلامی، راه کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسئولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکبوی صفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش های اسلامی در دانشگاه ها باشیم، ان شاءالله.

نماند بسیاری از ناهنجارهای اجتماعی از جمله بدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسیاری از مفاسد اجتماعی هستند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف صورت می پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجام دهند. فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی به شکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی

۲. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد

۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها

۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

**آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟**

**پرسش**

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

**پاسخ**

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادت مند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، اما قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موقّق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند.

درباره خطرات عجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد.

«بخش پاسخ به سؤالات»

## در چه صورتی امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست ؟

### پرسش

در چه صورتی امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست ؟

### پاسخ

در صورتی های ذیل امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست :

۱ در صورتی که شخص آمر یا ناهی ، خود شناختی از معروف و منکر نداشته باشد.

۲ اگر بداند که امر و نهی او تأثیر نمی کند.

۳ اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که شخص معصیت کار، معصیت خود را تکرار نمی کند.

۴ اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند، ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجهی به او می رسد. اگر احتمال صحیح بدهد از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا کند، واجب نیست ، بلکه اگر بترسد ضرری متعلقان او می شود، واجب نیست . با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعضی مؤمنان نیز واجب نمی شود، بلکه در بسیاری موارد حرام است .(۱)

(پاورقی ۱. توضیح المسائل مراجع ، ج ۲ مسئله ۲۷۹۱)

**آیا امر به معروف و نهی از منکر برای همه واجب است ، حتی اگر بیم جان رود و انسان بترسد، و یا خود انسان همان نقص را داشته باشد؟**

### پرسش

آیا امر به معروف و نهی از منکر برای همه واجب است ، حتی اگر بیم جان رود و انسان بترسد، و یا خود انسان همان نقص را داشته باشد؟

### پاسخ

سؤال شما در سه قسمت پاسخ داده می شود:

الف ) شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر بر تمام افراد عاقل و بالغ ، با شرایط زیر واجب



است : ۱ کسی که می خواهد امر و نهی کند باید یقین داشته باشد که طرف مقابل مشغول انجام حرام یا ترک واجبی است ؛ ۲ احتمال دهد که امر و نهی او اثر دارد. خواه اثر فوری داشته باشد یا غیر فوری ، کامل یا ناقص . بنابراین ، اگر بداند هیچ اثر نمی کند واجب نیست ؛ ۳ در امر و نهی او مفسده و ضرری نباشد. پس اگر بداند یا خوف این باشد که امر یا نهی او ، ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه نسبت به او یا بعضی از مؤمنین می رساند ، واجب نیست . ولی اگر معروف و منکر از اموری باشد که شارع مقدس اسلام اهمیت زیادی به آن می دهد مانند حفظ اسلام و قرآن و استقلال ممالک اسلامی ، یا حفظ احکام ضروری اسلام ، باید اعتنا به ضرر نکند و با بذل جان و مال در حفظ آن ها بکوشد.

ب ) بنابراین صرف ضرر جانی یا مالی یا عدم تأثیر فوری باعث نمی شود که امر به معروف و نهی از منکر واجب نباشد. چنان که امیرالمؤمنین ۷ جنگ صفین را با هدف اعلام فرموده و اباعبدالله الحسین ۷ نیز قیام علیه

یزید، و نهضت عاشورا را به عنوان امر به معروف و نهی از منکر آغاز نمود با این که می دانست خود و اصحابش کشته می شوند و قیام او تأثیری فوری در یزید، عیداله ... ندارد.

پس باید دید معروف متروک و منکری که انجام می گیرد از ضروریات دین یا مقدمه ای برای تضعیف اسلام و قرآن ... است یا خیر؟

البته امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که بعضی از این مراتب، به اجازه حاکم شرع احتیاج ندارد و بعضی دارد. اگر برای امر به معروف و نهی از منکر لازم شود که متوسل به ضرب و جرح یا اتلاف اموال و بالاتر از آن گردد در این صورت هیچ کس بدون اجازه حاکم شرع حق اقدام ندارد.

ج) اگر منظور از جمله شما این باشد که احکام و مسائل مربوط به واجب و حرام رابه خوبی نمی شناسد و آگاه نیست، باید یاد بگیرد و تا زمانی که خود معروف و منکر را نشناخته بر او واجب نیست و اگر منظور این است که خودش گاهی اوقات آن معروف را ترک یا منکر را انجام می دهد، آیا با این وصف باز واجب است؟ چون در این جا دو تکلیف جدا از هم وجود دارد، اگر شرایط وجود (که در قسمت الف بیان شد) محقق باشد، واجب است.

**امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام را توضیح دهید.**

**پرسش**

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام را توضیح دهید.

**پاسخ**

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول عملی اسلام است. اصلی است که در قرآن کریم با صراحت و تاکید آمده و در اخبار نبوی و آثار ائمه طاهرین درباره آن بسیار سخن گفته شد.

قرآن کریم می فرماید:

مسلمانان بهترین امتی هستید (یا بودید) که خدا برای مردم جهان نمایان فرمود، زیرا شما امر به معروف و نهی از منکر می کنید و ایمان به خدا دارید.

با بودن چهار شرط، امر به معروف و نهی از منکر واجب می شود: ۱ علم به معروف و منکر ۲ احتمال فایده و اثربر امر و نهی باشد ۳ کسی که معروف را ترک کرده یا منکر را مرتکب شده، در ترک واجب یا فعل حرام مصر و مستمر باشد ۴ مفسده و ضرری بر امر و نهی نباشد.

امر به معروف و نهی از منکر دارای سه درجه و مرحله است :

۱ مرتبه قلب ۲ مرتبه زبان ۳ مرتبه دست و عمل فقهاء هم این سه مرحله را تشریح کرده و تفصیل داده اند و گفته اند در درجه اول مسلمانان باید در قلب خود نسبت به خلافکاری ها و ترک واجبات الهی تنفیری احساس نماید و کمترین مظهري که از این تنفر قلبی می تواند داشته باشد، یک عمل منفی است یعنی اعتراض و ترک معاشرت و ترشروی است . در مرتبه زبان هم باید اول از طریق پند و نصیحت و نرمی وارد شود و اگر فایده ای نکرد سخنانی درشت به کار برده شود. برای مرتبه دست و علم هم

مراتبی ذکر کرده اند و غالباً متوجه این ضمیمه شده اند که گاهی احتیاج می افتد به این که برخورد عملی شود که چه بسا صدماتی را به همراه داشته باشد، فقها در این جا توقف می کنند و می گویند این دیگر وظیفه عامه مردم نیست و این مرتبه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه حاکم شرعی است و دولت اسلامی است. اگر به عموم مردم اجازه این کارها داده شود مستلزم هرج و مرج در اجتماع می شود. (۱)

(پاورقی ۱. استاد شهید مرتضی مطهری، مجموعه گفتارها، ص ۳۶)

### **امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه ؟**

#### **پرسش**

امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه ؟

#### **پاسخ**

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است. اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. امر یعنی فرمان، معروف یعنی هر کار خیر و نیکی، چه در معاملات و چه در عبادات و اخلاقیات و محیط خانوادگی. نهی یعنی بازداشتن. منکر یعنی هر کار زشت و ناپسند، مانند شرک و فسق و غیبت و دروغ و سخن چینی و تفرقه اندازی و ریا و ربا. (۱)

(پاورقی ۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷ ص ۲۳۶)

**در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟**

#### **پرسش**

در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟

#### **پاسخ**

در مورد سؤال، وظیفه شما برخورد با گناه است. چون امر به معروف و نهی از منکر در صورت شرایط واجب است، ولی اگر امر و نهی شما تأثیری ندارد، چیزی بر عهده شما نیست و از جمع ایشان فاصله بگیرید. صبر تفسیر دیگری دارد و آن صبر در برابر گناهی که برای خود او پیش آمده و در مصیبت و سختی طاعت خدا است.

صبر به معنای بی‌اعتنایی و سکوت و رضایت از گناه نیست.

## آیا امر به معروف و نهی از منکر موجب سلب آزادی است ؟

### پرسش

آیا امر به معروف و نهی از منکر موجب سلب آزادی است ؟

### پاسخ

از آنجا که در زندگی اجتماعی سرنوشت افراد به هم مربوط است ، و به اصطلاح افراداجتماع در سرنوشت یکدیگر اثر دارند حق نظارت در اعمال دیگران حق طبیعی و خاصیت زندگی دست جمعی است بنابراین انجام این فریضه نه تنها با آزادیهای فردی مخالف نیست ، بلکه وظیفه ای است که افراد در مقابل یکدیگر دارند .

**از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی ، کاملاً باز گذارده است . با در نظر گرفتن چنین اصلی ، چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند و از کارهای بد با**

### پرسش

از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی ، کاملاً باز گذارده است . با در نظر گرفتن چنین اصلی ، چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند و از کارهای بد باز بدارند ؟ آیا اجرای دو اصل امر به معروف و نهی از منکر ، مایه سلب آزادی از انسانها و افراد جامعه نیست ؟ گذشته از این ، اگر همه مردم به چنین وظیفه ای قیام کنند نظامات اجتماعی دچاراختلال و هرج و مرج نمی شود ؟

### پاسخ

مقصود از امر به معروف و نهی از منکر که دو رکن بزرگ اجتماعی اسلام به شمارمی روند ، همان دعوت و راهنمایی افراد به کارهای نیک و سودمند و بازداشتن آنان از کارهای زشت و مبارزه با انواع انحرافهای اجتماعی و اخلاقی است . پیش از همه ، باید دید که آیا اجرای این دو اصل در اجتماعی که افراد آن معمولاً همه با هم همبستگی کامل دارند و سرنوشت همه را یک چیز تشکیل می دهد ، به سودجامعه هست یا نه ؟ هرگاه اجرای چنین اصلی به نفع اجتماع باشد ، باید در این صورت به خاطر فواید مهم آن از آزادی فردی کاست و آزادی افراد را در چهارچوب این اصل محدود ساخت . شیوه زندگی انسان در اعصار کهن به شکل اجتماعات بسیار کوچکی در درون غارها و شکاف کوهها و داخل جنگلها بود و تقریباً همبستگی و

تشریک مساعی و ارتباط و تعاون اجتماعی بر اجتماعات آنان حکومت نمی کرد .

در چنین زندگی که سرنوشت افراد به یکدیگر چندان بستگی ندارد، شاید مبارزه با فساد و جلوگیری از انحراف ضروری به نظر نرسد. ولی در شیوه زندگی دسته جمعی با سرنوشت مشترک، مبارزه با فساد و دعوت مردم به کارهای نیک، یک وظیفه خطیر اجتناب ناپذیر است. زیرا در این نوع زندگی، همه افراد یک اجتماع به صورت اعضای یک خانواده درمی آیند و پیوند وحدت و ارتباط آنچنان در میان آنان محکم و استوار می گردد که هیچ فردی نمی تواند برای خود حساب جداگانه ای باز کند و خود را از نتایج اعمال خوب و بد دیگران جدا فرض کند. در چنین اجتماعی تمام افراد، در سود و زیان اعمال یکدیگر کاملاً شریک و سهیم بوده و نتیجه عمل یک فرد دامنگیر همه افراد می شود. اینجاست که هیچ فردی - هر چه هم خود را دور از اجتماع تصور کند - نمی تواند تماشاگر صحنه زندگی گردد و خود را از سود و زیان کارهای افراد دیگر دور بدارد. روی همین پیوند و ارتباط است که اگر بر اثر خلافتکاری برخی، ضربه اقتصادی یا فرهنگی بر پیکر اجتماعی وارد شد، دود آن به چشم همه رفته و همه در برابر آن متاثر خواهند شد. انحرافهای اخلاقی، بسان بیماریهای واگیرداری است که - خواه ناخواه - دامن دیگران را نیز می گیرد هرگاه میکروب التور در نقطه ای پیدا شد، فوراً باید مبارزه پیگیری بر ضد آن آغاز نمود و دیگران را از معاشرت با آن بیمار بازداشت و در غیراین صورت

، همه کشور و یا کشورها را فرا می گیرد . همچنین ، انحراف اخلاقی و اجتماعی و هر نوع آلودگی فکری و روحی - بسان بیماری جسمی - برق آسا در دل اجتماع رسوخ نموده و همه اجتماع را فرا می گیرد . فرض کنید به یک نفر خانه خود را به صورت لانه فساد درآورد و پای افراد لابلالی به آنجا باز شود ، آیا می توان تصور نمود که دختران و پسران آن نقطه که هر روز شاهد رفت و آمد گروهی منحرف به آن لانه هستند مصون و پاک بمانند ، یا این که آنان نیز به مقتضای طغیان شهوت ، به آن نقطه کشیده می شوند و روز به روز دایره فساد گسترش پیدا کرده و بازار آن داغ تر می گردد . اینجاست که می توان گفت اجرای پیگیر اصل مبارزه با انحرافهای اخلاقی و اجتماعی ضامن سعادت اجتماعی است که افراد آن در کنار یکدیگر زندگی می کنند ، و سکوت در برابر گناه و مفاسد ، غلط و گناهی بزرگ است و هرگز نمی توان حساب فرد را از حساب جامعه جدا ساخت . در حقیقت یک فرد مبارز ، از حقوق خود و اجتماعی که در آن زندگی می کند دفاع می نماید و هرگز نباید اصل آزادی افراد بهانه شود که ما از این وظیفه انسانی شانه خالی کنیم و باید به این نکته توجه و ایمان داشته باشیم که آزادی افراد تا آنجا محترم است که سلب آزادی از دیگران نکند و مصالح جامعه را به خطر نیفکند . قرآن مجید با واقع بینی خاصی که از ویژگیهای این



کتاب آسمانی است به این حقیقت اشاره کرده و می فرماید : و اتقوا فتنه لا- تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه و از فتنه ای پرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد ( بلکه همه را فرا خواهد گرفت ؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند ) .

(۱) عین این سوال را یکی از یاران پیامبر اکرم از حضرتش پرسید ، پیامبر در پاسخ او مثلی را مطرح کرد که خلاصه آن این است : اجتماع ما بسان کشتی بزرگی است که در آن کالاهای تجارتی حمل شده و سرنشینانی نیز همراه دارد . هر فردی از سرنشینان در طی راه مختار و آزاد می باشد ، ولی او هرگز نمی تواند زیر پوشش آزادی فردی بدنه کشتی و یا زیر پای خود را سوراخ کند و در مقام پاسخ بگوید : من نقطه ای از کشتی را مورد تصرف قرار می دهم که زیر پای من قرار گرفته است ، در صورتی که چنین جوابی از این فرد پذیرفته نیست ؛ زیرا آنها سلامت خویشان را به خطر نمی افکنند ، بلکه او با این عمل سرنوشت همه سرنشینان و کالاهای تجارتی را به خطر افکنده و همه را به سوی نابودی و نیستی سوق می دهد . جامعه ما نیز بسان کشتی است ؛ افراد جامعه سرنشینان این کشتی می باشند ؛ آنان در ضرر و نفع یکدیگر شریک و سهمند و هرگز نمی توان حساب فرد را از اجتماع جدا نمود . روش اسلام درباره محترم شمردن آزادیهای فردی با روش مکتبهای امروز جهان یک تفاوت حقیقی دارد ، در جهان امروز آزادی تا آنجا محترم است که

از ناحیه فرد، ضرری متوجه اجتماع نگردد و منافع دیگران به خطر نفتد - هر چند به ضرر خود آن شخص تمام گردد و بر سعادت او لطمه جبران ناپذیر وارد سازد. ولی در اسلام آزادی فردی تا آنجا محترم است که مزاحم دیگران نباشد و سقوط و آلودگی اجتماع را فراهم نسازد؛ همچنین به سعادت خودش نیز لطمه ای وارد نکند و کاری انجام ندهد که موجب بدبختی او گردد. مثلاً در جهان امروز گرایش به بت پرستی و پرستش انواع موجودات رایج و آزاد است و جهان غرب در پوشش آزادی فردی این عمل را تخطئه نمی کند، ولی اسلام چنین عملی را که مایه انحطاط فرد و سقوط پرستش کننده است سخت تخطئه کرده و با فشار هر چه بیشتر مانع از انجام چنین اعمالی می گردد امر به معروف و نهی از منکر و دعوت مردم به کارهای نیک و بازداشتن آنان از کارهای زشت، دارای درجات و مراتبی است. آنچه مربوط به توده مردم است این است که با زبان نرم و بیان دلنشین برادران دینی خود را پند و اندرز دهند و آنان را از عواقب بد گناه باز دارند و اگر احتمال تاثیر دهند حتی می توانند روابط دوستانه خود را با آنان قطع کنند. این نوع مبارزه با فساد و نظارت عمومی هرگز ایجاد هرج و مرج نمی کند، اما درجات بالاتر از این (مانند اجرای مجازات و کیفرها و حدود الهی درباره افراد گناهکار) باید زیر نظر حکومت اسلامی و مانند زمان پیامبر انجام گیرد و هیچ فرد عادی حق ندارد در اجرای

نظارت عمومی خودسرانه اقدام نماید .

**سوال: آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟ آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده و فاقد تحریک بیرون آمده به**

**پرسش**

سوال: آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟ آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده و فاقد تحریک بیرون آمده به یک جامعه زنده تبدیل می گردد . هرج و مرج ناشی از بی تفاوتی آحاد جامعه نسبت به رفتار یکدیگر است .

**پاسخ**

**سوال: آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟ آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده و فاقد تحریک بیرون آمده به**

**پرسش**

سوال: آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟ آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده و فاقد تحریک بیرون آمده به یک جامعه زنده تبدیل می گردد . هرج و مرج ناشی از بی تفاوتی آحاد جامعه نسبت به رفتار یکدیگر است .

**پاسخ**

**آیه ۴۷ سوره آل عمران می گوید: در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دووظیفه بزرگ اجتماعی ( امر به معروف و نهی از منکر ) را انجام دهند اینکه می گوید از میان آنها باید امتی باشند بعضی از جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهد نه همه آنها را و به این ترتیب**

**پرسش**

آیه ۴۷ سوره آل عمران می گوید: در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دووظیفه بزرگ اجتماعی ( امر به معروف و نهی از منکر ) را انجام دهند اینکه می گوید از میان آنها باید امتی باشند بعضی از جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهد نه همه آنها را و به این ترتیب این وظیفه جنبه عمومی نخواهد داشت بلکه وظیفه طائفه خاصی است اما از آیه ۱۱۰ همین سوره و

همچنین از سوره والعصر برمی آید که این دووظیفه جنبه عمومی دارد

## پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد: یکی مرحله فردی که هر کس موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد و دیگری مرحله دسته جمعی که امتی موظفند برای پایان دادن به نابسامانیهای اجتماعی دست به دست هم بدهند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند. قسمت اول وظیفه عموم مردم است و چون جنبه فردی دارد طبعا شعاع آن محدود به توانایی فرد است اما قسمت دوم شکل واجب کفایی به خود می گیرد و چون جنبه دسته جمعی دارد و شعاع قدرت آن وسیع، طبعا از شوون حکومت اسلامی محسوب می شود، این دو شکل از مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق، از شاهکارهای قوانین اسلامی محسوب می گردد.

**از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی، کاملا باز گذارده است. با در نظر گرفتن چنین اصلی، چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند و از کارهای بد با**

## پرسش

از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی، کاملا باز گذارده است. با در نظر گرفتن چنین اصلی، چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند و از کارهای بد باز بدارند؟ آیا اجرای دو اصل امر به معروف و نهی از منکر، مایه سلب آزادی از انسانها و افراد جامعه نیست؟ گذشته از این، اگر همه مردم به چنین وظیفه ای قیام کنند نظامات اجتماعی دچار اختلال و هرج و مرج نمی شود؟

## پاسخ

مقصود از امر به معروف و نهی از منکر که دو رکن بزرگ اجتماعی اسلام به شمار می روند، همان دعوت و راهنمایی افراد به کارهای نیک و سودمند و بازداشتن آنان از کارهای زشت و مبارزه با انواع انحرافهای اجتماعی و اخلاقی است. پیش از همه، باید دید که آیا اجرای این دو اصل در اجتماعی که افراد آن معمولاً همه با هم همبستگی کامل دارند و سرنوشت همه را یک چیز تشکیل می دهد، به سود جامعه هست یا نه؟ هرگاه اجرای چنین اصلی به نفع اجتماع باشد، باید در این صورت به خاطر فواید مهم آن از آزادی فردی کاست و آزادی افراد را در چهارچوب این اصل محدود ساخت. شیوه زندگی انسان در اعصار کهن به شکل اجتماعات بسیار کوچکی در درون غارها و شکاف کوهها و داخل جنگلها بود و تقریباً همبستگی و تشریک مساعی و ارتباط و تعاون اجتماعی بر اجتماعات آنان حکومت نمی کرد.

در چنین زندگی که سرنوشت افراد به یکدیگر چندان بستگی ندارد، شاید مبارزه با فساد و جلوگیری از انحراف ضروری به نظر نرسد. ولی در شیوه زندگی دسته جمعی با سرنوشت مشترک، مبارزه با فساد و دعوت مردم به کارهای نیک، یک وظیفه خطیر اجتناب ناپذیر است. زیرا در این نوع زندگی، همه افراد یک اجتماع به صورت اعضای یک خانواده درمی آیند و پیوند وحدت و ارتباط آنچنان در میان آنان محکم و استوار می گردد که هیچ فردی نمی تواند برای خود حساب جداگانه ای باز کند و خود را از نتایج اعمال خوب و بد دیگران جدا فرض کند. در چنین اجتماعی تمام افراد، در سود و زیان اعمال یکدیگر کاملاً-شرک و سهمیم بوده و نتیجه عمل یک فرد دامنگیر همه افراد می شود. اینجاست که هیچ فردی - هر چه هم خود را دور از اجتماع تصور کند - نمی تواند تماشاگر صحنه زندگی گردد و خود را از سود و زیان کارهای افراد دیگر دور بدارد. روی همین پیوند و ارتباط است که اگر بر اثر خلافتکاری برخی، ضربه اقتصادی یا فرهنگی بر پیکر اجتماعی وارد شد، دود آن به چشم همه رفته و همه در برابر آن متاثر خواهند شد. انحرافهای اخلاقی، بسان بیماریهای واگیرداری است که - خواه ناخواه - دامن دیگران را نیز می گیرد هرگاه میکروب التور در نقطه ای پیدا شد، فوراً باید مبارزه پیگیری بر ضد آن آغاز نمود و دیگران را از معاشرت با آن بیمار بازداشت و در غیراین صورت

، همه کشور و یا کشورها را فرا می گیرد . همچنین ، انحراف اخلاقی و اجتماعی و هر نوع آلودگی فکری و روحی - بسان بیماری جسمی - برق آسا در دل اجتماع رسوخ نموده و همه اجتماع را فرا می گیرد . فرض کنید به یک نفر خانه خود را به صورت لانه فساد درآورد و پای افراد لابلای به آنجا باز شود ، آیا می توان تصور نمود که دختران و پسران آن نقطه که هر روز شاهد رفت و آمد گروهی منحرف به آن لانه هستند مصون و پاک بمانند ، یا این که آنان نیز به مقتضای طغیان شهوت ، به آن نقطه کشیده می شوند و روز به روز دایره فساد گسترش پیدا کرده و بازار آن داغ تر می گردد . اینجاست که می توان گفت اجرای پیگیر اصل مبارزه با انحرافهای اخلاقی و اجتماعی ضامن سعادت اجتماعی است که افراد آن در کنار یکدیگر زندگی می کنند ، و سکوت در برابر گناه و مفاسد ، غلط و گناهی بزرگ است و هرگز نمی توان حساب فرد را از حساب جامعه جدا ساخت . در حقیقت یک فرد مبارز ، از حقوق خود و اجتماعی که در آن زندگی می کند دفاع می نماید و هرگز نباید اصل آزادی افراد بهانه شود که ما از این وظیفه انسانی شانه خالی کنیم و باید به این نکته توجه و ایمان داشته باشیم که آزادی افراد تا آنجا محترم است که سلب آزادی از دیگران نکند و مصالح جامعه را به خطر نیفکند . قرآن مجید با واقع بینی خاصی که از ویژگیهای این

کتاب آسمانی است به این حقیقت اشاره کرده و می فرماید : و اتقوا فتنه لا- تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه و از فتنه ای پرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد ( بلکه همه را فرا خواهد گرفت ؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند ) .

(۱) عین این سوال را یکی از یاران پیامبر اکرم از حضرتش پرسید ، پیامبر در پاسخ او مثلی را مطرح کرد که خلاصه آن این است : اجتماع ما بسان کشتی بزرگی است که در آن کالاهای تجارتی حمل شده و سرنشینانی نیز همراه دارد . هر فردی از سرنشینان در طی راه مختار و آزاد می باشد ، ولی او هرگز نمی تواند زیر پوشش آزادی فردی بدنه کشتی و یا زیر پای خود را سوراخ کند و در مقام پاسخ بگوید : من نقطه ای از کشتی را مورد تصرف قرار می دهم که زیر پای من قرار گرفته است ، در صورتی که چنین جوابی از این فرد پذیرفته نیست ؛ زیرا آنها سلامت خویشان را به خطر نمی افکنند ، بلکه او با این عمل سرنوشت همه سرنشینان و کالاهای تجارتی را به خطر افکنده و همه را به سوی نابودی و نیستی سوق می دهد . جامعه ما نیز بسان کشتی است ؛ افراد جامعه سرنشینان این کشتی می باشند ؛ آنان در ضرر و نفع یکدیگر شریک و سهمند و هرگز نمی توان حساب فرد را از اجتماع جدا نمود . روش اسلام درباره محترم شمردن آزادیهای فردی با روش مکتبهای امروز جهان یک تفاوت حقیقی دارد ، در جهان امروز آزادی تا آنجا محترم است که

از ناحیه فرد، ضرری متوجه اجتماع نگردد و منافع دیگران به خطر نفتد - هر چند به ضرر خود آن شخص تمام گردد و بر سعادت او لطمه جبران ناپذیر وارد سازد. ولی در اسلام آزادی فردی تا آنجا محترم است که مزاحم دیگران نباشد و سقوط و آلودگی اجتماع را فراهم نسازد؛ همچنین به سعادت خودش نیز لطمه ای وارد نکند و کاری انجام ندهد که موجب بدبختی او گردد. مثلاً در جهان امروز گرایش به بت پرستی و پرستش انواع موجودات رایج و آزاد است و جهان غرب در پوشش آزادی فردی این عمل را تخطئه نمی کند، ولی اسلام چنین عملی را که مایه انحطاط فرد و سقوط پرستش کننده است سخت تخطئه کرده و با فشار هر چه بیشتر مانع از انجام چنین اعمالی می گردد امر به معروف و نهی از منکر و دعوت مردم به کارهای نیک و بازداشتن آنان از کارهای زشت، دارای درجات و مراتبی است. آنچه مربوط به توده مردم است این است که با زبان نرم و بیان دلنشین برادران دینی خود را پند و اندرز دهند و آنان را از عواقب بد گناه باز دارند و اگر احتمال تاثیر دهند حتی می توانند روابط دوستانه خود را با آنان قطع کنند. این نوع مبارزه با فساد و نظارت عمومی هرگز ایجاد هرج و مرج نمی کند، اما درجات بالاتر از این (مانند اجرای مجازات و کیفرها و حدود الهی درباره افراد گناهکار) باید زیر نظر حکومت اسلامی و مانند زمان پیامبر انجام گیرد و هیچ فرد عادی حق ندارد در اجرای



نظارت عمومی خودسرانه اقدام نماید .

**سوال: آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟ آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تول**

**پرسش**

سوال: آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟ آیا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده و فاقد تحریک بیرون آمده به یک جامعه زنده تبدیل می گردد . هرج و مرج ناشی از بی تفاوتی آحاد جامعه نسبت به رفتار یکدیگر است .

**پاسخ**

**سوال: آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟**

**پرسش**

سوال: آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟

**پاسخ**

با توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده و فاقد تحریک بیرون آمده به یک جامعه زنده تبدیل می گردد . هرج و مرج ناشی از بی تفاوتی آحاد جامعه نسبت به رفتار یکدیگر است .

**مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟**

**پرسش**

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

**پاسخ**

این اصل دایر مدار این است که موضوع امر به معروف و نهی از منکر چیست، یک وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر موضوع کوچکی است. مثلاً کسی که کوچه را کثیف میکند، پوست خریزه را میاندازد در کوچه، نباید بیندازد. شما اینجا باید نهی از منکر کنید، باید او را ارشاد و هدایت کنید، باید به او بگویید این کار را نکن، درست نیست. حالا اگر شما برای نهی از منکر کردن در چنین مسأله‌ای، به خاطر پوست خریزه در کوچه انداختن، بدانید او یک فحش ناموسی به شما میدهد، در این صورت این کار آنقدر ارزش ندارد که شما یک فحش ناموسی بشنوید.

یکوقت هم هست که موضوع امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی است که اسلام برای آن اهمیتی بالاتر از جان و مال و حیثیت انسان قائل است. میبینید قرآن به خطر افتاده است، تمام دسیسهبازیها برای این است که با قرآن مبارزه شود، وضعیت در سر حدّ به خطر افتادن قرآن و اصول قرآن نیست، در سر حدّ به خطر افتادن عدالت است. یا آنجا که مسأله‌ای نظیر وحدت اسلامی در خطر است، که اسلام در موضوع وحدت چه اندازه عنایت و حساسیت دارد و به وحدت مسلمین اهمیت میدهد، دست دشمن را میبینی، دسیسه دشمن را میبینی که دائماً میان مسلمین تفرقه‌اندازی میکند؛ آیا در اینجا میگوییم امر به معروف نکن، حرف نزن، نهی از منکر نکن، که اگر این را بگویم جانم در خطر است، آبرویم در خطر است، اجتماع نمیپسندد.

بنابراین، امر به معروف و

نهی از منکر در مسائل بزرگ مرز نمیشناسد. هیچ چیزی، هیچ امر محترمی نمیتواند با امر به معروف و نهی از منکر برابری کند، نمیتواند جلوی او را بگیرد.

### فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

#### پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

#### پاسخ

تبلیغ» که در قرآن آمده است و «امر به معروف و نهی از منکر» که آن هم در قرآن آمده است، دو مسأله جداگانهاند؛ البته با یکدیگر پیوستگی دارند، ولی دو مسأله هستند. تبلیغ، مرحله شناساندن و خوب رساندن است، پس مرحله شناخت است. ولی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به مرحله اجرا و عمل است. تبلیغ، خودش یک وظیفه عمومی برای همه مسلمین است، همچنانکه امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است. وظیفهای که هر مسلمان از نظر تبلیغ دارد این است که باید این احساس در او پیدا بشود که به نوبه خودش حامل پیام اسلام است. اما وظیفهای که هر مسلمان در مورد امر به معروف و نهی از منکر دارد این است که باید این احساس در او باشد که مجری و جزء قوه مجریه این پیام است که باید آن را در جامعه به مرحله عمل و تحقق برساند و به آن لباس عینیت بپوشاند. این است که امر به معروف و نهی از منکر یک مطلب است و تبلیغ مطلب دیگر.

### مسئولیت مردم در مقابل تحریفات که در مجالس روضه خوانی میشود چیست؟

#### پرسش

مسئولیت مردم در مقابل تحریفات که در مجالس روضه خوانی میشود چیست؟

#### پاسخ

دو مسئولیت بزرگ، مردم دارند. یک مسئولیت این است که نهی از منکر بر همه واجب است. وقتی که میفهمید و میدانید و مردم اغلب هم میدانند که دروغ است، نباید در آن مجلس بنشینید، که حرام است، بلکه باید مبارزه کنید و دیگر این تمایلی است که صاحب مجلسها و مستمعین به گیراندن مجلس دارند، مجلس باید بگیرد، باید کربلا بشود. فلان روضهخوان کربلا میکند. کربلا میکند یعنی چه؟! شما باید روضه راست را بشنوید و معارف و سطح فکرتان بالا بیاید، به طوری که اگر در یک کلمه روحتان اهتزاز پیدا کرد، یعنی با روح حسینبن علی هماهنگی کرد، و اشکی ولو ذره‌ای، ولو به قدر بال مگس [جاری

شد، [اگر یک چنین اشکی در حالت هماهنگی روح شما با حسین بن علی از چشم شما بیرون بیاید، واقعاً مقام بزرگی برای شماست. اما اشکی که از راه قصابی کردن بخواهد از چشم شما بیاید، اگر یک دریا هم باشد ارزش ندارد.

### مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

#### پرسش

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

#### پاسخ

این اصل دایر مدار این است که موضوع امر به معروف و نهی از منکر چیست، یک وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر موضوع کوچکی است. مثلاً کسی که کوچه را کثیف میکند، پوست خریزه را میاندازد در کوچه، نباید بیندازد. شما اینجا باید نهی از منکر کنید، باید او را ارشاد و هدایت کنید، باید به او بگویید این کار را نکن، درست نیست. حالا اگر شما برای نهی از منکر کردن در چنین مسأله‌ای، به خاطر پوست خریزه در کوچه انداختن، بدانید او یک فحش ناموسی به شما میدهد، در این صورت این کار آنقدر ارزش ندارد که شما یک فحش ناموسی بشنوید.

یکوقت هم هست که موضوع امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی است که اسلام برای آن اهمیتی بالاتر از جان و مال و حیثیت انسان قائل است. میبینید قرآن به خطر افتاده است، تمام دسیسهبازیها برای این است که با قرآن مبارزه شود، وضعیت در سر حدّ به خطر افتادن قرآن و اصول قرآن نیست، در سر حدّ به خطر افتادن عدالت است. یا آنجا که مسأله‌های نظیر وحدت اسلامی در خطر است، که اسلام در موضوع وحدت چه اندازه عنایت و حساسیت دارد و به وحدت مسلمین اهمیت میدهد، دست دشمن را میبینی، دسیسه دشمن را میبینی که دائماً میان مسلمین تفرقه‌اندازی میکند؛ آیا در اینجا میگویید امر به معروف نکن، حرف نزن، نهی از منکر نکن، که اگر این را بگویم جانم در خطر است، آبرویم در خطر است، اجتماع نمیپسندد.

بنابراین، امر به معروف و

نهی از منکر در مسائل بزرگ مرز نمیشناسد. هیچ چیزی، هیچ امر محترمی نمیتواند با امر به معروف و نهی از منکر برابری کند، نمیتواند جلوی او را بگیرد.

## مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

### پرسش

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

### پاسخ

این اصل دایر مدار این است که موضوع امر به معروف و نهی از منکر چیست، یک وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر موضوع کوچکی است. مثلاً کسی که کوچه را کثیف میکند، پوست خربزه را میاندازد در کوچه، نباید بیندازد. شما اینجا باید نهی از منکر کنید، باید او را ارشاد و هدایت کنید، باید به او بگویید این کار را نکن، درست نیست. حالا اگر شما برای نهی از منکر کردن در چنین مسأله‌های، به خاطر پوست خربزه در کوچه انداختن، بدانید او یک فحش ناموسی به شما میدهد، در این صورت این کار آنقدر ارزش ندارد که شما یک فحش ناموسی بشنوید.

یکوقت هم هست که موضوع امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی است که اسلام برای آن اهمیتی بالاتر از جان و مال و حیثیت انسان قائل است. میبینید قرآن به خطر افتاده است، تمام دسیسهبازیها برای این است که با قرآن مبارزه شود، وضعیت در سر حدّ به خطر افتادن قرآن و اصول قرآن نیست، در سر حدّ به خطر افتادن عدالت است. یا آنجا که مسأله‌های نظیر وحدت اسلامی در خطر است، که اسلام در موضوع وحدت چه اندازه عنایت و حساسیت دارد و به وحدت مسلمین اهمیت میدهد، دست دشمن را میبینی، دسیسه دشمن را میبینی که دائماً میان مسلمین تفرقه‌اندازی میکند؛ آیا در اینجا میگوی امر به معروف نکن، حرف نزن، نهی از منکر نکن، که اگر این را بگویم جانم در خطر است، آبرویم در خطر است، اجتماع نمیپسندد.

بنابراین، امر به معروف و

نهی از منکر در مسائل بزرگ مرز نمیشناسد. هیچ چیزی، هیچ امر محترمی نمیتواند با امر به معروف و نهی از منکر برابری کند، نمیتواند جلوی او را بگیرد

### فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

#### پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

#### پاسخ

تبلیغ» که در قرآن آمده است و «امر به معروف و نهی از منکر» که آن هم در قرآن آمده است، دو مسأله جداگانهاند؛ البته با یکدیگر پیوستگی دارند، ولی دو مسأله هستند. تبلیغ، مرحله شناساندن و خوب رساندن است، پس مرحله شناخت است. ولی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به مرحله اجرا و عمل است. تبلیغ، خودش یک وظیفه عمومی برای همه مسلمین است، همچنانکه امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است. وظیفهای که هر مسلمان از نظر تبلیغ دارد این است که باید این احساس در او پیدا بشود که به نوبه خودش حامل پیام اسلام است. اما وظیفهای که هر مسلمان در مورد امر به معروف و نهی از منکر دارد این است که باید این احساس در او باشد که مجری و جزء قوه مجریه این پیام است که باید آن را در جامعه به مرحله عمل و تحقق برساند و به آن لباس عینیت بپوشاند. این است که امر به معروف و نهی از منکر یک مطلب است و تبلیغ مطلب دیگر.

### فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

#### پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

#### پاسخ

تبلیغ» که در قرآن آمده است و «امر به معروف و نهی از منکر» که آن هم در قرآن آمده است، دو مسأله جداگانهاند؛ البته با یکدیگر پیوستگی دارند، ولی دو مسأله هستند. تبلیغ، مرحله شناساندن و خوب رساندن است، پس مرحله شناخت است. ولی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به مرحله اجرا و عمل است. تبلیغ، خودش یک وظیفه عمومی برای همه مسلمین است، همچنانکه امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است. وظیفهای که هر مسلمان از نظر تبلیغ دارد این است که باید این احساس در او پیدا بشود که به نوبه خودش حامل پیام اسلام است. اما وظیفهای که هر مسلمان در مورد امر به معروف و

نهی از منکر دارد این است که باید این احساس در او باشد که مجری و جزء قوه مجریه این پیام است که باید آن را در جامعه به مرحله عمل و تحقق برساند و به آن لباس عینیت بپوشاند. این است که امر به معروف و نهی از منکر یک مطلب است و تبلیغ مطلب دیگر.

### امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده‌اند؟

#### پرسش

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده‌اند؟

#### پاسخ

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:

«بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَيْذَاهِبُ وَتَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَيُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (فروع کافی، ۵/ ۵۶) [به وسیله این اصل، سایر دستورها زنده می شود، راهها امن می گردد، کسبها حلال می شود، مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می شود، زمین آباد می گردد، از دشمنان انتقام گرفته می شود، کارها رو به راه می شود.]

### دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش

#### اشاره

دیدگاه در دین اسلامی پس دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

#### پاسخ

در روایات اسلامی، تأکیدهای فوق العاده ای درباره این دو وظیفه مهم دیده می شود و آن را ضامن اجرای تمام فرایض الهی و سبب امتیت و آبادی و سبب گسترش عدالت می شمرد.

۱ در حدیثی از پیغمبر اکرم (ص) می خوانیم

«مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ، وَ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ» (مجمع البيان ۲/۴۸۴) [کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین، و جانشین پیامبر (ص) و کتاب اوست.] یعنی دقیقاً کار آنها را انجام می دهد.

۲ در حدیث دیگری از آن حضرت، تعبیر گویاتری دیده می شود که پیامبر (ص) بر منبر بود، مردی عرض کرد ای رسول خدا! مَنْ خَيْرِ النَّاسِ؟ (چه کسی از همه مردم بهتر است؟! ) فرمود

«أَمْرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّقَاهُمْ لِلَّهِ، وَ أَرْضَاهُمْ» (مجمع البیان ۲/۴۸۴) [کسی که از همه بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کند و از همه با تقواتر و خشنودتر به رضای الهی باشد].

۳ در حدیث دیگری از پیامبر اکرم (ص) می خوانیم

«لَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُعَذِّبَنَّكُمْ عَذَابُ اللَّهِ» (وسائل الشیعه ۱۱/۴۰۷) [به یقین، همگی باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه به طور قطع عذاب الهی شما را فرا می گیرد].

۴ در حدیث معروفی، نیز از علی (ع) می خوانیم که فرمود

«وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتْهُ فِي بَحْرِ لُجْجٍ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۷۴) [تمام اعمال نیک و حتی



جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همچون آب دهان است در برابر یک دریای پهناور.]

## فلسفه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش

### اشاره

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

### پاسخ

امام باقر (ع) در یک بیان کوتاه و گویا، فلسفه امر به معروف و نهی از منکر را چنین بیان فرموده است

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَتُحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتَعْمُرُ الْأَرْضُ وَيُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (وسائل الشيعه ۱/۳۹۵)

در این عبارت کوتاه به هفت فلسفه از فلسفه های این دو فریضه عظیم الهی اشاره شده است، می فرماید [امر به معروف و نهی از منکر فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرایض به وسیله آن بر پا می شود، به وسیله این دو، راهها امن و امان می گردد، کسب و کارها حلال می شود، حقوق مظلومان به آنها می رسد، زمینها آباد می گردد، از دشمنان انتقام گرفته می شود و کارها رو به راه می گردد.]

## چه عواملی در دایره امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد؟ پرسش

### اشاره

چه عواملی در دایره امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد؟

### پاسخ

تمام رسانه های گروهی و تمام تبلیغهای سمعی و بصری که به نحوی برای بالا بردن سطح آگاهی مردم و توجه آنها به نیکیها و پاکیها و اخلاق انسانی و اصول فضیلت و بیزاری از فساد سر و کار دارند، همه آنها در دایره امر به معروف و نهی از منکر، جای می گیرند و حتی مراکز آموزش و پرورش و علوم عالی که نوجوانان و جوانان را با اصول اعتقادی صحیح و موازین انسانی و قوانین و آداب اجتماعی، آشنا می سازد و در تعلیم و تربیت آنها گام بر می دارد نیز در این دایره جای دارد، چرا که همه این امور می توانند در امر به معروف و نهی از منکر سهم باشند، بنابراین نقش این مراکز در پیاده کردن این دو اصل مهم

اجتماعی روشن می شود.

این نکته نیز حائز اهمیت است که معمولاً امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو بخش از فروع دین شمرده می شود، ولی از یک نظر دامنه آن چنان گسترده است که بخش عظیمی از اصول اعتقادات را در بر می گیرد، چرا که همه آنها در این مسیر مؤثر و کارسازند و از طریق تحکیم پایه های عقاید، با مفسد مبارزه می شود، همچنین عبادات نیز مقدمه ای برای آن است.

**آیه "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ..." به چه معناست**

**پرسش**

آیه "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ..." به چه معناست

**پاسخ**

این آیه درباره امر به معروف و نهی از منکر است می فرماید: "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ... باید از میان شما، گروهی باشند که مردم را به سوی خیر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند..." در این آیه شریفه و آیات دیگر قرآن کریم به این دو وظیفه مهم الهی اشاره شده است "معروف به معنای کار شناخته شده و مراد از آن (در قرآن کارهای پسندیده اعم از واجب و مستحب است و منکر، به معنای "ناشناخته و در قرآن کریم به معنای "گناه است

دین مبین اسلام از تمامی مسلمانان خواسته که جهت حفظ جامعه از انحرافات و مفسد اجتماعی آن و حیات جامعه اسلامی به این دو وظیفه عمل کنند. از آیه یاد شده و آیات دیگر به دست می آید که این دو، بر عموم مسلمانان واجب است (ر.ک المیزان علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۷۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / تفسیر نمونه آیت الله مکارم و دیگران ج ۳، ص ۳۴، دارالکتب الاسلامیه / قاموس قرآن قرشی ج ۷، ص ۱۱۰، دارالکتب الاسلامیه)

**اهمیت امر به معروف و نهی از منکر**

**چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)**

**پرسش**

چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر

مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)

## پاسخ

در جوابی سؤالی که مطرح کردید باید تصدیق کرد که موضوع امر به معروف و نهی از منکر اختصاصی به مسأله بدحجابی ندارد و همه منکرات را شامل می شود، مانند احتکار، کم کاری، گران فروشی و صدها عنوان دیگر و لیکن برخی از منکرات، در اسلام مهم تر شمرده شده اند و دلیل آن هم ایجاد جو غیر اسلامی و حاکمیت فضای غیر دینی در جامعه می باشد، چه آنکه منکرات تا زمانیکه علنی و آشکار نگشته اند آثار تخریبی کمتری دارند نسبت به زمانی که فضای حاکم بر اجتماع مسلمین فحشاء و منکرات علنی و ظاهری باشد که در این صورت اثرات تخریبی آن قابل محاسبه نیست از جمله مسأله بدحجابی، که فهرست برخی از آثار آن را می توان چنین شمارش نمود:

- ۱- زنان بی تقوا و بی حجاب بهترین دام برای شیطان اند ۲- زنی که بد حجاب است و خود را برای خارج از منزل معطر می کند زناکار است. ۳- زن بی حجاب و بد حجاب، ننگ و آتش جهنم است. ۴- زنان بی حجاب و بد حجاب بدترین فتنه اند. ۵- زن بد حجاب به شوهرش خیانت می کند. ۶ زن بد حجاب بر قلب شوهرش تسلط ندارد. ۷ زن بدحجاب و بی حجاب بجای آرامش اضطراب دارد. ۸ فساد و گناه و سقط جنین در بین زنان بی حجاب و بد حجاب بیشتر است.

۹ آثار مخرب بدحجابی در فرزندان. ۱۰ ضرر بدحجابی از لحاظ اقتصادی ۱۱ اثر بدحجابی در ضعف اعصاب ۱۲ بدحجابی و فرهنگ مبتذل غرب زمینه ای برای مجذوب کفر شدن. ۱۳ بدحجابی سبب سرد مزاجی در مردان می شود. ۱۴ زن بدحجاب دل دشمنان اسلام بویژه آمریکا را شاد می کند!

۱ برگرفته از کتاب آنچه یک زن باید بداند، اسد الله محمدی نیا

### ارزش امر به معروف و نهی از منکر تا چه حدّ است که امام حسین ۷ در این راه به شهادت رسید؟

#### پرسش

ارزش امر به معروف و نهی از منکر تا چه حدّ است که امام حسین ۷ در این راه به شهادت رسید؟

#### پاسخ

چنان که در پاسخ سؤال ۳۶ گفتیم ، امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است . اگر این اصل نباشد، اسلامی وجود نخواهد داشت . همان گونه که یک کارخانه بدون بازرس و رسیدگی دائمی مهندسان پابرجا نمی ماند و جامعه بدون پزشک متخصص نمی تواند برقرار باشد، یک جامعه هم نمی تواند بدون بازرس به راه خود ادامه دهد و حتماً باید یک بازرس و هشدار دهنده باشد و مردم از خطر افکار پوچ و غلط و خلاف اسلام برحذر کند تا بقا داشته باشد. (۱)

(پاورقی ۱. مرتضی مطهری ، مجموعه آثار، ج ۱۷ ص ۲۳۵)

### جوانان در ترویج امر به معروف و نهی از منکر چه نقشی دارند؟

#### پرسش

جوانان در ترویج امر به معروف و نهی از منکر چه نقشی دارند؟

#### پاسخ

واضح است که نوعاً جوانان جنبه احساسات و شور و هیجان شان بر جنبه عقل و اندیشه شان برتری دارد و توجه شان به امیال مادی فزون تر از جنبه های معنوی می باشد. به همین دلیل بیش از سایر اقشار در معرض هجوم افکار نادرست قرار دارند. و چون ریشه اعتقادی مذهبی آن ها محکم نیست ، زودتر تحت تأثیر واقع می شوند. بر این اساس اگر جوانی ، معروف و منکر را بشناسد و به آن عمل کند و دیگران را امر و نهی کند، اثر مهمی در هم سالان خود خواهد داشت .

## آیا کشته شدن در راه امر به معروف و نهی از منکر حکم شهید را دارد؟

### پرسش

آیا کشته شدن در راه امر به معروف و نهی از منکر حکم شهید را دارد؟

### پاسخ

کشته شدن در راه امر به معروف و نهی از منکر در صورتی که طبق شرایط عمل کرده باشد، شهید است یا مظلوم. در هر دو صورت دارای اجر عظیم است.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: "هر کس در مقابل زشتی‌ها و منکرات با قلب و زبان و دستش ایستادگی نکند و از آن جلوگیری ننماید، مرده‌ای است بین زندگان". [۱۰]

[۱۰]۲ جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۵۳.

**امروزه فریضه امر به معروف و نهی از منکر غبار گرفته است. در روایت آمده است که گروهی را به جهنم می‌بردند، در حالی که در اطاعت خدا بودند، ولی علت دچار شدن به عذاب الهی به خاطر عدم انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود. لطفاً توضیح دهید؟**

### پرسش

امروزه فریضه امر به معروف و نهی از منکر غبار گرفته است. در روایت آمده است که گروهی را به جهنم می‌بردند، در حالی که در اطاعت خدا بودند، ولی علت دچار شدن به عذاب الهی به خاطر عدم انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود. لطفاً توضیح دهید؟

### پاسخ

از جمله فروع دین که از اهمیت فراوانی برخوردار است، فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. فریضه‌ای که اگر همگانی و فراگیر شود و تمام آحاد جامعه خود را نسبت بدان مسئول بدانند، تظاهر به گناه از جامعه برچیده خواهد شد.

در هر حال این فریضه مهم جزء واجبات کفایی است که شخص یا گروهی آن را انجام دادند از بقیه ساقط می‌شود. اما همان گونه که هر واجبی در دین اسلام با وجود شرایط آن محقق می‌شود، این واجب نیز با تحقق شرط قابل اجرا و پی‌گیری خواهد بود.

علما و مراجع بزرگ شرط های امر به معروف و نهی از منکر را به شرح ذیل بیان کرده اند:

۱ آن که می خواهد امر و نهی کند، بداند آن چه شخص به جا نمی آورد واجب است، و آن چه به جا می آورد، باید ترک کند. بر کسی که معروف و منکر را نمی داند، واجب نیست.

دوم: احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می کند. اگر بداند اثر نمی کند، واجب نیست.

سوم: بداند معصیتکار بنا دارد معصیت خود را تکرار کند. اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد تکرار نمی کند، واجب نیست.

چهارم: در امر و نهی مفسده

ای نباشد. اگر بداند یا گمان کند اگر امر یا نهی کند، ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد، واجب نیست، بلکه اگر احتمال صحیح بدهد و ترص ضرر های مذکور را پیدا کند، واجب نیست.

اگر بترسد ضرری متوجه متعلقان او می شود واجب نیست بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا آبرویی یا مالی که موجب حرج بر مؤمنان می شود، واجب نمی شود بلکه در بسیاری از موارد حرام است. ۱.

متأسفانه در جامعه امروزی نه تنها امر به معروف و نهی از منکر غبار گرفته، بلکه بسیاری از واجبات نیز مورد تردید و یا بی احترامی و بی اعتنائی است. در چنین مواقعی وظیفه افراد، حفظ و پاسداری از حریم دین می باشد. اگر فضایی برای اجرای این فریضه وجود نداشته باشد، کسی در قیامت مورد سؤال واقع نمی شود و به این خاطر به جهنم نمی رود.

۱ توضیح المسائل مراجع، ج ۲ ص ۶۱۸ مسئله ۲۷۹۱.

### امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

#### پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

#### پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مُبْقِیَه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است. آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسین متخصص که ببینند چه وضعی دارد، قابل بقاست؟ آیا ممکن است یک سازمان همینطور به حال خود باشد، هیچ دربارهاش فکر نکنیم و در عین حال به کار خود ادامه دهد؟ ابداً. جامعه همچنین است. یک جامعه اسلامی اینطور است بلکه صد درجه برتر و بالاتر. شما کدام انسان را پیدا میکنید که از پزشک بینا باشد؟ یا انسان باید خودش پزشک بدن خود باشد یا باید دیگران پزشک باشند و او را معالجه کنند.

حسین بن علی (ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسیترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد؛ در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن است، دنبالش تفرق است، دنبالش تفکک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است. بله، این اصل این مقدار ارزش دارد. آیات قرآن در این زمینه بسیار زیاد است. قرآن کریم بعضی از جوامع گذشته را که یاد میکنند و میگوید اینها متلاشی و هلاک شدند، تباه و منقرض شدند، میفرماید: به موجب اینکه در آنها نیروی اصلاح نبود، نیروی امر به معروف و نهی از منکر نبود، حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود.

## قرآن چه شرطی را برای اینکه مسلمانان بهترین ملتها شوند بیان می کند؟

### پرسش

قرآن چه شرطی را برای اینکه مسلمانان بهترین ملتها شوند بیان می کند؟

### پاسخ

جواب این سؤال را قرآن مجید داده است: **كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ** «شما بهترین امتها و ملتها هستید، اما با یک شرط: **تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ**» می خواهی به خودت ارزش بدهی؟ می خواهی در نزد پیغمبر خدا ارزش پیدا کنی؟ با عمل کردن به این اصل در نزد خدا و پیغمبر ارزش پیدا کن. اگر می خواهی در نزد ملل جهان ارزش پیدا کنی که هم بلوک شرق روی تو حساب کند و هم بلوک غرب، سرنوشت تو را او در اختیار نگیرد و او برای تو تصمیم نگیرد، امر به معروف و نهی از منکر داشته باش، همبستگی و همدردی داشته باش، اخوت و برادری اسلامی را زنده کن، از بی خبری پرهیز کن، از ضعف پرهیز کن.

## پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

### پرسش

پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

### پاسخ

حدیثی داریم که امام رضا علیه السلام از پیغمبر اکرم نقل می کند و آن این است: **«إِذَا تَوَاكَلَّتِ النَّاسُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ»** هر گاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را به عهده همدیگر بگذارند (یعنی هر کس سکوت کند به انتظار اینکه دیگری امر به معروف و نهی از منکر کند و در نتیجه هیچ کس قیام نکند) **«فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعِ مِنَ اللَّهِ»** (فروع کافی، ۵/۵۹) پس برای عذاب الهی منتظر و آماده باشند. چه عذابی؟ سنگ از آسمان بیاید؟ نه، عذاب الهی در آیه قرآن چنین تفسیر شده است: **«قُلْ هِيَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَّشِيكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَ يُذِيقَ بَعْضَكُمْ بِيَأْسَ بَعْضٍ»** انعام/۶۵ (از عذاب خدا بترسید) بگو خدا قادر است که از بالای سر شما بر شما عذاب بفرستد یا از زیر پای شما عذاب بجوشاند یا شما را دسته دسته کند، یا اینکه زیان خود شما را به خود شما برساند (یعنی خودتان را به جان یکدیگر بیندازد). اهل بیت در روایات خود چنین معنی می کنند: عذاب بالای سر یعنی شما از مافوقها عذاب می بینید، عذاب از زیر پا یعنی از طبقه مادون عذاب می بینید. پیغمبر اکرم فرمود: وقتی مردم امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، منتظر و مطمئن باشند



که پشت سر آن عذاب الهی می آید. حدیث دیگری از پیغمبر اکرم است که آن را، هم علمای شیعه در کتب

معتبر خود مثل اصول کافی روایت کرده اند و هم علمای اهل تسنن. غزالی این حدیث را در احیاء العلوم نقل می کند و سند آن در کتب حدیث اهل تسنن هست: «لَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ يُسَلِّطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» (فروع کافی، ۴/۵۶) یعنی باید امر به معروف و نهی از منکر را داشته باشید، این دو باید وجود داشته باشند وگرنه بدان شما بر شما مسلط می شوند، بعد خوبان شما می خوانند و به آنها جوابی داده نمیشود. اکثر این طور معنی میکنند که بعد از آنکه بدان شما بر شما مسلط شدند، نیکان شما به درگاه الهی می نالند و خداوند دعای آنها را مستجاب نمی کند. یعنی قومی که امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، خاصیتشان این است که خداوند رحمت خود را از آنها می گیرد؛ هر قدر خدا را بخوانند دعای آنها به موجب این گناه مستجاب نمی شود. ولی غزالی معنی لطیفی برای این آیه کرده است؛ اینکه مرد به اصطلاح درویشی است و در مسائل اجتماعی دیده نمی شود می گوید معنی این جمله «فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» این نیست که خدا را می خوانند و خدا دعای آنها را مستجاب نمی کند. معنایش این است: وقتی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند آنقدر پست می شوند، آنقدر رعبشان، مهابتشان، عزتشان، کرامتشان از بین می رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می روند، هر چه ندا می کنند به آنها اعتنا نمی شود. یعنی پیغمبر فرمود: اگر می خواهید

عزت داشته باشید و دیگران روی شما حساب کنند، امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. اگر امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشید اولین خاصیت آن ضعف شماست، پستی و ذلت شماست، دشمن هم روی شما حساب نمیکند.

### پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

#### پرسش

پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

#### پاسخ

حدیثی داریم که امام رضا علیه السلام از پیغمبر اکرم نقل می کند و آن این است: «إِذَا تَوَاكَلَتِ النَّاسُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ» هر گاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را به عهده همدیگر بگذارند (یعنی هر کس سکوت کند به انتظار اینکه دیگری امر به معروف و نهی از منکر کند و در نتیجه هیچ کس قیام نکند) «فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعِ مِنَ اللَّهِ» (فروع کافی، ۵/۵۹) پس برای عذاب الهی منتظر و آماده باشند. چه عذابی؟ سنگ از آسمان بیاید؟ نه، عذاب الهی در آیه قرآن چنین تفسیر شده است: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَشِيكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» انعام/۶۵ (از عذاب خدا بترسید) بگو خدا قادر است که از بالای سر شما بر شما عذاب بفرستد یا از زیر پای شما عذاب را بجوشاند یا شما را دسته دسته کند، یا اینکه زیان خود شما را به خود شما برساند (یعنی خودتان را به جان یکدیگر بیندازد). اهل بیت در روایات خود چنین معنی می کنند: عذاب بالای سر یعنی شما از مافوقها عذاب می بینید، عذاب از زیر پا یعنی از طبقه مادون عذاب می بینید. پیغمبر اکرم فرمود: وقتی مردم امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، منتظر و مطمئن باشند که پشت سر آن عذاب الهی می آید. حدیث دیگری از پیغمبر اکرم است که آن را، هم علمای شیعه در کتب

معتبر خود مثل اصول کافی روایت کرده اند و هم علمای اهل تسنن. غزالی این حدیث را در احیاء العلوم نقل می کند و سند آن در کتب حدیث اهل تسنن هست: «لَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ يُسَلِّطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» (فروع کافی، ۴/۵۶) یعنی باید امر به معروف و نهی از منکر را داشته باشید، این دو باید وجود داشته باشند وگرنه بدان شما بر شما مسلط می شوند، بعد خوبان شما می خوانند و به آنها جوابی داده نمیشود. اکثر این طور معنی میکنند که بعد از آنکه بدان شما بر شما مسلط شدند، نیکان شما به درگاه الهی می نالند و خداوند دعای آنها را مستجاب نمی کند. یعنی قومی که امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، خاصیتشان این است که خداوند رحمت خود را از آنها می گیرد؛ هر قدر خدا را بخوانند دعای آنها به موجب این گناه مستجاب نمی شود. ولی غزالی معنی لطیفی برای این آیه کرده است؛ اینکه مرد به اصطلاح درویشی است و در مسائل اجتماعی دیده نمی شود می گوید معنی این جمله «فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» این نیست که خدا را می خوانند و خدا دعای آنها را مستجاب نمی کند. معنایش این است: وقتی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند آنقدر پست می شوند، آنقدر رعبشان، مهابتشان، عزتشان، کرامتشان از بین می رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می روند، هر چه ندا می کنند به آنها اعتنا نمی شود. یعنی پیغمبر فرمود: اگر می خواهید

عزت داشته باشید و دیگران روی شما حساب کنند، امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. اگر امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشید اولین خاصیت آن ضعف شماست، پستی و ذلت شماست، دشمن هم روی شما حساب نمیکند.

### امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

#### پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

#### پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مُبْقِیَه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است. آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسین متخصص که ببینند چه وضعی دارد، قابل بقاست؟ آیا ممکن است یک سازمان همینطور به حال خود باشد، هیچ دربارهاش فکر نکنیم و در عین حال به کار خود ادامه دهد؟ ابداً. جامعه همچنین است. یک جامعه اسلامی اینطور است بلکه صد درجه برتر و بالاتر. شما کدام انسان را پیدا میکنید که از پزشک بینناز باشد؟ یا انسان باید خودش پزشک بدن خود باشد یا باید دیگران پزشک باشند و او را معالجه کنند.

حسین بن علی (ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسیترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد؛ در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن است، دنبالش تفرق است، دنبالش تفکک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است. بله، این اصل این مقدار ارزش دارد. آیات قرآن در این زمینه بسیار زیاد است. قرآن کریم بعضی از جوامع گذشته را که یاد میکنند و میگوید اینها متلاشی و هلاک شدند، تباه و منقرض شدند، میفرماید: به موجب اینکه در آنها نیروی اصلاح نبود، نیروی امر به معروف و نهی از منکر نبود، حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود.

### امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

#### پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

#### پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مُبْقِیَه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است. آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسین متخصص که ببینند چه وضعی دارد، قابل بقاست؟ آیا ممکن است یک سازمان همینطور به حال خود باشد، هیچ درباره‌اش فکر نکنیم و در عین حال به کار خود ادامه دهد؟ ابداً. جامعه همچنین است. یک جامعه اسلامی اینطور است بلکه صد درجه برتر و بالاتر. شما کدام انسان را پیدا میکنید که از پزشک بینا باشد؟ یا انسان باید خودش پزشک بدن خود باشد یا باید دیگران پزشک باشند و او را معالجه کنند.

حسین بن علی (ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسیترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد؛ در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن است، دنبالش تفرق است، دنبالش تفکک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است. بله، این اصل این مقدار ارزش دارد. آیات قرآن در این زمینه بسیار زیاد است. قرآن کریم بعضی از جوامع گذشته را که یاد میکند و میگوید اینها متلاشی و هلاک شدند، تباه و منقرض شدند، میفرماید: به موجب اینکه در آنها نیروی اصلاح نبود، نیروی امر به معروف و نهی از منکر نبود، حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود

### امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

#### پرسش

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

#### پاسخ

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:

«بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمِذَاهِبُ وَتَجَلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَيُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (فروع کافی، ۵/ ۵۶) [به وسیله این اصل، سایر دستورها زنده می شود، راهها امن می گردد، کسبها حلال می شود، مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می شود، زمین آباد می گردد، از دشمنان انتقام گرفته می شود، کارها رو به راه می شود.]

### امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟ پرسش

#### اشاره

امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟

تأثیر دو وظیفه الهی «امر به معروف» و «نهی از منکر» در تأمین عدالت اجتماعی و اجرای قوانین و مبارزه با منکرات و کم شدن جنایات و زندانیان و کمک به پیشرفت فرهنگ اجتماعی، غیر قابل انکار است و تجربه نشان داده است جامعه ای که این دو وظیفه را به طور صریح و آگاهانه انجام دهد بسیار پاک و امن و امان خواهد بود و آنها که این دو را به فراموشی بسپرنند و در برابر تخلفات و نابسامانیها و گناهان، بی تفاوت بمانند، گرفتار عواقب شومی می شوند و فساد حتی به داخل خانه و کاشانه آنها کشیده می شود و در چنین اجتماعی هیچ کس در امتیّت نخواهد بود و درست همان گونه که در حدیث پیغمبر اکرم (ص) آمده، بلا و عذاب الهی دامان آنها را خواهد گرفت، و به گفته امیر مؤمنان علی (ع) در این حال دعای نیکانشان نیز، برای حلّ مشکلات و دفع بلاها به اجابت نخواهد رسید. «فَيَوَّلِي عَلَيكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

### **امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟ پرسش**

امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟

تأثیر دو وظیفه الهی «امر به معروف» و «نهی از منکر» در تأمین عدالت اجتماعی و اجرای قوانین و مبارزه با منکرات و کم شدن جنایات و زندانیان و کمک به پیشرفت فرهنگ اجتماعی، غیر قابل انکار است و تجربه نشان داده است جامعه ای که این دو وظیفه را به طور صریح و آگاهانه انجام دهد بسیار پاک و امن و امان خواهد بود و آنها که این دو را به فراموشی بسپرنند و در برابر تخلفات و نابسامانیها و گناهان، بی تفاوت بمانند، گرفتار عواقب شومی می شوند و فساد حتی به داخل خانه و کاشانه آنها کشیده می شود و در چنین اجتماعی هیچ کس در امتیّت نخواهد بود و درست همان گونه که در حدیث پیغمبر اکرم (ص) آمده، بلا و عذاب الهی دامان آنها را خواهد گرفت، و به گفته امیر مؤمنان علی (ع) در این حال دعای نیکانشان نیز، برای حلّ مشکلات و دفع بلاها به اجابت نخواهد رسید. «فَيَوَّلِي عَلَيكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

### **علی (ع) در مورد تارکان امر به معروف و نهی از منکر چه می فرماید؟**

علی (ع) در مورد تارکان امر به معروف و نهی از منکر چه می فرماید؟

او درباره تارکان امر به معروف و نهی از منکر فرمود: «أَوَّلُ مَا تُغْلِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْجِهَادِ الْجِهَادُ بِأَيْدِيكُمْ ثُمَّ بِاللِّسَانِ ثُمَّ بِقُلُوبِكُمْ فَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ بِقَلْبِهِ مَعْرُوفًا وَلَمْ يُنْكَرْ مُنْكَرًا قَلْبًا فَيَجْعَلَ أَغْلَاهُ أَشْفَلُهُ وَأَسْفَلُهُ أَغْلَاهُ»؛ (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۵). [اولین مرحله ای که در جهاد شکست می خورید و مغلوب می شوید جهاد عملی و پیکار با شمشیر است، سپس در جهاد با زبان مغلوب می گردید و بعد از آن در جهاد با قلب و دلتان. پس کسی که به طور کلی دست از جهاد بکشد و حتی با قلب خود حمایت از نیکی ها و امور پسندیده نکند و به مبارزه با زشتی ها و ناپسندیها برنخیزد، قلبش واژگون است.]

### جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

#### پرسش

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

#### پاسخ

در میان ملت‌های زنده جهان امروز نظارت یک امر مشروع است، هر فردی می تواند از این حق بهره برداری نماید، ولی اگر همان فرد از این حق استفاده نکرد، او را مجازات نمی کنند، مثلاً اگر گوینده و یا نویسنده ای در امور اجتماعی، انحرافی را دید می تواند با گفتن و نوشتن، از حق مشروع خود استفاده نماید، ولی اگر نکرد او را محاکمه نمی کنند اما در اسلام امر به معروف و نهی از منکر بصورت یک اصل لازم و واجب وارد شده و هیچ مسلمانی حق ندارد در برابر گناه و خطا سکوت کند، و مهر خاموشی بر دهان بزند.

اسلام به قدری به این مطلب اهمیت داده که شخصیت و ارزش هر ملتی را در سایه مبارزه با فساد دانسته است ملتی که در اجرای قوانین، دقت کامل به عمل آورده در برابر گناه و طغیان یک فرد و یا یک جمعیت سکوت اختیار نکند. قرآن این حقیقت (شخصیت از آن ملتی است که با فساد مبارزه نماید) را در آیه زیر بیان فرموده است.

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» آل عمران/۱۱۰ [شما در میان ملت ها در صورتی بهترین ملت و امت هستید که مردم را به نیکی دعوت کنید و از کارهای زشت باز دارید.]

اسلام به اندازه ای به این مسأله حیاتی اهمیت داده است که کسانی را که از این اصل مسلم و حق مشروع خود در اثر سستی و تنبلی و یا علل دیگر، استفاده نمایند مردگان زنده نما خوانده است و چنین فرموده: «فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ



الأحياء» (وسائل الشيعه ۱۱/۴۰۴) [آنان مردگان زنده نما هستند]، زیرا یک چنین فرد یا جمعیت بسان مرده، از حق مسلم فردی و اجتماعی استفاده ننموده و از حقوق خود دفاع نمی کند، و در برابر عصیان و طغیان دیگران که بطور مسلم دود آن به چشم آنها نیز خواهد رفت، سکوت می نماید.

ارزش هر عمل بستگی به نتیجه ای دارد که از آن عمل گرفته می شود. ارزش عمل جراحی که مبتلا به بیماری «آپاندیست» را نجات می دهد به مراتب بالاتر از ارزش استادکاری است که در برابر شعله های آتش، آهنی را جوش می دهد، و یا درو پنجره می سازد. در صورتی که رنج بدنی و مقدار وقتی که کار دوم لازم دارد قابل قیاس با رنجی که جراح در اطاق عمل در هوای معتدل متحمل می شود، نیست مع الوصف ارزش عمل جراح کجا، و ارزش کار یک استاد کار کجا. و نکته این تفاوت، در بزرگی و کوچکی نتیجه ایست که عائد طرف می گردد، جراح یک ساعت وقت صرف می نماید و رنج می کشد، و در نتیجه یک شخص مشرف به مرگ را نجات میدهد. آنگاه دومی چند برابر انرژی مصرف می نماید و رنج می کشد، در آخر کار، در و پنجره و یا چکشی را می سازد. از این نظر ارزش کار آنها با هم فرق روشن پیدا می کند.

عین این تفاوت در امر به معروف نهی از منکر و باصطلاح مبارزه با فساد و نظارت ملی، با سائر کارهای شرعی و عرفی موجود است.

به طور مسلم هیچ عملی از نظر ارزش معنوی به پایه امر به معروف نخواهد رسید، چون هر کار مشروع به جز از امر به معروف، نتیجه

آن، جزئی و عائد خود انسان است زیرا افضل اعمال به حکم عقل و نقل، همان ایمان به خداوند و پرستش (نماز) او است ولی نتیجه ایمان فقط و فقط مربوط به خود شخص ایمان آورنده است و شخص مؤمن در پرتو ایمان، سعادت مند و اصلاح می شود، در حقیقت ایمان و سایر اعمال بدنی مانند نماز و حج، موجی در اجتماع از نظر اصلاح ایجاد می نماید اما موجی بسیار کوچک که از حدود یک فرد یا کمی بیشتر تجاوز نمی نماید. از این نظر باید گفت: ایمان به خداوند از نظر اعمال فردی با فضیلت ترین عمل است نه از نظرهای دیگر. ولی امر به معروف و مبارزه با گناه، و فداکاری در طریق اصلاح جامعه، موجی بسیار بزرگتر از ایمان در اجتماع بوجود می آورد، گاهی یک جامعه را از لب پرتگاه سقوط نجات می بخشد. گاهی در سایه نظارت ملی یک فرد، جمعیت های بزرگی از خطر های مادی و ضررهای معنوی مستخلص میشوند.

گاهی یک رهبر سیاسی، یک راهنمای مذهبی، یک دلسوز نועدوست، با نظارتهای پی گیر، مبارزه های ریشه دار، و دعوتها و راهنماییهای سودمند، یک ملت چند میلیونی را از ناکامیها و محرومیتها، از سیه روزی و تیره بختی، نجات می دهد.

شاهد گفتار ما آزادیهای است که ملل استعمارزده و زجر دیده افریقا، پاکستان و هندوستان در سایه فداکاری یک اقلیت ناچیز به دست آورده اند.

روی این مبنا میتوان به عظمت گفتار امیر مؤمنان در ارزش امر بمعروف و نهی از منکر پی برد، امام می فرماید: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتِهِ فِي بَحْرِ لُجِّي» (نهج البلاغه عبده کلمات قصار شماره

۳۷۴/ یعنی [کلیه کارهای خیر و نیک نسبت به امر به معروف و نهی از منکر بسان قطره و یا دمی است در برابر دریای موج و بزرگ].

هرگز قطره آب یا دم انسانی در برابر قطرات بی پایان آب های دریا قابل سنجش نیست.

روزی که امیر مؤمنان این جمله را بیان نمود، مسائل جامعه شناسی مطرح نبود، لذا دانشمندانی که کلمات آن حضرت را شرح کرده اند در توضیح این جمله حق مطلب را ادا نکرده و شاید با یک نظر تعجب آمیز گذشته اند ولی امروز جامعه شناسی، و جریانهای زندگی ملل به پاخاسته، این مطلب را آفتابی نموده است.

امر به معروف ضامن اجرای کلیه قوانین است

کلیه قوانین عرفی و شرعی تا ضامن اجرای محکمی پشت آن نباشد، هرگز اجرا نخواهد شد، در حقیقت در سایه امر به معروف و نظارت ملی، تمام قوانین اجتماعی و اقتصادی و غیره اجرا می شود و اگر دستگاه نظارت و بازرسی از کار افتد، تمام دستورات به حالت تعطیل در آمده و کوچکترین سودی عائد مردم نمی گردد.

امام باقر (ع) این مطلب را در جمله کوتاهی بیان کرده است: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْمَذَاهِبُ وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَتُحَلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْيَادِ وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (وسائل الشیعه ۱۱/۳۹۵) [در مسأله نظارت مردم، فرائض و تکالیف انجام می گیرد و مردم ملزم می شوند از حرام بپرهیزند. و از طرق مشروع و کسب حلال ارتزاق کنند، در سایه دستگاههای مبارزه با فساد، تمام راههای کشور امن می گردد، و امنیت بر اثر اجرای حدود و کیفر دادن جنایتکاران، در سرتاسر کشور

سایه می افکند.]

اگر این قدرت، یعنی قدرت امر به معروف، با تمام مراحل گوناگون که دارد، از راهنمایی زبانی گرفته تا برسد به اجرای حدود و قوانین جزایی، از جامعه گرفته شود هرج و مرج، بی نظمی، درهم برهمی، وحشت و اضطراب در تمام شئون مردم رخنه کرده و لذت زندگی از بین می رود.

</body>

</html>

**آیا این ادعای قاضی عبدالجبار معتزلی در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر صحیح است که می گوید: «در میان امت کسی با وجوب آن مخالف نیست، جز گروه امامیه»؟**

**پرسش**

آیا این ادعای قاضی عبدالجبار معتزلی در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر صحیح است که می گوید: «در میان امت کسی با وجوب آن مخالف نیست، جز گروه امامیه»؟

**پاسخ**

متأسفانه او در این نسبت راه خطا پیموده و علت آن این است که به کتب امامیه مراجعه نکرده و با دانشمندان آنان در این مورد سخن نگفته است، در حالی که کتابهای فقهی و کلامی امامیه بر وجوب آن گواهی می دهند.

امام باقر(ع) درباره این دو عامل اصلاح جامعه چنین می فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجِ الصُّلْحِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ تُقَامُ بِهَا الْفَرَائِضُ، وَتُؤَمَّنُ الْمَذَاهِبُ، وَتَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمَ وَ تُعَمِّرُ الْأَرْضَ، وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ». (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه ۱۱ / باب دوازدهم از باب جهاد/ حدیث ۱)

[امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران، طریقه صالحان است، فریضه بزرگی هستند که به وسیله این دو، واجبات تحقق می پذیرد و راهها امن و کسبها حلال و اموال به صاحبانشان پس داده می شود و زمین آباد و دشمنان قصاص می شوند و امور مسلمانان اصلاح می پذیرد.]

انسان از مسامحه قاضی و امثال او در شگفت است که چگونه چنین اندیشه باطلی را به امامیه که پیوسته یک سوم مسلمین را تشکیل می دهند نسبت می دهد، در حالی که معاصر او شیخ مفید استاد کلام شیعه، در کتابهای کلامی خود بر وجوب آن تصریح می کند و می فرماید:

«امر به معروف و نهی از منکر به وسیله زبان در صورت نیاز بر همه واجب کفایی است، تا حجت بر جاهل تمام شود». (اوائل المقالات/۹۸)

خواجه در تجرید می گوید: «والأمر بالمعروف واجب

و كذا النهی عن المنكر، و بالمندوب مندوب».

[امر به معروف و نهی از منكر واجب است و امر به مستحب، بسان خود او مستحب است] (نصیر الدین / متن تجرید در كشف المراد / ۲۷۱)

شاید چیزی که مایه اشتباه قاضی شده است، مسأله وجوب جهاد ابتدایی با کافران است که در سخنان امام هشتم، چنین وارد شده است: «جهاد همراه با امام عادل واجب است، آن کس که در این جهاد در راه جان و مال خود کشته شود، شهید است» (حر عاملی، وسائل الشیعه ۱۱/باب ۱۲/حدیث ۱۰)

آیا مقصود از امام عادل، امام معصوم است یا مطلق پیشوای عادل؟ گروهی از محققان آن را به پیشوای عادل زمان هر چند امام معصوم نباشد تفسیر می کنند و فرمان او را در وجوب جهاد کافی می دانند. (جواهر الکلام ۲۱/۱۳)

قاضی عبد الجبار، امامیه را به قول به عدم وجوب امر به معروف متهم کرده، ولی از عقیده اشاعره در مورد پیروی از دستور سلطان ستمگر سخنی به میان نیاورده است، در حالی که آنان اطاعت او را واجب و خروج بر او را حرام و اطاعت او را مادامی که امر به حرام نکنند، اطاعت خدا می انگارند. آیا یک چنین تسلیم در برابر ظالم و ستمگر با وجوب امر به معروف سازگار است، در حالی که احادیث مروی از پیامبر بر خلاف آن دلالت دارند.

پیامبر گرامی (ص) فرمود: «بزرگترین جهاد، گفتار عادلانه است نزد حاکم ستمگر». (ترمذی، سنن ۴/)

و نیز فرمود: «هرگاه مردم ستمگر را ببینند و او را از کار خود باز ندارند، ممکن است عذاب همگان را فرا گیرد» (ترمذی، سنن ۴/)

**جایگاه امر به معروف و نهی از منكر در اسلام چگونه است؟**

**پیش**

جایگاه امر به معروف و نهی از منكر در

در میان ملت‌های زنده جهان امروز نظارت یک امر مشروع است، هر فردی می‌تواند از این حق بهره‌برداری نماید، ولی اگر همان فرد از این حق استفاده نکرد، او را مجازات نمی‌کنند، مثلاً اگر گوینده و یا نویسنده‌ای در امور اجتماعی، انحرافی را دید می‌تواند با گفتن و نوشتن، از حق مشروع خود استفاده نماید، ولی اگر نکرد او را محاکمه نمی‌کنند اما در اسلام امر به معروف و نهی از منکر بصورت یک اصل لازم و واجب وارد شده و هیچ مسلمانی حق ندارد در برابر گناه و خطا سکوت کند، و مهر خاموشی بر دهان بزند.

اسلام به قدری به این مطلب اهمیت داده که شخصیت و ارزش هر ملتی را در سایه مبارزه با فساد دانسته است ملتی که در اجرای قوانین، دقت کامل به عمل آورده در برابر گناه و طغیان یک فرد و یا یک جمعیت سکوت اختیار نکند. قرآن این حقیقت (شخصیت از آن ملتی است که با فساد مبارزه نماید) را در آیه زیر بیان فرموده است.

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» آل عمران/۱۱۰ [شما در میان ملت‌ها در صورتی بهترین ملت و امت هستید که مردم را به نیکی دعوت کنید و از کارهای زشت باز دارید].

اسلام به اندازه‌ای به این مسأله حیاتی اهمیت داده است که کسانی را که از این اصل مسلم و حق مشروع خود در اثر سستی و تنبلی و یا علل دیگر، استفاده نمایند مردگان زنده نما خوانده است و چنین فرموده: «فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ» (وسائل الشیعه ۱۱/۴۰۴) [آنان مردگان زنده نما هستند]، زیرا

یک چنین فرد یا جمعیت بسان مرده، از حق مسلم فردی و اجتماعی استفاده ننموده و از حقوق خود دفاع نمی کند، و در برابر عصیان و طغیان دیگران که بطور مسلم دود آن به چشم آنها نیز خواهد رفت، سکوت می نماید.

ارزش هر عمل بستگی به نتیجه ای دارد که از آن عمل گرفته می شود. ارزش عمل جراحی که مبتلا به بیماری «آپاندیست» را نجات می دهد به مراتب بالاتر از ارزش استادکاری است که در برابر شعله های آتش، آهنی را جوش می دهد، و یا درو پنجره می سازد. در صورتی که رنج بدنی و مقدار وقتی که کار دوم لازم دارد قابل قیاس با رنجی که جراح در اطاق عمل در هوای معتدل متحمل می شود، نیست مع الوصف ارزش عمل جراح کجا، و ارزش کار یک استاد کار کجا. و نکته این تفاوت، در بزرگی و کوچکی نتیجه ایست که عائد طرف می گردد، جراح یک ساعت وقت صرف می نماید و رنج می کشد، و در نتیجه یک شخص مشرف به مرگ را نجات میدهد. آنگاه دومی چند برابر انرژی مصرف می نماید و رنج می کشد، در آخر کار، در و پنجره و یا چکشی را می سازد. از این نظر ارزش کار آنها با هم فرق روشن پیدا می کند.

عین این تفاوت در امر به معروف نهی از منکر و باصطلاح مبارزه با فساد و نظارت ملی، با سائر کارهای شرعی و عرفی موجود است.

به طور مسلم هیچ عملی از نظر ارزش معنوی به پایه امر به معروف نخواهد رسید، چون هر کار مشروع به جز از امر به معروف، نتیجه آن، جزئی و عائد خود انسان است زیرا افضل



اعمال به حکم عقل و نقل، همان ایمان به خداوند و پرستش (نماز) او است ولی نتیجه ایمان فقط و فقط مربوط به خود شخص ایمان آورنده است و شخص مؤمن در پرتو ایمان، سعادت‌مند و اصلاح می‌شود، در حقیقت ایمان و سایر اعمال بدنی مانند نماز و حج، موجی در اجتماع از نظر اصلاح ایجاد می‌نماید اما موجی بسیار کوچک که از حدود یک فرد یا کمی بیشتر تجاوز نمی‌نماید. از این نظر باید گفت: ایمان به خداوند از نظر اعمال فردی با فضیلت‌ترین عمل است نه از نظرهای دیگر. ولی امر به معروف و مبارزه با گناه، و فداکاری در طریق اصلاح جامعه، موجی بسیار بزرگتر از ایمان در اجتماع بوجود می‌آورد، گاهی یک جامعه را از لب پرتگاه سقوط نجات می‌بخشد. گاهی در سایه نظارت ملی یک فرد، جمعیت‌های بزرگی از خطرهای مادی و ضررهای معنوی مستخلص میشوند.

گاهی یک رهبر سیاسی، یک راهنمای مذهبی، یک دلسوز نועدوست، با نظارتهای پی‌گیر، مبارزه‌های ریشه‌دار، و دعوتها و راهنماییهای سودمند، یک ملت چند میلیونی را از ناکامیها و محرومیتها، از سیه‌روزی و تیره‌بختی، نجات می‌دهد.

شاهد گفتار ما آزادیهای است که ملل استعمارزده و زجر دیده افریقا، پاکستان و هندوستان در سایه فداکاری یک اقلیت ناچیز به دست آورده‌اند.

روی این مبنا میتوان به عظمت گفتار امیر مؤمنان در ارزش امر بمعروف و نهی از منکر پی‌برد، امام می‌فرماید: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفُثَةٌ فِي بَحْرِ لُجِّي» (نهج البلاغه عبده کلمات قصار شماره ۳۷۴) یعنی [کلیه کارهای خیر و نیک نسبت به

امر به معروف و نهی از منکر بسان قطره و یا دمی است در برابر دریای موج و بزرگ.

هرگز قطره آب یا دم انسانی در برابر قطرات بی پایان آب های دریا قابل سنجش نیست.

روزی که امیر مؤمنان این جمله را بیان نمود، مسائل جامعه شناسی مطرح نبود، لذا دانشمندانی که کلمات آن حضرت را شرح کرده اند در توضیح این جمله حق مطلب را ادا نکرده و شاید با یک نظر تعجب آمیز گذشته اند ولی امروز جامعه شناسی، و جریانهای زندگی ملل به پاخاسته، این مطلب را آفتابی نموده است.

امر به معروف ضامن اجرای کلیه قوانین است

کلیه قوانین عرفی و شرعی تا ضامن اجرای محکمی پشت آن نباشد، هرگز اجرا نخواهد شد، در حقیقت در سایه امر به معروف و نظارت ملی، تمام قوانین اجتماعی و اقتصادی و غیره اجرا می شود و اگر دستگاه نظارت و بازرسی از کار افتد، تمام دستورات به حالت تعطیل در آمده و کوچکترین سودی عائد مردم نمی گردد.

امام باقر (ع) این مطلب را در جمله کوتاهی بیان کرده است: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْمَذَاهِبُ وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَتُحَلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (وسائل الشیعه ۱۱/۳۹۵) [در مسأله نظارت مردم، فرائض و تکالیف انجام می گیرد و مردم ملزم می شوند از حرام بپرهیزند. و از طرق مشروع و کسب حلال ارتزاق کنند، در سایه دستگاههای مبارزه با فساد، تمام راههای کشور امن می گردد، و امنیت بر اثر اجرای حدود و کیفر دادن جنایتکاران، در سرتاسر کشور سایه می افکند.]

اگر این قدرت، یعنی قدرت امر به معروف،

با تمام مراحل گوناگون که دارد، از راهنمایی زبانی گرفته تا برسد به اجرای حدود و قوانین جزایی، از جامعه گرفته شود هرج و مرج، بی نظمی، درهم برهمی، وحشت و اضطراب در تمام شئون مردم رخنه کرده و لذت زندگی از بین می رود.

</body>

</html>

## جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

### پرسش

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

### پاسخ

در میان ملت‌های زنده جهان امروز نظارت یک امر مشروع است، هر فردی می تواند از این حق بهره برداری نماید، ولی اگر همان فرد از این حق استفاده نکرد، او را مجازات نمی کنند، مثلاً اگر گوینده و یا نویسنده ای در امور اجتماعی، انحرافی را دید می تواند با گفتن و نوشتن، از حق مشروع خود استفاده نماید، ولی اگر نکرد او را محاکمه نمی کنند اما در اسلام امر به معروف و نهی از منکر بصورت یک اصل لازم و واجب وارد شده و هیچ مسلمانی حق ندارد در برابر گناه و خطا سکوت کند، و مهر خاموشی بر دهان بزند.

اسلام به قدری به این مطلب اهمیت داده که شخصیت و ارزش هر ملتی را در سایه مبارزه با فساد دانسته است ملتی که در اجرای قوانین، دقت کامل به عمل آورده در برابر گناه و طغیان یک فرد و یا یک جمعیت سکوت اختیار نکند. قرآن این حقیقت (شخصیت از آن ملتی است که با فساد مبارزه نماید) را در آیه زیر بیان فرموده است.

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» آل عمران/۱۱۰ [شما در میان ملت ها در صورتی بهترین ملت و امت هستید که مردم را به نیکی دعوت کنید و از کارهای زشت باز دارید].

اسلام به اندازه ای به این مسأله حیاتی اهمیت داده است که کسانی را که از این اصل مسلم و حق مشروع خود در اثر سستی و تنبلی و یا علل دیگر، استفاده نمایند مردگان زنده نما خوانده است و چنین فرموده: «فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ

الأحياء» (وسائل الشيعه ۱۱/۴۰۴) [آنان مردگان زنده نما هستند]، زیرا یک چنین فرد یا جمعیت بسان مرده، از حق مسلم فردی و اجتماعی استفاده ننموده و از حقوق خود دفاع نمی کند، و در برابر عصیان و طغیان دیگران که بطور مسلم دود آن به چشم آنها نیز خواهد رفت، سکوت می نماید.

ارزش هر عمل بستگی به نتیجه ای دارد که از آن عمل گرفته می شود. ارزش عمل جراحی که مبتلا به بیماری «آپاندیست» را نجات می دهد به مراتب بالاتر از ارزش استادکاری است که در برابر شعله های آتش، آهنی را جوش می دهد، و یا درو پنجره می سازد. در صورتی که رنج بدنی و مقدار وقتی که کار دوم لازم دارد قابل قیاس با رنجی که جراح در اطاق عمل در هوای معتدل متحمل می شود، نیست مع الوصف ارزش عمل جراح کجا، و ارزش کار یک استاد کار کجا. و نکته این تفاوت، در بزرگی و کوچکی نتیجه ایست که عائد طرف می گردد، جراح یک ساعت وقت صرف می نماید و رنج می کشد، و در نتیجه یک شخص مشرف به مرگ را نجات میدهد. آنگاه دومی چند برابر انرژی مصرف می نماید و رنج می کشد، در آخر کار، در و پنجره و یا چکشی را می سازد. از این نظر ارزش کار آنها با هم فرق روشن پیدا می کند.

عین این تفاوت در امر به معروف نهی از منکر و باصطلاح مبارزه با فساد و نظارت ملی، با سائر کارهای شرعی و عرفی موجود است.

به طور مسلم هیچ عملی از نظر ارزش معنوی به پایه امر به معروف نخواهد رسید، چون هر کار مشروع به جز از امر به معروف، نتیجه

آن، جزئی و عائد خود انسان است زیرا افضل اعمال به حکم عقل و نقل، همان ایمان به خداوند و پرستش (نماز) او است ولی نتیجه ایمان فقط و فقط مربوط به خود شخص ایمان آورنده است و شخص مؤمن در پرتو ایمان، سعادت مند و اصلاح می شود، در حقیقت ایمان و سایر اعمال بدنی مانند نماز و حج، موجی در اجتماع از نظر اصلاح ایجاد می نماید اما موجی بسیار کوچک که از حدود یک فرد یا کمی بیشتر تجاوز نمی نماید. از این نظر باید گفت: ایمان به خداوند از نظر اعمال فردی با فضیلت ترین عمل است نه از نظرهای دیگر. ولی امر به معروف و مبارزه با گناه، و فداکاری در طریق اصلاح جامعه، موجی بسیار بزرگتر از ایمان در اجتماع بوجود می آورد، گاهی یک جامعه را از لب پرتگاه سقوط نجات می بخشد. گاهی در سایه نظارت ملی یک فرد، جمعیت های بزرگی از خطر های مادی و ضررهای معنوی مستخلص میشوند.

گاهی یک رهبر سیاسی، یک راهنمای مذهبی، یک دلسوز نועدوست، با نظارتهای پی گیر، مبارزه های ریشه دار، و دعوتها و راهنماییهای سودمند، یک ملت چند میلیونی را از ناکامیها و محرومیتها، از سیه روزی و تیره بختی، نجات می دهد.

شاهد گفتار ما آزادیهای است که ملل استعمارزده و زجر دیده افریقا، پاکستان و هندوستان در سایه فداکاری یک اقلیت ناچیز به دست آورده اند.

روی این مبنا میتوان به عظمت گفتار امیر مؤمنان در ارزش امر بمعروف و نهی از منکر پی برد، امام می فرماید: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتِهِ فِي بَحْرِ لُجِّي» (نهج البلاغه عبده کلمات قصار شماره

۳۷۴/ یعنی [کلیه کارهای خیر و نیک نسبت به امر به معروف و نهی از منکر بسان قطره و یا دمی است در برابر دریای موج و بزرگ].

هرگز قطره آب یا دم انسانی در برابر قطرات بی پایان آب های دریا قابل سنجش نیست.

روزی که امیر مؤمنان این جمله را بیان نمود، مسائل جامعه شناسی مطرح نبود، لذا دانشمندانی که کلمات آن حضرت را شرح کرده اند در توضیح این جمله حق مطلب را ادا نکرده و شاید با یک نظر تعجب آمیز گذشته اند ولی امروز جامعه شناسی، و جریانهای زندگی ملل به پاخاسته، این مطلب را آفتابی نموده است.

امر به معروف ضامن اجرای کلیه قوانین است

کلیه قوانین عرفی و شرعی تا ضامن اجرای محکمی پشت آن نباشد، هرگز اجرا نخواهد شد، در حقیقت در سایه امر به معروف و نظارت ملی، تمام قوانین اجتماعی و اقتصادی و غیره اجرا می شود و اگر دستگاه نظارت و بازرسی از کار افتد، تمام دستورات به حالت تعطیل در آمده و کوچکترین سودی عائد مردم نمی گردد.

امام باقر (ع) این مطلب را در جمله کوتاهی بیان کرده است: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْمَذَاهِبُ وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَتُحَلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» ( وسائل الشیعه ۱۱/۳۹۵) [در مسأله نظارت مردم، فرائض و تکالیف انجام می گیرد و مردم ملزم می شوند از حرام بپرهیزند. و از طرق مشروع و کسب حلال ارتزاق کنند، در سایه دستگاههای مبارزه با فساد، تمام راههای کشور امن می گردد، و امنیت بر اثر اجرای حدود و کیفر دادن جنایتکاران، در سرتاسر کشور

سایه می افکند.]

اگر این قدرت، یعنی قدرت امر به معروف، با تمام مراحل گوناگون که دارد، از راهنمایی زبانی گرفته تا برسد به اجرای حدود و قوانین جزایی، از جامعه گرفته شود هرج و مرج، بی نظمی، درهم برهمی، وحشت و اضطراب در تمام شئون مردم رخنه کرده و لذت زندگی از بین می رود.

</body>

</html>

**درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.**

**پرسش**

درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.

**پاسخ**

امر به معروف، عمل خیرخواهانه و مفید به حال فرد و جامعه است و از نظر عقلی، بسیار پسندیده است. قرآن مجید یکی از امتیازات امت اسلامی بر دیگر امت ها را اجرای همین اصل می داند؛ زیرا این نوعی نظارت و احساس مسوولیت همگانی در جهت سعادت فرد و جامعه در تمام سطوح می باشد. جالب این است که یکی از ابزارهای مهم کنترل قدرت و نظارت عمومی بر رهبران، اجرای همین اصل است. از همین رو پیامبر اکرم (ص) فرمودند: (( اگر امر به معروف ترک شود، بدترین افراد بر جامعه مسلط می شوند )) . بنابراین؛ این مهم، فواید بیشماری دارد. اما این که آن را دخالت در امور دیگران تلقی کنیم، ناشی از چند چیز است: ۱- شیوه های غلط امر به معروف و تجسس های بی جا در امور داخلی افراد، ۲- گرایش پنهان به اندیشه های فردگرایانه ( Individualism ) غربی و آزادی های بیش از حد فردی، که با منطق دینی سازگاری ندارد.

**از نظر قرآن امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مسلمانان است یا وظیفه عده ای یا گروهی خاص است**

**پرسش**

از نظر قرآن امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مسلمانان است یا وظیفه عده ای یا گروهی خاص است

**پاسخ**

در آیه ۱۰۴ از آل عمران آمده است "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّهٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ... و باید از میان شما، گروهی باشند که مردم را به سوی خیر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند..."

در این آیه شریفه و آیات دیگر قرآن کریم (اعراف ۱۵۷؛ حج ۴۱؛ لقمان ۱۷ و...) به دو وظیفه مهم و بزرگ اجتماعی اشاره شده است "معروف که در لغت به معنی کار شناخته شده و مراد از آن در قرآن کریم کارهای پسندیده اعم از واجب و مستحب است و "منکر" که در مقابل معنی معروف و به معنی "ناشناخته است و مراد از آن در قرآن کریم گناه است

دین مبین اسلام از تمامی مسلمانان خواسته که جهت حفظ اجتماع از افراد شرور و انحرافات و مفسدات اجتماعی آنان و همچنین تداوم و بقا و حیات جامعه اسلامی برای زنده کردن این دو وظیفه مهم قیام کنند.

آنچه از این آیه به انضمام آیات دیگر، مثل آیه ۱۱۰ همین سوره و آیه "و تواصوا بالحق سوره والعصر به دست می آید، این است که این دو وظیفه بر عموم مسلمانان واجب است یعنی فرد فرد افراد اجتماع برای به پا داشتن و اقامه آن با نظارت عمومی خودشان باید به آن عمل کنند.

در روایات معتبر نیز بر اهمیت اجرای این دو فریضه



مهم تأکید شده که بعضی از آن روایات چنین است

۱. امام باقر ۷ می فرماید: "ان الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر فریضه عظیمه بها تقام الفرائض امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فریضه ها با آنها برپا می شوند."

۲. پیغمبر اکرم می فرماید: "مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ كَسَى كَمَا بَعَثْنَا نَبِيًّا مِنْكُمْ لِيُحْكِمَ فِيكُمْ دِينَكُمْ وَ يَأْتِيَكُمْ بِالْحَقِّ وَ يَنْهَى عَنِ الْبَغْيِ وَ يَأْتِيكُمْ بِالْحَقِّ وَ يَنْهَى عَنِ الْبَغْيِ وَ يَأْتِيكُمْ بِالْحَقِّ وَ يَنْهَى عَنِ الْبَغْيِ"

روایات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که بر اهمیت فوق العاده این دو فریضه بزرگ اشاره کرده اند.

از آیات قرآن استفاده می شود که "امر به معروف و نهی از منکر" دو مرحله دارد:

۱. مرحله فردی ۲. مرحله دسته جمعی مرحله اول وظیفه همه مردم است مرحله دوم از شئون حکومت اسلامی است لذا در حکومت اسلامی تشکیل یک گروه نظارت بر وضع اجتماعی و سازمان های حکومتی لازم است

و نیز باید توجه داشت که یکی از مراحل امر به معروف و نهی از منکر، ضرب و جرح و قتل است این مرحله باید به دستور حاکم اسلامی صورت گیرد. (مستدرک الوسائل محدث نوری ج ۴، ص ۲۴۷، مؤسسه آل البيت)

### آیا انسان در اصلاح جامعه خود مسؤول است؟

#### پرسش

آیا انسان در اصلاح جامعه خود مسؤول است؟

#### پاسخ

نصوص معتبر دینی با صراحت و قاطعیت مسؤولیت افراد را نسبت به انحرافات اجتماعی مطرح ساخته اند. در چشم انداز اسلامی پیدایش و بقای جامعه سالم بدون مسؤولیت همگانی ناممکن است. البته در این راستا مسؤولیت افراد متفاوت است و هر کس به تناسب توانایی ها دانش ها و شرایط ویژه ای که در آن قرار دارد مسؤول است. }J

آیا می توان به خاطر کمرویی و همچنین یقین به عدم ترتب اثر امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه را ترک کرد؟ اینجانب خیلی وقتها فکر می کنم کسی که گناه می کند حرام انجام داده و او که امر به معروف نمی کند ترک واجب نموده است پس آیا این دو نزد حضرت حق جایگاه نز

#### پرسش

آیا می توان به خاطر کمرویی و همچنین یقین به عدم ترتب اثر امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه را ترک کرد؟ اینجانب خیلی وقتها فکر می کنم کسی که گناه می کند حرام انجام داده و او که امر به معروف نمی کند ترک واجب نموده است پس آیا این دو نزد حضرت حق جایگاه نزدیک به هم ندارند؟

**پاسخ**

اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر فراهم باشد، امر به معروف واجب می گردد.

باید عنایت داشته باشید که یکی از شرایط امر به معروف احتمال تأثیر است. بنابراین هر کجا احتمال تأثیر می دهید وظیفه دارید و در صورتی که احتمال تأثیر نمی دهید و یا خطری برای جان و مال شما داشته باشد امر به معروف واجب نیست.

**درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.**

**پرسش**

درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.

**پاسخ**

امر به معروف، عمل خیرخواهانه و مفید به حال فرد و جامعه است و از نظر عقلی، بسیار پسندیده است. قرآنمجید یکی از امتیازات امت اسلامی بر دیگر امت ها را اجرای همین اصل می داند؛ زیرا این نوعی نظارت و احساسمسئولیت همگانی در جهت سعادت فرد و جامعه در تمام سطوح می باشد. جالب این است که یکی از ابزارهای مهمکنترل قدرت و نظارت عمومی بر رهبران، اجرای همین اصل است. از همین رو پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «اگر امر بهمعروف ترک شود، بدترین افراد بر جامعه مسلط می شوند». بنابراین؛ این مهم، فواید بیشماری دارد. اما این که آن رادخال در امور دیگران تلقی کنیم، ناشی از چند چیز است:

۱ شیوه های غلط امر به معروف و تجسس های بی جا در امور داخلی افراد،

۲ گرایش پنهان به اندیشه های فرد گرایانه (Individ Ualism) غربی و آزادی های بیش از حد فردی، که با منطق دینی سازگاریندارد.

}}

**در باره تفسیر آیه (لا یكلف الله نفسا الا وسعها) و ارتباط آن با امر به معروف و نهی از منکر توضیح دهید؟**

در باره تفسیر آیه (لا یكلف الله نفسا الا وسعها) و ارتباط آن با امر به معروف و نهی از منکر توضیح دهید؟

پاسخ

وسع هر کس مقدار توانایی ای است که برای انجام کاری دارد. در واقع مفاد این آیه این است که خداوند انسان را افزون بر توان (اعم از توان جسمی مالی علمی اعتبار اجتماعی و...) مکلف نمی کند. در ضمن وسع فقط جنبه فردیندارد بلکه اعم از حیثیت فردی و اجتماعی است. بنابراین ممکن است شخصی بتهایی توانایی انجام کاری را نداشته باشد ولی به همراه دیگران و با یک تشکل و جمع بتواند آن را انجام دهد در این صورت باید در راستای انجام آنرسالت الهی به جمع لازم پیوندد مانند جنگ و جهاد. در مورد امر به معروف و نهی از منکر نیز امروزه لازم است جوانان متدین کانونهای دینی قدرتمندی تشکیل دهند و با فراگیری هنجارهای دقیق اسلامی به این وظیفه مهم به طور گروهی عمل نمایند. }]

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

ما در روستایی زندگی می کنیم که برای کار و کشاورزی هم باهم به طور دسته جمعی کار می کنیم و چون گناه و غیبت و غیره صورت می گیرد و از طرفی بنده نمی توانم امر به معروف کنم، چون تأثیری ندارد، آیا می توانم از آنجا به جای دیگر هجرت کنم؟

پرسش

ما در روستایی زندگی می کنیم که برای کار و کشاورزی هم باهم به طور دسته جمعی کار می کنیم و چون گناه و غیبت و غیره صورت می گیرد و از طرفی بنده نمی توانم امر به معروف کنم، چون تأثیری ندارد، آیا می توانم از آنجا به جای دیگر هجرت کنم؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی! با تشکر و قدردانی از شما. امیدواریم همواره مورد تأیید خداوند متعال باشید. در مورد امر به معروف اگر تأثیر ندارد، بر شما واجب نیست. جدا شدن و هجرت به جای دیگر اگر با توافق پدر و مادر تان صورت بگیرد، اشکالی ندارد، ولی اگر آنان صلاح بدانند که با آنان زندگی کنید، بهتر است همان جا بمانید و با آنان زندگی کنید. فقط مواظب اعمال و رفتار خود باشید و به گناه دیگران راضی نباشید. انسان در محیط های آلوده هم می تواند به قرب الهی برسد. از خداوند متعال بخواهید که جامعه از گناه و آلودگی ها پاک شود.

هنگامی که در مسجد برق قطع می شود، بعضی افراد شرور شن بر سر مردم می پاشند. آیا معرفی آنان به نیروی انتظامی کار درستی

**است؟**

**پرسش**

هنگامی که در مسجد برق قطع می شود، بعضی افراد شرور شدن بر سر مردم می پاشند. آیا معرفی آنان به نیروی انتظامی کار درستی است؟

**پاسخ**

بزرگان محلّ آنان را نصیحت کنند. با اخلاق خوب و رفتار پسندیده بهتر می توان جلوی شرارت ها را گرفت.

**وظیفه انسان در مجلسی که شخصی غیبت می کند، چیست؟**

**پرسش**

وظیفه انسان در مجلسی که شخصی غیبت می کند، چیست؟

**پاسخ**

از آنجا که در حدیث آمده که شنونده غیبت هم یکی از غیبت کنندگان حساب می شود، شنیدن غیبت به طور مطلق جایز نیست. در احادیث متعددی داریم که اگر کسی از برادر مؤمنش دفاع و رد غیبت نکند، عقاب می شود، و اگر دفاع کرد، خداوند هزار در شرّ و بدی را بر او می بندد. البته استثنائاتی برای این حکم وجود دارد. برای مثال شخصی که مظلوم واقع شده و مظلومیت خویش را بیان می کند یا کسی که با شخص مناسبی مشورت می کند و به خاطر آن ناچار به بیان حقایق درباره کسی یا شنیدن آن است. برای شناخت تفصیلی موارد استثنا می توان به کتابهای اخلاقی، مثل «گناهان کبیره» تألیف مرحوم دستغیب و «معراج السعاده» تألیف مرحوم نراقی مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴

**اگر در مجلس گناه بودیم، و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم، وظیفه ما چیست؟**

**پرسش**

اگر در مجلس گناه بودیم، و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم، وظیفه ما چیست؟

**پاسخ**

"می توانید شرکت کنید ولی هنگام شروع لهو و لعب، نهی از منکر نمایید، اگر اثر نکرد حرکت نمایید(مجلس را ترک کنید) در این صورت مأجور هستید." (حضرت آیت... تبریزی، مسائل جدید از دیدگاه علماء، ج ۱، ص ۱۴۲)

"با معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه، با او اینگونه عمل می شود، مثل اینکه از او رو برگرداند یا با چهره عبوس با او برخورد کند یا با او رفت و آمد نکند." (آموزش فقه، ۷۲ درس احکام، ص ۲۸۲)

در هر حال، اگر نتوانست مجلس گناه را ترک کند در دل به استغفار مشغول باشد، تا گناه دیگران شامل او نشود. و فکر کردن به موضوعات مشروع نیز مفید است، و در همان مجلس گناه هم باید مکانی را انتخاب کند که اثرپذیری از مجلس به حداقل برسد، مثلاً در مجلس عروسی که همراه با گناه و معصیت است، می تواند به مکانی برود که صحنه های رقص را نبیند و صدای موسیقی کمتر و ضعیف تر به گوش برسد، مثلاً اگر از بستگان نزدیک است، برای خوش آمدگویی بیرون خانه بایستد یا در آشپزخانه کمک کند و ...

منابع و مأخذ :

\* مسائل جدید از دیدگاه علماء ج ۱، گردآوری سید محسن محمودی

\* "آموزش فقه" ۷۲ درس احکام، از آقای فلاح زاده

**اگر در مجلس گناه بودیم و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم وظیفه ما چیست؟**

**پرسش**

اگر در مجلس گناه بودیم و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم وظیفه ما چیست؟

**پاسخ**

می توانید شرکت کنید ولی هنگام شروع لهو و لعب، نهی از منکر نمایید، اگر اثر نکرد حرکت نمایید(مجلس را ترک کنید) در این صورت مأجور هستید.(حضرت آیت... تبریزی، مسائل جدید از دیدگاه علماء، ج ۱، ص ۱۴۲) (۱)

با معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه، با او اینگونه عمل می شود، مثل اینکه از او رو برگرداند یا با چهره عبوس با او برخورد کند یا با او رفت و آمد نکند. (آموزش فقه، ۷۲ درس احکام، ص ۲۸۲) (۲)

در هر حال، اگر نتوانست مجلس گناه را ترک کند در دل به استغفار مشغول باشد، تا گناه دیگران شامل او نشود. و فکر کردن به موضوعات مشروع نیز مفید است، و در همان مجلس گناه هم باید مکانی را انتخاب کند که اثرپذیری از مجلس به حداقل برسد، مثلاً در مجلس عروسی که همراه با گناه و معصیت است، می تواند به مکانی برود که صحنه های رقص را نبیند و صدای موسیقی کمتر و ضعیف تر به گوش برسد، مثلاً اگر از بستگان نزدیک است، برای خوش آمدگویی بیرون خانه بایستد یا در آشپزخانه کمک کند و ...

منابع و مأخذ:

۱) مسائل جدید از دیدگاه علماء، ج ۱، گردآوری سید محسن محمودی

۲) آموزش فقه " ۷۲ درس احکام، از آقای فلاح زاده

**آیا این که ما بسیجی باشیم و یا ضابط امر به معروف و نهی از منکر تا دیدم کسی در کوچه و بازار اعمال ضد اخلاقی می کند مانند متکل گفتن به دختران و با مزاحمت های دیگر یا برقراری رابطه نامشروع در ملا عام ما می توانیم بدون حکم قاضی اینها را دست و پا بسته مورد ضرب**

**پرسش**

آیا این که ما بسیجی باشیم و یا ضابط امر به معروف و نهی از منکر تا دیدم کسی در کوچه و بازار اعمال ضد اخلاقی می کند مانند متکل گفتن به دختران و با مزاحمت های دیگر یا برقراری رابطه نامشروع در ملا عام ما می توانیم بدون حکم قاضی اینها را دست و پا بسته مورد ضرب و شتم قرار

دوست گرامی در پاسخ به سؤال شما نکات چندی را به شما تقدیم می‌کنم:

از دغدغه شما در این باره و پرسشگری شما سپاسگزاری می‌کنم.

اسلام دین اعتدال، فطرت و عقل است و هر کاری که انجام می‌دهیم: این توان برای ما وجود دارد که آن کار را در نظر خود مورد محاسبه قرار دهیم و ببینیم آیا فطرت ما آن را می‌پذیرد و با عقل سازگاری دارد یا خیر؟ قرآن کریم تصریح نموده است که "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّهٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ" (۱) و باید از میان شما گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وا دارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند. ما نباید به اسم نهی از منکر، دچار منکر شویم. اما اصل امر بمعروف و نهی از منکر باید صورت پذیرد. امروزه سیستمهای حراست، نظارت و ارزیابی، مهندسی ارزش و ... در سازمانها و تشکیلات دولتی و خصوصی همین وظایف را بعهدہ دارند و در سرتاسر دنیا این مطلب محقق است.

این امر بمعروف چند حالت دارد که مقداری از آن در قالب نظارت عملی می‌شود که عبارتست از:

الف- نظارت مردم بر مردم ب- نظارت مردم بر دولت از طریق مجلس و مانند آن ج- نظارت دولت بر مردم د- نظارت هر کس بر خودش که اصطلاحاً به آن خود کنترلی یا مراقبه و محاسبه نفس گفته میشود.

آنچه شما فرمودید در مورد دستگیری یا ضرب و شتم در محدوده نظارت دولت بر مردم می‌باشد و طبق قواعدی به هنگام ایجاد شورش،

تنش، فساد عمومی و مانند آن و با حکم انتظامی، قضایی محقق می شود و مردم حق دخالت در این امور را ندارند و مراتب ابتدایی امر به معروف نظیر قطع ارتباط با فرد مذکور، بی اعتنایی، تذکر زبانی و ... نه فقط بعهدہ بسیجیان بلکه بعهدہ همه مردم می باشد و هر کسی موظف است در این باره نقشی ایفا کند و در هر صورت فحاشی حرام است.

آنچه شما فرمودید مراحل بالایی در امر به معروف و نهی از منکر نیست و فسادهای اقتصادی، اعتقادی فراوانی وجود دارد و خلاصه کردن امر بمعروف در بد حجابی و مانند آن، کار نادرستی است.

چند استفتاء از رهبر انقلاب را نیز در پایان به شما تقدیم میکنم.

مسأله ۱۰۸۱ ... مراتب امر به معروف و نهی از منکر اگر متوقف بر نفس و مال فاعل منکر نباشد احتیاج به اذن کسی ندارد، بلکه این از وظایف همگانی بود و بر تمامی مکلفین واجب است. و اما مواردی که در آن امر به معروف و نهی از منکر به مؤونه بیشتر از نهی لسانی متوقف بود، اگر در کشوری باشد که تحت حکومت و نظام اسلامی قرار دارد، و دولت اهتمام به این فرضیه اسلامی دارد، در آن صورت کار موکول به اذن حاکم و مسؤولین ذی ربط آن و پلیس محلی و محاکم صالحه، می باشد.

مسأله ۱۰۸۹- اقدامات فردی در اموری که از صلاحیت نیروی امنیتی و قضایی است، جایز نیست، و لکن این مانع از اقدامات مردم در امر به معروف و نهی از منکر با مراعات حدود و شرایط آن نمی باشد. (۲)

منابع و مآخذ :

۱. سوره مبارکه



**وظیفه طلبه های علوم دینی در قبال افرادی که به آسانی گناه می کنند و گناه برای آنان عادی می باشد، چیست**

**پرسش**

وظیفه طلبه های علوم دینی در قبال افرادی که به آسانی گناه می کنند و گناه برای آنان عادی می باشد، چیست

**پاسخ**

خواهر عزیز! این وظیفه باید در دو بُعد انجام شود:

۱) تعمیق و تقویت اعتقادات و معارف دینی افراد: باید دانست که مردم از سر لجبازی با دین گناه نمی کنند، و اگر شیرینی گناه در ذائقه آنها مزه می کند و جذب گناه می شوند به دلیل عدم آگاهی و معرفت و عدم توجه به مضرات آن است

امام رضا ۷ می فرماید: «... ان الناس لو علموا محاسن کلامنا لا تبعونا (۵)؛ اگر مردم خوبی های کلام ما را (کلام زیبای ما را) می دانستند از ما تبعیت و پیروی می کردند».

انسان دارای فطرتی خداجوست و عادات و آداب غلط و آموزش های انحرافی است که چون غباری روی صفحه دل را می گیرد و باعث کشش به سوی گناه می شود، که باید با توجه به توبه گردگیری شود. بنابراین باید در اولین گام با آگاهی بخشیدن و توجه دادن به عظمت خالق و با یادآوری نعمت های الهی دل را به نور معرفت روشن نمود، و در این صورت است که گناه هر چند جاذب باشد، جلوه ای نخواهد داشت (۲) امر به معروف و نهی از منکر: از دیدگاه اسلام بر همه مردم واجب است با دل و زبان و با قدرت در برابر گناه کار عکس العمل نشان دهند و نهی از منکر نمایند.

در روایات اسلامی در رابطه با چگونگی برخورد با گناه کار مطالب بسیار آمده است از جمله حضرت علی ۷ می فرماید: «پایین ترین درجه نهی از منکر آن است که انسان با گنهکار با چهره گرفته

و خشم آلود برخورد کند و...» از طرفی در فقه اسلامی و دستورالعمل های اسلام در برخورد با گناه و جلوگیری از آن دستورات بسیار دقیق دیده می شود که خاصیت بازدارندگی از گناه دارند، مانند احکام حدود، قصاص و...، که اگر به درستی و به طور کامل اجرا شوند، اهرم بسیار نیرومند برای براندازی گناه خواهند بود. در واقع دستورات عملی اسلامی بیانگر برخوردهای اسلام با فرد گناه کار است که هر کدام به نحوی نقش بازدارندگی و کنترل گناه را در فرد و جامعه دارد. (۶)

البته باید امر به معروف و نهی از منکر، مطابق آنچه که در رساله های فقهای عظام آمده با حفظ مراتب و درجات و آگاهی و تسلط به مبانی دینی انجام شود.

برای اطلاع بیشتر از شرایط امر به معروف و نهی از منکر و مراحل آن می توانید به تحریرالوسیله حضرت امام، جلد ۱ مراجعه نمایید.

پاورقی:

۵- معانی الاخبار، ص ۱۸۰ و بحارالانوار، چاپ بیروت ج ۲، ص ۳۰.

۶- محسن قرائتی گناه شناسی نشر پیام آزادی چاپ ششم ص ۲۸۰-۲۷۶ (با تلخیص).

**وظیفه ما، در مقابل کسانی که مرتکب گناه می شوند، چیست چگونه می توان از نظر قانونی و رسمی قدرت پیدا کنیم تا بتوانیم در مقابل آن ها ایستادگی نماییم**

**پرسش**

وظیفه ما، در مقابل کسانی که مرتکب گناه می شوند، چیست چگونه می توان از نظر قانونی و رسمی قدرت پیدا کنیم تا بتوانیم در مقابل آن ها ایستادگی نماییم

**پاسخ**

انسان در این سؤال دو وظیفه جدای از هم دارد یکی متوجه شخص خود اوست و دیگری وظیفه اش در مقابل دیگران و جامعه وظیفه خود او ترک گناه است و نباید گناه را انجام دهد وظیفه اش در قبال دیگران نهی از منکر است آنچه که مشهور است که کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند خود باید پاک از آن گناه باشد این شرط کمال و تأثیر گذاری است نه شرط واجب شدن نهی از منکر. قرآن مجید در سوره بقره ۴۴ می فرماید: "أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ آیا مردم را به کار خیر سفارش می کنید اما خود فراموش می کنید." کمال در این است که خود پاک باشد و از گناهان نهی نماید و به تعبیر دیگر خود با عمل خویش الگوی دیگران باشد و به تعبیر روایات مردم را با عمل خود تبلیغ و نهی از منکر نماید و دعوت عملی او قوی تر از دعوت قولی او باشد. (تفسیر نمونه آیت الله مکارم ج ۱، ص ۲۱۵). اما اگر شخص وظیفه فردی

خویش را انجام نداد باعث نمی شود وظیفه اجتماعی خویش یعنی نهی از منکر را نیز انجام ندهد.

برای قانونی نمودن این وظیفه اجتماعی می توان در سازمان هایی مانند ستاد امر به معروف و نهی از منکر، یا انجمن ناصحان و غیره عضو شد و به این امر خطیر همت گماشت

**همسر من با ترانه و موسیقی میانه خوبی دارد اگر بعد از امر به معروف و نهی از منکر همسرم اصلاح نشد می توانم برخورد جدی کنم یا نه؟**

**پرسش**

همسر من با ترانه و موسیقی میانه خوبی دارد اگر بعد از امر به معروف و نهی از منکر همسرم اصلاح نشد می توانم برخورد جدی کنم یا نه؟

**پاسخ**

امر به معروف و نهی از منکر در صورت احتمال تأثیر واجب است ولی در مورد شما آنچه ضرورت دارد روشنگری و روشن ساختن فلسفه احکام برای آنهاست. باید سعی کنید با کار زیربنایی و فردی بر روی افراد خانواده و توضیح اینکه ترانه های مبتذل آدمی را به خیر دعوت نمی کند و نیز سایر تأثیراتی که در روان و اخلاق و بینش آدمی می گذارد آنان را برای پذیرش احکام الهی آماده نمایید. خداوند در این راه یار و مددکار شما باشد. }]

**آیا این شیوه امر به معروف است که سرجوانی را بتراشند و او را جریمه کنند؟ آیا بدین وسیله به طرف اسلام برمی گردد یا از آن روی گردان می شود؟**

**پرسش**

آیا این شیوه امر به معروف است که سرجوانی را بتراشند و او را جریمه کنند؟ آیا بدین وسیله به طرف اسلام برمی گردد یا از آن روی گردان می شود؟

**پاسخ**

شیوه ای که ذکر فرموده اید باترسیمی که در مکتوب جناب عالی است مسلماً مورد تأیید نیست و تا آن جا که ما اطلاع داریم چنان شیوه ای در دستور کار نظام جمهوری اسلامی قرار ندارد. }]

**اگر بخواهیم فردی را که در آمدش از راه حرام است امر به معروف نماییم شیوه صحیح این کار چیست؟**

اگر بخواهیم فردی را که در آمدش از راه حرام است امر به معروف نماییم شیوه صحیح این کار چیست؟

پاسخ

الف) با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما، به آگاهی می رساند که مسأله امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت:

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط و وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقاً فراگیرند.

۲- امر به معروف و نهی از منکر، خود را به زیور اخلاق و التزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتر است امر به معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد.

ب) حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله:

(۱) امر به معروف و نهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد.

(۲) شناخت ویژگی های روحی و روانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن.

(۳) به دست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن.

(۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده

می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست.

(۵) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه.

ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت.

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنید یا شنید کس

**در مورد افرادی که به مسائل دینی معتقد هستند ولی در مساله موسیقی محدودیتی برای خود قائل نمی شوند چه باید کرد؟**

**پرسش**

در مورد افرادی که به مسائل دینی معتقد هستند ولی در مساله موسیقی محدودیتی برای خود قائل نمی شوند چه باید کرد؟

**پاسخ**

باید به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل نمود، و با رعایت شرایط و مراحل تدریجی آن، یعنی تذکر دادن و رابطه را سرد و سست کردن و در مرحله بعد قهر کردن به منظور متوجه کردن آن ها، این وظیفه را ادا نمود و البته این در صورتی است که احتمال تأثیر در فرد مورد نظر را بدهیم ولی اگر بدانیم هیچ گونه اثری ندارد، امر به معروف و نهی از منکر واجب نمی باشد.

ذکر این نکته ضروری است که امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر باید با شرایط و احکام این دو واجب آشنا باشد و با حوصله و شکیبایی از مراحل پایین که همان تذکر صمیمانه و همراه با لطف و مهربانی است، شروع کند و اگر فرد نکته سنج و تیزبینی باشد معمولاً می تواند در همان مراحل پایین، در آن فرد اثر بگذارد ولی اگر از همان ابتدا خشونت، سختگیری بی مورد به خرج دهد و مراتب را رعایت نکند، معمولاً به لجاجت بازی آن فرد و پافشاری او بر اعمال خلافش منجر می گردد و نیز باید مطمئن باشد که این موسیقی، موسیقی حرام است و اگر صرفاً احتمال می دهد، وظیفه ای ندارد باید با مطالعه ی کتاب هایی که درباره موسیقی نوشته شده و تشخیص حرام از جایز آن و نیز بیان آثار زیانبار موسیقی حرام در روح و جان انسان با بیانی شیوا و مستدل آن فرد را قانع نماید و این اولین گام است که اگر به خوبی

و پخته برداشته شود شاید نیازی به گام های دیگر نباشد.

**امر به معروف ونهی از منکر در خصوص کسانی که به احتمال زیاد در آنها تاثیر ندارد چگونه است یعنی اگر انسان احتمال قوی بدهد که اگر کسی را نهی از منکر کند در وی تاثیر نخواهد داشت و نیز انسان این احتمال را بدهد که حتی با نهی از منکر کردن آن شخص، آن شخص صورت بدی**

**پرسش**

امر به معروف ونهی از منکر در خصوص کسانی که به احتمال زیاد در آنها تاثیر ندارد چگونه است یعنی اگر انسان احتمال قوی بدهد که اگر کسی را نهی از منکر کند در وی تاثیر نخواهد داشت و نیز انسان این احتمال را بدهد که حتی با نهی از منکر کردن آن شخص، آن شخص صورت بدی از دین اسلام را تجسم کند و از دین اسلام بدش بیاید آیا باز هم واجب است که انسان آنگونه اشخاص را امر به معروف کند .

**پاسخ**

بر فرض این که احتمال تأثیر نمی دهید امر و نهی واجب نیست اما باید توجه داشته باشید که اگر کسی اسلام را آن طور که هست بفهمد و با زبان لین و اخلاق اسلامی آن را به دیگران بفهماند نه تنها از اسلام تنفر پیدا نمی کنند بلکه علاقمند هم می شوند چه این که در خیلی موارد تجربه نشان داده است.

**مهمان به خانه ما می آید، ولی غیبت می کند. از این کار متنفرم، از این رو آن جا را ترک می کنم. آیا این کار من گناه است؟**

**پرسش**

مهمان به خانه ما می آید، ولی غیبت می کند. از این کار متنفرم، از این رو آن جا را ترک می کنم. آیا این کار من گناه است؟

**پاسخ**

غیبت از گناهان بزرگ است. اگر در مجلسی حضور دارید که در آن گناه صورت می گیرد خصوصاً غیبت، لازم است جهت حفظ آبروی مسلمان جلو این کار را بگیرید. اگر بتوانید با تذکر امر به معروف و نهی از منکر پیامبر گرامی (ص) فرمود: "کسی که در مجلسی، غیبت برادر خود را بشنود و در مقام رد آن برآید و از او دفاع کند، خداوند هزار نوع از شر در دنیا و آخرت را از او دور خواهد کرد اما کسی که رد نکند، مانند کسی است که غیبت کرده است". (۱)

اگر نهی از منکر فایده ای نبخشید، برای آن که شریک گناه نشوید، آن جا را ترک کنید! این کار گناه نیست مگر این که ترک جلسه بی احترامی حساب شود. می توانید سخنان را به موضوعات دیگر بکشانید.

در عین حال اگر نمی توانید از مجلس خارج شوید، سعی کنید به غیبت گوش ندهید. تنفر قلبی کفایت می کند.

پی نوشت:

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۲ ص ۲۹۲.

**امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟**

**پرسش**

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

**پاسخ**

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقه‌اند. بعضی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیه دل متأثر میشوند، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحله عمل میشوند، با هر نوع عملی که شده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسیله بینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زنده به تمام زنده است. بعضی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، استغاثه میکنند، نصیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

**اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟**

**پرسش**

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

**پاسخ**

امر به معروف یا لفظی است یا عملی. امر به معروف لفظی این است که انسان با بیان حقایق را برای مردم بگوید، خوبیها را

برای مردم تشریح کند، مردم را تشویق کند و به آنها بفهماند که امروز کار خیر چیست.

امر به معروف عملی این است که انسان نباید به گفتن قناعت کند، گفتن کافی نیست. میتوانیم بگوییم یکی از بیماریهای اجتماع امروز ما این است که برای گفتن بیش از اندازه ارزش قائل هستیم. البته گفتن خیلی ارزش دارد تا گفتن نباشد، روشن کردن نباشد، نوشتن و تشریح حقایق نباشد، کاری نمیشود کرد.

ما میخواهیم فقط با قدرت لفظ و بیان وارد شویم و حال اینکه مطلب این جور نیست. گفتن، شرط لازم هست ولی کافی نیست، باید عمل کرد.

### **امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟**

#### **پرسش**

امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟

#### **پاسخ**

هر یک از امر به معروف لفظی و امر به معروف عملی به دو طریق است: مستقیم و غیر مستقیم. گاهی که می خواهید امر به معروف و نهی از منکر کنید، مستقیم وارد می شوید، حرف را مستقیم می زنید؛ یعنی اگر می خواهید کسی را وادار به کاری کنید می گوئید: من از جنابعالی خواهش می کنم فلان کار را انجام دهید. ولی یک وقت هم به طور غیر مستقیم به او تفهیم می کنید، که البته مؤثرتر و مفیدتر است؛ یعنی بدون آنکه او بفهمد که شما دارید با او حرف می زنید، از کسی که فلان کار را کرده است تعریف می کنید، کار او را توجیه و تشریح می کنید، می گوئید: فلان کس در فلان مورد چنین عمل کرده، این طور رفتار کرده، و... تا او بداند و بفهمد. این، بهتر در او اثر می گذارد کما اینکه عمل هم به طور غیرمستقیم مؤثرتر است.

### **امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟**

#### **پرسش**

امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟

#### **پاسخ**

هر یک از امر به معروف لفظی و امر به معروف عملی به دو طریق است: مستقیم و غیر مستقیم. گاهی که می خواهید امر به



معروف و نهی از منکر کنید، مستقیم وارد می شوید، حرف را مستقیم می زنید؛ یعنی اگر می خواهید کسی را وادار به کاری کنید می گویند: من از جنابعالی خواهش می کنم فلان کار را انجام دهید. ولی یک وقت هم به طور غیر مستقیم به او تفهیم می کنید، که البته مؤثرتر و مفیدتر است؛ یعنی بدون آنکه او بفهمد که شما دارید با او حرف می زنید، از کسی که فلان کار را کرده است تعریف می کنید، کار او را توجیه و تشریح می کنید، می گویند: فلان کس در فلان مورد چنین عمل کرده، این طور رفتار کرده، و... تا او بداند و بفهمد. این، بهتر در او اثر می گذارد کما اینکه عمل هم به طور غیرمستقیم مؤثرتر است.

### پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

#### پرسش

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

#### پاسخ

درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده اند مرحله زبان است، مرحله پند و نصیحت و ارشاد است. یعنی بسا هست آن بیماری که دچار منکری هست و عمل زشتی را مرتکب می شود، به خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد، احتیاج به روشن کننده دارد، احتیاج به فردی دارد که با او تماس بگیرد، با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معایب و مفاسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد. این مرحله نیز یک درجه از «نهی از منکر» است، به این معنی که در مواردی که کسی با ما تماس دارد و به یک عمل منکر و زشتی مبتلا دارد و ما می توانیم با منطقی روشنگر او را به ترک آن عمل قانع کنیم، بر ما واجب است که با چنین منطقی با آن شخص تماس بگیریم.

### پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

#### پرسش

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

#### پاسخ

درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده اند مرحله زبان است، مرحله پند و نصیحت و ارشاد است. یعنی بسا هست آن بیماری که دچار منکری هست و عمل زشتی را مرتکب می شود، به خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد، احتیاج به روشن کننده دارد،

احتیاج به فردی دارد که با او تماس بگیرد، با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معایب و مفاسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد. این مرحله نیز یک درجه از «نهی از منکر» است، به این معنی که در مواردی که کسی با ما تماس دارد و به یک عمل منکر و زشتی مبتلا دارد و ما می‌توانیم با منطقی روشن‌نگر او را به ترک آن عمل قانع کنیم، بر ما واجب است که با چنین منطقی با آن شخص تماس بگیریم.

### پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

#### پرسش

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

#### پاسخ

درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده‌اند مرحله زبان است، مرحله پند و نصیحت و ارشاد است. یعنی بسا هست آن بیماری که دچار منکری هست و عمل زشتی را مرتکب می‌شود، به خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد، احتیاج به روشن‌کننده دارد، احتیاج به فردی دارد که با او تماس بگیرد، با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معایب و مفاسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد. این مرحله نیز یک درجه از «نهی از منکر» است، به این معنی که در مواردی که کسی با ما تماس دارد و به یک عمل منکر و زشتی مبتلا دارد و ما می‌توانیم با منطقی روشن‌نگر او را به ترک آن عمل قانع کنیم، بر ما واجب است که با چنین منطقی با آن شخص تماس بگیریم.

### آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

#### پرسش

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

#### پاسخ

آخرین مرحله مرحله عمل است. گاهی طرف در درجه ای و در حالی است که نه اعراض و هجران ما تأثیری بر او می‌گذارد و نه می‌توانیم با منطقی و بیان و تشریح مطلب، او را از منکر بازداریم، بلکه باید وارد عمل شویم؛ اگر وارد عمل شویم، می‌توانیم. چطور وارد عمل شویم؟ وارد عمل شدن، مختلف است. معنای وارد عمل شدن تنها زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست. البته نمی‌گوییم در هیچ جا نباید تنبیه عملی شود. بله، مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است. اسلام دینی

است که طرفدار حد است، طرفدار تعزیر است؛ یعنی دینی است که معتقد است مراحل و مراتبی می رسد که مجرم را جز تنبیه عملی چیز دیگری تنبیه نمی کند و از کار زشت باز نمی دارد. اما انسان نباید اشتباه کند و خیال کند که همه موارد، موارد سختگیری و خشونت است. علی(ع) درباره پیغمبر اکرم اینطور تعبیر می کند: «طیب دوار بطبه، قد احکم مراهمه و احمی مواسمه» (نهجالبلاغه، خطبه ۱۰۷) میفرماید: او طیب بود؛ پزشکی بود که بیمارها و بیماریها را معالجه میکرد. بعد به اعمال اطباء تشبیه میکند که اطباء، هم مرهم می نهند و هم جراحی می کنند و احیاناً داغ می کنند. میگوید پیغمبر دوکاره بود: پزشکی بود مرهم نه و هم جراح و داغ کن. مقصود این است که پیغمبر دو گونه عمل می کرد. یک نوع عمل پیغمبر، مهربانی و لطف بود. اول هم «احکم مراهمه» را ذکر می کند، یعنی عمل اول پیغمبر همیشه لطف و

مهربانی بود. ابتدا از راه لطف و مهربانی معالجه می کرد، با منکرات و مفاسد مبارزه می کرد، اما اگر به مرحله ای می رسید که دیگر لطف و مهربانی و احسان و نیکی سود نمی بخشید، آنها را به حال خود نمی گذاشت. اینجا بود که وارد عمل جراحی و داغ کردن می شد. هم مرهمهای خود را بسیار محکم و مؤثر انتخاب می کرد و هم آنجا که پای داغ کردن و جراحی در میان بود، عمیق داغ می کرد و قاطع جراحی می نمود. سعدی ما هم این مطلب را می گوید ولی بدون آنکه حق تقدیمی برای مهربانی قائل شده باشد. میگوید:

درشتی و نرمی بهم در به استچو رگزن که جراح و مرهم نه است

میگوید: هم درشتی باید باشد و هم مهربانی، مثل رگزن که هم جراحی می کند و هم مرهم می نهد.

### آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

#### پرسش

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

#### پاسخ

آخرین مرحله مرحله عمل است. گاهی طرف در درجه ای و در حالی است که نه اعراض و هجران ما تأثیری بر او می گذارد و نه میتوانیم با منطقی و بیان و تشریح مطلب، او را از منکر بازداریم، بلکه باید وارد عمل شویم؛ اگر وارد عمل شویم، میتوانیم. چطور وارد عمل شویم؟ وارد عمل شدن، مختلف است. معنای وارد عمل شدن تنها زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست. البته نمی گویم در هیچ جا نباید تنبیه عملی شود. بله، مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است. اسلام دینی است که طرفدار حد است، طرفدار تعزیر است؛ یعنی دینی است که معتقد است مراحل و مراتبی می رسد که مجرم را جز تنبیه عملی چیز دیگری تنبیه نمی کند و از کار زشت باز نمی دارد. اما انسان نباید اشتباه کند و خیال کند که همه موارد، موارد سختگیری و خشونت است. علی(ع) درباره پیغمبر اکرم اینطور تعبیر می کند: «طیب دوار بطبه، قد احکم مراهمه و احمی مواسمه» (نهجالبلاغه، خطبه ۱۰۷) میفرماید: او طیب بود؛ پزشکی بود که بیمارها و بیماریها را معالجه میکرد. بعد به اعمال اطباء تشبیه میکنند که اطباء، هم مرهم می نهند و هم جراحی می کنند و احیاناً داغ می کنند. میگوید پیغمبر دو کاره بود: پزشکی بود مرهم نه و هم جراح و داغ کن. مقصود این است که پیغمبر دو گونه عمل می کرد. یک نوع عمل پیغمبر، مهربانی و لطف بود. اول هم «احکم مراهمه» را ذکر می کند، یعنی عمل اول پیغمبر همیشه لطف و

مهربانی بود. ابتدا از راه لطف و مهربانی معالجه می کرد، با منکرات و مفاسد مبارزه می کرد، اما اگر به مرحله ای می رسید که دیگر لطف و مهربانی و احسان و نیکی سود نمی بخشید، آنها را به حال خود نمی گذاشت. اینجا بود که وارد عمل جراحی و داغ کردن می شد. هم مرهمهای خود را بسیار محکم و مؤثر انتخاب می کرد و هم آنجا که پای داغ کردن و جراحی در میان بود، عمیق داغ می کرد و قاطع جراحی می نمود. سعدی ما هم این مطلب را می گوید ولی بدون آنکه حق تقدیمی برای مهربانی قائل شده باشد. میگوید:

درشتی و نرمی بهم در به استچو رگزن که جراح و مرهم نه است

میگوید: هم درشتی باید باشد و هم مهربانی، مثل رگزن که هم جراحی می کند و هم مرهم می نهد.

### آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

#### پرسش

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

#### پاسخ

آخرین مرحله مرحله عمل است. گاهی طرف در درجه ای و در حالی است که نه اعراض و هجران ما تأثیری بر او می گذارد و نه میتوانیم با منطقی و بیان و تشریح مطلب، او را از منکر بازداریم، بلکه باید وارد عمل شویم؛ اگر وارد عمل شویم، میتوانیم. چطور وارد عمل شویم؟ وارد عمل شدن، مختلف است. معنای وارد عمل شدن تنها زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست. البته نمی گویم در هیچ جا نباید تنبیه عملی شود. بله، مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است. اسلام دینی است که طرفدار حد است، طرفدار تعزیر است؛ یعنی دینی است که معتقد است مراحل و مراتبی می رسد که مجرم را جز تنبیه عملی چیز دیگری تنبیه نمی کند و از کار زشت باز نمی دارد. اما انسان نباید اشتباه کند و خیال کند که همه موارد، موارد سختگیری و خشونت است. علی(ع) درباره پیغمبر اکرم اینطور تعبیر می کند: «طیب دوار بطبه، قد احکم مراهمه و احمی مواسمه» (نهجالبلاغه، خطبه ۱۰۷) میفرماید: او طیب بود؛ پزشکی بود که بیمارها و بیماریها را معالجه میکرد. بعد به اعمال اطباء تشبیه میکنند که اطباء، هم مرهم می نهند و هم جراحی می کنند و احیاناً داغ می کنند. میگوید پیغمبر دو کاره بود: پزشکی بود مرهم نه و هم جراح و داغ کن. مقصود این است که پیغمبر دو گونه عمل می کرد. یک نوع عمل پیغمبر، مهربانی و لطف بود. اول هم «احکم مراهمه» را ذکر می کند، یعنی عمل اول پیغمبر همیشه لطف و

مهربانی بود. ابتدا از راه لطف و مهربانی معالجه می کرد، با منکرات و مفاسد مبارزه می کرد، اما اگر به مرحله ای می رسید که دیگر لطف و مهربانی و احسان و نیکی سود نمی بخشید، آنها را به حال خود نمی گذاشت. اینجا بود که وارد عمل جراحی و داغ کردن می شد. هم مرهمهای خود را بسیار محکم و مؤثر انتخاب می کرد و هم آنجا که پای داغ کردن و جراحی در میان بود، عمیق داغ می کرد و قاطع جراحی می نمود. سعدی ما هم این مطلب را می گوید ولی بدون آنکه حق تقدیمی برای مهربانی قائل شده باشد. میگوید:

درشتی و نرمی بهم در به استچو رگزن که جراح و مرهم نه است

میگوید: هم درشتی باید باشد و هم مهربانی، مثل رگزن که هم جراحی می کند و هم مرهم می نهد.

**امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟**

**پرسش**

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

**پاسخ**

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقهاند. بعضی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیه دل متأثر میشوند، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحله عمل میشوند، با هر نوع عملی که شده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسیله ببینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زنده به تمام زنده است. بعضی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، استغاثه میکنند، نصیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

**امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟**

**پرسش**

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

**پاسخ**

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقه‌اند. بعضی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیه دل متأثر میشوند، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحله عمل میشوند، با هر نوع عملی که شده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسیله بینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زنده به تمام زنده است. بعضی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، استغاثه میکنند، نصیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

**امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟**

**پرسش**

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

**پاسخ**

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقه‌اند. بعضی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیه دل متأثر میشوند، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحله عمل میشوند، با هر نوع عملی که شده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسیله بینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زنده به تمام زنده است. بعضی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، استغاثه میکنند، نصیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

**امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟**

**پرسش**

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

**پاسخ**

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقه‌اند. بعضی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیه دل متأثر میشوند، تا مغز

استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحله عمل میشوند، با هر نوع عملی که شده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسیله بینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زنده به تمام زنده است. بعضی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، استغاثه میکنند، نصیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

### اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

#### پرسش

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

#### پاسخ

امر به معروف یا لفظی است یا عملی. امر به معروف لفظی این است که انسان با بیان حقایق را برای مردم بگوید، خوبیها را برای مردم تشریح کند، مردم را تشویق کند و به آنها بفهماند که امروز کار خیر چیست.

امر به معروف عملی این است که انسان نباید به گفتن قناعت کند، گفتن کافی نیست. میتوانیم بگوییم یکی از بیماریهای اجتماع امروز ما این است که برای گفتن بیش از اندازه ارزش قائل هستیم. البته گفتن خیلی ارزش دارد تا گفتن نباشد، روشن کردن نباشد، نوشتن و تشریح حقایق نباشد، کاری نمیشود کرد.

ما میخواهیم فقط با قدرت لفظ و بیان وارد شویم و حال اینکه مطلب این جور نیست. گفتن، شرط لازم هست ولی کافی نیست، باید عمل کرد.

### اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

#### پرسش

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

#### پاسخ



امر به معروف یا لفظی است یا عملی. امر به معروف لفظی این است که انسان با بیان حقایق را برای مردم بگوید، خوبیها را برای مردم تشریح کند، مردم را تشویق کند و به آنها بفهماند که امروز کار خیر چیست.

امر به معروف عملی این است که انسان نباید به گفتن قناعت کند، گفتن کافی نیست. میتوانیم بگوییم یکی از بیماریهای اجتماع امروز ما این است که برای گفتن بیش از اندازه ارزش قائل هستیم. البته گفتن خیلی ارزش دارد تا گفتن نباشد، روشن کردن نباشد، نوشتن و تشریح حقایق نباشد، کاری نمیشود کرد.

ما میخواهیم فقط با قدرت لفظ و بیان وارد شویم و حال اینکه مطلب این جور نیست. گفتن، شرط لازم هست ولی کافی نیست، باید عمل کرد.

### از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟

#### پرسش

از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟

#### پاسخ

در اخبار وارد شده که امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله و سه مقام دارد: مرحله قلب، مرحله زبان، مرحله ید و عمل. ما معمولاً از مرحله قلب به جای آنکه اخلاص و حسن نیت و علاقه به سرنوشت مسلمانان را درک کنیم، جوش و خروش و عصبانیت‌های بیجا می‌فهمیم؛ و از مرحله زبان به جای آنکه بیانه‌های روشن‌کننده و منطقی بفهمیم که قرآن می‌فرماید: «أذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» نحل/۱۲۵ [بخوان به سوی راه پروردگارت با حکمت (دلایل عقلی و قابل پذیرش) و پسند نیکو]. موعظه‌ها و پندهای تحکم‌آمیز می‌فهمیم؛ و از مرحله ید و عمل هم به جای اینکه تبلیغ عملی و حسن عمل و همچنین تدابیر عملی بفهمیم، تنها این مطلب رافهمیده ایم که باید اعمال زور کرد. روی هم رفته ما برای گفتن و نوشتن و خطا و مقاله زیاده از حد، اعجاز قائل هستیم؛ خیال می‌کنیم با گفتن و زبان کار درست می‌شود، در صورتی که:

سعدیا گرچه سخندان و مصالح گوییه عمل کار برآید به سخندانی نیست

در حدیث است: «کونوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» (اصول کافی، ۷۸/۲، باب ورع) مردم را به دین حق و صلاح دعوت کنید اما با ابزاری غیر از زبان، یعنی با ابزار عمل. در حدیث دیگری است - که معمولاً مورد استناد فقها در باب امر به معروف و نهی از منکر است که: «مَا جَعَلَ اللهُ بَسَطَ اللِّسَانِ وَكَفَّ اَلْيَدِ وَانَّمَا جَعَلَهُمَا يَبْسُطَانَ مَعَآ

وَيَكْفَانِ مَعًا» (فروع کافی، ۳/۵۵) یعنی چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها زبان باز باشد ولی دست بسته باشد، بلکه اگر باز است هر دو باید باز باشد و اگر می خواهد بسته باشد هر دو بسته باشد، یعنی اگر عمل در کار نباشد خوب است زبان هم بسته باشد.

### از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟

#### پرسش

از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟

#### پاسخ

در اخبار وارد شده که امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله و سه مقام دارد: مرحله قلب، مرحله زبان، مرحله ید و عمل. ما معمولاً از مرحله قلب به جای آنکه اخلاص و حسن نیت و علاقه به سرنوشت مسلمانان را درک کنیم، جوش و خروش و عصبانیت‌های بیجا می فهمیم؛ و از مرحله زبان به جای آنکه بیانهای روشن کننده و منطقی بفهمیم که قرآن می فرماید: «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» [نحل/۱۲۵] [بخوان به سوی راه پروردگارت با حکمت (دلایل عقلی و قابل پذیرش) و پند نیکو]. موعظه ها و پندهای تحکم آمیز می فهمیم؛ و از مرحله ید و عمل هم به جای اینکه تبلیغ عملی و حسن عمل و همچنین تدابیر عملی بفهمیم، تنها این مطلب رافهمیده ایم که باید اعمال زور کرد. روی هم رفته ما برای گفتن و نوشتن و خطا و مقاله زیاده از حد، اعجاز قائل هستیم؛ خیال می کنیم با گفتن و زبان کار درست می شود، در صورتی که:

سعدیا گرچه سخندان و مصالح گویبیه عمل کار برآید به سخندانی نیست

در حدیث است: «كونوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السَّبْتِ» (اصول کافی، ۲/۷۸، باب ورع) مردم را به دین حق و صلاح دعوت کنید اما با ابزاری غیر از زبان، یعنی با ابزار عمل. در حدیث دیگری است - که معمولاً مورد استناد فقها در باب امر به معروف و نهی از منکر است که: «ما جعلَ اللهُ بَشَطَ اللِّسَانِ وَكَفَّ الأَيْدِ وَأَمَّا جَعَلَهُمَا يَبْسُطَانِ مَعًا

وَيَكْفَانِ مَعًا» (فروع کافی، ۳/۵۵) یعنی چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها زبان باز باشد ولی دست بسته باشد، بلکه اگر باز است هر دو باید باز باشد و اگر می خواهد بسته باشد هر دو بسته باشد، یعنی اگر عمل در کار نباشد خوب است زبان هم بسته باشد.

### کدام قسم از اقسام امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه عموم مردم است؟ پرسش

#### اشاره

کدام قسم از اقسام امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه عموم مردم است؟

#### پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر با قلب، یعنی دردل، از بدیها بیزار و نسبت به خوبیها علاقمند باشد (بعضی گفته اند منظور از این مرحله آن است که آثار انزجار یا علاقه قلبی خود را در چهره یا در عمل به صورت قهر و آشتی ظاهر کند) این وظیفه همه مردم در مقابل ترک واجبات و انجام محرمات است.

امر به معروف و نهی از منکر با زبان که ابتدا با کلمات نرم و ملایم و محبت آمیز و پند و اندرز شروع می شود و سپس با کلمات تندتر و خشن تر ادامه می یابد (این نیز وظیفه عامه مردم است)

### دلیل وجوب امر به معروف عقلی است یا شرعی؟

#### پرسش

دلیل وجوب امر به معروف عقلی است یا شرعی؟

#### پاسخ

تردید در وجوب عقلی این دو عامل سعادت بخش، نوعی شک در امور بدیهی است. آنان که در وجوب عقلی آن تردید می کنند، به زندگی افراد از دیدگاه فردی می نگرند که هر فردی برای خود زندگی مستقلی دارد، ولی اگر به زندگی انسانها از دیدگاه اجتماعی بنگرند و اینکه سعادت انسانها کاملاً به یکدیگر بستگی دارد و اگر در جامعه کار خوبی صورت گیرد، همگان از آن بهره مند می شوند و اگر کار بدی تحقق پذیرد، دامن همه را می گیرد، قطعاً در گفتار خود تجدید نظر می کنند.

به خاطر چنین بستگی است که آزادیهای فردی تا آنجا محترم است که به صلاح و سعادت جامعه لطمه وارد نسازد، در غیر این صورت کاملاً محدود شده و ممنوع اعلام می گردد، بنابراین این جهل و نادانی انسان نسبت به احکام و یا آلودگی او در گناه، اثر مستقیمی در سرنوشت دیگران دارد، از این جهت ولو به خاطر سعادت خویش باشد، باید به وظیفه امر به معروف قیام کنیم و او را از چنگال جهل و آلودگی برهانیم.

پیامبر گرامی در تبیین کیفیت وحدت سرنوشت یک جامعه، مثل بسیار ارزنده ای دارد که ترجمه آزاد آن چنین است: «مثل یک جامعه بسان سرنشینان کشتی واحدی است که دارای طبقاتی باشد، برخی در قسمت بالا و برخی دیگر در طبقه پایین جای گرفته باشند، هر گاه سرنشینان طبقه پایین، به هر علتی در صدد سوراخ کردن کشتی باشند و عمل خود را چنین مدلل سازند که جایگاه خود را سوراخ می کنیم و با جایگاه شما کاری نداریم، باید آنان را از این کار باز داشت و

گر نه همگی نابود می شوند، زیرا سرنوشت همگان به هم بسته است و نفوذ آب در طبقه پایین، مستلزم غرق شدن تمام کشتی است». (بخاری، صحیح ۳/ باب «هل یقرع فی القسمه»/۱۳۹)

امام صادق(ع) از پیامبر گرامی ص) حدیثی را نقل می کند که بیانگر همین حقیقت است.

رسول گرامی ص) فرمود: «هرگاه انسان در خفا مرتکب گناهی گردد، فقط به خود ضرر می رساند و اگر آشکارا انجام دهد و کسی از او انتقاد نکند، سعادت عموم را در خطر می افکند».

امام پس از نقل حدیث پیامبر می فرماید: «او با عمل ناهنجار خود، دین خدا را موهون ساخته و دشمنان خدا را به پیروی از خود دعوت می نماید». (حر عاملی، وسائل الشیعه ۱۱/ب ۴/ح ۱)

از این بیان روشن می گردد که عقل و خرد برای حفظ سعادت اجتماع که ضامن سعادت فرد نیز هست، بر لزوم امر به معروف و باز داری از منکر به طور اجمال حکم می کند؛ یعنی آنجا که اگر سهل انگاری شود، سعادت جامعه و خود انسان دستخوش اختلال می گردد و چون تشخیص موارد آن به صورت دقیق روشن نیست، از باب مقدمه در همه جا باید در اجرای این دو اصل کوشش کرد، تا غرض اصلی تحقق پذیرد.

لطف محصل مطلقاً واجب و لطف مقرب نیز در شرایطی واجب می باشد. مسأله امر به معروف و نهی از منکر، به طور کلی از اقسام لطف مقرب است که اگر در آن مسامحه شود، نوع مردم نسبت به واجبات بی تفاوت بوده و یا در آلودگی فرو می روند.

با وجود این دو دلیل روشن، ابو هاشم از معتزله و خواجه از امامیه، وجوب آن را فقط سمعی دانسته اند

و انتظار ما از خواجه غیر این بوده و او در تجرید الاعتقاد، بر عدم وجوب امر به معروف از نظر عقل استدلال نموده که کاملاً ناتوان است.

### مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

#### پرسش

مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

#### پاسخ

در بعضی از روایات آمده است که امر به معروف و نهی از منکر درجات و مراتب مختلفی دارد:

مرتب اول آن، از دل آغاز می شود و هر کس ارتکاب منکری، یا ترک معروفی را دید، به مقتضای ایمانش باید در دل خود، از آن کار منکر و این ترک معروف منزجر باشد. نخستین آثار انزجار و ناراحتی قلبی در چهره انسان آشکار می شود؛ یعنی مؤمن با دیدن عمل منکر و ترک معروف، در دل ناراحت می شود و قیافه اش را در هم می کشد و رویش را ترش می کند. در روایات، از این کار به (اکفهار وجه) تعبیر شده است و نیز در روایات آمده است: کسی که برای خدا با دیدن عمل منکر و ترک معروف چهره اش را در هم نکشد، جهنم چهره او را در هم خواهد کشید.

مرتب دوم به زبان مربوط می شود، یعنی در مرحله دوم، شخص مؤمن باید با زبان، ناراحتی خود را از عامل به منکر و تارک معروف، آشکار کند و او را امر به معروف و نهی از منکر نماید و یا نصیحت و موعظه کند و یا ارشاد و هدایت نماید و به هر حال، وی را به راه راست بکشانند.

مرتب سوم به عمل مربوط می شود. در مرحله سوم، شخص مؤمن، عملاً با قدرت و به طور فیزیکی، جلو منکرات را می گیرد. این مضمون، در روایات بسیاری آمده است و در باره اش بحث هایی و پرسش هایی مطرح می شود مانند این که آیا هر سه

مرتبۀ قلبی، زبانی و عملی، بر همه مکلفان واجب است و یا بعضی مراتب آن، مانند مرتبۀ عملی و پیشگیری از منکرات، با قدرت، و حکومت مربوط می شود و اختصاص به قوه قهریه دولت دارد و دیگر مردم معمولی، نباید برای جلوگیری از منکرات، به قهر و خشونت متوسل شوند؟

شاید بتوان گفت که در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر، به صورت عملی، موجب اختلال در نظم اجتماعی شود، باید با اجازه حاکمان دولت اسلامی، انجام گیرد و در صورت مبسوط الید نبودن حاکم عدل، با اجازه فقیه جامع و شرایط و آگاه به مصالح جامعه، اجرا شود.

### مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

#### پرسش

مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

#### پاسخ

در بعضی از روایات آمده است که امر به معروف و نهی از منکر درجات و مراتب مختلفی دارد:

مرتبۀ اول آن، از دل آغاز می شود و هر کس ارتکاب منکری، یا ترک معروفی را دید، به مقتضای ایمانش باید در دل خود، از آن کار منکر و این ترک معروف منزجر باشد. نخستین آثار انزجار و ناراحتی قلبی در چهره انسان آشکار می شود؛ یعنی مؤمن با دیدن عمل منکر و ترک معروف، در دل ناراحت می شود و قیافه اش را در هم می کشد و رویش را ترش می کند. در روایات، از این کار به (اکفهرار وجه) تعبیر شده است و نیز در روایات آمده است: کسی که برای خدا با دیدن عمل منکر و ترک معروف چهره اش را در هم نکشد، جهنم چهره او را در هم خواهد کشید.

مرتبۀ دوم به زبان مربوط می شود، یعنی در مرحله دوم، شخص مؤمن باید با زبان، ناراحتی خود را از عامل به منکر و تارک معروف، آشکار کند و او را امر به معروف و نهی از منکر نماید و یا نصیحت و موعظه کند و یا ارشاد و هدایت نماید و به هر حال، وی را به راه راست بکشاند.

مرتبۀ سوم به عمل مربوط می شود. در مرحله سوم، شخص مؤمن، عملاً با قدرت و به طور فیزیکی، جلو منکرات را می گیرد. این مضمون، در روایات بسیاری آمده است و در باره اش بحث هایی و پرسش هایی مطرح می شود مانند این که آیا هر سه

مرتبه قلبی، زیبایی و عملی، بر همه مکلفان واجب است و یا بعضی مراتب آن، مانند مرتبه عملی و پیشگیری از منکرات، با قدرت، و حکومت مربوط می شود و اختصاص به قوه قهریه دولت دارد و دیگر مردم معمولی، نباید برای جلوگیری از منکرات، به قهر و خشونت متوسل شوند؟

شاید بتوان گفت که در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر، به صورت عملی، موجب اخلاص در نظم اجتماعی شود، باید با اجازه حاکمان دولت اسلامی، انجام گیرد و در صورت مبسوط الید نبودن حاکم عدل، با اجازه فقیه جامع و شرایط و آگاه به مصالح جامعه، اجرا شود.

### **برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟**

#### **پرسش**

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

#### **پاسخ**

کسانی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند، ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود، نداشته باشند.

اما تحریک جامعه به سوی اصلاح عنصر گنجانده شده است: ۱. تبیین اهداف بلند و خوبیها. ۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در راه این اهداف.

کسانی که تحریک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند را از آنچه می توانند باشند نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده، انتظار چای نمی تواند داشته باشد در قرآن کریم اهتمام بسیاری به سازندگی وجود دارد. با این وجود یونس ((علیه السلام)) را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ امامان ((علیهم السلام)) و احادیث آنان نیز چگونگی دعوت و پایداری در راه آن و طبقه بندی افراد، فرهنگ تحریک و اصلاح بیان شده است.

(بخش پاسخ به سؤالات)



## آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرای دیگر؛ خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می کند؟

### پرسش

آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرای دیگر؛ خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می کند؟

### پاسخ

مسلمان حقیقی کسی است که به وظائف دینی خود کاملاً عمل نماید و یکی از وظایف او امر به معروف و نهی از منکر است. یعنی مثلاً یک خانم مسلمان، خودش باید با حجاب باشد و بانوان دیگر را هم به حجاب و عفت، دعوت نماید؛ دروغ نگوید و دیگران را نیز از دروغگویی باز دارد؛ خودش نماز بخواند و دیگران را هم به خواندن نماز ترغیب کند. ولی اگر کسی خودش مثلاً بی حجاب بود و دیگران را به حجاب و عفت دعوت کرد، حرف او اثر نخواهد داشت و خود را هم مسلمان کاملی نیست.

البته امر به معروف و نهی از منکر، شرایطی دارد که یکی از آنها این است که در مرحله اول با زبان خوش و دلسوزی و مهربانی و نصیحت، افراد را به کار خوب دعوت کند و از کار زشت باز دارد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

## دست دادن افراد نامحرم که با هم فامیل می باشند ، چه حکمی دارد؟

### اشاره

شرایط امر به معروف چیست؟

### پرسش

دست دادن افراد نامحرم که با هم فامیل می باشند ، چه حکمی دارد؟

شرایط امر به معروف چیست؟

### پاسخ

از مرجع بزرگواری پرسیدند: در برخی از شهرها به خصوص روستاییان مسئله محرم و نامحرم چندان مورد اهمیت نیست، مثلاً زن، خود را از برادر شوهر حفظ نمی کند و او را به منزله برادر واقعی می داند. برادر شوهر هم زن داداش خود را خواهر به حساب می آورد. ای بسا با هم دست می دهند، یا دختر دایی، دختر عمو با پسر خاله و پسر عمو با هم مصافحه می کنند. این عمل چون از روی سادگی و بدون قصد ربه می باشد آیا اشکال دارد؟

ایشان در جواب فرمودند: هیچ یک از موارد فوق جایز نیست "یعنی حرام است". (۱)

البته تکلیف همان است که گفتیم، اما پیاده کردن و اعمال آن باید به گونه ای باشد که احساس برانگیز نباشد، مایه بدبینی و بی رغبتی مردم به اسلام نگردد، موجب بی ارزشی و پستی مکلف نشود، مثلاً امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه از فرایض اسلامی است و به عنوان واجب کفایی بر هر فردی واجب است، اما اسلام برای پیاده کردنش شرایطی تعیین کرده که با فقدان آن نه تنها واجب نیست، بلکه گاهی حرام می شود.

از جمله شرایط این که آمر و ناهی بدانند آن چه شخص مکلف ترک کرده واجب است به جا آورد و آن چه انجام می دهد واجب است ترک کند و اگر چنین علمی نداشته باشد واجب نیست.

دیگر این که بدانند و احتمال بدهد امر و نهی او مؤثر است، ولی اگر احتمال بدهد که اثر ندارد واجب نمی شود.

شرط سوم این که

مفسده ای نداشته باشد پس اگر احتمال وقوع ضرر جانی، عرضی، آبرویی و مالی که موجب حرج بر بعضی مؤمنین می شود، بدهد واجب نیست. (۲)

حدود حجاب چقدر است؟

از نظر اسلام زن باید غیر از گردی صورت و مچ دست ها تمام بدن خود را از نامحرم بپوشاند، اما این معنایش این نیست که با کسی حرف نزنند و در خانه خود با پسر عمو و پسر خاله و دیگران صحبت نکنند و یا در مجالس جشن و عروسی شرکت نکنند. می شود هم حجاب اسلامی و آداب شرعی را رعایت نمود و هم در اجتماع زندگی کرد بدون این که مورد توهین و تمسخر دیگران قرار بگیرد.

در عروسی شرکت کنید منتها هر وقت دیدید بر خلاف شرع کاری صورت می گیرد می توانید به بهانه ای به اطاق دیگر بروید، گذشته از این که رقص زن برای زن به فتوای آیت الله فاضل لنکرانی اشکالی ندارد ولی اگر نوار حرامی باشد از مجلس خارج شوید.

وقتی مجلس به حالت عادی برگشت مجدداً مراجعه کنید. حتماً مردم در مجالس جشن و عروسی در تمام ساعات مرتکب گناه و معصیت نمی شوند.

یا هر موقع اقوام و خویشاوندان وارد منزل می شوند می توانید با حفظ حجاب، مثل دیگران با آن ها برخورد کنید و حرف بزنید و سلام و علیک کنید بدون این که شما را متهم به افراطی کنند.

کوتاه سخن این که تا آن جایی که ممکن است حجاب اسلامی و آداب شرعی را رعایت کنید و از زخم زبان دیگران نگران نشوید، اما در عین حال کاری نکنید که در محل انگشت نما شوید و همه از شما و در نهایت از اسلام متنفر گردند.

صحبت کردن حرام نیست. اگر در خلوت می ترسید به گناه بیفتید اگر پسر عمو یا پسر دایی آمد می توانید بروید و دختر همسایه را به خانه بیاورید تا خلوت با اجنبی صورت نگیرد. حتما در جلسات عروسی شرکت کنید و شرکت نکردن ممکن است توهین به اقوام باشد.

پی نوشت ها:

۱. آیت الله فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ج ۱، ص ۴۸۲.

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۱۸.

**به خاطر ترس از آزار جسمی و روحی دیگران ، از انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر خودداری کرده و آن را ترک می کنم . چگونه می توان بر این ترس غلبه نمود؟**

### پرسش

به خاطر ترس از آزار جسمی و روحی دیگران ، از انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر خودداری کرده و آن را ترک می کنم . چگونه می توان بر این ترس غلبه نمود؟

### پاسخ

اگر کسی بداند یا گمان کند اگر امر به معروف و نهی از منکر کند، ضرر جانی یا ناموسی یا آبرویی و یا مالی قابل ملاحظه ای متوجه او خواهد شد، انجام این فریضه بر او واجب نیست ، بلکه اگر احتمال بدهد ضررهای مذکور برایش به وجود می آید، باز واجب نیست ؛ حتی اگر بترسد ضرر متوجه متعلقات و بستگان او شود، واجب نیست امر به معروف و نهی از منکر کند. (۱)

البته اگر معروف یا منکر از اموری باشد که از دیدگاه اسلام خیلی مهم است ، مانند اصول دین و مذهبی و حفظ قرآن و حفظ عقاید مسلمانان و یا حفظ احکام ضروری اسلام ، با مجرد احتمال ضرر نمی شود آن را ترک نمود، بلکه باید ضررها مقایسه شوند و هر کدام مهم تر بود، اقدام شود. (۲) گاهی امر به معروف و نهی از منکر آن

قدر مهم است که مسلمان باید همه چیز خود را در این راه فدا نماید، مثل اباعبدالله الحسین ۷

ثانیاً غلبه بر ترس در این گونه موارد راه هایی دارد که در ذیل به بعضی اشاره می کنیم :

۱ امر به معروف و نهی از منکر یکی از ابزار رسیدن به هدف آفرینش انسان است . همان طوری که می دانیم بر حسب اعتقاد ما هدف اصلی خلقت انسان ، رسیدن به کمال مطلق و قرب الهی است . رسیدن به آن مقام

از طریق عمل به دستورهای اسلام و واجبات و ترک محرمات امکان پذیر خواهد بود. یکی از دستورهای اسلام، امر به معروف و نهی از منکر می باشد. اگر مسلمان مطلب فوق را بداند، هیچ گاه ترس و دلهره نمی تواند جلورسیدن به کمال او را بگیرد.

۲ بهترین اعمال، سخت ترین آن ها است. وقتی انسان بداند اعمال و کارهای او آن گاه ارزش بیش تری دارد که در طریق انجام آن متحمل سختی ها و رنج ها بشود و ارکان او وقتی زینده است که در حفظ و نگه داری آن، ضررها و خسارات جانی و مالی متوجه او شده باشد، هرگز ترس از آزار و دیگران او را از انجام وظیفه الهی باز نمی دارد.

۳ تفکر و اندیشه و مطالعه سرگذشت رهبران دینی؛ اگر بداند رسول خدا و حضرت امیرالمؤمنین ۷ صدیقه طاهره زهرا ۳ و ائمه اطهار به خصوص حضرت اباعبدالله ۷ برای پیاده کردن دستور زنده اسلامی (امر به معروف و نهی از منکر) چه ضررها و خسارات و رنج ها و آلام روحی و جانی را به جان خریدند و در راه خدا صبر نمودند، دیگر ترس و دلهره پیدا نخواهد کرد.

(پاورقی ۱. توضیح السائل مراجع، ج ۲ ص ۶۱۹)

(پاورقی ۲. همان، ص ۶۱۹ مسئله ۲۷۹۲)

**یکی از شرایط عمومی تکالیف شرعی، داشتن قدرت است و در روایات اهل بیت عصمت و طهارت، بیان شده است که این فریضه صرفاً بر عهده کسانی است که قدرت بر این کار داشته باشند؛ در حالی که در نهضت حسینی (ع)، آن حضرت به دلیل جهالت یا سست عنصری یا عافیت طلبی مردم و یا به ۱**

**پرسش**

یکی از شرایط عمومی تکالیف شرعی، داشتن قدرت است و در روایات اهل بیت عصمت و طهارت، بیان شده است که این فریضه صرفاً بر عهده کسانی است که قدرت بر این کار داشته باشند؛ در حالی که در نهضت حسینی (ع)، آن حضرت به دلیل جهالت یا سست عنصری یا عافیت طلبی مردم و یا به انگیزه های

دیگر، از پشتیبانی مردم محروم بود و توانایی براندازی یک حکومت سفاک تا دندان مسلح را نداشت! پس چگونه آن حضرت قیام مسلحانه کرد و آن را امر به معروف و نهی از منکر اعلام نمود؟

## پاسخ

استاد مطهری در این باره می‌فرماید: شرط دیگری برای امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده به نام «قدرت» «إنما یجب علی القوی المطلاع»؛ (امر به معروف و نهی از منکر) فقط بر انسان قدرتمند و آگاه واجب است (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۹). یعنی، شخص ناتوان نباید امر به معروف و نهی از منکر کند. این یعنی نیروی خود را حفظ کن و نتیجه بگیر، اما آنجا که ناتوانی و نیرویت هدر می‌رود، اقدام نکن. اینجا هم یک اشتباه بزرگ برای بعضی پیدا شده که می‌گویند: من که قدرت ندارم فلان کار را انجام دهم، اسلام هم گفته اگر قدرت نداری انجام نده؛ پس تکلیف از من ساقط است! در جواب باید گفت: خیر! اسلام می‌گوید: برو و قدرت به دست بیاور؛ این «شرط وجود» است، نه «شرط وجوب»؛ یعنی تا ناتوانی، دست به کاری نزن؛ ولی باید بروی قدرت و توانایی کسب کنی تا به نتیجه برسی.

تحصیل قدرت برای این اصل به قدری مهم است که گاهی کار حرام واجب می‌شود؛ - مثلاً پست و مقام گرفتن از خلفای جور و ظلم و خدمت در حکومت آنها - اما اگر می‌بینی این مقام تو وسیله‌ای می‌شود که بر امر به معروف و نهی از منکر قدرت پیدا کنی، حتماً این کار را انجام بده. در تاریخ اسلام داریم که اشخاص به دستور ائمه (ع)

به دربار خلفا وارد می شدند.

در پاسخ به این عقیده که اگر قدرت تصادفاً پیدا شد، امر به معروف و نهی از منکر واجب است و اگر نه، واجب نیست؛ باید ببینیم اسلام چه ارزشی به این اصل داده است؟

ارزش این اصل تا آنجا است که آن را ضامن بقای اسلام دانسته اند و به خاطر آن امام حسین (ع) و یارانش شهید می شوند و اهل بیت آن حضرت، به اسارت می روند. در روایتی در نکوهش برخی از مردم آخرالزمان آمده است: «لا یوجبون أمراً بالمعروف و نهیاً عن المنکر إلا إذا أمنوا الضرر»؛ امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی دانند، مگر وقتی که از ضرر آن در امان باشند. (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۵)..

در حدیث دیگر از امام باقر (ع) آمده است: «إن الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الأنبیاء منہاج الصلحاء بہا تقام الفریاض و تأمن المذاهب و تعمر الارض وی نتصف من الاعداء»؛ امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه نیکان است. به وسیله این اصل واجبات برپا می گردد، راه ها امن و سرزمینها آباد می شود و از دشمنان (حقوق ضایع شده) باز ستانده می گردد. (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۵).. فریضه ای که چنین ارزشی دارد، آیا ممکن است درباره آن بگویند: اگر یک روز اتفاقاً و تصادفاً نیرویی داشتی انجامش بده؛ و گرنه تکلیف ساقط است. این بدان معنا است که بگویند: اگر تصادفاً دیدی می توانی اسلام را نگه داری، نگه دار و اگر دیدی نمی توانی، دیگر لازم نیست! در مورد احتمال تأثیر هم همین طور است؛ یعنی، نمی توانیم بگوییم: چون احتمال تأثیر وجود ندارد، پس تکلیف ساقط است». حماسه

نمونه ای از عملکرد صحیح در مسأله احتمال تأثیر را در واقعه عاشورا می بینیم که اهل بیت، حتی کشته شدن امام حسین (ع) را هم پایان کار و وظیفه خود ندانستند و حتی در دربار یزید و ابن زیاد دنبال همان هدف حسینی بودند. شهید شدن امام (ع) از یک نظر برای آنان آغاز کار بود، نه پایان کار.

### شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

#### پرسش

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

#### پاسخ

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چهار مورد می باشد. که عبارتند از:

۱. امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر خودش به موارد امر و نهی آگاه باشد؛

۲. احتمال تأثیر در شنونده بدهد؛

۳. عمل کننده به منکر و ترک کننده معروف قصد ادامه گناه و یا ترک واجبات را داشته باشد؛

۴. مفصده ای برای امر کننده به معروف و نهی از منکر وجود نداشته باشد.

تفصیل و توضیح بیشتر در کتاب توضیح المسائل و رساله مراجع تقلید آمده است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

**آیا امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسانی که تحت تأثیر واقع نمی شوند و با انسان برخوردناشایستی انجام می دهند، واجب است ؟**

#### پرسش

آیا امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسانی که تحت تأثیر واقع نمی شوند و با انسان برخوردناشایستی انجام می دهند، واجب است ؟



امر به معروف و نهی از منکر دو واجب بزرگ الهی است که ترک آن‌ها آثار و عواقب بدی برای افراد و جامعه دارد.

از پیامبر ۶ نقل شده است: (۱)

مرحوم آیت الله طالقانی در این زمینه گفته است:

حقیقت جهاد اسلامی هم یک نوع امر به معروف و نهی از منکر مسلحانه است. (۲)

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

۱ آن کسی که می‌خواهد امر و نهی بکند، بداند که آن چه آن شخص مکلف به جا نمی‌آورد، واجب است به جا آورد و آن چه به جا می‌آورد، باید ترک کند؛ یعنی باید معروف و منکر را بشناسد.

۲ احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می‌کند.

۳ بداند که شخص معصیتکار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند.

۴ در امر و نهی کردن مفسده‌ای نباشد. پس اگر بداند که ضرر مالی یا جانی یا آبرویی به او متوجه می‌شود، امر و نهی واجب نیست و در بعضی موارد حرام است.

ولی اگر معروف یا منکر از اموری باشد که اسلام به آن اهمیت زیاد می‌دهد، مانند اصول دین یا مذهب و حفظ کردن قرآن کریم و حفظ و نگهداری عقاید اسلامی یا احکام ضروری اسلام، باید ملاحظه اهمیت شود و مجرد ضرر این وظیفه الهی را از گردن انسان بر نمی‌دارد. در این صورت‌ها باید امر به معروف و نهی از منکر انجام داد ولو نیاز به بذل جان و مال

و آبرو باشد < (۳)

در هر صورت در موارد معمولی تا آن جا که ممکن است باید امر به معروف و نهی از منکر کرد و حتماً تأثیر حتی فی الجمله دارد، به طوری که اگر غیر شما دیگران نیز آن را پیگیری کنند، تأثیر مثبتی خواهد داشت ، مگر موردی باشد که به انسان وارد شود.

(پاورقی ۱. وسائل الشیعه ، ج ۱۱ ص ۳۹۸)

(پاورقی ۲. محمد عابدی ، پیکار با منکر در سیره ابرار، دفتر اول ، ص ۱۹۱)

(پاورقی ۳. توضیح المسائل مراجع ، ج ۲ ص ۶۱۸)

### شرایط آمر به معروف و ناهی از منکر چیست ؟

#### پرسش

شرایط آمر به معروف و ناهی از منکر چیست ؟

#### پاسخ

چند چیز شرط است :

۱ آمر و ناهی بداند آن چه شخصی مکلف به جا نمی آورد، واجب است و آن به جا می آورد، باید ترک کند؛ یعنی معروف و منکر را بشناسد.

۲ احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر دارد.

۳ بداند معصیت کار بنا دارد معصیت را تکرار کند. پس اگر بداند یا گمان کند و یا احتمال صحیح بدهد تکرار نخواهد کرد، واجب نیست نهی کند.

۴ در امر و نهی مفسده ای نباشد. بنابراین اگر کسی بداند یا گمان کند در صورت امر و نهی ، ضرر جانی یا آبرویی و یا مالی قابل توجهی به او یا متعلقان او، بلکه بر بعضی مؤمنان وارد می شود، واجب نیست ، امر یا نهی کند. (۱)

گفتنی است اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس اهمیت زیادی به آن می دهد، مثل اصول دین ، یا مذهب و حفظ قرآن و حفظ و عقاید مسلمانان و یا احکام ضروریه مثل نماز و روزه و حج و حجاب ، باید ملاحظه اهمیت شود و مجرد ضرر موجب واجب نبودن نمی شود. پس اگر حفظ عقاید مسلمانان یا حفظ احکام ضروریه اسلام ، بر بذل جان و مال

توقف داشته باشد, بذل آن واجب است .

هم چنین اگر بدعتی در اسلام پیدا شود, اظهار حق به هر نحو ممکن واجب است , اگر چه بدانند تأثیر نمی کند و نیز اگر احتمال صحیح داده شود, که سکوت موجب می شود معروفی , منکر و منکری , معروف شود, باید اظهار نمود و سکوت جایز نیست .(۲)

(پاورقی ۱. توضیح المسائل مراجع

(پاورقی ۲. برداشت از توضیح المسائل مراجع، ج ۲ ص ۶۱۹ ۶۲۰)

### از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

#### پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

#### پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ» میگوید: «الْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» اینها هستند که در راه اشاعه خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن امر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همه آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما امرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ الْعَامِرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ، وَالتَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن امرین به معروف و ناهون عن المنکری که «التَّائِبُونَ» نیستند، «الْعَابِدُونَ» نیستند، «الْحَامِدُونَ» نیستند، «السَّائِحُونَ» نیستند، «الرَّاكِعُونَ» نیستند، «السَّاجِدُونَ» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخوانند امر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت

## از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

### پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

### پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ» میگوید: «الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» اینها هستند که در راه اشاعه خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن امر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همه آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما امرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ، وَالنَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن امرین به معروف و ناهون عن المنکر که «التَّائِبُونَ» نیستند، «الْعَابِدُونَ» نیستند، «الْحَامِدُونَ» نیستند، «السَّائِحُونَ» نیستند، «الرَّاكِعُونَ» نیستند، «السَّاجِدُونَ» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخوانند امر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت

کند.

## از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

### پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

### پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ» میگوید: «الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» اینها هستند که در راه اشاعه خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن امر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همه آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما امرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ، وَالنَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن امرین به معروف و ناهون عن المنکری که «التَّائِبُونَ» نیستند، «الْعَابِدُونَ» نیستند، «الْحَامِدُونَ» نیستند، «السَّائِحُونَ» نیستند، «الرَّاكِعُونَ» نیستند، «السَّاجِدُونَ» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخوانند امر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت

کند.

## از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

### پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

### پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ» میگوید: «الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» اینها هستند که در راه اشاعه خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن امر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همه آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما امرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ، وَالنَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن امرین به معروف و ناهون عن المنکری که «التَّائِبُونَ» نیستند، «الْعَابِدُونَ» نیستند، «الْحَامِدُونَ» نیستند، «السَّائِحُونَ» نیستند، «الرَّاكِعُونَ» نیستند، «السَّاجِدُونَ» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخوانند امر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت

کند.

## از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

### پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحل قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

### پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ» میگوید: «الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» اینها هستند که در راه اشاعه خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن امر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همه آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما آمرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ، وَالنَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن آمرین به معروف و ناهون عن المنکری که «التَّائِبُونَ» نیستند، «الْعَابِدُونَ» نیستند، «الْحَامِدُونَ» نیستند، «السَّائِحُونَ» نیستند، «الرَّاكِعُونَ» نیستند، «السَّاجِدُونَ» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخوانند امر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت



**شرایط امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.****پرسش**

شرایط امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

**پاسخ**

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است ( جمله : ۱ ) امر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد ( ۲ ) شناخت ویژگی های روحی و روانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن ( ۳ ) به دست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن ( ۴ ) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست ( ۵ ) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر ( ۶ ) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه ( ۷ ) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر . یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل ( نظارت همگانی ) است . یعنی باید این مسیله در جامعه و بویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی در جامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسوولند . زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد . همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت .

**شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست ؟****پرسش**

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست ؟

**پاسخ**

در مساله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود : الف ) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن . امر بمعروف در مورد ترک واجبات و نهی از منکر در مورد انجام محرمات است و شرایطی دارد که بعضی از آن عبارتند از : ۱- امر به معروف و ناهی از منکر واجبات و محرمات را بشناسد ۲- کسی که مرتکب معصیت شده قصد تکرار آن را داشته باشد ۳- مراحل امر به معروف و نهی از منکر از آسان به شدید رعایت شود

مثلاً- "اگر با آرامش می توان نهدی کرد از پرخاش خودداری شود. ۴- احتمال تاثیر داده شود. ۵- برای آمر به معروف ضرر جانی یا مالی قابل توجهی نداشته باشد. ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیرمستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شود و سپس تدریجاً به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول يك مسیله مطرح شود و پس از اصلاحتشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسایل پرداخته شود. د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال

خود آنها است. ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت. حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس == در بند این مباش که نشنید یا شنید کس == و) جدولی برای خود تنظیم کنید و شرح شیوه های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه ای موثرتر باشید. ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید. ۱۷

### معاشرت با افراد منحرف آنگاه که قصد راهنمایی در بین باشد دارای چه ضوابطی است؟

#### پرسش

معاشرت با افراد منحرف آنگاه که قصد راهنمایی در بین باشد دارای چه ضوابطی است؟

#### پاسخ

- این اهتمام دلسوزی، برخاسته از درد دینداری و قابل تقدیر است. حقیقت این است که انسان منحرف به دنیا نمی آید. نقص تربیت، عدم شناخت، ضعف در برخوردها و عوامل گوناگون دیگر، افراد را به انحراف می کشاند.
- قدم اول بنابر روش هدایت قرآنی برداشتن موانع از طریق شناخت نیازی که آنان را به فساد کشانده، می باشد زیرا قرآن از روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین حکایت می کند: «یضع عنهم امرهم و الاغلال التي كانت عليهم» (۱) سنگینها و زنجیرهای آنان را بر می داشت.»
- گاه می تواند ازدواج، ایجاد صمیمیت، مقبولیت و شخصیت دادن زمینه ساز تغییرهای اساسی باشد.
- پرسشهای جواب داده نشده، پاسخ یابد.
- انسان، خود ثابت قدم باشد. چنان نباشد که آنها با شیطنت او را منفعل کنند. فرد گمراه از داشتن همراه بیشتر، راحت تر به کار ادامه می دهد.
- مطالعه کتب تربیتی بسیار لازم است.
- بررسی مراتب امر به معروف و نهی از منکر در کتاب رساله عملیه لازم است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

**آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرای دیگر؛ خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می کند؟**

**پرسش**

آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرای دیگر؛ خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می کند؟

**پاسخ**

مسلمان حقیقی کسی است که به وظائف دینی خود کاملاً عمل نماید و یکی از وظایف او امر به معروف و نهی از منکر است. یعنی مثلاً یک خانم مسلمان، خودش باید با حجاب باشد و بانوان دیگر را هم به حجاب و عفت، دعوت نماید؛ دروغ نگوید و دیگران را نیز از دروغگویی باز دارد؛ خودش نماز بخواند و دیگران را هم به خواندن نماز ترغیب کند. ولی اگر کسی خودش مثلاً بی حجاب بود و دیگران را به حجاب و عفت دعوت کرد، حرف او اثر نخواهد داشت و خود را هم مسلمان کاملی نیست.

البته امر به معروف و نهی از منکر، شرایطی دارد که یکی از آنها این است که در مرحله اول با زبان خوش و دلسوزی و مهربانی و نصیحت، افراد را به کار خوب دعوت کند و از کار زشت باز دارد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

**ما چه موقع باید (واجب است) که امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟ چه مواقعی نباید دست به امر به معروف و نهی از منکر بزنیم؟**

**پرسش**

ما چه موقع باید (واجب است) که امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟ چه مواقعی نباید دست به امر به معروف و نهی از منکر بزنیم؟

**پاسخ**

امر به معروف ونهی از منکر در میدان گفتار و تذکر زبان دارای شرایط ذیل است :

۱ شناخت واجب ترک شده توسط متخلف و شناخت منکر و حرام انجام شده توسط او.

۲ احتمال تاثیر تذکر و امر ونهی.

۳ علم به تکرار تخلف توسط متخلف.

۴ عدم وجود مفسده در امر به معروف و نهی از منکر.

بنابراین امر به معروف با شرایط فوق واجب و لازم و در صورت فقدان شرایط مذکور واجب نخواهد بود یعنی با شرایط ذیل واجب نیست:

۱ نداند آنچه انجام شده حرام است و ترک واجب.

۲ بداند یا احتمال دهد عدم تاثیر گفتار و امر و نهی را.

۳ بداند یا احتمال دهد مفسده و ضرری را مگر در موارد مسائل پر اهمیتی مثل اصول دین و مذهب ، حفظ قرآن و آرمانهای آن و عقاید و احکام ضروری اسلام که در آن صورت شرط سوم حذف خواهد گردید.

لازم به یاد آوری است با فقدان شرایط امر به معروف و نهی از منکر حکم وجوب گفتاری و تذکر کلامی برداشته خواهد شد ولی امر به معروف عملی در حذف بسترهای گناه و منکرات و استفاده از ابزار بازدارنده وظیفه دیگری است که فعلا بعهدہ قوه قضائیه و نیروی انتظامی و اجرائی است . حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی در این باره فرموده اند:

مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول (ص)

و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند .

برگرفته از : ۱ معاد، استاد مطهری (ره)

برای پژوهش بیشتر به رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره) رجوع کنید.

" با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی ( پلیس ) و قوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند و این منافاتی با فتاوی امام راحل ( در این رابطه ندارد. ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است در صورت وجود شرائط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند."

برای پژوهش بیشتر به رساله توضیح المسائل حضرت امام ( رجوع کنید.

۱ اوجوبه الاستفتائات، مقام معظم رهبری، ج ۲، ص ۳۳۱، س ۱۰۸۸

**لطفاً بفرمایید آیا امر به معروف و نهی از منکر برای افرادی که به وضو، نماز و... اهمیت نمی دهند و در خیابان ها با ظاهری ناهنجار ظاهر می شوند واجب است چنانچه واجب است بهترین روش کدام است**

**پرسش**

لطفاً بفرمایید آیا امر به معروف و نهی از منکر برای افرادی که به وضو، نماز و... اهمیت نمی دهند و در خیابان ها با ظاهری ناهنجار ظاهر می شوند واجب است

امر به معروف و نهی از منکر با فراهم بودن شرایط آن در هر کجا و برای هر کسی واجب است "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" (آل عمران ۱۰۴) و باید از میان شما، گروهی باشند که مردم را به سوی خیر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند...

مراجع تقلید معمولاً چهار شرط برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر ذکر می کنند:

۱. شناخت معروف و منکر از کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند؛

۲. احتمال تأثیر؛

۳. عدم مفسده جانی عرضی و مالی برای آمر و دیگر مؤمنان

۴. تصمیم گناهکار بر اصرار بر گناه

در صورت تحقق شرایط فوق ما موظفیم به این واجب اقدام کنیم امر به معروف از آسان ترین مرحله شروع شده و چنانچه لازم باشد تا سخت ترین مرحله مجاز ادامه می یابد.

وظیفه افرادی غیر از دستگاه های مسئول در مرحله اول انزجار قلبی از منکر است و پس از آن امر و نهی زبانی با ملاطفت و نرمی و در برخی موارد با درستی است در این مرحله لازم است از راه خیرخواهی و جدال احسن وارد شویم تا مخاطب ما را دشمن خود فرض نکند؛ بلکه خیرخواه خود بداند، "پیغام ها و رسالت های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و همانا برای شما خیرخواهی امینم . (اعراف ۶۸) در این باره مطالعه کتاب امر به معروف و نهی از منکر، آقای

قرائتی مفید است (ر.ک امر به معروف و نهی از منکر، محسن قرائتی)

## امر به معروف و نهی از منکر دارای چه شرایطی است؟

### پرسش

امر به معروف و نهی از منکر دارای چه شرایطی است؟

### پاسخ

در مسئله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود:

الف احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن

ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیرمستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود.

ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شود و سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود

اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود.

د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود آنها است

ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی اینکه بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنید یا شنید کس و (جدولی برای خود تنظیم کنید و شرح شیوه های کاربردی خود را بامیزان تأثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی



بکارگیری شیوه ای مؤثرتر باشید.

ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

### وظیفه ما در برابر فیلم های مبتذل چیست ؟

#### پرسش

وظیفه ما در برابر فیلم های مبتذل چیست ؟

#### پاسخ

در این موارد لازم است با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر و معرفی عوامل توزیع کننده به مقاماتمسئول انجام گیرد. }]

### حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای چه شرایطی است ؟

#### پرسش

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای چه شرایطی است ؟

#### پاسخ

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله:

(۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد.

(۲) شناخت ویژگی های روحی و روانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن.

(۳) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن.

(۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود و و به نفع اوست.

(۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر.

۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه.

۷) احیای فرهنگ امر به معروف نهی از منکر. یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است.

یعنی باید این مسئله در جامعه و بویژه دانشجویان جا باز کند که بر خلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی در جامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسئولند. زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یککشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت. {J}

### چگونه می توان صلاحیت امر به معروف و نهی از منکر را به دست آورد؟

#### پرسش

چگونه می توان صلاحیت امر به معروف و نهی از منکر را به دست آورد؟

#### پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد که هر کس واجد آنها باشد صلاحیت برای امر و نهی دارد. و آن شرایط عبارتند از:

الف. کسی که امر و نهی می کند عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چه چیز در اسلام واجب و باید انجام داد و چه کار حرام است و باید ترک شود.

ب. احتمال تأثیر بدهد پس در صورتی که انسان می داند سخن او تأثیری در دیگری ندارد بر او لازم نیست امر به معروف و نهی از منکر نماید.

ج. آن شخصی که مرتکب کار خلاف است اصرار بر ترک واجب یا انجام دادن معصیت داشته باشد. پس اگر بداند که آن شخص توبه کرده و یا نشانه های پشیمانی در او دیده شود امر و نهی واجب نیست.

د. مفسده مهم نداشته باشد یعنی ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجهی برای امر کننده و نهی کننده نداشته باشد. با وجود این شرایط صلاحیت برای امر به معروف و نهی از منکر هست و الا نه. (توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۲۹)

**آیا کسی که خود عمل به معروف نمیکند می تواند امر به معروف کند یا خیر؟ به عنوان مثال کسی را که سیگار میکشد میتواند ما را به نهی از سیگار کشیدن کند یا مثلا کسی که خود بی حجاب است یا بد حجاب امکانش است که خود ما را امر به معروف و نهی از منکر کند؟ آیا این آیه**

آیا کسی که خود عمل به معروف نمیکنند می توانند امر به معروف کنند یا خیر؟ به عنوان مثال کسی را که سیگار میکشد میتواند ما را به نهی از سیگار کشیدن کند یا مثلا کسی که خود بی حجاب است یا بد حجاب امکانش است که خود ما را امر به معروف و نهی از منکر کند؟ آیا این آیه مبارکه ۴۴ سوره بقره در این مورد است که اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم...ممکن است کسی بگوید که من ضررات این

معضل را چشیدم و نمی خواهم تو نیز گرفتار این معضل شوی... ولی متقابلاً اولین سوالی که به ذهن مخاطب می‌آید این که چرا خود آمر و یا ناهی خود به گفته خود عمل نمی‌کنند و او هم در جواب می‌گوید که همه نمیتوانند مثل ایمه معصوم باشند؟ چه باید گفت به این افراد... من یک زمانی خیلی به اتاق چت میرفتم دلش این بود که برادرم که خود به این اتاق ها میرفت مرا از این عمل منع میکرد و من هم به عکس خیلی علاقه پیدا کرده بودم که مداومت کنم بر چت... تا این که یک سفر آمد ایران و من یک ماه تمام چت میکردم و بعد از آنکه از ایران آمد دیگر گفت مانعی نیست که وارد چت شوی... اتفاقاً من دیگری اعتنا شدم به چت ... من دلیل را در این میدیدم که اوو چون به گفته ی خویش عمل نمیکرد من حریص میشدم علی ما منعت... به هر حال او همیشه حرفش همان مثال سیگاری است که بالا ذکر کردم و من هم مثال همان بد حجاب... نظر و اندیشه شما چیست؟ او میگوید من از آیت الله العظمی از تلویزیون دیدیم که ایشون گفتند که مانعی نیست در حالی که من یکی از شرایط را همین عمل به آن میدانم... او میگوید بهتر (مرحله ایده آل) آنست که عمل هم بکنی لیک میتوانی هم به زبان بسنده کنی و خود خلاف آنرا عمل کنی با مغلظه آوردن مثال سیگار که حتی من شنیدم علمای بزرگ ما اتفاقاً سیگار هم میکشند... امام راحل - علامه طباطبایی - آیت الله سیستانی... مقام عظمای ولایت را نمیدانم به هر حال... من میگویم که خود امام

علی لعنت میکند کسی را که به امر و نهی خود عمل نکند... او میگوید که این مرحله ایده آل است و جز معصوم توانایی آن را ندارد... امیدوارم مرا با ارشادات خود راهنمایی کنید..

## پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد که هر کس واجد آنها باشد صلاحیت برای امر و نهی دارد. و آن شرایط عبارتند از:

الف. کسی که امر و نهی می کند عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چه چیز در اسلام واجب و باید انجام داد و چه کار حرام است و باید ترک شود.

ب. احتمال تأثیر بدهد پس در صورتی که انسان می داند سخن او تأثیری در دیگری ندارد بر او لازم نیست امر به معروف و نهی از منکر نماید.

ج. آن شخصی که مرتکب کار خلاف است اصرار بر ترک واجب یا انجام دادن معصیت داشته باشد. پس اگر بداند که آن شخص توبه کرده و یا نشانه های پشیمانی در او دیده شود امر و نهی واجب نیست.

د. مفسده مهم نداشته باشد یعنی ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجهی برای امر کننده و نهی کننده نداشته باشد. با وجود این شرایط صلاحیت برای امر به معروف و نهی از منکر هست و الا نه. (توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۲۹)

در این باره چند نکته قابل توجه است:

۱. از شرایط امر به معروف، احتمال تأثیر است بنابراین اگر روابط به گونه ای شد که امر به معروف نتیجه عکس می دهد، برای مدتی نباید اقدام کرد. تا شرایط مساعد فراهم شود.

۲. از نظر اخلاقی، امر کننده به معروف اگر خود عمل

کننده به آن باشند تأثیر بیشتر دارد اما از نظر فقهی، کسی که خود عمل کننده نیست در صورتی که شرایط موجود باشد لازم است امر به معروف و کند. و چه بسا وجوب فقهی به خاطر این باشد که واجبات هم چنان به عنوان ارزش و کاری که باید رعایت بشود در جامعه مطرح شود و به نسل های بعد برسد لذا اگر چه خود امر کننده، عمل کننده نیست، حداقل نسل جدید به واجبات آگاه شود.

در نتیجه جامعه از حالت بی تفاوتی خارج می شود. اما اگر امر به معروف ترک شود رفته رفته گناهان عادی و فراگیر می شوند.

علاوه بر اینکه چه بسا رفته رفته، امر به معروف بر خود گوینده نیز اثر بگذارد و خودش نیز ترک کند.

**درجایی دوم خردادی های زیادی نشسته اند و از رهبر بد می گویند (مثلاً در مدرسه) خوب ما اگر از رهبر دفاع کنیم با ما بد شده و دعوا راه می اندازند و مدیر هم ما را دعوا می کند و اگر ساکت باشیم هم خوب نیست وظیفه چیست؟ توضیح دهید؟**

### پرسش

درجایی دوم خردادی های زیادی نشسته اند و از رهبر بد می گویند (مثلاً در مدرسه) خوب ما اگر از رهبر دفاع کنیم با ما بد شده و دعوا راه می اندازند و مدیر هم ما را دعوا می کند و اگر ساکت باشیم هم خوب نیست وظیفه چیست؟ توضیح دهید؟

### پاسخ

۱- امر به معروف و نهی از منکر مراتب و شرایطی دارد که احتمال تأثیر و نیز مفسده نداشتن از آن شرایط است "۱" بنابراین اگر احتمال ضرر جانی، مالی، آبرویی وجود داشته باشد امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست. جز آنکه آن فکر از امور باشد که حیات جامعه اسلامی را در معرض خطر قرار دهد.

۲- سعی کنید تقابل و تعارض بین خودتان و کسانی که از نظر دیدگاه سیاسی با شما مخالف هستند ایجاد نکنید و تضاد بین خودتان را افزایش ندهید. بطور دوستانه و صمیمی با آنها ارتباط برقرار کنید و اگر خواستید بحث کنید ضمن احترام به آنان و عقیده هاشان بصورت استدلالی و منطقی و بدون کوچکترین توهینی و اهانت و حتی به صورت کنایه به بحث و مناظره با آنان بنشینید. سعی کنید ارتباط دوستانه خودتان را با کسانی که دیدگاه شما را قبول ندارند حفظ کنید. هدف این نیست که فقط با افراد همفکر ارتباط داشته باشیم بلکه با سایر افراد نیز باید ارتباط برقرار کنیم و اگر احساس می کنیم به خطا می روند بصورت غیر مستقیم بدون اینکه اظهار کنیم آنها منحرف هستند به راهنمایی آنها پردازیم.

توجه داشته باشید انتقاد کردن حتی از رهبر خلاف نیست آنچه خلاف است توهین است، اگر آنهایی که شما اسم برده اید توهین هتاک می کنند، به آنان یادآور شوید که توهین جرم است و مجازات دارد، ولی حتی الامکان سعی کنید از نزاع و درگیری اجتناب ورزید و اگر انتقاد هر چند تند و شدید دارند

سعی کنید با مباحث دوستانه به انتقادات آنان پاسخ دهید و از انتقاد کردن نهراسید. امام خمینی می فرماید: "انتقاد ها باید باشد، زیرا یک جامعه تا انتقاد نشود اصلاح نمی شود عیب هم در همین جاست چون سر تا پای ما عیب است و باید این عیب ها را انتقاد کرد تا جامعه اصلاح بشود. و نیز حضرت آیت ا...خامنه ای می فرماید: "انتقاد پذیرفتن و گوش کردن به انتقاد کافی نیست، چیزی که واقعاً لازم است، انتقاد خواستن و دنبال انتقاد دویدن است." "۳"

بنابراین اگر انتقاد آنان را درست نمی دانید آنها را آگاه کنید و اگر پاسخی به انتقاد آنان ندارید آنها را با مسئولان در میان بگذارید و از آنها توضیح بخواهید تا پاسخ شما را بدهند و با آگاهی بتوانید پاسخگوی انتقادات، باشید و اگر انتقادات را بجا دانستید می توانید به دفتر مقام معظم رهبری ارسال فرمایید و پاسخ دریافت کنید.

۴- سعی نکنید به گونه ای رفتار کنید تا سبب خشم و غضب آنان را فراهم سازید در این صورت کسی است توهین نمایند. بدون شک در چنین شرایطی شما نیز مسوول خواهید بود.

۵- جهت اطلاع بیشتر ر. ک: رساله امام خمینی (ره) مسأله ۲۷۹۱ رساله اجوبه الاستفتائات (ترجمه فارسی آیت ا...خامنه ای مسأله ۱۰۸۱ و ۱۰۸۲، توضیح المسائل آیت ا...العظمی گلپایگانی مسأله ۲۸۶۲، رساله آیت ا...العظمی لنکرانی مسأله ۲۳۱۵ بهداروند، محمد محمدی، اخلاق از دیدگاه امام خمینی (ره) (تهران انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۶) ص ۱۱۲

**۱. برای اینکه جوانان به معظلات اجتماعی روی نیاورند برای امر به معروف ونهی ازمنکر چه اقداماتی را باید انجام داد؟(درضمن بنده معلم هستم و بیشتر با جوانهای دبیرستانی تماس دارم)**

**پرسش**

۱. برای اینکه جوانان به معظلات اجتماعی روی نیاورند برای امر به معروف ونهی ازمنکر چه اقداماتی را باید انجام داد؟ (درضمن بنده معلم هستم و بیشتر با جوانهای دبیرستانی تماس دارم)

**پاسخ**

احساس تعهد، مسئولیت پذیری و دغدغه شمادرهدایت نسل جوان بسوی رستگاری و باز داشتن آنها از ورود به فساد و تباهی را ارج می نهیم و جهت استحضار شما شرایط امر به معروف ونهی ازمنکر و چگونگی برخورد با جوانان را یادآورم می شویم:

امر به معروف ونهی ازمنکر به عنوان اصل نظارت همگانی در جامعه اسلامی یکی از ویژگیهای نظام تربیتی اسلام است، باید اندیشه وتفکر در جامعه رواج یابد که در جامعه اسلامی برخلاف جوامع غربی همه افراد نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند زیرا هر جامعه و امت دارای سرنوشتی مشترک است و اعضای جامعه همانند مسافران یک کشتی هستند که اگر در گوشه ای از آن یک فرد سوراخی ایجاد کند همه غرق خواهند شد. انحراف و آلودگی افراد جامعه ایجاد سوراخ در کشتی متلاطم و خروشان

زندگی است که می تواند به سعادت و رستگاری جامعه لطمه وارد سازد.

البته باید توجه داشت که اجرای این حکم الهی زمانی ضرورت اجرایی دار دکه شرایط آن تحقق پیدا کند در غیر این صورت نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه ضرر هم خواهد داشت . مراجع بزرگوار در رساله های عملیه خویش به این شرایط اشاره کرده اند. امام خمینی (رضوان...تعالی علیه) چند شرط را در واجب بودن امر به معروف ونهی از منکر ذکر کرده اند: "۱"

۱- کسی که می خواهد امر ونهی کند، بداند که آنچه شخص مکلف به جا نمی آورد واجب است بجا آورد، و آنچه بجا



می آورد باید ترک کند. و بر کسی که معروف و منکر را نمی داند واجب نیست .

۲- آنکه احتمال بدهد امر ونهی او تأثیر می کند، پس اگر بداند اثر نمی کند واجب نیست.

۴- آنکه بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند، پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی کند واجب نیست . آنکه در امر ونهی مفسده ای نباشد، پس اگر بداند یا گمان کند، که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد واجب نیست. بلکه اگر احتمال صحیح بدهد که از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا می کند واجب نیست. بلکه اگر بترسد ضرری متعلقان او می شود واجب نیست، بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعضی مؤمنین، واجب نمی شود بلکه در بسیاری از موارد حرام است.

خواهر گرامی امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط چهار گانه مذکور حکم وجوب پیدا می کند، در غیر این صورت واجب نخواهد بود لذا لازم است این شروط را دائماً در ذهن داشته باشید و چنانچه با مراعات آنها احساس تکلیف و وظیفه نمودید سعی کنید در برخورد با جوانان اصول زیر را رعایت کنید :

۱- از طرف مقابل خود شناخت نسبی پیدا کنید و با توجه به روحیات، علائق، سلیقه ها و باورهای او بهترین روش را برای امر و نهی برگزینید.

۲- حتی الامکان سعی کنید از موعظه و نصیحت مستقیم پرهیز کنید و بصورت غیر مستقیم سعی کنید او را به راه راست هدایت کنید.

۳- باز بان استدلالی و منطقی توأم با عاطفه و احساس و محبت (بخصوص دختران جوان) برخورد کنید .

۴- سعی کنید بصورت غیر مستقیم آنها را،

با مصالح یا مفاسد اعمال آشنا کنید .

۵- از تندروری و تعصب خشک بی منطق و خارج از چارچوب اخلاق انسانی و اسلامی بشدت اجتناب ورزید.

۶- با آنان ارتباط دوستانه و عاطفی برقرار کنید و دررفع مشکلات و گرفتاریها آنها را کمک کنید و اگر توان حل مشکل راندارید سنگ صبورشان باشید .

۷- در صورت انحراف جوان، ابتدا در برابر او موضع نگیرید، مقداری با او همراهی و همسویی کنید و در نیمه راه به گونه ای که احساس نکند جهت را عوض کنید .

۸- مخاطب خود را شنونده ای منفعل بحساب نیاورید، بلکه سعی کنید به او استقلال رأی و نظر بدهید و قوه تعقل و اندیشه او را بکار اندازید تا خود پاسخ و راه صحیح را بیابد و احساس نکند به او دیکته شده است .

۹- هرگز سعی نکنید شخصیت آنان را زیر سؤال ببرید، رسول اکرم(ص) می فرماید: "هر کس سلمان را گرامی بدارد خدای والا مرتبه را گرامی داشته است." "۲" شخصیت هر فرد (بخصوص جوان) محبوبترین پدیده مورد علاقه اوست .

غریزه حب ذات که براساس حکمت الهی در وجود انسان قرار داده شده است، آدمی را برمی انگیزد تا بر مبنای "خود دوستی" از مخاطرات و ناملازمات، خود را مصون نگاه داشته و بقای عمر و زندگی را تدبیر نماید .

این غریزه انسان را وادار می کند در برابر هر عملی که شخصیت او را تهدید می کند، به دفاع از شخصیتش پردازد. با تحقیر شخصیت، بیشترین مقاومت را در فرد علیه خود به وجود می آوریم و با تکریم شخصیت او موجبات گناه ستیزی را در وجودش تقویت می کنیم. امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید :

" من کرمت علیه نفسه، هانت علیه شهواته " (کسی که نفسش برایش محترم باشد، شهوات مادی در نظرش پست و بی ارزش

۱۰- درانتها توصیه می کنیم کتابهای تربیتی مربوط به جوانان را مطالعه فرموده تا با رموز ارتباط با جوانان بیشتر آشنا شوید . کتاب گفتار فلسفی جوان از نظر عقل و احساسات اثری بسیار ارزشمند است که شما را با ابعاد وجودی جوان آشنا می کند .

منابع:

(۱) ک : رساله عملیه امام خمینی رحمه ا... علیه مسأله ۲۷۹۱

(۲) فرید تنکابنی، راهنمای انسانیت (سیری دیگر در نهج الفصاحه)، ص ۵۹۹

شرفی محمد رضا، جوان و نیروی چهارم زندگی، ص ۵۰

**نهی از منکر به چه کسی و چه کسانی واجب است؟ لطفاً توضیح دهید.**

**پرسش**

نهی از منکر به چه کسی و چه کسانی واجب است؟ لطفاً توضیح دهید.

**پاسخ**

دین مقدس اسلام، برای سلامت افراد جامعه و اجرای صحیح و دقیق تر فرمانهای الهی، تمام افراد جامعه را موظف نموده که بر اعمال یکدیگر در جامعه نظارت داشته باشند، و بدون هیچ گونه رودربایستی، ترس و ... جلو تخلفات را بگیرند. که نام این نظارت همگانی، امر به معروف و نهی از منکر می باشد. (۱)

امر به معروف و نهی از منکر، یک بسیج عمومی و همگانی، برای ریشه کن کردن فساد، و ایجاد جامعه ای سالم است، که اگر این بسیج همگانی درست انجام شود، در عالم، عدالت اجتماعی و مدینه فاضله، درست خواهد شد. (۲)

هر چیزی که از نظر عقل و شرع واجب است، امر به آن واجب، و هر چیزی که از نظر عقل و یا شرع قبیح و حرام باشد، نهی از آن واجب می شود.

این فریضه امری است که بر همه انسانها واجب است، و از نوع واجب کفایی است. بدین ترتیب که اگر گروهی در جامعه به این امر قیام نمایند، و عمل آنها کفایت کند، از دیگران ساقط می شود.

منابع و مآخذ :

۱. امام علی؟: "قوام شریعت به امر به معروف و نهی از منکر، و برپاداشتن حدود(الهی) است." میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۹۹

۲. امام باقر( : "فرمان دادن به خوبی، و بازداشتن از زشتی، راه پیامبران است، و شیوه نیکوکاران. فریضه بزرگی است که دیگر فرایض، به واسطه آن بر پا می شود، و راه و روش ها امن می گردد، و درآمدها حلال می شود، و حقوق و اموال به زور گرفته شده، به

صاحبانش برمی گردد، و زمین آباد می شود، و... "میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۷۰۵

\* تحریر الوسیله، امام خمینی (ج ۱، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر القول فی اقسامها، مسأله ۲

**آیا امر به معروف فردی را که تا اندازه ای احکام شرعی را رعایت می کند می توان پذیرفت تجربه های اشخاص درباره معروف و منکر، تا چه اندازه در قبول امر و نهی آنان اعتبار دارد؟**

### پرسش

آیا امر به معروف فردی را که تا اندازه ای احکام شرعی را رعایت می کند می توان پذیرفت تجربه های اشخاص درباره معروف و منکر، تا چه اندازه در قبول امر و نهی آنان اعتبار دارد؟

### پاسخ

امور شرعی یا به اصول دین مربوط است که انسان خود باید به آن ها یقین و اعتقاد پیدا کند و نمی تواند فقط به گفته کسی که مورد اعتماد اوست اکتفا نماید، و یا درباره فروع دین است که در این زمینه سخن هیچ کس جز مجتهد جامع الشرایط معتبر نیست و در این مورد فقط باید سخن آنان را پذیرفت و به آن عمل کرد و گفته های اشخاص دیگر، هرچند هم مورد اعتماد و پای بند به احکام شرعی باشند، اعتبار ندارد، مگر آن که مطلبی را از مجتهد یا توضیح المسائل او نقل کند که در این صورت اگر مورد اطمینان و اهل مسئله باشد، مانعی ندارد.

اما درباره امر به معروف و نهی از منکر باید گفت

۱. در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست که امر کننده خود به آن چه امر می کند عمل کند و یا خود مرتکب چیزی که از آن نهی می کند، نشده باشد؛ البته خداوند این گونه اشخاص را که دیگران را امر و نهی کرده خود را فراموش می کنند مذمت می کند و می فرماید: "أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ (بقره ۴۴) آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می کنید؟"

ولی در عین حال این آیه شریف نمی خواهد بفرماید که چنین کسی نباید امر به معروف کند و یا در امر

به معروف شرط است که خود امر کننده به آن عمل کند، بلکه به خودخواهی و خودپرستی این گونه افراد اشاره دارد که توقع دارند مردم خوب باشند، در حالی که خود هر چه می خواهند انجام می دهند.

۲. امر به معروف و نهی از منکر از مقوله "پذیرش نیست یعنی آن چه لازم است این است که شخصی که معروف را ترک کرده آن را انجام دهد و شخصی که منکر را انجام می دهد آن را ترک کند؛ بلکه البته گاهی کاری را ترک کرده ایم و شخصی به ما امر می کند که آن کار را انجام دهیم ولی در واقع ما نمی دانیم که آن کار معروف است یا منکر؛ در این صورت اگر شخصی هم که ما را به انجام آن امر می کند، خود مسئله را نداند و معروف و منکر را تشخیص ندهد، لازم نیست به سخن وی توجه کنیم برای مثال اگر شخصی که آگاه به مسئله است به ما بگوید فلان معامله ای که انجام می دهی رباخواری است و باید آن را ترک کنی در این جا هر چند من از مسئله اطلاع ندارم ولی باید از شخصی که از مسئله اطلاع دارد، قبول کنم اما اگر در همین مورد شخصی که نهی می کند، خود، ربا را از غیر ربا تشخیص نمی دهد، واجب نیست که سخن او را بپذیریم

مسئله دیگری که باقی می ماند استفاده از تجارب دیگران در معروف ها و منکرهای دینی است باید توجه داشت که این مسئله بسیار اهمیت دارد، زیرا همه نتایج رعایت احکام شرعی

و تقوای الهی در دنیا ظاهر نمی شود تا انسان بتواند آن ها را تجربه کند. برای مثال ممکن است شخصی سال ها نماز بخواند، ولی در فقر و فلاکت و پریشانی زندگی کند و اگر در ظاهر از او پیرسند از این همه نماز چه نتیجه ای گرفته ای جوابی برای گفتن نداشته باشد، زیرا نتیجه واقعی نماز در آخرت ظهور می کند که روز ظهور باطن انسان ها و اعمال و سریرت هاست "یَوْمَ تَبْلَى السَّرَآغُ رُ" (طارق ۹) در آن روز که اسرار نهان آشکار می شود. " این مطلب درست است که نماز دارای آثار دنیوی هم هست ولی به این سادگی نمی شود آثار مخصوصی را به نماز نسبت داد، زیرا شما هر اثری را که بیان کنید ممکن است مشابه آن را هر چند ظاهری در افراد بی نماز هم نشان دهند. البته در برخی موارد، نقل تجربه های دینی اثر مثبت دارد، ولی اعمال دینی همواره دو سویه هستند. یعنی هم می شود آثار بد و هم آثار خوب را به آن ها نسبت داد. برای مثال شخص با ایمان که خمس مال خود را می دهد، هیچ گاه فقر یا شکست در زندگی را به خمس یا زکات دادن نسبت نمی دهد، بلکه به گناهان و یا مقدرات الهی منسوب می کند، ولی شخصی که ایمان چندانی ندارد، اگر یک بار خمس و یا صدقه بدهد و پس از آن اُفت اقتصادی پیدا کند، آن را به خمس و صدقه نسبت می دهد.

### امر به معروف و نهی از منکر چه شرایطی دارد و وظیفه در این مورد چیست ؟

#### پرسش

امر به معروف و نهی از منکر چه شرایطی دارد و وظیفه در این مورد چیست ؟

#### پاسخ

وظیفه در مواردی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر جمع باشد همان امر به معروف است و شرایط آن به طور خلاصه عبارت است از:

الف) کسی که می خواهد امر و نهی کند بداند آنچه شخص مکلف به جا نمی آورد واجب است به جا آورد (مثل نماز) و آنچه به جا می آورد باید ترک کند (مثل قمار) و به عبارت دیگر کسی که امر و نهی می کند باید عالم به معروف و منکر باشد.

ب) احتمال بدهد که امر و نهی او در آن شخص تأثیر می کند پس اگر بداند تأثیر نمی کند. امر و نهی واجب نیست.

ج) بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند. پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی کند واجب نیست او را نهی نماید.

د) در امر و نهی مفسده ای نباشد. پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد واجب نیست امر به معروف نماید ولی اگر احتمال صحیح بدهد که چنین ضررهایی به او می رسد واجب نیست بلکه اگر امر و نهی موجب ضررهای مذکور به یکی از متعلقان او یا یکی از مومنین بشود باز هم امر و نهی واجب نیست،

(توضیح المسائل مراجع ج ۲ ص ۶۱۹ و استفتا از دفتر آیت الله سیستانی)

**آیا برای تاثیر بیشتر ابتدا می شود از نهی از منکر چشم پوشی کرد؟**

**پرسش**

آیا برای تاثیر بیشتر ابتدا می شود از نهی از منکر چشم پوشی کرد؟

**پاسخ**

در جواب به چند امر توجه داشته باشید:

الف) امر و نهی دارای مراحل و مراتبی است که باید رعایت شود؛ چون منظور از آن، وادار ساختن افراد به انجاموظا... و...حذر داشتن آن...از گناهان است. بنابراین اگر در راستای نهی از منکر، لازم شد که قدری مماشات به عملاآید، باید از بیان و تصریح به زشتی کار شخص، چشم پوشی نمود و در صورت امکان با اشاره و کنایه با او برخورد کرد و در صورت اصرار شخص بر ادامه آن کار، باید موضوع را با صراحت و مهارت با وی در میان گذاشت.

ب) مراقب باشید که مجالست با چنین افرادی و مماشات با آنها، باعث نشود که انسان خودش نیز نسبت به آنگناهان دلش نرم شده و تمایل پیدا کند؛ نظیر کسی که می رود تا غریق را نجات دهد، ولی بر اثر نداشتن استعداد و مهارت کافی خودش نیز گرفتار امواج می شود.

ج) مبادا به بهانه مماشات و وسوسه های خفی شیطان، به طور کلی نهی از منکر مورد غفلت و فراموشی قراربگیرد. }J

**شیوه های امر به معروف و نهی از منکر**

**در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟**

**پرسش**

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

**پاسخ**



نصوص معتبر دینی باصراحت و قاطعیت مسوولیت افراد را نسبت به انحرافات اجتماعی مطرح ساخته اند. در چشم انداز اسلامی پیدایش و بقای جامعه سالم بدون مسوولیت همگانی ناممکن است. البته در این راستا مسوولیت افراد متفاوت است و هر کس به تناسب توانایی ها دانش ها و شرایط ویژه ای که در آن قرار دارد مسوول است. مساله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب و همسویی برخی از جریانات داخلی دارد. از گذشته ها و ریشه تاریخی مساله که بگذریم، متاسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارایه کرده اید. اکنون باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد: الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی. هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تاثیر وارونه خواهد شد. در این رابطه نکات چندی رایادآور می شویم: الف) تنها به معضلات و ابعاد منفی اجتماع فکر نکنید، بلکه به جنبه های مثبتی که به شکرانه انقلاب برای ملت ما پیش آمده نیز بیندیشید. اگر شما بتوانید دوران پس از انقلاب را بادوران قبل از آن مقایسه کنید نگرش دیگری خواهید داشت. ب) علاوه بر این نباید از معضلات اجتماعی آنچنان

ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه ور سازید، چون خود این حالت نیز باعث کنندی کار و سد راه تکامل شما خواهد بود. نبی اکرم (ص) درباره نابسامانی اجتماع و عدم ایمان مردم به شدت ناراحت می شدند تا این که خدای سبحان حضرتش را دلداری داده و می فرماید: (( طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى ؛ پیامبر ما این قرآن را برای این نفرستادیم که به خاطر کفر و عدم گرایش این مردم خود را به رنج و مشقت بیفکنی ))، (( طه ، آیه ۱ )) و نیز می فرماید: (( لعلک باخع نفسک الا یكونوا مومنین ؛ ای رسول ، تو چنان در اندیشه این خلقی که از غم بی ایمانی این مردم خود را هلاک کنی ))، (( شعرا ، آیه ۲۳ )) . ملاحظه می کنید که قرآن مجید چگونه نبی اکرم (ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذر داشته است و نیز تعبیر حکیمانه علی (ع) در این راستا حایز اهمیت است که می فرماید: (( اللهم نصف الهمم ؛ هم و غم نصف پیری را تشکیل می دهد ))، (( نهج البلاغه قصار ۱۴۳ )) ؛ یعنی ، غصه و اندوه انسان رامی شکند و زود از پا در می آورد. با این نگرش ، گرچه ما به احساس پاک شما ارج می نهیم ولی رهنمود ما این است که خود را چنان دچارانده و حسرت نکنید که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید. ج) و

اما چه باید کرد؟ از نکات مزبور چنین برداشت نکنید که پس مامسولیتی در ازای این رویدادها نداریم؛ بلکه به پیشنهادی چند، نیک بیندیشید. ۱- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امر به معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت و ظرافت به انجام برسانید. ۲- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشکل داشته باشید. ۳- و در محافل و مجالسی که تشکیل می دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری از دانشجویان به طور فعال و کوشا در این راه گام بردارید و مطمئن باشید که خدای کریم در صدد ارشاد چنین فرزانه‌گانی است. و امیدوار باشید که در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت. چند از این الفاظ واضمار و مجاز سوزخواهم سوز با آن سوز ساز:

### اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟

#### پرسش

اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟

#### پاسخ

به سه نکته اشاره می کنم.

۱. ایمان حقیقتی است قلبی که ما نمی توانیم در مورد وجود، عدم یا مراتب آن در دیگران به صورت مطلق قضاوت کنیم. هر کدام از ما انسانها ممکن است در بعضی دستورات دین کوتاهی کنیم. ممکن است کسی پوشش مناسبی نداشته باشد ولی هیچگاه نماز صبح او قضا نشود ولی من پوشش اسلامی کامل داشته باشم اما در ماه چندین بار نماز صبح را از دست بدهم. آنچه در نزد مردم مشاهده می شود ظاهر من است در نتیجه براساس همان ظاهر قضاوت می کنند، البته به یقین، ما در مورد دیدگاهی که مردم درباره ما پیدا می کنند مسؤول هستیم، اما آنچه مقصود من است این که: از ظاهر افراد نمی توان میزان ایمان و بی ایمانی آنها را کشف کرد. بلکه حداکثر می توانیم بگوییم در مورد این موضوع خاص، این فرد کوتاهی یا گناه کرده است.

۲. میزان وظیفه ما بستگی به میزان توانایی ما و عوامل فرعی دیگری مانند خویشاوندی است، که با فرد مورد نظر داریم. بنابر فتوای آیات عظام اراکی، گلپاگانی و امام (در نگاه، حتی اگر خوف به فساد افتادن باشد، حرام است. " (۱) و " رفتن به مجالسی که انسان می داند در آن مجلس مرتکب حرام خواهد شد جایز نیست. " (۲) پس اگر فرد، توان عملی امر به معروف و نهی از منکر را در خود نمی بیند و احتمال تأثیر منفی را در خود احساس می کند وظیفه ای در مقابل اینگونه افراد ندارد اما اگر نوع خطا و گناه در

او تأثیری ندارد و یا از نظر اراده، علم و تقوا در حدّ بالایی است و یا فرد مورد نظر از بستگان نزدیک اوست و احساس مسؤولیت می کند، در حدّ توان وظیفه دارد با رفتار اسلامی و عبارتهای محترمانه و مؤدبانه او را متوجه اشتباهش کند.

۳. حضرت امام (می فرمایند: "هر کس رحمتش و عنایت و لطفش به بندگان خدا بیشتر باشد از اِعْوَجاَج و شقاوت آنها بیشتر اذیت می شود." (۳) بنابراین اصل ناراحت شدن فردی از معصیت دیگران نشان دهنده رحمت وجودی او و سلامت نفس اوست. که امیدوارم این روحیه را در خود حفظ و تقویت کنید.

توضیحات تفصیلی در مورد امر به معروف و نهی از منکر، حدود و شرایط آن را در صورت تمایل می توانید به کتاب رساله توضیح المسائل مقام معظم رهبری به نام "اجوبه الاستفتائات" از صفحه ۳۰۱ تا ۳۱۲ مراجعه کنید.

منابع و مأخذ:

۱ و ۲. احکام روابط زن و مرد، تهیه سید مسعود معصومی، ص ۳۶ و ص ۱۱۶

۳. اربعین حدیث، امام خمینی (، ص ۲۴۶

### اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟

#### پرسش

اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟

#### پاسخ

دوست عزیز در مورد سؤال شما به سه نکته اشاره می کنم.

(الف)- ایمان حقیقتی است قلبی که ما نمی توانیم در مورد وجود، عدم یا مراتب آن در دیگران به صورت مطلق قضاوت کنیم. هر کدام از ما انسانها ممکن است در بعضی دستورات دین کوتاهی کنیم. ممکن است کسی پوشش مناسبی نداشته باشد ولی هیچگاه نماز صبح او قضا نشود ولی من پوشش اسلامی کامل داشته باشم اما در ماه چندین بار نماز صبح را از دست بدهم. آنچه در نزد مردم مشاهده می شود ظاهر من است در نتیجه براساس همان ظاهر قضاوت می کنند، البته به یقین، ما در مورد دیدگاهی که مردم درباره ما پیدا می کنند مسئول هستیم، اما آنچه مقصود من است این که: از ظاهر افراد نمی توان میزان ایمان و بی ایمانی آنها را کشف کرد بلکه حداکثر می توانیم بگوییم در مورد این موضوع خاص، این فرد کوتاهی یا گناه کرده است.

(ب)- میزان وظیفه ما بستگی به میزان توانایی ما و عوامل فرعی دیگری مانند خویشاوندی است، که با فرد مورد نظر داریم.

بنابر فتوای آیات عظام اراکی، گلپاگانی و امام [ره] در نگاه، حتی اگر خوف به فساد افتادن باشد، حرام است (۱) و "رفتن به مجالسی که انسان می داند در آن مجلس مرتکب حرام خواهد شد جایز نیست (۲) پس اگر فرد، توان عملی امر به معروف و نهی از منکر را در خود نمی بیند و احتمال تأثیر منفی را در خود احساس می کند وظیفه ای در مقابل اینگونه افراد ندارد اما اگر نوع خطا و گناه

در او تأثیری ندارد و یا از نظر اراده، علم و تقوا در حدّ بالایی است و یا فرد مورد نظر از بستگان نزدیک اوست و احساس مسؤولیت می کند، در حدّ توان وظیفه دارد با رفتار اسلامی و عبارتهای محترمانه و مؤدبانه او را متوجه اشتباهش کند.

ج) - حضرت امام [ره] می فرمایند: "هر کس رحمتش و عنایت و لطفش به بندگان خدا بیشتر باشد از اِعْوَجاَج و شقاوت آنها بیشتر اذیت می شود (۳) بنابراین اصل ناراحت شدن فردی از معصیت دیگران نشان دهنده رحمت و جود او و سلامت نفس اوست. که امیدوارم این روحیه را در خود حفظ و تقویت کنید.

توضیحات تفصیلی در مورد امر به معروف و نهی از منکر، حدود و شرایط آن را در صورت تمایل می توانید به کتاب رساله توضیح المسائل مقام معظم رهبری به نام "اجوبه الاستفتائات" از صفحه ۳۰۱ تا ۳۱۲ مراجعه کنید.

منابع و مأخذ:

۱) و ۲) احکام روابط زن و مرد، تهیه سید مسعود معصومی، ص ۳۶ و ص ۱۱۶

۳) اربعین حدیث، امام خمینی (ره)، ص ۲۴۶

**در جامعه الآن که آزادی وجود دارد، چگونه می توان حجاب را به طور صحیح رعایت کرد؟ و با افرادی که بی حجابند، چطور باید برخورد کرد؟**

**پرسش**

در جامعه الآن که آزادی وجود دارد، چگونه می توان حجاب را به طور صحیح رعایت کرد؟ و با افرادی که بی حجابند، چطور باید برخورد کرد؟

**پاسخ**

۱. خداوند انسانها را مختار آفریده و آفرینش و تداوم حیات و ثواب و عقاب بر این اصل استوار است. پس هر کس باید با اراده خود مسیر زندگی را تشخیص دهد و از فطرت، عقل و تجربه افراد متعهد که در رأس آنها انبیاء، اولیاء و پدر و مادر هستند استفاده کند.

۲. چه بسا مسیرمان را انتخاب کرده ایم، ولی جوّ جامعه به گونه ای است که اراده ما توان مقابله با آن را ندارد، در این حال ضمن طلب یاری از خداوند باید:

الف انس خود را با قرآن بیشتر کنیم.

ب در اجتماعات دینی و افرادی که مانند ما فکر می کنند حضور چشمگیر داشته باشیم، و دوستانی برای خود انتخاب کنیم که

این معیارها را دارند.

ج عوامل تحریک شهوات و ایجاد مفسد را از زندگی خود دور کنیم.

د با تفکر و مطالعه اعتقادی و اخلاقی، سطح آگاهیهای فردی و اجتماعی خود را افزون کنیم.

در مورد سؤال دوم نیز نکاتی را تقدیم می کنم:

۱. در ایران بی حجاب نداریم و آنچه مشاهده می شود بدحجابی یا به تعبیر دقیقتر حجاب غیر کامل است.

۲. در مواجهه با این افراد طبق فتوای مراجع، باید در صورت علم و توانایی و با شرایط در نظر گرفته شده، امر به معروف کنیم که دارای مراتبی است، نظیر قطع ارتباط، پاسخ کلامی و جلوگیری و منع، که این یکی توسط دستگاههای مسؤول صورت می گیرد نه مردم عادی، اما

در صورتی که فرد مطمئن است که به مفسد آلوده نمی شود و توان تأثیرگذاری بر مرد یا زن بدحجاب را دارد، می تواند با تداوم ارتباط و نشان دادن رفتار صحیح اسلامی به او، در بلند مدت او را به فطرت اولیه خود بازگرداند، که این کار از هر کسی ساخته نیست و برای عموم توصیه نمی شود. (۱)

منابع و مأخذ :

۱. مراجعه کنید به : اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری، ج ۱، ص ۳۰۱ تا ۳۱۲

## **چه فعالیتهایی در حوزه علمیه صورت گرفته است تا ارتباط بیشتری با مردم داشته باشند؟ و مطالعات و تحقیقات آنها مطابق نیازهای مردم مخصوصاً نسل جوان باشد؟**

### **پرسش**

چه فعالیتهایی در حوزه علمیه صورت گرفته است تا ارتباط بیشتری با مردم داشته باشند؟ و مطالعات و تحقیقات آنها مطابق نیازهای مردم مخصوصاً نسل جوان باشد؟

### **پاسخ**

از چندین سال پیش با عنایات خاص و توجهات مقام معظم رهبری، و توصیه های ایشان، مسؤولین حوزه علمیه در قم، خراسان و اصفهان برنامه هایی تدوین نموده اند تا سیستم درس و مطالعاتی حوزه مناسب پاسخگویی به مردم در جهات اعتقادی، احکام و اخلاقی باشد. بعنوان مثال : مؤسسات تحقیقاتی خوبی در قم تأسیس شده اند و تدریس بعضی دروس که بیشتر جوابگوی مردم بویژه نسل جوان کشور می باشد در حوزه های علمیه قوت گرفته است. در زمینه تبلیغ نیز سعی شده تا ضمن حفظ شیوه های سنتی تبلیغ که از معنویت خاصی برخوردار است این امر مهم سازماندهی شود و تبلیغ معارف دینی، بیشتر مناسب با نیازهای معنوی و فکری جامعه باشد. همچنین دوره های آموزشی ویژه روحانیون مبلغ تشکیل شده است تا تخصص های لازم در بیان مطالب و نحوه برخورد با مردم در ایام تبلیغ را کسب نمایند. در بُعد اجتماعی و فرهنگی حوزه های علمیه، نیز اقداماتی در قالب کلاسها و جلسات اخلاقی منظم در مدارس علمیه صورت گرفته است تا فرهنگ برخورد و معاشرت با مردم منطبق بر ملاک ها و معیارهای اسلامی تقویت شود.

در خصوص اصل ارتباط بیشتر حوزه های علمیه با مردم نیز باید گفت از قدیم این ارتباط در حد مطلوب بوده است و مردم در مسجد و مجالس مذهبی از حضور روحانیون و طلاب علوم دینی بهره مند شده اند، ولی آنچه امروزه مهم است این



است که با توجه به موقعیت زمان حاضر و توطئه های دشمنان بخصوص در حوزه فرهنگ و دین، این ارتباط باید مستحکمتر شود و فعالیت مساجد، کانون های فرهنگی و مجالس مذهبی در جهت مبارزات فرهنگی بیشتر شود و اقداماتی هم در این زمینه صورت گرفته است که امیدواریم روز به روز بیشتر و بهتر شود.

البته علاوه بر آنچه ذکر شد نباید از کمبودها و نقصها نیز غفلت کرد و شاید بهترین اقدامی که باید در حوزه های علمیه صورت گیرد این است که حسّ پرسیدن را در جامعه پرورش دهند تا با سؤالات مکرر و متعدّد مردم اولاً نیازهای فکری و معنوی مردم مشخص شود، ثانیاً فعالیت های تخصصی حوزه های علمیه در جهت رفع همین شبهات و ابهامات شکل بگیرد که این امر بر برنامه ریزی در حوزه های علمیه، همّت و پشتکار مردم را نیز می طلبد.

در پایان از خداوند متعال استدعا می کنیم همه توان ما و شما را در جهت خدمت به نشر معارف الهی و تقویت دین اسلام قرار دهد.

قَوِّ عَلِيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي (۱)

۱. فرازی از دعای شریف کمیل

**رفتار ما با کسانی که به رهبر و یا دیگر مسؤولین نظر سوئی دارند و بدگویی می کنند چگونه باید باشد؟**

**پرسش**

رفتار ما با کسانی که به رهبر و یا دیگر مسؤولین نظر سوئی دارند و بدگویی می کنند چگونه باید باشد؟

**پاسخ**

۱. عدم اعتقاد از لحاظ اجتهاد یا تقلید به ولایت مطلقه فقیه در زمان غیبت حضرت حجّت ارواحنا فداه، موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی گردد. (۱)

۲. ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره مسایل اجتماعی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه اثنی عشری است که ریشه هایی در اصل امامت دارد. کسانی که بر اساس استدلال و اقامه برهان به آن اعتقاد ندارند معذورند ولیکن ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای آنها جایز نیست. (۲)

۳. دفاع از انقلاب اسلامی برای عموم مسلمانان واجب می باشد (۳) و اگر کسی از انقلاب یا رهبری آن بدگویی می کند باید محترمانه و منطقی به او تذکر دهیم و امر به معروف و نهی از منکر کنیم و در صورتی که انسانی پرده در و هتّاک بود از ادامه صحبت با او پرهیز کنیم، اما معمولاً عموم افراد در صورت برخورد محترمانه و کریمانه پاسخ مناسبی از خود نشان می دهند. در هر صورت شرایط امر به معروف و نهی از منکر به ترتیب باید مورد توجه و اجرا قرار گیرد. (۴)

۴. هیچ کس منکر این نیست که در کشور نقایص و عیوبی وجود دارد. کما اینکه در تمامی کشورهای دنیا چنین مشکلاتی نظیر گرانی و عدم اشتغال هست، و اینکه رهبر انقلاب دستور مبارزه با فقر، فساد و تبعیض را صادر نمودند از سویی نشان دهنده وجود چنین نقایصی است و از سوی دیگر نشان دهنده عزم و تلاش ایشان و مسئولان برای رفع

این مشکلات است.

بنابراین انتقاد سازنده مناسب است و نشانه دلسوزی فرد، اما نباید تبدیل به بدگویی یا مانند آن شود.

منابع و مآخذ:

۱. اجوبه الاستفتائات رهبر انقلاب، ج ۱، ص ۲۴، سؤال ۶۲

۲. همان، سؤال ۶۴

۳. وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی، ص

۴. رساله اجوبه، ج ۱، ص ۳۰۱ تا ۳۱۲

**وظیفه ما در مقابل افرادی که ادعا می کنند مستجاب الدعوه بوده و می توانند با اهل بیت : و به خصوص امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط برقرار کنند و حتی دیگران را به حضور ائمه : شرفیاب کنند و آنان را موفق به دیدار ائمه کنند، و یا بیماران را با ادعیه**

**پرسش**

وظیفه ما در مقابل افرادی که ادعا می کنند مستجاب الدعوه بوده و می توانند با اهل بیت : و به خصوص امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط برقرار کنند و حتی دیگران را به حضور ائمه : شرفیاب کنند و آنان را موفق به دیدار ائمه کنند، و یا بیماران را با ادعیه و مواد خاصی شفا دهند و.... چیست آیا این افراد در ادعای خود صادق هستند؟! و یا افرادی شیاد بوده که قصد اغفال مردم ساده لوح را دارند؟ چه برخوردی باید با آنها نمود؟

**پاسخ**

هر کس نسبت به شئون مختلف که بر عهده دارد وظایف معینی نیز دارد. از جمله شئون انسان شأن خانوادگی شغلی ملی و شأن علمی و اجتماعی می باشد. که هر یک از این شأن ها آداب و شرایطی دارد که هر فردی سعی می کند آداب مناسب آن شأن را رعایت کند. ولی آیا ما شأن دیگری نداریم چرا، ما مسلمانان شأنی به نام دین و عقیده داریم و آن اسلام و تشیع است و از آنجایی که عقیده هر کس سازنده شخصیت و شاکله اوست اساسی ترین شأن او نیز می باشد. به فرموده قرآن کریم «هر فردی بر اساس شاکله اش عمل می کند.» و بنابراین محوری ترین شأن شأن عقیدتی انسان است

حال باید دید ما نسبت به شأن دینی خود که تشیع است چه شرایطی باید داشته باشیم و چه وظایفی بر عهده داریم به طور قطع شناخت اسکلت اصلی دین یعنی اصول دین اولین وظیفه یک شیعه است یعنی باید ابتدا به دنبال تحصیل شناختی صحیح دقیق



مستدل از اصول اعتقادی اسلام (توحید، معاد، نبوت عدل و امامت باشیم و بعد از کسب چنین شناختی است که می توانیم برای سؤلهایی که در حاشیه هر یک از این مباحث مطرح می شود، پاسخی منطقی بیابیم به عنوان نمونه وقتی جایگاه امام را از طریق عقلی نقلی و عرفانی دریافتیم جایگاه شفادادن جواب دادن ائمه (: ) به نیازهای ما، ارزش رؤیت ائمه اطهار (: ) و کاربرد این رؤیت و..... نیز برای ما روشن می شود. ولی اگر به جای شناخت ریشه دین به اجزأ و میوه های آن ریشه بپردازیم به جایگاه و خواص واقعی آنها پی نخواهیم برد. مثل این که فردی خانه ندارد و شناختی از ابزارهای خانه نیز ندارد اما تعدادی تابلو، آینه میخ و.... به او بدهند و او نداند که این وسایل به چه کار او می آید و فقط با آنها اطراف خود را شلوغ می کند. بنابراین شما فکر کنید که این سؤالها چه مشکلی از شما را حل می کند؟ آیا از طریق آنها می خواهید بفهمید که ائمه (: ) قدرت شفا دارند؟ و یا قدرت حل مسایل را دارند؟ ...

اگر از این راه می خواهید صدق وجود آنها را متوجه شوید راه غلطی است بلکه شما باید در بحث معارف دریابید که شفادادن ، حضور داشتن و.... در قدرت خدا و ائمه (: ) است و اگر می خواهید بفهمید این مدعیان راست می گویند یا دروغ بازهم به چه دردتان می خورد؟ چه بسا بعضی از این افراد در ادعای خود کاذب و بعضی صادق می باشند که تشخیص آن به اهل فن برمی گردد و به طور قطع

شما در این باره وظیفه ای ندارید. بنابراین سعی کنید ذهن و فکر خود را از این موضوعات بیرون آورید و با این گونه مجالس و افراد ارتباط نداشته باشید که نه تنها حقیقتی را روشن نمی کنند بلکه شما را گرفتار اوهام و خیالات می کند. باز هم تذکر می دهیم که باید راه دین را از طریق و معراج صحیح آن شناخت و بهترین راه شناخت دین که وظیفه اصلی و محوری هر انسان است دریافت و فهم اصول اعتقادی از طریق قرآن و سنت است و علماً و فقهاً دین بازگویان قرآن و سنت می باشند. پس توصیه می کنیم که با مطالعه کتابهای اعتقادی از علماً بزرگ همچون امام (:) و استاد شهید مطهری (:)، آیت الله سبحانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله مظاهری (حفظهم الله) مبانی اعتقادی خود را تحکیم بخشید. و از صرف انرژی فکری خود در مسایل غلط و ناروا و ادعاهای نامشخص پرهیز کنید. در این راستا می توانید از برنامه های شبکه رادیو معارف نیز بهره مند شوید.

خلاصه کلام این که بر فرض که همه این ادعاها راست باشد (که نیست، اگر صرف دیدن معصوم (۷) فایده ای داشت پس چرا بسیاری از کسانی که پیامبر و ائمه (:) را دیدند و در زمان آن بزرگواران حضور داشتند، به صراط مستقیم هدایت نشدند!!

پس باید نسبت به مقام آنان معرفت داشت لذا شما تلاش کنید با تقویت بنیه علمی اعتقادی و عمل صالح موجبات کسب معارف و قرب الهی را فراهم کنید تا در پرتو آن به رشد معنوی برسید. خواهر محترم آنچه بیان شد وظیفه فردی شما در مقابل

این مسأله می باشد. اما وظیفه اجتماعی شما ایجاب می کند که این موارد را به ستاد خبری ۱۱۳ و یا سپاه و بسیج منطقه خود اطلاع دهید تا از مجرای قانون با این جریان برخورد لازم انجام شود.

**چرا درمقابل غیبت و تهمت مثل بی حجابی شدت عمل به خرج داده نمی شود**

**پرسش**

چرا درمقابل غیبت و تهمت مثل بی حجابی شدت عمل به خرج داده نمی شود

**پاسخ**

غیبت و تهمت از گناهانی است که معمولاً به طور آشکار و علنی در حد حجاب نیست. از این رو جلوی این گونه گناهان را گرفتن بسی مشکل تر است؛ ولی در رابطه با حجاب که به طور علنی و آشکار است، بیشتر می توان اقدام کرد. {J}

**چگونه می توان یک فرد بدبین را به نظام و انقلاب خوشبین کرد**

**پرسش**

چگونه می توان یک فرد بدبین را به نظام و انقلاب خوشبین کرد

**پاسخ**

این مسأله بستگی به میزان ارتباط با طرف و کیفیت تأثیر پذیری وی و توانایی تأثیر گذارنده دارد و نمی توان برای آن فرمول مشخصی داد. لیکن نکته مهم این است که اولاً باید درست طرف مقابل را شناخت، سپس با زبانی جذاب و منطقی متناسب با روحیاتش او را جذب نمود و ارشاد کرد. {J}

**با مخالفین نظام چگونه برخورد کنیم**

**پرسش**

با مخالفین نظام چگونه برخورد کنیم

**پاسخ**

حتی الامکان باید با منطقی درست و برخوردی جذاب آنان را متنبه و متقاعد ساخت. }J

**اگر بخواهید در قالب یک نامه ی دوستانه شخصی را امر به محجبه بودن و نهی از بی حجابی بکنید چه نامه ای می نویسید. خواهشمندم در رابطه با این سؤال یک نمونه ی نامه بنویسید.**

### پرسش

اگر بخواهید در قالب یک نامه ی دوستانه شخصی را امر به محجبه بودن و نهی از بی حجابی بکنید چه نامه ای می نویسید. خواهشمندم در رابطه با این سؤال یک نمونه ی نامه بنویسید.

### پاسخ

در مورد حجاب خود قرآن دستور اکید به آن داده و از بدحجابی منع کرده است، از جمله در سوره احزاب آیه ۵۹ خداوند می فرماید «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیهن...»؛ ای پیامبر! همسران و دخترانت و زنان مؤمنین را بگو که خویشان را با [چادر یا مقنعه های بلند] فرو پوشند...

اما فلسفه حجاب: اولاً: چون ما در عقاید خویش برای وحی جایگاهی ویژه قائل هستیم آنچه را که از این طریق به ما برسد با منت می پذیریم؛ زیرا می دانیم که خداوند جز به مصلحت بندگان خویش فرمان نمی راند. ثانیاً: بسیاری از حکمت ها و فلسفه های حجاب امروزه روشن شده است:

الف) پوشش امری غریزی و فطری برای بشر است کاوش های باستان شناسی نشان می دهد که از دیر زمان بشر در حد امکان نسبت به مساله پوشش اهتمام ورزیده است و همه صاحبان ادیان نیز آن را سرلوحه عمل قرار داده اند.

ب) مستور بودن زیباییها و جذبه های جنسی زن و مرد آنها را از معرض دید و طمع ورزی شهوت پرستان هرزه محافظت می کند و امنیت و بهداشت روانی جسمی آنان را تامین می نماید.

ج) برهنگی راهبر به سوی بی بند و باری و لجام گسیختگی جنسی است که عواقب شوم و زیانباری دارد؛ از جمله:

۱- گسترش فساد و ناهنجاری های اجتماعی.

۲- شیوع بیماری هایی چون سفلیس سوزاک ایدز و...

۳- سست شدن پیمان مقدس خانواده گسترش آمار



طلاق و بالا گرفتن عقده های روحی در کودکان.

۴- زیاد شدن فرزندان نامشروع.

اینها و ده ها مشکل اجتماعی دیگر عواقب شومی است که جهان غرب را سخت برآشفته و ستاره تمدنش را به افول می کشاند تا آن جا که حتی فریاد متفکرین ماتریالیستی چون راسل را برآورده و جهان را سخت بر آنان تنگ کرده است. ولی مکتب گرانقدر اسلام در پرتو هدایت های نورانی اش همچون حجاب از اساس با این جریان ویرانگر به مبارزه برخاسته و حجاب را دژی استوار برای صیانت فرد و جامعه از آسیب های بیشمار قرار داده است. از همین روست که استعمارگران برای تخدیر جوانان در بند کشیدن آنان و گسترش اهداف ظالمانه خویش از بی حجابی و برهنگی به عنوان ابزاری قوی سود می جویند.

به طور خلاصه: رعایت حجاب و پوشش، آثار زیر را به دنبال دارد:

۱- آرامش روانی، ۲- استحکام پیوند خانوادگی، ۳- استواری و فعال بودن بیشتر اجتماع، ۴- حفظ ارزش و احترام زن.

چون زن هر اندازه متین تر و باوقارتر باشد و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می گردد و باید به این واقعیت عمیق اشاره کرد که: آلوده ترین پسران در هنگام ازدواج به دنبال پاک ترین دختران می گردند.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: «فلسفه حجاب» شهید مرتضی مطهری

**در مقابل افرادی که از نظام بد می گویند ولایت را سرزنش می کنند چگونه بایستم حتی اگر بزرگتر من باشند و حتی اگر جوان و نامحرم باشند چگونه به آنها بفهمانم که همه یک طور نیستند برای نظام و مسئولین که واقع خوب هستند احترام بگذارم و در مقابل مسئولین دیگر را راهنم**

**پرسش**

در مقابل افرادی که از نظام بد می گویند ولایت را سرزنش می کنند چگونه بایستم حتی اگر بزرگتر من باشند و حتی اگر جوان و نامحرم باشند چگونه به آنها بفهمانم که همه یک طور نیستند برای نظام و مسئولین که واقع خوب هستند احترام بگذارم و در مقابل مسئولین دیگر را راهنمایی کنم مگر نه این که ما

در مقابل اعمال مسئولین حکومت هم وظیفه داریم پس ادارات و رؤسای ما چگونه به کار بد خود برسند اگر ما آنها را به کار بدشان آگاه نکنیم اما چگونه وقتی یک دختر باشی بی پناه و بدون حمایت کنند؟! اصلاً از کجا بفهمی که چه کسی راست می گوید؟

## پاسخ

راجع به این مسئله انسان باید موقعیت شناس باشد. گاهی شخصی بعلت نادانی یا سادگی و در اثر القای شبیحات و شایعات دست به چنین کارهایی می زند، در این صورت اگر احتمال بدهیم با نصیحت و بحث منطقی امکان قانع شدنش وجود دارد پس شایسته است در مقابل این گونه افراد با بهترین و ملایم ترین شیوه واقعیات را بیان نموده از حقیقت دفاع کنیم.

اما گاهی بعضی اشخاص به علل گوناگون نمی توانند قضاوت درستی از امور داشته باشند طوری که در گفتار و کردار از محور حق خارج شده با اندک بهانه ای ره به افراط و تفریط می برند.

بعضی هم از روی عناد و کینه توزی حقایق را نادیده گرفته و از هر فرصتی برای سرزنش و بدگویی استفاده می کنند. حتی کار را به جایی می رسانند که با دیدن افراد متعهد و دلسوز نسبت به نظام اسلامی، بد گوئی را شدیدتر می کنند. در برخورد با این قبیل افراد ( چون احتمال هدایت ایشان کم است) بهتر است یا سکوت اختیار کنیم یا به زیباترین شیوه از ایشان روگردان شویم. متانت، استواری و رفتار شایسته در این موارد، علاوه بر این که سلامت و آرامش روحی و روانی ما را حفظ خواهد کرد بلکه از ایجاد نفرت در مخاطب نیز

جلوگیری خواهد نمود.

اما در اصل این موضوع که باید بعضی مسئولین را نسبت به عملکرد نابجایشان ارشاد کنیم شکی نیست. همه این وظیفه را دارند اما رعایت شرایط و مراحل امر به معروف و نهی از منکر بسیار ضروری است.

مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر، موسسه فرهنگی قدر ولایت، تابستان ۱۳۷۵

### چگونه می توان جوانان را به سوی معنویت دعوت کرد؟

#### پرسش

چگونه می توان جوانان را به سوی معنویت دعوت کرد؟

#### پاسخ

{ساختن یک فرد زمینه های فراوانی لازم دارد، از جمله بینش دادن به فرد در مورد ضرورت تخلُّق به اخلاق و آدابو سپس رهنمودهای نظری.

مؤثرترین شیوه در این زمینه، آموزش عملی است. اگر شما می خواهید به کسی اخلاق آموزش دهید خود اخلاقی باشید.

به فرموده امام صادق(ع): کونوا دعاه الناس بغیر السستکم؛ مردم را با غیر زبان هایتان (با عمل) دعوت به خیر کنید {M}.

### چگونه باید با منتقدان نظام و ولایت فقیه برخورد کرد؟

#### پرسش

چگونه باید با منتقدان نظام و ولایت فقیه برخورد کرد؟

#### پاسخ

مخالفان و یا منتقدان نظام، بر چند دسته اند: برخی به خاطر بی دینی با نظام مخالف اند و برخی دیگر نیز با وجود آن که از زمره متدینین هستند، نسبت به نظام دیدگاه خاصی دارند.

این گروه نیز یکسان نیستند؛ برخی به خاطر دیدگاه های خاص خود مسأله دار هستند که در این موارد بایستی با ریشه یابی، علت را دریافت و با منطق و حسن برخورد، سعی در رفع شبهه از اذهان آنان نمود و در برخی از موارد نیز با قبول اشکالات، از

کلیت نظام و اهداف و خدمات آن دفاع کرد.

اگر احتمال می دهید که امر به معروف و نهی از منکر در وی تأثیر داشته باشد، لازم است که وی را ارشاد نمایید، ولی اگر امیدی به اصلاح ندارید و ترس داشته باشید که رفت و آمد و همنشینی با ایشان در اخلاق و رفتار شما تأثیر سوء داشته باشد، سزاوار است که از ادامه مجالست و همنشینی با وی خودداری کنید.

صحبت های بی جا نیز گر چه چیز لغوی است، ولی تا وقتی که همراه با غیبت، دروغ، توهین، تمسخر و فحش نباشد حرام نیست. }

### فرزند شهیدی بعلت مسائل اجتماعی از شهادت پدرش ناراضی است \* چگونه وی را آگاه سازیم ؟

#### پرسش

فرزند شهیدی بعلت مسائل اجتماعی از شهادت پدرش ناراضی است \* چگونه وی را آگاه سازیم ؟

#### پاسخ

به منظور پاسخ دادن بهذهنیت فردی که با شهادت پدرش در کشاکش به سر می برد دو مسیر را می توان طی نمود:

۱- پرداختن به سؤالات و ابهام هایی که ذهن آن شخص را پر کرده است، لذا در این مورد ابتدا باید از او پرسید که چرا ناراضی است؟ چرا مخالف است؟ و چرا... بعد از دریافت استدلال های وی باید به مقابله با هر یک از چراهای او پرداخت و به هر یک به صورت مستقیماً پاسخ داد. حال با عنایت به این که ما از محتوای ذهن این شخص و سؤالات او به صورت خاص اطلاع نداریم نمی توانیم به جواب مستقیم پردازیم و چنانچه شما تمایل دارید به صورت خاص به سؤالات وی پاسخ دهیم، باید سؤالات ذهنی و تشویش های فکری او را در مورد شهادت پدرش به صورت مستقل در مکاتبه ای دیگر برای ما بنویسید تا زمینه خدمت گذاری فراهم آید.

۲- راه دوم برای مقابله و برطرف کردن این ذهنیت آن است که بدون توجه به سؤالات ریز و کوچک آن شخص، آن سؤالات را به صورت یک موضوع کلی در نظر گرفته به ارائه مطالبی مطابق با آن پردازید. مثلاً لازم است وی را با فلسفه شهادت در معارف اسلامی و درزندگی انسانی ما آدمیان آگاه سازید و همین طور باید وی را با مقام شهید و ارزش از خود و جان خون گذشتن آشنا سازید و مهم تر از تمام این مباحث، تبیین جایگاه و ارزش زندگی دنیوی و ارتباط آن با زندگی اخروی از جمله مباحث ضروری است که

باید به آن پرداخته شود تا آنجوان بداند که این زندگی چه خوب و چه بد محل گذر است و همگی آن روز چشم به دست شهیدان دوخته و در آخرت در محضر حق حاضر خواهیم شد و آن زندگی زندگی جاودانه است و فنا در آن راه ندارد و شهدا از جمله افرادی هستند که می توانند در آن دنیا موجبات شفاعت برای ما را نزد خداوند فراهم سازند.

باید به گونه ای برای آن جوان مسأله جهاد و شهادت را در معارف اسلام و در نزد تمام اقوام و ملل بیان کنید که این مقام را برای خود یک ارزش تلقی کند و ما محرومین از آن تلقی کردیم. چون شهادت بالاترین مقامی است که خداوند برای خوبان در نظر می گیرد و هر کسی رالیافت آن نیست، لذا خوب است او را با کتب زیر آشنا و از این طریق بینش او را نسبت به شهید و شهادت اصلاح کنید که شهادت نفعه شدن نیست.

۱- شهید و شهادت، استاد مطهری، ۲- فلسفه شهادت، مدرسی

دومین شکل مواجهه در این زمینه بیان روی دیگر سکه است که اگر به فرض - پدرتان به جبهه نمی رفت و... آیا ضمانت وجود او بود. آیا دیگران که جبهه نرفتند جملگی به سلامت هستند. هزاران نفر به جبهه نرفتند و یا رفتند و سالم برگشتند ولی اکنون از این دنیا کوچ کرده اند و فرزندان خود را بی پدر رها ساخته اند و... بنابراین در یک کلام باید با ارائه کتاب و مطالبی از معارف اسلامی، جایگاه انسان و دنیا و فلسفه مرگ و شهادت را در ذهن دوستان کاملاً دقیق و واضح روشن فرمایید و از

این روش وی را به حق رهنمون گردید تا پی به مقام و منزلت خویش ببرد و خود را کم بها نپندارد. }J

**آیا با افرادی که توهین به نظام جمهوری اسلامی یا ولایت فقیه یا روحانیون می کنند می توانیم برخورد کنیم و وظیفه ما در این مورد چیست؟**

**پرسش**

آیا با افرادی که توهین به نظام جمهوری اسلامی یا ولایت فقیه یا روحانیون می کنند می توانیم برخورد کنیم و وظیفه ما در این مورد چیست؟

**پاسخ**

هر فرد ایرانی خصوصاً دانشجویان عزیز که خود را نسبت به حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ارزش های الهی متعهد و مسئول می بیند و دغدغه دفاع از آن را دارد لازم است که اولاً، درباره موضوعاتی که در جامعه و محیط دانشگاهی مورد بحث قرار می گیرد، اطلاعات و معلومات در حدّ کافی داشته باشد، تاریخ و تئوریه‌ها و رهیافتهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... در مورد انقلاب اسلامی، حوادث مهم دوران انقلاب و بعد از آن، شخصیت ها و گروه های فعال و تأثیر گذار در عرصه سیاسی کشور، افکار و عقاید آنان و... را به خوبی بشناسد تا بتواند در مواقع نیاز با منطق و دلیل و مدرک به صورت مستدل از انقلاب دفاع نماید. و این کار نیازمند مطالعات گسترده منابع معتبری که در این زمینه ها نوشته شده، می باشد.

ثانیا: علاوه بر آمادگی های علمی، هر وقت شبهه یا مسأله ای را کسی مطرح کرد که مورد قبول و پسند شما نبود، هیچ وقت عصبانی نشوید بلکه در کمال خونسردی و خوشرویی از طرف مقابل مدرک و مستند ادعایش را بخواهید و سعی کنید طرف مقابل را کاملاً حلاجی کرده و به سؤال بکشانید که منظور شما چیست؟ و بالفرض چنین باشد چه هدفی را دارید؟؟؟ و... زیرا اکثر شبهاتی، که در جامعه مطرح می شود ناشی از عدم فهم دقیق آن مسأله برای گوینده آن می باشد یعنی آن فرد بر اساس برداشتهای ذهنی خود شبهه را مطرح می کند. که با

کمی سؤال خود او نیز در ادعایش سست می شود.

مخالفان و یا منتقدان نظام، بر چند دسته اند: برخی به خاطر بی دینی با نظام مخالف اند و برخی دیگر نیز با وجود آن که از زمره متدینین هستند، نسبت به نظام دیدگاه خاصی دارند.

این گروه نیز یکسان نیستند؛ برخی به خاطر دیدگاه های خاص خود مسأله دار هستند که در این موارد بایستی با ریشه یابی، علت را دریافت و با منطق و حسن برخورد، سعی در رفع شبهه از اذهان آنان نمود و در برخی از موارد نیز با قبول اشکالات، از کلیت نظام و اهداف و خدمات آن دفاع کرد.

اگر احتمال می دهید که امر به معروف و نهی از منکر در وی تأثیر داشته باشد، لازم است که وی را ارشاد نمایید، ولی اگر امیدی به اصلاح ندارید و ترس داشته باشید که رفت و آمد و همنشینی با ایشان در اخلاق و رفتار شما تأثیر سوء داشته باشد، سزاوار است که از ادامه مجالست و همنشینی با وی خودداری کنید.

صحبت های بی جا نیز گر چه چیز لغوی است، ولی تا وقتی که همراه با غیبت، دروغ، توهین، تمسخر و فحش نباشد حرام نیست.

ثالثاً: ایجاد درگیری میان طرفداران گروه های سیاسی و نیروهای انقلاب و بسیج و اهانت به مقدسات و شخصیت های نظام یکی از اهداف دشمنان نظام اسلامی می باشد که باید با کمال خونسردی در دام دشمن نیافتاد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرمایند: «اگر یک چیزی که خون شما را به جوش می آورد مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند، باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس من را هم آتش زدند و یا پاره کردند باید سکوت کنید.

نیرویتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب الهی باید در مقابله با دشمن بایستد حفظ کنید»، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ تیر ۷۸، ص ۲).

همچنین معظم له در جای دیگری می فرمایند: «بعضی ها گفته اند که ما اقدام می کنیم، مجازات می کنیم؛ ابدا در جمهوری اسلامی، این کار به مسئولان مربوط است... اگر کسی احساساتی هم دارد، آن احساسات پیش خدای متعال قطعا اجر خواهد داشت؛ اما اگر عمل و اقدامی برخلاف موازین باشد - از آحاد مردم - یقینا پیش خدا هم اجری ندارد. من هم که حالا نهی کردم غیر از حرمت قانونی، حرمت شرعی نیز پیدا کرد، مراقب باشید... کسی حق ندارد یک وقت کار نسنجیده ای انجام بدهد»، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ مهر ۷۸، ص ۱۳).

رابعاً: قبل از دست زدن به هر کاری و یا ارائه هر پاسخ عجولانه ای، ابتدا خداوند متعال را در نظر گرفته و از او استعانت بجوید و خوب بیاندیشید که مبدا با مسلط شدن خشم و غضب بر شما، ناخواسته آب در آسیاب دشمنان ریخته و مسأله ای را که می شد با خوشرویی و پاسخ های منطقی حل کرده و به تقویت نظام اسلامی و وحدت دانشجویان کمک نمود را به ضد آن مبدل کرد.

#### مبسوط

#### پرسش

مبسوط

#### پاسخ

ضمن تقدیر و تحسین بخاطر احساس مسئولیتی که نسبت به دوست همکاران دارید برای حل مشکل مطرح شده نکات زیر را مورد توجه قرار دهید:

۱. از آنجا که وی فردی است اهل مطالعه چه بهتر است قبل از هر چیز بینش وی را تصحیح فرمایید و با معرفی کتابهایی که در زمینه نماز و اهمیت و ارزش آن نوشته شده است و یا هدیه آن برای او و یا در دسترس قرار دادن آن کتابها، وی را به مطالعه آنها ترغیب و تشویق کنید زیرا همانطور که گفتید هنوز فلسفه نماز و لزوم انجام آن و تأثیر نماز و عبادت در زندگی برای وی ترمیم و ملموس نشده است. و یا حداقل اینکه نگرش صحیحی از این مسأله حیاتی ندارند.

۲. به نظر می رسد وی به خاطر عملکرد غلط برخی از نماز گزاران و رفتار به قول ایشان منافقانه آنها، گمان می کند این صفت و ویژگی از تمام نماز گزاران است بنابراین چه خوب است زندگی نامه عرفا، صلحا و علمایی که در پرتو نماز به سعادت و خوشبختی رسیده اند به وی معرفی شود تا با مطالعه آنها این نگرش منفی به تدریج از ذهن وی خارج شود.



۳. رفتار مناسب دوستانه صحیح و دلسوزانه شما نیز اگر به همین شکل ادامه پیدا کند و به تدریج احساس کند نماز انسان را به کار نیک تشویق می کند و در مسیر صحیح حفظ و نگهداری می کند چه بسا تأثیر مثبت بیشتری بگذارد و به وی تفهیم شود که رفتار غلط افراد ناشی از شخصیت و روش و منش آنها است نه ناشی

از نماز خواندن و اهل نماز بودن آنها پس در تعامل و برخورد با وی همچون گذشته دقت به عمل آورید و همانطور که خودتان نیز فرمودید تا حدودی حداقل برای مدت اندکی تأثیر مثبت خود را خواهد گذاشت لذا ناامید نباشید.

۴. به خاطر تأثیر و تأثری که معمولاً بین زن و شوهر وجود دارد و لطافت و حساسیت روح زن نیز اهرم خوبی برای تأثیرگذاری هست، پیشنهاد شما را تأیید می‌کنیم و در صورتی که مفسده‌ای به بار نیاورد از همسرشان بخواهید در این باره با وی گفتگو کند و وی را به نماز تشویق و ترغیب کند. مطمئناً وی بهتر می‌تواند در این مساله نقش آفرین باشد.

۵. نوارهای مذهبی افرادی که مورد اعتماد وی است و صدای دلنشین و نفس گرمی دارند در این تأثیرگذاری به شما کمک خواهد کرد. بنابراین ببینید به چه فردی از سخنرانان معروف یا غیر معروف که ویژگیهای لازم فوق را دارند اعتماد دارد و مورد پذیرش وی می‌باشد تا با گوش دادن یا تماشای فیلم یا CD های وی به طور غیر مستقیم اهمیت این مسأله برای وی روشن شود.

۶. برای تأثیرگذاری لازم است به این نکته توجه کنید که هرگز او را مورد شماتت سرزنش و تمسخر قرار ندهید. زیرا به جای تأثیرپذیری از شما بیشتر دورتر خواهد شد.

به نکات فوق توجه و عمل کنید و نتیجه را در مکاتبه بعدی برایمان گزارش کنید امید است تأثیرگذار باشد.

### **در پاسخ به افرادی که ضدروحانیت و ضد انقلاب اسلامی سخن می‌گویند و حرف از گرانی می‌زنند چه بگوییم؟**

#### **پرسش**

در پاسخ به افرادی که ضدروحانیت و ضد انقلاب اسلامی سخن می‌گویند و حرف از گرانی می‌زنند چه بگوییم؟

#### **پاسخ**

افراد مورد اشاره به دو گروه تقسیم می‌شوند نخست گروهی که از روی ناآگاهی موضعگیری می‌کنند که با دلیل و منطق می‌توان با آنها صحبت کرد و شبهه آنها را بر طرف کرد و گروه دیگر کسانی که معاند هستند و از روی عناد و دشمنی به ایجاد شبهه و انتقاد می‌پردازند که این گروه افراد مانند کسی هستند که خود را به خواب زده و شمایه هیچ وجه نمی‌توانید او را بیدار کنید و به فرمایش قرآن کریم "ان الذین کفروا سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا يؤمنون" بقره/۶"

به هر حال چون گروه اول که لازم است با آنها وارد بحث شد ممکن است درمورد انقلاب اسلامی و روحانیت انتقادات و شبهات مختلفی داشته باشند در اینجا نمی‌توان پاسخ آنها را داد اما آنچه مسلم است انقلاب اسلامی ایران به پرچمداری روحانیت این کشور را از زیر یوغ و سلطه آمریکا و انگلیس نجات داده و دست رژیم وابسته و استبدادی پهلوی را از سر ملت کوتاه کرده است و عزت اسلامی را در دنیا برای کشور ما به ارمغان آورده و زمینه ساز بیداری اسلامی در جهان اسلام شده

است و قطعاً رسیدن به چنین اهداف بزرگی بدون تحمل مشکلات و سختی ها ممکن نبوده است و یکی از این مشکلات مشکل گرانی است که محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی و جبران عقب ماندگیهای کشور ورشد و توسعه اقتصادی کشور عوامل دخیل در این امر هستند اگر چه در مجموع سطح رفاه عمومی

و وضعیت اقتصادی کشور با وجود همه موانع و مشکلاتی که بوده نسبت به قبل از انقلاب بسیار بهتر شده است و از طرفی مشکل تورم و گرانی از مشکلات رایج در اکثر کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه می باشد.

**در گشتهای شب وقتی افرادی را می گیریم که به سؤالا جواب نمی دهند گاهی اوقات آنها را می زنیم، آیا به نظر شما و شرع مقدس اسلام اشکال دارد؟**

### پرسش

در گشتهای شب وقتی افرادی را می گیریم که به سؤالا جواب نمی دهند گاهی اوقات آنها را می زنیم، آیا به نظر شما و شرع مقدس اسلام اشکال دارد؟

### پاسخ

قابل ذکر است که امر به معروف و نهی از منکر، یکی از واجبات الهی است. مانند سایر واجبات دیگر، مثل نماز و روزه. بنابراین همانطور که وظیفه هر شخص مکلف است که احکامی را که با آن سرو کار دارد بداند، در خصوص امر به معروف و نهی از منکر نیز، چنین می باشد.

با توجه به مقدمه ای که عرض شد، بر شما برادر عزیز که در پایگاه مشغول فعالیت هستید، و در غالب گشتهها به وظیفه بسیار مهم و خطیر امر به معروف و نهی از منکر می پردازید، حتم و لازم است که از احکام مربوط به این بخش، کاملاً مطلع باشید.

اگر گشتهایی که انجام می دهید، در قالب امر به معروف و نهی از منکر است، باید بدانید که مقام معظم رهبری بعنوان مرجع تقلید، و همچنین ولی فقیه زمان، می فرمایند: "با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی، می توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیت داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت، چاره ای جز اعمال قدرت، از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام را انجام می دهد، با تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی،

واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر، به امر و نهی زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه، ارجاع دهند." (۱)

اما اگر گشتهای شما با دستور قاضی و با مجوز قوه قضائیه، در خصوص با مورد خاصی باشد، باز هم شما مجری اجرای حدود شرعی نیستید. بلکه وظیفه شما دستگیری فرد مورد نظر، و تحویل آن به مراجع قضایی می باشد. و اجرای حدود و تعزیر و از این قبیل موارد اعمال قدرت، بر عهده قوه قضائیه و حکمی که قاضی صادر می کند، می باشد.

قابل ذکر است که اعتراف گرفتن از مجرم به زور، طبق قانون ممنوع می باشد؛ و هیچ اعتباری ندارد.

منابع و مأخذ :

۱. رساله اجوبه الاستفتائات، مقام معظم رهبری، ج ۱، ص ۳۳۱

### **آیا این صحیح است که ما برای ارشاد دیگران باید خود را الگو قرار دهیم**

**پرسش**

آیا این صحیح است که ما برای ارشاد دیگران باید خود را الگو قرار دهیم

**پاسخ**

هر کسی در درجه اول باید به فکر این باشد که خود را به احسن وجه بسازد، از طرف دیگر ما بخواهیم یا نخواهیم اعمالمان در دیگران تأثیر خواهد گذارد و برخی از ما الگو برداری می کنند، البته الگوگیری از افراد به تناسب ابعاد شخصیتیشان متفاوت است، بنابر این لازم است از هر جهت الگوی خوبی باشیم تا دیگران از ما راه نیک را پرتوگیری کنند. }]

**در مورد اینکه هم اکنون در محیط دانشگاه و خارج از آن عده ای هستند که به قشر روحانیت توهین می کنند وظیفه ما در برابر این اشخاص چیست. سکوت یا برخورد؟**

**پرسش**

در مورد اینکه هم اکنون در محیط دانشگاه و خارج از آن عده ای هستند که به قشر روحانیت توهین می کنند وظیفه ما در برابر این اشخاص چیست. سکوت یا برخورد؟

**پاسخ**

نخست باید دانست واکنشهای تنفر زا یا محبت آمیز ، ریشه های متعددی دارد. برخی واقعی و عقلانی است و برخی احساسی و بدون دلیل منطقی است.

همچنین خاستگاه برخی تنفر ها و محبت ها گاهی جنبه شخصی دارد و گاهی جنبه های درونی اجتماعی دارد و گاهی از توطئه های دشمنان برون مرزی و یا دگراندیشان داخلی منشأ می گیرد.

علاقه و یا تنفر از روحانیون نیز از آنچه گفته شد جدا نیست لذا باید دلیل آن ریشه یابی شود و اگر از فرایند چند عامل به وجود آمده، از ابعاد مختلف بررسی گردد.

با توجه به گستردگی موضوع و ره یافته های حل معضل ، در ادامه تنها به یکی از عوامل پرداخته می شوند و چند راهکار توصیه می گردد.

دوست عزیز؛ در جامعه شیعی ما واژه روحانی همواره یک شخصیت بی نیاز را ترسیم می نموده و با وقوع انقلاب اسلامی در ایران روحانی و دین، گویی لازم و ملزوم هم گردیده اند. شما وقتی به روزهای اول انقلاب برگردید به وضوح به این امر پی خواهید برد. در آن روزهایی که ارزش های دینی، مذهبی و فرهنگی چون ایثار، فداکاری، محبت به دیگران و... ملاک اصلی در فرد و جامعه رقم خورده و شکل می گرفت در این وقت افرادی (روحانیون) که به این امور معنوی توصیه می نمودند، از آنجا که این ارزش ها را توصیه و متذکر می شدند در بین مردم و از

خود مردم بوده و موانست با آنها دارای اهمیت بود که در واقع توجه و نگاه مردم به آن ارزش ها و ملاک ها بود. همین گونه در مسأله توجه و روی آوردن مردم به اهل بیت در مراسم های مذهبی محرم و صفر و یا ایام فاطمیه و... که هر چه نگاه و اهتمام مردم به آن اصول باشد دیگر به این روحانی یا آن روحانی نگاه نمی کنند بلکه به ارزش ها توجه می کنند.

دو نکته در مطلب فوق قابل توجه است اول آن که آن مردم و روحانی در کنار هم و با هم بوده و به نوعی از وضع اجتماعی و جایگاه اجتماعی همدیگر مطلع بودند یا به تعبیری امروزی همدیگر را درک و از جایگاه هم آگاهی داشتند. مردم به مراکز تحصیلی و تدریس حوزویان و... رفت و آمد می کردند، در حالی که بسیاری از این افراد غرض ورز و یا... از این حداقل مسأله آگاه نبوده و چه بسا مطالب گفته خود را از افراد مغرض و یا بیگانه نسبت به دین اسلام اخذ می کنند، در این حال معلوم خواهد شد که آن افراد چه نوع بیان و تعبیری خواهند داشت.

نکته دوم و مهمتر این که آنچه برای آن مردم مهم می نمود سخن از ارزش های معنوی و دینی بود حال این ارزش را هر کسی آنگونه که در اسلام و روایات اهل بیت(ع) آمده نقل کند محترم دانسته و لازم نبود که روحانی باشد چرا که آن چه برای آن فرد مهم و ملاک است ارزش های دینی است نه فرد و شخص.

البتة که در

جامعه انقلابی و اسلامی ما هر چه این ارزش ها کم رنگ و یا بیهوده گردد و نگاه اصلی جامعه منافع فردی و شخصی شود این همان آفت انقلاب اسلامی و در واقع دین گریزی و بازگشت به وضعیت سابق می شود و در این حالت انتظاری جز از توهین و ... نمی رود.

حال اگر از نوع مطالب اهانت آمیز این افراد، برای شما معلوم شد که آن فرد به چه علتی این کار را نموده است او را به واقعیات توجیه کنید. در صورت امکان سعی کنید در موقعیتی مانند زیارت مسجد جمکران و یا در سفر به حرم امام رضا(ع) اگر از قم گذشتید به مدرسه فیضیه و یا مراکز درسی حوزه در قم دیدن نموده ولو اندک زمانی با برخی از علماء مجالست و با آنها موانست داشته باشید تا حقیقت امر بر آن دوست شما تا حدی معلوم شود.

همچنین او را به ارزش های دینی اسلامی راهنمایی کنید. ثمرات جاری بودن این ارزش ها در جامعه، این که همه این ارزش ها تلاش بر هویت بخشی و کرامت انسانها دارد (برگرفته از کتاب توسعه و تضاد، ص ۳۰۰ - ۳۶۰ - انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها).

**یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است و این وضعیت در نهضت موجود نبود؛ چه اینکه معلوم بود یزید و پیروانش نه از حکومت کنار می روند و نه از روش خود دست برمی دارند! پس امام حسین(ع) با چه منطق و حجت شرعی به این کار اقدام کرده و این امر**

### پرسش

یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است و این وضعیت در نهضت موجود نبود؛ چه اینکه معلوم بود یزید و پیروانش نه از حکومت کنار می روند و نه از روش خود دست برمی دارند! پس امام حسین(ع) با چه منطق و حجت شرعی به این کار اقدام کرده و این امر را یک وظیفه واجب و مقدس می دانست؟

### پاسخ

چنان که پیش تر گذشت ما شرایط احکام و خصوصیات و فروع امر به معروف را باید از امام حسین(ع) استفاده کنیم و استوارترین دلیل بر جواز شرعی هر عمل، این است که امام حسین(ع) آن را انجام داده باشد. به عبارت دیگر گفتار و رفتار آن حضرت از ادله احکام شرعی است.

از طرفی احتمال تأثیر بر دو نوع است: گاهی شخصی را که اکنون آماده یا مشغول معصیتی است، می خواهیم نهی از منکر کنیم. اگر احتمال تأثیر ندهیم، نهی از منکر واجب نیست و گاهی نهی از منکر می کنیم و بالفعل احتمال تأثیر نمی دهیم؛ ولی می دانیم در آینده مؤثر واقع می شود. در این صورت نهی از منکر واجب است و با صورت احتمال تأثیر فعلی فرق ندارد.

مثل آنکه احتمال بدهیم اگر با فرقه های ضاله یا مؤسسات فساد مبارزه کنیم و معایب و مفاصد و مقاصد سوء آنها را به مردم



بگوئیم و اعلام خطر کنیم؛ پس از مدتی دستگاه شان برچیده شده و اثر آنها در فساد اجتماع کمتر خواهد شد و یا حداقل از گسترش بیشتر تبلیغات و فسادشان جلوگیری به عمل خواهد آمد و چنانچه کارگردانان آنها دست از خیانت برندارند، در اثر نهی از منکر، تبلیغات سوء آنها باعث

گمراهی نخواهد شد. در این مورد امر به معروف و نهی از منکر با احتمال تأثیر آن در آینده، واجب است.

در دنیای معاصر هم بیشتر مللی که توانسته اند بندهای اسارت خویش را پاره کنند و به آزادی و استقلال برسند؛ همین راه را انتخاب کرده اند. آنان با فداکاری و تحمل ناملايمات و تهییج احساسات، دشمنان خود را در افکار عمومی محکوم و پایه های تسلط و نفوذ آنان را متزلزل و به تدریج ساقط می سازند و در این مبارزات آن افرادی که پرچم را به دست می گیرند؛ پیروز شده و خون های شان بهای آزادی جامعه و برافتادن نفوذ بیگانه است. آنان این پیکار را - اگر چه نتیجه اش در آینده ظاهر می شود - موفقیت آمیز و افتخار می شمارند؛ زیرا هدف شان ریاست و حکومت نیست؛ بلکه اصلاح و نجات جمعیت است.

مردان خدا نیز برای هدف های عالی انسانی و الهی خود، گاهی چنین مبارزاتی دارند؛ یعنی، با اینکه می دانند دشمنان خدا، خون شان را می ریزند و سرشان را بالای نیزه می کنند؛ ولی باز هم برای نجات اسلام و توحید، پیکار و جهاد می کنند تا عکس العمل قیام آنها به تدریج مردم را بیدار و مسیر تاریخ را عوض کند.

با وضعی که پیش آمده بود، خطرات شدیدی احکام قرآن و موجودیت اسلام را تهدید می کرد و آینده اسلام را تاریک و مبهم می نمود. حتی معلوم بود که در آینده نزدیک، خورشید نورانی اسلام غروب و دوران شرک و جاهلیت بازگشت خواهد کرد! در این صورت امام حسین(ع) نمی توانست با در نظر گرفتن احتمال یا قطع به ضرر، دست روی دست بگذارد و در خانه بنشیند و ناظر این مصیبت ها برای عالم اسلام شود.

گذشته

از اینکه شرط احتمال تأثیر هم موجود بود؛ بلکه امام حسین(ع) یقین به تأثیر داشت و می دانست که نهضت و قیام او، اسلام را حفظ کرده و حرکت او ضامن بقای دین خواهد بود. آن حضرت می دانست که اگر بنی امیه او را - که نوه پیغمبر و مرکز تحقّق آمال معنوی و اسلامی مردم، و شریف ترین و گرامی ترین خلق و محبوب ترین افراد در قلب جامعه است - بکشند؛ دیگر قدرت شان درهم شکسته می شود و چنان سیل خشم و نفرت مردم به سوی شان سرازیر می گردد که باید برای حفظ موقعیت خود، حالت دفاعی به خود گیرند تا بتوانند چند صباحی پایه های لرزان حکومت کثیف خود را از سقوط شدن نگاه دارند!

سیدالشهدا(ع) می دانست که شهادت او و اسارت اهل بیت، ماهیت بنی امیه و عداوت های آنها را با اسلام و شخص پیغمبر آشکار می سازد و عکس العمل قتل او، ریشه های اسلام را در دل ها استوار کرده و حس تمرد و سرپیچی از اوامر امویان را در همه ایجاد می کند و احساسات اسلامی و شعور دینی مردم را بیدار و زنده می سازد.

اباعبدالله(ع) می دانست که وقتی بنی امیه او را شهید کنند؛ دستگاه خلافت رسوا خواهد شد و مردم به مسیر نادرست حکومت پی خواهند برد و معلوم است حکومتی که دشمن دین و خاندان رسالت شناخته شده باشد؛ هر چند مدت کوتاهی به ظاهر، بر مردم فرمانروایی کند، اما نخواهد توانست ادعای خلافت اسلامی را داشته باشد و به حکومت خود ادامه دهد.

فاجعه کربلا دنیای اسلام را تکان داد و مثل آن بود که شخص پیغمبر شهید شده باشد. در تمام شهرها احساسات خشم آگین مردم نسبت به بنی امیه به جوش آمد

و حرکت های ضد امویان یکی پس از دیگری شروع شد؛ تا آنکه حکومتی که به اسم اسلام، ترویج شرک و کفر می کرد، ساقط شد و آن خون های پاک اهل بیت (ع)، بهای نجات اسلام و شور و هیجان دینی مردم علیه بنی امیه گردید.

پس معلوم شد که امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) از نظر قواعد عمومی و فقهی نیز لازم و از واجبات بوده است و آن حضرت در راه ادای این تکلیف، از جان خود و عزیزترین و لایق ترین جوانان، برادران و یارانش چشم پوشید و همه را فدای مقاصد بزرگ و عالی اسلامی کرد، و با اینکه سیل مصیبت ها به سوی او هجوم آورد، ثابت و پایدار ایستاد و از دین و هدف خود دفاع نمود.

مناسب است اینجا به سخن علامه شهید استاد مطهری اشاره شود؛ وی می نویسد:

«شرط دیگر امر به معروف و نهی از منکر «احتمال تأثیر» است؛ یعنی، این فریضه، مثل نماز و روزه «تعبدی محض» نیست. به ما گفته اند: شما در هر حال باید نماز بخوانید و نباید سؤال کرد که آیا این نماز خواندن اثر دارد یا ندارد؛ ولی امر به معروف و نهی از منکر را باید با تدبیر و اندیشه انجام داد؛ یعنی، شخصی روی نتیجه حساب کند و باید سودی که به دست می آید، بیش از سرمایه مصرفی باشد. این نظر در مقابل منطق خوارج است که می گفتند: حتی اگر کوچک ترین تأثیری هم محتمل نباشد، باز باید امر به معروف و نهی از منکر نمود. عده ای علت انقراض خوارج را همین امر دانسته اند. «تقیه» نیز که در شیعه مطرح است؛ یعنی، به کار بردن

تاکتیک در امر به معروف و نهی از منکر. تقیه؛ یعنی، استفاده از سلاح دفاعی؛ یعنی، در مبارزه ضربه بزن؛ ولی کوشش کن آسیب نبینی».

معنای احتمال تأثیر این نیست که در خانه ات بنشین و بگویی: من احتمال اثر می دهم یا نمی دهم؛ بلکه باید بروی و حداکثر تحقیق را انجام دهی تا ببینی که آیا به نتیجه می رسد یا نه. کسی که بی اطلاع است و به دنبال تحقیق هم نمی رود، نمی تواند چنین عذری بیاورد.

### راه مسلمان کردن یک غیر مسلمان چگونه می باشد؟

#### پرسش

راه مسلمان کردن یک غیر مسلمان چگونه می باشد؟

#### پاسخ

توجه به چند نکته مفید است:

۱- به هیچ وجه تحت فشار قرار نگیرد تا شوقش به شناخت اسلام از بین نرود.

۲- در ابتدا به عقاید یهودیت حمله نشود.

۳- سطح توانایی و استعداد او در درک معارف دینی، مورد توجه بوده و براساس آن کتاب هایی معرفی شود.

۴- به میل و ذوق او در مباحث توجه شود و متناسب با آن کتاب هایی پیشنهاد شود. مثلاً میل او به مباحث عقلی است. از کتاب های استدلالی مثل کتاب های شهید مطهری و استاد مصباح استفاده شود و اگر به مباحث معنوی عرفانی و اخلاقی علاقه دارد کتاب های متناسب با آن معرفی گردد.

۵- آشنایی با معارف اصیل اسلامی از طریق قرآن و روایات اهل بیت یکی از بهترین راه های دعوت به اسلام می باشد. لذا با توجه به آگاهی شخص، او را با معارف قرآن و روایات به خصوص نهج البلاغه و مضامین عالی دعاها آشنایش کنید.

با توجه به تذکرات بالا کتاب های زیر معرفی می گردد:

۱- علامه سید محمد حسین طباطبایی، آموزش عقاید و دستورهای دینی، انتشارات بنیاد جانبازان تهران (این کتاب با بیانی ساده معارف اسلامی را توضیح داده است).

۲- شهید مطهری، مجموعه مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، انتشارات صدرا تهران (این کتاب مباحث را در سطح وسیع تر از

کتاب قبل طرح نموده است).

۳- مصباح یزدی، آموزش عقاید، سازمان تبلیغات اسلامی

کتاب های دیگر شهید مطهری و استاد مصباح به خصوص معارف قرآن استاد مصباح یزدی در سطح عالی تر بسیار مناسب است.

جهت آشنایی بیشتر در مورد حقانیت و برتری دین اسلام و خصوصا مذهب تشیع به مطالب زیر توجه فرمایید تا بتوانید در زمینه گرایش افراد غیر

مسلمان به دین اسلام موفقیت بیشتری کسب نمایند.

در این رابطه از دو راه کلی (عقل و آیات قرآن کریم)، مسأله را پی می گیریم.

یک. راه عقل برای داوری در مورد حقانیت یک دین و مقایسه آن با ادیان دیگر، باید ابتدا با اصول عقاید و آموزه های ادیان آشنا شد و آن گاه آن را به وسیله عقل - که حجت درونی انسان است - محک زد. ما در چنین مراجعه ای، اصول عقاید و معارف دین اسلام را مبتنی بر ادله و براهین متقن و یقینی عقلی می یابیم؛ یعنی، یکایک این اصول به وسیله براهین متعدد یقینی اثبات می گردد. با وجود براهینی که درباره اصل توحید اقامه می شود، ادیان و مکاتب غیرتوحیدی - که اعتقاد به ثنویت (دوخدایی)، تثلیث (سه خدایی) یا چند خدایی از ارکان اعتقادی آنها محسوب می شود - ابطال می گردد. در همین زمینه، آنچه که از ادله یقینی عقلی بر نفی جسمیت یا رؤیت خداوند اقامه می شود، مکاتب و مذاهبی را که مبتنی بر چنین عقایدی هستند، رد می کند. در خصوص دو دین بزرگ یهودیت و مسیحیت، نیز با همین حجت درونی؛ یعنی، احکام و براهین یقینی عقل، اگر به بررسی آموزه های این دو دین بنشینیم، به نتیجه مشابه سایر مکاتب خواهیم رسید.

در خصوص ادیان الهی و آسمانی باید گفت که حقیقت و گوهر همه آنان، دعوت به انقیاد و تسلیم در برابر خداوند متعال است، لکن دستور العمل های مربوط به چگونگی تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان، که در اصطلاح از آن به «شریعت» یاد می شود، متفاوت است؛ یعنی، با توجه به اختلاف زمان و مکان و مخاطب این دستورالعمل ها، مراحل مختلفی را گذرانده

و متناسب با آن رو به تکامل بوده است. علاوه بر این، اصول عقاید و گوهر ادیان نیز در مقام بیان و تبیین از عمق و تفصیل بیشتری برخوردار گردیده است. در حقیقت، دین توحیدی واحد است و شرایع متعدد است: «ان الدین عند الله الاسلام؛ به درستی که دین در نزد خدا اسلام (تسلیم در برابر حق) است» (آل عمران (۳)، آیه ۱۹).

با ظهور هر پیامبری شریعت قبلی پالایش یافته و در شکل کامل تری عرضه شده است. از این رو پیامبران همه مبلغ دین واحد بودند، و به همین جهت، یکی پس از دیگری مژده آمدن پیامبر جدید را می دادند و به این مطلب در کتاب مقدس یهودیت و مسیحیت تصریح شده است. (تورات، کتاب هوشیع نبی).

بنابراین پیروی صحیح از آیین یهود، با آمدن حضرت عیسی، در تبعیت از ایشان خواهد بود و پیروی صحیح از آیین مسیح با ظهور پیامبر اسلام، در تبعیت از حضرت نبی اکرم خواهد بود. در نتیجه، تفاوت شرایع آسمانی به معنای درجات متکامل از یک راه و یک حقیقت است. با توجه به این بیان عقل، با قطع نظر از مسأله تحریف در شرایع گذشته، حکم به لزوم پیروی از جامع ترین و کامل ترین پیام و دستورالعمل الهی که در آخرین شریعت (اسلام) متجلی شده است، می نماید. همچنین عقل، در بررسی آموزه هایی که توسط یهودیت و مسیحیت امروزی تبیین می شود، آنها را مخالف با براهین یقینی خود می یابد. اعتقاد به تثلیث (رساله اول به قرنیتیان ۶:۸ و انجیل یوحنا: ۲۰). تجسم و رؤیت (همان و سفر پیدایش). اموری است که براهین عقلی آن را از هیچ مکتب و



مذهبی نمی پذیرد؛ بلکه آن را نشانه عدم حقانیت و در واقع تحریف آنها می داند. به پاره ای دیگر از تحریفات صورت گرفته در این دو دین بزرگ اشاره ای گذرا می کنیم تا بر اساس حکم عقل، خود داوری کنید:

#### تحریفات مسیحیت و یهود

۱. اتهامات ناروا به پیامبران؛ علاوه بر رسوخ تحریفات بنیادی و اعتقادی در کتاب مقدس، پاره ای اتهامات ناروا و غیراخلاقی به بعضی از پیامبران نسبت داده شده است که قلم از بیان آن شرم دارد، براهین عقلی لزوم عصمت پیامبران را اثبات می کند.

۲. وجود افسانه ها؛ وجود افسانه های بی پایه در کتاب مقدس، یکی دیگر از جنبه های تحریف آن است؛ از جمله می توان به کشتی گرفتن حضرت یعقوب با خدا و غلبه ای او بر خدا، اشاره کرد (سفر پیدایش، ۴۳/۲۳۳۰).

۳. گناه فطری؛ مسیحیان معتقدند، آدم در بهشت به گناه آلوده شد و این گناه به همه فرزندان او نیز منتقل می شود؛ یعنی، انسان بالفطره گناه کار است و هرگونه تلاش و عمل انسان در رهایی از این خطا، سودی نخواهد بخشید و تصلیب و به دار کشیده شدن حضرت عیسی (ع)، کفاره گناه فطری انسان است.

۴. تقویت ظلم؛ یکی دیگر از آموزه های نامعقول کتاب مقدس، توجیه ظلم و ستم و دعوت به سکوت در برابر حاکمان ظالم، به بهانه این است که آنان حاکم و سایه خدا در زمین اند. (انجیل متی، ۳۸:۵ و اکثر نامه های پولس به رومیان.) وجود این گونه آموزه های غیرعقلانی در کنار طرح مسأله تثلیث و تجسیم و وجود تناقضات متعدد در متن کتاب مقدس، (در کتاب «انیس الاعلام»، ج ۲، ۱۲۵ مورد تناقض موجود در کتاب مقدس مورد بررسی قرار گرفته است.) دلیل بر عدم حقانیت مسیحیت و

یهودیت امروزی است.

خلاصه سخن اینکه راه شناخت حقانیت دین اسلام و عدم حقانیت سایر ادیان و شرایع، مراجعه به آموزه های آنها و داوری است. اگر کسی مراجعه کند، خواهد یافت که اسلام در سه وادی «عقاید»، «اخلاق و فضایل» و «احکام فردی و اجتماعی»، نه تنها کامل تر از سایر ادیان؛ بلکه قابل مقایسه و طرف نسبت با آنها نیست و در تمام دوره زندگی بشر، عقاید و شریعتی به اینجامعیت و عمق و اتقان و استواری بر بنیان عقل، وجود ندارد.

امام خمینی (ره) در این زمینه، در کتاب چهل حدیث می نویسد: «اثبات حقانیت دین اسلام، احتیاج به هیچ مقدمه ندارد جز نظر کردن به خود آن و مقایسه بین آن و سایر ادیان و شرایع». (خمینی، روح الله، چهل حدیث، شرح حدیث دوازدهم، ص ۲۰۱).

در پایان این بخش، به این نکته اشاره می کنیم که داوری عقل و سنجش و حکم عقل به حقانیت دین اسلام و عدم حقانیت سایر ادیان، خود دلیلی بر نفی پلورالیسم است.

دو. راه آیات قرآنی علامه بر دلالت بر انحصار دین حق در اسلام و در نتیجه نفی پلورالیسم و تکثرگرایی دینی، به صراحت با برخی از اصول و مبانی پلورالیسم مخالف است و آن را ابطال می کند. مجموع آیات در این زمینه را در سه بخش قرار می دهیم:

۱. آیاتی که بر صراحت، تنها اسلام را دین حق و صراط مستقیم معرفی می کند و عقاید پیروان سایر ادیان را باطل معرفی کرده و آنان را به پیروی از اسلام دعوت می کند:

الف. «و من یتبع غیرالاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین». (آل عمران (۳)، آیه ۸۵).

ب. «و لن ترضی

عنك اليهود ولا النصارى حتى تتبع ملتهم، قل ان هدى الله هو الهدى ولئن اتبعت اهوائهم بعد الذي جاءك من العلم مالک من الله من ولي ولا نصير». (بقره (۲)، آیه ۱۲۰).

ج. «و قالت اليهود عزير ابن الله و قالت النصارى المسيح ابن الله ذلك قولهم بافواهم يضاهئون قول الذين كفروا من قبل قاتلهم الله انى يؤفكون». (توبه (۹)، آیه ۳۰).

و آیات فراوان دیگر که شما را به قرآن کریم ارجاع می دهیم: سوره آل عمران (۳)، آیه ۶۱ (مباهله با مسیحیان)؛ سوره توبه (۹)، آیه ۳۲ و ۳۱؛ سوره نساء (۴)، آیه ۱۵۷ و ۱۷۱؛ سوره مائده (۵)، آیه ۵۱ و ۷۳؛ سوره فتح (۴۸)، آیه ۲۸؛ سوره صف (۶۱)، آیه ۹؛ سوره مریم (۱۹)، آیات ۸۸ و ۹۱؛ سوره بقره (۲)، آیه ۷۹.

۲. آیاتی که با مبنای شکاکیت و نسبت گرایی و عدم امکان دستیابی به حقیقت - که از مبانی و پیش فرض های پلورالیزم دینی است - در تضاد و تقابل است و نشان می دهد که از دیدگاه قرآن، به هیچ وجه شکاکیت و نسبت مورد پذیرش نیست و رسیدن به حقیقت امکان پذیر است. این آیات عبارت است از:

الف. آیاتی که شکاکان را مورد سرزنش قرار می دهد. (نحل (۱۶)، آیه ۶۶؛ جاثیه (۴۵)، آیه ۳۲).

ب. آیاتی که ادله انبیا را روشن و آشکار، و شک شکاکان را بی وجه معرفی می کند. (ابراهیم (۱۴)، آیه ۹ و ۱۰).

ج. آیاتی که امر به تبعیت از علم و یقین و اجتناب از پیروی از ظن و گمان و شک دارد. (اسراء (۱۷)، آیه ۳۶؛ یونس (۱۰)، آیه ۳۶؛ نجم (۵۳)، آیه ۲۸).

۳. پلورالیزم دینی، بر اساس برخی از مبانی جدید هرمنوتیک استوار است که

می‌پندارد، عبارات و متون دینی صامت، یعنی، خالی از معانی اند و قهرا هر نوع شناختی از دین، کاملاً شخصی می‌باشد. آیات و روایات بسیاری با این مبنا به صراحت مخالفت دارند:

الف. «و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط؛ کتاب و میزان را نازل کردیم تا مردم به قسط و عدل قیام کنند» (حدید (۵۷)، آیه ۲۵). ++؛ اگر هر کسی بر اساس صامت بودن قرآن، برداشتی از آن داشته باشد، معیار تمیز بین عدالت و ظلم در قرآن وجود نخواهد داشت و به تبع اقامه عدل بر اساس آن معیار واحد در جامعه، ممکن نخواهد شد.

ب. «و نزلنا عليك الكتاب تبيانا لكل شيء؛ این کتاب (قرآن) را بر تو فرستادیم تا حقیقت هر چیز را بیان کند» (نحل (۱۶)، آیه ۸۹)

ج. «و تلك حدود الله بيننا ليقوم يعلمون؛ این است احکام خدا، بیان می‌کند آن را برای قومی که دانا هستند» (بقره (۲)، آیه ۲۳۰).

د. «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی؛ هیچ اکراهی در دین نیست به درستی که راه هدایت از گمراهی، روشن گردید» (همان، آیه ۲۵۶).

آیات بالا، قرآن کریم را بیان‌کننده راه راست از گمراهی و نشانگر حدود الهی و بیانگر هر چیز، معرفی می‌کند و این با مبنای هرمنوتیک جدید، یعنی، خالی بودن عبارات و متون از بار معنایی و تأثیرپذیری از دانش‌های بشری و در نتیجه شخصی بودن برداشت‌ها از عبارت (و نه معرفتی بودن این برداشت‌ها) ناسازگار و درست در نقطه مقابل است.

حاصل سخن با مراجعه به حکم عقل و آیات قرآن کریم، به هیچ وجه پلورالیسم و کثرت‌گرایی دینی، به معنای حقانیت همه ادیان،

قابل پذیرش نیست؛ لکن توجه به این نکته ضروری است که دین حق و صراط مستقیم واحد است؛ ولی معذّر و حجت متعدد است. باید مسأله حقانیت را از معذّریّت و حجت جدا کرد. پیروان سایر ادیان، خارج از شریعت حق و مطلوب الهی هستند؛ اما در صورت وجود دو شرط: (۱. جهل به اسلام، ۲. پای بندی به آیین خود) دارای حجت و مستمسک خواهند بود و راهشان هر چند «صراط مستقیم» و دین حق نیست؛ اما قابل اعتذار است و در روز قیامت نزد خداوند معذورانند. قرآن از این گروه به «مستضعف» یاد کرده است. این گروه ضمن معذور بودن، در صورت تحقق آن روش ها، بهره ای از سعادت خواهند برد و به درجه ای از سعادت نایل خواهند شد.

نکته دیگر آنکه حقیقت دین یک چیز بیش نیست؛ ولی وحدت آن، از سنخ وحدت عددی نیست؛ بلکه از قبیل وحدت تشکیکی است؛ یعنی، دارای مراتب است که قرآن از این مراتب به «سبل» تعبیر کرده است. صراط مستقیم واحد است؛ اما سبل به تعدد و اختلاف سالکان و متعبدان متعدد است: «والذین جاهدوا فینا لنهّدیّهم سبلنا». (عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۹).

صراط مستقیم همان شاهراه هدایت است که سبل امن الهی به آن منتهی می شود و هر کس به همان مقدار که از سبل امن الهی پیروی کند، از صراط مستقیم نیز بهره مند خواهد شد و هر کس همه سبل امن الهی را طی کند، از صراط مستقیم به طور کامل بهره مند خواهند شد: «... قد جائکم من الله نور و کتاب مبین یهدی به الله من اتبع رضوانه سبل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور یاذنه

و یهدیهم الی صراط مستقیم». (مأئده (۵)، آیه ۱۵ و ۱۶. ر.ک: المیزان، ج ۱، ذیل آیه ۶ و ۷ سوره حمد، (بحث صراط و سبیل)).

برای آشنایی بیشتر منابع زیر معرفی می گردد:

الف. کتاب نقد، شماره ۴، ص ۲۴۲، مقاله «نگاهی درون دینی به پلورالیزم دینی، عبدالحسین خسروپناه»؛

ب. قدردان قراملکی، محمدحسن، سویه های پلورالیزم؛

پ. قدردان قراملکی، محمدحسن، قرآن و پلورالیزم.

### **برخورد با رباخوار چگونه باید باشد؟**

#### **پرسش**

برخورد با رباخوار چگونه باید باشد؟

#### **پاسخ**

اول باید معلوم باشد که ربا خوارند، چون بعضی از پول استفاده می کنند به نحوی که در برخورد با ربا خوار باید احتیاط کنید و تا آنجا که ممکن است آنان را نصیحت کنید و راضی به کار آنان نباشید. همچنین در برخورد با دنیا پرستان از دوستی با آنان حذر کنید. و برخورد شما برخورد ناصحانه باشد و از غیبت کردن افراد خودداری کنید بله اگر واقعاً رباخوار باشند و معلوم باشد نزد مردم که ایشان ربا خوارند، می توان غیبت کرد، یعنی گناهی را که مرتکب می شوند بازگو کرد، نه عیبت ها و گناهان پنهان او را.

**چگونه می توان کسی را به معروف و نهی از منکر کرد و او را به اسلام و نماز خواندن دعوت نمود بدون این که احساس ناراحتی کند؟**

#### **پرسش**

چگونه می توان کسی را به معروف و نهی از منکر کرد و او را به اسلام و نماز خواندن دعوت نمود بدون این که احساس ناراحتی کند؟

#### **پاسخ**

روش ها و شیوه های گوناگونی وجود دارد که در ذیل به برخی اشاره می شود:

۱ آمر و ناهی باید دقیقاً معروف و منکر را بشناسد و در فرصت مناسب بتواند کاملاً آن را تبیین و تشریح کند.

۲ خودش عامل باشد؛ یعنی قبل از هر چیز در حضور طرف، به معروف عمل کند و از منکر اجتناب نماید.

۳ با کمال احتیاط و با زبان نرم سخن بگویید، مثلاً: فلانی! شما الحمدلله بزرگوار و آبرومندید؛ مردم به شما و خانواده محترمتان با دید احترام نگاه می کنند؛ فلان عمل از قدر و منزلت شما می کاهد و موجب هتک حرمتتان می شود؛ اگر آن را ترک کنید و به جایش عمل نیک انجام بدهید، بسیار مفید خواهد بود.

۴ یا بگوید: اگر کسی مثلاً یک شاخه گل یا یک شیشه عطر و یا جعبه شیرینی به شما بدهد و یا اگر دکتری بیماری شما یا پدر و مادر و یا یکی از اقوامتان را درمان کند، هر وقت آن ها را ببینید، اظهار محبت می کنید و خود را مدیون آنان می دانید.

حال آیا شایسته نیست از خداوند بزرگواری که این همه نعمت به شما ارزانی داشته و به شما گوش و چشم و قلب و عقل و دست و پا و پدر و مادر و هزاران نعمت دیگر عطا فرموده، تشکر و سپاسگزاری کنید؟ پیامبر فرمود: > بهترین روش تشکر از خدا، نماز خواندن است <.

۵ و می توانید

بگویید: حتماً می دانید قلباً به شما علاقه مند و برای شما ارزش قائلم . متقابلاً شما هم برای اینجانب آبرو و حیثیت قائل هستید. از طرفی توجه دارید اگر کارهای ناروا و ناشایست از شما سر بزند و بامسجد و نماز و روزه کارهای خوب سروکار نداشته باشید، ضمن این که شخصیت جنابعالی مخدوش می شود، به خاطر رفاقت با شما شخصیت من نیز زیر سؤال می رود و آبروی من مورد تهدید قرار می گیرد؛ آیا بهتر نیست برای حفظ شخصیت خود و حیثیت دوستان اعمال ناروا را کنار گذاشته و به کارهای خوب و پسندیده پردازید؟

### **چگونه می توانم در خود اراده انجام امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد و یا تقویت کنم؟**

#### **پرسش**

چگونه می توانم در خود اراده انجام امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد و یا تقویت کنم؟

#### **پاسخ**

انجام امر به معروف و نهی از منکر مستلزم اعتقاد و ایمان به آن، به عنوان یک وظیفه اسلامی است. در نتیجه اول باید تلاش کنید این اعتقاد و باور را در خود ایجاد کنید. دوم مستلزم شناخت کامل "معروف" و "منکر" است، یعنی انسان بداند چه کارهایی منکر شناخته شده اند و چه کارهایی معروف. مثلاً آیا امر به مستحبات و نهی از مکروهات هم در زمره امر به معروف و نهی از منکر است؟

سوم مستلزم آگاهی و شناخت درست از شرایط امر و نهی و آداب آن و زمینه پیدایش وجوب آن است. این که امر به معروف و نهی از منکر چه مرحله دارد، علم به تأثیر آن در شخص یا عدم تأثیر آن نقشی در وجوب یا اسقاط تکلیف دارد یا خیر؟

متأسفانه عده ای از عاملان امر به معروف و نهی از منکر با عدم آگاهی کافی از آنچه بیان شد، اقدام به آن می کنند که نتیجه منفی آن بسیار بیشتر از نتایج مثبتش می باشد. امیدواریم این کوتاه انگیزه کافی برای مطالعه و تحقیق بیشتر در این زمینه را برای شما فراهم کرده باشد.

### **مادرم غیبت زیاد می کند. دوری از وی امکان ندارد و نهی از منکر هم در او تأثیر ندارد. چه رفتاری می توان باوی داشت؟**

#### **پرسش**

مادرم غیبت زیاد می کند. دوری از وی امکان ندارد و نهی از منکر هم در او تأثیر ندارد. چه رفتاری می توان باوی داشت؟

#### **پاسخ**



نهی از منکر مراحل و مراتبی دارد، تفهیم منکر و ارائه شناخت و آگاهی صحیح با استفاده از روش ها و شیوه های متناسب با اخلاق و روحيات و موقعیت اشخاص، از مراتب نخستین آن است.

مادرت اجمالاً می داند که غیبت گناه است اما شاید حرف های خود را غیبت نمی داند، یا از مصادیق غیبت حرام و معصیت نمی شمارد و یا از آثار و عواقب غیبت در دنیا و کیفر و عذاب آن در آخرت آگاهی لازم را ندارد. لازم است در هر یک از سه مورد مذکور تذکر و آگاهی لازم به وی داده شود. حال که از شما نمی پذیرد، اگر به مسجد یا مجالس روضه خوانی یا بیان احکام و اخلاق می رود، - بدون آن که مادرت و کسی دیگر بفهمد - از امام جماعت یا سخنران جلسات، یا فردی از اقوام و خویشان که حرفش در مادرت تأثیر داد، بخواهید در ارتباط با غیبت صحبت کند.

اگر باز اثر نکرد، هنگام غیبت خود را به کاری مشغول کن یا سعی کن حرف های او را به مسیرهای دیگر که برای مادرتان جذاب باشد، منحرف کن و از چیزهای دیگر سخن بگو، یا از محضر او بلند شو و بیرون برو. اگر این کار هم تأثیر ندارد، به علاوه موجب رنجش خاطر می شود، دیگر تکلیف و مسئولیتی در این مورد ندارید.

**اگر برای ارشاد شخصی، به شخصیت فرد دیگر توهین کنم تا مخاطب بفهمد کارش اشتباه است، گناه محسوب می شود؟ اگر گناه است، چرا پیامبر شخصی را که تند نماز می خواند، به کلاغی تشبیه کرد که به زمین نوک می زند؟**

### پرسش

اگر برای ارشاد شخصی، به شخصیت فرد دیگر توهین کنم تا مخاطب بفهمد کارش اشتباه است، گناه محسوب می شود؟ اگر گناه است، چرا پیامبر شخصی را که تند نماز می خواند، به کلاغی تشبیه کرد که به زمین نوک می زند؟

### پاسخ

اسلام توهین به شخصیت هیچ فردی را روا نمی داند و این موضوع استثنا ندارد، زیرا برای رسیدن به هدف هر چند خوب و عالی باید از وسیله مشروع و خوب استفاده کرد و هرگز هدف، وسیله را توجیه نمی کند اما مثالی که مطرح کردید یعنی در مورد کسی که آدامس می جوید، بگوئید مثل شتری است که علف می جود، این تهمت نیست، ولی غیبت می تواند باشد.

البته اگر در حضور جمع این کار را می کند، غیبت او اشکالی ندارد و برخورد پیامبر(ص) به همین علت بوده است؛ یعنی نماز گزار در حضور جمع در مسجد با شتاب نماز خواند و حضرت این کار را به نوک زدن کلاغ تشبیه کرد. سخن پیامبر(ص) نه تهمت است و نه غیبت، چون به قصد تحقیر او گفته نشد و از طرفی در حضور جمع این کار را کرد. پیامبر(ص) با این تشبیه می خواهد تند خوانی و بی نشاطی در نماز را نکوهش کند. در روایتی دیگر امیرالمؤمنین(ع) به شخصی که با سرعت نماز می خواند فرمود: "مثل تو پیش خدا مثل کلاغی است که با سرعت از زمین دانه می چیند". (۱)

پی نوشت ها:

**وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود برنگردیم؟**

### پرسش

وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود برنگردیم؟

### پاسخ

یکی از مهم ترین وظایف افراد هنگام روبرو شدن با منکرات، امر به معروف و نهی از منکر است. این گونه برخوردها اگر با رعایت ادب اسلامی و تواضع و فروتنی همراه شود، نیز افراد نصیحت کننده، خود به آن چه می گویند، پایبند باشند، با نتیجه خوبی همراه خواهد شد. در این موارد باید توجه داشت که شرایط امر به معروف وجود داشته باشد، مثلاً شخص احتمال تأثیر بدهد.

اما چه کنیم تا با چنین افرادی هم دوست باشیم و هم از آسیب های احتمالی در امان باشیم؟ پاسخ: اگر افراد مورد نظر، آلودگی اخلاقی دارند، مثلاً اهل فسق و فجورند، فحش و ناسزا می گویند یا به واجبات و محرمات اهمیتی نمی دهند، در این صورت، صلاحیت لازم برای دوستی ندارند. از نظر اسلام انسان نباید با افراد فاسق و لا ابالی دوست باشد، چون ناخود آگاه از عمل آن ها متأثر می شود و زیان می بیند. از طرفی آن دوستان قابل اعتماد نیستند.

اما اگر به این حد نمی باشند، بلکه خطاهای جزئی دارند (که مقتضای انسان بودن جائز الخطا بودن است) اگر تذکر شما با رعایت نزاکت و ادب همراه باشد، مشکلی را در روابط ایجاد نخواهد کرد، یا ادامه ارتباطتان موجب روگردانی دوستان از کارهای بد خواهد شد.

**در صورتی که در خانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟**

### پرسش

در صورتی که در خانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟

### پاسخ

اگر قدرت دارید، باید از پخش آن جلوگیری کنید و آنان را که به این کار دست می زنند، امر به معروف و نهی از منکر کنید. اگر قدرت ندارید، یا این که به حرف شما ترتیب اثر نمی دهند، وظیفه ای ندارید و فقط باید در آن محل که موسیقی حرام پخش می شود، مستدل و با زبانی نرم آنان را نصیحت کنید، با کمک خداوند متعال مؤثر واقع خواهد شد. اعمال و رفتار خوب و شایسته شما می تواند آنان را از این کار زشت باز دارد.

**وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود برنگردیم؟**

### پرسش

وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود برنگردیم؟

### پاسخ

یکی از مهم ترین وظایف افراد هنگام روبرو شدن با منکرات، امر به معروف و نهی از منکر است. این گونه برخوردها اگر با رعایت ادب اسلامی و تواضع و فروتنی همراه شود، نیز افراد نصیحت کننده، خود به آن چه می گویند، پایبند باشند، با نتیجه خوبی همراه خواهد شد. در این موارد باید توجه داشت که شرایط امر به معروف وجود داشته باشد، مثلاً شخص احتمال تأثیر بدهد.

اما چه کنیم تا با چنین افرادی هم دوست باشیم و هم از آسیب های احتمالی در امان باشیم؟ پاسخ: اگر افراد مورد نظر، آلودگی اخلاقی دارند، مثلاً اهل فسق و فجورند، فحش و ناسزا می گویند یا به واجبات و محرمات اهمیتی نمی دهند، در این صورت، صلاحیت لازم برای دوستی ندارند. از نظر اسلام انسان نباید با افراد فاسق و لا ابالی دوست باشد، چون ناخود آگاه از عمل آن ها متأثر می شود و زیان می بیند. از طرفی آن دوستان قابل اعتماد نیستند.

اما اگر به این حد نمی باشند، بلکه خطاهای جزئی دارند (که مقتضای انسان بودن جائز الخطا بودن است) اگر تذکر شما با رعایت نزاکت و ادب همراه باشد، مشکلی را در روابط ایجاد نخواهد کرد، یا ادامه ارتباطتان موجب روگردانی دوستان از کارهای بد خواهد شد.

**در صورتی که در خانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟**

### پرسش

در صورتی که در خانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟

اگر قدرت دارید، باید از پخش آن جلوگیری کنید و آنان را که به این کار دست می زنند، امر به معروف و نهی از منکر کنید. اگر قدرت ندارید، یا این که به حرف شما ترتیب اثر نمی دهند، وظیفه ای ندارید و فقط باید در آن محل که موسیقی حرام پخش می شود، مستدل و با زبانی نرم آنان را نصیحت کنید، با کمک خداوند متعال مؤثر واقع خواهد شد. اعمال و رفتار خوب و شایسته شما می تواند آنان را از این کار زشت باز دارد.

**وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود برنگردیم؟**

**پرسش**

وظیفه ما نوجوانان در مجلس یا مدرسه جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود برنگردیم؟

**پاسخ**

یکی از مهم ترین وظایف افراد هنگام روبرو شدن با منکرات، امر به معروف و نهی از منکر است. این گونه برخوردها اگر با رعایت ادب اسلامی و تواضع و فروتنی همراه شود، نیز افراد نصیحت کننده، خود به آن چه می گویند، پایبند باشند، با نتیجه خوبی همراه خواهد شد. در این موارد باید توجه داشت که شرایط امر به معروف وجود داشته باشد، مثلاً شخص احتمال تأثیر بدهد.

اما چه کنیم تا با چنین افرادی هم دوست باشیم و هم از آسیب های احتمالی در امان باشیم؟ پاسخ: اگر افراد مورد نظر، آلودگی اخلاقی دارند، مثلاً اهل فسق و فجورند، فحش و ناسزا می گویند یا به واجبات و محرمات اهمیتی نمی دهند، در این صورت، صلاحیت لازم برای دوستی ندارند. از نظر اسلام انسان نباید با افراد فاسق و لا ابالی دوست باشد، چون ناخود آگاه از عمل آن ها متأثر می شود و زیان می بیند. از طرفی آن دوستان قابل اعتماد نیستند.

اما اگر به این حد نمی باشند، بلکه خطاهای جزئی دارند (که مقتضای انسان بودن جائز الخطا بودن است) اگر تذکر شما با رعایت نزاکت و ادب همراه باشد، مشکلی را در روابط ایجاد نخواهد کرد، یا ادامه ارتباطات موجب روگردانی دوستان از کارهای بد خواهد شد.

**بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند. برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟**

**پرسش**

بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند. برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟

## پاسخ

بدین منظور از راه کارهای زیر استفاده کنید : ۱- قبل از هر چیز اعتماد آنها را به خود جلب کنید تا تذکرات و سخنان تان تاثیر بیشتری داشته باشد. ۲- ضررها و آثار سو روحی و روانی تماشای چنین فیلم هایی را به آنها متذکر شوید. ۳- اهمیت و ارزش وقت به خصوص در دوران تحصیل را به آنها یادآوری کنید و آنها را به مطالعه و تحقیق تشویق نمایید. ۴- توصیه کنید به جای تماشای چنین فیلم هایی ، اوقات فراغشان را با ورزش و سرگرمی های شاد دیگر پر کنند و ضمن بیان فواید و آثار مثبت ورزش ( مثل کوهنوردی ، شنا، فوتبال و ورزش های دسته جمعی دیگر ) با یک برنامه ریزی منظم ، ترتیبی بدهید که فرصت کافی برای تماشای آن فیلم ها پیدا نکنند. ۵- به کمک بعضی تشکل های دانشجویی دانشگاه و خوابگاه برای پر کردن اوقات فراغت جوانان به تشکیل و راه اندازی مسابقات فرهنگی ، ورزشی و یاردوهای علمی ، تفریحی و ... اقدام نمایید و یا از فیلم های جذاب علمی و در ارتباط با رشته تحصیلی آنها استفاده کرده و به نمایش بگذارید .

## برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟

## پرسش

برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟

## پاسخ

برای انجام امور دینی توجه به راهکارهای زیر ضروری است : ۱- اعتقاد به این که تنها راه سعادت مند شدن عمل به احکام دینی و تقویت ایمان است . ۲- سعی کنید با ایجاد ارتباط بادوستانی مومن و جدانشدن از دوستان ناباب ( در صورتی که با چنین افرادی ارتباط دارید ) زمینه انجام احکام الهی را در خود تقویت کنید . ۳- سعی کنید برای انجام امور عبادی و دینی بیشتر به مراکز مذهبی مثل مسجد، حسینیه هاو ... بروید . ۴- در انجام کارهای عبادی سعی کن افراط و زیاده روی نکنید سعی نمایید ابتدا به انجام واجبات و ترک محرمات اکتفا کنید . ۵- کارهایی که واجب است انجام دهید و همچنین کارهایی که انجام آن حرام است فهرست کنید و هر روز آن فهرست را مرور کنید .. ۶- سعی کنید مشغول هر کاری که هستید هنگام نماز دست از کار بردارید و نماز را در اول وقت انجام دهید . ۷- با خودتان شرط کنید که اگر واجبی را ترک کردم یا به موقع انجام ندادم مقداری پول باید به عنوان جریمه صدقه بدهم یا یک روز روزه بگیرم . ۸- هر گاه موفق شدید وظیفه دینی خود را انجام دهید سر به سجده شکر بگذارید و از خداوند تشکر کنید که توفیق انجام تکلیف را به شما عطا کرده واز او بخواهید که همیشه خداوند توفیق انجام وظیفه را به شما عطا کند . ۹- به خودتان تلقین کنید که می توانم در انجام وظایف دینی ام موفق شوم . ۱۰- اگر گهگاهی موفق نشدید مایوس نشوید

دوباره اقدام کنید. اما این که فرمودید چگونه همه را از خودم راضی کنم البته اینکه انسان بتواند به گونه ای رفتار کند که جلب توجه دیگران شود و دیگران از او راضی باشند بسیار خوب است ولی واقعیت اینست که ما نمی توانیم همه افراد را از خودمان راضی کنیم بنابراین بهترین راه اینست که سعی کنیم خداوند را از خودمان راضی کنیم و هیچ گاه رضایت دیگران را بر رضایت خداوند ترجیح ندهیم ممکن است بعضی افراد از ما راضی شوند که ما مرتکب گناه شویم یا اینکه واجبات دینی را انجام ندهیم و اگر خدای ناکرده ما چنین افرادی را راضی کنیم به قیمت خشم و غضب الهی به ما تمام خواهد شد و چنین کاری هرگز شایسته نیست اما در عین حال انجام راهکارهای در جلب علاقه دیگران به شما موثر است : ۱- در مقابل دیگران متواضع باشید و به آنها احترام بگذارید. ۲- در سلام کردن سعی کنید زودتر سلام کنید. ۳- اگر مشکلی برای آنها پیش آمد به آنها کمک کنید و در صورت عدم توانایی حداقل ابراز همدردی کنید. ۴- از خطای دیگران چشم پوشی کنید و آنها را ببخشید. ۵- اگر توانایی دارید هدیه ای ولو کوچک برای آنها تهیه کنید. ۶- با دیگران با گشاده رویی برخورد کنید. ۷- از برخوردهای تند و عصبی اجتناب کنید. ۸- نسبت به دیگران دلسوز و مهربان باشید. ۹- در کارهای اجتماعی و همچنین کارهای منزل مشارکت داشته باشید. ۱۰- از تکبر و دوری از دیگران و همچنین از گوشه گیری و انزواطلبی جدا " پرهیز کنید

**بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا - که تأثیر در باطن و روح افراد داشته باشد - بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید .**

**پرسش**

بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا - که تأثیر در باطن

و روح افراد داشته باشد - بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید .

## پاسخ

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است ( جمله : ۱ ) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد ( ۲ ) شناخت ویژگی های روحی و روانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن ( ۳ ) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن ( ۴ ) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست ( ۵ ) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر ( ۶ ) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه ( ۷ ) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر . یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل ( نظارت همگانی ) است × یعنی باید این مسیله در جامعه و بویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی در جامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسوولند × زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد . همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت .

## وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟

## پرسش

وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟

## پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر در صورت احتمال تاثیر واجب است ، ولی در مورد شما آنچه ضرورت دارد، روشنگری و روشن ساختن فلسفه احکام برای آنهاست . باید سعی کنید با کار زیربنایی و فردی بر روی افراد، و توضیح اینکه ترانه های مبتذل آدمی را به خیر دعوت نمی کند و نیز سایر تاثیراتی که در روان و اخلاق و بینش آدمی می گذارد، آنان را برای پذیرش احکام الهی آماده کنید . خداوند در این راه یار و مددکار شما باشد . در امر به معروف و نهی از منکر باید مراتب امر به معروف و نهی از منکر رعایت شود . در ابتدا باید با گفتار و نصیحت و ارشاد راهنمایی کرد و اگر این راه ها موثر واقع نشد، چنان چه کم کردن ارتباط و یا قطع آن موثر باشد، از آن راه اقدام شود و چنان چه هیچ یک موثر واقع نشد، می توانید مراتب را به مقامات مسوول دانشگاه اطلاع دهید تا خودشان جلوگیری کنند و اگر هیچ یک از این امور ممکن نبود، تکلیف از شما ساقط می شود.

**در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد، نصیحت یا گزارش به مسوولین ، اگر فایده نداشته باشد چطور؟**

## پرسش

در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد، نصیحت یا گزارش به مسیولین، اگر فایده نداشته باشد چطور؟

## پاسخ

در صورت احتمال تاثیر نهي از منكر واجب است در غير اين صورت چنان چه بطور غير مستقيم (مثلا- از طريق خانواده) بتوانيد نقش ارشادي در اين موارد ايفا كنيد بهتر است. مسایل حادی که قابل پیگیری است می توانید گزارش کنید.

**اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به خاطر حفظ حرمت مهمان می توان او را نهي نکرد؟**

## پرسش

اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به خاطر حفظ حرمت مهمان می توان او را نهي نکرد؟

## پاسخ

انسان باید به وظیفه خود در برابر کسی که غیبت می کند، چه در منزل خود انسان باشد و چه در منزل دیگر، عمل کرده، امر به معروف و نهي از منكر را با رعایت شرایط آن، انجام دهد. چه بسا حق و حرمت مهمان، شایسته این باشد که از گناه محفوظ بماند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۰۵۰

اخلاق و تربیت

رذائل اخلاقی غیبت

**آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدیتر لازم است؟**

## پرسش

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد



جدیتر لازم است؟

**پاسخ**

به نظر امام خمینی ((رحمه الله)) در صورتی که ترسی از فتنه و فساد نباشد، لازم نیست با خانواده - بخصوص مادر و پدر- قطع رابطه شود؛ بلکه باز هم باید آنان را نصیحت و ارشاد نمود و با خشونت با آنان برخورد نکرد آری باید سعی کنیم که تحت تأثیر دعوت آنان به مطالب خلاف شرع قرار نگیریم. در آیه ای از قرآن چنین می خوانیم: «و ما به انسان توصیه نمودیم که به والدین خود نیکی کند و اگر آنان کوشش نمودند که در آن چیزی که تو به آن دانش نداری به من (خداوند) شرک بورزی اطاعت نکن. بازگشت شما به سوی من است پس شما را از آنچه عمل می کنید، با خبر خواهم کرد. (۱)

۱ - سوره عنکبوت، آیه ۷.

۲۳۶۰

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۳۶۱

**بهترین شیوه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟**

**پرسش**

بهترین شیوه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

**پاسخ**

حضرت امام خمینی (ره) در همین رابطه می فرماید: "از بزرگترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و شریفترین و دقیق ترین و شدیدترین آنها از نظر تأثیر و دلنشین ترین آنها بویژه اگر امر و ناهی از علمای دین و سران مذهب باشد، آن امر به معروف و نهی از منکری است که از شخص صادر شود که خود لباس معروف چه واجب و چه مستحب را به تن کرده باشد، و از منکر بلکه از مکروه دور باشد (یعنی خود عامل به معروف و تارک منکر باشد) و کسی باشد که به اخلاق انبیاء و اهل معرفت آراسته باشد و از اخلاق نادانان و اهل دنیا بدور باشد تا با عمل و روش و اخلاقش امر و ناهی باشد و مردم به او اقتدا کنند..." (۱)

با توجه به آنچه در این عبارت بود می توان بهترین شیوه را از حیث تأثیر جمع بین تذکر قوی و عملی دانست که ضمن اینکه

عمل معروفها را انجام می دهیم با زبان نیز به کمک همان عمل آنرا گسترش دهیم و با رعایت شرائط تذکر از اخلاق و برخورد مناسب و غیره.

برای توضیح بیشتر ضرورت دارد به مبحث امر به معروف و نهی از منکر به کتاب شریف تحریر الوسیله مراجعه شود.

(۱) تبیان ، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (ره) ، ص ۲۴۰

**چگونگی انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تفاوتهای نحوه عمل به این فریضه در محیط اجتماع و دانشگاه را بیان فرمایید.**

### پرسش

چگونگی انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تفاوتهای نحوه عمل به این فریضه در محیط اجتماع و دانشگاه را بیان فرمایید.

### پاسخ

فقهاء بزرگوار در نحوه امر به معروف و نهی از منکر مراتبی را قائل شده اند که این مراتب کلی است و فرقی بین مکانهای مختلف از این جهت نیست ولکن به اعتبار شرایط خاص ممکن است یک مرتبه تأثیر بیشتری داشته باشد و یا شیوه خاصی مؤثرتر واقع شود، رهبر معظم انقلاب در پاسخ به سؤال اینکه بهترین شیوه برخورد با منکرات چیست می فرمایند: "بستگی به این دارد که چه کسی بخواهد برخورد کند، اگر شما بخواهید برخورد کنید "زبان" است تعجب نکنید تأثیر امر به معروف و نهی از منکر زبانی است اگر انجام بگیرد از تأثیرات مثبت پولادین حکومت ها بیشتر است. من چند سال است که گفته ام امر به معروف و نهی از منکر. البته عده ای این کار را می کنند؛ اما همه نمی کنند. همه تجربه نمی کنند، می گویند آقا چرا اثر نمی کند؛ تجربه کنید. منکری را که دیدید، با زبان تذکر دهید. اصلاً لازم هم نیست زبان گزنده باشد و یا شما برای رفع آن منکر سخنرانی بکنید؛ یک کلمه بگویید: آقا! خانم! برادر! این منکر است. شما بگویید، نفر دوم بگوید، نفر سوم بگوید، نفر دهم بگوید، نفر پنجاهم بگوید؛ کی می تواند منکر را ادامه بدهد؟

البته به شما بگویم عزیزان من! منکر را باید بشناسید. چیزهایی ممکن است به نظر بعضی منکر بیاید؛ در حالی که منکر نباشد. باید معروف و منکر را بشناسید. واقعاً باید بدانید این منکر است بعضی گفته اند که باید احتمال

تأثیر و وجود داشته باشد. من می گویم احتمال تأثیر همه جا قطعی است؛ مگر در نزد حکومت های قلدر، قدرتمندها و سلاطین. آنها یند که البته حرف حساب به گوششان فرو نمی رود و اثر نمی کند؛ اما برای مردم چرا. برای مردم، حرف اثر دارد. بنابراین، پاسخ من این شد که بهترین روش برای شما که از من سؤال کردید "زبان" است."

حضرت امام خمینی (هم تأکید بر آن داشته و می فرمایند: "از بزرگترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و شریفترین و دقیقترین و شدیدترین آنها از نظر تأثیر و دلشاین ترین آنها آن امر به معروف و نهی از منکر است که از شخصی صادر شود که خود لباس معروف چه واجب و چه مستحب را به تن کرده باشد و از منکر بلکه مکروه دور باشد (یعنی خود، عامل به معروف و تارک منکر باشد) و کسی باشد که به اخلاق انبیاء و اهل معنویت آراسته باشد و از اخلاق نادانان و اهل دنیا بدور باشد تا با عمل و روش و اخلاقش آمر و ناهی باشد و مردم به او اقتدا کنند."

### امر به معروف و نهی از منکر در جامعه امروزی چگونه است؟

#### پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در جامعه امروزی چگونه است؟

#### پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین فروع اسلام است و سرلوحه مصلحان بزرگی چون انبیا و امامان بوده است در جامعه امروز به صورت فردی و جزئی اجرا می شود اما توفیق در این مهم منوط به فراگیر کردن این واجب توسط همه مردم است که ابتدا باید مصادیق آن را بشناسند و سپس اقدام به این واجب کنند. در رساله های عملیه واجبات و ارکان امر به معروف و نهی از منکر به تفصیل آمده است از جمله اینکه: باید معروف و منکر شناخته شود. پس برای همگانی کردن آن یک بحث تعلیم و آموزش معروف و منکر را داریم. امّا در اقدام به آن از جمله کسانی که می توانند در این آموزشها مؤثر باشند روحانیون هستند و آموزش و پرورش با قرار دادن آن در دروس رسمی، نماز جمعه ها، مساجد، رسانه ها و همه نهادهایی که با عموم مردم در ارتباط هستند می توانند نقش مؤثری داشته باشند.

بطور کلی دشمن هرچه پنهان تر باشد قوی تر شده و شکست آن سخت تر می شود. لذا باید دشمن را معرفی کرد. یک سری از دشمنی ها با انقلاب صورت می پذیرد که مردم در تشخیص آنها نیازمند همین آموزشها هستند. و در اجرای این فریضه باید یک هماهنگی میان قوای سه گانه با مردم وجود داشته باشد. در مسئله جنگ این هماهنگی بود. مشکل عمده بعد از معرفی منکر و معروف عدم این هماهنگی است و وضع بگونه ای نیست که اگر حرکت عمومی در مقابل بعضی منکرات،

صورت پذیرفت ، جایگاه مشخصی داشته باشد و از آن حمایت شود . نیاز به یک سری آموزشهایی است که وقتی مردم به میدان دعوت می شوند نیروهای مسئول مثل انتظامات و ... هماهنگ باشند . اگر استقبال مناسب نباشد و نیروها یکدیگر را خنثی کرده یا در مسئولیت خود اهما ل کنند موفق نمی شوند .

برای شرکت عموم باید مجموعه های کوچکتر مانند تشکلهای مذهبی ، بسیجی ها احساس موفقیت کنند و بعد از آن مجموعه های بزرگتری اقدام کنند . اگر در این راه ابهام وجود داشته باشد و اول کسانی که آمادگی دارند و نیروهای پیشتاز محسوب می شوند ، متوقف شده نتایج مطلوبی بدست نیاورند یک حرکت عمومی شکل نمی گیرد .

البته این اشکال بیشتر متوجه مسئولین اجرایی است زیرا مردم وقتی دعوت رهبر خود را به این امر مهم می بینند در صحنه حاضر می شوند .

مقام معظم رهبری د راین زمینه می فرمایند : " وقتی همه آحاد یک جامعه را موظف به امر به معروف ونهی از منکر می کنند ، این به چه معناست ؟ چه وقت ممکن است همه آحاد یک ملت امر به معروف وخیر وناهی از منکر باشد ؟ آن وقت که همه در متن مسائل کشور به معنای واقعی حضور داشته باشند . همه باید به کارهای جامعه کار داشته باشند واهتمام بورزند . همه باید آگاه باشند . همه باید معروف شناس ومنکر شناس باشند . این به معنای نظارت ، حضور وهمکاری عمومی است ، به معنی معرفت بالا در همه است . امر به معروف به این معناست . والا اگر ما

امر به معروف را در یک دایره محدود آن هم بوسیله افراد معلوم زندانی بکنیم و دشمن هم در تبلیغات خودش سمپاشی کند که در ایران قرار است از این به بعد نسبت به زنهای بد حجاب اینچور عمل بشود ، این صحیح نیست آیا معنای امر به معروف این است که این واجب به این عظمت را که قوام همه چیز به اوست ، بیاورند در یک دایره محدود در خیابانهای تهران . آن هم نسبت به چند نفر زن که وضع حجابشان مثلاً درست نیست ؟ این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه های گوناگون جامعه ؟ خیر ، قضیه بالاتر از این حرفها ست . تخلفها یک اندازه و یکجور نیست . تخلفها تنها تخلفهای فردی نیست . بالاترین تخلفها ، تخلفها و جرائمی است که پایه های نظام را سست می کند .

نا امید کردن مردم ، مأیوس کردن دلهای امیدوار ، کج نشان دادن راه راست ، گمراه کردن انسانهای مؤمن و با اخلاص ، سوء استفاده کردن از اوضاع و احوال گوناگون در جامعه اسلامی ، کمک کردن به دشمن ، مخالفت کردن با احکام اسلامی و پیاده شدن مقررات اسلام ، تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن ، منکرهای مهم است .

امروز دستهایی تلاش می کنند تا فساد را به صورت نا محسوس ( نه آنچور که شما در خیابان ببینید و بفهمید و مشاهده کنید ) به شکلهای گروهکی و با هدایت دشمن در بین جوانها ترویج کنند ، پسرها را به فساد و بی تفاوتی بکشانند ، اینها منکرات است . منکرات ، هم اخلاقی ، هم سیاسی و هم اقتصادی است . همه جا هم جای نهی

از منکر است . یک دانشجو هم می تواند در محیط درس و علم نهی از منکر کند . یک کارمند شریف هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند . یک کاسب مؤمن هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند . یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می تواند نهی از منکر کند . روحانیون در محیطهای مختلف یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر و امر به معروف هستند . نمی شود این واجب بزرگ الهی را در دایره های کوچک محدود کرد .

این کار، کار همه است ، اینجور نیست که مخصوص عده خاصی مثل نیروهای مسلح یا نیروهای دیگر باشد ، کار همه است . البته هر کسی وظیفه ای دارد . من در پیام تشکری که منتشر شد عرض کردم که قشرهای مختلف باید جایگاه خود را در امر به معروف و نهی از منکر پیدا کنند . هر کس جایگاهی دارد . اینکه کجا باید نهی از منکر بکنید و در مقابل کدام منکر می توانید مقاومت بکنید و بایستید و کدام را می شناسید ، مهم است . کار ، کار مردمی است . البته علمای دین باید مردم را هدایت و راهنمایی کنند . کیفیت نهی از منکر را برای مردم بیان کنند و منکر را برای آنها شرح بدهند . " (۱)

(۱) کوثر ولایت ، مقام معظم رهبری ، ص ۲۷ - ۲۶

اما اگر پرسیده شود این ناهماهنگی تقصیر چه کسی است ؟ باید اعتراف کرد که موانعی برای عملی شدن این فریضه وجود دارد و آن وجود خطوط و جناحهای مختلف است که در روشهای اصلاح جامعه

نظریات مختلف ارائه می کنند و هر کدام برداشتی را از پیش خود ارائه می کنند و آن تبعیت از رهبری که باید در همه مسئولین باشد، نیست. یکی از نتایج بسیار نامطلوب این جناح بندیها که فقط جنبه سیاسی هم ندارد مثل بحث آزادی و... آنقدر اختلاف آراء و نظرها در مقابل خط رهبری مطرح می شود که از موانع اساسی اجرایی این فریضه است. این مانع وقتی به مسئولین دولتی سرایت می کند و آنها در اساس این فریضه و اجرای آن تردید می کنند یا بعضی از آنها خود به بسیاری منکرات مبتلا هستند این سبب بر زمین ماندن این فریضه الهی می شود و راه نجات هم دست برداشتن از تشتت آراء و اختلافات سیاسی و گوش به فرمان رهبری بودن و اجرای اوامر ایشان و حفظ وحدت رویه و وحدت ملی است.

### **وظیفه آحاد مردم در امر به معروف و نهی از منکر در جامعه چگونه است؟**

#### **پرسش**

وظیفه آحاد مردم در امر به معروف و نهی از منکر در جامعه چگونه است؟

#### **پاسخ**

امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین فروع اسلام است و سرلوحه مصلحان بزرگی چون انبیا و امامان بوده است در جامعه امروز به صورت فردی و جزئی اجرا می شود اما توفیق در این مهم منوط به فراگیر کردن این واجب توسط همه مردم است که ابتدا باید مصادیق آن را بشناسند و سپس اقدام به این واجب کنند. در رساله های عملیه واجبات و ارکان امر به معروف و نهی از منکر به تفصیل آمده است از جمله اینکه: باید معروف و منکر شناخته شود. پس برای همگانی کردن آن یک بحث تعلیم و آموزش معروف و منکر را داریم. امّا در اقدام به آن از جمله کسانی که می توانند در این آموزشها مؤثر باشند روحانیون هستند و آموزش و پرورش با قرار دادن آن در دروس رسمی، نماز جمعه ها، مساجد، رسانه ها و همه نهادهایی که با عموم مردم در ارتباط هستند می توانند نقش مؤثری داشته باشند.

بطور کلی دشمن هرچه پنهان تر باشد قوی تر شده و شکست آن سخت تر می شود. لذا باید دشمن را معرفی کرد. یک سری از دشمنی ها با انقلاب صورت می پذیرد که مردم در تشخیص آنها نیازمند همین آموزشها هستند. و در اجرای این فریضه باید یک هماهنگی میان قوای سه گانه با مردم وجود داشته باشد. در مسئله جنگ این هماهنگی بود. مشکل عمده بعد از معرفی منکر و معروف عدم این هماهنگی است و وضع بگونه ای نیست که اگر حرکت عمومی در مقابل

بعضی منکرات ، صورت پذیرفت ، جایگاه مشخصی داشته باشد واز آن حمایت شود . نیاز به یک سری آموزشهایی است که وقتی مردم به میدان دعوت می شوند نیروهای مسئول مثل انتظامات و ... هماهنگ باشند . اگر استقبال مناسب نباشد و نیروها یکدیگر را خنثی کرده یا در مسئولیت خود اهما ل کنند موفق نمی شوند .

برای شرکت عموم باید مجموعه های کوچکتر مانند تشکلهای مذهبی ، بسیجی ها احساس موفقیت کنند و بعد از آن مجموعه های بزرگتری اقدام کنند . اگر در این راه ابهام وجود داشته باشد واول کسانی که آمادگی دارند و نیروهای پیشتاز محسوب می شوند ، متوقف شده نتایج مطلوبی بدست نیاورند یک حرکت عمومی شکل نمی گیرد .

البته این اشکال بیشتر متوجه مسئولین اجرایی است زیرا مردم وقتی دعوت رهبر خود را به این امر مهم می بینند در صحنه حاضر می شوند .

مقام معظم رهبری د راین زمینه می فرمایند : " وقتی همه آحاد یک جامعه را موظف به امر به معروف ونهی از منکر می کنند ، این به چه معناست ؟ چه وقت ممکن است همه آحاد یک ملت امر به معروف وخیر وناهی از منکر باشد ؟ آن وقت که همه در متن مسائل کشور به معنای واقعی حضور داشته باشند . همه باید به کارهای جامعه کار داشته باشند واهتمام بورزند . همه باید آگاه باشند . همه باید معروف شناس ومنکر شناس باشند . این به معنای نظارت ، حضور وهمکاری عمومی است ، به معنی معرفت بالا در همه است . امر به معروف به این معناست . والا اگر



ما امر به معروف را در یک دایره محدود آن هم بوسیله افراد معلوم زندانی بکنیم و دشمن هم در تبلیغات خودش سمپاشی کند که در ایران قرار است از این به بعد نسبت به زنهاى بد حجاب اینجور عمل بشود ، این صحیح نیست آیا معنای امر به معروف این است که این واجب به این عظمت را که قوام همه چیز به اوست ، بیاورند در یک دایره محدود در خیابانهای تهران . آن هم نسبت به چند نفر زن که وضع حجابشان مثلاً درست نیست ؟ این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه های گوناگون جامعه ؟ خیر ، قضیه بالاتر از این حرفهاست . تخلفها یک اندازه و یکجور نیست . تخلفها تنها تخلفهای فردی نیست . بالاترین تخلفها ، تخلفها و جرائمی است که پایه های نظام را سست می کند .

نا امید کردن مردم ، مأیوس کردن دلهای امیدوار ، کج نشان دادن راه راست ، گمراه کردن انسانهای مؤمن و با اخلاص ، سوء استفاده کردن از اوضاع و احوال گوناگون در جامعه اسلامی ، کمک کردن به دشمن ، مخالفت کردن با احکام اسلامی و پیاده شدن مقررات اسلام ، تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن ، منکرهای مهم است .

امروز دستهایی تلاش می کنند تا فساد را به صورت نا محسوس (نه آنجور که شما در خیابان ببینید و بفهمید و مشاهده کنید ) به شکل های گروهکی و با هدایت دشمن در بین جوانها ترویج کنند ، پسرها را به فساد و بی تفاوتی بکشانند ، اینها منکرات است . منکرات ، هم اخلاقی ، هم سیاسی و هم اقتصادی است . همه جا هم جای

نهی از منکر است . یک دانشجو هم می تواند در محیط درس و علم نهی از منکر کند . یک کارمند شریف هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند . یک کاسب مؤمن هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند . یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می تواند نهی از منکر کند . روحانیون در محیطهای مختلف یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر و امر به معروف هستند . نمی شود این واجب بزرگ الهی را در دایره های کوچک محدود کرد .

این کار، کار همه است ، اینجور نیست که مخصوص عده خاصی مثل نیروهای مسلح یا نیروهای دیگر باشد ، کار همه است . البته هر کسی وظیفه ای دارد . من در پیام تشکری که منتشر شد عرض کردم که قشرهای مختلف باید جایگاه خود را در امر به معروف و نهی از منکر پیدا کنند . هر کس جایگاهی دارد . اینکه کجا باید نهی از منکر بکنید و در مقابل کدام منکر می توانید مقاومت بکنید و بایستید و کدام را می شناسید ، مهم است . کار ، کار مردمی است . البته علمای دین باید مردم را هدایت و راهنمایی کنند . کیفیت نهی از منکر را برای مردم بیان کنند و منکر را برای آنها شرح بدهند.»(۱)

اما اگر پرسیده شود این ناهماهنگی تقصیر چه کسی است ؟ باید اعتراف کرد که موانعی برای عملی شدن این فریضه وجود دارد و آن وجود خطوط و جناحهای مختلف است که در روشهای اصلاح جامعه نظرهای مختلف ارائه می کنند و هر کدام برداشتی را از پیش خود ارائه می

کنند و آن تبعیت از رهبری که باید در همه مسئولین باشد، نیست. یکی از نتایج بسیار نامطلوب این جناح بندیها که فقط جنبه سیاسی هم ندارد مثل بحث آزادی و... آنقدر اختلاف آراء و نظرها در مقابل خط رهبری مطرح می شود که از موانع اساسی اجرایی این فریضه است. این مانع وقتی به مسئولین دولتی سرایت می کند و آنها در اساس این فریضه و اجرای آن تردید می کنند یا بعضی از آنها خود به بسیاری منکرات مبتلا هستند این سبب بر زمین ماندن این فریضه الهی می شود و راه نجات هم دست برداشتن از تشنه آراء و اختلافات سیاسی و گوش به فرمان رهبری بودن و اجرای اوامر ایشان و حفظ وحدت و رویه و وحدت ملی است.

**در امر به معروف و نهی از منکر خواهرانی که خود میل به کارهای خراب دارند و با برادران گفتگوی غیر مجاز و بیش از حد شرم آور دارند چگونه باید عمل کرد؟ یا به چه مکان ها و شماره تلفنی تماس گرفت که سریعتر عمل کنند؟**

### پرسش

در امر به معروف و نهی از منکر خواهرانی که خود میل به کارهای خراب دارند و با برادران گفتگوی غیر مجاز و بیش از حد شرم آور دارند چگونه باید عمل کرد؟ یا به چه مکان ها و شماره تلفنی تماس گرفت که سریعتر عمل کنند؟

### پاسخ

بحث امر به معروف و نهی از منکر متأسفانه آنگونه که شایسته و بایسته است در جامعه ما تبیین نشده و افراط و تفریط های زیادی صورت گرفته است عده ای بسیار سخت گیری کرده اند و موجبات عصیان جوانان را فراهم ساخته و عده ای دیگر نیز با آزادی غیر معقول و غیر مشروع به طور عملی به دفاع و حمایت از بعضی منکرات پرداخته اند.

امر به معروف و نهی از منکر آداب، شرایط، مقدمات، ملزوماتی دارند که در کتاب های مربوط و رساله های علمیة مراجع بزرگوار تقلید به آن اشاره شده است. (۱)

اگر امر معروف و نهی از منکر و ارشاد جامعه با شرایط خودش انجام گیرد بهترین و بیشترین تأثیر را خواهد داشت ولی متأسفانه برخی آنرا چماق می کنند و گروهی آنرا تخطئه می سازند و امر به معروف و نهی از منکر با شرایط برای افراد عادی در حد تذکر زبانی و لسانی جنبه و جوب دارد و در مرحله عملی فقط باید توسط حاکم و عوامل حکومت صورت بگیرد و از هرگونه درگیری و تنش باید اجتناب کرد و اگر تذکر و نصیحت مفید نباشد و می توان به عوامل حکومتی اطلاع داد که ستاد اجرایی امر به معروف و نهی از منکر و پاسگاه های انتظامی و نیروی انتظامی و یا ۱۱۳ ادارات اطلاعات شهرستان ها اطلاع داد. البته برخورد قضایی و انتظامی آخرین مرحله

است و اگر بتواند از طریق نصیحت و ارشاد دوستانه و صمیمانه افراد خاطی را هدایت کرد بسیار تأثیرگذارتر خواهد بود چه برخورد فیزیکی افراد را عاصی می کند و نه تنها بسیاری از موافع سازنده نیست بلکه آثار تخریبی منفی دارد. باید ریشه ها و عوامل را شناسایی کرد و در رفع و نابودی آنها تلاش کرد. این روش بسیار موفق تر و کارسازتر است تا برخورد فیزیکی و دستگیری و بازداشت و زندان و شلاق و ...

منابع و مأخذ:

۱ از جمله می توانید به کتاب حماسه حسینی شهید مطهری مبحث عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی مراجعه کنید.

**اگر از شما بخواهند چند جوان که شاید ظاهر نادرستی از لحاظ پوشش داشته باشند منظور این که مثلاً فردی که فرضاً موهای خود را بسته و لباس چسبیده به تن دارد را به گونه ای ارشاد کنید که به نماز جماعت بیایند که خودتان نیز پیش نماز باشید چگونه برخورد می کنید آیا ممکن**

**پرسش**

اگر از شما بخواهند چند جوان که شاید ظاهر نادرستی از لحاظ پوشش داشته باشند منظور این که مثلاً فردی که فرضاً موهای خود را بسته و لباس چسبیده به تن دارد را به گونه ای ارشاد کنید که به نماز جماعت بیایند که خودتان نیز پیش نماز باشید چگونه برخورد می کنید آیا ممکن است شما نیز برای این کار حاضر باشید لباس مقدس خودتان را بیرون بیاورید؟

**پاسخ**

از این که شما برادر عزیز و بزرگوار به این نکته مهم توجه دارید بسیار سپاس گذار و خداوند را شاکریم. این که شما عزیز گرامی به جلب و جذب جوانان می اندیشید که به زعم دیگران در مسیری جدای از مسیر متدینان گام بر می دارید بسیار خوشوقتیم و از خداوند والا مرتبه استمداد می طلبیم و نیز شما از درگاه با عظمتش بخواهید در این مسیر یار و یاور و راهنما و هادی شما باشد.

برادر عزیز که احتمالاً در کسوت مقدس اقامه جماعت هستی لابد حتماً حد پوشش و لباس را در منابع فقهی و دینی خوانده ای و می دانی که حد پوشش برای مرد چقدر است و تا چه میزان واجب است و بسیاری از سختگیرها که در جامعه ما نسبت به پوشش پسران می شود و خوب شرعی ندارد عرف آنرا نمی پذیرد و چون خلاف عرف است با آن مقابله می شود. همچنین بلندی مو و بستن آن نیز حرام و گناه نیست همچنان که کوتاه کردن موی سر نیز واجب نیست بنابراین در این مرحله باید بدان که فرد مورد نظر گناهکار نیست کوتاه کردن موی سر نیز واجب نیست.

بنابراین در این

مرحله باید بدان که فرد مورد نظر گناهکار نیست فقط عرف جامعه را رعایت نکرده است بنابراین شما در مواجهه اولیه با او حق نداری به آنچه که خلاف شرع و دین نیست توجه کنی و به گونه ای القا کنی که کارش خلاف جلوه و در همان ابتدا او را طرد کنی. این مشکلی است که در قالب متدینان و دوستان عزیز ائمه جماعت و مبلغان و ... مشاهده می شود و به جای اینکه به مسایل عمده و زیر بنایی و واجبات و محرمات اسلام توجه کنند به ظاهر به افراد و مسایل جزئی که گاهی اصلاً گناه نیست و گاهی ممکن است گناه صغیره باشد توجه می کنند و از امهات مسایل غفلت می کنند.

برادر عزیز! شاید بهترین راهکار برای جذب و جلب جوانان دوستی و رفاقت و برخورد خوش و شیرین باشد. سلام کردن به آنان، گرم گرفتن و احوال پرسسی صمیمانه و سوال کردن از وضعیت درسی و... و کمک کردن به آنان اگر متوجه نیازی شدید و...

باید با جوانان رفیق شد. درددل های آنان را گوش کرد. به آنان احترام گذاشت.

آنان را مورد تکریم قرار داد و آنها را صاحب درک و فهم و خرد دانست و با آنان به مشورت پرداخت و از نظرات متقن و محکم آنها استقبال کرد و در جمع اعلام کرد و تشویقشان کرد. نباید به دلیل این که موهایش بلند است به دیدگاه و نظرات او بی اعتنا شد بلکه تعمداً باید دنبال موقعیتی بود تا او را مطرح کنیم و به عنوان فردی با کمال و فضیلت طرح شود. اگر بتوانیم با

جوانان رابطه دوستانه و صمیمانه و صادقانه برقرار کنیم تا آنان احساس کنند دوستشان داریم و قصد نداریم عقایدمان را بر آنان تحمیل کنیم به مرور زمان ناخداگاه همانند سازی پیدا خواهد شد و سعی خواهد کرد مثل ما بشود البته در این ارتباط دوستانه ضرورتی وجود ندارد انسان اصول و معیارهای خودش را کنار بگذارد. مثلاً لباس مقدس روحانیت را کنار بگذارد تا به زعم خودش جوانان با او ارتباط برقرار کنند. بلکه برعکس جوان با این فرد با دیده فردی بی پایه و اساس نگاه خواهد کرد ممکن است با او دوست بشود ولی او را به عنوان رهبر نخواهد پذیرفت. طلبه باید طلبگی خودش را حفظ کند ولی با جوانان درست باشد و اگر مثلاً قرار شد با آنان فوتبال بازی کند لباسش را درآورد و بازی کند ولی پس از آن مجدداً به کسوت اصلی خودش باز گردد و لباس خودش را بپوشد. این نشان دهنده ثبات شخصیتی او خواهد بود و جوان به او تکیه و اعتماد می کند.

**در حال حاضر که اینقدر نوارهای موسیقی چه صوتی و چه تصویری رواج پیدا کرده است و ما در هر زمانی شاهد اینگونه ماجرا هستیم و نمی شود علم آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد و آیا در چنین مواقعی شنیدن اینگونه مبتذلهها و دیدن نوارها و سی دی های تحریک کننده چه**

### پرسش

در حال حاضر که اینقدر نوارهای موسیقی چه صوتی و چه تصویری رواج پیدا کرده است و ما در هر زمانی شاهد اینگونه ماجرا هستیم و نمی شود علم آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد و آیا در چنین مواقعی شنیدن اینگونه مبتذلهها و دیدن نوارها و سی دی های تحریک کننده چه حکمی دارد و برای جلوگیری از این گونه مسائل چه باید کرد؟

### پاسخ

وظیفه دولت و مردم در برابر انحرافات

"قسم به کسی که جانم در دست اوست، برخی از امتم در قیامت به صورت خوک و میمون محشور می شوند، بخاطر مدارا کردن آنها در برابر معاصی و خودداری از نهی از منکر در حالی که قدرت آن را دارند" (۱) پیامبر اکرم (ص)

"کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، خلیفه خدا و رسول در روی زمین است" (۲) پیامبر اکرم (ص)

"آیا شما را خبر دهم به اقوامی که پیامبرو شهید نیستند، ولی در قیامت انبیاء و شهدا بر آنها غبطه می خورند؟ آنان کسانی هستند که بندگان خدا را دوست دارند و در روی زمین خیر خواه آنان هستند، آنها را به آنچه خداوند را دوست دارد امر و از آنچه اکراه دارد نهی می کنند" (۳) پیامبر اکرم (ص)

حضرت امام خمینی (ره):

امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است، یک چیزی نیست که بر یکی واجب باشد بر

دیگری نه، همه ما مکلفیم که همان طور که مکلفیم که خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمت به نور، ملکف هستیم  
دیگران را همین طور

دعوت کنیم. هر مقداری که می توانیم، شما نباید بگویید که خوب، من که خطیب نیستم، من که اهل منبر نیستم، من که اهل محراب نیستم، شما اهل این هستید که در خانواده تان، با آن پسران و با آن دختران و با اولیائتان، با آن کسی که رفیق شما هست، می توانی حرف بزنید، همین مقدار شما مکلفید، اگر انسان دید معصیت خدا می شود، باید جلوی او را بگیرد، نگذارد، معصیت خدا بشود. (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۸۴)

امر به معروف و نهی از منکر واجب حتمی همه است، فقط من و شما به عنوان مسئولان کشور وظیفه مان در باب امر به معروف و نهی از منکر سنگین تر است. باید از شیوه ها و وسائل مناسب استفاده کنیم؛ اما آحاد مردم هم وظیفه دارند. با چهار تا مقاله در فلان روزنامه، واجب امر به معروف نه از وجوب می افتد، نه ارزش تأثیرگذاریش ساقط می شود. قوام و رشد و کمال

و صلاح، وابسته به امر به معروف و نهی از منکر است؛ این هاست که نظام را همیشه جوان نگه می دارد. چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفه خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید، او را از این منکر نهی کنید، آنگاه این نظام اسلامی همیشه تر و تازه و با طراوت و شادابی می ماند. طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه عامه مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید؛ نه این که از او خواهش کنید؛ باید بگویید: آقا! نکن؛ اینکار یا این حرف درست نیست.



امر و نهی باید با حالت استعلاء باشد. البته این استعلاء معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران، و ناهیان بالاتر از منهیان باشند؛ نه، روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست. نمی شود گفت که خواهش می کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه می کنی؟ طرف، هر کسی هست حالا بنده که طلبه حقیری هستم از بنده مهمتر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد. (۴)

حضرت آیت الله بهجت:

امر به معروف و نهی از منکر با شرایط آن واجب است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

تکلیف همه بدون استثناء رعایت احکام شرع و حلال و حرام دین است و هر کسی بر طبق توان خود امر به معروف و نهی از منکر نماید تا خدای ناخواسته تدریجاً معروف، منکر نشود و منکر عنوان معروف پیدا نکند.

حضرت آیت الله تبریزی:

چنانچه دولت بخواهد مشروعیت داشته باشد باید از مظاهر فساد جلوگیری کند و وظیفه مردم حتی المقدمور نصیحت و راهنمایی دیگران و حفظ اهل و عیال خود می باشد.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

امر به معروف و نهی از منکر طبق شرایط و مراحل آن باید انجام شود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

همه موظف به احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر هستند.

حضرت آیت الله سیستانی:

تکلیف، امر به معروف و نهی از منکر است.

"شنیدن و استماع موسیقی قساوت قلب می آورد" (۵) پیامبر اکرم (ص)

"هیچ گناهی را کوچک شمارید که انسان وقتی در

قیامت به گناهان خود می نگرد، دیدگانش چرک می گیرد" (۶) پیامبر اکرم (ص)

"به کوچکی گناه ننگرید، به کسی که جرأت مخالفت با او کرده اید نگاه کنید" (۷)

**دوستی دارم که هر وقت به خانه آنها می روم برایم نوار ترانه و شو می گذارد ولی من دوست ندارم نگاه کنم و از طرفی خجالت می کشم که به او بگویم. البته جو خانه آنها همینطور است ولی دوستم را از نظر اخلاقی، معرفتی و دینی خیلی دوست دارم او اهل نماز روزه و دعا هم هست**

### پرسش

دوستی دارم که هر وقت به خانه آنها می روم برایم نوار ترانه و شو می گذارد ولی من دوست ندارم نگاه کنم و از طرفی خجالت می کشم که به او بگویم. البته جو خانه آنها همینطور است ولی دوستم را از نظر اخلاقی، معرفتی و دینی خیلی دوست دارم او اهل نماز روزه و دعا هم هست و مدت ۱۸ ماه است با او دوست هستم. شما بگویید که چه کاری به صلاح ام است؟

### پاسخ

همانگونه که خودت ابراز نموده ای از موارد خلاف متنفر هستی و از گناه کردن اجتناب می ورزی ولی در مواجهه با دوستت خجالت و کم رویی مانع از این می شود که از ارتکاب خلاف خودداری ورزی ولی باید بدانی که در امور فوق خجالت مفهومی ندارد و حاکی از عقل و اندیشه نیست.

تو باید به نحوی از ابتلا به آن کارها خودداری ورزی. شما می توانی در خارج از منزل وقتی با یکدیگر تنها هستید با بیان مضرات و دلایل متقن و محکم و عواقب موارد فوق به آن دوست خودت تفهیم کنی که اشتغال به آن کارها مضر است و انسان را از مسیر اصلی زندگی حیات بخش و سعادت آفرین ممکن است منحرف سازد و البته می توانید بجای آنها از موسیقی و نوارهای شاد و جذاب و مجاز استفاده کنید نه این که فقط مخالفت بورزی بلکه با بیان مضرات و عواقب سوء آن سعی کنید هر دوی تان از اجتناب به آن ارتکاب ورزید و برای اقناع حس و روحیه زیبایی طلبی خویش از موسیقی جذاب شاد و مجاز بهره مند شوید.

می

توانید کتاب‌ها و آثار مربوط به مضرات و آثار سوء مربوط به موسیقی مخرب را مطالعه کنید تا هم خودتان به صورت علمی دلایل تحریم و حرمت موسیقی و غنا را بشناسید و هم بتوانید دیگران را آگاه سازید.

شما دوست عزیز حتما باید قبل از رفتن به منزل آن دوست خودت این مسئله را بسیار دوستانه و صمیمی مطرح کنی و بگویی که بسیار او را دوست داری ولی از آن مسئله ناراحت هستی و تا به حال هم به همین دلیل علی‌رغم ناراحتی خودت آنرا مطرح نکرده‌ای و او را نیز قبول داری و یادآور بشوی که اعمال خوب و نماز و روزه‌ها از آن طریق تباه شده یا خواهد شد و یا در معرض تباهی قرار دارد.

و نیز متذکر شوی که می‌توانید به طور مشترک به موسیقی‌های مجاز گوش کنید و خود را اغنا کنید و مانعی برای پیشرفت علمی و عملی خودتان فراهم نسازید. و نیز یادآور شوید که اگر این امر ادامه پیدا کند با کمال تأسف و حسرت در منزلشان حضور نخواهی یافت. خجالت و کم‌رویی در این موارد را کنار بگذار و در یک فرصت مناسب در پارک یا... آنرا مطرح کن.

امیدوارم موفق به هدایت آن دوست بشوی.

**اگر ما در مجلس عروسی حاضر گردیم و آن مجلس از موسیقی مبتذل استفاده نموده آن موسیقی به گوش برسد چه کار کنیم اگر هم عروسی را ترک کنیم صاحب خانه ناراحت می‌شود باز هم باید از آنجا برویم؟ راهنمایی کنید؟**

**پرسش**

اگر ما در مجلس عروسی حاضر گردیم و آن مجلس از موسیقی مبتذل استفاده نموده آن موسیقی به گوش برسد چه کار کنیم اگر هم عروسی را ترک کنیم صاحب خانه ناراحت می‌شود باز هم باید از آنجا برویم؟ راهنمایی کنید؟

**پاسخ**

توجه شما را به پاسخ استفتائات ذیل از مراجع عظام جلب می‌کنیم:

پاسخ از آیت الله صافی گلپایگانی:

ما دو خواهر ۱۹ ساله هستیم، با توجه به اینکه مجالس عقد و عروسی و از این قبیل که در آنها از نوارهای موسیقی و رقص زنان برای زنان به کار برده می‌شود و این مورد حرام است، از شرکت در این مجالس خودداری می‌کنیم. این مسأله تا اندازه‌ای باعث مخالفت پدر و مادر و اطرافیان شده است و حتی بسیاری از آنان با گفتن مواردی مثل کناره‌گیری از مردم یا دوری از اجتماع و مسخره کردن ما و این که به ما می‌گویند: شما همیشه نمی‌توانید این طور ادامه دهید، و با توجه به این که ما مجرد هستیم و در تمامی مجالس دعوت شده موارد فوق وجود دارد از نظر اجتماعی با مشکلاتی روبرو شده‌ایم، با این وجود

نمی خواهیم به هیچ عنوان بر خلاف اسلام عمل کنیم و به ما پیشنهاد می شود که راه تقیه را پیش بگیرید یا اینکه شما در این مجالس بیایید و نظری ندهید و گوشه ای بنشینید این نظرها برای ما قابل قبول نیست چون دلیلی بر تأیید آنان نمی دانیم و در ضمن روبرو با صداها و لهو و لعب های آنان هستیم و فکر می کنیم شرکت در این مجالس

باعث عادی شدن این گناه می شود. خواهشمندیم در این مورد ما را راهنمایی فرمایید.

پاسخ: شرکت در مجلس معصیت جایز نیست و مورد سؤال از موارد تقیه محسوب نمی شود. خداوند به شما توفیق بدهد؛ شما در این گونه مجالس شرکت نکنید تا دیگران از استقامت شما در این امر پند بگیرند. (۱)

حضرت آیت الله خامنه ای:

شرکت کردن در مجالس حرام در هر صورت جایز نیست و امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است.

حضرت آیت الله بهجت:

این نوع بها نه ها باعث حلال شدن حرام الهی نمی شود.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

شرکت در مجالس معصیت جایز نیست.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

در صورتی که نتوانید آنها را نهی از منکر کنید نباید شرکت کنید.

حضرت آیت الله تبریزی:

می توانید شرکت کنید ولی هنگام شروع لهو و لعب نهی از منکر نمایید اگر اثر نکرد حرکت نمایید در این صورت مأجور هستید.

حضرت آیت الله سیستانی:

اگر مبتلا به حرام می شود جایز نیست.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

شرکت در مجالسی که در آن عمل حرام و گناه صورت می گیرد و انسان نمی تواند نهی از منکر کند صحیح نیست و اگر علت عدم شرکت را بدانند دشمنی و خصومت نمی کنند.

آیت الله العظمی اراکی (ره):

موسیقی مطرب و ملهی و ترانه های مبتذل حرام است و نیز شرکت در مجالس حرام.

موسیقی از اموری است که البته هر کس به حسب طبع خوشش می آید لیکن انسان را از جدیت بیرون می برد و به یک موجود هزل و بیهوده می کشاند، موسیقی فکر انسان را طوری می کند که دیگر نتواند در غیر محیط موسیقی و

شهوات و اموری که مربوط به موسیقی است فکر بکنند." سخنرانی حضرت امام خمینی، ۳۰/۴/۸۳"

منابع و مأخذ:

۱ جامع الاحکام، ج ۱، ص ۱۰۱۱

برگرفته از کتاب مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، ج ۱، سید محسن محمودی، ص ۱۴۳، ۱۴۴

**اگر فردی به مجلس عروسی دعوت شود و پس از ورود با میهمانان که مشغول رقص و پایکوبی هستند روبرو شود و بر فرض آنکه با ترک مجلس، امر به معروف و نهی از منکر نیز محقق نشود وظیفه فرد چیست؟ ماندن در آن مجلس چه حکمی دارد؟**

**پرسش**

اگر فردی به مجلس عروسی دعوت شود و پس از ورود با میهمانان که مشغول رقص و پایکوبی هستند روبرو شود و بر فرض آنکه با ترک مجلس، امر به معروف و نهی از منکر نیز محقق نشود وظیفه فرد چیست؟ ماندن در آن مجلس چه حکمی دارد؟

**پاسخ**

در پاسخ به سؤال شما نظرتان را به استفتائی از آیت الله خامنه ای در همین رابطه جلب می نمایم.

س: ۱ شرکت در جشنهایی که زنان و مردان در آنها مبادرت به رقص و نواختن موسیقی بطور جداگانه می کنند چه حکمی دارد؟

۲ آیا شرکت در عروسی هایی که در آنها مبادرت به رقص و نواختن موسیقی می شود، جایز است؟

۳ آیا نهی از منکر در مجالسی که در آنها رقص انجام می شود، در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر در شرکت کنندگان تأثیری نداشته باشد، واجب است؟

۴ رقص مختلط زن و مرد چه حکمی دارد؟

ج: بطور کلی اگر رقص باعث تهییج شهوت شود یا همراه با عمل حرام و یا مستلزم آن بوده و یا به صورت مختلط بین زنان و مردان اجنبی باشد، جایز نیست و فرقی نمی کند بین اینکه در جشنهای عروسی باشد یا غیر آن و شرکت در مجلس معصیت هم اگر مستلزم ارتکاب حرام مانند گوش دادن به موسیقی مطرب و لهوی مناسی با مجالس لهو و گناه باشد و یا حضور در آنها تأیید گناه محسوب شود، جایز نیست و اما تکلیف امر به معروف و نهی از منکر با عدم احتمال تأثیر ساقط است.

منابع و مأخذ:

**وقتی روزانه در خیابان محرمات زیادی صورت می گیرد وظیفه افراد جامعه در قبال امر به معروف و نهی از منکر چیست**

**پرسش**

وقتی روزانه در خیابان محرمات زیادی صورت می گیرد وظیفه افراد جامعه در قبال امر به معروف و نهی از منکر چیست

**پاسخ**

همان طور که می دانید، امر به معروف و نهی از منکر با رعایت تمام شرایط که در رساله های عملیه ذکر شده است بر همه مردم واجب است لذا وظیفه ما این است که این فریضه مهم را به شیوه ای صحیح مشفقانه و ناصحانه انجام دهیم تا بتوانیم تارک معروف و عامل منکری را که مغرض نیستند، ارشاد کنیم و اگر هم مغرض هستند، فرصت انجام دادن اعمال زشت را از آنان بگیریم

**هم اکنون در جامعه بی بندوباری روابط نامشروع فساد، قاچاق مواد مخدر، بی اعتنایی به شعائر مذهبی نشر فرهنگ بیگانه زیر پا گذاشتن حرمت حجاب دهن کجی به اسلام روی کار آمدن مطرب ها و رقص ها، رمالی دعانویسی جادوگری جرأت پیدا کردن اراذل و اوباش**

**پرسش**

هم اکنون در جامعه بی بندوباری روابط نامشروع فساد، قاچاق مواد مخدر، بی اعتنایی به شعائر مذهبی نشر فرهنگ بیگانه زیر پا گذاشتن حرمت حجاب دهن کجی به اسلام روی کار آمدن مطرب ها و رقص ها، رمالی دعانویسی جادوگری جرأت پیدا کردن اراذل و اوباش و... شیوع پیدا کرده است انجام وظیفه آمران به معروف و ناهیان از منکر با سکوت مسئولان بی اثر یا کم اثر است لطفاً بفرمایید: ما با این دهن کجی ها و بی احترامی ها چه کنیم و دادمان را کجا ببریم

**پاسخ**

مسئله انحرافات اجتماعی و ترویج فساد و فحشا و فسق و فجور در بین اجتماع از طرف افراد فاسد، مطلبی است که همواره از آغاز آفرینش انسان وجود داشته و دارد و انبیای عظام و اولیای الهی همیشه با فاسدان زمان خود درگیر بوده اند.

بعد از رسالت خاتم پیامبران حضرت محمد، دشمنان اسلام نیز در محیطهای مختلف و با استفاده از پیشرفته ترین ابزارهای تبلیغی همواره سعی در منحرف کردن مسلمانان داشته اند که نمونه روشن آن فریب کاری های معاویه و یزید است که به



شهادت حضرت علی و امام حسین منجر شد.

قرآن کریم برای مبارزه و مقابله و پیشگیری از این تهاجم برنامه های جامع و عملی را ارائه داده که نمونه ای از آن چنین است

۱. شناخت خدا و اطاعت از او؛ چنان که قرآن می فرماید: "وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (یس ۶۱) و این که مرا پرستید. این راه راست است"

۲. تقویت باورهای دینی قرآن می فرماید: "قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْدَعُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا" (انعام ۷۱) بگو: آیا

به جای خدا چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می رساند و نه زیانی " بنابراین به هیچ بهایی نباید در باورهای دینی مان تردید کنیم و از آن ها دست برداریم

۳. به پا داشتن نماز و احیای این فرهنگ در جامعه و مراقبت در اوقات نمازهای پنجگانه چنان که قرآن می فرماید: "إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ" (عنکبوت ۴۵) نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد."

۴. اجرای فرهنگ "امر به معروف و نهی از منکر" و احیای آن در جامعه و فضای جامعه قرآن می فرماید:

"وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران ۱۰۴) [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند." (ر.ک فرهنگ و مقاومت فرهنگی مهدی نوید / تهاجم فرهنگی آیه الله مصباح یزدی / فرهنگ و تهاجم فرهنگی سخنان مقام معظم رهبری دامت برکاته .)

۵. ترویج فرهنگ ازدواج و تسهیل آن چنان چه در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره نور آمده است و پیامبرگرمی اسلام فرمود: "من تزوج فقد احرز نصف دینه هر کس ازدواج کند به درستی که نیمی از دین خود را پاسداری کرده است. (برای دیدن برخی روایات در این باره ر.ک بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹-۲۲۰).

آن چه مهم است انجام وظیفه است و خداوند بیش از حد توان تکلیفی نخواست است "لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا" (بقره ۲۸۶) خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانائیش تکلیف نمی کند."

لذا، انسان متعهد، تا توان دارد خوب است انجام

وظیفه کند، ولی نتیجه را به خداوند واگذار کند؛ زیرا، خود خداوند می فرماید: "وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ هُوَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ - لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ" (ابراهیم ۸) و موسی غ (به بنی اسرائیل گفت اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زیانی نمی رسد، چرا که خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است " )

به هر حال اقدام مقتضی در حد توان در تمامی جهات و ابعاد، امر به معروف و نهی از منکر با شرایط و ضوابطی که دارد، دعا و توسل برای بهبودی وضع جامعه هماهنگ شدن با مقام معظم رهبری به عنوان ولی فقیه و... از جمله اموری است که شایسته است به آن توجه شود.

**اگر بخواهیم شخصی را که به نوار ترانه و حرام گوش می دهد، از آن بازداریم باید چه کنیم**

**پرسش**

اگر بخواهیم شخصی را که به نوار ترانه و حرام گوش می دهد، از آن بازداریم باید چه کنیم

**پاسخ**

یکی از فروع دین اسلام که مانند نماز و روزه واجب است "امر به معروف و نهی از منکر" است یعنی اگر مسلمانی مشاهده کند که مسلمان دیگر ترک معروف یعنی ترک واجب می کند باید او را به انجام معروف امر کند. و هم چنین اگر مشاهده کند مسلمانی منکری یعنی حرامی را انجام می دهد، باید او را از انجام منکر نهی کند. اما هم چنان که واجبات دیگر ما، مانند نماز، روزه خمس حج جهاد و غیره هر کدام شرایطی دارند که باید آن ها را با رعایت تمام شرائط و ضوابط انجام شوند، امر به معروف و نهی از منکر هم همین طور هستند و شرائط و مراحل دارد که لازم است مراعات شود. در ابتدا بایستی با برخوردهایی بسیار آرام و دوستانه و از روی دلسوزی و مهربانی شروع شود. حتی خداوند وقتی حضرت موسی غ و برادرش هارون را به سوی فرعون می فرستد. به آنان دستور می دهد که ابتدا برخورد ملائمت داشته باشید: "فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى" (طه ۴۴) اما به نرمی با او سخن بگویید؛ شاید متذکر شود، یا [از خدا] بترسد. " اگر در این مرحله تأثیری ندیدید شما انزجار و تنفر خود را از عمل او به او نشان دهید آن مقدار که بفهمد که عمل او گناه است و مورد تنفر شماست البته ممکن است این عمل زمان ببرد و طول بکشد لذا شما باید صبر داشته باشید و از

میدان خارج و ناامید نشوید در هر صورت اگر موفق به هدایت او شدید که اجر شما نزد خدا محفوظ است و اگر هم نشدید شما وظیفه خود را انجام داده اید و تا وقتی که احتمال می دهید نهی از منکر شما مؤثر باشد به همین صورت که گفته شد نهی از منکر خود را ادامه می دهید. (ر.ک تحریر الوسیله امام خمینی، ج ۱، ص ۴۲۷ و ۴۲۸، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

## در برخورد با زنان بدحجاب در جامعه چه وظیفه ای داریم

### پرسش

در برخورد با زنان بدحجاب در جامعه چه وظیفه ای داریم

### پاسخ

انسان دو وظیفه دارد:

۱. وظیفه شخصی؛ ۲. وظیفه اجتماعی ۱. وظیفه شخصی او این است که اگر زن باشد، هنگام خروج از منزل آرایش نکند و لباسی نپوشد تا باعث جلب توجه دیگران شود. در راه رفتن طوری باشد که راه رفتن او باعث جلب توجه دیگران نشود. مردان هم از نگاه به او با قصد لذت و شهوت بپرهیزند. چنانچه آیه ۳۱ از سوره نور دلالت بر این مطالب دارد: "به زنان با ایمان بگو چشم های خود را از نگاه هوس آلوده فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را (جز آن مقدار که نمایان است) آشکار نمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند؛ مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهران شان یا پسران شان یا پسران همسران شان یا برادران شان یا پسران برادران شان یا پسران خواهران شان یا زنان هم کیش شان یا کنیزان شان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود. و همگی به سوی خدا؛ \* \* باز گردید ای مؤمنان تا رستگار شوید."

۲. وظیفه اجتماعی افراد، امر به معروف و نهی از منکر است و آیات و روایات زیادی در خصوص این وظیفه وجود دارد.

در مسئله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود: الف) احکام شرعی مربوط به امر

به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن. ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شود و سپس تدریجاً به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود. د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود آنها است. ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که بهیچوجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی اینکه بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت. حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنیدی یا شنیدی کس و) جدولی برای خود تنظیم کنید و شرح شیوه های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه ای موثرتر باشید. ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

**پدر و مادری که دچار منکر شده اند، چگونه می توان ، آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد، اگر نصیحت تاثیر نکرد، می توان به آنها احم یا تندی کرد؟**

**پرسش**

پدر و مادری که دچار منکر شده اند، چگونه می توان ، آنها را امر به معروف و نهی

از منکر کرد، اگر نصیحت تاثیر نکرد، می توان به آنها اخم یا تندی کرد؟

**پاسخ**

امر به معروف ونهی از منکر در مورد هر کسی واجب است. ولی باید با شرایط خاص خود انجام گیرد. فرزند بارعایت احترام رفتاری جذاب و زبانی سازنده و منطقی می تواند والدین خود را نصیحت کند. در مورد اخم کردن نیز مسأله تحت قاعده اهم و مهم قرار می گیرد. }J

**وظیفه زن در قبال شوهری که ریش می تراشد و در مجالس عروسی شرکت می کند و خیلی طبق احکام رفتار نمی کند، چیست ؟**

**پرسش**

وظیفه زن در قبال شوهری که ریش می تراشد و در مجالس عروسی شرکت می کند و خیلی طبق احکام رفتار نمی کند، چیست ؟

**پاسخ**

به فتوای آیه الله مکارم احتیاط واجب در تراشیدن صورت است. شما در صورتی که می توانید با مهربانی وعطوفت ایشان را ارشاد کنید. }J

**وظیفه مادر قبال دختر دانشجویی که ازدواج کرده ،ولی بایک دکتر متخصص ارتباط پیدا کرده وقصد دارد از شوهر خود طلاق بگیرد، در حالی که شوهرش از این امر مطلع نیست ، چیست ؟**

**پرسش**

وظیفه مادر قبال دختر دانشجویی که ازدواج کرده ،ولی بایک دکتر متخصص ارتباط پیدا کرده وقصد دارد از شوهر خود طلاق بگیرد، در حالی که شوهرش از این امر مطلع نیست ، چیست ؟

**پاسخ**

لازم است یکی از خواهرانی که از آگاهی های دینی و متانت بیشتری برخوردار است به طور خصوصی او را نصیحت کند و به او بفهماند که چنین کاری دام خطرناک شیطانی و گناهی بسیار بزرگ است و مسلماً عواقب سوئی دارد. از نظر شرعی نیز زنی که شوهر دارد جایز نیست با شخص دیگری طرح دوستی یا ازدواج بریزد. در صورتی که نصیحت های مشفقانه سودی نبخشید

مجددا مکاتبه فرمایید. هم چنین در صورت امکان او را تشویق کنید که در مورد مسأله خود با این واحد مکاتبه و مشورت نماید. }]

**می خواهیم برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر گروهی به نام ناصحین تشکیل دهیم ما را راهنمایی کنید.**

### پرسش

می خواهیم برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر گروهی به نام ناصحین تشکیل دهیم ما را راهنمایی کنید.

### پاسخ

موفقیت روز افزون شما عزیزان را در راستای پیشبرد اهداف مقدس اسلامی و آرمان های انقلابی از خداوند بزرگخواستاریم. اقدام خردمندانه شما مبنی بر تشکیل گروه ناصحین بسیار ارزنده و در خور تقدیر است. در این راستا لازماست نکاتی چند را در نظر گیرد:

الف) در گزینش افراد برای همکاری رعایت برخی از امور ضروری است:

۱- ناصحین باید نسبت به احکام دینی آگاهی کافی داشته و خود نسبت به آنها ملزم و پایبند باشند. بنابراین از عناصر برد سابقه و دارای برخی از کجروی ها باید پرهیزید.

۲- در روند نصیحت و امر به معروف درایت ملایمت ملاحظت و پختگی نقش بسیار سازنده ای دارد. از همین رو عناصر تندرو خشن و افراطی برای این کار چندان مطلوب نیستند. البته از آنان می توان در برخی ابعاد کمک گرفت ولی برای مباشرت هرگز.

۳- عناصری که به هر شکل گرفتار خود بزرگ بینی شده حتی اگر به سبب امتیازات واقعی باشد و دیگران را به خاطر اندک خلاقی هیچ و پوچ می انگارند برای این کار مناسب نیستند. برعکس شما باید از کسانی استفاده کنید که نسبت به دیگران دلسوز واقعی بوده و با دیگران با رعایت شوعون و شخصیت شان سخن می گویند و تحمل و بردباری در برابر ناهنجاری های آنان را دارند.

۴- از تشکلات مختلف دانشجویی می توانید در این زمینه مدد جوید ولی هر فردی باید این تعهد را داشته باشد که در روند نصیحت و ارشاد مصالح خاص گروهی و تشکیلاتی خود را در نظر نگیرد. بل همگان باید متعهد به یک وظیفه ناب و خالص الهی اسلامی و

انقلابی باشند.

ب) علاوه بر این نکاتی چند را در روند نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر باید رعایت کنید:

۱- مقررات مربوط به امر به معروف و شرایط و ابعاد آن را دقیقا به نیروهای خود آموزش دهید. در این زمینه می توانید روحانیون در دسترس و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری مدد جویید.

۲- در برخوردهای مستقیم از پخته ترین عناصر خود استفاده کنید و حتی می توانید نسبت به شخصیت کسانی که با آنان برخورد می کنید در بین افراد خود نیرو گزینی کنید. مثلا- اگر قرار است نکته ای را به یکی از اساتید خود تذکر دهید حتی الامکان از نیرویی استفاده کنید که برای آن فرد قابل پذیرش باشد. بنابراین نوعی طبقه بندی بر اساس تیپشناسی محیط در پیشبرد فعالیت هایتان مفید است.

۳- در برنامه های خود اصل را بر سازندگی قرار دهید نه تخریب.

به عبارت دیگر باید جاذبه ای در حد اعلا و دافعه ای در حد ضرورت داشته باشید. بسیاری از کسانی که امروز به خوبی گرفتار آلودگی شده و می شوند زمینه های بسیاری جهت اصلاح دارند و برنامه ریزی های مفید و سازنده و چه بسا کوشش در جهت حل برخی از مشکلات آنان می تواند مسیر زندگیشان را دگرگون سازد.

در پایان ضمن آرزوی مجدد توفیق شما عزیزان کتاب های نصیحت و ناصحین و امر به معروف و نهی از منکر چاپ جامعه اسلامی ناصحین قم تقدیم می گردد. }]

**وظیفه داماد در مقابل منکرانی که در جشن ازدواج انجام می شود چیست ؟**

**پرسش**

وظیفه داماد در مقابل منکرانی که در جشن ازدواج انجام می شود چیست ؟

**پاسخ**

- اگر داماد خود زمینه منکر را فراهم نکرده باشد و وظیفه ارشادی خود را نیز انجام دهد، گناهی بر او نیست؛ ولی چنانچه تدابیر لازم را انجام ندهد و خود زمینه را برای منکر فراهم سازد، او نیز شریک در گناه خواهد بود.

مجلس عقد و عروسی مورد نظر اسلام باید بدین گونه باشد:

۱ زن و مرد از یکدیگر مجزا باشند.



۲ از موسیقی های لهوی و حرام استفاده نشود.

البته این دو مورد از مهم ترین منکراتی است که در برخی از مجالس به چشم می خورد.

برای رونق این گونه مجالس، راه های ذیل پیشنهاد می گردد:

- استفاده از مداحانی که قادرند با اشعار مناسب و شاد مجلس را سرگرم کنند.

- استفاده از شعبده بازی و تردستی.

- استفاده از کسانی که با گفتن لطیفه ها و شیرین کاری، دل ها را شاد می کنند.

- استفاده از وسیله ای غیر از آلات مختص غنا (مانند ظروف و دبه ها) برای ریتم و کف زدن.

- دعوت از سخنران مناسب که با سخنان شیرین و جذاب مجلس را گرم نماید.

- در کارت دعوت می توانند این جمله را نیز بیفزایند: «مراعات احکام شرعی دل ما را شاد می کند».

### **آیا تند روی در اجرای احکام اسلامی در دانشگاه ها درست است ؟**

#### **پرسش**

آیا تند روی در اجرای احکام اسلامی در دانشگاه ها درست است ؟

#### **پاسخ**

تندروی و افراط در ایجاد محدودیت حتی نسبت به مباحات شرعی همان گونه که فرموده اید درست نیست و نتایج خوبی ندارد ولی تشخیص بعضی از موارد به عهده کارشناسان فرهنگی است. }J

**با توجه به اینکه در اکثر خانواده ها نوارهای غیرمجاز گوش می دهند ما چه کنیم که منزوی نشویم ؟**

#### **پرسش**

با توجه به اینکه در اکثر خانواده ها نوارهای غیرمجاز گوش می دهند ما چه کنیم که منزوی نشویم ؟

#### **پاسخ**

خودداری از شنیدن چنین نوارهایی موجب انزوا نیست ما نیز نباید در برابر گوش دهندگان آنها حالت ضعف و انفعالی داشته باشیم؛ بلکه باید با صراحت و قاطعیت از موضع خود دفاع نموده و مهمتر از این با وجود شرایط آنان رانهی از منکر نموده و به وظایف شرعیشان آشنا سازیم. }L

**وظیفه من به عنوان یک دانشجوی مذهبی در امور امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه است؟**

**پرسش**

وظیفه من به عنوان یک دانشجوی مذهبی در امور امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه است؟

**پاسخ**

وظیفه هر مسلمانی در صورتی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر جمع باشد همان امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

البته در مسأله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود:

الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن.

امر بمعروف در مورد ترک واجبات و نهی از منکر در مورد انجام محرمات است و شرایطی دارد که بعضی از آن عبارتند از:

۱ امر به معروف و ناهی از منکر واجبات و محرمات را بشناسد

۲ کسی که مرتکب معصیت شده قصد تکرار آن را داشته باشد

۳ مراحل امر به معروف و نهی از منکر از آسان به شدید رعایت شود مثلاً- اگر با آرامش می توان نهی کرد از پرخاش خودداری شود.

۴ احتمال تأثیر داده شود.

۵ برای امر به معروف ضرر جانی یا مالی قابل توجهی نداشته باشد.

ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود.

ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شود و

سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی

یکی به دیگر مسائل پرداخته شود.

د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود آنها است.

ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید به ما مربوط نمی شود و نباید از آن خوفی به دل داشت.

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس

در بند این مباش که نشنید یا شنید کس

و) جدولی برای خود تنظیم کنید و شرح شیوه های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه ای موثرتر باشید.

ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی:

۱- امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد: قلبی، زبانی و عملی که به ترتیب باید اجرا شود، چنانچه مخالفت قلبی سودی نبخشید باید با زبان به نهی پرداخت و چنانچه با زبان نیز مؤثر نبود عملاً شخص را از کار بد باید بازداشت.

۲- اظهار ناراحتی قلبی در برابر بدی ها عبارت است از چهره درهم کشیدن، روی گرداندن، دوری گزیدن و ترک رفت و آمد و مانند آن به طوری که به طرف بفهماند که او کار بدی می کند و از او می خواهد که دست از آن بردارد.

۳- راضی بودن به ارتکاب گناه خود حرام است (رساله نوین، ج

در مجموع امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین وظایف است و والاترین و مؤثرترین و دلنشین ترین آن در قلب ها، وقتی است که عهده دار امر به معروف و نهی از منکر، خود آراسته به نیکی ها چه واجب و چه مستحب بوده، از بدی ها حتی از مکروهات بر کنار و اخلاقی پیامبرگونه و روحانی داشته باشد و از اخلاق نادانان و اهل دنیا منزّه بوده تا جایی که با عمل و رفتارش مردم را به نیکی ها ترغیب و از بدی ها بازدارد و مردم از وی پیروی کنند.

برای کسب آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- رساله نوین، ج ۴، مسائل سیاسی و حقوقی، امام خمینی

۲- امر به معروف و نهی از منکر، آیت الله حسین نوری

۳- دو فریضه بزرگ، سید جعفر میرعظیمی

۴- امر به معروف و نهی از منکر، سید حسن اسلامی

### **پدرم نماز نمی خواند چگونه او را به نماز خواندن ترغیب و تشویق نمایم**

#### **پرسش**

پدرم نماز نمی خواند چگونه او را به نماز خواندن ترغیب و تشویق نمایم

#### **پاسخ**

از این که دلسوز پدر خویش بوده و در صدد ارشاد ایشان هستید خوشوقت شدیم و انصافاً این تلاش شما شایسته تقدیر است. با توجه به ویژگی های پدرتان، پیشنهاد ما به شما در راهنمایی ایشان چند چیز است که ان شاء الله و بادقت، سعی در انجام آن داشته باشید:

الف) سعی کنید افرادی که صحبت آنها بر روی پدرتان نافذ است، پیدا کنید و از آنان بخواهید که با مهارت و شگردشایسته ای، با پدرتان درباره نماز صحبت کنند. این کار را می توان از طریق جلسه میهمانی یا در طول مسافرت به انجام رساند.

ب) با عمل خویش انگیزش خواندن نماز را در او ایجاد کنید. سعی کنید شما، مادر، برادر و دیگر اعضای خانواده، نمازتان را هنگام حضور پدر در خانه برگزار کنید و شور اشتیاق خود به نماز و راز و نیاز با خدا را هر چه بهتر به منصفه ظهور برسانید.

ج) فلسفه نماز را در فرصت های مناسب بیان کنید؛ مثلاً سؤال و جواب هایی که قبلاً تهیه دیده اید، بین شما و برادران و

یاهر کس دیگری مطرح و جواب داده شود. البته لازمه اش مطالعه و پیش بینی قبلی است. به عنوان نمونه در اینجا بهچند جمله اشاره می شود: فطرت انسان خواهان تشکر از ولی نعمت است. جِبَلَّتِ الْقُلُوبُ عَلَى حَبِّ مَنْ أَحْسَنَالِيهَا؛ قلب ها بر اساس دوستی و محبت کسی که به انسان احسان کند، آفریده شده است {M} و از آنجا که در اصل خدای سبحانخالق و هستی بخش ماست و از سویی همه نعمت ها و برکاتی که در زندگی ما وجود دارد از آن

اوست. بنابراین لازماًست به اقتضای تکلیف فطری خودمان از قادر مَنان تشکر کنیم. حال این تشکر باید به چه شکل و کیفیتی باشد؟ انبیای الهی روشنگر این حقیقت بوده اند و نبی مکرم اسلام نیز به نوبه خویش نماز را با این شکل و هیئت خاص به مامعرفی فرموده اند. بنابراین همان گونه که پروردگار مهربان هر شب و روز، ما را رهین الطاف و برکات خویش گردانیده‌است، ما بندگان نیز موظفیم هر چند ساعت یک بار در برابر محبوب قلب و عزیز دلمان بایستیم و از او نهایتسپاسگزاری و تشکر را بنماییم. نماز تشکر است، تواضع است، تجدید عهد با خداست، ابراز نیاز در برابر بی نیاز مطلقاست. نماز زنده نگاه داشتن یاد خدا در دل است. نماز انسان را به خدا نزدیک و با او مأنوس می کند و اصولاً اگر نماز با توجه و خشوع و حضور قلب ادا شود، به یقین در روح و جان ما اثر گذاشته و انسان را از زشتی ها و گناهان مصونیتمی بخشد.

د) پیشنهاد دیگر اینکه تلاش کنید به هر کیفیت و طریقی شده، ایشان را به نماز جمعه و جماعت ببرید که با دیدن عبادتو نماز دیگران تحت تأثیر قرار گیرد.

و) تلاش کنید از نماز بزرگان و شخصیت ها در نزد ایشان صحبت کنید؛ مثلاً حضرت علی(ع) با همه شخصیت و گرفتاری هایی که داشتند، چگونه و با چه اشتیاقی به اقامه نماز می پرداختند. همچنین گرایش رجال بزرگ سیاسی، علمی و... به نماز را، به ایشان گوشزد کنید.

ه) سفرهای زیارتی همان گونه که اشاره کرده اید نظیر سفر مشهد، سوریه و حج می تواند در ایشان نقش مؤثری داشتهباشد. بنابراین سعی

کنید ایشان را به این گونه مسافرت ها تشویق نموده و انگیزش دهید. در خاتمه توصیه ما به شما این است که با توضیحی که راجع به پدر خود داده اید، مشخص است که زمینه اصلاح و ارشاد در ایشان زیاد است و بدون اینکه ناامید باشید با حوصله و به تدریج به تلاش خود ادامه دهید. ان شاء الله نتیجه جالبی در این زمینه خواهید گرفت.

در ضمن مطالعه کتاب های ذیل در این زمینه مفید است:

۱- راز نماز محسن قرآنی

۲- پاداش های نمازگزاران

۳- داستانها و حکایت های نماز (۱)

۴- یکصد و چهارده نکته درباره نماز {J}

**در مورد تخلفاتی نظیر ارتشاء و اختلاس چه باید کرد؟**

**پرسش**

در مورد تخلفاتی نظیر ارتشاء و اختلاس چه باید کرد؟

**پاسخ**

در مورد تخلفاتی نظیر ارتشاء، اختلاس و... اگر در حدی است که جای اغماض وجود دارد و چه بسا طرف خودش بهتخلف و زشتی رفتار خود پی ببرد، بهتر است نادیده گرفته شود. و اگر طرف بر این تخلف خود اصرار ورزید، دیگر جای اغماض هم نیست. در صورت امکان باید به امر و نهی او پرداخت و او را متنبه رفتار زشت خویش ساخت. البته در این هنگام باید مراتب امر و نهی کاملاً مراعات شود.

اگر هیچ یک امکان نداشت یا کارگر نیفتاد، در این صورت نوبت به مرحله سوم می رسد که باید به مسئول رده بالاتر گزارش داد؛ آن هم حتی الامکان به گونه ای ظریف و با مهارت بدون آن که کسی بو ببرد. برای پنهان ماندن این موضوع، می توان از صندوق انتقادات و پیشنهادات استفاده کرد. به هر حال این گونه برخوردها، باید در کمال دقت و ظرافت انجام گیرد تا نتیجه مطلوب به دست آید. {J}

**اصلاً راه و روش امر به معروف کردن را بلد نیستیم در اتوبوس، در سطح شهر، در دانشگاه به دوستان هم حتی نمی توانم تذکر بدهم که مثلاً حجابتان را رعایت کنید و ... لطفاً کمک کنید.**



اصلاً راه و روش امر به معروف کردن را بلد نیستم در اتوبوس، در سطح شهر، در دانشگاه به دوستانم هم حتی نمی توانم تذکر بدهم که مثلاً حجابتان را رعایت کنید و ... لطفاً کمکم کنید.

پاسخ

الف) با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما، به آگاهی می رساند که مسأله امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امر به معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعاً منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند، لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت:

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقاً فراگیرند.

۲- آمر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق و التزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتر است امر به معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد.

ب) حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله:

۱) آمر به معروف و

ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد.

(۲) شناخت ویژگی های روحی و روانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن.

(۳) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن.

(۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست.

(۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر.

(۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه.

(۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر. یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است. یعنی باید این مسئله در جامعه و به ویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی در جامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسؤولند. زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت.

**امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه باید باشد؟**

**پرسش**

امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه باید باشد؟

**پاسخ**

همه مراجع امر به معروف و نهی از منکر را واجب می دانند؛ لکن با در نظر گرفتن شرایط و مراتب آن و با مهربانی و ملایمت. هم چنین باید در نظر داشت که نظم دانشگاه ها و جامعه به هم نخورد.

**در مقابل کسانی که جوانان نامحرم هستند و گناه می کنند چگونه برخورد کنیم اگر آنها را راهنمایی کنیم در واقع با آنها حرف بزنیم آنها برداشت بد کرده مرا مورد آزار قرار دهند چه؟ و با آن مردان نامحرم حرف بزنیم چه؟ آنان که از نیت من خبر ندارند می ترسم که گناه باشد پس س**

**پرسش**

در مقابل کسانی که جوانان نامحرم هستند و گناه می کنند چگونه برخورد کنم اگر آنها را راهنمایی کنم در واقع با آنها حرف بزنم آنها برداشت بد کرده مرا مورد آزار قرار دهند چه؟ و با آن مردان نامحرم حرف بزنم چه؟ آنان که از نیت من خبر ندارند می ترسم که گناه باشد پس سکوت می کنم!؟

## پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است که انسان باید به خوبی از آنها آگاه باشد. از جمله شرط های وجوب امر به معروف و نهی از منکر احتمال تأثیر است. اگر کسی بداند امر و نهی او هیچ گونه اثری در طرف مقابل ندارد و امری بی فایده و غیر مفید است وظیفه ای در این مورد ندارد. از شرایط دیگر بی ضرر بودن و بی خطر بودن آن است، یعنی اگر امر به معروف و نهی از منکر ضرری جسمی یا روحی یا آبرویی برای انسان در پی داشته باشد وجوب آن برداشته می شود و مسئولیتی متوجه انسان نمی باشد. بنابراین اگر راهنمایی و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر انسان را در معرض تهمت و آزار قرار دهد و ضرر و زیانی را متوجه انسان سازد واجب نمی باشد. بهترین راه امر به معروف و نهی از منکر این است که خود انسان در آغاز معروف و منکر را بشناسد و سعی کند خود عامل به معروف و دوری کننده از منکرات باشد. چنین فردی عملش نه حرفش، نمونه بارز امر به معروف و نهی از منکر است و با کردار و رفتار و اعمالش دیگران را به

معروف و نیکی و خوبی دعوت می کند و از بدی و زشتی باز می دارد در این حال است که سخنش نیز مفید و موثر است و می تواند امر کننده به معروف و بازدارنده از منکرات و بدی ها باشد.

**بنده دو سال پیش خواهرم را بخاطر علاقه زیادی که به هنر سینما داشت به تهران برده و وارد یک مؤسسه آموزشی سینمایی نمودم و پس از آن پدرم با رغبت کامل بقیه مقدمات را اعم از تأمین مسکن، خوراک و تأمین خرج تحصیل و ... را خودش بر عهده گرفت. همانطور که مستحضرید در چ**

## پرسش

بنده دو سال پیش خواهرم را بخاطر علاقه زیادی که به هنر سینما داشت به تهران برده و وارد یک مؤسسه آموزشی سینمایی نمودم و پس از آن پدرم با رغبت کامل بقیه مقدمات را اعم از تأمین مسکن، خوراک و تأمین خرج تحصیل و ... را خودش بر عهده گرفت. همانطور که مستحضرید در چنین مؤسساتی آن چنان که باید و شاید شؤونات اسلامی رعایت نمی شود و ایشان نیز تحت تأثیر محیط آن طور که باید حجاب اسلامی را رعایت نکرده و روزانه با افراد مختلف و از جمله مردان نامحرم سر و کله می زند و این در حالی است که ایشان قبل از رفتن به آنجا بخاطر عدم علاقه به درس دچار افسردگی شده بود و این برای پدر و مادرم زجر آور بود و من هدفم از این کار اولاً خوشنودی والدینم و دوم رسیدن خواهرم به آنچه علاقه داشته بوده است. حال سؤال بنده این است اگر بخواهم ایشان را بعد از دو سال بخاطر عدم رعایت بعضی شؤونات از جمله دست دادن با افراد نامحرم که آنرا نشانه روشنفکری می دانند \_ و در حالیکه پدرم به رعایت این محرمات زیاد اعتقادی ندارد \_ بخواهم ترک تحصیلش دهم اولاً موجبات رنجش خاطر پدر و مادرم را از طرف خودم فراهم می نمایم و دوماً باعث بازماندن

خواهرم از هدفش و افسردگی شدید ایشان می شوم پس اینکار را نکردم آیا حقی و دینی بر گردن من است یا خیر و آیا روز قیامت مؤاخذه خواهم شد؟ لطفاً بنده را راهنمایی نمایید.

## پاسخ

در مواردی ممکن است انسان با نیت خیر دست به کاری اشتباه و نادرست بزند. در این موارد تنها خیر بودن نیت کافی نیست بلکه انتخاب راه درست و خداپسند و هماهنگ با شرع و عقل نیز لازم و ضروری است. کاری که شما کرده اید هر چند ممکن است پریشانی و افسردگی را از خواهرتان دور کند ولی سعادت حقیقی و انسانیت او را در معرض آسیب و آفت قرار داده اید و در واقع زمینه هدایت را از دست او گرفته و بستر گمراهی را برای او فراهم کرده اید هر چند بندگان شایسته خداوند را در هر جا می توان یافت و قضاوت درباره افراد و سعادت و شقاوت آنها کار آسانی نیست ولی در عین حال زمینه سازی و بستر سازی برای هدایت و یا گمراهی از مسایل اساسی و کلیدی است و در سعادت و شقاوت انسان نقشی اساسی دارد. کسب رضایت و خشنودی پدر و مادر هر چند دارای ارزش فراوانی است ولی سعادت حقیقی انسان و رضای الهی بر آن مقدم است و باید خشنودی پدر و مادر هر چند دارای ارزش فراوانی است ولی سعادت حقیقی انسان و رضای الهی بر آن مقدم است و باید خشنودی پدر و مادر با کارهایی تأمین گردد که مورد رضای خداوند است. به هر حال کاری است که شده و باید در این باره فکری

عاقلانه و درست نمود و نباید برای جبران اشتباه گذشته دچار اشتباهی بزرگتر شد و کار را از این که هست بدتر و وخیم تر نمود.

باید با ایجاد رابطه ای صمیمی تر و عمیق تر با خواهرتان و زیادتر کردن ارتباط با او، از او مواظبت نموده و او را تحت مراقبت و نظارت غیر مستقیم و غیر محسوس داشت و با ظرافت و عمل آگاهانه و عاقلانه راه و رشته و کار دیگری را جانشین رشته و کار فعلی او نمود به گونه ای که به رویارویی با او و یا پدر و مادرتان منجر نگردد و کار از این که هست بدتر نگردد و اگر منصرف کردن او ممکن نباشد باید با ملایمت و ظرافت و ظایف الهی و شرعی و بیان آثار ناگوار بعضی برخوردها و رابطه ها از انحراف و روابط ناسالم او جلوگیری کرد و با این کار انشاءالله اشتباه شما جبران گردد و راه خیر و سعادت به روی خواهرتان گشوده گردد. اگر موفق به تغییر رشته خواهرتان نشدید در صورت امکان او را در مؤسسه ای سینمایی که دارای مدیرانی متعهد و متدین می باشد و افراد شاغل در آنجا موازین شرعی را بیشتر رعایت می کنند وارد کنید تا هم به رشته مورد علاقه اش مشغول باشد و هم محیط کارشان سالم و به دور از انحراف باشد.

**وظیفه ما در مجالسی مثل جشن عقد و عروسی که زن در مقابل مرد می رقصد چیست ؟**

**پرسش**

وظیفه ما در مجالسی مثل جشن عقد و عروسی که زن در مقابل مرد می رقصد چیست ؟

**پاسخ**

در صورتی که می توانند باید نهی از منکر و جلوگیری نمایند. و گرنه وظیفه ترک این مجالس است. ضمناً رقص زن در مقابل مرد نامحرم به هیچ وجه جایز نیست .

**با شخصی که نماز نمی خواند و حرف های بد می زند، چگونه باید برخورد کرد؟**

**پرسش**

با شخصی که نماز نمی خواند و حرف های بد می زند، چگونه باید برخورد کرد؟

**پاسخ**

{در این مورد باید با توجه به روان شناسی او، راه های نفوذ یا اشخاص ذی نفوذ در او را شناسایی و به تدریج نسبتبه زشتی و عواقب سوء رفتارش، وی را آگاه کنید. هم چنین نسبت به اهمیت نماز و عقوبت ترک آن، وی را آگاه ساختهو با روشی

عاطفی او را به نماز علاقه مند سازید. }

**مادرم فرد بسیار خوبی بود اما نماز نمی خواند الان چه کاری باید من انجام دهم تا در آن دنیا مورد موءاخذه قرار نگیرد؟**

**پرسش**

مادرم فرد بسیار خوبی بود اما نماز نمی خواند الان چه کاری باید من انجام دهم تا در آن دنیا مورد موءاخذه قرار نگیرد؟

**پاسخ**

ان شاء الله خداوند بزرگ قادر شما را در جوار رحمت و اسعه خودش قرار دهد. درباره این که مادر محترمتان به علت نداشتن سواد، نماز را نمی خوانده و الان تکلیف چیست گفتنی است که: نماز و روزه از واجباتی است که به هیچ وجه از مکلف ساقط نمی شود و هر فرد مسلمان وظیفه دارد حقوق خداوند و حقوق مردم را در طول زندگی ادا نماید.

نماز و روزه از حق الله است و در زمان حیات باید به جا آورده شود. اما اگر به دلیل عدم علم، جهل به حکم، تنبلی، سستی و یا مریضی نتوانست به جا آورد طبق فتوای حضرت امام خمینی (ره) بر پسر بزرگ تر واجب است که نماز و روزه قضا شده پدر و مادر را به جا آورد.

اما طبق فتوای برخی از مراجع دیگر، اگر پدر و مادر عمدا نماز و روزه را ترک کردند، قضای آنها بر پسر بزرگ تر واجب نیست. فقط در صورتی که عذر داشته اند (مثلاً به علت مریضی، بیهوشی و یا...) نتوانسته اند فرایض خود را انجام دهند، آن وقت بر پسر بزرگتر واجب است که آنها را به جای آورد. و شما باید تحقیق کنید که مادرتان مقلد کدام یک از مراجع بود تا تکلیف شاید به عهده پسر بزرگ تر بیفتد.

اگر پسر بزرگ تر نداشت، بر بقیه فرزندان واجب نیست. اما فرزندان دیگر می توانند نماز و روزه مادر را بین خودشان تقسیم کنند و مقداری را که والده مکرم شما نماز نخوانده به نیابت از

او بخوانند، تا بدهکاری او به خداوند جبران شود. یا این که کسی یا کسانی را اجیر کنید که نمازهای قضا شده مادران را بخواند و روزه های او را نیز به جا آورد.

در هر صورت مادران نماز نخوانده و خود را به خداوند بدهکار کرده است و مورد سؤال و بازخواست قرار خواهد گرفت. پس اگر وضع مالی شما مناسب است می توانید برای نمازهای مادر اجیر بگیرید یا خودتان به جای او نماز بخوانید و روزه بگیرید تا روح والده شما شاد گردد.

### با کسی که علاقه مند به دیدن فیلم های شبکه های خارجی است چه باید کرد؟

#### پرسش

با کسی که علاقه مند به دیدن فیلم های شبکه های خارجی است چه باید کرد؟

#### پاسخ

برای ریشه یابی و فهمیدن علت به وجود آمدن این گونه عادت ها روایت زیر قابل توجه است: روزی جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا(ص) سؤال کرد: یا رسول الله! دانستیم که خود را چگونه از آتش جهنم ننگه داریم؛ اما نمی دانیم فرزندان و خانواده خود را چگونه از آتش جهنم ننگه داریم؟ پیغمبر اکرم(ص) در جواب چهار راه کار بیان فرمودند:

۱- اَعْمَلُوا الْخَيْرَ ؛ [ خودتان ] عامل به خیر باشید {M} یعنی، نمی شود که پدر و مادر نسبت به نماز سهل انگار باشند، آنگاه توقع داشته باشند که فرزندشان نماز را در اول وقت بخواند! نمی شود خانم خودش بی حجاب یا بدحجاب باشد؛ ولی توقع داشته باشد دخترش محجبه از کار در آید! خودشان به نوارهای مبتذل گوش دهند و یا فیلم های شبکه خارجی (ماهواره) ببینند، اما فرزندان آنها این کار را نکنند! بنابراین، بزرگ ترهای خانواده باید اولین قدم و گام را برای درمان و از بین بردن چنین عادت هایی در فرزندان بردارند.

۲- وَذَكِّرْهُمْ بِاللَّهِ ؛ یاد و ذکر خدا را [ در دل های فرزندان ] زنده کنید {M} یعنی، پدر و مادر به جای آوردن فیلم های مستهجن به منزل و یا از آن بدتر، خریدن و آوردن ماهواره به خانه و دایر کردن مجالس مختلط دوستانه با سر و وضع تحریک آمیز و...، باید یاد خدا را در دل فرزندانشان زنده کنند تا زمینه کار خیر در آنان فراهم گردد. باید این واقعیت تلخ را بپذیریم که اغلب فرزندان نابهنجار در جامعه، از خانواده هایی برخاسته اند که والدین آنان، از ایفای نقش خود، غافل و یا عاجز بوده اند. غالب چنین افرادی از دامن پدر و مادرهای



بی تفاوت روانه جامعه گردیده اند. تحقیقات مختلف نشان می دهد که دیدن فیلم های مبتذل و مشاهده رفتارهای ضداخلاقی، اعمال غیراخلاقی را در پی دارد. به همین دلیل رابرت مردوخ (مالک شبکه ماهواره ای تی.وی.استار آمریکا) در مصاحبه ای در هندوستان گفت: من هرگز به بچه هایم اجازه تماشای این برنامه ها را نمی دهم، (روزنامه اطلاعات، مورخه ۲۵/۵/۱۳۷۳). بنابراین توصیه می شود اگر شبکه ماهواره دارید، آن را از خانه تان خارج کنید؛ زیرا این شبکه، مرکز و عامل فساد است. سعی کنید با تشویق آنها به تفریحات سالم و ورزش کردن، مطالعه کتاب های علمی، سرگرمی های مفید، دیدن فیلم های آموزنده و... و حتی دادن جایزه به آنان، زمینه را برای از بین بردن عادت های ناشایست و بد آنها فراهم نمایید.

۳ و ۴- و امرهم بالمعروف و انهیهم عن المنکر، (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵)؛ یعنی، این طور نباشد که تمام هم و غم پدر و مادر فقط خوراک و پواک فرزند باشد. البته خوراک و پوشاک حق فرزند است؛ ولی در مقابل آن، خوراک روح و جان فرزند، حق بزرگ تری است که باید والدین در ادای آن حساس تر باشند. پدر و مادر با استفاده از تجربیاتی که در طول سالیان متمادی به دست آورده اند باید راه چگونه زیستن را به فرزندانشان بیاموزند. به آنان فریاض و وظایف دینی و اجتماعی را یاد دهند تا از این طریق آنها را به سوی کردارهای پسندیده سوق دهند و با نهی از منکر، جلوی فرزندان را از فرو رفتن در گناه و معصیت و انجام دادن رفتارهای نابهنجار اجتماعی، بگیرند. بنابراین، بالا بردن سطح فرهنگ دینی خانواده، عامل مؤثری در ایفای نقش خانواده می گردد تا از این طریق جلو خیلی از عادت های بد

فرزندان گرفته شود. خانواده ها نمی توانند به بهانه اشتغال به کار و عدم فرصت کافی، از رسیدگی به امور فرزندان باز بمانند. از همین رو رسول گرامی اسلام از پدر و مادری که در ادای این وظیفه خطیر، کوتاهی کنند، براثت و دوری جسته است. {J

**در خیابانها دیده می شود که دختر و پسر با هم ارتباط دارند و کارهای خلافی را انجام می دهند، وظیفه چیست ؟**

**پرسش**

در خیابانها دیده می شود که دختر و پسر با هم ارتباط دارند و کارهای خلافی را انجام می دهند، وظیفه چیست ؟

**پاسخ**

با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما عزیزان به آگاهی می رساند که مسأله امر به معروف و نهی از منکر از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امر به معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعاً منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند. لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت:

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقاً فراگیرند.

۲- امر به معروف و ناهی از منکر خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتر است امر به معروف و نهی از منکر به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد.

**با برادرم که مرتکب کار خلاف شرع می شود و خواهرم که از او متأثر شده ، چگونه رفتار کنم ؟**

**پرسش**

با برادرم که مرتکب کار خلاف شرع می شود و خواهرم که از او متأثر شده ، چگونه رفتار کنم ؟

**پاسخ**

در مورد موضوع مشاوره ابتدا معروض می داریم که ارائه خدمات برادرستان را باید، از مشاوره در مورد خواهران، تفکیک نموده لذا ما نیز در مورد هر یک به صورت مجزا به جواب می پردازیم:

الف. اصلاح رفتار برادرستان:

برادر محترم درباره شیوه برخورد با برادرستان و هدایت و راهنمایی وی نکاتی در زیر بیان می شود که با رعایت و بکارگیری دقیق آنها می توان به مقصود رسید. ان شاء الله پر واضح است که عدم رعایت آنها و یا رعایت فارغ از دقت و نظم و ترتیب تأثیری نخواهد گذاشت و چه بسا تأثیر منفی داشته باشد لذا دقت، نظم و رعایت ادب نباید فراموش گردد.

۱. ارتباط برقرار کنید.

اولین قدم و ضروری ترین کاری که باید انجام پذیرد برقرار نمودن ارتباط است. تا ارتباط برقرار نشود انتقال هیچ گونه پیامی مقدور نخواهد بود لذا سعی کنید با او ارتباط برقرار کنید تا ارتباط برقرار نشده است، اقدام به توصیه و انتقال پیام نکنید که وی را در لاک دفاعی فروبرد. و حرف شما بی تأثیر می شود. بنابراین بدون اعمال هیچ شرطی با او دوست شوید در مجالس او شرکت کنید از او بخواهید با شما ارتباط داشته باشد و وقتی را به گفتگو و صحبت با هم پردازید باید توجه داشته باشید که در روزها و یا حتی هفته های اول ارتباط هرگز سخن از اصلاح و تربیت نزنید بلکه شما با او همراهی کنید بدون این که در اعمال خلاف او شرکت داشته باشید بهر حال باید به قدری با او ارتباط

برقرار کنید که صمیمیت برقرار شده و اعتماد او را جلب کنید. بنابر ۱ ارتباط ۲ ایجاد صمیمیت ۳ جلب اعتماد زمینه ساز هر نوع فعالیت انسانیو تربیتی است. اما شیوه ارتباط با تن دادن به خواسته های او (بدون ارتکاب عمل خلاف)، همراهی بدون قید و شرط. ابراز محبت و ارائه خدمت بی چون و چرا و... می باشد. این ارتباط به شما آگاهی داده و از جانب دیگر شما را با شیوه برخورد با وی آشنا می سازد.

## ۲. تغییر بینش و نگرش

دومین قدم بعد از برقراری ارتباط و بدست آوردن صمیمیت و جلب اعتماد، تغییر بینش است. یعنی با دادن اطلاع دقیق و صحیح از منابع علمی و اسلامی و دینی ضررهای اعمال خلاف را گوشزد کنید و او را از پیامدهای منفی اعمال ناشایست خود آگاه سازید چه اگر آدمی از پیامد زشت و خطرناک رفتار خود آگاهی داشته باشد و آنها را قبول کند و خود را در تیر رس این عواقب ناگوار ببیند یقیناً حساب خود را رسیدگی و دامن خود را پاک می سازد. در دادن اطلاعات باید از روحیه خیرخواهی و حتی بیان غیر مستقیم بهره بگیرید تا طرف به سخن شما گوش دهد. مثلاً لازم نیست خودتان گوینده خوبیها و ضررهای اعمال نابجا باشید می توانید از زبان دیگران استفاده کنید، کتب مربوطه را در اختیار او قرار دهید و یا او را به محلهائی که افراد نا به کار گرفتار آن شده اند ببرید تا با مشاهده آنها عبرت بگیرید. به هر حال با تدبیر و سلیقه و ذوق خود باید شیوه مناسبی را برگزینید تا به هدف برسید.

## ۳. ارتباط غیر مستقیم و ارائه آگاهی

صورتی که برقراری ارتباط ممکن نشد و با برقراری ارتباط مستلزم انجام برخی اعمال خلاف بود باید از وجود افرادی که ارتباط دارند استفاده نمود یعنی از بین افرادی که برادر شما از آنها حرف شنوی دارد و با آنها ارتباط دارند فرد و یا افرادی مورد اطمینان را انتخاب کرده و اهداف و اغراض خود را با او در میان بگذارید و از او بخواهید که مسؤولیت شما را عهده بگیرد و آنچه در بند (۱) و (۲) گفته شد را او انجام دهد. معمولاً برای افرادی که ارتباط با آنها ممکن نیست و یا به لجاجت و عناد روی آورده اند بهره گرفتن از فرد ثالث خیلی مفید است. البته توصیه ابتدای ما آن است که علی رغم نوشته خودتان، شما خود مستقیم به برقراری ارتباط اقدام کنید و در صورت امکان هم خود اقدام کنید و هم از کمک دوستان و رفقای برادران بهره مند گردید.

#### ۴. شیوه اعمال نظر و تربیت و اصلاح:

چه خود در صدد اجرای اهداف بودید و چه فرد دیگر در هر صورت همیشه از شیوه توصیه و نصیحت استفاده نکنید بلکه چه خودتان و چه دیگران متولی ارشاد شدید باید به تناسب روحیه برادران و زمانها شیوه های بشارت، انذار، ترغیب به خوبیها، تهدید، موقعیت سازی (وارد کردن وی در محیط های مذهبی مانند به زیارت رفتن، شرکت در مراسم عبادی، اردوهای تربیتی و...) و تخویف از عذاب و... را به کار بگیرید و راههایی چون احادیث، روایات، کتب اخلاقی مانند کتابهای شهید دستغیب به ویژه کتاب گناهان کبیره، سرای دیگر، معاد و شرکت در مجالس سخنرانی و در اختیار قرار دادن نوارهای مربوطه و خواندن

سخنان بزرگان (به خصوص افرادی که مورد توجه برادران هستند) را طی کنید تا به نتیجه برسید.

۵. نکات کارکردی: چند نکته مهم باید همیشه مد نظرتان باشد

صبر و حوصله داشته باشید و خیلی زود احساس خستگی نکنید.

در رسیدن به هدف عجله نکنید باید منتظر تأثیر باشید.

در تمام مراحل کار، از حضرات اهل بیت (ع) استعانت بجوئید و قبل از آن با دعا و التجاء به درگاه خداوند از او یاری بجوئید.

هرگز در برخورد با او رعایت ادب، ابراز محبت و صمیمیت را فراموش نکنید توجه داشته باشید که تنها کنار کشیدن خودتان از صحنه، نشانه ادب و صمیمیت نیست بلکه باید آن خصائص اخلاقی را در رفتار خود ابراز کنید.

شاید به این روش که از او پرسید من چگونه می توانم به شما خدمت کنم و چه کار کنم که شما دوستم داشته باشید و به تعبیر دیگر حتی با شیوه منت کشیدن و خود را کمتر دیدن و تواضع نمودن زمینه شکستن دیوار عاطفی و رابطه سرد را فراهم سازد لذا یقیناً از اینراکارها بهره بگیرید.

سعی کنید به شیوه ای راه نفوذ در شخصیت او و بدست آوردن دل او را پیدا کنید و با راه یافتن در دل و قلب دیگران مجاب برای هر فعالیتی باز م...شود و یا از افرادی که در دل برادران جایگاهی دارند استفاده کنید.

اصرار و پافشاری بی مورد و حساسیت های نابجا را کاملاً کنار بگذارید.

تمام روحيات و رفتارهایی که موجب ناخرسندی او می شود را رها کنید مگر آنکه دین آن را بر شما واجب کرده باشد تا بدین وسیله ارتباط شما به شکلی مطلوب

افرادی را که آشنای شما هستند و مورد اطمینان به عنوان باز نمودن باب دوستی نزد وی بفرستید با رعایت اصول اخلاق و سرنگهداری تا زمینه هدایت او را از طریق دوستی فراهم سازید.

به صورت غیر مستقیم (به کمک افراد دیگری که برادران آنها را نمی شناسد) دوستان ناباب او را از اطراف او برانید و حتی در صورت لزوم از چوب قانون بهره بگیرید البته با رعایت حفظ آبروی برادران و خانواده و بدون آنکه برادران از طرح شما مطلع شوند و بفهمند کهصحنه از کجا شکل گرفته است. طرح راندن دوستان ناباب و نابکار باید خیلی حساب شده باشد.

هرگز خود را از اینکه در کنار برادران و خواهرانتان باشید کنار نکشید و بدانید که کنار کشیدن نه تنها رفتار شایسته ای نیست و خلاف وظیفه شرعی و اخلاقی شماست بلکه همیشه و در همه حال، حتی در صورت مشاهده خلاف و همزمان با انجام آن، در صورتی کنار کشیدن و یا روی ترش کردن پسندیده است که این دو راهکار آنها را از رفتارشان باز دارد ولی چون این تأثیر را ندارد خواهشمند است همیشه در صدد برقراری ارتباطی دوستانه و صمیمانه با آنها باشد تا زمینه برقراری ارتباط و آنگاه هدایت فراهم گردد توجه داشته باشید که با کنار کشیدن خود راه هدایت و اصلاح را سد کرده و مجال را برای خلفهای بیشتر باز می کنید و آنها چه بسا همین رفتار را می خواهند اما اگر دوست باشید همیشه به عنوان رفتار دوستانه (نه مخالفت ورزی) می توانید مواظب آنها باشید تا حداقل آنها کمی حساب رفتار خود را بنمایند و شما هم

بتوانید همیشه (و حداقل به هنگام ضرورت) در جمع آنها باشید و اهداف خود را دنبال کنید. پس کنار کشیدن درست نیست.

ب) شیوه برخورد با خواهرانتان

بی تردید ارتباط شما با خواهرتان همانند ارتباط با برادرتان نیست و از طرفی انحرافی که برادرتان به آن مبتلاست (به شکر خداوند) در خواهرتان دیده نمی شود و لذا با عنایت به این دو خصوصیت باید شیوه تناسب را برگزید که در زیر به چند راهکار اشاره می کنیم بدان امید که رعایت دقیق آنها به هدف عالی و ایده ال خود نائل آئید.

۱ همیشه به خواهرتان احترام بگذارید و هرگز بی تفاوت با آنها برخورد نکنید بلکه باید خمیر مایه رفتاری شما با آنها محبت، عرض ارادت باشد لذا به حرف آنها گوش دهید. در انجام خدماتی که می خواهند کوتاهی نکرده و استقبال کنید و به هر بهانه ای برای آنها و مادر تان هدیه تهیه کنید و... مبادا، مبادا به هر بهانه ای آنها را از خود برانید و طرد کنید به هر حال با جنس مؤنث از طریق محبت بی قید و شرط می توان دل آنها را به دست آورد و آنگاه اهداف خود را که هدایت آنهاست تعقیب نمود حتی اگر رابطه شما با آنها خوب باشد آنها به صورت خود به خود در صدد به آوردن دل شما بر می آیند و به عقاید شما اح

**برای بازداشتن نزدیکان از دوستان ناباب و مجالس گناه وظیفه عقلی و شرعی و اجتماعی ما چیست ؟**

**پرسش**

برای بازداشتن نزدیکان از دوستان ناباب و مجالس گناه وظیفه عقلی و شرعی و اجتماعی ما چیست ؟

**پاسخ**

دانشجوی گرامی قبل از پرداختن به جواب لازم است به حسن تدبیر و تعهد اخلاقی و احساسات پاک شما صد آفرین بگوئیم و این احساس مسئولیت و دلسوزی عاقلانه را از عمق وجودمان تحسین کنیم و از خداوند سبحان توفیق روز افزون شما را مسئلت می کنیم.

عزیز دانشجو برای حفظ طهارت دل و پاکی اعمال و رفتار و در نهایت رسیدن به جامعه ای عاری از فساد لازم است سه راهکار اساسی زیر بکار گرفته شود؛

۱) آشنایی با معارف دین و شناخت صحیح احکام شریعت و پیامدهای مثبت و منفی اعمال خوب و بد. از این رو باید راه کار زیر را انجام دهید:

الف. وی را با اعمال و رفتاری که از نظر اسلام گناه و معصیت شمرده می شوند، آگاه سازید. چه بسا جوانانی که به خاطر بی اطلاعی از گناه بودن عملی، به آن آلوده شدند و آثار منفی آن آنها را آلوده ساخت و دیگر نتوانند خود را از آن دور سازند.



لذا وی را به مطالعه توضیح المسائل مرجع تقلیدشان تشویق کنید و کتابهای گناه شناسی، نوشته آقای محلاتی، گناهان کبیره نوشته شهید دستغیب و... را نیز مورد مطالعه قرار دهند.

ب. همیشه پیامدهای منفی گناهان و پیامدهای مثبت حفظ پاکی و طهارت را بصورت غیر مستقیم گوشزد کنید. و او را از محیط های آلوده برحذر دارید.

۲) در تقویت بینانهای اعتقاد و ایمان وی اقدام کنید. توجه داریم که ایمان به خدا و توکل به او و تمسک به تقوای الهی و توسل به اهل بیت(ع) آثار مثبت فراوانی دارد و

یک مانع درونی از ارتکاب گناه و آلوده شدن به معصیت است. پر واضح است که همیشه انگیزه های درونی مؤثرتر عمل می کنند تا اهرمهای بیرونی. برای رسیدن به این هدف راه کار زیر را مؤثر است.

الف. وی را به مطالعه کتب اعتقادی مانند جهان بینی اسلامی نوشته شهید مطهری. اصول عقاید نوشته آقای مصباح و آشنائی با اصول عقاید نوشته آقای میرباقری و غرویان ترغیب کنید.

ب. از او بخواهید به اعمال عبادی و عبادت الهی به ویژه نماز و روزه اهتمام جدی داشته باشند که در تقویت اراده و نورانیت دل دور شدن فکر و ذهن از گناه و جلوگیری از اعمال ناروا بسیار مؤثر و مفید است. چرا که ان الصلاة تنهی عن الفحشا و المنکر.

ج. به منظور زنده نگه داشتن روحیه خداترسی و تقویت ایمان و آرامش روحی و روانی، او را به موعظه و پندهای اخلاقی و عرفانی دعوت کنید. چه خودتان و چه دیگران در پند دهی و موعظه نمودن کوتاهی نکنید و در این مسیر از کتب شهید دستغب مانند کتاب هایمعاد - سرای دیگر - قلب سلیم و... که روح ایمان و خداترسی را در وجود او زنده نگه می دارد نیز کمک بگیرید. به ویژه این کتابها را در اختیار او قرار دهید تا مطالعه کند.

د. وی را به شرکت در جلسات مذهبی و دینی اعم از جلسات معارف دین مانند شرکت در کنفرانسهای علمی و میزگردها و مناظره ها و سخنرانی دانشمندان دین و یا جلسات موعظه و شرکت در مراسم دعا و زیارت. نمازهای جمعه و جماعت و محافل دوستی مذهبی...دینی ترغیب کنید و حتی او را همراه خود به این

۳. بعد از دادن اطلاعات (مفاد بند ۱) و ایجاد انگیزه و دادن روحیه و ترغیب به عمل (مفاد بند ۲) نوبت به مراقبت های رفتاری می رسد. یعنی مطابق با سن وی باید به او آگاهی داد و وی را ترغیب نمود و نسبت به او کنترل داشت. حال چنانچه فرد مورد نظر یک جواناست با روش کنترل از راه دور و حفظ احترام و ارج نهادن به مقام و منزلت فردی و اجتماعی او و همین طور رعایت اطمینان به او اعمال او را از دور کنترل کنید که مبادا علی رغم آگاهی و انگیزه بالا برای یک بار هم که شده فریب شیطان را خورده و به گناه آلوده گردد لذا مواظبورود او به محیط های آلوده و همراهی با افرادی که احتمال آلوده بودن آنها می رود باشید البته نه به این صورت که همیشه همراه او حرکت کنید بلکه تذکر دهید و گاه به پیامدهای شرکت در این محیط ها در او دقت کنید مانند دیر آمدن - بی خوابی ها و بدخوابی ها، تغییر رژیم غذایی، تغییر خلق و خوی و بهانه گیری و... بهترین شیوه کنترل جوانان کنترل در دوست گزینی آنها و توجه و مراقبت به دوستان آنهاست. لذا ابتدا سعی کنید در انتخاب دوست به او کمک کنید و اگر دوست ناباب و نامناسب دارد او را از نامناسب بودن آنها با ارائه دلیل آگاه ساخته و از او بخواهید سطح دوستی با آنها را کاهش دهد و خود در انتخاب دوست مناسب به او کمک کنید. بعد از کنترل از طریق دوستان بهترین شیوه کنترل جوانان آن است که با مشورت خود آنها تمام اوقات فراغت

او را پر کنید و برای زندگی او برنامه ریزی کنید البته بدون این که او احساس کند این برنامه تحمیلی است. و این که برنامه مورد علاقه او نیست باید اقدام کنید. مبادا برنامه تحمیلی و یا مورد علاقه او نباشد. اگر جوانان ما با بزرگترهای خود رابطه دوستی داشتند و برنامه ای برای زندگی خود ترسیم می نمودند هرگز محیط آلوده نمی شد تا زمینه تهاجم فرهنگی فراهمگردد چرا که تمام اعضای آن جامعه مصونیت درونی دارند. در پایان به برخی از پیامدهای منفی گناهی که به آن اشاره کردید می پردازیم.

نوشیدن مشروبات الکلی موجب سست شدن اراده و از بین رفتن رغبت به عبادت و کارهای شایسته شده و انجام هر کار پست و خلافی را برای آدمی سهل و آسان می نماید و در یک کلام غیرت دینی و اخلاقی فرد را از او سلب و هدایت فردی و شخصیت فرد را از او نابود می کند و لذا از انجام هر کار زشت و ناروایی ابایی ندارد و حتی نسبت به نزدیکان خود احساس غیرت و جوانمردی نمی کند. خوش بودن تنها مرام و مسلک او می شود و برای رسیدن به این هدف از هزینه نمودن هر ارزش اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و اعتقادی و... دریغ نمی کند و ارزان آنها را از کف می دهد. بنابراین با آگاه نمودن فرد مورد نظر از این پیامدها و تعمیق نمودن این اطلاعات - با تکرار و مطالعه کتب معرفی شده - او را از درون بر علیه این فساد و انحراف برانگیزید تا خود به مبارزه با این مفسده حرکت کند. دوست عزیز بی تردید با تکیه به عنایت حضرت حق و عمل به

راهکارهای ارائه شده به هدف الهی خود خواهید رسید و امیدواریم خداوند سبحان شما را در راه خدمت به بندگانش یاری دهد و توفیقات روز افزون خود را روزی شما گرداند. }J

### **با فساد و ناهنجاری دانشجویان چگونه برخورد کنم \* در این میان چگونه می توانم همسر خوب انتخاب کنم ؟**

#### **پرسش**

با فساد و ناهنجاری دانشجویان چگونه برخورد کنم \* در این میان چگونه می توانم همسر خوب انتخاب کنم ؟

#### **پاسخ**

برادر دانشجو بعد از عرض سلام و ابراز ارادت خالصانه از نامه پرشور و سراسر شکوه شما که نشان از غیرت و جوانمردی دارد بی نهایت سپاس و تشکر می کنیم و امیدواریم بتوانیم پاسخ لازم و متناسب با حق و حقیقت که راه گشای مشکل شماست ارائه کنیم و لذا در همینراستا توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم:

۱. عزیز دلسوز ما نیز این حساسیت دینی و غیرت انسانی شما را می ستایم و ذره ای از آن را به تمام دنیا نمی دهیم و در برابر دنیا خریداریم اما بکارگیری این حساسیت در حوزه رفتارهای جمعی و در خصوص رفتار دیگران که از این سطح حساسیت برخوردار نیستند سخت بیمورد و گاه خطر آفرین می دانیم لذا از شما - همان گونه که تاکنون چنین بوده است - انتظار داریم بر اساس همین غیرت و حساسیت، رفتارهای شخصی خود را شکل داده و عمل کنید و ذره ای از آن کوتاه نیامده و احساس خستگی نیز به خود راه مدهید اما از دیگران و به ویژه در سطح اجتماع باید کمی با دقت حوصله و تکیه بر شناخت و درک اجتماعی حرکت کرد چرا که اگر شناخت لازم برای انجام یک عمل فراهم نباشد آدمی هرگز آن کار را انجام نمی دهد و به زور و فشار هم نمی توان وی را به انجام آن عمل وادار کرد و اگر چنین کنیم چه بسا نتیجه ای دیگر عائد گردد و از طرف دیگر میزان حساسیت دینی و غیرت انسانی آدمیان هم یکسان نیست تا از همه

بر اساس همان میزان حساسیت و... یک سطح از عمل را انتظار داشته باشیم. بنابراین باید به دنبال علاج عاقلانه، پایدار و کارساز واقع بود.

۲. دومین نکته - قبل از بیان راهکارها - علاوه بر آنکه نباید انتظاری فراتر از سطح آگاهی و احساس مسئولیت داشت، آن است که نباید بر اساس میزان آگاهی و احساس خود در مورد دیگران قضاوت کنیم. مثلاً درست است که شکل روابط در فضای دانشگاه آلوده است و هراسان در سطح آگاهی و حساسیت شما را بر می انگیزد تا رفتار و روابط خود را کنترل کند اما این کلام به این معنا نیست که هر شخصی که رفتاری غیر از رفتار ما را داشت قابل اعتماد نیست، آلوده است و... اگر ما اینگونه قضاوت کنیم چگونه می توانیم با آنها ارتباط برقرار کرده و آنها را به راه راست هدایت کنیم؟! چرا باید ارتباط خود را از بین برده و زمینه هر تأثیر مثبت و هدایتی را نیز نابود سازیم؟! قضاوت کردن در مورد دیگران در حالی که هنوز آن عمل خاص مشاهده نشده و بلکه مقدمات آن دیده شده سخت است و چه بسا همین روش و قضاوت باعث شود گناهان آنها را به دوش کشید و خود به واسطه تهمت و افتراء به گناه دیگری مبتلا گردیم. خود می دانید که گناه غیبت، تهمت و افتراء کمتر از برخی روابط نابجا نیست. بنابراین در حالی که به این تفکر با بینش شما آفرین می گوئیم ولی این نکته را متذکر می شویم که بر اساس همان حساسیت دینی در مورد عملکرد دیگران قضاوت نکنیم تا به راندن آنها از نزد خود و سپردن آنها

به دست منحرفین و بستن راه اصلاح و... منتهی نگردد. بویژه که شما آنچنان تمام دختران دانشگاه را متهم می سازید که گویا یک نفر آدم سالم در بین آنها نیست لذا کمی در قضاوت نمودنو اظهار نظر کردن خویش سنجیده تر و با ملاک و مدرک سخن بگوئید که آخرت در نزد حضرت حق دلیلی بر گفته خود داشته باشید. نمی خواهم آنها را تطهیر کنم ولی نمی خواهم به شما هم اجازه قضاوت و سریع و صریح را بدهیم بگونه ای که تمام آنها را نابکار بشمارید و بر اساس همین قضاوت با آنها برخورد کنید پس کمی با دقت، تفکر و عاقلانه تر...

۳. اما با آنها چه باید کرد؟ آیا باید آنها را رها ساخت تا دیگران را به کیش خود بخوانند و در نهایت جامعه ای را...؟ همان گونه که گذشت باید در کنار حفظ پاکی و طهارت خود و رعایت احکام شرعی ارتباط خود را با آنها بویژه با پسران حفظ کرد تا در پرتو حفظ ارتباط، هدایت آنها ممکن گردد و الا اگر ارتباط قطع گردد دیگر زمینه تأثیر گذاردن از بین می رود و راهی برای هدایت باقی نمی ماند. پس با حفظ ارتباط لازم برای هدایت - نه همراهی - در پی دو راهکار باشید:

الف. افزایش سطح شناخت و آگاهی

ب. افزایش احساس مسئولیت و سطح حساسیت به کمک تقویت پایه های ایمان و سطح انگیزش.

پر واضح است که بدون این دو راهکار هیچ اصلاحی ممکن نخواهد شد ولی اگر این دو عنصر فراهم گردد به تمام اهداف می توان رسید. اما اینکه چگونه می توان این دو عنصر را فراهم آورد بسته به موقعیت، سطح معلومات افراد، رفتار مورد نظر که در صدد

اصلاح آن هستید... متفاوت می گردد بی گمان تشریح رفتارهای صحیح و احکام و شرائط آن و پاسخ دادن به سؤالات مورد نظر در هر زمینه بصورت اختصاصی می توان در اصلاح افراد و عملکرد آن تأثیر بگذارد بخصوص اگر در این مسیر محبت و صمیمیت و یک رنگی چاشنی کار شود بسیار مؤثر است. البته راهکارهای ریز و دقیق تر را باید رفتار هدف و مورد نظر بیان نمود.

۴. در مورد رفتار خودتان باید به عرض برسانیم که همچنان با همان حساسیت رفتارهای شخصی خود را دنبال کنید ولی بر اساس آن از دیگران انتظار نداشته باشید و بر اساس آن قضاوت نیز نکنید. و در کنار این دو نکته موارد زیر را نیز مد نظر داشته باشید:

سطح شناخت خود را از احکام و وظائف شرعی بیش از پیش گسترش داده و بیشتر با واقعیت آشنا شوید.

از انجام اعمالی که تنش آفرین و حساسیت زا است اجتناب کنید تا دیگران را از خود دور نسازید و صرفاً در محدوده آنچه خداوند خواسته عمل و قضاوت کنید.

بین ذهنیت خود و آنچه در خارج به چشم می بینید کاملاً تفکیک قائل شوید و این دو حوره را از یکدیگر متأثر نسازید و بر اساس یکی در مورد دیگری تصمیم نگیرید مثلاً بر اساس ذهنیت خود در مورد عملکرد دیگران قضاوت نکنید.

رفتار خود را مطابق آنچه شارع مقدس خواسته هست تنظیم کرده و شکل دهید لذا نه بر خود سخت بگیرید و نه خود را رها و یله سازید.

برای ازدواج تنها یک صفت [که حساسیت شما را برانگیخته است تا دیگر ویژگیهای اساسی را نزد شما بی اهمیت و



یا فراموش شده وانمود گردد] اکتفاء نکنید برای اطلاع از صفات همسر نمونه مانند ایمان، اخلاق، طهارت مولد و... به دو کتاب جوانان و ازدواج همسر نوشته آقای مظاهری و خانواده متعادل نوشته آقای شرفی مراجعه کنید. برای شما جوانان مسلمان متعصب خیلی پسندیده نیست که تنها بر باکره بودن و بلند قد بودن و... تکیه کنید هزاران دختر باکره هستند که آدمی از خواستگاری رفتن آنها روی می تابند این نشان می دهد که شمانسبت به روابط داخل دانشگاه و اعمال آنها بیش از حد حساسیت نشان می دهید و لذا گوشه ای زندگی را برای شما بزرگ وانمود کرده و مانند بادکنکی است که از یک طرف باد شده است بنابراین در رفتار خود حساس باشید ولی از حساسیت در رفتار دیگران سخت پرهیز کنید.

ابتدا از شرایط لازم برای همسر مورد نظر خود اطلاع پیدا کنید و بعد در پی شخصی که این ویژگی ها و شرایط را داراست برآید و... و شما برخی شرایط سطحی را بزرگ و برجسته نسازید و از شرایط اساسی غفلت کنید.}}]

**بهترین روش امر به معروف ونهی از منکر را - که تاثیر در باطن و روح افراد داشته باشد - بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید.**

### پرسش

بهترین روش امر به معروف ونهی از منکر را - که تاثیر در باطن و روح افراد داشته باشد - بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید.

### پاسخ

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله:

۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد.

۲) شناخت ویژگی های روحی و روانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن.

۳) به دست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن.

۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست.

۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر.

۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه.

۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر.

یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل ( نظارت همگانی ) است . یعنی باید این مسئله در جامعه و بویژه دانشجویان جا باز

کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی در جامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسوءولند. زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامیدگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت. }]

### **در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد، نصیحت یا گزارش به مسئولین، اگر فایده نداشته باشد چطور؟**

#### **پرسش**

در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد، نصیحت یا گزارش به مسئولین، اگر فایده نداشته باشد چطور؟

#### **پاسخ**

در صورت احتمال تاثیر نهدی از منکر واجب است در غیر این صورت چنان چه بطور غیر مستقیم (مثلاً از طریق خانواده) بتوانید نقش ارشادی در این موارد ایفا کنید بهتر است. مسائل حادی که قابل پیگیری است می توانید گزارش کنید. }]

### **لطفا نحوه برخورد با افراد بی حجاب و مفسد را بیان کنید؟**

#### **پرسش**

لطفا نحوه برخورد با افراد بی حجاب و مفسد را بیان کنید؟

#### **پاسخ**

معضلات و ناهنجاری های اجتماعی باید ریشه یابی شده و راه حل مناسب برای آن ها ارائه شود. شکل گیری یک آسیب و رخداد یک معضل، زمینه های خانوادگی، اجتماعی خاصی را می طلبد و با یک بررسی دقیق پی خواهیم برد که هر کس برای کارهای حَتّی خلاف، خود توجیه ها و دلیل های - اگر چه نادرست - دارد در واقع ابتدا باید دید یک معضل چرا به وجود آمده است و سپس بر اساس چرایی و علت این آسیب، یک نسخه برای درمان آن داد و متأسفانه این کار علمی نشده و ما یک الگوی صحیح برای برنامه ریزی جهت ریشه یابی و پیشگیری معضلات اجتماعی در دست نداریم. پس جدای از سایر شرایط (زمینه های خانوادگی، اجتماعی و شخصیتی) نمی توانیم به سراغ یک معضل اجتماعی برویم؛ باید مراکز علمی مخصوصاً دانشگاه ها و حوزه های علمیه، رسانه های ارتباط جمعی و مسئولین فرهنگی و تربیتی در مسائل درگیر شوند و می بایست با یک دید علمی به مسائل و رخدادهای اجتماعی نگرسته شود و راه کارها نیز می بایست خارج از چارچوب «تحکم» باشند تا کار پیشرفت نماید.

حال در برخورد با معضلات و ناهنجاری های اجتماعی اصولی باید حفظ و مراعات شود تا اولاً وفاق و همبستگی اجتماعی حفظ شده و مردم خود را در سرنوشت افراد و جامعه مسئول بشناسند. از این رو روح و محتوای فرهنگ دینی ما از یک جهت بر پایه ارتباط، صمیمیت، تعاون، همدردی، خوش رویی و محبت استوار است و از سوی دیگر بر شناخت و رعایت حقوق و مسؤولیت های هر فرد تکیه دارد. بی تردید، داشتن اجتماعی سالم و متعالی، بدون پایبندی به

این دو جهت امکان پذیر نیست. فرهنگ اسلامی، معیارهای اخلاقی - انسانی و ضوابط حقوق پیشرفته ای دارد که در راه رسیدن به هدف یاد شده، می توان از آن ها بهره جست.

همان طور که ذکر شد یکی از اهداف مهم دین وفاق و اتحاد ملی است. سرزنش، تعبیر و عیبجویی چه در حضور و چه در غیاب با وفاق ملی و دینی سازگار نیست. لذا نتیجه می گیریم: ۱. جامعه باید با احترام متقابل زندگی کند. ۲. افراد جامعه موظف اند با تعلیم و تربیت نگذارند کسی مبتلا- و آلوده به فساد شود. ۳. اگر کسی غفلت کرد و خطائی مرتکب شد، راهکار تربیتی چنین فردی اول تبه (بیدارسازی)، دوّم غفلت زدایی و بعد موعظه می باشد. موعظه آن است که واعظ، که خود از یک مقام علمی و عملی، روحی و معنوی برخوردار است جامعه و افراد را دگرگون سازد.

۴. آن گاه اگر فرد خطاکار به صراط مستقیم بازنگشت نوبت به امر به معروف و نهی از منکر می رسد.

**متاسفانه در مورد مسائل اساسی دینی نیز وقتی که کسی را به معروفی چون نماز توصیه و تذکر داده می شود به شدت برخورد می کنند و می گویند به شما ربطی ندارد در مقابل این افراد چه باید کرد آیا باید به حال رها شوند و یا روشی بهتر برای مطرح کردن و نتیجه گرفتن می توان**

### **پیش**

متاسفانه در مورد مسائل اساسی دینی نیز وقتی که کسی را به معروفی چون نماز توصیه و تذکر داده می شود به شدت برخورد می کنند و می گویند به شما ربطی ندارد در مقابل این افراد چه باید کرد آیا باید به حال رها شوند و یا روشی بهتر برای مطرح کردن و نتیجه گرفتن می توانیم در پیش رو بگیریم؟

### **پاسخ**

امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین و عالی ترین واجبات اسلامی است که در احادیث به عنوان روش پیامبران و شیوه ی صالحان و دو فریضه بزرگ الهی که موجب احیاء دیگر واجبات می شود یاد شده است. در عین حال همچون دیگر واجبات الهی دارای شرایط و مراتبی است و در صورت وجود شرایط واجب و الا تکلیفی بر انسان نیست.

الف) شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر:

۱. کسی که آمر یا ناهی است، باید معروف و منکر (عمل نیک و زشت) را از نظر اسلام بشناسد.

۲. احتمال بدهید که امر یا نهی او اثر دارد.

۳. شخص گنهکار اصرار بر ادامه کار خود داشته باشد.

۴. امر و نهی، سبب ضرر جانی، مالی، آبرویی قابل توجه به خودش یا نزدیکانش و یا سایر مؤمنین نشود.

ب) آداب امر به معروف و نهی از منکر:

سزاوار است کسی که به معروف امر می کند و از منکر جلوگیری می کند:

۱. اخلاق و آداب اسلامی را مراعات و با روی خوش برخورد کند و همانند طبیعی دلسوز و پدري مهربان رفتار نماید.

۲. فقط برای رضای خدا و به دور از هرگونه خودخواهی و برتری جویی اقدام نماید.

۳. از تجسس و پرده دری خودداری و کاملاً صبورانه عمل کند.

ج)

مراتب یا مراحل امر به معروف و نهی از منکر:

۱. مرحله انکار قلبی: یعنی اظهار خشنودی از معروف و اظهار نارضایتی از منکر، به عبارت دیگر. حداقل انتظاری که از یک مسلمان می رود این است که به هر شکل ممکن علاقه مندی قلبی خود را به معروف و نفرت خود را از منکر نشان دهد. که می توان با جلوه های گوناگون مثل: نوع نگاه، سکوت معنی دار، سر به زیر انداختن، روی گرداندن، اخم کردن و... خشنودی یا ناخشنودی خود را از آن عمل بروز دهد.

در این مرتبه همه ظرافت ها و نکات روانشناختی را باید به کار برد تا حیثیت و شخصیت افراد خدشه دار نشود.

۲. مرحله انکار زنانی: یعنی از تارک معروف و عامل به منکر بخواهیم از این رفتارش دست بردارد. نوع بیان در این مرحله درجاتی دارد. مثل سربسته سخن گفتن، پند دادن، سخن ملایم گفتن، به صراحت سخن گفتن و شاید در مراحل خشنوت لفظی و درشتگویی ضرورت پیدا کند که همه این درجات با توجه به مخاطب و از مرحله آرام می بایست شروع شود.

۳. مرحله انکار (اقدام) عملی: گاه ممکن است منکر چنان ریشه دار باشد که با مراحل اول و دوم امکان ریشه کن کردن آن وجود نداشته باشد که نوبت به مرحله سوم برسد که منظور هر گونه فعالیت هدفدار مشروعی است که زمینه را برای ریشه کنی فساد و رشد معروف فراهم می سازد و تا زمانی که به ضرب و شتم کشیده نشده انسان می تواند ادامه دهد. اما چنانچه نیاز به ضرب و شتم باشد می بایست از ولی امر مسلمین اجازه گرفت و یا به مراجع قانونی و ذیصلاح واگذار شود.

بنابر این در انجام

امر به معروف و نهی از منکر، شرایط، آداب و مراتب آن با درجاتی خاص که برای هر یک ذکر شد، می بایست مد نظر قرار گیرد و سپس دست به اقدام زد و در صورتی که فرد گنهکار تعمد به ترویج فساد و انجام عمل گناه نداشته باشد، گناه را ترک می کند. اما اگر تعمد در کار است، وظیفه چیز دیگری است و می بایست از طریق مرکز قدرت و قوه قهریه با اینگونه افراد برخورد شود.

اما در هر صورت، کلیه سازمان ها و مراکز فرهنگی و فرهنگ ساز کشور وظیفه دارند با برنامه ریزی درست و ارائه راه حل های مناسب و کاربردی به گونه ای که کمترین هزینه های سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی را برای کشور داشته باشد چهره جامعه اسلامی و به ویژه دانشگاه های کشور را از غبار غمبار گناه و ناهنجاری های اجتماعی دور کنند.

برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

۱. امر به معروف و نهی از منکر، سید حسن اسلامی

۲. امر به معروف و نهی از منکر، آیه الله حسین نوری

### **به چه شکلی امر به معروف و نهی از منکر کنیم که موجب ناراحتی طرف مقابل نشود**

#### **پرسش**

به چه شکلی امر به معروف و نهی از منکر کنیم که موجب ناراحتی طرف مقابل نشود

#### **پاسخ**

در مسأله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود:

الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط و وجوب و مراتب آن.

ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود.

ج) حتی الامکان از منطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شود و سپس تدریجاً به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود.

د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود

آنهاست.

ه ( ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که بهیچوجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکهوظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی اینکه بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشانآید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت.

<Table align=center width=۹۵% cellspacing=۱> <TR align=Center><TD>  
گفتن است و بس </TD> <TD> E/> در بند این مباحث که نشنید یا شنید کس </TD></TR></Table/> ( و ) جدولی  
برای خود تنظیم کنید و شرح شیوه های کاربردی خود



را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پیکارگیری شیوه ای موثرتر باشید.

ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید. {J}

**روش برخورد با اساتیدی که در کلاس مسائل غیر اخلاقی را مطرح می کنند چگونه باید باشد؟**

**پرسش**

روش برخورد با اساتیدی که در کلاس مسائل غیر اخلاقی را مطرح می کنند چگونه باید باشد؟

**پاسخ**

وجود این قبیل مسائل که به هیچ وجه زبیده ی نظام آموزش عالی کشور اسلامی و فضای علمی دانشگاه ها نیست، از عوامل متعددی مانند مسأله غربزدگی و عدم تعهد برخی از اساتید به ارزش های اسلامی و غفلت و سهل انگاری مسئولین مربوطه دانشگاه ها، نشأت می گیرد و حل اساسی آن نیز در گرو اعمال دقیق گزینش اساتید و نظارت مستمر بر عملکرد آن ها و اتخاذ تصمیمات و تذکرات مناسب و قاطع از سوی مسئولین مربوطه با متخلفین است.

در این میان وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر در مواردی که احتمال تأثیر و سایر شرایط آن وجود دارد. برای دانشجویان با رعایت ادب و اخلاق اسلامی، همچنان پابرجاست. علاوه بر این، انتقال موضوع به مسئولین دانشگاه و پیگیری آن، جایز اهمیت می باشد. در هر صورت دانشجویان عزیز باید روحیه تعهد و حساسیت خود را در مقابل این قبیل مسائل حفظ نمایند و از حالت انفعال و بی تفاوتی پرهیزند زیرا وقتی بی تفاوتی فراگیر شد همه این اشکال ها زمینه بروز و ظهور پیدا می کنند. از این رو حفظ روحیه تعهد و سعی در بسط آن به خصوص در دانشجویان می تواند مانعی بر سر راه آفات باشد. امید است خسته نشوید و بی امان به تلاش خود برای استواری ارزش های حقیقی همت گمارید. «قل انما اعظکم بواحد ان تقوموا لله مثنی و فرادی» سبأ، آیه ی ۴۶.

.)

**با احترام به استحضار می رساند اینجانب دانشجوی سال آخر رشته ریاضی مرکز آموزش عالی ایرانشهر هشتم از بهمن ۷۶ وارد این مرکز شده و چون به علت مشکلات موجود و همچنین این موضوع که مسئولین اجرایی (مدیریت) و مسئولین فرهنگی مرکز از برادران اهل سنت بودند هیچ گونه برن**

**پرسش**

با احترام به استحضار می رساند اینجانب دانشجوی سال آخر رشته ریاضی مرکز آموزش عالی ایرانشهر هشتم از بهمن ۷۶ وارد

این مرکز شده و چون به علت مشکلات موجود و همچنین این موضوع که مسئولین اجرایی (مدیریت) و مسئولین فرهنگی مرکز از برادران اهل سنت

بودند هیچ گونه برنامه ای جهت اجرای برنامه های مذهبی نداشتند. و چون به عنوان یک بچه شیعه و مسلمان بر خود واجب می دانستم تا برای برگزاری مراسمات و جلسات مذهبی اقدام نمایم الحمدلله و با یاری ائمه اطهار رضایت بخش بوده است اما مشکلات فراوانی برای اینجانب ایجاد نمودند و با آن که مسئولین را در جریان قرار می دادم اما هر کس مشغول کار خود بود و می گفتند نباید تفرقه ایجاد کرد تا آنجا که در دو سال گذشته در یکی از شب های ماه رمضان گروهی از خواهران دانشجوی شیعه را جهت انتخاب خوش صداترین جهت راه اندازی گروه کر تست می نمودند اینجانب و گروهی از دانشجویان بسیجی اعتراض نمودیم که این مورد ما بحث فرا خواندن این حقیر به کمیته انضباطی شد و مسائلی از این قبیل فراوان به وجود آمده است تا جایی که روابط دختر و پسر به شدت افزایش یافته و به حد عادی شدن مسئله رسیده است در بسیاری از خوابگاههای برادران و حتی خواهران مواد مخدر مصرف می شود و زمانی که شخصاً در یکی از خوابگاهها مواد مخدر از دست هم اتاقی خود گرفتم و به مسئولین تحویل دادم مسئولین در حضور آن دانشجو با اینجانب برخورد نمودند مفاسد اخلاقی رواج عجیبی پیدا کرده است به نحوی که دختران دانشجو به رابطه داشتن با پسران به دیده افتخار نگاه می کنند و مسئولین هم حمایت می نمایند (نه تنها جلوگیری و چاره اندیشی نمی کنند) اجرای تئاتر دانشجویی با بازی دختر و پسر در نقش زن و مرد با تمرین های هفتگی

بدون نظارت رواج یافته و ارزش گذاری به هنر قلمداد می شود تا جائیکه یکی از دانشجویان پسر بدون اطلاع خواهر دانشجویی لباس او را می پوشد و در یک تئاتر و جنگ شادی نقش یک عروسی آرایش کرده و سوسول را که با شوهرش به شهر رفته اند را بازی می نماید و هیچ کس هیچ گونه اعتراض نمی نماید چرا که اعتراض کردن فایده ای ندارد و مسئولین حتی مسئولین (؟) کاری انجام نداده حتی در یک مورد برای خود اینجانب که منباب امر به معروف و نهی از منکر به خواهر دانشجویی از جهت داشتن روابط متعدد با چند نفر از آقایان تذکر دادم و آن خانم به مسئولین اعتراض کرده بنده را متهم به داشتن و زدن حرف های ضد اخلاقی نمودند و وقتی از آنان خواستم تا موضوع را اثبات نمایند بنده را به سکوت دعوت نموده و گفتند که شما باید ثابت کنید؟ خواهشمند است اینجانب را راهنمایی کنید در ضمن علاوه بر وظیفه شرعی برای امر به معروف مسئولیت نیز داشته ام.

## پاسخ

از نعمت غیرت دینی که خداوند به شما داده همیشه شاکر و سپاسگذار باشید.

اشکال و درد دل شما راجع به وضع فرهنگی دانشگاه ها و جامعه وارد می باشد. باید دانست که وضع فرهنگی یک جامعه به امور مختلفی وابسته است از قبیل: وضع اقتصاد جامعه، اوضاع سیاسی جامعه، خط سیاسی حاکمیت جامعه، آگاهی های عمومی آحاد جامعه و...

همین امور موجب می شود در برخی از مواقع و مقطع های زمانی به امر به معروف بگویند کار تو ایجاد تفرقه است یا از خوش صداترین دختران

دانشگاه گروه کر تشکیل دهند یا همایش دختر نمونه سال برگزار نمایند و همچنین در مقابل مواد مخدر حساسیتی وجود نداشته باشد. ولی باید توجه داشت که همه این مسائل یا حتی بدتر از آن هم نمی تواند عذر موجهی برای ترک امر به معروف و نهی از منکر باشند.

ما در هر زمان و شرایطی مأمور به انجام تکالیف الهی هستیم ولی آن چه مهم است کیفیت و شیوه های انجام این واجب است. گاهی وظیفه تذکر شفاهی مستقیم به اشخاص مرتکب گناه است و گاهی باید با مسئولین مربوطه مذاکره نمود یا با مسئولینی که شرایط محیط های غیردینی را فراهم می نمایند برخورد نمود و...

ما اموری را به شما توصیه می کنیم:

۱- اشخاص متدین و انقلابی را شناسایی کنید و با آنها دوست شوید.

۲- اگر می توانید اقدام به تأسیس یک تشکل مذهبی یا هیأت دینی نمایید. زیرا کار انفرادی یا نتیجه نمی دهد یا دیر به نتیجه می رسد.

۳- با اقشار مختلف دانشگاه و خوابگاه با محبت و لطف و بزرگواری برخورد کنید و تا حد امکان از تندی و بداخلاقی پرهیزید تا تذکرات دینی و اخلاقی شما مؤثر واقع شود.

۴- اگر تذکر زبانی و شفاهی اثر نبخشید به دنبال ریشه منکرات باشید - گاهی کوتاهی یا خیانت یک مسؤول موجب زمینه سازی گناه در جامعه شده - لذا با پیدا نمودن آن ریشه تذکرات خود را متوجه آنجا نمایید و اگر اثر نبخشید مراتب را به مقامات بالاتر اطلاع دهید.

۵- همیشه سعی کنید افکار عمومی جامعه را به سهم خود روشن و آگاه نمایید تا جلو گناه ها و تخلف های

آینده گرفته شود.

۶- هیچ گاه نسبت به آینده کار خود مأیوس نباشید. امید به خدا بزرگترین سرمایه این راه است.

در پایان خوب است بدانیم که اسلام با همین سختی ها و خون دل ها به ما و شما رسیده و اصولا بنده خدا گشتن و بهشتی شدن کار سختی است و آدمی دوست دارد پیرو هواهای نفس خویش باشد و در نهایت کسانی پیروز شوند که با هوای نفس و شیطان مبارزه نمایند.

**وظیفه در مورد مسؤولینی که ترویج فساد را می کنند مثلا به دانشجویان سال ۸۱ می گویند شما برای خودتان دوستانی انتخاب کنید که از دخترهای ورودی ۸۱ باشند تا بین شما و سال ۸۰ ها دعوا نشود چیست؟**

**پرسش**

وظیفه در مورد مسؤولینی که ترویج فساد را می کنند مثلا به دانشجویان سال ۸۱ می گویند شما برای خودتان دوستانی انتخاب کنید که از دخترهای ورودی ۸۱ باشند تا بین شما و سال ۸۰ ها دعوا نشود چیست؟

**پاسخ**

چند کار مفید و مؤثر (البته با توجه به شرایط خاص آن دانشگاه و نیز مورد خاص آن استاد) پیشنهاد می شود:

۱- انتقال مطلب (کتبا) به مسؤول دفتر نهاد و تذکر مقتدرانه البته با حفظ محبت و احترام آن استاد.

۲- تذکر به رئیس دانشگاه و یادآوری این نکته که اگر این اساتید به رفتارشان ادامه دهند و دانشگاه با آنها برخوردی نکند ما به عنوان یک مسلمان با آنان برخورد نموده، از طریق مراجع ذی صلاح اقدام می نمایم.

۳- در میان گذاشتن این مطلب با سایر برادران و خواهران متعهد و یافتن یک راه کار و حتی یک شخص موجه و منطقی و به دور از احساسات تند با رعایت ادب البته با اقتدار تمام.

۴- انتقال مطلب (کتبا) به حراست دانشگاه و یادآوری این نکته که اگر این واحد اقدام لازم را به عمل نیاورد، دانشجویان متعهد رأسا از طرق مراجع ذی صلاح اقدام خواهند نمود.

۵- انتقال مطلب (کتبا) به اداره اطلاعات شهرستان.

سه نکته زیر را در نظر داشته باشید:

۱- اگر از طریق محبت و جذب و ... قابل اصلاح است این راه را مقدم بدارید.

۲- انتقال مطلب باعث توجه به سوء سابقه ایشان در آینده و نیز احتمال افزایش احتمال اقدام مسئولین و اهتمام به آن تأثیر زیادی دارد.

۳- انتقال مطلب، در صورتی که احتمال مواجه شدن با مشکلات را بدهید، لازم نیست با اسم

و امضای رسمی خودتان باشد، لیکن زمان دقیق چنین ابراز نظر و احتمالا سایر شواهد در این امر را بازگو کنید.

### وظیفه نسبت به رفتارهای نادرست دیگران چیست ؟

#### پرسش

وظیفه نسبت به رفتارهای نادرست دیگران چیست ؟

#### پاسخ

در قرآن آمده است: ولا تستوی الحسنه ولا السيئه، ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عداوه كأنه ولي حميم نيكي و كزي يكسان نيستند؛ [بدی را] به نیکوترین وجه برگردان، آن گاه آن که با تو دشمنی دارد چون دوستی صمیم خواهد شد {M}، (فصلت، آیه ۳۴).

شیوه و رفتار پیشوایان دین سراسر خوبی و نیکی در برابر رفتارهای نادرست دیگران بوده و همین رمز بزرگی برای موفقیت آنان بوده است. به قول خواجه عبدالله انصاری:

نیکی را نیکی کردن خرکاری است؛

بدی را بدی کردن سگساری است؛

بدی را نیکی کردن کار خواجه عبدالله انصاری است.

البتة این روش مادامی است که موجب سوء استفاده طرف مقابل و تقویت ظالم نشود. {J}

### دوستانم برای نماز نخواندن می گویند بسیاری از نماز خوانان به گناه می افتند او را چگونه راهنمایی نمایم ؟

#### پرسش

دوستانم برای نماز نخواندن می گویند بسیاری از نماز خوانان به گناه می افتند او را چگونه راهنمایی نمایم ؟

#### پاسخ

استدلال دوست شما برای نماز نخواندن به حدی ضعیف است که اگر شما فقط کاری کنید که او را به تفکر منصفانه وادارید، او پاسخ خود را خواهد یافت. آیا درست است مریض بگوید: چون برخی از بیماران مشابه من دارو نمی خورند یا به پزشک



مراجعه نمی کنند، من هم به درمان خود نمی پردازم؟! آیا این سخن منطقی است که چون برخی از اشخاص خود را به دام اعتیاد انداخته اند من هم چنین کنم و...؟! کسانی که نماز می خوانند چند دسته اند؛ زیرانمازهایی که انسان ها به جا می آورند، بر طبق معرفت و آگاهی و عرفان آنان است. نماز برای برخی معراج الی الله است و برای عده ای داروی معنوی و برای گروه دیگر حکم مسکن را دارد و برای اشخاصی هم کم اثرتر از حتی مسکن است و این عیب مربوط به نماز نیست؛ بلکه مربوط به استفاده نمازگزار از این فریضه الهی است. کسی که فقط می خواهد به عنوان رفع بهانه، نماز بخواند و دیگر کاری با شرایط صحت و قبولی آن ندارد، مسلماً نمازش او را از گناه باز نخواهد داشت.

به عنوان مثال آب غسل و وضو باید مباح و حلال باشد و کسی که همین یک شرط را بخواهد رعایت کند، باید بی اجازه در ملک اشخاص تصرف نکند و در شغل خود کم کاری ننماید و هرگونه خیانت روا ندارد تا حقوق و درآمدها حلال باشد و بتواند با پول حلال قبض آب منزلش را پرداخت نماید. حال قضاوت کنید شخصی که این وجدان کاری و انضباط اجتماعی

را رعایت کند، تا چه حد از گناهان محفوظ خواهد ماند؟!

مطلب دیگر در اهمیت نماز، انس با خدا است. به دوست خود بگویید دوستان معمولی هر چند خوب باشند؛ اما دارای نواقص و کاستی هایی هستند و ممکن است در مواقع حساس و ضروری، انسان را تنها گذارند یا توان یاری انسان را نداشته باشند. ولی اگر کسی با خدای خود به وسیله نماز رابطه داشته باشد، هیچ گاه در خود احساس بی کسی و ضعف و تنهایی نخواهد کرد و خود را سعادتمندتر و شاداب تر از همه خواهد دید. }J

**در دانشگاهها دخترها و پسرها با هم ارتباط صحیحی ندارند، برای راهنمایی آنها چه کارهایی را باید انجام دهیم؟**

**پرسش**

در دانشگاهها دخترها و پسرها با هم ارتباط صحیحی ندارند، برای راهنمایی آنها چه کارهایی را باید انجام دهیم؟

**پاسخ**

در این موارد اقدامات گوناگونی متناسب با وضعیت فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی افراد باید انجام داد. آنچه به طور کلی می توان در این جا یادآور شد اقدام به نکات زیر است:

الف) تلاش در جهت ایجاد فضای معنوی و سالم در محیط جامعه و دانشگاه، به گونه ای که زمینه پیدایش این روابط را به حداقل ممکن برساند.

ب) انجام نصیحت مشفقانه و امر به معروف و نهی از منکر به گونه ای جذاب و مؤثر.

ج) در جریان قراردادن خانواده های این افراد؛ البته با رعایت مصالح آنان و دقت در این که این مسأله به آبروریزی و مفسده بزرگ ترینجامد.

د) در صورت نصیحت ناپذیری فرد و گسترش روابط نادرست، باید وی را به کمیته انضباطی معرفی کرد البته این مسأله در مورد کسانی است که قصد اصلاح و توبه نداشته و محیط را آلوده می سازند.

ه) مهم ترین راه حل، ازدواج و ایجاد شرایط آن است که نیازمند برنامه ریزی های کلان برای جوانان جامعه می باشد.

**چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا موثر واقع شود؟**

**پرسش**

چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا موثر واقع شود؟

**پاسخ**

الف) با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما، به آگاهی می‌رساند که مسأله امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امر به معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعاً منجر به برخورد عملی می‌شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده‌اند، لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت:

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط و مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقاً فراگیرند.

۲- امر به معروف و نهی از منکر، خود را به زیور اخلاق و التزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه‌های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتر است امر به معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش‌های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد.

ب) حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله:

(۱) امر به معروف و نهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد.

(۲) شناخت ویژگی‌های روحی و روانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن.

(۳) بدست آوردن خصوصیات

مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن.

(۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست.

(۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر.

(۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه.

(۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر. یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است. یعنی باید این مسئله در جامعه و بویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی در جامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسوولند. زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یککشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آنسرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت.

**با افرادی که نماز را سبک می شمارند و ما را به انجام منکرات دعوت می کنند چگونه برخورد نماییم ؟**

**پرسش**

با افرادی که نماز را سبک می شمارند و ما را به انجام منکرات دعوت می کنند چگونه برخورد نماییم ؟

**پاسخ**

آن چه که مسلم است و در آیات قرآن نیز به آن اشاره بلکه تصریح شده است برخورد مناسب و خوب از راه های بسیار سازنده در تبلیغ دین است. حضرت موسی(ع) در مقابل فرعون مامور به گفتاری نرم می شود (قولا له قولا لینا) و پیامبر (ص) نیز در برابر مردم (فبما رحمه من الله لنت لهم) به واسطه فیض رحمت الهی برخوردی نرم و عاطفیداشته اند. بنابراین روی گشاده داشتن و با مهربانی درصدد هدایت دیگران بودن رسالتی پیامبر گونه است. این مسأله با حدیثی که از امام صادق (ع) در مورد دوستی نکردن با کسی که به نماز اهمیت نمی دهد منافات ندارد. زیرا مسأله دوستی و مؤانست و هم راز شدن موضوعی بالاتر از روابط متعارف است. اگر بناست انسان دوستی صمیمی داشته باشد ولی به نماز اهمیت ندهد روشن است که در اغلب موارد بر دوست خود تأثیر سوء خواهد گذاشت و او را نیز به راه خود خواهد کشید. بنابراین خوش برخورد بودن و حتی مهربانی با مردم منافاتی با آن ندارد که اگر بناست دوستی برای خود برگزینیم از بین کسانی باشد که به نماز اهتمام می ورزند. در مورد دوستانتان اگر می دانید که حفظ رابطه با او ممکن است در اصلاح او مؤثر باشد رابطه را حفظ نمایید و اگر احتمال می دهید که نتیجه معکوس باشد رابطه دوستانه خود را قطع کنید گرچه در برخوردها با او گرم بوده و به او محبت نمائید.

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله:



ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد.

۲) شناخت ویژگی های روحی و روانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن.

۳) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن.

۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست.

۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر.

۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه.

۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر.

یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است. یعنی باید این مسأله در جامعه و بویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی در جامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسؤولند. زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت.

**وظیفه فرزند نسبت به پدری که سوء ظن به افراد دارد و گاهی هم دروغ می گوید چیست ؟**

**پرسش**

وظیفه فرزند نسبت به پدری که سوء ظن به افراد دارد و گاهی هم دروغ می گوید چیست ؟

**پاسخ**

امر به معروف و نهی از منکر در صورت امکان تأثیر لازم است. البته در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم:

۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید،

۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد،

۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه و اشاره گوشزد کنید،

۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبّه ایشان پردازید،

۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید،

۶- از تندى و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام پدر در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید،

۷- اگر زمینه مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامیپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید،

۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید،

۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین ، (ذاریات، آیه ۵۵). از این رو تا آنجا که احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید،

۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید، شما

وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که و ما علی الرسول الا البلاغ المبین؛ پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد {M}، (نور، آیه ۵۴).

در خاتمه رهنمود مجدد ما این است که با وضعی که راجع به پدر خود مرقوم فرموده اید حرمت ایشان را کاملاً مراعات فرمایید.

### متوجه شدم پسری با خواهرم ارتباط دارد چه برخوردی داشته باشم؟

#### پرسش

متوجه شدم پسری با خواهرم ارتباط دارد چه برخوردی داشته باشم؟

#### پاسخ

در این مورد باید بر غیرت دینی و حساسیت وجدانی شما آفرین بگوییم.

برخورد شما با خواهر محترمه تان باید دقیق و ظریف باشد به گونه ای که موجب آزار و اذیت وی نشود، وی را از شما فراری ندهد، تأثیر سخن شما را دچار تزلزل نکند و خیرخواهی شما را مخدوش نسازد. باید به شکلی با وی صحبت کنید که شما را خیرخواه و تکیه گاه خود بداند. نباید با لحن و کلمات اهانت آمیز - که موجب اذیت وی گردد - با وی سخن گوید؛ در این صورت راهنمایی شما مفید نخواهد شد و به دست خویش وی را از خانه و از خودتان دلسرد خواهید کرد و بسا موجب اشتباهات بیش تر وی گردد.

باید ابتدا به اصل وجود این ارتباط یقین داشته باشید و ماجرا را پنهان نگه دارید. این عمل شما باعث جلباطمینان و اعتماد وی به شما می گردد.

نکته مهم دیگر آن است که از ابتدا به صورت مستقیم برخورد نکنید، بلکه با زبان خوش، ناصحانه، دلسوزانه و به صورت غیرمستقیم وارد شوید. مثلاً بگویید شنیدم که دختری با پسری ارتباط داشته حال فاش شده و بعداً کم کم وارد اصل ماجرا شوید. نگوید «تو چرا این کار را کردی» بگوید «نکند شما این کار را بکنید، مواظب باشید».

لازم نیست اقرار و اعتراف کنید. همین که سکوت کند و سخن شما را گوش دهد، کافی است. روش های برخورد تدریجی با این مسأله را می توان چنین جمع بندی کرد:

۱- او را از پیامدهای اجتماعی زشت این عمل آگاه سازید؛ مانند از بین رفتن حیثیت و آبرو و سلب اطمینان عمومی و... (البته به صورت غیرمستقیم).





احادیث و روایاتی که عقاب و عذاب این گروه افراد را بیان می کند برایش بخوانید؛ البته به صورتی که او مخاطب شما نباشد، بلکه بگویید این گروه افراد در آخرت...

۳- راه های جلوگیری از ادامه این ارتباط و قطع ارتباط را بیان کنید.

۴- دوست مناسب را برایش تعریف کرده، ویژگی های وی را برایش تبیین کنید و حتی در صورت امکان در انتخاب دوست به او کمک کنید.

۵- از فرد ثالث (شخصی غیر از خواهرتان و خودتان) کمک بگیرید، تا وی آن جوان را اقدام به این ارتباط نموده، بانصیحت از این عمل بازدارد.

در پایان به او گوشزد کنید که دیگر در صدد ارتباط با خواهر شما برنیاید و او را تهدید کنید که ماجرا را به خانواده دختر و آن پسر خواهد گفت.

۶- در صورتی که آن جوان لایق و مناسب همسری خواهرتان باشد، از طریق همین فرد واسطه در این مسیر گام بردارد، بدون این که خود آن جوان متوجه این طرح بشود. }J

**در دانشگاه ما روابط پسر و دختر در راهروهای دانشگاه غوغا می کند. لذا خواهشمند است راه های نهی از منکر (فرهنگی و عقیدتی) که مورد توجه و اصلاح خاطیان باشد و همچنین این راهکارها مطابق شرع و نسبت به مقتضیات زمان تازه و جوان پسند و دانشجو پسند باشد؟**

**پرسش**

در دانشگاه ما روابط پسر و دختر در راهروهای دانشگاه غوغا می کند. لذا خواهشمند است راه های نهی از منکر (فرهنگی و عقیدتی) که مورد توجه و اصلاح خاطیان باشد و همچنین این راهکارها مطابق شرع و نسبت به مقتضیات زمان تازه و جوان پسند و دانشجو پسند باشد؟

**پاسخ**

در این زمینه خوب است به منابع زیر که چندان مفصل نیستند مراجعه فرمایید:

مجله پرسمان، چرایی پوشش بانوان، آقای حسینی

مجله پرسمان، ش ۸، روابط دختر و پسر، آقای احمدی

تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران

شش نکته مهم که توجه بدانها ضروری تر است:

اولاً، آگاهی دقیق و عمیق برادران و خواهران متعهد و حزب اللهی در دانشگاه‌ها نسبت به موارد و مصادیق معروف و منکر. ثانیاً، کار تشکیلاتی با انسجام همه نیروهای معتقد به مبانی دینی و انقلابی اعم از تشکل‌های اسلامی بسیج و سایر تشکل‌های مذهبی و متعهد و نیز با همکاری و ارشاد و اقدام جدی دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در ضمن از این طریق می‌توانید:

۱- کلاس‌های آشنایی بیشتر با مبحث امر به معروف و نهی از منکر و راه کارهای اجرایی آن برگزار کنید.

۲- در شورای فرهنگی دانشگاه و سایر مراکز فرهنگی دانشگاه در تصویب مقررات خوب و نیز تضمین اجرای آن نقش خوبی را ایفا کنید.

۳- گاهی برخورد با بعضی از منکرات به لحاظ حساسیت یا ویژگی خاص، نیاز به جریان سازی دارد، تشکل منجسم نیروهای خودی در این راستا، کارآیی خوبی می‌تواند داشته باشد.

ثالثاً، کار مطبوعاتی و نشریاتی و درج مقالات علمی و نه تهاجمی تند و بی‌منطق و پر از

رابعاً، تشکیل یک هسته امر به معروف و نهی از منکر دانشجویی. البته با نهایت دقت که به نام شما با حرکت های بی منطق و تند نابه جا و غیرمنطقی، سوء استفاده نشود بهتر است این اقدام در قالب کار تشکیلاتی مذکور صورت پذیرد.

خامساً، دوستی و محبت و نفوذ در دل خاطیان و همان کسانی که با زبان نصیحت پذیرای سخن شما نیستند، در اردوها، در کلاس ها، در اوقات فراغت. چه این که نصیحت به معنای خیرخواهی است باید راه کار عملی ساختن نصیحت را جستجو نمود. قطعاً محبت یکی از بهترین شیوه های ممکن است.

سادساً، مبارزه با منکرات و مفسدات اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه یک واجب قطعی بر عهده یکایک دانشجویان و همه مسئولین و مدیران دانشگاه ها و کل جامعه است، لیکن این امر مهم را می توان در دو بخش انجام داد:

۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند، فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه ی عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ از جمله: "اولاً": فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد. ثانیاً، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثاً، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده، اصرار بر استمرار آن داشته باشد. رابعاً، در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبرویی

یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد. علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه ی پایین تر، جایز نیست که به مرتبه ی بالاتر تعدی کند. در مرتبه ی اول ناراحتی قلبی و تنفر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت، روی بر گرداندن و.. از او، ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه ی دوم امر و نهی زبانی، موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن، گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه ی سوم، مرحله ی اقدامات عملی است. اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت، واجب است از اعمال قدرت استفاده کند، (تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵). البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسؤولان ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، (استفتاآت آیت الله خامنه ای، ترجمه ی فارسی، ج ۱، ص ۲۳۱).

۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی، قوه قضائیه، دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ستاد

مبارزه با مواد مخدر و... موظف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون، نسبت به انجام مسؤولیت های خود کوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند. در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است، ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات، مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است. راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، ازدواج، تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی، اجرا شدن فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر، فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاه های مربوطه با افراد شرور و مخل به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های اسلامی و تهدید کننده ی سلامت جامعه، مطلوب است. در مورد محیط و اطرافیان: مسلماً حفظ ایمان و ارزش های آن در محیط نامساعد بسی دشوار است ولی ارزش افزون تری دارد. خداوند در سوره ((تحریم)) آیه ۱۱ نمونه ای را برای این گونه افراد یادآوری می نماید. خداوند برای مؤمنان آسیه همسر فرعون را مثال و نمونه می آورد هنگامی که از شوهرش بیزارى جست و عرضه داشت: خدایا! من از قصر فرعون و زیورهای دنیوی

گذشتم و تو خانه ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش . حفظ ارزش ها در محیط مناسب و مساعد هنر نیست . هنر آن است که در تندباد ضد ارزش ها ارزش ها مطرح شود. بنابراین سعی کنید با اعتماد به خدا و یقین به درستی راه دین و ایمان خود را حفظ نموده و همواره آن را تقویت کنید. از مطالعه قرآن و توجه به معانی آن و همچنین کتاب های سودمند دیگر و شرکت در مجالس وعظ و دیگر محافل دینی غفلت نکنید. باید بدانید که خداوند قدرت و توان مقابله با گناه را در وجود شما قرار داده است , لیکن با عزم و همتی سترگ باید به مبارزه با گناه برخیزید و همواره کوشش کنید که برای اولین بار که میل به گناه آمد با جدیت تمام در برابر آن مقاومت کنید, آن گاه به تدریج مبارزه آسان خواهد شد. در هر صورت نگاه کردن عمدی و یا خیره شدن به نامحرم از روی لذت حرام است , اما اگر در حال عبور از کوچه و بازار و... چشم انسان به نامحرم افتاد اشکال ندارد. البته نگاه کردن به صورت و دست های زنان نامحرم تا میچ اگر به قصد لذت و شهوت نباشد اشکال ندارد.

**با توجه به وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اگر بخواهیم یک دختری را که از لحاظ حجاب وضع درستی ندارد را امر به معروف و نهی از منکر کنیم با توجه به این که ممکن است دیگران این عمل انسان را چیز دیگری تلقی کرده و برداشت نادرستی از انسان داشته باشند چگونه**

### **پرسش**

با توجه به وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اگر بخواهیم یک دختری را که از لحاظ حجاب وضع درستی ندارد را امر به معروف و نهی از منکر کنیم با توجه به این که ممکن است دیگران این

عمل انسان را چیز دیگری تلقی کرده و برداشت نادرستی از انسان داشته باشند چگونه باید عمل کنیم؟

## پاسخ

به طور کلی، این مجموعه ای از بایدها و نبایدها است که مؤمنان باید در چارچوب آن حرکت کنند و بکوشند بایدها را عمل کنند و از نبایدها دوری کنند، به این معنا که هر دینی از پیروانش می خواهد به هنجارهایی تن در دهند و از ناهنجاری هایی دوری کنند، این هنجارها در قالب واجبات الهی و ناهنجاری در دسته محرمات الهی قرار می گیرند.

یکی از آموزه های مؤثر و کارآمد در دین رهایی بخش الام و از جمله احکام و هنجارهای واجب آن، فریضه امر به معروف و نهی از منکر بوده که بر هر زن و مرد مسلمان با وجود شرایط آن واجب است.

به هر حال، امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین ابزارهای نظارتی در بعد فردی و اجتماعی است و هدف از آن، احیای معروف و میراندن منکر در جامعه اسلامی می باشد.

تعبیر «امر به معروف و نهی از منکر، از تعبیرات کلیدی در قرآن کریم و سخنان حکیمانه پیشوایان راستین اسلام بوده و از جایگاه و اهمیت بسیار بالایی در چارچوب آموزه ها و مقررات فردی و اجتماعی در اسلام برخوردار می باشد.

امام باقر(ع) در این باره چنین می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر، واجب بسیار بزرگی است که در پرتو آن دیگر واجبات اقامه (به پا داشته) می شود...»، (کافی: ۵/۵۶/۱، به نقل از: ترجمه میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۸، ص ۳۷۰۴). یعنی این واجب (در صورت اجرای درست آن) به



تنهایی، ضامن اجرای سایر احکام و دستورات الهی و اسلامی است.

لیکن، امر به معروف و نهی از منکر، با توجه به تأثیرات بالای خود، دارای زمینه‌ها، شرایط مراتب و آداب مهمی می‌باشد که اگر همه آنان به خوبی به اجرا درآید، می‌تواند یک پروژه بی‌عیب و نقص و در عین حال در کاهش جرم و پیشگیری از آن، بسیار تأثیرگذار و دارای نقش باشد.

بنابراین، شناخت اصل این پروژه اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و تربیتی برای اجرایی کردن آن و دسترسی به اهداف آن، بسیار مهم است.

یکی از شرایط مسلم «امر به معروف و نهی از منکر» آن است که اجرای آن مفسده‌ای در پی نداشته باشد. بدین معنا که هدف از امر و نهی، دعوت به خیر و صلاح و باز داشتن از شر و فساد است، اما اگر زمانی، اجرای آن نتیجه معکوسی به بار آورد، ترک آن درست‌تر بلکه واجب می‌باشد. بنابراین، اجرای این فریضه، نباید موجب مفسده و ضرر جانی، مالی و آبرویی باشد (البته در منکراتی که جزئی و فردی است، اما در جایی که اساس دین در خطر باشد، مسأله فرق می‌کند).

بدیهی است که اگر شرایط امر و نهی فراهم نباشد اصلاً واجب نخواهد بود و نیز اگر در مقام اجرا، مراحل و شرائط آن، به درستی پیاده نشود، چه بسا ممکن است تأثیرات منفی و مخربی از خویش بر جای گذارده و احیاناً زمینه دین‌گریزی را به همراه داشته باشد.

بنابراین، همانگونه که اهتمام به امر و نهی، واجب بوده، اجرای صحیح آن نیز لازم می‌باشد به این ترتیب باید مراقب

بود تا در مقام عمل به این تکلیف سیاسی \_ اجتماعی در اسلام، و انگیزه بالا برای بستن پرونده گناه، پرونده گناه دیگری (در اثر بد عملی)، گشوده نشود، چه اینکه بی عملی و بد عملی (در صورت تقصیر) هر دو، گناه بزرگی، به شمار می آید.

با تأکید بر مباحث پیش گفته و حساسیت این واجب پر اهمیت، باید گفت که امر و نهی باید شفاف و بدون ابهام باشد و الا ممکن است زمینه سوء تفاهم و حتی تهمت فراهم شود که باید از کلی گویی، مبهم گویی و ... اجتناب کرد.

امیرالمؤمنین علی(ع) در این باره می فرماید: «کسی که خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسی را که به او گمان بد برد، سرزنش کند»، (بحارالانوار، ۷۵/۹۰/۴ و ص ، به نقل از ترجمه میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۳۲).

در مورد سؤال یاد شده می توان گفت، در صورتی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر آماده است، لازم است امر و نهی نماییم، اما اگر مورد از مواردی است (مثلاً یک زن است) که در معرض تهمت قرار می گیرید (در صورتی امر و ناهی یک مرد باشد) باید از مکانیسم های دیگر استفاده کنید از جمله اینکه به صورت جمعی به این واجب اقدام نمائید و همچنین با مراجعه به نهادهای مسؤول و با استفاده از خواهران مسؤول و متعهد، به این واجب بسیار کارآمد، اهتمام داشته باشید.

در پایان نکته قابل توجه این است که در همه مراحل امر به معروف و نهی از منکر، تلاش نماییم. با به کارگیری هوش و درایت و روش های روانشناسانه

و نیز با بهره گیری از اخلاق اسلامی و ادب دینی و صبر و حوصله و بدون درگیری لفظی و فیزیکی (با توجه به مراحل ابتدایی آن)، اقدام شود تا با کم ترین هزینه، بیشترین استفاده را ببرید. بنابراین، با افراد مختلف و سلیقه های متفاوت برخوردهای متنوع باید داشت تا موفقیت بیشتری کسب نمایید.

**نمی دانم وظیفه ام در زمان فعلی چیست و در زمینه امر به معروف و نهی از منکر که بیشتر اوقات از نتیجه آن می ترسم و خود را کنار می کشم.**

### پرسش

نمی دانم وظیفه ام در زمان فعلی چیست و در زمینه امر به معروف و نهی از منکر که بیشتر اوقات از نتیجه آن می ترسم و خود را کنار می کشم.

### پاسخ

با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما عزیزان، به آگاهی می رساند که مسائلی که امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امر به معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعاً منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند، لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت: ۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقاً فراگیرند. ۲- امر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند. ۳- بهتر است امر به معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد. ۴- عدم تاثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد. ۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در

برخورد با حق , چند گونه اند: ۱- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند. ۲- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند. ۳- انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلماً" در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند. در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلماً" اگر امر به معروف , با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم : ۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید, ۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد, ۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه و اشاره گوشزد کنید, ۴- گاهی مطلب را به صورت سوئال درآورده و در لباس شاگردی به تنبیه ایشان پردازید, ۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه ی مطالعاتی داشته باشید

که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید، ۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید، ۷- اگر زمینه‌ی مساعدی می‌بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سوئال درآورده و در همین نامه‌ها از فتوای مرجع و عواقب سوئ‌چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید، ۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید، ۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی‌تاثیر نخواهد بود. ((و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین))، (ذاریات، آیه ۵۵). از این رو تا آنجا که احتمال تاثیر می‌دهید از وظیفه خود دست نکشید و مایوس نباشید، ۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید، شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که ((و ما علی الرسول الا البلاغ المبین؛ پیامبر وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار ندارد))، (نور، آیه ۵۴).

**چون خودم در دوران راهنمایی و دبیرستان خیلی گناه آلوده بودم الان دوست دارم برادر کوچکترم که ۱۷ سال سن دارد را راهنمایی کنم. یعنی از قبل از بلوغش تصمیم به این کار گرفتم اما نتوانستم به زبان خودش با وی صحبت کنم و علی‌رغم اینکه گاهی نصیحت می‌کردم اعصابم خردم**

### پرسش

چون خودم در دوران راهنمایی و دبیرستان خیلی گناه آلوده بودم الان دوست دارم برادر کوچکترم که ۱۷ سال سن دارد را راهنمایی کنم. یعنی از قبل از بلوغش تصمیم به این کار گرفتم اما نتوانستم به زبان خودش با وی صحبت کنم و علی‌رغم اینکه گاهی نصیحت می‌کردم اعصابم خرد می‌شد و بهش بد و بیراه می‌گفتم. البته یکی از داداش‌های دیگرم با زبان کتک با او حرف می‌زد که متأسفان الان همون که ۱۷ سال داشت سیگاری شده، درس را هم کنار گذاشت و

می ره تعمیر کار ماشین بشه، گاهی اوقات می دونم که یعنی حدس ۹۰٪ می زنم که با پسرخاله یا پسر دایی ام می ره لواط اما تا حالا نتوانستم درست بهش بگم که این کار را نکند چون تا حالا ندیدم و می ترسم به او هم تهمت بزنم. و خلاصه نگرانش هستم و دوست ندارم وقتی به سن من رسید اینقدر گناه کرده باشد. به نظر شما چطوری راهنمائیش کنم.

## پاسخ

از دلسوزی و تدبیر مشفقانه شما نسبت به برادر کوچکترتان تقدیر و تشکر می کنیم و توفیق روز افزون شما را از خداوند سبحان مسألت می نمایم.

اما در مورد موضوع مشاوره توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم و همانگونه که خود متذکر شده اید راهکارهای ارائه شده باید عملیاتی گردد و به کار گرفته شوند تا در رسیدن به هدف مؤثر افتند و الا صرف آشنایی با آنها کارساز نیست و نخواهد بود. پس با امید به یاری خداوند و انتظار عمل از شما به سراغ راهکار می رویم:

۱- راهکار اصلی هدایت و راهنمایی یک نوجوان، برقراری ارتباط صمیمانه و دوستانه با وی می باشد. دوران نوجوانی دوران برقراری روابط نزدیک با همسالان به جای والدین و بزرگسالان است. روابط والدینی جای خود را به رابطه همسالان می دهد لذا اگر در صدد ارائه راهنما و هدایت وی هستید بدون برقراری ارتباط و از راه دور و به شیوه آمرانه ممکن نمی شود باید در قالب دوستی، همبازی بودن، بر عهده گرفتن نقش رفیق شفیق با او ارتباط برقرار کنید تا در فضای رفاقت و صمیمیت او تمام احساسات و افکار

و تصمیمات خودش را با شما در میان گذارد و شما هم در پرتو روابط دوستانه و رفاقت او را هدایت و به زندگی او خط دهید.

توجه داشته باشید تا وی احساس صمیمیت نکند حرف خود را با شما در میان نمی گذارد و از حرف شما فرمان نمی پذیرد و ارائه دستورات هدایت گرانه در قالب بیانات بزرگسالانه، آمرانه، سرزنش گرانه کمتر مؤثر خواهد بود تا چه رسد به رفتارهای تنبیهی و مجازات گرانه. اگر شما با زبان سرزنش و عتاب با وی برخورد کنید وی نیز در جبهه لجاجت و خودسری سنگر می سازد و اگر از مقام برتری طلبی و تفوق خواهی وی را خطاب کرده و هدایت کنید او خود را در فضای غرور و نخوت فرض کرده و پاسخ شما را می دهد که هیچ یک از این شیوه راه مناسبی نیست و شما را به هدفتان نمی رساند.

۲- راهکار دیگری که شما را به هدفتان نائل می گرداند انتخاب دوست برای برادرتان و یا کمک به وی در انتخاب دوست مناسب است.

البته این دخالت در انتخاب دوست نباید یک دخالت مستقیم باشد که او احساس سلب آزادی و تحمیلی و کنترل نماید. شما از طریق دوستان برادرتان می توانید وی را به همان سمتی که دوست دارید و می پسندید هدایت کنید و به شکل غیرمستقیم او را کنترل نمایید. البته این دوست برادرتان که برگزیده شماست و یا حاضر به همکاری با شما شده است باید با شما رابطه ای صمیمانه داشته باشد و سیاست شما را افشا نسازد و قبل از تمام این امور، کاملاً مورد وثوقتان باشد

و اخلاق و رفتار و طرز تفکر او را پسندیده و پذیرفته باشید و او نیز با تمام وجود حاضر به همکاری با شما باشد.

پس راه رسیدن به هدف آن است که یا خود دوست برادرتان باشید و یا برای او دوستان خاصی برگزینید.

اما محتوای این رفتار دوستانه و صمیمانه باید همانند محتوای رفتار دوران نوجوانی خودتان باشد؛ یعنی با مراجعه و یادآوری علائق، احساسات، طرز تفکر خود در دوران نوجوانی اینک با برادرتان نیز در همان سطح از عواطف و احساسات و علائق و... برخورد نمایید و از او انتظار داشته باشید هرگز انتظار نداشته باشید او همانند یک آدم پخته و رشید رفتار کند و یا عواطف و احساسات انسان های بزرگسال را داشته باشد. به هر حال از او در سطح خودش انتظار داشته باشید، لذا:

۱- بر رفتارهای اصلاحی وی سرسختی و پافشاری نداشته باشید.

۲- خطا و اشتباه نمودن را انتظار داشته و بپذیرید و بعد آن را فراموش کنید.

۳- در جمع وی را امر و نهی نکنید.

۴- تمام انتظارات و دستورات خود را در قالب محبت و دوستی بیان کنید.

۵- به شخصیت او به خصوص در جمع دوستان احترام بگذارید.

۶- به آنچه که خود عمل نمی کنید او را امر و نهی نکنید و در واقع به رفتار نیک و پسندیده خود او را به سمت خوبی ها دعوت کنید نه با زبان و دستورات خشک.

۷- توان روحی و جسمی و روانی او را در عمل به خوبی ها و ترک بدی ها مد نظر داشته باشید و فراتر از توانش از او انتظار نداشته باشید.

۸- او را به جمع دوستانه



خود دعوت کنید و همراهی خود را با او افزایش دهید.

۹- اعمال کنترل بر او را به شکل غیرمستقیم اعمال نمایید.

۱۰- اگر تصمیم قطعی گرفته است که پیش یک استاد کار تعمیرگاه برود و شاگردی کند، سعی کنید استاد کار متدین و مورد اعتمادی را شناسایی کنید و به برادران معرفی کنید تا وی بتواند برخی رفتارهای ناصحیح وی را کنترل نموده و در او تأثیر گذاشته و مانع رفتارهای نامطلوب وی شود. استاد کاری که تا حدودی توانایی کافی در این زمینه داشته باشد.

**ما چگونه برادر و خواهر کوچکتر خود را از دیدن این فیلمها که مصداق واقعی کلمه «لهو و لعب» اند دور سازیم؟**

### پرسش

ما چگونه برادر و خواهر کوچکتر خود را از دیدن این فیلمها که مصداق واقعی کلمه «لهو و لعب» اند دور سازیم؟

### پاسخ

برای تأثیرگذاری بر آنها به کارگیری راهکارهای زیر مناسب است:

۱- آنها را به خاطر این عملی که انجام می دهند تحقیر و طرد نکنید.

۲- رابطه دوستی با آنها برقرار کنید به گونه ای که به شما اعتماد کنند و احساس کنند شما دلسوز آنها هستید.

۳- اوقات فراغت آنها را با برنامه های مفید مانند ورزش و کارهای هنری مورد علاقه آنها و همچنین تهیه نوارها و سی دی های سالم و در عین حال جذاب پر کنید.

۴- مراقب دوستان آنها باشید با چه کسانی رابطه دوستی دارند اگر دوستان نامناسبی دارند سعی کنید با برقراری ارتباط با خانواده های سالم دوستان سالمی را جایگزین کنید.

۵- اگر در سنین نوجوانی هستند از برخورد دیکتاتور مآبانه با آنها اجتناب کنید. به آنها دستور ندهید بلکه بیشتر با آنها مشورت کنید هم در مورد کارهای خودتان و هم در مورد کارهای مربوط به خانواده و همچنین کارهای مربوط به خود آنها.

۶- در مشورت ها به نظرات آنها اهمیت بدهید.

۷- از تهدید و تنبیه آنها اجتناب کنید.

۸- اگر رفتارهای نامناسبی دارند سعی کنید با برخورد شایسته به آنها بگویید ما شما را دوست داریم ولی این رفتار شما را نمی

پسندیم زیرا این رفتار در شأن شما نیست.

خلاصه این که از راه رفاقت و دوستی با آنها می توانید رفتار آنها را اصلاح کنید.

**اقوام درجه ۱ مادر من یعنی خاله، دایی و ... وقتی دور هم جمع می شوند اکثراً ترجیح می دهند فقط صحبت کنند و بخندند و من مدت زیادی نمی توانم این وضعیت آنها را تحمل کنم. ضمناً بعضی از آنها زیاد اهمیتی به حجاب و ... نمی دهند یعنی تقریباً فقط گذران عمر. من چگونه**

**پرسش**

اقوام درجه ۱ مادر من یعنی خاله، دایی و ... وقتی دور هم جمع می شوند اکثراً ترجیح می دهند فقط صحبت کنند و بخندند و من مدت زیادی نمی توانم این وضعیت آنها را تحمل کنم. ضمناً بعضی از آنها زیاد اهمیتی به حجاب

و ... نمی دهند یعنی تقریباً فقط گذران عمر. من چگونه باید برخورد کنم هم احساس می کنم و قتم هدر می رود و هم بالاخره خویشاوند هستند.

## پاسخ

از این که در مقابل برخی از مسائل ارزشی مانند حفظ حجاب، احساس مسئولیت می کنید بسیار خرسندیم همچنین حساسیت شما نسبت به اتلاف وقت و گذران بیهوده عمر که با هیچ چیز دیگری نمی توان جبران کرد قابل ستایش است. به نظر می رسد توجه به چند نکته در پاسخ سؤال شما ضروری است:

۱. بعضی از روابط به ویژه روابط صمیمی میان اقوام مانند عمو، دایی، خاله، عمه و... از ضروریات است و اسلام نیز به این روابط تحت عنوان صله رحم توجه خاص دارد و حتی حفظ این روابط را واجب کرده است و قطع آن را حرام نموده است و قطعاً اصل این روابط خویشاوند بدون تردید در حفظ سلامت روانی و بهداشت روان اثر مثبت دارد علاوه بر این که از جهات دیگر نیز حفظ و استمرار این روابط مفید است که در اینجا مجال طرح نیست.

۲. جو غالب بر این روابط باید یک جو عاطفی باشد و الا امیدی به استمرار آن نیست زیرا انسان ها کنار هم قرار می گیرند تا در درجه اول تبادل عاطفی کنید و بعد از آن آثار دیگری نیز می تواند بر این روابط مترتب شود اما تبادل عواطف هدف اصلی و درجه اول روابط خانوادگی و فامیلی تشکیل می دهد.

۳. انسان ها همه در یک سطح نیستند. بعضی از نظر علمی و فهم و درک اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند برخی در سطح پایین، باید

توجه داشت که در روابط خانوادگی و فامیلی این سطوح را نباید لحاظ کرد بنابراین اگر خاله شما یا عمه شما از نظر علمی در سطح پایینی قرار دارد نباید این گونه تلقی کنید که من اگر نیم ساعت یا یک ساعت کنار آنها بنشینم ضرر می کنم زیرا هیچ ارزش علمی برای من ندارد این نشست در واقع تأمین کننده نیازهای عاطفی و انسانی است که از هیچ راه دیگری نمی توان آن را به دست آورد در حالی که علم را از هر فردی که دارای آن علم باشد می تواند یاد گرفت. بنابراین باید نگرش خود را نسبت به این نشست ها فامیلی تغییر دهید و از یک منظر دیگری به آن نگاه کنید و آن نگاه عاطفی است و مطمئن باشید این نشست ها در سلامتی انسان بسیار تأثیر دارد و قطع آن موجب انواع بیماری های روانی می شود که امروزه متأسفانه این مشکل رو به افزایش است و یکی از دلایل آن کم رنگ شدن روابط خانوادگی است و جایگزین کردن چیزهای مصنوعی دیگر از قبیل برنامه های تلویزیون، فیلم، سینما و حتی پارک رفتن ها در حالی که اینها هیچ کدام نمی تواند جای آن روابط گرم و صمیمی خانوادگی را پر کند.

۴. خنده و گریه دو عالم بسیار مهم برای تخلیه هیجانات است و هر دو برای سلامتی انسان مفید لذا در هیجانات ناخوشایند باید گریه کرد و در هیجانات خوشایند باید خندید و هیچ اشکال شرعی و عقلی نیز ندارد اما بعضی مسائل باید رعایت شود که مبادا این نشست ها به گونه ای برگزار شود

که در مسیر اصلی خود خارج شود و تبدیل به جلسات گناه و اتلاف عمر شود:

الف. اولاً باید حدود شرعی رعایت شود به مسأله محرم و نامحرم خیلی باید اهمیت داده شود که این جلسات تبدیل به جلسه گناه نشود البته اگر همه افراد جلسه به نحوی با یکدیگر محرم هستند این مشکل منتفی است.

ب. از طرح مسائلی که از نظر شرعی گناه است و حرام تلقی می شود مثل غیبت کردن، تهمت زدن، دروغ گفتن مسخره کردن دیگران، استفاده از آلات موسیقی حرام و تبدیل جلسه به جلسه لهو و لعب باید جدا خودداری شود.

ج. وظیفه ما در مورد دو بند فوق در مرحله اول جلوی از گناه یعنی نهی از منکر و تبدیل جلسه به یک جلسه مفید و مؤثر یعنی امر به معروف می باشد. البته امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد و نحوه انجام آن نیز بسیار ظریف و دقیق است که باید در این زمینه به کتاب هایی که نوشته شده مراجعه کرد.

د. در صورت عدم توانایی و یا موجود نبودن شرایط مساعد برای امر به معروف و نهی از منکر حداقل وظیفه ای که ما داریم ترک آن جلسات می باشد.

ه. این جلسات باید از نظر زمانی خیلی طولانی نباشد که موجب اتلاف وقت شود این که از نظر زمانی چه قدر باید باشد بستگی به زمان، مکان و نوع افرادی که در آن جلسه هستند دارد لذا نمی توان وقت معینی را تعیین کرد.

نتیجه این که این گونه نشست ها و جلسات مفید و ضروری است و از سخت گیری هایی که اصلاً منشأ شرعی

و عقلی ندارد و صرفاً سلیقه ای است باید اجتناب کرد شما نیز باید در این جلسات حاضر شوید و نقش فعال داشته باشید و جلوی بعضی از اشتباهات را نیز تا آنجایی که امکان دارد بگیرید و حتی این جلسات ارزش این را دارد که انسان از قبل روی محتوای آن فکر کند و برنامه ریزی کند تا محتوای آن را غنی کند و جلوی برخی اشتباهات را نیز بدون هیچ گونه تنشی بگیرد.

۵- سعی کنید با افراد جلسه قطع نظر از هر چیزی روابط گرم، صمیمی و عاطفی داشته باشید، اگر اشتباهی مرتکب شدند خیلی سریع به آنها پرخاش و ترشروی نشان ندهید و در یک فرصت دیگر فقط به خود او اشتباهش را تذکر دهید.

۶- برای این که بیشتر تأثیرگذار باشید در این جلسات سعی کنید به بقیه افراد خدمت کنید، احترام بگذارید اگر چیزی نیاز داشتند مثل، آب، چای و یا... شما در تهیه آن پیش قدم باشید اعم از این که این جلسه در خانه شما باشد یا در خانه خاله یا عمه یا دایی شما.

۷- همواره تبسم بر لب ها داشته باشید و از اخم کردن به آنها اجتناب کنید (البته تبسم فقط نسبت به محارم یعنی کسانی که به شما محرم هستند).

**گاهی اوقات در محیط دانشجویی مواردی پیش می آید که کارهایی خلاف شرع و شئون اسلامی انجام می گیرد از جمله پخش موسیقی های مستهجن و بازی با پاسور و ... گاهی اوقات امکان ترک مکان نیست و یا ترک مکان به موجب ناراحتی و دشمنی با دیگران می شود تکلیف در این گونه مواقع**

### **پرسش**

گاهی اوقات در محیط دانشجویی مواردی پیش می آید که کارهایی خلاف شرع و شئون اسلامی انجام می گیرد از جمله پخش موسیقی های مستهجن و بازی با پاسور و ... گاهی اوقات امکان ترک مکان نیست و یا ترک مکان به موجب ناراحتی و دشمنی با دیگران می شود تکلیف در این گونه مواقع چیست؟

### **پاسخ**

اولین وظیفه شخص در برابر پخش موسیقی و گناه، نهی از منکر با بیان متین و بهترین و مؤثرترین شیوه و منطبق است. در صورت احتمال عدم تأثیر نهی از منکر چنانچه شخص مجبور باشد در آن مکان بماند برایش گناهی نیست. خودتان را به کاری مشغول نمایید و گوش نکنید.

خوردن صدای آن به گوش، اگر قلباً مایل به شنیدن نباشد اشکال ندارد و تا آنجا که ممکن است هنگام پخش موسیقی از آن محل خارج شود.

**برخورد ما با کسانی که فحاشی می کنند یا دروغ می گویند و گاهی گناهی که با زبان انجام می دهند چگونه باید باشد.**

برخورد ما با کسانی که فحاشی می کنند یا دروغ می گویند و گاهی گناهی که با زبان انجام می دهند چگونه باید باشد.

پاسخ

کسانی که فحاشی می کنند و دروغ می گویند یا هر گناه زبانی دیگری را انجام می دهند، در زمره جاهلینی هستند که در آیه شریفه ۶۳ سوره مبارکه «فرقان» از ایشان یاد شده. در این آیه خداوند یکی از اوصاف مؤمنین و بندگان شایسته خود را چنین بیان می کند: «و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما» به توصیف آیه شریفه مؤمنین هنگامی که نادان ها ایشان را طرف خطاب قرار دهند با ملایمت و نرمی پاسخ می گویند.

خداوند همواره در دستوراتی که برای ابناء بشر ابلاغ نموده سعی در حفظ سلامت نظام اجتماعی آنها داشته و از این رو جواب جاهلین را ملایمت و نرمی می داند. (البته نه ملایمتی که در دین مسیح از حد اعتدال خارج شده و می گوید اگر کسی در صورتت زد آن طرف صورتت را نیز به طرفش برگردان).

از سویی دیگر با کنکاش در آثار و احوالات پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) می توان به روش صحیح در برخورد اجتماعی با چنین افرادی دست یافت.

پیامبر اکرم(ص) چه در زمانی که از قدرت ظاهری زیادی برخوردار نبودند (ایامی که در مکه سپری کردند) و چه زمانی که به ریاست حکومت جامعه دست یافتند (زمانی که در مدینه بودند) در مقابل برخوردهای تند و جسارت های زبانی اعراب با ملاطفت و نرمی برخورد کرده، ایشان را از آن طریق به راه راست هدایت می کردند.

در زندگانی ائمه معصومین(ع)

و بزرگان دینی نیز این روش استمرار داشت. شاید داستان مالک اشتر - سردار حکومت حضرت علی (ع) - را به خاطر داشته باشید که در مقابل توهینی که به وی شد به مسجد رفته برای وی طلب استغفار کردند.

بسیار مناسب است توجه شما را به متن کامل و ترجمه حدیث عنوان بصری از امام صادق (ع) از کتاب «میزان الحکمه، ج ۸، باب ۲۸۷۵، روایت ۱۳۹۱۱» جلب کنیم:

«علامه مجلسی می نویسد: دستخطی از استادمان شیخ بهایی دیدم که عین آن این است: شیخ شمس الدین محمد بن مکی گفت: از دستخط شیخ احمد فراهانی از قول عنوان بصری - که پیر سالخورده نود و چهار ساله ای بود - نقل کردم که گفت: من سال ها به محضر درس مالک بن انس آمد و شد می کردم. اما وقتی جعفر صادق (ع) به مدینه آمد به مجلس درس ایشان رفتم و دوست داشتم همچنان که از مالک بهره گرفتم از ایشان نیز بهره مند شوم. روزی به من فرمود: من آدم گرفتاری هستم (ارباب رجوع زیاد دارم) و با این حال، در هر ساعتی از ساعت شب و روز برای خودم اوراد و ادعیه ای دارم؛ مرا از دعا خواندن باز ندارد. از همان مالک علم بیاموز و همچون گذشته پیش او برو. من از این سخن غمگین شدم و آن حضرت را ترک کردم و با خود گفتم: اگر در من حسنی می دید، مرا از آمد و رفت پیش خود و فرا گرفتن دانش از خویش نمی راند. پس به مسجد رسول (ص) رفتم و به آن حضرت سلام دادم و فردای آن روز به روضه (حرم



رسول خدا(ص)) برگشتم و دو رکعت نماز خواندم و گفتم: خدایا! خداوندا! از تو می خواهم که دل جعفر را به من متمایل و مهربان گردانی و از دانش او آن روزیم فرمایی، که در پرتو آن به راه راست تو رهنمون شوم. غمزده به خانه ام برگشتم و چون دلم از عشق و محبت جعفر پر شده بود، دیگر به درس مالک بن انس نرفتم. از خانه ام فقط برای خواندن نماز واجب بیرون می رفتم، تا آن که سرانجام صبرم تمام شد و حوصله ام سر آمد. بعد از آن که نماز عصر را خواندم، کفش هایم را پوشیدم و ردایم را بر تن کردم و به طرف خانه جعفر رفتم. چون به در منزل او رسیدم در زدم، خدمتکارش بیرون آمد و گفت: چه می خواهی؟ گفتم بر آن مرد شریف سلامی کنم. خدمتکار گفت: ایشان در حال خواندن نمازند. من مقابل در نشستم. دیری نگذشت که خدمتکار بیرون آمد و گفت: به امید خدا، وارد شو. من داخل خانه رفتم و به حضرت سلام کردم. جواب سلامم را داد و فرمود: بنشین، خدا تو را پیامرزد. من نشستم. حضرت مدتی سر به زیر افکند و آن گاه سرش را بلند کرد و فرمود: کنیه ات چیست؟ گفتم: ابو عبدالله. فرمود: خداوند کنیه ات را استوار بدارد و تو را توفیق دهد. ای ابو عبدالله! چه می خواهی؟ با خودم گفتم: اگر از دیدار او و سلام گفتن برای من بهره ای جز همین دعا نباشد، باز هم بهره زیادی برده ام. حضرت دوباره سرش را بلند کرد و فرمود: چه می

خواهی؟ گفتم من از خداوند خواستم که دل تو را نسبت به من متمایل و مهربان گرداند و از دانش تو روزیم فرماید و امیدوارم که خدای تعالی خواهشی را که از او درباره این مرد شریف کردم اجابت کرده باشد. حضرت فرمود: ای ابو عبدالله! دانش به آموختن نیست بلکه نوری است که در دل هر کس که خداوند تبارک و تعالی خواهان هدایتش باشد، می افتد. بنابراین اگر خواهان دانش هستی پیش از هر چیز حقیقت عبودیت را در جان خودت جستجو کن و علم را با به کار بستن آن بجوی و از خداوند فهم بخواه تا به تو بفهماند. گفتم: ای بزرگوار! فرمود: بگو، ای ابو عبدالله. گفتم: ای ابو عبدالله! حقیقت عبودیت چیست؟ گفت: سه چیز: اول این که بنده در آنچه خداوند به او عطا فرموده است، برای خود مالکیتی قائل نباشد؛ زیرا بندگان و غلامان مالک چیزی نیستند، مال را مال خدا می دانند و آن را در هر جا که خداوند فرموده است به مصرف می رسانند. دوم این که بنده برای خود تدبیر و چاره اندیشی نکند. سوم این که: همه سرگرمی و اشتغالش به چیزی باشد که خدای تعالی او را به انجام آن فرمان داده یا از ارتکابش نهی فرموده است؛ زیرا هرگاه بنده در آنچه خدای تعالی به او داده است، برای خود مالکیتی قائل نباشد، انفاق کردن آنها در مواردی که خداوند فرمان به انفاق داده است، برایش آسان می شود و هرگاه بنده تدبیر و چاره گری کار خود را به مدبر خویش واگذارد، مصائب و گرفتاری های دنیا بر وی

آسان گردد و هرگاه بنده به اوامر و نواهی خدا سرگرم شود، دیگر فرصتی برای ستیزه‌گری و فخر فروشی با مردم پیدا نمی‌کند. پس، هرگاه خداوند بنده را با این سه خصلت بنوازد، مشکل دنیا و شیطان و مردم بر او آسان شود و دنیا را برای فرونخواهی و فخر فروشی نجوید و چشمش دنبال جاه و جلال مردم نباشد و روزگار خویش را بیهوده نگذراند. این نخستین پلکان پرهیزگاری است. خدای تبارک و تعالی فرموده است: «این سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که خواهان برتری و تبهکاری در زمین نیستند و فرجام (نیک) از آن پرهیزگاران است». گفتم: ای ابو عبدالله! به من سفارشی بفرما. فرمود: تو را به نه چیز سفارش می‌کنم که اینها سفارش من به طالبان راه خدای تعالی است و از خداوند می‌خواهم که تو را در به کار بستن آنها توفیق دهد. سه چیز از این نه چیز به ریاضت نفس مربوط می‌شود و سه چیز به بردباری و سه چیز دیگر به دانش. اینها را حفظ کن و زنتهار که ناچیزشان شماری. عنوان می‌گوید: دلم را به کلی به آن حضرت سپردم. حضرت فرمود: آن سه چیز که به ریاضت مربوط می‌شود اینهاست: از خوردن آنچه که میل و اشتها بدان نداری، خودداری کن؛ زیرا این کار حماقت و کودنی به بار می‌آورد. دیگر آن که تا گرسنه نشده‌ای غذا نخور و هرگاه غذا خوردی، حلال بخور و نام خدا بگو و این حدیث رسول خدا(ص) را به یاد آر که: آدمی هیچ ظرفی بدتر از

شکم خویش پر نکرد. اما چون چاره ای از خوردن نیست، پس یک سوم معده را به غذا اختصاص ده، یک سوم دیگرش را به آب و نوشیدنی و یک سوم را هم به نفس آن.

آن سه چیز که به بردباری مربوط می شود اینهاست: چنانچه کسی به تو گفت: اگر یکی بگویی ده تا می شنوی، در پاسخش بگو: اگر ده تا بگویی... یکی هـنخواهی شنید. اگر کسی به تو ناسزا گفت، به او بگو: اگر آنچه می گویی راست باشد، از خداوند می خواهم که مرا بیامرزد و اگر دروغ باشد، از خداوند می خواهم که تو را بیامرزد. (سوم این که) اگر کسی به تو سخن زشتی گفت، تو او را نصیحت و ارشاد کن.

آن سه چیز که به دانش مربوط می شود، اینهاست: آنچه می دانی از دانشمندان پرس و زنهار که به قصد مجادله و آزمودن از ایشان سؤالی کنی. زنهار که براساس رأی خود کاری کنی و در کارها تا جایی که راه دارد، به احتیاط عمل کن. از فتوا دادن بگریز چنان که از شیر می گریزی و گردن خود را پلی برای مردم قرار مده. اینک؛ ای ابو عبدالله تو را نصیحت و راهنمایی کردم. برخیز و مرا تنها بگذار و ورد و دعایم را بر من خراب مکن؛ زیرا من مردی هستم که نسبت به نفس خود بخل و مضایقه می ورزم و درود بر کسی که از راه هدایت پیروی کند».

**این سؤالی که مطرح می کنم مربوط به کسی است که خیلی برایم عزیز است و دوست دارم و وظیفه خودم می دانم که کمکش کنم و آن این است او دختری ۱۴ ساله است ولی با این سن با توجه که بسیار زیرک است اما بسیار ساده لوح و بی آرایش است یعنی هر چه در دل داشته باشد می گوید و**

**پرسش**

این سؤالی که مطرح می کنم مربوط به کسی است که خیلی برایم عزیز است و دوست دارم و وظیفه خودم می دانم که کمکش

کنم و آن این است او دختری ۱۴ ساله است ولی با این سن با توجه که بسیار زیرک است اما بسیار ساده لوح و بی آرایش است یعنی هر چه در دل داشته باشد می گوید و به قول خودش نمی تواند حرفی را با احساسی که دارد در دل نگهدارد و بازگو نکند در این زمینه خیلی با او صحبت کردم اما می دانم که در این سن نصیحت هیچ تأثیری ندارد بنابراین دنبال راهکار دیگری می گردم با توجه به اینکه تا حدی از قوه شهوت بالایی برخوردار است گاهی دچار توهماتی می شود بطوریکه می گوید می ترسم کسی با من کار بدی کرده باشد که من مطمئنم و با کمال یقین می گویم که تا به حال همچین اتفاقی نیافته و خیلی از این مسئله هراس دارد. با توجه به علاقه ای که به جنس مخالف دارد می گوید دلم می خواهد با یک پسر دوست شوم و با توجه به اینکه از زیبایی بسیار زیادی نیز برخوردار است در هر جمعی جلب توجه می کند از نظر خانوادگی در خانواده ای است که تا حدی بسیار زیاد مقید و پایبند به مسائل دینی و شرعی هستند و خانواده کم جمعیت و تا حدی بسیار زیاد مراقب فرزندان چه از نظر درسی و اخلاقی چه از نظر سایر جوانب.

نمی دانم دارای شخصیت بسیار حساس است یعنی نمی داند با توجه به سن خودش چه رفتاری از خود بروز دهد گاهی بسیار بزرگانه و گاهی بسیار حرکات بچه گانه ای دارد یعنی افراط و تفریط از آینده اش هراس دارم می

ترسم با توجه به علاقه و حرف شنوی که از من دارد می دانم می توانم کمکش کنم.

می ترسم که در دست هوسبازان مکار و بی حیا بیفتد روحش جریحه دار شود با توجه به اینکه خیلی حساس و احساساتی است و خیلی سریع گول می خورد از وضع این جامعه و بازی هایش خبر ندارد و همه چیز را در ظاهر انسانها می بیند.

در ضمن او فردی است که تجزیه و تحلیل خوبی به نسبت سن خود دارد و تا حد بسیاری زیادی پایبند موازین شرعی است از آینده اش می ترسم مرا راهنمایی کنید تا بتوانم کمکش کنم لطفاً هر چه سریعتر جواب را برایم بفرستید.

## پاسخ

ضمن ستودن احساس وظیفه و خیراندیشی پاک و بی شائبه شما، درباره موضوع مورد نظر توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم:

آنچه بیان فرمودید گوشه ای است از ویژگی های روحی و خصائص شخصیتی یک جوان که روشی خاص از برخورد و رفتار به آنها را می طلبد از این رو باید براساس همین ویژگی ها با وی رفتار کرد، به هدف رسید و الا هدف و جوان هر دو از دست می روند لذا:

۱. بهترین شیوه هدایت یک جوان نظارت بر رفتار اوست و این نظارت نباید از نزدیک و با دستور انجام پذیرد بلکه این هدایت، هدایت از راه دور و بر پایه انتقال ارزش ها و واقعیت ها است و از نظر عملیاتی راه هدایت در دوستی با آنها نهفته است پس سعی کنید خود با وی دوست باشید و در فضای دوستی و ارتباط های صمیمانه بتوانید اهداف خود را بر آورید.

اگر خود نمی توانید دوست باشید و یا در کنار روش اول شما در انتخاب دوست به وی کمک کنید و با یاری دوست برگزیده ارزش ها و واقعیت ها را به او منتقل کنید چون تعهد جوانان به قوانین گروه های هم سن و سال بیشتر است لذا از دوستان خود بیشتر حرف شنوی دارند و شما می توانید از این ویژگی استفاده کرده و از طریق دوستان و یا انتخاب دوستان خوب و پسندیده اهداف خود را تعقیب نمایید.

۳. از سرزنش کردن، دستورات آمرانه صادر نمودن، امر و نهی کردن در برابر دیگران سخت پرهیز کنید که این نوع رفتارها (تا چه رسد به رفتارهای زشت و نابجا) باعث بریده شدن ریسمان ارتباط می گردد و وقتی ارتباط قطع شد دیگر راهی برای اصلاح و انتقال پیام نخواهد ماند.

۴. از آنجا که جوانان توصیه مستقیم را نمی پذیرند در اختیار نهادن کتب مورد نظر به شکل غیرمستقیم و یا نقل داستان عبرت آموز و... می تواند راهی برای انتقال پیام شما باشد. مثلا درباره ارتباط با جنس مخالف و داشتن دوست پسر، کتابی به نام «دختران، دوستی ها و عبرت ها» را معرفی یا در اختیارش قرار دهید تا مطالعه کند.

۵. در حالی که مبالغه گویی را کنار گذارده برخی پیامدهای ارتباط های اجتماعی نابجا مانند دوست پسر داشتن، فریب دوستان خیابانی را خوردن و... را برای او بازگو کنید لذا خود با بینش از آنها پرهیز می کند و اگر روزی شما نیز حضور نداشته باشید او از درون از آنها انزجار پیدا می کند و متنفر می شود.

۶. توانایی های او

همانند احساسات پاک، تخیلات بی شائبه او را به مسیر خوب هدایت کنید مثلا اجازه بدهید احساسات خود را در مسیر موجود برتر عالم هستی حضرت بقیه الله (عج) بنویسد و یا در مورد یک گل، پدر و مادر و ... بیان کند نباید این احساسات و تخیلات را سرکوب کرد همانگونه که نباید اجازه داده به انحراف کشیده شوند پس موضوع و فرصت را شما ایجاد کنید تا او خود را به این شکل رها سازد.

۷. برای او سرگرمی مورد علاقه، پرکننده اوقات فراغت، برطرف کننده نیازهای امروز و آینده زندگی او است فراهم آورد به خصوص از حرفه آموز و هنرآموزی در این مورد غفلت نورزید اگر جوانان نیروی جوانی خود را در مسیر سالم هدایت نکند غوغا به پا می کند.

**آیا با وجود این همه گناههای آشکار مثلاً بی حجابی دختران، آرایش کردن آنها و... باز امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است چون تعداد افراد زیاد است که ما همه را امر به معروف و نهی از منکر کنیم و نیز برخورد مردم تند و خجالت آور شده است.**

### پرسش

آیا با وجود این همه گناههای آشکار مثلاً بی حجابی دختران، آرایش کردن آنها و... باز امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است چون تعداد افراد زیاد است که ما همه را امر به معروف و نهی از منکر کنیم و نیز برخورد مردم تند و خجالت آور شده است.

### پاسخ

در صورت وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر واجب است اما اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر نیست امر به معروف و نهی از منکر هم واجب نیست و فرقی بین مرتکبین گناه چه زیاد باشند یا کم نیست.

شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است:

الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار.

ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند.

ج. احتمال تأثیر بدهد.

د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد.

مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».



## معمولا در اکثر جشن ها این حرمت شکنی ها مشاهده می شود وظیفه ما در قبال این موارد چیست؟

### پرسش

معمولا در اکثر جشن ها این حرمت شکنی ها مشاهده می شود وظیفه ما در قبال این موارد چیست؟

### پاسخ

وظیفه شما نهی از منکر است و باید احکام را برای آنها با بیانی ظریف بیان کرد و نباید مراتب نهی از منکر فراموش شود.

**چگونه یک فرد را می توانیم به دین نزدیک کنیم و نور ایمان را در دلش بتابانیم البته شخصی که در خانواده ای معتقد است و خود هم اعتقاداتی دارد اما در عمل به آنها تنبلی کرده و یا بی تفاوتی نشان می دهد.**

### پرسش

چگونه یک فرد را می توانیم به دین نزدیک کنیم و نور ایمان را در دلش بتابانیم البته شخصی که در خانواده ای معتقد است و خود هم اعتقاداتی دارد اما در عمل به آنها تنبلی کرده و یا بی تفاوتی نشان می دهد.

### پاسخ

تلاش و کوشش جهت هدایت و تشویق افراد به طرف خدا و تقویت ایمان آنها کاری بس ارزشمند است . دعوت مردم به آشنایی با دین و عبادت خداوند از برجسته ترین و متعالی ترین امور است. چنانچه در روایتی رسول خدا(ص) فرمود: هر کس بتواند یک نفر را هدایت کند و به طرف دین جذب نماید، ارزش آن برتر از تمام چیزهایی است که خورشید بر آنها می تابد.

برای ترغیب و تشویق به انجام فرائض دینی ، ابتدا باید زیربنای فکری افراد را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن کوشید. دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و ... اموری است که نتیجه مستقیم بر ایمان فرد دارد . تقویت و اصلاح این مبانی تأثیر زیادی بر ایمان انسان می گذارد.

قدم بعدی چشیدن و مزه کردن ایمان است. اگر کسی شیرینی و لذت ایمان به خدا را حس کند و از انجام کارهای دینی لذت ببرد ، هرگز نسبت به آنها بی تفاوتی نشان نمی دهد. به همین جهت در دعاها آمده است: «اللهم اذقنی حلاوه ذکرک : خدایا شیرینی یاد خودت را به من بچشان».

قدم سوم پرهیز از اموری است که انسان را از توجه به خدا غافل می کنند. گر چه یاد خدا و ارتباط عاشقانه با او بسیار لذت بخش است و هیچ

لذتی به پای آن نمی رسد، ولی اگر لذت های مادی و شیطانی که رسیدن به آنها بسیار آسان است و روز به روز متنوع تر و گسترده تر می شود، در زندگی فرد وارد شود، کم کم او را از توجه به خدا باز می دارد و ایمان او را ضعیف می کند.

حال با توجه به این سه مطلب، راهکارهای زیر را جهت تقویت ایمان فرد و نزدیک کردن او به دین پیشنهاد می کنیم، اما قبل از آن این نکته را یادآوری می کنیم که هدایت و ارشاد دیگران به طرف خدا امری تدریجی است که لازمه آن صبر و بردباری و تلاش دائمی است و نمی توان انتظار داشت یک مرتبه افراد به همه چیز برسند. باید سعی کنیم قدم به قدم پیش رویم. این راهکارها عبارتند از:

۱. او را به مطالعه کتاب های مفید در زمینه های مذهبی تشویق کنید. گاهی هم کتاب های جالب را که برای او مناسب است خودتان مطالعه کنید و خلاصه آن را برایش بگویید، به این صورت که اگر می توانید با او قرار بگذارید و در یک زمان مناسب این کار را بکنید. شما می توانید این کار را به بهانه اینکه می خواهید از او کمک بگیرید تا اشتباهات شما را اصلاح کند، انجام دهید. زیرا در غیر اینصورت ممکن است زیر بار این کار نرود.

۲. نصیحت و تذکر مستقیم سودی ندارد. سعی کنید مطالبتان را غیر مستقیم به او بگویید.

۳. قبل از اینکه بخواهید تذکری به او بدهید بهتر است نکات مثبت او را برجسته کنید. و او را

به عنوان فردی موفق جلوه دهید و طوری وانمود کنید که تذکرات شما برای بهتر شدن وضعیت او است.

۴. داشتن روابط صمیمی و دوستانه تأثیر سخن شما را چند برابر می کند پس سعی کنید دائما او را مورد محبت و نوازش قرار دهید و او را از بهترین دوستان خود معرفی کنید.

۵. گاه گاهی از او بخواهید اشتباهاتتان را به شما تذکر دهد تا احساس کند نظرات او را قبول دارید و به آن احترام می گذارید.

۶. سعی کنید وی را به شرکت فعال در تشکلهای مذهبی دانشگاه تشویق کنید و از اعضای آنها بخواهید به او توجه و احترام لازم داشته باشند.

۷. او را به شرکت در مراسم جذاب مذهب مثل زیارت عاشورا، دعای توسل و مانند آن تشویق کنید و روحیه توبه و انابه و مناجات با خدا را در او به وجود آورید.

۸. تا جایی که ممکن است ارتباط او را با لذایذ حرام مثل نوارها و سی دی های غیر مجاز و شرکت در مجالس آلوده، رابطه با جنس مخالف و مانند آن قطع یا محدود کنید، زیرا اینگونه برنامه ها در تخریب ایمان جوانان بسیار مؤثر است.

۹. آینده نگری، احساس مسئولیت و توجه به عالم آخرت را در او ایجاد کنید.

۱۰. از صمیم قلب برای موفقیت خودتان و برای هدایت او دعا کنید و بدانید که اگر در کارتتان جدیت و اخلاص داشته باشید، حتما موفق می شوید، اگر هم موفق نشدید اجرتان پیش خدا محفوظ است و از این جهت جای نگرانی نیست.

۱۱. سعی کنید با رفتارتان او را دعوت به دین و ارزشهای دینی

کنید «کونوا دعاه الناس بغير السننکم» پیامبر فرمود مردم را با غیر زبان به دین دعوت کنید. زیرا مشاهده رفتار دیگران در تأثیر پذیری انسان بسیار مؤثر است. این کار هم به نفع شماست یعنی عملاً خود شما کمال پیدا می کنید و هم باعث تشویق و تحریض ایشان برای عمل کردن به احکام و ارزشهای دنیوی می شوید.

**من دوستی دارم که به خاطر مسائل دینی و مذهبی خیلی به او نزدیک شدم تا بتوانم رویش تأثیر گذارم (شاید با گفتن مشکل سؤال قبل این حرفم خنده دار باشد) اما خیلی کم موثر بودم حال می بینم که دو بار است او از روی شوخی به امام حسین و حضرت فاطمه توهین می کند البته من**

### پرسش

من دوستی دارم که به خاطر مسائل دینی و مذهبی خیلی به او نزدیک شدم تا بتوانم رویش تأثیر گذارم (شاید با گفتن مشکل سؤال قبل این حرفم خنده دار باشد) اما خیلی کم موثر بودم حال می بینم که دو بار است او از روی شوخی به امام حسین و حضرت فاطمه توهین می کند البته من سریعاً عکس العمل نشان می دهم و او را سرزنش کردم حال شما بفرمایید ما با او چه کنم.

### پاسخ

دانشجو گرامی: گر چه احساس مسئولیت شما نسبت به دوستان جای تقدیر و تشکر دارد و نشان دهنده حسن نیت، مسئولیت پذیری و ممنوع دوستی شماست اما تأثیرگذاری نیاز به مقدمات شرایط و عواملی چند است که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱. یکی از چیزهایی که برای تأثیرگذاری لازم است توانایی، مهارت و شناخت کافی نسبت به موضوعی که مورد بحث شماست به عنوان مثال اگر شما می خواهید دوستان را نسبت به مسائل دینی آگاه کنید و او را جذب دین و معارف دینی کنید باید خودتان اطلاعات لازم را نسبت به معارف دین داشته باشید و الا به خوبی نمی توانید معارف دین و فواید دینداری را برای او توضیح دهید و او تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت.

۲. عمل به احکام دینی یکی از مهمترین شرایط تأثیرگذاری است. پیامبر (ص) در این باره فرمود اگر می خواهید دیگران را به دین دعوت کنید سعی کنید نه با زبان بلکه با عملتان آنها را به دین دعوت کنید و قرآن نیز می فرماید: «اتأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم افلا تعقلون» (بقره

، آیه ۲۵) آیا شما مردم را به نیکی امر می کنید در حالی که خودتان را فراموش کرده اید آیا فکر نمی کنید؟»

بنابراین رفتار شما به آموزه های دینی در تأثیرگذاری نقش بسیار مهمی دارد.

۳. در معرفی دین به دیگران علاوه بر شناخت کافی نسبت به آموزه های دینی باید سعی کنید دین را خوب برای او تبیین کنید با بیانی مستدل و با منطقی قوی و در عین حال با برخورد خوب و زبان شیرین.

۴. اگر خودتان شرایط لازم علمی و تبلیغی را ندارید از بحث کردن با او اجتناب کنید و سعی کنید از افرادی که شرایط فوق را دارا هستند کمک بگیرید.

۵. یکی دیگر از شرایط تأثیر گذاری اینست که اعتماد او را به خودتان جلب کنید. برای جلب اعتماد او، رابطه عاطفی و محبت آمیز با او داشته باشید و از طرح کردن بحث های جدلی با او اجتناب کنید.

۶. در صدد محکوم کردن او نباشید بلکه در صدد راهنمایی و هدایت او باشید. زیرا اگر بخواهید او را محکوم کنید و بگویید تو اشتباه می کنی در مقابل شما حالت دفاعی می گیرد و مقاومت می کند و حتی از روی لجبازی هم که شده حرف شما را نمی پذیرد بلکه ممکن است کاری کند یا حرفی بزند تا روحیه شما را جریحه دار کند مانند همان برخوردهای توهین آمیزی که خودتان به آن اشاره کردید.

۷. اگر احساس می کنید بحث کردن شما با او فایده ای ندارد بلکه باعث می شود او نسبت به دین و بزرگان دین بی ادبی کند و لو از روی شوخی از بحث

کردن با او خودداری کنید.

## مغازه ای رابه فردی اجاره داده ام اوازاین مغازه درجهت اشاعه فحشا استفاده میکند مراراهنمایی کنید

### پرسش

مغازه ای رابه فردی اجاره داده ام اوازاین مغازه درجهت اشاعه فحشا استفاده میکند مراراهنمایی کنید

### پاسخ

ضمن تقدیر و تشکر از شما که نسبت به مسائل فرهنگی و اجتماعی شهر و محله تان حساسیت و دلسوزی به خرج می دهید. نکاتی را در پاسخ به سؤالات شما به عرضتان می رسانیم:

۱. در صورتی که مغازه شما که اجاره داده اید، به مرکز فساد تبدیل شده است و یا در اشاعه گناه و مظاهر فساد به گونه ای کمک می کند، قرار دادتان را در سال جدید تمدید نکنید، زیرا این کار شما مرتبه ای از مراتب امر به معروف و نهی از منکر است و اگر توان و امکان جلوگیری از گناه و فسادهای اجتماعی را دارید، باید از آن قدرت، استفاده کنید و در حد توان خودتان به اقامه حدود الهی کمک نمایید. مطمئن باشید خداوند به شما که نیت خالص و پاک دارید و در صدد پاس داشتن و حرمت گذاری نسبت به وظایف اخلاقی و دینی در بعد اجتماعی هستید، کمک خواهد کرد و جبران کننده ضرر احتمالی مالی تان نیز خواهد بود.

۲. در صورت امکان وی را تشویق کنید که از چنین اقداماتی که وضعیت فرهنگی خیابان را به سود افراد بی فرهنگ و فعالیت های ابتدالی جهت داده است دست بردارد حتی اگر ممکن است به وی قول دهید که در صورت اجتناب از این فعالیت ها، اجاره مغازه را کاهش می دهید یا دیگر اضافه نمی کنید و از این نوع تسهیلات که آن جوان برای رسیدن به سود مادی بیشتری هم که شده فعالیت های غیر مجازش را

کنترل یا حذف کند.

۳. در صورتی که سخن گفتن و یا کوتاه آمدن و یا تشویق کردن وی تأثیری ندارد پس از اتمام رسیدن مدت اجاره نامه را تمدید نکنید.

**فردی را می شناسم که چون جوان است و در پارک ها بطور رایگان دیگران به او تریاک می دهند و او این مواد را به افراد معتاد می دهد و از آنها دخترشان را برای مدتی کرایه می کند. پیش آ پیش تشکر می کنم.**

### پرسش

فردی را می شناسم که چون جوان است و در پارک ها بطور رایگان دیگران به او تریاک می دهند و او این مواد را به افراد معتاد می دهد و از آنها دخترشان را برای مدتی کرایه می کند. پیش آ پیش تشکر می کنم.

### پاسخ

با اعتراف به وجود چنین وقایع تلخ و ناشایسته برای جامعه اسلامی، بر غیرت دینی و شرف انسانی همه مؤمنین و انسان های غیور ایرانی (ما و شما و همه کسانی که در جریان این ناملازمات اخلاقی قرار می گیرند) اقتضاء می کند از طریق نیروهای مسئول مخصوصا نیروی انتظامی یا اداره اطلاعات مانع خیانت عده ای بشوند که شرف انسانی و ایمانی خود را با شهوات یا پول معامله می کنند و به ناموس مردم تعرض می کنند.

چند نکته: ۱ \_ ما قبول داریم که مبارزه واقعی اصیل و پایدار، ریشه کن کردن علل شکل گیری این حوادث و وقایع تلخ یعنی فقر مالی، فقر فرهنگی، بی عدالتی و تبعیض و شکاف طبقاتی و بی کاری و ... است.

۲ \_ با معضل اعتیاد متأسفانه برخوردهای سلیقه ای، چندان جواب نداده است بلکه با تهاجم دشمنان از این طریق که هزینه ککم و برداشت زیاد دارد، متأسفانه آمار و ارقام ناراحت کننده شنیده می شود.

۳ \_ مبارزه ریشه ای نبید به معنای نفی مبارزه فوری و مقطعی گردد.

۴ \_ وظیفه مسئولین حکومت، به معنا یا مستلزم عدم مسئولیت ما در امر به معروف و نهی از منکر نمی گردد بلکه هر انسان با غیرتی در مقابل این مفاسد، احساسات پاک انسانی و ایمانی خود را بروز می دهد.

امر به معروف و نهی از منکر فقط در قالب سخن و کلام نیست، بلکه به مقتضای «ولتکن منکم امه تدعون الی الخیر و تنهون عن المنکر...» باید هم مؤمنین با هم و هم با نیروهای مسئول حکومتی همکاری نمایند و در قالب طرح و برنامه ای جدا ریشه این مفاسد را بخشکانند و حتی اگر برخی از نیروهای حکومتی برای مثال برخی مأمورین نیروهای انتظامی از انجام وظیفه خود سر باز زد و یا از وظیفه خود تخلف کرد به جای یأس، باید به طریق دیگر مثلاً رجوع به مقامات بالاتر درصدد دفع این مفسده باشیم.

۶\_ ما نیز آمادگی همکاری و پی گیری مشکل هستیم چنانچه از دست ما کاری بر می آید بی درنگ ما را مطلع سازید البته با ارائه شواهد و مستند).

**با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات مثلاً در نماز جماعت میبینم که افرادی که حتی سن آنها بالا است اشکالاتی در نمازشان است و من خجالت میکشم با توجه به سنشان به آنها توضیح دهم آیا دین شرعی به گردن من میآید**

**پرسش**

با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات مثلاً در نماز جماعت میبینم که افرادی که حتی سن آنها بالا است اشکالاتی در نمازشان است و من خجالت میکشم با توجه به سنشان به آنها توضیح دهم آیا دین شرعی به گردن من میآید و بهترین راه برای این مسله چیست با تشکر

**پاسخ**

اگر مسائل نماز را نمی دانند و با گفتن خود احتمال اثر می دهید؛ بصورت محترمانه تذکر دهید و می توانید با طرح سوالی ایشان را متوجه اشتباهشان نمایید.

اصولاً خجالت کشیدن عذر ترک وظیفه نمی گردد مگر اینکه در اثر شرایط خاص هیچ گونه احتمال اثر داده نشود.

**با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات که در تاکسی و یا شخصیهای مسافربر که هستم آنها از نوارهای مبتدل استفاده میکنند که من بسیار ناراحت میشوم اما نمیخواهم با یک فرد سطح پایین جامعه بحث کنم و البته کمی هم**

**پرسش**

با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات که در تاکسی و یا شخصیهای مسافربر که هستم آنها از نوارهای مبتدل استفاده میکنند که من بسیار ناراحت میشوم اما نمیخواهم با یک فرد سطح



پایین جامعه بحث کنم و البته کمی هم خجالت میکشم و تقیه میکنم ایا دین شرعی به گردن من میآید و بهترین راه برای این مسله چیست با تشکر؟

## پاسخ

با تحقق شرایط نهی از منکر، که از جمله آن احتمال تأثیر است بر شما بیشتر از نهی از منکر چیزی واجب نیست و در صورتی که مؤثر واقع نشود، واجب است که از گوش دادن به غنا و موسیقی حرام اجتناب کنید و اگر مجبور به بودن در آن مکان (مثل ماشین) باشید گناه ندارد و اگر به طور غیر ارادی صدای موسیقی حرام و غنا به گوش شما برسد، چیزی بر شما نیست (ترجمه اجوبه الاستفتات مقام معظم رهبری، ص ۲۸۲، مسأله ۱۰۶۵ و ۱۱۳۹).

**باسلام و تسلیت متاسفانه اخیرا در خوابگاههای دانشجویی عمدتا شایعه گرایش برخی از دانشجویان به آیین مسیحیت به وفور مشاهده میشود لذا لازم است نهاد محترم قدری به این مسئله با جدیت بیشتری پاسخگو باشند. وهمچنین راه کار برخورد (علمی) را برای بنده بیان فرمایید. با**

## پرسش

باسلام و تسلیت متاسفانه اخیرا در خوابگاههای دانشجویی عمدتا شایعه گرایش برخی از دانشجویان به آیین مسیحیت به وفور مشاهده میشود لذا لازم است نهاد محترم قدری به این مسئله با جدیت بیشتری پاسخگو باشند. وهمچنین راه کار برخورد (علمی) را برای بنده بیان فرمایید. با تشکر

## پاسخ

با تشکر از توجه شما و تذکرتان به برادرانتان در نهاد مقام رهبری؛ درباره برخورد علمی بهترین راه نشان دادن نقاط ضعف فراوان مسیحیت و تحریفات فراوان کتاب مقدس است. ما دو کتاب معرفی می کنیم و مختصری هم در این مورد سخن می گوئیم.

برای داوری در مورد حقانیت یک دین و عدم حقانیت ادیان دیگر، باید ابتدا با اصول عقاید و آموزه های ادیان آشنا شد و آن گاه آن را به وسیله عقل \_ که حجت درونی انسان است \_ محک زد. ما در چنین مراجعه ای، اصول عقاید و معارف دین اسلام را مبتنی بر ادله و براهین متقن و یقینی عقلی می یابیم؛ یعنی، یکایک این اصول به وسیله براهین متعدد یقینی اثبات می گردد. با وجود براهینی که درباره اصل توحید اقامه می شود، ادیان و مکاتب غیر توحیدی \_ که اعتقاد به ثنویت (دوخدایی)، تثلیث (سه خدایی) یا چند خدایی از ارکان اعتقادی آنها محسوب می شود \_ ابطال می گردد. در همین زمینه، آنچه از ادله یقینی عقلی بر نفی جسمیت یا رؤیت خداوند اقامه می شود، مکاتب و مذاهبی را که مبتنی بر چنین عقایدی هستند، رد می کند. در خصوص دو دین بزرگ یهودیت و مسیحیت، نیز با همین حجت درونی؛ یعنی، احکام و براهین یقینی عقل، اگر به

بررسی آموزه های این دو دین بنشینیم، به نتیجه مشابه سایر مکاتب خواهیم رسید.

عقل،

در بررسی آموزه‌هایی که مسیحیت تبیین می‌شود، آنها را مخالف با براهین یقینی خود می‌یابد. اعتقاد به تثلیث، رساله اول به قرن‌های ۸:۶ و انجیل یوحنا: ۵/۲۰ تجسم و رؤیت، همان و سفر پیدایش، ۳۲:۲۴ (۳۰) ... اموری است که براهین عقلی آن را از هیچ مکتب و مذهبی نمی‌پذیرد؛ بلکه آن را نشانه عدم حقانیت و در واقع تحریف آنها می‌داند. به پاره‌ای دیگر از تحریفات صورت گرفته در این دین اشاره‌ای گذرا می‌کنیم تا بر اساس حکم عقل، خود داوری کنید:

#### تحریفات مسیحیت و یهود

۱. اتهامات ناروا به پیامبران؛ علاوه بر رسوخ تحریفات بنیادی و اعتقادی در کتاب مقدس، پاره‌ای اتهامات ناروا و غیراخلاقی به بعضی از پیامبران نسبت داده شده است که قلم از بیان آن شرم دارد، ر.ک: انجیل یوحنا، ۲:۱۱۱، سفر تکوین، ۳۸:۳۰ و برای آشنایی بیشتر ر.ک: انیس الاعلام، ج ۳ و بشارات عهدین، محمد صادقی، ص ۷۳ و ۱۷۷؛ در حالی که براهین عقلی لزوم عصمت پیامبران را اثبات می‌کند.

۲. وجود افسانه‌ها؛ وجود افسانه‌های بی‌پایه در کتاب مقدس، یکی دیگر از جنبه‌های تحریف آن است؛ از جمله می‌توان به کشتی گرفتن حضرت یعقوب با خدا و غلبه‌ای او بر خدا، اشاره کرد. سفر پیدایش، ۳۲:۳۴۳۰

۳. گناه فطری؛ مسیحیان معتقدند، آدم در بهشت به گناه آلوده شد و این گناه به همه فرزندان او نیز منتقل می‌شود؛ یعنی، انسان بالفطره گناه کار است و هرگونه تلاش و عمل انسان در رهایی از این خطا، سودی نخواهد بخشید و تصلیب و به دار کشیده شدن حضرت عیسی (ع)، کفاره گناه فطری انسان است.

۴. تقویت ظلم؛ یکی دیگر از آموزه‌های نامعقول کتاب مقدس، توجیه ظلم

و ستم و دعوت به سکوت در برابر حاکمان ظالم، به بهانه این است که آنان حاکم و سایه خدا در زمین اند. انجیل متی، ۵:۳۸ و اکثر نامه های پولس به رومیان.

وجود این گونه آموزه های غیرعقلانی در کنار طرح مسأله تثلیث و تجسیم و وجود تناقضات متعدد در متن کتاب مقدس، در کتاب «انیس الاعلام»، ج ۲، ۱۲۵ مورد تناقض موجود در کتاب مقدس مورد بررسی قرار گرفته است. دلیل بر عدم حقانیت مسیحیت و یهودیت امروزی است.

خلاصه سخن اینکه راه شناخت حقانیت دین اسلام و عدم حقانیت سایر ادیان و شرایع، مراجعه به آموزه های آنها و داوری است. اگر کسی مراجعه کند، خواهد یافت که اسلام در سه وادی «عقاید»، «اخلاق و فضایل» و «احکام فردی و اجتماعی»، نه تنها کامل تر از سایر ادیان بلکه قابل مقایسه و طرف نسبت با آنها نیست و در تمام دوره زندگی بشر، عقاید و شریعتی به این جامعیت و عمق و اتقان و استواری بر بنیان عقل، وجود ندارد.

امام خمینی (ره) در این زمینه، در کتاب چهل حدیث می نویسد: «اثبات حقانیت دین اسلام، احتیاج به هیچ مقدمه ندارد جز نظر کردن به خود آن و مقایسه بین آن و سایر ادیان و شرایع». چهل حدیث، امام خمینی، شرح حدیث دوازدهم، ص ۲۰۱.

در پایان دو کتاب جهت مطالعه بیشتر معرفی می شود:

۱ - زیبایی نژاد؛ محمد رضا؛ درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت؛ انتشارات اشراق چاپ اول ۱۳۷۵؛ قم.

۲ - سلیمانی اردستانی عبدالرحیم؛ پسر خدا در عهدین و قرآن؛ انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی چاپ اول ۱۳۷۸؛ قم

**الان در بسیج پستی را قبول کردم که با مشکلات عدیده ای مواجه شدم به نظر شما از چه الگوهای رفتاری برای برخورد و صحبت کردن استفاده کنم خواهشمندم مرا راهنمایی کنید و از این برزخ مرا بیرون بیاورید؟**

**پرسش**

الان در بسیج پستی را قبول کردم که با مشکلات عدیده ای

مواجه شدم به نظر شما از چه الگوهای رفتاری برای برخورد و صحبت کردن استفاده کنم خواهشمندم مرا راهنمایی کنید و از این برزخ مرا بیرون بیاورید؟

## پاسخ

این روحیه شما قابل تحسین است زیرا در حفظ حریم و دوری از حرام باید جدی بود. چنان که حضرت موسی (ع) هنگامی که با دو دختر شعیب به سوی شهر می رفتند جلوتر راه می رفت تا آن دو دختر در مقابل نگاهش نباشند و یا امام علی (ع) با وجود عصمت و پاکی فوق العاده، از سلام کردن به خانم های جوان خودداری می کرد. بنابراین حفظ حریم باید به عنوان یک ارزش در جامعه حاکم شود و در صورتی که از نظر درسی و آراستگی نقطه ضعفی نباشد، رفته رفته به عنوان یک الگو برای دیگران قابل طرح است.

با توجه به شرایط خاص دوران جوانی، طولانی بودن دوران مجرد غالب دانشجویان و خطرات جدی تمایلات آشکار و پنهان غرائز نفسانی، لازم است برادران و خواهران دانشجو روابط خود را از نظر کمی و کیفی تحت کنترل قرار دهند و در سطح ضرورت حفظ کنند. بنابراین، توصیه اکید ما این است که: "اولاً"، اگر ضرورتی ایجاب نمی کند حتی الامکان چنین روابطی با نامحرم برقرار نشود. اینکه در احکام شرعی می فرمایند در غیر ضرورت مثلاً- "مکروه است مرد با زن هم صحبت شود، مخصوصاً" مرد و زن جوان، به این دلیل است که چه بسا همین هم صحبت شدن ها، غرایز جنسی افراد را تحریک کند و یک الفت و محبت شهوانی بین مرد و زن ایجاد گردد و نقطه آغازی برای

غوطه ور شدن در انحراف و فاسد شود. در هر حال انسان باید دقیقاً درون خود را بکاود و باطنش را عمیقاً مطالعه کند که مثلاً صحبت کردن با افراد نامحرم چه ضرورتی برای او دارد. ثانیاً: در صورت ناچاری و ضرورت، روابط با نامحرم تا آنجا که به شکستن حریم احکام الهی منجر نشود، اشکالی ندارد. بنابراین، گفتگو و نگاه های متعارف بدون قصد لذت و ریه، اشکالی ندارد. اما با این حال، حتی الامکان لازم است در کلاسها به گونه ای باشند که کمترین اختلاط پدید آید و در برخورد و گفتگو، هنجارهای شرعی زیر رعایت شود:

۱- از گفتگوهای تحریک کننده پرهیز شود.

۲- از نگاه های آلوده و شهوانی خودداری شود.

۳- حجاب شرعی رعایت شود.

۴- قصد تلذذ و ریه در کار نباشد.

۵- دو نفر نامحرم در محیط بسته، تنها نمانند. بنابراین، سعی کنید خود را عادت دهید که:

۱- در صحبت با نامحرم به او نگاه نکنید و به هیچ قسمتی از بدن او خیره نشوید و قسمت های باز و پوشیده برایتان کاملاً مساوی فرض شوند، این مسأله را با تکرار و تلقین باید ادامه دهید.

۲- در همه حال، خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خود بدانید و عفت و حیا را فراموش نکنید.

لذا با توجه به شرایط خاص دوران جوانی، طولانی بودن دوران مجرد غالب دانشجویان و خطرات جدی تمایلات آشکار و پنهان غرائز نفسانی، لازم است برادران و خواهران دانشجو روابط خود را از نظر کمی و کیفی تحت کنترل قرار دهند و در سطح ضرورت حفظ کنند.

بنابراین، توصیه اکید ما این است که: "اولاً"، اگر ضرورتی ایجاب نمی‌کند حتی الامکان چنین روابطی با نامحرم برقرار نشود و خواهران دانشجو در مقابل افراد نامحرم، رفتاری متکبرانانه داشته باشند نه رفتاری صمیمانه. اینکه در احکام شرعی می‌فرمایند در غیر ضرورت مثلاً "مکروه است مرد با زن هم صحبت شود، مخصوصاً" مرد و زن جوان، به این دلیل است که چه بسا همین هم صحبت شدن‌ها، غرایز جنسی افراد را تحریک کند و یک الفت و محبت شهوانی بین مرد و زن ایجاد گردد و نقطه آغازی برای غوطه ور شدن در انحراف و فاسد شود. در هر حال انسان باید دقیقاً "درون خود را بکاود و باطنش را عمیقاً" مطالعه کند که مثلاً "صحبت کردن با افراد نامحرم چه ضرورتی برای او دارد. ثانیاً": در صورت ناچاری و ضرورت، روابط با نامحرم تا آنجا که به شکستن حریم احکام الهی منجر نشود، اشکالی ندارد. بنابراین، گفتگو و نگاه‌های متعارف بدون قصد لذت و ریبه، اشکالی ندارد. اما با این حال، حتی الامکان لازم است در فعالیت‌ها به گونه‌ای باشند که کمترین اختلاط پدید آید و در برخورد و گفتگو، هنجارهای شرعی زیر رعایت شود:

۱- از گفتگوهای تحریک‌کننده پرهیز شود.

۲- از نگاه‌های آلوده و شهوانی خودداری شود.

۳- حجاب شرعی رعایت شود.

۴- قصد تلذذ و ریبه در کار نباشد.

۵- دو نفر نامحرم در محیط بسته، تنها نمانند.

با توجه به آنچه گفته شد خوب است برای توجیه خواهران از یک نفر به عنوان رابط استفاده کنید. که

سعی کنید از نظر سن و ویژگی های ظاهری جذابیت کمتری برای شما داشته باشد. و در هنگام صحبت با خواهران بدون اینکه در صورت آنها نگاه کنید. مطالب و دستورات لازم را به آنها منتقل کنید. و اما درباره رعایت دیگر ویژگی های مسؤول توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم:

۱. حضرت علی(ع) می فرمایند: «آله الریاسه سعه الصدر» یعنی وسیله و ابزار ضروری برای مدیریت، داشتن سعه صدر است بنابراین به تقویت قدرت تحمل و صبر در مقابل نامایمات رفتاری دیگران و نقص و ضعف و کمبودهای امکانات پردازید تا بتوانید تحمل شنیدن نقطه نظرات، انتقادات و اعتراضات دیگران را هم در خودتان ایجاد و هم آن را تقویت کنید و خیلی زود از نداشتن امکانات یا ضعف ها و یا شکست در رسیدن به اهداف و برنامه های طراحی شده، عصبانی و رنجیده خاطر نشوید. هر چند باید پی گیری کنید و در تلاش های مجدد سعی کنید به هدفتان دسترسی پیدا کنید. بنابراین اولین توصیه ها داشتن سعه صدر است.

۲. در تصمیم گیری ها بخصوص تصمیمات مهم هرگز عجله نکنید و شتاب زده تصمیم نگیرید بلکه خوب درباره آن بیاندیشید و با دیگران به مشورت پردازید و در یک جمع بندی کلی و پس از شنیدن نظرات دیگران تصمیم گیری کنید.

۳. از تعدادی دوستان مورد اعتماد و با تجربه تر بخواهید هسته را تحت عنوان هسته مشاوره تشکیل داده و از طراحی و برنامه ریزی ای کوتاه مدت و بلند مدت آنها بهره بگیرید.

اما درباره نحوه رفتار با دیگران و تعامل اجتماعی با آنها توجهتان را به مطلب زیر



جلب می کنیم:

بهترین روش رفتار با دیگران و جلب محبت را می توان از کلام رسول اکرم (ص) آموخت که فرمود: هیچ یک از شما مؤمن نیست مگر اینکه برای دیگری آن را بخواهد که برای خود می خواهد»

بنابراین اگر روشی را دوست دارید که مردم آنگونه با شما رفتار کنند، به همان روش با دیگران برخورد کنید. هر چه را برای دیگران پیشنهاد می کنید همان بهترین روش است و شما نیز بر اساس آن با آنان رفتار کنید. زیرا انسان جز انتظار خوش رفتاری از مردم ندارد، کمترین اهانتی را از سوی آنان نمی پذیرد راضی نیست که کسی به او تهمت زند، و نمی پسندد که کسی از معایب او پیش دیگران سخن بگوید هر چند آن عیوب را واقعا داشته باشد.

در اینجا ما به بعضی از فنون اساسی در رفتار با دیگران اشاره می کنیم:

۱ اگر خواستید شخصی را نسبت به موضوعی متقاعد سازید سعی نکنید پیرامون آنچه شما می خواهید با او به جر و بحث پردازید بلکه اول از خواسته خود کوتاه بیایید و خواسته او را در نظر بگیرید آنگاه نظر خودتان را مطرح کنید.

۲ در روابط اجتماعی با دیگران سعی کنید از انتقاد، سرزنش و گلایه خودداری کنید.

۳ سعی کنید نکات مثبت در رفتار و شخصیت دیگران را شناسایی کرده و آنها را به خاطر آن ویژگی ها و رفتارها، تحسین صادقانه داشته باشید نه آنکه روی نکات منفی وی انگشت گذاشته او را مذمت کنید.

۴ سعی کنید شنونده خوبی برای دیگران باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود با شما حرف بزنند.

۵ به دیگران احترام بگذارید و کاری کنید که احساس کنند

مهم و با ارزش هستند و این کار را صمیمانه انجام دهید.

۶ در برخورد با دیگران با چهره ای گشاده و لبخند سخن را آغاز کنید.

۷ به جای اینکه مستقیماً به دیگران دستور دهید کاری برای شما انجام دهند، خواسته خویش را به شکل سؤال طرح کنید و به طور غیرمستقیم از آنها بخواهید خواسته تان را عملی کنند.

۸ اگر دیگران کاری برای شما انجام دادند، آنها را به هر طریقی که ممکن است خوشحال کنید و از آنها تشکر و قدردانی کنید. ضمناً لازم است از حقوق دینی و اخلاقی اجتماعی ای که دیگران بر انسان دارند شناخت بیشتری پیدا نمود تا در اداء آن حقوق تلاش کرد.

**یکی از خانه های اطراف منزل ما مواد مخدر توزیع می کند. با توجه به بی اعتنایی سایر همسایه ها و حتی مامورین نیروی انتظامی شهر خودمان (که با تماس های گرفته شده کاری از پیش نبرده اند) و با توجه به مخالفت های زیاد پدر و مادر و اینکه اگر آنها دستگیر شوند به اولین**

### پرسش

یکی از خانه های اطراف منزل ما مواد مخدر توزیع می کند. با توجه به بی اعتنایی سایر همسایه ها و حتی مامورین نیروی انتظامی شهر خودمان (که با تماس های گرفته شده کاری از پیش نبرده اند) و با توجه به مخالفت های زیاد پدر و مادر و اینکه اگر آنها دستگیر شوند به اولین کسانی که مشکوک می شوند ما هستند و ممکن است مشکلاتی را برای ما به وجود آورند مرا در مورد چگونگی برخورد با آنها راهنمایی کنید؟ با تشکر

### پاسخ

برادر عزیز و گرامی قبل از پرداختن به پاسخ لازم است از حسن اعتمادتان به این دفتر و کارشناسان مربوطه تقدیر و تشکر کنیم و به این احساس مسئولیت و تعهد ایمانی شما آفرین بگوییم. اگر در جامعه ایرانی و اسلامی ما ۲۰ درصد مردم این چنین احساس مسئولیت می نمودند هرگز منکری رخ نمی داد و معروفی ترک نمی شد اما افسوس ولی امیدواریم که افراد مانند شما که بسیار اندک هستند کاری کارستان نمایند چه هر یک نفر آنها برابر با صدها و هزارها نفر از افراد عادی مفید و اصلاح گر هستند.

دوست عزیز سؤال شما از دو زاویه قابل بررسی و پاسخ است یکی از دیدگاه فقهی و حکم تکلیفی الهی و دیگری از رهگذر تأثیرات تربیتی و اخلاقی.

از دیدگاه نخست یعنی وظیفه دینی و فقهی با توجه به عدم تأثیرپذیری متخلفین و فراهم نبودن شرائط دیگر همانند تأمین جانی و خانوادگی و حتی نهی و مخالفت والدین [که تأمین رضایت آنها بسیار مهم می باشد] انجام این امر به معروف و نهی



واجب نیست. یعنی لازم نیست با خود آنها مواجه شده و آنها را از منکر مبتلا شده باز دارید.

اما از نظر تربیتی و اخلاقی شما تکلیف و وظیفه دیگری دارید:

الف. بدون توجه به مقررات و وظائف نیروهای انتظامی جریان را با یک پیر مرد خوش برخورد و وجیه در میان بگذارید و از او بخواهید تا این افراد را ارشاد کند (هر چند که خود می دانید امر به معروف و نهی از منکر اثر ندارد و حتی مضر است) و آنها با پیامدهای شخصی و اجتماعی این گونه اعمال آشنا سازد. البته این پیرمرد باید از این محله نباشد و از طرفی ارتباط شما را با ایشان به افراد خاطی گزارش ندهد و مخفی نگهدارد و بر ملاء نسازد که از کجا متوجه شده است فقط چند بار به صورت دوستانه و خیرخواهانه خطر این نوع خلافکاری ها را گوشزد کند و به آنها تذکر دهد. و این کار را بدون تهدید و صرفاً با زبانی دوستانه و خیرخواهانه بیان کند بعد از مدتی که این شکل برخورد را ادامه داد در آخرین برخورد با آنها بگوید که من خیرخواهتان بودم و بعد از این دیگر خودتان می دانید اگر خدای ناکرده حادثه ناگواری رخ داد من وظیفه خیرخواهی خود را انجام دادم [یعنی تهدید نکند ولی هشدار بدهد که بعد از این دیگر من خیر خواهان نیستم نه آنکه دشمن شما هستم و شما را لو می دهم] البته این شخص نباید آدرس و نشانی به آنها بدهد.

آنگاه که مأموریت پیرمرد به پایان رسید شما از طریق دایره عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی و

حتی ارائه گزارش به مأمورین نیرو در سطح استان نسبت به لو دادن آنها اقدام کنید. و در این مدت رفتار خود را با این افراد تغییر ندهید تا به شما مشکوک شوند. منتهی از گزارش دادن به طرق مختلف (تلفن، گزارش کتبی، زدن ایمیل و ...) هرگز کوتاهی نکنید و در یک بمباران اطلاعاتی توسط افراد متهد و از کانال های مختلف اقدام کنید.

در این مدت زندگی و ارتباط طبیعی و قبلی خود را ادامه دهید.

بعد از این شما به وظیفه تربیتی خود نیز عمل کرده اید. اگر کارگر واقع نشد تماس مجدد بگیرید تا اقدامات بعدی بیان شود.

**بسمه تعالی اللهم عجل لولیک الفرج با عرض سلام و خسته نباشید سوال من در مورد چگونگی هدایت جوانان است امیدوارم که جوابی کاملاً کاربردی به سوال من داده شود حتماً در مورد تهاجم فرهنگی از طریق اینترنت اطلاعات کافی دارید و اینکه چه مطالب و عکس های مستهجنی در آن**

**پرسش**

بسمه تعالی اللهم عجل لولیک الفرج با عرض سلام و خسته نباشید سوال من در مورد چگونگی هدایت جوانان است امیدوارم که جوابی کاملاً کاربردی به سوال من داده شود حتماً در مورد تهاجم فرهنگی از طریق اینترنت اطلاعات کافی دارید و اینکه چه مطالب و عکس های مستهجنی در آن وجود دارد و اینکه چه اثرات مخربی بر روح و جان جوانان ما دارد و من فکر می کنم این اثر مخرب بر پسران خیلی بیشتر از دختران خواهد بود این سوال در مورد یکی از اقوام من که پسری است که اهل نماز و مسجد است و دوستانش هم فکر نمی کنم از افراد بدی باشند، می باشد ابتدا چندین ماه قبل در یادداشت هایش به نام چند سایت که سایت های خوبی نبود پی بردم آن آدرس ها را جمع کردم و بعد از مدتی که به گم شدن آن سایتها پی برد به دنبال آنها گشت و بعد از آن

موضوع را با او در میان گذاشتم و به او گفتم که با این کارها فقط به روح خود ضربه می زند البته او رفتن به این سایتها را انکار کرد البته آنها در خانه هم اینترنت دارند ولی در استفاده از اینترنت در خانه برای او محدودیت وجود دارد و به راحتی نمی تواند از آن استفاده کند مگر در زمینه های درسی. البته من هر وقت از کامپیوتر آنها استفاده می کنم سایتهایی را که افراد داخل آن شده اند مورد بررسی قرار می دهم تا مدتی اثری از سایت بدی ندیدم تا اینکه امروز وارد سایتی شدم که داشتم دق می کردم آخر چرا پسر مسجدی و نماز خوان ما باید به این راه ها کشیده شود... واقعاً دیگر نمی دانم چه کنم هر چه فکر کردم کسی را نیافتم که از او راهنمایی بخواهم. خواستم بروم و با او صحبت کنم اما با خود گفتم اگر این روش و این حرف زدن ها تا الان درست می بود باید اثر خود را می کرد. خواهش مندم یک روش واقعاً عملی برای رفع مشکل این جوان جلوی پای من قرار دهید چون هر روز که این جوان ها وارد اجتماع می شوند کنترلشان سخت تر و لغزشهایشان بیشتر خواهد بود با تشکر و خسته نباشد

## پاسخ

دوست گرامی ابتدا از احساس تعهد و مسئولیت پذیری شما بسیار تقدیر و تشکر می کنیم و به این روحیه آفرین می گوییم و سپس در مورد موضوع مد نظر نکاتی را تقدیم می داریم همانگونه که خود می دانید گناه نکردن و بندگی کردن

دو روی یک سکه هستند و هر یک در دیگری اثر دارد و از آن اثر می پذیرد اگر گناه رخ دهد دیگر نماز نمی چسبد و از کیفیت می افتد و اگر نماز از کیفیت لازم خود کاهش یافت مسیر گناه کردن هم هموار می شود. لذا شما برای برخورد با اینگونه پدیده ها باید بر روی هر دو روی قضیه کار کنید موجبات انجام تکالیف را در سطح بالا فراهم آورید و وی را به انجام امور عبادی و مشغول شدن به فعالیتهای مطلوب و خیر سرگرم سازید و هم از سوی دیگر از ارتکاب اعمال نابجا بازدارید.

بعد از این باید دید که علت کارگر نبودن تذکرات قبلی چه بوده؟ چه بسا او حرف شما را قبول دارد اما در گیر و دار بین خوب و بد به ناچار از شیطان فریب خورده و مغلوب او می شود. در اینجا باید پیامدهای زشت این اعمال را به او هشدار دهید. او را تنها نگذارید. برای او کار مطلوب و رفتار جایگزین صحیح انتخاب کنید و به او بگویید آیا قبول دارد این اعمال را و رجوع به این سایت ها و استفاده از این دست اطلاعات و برنامه ها زشت، مهلک و خانمانسوز و ایمان برانداز هست یا نه؟ اگر این امور و پیامدها را قبول ندارد باید از نظر شناختی و افزایش قدرت تشخیص خوب از بد با وی کار کنید ولی اگر قبول دارد و در عمل مغلوب حیطة شیطان می شود سطح انگیزه و کنترل بر اعمال او را با اجازه خودش بالا ببرید. مانند اینکه کسی می داند گوش دادن به نوارهای

... حرام و باعث تخریب ایمان و ... می شود اما نمی تواند از آنها دل بکند. او در یک لحظه تمام آن را می شکند و با یک اقدام عملیاتی خود را از وسوسه شیطان رها می سازد حال در مورد دوستان نیز باید از این تدابیر عملی بهره بگیرید. با اجازه او تمام و سائل و کانالهای ارتباط غیر صحیح را از بین ببرید تا تحت یک استرس و جنگ مستمر دچار شکست نشوید.

آنچه گفته شد راهکارهای کلی بود ارائه راهکارهای جزئی و کوچک نیازمند اطلاعاتی بیشتر از آنچه بیان نمودید می باشد که باید در اختیار بگذارید تا در خدمتتان باشیم در ضمن دقت کنید که:

۱\_ او از شما زده نشود و به چیزی کاری روی نیاورد.

۲\_ از سرزنش، تحقیر، و اهانت (به خصوص در جمع) جدا اجتناب کنید.

۳\_ او را به همراه خود ب محیط ها و اعمال پاک بکشانید و با این عمل به صورت غیر مستقیم وی را تحت کنترل در آورید.

۴\_ برای این رفتار زشت یک رفتار خوب جایگزین باید مورد علاقه او و سهل الوصول باشد.

۵\_ از طریق دیگران به خصوص دوستان دیگر او را به سمت خوبیها بیاورید.

۶\_ اصرار و سماجت نداشته باشید زمینه انجام اعمال نیک را برای او فراهم آورید

۷- او را با پیامدهای ناگوار این نوع اعمال بصورت شفاف آگاه سازید و این سخنان را در قالب های مختلف به او بگویید.

۸\_ اجازه ندهید او ارتباطش را با شما قطع کند که زمینه هر گونه تاثیر گذاری از بین می رود

۹\_ هرگز اجازه ندهید او نماز خود را ترک کند هر چند با خجالت زدگی او را به نماز وا دارید و در



۱۰\_ در تمام اعمال و قبل از همه دو رکعت نماز بخوانید و با هدیه کردن به پیشگاه اهل بیت (علیهم السلام) از آنها مدد بگیرید.

**در زمینه ی امر به معروف و نهی از منکر در چنین وضع جامعه بسیار مشکل دارم - با انکه شرایط آن را می دانم وقتی با شرایطی مواجه می شوم که احتمال تأثیر می دهم (زیرا دلیلی نمی بینم که تأثیر نداشته باشد) یک حس بسیار بدی به من دست می دهد با خود کمی ور می روم چیزی به**

### پرسش

در زمینه ی امر به معروف و نهی از منکر در چنین وضع جامعه بسیار مشکل دارم - با انکه شرایط آن را می دانم وقتی با شرایطی مواجه می شوم که احتمال تأثیر می دهم (زیرا دلیلی نمی بینم که تأثیر نداشته باشد) یک حس بسیار بدی به من دست می دهد با خود کمی ور می روم چیزی به من می گوید برو و چیزی مخالفت می کند. تشویش فکری بدی می گیرم از خودم نا امید می گردم. نمی دانم که آیا این تشویش هم جزو مفسده محسوب می شود یا خیر. البته در انتها وظیفه ام را انجام می دهم و احساس می کنم که راحت شدم. اما درک می کنم که نیروی زیادی را هدر داده ام. این حالت طوری شده که من حتی قبل سوار شدن به تاکسی حالت دلهره به من دست می دهد و مرا بسیار اذیت می کند. شیرهایی که چکه می کند توجهم را جلب می کند و مرا وا می دارد به مسول مغازه با آن حالت دلهره که گفتم تذکر دهم. یا خیلی به چراغ های روشن توجه می کنم و مرا وا می دارد به مسول مغازه با آن حالت دلهره که گفتم تذکر دهم. لطفا مرا در مورد این مشکل کمک کنید و آیا این تشویش فکری خود مفسده ای هست یا خیر؟

### پاسخ

برادر گرامی از ارتباط شما که زمینه ساز ارائه خدمت می باشد تقدیر و تشکر می کنیم و امیدواریم در انجام این مسئولیت الهی\_ به دعای خیرتان\_ موفق باشیم. اما در مورد موضوع مد نظرتان یعنی تشویش فکری و کلنجار

شناختی توجه شما را به راهکارهای زیر جلب می کنیم . توجه دارید عمل به راهکارهای ارائه شده به یاری خداوند\_ مشکل گشاست و صرف آگاهی از آنها جز ناامیدی تاثیری نخواهد داشت.

لذا باید به آنچه بیان می شود عمل کنید تا اندک اندک مقصود بدست آید و تشویش دل به آرامش خاطر بدل شود.

دوست عزیز خوب بود توضیح می دادید این تشویش بیشتر در مورد چه موضوعاتی است؟ آیا بیشتر در مسائل شرعی است یا مسائل اجتماعی؟ ترس و دلهره از انجام تکالیف شرعی دارید یا از قضاوت مردم و یا عدم رعایت یافته های علمی آلودگیهای میکروبی و...؟ بهر حال به امور زیر حداقل برای مدت ۲۰ روز عمل کنید و گزارشی بفرستید و به سؤالات بالا به صورت مشروح پاسخ دهید تا دوره درمان را به لطف خداوند کامل کنیم:

۱. مدت زمان تردید را طولانی نکنید بر اساس یک تصمیم قطعی هر چند به کمک شیر یا خط کردن و یا گل یا پوچ نمودن سریع یک طرف قضیه را انتخاب و به همان عمل کنید.

۲. بعد از عمل به آنچه برگزیده اید دیگر به طرف دیگر و خوب و بد بودن تصمیم خود فکر نکنید و مسیر زندگی عادی و اعمال بعدی را پی بگیرید.

۳. چنانچه در فضای ذهنتان سؤالات متعددی بروز می کند سریع آن را یادداشت کنید و از دامن زدن به سؤالات و ابهامهای ذهنی پرهیز کنید .

۴. به سوالهای یادداشت شده پاسخ دهید و جواب آن را نیز بنویسید و اگر جواب آن را نمی دانید از کسانی که آگاهی دارند پرسید و پاسخ را مجددا بخوانید.

۵. بعد از یادداشت

سؤال دیگر به آن فکر نکنید چون خودتان پاسخش را نمی دانید و این موجب دامن زدن به تشویش ذهنی شما می شود.

۶. مسائل کوچک و جزیی و پیش پا افتاده که دانستن و ندانستن تأثیری ندارد مانند چکه کردن یا نکردن شیر آب، دلهره به هنگام تاکسی و... توجه نکنید. راه عدم توجه این است که فکر جایگزین برای ذهن خود داشته باشید و به اموری ذهن خود را مشغول سازید که اهمیت و تأثیر دارد.

۷. مطالعه را فراموش نکنید. در مباحث و مسائلی که ذهن شما را مشغول کرده و می کند مطالعه علمی و دقیق انجام دهید و اگر در مسئله ای این گونه منابع در اختیارتان نیست و یا ندارد معلوم می شود که اهمیت ندارد و نباید خودتان را سرگرم آن سازید.

۸. به این سخن بیشتر از این بیندیشید شما برتر از آن و بهتر از آن هستید که سرمایه عمر خود را صرف امور پیش پا افتاده نمائید لذا تفکر کنید توجه سماجت گونه همراه با دل مشغولی طولانی به این امور آیا ارزش دارد؟ آیا در خور یک انسان جویای کمال و پیشرفت معنوی هست؟ آیا راه تکامل از این مسیر می گذرد و یا اینها مانع حرکت شما هستند؟

۹. در مورد امر به معروف و نهی از منکر و تعیین تکلیف شرعی خود در دیگر مسائل شرعی فقط به رساله مرجع خودتان مراجعه کنید و بعد از مطالعه مطابق آنچه او گفته عمل کنید مثلاً ببینید آیا شما موظف هستید به مغازه داری در مورد اسراف ها و روشنایی لامپها و... تذکر دهید؟ پس مردم باید

دائم در حال تذکر دادن باشند و زندگی عادی خود را رها کنند، ذهن و فکر خود را به صورت صحیح با تکالیفتان آشنا سازید و آنگاه اقدام نمایید، براساس تصور ذهنی خودتان عمل نکنید و بر پایه تشخیص خودتان، خودتان را موظف و مکلف ندانید.

۱۰. ورزش شنا، کوهنوردی، پیاده روی و دو را فراموش نکنید یقیناً به یکی از آنها بصورت متناوب مشغول باشید.

۱۱. طی روز با حفظ اشعار حافظ، حفظ قرآن و حدیث، فکر کردن در مورد مسائل تحصیلی و علمی خود را سرگرم امور عالی نمایید و اجازه ندهید دیگران و حوادث روزمره برایتان محتوای ذهنی تعیین کنند.

### **چه کار کنیم که بتوانیم زنان بد حجاب را امر به معروف ونهی ازمنکر کنیم؟**

#### **پرسش**

چه کار کنیم که بتوانیم زنان بد حجاب را امر به معروف ونهی ازمنکر کنیم؟

#### **پاسخ**

عنصر امر به معروف ونهی ازمنکر که از مهمات فروع دین اسلام است حافظ ارزشهای اسلامی است. درخصوص پاسخ شما باید گفت: هرچند در سالهای اخیر فریضه امر به معروف ونهی ازمنکر بدلیل سیاست های باز فرهنگی تقریباً رنگ باخته و مطبوعات دگر اندیش د ر تضعیف آن نقش زیادی داشته اند. منتهی اینها وظیفه ما را سنگین تر می کند، نهی کردن افراد از هر فعل منکر مانند بدحجابی در حد تذکر لسانی است و مراحل بعدی آن بعهده حکومت است. مراحل مختلف امر به معروف ونهی ازمنکر که در فتاوی مراجع عظام تقلید آمده است، در حکومت اسلامی بین مردم ومسئولین تقسیم شده است آنچه مربوط به ما و شما بعنوان شهروندان حکومت اسلامی می باشد تذکر زبانی است والبته در بعضی موارد باید مأمورین انتظامی را در جریان قرار داد تا از طرف قانون برخورد شود و جامعه به هرج و مرج کشانده نشود(در حد تذکر لسانی).

اگر همه افراد مدام به بدحجابان تذکر بدهند و این را یک وظیفه بدانند قطعاً آنها مجبور خواهند شد در جامعه حجاب رارعايت کنند و این مهم، مستلزم فراگیر شدن فریضه امر به معروف ونهی ازمنکر است.

در پایان این نکته قابل توجه است که اگر زن بدحجاب با ما نسبت فامیلی داشته باشد امر به معروف ونهی ازمنکر او با دیگران فرق می کند و فراتر از تذکر زبانی می شود با توجه به موقعیت و شخصیت او باید با او قطع رابطه کرد البته اگر این قطع رابطه مؤثر باشد.

به هر حال امر به معروف ونهی ازمنکر فریضه ای بسیار حساس ومهم است که

برای انجام این فریضه باید بسیار مطالعه کرد و حتی آموزش دید.

## چگونگی امر به معروف ونهی از منکر در دوره آخر الزمان با توجه به کاهش یافتن آن در این دوره از زمان؟

### پرسش

چگونگی امر به معروف ونهی از منکر در دوره آخر الزمان با توجه به کاهش یافتن آن در این دوره از زمان؟

### پاسخ

شرایط امر به معروف ونهی از منکر، همان است که در رساله های عملیه ذکر شده است و اگر احیاناً اوضاع جامعه آشفته است و منکرات به صورت چشمگیری نمودار است، احکام امر به معروف ونهی از منکر تفاوتی نمی کند بلکه در شرایط کنونی باید به این فریضه الهی اهمیت بیشتری داد و با شناخت حساسیت ها و موقعیت ها و دردها، به درمان بیماری های معنوی جامعه پرداخت و در این موقعیت ویژه و حساس اگر شرایط امر به معروف ونهی از منکر را خوب بدانیم و به موقع و جای خود، به نهی از منکر و امر به معروف پردازیم و موجب تأثیر مثبتی در جامعه باشیم برای تحقق اسلام ناب و فرج مولایمان حضرت مهدی "عج" شرایط را بهتر و بیشتر مهیا نموده و انشاء... از توجهات آن حضرت بهره مند خواهیم بود.

امر به معروف ونهی از منکر مثل طبابت کردن است، گاهی طبابت آنقدر حساس و ظریف است که برای یک بیماری در دو نفر دو نوع دارو باید تجویز کرد و اگر همان دارویی که برای یکی درمان کننده است برای دیگری نیز تجویز شود ممکن است به شدت بیماری بیفزاید یعنی باید شرایط و روحیات افراد را به خوبی در نظر گرفت تا خدای ناکرده امر به معروف ونهی از منکر، منجر به ترک معروف و انجام منکر نشود.

به هر حال چه دیگران امر به معروف ونهی از منکر بنمایند یا آن را ترک کنند چه

منکرات بیشتر شده باشد نسبت به گذشته و چه نباشد نمی توان نهي از منکر و امر به معروف را کنار گذاشت و يا مراتب امر به معروف را رعایت نکرد این عمل درست مثل آن است که بگوئیم چون بیماری سرطان تمام پای یک نفر را فراگرفته و نسبت به گذشته رشد زیادی داشته یا چون بیماریهای جامعه متنوع و گسترده شده و یا درمان بیماریها مشکلتر شده یا کار طبابت رونقی ندارد پس ما نیز به عنوان پزشک، اقدام به درمان .

بیماریها نماییم. در پایان یک بار دیگر شرایط امر به معروف ونهی از منکر را متذکر می شویم تا با آگاهی بیشتر و با بینش وسیعتر به این فریضه الهی عمل شود.

امر به معروف ونهی از منکر در میدان گفتار وتذکر زبانی دارای شرایط ذیل است :

۱. شناخت واجب ترک شده توسط متخلف و شناخت منکر وحرام انجام شده توسط او

۲. احتمال تأثیر تذکر و امر ونهی

۳. علم به تکرار تخلف توسط متخلف

۴. عدم وجود مفسده در امر به معروف ونهی از منکر

بنابراین امر به معروف با شرایط فوق واجب و لازم و در صورت فقدان شرایط مذکور واجب نخواهد بود یعنی با شرایط ذیل واجب نیست :

۱. نداند آنچه انجام شده حرام است و ترک واجب

۲. بداند یا احتمال دهد عدم تأثیر گفتار و امر ونهیش را

۳. بداند یا احتمال دهد مفسده و ضرری را مگر در موارد مسائل پر اهمیتی مثل اصول دین ومذهب، حفظ قرآن و آرمانهای آن وعقاید واحکام ضروری اسلام که در آن صورت شرط سوم حذف خواهد گردید.

لازم به یادآوری است با فقدان شرایط امر به معروف ونهی از منکر حکم وجوب گفتاری وتذکر کلامی برداشته خواهد شد

ولی امر به معروف عملی در حذف بسترهای گناه و منکرات و استفاده از ابزار بازدارنده وظیفه دیگری است که فعلاً به عهده قوه قضائیه و نیروی انتظامی است. حضرت آیت ا...العظمی خامنه ای "مدظله العالی" در این باره فرموده اند: "با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز با توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند و این منافاتی با فتاوی امام راحل "ره" در این رابطه ندارد. ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است در صورت وجود شرائط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند."

برای پژوهش بیشتر به رساله توضیح المسائل حضرت امام "ره" رجوع کنید.

**به نظر شما واکنش مانسبت به اوضاع موجود در جامعه باید چطور باشد؟ (منظور اوضاع به هم ریخته است)**

**پرسش**

به نظر شما واکنش مانسبت به اوضاع موجود در جامعه باید چطور باشد؟ (منظور اوضاع به هم ریخته است)

**پاسخ**

حقیقت مطلب اینست که واکنش های مردم و مسئولین در برابر فساد اخلاقی و بی بندوباری ها و برخی ناهنجاریها و حوادث دیگر متفاوت است، بعضی در این قضیه زیاده روی کرده و علیرغم اینکه مقام معظم رهبری بارها فرموده اند در شرایط فعلی از مراحل امر به معروف و نهی از منکر مرحله زبانی کافی است و نیاز به اقدام عملی ندارد و با زدو خورد و برهم زدن مجالس و تعرض به دیگران مخالفت نموده اند باز هم افرادی با عنوان انصار حزب ا... و غیر آن، دست به چنین اقداماتی می زنند که البته کاردرستی نیست. و اما از طرف دیگر عده ای هم در این قضایا بی تفاوت بوده از امر به معروف زبانی هم دریغ می کنند و یا خدای نکرده با افراد متخلف همخوانی دارند که این هم موجب تقویت فساد است.

به هر حال بهترین روش اینست که ضمن امر به معروف و نهی از منکر زبانی، کاربرخورد عملی را به نهادهای انتظامی و قضائی واگذار کرد. و هرگاه نیازه حضور مردم در صحنه باشد رهبر معظم اعلام خواهند نمود، و در مواقعی که از سوی دولتمردان و مسئولین کوتاهی در انجام وظیفه مشاهده شود باید مردم از آنها بخواهند و مطالبه نمایند و مراتب را به مسئولین بالاتر آن منتقل کنند.

**وظیفه بسیجیان در حال حاضر نسبت به اوضاع جامعه چیست؟ (گرانی و فساد در جامعه)**

وظیفه بسیجیان در حال حاضر نسبت به اوضاع جامعه چیست؟ (گرانی و فساد در جامعه)

در ابتدا باید عرض کنیم بسیج یعنی مجموعه ای که در عرصه مجاهدت انقلابی حضور پیدا کرده و غایب نیست. در کلمه بسیج معنای حضور و آمادگی آن هم در حد فداکاری هست بسیج یعنی نیرویی که داوطلبانه وارد میدان شده و در حال اعلان آمادگی است. بسیج یعنی حضور همه جانبه در عرصه های جهاد و مبارزه در همه ابعاد مورد نیاز جامعه اسلامی.

در خصوص مسأله گرانی و فساد جامعه، همه اقشار جامعه مسئولیت دارند در این میان وظیفه بسیجیان بعنوان نیروهایی که آماده و حاضر برای مقابله با تهاجمات و دفاع از انقلاب هستند سنگین تر و مهم تر می باشد در قبال فساد فرهنگی جامعه که یکی از دلایل آن تهاجم فرهنگی دشمن است در مرتبه نخست هر یک از بسیجیان باید خود را در قبال این موج تهاجم حفظ نمایند و به تقویت باورها و اعتقادات خویش بپردازند و در عرصه تزکیه و تهذیب نفس نیز باید قدم برداشته به تهذیب اخلاق خود بپردازند. بسیجیان حاضر در صحنه دفاع از ارزشهای انقلاب باید گوش بزننگ رهنمودهای مقام معظم رهبری و سایر مسئولان دلسوز نظام اسلامی باشند. مقام معظم رهبری در دیدار اخیر خود با بسیجیان و جوانان اهوازی خودسازی علمی و عملی را بعنوان راهی برای مقابله با دشمنان و حرکت کشور به سمت ترقی و تعالی دانستند و فرمودند: هر حرکت علمی و اخلاقی به منزله شلیک تیری به سمت دشمن می باشد. برای آگاهی بیشتر توجه شما را به گوشه هایی از این رهنمودهای ارزنده جلب می کنیم:

مقام معظم رهبری وظایف جوانان را تلاش در جهت تحصیل و تهذیب و ورزش نام برده اند که در



این صحنه ها بسیجیان باید قدرتمندانه و با شور بیشتر نسبت به جوانان دیگر حاضر شوند و بدرخشند. ایشان می فرمایند :  
"جوانهای عزیز من! فرزندان من! دنبال تقلید نباشید، بر روی شیوه و راهی که در آن ذهن و اراده و ایمان شما قوی می شود  
و اخلاق شما پاک و آراسته می گردد، فکر کنید، آنگاه شما عنصری خواهید بود که مثل یک ستون، سقف مدنیت این کشور  
و تمدن حقیقی این ملت بر روی آن قرار می گیرد. همین الآن بلاشک ما گرفتاریها و مشکلاتی در زمینه ی اقتصادی و غیره  
داریم و اینها یک روز تمام خواهد شد، اما آن عامل تمام شدن این گرفتاریها، جز همین روحیه ی معنوی و تمسک به اسلام و  
انقلاب، چیز دیگری نخواهد بود. باز هم همین دختر و پسر جوانند که کشور را نجات خواهند داد.

من بارها گفته ام که نسل جوان گره گشای دروه های سخت و محنتهای بزرگ است، و وقتی وارد میدان می شود، که الحمد  
الله امروز هم در میدان است، گره های ریز و سخت گشوده خواهد شد. جوانان ما، مؤمن و متدین و علاقه مند به کشورشان و  
علاقه مند به اسلام هستند و با سلطه آمریکا و با سلطه بیگانه مخالفند، همین کارساز خواهد بود.

در خاتمه نکته ای را هم یادآور می شوم : این کارهایی که جوانان می کنند، اینها کوچک نیست، همین درس خواندنی که  
من می گویم همین کار تحقیق، همین کار هنری، همین کار ورزشی، اینها کارهای کوچک نیست. من خواهش می کنم  
کسی که این کارها را انجام میدهد، تصور نکند که کارش کوچک است؛ نه همین کار در مجموعه ی کلان کشور، به یک  
عنصر تعیین کننده تبدیل

می شود... شما کارتان را که خوب انجام دادید، اگر صد نفر دیگر مثل شما فکر کنند همان اعتلای عظیم و همان کار بزرگ اتفاق خواهد افتاد."

همچنین مقابله با تهاجم فرهنگی نیاز به برنامه ریزی دارد و بسیجیان می توانند در این میدان با ارائه الگوهای فرهنگی در جهت تغییر زندگی مردم و درعین حال با ایجاد نظام فرهنگی و کار فرهنگی به هدایت عمومی جامعه پردازند. مقام معظم رهبری در مقابله با تهاجم فرهنگی توصیه به کار سلب و ایجابی می کنند و می فرمایند: "کار سلبی مقابله با آنها و جلوگیری از توطئه آنها است، کار ایجابی، کار فرهنگی صحیح است، منبری خوب، منبر خوب، موعظه مردم و توجیه فکری آنها، این روزنامه های ما، این مجلات ما، این گویندگان ما، این آقایان مسئولان که مرتب در این جا و آنجا در مسجدها و پشت تریبونها و این شهر و آن شهر حرف می زنند حرف اصلیشان این باشد "۱"

از این رو بسیجیان می توانند با ایجاد کانون های فرهنگی و با دعوت از افراد شایسته و اساتید مجرب و اصحاب فکر به توجیه فکری جامعه در راستای توصیه های رهبری قدم بردارند.

(۱) پرسش و پاسخ از محضر مقام معظم رهبری، ص ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۳۳...

**۱- اگر در مجالس اهل بیت عصمت و طهارت "علیهم السلام" از نام سگ و... استفاده کنیم و دست بزینم اشکالی ندارد؟**

**اشاره**

۲- اگر در یک مجلسی نشسته بودیم و یک نفر داشت غیبت میکرد وظیفه ما چیست؟

۳- اگر در خانه ای آهنگ یا موسیقی غیر مجاز پخش می شد ما در آنجا چه وظیفه ای داریم؟

**پرسش**

۱- اگر در مجالس اهل بیت عصمت و طهارت "علیهم السلام" از نام سگ و... استفاده کنیم و دست بزینم اشکالی ندارد؟

۲- اگر در یک مجلسی نشسته بودیم و یک نفر داشت غیبت میکرد وظیفه ما چیست؟

۳- اگر در خانه ای آهنگ یا موسیقی غیر مجاز پخش می شد ما در آنجا چه وظیفه ای داریم؟

۴- اگر پدر و مادر ما را برای نماز صبح بیدار نکنند وظیفه ما چیست؟

**پاسخ**

۱) برگزاری مجالس بزرگداشت اهل بیت عصمت و طهارت سلام...علیهم اجمعین باید بگونه ای باشد که دشمنان و مخالفان شیعیان هیچ بهانه ای بدست نیاورند بنابراین باید از هرگونه حرکتی که موجب وهن شیعه و از بین رفتن حرمت و قداست آنان می شود بشدت پرهیز کرد. مجالس بزرگان شیعه و علمای برجسته مذهب حقه جعفری سرمشق بسیار خوبی است برای مجالس ما، نحوه عزاداری مراجع بزرگ تقلید و شیوه برگزاری جشن و سرور آنان در مولودیها و اعیاد یک الگوی جامع و یک نمونه ممتازی است که باید همواره مورد توجه قرار گیرد. آنچه نوشته اید در سیره علمای بزرگ شیعه دیده نمی شود و در احوالات بزرگان مذهب ذکر نشده. شعرای بزرگ و سرایندگان نام آوری همچون (فرزدق، سید حمیری، دعبل خزاعی و...) در مرثی و مناقب اهل بیت "علیهم السلام" اشعار بلند و سروده های جاودانه ای از خود بر جای گذاشته اند بعضی از این سروده ها در حضور امام معصوم خوانده شده و تأیید اهل بیت را با خود همراه دارد و جالب توجه این است که در هیچ یک از این اشعار، تعابیر زشت و سخنان وهن آمیز مشاهده نمی شود و این در مکتب اهل بیت "علیهم السلام" یک درس ماندگار است که شخصیت مؤمن و شخصیت شیعه همواره باید محترم و مکرم و عزیز باشد "محبوبه فی ارضک و سمائک" "۱" (و تحت هیچ شرایطی نباید این عزت

واحترام شکسته واز بین برود).

۲) در مورد سؤال دوم شما باید عرض کرد که اولاً- باید گناه را دقیقاً شناخت، چه بسا یک چیزی ممکن است در آن مجلس پیش بیاید ولیکن غیبت نباشد، پس شناختن اصل گناه خیلی مهم می باشد.

ثانیاً در صورت وجود شرایط آن، نهی از منکر افراد واجب می باشد. "۲"

ثالثاً در صورتی که شرایط نهی از منکر وجود نداشت و یا وجود داشت، اما نهی از منکر اثری نداشت، باید آن مجلس را ترک کرد، زیرا غیبت هم برای گوینده و هم برای شنونده حرام می باشد "۳"

۳) در مورد سؤال سوم شما نکات زیر قابل توجه می باشد :

الف) همان نکته ای که در اول جواب برای سؤال دوم شما و آن اینکه باید گناه را کاملاً شناخت، خصوصاً موسیقی که درباره آن تعاریف زیادی شده است.

ب) اگر این پخش کردن باعث استماع دیگران و آزار و اذیت همسایگان می شود، باید با بودن شرایط نهی از منکر، نهی از منکر کرد و اگر اثر نکرد چون این مسأله بر میگردد به مسائل اجتماعی و حرمت دین و مقدسات، باید به نهادهای ذی ربط گزارش داد تا او را وادار کنند به رعایت قانون، البته باید به این نکته توجه داشت که نباید در مسائل شخصی و پنهانی مردم دخالت شود. "۴"

۴) در مورد سؤال چهارم شما باید گفت که بیدار کردن برای نماز صبح از وظائف پدر و مادر نیست، بلکه باید خود فرزند بیدار شود و به ارزش آن واقف شود، اصل این است اما اگر هم بیدار کردند مانعی ندارد، فردی که به سن تکلیف می رسد باید نهایت دقت و مراقبت را نسبت به واجبات دینی و فرائض مذهبی داشته باشد "۵".

(۱) زیارت امین الله

(۲) اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری (حفظه...)، ج ۲، ص ۱۲۱

(۳) استفتائات امام خمینی (ره) ج ۲، ص ۶۱۸

(۴) با استفاده از کتاب پرسشها و پاسخها، ج ۴، ص ۲۰

نظام خانواده در اسلام، ص ۴۶۲

۱- چرا با وجود سربازان امام زمان و پایگاههای مردمی در مساجد و در قالب قانون و پوشش نیروی انتظامی و اینکه شهر مشهد شهر مذهبی و با وجود مقام ولایت امام رضا (این قدر گناه و معصیت می شود جلوی آنرا نمی گیرند ؟

### اشاره

۲- از اینکه نمی توانم امر به معروف کنم رنج می برم چگونه می ت

### پرسش

۱- چرا با وجود سربازان امام زمان و پایگاههای مردمی در مساجد و در قالب قانون و پوشش نیروی انتظامی و اینکه شهر مشهد شهر مذهبی و با وجود مقام ولایت امام رضا (این قدر گناه و معصیت می شود جلوی آنرا نمی گیرند ؟

۲- از اینکه نمی توانم امر به معروف کنم رنج می برم چگونه می توانم از این مسئولیت خطیر روسفید شوم ؟

۳- چطور می توانم فرزندان خود را که در مقطع تحصیلی دبیرستان قرار گرفته اند و با یک دنیا خطرات روبرو هستند راهنمایی کنم ؟

### پاسخ

در رابطه با سوال اول باید گفت : گناه علل متعددی دارد که عمده آن بعد ناسوتی و مادی انسان است ، اگر انسان را از این بعد مورد بررسی قرار دهیم می بینیم از گناه و معصیت لذت می برد و از این بعد شقاوت در ذات او نهفته است که قرآن کریم می فرماید :

"ان النفس لاماره بالسوء الامارحم ربی" (۱)

این نفس اماره همان بعد حیوانی انسان است که امر کننده به بدی و گناه است ، بنابراین مجموعه تمایلات و غرائز که بر گرفته از این بعد انسان است دلیل عمده گناه و معصیت بوده و به این مورد وسوسه های شیطان و تلاش دشمنان در تهاجم فرهنگی به جامعه ما را اضافه نمایند و راه اصلی ترک وریشه کن کردن گناه ، تلاش و مجاهدت علمی و عملی در تحصیل معرفت به مبدا و معاد و رسوخ دادن این حقایق به قلب از طریق تکرار و تمرین و تفهیم به قلب در هنگام عبادات و رسیدن به سر منزل یقین و ایمان قوی است که مسلماً بازدارنده انسان از ارتکاب معاصی است ولیکن باید توجه داشت قبل از آنکه عقل و ایمان به قدرت کافی در مهار کردن نفس

سرکش برسد لازم است انسان در خانواده و محیط اجتماع در شرایطی قرار گیرد که بر راحتی بتواند خود را کنترل نماید و این با اجرای صحیح و دقیق امر بمعروف و نهی از منکر و تشویق و تذکر مناسب توسط افراد آگاه ممکن خواهد بود .

و اما اینکه چرا نیروی انتظامی جلوی گناه را نمی گیرد ؟ ضمن اینکه این سوال را باید مسئولان محترم آن نیرو پاسخگو باشند ولیکن آنقدر که ما مطلع هستیم برنامه های متعددی را برای کنترل فساد در جامعه داشته و دارند ولی وسعت و گسترش شهرها و جمعیت و نیروی جوان کشور از یکطرف و تلاش دشمنان قسم خورده نظام و سرمایه گذاری گسترده آنها در رابطه با ترویج

ابا حیلگری و لا- ابالی در بین نسل جوان از طرف دیگر تاثیر آن مقدار فعالیت را کم نموده و همانطور که شما اشاره کردید گویا اصلاً کاری نمی شود .

و اما در ارتباط با سؤال دوم : ضمن ارج نهادن به این روحیه شما که خود اولین مرتبه از مراحل امر به معروف و نهی از منکر یعنی مرحله قلبی است ، توجه به شرائط امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم است تاثیر مثبت یا منفی بسیاری از امور وابسته به شرائط انجام دادن آنهاست ، یعنی یک عمل در موقعیت ویژه ای ممکن است تاثیر مثبت فوق العاده مهمی داشته باشد ولی در موقعیت دیگر تاثیری بسیار کم رنگ تر و کم ارزش تر پدید آورده ، حتی به عاملی منفی و ضد ارزش تبدیل شود . برای مثال دارویی با توجه به خصوصیات ویژه یک بیمار شفا بخش و درمانگر است ولی در شخص دیگر و با شرائطی خاص دردزا و تباه کننده است . بنابراین در هر عملی باید به شرائط ویژه اش

توجه کرد تا بهره مثبت از آن بدست آید. امر بمعروف ونهی از منکر فریضه ای است که اگر با توجه به شرایط خاص، لازم و صحیح آن انجام گیرد داروی دردهای فردی واجتماعی است اما اگر به شرایط آن توجه نشود، گاه بجای هدایت و سازندگی، تخریب و گمراهی به بار می آورد، شناخت معروف و منکر، احتمال تاثیر، نداشتن پیامدهای ناروا از شرایط امر بمعروف ونهی از منکر است، در صورت جمع شدن این شرایط همه مسلمانان موظف به امر بمعروف و نهی از منکر هستند که البته متأسفانه در جامعه ما اکثر افراد در این زمینه انگیزه خود را از دست داده اند که عوامل آن در جای خود قابل بررسی است.

واما سؤال سوم: درک جوان و نیازهای او مباحث مهم و دارای گستردگی خاص خود است، اهتمام به امور دینی در تربیت فرزندان و همراه شدن آن با اندکی لطافت و ظرافت تاثیر بسزایی در رشد و تکامل جوان خواهد داشت. فرزندان ما اگر کانون خانواده را سرشار از محبت و توجه به خود و نیازهای جسمی و معنوی خویش ببینند، خانه و خانواده را ماوی و پناهگاه خود قرار داده و آنگاه انس و الفتی بین فرزندان و والدین ایجاد می شود که گام اول در ارتباط همین نکته است، سپس توجه به نیازهای جوان و پاسخ مناسب پیدانمودن برای سئوالات و شبهات او و ارتباط دادن او با جمبهای مذهبی و دوستان ارزشی، گامهای بعدی در هدایت و راهنمایی او برداشته خواهد شد.

حضرت سجاد (می فرمایند: ((حق فرزندان بتو اینست که بدانی او از تو بوجود آمده و در نیک و بد زندگی وابسته بتو است و بدانی

که تو مسئول ادب و تربیت صحیح او هستی، مسئولی که او را بخداوند بزرگ راهنمایی کنی و در اطاعت از او امر حق یاریش کنی باید رفتار تو در تربیت فرزندت توام با احساس مسئولیت باشد، رفتار کسی که بداند در حسن تربیت فرزند ما جور است و در سوء رفتارش استحقاق عقاب و کیفر است)). (۲)

درک اهمیت تربیت فرزند خصوصاً در مباحث دینی انگیزه لازم را به پدر و مادر خواهد داد که با حوصله و برنامه ریزی و استفاده از دستورات اسلامی و تجربه دیگران در این راه موفق باشند، جهت آشنایی بیشتر با نیازهای جوان و راههای تامین آن نیازها به کتاب جوان از سری کتب گفتار فلسفی مراجعه کنید.

(۱) یوسف / ۵۳

(۲) تحف العقول

**یکی از بستگان نزدیک من تقریباً تمامی مبانی و اصول دین اسلام را قبول دارد، اما نماز نمی خواند، و از طرفی بچه های او در سنی هستند که باید شروع به خواندن نماز کنند و مادر خانه از این بابت بسیار ناراحت و دل نگران است. می خواستم بپرسم آیا این شخص کافر است یا**

**پرسش**

یکی از بستگان نزدیک من تقریباً تمامی مبانی و اصول دین اسلام را قبول دارد، اما نماز نمی خواند، و از طرفی بچه های او در سنی هستند که باید شروع به خواندن نماز کنند و مادر خانه از این بابت بسیار ناراحت و دل نگران است. می خواستم بپرسم آیا این شخص کافر است یا فقط تارک الصلاة است و برای ارشاد او باید چه کرد؟ اگر بخواهید بگویید همسرش در مقابل او نماز بخواند یا به نماز اهمیت دهد، تمام این کارها شده، اما او همچنان نه نماز می خواند و نه روزه می گیرد. به نظر شما باید چه کرد؟ اما شخص دیگری نیز هست که نماز نمی خواند، به حلال و حرام البته فقط در منزل بهایی نمی دهد، و از نظر سایر اعتقادات او نیز اطلاع دقیقی نداریم، چون باز گو نکرده ما نیز سؤالی نپرسیدیم. البته ناگفته نماند که این شخص هنوز مجرد



می باشد و در ضمن این شخص اصلاً مسؤولیت پذیر نیست. به نظر شما چه باید کرد؟ خواهشمندم ما را راهنمایی فرمایید.

## پاسخ

احساس مسؤولیت و تعهد شما در قبال دیگر اقوام و بستگان، قابل تحسین و تجلیل است. خدا را سپاسگزاریم که مردان و زنان با ایمان و مؤمن و متعهدی در جامعه وجود دارند، که به برکت وجود و حضور آگاهانه و مسؤولانه آنان در صحنه های گوناگون، احکام و دستورات نورانی و حیات بخش دین مبین اسلام، رواج و رونق می گیرد.

در خصوص سؤال مفصل شما و جنبه های گوناگون آن، نکاتی را به عرض شما خواهر عزیز و گرامی و فهیم می رسانیم.

اولاً، بر اساس بیان علمای اسلام، کافر کسی است که به انکار خدا و رسول و ... ، یا انکار یکی از ضروریات بپردازد. بنابراین کسی که نماز نمی خواند، ولی به انکار آن، به عنوان یکی از ضروریات دین، نمی پردازد، حکم کفر بر او صدق نمی کند. بلکه ایمان و باور او ضعیف و ناقص است.

ثانیاً، در برابر کسانی که نماز نمی خوانند، اگر مطمئن بشویم، که هیچ یک از ما موظف نیستیم دقیق بشویم در حالات افراد و ببینیم نماز می خوانند یا نه، ولی اگر به هر طریقی اطمینان حاصل کردیم که فردی نماز نمی خواند، ما در برابر او فقط وظیفه امر به معروف و نهی از منکر داریم. وحتماً می دانید امر به معروف و نهی از منکر نیز شرایط، ضوابط و مقررات خاصی دارد، که در کتب مربوطه آمده است؛ و از مهم ترین شرایط آن، که در رساله های عملیه مراجع بزرگوار تقلید

نیز عنوان شده، این است که امر به معروف و نهی از منکر زمانی حکم و جوب پیدا می کند که احتمال تأثیر داده بشود، و برای آمر و ناهی هم مفسده ای نداشته باشد. ولی اگر آمر و ناهی می داند امر و نهی تأثیری ندارد، یا برایش مفسده ای به دنبال خواهد داشت، حکم و جوب از انسان برداشته می شود.

ثالثاً، همسرش نه به دلیل توجه دادن او به نماز، نماز بخواند بلکه وظیفه خودش را انجام دهد، و تظاهر به این که می خواهد او را وادار به نماز بکند هم نکند، و به گونه ای رفتار نکند که شوهرش احساس کند همسرش قصد دارد او را به نماز وادار کند بلکه نماز و عبادات خودش را به خوبی انجام دهد، و در کنار انجام عبادات، در وظایف همسری خودش هم هیچگونه کوتاهی نکند. به گونه ای به انجام وظایف مادری و همسری پردازد، و به شوهرش بفهماند که به عنوان یک وظیفه و تکلیف خدایی و شرعی به همسرش خدمت می کند. اگر بتواند عشق و علاقه شوهرش را نسبت به خدا و پیامبر ( و ائمه ) افزایش بدهد، درمقاطع بعدی احتمال دارد شوهرش خودبخود به نماز و عبادت گرایش پیدا بکند.

متأسفانه در دهه های اخیر، همانند نیم قرن پیش، در گام اول برای ترویج اسلام، یاد دادن احکام اسلام مطرح می شود، و حال آنکه اگر ابتدا تاریخ اسلام و زندگی پیامبر ( و امامان ) و جلوه های زیبای آن، بیان شود، و افراد عاشق این شخصیت های بزرگ بشوند، در مرحله بعد، فراگیری احکام و عمل به آن، بسیار راحتتر خواهد بود. اگر ابتدا مفاهیمی

چون حرمت و زشتی دروغ، ظلم، بدقولی، بدرفتاری، کم فروشی، کلاه برداری، سخن چینی غیبت و سایر بدیها از سیره پیامبر ( و ائمه) بیان بشود، و زیباییهایی مثل ایثار و فداکاری، خدمت به هموعان، تقوی و پاکی و ... ، از سیره آن بزرگواران بیان و تبیین بشود، و سپس جنبه های عرفانی و سیر و سلوک ائمه (، و مناجات و عبادات آنان تشریح بشود، بطور ناخود آگاه افراد به اسلام گرایش خواهند یافت.

در تأثیر گذاری بر افراد، الگو نقش بسیار مهمی دارد. اگر بتوان برای افراد، شخصیتهایی از تاریخ و عصر حاضر به عنوان الگو معرفی کرد، و افراد الگوهای دینی را به عنوان الگوی فردی خودشان بپذیرند، خواه ناخواه با آنان هم رنگ و همسو خواهند شد. اما بیان حرمت و وجوب، به تنهایی برای گرایش به دین کافی نیست. بیان حرمت و وجوب زمانی کارساز است، که فرد ایمان و باور به دین داشته باشد، و بخواهد فردی دیندار بشود؛ در این صورت، مشتاق بیان احکام، و وجوب و حرمت خواهد بود.

بنابراین دوستان نزدیک او خیلی می توانند در تحول معنوی او نقش ایفا کنند. یا دوستی با افراد درستکار را می توان بصورت غیرمستقیم در برنامه ارتباطی خانواده قرار داد، تا به مرور زمان به آن سو هدایت شود.

رابعاً برای وادار کردن فرزندان به نماز و عبادت، بهترین راه و روش، کانون مدرسه و اولیاء تربیتی مدرسه هستند. معلمان می توانند به طور شایسته و بسیار خوب، دانش آموزان را به این امر مقدس و با ارزش ترغیب و تحریض کنند. می توانید از طریق مدرسه و مربی تربیتی وارد شده، از او

بخواهید با توجه ویژه به آن دانش آموزان، عبادت و نماز را به نحو مقتضی، و با استفاده از روشهای تربیت، در آنان نهادینه کند.

در مورد شخص دیگری که نوشته اید نیز اگر اطمینان به تارک الصلاة بودن او دارید، از طریق ابراز محبت همسرش، و نیز مواردی که ذکر شد، اقدام نمایید. امید است در این راه موفق و سربلند باشید. با آرزوی موفقیت و کامیابی، و توفیق نشر و ترویج ارزشهای متعالی دین. التماس دعا

منابع و مآخذ:

۱. رساله های عملیه، مراجع بزرگوار تقلید، فصل دفاع و امر به معروف و نهی از منکر

۲. کتب تربیتی (بحث روشهای تربیت)

عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی، شهید مطهری

**چگونه می توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ برای فردی که امر به معروف در او تأثیری ندارد بیان کنید؟**

**پرسش**

چگونه می توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ برای فردی که امر به معروف در او تأثیری ندارد بیان کنید؟

**پاسخ**

امر به معروف از آسان ترین مرحله شروع می شود و چنان چه لازم باشد تا سخت ترین مرحله مجاز ادامه می یابد؛ البته این سیر کلی در امر به معروف و نهی از منکر است ولی این که آسان ترین مرحله و شیوه های برخورد اولیه چیست و چگونه و تحت چه ضوابطی این کار را باید شروع کرد، در قرآن کریم در این باره آیاتی وجود دارد، از جمله

۱. خیرخواهی خداوند متعال می فرماید: "پیغام ها و رسالت های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و همانا برای شما خیرخواهی امینم . (اعراف ۶۸) آمر و ناهی باید خیرخواه شخص نصیحت شونده باشد.

۲. جدال احسن خداوند متعال می فرماید: "ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ - أَحْسَنُ... (نحل ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آن به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره نما..."

حکمت به معنای دانش و منطق و استدلال و موعظه نیکو، استفاده از عواطف انسان هاست جدال احسن در صورتی است که حق عدالت امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هرگونه جسارت توهین تحقیر و... پرهیز شود.

۳. صلابت در سخن آمر و ناهی باید در سخن خود قاطع باشد.

۴. تطابق قول و فعل قرآن کریم می فرماید: "آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خودتان را فراموش می کنید [خود آن را ترک می کنید]..." (بقره)

۴۴) پس قول و فعل آمر و ناهی باید مطابق هم باشد.

۵. رهنمودهای روان‌شناسی روان‌شناسان با استفاده از تجربه به نکاتی در زمینه هدایت و پرورش و چگونگی و راهبردهای آن رسیده‌اند که آگاهی از آن‌ها در پیشبرد تکریم شخصیت مخاطب مؤثر است قبل از برخورد و نصیحت می‌توان نکات مثبتی از اخلاق درس ورزش و... را از مخاطب به زبان آورد و وی را به خاطر آن تمجید کرد؛ آن‌گاه تذکر داد که چنین شخصیتی (مثلاً در رتبه علمی و یا سطح ورزشی شایسته نیست چنین کار ناپسندی را مرتکب شود و...) (ر.ک تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۳۵۴۸ و ج ۴، ص ۳۷، دارالکتب الاسلامیه)

از نظر اسلام امر به معروف و نهی از منکر در انجام امور واجب و ترک محرمات بر همه مسلمانان بر اساس شرایط و ضوابط آن واجب است و در انجام امور مستحب و ترک مکروهات مستحب است

ضمناً وجوب امر به معروف و نهی از منکر چهار شرط دارد:

۱ شناخت معروف و منکر توسط آمر و ناهی ۲ احتمال تأثیر

۳ عدم مفسده جانی عرضی و مالی برای آمر و دیگر مؤمنین ۴ تصمیم گناهکار بر اصرار بر گناه ر.ک رسائل توضیح المسائل امام خمینی مسئله ۲۷۸۶ ۲۸۲۵.)

**وظیفه ما نسبت به کسی که امر به معروف و نهی از منکر کردیم ولی اعتنایی نمی‌کند چیست**

**پرسش**

وظیفه ما نسبت به کسی که امر به معروف و نهی از منکر کردیم ولی اعتنایی نمی‌کند چیست

**پاسخ**

امر به معروف از آسان‌ترین مرحله شروع می‌شود و چنانچه لازم باشد تا سخت‌ترین مرحله مجاز ادامه می‌یابد؛ البته این سیر کلی در امر به معروف و نهی از منکر است ولی این که آسان‌ترین مرحله و شیوه‌های برخورد اولیه چیست و چگونه و تحت چه ضوابطی این کار را باید شروع کرد، در قرآن کریم در این باره آیاتی وجود دارد، از جمله

۱. خیرخواهی خداوند متعال می‌فرماید: "پیغام‌ها و رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و همانا برای شما خیرخواهی امینم. (اعراف ۶۸) آمر و ناهی باید خیرخواه شخص نصیحت‌شونده باشد.

۲. جدال احسن خداوند متعال می‌فرماید: "ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ - أَحْسَنُ... (نحل ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آن به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره نما..."

حکمت به معنای دانش و منطق و استدلال و موعظه نیکو، استفاده از عواطف انسان هاست جدال احسن در صورتی است که حق عدالت امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هرگونه جسارت توهین تحقیر و... پرهیز شود.

۳. صلابت در سخن آمر و ناهی باید در سخن خود قاطع باشد.

۴. تطابق قول و فعل قرآن کریم می فرماید: "آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خودتان را فراموش می کنید [خود آن را ترک می کنید]..." (بقره ۴۴) پس

قول و فعل آمر و ناهی باید مطابق هم باشد.

۵. رهنمودهای روان شناسی روان شناسان با استفاده از تجربه به نکاتی در زمینه هدایت و پرورش و چگونگی و راهبردهای آن رسیده اند که آگاهی از آن ها در پیشبرد تکریم شخصیت مخاطب مؤثر است قبل از برخورد و نصیحت می توان نکات مثبتی از اخلاق درس ورزش و... را از مخاطب به زبان آورد و وی را به خاطر آن تمجید کرد؛ آن گاه تذکر داد که چنین شخصیتی (مثلاً در رتبه علمی و یا سطح ورزشی شایسته نیست چنین کار ناپسندی را مرتکب شود و... (ر.ک تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۳۵۴۸ و ج ۴، ص ۳۷، دارالکتب الاسلامیه )

از نظر اسلام امر به معروف و نهی از منکر در انجام امور واجب و ترک محرمات بر همه مسلمانان بر اساس شرایط و ضوابط آن واجب است و در انجام امور مستحب و ترک مکروهات مستحب است

ضمناً وجوب امر به معروف و نهی از منکر چهار شرط دارد:

۱ شناخت معروف و منکر توسط آمر و ناهی ۲ احتمال تأثیر، بنابراین اگر می دانی که طرف اعتنایی به سخن تو نمی کند و در او هیچ تأثیری ندارد، در این صورت واجب نخواهد بود.

۳ عدم مفسده جانی عرضی و مالی برای آمر و دیگر مؤمنین ۴ تصمیم گناهکار بر اصرار بر گناه ر.ک رسائل توضیح المسائل امام خمینی مسئله ۲۷۸۶ ۲۸۲۵).

**همان گونه که خوانده ام و شنیده ام در خانه ای که نوارهای ترانه و آهنگ های مبتذل باشد، امامان به آن خانه ها کاری ندارند. اگر کسی در محیطی زندگی می کند که هیچ علاقه ای به این مسائل ندارد، ولی یکی از اهل خانواده اهل ترانه گوش کردن است و امر به معروف و نهی ا**

**پرسش**

همان گونه که خوانده ام و شنیده ام در خانه ای که نوارهای ترانه و



آهنگ های مبتذل باشد، امامان به آن خانه ها کاری ندارند. اگر کسی در محیطی زندگی می کند که هیچ علاقه ای به این مسائل ندارد، ولی یکی از اهل خانواده اهل ترانه گوش کردن است و امر به معروف و نهی از منکر هم اثر ندارد؛ لطفاً بفرمایید وظیفه فردی که در چنین خانواده ای زندگی می کند چیست

## پاسخ

درباره "خانه در روایات ائمه حقایق جالبی گفته شده است به ویژه از این جهت که در خانه گناه باشد و یا یاد الهی در برخی روایات خانه ای که در آن یاد خدا نشود، مرده و خانه ای که در آن یاد خدا بشود، زنده معرفی شده است (مکارم الاخلاق طبرسی ص ۳۱۱، نشر منشورات شریف رضی)

این روایت نشان می دهد که خانه ها هم نزد خدا مرده و زنده دارند و ملاک حیات و زندگی در آن ها یاد خداست

در روایت دیگری نیز آمده است "خانه ای که در آن "نماز شب خوانده می شود، برای اهل آسمان می درخشد، مانند آن که ستارگان برای اهل زمین می درخشند." (عوالی اللثالی ابن ابی جمهور احسائی ج ۱، ص ۱۳۶، نشر مطبعه سید الشهدا.) و در روایت دیگری به جای نماز شب هر "معروفی وارد شده است خلاصه ملاک و معیار دوری و نزدیکی یک خانه از عنایات و توجهات الهی و ائمه معصومین و فرشتگان و اهل آسمان گناه و اطاعت الهی است یعنی خانه ای که در آن گناه باشد، از چشم می افتد و خانه ای که در آن یاد خدا باشد، مورد عنایت واقع

می شود؛ البته دوری و نزدیکی انسان از خداوند متعال بر اساس رفتارهای شخصی خودش رقم می خورد؛ هر چند انسان موظف است با امر به معروف و نهی از منکر، به اصلاح محیط خود، اعم از خانه مدرسه اداره و... اقدام کند، ولی ما از آیات الهی قرآن کریم می فهمیم که نسبت به نزدیکان خود، مسئولیت ویژه ای داریم "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ (تحریم ۶) ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ هاست نگه دارید." این مسئولیت غیر از وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است که همگانی است و اختصاصی به نزدیکان ندارد؛ گویا در مورد نزدیکان می فرماید تلاش کنید آن ها را از آتش جهنم حفظ کنید؛ حال چه با امر به معروف و نهی از منکر و یا با هر وسیله صحیح دیگری پس شما درباره نزدیکان و اهل خانواده خود باید نهایت سعی و تلاش خود را، هر چند با نصیحت و التماس و احسان و غیره به کار گیرید و به آن ها کمک کنید تا از ورطه گناه بیرون آیند، ولی سرانجام اگر توفیق اصلاح محیط خود را پیدا نکردید و محیط به هر جهت اصلاح نشد، حساب شما از دیگران نزد خداوند متعال جدا می شود، مانند بسیاری از پیامبران الهی که با یاران اندک خود در محیطهایی زندگی کردند که ساکنان آن هرگز تن به اصلاح ندادند.

**باتوجه به وضعیت تهاجم فرهنگی و شرایط سیاسی و اجتماعی چه کنیم تا هم امر به معروف و نهی از منکر نماییم و هم این عمل ما موجبات ناراحتی دیگران را فراهم نسازد؟**

**پرسش**

باتوجه به وضعیت تهاجم فرهنگی و شرایط سیاسی و اجتماعی چه کنیم تا هم امر به معروف و نهی

از منکر نماییم وهم این عمل ما موجبات ناراحتی دیگران را فراهم نسازد؟

**پاسخ**

مردم در جامعه مانند جماعتی هستند که در کشتی نشسته اگر کسی بخواهد جای خود را در کشتی سوراخ کند وادعا نماید که من به دیگران کاری ندارم و فقط جای خود را سوراخ می کنم آیا دیگران می توانند ساکت بنشینند و تماشا کنند؟ از آنجایی که آثار سوء یک خلاف اجتماعی تنها به خود افراد محدود نمی شود ونباید از این نظارت ملی که همان امر به معروف و نهی از منکر است غافل شد ، بدون تردید امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات است و انجام آن هم مستلزم پرداخت یک سری هزینه هایی است که برای سایر واجبات دیگر انجام می گیرد و بنا بر آیات و روایات رسیده .....[آن بلحاظ کارکرد اجتماعی در بعضی از مواقع به مراتب از بقیه واجبات بیشتر است به حدی که امام حسین (ع) برای احیای این فریضه جان عزیزش را در طبق اخلاص خدا می کند. اما آنچه مهم است که بدانیم انجام این واجب دارای شرایط ویژه ای است که در شرع مقدس همچون شناخت معروف از منکر ، احتمال تأثیر احتمال تکرار آن از سوی شخص خاطی ، نبود ضرر و زیان جانی و مالی در برخی موارد ۰۰۰ بیان گردیده است. حال پس از فراهم بودن شرایط ، نباید از خاطر دور داشت که زدودن برخی از مفساد اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی نیازمند تشکیلات منسجم و قوی است که از حیطة فرد خارج است و این حکومت است که با ساز و کار مناسب که به همین منظور بوجود آمده

اند جلوی مفسد را بگیرد. و چنانچه چنین تشکیلات منسجم و خوبی نباشد باید از طریق مذاکره و مکاتبه با دفتر رهبر معظم انقلاب، بسیج و تشکیلات دلسوز جهت ریشه کن کردن آن اقدام نمود. پیوند با مسجد، امام جماعت محل و مراجع تقلید نیز از بهترین و مناسبترین پایگاههای مقابله با مفسد اجتماعی است اما برخی از مظاهر منکر و مفسد هم که در حد محدوده شخصی افراد است بدون شک با رعایت شرایط آن و با انتخاب اصلح ترین روش و تاکتیک باید به ادای این فریضه پرداخت. آنچه مهم است نحوه بیان و تذکر است که می تواند نقش مؤثری داشته باشد و اولین گام هم در انجام این واجب تذکر لسانی و زبانی است و همین که افراد خطا کار، غافل و لاابالی بدانند که چهره انسان یک چهره متذکر و هشدار دهنده و خیرخواه است سعی می کنند جهت مصون ماندن از چنین تذکراتی رعایت معروف را بنمایند و اگر امر به معروف و نهی از منکر با قصد دلسوزی و به بهترین شیوه انجام شود بدون شک هم تأثیر خواهد داشت و هم نگرانی افراد و ناراحتی آنان چندان مهم نخواهد بود و دیر یا زود خواهند فهمید که امر به معروف و نهی از منکر جز خیر چنین افرادی را مدنظر نداشته اند.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر باید مرحله مرحله انجام پذیرد:

۱- تنفر قلبی از کار زشت

۲- بایبان خوش و گفتار دلسوزانه به این نحو که اول نقاط قوت شخصی خلافکار را گفته و سپس نقاط ضعف آن را جوری بیان کنیم که منظورمان این است که نقطه ضعف از بین برود و تبدیل به قوت گردد.

۳- مسائل منکر را با لطائف الحیل از او دور کنیم و

مرحله سوم قهر کردن و چهارم با کلمات تند و گاهی به تهدید و ۰۰۰ در ضمن متذکر می شویم که امر به معروف و نهی از منکر معمولاً طرف مقابل ناراحت میشود. اما شما نباید ناراحت شوید و حتی اگر دشنام و یا کتک هم خوردید باید خوشحال بود که واجب و امر الهی اطاعت و انجام گرفته است.

برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه نمایید:

نظارت ملی یا امر به معروف و نهی از منکر نوشته ابوالقاسم علی زاده حسن آبادی، تابستان ۱۳۷۱، دفتر تبلیغات اسلامی.

**لطفاً بفرمایید روش مناسب جهت نهی از منکر دخترانی که با آرایش و بد حجاب در کوچه و بازار مشاهده مینماییم چیست و ما چه وظیفه شرعی داریم؟**

### اشاره

لطفاً بفرمایید در برخورد با پسرانیکه دور و بر دختران مشغول متلک گوئی هستند به چه روش عمل نمایم؟

### پرسش

لطفاً بفرمایید روش مناسب جهت نهی از منکر دخترانی که با آرایش و بد حجاب در کوچه و بازار مشاهده مینماییم چیست و ما چه وظیفه شرعی داریم؟

لطفاً بفرمایید در برخورد با پسرانیکه دور و بر دختران مشغول متلک گوئی هستند به چه روش عمل نمایم؟

### پاسخ

این نوع رفتارها غالباً درس نوجوانی اوائل بلوغ مثل مقطع دبیرستان است لذا خیلی ظریف و حساس است و کمتر حین ارتکاب عمل اثر دارد، البته ممکن است با شرایط خاصی و طریقه مخصوص با لحاظ جوانب روحی و رفتاری طرف اثر کند ولی اغلب این موارد باید در شرایط رفاقت و آرامش به امور آنها را متذکر کرد.

۱- حجب و زشتی این اعمال را به آنها گوشزد کرد.

۲- مسئولیت انسان و شرافت گوهر وجودی او را به او یاد آوری کرد.

۳- از راه تحریک عاطفه و تشویق به حفظ حرمت و کرامت نوامیس مردم کرد.

تذکر: البته اگر با شرایط مناسب بود و تذکر دادی حتی اثر عملی هم نکرد برای آمر به معروف خیر و برکات معنوی را دارد و

خود امر و نهی چند شرط دارد .

۱- موارد و مصادیق امر و نهی را بشناسد .

۲- احتمال اثر بد هی

۳- خطر یا مفسده برای آمر نداشته باشد ( البته بستگی به مورد منکر و مقدار خطر دارد )

لکنتم خیر امه اخرجت الناس لتأ مرون با لمعروف و تنهون عن المنکر

شما بهترین امتی هستید که برای اصلاح بشر قیام کردید

**با منافقین چگونه باید رفتار کرد.**

**پرسش**

با منافقین چگونه باید رفتار کرد.

**پاسخ**

در قبال هر گناه و گنهکاری وظیفه یک مؤمن امر به معروف و نهی از منکر است در قبال شخص منافق نیز باید امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت شرایط آن اجرا نمود که عبارتند از:

۱. شناساندن معروف و منکر: اول باید سعی کنیم حق را به شخص گنهکار بشناسانیم - ممکن است شخص منافق از حقیقت کار خود بی اطلاع باشد.

۲. تبیین قبح و بدی نفاق: اگر منافق زشتی کار خود را بفهمد ممکن است به راحتی از این عمل زشت دست بردارد.

۳. تحویل نگرفتن و صمیمی نشدن با او.

۴. ناراحت شدن از او و ابراز این ناراحتی.

۵. طرد او از جامعه مسلمین و مؤمنین.

و اگر در هر مرحله آن شخص اصلاح شد مجاز به اجرای مرحله بعد نیستیم.

**در خانه ما مرد سالاری حاکم است پدرم بشدت مادرمان را با زورگوئی اش تحت فشار قرار داده \* لطفا بگویید چگونه می توان او را**

### پرسش

در خانه ما مرد سالاری حاکم است پدرم بشدت مادرمان را با زور گوئی اش تحت فشار قرار داده \* لطفاً بگویید چگونه می توان او را راهنمایی کرد؟

### پاسخ

قضاوت در مورد زندگی خانوادگی شما و نقش پدر و مادرتان از راه دور کار آسانی نیست؛ چه بسا که هر طرف برای کار خود دلایلی داشته باشد. ولی در هر صورت روش مادر شما (صبر و بردباری) روش پسندیده ای است چرا که اگر دو طرف بر مواضع خود اصرار ورزند، نه تنها مشکلی حل نمی شود بلکه معضلات و ناآرامی زندگی افزون تر خواهد شد.

شما نیز روش مادر را در پیش گیرید. البته سعی کنید از راه مناسب و توسط اشخاصی که روی پدر نفوذ دارند موارد لازم را به او تذکر دهید. نقش شما در حال حاضر بایستی نقش آرامش بخش به خانواده باشد.

توصیه های زیر را نیز مد نظر داشته باشید:

۱- پیش از هر چیز، به خداوند بزرگ توکل نموده و پیوسته از او در حل مشکل مدد جویید.

۲- همواره بکوشید در برابر ناهنجاری های ذکر شده صبر، متانت و برخوردی پرمهر و عاطفه و منطقی داشته باشید و دیگر اعضای خانواده را نیز به چنین شیوه ای تشویق نمایید، به ویژه مادر شما اگر در برابر هر خشونت عکس العملی محبت آمیز داشته باشد به تدریج، البته در مدت طولانی، روش تند و خشن پدرتان را تغییر خواهد داد.

۳- کوشش کنید عواملی که در خانه موجب ناراحتی و عصبانیت پدرتان می شود، از بین برود؛ مثلاً اگر از بی نظمی های خانه، سر و صدا یا برخی خواسته ها ناراحت می شود، حتی الامکان آنها را از بین ببرید و محیط خانه را برای

او جایگاهی آرام بخش و دوست داشتنی کنید.

۴- بررسی کنید که دخالت های دیگران در چه زمینه هایی است، سپس بکوشید آن زمینه ها را از بین ببرید.

۵- در صورتی که افراد بزرگ و فهمیده ای در نزدیکان، بستگان یا دوستان پدرتان وجود دارد که توصیه هایش به پدر شما مفید می افتد مشکلات را با او در میان نهاده و بخواهید که با حفظ امانت و شیوه ای حکیمانه، در موارد مقتضی اندرزها و رهنمودهای لازم را به پدر شما بدهد و به کارها و اقدامات ناپسند خود آگاه نماید. به هر حال او پدر شماست و شما باید دید خود را نسبت به او عوض کنید. شما با اخلاق و نیک رفتاری خود، می توانید الگوی مناسبی برای تغییر رفتار پدرتان باشید. البته لازم به ذکر است اسلام هیچ گاه نگفته مرد هر چه بخواهد در زندگی می تواند انجام دهد.

در صورت تمایل نتیجه کار را با ما مکاتبه کنید.

### **وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟**

#### **پرسش**

وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟

#### **پاسخ**

امر به معروف و نهی از منکر در صورت احتمال تأثیر واجب است، ولی در مورد شما آنچه ضرورت دارد، روشنگری و روشن ساختن فلسفه احکام برای آنهاست. باید سعی کنید با کار زیربنایی و فردی بر روی افراد، و توضیح این که ترانه های مبتذل آدمی را به خیر دعوت نمی کند و نیز سایر تأثیراتی که در روان و اخلاق و بینش آدمی می گذارد، آنان را برای پذیرش احکام الهی آماده کنید. خداوند در این راه یار و مددکار شما باشد.

در امر به معروف و نهی از منکر باید مراتب امر به معروف و نهی از منکر رعایت شود. در ابتدا باید با گفتار و نصیحت و ارشاد راهنمایی کرد و اگر این راه ها مؤثر واقع نشد، چنان چه کم کردن ارتباط و یا قطع آن مؤثر باشد، از آنراه اقدام شود و چنان چه هیچ یک مؤثر واقع نشد، می توانید مراتب را به مقامات مسؤول دانشگاه اطلاع دهید تا خودشان جلوگیری کنند و اگر هیچ یک از این امور ممکن نبود، تکلیف از شما ساقط می شود.

### **در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟**

#### **پرسش**



در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم؟

**پاسخ**

نصوص معتبر دینی با صراحت و قاطعیت مسؤولیت افراد را نسبت به انحرافات اجتماعی مطرح ساخته اند. در چشم انداز اسلامی پیدایش و بقای جامعه سالم بدون مسؤولیت همگانی ناممکن است. البته در این راستا مسؤولیت افراد متفاوت است و هر کس به تناسب توانایی ها دانش ها و شرایط ویژه ای که در آن قرار دارد مسؤول است.

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب و همسویی برخی از جریانات داخلی دارد.

از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. اکنون باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد:

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد.

ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی.

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در این رابطه نکات چندی را یادآور می شویم:

الف) تنها به معضلات و ابعاد منفی اجتماع فکر نکنید، بلکه به جنبه های مثبتی که به شکرانه انقلاب برای ملت ما پیش آمده نیز بیندیشید. اگر شما بتوانید دوران پس از انقلاب را با دوران قبل از آن مقایسه کنید نگرش دیگری خواهید داشت.

ب) علاوه بر این نباید از معضلات اجتماعی آنچنان ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه ور سازید، چون خود این حالت نیز باعث کندی کار و سدّ راه تکامل شما

خواهد بود. نبی اکرم(ص) درباره نابسامانی اجتماع و عدمایمان مردم به شدت ناراحت می شدند تا این که خدای سبحان حضرتش را دلداری داده و می فرماید: « طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی »؛ پیامبر ما این قرآن را برای این نفرستادیم که به خاطر کفر و عدم گرایش این مردم خود را به رنج و مشقت بیفکنی (طه، آیه ۱) و نیز می فرماید: « لعالمک باخع نفسک الا یكونوا مؤمنین »؛ ای رسول، تو چنان در اندیشه این خلقی که از غم بی ایمانی این مردم خود را هلاک کنی (شعراء، آیه ۲۳).

ملاحظه می کنید که قرآن مجید چگونه نبی اکرم(ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذر داشته است و نیز تعبیر حکیمانه علی(ع) در این راستا حائز اهمیت است که می فرماید: « اللهم نصف الهمم »؛ هم و غم نصف پیری را تشکیل می دهد (نهج البلاغه قصار ۱۴۳)؛ یعنی، غصه و اندوه انسان را می شکند و زود از پا در می آورد. با این نگرش، گرچه ما به احساس پاک شما ارج می نهم ولی رهنمود ما این است که خود را چنان دچار اندوه و حسرت نکنید که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید.

ج) و اما چه باید کرد؟ از نکات مزبور چنین برداشت نکنید که پس ما مسؤولیتی در ازای این رویدادها نداریم؛ بلکه به پیشنهادی چند، نیک بیندیشید.

۱- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امر به معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت و ظرافت به انجام برسانید.

۲- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشکل داشته باشید.

۳- و در محافل و مجالسی که تشکیل می دهید

بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری از دانشجویان به طور فعال و کوشا در این راه گام بردارید و مطمئن باشید که خدای کریم در صدد ارشاد چنین فرزانه‌گانی است. و امیدوار باشید که در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت.

چند از این الفاظ واضمار و مجاز

سوز خواهم سوز با آن سوز ساز

### **چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟**

#### **پرسش**

چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟

#### **پاسخ**

در این باره لازم است اصول و ضوابطی که به آن اعتقاد داریم مراجعه کنیم از جمله:

۱- حفظ ایمان و اعتقاد خودمان از همه چیز مهمتر است نباید عملی انجام دهیم که به دینداری ما صدمه‌زنند.

۲- تقویت بچه‌های مذهبی از نظر روحی و روانی لازم است و مذهبی‌ها نباید تضعیف شوند اگر هم به آنان انتقاد داریم بیان انتقاد نباید به تضعیف آنان بیانجامد.

۳- امر به معروف و نهی از منکر مصادیق و انواع گوناگون دارد، گاه با رفاقت و دوستی می‌توان این کار را انجام داد گاه با کنار کشیدن و به کار خود مشغول بودن گاه با بی‌اعتنایی و گاه... با توجه به این اصول و ضوابط اگر برقراری روابط رفات با آنان با این اصول سازگار است اشکال ندارد.

در عین حال برخوردهای نسنجیده و ناگهانی و بدون زمینه و مقدمه و بدون طرح و برنامه صحیح نیست. }J

**افرادی را می‌شناسیم که هرزه و لابلالی هستند ولی نوحه خوانی امام حسین (ع) می‌کند، با این گونه افراد چگونه برخورد کنیم ؟**

#### **پرسش**

افرادی را می‌شناسیم که هرزه و لابلالی هستند ولی نوحه خوانی امام حسین (ع) می‌کند، با این گونه افراد چگونه برخورد کنیم ؟

باید به چنین افرادی با زبانی ملایم تذکر داد که شما که در مقام مدّاح و نوحه خوان حضرت اباعبدالله (ع) هستید، شایسته است که سایر اعمال و رفتارت نیز مورد قبول امام حسین (ع) باشد.

**ضمنا در مورد سوال سوم نامه قبلی ۱۲۰۰۸ که در مورد امر به معروف و نهی از منکر است برایم مبهم بود من در مورد ترک این مهم از طرف خودم نگرانم ولی بیشتر اوقات که آن را ترک می کنم به دلیل این است که نمی دانم چگونه موضوع را مطرح کنم که وضع طرف مقابل بدتر نشود.**

پرسش

ضمنا در مورد سوال سوم نامه قبلی ۱۲۰۰۸ که در مورد امر به معروف و نهی از منکر است برایم مبهم بود من در مورد ترک این مهم از طرف خودم نگرانم ولی بیشتر اوقات که آن را ترک می کنم به دلیل این است که نمی دانم چگونه موضوع را مطرح کنم که وضع طرف مقابل بدتر نشود.

پاسخ

در نامه قبلی وظایف و حدود و احکام فردی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر باشد به خوبی و به صورت مفید و مختصر بیان گردید. مشکل شما در واقع پیاده کردن این برنامه ها و عمل به آنها در موارد مختلف است. البته این مطلبی بسیار ظریف و حساس است و باید همه جوانب و اطراف آن به خوبی مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد. یعنی تشخیص این که این مورد خاص جای عمل کردن به کدام مرحله از امر به معروف و نهی از منکر است مهم و اساسی است. انتخاب قالب مناسب برای عمل به امر به معروف و نهی از منکر دارای نقش اساسی است. مثلا اگر راننده اتوبوس از نوار غیر مجاز و غیر مناسب که حرمت آن مسلم و قطعی است استفاده می کند در اینجا دو نوع عکس العمل در راستای امر به معروف و نهی از منکر می توان انجام داد. یکی این که با شدت و خشونت از او بخواهیم صدای آن را خاموش کند و دیگر این که با ملایمت و به کار بردن کلماتی مثل «ببخشید، معذرت می خواهم» از او بخواهیم که صدای نوار را کم کند به حدی که

فقط خود او بشنود. راه اول معمولاً مفید و مؤثر نمی باشد و گاه وضع را بدتر می کند و او را در خلافت جری تر و جسورتر می سازد و گاه منجر به درگیری می گردد. ولی راه دوم معمولاً- مؤثرتر و اثربخش تر است و علاوه بر تحقق این دو واجب آثاری مخربی در پی ندارد. در همین مورد جو مسافرین حاضر در اتوبوس و چگونگی اعتقاد و باور و عکس العمل آنها نیز نقش مؤثری دارد. اگر تعداد متدینین و مؤمنین زیاد باشد، راحت تر می توان این کار را انجام داد چون وجود آنها به منزله پشتوانه و حمایت است. در همین مثال اگر شرایط به گونه ای باشد که تنها شما معترض به کار راننده هستید با توجه به خانم بودن شما و نداشتن پشتیبان کافی است که شما به آن نوار مبتذل گوش ندهید و همین ناراحتی و نارضایتی درونی و قلبی شما خود نوعی امر به معروف و نهی از منکر است چون گفته اند حداقل مرتبه امر به معروف و نهی از منکر نارضایتی قلبی است. بررسی روحیات فردی که می خواهیم او را امر به معروف و یا نهی از منکر نماییم بسیار مهم است. گاه ممکن است فردی بدزبان و بی ادب باشد و باعث آبروریزی و هتک حرمت گردد و فسادى بالاتر به بار آورد. مثلاً اگر فردی از افراد خانواده، نماز نمی خواند، نحوه برخورد با او و در پیش گرفتن راهی مناسب برای راهنمایی و هدایت او، بستگی مستقیم با روحیات و اخلاق او دارد. ممکن است او فردی باشد که با کمی

سرسنگینی از طرف شما و بی‌اعتنایی به او، به خود بیایید و متوجه شود شما به خاطر ترک نماز چنین با او برخورد می‌کنید. ولی گاه ممکن است این نوع رفتار تأثیری منفی و برخلاف داشته باشد و او را در ادامه راه غلط خود لجوج تر و مصرتر گرداند. یعنی کنار آمدن با او و گرم گرفتن او و در موارد مناسب با عمل و حرف به او تذکر دادن و نصیحت کردن در مورد این فرد بهتر جواب می‌دهد.

مثال دیگر مجالس عروسی و جشن است که معمولاً رعایت حدود شرعی در آنها نمی‌شود و مسائلی مانند نوار حرام و رقص و اختلاط محرم و نامحرم در این گونه مجالس معمول است. در اینجا اگر تشخیص فرد شرکت‌کننده در این مجالس این است که ممکن است آلوده به حرام گردد نباید در این مجالس شرکت کند. حال اگر مجبور و مضطر به شرکت در این مجالس گردید، اگر می‌تواند باید مانع ادامه این برنامه گردد و اگر نمی‌تواند باید از این مجلس خارج گردد و اگر خروج او به هر دلیل ممکن نبود باید به گونه‌ای رفتار نماید که دیگران ناراحتی و نارضایتی او را در این مورد متوجه شوند و این خود نوعی امر به معروف و نهی از منکر است. با توجه به این مثال‌ها می‌توانید در موارد دیگر نیز اقدامات لازم و مناسب را انجام دهید و از نظر وجدانی و شرعی خشنود باشید که به وظیفه خود در این مورد به اندازه توانایی و وسع خود عمل نموده‌اید موفق و

پیروز باشید.

و باید دانست که در برخورد با هر منکری کار متناسب با آن ضروری است و آنچه از روش ها گفته می شود ممکن است در هر موردی جواب ندهد و نیاز به راهکار متناسب برای رسیدن به هدف است.

### **وظیفه شخص در خوابگاه دانشجویی ، هنگام شنیدن موسیقی حرام چیست ؟**

**پرسش**

وظیفه شخص در خوابگاه دانشجویی ، هنگام شنیدن موسیقی حرام چیست ؟

**پاسخ**

چنان که گفته شد، اگر امر به معروف مؤثر نیست و شما مایل به شنیدن نباشید و مجبورا صدا به گوش شما می رسد، شرعا برای شما اشکال ندارد و اگر می توانید تغییر مکان بدهید، لازم است از آن مکان بیرون بروید. شنیدن نوارها و صداهای مشکوک که - نمی توانید حرمت آنها را تشخیص بدهید - اشکال ندارد.

### **بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند. برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟**

**پرسش**

بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند. برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟

**پاسخ**

بدین منظور از راه کارهای زیر استفاده کنید: ۱- قبل از هر چیز اعتماد آنها را به خود جلب کنید تا تذکرات و سخنان تان تاثیر بیشتری داشته باشد. ۲- ضررها و آثار سوئی روحی و روانی تماشای چنین فیلم هایی را به آنها متذکر شوید. ۳- اهمیت و ارزش وقت به خصوص در دوران تحصیل را به آنها یادآوری کنید و آنها را به مطالعه و تحقیق تشویق نمایید. ۴- توصیه کنید به جای تماشای چنین فیلم هایی ، اوقات فراغتشان را با ورزش و سرگرمی های شاد دیگر پر کنند و ضمن بیان فواید و آثار مثبت ورزش (مثل کوهنوردی ، شنا، فوتبال و ورزش های دسته جمعی دیگر) با یک برنامه ریزی منظم ، ترتیبی بدهید که فرصت کافی برای تماشای آن فیلم ها پیدا نکنند. ۵- به کمک بعضی تشکل های دانشجویی دانشگاه و خوابگاه برای پر کردن اوقات فراغت جوانان به تشکیل و راه اندازی مسابقات فرهنگی ، ورزشی و یا اردوهای علمی ، تفریحی و... اقدام نمایید و یا از فیلم های جذاب علمی و در ارتباط با رشته تحصیلی آنها استفاده کرده و به نمایش بگذارید.

## چگونه برادرم را که با دروغ گفتن به پدر و مادر کارهای خلاف می کند هدایت کنم؟

### پرسش

چگونه برادرم را که با دروغ گفتن به پدر و مادر کارهای خلاف می کند هدایت کنم؟

### پاسخ

یکی از چیزهایی که امروزه در روانشناسی روی آن تأکید می شود، نقش و تأثیر عوامل محیطی و از جمله نقش گروه های هم سال (دوستان)، بر افراد است. طبق نظر روان شناسان، یادگیری اجتماعی و رفتار انسان، محصول تعامل مداوم متغیرهای شخصی و محیطی است. شرایط محیطی، از طریق یادگیری، به رفتار شخص شکل می دهد. تأثیری که دیگران بر فرد دارند، نقش زیادی در رفتار او دارد. بعضی از الگوهای رفتاری نیز از راه تجربه مستقیم یاد گرفته می شود؛ لکن بسیاری از رفتارهای انسان از راه مشاهده (یادگیری از راه مشاهده) به دست می آید. حالا اگر ما با افرادی رفت و آمد داشته باشیم که انسان های با شخصیت و خوبی هستند، مشاهده رفتار خوب آنان تأثیر مثبتی در ما ایجاد می کند. در نتیجه ما نیز همان گونه رفتار می کنیم. اما اگر خدای ناکرده با افراد بی شخصیت، لاپابالی و ناباب سر و کار داشته باشیم، مشاهده رفتار زشت آنان، ناخودآگاه بر رفتار و افکار ما تأثیر منفی خواهد داشت و ما را نیز به انحراف خواهد کشاند.

قرآن هم تا حدودی، تأثیر عوامل محیطی - از جمله نقش دوستان - را در هدایت و گمراهی افراد، می پذیرد (مثل نقش دوستان پسر نوح پیغمبر در انحراف او و نهایتاً غرق و نابود شدن وی).

شما با یادآوری این نکته که پسر پیغمبر خدا، با افراد بد و ناباب، رفت و آمد کرد و گوش به حرف پدرش نداد؛ در نتیجه به فساد و انحراف کشیده شد و غرق و نابود گشت؛ چه رسد به افراد عادی مثل ما.



این حرف ها، در صورتی اثر خواهد داشت که برادر شما از شما حرفش نوی داشته باشد؛ اما در غیر این صورت، می توانید از اعضای دیگر خانواده و یا از یکی از دوستان و آشنایان با تجربه، دلسوز و قابل اعتماد کمک بگیرید تا از این طریق، مسأله به خیر و خوشی حل شود. }J

### با توجه به رواج بد حجابی در جامعه علت آن چیست و روش راهنمایی این افراد در جامعه چه می باشد؟

#### پرسش

با توجه به رواج بد حجابی در جامعه علت آن چیست و روش راهنمایی این افراد در جامعه چه می باشد؟

#### پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود آنچه که نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی

مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد:

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد.

ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی.

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد. آنچه که مربوط به شما می شود در صورتی که شرایط برای امر به معروف و نهی از منکر مهیا است لازم

است نهی از منکر نمائید در صورتی که احتمال تأثیر نمی دهید بر شما چیزی نیست ضمناً نگاههای اتفاقی بدون اختیار اشکال ندارد. در عین حال گاهی اوقات افراد اطلاع و شناخت کافی از اهمیت حجاب و آثار مثبت آن ندارند و از طرف دیگر عوارض سوء بدحجابی را نمی دانند بنابراین نسبت به این گونه افراد باید پنهانی و با زبان مناسب و ایجاد ارتباط عاطفی به روشنگری پرداخت چه بسا با همین تذکرات پنهانی خود را اصلاح کنند ولی اگر علناً و بدون پرده تذکر داده شود بیشتر جری تر می شوند.

مطمئن باشید اگر چندین نفر و به طور مکرر با این افراد برخورد اخلاقی مناسب صورت گیرد تحت تأثیر قرار گرفته و خود را اصلاح خواهند کرد. آری در صورتی که فردی می خواهد در یک جمع و فضای خصوص از روی عمد و قصد می خواهد با برخی رفتارهای زشت و ضد اخلاقی، به مقدمات و ارزش های اخلاقی و باورهای دینی مردم دهن کجی کند باید به طور علنی به او هشدار داد. ولی این گونه موارد بسیار کم اتفاق می افتد. پس چه بهتر است با افراد جاهلی که اطلاع کافی در این زمینه ندارند با احترام

و سعه صدر لازم به روشنگری پرداخت و به طور خصوصی و انفرادی مسائل قابل طرح را گوشزد نمود.

البته نباید غفلت شود اخلاق کارگزاران و عملکرد آنان تأثیر مثبت یا منفی در رفتار اجتماعی شهروندان دارد چنانکه فساد سیاسی، اداری و اقتصادی مردم به ویژه جوانان را مایوس ساخته، از شادابی، نشاط و معنویت باز می دارد و طبیعی است که باعث بسیاری از ناهنجاری های اخلاقی همین سرخوردگی های اجتماعی است

و امر به معروف و نهی از منکر به طور ریشه ای باید ضمن آن که در خصوص بدحجابی یا ناحجابی مطرح می شود قبل از آن باید نسبت به ریشه های پیدایش آن صورت گیرد.

**امر به معروف و نهی از منکر نسبت به اشخاصی که نوارهای موسیقی گوش می دهند چگونه است ؟**

**پرسش**

امر به معروف و نهی از منکر نسبت به اشخاصی که نوارهای موسیقی گوش می دهند چگونه است ؟

**پاسخ**

امر به معروف و نهی از منکر در صورت احتمال تأثیر واجب است، ولی در مورد شما آنچه ضرورت دارد، روشنگری و روشن ساختن فلسفه احکام برای آنهاست. باید سعی کنید با کار زیربنایی و فردی بر روی افراد، و توضیح اینکه ترانه های مبتذل آدمی را به خیر دعوت نمی کند و نیز سایر تأثیراتی که در روان و اخلاق و بینش آدمی می گذارد، آنان را برای پذیرش احکام الهی آماده کنید. خداوند در این راه یار و مددکار شما باشد. {J}

**اگر محیط و موقعیت ایجاب کند که خواسته یا ناخواسته با فردی بدحجاب روبرو شویم چه روشی را پیش بگیریم تا مرتکب هیچ گناهی نشویم و تا چه حد مسئول اصلاح این امر هستیم.**

**پرسش**

اگر محیط و موقعیت ایجاب کند که خواسته یا ناخواسته با فردی بدحجاب روبرو شویم چه روشی را پیش بگیریم تا مرتکب هیچ گناهی نشویم و تا چه حد مسئول اصلاح این امر هستیم.

**پاسخ**

مسأله امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امر به معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعاً منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند، لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت :

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقاً فراگیرند.

۲- آمر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق و التزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتراست امر به معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق، چند گونه اند:

گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را

دریابند، نه تنها ناراحت نمی شوند، بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند.

گونه دوم- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد، استقبال نمی کنند.

گونه سوم - انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما" در برابر حرف حق ، واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند.

در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما" اگر امر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی ، اخلاقی و تربیتی او، شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند، عکس العمل مثبت طرف مقابل ، بسیار بالا- خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم :

۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید.

۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد.

۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه و اشاره گوشزد کنید.

۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبیه ایشان پردازید.

۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید.

۶- از تندى و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر

ملایمت را شعار خود سازید.

۷- اگر زمینه‌ی مساعدی می‌بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه‌ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی پرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید.

۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید.

۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذكر فان الذكري تنفع المؤمنين»، (ذاریات، آیه ۵۵). از این رو تا آنجا که احتمال تأثیر می‌دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید.

۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید، شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین» پیامبر وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور، آیه ۵۴).

شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است:

الف. کسی که امر یا نهی می‌کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعاً واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضاً انجام می‌دهد شرعاً حرام است مانند قمار.

ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند.

ج. احتمال تأثیر بدهد.

د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد.

مطالعه کنید: حکایت‌های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

با توجه به آنچه در بالا گفته شد معلوم می‌شود:

اولاً، اگر از محیط و موقعیتی که در آن

واقع می شوید اطلاع دارید و می توانید با تدبیری ساده از واقع شدن در آن اجتناب کنید، کاری کنید که در چنین موقعیتی قرار نگیرید تا موجب ارتکاب گناه شوید. اما اگر ناخواسته وارد چنین محیطی شدید و نمی توانید (با توجه به شرایط بالا) تأثیرگذار باشید یا تغییری ایجاد کنید باید هر چه سریع تر آن محل را ترک نمایید.

ثانیا، اگر مفسده و ضرری که با وارد شدن در آن محیط ها متوجه شما می شود بیشتر از مصلحت نهی از منکر، باز هم در چنین موقعیتی باید رعایت حال مفسده را بکنید و از آن اجتناب کنید.

ثالثا، شکی نیست که برای اجرای حق و حفظ و نگهداری خود از هرگونه خلاف و گناهی نیازمند تلاش زیاد و هزینه کافی است و با تقویت اراده خود، در مقابل چنین موقعیت هایی ثابت قدم بود و در واقع این موقعیت ها آزمایشگاهی است برای ساخته شدن انسان و مبارزه با نیروی وسوسه گر شیطان که هر لحظه و آنی به سراغ انسان می آید.

لازم به ذکر است انسان مؤمن کسی نیست که هیچ گناهی نکند بلکه مؤمن کسی است که اگر ناخواسته مرتکب گناهی شد بلافاصله توبه کند و از عملکرد خود پشیمان شود و در صدد جبران آن برآید. بنابراین خسته نشوید و در راه اجرای حق و هدایت دیگران و حفظ و نگهداری خود از هرگونه انحراف و کژی تلاش کنید و از خداوند متعال نیز استعانت جوید. ما نیز دعاگوی شما هستیم و به وجود شما عزیزان دانشجو با این سیره پاک و ارزشمند افتخار می کنیم.

**در جامعه امروزی که وضعیت حجاب بسیار نامناسب است و عده ای از دانشجویان دختر پا را فراتر گذاشته و از حجاب اسلامی تجاوز کرده اند وظیفه ما و امثال ما در برابر این افراد هم از نظر احکام و هم از نظر امر به معروف چیست و باید چه اقدامی انجام داد چون باید در مسائل**

**پرسش**

در جامعه امروزی که وضعیت

حجاب بسیار نامناسب است و عده ای از دانشجویان دختر پا را فراتر گذاشته و از حجاب اسلامی تجاوز کرده اند وظیفه ما و امثال ما در برابر این افراد هم از نظر احکام و هم از نظر امر به معروف چیست و باید چه اقدامی انجام داد چون باید در مسائل درسی با آنها رابطه ای داشت توضیح دهید.

## پاسخ

مسئله امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امر به معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعاً منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند، لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت:

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقاً فراگیرند.

۲- امر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق و التزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتر است امر به معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر



را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق , چند گونه اند:

گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند.

گونه دوم- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند.

گونه سوم - انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما" در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند.

در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما" اگر امر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا- خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم :

۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید.

۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد.

۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه و اشاره گوشزد کنید.

۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنه ایشان پردازید.

۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید

که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید.

۶- از تندى و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید.

۷- اگر زمینه‌ی مساعدی می‌بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه‌ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی پرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید.

۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید.

۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذكر فان الذکری تنفع المؤمنین»، (ذاریات، آیه ۵۵). از این رو تا آنجا که احتمال تأثیر می‌دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید.

۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید، شما وظیفه خویش را به انجام رسانده‌اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین» پیامبر وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور، آیه ۵۴).

شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است:

الف. کسی که امر یا نهی می‌کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعاً واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضاً انجام می‌دهد شرعاً حرام است مانند قمار.

ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند.

ج. احتمال تأثیر بدهد.

د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امرکننده یا نهی‌کننده در کار نباشد.

مطالعه کنید: حکایت‌های امر به معروف

و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در ایران ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حسابشده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود:

الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است از:

۱. از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا»، (انسان، آیه ۳).

بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچگونه عذر و بهانه ای نیست بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت است و... می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند.

در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم

اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می‌گردد. بر اثر خودباختگی ملائک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می‌دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش‌های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه‌های عالی و معرفت صحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می‌دهد.

یکی از راه‌های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان‌شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم...» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱).

این عامل درونی اختصاص به جامعه‌ای خاص یا پیروان دین مخصوصی ندارد اما در هر جامعه‌ای عوامل تشدیدکننده یا کنترل‌کننده وجود دارد که باید پیشینه تاریخی و وضعیت فرهنگی را بررسی کرد. در خصوص جامعه ایرانی به ریشه‌های تاریخی آن اشاره می‌کنیم.

۲. ریشه‌های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی‌بند و باری و کشف حجاب بر می‌گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی‌حجابی را در خانواده‌ها

به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترش این معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد.

۳. کوتاهی و بی توجهی برخی از مسئولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.

گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسئولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد.

۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و... گردید.

۵. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر

جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب.

مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد:

۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده

۲. کار بنیادی فرهنگی. مسلماً برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه ها نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شؤونات اسلامی، راه کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسؤولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکبوی صفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش های اسلامی در دانشگاه ها باشیم، ان شاءالله.

نماند بسیاری از ناهنجارهای اجتماعی از جمله بدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسیاری از مفاسد اجتماعی هستند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف صورت می پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجام دهند. فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی به شکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی

۲. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد

۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها

۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

اما اینکه در پایان سوالاتان فرموده اید، باید در مسائل درسی با آنها رابطه ای داشته باشیم به نظر می رسد حرف مقرون به صحت نباشد. به عبارتی دیگر می توان در چنین محیط های حضور داشت و بدون ارتباط گناه آلودی، پاکی و پاکدامنی خود را حفظ کرد. هر چند مشکل هست و ما نیز می پذیریم ولی ناشدنی نیست و ما نیز نمونه های بسیار فراوانی از بین خود شما دانشجویان پاک سرشت و پاکدامن نامه های فراوان داریم که حکایت از همین پاکی درون و رفتار سالم شان می کند که جای بیان آن نیست. علاوه بر این مگر چه ضرورت دارد برای مسائل درسی با جنس مخالف ارتباط ایجاد کرد. مگر نمی توان دانشجویان هم جنس در این گونه مسائل به گفتگو و حل مشکلات و ... پردازند. ما معتقدیم اگر



اراده کنید امری است شدنی. ثانياً اگر هم در برخی شرائط و موقعیت ها و مواردی نادر هم ضرورتی ایجاب کند. می توان به حداقل اکتفا کرد و در همان حداقل نیز رعایت شئون اخلاقی و شرعی را کرد و خود را کنترل نمود. هم چش و گوش و دیگر حواس خود را به کنترل عقل درآورد و هم ذهن و اشتغالات ذهنی را از این گونه مسائل برحذر داشت. گر چه قبول داریم نیازمند اراده ای قوی و عزمی راسخ دارد.

ولی گوهر پاکی و پاکدامنی و حفظ خود را از گناه و خلاف بدون تلاش بدست نمی آید. و همانطور که گفته اند: هر که طاووس خواهد جور هندوستان کشد.

در پایان لازم است دقت و حساسیتان را نسبت به مسائل فرهنگی و ارزشی و اخلاقی و لزوم حفظ آن برای محیط دانشگاه و دانشجویان می ستاییم و امیدواریم با تلاشهای عزیزانی همچون شما، به یک محیط سالم هر چه نزدیک تر شویم.

**هر زمان که می خواهیم با افراد بی نماز و بی دین صحبتی کنیم و آنها را روشن کنیم نمی توانیم و در برابر آن ها کم می آورم و گاهی صحبت های آنها باعث شک در من می شود و ترس باعث می شود که دیگر صحبت با آنان را دنبال نکنم چه کنم تا این گونه نباشم.**

### پرسش

هر زمان که می خواهیم با افراد بی نماز و بی دین صحبتی کنیم و آنها را روشن کنیم نمی توانیم و در برابر آن ها کم می آورم و گاهی صحبت های آنها باعث شک در من می شود و ترس باعث می شود که دیگر صحبت با آنان را دنبال نکنم چه کنم تا این گونه نباشم.

### پاسخ

تلاش شما برای آشنا ساختن دوست خود با نماز، کاری بس ارزشمند و مورد پسند است. دعوت مردم به آشنایی با خداوند و عبادت او از برجسته ترین و متعالی ترین امور است.

برای ترغیب و تشویق به نماز، در آغاز بایستی زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن کوشید.

دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و... اموری است که دارای نتیجه مستقیم بر عملکرد فرد است. پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید.

خلاً عمده ای که موجب ترک نماز از سوی دیگران شده است مشکل فکری است. ظاهراً آنها در فلسفه نماز دچار اشتباه شده و آن گاه نتیجه نادرستی می گیرند. بنابراین راه اصلاح وی نیز تصحیح اندیشه آنها است که البته کار آسانی هم نیست و نیازمند فرصتی طولانی و نیز استفاده از روش های اصولی و تدابیر خردمندانه است.

لازم به ذکر است باید خودتان با مطالعه در این زمینه سعی کنید آمادگی بیشتری برای مقابله با چنین افکاری در خود پدید

آوريد كتابهاى زير در مورد نماز توصيه مى شود.

راز نماز محسن قرائتى

راز نماز بى آزار شيرازى

پرواز در ملكوت امام خمينى

از ژرفاى نماز آيت الله خامنه اى

اين است نقش عبادات محمد باقر صدر

رفتار شما با وى نيز بايد به گونه اى باشد كه

تحت تأثیر اخلاق، عواطف و نحوه برخوردتان قرار گیرد به افکار و اندیشه های شما - به عنوان یک فرد نماز خوان مذهبی -  
علاقه مند شود و با نفوذ در قلب و دل او، بتوانید تغییری در فکر و اندیشه وی ایجاد کنید.

هشدار آن که ارتباط و گفتگوی شما با چنین افرادی در صورتی است که شما بتوانید با روش های مناسب در آنها تأثیر بگذارید فکر و اندیشه آنها را اصلاح نمایید ولی اگر نمی توانید و یا خدای نکرده ممکن است تحت تأثیر افکار و اعمال بی توجهی آنها به نماز شما نیز سست عقیده و بی مبالات به نماز شوید، در روابط صمیمی و نزدیک خود با آنها فاصله ایجاد کنید و در حفظ باورهای دینی و اعمال عبادی خود کوشا باشید.

در این قسمت از پاسخ توجه تان را به مطلبی جلب می کنیم که درباره چگونگی تأثیر گذاری تهیه و تدوین شده است. امید است با به کار بستن راهکارهای ارائه شده در نیت خیرتان موفق باشید. مهم آن است که برای انجام چنین مسؤلیتی قبل از هر چیز باید اعتماد آنها را به خود جلب کنید به عبارت دیگر آنها باید به شما به عنوان فردی امین، دلسوز، صمیمی اعتماد کند و لازمه این که این اعتماد به وجود بیاید باید از راهکارهایی مناسب استفاده نمایید تا میزان تأثیر گذاری شما بیشتر شود.

۱. برای جلب اعتماد ابتدا باید رابطه عاطفی خود را با آنها تقویت کنید. برای این که این ارتباط عاطفی به وجود بیاید باید نسبت به آنها همدلی نمایید. برای این که بتوانید همدلی کنید باید شرایط روحی و دغدغه هایی که دارند را

درک کنید از آنجا که آنها در سنین جوانی یا نوجوانی هستند کمی باید به آنها بیشتر نزدیک شوید تا متوجه شوید که چه دغدغه‌هایی دارند و شما تا چه اندازه می‌توانی در حل مشکلات آنها به آنها کمک کنید بنابراین همدلی کردن با آنها مستلزم درک کردن آنهاست.

در مرحله بعد برای ایجاد ارتباط عاطفی با آنها باید پذیرش بدون شرط نسبت به آنها داشته باشید. این طور نباشد که آنها را هنگامی تحویل بگیرید و پذیرای آنها باشید که کارهای مورد علاقه شما را انجام دهند ولو این که آنها رفتارهای غلطی هم داشته باشند ولی شما بدون شرط آنها را بپذیرید. این نحوه برخورد باعث می‌شود که ارتباط عاطفی آنها با شما محکمتر شود علاوه بر این دلسوزی و صمیمیت خود را نیز عملاً باید نسبت به آنها نشان دهید به گونه‌ای که همواره احساس کنند شما دلسوز آنها هستید. بنابراین اگر همدلی، پذیرش بدون شرط و دلسوزی نسبت به آنها داشته باشید ارتباط عاطفی شما به آنها محکم می‌شود. یکی از عوامل ایجاد اعتماد آنها نسبت به شما حاصل می‌شود.

۲. توجه به انگیزه‌های آنها؛ انسان‌ها معمولاً دارای انگیزه‌ها و نیازهایی هستند، توجه به نیازها و انگیزه‌های افراد بسیار مهم است. یکی از مهمترین نیازهای انسان، نیاز به معنویت است. اگر این نیاز به نحو صحیح ارضاء نشود، رقص و موسیقی و اعتیاد و مشکلات اخلاقی جایگزین آن می‌شود. در هر حال توجه به انگیزه‌های افراد و تلاش در جهت دست‌یابی آنها به این انگیزه‌ها باعث ایجاد اعتماد

می شود.

۳. عنصری که در اعتمادسازی نقش مؤثری دارد عنصر شناخت است؛ یعنی سطح شناختی و درک افراد را باید در نظر گرفت و براساس میزان درک و شناخت آنها با آنها صحبت کرد. توجه به این سه عنصر عاطفی، شناختی و انگیزشی در افراد موجب ایجاد اعتماد در آنها نسبت به خود می شود. وقتی که شما این اعتماد را در آنها نسبت به خود ایجاد کردید آنگاه می توانید تأثیرگذار باشید و امر و نهی شما یا نصیحت شما و یا پیشنهاد شما مؤثر واقع می شود. سعی کنید برای ارشاد آنها بیشتر از الگوی مشاوره استفاده کنید تا از موضع یک فردی که امر و نهی می کند یا حکم می کند که این کار خلاف است پس نباید انجام داد.

نکته دیگری که در تأثیرگذاری شما نقش مهمی دارد رفتار شماست یعنی هر چه شما با زبان رفتار و عمل با آنها سخن بگویید مؤثرتر است یعنی اگر ظهر می شود و صدای اذان بلند می شود اقدام به اقامه نماز نمایید. یا وقتی با نامحرم مواجه می شود رعایت حدود الهی را بکنید این بهترین شیوه برای تأثیرگذاری است.

در مرحله بعد از باب امر به معروف و نهی از منکر رعایت حدود الهی را به آنها گوشزد کنید (البته به شرط این که احساس کنید این اقدام شما تأثیر مثبت دارد و الا بیشتر از همان راهکارهای اول و دوم استفاده کنید).

در مجموع می توان گفت: تأثیرگذاری یک مهارتی است که به تدریج حاصل می شود و تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی برخوردار

باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می شود. با رعایت اصول و نکات زیر می توان میزان تأثیرگذاری را افزایش داد:

۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید.

۲. با اندکی تفحص و جستجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت و ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به خاطر وجود آن امر مثبت ارتباط خود را با وی پی گیری نمایید.

۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید مستقیماً از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید.

۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید.

۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود برای شما حرف بزنند.

۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید.

۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند.

۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می خواهی انجام دهد میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام آن عمل فراهم نمایید.

۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید همان را با ایشان در پیش گیرید.

۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را بر دیگران تحمیل نکنید زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده اش را بر آنان تحمیل کند نمی پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند دوستی نمی ورزند و به او اعتماد نمی کنند.

در این زمینه برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آئین دوست یابی،

۲. دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، انتشارات آستان قدس رضوی

۳. دوستی در قرآن، محمدی ری شهری

**من دانشجوی ۲۴ ساله هستم و ساکن خوابگاه و از شهری محروم و شهید پرور به اینجا آمده ام . در خانواده ای مذهبی و پایبند به اسلام بزرگ شده ام و در اینجا با مشکل عمده ای روبرو شده ام هم اتاقی های من دست به کارهایی می زنند که خلاف موازین دینی است که از بیان آنها**

### پرسش

من دانشجوی ۲۴ ساله هستم و ساکن خوابگاه و از شهری محروم و شهید پرور به اینجا آمده ام . در خانواده ای مذهبی و پایبند به اسلام بزرگ شده ام و در اینجا با مشکل عمده ای روبرو شده ام هم اتاقی های من دست به کارهایی می زنند که خلاف موازین دینی است که از بیان آنها معذورم لیکن با وجود اینکه می توانم به اتاق دیگری بروم ولی با خود می گویم بمانم و آنها را با عملم شرمند کنم .مرا راهنمایی کنید که بمانم و پایداری کنم با تمام سختی ها یا بروم و آنها را به امان خدا رها کنم؟ این جوانمردی است؟ یکی از آنها پسر خیلی خوبی است و حالا شرایط او را به ورطه هولناکی انداخته است.

### پاسخ

دانشجو، دانشگاه و خوابگاه، سه مفهوم نام آشنا در پروسه ی تعلیم و تربیت در مقطع آموزش عالی بوده که هر یک در عین تعامل با یکدیگر، دارای ویژگی های منحصر به فرد هستند.

۱ دانشگاه: محیطی است که مجموعه ای از انسان های دوستدار دانش در قالب استاد و دانشجو گرد هم آمده و تحت ضوابط و قوانین خاصی، پروسه آموزش و فراگیری دانش را معنی می بخشند. از ویژگی های بارز این تعامل علمی، تفاوت سطح سن و دانش دو گروه استاد و دانشجو است که کار ارتباط همه جانبه بین آنان را دشوار می کند. گر چه ارتباط علمی میسر است، اما به دلیل اختلاف سن و نیز قبول رابطه ی محدود بین استاد و شاگرد، وجود ارتباط تنگاتنگ، برابر و آزاد در همه ابعاد روحی، فراهم نیست و حداقل همراه با ملاحظات ویژه ای است.

۲ دانشجو: گروهی

که از نظر سنی عمدتاً از امتیازات دوره ی جوانی برخوردار بوده و به دنبال کسب دانش، راه دانشگاه را برگزیدند. اما مهم ترین ویژگی آنان، برخورداری از انرژی متراکم، تحرک، جنب و جوش، خلاقیت، نوآوری، شور و نشاط و روحیه انتقادی است، به طوری که برای خویش «حدّ یقف» و محدودیتی قابل نیستند.

۳ خوابگاه: محلی که ده ها بلکه صدها تن از دانشجویان جوان و پر انرژی، بعد از فراغ از درس و بحث و ارتباطات معمول دانشگاهی، ساعت استراحت خویش را در این محلّ گردهم می آیند و چه بسا هر دانشجویی، از فرهنگ و اخلاقی متفاوت با دیگر دانشجویان، برخوردار است که گاه همین مسأله موجب عدم تعامل و ناسازگاری بین آنان می شود.

امّا محیط خوابگاه، برخلاف آن چه که از اسمش پیداست، تنها محلی برای خواب نیست (برخلاف دانشگاه که صرفاً برای کسب دانش است) بلکه دارای خدمات و عملکردهای دیگری نیز هست، چرا که از یک طرف به دلیل پیگیری مباحث کلاس و آمادگی برای انجام تکالیف درسی، ادامه ی دانشگاه به حساب می آید و از دیگر طرف محلی برای تهیه ی خوراک، بهداشت تن و لباس، عبادت و گعده های سیاسی - اجتماعی و تأمین سایر نیازهای روحی است.

در عین حال، اساسی ترین ویژگی خوابگاه دانشجویی آن است که نه چتر حمایت عاطفی (بی حساب) خانواده را بر سر دارد و نه قوانین متصلّب و خشک همراه با نظارت استاد در کلاس را.

بنابر این، ترکیب اموری همچون گروه همسال، انرژی متراکم دوره ی جوانی و احساس آزادی بیشتر از حدّ معمول و به دور از نظارت خانواده، دانشگاه و استاد و وجود سلیقه های متفاوت و گاهی متضاد بین دانشجویان و



نیز فشار روانی ناشی از دوری از خانواده و خلأ عاطفی و دغدغه‌ی ازدواج به همراه نگرانی‌های مربوط به اشتغال و مسکن، عواملی هستند که محیط خوابگاه را به طور معمول از کنترل عادی خارج می‌سازند. البته، وجود چنین فضایی در خوابگاه با آن ویژگی‌هایش (که با هر مجتمع دیگر تفاوت دارد)، تا حدی طبیعی است.

اما درباره عدم رعایت مسائل مذهبی و اخلاقی باید گفت که، هیچ پدیده ضد اخلاقی چه در غرب و چه در شرق، چه در زنان و چه در مردان، یک شبه روی نمی‌دهد و اگر پدیده‌ای زشت و ناهنجار باشد، زشتی آن در آغازش به اندازه‌ی نقطه انجامش نیست. به عنوان مثال: کسی که از راه مستقیم منحرف می‌شود، انحرافش در نقطه‌ی آغاز یک قدم است و در نقطه‌ی انجام آن قدر زیاد می‌شود که دیگر صدای راهدار را که بانگ می‌زند: «راه این جاست و آن که تو پیش گرفته‌ای بی‌راهه است» به گوش او نمی‌رسد.

بنابر این، برای برون رفت از چنین وضعیتی و ارشاد این دسته از افراد، راه کارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱ امر به معروف و نهی از منکر: از امتیازات اسلام آن است که همه‌ی مردم را ولی و سرپرست همدیگر می‌داند به هیچ کس اجازه نمی‌دهد که (البته در صورت جمع بودن شرایط) راضی به گناه دیگران شده و آنان را باز ندارد. بلکه به مسلمانان دستور داده که امر به معروف و نهی از منکر کنند و با امر به معروف، جو جامعه (خوابگاه) را برای رشد خوب‌ها و خوبی‌ها، آماده سازند و با نهی از مکر هم جو جامعه را برای رشد زشتی‌ها نامساعد و

تنگ کنند و در نتیجه گناهان، انحراف‌ها و پلیدی‌ها نتوانند در محیط اسلامی رشد کرده و ریشه بدوانند. و این فرصت (امر به معروف و نهی از منکر) پالایشگاه معنوی بزرگی است که می‌تواند جامعه را حداقل از غرق شدن در فساد بیشتر، حفظ کند.

به نظر می‌رسد اگر از امر به معروف و نهی از منکر به طور اصولی و منطقی بهره بگیریم تا حد زیادی تأثیر خواهد گذاشت و البته همیشه عده‌ی اندکی پیدا می‌شوند که هیچ‌هنجاری را بر نمی‌تابند که اسلام در برخورد با چنین افرادی علاوه بر امر به معروف و نهی از منکر، عناوین دیگری هم دارد. نظیر: وجوب قطع رابطه با اهل منکر و بزه‌کار و حرمت همنشینی با آنان و وجوب دوستی با اطاعت‌کاران و افراد صالح و بهنجار و احترام و تشویق آنان.

البته همه‌ی موارد امر به معروف و نهی از منکر (غیر از مواردی که به حکومت برمی‌گردد و با قاطعیت همراه است) می‌تواند با چاشنی محبت همراه باشد.

۲ با چنین افرادی به عنوان یک بیمار، برخوردی آکنده از مهر داشته باشیم. همچون برخورد یک پزشک حاذق و مهربان با بیمار خویش.

۳ با رفتار شایسته‌مان به آنان بفهمانیم که این رفتار و اخلاق نیکو، ثمره‌ی ایمان به خدا و ترس از اوست تا بدین وسیله حساسیت‌های موجود را نه در حد یک سلیقه‌ی شخصی و خشکه مقدسی، بلکه ناشی از رفتارهای منطبق با عقل و شرع معرفی کرده و آنان را به سوی مکتب متمایل سازیم. یعنی رفتار ما باید اسلامی باشد، چرا که اگر ما از اسلام فقط چند چیز از جمله نماز و روزه آن

را رعایت کنیم و این اعمال در رفتار ما تأثیر نداشته باشد، نه تنها نمی توانیم آنان را تحت تأثیر خویش قرار داده و ارشاد کنیم، بلکه آنان را از اسلام منزجر کرده و دور می کنیم.

۴- با دلیل و برهانی قانع کننده، مفسد کارهای غیراخلاقی، و برون دینی را برای چنین افرادی تشریح کرده و با ارائه نمونه هایی از عواقب چنین رفتارهایی در عملکرد جوامع و انسان های سرخورده، از انحرافات آنان جلوگیری کنیم.

احکام نورانی اسلام از پشتوانه ی منطقی بالایی برخوردار است. بنابر این هیچ حکمی از احکام اسلام تحمیلی نیست (تحمیل به معنای آن است که چیزی که مخالف عقل و مصلحت است با منطق سرنیزه بر انسان ها تحمیل کنند). بلکه بر اساس حکم عقل و توأم با مصلحت است و اگر هم جایی باشد که ما به اصرار آن حکم واقف نباشیم لاقول مخالف با حکم عقل نیست.

۵- در صورتی که قطع رابطه شما با آنها باعث متنبه شدن آنها می شود از این اهرم به طور موقت استفاده نمایید و بگویید من دوست ندارم با کسانی که مرتکب حرام می شوند هم سخن شوم و یا به حداقل ارتباط با آنها اکتفا کنید.

۶- اگر به سخنان شما چندان اهمیت نمی دهند از فرد قابل اعتمادی بخواهید با دلسوزی کامل آنها را از این عمل باز دارد و پیامدهای عملشان را به آنها متذکر شود تا شاید متنبه شوند.

۷- از همدلی و دلسوزی کردن نسبت به آنها دریغ نورزید و ضمن احترام گذاشتن و اظهار علاقه به آنها، آنها را از این عمل بازدارید نه این که آنها را طرد کرده از پیش خود برانید.

ترویج قانونمندی و قانون پذیری و رعایت دقیق قانون در خوابگاه، دعوت از دانشجویان در سالن اجتماعات و گفتگو با آنان پیرامون قوانین حاکم بر خوابگاه و اهمیت رعایت قوانین برای جلوگیری از هرج و مرج در محیط خوابگاه. چرا که اگر یکی بخواهد صدای موسیقی را بلند کرده و دیگری صدای نوار مداحی و آن دیگر هم بر دیگک و قابلمه بکوبد، وضع به گونه ای خواهد شد که چه بسا لازم باشد اسم خوابگاه را به.....تغییر دارد.

افرادی که در یک مکان با هم زندگی می کنند شایسته است به آداب و شرایطی که بر زمان و مکان حاکم است احترام بگذارند تا با مراعات آن آداب، محیطی مطلوب برای ایشان مهیا شود.

انسان آزاده و فرهیخته، حرمت و ادب حضور دیگران را نگه می دارد و از آنچه موجب رنجش هم نوع شود می پرهیزد بر همین اساس اگر به امور دینی هم نگاه کنیم حرمت ها و مرزها کاملا حفظ شده است هر کس در امور مربوط به خود آزادی هایی نسبی دارد و در عین حال تا جایی که آزادی دیگران خدشه دار نشود، از نعمت آزادی عمل برخوردار است. هر کجا آزادی عمل شخص با آزادی دیگران تنافر و تناقض ایجاد کند، باید شخص حدود و اندازه های خود را بشناسد و سپس در حفظ حریم دیگران بکوشد همان طور که خود نیز دوست دارد تا حرمتش محفوظ بماند.

در خصوص افرادی که رعایت احکام و مسائل مذهبی و اخلاقی را نمی کنند همین قاعده جاری است که افراد باید قوانین و ضوابط و اخلاق فردی و اجتماعی را مراعات کنند مخصوصا در محیط

خوابگاه یا خانه جمعی که اخلاق و آداب خاصی دارد و لازم است این آداب بصورت یک فهرست مکتوب در اتاق ها نصب شود تا با استناد به آن آداب هر فرد خود را موظف به پایبند بودن به آنها نماید.

علاوه بر این مواردی که برخلاف عرف و شرع رخ می دهد باید با فرد خاطی از سر خیرخواهی و مصلحت اندیشی، گفتگو شود و با بیان متین و بهترین و مؤثرترین شیوه مواجهه صورت گیرد تا انشاءالله متنبه شود.

اگر گروه غالب در خوابگاه رعایت آداب و مسائل اخلاقی را نمی کنند باز باید در جهت آگاه سازی ایشان اقدام کرد و چنانچه مؤثر نشد خود شما با یک برنامه زمان بندی شده سعی کنید کمترین زمان را در جمع آنها باشید و در زمان های دیگر از مکانهایی که از امنیت و آسایش بیشتری برخوردار هستید استفاده کنید تا انشاءالله ایشان از روش خود باز گردند به هر جهت برای اینکه دچار تأثیر وضعی این گونه رفتارها نشوید سعی کنید محل اسکان خود را تغییر دهید و حتی اگر هزینه ای در بردارد آن را تحمل نمائید تا از آثار سوء اعمال آنها در امان بمانید.

در پایان تأکید می شود در صورتی ماندن در آن اتاق و پایداری در مقابل تمام سختی ها، نیکو و پسندیده است که خودتان در آنها هضم نشوید و برای نجات آنها یا یکی از آنها، خودتان گرفتار نشوید زیرا اگر از توان علمی و عملی قوی و قدرتمندی برخوردار نباشید چه بسا گرفتار همان ورطه ای شوید که یکی از آنها شده است و به قول خودتان

پسر خیلی خوبی بوده و هست ولی شرایط و فضای فرهنگی و رفتاری اتاق او را به ورطه هولناکی انداخته است. البته در اینجا لازم است دلسوزی و همدردی تان را و نیز احساس مسئولیت و جوانمردی در برابر ناملایمات موجود می ستاییم و تحسن کرده و به وجود جوانان نیک سرشت و پاک نهادی همچون شما افتخار می کنیم ولی این زنگ خطر را نیز باید به صدا درآوریم که گاهی ممکن است برای حفظ و مراقبت از دیگران و یا نجات آنها، خود دچار مشکل می شود و یا حداقل نمی توان تأثیرگذار بود و از طرف دیگر خودتان از فعالیت های علمی و یا رشد و کمال باز خواهید ماند.

پس در چنین صورتی نمی توان گفت جوانمردی آن است که در چنین فضایی و اتاقی بمانید بلکه عقل حکم می کند برای نجات خود آنها را فراموش کرد و چه بسا از بیرون و با حفظ خود از هرگونه آلودگی و یا احتمال آلودگی، به تأثیرگذاری روی آنها پرداخت و یا آن فرد مورد نظرتان را به گونه ای نجات داد. مجددا تلاش خالصانه و دلسوزانه و جوانمردانه شما را می ستاییم و برایتان آرزوی موفقیت می کنیم.

**دوستی دارم که از زمانی که وارد دانشگاه شد یک سری رفتارهایی انجام می دهد که مناسب شأن خانوادگی شان نیست مثل اصلاح سر و صورت و آرایش آن البته خانواده اش هم می خواهند به او بفهمانند که اینها در شأن خانواده شان نیست و البته خودم می خواهم نامه ای برایش بنویسم**

**پرسش**

دوستی دارم که از زمانی که وارد دانشگاه شد یک سری رفتارهایی انجام می دهد که مناسب شأن خانوادگی شان نیست مثل اصلاح سر و صورت و آرایش آن البته خانواده اش هم می خواهند به او بفهمانند که اینها در شأن خانواده شان نیست و البته خودم می خواهم نامه ای برایش بنویسم نه اینکه بگویم خودم خیلی خوبم بلکه از اصالت و

اینکه چرا تو نتوانی با این همه خوبی هایت آنان را جذب کنی و چرا آنان از تو تاثیر نگیرند کمک کنید تا بدانم آیا نوشتن نامه صحیح است و در نامه چه چیزی باید بنویسم البته زیاد نمی خواهم جنبه نصیحت داشته باشد.

## پاسخ

قبل از هر چیز باید از این احساس مسئولیتی که نسبت به دوست تان دارید تقدیر و تشکر کنیم و این که شما دارای این روحیه عالی هستید به شما تبریک بگوییم. مطمئنا خوب می دانید زمانی تلاش شما در این زمینه تاثیرگذار خواهد بود که شما پیش وی از اعتماد کافی برخوردار باشید و شما را فردی دلسوز، قابل اعتماد، صمیمی و امین بدانند. پس در مرحله اول در صدد جلب اعتماد بیشتر وی باشید.

ثانیا، از راهکارهای مختلفی که تاثیرگذاری شما مؤثر است بهره بگیرید در اینجا نکاتی را متذکر می شویم. شما خوب می دانید که مسأله تاثیرپذیری یا تاثیرگذاری در حدود کیفیت آن بستگی به توان ها و قابلیت های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم ترین اموری که در تاثیرگذاری دخالت دارند ویژگی های روحی از قبیل اراده استوار اخلاق نیکو حسن معاشرت و آگاهی ها و توانهای علمی بالا است.

تأثیرگذاری یک مهارت است تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی باید برخوردار باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می شود. با رعایت اصول و نکات زیر فرد می تواند میزان تأثیرگذاری خویش را افزایش دهد.

۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید.

۲. با اندکی تفحص و جستجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت

و ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به خاطر وجود آن امر مثبت ارتباط خود را با وی پی گیری نمائید.

۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید مستقیماً از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید.

۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید.

۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود برای شما حرف بزنند.

۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید.

۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند.

۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می خواهی انجام دهد میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام آن عمل فراهم نمائید.

۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید همان را با ایشان در پیش گیرید.

۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را بر دیگران تحمیل نکنید زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده اش را بر آنان تحمیل کند نمی پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند دوستی نمی ورزند و به او اعتماد نمی کنند.

در این زمینه برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آئین دوست یابی، دیل کارنگی

۲. دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، انتشارات آستان قدس رضوی

۳. دوستی در قرآن، محمدی ری شهری

با توجه به آنچه در زمینه چگونگی تأثیرگذاری بیان شد اگر احساس می کنید به طور غیر مستقیم و یا در قالب نوشتن نامه بتوانید طرز تفکر وی را تغییر دهید. همین کار را انجام دهید



و در نامه خود به فلسفه حجاب میزان پوشش و نکات ضروری درباره اختلاط و ارتباط دختر و پسر و سوء استفاده های افراد مشکوک و بوالهوس اشاره نمایید.

در عین حال به نظر می رسد در گفتگوهای دوستانه تان و به طور غیر مستقیم می توانید به برخی از آنها اشاره کنید و یا با در اختیار گذاشتن برخی مجلات، مقالات و کتاب هایی که از جذابیت کافی برای وی برخوردار است، به ارتقاء سطح معرفتی وی پردازید آنچه نقش اساسی تر در اصلاح وی می تواند داشته باشد رفتار و عمل شماست. همانطور که گفته شده است «کونوا دعاه الناس بغير السننکم» به وسیله غیر زبان خود مردم را بر کارهای خیر و صحیح دعوت کنید. رفتار و منش شخصیتی و اعمال شما بیشتر از هر چیز دیگری در ذهن دیگری ماندگار است. ضمناً رابطه دوستانه تان را با وی قطع نکنید بلکه با تقویت این رابطه علاقه باطنی خودتان را به وی نشان دهید.

**یکی از روحانیون در یکی از مساجد هنگام سخنرانی طی مراسم ترحیم یکی از آشنایان در بالای منبر حرکتی ناشایست انجام داد که توجه همگان به آن جلب گردید با توجه به آن که ایشان ملبس به لباس مقدس اسلام بوده و مروجین دین مبین اسلام هستند آیا این برخورد تبلیغ منفی علی**

**پرسش**

یکی از روحانیون در یکی از مساجد هنگام سخنرانی طی مراسم ترحیم یکی از آشنایان در بالای منبر حرکتی ناشایست انجام داد که توجه همگان به آن جلب گردید با توجه به آن که ایشان ملبس به لباس مقدس اسلام بوده و مروجین دین مبین اسلام هستند آیا این برخورد تبلیغ منفی علیه دین نیست؟ آیا به صرف اینکه این فرد روحانی است نباید به او تذکر داد؟ تذکر به چه طریق و نحوی باشد که به لباس مقدس و جایگاه حساس روحانیت خدشه ای وارد نگردد؟ روال معمول در این موارد چیست؟ مراجع رسیدگی کننده

را توضیح دهید تا اگر خدای نکرده در آینده مشاهده شد به عنوان یک مسلمان به وظیفه خود عمل کنم آیا این عمل (تذکر دادن) واجب عینی است یا کفایی؟

## پاسخ

اگر شما به آن حرکت ناشایست اشاره ای کرده بودید بهتر می توانستیم در این باره قضاوت کنیم. در هر صورت حرکات نامناسب از هر فرد مسلمان که سر بزند، غیر قابل قبول و مخالف با آموزه های اخلاقی و تربیتی دین مبین است به ویژه اگر چنین فردی موقعیتی حساس و جایگاهی ویژه در اجتماع داشته باشد. نصیحت و خیرخواهی و تذکر در مورد عیب ها و کاستی ها و صفات ناروا از وظایف همه مسلمانان و نشانه احساس مسئولیت و تعهد اخلاقی و وجدانی است. هر فردی در هیچ موقعیتی از تذکر و نصیحت بی نیاز نمی باشد. کسانی که به فضایل نفسانی و اخلاقی و کمالات روحی بیشتری آراسته هستند معمولاً خود را به نصیحت و تذکر محتاج تر می بینند. بنابراین تذکر دادن در این مورد نه تنها بی اشکال است بلکه لازم و ضروری است؛ چون ممکن است این روحانی محترم ناخواسته یا بدون توجه این کار نامناسب را انجام داده باشد و خودش توجهی به این کارش نداشته است و با یادآوری و تذکر شما متوجه گردد و از این کار شما خوشحال و خشنود گردد و از یادآوری شما تشکر نماید.

تذکر دادن اگر به گونه ای باشد که تنها از طرف شما انجام می گیرد و کسی دیگر این کار را انجام نداده است در این صورت واجب عینی است و اگر دیگران نیز به این

کار اقدام کرده اند واجب کفایی است یعنی اگر آنها کوتاهی کردند بر عهده شما است ولی اگر آنها اقدام به تذکر کردند از گردن شما ساقط است.

برای تذکر چنین مواردی می توانید به دفتر ائمه جماعات و یا مراکزی مانند آن مراجعه نمایید. البته قبل از آن بهتر است مستقیماً به خود این فرد روحانی و یا کسانی که ارتباط بیشتری با او دارند مسأله را در میان بگذارید، شاید سوء تفاهمی اتفاق افتاده باشد و قضاوت شما نادرست یا احساسی بوده باشد.

**در مورد وضعیت های بد پوشش، امر به معروف و نهی از منکر چگونه است؟ در صورتی که احتمال زیاد می دهیم که بی اثر است. همچنین در مورد نوارهای غیر مجاز بخصوص در تاکسی های شهری؟ لطفاً دقیق پاسخ دهید.**

**پرسش**

در مورد وضعیت های بد پوشش، امر به معروف و نهی از منکر چگونه است؟ در صورتی که احتمال زیاد می دهیم که بی اثر است. همچنین در مورد نوارهای غیر مجاز بخصوص در تاکسی های شهری؟ لطفاً دقیق پاسخ دهید.

**پاسخ**

یکی از شرایط آن است که احتمال تاثیر داده شود لیکن در مواردی که احتمال تاثیر نرود تکلیف ساقط است. در هر صورت بهتر است حتی الامکان به این فریضه مهم جامه عمل بپوشانید ولی به گونه ای برخورد نمایید که موجب جدال و کشمکش نشود.

در مورد نوارهای غیرمجاز نیز اگر با امر به معروف احتمال تأثیر نمی دهند در صورتی که ممکن است از آن ماشین پیاده شوند و اگر ممکن نیست و موجب مشقت زیاد است در صورتی که قلباً مایل به شنیدن موسیقی حرام نباشند و فقط صدا به گوش آنها بخورد اشکال ندارد.

**من مدتی است که در دانشگاه آزاد کار می کنم و مسئول خوابگاه می باشم تعدادی از دانشجویان هستند که رعایت حجاب نمی کنند و هر چه به آنها تذکر داده می شود موثر نمی باشد. به نظر شما ما باید چگونه عمل کنیم که اثر داشته باشد و متمر ثمر باشد و دیگر اینکه تذکر دادن ما**

**پرسش**

من مدتی است که در دانشگاه آزاد کار می کنم و مسئول خوابگاه می باشم تعدادی از دانشجویان هستند که رعایت حجاب نمی کنند و هر چه به آنها تذکر داده می شود موثر نمی باشد. به نظر شما ما باید چگونه عمل کنیم که اثر داشته باشد و متمر ثمر باشد و دیگر اینکه تذکر دادن ما آیا با این وجود باز هم لازم هست که ادامه داشته باشد.

مسأله امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امر به معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعاً منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند، لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت:

۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط و وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقاً فراگیرند.

۲- امر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق و التزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۳- بهتر است امر به معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد.

۴- عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد.

۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش

عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق , چند گونه اند:

گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند.

گونه دوم- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند.

گونه سوم - انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلمان" در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند.

در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلمان" اگر امر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا- خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم :

۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید.

۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد.

۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه و اشاره گوشزد کنید.

۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنه

ایشان بپردازید.

۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید.

۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید.

۷- اگر زمینه‌ی مساعدی می‌بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه‌ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید.

۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید.

۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذكر فان الذکری تنفع المؤمنین»، (ذاریات، آیه ۵۵). از این رو تا آنجا که احتمال تأثیر می‌دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید.

۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید، شما وظیفه خویش را به انجام رسانده‌اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین» پیامبر وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور، آیه ۵۴).

شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است:

الف. کسی که امر یا نهی می‌کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعاً واجب است انجام دهد مانند نماز و همین‌طور چیزی که فرضاً انجام می‌دهد شرعاً حرام است مانند قمار.

ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند.

ج. احتمال تأثیر بدهد.

د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امرکننده یا نهی

کننده در کار نباشد.

مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در ایران ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حساب شده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود:

الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است از:

۱. از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا»، (انسان، آیه ۳).

بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچگونه عذر و بهانه ای نیست بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت است و... می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا

می کند.

در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می گردد. بر اثر خودباختگی ملاک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه های عالی و معرفت صحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می دهد.

یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرا یا حکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می باشد. قرآن کریم می فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم...» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱).

این عامل درونی اختصاص به جامعه ای خاص یا پیروان دین مخصوصی ندارد اما در هر جامعه ای عوامل تشدید کننده یا کنترل کننده وجود دارد که باید پیشینه تاریخی و وضعیت فرهنگی را بررسی کرد. در خصوص جامعه ایرانی به ریشه های تاریخی آن اشاره می کنیم.

۲. ریشه های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما



را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترش این معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد.

۳. کوتاهی و بی توجهی برخی از مسئولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.

گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسئولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد.

۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و... گردید.

۵. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و

ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب.

مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد:

۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از

موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد.

۲. کار بنیادی فرهنگی. مسلماً برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است آگه...جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه ها نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شئون اسلامی، راه کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسئولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکبوی صفا و اهتمام

جدی به رعایت ارزش های اسلامی در دانشگاه ها باشیم، ان شاءالله.

ناگفته نماند بسیاری از ناهنجارهای اجتماعی از جمله بدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسیاری از مفاسد اجتماعی هستند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف صورت می پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجام دهند. فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی به شکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱ حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی

۲. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد

۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها

۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

**. از جمله شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، ایمن بودن از خطر و ضرر است، این شرط نه تنها موجود نبود بلکه با پیشینه و عملکرد یزید و حکومت بنی امیه - با آن وضعیت استبدادی و کشتار بی رحمانه انسان های بی گناه - روشن بود که چنین موقعیتی پیش نمی آید و اقدام**

### پرسش

. از جمله شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، ایمن بودن از خطر و ضرر است، این شرط نه تنها موجود نبود بلکه با پیشینه و عملکرد یزید و حکومت بنی امیه - با آن وضعیت استبدادی و کشتار بی رحمانه انسان های بی گناه - روشن بود که چنین موقعیتی پیش نمی آید و اقدام امام حسین(ع) یا هر کس دیگر، با مخاطرات جدی روبه رو است! پس چگونه آن حضرت با این وضعیت اقدام به نهضت و امر به معروف و نهی از منکر نمود؟

### پاسخ

ما شرایط احکام و خصوصیات و فروع آن را باید از روش امامان(ع) فرا بگیریم و دلیل بر جواز شرعی هر عمل این است که به وسیله امامان(ع) انجام گرفته باشد. به عبارت دیگر گفتار و رفتار آن بزرگواران از ادله احکام شرعی است.

پس فرضاً اگر دلیلی که دلالت بر مشروط بودن امر به معروف به احتمال تأثیر و امن از ضرر دارد، به عموم یا اطلاق شامل این

مورد هم بشود؛ اقدام امام حسین(ع) مخصّص یا مقیّد آن خواهد بود و می فهمیم که اگر مصلحت مهم تری در کار بود، این دو شرط در وجوب دخالت ندارد و باید امر به معروف و نهی از منکر نمود؛ هر چند احتمال ضرر و خطر داده شود.

از این رو باید اهمیت مصلحت امر به معروف و نهی از منکر را با ضرر و مفسده احتمالی آن، سنجید؛ اگر مصلحت آن اهمّ و شرعاً لازم الاستیفا باشد، (مثل بقای دین)، تحمل ضرر لازم است و ترک امر به معروف جایز نیست.

به بیان دیگر: فرق است بین امر به معروف و نهی از منکرهای

عادی و معمولی - که غرض بازداري اشخاص از معصیت و مخالفت و وادار کردن آنها به اطاعت و انجام وظیفه است - و بین امر به معروف و نهی از منکری که جنبه عمومی و کلی دارد و احیای دین و بقای احکام و شعائر، به آن وابسته باشد و ترک آن موجب خسارت ها و مصایب جبران ناپذیری بر مسلمانان شود. درست مانند آنکه در عصر حکومت یزید، ملّیت جامعه اسلام در خطر تغییر و تبدیل به ملّیت کفر واقع شده بود و اوضاع و احوال نشان می داد که به زودی دین از اثر و رسمیت افتاده و فاتحه اسلام خوانده می شود.

در صورت اول امر به معروف و نهی از منکر مشروط به امن از ضرر است و در صورت دوم وجوب آن، مشروط به امن از ضرر نیست و باید دین را یاری کرد و خطر را از اسلام دفع نمود؛ اگر چه به فداکردن مال و جان باشد.

امام حسین(ع) کاملاً از خطری که متوجه دین شده بود، آگاه بود؛ از این رو در همان آغاز کار - که مروان در مدینه به آن حضرت توصیه کرد که با یزید بیعت کند - فرمود:

«أنا لله و أنا اليه راجعون و علی الاسلام السلام اذ قد بليت الأمة براع مثل یزید»؛ «... باید با اسلام وداع کرد؛ زیرا امت به راعی و شبانی مانند یزید مبتلا شده است»؛ یعنی، وقتی یزید زمامدار مسلمین شود، معلوم است که اسلام به چه سرنوشتی گرفتار می شود! آنجا که یزید است اسلام نیست و آنجا که اسلام است، یزید نیست.

در مقابل چنین خطر و منکری، امام حسین(ع) باید

به پا خیزد و دفاع کند و سنگر اسلام را خالی نگذارد؛ هر چند خودش و عزیزانش را بکشند خواهران و دخترانش را اسیر کنند؛ زیرا آن حضرت بقای اسلام و بقای احکام اسلام را از بقای خودش مهم تر می دانست؛ پس جان خود را فدای اسلام کرد و با آنکه اطفال و خاندانش در سختی و گرفتاری شدید بودند از برنامه خود و انجام وظیفه منصرف نشد.

آری قیام سیدالشهدا(ع) امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم، ستم، کفر و ارتجاع واقعی بود. اما تاریخ چنین امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم و کفر، به خود ندیده است؛ که یک نفر مانند امام حسین(ع) همراه با خاندان خود در احاطه لشکری ستمگر باشد، اما در عین حال عزت و کرامت نفس خود را حفظ کرده و به وظیفه خود وفادار مانده باشد.

این اباعبدالله(ع) بود که در راه امر به معروف و نهی از منکر، چنان قوت قلب و شجاعتی در روز عاشورا اظهار کرد که از عهده آن همه امتحانات بزرگ برآمد و در بین شهیدان راه حق، رتبه اول را حائز شد.

در اینجا بسیار مناسب است به بیان لطیفی از استاد شهید علامه مطهری اشاره شود: «وجوب امر به معروف و نهی از منکر را تا زمانی که ضرری بر آن مترتب نیست همه قبول دارند. اما وقتی که پای ضرر پیش می آید، بعضی می گویند: مرز آن اصل تا همین جا هست؛ یعنی، وجوب آن، تا جایی است که خطری در کار نباشد و ضرری به آبرو و جان و حتی به مال شخص آمر و ناهی،

وارد نیاید. اینها ارزش این اصل را پایین آورده اند؛ اما بعضی می گویند: ارزش امر به معروف و نهی از منکر بالاتر از اینها است؛ اگر موضوع معروف و منکر مسأله ساده و کوچکی باشد، با احتمال ضرر، وجوب آن منتفی خواهد بود؛ ولی اگر در مواردی، مثلاً قرآن به خطر بیفتد، عدالت به خطر بیفتد، وحدت اسلامی به خطر بیفتد، دیگر نمی توان گفت: امر به معروف و نهی از منکر نمی کنم؛ زیرا اگر حرفی بزنم جانم در خطر است، آبرویم در خطر است و یا اجتماع نمی پسندد».

از این رو، اصل امر به معروف در مسائل بزرگ، مرز نمی شناسد و حتی با وجود ضرر و خطرهای بزرگ، واجب خواهد بود. این است که می گوئیم: نهضت حسینی، ارزش امر به معروف و نهی از منکر را - در مقام اثبات - بالا برد؛ زیرا او نه تنها جان و مال خود، که جان عزیزانش را هم در این راه فدا کرد و حتی به اسارت اهل بیتش هم برای اقامه این اصل، راضی شد.

با این کار امام(ع)، دیگر جای شک نیست که در مسائل مهم، امر به معروف و نهی از منکر با وجود هر گونه خطری واجب خواهد بود و در راه آن هر ضرری را باید به جان خرید.

**تکلیف ما درباره اوضاع فرهنگی و اجتماعی حاضر در جامعه چیست. با توجه به اینکه همیشه موارد فراوان از نادیده گرفتن شئون اسلامی و حفظ حجاب و ارزشهای دینی مشاهده می شود تکلیف ما چیست. و چطور می توان در این زمینه امر به معروف و نهی از منکر نمود آیا اصلاً تکلیفی**

**پرسش**

تکلیف ما درباره اوضاع فرهنگی و اجتماعی حاضر در جامعه چیست. با توجه به اینکه همیشه موارد فراوان از نادیده گرفتن شئون اسلامی و حفظ حجاب و ارزشهای دینی مشاهده می شود تکلیف ما چیست. و چطور می توان در این زمینه امر به معروف و نهی از منکر نمود آیا اصلاً تکلیفی در این زمینه



## پاسخ

تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند، فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه ی عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ از جمله:

اولاً: "فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد.

ثانیاً، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد.

ثالثاً، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده، اصرار بر استمرار آن داشته باشد.

رابعاً، در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد.

علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه ی پایین تر، جایز نیست که به مرتبه ی بالاتر تعدی کند. و در صورتی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر فراهم نباشد تکلیف ساقط است و باید دانست که در زمانی که حکومت اسلامی هر نوع اقدام عملی از سوی شخص جایز نیست و باید این مرحله از نهی از منکر را به نیروهای امنیتی و قوه قضائیه واگذار کرد.

**متأسفانه برخی از اساتید از نظر روابط اجتماعی بالاخص در نگاه و گفتار درست عمل نمی کنند و می خواهیم بدانم که آیا صرف اینکه نمره ما در دست آنهاست ما مجبور به سکوت و مراعات هستیم و آیا تکلیف شرعی ما تحمل آنهاست. چون برخی از درس ها تنها به یک استاد ارائه می شود**

## پرسش

متأسفانه برخی از اساتید از نظر روابط اجتماعی بالاخص در نگاه و گفتار درست عمل نمی کنند و می خواهیم بدانم که آیا صرف اینکه نمره ما در دست آنهاست ما مجبور به سکوت و مراعات هستیم و آیا

تکلیف شرعی ما تحمل آنهاست. چون برخی از درس ها تنها به یک استاد ارائه می شود و ما مجبور می شویم با آنها کلاس برداریم و امر به معروف و نهی از منکر هم مسلما بی فایده است.

## پاسخ

شما دو وظیفه دارید؛

یکی، رعایت پوشش بدن (به جز صورت و دست ها تا مچ) مگر آن که خوف فساد و تلبذ در کار باشد که در این صورت باید خودتان را بیشتر بپوشانید.

دوم، این که اگر استاد با قصد لذت به شما نگاه می کند با زبان نرم امر به معروف نمایید (اگر شرایط هم فراهم باشد) و اگر تأثیر نکرد وظیفه ای ندارید.

در عین حال توجه به نکات زیر مناسب و شایسته است:

۱. حتی المقدور نگاهتان را در برخورد با وی در کلاس درس یا خارج کلاس کنترل کرده و از نگاه مستقیم و رودر رو به وی پرهیز کنید.

۲. رفتارتان با همه دانشجویان پسر و نامحرم ها و به خصوص با فرد مورد نظرتان متکبرانانه و دارای جدیت بیشتری باشد و از هرگونه شوخی و خنده اجتناب کنید و هرگز با وی گرم نگیرید. ضمن این که احترام وی را به عنوان استاد کاملا رعایت کنید.

۳. در برخوردها و روابط اجتماعی تان محجوب تر، با وقارتر باشید و زمینه گفتگوهای غیردرسی را به صورت انفرادی با وی فراهم نکنید.

**برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟**

## پرسش

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

## پاسخ

کسانی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند، ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود، نداشته باشند.

اما تحرک جامعه به سوی اصلاح عنصر گنجانده شده است: ۱. تبیین اهداف بلند و خوبیها. ۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در راه این اهداف.

کسانی که تحرک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند را از آنچه می توانند باشند نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده، انتظار چای نمی تواند داشته باشد در قرآن کریم اهتمام بسیاری به سازندگی وجود دارد. با این وجود یونس «علیه السلام» را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ امامان «علیهم السلام» و احادیث آنان نیز چگونگی دعوت و پایداری در راه آن و طبقه بندی افراد، فرهنگ تحرک و اصلاح بیان شده است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

### انتقاد صحیح کدام است و چه ضوابطی دارد؟

#### پرسش

انتقاد صحیح کدام است و چه ضوابطی دارد؟

#### پاسخ

انتقاد از ماده نقد به معنی وارسی کردن، جدا کردن است انتقاد جدا سازی خوب از بد می باشد. اساساً همه ما و به ویژه کسانی که در جایگاه مدیریتی هستند باید انتقاد پذیر باشند. و برخوردارمان طوری باشد که دیگران جرات داشته باشند عیوب را متذکر شوند اما این حرکت مشروط به شرایطی است:

۱. منتقد باید حق را بشناسد و از ناحق تمیز دهد. عیب را از صحت تشخیص دهد.

۲. انتقاد به گونه ای باشد که آبرو و شخصیت طرف انتقاد مصون بماند.

۳. ذکر عیوب و ایرادات اگر آشکار نبوده، در خلوت و حتی الامکان از صراحت بپرهیزد.

۴. انتقاد از روی خیرخواهی باشد نه انتقام و برتری جویی این چنین انتقادی، آثاری چون فزونی عقل، کمال فکر عاقبت خیر، نجات از سرزنش، دوستی، انصاف، پیشرفت در کارها و... را خواهد داشت.

در حدیث می خوانیم علامت ناصح چهار چیز است:

حکم به حق می کند؛

انصاف دارد؛

آنچه برای خود می پسندد برای مردم هم خوشود است؛

تجاوز به حدود کسی نمی کند (۲).

« بخش پاسخ به سؤالات »

(۲) پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله»، تحف العقول، ص ۲۱.

**با دوستانی که پای بند به مسائل اسلامی نیستند، چه برخوردی مناسب است؟**

**پرسش**

با دوستانی که پای بند به مسائل اسلامی نیستند، چه برخوردی مناسب است؟

**پاسخ**

۱. انسان در صورتی مسئول است که توانائی تأثیر داشته باشید. ولی اگر خودمان هم در اثر معاشرت ضرر ببینید، باید دوری کنید.

۲. انسان زمانی تکلیف را می پذیرد که به دستور دهنده، عشق و ارادت داشته باشد و عشق و فرمانبری هم از شناخت مایه می گیرد. دوستان خویش را به محبت ها و نعمتهای خداوند متوجه کنیم. در این باره کتابهایی هست که می توان آنها را آگاه کرد.

۳. به ایشان یادآور شویم اگر زندگی خوردن و خوابیدن و خوش بودن بود (لابالی گری) همان غریزه های حیوانی کافی بود. اما مجهز بودن فکر و عقل و وجدان ملامتگر و این استعدادهای شگفت نشانه هدفی بلند در آفرینش است و حیف است که انسان پالایشگاه کود باقی بماند.

۴. کتابهایی در معادشناسی بسیار مؤثر است.

۵. در این سیر صبر و حوصله لازم است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

**بنده دانشجوی رشته رایانه می باشم . دوستی کوچک تر از خودم دارم که با افراد نابابی معاشرت دارد و به دلیل کم تجربگی دست به بعضی کارهای خلاف شرع و عقل می زند. او می گوید انسان باید همه چیز را تجربه کند! چه کار کنم او را از مهلکه نجات دهم ؟**

بنده دانشجوی رشته‌ی رایانه می باشم . دوستی کوچک تر از خودم دارم که با افراد نابابی معاشرت دارد و به دلیل کم تجربگی دست به بعضی کارهای خلاف شرع و عقل می زند. او می گوید انسان باید همه چیز را تجربه کند! چه کار کنم او را از مهلکه نجات دهم ؟

## پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از این که دوست دارید راهنمای خوبی برای دوستان باشید و برای آن هادلوسوزی کنید خوشحالیم . خداوند امثال شما را زیاد بگرداند. اگر همهء نوجوانان , دوستان خوبی مانند شما داشتند, کم تر به دام شیطان می افتادند. با دقت بررسی کنید چه عاملی باعث جذب ایشان به آنان شده است و عامل جذّابیت آنان چیست که توانسته اند او را به طرف خود بکشانند. عوامل مختلفی می تواند باعث انحراف نوجوانان بشود, از جمله :

۱ ضعف بنیه اخلاقی و اعتقادی ; معمولاً بزهکاری و جذب شدن به کارهای خلاف به خاطر این است که الگوی درست رفتاری نداشته اند و در مدتی که در خانه نزد پدر و مادر, دوران کودکی و نوجوانی را گذرانده یا در مدرسه با افراد گوناگون برخورد داشته اند, از نظر اخلاقی و اعتقادی به نحو مطلوب تربیت نشده اند, از این رو جذب افراد بزهکار می شوند.

۲ طغیان غرائز جنسی در نوجوانی , عامل دیگری برای تسریع جذب نوجوانان به بزهکاری است .

۳ جذّابیت افرادی که نوجوانان را به طرف خود کشانند, با شوخی و خنده و گرم گرفتن و کمک های مادی و میهمان کردن (خرید بستی و ساندویج و غذا و اظهار دلسوزی و رفاقت و به گردش و پارک رفتن).

روش هایی که می تواند در جلوگیری و ممانعت نوجوانان مؤثر باشد:

۱ گفت گو، شیرین زبانی و مزاح های پسندیده و معقول می تواند نقش مؤثری در جذب نوجوانان به سوی حق و حقیقت باشد.

۲ کار، بسیاری از نوجوانان چون از کودکی تا جوانی دست به کاری نمی زنند و لباس و غذایشان آماده است و حتی رختخوابشان را پدر و مادر پهن می کنند و دست به سیاه و سفید نمی زنند، احساس تعهد و مسئولیتی ندارند و دارای توقعات بیش از حد هستند، حتی اگر پدر یا مادر و یا دیگران از آنان کاری را درخواست کنند، عصبانی و از خانه گریزان می شوند و وقتی امیدشان به خانه و پدر و مادر نبود، خواه ناخواه جذب هر جا و هر شخصی که محبت نشان دهد، می شوند. اگر پدر و مادر و جامعه، بچه ها را از کودکی با فرهنگ کار و زحمت بار بیاورند و آنان را با برخی مهارت ها آشنا سازند، در نوجوانی و جوانی عاطل و باطل نمی مانند و می توانند به کار مناسبی اشتغال ورزند.

۳ تشویق و ترغیب نوجوانان و جوانان و امید دادن به آنان و برخورد خوب و بردنشان به مکان های مذهبی و زیارتی و آشنا کردنشان به مضامین آیات و روایات مناسب و پر کردن اوقات فراغت آنان می تواند از عوامل پیشگیری مفسد اجتماعی و بزهکاری باشد.

۴ معرفی ماهیت زشت افرادی که رفیق شما را جذب کرده اند، عامل مؤثری، در ارشاد او می باشد. سعی کنید چهرهء واقعی رفقای او را که باعث انحرافش شده اند، معرفی کنید. می توانید از نمونه هایی که در

صفحات حوادث روزنامه ها هست , برایش بگویید و عواقب رفاقت با افراد نابکار را هشدار دهید. خداوند تمامی جوانان و نوجوانان را از خطرات و لغزش ها مصون بدارد.

**مادرم کارهای ناروایی می کند و چون او را نهی کرده ام , قصد جانم را کرده است . کمکم کنید.**

**پرسش**

مادرم کارهای ناروایی می کند و چون او را نهی کرده ام , قصد جانم را کرده است . کمکم کنید.

**پاسخ**

از نظر اسلامی فرزند در برابر پدر و مادر, کاملاً مطیع و تسلیم است و امر به معروف و نهی از منکر بیش از یک بار جایز نیست . شما به مادرتان کاری نداشته باشید. او اگر رابطه نامشروع دارد, در دنیا و آخرت مکافات خواهد دید و اگر پدرت مطیع مادرتان است و چیزی نمی گوید, از بی غیرتی نیست . او می فهمد طلاق دادن زن چه مشکلاتی دارد. مگر پدرت به سادگی می تواند زن بگیرد؟ وانگهی رفت و شد مادرتان را تعقیب کند, بهتر است . صلاح این است با بخش منکراتِ نیروی انتظامی همکاری کنید تا مادرت با آن شخص پلید دستگیر شود. فعلاً مصلحت این است با مادرتان حرف بزنی و رفتار عادی داشته باشید و از غذایی که همگی می خورند, استفاده نمایید. وقتی برخورد درست نشان دهید, قطعاً مادرتان کاری با شما نخواهد داشت و مزاحمتان نمی شود, تا ترم را بگذرانید و بتوانید در دانشگاه قبول شوید یا به سربازی بروید. بالاخره هر چه باشد, مادر است و فرزندان نمی توانند با مادر و پدر دعوا کنند یا نهی از منکر نمایند. به خصوص اگر احتمال اثر نمی دهند. رسوایی مادرتان باعث سرشکستی شما است . فردا که می خواهید ازدواج کنید, وقتی مادرتان به بزهکاری معروف باشد, کسی با شما ازدواج نخواهد کرد. بهتر است گناه مادر را بپوشانید و حرف او را باور کنید. غیرت یا بی غیرتی پدر به شما ارتباطی ندارد. بهتر است محیط خانواده را متشنج نسازید و راه محبت

و مهربانی با مادر را در پیش بگیرید. شاید از این طریق بتوانید او را هدایت کنید. اگر پدر و مادر کافر یا مشرک باشند، وظیفه اولاد احترام و احسان به آن‌ها است. البته اگر به گناه دعوت کردند، اطاعت آن‌ها لازم نیست. قرآن می‌فرماید:

نباید برخوردی با آن‌ها انجام دهید. صبر کنید و برای هدایت آن‌ها دعا کنید. متأسفانه نمی‌توانیم در مورد جا و مکان به شما کمک کنیم، چون امکاناتی نداریم. بهتر است با افراد فامیل صحبت کنید، تا آن‌ها واسطه شوند و موضوع را حل کنند. اگر احساس امنیت نمی‌کنید و راه حل دیگری به ذهنتان نمی‌رسد، می‌توانید دفترچه آماده به خدمت بگیرید و به سربازی بروید و به صورت متفرقه درس را ادامه دهید. در این وضع، این امر بر تحصیل مقدم است. فرصت برای تحصیل باقی است و می‌توانید در آینده جبران کنید.

**چگونه می‌توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ این مورد را برای فردی که امر به معروف و نهی از منکر در او هیچ اثری ندارد، بیان کنید.**

### پرسش

چگونه می‌توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ این مورد را برای فردی که امر به معروف و نهی از منکر در او هیچ اثری ندارد، بیان کنید.

### پاسخ

به نظر می‌رسد که سؤال قدری تناقض داشته باشد، زیرا اگر شیوه امر به معروف در کسی اثری نداشته باشد، پس نمی‌توان به هیچ طریقی او را از عمل ناپسند و کارهای حرام بازداشت، اما شاید در مورد چنین شخصی شیوه صحیح امر به معروف و نهی از منکر به کار نمی‌رود.

در بیشتر اوقات چون توصیه و نصیحت‌های ما، آگاهانه و از روی اصول تربیتی انجام نمی‌گیرد، نتیجه مطلوبی به دست نمی‌دهد. از این رو به طور اجمال شیوه‌های برخورد با افراد خطاکار خدمتتان پیشنهاد می‌شود:

اول: دادن شخصیت؛ در برخورد با یک فرد خطاکار نباید از طریق توهین به شخصیت وی لطمه وارد ساخت. به عنوان مثال: مدیر دبیرستان وقتی بخواهد دانش‌آموزی را در مورد لغزشی که انجام داده، نصیحت کند و او را باز دارد، شایسته است در دفتر کار خود بدون اطلاع دیگران این کار را انجام دهد. این نوع برخورد اثر زیادی دارد. اصولاً هر چه قدر بتوان با خطاکار برخورد ملایم و مؤدبانه و مخفیانه داشته باشیم، شخصیت او را

لکه دار نکرده ایم، زیرا طبیعت بشر به گونه‌ای است که اگر شخصیتش مورد اهانت و توهین قرار گیرد، واکنش نشان می‌دهد.



دوم: جلب اعتماد؛ امام علی علیه السلام می فرماید: "قلوب الرجال وحشیه فمن تألفها، اقبلت علیه؛ دل های (۱)

مردم وحشی است، پس هر کسی که دل ها را جذب کند، به او روی خواهند آورد."

امام علی به ما روش معاشرت را یاد

می دهد. منظور حضرت این است که دل های انسان ها نسبت به یکدیگر متمایز است. اگر کسی در جذب آنها مهارت داشته باشد، به آن شخص روی آورده و او را پذیرا می شوند، به همین جهت پس از جلب اعتماد می تواند در آنها نفوذ کرد. یکی از راه های جلب، احسان و محبت است.

در حدیث است: "الأنسان عبیدالأحسان" طبیعت آدمی به گونه ای است که در برابر نیکی ها فروتنی نشان (۲)

می دهد. وقتی خضوع پیدا کرد و اعتمادش جلب شد، آن موقع می توان او را ارشاد کرد. البته او خواهد پذیرفت، ولی متأسفانه ما دل افراد را با عمل و محبت جذب نمی کنیم. حتی رسول اکرم صلی الله وعلیه وآله اگر اعتماد مردم را به خود جلب نمی کردند و در زندگی آن صداقت و امانت داری را نداشتند، مردم هیچ گاه سخنان ایشان را با جان دل گوش نمی دادند و انسان ها را نمی توانست چنین پاک و شجاع تربیت نماید.

سوم: باز زبان طرف و به اندازه فهم مخاطب؛ قرآن مجید درباره شیوه برخورد می فرماید: "ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن ای رسول، خلق را به حکمت و برهان و موعظه (۳)

نیکو به راه خدا دعوت کن و به بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن". خداوند در این آیه می فرماید که با یک دسته از مردم باید با حکمت و استدلال صحبت کرد؛ با گروه دیگر باید با موعظه و نصیحت سخن گفت، بنابراین لازم است میزان درک مخاطب را فهمید و دید که چه قدر می فهمد و با چه زبانی متوجه می شود. این قاعده در باب مسئله امر به معروف

و تربیت بسیار مهم است که متأسفانه کمتر رعایت می شود و غالباً ما با

ملامت و سرزنش با خطا کار صحبت می کنیم به هر حال با زبان مخاطب صحبت کردن و ساده گفتن بسیار مؤثر است.

چهارم: در نظر گرفتن وضعیت روحی و روانی؛ امام علی علیه السلام در این باره فرموده اند: "همانا قلب ها برای پذیرفتن نصیحت، گاه روی می آورد و گاه نمی پذیرد. پس در مواقع پذیرش، آنها را دریابید، زیرا اگر دل ها نسبت به چیزی اکراه داشته باشند، در آن مورد کور بوده و چیزی را نمی بینند." در این حدیث امام (۴)

می فرماید: باید موقعیت معصیت کار را در نظر گرفت و زمان آمادگی پند و اندرز را فهمید.

در غیر این صورت ممکن است اصلاً چیزی را قبول نکند. اگر جوانی مشغول بازی فوتبال است یا کسی را که مشغول کار خلاف است، در همان وقت نمی توان امر به معروف و نهی از منکر کرد. نیز در حال عصبانیت نمی توان او را نصیحت کرد، زیرا پذیرش ندارد.

پنجم: ارشاد باید از نکات مورد اتفاق شروع شود؛

در برخورد خطا کار لازم است نقاط مشترکی را که همه قبول دارند گفت تا سرانجام به نقاط اختلاف برسند. در مسئله امر به معروف و نهی از منکر شاید بهترین روش، روش سقراطی (قابل ای) باشد، یعنی همان طور که قابله بچه را از شکم مادر بیرون می کشد، باید پاسخ سؤالات را از افراد عاصی بیرون کشید، مثلاً در برخورد با

خانم خطا کار می توان این صورت صحبت کرد: آیا شما قبول دارید که انسان هستیم، آیا قبول دارید که نظام انسانی قانون و ضوابط اخلاقی لازم دارد، آیا انسان با عفت ارزش دارد یا بی

عفت، آیا دختران عقیف بیشتر

خریدار دارند یا غیر عقیف؟ مسلماً جواب همه پرسش‌ها را مثبت می‌دهد. سپس باید روی این اقرارها تأکید کرد و اما از این جا به بعد به نقاط اختلاف پردازیم و نسبت به اصلاح آن اقدام نماییم.

ششم: توجه دادن شخص به آثار و نتایج نامطلوبی که از عمل ناشایست و کارهای حرام ایجاد می‌شود؛

بعضی به نتایج کارهایی که می‌کنند، توجه ندارند. نتایج سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، انسانی و خانوادگی. نیم می‌دانند گناه نسبت به قلب و دل و دل انسان چه می‌کند. روابط انسانی را میان آدم‌ها تیره می‌کند و نتایج نامطلوب به بار می‌آورد. توجه دادن به این اقرار با در نظر گرفتن نکات قبلی می‌تواند مفید باشد.

در صورتی که روش‌های مزبور فایده‌ای نداشت و فرد خاطی آگاه نشد و ترک گناه نکرد، از شیوه‌های غیر مستقیم استفاده شود:

۱- از بین بردن زمینه گناه و معصیت مانند: ایجاد کار و ازدواج؛

۲- برقراری ارتباط دوستانه وی با افراد صالح؛

۳- اهدای کتاب و تشویق به خواندن آن‌ها؛

۴- تشویق به ورزش؛

۵- کمک گرفتن از مربیان و معلمان با نفوذ؛

در نهایت با روبروگرداندن و اظهار ناراحتی می‌توانید او را نسبت به عمل ناپسند آگاه کنید؛ البته اگر اظهار ناراحتی شما برای او مهم باشد و تاثیر مثبت داشته باشد. در غیر این صورت حداقل از نظر درونی و قلبی نسبت به عمل ناپسند او ناراحت باشند و اظهار تنفر کنید.

{ ۱ - نهج البلاغه، کلمات قصار، ح ۴۷. ۲ } { P - میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۱، چاپ جدید. P }

{ ۳ - نحل }

{۴ - نهج البلاغه، کلمات قصار، حدیث ۱۸۴ .P}

**آیا نحوه برخورد، با منکرات اجتماعی، مثلاً زدن افراد صحیح است؟**

**پرسش**

آیا نحوه برخورد، با منکرات اجتماعی، مثلاً زدن افراد صحیح است؟

**پاسخ**

برای مبارزه با منکر و اشاعه هر معروفی، باید منکر و معروف را شناخت و دانست چرا فلان کار منکراست یا معروف.

مسئله اسلام روابط آزاد و بی ضابطه دختران و پسران را قبول ندارد و از آن نهی کرده است، اما برای مبارزه با این منکر راه هایی را پیش پای مسلمانان نهاده است، تا منکرات شیوع پیدا نکنند و معروف ها از بین نرود.

متأسفانه در جامعه، از بُعد شناخت معروف و منکر و راه های امر به معروف و نهی از منکر دچار مشکل هستیم و از این رو، نه منکرات رخت بر می بندد و نه معروف ها رشد می کنند!

هم رابطه غیر مشروع دختر و پسر حتی اگر قصد ازدواج با هم داشته باشند اشتباه است و هم کار کسانی که برای پاسداری از عفت عمومی، آن ها را بازخواست می کنند و احیاناً کتک می زنند!

گاه این بازداشت ها با آبروریزی و گرفتن اعتراف به زور و پرونده سازی و پاره کردن لباس و شلوار و یا زدن موهای پسران همراه است که چون هیچ کدام حکم حاکم شرع را ندارند، اشتباه و مستلزم پرداخت دیه و قصاص است. بهترین کار در این گونه موارد امر به معروف و نهی از منکر، با توجه به احکام آن که در رساله های عملیه آمده است، می باشد.

در صورت تکرار معصیت، باید آنان را تحویل مراجع قضایی داد تا با عدالت اسلامی و قانون الهی با آنان برخورد

شود.

آمران و ناهیان باید توجه داشته باشند آبروی مسلمانان محترم است و نباید به هر بهانه ای آن را ریخت و نباید برای برقراری حقوق الهی و حق دیگران را زیر پا گذارد.

برای اطلاع بیش تر به احکام امر به معروف و نهی از منکر و احکام دیات و قصاص در رساله های عملیه مراجعه کنید.

**یکی از اعضای خانواده من که از من بزرگتر است مشروب می خورد و تقریباً برای او عادت شده است . من بارها ناراحتی خود را نشان داده ام و اتاق را ترک کرده ام , صحبت ها و راهنمایی های من اثری نداشته است چه کنم که او را وادار به ترک کنم ؟**

**پرسش**

یکی از اعضای خانواده من که از من بزرگتر است مشروب می خورد و تقریباً برای او عادت شده است . من بارها ناراحتی خود را نشان داده ام و اتاق را ترک کرده ام , صحبت ها و راهنمایی های من اثری نداشته است چه کنم که او را وادار به ترک کنم ؟

**پاسخ**

همین مقدار که اظهار ناراحتی می کنید از نظر وظیفه شرعی کافی است . سعی کنید ارتباط عاطفی خود را بیشتر کنید و از این راه او را به کم کردن و به تدریج , ترک وادار کنید. این مسئله نیاستی باعث کدورت شدید و به قطع رابطه منجر گردد, هر چند نیاستی زشتی این عمل اندک نگاشته شود و او فکر کند کار خیلی بدی انجام نمی دهد. اگر زمینه وجود دارد مطالبی که درباره زیان های مشروب برای شما می فرستیم در اختیار ایشان قرار دهید. تا تأثیر منفی مشروبات را دریافت نمایید. حداقل به خاطر نسل آینده هم شده دست از این عمل پلید بردارد.

**یک روش مناسب برای امر به معروف خانم های بی حجاب پیشنهاد کنید**

**پرسش**

یک روش مناسب برای امر به معروف خانم های بی حجاب پیشنهاد کنید

**پاسخ**

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب عقلی و از دستورهای الهی و وظیفه همه کسانی است که به جامعه انسانی و ارزش های معنوی می اندیشند و برای ترقی و پیشرفت جامعه می کوشند, زیرا در جامعه ای که فسادحاکم باشد, انسان به تعالی نمی

رسد. البته امر به معروف و نهی از منکر از ظرافت خاصی برخوردار است که هر کس نمی تواند بدون آموزش و زیرکی و توانمندی آن را انجام دهد. چه بسا سخنی یا عملی به عنوان امر به معروف و نهی از منکر نتیجهء معکوس می دهد و عوض این که شخصی را از ضلالت نجات دهد، او را به گناه و معصیت جری تر و جسورتر می کند. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر باید روحیه و روان شخصی گناهکار را بداند تا بتواند با شیوه و نحوهء مناسب وظیفهء امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد.

پس نکتهء اول، آشنایی با خصوصیات اخلاقی و روانی فرد خاطی است.

نکتهء دوم، آگاه و علم به این که معروف چیست و منکر چیست.

نکتهء سوم، دلسوزی و ملاحظت و هدایت است، نه انتقامجویی و مفتضح کردن فرد خطاکار.

در مورد حجاب و جلوگیری از بدحجابی، آقایان و خانم ها می توانند اقدام کنند، اما خانم ها بهتر می توانند اقدام کنند. برای این مهم پیشنهاد ما این است که آیات و روایاتی را در زمینهء حجاب بیاموزند و حفظ داشته باشند و از داستان ها و حوادثی که بر

اثر بدحجابی و مفسادی که به جهت آن در جامعه و روزنامه ها گزارش شده است ، آگاهی داشته باشند و از راه بیان آن ها برای افراد بی حجاب و بدحجاب ، آنان را ارشاد کنند.

**در مورد کسانی که دچار فساد و شهوترانی شده اند، راهنمایی کنید که چگونه آن ها را امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟**

**پرسش**

در مورد کسانی که دچار فساد و شهوترانی شده اند، راهنمایی کنید که چگونه آن ها را امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟

**پاسخ**

وظیفهء همگان است که امر به معروف و نهی از منکر کنند. در مورد شهوترانی جزوه ای ارسال می شود تا به ایشان بدهید و سفارش کنید مطالعه کند. اگر شما می خواهید ایشان را هدایت و ارشاد کنید، باید کتاب هایی را که در مورد مذکور نوشته شده است مطالعه کنید تا با اطلاعات وسیع و روش صحیح با ایشان صحبت کنید. برای مطالعه کتاب از مرحوم شهید دستغیب را مطالعه کنید و نیز کتاب کیفر گناه و کیفر کردار و همین طور کتاب هایی که در مورد جوانان و آسیب هایی که ممکن است دامنگیر آنان شود، نوشته شده است ، از قبیل ، ، ، ، . اگر توانستید به آنان نیز برای مطالعه بدهید.

**با راننده ای که در ماشین نوار مبتذل روشن می کند، چگونه برخورد کنیم ؟**

**پرسش**

با راننده ای که در ماشین نوار مبتذل روشن می کند، چگونه برخورد کنیم ؟

**پاسخ**

امر به معروف و نهی از منکر یکی از فروع دین و جزء واجبات است ، چنین روحیه ای در شماتحسین برانگیز است . بسیاری از نادانان و یا مغرضین و یا افراد ترسو و مسامحه کار از این واجب الهی صرف نظر کرده و حتی به دلایل واهی ، دیگران را از این مهم منع می کنند؛ مثلاً آن گونه که ذکر کردید، می گویند: راننده نوار گذاشته تا خوابش نبرد و یا از نارحتی بیرون آید؛ اگر چنین چیزی بود پی می بایست شرع مقدس اسلام مطابق باروحیات و سلیقه های افراد متغیر می شد؛ فلانی چون می خواهد مراسم عروسی به پا کند از ساز و آواز و مطرب استفاده کند یا فلان شخص چون غمکین است می تواند موسیقی حرام گوش کند؛ چون دین بازیچه ای در دست افراد سست انگار و سطحی نگر می شود. پس باید به راننده اتومبیلی که می خواهد در هنگام مسافركشی کار حرامی انجام دهد و از نوارهای غیر مجاز استفاده کند. تذکر داد و امر به معروف و نهی از منکر کرد. امانکته در این مسئله رعایت نکات لازم و ضروری است ؛ مثلاً برای افرادی چون شما که زن هستید و قدرت مقابله



فیزیکی با فرد مختلف را ندارید، اگر آن فرد با تذکر شما متنبه شد که هیچ والامی توانید از ماشین پیاده شوید، نه آن که در صورت اختیار، وضعیت موجود را تحمل کنید و دست روی دست بگذارید. البته اگر وضعیت به گونه این بود که از عهده شما

خارج بود و یا احتمال تأثیر نمی دهید وظیفه از دوش شما ساقط است و در این صورت از ماشین پیاده می شوید به هر روی دلیلی را که برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر ذکر کردید متین و محکم است ، چون اگر فریضه امر به معروف و نهی از منکر، این واجب بزرگ الیه فراموش یا ترک شود، گناهان مانند قارچ از همه جا سر بردن می آورند و جامعه را به فساد و تباهی می کشانند.

**در خانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود. من چه باید بکنم ؟**

**پرسش**

در خانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود. من چه باید بکنم ؟

**پاسخ**

اگر قدرت دارید ، باید از بخش آن جلوگیری کنید و آنان را که به این کار دست می زنند، امر به معروف و نهی از منکر کنید. اگر قدرت ندارید ، یا این که به حرف شما ترتیب اثر نمی دهند، وظیفه ای ندارید فقط باید در آن محل که موسیقی حرام پخش می شود، مستدل و با زبانی نرم آنان را نصیحت کنید، با کمک خداوند متعال موثر واقع خواهد شد. اعمال و رفتار خوب و شایسته شما می تواند آنان را از این کار زشت بازدارد.

**امروزه در تعداد زیادی از وسائل حمل و نقل مسافر درون شهری یا برون شهری، نوار موسیقی مبتذل روشن می کنند. وقتی که به راننده ها تذکر می دهیم، ناراحت می شوند و گاهی مسافران با ما مقابله می کنند و از راننده می خواهند نوار روشن بماند، به طوری که معمولاً سبب ناراحتی**

**پرسش**

امروزه در تعداد زیادی از وسائل حمل و نقل مسافر درون شهری یا برون شهری، نوار موسیقی مبتذل روشن می کنند. وقتی که به راننده ها تذکر می دهیم، ناراحت می شوند و گاهی مسافران با ما مقابله می کنند و از راننده می خواهند نوار روشن بماند، به طوری که معمولاً سبب ناراحتی ما می شود و سفرها را بر ما سخت نموده است. در این وضع تکلیف ما چیست؟

**پاسخ**

مسئلاً امر به معروف و نهی از منکر، دو واجب بزرگ الهی هستند که وظیفه هر فرد مسلمان است.

البته انجام این دو وظیفه شرایطی دارد، از جمله این که امر و نهی تأثیر داشته باشد و فایده ای بر آن مترتب شود. شرط دیگر

این که ضرری به شما وارد نشود. اگر این دو شرط باشد، امر به معروف و نهی از منکر واجب است. به نظر می رسد گفتن و تذکر دادن شما و امثال شما به راننده بی تأثیر نباشد و ضرری به شما وارد نمی شود. بنابراین تا آن جا که ممکن است، به این وظیفه مهم اقدام کنید. بر فرض در موردی با برخورد خوبی مواجه نشدید، می توانید با اخلاق خوب و سخن زیبا آنان را توجیه و روشن بکنید. خداوند برهانی قاطع و زبانی گویا و دلی مطمئن به شما عنایت فرماید.

**پدرم به اعتیاد رو آورده است . برادرم افزون بر آن به مشروبات الکلی و به مقدسات بد می گویند و باین وجود متعصبند و ظاهر سازی می کنند، این ها مرا رنج می دهد، لطفاً راهنمائیم کنید.**

### پرسش

پدرم به اعتیاد رو آورده است . برادرم افزون بر آن به مشروبات الکلی و به مقدسات بد می گویند و باین وجود متعصبند و ظاهر سازی می کنند، این ها مرا رنج می دهد، لطفاً راهنمائیم کنید.

### پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر با شرایط خاص خود بر همه واجب است ، اما این که چگونه می توان اعضای خانواده را از منکرات ، اعتیاد و مشروبات الکلی بازداشت ، در این باره یک نسخه شفا بخش کلی وجود ندارد، بلکه هر فردی یک سری خصوصیات ، ضعف ها و قوت ها دارد، اعضای خانواده یکدیگر را بهتر از دیگران می شناسند و به ضعف ها و قوت های یکدیگر آگاهند، باید با توجه به ضعف ها و قوت های افراد در پی علاج برآمد، مثلاً فرض کنید پدر فردی عاطفی است باید از دریچه عاطفه وارد شد، برادر فردی اجتماعی است و بُعد اجتماعی و آبرو داری برای او بسیار اهمیت دارد، باید از همین زاویه وارد شد و... .

حال برخی از افراد با وجودی که خودشان ضعف دارند، لیکن نمی خواهند اعضای خانواده شان ضعف داشته باشند، خود این خلاف متعارف نیست ، شما از این بابت اظهار نارضایتی نموده اید. من از شما خواهر محترم می پرسم اگر فردی در پی بدی ها حرکت کند و خانواده خویش را هم به بدی ها سوق دهد و یا بی تفاوت باشد، و فرد دیگری خودش در بدی ها غوطه ور باشد، ولی نسبت به خانواده اش حساس باشد که مبادا در بدی ها گرفتار شود، به نظر شما فرد اول ترجیح دارد یا دومی ؟

طبیعی است که فردی که نسبت به خانواده بی تفاوت نیست و در پی آن است که خانواده اش از بدی ها مصون باشد، خود این ارزشمند است، گرچه خودش پایبند به آن نباشد. این فرد نسبت به فردی دیگری که بیان شد، یک قدم به راه حق نزدیکتر است. بنابراین، ناراحتی ندارد که پدر و یا برادر در دین داری و حفظشئونات دینی خانواده با حساسیت و غیرت واکنش نشان می دهند.

شما خواهر گرامی همّت خویش را به زدودن منکرات از اعضای خانواده معطوف دارید، نه این که از جهت تظاهر به دین داری و غیرت دین داری آنان.

**بعضی از دوستان مرتکب کارهای زشت می شوند، مانده ام که با آن ها چه کار کنم! اگر قطع رابطه نکنم می ترسم آلوده شوم و اگر قطع رابطه بکنم، مشکل دیگری پیش می آید. کمک کنید که چه کار کنم؟**

### پرسش

بعضی از دوستان مرتکب کارهای زشت می شوند، مانده ام که با آن ها چه کار کنم! اگر قطع رابطه نکنم می ترسم آلوده شوم و اگر قطع رابطه بکنم، مشکل دیگری پیش می آید. کمک کنید که چه کار کنم؟

### پاسخ

در بین فرزندان بشر در تمام ادوار زندگی، از ایام کودکی و جوانی تا روزگار کهولت همواره نیازمند رفاقت دیگران هستند، شبهه ای نیست. همان طور که آدمی از داشتن رفیق موافق احساس مسرت می کند و از مصاحبتش خشنود می گردد، هم چنین از تنهایی رنج می برد و از نداشتن هم صحبت شایسته، آزرده خاطر می شود. امام علی(ع) فرمود: "کسی که دوست خورا که برای خدا با او دست شده، از دست بدهد، مثل این که شریف ترین اعضای خود را از کف داده است". (۱) در این جهت هم که هر دوستی به مقیاس درجه رفاقت در امورمادی و معنوی رفیق خود نفوذ می کند و هر یک دانسته یا ندانته روی عقاید و اخلاق و رفتار و گفتار دیگری اثر می گذارد، حرفی نیست. به گونه ای که رسول خدا(ص) فرمود: "المرء علی دین خلیله و قرینه؛ روش آدمی طبق مذهب و سیره دوست دلبندهش خواهد بود". (۲) و امام علی(ع) فرمود: "از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و اعمال شان ناپسند است، برحذر باش، چه آدمی به روش رفیقش خو گرفته و به افکار و اعمال وی عادت می کند". (۳)

رفاقت با افراد ناباب و آلوده آثار سوء خطرناکی دارد. از جمله امام صادق(ع) فرمود: "کسیکه با رفیق بد هم نشینی کند، سالم نمی ماند و سرانجام به ناپاکی آلوده می شود". (۴)

در حد امکان از طریق امر به معروف و نهی از منکر برای صلاح دوستان بکوشید. و بگویید

حیثیت و شرافت شما و خانواده محترم تان در معرض خطر قرار گرفته است یا می گیرد. به او بگویید: باور کنید از دست دادن رفیق شفیقی مثل شما سخت مرا رنج می دهد، اما چه کنم که آبروی من دارد لطمه می خورد. شما را به خدا برای دوستی هم که شده از اعمال بد بپرهیزید.

پی نوشت ها:

۱ - غررالحکم، ج ۵، ص ۷۴۲، چاپ دانشگاه.

۲ - شیخ حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۰.

۳ - نهج البلاغه، نامه شماره ۶۹.

۴ - محدث نوری، مستدرک، ج ۲، ص ۶۵، چاپ قدیم.

**در یک مدرسه شبانه روزی مربی بودم. یکی از سرپرست های مدرسه نسبت به نماز بی اهمیت بود و با یک پسر دوست بود. وقتی مسئولان اداره از من جویا شدند، من واقعیت را گفتم و آنان او را از سرپرستی مدرسه برکنار کردند. حالا احساس گناه می کنم. آیا لازم است از او حلالیت**

**پرسش**

در یک مدرسه شبانه روزی مربی بودم. یکی از سرپرست های مدرسه نسبت به نماز بی اهمیت بود و با یک پسر دوست بود. وقتی مسئولان اداره از من جویا شدند، من واقعیت را گفتم و آنان او را از سرپرستی مدرسه برکنار کردند. حالا احساس گناه می کنم. آیا لازم است از او حلالیت بطلبم؟

**پاسخ**

شما به وظیفه خود عمل کرده اید و خلاف و خطایی انجام نداده اید که احساس گناه داشته باشید. شما نه تنها گناهی نکرده اید، بلکه ثواب هم دارید، چون واقعیت را گفته اید و جامعه مدرسه را از افراد ناپاک مصونیت بخشیده اید. بنابراین هیچ نگران نباشید و لزومی ندارد از او حلالیت بطلبید. چون در چارچوب مسئولیت گام برداشته اید.

با توجه به مربیگری اگر اول به خود سرپرست تذکر می دادید که این عمل در مجموعه بدآموزی دارد و قبل از این که مسئولان بفهمند، بهتر است از این عمل دست بردارید، شاید بهتر شود.

**در این دوره و زمان وظیفه ما در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ وقتی که ما می دانیم که نمی توانیم امر به معروف کنیم و یا اگر امر به معروف کردیم به ما بگویند: (به تو مربوط نیست) وظیفه ما چیست؟**

در این دوره و زمان وظیفه ما در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ وقتی که ما می دانیم که نمی توانیم امر به معروف کنیم و یا اگر امر به معروف کردیم به ما بگویند: (به تو مربوط نیست) وظیفه ما چیست؟

## پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب عقلی و شرعی است و هر مسلمان با احراز شرایط باید اقدام کند. شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر چند چیز است:

۱- کسی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر نماید باید معروف و منکر را بشناسد یعنی بداند که کارهای خوب چیست و منکر و کارهای زشت چیست و نیز بداند این کاری که از آن فرد سر می زند و به نظر منکر است باید بداند که یقیناً منکر و کار زشت است.

در بعضی از موارد مشاهده شده که افراد ظاهر الصلاحی کارهایی انجام می دهند یا حرف هایی می زنند و انسان پندار می کند که آن کارها زشت است یا آن حرف ها غیبت است، ولی در واقع و با دقت اگر ملاحظه شود آن کارها، کار زشت محسوب نمی شود. بنابراین شرط اول این است که هم از نظر مفهوم و هم از نظر مصداق مشخص و یقینی باشد که آن کار، زشت و منکر است.

۲- شرط دیگر این است که بداند حرف او تأثیری در آن شخص خطا کار دارد ولو تأثیر کم باشد. بنابراین اگر بداند که حرف او هیچ تأثیری ندارد امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.

۳- در امر و نهی مفسده ای نباشد پس اگر

بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد، واجب نیست. (۱)

در امر به معروف و نهی از منکر نباید کوتاهی کرد و باید با زبان نرم و اخلاق پسندیده و در موقع مناسب این وظیفه را انجام داد و نباید آبروی طرف را ریخت مگر در مواردی خاص، و به صرف این که به انسان گفتند (به تو مربوط نیست) نباید دست از وظیفه الهی کشید.

**اگر به مطالب توهین آمیز و خلاف مقررات برخورد نمودیم، آن را با ذکر منبع نوشته و به مراجع قانونی ارسال کرده و منتظر اقدام آنان می باشیم. به هر حال شخصاً نباید به مقابله پرداخت که موجب هرج و مرج خواهد شد.**

## اشاره

یکی از بستگان مجردم در اثر رفاقت با افراد ناباب و م

## پرسش

اگر به مطالب توهین آمیز و خلاف مقررات برخورد نمودیم، آن را با ذکر منبع نوشته و به مراجع قانونی ارسال کرده و منتظر اقدام آنان می باشیم. به هر حال شخصاً نباید به مقابله پرداخت که موجب هرج و مرج خواهد شد.

یکی از بستگان مجردم در اثر رفاقت با افراد ناباب و مفسد، دست به کارهای زشت و قبیح مانند ضبط برنامه های غیر اسلامی و آموزش های جنسی می زند. به پند و نصایح بستگان دلسوز گوش نمی دهد. به همین دلیل امید به آینده ندارد. از خانواده بریده و از ازدواج و پیدا کردن شغل مناسب تنفر دارد. پدرش روحانی و ساکن قم است. لطفاً بگویید تکلیف من و سایر بستگان نزدیک ازدیدگاه شرع مقدس چیست؟

## پاسخ

تکلیف و وظیفه شرعی در مقابل این گونه افراد به این قرار است:

اولاً: اگر علم داشته باشد که امر به معروف و نهی از منکر اثر ندارد، در این صورت امر و نهی واجب نیست و تکلیفی ندارد.

ثانیاً: اگر بداند اثر دارد، منتهی بترسد ضرر جانی یا مالی و یا عرضی داشته باشد، باز واجب نیست.

گفتنی است: اگر معروف و منکر امر مهمی باشد که شارع مقدس به آن اهمیت زیادی می دهد، مثل اصول دین و مذهب و حفظ قرآن و ارزش های اسلامی باید ملاحظه اهمیت را بکند و یا صرف اتمال ضرر و خوف نمی شود آن را ترک کرد، منتهی در این خصوص مراحل وجود دارد که باید مراعات شود:

اول به نحوی به او تفهیم کنید که از رفتارتان خوشم نمی آید، مثلاً چهره عبوس کنید یا هنگام صحبت رو برگردانید و... دوم از او با حفظ سلسله مراتب اعراض کنید؛



یعنی اول با او حرف نزنید، مرحله دوم رو ترش کنید و در مرحله بعدی ترک معاشرت کنید. اگر با این طرفندها هم نتوانید کاری بکنید، باید از طریق زبان اقدام نمایید. (۱) در این مرحله هم باید سلسله مراتب رعایت شود: ابتدا باید با زبان نرم و روی گشاده با او برخورد شود. خداوند متعال آن گاه که به حضرت موسی و برادرش هارون مأمورت داد که با فرعون صحبت کنند و او را ارشاد نمایند فرمود: "به سوی فرعون بروید، چون طاغی شده منتهی با ملاطفت و نرمی با او سخن بگویید". (۲)

امام صادق(ع) می فرماید: "بعد از ریاض دینی هیچ یک از اعمال فرد مؤمن در نزد خدا محبوب تر از آن نیست که با تمام مردم به گشاده رویی و حسن خلق برخورد نماید و از خشونت پرهیزد". (۳)

اگر زبان خوش و ملاطفت مؤثر نشد، تهدیدش کنید و اگر باز مؤثر نیفتاد، به مراجع قانونی مراجعه کرده و آنان در جریان امر قرار دهید تا قانونی با او برخورد نمایند.

گفتنی است: اگر از بستگان شنوایی ندارد، می توانید از افراد ذی نفوذی که از آنان شنوایی دارد، استمداد کنید.

پی نوشت ها:

۱ - توضیح المسائل مراجع، ج ۲، از ص ۶۱۸ - ۶۲۴، با تلخیص.

۲ - ث (۲۰) آیه ۴۳ و ۴۴.

۳ - اصول کافی، ج ۲، طبق نقل جوان، فلسفی، ج ۲، ص ۸.

**در امر به معروف و نهی از منکر موفق نیستیم . چه کار کنم ؟**

**پرسش**

در امر به معروف و نهی از منکر موفق نیستیم . چه کار کنم ؟

**پاسخ**

امر به معروف و نهی از منکر یک فریضه و وظیفه مهم الهی است که در دین مبین اسلام جایگاه ویژه دارد و از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است . آثار و برکات آن به حدی است که از نظر پیشوایان الهی و امامان معصوم : انجام سایر واجبات الهی کاملاً بستگی به اقامه امر به معروف و نهی از منکر دارد. امام باقر(ع) می فرماید: (۱)

انسان وقتی فکر می کند، به خوبی در می یابد اگر امر به معروف و نهی از منکر در تمام سطوح جامعه به خوبی اعمال شود، جامعه به راه رشد و تعالی خود ادامه می دهد.

ترک این واجب بزرگ الهی به قدری زیان بخش است که امام باقر<sup>ع</sup> فرمود: (۲)

امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد:

۱ کسی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، معروف و منکر را خوب بشناسد؛ یعنی مثلاً بداند کاری را که طرف مرتکب می شود، کار بد و حرامی است .

۲ تارک طاعت و مرتکب معصیت ، بر کار خویش پافشاری داشته باشد، چون اگر کسی خلافی مرتکب شد و سپس ندامت حاصل شد و توبه کرد، جایی برای امر به معروف و نهی از منکر نمی ماند.

۳ امر و ناهی احتمال تأثیر بدهد.

۴ این کار موجب مفسده نباشد؛ یعنی ضرر و زیان بر جان و مال و آبروی امر و ناهی یا مسلمان دیگر مترتب نباشد. (۳)

پس از آن که این چهار شرط فراهم شد، باید مراحل امر به معروف و نهی از منکر پله

پله پیاده گردد. بدین سان که ابتدا اظهار رنجش و کراهت شود. اگر اثر نکرد، با سخن نرم گوشزد شود. اگر مفید نشد، به گفتار خشن و پس از این مرحله، به عهدهء حکومت است. انجام امر به معروف و نهی از منکر یک واجب و وظیفه است که اگر انجام گیرد، وظیفه ادا شده و انسان مأجور است و خود این موفقیت است. چنانچه با رعایت شرایط این کار را بکند، به وظیفهء خود عمل کرده اید و موفق هستید.

(پاورقی ۱. شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱ ص ۳۹۵ حدیث ۶)

(پاورقی ۲. مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۲ ص ۴۲۸ مادهء: امر به معروف و نهی از منکر.)

(پاورقی ۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱ ص ۴۶۵ ۴۷۲)

**این روزها مراسم جشن و عروسی و تولد اغلب آمیخته با گناه و غنا و رقص و... است. برای جلوگیری از این امر چه می توانیم بکنیم؟**

**پرسش**

این روزها مراسم جشن و عروسی و تولد اغلب آمیخته با گناه و غنا و رقص و... است. برای جلوگیری از این امر چه می توانیم بکنیم؟

**پاسخ**

باید امر به معروف و نهی از منکر بکنیم و یا به پلیس خبر بدهیم. مسئولیت این گناهان و مسئولیت جلوگیری از این گونه مفاسد بر عهدهء دولت است.

**با کسانی که روی پشت بام می آیند و به حیاط همسایگان سرک می کشند، چگونه باید برخورد کرد؟!**

**پرسش**

با کسانی که روی پشت بام می آیند و به حیاط همسایگان سرک می کشند، چگونه باید برخورد کرد؟!

**پاسخ**

شخص نامحرم حق ندارد حریم افراد جامعه را مورد تهدید قرار دهد. اگر این مسئله ثابت و تکرار شد، لازم است جهت برخورد با این پدیدهء زشت به نیروی انتظامی اطلاع داد تا مسئله از راه قانونی پیگیری شود.

لازم است خواهران مسلمان هنگامی که از اتاق خارج شده و به فضای بازی چون حیاط قدم می گذارند، از پوشش مناسب و لباس بلند و روسری یا مقنعه استفاده کنند تا احیاناً از دید افراد لایبالی و چشم چران مصون و محفوظ بمانند.

**با فردی که نماز نمی خواند حجابش را رعایت نمی کند و با آرایش در کوه و خیابان ظاهر می شود، باید چگونه برخورد کرد؟ اگر او بزرگ تر یا همسن و یا کوچکتر از ما باشد، چگونه باید برخورد شود؟**

### پرسش

با فردی که نماز نمی خواند حجابش را رعایت نمی کند و با آرایش در کوه و خیابان ظاهر می شود، باید چگونه برخورد کرد؟ اگر او بزرگ تر یا همسن و یا کوچکتر از ما باشد، چگونه باید برخورد شود؟

### پاسخ

اسلام برای مبارزه با منکرات ، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را از برنامه های اساسی و مهم دانسته و به آن دستور داده است :

مردان و زنان باایمان ولی و سرپرست یکدیگرند. امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

این آیه امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه هر مسلمانی دانسته است . اگر با مفاسدی که در جامعه ظهور و بروز می کند، مبارزه نکنیم ، کم کم گسترش پیدا می کند، مانند ویروس بیماری های واگیردار که باید با آن ها به طور جدی مبارزه کرد.

در امر به معروف و نهی از منکر باید با رعایت شرایط و برخورد مناسب قدم گذاشت . برخوردهای غیر معقولانه تأثیر منفی به جا می گذارد. به نظر ما در این زمان در برخورد با افرادی که اهل نماز نیستند یا بد حجاب هستند، ابتدا با اخلاق نیکو و با گفت و گو بیان مفاسد و ضررهای این کار، آنان را توجیه کرد. مسلماً گفتگو و تذکر در آنان تأثیر می گذارد. اگر چند نفر به آنان تذکر بدهند، بهتر تأثیر خواهد داشت . البته بخش بزرگی از این وظیفه بر دوش دولتمردان است که باید زمینه منکرات را فراهم نمایند و از گسترش و نفوذ فرهنگ بیگانه جلوگیری کنند. فعلاً وظیفه مردم این است که با برخورد زیبا و منطقی

و با جدال احسن و گفت گو مانع گسترش فساد در جامعه شوند. در برخورد با بزرگ ترها و هم سن ها این گفت گو، همراه با زبان نرمتر و ملایمتر باشد.

در برخورد با گناهکاران اگر توان گفتگوی زبانی نباشد و یا شرایط موجود نباشد، باید قلباً از کردار آنان ناراحت باشیم و راضی به کارهای زشت آنان نباشیم. امیرالمؤمنین فرمود:

به کارهای دیگران راضی باشد، مانند این است که خود نیز آن کارها را انجام می دهد.

در مورد افراد بی نماز یا بدحجاب، آیات و روایات و داستان ها و آفات مربوط به آن ها را بدانیم تا با مطرح کردن دلیل و شواهد، تأثیر و نفوذ بیشتری در آنان داشته باشیم.

**دوست دارم سخنور باشم تا امر به معروف و نهی از منکر کنم. متأسفانه می ترسم و خجالتی هستم و نمی توانم از عهده این کار برآیم. لطفاً برای موفقیت در این کار کمک کنید. چنانچه کتابی در این خصوص وجود دارد، معرفی نمایید.**

### پرسش

دوست دارم سخنور باشم تا امر به معروف و نهی از منکر کنم. متأسفانه می ترسم و خجالتی هستم و نمی توانم از عهده این کار برآیم. لطفاً برای موفقیت در این کار کمک کنید. چنانچه کتابی در این خصوص وجود دارد، معرفی نمایید.

### پاسخ

فرا گرفتن صفات حمیده و پسندیده، یکر از شرائط اساسی اظهار وجود و اثبات شخصیت اجتماعی است.

جوانی که دارای سجایای اخلاقی است، هر چند کوچک و کم سن باشد، در جامعه عزیز و محبوب است. او به سادگی می تواند با مردم بیامیزد و در اجتماع پیروز گردد. اما جوانی که دچار سوء اخلاق و مکات ناپسند است، هر قدر بزرگ باشد، نمی تواند خود را با جامعه تطبیق دهد و شخصیت شایسته را احراز کند.

امام علی(ع) می فرماید: "خلق بد، دوست و خویشاوندان را می راند، و غیر فامیل را به بی اعتنایی وا می دارد." (۱)

اخلاق در زندگی بشر به قدری مهم است که خدا در قرآن تغییر اوضاع و احوال فردی و اجتماعی مردم را به تغییر خلیات و ملکات نفسانی مرتبط نموده است: "خدا اوضاع هیچ مردمی را تغییر نمی دهد، مگر آن که خودشان صفات نفسانی و ملکات روحی خود را دگرگون سازند." (۲)

بدون تردید صفات ناپسند اخلاقی در شکست اجتماعی نقش مؤثری دارد.

ممکن است خلق ناپسند و مذموم مانند ترس و عدم اعتماد به نفس، جوان را از رفتار اجتماعی و احراز شخصیت باز دارد،

خوب است بدانیم نگرانی اضطراب و ترس، همه جا و در هر صورت ناپسند نیست، بلکه ترس های به جا و عاقلانه که ناشی از احساس خطر و حاکی از دور اندیشی است، پسندیده است.

ترس های

به جاو پسندیده در روان بشر همانند دردهای عضوی در جسم است. همان طوری که احساس درد جسمی از عارضه بیماری خیر می دهد و آدمی را به درمان عضو دردناک وا می دارد. ترس های به جای روحی، به منزله اعلام خطر است که صاحبش را به چاره اندیشی وا می دارد.

امام علی(ع) می فرماید: "چه بسا مرد خائفی که خوفش او را در منزل آرامش و ایمنی مستقر سازد". (۱)

ترس از مجازات و کیفرهای الهی موجب می شود نفس از ارتکاب معاصی خودداری کند، در نتیجه متسحق پاداش الهی گردد، اما ترس مذموم و ناپسند ترسی است که سدّ راه سعادت انسان بوده و مانع پیشرفته و تکامل است. ترس زیان آور ترسی است که از ضعیف و زبونی سرچشمه گرفته و اراده آدمی را متزلزل می کند.

ترس های ناپسند علاوه بر آن که محرک عمل مفید نیست، مضرّ و مزاحم است و پیوسته جسم و جان صاحبش را می کاهد و او را به سقوط و تباهی سوق می دهد.

عواملی در ایجاد ترس های مذموم و زیان آور نقش دارند که به پاره ای اشاره می شود:

۱ - فال بد، چه بسیارند مردمی که عدد سیزده، صدای کلاغ و جغد را شوم می دانند!

۲ - گروهی، خانه و مرکب و سواری و زن را شوم می دانند!

در صورتی از نظر اسلام، شوم بودن زن در مهر سنگین و شومی خانه در کوچکی و تنگی آن و شومی مرکب سواری در چموشی و سوء خلق آن است.

۳ - برخی از ترس های بد از نقایص و عیوب اعضا ناشی می شود.

کودکی که با چشم پیچیده یا کور، یا دست و پای کج

به دنیا می آید، وقتی بزرگ می شود، همواره احساس حقارت می کند، و هر چه جلوتر می شود، این احساس شدیدتر می گردد و به جایی می رسد که از ورود به اجتماع و صحبت کردن با مردم می ترسد و نگران است به او بخندند و مسخره اش کنند!

اگر بخواهند ترس را از خود دور کنند، چاره اش این است که:

اولاً: استعدادهای عقلی یا بدنی خود را بشناسند و لیاقت خود را تشخیص دهند، سپس به کاری که شایستگی و توانایی اش را دارند، دست بزنند و تمام نیروی خود را صرف آن نمایند.

ثانیاً: در برخوردهای اجتماعی سعی کنند عیب های خود را فراموش کنند و به جای توجه به نقص عضو، در نقص اعضای کسانی که عیب بزرگ تری دارند بیندیشند.

دنباله معرفی عوامل ایجاد ترس:

۴ - سوء تربیت. بخر از ترس های ناپسند ناشی از تربیت های نادرست دوران کودکی است. خشونت و سخت گیری های بی مورد و یا نوازش و احتیاط فوق العاده پدران و مادران به فرزندان، سبب ترس های مذمومی می شود.

جووانی که بر اثر سوء تربیت دچار عقده حقارت شده و اعتماد به نفس ندارد، همیشه گرفتار حالت انفعالی ترس است. او خوشتن را کوچک تر از این می پندارد که با جامعه بیامیزد و اظهار وجود کند. به همین دلیل هنگام مواجهه با مردم، خود را گم می کند.

امام علی(ع) می فرماید: "من هاب خاب؛ هر که بترسد، زیان می بیند". (۲)

راهکارهای درمان ترس

الف) باید بداند تا وقتی علت ترس جانش ریشه کن نشود، اعتماد به نفس ندارد و نمی تواند به خوبی با مردم سخن بگوید.

ب) باید با دقت به حساب خویش رسیدگی کند و حالت روانی خود را به درستی



تجزیه و تحلیل کند تا به منشأ اساسی ترس رسیده، به نفع آن پردازد.

امام علی(ع) می فرماید: "من حاسب نفسه ریح و من غفل عنها خسر؛ هر کس به حساب خویش برسد، سود می برد و هر کس از این وظیفه، غفلت کند، زیان می بیند". (۳)

اگر به حساب نفس خود رسیدگی کنید و متوجه شوید منشأ ترس شما چیست، حتماً در صدد رفع آن برخواهید آمد و خواهید گفت: من الان مردی هستم و دیگران از من برتری ندارند، همه از ابتدا مثل من بودند و به مرور زمان خوب شدند، مردم کاری با من ندارند و اگر خوب صحبت کنم، به من توجه خواهند کرد.

پ) پس از محاسبه نفس و امید به پیروزی برای آن که در معاشرت و مکالمه با مردم جرئت پیدا کنید، باید در اولین برخوردهای اجتماعی از ساده ترین روش های اخلاقی که مایه جلب محبت است، استفاده کنید، مثلاً در برخورد با هر کسی ابتدا سلام کند و نگذارد کسی بر او در سلام سبقت بگیرد، دوم این که با چهره متبسم و بشاش با مردم روبرو شود.

امام علی(ع) می فرماید: "هر تازه واردی در محیط نامأنوس، حیرت زده می شود، برای آرامش خاطر، سخن خود را با سلام آغاز کند". (۴)

نیز می فرماید: "گشاده رویی ریسمان مهر و محبت است". (۵)

ت) تمرین، مثلاً روبه روی آینه بایستد و مطلب مورد نظر خود را بیان نماید.

گاهی خبرهای داغ و دست اول را از روزنامه ها، کتاب ها، رادیو و تلویزیون بگیرد و آن را با آب و تاب برای اعضای خانواده و دوستان صمیمی مطرح نماید.

ث) اعتماد به نفس، به خود تلقین کند

مگر از دیگران چه کم داریم؟ چرا دیگران بتوانند و من چنان نباشم؟

پی نوشت ها:

۱ - غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۵۴، چاپ دانشگاه.

۲ - همان، ج ۵، ص ۱۴۷.

۳ - همان، ص ۲۱۱.

۴ - همان، ص ۱۰.

۵ - مسعود بن ابی فراس حلی، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۱.

**با توجه به مشکلاتی که در رابطه با برخورد خود با خواهر و برادرم برایتان نوشته ام لطفا در مورد روش های صحیح و اصولی انتقاد کردن از دیگران بخصوص نوجوانان و جوانان توضیح دهید؟**

**پرسش**

با توجه به مشکلاتی که در رابطه با برخورد خود با خواهر و برادرم برایتان نوشته ام لطفا در مورد روش های صحیح و اصولی انتقاد کردن از دیگران بخصوص نوجوانان و جوانان توضیح دهید؟

**پاسخ**

پاسخ سؤال شما را به گونه ای می آوریم که شامل نحوه برخورد شما با اعضای خانواده نیز باشد. اصولا برای انجام هر نوع کار اصلاحی یا انتقادی باید سه چیز را در نظر بگیریم:

۱ - ریشه یابی مشکل.

۲ - شناخت مشکل و شناخت راه های خروج از آن.

۳ - نوع برخورد با افراد.

بنابر این در برخورد با نسل نوجوان و جوان باید بسیاری از نکات را در رابطه با اینموارد در ذهن داشته باشید تا هم بتوانید باسخنان خود متمر ثمر باشید و هم خدای نکرده تأثیرات منفی ای نداشته باشید.

این نکات عبارتند از:

- در نظر داشتن محیط زیست، وضعیت خانوادگی، محل تربیت و زمینه های مساعد برای تعلیم و تربیت. مسلما کسی که دارای زمینه های مساعدی از این نوع نیست، نمیتواند با معیارهای خاص این چینی مورد ارزیابی قرر گیرد.

از این رو توجه داشته باشید که در برخورد با افراد، این زمینه ها را مد نظر داشته باشید؛ زیرا در بسیاری از محیطها، انحراف صورت عمومی و اپیدمی دارد و از این رو کسی به انحراف بودن و ناپسند بودن کار خودش یا توجهی ندارد یا آن راچندان عیب بزرگی نمی شمارد. مسلما برخورد با این افراد کاملا با برخورد با کسی که در محیطی کاملا متضاد رشد کرده متفاوت است.

- شناخت ریشه ها و عوامل بنیادی سوق یافتن افراد به انحرافات هم بسیار مهم اند؛ همان طور که گفتیم محیط

آلوده مثل محله بد، مدرسه بد، دوستان و آشنایان بد و... نقش بسیار مهمی در انواع انحرافات دارند. در این گونه اماکن، انواع و اقسام انحرافات به همراه امکان دسترسی آسان جمع شده اند؛ انواع عکس ها، فیلم ها، کتاب های داستان، نامه های عاشقانه، منحرفان خیابانی با جلوه های خاص خود، گفتگوهای طولانی و امکان سخن گفتن در مورد انواع انحرافات و از همه بدتر غرور ناشی از انجام آن ها که به نوعی بزرگ شدن تفسیر می گردد، ریشه های فساد در جوانان ما هستند. از نقش پدر و مادر هم نباید چشم پوشی کرد، رابطه زناشویی آزاد در نزد فرزندان و بدون مراقبت های لازم تا فرزندان از چند و چون قضایا مطلع نگردند و به اصطلاح حس خفته شان بیدار نگردد؛ عدم اعتقاد و پایبندی به مسائل دینی و فرایض آن مثل نماز خواندن، روزه گرفتن، شرکت در مساجد، حسینیه ها و اجتماعات مذهبی، گوش دادن به نوارهای مبتذل، آوردن فیلم های مبتذل به منزل، دشنام دادن ها و الفاظ رکیک به کار بردن، نداشتن پوشش درست در منزل - مثلاً بسیاری از مادرها و دخترها در منزل با لباس زیر و خیلی مکشوفه و یا آرایش می گردند و گمان می کنند محرم بودن جواز این کارها است در حالی که همین کارها موجب آسیب روانی بر ذهن فرزندان می گردد و چیزهایی از این قبیل جزء عوامل اصلی و ریشه های انحراف در جوانان است.

- از سوی دیگر تعصب و تقید شدید به مذهب و پافشاری بی منطق بر مبانی دینی و ارزشی نیز می تواند سبب گریز فرزندان از حریم دین و ورود به ناهنجاری های دیگر شود.

- عدم آرامش در منزل هم سبب ایجاد

ناهنجاری و پذیرش انحرافات می گردد، دعوای خانوادگی و فامیلی جزء مهم ترین برهم زننده های تعادل در خانواده اند.

- شناخت اصل انحراف و راه های دوری از آن با توجه به زمینه های پیدایش آن نیز جزء مهم ترین نکات است؛ زیرا سبب می شود که ما در برخورد با یک ناهنجاری ابتدا در از میان بردن ریشه های آن کوشا باشیم، سپس با توجه به روحیه افراد به مدد آنان برخیزیم و نوع برخورد خود را با توجه کامل به روحیات آنان تنظیم کنیم. و نیز با عدم تشخیص اشتباه در نوع انحراف از یاد دادن سایر انحرافات نیز پرهیز کنیم.

حال با توجه به آن چه که برای شما نوشته ایم امیدواریم که به عمق کاری که در پیش دارید واقف گشته باشید و دانسته باشید که اصلاح یک انحراف حتی خیلی کوچک، کار بسیار مهم و اساسی است.

به گمان ما طرح مسائل خانواده با پدر و مادر خانواده در خفا (در صورتی که می بینید زمینه مناسب است) می تواند کمک مؤثری باشد. در مورد خودتان هم باید بگوییم که بهتر است فعلاً با خوشرویی و محبت با اعضاء خانواده تان برخورد کنید و سعی کنید با اخلاق پسندیده و محبت وافر فضای تازه ای را در منزل ایجاد کنید. لطف کنید از تظاهر به دینداری، تقدس، خوب بودن و چیزهایی از این قبیل که گهگاه بر انسان عارض می شود پرهیز کنید، امید است خداوند شما و خانواده تان را مشمول رحمت و عنایت خویش قرار دهد.

در صورتی که سؤال دیگری داشتید می توانید بر همکاری و دوستی واحد ما حساب کنید.

در انتظار مکتوبی دیگر از شما هستیم. خدا نگهدار تان باد!

**خواهر ۱۶ ساله ای دارم که در دبیرستان تحصیل می کند او دختر با حجابی است، ولی اخیراً از خاطراتش فهمیدم که عاشق پسری شده است او را چگونه راهنمایی کنم؟**

**پرسش**

خواهر ۱۶ ساله ای

دارم که در دبیرستان تحصیل می‌کند او دختر با حجابی است، ولی اخیراً از خاطراتش فهمیدم که عاشق پسری شده است او را چگونه راهنمایی کنم؟

## پاسخ

هر چند مطالعه خاطرات خواهرتان کار پسندیده‌ای نبوده است، ولی به هر صورت وظیفه شما در این شرایط آگاهی دادن به ایشان است، ولی باید بسیار با دقت و ظرافت کاملی این کار را انجام دهید. از موعظه و تذکر مستقیم خودداری کنید.

با توجه به این که ایشان دختر منطقی و با حجابی می‌باشد زمینه‌پسند پذیری در او بسیار مساعد است. باید بر نقاط قوت خواهرتان تأکید ورزید و هرگز خطاها و لغزش‌های ایشان را به رخ نکشانید و به طور غیر مستقیم با ذکر سرنوشت افراد که به انحراف کشیده شده و یا فریب شیادان را خوردند و مراقبت بیشتر از ایشان و زیر نظر گرفتن او به طوری که او نفهمد و با ارائه کتاب‌های مفید و نشریه‌ها یا مجلات سودمند می‌توانید به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل نمایید و در صورت توان رابطه ایشان با دوستش را که رابطه با آن پسر را فراهم کرده، قطع نمایید.

**دوستم با این که چادری با شخصیتی است، ولی نسبت به شهدا، امام خمینی و مقام معظم رهبری بدگویی می‌کند هر قدر نصیحتش می‌کنم بی‌فایده است؟ برای راهنمایی او چه کنم؟**

## پرسش

دوستم با این که چادری با شخصیتی است، ولی نسبت به شهدا، امام خمینی و مقام معظم رهبری بدگویی می‌کند هر قدر نصیحتش می‌کنم بی‌فایده است؟ برای راهنمایی او چه کنم؟

## پاسخ

خواهر گرامی! احساس مسئولیت شما در امور دینی و اجتماعی و روحیه امر به معروف و نهی از منکر و دل‌سوزی و شفقت شما نسبت به دوستان شایسته تقدیر و تحسین است، موفقیت روز افزون شما را در شناخت و معرفت بیشتر اسلام و عمل به آن را از خداوند مسئلت داریم.

خواهر! در روزگار فتنه‌های فرهنگی و اجتماعی و هجوم‌های دین‌ستیزی و دین‌گریزی، بر سر گذاشتن چادر که نماد حجاب برتر اسلامی است. زینت و افتخاری برای آن خانم است و این پیام را به دنبال دارد که اعتقادات مذهبی و دینی در عمق جان‌شان ریشه دارد. اگر چه ممکن است در سایر ابواب و اصول و فروع دین شناخت و معرفتی سطحی و بر پایه شنیده‌ها و گفته‌ها داشته باشد.

بدبینی‌ها و بدگویی‌های این گونه افراد باید علت‌یابی گردد تا متناسب با ریشه‌های برخوردی مناسب داشت و به تعبیر قرآن

با روش "... حادلهم بالتی هی احسن" با آن‌ها مذاکره و گفتگو کرد؛ زیرا این گونه افراد ممکن است به علت وضعیت معیشتی و اقتصادی نامطلوب و بیکاری یا برخورد نادرست برخی ادارات، شخصیت‌های دولتی و مذهبی با آن‌ها چنین روحیه‌ای پیدا کرده باشند و یا از حرف‌ها و تبلیغات دیگران اعم از دوستان و خانواده و درگیری‌ها، روزنامه‌ها و مطبوعات

و رادیوهای بیگانه ذهنیت نادرستی برایشان ایجاد شده و یا شکست هایی در زندگی آنان مانند عدم توان ادامه تحصیل یا پیدا نشدن شغل یا همسر مناسب، عقده های روانی ناخواسته و نا آگاهانه ای را در آنان پدید آورده باشد که همه علل ذکر شده ناشی از سطحی نگری و ضعف معرفت دینی و بنیه علمی و فکری است. جهت تغییر و اصلاح بینش دینی و اجتماعی این گونه افراد باید از شیوه آموزش و تأثیر گذاری غیر مستقیم بهره جست. مرحله اول معرفی کردن یا هدیده دادن کتاب های اخلاقی مانند: قلب سلیم، نفس مطمئنه، گناهان کبیره (هرسه از شهید دستغیب)، اخلاق عملی آیت الله مهدوی کنی، وصیت نامه هاشمی و علما و از جمله امام خمینی ره.

بنابراین در قدم اول باید علت مخالفت و بدگویی ایشان را به دست آورید. شاید معاشر بدی دارد و یا علت دیگری، پس از کشف علت یا علل به درمان او پردازید. برای راهنمایی بیشتر با مسئول واحد تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۳۱۸۳

### وظیفه من در مقابل دوستان بد حجابم چیست؟

#### پرسش

وظیفه من در مقابل دوستان بد حجابم چیست؟

#### پاسخ

وظیفه اصلی و اساسی شما نهی از منکر است، ولی این مسئولیت باید به طور شایسته و صحیح انجام گیرد تا نتیجه مطلوب حاصل شود. در انجام این وظیفه، احکام و شرایطی را که در این زمینه بیان شده، بدانید و فرا بگیرید، زیرا چه بسا انسان بی اطلاع کارهایی انجام می دهد که ضرر آن بیشتر از نفع است. این احکام و شرایط در رساله امام خمینی (ره) و بعضی از کتاب ها و جزوه ها بیان شده است. به دختر جوانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی کند، نمی توان به زور مقنعه و چادر پوشاند، بلکه باید او با رغبت و میل باطنی حجاب را بپذیرد و به آن باور درونی پیدا نماید. وقتی برای خانمی، زیبایی و فضیلت و فواید و آثار حجاب جا نیفتاده باشد، طبیعی است که آن را نمی پذیرد و فشار و تحمیل خارجی اثر دراز مدت ندارد. در این راستا لازم است کتاب هایی را که درباره حجاب است، در اختیار ایشان قرار دهید. در برخورد با دوستان نکاتی را حتماً مورد نظر داشته باشید:

۱ اعطای شخصیت: هرگز به خاطر بدحجابی نسبت به ایشان بی احترامی نکنید و آمرانه و قلدرمآبانه برخورد ننمایید، بلکه خواهرانه و دوستانه برخورد کنید و با گفتن جملاتی مانند: این عمل در شأن شما نیست یا شأن شما بالاتر از این ها است، او را راهنمایی کنید. به طور کلی به صورت پیشنهادی باشد، نه دستوری.

۲ جلب اعتماد: نهی از منکر وقتی تأثیر دارد که اعتماد طرف مقابل جلب گردد. بنابراین قبل از آموزش باید جذب



صورت گیرد. امام علی(ع) می فرماید: "قلوب الرجال وحشیه فمن تألفها أقبلت علیه؛ دل های مردم وحشی است. پس هر کسی آن قلوب را جذب کند، به او روی خواهند آورد". [۱]

سعی کنید با رفاقت با ایشان دلشان را به دست آورید.

۳ در نظر گرفتن وضع روحی و روانی: در نهی از منکر باید به این نکته روان شناختی توجه داشت که حرف در زمانی که احتمال تأثیر آن می رود، زده شود. بدیهی است انسان همیشه حال و حوصله سخن گوش دادن را ندارد. امام علی(ع) می فرماید: "دل ها برای قبول نصیحت اقبال (روی آوردن) و ادبار (نپذیرفتن) دارند؛ پس در مواقع پذیرش، آن ها را دریابید، زیرا اگر دل نسبت به چیزی اکراه داشته باشند، در آن مورد کور بوده، چیزی را نمی بیند". [۲]

۴ رعایت نزاکت و ادب: قرآن مجید درباره نحوه برخورد می فرماید: "ادفع بالّتی هی أحسن السیئه؛ ای رسول ما تو آزار و بدی های امت را به آن چه نیکوتر است، دفع کن". [۳]

انسان در مقابل خشونت و یا ملایمت، واکنش مناسب با اوضاع را بروز خواهد داد. اگر به یک نفر با عصبانیت بگویید: حجابت را رعایت کن، ممکن است در جواب بگوید: چرا، چنین کنم؟! اگر با احترام از او چنین تقاضایی داشته باشید، قبول می کند.

۵ محترم شمردن عقاید افراد: خانمی که با بدحجابی وارد جامعه می شود و آن را نشانه عظمت و تمدن می داند، این ها را ارزش تلقی می کند و نشانه شخصیت می پندارد. واضح است که هیچ گونه اهانت و تحقیری را نسبت به فکر خود نمی پذیرد. در برخورد با این افراد باید به آن ها فهماند که به

عقیده و نظرشان احترام می گذارید، ولی این انتخاب را صحیح نمی دانید.

۶ پافشاری بر نکات مثبت: از ابتدا نباید کار خلاف دیگران را مطرح کرد، زیرا زمینه پذیرش وجود ندارد و چه بسا واکنش نشان داده می شود. در آغاز باید طرف مقابل را به خاطر صفات مثبت ستود تا از این طریق احساس کرامت کند و در مقام تلافی و ستیزه جویی بر نیاید.

۷ برخورد با علل: برای رفع ناهنجاری ها باید علل را بازشناسی کرد. بی حجابی یا بد حجابی دختران قطعاً علل مختلفی دارد، مانند عدم تربیت صحیح، بی محبتی پدر و مادر، معاشرت با ناهالان و اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی. با ریشه یابی و عکس العمل مناسب با آن می توان با این پدیده ناپسند مبارزه کرد.

[۱] نهج البلاغه، قصار ۴۷.

[۲] همان، قصار ۱۸۴.

[۳] مؤمنون (۲۳) آیه ۹۶.

### برای این که دیگران را به اخلاق نیک دعوت کنیم چه آیاتی برای آن ها بخوانیم

#### پرسش

برای این که دیگران را به اخلاق نیک دعوت کنیم چه آیاتی برای آن ها بخوانیم

#### پاسخ

با توجه به این که اخلاق نیک و تزکیه نفس اساس و زیر بنای سعادت انسان را تشکیل می دهد، بسیاری از آیات قرآن مجید، مستقیم یا غیرمستقیم با اخلاق و فضایل نفسانی ارتباط دارد، در این پاسخ به برخی از آیاتی که انسان را به مکارم اخلاق دعوت فرموده و نمونه ای دیگر از آیات که انسان را از رذایل اخلاقی باز می دارد، اشاره می کنیم

۱. قرآن مجید یکی از عوامل پیشرفت پیامبر اکرم ۹ و موفقیت او در گسترش اسلام را، اخلاق نیک آن حضرت می داند، در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران آمده "به برکت رحمت الهی در برابر آنان [مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگ دل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند."

۲. حلم و بردباری و فرونشاندن خشم "وَالْكٰظِمِيْنَ الْعَيْظَ وَالْعٰفِيْنَ عَنِ النَّاسِ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ" (آل عمران ۱۳۴) کسانی که خشم خود را فرو می برند و از خطای مردم در می گذرند و خدا نیکوکاران را دوست می دارد. " و نیز آیه ۶۳ فرقان و ۱۹۹ اعراف

۳. ادا کردن امانت "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا... (نساء، ۵۸) خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید." و نیز آیه ۸ مؤمنون و ۲۸۳ بقره

۴. فروتنی "وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا (فرقان ۶۳) بندگان خاص خداوند رحمان کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند."

۵. وفای به

عهد و ادای امانت خداوند مهربان در سوره آل عمران آیه ۷۶، مردم را به رعایت کردن عهد و پیمان هایشان با دیگران دعوت می کند و می فرماید: "آری هر که به پیمان خود وفا کند، و پرهیزگاری نماید، بی تردید خداوند، پرهیزگاران را دوست دارد."

و نیز آیات مؤمنون ۸؛ اسراء، ۳۴؛ نحل ۹۱.

۶. صبر و شکیبایی "ای کسانی که ایمان آورده اید؛ از صبر و شکیبایی و نماز یاری جوید؛ زیرا خدا با شکیبایان است." (بقره ۱۵۳)

هم چنین در مورد دعوت دیگران به دوری از کارهای بد و اخلاق ناپسند به چند نمونه از آیات اشاره می شود.

۱. ترک خیانت "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ - وَالرَّسُولَ - وَتَخُونُوا أَمْنَتَكُمْ . وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ" (انفال ۲۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید و نیز در امانت های خود خیانت روا مدارید، در حالی که می دانید [این کار، گناه بزرگی است]

۲. پرهیز از دروغ "إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ - الَّذِينَ - لَا - يُؤْمِنُونَ - بِ - آيَاتِ اللَّهِ - وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ" (نحل ۱۰۵) تنها کسانی دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند، [آری دروغ گویان واقعی آنها هستند]."

و نیز آیات زمر، ۳؛ غافر، ۲۸.

۳. دوری از غیبت "وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ" (حجرات ۱۲) هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما که دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ [به یقین همه شما از این امر کراهت دارید، تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر است]

۴. دوری از سخن چینی و سرزنش دیگران "وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ" (همزه ۱) وای بر عیب جوی مسخره کننده " و نیز آیات قلم ۱۰ ۱۳.

## فرهنگ

## رسانه ها

### نقش ارتباطات در جامعه چیست ؟

#### پرسش

نقش ارتباطات در جامعه چیست ؟

#### پاسخ

ارتباطات مانند رادیو، تلویزیون، تلفن، تلکس، فاکس، ماهواره، روزنامه ها، مجلات، و... پدیده بسیار مهمی است که در دنیای کنونی بیشترین نقش را در پیشرفت بخش های مختلف جامعه عهده دار می باشد و تا آن جا پیش رفته که می تون ارتباطات را کلید دهکده جهانی فرض کرد. بر اثر ارتباطات می توان جامعه را به وحدت، مشارکت و یکپارچگی و تعالی و ترقی رساند و نیز می توان به خاطر تبلیغات سوء از ارتباطات جامعه را به تفرقه و پراکندگی و فحشا و منکر و انحطاط کشاند. (۱)

(پاورقی ۱. همان .

### چرا اینقدر در فیلمهای تلویزیون ازدواج را تبلیغ میکنند. این در بعضی موارد باعث اختلاف بین جوانان میشود.

#### پرسش

چرا اینقدر در فیلمهای تلویزیون ازدواج را تبلیغ میکنند. این در بعضی موارد باعث اختلاف بین جوانان میشود.

#### پاسخ

ازدواج از جایگاه ارزشی بسیار بالایی در دین اسلام برخوردار بوده و تاثیرات بسیار زیادی در رشد و تکامل فرد و اجتماع دارد؛ پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره اهمیت ازدواج می فرمایند: «ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله \_عزوجل\_ و اعز من التزویج»؛ (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲)

یعنی هیچ کانونی در اسلام بر پا شده است که نزد خداوند محبوب تر و عزیزتر از کانون ازدواج باشد. و امام علی (ع) می فرماید: «هیچ یک از یاران رسول خدا ازدواج نمی کند، مگر اینکه پیامبر اکرم درباره او می فرمود: (دینش کامل شد)»

بنابراین ازدوا از ارزش های مهم دین مبین اسلام بوده که تبلیغ و ترویج آن امری مثبت و ضروری تلقی می شود. و از سوی دیگر ازدواج یکی از موضوعات مهم و حیاتی جامعه کنونی ماست که اکثریت جوان می باشند؛ لذا لازم است توسط دستگاه های فرهنگی و رسانه های ملی توجه جدی به آن شود، متأسفانه بالا رفتن سن ازدواج از یک سو و هجوم فرهنگ غرب و آموزه های فردگرایی، لذت طلبی و عدم پذیرش مسئولیت و ... همچنین مشکلات و نارسایی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در این زمینه وجود دارد، سبب شده تا درصد قابل توجهی از جوانان اقبال کمتری به این مسأله مهم داشته باشند به عنوان نمونه بر اساس گزارش سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۷۵ حدود ۴۶۴ هزار ازدواج به ثبت رسیده است که نسبت به سال ۱۳۷۴، دو درصد کاهش نشان

می دهد، از سال ۱۳۶۷ به بعد، به ازای هر سال، شش ماه به میانگین سن ازدواج افزوده شده است، آمارهای موجود نشان می دهد که میزان جدایی ها (طلاق) افزایش و ازدواجها کاهش یافته است. (جوانان و ازدواج، اسماعیل بیابانگرد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۳)

ویل دورانت، دانشمند معروف، درباره ترغیب جوانان به ازدواج می گوید: «اگر راهی پیدا شود که ازدواج در سالهای طبیعی انجام گیرد، فساد و انحرافهای جنسی، تنهایی و عزلت ناپسند و برخی امراض روانی، به میزان زیادی کاهش خواهد یافت، ... عشق جنسی جوانان، زودتر از توانایی اقتصادی شان فرا می رسد. ما نباید از این پیشامد حذر کنیم و بگذریم آن عشق افسرده شود و بمیرد. ازدواجی که برپایه عشق تازه و نمرده دختر و پسر انجام شود، در طی سالهای طولانی، زندگی آن ها را معطر و خوشبو می کند و گرنه عمیق، فرمال و ایده ال نخواهد بود» (لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب، خویی، نشر اندیشه، ۱۳۷۵، ص ۱۷۴)

از این رو با توجه به عوامل فوق به نظر می رسد اصل تبلیغ و ترویج فرهنگ ازدواج، اقدامی مثبت و در راستای نیازهای جامعه جوان ما باشد، هر چند حل اساسی مشکل ازدواج نیازمند بهبود نسبی عوامل اقتصادی - معیشتی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است که در این بخشها نیز تبلیغات و فرهنگ سازی صحیح توسط رسانه های عمومی می تواند نقش مؤثری ایفا نماید.

و نکته آخر اینکه، تمام مطالب فوق درباره اصل مسأله ازدواج و تبلیغ آن توسط تلویزیون می باشد، اما اینکه روشها و الگوهی های برنامه های تلویزیون تا چه اندازه

صحیح و مطابق ارزش های اسلامی و مقتضیات جامعه اسلامی ماست، نیازمند بررسی دقیق است که از عهده این مرکز خارج بوده و باید پاسخ آن را از مسئولین آن رسانه جویا شد.

## نظر شما در مورد فیلم مارمولک و نکات مثبت و منفی آن چیست؟

### پرسش

نظر شما در مورد فیلم مارمولک و نکات مثبت و منفی آن چیست؟

### پاسخ

به طور کلی نظر کارشناسی درباره فیلم از ابعاد مختلف هنری و محتوایی قابل بررسی است و آثار مستقیم و غیرمستقیم بر بینندگان را باید در یک نظرسنجی و تحقیق میدانی به نتیجه گیری رساند.

لذا اگر چه این فیلم چه بسا با انگیزه های غیر مغرضانه تهیه شده باشد ولی با توجه به برداشت بینندگان ، معلوم می شود پیامدهای منفی آن بیشتر بوده است.

برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم:

فیلم مارمولک ساخته کمال تبریزی در نظر اهل فرهنگ ، بازتاب های مختلفی در پی داشته ، عده ای آن را نمی پسندند و معتقدند باید این فیلم توقیف شود و عده ای دیگر آن را در نوع خود بی نظیر می دانند که هر دو از دغدغه های پیروی می کنند گروه اول نگران اهانت به نیروی انتظامی ، مردم، جوانان ، روحانیت هستند و از آن بیم می رود که سر آغاز اهانت های بعدی باشد.

گروه دوم که تهیه کنندگان و کارگردان و کسانی که با نگاه سازندگی و اطلاع رسانی و نگاه مثبت تحلیل می کنند نگران آنند که تکثیر خط قرمزها و ایجاد محدودیت ها ممکن است در رشد فرهنگی و هنری جامعه ، توقف ایجاد شود.

تحلیل گروه دوم بطور خلاصه این چنین است:

موافقان اکران فیلم

۱. کمال تبریزی نیز صاحب دغدغه ای از همان جنس است و او با این فیلم، هرگز نخواسته است تصویری نامطلوب از روحانیت به نمایش بگذارد بلکه کوشیده است تا بیننده به بلوغ تمایز برسد.

ایشان به



گفته منوچهر محمدی «تهیه کننده» می گوید: مضمون این فیلم تا حد آشکاری تأکید بر نزدیکی مردم و روحانیت دارد. به عبارتی فیلم با هدف اصلاح ارتباط مردم و روحانیون ساخته شده است و از طرف دیگر سازندگان فیلم در همه گفتارها و اعلام نظرات خود بر این نکته تأکید می کنند که فیلم، در همه مراحل تولید از نگارش فیلمنامه تا نمایش آن با همفکری صاحب نظران غیر سینمایی در حیطه های گوناگون انجام گرفته است. (روزنامه شرق، دوشنبه ۲۸ اردیبهشت) وی معتقد است که فیلم مارمولک نه تنها در جهت توهین به روحانیت و قداست زدایی از آن نیست بلکه درست در جهت قداست بخشیدن مضاعف به آنها است.

اما نقد و نظریه گروه اول و مخالفان اکران فیلم

در این فیلم چند گروه مورد اهانت و تمسخر قرار گرفته اند به طور خلاصه عبارتند از:

۱. نیروی انتظامی و مأموران زندان و نیز افسر نیروی انتظامی در قطار و افسر راهنمایی رانندگی که این فیلم در صدد القا این است که نیروهای انتظامی و مأموران راهنمایی و رانندگی خادم مردم نیستند بلکه حافظ منافع روحانیت هستند.

۲. در تمام فیلم به شدت و پر رنگتر از خط استهزا، روحانیت است. کارگردان کاراکتر خوبی از روحانیت ساخته که باید ضد قانون و روشنفکر باشد. ویژگی خوب را در یک آخوند قلبی گذاشته که نمی توانند دیگر ویژگیها را داشته باشد. که به راحتی می توان به او خندید.

۳. گروه مدیران کشور است از جمله مدیر قطار که این صحنه تأیید دیگری است که مدیران مشتی چابوسان نسبت به رژیم هستند در حالی که این طوری نیست.

۴. جریان

دیگر که در این فیلم مسخره می شود توده مردم و القا نفهمی به عموم است در صورتی که مردم ما آگاه هوشیار و زیرک اند و افراد باسواد و کم سواد را به خوبی تشخیص می دهند.

۵. گروه دیگر جوانان هستند که با روحانیت گره خورده اند و این قضیه از نقاط انحرافی است و در حقیقت گسستن پیوند جوانان با روحانیت است .

۶. مهمترین چیزی که در فیلم یاد شده - از دید کارشناسی و هنرشناسی - قابل بررسی و دقت نظر است آن که با تکیه بر برخی موارد منفی که ممکن است از بعضی افراد روحانی نما سر زده باشد آن را به شکل عمومی به نام همه روحانیت مطرح می کند بی آن که مسأله را تفکیک کرده باشد فقط در یک جا آن هم آخر فیلم و خیلی ساده و کم رنگ به جایگاه روحانیت اصیل اشاره دارد ولی به هر حال از انتخاب اسم فیلم (مارمولک) تا نحوه بازیگری آقای پرستویی با لباس روحانی، سراسر دید ناصحیح و مسخره آمیز از لباس روحانیت و مردم مؤمن را به نمایش گذاشته است.

**یکی از رسالت های صداوسیما تلاش در بهبود وضع فرهنگی جامعه است و یک راه آن تقویت موسیقی سنتی است. ما دانشجویان از شما می خواهیم که به صداوسیما گوشزد کنید که این قدر از رهبری مایه نگذارد مگر رهبری موافق موسیقی پاپ و جاز است ؟ چرا آقای علی معلم دامغانی و آقای**

**پرسش**

یکی از رسالت های صداوسیما تلاش در بهبود وضع فرهنگی جامعه است و یک راه آن تقویت موسیقی سنتی است. ما دانشجویان از شما می خواهیم که به صداوسیما گوشزد کنید که این قدر از رهبری مایه نگذارد مگر رهبری موافق موسیقی پاپ و جاز است ؟ چرا آقای علی معلم دامغانی و آقای ضرغامی دروغ می گویند ؟ ما از شما خواهش می کنیم که به استدلال های این دو نگاه کنید که چقدر دروغ و خنده

آور است . لطفا پاسختان را به ایمیل ما بدهید . در ضمن از صداوسیما بخواهید که اول از خودش درباره ی پاسخگوئی شروع کند .

## پاسخ

با تشکر از حسن اعتماد شما و ستایش دغدغه شما نسبت به بهبود وضعیت فرهنگی، به اطلاع می رساند متن نامه شما به روابط عمومی صداوسیما ارسال شد. و اما در خصوص نیاز به موسیقی و ملاک حرمت و یا مجوز استفاده از آن توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم:

وجود هر گرایش طبیعی و درونی، نیاز پاسخگویی را می طلبد. جذابیت سمفونی از این قاعده مستثنی نیست. اما باید دانست چگونگی پاسخگویی به غرایز ابتدایی و نیازهای پس از رشد یافتگی، تا میزانی مشترک میان تمامی اقوام و فرهنگ ها و پیروان ادیان است. مانند آن که استفاده از «آب» برای رفع تشنگی نزد همگان مشترک است. تفاوت از آنجا آغاز می شود که برای رفع این نیاز اصلی در پی آماده سازی و پیشنهاد نوشیدنی های متنوع باشیم. اینجاست که نظریه های انسان شناختی و فاکتورهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی رخ می نماید و کنش ها و واکنش ها بروز می کند.

پیچیدگی ها و ابهام آنگاه فزونی می یابد که در عصر ارتباطات، تنوع پاسخگویی به نیازها بسیار فراوان می شود و از میان آن همه «انتخاب پاسخگو» به نیاز اصیل و طبیعی «بدون عوارض»، کاری بس دشوار می باشد و تلاش همگانی را برای انتخاب صحیح و یا پیدا کردن جایگزین می طلبد.

جهت شفاف سازی درباره خصوص موسیقی متذکر می شویم: موسیقی به طور کلی دارای دو نوع است:

۱- موسیقی غنائی: هرگونه آهنگی است که به لحاظ شکل یا محتوا موجب تحریک شهوت و متناسب با مجالس گناه است.

این گونه موسیقی، گاهی آرامش

تخديرگونه براي اعصاب دارد و گاهي هيچانات ناهنجار براي روان در پي دارد و غفلت از ياد خدا، پرده پوشي عقل از آثار نمايان آن است.

۲- موسيقي غير غنايي: شامل صوت قرآن، موسيقي عرفاني، مارش عزا، مارش نظامي، آواز حُدي (براي تحريك حيوانات و دام) و حتي موسيقي مناسب براي رشد گياهان، مي شود. اين نوع موسيقي ميتواند پاسخگوي نياز انسان به زيبايي هاي سمفوني و موسيقي باشد و با اجراي متنوع مي تواند جايزگزين موسيقي غنايي باشد.

قرآن كريم داراي نثري آهنگ پذير است و اين خاصيت خود يكي از معجزات اين كتاب مقدس است. از آهنگ پذيري قرآن كريم و تشويقي كه نسبت به آهنگين و نيكو خواندن آن وجود دارد، نتيجه مي گيريم كه انسان در طي مسير كمال و به منظور تحصيل آرامش رواني و صفاي دل، صوت دلنشين قرآن نياز دارد به همين جهت، تلاوت آن با صداي نيكو، مستحب و محبوب خداي متعال است.

غزليات و اشعار عرفاني داراي سمفوني پرجاذبه اي است كه شنيدن و زمزمه آن با صداي خوش بسيار آرامش بخش و آگاهي ساز است و مي تواند جايزگزين مناسبی براي موسيقي غنايي باشد.

از بوعلی سینا آورده شده: آهنگ خوش آن مقدار كه حكمت لازم مي شمارد؛ جوهر نفس آدمي را تقويت مي كند و قواي باطني او را تمرکز مي بخشد؛ نه آن آهنگي كه امور شهواني را در انسان تحريك مي كند. (جوادي آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ص ۲۷۸)

افلاطون حكيم مي گوید: آن كس كه همه عمر را به ترنم نغمات حظّ از زيبايي صوت مي .....Hj.....همان طور كه آهن در اثر آتش نرم مي شود، عنصر «غيرت» در نفس وي ملايم مي گردد و طولی نخواهد كشيد كه «شجاعت» وي نيز تحليل رود.

به امید آن که با هم فکری و خویشتن داری به بالندگی معنوی خود و جامعه کمک کنیم.

بررسی متون دینی و آراء عالمان دین نشان می دهد که موسیقی از نظر اسلام در چند صورت حرام می باشد:

۱) موسیقی مطرب یعنی آهنگهایی که موجب تحریکات غیر ارادی در شنونده شود و انسان را از یاد خدا غافل می سازد. منظور از محرک بودن نیز نوعی و شأنی است؛ یعنی، به طور معمول چنین اثری را دارا باشد نه فقط نسبت به شخص خاص.

۲) موسیقی همراه با مضامین لهوی یعنی آهنگهایی که در کنار آن اشعار و سرودهایی قرائت می شوند که به گونه ای موجب فساد اخلاق و انحراف اذهان است مانند ترانه های عاشقانه و اشعاری که در وصف زن، شراب و غیره است و از همین قسم است اشعاری که به هر نحو موجب ترویج باطل و مخالفت با حق باشد مانند اشعاری که بر علیه اسلام و مقدسات آن همچون قرآن، پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) یا نظام و حکومت اسلامی بوده و یا در جهت تایید کفر و شرک و نظامهای فاسد و سردمداران آن باشد.

۳) موسیقی در مجلس گناه و لهو و لعب مانند آهنگهایی که در حال رقص یا نوشیدن شراب و غیره نواخته می شوند.

در هر صورت معیار در حرمت موسیقی مناسب بودن آن با مجالس لهو و داشتن مضامین فساد انگیز و اغوا کننده است. موسیقی طرب انگیز که شایسته مجالس لهو و باطل است حرام است.

فرق نمی کند که از صدا و سیما باشد یا غیر آن. تاثیر بر فرد داشته باشد و یا نداشته باشد. اصیل باشد و یا غیر اصیل. ایرانی

باشد و یا غیر ایرانی ولی موسیقی که مناسب مجالس لهُو نباشد و ملاک های حرمت را نداشته باشد حرام نیست.

**از جنابعالی تقاضا دارم توضیح دهید که چرا مسائل مربوط به اغتشاشات دانشجویان و مردمی هیچ گاه بطور شفاف و واضح در رسانه های گروهی بخصوص در تلویزیون به نمایش گزارده نمی شود؟**

**پرسش**

از جنابعالی تقاضا دارم توضیح دهید که چرا مسائل مربوط به اغتشاشات دانشجویان و مردمی هیچ گاه بطور شفاف و واضح در رسانه های گروهی بخصوص در تلویزیون به نمایش گزارده نمی شود؟

**پاسخ**

در حد لازم برای روشن شدن افکار عمومی صحنه ها و تصاویر آن از تلویزیون پخش می شود منتهی نشان دادن همه وقایع موجب بزرگنمایی موضوع و التهاب جامعه شده و نگرانیهای مردم را افزایش خواهد داد، از طرفی مطبوعات غیر خودی این اغتشاشات را از زاویه دید گاه خودشان مطرح کرده و با بزرگنمایی آن در افکار عمومی شبهه ایجاد نموده و واقعیت ها را پنهان می نمایند.

**چرا در جامعه ای مثل کشور ما که یک جامعه اسلامی است از طرق مختلف سازمان های مختلف باعث بدآموزی کودکان معصوم وبی گناه می شوند؟ مثلا با پخش فیلم های خارجی به حساب خودشان دوبله شده باعث می شوند که چشم نوجوانان حالتی پیدا کند که تنها دنبال فیلم های خارجی باشد**

**پرسش**

چرا در جامعه ای مثل کشور ما که یک جامعه اسلامی است از طرق مختلف سازمان های مختلف باعث بدآموزی کودکان معصوم وبی گناه می شوند؟ مثلا با پخش فیلم های خارجی به حساب خودشان دوبله شده باعث می شوند که چشم نوجوانان حالتی پیدا کند که تنها دنبال فیلم های خارجی باشد و دیگر نسبت به فیلم های ایرانی دل سرد شوند که این باعث از بین رفتن مرز اسلام می شود.

**پاسخ**

درود و صلوات الهی بر شما نوجوان فهیم و دوست داشتنی که علی رغم سن خویش مفاهیم عمیق را درک می کنید و در مقام مطالبه از مسئولان برمی آید آفرین بر شما و امثال شما، خدا را شاکر و سپاسگزاریم که با چنین نوجوانان فهیمه و متعهد و مسئول سروکار داریم.

دوست عزیز مانیز همانند شما فکر می کنیم و نسبت به بسیاری از برنامه های فرهنگی و هنری اجرا شده در رسانه ها منتقد هستیم و آرزو می کنیم روزی برسد که برنامه های فرهنگی و هنری ما، از چنان جاذبه و جذابیتی برخوردار گردد که نه تنها

جوانان و نوجوانان کشور خودمان بلکه نوجوانان و جوانان سایر کشورها و بلاد اسلامی را نیز به خودش جلب و جذب نماید. این از آرزوها و آمال ما و شما وهم دلسوزان به اسلام و نظام اسلامی است که امیدواریم روزی تحقق آنرا ببینیم. البته ذکر این نکته نیز شایان توجه است که دست یافتن به چنین امری اگر چه محال نیست ولی سهل و ساده هم نیست ولی اگر جوانانی همانند شما که چنین احساس مسئولیتی دارند در کنار مطالبه و مؤاخذه مسئولان مصمم بشوند وارد عرصه هنر بشوند با توکل و اتکال به خداوند و همت و جدیت و پشتکار و نیز فراگیری

فنون عملی و هنری و تبلیغی قادرند برنامه های هنری و فرهنگی تولید و عرضه نمایند که نه تنها جامعه خودمان بلکه سایر جوامع رانیز تحت تأثیر قرار می دهد همچنانکه گاهی شاهد چنین برنامه هایی هستیم. جوانان ایران

زمین استعداد و توانایی خلق آثار مختلف فرهنگی و هنری را دارند مشروط بر اینکه همت گمارند و با توکل به خدا به سوی اهداف متعالی گام بردارند. تحولی که هنرمند شهید سید مرتضی آوینی در عرصه هنر و نمایش و ... بوجود آورد تحول کمی نبود، ما می توانیم با تکیه بر استعدادهای نوجوانانی همانند شما که احساس دردمندی و تعهد را توأمان با یکدیگر دارید آوینی های زیادی در عرصه هنر و سینما و...پردازیم.

مهم باور و اتکاء به نفس است که امیدواریم این مهم محقق شود همچنانکه در مسابقات علمی و بین المللی جوانان ایرانی نشان داده اند قادرند غول های علمی دنیا را پشت سر گذارند و بر کرسی موفقیت و پیروزی در عرصه های جهانی تکیه زنند.

دوست عزیز نوجوان، بازخواست و مؤاخذه مسئولان کاری است لازم و ضروری ولی کافی نیست. همه باید همت کنیم با منع تماشای فیلم خارجی یا عدم پخش آن مشکل حل نخواهد شد اگر فیلم خارجی پخش نشود فیلم های غیر مجاز شیوع و رواج خواهد یافت. اگر فیلم های ایرانی جذابیت لازم را داشته باشد بصورت خودکار نسل جوان بسوی آنها خواهند رفت ولی اگر از این جذابیت برخوردار نباشد بسوی فیلم های خارجی و احیاناً غیر مجاز کشیده خواهند شد. پس پیش بسوی تحقق این آرمان مقدس و تبلیغ و ترویج و القاء حس خودباوری و توانمندی در نسل جوان و نوجوان و با امید به آرزوی روزی که هنر و سینمایی بالنده و مطرح در سطح جهانی داشته باشیم. ان



## ۱- چرا اگر داشتن مرجع تقلید برای افراد ضروری است متولیان فرهنگی بخصوص صدا و سیما اهمیت آن را تبلیغ نمیکنند؟

### اشاره

۲- اگر یک مسلمانی مرجع تقلید نداشته باشد چه حکمی دارد؟

### پرسش

۱- چرا اگر داشتن مرجع تقلید برای افراد ضروری است متولیان فرهنگی بخصوص صدا و سیما اهمیت آن را تبلیغ نمیکنند؟

۲- اگر یک مسلمانی مرجع تقلید نداشته باشد چه حکمی دارد؟

### پاسخ

باید تصور از ناحیه متولیان فرهنگی را در زمینه مذکور پذیرفت ولی این به معنای آن نیست که کاری در این زمینه صورت نگرفته از باب مثال شبکه معرف پاسخگوی بسیاری از مسائل اعتقادی و همچنین احکام است و در طول شبانه روز پاسخگوی شبهات و سؤالات وارده در زمینه مذکور است و در شبکه های دیگر هم به مناسبت شخصیتها ی علمی و غیر علمی به این امر مهم اشاره داشتند و می کنند . مسأله تقلید یک مسأله عقلی است و هر عقل سلیمی تقلید از مجتهد را لازم میدانند چون مجتهد همان کارشناس مسائل فقهی و احکام دین است که پس از سالها تلاش بی وقفه و از دست دادن سرمایه عمر به این مقام ارجمند نائل و در مسائل فقهی و دین صاحب نظر است عقل هر کس حکم می کند که در هر امری از امور زندگی چه مسائل شخصی انسان و چه مسائل اجتماعی و چه مسائل مادی و یا مسائل جسمی و روحی به صاحب نظر در آن امر مراجعه شود . و به حکم اینکه ما مسلمانیم و بدون شک در دین مقدس اسلام احکام و آداب خاصی متوجه مکلفین و کسانی که به بلوغ شرعی رسیدند هست و از طرفی این احکام و تکالیف د را اختیار همه نیست و لوازم و ابزار استفاده از آن برای همگان میسر نیست لذا باید از کسانی که این

لوازم و ابزار را در اختیار دارند و در این زمینه کار لازم انجام دادند پیروی کرد تقلید همان پیروی از متخصص است و این ضروری عقل است . ایا تا به حال اتفاق افتاده که ما برای ناراحتیهای جسمی و روحیمان به یک بقال و یا حتی یک مهندس الکترونیک مراجعه کنیم که در این صورت مضحکه عقل و مردم شویم و یا اگر برای ناراحتی جسمی به پزشک حاذق مراجعه کردیم و بر طبق تشخیص خودش نسخه ای پیچید آیا سؤال می کنیم که فلان دارو را نوشتی یا فلان دارو را نوشتی چون ما اطلاعات در زمینه پزشکی نداریم و در این امر تسلیم محض پزشک می شویم و اگر بخواهیم بهبودی کامل جسمی حاصل شود موبه مو نسخه اش را عمل می کنیم ما در مسائل هم یقین داریم که فلان نسخه را عمل نکنیم از نظر روحی مریض می شویم و عذاب اخروی هم داریم و یقین داریم ذمه ما به تکالیفی مشغول اما اینکه این تکالیف به چه مقدار و به چه نحو است علم نداریم و می دانیم احکام دینی فوق العاده گسترده است و فروع و جزئیات فراوانی دارد که هر کس که مجتهد نیست می فهمد که قادر به فهم تمام آنها نیست لذا باید یقین پیدا کنیم که به وظیفه خود در رابطه با احکام الهی و حلال و حرام خداوند عمل کردیم و برای رسیدگی به اینچنین یقین هیچ راهی جز پیروی از کارشناسی فقیهی نیست و این همان تقلید است پس بنا بر این عقل حکم می کند اگر اعمالی را که انسان انجام داده و می

دهد مطابق با فتوی مجتهدی که وظیفه انسان تقلید از اوست باشد اعمال انسان درست است و گرنه باطل است و در این جهت مقصر است .

## ۱- نظر شما در باره فیلم «مارمولک» و طرفداران آن چیست ؟

### پرسش

۱- نظر شما در باره فیلم «مارمولک» و طرفداران آن چیست ؟

### پاسخ

ج ۱- نظر بنده نسبت به این فیلم مثبت نیست. به این دلیل که برداشت افراد از آن متفاوت است برخی مغرضانه و بدون شناخت و فیلم را بررسی می کنند کما اینکه بعد از اکران فیلم « به نمایش گذاشتن » شاهد هتک حرمت و ناهنجاریهایی نسبت به روحانیت از طرف این افراد بودیم و عده ای ساده لوحانه متأثر از القائات صورت گرفته در فیلم و جو حاکم بر آن و با توجه به اسم منفی فیلم و القاء این اسم که نوعی توهین به مقام روحانیت محسوب می شود . ممکن است در اعتقادشان سستی ایجاد شود ، بنابراین هتک حرمت به لباس روحانیت در هر شکل اقدامی ضد تبلیغی محسوب میشود، در حالی که نفس پوشیدن لباس روحانیت برای طلبه علوم دینی نوعی تبلیغ دین است .

منابع :

۱- فرهنگ عمید

۲- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۸۰

۳- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۱۱

## نظر شما درباره انتقاداتی که نسبت به صدا و سیما وجود دارد، چیست و برای رفع آنها چه اقداماتی لازم است ؟

### پرسش

نظر شما درباره انتقاداتی که نسبت به صدا و سیما وجود دارد، چیست و برای رفع آنها چه اقداماتی لازم است ؟

### پاسخ

مسلمانان " کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه ها خالی از عیب و نقص نمی باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تاثیرگذار آن بر افکار عمومی ، عقاید و نگرش های جامعه و وظایف سنگینی که این رسانه ملی خصوصاً " بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم

فرهنگی بر عهده دارد, رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن , آن هم در حدی که زینده حکومت اسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام بردید می توان گفت که بخشی از اینها مربوط به صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده و مخاطبین آن می باشد. اما در مورد اول باید گفت که هم در زمان امام که این رسانه ها زیر نظر مشترک قوای سه گانه اداره می شد و چه در زمان حال که نصب و عزل رئیس آن با مقام معظم رهبری می باشد و شورایی مرکب از نمایندگان سه قوه بر سازمان نظارت دارند, خود این بزرگواران انتقادات زیادی به برخی از برنامه های این رسانه داشته , تذکرات متعددی در جهت بهبودبخشی آن داده اند ولی به جهت

عواملی متعدد که در جای خود قابل بررسی می باشد، هنوز مشکلات فراوانی وجود دارد که برای رفع آنها انجام اقدامات ذیل مطلوب می نماید: ۱- نظارت دقیق بر گزینش افراد و برنامه ها در صدا و سیما و استفاده از هنرمندان متعهد و انقلابی . ۲- کنار گذاشتن افراد منحرف و غیرقابل اصلاح از رادیو و تلویزیون و جلوگیری از نفوذ افراد وابسته به درون صدا و سیما. ۳- نظارت همه جانبه بر پخش رادیو و تلویزیون با استفاده از متخصصین و کارشناسان متعهد و نظارت دقیق بر فیلم سازان و محتوای فیلم ها. ۴- برخورد با مسوؤلان پخش مطالب توهین آمیز یا منافی ارزش های اسلامی . ۵- صدا و سیما به عنوان دانشگاه عمومی و مرکز ترویج ارزش های اسلامی باید از تقلید برنامه های خارجی بدون مطابقت با آیین اسلام و بسط فرهنگ تجمل گرایی و... در تهیه برنامه های خود، دست برداشته و زمینه هدایت جامعه را فراهم آورد. حال با توجه به مشکلاتی که در صدا و سیما و برخی برنامه های آن وجود دارد و به هر دلیلی شاید این مسائل در کوتاه مدت قابل حل نباشد بینندگان و مخاطبان نیز باید یکسری نکات را مد نظر داشته و رعایت نمایند: اولاً: هر چند برخی از فیلم ها یا سریال های خارجی که از صدا و سیما پخش می شود از نظر شرعی نتوان مشکل فی نفسه ای برای آنها نام برد ولی اگر برای برخی بینندگان مفسده ای به دنبال داشته باشد باید آن فرد از آنها اجتناب نماید و صرف پخش آن برنامه از صدا و سیمای

جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه دلیل بر مشروعیت آن نمی شود. ثانياً: وجود این قبیل مشکلات و نقائص وظیفه نیروهای انقلابی و متعهد را در کسب تخصص ها و مهارت های گوناگون، مضاعف می نماید زیرا پاره ای از عوامل این نارسائی ها به کمبود نیروی انسانی و متخصصین متعهد بازمی گردد. ثالثاً: با توجه به تهاجم فرهنگی از طریق ارتباطات و فن آوری پیشرفته به حدی که در آینده ای بسیار نزدیک هیچ مانع و کنترل بیرونی برای دستیابی به این امواج مسموم وجود نخواهد داشت، مطمئن ترین راه برای دورماندن از انحراف و آلوده شدن به گناه، تقویت ایمان و تقوای الهی (کنترل درونی) می باشد که البته این موضوع به هیچ وجه توجیه کننده مشکلات برخی برنامه های صدا و سیما نمی باشد ولی در مورد مخاطبان حائز اهمیت می باشد.

## آیا نوشتن و گفتن فسادهای موجود در مملکت در مطبوعات، منافاتی با آیه ۱۹ سوره (نور) ندارد؟

### پرسش

آیا نوشتن و گفتن فسادهای موجود در مملکت در مطبوعات، منافاتی با آیه ۱۹ سوره (نور) ندارد؟

### پاسخ

توجه به نکات زیر می تواند در زدودن ابهامات موجود، راهگشا باشد:

۱. اهمیت مطبوعات: نقش مطبوعات به طور عام و روزنامه به طور خاص در زندگی سیاسی و تنویر افکار عمومی بسیار مهم است: چرا که اصولاً، روزنامه، بازتاب مزاج عمومی و رواج آگاهی بین مردم است. برای نشان دادن اهمیت سیاسی مطبوعات بود که بر آن «رکن چهارم» [دموکراسی] نهادند.

به طور کلی، روزنامه منبعی است که مردم به وسیله آن واقعیت ها را در می یابند و در جریان رخدادهای جاری کشور و جهان قرار می گیرند. همچنین روزنامه ها حکومت را قادر می کنند تماس با مردم را حفظ کرده و با انعکاس نظرات شهروندان، انتقادات و پیشنهادهایی برای بهبود امور ارائه دهند.

البته مطبوعات و به ویژه روزنامه ها، نه تنها شکایت های عمومی را از صافی می گذرانند بلکه می کوشند احساسات و نظریات مردم را آن طور که می فهمند، منعکس کنند. با در نظر گرفتن نقش مهم آنها در شکل گیری افکار عمومی، لازم است مراقبت بشود تا این رسانه جمعی (ارتباط و تبلیغاتی) را اشخاص سودجو و صاحبان قدرت (سیاسی، اقتصادی و...) به انحصار خویش در نیاورند.

به طور کلی، این نظر موافق نیز وجود دارد که مطبوعات آزاد و بی طرف برای موفقیت حکومت های مردمی ضروری است، مهم آنست که خیرها باید به درستی ارائه شود تا شهروندان را به ارزیابی و قضاوتی سالم، توانا کند، اما متأسفانه در عمل برای رسیدن به این هدف مطلوب، راه کار مشخصی ارائه نشده است زیرا بسیار به منافع آگاهی دهندگان وابسته اند. ۲. انتقاد نه انتقام: همانطور که اشاره

شد، مطبوعات و روزنامه های مفید و سازنده، آن دسته از مطبوعات هستند که همواره در صدد اطلاع رسانی شفاف به مردم و نردبان ترقی ضعیفترین شهروندان و منعکس کننده دیدگاه های اصولی مردم بوده و در نقد و بررسی عملکرد صاحبان قدرت بدون تمایلات گروهی و حزبی، از هیچ کوششی دریغ نوززند.

اما اگر بخواهیم با نگاه آسیب شناسانه به مطبوعات و روزنامه ها نگاه کنیم، خواهیم دید که برخی از آنان با شیوه انعکاس خبرها و با تحریفی که در آنها ایجاد می کنند و نیز با بحث درباره رخدادها و سیاست های گروه های مختلف سیاسی، در تلاش برای نفوذ گذاری بر افکار عمومی (نه به نفع عموم بلکه در جهت منافع حزبی و گروهی) هستند. چنین فرایندی، ممکن است در اشکال مختلف از جمله در شکل شایعه سازی و جنگ روانی آزار دهنده و با انگیزه انتقام جویی، تصفیه حساب های شخصی، تخریب اعتماد عمومی، لکه دار ساختن پرستیز و شخصیت افراد بزرگ (حقیقی و حقوقی) و منحرف ساختن افکار عمومی از مسایل اساسی تحقق یابد که با عدم کنترل دقیق آن، ممکن است به متزلزل شدن یا از بین رفتن

امنیت و وفاق ملی بیانجامد. البته چنین روندی در همه حکومت ها، حرکتی نابهنجار به شمار می آید و در بعضی شرایط حتی موجب برخورد با آنان می شود. ۳. عدم تفاوت بین گفتار، نوشتار و... باید به این نکته توجه کرد که سخنرانی، مطبوعات، کتاب و رسانه های نویسا و نیز فیلم، تئاتر اینترنت و... همه مصادیقی از بیان هستند. چه اینکه انسان می تواند افکار خویش را هم به وسیله زبان و گفتار مطرح کند، و هم به وسیله نوشتن و علائم و حرکات.

بنابراین، اگر کسی حق ندارد با زبان خود به دیگری ناسزا گوید یا تهمت بزند، با قلم، عکس، فیلم و... هم حق ندارد چنین اعمالی را انجام دهد.

بر این اساس، نوشتار با گفتار از جهت احکام و قانون فرقی ندارد و هر چه گفتنش در شرع و قانون ممنوع و حرام است نوشتنش نیز چنین است، و هر چه گفتنش لازم و واجب است مثل موارد امر به معروف و نهی از منکر نوشتنش نیز چنان است. اما در کشور ما مثل بسیاری از کشورهای آزاد جهان، برای مطبوعات و روزنامه ها قوانین ویژه ای قرار دادند به طوری که متخلفین مطبوعاتی در دادگاه مطبوعات و با حضور هیئت منصفه و با تسهیلات ویژه ای محاکمه می شوند. همه این تسهیلات، به

خاطر این است که قانون، مطبوعات را در مسیر منافع و مصالح عمومی ارزیابی کرده و از آن حمایت می کند. بنابراین ارباب جراید و مطبوعات نیز باید نگرهبانان خوبی برای منافع و مصالح و دیدگاه های مردم باشند. با توجه به مباحث یاد شده، نتیجه می گیریم که، نوشتن و گفتن فسادهای موجود در کشور و سانسور یا کوچک و بزرگ کردن مطالب مورد نظر خود و نقد و بررسی مشکلات کشور در سخنرانی ها، رسانه های عمومی و به ویژه در رسانه های نوشتاری با قصد اشاعه فساد، فحشاء و منکر و تضعیف نظام اسلامی و متزلزل کردن اعتقادات مردم و از بین بردن امنیت، وحدت و وفاق ملی، چه بسا از مصادیق بارز آیه شریفه  $A\{ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم\}$  A، به شمار آید و از مصادیق گناهان کبیره است. نکته قابل توجه،



این است که اسلام برای جامعه با ایمان، امنیت های چهارگانه را به رسمیت شناخته است:

۱. امنیت جانی، ۲. امنیت مالی، ۳. امنیت حیثیتی و آبرویی، ۴. امنیت شخصیت انسان در فکر و ذهن دیگران (نهی از سوء ظن به دیگران).

پیامبر اکرم (ص) در یکی از سخنان خود اینچنین به امنیت های چهارگانه، اشاره فرموده است:  $H\{\}$  {ان الله حرم علی المسلم دمه و اله و عرضه و ان یظنّ به سوء الظنّ  $H\{\}$  M} خداوند، تجاوز به خون، مال و آبروی مسلمانان را حرام نموده و هرگز اجازه نداده است که کسی به یک فرد مسلمان بدگمان شود و حتی در ذهن و فکر خود، به او نسبت ناروا بدهد  $M\{\}$  ولی طرح این مسایل به منظور آسیب شناسی وضعیت موجود و درمان آن و طراحى وضعیت مطلوب و آرمانی و آنا تومی و کالبد شکافی مفاسد اجتماعی به منظور دست یابی به صراط مستقیم و رشد و توسعه کشور و بهبود وضعیت شهروندان با استفاده از روش های معقول و مناسب، منافاتی با آیه ندارد، زیرا این آیه می فرماید، کسانی که دوست دارند فحشاء و منکرات در میان مؤمنان گسترش یابد از عذاب دردناک برخوردار خواهند شد در حالی که انتقاد کننده منطقی، نه تنها دوست ندارد که فحشاء و منکرات در میان مؤمنان و جامعه اسلامی، گسترش یابد بلکه سعی می کند که با انتقاد از آن و نشان دادن گونه های فساد و فحشاء و ارائه راه حل آن، از اشاعه آن جلوگیری می کند. به همین جهت در عهدنامه حضرت امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر می خوانیم: «نزدیکترین افراد به تو باید کسانی باشند که با استفاده از اصول و روش های صحیح، کاستی های وضعیت موجود را بهتر

## آیا با توجه به وجود برخی فیلم های مساله دار، سینمای ایران نجیب ترین سینماست؟

### پرسش

آیا با توجه به وجود برخی فیلم های مساله دار، سینمای ایران نجیب ترین سینماست؟

### پاسخ

در پاسخ شما باید عرض کنیم که به مسائل از دو جهت می توان نگریست. یک بار ما مسائل را با توجه به اعتقادات، باورها، ارزش ها و هنجارهای خود به عنوان یک جامعه اسلامی که دارای نظامی اسلامی است مد نظر قرار می دهیم. اما گاهی به مسائل با نگاهی فراتر می نگریم این نگاه فراملی ممکن است منطقه ای، قاره ای و یا جهانی باشد.

در نگاه اول که نگاه ملی است، آنچه برای ما به عنوان ساکنان ایران زمین که اکثریت آن را مسلمان تشکیل می دهد به عنوان معیار و ملاک مطرح می باشد نقطه ایده آل و آرمانی است که براساس الگوهای دینی انتظار داریم. مقایسه مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور اگر همواره غالبا ما را به این نتیجه رهنمون خواهد ساخت که با نقطه ایده آل فاصله بسیاری داریم. این فاصله به دلیل بستر متغیر مسائل اجتماعی و انسانی همیشه در حال نوسان است. از این دیدگاه آنچه اهمیت دارد این است که برنامه ها، اجرا و نظارت آنها ما را به آن الگوی ایده آل نزدیک تر سازد. مسلما از این دیدگاه سینمای ما از وضع رضایت بخشی برخوردار نیست. این فاصله آرمانی فقط منحصر به سینما نیست؛ خیابان، بازار، منزل، اداره، مدرسه، دانشگاه و حتی مساجد ما با آن نقطه ایده آل فاصله دارد. پس آنچه ضروری به نظر

می رسد این است که ما در مسیر اصلاح امور برای دست یابی به الگوی آرمانی باشیم.

در دیدگاه دوم یعنی از منظر فراملی، ما قطع نظر از الگوی آرمانی خویش خود را با سایرین قیاس می کنیم. البته شاید چنین به نظر

رسد که به دلیل تفاوت الگوهای آرمانی در سطح ملی، این قیاس نابجا است. اما اگر ما یک حداقلی را در نظر بگیریم که بشر امروز در کل جهان بر سر آن توافق دارد و یا لاقلاً اکثریت مردم جهان بدان معتقدند، ما می‌توانیم به یک الگوی آرمانی جهانی دست یابیم. در مورد سینما باید عرض کنیم که رعایت مسائل اخلاقی و عفت عمومی اگر مورد اجماع جامعه جهانی نباشد، دست کم اکثریت آن را لازم می‌دانند. در این صورت ادعای آقای خاتمی مبنی بر این که سینمای ایران نجیب‌ترین سینما در جهان است چندان گزاف به نظر نمی‌آید. البته در یک نگاه کلی به محصولات سینمای ایران و گرنه با نگاه جزئی فرضاً به فیلمی خاص مانند «کاغذ بی خط» (البته این فیلم را ما ملاحظه نکرده ایم) از نظر شما، این ادعا چه بسا بی‌پایه و اساس باشد.

در پایان مجدداً تکرار می‌کنیم که آنچه به عنوان وظیفه‌ای اسلامی و ملی بر عهده همه مسئولین و آحاد شهروندان ما سنگینی می‌کند این است که با امید به آینده در مسیر اصلاح خویش و جامعه در زمینه‌های مختلف حرکت کنیم تا فاصله خود را با نقطه آرمانی نزدیک‌تر سازیم. همان‌گونه که قرآن از زبان حضرت شعیب (ع) نقل می‌کند و ابا عبد الله الحسین (ع) در وصیت‌نامه خویش تکرار کردند H {ان اريد الا- الاصلاح ما استطعت و ما توفيقى الا- بالله عليه توكلت و اليه انيب} H {من قصدى جز اصلاح جامعه تا آنجا که بتوانم ندارم و توفيق من جز به يارى خدا نيست. بر او توكل کرده ام و به سوى او باز مى‌گردم} M.

**چرا صدا و سیما به خاطر یک عده معدود، فیلم‌های زشت و زننده پخش می‌کند و در نتیجه عده‌ای جوان خراب می‌شوند و تصمیم به گناه می‌گیرند؟**

**پرسش**

چرا صدا و سیما به خاطر یک عده معدود، فیلم‌های

زشت و زنده پخش می کند و در نتیجه عده ای جوان خراب می شوند و تصمیم به گناه می گیرند؟

## پاسخ

در مورد پخش فیلم های غیر مفید و گاه زیان بخش ، تذکر داده شده و اعتراض شما وارد است . امیدواریم هنرمندان ایرانی بتوانند فیلم های خود را جایگزین فیلم های خارجی و بدون فایده و گاه منحرف ، کنند تا نسل جوان در اوقات فراغت ، سرگرمی داشته باشد و از برنامه های خارجی بی نیاز گردد .

از آن جا که ریاست صدا و سیما از سوی رهبر معظم انقلاب تعیین می شود، شما می توانید شکواییه ای به دفتر مقام رهبری در تهران بنویسید .

**مدتی است در تلویزیون فیلم هایی پخش می شود که برتری زنان را به مردان در خانه نشان می دهد. چرا به صدا و سیما اعتراض نمی کنید که با این کار زشتشان زندگی عده ای را تباه می کنند؟**

## پرسش

مدتی است در تلویزیون فیلم هایی پخش می شود که برتری زنان را به مردان در خانه نشان می دهد. چرا به صدا و سیما اعتراض نمی کنید که با این کار زشتشان زندگی عده ای را تباه می کنند؟

## پاسخ

برخی فیلم ها که در تلویزیون پخش می شود، معمولاً مبالغه آمیز است و هر وقت بخواهند به زن بها دهند، معمولاً زیاده روی می کنند و از آن طرف وقتی می خواهند از زنان عیب بگیرند، مبالغه و زیاده روی می کنند، به طوری که زنان خیلی ناراحت می شوند و اعتراض می کنند. متأسفانه وقتی تلویزیون می خواهد به زن اعتبار و شخصیت بدهد، برتری مطلق او را نشان می دهد. این کنش به خاطر اشکال عمومی است که در برنامه های تلویزیون وجود دارد، که زیاده روی در نشان دادن خوبی ها و بدی ها و مشکلات است ، در حالی که نباید افراط و تفریط کرد، بلکه باید همواره در گفتار و کردار و نمایش فیلم ها و برنامه های آموزشی ، میانه روی و عدالت را به کار گیریم . در این صورت است که اثر بهتری در مردم خواهد داشت . امیدواریم این موضوع که خواست عمومی است ، عملی گردد .

اگر انتقاد از صدا و سیما را به دفتر مقام رهبری بنویسید، کارساز خواهد بود.

**چرا می گویند حجاب را رعایت کنید و از طرف دیگر در این جا و آن جا خانم ها با وضع نامناسبی در مجلات و روزنامه ها ظاهر می شوند؟ این ها اصلاً با هم هم خوانی ندارد. البته من تحت تأثیر قرار نمی گیرم ، بلکه برعکس عمل می کنم .**

## پرسش

چرا می‌گویند حجاب را رعایت کنید و از طرف دیگر در این جا و آن جا خانم‌ها با وضع نامناسبی در مجلات و روزنامه‌ها ظاهر می‌شوند؟ این‌ها اصلاً با هم هم خوانی ندارد. البته من تحت تأثیر قرار نمی‌گیرم، بلکه برعکس عمل می‌کنم.

## پاسخ

رعایت حجاب و حفظ شئون انسانی و اسلامی شما را می‌ستایم. شخصیت مستقل و کامل شما را می‌ستایم که تحت تأثیر تصاویر تبلیغاتی قرار نمی‌گیرد و می‌دانید در پشت این گونه تصاویر و تبلیغات چیست. ما هم قبول داریم که برخلاف گفته‌ها و توصیه‌هایی که مسئولان نظام دارند، دست‌اندرکاران مطبوعات و تلویزیون و دیگر رسانه‌ها از زن و از تصویرهای فریبنده استفاده‌های نامشروع می‌کنند و با این کار خود نظام جمهوری اسلامی را زیر سؤال می‌برند. همان‌طور که گفته‌اید اینها اصلاً هم خوانی ندارد و باعث بدبینی افراد مذهبی و سالم می‌شود و برایشان سؤال پیش می‌آید که چرا برخلاف گفته‌ها عمل می‌شود و هیچ‌کس جلوی آن را نمی‌گیرد. به هر حال جای خوشوقتی است که برخی افراد آگاه همانند شما تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند، بلکه روز به روز با دیدن این صحنه‌های ضد فرهنگی، رفتار و کردار خویش را با ارزش‌های معنوی بیشتر وفق می‌دهند. خداوند شما را در این راه پایدار بدارد.

## نظر اسلام راجع به ماهواره، ویدئو، سینما و... چیست؟

### پرسش

نظر اسلام راجع به ماهواره، ویدئو، سینما و... چیست؟

### پاسخ

اسلام با پدیده‌های صنعتی و تکنولوژیکی مخالفتی ندارد، زیرا این وسائل می‌تواند بر سطح معلومات بشر بیافزاید و زندگی راحتی را برایشان فراهم کند و مشکلات زندگی را کمتر کند. آن‌چه که اسلام با آن مخالفت می‌کند، استفاده ناصحیح از این وسائل است. اسلام با فساد اخلاق مخالف است. هم‌چنین با مزاحمت دیگران مخالف می‌باشد. اگر این وسائل پیشرفته و مدرن، باعث از بین رفتن روحیه تقوا و خارج کردن انسان از مسیر عبودیت که همان صراط مستقیم است باشد، استفاده از آن‌ها جایز نیست. قرآن از قول حضرت عیسی نقل می‌کند: "ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم". (۱)

باید راه و رسم عبودیت، خط اصلی هر انسانی باشد و هر چه که انسان را از این خط منحرف می‌کند، باید از آن دوری کرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۹، ص ۳۰۰.

**آیا پخش فیلمی مانند "مدیر کل" به جز فساد و رواج بی‌حجابی ره‌آورد دیگری دارد؟**

آیا پخش فیلمی مانند "مدیر کل" به جز فساد و رواج بی حجابی ره آورد دیگری دارد؟

پاسخ

فیلم مذکور که ساخته کشور سوری است و از سیما پخش شود، مانند فیلم های دیگر از نقاط ضعف و قوت برخوردار است. نقطه ضعف آن عدم پوشش اسلامی بانوان و آرایش غلیظ خانم ها است که در نامه ذکر شده، ولی قطعاً نقطه قوتی نیز داشته است، مانند نشان دادن گوشه ای از فساد نظام اداری، حاکمیت روابط به جای ضوابط و یا پارتی بازی در اداره ها و توجه به قاطعیت در مدیریت، معرفی مدیر موفق و غیره. به نظر می رسد اگر تنها به نقاط ضعف آن پردازیم و نقاط قوت را نادیده بگیریم، از انصاف دور شده ایم. البته ما نیز معتقدیم در صورت امکان باید از فیلم هایی استفاده کرد که بدآموزی نداشته باشد.

[۷] استفتائات، ج ۲، ص ۱۸.

**آیا این همه تبلیغات که در رسانه های عمومی خصوصاً تلویزیون انجام و روز به روز بر تعداد آن افزوده می شود، توجیه شرعی دارد؟**

پرسش

آیا این همه تبلیغات که در رسانه های عمومی خصوصاً تلویزیون انجام و روز به روز بر تعداد آن افزوده می شود، توجیه شرعی دارد؟

پاسخ

رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و مجلات، رسانه های عمومی هستند. طبیعی است در چنین رسانه هایی علاوه بر بیان اخبار، گزارش های مختلف از دست آوردهای علمی فرهنگی، نیز تبلیغ کالاهای مصرفی برای جلب نظر مشتری شود.

بدیهی است آن چه غیر لازم و حتی خلاف به نظر می رسد، افراط در تبلیغ بعضی کالاها است که با توجه به شرایط سخت اقتصادی در جامعه امروز چنین کاری اگر خلاف شرعی نباشد، یک کار غیر اخلاقی و سودجویانه است و هیچ عقل سلیمی آن را نمی پذیرد، مثلاً در تلویزیون از کالایی لوکس تبلیغ شود که نوع مردم از خرید آن عاجز باشد، یا از مواد خوراکی تبلیغ شود که ارزش غذایی نداشته و حتی برای سلامتی مضر باشد، مثل تبلیغ از پفک و چیپس و تنقلات خاص.

اگر مراد از تبلیغات، تبلیغات دینی و مذهبی است، باید عرض کنیم که نسبت به تبلیغات دیگر، این مقدار تبلیغات دینی زیاد نیست و فایده تبلیغات دینی و تاثیر آنها در روح و روان و زندگی فردی اجتماعی بر کسی مخفی نیست. اگر افراد جامعه دیندار باشند، بسیاری از اشکالات و تنش های اجتماعی و سیاسی حل می شود.

## آیا پخش سریال مدیر کل، آقای دغل و سواران باد همسویی با فرهنگ غرب نیست؟

### پرسش

آیا پخش سریال مدیر کل، آقای دغل و سواران باد همسویی با فرهنگ غرب نیست؟

### پاسخ

در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران کارشناسان و متخصصانی وجود دارند که به نقد و بررسی فیلم‌ها و سریال‌ها می‌پردازند، و بر برنامه‌های کلان صدا و سیما نظارت می‌کنند. این نظارت بدان جهت است که از سیمای جمهوری اسلامی ایران فیلم‌ها و سریال‌هایی که بدآموزی و بار منفی دارند، پخش نشود، از این رو خیلی از فیلم‌ها و سریال‌هایی که در خارج از کشور از تلویزیون‌ها پخش می‌شود، از سیمای ایران پخش نمی‌شود، حتی برخی از سریال‌های خارجی که بر اساس معیارهای اسلامی گزینش می‌شود، نخست نقد و بررسی می‌شود و بخشی از قسمت‌های آن‌ها که بدآموزی زیادی دارند، حذف می‌شوند.

اگر سریال‌های مدیر کل، آقای دغل و سواران باد، بدآموزی‌های زیاد داشتند و همسو با فرهنگ غرب بودند، از سیمای جمهوری اسلامی پخش نمی‌شوند این گونه سریال‌ها به رغم آن که برخی از آثار منفی و بدآموزی‌هایی مانند حضور زنان بی‌حجاب، نوعی لباس‌ها و آرایش‌هایی که استفاده شده است و... دارند ولی آثار مثبت مهم نیز دارند که این آثار مهم موجب شده است برخی از آثار منفی آنها نادیده گرفته شده و از پخش آن‌ها جلوگیری نشود، مثلاً در سریال "مدیر کل" نحوه نظارت یک مسئول بر فعالیت کارمندان یک اداره و یا وزارت خانه و چگونه رفتار کارمندان با ارباب رجوع و جلوگیری از سوءاستفاده مالی و... به نمایش گذاشته شده است. آثار مثبت این گونه سریال‌ها به مراتب بیشتر از بار منفی آن‌ها است. همسویی این سریال‌ها با فرهنگ غرب در حدی

نبوده است که از پخش آن‌ها جلوگیری شود از سوی دیگر برداشت انسان‌ها از سریال‌ها متفاوت است اگر چه پخش این سریال‌ها بعضاً آثار منفی دارد، اما کشانده شدن جوانان به فیلم‌های خیلی بدتر نیز مورد لحاظ قرار می‌گیرند، یعنی برای دفع افسد به فاسد، آن‌ها را نمایش می‌دهند.

بنابر این اگر کسی می‌داند که سریال‌های مذکور بار منفی دارند و فرهنگ غرب را تداعی می‌کنند و دارای آثار منفی هستند و یا آثار منفی آن‌ها بیشتر از نکات مثبت آن‌ها است می‌تواند این گونه سریال‌ها را نگاه نکنند.

## برنامه‌های تلویزیون از نظر شما شرعی هستند؟

### پرسش

برنامه‌های تلویزیون از نظر شما شرعی هستند؟

### پاسخ

برنامه‌هایی که از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود، به طور کلی، با صرف نظر از موارد آن از نظر شرعی به عنوان این که از رسانه نظام مقدس جمهوری اسلامی پخش می‌شود، اشکالی ندارد.

تلویزیون برنامه‌های مختلفی پخش می‌کند که بعضی از آنها دارای محتوای اسلامی و بدون اشکال است، مثل برنامه‌های قرآنی و اذان و اخلاقیات و سخنرانی‌های مذهبی که اشخاص شناخته شده مورد اعتماد ایراد می‌نمایند.

برنامه‌هایی که در چارچوب تعالیم اسلامی موجب تقویت وجدان دینی و معرفت و آگاهی افراد به جریان‌های سیاسی و دام‌های شیطانی و انحرافی دشمنان اسلام باشد، هم چنین سبب شناخت بیشتر انسان نسبت به دین و زندگی سالم و آزاد و ترقی دنیا و آخرت گردد، نیز استقلال اسلامی و ایستادگی در برابر کفار و مستکبران را تقویت نماید، خوب است.

اما در مورد برنامه‌های دیگر مانند فیلم، جواب نسبت به افراد، مختلف است. اصل دیدن فیلم‌ها و بازیگران زن و مرد اشکال ندارد. اما اگر برای کسی بدآموزی داشته باشد و یا برای جوانی موجب تحریک شهوت شود، اشکال دارد و باید از دیدن آن اجتناب کند. ملاک و معیار در این که فیلمی شرعاً مجاز باشد، این است که در نظر مکلف موجب فساد و گناه نباشد. در این جا نظر شخصی فرد برای خودش باید مورد پیروی قرار گیرد و ملاک نوعی یا همگانی نمی‌باشد، (۱) یعنی بیننده باید از نگاه کردن به فیلم و عکسی که باعث تهییج شهوت باشد، خودداری کند، اگر چه دیگران به این فیلم نگاه نکنند، برایشان شهوت انگیز نباشد

پی نوشت‌ها:



**آیا مؤسسه ای وجود دارد که کاست های سخنرانی آقای الهی قمشه ای را تهیه و توزیع کند؟ آیا این مطلب واقعیت دارد که ایشان برای هر سخنرانی مبلغ هنگفتی پول دریافت می کند؟**

**پرسش**

آیا مؤسسه ای وجود دارد که کاست های سخنرانی آقای الهی قمشه ای را تهیه و توزیع کند؟ آیا این مطلب واقعیت دارد که ایشان برای هر سخنرانی مبلغ هنگفتی پول دریافت می کند؟

**پاسخ**

(۱) به نظر می رسد مؤسسه سروش، وابسته به سازمان صدا و سیما کاست های سخنرانی آقای الهی قمشه ای را داشته باشد. بیشتر سخنرانی های ایشان از تلویزیون و رادیو پخش می شود. معمولاً صدا و سیما سخنرانی ها و برنامه هایی را که از آن مرکز پخش می شود به صورت کاست، CD و نوار ویدئویی در اختیار متقاضیان قرار می دهد.

(۲) این واحد در جریان گرفتن مقدار پول توسط آقای قمشه ای نیست. اصولاً وظیفه و رسالت این واحد پاسخگویی به این گونه مسایل نیست. بهتر است فکرتان را به این مسایل مشغول نکرده و به مسایل مهم تری پردازید.

**کار مرکز پاسخگویی به سؤالات دفتر تبلیغات چیست و چه کمکی به ما می تواند بکند؟ مراکز دیگری که می توانند پاسخگو باشند، کدام است؟ چگونه با دفتر مراجع ارتباط داشته باشیم؟**

**پرسش**

کار مرکز پاسخگویی به سؤالات دفتر تبلیغات چیست و چه کمکی به ما می تواند بکند؟ مراکز دیگری که می توانند پاسخگو باشند، کدام است؟ چگونه با دفتر مراجع ارتباط داشته باشیم؟

**پاسخ**

مرکز پاسخگویی به سؤالات دفتر تبلیغات یکی از واحدهای مختلف مربوط به بخش تحقیقات می باشد. دفتر تبلیغات اسلامی از سه بخش: آموزش، تبلیغات و تحقیقات تشکیل شده است.

در این واحد به سؤالات دریافت شده در موضوعات مختلف اعتقادی، تاریخی، مشاوره، احکام و ... از سراسر کشور به صورت کتبی و تلفنی پاسخ داده می شود.

چند برگ از اطلاعاتیه ضمیمه شده است.

مراکز دیگری نیز در قم در امر پاسخگویی فعال هستند که مراکز زیر از آن جمله اند:

۱ قم، چهار راه بیمارستان، مؤسسه در راه حق، پاسخ به سؤالات، صندوق پستی ۱۳۷ ۳۷۱۸۵.

۲ قم، صندوق پستی ۴۴۶۶ ۳۷۱۸۵، تلفن ۷۷۴۵۸۳۰، پاسخ به سؤالات مرکز حوزه علمیه قم.

به همراه پاسخ های ارسالی، چند جزوه فرستاده می شود.

می توانید برای جلب حمایت فرهنگی برای فعالیت کانون به دفتر سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان و یا دفتر امام جمعه مراجعه نمایید تا کمک های لازم برای فعالیت فرهنگی و ادامه کار را دریافت کنید.

در مورد دریافت رساله های نیز به سازمان تبلیغات مراجعه نمایید و یا از دفتر مراجع در شهرستان خود دریافت کنید.

برای مکاتبه با دفتر مراجع در قم می توانید نامه خود را به دفتر مراجع مورد نظر ارسال نمایید، مثلاً بنویسید: قم، دفتر آیت الله فاضل لنکرانی یا دفتر رهبری. زندگی نامه مراجع نیز مربوط به دفتر مراجع می شود.

امیدواریم ارتباط خود را با این مرکز استمرار بخشید. یکی از

فعالیت هایی که می توانید انجام دهید برقراری ارتباط با افراد غیر عضو کانون و معرفی افراد و همکاران گرامی تان و افراد دیگر برای ایجاد ارتباط و پرسش به طور مستقیم از این مرکز و دریافت پاسخ می باشد.

در مکاتبات بعدی، سؤالات اساسی خود را در مورد اعتقادات طرح نمایید تا پاسخ داده یا جزوات لازم ارسال شود.

### تبلیغ به چه معناست؟ و شرایط موفقیت در ابلاغ یک پیام چیست؟

#### پرسش

تبلیغ به چه معناست؟ و شرایط موفقیت در ابلاغ یک پیام چیست؟

#### پاسخ

تبلیغ به معنای رساندن و شناساندن یک پیام، آگاه ساختن مردم، معتقد کردن، متمایل نمودن و جلب کردن نظرهای آنها به یک پیام است. شرایط موفقیت یک پیام چهار چیز است که اگر در یک جا جمع بشود موفقیت آن پیام قطعی است چهار شرط لازم عبارت است از ۱ ماهیت پیام (حقانیت و غنی بودن محتوای آن) ۲ شخصیت خاص پیام رسان ۳ ابزار پیامرسان ۴ کیفیت و متد و اسلوب رساندن پیام.

### نظر شما در مورد فیلم مارمولک چیست؟ و از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

#### پرسش

نظر شما در مورد فیلم مارمولک چیست؟ و از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

#### پاسخ

فیلم مارمولک با توجه به تنش های اجتماعی که به وجود آورد و باعث ایجاد جنجال و بر خورد گردید در حال حاضر به سالنهای سینما به نمایش گذاشته نمی شود و خود دست اندرکاران تولید و پخش فیلم مذکور در حال حاضر به این نتیجه رسیده اند که از نمایش آن خوداری نمایند لذا نمایش آن در سطح کشور متوقف شده است.

در مورد فیلم های نامناسب، مقام معظم رهبری (آقای خامنه ای) می فرمایند: "هر گونه فیلمی که در ساخت آن ضوابط شرعی اهمال (سستی) شود و یا مفاسدی بر آن مترتب باشد اشکال دارد بلکه ساختن، نمایش و تماشای آن جایز نیست." (۱)

سایر مراجع نیز عقیده دارند در این گونه موارد از خرید آنها اجتناب کنید تا هم خود شما آلوده نشوید و هم آن موارد (فیلم یا نشریات منحرف) تقویت نشوند (۲)

حال شما دوست عزیز ببینید که نگاه کردن به این فیلم برایتان ضرورت و پیام مثبت دارد یا نه؟ پس اگر تماشای آن برایتان می تواند بازدهی مثبت داشته باشد بهتر است که آن را امانت گرفته و تماشا کنید و اگر تماشای آن تضعیف روحانیت می باشد (نه تضعیف روحانی نماها) بهتر است که از تماشای آن خودداری کرده و به این طریق آقا امام زمان (را خوشحال سازید. البته در فتوای مراجع عظام این نکته نیز قابل توجه است که اموری که در دولت جمهوری اسلامی از نظر قانون منع شده است از نظر شرع نیز ممنوع می باشند.

تکمیل و ارسال فرم نظر سنجی موجب تکامل

و پویایی کارماست.

منابع و مأخذ:

۱. رساله آموزشی، مسایل جدید ازدیدگاه علماء و مراجع تقلید، نوشته و گردآوری سید محسن محمودی، ص ۹۱ (و نشریه نصیحت، شماره ۵۶)

۲. همان، ص ۳۹

### برای فیلم مارمولک چه اقداماتی انجام شده است، ما را در جریان بگذارید؟

#### پرسش

برای فیلم مارمولک چه اقداماتی انجام شده است، ما را در جریان بگذارید؟

#### پاسخ

فیلم مارمولک با توجه به تنش های اجتماعی که به وجود آورد و باعث ایجاد جنجال و بر خورد گردید در حال حاضر به سالنهای سینما به نمایش گذاشته نمی شود و خود دست اندرکاران تولید و پخش فیلم مذکور در حال حاضر به این نتیجه رسیده اند که از نمایش آن خوداری نمایند لذا نمایش آن در سطح کشور متوقف شده است.

### لطفاً در مورد فیلم "خانه ای بر روی آب که می گویند فیلمی قرآنی است توضیح دهید؟

#### پرسش

لطفاً در مورد فیلم "خانه ای بر روی آب که می گویند فیلمی قرآنی است توضیح دهید؟

#### پاسخ

فیلم "خانه ای بر روی آب به کارگردانی بهمن فرمان آرا که سالیان درازی در خارج از کشور به سر می برده ساخته شده است

قهرمانان داستان فیلم دو نفرند: یکی مردی (رضا کیانیان به عنوان پزشک متخصص زنان و زایمان که فردی عیاش مشروب خوار، ثروتمند و... است و همسرش را چندین سال است که طلاق داده و تنها پسرش در خارج از کشور می باشد. دیگری پسر نه ساله ای که حافظ کل قرآن است

آشنایی این دو به آن جا بر می گردد که حافظ قرآن بر اثر بیماری و گما به بیمارستان برده می شود و به علت نبود جا در

بخش زنان بستری می شود.

در این فیلم صحنه ها و گفتگوهایی وجود دارد که حاکی از آن است که پدر حافظ قرآن توجهی به بهبودی فرزندش ندارد و تنها به برج سازی مشغول است اما در عوض از سوی شخصیت ها توصیه های فراوانی برای معالجه این حافظ می شود. در بخشی از فیلم حافظ قرآن علت بیماری خود را سوء استفاده پدر و مادر از او و بردن او به مجالس در قبال دریافت پول می داند. وی از این عمل ناراضی بوده و اظهار می دارد من از قهر خدا ترسیدم و از ترس نبودن خدا با من بی هوش شدم در صحنه ای از فیلم دست دکتر، که به زخمی ناعلاج دچار شده است به مدد حافظ قرآن و به طور معجزه آسایی بهبود می یابد و در پایان فیلم عده ای دکتر را در خانه اش

به شدت مجروح می کنند. در این لحظه حافظ قرآن که به همراه وی به خانه اش رفته است خود را بالای سر دکتر می رساند و به او می گوید: نترس من با تو هستم دکتر در آخرین لحظه نام خدا را بر زبان می راند و هر دو در فضایی پاک به آسمان و بهشت پر می کنند.

در فیلم صحنه ها و گفتگوهای دیگری وجود دارد که بیشتر پیرامون فحشا و انحرافات جنسی (مانند رابطه دکتر با منشی خود) است ممکن است در ابتدا به نظر برسد، کارگردان از قداست قرآن و اعجاز و کرامات حافظان قرآن در برابر مفسد پیرامونی آن سخن گفته اما این فیلم به ویژه پیش از حذف برخی از صحنه ها و گفتگوها، فیلمی ضد قرآنی و اسلامی بوده و از سوی شخصیت ها و مراکز قرآنی مورد اعتراض قرار گرفته است

برخی از انتقاداتی که به این فیلم وارد است عبارتند از:

۱. تلقی نادرست از مفاهیم قرآنی و بکارگیری آن

۲. القای فضای تیره و مغشوش جامعه و سرنوشت حتمی و غیر قابل تغییر آن

۳. نشان دادن تفکر تظاهر و ریاکاری حکومت دینی

۴. نشان دادن مظلومیت زنان جامعه

۵. کنایه و اهانت به نهادهای انقلابی

۶. وجود نکات زننده و غیر اخلاقی در فیلم

شایان ذکر است با توجه به محتوای ضد قرآنی این فیلم در ابتدا از اکران آن جلوگیری شد، اما متأسفانه پس از کش و قوس های فراوان و تساهل کاری وزارت فرهنگ و ارشاد با حذف برخی از صحنه ها و گفتگوها اجازه اکران یافت و در حال حاضر

در چند سینمای تهران روی پرده است به احتمال زیاد این فیلم تا چند وقت دیگر به سینماهای شهرستان ها و سپس کلوپ هایی ویدیویی راه خواهد یافت

**چرا بعضی از فیلم ها را که در سینما نمایش می دهند سانسور نمی کنند ولی وقتی آن را در سیما به نمایش می گذارند سانسور می کنند؟**

**پرسش**

چرا بعضی از فیلم ها را که در سینما نمایش می دهند سانسور نمی کنند ولی وقتی آن را در سیما به نمایش می گذارند سانسور می کنند؟

**پاسخ**

صدا و سیما رسانه ای همگانی است و طبیعتاً ایجاب می کند که آنچه در آن پخش می شود از دهلزهای دقیق تر عبور کند.

}}

**اگر نگاه زن به بدن مرد نامحرم حرام است چرا صداوسیما ایران تصاویر ورزشکاران را نمایش می دهد**

**پرسش**

اگر نگاه زن به بدن مرد نامحرم حرام است چرا صداوسیما ایران تصاویر ورزشکاران را نمایش می دهد

**پاسخ**

نگاه به تصویر نامحرم، حرام نیست؛ مگر آن که با لذت و ریبه همراه باشد. به نظر می رسد دیدگاه های افراطی در اینگونه مسائل، خسارتی کمتر از برخی مصلحت اندیشی ها نداشته باشد. ما بایستی اندیشه خود را درباره اسلام و نگاه کلی به موضوعات مختلف، اصلاح کنیم و سپس به داوری بنشینیم.}}

**چرا صداوسیما در حالیکه زیر نظر رهبری است موسیقی های مبتذل و برنامه های غیر اسلامی پخش می کند**

**پرسش**

چرا صداوسیما در حالیکه زیر نظر رهبری است موسیقی های مبتذل و برنامه های غیر اسلامی پخش می کند

**پاسخ**

آنچه مسلم است این است که موسیقی ای که انسان را از خدا دور کند و مناسب با مجاس لهو و لعب باشد حرام است خواه



اصیل باشد و خواه غیر اصیل (ایرانی یا غیر ایرانی)، ولی موسیقی ای که مناسب مجالس لهو نباشد بهفتوای حضرت امام «ره» مجاز و آنچه که مشکوک است نیز بلا مانع می باشد. صدا و سیما هم موظف به پیروی از نظرات رهبری انقلاب است و چنان که معظم له انحرافی مشاهده کند در مواقع لزوم رهنمودهای لازم را ارائه می دهند. در عین حال این موجب این نیست که راه نقد پژوهشگرانه بر برنامه های رادیو و تلویزیون به کلی مسدود باشد و پنداشته شود که در برنامه های آن هیچ اشتباهی از جهت تطبیق با موازین اسلامی صورت نمی گیرد.

## چرا فیلم های خارجی تحریک آمیز از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می شود؟

### پرسش

چرا فیلم های خارجی تحریک آمیز از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می شود؟

### پاسخ

قابل انکار نیست که برخی از برنامه های تلویزیونی تحریک آمیز است، ولی در عین حال با زمان طاغوت تفاوت بسیاری دارد. برادر عزیز! سن شما اقتضا نمی کند که تصویری از تلویزیون زمان طاغوت در ذهن داشته باشید؛ ولی ما که آن زمان را درک کرده ایم در می یابیم که تفاوت از کجا تا کجا است. در زمان طاغوت، تلویزیون و رادیو صد در صد در خدمت ترویج فساد و فحشا و هرزگی بود: از تصاویر کذایی تا پخش رقص ها و ...

آنچه اکنون وجود دارد، اساسا با آنچه که در آن زمان وجود داشت قابل قیاس نیست. اما چرا همین مقدار اندک و غیر قابل مقایسه نیز وجود دارد؟ چرا برخی از فیلم های خارجی نمایش داده می شود و برخی آهنگ های کذایی پخش می شود؟ در جواب گفتنی است که وضعیت جهانی تبلیغات و وسعت آن، به اندازه ای است که واقعا کشور ما و هر کشوری که بخواهد خود را در برابر این هجوم حفظ کند در محاصره ای همه جانبه قرار دارد. کشورهای هم مرز ایران بافرستنده های تصویری خود مرزهای کشور ما را در می نوردند و هزاران نفر را زیر چتر تبلیغاتی خود با فیلم ها و تصویرهای آن چنانی قرار می دهند.

شبکه های ارتباطی بین المللی مانند اینترنت و ماهواره و نیز فیلم های ویدیویی و صداها کانال رادیویی، هر چه هست و نیست را برای مردم پخش می کنند. در این میان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با امکانات و فرصتی محدود می خواهد در برابر همه اینها بایستد. از سویی باید مخاطب جلب کند و از سویی بایستی آرمان ها را حفظ نماید. تولید فیلم و سریال مناسب نیز

کاری بس پرهزینه و طولانی است. حال باید چه کرد؟ آیا باید شبانه روز رادیو و تلویزیون فقط دعا و یا سخنرانی و... پخش کنند (مانند رادیو قرآن و رادیو معارف)؟ این راه حلی بسیار ساده است؛ ولی نتیجه آن از دست دادن میلیون ها بیننده و رفتن آنها - متأسفانه - به سوی کانال های دیگر است.

در حقیقت با چنین کاری خود را در برابر دشمن خلع سلاح کرده ایم. بلی اگر برنامه های جذاب و صد در صد سالم وجود داشته باشد، معنا ندارد که به برنامه های تلقینی روی آورده شود؛ ولی کو آن برنامه ها؟!

### بهترین راه جهت آشنایی با مسایل اجتماعی چیست ؟

#### پرسش

بهترین راه جهت آشنایی با مسایل اجتماعی چیست ؟

#### پاسخ

{ گوش دادن به اخبار، مطالعه روزنامه های معتبر و شرکت در جلسات بحث و سخنرانی از جمله راه های آشنا شدن بامسائل اجتماعی است. }

### چرا صدا و سیما ارزش های منفی را ترویج می دهد؟

#### پرسش

چرا صدا و سیما ارزش های منفی را ترویج می دهد؟

#### پاسخ

متأسفانه علیرغم هشدارها و توصیه های شدید مقام معظم رهبری و بزرگان حوزه به مسؤولان نسبت به اوضاع وخیم و اسفناک فرهنگی جامعه و روند تغییر ارزش های اسلامی که جلوه های بارز آن در برخی تولیدات و محصولات هنری و سینمایی به وضوح قابل مشاهده می باشد و برخی اقدامات صورت گرفته در این خصوص مانند استعفای وزیر پیشین وزارت ارشاد، جلوگیری از پخش و اکران برخی فیلم ها و...، همچنان ما شاهد گسترش این روند در جامعه می باشیم که این خود نیازمند بررسی و شناخت دقیق عوامل و زمینه های به وجود آورنده آنو ارائه راه کارهای اصولی و مناسب می باشد. در هر صورت آنچه در پاسخ این سؤال می توان گفت این است که برخی از این قبیل معضلات مربوط به عملکرد دستگاه های فرهنگی نظام می باشد. وزارت ارشاد بود و برخی به صدا و سیما.

در مورد اقدامات مربوط به وزارت ارشاد باید گفت که متأسفانه عملکرد این وزارت خانه خصوصا در سال های اخیر به هیچ وجه مطلوب نبوده و مقام معظم رهبری به کرات نارضایتی خود را از آن اعلام نموده اند که منجر به تعویض وزیر آن

وزارتخانه گردید. ایشان در ۲۴ آذر ۷۸ در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «... سؤال من این است که وزارت ارشاد چند کتاب برای تقویت تفکر اسلامی چاپ کرده است؟ چند فیلم برای تقویت فکری اسلامی و انقلاب ساخته است؟ الان مرتب در سالن های وابسته به ارشاد نمایش داده می شود، بعضی هاصد در صد ضد دین است، ضد انقلاب است. اگر در کنار این همه چند نمونه تئاتر و فیلم اسلامی می ساختند

که این مبلغ اسلام است، من اعتراض نمی کردم. بنده اهل رمان خواندن بودم، و الان هم با رمان بی ارتباط نیستم، خبر دارم که در دنیای رمان چه خیر است فاسدترین رمان ها الان منتشر می شود و...».

اما در مورد صدا و سیما هم معظم له تذکراتی داشته اند. ایشان در این باره فرمودند: «... من به صدا و سیما هفته ای یک بار یا کم تر، اعتراض می کنم و پیغام تند می دهم؛ اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلام انجام داده و برنامه های اسلامی درست کرده است. برنامه هایهنری، اسلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد...»، ولی در هر صورت کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه ها خالی از عیب و نقص نمی باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش های جامعه و وظایف سنگینیکه این رسانه ملی خصوصاً بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن، آن هم در حدی که زیننده حکومتاسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام بردید می توان گفت که بخشی از اینها مربوط به وزارت ارشاد و صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بینندهو مخاطبین آن می باشد. {J}

**نگاه کردن به سریال هایی که از صدا و سیما پخش می شود برای جوانان مضر هست یاخیر؟ اگر هست چرا پخش می شود؟**

**پرسش**

نگاه کردن به سریال هایی که از صدا و سیما پخش می شود برای جوانان

مضر هست یاخیر؟ اگر هست چرا پخش می شود؟

## پاسخ

برنامه های متنوعی که از تلویزیون پخش می شود در بر گیرنده مجموعه ای از فیلم ها، سریال ها، مسابقات، برنامه های ویژه جشن ها و ... است که آثار مثبت و منفی آن در سطوح مختلف از مراحل رشد انسان فرق می کند. شکی نیست که این برنامه ها در آموزش رفتارهای اجتماعی و جامعه پسند و یا ضد اجتماعی و پرخاشگرانه افراد جامعه تأثیر به سزائی دارد.

در یک تحقیق علمی به گروهی از کودکان کوردستانی فیلم عروسک بزرگی را که رفتار پرخاش جویانه داشت نشان دادند، در آن فیلم یک کودک در حالی که روی این عروسک نشسته بود و فریاد می کشید آن را با چوب دستی کتک می زد. بعد از تماشای این فیلم مشاهده شد که کودکان تماشاگر بیشتر رفتارهای فیلم را تقلید کرده اند. بنابراین آثار کوتاه مدت رفتار همسالان در پرخاشگری کودکان خردسال قطعی است.

نتایج یک تحقیق دیگر نشان می دهد:

۱- کودک بهنجار و سازگار، زمانی که فیلم مهیج و ناراحت کننده ای را تماشا می کند ممکن است با تسلط بر اعصاب خود از تنش های عصبی و عواقب ناگوار آن رهائی یابد، در حالی که کودک هیجانی و عصبی مزاج امکان کمتری برای مقاومت دارد.

۲- صحنه های جنائی و خشونت آمیز، روش های جنایت کارانه را به کودکان می آموزد. این صحنه ها هم عمل جنایت را به کودک کینه توز القاء می کند و هم اجرای آن را تأیید می کند.

۳- توجه و علاقه زیاد به تماشای صحنه های جنائی و خشونت آمیز، روح انسان دوستی،

هم دردی و همکاری با مردم را در کودک از بین می برد.

همچنین برخی فیلم ها و سریال ها باعث تهییج غرایز جنسی جوانان و یا در برخی موارد باعث گسترش فرهنگ مصرف گرائی ناپسند بین بعضی جوانان و خانواده ها می شود که همه این موارد و نقاط ضعف باید با یک مدیریت صحیح و حساب شده ای به کنترل در آید. ما نیز معتقدیم اگر مضرات آن بیش از فواید اینگونه سریال ها باشد از پخش آن باید جلوگیری شود. ولی این امر را باید به مسئولین مستقیم آن یعنی صدا و سیما تذکر داد.

ولی وظیفه عقلی و شرعی من و شما آن است که از مشاهده آنچه که تأثیر نامطلوب روی شخصیت ما می گذارد و یا باعث گسترش فرهنگ غلط می شود، خود را کنترل کنیم و در صورت لزوم به دیگران نیز پیامد های منفی مشاهده این گونه برنامه ها را متذکر شویم. حتی المقدور دوستان نزدیک، اعضای خانواده و فامیل نزدیک و دیگرانی که احتمالاً تأثیر گذاری روی آنها داریم، نسبت به این موضوع آشنا سازیم.

همه سریال ها و برنامه های صدا و سیما یکدست نیست برخی مفید و برخی مضر است. فایده و ضرر نیز ابعاد گوناگونی دارد چه بسا فیلم ها، که به واسطه آموزش های نادرست، از جهت اخلاقی ناپسند باشد ولی از جهت شرعی حرام نباشد گرچه قطعاً کراهت دارد.

آنچه عالمان دین و اندیشمندان فقه گفته اند این است که نگاه کردن به فیلم و یا سریال که باعث تحریک جنس و تبلور شهوت می شود حرام است، ولی تشخیص اینکه آیا برای

فرد مضر است و یا این حالت حاصل می شود، یا خود فرد است، پس اگر کسی فهمید که نگاه کردن به همین سریالهای موجود در تلویزیون برایش مضر است نباید نگاه کند.

اما اگر مضر است چرا پخش می شود، مسئولین صدا و سیما می گویند ما با ۷۰ میلیون نفر انسان با سلیقه های مختلف روبرو هستیم و نمی توانیم تنها نظر گروه خاصی را در نظر بگیریم بلکه باید نظر و دیدگاه عموم مردم را ملاک و معیار قرار دهیم از این رو بر افراد است که اگر موسیقی و یا سریالی را برای خود مضر می بینند، آن را نشنوند و نگاه نکنند.

ما ضمن اذعان به صداقت و تلاش بسیار عمده دست اندرکاران و مسئولین برنامه ها در صدا و سیما، وجود برخی نواقص و نادرستی ها و کزی ها را نیز غیرقابل انکار می دانیم. صدا و سیما باید تلاش کند تا از عیوب و نواقص بکاهد. البته مسئولین عالی رتبه نیز تذکرات لازم را می دهند.

بهر حال اگر این جواب هم قانع کننده نباشد وظیفه و تکلیف جوانان در مقابل سریالهایی که مضر می داند مشخص است. از جمله وظایف تماس با خود صدا و سیما و بیان نقطه نظرات انتقادی و پیشنهادی می باشد.

## چرا آهنگ های بدی می گذارد در تلویزیون؟

### پرسش

چرا آهنگ های بدی می گذارد در تلویزیون؟

### پاسخ

مسلماً کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه ها خالی از عیب و نقص نمی باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش های جامعه و وظایف سنگینی که این رسانه ملی خصوصاً بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن، آن هم در حدی که زینده حکومت اسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقادی که شما نام بردید باید گفت: علیرغم وجود برخی مشکلات و معضلاتی که به هیچ وجه زینده رسانه ملی نظام اسلامی ایران نمی باشد، صدا و سیمای جمهوری اسلامی دستاوردها و برنامه های بسیار مفید و مثبت و سازنده فراوانی داشته و دارد و این چنین نیست که کارش فقط تبلیغ بدحجابی، مدگرایی، تجمل گرایی و آهنگ های مطرب و... باشد.

گذشته از برخی مظاهر نامناسب با ارزش های اسلامی، اکثریت برنامه های صدا و سیما برنامه هایی آموزنده و در راستای تأمین نیازهای متنوع اقشار مختلف جامعه می باشد که البته به واسطه برخی عوامل، هنوز مشکلات و معضلات و نواقص در دستیابی به نقطه مطلوب و برآوردن انتظارات مسئولین نظام اسلامی و مردم عالی قدر وجود دارد که بخشی از اینها مربوط به صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده و مخاطبین آن می باشد.





مورد اول باید گفت که هم در زمان امام که این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه اداره می‌شد و چه در زمان حال که نصب و عزل رئیس آن با مقام معظم رهبری می‌باشد و شورایی مرکب از نمایندگان سه قوه بر سازمان نظارت دارند، خود این بزرگواران انتقادات زیادی به برخی از برنامه‌های این رسانه داشته، تذکرات متعددی در جهت بهبودبخشی آن داده‌اند.

معظم له در ۲۴ آذر ۷۸ در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «... من به صدا و سیما هفته‌ای یک بار یا کم‌تر، اعتراض می‌کنم و پیغام تند می‌دهم؛ اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلام انجام داده و برنامه‌های اسلامی درست کرده است. برنامه‌های هنری، اسلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد...» بنابراین چنین نیست که مقام معظم رهبری هیچ‌گونه نظارت و کنترل بر این رسانه نداشته باشند بلکه برعکس با توجه به جایگاه و وظایف آن نسبت به این رسانه حساس بوده و اهتمام جدی دارند. اما نکته‌ای که باید توجه شود این است که نظارت و کنترل مقام معظم رهبری به تنهایی نمی‌تواند علت تامه برای حل مشکلات و معضلات جامعه و سازمان‌ها و نهادها از جمله صدا و سیما باشد بلکه حل اساسی آنان نیازمند ریشه‌یابی دقیق مشکلات و انجام اقدامات اصولی و صحیح برای برطرف کردن آن مشکلات می‌باشد که عبارتند از:

۱- نظارت دقیق بر گزینش افراد و برنامه‌ها در صدا و سیما و استفاده از هنرمندان متعهد و انقلابی.

۲- کنار گذاشتن افراد منحرف و غیرقابل اصلاح از رادیو و تلویزیون و جلوگیری از نفوذ افراد وابسته به درون صدا و

۳- نظارت همه جانبه بر پخش رادیو و تلویزیون با استفاده از متخصصین و کارشناسان متعهد و نظارت دقیق بر فیلم سازان و محتوای فیلم ها.

۴- برخورد با مسئولان پخش مطالب توهین آمیز یا منافی ارزش های اسلامی.

۵- صدا و سیما به عنوان دانشگاه عمومی و مرکز ترویج ارزش های اسلامی باید از تقلید برنامه های خارجی بدون مطابقت با آیین اسلام و بسط فرهنگ تجمل گرایی و... در تهیه برنامه های خود، دست برداشته و زمینه هدایت جامعه را فراهم آورد.

حال با توجه به مشکلاتی که در صدا و سیما و برخی برنامه های آن وجود دارد و به هر دلیلی شاید این مسائل در کوتاه مدت قابل حل نباشد بینندگان و مخاطبان نیز باید یکسری نکات را مد نظر داشته و رعایت نمایند:

اولاً: هر چند برخی از فیلم ها یا سریال های خارجی که از صدا و سیما پخش می شود از نظر شرعی نتوان مشکل ذاتی برای آنها نام برد ولی اگر برای برخی بینندگان مفسده ای به دنبال داشته باشد باید آن فرد از آنها اجتناب نماید و صرف پخش آن برنامه از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه دلیل بر مشروعیت آن نمی شود.

ثانیاً: وجود این قبیل مشکلات و نقائص وظیفه نیروهای انقلابی و متعهد را در کسب تخصص ها و مهارت های گوناگون، مضاعف می نماید زیرا پاره ای از عوامل این نارسائی ها به کمبود نیروی انسانی و متخصصین متعهد بازمی گردد.

ثالثاً: با توجه به تهاجم فرهنگی از طریق ارتباطات و فن آوری پیشرفته به حدی که در آینده ای بسیار نزدیک هیچ مانع و کنترل بیرونی برای دستیابی به این امواج مسموم وجود نخواهد داشت، مطمئن ترین راه برای دورماندن از انحراف و آلوده شدن به گناه، تقویت ایمان

و تقوای الهی (کنترل درونی) می باشد که البته این موضوع به هیچ وجه توجیه کننده مشکلات برخی برنامه های صدا و سیما نمی باشد ولی در مورد مخاطبان حائز اهمیت می باشد.

**در ایران بعضی از کارها حرام است چرا بطور رایج انجام می گیرد و اصولا مگر وظیفه مرجع تقلید نیست که نسبت به آن هشدار دهد؟ مثل استعمال سیگار، دروغ گفتن ، سؤال این است چرا این احکام گفته نمی شود از تلویزیون یا جراید؟**

### پرسش

در ایران بعضی از کارها حرام است چرا بطور رایج انجام می گیرد و اصولا- مگر وظیفه مرجع تقلید نیست که نسبت به آن هشدار دهد؟ مثل استعمال سیگار، دروغ گفتن ، سؤال این است چرا این احکام گفته نمی شود از تلویزیون یا جراید؟

### پاسخ

مقوله امر به معروف و نهی از منکر از مسائلی است که ضامن حفظ و بقای جامعه است و در اهمیت آن شکی نیست. اما این مسأله، تکلیف همگانی است و اختصاص به اشخاص یا رسانه خاصی ندارد گرچه همان طور که فرمودید هر قدر امکان رسانه ای از جمله صاحبان تریبون مثل صدا و سیما که گسترده ترین تریبون عمومی را در اختیار دارد و نیز هر قدر از نفوذ کلمه و آگاهی بیشتر بهره مند باشیم مثل مراجع تقلید، مسؤولین دولت اسلامی وظیفه سنگین تری داریم.

پس کوتاهی گروهی یا رسانه ای در انجام این مسؤولیت نمی تواند عذر آور برای دیگر مردم باشد تا آنها نیز در این زمینه کوتاهی کنند. فرد آحاد جامعه، مسؤول هستند تا با هر گونه منکری امر به معروف کنند (البته با توجه به شرایط آن).

اگر در جایی نیز مشاهده شد که عالمی یا مسؤولی از وظیفه خود بدون هیچ عذری شانه خالی می کند، در اینجا نیز باید نهی از منکر نموده، او را متوجه وظیفه خود نمود. خداوند کریم در قرآن علت عذاب کردن بسیاری از امم گذشته را اهمال ایشان در مسأله امر به معروف و نهی از منکر می داند. در آنجا چنین بیان شده که مسؤولین و علماء امر به معروف و نهی از منکر نکردند بلکه

علت را متوجه کل جامعه می کند. پس اگر همه افراد نیز در این وظیفه اهمال کنند باز وظیفه و مسؤولیت شخصی دیگران سلب نخواهد شد.

البته نباید در این امر، در مورد مصادیق اشتباه کرد. به عنوان مثال در حرمت سیگار کشیدن غیر از برخی علماء، اتفاق نظری وجود ندارد.

با وجود همه این نکات، ضمن ارج نهادن به دغدغه دینی شما که ناشی از غیرت دینی شما می باشد، این موضوع را خاطر نشان می سازیم که رعایت یا عدم رعایت هنجارهای اجتماعی صرفاً با امر و نهی درست نمی شود، گرچه امر و نهی واجب است اما لازم تر و مقدم بر آن، ایجاد زمینه های لازم برای پذیرش امر و نهی است و این مسأله مکانیسم های مختلفی را می طلبد.

اگر بستر لازم برای پذیرش رهنمودهای مراجع نباشد، آنها وظیفه گفتن و تذکر دارند، اما چه سود که دل های غافل و گوش های ناشنوا نسبت به سخن حق، به آن اعتنایی نمی کنند، گرچه ممکن است به خاطر عدم احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر نیز ضرورتی نیاید. از این رو باید همه ما بدون استثناء تلاش کنیم.

با مطالعات عمیق روان شناختی، جامعه شناختی و اهتمام جدی به بهداشت روانی جامعه از دیدگاه اسلام در این مسأله مهم مشارکت کنیم.

**بارها از دوستان و غیر دوستان می شنویم که می گویند فیلم های سینمایی و تلویزیونی ما دینی نیست و با ارزشهای ما در تعارض است و یا در فیلم های کارگردانان می بینیم که برای دینی کردن فیلم تنها کاری که می کنند این است که در فیلم شان شخصی را نشان می دهند که مشغول**

### **پرسش**

بارها از دوستان و غیر دوستان می شنویم که می گویند فیلم های سینمایی و تلویزیونی ما دینی نیست و با ارزشهای ما در تعارض است و یا در فیلم های کارگردانان می بینیم که برای دینی کردن فیلم تنها کاری که می کنند این است که در فیلم

شان شخصی را نشان می دهند که مشغول نماز و قرآن خواندن است. آیا با این طور نمایش دادن فیلم، فیلم دینی می شود.

مشخصات و ویژگی های یک فیلم دینی را بیان کنید.

### پاسخ

پاسخ دقیق به این سؤال از یک سو نیازمند شناخت دقیق هنر دینی است و از سوی دیگر باید به این نکته توجه شود که نمی توان قضاوت کلی پیرامون تمامی محصولات و تولیدات سینمایی و تلویزیونی در کشورمان داد، بلکه باید هر کدام را براساس ویژگی ها و معیارهایی که برای یک هنر یا فیلم یا سینمای دینی وجود دارد، در نظر گرفت و سپس میزان دینی یا دینی نبودن آن را مشخص نمود.

ولی از این واقعیت نیز نمی توان گذشت که بحمدالله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با ورود نیروها و عناصر متعهد و متخصص انقلابی به عرصه سینما، گام های بسیار مهمی - هر چند ناکافی - در جهت دینی شدن صدا و سیما و محصولات سینمایی کشورمان برداشته شده است و توانسته است میزان عظیمی از فرهنگ، معارف و ارزش های اسلامی را به جامعه منتقل نماید.

البته این واقعیت نیز وجود دارد که موانع بی شمار داخلی و خارجی - از قبیل رسوبات فکری و فرهنگی دوران قبل از انقلاب در میان برخی از هنرمندان سینمایی، تهاجم فرهنگی غرب برای القاء فرهنگ منحط خود و تأثیر گذاری آن بر برخی جریانات داخلی و ناکافی بودن تعداد هنرمندان متعهد و منابع مادی، کاستی در نظارت و... سبب شده تا متأسفانه برخی محصولات سینمایی و تلویزیونی ما معیارهایی غیر از الگوهای اسلامی را تعقیب نموده و چهره ای غیر اسلامی

به تولیدات خود بدهند.

در هر صورت جهت شناخت دقیق یک فیلم دینی و ویژگی های آن، بخش هایی از یک مقاله یا مشخصات ذیل به دنبال می آید.

هنر و امکان دینی شدن آن!

نویسنده: محمد رضا اسدی

منبع: سایت باشگاه اندیشه به نقل از [www.soroushpress.com](http://www.soroushpress.com)

امکان دینی شدن هنر!

برای بحث از امکان دینی شدن هنر نیازمند آن هستیم تا تصویر مشخصی از ماهیت هنر یا حقیقت هنر داشته باشیم و از مطالبی که در مورد روش تعریف هنر و دشواری های دسترسی به ماهیت هنر در بخش اول، سخن گفتیم معلوم شد که تصویر روشنی از ماهیت هنر وجود ندارد و هر فرد یا گروهی از فیلسوفان و هنرمندان و اندیشمندان، هنر را بگونه ای تبیین کرده اند که به سختی بتوان به توافقی حتی نسبی در مورد ماهیت هنر و اثر هنری دست یافت. بنابراین براساس ابهامی که در تعریف هنر و هویت هنر وجود دارد - و نه به جهت اینکه توافق جمعی در مورد تعریف هنر وجود ندارد - منطقی ترین سخن در باب هنر دینی آن است که مفهوم هنر دینی نیز هنوز در هاله ای از ابهام قرار دارد. بحث فنی و دقیق فلسفی در مورد هنر دینی آن هنگامی میسر است که حقیقت هنر برای ما مکشوف شده باشد و چطور می توان در حالی که ماهیت هنر هنوز در ابهام است هنر دینی را با وضوح تمام تشریح کرد؟!

پرسش و مسئله این است که ملاک و میزان دینی شدن علوم و امور مختلف چیست؟ ادراکات و آگاهیهای ما در چه صورتی متصف به دیتیت می شوند؟

واقعیت خارجی (fact) در چه صورتی متصف به دینی بودن

می شود؟ مثلاً فرهنگ، یا حکومت یا یک اثر هنری به عنوان واقعیات خارجی بر چه اساسی دینی محسوب می شوند؟

ملاک دینی بودن یک موضوع آن است که نه تنها آن موضوع تعارضی با دین نداشته باشد بلکه کاملاً با اهداف، مبانی، بینش و ارزشهای دینی - اسلامی سازگار باشد.

از دیدگاه ما هنر صورت و سیرتی دارد و اسلام به عنوان یک دین هم در شکل بخشیدن به صورت هنر و هم معنی بخشیدن به سیرت هنر، توانمند است. اثر هنری از هر مقوله ای که باشد؛ سینما، تئاتر، مجسمه سازی، نقاشی، موسیقی، شعر و... - از صورت و سیرتی برخوردار است و صورت آن محصول نوعی مهارت و تکنیک است و سیرت آن مبتنی بر نوعی معرفت و آگاهی، دین در این میان هم بر مهارت و تکنیک اثر هنری تأثیرگذار است و هم بر معرفت و مضمون بکار گرفته شده در آن، گو اینکه شاید نتوان میزان دخالت دین در تمامی عرصه ها و شاخه های هنری را یکسان و یک اندازه دانست فی المثل دخالت دین در شکل بخشیدن به صورت یک نقاشی بیش از دخالت دین در شکل بخشیدن به صورت یک شعر است.

با این اوصاف فی المثل سینمای دینی، سینمایی نیست که فقط از مضمون دینی و اسلامی برخوردار باشد بلکه صورت و اشکالی که آن محتوی را به نمایش می گذارند نیز باید مطابق ضوابط و جهان بینی و ارزشها دینی و اسلامی باشد و یا بالعکس اگر اشکال و صورت یک فیلم هماهنگ با ضوابط دینی باشد اما پیام و محتوای آن فیلم هماهنگ با ارزشها و اهداف دینی نباشد آن فیلم یا سینما هنوز کاملاً دینی

نیست. سینمای دینی یا فیلم دینی هنگامی تحقق می یابد که صورت و سیرت آن مبتنی بر ارزشها و اهداف و موازین دینی باشد. البته دینی با تمامی گستردگی و وسعتش که شامل تمامی ارزشهای والای انسانی و بشری است.

دینی بودن یا دینی شدن یک امر ذو مراتب است یعنی ما می توانیم از دینی و دینی تر شدن سخن بگوییم. از این رو ای بسا یک اثر هنری از حیث صورت دینی باشد اما از حیث محتوی غیر دینی یا بالعکس از جهت مضمون و پیام دینی باشد اما از جهت صورت غیردینی - و نه لزوماً ضد دینی - و ای بسا یک اثر هنری از نظر صورت و سیرت توأمأً دینی باشد اما بتوان پرداختنی نسبت به آن اثر هنری داشت که آن را دینی تر کند. یک اثر هنری تمام عیار آن است که دین در صورت و سیرت آن توأمأً حضور جدی و شفاف داشته باشد.

گو اینکه نمی توان انکار کرد که صورت و سیرت یک اثر هنری در خارج چنان در هم تنیده و با یکدیگر در آمیخته اند که به دشواری بتوان یکی را از آن دیگری جدا کرد و مستقلاً مورد ارزیابی و داوری قرار داد.

با توجه به کارکرد و جایگاه هنر دینی در حیات بشری شاید در نهایت بتوان گفت هنر در مقام کارکرد هم دارای کارکردهای منفی بوده است و از آن در مسیر باطل بهره برداری شده است و هم دارای کارکردهای مثبت بوده است. از این رو اگر بخواهیم هنر دینی - اسلامی را براساس کارکردهای مثبتش معرفی نماییم می توان گفت هنر دینی، هنری است که آدمی را



از اسارت و سوسه ها و هوسها می رهاند و خدا را با شکوه و عظمت و زیبایی در چشم آدمی می نماید. هنر دینی، حق بین و حق جو است و با هر صورتی از ظلم و باطل و زشتی سرستیز دارد.

به آدمی غمهای متعالی می دهد و غمهای حقیرش را می ستاند. انبساطها و شگفتی های عمیق روحی به او می بخشد و او را از دام شادیهای کودکانه می رهاند.

هنر دینی بال و پری است برای برون پریدن از قفس تنگ زمان و مکان و فرصتی است برای تنفس کردن در سرسرای فراخ لازمان و لامکان.

هنر دینی واقعیتی است که بیشتر از جنس راه است تا از جنس مقصد و از همین رو، دعوتی است برای عبور کردن و نه تأکیدی برای ماندن.

هنر دینی تمثّل عطش و التهاب یک روح بی قرار و معطوف به سوی ابدیت است. و جان کلام اینکه هنر دینی چیزی جز هنر عاشقی و هنر عاشقان نیست.

عاشق و رند و نظر بازم و می گویم فاش تا بدانی که به چندین هنر آراسته ام

عشق می ورزم و امید که این فنّ شریف چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود

## تعریف فرهنگ

### نظر اسلام درباره از خود بیگانگی چیست

#### پرسش

نظر اسلام درباره از خود بیگانگی چیست

#### پاسخ

خود باختگی از بدترین دردهایی است که گریبانگیر انسان می شود. اگر انسان قدر خود را نداند، ارزش ندارد. به تعبیر قرآن اگر انسان خود را بیازد، مانند قمار بازی است که تمام اموالش را باخته است و دیگر هیچ ندارد و در مرحله آخر خود را هم می بازد:

خود را باختند <.

خود باختگی در دوری از خدا است. انسانی که از خدا غافل است، در خسران به سر می برد.

اگر انسان از خدا غافل بشود، از خود هم غافل می شود؛ مثلاً انسانی که دزدی می کند و داخل خانه مردم می شود و اموال را

به غارت می برد، خود را می باززد و جاننش را در خطر می اندازد و هویت خود را از دست می دهد و همهء گناهان همین پیامد را دارند و هویت انسان را عوض می کنند. به ظاهر او را انسان می بینی، اما در باطن درنده و حیوان خطرناکی است که باید از او پرهیز کنند. علیؑ تعبیر جالبی دربارهء معاویه دارد:

پاک کنم تا ناخالصی ها بیرون آید.<

انسان در اثر غفلت از خدا و دوری از معنویات و فرورفتنی در گناهان، هویت خویش را از دست می دهد و لذا در روایات آمده است که پیامبر فرمود: (۱)

در مقابل خود فراموشی و غفلت از خدا، ذکر است. ذکر یعنی توجه قلبی به خدا، و چون نماز بهترین یاد خدا است، انسان در نمازی که با حضور قلب و معرفت باشد، خود را پیدا کرده و به خود واقعی دست می یابد و وقتی خود را یافت و به

حقیقت خود توجه کرد، هویت انسانی خود را پیدا می نماید و به تمام معنا انسان می شود، اما انسان هایی که در گناه و شهوت و غفلت غوطه ور هستند، گرچه به ظاهر انسان اند، ولی در حقیقت همان گونه که در روایت پیامبر ۶ آمده بود، از انسانیت به دورند.

(پاورقی ۱. بحار الانوار، ج ۷ ص ۸۹)

**از دیدگاه شما ارزش های اسلامی چیست ؟ و به چه چیزهایی ارزش اسلامی می گویند؟ آیا احکام اسلامی مانند ازدواج دائم یا موقت را می توان از ارزشهای اسلامی دانست ؟**

### **پرسش**

از دیدگاه شما ارزش های اسلامی چیست ؟ و به چه چیزهایی ارزش اسلامی می گویند؟ آیا احکام اسلامی مانند ازدواج دائم یا موقت را می توان از ارزشهای اسلامی دانست ؟

### **پاسخ**

برادر عزیز و گرامی ! مفهوم ارزش چیزی نیست که بر کسی مخفی باشد. هر کس در حدّ توان علمی یا تجربی خود، مفهوم ارزش را می داند و حتی مصادیق آن را تشخیص می دهد. دستورهای اسلامی و احکام آن از مسائلی نیستند که برای فرد یا جامعه ضرری داشته باشد. این مطلب قابل استدلال است و می توان با تحقیق و تأمل بدان دست یافت . اگر کسی با حقیقت انسان و اخلاق در حیات او و از طرفی با قوانین فردی ، اجتماعی اسلام آشنا باشد، هر چه در این دو موضوع با تحقیقات وسیع تر و با دید و فرهنگ و دانش عمیق تر و بالاتر وارد شود، بهتر به این حقیقت دست خواهد یافت . راستی شما در این مطلب اندیشیده اید که پیامبر اسلام و امامان و بزرگان و علما و دانشمندان و متفکران اسلامی و هزاران عالم و متفکر و اندیشمند اسلامی همگی چشم بسته و بدون تأمل و تعقل مطالبی را که مورد تأیید عقل نیست ، پذیرفته اند و برخلاف ، عقلشان به چیزهایی معتقد شده اند؟. امثال بوعلی سینا، فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی ، و ملاصدرا و فیض کاشانی و علامه طباطبایی و امام خمینی و هزاران اندیشمند که هر کدام سال ها از مطالب و احکام اسلامی اندیشیده اند و کتاب ها نوشته اند، همه روی عقلشان با گذشته و چیزهای خلاف عقل و اندیشه را

پذیرفته اند و روی آن پافشاری نموده اند. شما اگر منصفانه و عالمانه، به احکام اسلامی نظر بیافکنید و بدون احساسات و امیال قضاوت کنید، در می یابید که این دستورهای الهی به مصلحت بشر است. اصلاً به جز این احکام چه طرح و برنامه ای می توانید پیشنهاد کنید که مشکلات را کمتر کند و جامعه را به سوی جامعهء بدون ظلم و فساد به پیش ببرد؟ نه تنها بنده و جنابعالی بلکه صدها سال است جامعه شناسان برای حل مشکلات جوامع فکر کرده اند و هر کسی نظری داده است، یکی مشکل را اقتصاد دانسته، مانند مارکس و لنین، دیگری در غریزه جنسی دانسته، مانند فروید و عده ای حلّ مشکل را درهم جنس بازی دانسته اند! همه نظرهایشان را مطرح کرده و کتاب ها نوشته اند و حتی بعضی از نظریات در بعضی از کشورها اجرا نشده است، ولی نتوانسته اند مشکلات را حل کنند، بلکه بر مشکلات افزوده اند. هر کسی ارزش را در چیزی می پندارد و بر آن پافشاری می کند و بعد از مدّتی که سرش به سنگ می خورد، پس از آنچه آن را ارزش می دانست، دست برمی دارد و نظرش عوض می شود. همهء نیک اندیشان و خیرخواهان دنبال ارزش تعالی بخ

شیدن به خود و جامعه هستند، اما تک بعدی یا چندبعدی می اندیشند. بعضی نیشان خیر است، اما راه را بلد نیستند و مدتی مردم را سرگردان می کنند، بعد می فهمند اشتباه رفته اند. اینان نه اینکه کم عقل یا بی عقل اند، همه عقل دارند و با

عقل خود محاسبه می کنند، اما به تمامی جوانب مسائل توجه ندارند و سطحی نگرند و تک بعدی به مسائل نگاه می کنند.

ما می گوئیم هر مطلبی که در راستای رشد انسان و انسانیت و بنه رابطه او با خدا باشد، ارزش و ارزشمند است و هر چه در این راستا نباشد، می توان صد درصد آن را ارزش محسوب کرد. رابطه انسان با خدا باید از قبیل رابطه عبد و مالک باشد. انسان باید در اثر تهذیب نفس به مرحله عبودیت برسد و خود را عبد خدا بداند. آن وقت که به این مرحله رسید، دیگر به کسی ظلم نمی کند، کم کاری نمی کند، از مردم و از بیت المال دزدی نمی کند، به ناموس دیگران چشم نمی اندوزد، به قوانین و تهذبات اجتماعی احترام می گذارد، کلا به سر کسی نمی گذارد، آبروی کسی را نمی ریزد، دنیاپرست نیست، اهل خیر و احسان است. گر چه خودش کم دارد. اما به دیگران رسیدگی می کند و به علم و اخلاق اهمیت می دهد و به عالم و استاد و معلم توجه می کند.

طرح ازدواج صحیح و سالم از سوی اسلام برنامه ای مطابق با فطرت مرد و زن است و هر طرح و برنامه دیگری غیر از این دارای مفاسد فراوانی است. این طرح و نقشه تنها از اختراعات پیامبر اسلام نیست، بلکه از دستوره‌های الهی است که توسط همه پیامبران الهی از صدر خلقت تاکنون توصیه شده و رواج داشته است و عقلای عالم نیز آن را قبول دارند.

مسئله ازدواج دائم و موقت مخصوص قشر خاصی نیست و همه مردان و

زنان، چه جوان باشند و چه غیر چون می‌توانند در صورت وجود مقتضی و بررسی جوانب امر بدان اقدام کنند.

## شهید کیست و شهادت چیست؟ فرهنگ شهادت چیست؟

### پرسش

شهید کیست و شهادت چیست؟ فرهنگ شهادت چیست؟

### پاسخ

شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه و هدفی مقدس است و از هر گونه انگیزه خود گرایانه منزّه و مبرا است تحسین انگیز و افتخار آمیز است و عملی قهرمانانه تلقی می‌شود. میان انواع مرگ ها تنها این نوع از مرگ است که از حیات و زندگی، برتر و مقدس تر و عظیم تر است.

مرگی "شهادت" محسوب می‌شود که با توجه به خطرات احتمالی یا ظنی یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن "فی سبیل الله" از آن استقبال کند.

شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا باشد؛ هدف، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که آگاهانه صورت گرفته باشد.

کلمه شهید و مفهوم شهید در کلمات و مفاهیم اسلامی و در ذهن کسانی که فرهنگشان اسلامی است، مفهومی نورانی و مقدس است و در همه عرف ها توأم با قداست و عظمت است.

از نظر اسلام، هر کس به مقام و درجه شهادت نائل آید که اسلام او را با معیارهای خودش شهید بشناسد، یعنی در راه هدف های عالی اسلامی به انگیزه برقراری ارزش های واقعی بشری کشته بشود، به یکی از عالی ترین درجات و مراتب که یک انسان ممکن است در سیر صعودی خود نائل شود، نائل می‌گردد. قرآن در شأن شهید فرمود: "ولا تحسبنّ اللّٰذین قتلوا فی سبیل الله أمواتاً أحياء عند ربهم يُرزقون؛ [۱۰] گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند، بلکه زنده اند و نزد

پروردگارشان روزی می خورند".

در اسلام وقتی که می خواهند مقام کسی را بالا ببرند می گویند: مقام فلان شخص برابر است با مقام شهید یا فلان کار اجرش برابر است با اجر شهید.

شهید مطهری می گوید: "مَثَل شهید مثل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتوافکندن است تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند. آری شهدا شمع محفل بشریتند. سوختند و محفل بشریت را روشن کردند. اگر این محفل تاریک می ماند، هیچ دستگاهی نمی توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه بدهد." [۱۱]۳

شهادت آن قدر دارای ارزش است که اولیاءالله برای رسیدن به آن دعا می کردند و به امید شهادت زنده بودند و یکی از دعاهای مسلمانان صدر اسلام همین بود. در دعاهایی که از ائمه به ما رسیده است، این موضوع به چشم می خورد. در دعای شب های ماه مبارک رمضان می خوانیم: اللهم برحمتک فی الصالحین فأدخلنا و فی علیین فارفعنا ... و قتلاً فی سیبک مع ولیک فوق لنا؛ خدایا، به ما توفیق بده که در راه تو و به همراه ولی تو کشته بشویم و به فیض شهادت نائل گردیم".

عمر بن جموح که یک پایش در جنگ لنگ شده و وظیفه رفتن به جهاد از او ساقط بود، گربه می کرد و پیامبر را واسطه قرار داد که مانع او نشوند تا بالاخره در جبهه جنگ اُحد به شهادت رسید. [۱۲]

[۱۰] آل عمران (۳) آیه ۱۶۹.

[۱۱] مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی شهید، ص ۷۶.

[۱۲] همان، ص ۹۷.

**تمدن اسلامی چیست و راه های بسط و گسترش آن کدام است؟**

**پرسش**

تمدن اسلامی چیست و

## پاسخ

تمدن نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی در جوامع بشری است که شامل مجموعه ای از پدیده های اجتماعی قابل انتقال، حاوی جهات مذهبی، اخلاقی، زیبایی شناسختی و هنر، امور فنی و علوم و مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است. [۴] این امور در جوامع اسلامی طی ده قرن، به ویژه در قرن های سوم، چهارم و پنجم هجری به نحو بارزی تحقق یافت.

دانشوران در معنای تمدن اسلامی چنین گفته اند که تمدن اسلامی، فرهنگی است که فراتر از خواستگاه خود، مدینه النبی، گسترش مکانی و زمانی یافته و اجتماعات متعدد را در بر گرفته و از حیات اجتماعی آن ها تأثیر پذیرفته و بر حیات اجتماعی آن ها تأثیر گذارده است. [۵]

تمدن اسلامی که از بعثت پیامبر اسلام (ص) و از سرزمین حجاز منبث شد، در کوتاه ترین زمان ممکن به گسترش چشم گیری نایل شد به گونه ای که از ضلع غربی آن تا اندلس، اسپانیا و پرتقال و کرانه های شرقی اقیانوس اطلس، از ضلع شرقی آن تا آسیای مرکزی، دیوارهای چین و سین کیانگ، از شما تا بالکان و از جنوب تا کرانه های اقیانوس هند و آفریقای مرکزی گسترش یافت.

مسلمانان در این بستر پهناور جغرافیایی با انگیزه اسلامی به بسط علم، فلسفه، هنر و اخلاق و سیاست پرداختند و از ویرانه های تمدن های پیشین بهره گرفتند و تمدن بزرگی را پایه ریزی نمودند و به جهانیان عرضه داشتند. بغداد، قاهره و قرطبه به تناوب از مرکز ثقل این تمدن بودند. علوم و فنون



از جهان اسلام به اروپا سرایت کرد.

به گفته گوستاوبون فرانسوی، اثری که تمدن اسلامی در غرب نهاد بسیار و گسترده است. [۶]

بنابراین، تمدن غرب وامدار تمدن اسلامی است.

در دوره تمدن اسلامی یک سلسله فرازها و عوامل پیشرفت و یک سلسله نشیب ها و عوامل بازدارنده و انحطاط به وقوع پیوست که سخن در هر یک فرصت ویژه ای را می طلبد.

در سال ۴۹۰ هجری اروپائیان جنگ های صلیبی به راه انداختند و به مدت دویست سال نیروهای مسلمانان را تلف کردند و موجب ضعف در تمدن اسلامی شد.

در سال ۶۵۶ هجری هلاکوخان مغول مرکز خلافت عباسی، بغداد را به تصرف در آوردند و با نابودی شهر و کشتار هزاران نفر به تمدن اسلامی ضربه زدند.

در اسپانیا مسلمانان از سوی فرانسویان مورد هجوم قرار گرفتند و سرانجام در سال ۸۹۸ هجری با شکست مسلمانان یکی از مراکز مهم تمدن اسلامی به ویرانه ای تبدیل شد.

در سال ۱۳۴۲ هجری با بر چیده شدن حکومت عثمانی و تقسیم آن به ده ها کشور کوچک و کوچک تر، ضربه ای دیگر به عالم اسلام وارد شد.

این ها گوشه ای از عوامل فراز و نشیب در تمدن اسلامی است.

میدان برای سخن گفتن در تمدن اسلامی بسیار وسیع است چون که تمدن اسلامی، تمدن مسلمانان است که از نظر مکانی از اندلس تا چین و از نظر زمانی بیش از ده قرن را به خود اختصاص داده اند، سخن گفتن در یکایک پارامترهای تأثیر گذار، پیروزی ها و شکست ها فرصت زیادی را می طلبد. توصیه می شود که در صورت تمایل به جلد چهارم تاریخ ویل دورانت، تاریخ اسلام

و عرب گوستاولوبون فرانسوی و تاریخ تمدن جرجی زیدان مراجعه شود، لیکن در این فرصت کوتاه به برخی از عوامل مهم در بسط و گسترش تمدن اسلامی اشاره می‌کنیم:

۱\_ تشویق اسلام به گسترش علم و دانش؛

۲\_ تلاش‌ها و فداکاری‌های خالصانه پیامبر اسلام(ص)، اهل بیت و یاران آن حضرت؛

۳\_ رفق و مدارای مسلمانان با دیگران؛

۴\_ معارف عالی قرآن و هدایت آن در جهت نیل به تعالی؛

۵\_ نقش قرآن در گسیختگی جمود فکری و آزاد اندیشه در حوزه تفکری اسلام؛

۶\_ موقعیت جغرافیایی جزیره العرب و سخت‌کوشی عرب‌ها؛

۷\_ وجود برخی از خصلت‌های عرب جزیره العرب همانند صبر و پایداری در برابر سختی‌ها؛

۸\_ عدالت‌پروری اسلام؛

۹\_ کوشش‌های علمی \_ فرهنگی اهل بیت پیامبر(ص) به ویژه امام پنجم و امام ششم(ع)؛

۱۰\_ نهضت علمی عباسیان، به ویژه هارون الرشید و مأمون عباسی و تأسیس بیت‌الحکمه و نهضت ترجمه.

[۴] آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، ص ۴۷.

[۵] فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۲، ص ۳.

[۶] گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، مترجم سید هاشم حسینی، ص ۳.

**تعریف (دین) و (فرهنگ) چیست؟ و چه رابطه‌ای میان این دو وجود دارد؟**

**پرسش**

تعریف (دین) و (فرهنگ) چیست؟ و چه رابطه‌ای میان این دو وجود دارد؟

**پاسخ**

معناداری زندگی انسان در گرو انجام اعمال و رفتارهایی است که در چارچوب نظام ارزشی ویژه یک جامعه، و در راستای باورها و نظام عقیدتی آن جامعه انجام می‌گیرد، و چون مطابق بینش اسلامی، تنها جهان بینی حق و به تبع آن تنها نظام عقیدتی

و ارزشی صحیح دین اسلام است، ما مسلمانان عامل معناداری و جهت دهنده زندگی انسان را دین

میدانیم. از این رو فرهنگ بر دین انطباق میابد. مگر آن که اجزای تشکیل دهنده فرهنگ را کمتر از اجزای تشکیل دهنده دین بدانیم، مثلاً جزای فرهنگ را صرفاً نظام ارزشی و رفتارهای موجود در جامعه دینی بدانیم که در این صورت فرهنگ زیر مجموعه و تابعی از دین خواهد بود. ناگفته نگذاریم که گاهی ارزشها در کشوری که دارای جامعه دینی است، فربه تر از صرف ارزشهای دینی تعریف می شود، در این صورت دو گونه ارزش خواهیم داشت: گونه اول ارزشهای ثابت و غیر قابل تغییر که از باورهای دینی سرچشمه می گیرد، گونه دوم ارزشهای ناشی از آداب و رسوم و قراردادهای اجتماعی که قابل تغییر و عوض شدن هستند. اما پر واضح است که تغییر در دسته دوم گزندی به ارزشهای ثابت و غیر قابل تغییر نمیرساند، چرا که اساساً از دو خاستگاه متفاوت نشأت گرفته اند.

### تعریف کار فرهنگی چیست ؟

#### پرسش

تعریف کار فرهنگی چیست ؟

#### پاسخ

در کار فرهنگی ابتدا باید تعریف درستی از فرهنگ داشت و سپس در نظر گرفت که در میان فرهنگ های مختلف فرهنگ مطلوب چیست . مسلماً منظور ما از کار فرهنگی تبیین ، ترویج و رساندن پیام فرهنگی اسلام به دیگران و زمینه سازی جهت رشد و تعالی معنوی و فرهنگی است . چنین عملی مسلماً باید از طریق شناخت هر چه بهتر فرهنگ غنی اسلام و آشنایی با ابزارها و تکنیک های انتقال و پویایی فرهنگی انجام پذیرد . یکی از ویژگی های ممتاز اسلام این است که علاوه بر غنای فره.....، دارای ابزاری در راستای پویایی فرهنگی نیز هست . برای آگاهی بیشتر.ک : فرهنگ و تهاجم فرهنگی ، بیانات مقام معظم رهبری . 7

### فلسفه عزاداری و گریه بر اهل بیت ( چیست؟

#### پرسش

فلسفه عزاداری و گریه بر اهل بیت ( چیست؟

#### پاسخ

در بیان اهداف و فلسفه عزاداری باید گفت؛ اگر در میان شیعیان، عزاداری یک سنت رایج شده است انگیزه های گوناگونی دارد که به طور اختصار عبارت است از :

۱. شناساندن مقام پیشوایان بزرگ اسلام که سراسر زندگی آنان برای جامعه اسلامی الگو و سرمشق است، چه در مبارزه با طاغوتیان و چه در مسایل اخلاقی و روحی و ...

۲. افزایش عشق و محبت اهل بیت که پاداش رسالت پیامبر (است؛ چون در قرآن خداوند امر فرمود به حضرت رسول (که چنین بگویند: "قل لا- استلکم علیه اجرأ الا- الموده فی القربی" (۱) بگو: من در برابر تبلیغ دین اجر و مزدی از شما نمی‌خواهم... مگر دوستی و تبعیت از اهل بیت).

۳. کمال خواهی و فضیلت طلبی.

۴. دعوت به دین و آگاه شدن از حقایق آن و فراخوانی مردم به صلاح و اصلاح و دوری از انحراف و فساد.

۵. حقانیت نهضت حسینی بر ضد طاغوتیان و آشنا کردن مردم با ویژگیهای قیام امام حسین (

۶. اطعام عده ای از گرسنگان در پرتو مجالس عزا که از دستورات مؤکد قرآن و اسلام است.

۷. یاد مصیبت اهل بیت (که موجب آسان شدن مصایب و سختیهای دوستداران آنان است).

۸. همدردی با رسول خدا (و حضرت زهرا) و سایر ائمه).

۹. فراموش نشدن خاطره عاشورا؛ چرا که اگر این عزاداریها نبود نسلهای آینده نمی دانستند امام حسین (را یزید کشته است؛ و چرا کشته است).

۱۰. افشاگری جنایات ستمگران به ویژه بنی امیه و بنی عباس.

۱۱. رشد فضایل و کرامتهای انسانی و الهی و پرورش روحیه شهادت طلبی؛ هر قطره اشک پیامی است که شهادت را

چون پیامی به مردم ابلاغ می کند و گریه نشانه آن است که فاجعه ای روی داده و ظلمی صورت گرفته است. عزاداری نه یک روز، نه ده روز، نه یک ماه بلکه در تمام سال برای این است که ملتی که در شهادت زندگی می کند باید عزادار باشد و در مجالس عزا با بیان فلسفه شهادت و با یادآوری از شهیدانش، روحیه شهادت طلبی را همچنان تازه نگه دارد. بی شک به خاطر نشر فلسفه شهادت و ایثار و کرامتهای انسانی است که شیعه به بهانه مرگ برادر، عمو، دایی و ... جلسه برگزار می کند و یک باره به کربلا گریز می زند و از حسین سخن می گوید.

۱۲. زنده نگه داشتن اسلام با استفاده از ابزار عزاداری، عزاداری اسلام را زنده کرد و اگر امام حسین (قیام نمی کرد اثری از اسلام باقی نمی ماند. اساس شکل گیری انقلاب اسلامی نیز نهضت امام حسین (است. امام خمینی (درباره تجدید و تکرار عزاداریها می فرمایند: "... اصلاً نمی فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی دانند این منبرها، گریه ها، و سینه زنیها حدود ۱۴۰۰ سال است که ما و مکتب را حفظ کرده و تا حالا اسلام را آورده، این عده از جوان ها اینطور نیست که سوء نیت داشته باشند؛ آنها خیال می کنند که ما باید حرف روز بزنیم. حرف سیدالشهدا حرف روز، و همیشه حرف روز است؛ اصلاً حرف روز را سیدالشهدا آورده است و دست ما داده است و سیدالشهدا را این گریه ها، و مکتب وی را این مصیبتها، داد و قالها و این

سینه زنیها و این دستجات حفظ کرده است اگر فقط مقدسی بود و توی اتاق و توی خانه می نشست و برای خودش هی زیارت عاشورا می خواند و تسیح می گرداند، چیزی نمانده بود... همینهاست که این نهضت را پیش برده، اگر سیدالشهدا نبود این نهضت را کسی پیش نمی برد." (۲)

بنابراین عزاداری حسین بن علی و سایر ائمه اطهار (یک حرکت است، یک موج است، یک مبارزه اجتماعی است). (۳) روضه های خانگی و دسته های عزاداری و هیأت های زنجیرزنی، پوشیدن لباس مشکی و پرچم به دست گرفتن و شربت و آب دادن و تلاش در برپایی مجالس و نوحه خوانی و سینه زنی و ... هر یک به نوعی سربازگیری برای جبهه حسینی است. (۴) این پیوند قلبی را عمق و غنا می بخشد. این موارد، انگیزه های برگزار می مجالس سوگواری و عزاداری است و آنچه در این میان وجود ندارد گریه کردن برای ضعف و ذلت ائمه است چون نفوس آنها، عزیزترین نفوس در میان موجودات عالم است.

منابع و مآخذ:

۱. سوره مبارکه شوری / آیه ۲۳

۲. قیام عاشورا در کلام و پیام امام، ص ۱۶

۳. نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری، ص ۸۹

۴. فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۴

پاسخ به شبهات عزاداری، حسین رجیبی، ص ۲۵

### چه تفاوتی بین ایدئولوژی و فرهنگ است؟

#### پرسش

چه تفاوتی بین ایدئولوژی و فرهنگ است؟

#### پاسخ

ابتدا معنای این دو واژه را باید داشت. فرهنگ (culture در انگلیسی، و Kultur در زبان آلمانی) مرکب از دو واژه "فر" به معنای "پیش" و "هنگ" از ریشه اوستایی THANG به معنای کشیدن تشکیل شده و کلمات فرهنگتن و فرهیختن در ادبیات فارسی ریشه است که به معنای تربیت کردن و ادب آموختن است. و نیز فرهنگ در فارسی به معنای دانش، عقل، فضل، ادب، بزرگی و سنجیدگی به کار رفته است، و نیز به معنای شاخه درختی که در زمین خوابانیده می شود تا جای دیگر سر بر آورد و کار ریز آب گفته می شود.

از نظر اصطلاحی، با اینکه صدها تعریف برای واژه فرهنگ ذکر کرده اند، نقطه مشترک خاصی وجود ندارد، اما به طور کلی

این تعریف را بهتر می توان دید که: "فرهنگ عنصر هویت ساز جوامع و مظهر حیات عقلایی آنها است و کلیتی است که از ترکیب خصوصیات و نمادهای به وجود آمده در هر جامعه پدید می آید، که هسته مرکزی این کلیت و حیات عقلایی، نگرش موجود در هر جامعه درباره انسان و حقوق بنیادین اوست.

و تعریف توصیفی یا تشریحی از فرهنگ می توان گفت: فرهنگ به عنوان یک کلیت از ویژگی های اساسی گروههای اجتماعی، تصورات، باورها، هنرها، آداب و رسوم بشری، میراث ملی، راه و روش زندگی یک قوم، نظام ویژگی های مادی و معنوی که به منظور تأمین نیازهای بشری سامان یافته اند.

فرهنگ ثمره فعالیتهای فکری و سیری جوامع و چکیده زندگی اجتماعی است و در تمامی ضوابط فردی و اجتماعی منعکس می شود. مؤلفه های

فرهنگ عبارتند از همان آداب، رسوم، باورها و نظام ارزشی حاکم بر جامعه، بنابراین ایدئولوژی جزئی از فرهنگ هر قوم است. جامعه ای که از فرهنگ قوی برخوردار باشد، اصول و معیارهای عملی خاصی دارد که به آن ایدئولوژی گفته می شود. ایدئولوژی در مقابل جهان بینی است در مکتب اسلام اصول عقاید را می توان جهان بینی نامید، و فروع دین و در واقع بخش عملی احکام را ایدئولوژی. و چون فرهنگ باید واجد باورها باشد، این باورها، که همان جهان بینی هستند، به فرهنگ جهت بخش و صاحبان فرهنگ را راهنمایی می نماید که به چه معیارها و موازین ارزشی پای بند باشند و بر اساس چه خطوطی عمل و حرکت کنند.

از سوی دیگر ایدئولوژی و فرهنگ در یک داد و ستد سازنده و جلو برنده به یکدیگر یاری می رسانند. هر گاه کسی به مقررات اجتماعی و دینی و معیارهای پذیرفته شده جامعه، عمل نماید، به فرهنگ جامعه پای بند بوده و سعی نموده است عملاً آن را رعایت کند، و هر چه به این مقررات بیشتر پای بند و عامل باشند فرهیخته تر و با فرهنگ تر خواهد بود.

در دنیای کنونی با کوچکتر شدن جهان و رشد و سرعت تبادل اطلاعات، ضمن اینکه امکان بهره گیری از فرهنگ دیگران وجود دارد، خطر دست کشیدن از موازین و فرهنگ خودی و استحاله فرهنگی نیز وجود دارد. ایدئولوژی در چنین جایی با اینکه از عناصر درونی فرهنگ است کمک می کند تا فرهنگ هویت و استقلال خود را حفظ نماید، و مواد زاید و مضری که به نام فرهنگ از سوی



بیگانه هجوم می آورد را دفع نماید و به صاحبان فرهنگ بگوید به خود متکی باشند و درصدد نقد واردات باشند نه رد مطلق و نه پذیرش و تسلیم یکسره.

## از نظر قرآن، بهترین تمدن، چه تمدنی است؟

### پرسش

از نظر قرآن، بهترین تمدن، چه تمدنی است؟

### پاسخ

قرآن مجید، ضمن تذکر و راهنمایی انسان برای رسیدن به بهترین تمدن یا آرمان شهر، در آیات متعددی به نحو ملموس و عینی، با ذکر نمونههایی از تمدنهای گذشته، عوامل انحطاط و سقوط، و همچنین عوامل رشد و تعالی آنها را بیان میکند.

بهترین تمدن یا آرمانشهر اسلامی و قرآنی، همان جامعه و تمدن مهدوی است که با ظهور حضرت تحقق میپذیرد.

تمدن ایدهآل، تمدنی است که: ۱. قانون همه جانبه و کامل، زیر بنای نظم اجتماعی آن باشد؛ قانونی که زمینه رشد و شکوفایی انسان را در بُعد مادی و معنوی فراهم کرده باشد و این قانون، جز از راه وحی و مکتب انبیا برای انسان، قابل دسترسی نیست. (أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ)

۲. دولت مردان و مجریان آن، انسانهای صالح و پاکی باشند، و تقسیم قدرت، بر اساس لیاقت و شایسته سالاری باشد که بهترین نمونه آن را در صورت حکومت حضرت مهدیغ مشاهده خواهیم کرد، قرآن مجید میفرماید: "وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَنْزُصَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ" (انبیاء، ۱۰۵) و ما بعد از تورات در زبور نوشتیم که البته بنندگان نیکوکار من، ملک زمین را وارث خواهند شد."

اگر قانون و اجرای آن به نحو مطلوب و صحیحی در جامعه، مطرح باشد، همه نهادهای جامعه، به سمت و سوی ترقی و رشد حرکت کرده و تمدن واقعی را رقم میزنند که در آن سعادت انسان و رشد معنوی و مادیاش تأمین میشود.

معمولاً برای جامعه، پنج نهاد اصلی را بر میشمارند: نهاد خانواده، اقتصاد، حقوق، حکومت، آموزش و پرورش. قرآن، به همه

اینها پرداخته و ارزش مداری و واقعگرایی را در همه آنها، لحاظ نموده است.

نهاد خانواده، طبیعت‌ترین عامل برای زندگی اجتماعی به شمار می‌رود. جامعه ایده‌آل، جامع‌های است که به تشکیل این نهاد اهمیت بدهد. قرآن مجید، با تأکید بر اصل ازدواج، آن را مایه آرامش انسان معرفی نموده و روایات ما به پیروی از قرآن، ملاک و ارزشها را در اینباره معرفی نموده‌اند.

قرآن مجید، سرپیچی از این عامل مهم را سبب انحطاط تمدن میدانند؛ هم چنان که در جریان قوم لوط، به این مطلب اشاره شده است.

نهاد اقتصاد و معیشت، طبیعت‌ترین نیازی است که افراد احساس میکنند برای تأمین آن میبایست تلاش کرده و نیازهایشان را تأمین نمایند.

تشویق مردم به کار و تقسیم و توزیع عادلانه منابع و ثروتها که، مسئله‌های است که اسلام در این زمینه متذکر میشود.

نهاد حقوقی، با وضع قوانین عادلانه و واقعگر، روابط حقوقی بین افراد را تنظیم میکند، هم چنین اسلام درباره وظایف حکومت نیز مطالبی بیان کرده است.

از باب نمونه، قرآن برای تأمین امنیت مال و ناموس افراد از دشمنان و توطئه‌گران داخلی و خارجی، به تهیه لشکر قوی و استوار دستور میدهد: "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ" (انفال، ۶۰) خودتان را مهیا نمایید تا آن مقدار که میتوانید.

هم چنین در بُعد آموزش، نیز قرآن، ضمن طرح ارزش علم و دانش، به جهت‌دهی آن در مسیر خدمت به مردم و عبودیت خدا می‌پردازد. (برگرفته از علل انحطاط تمدنها از دیدگاه قرآن، احمد علی قانع، نشر سازمان تبلیغات اسلامی.)

به طور خلاصه میتوان گفت: تمدن ایده‌آل قرآنی، تمدنی است مبتنی بر تعالیم دینی و وحیانی

که، مجریان آن، صالحان و پاکانند و تمام زمینهای رشد انسانی، اعم از مادی و معنوی را توسعه میدهند که ما شاهد تحقق آن به صورت کامل، در زمان ظهور حضرت مهدیغ خواهیم بود، که علم، عدالت، معنویت و آزادگی، در اوج رشد و شکوفایی خواهد بود.

برای مطالعه و کسب اطلاعات بیشتر از تمدن قرآنی، میتوانید به کتاب *علل انحطاط تمدنها از دیدگاه قرآن*، نوشته آقای احمد علی قانع، مراجعه فرمایید.

**بعضی قائل شده اند که بخشی از فرهنگ آداب و رسوم مردم هم عصر نزول قرآن کریم (فرهنگ جاهلیت در قرآن وارد شده است آن هم با لحنی موافق و به رسم مماشات آیا این ادعا صحیح است**

### پرسش

بعضی قائل شده اند که بخشی از فرهنگ آداب و رسوم مردم هم عصر نزول قرآن کریم (فرهنگ جاهلیت در قرآن وارد شده است آن هم با لحنی موافق و به رسم مماشات آیا این ادعا صحیح است

### پاسخ

"فرهنگ در لغت به معنای تعلیم و تربیت علم و دانش و ادب کتاب لغت مجموعه آداب و رسوم و مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم به کار رفته است از نظر اصطلاحی به مجموعه برداشت ها، موضع گیری های فکری هنر، ادبیات فلسفه آداب سنن و رسوم و روابط حاکم بر اجتماع تعریف شده است

قرآن کریم آخرین پیام آسمانی است که بر بشر نازل شده است و در محیطی بر انسان ها وارد شده که آن ها سرگشته و حیران و در جهل و تعصب و خرافات به سر می بردند و در فرهنگشان آمیخته ای از عناصر صحیح و غیر صحیح وجود داشت چون از طرفی اعراب جزیره العرب وارثان حضرت ابراهیم و اسماعیل و دین حنیف بودند، لذا عناصر فرهنگی الهی و مفیدی مثل حج داشتند و از طرف دیگر در طول اعصار متمادی و با دوری از انبیای الهی به تدریج خرافات و عناصر باطل در فرهنگ آنان رسوخ کرده بود.

آن چه در قرآن کریم آمده حق است و باطل در آن راه ندارد: "لَا يَأْتِيهِ الْبُطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ." (فصلت ۴۲)

حال اگر مراد از "فرهنگ زمانه عرب عناصری مثل ادبیات باشد، این عناصر فرهنگی به ناچار، در هر کتاب یا سخنرانی وجود دارد

و به کارگیری آن برای تفهیم مطالب لازم است امّا اگر مراد از "فرهنگ زمانه"، خرافات مطالب باطل و شرک آلود عرب جاهلی باشد، قطعاً قرآن کریم از این فرهنگ متأثر نشده است بلکه به شدت و با تمام امکاناتی که داشته با این فرهنگ مبارزه کرده است مثل مذمت زنده به گور کردن دختران (تکویر، ۸) و یا بت پرستی و شرک به خدا و... .

پس به همان صورت که در ردّ تفکر خرافی و جاهلی و شرک آلود، مماشاتی در رفتار پیامبر و زبان قرآن مشاهده نمی شود، به همان گونه در تأیید و اصلاح تفکر توحیدی پیامبران الهی کوتاهی و یا مماشاتی انجام نگرفته است چرا که احیا نمودن عناصر فرهنگی مثبت که ریشه در ادیان ابراهیمی داشته است به این معنا نیست که قرآن تحت تأثیر آن فرهنگ قرار گرفته است بلکه به معنای احیا و پیرایش نمودن و تکامل بخشیدن آن سنن الهی است

قرآن از عصر قبل از نزول به "الجاهلیه الأولى" (احزاب ۳۳) تعبیر کرده و می فرماید: "أَفَحُكْمَ الْجَهْلِيَّةِ يَبْغُونَ - وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا...؛ (مائده ۵۰) آیا خواستار حکم جاهلیت اند؟ و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی از خدا بهتر است "

هر حکمی غیر از احکام و شرایع حقّی که از جانب خداوند متعال نازل شده است حکم جاهلیت و ناشی از هوا و هوس های جاهلان است پس "فرهنگ جاهلی مربوط به عصر نزول قرآن نیست که بگوییم فرهنگ و سنت های قبل از ظهور اسلام "فرهنگ جاهلی"

و فرهنگ و آداب بعد از ظهور اسلام "فرهنگ اسلامی است بلکه فرهنگ اموی و عباسی و... نیز از مصادیق "فرهنگ جاهلی به شمار می آید، حتی بخش های بسیاری از آن چه امروز به "فرهنگ مدرن و متمدن غرب یاد می شود، نیز از مصادیق بارز "فرهنگ جاهلیت است

نکته مهم دیگر این که "قرآن، کتاب فیزیک گیاه شناسی زمین شناسی و یا کیهان شناسی نیست قرآن کتاب انسان سازی است و نازل شده است تا آن چه را که بشر در راه تکامل حقیقی اش (تقرب به خداوند) به آن نیاز دارد، به او بیاموزد، پس نمی توان با روش علوم تجربی به بررسی آن پرداخت بلکه باید به شیوه ای ویژه که خود قرآن تعلیم فرموده آن را بررسی کرد. واقعیت های انکار ناپذیری که در قرآن کریم وجود دارد، عبارت است از:

۱. ارتباط تنگاتنگ کلام خداوند با کلام بشر: این که حقایق و معانی قرآن در قالب الفاظ، حروف و کلماتی استفاده شده است که جنبه بشری دارد، مطلب درستی است در قرآن از قواعد ادب و فنون بلاغتی بهره برده شده که دیگران نیز از آن بهره برده اند. هر پیامبری برای القای پیام خود به مخاطبان چاره ای جز این ندارد که معانی بلند سخن آسمانی را در قالب الفاظی در آورد که بشر با آن ها مأنوس است به همین دلیل نیز می بینیم که قرآن گاهی عین کلمات مخاطبان خود را نقل تأیید، تصحیح یا رد می کند.

۲. زبان قرآن این که قرآن به زبان عربی آمده و تورات به زبان عبری و... ناشی

از گوناگونی مخاطبان وحی بوده است و گرنه برای خداوند، عربیت عبریت و... خصوصیتی ندارد؛ بنابراین قرآن در هنگامه و موقعیت جغرافیایی خاصی نازل شده است که در آن اقوام و مذاهب گوناگون وجود داشته است و قرآن نیز بدون توجه به شناخت واژه ها و کلمات و بدون رعایت تفهیم و تفاهم مطالب را ادا نکرده است مثلاً از آن جایی که مردم حبشه و یمن که از خدا به "رحمان تعبیر می کردند و گروهی از آنان در شهر مکه بودند، قرآن نیز عمداً در موارد بسیاری به جای دیگر اسماً ذات حق از کلمه "رحمان استفاده کرده است

۳. اسباب نزول یکی دیگر از واقعیت های انکارناپذیر، سبب های نزول است لذا جاودانگی قرآن به این معنا نیست که هیچ گونه رابطه ای با واقعیت های عصر خود نداشته است و همه پیام های خداوند کلی است بلکه قرآن با توجه به نیازها و شرایط عصر رسالت نازل شده و رنگ زمان و فرهنگ عصر بعثت در آن مشاهده می شود؛ ولی در همه این موارد، جهت گیری آن عام و کلی بوده و جنبه درس آموزی و هدایت گری جامعه انسانی لحاظ شده است

۴. شرایط تاریخی عصر نزول این نیز از دیگر واقعیت های پذیرفته شده است زیرا برای درک فرهنگ عصر نزول قرآن آگاهی از شرایط تاریخی جغرافیایی اقتصادی و سیاسی منطقه حجاز ضروری است چون موجب می شود، مخاطبان اولیه قرآن شناخته شوند.

منطقه حجاز، با طبیعت خشک و دور از فرهنگ و تمدن انسانی کم محصولی و نبود کشاورزی انبوه و

کسب سالم و مطمئن انسان‌هایی خرافاتی بت پرست خونریز و با رفتارهای ناهنجار به وجود می‌آورد و اسلام با توجه به واقعیت‌ها و مسائل حاکم بر آن محیط، تعالیم خود را پی‌ریزی کرد و اندک‌اندک با عقاید فاسد آنان به مبارزه برخاست

۵. انسجام و پیوستگی اگرچه دوران رسالت و نزول قرآن پر فراز و نشیب است اما روند دعوت و جوهره پیام آن یکی است بنابراین سیر پیام و خط کلی دعوت در تمام مراحل رعایت شده است

با توجه به واقعیت‌های موجود نمی‌توان قائل شد که قرآن کاملاً تسلیم فرهنگ عصر نزول یعنی صدراسلام بوده و یا این که قرآن فرهنگ زمان خویش را که همان فرهنگ جاهلی عرب و آمیخته با خرافات ضد علمی بوده پذیرا شده و خداوند آن را در متن قرآن وارد کرده است چرا که این نظریه تا حدودی شبیه نظریه ای است که در زمینه تأثیر فرهنگ زمانه بر نویسندگان تورات و انجیل گفته شده است البته این بیان در مورد تورات و انجیل با آن همه خرافات و مسائل ضد علمیشان می‌تواند صادق باشد و شواهدی نیز بر آن مترتب است اما در مورد قرآن کریم هرگز قابل قبول نیست

با توجه به آن چه گذشت ثابت می‌شود که قرآن هیچ‌گاه فرهنگ منحط جاهلی را نپذیرفته و با باطل مماشات نکرده است

### لطفاً در مورد فرهنگ از دیدگاه قرآن کریم توضیح دهید؟

#### پرسش

لطفاً در مورد فرهنگ از دیدگاه قرآن کریم توضیح دهید؟

#### پاسخ

پیش از پاسخ تذکر نکاتی لازم است

"فرهنگ در لغت به معنای تعلیم و تربیت علم و دانش و ادب کتاب لغت مجموعه آداب و رسوم و مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم به کار رفته است از نظر اصطلاحی به مجموعه برداشت‌ها، موضع‌گیری‌های فکری هنر، ادبیات فلسفه آداب سنن و رسوم و روابط حاکم بر اجتماع تعریف شده است

در قرآن کریم از "فرهنگ به مفهوم مصطلح آن تعبیری یافت نمی‌شود؛ ولی به طور کلی قرآن کریم از "فرهنگ در یک جا به عنوان "زبان قوم یاد کرده است چون قرآن کریم نخست در محیط جزیره العرب نازل شده و با مردمی سروکار داشته که دارای اعتقادات و رفتاری خاص بوده اند:

"وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا - بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ (ابراهیم ۴) ما پیامبران را نفرستادیم مگر با زبان قوم خودشان سخن بگویند."

در جای دیگر از "فرهنگ به عنوان "حکم جاهلیت یاد کرده و در آیات بسیاری به اعتقادات و فرهنگ رایج عصر خود حمله

می‌کند: "أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَنْعُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ" (مائده ۵۰) آیا حکم جاهلیت را می‌جوئید؟  
برای گروهی که باور دارند، حکم چه کسی از حکم خدا بهتر است؟

همچنین از فرهنگ به عنوان "سنن یاد کرده و در آیات بسیاری سنت گذشتگان و آداب و رسوم آن‌ها را یادآوری کرده است" "فَدَخَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ



كَانَ عَقِبَهُ الْمُكَذِّبِينَ (آل عمران ۱۳۷) پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت [و هر قوم طبق اعمال و صفات خود، سرنوشت‌هایی داشتند] که شما نیز همانند آن را دارید [پس بر روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام کار تکذیب‌کنندگان] آیات خدا [چگونه بود؟!]" (ر.ک قرآن و فرهنگ زمانه سید محمد علی ایازی انتشارات کتاب مبین / المعجم المفهرس محسن بیدارفر، ص ۳۷۲، انتشارات بیدار).

اکنون به بیان این مطلب می‌پردازیم که فرهنگ یک جامعه اسلامی از دیدگاه قرآن چگونه باید باشد و قرآن با فرهنگ موجود زمان نزول و سایر فرهنگ‌ها، چگونه برخورد کرده است

فرهنگ‌های غیر الهی به سان فرهنگ عرب زمان نزول قرآن گسیخته‌ای از حق و باطل اند؛ حق از آن جهت که از ادیان الهی متأثر بوده‌اند و باطل از آن جهت که آن فرهنگ الهی با خرافات و علایق مغایر با خواست شرایع الهی مخلوط شده است

قرآن کریم ضمن ارائه فرهنگی فراگیر و پایه‌دار، با فرهنگ موجود و به‌طور کلی فرهنگ‌های بشری برخوردی متناسب دارد؛ بدین ترتیب که عناصر حق را تأیید کرده و عناصر باطل را به نقد کشیده برای آن‌ها چنانچه لازم بوده جایگزینی مناسب ارائه کرده است

عناصر فرهنگ ساز قرآنی در آیات بسیاری به تصویر کشیده شده و نمونه‌های عینی آن نیز گاه ارائه شده است برای مثال ترویج مسئولیت‌پذیری و دفاع از کیان جامعه اسلامی فرهنگ جهاد و شهادت عدالت‌محوری در گستره‌های فردی و اجتماعی اطاعت‌پذیری از مسؤولان مورد تأیید حاکم شرع

توجه به فضایل اخلاقی و نهادینه کردن آن و انذار از رذایل اخلاقی و بسیاری دیگر. (ر.ک قرآن و فرهنگ زمانه سید محمدعلی یازی نشر کتاب مبین )

## آیا افتخار کردن به تمدن ایرانی در کنار تمدن اسلامی اشکال دارد

### پرسش

آیا افتخار کردن به تمدن ایرانی در کنار تمدن اسلامی اشکال دارد

### پاسخ

افتخار نمودن به تمدن اشکالی ندارد؛ ولی دین ساختن از آن، معقول و منطقی نیست. شاید علت این که برخی در برابر افتخار به تمدن های گذشته، موضع گیری می کنند خاطراتی است که از دوران طاغوت در اذهان دارند؛ چرا که در آن دوران، سعی می شد با بیان سوابق تمدنی گذشته ایران، نوعی تفکر خاص (شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله) القا گردد و نوعی مکتب و طرز تفکر و فرهنگ از آن اتخاذ شود. جشن های ۲۵۰۰ ساله نیز در زمان طاغوت، به همین منظور طراحی شده بود.

اما درباره کورش نیز گفتنی است که مرحوم علامه طباطبایی (ره)، این نظر را ترجیح داده اند که کورش همان ذوالقرنین باشد. حال چه کورش همان ذوالقرنین باشد یا نباشد، ما نایستی چشم خود را به روی حقایق تاریخی ببندیم. تا آن جا که کورش، خدماتی به ملت های محروم انجام داده (مانند نجات یهود از ظلم بخت النصر) و یا خدمات دیگر، از او قدردانی کنیم و آن جا که برخلاف آن بوده، به صرف ایرانی و یا قدرتمند بودن چشم های خود را نبندیم.

در هر صورت مطالعه و تحقیق و نیز بیان افتخارات تاریخی، تا آن جا که با تعالیم وحی الهی در تضاد نباشد، هیچ اشکالی ندارد.

## با توجه به ضرورت کار فرهنگی برای ما دانشجویان سوال این است که مرز این گونه فعالیتها تا چه حد باید باشد

### پرسش

با توجه به ضرورت کار فرهنگی برای ما دانشجویان سوال این است که مرز این گونه فعالیتها تا چه حد باید باشد

### پاسخ

نکته ای که در نامه خود مطرح کرده اید، نشانگر احساس مسؤولیت و آرمان پاک شماست. با توجه به نیاز مبرم در محیط دبیرستان و دانشگاه به فعالیت های فرهنگی شما عزیزان، باید چند نکته را در نظر داشته باشید:

۱ - در کار خود برنامه ریزی کنید و با حفظ اصل میانه روی، عمده وقت خویش را به درس ها و مابقی را به فعالیت های جنبی

اختصاص دهید.

۲- در صرف وقت بخیل باشید تا به وظایف اصلی خودتان برسید و در آنها موفق گردید.

۳- در اوقات امتحان از فعالیت های دیگر دست بکشید و برای آن وقت زیاد صرف کنید.

۴- این را باید توجه داشته باشید که انجام وظایف جنبی فرهنگی شما را با تجربه و با مهارت خواهد ساخت.

همچنین در محضر ربوبی نیز از اجر و پاداش برخوردار خواهید بود. باری، فرق است بین افراد بی تفاوت و کسانی که با همه وجودشان برای خدا تلاش می کنند و مسؤلیت های خطیری را از روی اخلاص می پذیرند. توصیه آخر ما این است که با رفتار عملی و اخلاق نیکو، سرمشق و الگویی برای دیگر دوستان خود باشید. }J

### وجه تمایز فرهنگ شرق و غرب چیست ؟

#### پرسش

وجه تمایز فرهنگ شرق و غرب چیست ؟

#### پاسخ

بررسی دقیق تمایزات فرهنگ شرق و غرب و وجوه مختلف مثبت و منفی هر یک، ده ها کتاب و صدها مقاله می طلبد. از طرف دیگر هر یک از دو بلوک شرق و غرب، فرهنگ های گوناگونی را در خود جای داده اند؛ لیکن در این جا به اختصار به چند وجه تمایز کلی و اساسی اشاره می شود:

۱- استکبار و فرعوننی گری یکی از ویژگی های بارز فرهنگ غرب است. این پدیده در جهان شرق، انسان که در غرب وجود دارد دیده نمی شود. خطر بزرگ تحمیل و تهاجم فرهنگ غربی از همین روحیه ناشی می شود.

۲- خودبسندگی و گریز از تعهد دینی نیز یکی از وجوه بارز غرب است و گرایش به اومانیسم و سکولاریسم ناشی از همین گرایش می باشد؛ لیکن فرهنگ شرقی اساساً غیر از این است و در آن تعبد و خداگرایی و التزام در برابر فرمان های او بسیار با اهمیت است.

۳- استخدام طبیعت یکی از گرایش های غربی است؛ در حالی که در فرهنگ شرقی استفاده از طبیعت در آن حد افراطی نیست.

۴- در فرهنگ غربی به شناخت و ساختن طبیعت بیشتر بها داده می شود تا شناخت خود و ساختن خویش، ولی این روش در فرهنگ شرقی مردود است.

۵- اخلاق و عواطف انسانی در غرب شدیداً متزلزل است؛ ولی در فرهنگ شرقی اخلاق جایگاه ممتازی دارد.

۶- غلبه مادیت بر معنویت نیز یکی از وجوه مهم فرهنگ غربی است. این مسأله در ابعاد مختلف زندگی غربی ها نمودهای عینی فراوانی دارد؛ مثلاً فرهنگ پوشش در غرب، فرهنگی بدن نما و نمایشگر جاذبه های جسمی است؛ اما در شرق اصالت با وجوه معنوی حیات انسان است و

در پوشش نیز تلاش بر این است که توجه جاذبه های جسمانی، رباینده توجه از امور معنوی نباشد.

۷- هنر در فرهنگ غربی تصویرگر ابعاد مادی حیات است و در فرهنگ شرقی توجه دهنده به ابعاد معنوی و عرفانی.

۸- در فرهنگ غربی اصالت «حق» (به معنای طلبکاری ها، نه به معنای حقیقت) بر وظیفه مسئولیت و تکالیف تقدم دارد؛ اما در فرهنگ شرقی مسئولیت آدمی مقدم بر حقوق او است.

۹- در فرهنگ غربی اصالت با فرد (Inolividualism) است؛ ولی در فرهنگ شرقی چنین تقدم و اصالتی وجود ندارد.

۱۰- براساس حاکمیت اصالت فرد و اومانيسم (Humanism) و اخلاق سودپرستانه (Utilitarianism) در غرب حتی دین گرایي نیز به خاطر اصالت و حقانیت دین نیست. بلکه در راستای کارکردهای (Funetions) روانی است. در حالی که در فرهنگ شرقی آنچه اصالت دارد حقیقت است و دین به خاطر حقانیتش مورد قبول است و کارکردهای فردی و اجتماعی آن در درجه دوم مورد توجه قرار می گیرد. }J

### پایداری یک فرهنگ تابع چه عواملی است ؟

#### پرسش

پایداری یک فرهنگ تابع چه عواملی است ؟

#### پاسخ

پایایی یک فرهنگ تابع عوامل مختلفی است؛ از جمله:

۱- هماهنگی با فطرت،

۲- تأیید پذیری از ناحیه عقل و دارای پشتوانه منطقی بودن،

۳- غنا و جامعیت،

۴- برخورداری از جذابیت،

۵- انطباق پذیری با شرایط مختلف،

۶- قدرت کنترل و بازدارندگی نسبت به عوامل مخرب.

}J

## راههای فهم و مطالعه فرهنگ و معارف اسلامی در جامعه چیست؟

### پرسش

راههای فهم و مطالعه فرهنگ و معارف اسلامی در جامعه چیست؟

### پاسخ

فرهنگ و معارف اسلامی را از راه های مختلف می توان شناخت:

۱. مطالعه کتبی که در زمینه معارف اسلامی تألیف شده است مانند مجموعه آثار شهید مطهری یا مجموعه آثار شهید دستغیب تقریباً مباحث جامعی در زمینه عقاید و اخلاق اسلامی.
۲. با انتخاب مرجع تقلید و تهیه رساله او و مطالعه احکام با بخش دیگری از معارف اسلامی می توانید آشنا شوید.
۳. مطالعه کتاب های اخلاقی مانند کتاب معراج السعاده از احمد نراقی.
۴. مطالعه کتاب های تاریخ اسلام مانند تاریخ اسلام از جعفر سبحانی و سیره پیشوایان از مهدی پیشوایی.
۵. شرکت در مراسم مذهبی.

کتاب هایی که معرفی شد بر این اساس است که معارف دینی به سه بخش : عقاید، احکام و اخلاق تقسیم می شود و سیر مطالعاتی باید به گونه ای باشد که هر سه بخش را پوشش دهد و کتاب های فوق تقریباً هر سه بخش را پوشش می دهد مضافاً بر این که شرکت در مراسم مذهبی هم شما را با معارف اسلامی بیشتر آشنا می کند و هم با فرهنگی دینی بیشتر آشنا می شوید.

**مقام معظم رهبری در فرمایشی بیان فرمودند که کربلا نه یک واقعه است بلکه یک فرهنگ است . فرهنگ کربلا و کربلایی بودن را توضیح فرمایید؟**

### پرسش

مقام معظم رهبری در فرمایشی بیان فرمودند که کربلا- نه یک واقعه است بلکه یک فرهنگ است . فرهنگ کربلا و کربلایی بودن را توضیح فرمایید؟

### پاسخ

حادثه عاشورا حادثه ای است که در آن فرهنگ اسلامی مجسم شده است یعنی اموری که دین به آنها امر کرده و در جامعه

اسلامی جزو ارزشها محسوب می شود مانند مبارزه با ظلم و عدالتخواهی ، مروت و ایثار و جوانمردی ، صبر و استقامت در مصائب داشتن بالاترین درجه محبت و عشق نسبت به خدا و ۰۰۰ در این حادثه بوسیله امام و یاران وفادارش جامه عمل پوشیده اند.

و به قول استاد مطهری ره : « حادثه کربلا یک نمایش از سربازان اسلام است اما نه نمایشی که صرفاً نمایش و صورت بازی باشد که آدمکهای بسازند و صورتکی درست کنند ولی در واقع حقیقت نداشته باشد مثلاً آیه « ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بأن لهم الجنة » (۱) در این حادثه کربلا خودش را نشان می دهد. » (۲)

همانطور که ذکر شد حادثه کربلا تجسم عملی فرهنگ اسلامی است و آیات قرآن که راه رسم زندگی و فرهنگ دینی را به انسانها می آموزد در این واقعه عینیت یافته است.

یکی دیگر از آیاتی که در حادثه کربلا تجسم یافت و به نمایش در آمد آیه « ومن الناس من يتخذ من دون الله اندادا يحبونهم كحب الله والذين امنوا اشد حبا لله » (۳) یعنی : برخی از مردم غیر خدا را همانند خدا می گیرند و چنانکه خدا را باید دوست داشت به آنان دوستی می ورزند ولیکن آنها که اهل ایمانند کمال محبت و دوستی را فقط مخصوص خدا می گردانند.

حال ببینیم حسین علیه السلام جزء کدام گروه هستند کسانی که

دل‌بستگی و دوستی و علاقه‌شان به غیرخدا به اندازه خداست یا کسانی که بیشترین دوستی و دل‌بستگی‌شان را به خداوند اختصاص داده‌اند در حادثه کربلا- امام حسین (ع) نشان می‌دهند که اهل ایمانند و شدیدترین دوستیها و محبت‌ها را با خدا دارند. والذین امنوا اشد حبا لله .

استاد مطهری (ره) در این باره می‌گویند ما بچه‌هایمان را دوست داریم آیا حسین بن علی (ع) بچه‌های خود را دوست نداشت مسلماً او بیشتر دوست داشت . ابراهیم خلیل هم این طور نبود که کمتر از ما اسماعیلش را دوست داشته باشد. خیلی بیشتر دوست داشت به این دلیل که از ما انسان تر بود و این عواطف ، عواطف انسانی است او انسان تر از ما بود و قهراً عواطف انسانی او هم بیشتر بود . حسین بن علی هم از مثل ما فرزندان خود را دوست می‌داشت اما در عین حال او خدا را از همه کس و هر چیزی بیشتر دوست می‌داشت و در مقابل خداوند و در راه خدا هیچ کس را به حساب نمی‌آورد. (۴)

یکی دیگر از آیه‌هایی که رد حادثه عاشورا تجسم یافت و به نمایش درآمد و سرمشق عملی انسانها شد آیه « لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریرص علیکم بالمؤمنین رثوف رحیم » (۵) یعنی : همانا رسولی از جنس شما برای خلق آمد که از فرط محبت و نوع پروری فقرو پیشانی و جهل و فلاکت شما براو سخت می‌آید و برای نجات شما حریرص و به مؤمنان مهربان می‌باشد.

اسلام دین محبت و مهرورزی است اما همانطور که گفتیم این محبتها جهت دارند و جهت آن خدایی است ممکن است کسی



چیزی یا کسی را به خاطر خودش و خودخواهی و منافعش دوست داشته باشد که اگر آن منافع تأمین نشود آن دوستی هم نیست . اما گاهی دوستیها به خاطر خداست محبت امام حسین علیه السلام از اینگونه محبت ها بود.

وجود مبارک اباعبدالله از بدبختی سپاهی که به جنگش آمده بودند متأثر بود نمی خواست حتی یک نفرشان به این حال بماند و تمام سعی خود را برای برگرداندن آنها می کرد می گویند اباعبدالله برای آنکه آنها را از جنگ با دین منصرف کند یک دفعه سوار شتر ( چون بلندتر است که سپاه دشمن او را ببیند) می شود و می رود اندرز میدهند و برمی گرداند عمامه پیامبر را به سر می گذارند لباس پیامبر را می پوشند ، سوار اسب می شوند و به سوی آنها می روند بلکه بتوانند از این گروه شقاوت کار کسی را کم کنند.

در اینجا حسین یکپارچه محبت است یکپارچه دوستی است که حتی دشمن خود را هم واقعاً دوست دارد و برای هدایت او حریص است . آیه دیگری که در حادثه عاشورا تجسم یافت و جان گرفت آیه « ان الانسان خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا واذا مسه الخير منوعا الا المصلين » (۷) یعنی : انسان مخلوقی سخت حریص و بی صبر است ، چون شر و زبانی به او رسد جزع و بی تاب می کند و چون مال و دولتی به او رو کند منع احسان کند مگر نماز گزاران.

امام حسین (ع) در حادثه کربلا نشان داد که از مصلین و نماز گزاران واقعی است که در کوران حوادث و سختی ها به بی تاب و جزع و فرع نمی افتد . این آیه کریمه در جای جای

حادثه کربلا جان گرفته است اما اوج تجسم آن در شب عاشورا است.

از مظاهر درخشنده حادثه کربلا واز تجلیات بزرگ الهی آن موضوع جمع کردن اصحاب در شب عاشورا است و سخنرانی امام حسین برای آنهاست ، باید در نظر داشت که این سخنرانی در شب عاشورا است ، هنگامی است که عوامل محیط از هر جهت نامساعد و ناامید کننده است . در چنین شرایطی هر سردار ورهبری که تنها مادی فکر کند جز لب به شکایت باز کردن کاری ندارد منطقی این است : افسوس که بخت با ما مساعد نشد ۰۰۰ مثل ناپلئون می گوید طبیعت با من مساعدت نکرد ، همه سخنانش شکایت از روزگار و احساس یأس است. آنچه شرایط را برای او سخت تر می کند اینست که زنان و فرزندان و خواهرانش تا ۲۴ ساعت دیگر اسیر دست دشمن می شوند برای یک مرد غیور و فداکار این خیلی ناگوار است.

در یک چنین شرایطی دیگران چه کرده اند ما در تاریخ می خوانیم که المقنع وقتی که محصور شد و در شرایط نامساعد و ناامید کننده ای قرار گرفت اول خاندان خود را کشت ، بعد خودش را . همچنین است یکی از خلفای اموی که در هنگام گرفتاری همین رفتار را داشت تاریخ از این نمونه ها بسیار دارد.

اما حسین بن علی علیه السلام وقتی که شروع کرد به سخنرانی گفت : اُتني على الله أحسنَ الثناء واحمده على السراء والضراء اللهم انى احمدك ۰۰۰ با اینهمه شرایط نامساعدی مادی ، دم از رضا و سازگاری با عوامل می زند چرا ؟ چون در شرایط معنوی مساعدی زیست می کند ، او اعتقاداً و عملاً موحد و خداپرست است و بعلاوه او به نتیجه نهایی کار خود آگاه

است هدفش مثل اسکندر و ناپلئون جهانگیری نبود که خود را شکست خورده بدانند، هدفش اعتلای کلمه حق بود و از این نظر کار خود را بسیار سودمند و مؤثر میدید. (۸)

و تاریخ کربلا- نشان داد که نه تنها امام حسین علیه السلام بلکه هیچکدام از یاران ایشان در این موقعیت حساس دچار یأس و ناامیدی و شکوه و شکایت نشدند و این نشان می دهد که دستوراتی که دین برای انسان سازی و فرهنگ دینی آورده عملی و شدنی است و انسانها در نهایت سختی ها و مشکلات اگر توکل و اعتمادشان به خدای بزرگ و مهربان باشد عزت و شرف خود را از دست نمی دهند و به جزع و بیتابی نمی رسند.

منابع و مآخذ

۱-قرآن کریم، مبارکه توبه، آیه ۱۱۱

۲-حماسه حسینی مطهری مرتضی، ج ۱، ص ۳۸۱.

۳-قرآن کریم، مبارکه بقره، آیه ۱۶۵.

۴-حماسه حسینی، مطهری مرتضی، ج ۱، ص ۲۲۴.

۵-همان، ص ۳۹۸.

۶-قرآن کریم، مبارکه توبه، آیه ۱۲۸.

۷-قرآن کریم، مبارکه معارج، آیه ۱۹-۲۸.

۸-حماسه حسینی مطهری مرتضی ج ۲، ص ۷۴-۷۵.

**فرهنگ به چه معناست ؟**

**پرسش**

فرهنگ به چه معناست ؟

**پاسخ**

فرهنگ به معنای ادب، تربیت، علم و دانش و آداب و رسوم آمده است. بالا- بودن سطح فرهنگ لزوماً تابع سطح عادی زندگی نیست؛ بلکه حضور برخی از فرهیختگان (مانند عالمان برجسته) و تأثیر گذاری بر مردم و نیز تلاقی با فرهیختگان از دیگر مناطق و سیطره شیوه های تربیتی مناسب، در این رابطه بسیار مؤثر است. البته گاهی تأثیر یک عامل (مانند تأثیر گذاری

یک عالم بزرگ) ممکن است به قرن‌ها قبل برگردد و هم چنان اثر خود را در طیف‌های متمدنی حفظ کرده باشد. }]

## چرا فرهنگ اسلام، در خارج از کشور مشتاقان زیادی دارد؟

### پرسش

چرا فرهنگ اسلام، در خارج از کشور مشتاقان زیادی دارد؟

### پاسخ

الف) این که تبلیغ اسلام در خارج مشتاقان بیشتری دارد مبتنی بر کدام آمار است و چه منبع معتبری دارد؟ آنچه مسلم است این که اسلام دین جذابی است و هر کس جوایح حقیقت باشد، به محض آشنایی با حقایق و معارف نورانی اسلام، به سوی آن جذب می‌شود؛ چه در داخل باشد و چه در خارج از کشور.

ب) منظور از مبلغان فرهنگی چیست؟ اگر مقصودتان فرهنگ دینی باشد؛ در حال حاضر مبلغان بسیاری در ایام خاصی (مانند ماه رمضان و محرم) به دانشگاه‌ها رفته و به تبلیغ دین می‌پردازند؛ لیکن نیاز موجود مسلمانان بسیار بیشتر از تعداد مبلغ موجود است. }

## ایا افتخار به هویت ملی صحیح است و بحران هویت و عوامل ان و راهای مبارزه با انرا بیان کنید

### پرسش

ایا افتخار به هویت ملی صحیح است و بحران هویت و عوامل ان و راهای مبارزه با انرا بیان کنید

### پاسخ

((هویت ملی)) مجموعه ای از تاریخ، فرهنگ و تمدن یک ملت است که در بستر زمان شکل گرفته است. در مورد افتخار کردن به هویت ملی چند نوع دیدگاه وجود دارد:

الف) دیدگاه کسانی که از هویت ملی ایدئولوژی می‌سازند و به شکلی ((نژاد پرستانه)) و یا ((سرزمین پرستی)) همه چیز را در شعاع آن می‌بینند چنین دیدگاهی هویت ملی را مطلق انگاشته و هر چیزی را که مربوط به آن باشد تقدیس می‌کند.

ب) دیدگاه دیگر در این موضوع، نظر کسانی است که ((هویت ملی)) را مطلق ندانسته و آن را در خور نقد می‌دانند. اینان با انتخاب دیدگاه منطقی‌تری به ملیت می‌نگرند و نژاد و خاک را تقدیس نمی‌کنند؛ بلکه دیدگاهی فراتر داشته و ((هویت انسانی)) را اصل قرار می‌دهند. دیدگاه‌های ((انترناسیونالیستی)) نوعاً بر این منطق استوار است.

اسلام نیز به روشنی دیدگاه ((انترناسیونالیستی)) دارد و مردم را در قالب فرزندان خاک و نژاد ملاحظه نمی‌کند؛ بلکه

سرشت بنی آدم را از یک گوهر دانسته و آنان را با هم برابر می داند. از نظر اسلام پرداختن به هویت ملی تا آن جا که هویت اسلامی را تحت الشعاع قرار ندهد اشکالی ندارد؛ ولی اگر بنا باشد به جای دین بنشینند و دیدگاه های خود را بر کرسی بنشانند، طبیعی است که با روند اصلی بینش دین در تضاد است. پس باید دیدگاهی

نقادانه و هشیارانه در برابر مدعیان ((هویت ملی)) داشت؛ بدین صورت که عناصر مفید آن را ارج نهاد و منطقه های غیر ارزشی و موهوم آن را رها ساخت.

برای مطالعه بیشتر ر. ک :

۱- سیر اندیشه ملی گرایی از دیدگاه اسلام مترجم : عقیقی بخشایشی

۲- جامعه انسانی اسلام مجتهد شبستری

۳- ناسیونالیسم و انقلاب رضا داودی

۴- سیر عقاید و اندیشه های سیاسی خزائلی

مسأله بحران هویت و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان پدیده ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می نمایم: نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می دهد که هر چه احساس بی هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش های حاکم در جامعه خویش بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه های غربی رپ و هوی متال و... بیشتر می شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه پذیری، فراهم نکرده است، گرایش های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی های شناختی و

ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه گر شده است. از جمله عواملی که زمینه های این روند را فراهم نموده و به آن شدت می بخشد عبارتند از:

۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است.

۲- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن از آنها.

۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب زده و مطبوعات وابسته به خارج و...) و همچنین سخت گیری ها و تنگ نظری های برخی از عناصر فعال در زمینه فرهنگی نسبت به مسائلی مانند مد و آرایش بومی و ملی جوانان که باعث سوق دادن آنها به طرف الگوهای غربی و بیگانه و در نتیجه بی هویتی شده است.

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.

به نظر می رسد از جمله مناسب ترین راهها برای مصونیت بخشیدن جوانان از بحران هویت و خارج ساختن آنان از باتلاق «الیناسیون» و از خود بیگانگی، بازگرداندن آنها به ساحل نجات هویت اجتماعی، فرهنگی و دینی است و در این عرصه، نزدیک تر شدن گروه های همسال

و جوانان متفکر، متدین و با اخلاق به آنان، گامی مهم در جهت جذب آنان می باشد. به طور کلی، جوانانی که در محیط خانواده و تحت نظارت والدین خویش بسر می برند و همواره دریافت کننده ی محبت های پدر و مادر خویش می باشند. سعی می کنند هنجارهای حاکم بر خانواده و محیط خویش را رعایت کنند، اما اکنون که بهانه ی تحصیل یا کار از محیط با صفای خانه و خانواده جدا شدند، سرمایه ی بزرگ توجّه و محبت اطرافیان را از دست داده اند و خود را فراموش شده می بینند و اصولاً هر چیزی که بتواند باعث توجه دیگران به ایشان شود، اقدام به آن کارها خواهند کرد. امروزه با توجه به الزامات عصر ارتباطات و پرتاب موشک های تهاجم فرهنگی غرب به جهان سوم و اصابت ترکش های آن به جوانان پاک و بی پناه، لازم است با تجدید نظر در ارزیابی هایمان نسبت به آنان، چترهای حمایتی جامعه را گستراند و این جوانان پیرو مدل های غربی را به ارزش های فرهنگی و معنوی جامعه باز گرداند. بسیاری از این جوانان تشنه ی محبت و مهربانی هستند و این اکسیر محبت را هر کجا بیابند به آن سمت خواهند رفت و چه بسا در این راه در دام های مفسد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (جذب جنس مخالف، اعتیاد، قاچاق و...) گرفتار خواهند شد. بهترین و کم هزینه ترین راه برای جلوگیری از چنین انحرافات فرهنگی، عرضه کردن فرهنگ ناب اسلامی در قالب فنون و هنرهای مختلف، از طریق جوانان خوش فکر، خوش ذوق و خوش برخورد است، مطمئن باشید اگر جوانان با مکتب حیات بخش اسلام و احکام نورانی آن و سیره ی معصومین (ع) آشنا شوند آن را



با هیچ چیز عوض نخواهند کرد.

بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- تحقق باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در

دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی

۸- و بالاخره توجه جدی به

نیازهای اساسی جوانان مانند حس زیبایی دوستی، آرایش، مرتب بودن، تنوع طلبی و ... و تلاش برای ارائه پاسخی منطقی و متناسب با این نیازها بر اساس الگوهای دینی و ملی، همچنان که مقام معظم رهبری در تیرماه ۱۳۸۳ در اجتماع پر شور جوانان همدان مطرح و مسئولین و دستگاه های فرهنگی را موظف به انجام آن نمودند.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

- انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم

- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی).

## از خود بیگانگی چیست؟

### پرسش

از خود بیگانگی چیست؟

### پاسخ

از خود بیگانگی این است که انسان به خود توجه نکند و حقیقت خود را فراموش کند، قرآن مجید این موضوع را در آیاتی مطرح کرده است؛ مثلاً می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ (۱)؛ مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا آنان را نسبت به خودشان فراموشی داد». در این آیه کریمه فراموشی خود نتیجه فراموشی خدا به حساب آورده شده است. این بدان دلیل است که شخصیت انسان اصولاً در رابطه او با خدا حفظ می شود. کسی که بخواهد به نفع و مصلحت خود کار کند و در راه کمال خویش قدم بردارد، باید به یاد خدا باشد و ارتباط خویش را با خدا محکم کند. کسی که خدا را فراموش کند و تنها به مادیات پردازد، از خود بیگانه می شود و موجبات سقوط شخصیت انسانی خویش را فراهم می کند. از خود بیگانگی اصطلاح دیگری نیز دارد که در فلسفه غرب از سوی برخی جامعه شناسان مطرح شده است.

«بخش پاسخ به سؤالات»

(۱) سوره حشر، آیه ۱۹.

## آیا تمدن امروزی واقعاً تمدن است؟

### پرسش

آیا تمدن امروزی واقعاً تمدن است؟

در تعریف تمدن چنین آمده است: متخلق شدن به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت (اقرّب الموارد) البته این یک تعریف لغوی است و اکنون تمدن بدون پیشرفتهای تکنولوژیک تعریف نمی شود و چه بسا تنها با این ویژگی یعنی فن آوری متنوع و رشد رایانه ها و گسترش ارتباطات شناخته می گردد. اما به سادگی می توان به این پرسش پاسخ داد که این وجه تمدن هرگز تعریفی جامع از تمدن حقیقی نیست. زیرا آثار زیانبار آن روز به روز آشکارتر می گردد و بن بستهای اخلاقی، فکری، فلسفی، اجتماعی، نشانه ناتمام بودن آن ویژگی است. فرهنگ انسانی باید همراه رشد امکانات رشد کند و بالنده گردد و گرنه تیغ تیز به دست زنگی مست است.

مشکل اساسی در همین نکته نهفته است که فرهنگ حاکم باید بعد معنوی آدمی را گسترش دهد و جهت یابی زندگی را برایش تأمین نماید تا باعث هدایت و کنترل او گردد. و این فرهنگ با تلفیقی از هنر و ادبیات و فلسفه و حتی عرفان مهیا نمی گردد، چون در نظامی که انسان عمق و نیازهایش شناخته نشده، حتی عرفان به بازی گرفته می شود. چنانکه پرفسور چیتیک استاد دانشگاه هاروارد آمریکا گفته است غرب اکنون مثنوی و مولوی را مطرح می کند اما فقط صیغه عشق را برجسته می کند و هر جا سخن از تکلیف است سانسور می نماید. چون او به خوشی می اندیشد.

پس تنها راه نجات، اقبال به دین و وحی با تمامی جامعیت آن است. دین بن بست ها را می شکند و انسان را با همه ابعادش سرشار می نماید و او را

کنترل کرده و به همه دست آوردهایش جهت می بخشد. پس جواب پرسش با جرأت منفی است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

## هنجارها و ناهنجاریها

### مبسوط

### پرسش

مبسوط

### پاسخ

آن گونه که از سؤال شما برداشت می شود وجود برخی مشکلات و معضلات در جامعه نظیر بی عدالتی، فقر، فساد و ... موجب شبهاتی پیرامون عملکرد نظام اسلامی شده است و بین وضعیت موجود با باورها، اعتقادات و انتظاراتی که از یک حکومت اسلامی ایده آل داشته اید، ناهمخوانی و دوگانگی، مشاهده می نمایید. رفع این گونه شبهات و ابهامات در گرو توجه به امور ذیل است:

اولاً اصل وجود این قبیل مشکلات در جامعه امری مسلم و غیر قابل انکار است اما نکته اساسی قضاوت و ارزیابی صحیح پیرامون میزان این امور و علل یا عوامل اصلی آن است.

از سوی دیگر باید توجه داشت که آیا از وجود برخی مشکلات در جامعه، می توان هرگونه نتیجه ای را گرفت؟ آیا به خاطر برخی مشکلات باید منکر تمامی جهات مثبت نظام و منطبق بر تعالیم اصیل اسلامی شد؟ یا این که برعکس باید با بها دادن به این جهات و دستاوردهای مثبت، در صدد رفع کاستی ها و نقاط ضعف برآمد؟ آیا می توان دستاوردهای عظیم نظام اسلامی را در اسلامی کردن و اصلاح جامعه حفظ استقلال، تمامیت ارضی، عزت جهان اسلام، رشد و شکوفایی در عرصه های مختلف و... نادیده گرفت؟ آیا منصفانه است که تلاش های خالصانه رهبری و مسئولین نظام را در جهت مقابله با مفسد و مشکلات و نتایج مثبت آن را نادیده گرفت؟

ثانیا، اگر بخواهیم قضاوت صحیح در مورد میزان اسلامیت جامعه و نظام سیاسی خویش داشته باشیم ابتدا باید به شناختی دقیق از جامعه و نظام اسلامی و ویژگی های آن رسیده و سپس با وضعیت کنونی جامعه

الف) تعریف جامعه‌ی اسلامی و ویژگی‌های آن:

جامع‌ترین تعریفی که از جامعه‌ی دینی وجود دارد این است: جامعه‌ی دینی، جامعه‌ای است «دین باور»، «دین مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین» (جامعه‌ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ - ۲۱۰)..

جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه‌های آن تنظیم شده باشد. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه‌ی دینی دغدغه‌ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی‌شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه‌ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه‌ی روابط اجتماعی نافذ باشد (جامعه‌ی دینی، جامعه‌ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ - ۹۰).

بر این اساس ویژگی‌های جامعه‌ی دینی عبارتند از (حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف):

۱ دین باوری و اعتقاد به آموزه‌های دینی.

۲ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت مداری).

۳ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را بر نمی‌تابد (نظام دینی).

۴ در جامعه‌ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می‌کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند (دین داوری).

۵ چنین جامعه‌ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین).

جامعه‌ای که بر اساس مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فوق شکل گرفته باشد، جامعه‌ای دینی است.

بر این اساس می‌توان دو معیار اصلی برای جامعه‌ی اسلامی نام برد:

۱ افراد جامعه به

دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند.

۲ کلیه نظام های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد.

نکته ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیت آن جامعه بالاتر می رود.

ب) بررسی اسلامی بودن جامعه ی کنونی ایران:

با نگاهی به واقعیات جامعه ی کنونی ایران مشخص می شود که بحمدالله جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابراین در اصل اسلامی بودن جامعه ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده ی جامعه ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسئولین، نهادها و دستگاه های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی

منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و...) مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت ها و سنت های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و...) وجود نداشته باشد؛ وگرنه هرگز آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین (ع) نیز مطرح است.

حضرت علی (ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم تراز پیامبر اکرم (ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم (ص)، موجب اكمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است.

جنگ های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گسترده گی بدعت ها و سنت های فاسد و آلودگی های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه ای از مشکلات موجود در برابر حکومت عدل امام علی (ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه رو بودند؛ ولی در

همان حال آن حضرت شایسته ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی ها هیچ گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی کند.

حال آیا می توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی(ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از:

۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امه رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...» نحل، آیه ۳۶).

روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی اجتماعی است.

۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان ها و رهایی و.... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامم رسولاً منهم يتلوا عليهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه و ان كانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین»، (جمعه، آیه ۲).

۳. آزادسازی و رهایی توده های مردم و انسان های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم...»، (اعراف، آیه ۱۵۷).

۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...»، (حدید، آیه ۲۵).

۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام



ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..).

پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه های کمال انسان ها را فراهم نموده، زمینه های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با فراهم بودن تمامی این زمینه ها و بسترسازی ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامعاً کاملاً اسلامی خواهد شد، در جواب می توان به این آیه اشاره کرد که: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...؛ خداوند هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱).

بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش ها و معارف اسلامی به وجود آمده استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرند. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شرایط محیطی (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و..). هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از

این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) در جامعه بوده اند و تمام شرایط و زمینه های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شناخت عمیق نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد.

به علاوه، همان طور که پیشوایان معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف اند زمینه های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خود افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد.

در هر صورت مسأله مفساد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش ها و آرمان های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه های مسؤولین نظام خصوصا مقام معظم رهبری بوده است.

معظم له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می باشد.

بنابر آن چه گذشت، مشخص می شود که در جامعه ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی توان همه ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی

خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسؤولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه ها تلاش جدی نمایند، می توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت.

امام علی(ع) می فرماید: «فلیست تصلح الرعیه الا بصلاح الولاه و لاتصلح الولاه الا باستقامه الرعیه؛ مردمان اصلاح نشوند مگر زمامداران اصلاح شوند و اینان اصلاح نیابند مگر به درستی مردم(نهج البلاغه، ۶۸۳).

در این فرمایش هم بر نقش مسؤولین و هم بر نقش مردم تأکید می شود.

با این همه وظایف دانشجویان متعهد و دلسوز برای اصلاح جامعه سنگین تر می شود و مشکلات و معضلات جامعه نه تنها نباید باعث یأس و ناامیدی و تردید در انجام وظایف فردی و اجتماعی ما شود، بلکه باید انگیزه و عزم ما را در اصلاح جامعه راسخ تر نماید. اتکاء به خداوند متعال و یاری خواستن از او و توسل به ائمه اطهار(ع) بهترین پشتوانه ی هر فرد در چنین شرایطی است. «و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق، آیه ی ۳). که هم باعث جلوگیری از سستی و ضعف ایمان می شود و هم راه های هدایت و خروج از مشکلات را بر روی انسان می گشاید. البته همچنان به دنبال شغل و یا رشته ی تحصیلی مورد علاقه ی خویش باشید و در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی خود از هیچ گونه تلاش و مجاهدتی دریغ نورزید و به این وعده ی الهی مطمئن باشید که والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (عنکبوت، آیه ی ۶۹).

ثالثاً و نکته آخر این که، در ریشه یابی مشکلات جامعه می توان از رهیافت

های متعددی استفاده نمود. از قبیل رهیافت تک عاملی که ریشه همه مشکلات را ناشی از یک عامل مثلا اقتصاد یا مدیریت کشور می داند و یا رهیافت چند عامل که به صورت واقع بینانه و با ارائه آمار، شواهد و شاخص های مورد نیاز و به دور از هیاهوهای سیاسی و... به بررسی میزان دخالت و تأثیر عوامل مختلف در ایجاد یک پدیده پرداخته و نقش هر کدام را مشخص می نماید.

به نظر می رسد از میان این دو رهیافت، رهیافت تک عاملی، خصوصا درباره جامعه کنونی ما نه روش علمی و نه منطبق با واقعیات است لذا باید سراغ رهیافت دوم رفت و در بررسی علمی و محققانه این موضوع، زمینه ها و شرایط و ابعاد مختلف آن، موانع تاریخی، داخلی، بین المللی، امکانات و توانایی ها و... را به صورت واقع بینانه بررسی و ارزیابی نماییم.

مسئله طبیعی است جامعه ای مانند جامعه ما که از نظر سوابق تاریخی و مشکلات عظیمی که از نظر ساختار اقتصادی [تک محصولی بودن آن وضعیت وخیم صنعت، کشاورزی و...] و ساختار سیاسی، فرهنگی و اداری از قبل از انقلاب به ما منتقل شده و چه از نظر مشکلات طبیعی مربوط به انقلاب و ناشی از جنگ و خسارات عظیم آن [بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار، معادل هزینه ۷۰ سال کشور] و محاصره های بین المللی، تورم بین المللی و مشکلات ناشی از دوران سازندگی و رشد سریع جهت مشکلات ناشی از آن و...

معضلات ناشی از ساختار ناسالم اداری، تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها و رواج فرهنگ مصرف گرایی، تجمل پرستی و... ماهیتا دارای مشکل می باشد.

البته هر چند مسأله مدیریت قوی و کارآمد و عاری از سوء استفاده و فساد در بخشهای مختلف آن می تواند در کاهش مشکلات و تأمین نیازمندی های اساسی جامعه نقش مؤثری داشته باشد، ولی با توجه به دخالت متغیرهای دیگر به هیچ وجه نباید انتظار معجزه داشته باشیم، بلکه باید تمامی آحاد جامعه اصلا در انتخاب دقیق، صحیح و آگاهانه مسؤولین اجرایی و نمایندگان خود مشارکت فعال داشته باشند زیرا در نظام اسلامی ما تصمیم گیری و قانون گذاری درباره بخشهای مختلف جامعه و اداره آن به صورت مستقیم و غیر مستقیم با آراء و نحوه انتخاب مردم بستگی دارد، لذا باید به پیامدهای مثبت و منفی انتخاب خود به صورت دقیق فکر نماییم.

ثانیا، با همدلی و همکاری همه بخش های مختلف جامعه و نظام برای حل اساسی مشکلات و حرکت به سوی پیشرفت و تکامل مادی و معنوی جامعه، براساس ارزش ها و تعالیم اصیل اسلامی گام برداریم.

**سؤال ما این است که از لحاظ مکتب اسلام تکثیر چنین عکس هایی که در نگاه سلیم اجتماعی - فرهنگی غیر متعارف است مبنای اسلامی دارد در حالی که ما معتقدیم اثرات بد روانی و هیجانی دارد (نظر مراجع و علما و فضلا را هم می خواهیم در این مورد خاص بدانیم) آیا این چنین شهی**

**پرسش**

سؤال ما این است که از لحاظ مکتب اسلام تکثیر چنین عکس هایی که در نگاه سلیم اجتماعی - فرهنگی غیر متعارف است مبنای اسلامی دارد در حالی که ما معتقدیم اثرات بد روانی و هیجانی دارد (نظر مراجع و علما و فضلا را هم می خواهیم در این مورد خاص بدانیم) آیا این چنین شهیدان راهشان و خودشان زنده می شوند؟ این عکس ها را در میان جوانان دانشجو در مراسم دیدار با خانواده های داغ دیده شهیدان توزیع می کنند همراه انتخاب آیا جاذبه های داغ دیده شهیدان و فرهنگ دقیق اسلام ناب جایگزین برای این موارد دارد؟ لطفا نظر نمایی و دقیق

خوش رایان کنید. ضمنا ما معتقد به زنده کردن یاد و خاطره شهدا هستیم.

## پاسخ

هرگونه فعالیت تبلیغاتی و فرهنگی پیرامون ارزش های انقلاب اسلامی، باید با توجه به اثرات و پیامدهای آن صورت پذیرفته و بر این اساس شکل بگیرد. مسلما شهدا و زنده نمودن یاد و هدف آنان و فرهنگ شهادت طلبی، از بالاترین ذخایر انقلاب اسلامی است که در صورت استفاده صحیح، می تواند نتایج بسیار مطلوبی بر ابعاد مختلف جامعه اسلامی ما داشته باشد. از این رو توجه و ترویج آثار گرانقدر این عزیزان مانند عکس، وصیت نامه، خاطرات و..، اقدام فرهنگی مهم در این زمینه به شمار می آید که البته باید به جایگاه و شرایط هر مجموعه خاص توجه داشت و با توجه به ظرفیت ها، میزان کشش و توان درک روحی و فکری افراد، از این آثار بهره جست؛ مثلا بسیاری افراد بوده اند که تحت تأثیر آثار این شهیدان دچار تحول و انقلاب روحی شده اند و افق روشنی در زندگی آنان به وجود آمده است و یا این که برعکس برخی افراد چنین استعدادی نداشته و تأثیر منفی در آنها داشته است. خلاصه باید شرایط را در نظر گرفت.

**توی جامعه ما همه بد هستند مگر اینکه خلاف این ثابت شود همه از یکدیگر غیبت و بدگویی می کنند احزاب مختلف توی سر و کله یکدیگر می زنند و مدام از هم بدگویی می کنند و این باعث شده است که من به عنوان یک جوان و همچنین بسیاری از دوستانم از هر چی سیاست و سیاست مدار**

## پرسش

توی جامعه ما همه بد هستند مگر اینکه خلاف این ثابت شود همه از یکدیگر غیبت و بدگویی می کنند احزاب مختلف توی سر و کله یکدیگر می زنند و مدام از هم بدگویی می کنند و این باعث شده است که من به عنوان یک جوان و همچنین بسیاری از دوستانم از هر چی سیاست و سیاست مدار است بیزار می شوم ولی آیا واقعا همین گونه است آیا واقعا همه سیاست مداران بد هستند اگر آنها بد هستند پس چه

کسی خوب است اگر بخواهیم بدانیم چه کسی خوب است باید صبر کنیم تا او بمیرد آنگاه یک برنامه تلویزیون یا رادیویی و یا یکی از رسانه های گروهی دیگر برنامه ای برای یادبودش درست کنند و از او به خوبی بگویند و آنگاه ما هم حسرت بخوریم که افسوس چه کسی را از دست داده ایم . یادم می آید چند ماه پیش توی شهر خودمان اردبیل یک شاعر مرحوم شد و البته چون من با شعر و شاعری خیلی میانه ای ندارم یادم نیست که کی بود دوستم می گفت که یک کتاب از همین شاعر را داشت ولی او را نمی شناخت و با آنکه کتاب را بسیار دوست داشت فقط از اسم شاعر خبر داشت زمانی فهمید که او همشهری اش است که توی رادیو برایش یادبود گرفتند و خلاصه به من بگویند در این آشفته بازار از همه رنگ ما چگونه باید بفهمیم که چه چیزی خوب است و چه چیزی بد است کی راست میگه کی دروغ؟

## پاسخ

قبل از پرداختن به موضوعات مطرح در سؤال لازم است به این واقعیت تذکر داده شود که این چنین نیست که در جامعه ما همه بد باشند و یا بدبینی و تهمت و امثال آن جامعه را فرا گرفته باشد، بلکه نگاهی منصفانه به دیدگاه ها و موضع گیری های مسئولین عالی رتبه و یا قوه قضائیه به عنوان نماد غالب در جامعه، خلاف این را ثابت می نماید، به عنوان نمونه کافی است بیانات مقام معظم رهبری را در مورد قوای سه گانه مرور بنمایید، ایشان علی رغم مشکلاتی که در

کارکردهای این قوا وجود دارد، همواره سعی در تقویت و برجسته نمودن امتیازات و نکات قوت داشته اند. هر چند در برخی موارد چاره ای نیست غیر از این که به افراد خاطی و یا مسؤولینی که از انجام وظایف خویش غفلت ورزیده اند و یا تحت تأثیر تبلیغات دشمنان نظام اسلامی قرار گرفته اند، تذکراتی بدهند و اگر غیر از این باشد دیگر نه تنها رهبری و یا سایر دستگاه های قضایی و اطلاعاتی و امنیتی در انجام وظایف قانونی خود کوتاهی نموده اند، بلکه مصالح، منافع و امنیت ملی و جامعه اسلامی با بحران و آسیب مواجه خواهد شد.

اما در مورد سؤال باید گفت: متأسفانه عملکردهای ناشایست برخی جناح ها و افراد سیاسی و عدم پایبندی به اصول، موازین فقهی، شرعی و اخلاقی در رقابت های سیاسی از یک سو و بزرگ نمایی این قبیل مشکلات توسط مخالفین نظام اسلامی در داخل و خارج، چنین برداشتی را برای برخی دانشجویان و سایر افراد جامعه به وجود آورده است و حال آن که اگر با دیدی منطقی، باز و تحلیل گرانه - آنگونه که از یک دانشجو انتظار می رود - به بررسی موضوعات موجود پردازیم به این نتیجه می رسیم که در قضاوت پیرامون چنین مسائلی باید چند نکته را در نظر داشت:

اولاً، همانگونه که آموزه های اسلامی و سیره پیشوایان اسلام نشان می دهد، سیاست و پرداختن به امور سیاسی فی نفسه نه تنها امری مذموم و مطرود نیست بلکه قسمت عظیمی از تعالیم اسلامی (قرآن و روایات) و سیره بزرگان اسلام، پیرامون سیاست و موضوعات مربوط به چگونگی اداره و تنظیم



روابط مختلف جامعه بوده و تک تک افراد جامعه را موظف به دخالت در امور سیاسی، اجتماعی خود می‌داند و به عبارت دیگر در دین اسلام سیاست با دین عجین شده و پیوستگی کامل داشته و با آن توأم اند و کوشش برای اصلاح جامعه، از بزرگترین ارزش‌های اسلامی می‌باشد، تا جایی که از مهمترین اهداف و عملکردهای اساسی تمامی پیامبران الهی و ائمه معصومین (ع) به شمار می‌آید و از سوی دیگر نگاهی به عملکرد فقها و علمای بزرگ معاصر نظیر مرحوم آیت الله نائینی، مرحوم آیت الله شیرازی، حضرت امام، شهید مطهری و بهشتی و آیت الله خامنه‌ای و... و دخالت در سیاست و تصدی امور سیاسی، همه حاکی از این واقعیت است که هم می‌توان سیاست و سیاستمدار خوب و الهی داشت و هم این که فعالیت‌های سیاسی را براساس معیارهای الهی پیش برد و در این راه تنها در چارچوب موازین شرعی و اخلاقی حرکت کرد.

ثانیا، جامعه ما ترکیبی از سه نوع فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی است که علی‌رغم وقوع انقلاب اسلامی، آنچنان که شایسته است، فرهنگ اصیل اسلامی در بخش‌هایی از جامعه از جمله حوزه فعالیت‌های سیاسی جناح‌ها، نهادینه نشده است و برخی افراد و گروه‌ها تحت تأثیر امیال و هواهای نفسانی و فرهنگ‌های مادی، تنها کسب قدرت و بیرون راندن رقیب با هر وسیله‌ای را هدف اصلی خود قرار می‌دهند که نتیجه آن بروز برخی کارکردها و رفتارهای مغایر با موازین و معیارهای اسلامی و انسانی و اهداف انقلاب اسلامی است.

ثالثا، براساس نکات اول

و دوم، قضاوت عام پیرامون سیاست و رفتارهای سیاسی و انتساب خوب یا بد به همه آن، صحیح نمی باشد، بلکه باید هر سیاست، رفتار سیاسی و سیاستمداری را براساس ملاک‌ها و معیارهای خاصی در نظر گرفت و بررسی موردی نمود. معیارهایی نظیر:

۱. اهداف اساسی آن که آیا تعالی و اصلاح جامعه و خدمت به مردم است یا منافع شخصی و ارضای امیال نفسانی.

۲. میزان هماهنگی با تعالیم اسلامی و رعایت اصول و موازین فقهی - شرعی و اخلاقی، در رقابت و فعالیت های سیاسی.

۳. میزان همکاری و ارتباط با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا و...

بر این اساس به هر میزان سیاستی یا سیاستمداری با این ملاکات مطابقت داشته باشد، به همان اندازه مورد تأیید اسلام و رضایت خداوند و مردم می باشد و در صورت عدم مطابقت، اسلامی نبوده و مورد تأیید نظام اسلامی نمی باشد.

رابعاً، در این که کوتاهی هایی در معرفی، تقدیر و تجلیل از افراد خدوم و صادق به جامعه و انقلاب اسلامی، وجود دارد، جای بحث نیست، اما نباید تأکیدات نظام اسلامی و برنامه های مختلفی که توسط سازمان ها و رسانه های عمومی در تجلیل و معرفی شخصیت های علمی و نخبگان کشورمان به جامعه می شود، نادیده گرفت، مراسمی نظیر برگزاری بزرگداشت شخصیت های علمی، ادبی، مذهبی و... و برنامه هایی که توسط صدا و سیما در معرفی این بزرگواران، به جامعه و خصوصاً نسل جوان وجود داشته و دارد، همگی بیانگر رویکرد جدی سازمان ها و مسؤولین فرهنگی به این امر مهم می باشد.

### **نظر اسلام در مورد تفریح چیست و کدام تفریح ارزنده است؟**

#### **پرسش**

نظر اسلام در مورد تفریح چیست و کدام تفریح ارزنده

## پاسخ

تفریح و سرگرمی یک ضرورت حیاتی است و برآوردن این تمایل برای تمام طبقات مردم، لذت بخش و اجتناب ناپذیر است. با تفریح سالم، آدمی از ملاطت کارهای یکنواخت و خسته کننده‌های می‌یابد و زمینه بهره‌وری بیشتر از کار و فعالیت فراهم می‌گردد.

اسلام به این امر، توجه کرده و آن را در برنامه‌های روزمره مسلمانان گنجانده است. امام رضا(ع) می‌فرماید: "از لذایذ دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید، ولی از راه حلال باشد و به مردانگی شما آسیب نرساند و به اسراف نگراید. از این امر در اداره زندگی استمداد نمایید". (۱)

در روایت دیگر حضرت ساعات روز را به چهار دسته تقسیم کرده، عبادت، تأمین معاش، معاشرت با دوستان مورد اطمینان و تفریح، بعد می‌فرماید: "از مسرت و نشاط ساعت تفریح، نیروی انجام وظایف در ساعات دیگر را تأمین نمایید". (۲)

اسلام بر تفریح سالم، تأکید دارد؛ تفریحی که به نفع یکی از جهات مادی یا معنوی باشد، بنابراین تفریح به معنای اتلاف وقت و بی‌بند و باری و آلودگی به مفسد اجتماعی نیست، بلکه عامل جلوگیری از تبهکاری و ناهنجاری‌های اجتماعی و تأمین سلامتی جسمانی و روانی است. بر این اساس تفریحات مورد تأکید اسلام عبارتند از:

مسافرت، ورزش، مطالعه، دید و بازدید. در شعری که به امام علی(ع) نسبت داده شده، حضرت فرمود: برای نیل به تعالی از وطن خود دور شوید و مسافرت کنید که در سفر پنج فایده است: انبساط روح، تأمین معاش، علم آموزی، ادب آموزی و دوستی با خوبان. (۳)

پی‌نوشت‌ها:

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۶.

۲. همان.

۳. محمد تقی

## قرآن سرچشمه فساد در روی زمین را چه می داند؟ پرسش

### اشاره

قرآن سرچشمه فساد در روی زمین را چه می داند؟

### پاسخ

قرآن استعمار و استثمار انسان را بوسیله انسان، سرچشمه فساد در روی زمین میداند، و آنرا به شدت محکوم میکند «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَهُ مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» قصص / ۴ [فرعون در روی زمین طغیان نمود و اهل آنرا به دسته ها و طبقه ها تقسیم کرد، جمعی از آنها را ناتوان (و اسیر و مستعمره خود) می شمرد، پسرانشان را بقتل میرساند (تا نیروی فعال انسانی آنها را نابود کند) و دخترانشان را (برای خدمت) زنده نگه میداشت، حقاً او از مفسدان بود]

قرآن می گوید؛ حکومت روی زمین، حق صاحبان زر و زور نیست، بلکه حق خاص «بندگان صالح خدا» است «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» انبیاء / ۱۰۵ [بندگان صالح و شایسته من وارثان زمین خواهند شد]

## جایگاه عرف و هنجارهای اجتماعی در شرع چیست؟ عمل به هنجارهای اجتماعی لازم است یا نه؟

### پرسش

جایگاه عرف و هنجارهای اجتماعی در شرع چیست؟ عمل به هنجارهای اجتماعی لازم است یا نه؟

### پاسخ

در طول تاریخ نسبت به اعتبار عرف و عادت بین علماء اختلاف بوده است. برخی از آنها برای عرف اعتبار قائل شده اند که عمدتاً از اهل سنت هستند و ادله ای هم برای اعتبار عرف اقامه نموده اند که استاد ابراهیم جناتی در بحث منابع اجتهاد به هفت دلیل آنها اشاره می کنند که البته آنها هم در اعتبار عرف شرائطی قائلند که از جمله آنها این است که عرفی را معتبر دانند که مورد پسند عقل و مطابق با ذوق سلیم و رأی عمومی باشد، ولی از نظر علماء شیعه، عرف و عادت به عنوان منبع و پایه شناخت احکام شرعی مورد پذیرش قرار نگرفته و تنها حجیت و اعتبار آن را مخصوص به موارد خاص دانسته اند، بدین جهت هیچیک از اقسام عرف نمی تواند دلیل مستقلاً در مقابل کتاب (قرآن) سنت، اجماع و عقل باشد بلکه اعتبار آن منوط به کاشفیت از امضاء شارع است که در این صورت داخل در سنت می شود، استاد جناتی می فرماید: اعتبار و کاربرد عرف و عادت در امور زیر است،

- کشف مقصود گوینده

- کشف حکم شرعی

که تشخیص و یا تنقیح صغریات برای موضوعات احکام کلی و یا تنقیح آنها برای قیاسهای استنباطی و یا تحدید موضوعهای احکام کار عرف است، و نیز از نظر حقوقی نیز در اعتبار عرف و عدم آن اختلاف است که در این رابطه می توانید به مبانی حقوق در ایران آقای نجومیان مراجعه کنید.

بهر حال آنچه از عرف و عادت و هنجارهای اجتماعی که از طرف شرع تأیید و امضاء شده،

لازم است پیروی شود و آنچه نفی شده، قابل تأیید نمی باشد.

## چرا در این زمان حرف اول را پول و پارتی می زند؟

### پرسش

چرا در این زمان حرف اول را پول و پارتی می زند؟

### پاسخ

ریشه این بیماری دردناک ضعف فرهنگ دینی و اخلاق انسانی است که اصلاح آن نیاز به فرهنگ سازی دارد. تا زمانی که همه افراد جامعه خود را ملزم به رعایت اخلاق و دستورات دین نکنند این گونه امور ریشه کن نمی شود.

اگر افراد مسئول در جامعه براساس تکلیف دینی و وظیفه اخلاقی خود عمل کنند و اشخاص مراجعه کننده نیز به وظایف شرعی و اخلاقی خود آشنا و ملتزم باشند، این مشکلات پیش نمی آید. البته این مسئله مخصوص این زمان نیست بلکه این امر، بسیار ریشه دار و با سابقه تاریخی است و تنها در اوایل انقلاب که دگرگونی فرهنگی روی داد و مردم از فرهنگ طاغوت رویگردان شدند و مسئولان نیز براساس وظیفه شرعی به خدمت مردم پرداختند، وضعیت بهتری پیش آمده بود.

**با توجه به وضعیت فعلی دانشگاه ها که رعایت مسایل شرعی ، نشانه بی فرهنگی و عقب ماندگی اجتماعی و عدم رعایت موازین شرعی نشانه تجدد و فرهنگ تلقی می شود ، چگونه می توان بین دین و دنیا و حفظ موقعیت دینی و اجتماعی ، جمع نمود؟**

### پرسش

با توجه به وضعیت فعلی دانشگاه ها که رعایت مسایل شرعی ، نشانه بی فرهنگی و عقب ماندگی اجتماعی و عدم رعایت موازین شرعی نشانه تجدد و فرهنگ تلقی می شود ، چگونه می توان بین دین و دنیا و حفظ موقعیت دینی و اجتماعی ، جمع نمود؟

### پاسخ

دین اسلام در زمینه زندگی در این دنیا و معاشرت با هموعان دستورات فراوانی دارد و به هیچ وجه گوشه گیری و دوری گزیدن از جامعه و مردم را نمی پسندد و به آن توصیه نمی کند. و جالب این است که نکات و توصیه های خاصی در نحوه معاشرت با هر صنف از اصناف مردم (کودک بزرگسال محرم و نامحرم ذی حق و...) به مسلمانان ارایه نموده است

بنابراین با توجه به موقعیت اجتماعی و وظیفه دینی عمل به دستورات خداوند آسان و به دور از تکلف خواهد بود. مثلاً در مسأله صحبت با نامحرم وظیفه فرد مؤمن این است که حدّ ضرورت را در نظر بگیرد، یعنی بحث و گفتگو درباره مطالب لازم مانعی ندارد، ولی در عین حال وقار و متانت در حین گفتگو و پرهیز از خودمانی شدن که تبعات خاصی مانند، نگاه ممتد با

خنده و شوخی کردن و... دارد مورد توجه و سفارش قرار گرفته است رعایت این مسایل در نحوه ارتباط با دیگران نه تنها مضر نیست بلکه مفید نیز می باشد، زیرا هر انسانی حق دارد و می تواند تمایلات خود را که نشان دهنده شخصیت اوست در عمل نمایان سازد و از دیگران بخواهد که به آن توجه داشته باشند. پس نباید منفعلانه عمل

نمود زیرا این روش حکایت از ضعف روحیه و ساخته نشدن شخصیت بایسته در فرد می کند.

و در نهایت هر یک از ما مسلمانان باید فرهنگ ساز باشیم نه خودباخته در مقابل فرهنگ دیگران و اگر این در شرایط دشوار صورت گیرد، اجر اخروی آن نیز بیشتر خواهد بود.

### چرا هنوز در مراکز مهم مذهبی مسأله رشوه و پارتیبازی حل نشده است، آیا این مراکز، قرآن را مطالعه نکرده‌اند؟

#### پرسش

چرا هنوز در مراکز مهم مذهبی مسأله رشوه و پارتیبازی حل نشده است، آیا این مراکز، قرآن را مطالعه نکرده‌اند؟

#### پاسخ

گفتار بدون کردار، یکی از صفات زشت است که قرآن کریم از آن نکوهش کرده است.

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ" (صف، ۲ و ۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید."

از بدترین بلاهایی که ممکن است بر یک جامعه مسلط شود، بلای سلب اطمینان است و عامل اصلی آن جدایی گفتار از کردار است؛ مردمی که می‌گویند و عمل نمی‌کنند، هرگز نمیتوانند به یکدیگر اعتماد کنند و در برابر مشکلات هماهنگ باشند؛ هرگز برادری و صمیمیت در میان آنان حاکم نخواهد شد؛ هرگز ارزش نخواهند داشت و هیچ دشمنی از آنان حساب نمیرد.

اولاً- باید توجه داشت که در مراکز مذهبی، مسأله اخذ رشوه و پارتیبازی مطرح نیست. رشوه و پارتیبازی مربوط به مراکز اداری و اقتصادی است نه مراکز مذهبی.

ثانیاً، بسیاری از جاهایی که رشوه می‌گیرند یا پارتیبازی میکنند، از زشتی و حرمت این کارها آگاهند؛ ولی در عمل به علمشان ترتیب اثر نمیدهند؛ برای جلوگیری از این کارهای زشت: اولاً باید نیروی ایمان در این افراد تقویت شود؛

ثانیاً، باید نظارت مسئولان مافوق دقیقتر انجام گیرد. (ر.ک: تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۲۴، ص ۷۶۶، دارالکتب الاسلامیه.)

### قرآن کریم در مورد "شایعه" چه آیاتی را بیان میکند؟

#### پرسش

قرآن کریم در مورد "شایعه" چه آیاتی را بیان میکند؟



از بلاهای بزرگی که دامن گیر جوامع مختلف شده و روح اجتماعی و تفاهم و همکاری را در میان مردم از بین میبرد "شایعه" است. جعل و پخش شایعات دروغین و نگران کننده یکی از مهمترین شاخه‌های جنگ روانی توطئه‌گران است که برای جریحهدار ساختن حیثیت نیکان و پاکان جامعه و پراکنده ساختن مردم از اطراف آنها صورت میگیرد، به همین جهت اسلام صریحاً با شایعه مبارزه کرده و قرآن کریم در این مورد، در سه بخش سخن میگوید:

۱. شایعه سازی؛ ۲. شایعه پراکنی (که این دو بخش غالباً توسط منافقان صورت میگیرد)؛ ۳. شایعه پذیری. (که غالباً توسط افراد جاهل و ناآگاه اتفاق میافتد)

خداوند در مورد شایعه سازان میفرماید: "اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی است و آنها که اخبار دروغ و شایعات بیاساس در مدینه پخش میکنند، دست از کار خود برندارند، تو را سخت بر آنان مسلط میکنیم. سپس جز مدت اندکی نمیتوانند در کنار تو در این شهر بمانند و از همه جا طرد میشوند و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید. درباره کسانی که بیشتر بودند [همین] سنت خدا [جاری بوده] است؛ و در سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت." (احزاب، ۶۱-۶۲).

این آیات در مورد گروهی از منافقان و دشمنان اسلام است که در مدینه به ساختن و پخش شایعات، علیه پیامبر اکرم پیروا شدند به خصوص به هنگامی که حضرت با ارتش اسلام به غزوات میرفتند، با خبرهای دروغین از شکست پیامبر و مؤمنین به تضعیف

روحیه بازماندگان آنان همت داشتند خداوند به آنها هشدار میدهد که اگر دست از اعمال زشت و ننگین خود برندارند. فرمان حمله عمومی و یورش به آنها را صادر خواهیم کرد تا با یک حرکت مردمی مؤمنان، همه را از مدینه (مرکز و حکومت اسلامی) ریشه کن سازیم و در هیچ جا در امان نخواهند بود؛ چون آنها را با دقت پیدا میکنند و به دیار عدم میفرستند. و در پایان این تهدید را جدی دانسته تا بدانند که مطلب کاملاً قطعی و ریشه دار و غیر قابل تغییر و تبدیل است. (رجوع کنید به: تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۷، ص ۴۲۹، دارالکتب الاسلامیه / تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱۶، ص ۳۴۰، انتشارات اسماعیلیان).

قرآن در مورد شایعه پراکنی میفرماید: "و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد (بدون تحقیق) آن را شایع میسازند، در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان که قدرت تشخیص کافی دارند باز گردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد." (نساء، ۸۳)

که بسیاری از خبرهای آنان در مورد پیروزی و شکست مسلمانان بدون تحقیق و بیاساس بوده و غالباً از طرف دشمنان به منظورهای خاصی جعل میشده است. (رجوع کنید به: تفسیر نمونه، همان، ج ۴، ص ۳۰).

در داستان پرماجرایی "افک" (تهمت عظیم) که جمعی از دشمنان شکست خورده و منافقان کوردل نسبت اتهام عمل منافی عفت به یکی از زنان پیامبر ۶ دادند و این تهمت را شایعه کردند، به طوری که عده‌های از مؤمنان تحت تأثیر این شایعه قرار گرفتند، خداوند متعال میفرماید: "مسلماً کسانی که

آن تهمت عظیم را عنوان کردند، گروهی (متشکل و توطئه‌گر) از شما بودند؛ اما گمان نکنید این ماجرا برای شما بد است، بلکه خیر شما در آن است؛ برای هر کسی از آنان (که در این کار دست داشته) همان سهم از این گناهی است که مرتکب شده است؛ و از آنان کسی که بخش مهم آن را برعهده داشته، عذابی سخت خواهد داشت. " (نور، ۱۱)

که این آیه اشاره به "شایعه سازان" دارد؛ سپس خطاب به "شایعه پذیران" که افرادی مؤمن و ظاهرین بودند میفرماید: "چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود (و کسی که همچون خود آنها بود) گمان نیک نبردند و نگفتند: "این دروغی بزرگ و آشکار است؟!"; و در ادامه داستان میفرماید: "و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت شامل شما نمیشد، قطعاً به (سزای) آنچه که در آن دخالت داشتید، به شما عذابی بزرگ میرسید آن گاه که این شایعه را از زبان یکدیگر میگرفتید، و با دهانهای خود چیزی را که بدان علم نداشتید میگفتید و مینداشتید که کاری سهل و ساده (و کوچک) است، در حالی که نزد خداوند بس بزرگ است چرا هنگامی که آن را شنیدید نگفتید: "ما حق نداریم که به این سخن (و در این موضوع) سخن بگوئیم؛ خداوندا منزهی تو، این بهتانی بزرگ است؟!"; خداوند شما را اندرز میدهد که هرگز چنین کاری را تکرار نکنید. اگر ایمان دارید" (نور، ۱۲۱۷)

در پایان نیز خطاب به "شایعه پراکنان" چنین هشدار میدهد: "کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب

دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت خواهد بود؛ و خداوند میداند و شما نمیدانید." (نور، ۱۸) (رجوع کنید به: تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۵، ص ۹۲، اسماعیلیان / ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۱۲۹، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی / تفسیر نمونه، همان، ج ۴ و ۳).

و فرمان خداوند متعال در خشتی سازی شایعه و عدم پذیرش آن چنین است: "وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصِيرَ وَالْأَفْئَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا" (اسراء، ۳۶) و از آنچه که به آن آگاهی نداری پیروی مکن؛ چرا که گوش و چشم و دل همه مسئولند." پس در صورت جهل و نادانی مردم است که شایعه در جامعه پذیرش پیدا میکند.

## چگونه می توان با چپاولگران و مفسد اقتصادی مبارزه کرد؟

### پرسش

چگونه می توان با چپاولگران و مفسد اقتصادی مبارزه کرد؟

### پاسخ

قرآن کریم برخی راهکارها را ارائه فرموده که با بهره گیری از آن ها می توان چپاولگران و مفسد اقتصادی مبارزه کرد؛ از جمله

۱. جلوگیری از کسب ثروت از طریق فعالیت های ناسالم و غیر مشروع مانند: ربا؛ (بقره ۲۷۵)، تجاوز به حقوق دیگران و خوردن مال و کسب درآمد از راه باطل (بقره ۱۸۸)، خوردن مال یتیم و چپاول و غارت سرمایه مستضعفان جامعه (نساء، ۲، ۶، ۷۵، ۹۷) رشوه خواری (مائده ۴۲ و ۶۲) دزدی و قماربازی (بقره ۲۱۹؛ مائده ۳۸) و...

۲. جلوگیری از انحصار و تکاثر ثروت در دست ثروتمندان (تکاثر، ۱؛ حشر، ۷؛ ماعون ۴؛ همزه ۲)

۳. جلوگیری از رانت خواری و سوءاستفاده نزدیکان به قدرت و اختلاس آن ها بیت المال و از منافع و امتیازات اقتصادی و... چنان که قرآن می فرماید: "وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَ مَنْ يَغُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ" (آل عمران ۱۶۱) ممکن نیست هیچ پیامبری خیانت کند و هر کس خیانت کند در روز رستاخیز آن چه را در آن خیانت کرده یا خود [به صحنه محشر] می آورد، سپس به هر کس آن چه تحصیل کرده داده می شود و [به همین دلیل به آن ها ستم نخواهد شد] زیرا محصول اعمال خود را خواهند دید.".

۴. تلاش برای برقراری عدل و برابری به ویژه در مسائل اقتصادی و تقسیم ثروت و بی... المال در بین مردم و اقشار مختلف جامعه (نساء، ۵۸)

۵. انجام امر به معروف و نهی از منکر در زمینه مسائل اقتصادی (آل عمران ۱۰۴)



و ثروت اموال بیت المال و نیز مصادر و مراکز اقتصادی به دست افراد مؤمن متعهد و متخصص که به منافع مردم و بیت المال به چشم امانت بنگرند و در آن خیانت نکنند؛ (نساء، ۵۸)

و... (برای آگاهی بیشتر ر.ک طرح و مبانی اقتصاد در قرآن مسعود دهش ور و...، چاپخانه میهن)

**چرا دولت جمهوری اسلامی با ماهواره مخالفت می کند و دلیل آن را هم جنبه منفی ماهواره می داند، در صورتی که هر پدیده جدید، دارای جنبه مثبت نیز هست مثلاً، ویدئو زمانی در نظام ما جرم محسوب می شد، ولی اکنون در تلویزیون نیز از آن تبلیغ می شود؟!**

### پرسش

چرا دولت جمهوری اسلامی با ماهواره مخالفت می کند و دلیل آن را هم جنبه منفی ماهواره می داند، در صورتی که هر پدیده جدید، دارای جنبه مثبت نیز هست مثلاً، ویدئو زمانی در نظام ما جرم محسوب می شد، ولی اکنون در تلویزیون نیز از آن تبلیغ می شود؟!

### پاسخ

پاسخ دهی به پرسش های غیرقرآنی از حوصله این پاسخ نامه ها خارج است در عین حال توجه به چند نکته لازم است

۱. در بسیاری از موارد با گذشت زمان موضوع عوض می شود مثلاً تلویزیون در یک زمان وسیله ترویج فساد و فحشا بود و استفاده حلالی نداشت به خلاف حالا.

۲. تنها مجتهدین و مراجع تقلید هستند که با قدرت استنباط از منابع اسلامی (کتاب سنت عقل و اجماع می توانند حلال و حرام الهی را بفهمند و حکم آن را اعلام کنند.

۳. حلال و حرام خداوند متعال تنها در حیطة قدرت خداوند حکیم است نه تنها روحانیان و مراجع تقلید نمی توانند حلال خدا را حرام و یا حرام خدا را حلال کنند؛ بلکه امام معصوم و پیامبر ۹ نیز چنین حق و قدرتی را ندارد. و حلال خداوند همواره حلال و حرام او تا روز قیامت حرام می باشد.

۴. نظرها و فتاوی علمای اسلام در مورد حلال ها و حرام ها را باید از رساله های عملیه آن ها و یا بوسیله استفتا از خودشان به دست آورد.

یادآوری می شود که دشمنان اسلام و روحانیت همواره تبلیغ می کنند که دین و روحانیت مخالف پیشرفت صنعت و فن آوری استفاده از وسایل و تجربیات بشر مانند: رادیو، تلویزیون هواپیما، ویدیو، رایانه و ... است این

تبلیغات کاملاً بی اساس است (ر.ک علم و دین در حیات معقول مرحوم علامه محمد تقی جعفری نشر کانون علم و دین / بحث هایی از فلسفه دین و کلام جدید، علی ربانی گلپایگانی مؤسسه امام صادق )

دولت جمهوری اسلامی نیز، طبق احکام اولیه اسلام استفاده صحیح و سودمند را از هیچ یک از وسایل یاد شده ممنوع نمی داند، اگر چنان که در بعضی زمان ها استفاده برخی از آن ها را ممنوع می کند، روی مصلحت جمع و مصلحت نظام این عمل را انجام می دهد، ولی ممکن است گذشت زمان شرایط را دگرگون کند و یا طبق اصل عقلایی "دفع افسد به فاسد"، مجبور شوند، در بعضی از اوقات نسبت به شرایط حاضر، حکم ممنوعه را بردارند.

یک روز برنامه ای ضامن سعادت جامعه است ولی روز دیگر ممکن است بر اثر دگرگونی شرایط همان برنامه سد راه آن شود؛ یک روز، دارویی برای بیمار، فوق العاده مفید است و طیب آن را تجویز می کند، اما روز دیگر به خاطر بهبود نسبی بیمار ممکن است این دارو حتی زیانبار باشد.

لذا در نظام اسلامی علمای اسلام چون حافظ کیان فرهنگی جامعه اسلامی هستند، طبیعی است که به آن چه که سوغات کشورهای غرب و استعمارگر است با توجه به سیاست تهاجم فرهنگی به دیده احتیاط و تردید بنگرند و تا اطمینان به این نداشته باشند که ضرری به جامعه اسلامی ندارد، حکم به استفاده از آن ندهند.

### شایعه چیست ؟ چگونه شکل می گیرد و پراکندگان شایعه در ایران چه کسانی اند؟

#### پرسش

شایعه چیست ؟ چگونه شکل می گیرد و پراکندگان شایعه در ایران چه کسانی اند؟

#### پاسخ

شایعه اصطلاحاً دروغ های منتشره و پخش شده را گویند و شکل گیری آن عوامل مختلفی دارد که یکی از آنها دسیسه های دشمن است. این شیوه تاریخ طولانی دارد و مخصوصاً در جنگ ها برای تضعیف روحیه سپاه مقابل از طریق عناصر وابسته اعمال می شده. چنان که در جنگ احد شایع کردند که پیامبر(ص) کشته شده است. در زمان ما نیز رادیوهای بیگانه مجلات روزنامه ها و ایادی وابسته دشمن عناصر اولیه و برخی از مردم ساده و کم اطلاع یا بدبینحاملان درجه دوم شایعاتند. البته گاهی هم شایعه بر اثر نوعی اشتباه و پندار واهی صورت می گیرد. }J

### چرا مردم به ترک زبان ها اهانت می کنند و موجب رنجش آنان می شوند؟

#### پرسش

چرا مردم به ترک زبان ها اهانت می کنند و موجب رنجش آنان می شوند؟

#### پاسخ

از این که به خاطر عادات غلط در رفتار اجتماعی برخی مردم ناراحت شده اید متأثر شدیم.

برادر عزیز! بدگویی های اقوام مختلف از یکدیگر علاوه بر آن که کاری نامشروع و خلاف اخلاق است، از نقشه هایاستعمارگران برای ایجاد اختلاف بین مردم است. امید است با روشنگری افرادی چون شما این عادات از بین مردم رخت برنهد. شما نیز از این بابت چندان نگران نباشید، چرا که ترک یا لر یا فارس هیچ تفاوتی با هم ندارد. همه بندگان خداوند در برابر او یکسانند. امید است صدا و سیما و دیگر رسانه ها با اتخاذ شیوه های خردمندانه در رفع این عادات و رسوبات غلط رژیم ستم شاهی کوشا باشند. همه مردم بندگان خداوند هستند و به فرموده پیامبر اکرم (ص) هماننددانه های شانه با هم برابرند. علاوه بر آن که بسیاری از مشاهیر و بزرگان علم و سیاست و ادب که از افتخارات ایران و جهان هستند، ترک زبانند. رهبر انقلاب خود اصالتاً ترک زبانند. دانشمندانی بزرگ چون شهریار و علامه محمدتقیجعفری و صدها نمونه از این قبیل افتخاری برای همه ما و شما هستند. بنابراین شما از ترک زبان بودن برخوردارید و هرگز تحت تأثیر سخنان نسنجیده افراد بی فرهنگ قرار نگیرید. }

## علت روی آوردن جوانان به اعتیاد را بیان کنید؟

### پرسش

علت روی آوردن جوانان به اعتیاد را بیان کنید؟

### پاسخ

در پاسخ این سؤال، به صورت کلی و خلاصه این امر را می توان به لحاظ جامعه شناسی پاسخ گفت:

الف) سطح عوامل اجتماعی کلان؛ یعنی عواملی که می تواند در سطح کلان جامعه مؤثر واقع شود می توان از عوامل ذیل یاد کرد:

۱- شهرنشینی و شهرگرایی

۲- محلات شهری.

۳- حاشیه نشینی (در متن جامعه بودن).

۴- سیاست های جهانی استکبار.

۵- نظام سرمایه داری جهانی.

۶- موقعیت استراتژیک کشور (مسیر ترانزیت مواد مخدر به اروپا).



۷- قشربندی و طبقات اجتماعی (برخی طبقات، اعتیاد برایشان نوعی ژست و عادت است).

ب) سطح عوامل اجتماعی خرد؛ یعنی عواملی که در سطح خرد و بر روی برخی از افراد مؤثر است:

فقر و نیاز مادی، رفاه زدگی، گروه همسالان، نوع شغل، نابسامانی های خانوادگی، رسانه های گروهی، اوقات فراغت، بیکاری، نابرابری شرایط اجتماعی، فساد و فحشاء.

ج) سطح عوامل فردی و شخصی؛ میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ضعف اعتقادات مذهبی،

- سست شدن سنت های مفید اجتماعی،

- گروه های سنی ویژه،

- فقدان نزدیکان و والدین،

- شکست در زندگی،

- فقر علمی و آگاهی،

- ناراحتی های روانی.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: نشریه اصلاح و تربیت شماره ۷۳ و ۷۴، مقاله «اعتیاد جوانان از دیدگاه جامعه شناسی»، نعمت الله تقوی.

**با وجودی که مراجع تراشیدن ریش را حرام دانسته اند اما در جامعه خیلی ها ریش خود را می تراشند و یک دید منفی نسبت به کسانی که ریش می گذارند هم در جامعه به وجود آمده است. دلیل چیست. که یک فرد مسلمان پیرو مراجع این چنین حکم اسلامی را کنار گذاشته و به بهانه های م**

### **پرسش**

با وجودی که مراجع تراشیدن ریش را حرام دانسته اند اما در جامعه خیلی ها ریش خود را می تراشند و یک دید منفی نسبت به کسانی که ریش می گذارند هم در جامعه به وجود آمده است. دلیل چیست. که یک فرد مسلمان پیرو مراجع این چنین حکم اسلامی را کنار گذاشته و به بهانه های مختلف ریش خود را می زنند. گذاشتن ریش در سپاه به قول یکی از سربازان به صورت یک قانون درآمده است و کسی که ریش

نداشته باشد با او برخورد می شود. زدن یا گذاشتن ریش چه نفعی برای سپاه دارد. چرا اجبار؟ آیا اجبار برای سرباز عقده نمی شود که در دوران بعد از خدمت با اشتیاق هر چه بیشتر ریش خود را بزند.

## پاسخ

متأسفانه هم چنان که فرمودید برخی در جامعه با آگاهی از حرمت ریش تراشی به این عمل اقدام می کنند. برخی از علت های این رفتار عبارت است از:

۱. ضعف ایمان. عده ای از افراد پاک و بی آلاش، به خاطر فقر فرهنگی و ضعف ایمان، با اندک شبهه و تردید یا توجیهاتی از عمل به دستورات شرعی سر باز می زنند.

در قرآن کریم بیشتر خطاب ها با لفظ ایمان شروع شده است. این امر نشان دهنده آن است که باور و عمل و استمرار آن جز با تقویت ایمان میسر نیست.

۲. شبهه افکنی. گاه از سوی دشمنان دانا و دوستان نادان شبهه های واهی، به منظور تزلزل ایمان و باور افراد منتشر می شود پاسخ ندادن به شبهه ها و در پی آن حاکم شدن شک و تردید، سستی و بی تفاوتی را نسبت به باورهای دینی پدید می آورد. در نتیجه هم انگیزه برای دفاع از ارزش ها و عقاید دینی از بین می رود و هم زمینه برای جایگزین شدن اندیشه های باطل به جای باورهای صحیح فراهم می گردد.

۳. رفتارهای نادرست برخی به ظاهر متدینان. عده ای متدین نما با ناآگاهی از همه جوانب احکام شرعی، دست به اقداماتی می زنند که نه تنها باعث تقویت و ترغیب گرایش جوانان به دین نشده؛ بلکه، دین گریزی را به وجود می آورد.

بلند گذاشتن

ریش، بیش از حد معمول، نرسیدن و پیرایش نکردن آن کثیفی آن بهره برداری نامناسب از آن و ... نمونه هایی از این عمل کردهای نادرست است.

اما سپاه و اجبار به نتراشیدن ریش می دانیم که در هر جامعه و آیین و شریعتی، پاره ای قوانین اجتماعی وجود دارد که افراد در آن، موظفند به قواعد رفتاری آن آیین و شریعت تن دهند. منتها قوانین برخی جامعه ها با فطرت و عقل سلیم آدمی هماهنگی ندارد و آنها تنها براساس تمایلات و خواست های انسان ها در زمان خاصی وضع شده و پس از چندی تغییر می کند.

احکام و قوانین تشریح شده از ناحیه خداوند به علت همخوانی با فطرت و شمول گرایی به همه زمان ها قابل تبدیل نیست و متدینان موظف به اجرای آنها می باشند.

قوانین و احکام شرعی دو گونه اند. برخی فردی و شخصی می باشند مانند اعتقادات درونی و شخصی و برخی جنبه اجتماعی دارد مانند حجاب، پوشش مناسب در اجتماع، ریش گذاشتن - هر چند جنبه فردی نیز دارد -.

در امور اجتماعی، همه مسلمانان و به ویژه حاکم اسلامی، موظف به امر به معروف و نهی از منکر هستند و حاکم اسلامی در صورت مصلحت می تواند از قانون جبر و قهر استفاده کند؛ فقها شیوه برخورد اگر همراه با دادن بینش و فراهم کردن امکانات لازم باشد، مسلم باز خورد منفی نخواهد داشت.

افزون بر این اساس دوران سربازی در همه ارتش های جهان، از انجام تا سرانجام همراه با قوانین سختی است. کوتاه کردن موها، واکس زدن کفش ها در هر روز، احترام به مافوق و ... همه از

اموری است که باطبع ظریف و آزادی خواه جوان منافات دارد. چنانچه در هر یک از امور یاد شده با جوانان به شدت برخورد شود جوانان عقده ای خواهند شد. در غیر این صورت سربازی یکی از دوره های شیرین زندگی برای هر سربازی خواهد بود.

**با سلام در جامعه امر روزه خوانی از دیر باز به عنوان یک سمبل دینی حفظ شده و در زمانهای مشخص و مکانهای مشخص به عنوان یک امر اطلاع رسانی به حفظ دین کمک زیادی کرده است ولی در حال حاضر در تمامی طول سال به انحای مختلف روزه های زنانه باب شده و متأسفانه بیشتر ب**

### پرسش

با سلام در جامعه امر روزه خوانی از دیر باز به عنوان یک سمبل دینی حفظ شده و در زمانهای مشخص و مکانهای مشخص به عنوان یک امر اطلاع رسانی به حفظ دین کمک زیادی کرده است ولی در حال حاضر در تمامی طول سال به انحای مختلف روزه های زنانه باب شده و متأسفانه بیشتر به ظواهر و فخر فروشی تبدیل شده است. آیا خانمی که نماز صبحش قضا می شود و آرایش می کند از منزل میزنه بیرون و حتی مشکل زنانه ای دارد کارهای منزلش و غذای بچه ها و همسرش مانده جایز است به این روزه برود؟ آیا خانمهایی که برای روزه های زنانه انتخاب می شوند مساله ای ندارند؟ (در زندگی شخصیشان همانند خانمهای بالا نیستند) آیا این خانمهای مداح در مورد مسائل شرع به خانمها توضیحی می دهند؟ آیا به واقع می توانند به خانمهای آنجا بگویند برای جلوگیری از فساد اجتماع و همسرانتان باید به آنها توجه کنید و به آنها برسید؟ خانمی که به مردش نمیرسه و مرد به او نیاز داره وقتی چند بار بیرون می بینه که زنان با آن وضع توی خیابان هستند فاسد نمی شود؟ این مرد خوبی باشد صیغه می کنه و بعد از مدتی که زن اصلی می فهمه به عوض اشتباهاتش را

جبران کنه مظلوم نمائی می کنه! آیا این مطالب را نباید در همین روضه های زنانه عنوان کرد؟ آیا این امر به معروف و نهی از منکر نیست؟ پس چرا علمای حاضر فتاوی در این زمینه ها صادر نمی کنند؟ چند سال آینده دختران چنین مادرانی چه چیزی از وظایف یک زن و زناشوئی می دانند؟ می دانند نماز را هر وقت خواستی بخوان فرادا هم بخوان آرایش مربوط به کوچه و خیابان است خنده و قشنگ حرف زدن مربوط به بیرون از خانه است داخل منزل خسته ام حوصله ندارم چی ندارم فلانی چی داشت برای روضه ما باید فلان باشد والا آبروی ما می رود! به قول یکی از دوستان همه سفره حضرت ابوالفضل را می اندازند برای اینکه بگویند ما داریم کسی سفره حضرت رقیه پهن نمی کند. باور کنید اگر کافی ها مطهری ها الان بودند تا بحال چند سخنرانی و کتاب برای این زمینه چاپ کرده بودند. به نظر من همه کسانی که عالم هستند و در این موارد می توانند بگویند و سکوت کنند که مبادا تهمتی به آنان زده شود گناهشان از این افراد که بیشترشان نسبت به این مسائل جاهل هستند کمتر نیست! لطفا در این باره مرا راهنمایی کنید که تا بحال چه کارهایی شده است. خداوند بر اعمال ما ناظر است و از رگ گردن به ما نزدیکتر

## پاسخ

در پاسخ به این سؤال توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است:

اولا- فلسفه و هدف اصلی روضه خوانی و برپایی مراسم وعظ و ... همانطور که اشاره کرده اید تبلیغ آموزه ها و معارف اسلامی و در نتیجه هدایت

و رشد و ارتقاء فکری و معنوی مخاطبین در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی است. و تا زمانی که این مراسم دارای چنین کارکردهایی باشند، از جایگاه ارزشمند و با اهمیتی برخوردارند. اما اگر وضعیت و شرایط به گونه ای شد که نه تنها چنین کارکرد و نتایجی نداشت، بلکه از هدف اصلی خود منحرف گردیده و ارزشهای غیر اسلامی را ترویج نمود، دیگر نه تنها برپایی و شرکت در این مجالس به هیچ وجه ارزشی ندارد، بلکه منکری است که باید به دنبال اصلاح آن بود.

ثانیا: از دیدگاه اسلامی خانواده کانون مقدس و پر از مهر و محبتی است که هر کدام از اعضای آن باید شدیداً در استحکام آن کوشیده و از هر گونه اقدامی که بنیانهای این کانون را متزلزل می نماید خودداری کنند. از این رو اهتمام جدی افراد خانواده به انجام وظایف و کار ویژه های خود حائز اهمیت می باشد و زن و مرد نمی توانند حتی به خاطر برخی امور مذهبی که در مقایسه با وظایفشان در قبال خانواده از اولویت کمتری برخوردارند، از زیر بار مسئولیت های خویش شانه خالی کنند. خصوصاً با توجه به اینکه اصولاً از دیدگاه فقهی و قانونی خروج زن از منزل حتماً باید با اجازه شوهر خود باشد، از این رو شرکت زن در مراسمی که نام بردید حتی اگر از همه جهت خوب باشد، باز هم در صورت عدم رضایت شوهر مشکل شرعی داشته و گناه محسوب می گردد.

ثالثاً: نمی توان یک ارزیابی و قضاوت کلی پیرامون همه مجالس روضه خوانی زنانه و یا سخنرانان آنان داشت، بلکه باید به

صورت موردی و با شناخت دقیق از انگیزه های برپاکننده این قبیل مجالس، نوع رفتارهای افراد شرکت کننده، ماهیت صحبت‌های سخنران و بالاخره نتایج و تأثیرات فردی و جمعی این جلسات به قضاوت نشست. زیرا علی رغم وجود این قبیل جلسات که به هیچ وجه با فرهنگ و ارزشهای اسلامی همخوانی ندارند و متأسفانه نتایج منفی هم به دنبال دارند، جلسات بسیار زیادی نیز وجود دارد که واقعا جو غالب در آنها کاملا مذهبی و با نیت و اهداف خالص برگزار می گردد و نتایج مثبتی هم به همراه دارد.

رابعاً: متأسفانه رویکرد بخشهای زیادی از جامعه به فرهنگ مادگرایی و تجملات، واقعیتی غیرقابل انکار است که مقابله اصولی با آن نیازمند اهتمام جدی و پی گیر متولیان فرهنگی جامعه از بخشهای فرهنگی دولت گرفته، تا حوزه های علمیه، صدا و سیما و نشریات و ... می باشد. اما با این همه افراد دلسوز جامعه نیز دارای یکسری وظایف می باشند و باید در قبال مشکلات فرهنگی و اجتماعی احساس مسئولیت داشته و حداقل در حفظ سلامت و هدایت خود و خانواده خویش بکوشند. و در مواردی که احساس خطر و انحراف می کنند با استفاده از راههای صحیح منطقی از بروز انحرافات جلوگیری نمایند. به عنوان نمونه در مورد مذکور در نامه، استفاده از روش هایی نظیر گفتگو، هدیه کتابهای مفید، شرکت در مجالس مذهبی که دارای بازدهی مثبت می باشد و همچنین طرح موضوع با حضور همسر خویش در مقابل شخصیت‌های مورد قبول دو طرف (اعم از فامیل و غیرفامیل) و مشورت و راهنمایی خواستن از آنها و ... می تواند در رفع این

مشکلات مؤثر باشد.

خامسا: علماء و بزرگان حوزه های علمیه بیشترین اهتمام را نسبت به تبیین احکام الهی و هدایت و اصلاح جامعه و ... دارند و در این راه آنچه که مورد نیاز جامعه است بیان می نمایند. مراجع عظام تقلید و مقام معظم رهبری از گذشته تاکنون به کرات نسبت به وجود برخی انحرافات در مراسم مذهبی و لزوم اصلاح آنها هشدار داده اند و اخیراً نیز کتابهای زیادی پیرامون آسیب شناسی عزاداریها و مراسم مذهبی از محققان حوزه های علمیه منتشر گردیده ولی متأسفانه عاداتهای غلط و منافی با دین رسوباتی است که اصلاح آنها نیازمند مدت زمان طولانی همراه با کار فرهنگی مستمر و دقیق است؛ بنابراین اگر مشاهده می نمایم افراد جامعه عمل نمی کنند، این دیگر به حوزه های علمیه بر نمی گردد. بلکه باید علت را در جای دیگر جستجو نمود.

و نکته آخر اینکه؛ بحمدالله به برکت انقلاب اسلامی حوزه های علمیه در شهرهای مختلف رشد کمی و کیفی خوبی داشته اند، از این رو توصیه می شود جهت سخنرانی و برگزاری مجالس با مراکز اعزام مبلغ حوزه های علمیه، سازمان تبلیغات و ... هماهنگ شود تا ضمن جلوگیری از انحرافات به رشد فکری و معنوی جامعه کمک شود.

**چرا با وجود اینکه خدا در قرآن صراحتاً فرموده است که دست افراد دزد را قطع کنید ولی در جامعه ما شاهد قطع دست دزدان نیستیم ؟ در حالیکه جامعه مملو از افراد دزد است .**

**پرسش**

چرا با وجود اینکه خدا در قرآن صراحتاً فرموده است که دست افراد دزد را قطع کنید ولی در جامعه ما شاهد قطع دست دزدان نیستیم ؟ در حالیکه جامعه مملو از افراد دزد است .

**پاسخ**

شواهد و قراین نشان می دهد جنابعالی به اسلام و نظام مقدس اسلامی عمیقاً عشق می ورزید که این عشق و محبت قابل تقدیر و تحسین است . شما با طرح سه سوال به نکات مهم و کلیدی اشاره کرده اید که تبیین درست و صحیح آن استحکام ، دوام و بقاء نظام را تا حدود زیادی قوت می بخشد .

سوال اول شما درست در جهت عکس اشکالی است که سالهاست مستشرقان ، غریبان و مخالفان اسلام و انقلاب اسلامی به اسلام وارد می کنند و وجود چنین حکمی را بهانه تبلیغ سوء علیه اسلام قرار داده اند و به استناد آن اسلام را با حقوق بشر در تعارض و تضاد دانسته اند و حال آنکه اگر دین حکم الهی به درستی بیان و تشریح گردد اندیشمندان و عقلائی منصف حکیمانه بودن احکام اسلامی را با همه وجود درک خواهند کرد ، جنابعالی برخلاف این انتقاد از عدم اجرای حدود الهی و قطع دست سارقان گلاویه و انتقاد دارید . سوز و گداز شما قابل درک است اما لازم است یاد آور شویم که اجرای این حد الهی و شرعی قیود و شروطی دارد که در بسیاری از موارد و شاید همه موارد آن شروط و قیود برای قضاوت محترم اثبات نشده و نمی شود برای آگاهی شما و دیگر عزیزانی که همانند شما ممکن است چنین سوالی داشته باشند این شروط را یاد آور می شویم :



سرقۃ از معاصی کبیره ، و جرایم سنگینی است که قانون

گذارای جزایی اسلام برای ریشه کن کردن آن، کیفری سنگین و متناسب با جرم، معین و مقرر داشته است. هیچ جرمی را سراغ نداریم که در دومین و سومین بار ارتکاب آن کیفرهای سنگینی چون کیفرهای سرقت قانون گذاری شده باشد آیات ۳۸ و ۳۹ و ۴۲ و ۴۳ از سوره مائده، جرم سرقت، و کیفر آن را مقرر کرده است.

سرت مال دیگران، هرگاه با آن شرایطی که بیان خواهد شد همراه باشد، علاوه بر حیف و میل اموال دیگران از طرق نادرست، موجب سلب امنیت و عدالت اجتماعی، و ایجاد وحشت و اضطراب مردم می شود، و این چیزی است که هر جا

و در مورد هر جرمی وجود داشته باشد، اسلام برای آن کیفری سنگین قانون گذاری کرده است. نظام مال و مالکیت خصوصی با شرایطی هرگاه همراه باشد، مورد حمایت اسلام است. و از ویژگیهای همه انسان های روی زمین بشمار می رود. مالکیت از حقوق اولیه انسان است که خداوند برای اقوام و دوام او مقرر داشته و هم ادیان آسمانی، و اکثر قریب به کل حقوق های وضعی جهان، از آن دفاع کرده اند. مالکیت، هرگز از انسان جدا نبوده و از آغاز پدید آمدن انسان، با او پدید آمده تا در روی زمین انسانی وجود دارد، مالکیت نیز وجود خواهد داشت.

اسلام، مال را ولو در دست اشخاص و متعلق به افراد باشد، قوام و مایه بقاء و هستی جامعه می شناسد و به هر وسیله ممکن پاسداری از آن را که خود یکی از ارزشهای پنج گانه معتبر انسانی است و جبهه همت

در قانون گذاری های خود قرار داده است . و بدین جهت است که سرقت مال دیگران را از جرایم بزرگ و سنگین بر شمرده و کیفرهای بازدارنده، و جلوگیری کننده ای برای آن قانون گذاری کرده است ، به هدف این که دیگر کسی پیدا نشود که کار نکرده و رنج نبرده بخواهد بر اموال و رشته های دیگران دست اندازی کند و با بی اعتنایی به عرف و ارزش های انسانی به اموالی بادآورده دست یابد .

در حقوق جزای اسلام برای جرم سرقت در صورت تحقق داشتن شرایط آن ، چهار کیفر قانون گذاری شده است . بدین ترتیب که حد سارق در مرتبه نخست ، قطع چهار انگشت دست راست است . در صورتی که آن حدود درباره او اجرا شده و بار دیگر سرقت کند ، کیفر او قطع پای چپ است ، از پایین برجستگی پشت به گونه ای که پاشنه و قسمتی از کف پا باقی می ماند . و در صورتی که کیفر دوم درباره او اجرا شده باشد ، و در سومین بار دست به سرقت بزند ، کیفر او زندان ابد است ، و هرگاه در زندان از حرز سرقت کند و سایر شرایط در او احراز شود ، در این چهارمین بار کشته می شود .

حد قطع در صورتی بر سارق لازم می شود که شروط زیر وجود داشته باشد :

۱- سارق ، بالغ باشد اگر کودک مرتکب سرقت شود ، حد ندارد و مسولیت جنایی متوجه او نخواهد گردید ، بلکه به آن چه حکم صلاح ببیند ، تادیب می شود . (۱)

۲- سارق ، عاقل باشد . پس اگر دیوانه ولو این که جنون ادواری داشته باشد سرقت کند مسولیت

جنایی ندارد و کیفر قطع درباره او اجرا نخواهد گردید، البته اگر دیوانه، تنبیه شدن را درک کند (یعنی بفهم که مثلاً برای چه او را کتک می زنند) و امکان داشته باشد که تادیب در او موثر است، ادب می شود).

۳- سارق، مختار باشد. پس اگر او را به زور به سرقت واداشته باشند، محکوم به کیفر نمی شود. سارق، مضطر نباشد. پس هر گاه کسی برای دفع اضطرار، دست به سرقت بزند دست او قطع نمی شود.

۴- آنچه سارق به سرقت می برد. از طعام و خوراک در سال قحطی نباشد، پس اگر سارق در قحط سالی، و در اثر اضطرار و ناچاری به دزدیدن خوراکی ها مبادرت ورزد، حد قطع نخواهد داشت. (۲)

۵- سارق خود به تنهایی یا به کمک شریک جرم، حرز را بشکند (ومالی را از آن سرقت کند و بیرون برد) پس

اگر دیگری حرز را بشکند، و او آن را بدون حرز سرقت کند، درباره هیچ یک کیفر قطع اجرا نمی شود. اگر چه هر دو با هم برای سرقت کردن، و کمک به هم در سرقت، آمده باشند. شکننده حرز ضامن خسارات وارده بر حرز است و سارق ضامن اموال مسروقه.

۶- سارق از حرز سرقت کند. و حرز محفظه و صندوق و جای دربسته و قفل شده ای است که انواع اموال در هر یک نگاه داری می شود. حرز اموال مختلف، متنوع و متفاوت است و هر چیزی محفظه مخصوص به خود را دارد. مثلاً صندوق قفل دار و گاوصندوق، حرز اشیاء گرانبها

واسناد بهادار , وجواهر و پول است . ومغازه و دكان حزر كالا است , و خانه و باغ , حزر درخت و ميوه , و طويله و اصطلح حزر چهارپايان .

( مثلاً اگر كسى پولش رادر جيب جلو پيراهنش بگذارد و مورد سرقت قرار گيرد , سرقت از حزر تلقى نمى شود ولى اگر در جيب بغل باشد حزر محسوب مى شود . )

۷- سارق , كالا- را خود (به تنهائى) يا خود به مشاركت ديگرى از حزر بيرون برد , و بيرون بردن فوق نمى كند به مباشرت باشد , مثل اين كه سارق كالائى دزدى را بر دوش بگذارد و بيرون برد , يا به تسبيب باشد , مثل اينكه آن را به طنابى ببندد , و سپس از بيرون حزر آن را بكشديا آن را از درون حزر و سيله اى بار كند و بيرون ببرد و ...

۸- سارق , مال را از فرزند خود سرقت كرده باشد , بنا بر اين , پدر براى دزديدن مال فرزند , كيفر قطع ندارد , ولى فرزند اگر از پدر سرقت كند قطع مى شود (۳)

۹- سارق , پنهانى مال را بر گيرد , پس اگر حزر را به زور و قهر , ولى آشكارا بشكند و مال را بر گيرد , محكوم به قطع دست نيست , بلكه هر گاه حزر را پنهانى بشكند , ولى مال را به زور و به طور آشكارا بردارد , كيفر قطع نيست .

۱۰- هر گاه سارق عمل خود را جرم نپندارد , حد ندارد , مثلاً شريك مال مشترك را بدون اذن شريك ديگر بردارد به گمان آنكه جايز است , محكوم به كيفر قطع دست نخواهد شد .

۱۱- مال سرقت شده از چيزهاى حرام نباشد . سارق اجيرويا مهمان نباشد ,

پس اگر اجیر از مال صاحب کار و مهمان از میزبان و ... اموالی را سرقت کند که در حرز نیست ، و پنهان نکرده اند ، کیفر قطع دست ندارد .

۱۲- کسی که از او سرقت شده است شکایت نزد حاکم برد مطالبه قطع ید کند ، و اگر مطالبه نکند ، سارق ، حد قطع دست نخواهد داشت .

۱۳- آن چه سرقت شده است ، مال باشد . پس اگر کودکی یا انسان بالغی را بدزدد ، محکوم به قطع دست تحت عنوان حد نخواهد شد .

۱۴- مال مسروق به حد نصاب برسد ، پس اگر کمتر از حد نصاب باشد ، حد قطع نخواهد داشت حد نصاب ربع دینار (یک چهارم مثقال) طلای خالص مسکوک ، یا معادل بهای آن است از هر چیزی که مالیت داشته باشد

مثل : لباس ، معدن ، میوه ، خوراک و هر آن چیزی که مسلمان می تواند مالک آن بشود . (۴)

با توجه به آنچه بیان شد روشن است که تحقق شرایط ۱۶ گانه فوق در سرقت امری است تقریباً غیر ممکن و شاید محال . لذا انتقاد از عدم اجرای حکم درجایی که شرایط کاملاً تحقق یافته باشد وارد است و باید در جهت تنویر افکار عمومی و تبیین احکام الهی تلاش کرد ولی اگر درجایی مواجه شدید که بدون تحقق این شرایط از عدم اجرای حد سرقت انتقاد می کنند لازم است شروط مذکور را به آنان متذکر شوید و تنبه بدهید که این گونه انتقاد کردن نه تنها به ترویج اندیشه ناب اسلام کمک نمی کند بلکه موجب می گردد در حجم تبلیغات مخالفان اسلام و نظام اسلامی افزایش یابد

و بصورت غیرمستقیم همسویی با طرف مقابل است که بدون شک هیچ مسلمان دلسوز و آگاهی حاضر نخواهد بود ناخواسته به آرمانهای والای اسلام لطمه وارد سازد و به اهداف مشرقان و خاورشناسان کمک نماید. ضمن اینکه هر از چند گاهی از طریق رسانه های عمومی نسبت به اجرای این حد درموارد تحقق شروط \_ اگر چه نادر اطلاع رسانی شده است .

### چرا مغزهای متفکر ایران در کشورهای خارجی به درس خواندن می پردازند؟

#### پرسش

چرا مغزهای متفکر ایران در کشورهای خارجی به درس خواندن می پردازند؟

#### پاسخ

البته خروج مغزها در ذات خود بد نیست و به همین خاطر بعضی وقتها تحت عنوان فرار مغزها و بعضی وقتها تحت عنوان صادرات مغز از آن یاد می شود. بنابراین اگر خروج مغزها به کشور به بازگشت آنها بیانجامد چه بسا ثمرات خوبی هم داشته باشد.

بد نیست بدانیم که سیاست دولت جمهوری اسلامی در استفاده از اینترنت، راهی بود برای اینکه مغزها از کشور خارج نشوند و بتوانند نیازهای علمی خودشان را از این طریق تأمین کنند و نیاز به خارج کشور نداشته باشند، اما علی رغم اقدامات مثبت دولت، باز هم کسانی خارج می شوند، بهترین راه فراهم کردن امکانات در داخل کشور است که بعضی اقدامات دولت مثبت بوده و بعضی اقدامات مثل کم شدن بودجه تحقیقاتی منفی تلقی می شود.

### اینهمه تبعیض و فساد و رشوه را چگونه می توان در جامعه اسلامی حل کرد، و نقش جوانان در این امر مهم چیست؟

#### پرسش

اینهمه تبعیض و فساد و رشوه را چگونه می توان در جامعه اسلامی حل کرد، و نقش جوانان در این امر مهم چیست؟

#### پاسخ

برای حل مشکلات جامعه از جمله موارد فوق، از دوره عمده باید وارد شد : یکی برنامه ریزی و عملکرد قاطعانه مسئولین کشور با توجه به تأکیدات فراوان و ارائه راه حلها و راهکارها توسط مقام معظم رهبری. و دوم نظارت عمومی مردم مخصوصاً نسل جوان بروضعیت جامعه که در هر کجا فساد اداری، تبعیض و مانند اینها دیدند نسبت به آن بی تفاوت نبوده و مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با توجه به تأثیرات حتمی آن انجام دهند. از تذکر زبانی به اشخاص متخلف گرفته تا گزارش و خبررسانی پنهانی یا آشکار به مسئولین زیربط و نهادهای مراقب و برخورد کننده با تخلفات در هر نهاد و اداره .

نکته دیگری که می توان به مطالب فوق افزود این است که تک تک افراد جامعه باید به عنصر تقوی بها بدهند و از این گوهر

گرانها حراست و مراقبت کنند. اگر آحاد ملت به این اصل سازنده عامل باشند امکان رشد تبعیض و فساد و رشوه بکلی از میان خواهد رفت و اگر خدای ناکرده باین اصل مهم اخلاقی بی توجهی شد چه بسا اینگونه تبعیض ها و اینگونه مفساد دامن ما را نیز بگیرد که باید از آن به خدای عزوجل پناه برد.

### چرا در جامعه ما پارتی بازی روز به روز، رو به گسترش است ؟

#### پرسش

چرا در جامعه ما پارتی بازی روز به روز، رو به گسترش است ؟

#### پاسخ

در این باره هم مردم و هم دولت باید با فساد اداری به مبارزه جدی برخیزند. مبارزه دولت از طریق نظارت و بازرسی و مبارزه مردم از طریق کنار نهادن فرهنگ پارتی بازی و نرفتن به سراغ این روش نادرست است. و تا زمانی که فرهنگ پارتی بازی در جامعه برقرار باشد، مبارزه دولتی ثمری نخواهد داشت؛ کما این که اگر دولت هم با جدیت با آن برخورد نکند، فرهنگ آن در جامعه هم چنان تداوم خواهد یافت.

### چرا الان استفاده از ماهواره ممنوع شده است ؟

#### پرسش

چرا الان استفاده از ماهواره ممنوع شده است ؟

#### پاسخ

مسئله وضعیت جهان امروز با گذشته تفاوت های اساسی دارد. امروز جهان در حال تبدیل شدن به یک دهکده بزرگ جهانی است و تکنولوژی و وسایل ارتباطی، آن را به صورت نوینی در آورده است.

روشن است که در جهان کنونی نمی توان چشم خود را بر روی حقایق بست و دیواری به دور خود کشید.

پس باید از جنبه های مثبت تکنولوژی بهره جست و آن را در خدمت انسانیت و دین قرار داد، ولی متأسفانه ابزارهایی مانند ماهواره و ... سکه های دو رو هستند. به دلیل تسلط منحرفان بر این شبکه ها و تبلیغات شیطانی و زهر آگین آنها برای کشورهای جهان سوم، یک نوع شیخون فرهنگی بر این جوامع صورت گرفته است که اگر حد و مرزی برای استفاده از این امکانات وجود نداشته باشد، مسلماً عوارض نامطلوب آن، بر فوایدش غلبه خواهد کرد.

در این رابطه اقدامات متعددی لازم است از جمله:



الف) آگاه سازی مردم نسبت به خطرات آن.

ب) ایجاد بدیل سالم.

ج) تقویت روح ایمان و تقوای اجتماعی، به گونه ای که انگیزه گرایش به ماهواره کاسته شود.

د) احساس مسئولیت همگانی و مشارکت عمومی در کنترل و ارشاد کسانی که در جستجوی این گونه امورند.

### چرا در جامعه ما جلو گسترش فساد و ارتشاء گرفته نمی شود؟

#### پرسش

چرا در جامعه ما جلو گسترش فساد و ارتشاء گرفته نمی شود؟

#### پاسخ

رشد فساد و بی بند و باری در جامعه ما معلول سه عامل است:

۱- حرکت گسترده و توطئه وسیع استکبار جهانی در جهت نابودی اسلام و انقلاب.

۲- کوتاهی و بی توجهی برخی از مسئولان فرهنگی کشور.

۳- عدم اهتمام جدی به امر به معروف و نهی از منکر در سطح عمومی.

مبارزه با این پدیده نیز حرکت جدی و سازمان یافته و برنامه ریزی شده گسترده ای با مشارکت دولت و مردم می طلبد.

### چرا در برنامه ها و فیلم های صدا و سیما به ترک زبانان اهانت و بی احترامی می شود و چرا از طرف رهبری و ریاست سازمان کاری در جهت رفع این توهین و بی احترامی صورت نمی گیرد؟

#### پرسش

چرا در برنامه ها و فیلم های صدا و سیما به ترک زبانان اهانت و بی احترامی می شود و چرا از طرف رهبری و ریاست سازمان کاری در جهت رفع این توهین و بی احترامی صورت نمی گیرد؟

#### پاسخ

خوب بود چند مورد از اهانت هایی که در صدا و سیما به ترک زبانان کرده اند، ارائه می کردید تا ما آن ها را به قضاوت می گذاشتیم و به مسئولین تذکر می دادیم. در عین حال پیام شما به صدا و سیما ارسال می شود و خودتان هم اگر بنویسید بهتر

است. دفتر مقام معظم رهبری هم می تواند اقدام نماید.

## روشن کردن آتش در مقبره امام زاده ها و غیر امام زاده ها چه صورتی دارد؟

### پرسش

روشن کردن آتش در مقبره امام زاده ها و غیر امام زاده ها چه صورتی دارد؟

### پاسخ

ظاهراً باید روشن کردن چراغ، یا شمع و امثال آن در مقبره امام زاده ها و سایر مقبره ها به قصد علامت و یاد کردن صاحب قبر اشکالی نداشته باشد "البته اگر صاحب قبر مؤمن و متدین و مسلمان باشد".

چنانکه در روایتی می خوانیم وقتی حضرت امام باقر(ع) رحلت فرمودند امام صادق(ع) دستور دادند در اطاق نشیمن امام باقر(ع) چراغ روشن کنند و همین طور پس از شهادت امام صادق(ع) به دستور حضرت امام موسی کاظم در اطاق مسکونی امام صادق(ع) چراغ روشن می نمودند.(۱)

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۷.

## کلمه تاسوعا و عاشورا از کجا گرفته شده و چرا به این نام، نامگذاری شده است؟

### پرسش

کلمه تاسوعا و عاشورا از کجا گرفته شده و چرا به این نام، نامگذاری شده است؟

### پاسخ

از گذشته دور عرب ها به روز نهم و دهم محرم تاسوعا و عاشورا می گفتند. در تاریخ جاهلیت عاشورا از روزهای عید رسمی و ملی بوده و در آن روزگار در چنین روزی روزه می گرفتند، لباس فاخر می پوشیدند و چراغانی و خضاب می کردند. در اسلام با تشریح روزه رمضان آن روزه فسخ شد. گفته اند علت نام گذاری روز دهم به عاشورا آن است که ده نفر از پیامبران با ده کرامت در این روز مورد تکریم الهی قرار گرفتند.(۱)

در فرهنگ شیعی، روز نهم محرم روزی است که امام حسین(ع) و یارانش در محاصره نیرهای کوفه قرار گرفتند. روزی که آب را به روی اهل بیت بستند، و عصر آن روز عمر بن سعد با دستوری که از ابن زیاد دریافت کرد، آماده جنگ با حسین(ع) شد.

اما به دستور امام(ع) آن شب را مهلت خواستند، تا به عبادت و راز و نیاز بپردازند.

روز دهم محرم هم یاد آور و اقعہ شہادت امام (ع) و یارانش می باشد. این روز از عظیم ترین روزهای سوگواری به حساب می آید. می توان گفت عاشورا همان دهم محرم است، چون پیامبران برای حادثه ای که در این روز واقع می شود گریسته اند، در فرهنگ دینی هم چنان باقی مانده است و از سوی دیگر روز غلبه موسی بن عمران بر فرعون است، لذا همواره یهودی ها روزه می گرفته اند و پیامبر وقتی مدینه مشرف شدند به ایشان خبر دادند که یهودی ها امروز روزه اند، زیرا معتقدند که روز غلبه موسی بر فرعون است. از این رو حضرت موسی فرمود به شکرانه این پیروزی روزه

بگیرید، پیامبر تا شنید فرمود: "أنا حق باحیاء سنت اخی موسی". من دستور می دهم روز تاسوعا را هم روزه بگیرید، زیرا مقدمه و طرح پیروزی در آن روز ریخته شده است، ولی اکنون روزه گرفتن مکروه است.

۱. حیات الامام الحسین (ع)، ج ۳، ص ۱۷۹، به نقل از فرهنگ عاشورا، جواد محدثی.

## عشق در چه مواردی صحیح و در چه مواردی نادرست است؟

### پرسش

عشق در چه مواردی صحیح و در چه مواردی نادرست است؟

### پاسخ

عشق بر دو نوع است:

۱ عشق های هوس و شهوانی: این گونه عشق ها بر اساس هوس و جاذبه های جنسی و کشش های شهوانی می باشد. اگر عشق به طور مشروع و در زندگی زناشویی باشد، مفید و لازم است و باید شیرازه زندگی باشد، ولی غالباً این گونه عشق ها پس از فرو نشستن شهوت، زائل می شود و از بین می رود.

[عشق هایی کز پی رنگی بُود عشق نَبُود، عاقبت ننگی بُود

[۲ عشق های متعالی: در این نوع عشق، علاقه انسان به ارزش های عالی تعلق می گیرد. اگر این عشق در رابطه عزن و شوهر باشد، علاقه های شهوانی و جاذبه های جنسی، زیر چتر آن واقع شده و رنگ ارزش های عالی به خود می گیرد. در زندگی زناشویی هر دو نوع لازم است و هر کدام به تنها کافی نیست؛ یعنی این که بگوییم: علاقه و رابطه همسران باید فقط بر ارزش های متعالی استوار باشد و عشق جنسی لازم نیست، اشتباه است و نمی تواند باعث زندگی سعادت‌مندانه شود، یا بگوییم: تنها عشق نوع اول کافی است، نیز غلط است. باید هر دو باشند تا یک دیگر را کامل کنند. در عشق نیز مانند همه مسائل ازدواج و انتخاب همسر، باید راه اعتدال را پیمود. عشق نوع اول به تنهایی مخرب و زیانبار است، اما با نوع دوم که همراه شود، حالت منفی و مخرب خود را از دست داده و جزء ارزش های عالی گشته

و مفید خواهد شد. (۱) یکی از اقسام عشق متعالی، عشق و محبت به خوبی‌ها و خوب مطلق که خدا است، می‌باشد.

این عشق و محبت فطری است. ملاصدرا می‌گوید: عشقی که جامعه همهء معشوقات باشد، سه گونه است: عشق اکبر و اوسط و اصغر.

عشق اکبر، عشق خدای متعال است، که حاصل نمی‌شود مگر برای خداجویان حقیقی و متألّهین کامل، که برای آنان فنای کلی حاصل شده است. اینان مورد تعلق عشق و حبّ ذات حق تعالی واقع می‌شوند.

عشق اوسط، عشق انسان‌هایی است که دائم ذکر خدا را بر زبان و قلب دارند و خلقت و عظمت خدا تفکر و اندیشه می‌کنند و می‌گویند: ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار. (۲)

عشق اصغر، عشق انسان صغیر است. (۳)

افلاطون عشق را جنون الهی می‌داند که نفوس قدسی و انسان‌هایی که دارای روح عالی هستند، به آن مبتلامی شوند. (۴)

عشق به خدا مایهء پرستش بهتر و کامل‌تر است.

[خبرت هر سحر از باد صبا می‌خواهم هر شبی خیل خیالت به دعا می‌خواهم

سینه را بهر وفای تو صفا می‌جویم دیده را بهر جمال تو ضیا می‌خواهم

[علی ۷ در مناجات خود عرض می‌کند: (۵)

عشق به خوبان نیز در طول عشق به خدا است؛ عشق به پیامبران و اولیاءالله و صادقان و همراهی با آنان: (۶)

(پاورقی ۱. علی اکبر مظاهری، جوانان و انتخاب همسر، ص ۱۶۰)

(پاورقی ۲. آل عمران (۳) آیه ۱۹۱)

(پاورقی ۳. صادق خلخالی، سیر هنر و عرفان در ایران، ج ۱ ص ۷)

(پاورقی ۴. همان.)

(پاورقی ۵. سید یحیی)

یثربی، عرفان نظری، ص ۵۱ به نقل از وافی، ج ۳ ص ۷۰

(پاورقی ۶. توبه (۹ آیه ۱۱۹

## اختلاف سنّ در مورد ازدواج چطور است؟

### پرسش

اختلاف سنّ در مورد ازدواج چطور است؟

### پاسخ

اختلاف سنّ در ازدواج بین پسر و دختر، برگشت به طبیعت آن دو دارد، زیرا پسران در سنین بالاتر مرد می شوند و قابلیت زن گرفتن پیدا می کنند، ولی دختران در سنین کم تر و پایین تر، زن می شوند و قابلیت همسر داری پیدا می کنند. از نظر طبیعی پسر چند سال بیش تر از دختر باشد، بهتر است ولی اشکالی ندارد پسر و دختر در سنین مساوی با هم ازدواج کنند یا حتی دختر سنش بالاتر از پسر باشد. مهم در ازدواج این است که پسر و دختر هم دیگر را از نظر اخلاقی و تدبیر و زیبایی ببینند. اگر موردی پیش آمده که این چند ملاک در پسر و دختر وجود داشت و بینشان هماهنگی بود، می توانند با هم ازدواج کنند، حتی اگر دختر چند سال از پسر بزرگ تر باشد.

در روایات به اصل ازدواج و بعضی خصوصیات زنان اشاره شده است:

پیامبر ۶ فرمود: (۱)

علی ۷ فرمود: (۲)

پیامبر ۶ فرمود: (۳)

در روایات دیگر سفارش شده است: زنانی را که عقل و ادب و دین دارند و عقیف هستند، اختیار کنید. (۴)

(پاورقی ۱. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴ ص ۳

(پاورقی ۲. همان .

(پاورقی ۳. همان، ص ۵

(پاورقی ۴. همان، ص ۱۳ و ۱۴

## آیا خرید شمع و سوزاندن آن در زیارتگاهها اسراف نیست؟

آیا خرید شمع و سوزاندن آن در زیارتگاهها اسراف نیست؟

پاسخ

چون در روشن کردن شمع، در مکان های روشن، فائده ای مترتب نیست و وجه عقلایی ندارد، روشن کردن، اسراف و بی فائده است، مگر این که اثر تبلیغی و روحی داشته باشد، مانند روشن کردن در شام غریبانِ امام حسین ۷ به عنوان این که تاریکی، صحرای کربلا را فراگرفته و شمع محفل اهل بیت خاموش شده است.

آرایش برای مرد چه لزومی دارد؟

پرسش

آرایش برای مرد چه لزومی دارد؟

پاسخ

متوجه مراد شما نشدیم. اگر منظور این است که چه لزومی دارد مردها موهای سر و صورت خود را مرتب کرده و موهای اضافی را برطرف کنند و لباس تمیز و پاک بپوشند و مسواک کرده و بدن خود را شستشو کنند، خوب مشخص است؛ یکی از دستورهایی اسلام رعایت نظافت است، که پوشیدن لباس تمیز و پاک و آرایش سر و صورت با برطرف نمودن موهای اضافی و شانه کردن است. قرآن می فرماید:

روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟<

امام صادق ۷ از پدرش (امام باقر ۷ نقل کرده است که روزی مردی به در خانه پیغمبر ۶ آمد و اذن دخول خواست. پیغمبر در برابر ظرف آبی که در اتاق بود ایستاد و محاسن خود را مرتب کرد و از اتاق بیرون رفت و بعد از پایان ملاقات به حجره برگشت. عایشه گفت: یا رسول الله! تو بزرگی و بهترین فرزندان آدم و فرستادگان خدایی! باین بزرگی در برابر ظرف می ایستی و موی سر و صورت خود را مرتب می کنی؟! رسول خدا فرمود: ای عایشه! خداوند دوست دارد وقتی بنده مؤمن به سوی برادر مؤمنش می رود، آراسته باشد. (۱)

نبی گرامی اسلامی نه تنها خود این گونه بود، بلکه به دیگران سفارش می کرد هنگام برخورد با افراد، خود را بیارایند.

شخصی می گوید: روزی بر پیغمبر اکرم وارد شدم، در حالی که موها ژولیده و لباس هایم مرتب نبود. پیامبر فرمود وضع مالی ات خوب نیست؟ عرض کردم چرا، بحمداله شتر و گوسفند و اسب دارم. حضرت فرمود: وقتی خداوند این نعمت

ها را به تو داده ، میل دارد اثر آن را در تو ببیند. (۲)

گفتنی است : پرداختن به سر و صورت و وضع لباس و کفش ، باید در حد معمول باشد و به اسراف نرسد و از راه حرام تهیه نشود. چنان که در حدیثی از امام صادق ۷می خوانیم : لباس نیکو بپوش و خود را بیارای ، زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، ولی مواظب باش از راه حلال تهیه شده باشد. (۳)

اگر مردا شما آرایش مثل زن ها است ، چنین آرایشی لزومی ندارد و بالاتر این که شاید عملی حرام باشد.

(پاورقی ۱. مکارم الاءخلاق ، چاپ بیروت ، ص ۹۶ طبق نقل ، آیه اله مهدوی کنی ، اخلاق عملی ، ص ۵۸۷ بحار، ج ۱۶ ص ۲۴۹

(پاورقی ۲. المستدرک الصحیحین ، ج ۴ ص ۱۸۱ طبق نقل اخلاق عملی ، ص ۵۸۷

(پاورقی ۳. بحار، ج ۷۶ ص ۶۰۳ چاپ بیروت .

### روشن نمودن چراغ و شمع بر قبر میتی که تازه فوت نموده ، چگونه است ؟

#### پرسش

روشن نمودن چراغ و شمع بر قبر میتی که تازه فوت نموده ، چگونه است ؟

#### پاسخ

در تاریخ ائمه نقل است : امام صادق ۷بعد از شهادت پدرش (امام باقر ۷می فرمود که هر شب چراغ را در اتاقی که حضرت وفات یافته بود، روشن کنند. (۱) روشن کردن چراغ یا شمع بر قبر میت بی دلیل است .

(پاورقی ۱. شیخ عباس قمی ، منتهی الآمال ، ج ۲ ص ۱۲۰ و سائل الشیعه ، ج ۲ ص ۶۷۳

### آیا خندیدن در ماه محرم حرام است ؟

#### پرسش

آیا خندیدن در ماه محرم حرام است ؟

#### پاسخ

خندیدن در ماه محرم و صفر از نظر شرعی حرام نیست ، اما چون ماه های اندوه و حزن اهل بیت و خاندان نبوت ، خصوصاً در دهه عاشورا است ، بهتر است شیعه و دوستان اهل بیت در حزن و اندوه باشند. در روایتی از حضرت علی ۷می خوانیم : (۱)



گفتیم خندیدن در ماه محرم و صفر حرام نیست ، اما بهتر است نسبت به سایر ماه ها کم تر بخندند و خوش حال باشند، گرچه حزن و سرور امری قلبی است . چه بسا کسانی می خندند، اما به مجرد توجه به مصائب اهل بیت گریانند.

(پاورقی ۱. محمد باقر مجلسی ، ج ۶۵ ص ۱۸ حدیث ۲۴)

## آیا خندیدن و شوخی کردن و خوردن خوراکی (تخمه) در شب های ماه های محرم و صفر اشکال دارد؟

### پرسش

آیا خندیدن و شوخی کردن و خوردن خوراکی (تخمه) در شب های ماه های محرم و صفر اشکال دارد؟

### پاسخ

خندیدن و شوخی کردن و خوردن تخمه و یا دیدار با اقوام و بستگان در شب های محرم و صفر (به جز شب عاشورا) به صورت متعارف اشکال ندارد.

در شب عاشورا پیروان حضرت امام حسین علیه السلام سزاوار است طبق حدیث شریف رفتار کنند که فرمود:

"یحزنون لحزننا؛ شیعیان ما کسانی هستند که در غم و اندوه ما غمگین هستند". از این رو در آن شب پسندیده است از این گونه کارها پرهیز نمایند و در مجالس عزا و سوگواری حضرت شرکت جویند، زیرا عزاداری برای حضرت طبق فتوای علما و اندیشمندان علوم اسلامی از بهترین اعمال برای نزدیکی به خدا است.

## آیا جهیزیه بر عهده زن است و باید آن را تهیه کند؟

### پرسش

آیا جهیزیه بر عهده زن است و باید آن را تهیه کند؟

### پاسخ

اسباب و لوازم زندگی که در ابتدای ازدواج تهیه می شود، بر عهده مرد است ، ولی خانواده عروس برای این که دخترشان محتاج به وسائل دیگران نباشد و در ضمن به دامادشان کمکی کنند، مقداری اسباب تهیه و به دخترشان هدیه می کنند، تا او با دلی شاد و آرامش بتواند نیازمندی های خود را رفع کند. اسباب و اثاثیه از آن عروس است و شوهر حق تصرف و نقل و انتقال آن ها را بدون اجازه همسرش ندارد.

اگر مرد اسباب و لوازمی را تهیه کرد، مال خودش خواهد بود و زن نخواهد توانست بدون اجازه شوهرش آن ها را ببخشد، گرچه با اجازه شوهر، از آن ها استفاده می کند.

**چه حکمتی دارد که وقتی بچه متولد می شود. اذان و اقامه در گوش او می خوانند؟**

**پرسش**

چه حکمتی دارد که وقتی بچه متولد می شود. اذان و اقامه در گوش او می خوانند؟

**پاسخ**

امام خمینی در تحریر الوسیله می نویسد: مستحب است بعد از ولادت در گوش راست نوزاد، اذان و در گوش چپش ، اقامه بگویند. (۱)

پیامبر درباره حکمت این عمل فرمود:

از ارتکاب منکرات نگه می دارد).<

نوزاد از لحظه ولادت باید تحت آموزش قرار گیرد.

امروزه روانشناسان کودک بدین حقیقت دست پیدا کرده اند که تمام حرکات و سکانات پدر و مادر و اطرافیان در روان بچه مؤثر می باشد و در گریاندن و خنداندن کودک بسیار مؤثر است .

ابن القیم جوزی در کتاب تحفه المولود می گوید(۲)

پاورقی ۱.تحریر الوسیله ، ج ۲ ص ۳۱۰

پاورقی ۲.اسلام و تربیت کودک ، احمد بهشتی ، ص ۵۸ با تلخیص .

**آیا حجاب اسلامی که مدّ نظر قرآن و ائمه : است ، در مناطق مختلف مانند شمال و جنوب یا درقبایل مختلف مانند لرها و کردها و بلوچ ها متفاوت است که هر کدام به شکلی حجاب دارند، مثلاً در بعضی روستاهاحجاب را رعایت نمی کنند؟ آیا حجاب مخصوص شهری ها است ؟**

**پرسش**

آیا حجاب اسلامی که مدّ نظر قرآن و ائمه : است ، در مناطق مختلف مانند شمال و جنوب یا درقبایل مختلف مانند لرها و کردها و بلوچ ها متفاوت است که هر کدام به شکلی حجاب دارند، مثلاً در بعضی روستاهاحجاب را رعایت نمی کنند؟ آیا حجاب مخصوص شهری ها است ؟

**پاسخ**

حجاب مسئله و پوشش از ضروریات اسلام و مورد اتفاق تمامی فرقه های اسلامی (شیعه و سنی) می باشد، اما در نوع و کیفیت آن، طوائف و قبائل و نواحی مختلف، طبق رسوم خود، متفاوت هستند. در بعضی از مناطق، با چادر پوشش دارند؛ در بعضی مقنعه و مانتو و در بعضی جاها طور دیگر. اما همه باید حجاب اسلامی را که عبارت است از پوشش تمامی بدن به غیر از صورت و دست ها تا مچ، مراعات کنند.

اگر مشاهده می شود در بعضی مناطق پوشش کامل ندارند، بر خلاف دستور شرعی عمل می کنند. بنابراین حجاب مخصوص شهرنشینان نیست، بلکه تمامی بانوان باید مراعات حجاب اسلامی را بنمایند.

**به این جمله توجه شود: در سرزمین های جنگ هشت ساله دفاع مقدس، نباید با کفش به قدم زدن پردازیم، چرا که زمین آغشته به خون شهدای جنگ است و لگد مال کردن خون شهیدان معصیت است.**

### اشاره

این جمله علاوه بر این که چندان منطقی نیست، آیا برخورد غربی ها با سایر دستورهای

### پرسش

به این جمله توجه شود: در سرزمین های جنگ هشت ساله دفاع مقدس، نباید با کفش به قدم زدن پردازیم، چرا که زمین آغشته به خون شهدای جنگ است و لگد مال کردن خون شهیدان معصیت است.

این جمله علاوه بر این که چندان منطقی نیست، آیا برخورد غربی ها با سایر دستورهای اسلام و موهون دانستن آن ها، مانند برخورد ما با جملات مذکور نیست؟

### پاسخ

احترام به خون شهیدان به معنای احترام به ارزش هایی است که به خاطر آن ها به شهادت رسیدند، نه به معنای پا برهنه بر روی زمین راه رفتن است. جملاتی که شما نقل کرده اید، جملاتی شاعرانه و اغراق آمیز است. مسلم است که اشکالی ندارد در مناطق جنگی با کفش راه برویم، کما این که مردم راه می روند. شاید مراد از جمله مذکور این باشد که به ما گوشزد کند خون شهیدان را لگد مال نکنیم. بنابراین مقصود این نیست که با کفش در آن سرزمین راه نرویم. پیام این است که اهداف شهیدان را حفظ و حراست کنیم و از استقلال کشور و از اسلام و انقلاب اسلامی حمایت کنیم. بنابراین نباید برداشت بدی از این جمله داشته باشیم، بلکه باید پیام این کلام را دریابیم و به آن ارج بنهیم.

اما برخورد غربی ها از مقوله هایی مانند حجاب و نماز و... و موهون دانستن آن ها، به جهت بی توجهی و جهل به حقیقت این ارزش ها است و آنان نمی دانند حجاب و نماز و روزه و بندگی و عبودیت خدا

و اخلاق حسنه و زیبایی معنوی برای انسان و جامعه بشری سودمند و لازم است. اگر می دانستند و توجه می کردند، آن ها را موهون نمی دانستند. ثانیاً موهون دانستن آنان، حقیقت مطلب را عوض نمی کند و آن ها را از ارزشمند بودن نمی اندازد. اگر همه مردم دنیا بگویند: ظلم خوب است، ظلم خوب نمی شود و اگر غربی ها بگویند: حجاب و عفت و پاکدامنی بد است، آن ها بد نمی شوند.

اصولاً ما نباید خود باخته باشیم و به ارزش هایی که در مکتب ما وجود دارد، با اندک اعتراضی در آن ها شک کنیم. یک مسلمان باید آن قدر در فهم ارزش های الهی قوی و متقن باشد که تشکیک دیگران در او تأثیری نداشته باشد.

### چرا عصر روزهای جمعه هر هفته غبار غمی بر دل انسان می نشیند؟

#### پرسش

چرا عصر روزهای جمعه هر هفته غبار غمی بر دل انسان می نشیند؟

#### پاسخ

معلوم نیست عصر جمعه هر هفته برای همه مردم غمناک باشد و غبار غمی بر دل آن ها بنشیند. آن هایی که غمگین می شوند، شاید بتوان علت آن را عوامل زیر دانست:

۱ روزهای غیر جمعه سرکار می روند، اشتغال دارند و با دوستان حرف می زنند. از این جهت احساس خستگی نکرده و در نتیجه غمگین نمی شوند. اما در روز جمعه نوعاً در خانه می نشینند، چند ساعتی با بچه ها حرف می زنند، چند ساعتی استراحت می کنند و ساعتی هم بانگه به تلویزیون و گوش دادن به رادیو خود را مشغول می سازند، اما باز می بینند ساعتی باقی مانده است، لذا خسته می شوند و احساس غم می نمایند.

۲ طبق روایات وارده از اهل البیت: عصرهای هر جمعه نامه اعمال مردم رابه پیشگاه حضرت ولی الله العظم امام عصر علیه آلائف التحیه و الثناء برده و به عرض ایشان می رسانند. شاید انسان ها به طور ناخودآگاه از جریان مطلع شده و از این بابت غمگین و ملول می شوند.

۳ بر حسب گفته روان شناسان و روان کاوان و تأیید دسته ای از روایات، انسان علاوه بر حواس پنج گانه، حس ششمی هم دارد که از راه دور بعضی از امور ناراحت کننده یا خوشحال کننده را می فهمد که اصطلاحاً به آن گفته می شود. به تعبیر دیگر ارواح بعضی انسان ها در عالم معنا با هم الفت دارند که در اثر ناراحتی روح یکی، روح دیگری نیز ناراحت و

غمگین می شود.

جهان دیگری هم برای این حالت متصور است .

### چرا خانواده های اسلامی به ویژه شیعه از انتخاب نام کاظم و قنبر برای فرزندان خود امتناع می ورزند

#### پرسش

چرا خانواده های اسلامی به ویژه شیعه از انتخاب نام کاظم و قنبر برای فرزندان خود امتناع می ورزند

#### پاسخ

اولاً: معلوم نیست همهء مردم از انتخاب نام کاظم (لقب امام هفتم ۷ و قنبر (غلام علی ۷ برای فرزندان خویش خودداری نمایند. چنان که بعضی علما به اسم کاظم بودند، مانند سید محمد کاظم یزدی ، صاحب عروه الوثقی و ملا محمد کاظم ، صاحب کفاء، معروف به آخوند خراسانی که از علما و مراجع بزرگ بودند.

ممکن است منطقه ای با منطقه دیگر تفاوت داشته باشد و در بعضی مناطق بیش تر و در بعض دیگر کم تر انتخاب کنند.

ثانیاً: بعضی از ائمه ، مثل امام علی و امام حسن و امام حسین : روی جهاتی درخشندگی خاصی دارند، به همین دلیل مردم اسامی آن ها را بیش تر برای فرزندان خود انتخاب می نمایند.

ثالثاً: بهتر است عدم انتخاب چنین نامی برای فرزندان ، از خود مردم پرسیده شود.

### آب ریختن بر سنگ قبرها و شستن آن ها چه ارزش معنوی برای میت دارد؟

#### پرسش

آب ریختن بر سنگ قبرها و شستن آن ها چه ارزش معنوی برای میت دارد؟

#### پاسخ

در وسائل الشیعه در مورد آب پاشیدن بر روی قبر روایاتی نقل شده است که دلالت بر استحباب دارد. از ظاهر روایات استفاده می شود این استحباب مربوط به موقعی است که میت را دفن کرده و پس از آن که قبر را از خاک پر کردند، بر روی آن آب بریزند. فقط از یک روایت استفاده می شود. امام رضا (ع) دستور داد بر روی قبر یونس بن یعقوب تا ۴۰ ماه یا ۴۰ روز، آب بریزند.

(۱)

امکان دارد شخصیت یونس بن یعقوب باعث دستور امام (ع) بوده است و نمی توان این مطلب را نسبت به هر قبری تعمیم داد.

زیرا قبور علما و اولیاءالله از ویژگی خاصی برخوردار است .

(پاورقی ۱. وسائل الشیعه ، ج ۲ ص ۸۶۰)

**چرا پسرها هر نوع لباسی را می توانند بپوشند، ولی دخترها نمی توانند؟**

**پرسش**

چرا پسرها هر نوع لباسی را می توانند بپوشند، ولی دخترها نمی توانند؟

**پاسخ**

چه کسی گفته است که دختران نمی توانند لباس های زیبا بپوشند؟ زنان و دختران هرگونه لباس زیبا و جالب را می توانند بپوشند. اتفاقاً در هر خانه ای به کمد لباس زن ها اگر سری بزنید، می بینید انواع لباس های گران قیمت و زیبا و جذاب از آن زنان است. اسلام با بدحجابی و بی حجابی و ایجاد فساد در جامعه مخالف است، چون این گونه مفسد جامعه را از درون مانند موریانه می خورد و فاسد می کند. از این جهت در بیرون از خانه زنان باید با حجاب باشند. البته پسران هم نباید هرگونه لباسی که دلشان بخواهد بپوشند، بلکه باید حرمت جامعه اسلامی را حفظ کنند و لباس هایی نپوشند که باعث گناه و یا لباس شهوت باشد.

**کلمه (مهزیار) چه واژه ای است؟ آیا واژه بیگانه است؟ چرا ثبت احوال این نام را برای فرزندانمان نمی پذیرد؟**

**پرسش**

کلمه (مهزیار) چه واژه ای است؟ آیا واژه بیگانه است؟ چرا ثبت احوال این نام را برای فرزندانمان نمی پذیرد؟

**پاسخ**

کلمه مهزیار مرکب از دو کلمه "ماه" و کلمه "زیار" است، ولی در کتاب لغت نامه های فارسی موجود نیست. بنابراین کلمه فارسی محسوب نمی شود.

**مخارجی که در زمان فوت تا چهلم برای مرده انجام می شود چه توصیه شرعی دارد؟**

**پرسش**

مخارجی که در زمان فوت تا چهلم برای مرده انجام می شود چه توصیه شرعی دارد؟

**پاسخ**

بسیاری از چیزهایی که هم اکنون در جوامع اسلامی جزء سنت های فراموش نشدنی مردم شده است فاقد وجهت شرعی و دینی است. یکی از همان سنت ها مراسمی است که هنگام فوت و خصوصاً بعد از فوت تحت عنوان های مختلف برگزار می شود.

هنگامی که مرگ بر سر عزیز یا عزیزانی از خانواده و فامیل سایه می گستراند و از میان آدمیان برای خودنامزدی انتخاب می کند این تازه شروع ماجرا است. افرادی که به دلیل قرابت و خویشاوندی با یک دیگر مأنوس شده و چون زنجیری به هم پیوسته شده اند؛ اکنون در حسرت فراق در هاله ای از غم می سوزند و اشک می ریزند و داستان دنیاچنین تعبیر می شود که: آدمیانش روزی در جشن و سرورند و روزی در غم و اندوه در این بین علاوه بر تحمیل غصه و اندوه بر صاحبان میت، عده ای نیز به خیال آن که به بازماندگان تسلی خاطر می بخشند ناگهان سبز شده و به پذیرایی از خویش مشغول می شوند، باز مانده بیچاره نمی داند که آید بگرید یا آن مهیمان ناخواسته را پذیرایی کند. حتی توقع بعضی از افراد آن چنان بالا است که اگر خوب پذیرایی نشوند زبان به طعن و لعن و بدگویی باز می کنند این یک گوشه داستان است و بماند در زمان امروز و وضع نابه هنجار اقتصادی از مردم که با سیلی صورت خود را سرخ می کنند چگونه می توانند از عهده مخارج سنگین

پذیرایی سوم و هفتم و چهلم و سال برآیند. آیا اسلام چنین می گوید که هر کس مرد بازمانده اش باید خیرات دهد و پشت سر مجلس غذا و طعام برگزار کند تا عده ای بیایند و بخوانند و اگر خیلی هنر کنند فاتحه ای ناقص و بخوانند و با عجله از مجلس خارج شوند و دمی بعد گویا که خبری نبوده بهی خبری و غفلت خویش باز گردند. بر عکس، اسلام و قرآن می فرماید: قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش درمال ها و جان ها و میوه ها، آزمایش می کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان. (۱)

می گوید مرگ امتحان وابتلا است. مرگ عبرت و درس است، مرگ باعث می شود که انسان در فکر آن باشد که آرزوهای دراز و بلند نداشته باشد. بگذریم در هر حال، بسیاری از این سنت ها، ریشه در جهل و نادانی و باورهای غلط دارد از جمله تحمیل پذیرایی و خیرات بعد از مرگ به وسیله بازماندگان است.

بنای اسلام درست در جهت عکس آن چیزی است که امروز مردم روزگار آن را می پسندند. از آن جمله اگر شخصی از خانواده ای رحلت کرد و از دنیا رفت مستحب است که تا سه روز غذایی از بیرون تهیه کرده و برای بازماندگان ارسال کنند و این سنت احتمالاً تا به امروز در بعضی از کشورهای اسلامی متداول است نقل شده در نقاطی از استان لرستان ایران مردم به این مهم اهتمام داشته و عمل می کنند.

امام باقرؑ فرمود: سزاوار است همسایگان صاحب عزا به مدت سه روز برای صاحبان



عزا طعام درست کنند. (۲)

امام صادق ۷ فرمود: غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای دوران جاهلیت است و سنت (پسندیده) آن است که برای آنان (عزاداران) طعام و غذا ارسال شود. آن گونه که پیامبر اسلام ۶ دربارہ بازماندگان جعفر بن ابی طالب سفارش به ارسال طعام کردند) و این به شکل سنتی در آمده است پس سنت اسلام این است نه آن که کاملاً بر عکس (پاورقی ۱ وسایل الشیعه، ج ۲ ص ۸۸۹ حدیث ۶

این سنت و هنگامی که شخصی می میرد خود را آماده پذیرایی و خوردن غذای سوم و هفتم و چهلم و سال بکنیم. شخصی که عزیزش را از دست می دهد و در عزایش به سوگ نشسته است چگونه حال و حوصله پذیرایی و خیرات دادن را دارد و البته بسیاریند که اهل ریخت و پاشند و به اندازه کافی خدمه و عمله دارند و به اندازه ای پول و ثروت دارند که گویا این گونه خرج ها برای آنان تأثیر ندارد که البته اینرا نیز اسلام نمی پذیرد و به نوعی اسراف می داند زیرا می توان از برای میت در راه بهتری چون وقف و دیگر صدقات جاریه، خدمات آموزش و پرورش، مدرسه سازی، ساختن راه ها و بناهایی که عموم مردم از آن استفاده کند و شناسایی افراد فقیر و مستمند و رسیدگی به وضع آنان نیز از آن جمله است و انجام این امور لازم است زیر نظر مجتهد و مرجع تقلید صورت پذیرد تا وجه شرعی اش حفظ شود. پس اولاً انسان که از دنیا می رود عمل اوست که او را نجات می دهد یا خدای

ناکرده دچار عذاب می کند و دادن طعام و غذا و از این قبیل سفره پهن کردن ها علاوه بر زحمت بیهوده کشیدن تاثیر چندانی برای مرده ندارد. و اگر انسان می خواهد بر عزیز از دست رفته اش خدمتی بکند بهتر است برای او کاری انجام دهد که مرده ثمره اش را دریافت کند و علما و مراجع تقلید در استفتائات و رساله های علمیه خود هر آن چه که از امور واجب و مستحب برای میت بوده است را بیان کرده اند. پس علما نه تنها سکوت نکرده اند بلکه دادن این نسبت به بزرگان صحیح نیست. و این که مردم عامی به سراغ آنان و یا کتاب هایشان نمی روند تا آن چه از اصل اسلام است را بیاموزند. این به خود مردم مربوط است و گناهی متوجه علما و بزرگان نیست.

(پاورقی ۱ بقره (۲) آیه ۱۵۵)

(پاورقی ۲ وسایل الشیعه، ج ۲ ص ۸۸۹ حدیث ۵)

**با توجه به این که عید امسال با ماه محرم الحرام مصادف است، تکلیف مسلمانان چیست و از نظر برگزاری مراسم کدام یک از این دو مهم تر است؟**

**پرسش**

با توجه به این که عید امسال با ماه محرم الحرام مصادف است، تکلیف مسلمانان چیست و از نظر برگزاری مراسم کدام یک از این دو مهم تر است؟

**پاسخ**

به دلیل آن که سال قمری ده روز از سال شمسی کمتر است، مناسبت های خاصی که در ماه و یا سال قمری اتفاق افتاده است، نیز در طوف فصول تغییر می کند. گاهی ماه مبارک رمضان در زمستان قرار می گیرد و گاهی به چرخش زمان در تابستان اتفاق می افتد و یا مراسم عزاداری حسین (ع) که در ماه محرم اتفاق افتاده، در طول سال در چرخش و تغییر است. هم اکنون نیز ماه محرم با ایام تحویل سال مقارنت پیدا کرده و از طرفی مردم به خاطر سنت و آدابی که از زمان های دور به جا مانده و ممکن است ریشه آن به دوران قبل از ظهور اسلام برگردد، به دید و بازدید پرداخته و سال نو را که طبیعت نیز در آن شکوفا شده گرامی می دارند و لباس نو می پوشند و بسیاری از مراسم های عقد و عروسی را در این موقع سال برگزار می کنند و سعی می نمایند کدورت های پیش آمده بین خودشان را با بازدیدهای دوستانه بزدایند. از طرفی نیز محرم و مسئله عاشورا چیز ساده و فراموش شدنی نیست و مردم طبق تعبد و اعتقاد بالایی که دارند، فطرتاً به قامه عزا می پردازند. در عین حال می شود هم به مراسم تحویل سال پرداخت و هم موضوع محرم را از یاد نبرد و بالخصوص اگر دو روز تاسوعا و عاشورا و یا اربعین حسینی با روزهای اولیه سال همزمان شود،

اولویت با عزاداری خواهد بود و مردم این مهم را رعایت کرده و مراسم جشن و شادمانی را به سال های بعد موکول می کنند تا از برکت برپایی عزا محروم نشوند، زیرا مردم مسلمان، عزاداری در ماه محرم را فدای عید و مراسم خاص آن نمی کنند، چرا که امام صادق(ع) فرمود: "شیعیان ما از خمیر مایه طبیعت ما خلق شده اند. در شادی های ما شادند و در غم های ما مغموم اند."

محرم ماه حزن اهل بیت پیامبر است. چگونه شیعه می تواند مسرور و شادمان باشد؟ البتهص له رحم مانعی ندارد و عقد و عروسی باید تعطیل شود و مجالس جشن و سروری در کار نباشد، اما کمک به یتیمان و لباس نو پوشیدن و دید و بازدید دوستانه مانعی ندارد. به جای تبریک سال نو بهتر است بگوییم: "عظم الله اجورنا بمصاب الحسین(ع)، تا با اهل بیت پیامبر همنا باشیم.

## چرا آخوندها فوتبال بازی نمی کنند؟

### پرسش

چرا آخوندها فوتبال بازی نمی کنند؟

### پاسخ

آخوندها و کلاً هیچ شخص عاقلی نباید بازی بدون ثمر و فایده بکند، بلکه ورزش کردن خوب است. فرق این دو آن است که بازی از مصادیق لغو است و قرآن می فرماید: مؤمنان از لغو دوری می کنند (و عن اللغو معرضون). اما نرمش و ورزش و راه پیمایی و کوهنوردی به مقداری که برای سلامتی بدن لازم باشد، خوب و لازم است. آخوندها نیز به اندازه کافی ورزش می کنند، مثلاً اگر هفته ای یک بار با روزی ده دقیقه ورزش برای بردن لازم باشد، انجام می دهند، ولی این که روزی دو ساعت وقتشان را صرف بازی کنند، این طور نیست.

بنابراین باید فرق بگذاریم بین ورزش و بازی. هدف از ورزش سلامتی بدن است. فرق دیگر این است که ورزش به اندازه نیاز لازم است، مانند غذا، اما بازی، به گونه ای سرگرمی و وقت گذراندن است.

در هر صورت طلاب جوان به مقدار لزوم ورزش می کنند؛ ورزش هایی از قبیل فوتبال و والیبال و پینگ پنگ و کشتی.

**سال ها را چگونه و توسط چه کسانی نامگذاری می کنند؟ سال های ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و... چه نام دارند؟ برای مثال سال ۸۰ سال مار می باشد.**

### پرسش

سال ها را چگونه و توسط چه کسانی نامگذاری می کنند؟ سال های ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و... چه نام دارند؟ برای مثال سال ۸۰ سال مار می باشد.

در خصوص نامگذاری سال ها، براساس وضعیت افلاک در یک چرخه دوازده ساله این کار صورت می گیرد. این کار توسط دانشمندان علم هیئت و نجوم صورت می پذیرد و هر سال را با نام یک حیوان نامگذاری می کنند. این نامگذاری نسبت به سال های بعد صورت نمی گیرد، چون دانشمندان براساس وضعیت افلاک تنها به نامگذاری سال جدید می پردازند.

### فلسفه پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری چیست ؟

#### پرسش

فلسفه پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری چیست ؟

#### پاسخ

پوشیدن لباس سیاه شعار اهل مصیبت و علامت سوگواری و عزا است و پوشیدن آن در عزای حضرت سیدالشهدا و سایر معصومین علیهم السلام ، تعظیم شعایر و اعلان برائت از اعدای آل محمد و تجلیل از ایثار، فداکاری ، شهادت در راه خدا و عناوین راجحه دیگر است . به طور یقین این برنامه ها و سیاه پوشیدن و سیاهپوش کردن در و دیوار خانه و حسینیه ها، تکایا و مجالس ، که متضمن درس های بسیار آموزنده و موجب تعالی افکار و اهداف و تبلور شعور مذهبی و انسانی است همه راجح و سبب احیا و بسط امر مذهب و تحکیم علائق و روابط با خاندان رسالت است . (۱)

فقها پوشیدن لباس سیاه جهت عزاداری را راجح می دانند. پس از شهادت امام حسین ۷ و یاران آن حضرت ، کسی از زنان بنی هاشم و طایفه قریش نبود مگر آن که برای امام حسین ۷ لباس سیاه پوشیده بود. (۲)

فقط در دوران حاکمیت بنی عباس ، چون لباس سیاه به عنوان لباس رسمی آنان محسوب می شده پوشیدن لباس سیاه به عنوان یکی از مصادیق تلبس به لباس ظلمه و تشبه به آن ها محسوب می شد که با نابودی آنان این عنوان منتفی شده امروزه سیاه پوشی از ویژگی های مهم شیعه است ، شیعه در عزاداری ها همانند ایام محرم و صفر نه تنها سیاه می پوشد، بلکه در و دیوار و کوی و برزن را نیز سیاهپوش می کند. لباس سیاه ، نشانه عشق و دوستی به ساحت مقدس امامان معصوم : است و اعلام جانبداری از سرور آزادگان در جبههء

ستیز حق و باطل که سراسر تاریخ را فرا گرفته است. شیعه با سیاهپوشی خویش در عاشورا اعلام می دارد که در منطق وی و بی حسین و جامعه تاریک و جهان بی فروغ است. (۳) امروزه پوشیدن لباس سیاه از شعائر شیعه محسوب می شود.

(پاورقی ۱. حسین رجبی و پاسخ به شبهات عزاداری، ص ۱۰۵)

(پاورقی ۲. بحارالانوار، ج ۴۵ ص ۱۹۶)

(پاورقی ۳. همان، ص ۱۰۶)

### مراد از تعزیه خوانی در اسلام چیست؟ آیا تعزیه خوانی عزاداری خوبی است؟

#### پرسش

مراد از تعزیه خوانی در اسلام چیست؟ آیا تعزیه خوانی عزاداری خوبی است؟

#### پاسخ

تعزیه خوانی نمایشی است که در یک محوطه با حضور مردم توسط چند نفر انجام می گیرد که نقش قهرمانان کربلا و اسرای آل الله را با لباس های مخصوص و ابزار جنگی همراه با شیپور نیزه و شمشیر ایفا می کنند. صحنه و نمایش بر منهای حوادث کربلا و مقتل ها تنظیم می شود.

تأثیر گذاری عاطفی و نیز روحیه ضد ظلم که در پی دیدن نمایش تعزیه در افراد ایجاد می شود، از نقاط قوت و مثبت این نمایش است.

تعزیه اگر به صورت جمع و با حفظ موازین و شئون معصومان انجام شود، در بینندگان تأثیر مهمی می گذارد و وسیله انتقال فرهنگ شهادت به نسل های آینده است.

به همین دلیل پس از انقلاب اسلامی در ایران تعزیه خوانی رواج و توسعه بیشتری یافته است و همراه این توسعه، تحولاتی در اجرا و محتوای اشعار و جهت گیری سیاسی اجتماعی پدید آمده است. (۱)

(پاورقی ۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۱۱۷، ۱۱۵ با تلخیص.)

### چرا روز تاسوعا سر خاک شهدا و مردگان می روند؟

#### پرسش

چرا روز تاسوعا سر خاک شهدا و مردگان می روند؟

## پاسخ

زیارت اهر قبور به خصوص شهیدان در همه شب به ویژه شب جمعه ، از دیدگاه اسلام بسیار مطلوب است و روایات زیادی در این خصوص از رسول خدا و اهل بیت اطهارش ۷ وارد شده است .

تا حدی که ما اطلاع داریم در خصوص شب تاسوعا برای زیارت اهل قبور روایتی نداریم ، بلکه این کار از رسوم و سنت های عرفی است .

شاید یک علتش این باشد که جوان فردایش روز عاشورا و روز شهادت حسین بن علی ۷ و یاران با وفایش می باشد، می خواهند پیشاپیش این ضایعهء مولمه را به اموات و اهل قبور تسلیت بگویند. شاید هم چون به خاطر حادثهء هولناک روز عاشورا محزون و معمومند، به قبرستان می روند تا حزن و اندوه خود را برطرف نمایند.

در روایات آمده : یکی از راه های برطرف نمودن غم و ناراحتی ها زیارت اهل قبور است .

## چرا روز عاشورا پا برهنه می شوند؟

### پرسش

چرا روز عاشورا پا برهنه می شوند؟

### پاسخ

حتماً اطلاع دارید عاشورا در تاریخ جاهلیت عرب از روزهای عید رسمی و ملی بود. در چنین روزی لباس های فاخر می پوشیدند و چراغانی و خضاب می کردند و این روز را روزه می گرفتند، اما در اسلام با تشریح روزه رمضان ، روزه این روز نسخ شد.

در فرهنگ شیعی ، روز عاشورا به خاطر حادثه جان گداز شهادت امام حسین ۷ و فرزندان و یارانش در این روز از بزرگ ترین ایام سوگواری و ماتم به حساب می آید.

امامان شیعه در این روز مجلس عزا برپا می کردند و بر حسین بن علی ۷ می گریستند و آن حضرت را زیارت می کردند و به زیارت او تشویق و امر می نمودند. با این کار یاد این روز را زنده می داشتند. (۱)

از جمله آداب استجابی این روز:

ترک لذت ها، دنبال کار نرفتن ، پرداختن به سوگواری و گریه ، تا ظهر چیزی نخوردن و نیاشامیدن ، برای خانه چیزی ذخیره نکردن و حالت صاحبان عزا را به خود گرفتن است . (۲)

تا جایی که اطلاع داریم درخصوص پابرهنه شدن ، از پیامبرؐ و خاندان اطهارش ۷ دستوری نرسیده و ظاهراً یک سنت عرفی است که محبان و عاشقان اباعبدالله ۷ رسم کرده اند.

اتفاقاً کار خوبی است و می تواند از شعایر باشد. به این معنا که چون در این روز حضرت اباعبدالله ۷ شهیدان رکاب آن بزرگوار با بدن بی سر و چاک چاک روی خاک تفیده کربلا افتادند و زن ها و بچه ها بعد از آتش زدن خیمه ها با پای برهنه از خیمه ها بیرون دویدند،

شیعیان هم در این روز پا برهنه می شوند تا به آل الله بگویند: ما درحزن شما محزونیم و خود را در کنار شما احساس می کنیم . ضمناً به دیگران بگویند: در عیان دروغین حقق بشر وجانشینان پیامبر ۶ با خانواده او چنین ظلمی را روا داشتند.

(پاورقی ۱. جواد محدثی ، برداشت از فرهنگ عاشورا، ص ۲۷۶ ۲۷۷ با تلخیص .

(پاورقی ۲. شیخ حر عاملی ، وسائل الشیعه ، ج ۱ ص ۳۹۴

### چرا ده شب اول ماه محرم عزاداری می شود؟ مگر نباید بعد از عاشورا عزاداری نمود؟

#### پرسش

چرا ده شب اول ماه محرم عزاداری می شود؟ مگر نباید بعد از عاشورا عزاداری نمود؟

#### پاسخ

آن طوری که مورخان نوشته اند: کاروان امام حسین ۷ روز دوم محرم سال ۶۱ هجری وارد کربلا شد و وارد و زدند. بعد از آن سپاه کوفیان به تدریج وارد شد و روز نهم (تاسوعا) کاروان امام ۷ را محاصره کامل کرده و روز دهم روز (عاشورا) آن بزرگوار و یارانش را به شهادت رساندند.

بنابراین چون اصل گرفتاری حضرت از دهه اول محرم آغاز شده است پیروان حضرت از اول محرم عزاداری می کنند. (۱)

(پاورقی ۱. جواد محدثی ، فرهنگ عاشورا، برداشت از ص ۴۶

### فلسفه علامت که در جلوی دسته زنجیرزنی و سینه زنی حرکت می دهند چیست ؟

#### پرسش

فلسفه علامت که در جلوی دسته زنجیرزنی و سینه زنی حرکت می دهند چیست ؟

#### پاسخ

علامت به معنای نشانه است و از ابزار و وسایل عزاداری حضرت امام حسین ۷ است .

این ابزار نام علم و علامت خاصی است که هر هیأت و دسته ای برای خود دارد که آن را از دسته های دیگر متمایز می سازد. از شعارهای عزاداران عرب های عراقی است : (۱)

از این نوع شعارها فهمیده می شود هیأت ها با حمل علامت و علم می خواهند بگویند: ما نمی گذاریم پرچم خونین کربلا که بر دستان حضرت ابی الفضل العباس بوده ، به زمین بیفتد و پایمال گردد.



[اگر چه سردار علم ، در خون نشست دست هایت روی رایت مانده است (۲)

(پاورقی ۱. جواد محدثی ، فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۹ ۳۲۱

(پاورقی ۲. عزیزالله زیادی .

### آیا آوردن پرچم قرمز در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی خوب است ؟

#### پرسش

آیا آوردن پرچم قرمز در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی خوب است ؟

#### پاسخ

استفاده از پرچم قرمز در دسته های سینه زنی نشانهء پرچم خونین کربلا است که در دست علمدارحسین ۷ حضرت ابوالفضل ۷ بود و از شعایر اسلامی است . روشن است هر چیزی که جزء شعایر اسلامی باشد، خوب است و با ارزش . (۱).

(پاورقی ۱. حج (۲۲) آیه ۳۲

از چه طریقی می توان برای بچه یا مکان و یا هر چیز دیگری نامی انتخاب کرد؟ شنیده ام بعضی قرآن را باز می کنند و یک کلمه از آن در نظر گرفته و نام بچه را انتخاب می نمایند، با این که در آن صفحه اصلاً نامی وجود ندارد. آیا این مطلب صحیح است؟! توضیح دهید.

#### پرسش

از چه طریقی می توان برای بچه یا مکان و یا هر چیز دیگری نامی انتخاب کرد؟ شنیده ام بعضی قرآن را باز می کنند و یک کلمه از آن در نظر گرفته و نام بچه را انتخاب می نمایند، با این که در آن صفحه اصلاً نامی وجود ندارد. آیا این مطلب صحیح است؟! توضیح دهید.

#### پاسخ

از جمله حقوقی که فرزند بر گردن پدر و مادر دارد، این است که اسم نیک برایش انتخاب نمایند. رسول خدا(ص) فرمود: "فرزند سه حق بر گردن والد خود دارد: انتخاب اسم نیک؛ تعلیم خواندن و نوشتن؛ ازدواج وقتی به بلوغ رسید". (۱)

در قرآن آمده است: "یوم ندعوا کلّ اناس بامامهم؛ در قیامت هر گروه و طایفه ای را به نام رهبر و پیشوایشان صدا می کنیم".

(۲)

چون همه ما مسلمان و پیرو رسول خدا(ص) و شیعه علی و ائمه اطهار(ع) هستیم، بهتر است اسامی رسول خدا(ص) زهرای

اطهر(ع) علی بن ابیطالب و فرزندان معصوم او را برای فرزندان انتخاب نماییم تا فردای قیامت فرزند پیش امت رسول الله(ص) شرمنده نشود. از چند طریق می توان برای بچه ها نامی برگزید:

۱- پدر و مادر و اعضای خانواده که مؤمن و متدین و علاقه مند به اهل البیت(ع) هستند، نامی برگزینند.

۲- مشورت با بزرگان مثل روحانیون و معلمان معارف.

پی نوشت ها:

۱. محمد باقر مجلسی، بحار، ج ۷۱، ص ۸، حدیث ۸۲، چاپ بیروت، انتشارات احیاء التراث.

۲. اسراء (۱۷) آیه ۷۱.

**بعضی از افراد به عطسه کردن اعتقاد دارند و می گویند در عطسه های فرد باید دست از کار کشید و در عطسه های زوج به کار خویش ادامه داد! آیا چنین چیزی درست است ؟ اگر درست نیست ، چگونه احادیث متعددی در این باره وجود دارد؟**

**پرسش**

بعضی از افراد به عطسه کردن اعتقاد دارند و می گویند در عطسه های فرد باید دست از کار کشید و در عطسه های زوج به کار خویش ادامه داد! آیا چنین چیزی درست است ؟ اگر درست نیست ، چگونه احادیث متعددی در این باره وجود دارد؟

**پاسخ**

در کتاب شریف بحارالانوار(۱) بابی به نام وجود دارد که حضرات معصومان :

به این مناسبت بیاناتی فرموده اند که از جمع بندی سخنان ایشان به دست می آید عطسه نشانهء سلامتی است . نیز اگر کسی آن را بشنود، حمد خدا بگوید که خداوند او را از شر بیماری و آفات مصون دارد.

امام علی ۷فرمود .(۲)

عبدالدین یعنور می گوید: .(۳)

در هر حال از این دست روایات در باب عطسه فراوان است ، اما این که در نزد مردم شایع شده است اگر کسی یک عطسه بزند، باید صبر کند و اگر به جایی می خواست برود، کمی با تأخیر برود، انسان نباید به چنین خرافاتی اعتقاد پیدا کند.

چنین اعتقاداتی ساخته و پرداخته ذهن عوام است که فائده ای بر آن مترتب نمی شود. از قول معصوم :حکایت است که اگر عطسه ای آمد و خواستی به کاری برسی در کارت تأخیر نینداز و برای مقابله با رسم غلط صبردر این مواقع ، در انجام کار عجله بکن .

برای دست یابی به اطلاعات بیش تر به جزوه همراه مراجعه شود.

(پاورقی ۱. بحارالانوار، ج ۷۳ ص ۵۱ چ بیروت .

(پاورقی ۲. همان .

(پاورقی ۳. همان .

**بیشتر ادیان مراسم عروسی و عزای خود را در اماکن دینی برگزار می کنند. چرا مراسم ازدواج مسلمانان در مساجد برگزار نمی شود؟**

**پرسش**

بیشتر ادیان مراسم عروسی و عزای خود را در اماکن دینی برگزار می کنند. چرا مراسم ازدواج مسلمانان در مساجد برگزار نمی شود؟

**پاسخ**

در هر دین و آیین ، آداب و سنن خاصی وجود دارد، مثلاً مسیحیان مراسم ازدواج و عزای خود را در کلیسا برگزار می کنند. اسلام نیز آداب و سنن خاصی دارد. در مورد ازدواج ، نزد فقهای شیعه ، برگزاری مراسم ازدواج در مسجد، به عنوان یک مستحب شرعی ثابت نیست و مراسم عقد ازدواج در مسجد مطلوبیتی ندارد. دلیلی همب رمع آن وجود ندارد. از طرف دیگر اگر برگزاری این مراسم در مساجد به گونه ای باشد که باعث مزاحمت نمازگزاران و یا همراه با اموری باشد که با شأن و منزلت مسجد منافات داشته باشد، برگزاری آن در مسجد جایز نیست .(۱)

شایان ذکر است که برخی ازدواج ها در مسجد صورت گرفته است ، ولی رجحان شرعی این عمل در مسجد قابل اثبات نیست و جایگاه معنوی مسجد رفیع تر از آن است که بخواهیم در این خصوص آن را با اماکن مذهبی سایر ادیان مورد مقایسه قرار دهیم . مسجد جایگاه عبادت خدا و محل وحدت مؤمنان عاشق است که به صورت همدل و متحد با خدای خویش راز و نیاز می کنند. مسجد مکانی است که انسان با انجام عبادت خالصانه خویش در آن در اوج تقرب به حق تعالی قرار می گیرد.

(پاورقی ۱. رحیم نوبهار، سیمای مسجد، ج ۱ ص ۳۳۸

**در همسایگی ما چند فقیر زندگی می کنند. پدرم هر ماه به این ها کمک می رساند. این کار چگونه است ؟**

**پرسش**

در همسایگی ما چند فقیر زندگی می کنند. پدرم هر ماه به این ها کمک می رساند. این کار چگونه است ؟

**پاسخ**

احسان و نیکی و دادن صدقه و رسیدگی به همسایگان کار بسیار با ارزش و فوق العاده با اهمیت و از مکارم اخلاق است و در شریعت اسلام بر آن تأکید شده است . نیکوکار محبوب خداوند است . قرآن می فرماید: (۱)

قرآن در جای دیگر مخصوصاً از احسان به همسایه سخن گفته است : (۲)

حق همسایه در اسلام به قدری اهمیت دارد که امام علی ۷ می فرماید: (۳)

رسول خدا ۶ فرمود: (۴)

حضرت در جای دیگر فرمود: (۵)

امام صادق ۷ فرمود: (۶)

با توجه به آثار و برکات و ثواب احسان و صدقه و رعایت حق همسایه پدر شما کار بسیار خوب و پسندیده ای انجام می دهد. خداوند به ایشان خیر و برکت و نعمت های دنیا و آخرت را عنایت فرماید.

(پاورقی ۱. بقره ۲ آیه ۱۹۵)

(پاورقی ۲. نساء ۴ آیه ۳۶)

(پاورقی ۳. تفسیر نمونه ، ج ۳ ص ۳۸۱)

(پاورقی ۴. همان .)

(پاورقی ۵. مصطفی حسینی دشتی ، معارف و معاریف ، ج ۱۰ ص ۵۱۸ ماده ۵: همسایه .)

(پاورقی ۶. همان .)

**در ایام محرم مرسوم است که بعضی شیعیان در مجالس مرثیه خوانی ، حجله حضرت قاسم ۷ رست می کنند و از بین حضار یک نفر را به نام عروس حجله لباس پوشانده و کنار حجله نشانده و به نذر و نیاز ودعا می پردازند. آیا این مطلب از نظر شیعه صحیح است ؟**

**پرسش**

در ایام محرم مرسوم است که بعضی شیعیان در مجالس مرثیه خوانی ، حجله حضرت قاسم ۷ رست می کنند و از بین حضار یک نفر را به نام عروس حجله لباس پوشانده و کنار حجله نشانده و به نذر و نیاز ودعا می پردازند. آیا این مطلب از نظر شیعه صحیح است ؟

**پاسخ**

در بین مسلمانان افراط و تفریطهای فراوانی به چشم می خورد و اعمال ذوقی و سلیقه های از خود درآورده بسیار است . قضیهء دامادی حضرت قاسم ۷ بدون مدرک و دلیل است و در کتب تاریخی و مقتل های معروف و مشهور مطرح نشده است . بر فرض قبل از واقعهء کربلا حرفی از داماد شدن حضرت قاسم بین خویشان مطرح شده یا نامزدی داشته باشد، مطرح کردن آن در مراسم عزاداری و حمله درست کردن و عروس کنار آن نشانیدن و نذر و دعا کردن چه معنا دارد؟! این از کارهایی است که افراد موهوماتی در ذهن خود می پروراند و بعد آن ها را با ذوق و سلیقه ء خود اجرا می کنند و دیگران هم تقلید و پیروی می کنند و کم کم به صورت رسم در جامعه بروز و ظهور می کند که ناخود آگاه آثار و تبعات سویی در بردارد و باعث موهون شدن بسیاری از عقاید حقّه میشود و شیعه را نزد دیگران سبک می گرداند.

محدّث معروف مرحوم شیخ عباس قمی در منتهی الآمال نوشته است : دامادی حضرت قاسم ۷ در کربلا و تزویج او به فاطمه دختر امام حسین ۷ صحت ندارد، زیرا در کتابهای معتبر به نظر نرسیده است . وی از استاد خود مرحوم حاج میرزا حسین نوری (ره)

در کتا بلؤلو و مرجان نقل می کند که به مقتضای تمام کتاب های معتبری که در فن حدیث و تاریخ و انساب هست ، نمی توان برای حضرت سیدالشهداء ۷ دختری که قابل تزویج برای قاسم بن الحسن باشد، پیدا کرد. (۱)

روز عاشورا فرصت برای ازدواج نبود، چون همگی در یک روز شهید شدند.

(پاورقی ۱. منتهی الآمال ، ج ۱ ص ۳۸۰)

## ۱ فلسفه بلند نمودن علم هایی که در محرم بر دوش می کشند چیست ؟ وجه اسلامی آن کدام است ؟

### پرسش

۱ فلسفه بلند نمودن علم هایی که در محرم بر دوش می کشند چیست ؟ وجه اسلامی آن کدام است ؟

### پاسخ

آنچه در روایات به چشم می خورد، بزرگداشت حادثه غمبار و خونین کربلا- است . بزرگداشتیان حادثه ، به برگزاری مجالس و سیاه پوش کردن و نصب پرچم سیاه و راه انداختن هیأت و گروه های عزاداری محقق می شود. حرکت هیأت های عزادار همراه با پرچم و علم در خیابان ها و کوچه ها و سینه زنی و زنجیر زنی ، اعلان حمایت از حرکت و ایده امام حسین ۷ و اعلام آمادگی و طرفداری از راه شهیدان کربلا است . در روایات تأکید فراوان بر گیه کردن و نوحه و عزاداری نسبت به سالار شهیدان شده است .

البته بامرور زمان برخی از عادات بر اثر سهل انگاری ، در عزاداری وارد شده که بدون تردید از مصادیق عزاداری و سوگواری به شمار نمی آید، بلکه از آفت های آن محسوب می شود، مانند استفاده کردن از وسائل موسیقی و اجرای آهنگ ها و قمه زنی و خواندن شعرهای غلوآمیز و احیاناً خواندن شعرها و مطالب موهون و در اختیار گرفتن مجالس عزادای به وسیله افراد بی سواد و کسانی که به جای پرداختن به محتوای مجالس ، به ظواهر و مداحی های بی روح و بی هدف می پردازند. از جمله چیزهایی که نمی تان وجه عقلایی برای آن تصور کرد، بلند کردن علم سنگین است ، چون نمی توان بین آن و عزاداری ارتباطی قائل شد. (۱)

(پاورقی ۱. با استفاده از لغت نامه دهخدا، فرهنگ عاشورا، پاسخ به شبهات عزاداری .

**ابن شهر آشوب روایت کرده : منصور به موسب بن جعفر پیشنهاد کرد: نوروز را برای تبریک جلوس کند و هرچه نزد او آوردند، دریافت کند. وی فرمود: . حال آیا نوروز بیهوده است ؟ اسلام و امامان چه سلوکی داشته اند؟**

### پرسش

ابن شهر آشوب روایت کرده : منصور به موسب بن جعفر پیشنهاد کرد: نوروز را برای تبریک جلوس کند و هرچه نزد او

آوردند, دریافت کند. وی فرمود: . حال

آیا نوروزبیهوده است؟ اسلام و امامان چه سلوکی داشته اند؟

## پاسخ

درباره نوروز دو دسته روایات وارد شده است. یک دسته روایات معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام بر تأیید نوروز وارد شده که دلالت بر استحباب روزه گرفتن در روز عید و غسل کردن و پوشیدن لباس های نظیفو خوشبو کردن دارد. (۱)

دسته دیگر مانند روایت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است که دلالت بر تحریم زنده کردن عیدی است که اسلام آن را عید قرار نداده است. (۲)

درباره وجه جمع بین این دو دسته، نظریات متخصصان، متفاوت است.

علامه مجلسی در ذیل این حدیث می فرماید: روایت حضرت موسی بن جعفر را باید حمل بر تقیه کنیم، چون روایات سندش قوی تر و مشهور بین اصحاب است. (۳)

برخی گفته اند: در این مورد که منصور از امام موسی بن جعفر می خواهد جلوس کند و تحفه ها و هدیه ها را بپذیرد، تقیه معنادارد. ثانیاً هر دو دسته از روایات ضعیف اند. هم روایت معلی بن خنیس و هم این روایت و هیچ کدام قابل اعتماد نیست. این که بعضی از فقها روایات را ترجیح داده اند، از باب تسامح در ادله سین است، زیرا روزه گرفتن و غسل کردن و لباس پاکیزه پوشیدن و خوشبو کردن لباس و بدن در نوروز را حج است، به جهت وجود همین روایات و به جهت این که در مستحبات می توان به دلیل ضعیف تکیه کرد و آن را مستند استحباب دانست، یعنی کارهای مستحبی لازم نیست دلیل متقن و مطمئن داشته باشد. (۴)

از طرفی زنده کردن عیدی که اسلام آن را



عید قرار نداده و چون از مخترعات کفار بوده، آن را تأیید نکرده، تشریح و بدعت است که در اسلام حرام است. لذا امام موسی بن جعفر از بزرگداشت آن ابا داشته، ولی وقتی منصور به امام گفت: فرمایش شما درست است، ولی چون مردم منطقه این روز را محترم می‌شمارند و سربازان و فرماندهان ارتش به دیدار می‌آیند، برای سیاست و اداره لشکر، جلوس مفید است، حضرت قبول کرد و جلوس فرمود.

نتیجه این که: بزرگداشت نوروز به عنوان یک عید ملی که دارای ویژگی‌های خوبی از قبیل نظافت و پاکیزگی و صلۀ ارحام و دید و بازدید دوستان و آشنایان است، خوب است. اگر کسی در کارهای خوب قصد قربت داشته باشد، ثواب عظیمی دارد. اما این که عید نوروز را عید اسلامی بدانیم، قابل قبول نیست، چون دلیل معتبری نداریم.

(پاورقی ۱. بحارالانوار، ج ۵۹ ص ۱۰۱)

(پاورقی ۲. همان، ص ۱۰۰)

(پاورقی ۳. همان.)

(پاورقی ۴. همان، ص ۱۰۰ پاورقی.)

### فلسفه سینه زنی در عزاداریها چیست؟

#### پرسش

فلسفه سینه زنی در عزاداریها چیست؟

#### پاسخ

برای تعظیم شعائر الهی و شرکت در غم و اندوه مصیبت سید الشهداء(ع) سینه زنی صورتی می‌گیرد. سینه زنی از مراسم سنتی عزاداری برای سید الشهداء(ع) و دیگر ائمه مظلوم است که همراه با نوحه خوانی و با جهنگ خاصی بر سر و سینه زدن همراه است. اصل این سنت به ویژه در میان عربها رواج داشته و بعدها به صورت موجود در آمده است. این امر در دوران صفویه توسعه یافت و در عصر قاجاریه بیش تر رواج پیدا کرد.(۱)

پی نوشت ها:

۱ - جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۳۷.

اگر مراسم سینه زنی و زنجیر زنی یک سنت است، چرا علما زنجیر نمی‌زنند؟

#### پرسش

اگر مراسم سینه زنی و زنجیر زنی یک سنت است ، چرا علما زنجیر نمی زنند؟

## پاسخ

سینه زنی ، زنجیر زنی ، تعزیه خوانی ، پوشیدن لباس سیاه و سیاه پوش کردن مساجد و تکایا، برای برپایی عزاداری حضرت سیدالشهدا و سایر امامان : و ابراز تنفر از ظلم و ستم بنی امیه و بنی عباس و دیگرستمگران چون در تداوم هدف عاشورا و توسعه فلسفه قیام و نهضت اباعبدالله الحسین (ع) نقش مهمی دارد، عملی راجح و مستحب است و از مصادیق ، تعظیم شعایر و افضل قربات است . (۱) لازم است همه ارادتمندان و محبان اهل (پاورقی ۱. آیت الله فاضل لنکرانی ، جامع المسائل ، ج ۱ ص ۶۱۹ ، ۶۲۰ آیت الله مکارم شیرازی ، مجموعه استفتائات جدید، ص ۱۵۷ آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی ، استفتائات جدید، ص ۴۵۳

البیت : از علما و دانشمندان و غیر آنان در اقامه عزا در ایام سوگواری ، و برپایی مجالس جشن و سرور در هنگام میلاد آنان ، از خود همت نشان دهند، زیرا تعظیم این امور موجب اقامه دین و احکام الهی و ریشه دواندن اعتقادات در عمق و درون جان انسان ها می گردد.

**فلسفه حمل علم ها در مراسم عزاداری امام حسین (ع) چیست؟ اکثر مردم شهرهای ایران این علم ها را می بوسند و نذر می کنند تا حاجت هایشان برآورده شود. آیا این اعتقاد صحیح است و عدم اعتقاد موجب گناه است؟**

## پرسش

فلسفه حمل علم ها در مراسم عزاداری امام حسین (ع) چیست؟ اکثر مردم شهرهای ایران این علم ها را می بوسند و نذر می کنند تا حاجت هایشان برآورده شود. آیا این اعتقاد صحیح است و عدم اعتقاد موجب گناه است؟

## پاسخ

علم یا علامت به پرچم یا کتل یا وسایلی گفته می شود که نشانه و علامت عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است. شاید برداشتن علم به معنای این باشد که چون پرچم امام حسین در کربلا به زمین افتاد، ما آن پرچم را بر میداریم و راه حسین (ع) را ادامه می دهیم؟ برداشتن علم یا بوسیدن و احترام به آن جنبه سمبولیک دارد و هدف عاشقان اهل بیت از این کار تبعیت از راه رسم و پیمودن مسیر حسین (ع) است و نذر و خیرات و مبرات که می کنند، برای عزاداران حسین (ع) انجام می دهند، چون در روایت آمده است: هر کس برای عزاداری امام حسین انفاق کند و درهم و دیناری خرج کند، خداوند هفتاد برابر در دنیا و آخرت به او برکت می دهد و گناهایش آمرزیده می شود. (۱)

عشق به حسین (ع) عشق به همه خوبی ها است. گریه برای شهید و عزاداری برای او، همزنگ و همصدا شدن با او است.

البته هدف از عزاداری امام حسین (ع) زنده شدن نام و یاد و مرام حسین (ع) در ذهن و زندگی ما است و پیمودن راه او از

اهداف عزاداری است. در عزاداری نباید از آثار و نتایج آن بی بهره بود و از اهداف بی نصیب ماند. نباید عزاداری فقط جنبه عادی و شکلی داشته باشد، بلکه عزادار امام حسین (ع) باید احساس کند که با حسین (ع) در

یک اردوگاه قرار دارد و احساس کند در رکاب او قدم می زند. در عزاداری باید از خرافات و افراط و تفریط ها دوری کرد.

اگر نذر می کند، باید براساس صحیح فقهی و شرعی باشد و اگر پولی خرج می کند، باید در راه صحیح مصرف شود. نذر کردن برای علم صحیح نیست اما بوسیدن آن اشکالی ندارد و روا شدن حاجات به دست خدا است و عدم اعتقاد به این ها گناه محسوب نمی شود.

پی نوشت ها :

۱ - مجمع البحرین ، ماده عشر.

### ناموس و ناموس داری یعنی چه؟

#### پرسش

ناموس و ناموس داری دینی یعنی چه؟

#### پاسخ

کلمه ناموس دارای معانی بسیار است. به معانی : احکام الهی، قانون، وحی، صاحب راز، خانه راهب ، خوابگاه شیر، مرد دانا، سیاست، ریا، بانگ، آبرو، عزت ، نیکنامی، خجالت، عصمت، عفت. زن و زن های متعلق به یک مرد مثل مادر و خواهر و دختر و معانی دیگر آمده است. اما آنچه که در عرف مامعروف و مشهور است، ناموس به معنای زن و زن های متعلق به انسان است که پاکی آنان باعث حفظ آبروی انسان می شود. ناموس داری دینی به معنای این است که انسان مؤمن غیرت و حیا نسبت زنان خویشاوند داشته باشد.[۱]

[۱] لغت نامه دهخدا، کلمه ناموس.

### ایام فاطمیه چه ایامی است؟

#### پرسش

ایام فاطمیه چه ایامی است؟

#### پاسخ

درباره تاریخ رحلت حضرت زهرا (س) روایات مختلف و متضاد است. (از چهل روز تا شش ماه بعد از رحلت پیامبر (ص)).

میان علمای شیعه، دو تاریخ مشهور و مقبول است: یکی هفتاد و پنج روز بعد از رحلت پیامبر (ص) و دیگری نود و پنج روز.

با توجه به رحلت پیامبر اسلام (ص) در بیست و هشتم صفر، بنا به روایت هفتاد و پنج روز، در مورخه سیزدهم تا پانزدهم جماد...الأول، شهادت حضرت زهرا است و این ایام را فاطمیه اول می خوانند.

اما بنا به روایت نود و پنج روز، شهادت حضرت در سوم تا پنجم جمادی الثانی است و این ایام را فاطمیه دوم می خوانند.

### منشأ کلمات عاشورا و تاسوعا چیست؟

#### پرسش

منشأ کلمات عاشورا و تاسوعا چیست؟

#### پاسخ

عاشورا از ریشه عشر به معنای ده و دهم است. و در عبری روز دهم اولین ماه سال تشرین عاشورا گفته می شد که برابر است با اولین ماه سال قمری. و به همین جهت دهمین روز محرم را عاشورا گویند و تاسوعا هم از ریشه تسع که به معنای نه و نهم است.

### طریقه فاتح گرفتن برای مردگان را تشریح کنید؟ آیا اگر چاقو روی سفره باشد، در هنگام فاتحه گفتن اشکال دارد؟

#### پرسش

طریقه فاتح گرفتن برای مردگان را تشریح کنید؟ آیا اگر چاقو روی سفره باشد، در هنگام فاتحه گفتن اشکال دارد؟

#### پاسخ

فاتحه گرفتن برای مردگان در هر حالی و در هر مکانی بلا اشکال است. بودن چاقو و غیر آن سر سفره هیچ اشکالی ندارد.

**چرا از اول محرم و قبل از شهادت امام حسین(ع) لباس سیاه می پوشند؟ در حالی که امام حسین(ع) در روز عاشورا به شهادت رسیده اند و طبق معمول باید از روز عاشورا به بعد لباس سیاه پوشیده شود، لطفاً در این مورد توضیح دهید؟**

#### پرسش

چرا از اول محرم و قبل از شهادت امام حسین(ع) لباس سیاه می پوشند؟ در حالی که امام حسین(ع) در روز عاشورا به شهادت رسیده اند و طبق معمول باید از روز عاشورا به بعد لباس سیاه پوشیده شود، لطفاً در این مورد توضیح دهید؟

#### پاسخ

برادر عزیز و گرامی! از جنابعالی که دبیر و معلم دانش آموزان هستید و در رفع مشکلات و شبهات آنان می کوشید تشکر می

کنیم. امیدواریم در این راه .

همان طور که جنابعالی در سؤال مطرح کرده اید اصولاً باید محبین اهل بیت (ع) در عزاداری برای سالار شهیدان بعد از روز عاشورا لباس ماتم و سیاه بپوشند و عزاداری برای آن حضرت را شروع کنند، ولی عشق و محبت به آن حضرت باعث شده که قبل از عاشورا خود را آماده کنند و لباس های سیاه بپوشند، مساجد، تکایا و حسینیه ها را سیاهپوش کنند.

عزاداری برای اباعبدالله(ع) یک عزاداری معمولی نیست؛ بلکه تبدیل به یک فرهنگ فراگیر شده است وقتی که تبدیل به فرهنگ شد دیگر زمان و مکان نمی شناسد، لذا تا نسیم محرم به مشام جان می وزد خود به خود پوشیدن لباس عزا و سیاه پوش کردن کوچه و خیابان ها و مساجد و تکیه ها شروع می شود. البته در غیر محرم نیز عزاداری برای امام حسین در فرصت های مناسب برگزار می شود، شیعیان به دستور اولیای دین مخصوصاً به دستور امامان بعد از امام حسین(ع) برای زنده نگه داشتن اهداف امام حسین و فرهنگ عاشورا تلاش و کوشش می کنند.

امام باقر(ع) در زمینه برپایی عزا در خانه ها بر امام حسین(ع) می فرماید:

باید بر حسین(ع) ندبه و عزاداری و گریه کنید و بر اهل خانه خود دستور دهید که بر او بگریند. با اظهار گریه و ناله بر حسین(ع) مراسم عزاداری بر پا کنید و یک دیگر را با گریه و تعزیت در سوگ حسین(ع) ملاقات کنید.[۱]

رمز جاودانگی نهضت حسینی نیز همین احیا و زنده نگهداشتن و تعظیم شعایر بوده است. امام خمینی(ره) فرمود: الآن هزار و چهارصد سال است که با این منبرها با این روضه ها و با این مصیبت ها و با این سینه زنی ها (دین اسلام) را حفظ کرده اند. [۲]

عزاداری، احیای خط خون و شهادت و رساندن صدای مظلومیت آل علی به گوش تاریخ است. عزاداران حسینی پروانگان شیفته نورند که شمع محفل آرای خویش را یافته از شعله شمع، پیراهن عشق پوشیده اند و آماده جان باختن و فدا شدن اند. نقش عزاداری در حفظ فرهنگ عاشورا مهم است و آثار و برکات خوبی برای بشریت داشته و خواهد داشت.

ای که آمیخته مهرت با دل

کرده عشق تو مرا دریا دل

بذر عشقی که به دل کاشته ام

جز هوای تو ندارد حاصل

از می عشق تو، عاقل مجنون

وزخم مهر تو مجنون عاقل

گر شود کار جهان زیر و زبر

نشود عشق تو از دل زایل[۳]

[۱] جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۲، به نقل از کامل الزیارات، ص ۱۷۵.

[۲] همان، ص ۳۱۳.

[۳] همان، ص ۳۱۵.

**بعضی از افراد نظر دارند کسانی که علم امام حسین را بلند می کنند و عزاداری می کنند، باید انسان های آرام و ساکتی باشند و در ادارات دولتی مشغول به کار نباشند.**

بعضی از افراد نظر دارند کسانی که عَلم امام حسین را بلند می کنند و عزاداری می کنند، باید انسان های آرام و ساکتی باشند و در ادارات دولتی مشغول به کار نباشند.

### پاسخ

این نظر درست نیست. همه مؤمنان می توانند علمدار حسین(ع) باشند و پرچم عزای امام حسین(ع) را بر دوش بکشند. البته این افراد هر چه پاک و با تقوا باشند، ثواب بیشتری دارند.

**می خواستم در مورد عطسه اطلاعاتی بدهید. آیا مطالبی که در مورد عطسه شایع است صحت دارد یا این که خرافات است؟**

### پرسش

می خواستم در مورد عطسه اطلاعاتی بدهید. آیا مطالبی که در مورد عطسه شایع است صحت دارد یا این که خرافات است؟

### پاسخ

مطالبی که بین مردم در مورد عطسه شایع است، درست نیست. اساساً روح اسلام با این گونه مطالب سازش ندارد، تا آن جا که درستور می دهد هنگامی که تصمیم بر کاری گرفتید، اگر کسی فال بد زند، اعتنا نکنید و بر خداوند توکل نموده، به دنبال هدف بروید.

درباره عطسه وارد شده است هر گاه یکی از شما عوزه کرد، در حق او دعا کنید و بگویید "یرحمکم الله؛ رحمت خدا شامل حال تو گردد". طرف دیگر نیز متقابلاً دعا کند و بگوید: "یغفرالله لکم؛ خدا تو را بیامرزد". اما صبر کردنیا فوق گذاردن بین یک عطسه و دو عطسه افسانه است که باید مسلمان آگاه و دانا از این افسانه ها پرهیزد.[۲] جزوه ای در این زمینه خدمت شما ارسال می شود .

[۱] توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۹.

[۲] ناصر مکارم، پرسش ها و پاسخ ها، ج ۴، ص ۱۶۲.

**چرا درباره علما که این همه زحمت برای انقلاب کشیده و می کشند، بد می گویند؟**

### پرسش

چرا درباره علما که این همه زحمت برای انقلاب کشیده و می کشند، بد می گویند؟

### پاسخ



اولاً: همه مردم این گونه نیستند. بسیار هستند که از عالمان دینی حمایت کرده و از آنان تمجید می نمایند.

ثانیاً: بد گویان دو دسته اند:

دسته ای که اکثریت را تشکیل می دهند و تنها زبانی و از نظر ظاهری بد می گویند، اما باطناً و قلباً عناد و کینه ای از آن ها ندارند، مثل اعضای یک خانواده که داخل خانه، برادر به برادر و خواهر خود بد می گوید و حتیگاهی باهم درگیر می شوند، اما خارج خانه هوای یکدیگر را دارند و در کنار همند و از هم حمایت می کنند.

عده زیادی از بد گویان این گونه اند، چون همانان پای منبر می نشینند و در نماز جمعه ها و جماعت شرکت می کنند و از عالمان دینی در جشن ها و عزراها دعوت به عمل می آورند.

دسته دیگر که در اقلیت هستند، کسانی هستند که با عالمان و روحانیون عناد دارند.

دشمنی محدود به عصر ما و منحصر به روحانیت نیست، بلکه از ابتدا با انبیا و امامان(ع) و صالحان و متقیانخصومت داشته و دارند.

البته با همه تلخی ها باید گفت: عمل کرد برخی روحانیون خوب نبوده و نیست. مردم آن ها را می بینند و خیال می کنند همه این طورند. لذا پشت سر همه بد می گویند.

چنان که از عمل کرد بد چند پاسدار، یا چند نظامی و یا چند قاضی و چند بازاری و ... به همه پاسداران و نظامیان و قاضیان و بازاریان بد بین می شوند، با این که منطقاً نباید حساب کار چند منحرف در هر قشری را به حساب همه به شمار آورد.

### آیا ناخن گرفتن در شب ایراد دارد؟ بهترین موقع ناخن گرفتن چیست؟

#### پرسش

آیا ناخن گرفتن در شب ایراد دارد؟ بهترین موقع ناخن گرفتن چیست؟

#### پاسخ

در احادیث و روایات سفارش های بسیاری دیده می شود که کوتاه کردن ناخن موجب از بین رفتن در دو جلب روزی می شود.

امام علی (ع) فرمود: "چیدن ناخن مانع درد و بیماری بزرگ می شود و روزی را فراوان می کند.(۱)

چه موقعی ناخن گرفتن مستحب است؟ معصومان (ع) بیشتر روی پنج شنبه و جمعه تکیه کرده اند، اگر چه روزهای دیگری چون سه شنبه و چهارشنبه نیز آمده است، ولی تکیه استحباب بیشتر روی جمعه است. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: "هر که

در روز جمعه ناخن بچیند، خدا درد و بیماری را از انگشتانش بیرون می کند و به جای آن شفا و درمان می بخشد". (۲)

امام صادق (ع) فرمود: "آدمی ناخن و موی خود را پس از چیدن دفن می کند و این کار سنت است". (۳)

بلند گذاشتن ناخن برای زن، نوعی زینت محسوب می شود. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود "شما مردان" ناخن های خود را بچینید. (شما زنان) برخی از ناخن های خود را بگذارید که برای شما زینت بخش تر است. (۴)

۱ - بحارالانوار، ج ۷۳، بیروتی، ص ۱۱۹، حدیث ۲.

۲ - مکارم الاخلاق، ص ۶۴.

۳ - آثار الصادقین، ج ۱۲، ص ۱۶۱.

۴ - بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۲۳، حدیث ۱۲.

**اگر زنی حامله باشد و مرده ای ببیند، چه حکمی دارد؟ این که می گویند بچه چشمانش شور می شود یعنی چشم زخم می زند، آیا واقعیت دارد؟**

**پرسش**

اگر زنی حامله باشد و مرده ای ببیند، چه حکمی دارد؟ این که می گویند بچه چشمانش شور می شود یعنی چشم زخم می زند، آیا واقعیت دارد؟

**پاسخ**

پس از تحقیق و تفحص مطلبی دال بر این که اگر زن حامله مرده ای ببیند، چشم فرزندش شور می شود نیافتیم، اگر چه مردم برخی از مناطق بدان معتقد هستند، ولی ظاهراً مدرکی ندارد. این مطلب بعید به نظر می رسد.

**آیا در محرم و صفر می توان مراسم عقد و خواستگاری را برگزار نمود؟**

**پرسش**

آیا در محرم و صفر می توان مراسم عقد و خواستگاری را برگزار نمود؟

**پاسخ**

رفتن به خواستگاری و خواندن عقد ازدواج در محرم و صفر اشکال ندارد.

برای رعایت احترام این دو ماه به خاطر عزای حسینی از جشن و سروری اجتناب شود.

## آیا تسبیح در دست گرداندن گرفتاری می آورد؟

### پرسش

آیا تسبیح در دست گرداندن گرفتاری می آورد؟

### پاسخ

تسبیح در دست گرداندن اشکال ندارد و موجب گرفتاری نمی شود. گاهی ثواب هم دارد. امام کاظم (ع) فرمود: "اگر کسی تسبیح تربت امام حسین (ع) را به دست بگرداند و با آن ذکر خدا کند، به عدد هر دانه چهل حسنه نوشته می شود، و اگر آن را بدون ذکر در دست داشته باشد، بیست حسنه برایش نوشته می شود". (۱)

پی نوشت ها:

۱ - مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۳، ص ۵۵۷، ماده تسبیح.

## آیا عطسه در کمی یا زیادی عمر مؤثر است؟ آیا در عطسه تک باید صبر کرد؟

### پرسش

آیا عطسه در کمی یا زیادی عمر مؤثر است؟ آیا در عطسه تک باید صبر کرد؟

### پاسخ

در حدیث آمده که عطسه به موجب راحتی بدن است، و تا سه روز و به روایتی هفت روز، امان از مرگ است. نیز وارد شده که عطسه به هنگام گفتن مطلب، مگواه بر صدق و راستی آن مطلب است. در روایت آمده که هنگام عطسه صلوات بفرستید. آن چه بین عوام مشهور است که هنگام عطسه تک باید صبر کرد، صحت ندارد و در احادیث اثری از این حرف نیست. (۱)

پی نوشت ها:

۱ - شهید دستغیب، ۸۲ پرسش، ص ۱۶۱، سؤال ۷۱، مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۳۸۹، ماده: عطسه.

## بسیار مشتاقم بدانم جزء عوام الناس هستم یا جزء اهل دانش؟ دانستن این امر چگونه میسر است؟

### پرسش

بسیار مشتاقم بدانم جزء عوام الناس هستم یا جزء اهل دانش؟ دانستن این امر چگونه میسر است؟

## پاسخ

از پیگیری و سؤال شما بر می آید دوست دارید، اهل علم باشید و ان شاء الله چنین خواهد بود و در قیامت با اهل دانش محشور می شوید.

حضرت علی(ع) به کمیل بن زیاد نخعی که از نیکان و یاران آن بزرگوار بود، فرمود: "مردم سه دسته اند:

عالم ربانی (دانای خدانشناسی که به مبدأ و معاد آشنا بوده و به آن عمل نماید) و طالب علم و آموزده ای که (از جهل و نادانی) بر راه نجات و راهی یافتن است و مگسان کوچک و ناتوان (نادان نفهم و به انواع زشتی ها آلوده) که هر آواز کننده (به هر راهی) را پیروی می کنند و با هر بادی می روند (= درست را از نادرست تمیز نداده و به مذهب و طریقه ای پایدار نیستند و به هر راه که پیش می آید می روند)، اینان از نور دانش روشنی نطلبیده اند (و در تاریکی نادانی مانده اند) و به پاید استواری (عقاید حقه که روی دو پایه عقل و علم است) پناه نبرده اند".

بنابر این هر کس در پی کسب دانش به ویژه دانش دینی از طریق علما باشد و در این راه از پیگیری خسته نشود، جز متعلمان و دانشجویان است، نه گروه عوام.

پی نوشت ها:

۱ - نهج البلاغه، ص ۱۱۴۴، قصار الحکم، ۱۳۹، به قلم فیض الاسلام.

**می گویند: وقتی در کاری صبری و عطسه آمد، در انجام آن عجله نکنید و یا آن را ترک کنید، آیا این حرف صحیح است؟**

## پرسش

می گویند: وقتی در کاری صبری و عطسه آمد، در انجام آن عجله نکنید و یا آن را ترک کنید، آیا این حرف صحیح است؟

## پاسخ

تا جایی که ما اطلاع داریم در هیچ یک از کتب معتبره اسلامی، صبر به عنوان "شوم" معرفی نشده، بلکه خیلی خوب است و آثار نیکی برایش ذکر شده است. امام صادق(ع) فرمود: "اگر مریض عطسه کند، نشانه بهبودی از مرض می باشد". (۱)

نیز از معصومان(ع) می خوانیم: "اگر کسی عطسه کند و بگوید: الحمد لله رب العالمین علی کل حال و صلی الله علیه محمد آل محمد، گرفتار درد دندان و گوش نمی شود...". (۲)

جهت اطلاع بیشتر جزوه عطسه ارسال می گردد.

گفتنی است: چون بین عده زیادی شایع است: بعد از صبر باید دقایقی از انجام کار خودداری نمود، ممکن است طرف در اثر این تلقینات دچار دلهره و اضطراب شود و نتواند کار را به طور احسن انجام دهد. از این رو بهتر است در کار عجله نکند و کمی تأمل کند تا آرامش پیدا کرده و با خاطری آسوده اقدام نماید.

پی نوشت ها:

۱ - محدث قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۰۳، ماده عطس.

۲ - همان.

**آیا دود اسفند برای کسانی که به اصطلاح چشم خورده و مورد حسادت قرار گرفته، مفید است؟ در این خصوص روایتی از معصومان(ع) وارد شده یا خرافات است؟**

**پرسش**

آیا دود اسفند برای کسانی که به اصطلاح چشم خورده و مورد حسادت قرار گرفته، مفید است؟ در این خصوص روایتی از معصومان(ع) وارد شده یا خرافات است؟

**پاسخ**

در این که در بعضی از چشم ها اثر مخصوصی است که وقتی از روی اعجاب به چیزی بنگرند، ممکن است آن را از بین برده یا در هم بشکنند و یا انسان را بیمار یا دیوانه کنند، نباید از نظر عقل و علم مورد انکار قرار گیرد.

در روایات اسلامی تعبیرات مختلفی دیده می شود که وجود چنین امری را اجمالا تایید می کنند.

اسماء بنت عمیس خدمت پیامبر(ص) عرض کرد: گاه به فرزندان جعفر چشم می زنند! آیا "رقیه" برای آنان بگیرم؟ (منظور از "رقیه" دعاها یا است که می نویسند و برای جلوگیری از چشم زخم با خود نگه می دارند و آن را (تعویذ) نیز می گویند).

پیامبر فرمود: مانعی ندارد. اگر چیزی می توانست بر قضا و قدر و پیشی گیرد، چشم زدن است. (۱)

امیرالمؤمنان(ع) فرمود: "پیامبر برای امام حسن و امام حسین(ع) "رقیه" گرفت و این دعا را خواند "شما را به تمام کلمات و اسمای حسنا خدایند و از شر مرگ و حیوانات موزی و هر چشم بدو حسود آن گاه که حسد می ورزد می سپارم" سپس پیامبر نگاهی به ما کرد و فرمود:

"این چنین حضرت ابراهیم برای اسماعیل و اسحاق تعویذ نمود". (۲)

چشم زخم از چند طریق قابل درمان است: دعا و دود اسپند.

از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده: "بر هر یک از برگ و دانه بوته اسفند موکلی است و با آن ها است تا بیوسد. ریشه و شاخه اش غم و سخر را بر طرف می کند و

دانه اش شفای هفتاد درد است. پس به اسفند مداوا کنید". (۳)

از طریق اسفند می توان چشم زخم و نگرانی کسی را که مورد حسادت قرار گرفته است، درمان نمود.

پی نوشت ها:

۱ - مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۴۲، به نقل از نمونه، ج ۲۴، ص ۴۲۷.

۲ - نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۰۰، به نقل از نمونه، ج ۲۴، ص ۴۲۸.

۳ - محدث قمی، مفاتیح الجنان، بخش "عوزات دفع شیاطین".

### جمله "یا علی" یعنی چه و چرا عده زیادی این جمله را بر زبان جاری می کنند؟

#### پرسش

جمله "یا علی" یعنی چه و چرا عده زیادی این جمله را بر زبان جاری می کنند؟

#### پاسخ

میان بزرگان دین و اولیای الهی و امامان معصوم، امیرالمؤمنان حضرت علی (ع) ویژگی و برتری خاصی دارد. او پدر تمام امامان، جانشین بلافصل پیامبر، ولی خدا، مظهر شجاعت و غیرت و قوت بازو و تقوا و تمام خوبی ها است. مسلمانان خصوصاً شیعه، آن امام همام را الگو و مرا خویش قرار داده اند. تاریخ به یاد دارد حضرت علی (ع) در بسیاری از جنگ های صدر اسلام که حضور داشتند، دلاوری های اعجاب گونه ای به یادگار گذاشتند. جنگ هایی از قبیل بدر، احد، خندق، خیبر و نهروان نمونه های روشن آن است.

عموم شیعیان برای دست یابی به توفیق و مدد الهی و بهره مندی از قدرت و قوت حضرت، برای شروع کاری و یا پی گیری هدفی، از نام مقدس او استفاده می کنند، تا شاید این تمین و تبرک جویی، فال نیکی در شکوفایی و ثمر دهی اهدافشان باشد.

مردم در هنگام بلند کردن چیزهای سنگین می گویند: "یا علی" که ذکر این جمله نوعی کمک گرفتن از نیروی غیبی حضرت است، یا می گویند: یا علی مدد یعنی ای علی! به ما مدد و نیرو و قوت عطا کن!

در هر حال استفاده از نام های خداوند و بهره مند شدن از نام مقدس اولیای الهی در کسب توفیق و رسیدن به اهداف موردنظر تأثیر فراوانی دارد.

### چرا دور خانه خدا را با پارچه مشکل پوشانیده اند؟

#### پرسش

چرا دور خانه خدا را با پارچه مشکل پوشانیده اند؟

## پاسخ

علیت این که چرا با پارچه مشکی خانه خدا را پوشانده اند معلوم نیست، ولی می توان چند چیز را به صورت حدسی بیان کرد:

۱ - زبان حال پارچه سیاه این است که انبیای الهی می آمدند در این خانه طواف می کردند، ولی چون دیگر نمی آیند کعبه لباس عزا پوشیده است. (۱)

۲ - در تاریخ آمده است که اولین کسی که خانه خدا را پوشانید، پادشاه حَمِیر (یمن) در سال ۲۲۰ قبل از هجری بوده است و هر پادشاهی بعد از او این کار را می کرد. برخی از آنان کعبه را با پوست گوسفند یا با حصیر برگ خرما می پوشانیدند که در عالم خواب به آنان گفته شد لباس بهتری بر کعبه بپوشانید تا بالاخره، لباس سیاه حریر انتخاب کردند. از آن زمان لباس حریر سیاه برای پوشش کعبه انتخاب شد. (۲)

۳ - رنگ سیاه از بین رنگ ها، ساده ترین و بی آلایش ترین رنگ است و آن را به عنوان زیور و زینت به حساب نمی آوردند و از سادگی خاصی برخوردار است، لذا کعبه که مسجد است با این رنگ ساده پوشانیده شده است.

از امام صادق (ع) نقل شده است که اسماعیل (ع) زنی عاقله از قبیله حَمِیر داشت. او به اسماعیل گفت: شایسته است دور پرده بر این دو کعبه بیاویزیم و اسماعیل پذیرفت. بعد از مدتی زن پیشنهاد کرد که کل کعبه پوشانیده شود، چون این سنگ ها بد نما است. اسماعیل پذیرفت. همسر اسماعیل پشم فراوانی تهیه کرد و نزد زنان قبیله خویش فرستاد که بریسند. تا موسم حج نیمی از خانه پوشانده شد. نیم دیگر را



با حصیر برگ نخل پوشاندند، وقتی مرتم این منظره را دیدند تصمیم گرفتند برای کعبه هدیه بیاوردند، لذا هر ساله از جمع آوری هدیه ها پرده کاملی برای خانه خدا تهیه می شود. (۳)

پی نوشت ها:

۱ - محمد حسین اعلمی، دائرة المعارف الشیعه العامه، ج ۱۵، ص ۱۹۶ و دائرة المعارف فرید و جدی، ج ۸، ص ۱۵۰.

۲ - همان، ص ۱۹۵.

۳ - سید مصطفی دشتی، معارف و معاریف، ج ۸، ص ۵۲۹.

### چرا جن باعث ترس در مردم می شود؟

#### پرسش

چرا جن باعث ترس در مردم می شود؟

#### پاسخ

برادر گرامی! واقعیت آن است که در مورد جن تحقیق جامعی صورت نگرفته است و اطلاعات ما از آن موجود نامرئی بسیار ناقص و محدود است و داوری ها بر اساس حدسیات و ظننات صورت می گیرد. ضمن سپاس از پیشنهاد شما امیدواریم در مورد آن تصمیم خوبی گرفته شود.

ترس مردم از جن، معلول تصورات نادرست آن ها است. متأسفانه درباره جن افسانه ها و داستان های خرافی بسیاری ساخته شده است. از جمله این که آن ها را با اشکال عجیب و غریب و وحشتناک و موزی و کینه توز و بدرفتار که ممکن است از ریختن یک ظرف آب داغ در یک نقطه خالی خانه هایی را به آتش کشند و موهومات دیگری از این قبیل طبیعی است که با این نگرش و گمان مردم از چنین موجود ترسناک، می ترسند. ترس از جن مانند ترس از تاریکی و غیره، ترس واقعی نیست و تنها بر اساس تخیلات و ساخته های ذهنی ایجاد شده است. با واقع بینی و شناخت صحیح از جن قطعاً ترس از بین خواهد رفت.

### امروزه سه امر: بانک، تلویزیون و فوتبالیست ها مردم را به خود مشغول داشته است. چرا این گونه شده است؟

#### پرسش

امروزه سه امر: بانک، تلویزیون و فوتبالیست ها مردم را به خود مشغول داشته است. چرا این گونه شده است؟

#### پاسخ

در خصوص بانک سؤال روشن نیست تا پاسخ مناسب نوشته شود. در مورد تلویزیون و مسئله فوتبال حرف شما درست است. برنامه های تلویزیون در برخی اوقات نه تنها قطع نمی شود، بلکه معمولاً در وقت های حساس برنامه های پخش می کنند، و اکثر تماشاگران را از کارهای مفید باز می دارند. به نظر می رسد مردم باید از مسئولین تلویزیون بخواهند برنامه های تلویزیون در اوقات مناسب پخش شود. نیز به گونه ای برنامه های خود را تنظیم کنند که خانواده ها وقت برای تربیت بچه ها و گفت و گو با آنان را داشته باشند.

## نام صبا و ملیکه برای دختر آیا جزء اسامی مذهبی است؟

### پرسش

نام صبا و ملیکه برای دختر آیا جزء اسامی مذهبی است؟

### پاسخ

مقدمه: چون سخن از اسم های مذهبی است، لازم می بینم مقداری در این مورد توضیح دهیم.

یکی از امتیازات درخشان اسلام، جامعیت و گستردگی دامنه آموزش آن و عنایت ویژه اش به مسایل روان شناسی و جامعه شناسی است. طرح حقوق کودک، در کنار سایر حقوق ها یکی دیگر از امتیازات اسلام است. اسلام برای کودک از روزی که به صورت یک جنین در رحم مادر به سر می برد حقوقی تعیین کرده و برای والدین وظایف و مسئولیت های پیش از انعقاد نطفه مشخص نموده است.

یکی از حقوقی که فرزندان بر والدین دارند انتخاب نام نیکو برای آنان است.

مردی از پیامبر اسلام (ص) پرسید: حق فرزندم به من چیست؟ فرمود: " نام نیکو برای او انتخاب کن، تربیتش را نیکو گردان و شغل شایسته ای برای او در نظر بگیر".<sup>۱</sup>

پدر و مادر باید توجه داشته باشند که نوزاد آنان در آینده با نامی که آنان برگزیده اند، سر و کار خواهد داشت و نام آنان وسیله ای برای توجه دیگران به شخصیت فرزندشان خواهد بود. پیامبر اکرم (ص) فرمود: "اولین هدیه ای که هر یک از شما به فرزندش می بخشد نام نیک است،

پس بهترین نام ها را برای فرزندانانتان انتخاب کنید".<sup>۲</sup>

بهترین نام ها:

بهترین نام ها آن است که از بندگی خدا حکایت کند و نشان دهنده علاقه و محبت به بندگان صالح خدا، امامان و اولیای الهی مخصوصاً چهارده معصوم علیهم السلام باشد.

امام محمد باقر(ع) می فرماید: "اصدق الأسماء ما سُمِّي بالعبوديه و أفضلها (او خيرها) اسماء الانبياء". ۳.

علی(ع) فرمود:

"هیچ خانواده ای نیست که در آن نام پیامبر می باشد جز آن که خداوند فرشته ای را مأمور سازد که شبانه روز آنان را تقدیس کند." ۴.

تأثیر نیک در سرنوشت دنیا و آخرت افراد: علی(ع) فرمود: "هیچ فردی و ملتی نیست که نام صالحان را برای فرزندان خود برگزیند جز آن که خداوند آن چه را که از دستشان می رود به نیکویی به آنان باز می گرداند." ۵.

ربعی بن عبدالله می گوید: به امام صادق(ع) عرض شد: ما فرزندان خود را به نام شما و پدران شما نام گذاری می کنیم. آیا این عمل به حال ما سود دارد؟ فرمود: "آری، به خدا قسم! مگر دین چیزی جز حبّ و بغض و دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا است؟" ۶.

سپس به آیه "ان کنتم تحبون الله فاتبعونی..."، استدلال می کند که یکی از علامت های ایمان به خدا و نشانه های دوستی خدا و رسول اطاعت از امامان و انتخاب اسم آنان برای خود و فرزندان است. ۷.

اسم های برگزیده برای اشخاص، اشیاء، شغل، مغازه و غیر آن، نشان دهنده نوع عقیده و طرز تفکر، فرهنگ و شخصیت است. پیامبر اسلام فرمود: "المرء مع من احببت؛ انسان با کسی زندگی می کند، می میرد و محشور می شود که دوستش دارد". وقتی کسی حضرت فاطمه زهرا و علی علیهما السلام را دوست داشته باشد نام آنان و فرزندانشان را برای فرزندان خود انتخاب می کند. با این کار مذهب و حزب و الگوی زندگی خویش را معین میکند و دنبای آنان حرکت می کند و از آنان دستور می گیرد. پیامبر اسلام فرمود: "محبت و

دوستی اهل بیت من، رزق و روزی پاک است که نصیب هر کسی گشت، خیر دنیا و آخرت به او داده شده و بیست امتیاز دارد که ده خصلت و امتیاز آن در دنیا داده می شود و ده امتیاز دیگر در آخرت داده می شود که یکی از آن ها بهشت است." ۸.

نام افراد منفور و دشمنان را انتخاب نکنید:

در یک تقسیم بندی می توان اسم ها را چند دسته تقسیم کرد:

۱- نام های پیامبران، امامان، شهدا، صالحان، رهبران دینی و در یک کلمه نام های محبوب.

۲- اسم های منفور و مبعوض. انسان های شرور، ستمگر، فاسد و مفسد مثل هیتلر، معاویه، یزید، ابوسفیان و شمر.

۳- اسم هایی که نشان دهنده خود باختگی و از خود بیگانگی فرهنگی و بحران هویت و شخصیت اشخاص است و نشان می دهد که خانواده چنان مجذوب بیگانگان شده است که همه افتخارات ملی و مذهبی خود را به هیچ گرفته، اعتماد به نفس را از دست داده، هیچ گونه استقلال فکری و روحی ندارد. از این رو می خواهد با انتخاب اسم های خارجی برای فرزندان یا محل کار و شغل خویش بگوید که من متجدد و نو اندیش هستم در حالی که این گونه افراد به علت خلأ فکری و درونی مرتجع ترین و کهنه گراترین اقشار هستند، زیرا همانند انسان های کهن، کور کورانه از بیگانگان تقلید می کنند.

یکی از کارهای برنامه ریزی شده انبیا مخصوصاً پیامبر اسلام (ص) تغییر دادن نام های اشخاص، اشیا، نهرها، جاده ها و یا زمین هایی بود که بوی کفر، شرک، فساد یا وابستگی به بیگانگان می داد. حسین بن

علوان از امام صادق(ع) نقل می کند: "ان رسول الله يغيّر الأسماء القبيحة في الرجال و البلدان؛ پیامبر اسلام پیوسته نام های زشتی را که بر مردان یا شهرها بود عوض می کرد".

صبا به معنی باد شمال یا شرق و نیز به معنی کودکی است و گاهی به پیکی که حامل خبر مسرت بخش و خوشحال کننده است گفته می شود.

ملیکه به معنی پادشاه و قدرت مند است، نیز کسی که مالک و حاکم چیزی است گفته می شود. این گونه نام ها، از جمله نام های دسته دوم و سوم نیست لیکن از نام های دسته اول و به عنوان نام های مذهبی هم نیست. انتخاب این گونه اسم ها اشکال ندارد.

۱ احمد بهشتی، اسلام و حقوق کودک، ص ۵۸، چاپ دوم، انتشارات دفتر تبلیغات.

۲ محمود جواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع)، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۶ انتشارات دفتر تبلیغات، ص ۵۵.

۳ شیخ حرالعالمی، وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۴.

۴ صادق احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۹، ص ۱۵۵.

۵ کنز العمال ج ۱۶، ص ۴۱۹.

۶ محمد جواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۶۲.

۷ محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲ ص ۱۳۶۴، باب ۱۹۰۴، حدیث ۸۹۱۳.

۸ همان، حدیث ۳۲۰۲.

**به عقیده برخی از مردم بعد از طلوع و غروب خورشید، خواندن فاتحه و صلوات برای مردگان خوب است و به آن ها می رسد، ولی پس از غروب و شب ها گفتن فاتحه سودی به حال آن ها ندارد. این گفته ها تا چه حد درست است؟**

**پرسش**

به عقیده برخی از مردم بعد از طلوع و غروب خورشید، خواندن فاتحه و صلوات برای مردگان خوب است و به آن ها می رسد، ولی پس از غروب و شب ها گفتن فاتحه سودی به حال آن ها ندارد. این گفته ها تا چه حد درست است؟

**پاسخ**

خواندن فاتحه و صلوات و دادن خیرات و مبرات به نیت ثواب برای اموات وقت خاصی ندارد، گرچه بر زیارت قبور مؤمنان در روز شنبه و دوشنبه و پنج شنبه تأکید شده است. خواندن هفت مرتبه سوره انا انزلنا و سوره یس و سلام دادن بر مردگان و

خواندن قرآن در روایات آمده است. در روایت امام صادق(ع) آمده است: "اگر قبل از طلوع خورشید به زیارت قبر مردگان رفتید و به آنان سلام دادید آنان می شنوند و جواب می دهند و اگر بعد از طلوع آفتاب رفتید، می شنوند ولی جواب نمی دهند". [۲].

[۲] بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲۹۵ به بعد؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۷۹ به بعد.

### آیا به کسی که به حج عمره می رود می توان حاجی گفت؟

#### پرسش

آیا به کسی که به حج عمره می رود می توان حاجی گفت؟

#### پاسخ

از نظر اصطلاح فقهی واژه "حج" و "حاجی" به چیزی و کسی گفته می شود که شرایط حج را داشته و حج او واجب شده است. هرگاه شرایط حج فراهم شد و شخصی مستطیع به مکه مشرف شد و اعمال حج را انجام داد، یکی از واجبات الهی را انجام داده و اصطلاحاً به او "حاجی" اطلاق می گردد. واژه حج و حاجی به عمره تمتع و کسی که اعمال آن را انجام دهد اطلاق نمی گردد. البته ممکن است برخی از مردم با توجه به فرهنگ و ساختار جوامع خویش، بر کسی که اعمال عمره را انجام دهد، حاجی بگویند، ولی در عرف شرع به کسی که اعمال عمره را انجام دهد، حاجی گفته نمی شود.

### آیا وجود خال در طرف راست و یا چپ صورت نشانه شانس و اقبال است؟

#### پرسش

آیا وجود خال در طرف راست و یا چپ صورت نشانه شانس و اقبال است؟

#### پاسخ

خال یک عارضه پوستی است که ممکن است از عوارض خونی باشد و معمولاً روی پوست بدن ظاهر می شود. وجود خال روی صورت و یا هر جای دیگر، نشانه شانس و اقبال نیست و چیزی را ثابت نمی کند. هر چند بین مردم بعضی مسائل به صورت خرافه و غیر علمی مطرح شده است اما هیچ یک از آن ها اعتبار علمی و شرعی ندارد.

**آیا این گفته درست است که موقع سال تحویل هر کس در هر موقعیتی است، در همان موقعیت باقی می ماند مثلاً اگر خواب باشد یا در حال خواندن قرآن باشد در طول سال همیشه این حالات را به خود می گیرد؟**

#### پرسش

آیا این گفته درست است که موقع سال تحویل هر کس در هر موقعیتی است، در همان موقعیت باقی می ماند مثلاً اگر خواب باشد یا در حال خواندن قرآن باشد در طول سال همیشه این حالات را به خود می گیرد؟

## پاسخ

این مطلب وجه عقلایی ندارد. زمان تحویل سال یک زمان اعتباری و قراردادی است. در واقع در هر ثانیه، سال تحویل می شود. مثلاً اگر ما اول مهر را اول سال قرار بدهیم، همان زمان اول سال خواهد بود، همین طور هر زمانی را که اول سال قرار بدهیم. بنابراین اولاً اصل مطلب که تحویل سال در وقت خاصی است، یک امر قراردادی است، نه واقعی و تکوینی. ثانیاً مطلب مذکور که اگر کسی در آن ساعت در حالتی باشد، در طول سال به همان حال خواهد بود صحیح نیست. البته خوب است ابتدای سال قراردادی را با خوبی و خوشی و تلاوت قرآن شروع کنیم و آن را به فال نیک بگیریم.

**چرا می گویند اگر هنگام شب خواستی آب بر روی زمین بریزی بسم الله بگو. آیا جنی ها در شب فعالیت دارند؟**

## پرسش

چرا می گویند اگر هنگام شب خواستی آب بر روی زمین بریزی بسم الله بگو. آیا جنی ها در شب فعالیت دارند؟

## پاسخ

جن در شب و روز فعالیت دارد و آن چه نقل شده در میان عوام مشهور است ولی معلوم نیست این حرف اعتبار داشته باشد ولی در جن نیز افرادی مودبی و بدرفتار یافت می شود که برای در امان بودن از آن ها دعاهایی وارد شده است از جمله گفتن بسم الله است.

علامه طباطبایی می گوید: تقسیم آیه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم در مربعات به حروف ابجد برای رفع جنیان و افراد مبتلا به جن مفید است. [۱۰]

[۱۰] علامه حسینی تهرانی، نگرشی بر مقاله بسط و قبض تئوریک شریعت، ص ۱۹۱.

**آیا درست است که در خانه و یا مسجد جانماز پهن باشد، شیطان نماز می خواند؟**

## پرسش

آیا درست است که در خانه و یا مسجد جانماز پهن باشد، شیطان نماز می خواند؟

## پاسخ

چنین چیزی واقعیت نداشته و در متون دینی بدان اشاره نشده است. به نظر می رسد این گونه برداشت ها ریشه در فرهنگ ها و



سنت برخی از جوامع دارد. شیطان سعی بر آن دارد که به گمراهی و اغوای انسان بپردازد، چنان که در قرآن بدان تصریح شده است، [۲۳] آن گاه چگونه امکان دارد که خود در منزل و یا مسجد که جانماز پهن شده نماز بخواند؟ نماز خواندن شیطان در مسجد و خانه را عقل نیز نمی پذیرد، زیرا این عمل شیطان با برنامه ها و عملکرد او تضاد دارد. نماز خواندن در هر مکانی که باشد، زمینه معنویت و تقوا را فراهم می کند و شیطان در صدد معنویت زدایی است.

[۲۳] ص (۳۸) آیه ۸۲.

**در مورد مراسم آشپزی، در برخی مناطق مرسوم است که زنی پابرهنه برای جمع کردن پول به در خانه هفت نفر که نام آن ها فاطمه است می رود و هیچ نمی گوید بلکه فقط ذکر می گوید و مواد لازم برای پختن آش را از آنان تهیه و جمع آوری می کند. آیا این مطلب دلیلی دارد؟**

**پرسش**

در مورد مراسم آشپزی، در برخی مناطق مرسوم است که زنی پابرهنه برای جمع کردن پول به در خانه هفت نفر که نام آن ها فاطمه است می رود و هیچ نمی گوید بلکه فقط ذکر می گوید و مواد لازم برای پختن آش را از آنان تهیه و جمع آوری می کند. آیا این مطلب دلیلی دارد؟

**پاسخ**

چنین مطالبی در منابع شرعی نداریم. گرچه آش پختن و خیرات و مبرات کردن بسیار خوب است و آیین که آن شخص ذکر می گوید، نیز بسیار خوب است، اما دلیلی ندارد که به این خانه و آن خانه برای جمع آوری مواد لازم مراجعه شود.

**گذاشتن سنگ مرمر و آرامگاه روی قبر چه تأثیری به حال افراد متوفی دارد؟**

**پرسش**

گذاشتن سنگ مرمر و آرامگاه روی قبر چه تأثیری به حال افراد متوفی دارد؟

**پاسخ**

گذاشتن سنگ مرمر و آرامگاه روی قبر تأثیری به حال افراد متوفی ندارد بلکه احترامی برای مردگان محسوب می شود. "اصولاً بناهای یاد بود که خاطره افراد برجسته و با شخصیت را زنده می دارد همیشه در میان مردم جهان بوده و هست و یک نوع قدر دانیاز گذشتگان و تشویق برای آیندگان در آن کار نهفته است. وجود این گونه بناها یک سند تاریخی بر وجود این شخصیت ها و برنامه و تاریخشان است." [۱۴]

قرآن مجید در مورد اصحاب کهف می فرماید: "آن ها که از رازشان آگاهی یافتند گفتند ما مسجدی در کنار مدفن آن ها

می سازیم". [۱۵]

[۱۴] تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۸۸.

[۱۵] کهف (۱۸) آیه ۲۱.

## فلسفه سینه زدن چیست و از چه زمانی بوجود آمد؟

### پرسش

فلسفه سینه زدن چیست و از چه زمانی بوجود آمد؟

### پاسخ

سینه زدن یک نحوه عزاداری است که انسان عزادار در فراق محبوب و معشوق خود انجام می دهد بر پایی عزاداری و سوگواری در سیره مسلمانان با وجود همه فشارها از جانب دشمنان اهل بیت به مرور زمان وسعت بیشتری یافته است پیش از قرن چهارم هجری برگزاری مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) آشکار نبود و بلکه نهائی انجام می گرفت اما از اوائل قرن چهارم به بعد عزاداری ها از گوشه خانه ها و کنج خفا بیرون آمده و عیان گشت و به صورت دسته جمعی با حرکت هیأت های عزاداری در کوچه ها و خیابان ها نمایان شد. معز الدوله دیلمی یکی از سلاطین مقتدر آل بویه نیز در آشکار ساختن شعار شیعه نقش اساسی داشت وی مردم بغداد را به نوحه ماتم و عزاداری بر حسین (ع) تشویق کرد. در سال ۳۵۲ هجری تا اواسط قرن پنجم که حکومت آل بویه از میان رفت مراسم عاشورا به صورت علنی برگزار می شد در همین سالها فاطیون مصر را به تصرف خود آوردند و شهر قاهره را بنا نهادند و با حضور آنان در مصر بزرگداشت مراسم عاشورا در مصر نیز انجام می گرفت در آن جا هر ساله ایام عاشورا بازارها را می بستند و مردم به طور دسته جمعی نوحه گری می کردند و به مسجد قاهره می رفتند. پس از آجن همان مراسم در سایر نقاط اسلامی مانند شمال آفریقا، ایران و برخی از کشورها عربی رسوخ کرد. رسم سوگواری و تعزیه در قرن اول و دوم هجری در ایران رایج بود ابتدا عزاداری ها به صورت

نوحه خوانی و مرثیه سرایی و گریه بود بعدها که به صورت هیات مذهبی درآمد و به کوچه و خیابان کشیده شد، با سینه زدن و زنجیر زدن و پرچم و سائر مراسم شد. البته منشأ عزاداری تأکید فراوان ائمه (ع) برای برپایی عزاداری و گریه کردن بر مظلوم کربلا بوده است و خود آنان نیز مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) برپا می کردند و مداحان و سراینندگان را بر این کار تشویق می کردند.

### چرا به امام هشتم (ع) قبله هفتم می گویند؟

#### پرسش

چرا به امام هشتم (ع) قبله هفتم می گویند؟

#### پاسخ

نظر به این که هفت مدفن برای معصومین (ع) وجود دارد: (۱- مدینه محل دفن پیامبر (ص) ۲- قبرستان بقیع ۳- نجف ۴- کربلا ۵- کاظمین ۶- سامرا ۷- مشهد لذا مدفن امام علی بن موسی الرضا (ع) را بعضی از مردم قبله هفتم نامیده اند. البته منظور از قبله در این جا قبله نماز نیست، بلکه قبله به معنا چیزی است که به آن توجه می کند. [۳]

مانند قبله آمال، قبله گاه، یعنی کانون توجه و مرکز آمال و آرزوها، مدفن مقتدا که انسان ها او را الگو قرار داده اند.

[۳] آیت الله ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۱، ص ۴۸۶.

### عاشورا و تاسوعا به چند معنا است و چرا روز نهم و دهم محرم به نام عاشورا و تاسوعای حسینی یاد می شود؟

#### پرسش

عاشورا و تاسوعا به چند معنا است و چرا روز نهم و دهم محرم به نام عاشورا و تاسوعای حسینی یاد می شود؟

#### پاسخ

عاشورا را به دهمین و دهمین روز و تاسوعا به معنای نهمین است.

اگر چه این لفظ می تواند بر نهمین و دهمین روز هر ماه اطلاق شود، اما فقط بر نهمین و دهمین روز محرم اطلاق شده و معروف است. عاشورا در تاریخ جاهلیت عرب، از عید های رسمی و ملی بود. در آن روز گار در چنین روزی روزه می گرفتند و لباس های فاخر می پوشیدند، و چراغانی و خضاب می کردند.

در اسلام، با تشریح روزه رمضان، آن روز نسخ شد. گفته اند علت نامگذاری روز دهم محرم به عاشورا آن است که ده نفر از پیامبران با ده کرامت در این روز مورد تکریم الهی قرار گرفته اند. [۱]

در فرهنگ شیعی، به خاطر شهادت امام حسین(ع) در این روز، عظیم ترین روز سوگواری و ماتم به حساب می آید، زیرا بزرگترین فاجعه و ستم در مورد خاندان پیامبر انجام گرفته است؛ از این رو امام صادق(ع) فرمود: "و أمّیا یوم عاشورا فیوم أصیب فیه الحسین(ع) ضریراً بین أصحابه و أصحابه حوله صرعی عراه؛[۲] عاشورا روزی است که حسین(ع) میان یارانش کشته شد و بر زمین افتاد. یاران او نیز پیرامون او به خاک افتاده و عریان بودند".

شیعیان امام حسین(ع) در ایام محرم، به ویژه روز عاشورا عزاداری نموده و یاد و خاطره آن روز را زنده نگه داشته اند، از این رو این روز به نام عاشورای حسینی شهرت یافت. البته امویان بعد از شهادت امام حسین(ع) در این روز شادی

می کردند. از این رو در زیارت عاشورا آمده است: "اللهم هذا يوم تیرکت به بنو امیّه وابن آکله الاکباد". [۳]

روز نهم محرم، تاسوعای سال ۶۱ هجری امام حسین و یارانش در محاصره نیروهای دشمن بودند. و در این روز دشمن آب را به روی اهل بیت امام حسین (ع) و یاران او بسته بود.

این روز به دلیل این که بر اهل بیت سخت گذشت و شاید یکی از روزهای بسیار سخت و مصیبت بر خاندان پیامبر بود، تاسوعای حسینی نام گرفت. امام صادق (ع) فرمود: "تاسوعا روزی است که حسین (ع) و اصحاب او در کربلا محاصره شدند و سپاه شامیان بر ضد آنان گرد آمد. ابن زیاد و عمر سعد از فراهم آمدن آن همه سوار خوشحال شدند و آن روز، حسین (ع) و یارانش را ناتوان شمردند و یقین کردند دیگر برای او یاوری نخواهد آمد و عراقیان او را پشتیبانی نخواهند کرد". [۴] [۱] حیاة الامام الحسین، ج ۳، ص ۱۷۹.

[۲] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹۵.

[۳] همان، ج ۴۴ ص ۲۸۴؛ وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۳۹۴.

[۴] سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۲۴.

### چرا عید قربان و عید غدیر به این نام شناخته شده است؟

#### پرسش

چرا عید قربان و عید غدیر به این نام شناخته شده است؟

#### پاسخ

عید قربان به مناسبت این که در روز دهم ذی الحجه حجّاج در منی باید قربانی کنند، به نام عید قربان است.

در هیجده ذی الحجه پیامبر اکرم (ص) در جایی به نام غدیر خم علی (ع) را به خلافت و جانشینی برگزید. از این رو آن را عید ولایت یا عید غدیر نامیده اند.

### اگر بعضی ها بعد از دهم محرم که مردم عزاداری می کنند، به سی دی و فیلم های شاد نگاه کنند، درست است؟

#### پرسش

اگر بعضی ها بعد از دهم محرم که مردم عزاداری می کنند، به سی دی و فیلم های شاد نگاه کنند، درست است؟

#### پاسخ

هدف از عزاداری برای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) آشنا شدن با اهداف آن بزرگوار و پیروی و ادامه دادن راه حضرت است. حضرت برای جلوگیری از فساد و گناه قیام کرد. او فرمود: "أريد أن آمر بالمعروف و أنهي عن المنكر؛ مقصود من اذ قیام، امر به معروف و نهی از منکر است. برای پیاده کردن روش جدم پیامبر و پدرم علی قیام کردم". افرادی که برای حضرت عزاداری می کنند، باید خود را هم رنگ و همراه امام حسین (ع) قرار دهند و با اهداف او دمساز شوند. در جای دیگر درباره حضرت آمده است: "أشهد أنك قد أقمّت الصلوة و آتیت الزكوة؛ شهادت می دهم که نماز را برپاداشتی و پرداخت زکات را زنده کردی". ما که پیروان حضرت هستیم و برای ایشان و مصیبات او گریه و عزاداری می کنیم، باید سعی کنیم از گناهان دوری کنیم.

شکی نیست که نگاه کردن به فیلم ها و سی دی های آموزنده و غیر انحرافی اشکالی ندارد ولی نگاه کردن به فیلم ها و سی دی های مبتذل انسان را از راه و هدف امام حسین (ع) دور می کند و به مسیری دیگر می کشاند. در این صورت چنین فردی که عزاداری می کند، از اهداف امام حسین (ع) غافل است و برای او سازندگی ندارد.

**بعد از مرگ افراد معمولاً مراسم سوم هفتم چهلم و سالگرد برگزار می شود. چرا روزهای را مراسم می گیرند. آیا این مراسم تأثیری بر حال مرده دارد؟**

### پرسش

بعد از مرگ افراد معمولاً مراسم سوم هفتم چهلم و سالگرد برگزار می شود. چرا روزهای را مراسم می گیرند. آیا این مراسم تأثیری بر حال مرده دارد؟

### پاسخ

درخصوص گرفتن مراسم سوم هفتم چهلم و سالگرد برای متوفی روایت و سفارش خاصی از طرف معصومین (ع) به دست نیامد. البته احسان و صدقه و قرائت قرآن اگر با نیت خالص باشد، خوب است و ثوابش به مرده می رسد. رسول خدا (ص) فرمود: "هنگامی که به نیت مرده صدقه داده شود، خداوند به جبرئیل امر می کند با هفتاد هزار ملک به سوی قبر میت حرکت کنند. در دست هر ملکی طبقی است وقتی به قبر رسیدند، خطاب به مرده می گویند: ای ولی خدا، سلام بر تو. این هدیه ای است که فلان پسر فلانی برای تو فرستاده است و قبر او نورانی می شود". [۱] از امام صادق (ع) سؤال شد: چه چیز برای انسان بعد از مرگش می رسد؟ حضرت فرمود: "حج و صدقه و روزه". [۲]

پس در مورد دبرپایی مراسم سوم و هفتم و... که امروزه مرسوم است دستوری از امامان (ع) به دست نیاوردیم گرچه هر کار خیری اگر با نیت خاص و قربۀ الی الله انجام گیرد و ثوابش به مرده هدیه شود، به او می رسد.

[۱] سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۵۵.

[۲] همان ص ۵۵۶.

## پرسش

ایام نحس چه ایامی است آیا بستگی به اعمال و رفتار انسان دارد؟

## پاسخ

از نظر عقلی دلیلی بر اثبات یا نفی سعادت و نحوست ایام وجود ندارد، اما از نظر شرع در قرآن مجید در دو جا نامی از نحوست ایام آمده است

"مانند باد وحشتناک و سردی را در یک روز شوم بر آن ها فرستادیم. [۱] در جای دیگر می فرماید: "ما تندباد سخت و سرد در روزهای شومی بر آن ها مسلط کردیم. [۲] در مقابل زمان سعد نیز در قرآن آمده است "ما قرآن را در شبی مبارک نازل کردیم. [۳] در روایات اسلامی به نحس و سعد ایام برخورد می کنیم مثلاً چهارشنبه هر هفته و چهارشنبه آخر ماه به عنوان ایام نحسن ذکر شده و روز اول ماه روز سعد و مبارکی معرفی گردیده است البته در پاره ای از این روایات علت نحوست آمده و آن حوادث ناگواری است که اتفاق افتاده است مانند رحلت رسول خدا (ص و شهادت سید الشهداء و انداختن ابراهیم در آتش و غیره که همه در روز دو شنبه واقع شده است علامه طباطبایی (ره) پس از نقل روایات می گوید: "اخباری که در باره نحوست و سعادت ایام وارد شده بیش از این دلالت ندارد که این سعادت و نحوست به خاطر حوادث دینی است که بر حسب ذوق دینی و یا بر حسب تأثیر نفوس یا در فلان روز ایجاد حسن کرده و یا باعث قبح و زشتی آن شده و اما این که خود آن روز و یا آن قطعه از زمان متصف

به میمنت و یا نحوست شود و تکویناً خواص دیگری داشته باشد که سایر زمان ها آن خواص را نداشته باشد، از آن روایات بر نمی آید و هر روایتی که بر خلاف آن چه گفتیم ظهور داشته باشد، باید حمل بر تقیه کرد و یا به کلی طرح = بی اعتبار] نمود". [۴]

روایتی که یکی از یاران امام هادی (ع نقل کرده مؤید این مطلب است روزی خواستم خدمت امام هادی (ع برسم که در آن روز در مسیر راه انگشتم

مجروح شد و سواری از کنارم گذشت و به شانه من صدمه زد و در وسط جمعیت گرفتار شدم و لباس را پاره کردند. گفتم خدا مرا از شرّ تو ای روز حفظ کند. عجب روز شومی هستی امام (ع فرمود: "با این که با ما ارتباط داری چنین می گویی و روز را که گناهی ندارد، گناه کار می شمیری" آن مرد عرض می کند: از شنیدن این سخن به هوش آمدم و به خطای خود پی بردم عرض کردم ای مولای من از این خطا استغفار می کنم حضرت فرمود: "روزها چه گناهی دارند که شما آن ها را شوم می دانید و حال آن که کیفر اعمال شما در این روزها دامانتان را می گیرد؟".

راوی می گوید: عرض کردم من همیشه از خدا استغفار می کنم امام فرمود: "این برای تو فایده ای ندارد. خداوند شما را به مذمت کردن چیزی که نکوهش ندارد مجازات می کند. آیا نمی دانی که خداوند ثواب و عذاب می دهد و جزای اعمال را در این سرا و سرای دیگر خواهد داد؟" سپس



فرمود: "دیگر این عمل را تکرار مکن و برای روزها در برابر حکم خداوند تأثیری قرار مده. [۵] پس طبق این روایت روزها نحس ندارند بلکه نتایج اعمال ما آن روز یا شب را به خوب یا بد بودن متصّف می کند.

اما روایاتی که برای رفع نحوست اعمال یا دعاها یا اذکار خاصی بیان کرده اند، مثل آن چه از امام صادق (ع) نقل شده که کسی که اول صبح صدقه دهد، خداوند نحوست در آن روز را از او دفع سازد". [۶]

یا فرموده اند: "اگر روز چهارشنبه سفر می کنی صدقه بده و آیت الکرسی بخوان. [۷]

علامه طباطبایی چنین توجیه کرده اند: "این روایات در مقام نجات دادن مردم از شرّ تفأل است می خواهد بفرماید: اگر قوّت قلبت به این حد است که اعتنایی به نحوست ایام نکنی که چه بهتر و اگر چنین قوّت قلبی نداری دست به دا من خدا شو و قرآنی بخوان و دعائی بکن. [۸]

پاورقی:

۱ - قمر (۵۴) آیه ۱۹.

۲ - فصلت (۴۱) آیه ۱۶.

۳ - دخان (۴۴) آیه ۳.

۴ - ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۱۴۴.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۲.

۶ - همان، ج ۵۶، ص ۳۱.

۷ - همان، ص ۲۸.

۸ - ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۱۴۳.

**چرا برای شهادت امام حسین (ع) مراسم اربعین برگزار می شود، ولی در رحلت پیامبر و سایر ائمه این کار صورت نمی گیرد؟ توضیح دهید.**

**پرسش**

چرا برای شهادت امام حسین (ع) مراسم اربعین برگزار می شود، ولی در رحلت پیامبر و سایر ائمه این کار صورت نمی گیرد؟ توضیح دهید.

اقامه عزای حسین در اربعین سالار شهیدان در جهان تشیع به خاطر چند چیز است

۱ برپایی مراسم سوگواری برای امام حسین (ع) در مناسبت های مختلف دستور امامان (ع) است گریستن بر ابا عبدالله الحسین (ع) ثواب بسیار دارد. فرشتگان پیامبران زمین آسمان حیوانات صحرا و دریا هم بر عزای حسین (ع) گریسته اند.

عزاداری بر حسین (ع) نشانه پیوند قلبی با اهل بیت و سید الشهداء است دستور امامان بر گریستن بر امام حسین (ع) بسیار است حضرت رضا (ع) به ریّان بن شیب فرمود: "اگر بر چیزی گریه کنی بر حسین بن علی گریه کن که او را همچون گوسفند سر بریدند".

یکی از رموز این همه تأکید بر سوگواری امام حسین (ع) این است که این کار یک نوع مبارزه با ستمگران بنی امیه و بنی عباس و طاغوتیان بدی است در حقیقت برقراری عزای حسینی یک جهاد مقدس و احیای خط ائمه (ع) و تبیین مظلومیت آنان و اعتراض به ظالمان و حمایت از مظلومان و انتقال فرهنگ شهادت به نسل های آینده است

محرم و صفر اسلام را بیمه کرده است

۲ در نخستین اربعین شهادت امام حسین (ع) جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی موفق به زیارت تربت و قبر سید الشهداء (ع) شدند، نیز بنا، به برخی نقل ها در

اربعین کاروان اسرای اهل بیت (ع) در بازگشت از شام وارد کربلا شدند و برای شهدای کربلا گریه و عزا داری نمودند بنابراین این اولین عزا داری برای سید الشهداء در اربعین شهادت حضرت صورت گرفت شیعیان نیز برای شرکت در عزا داری حضرت زینب و اسرای کربلا و احیای خاطره غمبار عاشورا و تداوم شور حسینی همه ساله در اربعین عزا داری می کنند.

۳ زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین مستحب است و از نشانه های مؤمن شمرده شده است امام عسکری (ع) فرمود: "نشانه های مؤمن پنج چیز است پنجاه و یک رکعت نماز، زیارت اربعین انگشتر به دست راست کردن پیشانی به خاک گذاشتن (در حال سجده ، و بسم الله را (در نماز) بلند گفتن .

به طور کلی تاکید و توصیه ای که از طرف ائمه (ع) برای عزا داری امام حسین صورت گرفته در مورد هیچ امامی صورت نگرفته و با آن که شهادت امام حسین در یک روز است اما همان طور که می دانید عزاداری برای او از مدت ها قبل و پس از آن ادامه می یابد.

این همه برای رسیدن به هدف و درس هایی است که در عاشورا بوده که هدف تمام امامان (ع) در آن خلاصه شده است که در قیام امام حسین (ع) روشن تر، آشکارتر، جامع تر و عمیق تر وجود یافته است

پاورقی:

۱ - سفینه البحار، ج ۱، ص ۹۷.

۲ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.

۳ - جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۴۱.

### منظور از حمام منجاب که گاه علما از آن نام می بردند چیست؟

**پرسش**

منظور از حمام منجاب که گاه علما از آن نام می بردند چیست؟

**پاسخ**

نقل کرده اند که در شهر یا روستایی حمامی بود به نام منجاب. زنی برای استحمام به سوی حمام حرکت کرد، ولی جای آن را نمی دانست. از مردی که در خانه خویش ایستاده بود پرسید: حمام منجاب کجا است؟ مرد هوسران و شهوت باز چون به چهره زن نگاه کرد، شهوتش طغیان کرد و به دروغ به زن گفت: حمام منجاب همین جا است، و اشاره به خانه خود کرد. زن بیچاره وارد خانه مرد هوسباز شد. مرد در خانه را بست و زن را به عمل زشت زنا دعوت کرد، ولی زن مؤمنه با حيله ای خود را از دست آن مرد نجات داد. زن ابتدا گفت: اشکالی ندارد، ولی الان من کثیف و خون آلوده هستم. اجازه بده به حمام بروم

و خود را تمیز کنم و شستشو دهم، بعد در خدمت تو هستم. زن از خانه بیرون آمد و به سوی حمام رفت و بدین وسیله خود را نجات دارد، ولی آن مرد که همواره چهره آن زن در ذهنش بود، تا آخر عمر حتی هنگام احتضار و مرگ افسوس می خورد و می گفت: حمام منجاب کجاست!؟

**بعضی گداها با آنکه وضع خوبی دارند، باز اقدام به تکدی می کنند. آیا می توان به این افراد چیزی نداد یا آن ها را از خود راند؟ با این افراد به طور کلی چگونه باید برخورد نماییم؟**

### پرسش

بعضی گداها با آنکه وضع خوبی دارند، باز اقدام به تکدی می کنند. آیا می توان به این افراد چیزی نداد یا آن ها را از خود راند؟ با این افراد به طور کلی چگونه باید برخورد نماییم؟

### پاسخ

یکی از ناهنجاری های اجتماعی که متأسفانه در میان جوامع مسلمانان بیشتر به چشم می خورد، تکدی یا گدایی است. گدایی کار نازیبا و ناپسندی است، چه رسد به این که برای بعضی نوعی شغل و محل کسب درآمد شده باشد، که در این صورت مفسده ای اخلاقی می باشد و نوعی کلاهبرداری از راه سوء استفاده از اعتقادات و احساسات مردم است.

مسلم است که در مورد این طور گدایان، حداقل کاری که می توان انجام داد، امتناع از پرداخت هر گونه وجه و کمکی به آن ها است و حداکثر (با علم به چنین رفتار ناشایستی) معرفی او به مراجع قضایی و انتظامی، و امر به معروف نیز می تواند به عنوان یک برخورد مثبت تلقی شود. اما ضرورتی ندارد که با این افراد درگیر شویم، با آن ها تند برخورد کنیم و ...، مگر این که موقعیتی پیش آید که از برخورد ناگزیر باشیم.

اما در مورد انسان های مستحق یا آنان که علم به سوء استفاده شان نداریم، یعنی نمی دانیم که استحقاق دریافت کمک دارند یا نه، در هر حال الگوی اسلامی، کمک به این افراد و برخورد با عطف و مهربانی، تواضع، منت نهادن و آزار نرساندن است. آیات و روایات بسیاری در این زمینه وجود دارد و بر آن تأکید می کنند. کمک به افرادی که مستحق هستند اما آبروی خود را حفظ می کنند و در مقام

درخواست بر نمی آیند، بیشتر توصیه و تأکید شده است.

در هر حال، هر دو گروه را می توان به کمیته امداد امام خمینی، یا سازمان بهزیستی که یکی از وظایفشان سر و سامان دادن به زندگی این افراد است، ارجاع داد و صدقات خود را به صندوق ها واریز نمود.

## عزاداری خوب و مقبول برای ائمه چه ویژگی هایی دارد؟

### پرسش

عزاداری خوب و مقبول برای ائمه چه ویژگی هایی دارد؟

### پاسخ

عزاداری برای ائمه (ع) اظهار محبت و علاقه نسبت به آنان و نیز اظهار تنفر و براءت از دشمنان آنان است. آنان که با جانفشانی و شهادت مظلومانه درخت اسلام را سرسبز نگه داشتند. مخصوصاً بر حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران او مصیبت بسیار سختی وارد شد که دل عالم و آدم را خون کرد. کمتر کسی است که مصیبت او را بشنود و گریه نکند. مصیبتی که بر آسمان ها و زمین بسیار سخت گذشت. در طول تاریخ چنین حادثه ای از نظر کمی و کیفی کمتر واقع شده است. در زیارت عاشورا آمده است: "مصیبه ما أعظمها و أعظم رزیتها فی الاسلام و فی جمیع السموات والارض؛ مصیبتی که در اسلام و در جمیع آسمان ها و زمین بسیار بزرگ و عظیم بود".

عزاداری و گریه برای آنان دارای اجر است و باعث همراه شدن با آنان است. در عزاداری برای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و سایر معصومان باید از ریاکاری و خودنمایی و از اعمال و کارهای زشت از قبیل خون آلود کردن بدن، قمه زدن که باعث توهین تشیع می شود، جدّاً خودداری کرد. از مطالب دروغ و بی مبنا باید پرهیز شود. بهترین شکل عزاداری تشکیل مراسم عزاداری همراه با سخنرانی و مداحی است، زیرا در آن مسائل حلال و حرام و پند و موعظه و ذکر فضائل و مناقب و مصائب اهل بیت و فلسفه و هدف قیام امام حسین (ع) و درس ها و عبرتهایی که در آن وجود دارد، بیان می شود و مردم در سایه عزاداری با معارف اسلامی آشنا می شوند. بدیهی است

تشکیل هیئات عزاداری همراه با سینه زنی به صورت معقول بسیار مناسب است.

## چرا ماه رجب را رجب المرجب نامیده است

### پرسش

چرا ماه رجب را رجب المرجب نامیده است

### پاسخ

لغت شناسان واژه رجب را به عظمت معنا کرده اند. و مرجب به معنای "مورد عظمت قرار داده شده می باشد. رجب هفتمین ماه از سال قمری است بدین جهت بدان رجب المرجب گفته اند که قبایل عرب به آن ماه احترام قایل بوده و آن را بزرگ می شمردند و جنگ را در آن ماه جایز ندانسته و یکی از ماه های حرام شمرده می شد.

عرب صور اسلام بدان "شهر الله گفته و تعظیم می نمودند. در آموزه های دینی ماه رجب از جایگاه و اهمیت خاص برخوردار است که حکایت از عظمت این ماه دارد در روایتی آمده است نه "رجب نام جوی است که از غسل شیرین تر و از برف سفیدتر است هی که در این ماه روزه دارد، از آن جوی آب دهند".

پیامبر اسلام (ص فرمود: "رجب برای امت من ماه استغفار است بین در این ماه به محضر پروردگار از گناه خویش یوزش کلید که خداوند، بخشنده مهربان است شاید به خاطر عظمت ماه رجب المرجب است که شخصیتی مانند امام علی (ع در آن متولد شده است

## چرا قاریان موقع تلاوت قرآن دست ها را بر گوش خود قرار می دهند؟

### پرسش

چرا قاریان موقع تلاوت قرآن دست ها را بر گوش خود قرار می دهند؟

### پاسخ

بهتر بود این سؤال را از قاریان می پرسیدید ولی چند احتمال وجود دارد: ممکن هست این کار بنا بر عادت طبیعی قاریان باشد، با گذاشتن دست روی گوش تسلط بیشتر و دقیق تری صدای خویش پیدا می کنند و صدای خود را تنظیم می نمایند، و یا با این کار جلوی ورود صداهای دیگر گرفته می شود، البته از نظر شرعی هیچ وجهی ندارد.

در مورد تاریخ تولد و شهادت حضرت احمد بن موسی (ع) (شاه چراغ توضیح دهید؟

پاسخ: متأسفانه آگاهی ها در باره احمد بن موسی بن جعفر (ع) معروف به "سید السادات و "شاه چراغ بسیار اندک است از

این رو مورخان و سیره نگاران در باره محل و چگونگی شهادت وی اختلاف دارند. تاریخ ولادت او نیز معین نیست گرچه سال شهادت وی را ۲۰۳ه ذکر کرده اند. مورخان نوشته انده وی در سال شهادت امام هشتم (ع) ، یعنی ۲۰۳. به شهادت رسیده است برخی از مورخان باور دارند که احمد بن موسی بعد از شنیدن خبر شهادت امام رضا (ع) به همراه خویشاوندان به خون خواهی برادر و انتقام از مأمون خروج کرد و رو به ایران نهاد و در قم با سپاهیان مأمون جنگید و سرانجام به خراسان و در جایی نزدیک اسفرای طی جنگ بالشکریان مأمون کشته شد و همان جا دفن گردید، که بعداً زیارتگاه شد. برخی از مورخان عقیده دارند که احمد بن موسی (ع) بعد از خبر شهادت امام هشتم (ع) به خون خواهی آن حضرت عازم ایران شد و

در هنگام رسیدن به هشت فرسخی شیراز، در حالی که عده ای دو را همراهی می کردند، باشکریان قتلغ خان (استاندار شیراز) جنگید و در همان جا به شهادت رسید و دفن شد.

### بودن کبوتران در حرم بعضی از ائمه (ع) نشانه چه می باشد؟

#### پرسش

بودن کبوتران در حرم بعضی از ائمه (ع) نشانه چه می باشد؟

#### پاسخ

در احادیث اهل بیت (ع) در مورد کبوترانی که در اطراف حرم امامان (ع) جمع می شوند، مطلبی به دست نیامد، ولی می توان گفت این امر نشانه صفا و پربرکت بودن این اماکن مقدسه است، چرا که کبوتران از برکت حرم های مطهر بهره مند شده و بدون زحمت از گندمی که زوار اهدا می کنند، روزی می خورند. هر جا که پرندگان و چرندگان احساس امنیت و رفاه کنند، طبعاً در آن جا گرد خواهند آمد. دلیل خاصی ندارد.

تذکر: لطفاً سعی کنید سؤالات خود را مستقیماً به آدرس: قم، ص. پ ۱۹۷ - ۳۷۱۸۵ واحد پاسخ به سؤالات بفرستید تا سریع تر جواب را دریافت نمایید.

### آیا این گفته صحیح است که هر وقت انسان ناخودآگاه تکانی می خورد، می گویند این عزرائیل است که به او تنه می زند و مرگ را یادآور می شود؟

#### پرسش

آیا این گفته صحیح است که هر وقت انسان ناخودآگاه تکانی می خورد، می گویند این عزرائیل است که به او تنه می زند و مرگ را یادآور می شود؟

#### پاسخ

سخن مذکور یک برداشت و تلقی عامیانه است و دلیل و سندی برای آن نمی توان پیدا کرد. البته خداوند از راه های مختلف انسان ها را به مرگ متوجه می سازد، مانند مرگ اطرافیان و فامیل و همسایه.

### منظور از روز بزرگداشت شخصیت هایی که در تقویم آمده، آیا سالروز تولد است یا سالروز رحلت؟

#### پرسش

منظور از روز بزرگداشت شخصیت هایی که در تقویم آمده، آیا سالروز تولد است یا سالروز رحلت؟



## پاسخ

اگر روز وفات یا تولد آن شخصیت معلوم و مشخص باشد، غالباً آن را قید می کنند، مثلاً می نویسند سالروز شهادت شهید مطهری یا سالروز رحلت امام خمینی (ره) یا سالروز تولد امام باقر (ع)، اما اگر قید نکردند مثلاً نوشتند "سالروز بزرگداشت عطار نیشابوری" احتمال دارد روز فوت یا روز تولد او باشد، نیز احتمال دارد آن روز را به عنوان بزرگداشت در تاریخ قرار داده باشند تا از او یاد بکنند و مقام علمی و عملی او را پاس بدارند. احتمال سوم غالباً در مواردی است که روز تولد یا رحلت معلوم نباشد.

## آیا انداختن شال سبز با نیت جلب احترام به دیگران و یا خود را فرزند ائمه اطهار (ع) دانستن موجب نارضایتی اهل بیت می گردد؟ آیا صحیح است

### پرسش

آیا انداختن شال سبز با نیت جلب احترام به دیگران و یا خود را فرزند ائمه اطهار (ع) دانستن موجب نارضایتی اهل بیت می گردد؟ آیا صحیح است

## پاسخ

از نظر اخلاقی خودیابی و ریا کاری صحیح نیست ولی صرف انداختن شال سبز و اظهار سیادت گناهی ندارد. اگر سیدی این کار را کرد، نباید آن را حمل بر جلب احترام مردم یا فخر فروشی بکنیم

## امروز رسم شده که صاحب عزا لباس مشکی به تن می کند. آیا از قدیم رسم بوده؟ حکم علما در این مورد چیست؟ آیا مراسم هایی مانند مجلس ختم، هفت و چهلم لازم است؟

### پرسش

امروز رسم شده که صاحب عزا لباس مشکی به تن می کند. آیا از قدیم رسم بوده؟ حکم علما در این مورد چیست؟ آیا مراسم هایی مانند مجلس ختم، هفت و چهلم لازم است؟

## پاسخ

پوشیدن لباس سیاه منشأ تاریخی دارد. در حدیثی نقل شده که چون امام حسین (ع) شهید شد، زنان بنی هاشم لباس سیاه پوشیدند. [۴] و از آن وقت به بعد در ایام محرم عزاداران در سوگواری سید الشهداء و سایر امامان معصوم (ع) هم خود لباس سیاه می پوشند و هم مساجد و تکایا را سیاه پوش می کنند. کم کم میان مردم رسم شد که در سوگ و عزای عزیز از دست رفته، لباس سیاه بپوشند. البته این مسئله میان بعضی از ملت ها و فرهنگ های دیگر نیز هست. و علما و مراجع محترم تقلید در این مورد نظری ندارند، ولی در هر حال پوشیدن لباس سیاه در حال نماز برای مردان مکروه است. [۵]

درباره برگزاری مجالس ختم و هفت و چهلم برای میت مسلمان، دلیل خاصی نداریم، لکن برپایی چنین مجالسی برای تسلیت و آرامش خاطر بازماندگان و احترام به میت مسلمان نثار و خیرات برای او مطلوب است.

[۴] بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۸.

### آیا شاد بودن در مجالس ائمه اطهار(ع) ثواب دارد؟

#### پرسش

آیا شاد بودن در مجالس ائمه اطهار(ع) ثواب دارد؟

#### پاسخ

همانطور که در روایات به برپایی مجالس سوگواری معصومان(ع) به خصوص حضرت اباعبدالله الحسین(ع) سفارش اکید شده و شرکت کنندگان آن نزد خداوند از ثواب و پاداش عظیمی برخوردارند، برپایی جشن و سرور نیز برای آنان و شرکت در آن سفارش شده و موجب ثواب است، البته اگر همراه با کار حرامی نباشد.

از امام علی(ع) نقل شده: "شیعیان و پیروان ما کسانی هستند که ما را یاری می کنند. نیز در شادی و خوشحالی ما خوشحال و شاد می باشند و در غمگینی و ناراحتی ما محزون و غمگین می باشند". [۱] تاریخ نویسان نقل کرده اند که پیامبر(ص) وقتی وارد مدینه شد، زنان و مردان انصار به جشن و سرور و شادی پرداختند و اشعاری را سرودند. در این هنگام پیامبر از مردم مدینه پرسید: آیا مرا دوست دارید؟ گفتند: به خدا قسم آری! پیامبر فرمود: من هم شما را دوست دارم. [۲] از امام صادق(ع) نقل شده: "پیامبر(ص) برای برپا کننده جشن و سرور و شادی در ازدواج حضرت زهرا دعا کرد و دست های خود را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا، همان طور که "اسماء بنت عمیس" در این شب جشن و سرور برپا کرد و دل دخترم فاطمه را شاد کرد، در قلب او سرور و شادی ایجاد کن". [۳]

بنابراین از روایات به خوبی استفاده می شود که برپایی جشن و سرور در ولادت معصومان(ع) مطلوب و پسندیده است، در صورتی که همراه با محرّماتی از قبیل اختلاط زن و مرد نباشد، و شرکت و کمک به آن موجب ثواب خواهد بود.

[۱] بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۸.

[۲] بحارالانوار،

ج ۱۰۳، ص ۲۷۵، حدیث ۳۲.

[۳] دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۷۵۲.

**ساختن دوتار را منسوب به حضرت ... می دانند و اهل سنت هم به این علت در خانه خود دوتاری را به عنوان تبرک نگه می دانند. آیا این گفته حقیقت دارد؟**

### پرسش

ساختن دوتار را منسوب به حضرت ... می دانند و اهل سنت هم به این علت در خانه خود دوتاری را به عنوان تبرک نگه می دانند. آیا این گفته حقیقت دارد؟

### پاسخ

برای آگاهی شما نسبت به این مسئله لازم است در این مورد اطلاعاتی در اختیار شما قرار دهیم.

دوتار و تنبور

دوتار سازی است از سازهای قدیمی و کهن که در اکثر مناطق استان خراسان و برخی از نواحی شمال و شرق آن سامان و پاره ای از نقاط مرز و بوم ما با اختلافاتی چند در پرده بندی و ساختمان رواج داشته و دارد. زمان پیدایش ساز دوتار معلوم نیست و درباره آن مأخذی در دست نداریم. مسلم این است که نام این ساز از دو وتر ابریشمی یا دو سیم گرفته شده و در کشور افغانستان و شمال کشور ایران هم سازی با همین خصوصیات و به همین نام وجود دارد.

ابونصر فارابی در کتاب خود الموسیقی الکبیر از سازی با همین مشخصات - بدون کم و کاست - به نام طنبور خراسان نام می برد و می گوید: "در ناحیه ای که این اثر را نگاشته ام، تحت این نام دو نوع طنبور ساخته می شود: تنبور خراسان که در منطقه ای با همین نام (در آن زمان افغانستان و ماوراء النهر هم جزء خراسان بوده است) و در همسایه شمالی و جنوبی و غربی آن جا ساخته می شود و تنبور بغداد که در عراق و غرب آن جا معمول است و از نظر ابعاد و شکل با هم تفاوت دارند".

عبدالقاهر مراغه ای (وفات ۸۳۷ ه. ق) در مقاصد الالحن

چنین شرح می دهد: "تنبور شروانیان و آن سازی است که اهل تبریز بسیار در عمل آرند و آن بر هیئت آمرودی (گلابی) باشد و سطح آن بلند باشد و بر آن دو وتر منفرد و بر ساعد آن پرده ها بندند".

فارمر (محقق انگلیسی) در مقاله خود تحت عنوان تأثیر نفوذ ایران در تعبیه آلات موسیقی می نویسد: "ساز دیگری که آن را تنبور خراسان می نامند و در اوایل خلافت عباسیان در دربار ایشان رواج یافت در موسیقی عرب تأثیر بسیار کرد".

"باریتوس" و "پاندورا" دو نویسنده یونانی نیز به هنگام یاد کردن از سازهای فرهنگی های دیگر از "عود ایرانی" و "تنبور خراسانی" نام می برند.

مسعودی در مروج الذهب به آلات موسیقی ای که اهالی خراسان به کار می بردند، اشاره کرده و می گوید: "یکی هفت تار داشت که آن را "زنگ" می گفتند و دیگری تنبور که اهل طبرستان و ری آن را دوست تر داشتند و این آلت موسیقی نزد همه فرس مقدّم بر سایر آلات موسیقی بوده است".

ابن خردادبه ابوالقاسم عبیدالله صاحب کتاب المسالك و الممالك (وفات ۳۰۰

ه. ق) درباره تنبور می نویسد: "آواز خوانی مردم ری و طبرستان و دیلمان با تنبورهاست. ایرانیان تنبورها را بر بیشتر سازها برتر گیرند".

در حجاری های دوره اشکانیان نقش تنبور دیده می شود و به اعتبار این که اشکانیان خراسانی بوده و این ساز را دوست می داشته اند، مدرکی است بر وجود دوتار یا تنبور خراسان.

در میان ترکمن ها این ساز بسیار رواج دارد و به نام "توتار" شناخته می شود، چون ساختمان آن از چوب توت است و پرده

ها و تارها از ابریشم (توت + تار).

ترکمن ها می گویند: صفحه "توتار" باید از چوب توت ماده باشد و کاسه آن از چوب توت نر و دسته آن از چوب زرد آلو، زیرا این سه عاشقند و سخنی که از عشق بر آید، بر دل نشیند.

شکل دوتار ترکمن شباهتی بسیار به دوتار دره گز دارد و بیشتر شبیه به تنبوری است که سلسله اهل حق با آن سر و کار دارد.

هم چنان که ملاحظه می شود در هیچ یک از منابع کهن نامی از دوتار برده نشده است و همه بالاتفاق از تنبور خراسان سخن گفته اند. این نکته و نیز توجه به این مطلب که در حال حاضر تنها سازی که در خراسان و نواحی اطراف آن معمول است و نغمات پیشینیان که سینه به سینه انتقال یافته، با آن نواخته می شود، دوتار است نیز با توجه به مشخصاتی که ابونصر فارابی و عبدالقاهر مراغی در کتب خویش از شکل و شمایل متفاوت تنبور در نقاط مختلف آورده اند و بعضی شواهد و مدارک دیگر، به طور قطع می توان گفت که: تنبور خراسان همان دوتار هراتی یا دوتار است.

به هر حال تاریخ پیدایش این ساز به هر نام و نشانی که باشد، ناپیدا است و نمی توان تاریخی برای آن معین نمود. آنچه که توسط برخی نویسندگان درباره منشأ آن نوشته شده، مبتنی بر تحقیق نیست و به قول ابن خردادبه اقاویل و افسانه هایی است که بنا به مقتضیاتی به وسیله نویسندگان نقل شده است که به هدف های معینی ساخته و پرداخته شده اند و مأخذ قرار دادن آن

ها دور از حقیقت و انصاف است.

از میان این اقاویل و افسانه‌ها یکی منسوب دانستن تنبور به قوم لوط است.

مفضل ابن سلمه نحوی در کتاب العود و الملاهی از هشام کلبی نقل می‌کند که: قوم لوط هر زمان از نوجوانی خوششان می‌آمد، دل او را با زدن تنبور نرم می‌کردند.

عده‌ای دیگر ساختن عود (و در بعضی نقل‌ها تنبور) را به قایل [یا قاین] فرزند حضرت آدم نسبت می‌دهند.

صاحب کتاب مطلع العلوم و مجمع الفنون سازندگان تنبور را ترکان و صاحب بهجت الروح سازنده آن را جالینوس می‌شمارد. از آنچه گفتیم نتیجه می‌گیریم:

(۱) انتساب دوتار به یکی از پیامبران یا اولیای الهی یا هیچ فرد دیگری از روی تحقیق و سند قوی نیست، بلکه صرفاً افسانه‌هایی است که منشأ اکثر آن‌ها داستان‌های عامیانه است.

(۲) بر همین ترتیب، ساز دوتار هیچ گونه تقدّس و تبرکی از این ناحیه ندارد.

(۳) احتمالاً در نامه شما میان دوتار و تنبور خلط شده است. گروهی از صوفیان و دراویش اهل حق برای ساز تنبور و آواهای برخاسته از آن احترامی خاص قائلند و آن را نمادی عرفانی می‌دانند که آوای دوست را به گوش انسان می‌رساند؛ یعنی درست همان نمادی که مولانا از صدای نی اراده کرده است:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند.

و همو در مورد تار یا تنبور می‌گوید:

خشک سیم و خشک چوب و خشک پوست از کجا می‌آید این آوای دوست

(۴) در منابع موسیقی چیزی در باب این انتساب ملاحظه نشده است. شاید هر طریقتی از پیش خود دوتار یا تنبور را

به کسی منتسب بدانند و از همین رو برای آن تقدسی قائل باشند. چنانچه نام آن دسته از اهل سنت را می نوشتید، می توانستیم اطلاعات جامعتری در اختیارتان قرار دهیم. [۷]۲

"در صورت مکاتبه بعدی مشخصات کامل و شماره نامه ارسال شده را قید فرمائید"

تلفن مستقیم: ۷۷۴۳۱۸۳ و ۷۷۳۴۵۳۰ و ۹۴-۷۷۴۳۱۸۹ داخلی ۰۲

[۷]الموسیقی الکبیر فارابی؛ فارابی (وفات . ۳۳۹ ه ق) در جلد دوم کتاب خود (جلد اول از بین رفته) به سازهای عصر خود، (قرن ۳ و ۴ هجری می پردازد و پس از بررسی عود به انواع طنبور می رسد؛ مقاصد الالحان عبدالقاهر مراغه ای؛ کتاب سالشیدا، ج ۱، مقالاتی از دکتر مهدی فروغ، مهدی کمالیانم تنبور، نوشته سید خلیل عالیژاد؛ آئینه و آواز، نوشته محمد رضا درویشی.

**آیا لباس سیاه برای مرده اثرات بدی دارد؟ اگر لباس سیاه خوب نیست، برای امامان معصوم چطور است؟ آیا ثواب پوشیدن لباس سیاه برای امام حسین تا ده روز یا تا آخر ماه می باشد؟**

**پرسش**

آیا لباس سیاه برای مرده اثرات بدی دارد؟ اگر لباس سیاه خوب نیست، برای امامان معصوم چطور است؟ آیا ثواب پوشیدن لباس سیاه برای امام حسین تا ده روز یا تا آخر ماه می باشد؟

**پاسخ**

پوشیدن لباس سیاه کراهت دارد، یعنی اگر نپوشیم، بهتر است. بیشتر به پوشیدن لباس سفید ترغیب شده است.

پیامبر(ص) فرمود: "ألبسوا من ثيابکم البیاض فأنھا من خیر ثيابکم و کفّنوا فیها موتاکم؛ [۲۵] لباس سفید بپوشید زیرا آن بهترین لباس است و مرده هایتان را در لباس سفید کفن کنید".

باز فرمود: "أحسن ما زرتم الله عزّ و جلّ به فی قبورکم و مساجدکم البیاض؛ [۲۶] از بهترین لباس ها نزد خدا لباس سفید است، پس در آن نماز بخوانید و مرده هایتان را در آن کفن کنید".

پوشیدن لباس مشکی در عزای عزیز از دست دادن، روایت نشده که دلالت بر تأیید یا رد آن کند و اینکه آثار بدی داشته باشد. اما پوشیدن لباس سیاه در عزاداری ها که از قدیم مرسوم بوده و هست، اشکالی ندارد، بلکه رجحان شرعی دارد، چون از مصادیق شعائر الهی است، مخصوصاً برای عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) که زمین و زمان مصیبت زده او هستند. بزرگانی چون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (ره) در روز عاشورا از قبای سیاه استفاده می کردند. [۲۷]

نقل شده وقتی که حسین بن علی(ع) به شهادت رسید، زن های بنی هاشم لباس سیاه و خشن پوشیدند و از گرما و سرما شکوه نمی کردند و علی بن الحسین(ع) برای آنان طعام درست می کرد. [۲۸]

صاحب حدائق در ج ۷، ص ۱۱۸ فرموده است: بعید نیست استثنا کردن پوشیدن لباس سیاه در ماتم



امام حسین(ع)، یعنی پوشیدن لباس سیاه کراهت ندارد، زیرا روایات فراوان وارد شده به اظهار حزن و اندوه برای اباعبدالله الحسین(ع). [۲۹]

مرحوم حاجی نوری در مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۷ فرموده: پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری کراهت ندارد، بلکه رجحان دارد، همان طور که سیره و روش متدینان در ایام عزاداری اباعبدالله(ع) بر آن است. [۳۰]

مدت عزاداری برای اباعبدالله الحسین(ع) مقدار ندارد و چند روز پوشیدن لباس سیاه کراهت ندارد، بلکه رجحان دارد. برخی از مراجع فرموده اند: در ایام سوگواری هر یک از امامان، هم چنین در سراسر ماه های محرم و صفر پوشیدن لباس مشکلی مستحب است. [۳۱]

[۲۵] محمدی ری شهری، میزان الحکمه، خبر ۱۸۰۶۱.

[۲۶] همان، خبر ۱۸۰۶۲.

[۲۷] آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۲۱۷۰ به بعد.

[۲۸] همان.

[۲۹] همان.

[۳۰] همان.

[۳۱] آیت الله تبریزی، استفتائات جدید، س ۱۹۹۳ و ۱۹۹۳؛ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۵۹۰ به بعد.

### چرا حرم مقدس ائمه اطهار(ع) و اماکن مقدسه را به صورت گنبد درست می کنند؟

#### پرسش

چرا حرم مقدس ائمه اطهار(ع) و اماکن مقدسه را به صورت گنبد درست می کنند؟

#### پاسخ

ساختن قبه و بارگاه بر قبور بزرگان و اولیای خدا به عنوان بزرگداشت و یادبود و تکریم آنان بوده است. عقلای عالم برای بزرگداشت شخصیت های علمی، سیاسی بنای یادبود یا مجسمه بر روی قبر یا در جاهای مناسب ایجاد می کردند. این چیزی نیست که در اسلام رسم شده باشد بلکه قبل از اسلام نیز نزد مردم رواج داشته است. قرآن درباره اصحاب کهف می فرماید: "فقالوا ابنوا علیهم بنیانا ربهم أعلم بهم قال الذین غلبوا علی أمرهم لنتخذنّ علیهم مسجداً؛ گفتند بنایی بر آن بسازید. پروردگارشان از وضع آن ها آگاهتر است و آنان که آگاهی بیشتر بر راز آنان (اصحاب کهف) داشتند گفتند: روی مدفن

آنان مسجدی می سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود)" [۱].

سمهودی در ضمن بحث از پوشش های روضه و مرقد مطهر پیامبر(ص) و معطر کردن گفته است: در زمان هارون الرشید خیزران (مادر هارون) دستور داد مسجد پیامبر(ص) و قبر مطهر را با زعفران و عطرهاى دیگر معطر کردند و نیز قبر را با شال ها و پارچه های مشبک حریر پوشانیدند. پرده کشیدن روی قبر و اطراف آن معمول بوده است و قندیل های گوناگون از طلا و نقره و بلور در اطراف حجره و روضه پیامبر قرار می دادند. جمع بی شماری از علما و زهاد برای زیارت قبر پیغمبر(ص) که آمده اند، امور مذکور را منع و انکار نکرده اند.

شمار قندیل های حرم نبوی گاهی به حدی می رسید که قسمتی از آن ها را می فروختند و قیمت آن را به مصرف بنا

یاتعمیر اطراف حرم می رساندند، از جمله در سال ۷۰۵ رئیس خدّام حرم پیامبر(ص) از سلطان اجازه گرفت که قسمتی از قنديل ها را بفروشد و از پول آن مأذنه ای در باب السلام بنا کند، که سلطان اجازه داد.[۲]

سمهودی در کتاب وفاءالوفا درباره گنبد کبود روی حرم نبوی می گوید: قبل از حریق در مسجد شریف در سال ۶۵۴ روی حجره پیامبر(ص) قبه ای نبود، بلکه روی بام به موازات حجره بنایی از آجر به اندازه نصف قامت یک انسان وجود داشت تا بام حجره از دیگر قسمت های مسجد مشخص شود. در سال ۶۷۸ در زمان ملک منصور قلاوون صالحی قبه ای روی حجره بنا شد که پایین آن مربع و بالای آن هشت گوشه بود.[۳]

در سال ۷۲ هجری قمری به دستور عبدالملک خلیفه اموی بر بالای صخره ذبائح در اورشلیم نزدیک مسجد الاقصی قبه و گنبدی ساخته شد که به آن قبه الصخره گفتند.[۴]

ساختن گنبد یا بنایی به شکل دیگر روی قبور بزرگان به جهت تکریم و احترام آنان بوده است و مؤمنان و معتقدان به آن بزرگواران هر از چند گاهی از باب ذوقیاتی که داشتند، آن ها را به شکلی کامل تر در می آوردند. نقش معماران و حاکمان در این زمینه بسیار بوده است. البته در برخی جاها این ساختمان ها به صورت کله قندی چند ضلعی و در اکثر موارد به صورت گنبد مدور بوده است. در ساختن این بناها وضعیت آب و هوایی مناطق نیز دخیل بوده است، مثلاً در مناطق گرمسیری بلند بودن سقف همراه با دریچه های اطراف آن باعث کوران هوا و خنکی فضای آن برای

زوار و نمازگزاران می شد؛ با توجه به این که در زمان های قدیم امکانات رفاهی فعلی وجود نداشته است.

در مورد شکل گنبدها در مساجد و اماکن مقدس اسلامی باید گفت که: این اشکال هویت اسلامی ندارند، بلکه نوعی وام گیری از معتقدات ایران باستان و ادیان قبل از اسلام است که کم رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته و در زمره فرهنگ اسلامی و معماری اسلامی درآمده است.

توضیح مطلب: اصل شکل گنبد و محراب از زمان تقدس آتش بر جای مانده است.

اعتقاد اقوام گذشته بر این بود که انسان از ۴ یا ۵ عنصر تشکیل شده است. در ایران این عناصر چهارگانه و در فلات پامیر و تبت پنج گانه اند: خاک، آب، آتش، هوا و اتر.

اقلیم خاک، نشان هبوط انسان بر زمین و نماد تراکم موجودی لطیف است که همان روح انسانی است. اقلیم خاک، اقلیم وابستگی و نماد همه کثرت ها و دوگانگی هایی است که انسان در حیات خود با آن ها سر و کار دارد: روز و شب، خوبی و بدی، خیر و شر، خدا و شیطان و ...

اقلیم آب اقلیم احساس، درک، شعور و عقل است. اقلیمی است که در آن رایحه وحدت، انسان را به عشق ورزیدن، دوست داشتن، محبت و جستجوی اصل خویش فرا می خواند.

اما اقلیم آتش، نماد سوختن و خاکستر شدن، نماد پختگی و وارستگی است. آتش مظهر دل کنندن از عقل و جسم (عالم ناسوت) و اهتزاز و بالا رفتن به عالم روح (عالم لاهوت) است. از این رو آتش مقدس است، زیرا نشانه سیر انسان از اسفل به اعلی است.

بدین لحاظ

شکل آتش که چون محراب و گنبد است (مطابق شکل) در

معماری اماکن مقدس مورد تقلید واقع شد و محراب ها و گنبدهای

مدور شکل گرفت.

در ایران، هند، چین، یونان و مصر تقریباً تمامی معابد و اماکن مقدس، شکلی مخروطی، هرمی، گرد یا گنبدی دارند. اهرام مصر نشانه عروج روحانی انسان است که از یک مقطع مربع آغاز شده و با کمتر شدن طول و عرض آن به نقطه اوج (یعنی رأس هرم) می رسد. در هند شکل ساختمان های معابد مراحل تکامل زندگی بشر را تداعی می کنند که در ابتدا مقاطعی مربع یا مستطیل دارد و در انتها اشکالی گرد هرمی یا مخروطی می یابد. در ایران آتشکده ها گنبدی شکل و دارای محراب هستند.

در معماری اسلامی نیز این گنبدها نشانه عظمت و شکوه و قداست و همان حیات علوی هستند. مانند بسیار چیزهای مثبت یا مباح دیگر که در فرهنگ های گذشته وجود داشته و در فرهنگ و تعالیم اسلامی باقی مانده، یا حتی از آن ها بهره گرفته است.

۱ - کهف (۱۸) آیه ۲۱.

۲ - علی اصغر فقیهی، وهابیان، ص ۵۹ به بعد، با تلخیص.

۳ - همان، ص ۶۲، به نقل از وفاء الوفاء، سمهودی، ج ۱، ص ۴۳۵.

۴ - علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ص ۱۵۳۸۲.

### چرا برای مردگان هفتم، چهلم و سالگرد می گیرند؟

#### پرسش

چرا برای مردگان هفتم، چهلم و سالگرد می گیرند؟

#### پاسخ

برگزاری مراسم هفتم، چهلم و سالگرد، به منظور حفظ یاد و خاطره گذشتگان و تجلیل از مقام شامخ عالمان و قهرمانان و احترام به آن ها است و موجب تسکین قلوب بازماندگان می گردد؛ از این رو شاهد عزاداری، بزرگداشت و برگزاری مراسم چهلم و سالگرد می باشیم. به نظر می رسد در آموزه های دینی به برگزاری این گونه مراسم به صورت خاص (هفتم، چهلم و سالگرد) تصریح نشده، یعنی در آموزه های دینی تصریح نشده است که برای مردگان هفتم، چهلم و سالگرد گرفته شود. از آموزه های دینی استفاده می شود که به زیارت قبور رفته [۱] و یا به فعالیت هایی پرداخته شود که از آن ها به عنوان خیرات و

میرات و باقیات صالحات یاد می شود. بر این اساس برگزاری مراسم هفتم و چهارم و سالگرد به جهت خیراتی که در این مراسم برای رفتگان به عمل می آید، از سنت های پذیرفته شده بوده و هست. اگر چه نحوه برگزاری این گونه مراسم به حسب سنت به آداب و فرهنگ جوامع متفاوت است. اگر این گونه مراسم با رعایت برنامه های اسلامی باشند، اشکال ندارد؛ از این رو این گونه مراسم برای درگذشتگان و شخصیت های علمی و عالمان دینی برگزار شده و بزرگان دین نه تنها از آن ها نهی نکرده اند که خود نیز بدان اقدام می نمودند.

شاید مراسم هفتم، چهارم و سالگردها ریشه در عزاداری هایی داشته باشد که هم معصومان(ع) عزاداری کردند [۲] و هم مسلمانان به عزاداری می پرداختند. [۳]

پیامبر اسلام(ص) دستور داد که مسلمانان برای حضرت حمزه

عزادری نمایند. معصومان(ع) هم خود برای امام حسین(ع) عزاداری می کردند و هم دیگران را بدان فرا می خواندند.[۴]

همچنین شاید برگزاری اربعین برای امام حسین(ع) در میان ما شیعیان موجب شده باشد که مردم برای مردگان خود چهلم بگیرند.

## مراد از ایام الله چیست؟

### پرسش

مراد از ایام الله چیست؟

### پاسخ

ایام الله روزهایی است که امر و دستور و سلطنت الهی در آن روزها ظاهر گشته است. قرآن می فرماید: "و ذکرهم بأیام الله؛ روزهای خدا را به یاد قوم خود بیاور".[۱۱]

مسئلاً همه روزها، ایام الهی است، همان گونه که همه مکان ها متعلق به خدا است. اگر نقطه خاصی به نام بیت الله (خانه خدا) نامیده شد، دلیل بر ویژگی آن است، هم چنین عنوان "ایام الله" مسئلاً اشاره به روزهای مخصوصی است که امتیاز و درخشش فوق العاده ای دارد. و شامل تمام روزهایی می شود که دارای عظمتی در تاریخ زندگی بشر باشند و یا در آینده حکومت مطلقه الهی را آشکار سازند. هر روزی که یکی از فرمان های خدا در آن چنان درخشیده که بقیه امور را تحت الشعاع قرار داده، از ایام الله است. هر روزی که فصل تازه ای در زندگی انسان ها گشوده، و درس عبرتی به آنها داده و ظهور و قیام پیامبری در آن بوده، یا طاغوت و فرعون گردن کشی در آن قعر درّه نیستی فرستاده شده، خلاصه هر روزی که حق و عدالتی بر پاشده و ظلم و بدعتی خاموش گشته، همه آن ها از ایام الله است،[۱۲] مانند روزهای ظهور قهر و غلبه الهی در به هلاکت رساندن قوم نوح و عاد و ثمود، و روزهای ظهور رحمت پروردگار در نجات کشتی نوح(ع) و به سلامت رسیدن آن بر ساحل، و نجات یافتن حضرت ابراهیم(ع) از آتش[۱۳] و روز ظهور امام عصر(ع) که روز بسط عدالت است.

رسول خدا(ص) فرمود: "ایام الله، نعمت ها و بلاهای خدا است.[۱۴]

امام باقر(ع) فرمود: "ایام الله، روز قیام مهدی موعود و روز رجعت و روز قیامت است". [۱۵] مرحوم علامه طباطبایی بعد از نقل این حدیث شریف می فرماید: "در این روایت به بعضی از مصادیق روشن ایام الله اشاره شده، نه این که ایام الله منحصر به همان سه روز باشد". [۱۶]

[۱۱] ابراهیم (۱۴) آیه ۵.

[۱۲] تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۷۱.

[۱۳] تفسیر المیزان (ترجمه)، ج ۱۲، ص ۲۵.

[۱۴] همان، ص ۲۶.

[۱۵] همان.

[۱۶] همان.

### چرا امروزه کسانی را که بیش از یک همسر دارند به چشم بد نگاه می کنند؟

#### پرسش

چرا امروزه کسانی را که بیش از یک همسر دارند به چشم بد نگاه می کنند؟

#### پاسخ

این نگرش ممکن است علل مختلف داشته باشد، ولی شاید علت عمده اش این باشد که مردم مخصوصاً خانم ها مشاهده می کنند که غالباً کسانی که بیش از یک زن اختیار می کنند، نمی توانند مسئولیت های شرعی و اخلاقی چند همسری را ادا کنند، از این رو برای خانواده و فرزندان وضعیت نامطلوب و ناهنجاری را به وجود می آورند، و صفا و صمیمیت و وحدت و یگانگی و خوشی و مسرت خانواده را از بین می برند. چون نمی توانند عدالت اسلامی را بین زن ها رعایت کنند. به قول شهید مطهری ستمکاری و جنایت و بیدادگری را جایگزین رفتار و اخلاق اسلامی می نمایند.

این باعث می شود چند همسری در نظر دیگران بد و نامطلوب و ضد خوش بختی تلقی شود. یا به این جهت که دیگران اختیار همسران متعدد را صرفاً از غریزه جنسی و شهوت نگاه می کنند.

جواب قسمت دوم

### این که تعداد کمی از آخوندها و دکترها سیگار می کشند، تأثیر بد ندارد؟

#### پرسش



این که تعداد کمی از آخوند ها و دکترها سیگار می کشند، تأثیر بد ندارد؟

## پاسخ

با وجود مضرات فراوانی که برای اعتیاد به سیگار ثابت شده است، سیگار کشیدن افرادی که دیگران را از استفاده سیگار منع می کنند و عواقب وخیم اعتیاد به

سیگار را گوشزد می کنند، مایه تأسف است و مسلماً تأثیر منفی دارد. این مسئله اختصاص به سیگار ندارد. در خیلی از کارهای ما انسان ها بین آگاهی به یک مسئله و عمل طبق آگاهی، فاصله وجود دارد. در مورد سیگار نیز چنین است.

**بسیاری از مردم معتقدند هنگامی که عطسه می کنند، اگر یک عطسه کردند، معنای صبر کردن است و اگر دو عطسه کردند، باید در آن کار عجله کنند. آیا این حرف درست است؟**

## پرسش

بسیاری از مردم معتقدند هنگامی که عطسه می کنند، اگر یک عطسه کردند، معنای صبر کردن است و اگر دو عطسه کردند، باید در آن کار عجله کنند. آیا این حرف درست است؟

## پاسخ

در احادیث عطسه موجب راحتی بدن شمرده شده است. در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است که: "عطسه زیاد، آدمی را از پنج چیز نجات می بخشد: اول جذام؛ دوم بادهای رنج آوری که در سر و صورت فرود می آیند؛ سوم آمدن آب چشم؛ چهارم بسته شدن سوراخ های بینی؛ پنجم رویدن مو در چشم".

از حضرت رسول(ص) روایت شده که: "اگر به گفتن مطلبی مشغول بودی و در این بین یکی عطسه کرد، دلیل است که آن مطلب به حقیقت نزدیک است و گواه بر تحقق آن خواهد بود".

در احادیث زیادی تأکید شده که "چون عطسه کنید، خدا را حمد و ثنا گویی و بر محمد و آل محمد درود بفرستید. اگر سه بار عطسه بیشتر شد، معلوم می شود بر اثر عارضه و کسالتی می باشد".

این که عوام معتقدند اگر کسی یک عطسه نماید، باید صبر کرد و اگر دو عطسه زد، باید عجله کند، در احادیث اثری از این حرف ها نیست.

**نقل شده که بعد از ماه صفر از شب اول ماه ربیع الاول مستحب است در نیمه شب به بعد به هفت مسجد رفته و در مسجد را کوفته و حاجت خواست. خداوند هر حاجتی که شخص داشته باشد، عطا می کند. آیا این مطلب صحیح است؟**

## پرسش

نقل شده که بعد از ماه صفر از شب اول ماه ربیع الاول مستحب است در نیمه شب به بعد به هفت مسجد رفته و در مسجد را کوفته و حاجت خواست. خداوند هر حاجتی که شخص داشته باشد، عطا می کند. آیا این مطلب صحیح است؟

## پاسخ

به نظر می رسد این مطلب نیز مانند مطلب قبلی از خرافات و از چیزهایی است که عده ای جعل کرده اند و افراد ساده لوح می پذیرند. در هیچ منبع معتبری یافت نشد.

**• شهید به چه کسی گفته می شود، چرا کسانی را که در مسیر کربلا جان می بازند، به آن ها شهید نمی گویند ولی به نیروهای مسلح که کشته می شوند، شهید گفته می شود؟**

## پرسش

• شهید به چه کسی گفته می شود، چرا کسانی را که در مسیر کربلا جان می بازند، به آن ها شهید نمی گویند ولی به نیروهای مسلح که کشته می شوند، شهید گفته می شود؟

## پاسخ

شهید در فرهنگ اسلامی به کسی گفته می شود که در رکاب پیامبر یا امام و یا در جهاد مشروع کشته شده باشد.

در علت نامگذاری چنین مرگی به شهادت گفته اند: یا بدان جهت است که فرشتگان رحمت خدا در صحنه شهادت حضور می یابند یا بدان سبب که خدا و رسول، به بهشتی بودن شهدا، گواهی می دهند، یا این که شهید در قیامت همراه انبیا بر امت های دیگر گواهی می دهد یا این که شهید، زنده و حاضر است یا بدان جهت که شهید

به شهادت حق قیام می کند تا کشته شود. با این بیان معلوم می شود که کسانی که در میدان نبرد با دشمن مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۵۳، واژه شهید.

حضور نداشته و به دلایل دیگر جان باخته اند، مانند سانحه هوایی و یا تشنگی یا تصادف و غیره هر چند ممکن است به حسب نیت و عملشان، ثواب شهادت را داشته باشند، ولی در اصطلاح به آن ها شهید اطلاق نمی شود. اما افرادی که در راه انجام مأموریت جان می بازند، ممکن است از نظر دستگاه های اجرایی و قوانین کشوری به آن ها شهید گفته شود، ولی در حقیقت آن ها هم شهید مصطلح نیستند. کسانی که در راه کربلا کشته می شوند، باید توجه داشت که با اوضاع کنونی که عراق در اشغال نیروهای استعمارگر آمریکایی است که در فکر چپاول ثروت های ملت عراق و تأیید رژیم اشغالگر فلسطین و... هستند، مسافرت به آن کشور تا چه اندازه می تواند

صحیح باشد، ب...توجه به این که این مسئله می تواند مشکلاتی را برای ایران و حکومت اسلامی ایران به وجود آورد. اما این مسافرت ها تأیید اشغال گری نمی تواند باشد؟ و البته شاید این افراد با نیت خالص بروند و در این راه کشته شوند و اجر شهید را هم داشته باشند، اما توجه داشته باشند که شهید رسمی نامیدن آنها به وسیله حکومت و دولت ایران با غیر قانونی دانستن این مسافرت ها اصلاً سازگاری نخواهد داشت.

## ورزش و پیاده روی چه نقش در تندرستی و سلامتی دارد؟ و نظر اسلام چیست؟

### پرسش

ورزش و پیاده روی چه نقش در تندرستی و سلامتی دارد؟ و نظر اسلام چیست؟

### پاسخ

بی تردید ورزش به ویژه پیاده روی نقش بنیادی در سلامت روان و جسم انسان دارد؛ از این رو امروزه در جهان ورزش از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اهمیت ورزش در راستای فواید و آثار بهداشتی سیاسی و اجتماعی آن است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱ ورزش کسالت و تنبلی را از انسان زدوده و به انسان نشاط و شادابی بخشیده و او را برای انجام کارهای فردی و اجتماعی آماده نموده و اخلاق او را بهبود می بخشد.

۲ ورزش بر بالا- بردن توان جسمانی نقش اساسی دارد، از این رو فعالیت های نظامی و تقویت توان رزمی، با بهره گیری از ورزش امکان پذیر است.

۳ ورزش روحیه شجاعت و از خود گذشتگی، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم را در انسان تقویت نموده و اراده او را قوی می سازد.

۴ ورزش سلامتی و توانمندی جسمانی را افزایش می دهد.

۵ ورزش موجب رشد و نمو بدن شده و نقش زیربنایی در نظم و ثبات حرکات تنفس دارد.

۶ ورزش عامل مهم هماهنگ کننده بین اعصاب و مراکز عصبی بوده و موجب تقویت اعصاب می شود.

۷ ورزش موجب می شود که قوه جذب و دفع بدن بیشتر شده و سلول های بدن در برابر آسیب ها مقاوم و فعالیت های بیشتری انجام دهند.

یکی از نویسندگان می نویسد: "عضلات در حال ورزش ۱۰ تا ۱۸ برابر در حال استراحت احتیاج به خون دارند. ۲۰ دفعه بیشتر قند و اکسیژن مصرف می نمایند. ۵

بار زیادتر گاز کربنیک دفع می نمایند...".

با توجه به همین ارقام اهمیت کار قلب هنگام ورزش روشن می گردد. بوعلی سینا باور دارد: "ورزش، حرکتی است تابع اراده. در ورزش تنفس بلند و بزرگ و پی در پی می آید (مراد تنفس عمیق و شدت تنفس در اثر بالا رفتن مقدار اکسیژن مصرفی است). هر کس بتواند با اسلوب صحیح و متناسب با اعتدال مزاجش در وقت مناسب ورزش کند ... از مداوای بیماری های مزاجی بی نیاز می گردد".

در راستای نقش ورزش در سلامت روان و جسم انسان، همچنین نقش آن در مسایل اجتماعی و نظامی است که در آموزه های دینی بدان اهمیت خاص داده شده است، تا آنجا که برای بدن انسان حق بیان شده، حق بدن حفظ و سلامت آن با بهره گیری از ورزش می باشد. پیامبر اسلام(ص) فرمود: "انّ لِرَبِّکَ عَلَیْکَ حَقّاً وَّ اِنَّ لَکَ عَلَیْکَ حَقّاً و لا هَلَکَ عَلَیْکَ حَقّاً؛ پروردگار بر تو حقی دارد، و بدنت بر تو حقی دارد، و خانواده است [نیز] بر تو حقی دارد". همچنین یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان آموزش ورزش بیان شده است. رسول خدا(ص) فرمود: "حق فرزندان بر عهده پدرش این است که به او نوشتن، شنا کردن و تیراندازی ... را آموزش دهد". البته در اسلام به برخی ورزش ها مانند شنا، تیراندازی و اسب دوانی عنایت خاص شده است.

پیاده روی و کوهنوردی از جمله ورزش هایی است که در اسلام مطرح شده است. یکی از نویسندگان می نویسد: "(اسلام) پیاده روی را در ردیف غذا خوردن به حساب آورده، خوردن را برای زنده ماندن ضروری می

داند و فرهنگ بدنی را نیز لازم زندگی دانسته است. مگر در آیه شریفه: "يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمشُونَ فِي الاسواقِ" طعام و بازار با خوردن و پیاده روی، قرین یاد شده و غذا و ورزش منسوب به پیامبران، ردیف ذکر نگردیده است."

در عصر حاضر نیز بزرگان دین مانند امام راحل(س) بارها فواید ورزش را بیان نموده و همگان را به آن فراخوانده است: "در همه ابعاد ورزش کنید. من خودم ورزشکار نیستم، ولی ورزشکاران را دوست دارم... ورزش کارها همیشه این طور بودند که یک روح سالمی داشتند، از باب این که توجه به شهوات نداشتند، توجه به لذات نداشتند، توجه به یک فعالیت جسمانی داشتند که عقل سالم در بدن سالم است..."

می توانید برای آگاهی بیشتر از تأثیر ورزش و پیاده روی در سلامتی انسان، به کتاب های که کارشناسان در این باره نوشته اند، مراجعه کنید. چند عنوان در پانویست ذکر شد.

**لقب آیت الله العظمی در زیارت به حضرت علی(ع) نسبت داده شده است. چرا به مراجع هم این را می گوئیم؟ معنی "قدس سره" چیست؟**

### پرسش

لقب آیت الله العظمی در زیارت به حضرت علی(ع) نسبت داده شده است. چرا به مراجع هم این را می گوئیم؟ معنی "قدس سره" چیست؟

### پاسخ

آیت در لغت به معنای علامت، عبرت، معجزه، امر شگفت، دلیل، برهان و ... آمده است.

آیت الله به معنای نشانه و حجت خداست.

آیت الله العظمی به معنای نشانه و حجت بزرگ خدا است. حضرت علی(ع) فرمود: "نزد من اسم اعظم است و من نشانه بزرگ خداوند و دارای اعجاز درخشان و تابان هستم."

مراد از آیت الله عظمی که حضرت علی(ع) خود را به این نام خوانده، این است که او انسان کامل و جامع صفات خداوند در مرتبه نازل است؛ بنابراین انسان با آگاهی و آشنا شدن با شخصیت حضرت علی و صفات او، خداوند را بهتر می شناسد و از راه شناخت حضرت علی(ع) و عظمت او، انسان بهتر از راه ها و آیات دیگر به خداوند و عظمت او دست می یابد.

امام علی(ع) انسان کامل است و انسان کامل مظهر اتم و اکمل اسماء الله است. او صاحب ولایت کلیه است و می تواند به اذن الله در ماده کائنات تصرف کند و قوای ارضیه و سماویه را تحت تسخیر خویش در آورد.

اما تعبیر آیت الله العظمی که امروزه برای مراجع تقلید به کار می برند، اصطلاحی است که رایج شده است و این اصطلاح به

معنایی که حضرت امیر(ع) استفاده فرمود نمی باشد، بلکه این اصطلاح امروزه در حوزه های علمیه برای کسانی به کار می رود که مرجع تقلید باشند و به بالاترین سطح مدارج حوزوی رسیده باشند. این به جهت برتری علمی آن ها

نسبت به سایرین در حوزه علمیه می باشد، نه آن برتری که در وجود مبارک امیرالمؤمنان بوده است.

البته در مورد علمای قدیم بیشتر با عناوین ثقه الاسلام و حجت الاسلام یاد شده است و استعمال لفظ آیت الله العظمی تاریخ روشن و مشخصی ندارد، ولی امروزه برای کسانی که مرجع تقلید هستند، استفاده می شود.

معنی "قدس سرّه" این است: پاک باد قبرش، پاک باد خاک قبرش، که سرّ به "ارض طیب" خاک پاک معنا شده است.

## فلسفه روشن کردن شمع در سقاخانه ها و فلسفه طشت گذاری چیست؟

### پرسش

فلسفه روشن کردن شمع در سقاخانه ها و فلسفه طشت گذاری چیست؟

### پاسخ

روشن کردن شمع شاید ریشه در فرهنگ آتش پرستی زردشتیان داشته باشد.

نیز ممکن است از یهود و نصارا اخذ شده باشد. میان آنان سنت روشن کردن شمع در اماکن مقدسه شان وجود دارد.

ممکن است در قدیم یک سنت پسندیده ای محسوب می شد و شب ها به جهت بهره مندی رهگذرها از نور آن روشن می کردند و از این جهت کار ارزشمندی محسوب می شد که البته امروز دیگر آن فایده را نخواهد داشت زیرا با وجود نور برق، نیازی به آن نیست.

در مورد روشن کردن شمع در سقاخانه ها مطلبی به دست نیاوردیم. شاید برای تجدید خاطره شام غریبان اهل بیت امام حسین علیه السلام باشد.

طشت گذاری، مراسم سنتی در عزاداری ایام عاشورا است که عمدتاً در شهرستان اردبیل برگزار می شود. طشت های آب را در مساجد و حسینیه ها می آورند و سمبل یک حادثه تاریخی است که در کربلا اتفاق افتاده است.

در توضیح سنت مرسوم در اردبیل نوشته اند: "این مراسم از سه روز مانده به محرم در مسجد جامع، مسجد اعظم و سپس در مساجد دیگر اجرا می شود. طشت ها را بالای سرها می گیرند و مسجد را دور می زنند، سپس در داخل آن ها آب می ریزند. مردم دست به طشت و آب می زنند و نوعی بیعت با امام حسین علیه السلام و حمایت از عباس علیه السلام می کنند. آب طشت ها را مردم در شیشه هایی برای شفا و تبرک برمی دارند. این سنت از حادثه جوانمردانه آب دادن امام حسین علیه السلام به سپاه حر در ۲۷ ذیحجه گرفته شده، که آب مشک ها را در طشت ها ریختند و تمام لشکر حر و اسبان را سیراب کردند. این سنت

سمبولیک تاسی از اقدام سالار شهیدان است" به این مراسم طشت گردانی هم می گویند.

جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۷۲، به نقل از روزنامه رسالت، ۳ / ۴ / ۷۲، ص ۵، گزارش شوق کربلا.

## حکم پوشیدن لباس سیاه چیست؟ چه معصومانی سفارش کرده اند که در عزاداری لباس مشکی بپوشیم؟ این که زن ها چادر مشکی می پوشند، آیا ریشه روایی دارد؟

### پرسش

حکم پوشیدن لباس سیاه چیست؟ چه معصومانی سفارش کرده اند که در عزاداری لباس مشکی بپوشیم؟ این که زن ها چادر مشکی می پوشند، آیا ریشه روایی دارد؟

### پاسخ

از جمله احکام لباس (چه در مورد نماز گزار و چه در غیر حالت نماز) کراهت پوشیدن لباس سیاه است. بهترین لباس، سفید است که بدان سفارش شده است. {۱}

امام صادق(ع) فرمود: "یکره السواد إلا فی ثلاثه الخفّ و العمامه و الکساء؛ پوشیدن لباس سیاه مکروه است، مگر در سه مورد: کفش سیاه، عمامه سیاه و عبا یا قبای سیاه".

امام صادق(ع) فرمود که پیامبر(ص) فرمود: "لباس سفید بپوشید که بهتر و پاکیزه تر است و مردگان را با پارچه سفید کفن کنید".

رنگ سیاه، افسرده کننده و نماینده پنهان داشتن است، ولی رنگ سفید علاوه بر امتیازاتی که دارد، زود چرک و آلوده می شود و صاحبش مجبور می شود آن را بشوید یا تعویض کند، به اضافه این که لباس سفید خنک کننده خوبی است، چون تابش نور خورشید را منعکس می کند و به خود جذب نمی نماید که باعث گرم شدن بدن بشود.

مردمانی که در مناطق گرمسیری مانند عربستان زندگی می کنند، این مطلب به تجربه بر ایشان ثابت شده و لباس سفید می پوشند. دانشمندان گفته اند: رنگ سفید از مواد سمی چون ارسنیک، کرمات، سرب و انیلین به دور می باشند که هر کدام ممکن است ایجاد آلرژی یا مسمومیت یا هر دو نمایند. بهتر است لباس انسان سفید و نرم باشد.

پوشیدن چادر مشکی چون داخل در عنوان "ردا" است و بر اساس روایات "ردا" اگر سیاه باشد کراهت ندارد، از این رو



پوشیدن چادر سیاه برای زنان مانعی ندارد و کراهت هم ندارد، به اضافه اینکه چادر مشکی چون جذابیت و تحریک کننده گی ندارد، مفسده ای بر آن مترتب نمی شود. در این زمینه به روایتی دست نیافتیم که توصیه به چادر سیاه شده باشد.

اما این که چرا مردم در مصیبت ها و عزاداری ها لباس سیاه بر تن می کنند یا پرچم های سیاه برپا می نمایند، به خاطر این است که رنگ سیاه، شاد نیست. از این رو با مصیبت زدگی هماهنگ است. این مسئله نه تنها میان ما ایرانیان و مسلمانان بلکه در کشورهای دیگر نیز رائج است و جزء سنت ها و فرهنگ های کشورها است.

در مورد پوشیدن لباس سیاه در مصیبت و عزای ائمه مخصوصاً حضرت اباعبدالله الحسین(ع) نه تنها کراهت ندارد، بلکه چون از مصادیق تعظیم شعائر اسلامی است و باعث زنده نگه داشتن اهداف امام حسین(ع) می باشد، دارای ثواب و اجر الهی است. بزرگانی همچون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی در روز عاشورا قبای سیاه بر تن می کردند.

از فرزند امام سجاد(ع) نقل شده که وقتی امام حسین(ع) به شهادت رسید، زن های بنی هاشم لباس سیاه و خشن پوشیدند و از گرما و سرما شکوه نمی کردند و علی بن الحسین(ع) برای آنان طعام درست می کرد.

بنابراین در پوشیدن لباس سیاه برای عزای امام حسین(ع)، هم چنین غذا دادن به عزاداران مورد تأیید امام سجاد(ع) بوده است. تأیید امام دلیل بر جواز بلکه بر رجحان آن است.

[۱] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۸، [باب ۱۹، از ابواب لباس مصلی.

**چرا از نگاه کردن به آئینه و جارو کردن در شب نهی شده است؟**

**پرسش**

چرا از نگاه کردن به آئینه و جارو کردن در شب نهی

## پاسخ

در روایات از جارو کردن و جمع نمودن خاکروبه در شب نهی شده است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: "لا تبيتوا القمامه في بيوتكم و اخرجوها نهائراً فانها مقعد الشيطان؛ خاکروبه را در خانه و سائل الشيعه، ج ۱۵، ص ۳۴۷، باب ۴۹.

هائتان در شب جمع آوری نکنید، زیرا محل اجتماع شیطان (میکروب) است."

در روایت دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده که بیست چیز باعث فقر می شود، از جمله "کنس البیت باللیل" جارو بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۱۵ و ۳۱۸.

کردن خانه در شب است. البته این روایت تنها دلالت بر کراهت دارد و به معنای حرمت نیست. در مورد نگاه کردن به آئینه در شب بعد از مراجعه به کتب روایی مطلبی نیافتیم. اما علت این که جارو کردن در شب کراهت دارد و از آن نهی شده است، بر ما معلوم نیست. احتمال دارد در زمان هایی که از نعمت برق و روشنایی محروم بوده اند و امکانات بهداشتی نبوده، از طرفی اسلام به بهداشت فرد و اجتماع و محیط بسیار عنایت داشته، می دید مردم به مسائل بهداشتی توجه نمی کنند، از این رو دستورهای بهداشتی را به این صورت به مردم ابلاغ و اعلام می کرد. امیرالمؤمنین در بیان وضعیت مردم در آن زمان می فرماید: "خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را به رسالت مبعوث ساخت که جهانیان را بیم دهد و امین آیات وی باشد، در حالی که شما ملت عرب بدترین دین و آیین را داشتید و در بدترین مکان ها زندگی می کردید میان سنگ های سخت و مارهایی که فاقد شنوایی بودند. آب های آلوده را می نوشیدید و غذاهای ناگوار می خوردید. خون یکدیگر را

می ریختید و پیوند خویشاوندی را قطع می نمودید.

بت ها در میان شما برپا بود و گناهان سراسر وجود شما را فرا گرفته بود."

نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

## چرا به امامان لقب می دهند؟

### پرسش

چرا به امامان لقب می دهند؟

### پاسخ

گزینش القاب نیکو اختصاص به امامان (ع) ندارد، بلکه از سنت های پذیرفته ای است که معمولاً در برخی از جوامع رایج است. در برخی فرهنگ ها به جای نام و نام خانوادگی، نام، لقب و کنیه وجود دارد.

قبل از اسلام نیز سنت گزینش لقب وجود داشته است و بعضی افراد با همان القاب شهرت داشتند، چنان که پیامبر اسلام صلی الله و علیه و آله به عنوان مظهر امین مشهور بود.

انتخاب القاب برای ائمه علیهم السلام از این قاعده مستثنا نبوده و براساس سنت های حاکم بر جامعه انتخاب شده است. البته با این تفاوت که برخی القاب ائمه علیهم السلام از سوی خدا و پیامبر اسلام گزینش شده است. از بسیاری روایات پیامبر صلی الله و علیه و آله و ائمه استفاده می شود که یکی از القاب علی علیه السلام امیرمؤمنان است.

این لقب در زمان رسول خدا برای حضور قرار داده شد. حتی، نقل برخی روایات این لقب قبل از خلقت آدم از جانب خداوند برای علی علیه السلام برگزیده شد.

زید بن جهم هلالی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: "چون آیه ولایت علی بن ابی طالب نازل شد،

رسول خدا صلی الله و علیه و آله به اصحاب فرمود: سلام کنید بر علی بن ابی طالب به عنوان امیرالمؤمنین".

اصغر ناظم زاده، سیمای پر فروغ، ص ۲۷ - ۲۸.

یکی از القاب امام باقر علیه السلام "باقر" است که به معنای شکافنده علم می باشد. حضرت را بدان جهت "باقر" گفته اند که شکافنده علم است و به او باقرالعلوم هم می گفتند. شیخ مفید از جابر بن عبدالله گزارش می کند که رسول خدا به وی فرمود: "تو آن قدر زنده می مانی که یکی از فرزندان مرا که از حسین به وجود خواهد

آمد و او را محمد می گویند، ملاقات خواهی کرد. او است که علم دین و مذهب را می شکافند و نشر می دهد".

ارشاد مفید (مترجم)، ص ۱۵۶ - ۱۵۷.

از امام زین العابدین علیه السلام سؤال شد: چرا به امام صادق علیه السلام صادق گفته می شود و حال آن که همه شما صادق و راستگو هستید؟ فرمود: " پدرم از پدر بزرگوارش از پیامبر اسلام برای من نقل کرد که آن برگزیده خدا فرمود: موقعی که فرزند من جعفر بن محمد بن علی بن حسین علیه السلام متولد شد، او را صادق بگویند، زیرا پنجمین فرزند او جعفر (جعفر کذاب) نام دارد و به دروغ ادعای امامت خواهد کرد و نزد خدا کذاب و افترا زننده به خدا است."

ستارگان درخشان، ج ۸، ص ۱۶ - ۱۷.

**آیا بین گناهان فرقی است؟ در جامعه می بینیم فرضاً استفاده از بیت المال هیچ گونه زشتی ندارد، ولی صحبت با یک زن نامحرم خیلی زشت شمرده می شود! دلیل این گونه تفاوت ها چیست؟**

**پرسش**

آیا بین گناهان فرقی است؟ در جامعه می بینیم فرضاً استفاده از بیت المال هیچ گونه زشتی ندارد، ولی صحبت با یک زن نامحرم خیلی زشت شمرده می شود! دلیل این گونه تفاوت ها چیست؟

**پاسخ**

گناهان از جهتی به دو دسته صغیره و کبیره تقسیم می شوند. در کتب اخلاقی در مورد خصوصیات هر کدام و تعداد گناهان بحث شده است. گناهان صغیر در اثر تکرار و اصرار در حکم کبیره می شوند.

برای اطلاع بیشتر به کتاب گناهان کبیره آیت الله دستغیب رجوع شود، ج ۱، ص ۳۱ به بعد.

البته بین تعالیم اسلامی و دستورهای ائمه معصوم علیهم السلام و آنچه در جوامع اسلامی و مسلمانان رایج می باشد، تفاوت فراوانی وجود دارد که علت این مسئله یکی از مهم ترین موضوعات قابل بحث است. یک سری از گناهان کبیره و صغیره هستند که بعضی مردم مرتکب آنها می شوند و در اثر تکرار در جامعه، به امری عادی تبدیل شده اند. حتی اگر گناهان صغیر باشد، در اثر مداومت به کبیره تبدیل می شود. حرمت هیچ یک از گناهان با توجیهاات بی پایه و اساس رفع نمی شود. اگر به بعضی گناهان مردم حساسیت خاصی نشان می دهند، این امر بسیار مثبت است و باید در مورد سایر گناهان نیز در جامعه، با فرهنگ سازی و نهی از منکر این حساسیت ها به نحو منطقی و صحیح افزایش یابد. این عامل، نیروی بازدارندگی قوی برای ترک گناهان به حساب می آید، بی آن که از حساسیت نسبت به گناهانی که وجود دارد، کاسته شود.

علت دیگری که می توان در مورد فرق گذاشتن بین گناهان ذکر نمود، این است که انسان ها از قبح برخی گناهان آگاهی ندارند و با نوعی

سطحی نگری و ساده انگاری آن گناهان را مرتکب می شوند و اصلاً به حرمت آن گناه توجه ندارند و یا این که با سهل انگاری گناه را مرتکب می شوند و نوعی اباحیگری آنها را فرا گرفته است، که به سادگی واجبات الهی را ترک می نمایند. این مسئله نیز نیاز به آگاهی بخشی دارد.

### **چرا وقتی کسی می میرد، تا سه شب بالای سر قبر او فانوس یا چراغ روشن می کنند؟**

#### **پرسش**

چرا وقتی کسی می میرد، تا سه شب بالای سر قبر او فانوس یا چراغ روشن می کنند؟

#### **پاسخ**

مطلبی در خصوص چراغ و فانوس روشن کردن بالای سر قبر میت در احادیث نیافتیم، احتمالاً مربوط به فرهنگ و سنت ما ایرانیان و بعضی ملت های دیگر است.

در مورد برخی از امامان آمده است، که بعد از رحلت امام بعدی چراغی مدام در اطاقش روشن نگه می داشت.

### **پیراهن مشکی برای مصائب اهل بیت (ع) و ایام شهادت پوشیده می شود. حال اگر امیل کسی فوت کند، پوشیدنش مانعی دارد؟**

#### **پرسش**

پیراهن مشکی برای مصائب اهل بیت (ع) و ایام شهادت پوشیده می شود. حال اگر امیل کسی فوت کند، پوشیدنش مانعی دارد؟

#### **پاسخ**

پوشیدن لباس سیاه کراهت دارد و مستحب است لباس سفید پوشیده شود اما پوشیدن آن برای عزای اهل بیت کراهت ندارد، بلکه به فرموده نویسنده کتاب حدائق چون از مصادیق تعظیم شعایر است، برتری و رجحان شرعی دارد، حتی اگر با لباس سیاه نماز بخواند. (۱)

به فتوای علما نماز خواندن با لباس سیاه کراهت دارد (۲) و این اطلاق شامل پوشیدن لباس سیاه حتی از عزای خویشان و همسایگان می شود.

بنابراین اگر کسی در عزای خویشان یا دوستان لباس سیاه بپوشد، کراهت دارد و نماز خواندن با آن باعث کم شدن ثواب نماز می شود.

پی نوشت ها:

۱ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۲۱۷۰ آیت الله تبریزی و صافی و صانعی و دیگران.

۲ توضیح المسائل مراجع، ج ۱ مسئله ۸۶۵

**یکی از وظایف شیعیان برخاستن به هنگام آوردن نام امام زمان (ع) است، پس چرا عیضی روحانیون قیام نمی کنند؟**

**پرسش**

یکی از وظایف شیعیان برخاستن به هنگام آوردن نام امام زمان (ع) است، پس چرا عیضی روحانیون قیام نمی کنند؟

**پاسخ**

برخاستن به هنگام برده شدن نام امام زمان (ع) به عنوان احترام به شخصیت آن بزرگوار بسیار به جا و مناسب است و اکثر روحانیون بدان پای بند هستند، ولی اولاً برخاستن واجب نیست؛ ثانیاً برخی از مواقع که نام حضرت برده می شود، شخص ممکن است مشغول نماز باشد یا عذر دیگری داشته باشد.

**بهترین مهریه ای که یک دختر مسلمان در این زمان می تواند بطلبد چیست؟**

**پرسش**

بهترین مهریه ای که یک دختر مسلمان در این زمان می تواند بطلبد چیست؟

**پاسخ**

مهریه در اصل هدیه و پیش کش است که مرد هنگام ازدواج خود را به آن ملزم می کند و در واقع نوعی ادای احترام است. قرآن به این مسئله تصریح می کند: "و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک هدیه به آنان پردازید". (۱)

پس اصل مهریه یک التزام دینی و اخلاقی و مورد قبول همگانی است.

اما مهریه زن چه مقدار باید باشد؟ این نکته نیازمند بحث گسترده ای است، ولی ذکر این مسئله لازم است، آن ها که از مهریه های سنگین و خارج از حد تصور و بعضاً غیر قابل پرداخت دفاع می کنند در حقیقت زن را کالایی برای معامله دانسته و برای آن بهای مادی قائلند، حال آن که واقعیت چنین نیست و ازدواج هایی که با مهریه های پایین شکل می گیرد، پایدارتر از ازدواج هایی است که پایه در تجملات و زرق و برق های دنیوی دارد؛ زیرا آنها اساس زندگی را بر امور دیگری چون عشق و محبت بنا نهاده اند، نه تجملات و امور مادی.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: "بهترین مهر کمترین آن است". (۲)

امام علی (ع) فرمود: "مهر زنان را گزاف قرار ندهید که موجب دشمنی خواهد شد". (۳)

اما بهترین مهر، مهری است که مطابق سنت باشد که به چنین مهری "مهر السنه" می گویند و مهر السنه مهریه ای است که می گویند پیامبر اکرم (ص) برای همسران و دختران خود انتخاب می کرد که حدود پانصد درهم بود. اکنون با توجه به تورم اقتصادی برابر با چهارده سکه تمام بهار آزادی است. (۴)

مبنا قراردادن چنین مهری که ریشه در سنت پیامبر دارد، موجب برکات

زیادی در زندگی مشترک خواهد شد. علاوه بر این مقدار مهریه ای که در ازدواج حضرت زهرا (س) و امام علی (ع) به کار رفته با مهر السنه مطابق بوده است. (۵)

پی نوشت ها:

۱ - سوره نساء (۴) آیه ۴.

۲ - کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۲۰.

۳ - بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۱۰۰، ص ۳۵۱، حدیث ۲۲.

۴ - ر. ک: مجله پیام زن، شماره ۱۴۴، ص ۳۸.

۵ - ر. ک: سید جعفر شهیدی، زندگانی فاطمه (ع)، ص ۵۸.

### آیا درباره اسپند دود کردن روایتی رسیده است؟ و کلمه اسپند به عربی چیست؟

#### پرسش

آیا درباره اسپند دود کردن روایتی رسیده است؟ و کلمه اسپند به عربی چیست؟

#### پاسخ

اسفند را به عربی "حَرْمَل" گویند. در مورد اسفند دود کردن روایتی به دست نیامد. در دائرة المعارف آمده: گیاه اسفند به سبب داشتن خاصیت های طبی در درمان برخی از بیماری ها به کار می رود". (۱)

در فرهنگ عامه مردم سرزمین های اسلامی اسفند و دانه آن مقدس شمرده می شود و آن را برای راندن بلاها و آفت ها و دفع چشم زخم به کار می برند. (۲)

پی نوشت ها:

۱. مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۲، ص ۱۷۸ ماده اسفند.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۳۳۳، ماده اسفند.

### آیا عطسه کردن فرد دلالت بر صبر دارد و اصلاً در روایتی آمده است؟

#### پرسش



آیا عطسه کردن فرد دلالت بر صبر دارد و اصلاً در روایتی آمده است؟

## پاسخ

در مورد عطسه و فوائد و آداب آن روایات فراوانی نقل شده است اما در مورد این که دلالت بر صبر دارد، در روایات چیزی نیافتیم، ولی حدیثی از امام صادق (ع) در مورد آنچه بین عوام الناس متداول می باشد نقل شده است. حضرت فرمود: "فال بد زدن (چیزی را شوم گرفتن) بستگی دارد به این که تا چه حد تو به آن اهمیت دهی. اگر آن را کوچک دانستی، اثر آن کوچک است و اگر مهم دانستی، اثر مهم خواهد داشت. اگر آن را به چیزی نگرفتی، چیزی نخواهد شد"، یعنی اصل این مسئله حقیقت ندارد و بستگی به خودت دارد که چگونه تفسیر کنی.

پی نوشت ها:

۱ - معارف و معاریف، ج ۴، ماده عطسه، ص ۱۵۶۷.

## چرا وقتی خانمی می میرد، عکس او را در اعلامیه ها نمی زنند؟

### پرسش

چرا وقتی خانمی می میرد، عکس او را در اعلامیه ها نمی زنند؟

### پاسخ

چاپ عکس زنانی که از دنیا رفته اند - با رعایت مسائل شرعی - اشکال ندارد، چنان که در زمان حیات، عکس برخی زنان را چاپ می کنند، مثلاً اگر زنی کاندیدای برای نمایندگی مجلس شده و یا در صحنه های علمی، سیاسی و اجتماعی حضور می یابد، عکس او را چاپ می کنند.

چاپ و عدم چاپ عکس زنان در اعلامیه های ترحیم، ریشه در آداب اجتماعی و سنت های جوامع دارد. معمولاً در جامعه اسلامی، مسلمانان غیرتمند و دین دار، عکس مادر، خواهر، همسر و... را در اعلامیه ها چاپ نکرده و عکس آنها را در معرض دید همگان قرار نمی دهند، تا چهره نوامیس آنها را دیگران ببینند. این رویکرد و نگرش ریشه در سنت و فرهنگ آنان دارد.

حساسیت دینی و مذهبی در شدت و ضعف این سنت مؤثر است.

## حرف شوخی و جدی را چگونه می توان تشخیص داد؟

### پرسش

حرف شوخی و جدی را چگونه می توان تشخیص داد؟

## پاسخ

از راه نشانه‌ها و قراین کلامی، بیان و حالی و لحن و آهنگ سخن می‌توان تشخیص داد. گاهی نیز گوینده، حرف شوخی خود را خالی از قراین لفظی و لحنی بیان می‌کند، ولی مخاطب با توجه به شناختی که از گوینده دارد، کلام شوخی و جدی او را به راحتی تشخیص می‌دهد.

**چگونه می‌توان با ایدئولوژی و فلسفه رایج در کشور پیشرفته‌ای مثل آمریکا آشنا شد، و اصولاً زندگی کردن در کشور پذیرفته‌ای مثل آمریکا بهتر است یا در ایران عقب مانده؟**

## پرسش

چگونه می‌توان با ایدئولوژی و فلسفه رایج در کشور پیشرفته‌ای مثل آمریکا آشنا شد، و اصولاً زندگی کردن در کشور پذیرفته‌ای مثل آمریکا بهتر است یا در ایران عقب مانده؟

## پاسخ

بهتر بودن زندگی در آن جامعه یا مانند جامعه ایران، بستگی دارد که انسان از زندگی چه بخواهد و خوشبختی را در چه ببیند. مهم آن نیست که انسان در چه کشوری، (صنعتی و پیشرفته مادی یا جهان سوم) زندگی می‌کند، مهم آن است که معنای زندگی و حقیقت آن و هدف از زندگی و خوشبختی در نظر او چه باشد؟ آیا خوشبختی در لذت هر چه بیشتر مادی و فقدان معنویت و ارزش‌های اخلاقی و انسانی است؟ با این مقدمه نگاهی به جامعه آمریکا می‌اندازیم.

کشور آمریکا از نظر صنعت و تکنولوژی پیشرفته است، ولی از جهت اصول اخلاقی و تعالی انسانی و روح معنویت نه تنها پیشرفته نیست، بلکه روز به روز رو به انحطاط می‌رود. ثمره انحطاط انسانی، در قدرت تصمیم‌گیری سیاسی آن کشور (که در ریاست جمهوری متمرکز می‌شود) ظاهر شده است. امروزه همه جهان شاهد خطرات مرگ بار تصمیم‌های مستکبرانانه رئیس‌جمهور آمریکا هستند و با تمام وجود درک می‌کنند این انسان نمای مستکبر و غرق در غرور و نخوت شیطانی چگونه با تکیه بر تکنولوژی برتر، خواست مشروع و قانونی بشر مبنی بر عدم حمله نظامی به ملت‌های مظلوم مثل عراق و افغانستان را به تمسخر گرفته است حرف حق و منطق به گوشش نمی‌رود! چنان که از تمام معاهده‌های بین‌المللی مانند کنترل سلاح‌های کشتار جمعی و پیگیری جنایتکاران جنگی (با قرار دادن سربازان خود) و با وتوی معاهده‌های بین

المللی در محکومیت حکومت اشغالگر صهیونیست و جنایت های آن سرباز می زند! آیا این انحطاط اخلاق، انسانیت، معنویت و احترام به حقوق دیگران، نقض حقوق بشر و انسان ها نیست؟ افزون بر این فحشا و منکرات، بی بندوباری های جنسی، آزادی همجنس بازی، آمار بالای قتل و خودکشی و بیماری های روانی آمریکا را در ردیف کشورهای دارای بحران معنویت قرار داده است. گذشته از این ها آمریکا، دچار چالش هایی است که زندگی در این کشور را ناخوش آیند و بحران زده می نماید. گزارش های موجود حاکی از وخامت اوضاع اجتماعی این کشور است. مروری اجمالی بر وضعیت اجتماعی ایالات متحده، عمق آسیب های وارده بر جامعه آمریکایی را به خوبی عیان می گرداند.

"در سال ۱۹۹۵، ۴/۹ میلیون آمریکایی تحت کنترل قضایی بودند. از این تعداد ۲/۸ میلیون نفر به مجازات های تعلیقی محکوم شده بودند و ۶۷۱/۰۰۰ نفر در آزادی مشروط به سر می برند. ۹۵۸/۷۰۴ نفر در زندان های دولتی و ۹۵/۰۳۴ در زندان های فدرال و ۴۴۶/۰۰۰ در زندان های محلی محبوس بودند. این آمار و ارقام همه ساله رو به افزایش است هر سال ۶ تا ۱۰٪ بر میزان جرم و خیانت در شهرهای آمریکا اضافه می شود. پلیس فدرال آمریکا هر دقیقه یک فقره قتل و هر پنج دقیقه یک فقره تجاوز و هر ۴۹ ثانیه یک فقره دزدی و هر ۳۰ ثانیه یک فقره حمله مسلحانه را گزارش می کند. قاچاق مواد مخدر در آمریکا به سودآورترین شغل بدل شده است. و نسبت طلاق از ۳۰٪ به ۷۰٪ افزایش یافته است. در یک آمار جدید ۷۰٪ از مردان آمریکایی اظهار کرده اند به همسران خود وفادار نبوده اند. امنیت داخلی در آمریکا حتی در مدارس ابتدایی و متوسطه

به وضع بحرانی رسیده است. گزارش هایی از این قبیل این نکته را به ما گوشزد می کند که در شناخت و تحلیل واقعیت های تمدن آمریکایی از سطحی نگری باید پرهیز نمود، چرا که به رغم تصویر زیبایی که سیاستمداران آمریکایی از رؤیای زندگی آمریکایی برای دنیای خارج ترسیم می کنند، این رؤیا برای جمع بزرگی از مردم این کشور به صورت یک کابوس درآمده است". (۱)

در آماري که چند سال پیش گرفته شده آمده است که بیش از نیمی از مردم آمریکا (زن و مرد) تنها زندگی می کنند و نیمی از فرزندان تنها با یکی از والدین زندگی می کنند، و این بسیار تعجب آور است که چگونه در عصر ارتباطات و نزدیک شدن انسان ها با وسایل ارتباطی، انسان در آن جامعه پیشرفته، احساس تنهایی و بی کسی نمی کند و فرزندان تنها می توانند با یکی از والدین زندگی کنند و با انواع وسایل سرگرم کننده خود را مشغول نمایند تا احساس خلأ و تنهایی را پر کنند، حال اگر شده با انواع مواد مخدر یا برنامه های کذایی. خود فراموشی و گم کردن حقیقت و معنای زندگی و حقیقت انسان و نیازهای اساسی او، آفت و بلای جهان معاصر است که حتی لذت واقعی زندگی را در دنیا از انسان ها سلب نموده است.

متأسفانه این مشکل امروز تنها گریبانگیر جهان صنعتی غرب نیست، بلکه به جهان سوم و ملت های آن ها و کشوری مانند ایران نیز کم و بیش سرایت نموده، به همین خاطر است که گفتیم جایی که زندگی می کنیم، مهم نیست، بلکه معنا و هدفی که برای آن زندگی می کنیم، مهم بوده و باید بدانیم خوشبختی را

که جستجو می کنیم چیست؟ این پرسش مهم و حیاتی است، حال هر کجا که زندگی کنیم. شاید آمریکا باشیم، اما خود را نازیم و حقیقت و کرامت انسانی خود و ارزش های اخلاقی را فراموش نکرده و به یاد داشته باشیم، یا شاید در ایران زندگی کنیم، ولی آمال و آرزوهای ما در آن طرف و زندگی سراسر ماشینی و غفلت و بی خبری و بی معنایی باشد. با آرزوی موفقیت و سربلندی و خوشبختی و کامیابی برای شما و همه جوانان.

پی نوشت ها:

۱ - میر احمد رضا حاتمی، عصر امام خمینی، ص ۲۶۴. برای اطلاع بیشتر از تمدن بحران زده آمریکا به این کتاب مراجعه فرمایید.

### چرا کام نوزاد را با آب فرات برمی دارند، مگر آب فرات تصفیه شده و بهداشتی است؟

#### پرسش

چرا کام نوزاد را با آب فرات برمی دارند، مگر آب فرات تصفیه شده و بهداشتی است؟

#### پاسخ

در این موضوع اولاً باید توجه داشته باشیم که یک مسئله استجابی است، نه وجوبی. در موارد مستحب قانونی در فقه وجود دارد که در دلایل استحباب، تسامح وجود دارد، یعنی دقت هایی که در دلایل وجوب و حرمت مانند صحت روایت، وثاقت راوی و تأیید حکم عقل وجود دارد، در موارد استحباب به دلایل خاصی تسامح می شود.

بنابراین برای این که فرزندان شیعه از همان ابتدا با فرهنگ امامت و تشیع سرخ آشنا گردند مستحب است کام شان با تربت حسینی یا آب فرات برداشته شود.

این استحباب صرفاً به جهت تاریخ آب فرات و حادثه عظیمی است که کنار آن اتفاق افتاده و درس بزرگی است که از آن حادثه می توان گرفت.

بنابراین برای یادآوری آن حادثه بزرگ و گرفتن درس زندگی، از راه های بی شمار به ما توجه داده شده که یکی از آنها غسل در آن آب است، مانند استحباب تربت حسینی که در روایات به شفاف بخشی آن اشاره شده، در حالی که اگر بخواهیم از راه علل و اسباب عادی و طبیعی نگاه کنیم، بسیاری از میکروب ها در خاک وجود دارد که برای انسان بیماری های مختلف به همراه دارد.

مطلب دومی که باید توجه داشته باشیم این است که در چنین مواردی صرفاً به علل و اسباب عادی و ظاهری نظر نکنیم و همه چیز را از راه فرمول های فیزیکی و شیمیایی حل نکنیم. باید به معنویت و علل ماورای طبیعی هم نظر افکند. این یک بحث مستقل بوده و در این مقاله نمی گنجد.



خاک کربلا هر دو آموزگار شجاعت و الهام بخش شهادتند. از این رو برداشتن کام نوزاد با آب فرات یا تربت حسینی، طعم شجاعت و انتقال فرهنگ شهادت در دل و جان شیعه است، (۱) چرا که عاشورا و حسین مکتب است و راه و رسم زندگی و جوانمردی.

پی نوشت ها:

۱ - جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۴۲.

### چرا پرچم امام حسین (ع) در کربلا قرمز است؟ چرا سبز نیست؟

#### پرسش

چرا پرچم امام حسین (ع) در کربلا قرمز است؟ چرا سبز نیست؟

#### پاسخ

به گونه‌ی مشخص نمی‌توان قضاوت نمود که علت قرمز بودن پرچم امام حسین (ع) چیست و روایات نیز در این خصوص دلالت ندارد به نظر می‌رسد گزینش پرچم قرمز برای امام حسین (ع) بدان جهت بوده است که نماد از فعالیت و قیام و مظلومیت حضرت و انتقام از دشمنان را بروز دهد.

نحوه شهادت امام حسین (ع) با دیگر امامان (ع) متفاوت است. امام حسین (ع) مظلومانه و با وضع رقت انگیز به شهادت رسید و خانواده و اهل بیت او به اسارت درآمدند این حالت برای هیچ یک از امامان قبل و بعد از ایشان سابقه نداشته است.

به همین جهت توصیه امامان (ع) در عزاداری و برپاداشتن یاد و نام و مکتب و سخنان اباعبدالله (ع) بیشتر از سایر ائمه می‌باشد. در مورد رنگ پرچم او اگر چه روایت خاصی از امامان معصوم (ع) وارد نشده، اما برپاداشتن یاد و خاطره امام حسین (ع) سفارش شده، نیز الهام گرفتن از مکتب وی. امام ثارالله (خون خدا) است و انتقام او توسط امام زمان (ع) گرفته می‌شود، که در احادیث به آنها اشاره شده است. پرچم سرخ در عین حال که نشان رنگ خون و جنگ و انتقام از ظالمان است، نشان شهادت مظلومانه و کشته شدن با شمشیر می‌باشد.

**چرا در جامعه اسلامی بین پسران و دختران تفاوت زیادی وجود دارد، یعنی بسیار مشاهده می‌شود که برای پسران ارزش و احترام بیشتری نسبت به دختران قائلند؟**

#### پرسش

چرا در جامعه اسلامی بین پسران و دختران تفاوت زیادی وجود دارد، یعنی بسیار مشاهده می‌شود که برای پسران ارزش و احترام بیشتری نسبت به دختران قائلند؟

از دیدگاه اسلام تفاوتی بین زن و مرد (دختر و پسر) وجود ندارد.

قرآن کریم در موارد متعدد تصریح کرده که رسیدن به مقام والای انسانیت و نیل به مراتب بالای معنویت و قرب الهی و وصول به "حیات طیبه"، به جنسیت مربوط نیست، بلکه به ایمان و عمل صالح بستگی دارد:

"من عمل صالحاً من ذکر أو انثی و هو مؤمن فلنحییه حیاةً و لنجزینهم أجرهم بأحسن ما كانوا یعملون؛ هر کس عمل صالح انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، ما به او زندگی پاک ارزانی می کنیم و پاداش وی را به بهترین اعمالی که انجام داده، می دهیم". (۱)

در آیات و روایات بسیاری این حقیقت مورد تأکید واقع شده است.

با این که اسلام، چنین نگرشی به زن و مرد دارد و تفاوت و امتیاز یکی بر دیگری را بر نمی تابد، ولی متأسفانه در عمل، بعضی خانواده ها در مقام ارزش گذاری، مرد را بر زن ترجیح می دهند.

دوگانگی عمل و عقاید مسلمانان معلول چند علت می تواند باشد:

۱ - بی خبری و ناآگاهی آنان از معارف و قوانین دین مقدس اسلام، یا برداشت های غلط و ناصحیح از ظواهر برخی روایات که ناظر به جریان خاصی و در زمان یا اشخاص معینی بوده است.

۲ - ممکن است برخوردهای دوگانه معلول ناآگاهی نباشد. شخص در مقام سخن و استدلال به روشنی و با شفافیت تمام از عدم تفاوت زن و مرد سخن می گوید و چه



بسا به آیات و روایات هم استدلال کند، ولی در مقام عمل "آن کار دیگر" می کند. همان گونه که می داند دروغ، غیبت، تهمت، فریب دادن مردم، رشوه، ربا، تجاوز به مال و جان و یا ناموس مردم از گناهان کبیره است، لیکن با تمسک به توجیحات شیطانی این گونه کارها را ممکن است انجام دهد و نام مسلمان هم بر خود نهد. واضح است که این گونه کارها غالباً معلول عدم آگاهی نیست، بلکه به "ضعف ایمان و کم سو بودن چراغ تقوا و دور بودن از خوف و خشیت الهی" برمی گردد.

۳ - علت سوم حاکمیت آداب و رسوم غلط قومی و قبیله ای یا بقای رسوبات جاهلیت در اندیشه ها و عمل بسیاری از افراد است که در مقام عمل تفاوتی بین مردم عامی و بسیاری از درس خوانده ها و حتی آگاهان به مسایل دینی وجود ندارد.

۴ - عدم خودباوری زنان نیز این ذهنیت را در جامعه ایجاد کرده که مردها قابلیت بیش تری دارند. زنان با خود باوری و اعتماد به نفس و حضور در صحنه های مختلف می توانند توانایی های خود را نشان دهند.

۵ - در جوامع سنتی مثل روستاها و شهرهای کوچک که حوزه فعالیت پسران گسترده تر است و پسران در کنار پدر به شغل کشاورزی، کارگری، تجارت و غیره اشتغال داشته و به اصطلاح عصای دست پدر بوده اند. این امر باعث شده پدر، پسر را حامی خود بداند و او را بر دختر مقدم بدارد.

پی نوشت ها:

۱ - نحل (۱۶) آیه ۹۵.

**چرا در مراسم عزاداری امام حسین (ع) عَلم یا پرچم های گوناگون و طوق های بزرگ چلچراغ و غیره می آورند؟ این ها سنبل چه چیزی است؟ چه چیز را می فهماند؟**

**اشاره**

برای اطلاع بیشتر اگر کتابی هست، معرفی کنید.

**پرسش**

چرا در مراسم عزاداری امام حسین (ع) عَلم یا پرچم های گوناگون و طوق های بزرگ چلچراغ و غیره می آورند؟ این ها سنبل چه چیزی است؟ چه چیز را می فهماند؟

برای اطلاع بیشتر اگر کتابی هست، معرفی کنید.

**پاسخ**

"عَلم" در اصطلاح عزاداری حسینی نام علامت خاصی است که هر هیأت و دسته، ویژه خود دارد و آن را از دسته های دیگر متمایز می سازد. (۱)

"علامت" از ابزار و وسایل عزاداری امام حسین (ع) است که در هیأت‌ها و دسته‌های مذهبی به کار گرفته می‌شود. این علامت‌ها نشانه‌های گروه‌های عزادار محسوب می‌شده است.

به نوشته دهخدا: "صلیب مانندی که بر چوب یا آهن افقی آن از سوی پایین شال‌های ترمه آویزند و از سوی زبر لاله و تندیس‌هایی از مرغ و جز آن نصب کنند و در میان زبانه‌ای از فلز طویل دارد و بر نوک آن فلز پریاً گلوله‌ای از شیشه الوان نصب کنند و این زبانه‌های فلزی که به تیغ مشهور است، سه یا پنج باشد و در مراسم عزاداری محرم پیشاپیش دسته‌ها به حرکت آرند." (۲)

(برخی دیگر گفته‌اند: شیئی است فلزی و کار صنعت گران اصفهان که قدمت آن به عهد سلاطین صفوی می‌رسد. دارای تعدادی زبانه، گنبد، گلدان و طاووس بوده و آن را با شال‌های سبز و سیاه و قهوه‌ای و پرتاووس و سکه‌های نقره... در آخر دسته‌ها به حرکت درمی‌آورند... شباهت آن به صلیب می‌رساند که پس از ارتباط ایران با اروپایی‌ها در عصر قاجار، از آیین‌های مذهبی مسیحیت اقتباس شده است. به هر حال (همه این‌ها) نمودها و مظاهری است که گاهی عزاداران را از محتوا و اصل عزاداری و اقامه شعائر دینی بازمی‌دارد. (۳)

نوغ (توق) از جمله وسایل تزئینی

دسته های عزاداری است و قدمت آن به عهد صفویه می رسد... توق اصل و نشانه را گویند و در هر لشکر گاهی که توق زدند، هر کس می داند که جای او کجا است، آن جا رود... در عصر صفویه توغ از تجهیزات دسته بود... هر تکیه تعدادی توغ دارد که در روزهای خاص از ایام محرم، آنها را جامه می کنند... مردم عزادار با نظمی خاص در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی وارد تکیه شده و به دنبال آن توغ ها با شور و هیجانی خاص به همراه شیون و ناله مردان و زنان به حالت نیمه افراشته نگه داشته می شوند.

در عین حال این ابزار و وسایل به نوعی ارتباط با لشکر و سپاه دارد و می تواند نشانه آن باشد که دسته های عزاداری، همانند لشکر و سپاه امام حسین(ع) در آید یا شبیه آن شود و به گونه ای به آن حادثه نزدیک گردد. این مسئله در صورت درست بودن آن نهایتاً شباهت ظاهری را می رساند، اما مهم تر از آن شباهت واقعی عزاداران با یاران امام حسین و نزدیکی به آنها است.

این گونه احساسات و شعائر مذهبی ستودنی است، ولی کاش نیمی از آنچه به تجهیزات و عَلمات و توق و ابزار، بها داده می شود، برای محتوای عاشورا و تعالیم نهضت امام حسین(ع) و هدف عزاداری بها داده شود.(۴)

پرچم: در عزاداری ابا عبدالله(ع) نقش پرچم سیاه مهم است. در ایام عزا و عاشورا بر سر در خانه ها و مغازه ها و در معابر می زنند تا نشانه ایام سوگواری باشد و تأثیر عاطفی خاصی دارد. شکل های خاص عَلمات و کتل در دسته های عزاداری تحول یافته همان پرچم است که سنت های خاصی

را همراه دارد. (۵)

در این راستا شناخت اهداف حضرت مهم ترین مسئله در حادثه تاریخی کربلا می باشد و مسائلی همچون عزاداری و تعزیه خوانی و گرداندن پرچم ها، علم ها و چلچراغ ها در مسیر معرفی آن حادثه (که در طول بیش از هزار سال یکی پس از دیگری بروز کرده) از موضوعات جانبی است و از نظر اهمیت در ردیف های بعدی قرار دارند.

بخشی از اهداف بلند حضرت به قرار زیر است:

۱ - زنده کردن اسلام و احیای سنت نبوی و سیره علوی.

حضرت در نامه ای به سران بصره نوشت: "من شما را به کتاب خدا و سنت رسول خدا(ص) فرا می خوانم".

همچنین در ضمن خطبه ای فرمود: "قیام من برای امر به معروف و نهی از منکر و پیاده کردن سیره جدم علی بن ابی طالب (ع) است".

۲ - حاکمیت حق.

حضرت فرمود: "آیا نمی نگرید که به حق عمل و از باطل نهی نمی شود؟!"

۳ - اصلاح جامعه اسلامی امام(ع) در ضمن خطبه ای فرمود: "هدف من از قیام ایجاد اصلاح در میان امت جدم می باشد".

از حسین اکتفا به نام حسین نبود در خور مقام حسین کشته شد، زیر بار ظالم نرفت به به از قدرت تمام حسین بهر احیای دین شهادت یافت زنده شد نام دین ز نام حسین(ع)

به امید رسیدن روزی که امام و اهداف او را بهتر بشناسم.

بهترین کتاب برای مطالعه در این موضوع "فرهنگ عاشورا" نوشته آقای جواد محدثی می باشد.

پی نوشت ها:

۱ - فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، نشر معروف، ص ۳۲۰.

۲ - همان، ص ۳۱۹ به نقل از لغت نامه دهخدا، واژه علامت.

۳ - همان، ص ۳۲۰ - ۳۱۹.

۴ - همان، ص ۱۲۳ - ۱۲۲.



## آیا درست است که یک جوان با زیرپوش رکابی جلو مردم ظاهر شود و خود را در جامعه در معرض نمایش بگذارد؟

### پرسش

آیا درست است که یک جوان با زیرپوش رکابی جلو مردم ظاهر شود و خود را در جامعه در معرض نمایش بگذارد؟

### پاسخ

همان گونه که جایز نیست زن بدن خویش را در معرض دید نامحرم قرار دهد، بر مرد رعایت پوشش بدن لازم است، اگر چه مقدار و حد آن در زن و مرد متفاوت است. بعضی از فقها فرموده اند: احتیاط این است که مرد موضوعی را که معمولاً پوشیدن آن در بین مردم متعارف است، در صورتی که بداند زن اجنبیه به او نگاه می کند پوشاند. (۱)

پی نوشت ها:

۱ - احکام روابط زن و مرد، ص ۱۰۲.

## چرا در ایام محرم و صفر، بعضی از هیأت های عزاداری زنجیر می زنند؟

### پرسش

چرا در ایام محرم و صفر، بعضی از هیأت های عزاداری زنجیر می زنند؟

### پاسخ

یکی از شیوه های عزاداری سنتی در ایران، زنجیرزنی است که در پاکستان و هندوستان نیز این شیوه از دیرباز رواج داشته است، این شیوه در ایام محرم و صفر و به صورت دسته جمعی و در هیأت های عزاداری، همراه با نوحه خوانی، جهت زنده نگه داشتن یاد حادثه عاشورا و حماسه حسینی برگزار می شود. زنجیر زنی همانند نوحه خوانی و سینه زنی، چون با روح و جان و عاطفه شیعه آمیخته شده است، به عزاداری سید و سالار شهیدان اَبی عبدالله الحسینی (ع) رنگ مردمی داده و عامل جذب و تجمع انبوه شیفتگان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) می گردد. ما شاهد حضور صمیمی و با نشاط جمعیت عزادار خصوصاً جوانان عزیز در دسته عزاداری و زنجیرزنی هستیم. وقتی دسته زنجیرزنی شکل گرفته و به راه می افتد، جوانان عزادار خودجوش و با صفا و صمیمیت وارد این دسته ها شده و عزاداری امام حسین (ع) از جنب و جوش و از حال و هوای خاصی برخوردار می گردد. حفظ عزاداری که به شیوه سنتی از عصر صفوی شکل گرفته، ضامن تداوم نهضت امام حسین (ع) شده است.

امام خمینی (رحمه‌الله علیه) در این باره فرمود:

"ما باید حافظ این سنت های اسلامی، حافظ این دسته جات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر در مواقع مقتضی به راه می افتد باشیم و تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند... باید این سنت ها را حفظ کنید". (۱)

البته زنجیرزنی ها و دیگر رسم ها و برنامه ها در عزاداری، مانند سینه زدن نمی باشد، زیرا بر سینه و سر زدن با احساس خاصی همراه است و در تماس دست انسان به سینه و

سر، حالت عزا و ماتم بیشتر احساس می شود، در عین حال دست های زنجیرزنی به جهت نظم و انضباط خاصی که در آن است، مورد توجه قرار می گیرد، به خصوص آن که با محتوایی مقدس و آدابی خالصانه و عاشقانه آمیخته باشد.

مرحوم کاشف الغطا می نویسد: "اگر بیرون آمدن این موکب ها در راه ها نبود، هدف و غرض از یادآوری حسین بن علی (ع) از بین می رفت و ثمره فاسد می شد و راز شهادت حسین بن علی (ع) منتفی می گشت". (۲) می توانید مستقیماً به آدرس قم، دفتر تبلیغات اسلامی، واحد پاسخ به سؤالات (ص - پ ۱۹۷) مکاتبه نمایید.

پی نوشت ها:

۱ - صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۴.

۲ - محمد حسین کاشف الغطاء، المواكب الحسينیه، ص ۱۵، چاپ ۱۳۴۵ق، نجف، به نقل از فرهنگ عاشورا، ص ۱۷۵؛ معارف و معاریف، ج ۷، ص ۳۵۰.

**علت این که وقتی کسی از دنیا می رود، فردایش بعد از نماز صبح به سر قبرش می روند چیست؟**

**پرسش**

علت این که وقتی کسی از دنیا می رود، فردایش بعد از نماز صبح به سر قبرش می روند چیست؟

**پاسخ**

این رسم در همه جا نیست. اگر در محل شما چنین رسمی هست، شاید با روایات از امامان معصوم (ع) بی ارتباط نباشد. در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود: "مردگان را پیش از طلوع آفتاب زیارت کنید، آنها حرف تان را می شنوند و جواب می دهند. اگر بعد از طلوع آفتاب زیارت کنید می شنند، ولی جواب نمی دهند". (۱)

در روایت دیگری حضرت باقر (ع) فرمود: "روز جمعه به زیارت اهل قبور بروید. هر یک از مردگان در تنگی قرار گرفته باشد، ما بین طلوع فجر (اذان صبح) و طلوع آفتاب فرصت داده می شود". (۲)

پی نوشت ها:

۱ - مفاتیح الجنان، ص ۱۱۱۹.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۵.

**آیا فال حافظ حقیقت دارد و درست است؟**

**پرسش**



آیا فال حافظ حقیقت دارد و درست است؟

## پاسخ

پیش از بیان درست بودن استفاده از فال حافظ و حقیقت داشتن آن باید توجه داشت که عادت نمودن به استفاده از فال حافظ یا حتی استخاره به قرآن که مورد تأیید شرع نیز می باشد، چندان صحیح به نظر نمی رسد. جایی که انسان باید از نیروی عقل و خرد استفاده نماید و یا از تجارب و آگاهی دیگران با مشورت از ایشان بهره گیرد، باید به همان عمل نماید.

دیوان حافظ چند جهت مثبت دارد و به همین خاطر می توان از آن به عنوان فال نامه نیز استفاده نمود.

۱ - غالب غزلیات و اشعار حافظ مثبت نگر است و مثبت نگری در زندگی خوب و پسندیده است و در روایات نیز به داشتن "حسن ظن" ترغیب شده و از داشتن سوء ظن نهی شده است.

۲ - غزلیات حافظ چند پهلو و چند معنا است و می توان از اشعار او تفسیرهای متعدد نمود و هر کس به فراخور حال و عقل و اندیشه خود از آن معنایی برداشت می کند.

۳ - به گفته خود حافظ، اشعار او مضامین آیات قرآنی و برگرفته از آنها می باشد و آنچه در سینه خود از آیات قرآنی حفظ نموده در غزلیات خود بیان نموده است.

ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ

به قرآنی که اندر سینه داری

به همین خاطر اشعار او از حقایقی خبر می دهد.

شاید بدین خاطر باشد که از او به لسان الغیب یاد شده است.

با توجه به این نکات، دیوان حافظ بسیار ارزشمند است و می توان از آن به عنوان فال و بیان حال خود بهره گرفت.

اما باید توجه داشت که

توقع پیشگویی از حافظ و غیب‌گویی از او، توقعی ساده لوحانه و عبث است، توقع ما از حافظ آن است که به شیرینی ابیات و سخنانش، تلخی‌های روزگار از کام ما بزدايد و با شیرینی سخنانش، اندیشه‌ای نو و معرفتی تازه در ما بیافریند. معرفتی که ما در دنیای کنونی بیش از هر زمان دیگری به آن نیازمندیم.

رویکرد ما به حافظ، رویگردي از سر اخلاص و محبت به کسی است که چون معلمی عزیز می‌تواند گره از مشکلات فکری گشوده و از آلام روحی مان بکاهد و در این راه هیچ‌گاه نباید حد اعتدال و میانه روی را در استفاده از آن فراموش کنیم.

**با وجودی که امامت در دوازده امام معصوم (ع) محدود است، چرا به آیت‌الله خمینی امام اطلاق می‌شود؟ چرا همین عنوان را به آیت‌الله خامنه‌ای، جانشین ایشان اطلاق نمی‌کنند؟**

### پرسش

با وجودی که امامت در دوازده امام معصوم (ع) محدود است، چرا به آیت‌الله خمینی امام اطلاق می‌شود؟ چرا همین عنوان را به آیت‌الله خامنه‌ای، جانشین ایشان اطلاق نمی‌کنند؟

### پاسخ

"امام" و "امام" هم ریشه‌اند. "امام" به معنای جلو و رو به رو و "امام" به معنای پیشوا و جلودار، آن که از او پیروی می‌شود (خواه انسان باشد یا کتاب یا چیز دیگر) این شخص یا چیز پیروی شده ممکن است حق باشد یا باطل.

عرب‌ها به ریسمانی که بناها به دیوار می‌کشند تا دیوار راست بنا گردد، "امام" می‌گویند.

قرآن خود را امام معرفی می‌کند (و کل شیءٍ احصیناه فی امام مبین). (۱)

نیز به پیشوایان هدایت و عصمت (۲) و دیگر پیشوایان (حق یا باطل) امام اطلاق می‌کند. (۳)

در عرف اسلامی به کسی که در نماز جماعت جلودار است و دیگران از او در نماز خواندن پیروی می‌کنند، امام جماعت می‌گویند. نیز به پیشوا و عالم مذهبی، امام گفته می‌شود، مانند امام فخر رازی، امام ابو حامد محمد غزالی، امام بخاری و...

به پیشوای سیاسی نیز امام گفته می‌شود، مانند امام موسی صدر (رهبر شیعیان لبنان). بر آیت‌الله خمینی چون پیشوای مذهبی، سیاسی و رهبر انقلاب اسلامی ایران است امام اطلاق می‌شود.

طبق همین معنا اطلاق امام به آیت‌الله خامنه‌ای روا است. اگر در عرف ما ایرانیان متداول نیست که به ایشان امام خطاب کنیم، اما در عرف عرب زبانان این اطلاق شایع است. عرب‌ها به آیت‌الله خامنه‌ای، امام خامنه‌ای می‌گویند.

افزون بر این‌ها در فرهنگ شیعه و در اصطلاح خاص علم کلام واژه امام و

امامت از یک بار معنایی ویژه ای بهره مند است. در این فرهنگ امام آن انسان برگزیده ای است که از سوی خداوند بزرگ رهبری امت را در دست دارد و از ملکه عصمت بهره مند است. امام بدین معنا بعد از پیامبر(ص) در دوازده تن منحصر است. اطلاق کلمه امام به رهبر کبیر انقلاب آیت الله خمینی بدین معنا نیست، که ایراد گرفته شود مگر ما از دوازده امام بیشتر داریم که به آیت الله خمینی امام گفته می شود. این ایراد در واقع خلط بین این چند معنا است.

چون در فرهنگ شیعه امامت از بار معنایی خاص بهره مند است و با اطلاق کلمه امام، امام معصوم در ذهن تداعی می کند، بدین جهت برای ما شیعیان ایران سنگین و نا مأنوس بود که کلمه امام را به آیت الله خمینی اطلاق نماییم. بدین جهت در آغاز می گفتند: نائب الامام خمینی؛ یعنی آیت الله خمینی عنوان نایب عام امام مهدی(عج) را دارد، چون که فقیهان با شرایط خاص در دوره غیبت کبری نایبان امام مهدی(عج) می باشند.

در جریان مبارزات اسلامی ملت ایران برخی از شخصیت های مذهبی اعلان کردن که به آیت الله خمینی امام (به معنای رهبر و پیشوا) گفته شود و کم کم این عنوان برایشان از مقبولیت اجتماعی بهره مند شد.

همین عنوان را می توان درباره آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اطلاق نمود و هیچ اشکالی ندارد.

پی نوشت ها:

۱. یس (۳۶) آیه ۱۲.

۲. انبیا (۲۱) آیه ۷۳.

۳. قصص (۲۸) آیه ۴۱.

**معنای کلمه نقد چیست؟ آیا نقد کتاب های شهید مطهری و حضرت امام یا نقد ایشان جایز است؟**

**پرسش**

معنای کلمه نقد چیست؟ آیا نقد کتاب های شهید مطهری و حضرت امام یا نقد ایشان جایز است؟

**پاسخ**

نقد به معنای جدا کردن دینار و درهم ستره از ناسره (قلابی)، تمیز دادن خوب از بد، آشکار کردن محاسن و معایت سخن است. (۱)

از مجموع کلمات اندیشمندان لغت شناس استفاده می شود که نقد و انتقاد حرکتی اصلاح گرانه با قصد پالایش و زنگارزدایی است.

نقد کسی به معنای مناقشه کردن با او درباره چیزی است. (۲)

تمام افکار بشری قابل نقد و ارزیابی است و تنها از کسانی نمی توان نقد کرد که معصوم بوده و از هرگونه خطا و لغزش مصون باشند. اندیشه های افراد دیگر (در هر حد که باشند) قابل نقد و ارزیابی است.

کتاب های امام و استاد شهید مطهری نیز قابل نقد و ارزیابی است اما باید توجه داشت که در فرهنگ اسلامی باید سخن فرد را مورد نقد و ارزیابی قرار داد و از توهین و اهانت به شخص اجتناب کرد. در واقع باید افکار و اعتقادات را مورد نقد قرار داد، نه اشخاص را. به تعبیر دیگر باید به سخن توجه کرد، نه صاحب سخن.

اگر نقدها به دور از غرض ورزی و در کال انصاف باشد، قطعاً در رشد و پویایی دانش مؤثر خواهد بود.

نکه آخر در باب نقد این است که احترام و شخصیت افراد باید محوظ بماند. البته به معنای این نیست که بزرگواری و عظمت شخصیت چنین افرادی، مانع از نقد و ارزیابی سخن یا نوشته ها و یا حتی عملکرد آنان باشد.

پی نوشت ها:

۱ - فرهنگ معین، ماده نقد؛ المنجد، ماده نقد.

۲ - محاج اللغه، جوهری، ماده نقد.

### مراسم برای اموات را باید با سال قمری حساب کنیم یا سال شمسی؟

#### پرسش

مراسم برای اموات را باید با سال قمری حساب کنیم یا سال شمسی؟

#### پاسخ

برگزاری مراسم برای اموات چه با سال قمری و چه با سال شمسی مشکلی ندارد. هدف از برگزاری مراسم رسیدن ثواب به میت است. ثواب برگزاری هر مراسمی (چه با سال قمری و چه با سال شمسی و شرکت مردم و خواندن قرآن و فاتحه و اطعام به مردم) به میت می رسد.

### آیا سینه زنی و زنجیر زنی به شکل مرسوم فعلی در روایات مطرح گردیده و یا این که صرف عزاداری مطرح شده است؟

#### پرسش

آیا سینه زنی و زنجیر زنی به شکل مرسوم فعلی در روایات مطرح گردیده و یا این که صرف عزاداری مطرح شده است؟

اصل عزاداری و نوحه خوانی خصوصاً بعد از حادثه جانگداز کربلا، همواره مورد تأکید و سفارش بسیار ائمه بوده است. امام باقر(ع) به کسانی که روز عاشورا نمی توانند به زیارت امام حسین بروند، دستور می دهد: بر حسین(ع) نُدبه و عزاداری و گریه کنند و به اهل خانه خود دستور دهند بر او بگریند. نیز در خاندانش با اظهار گریه و ناله بر حسین(ع) مراسم عزاداری بر پا کنند و یکدیگر را با گریه و تسلیت گویی در سوگ حسین(ع) در خانه های شان ملاقات کنند.(۱)

اما استفاده از ابزار خاصی نظیر زنجیر، طبل، بر پاداشتن عَلم و نظایر آن، بعد ها متداول گشت و اکنون به عنوان عزاداری سنتی جایگاه خاصی نزد شیعیان دارد.

البته عزاداری به شکل امروزی (سینه زنی و زنجیر زنی) بیشتر در عصر صفویه رواج پیدا کرد.(۲)

در عین حال همان طور که زنان و برخی از مردان در عزای نزدیک ترین افراد خود، به سر و صورت یا به سینه و روی زانوی خود می زنند، قبل از دوران صفویه نیز این مراسم وجود داشته است. اگر در دوران صفویه به صورت منظم و به شکل هیأت های عزاداری مرسوم شده، برگرفته از حالت شخصی است که در عزای بهترین و نزدیک ترین فرد انجام می دهند.

بر سر و سینه زدن در مراسم عزاداری طبیعی تر بوده و به مجلس عزا و نوحه شباهت بیشتر دارد.

پی نوشت ها:

۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۲.

۲. همان.

### در حالی که زمینه ازدواج در حال حاضر فراهم نیست، برای ارضای غریزه چه باید کرد؟

#### پرسش

در حالی که زمینه ازدواج در حال حاضر فراهم نیست، برای ارضای غریزه چه باید کرد؟

#### پاسخ

تنها راه صحیح برای تعدیل غریزه جنسی، ارضای آن به وسیله ازدواج دائم یا موقت است. از آن جا که امکان ازدواج برای همه افرادی که به بلوغ جنسی می رسند فراهم نیست، چاره ای جز کنترل میل جنسی نیست. تنها با دادن زمام این مرکب سرکش به دست عقل و شرع می توان عوامل و زمینه های تهییج میل جنسی را کنترل کرد. اسلام برای مقابله با طغیان غریزه جنسی، راهکارهای مناسبی را ارائه کرده است که عبارتند از:

۱ - خردورزی: امام علی (ع) می فرماید: "در دل های بشر خاطرات بد و خواهش های زشت پدید می آید. عقل است که از اعمال آن خاطرات و انجام تصمیم ها جلوگیری می کند". (۱)

البته باید اذعان کرد که به دلیل نیرومندی غریزه جنسی چه بسا این چراغ هدایت کم فروغ گردد و کارایی خود را از دست دهد. از این رو باید از احساسات مذهبی که ریشه در سرشت آدم دارد بهره جست.

۲ - خدامحوری: توجه به خدا و انجام تکالیف مذهبی نقش مهمی در کنترل قوه شهویه دارد. امام علی (ع) می فرماید: "هرگاه یکی از شما زنی را دید و خوشش آمد، سراغ همسرش برود، زیرا نزد همسرش همان چیزی است که دیده است و برای شیطان راهی به سوی دل قرار ندهد اما اگر همسر ندارد، دو رکعت نماز بخواند و حمد خدا را زیاد بگوید و بر پیامبر و آلش درود بفرستد، سپس از خداوند فضلش را طلب نماید". (۲)

از این روایت بر می آید که

اگر امکان ازدواج فراهم نیست، باید از نماز کمک خواست، چون یاد خدا فکر گناه را دور می سازد.

۳- رعایت اصل مهم حیا و عفت در محیط خانه

۴- دقت در دوست یابی:

۵: طرد افکار شیطانی: مشکل ترین مرحله مقابله غریزه جنسی، مرحله سالم سازی اندیشه و پرهیز از افکار شهوی است. امام علی (ع) می فرماید "کسی که در اطراف گناه بسیار بیندیشد، سرانجام به گناه کشیده خواهد شد". (۳)

تمایلات جنسی در خلوت و به ویژه هنگام خواب در بستر زمینه بیش تری برای بروز دارد. از این رو به جوانان توصیه می شود زمانی وارد بستر شوند که به حد کافی خسته شده باشند.

۶- پر کردن اوقات فراغت: تنهایی، محیط کاملا مساعدی را برای شیوع انحرافات جنسی فراهم می کند. پرهیز از تنهایی و پر کردن اوقات فراغت، مقدمات گناه را از بین می برد. گاندی در کتاب خود می نویسد: "در سراسر عموم کم تر به شهوت جنسی توجه داشته ام و اصولا هیچ وقت بیکار نشده ام تا در این باره فکر کنم". (۴)

۷- کنترل چشم: نگاه راهبر دل و دام شیطان و بذر شهوت است. برای مهار غریزه جنسی باید از دیدن هر چه که میل جنسی را تحریک می کند، خودداری کرد.

امام علی (ع) می فرماید: "بهترین عامل روی گردانی از شهوات، فرو بستن چشم ها است". (۵)

۸- ورزش: یکی از راه های آرام سازی طوفان غریزه جنسی، ورزش و فعالیت بدنی است، زیرا ورزش مقدار

فراوانی از انرژی های بدنی و فکری انسان را به خود اختصاص می دهد و طبعاً از مسائل دیگر

کم می کند.

۹ - کم خوری : اجتناب از پرخوری از جمله راه های غلبه بر شهوت است.

در روایات اسلامی از روزه داری که یک نوع کم خوری است، به عنوان یک عامل تعدیل غریزه جنسی یاد شده است. پیامبر (ص) می فرماید: "ای جوانان، هر یک از شما قدرت ازدواج دارد، ازدواج کند و اگر قدرت ندارد، روزه بگیرد، زیرا روزه گرفتن برای کنترل شهوت مفید است". (۶)

۱۰ - توجه به عواقب شهوت رانی: شهوات دربردارنده انواع آفت ها و محرومیت هاست. یک محاسبه منطقی، آدمی را متوجه می کند که لذت آنی؛ ارزش تحمل آن همه محرومیت را ندارد.

امام علی (ع) می فرماید: "لذتی که آمیخته با رنج و درد است، لذت نیست". (۷)

۱۱ - نظر به پاداش الهی: امام علی (ع) می فرماید: "کسی که به بهشت علاقه داشت، خواهش های نفس و شهوات را فراموش کرد". (۸)

پی نوشت ها :

۱ - غررالحکم، ج ۲، ص ۵۰۰.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۰۵.

۳ - غررالحکم، ج ۵، ص ۳۲۱.

۴ - جوانان چرا، ص ۱۰۷.

۵ - غررالحکم، ج ۶، ص ۱۶۴.

۶ - بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰.

۷ - نهج البلاغه، قصار ۳۰.

۸ - غررالحکم، ج ۶، ص ۳۵۵.

**چرا همانند عزایی که برای مردگان خود می گیریم، برای پیامبران و امامان (ع) عزاداری برقرار نمی کنیم؟**

**پرسش**



چرا همانند عزایی که برای مردگان خود می‌گیریم، برای پیامبران و امامان(ع) عزاداری برقرار نمی‌کنیم؟

## پاسخ

عزاداری برای پیامبر و خاندان او به مراتب بیشتر از آن است که برای مردگان خود انجام می‌دهیم.

عزاداری برای اهل بیت(ع) موجب شده است برخی ما را به مرده‌گرایی متهم نمایند. عزاداری مردم در ایام سال و به ویژه ماه‌های محرم و صفر شاهد بر این مدعا است، در حالی که برای رفتگان شاید عزاداری و مراسم بیش از یک سال طول نکشد. در جمهوری اسلامی ایران روز رحلت پیامبر(ص) تعطیل عمومی بوده و مردم ایران در سوگ پیامبر اشک می‌ریزند. عزاداری به گونه‌ای است که گویا پیامبر عظیم الشان اسلام تازه از دنیا رفته است. مردم ایران در خانه‌های خویش برای حضرت زهرا(س) مراسم عزاداری و روضه برگزار نموده و در ایام فاطمیه در سوگ بانوی اسلام خون‌گریه می‌کنند. عزاداری مردم ایران برای امیرمؤمنان در شب‌های قدر به گونه‌ای است که گویا آن اولین مظلوم عالم تازه در مسجد کوفه ضربت خورده است.

عزاداری مردم ایران در ایام محرم و صفر مثال‌زدنی است. عزاداری به گونه‌ای انجام می‌گیرد که مردم جهان را تحت تأثیر قرار داده است؛ حتی در عزاداری‌هایی که برای مردگان خویش انجام می‌دهیم، در آن مراسم نیز برای ائمه(ع) و فاطمه زهرا(س) روضه می‌خوانیم، عزاداری مردم ایران نشان عشق و ارادت نسبت به اهل بیت پیامبر(ص) است. به عقیده برخی تاریخ‌نگاران هیچ‌ملتی به اندازه ملت ایران ارادت نسبت به خاندان پیامبر ندارد. تاریخ ادبیات فارسی نیز

شاهد بر مدعا است.

۱- گاهی که در حضور فردی سُنی "یا علی" می‌گوییم، می‌پرسند چرا "یا خدا" نمی‌گویید، در صورتی که علی(ع) بنده خدا است. لطفاً بفرمایید ریشه "یا علی" گفتن چیست؟

### پرسش

گاهی که در حضور فردی سُنی "یا علی" می‌گوییم، می‌پرسند چرا "یا خدا" نمی‌گویید، در صورتی که علی(ع) بنده خدا است. لطفاً بفرمایید ریشه "یا علی" گفتن چیست؟

### پاسخ

کسانی که "یا علی" می‌گویند (غیر از افرادی که علی را خدا می‌دانند و بدین وسیله کافر شده‌اند) "یا الله" هم می‌گویند، بلکه همواره "یا الله" می‌گویند و فقط گاهی "یا علی" می‌گویند.

"یا علی" گفتن نوعی توسل به حضرت است، یعنی گوینده "یا علی" حضرت را وسیله و تشفیج در گاه خداوند قرار می‌دهد که خدا به خاطر آبرویی که علی(ع) دارد، به شخص کمک کند و یاور وی شود. توسل به آبرومندان در گاه الهی اشکال ندارد و ریشه آن قرآن کریم است: "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ (۱) ای افراد با ایمان، تقوای الهی داشته باشید و برای تقرب به او وسیله‌ای جستجو کنید و در راه وی جهاد کنید". باید توجه کرد که وسیله به معنای تقرب نیست، بلکه چیزی است که مایه نزدیکی به خدا می‌گردد. یکی از وسایلی که مایه تقرب می‌گردد، جهاد در راه خدا است که در آیه ذکر شده است. در عین حال می‌تواند چیزهای دیگر نیز وسیله تقرب باشد، مانند نماز و روزه و ترک گناه و ... خداوند به حضرت موسی(ع) فرمود: "ای موسی، هیچ عامل و وسیله‌ای برای نزدیکی قرب جویندگان به من مانند دوری از گناه نیست". (۲)

گاهی خداوند افرادی را واسطه فیض خود قرار می‌دهد، یعنی به وسیله آنان فیض و رحمتش

را به دیگران می‌رساند، مثلاً پیامبر را وسیله قرار می‌دهد، تا بندگانش را پیام‌رساند.

قرآن کریم به کسانی که گناه کرده‌اند، فرمان می‌دهد سراغ پیامبر روند و توسط ایشان طلب مغفرت کنند و پیامبر برای آنان طلب آموزش کند و نیز نوید می‌بخشد در این موقع خدا را توبه‌پذیر و رحیم خواهند یافت. (۳) بنابراین افراد با "یا علی" گفتن آن حضرت را به کمک و یاری می‌طلبند تا خداوند به وجاهت و آبروی حضرت خواسته آنان را فراهم کند، و گرنه می‌دانند که همه چیز به دست خداوند است و هیچ کس از خود چیزی ندارد، مگر این که خداوند به او بدهد. اگر حضرت عیسی مرده زنده می‌کند، از خودش چیزی ندارد، بلکه با تأیید و اذن الهی کارش را انجام می‌دهد، و دیگران هم همین‌طور هستند.

جهت آگاهی بیشتر به کتاب آئین و هابیت نوشته آیت الله سبحانی مراجعه فرمایید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مائده (۵) آیه ۳۵.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۰.

۳. نساء (۴) آیه ۶۴.

**چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می‌شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می‌کند اما به شادی‌ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟**

### پرسش

چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می‌شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می‌کند اما به شادی‌ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟

### پاسخ

۱) این نگرش که برگزاری مراسم برای مردگان، مرده‌گرایی است، قابل قبول نیست، زیرا عزاداری برای آن عده که از دنیا رفته‌اند، احترام به جایگاه و مقام بلند انسان است. در آموزه‌های دینی انسان جایگاهی والا دارد و هر گونه تجلیل از آن، احترام به حرمت و قداست بشر محسوب می‌شود. از این رو امروزه جهان برای بزرگان خود که رفته‌اند، مراسم می‌گیرند و یاد و خاطره آنان را گرامی می‌دارند.

از سوی دیگر پاسداشت‌ها برای شخصیت‌های سیاسی و علمی و فرهنگی برگزار می‌شود. تجلیل از این شخصیت‌ها، احیای فرهنگ و تمدن و علم است. پاسداری از علم و تمدن و خلاقیت‌ها نه تنها مرده پرستی نیست، بلکه تمدن‌سازی و نکو داشت

از علم، فرهنگ و تمدن است.

آنچه که مورد احترام قرار می گیرد، شخصیت است، نه شخص. درست است که شخص و بدن او در خاک رفته است، اما شخصیت او (در صورت داشتن صفات ارزشمند) جاودانه و زنده است.

بر همین اساس بزرگان دین برای امام حسین (ع) عزاداری نموده و دیگران را نیز به عزاداری فرا می خواندند، چون شخصیت او که حماسه، تن به ذلت ندادن، فرهنگ ایثار، از خود گذشتگی و دیگر صفات عالی انسانی است، همه در فرهنگ عاشورا و حماسه آن وجود دارد و زنده و پایدار است، تا زمانی که انسان

روی زمین است.

افزون بر آن، در این گونه عزاداری ها، گویندگان، شاعران و نویسندگان به بیان مطالب و حقایقی می پردازند که انسان ها بدان نیاز دارند؛ مثلاً در عزاداری برای امام حسین (ع) از دین مداری، ستم ستیزی، شجاعت و ... سخنی به میان می آید که موجب رشد فکری و فرهنگ سازی می شوند.

البته باید در همه امور از جمله عزاداری ها، از افراط و تفریط جلوگیری شود. عزاداری ها و مراسم باید به گونه ای باشد که طراوت و شادابی از بین نرود و باعث دلزدگی و رنجش نشود که با هدف برپایی عزاداری در تضاد قرار می گیرد.

۲) در اسلام همان گونه که به پاسداشت از مردگان سفارش شده است، به وجود آوردن شادابی و نشاط نیز اهمیت دارد. بر اساس آموزه های دینی است که مردم وظیفه دارند مراسم ولادت بزرگان دینی، بعثت پیامبر و ایام عیدها را جشن بگیرند. این سفارش بدان جهت است که هم از مقام بزرگان و شخصیت ها تجلیل شود و هم شادی به وجود آید. از سوی دیگر در اسلام بر تفریحات سالم نیز تأکید شده است.

امروزه در جمهوری اسلامی ایران همان گونه که برای بزرگان دین و شخصیت ها مراسم عزاداری برگزار می شود، به مناسبت ولادت و مناسبت های دیگر نیز مراسم جشن برگزار می گردد؛ مثلاً در نیمه شعبان به مناسبت ولادت امام زمان (عج) جشن با شکوه برگزاری می گردد که مقدمات آن از هفته ها قبل فراهم می گردد این از ویژگی های اسلام است که جهت حفظ تعادل روحیه انسان ها هم به عزاداری توجه کرده است و هم به

شادی.

در جمهوری اسلامی از برخی شادی‌ها به دلیل غیر مشروع بودن آن جلوگیری می‌شود، از این رو بعضی تصور می‌کنند در جامعه اسلامی ایران از شادی‌ها کاسته شده است. عدم برگزاری برخی از جشن‌ها و یا عدم اجرای برخی از مراسم‌ها در جشن‌ها بدان جهت است که مشروعیت ندارند. خیلی از چیزهایی که در جوامع غربی به عنوان شادی مطرح هستند، در اسلام مشروع نبوده و از مصادیق شادی کاذب هستند. جامعه اسلام مؤلفه‌ها و شاخصه‌های خاص خود را دارد و باید عزاهای و جشن‌ها بر اساس آموزه‌های دینی تعریف شود. در عین حال که فرهنگ جوامع مختلف در کیفیت و چگونگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

**در کتاب‌ها و نقل قول‌ها شنیده می‌شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنی‌ها اذیت می‌شود. آیا این مسئله صحت دارد؟ اگر صحت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جن دارد، مثلاً جن چه می‌شود؟**

**پرسش**

در کتاب‌ها و نقل قول‌ها شنیده می‌شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنی‌ها اذیت می‌شود. آیا این مسئله صحت دارد؟ اگر صحت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جن دارد، مثلاً جن چه می‌شود؟

**پاسخ**

وجود جن حقیقت دارد و قرآن کریم با صراحت از وجود موجوداتی به نام جن خبر داده، (۱) تا جایی که اسم یکی از سوره‌های قرآن "جن" است، لیکن بودن جن‌ها در محل‌هایی که آب داغ ریخته می‌شود، صحت ندارد و از خرافات است. (۲) البته بسم الله گفتن برای هر کاری خوب است و گاهی موجب دور شدن موجودات شرور یا رفع شر می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. جن (۷۲) آیه ۱.

۲. علی رضا رجالی تهرانی، جن و شیطان، ص ۱۴۹.

**مهریه و مقدار آن چقدر باید باشد؟**

**پرسش**

مهریه و مقدار آن چقدر باید باشد؟

مهریه در اصل هدیه و پیشکش است که مرد هنگام ازدواج، خود را به آن ملزم می کند و در واقع نوعی ادای احترام است. قرآن به این مسئله تصریح می کند: "و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک هدیه به آنان پردازید". (۱)

پس اصل مهریه یک التزام دینی و اخلاقی و مورد قبول همگانی است.

اما مهریه زن چه مقدار باید باشد؟ این نکته نیازمند بحث گسترده ای است، ولی ذکر این مسئله لازم است. آن ها که از مهریه های سنگین و خارج از حد تصور و گاه غیر قابل پرداخت، دفاع می کنند، در حقیقت زن را کالایی برای معامله دانسته و برای او بهای مادی قائلند، حال آن که واقعیت چنین نیست و ازدواج هایی که با مهریه های پایین شکل می گیرد، پایدارتر از ازدواج هایی است که پایه در تجملات و زرق و برق های دنیوی دارد؛ زیرا آنها اساس زندگی را بر امور دیگری چون عشق و محبت بنا نهاده اند، نه تجملات و امور مادی.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: "بهترین مهر کمترین آن است". (۲)

امام علی (ع) فرمود: "مهر زنان را گزاف قرار ندهید که موجب دشمنی خواهد شد". (۳)

مقدار مهر، با توافق زوجین مشخص می شود و در اسلام حد خاصی تعیین نشده تا کم تر یا بیش تر از آن جایز نباشد. اما بهترین مهر، مهری است که مطابق سنت باشد که به چنین مهری "مهر السنه" می گویند. مهر السنه مهریه ای است که می گویند پیامبر اکرم (ص) برای همسران و دختران خود انتخاب می کرد که حدود پانصد درهم بود. اکنون با توجه به تورم اقتصادی برابر با چهارده سکه تمام

بهار آزادی است. (۴)

مبنا قرارداد چنين مهری که ریشه در سنت پیامبر دارد، موجب برکات زیادی در زندگی مشترک خواهد شد. علاوه بر این مقدار مهریه ای که در ازدواج حضرت زهرا(س) و امام علی(ع) به کار رفته، با مهر السنه همخوان بوده است. (۵)

پی نوشت

۱ - سوره نساء (۴) آیه ۴.

۲ - کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۲۰.

۳ - بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۱۰۰، ص ۳۵۱، حدیث ۲۲.

۴ - ر. ک: مجله پیام زن، شماره ۱۴۴، ص ۳۸.

۵ - ر. ک: سید جعفر شهیدی، زندگانی فاطمه (ع)، ص ۵۸.

**روز اول ربيع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می زنند و عرض حاجت می کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟**

**پرسش**

روز اول ربيع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می زنند و عرض حاجت می کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟

**پاسخ**

در خصوص مطالب بالا، در کتب، حدیثی نیافتیم. تنها دو روز مزبور یک عمل مستحب وارد شده و آن روزه گرفتن است.

اول ربيع الاول روز هجرت پیامبر اسلام است و امام علی(ع) در جای حضرت خوابید و برادری خود را با حضرت ثابت کرد، از این رو مستحب است مسلمانان برای تشکر و سپاس نعمت سلامتی آن دو بزرگوار، آن روز را روزه بدارند و زیارت ایشان را بخوانند. (۱) لازم است به مردم مسلمان آن دیار تذکر داده شود که برای برآورده شدن حاجت شایسته است. مسلمان وضو بگیرد، وارد مسجد شود، دو رکعت نماز بخواند و سپس از آفریدگار خویش حاجت بخواهد.

پاورقی:

۱ - مفاتیح الجنان، ص ۵۹۸.



گاهی که در حضور فردی سنی "یا علی" می‌گوییم، می‌پرسند چرا "یا خدا" نمی‌گویید، در صورتی که علی (ع) بنده خدا است. لطفاً بفرمایید ریشه "یا علی" گفتن چیست؟

### پرسش

گاهی که در حضور فردی سنی "یا علی" می‌گوییم، می‌پرسند چرا "یا خدا" نمی‌گویید، در صورتی که علی (ع) بنده خدا است. لطفاً بفرمایید ریشه "یا علی" گفتن چیست؟

### پاسخ

کسانی که "یا علی" می‌گویند (غیر از افرادی که علی را خدا می‌دانند و بدین وسیله کافر شده‌اند) "یا الله" هم می‌گویند، بلکه همواره "یا الله" می‌گویند و فقط گاهی "یا علی" می‌گویند.

"یا علی" گفتن نوعی توسل به حضرت است، یعنی گوینده "یا علی" حضرت را وسیله و تشفی درگاه خداوند قرار می‌دهد که خدا به خاطر آبرویی که علی (ع) دارد، به شخص کمک کند و یاور وی شود. توسل به آبرومندان درگاه الهی اشکال ندارد و ریشه آن قرآن کریم است: "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ (۱) ای افراد با ایمان، تقوای الهی داشته باشید و برای تقرب به او وسیله‌ای جستجو کنید و در راه وی جهاد کنید". باید توجه کرد که وسیله به معنای تقرب نیست، بلکه چیزی است که مایه نزدیکی به خدا می‌گردد. یکی از وسایلی که مایه تقرب می‌گردد، جهاد در راه خدا است که در آیه ذکر شده است. در عین حال می‌تواند چیزهای دیگر نیز وسیله تقرب باشد، مانند نماز و روزه و ترک گناه و ... خداوند به حضرت موسی (ع) فرمود: "ای موسی، هیچ عامل و وسیله‌ای برای نزدیکی قرب جویندگان به من مانند دوری از گناه نیست". (۲)

گاهی خداوند افرادی را واسطه فیض خود قرار می‌دهد، یعنی به وسیله آنان فیض و رحمتش

را به دیگران می‌رساند، مثلاً پیامبر را وسیله قرار می‌دهد، تا بندگانش را بیامزد.

قرآن کریم به کسانی که گناه کرده‌اند، فرمان می‌دهد سراغ پیامبر روند و توسط ایشان طلب مغفرت کنند و پیامبر برای آنان طلب آموزش کند و نیز نوید می‌بخشد در این موقع خدا را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت. (۳) بنابراین افراد با "یا علی" گفتن آن حضرت را به کمک و یاری می‌طلبند تا خداوند به وجاهت و آبروی حضرت خواسته آنان را فراهم کند، و گرنه می‌دانند که همه چیز به دست خداوند است و هیچ کس از خود چیزی ندارد، مگر این که خداوند به او بدهد. اگر حضرت عیسی مرده زنده می‌کند، از خودش چیزی ندارد، بلکه با تأیید و اذن الهی کارش را انجام می‌دهد، و دیگران هم همین طور هستند.

جهت آگاهی بیشتر به کتاب آئین و هابیت نوشته آیت الله سبحانی مراجعه فرمایید.

پی نوشت ها:

۱. مائده (۵) آیه ۳۵.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۰.

۳. نساء (۴) آیه ۶۴.

**پرسش: در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟ (پ)**

**پرسش**

پرسش: در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟ (پ)

**پاسخ**

بسیاری از چیزهایی که هم اکنون در جامعه جزء سنت های فراموش نشدنی مردم شده است فاقد وجاهت شرعی و دینی است . یکی از همان سنت ها مراسمی است که هنگام فوت و خصوصاً بعد از فوت تحت عنوان های مختلف برگزار می شود.

در حالی که برخی از این کارها برعکس روایات و احکام دینی است.

اگر شخصی از خانواده ای رحلت کرد و از دنیا رفت مستحب است که تا سه روز غذایی از بیرون تهیه کرده و برای بازماندگان ارسال کنند و این سنت احتمالاً تا به امروز در بعضی از کشورهای اسلامی متداول است نقل شده در نقاطی از استان لرستان ایران مردم به این مهم اهتمام داشته و عمل می کنند.

امام باقر (ع) فرمود: سزاوار است همسایگان صاحب عزا به مدت سه روز برای صاحبان عزا طعام درست کنند. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای دوران جاهلیت است و سنت (پسندیده) آن است که برای آنان (عزاداران) طعام و غذا ارسال شود. آن گونه که پیامبر اسلام (ص) درباره بازماندگان جعفر بن ابی طالب سفارش به ارسال طعام کردند (۲) پس سنت اسلام این است. البته گرفتن مجلس ترحیم و خواندن فاتحه بدون پذیرایی های مفصل خوب است ، تا ثواب فاتحه و ... به میت واصل شود. و در عوض هزینه های هنگفتی که می شود، می توان در راههای بهتر و سودمند تر برای میت

و بازماندگان خرج کرده مانند وقف و دیگر صدقات جاریه، خدمات آموزش و پرورش، مدرسه سازی، ساختن راه ها و بناهایی که عموم مردم از آن استفاده کنند و شناسایی افراد فقیر و مستمند و رسیدگی به وضع آنان .

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... در روایات چیزی ذکر نشده است ، اما مراسم چهلم به خصوص متأثر از برپایی مراسم اربعین سالار شهیدان می باشد.

پی نوشت ها :

۱ - وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۸۸۹، حدیث ۵.

۲ - همان، حدیث ۶.

### در روایات اهمیت زیادی بر احترام سادات هست. آنان این امتیاز را از کجا کسب کرده اند و این امر چه توجیهی دارد؟

#### پرسش

در روایات اهمیت زیادی بر احترام سادات هست. آنان این امتیاز را از کجا کسب کرده اند و این امر چه توجیهی دارد؟

#### پاسخ

یکی از مسایل پذیرفته شده جوامع آن است که انتساب به رهبران و شخصیت ها نوعی امتیاز محسوب می شود؛ از این رو مردم به بستگان شخصیت های علمی و سیاسی احترام می گذارند. این از منظر اجتماعی است، نه از منظر الهی. اگر انتساب به پیامبر اسلام - که گلوازه آفرینش و رهبر جهانیان است - امتیاز به حساب می آید، از همین منظر اجتماعی است. وابستگان به خاندان های نامدار در دید اجتماعی جایگاه ویژه ای بهره مندند.

از آنجا که سادات ذریه پیامبر از فاطمه زهرا(س) بوده و نسل بنی هاشم هستند، اجتماع برای آنان حساب ویژه ای باز می کند. اگر در روایات آمده است که به سادات احترام نمایند، به جهت پیامبر اسلام(ص) است. امام رضا(ع) فرمود: "ما خاندان نبوت حقی که بر مردم داریم، به خاطر پیامبر(ص) می باشد". (۱)

امتیازی که از منظر اجتماعی نصیب سادات می شود، مسئولیت آنان را بیشتر می گرداند. بنابراین از آنجا که سادات به پیامبر(ص) منتسب هستند، باید مواظب رفتار خود باشند؛ زیرا انجام برخی اعمال از انسان های معمولی مشکل ایجاد نمی کند، ولی انجام آن از سوی انسان های با شخصیت و رهبران دینی منتسب هستند، مشکل ایجاد می کند. امام صادق(ع) خطاب به یکی از شیعیان فرمود: "همانا نیکی از هر کسی نیکو است، ولی از تو نیکوتر است، به خاطر انتساب تو به ما و کار زشت از هر کسی ناپسند است، ولی از تو ناپسندتر است، به خاطر انتساب تو به ما". (۲)

بزنطی می گوید: در خدمت حضرت رضا(ع)

نشسته بودم. سخن از سادات به میان آمد، عرض کردم: آیا منحرف از خاندان شما و غیر شما یکسانند؟

فرمود: "نیکوکار ما اجرش دو چندان و بدکار ما گنااهش دو چندان است". (۳)

پی نوشت ها:

۱. معارف و معاریف، ج ۶، ص ۱۴۹؛ بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۱۴۵ - ۱۴۶.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۱۷ - ۱۸.

۳. معارف و معاریف، ج ۶، ص ۱۴۹؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۰.

### آیا گریه برای مرده گناه است؟

#### پرسش

آیا گریه برای مرده گناه است؟

#### پاسخ

گریه بر مرده نه تنها گناه نیست، بلکه مستحب هم است و ثواب دارد. (۱) پیامبر اسلام (ص) در مرگ فرزندش ابراهیم گریه کرد و فرمود: "قلب محزون می شود و اشک از چشم جاری می گردد، ولی چیزی نمی گویم که خدا را غضبناک کند". (۲) فاطمه زهرا (س) و ائمه اطهار (ع) در مرگ عزیزانشان گریه می کردند. (۳) فاطمه زهرا (س) در مرگ خواهرش رقیه چنان گریه می کرد که اشک هایش بر قبر می ریخت. (۴) گریه آرام بخش است و مستحب است وقتی مصیبت سنگینی بر انسان وارد نمی شود، گریه کند تا روحش آرام بگیرد. (۵) علی (ع) فرمود: "پیامبر اسلام (ص) گریه در مصیبت را اجازه دادند". (۶)

حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: "وقتی مؤمنی از دنیا می رود، ملائکه آسمان و مکان هایی که در آن عبادت کرده بود، بر مرگ وی گریه می کنند". (۷) رسول خدا (ص) عرض کرد: "پروردگارا! محبوب ترین بندگانت پیش تو کدامند، خطاب آمد: "بنده ای که در فقدان صالحان بگرید، چنان که بچه در نبود والدین خود گریه می کند". (۸)

اما نباید در حال گریه کلماتی از زبان خارج شود که مورد پسند خداوند نیست.

پی نوشت ها:

۱. عروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۴۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۲۱، حدیث ۴.

۳. همان، ص ۸۹۲.

۴. همان، ص ۹۲۱.

۵. همان.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۶۰.

۷. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۳۴.

۸. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۶۹.

### برای چه روی قبرها آب می ریزند؟

#### پرسش

برای چه روی قبرها آب می ریزند؟

#### پاسخ

یکی از مستحبات پس از دفن میت، آب ریختن روی قبر است، بدین ترتیب که رو به قبله بایستی و از طرف سر میت دور تا دور قبر را آب بریزی و بقیه آب را به وسط قبر بریزی. (۱) امام صادق (ع) فرمود: "تا وقتی که خاک های قبر بر اثر پاشیدن آب نم داشته باشد، عذاب از میت برداشته می شود. (۲) البته نمی توان چنین روایتی را قطعی و یقینی دانست.

در وسائل الشیعه در مورد آب پاشیدن روی قبر روایاتی نقل شده است که دلالت بر استحباب آن دارد، ولی از ظاهر روایات استفاده می شود که استحباب مربوط به موقعی است که میت را دفن کرده و پس از آن که قبر را از خاک پر کردند، روی آن آب بریزند. فقط از یک روایت استفاده می شود که امام رضا (ع) دستور داد روی قبر یونس بن یعقوب تا چهل ماه یا چهل روز آب بریزند. (۳)

برخی از فقها آب پاشیدن روی قبر را مختص بعد از دفن نکرده اند، بلکه هر موقع که انسان موفق به زیارت اهل قبور شد، مستحب است روی قبر آب بپاشد. (۴)

از ظاهر روایات بر می آید "آب پاشیدن روی قبر" بعد از دفن میت و تا مدتی مثلاً چهل روز یا چهل ماه مستحب است. نمی توان استحباب آن را بعد از گذشت این مدت استفاده کرد. البته در روایات برای این کار علت خاصی ذکر نشده است، اما شاید علت آن باشد که خاک قبر در اثر پاشیدن آب سفت و محکم شود تا بدن میت از دستبرد حیوانات مانند

گورکن (کفتار) مصون بماند.

پی نوشت ها:

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۹۱.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۹۶، ماده قبر.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۶۰؛ عروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۴۲.

۴. امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۹۱؛ شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ماده قبر.

### آیا می شود در ماه محرم موهای خود را حنا زد؟

#### پرسش

آیا می شود در ماه محرم موهای خود را حنا زد؟

#### پاسخ

مؤمنان برای رعایت احترام خاندان عصمت و طهارت و هماهنگ شدن با عترت حسینی معمولاً در ماه محرم از حنا گذاشتن و رنگ کردن موها خودداری می کنند، ولی اگر کسی حنا گذاشت یا موهای خود را رنگ کرد، اشکال شرعی ندارد، مخصوصاً اگر به حنا گذاشتن نیاز پیدا شود.

### چرا عکس زن در اعلامیه فوت او زده نمی شود؟

#### پرسش

چرا عکس زن در اعلامیه فوت او زده نمی شود؟

#### پاسخ

زدن عکس زن در اعلامیه فوت او اگر عکس با حجاب اسلامی باشد، اشکال شرعی ندارد و می توانند این کار را بکنند. اما این که چرا این کار را نمی کنند، شاید به خاطر محفوظ ماندن حرمت او یا به جهت عرف جامعه باشد. غیرت به مردان اجازه نمی دهد عکس زن یا خواهر و مادرشان در اعلامیه در کوچه و محله و خیابان نصب شود و در معرض دید مردان نامحرم قرار گیرد.

### نظر اسلام درباره حفظ ظاهر چیست؟

نظر اسلام درباره حفظ ظاهر چیست؟

اسلام از پیروان خود می خواهد در بین مردم با عزت زندگی کنند و ظاهر خود را بیارایند و بدی های خود را آشکار نسازند، از این رو جامه زیبا پوشیدن، مسواک کردن ، به مو شانه و روغن زدن، معطر بودن و خلاصه خود را آراستن در حال عبادت و معاشرت نیکو با مردم داشتن، از مستحبات مؤکد و جزء برنامه روزانه مسلمانان است. قرآن مجید از فقیرانی که با حفظ ظاهر آبرومندانه زندگی می کنند، ستایش می کند و می فرماید: "آنان به قدری عقیف اند که اگر کسی از وضع واقعی آنان آگاه نباشد، فکر می کنند ثروتمند هستند. اینان با عزت نفس هرگز از مردم چیزی نمی خواهند".<sup>(۱)</sup> تظاهر به داشتن و بی نیازی، نشانگر مناعت طبع و روحیه عزت طلبی است و غیر از ریاکاری و فریب دادن است. اگر حفظ ظاهر برای خودنمایی و فخر فروشی باشد، ریاکاری است و از نظر اسلام گناه حساب می شود. بنابراین حفظ ظاهر به معنای تجویز نفاق و دورویی نیست که این حالت، خطرناک ترین و بدترین حالت است. انسانی که سعی کند خود را در ظاهر انسان خوب و موجه جلوه دهد، اما در باطن برخلاف آن باشد، بسیار ناپسند است.

حفظ ظاهر و به ظاهر خوب نشان دادن تا زمانی پسندیده است که موجب اشاعه بدی و از بین رفتن قبح زشتی و اخلاق ناپسند نشود.

نیز حفظ ظاهر باعث شود انسان با خود بیندیشد که اگر ظاهر خوب دارم، سعی نمایم که باطنم نیز مطابق با ظاهر باشد. اگر غیر از این باشد، نفاق و دورویی



است.

رسول اکرم (ص) به "معاذ بن جبل" فرمود: "برحذر باش از این که در ظاهر، نشانه های نیکوکاران در تو باشد و در باطن، فاقد آن ها باشی و در قیامت با ریاکاران محشور گردی". (۱)

در جای دیگر می فرماید: "از خشوع تصنعی و نفاق آلود پرهیزید و آن این است که بدن آدمی حالت تواضع به خود بگیرد، ولی قلب خاضع نباشد". (۲)

آن چه مهم است، انگیزه حفظ ظاهر است. اگر خودنمایی باشد، نوعی ریاکاری و ناپسند است اما اگر برای حفظ عزت نفس دوری از ذلت باشد، پسندیده است.

پی نوشت ها :

۱ - بقره (۲) آیه ۲۷۳.

۲ - گفتار فلسفی، اخلاق، ج ۲، ص ۱۴۶.

۳ - تحف العقول، ص ۱۰۰.

### چرا عکس زن در اعلامیه فوت او زده نمی شود؟

#### پرسش

چرا عکس زن در اعلامیه فوت او زده نمی شود؟

#### پاسخ

زدن عکس زن در اعلامیه فوت او اگر عکس با حجاب اسلامی باشد، اشکال شرعی ندارد و می توانند این کار را بکنند. اما این که چرا این کار را نمی کنند، شاید به خاطر محفوظ ماندن حرمت او یا به جهت عرف جامعه باشد. غیرت به مردان اجازه نمی دهد عکس زن یا خواهر و مادرشان در اعلامیه در کوچه و محله و خیابان نصب شود و در معرض دید مردان نامحرم قرار گیرد.

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟ (پ)

#### پرسش

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می

شود، چگونه است؟(پ)

## پاسخ

بسیاری از چیزهایی که هم اکنون در جامعه جزء سنت های فراموش نشدنی مردم شده است فاقد وجاهت شرعی و دینی است . یکی از همان سنت ها مراسمی است که هنگام فوت و خصوصا بعد از فوت تحت عنوان های مختلف برگزار می شود.

در حالی که برخی از این کارها برعکس روایات و احکام دینی است.

اگر شخصی از خانواده ای رحلت کرد و از دنیا رفت مستحب است که تا سه روز غذایی از بیرون تهیه کرده و برای بازماندگان ارسال کنند و این سنت احتمالا تا به امروز در بعضی از کشورهای اسلامی متداول است نقل شده در نقاطی از استان لرستان ایران مردم به این مهم اهتمام داشته و عمل می کنند.

امام باقر (ع) فرمود: سزاوار است همسایگان صاحب عزا به مدت سه روز برای صاحبان عزا طعام درست کنند. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای دوران جاهلیت است و سنت (پسندیده) آن است که برای آنان (عزاداران) طعام و غذا ارسال شود. آن گونه که پیامبر اسلام (ص) درباره بازماندگان جعفر بن ابی طالب سفارش به ارسال طعام کردند(۲) پس سنت اسلام این است . البته گرفتن مجلس ترحیم و خواندن فاتحه بدون پذیرایی های مفصل خوب است ، تا ثواب فاتحه و ... به میت واصل شود. و در عوض هزینه های هنگفتی که می شود، می توان در راههای بهتر و سودمند تر برای میت و

بازماندگان خرج کرده مانند وقف و دیگر صدقات جاریه، خدمات آموزش و پرورش، مدرسه سازی، ساختن راه ها و بناهایی که عموم مردم از آن استفاده کنند و شناسایی افراد فقیر و مستمند و رسیدگی به وضع آنان .

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... در روایات چیزی ذکر نشده است ، اما مراسم چهلم به خصوص متأثر از برپایی مراسم اربعین سالار شهیدان می باشد.

پی نوشت ها :

۱ - وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۸۸۹، حدیث ۵.

۲ - همان، حدیث ۶.

**روز اوّل ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می زنند و عرض حاجت می کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟**

**پرسش**

روز اوّل ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می زنند و عرض حاجت می کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟

**پاسخ**

در خصوص مطالب بالا، در کتب، حدیثی نیافتیم. تنها دو روز مزبور یک عمل مستحب وارد شده و آن روزه گرفتن است.

اوّل ربیع الاول روز هجرت پیامبر اسلام است و امام علی(ع) در جای حضرت خوابید و برادری خود را با حضرت ثابت کرد، از این رو مستحب است مسلمانان برای تشکر و سپاس نعمت سلامتی آن دو بزرگوار، آن روز را روزه بدارند و زیارت ایشان را بخوانند.(۱) لازم است به مردم مسلمان آن دیار تذکر داده شود که برای برآورده شدن حاجت شایسته است. مسلمان وضو بگیرد، وارد مسجد شود، دو رکعت نماز بخواند و سپس از آفریدگار خویش حاجت بخواهد.

پاورقی:

۱ - مفاتیح الجنان، ص ۵۹۸.

**۱- آیا اختلاف آداب نشان دهنده نسبیّت اصل آن است ؟**

**پرسش**

آیا اختلاف آداب نشان دهنده نسبیّت اصل آن است ؟

خیر، اصل معنای ادب که همان حالت نیکویی است که سزاوار است افعال انسان با آن مطابق باشد، مورد اتفاق همه عقلا در همه زمانها است. آنچه مورد اختلاف است مصادیق ادب است و این امر سبب نسبی بودن اصل ادب نمی گردد. اما دلیل این اختلاف آن است که حسن و نیکویی که از مقدمات معنای ادب است به دلایل گوناگون و اغراض متفاوت در نزد اجتماعات مختلف، فرق می کند.

### پرسش و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟

#### پرسش

حُسن و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟

#### پاسخ

ما مردم ایران یک حُسن داریم و یک عیب. حُسن ما مردم این است که در مقابل حقیقت، تعصب کمی داریم و شاید می توانیم بگوییم بی تعصب هستیم؛ یعنی اگر با حقایق برخورد کنیم و آنها را درک کنیم، شاید از هر ملت دیگر زودتر تسلیم آن حقایق می شویم. ولی یک عیب بزرگی در ما ملت ایران هست که به موازات اینکه در مقابل حقایق تسلیم می شویم، به حماسه ها و ارکان شخصیت خودمان زیاد پایبند نیستیم و با یک حرف پوچ، زود آن را از دست می دهیم و رها می کنیم. هیچ ملتی به اندازه ما نسبت به شعائر خودش بی اعتنا نیست. شما هندیها و ژاپنیها و اعراب را دیده اید؛ آنها هم مثل ما مشرق زمینی هستند، لکن از این نظر مثل ما نیستید. به اندازه ای که ما در مقابل لغات و عادات اجنبی تسلیم هستیم، هیچ ملتی تسلیم نیست. به عکسها یی که در کتابهای تاریخ علوم هست نگاه کنید، می بینید دانشمندان درجه اول هند با همان عمامه و لباس خودشان هستند. نهری که یک سیاستمدار بزرگ و یک وزنه جهانی بود، با همان لباس هندی در همه جا حرکت می کرد. بلندی و کوتاهی لباس و یا سفید و سیاه بودنش اهمیت ندارد، اما اینکه آن دانشمند عمامه خودش را سرش می گذارد و یا نهری با آن شلوار سفید و گشاد و پالتوی مخصوص همه جا می رود، می خواهد به همه مردم دنیا بگوید که من هندی هستم و باید هندی باقی

بمانم و در مقابل علم و صنعت تعصب ندارم، که علم و صنعت مربوط به کشور خاصی نیست؛ در مقابل عقاید بزرگ فلسفی و دینی تعصب ندارم اما در مورد شعارهای ملی، هر کسی به شعارهای خودش پایبند است، من چرا باید شعار یک ملت دیگر را بپذیرم؟ ولی ما، اگر فرنگی یک زنار ببندد، ما دو تا زنار می بندیم، با اینکه او روی حساب شعار خودش این کار را می کند. ولی در جامعه ما این حسابها نیست.

## حُسن و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟

### پرسش

حُسن و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟

### پاسخ

ما مردم ایران یک حُسن داریم و یک عیب. حُسن ما مردم این است که در مقابل حقیقت، تعصب کمی داریم و شاید می توانیم بگوییم بی تعصب هستیم؛ یعنی اگر با حقایقی برخورد کنیم و آنها را درک کنیم، شاید از هر ملت دیگر زودتر تسلیم آن حقایق می شویم. ولی یک عیب بزرگی در ما ملت ایران هست که به موازات اینکه در مقابل حقایق تسلیم می شویم، به حماسه ها و ارکان شخصیت خودمان زیاد پایبند نیستیم و با یک حرف پوچ، زود آن را از دست می دهیم و رها می کنیم. هیچ ملتی به اندازه ما نسبت به شعائر خودش بی اعتنا نیست. شما هندیها و ژاپنیها و اعراب را دیده اید؛ آنها هم مثل ما مشرق زمینی هستند، لکن از این نظر مثل ما نیستید. به اندازه ای که ما در مقابل لغات و عادات اجنبی تسلیم هستیم، هیچ ملتی تسلیم نیست. به عکسها یی که در کتابهای تاریخ علوم هست نگاه کنید، می بینید دانشمندان درجه اول هند با همان عمامه و لباس خودشان هستند. نهری که یک سیاستمدار بزرگ و یک وزنه جهانی بود، با همان لباس هندی در همه جا حرکت می کرد. بلندی و کوتاهی لباس و یا سفید و سیاه بودنش اهمیت ندارد، اما اینکه آن دانشمند عمامه خودش را سرش می گذارد و یا نهری با آن شلوار سفید و گشاد و پالتوی مخصوص همه جا می رود، می خواهد به همه مردم دنیا بگوید که من هندی هستم و باید هندی باقی

بمانم و در مقابل علم و صنعت تعصب ندارم، که علم و صنعت مربوط به کشور خاصی نیست؛ در مقابل عقاید بزرگ فلسفی و دینی تعصب ندارم اما در مورد شعارهای ملی، هر کسی به شعارهای خودش پایبند است، من چرا باید شعار یک ملت دیگر را بپذیرم؟ ولی ما، اگر فرنگی یک زنار ببندد، ما دو تا زنار می بندیم، با اینکه او روی حساب شعار خودش این کار را می کند. ولی در جامعه ما این حسابها نیست.

### منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

#### پرسش

منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

#### پاسخ

اصلاح و افساد از ریشه صلاح و فساد اشتقاق یافته اند و در مواردی به کار می روند که موجودی، کمال مناسب با نوع خود و آن چه که از او انتظار می رود را به دست آورد یا از دست بدهد. هر موجودی که در این جهان در مسیر حرکت و دگرگونی است، می تواند در شرایط خاصی به کمالاتی متناسب با نوع خود، دست پیدا کند که اگر به آن کمال دست پیدا کرد، از این وضع، مفهوم صلاح انتزاع می شود و اگر عواملی او را از وصول به کمال لایق خود، باز داشت، یا پس از وصول به آن، تداوم آن کمال را ناممکن ساخت، در این صورت، مفهوم فساد از آن انتزاع می شود.

### چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

#### پرسش

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

#### پاسخ

اسلام با ظهور خود فرهنگ نوینی را به بشریت ارزانی داشت و با طرح مفاهیم جدید، بینش انسان ها را دگرگون ساخت ، این مفاهیم که از مجرای وحی و سنت رسول خدا ( ص ) که ترجمان حقیقی وحی بود، نازل شد و با عمل و رفتار مومنان در شبه جزیره عربستان بسط یافت ، بنیان های تکوین یک امت واحد جهانی را فراهم آورد .قرآن شریف ، سفارش های مکرری نسبت به اندیشیدن و تمیز درست از نادرست دارد و این سفارش ها کاملا- " منطقی است . این کتاب عظیم چنان که عقل راراهنمای انسان میدانند، از فرد بشر می خواهد تا حکمت و رشد خود را گسترش دهد [ در این باب نگا : تفکر از دیدگاه اسلام عباس محمود عقاد، ترجمه محمدرضا عطایی ، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ،مشهد، چاپ اول ۱۳۷۱ ش ، صص ۲۶ - ۹ ] . همچنین در این کتاب بی نظیرآموزه هایی وجود دارد که سمت و سوی حرکت آدمی را به کلی دگرگون ساخته است . آموزه هایی در باب اخلاق ، خداشناسی ، انسان شناسی ،جهان شناسی ، تاریخ و ...حضرت رسول (

ص) با سیره عملی و گفتار زبانی وبعد از او ایمه (ع) کوشش کردند تا این آموزه ها را به طور صحیح و درست برای ما تفسیر نمایند، هر چند به دلایلی نشد آنچه را که حق این کتاب بود به بشریت ارزانی دارند. اما باید به این نکته توجه

داشت که هدف اصلی و اولی قرآن شریف کدام یک از این آموزه ها بوده است ، آیا علاوه بر طرح مسایلی چون خداشناسی ، انسان شناسی ، راهنماشناسی و اخلاق ، مواردی چون جهان شناسی به معنی شناخت جهان و طبیعت مانند فیزیک ، گیاه شناسی ، زمین شناسی ، ستاره شناسی و در یک کلام دانش تجربی نیز مد نظر وحی بوده است تا ما انتظار داشته باشیم که چنین قضایایی نیز در قرآن طرح شده باشد؟! به نظر می رسد قرآن کتاب انسان سازی است تا آنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی یعنی تقرب به خدای متعال نیاز دارد به او بیاموزد . بر این اساس آموزه هایی که در ارتباط مستقیم با این مساله بوده اند مورد اهتمام آیات قرآن اند؛ یعنی در باب خداشناسی ، انسان شناسی ، معادشناسی ، راهنماشناسی ، اخلاق و احکام عبادی . اما در باب جهان ، طبیعت و مسایل فیزیکی و جسمانی بدن ، قرآن به طور استطرادی و تطفلی بحث کرده است و شاید هیچ آیه ای را نیابیم که مستقلاً و مستقیماً" به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان ها و زمین پرداخته باشد . در برخی موارد، گفت و گو از آفرینش جهان و انواع آفریده ها برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی اوست به عظمت الهی و سترگی حکمت هایی که خدا در آفرینش به کار برده است . درباره ای مواضع نعمت های خدا در آسمان و زمین به تفصیل یادآوری شده است تا انگیزه ای باشد برای شکر و حق شناسی ، و در همه جا ممکن است این هدف مد نظر باشد که



انسان با نگرش به عالم از آن جهت که آفریده خدا و در چنبره تدبیر اوست ، معرفت فطری و شناخت حضوری خود را شکوفایی دهد و شدت و نیروی بیشتری بخشد [ معارف قرآن ، محمدتقی مصباح یزدی ، موسسه در راه حق قم ، چاپ اول ۱۳۶۷ ش ، ج ۱ ، صص ۲۲۶ - ۲۲۵ ] . با توجه به این نکته ، در پاسخ به پرسش شما خاطر نشان می شویم که اگر مقصود شما از نظریات قرآن در باب آموزه هایی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن است ، بله در این جهت ما باید کوشش کنیم تا آموزه های قرآنی را محور نظریات علمی خود قرار دهیم و از آنها سودجوییم ، به راستی ما در انسان شناسی و اخلاق و حتی مباحث خداشناسی ، راهنماشناسی و معادشناسی هنوز مطالب ناگفته بسیاری در قرآن داریم که با استخراج و انتظام منطقی آنها می توانیم مسایل جدیدی را در این ساحت ها به جهان بشریت عرضه کنیم . اما اگر منظور شما آموزه هایی در ساحت دانش تجربی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن نبوده و در این مورد تنها به ذکر کلیاتی استطرادی اکتفا شده است ، به نظر ما نباید تلاش بیهوده ای را آغاز کنیم ، چنان که برخی چون رشید رضا در تفسیر ( ( المنار ) ) و طنطاوی در تفسیر ( ( الجواهر فی تفسیر القرآن ) ) کوشش کردند که بسیاری از مسایل علمی را با آیات قرآن تطبیق دهند . زیرا از آن جا که این آیات جنبه استطرادی داشته ، در هیچ زمینه ، هیچ گاه به بحثهای تفصیلی در این باب

نپرداخته بلکه به همان اندازه که هدف قرآن در هدایت مردم تامین می شده بسنده کرده است، به همین جهت برخلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات غالباً "دارای ابهام هایی است و کمتر می توانیم نظر قطعی در این مورد به قرآن نسبت دهیم [ برای آگاهی بیشتر نگا : همان ، صص ۲۳۲ - ۲۲۸ ] . در اینجا تذکر چند نکته لازم و ضروری است : ۱- هر چند قرآن به دانش تجربی چنان که توضیحش گذشت نپرداخته است ولی با لحن خاصی انسان را تشویق و ترغیب نموده است که در این باب به کند و کاو و جستجو و کشف عالم طبیعت پردازد [ نگا : اعراف ، آیه ۱۸۵ ؛ غاشیه ، آیه ۲۰ - ۱۷ ؛ بقره ، آیه ۱۶۴ و ... ] ۲- خداوند حجت باطنی به عنوان عقل برای انسان قرار داده است تا در پرتو آن بشر خود دست به خلاقیت زده و با استفاده از آن مجهولات جهان طبیعت را کشف نماید . در حقیقت این موضوع به انسان واگذار شده است . از این رو در این باب باید از عقول دیگران و تجارب آنها سود جوید . ۳- علوم اسلامی همچون تفسیر، فقه ، اصول ، حدیث ، نحو، بلاغت ، تاریخ ، اخلاق ، فلسفه و کلام هر چند در پرتو هدایت های رسول خدا ( ص ) و پایه گذاری حضرت علی ( ع ) پدید آمد ولی بسط و تسدید آن توسط انسان صورت گرفت و آدمی با عقل خود آن را توسعه بخشید . بنابراین علوم غیراسلامی نیز می تواند باخود آدمی رشد و بالندگی

خود را به دست آورد [ در این باب نگا : ظهورشیهه ، علامه سید محمد حسین طباطبایی ، انتشارات فقیه ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۶۰ ش ، صص ۴۴ - ۳۳ ] . ۴- تطفلی و استطرادی بودن برخی از آموزه های قرآنی در باب دانش تجربی به این معنا نیست که آنها پندارهای خیالی اند که برای ارایه یک پیام ارزشی ساخته و پرداخته شده باشند . حاشا و کلا که چنین باشد . گزارش های وحی از خلقت آسمان و زمین کلام خداوندی است که بهتر و برتر از همگان به اسرار خلقت و چگونگی آفرینش آگاه است . مقصود آن بود که قرآن در پی تبیین چنین آموزه هایی نبوده است و از این رو این سلسله آیات با ابهام مطرح شده است . در واقع با این سلسله آیات ، خداوند آدمی را تحریک و تشویق و ترغیب نموده است تا با استمداد از عقل خود به کشف رازهای مجهول آن نایل آید . ۵- ناگفته نماند که نگاه دینی قرآن به طبیعت و تاریخ از یک امتیاز عمده نسبت به نگاه مفسران مادی طبیعت برخوردار است ؛ زیرا قرآن همراه با طرح این مسایل ، به علت فاعلی و غایی حوادث طبیعی و تاریخی نیز توجه می دهد و در نتیجه علوم طبیعی و اجتماعی را با دو بال ( ( هو الاول ) ) و ( ( هو الاخر ) ) تا اوج گاه مبدا و معاد پرواز می دهد [ شریعت در آینه معرفت ، آیت الله عبدالله جوادی آملی ، مرکز نشر فرهنگی رجاء ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۷۲ ، صص ۱۶۶ -

[. به هر روی ما باید در برخی آموزه های قرآنی که اهتمام اولی به آن شده است، نظریات آن را استخراج کرده و به جهانیان عرضه نماییم ولی در بعضی از دانش ها چون دانش تجربی و تاریخی باید با استمداد از عقل بشری و تبادل آرا و افکار، از دیدگاه دانشمندان در کشف مجهولات خویش استفاده نماییم. ]

### برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهاد می کنید؟

#### پرسش

برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهاد می کنید؟

#### پاسخ

دانشجوی گرامی ما نیز در وجود بعضی آداب و رسوم بی جا و دست و پا گیر و مشکل ساز رنج می بریم و معتقدیم که بسیاری از جوانان با چنین مشکلاتی مواجه هستند. اما سوال اینجاست که این آداب و رسوم از کجا وارد جامعه ما شده است؟ پاسخ به این سوال نیاز به یک تحلیل جامعه شناختی و روانشناختی دارد. معمولاً "سنتها و آداب و رسوم اعم از مثبت و منفی بدون پذیرش اجتماعی نمی تواند وارد یک فرهنگ شود و مقبولیت عامه پیدا کند. سوال دیگری که مطرح می شود اینست که چگونه این سنت ها و آداب و رسوم مورد پذیرش عموم قرار می گیرند؟! به طور قطع عوامل گوناگونی دست بدست هم می دهد و شرایطی را بوجود می آورد تا اینکه مردم یک قانون یا سنتی را بپذیرند و بعد از پذیرفتن به آن عمل نمایند و سپس آن عمل را تکرار کنند تا اینکه کم کم جز فرهنگ عمومی جامعه شود. یکی از مهمترین عوامل موثر در پذیرش عمومی آداب و رسوم غلط ضعف فکری، علمی و اعتقادی جامعه است به عبارت دیگر اگر مردمی اهل تفکر و اندیشه باشند و از نظر اعتقادی، باورهای دینی به صورت عمیق در آنها رسوخ کرده باشد قطعاً "آسیب پذیری آنها در مقابل تهاجم سنت های غلط که از بیرون یا درون آن جامعه القا می شود کاهش پیدا می کند و حاضر نیستند بدون دلیل هر فکر القا شده ای را به پذیرند بلکه مقاومت

می کنند اما اگر به هر دلیلی مردم یک جامعه ای قدرت تفکرشان ضعیف و باورهای دینی کم رنگ باشد آسیب پذیری فرهنگی آن بیشتر و بیشتر می شود و نه تنها در مقابل القات فرهنگی غلط مقاومت نمی کنند بلکه خود در ترویج و گسترش آن از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند. بنابراین اگر ما بخواهیم از این آداب و رسوم غلط و دست و پا گیر رهایی پیدا کنیم ، باید دامن همت به کمر زده و به اندازه توان و وسع خود کار فرهنگی را شروع کنیم و به خودمان تلقین نکنیم که یک دست بی صدا است یا اینکه با یک گل بهار نمی شود. این مطالب نیز در واقع تلقینات همان کسانی است که سودجویی خودشان را در منفعل بودن مردم می دانند و یا اینکه به صورت ناآگاهانه با اینگونه القات آب به آسیای کسانی می ریزند که از گسترش اینگونه آداب و رسوم بیشترین سود را می برند. آری همه حرکتهای فرهنگی در آغاز با افراد معدودی شروع شده اما با پشتکار و خستگی ناپذیری بعد از مدتی تبدیل به یک فرهنگ فراگیر شده که سرنوشت یک جامعه و ملتی را تغییر داده است . بنابراین نباید منتظر باشیم با یک توصیه یا نصیحت یا اطلاعیه ای سنت های غلط و آداب و رسوم دست و پا گیر همه تعطیل و برچیده شود بلکه نیاز به کار فرهنگی توأم با عمل دارد و امیدواریم که متصدیان فرهنگی جامعه ما بجای پرداختن به اموریهوده برای حل مشکلات جوانان در زمینه ازدواج و اشتغال ، فکر اساسی بکنند و با کار فرهنگی زمینه حذف یا

حداقل کاهش آداب و رسوم غلط را فراهم نمایند. اما آنچه در مورد ازدواج و همسر آینده خودتان مطرح فرمودید. دانشجوی محترم: از اینکه شما در خانواده ای زندگی می کنید که اعضا خانواده حق انتخاب دارند و به آرا و نظرات و سلاقی یکدیگر اهمیت می دهند جای بس خرسندی است و از اینکه شما دوست دارید دختر خوبی برای خانواده خود و خانواده همسر آیندتان باشید به شما آفرین می گوئیم و امیدواریم که همانگونه که خود فرموده اید باشید اما توجه به چند نکته برای تصمیم گیری حال و آینده شما بسیار ضروری است: ۱- انسانها از جهات گوناگون فکری، رفتاری، استعدادی، قیافه و عواطف و احساسات با هم متفاوت هستند لذا شما هیچگاه انتظار نداشته باشید که همه مثل شما فکر کنند و عواطف و احساسات آنها مثل شما باشد. البته انسانها با وجود همه تفاوتهایی که دارند قدرت سازگاری و انطباق با دیگران را دارند. بنابراین شما با در نظر گرفتن این تفاوتها همسر آینده خود را انتخاب کن. ۲- در انتخاب همسر آیندتان کمال دقت را به نمایش درمی آورید یعنی بر اساس تحقیق، مشورت و استفاده از تجارب افراد مجرب و دلسوزمانند پدر و مادر اقدام کنید. ۳- بهتر است در زمینه انتخاب همسر بیشتر مطالعه کنید لذا کتاب انتخاب همسر از آقای امینی و کتاب انتخاب همسر آقای علی اکبرمظاهری را معرفی می کنیم و توصیه می نمایم که حداقل یکی از این دو کتاب را مطالعه بفرمایید. ۴- اگر خواستگاری برای شما آمد نه خیلی خوش بین باشید و نه سو ظن داشته باشید بلکه همانطوری که در نکته ۲

آمد اساس انتخاب خودتان را بر آگاهی از وضعیت آن پسر بویژه خانواده او، دوستان او و... قرار دهید و بعد از تحقیق و مشورت انتخاب کنید. ۵- در انتخاب همسر خیلی ایده آلی فکر نکنید بالاخره همه انسانها هم نقاط ضعف و هم نقاط قوت دارند آنچه که مهم است همسر هر کسی باید کفو و همتای او از جهات مختلف باشد بنابراین سعی کنید اگر کسی به خواستگاری شما آمد ببینید آیا از نظر خانوادگی، اخلاقی، اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی به شما نزدیک هستند یا نه، اگر در جهات فوق هم سطح و یانزدیک به هم بودید آنگاه تصمیم بگیرید. ۶- در این که همسر آینده شما آیا با شما بانیکی رفتار می کند یا نه بستگی به عوامل گوناگونی دارد و از جمله رفتار خود شما نقش تعیین کننده در باز خورد او دارد. وضعیت خانوادگی آنها خیلی مهم است لذا درباره اخلاق خانوادگی ایشان تحقیق بیشتری بنمایید و بعد از تحقیق به خداوند توکل کنید و انتخاب نمایید. و نگران این مسئله نباشید.

### آیا درست است که در ازدواج، هیچ فرقی بین یک دختر و کالای یک مغازه نیست؟

#### پرسش

آیا درست است که در ازدواج، هیچ فرقی بین یک دختر و کالای یک مغازه نیست؟

#### پاسخ

گرچه متأسفانه در برخی موارد با دختران همانندیک کالا- رفتار می شود و یا برخی دختران خود را به عنوان کالا عرضه می کنند؛ ولی باید توجه داشت که تفاوت بسیاری بین کالای مغازه ها و یک دختر وجود دارد. چرا که کالا هیچ اختیاری از خود ندارد؛ ولی دختر در قبول یا رد مختار است. ثانیاً "خواستگار، دختر را به عنوان شریک و همراه در زندگی می خواهد نه به عنوان یک کالای مصرفی. البته اگر کسی به چشم کالا به دختری نگاه کند، بالاترین خلاف اخلاقی را مرتکب شده است؛ چرا که ارزش انسانی یک فرد را در حد کالایی پایین آورده است. هم چنین اگر دختری خود را به عنوان کالا عرضه نماید، خود را در حد یک کالا بی مقدار کرده است. ما با بخشی از انتقادات شما موافقیم؛ به ویژه در برخی از فرهنگ ها که برای دختران شانی قایل نیستند و یا اختیاری برای آنان باقی نمی گذارند. ولی روند خواستگاری از دختر روندی طبیعی است و تقریباً "در اکثر نقاط دنیا وضعیت به همین منوال است؛ گرچه دختر نیز می تواند خواهان کسی باشد و در حقیقت از او خواستگاری کند. به نظر می رسد باید دید گاه خود را نسبت به زندگی و مقدمات آن تغییر دهید و خوشبینانه تر برخورد کنید. ان شاء الله خواستگار مناسبی که هم شما او را بپسندید و او نیز شما را، برایتان پیدا خواهد شد و با تشکیل زندگی سالم، در خواهید یافت که زندگی نیز

یک مساعی و همکاری است ؛ نه خرید و فروش و تبادل . از دعا به درگاه خداوند به ویژه پس از خواندن نمازها غافل نشوید.

## وضعیت فرهنگی مردم ایران نسبت به جوامع دیگر، در چه سطحی است ؟

### پرسش

وضعیت فرهنگی مردم ایران نسبت به جوامع دیگر، در چه سطحی است ؟

### پاسخ

متأسفانه جهان اسلام ، علی رغم ظرفیت ها و قابلیت های بالقوه ای که دارد، از مشکلات عدیده ای رنج می برد که نیازمند مباحثی گسترده و طولانی می باشد که ما در این جا به صورت مختصر، از دیدگاه جامعه شناختی به مهم ترین آن ها می پردازیم : الف . مشکلات فرهنگی که شاید بتوان به عنوان مهم ترین مشکل از آن نام برد، که به دلیل دوری از فرهنگ اصیل اسلامی و رواج و گسترش خرافات و بدعت ها در دین و هجوم فرهنگ های فاسد بیگانه برای نابودی فرهنگ اسلامی و ... به وجود آمده و سبب دور ماندن جوامع اسلامی از رشد و شکوفایی و توسعه شده است . ب . مشکلات سیاسی و امنیتی ، از قبیل وجود تفرقه میان ملیت های مسلمان ، وجود حکومت های دست نشانده و فاقد مشروعیت دینی و مردمی در اکثر کشورهای اسلامی ، تهاجم نظامی کشورهای غیر مسلمان ، وجود پایگاه های نظامی غرب در داخل سرزمین های اسلامی ، جنگ های داخلی میان قبیله ها و کشورهای اسلامی بر منابع طبیعی ، عقاید مذهبی و ... که همگی منجر به تضعیف و هدر رفتن توانایی و امکانات مادی و معنوی کشورهای اسلامی شده و سلطه ی فرهنگی ، سیاسی ، نظامی و اقتصادی کشورهای بیگانه را بر سرزمین های اسلامی تحکیم کرده است . ج . مشکلات اجتماعی : علی رغم این که جهان اسلام نیروی انسانی عظیمی را در اختیار دارد، ولی به دلیل عدم برنامه ریزی صحیح و مناسب و کافی نبودن امکانات در



رفع نیازهای اساسی این افراد و رشد و تربیت نیروهای متخصص و کارآمد برای پیشبرد جامعه، این منبع انسانی که می تواند کارایی های مثبت فراوانی داشته باشد، به صورت یکی از معتقدات جوامع اسلامی در آمده است و در نتیجه ی عدم موفقیت حکومت ها در پاسخگویی به نیازهای اشتغال، مسکن، رفاه و... مشکلات عدیده ای را از قبیل نا امنی، بی هویتی، و عدم اعتماد به نفس نظام فاسد اداری و... به وجود آورده و زمینه را برای پذیرش فرهنگ های فاسد غرب فراهم نموده است. ۱

## آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

### پرسش

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

### پاسخ

در برخی روایات، تجلیل امامان ((علیهم السلام)) از عید نوروز مشهود است. به عنوان مثال، در روایتی منسوب به حضرت امام جعفر صادق ((علیه السلام)) آمده است که می فرماید: «نوروز، روزی است که پروردگار از بندگان پیمان گرفته است او را عبادت کنند و بدو شرک نوزند و به فرستادگانش و امامان ((علیهم السلام)) ایمان آورند. نوروز، روزی است که خورشید در آن طلوع کرده و هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن روز در انتظار از میان رفتن سختیهایم زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.» (۱) در روایتی دیگر از معصوم ((علیه السلام)) وارد است: «چون نوروز فرا می رسد، غسل کنید، لباس پاکیزه بپوشید، خود را معطر سازید و در آن روز، روزه بگیرید.»

در برابر این روایات، روایتی دیگر است منسوب به حضرت امام موسی بن جعفر ((علیه السلام)) که در پاسخ درخواست منصور (عباسی) بر این که حضرت هنگام عید نوروز در جایی بنشیند و به دیگران تبریک و تهتیت گوید، می فرماید: «در اخبار خاتم [رسول الله (صلی الله علیه و آله)] خبری از این روز [نوروز] نیافتیم.» (۳) مرحوم مجلسی پس از ذکر این روایت، می گوید: «ممکن است بتوانیم این خبر را حمل بر تقیه کنیم.»

به هر حال، نباید فراموش کنیم که حضرت علی ((علیه السلام)) می فرماید: «هر روزی که در

۱ - بحار الانوار، ج ۵۹، صص ۱ - ۹۲.

۲(۲) - وسائل الشیعه، ج ۷، صص ۳۴۶ - ۱۳۸۷۱.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۹، صص ۲ - ۱۰۰.

و او را از ما خشنود سازد و از انجام کارهای خرافی و ارج نهادن به سنتهای نادرست و نامعقول خویشنداری کنیم.

عبادت خداوند و قرائت قرآن و پاکی و نظافت خانه و نیز لباس نو بر تن کردن - نه تحمّل گرایی و فخر فروشی کردن - و همچنین روزه داشتن و به دیدار دوستان و خویشان رفتن، بسیار پسندیده و ارزشمند است. ولی اعتقاد به نامیمونی روز سیزدهم فروردین و واجب بودن سفره هفت سین و برگزاری مراسم چهارشنبه سوری، چون علت عقلانی و شرعی ندارد، محکوم و مطرود است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۷۳.

۱۴۱۱

### آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

**پرسش**

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

**پاسخ**

دید و بازدید و صلّه رحم و دستگیری از مستمندان که مردم در عید نوروز انجام می دهند، و خانواده ها و خویشان و بستگان از حال یکدیگر با خبر می شوند، از نظر اسلام کاری بسیار شایسته است. گذشته از این، فروردین، آغاز بهار است؛ هنگامی که طبیعت دوباره زنده می گردد و درختان سبز و خرم می شوند و رشد و بالندگی خویش را آغاز می کنند. این انگیزه ای است که انسانها نیز با طبیعت همراه شوند و برای شکوفایی و بالندگی در تمام ابعاد مادی و معنوی خویش یکوشند. ولی تأسف برانگیز است که گروهی از مردم کشورمانی، در این روزها، که طبیعت انسان را هشدار می دهد که نیروی خویش را تباه نسازد و عمر خویش را از میان نبرد، به بی بند و باری می پردازند و با کارهای زشت، روح خویش را می آلاینند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۵۹

### گذشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

**پرسش**

گذشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

## پاسخ

گذشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین، علت عقلی و شرعی و قانونی ندارد، بلکه سنتی است ملی که برخی آن را می پسندند و بدان عمل می کنند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۶۰

## چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

### پرسش

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

### پاسخ

متأسفانه ایمان برخی مردم به نامیمونی عدد سیزده ژرفتر از ایمانشان قدرت خدا است. حتی گاه می بینیم که آنان برای این که به گمان باطل خویش از نامیمونی عدد سیزده بگریزند، کارهایی زشت انجام می دهند؛ کارهایی که با عقل و شرع ناسازگار است.

به فرض که عدد سیزده نحس باشد، راه گریختن از آن، توکل به خدا و دعا و نیایش و صدقه و صله رحم و دستگیری از بیوایان و تهیدستان است. یکی از بهترین نشانه های نادرستی این پندار، ولادت با سعادت حضرت علی ((علیه السلام)) در روز سیزدهم رجب است. پس، این عقیده، خرافه ای بیش نیست.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۶۱

## هنگام سعد و نحس چه هنگامی است؟

### پرسش

هنگام سعد و نحس چه هنگامی است؟

### پاسخ

در اسلام هیچ هنگامی به گونه ای نَحُوست ندارد که تغییر ناپذیر باشد. اگر برخی زمانها در برخی احادیث نحس شمرده شده

است، در روایاتی دیگر نیز آمده است که با صدقه و دعا، نُحُوستی در کار نیست. باید توجّه داشت که اعمال ناشایست انسان موجب نامیمونی و اعمال شایسته موجب میمونی ایام می شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۶۲

### آیا تعطیلی در ایام ولادت یا شهادت ائمه ((علیهم السلام)) نوعی تعظیم شعائر است؟

#### پرسش

آیا تعطیلی در ایام ولادت یا شهادت ائمه ((علیهم السلام)) نوعی تعظیم شعائر است؟

#### پاسخ

شکی نیست که باید در موقع سالگرد شهادت تمام امامان ((علیهم السلام)) بلکه تولّد آنان هم شیعه مراسمی را به عنوان احترام و بزرگداشت آنان برگزار کند گرچه تعطیل نوعی احترام و بزرگداشت به شمار می آید که در مورد بسیاری از امامان ما این نوع از احترام چه به صورت رسمی و چه غیر رسمی در بسیاری شهرها وجود دارد و لکن وظیفه این است که برنامه هایی طرح، شود مانند اینکه مجالسی تشکیل شود و با سخنرانی و یادآوری شرح زندگی و مصائب و فداکاریهایی آنان شناخت بیشتری درباره آن امامان ((علیهم السلام)) فراهم گردد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۹

### آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟

#### پرسش

آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟

#### پاسخ

باید توجّه داشت که تعظیم شعائر دینی از مهم ترین وظائف هر مسلمان و بلکه بر شیعه ای است، اگر ما معتقدیم که به فرموده امام خمینی ((رحمه الله)) «محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است» و اگر می دانیم که دشمنان خاندان پیامبر ((صلی الله علیه و آله)) سعی داشتند اسلام را از اساس نابود کنند، اما امام حسین ((علیه السلام)) با فداکاری و شهادت اهل بیت و یارانش، سبب احیای دین رسول اکرم ((صلی الله علیه و آله)) و شریعت اسلام شد؛ باید بپذیریم که زنده نگه داشتن و

گرامی داشتن عاشورا در واقع احیای اسلام و مکتب قرآن است، آن گاه به جای مخالفت با این امور، تلاش و اندیشه خود را در این مسیر خواهیم انداخت که بر شکوه و کار آمدی آن بیفزاییم.

آری، این که چگونه باید به تعظیم و تکریم شعائر مذهبی پرداخت، جای بحث و گفتگوی بسیار دارد ولی مسلماً اصل این مراسم چه در شهادت ها و چه در تولدها و جشنها باید به شیوه ای بسیار باشکوه باشد، شیوه ای که خاطرات و یادهای چهارده قرن را همچنان تا قیام حضرت حجه ((علیه السلام)) به بهترین نحو زنده و پویانده نگه دارد. تا اسلامی که با همین عزاداریها و یا جشن تولد ائمه ((علیهم السلام)) به ما رسیده است به نسلهای بعد منتقل شود که حیات دین به حیات شعائر الهی است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۰

### چرا در اطلاعیه های شهادت، تبریک و تسلیت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟

#### پرسش

چرا در اطلاعیه های شهادت، تبریک و تسلیت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟

#### پاسخ

یک موضوع می تواند از جهات مختلف چند جور تفسیر و بیان شود مثلاً یک شخص برای شاگرد خود معلّم است اما برای فرزند خود پدر و برای یک راننده مسافر است. با اینکه در همه این موارد یک نفر است پس از آنجا که بهترین نوع مردن شهادت است و یک توفیق محسوب می شود می توان تبریک گفت و از آنجا که فقدان یک مؤمن و یک عزیز از بین اّمّت، کم شدن یک نیروی با ارزش و هجران از اوست می توان تسلیت گفت. چنانکه در حدیث آمده وقتی دانشمندی بمیرد رخنه ای در اسلام ایجاد می شود که چیزی آن را پر نمی کند و حال آنکه خود آن شخص مرگ در راه حق را افتخار می داند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۷

### آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

#### پرسش

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

#### پاسخ

دید و بازدید و صله رحم و دستگیری از مستمندان که مردم در عید نوروز انجام می دهند، و خانواده ها و خویشان و بستگان از حال یکدیگر با خبر می شوند، از نظر اسلام کاری بسیار شایسته است. گذشته از این، فروردین، آغاز بهار است؛ هنگامی که طبیعت دوباره زنده می گردد و درختان سبز و خرم می شوند و رشد و بالندگی خویش را آغاز می کنند. این انگیزه ای است که انسانها نیز با طبیعت همراه شوند و برای شکوفایی و بالندگی در تمام ابعاد مادی و معنوی خویش بکوشند. ولی تأسف برانگیز است که گروهی از مردم کشور مانی، در این روزها، که طبیعت انسان را هشدار می دهد که نیروی خویش را تباہ نسازد و عمر خویش را از میان نبرد، به بی بند و باری می پردازند و با کارهای زشت، روح خویش را می آلاینند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

### گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

**پرسش**

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

**پاسخ**

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین، علت عقلی و شرعی و قانونی ندارد، بلکه سنتی است ملی که برخی آن را می پسندند و بدان عمل می کنند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳

### چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

**پرسش**

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

**پاسخ**

متأسفانه ایمان برخی مردم به نامیمونی عدد سیزده ژرف تر از ایمانشان قدرت خدا است. حتی گاه می بینیم که آنان برای این که به گمان باطل خویش از نامیمونی عدد سیزده بگریزند، کارهایی زشت انجام می دهند؛ کارهایی که با عقل و شرع ناسازگار است.

به فرض که عدد سیزده نحس باشد، راه گریختن از آن، توکل به خدا و دعا و نیایش و صدقه و صلّه رحم و دستگیری از بینوایان و تهیدستان است. یکی از بهترین نشانه های نادرستی این پندار، ولادت با سعادت حضرت علی ((علیه السلام)) در روز سیزدهم رجب است. پس، این عقیده، خرافه ای بیش نیست.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴

## آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

### پرسش

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

### پاسخ

در برخی روایات، تجلیل امامان ((علیهم السلام)) از عید نوروز مشهود است. به عنوان مثال، در روایتی منسوب به حضرت امام جعفر صادق ((علیه السلام)) آمده است که می فرماید: «نوروز، روزی است که پروردگار از بندگان پیمان گرفته است او را عبادت کنند و بدو شرک نوزند و به فرستادگانش و امامان ((علیهم السلام)) ایمان آورند. نوروز، روزی است که خورشید در آن طلوع کرده و هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن روز در انتظار از میان رفتن سختیهایم؛ زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.» (۱) در روایتی دیگر از معصوم ((علیه السلام)) وارد است: «چون نوروز فرا می رسد، غسل کنید، لباس پاکیزه بپوشید، خود را معطر سازید و در آن روز، روزه بگیرید.»

در برابر این روایات، روایتی دیگر است منسوب به حضرت امام موسی بن جعفر ((علیه السلام)) که در پاسخ درخواست منصور (عباسی) بر این که حضرت هنگام عید نوروز در جایی بنشیند و به دیگران تبریک و تهتیت گوید، می فرماید: «در اخبار حیدم [رسول الله (صلی الله علیه و آله)] خبری از این روز [نوروز] نیافتیم.» (۳) مرحوم مجلسی پس از ذکر این روایت، می گوید: «ممکن است بتوانیم این خبر را حمل بر تقیه کنیم.»

به هر حال، نباید فراموش کنیم که حضرت علی ((علیه السلام)) می فرماید: «هر روزی که در آن، نافرمانی خدا نشود، عید است.» (۴) پس باید در عید نوروز به کارهایی مشغول شویم که ما را به خدا نزدیک کند و او را از ما خشنود سازد و از انجام کارهای خرافی و ارج نهادن به

۱ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۱ - ۹۲.

وسائل الشیعه، ج ۷، صص ۳۴۶ - ۱۳۸۷۱.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۹، صص ۲ - ۱۰۰.

۴ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۷۳.

۲۲

سنتهای نادرست و نامعقول خویشتن داری کنیم.

عبادت خداوند و قرائت قرآن و پاکی و نظافت خانه و نیز لباس نو بر تن کردن - نه تحمّل گرایی و فخر فروشی کردن - و همچنین روزه داشتن و به دیدار دوستان و خویشان رفتن، بسیار پسندیده و ارزشمند است. ولی اعتقاد به نامیمونی روز سیزدهم فروردین و واجب بودن سفره هفت سین و برگزاری مراسم چهارشنبه سوری، چون علّت عقلانی و شرعی ندارد، محکوم و مطرود است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۳

## آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

### پرسش

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

### پاسخ

در برخی روایات، تجلیل امامان ((علیهم السلام)) از عید نوروز مشهود است. به عنوان مثال، در روایتی منسوب به حضرت امام جعفر صادق ((علیه السلام)) آمده است که می فرماید: «نوروز، روزی است که پروردگار از بندگان پیمان گرفته است او را عبادت کنند و بدو شرک نوزند و به فرستادگانش و امامان ((علیهم السلام)) ایمان آورند. نوروز، روزی است که خورشید در آن طلوع کرده و هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن روز در انتظار از میان رفتن سختیهایم؛ زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.» (۱) در روایتی دیگر از معصوم ((علیه السلام)) وارد است: «چون نوروز فرا می رسد، غسل کنید، لباس پاکیزه بپوشید، خود را معطر سازید و در آن روز، روزه بگیرید.»

در برابر این روایات، روایتی دیگر است منسوب به حضرت امام موسی بن جعفر ((علیه السلام)) که در پاسخ درخواست منصور (عباسی) بر این که حضرت هنگام عید نوروز در جایی بنشیند و به دیگران تبریک و تهنیت گوید، می فرماید: «در اخبار جیدم [رسول الله (صلی الله علیه وآله)] خبری از این روز [نوروز] نیافتیم.» (۳) مرحوم مجلسی پس از ذکر این روایت، می



گوید: «ممکن است بتوانیم این خبر را حمل بر تقیّه کنیم.»

به هر حال، نباید فراموش کنیم که حضرت علی ((علیه السلام)) می فرماید: «هر روزی که در

۱ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۱ - ۹۲.

۲(۲) - وسائل الشیعه، ج ۷، صص ۳۴۶ - ۱۳۸۷۱.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۲ - ۱۰۰.

۱۴۱۰

آن، نافرمانی خدا نشود، عید است.» (۱) پس باید در عید نوروز به کارهایی مشغول شویم که ما را به خدا نزدیک کند

و او را از ما خشنود سازد و از انجام کارهای خرافی و ارج نهادن به سنتهای نادرست و نامعقول خویشنداری کنیم.

عبادت خداوند و قرائت قرآن و پاکی و نظافت خانه و نیز لباس نو بر تن کردن - نه تحمّل گرایی و فخر فروشی کردن - و همچنین روزه داشتن و به دیدار دوستان و خویشان رفتن، بسیار پسندیده و ارزشمند است. ولی اعتقاد به نامیمونی روز سیزدهم فروردین و واجب بودن سفره هفت سین و برگزاری مراسم چهارشنبه سوری، چون علت عقلانی و شرعی ندارد، محکوم و مطرود است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۷۳.

۱۴۱۱

### آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

#### پرسش

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

#### پاسخ

دید و بازدید و صلّه رحم و دستگیری از مستمندان که مردم در عید نوروز انجام می دهند، و خانواده ها و خویشان و بستگان از حال یکدیگر با خبر می شوند، از نظر اسلام کاری بسیار شایسته است. گذشته از این، فروردین، آغاز بهار است؛ هنگامی که طبیعت دوباره زنده می گردد و درختان سبز و خرم می شوند و رشد و بالندگی خویش را آغاز می کنند. این انگیزه ای است که انسانها نیز با طبیعت همراه شوند و برای شکوفایی و بالندگی در تمام ابعاد مادی و معنوی خویش یکوشند. ولی تأسف برانگیز است که گروهی از مردم کشورمانی، در این روزها، که طبیعت انسان را هشدار می دهد که نیروی خویش را تباہ نسازد و عمر خویش را از میان نبرد، به بی بند و باری می پردازند و با کارهای زشت، روح خویش را می آلاینند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۵۹

### گذشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

#### پرسش

گذشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین، علت عقلی و شرعی و قانونی ندارد، بلکه سنتی است ملى که برخی آن را می پسندند و بدان عمل می کنند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۶۰

### چرا باید روحانیون و بسیجیان ریش (محاسن) بگذارند. دلیل این کار چیست؟

پرسش

چرا باید روحانیون و بسیجیان ریش (محاسن) بگذارند. دلیل این کار چیست؟

پاسخ

ریش گذاشتن و تراشیدن آن مخصوص روحانیون و بسیجیان نیست. بلکه باید تمام مسلمانان از تراشیدن آن اجتناب کنند. زیرا مراجع تقلید فعلی و گذشته، بنا بر تحقیقاتی که در این باره در منابع اسلامی داشته اند، تراشیدن ریش را جایز ندانسته و یا حرام می دانند. (مسائل جدید، ج ۱، ص ۷۴)

همان گونه که ما هنگام مراجعه به پزشک و گرفتن دارو از خصوصیات داروها سؤال نکرده و یا کمتر می پرسیم. زیرا به علم و تخصص او در رشته پزشکی معتقدیم و می دانیم که جز معالجه و بهبود ما، منظور دیگری ندارد، هنگام عمل به دستورات اسلامی نیز باید چنین باشیم و تعبد و تسلیم شدن در برابر آن دستورات را سرلوحه افکار خود قرار دهیم. البته، دین مبین اسلام، علت بسیاری از امر و نهی ها را بیان کرده و چنین نیست که علت دستورات شرعی نامعلوم و نامشخص باشد.

برخی از دلایل که تا کنون برای نتراشیدن ریش معلوم شده، عبارت است از:

۱- هرگاه صورت تراشیده شود، میکروب های مختلف در منفذهای پوست صورت جای گرفته و به وسیله همان سوراخ های ریز راهی برای پیشرفت خود باز می کنند.

۲- تراشیدن ریش به علت تحریک دائمی و مکرر پوست صورت، موجب شکستگی و پژمردگی آن می شود.

۳- تکرار تراشیدن ریش، علاوه بر از بین بردن زیبایی و روشنی چهره، در هر مرتبه اثری از خود باقی می گذارد که صورت را کم کم سیاه و گرفته می کند.

۴- تراشیدن ریش، ایجاد جوش نموده و موهای صورت را سفید می کند.

البته غیر از موارد مذکور، توجه به نکات ذیل نیز درباره ریش مفید

است:

۱- ریش، یکی از امتیازات ظاهری بین زن و مرد است.

۲- ریش، باعث وقار مرد می باشد. مخصوصاً برای مردی که پاکیزه و با کمال است.

۳- ریش، صورت های لاغر و زشت نما را زیبا جلوه می دهد.

۴- چون معصومین (ع) و بزرگان با آن همه قیافه های جالب و زیبا این زینت ظاهری را حفظ می کردند، پس پیروی کردن از این بزرگان، پسندیده عقل و دانش است.

(با استفاده از: ۱- فلسفه احکام، تألیف مؤسسه در راه حق؛ ۲- علوم روز و قرآن، تألیف سید جواد افتخاریان.)

**در محل سکونت ما رسم بر این است که وقتی فردی از دنیا می رود افراد فامیل به مدت ۲۱ یا ۴۰ روز از اصلاح سر و صورت و بیرون آوردن پیراهن مشکی خودداری می نمایند استدعا دارم وجه شرعی این چنین رسومی را بیان بفرمایید.**

### پرسش

در محل سکونت ما رسم بر این است که وقتی فردی از دنیا می رود افراد فامیل به مدت ۲۱ یا ۴۰ روز از اصلاح سر و صورت و بیرون آوردن پیراهن مشکی خودداری می نمایند استدعا دارم وجه شرعی این چنین رسومی را بیان بفرمایید.

### پاسخ

این مسائل جزء رسومات محلی و عرفی است که بیشتر جنبه احترام دارد و عدم اصلاح سر و صورت بهتر است با نظافت و پاکیزگی همراه باشد. و در شرع به مسائلی از قبیل قرائت قرآن (فاتحه) انفاق، ذکر مصیبت اولیاء خدا مخصوصاً اهل بیت علیهم السلام و جبران واجباتی که از میت ترک شده مانند نماز، روزه، خمس، زکات و... تأکید شده است.

و در عده زنی که شوهرش مرده و باید بعد از فوت شوهرش تا ۴ ماه و ۱۰ روز از شوهر کردن خودداری کند حضرت امام (ره) می فرمایند:

«زنی که در عده وفات می باشد، حرام است لباس الوان (رنگی) بپوشد و سرمه بکشد و همچنین کارهای

دیگری که زینت حساب شود بر او حرام می باشد. (رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره)، مسأله ۲۵۱۸)

زنی که در عده وفات می باشد، حرام است لباس های رنگارنگ بپوشد و سرمه بکشد و همچنین کارهای دیگری که زینت حساب شود بر او حرام می باشد. (رساله توضیح المسائل آیه الله بهجت، مسأله ۱۷۷۶)

نظرات سایر مراجع تقلید در خصوص حرمت زینت زن در ایام عده وفات مشابه است.

## مقدار ولیمه و نوع آن در عروسی چگونه باید باشد؟

### پرسش

مقدار ولیمه و نوع آن در عروسی چگونه باید باشد؟

### پاسخ

ولیمه دادن در عروسی مستحب است و خوب است که یک یا دو روز باشد نه بیشتر. و شایسته است مؤمنان - اعم از فقیر و غنی - دعوت شوند و تنها به توانگران اختصاص نداشته باشد. مقدار و نوع ولیمه موکول به عرف است. حد متعارف مراعات و از اسراف و تبذیر پرهیز شود.

**از نظر شما از حیث سیاسی، عقیدتی و اموری که یک مسئول فرهنگی در زندگی شخصی خود باید رعایت کند، چیست؟**

### پرسش

از نظر شما از حیث سیاسی، عقیدتی و اموری که یک مسئول فرهنگی در زندگی شخصی خود باید رعایت کند، چیست؟

### پاسخ

مسئول فرهنگی یک پایگاه بودن، تکالیف خاصی در جامعه و کانون خانواده به وجود نمی آورد. عقایدش باید همان عقایدی باشد که دیگران دارند و در سیاست باید از رهبر خود پیروی کند و بس. ولی از آنجا که یک مسئول فرهنگی در رأس یک تشکیلات هر چند جزئی و محدود، قرار می گیرد، از نظر اجتماعی باید نکاتی را رعایت نماید؛ از جمله:

۱- از مقام و موقعیت خود سوء استفاده ننماید، تکبر نفروشد و بسیجی بودن و یا مسئول پایگاه بودن را وسیله تحقیر دیگران نشمارد و خود را در یک سنگر شکست ناپذیر نبیند. بلکه با مردم با احترام و تواضع برخورد نماید. مخصوصاً به جوانان و نوجوانان مهر و علاقه نشان دهد. در حدی که آنها با دیدن اخلاق و ادب او، به بسیج علاقه مند شوند و فرق بسیجی و غیربسیجی را در عمل ببینند.

۲- نسبت به عقاید دینی و مذهبی خود بیشتر آگاهی بیابد تا اطلاعات مذهبی اش لااقل از زیردستان خود بیشتر باشد.

۳- مسئولان فرهنگی نسبت به تشکیل کلاس های عقیدتی و اخلاقی، حساس و جدی باشند. هر مقدار که می توانند در بعد تربیتی گام های مؤثرتری بردارند و در این جهت بسیجیان را به سفرهای زیارتی - سیاحتی ببرند و اردوهای آموزشی و تربیتی تشکیل دهند.

**چرا در دین اسلام اینهمه برای امام حسین ( و دیگر ائمه ) گریه می کنند و فقط یک روز مراسم عزاداری انجام نمی دهند بلکه در هر مکان مذهبی و هر سخن مذهبی گریزی به عاشورا می شود و مردم گریه می کنند. این امر باعث می شود روح افسردگی بر جامعه**

چرا در دین اسلام اینهمه برای امام حسین ( و دیگر ائمه ) گریه می کنند و فقط یک روز مراسم عزاداری انجام نمی دهند بلکه در هر مکان مذهبی و هر سخن مذهبی گریزی به عاشورا می شود و مردم گریه می کنند. این امر باعث می شود روح افسردگی بر جامعه حاکم شود و اصلاً چنین چیزی به مردم القاء می شود که

حتی اگر گریه هم نمی کنید تباکی کنید در حالی که تباکی اصلاً ریا است آیا دین ما این را می پسندد؟

## پاسخ

مقدمه: گاهی پاسخ به نحوی ارائه می شود که گوئی قیام حضرت در یک شرایط بخصوص تحقق پیدا کرده و می کند. در این صورت فایده این درسها مربوط به زمانی می شود که دارای آن شرایط باشد. اما در غیر آن شرایط مثل دوران کنونی، این سؤال پیش می آید که ذکر قیام عاشورا چه ضرورتی دارد؟ مانند اندیشه منحصر کردن و اختصاص آیات به شأن نزول آنها.

نکته مهم در این است که فلسفه عاشورا را به گونه ای بیان کنیم و توضیح دهیم که پیام آن همه زمانها را دربرگیرد و قیام حسینی مربوط به زمان خاصی نباشد. "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا".

اجتماع و تاریخ صحنه ای از بروز و ظهور درگیری درونی وجود انسان است. یعنی گرایشات عالی و الهی انسان با گرایشات حیوانی و غریزی او درگیر می شوند و انسان بر حسب فطرت، گرایش به معنویات دارد و صفات انسانی دعوتی از درون به سوی بخشش و رحمت و وفاداری به مردم و سایر صفات الهی می کند. اما غریزه دعوتی به اینکه انسان قید و بندها را رها کند و بخاطر حقوق دیگران خود را از تمتع و لذات غریزی منع نکند و بخاطر صفات انسانی از تعرض به اموال دیگران خودداری نکند. این یک جهاد حقیقی است که همیشه وجود دارد اگرچه در بیرون ظاهر نشود.

در واقع صحنه اجتماع، صحنه بروز همین درگیریها است کسانی در راه امیال غریزی و حیوانی مبارزه می کنند و کسانی در راه تحقق اهداف انسانی و الهی .



و اجتماع عرصه این رویاروییها است در همیشه زندگی و در همه جا. نتیجه اینکه جهاد اصغر ظهوری از جهاد اکبر است و امام از طریق جهاد اصغر درس همیشگی جهاد اکبر را به ما می آموزد. اگر در جهاد اصغر سر مبارک سیدالشهداء (از تن جدا گشت معنای واقعی آن، این بود که در جامعه آن روز شهوت بر سینه وفا نشست و سر عشق و پرستش خدا را از تن جدا کرد. همین واقعیت در درون ما نیز هست. حسین درون ما که دعوت به گرایشات الهی می کند در مصاف با غریزه و شهوت درون یا بر زمین افتاده و شهوت بر سینه او نشسته مضروب و مجروح، و یا مقتول و شهیدش ساخته یا آنکه آزاد و فرمانروا است زیرا فطرت سخنی غیر از دعوت به حق ندارد. اما اینکه ما با آن گرایشات الهی می کند در مصاف با غریزه و شهوت درون یا بر زمین افتاده و شهوت بر سینه او نشسته مضروب و مجروح، و یا مقتول و شهیدش ساخته یا آنکه آزاد و فرمانروا است زیرا فطرت سخنی غیر از دعوت به حق ندارد. اما اینکه ما با آن

چگونه معامله می کنیم، جا دارد هر کسی خود درباره خود به قضاوت بنشیند. از این رو عاشورا درس زندگی است و مختص به وقت و زمان خاصی نیست از این نظر ما منتظر وقوع حادثه ای در تاریخ نمی مانیم تا جباری به ظهور برسد و بعد برای مقابله با او از سیره حضرت استفاده کنیم. شهید مطهری می فرماید: "استمرار عاشورا) به خاطر آموزندگی آن است، به خاطر آن است که یک درس تاریخی

بسیار بزرگ است. برای اینکه یک درس را انسان مورد استفاده خودش قرار بدهد، اول باید آن درس را بفهمد و حل کند." ۱

دیگر اینکه ما می‌توانیم با حکومت شیطان که بر مملکت وجود ما حاکم است مبارزه کنیم. چنانکه امام (می‌فرمایند که جنود شیطانی بر مملکت ما حاکم است و ما باید جنود الهی را حاکم کنیم).

بنابراین جهاد اصغر در بیرون بروز جهاد اکبر در درون است که همیشه برپاست و وقتی در یک شرایط خاص تاریخی به ظهور می‌رسد الگوی حسی و تاریخی از آن ارائه می‌کند.

پس همیشه به شنیدن تفسیر زندگی انسانی خودمان و راه عشق و پرستش نیازمندیم مخصوصاً که بازیگران حماسه عاشورا، شخصیت‌هایی هستند که در عالی‌ترین شکل خود نقش الهی‌شان را ایفا کردند و درس چگونگی زیستن و چگونگی مردن را به ما دادند. و اگر کسی تفسیری غیر از این درباره عاشورا ارائه کند که آنرا از شمول بیندازد تفسیر درستی از قیام حضرت ارائه نکرده است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: "اگر به تحلیل ظاهری قضیه نگاه کنیم، این قیام، قیام بر علیه حکومت فاسد و ضد مردمی یزید است اما در باطن یک قیام برای ارزشهای اسلامی و برای معرفت و ایمان و برای عزت است. برای این است که مردم از فساد و زبونی و پستی و جهالت نجات پیدا کنند... مبارزه امام حسین (دو وجه دارد و ممکن است دو نتیجه به بار بیاورد. اما هر دو نتیجه خوب است. یک نتیجه این بود که امام حسین (بتواند بر حکومت یزید پیروز بشود و قدرت را از چنگ آن کسانی که

با زور بر سر مردم می کوبیدند و سرنوشت مردم را تباه می کردند، خارج کند و کار را در مسیر صحیح خود بیندازد. اگر این کار صورت می گرفت، البته باز مسیر تاریخ عوض می شد. یک وجه دیگر این بود که امام حسین نتواند به هر دلیلی این پیروزی سیاسی و نظامی را بدست بیاورد، آن وقت امام حسین در این جا دیگر نه با زبان، بلکه با خون، با مظلومیت، با زبانی که تاریخ تا ابد آن را فراموش نخواهد کرد، حرف خود را مثل یک جریان مداوم و غیر قابل انقطاع در تاریخ به جریان می اندازد و این کار را امام حسین ( کرد.... اگر ما پیام امام حسین را زنده نگه می داریم، اگر نام امام حسین را بزرگ می شماریم، اگر این نهضت را حادثه عظیم انسانی در طول تاریخ می دانیم و برای آن ارج می نهیم، برای این است که یادآوری این حادثه به ما کمک خواهد کرد که حرکت کنیم و جلو برویم و انگشت اشاره امام حسین را تعقیب کنیم و به لطف خدا به آن هدفها برسیم و ملت ایران ان شاء الله خواهد رسید. ۲"

و اما در خصوص تباکی باید گفت که رعایت حال دیگران مثل تباکی در نزد انسان مصیبت زده هر چند که انسان شاد باشد

۱ حماسه حسینی، شهید مطهری، ج ۲، ص ۱۴

۲ حرف دل، مجموعه بیانات مقام معظم رهبری درباره نهضت حسینی، ص ۱۱، ۱۲، ۱۸، ۱۹

## **مسئله مداحی در عزاداریها و مراسمات گوناگون از بحث شرعی یا غیر شرعی بودن مداحیهای مداحان (ممکن است بعضی جاها از خود چیزهایی در آورند)**

### **پرسش**

مسئله مداحی در عزاداریها و مراسمات گوناگون از بحث شرعی یا غیر شرعی بودن مداحیهای مداحان (ممکن است بعضی جاها از خود چیزهایی در آورند)

### **پاسخ**

مدح مناقب اهل بیت عصمت و طهارت کاری بسیار تأثیرگذار و با اهمیت است، در روایات هم از چنین عملی تجلیل شده است، لیکن هر عملی از اعمال انسان حدود و شرائط خاص خود را دارد که مداحی نیز مستثنی نمی باشد، اینکه مداح مراقبت نماید مطالب کذب را به ائمه (ع) نسبت ندهد و یا جملا-تی که مناسب باشان و مقام آن بزرگواران نیست در اشعار خود بکار نبرد و یا رعایت امانت در نقل مطالب را بنماید، اما حکم فقهی آن اینست که اصل مداحی نه تنها شرعی است بلکه چه بسا کار بافضیلتی هم هست ولی نسبت کذب به ائمه و یا نقل قول دروغ و حوادث ساختگی حرام است چون از مصادیق دروغ می باشد البته نقل از کتب با ذکر منبع یا بیان زبان حال اگر غیر مناسب باشان افراد نباشد اشکالی ندارد.

## **چرا در صحن های حرم رضوی مردم نمی توانند بخوابند و استراحت کنند؟ بخصوص زوّار**

### **پرسش**

چرا در صحن های حرم رضوی مردم نمی توانند بخوابند و استراحت کنند؟ بخصوص زوّار

## پاسخ

از آنجائیکه پاسخ سؤال جنابعالی در حیطه وظایف آستان قدس رضوی می باشد عین نامه حضرتعالی را به آن اداره محترم ارسال نمودیم در صورت دریافت پاسخ خدمت شما تقدیم خواهد شد. با تشکر از ارتباط شما .

**فلسفه سینه زنی در عزای اباعبداء...الحسین ( و دیگر ائمه اطهار ) چیست؟ و شیعیان با سینه زدن چه هدفی را دنبال می کنند؟**

## پرسش

فلسفه سینه زنی در عزای اباعبداء...الحسین ( و دیگر ائمه اطهار ) چیست؟ و شیعیان با سینه زدن چه هدفی را دنبال می کنند؟

## پاسخ

خدای متعال انسان را به گونه ای آفریده است که هنگامی که چیزی را می بیند یا مناظری را مشاهده می کند، تأثیری می پذیرد که هیچ گاه گفته ها، شنیده ها و دانسته ها، آن اثر را ندارد. هرگاه صحنه هایی را بسازیم و بازسازی کنیم، خواه در قالب سنتی و یا با استفاده از روشهای جدید و به صورت نمایش و فیلم، به گونه ای که جریان عاشورا را برای مردم مجسم کند، بازسازی آن صحنه ها و نشان دادن آنها اثری دارد که گفتن و دانستن آنها نمی توانند آن اثر را داشته باشند.

نمونه این مسأله را خود شما بارها تجربه کرده اید. مکرراً حوادث عاشورا را شنیده اید و در ذهن شما جای گرفته است. می دانید امام حسین ( روز عاشورا چگونه به شهادت رسید، اما آیا دانسته های شما اشک شما را جاری می کند؟ وقتی در مجالس شرکت می کنید و مرثیه خوان مرثیه می خواند، مخصوصاً اگر لحن خوبی هم داشته باشد و به صورت جذابی داستان کربلا را برای شما بیان کند، آنگاه می بینید که بی اختیار اشک شما جاری می شود.

این شیوه می تواند در تحریک احساسات شما تأثیری داشته باشد که خواندن و دانستن چنان اثری را ندارد. به همین نسبت آنچه دیده می شود به مراتب مؤثرتر از شنیدنش است. منظور از این توضیحات آن بود که ما علاوه بر اینکه باید بدانیم چرا اباعبداء... ( قیام کرد، و بدانیم که چرا مظلومانه شهید

شد، باید این مطلب به گونه ای بازسازی شود تا حتی المقدور بهتر بشنویم و بینیم تا عواطف و احساسات ما بیشتر برانگیخته شود. هر اندازه اینها در برانگیخته تر شدن عواطف و احساسات ما مؤثرتر باشد، حادثه عاشورا در زندگی ما مؤثرتر خواهد بود. باید صحنه هایی در اجتماع به وجود آید که مردم را تحریک کند. مردم همین که صبح از خانه بیرون می آیند می بینند شهر سیاه پوش شده است، پرچم های سیاه نصب شده است، خود این تغییر حالت، دلها را تکان می دهد، گرچه مردم می دانند فردا محرم است، اما دیدن پرچم سیاه اثری را در دل آنها می گذارد که دانستن این که فردا اول محرم است آن اثر را نمی گذارد. راه انداختن دسته های سینه زنی با آن شور و هیجان خاص خود می تواند آثاری را به دنبال داشته باشد که هیچ کار دیگر آن آثار را ندارد.

نمونه چنین تأثیری را می توانید در زندگی فردی و اجتماعی خود بیابید. به خصوص در این سی و چهار سال اخیر که حرکت

حضرت امام (علیه دستگاہ طاغوت و کفر شروع شد. ملاحظه کردید که در ایام محرم و صفر نام سیدالشهداء (و عزاداری

سیدالشهداء) مردم را به حرکت وادار می کرد. این شور و هیجان جز در ایام عاشورا پیدا نمی شود. و جز با همین مراسم سنتی عزاداری یا نظیر آن حاصل نمی شود، باید عمل کرد و رفتاری نشان داد که احساسات و عواطف مردم را تحریک کند، آن گاه اثربخش خواهد بود. اینجاست که متوجه می شویم چرا امام (بارها می فرمود: "آنچه

داریم از محرم و صفر داریم." (۱) چرا این همه اصرار داشت که عزاداری به همان صورت سنتی برگزار شود. (۲) چون در طول سیزده قرن تجربه شده بود که این امور نقش عظیمی در برانگیختن احساسات و عواطف دینی مردم ایفا می کند و معجزه می آفریند. (۳) و برپایی اینگونه مراسم عزاداری در قالب روضه، سینه زنی، زنجیرزنی، و ... عشق به جانبازی و شهادت در راه اسلام و مقدسات را در وجود شیعیان حضرتش به وجود می آورد و به قول استاد شهید مرتضی مطهری "ره": "در رثای [امام حسین] به عنوان یک [قهرمان بگریید] [و عزاداری کنید] برای اینکه احساسات قهرمانی پیدا کنید. برای اینکه پرتوی از روح قهرمان در روح شما پیدا شود و شما هم تا اندازه ای نسبت به حق و حقیقت غیرت پیدا کنید، شما هم عدالتخواه بشوید، شما هم با ظلم و ظالم نبرد کنید، شما هم آزادیخواه باشید، برای آزادی احترام قائل باشید، شما هم سرتان بشود که عزت نفس یعنی چه، شرف و انسایت یعنی چه، کرامت یعنی چه؟!

خلاصه آنچه مذکور شد، چنین خدمت شما عرض می کنم :

با توجه به اینکه اعمال ما ناشی از خواست قلب و توجهات دل می باشد و اینکه فهم و علم فقط مقدمه عمل است، اگر بخواهیم زندگی خود را بر اساس سیره معصومین (مخصوصاً امام حسین) قرار دهیم باید علاوه بر فهم دقیق واقعه عاشورا، تمایلات قلب را نیز متوجه قیام و اهداف امام حسین (کنیم و از اموری که قلب را آماده پذیرش افکار و اندیشه ها و سیره امام حسین) می کند همین عزاداری و گریه کردن

و سینه زنی و ... است و شیعیان با انجام این مراسمات در واقع افکار و عقاید خود را در مورد امام حسین (از فکر به قلب می رسانند و این همان معرفی هست که در روایات بیان شده است و از شیعیان خواسته شده است تا با معرفت به زیارت قبور معصومین (بروند).

منابع و مأخذ:

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۱

۲. همان

۳. آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، استاد محمد تقی مصباح یزدی

حماسه خمینی، ج ۱، ص ۲۳

**با توجه به اینکه شهادت امام حسین (در روز عاشورا است، چرا ما از اول محرم عزاداری و تعزیه می گیریم؟**

**پرسش**

با توجه به اینکه شهادت امام حسین (در روز عاشورا است، چرا ما از اول محرم عزاداری و تعزیه می گیریم؟

**پاسخ**

ائمه معصومین (تأکید زیادی بر زنده نگه داشتن یاد و خاطره حماسه کربلا داشته اند، و فلسفه احیاء این امر اینست که هدف کلی این نهضت برای همیشه زنده بماند و فلسفه خاصی از طرف پیشوایان دین توصیه شده است که این جریان به عنوان یک مصیبت یادآوری شود، و مردم بر آن بگریزند، اما گریاندن و گریه کردن صرف، هدف اصلی عزاداری و تعزیه خوانی نمی باشد تا بگوییم روز شهادت امام حسین (دهم محرم است. چرا از اول محرم مراسم عزاداری و گریستن آغاز می شود، بلکه هدف، شناختن این واقعه و تطبیق آن با شرایط روز و حرکت در مسیر اهداف امام حسین (است.

استاد مطهری "ره" در این زمینه می فرماید: "ائمه اطهار گفتند که این حادثه باید زنده بماند، فراموش نشود و مردم بنشینند و بگریند. چرا چنین گفتند؟ هدف آنها از این دستور چه بوده است، اینجا یک هدف واقعی است و یک هدف مسخ شده! یکبار آمدیم گفتیم این فقط به خاطر اینست که یک تسلی خاطر برای حضرت زهرا (باشد؛ ایشان با اینکه در بهشت هستند با اینکه همراه فرزند بزرگوارشان هستند ... خود امام حسین (در روز اول فرمود: "و ما اولهنی الی اسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف" چقدر مشتاق هستم که به اسلافم (جدم، پدر و مادرم) ملحق شوم، اشتیاقی زیاد چون اشتیاقی که یعقوب برای دیدن یوسف داشت. با اینکه امام حسین (ملحق به مادرش هست، مع ذلک حضرت زهرا (در بهشت نشسته،

دائماً بی تاب می کند و ما مردم بی سر و پا باید بیاییم یک مقدار گریه کنیم که حضرت زهرا تسلی خاطر پیدا کند، آیا شما توهینی بالاتر از این برای حضرت زهرا (پیدا می کنید؟!

دیگر گفتند: (علت دستور گریه چیز دیگری است) امام حسین (بی تقصیر در کربلا به دست یک عده مردم تجاوز کار کشته شد، پس این تأثر آور است باید متأثر بود. من هم قبول دارم امام حسین (بدست یک عده مردم ظالم متجاوز کشته شد، اما همین؟ یک آدم بی تقصیر به دست آدمهای با تقصیر کشته می شود، روزی هزار نفر آدم در دنیا به اصطلاح نفله می شوند تأثر آور هم هست اما آیا این نفله شدنها ارزش دارد که قرنهای زیادی، ده قرن، بیست قرن، سی قرن ادامه پیدا کند؟... خیر آنها که آمدند توصیه کردند که باید عزای حسین زنده بماند، چون او یک مکتب به وجود آورد، می خواستند مکتبش زنده بماند. (۱) ... وقتی بخواهیم به جامعیت اسلام نظر بیفکنیم باید نگاهی به نهضت حسین بکنیم، می بینیم امام حسین (کلیات اسلام را در کربلا به مرحله عمل آورده، مجسم کرده است ولی تجسم زنده و جاندار حقیقی و واقعی، نه تجسم بی روح (۲) ... آنچه که در حسین بن علی (در این حادثه عاشورا و در آن ابتلا- و مصیبت پیدا شد از توحید، از جلوه ایمان، از جلوه خداشناسی، از ایمان کامل به جهان دیگر، از رضا، از تسلیم، از صبر، از استقامت، از مردانگی، از طمأنینه نفس، از ثبات، از عزت نفس، از کرامت نفس، از آزادیخواهی، از آزادی طلبی، از اینکه در فکر انسانها



باشد، از اینکه در خدمت انسانها باشد، اگر شما نمونه ای در دنیا پیدا کردید، آنوقت بگویید چرا ما نام حسین بن علی ( را زنده کنیم. (دستور آنها) برای اینست که بلکه پرتوی از روح حسینی در روح ما و شما بتابد، اگر اشکی که برای او می ریزیم در مسیر هماهنگی روح ما باشد، روح ما پرواز کوچکی با روح حسینی بکند، ذره ای از همت او، ذره ای از غیرت او، ذره ای از حریت او ذره ای از تقوای او، ذره ای از توحید او در ما بتابد و چنین اشکی از چشم ما جاری شود آن اشک هر چقدر دلتان بخواهد قیمت دارد." (۳)

البته در حادثه کربلا- از جنبه دیگری نیز اسلام نمایش داده می شود. ما در حادثه کربلا به جریان عجیبی برخورد می کنیم و آن این که می بینیم در این حادثه مرد نقش دارد، زن نقش دارد، پیر و جوان و کودک نقش دارند، سفید و سیاه نقش دارند، عرب و غیرعرب نقش دارند، طبقات و جنبه های مختلف نقش دارند، ... اینکه عرض می کنم زن نقش دارد منحصر به زینب) نیست، در این زمینه داستانها داریم، ما در کربلا یک زن شهید داریم و آن، زن جناب عبدا... بن عمیر کلبی است. دو زن دیگر داریم که رسماً وارد میدان جنگ شدند ولی اباعبدا... مانع شد و به آنها فرمود که برگردید و آنها برگشتند. مادرهایی ناظر شهادت فرزندانشان بودند و این را در راه خدا به حساب آورده اند. (۴)...

دوست عزیز، با توجه به مطالبی که به عرضتان رسید، باید گفت زنده نگه داشتن خاطرات کربلا که احیاء

کلیات اسلام است با یک روز عملی نیست و نیاز به فرصت و وقت کافی دارد، و علاوه بر آن تکرار مسأله و بیان آن از طرق مختلف، همانطور که در روانشناسی این مسأله اثبات شده است، به تربیت افراد و رشد جامعه کمک خواهد کرد.

منابع و مأخذ :

۱. حماسه حسینی، ج ۱، استاد مطهری، ص ۱۰۵

۲. همان، ص ۳۸۴

۳. همان، ص ۱۰۶-۱۰۷

همان، ۳۸۴

### آیا این نوع عزاداری رایج، ریشه در روایات دینی ما دارد؟

#### پرسش

آیا این نوع عزاداری رایج، ریشه در روایات دینی ما دارد؟

#### پاسخ

در سؤال شما نکته ابهامی است و آن اینکه "این نوع عزاداری" منظور کدام نوع عزاداری است، در هر صورت نکاتی را به شرح زیر تقدیم می کنم.

۱. عزاداری اباعبدا...؟ ریشه روایتی دارد. علامه امینی با بیش از ۷ حدیث با سند صحیح که اهل سنت نیز آنها را نقل کرده اند از گریستن رسول ا... (در روز تولد امام حسین)، اولین سال تولد امام، و دومین سال تولد امام خبر می دهد. همچنین در روایتی از گریستن امام علی (به هنگام عبور از کربلا در زمان جنگ صفین خبر می دهد، و بعد از ذکر چند روایت از سلیمان بن احمد نقل می کند که "همواره می شنیدیم که او را در سرزمین کربلا می کشند." اینک به نقل کامل یک روایت بسنده می کنیم. اولین سوگواری در اولین لحظات تولد: اسماء بنت عمیس قابله فاطمه (بود، گریه پیامبر را به هنگام دیدن قنطاق دید و پیامبر (فرمود: "ای اسماء این پسر را گروه ستمگران می کشند، خداوند شفاعتم را به ایشان نرساند." (۱)

۲. در عزاداری، انجام هر گونه اقدامی که با اعتدال اسلامی و فطرت انسانی تناسب ندارد یا موجب وهن دین می شود، ناصحیح است. مصادیق مختلف عزاداری که اشکالی ندارد. گر چه ممکن است در دین به آن امر نشده باشد در فتاوی رهبر انقلاب چنین آمده است: (۲)

۱- شبیه خوانی: اگر مشتمل بر امور دروغ نباشد مستلزم مفسده نباشد باعث وهن مذهب نشود.

۲- استفاده از شیپور، طبل و سنج : به نحو متعارف

۳- عَلم :

نباید جزء دین شمرده شود.

۴- دسته عزداری: بدون اذیت دیگران یا هر عملی که حرام باشد.

۵- زنجیر زنی: به نحو متعارف

و مواردی که در فتاوی ایشان، جایز دانسته نشده است عبارتست از:

۱- زنجیر زدن تیغ دار، ۲- استفاده از ارگ در دسته جات، ۳- سوراخ کردن گوشت بدن، ۴- مالیدن سر و صورت بر زمین و خونی کردن آن، ۵- شرکت زنان در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی، ۶- قمه زدن، ۷- پابرهنه وارد آتش شدن.

منابع و مآخذ:

۱. راه و روش ما راه و روش پیامبر ماست، علامه امینی، ترجمه موسوی همدانی، ص ۶۴ تا ۱۹۸

۲. رساله اجوبه الاستفتائات، ج ۲، ترجمه فارسی، سؤال ۳۵۴ تا ۳۷۷، از ص ۱۲۷ تا ۱۳۳

**در خصوص برهنه کردن در هنگام سینه زنی و همچنین سینه زدن و خراشیدن صورت و ... توضیح دهید. و واقعاً درست است که مثلاً یکی دیده ام که غلابه سگ را به گردن انداخته بود و از این قبیل کارها انجام می دهند و اگر درست است پس حضرت زهرا (و حضرت زینب) و ... که بخواهند و**

**پرسش**

در خصوص برهنه کردن در هنگام سینه زنی و همچنین سینه زدن و خراشیدن صورت و ... توضیح دهید. و واقعاً درست است که مثلاً یکی دیده ام که غلابه سگ را به گردن انداخته بود و از این قبیل کارها انجام می دهند و اگر درست است پس حضرت زهرا (و حضرت زینب) و ... که بخواهند وارد مجلس شوند با این بدنهای نامحرم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

**پاسخ**

الف در عزاداری انجام هر گونه اقدامی که با اعتدال اسلامی و فطرت انسانی تناسب ندارد یا موجب وهن و توهین به اسلام و مسلمانان است، ناصحیح می باشد.

مصادیق مختلف عزاداری که اشکال ندارد گرچه ممکن است در دین به آن امر نشده باشد در فتاوی رهبر فرزانه انقلاب چنین آمده است: (۱)

۱. شبیه خوانی: اگر مشتمل بر امور دروغ نباشد مسلتزم مفسده نباشد، باعث وهن مذهب نشود

۲. استفاده از شیپور، طبل و سنج: به نحو متعارف.

۳. عَلم : نباید جزء دین شمرده شود.

۴. دسته عزاداری : بدون اذیت دیگران یا هر عملی که حرام باشد.

۵. زنجیرزنی : به نحو متعارف.

و مواردی که در فتاوی ایشان جایز دانسته نشده است عبارتست از :

۱. زنجیر زدن تیغ دار

۲. استفاده از ارگ در دسته جات

۳. سوراخ کردن گوشت بدن

۴. مالیدن سر و صورت بر زمین و خونی کردن آن

۵. شرکت زنان در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی

۶. قمه زدن

۷. پابرهنه وارد آتش شدن

۸. نقل مصیبتهایی که سند تاریخی یا روایی ندارد.

ب هدف از عزاداری اظهار حزن و اندوه یا ابراز وفاداری و بیعت با راهی است که اهل بیت به

ما نشان داده اند. بنابراین، مجلس ذکر اهل بیت، مکان ذکر و فکر و شور و شعور در کنار یکدیگر است، و مجالسی که تنها به برانگیختن هیجان‌ها می پردازند و افراد را تا سر حد جنون تحریک می کنند، چنین چیزی بنا بر مکتب اهل بیت نیست، و با توجه به تعدد جلسات، ما می توانیم بهترین جلسات را انتخاب کنیم.

ج در فتاوی رهبر انقلاب، در مورد قلابه به گردن انداختن و صورت خراشیدن، مطلبی ذکر نشده، اما طبیعی است که از مظاهر وهن دین می تواند باشد، بویژه امسال که شبکه های خبری غربی تصاویر بسیار زننده ای از این کارها را در اروپا و آمریکا پخش کردند و شیعه را بعنوان انسانهایی خشن، دیوانه و افراطی معرفی کردند. در مورد در آوردن لباس آقایان، این کار حرمت شرعی ندارد، اما طبیعی است که بوی زننده عرق، دیگران را اذیت می کند.

منابع و مآخذ:

۱. رساله اجوبه الاستفتائات، ج ۲، ترجمه فارسی، سؤال ۳۵۴ تا ۳۷۷، از ص ۱۲۷ ۱۳۳

**در خصوص اینکه وقتی اسم حضرت خامنه ای می آید با تمام احترامی که برای ایشان قائل هستیم، صلوات فرستاده می شود؟**

**پرسش**

در خصوص اینکه وقتی اسم حضرت خامنه ای می آید با تمام احترامی که برای ایشان قائل هستیم، صلوات فرستاده می شود؟

**پاسخ**

۱. این موضوع مربوط به شخص ایشان نیست و به صورت کلی سنت حسنه از پیش، نسبت به عالمان دیگر نیز به کار می رفته و می رود. بطور مثال بسیاری از مردم آمل بعد از شنیدن نام آیت ..علامه حسن زاده آملی و جوادی آملی، سه با صلوات می فرستند. که نشان دهنده ارادت قلبی و احترامی است که به اندیشمندان شهر خود دارند و حتی قبل از انقلاب نیز مردم با شنیدن نام امام صلوات می فرستادند.

۲. اگر به مضمون صلوات دقت کنیم، مشکل حل می شود می گوئیم "خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست" پس ما نه برای آقای جوادی آملی، نه برای رهبر و نه برای کس دیگری حرف عجیبی نزدیم بلکه با شنیدن نام آنها به پیامبر خدا و آل او درود می فرستیم. علاوه بر این در روایات مختلفی در باب صلوات آمده است که صلوات در برخورد با بعضی نعمات مستحب است، مثل دیدن باران و نظر به چهره عالم دینی، و یکی از مصادیق بلکه بهترین مصداق عالم دینی مقام عظمی ولایت حضرت آیت ...العظمی خامنه ای روحی فداه می باشند.

۳. این کار نشان می دهد که:

۱- ما معتقدیم راه پیامبر خدا همان راهیست که این بزرگواران ادامه می دهند در نتیجه با شنیدن نام آنها به یاد پیامبر خدا می افتیم.

۲- ما برای آنها احترام قایل هستیم.

۳- علاقه مند حفظ ارزشها و انتقال فضای معنوی به سطح جامعه هستیم.

۴- در راهی که آغاز کرده ایم استقامت می

ورزیم و از آن خسته نشده ایم و راه رهبر را همان راه امام خمینی ( و راه انبیا می دانیم.

رهبر انقلاب در این باره می فرماید : "الآن کسانی و گروههایی در این مملکت وجود دارند که دلشان می خواهد انقلاب، از ده سال حیات امام، اعلام توبه کنند! این را می دانید؟" (۱)

۵- و عملاً از حریم انقلاب دفاع می کنیم و از حکومت خود جانبداری می کنیم. رهبر انقلاب در این باره می فرماید :  
"بگذارید

به خاطر شعار شما، بعضیها از شما اجتناب کنند، من این را می خواهم که عده ای حریم انقلاب را حفظ کنند." و می فرماید :  
"باید آن حالت طرفداری و جانبداری از حکومت و دولت به عنوان یک عُرف رایج وجود داشته باشد." (۲)

به همه اینها می گوییم : بصیرت. پس با چشم بینا و درک شرایط زمانه و بدون تعصب بیجا نسبت به فردی یا گروهی، اقدامی را برای رضای خدا انجام می دهیم و از او طلب یاری می کنیم.

۶. آنچه گفتیم مرتبه ای است از تولی و تبری، که از فروع دین ماست. یعنی دوست داشتن دوست خدا، و دشمن داشتن دشمن خدا.

منابع و مأخذ :

۱. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، سال ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۲۰

همان، ص ۳۰ و ۱۲۰

## چرا روحانی های محترم عمامه بر سر می گذارند؟

### پرسش

چرا روحانی های محترم عمامه بر سر می گذارند؟

### پاسخ

برادران روحانی مبلغ دینی هستند که حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی ا... علیه و آله و سلم) آنها را برای ما بنی بشر، اعلام فرموده است و چون این برادران علم و عمل رسول ا... (ص) را منتقل می کنند. لباسی که رسول ا... (ص) بر تن دارند نیز به نشانه پیروی از ایشان بر تن دارند که پیروی در ظاهر، مقدمه پیروی در باطن و حقایق است.

جابر بن عبد... انصاری روایت می کند که نبی مکرم به روز فتح مکه عمامه ای سیاه بر سر داشت و راویان دیگر نیز مانند چنین پوششی را برای پیامبر ذکر کرده اند.



امیدوارم خداوند همه ما را عامل به ظاهر و باطن دین مبین بگرداند.

در صورت تمایل به مطالعه بیشتر می توانید به کتاب خاتمیت اثر شهید مطهری مراجعه فرمایید.

منابع و مآخذ:

۱- میزان الحکمه ج ۸، ص ۴۷۹، حدیث ۱۷۷۹۵

۲- همان، باب ۳۵۵۲، شامل یازده روایت.

### بهترین نوع عزاداری برای ائمه چیست؟ نظر شما در مورد شیوه جدید عزاداری ها چیست؟

#### پرسش

بهترین نوع عزاداری برای ائمه چیست؟ نظر شما در مورد شیوه جدید عزاداری ها چیست؟

#### پاسخ

در پاسخ به سؤال اول شما دوست عزیز باید عرض کنیم بهترین نوع عزاداری برای ائمه آن است که اهداف ذیل در آن عزاداری ها تأمین شود که به نحو اختصار به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱\_ شناساندن مقام پیشوایان بزرگ اسلام که در سراسر زندگی آنان برای جامعه اسلامی الگو و سرمشق است خواه در مبارزه با طاغوتیان یا مسایل اخلاقی و روحی و .....

۲\_ افزایش عشق و محبت به اهل بیت که پاداش رسالت پیامبر ( است )

۳\_ دعوت به دین و آگاه شدن از حقایق و معارف آن و فراخوانی مردم به صلاح و اصلاح و دوری از انحراف و فساد؛

۴\_ بیان حقانیت نهضت حسینی بر ضد طاغوتیان و آشکار کردن مردم با ویژگیهای قیام امام حسین (علیه السلام)؛

۵\_ اطعام عده ای از گرسنگان در پرتو مجالس عزا که از دستورات موکد قرآن و اسلام است؛

۶\_ یاد مصیبت اهل بیت ( که موجب آسان شدن مصائب و سختیهای دوستداران آنان است )

۷\_ همدردی با رسول خدا صلی الله علیه و آله ، حضرت زهرا ( ، امام زمان ( و سایر ائمه ( . )

۸\_ افشاگری جنایات ستمگران به ویژه بنی امیه و بنی عباس و تطبیق آن با شرایط و مقتضیات زمان؛

۹\_ رشد فضایل و کرامتهای انسانی و الهی و پرورش روحیه شهادت طلبی؛ هر قطره اشک کلامی است که شهادت را چون



کند و گریه نشان آن است که فاجعه ای روی داده و ظلمی صورت گرفته است. عزاداری نه یک روز ، نه ده روز ، بلکه در تمام سال برای این است که ملتی که در شهادت زندگی می کند باید عزادار باشد و در مجالس عزا با بیان فلسفه شهادت و با یاد آوری از شهیدانش ، روحیه شهادت طلبی را همچنان تازه نگه دارد. بی شک به خاطر نشر فلسفه شهادت و ایثار و کرامتهای انسانی است که شیعه به بهانه مرگ برادر ، عمو ، ودایی و ... جلسه برگزار می کند و یکباره به کربلا گریز می زند و از حسین ( سخن می گوید.

در مورد سؤال دوم شما نیز عرض می کنیم : عزاداری احیای خط خون و شهادت و رساندن صدای مظلومیت آل علی ( به گوش تاریخ است ..... هم بر مظلومیت امام گریه می شود و هم در سایه آن هدف از نهضت و حرکت ائمه ( شناخته می شود ، روضه های خانگی و دسته های عزاداری و هیأت های زنجیر زنی ، پوشیدن لباس مشکی و پرچم به دست گرفتن و شربت آب دادن و تلاش در برپایی مجالس نوحه خوانی و سینه زنی و ..... هر یک به نوعی سرباز گیری جبهه حسینی است و این پیوند قلبی را عمق و غنا می بخشد. \* ۱ البته برخی آداب و مراسمهایی وجود دارد که عوام مردم به مرور زمان و در اثر سهل انگاریها در عزاداری وارد کرده اند که بی تردید از مصادیق عزا و سوگواری به شمار نمی آید بلکه از آفتها و منکرات آن می باشد. مانند

۱\_ نواختن شیپور و نی و اجرای آهنگ های مبتذل ؛ این امور بدون هماهنگی و دستور فقهاء بوده است و باید از آن جلوگیری شود.

۲\_ انجام کارهای خرافی و ساختگی که آنها نیز به تأیید فقهاء نرسیده است ؛

۳\_ قمه زنی ؛ قمه زنی مانند زنجیر زنی و شبیه خوانی از دیر باز مورد اختلاف علما بوده، این مراسم از نظر شرعی پایه و مبنایی دینی ندارد و صرفاً از روی علاقه به ابا عبدالله الحسین علیه السلام انجام می گیرد. بدون شک اگر به وسیله آن ضرری بر بدن وارد شود حرام است و اگر ضرری هم وارد نسازد \_ در عرف امروز موجب بدبینی و وهن مذهب است و باید از آن جلوگیری شود.

کی گفت حسین تو بر سر خویش بزنی با تیغ به فرق خویش نیش بزنی

تیغی که زنی بر سر خود ای غافل بر فرق ستمگران بد کیش بزنی\* ۲

۴\_ اشعار غلو آمیز و به کار بردن واژه هایی که خلاف اعتقادات مذهبی است ؛ مثل لا اله الا الفاطمه ، یا من حسین اللهی ام ، و ... که فقهاء فتوا بر حرمت این گونه اشعار داده اند یا حکم به احتیاط داده اند.

۵\_ در اختیار گرفتن مجالس عزاداری به وسیله افراد بی سواد و کسانی که به جای پرداختن به محتوای مجالس به ظواهر و مداحیهای بی روح و بی هدف می پردازند. بنابراین شعرا باید شیوه دعبل ها و کمیت ها را بر گزینند و از اشعار ضعیف ، سست و بی مدرک ، یا دروغ و جعلیات که موجب وهن مقام معصومین

می شود پرهیز شود و خلوص و تقوا را در حدّ مطلوب فراموش نکنند. حجه السلام و المسلمین استاد فاطمی نیا از علماء و شاگردان برجسته عارف بزرگ آیت ا... بهاء الدین (ره) در یکی از منبرهای خود در این باره می فرمودند: " ... آدمی که پشتوانه علمی ندارد و روی فقط احساس آمده ، ضربه می خورد. احساس یک اندازه ای دارد ، اگر کسی علوم اولین و آخرین را داشته باشد یک عبّاسی نمی ارزد و اگر حال داشته باشد و پشتوانه علمی نداشته باشد باز هم فایده ندارد... خدا شاهد است از مجالسی که روی احساس برگزار می شود ناراحتم.

نواری را آورده بودند و دریک جایی در آن نوار آن بنده خدا که می خواند می گفت : شب عاشورا امام حسین ( به قمر بنی هاشم ) فرمود که : اگر تو هم می خواهی بروی برو " بعد می گفت : " عباس خوشگله آمد زینب کبری را پیدا کرد و گفت : برو به داداش حسینت بگو ..... " مثل اینکه میدان مولودی بود ، مثلاً دروازه غار- نعوذ بالله .....

آخر این شد حرف ، همه اش احساس ، اینطور قمر بنی هاشم را آدم یاد می کند ؟ قمر بنی هاشم که وقتی اسمش می آمد ائمه تعظیم می کردند ... اینها درد دل من است ... " \*۳

برای اینکه عزاداریها رشد و بالندگی خودش را داشته باشد و جامعه اسلامی از آثار ارزشمند آن بهره مند گردد ، شایسته است علما و دانشمندان متعهد و مسؤول در برابر مراسمهایی که توسط افراد ناآگاه و یا مغرض

ترویج می شود، مبارزه نمایند و نگذارند که مراسم حرکت آفرین عاشورا و سایر ائمه با خرافات آلوده گردد، همان طور که تعطیلی مجالس عزای ضربه سهمگینی بر پیکر امت اسلامی وارد می سازد، افراط در آن و نفوذ هر نوع رسم و رسومی که با کلیات آن هماهنگ نیست آن را متضرر می کند. \* ۴

... لازم به یادآوری است که در مورد مصادیق مختلف عزاداری به طور جداگانه از هر کدام از مراجع استفتائاتی کرده اند و ایشان نیز حکم شیوه ها و سبکهای جدید و گوناگون عزاداری را بیان نموده اند، لذا چون جنابعالی مصداقاً اشاره نکرده بودید ما نیز به صورت کلی جواب را برای شما ارسال می کنیم. برای توضیح بیشتر می توانید به سه جلد کتاب مسائل جدید از دیدگاه مراجع و علما مراجعه کنید.

خداوند ما را از عزاداران واقعی اهل بیت علیهم السلام قرار دهد. انشاء...

**با توجه به اینکه اغلب ائمه معصومین(ع) در کشورهای عربی متولد و وفات یافته اند و آنها با توجه به عرق ملی و هموطنی و مذهبی باید نسبت به برگزاری مراسم تولد و وفات آنها حساسیت بیشتری به خرج دهند و می بینیم که آنها زیاد حساسیتی ندارد و خصوصاً در مراسم وفات خیلی**

### **پرسش**

با توجه به اینکه اغلب ائمه معصومین(ع) در کشورهای عربی متولد و وفات یافته اند و آنها با توجه به عرق ملی و هموطنی و مذهبی باید نسبت به برگزاری مراسم تولد و وفات آنها حساسیت بیشتری به خرج دهند و می بینیم که آنها زیاد حساسیتی ندارد و خصوصاً در مراسم وفات خیلی عادی برخورد می کنند در صورتی که در شیعه و خصوصاً در ایران که نسبت به کل جمعیت مسلمان در اقلیت هستند به قول معروف دو آتشه نسبت به برگزاری مراسم تعذیه داری اقدام می نمایند و این مراسم از نظر خیلی از روحانیون مورد تاثیر قرار گرفته در صورتی که هر انسانی زمانی از

دنیا می رود بهتر آن است در مراسم تولد او چند روز برنامه بگذاریم و از آمدنش به دنیا خوشنود شویم و خدماتش را ارج نهمیم نه هنگامی که از دنیا می رود! به نظر من تعذیه خوانی و محرم و صفر با این روشی که در ایران برگزار می گردد لازم و جایز نیست لطفاً در این رابطه توضیحی فرمایند؟

## پاسخ

فلسفه عزاداری برای حضرت سید الشهداء (ع) چیست؟

مسأله عزاداری مخصوصاً برای امام حسین (ع) دو جنبه و دو چهره دارد:

الف) - چهره زیبایی ها یعنی، عظمتی که حضرت ابا عبدالله (ع) و یاران ایشان در ابعاد مختلف آفریده و عالی ترین جلوه های کمال انسانی را با عمل خویش ترسیم نموده و بزرگترین درس را به کل تاریخ بشریت آموختند. این بعد از حادثه عاشورا بسیار غرورانگیز و افتخارآفرین است و به راستی باید به خود بالید که در چنین مکتب درخشانی پا به عرصه وجود نهاده و در آن رشد یافته و با آن می میریم و حاضریم همه هستی خود را در این راه نثار کنیم.

ب) - چهره دیگر عاشورا جنبه تراژدی، غمبار و اسفبار آن است. اسف از این که چرا امت، حق امام (ع) را پاس نداشته و ناجوانمردانه ترین حرکات را نسبت به محبوب ترین خلق خدا و شریف ترین انسان ها روا داشتند. آری ظلمی که بر امام (ع) و اهلیت و یاران ایشان تحمیل شد، دل هر انسان نیکو سیرتی را به درد می آورد و روح آدمی را سخت می آزارد. از طرف دیگر اشک گاهی از سوز است و گاه از سر شوق. گریه بر ابا عبدالله (ع) از هر دو نوع است. یعنی هم مصائب ایشان

سیلاب اشک از دیدگان فرو می ریزد و هم عظمت و شکفت آفرینی های آن حضرت و یارشان. کیست که بشنود در آن صحرای سوزان با وجود عطش جانکاه، در میان صدها یا هزاران مأمور دشمن حضرت ابوالفضل العباس (ع) خود را به شریعه رساند و چون در رودی عظیم و آب گوارا قرار گرفت و آب را تا دهان برآورد، ولی همین که به یاد تشنگی حضرت اباعبدالله (ع) و فرزندانشان افتاد به خود اجازه نوشیدن نداد و لب تشنه با مشک پر از آب برگشت. آیا این مردانگی و شرافت آدمی را به ریختن اشک شوق وادار نمی سازد؟ از سوی دیگر گریه و عزاداری به حضرت سید الشهداء در نصوص دینی سخت مورد تأکید و توجه واقع شده و از افضل قربات دانسته شده است این مسأله فلسفه های سازنده و تربیتی مهمی دارد، از جمله:

الف)- زنده داشتن یاد و تاریخ پرشکوه نهضت حسینی،

ب)- الهام بخش روح انقلابی و ستم ستیزی،

ج)- پیوند عمیق عاطفی بین امت و الگوهای راستین،

د)- اقامه مجالس دینی در سطح وسیع و آشنا شدن توده ها با معارف دینی،

ه)- پالایش روح و تزکیه نفس،

و)- اعلام وفاداری نسبت به مظلوم و مخالفت با ظالم،

ز)- نکته دیگر این که وجود مراسم عزاداری در هر کوی و برزن بزرگ ترین ابزار گسترش فرهنگ حسینی (ع) است. لیکن در این باره باید دقت کافی را در سالم سازی و بهینه سازی این مجالس و زدودن آفت ها و انحرافات از آن به عمل آورد. برای آگاهی بیشتر ر. ک: "حماسه حسینی" شهید مطهری (ج)- عزاداری برای اهل بیت: موجب احیای یاد و نام آنها و در کنار آن فرهنگ و مکتب



و هدف آنان است. به عبارت دیگر در شکل یک پیوند روحی راه آنان به جامعه الهام گشته و پیوستگی پایداری بین پیروان مکتب و رهبران آن برقرار می‌سازد و دیگر گذشت قرون و اعصار نمی‌تواند بین آنان جدایی افکند. همین مسأله موجب نفوذ ناپذیری امت از تأثیرات و انحرافات دشمنان می‌گردد و مکتب را هم چنان سالم نگه می‌دارد و یا تحریفات و اعوجاجات را به حداقل می‌رساند. از همین روست که استعمارگران برای نابودی ملل اسلامی می‌کوشند رابطه آنان را با تاریخ پر افتخار صدر اسلامی قطع نمایند تا با ایجاد این خلاء زمینه القای فرهنگ خود را فراهم آورند. اینها از آثار اجتماعی عزاداری است و آثار روانی و تربیتی دیگری نیز دارد. آن چه مسلم است، نه شادمانی افراطی و بدون دلیل پسندیده است و نه ماتم زدگی و غم و اندوه مداوم، و پسندیده آن است که انسان راه تعادل در پیش گیرد یعنی نه اسیر سرخوشی های بی دلیل شده و نه آن که غم زده و گوشه گیر شود بلکه بر حسب مورد و واقعیات موجود خود را تطبیق دهد.

گذشته از آن که دل مؤمن همواره شاد است، شادی مؤمن یک شادمانی عمیق و وصف ناشدنی است چرا که سرور و ابتهاج مؤمن از معرفت عمیق او نسبت به خداوند و هستی و مسیری که در پیش دارد سرچشمه می‌گیرد و با شادمانی های سطحی و دل مشغولی های گذرای دنیا متفاوت است. در مورد برگزاری مراسم باید بگوییم که این مجالس برای غم خوردن و یا ابراز تأسف و اندوه نیست بلکه برای ذکر مصائب خاندان پیامبر (ص) و

مردان خدا و اقتدای به آنان است گرچه برخی مظاهر عزاداری ممکن است همان گونه باشد که شما گفتید و چنین مواردی باید اصلاح گشته و فلسفه حقیقی عزاداری ها برای مردم تبیین گردد. نکته آخر اینکه در اسلام مرز جغرافیایی مطرح نیست و برای اعراب فضل و کرامتی به خاطر عرب بودن اهل بیت (ع) نیست. بلکه اهل بیت (ع) آقا و سرور تمام موجودات عالم هستند و دایره مریدان ایشان حتی ملائکه و جن را نیز در بر می گیرد پس نمی توان گفت چرا اعراب چنین می کنند و ما ایرانیان چنین بلکه باید گفت هر انسانی که به تعالیم اسلام نزدیک تر است و بیشتر تحت تربیت اسلامی قرار گرفته است نسبت به معصومین (ع) ارادت بیشتری دارد.

## چرا طرح خانه عفاف رد شد؟

### پرسش

چرا طرح خانه عفاف رد شد؟

### پاسخ

طرح خانه عفاف به عنوان یک راه حل موقت و تسکین دهنده برای معضل "عدم تأمین صحیح و مشروع غریزه جنسی" جوانانی که قادر به ازدواج نیستند از سوی برخی طراحان که بعضاً در بین نمایندگان مجلس ششم و مسئولین اجرایی کشور نیز طرفدارانی داشت بطور غیر رسمی به افکار عمومی عرضه شد. و افرادی بدنبال طرح در مجلس و قانونمند کردن آن بودند که بدلیل:

۱ نامناسب دانستن این شیوه

۲ به دور بودن از شأن مجلس و نهاد قوه مقننه

۳ عدم آمادگی فکری و فرهنگی مردم و جامعه

۴ خلاف عفت عمومی و توهین به شأن و منزلت زنان مسلمان دانستن آن.

عکس عملهای تندی از سوی نمایندگان زن در مجلس ششم و تعدادی از صاحب نظران و مسئولین کشوری را به همراه داشت و به بوته فراموشی سپرده شد.

## چرا ناهنجاری ها روز به روز در حال افزایش است

### پرسش

چرا ناهنجاری ها روز به روز در حال افزایش است

پرسشگر محترم اگر منظور شما از ناهنجاری مفسد و آلودگی های اخلاقی در جامعه به خصوص در جامعه اسلامی است باید توجه داشت که آیا واقعاً ناهنجاری ها در جامعه روز به روز در حال افزایش است پذیرش و تایید چنین ادعایی باید به آمارهای دقیق مستند شود.

در عین حال افزایش و گسترش ناهنجاری های از نظر قرآن کریم و روایات اسلامی در هر اجتماع می تواند ریشه و عوامل مختلفی داشته باشد، از جمله

۱. عدم شناخت انسان از خویش کسی که فلسفه و حکمت آفرینش خویش را نشناسد و جایگاه و ارزش انسان بودن خود را نداند، و هدف و راه را تشخیص ندهد، به طور طبیعی به دنبال ناهنجاری ها رفته و ممکن است بسیاری از ناهنجاری ها را برای خود به عنوان هنجار تصور کند؛ خداوند متعال می فرماید: "و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید بیرون آورد، و برای شما گوش و چشم ها و دل ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید."

حضرت علی می فرماید: "برترین خرد، خودشناسی انسان است پس هر که خود را شناخت خردمند شد و هر که خود را نشناخت گمراه گشت" و در جایی دیگر می فرماید: "هر که خود را نشناخت از راه نجات دور افتاد و در وادی گمراهی و نادانی ها قدم نهاد." (میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ترجمه حمید رضا شیخی ج ۸، ص ۳۵۶۷، انتشارات مؤسسه دارالحدیث)

۲. پیروی از وسوسه های شیاطین و هواهای نفسانی قرآن کریم

می فرماید: "الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا..." (بقره ۲۶۸) شیطان شما را [به هنگام انفاق وعده فقر و تهیدستی می دهد و به فحشا] او زشتی ها [دعوت می کند] ولی خداوند به شما وعده آمرزش و فزونی می دهد..."

و باز می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید از گام های شیطان پیروی نکنید، هر کس قدم جای قدم های شیطان بگذارد [گمراهش می سازد] چرا که او به فحشا و منکر امر می کند..." (نور، ۲۱)

خداوند متعال از پیروی کردن هواهای نفسانی نهی کرده و می فرماید: "...و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس کارش بر زیاده روی است اطاعت مکن]" (کهف ۲۸)

۳. ضعف و سستی ایمان و عقیده فقر فرهنگی و ضعف عقیده نیز از عوامل افزایش ناهنجاری ها در جوامع به خصوص جامعه اسلامی می باشد؛ "إِنَّ الدِّينَ - لَ - يُؤْمِنُونَ - بِالْأُ - خَيْرِهِ زَيْنًا لَهُمْ . أَعْمَلُهُمْ . فَهَمَّ . يَعْمَهُونَ - (نمل ۴) کسانی که به آخرت ایمان ندارند اعمال [سوء و زشت آن ها را برای آنان زینت می دهیم به طوری که آن ها سرگردان شوند." از آیه مذکور بر می آید کسانی که به آخرت و وعده های الهی ایمان ندارند و یا ایمان آن ها ضعیف بوده و به امور معنوی و دستورهای خداوند مانند: به جا آوردن واجبات انس با قرآن دعا و نیایش توکل توسل و... کم توجه هستند، در نظر چنین افرادی ناهنجاری و آلودگی به گناه هنجار و پاک و زیبا می شود و آن ها پستی ها را افتخار و بدبختی ها و سیه روزی ها را سعادت و پیروزی و غرق شدن

در فساد و تباهی را زندگی ایده آل و خوب می دانند!

۴. مشکلات اقتصادی پیامبر گرامی می فرماید: "کاد الفقر ان یکون کفراً؛ فقر نزدیک است که خود را به کفر برساند." (الکافی محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۳۰۷، دارالکتب الاسلامیه تهران)

حضرت علی خطاب به فرزندش امام حسن می فرماید: "...کسی که قوت خود را نداشته باشد، خطاهایش بسیار است.. فرزندم هر کس گرفتار فقر شود، به چهار خصلت مبتلا می گردد: به سستی در یقین کاستی در خرد، شکنندگی در دین و کمی شرم و حیا در چهره پس به خدا پناه می بریم از فقر." (ترجمه میزان الحکمه ترجمه حمید رضا شیخی ج ۱۰، ص ۴۶۶۳، انتشارات مؤسسه دارالحدیث)

۵. رفاه اقتصادی و ثروت فراوان قرآن کریم می فرماید: "وَ إِذْ أَرْزَنَّا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا؛ (اسراء، ۱۶) و هنگامی که بخوایم شهر و دیاری را هلاک کنیم اوامر خود را برای "مترفین آن ها [ثروتمندان مست شهوت بیان می داریم سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند آن ها را به شدت در هم می کویم"

بنابراین کثرت ثروت و رفاه اقتصادی می تواند زمینه ساز پیدایش مفاسد و ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی شود و در افزایش آن ها مؤثر باشد.

۶. ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ "باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن ها رستگاراند." (آل عمران ۱۰۴)

حضرت امام باقر ۷ می فرماید: "امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که سایر

واجبات با آن‌ها برپا و اقامه می‌شوند و بوسیله این دو راه‌ها امن‌گشته و کسب و کار مردم حلال می‌شود، حقوق افراد تأمین می‌گردد و در سایه آن زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و در پرتو آن همه کارها روبراه می‌گردد." (وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی ج ۱۶، ص ۱۱۹، مؤسسه آل‌البیت، قم)

۷. تهاجم وسیع فرهنگی دشمنان دین به نام توسعه فرهنگی / دشمنان قرآن و اسلام همواره با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین ابزار تبلیغی و رسانه‌های مختلف به رواج و گسترش فساد و ناهنجاری‌ها در میان جوامع مختلف اقدام می‌کنند، تا بدینوسیله به اهداف شوم خود برسند، قرآن کریم با اشاره به نمونه‌ای از تهاجم فرهنگی فرصت طلبان در امت‌های پیشین می‌فرماید: "قَالَ - فَأِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ" (طه ۸۵) فرمود: ما قوم تو [حضرت موسی] را بعد از تو آزمایش کردیم و سامری آن‌ها را گمراه کرد." (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۳، ص ۲۶۷۲۷۴، دارالکتب الاسلامیه تهران)

۸. سیاسی‌کاری و کوتاهی برخی از مسئولان اجرایی در امر فرهنگ و تضعیف ارزش‌های اسلامی به طور طبیعی مشغول شدن برخی از مسئولان و مدیران بخشی از امور اجرایی و... کشور به خصوص درگیری‌های جناحی اختلاف‌انگیزی و غفلت آن‌ها نسبت به تهاجم فرهنگی دشمنان و ترویج و گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی و... از عوامل افزایش ناهنجاری در جامعه است

قرآن کریم مؤمنان را به همکاری و تعاون در امور خوب و گسترش ارزش‌های دینی و اسلامی تشویق کرده و

از همکاری و مشغول شدن بر ناهنجاری ها و گناهان نهی فرموده است "تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى - وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ - إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ" (مائده ۲)... در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است "

و... (برای آگاهی بیشتر ر.ک. تهاجم فرهنگی آیت الله مصباح یزدی انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی / پاسخ به پرسش ها از دیدگاه تشیع و تسنن دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت ص ۲۵۲۹، انتشارات دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان و...)

**نمونه هایی از واژه های ارزشی که جای خود را به ضد ارزش ها داده اند را با استفاده از قرآن کریم که در اقوام گذشته اتفاق افتاده را با روش های امروزی و مصادیق آن ذکر کنید.**

### پرسش

نمونه هایی از واژه های ارزشی که جای خود را به ضد ارزش ها داده اند را با استفاده از قرآن کریم که در اقوام گذشته اتفاق افتاده را با روش های امروزی و مصادیق آن ذکر کنید.

### پاسخ

برخی از واژه های ارزشی که جای خود را به ضد ارزش ها داده اند عبارتند از:

۱. در زمان پیامبر گرامی تجمل گرایی و گرایش به جمع آوری و تکاثر اموال مرکب و... یک ضد ارزش محسوب می شد ولی بعد از رحلت آن حضرت در زمان خلیفه سوم تجمل گرایی و گرایش به رفاه زدگی و جمع آوری اموال ارزش شد.

در این زمان نیز به تدریج تجمل و رفاه زدگی به عنوان یک ارزش در جامعه و میان اغلب مردم چهره خود را نشان می دهد و ساده زیستی و مبارزه با آن یک ضد ارزش محسوب می شود. قرآن کریم نیز نمونه ای از این قبیل را در سوره انعام آیه ۵۲ بیان می کند و می فرماید: "آن ها را که صبح و شام خدا را می خوانند و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن نه حساب آن ها بر تو است و نه حساب تو بر آن ها، اگر آن ها را طرد کنی از ستمگران خواهی بود." (ر.ک. تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۵، ص ۲۵۱۲۵۷، دارالکتب الاسلامیه تهران)

قرآن کریم تکاثر و فزون طلبی برخی از اقوام و قبائل در مدینه که حتی قبور مردگان خود را می شمردند و به آن به عنوان یک ارزش افتخار می کردند، را سرزنش کرده و آن را یک اقدام ضد ارزشی معرفی می کند و می فرماید: "الْهَغْ كُمْ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ" (تکاثر،

۱۳) تفاخر و تکاثر شما را به خود مشغول داشته [و از خدا غافل کرده تا آن جا که زیارت قبرها رفتید] و قبور مردگان خود را برشمردید [چنین نیست که شما خیال می کنید به زودی خواهید دانست " ]

بنابراین عده ای از اقوام خیال می کردند که زیادی قبور و مردگان برای آن ها افتخار و ارزش است در حالی که به صرف وجود قبور یا مردگان بیشتر ارزش محسوب نمی شود، بلکه باید از سرگذشت مردگان عبرت آموخت (ر.ک نمونه همان ج ۲۷، ص ۲۷۶۲۸۳). در جایی دیگر درباره قارون و ارزشمند شدن ثروت او در میان قوم یهود و بنی اسرائیل می فرماید: " [قارون با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آن جا که طالب حیات دنیا بودند. گفتند: ای کاش همانند آن چه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم به راستی که او بهره عظیمی دارد. " (قصص ۷۹) در زمان حضرت موسی غ و قارون عده ای ارزش را در ثروت زراندوزی و تمکن می دانستند. در عصر کنونی و زمان ما نیز این ضد ارزش (ثروت اندوزی تا حدودی چهره زشت خود را به عنوان یک ارزش نشان داده و برخی در این رابطه به رقابت پرداخته و نمایش مدگرایی تجمل پرستی ثروت اندوزی و... را به اجرا گذاشته و بسیاری از راه های مشروع و نامشروع به این ضد ارزش به عنوان ارزش دامن می زنند. (ر.ک نمونه همان ج ۱۶، ص ۱۶۳۱۷۶).

۲. در زمان پیامبر گرامی مسلمانان همه با هم برابر بودند و همگی از بیت المال به طور یکسان سهم داشتند و ثروت



و غنائم به طور عادلانه تقسیم می شد و عدالت برقرار بود و این خود بسیار ارزشمند بود. ولی در زمان معاویه و خلیفه دوم حس ناسیونالیستی مردم را برانگیختند و قوم گرایی و قبیله گرایی را ترویج کرده و در تقسیم اموال و ثروت در بین مسلمانان تبعیض قائل شدند و به این صورت ضد ارزش ها را به جای ارزش ها به مردم قالب کردند. در این زمان نیز برخی تلاش می کنند که حس ملی گرایی قوم گرایی و ناسیونالیسم را ترویج نمایند و با بی عدالتی و رابطه گرایی عدالت را کمرنگ می کنند. و آن را به عنوان ارزش در جامعه و جوامع بشری مطرح می کنند. و... (برای آگاهی بیشتر رک فروغ ابدیت آیت الله جعفر سبحانی ج ۱۲، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم / ارزش ها و ضد ارزش ها در قرآن ابوطالب تجلیل انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

**با توجه به اسلامی بودن کشور چرا سیگار - که برای جامعه ضرر دارد - به فروش می رسد؟**

**پرسش**

با توجه به اسلامی بودن کشور چرا سیگار - که برای جامعه ضرر دارد - به فروش می رسد؟

**پاسخ**

حرمت سیگار از نظر شرعی ثابت نیست از طرف دیگر خوف آن وجود دارد که بازداشتن از آن موجب گرایش بهسوی مواد مخدر شود و به اصطلاح دفع فاسد به افسد شود که از نظر شرعی جایز نیست. } }

**چرا تمام مشکلات ضد اخلاقی را به غرب نسبت می دهند در حالی که بسیاری از افراد جامعه و مسوولان خود علت و عامل مشکلات و معضلات اجتماعی اند؟**

**پرسش**

چرا تمام مشکلات ضد اخلاقی را به غرب نسبت می دهند در حالی که بسیاری از افراد جامعه و مسوولان خود علت و عامل مشکلات و معضلات اجتماعی اند؟

**پاسخ**

چنین نیست که تمام مشکلات و معضلات و ... به غرب نسبت داده شود. بلکه عوامل دیگری نیز در کار هست لیکن آنچه باید توجه داشت این است که اهم مسائل و مشکلات ما به خاطر توطئه های وسیع و گسترده استکبار جهانیست و غفلت از خطر آن برای ما بسیار زیانبار است. در عین حال نباید از مسایل درون زاد نیز غافل بود. مسوءولین نظام هموراه باید با دقت عملکرد خود را ارزیابی و اشکالات آن را بر طرف سازند. } }

**با توجه به فقر بعضی مسلمین انجام جشنها نوعی اسراف نیست ؟**

با توجه به فقر بعضی مسلمانان انجام جشنها نوعی اسراف نیست؟

در پاسخ به این سؤال توجه به چند نکته ضروری است:

الف) فلسفه وجودی تشکیل جشنها و مراسم اعیاد معصومین(ع)، عبارت است از:

۱- برگزاری مراسم جشن ولادت آنان، تعظیم شعائر الهی است. قرآن مجید، تعظیم شعائر الهی را نشانه تقوای قلوب و تسلط پرهیزکاری بر دلها می داند و مَنْ يَعْظُمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَانْهَاهُ مِنَ تَقْوَى الْقُلُوبِ، (حج، آیه ۳۲). مقصود از شعائر در آیه شریفه، نشانه های دین او است و اولیای الهی - به خصوص معصومین(ع) - از شعائر الهی و نشانه های دین او می باشند. تعظیم این بزرگان، علاوه بر حفظ آثار و مکتب آنان، بزرگداشت ایام ولادت آنان و برپایی جشن و سرور در این مناسبت ها است. در بعضی از روایات نیز آمده است: شیعیان ما در شادی ماشاد و در غم و اندوه ما اندوهناک اند. قرآن کریم به روشنی به ما دستور می دهد که به بستگان و خویشاوندان پیامبر گرامی اسلام، مهر بورزیم قل لا اسئلكم علیها جرا الا الموده فی القربی، (شوری، آیه ۲۳). مسلما یکی از راه های ابراز علاقه به خاندان رسالت، برگزاری مراسم جشن و سرور یا عزاداری در مناسبت های مربوط به آن بزرگواران می باشد.

۲- یکی از راه های ترویج و گسترش فرهنگ و ارزش های اسلامی اسوه و الگو قراردادن آنان در ابعاد مختلف شخصیتی، اجتماعی، اخلاقی و... عالی ترین الگو و اسوه برای همگان می باشند.

از آن جایی که در مراسم میلاد یا وفیات آن بزرگواران گوشه های مختلفی از زندگی پربار و معنوی آنان و گفتارهای ارزشمند اخلاقی آنان (از قبیل ایثار، نیکوکاری، کمک به فقرا، دوری از گناهان و...) مطرح می شود؛

لذا باعث آشنایی هر چه بیشتر شرکت کنندگان با اخلاق و رفتار ائمه(ع) و الگوگیری از آنان می شود. پس می بینیم یکی از بهترین راه های کاهش فقر و مبارزه صحیح و اصولی با ریشه های آن و حل معضلات اقتصادی، اجتماعی و...، برگزاری این قبیل مراسم باشکوه در بزرگداشت ائمه اطهار(ع) می باشد.

ب) با مقایسه ای بین سایر بودجه های کلان فرهنگی کشور و نتایج آن با هزینه هایی که در این قبیل مراسم ها مصرف می شود؛ اهمیت این قبیل مراسم آشکار می شود و ما در گسترش آن کوشش می نمایم. متأسفانه در بعضی موارد بودجه های کلانی توسط برخی از مسؤولان حیف و میل می شود که ثمره ای جز خالی نمودن بیت المال، فقر جامعه، بدبینی مردم، گسترش فرهنگ اسراف و تبذیر و تجمل به دنبال ندارد. شما نیز چه خوب بود از آن موارد نام می بردید و این گونه از برنامه های یاد شده انتقاد می کردید.

ج) ما با شما موافقیم که از هر گونه اسراف، ریخت و پاش و انجام یک سری اموری که به هیچ وجه زبینه نظام اسلامی و اهداف و سیره ائمه اطهار(ع) نیست، باید جلوگیری کرد و علاوه بر گسترش و ترویج این قبیل جشن ها و بهبود کمی و کیفی آنان، در جهت هر چه مفیدتر بودن آنها کوشش نمود. {J}

## برگزاری مراسم ترحیم , چه فوایدی دارد؟

### پرسش

برگزاری مراسم ترحیم , چه فوایدی دارد؟

### پاسخ

با از دنیا رفتن یک شخص، افراد بسیاری که با او مأنوس بوده اند عزادار می شوند. فرد متوفی برای بازماندگان عزیز بوده؛ آنان عزیزی را به خاک سپرده اند و به قول معروف «چغندر که خاک نکرده اند»، لذا بر خود لازم می دانند تا یاد آن عزیز از دست رفته را گرمی داشته و از دوستان و آشنایان انتظار دارند با حضور در مراسم یادبود آن عزیز، برشکوه مجلس بيفزایید. دیگران نیز با حضور در این مجالس ضمن عرض تسلیت به بازماندگان، برای متوفی طلب مغفرت می کنند. به نظر می رسد این مقدار حداقل مورد قبول تمامی مکاتب اله باشد.

آیین اسلام با توجه به اهداف ذیل تجهیز متوفی را برای خاک سپاری واجب کفایی و شرکت در تشییع جنازه و مراسم ترحیم را مستحب می داند.

۱- تکریم و احترام مؤمن متوفی: شارع مقدس از تمامی مکلفین می خواهد که به پاس ایمان متوفی به اسلام، با غسل دادن، معطر ساختن، پوشاندن جامه سفید، نماز گزاردن و خاکسپاری او، جسم بی جان مؤمن را محترم شمرده و از هتک حرمت به جسم او ممانعت به عمل آید.

۲- انجام خیرات، مبرات، قرائت فاتحه و طلب آمرزش برای متوفی: اگر چه توشه اصلی این راه پرخطر اعتقاد صحیح و عمل خالص اوست اما هدایای معنوی مؤمنان نیز بی تأثیر نیست.

۳- اعلام تسلیت و تعزیت به وابستگان نسبی و سببی متوفی: حضور سایرین در مراسم مختلف باعث تسلی بازماندگان شده، از شدت غم و اندوه آنان کاسته، تحمل فراغ عزیز از دست رفته را آسان تر می سازد.

۴- عبرت آموزی برای زندگان: شرکت در خاک سپاری و سایر مراسم متوفی می تواند یادآور روزی باشد که

ما مسافران دنیا دیر یا زود باید از پل مرگ عبور کرده و به عالم برزخ وارد شویم.

بدیهی است انجام هر کاری در این قبیل مراسم باید در راستای تأمین اهداف فوق باشد و از آن جا که در دین اسلام هدف وسیله را توجیه نمی کند، لذا ابزار و وسایل به کار گرفته شده در این مراسم باید مباح و بی اشکال باشد.

از این منظر، مراسم ترحیمی که امروز میان ما مرسوم است اگر چه حائز نقاط قوت بسیاری است اما اشکالات متعددی می توان یافت که شما پرسشگر عزیز به برخی از آن اشاره نموده اید. لکن نکته حائز اهمیت این است که ما باید از این مراسم آسیب شناسی به عمل آورده، نقاط مثبتی که در راستای اهداف مذکور است تقویت کرده و در صدد محو نقاط منفی آن باشیم.

اما تا دست یابی به نقطه ایده آل نباید شرکت در این مراسم را ترک کرد، لذا شایسته است بهترین زمان و مکانی که می تواند اهداف مذکور را با کمترین موارد منفی برآورده سازد جهت انجام وظیفه انتخاب و از آن بهره برد.

**کسب که می خواهد نام فرزند خود را از نام ائمه بگذارد در حد نام شناسنامه کفایت می کند یا اینکه اسمی که همیشه صدا می شود؟**

**پرسش**

کسب که می خواهد نام فرزند خود را از نام ائمه بگذارد در حد نام شناسنامه کفایت می کند یا اینکه اسمی که همیشه صدا می شود؟

**پاسخ**

آن چه مطلوب و پسندیده و مورد سفارش ائمه اطهار(ع) است، نامگذاری و صدا زدن فرزندان به اسامی ائمه اطهار(ع) و نام های نیک است. چرا که با صدا زدن و نام بردن فرد به این گونه نام ها یک نوع تبلیغ و گسترش فرهنگ دینی و ائمه اطهار(ع) است و صرف این که در شناسنامه باشد، ولی هیچ گاه در جامعه آن اسم به زبان جاری نشود، اثر مطلوب را نخواهد داشت. با صدا زدن فرزند با این گونه اسامی کودک و یا نوجوان و جوان سعی می کند از صاحب اسم الگو بگیرد و با او آشنا شود و با وی همانندسازی کند و این بعد جنبه سازندگی دارد، نه صرفاً ثبت در شناسنامه.

**جهت جذب نونهالان و نوجوانان به کانونهای فرهنگی مساجد چه باید کرد؟**

**پرسش**

جهت جذب نونهالان و نوجوانان به کانونهای فرهنگی مساجد چه باید کرد؟

**پاسخ**

الف) جهت جذب نونهالان و نوجوانان به کانون های فرهنگی مساجد راه های مختلفی وجود دارد از جمله:

۱- برگزاری اردوهای علمی، تفریحی و زیارتی.

۲- برگزاری مسابقات مختلف و اهداء جوایز.

۳- استفاده از اساتید پرجاذبه و هنرمند و جوان برای تدریس موضوعات دینی و قرآنی و هنری.

۴- پرهیز از مسؤولیت دادن به افراد تند و بداخلاق و کم حوصله.

۵- مدارا نمودن و عدم سخت گیری نسبت به مراجعین و خودداری از انحصار شدید این قبیل کانون ها و...

ب) برای کسب امکانات می توانید به سازمان تبلیغات شهر خود مراجعه کنید و از طریق امام جماعت یا افراد خیرخواه و نیکوکار ارتباط برقرار نمایید.

ج) جهت گسترش فعالیت های علمی و فرهنگی، سعی کنید

اولاً: از افراد پیرانگیزه، صبور و با سلیقه برای مسؤولیت کانون یا همکاری با کانون دعوت به عمل آورید.

ثانیا: قبل از تعطیلات تابستان برنامه های تابستان را تهیه و تنظیم نمایید و مقدمات فعالیت های تابستانی خود را فراهم آورید.

ثالثا: در زمینه های مختلفی اقدام به فعالیت نمایید مثل مسابقات ورزشی، مسابقه کتابخوانی و مقاله نویسی و...

### **چرا بیشتر مردم ایران دوست دارند شاعر باشند و شعر بگویند؟**

#### **پرسش**

چرا بیشتر مردم ایران دوست دارند شاعر باشند و شعر بگویند؟

#### **پاسخ**

قوه شاعر بودن مربوط به توانایی انسان در تخیل است. چه بسا روحیه آزادی و آرمان خواهی و احساسات قوی ایرانی ها در این توانایی نقش مهمی داشته باشد. اصولاً مردم ایران عاطفی هستند و در پرتو اعتقادات مذهبی، احساسات و عواطف آنها هم قوی تر شده است و هم پاک تر و والاتر گشته است.

وانگهی زبان شعر، زبان ماندگارتر، شیرین تر و با سرعت انتقال بیشتر و چه بسا عمومی تر باشد، لذا ایران که از تمدن با سابقه طولانی برخوردار است از این ظرفیت ها استفاده می نماید.

## اولویت هایی که بجای تعزیه در مراسم مذهبی ما می تواند جایگزین شود چه می باشند؟

### پرسش

اولویت هایی که بجای تعزیه در مراسم مذهبی ما می تواند جایگزین شود چه می باشند؟

### پاسخ

تعزیه به عنوان یکی از شیوه های عزاداری در صورتی که مشتمل بر تحریف و مضامین موهن به ارزش های اسلامی نباشد ممدوح و دلیل بر جایگزینی و کنار گذاشتن آن نیست. هر چند «بهتر است که به جای آنها مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب حسینی و مرثیه خوانی برپا شود» (اجوبه الاستفتاآت، تهران، الهدی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۲).

## چرا در ایام شهادت ائمه خوردن تخمه اشکال دارد؟

### پرسش

چرا در ایام شهادت ائمه خوردن تخمه اشکال دارد؟

### پاسخ

دلیل خاصی در این مورد که تخمه شکستن در ایام شهادت معصومین (ع) اشکال داشته باشد وارد نشده به نظر می رسد این گونه مسائل عرفی باشد. چنانچه کارهایی از قبیل تخمه شکستن عرفا مناسب با سرور و شادی می باشد شایسته است که در ایام سوگواری معصومین (ع) به جهت تعظیم شعائر دینی از آن پرهیز شود.

**نظر شما در باره تعدد هیات مذهبی در شرایط فعلی جامعه چیست. بعضا مشاهده شده از درون برخی هیات های جدیدی تشکیل و فعالیت می کنند آیا این باعث اختلاف نیروهای مذهبی نمی شود. و یا برعکس سبب گسترش نیروهای مذهبی می شود.**

### پرسش

نظر شما در باره تعدد هیات مذهبی در شرایط فعلی جامعه چیست. بعضا مشاهده شده از درون برخی هیات های جدیدی تشکیل و فعالیت می کنند آیا این باعث اختلاف نیروهای مذهبی نمی شود. و یا برعکس سبب گسترش نیروهای مذهبی می شود.

### پاسخ

این موضوع دو حالت دارد:

الف) در صورتی که اولاً هدف و انگیزه اصلی از تشکیل هیأت‌های جدید، حب و بغض‌های شخصی و یا تعصب‌های قومی، خانوادگی و... باشد و ثانیاً، عملکرد آنان هم به نحوی باشد که نه تنها در راستای تعمیق و ترویج آموزه‌ها و ارزش‌های والای عاشورا نباشد، بلکه ارزش‌های مادی و غیر اسلامی از قبیل ایجاد تفرقه، اختلاف و دشمنی را به دنبال خود بیاورد قطعاً مسأله تعدد هیأت‌ها مخالف اسلام و راه امام حسین(ع) بوده و به مصلحت جامعه اسلامی نمی‌باشد.

ب) اما اگر آفات و آسیب‌های فوق در این مسأله وجود نداشته باشد بلکه تعدد ناشی از اختلاف سلیقه در مسائلی نظیر شیوه عزاداری، سخنرانی، مکان هیأت یا زمان آن و امثال اینها باشد، نه تنها هیچ منع و محدودیتی در آن نیست بلکه باعث می‌شود تا سلیق و قشرهای متنوعی نیز بتوانند در هیئت‌ها شرکت نموده و به ترویج آموزه‌های حیات بخش فرهنگ عاشورا در جامعه کمک نمایند.

### در مورد ریش گذاشتن توضیح دهید.

#### پرسش

در مورد ریش گذاشتن توضیح دهید.

#### پاسخ

نخست باید به این واقعیت اشاره کرد که آنچه مهم است «ریشه» و باطن است و اگر به «ریش» و ظاهر توجه می‌شود به جهت آن است که ظاهر نمادی از باطن باید باشد، لذا کسانی که ظاهر را می‌آرایند و باطن نابهنجار دارند به عنوان ظاهر فریب و یا نالایق سزاوار نکوهش هستند اما نباید رفتار برخی نالایقان، ما را از رعایت برخی احکام منصرف کند.

از سوی دیگر باید دانست قلب پاک با حفظ ظاهر، مصونیت بیشتر پیدا می‌کند و پایدار می‌ماند به همین جهت بزرگان حکمت گفته‌اند برای پایداری در «طریقت» و رسیدن به «حقیقت» حفظ «شریعت» لازم است و اگر احکام ظاهری شریعت حفظ نشود احتمال فسق، التقاط و انحراف بسیار زیاد است و بهترین دلیل بر درستی این مطلب، سیره و روش تمامی پیامبران و امامان و اولیای خداست که علاوه بر این که به ریشه و باطن توجه داشتند ظاهر را نیز مطابق احکام شریعت رعایت می‌کردند.

برای توضیح بیشتر در این باره توجه شما را به مطالب زیر جلب می‌کنیم:

در این مسأله دو نظریه عمده در میان فقها وجود دارد: ۱- حرمت ۲- تفصیل میان ریش پرفسوری و غیر آن.

هر حکم شرعی از دو جهت قابل دلیل‌یابی است:

الف) دلیل شرعی؛ مقصود از آن متون و نصوصی است که حکم الهی را بیان می‌کند. این دلیل‌ها ابزار اصلی فقیه و کارشناس دینی است که از طریق آن می‌تواند حکم الهی را استنباط کند.



ب) فلسفہ حکم ; مقصود

از آن این است که چرا خداوند بر موضوع مفروضی فلا-ن حکم را داده است . چنین کاوشی تحقیق فقهی نیست مگر در مواردی که ((کشف فلسفه حکم )) در ((استنباط حکم )) دخیل باشد. در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت : اولاً، فلسفه همه احکام و جزئیات آنها به طور تفصیلی روشن نیست و آگاهی از آن دانشی فراتر از تنگناهای معارف عادی بشری می‌طلبد. لیکن بطور اجمالی روشن است که همه احکام الهی تابع مصالح و مفاسد واقعی در متعلق آنهاست . بنابراین در صورتی که فلسفه حکمی را بالخصوص ندانیم بنا بر قاعده کلی فوق از آن باید پیروی کرد. زیرا یقین به وجود مصلحتی در آن هست هر چند بر ما ناشناخته باشد. ثانیاً، در جست و جوی فلسفه احکام نباید همیشه به دنبال علوم تجربی رفت و دلیلی مادی و فیزیولوژیک برایش جست و جو نمود. این فرایند که همواره در پی یافتن مصلحت یا مفسده ای طبی یا... باشیم برخاسته از نگرشی مادی گرایانه است . در حالی که بسیاری از احکام مصالحی معنوی دارند که در حوزه هیچ یک از علوم بشری قابل تحقیق نیست و آنها با متد تجربی خود قادر به حکمی نفیا یا اثباتا پیرامون آن نیستند و یا اگر نظری بدهند بسیار سطحی است و چه بسا مسأله حکمتی برتر و بالاتر داشته باشد. چنان که در مورد روزه علوم به خواص بهداشتی آن پرداخته اند ولی قرآن مجید فلسفه ای بالاتر را بیان فرموده و آن ((تقویایی)) است . در مورد تراشیدن صورت نیز از نظر طبی گفته اند:

وجود محاسن برای محافظت از لثه ها و دندان ها و پوست صورت مفید است . لیکن به نظر می رسد فلسفه اصلی حکم اثری معنوی و روحی و حفظ حالت طبیعی خلقت مرد باشد. نهایتاً "مسأله امری تعبدی است و اگر هیچ فلسفه ای نیز برای آن شناخته نشود، حکم شارع را باید پذیرفت . حرمت تراشیدن ریش مرحوم محقق آیت الله العظمی خوئی ، درباره حرمت تراشیدن ریش بحثی مبسوط دارند که خلاصه آن را بازگو می کنیم . (نک به مصباح الفقاهه ، تقریرات درس محقق خوئی به قلم توحیدی تبریزی ، ج ۱ ، ص ۲۵۷) ایشان چنین می فرمایند: مشهور بلکه اجماع بین علمای شیعه و سنی ، حرمت تراشیدن است . وجوه ذیل برای حرمت اقامه شده :

۱- قول خدای سبحان ((فلیغیرن خلق الله)) (سوره نساء، آیه ۱۱۸) به ادعای این که حلق لحيه (تراشیدن ریش) تغییر خلقت به شمار می آید پس حرام است .

۲- در روایاتی امر شده به ارسال لحيه (بلند گذاشتن ریش) و زدن سیل ها. و از تشبیه به یهود و مجوس نهی گردیده است ، (وسائل الشیعه ، ج ۱ ، باب ۶۷ از ابواب عدم جواز حلق لحيه ، ص ۸۰ و ج ۴ ، الوافی ، ص ۹۹)

۳- در روایاتی معروف به جعفریات آمده است که حلق لحيه مثله کردن است و هر کس مثله کند لعنت خدا بر او باد. (المستدرک ، ج ۱ ، ص ۵۹).

۴- روایاتی که دلالت دارند بر اینکه سلوک و مسلک دشمنان دین جایز نمی باشد. حلق لحيه از جمله شمار آنها محسوب می شود.

- قول پیامبر(ص) در خطاب به دو پیام آور کسری ت: وای بر شما چرا اینگونه هستید؟ آن دو نفر گفتند پروردگاران ما را اینگونه امر کرده تا کسری را درک کنیم. سپس پیامبر(ص) فرمود: لکن پروردگار من امر فرموده که ریشم را آزاد بگذارم و سیلهايم را کوتاه کنم. (مستدرک، ج ۱، ص ۵۹) ۶

- قول علی (ع): اقوامی بودند که حلق لحيه نمودند و سیلها را گذاشتند سپس مسخ شدند. (وسائل الشيعه، ج ۱، باب ۵۶، از همان باب، ص ۸۰ و الوافی، ج ۲، ص ۳۳) لازم به ذکر است که همه این وجوه ششگانه نزد مرحوم خوئی به علل ضعف در سند و یا متن، مخدوش هستند و نمی توانند حرمت را اثبات کنند. اما وی وجه هفتمی را ذکر می کند که نزد وی مقبول است و آن این است که: روایتی صحیح داریم از بزنی که از خدمت امام رضا(ع) سؤال شد: آیا برای مرد صلاح است که ریشش را بزند. امام فرمود: اما از جوانب آن، اشکالی ندارد. و اما از جلوی آن جایز نیست. (وسائل الشيعه، ج ۱، باب ۵۲ از همان باب، ص ۸۰) آن گاه مرحوم خوئی می فرماید: ((سیره قطعيه ای که بین متدینین متداول، و به زمان پیامبر(ص) متصل است بر این مدعا دلالت می کند)).

افزون بر آن ادعای اجماع هم بر آن شده است و قول مخالفی از شیعه و سنی در این مقام نقل نشده است. بنابراین موضوع حرمت از بین

بردن کامل ریش است و فرقی میان تراشیدن و استفاده از دیگر وسایل پیرایش ندارد. اما اگر مقداری از ریش بر صورت بماند و برای دیگران وجود ریش نمایان باشد، صدق عرفی به شمار می آید.

## احکام ریش تراشی

پرسش ۱. تراشیدن ریش تمام صورت با ماشین یا تیغ چه حکمی دارد؟

همه (به جز بهجت و صافی): تراشیدن ریش خواه با تیغ باشد یا ماشین بنا بر احتیاط واجب حرام است. (۱)

صافی و بهجت: تراشیدن ریش حرام است. (۲)

پرسش ۲. آیا گذاشتن ریش پرفسوری کفایت می کند؟

امام، خامنه ای، بهجت، صافی، نوری و سیستانی: خیر، تراشیدن مقداری از ریش (دو طرف گونه ها) نیز حکم تراشیدن تمام آن را دارد. (۳)

تبریزی، مکارم و فاضل: اگر چانه و اطراف آن (یک چهارم صورت) تراشیده نشود، به طوری که در وقت مواجهه صدق کند ریش دارد، کفایت می کند. (۴)

پرسش ۳. منظور از صدق ریش چیست؟

همه: منظور آن است که در عرف مردم به آن ریش بگویند. (۵)

پرسش ۴. آیا منظور از تراشیدن ریش همان تیغ زدن است یا ماشین های نمره پایین را هم شامل می شود؟

همه: هر وسیله ای که موهای صورت را بتراشد به گونه ای که عرف مردم بگویند ریش ندارد، خواه با تیغ باشد یا ماشین و یا هر ابزاری دیگری. (۶)

پرسش ۵. گذاشتن خط ریش چه حکمی دارد؟

همه: تراشیدن روی گونه ها (بصورت خط ریش) اشکال ندارد. (۷)

## مجوز ریش تراشی

پرسش ۶. تراشیدن ریش با تیغ یا ماشین ریش تراشی برای هنرمندی که کارش آن را اقتضاء می کند چه حکمی دارد؟

همه: با توجه به اینکه می توان بوسیله گریم و مانند آن ریش صورت را به شکل تراشیده شده نمایان کرد، تراشیدن آن اشکال دارد. (۸)

پرسش ۷. افرادی که در اثر ریش گذاشتن

احساس خارش می کنند و یا اینکه در محیطی بسر می برند که اگر آن را تراشند گرد و غبار در لابلای موی صورتش جمع می شود وظیفه چیست؟

همه: مشکل یاد شده مجوز ریش تراشی نیست. (۹)

پرسش ۸. چنانچه گذاشتن ریش برای صورت ضرر داشته باشد تکلیف چیست؟

همه: در فرض مذکور، تراشیدن ریش صورت اشکال ندارد. (۱۰)

پرسش ۹. اگر انسان برای این که توهین مردم را نشنود، ریشش را بزند چه حکمی دارد؟

گذاشتن ریش برای مسلمانی که به دینش اهمیت می دهد باعث خواری و سرشکستگی نیست و با مسخره کردن دیگران، احکام خداوند عوض نمی شود. مگر آنکه استهزاء و خواری به حدی برسد که تحمل آن نزد عقلاء امر غیرعادی و حرج محسوب شود در این فرض می تواند ریش خود را بزند. (۱۱)

پرسش ۱۰. آیا برای این که انسان در بعضی محیطها انگشت نما نشود می تواند صورت خود را با تیغ تراشد؟

همه: خیر. (۱۲)

پرسش ۱۱. آیا تراشیدن موهای کم صورت به منظور رشد و پرشدن آن اشکال دارد.

همه: اگر موهای صورت کم بوده به طوری که صدق ریش بر آن نکند، تراشیدن آن مانعی ندارد. (۱۳)

تراشیدن سیبل

پرسش ۱۲. حکم تراشیدن سیبل و بلند گذاشت آن چیست؟

تراشیدن آن اشکال ندارد ولی بلند نمودن آن به مقداری که هنگام خوردن و آشامیدن با غذا یا آب برخورد کند مکروه است. (۱۴)

پی نوشت ها:

(۱) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۷۹؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۲ و ۴۹۳؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۰ و ۷۵۳؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۸۹ و ۱۰۹۶؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۷ و ۹۵۵؛ سیستانی، سایت، ریش تراشی، س ۱ و ۳؛ خامنه ای، اجوبه، س ۱۴۲۱ و

۱۴۱۶؛ دفتر: وحید.

(۲) صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۰ و ۱۷۴۲؛ بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۴.

(۳) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۴؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳،

م ۴۳؛ خامنه ای، اجوبه، س ۱۴۱۳؛ سیستانی؛ سایت، ریش تراش، س ۱ و ۳؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۳؛ بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، س ۴؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۲ و ۴۹۳.

(۴) مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۱؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۵ و ج ۲، س ۹۴۱؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۸۷.

(۵) تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۱؛ دفتر: همه.

(۶) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۷۹؛ بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۴؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۴؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۱ و ۷۵۳؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۱ و ۱۰۹۹؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۷؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۲؛ سیستانی، سایت، ریش تراش، س ۱۰ و ۶ و ۱۵؛ دفتر: وحید.

(۷) بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۴؛ سیستانی، سایت، ریش تراشی، س ۱۱؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۳؛ خامنه ای، اجوبه، س ۱۴۲۴؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۵؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۶؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۱؛ نوری، استفتاءات ج ۱، س ۴۹۳؛ دفتر: وحید، امام.

(۸) دفتر: همه.

(۹) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۷؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۶؛ دفتر: همه.

(۱۰) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۴۶؛ تبریزی، صراط النجاه، ج ۲، س ۹۰۵؛ خامنه ای، اجوبه، س ۱۴۱۸؛ دفتر: وحید، نوری، صافی، بهجت، فاضل و مکارم.

(۱۱) خامنه ای، اجوبه، س ۱۴۱۸؛ مکارم، استفتاءات، ج



۲ س ۷۵۳؛ تبریزی، صراط النجاه، ج ۲، س ۹۰۵ و التعليقه على منهاج الصالحين، م ۴۳؛ وحید، منهاج الصالحين، ج ۳، م ۴۳؛ سیستانی، منهاج الصالحين، ج ۲، م ۴۶؛ دفتر: صافی، بهجت، وحید، فاضل، امام.

(۱۲) دفتر: همه.

(۱۳) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۰؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۳ و ج ۱، س ۵۷۰؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۶؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۶ و ۹۶۰ و ۹۵۸؛ سیستانی، سایت، ریش تراشی، س ۱۴؛ دفتر: وحید، بهجت، نوری و صافی.

(۱۴) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۰ و ۸۵؛ خامنه ای، اجوبه، س ۱۴۱۵؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۶؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۶؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۴؛ دفتر: بهجت، مکارم، وحید و فاضل و سیستانی.

### فلسفه ی انداختن پیراهن روی شلوار چیست؟

#### پرسش

فلسفه ی انداختن پیراهن روی شلوار چیست؟

#### پاسخ

آن چه در لباس پوشیدن واجب است رعایت پوشش و حجاب برای مردان و زنان است به شکلی که خود شخص و یا دیگران به گناه و حرام سوق پیدا نکنند.

اما مدل و کیفیت لباس پوشیدن به اختیار خود انسان ها است به عنوان مثال بعضی پوشیدن کت و شلوار را دوست دارند و برخی بیشتر به پوشیدن کاپشن علاقه مند هستند.

راجع به پیراهن هم همین نکته جاری است. البته ممکن است نظر کسانی که پیراهن خود را روی شلوار می اندازند پوشش کاملتر و حجاب برتر باشد همانگونه که لباس های ایرانی های قدیم بلند بوده است.

### تقدس لباس روحانیت به چیست به طور مستدل پاسخ دهید؟

#### پرسش

تقدس لباس روحانیت به چیست به طور مستدل پاسخ دهید؟

#### پاسخ

درباره قسمت اول سؤال (لباس روحانیان) نکات ذیل قابل توجه می باشد:

یکم: این نوع لباس از زمان پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ص) رایج بوده است و آن بزرگواران، چنین لباس می پوشیدند.

دوم: عمامه بر سر بستن، از مستحبات بوده و تأکید فراوانی بر آن شده است. احادیث متعددی در این زمینه از حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) وارد شده است؛ از جمله: امام رضا (ع) می فرمایند: «حضرت رسول (ص) عمامه بر سر بستند و یک طرف آن را به جلو و طرف دیگر را به عقب انداختند.» از حضرت امام صادق (ع) نقل شده است که حضرت رسول (ص) با دست خود بر سر حضرت علی (ع) عمامه پیچیدند، (ر.ک: علامه مجلسی: حلیه المتقین، ص ۱۸).

سوم: جایگاه صنفی بسیاری از اقشار جامعه اقتضا می کند که از سایر اقشار مردم باز شناخته شوند؛ لذا دارای یک نوع لباس مشخص می باشند. مانند نیروهای نظامی و انتظامی و... درباره روحانیان نیز چنین است بر اساس روایات متعدد «العلماء ورثة الانبیاء» «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و... روحانیان، امانت داران ائمه اطهار (ع) و مرجع روحی و معنوی و اجتماعی و... مردم می باشند؛ لذا نیازمند لباسی مشخص می باشند تا بدین وسیله در جامعه مشخص شوند و مراجعه به آن ها در مواقع نیاز آسان تر باشد. و یا مثلاً در موقع نماز جماعت تأکید شده که امام جماعت دارای لباس خاصی روحانیت باشد چنان که امام صادق (ع) فرمود: «شایسته نیست که امام جماعت بودن عبا و عمامه باشد» (وسایل، ج ۳، ص ۳۲۹، باب ۵۳، ح ۱).

چهارم: پوشیدن این لباس، هر چند شأن

و منزلتی نسبت به سایر اقشار مردم برای روحانیان ایجاد نمی کند، ولی موجب تعظیم شعائر الهی می گردد که مورد اهتمام قرآن است. وجود شخصیت‌های وارسته جامعه که به عنوان سمبل و مظهر علم و تقوا و وارستگی و ارزش های اسلامی و ملبس به لباس رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) باشند، از شعائر الهی می باشد و در حفظ و گسترش ارزش های الهی و اسلامی در جامعه و تقویت هویت مذهبی در مقابل تهاجم ارزش های بیگانه، بسیار مؤثر است.

خصوصاً در جامعه ما که متأسفانه تحت تأثیر تهاجم فرهنگی غرب، حتی لباس سنتی و بومی خویش را حفظ نکرده است. بنابراین وجود قشر خاصی در جامعه با لباس مذهبی و سنتی، نماد پایداری در مقابل هجوم فرهنگ و ارزش های غربی است و مایه فخر و مباهات محسوب می گردد.

**چرا برای مراجع از لفظ آیه الله العظمی که مختص حضرت امیر در زیارت موجود در مفاتیح می باشد استفاده می شود مگر علمای قبلی مثل شیخ مفید و کلینی و ... از نظر بسیاری از جهات از موجودین افضل نبودند ؟**

### پرسش

چرا برای مراجع از لفظ آیه الله العظمی که مختص حضرت امیر در زیارت موجود در مفاتیح می باشد استفاده می شود مگر علمای قبلی مثل شیخ مفید و کلینی و ... از نظر بسیاری از جهات از موجودین افضل نبودند ؟

### پاسخ

در سده ۴ قمری عنوان ثقه الاسلام برای محمد بن یعقوب کلینی به کار رفت. (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۲۶۰) محمد بن یعقوب کلینی در نزد همه طوائف اسلامی مقبول بود، شیعه و سنی به او مراجعه می کردند و روی همین اصل به ثقه الاسلام شهرت یافت. او نخستین کسی است که در دوره اسلامی به این لقب اختصاص یافت. (ریحانه الادب، ج ۵، ص ۷۹، کلمه کلینی)

در سده پنج هجری قمری عنوان «حجه الاسلام» برای امام محمد غزالی به کار رفت. (دائرة المعارف بزرگ اسلامی و ریحانه الادب، ج ۴، ص ۲۳۷)

در سده هفتم هجری قمری عنوان «محقق» برای جعفر بن حسن حلی به کار رفت. (دائرة المعارف بزرگ اسلامی) کتاب «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام» نوشته همین محقق است و جواهر الکلام که در ۴۳ جلد چاپ شده، شرح همین شرایع است. در حوزه علمیه قم همین الامن، محور درس خارج فقه برخی از مراجع، کتاب شرایع است. محقق در سال ۶۰۲ به دنیا آمد و در سال ۶۷۶ وفات کرد.

در سده هشت هجری قمری عنوان علامه و آیت الله برای حسن بن یوسف حلی به کار رفت که معروف به علامه حلی است. این لقبها قرن‌ها مختص همین علماء بود. در سده چهاردهم هجری قمری کاربرد برخی از این عنوان ها برای گروهی از

فقهاء تکرار شد و رفته رفته گسترش یافت. اکنون عنوانهای ثقه الاسلام و حجه السلام و آیت الله کاربرد گسترده ای دارد و هر کدام از اینها نشان دهنده سطح معینی از علم فقه است. تا قرن چهاردهم هجری، فقط علامه حلی را آیت الله می نامیدند. در اوایل قرن چهاردهم هجری نخستین بار سید محمد مهدی بحرالعلوم آیت الله خوانده شد. چند دهه پس از آن شیخ مرتضی انصاری و سید محمد حسن شیرازی آیت الله خوانده شدند. مورخان مشروطه، «آیت الله» را بر آخوند ملا کاظم خراسانی و دیگران اطلاق کردند. پیش از این همه مراجع را حجه الاسلام می نامیدند. پس از تشکیل حوزه علمیه قم توسط شیخ عبدالکریم حائری، شماری از فقهای بزرگ که در آن گرد آمدند، آیت الله لقب یافتند و به تدریج معدودی از آنها آیت الله العظمی نامیده شدند. (دائرة المعارف بزرگ اسلامی)

بنابر آنچه گفته شد القاب و واژه گان نیز همانند بسیاری از لوازم زندگی بشری سیر تحول داشته است و شاید راز آن در این نهفته باشد که برای نشان دادن برجستگی یک نفر در میان افرادی که قبلا هم تراز بودند به طور طبیعی از لقب ممتازتر استفاده می شود و این سیر هم چنان ادامه می یابد.

### چرا شیعیان در ماه محرم و در ایام شهادت امام حسین(ع) گریه می کنند و به عزاداری می پردازند؟

#### پرسش

چرا شیعیان در ماه محرم و در ایام شهادت امام حسین(ع) گریه می کنند و به عزاداری می پردازند؟

#### پاسخ

قبل از پاسخ مناسب است به چند نکته توجه شود:

۱- ابراز غم و اندوه و گریه بر عزیزان از دست رفته از نظر شیعه و سنی جایز است و شخص رسول گرامی اسلام(ص) در شهادت عمویش حمزه {۱}، در شهادت جعفر بن ابی طالب {۲}، در غم مرگ فرزند عزیزشان ابراهیم {۳}، در اندوه رحلت یکی از نوادگانشان، در کنار قبر مادرشان و ... {۴} گریستند/

۲- بر اساس روایات فریقین پیامبر اکرم(ص) بارها از شهادت اباعبدالله حسین(ع) خبر دادند و در غم و اندوه شهادت و مظلومیت آن حضرت گریستند؛ در روز ولادت {۵}، در منزل ام سلمه {۶}، در منزل زینب {۷} و ///

(س)- ائمه معصومین: بر مظلومیت و شهادت امام حسین(ع) می گریستند و در ایام شهادت آن حضرت به برگزاری مراسم عزا می پرداختند. امام سجاد(ع) با همه صبر و شکیبایی در بقیه عمر شریفش پس از حادثه کربلا همواره گریان و اندوهگین بود، به گونه ای که امام صادق(ع) می فرماید: «امام علی بن حسین(ع) بیست سال گریه کرد و غذایی در نزد او گذاشته نمی شد مگر اینکه گریه می کرد.» {۸} امام باقر و امام صادق(علیهم السلام) و امام رضا(ع) که از آزادی بیشتری برخوردار بودند در حکومتهای وقت خویش مجالس سوگواری بپا می کردند و از شعرا می خواستند در مصایب و فضایل اباعبدالله شعر بخوانند و آنان گریه می کردند. {۹}

۴- از منابع شیعه استفاده می شود که گریه بر امام حسین (ع) نه تنها جایز و مشروع است بلکه مطلوب و پسندیده است و از ثواب فوق العاده ای برخوردار است، پیامبر گرامی اسلام فرمود: "كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٍ إِلَّا عَيْنُ بَكَّتْ عَلَى مَصَائِبِ"

الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضَاحِكٌ مُسْتَشِرٌّ بِنَعِيمِ الْجَنِّ. " {۱۰}

«هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر چشمی که بر مصیبت حسین(ع) گریه کرده است که چنین کسی خندان است و بر نعمتهای بهشت بشارت داده می شود.»

۵- لازمه ابراز عشق و ارادت و محبت به اهل بیت شادی در شادمانی آنها و سوگواری بر مصایب و غمو اندوه آنان است چرا که اهل بیت رسول خدا(ص) همان مصداق «قربی» هستند در آیه شریفه:

"قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى" {۱۱}

(ص) - امام حسین(ع) با قیام و شهادتش درس چگونه زیستن و چگونه مردن را به انسانها آموخت و با شهادتش چهره پلید طاغوت زمان خویش را بر ملا ساخت و چهره کریه یزید را روشن نمود پس باید قیام و شهادتش بزرگ داشته شود /

اینک با توجه به مقدمات فوق در پاسخ این سؤال می گوئیم شیعه در ایام شهادت امام حسین(ع) گریه و عزاداری می کند تا بدین وسیله:

الف: به سنت رسول خدا(ص) و سیره ائمه: تمسک نموده باشد /

ب: عشق و ارادت خویش را به خاندان رسالت ابراز دارد /

ج: درسهای نهضت عاشورا و اهداف امام حسین(ع) تبیین نماید /

د: از شهدا و مجاهدانی که برای احیای اسلام از جان خویش دریغ نکردند تقدیر نماید /

ه: زمینه تبلیغ دین و بیان احکام اسلامی را فراهم کرده باشد /

[۱]. - طبقات ابن سعد، ترجمه حمزه /

[۲]. - استیعاب و اسدالغابه، ترجمه جعفرین ابی طالب /

[۳]. - صحیح بخاری، کتاب الخبائر، باب قول النبی(ص) «انابک لمحزونون» /

[۴]. - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱(ع)(ص)، کتاب الخبائر، باب (ص)(س)، حدیث ۱۰۸ /

[۵]. - مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۸(ع) /

[۶]. - الجامع الصحیح، ج (س) ۱، ص (س) ۱۹ /

[٧]- المجمع الزوائد، ج ٩، ص ١٨٨

[٨]- مناقب، شهر آشوب، ج ٤، ص ٥(ص)١

[٩]- كامل الزيادات، ص ٤(ع)١؛

[۱۰].- وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۹۲۴ /

[۱۱]. سوره شوری، آیه (س) ۲ /

موضوع: شیر دادن مادر بزرگ به نوه اش

### – چرا به امام خمینی می گویند امام؟ حتی بعضی ها می گویند اما سیزدهم است ؟

#### اشاره

– چرا وقتی نام امام خمینی می آید صلوات می فرستند؟ و آنهم سه صلوات ولی نام حضرت محمد(ص) می آید یک صلوات می فرستند؟

#### پرسش

– چرا به امام خمینی می گویند امام؟ حتی بعضی ها می گویند اما سیزدهم است ؟

– چرا وقتی نام امام خمینی می آید صلوات می فرستند؟ و آنهم سه صلوات ولی نام حضرت محمد(ص) می آید یک صلوات می فرستند؟

#### پاسخ

سوال شما دارای چند بخش است که سعی می شود به تفکیک به هر کدام پاسخ داده شود. پرسیده اید چرا به امام خمینی(ره) می گویند امام. یا امام سیزدهم. در پاسخ باید عرض کنیم که واژه امام از نظر لغوی به معنای رهبر و پیشوا است که خود شما هم به آن اشاره کرده اید. به کسی که در نماز جماعت به او اقتدا می کنیم هم امام جماعت گفته می شود چون جماعت مأمومین از او پیروی می کنند. علت اینکه این عنوان و لقب به حضرت آیت...العظمی خمینی(ره) اطلاق شد برای این بود که در عصر کنونی توانست با رهبری خود یک نهضت و انقلاب دینی بر پا کند و در دنیایی که شعار حذف دین از صحنه سیاست و اجتماع، سرلوحه کارشان بود یک حکومت دینی بر پا کرد. بنابراین ایشان حقیقتاً امام و رهبر بودند و پس از ایشان نیز حضرت آیت...خامنه ای در هدایت این نظام و حکومت همان نقش رابه خوبی ایفا می کنند و در پاسخ سوال شما که چرا به ایشان امام نمی گویند می گوئیم پس از رحلت امام خمینی(ره) ابتدا این لفظ و عنوان به ایشان هم داده شد ولی به قرار معلوم خود ایشان از این کار ممانعت فرمودند و خواستار آن شدند که لقب "امام" فقط به حضرت آیت...العظمی امام خمینی "رضوان...تعالی) منحصر شود.

برخی افراد هم به مزاح و شوخی می



گویند "امام سیزدهم" حساب این افراد را باید از حساب کسانی که ابهام و سؤال دارند جدا کرد.

درباره صلوات فرستادن پس از شنیدن نام امام(ره) و آیت...خامنه ای و تعداد صلوات ها باید گفت : آنچه مسلم است اینکه امام خمینی (ره) و حضرت آیت...خامنه ای اصلاً با معصومین مورد مقایسه قرار نمی گیرند . در واقع صلوات فرستادن پس

از نام امام و رهبری تأکیدی است بر مخالفت با برداشتهای نادرست از اسلام، تأکیدی است بر برداشت صحیح امروزی امام و رهبری از اسلام ناب محمدی(ص) است امت اسلام هم معنای این صلوات را می فهمند و کسی برتری امام و رهبری را بر معصومین قصد نکرده و نمی کنند بلکه می توان گفت یک نوع مبارزه سیاسی و یا یک استراتژی و شگرد است در مبارزه با دشمنان اسلام .

مقام معظم رهبری حضرت آیت... خامنه ای در این زمینه می فرمایند :

" پیش از پیروزی انقلاب بنده در تبعید بودم در پیرانشهر. از یک شهری از نزدیکی های ما چند نفر آدمی بودند که یکی از آنها راننده بود. آدمهای اهل فرهنگ و معرفت و اینها نبودند . به حسب ظاهر به اینها می گفتند عامی، اما آدمهایی جزو خواص بودند . اینها مرتب می آمدند دیدن ما پیرانشهر، قضیه مذاکرات خودشان با روحانی شهرستان را می گفتند خوب روحانی شهر هم آدم خوبی بود، منتها عوام بود. ملاحظه می کنید! راننده کمپرسی جزو خواص بود ولی روحانی محترم پیش نماز جزو عوام بود مثلاً- آن روحانی می گفت که چرا وقتی که اسم پیغمبر می آید، یک صلوات می فرستید، اسم این آقا که می آید، سه صلوات می فرستید. این راننده به او جواب می

داد که آن روزی که دیگر مبارزه ای نداشتیم و اسلام به همه و همه جا فائق بشود، ما همان سه تا صلوات را، یکی اش را هم نمی فرستیم امروز این سه تا صلوات مبارزه است. اومی فهمید، این نمی فهمید. توجه کنید! این را، مثال زدم برای اینکه مردم بدانی دکه خواص که می گوئیم، معنی آن یک لباس خاص نیست، ممکن است مرد باشد، ممکن است زن باشد، ممکن است تحصیل کرده باشد، ممکن است تحصیل نکرده باشد، ممکن است ثروتمند باشد، ممکن است فقیر باشد، ممکن است که یک انسانی باشد که در دستگاههای دولتی باشد، ممکن است جزء مخالفین دستگاههای دولتی طاغوت باشد. " " " "

( خواص و رسالت آنان، سخنرانی مقام معظم رهبری در حسینیه لشکر ۲۷ محمد رسول ا... (ص)، ۲۰/۳/۷۵ ص ۱۶

**۱- نحوه عزاداری برای امام حسین (ع) چگونه باید باشد؟ با توجه به اینکه در ایران از زنجیرزدن و سینه خیز رفتن و ... که با مجروح شدن بدن همراه است استفاده می کنند آیا این روشها عذر شرعی ندارد؟**

## اشاره

۲- آیا روشهایی برای عزاداری که مطابق با دین اسلام باشد و از احادیث

## پرسش

۱- نحوه عزاداری برای امام حسین (ع) چگونه باید باشد؟ با توجه به اینکه در ایران از زنجیرزدن و سینه خیز رفتن و ... که با مجروح شدن بدن همراه است استفاده می کنند آیا این روشها عذر شرعی ندارد؟

۲- آیا روشهایی برای عزاداری که مطابق با دین اسلام باشد و از احادیث و ... رسیده باشد نداریم؟

۳- عزاداران واقعی چه کسانی هستند؟

## پاسخ

۱ و ۲ برادر عزیز بعنوان مقدمه توجه شما را به نکاتی پیرامون فلسفه عزاداری جلب می نمایم. چراکه قالبهای رایج عزاداری باید آئینه نمایشی زوایایی از روح حاکم بر عزاداری باشد نه خدای ناکرده منافی از آن. " عزاداری و بزرگداشت شهادت اهل بیت (علیهم السلام) بویژه حضرت ابا عبد... (ع) در خصوص دینی سخت مورد تاکید و توجه واقع شده و از افضل قربات شمرده می شود. همچنانکه اشک هر آزاده و سینه سوخته ای را بر مصائب و شگفتی های صحنه ای چون عاشورا از سرسوز و شوق همیشه جاری است. و در طول تاریخ این عزادریها دارای آثار مفید و ارزشمند بسیاری بوده است، از جمله: ۱- احیا و زنده داشتن نهضت عاشورا که موجب زنده نگه داشتن و ترویج دائمی مکتب قیام و انقلاب در برابر طاغوتها و تربیت کنندگان و پرورش دهنده روح حماسه و ایثار بوده است. ۲- عزاداری نوعی پیونده محکم عاطفی با مظلوم انقلابگروا اعتراض به ستمگر است و به تعبیر استاد مطهری: " گریه بر شهید شرکت در حماسه اوست " ۳- عزاداری برای اهل بیت یک پیون روحی راه آنان به جامعه الهام گشته و پیوستگی پایداری بین پیروان مکتب و رهبران آن برقرار می سازد و دیگر گذشت قرون و

اعصار نمی تواند بین آنان جدایی افکند. ۴- نکته دیگر اینکه وجود مراسم عزاداری در هر کوی و برزن بزرگترین ابزار گسترش فرهنگ حسینی (ع) است (البته با بهینه سازی این مجالس و زدودن آفتها و انحرافات از آن) همین مساله موجب نفوذ ناپذیری امت از تاثیرات و انحرافات دشمنان می گردد و مکتب راهمچنان سالم نگه می دارد. و یا تحریفات و اعوجاجات را به حداقل می رساند. "۱"

و اما درباره قالبهای رائج و سنتی مثل سینه زنی و زنجیر زنی باید گفت: اصل عزاداری و سوگواری از خود اهل بیت علیهم السلام است ولی چگونگی آن تا حدود زیادی با شیوه های قومی و ملی عجین شده است و این آمیزش تا زمانی که مشتمل بر خلاف شرع نباشد اشکالی ندارد. بنابراین هر گونه عملکردی در راستای اهداف مذکور جایز و انجام آن مفید و بلا مانع است و آنچه دروغ و یا موجب وهن و بی پایگی مذهب و دین گردد ممنوع و غیر مجاز است و به ویژه با انگیزه های دنیا گرایانه.

امام خمینی (ره) در این باره فرموده اند: "باید ما محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام که باز ذکر مصائب اهل بیت با همان وضع سنتی مرثیه سرایی و روضه خوانی این مذهب زنده مانده است. شیاطین به گوش ما نخوانند که ما انقلاب کردیم، حالا باید همان مسائل انقلاب را بگوییم و مسائلی که در سابق بود حالا دیگر مشی باید بشود، خیر

ما باید حافظ این سنتهای اسلامی، حافظ این دسته جات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر در مواقع مقتضی به را می افتند (باشیم) تاکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند. محرم و صفر و فداکاریهای سید الشهداء سلام الله علیه

است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است ... باید بدانید اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند باید این سنتها را حفظ کنید البته یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام بوده، آنها باید یک قدری تصفیه شود لکن عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند ..."

از حضرت ایه ...العظمی خامنه ای نیز در این باره سوالاتی شده که اجمالاً به پاسخهای ایشان اشاره می شود: "۲"

راجع به مراسم شبیه خوانی فرموده اند: اگر مراسم شبیه خوانی مشتمل بر امور دروغ و باطل نباشند و مستلزم مفسده هم نباشند و با توجه به مقتضیات زمان باعث وهن مذهب حق هم نشوند اشکال ندارند. ولی درعین حال بهتر است به جای آنها مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب حسینی و مرثیه خوانی برپا شود.

و نیز راجع به راه انداختن دسته های عزاداری فرموده اند: به راه انداختن دسته های عزاداری برای سیدالشهداء و اصحاب او ... و شرکت در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبیست و از بزرگترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می کند ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران می شود و یا فی نفسه از نظر شرعی حرام است پرهیز کرد.

و همچنین راجع به استفاده هاز آلات موسیقی در عزاداریها فرموده اند: استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارضی که از قدیم متداول بود برگزار شود.

و نیز راجع به اعمالی چون سوراخ کردن گوشت بدن و آویز کردن وزنه به آن فرموده اند: این گونه اعمال که موجب وهن مذهب می شوند جایز

نیست .

۳- ودرخصوص اینکه فرمودید عزادار واقعی کیست؟ باید گفت : مساله عاشورا دو جنبه و دو چهره دارد :

الف) چهره زیبایی ها ؛ یعنی، عظمتی که حضرت اباعبد... (ع) و یاران ایشان در ابعاد مختلف آفریده و عالی ترین جلوه های کمال انسان را با عمل خویش ترسیم نموده و بزرگترین درس را به کل تاریخ بشریت آموختند . نمایش عزت و افتخار حسینی در مقابل لشکریان جهل و سیاهی، بینش زینبی در جای جای قیام کربلا و همچنین نمایش اقتدا به مراسم حسینی نکات بارز آن می باشند .

این بعد از حادثه عاشورا بسیار غرور انگیز و افتخار آفرین است و به راستی باید به خود بالید که در چنین مکتب درخشانی پا به عرصه وجود نهاده و در آن رشد یافته و با آن می میریم و حاضریم همه هستی خود را در این راه نثار کنیم .

ب) چهره دیگر عاشورا جنبه تراژدیك، عمار و اشکبار آن است. اسف از مظلومیت حق و اسلامی که از آن چون پوستی باقی نمانده بود. از غربت دین که همه در وجود مبارک امامی رئوف و تنها تجلی یافته بود.

واسف از اینکه چرا امت حق امام (ع) را پاس نداشته و ناجوانمردانه ترین حرکات را نسبت به محبوبترین خلق خدا و شریفترین انسانها روا داشتند. آری ظلمی که بر امام (ع) و اهلیت و یاران ایشان تحمیل شده دل هر انسان نیکوسیرتی را بدرد می آورد و روح آدمی را سخت می آزارد و از طرفی زنده و ملموس یافتن قیام و درس مکتب حسینی در سینه ها در تمام آنات و لحظه ها و تطبیق آن بر تعارض همیشگی خوبیها و بدیها در درون که گاه حسین وجود (جان علوی و نفس الهی) در درون ما به تیغ سخوت و غضب و گاه به تیغ بی حیایی ضربتی می خورد و در پهنه نفس و روح ما بی جان و بی رمق

می افتد و از این منظر گریه بر حسین گریه بر مظلومیت نفس مزکای الهی خویش و غایتا نسانی است که به دست نفس حیوانی دریده می شود .

همچنانکه اشک گاهی از سر سوزو گاه از سر شوق جاری می شود گریه بر ابا عبد... (ع) از هر دو نوع است یعنی هم مصائب ایشان سیلاب اشک از دیدگان فرو می ریزد وهم عظمت و شگفت آفرینی ها، مردانگی و شرافت آن حضرت و یاران ایشان، آدمی را وادار به ریختن اشک می سازد.

عزادار حسینی به هر اندازه معرفت به این دو بعد داشته باشد و متأثر از آن شود، عزادار محسوب می شود والبته شایسته است مرتبت و منزلت خود را در این مقام با کسب معرفت بیشتر ارتقا بخشیم. " ۳ "

(۱) برگرفته از پرسش و پاسخهای سایت دفتر نهاد رهبری در دانشگاه [www.nahad.net](http://www.nahad.net)

(۲) پاسخ به سوالات ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴ از رساله اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری، ج ۲، ص ۱۲۹

برگرفته از پرسش و پاسخهای سایت دفتر نهاد

### چگونه و با چه عملی می توانیم مدیون خون شهیدان نباشیم؟

#### پرسش

چگونه و با چه عملی می توانیم مدیون خون شهیدان نباشیم؟

#### پاسخ

تو در اول سرو جان باختی اندر ره عشقتا خلائق بدانند که فنا شرط بقاست

گر بشکافی هنوز خاک شهیدان عشقآید از آن کشتگان زمزمه دوست دوست

خواهر گرامی، قطعاً شناخت کار عظیم آن عزیزان، و خدمت بزرگی که به ما نمودند، گام نخست است. تا در گامی بعد پاسخی مناسب خدمت ایشان بدهیم.

آنچه واقعاً آن بزرگواران انجام دادند، فتح بزرگ جمهوری اسلامی بود. که به تعبیر رهبر بزرگوار انقلاب، آن فتح این بود که توانست این جوانان را به این مرحله از عظمت و اعتلای روحی برساند، که بتوانند احساس خودباوری کنند، و بایستند، و در مقابل تهاجم عظیم یکپارچه دنیا، از کشور و موجودیتشان، و از اسلام و از تمام حریمهای ارزشهای انسانی و الهی، دفاع کنند.

ایشان به خون خویش هدایت الهی را تبیین کردند، و خویش را در تحقق تجلی اسلام ناب محمدی فانی کردند، و زندگی

واقعی را تعریف کردند.

زنده را زنده نگویند که مرگ از پس اوست بلکه زنده است شهیدی که حیاتش زقفاست

و ارائه طریق نمودند، به هر که رونده این طریق است. یعنی زنده شدن به دم پروردگار. "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ" (۱) (هر کس عمل صالح انجام دهد، از مرد و زن، و او مؤمن باشد، پس او را به حیات پاک و طیب زنده می گردانیم؛ و جزا می دهیم ایشان را، به بهتر از آنچه انجام دادند).

چه عمل صالحی بالاتر از عمل به تکلیف در وقت معینش، قابل تصور و

تصدیق است؟ قرار گرفتن در مرزهای انسانیت، و صیانت از ارزشها در مقابل مظاهر حقیقی کفر و شیطنت، همراه با ایمان، به انسان حیات طیبه می دهد، و انسان را به هوای این حیات زنده می گرداند.

همینگونه است درباره شهیدان راه حق، و شهیدان نازنین انقلاب اسلامی. آنگاه که پای در رکاب تعبد و تولی گذاردند، طلعه حیات طیبه در افق قلوبشان پدیدار گشت، و طلاقنامه دنیا را در سیمای وصینامه هایشان حک کردند.

می بینیم چگونه است که شهیدان امام وار قلوب مؤمنین را نیز به طریقه خویش دعوت می کنند. و چه دینی عظیم تر از اینکه هدایتی صورت گیرد و حق این هدایت و روشنگری، حرکت و التزام رکاب بودن را می طلبد.

از این رو در عرصه تربیت و تعالی در طریقه این بزرگان، توجه خالصانه، و بی شائبه منفعت دنیایی به خداوند، در جهت تقرب به اوست. و معرفت و عمل مجدانه به احکام شریعت، و تخلق به اخلاق انبیاء، و معتقد بودن به باورهای راستین و ایمانی، یعنی میثاق اولین ما با رب متعال، و تجدید این میثاق، به خون شهیدان صورت می گیرد.

و در عرصه اجتماعی، باید دید که امروز دشمنان، از چه طریق می خواهند آن ارزشهایی را که با خون شهدا زنده شده، از ما بگیرند. رهبر انقلاب در این خصوص نیز می گویند که همین اخیراً در یکی از مجلات آمریکایی، سرمقاله ای بوسیله یک نویسنده معروف آمریکایی نوشته شده بود، که خلاصه اش این بود که برای مقابله با کشورهای مثل ایران، ما نمی توانیم از راههای نظامی و اقتصادی عمل کنیم. اینها راههای تجربه شده



و شکست خورده است، از راههای فرهنگی باید وارد بشویم. تصریح هم می کند، می گوید چگونه باید وارد بشویم. و در وسط همان صفحه، عکس کاملاً عریان یک زن را کشیده، و گفته از این طریق. گفته اینها را باید ترویج کنیم، تا بتوانیم بر آنها فائق آییم. راست هم می گوید، راه این است. البته به هول و قوه الهی نمی گذاریم، و نخواهند توانست.

بنابراین اگر می خواهیم راه شهدا در این بُعد، که همان دفاع جانانه از دین و ارزشهای دینی و انقلابی بود، ادامه یابد، امروز نیز در این تهاجم فرهنگی، باید ضمن حفظ خود در مسیر ارزشها، با وسایل و ابزار و سلاح مناسب، در این جبهه تلاش کنیم؛ و با استقامت و راه ندادن ناامیدی، گامهای بلندی برداریم.

و به تعبیر رهبر انقلاب در دیدار با جوانان، که فرمودند: "این کارهایی که جوانان می کنند، اینها کوچک نیست، نه، شما کارتان را خوب انجام دادید؛ اگر صد نفر دیگر مثل شما فکر کنند، اعتلای عظیم، و همان کار بزرگ، اتفاق خواهد افتاد. عین همین مسأله در باب ورزش است، عین همین مسأله در باب درس خواندن و در باب تحقیق است، عین همین مسأله در باب کارهای خاص جوانان است. این، درست مثل روز راهپیمایی است. اگر همه بگویند که حالا- من یک نفر چه تأثیری دارم، این سیل عظیم میلیونی در روز بیست و دوم بهمن، یا در نماز جمعه، راه نمی افتاد. اما هر کسی احساس می کند که تکلیف خودش را دارد انجام می دهد. من می خواهم تأکید و تکرار کنم، که کار تک تک این جوانان

هر جا و در هر زمینه که دارند کار می کنند، در زمینه قرآن، در زمینه معلومات، در زمینه معارف، در حوزه، در دانشگاه، در کتاب نویسی کاری مهم است؛ همان کاری است که انشاء...، کشور را به اعتلاء خواهد رساند."

منابع و مأخذ :

۱. سوره مبارکه نحل/آیه ۹۷

### گاهی در حرم مطهر امام رضا با صدای بوق و طبل مواجه می شویم لطفاً بفرمایید این

#### اشاره

موضوع چه فلسفه ای دارد؟

#### پرسش

گاهی در حرم مطهر امام رضا با صدای بوق و طبل مواجه می شویم لطفاً بفرمایید این

موضوع چه فلسفه ای دارد؟

#### پاسخ

ضمن تقدیر و تشکر از جنابعالی به خاطر بذل توجه به شناخت این موضوع در حرم مطهر ،

باتوجه به سؤال جنابعالی پیرامون شنیدن صدای بوق و طبل لازم به ذکر است این اصوات

از محلی بنام نقاره خانه در قسمت شرقی صحن انقلاب است که به گوش می رسد . بنای

این ایوان توسط شاه عباس صفوی با ارتفاع ۲۶ متر نهاده شده است . بر بلندای آن

ساختمان مجلل و استوار نقاره خانه چشم اعجاب و تحسین زائران رابه خود جلب می کند

وازهمین رو این مکان ایوان نقاره خانه نیز نامبرده می شود .

استفاده از نقاره از زمانهای دور در آستان قدس رضوی مرسوم بوده است اما از چگونگی

وعلل استفاده آن واز چه زمانی بصورت یک سنت درآمده هیچ اطلاعی در دست نیست .

شاید یکی از علل استفاده نقاره از آنجا باشد که در گذشته در کاخها وقصرهای سلاطین

وشاهان استفاده می شده واز آنجا وارد حریم رضوی شده است چراکه حضرت نیز مقام ولایتعهدی رادارا بوده اند وجزء شاهان محسوب می شده اند .

از طرف دیگر به خاطر مقام عظمای حضرتش وابر از جلالت وفخامت لاهوئی که حضرت برتر از تمامی شاهان است این آوای خوش گواهی است برشکوه حرم روحانی اش .

اما آنچه مسلم است درحال حاضر استفاده از نقاره به غیر از ایام محرم و صفر و نیز ایام

سوگواری در تمامی ایام سال در ۲ نوبت ۱۰ دقیقه قبل از طلوع و نیز ۱۰ دقیقه قبل از

غروب خورشید نواخته می شود . علاوه بر این در شب اعیاد بعد از نماز مغرب وعشاء و نیز

روزهای عید

، زمان تحویل سال نو و اعلام عید سعید فطر و نیز سحرهای ماه مبارک

رمضان نقاره نواخته می شود .

لازم به ذکر است تعداد نقاره زنان هفت نفر می باشد ۳ نفر بر طبل می کوبند و ۴ نفر

در شیپور می دمند . گفته می شود که ایشان نام مبارک « رضا » و یا عبارت « مولد رضا (ع) » را در شیپورهای خود می دمند.

**نظر شما در رابطه با اینکه رهبر یک انقلاب دست خود را دراز کنند تا اشخاص آن را ببوسند و بعد از آنهم که نوبت زنان شد حوله روی آن بیندازند تا آنان هم ببوسند آیا این درست است ؟**

**پرسش**

نظر شما در رابطه با اینکه رهبر یک انقلاب دست خود را دراز کنند تا اشخاص آن را ببوسند و بعد از آنهم که نوبت زنان شد حوله روی آن بیندازند تا آنان هم ببوسند آیا این درست است ؟

**پاسخ**

باید عرض کنیم که این رهبر انقلاب نیست که دست خود را دراز می کند بلکه این میلیونها انسان مشتاق هستند که از روی محبت و علاقه و اعتقاد دست خود را به سمت ایشان به نشانه علاقه دراز می کنند و ایشان از روی ادب و محبت پاسخ می دهند نه خدای ناخواسته از روی تکبر که صفت شیطان صفتان است. نه عالمان مهذب و خدا ترس مثل ایشان و اصولاً محبت و ایمان و علاقه به مؤمنان و صالحان از نشانه های ایمان است و آنهم به علمای دین و فقیه جامع الشرایط که به ادله عقلی و نقلی نائب حضرت ولی عصر (عج) هستند ۱- ( جهت اطلاع از این موضوع به کتاب ولایت فقیه امام خمینی (ره) مراجعه نمایید .

۲- شئونات ولایت فقیه ترجمه کتاب بیع ۳

۳- ولایت فقیه آیه الله جوادی آملی و ۰۰۰ را مطالعه بفرمائید .

اصولاً- احترام و خضوع در مقابل پدر و مادر و معلم و انسانهای الهی و علمای ربانی و انبیاء نه اینکه عیب دارد بلکه جزء دستورات و تصریحات قرآنی است (۱) چون احترام به اینها در مسیر خواسته خدای متعال است و اینها بندگان صالح خدا هستند . مگر در نماز سلام به بندگان صالح نمی دهید اصولاً دوستی بندگان صالح و مؤمنان دستور خداست و محبت به علمای ربانی

نشانه ایمان است و توفیق الهی است اگر دوستی و محبت و اطاعت نباشد اشکال دارد و باید ببینیم اشکال کارمان کجاست مگر فرمایش آیه الله حسن زاده آملی را نشنیده اید که فرمودند من در سر کلاس پای استادم آیه الله شعرانی را بوسیدم البته آنها که میل و نیاز به احترام ما ندارند ما وظیفه خودمان می دانیم مگر از امام علی نشنیده اید هر کس چیزی به من یاد بدهد من بنده او هستم برادر عزیز و محترم آیا اگر این علمای دین نبودند. الا اینقدر از منابع الهی و قرآنی و معارف دین در دسترس موجود بود؟ و البته حضرت به ایشان اندازه من و شما وظیفه شرعی خودش را تشخیص می دهد که از روی پارچه خانمها اظهار علاقه می کند و مانعی ندارد و این کار ایشان در انظار میلیونها انسان و دایره علما و مراجع انجام شده است چه اشکال دارد اگر اشکالی می بود قطعاً به ایشان تذکر میدادند و ایشان مجتهد هستند و وظیفه دینی اش را تشخیص می دهد. مگر شما در تفسیر نخوانده اید که این طریق را پیغمبر اسلام (ص) در صدر اسلام در بیعت با بانوان انجام داد (۲)

تکراراً عرض می کنم که قرآن در آیاتی احترام به انبیاء را نشانه عبودیت شمرده است (۳)

و همینجور کسانی که در مسیر اهداف انبیاء و ائمه هستند که می توانند جهت اطلاع بیشتر به منابع حدیثی مراجعه بفرمائید  
والسلام علی عبادالله الصالحین

۱- سوره اسراء آیه ۲۴-۲ تفسیر نمونه ممتحنه آیه ۱۲

۳- بقره ۳۴ و یوسف آیه

ج اول) استفتاء آت ایه الله مکارم شیرازی مسئله ۱۶۰۵ آدرس چندین حدیث را جهت احترام و دست بوسی به عالم دینی و استحباب این موضوع ذکر کرده جهت اطلاع کتاب وسائل الشیعه کتاب حج و جهاد باب عشره ۱۳۲

**آیا روحانیونیکه در اطراف ضریح مقدس امام رضا (ع) یا دراماکن متبر که حرم مشغول روضه خوانی می باشند و عده ای اطراف آنها جمع می شوند کار درستی است یا خیر؟ لطفاً توضیح دهید؟**

### پرسش

آیا روحانیونیکه در اطراف ضریح مقدس امام رضا (ع) یا دراماکن متبر که حرم مشغول روضه خوانی می باشند و عده ای اطراف آنها جمع می شوند کار درستی است یا خیر؟ لطفاً توضیح دهید؟

### پاسخ

دیدگاهها و نظرات متعدد و مختلف است بعضی از مردم از روضه خوانی این آقای روحانی استفاده می کند و خیلی هم خوشحال می شوند و نتیجه هم از این روضه خوانی می گیرند وقتی هم که می خواهند بعد از اتمام روضه خوانی خداحافظی کنند خدمت روحانی می رسند تقدیر و تشکر می نمایند.

ولی بعضی از بزرگواران و سروران این مسئله روضه خوانی را نمی پسندند و شاید نظرشان این باشد که بعضی از بزرگواران که مشغول نماز هستند و یا مشغول دعا می باشند حواس پرتی می آورد و انسان مشغول می شود آنطور که از سکوت و تنهایی با خدا و پیامبر و ائمه اطهار (ع) لذت می برد اینجا که بنظرش می رسد این کار درست نیست پس نتیجه می گیریم: هرکس از دیدگاه خودش به موضوع توجه و نظر می کند اگر دیدگاه مثبت باشد آن موضوع را مثبت تلقی می کند و اگر دیدگاه منفی باشد آن موضوع را هم منفی تلقی می نماید.

اولاً- توجه داشته باشید که اکثر این آقایان روحانی که منظور شماست نمی باشند، بلکه لباس مقدس روحانیت را بقصد ثواب پوشیده اند و در حرم مطهر روضه خوانی می کنند.

حال اگر روضه خواندن آنها مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد و توجه به محتوا و صحت

روضه داشته باشند و توقعی هم نداشته باشند اشکالی ندارد. ر. /

## ۱- چگونه می توانیم راه و هدف شهدا را ادامه دهیم؟

### پرسش

۱- چگونه می توانیم راه و هدف شهدا را ادامه دهیم؟

### پاسخ

جواب :

باهداء سلام و آرزوی توفیق الهی ضمن تشکر از حسن اعتماد شما به این بخش پاسخ سؤال مطرح شده به حضورتان تقدیم می گردد.

تداوم راه شهدا یعنی شناخت و هدف آنها و انگیزه همه شهیدان از سر آغاز خلقت ، بنده خدا بودن و عمل به وظیفه فردی و اجتماعی بوده است . اما به چه طریق در مسیر آنها قرار گیریم ؟

امام علی ؟ فرموده : ((ما المجاهد الشهيد فی سبیل الله باعظم اجراً ممن قدر فعلاً )) اگر می خواهی به درجه شهیدان برسی بلکه شهید واقعی شوی (یعنی کسی بر اثر عمل صالح تمام اعمالش خدایی شود ) عفت پیشه کند و کسانی که با قدرت برگناه. عفت و پاکدامنی پیشه کنند و آلوده نگردند از فرشتگان خواهند شد انسان پاکدامن وقتی در مسیر اطاعت خدا و اولیاء او در خط رهبری عادل باشد خواسته همه شهیدان تاریخ است .

ضمناً چون حضرت امام خمینی (رح) توصیه به تأمل در وصیت شهدا کرده اند چند نمونه را بیان می کنیم .

فرازهایی از وصیت نامه سردار شهید محمد تقی مددی قالیباف :

سلام و درود بر امام امت ، قلب تپنده مسلمین جهان که موجب قیام مسلمین شد . موجب زنده شدن اسلام و دین جدش رسول الله ؟ گردید. سپاس بیکران بر پیکر جماران که همچون جدش حسین قیام نموده و واقعیات را به ما نشان داد . چشم مارا به حقایق روشن و گوشمان را به ندای حق شنوا ساخت و باعث سربلندی اسلام در تمامی جهان گردید . بودند کسانی که انتظار مهدی را می

کشیدند و در راه حق شهید گشتند شهادی که مقاومت ، ایثار ، گذشت و ایمان را به ما آموختند و خود رفتند.

اگر روزی من هم شهید شدم ، گر چه این را در خود نمی بینم ، باید خوشحال باشید که در این زمان ، همچون یاران حسین در دشت کربلای ایران ، از دنیا رفته ام . اما قبل از این چند سخن با شما دارم .

۱- همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به شما ضرری نرسد . ۲- نسبت به همسایگان و مسلمین خوش رفتار و با صداقت عمل کنید

۳- در اجتماعات مسلمین شرکت نموده و از تفرقه و جدایی بپرهیزید . ۴- هیچ گاه خدا را از یاد نبرده و روز قیامت را به خاطر آورید ۵- در برابر ظلم قیام کنید و در برابر حق سرتسلیم فرود آورید . ۶- حجاب اسلامی را رعایت کرده و به احکام دین توجه داشته باشید ۷- استغفار و دعا را از یاد نبرده که بهترین تسکین برای درمان دردهاست و همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید.

۸- هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند که اگر چنین کردند روز بد بختی مسلمانان و روز جشن ابر قدرتهاست . ۹- در کارهای امام و کارهایشان بیشتر دقیق شوید و سعی کنید خود را با او هماهنگ کنید و تسلیم او باشید و بزرگی و عظمتش را در یابید و پاکی و دوستی و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید . باشد که شهدا و مظلومیتهشان ، افرادی را که ولایت فقیه را تکذیب می کنند و پیرو راه سرخ



امام خمینی نیستند به خود آورد و به رحمت الهی سوقشان دهد مرا خواهید بخشید زیرا شما بر تمامی مسائل آگاهید . از همه طلب عفو و بخشش دارم .

فراز هایی از وصیت نامه فرمانده شهید عبدالحسین برونسی :

ای جوانها، ای انسانها! به این قرآن توجه بکنید که با ما چقدر دارد روشن حرف می زند و به روشنی به ما بیان می کند بیاید تجارت در راه خدا کنید و از این تجارت چهار روز دنیا دست بکشید ((ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم و اموالهم وان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعداً علیه حقاً فی التوریه والانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشر بیعکم الذی بايعتم به و ذالک هو الغفور العظیم)) چه معامله ای بالا- تر از این که خدا خریدارش باشد توجه نمی کنید . تجارت چهار روز دنیا هر چند هم که مال جمع کنید ولی اگر در راه او مصرف نکنید در راه خدا (( ایحسب ان ماله اخلده کلاً لینبذن فی الحطمه )) این مال شما را به اخلده نمی اندازد و این بهترین تجارت در راه خداست . خدا جان شما و اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده است . آخر چرا به طرف جهنم پیش می روید من متحیرم از کسانی که این تجارت پر بها را رها کرده اند و به تجارت جهنمی خود پیوسته اند . این قرآنی که چندین سال است در غریبی مانده است او را زنده کنیم و سر مشق زندگیمان قرار دهیم و ما خودمان را نجات دهیم و آن انسانیتی

که خدا برای ما خلق کرده است و ما را با بهترین اندام و قواره خلق کرده ((و لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم)) را به اثبات برسانیم نه اینکه به دست خودمان ، خودمان را به اسفل السافلین بفرستیم . خیلی این بد است و این ((شجره من زقوم)) است این درختی که در جهنم است خود انسان است که این درخت را برای خودش پر بار می کند . ما باید از این درخت دوری کنیم و به رحمت خدا بییونددیم.

فراز هایی از وصیت نامه شهید محمد تقی رضوی:

با درود و سلام به پیشگاه امام زمان (عج) و امام خمینی و امت شهید پرور اسلام اول از همه از خداوند متعال میخواهم این بنده نا فرمان را به عظمت و جلالش ببخشد و بیامرزد که بسیار بار گناهم بر دوشم سنگینی دارد و تحمل عذاب جهنم را ندارم هر چند که نسبت به دستوراتش کوتاهی و سهل انگاری کرده ام و از این بابت کلاً شرمنده و پشیمانم و به درگاه پر رحمت و شفقتش توبه میکنم و از همه بندگان پاک و منزّه خداوند طلب شفاعت دارم دوم از تمامی کسانی که این بنده حقیر و سر تا پا گناه را می شناسند طلب عفو و بخشش می نمایم . سوم به همه امت اسلامی عرض می کنم که قدر این اسلام و انقلاب و امام و مسئولی نظام جمهوری اسلامی را بدانند و برای نشان دادن این قدر شناسی تا جایی که می توانند خدمت کنند و سختی ها و ناراحتی ها را تحمل کرده و در جهت پیشبرد انقلاب بکوشند

و به مسئولین عرض می‌کنم که در رأس همه کارهایشان خدمت به مظلومان را قرار دهند که همین‌ها هستند که جبهه‌ها را گرم نگه داشته‌اند و هر روزه خون می‌دهند که نهال انقلاب بارور شود و اسلام به پیروزی برسد.

برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به کتابهای :

۱- جرعه عطش (خدیجه ابول‌اولا) ۲- رژان ( سرهنگ دوم پاسدار سید هادی هاشم زاده هاشمی )

۳- نبرد آلوآتان ( سرگرد پاسدار سید سعید موسوی) ۴- مانا ( طیبه دل‌قندی )

## ۲- «شیخ» و «آخوند» به چه معناست ؟

### اشاره

۳- چرا سمتهای کلیدی را به شیخها می‌دهند ؟

### پرسش

۲- «شیخ» و «آخوند» به چه معناست ؟

۳- چرا سمتهای کلیدی را به شیخها می‌دهند ؟

### پاسخ

ج ۲- «شیخ» به معنای مرد پیر و مرد بزرگ و دانشمند ، شخص بزرگوار ، رئیس طایفه است . و «آخوند» به معنای ملا ، معلم ، عالم ، روحانی ، اعضا و پیشوای مذهبی ( ۱ ) و مرتبه آخوند از شیخ بالاتر است.

ج ۳- برای پاسخ به این سؤال باید باز گردیم به آغاز شکل‌گیری انقلاب و نظریات امام خمینی « رحمه الله علیه » راجع به حکومت اسلامی . تأسیس انقلاب اسلامی سبب شد تا بر اساس یک همسویی ائدئولوژیک روحانیون که از دیر باز دارای نفوذ قابل توجهی بوده‌اند از جایگاه ویژه‌ای در میان نظام سیاسی برخوردار شوند ، این توجه و عنایت حکومت فرصت‌های مطلوبی را در اختیار آنان قرار داده است تا بتوانند با تأثیر در فرآیند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری ارزشهای اسلامی را وارد نظام سیاسی کنند .

امام خمینی « ره » در پاریس در پاسخ به این سؤال که نقش روحانیون در حکومت اسلامی چگونه خواهد بود فرمودند :

«روحانیون در حکومت آینده نقش ارشاد و هدایت دولت را دارا می‌باشند ( ۲ ) همچنین ایشان یکسال پس از پیروزی انقلاب ، با همان اعتقاد سابق و در پاسخ به پرسش مشابه نقش روحانیت را نه در درون دولت و نه خارج از دولت معرفی می‌کنند . بلکه نقش روحانیت را همان هدایت و نظارت بر اعمال دولت می‌دانند . اما حوادث و تحولات بعدی ، ضرورت فعالیت

روحانیون را در بخش های مختلف ساختمان حکومت نشان داد زمانی

که مهندس بازرگان نخست وزیر شد تجربه نخست وزیری وی نحوه نگرش امام به این قضیه را تغییر داد. امام بعد از نخست وزیری بازرگان فرمودند: «ما تجربه کردیم و دیدیم که اشخاص که در رأس واقع شدند و از روحانیون نبودند در عین حالی که بعضی شان متدین بودند از باب اینکه آن راهی که ما می خواهیم برویم ... با سلیقه آنها موافق نبود ..... ما آن روز خیال می کردیم که در این قشر های تحصیلی کرده و متدین و صاحب افکار، افرادی هستند که بتوانند این مملکت را به آن جوری که خدا می خواهد ببرند؛ آن طور اداره کنند. وقتی دیدیم که نه، ما اشتباه کردیم ..... (۳)

بنا بر این، تعبیر دخالت در سیاست، نزد روحانیت، مفهومی فراتر از نظارت و ارشاد یافت و در سیاستگذاری و اجرا نیز، نقشهای گسترده ای را بر عهده گرفتند.

بنی صدر با خیانت های بزرگی که در حق ملت ایران به خصوص رزمندگان اسلام در جبهه نبرد کرد. امام «راحل» را مصمم کرد که پست های کلیدی را به افرادی بسیارند که مورد اطمینان باشند، حال روحانی باشد یا غیر روحانی فرقی نمی کرد، آنچه مهم بود اعتقاد به اسلام و کفر ستیزی و مبارزه با ظلم بود که طبیعتاً روحانیت تعهد و اخلاص خود را بیشتر نشان داد.

### آیا به مدهایی که در جامعه هست باید عمل کرد؟

#### پرسش

آیا به مدهایی که در جامعه هست باید عمل کرد؟

#### پاسخ

برای انسان مؤمن و معتقد به اسلام، مد معنا ندارد و هر موردی که پیروی از این رسوم، باعث ترک واجب یا انجام کار حرام بشود، مسلماً گناه کرده است. و نباید به آن اعتنا کند.

### تهیه جهیزیه بر عهده چه کسی است؟

#### پرسش

تهیه جهیزیه بر عهده چه کسی است؟

#### پاسخ

تهیه جهیزیه از اموری است که به عرف هر جامعه بستگی دارد و این که اسلام در این باره نظر خاصی داشته باشد مابا آن برخورد نکرده ایم. فقط آنچه هست جریان ازدواج حضرت امیر(ع) و حضرت فاطمه(س) است که به نقلی در جریان خواستگاری حضرت رسول(ص) به حضرت امیر(ع) امر فرمودند که زره خود را کابین فاطمه(ص) قرار بده و بعد آن را که ۵۰۰ درهم ارزش داشت فروختند و بهای آن را خدمت پیامبر(ص) آوردند.

رسول گرامی اسلام(ص) مقداری از آن را به بلال دادند و فرمودند با این پول برای دخترم بوی خوش بخر و باقیمانده را به بعض اصحاب سپردند و فرمودند آنچه را دخترم بدان نیازمند است آماده ساز که فهرست جهیزیه حضرت در امالی شیخ طوسی(ره) مذکور است.

## چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

### پرسش

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

### پاسخ

اسلام با ظهور خود فرهنگ نوینی را به بشریت ارزانی داشت و با طرح مفاهیم جدید، بینش انسان ها را دگرگون ساخت، این مفاهیم که از مجرای وحی و سنت رسول خدا(ص) که ترجمان حقیقی وحی بود، نازل شد و با عمل و رفتار مؤمنان در شبه جزیره عربستان بسط یافت، بنیان های تکوین یک امت واحد جهانی را فراهم آورد.

قرآن شریف، سفارش های مکرری نسبت به اندیشیدن و تمیز درست از نادرست دارد و این سفارش ها کاملاً منطقی است. این کتاب عظیم چنان که عقل را راهنمای انسان میداند، از فرد بشر می خواهد تا حکمت و رشد خود را گسترش دهد [در این باب نگاه: تفکر از دیدگاه اسلام عباس محمود عقاد، ترجمه محمدرضا عطائی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول ۱۳۷۱ش، صص ۲۶ - ۹]. همچنین در این کتاب بی نظیر آموزه هایی وجود دارد که سمت و سوی حرکت آدمی را به کلی دگرگون ساخته است. آموزه هایی در باب اخلاق، خداشناسی، انسان شناسی، جهان شناسی، تاریخ و... حضرت رسول(ص) با سیره عملی و گفتار زبانی و بعد از او ائمه(ع) کوشش کردند تا این آموزه ها را به طور صحیح و درست برای ما تفسیر نمایند، هر چند به دلایلی نشد آنچه را که حق این کتاب بود به بشریت ارزانی دارند.

اما باید به این نکته توجه داشت که هدف اصلی و اولی قرآن شریف کدام یک از این آموزه ها بوده است، آیا علاوه بر طرح مسائلی چون خداشناسی، انسان شناسی، راهنماشناسی و اخلاق، مواردی چون جهان شناسی به معنی شناخت جهان و طبیعت مانند فیزیک، گیاه شناسی، زمین شناسی، ستاره شناسی و در

یک کلام دانش تجربی نیز مد نظرو حی بوده است تا ما انتظار داشته باشیم که چنین قضایایی نیز در قرآن طرح شده باشد؟!

به نظر می رسد قرآن کتاب انسان سازی است تا آنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی یعنی تقرب به خدای متعال نیاز دارد به او بیاموزد. بر این اساس آموزه هایی که در ارتباط مستقیم با این مسأله بوده اند مورد اهتمام آیات قرآن اند؛ یعنی در باب خداشناسی، انسان شناسی، معادشناسی، راهنماشناسی، اخلاق و احکام عبادی.

اما در باب جهان، طبیعت و مسائل فیزیکی و جسمانی بدن، قرآن به طور استطرادی و تطفلی بحث کرده است و شاید هیچ آیه ای را نیابیم که مستقلاً و مستقیماً به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان ها و زمین پرداخته باشد.

در برخی موارد، گفت و گو از آفرینش جهان و انواع آفریده ها برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی اوست به عظمت الهی و سترگی حکمت هایی که خدا در آفرینش به کار برده است. در پاره ای مواضع نعمت های خدا در آسمان و زمین به تفصیل یادآوری شده است تا انگیزه ای باشد برای شکر و حق شناسی، و در همه جا ممکن است این هدف مد نظر باشد که انسان با نگرش به عالم از آن جهت که آفریده خدا و در چنبره تدبیر اوست، معرفت فطری و شناخت حضور یخود را شکوفایی دهد و شدت و نیروی بیشتری بخشد [معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه در راه حق قم، چاپ اول ۱۳۶۷ ش، ج ۱، صص ۲۲۶ - ۲۲۵].

با توجه به این نکته، در پاسخ به پرسش شما خاطرنشان می شویم که اگر مقصود شما از نظریات قرآن در باب آموزه هایی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن است، بله در این جهت ما باید

کوشش کنیم تا آموزه های قرآنی را محور نظریات علمی خود قرار دهیم و از آنها سود جوئیم، به راستی ما در انسان شناسی و اخلاق و حتی مباحث خداشناسی، راهنماشناسی و معادشناسی هنوز مطالب ناگفته بسیاری در قرآن داریم که با استخراج و انتظام منطقی آنها می توانیم مسائل جدیدی را در این ساحت ها به جهان بشریت عرضه کنیم.

اما اگر منظور شما آموزه هایی در ساحت دانش تجربی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن نبوده و در این مورد تنها به ذکر کلیاتی استطرادی اکتفا شده است، به نظر ما نباید تلاش بیهوده ای را آغاز کنیم، چنان که برخی چون رشید رضا در تفسیر «المنار» و طنطاوی در تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن» کوشش کردند که بسیاری از مسائل علمی را با آیات قرآن تطبیق دهند. زیرا از آن جا که این آیات جنبه استطرادی داشته، در هیچ زمینه، هیچ گاه به بحثهای تفصیلی در این باب پرداخته بلکه به همان اندازه که هدف قرآن در هدایت مردم تأمین می شده بسنده کرده است، به همین جهت برخلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات غالباً دارای ابهام هایی است و کمتر می توانیم نظر قطعی در این مورد به قرآن نسبت دهیم [برای آگاهی بیشتر نگاه: همان، صص ۲۳۲ - ۲۲۸].

در اینجا تذکر چند نکته لازم و ضروری است:

۱- هر چند قرآن به دانش تجربی چنان که توضیحش گذشت پرداخته است ولی با لحن خاصی انسان را تشویق و ترغیب نموده است که در این باب به کند و کاو و جستجو و کشف عالم طبیعت بپردازد [نگاه: اعراف، آیه ۱۸۵؛ غاشیه، آیه ۲۰ - ۱۷؛ بقره، آیه ۱۶۴ و...] ۲- خداوند حجت باطنی به عنوان عقل برای انسان قرار داده



است تا در پرتو آن بشر خود دست به خلاقیت زده و با استفاده از آن مجهولات جهان طبیعت را کشف نماید. در حقیقت این موضوع به انسان واگذار شده است. از این رودر این باب باید از عقول دیگران و تجارب آنها سود جوید.

۳- علوم اسلامی همچون تفسیر، فقه، اصول، حدیث، نحو، بلاغت، تاریخ، اخلاق، فلسفه و کلام هر چند در پرتو هدایت های رسول خدا(ص) و پایه گذاری حضرت علی(ع) پدید آمد ولی بسط و تسدید آن توسط انسان صورت گرفت و آدمی با عقل خود آن را توسعه بخشید. بنابراین علوم غیراسلامی نیز می تواند با خود آدمی رشد و بالندگی خود را به دست آورد [در این باب نگاه: ظهور شیعه، علامه سید محمد حسین طباطبایی، انتشارات فقیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش، صص ۴۴-۳۳].

۴- تطفلی و استطرادی بودن برخی از آموزه های قرآنی در باب دانش تجربی به این معنا نیست که آنها پندارهای خیالی اند که برای ارائه یک پیام ارزشی ساخته و پرداخته شده باشند. حاشا و کلا که چنین باشد. گزارش های وحی از خلقت آسمان و زمین کلام خداوندی است که بهتر و برتر از همگان به اسرار خلقت و چگونگی آفرینش آگاه است. مقصود آن بود که قرآن در پی تبیین چنین آموزه هایی نبوده است و از این رو این سلسله آیات با ابهام مطرح شده است. در واقع با این سلسله آیات، خداوند آدمی را تحریک و تشویق و ترغیب نموده است تا با استمداد از عقل خود به کشف رازهای مجهول آن نایل آید.

۵- ناگفته نماند که نگاه دینی قرآن به طبیعت و تاریخ از یک امتیاز عمده نسبت به نگاه مفسران مادی طبیعت برخوردار است؛ زیرا قرآن

همراه با طرح این مسائل، به علت فاعلی و غایی حوادث طبیعی و تاریخی نیز توجهی دهد و در نتیجه علوم طبیعی و اجتماعی را با دو بال «هو الاول» و «هو الاخر» تا اوج گاه مبدأ و معاد پرواز می دهد [شریعت در آئینه معرفت، آیت الله عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲، صص ۱۶۶ - ۱۶۴].

به هر روی ما باید در برخی آموزه های قرآنی که اهتمام اولی به آن شده است، نظریات آن را استخراج کرده و بهجهانیان عرضه نماییم ولی در بعضی از دانش ها چون دانش تجربی و تاریخی باید با استمداد از عقل بشری و تبادلآراء و افکار، از دیدگاه دانشمندان در کشف مجهولات خویش استفاده نماییم. [J

**من شهدا را خیلی دوست دارم و دلم می خواهد کاری که در رابطه با شهدا باشد انجام دهم می خواهم برای شهدا کار کنم می خواهم با آنها بیشتر آشنا شوم ولی نمی دانم از کجا و چگونه آغاز کنم مرا راهنمایی کنید.**

### پرسش

من شهدا را خیلی دوست دارم و دلم می خواهد کاری که در رابطه با شهدا باشد انجام دهم می خواهم برای شهدا کار کنم می خواهم با آنها بیشتر آشنا شوم ولی نمی دانم از کجا و چگونه آغاز کنم مرا راهنمایی کنید.

### پاسخ

برای آشنایی بیشتر با شهدا، مطالعه زندگی نامه و سخنان و بیان هدف آنها از زبان خودشان و یا همسنگران آنها راه مناسب و مفیدی است. آگاهی از انگیزه ها و اهداف عالی آنها و پی بردن به روحیه ایثارگرانه و شجاعت و مردانگی و صبر و استقامت آنها در راه دفاع از اسلام و میهن اسلامی و پیروی آنان از روش و سیره و برنامه سیدالشهدا(ع) ما را به آنها نزدیک می سازد و با حال و هوا و بینش و اندیشه و اخلاق و رفتار و ارزش های آنها مأنوس و آشنا می سازد. زیارت قبور پاک شهدا و رفتن به گلزار شهدا علاوه بر ترویج مرام و هدف شهدا و فرهنگ ایثار و شهادت موجب ارتباط روحی و انس و الفت بیشتر با آنان می گردد و باعث می شود نام شهدا و راه و رسم آنان به فراموشی سپرده نشود.

شرکت در مراسم سالگرد شهدا و نیز مراسم تشییع شهدای گمنام و شهدایی که بدن پاکشان پس از سال ها از زیر خاک های جبهه پیدا می شود راه دیگری برای آشنایی و پیوند با آنها و نوعی تجدید عهد و پیمان بستن با شهدا و ادامه راه پاک آن صالحان و شایستگان است.

بالاترین خدمت به شهدا کمک به تحقق اهداف مقدس آنان است. آنان همه هستی و سرمایه

و جان ارزشمند خویش را در راه اعتلای اسلام و پیاده شدن احکام قرآن و دین فدا کردند و در نزد آنان چیزی مهمتر و عالی تر از حاکمیت دین خدا و استقرار جمهوری اسلامی که تحقق بخش احکام الهی و نمایانگر ظهور دین در عرصه زندگی مردم مسلمان است نمی باشد. دفاع از جمهوری اسلامی و تقویت بنیان های این نظام مقدس که خونهای شهدای ایثارگر و حماسه آفرین است به هر صورت ممکن و اعتبار بخشیدن به آن به وسیله شرکت در راهپیمایی ها و نمازهای جمعه و جماعت و صحنه های دفاع از نظام و مشروعیت آن در واقع خدمت به شهدا و بزرگداشت نام و یاد و هدف آنها می باشد. کوشش در جنبه های علمی و فعالیت های تحقیقی و کسب افتخارات برای جمهوری اسلامی و هر نوع کاری که باعث سربلندی نظام مقدس و معرفی انقلاب اسلامی به مردم سایر ملت ها باشد، عینیت بخشیدن به خواسته شهدا است. رفع نیازهای عاطفی و روحی و گاه نیازهای مادی خانواده های سرافراز شهیدان و بازدید از خانواده آنها و ارتباط با آنها و رسیدگی به وضع آنها و به ویژه توجه خاص به وضعیت فرزندان پرافتخار آنان، راهی دیگر برای خدمت به این عزیزان است. فعالیت در جهت رشد فرهنگی و علمی و اخلاقی فرزندان شهدا و تعلیم و تربیت آنها در محیط های آموزشی و نیز محیط های اجتماعی بالاترین خدمت به شهیدان پرافتخار است. درست منعکس ساختن ایثار و رشادت و اخلاص شهدا در قالب های فیلم و عکس و شعر و خاطره و زنده نگه داشتن

روحیه ایثار و شهادت در فضای سرزمین اسلامی به هر مقدار و به هر صورت ممکن از راه های خدمت به این راست قامتان تاریخ است.

### با وجود مراکز خیریه حکم کمک به متکدیان و نیازمندان چگونه است ؟

#### پرسش

با وجود مراکز خیریه حکم کمک به متکدیان و نیازمندان چگونه است ؟

#### پاسخ

دانشجوی گرامی برادر امیر پورعظیما

سلام علیکم

سلامتی، سعادت و موفقیت شما را از درگاه ایزد منان خواستاریم

تکدی از نظر اسلام حرام است و دادن صدقات واجب (مثل سهم سادات و زکات) به کسانی که گدایی می کنند، جایز نیست؛ اما صدقات مستحبی در صورت اطمینان به استحقاق شخص خوب است. در هر صورت بهتر است امروزه برای دادن صدقات، از همان کمیته امداد و صندوق هایی که این نهاد برای جمع آوری صدقات اختصاص داده است، استفاده شود.

در هر صورت اگر در بین خویشان و دوستان خود و یا اهل محل کسی را مستحق می دانید، از کمک به او دریغ نکنید.

### چرا در تعزیه خوانی از طبل استفاده می شود؟

#### پرسش

چرا در تعزیه خوانی از طبل استفاده می شود؟

#### پاسخ

طبل و سنج و آلاتی که در تعزیه خوانی مورد استفاده قرار می گیرند، صرفاً "برای افزایش احساسات مردم و پیوستن افراد به عزاداران است . به کار بردن ابزارهای مورد استفاده در جنگ (طبل و سنج و...) در مراسم تعزیه و عزاداری شاید برای ایجاد نظم و ترتیب باشد چنان که این ابزار در جنگ برای نظم لشکر و تهییج آن استفاده می شود. دوستداران اهل بیت (ع) می کوشیدند تا مراسم سوگواری خامس آل عبا را با شکوه و ابهت هر چه افزون تر برپا کنند؛ لذا در عهد صفویه ، این گونه مراسم رونق فزاینده ای یافت و برای افزایش هیجان مردم و پیوستن افراد به جمعیت عزادار، طبل و سنج رایج گشت ، (مجله مبلغان ، شماره ۱۵، ص ۶۶). برای آگاهی بیشتر ر.ک : رسول جعفریان ، صفویه از ظهور تا زوال ، انتشارات کانون اندیشه

## با توجه به فرمایشات حضرت علی (ع) لقب معظم برای رهبر انقلاب نوعی مدح نیست ؟

### پرسش

با توجه به فرمایشات حضرت علی (ع) لقب معظم برای رهبر انقلاب نوعی مدح نیست ؟

### پاسخ

در پاسخ این سؤال به اختصار می توان گفت که مهمترین آفت رهبران و نظام سیاسی که از عوامل عقب ماندگی و انحطاط بسیاری از جوامع بشری است رواج روحیه تملق و چاپلوسی است، این پدیده زشت، اثرات مخرب بر نظام سیاسی، نخبگان سیاسی و شخصیت اخلاقی مردم بر جای می گذارد. در چنین جامعه ای، انسان ها تحقیر می شوند و گوهر عزت آن ها به تاراج رفته، عرصه بر افراد شایسته تنگ می شود و میدان برای افراد بی لیاقت باز می گردد. جامعه به جامعه ای ظالم پرور تبدیل شده، نخبگان سیاسی آن هیچ گاه واقعیت ها را درک نخواهند کرد؛ زیرا شخصیت خود را بسیاری بالاتر از آنچه هست، می بینند و کارهای خود را بسیار بالاتر و مهم تر از آنچه هست می پندارند. به تدریج احساس می کنند که واقعا بالاتر از همه اند و این باور در آن ها به وجود می آید که همه باید در مقابل آنان «بله قربان گو» و دست به سینه باشند. یکبار برنامه های مهم امام علی(ع)، بازگرداندن شخصیت انسانی افراد و عزت نفس آنان بود. امام(ع) تحمل نمی کرد که حتی یک فرد عادی، در مقابل رهبر، دست به سینه ایستد، سخنی بگوید که موجب تحقیر خود، یا بزرگ شماری متملقانه گردد.. هدف امام(ع) ساختن جامعه ای متشکل از انسان هایی عزت مند بود، تا در مقابل هیچ مقامی احساس حقارت نکرده، سر فرود نیاورند؛ مردمی که با منطقی با پدیده ها برخورد کنند و از گفتن سخنان حق نزد فرمانروایان خود هر چند تلخ ابایی نداشته باشند؛ پذیرای هیچ ظلمی نشوند و نخبگان سیاسی خطاکار را

به پای میز محاکمه بکشانند. بررسی سخنان و سیره امام علی(ع) نشان می دهد که آن حضرت مطلقاً احترام به رهبر را منع نفرموده بود، بلکه مدح و ستایش چاپلوسانه را مردود می دانست؛ چنان که آن حضرت بعد از آن که مردی در حین سخنرانی حضرت، او را ستود و درود فراوان بر او فرستاد، فرمودند: فلا تکلمونی بما تکلم به الجباره ؛ آن گونه که سرکشان را مدح می کنید، با من سخن مگویید {M}، (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

امیرالمؤمنین(ع) خطاب به مالک اشتر می فرماید: «... و پرهیز از خود پسندیدن و به خود پسندی مطمئن بودن و ستایش را دوست داشتن، که این ها از بهترین فرصت های شیطان است، تا بتازد و کرده های نیکوکاران را نابود سازد.»، (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۳۴۰).

مهمترین دلیل بر این آن حضرت مطلقاً احترام به رهبر را منع نفرمودند، عناوینی است که یاران آن حضرت برای خطاب آن حضرت یا در مکاتبه با ایشان<sup>۱</sup> به کار می بردند؛ مانند: «امیرالمؤمنین» که در موارد متعدد نقل شده است، از جمله آن حضرت در نامه ۴۵ می فرماید: أفتع من نفسی بأن یقال هذا امیرالمؤمنین و...؛ آیا بدین بسنده کنم که مرا امیرمؤمنان گویند و... {M} در نامه ای به اهل کوفه می نویسند: منعبدالله علی امیرالمؤمنین الی اهل الکوفه...؛ از بنده خدا، علی امیرمؤمنان، به مردم کوفه که در میان انصار پایه ای ارجمند دارید و درعرب مقامی بلند!... پس به سوی امیر خود بشتابید. {M}، (نهج البلاغه، نامه ۱). بنابراین، امام علی(ع) عناوینی را که ستایش چاپلوسانه نباشد و آثار زیانبار فردی و اجتماعی نداشته باشد، منع نفرموده، خود نیز به کار برده است.

با توجه به دلیل منع امام علی(ع) از مدح و ستایش،

این نکته مشخص می شود که استعمالِ وصفِ «معظم» برای مقام رهبری شامل منع حضرت(ع) نمی شود؛ زیرا ستایش چالوسانه نیست و خصوصیات مدح منفی در آن نیست؛ بلکه، خطاب محترمانه مقام رهبری است، چنان...U...درباره امام علی(ع) «ام...льреї...خطاب می کردند. ضمناً، الفاظی از قبیل «عظمی» که مترادف با لفظ «معظم»، باشند نیز برای مراجع تقلید در آیت العظمی استعمال می شود و هیچ صبغه مدح ناشایست ندارد؛ بلکه نوعی توقیر و احترام معنوی است که در سنت اسلامی دارای مورد تأکید می باشد. در روایتی از امام علی(ع) آمده است: مَنْ وَقَرَ عَالِماً فَقَدْ وَقَرَ اللَّهَ ؛ کسی که عالمی را احترام کند، خدا را احترام کرده است {M}، (غرر الحکم، ص ۴۷، توقیر العلماء، حدیث ۲۱۸). {J}

### علت استفاده از واژه هایی نظیر آیت الله و... در بین علمای شیعه چیست ؟

#### پرسش

علت استفاده از واژه هایی نظیر آیت الله و... در بین علمای شیعه چیست ؟

#### پاسخ

اکثر علمای شیعه نام خودشان را در کنار عباراتی چون اقل العباد، حقیر، احقر العباد و غیره می آورند و عده ای از ترس ریا از همین مقدار هم دوری کرده و نام معمولی خودشان را ذکر می کنند و این خود بیانگر تواضع و فروتنی آنها است که اول نشانه عالم بودن است انما یخشی الله من عباده العلماء، (فاطر، آیه ۲۸).

ضمناً علاوه بر رسمی که در بین علمای شیعه وجود دارد، در بین سایر ادیان و مذاهب هم برای رهبران دینی القاب و عناوینی وجود دارد مانند مولوی در اهل تسنن یا پاپ در مسیحیت و عموماً در تمامی موارد علاقه مندان به رهبران مذهبی و دینی از آنها به نیکی یاد می کنند.

اما لفظ «آیت الله» همان طور که گفته اید عنوان بسیار بزرگی است و بدانید که از بی نهایت کوچک ها تا بی نهایت بزرگ ها همه از آیات الهی هستند ولی از آن جا که در رفتار بزرگان، رهبران مذهبی، نشانه های آشکاری از ارتباط با خداوند وجود دارد و از برجستگی ویژه ای برخوردارند، این عناوین سزاوار آنان می باشد. {J}

### برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهاد می کنید؟

#### پرسش

برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهاد می کنید؟

#### پاسخ

دانشجوی گرامی ما نیز در وجود بعضی آداب و رسوم بی جا و دست و پا گیر و مشکل ساز رنج می بریم و معتقدیم که

بسیاری از جوانان با چنین مشکلاتی مواجه هستند. اما سؤال اینجاست که این آداب و رسوم از کجا وارد جامعه ما شده است؟ پاسخ به این سؤال نیاز به یکتحلیل جامعه شناختی و روانشناختی دارد. معمولاً سنتها و آداب و رسوم اعم از مثبت و منفی بدون پذیرش اجتماعی نمی تواند وارد یک فرهنگ شود و مقبولیت عامه پیدا کند. سؤال دیگری که مطرح می شود اینست که چگونه این سنت ها و آداب و رسوم مورد پذیرش عموم قرار می گیرد؟! به طور قطع عوامل گوناگونی دست بدست هم می دهد و شرایطی را بوجود می آورد تا اینکه مردم یک قانون یا سنتی را بپذیرند و بعد از پذیرفتن به آن عمل نمایند و سپس آن عمل را تکرار کنند تا اینکه کم کم جزء فرهنگ عمومی جامعه شود. یکی از مهمترین عوامل مؤثر در پذیرش عمومی آداب و رسوم غلط ضعف فکری، علمی و اعتقادی جامعه است به عبارت دیگر اگر مردمی اهل تفکر و اندیشه باشند و از نظر اعتقادی، باورهای دینی به صورت عمیق در آنها رسوخ کرده باشد قطعاً آسیب پذیری آنها در مقابل تهاجم سنت های غلط که از بیرون یادرون آن جامعه القاء می شود کاهش پیدا می کند و حاضر نیستند بدون دلیل هر فکر القاء شده ای را به پذیرند بلکه مقاومت می کنند اما اگر به هر دلیلی مردم یک جامعه ای قدرت تفکرشان ضعیف و



باورهای دینی کم رنگ باشد آسیب پذیری فرهنگی آن بیشتر و بیشتر می شود و نه تنها در مقابل القاءات فرهنگی غلط مقاومت نمی کنند بلکه خود در ترویج و گسترش آن از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند. بنابراین اگر ما بخواهیم از این آداب و رسوم غلط و دست و پا گیر رهایی پیدا کنیم، باید دامن همت به کمر زده و به اندازه توان و وسع خود کار فرهنگی را شروع کنیم و به خودمان تلقین نکنیم که یک دست بی صدا است یا اینکه با یک گل بهار نمی شود. این مطالب نیز در واقع تلقینات همان کسانی است که سودجویی خودشان را در منفعل بودن مردم می دانند و یا اینکه به صورت ناآگاهانه با اینگونه القاءات آب به آسیای کسانی می ریزند که از گسترش اینگونه آداب و رسوم بیشترین سود را می برند. آری همه حرکت‌های فرهنگی در آغاز با افراد معدودی شروع شده اما با پشتکار و خستگی ناپذیری بعد از مدتی تبدیل به یک فرهنگ فراگیر شده که سرنوشت یک جامعه و ملتی را تغییر داده است. بنابراین نباید منتظر باشیم بایک توصیه یا نصیحت یا اطلاعیه ای سنت های غلط و آداب و رسوم دست و پا گیر همه تعطیل و برچیده شود بلکه نیاز به کار فرهنگی توأم با عمل دارد و امیدواریم که متصدیان فرهنگی جامعه ما بجای پرداختن به امور بیهوده برای حل مشکلات جوانان در زمینه ازدواج و اشتغال، فکر اساسی بکنند و با کار فرهنگی زمینه حذف یا حداقل کاهش آداب و رسوم غلط را فراهم نمایند.

اما آنچه در مورد ازدواج و همسر آینده خودتان مطرح فرمودید.

دانشجوی محترم: از اینکه شما در خانواده ای زندگی

می کنید که اعضا خانواده حق انتخاب دارند و به آراء و نظرات و سلیق یکدیگر اهمیت می دهند جای بس خرسندی است و از اینکه شما دوست دارید دختر خوبی برای خانواده خود و خانواده همسر آیندتان باشید به شما آفرین می گوئیم و امیدواریم که همانگونه که خود فرموده اید باشید اما توجه به چند نکته برای تصمیم گیری حال و آینده شما بسیار ضروری است:

۱ انسانها از جهات گوناگون فکری، رفتاری، استعدادی، قیافه و عواطف و احساسات با هم متفاوت هستند لذا شما هیچگاه انتظار نداشته باشید که همه مثل شما فکر کنند و عواطف و احساسات آنها مثل شما باشد. البته انسانها با وجود همه تفاوتهایی که دارند قدرت سازگاری و انطباق با دیگران را دارند. بنابراین شما با در نظر گرفتن این تفاوتها همسر آینده خود را انتخاب کن.

۲ در انتخاب همسر آیندتان کمال دقت را به نمائید یعنی بر اساس تحقیق، مشورت و استفاده از تجارب افراد مجرب و دلسوز مانند پدر و مادر اقدام کنید.

۳ بهتر است در زمینه انتخاب همسر بیشتر مطالعه کنید لذا کتاب انتخاب همسر از آقای امینی و کتاب انتخاب همسر آقای علی اکبر مظاهری را معرفی می کنیم و توصیه می نمائیم که حداقل یکی از این دو کتاب را مطالعه بفرمائید.

۴ اگر خواستگاری برای شما آمد نه خیلی خوش بین باشید و نه سوء ظن داشته باشید بلکه همانطوری که در نکته ۲ آمد اساس انتخاب خودتان را بر آگاهی از وضعیت آن پسر بویژه خانواده او، دوستان او و... قرار دهید و بعد از تحقیق و مشورت انتخاب کنید.

۵ در انتخاب همسر خیلی ایده آلی فکر نکنید بالاخره همه انسانها هم

نقاط ضعف و هم نقاط قوت دارند آنچه که مهم است همسر هر کسی باید کفو و همتای او از جهات مختلف باشد بنابراین سعی کنید اگر کسی به خواستگاری شما آمد ببینید آیا از نظر خانوادگی، اخلاقی، اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی به شما نزدیک هستند یا نه، اگر در جهات فوق هم سطح و یا نزدیک به هم بودید آنگاه تصمیم بگیرید.

۶ در این که همسر آینده شما آیا با شما با نیکی رفتار می کند یا نه بستگی به عوامل گوناگونی دارد و از جمله رفتار خود شما نقش تعیین کننده در باز خورد او دارد. وضعیت خانوادگی آنها خیلی مهم است لذا درباره اخلاق خانوادگی ایشان تحقیق بیشتری بنمائید و بعد از تحقیق به خداوند توکل کنید و انتخاب نمائید. و نگران این مسئله نباشید. }J

## مبنای ((عرف جامعه)) چیست و چه معنایی دارد؟

### پرسش

مبنای ((عرف جامعه)) چیست و چه معنایی دارد؟

### پاسخ

یکی از مفاهیم مهم در فقه شیعه، مسأله عرف است که در قانونگذاری اسلامی از نقش و جایگاه مهمی برخوردار است.

۱{T- تعریف عرف: T{ عرف عبارت است از قول، فعل یا ترک فعلی که در همه زمان ها و مکان ها یا در زمان و مکانی خاص در میان مردم رواج یافته و به آن عمل می شود. علامه طباطبایی در تعریف عرف می نویسد: H{العرف هو ما يعرفه عقلاء المجتمع من السنن والسیره الجميله الجاریه بینهم بخلاف ما

ینکره العقل الاجتماعی من الاعمال النادره الشّاده H{M{ کلمه عرف به معنای آن سنن و سیره های جمیل جاری در جامعه است که عقلای جامعه آنها را می شناسند، به خلاف آن اعمال نادر و غیرمرسومی که عقل اجتماعی انکارش می کند (که این گونه اعمال «عرف» نبوده بلکه منکر است) M{.

۲{T- اقسام عرف: T{ عرف را بر چند قسم تقسیم کرده اند:

الف) عرف عام؛ روشن است که بیشتر مردم آن را پذیرفته اند. به بیان دیگر عرف متداول میان گروهی از مردم که جهت جامع صنفی و یا گروهی ندارند مانند عرف افراد یک مملکت یا یک مذهب.

ب) عرف خاص: تلاش است که افراد یک گروه خاص از یک طبقه و یا صنف و یا یک محل معین به آن اعتقاد دارند مانند عرف قاضیان، تجار و صاحبان صنعت.

ج) عرف لفظی: عرفی است که مدلول یک لغت یا عبارت است و گاه غیر از معنای لغوی آن است. به طور مثال کلمه دابّه (در عربی) به معنای جنبده است ولی در میان طوایف خاصی به معنای چهارپایان است.

د) عرف عملی: روشن است که اکثر مردم از آن پیروی می کنند.

به بیان دیگر، قاعده ای است که در مدت طولانی و به طور مستمر در عمل رعایت می شود. مثل سکوت یک دختر در عقد نکاح که دلالت بر قبول عقد نکاح است.

ه) عرف صحیح: روشی است که مردم آن را پذیرفته اند ولی با نصوص شرعی مغایرتی ندارد.

و) عرف فاسد: روشی است که میان مردم رواج دارد اما شارع آن را نمی پذیرد مانند معاملات ربوی.

ز) عرف متشرعه: اموری است که در میان پیروان یکی از ادیان الهی (مثلاً پیروان اسلام) رایج است و افراد در به کارگیری آن از دین خاص تبعیت می کنند مانند الفاظ صلوه، صوم و زکاه.

۳{T- نقش عرف در استنباط احکام: T جایگاه عرف در استنباط احکام شرعی در سه جهت است:

الف) عرف لفظی در فهم ظهورات نقش اساسی دارد: فهم متون دینی مربوط به فهم ظهورات آن متون است. در واقع فهم مراد شارع، از راه ظهورات کلام او به دست می آید. متون فقهی شامل معانی و مفاهیم عرفی بسیاری است که فهم آنها مبتنی بر تفاهمات عرفی است. ظهوری که اهل عرف و محاوره از کلام و سخن می پذیرند اصالت دارد. آنچه در مقام محاوره مهم است ارتکازات اهل محاوره است.

ب) تنقیح موضوع یا تشخیص مصداق برخی از مفاهیم، بر عهده عرف است. به استثنای عبادات (که تعیین حد و مرز آن بر عهده شرع و شارع مقدس است) بسیاری از ابواب فقه را موضوعاتی تشکیل می دهد که ماهیت عرفی دارند. مانند بیع، اجاره، نکاح، هبه، صلح و... تشخیص برخی موضوع های شرعی بر عهده عرف است. در این موارد اگر عرف تغییر کند حکم نیز به تبع آن تغییر

پیدا می کند.

به بیان دیگر اگر صورت ها و شکل های عمل بر اثر عرف تغییر پیدا کند حکم هم تغییر پیدا خواهد کرد. برای مثال بازی با شطرنج قبلاً حرام بوده ولی امروز بنا به فتوای امام خمینی بی اشکال است چرا که قبلاً به عنوان آلت قمار مورد استفاده قرار می گرفته است اما امروزه که از آن به عنوان یک ورزش فکری - نه قمار بازی - استفاده می شود حلال است. همچنین، غنا و موسیقی از جمله مسایلی است که در حرمت آن تردید نیست، اما این که چه چیزی غنا است بر عهده عرف می باشد. چنان که شهید ثانی می گوید:  $H\{الاولی الرجوع فیه الی العرف، فما یسمی فیه غناء یحرم لعدم ورود الشرع ما یضبطه فیکون مرجع الی$

العرف  $M\{H\}$  بهتر است که در تشخیص موضوع غنا به عرف رجوع شود پس هر آنچه که در عرف غنا نامیده می شود حرام است برای این که در دین چیزی برای تشخیص غنا وارد نشده است (چرا که فقط حکم آن را بیان کرده که حرام است)  $M\{$ . بنابراین تشخیص غنا و موسیقی به عرف واگذار شده است.

ج) کشف حکم شرعی در مواردی که نصی وارد نشده بر عهده عرف است: به این معنا که اگر در زمان معصوم (ع) چیزی رواج داشته و تقریر معصوم مؤید آن بوده است مورد پذیرش می باشد، مانند عقد فضولی. با توجه به مباحث یاد شده پیرامون عرف، به این نتیجه می رسیم که در واقع «عرف» نشانه پویایی و رمز بالندگی فقه است و موجب می شود تا اسلام با مقتضیات معقول زمان سازگار باشد. این که اسلام به عرفیات و سیره عقلا توجه کرده، زمینه

حضور خود را در همه عرصه ها و در همه زمان ها و مکان ها فراهم آورده است.

**برای بررسی مد و مطالعاتی از این دست چه کتابهایی را پیشنهاد می کنید.**

### **پرسش**

برای بررسی مد و مطالعاتی از این دست چه کتابهایی را پیشنهاد می کنید.

### **پاسخ (قسمت اول)**

برخی از منابع مطالعاتی در این زمینه عبارتند از:

۱. توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۶

۲. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۸

۳. بحران هویت قومی در ایران، علی الطلائی، ترجمه تورج یار احمدی، نشر شیرازه، ۱۳۸۱

۴. بحران جامعه مدرن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷

۵. بحران دنیای متجدد، رنه گنون، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، مؤسسه انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۲

۶. جوان مسلمان و دنیای متجدد سید حسن نصر

۷. روان شناسی رشد، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

۸. روان شناسی اجتماعی، ژان استوتزل (استاد دانشگاه رنه دکارت پاریس)، ترجمه دکتر علی محمد کاردان

۹. تفسیر قرآن ذیل آیات تقلید مخصوصا تفسیر المیزان، ذیل آیه ۱۷۱، سوره بقره

۱۰. جامعه شناسی کجروی، علی سلیمی و محمد داوری، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

در ذیل گفتگو با دکتر حسن بلخاری در زمینه مدگرایی و مدسازی به نقل از ماهنامه پرسمان، شهریور ۱۳۸۲ آورده می شود.

آقای دکتر! در کوچه و خیابان، هر روز آدم هایی را می بینیم که با روزهای قبل، فرق دارند؛ چه از نظر شکل ظاهری مثل آرایش صورت، مو و نوع لباس و چه از لحاظ نوع رفتار، این پدیده را که کم کم دارد عادی می شود و به تدریج به جزئی از فرهنگ تبدیل می شود، چگونه تعریف و ارزیابی می کنید؟

این امر که اغلب تحت عنوان «مُید» در جامعه از آن یاد می شود، پدیده رایجی است که نه فقط اپیدمی جامعه ما، بلکه گریبان

گیر جامعه مصرف محور جهانی است و در مورد آن، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. گرایش به مد، بیان



گر نوعی تجدید نظرطلبی یا تلاش در جهت نو کردن و تغییر در مسائل مختلف ظاهری زندگی است.

به عبارت دیگر، گرایش وسیع به تغییر و تنوع، بیان گر حرص و نیاز شدید انسان نسبت به ورود به مفاهیم و قلمروهای جدید است. نیازی که جزئی از فطرت انسان ها را شکل می دهد.

این میل به تغییر، به هر صورت، از یک نیاز فطری پرده بر می دارد و در نفس خود، از یک مبنای معرفت شناسی سرچشمه می گیرد و چندان قابل طرد و نفی نیست.

انسان حقیقتاً به دنبال تغییر قالب ها و فرار از کلیشه هاست. بنابراین معنا، «مد» فی نفسه قابلیت رد و طرد پیدا نمی کند؛ بلکه آنچه باید مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، صورت یا مفاهیم یا بسترهایی است که «مد» پیدا می کند و متناسب با این جهات، باید مورد استقبال یا نفی قرار بگیرد.

امروزه شاهد رشد یا به نوعی بروز بیش از پیش مدگرایی هستیم؛ تحلیل شما از منشأ و سیر صعودی این گرایش چیست؟

جهان امروز، دچار یک موج گسترده و قوی اقتصادی شده که محوریت جهان را در دست گرفته و قدرت را به خود اختصاص داده است. ما پیش از ظهور پدیده ای به نام «گلوبالیزیشن» یا جهانی شدن - پیش از دهه ۱۹۸۰ - جهان را به سه بخش - جهان اول، دوم و سوم - تقسیم می کردیم و محور و معیار تقسیم جهان، مدرنیته یا مدرنیزاسیون بود؛ یعنی هر کشوری که به معیارهای مدرنیته نزدیک تر می شد، در واقع به جهان دوم یا اول نزدیک می شد. جوهر مدرنیته، عقل گرایی و توسعه انسانی بود.

بعد از اوج گیری جهانی شدن، به ویژه

در قلمرو اقتصاد، تقسیم بندی قبلی چندان اعتباری ندارد و جهان به دو قطب شمال، یعنی قطب ثروت و قدرت و جنوب، یعنی قطب فقر و ضعف تقسیم شده است. به این ترتیب ما وارد فضای جدیدی شده ایم که معیار عمل آن، ثروت و قدرت است.

وقتی بنای تقسیم جهان، ثروت و قدرت شد، کسانی که پرونده این فضای قدرت و ثروتند، به دنبال سلطه بر تمام عواملی هستند که می تواند بر افکار عمومی تأثیر بگذارد؛ یعنی این قدرت و ثروت، هنگامی پا بر جا می ماند که با سلطه بر عواملی، تحت کنترل قرار بگیرد و تضمین شود.

این تسلط، ابعاد مختلفی را شامل می شود. در بُعد سیاسی، دموکراسی و مسئله مبارزه با تروریسم را مطرح می کند؛ مسئله نفت را پیش می کشد؛ رسانه ها را تقویت و یا سانسور می کند و... و به این ترتیب، ما دچار نوعی تحول مفهومی در معیارهایمان شده ایم و این ما را به فضای جدیدی سوق می دهد که معیارهای قبلی در آن حضور جدی ندارند. در نتیجه فضای زندگی انسان، تبدیل به فضایی مصرف زده، سطحی و کاملاً صوری می شود.

در این فضای جدید، دیگر انسان ها به دنبال تعالی نیستند. این جامعه، برای آن که به جهان اول برسد، به دنبال این نیست که منابع توسعه انسانی خود را رشد بدهد، دانشگاه های خود را تقویت کند و...؛ بلکه به دنبال این است که شکل ظاهری خود را تغییر دهد و چون این تغییر زود او را دلزده می کند، به سرعت به دنبال اشکال ظاهری جدید می رود و اگر این ظواهر جدید را به او ندهیم یا آنها را خلق می کند و یا از

دیگران می‌گیرند. در واقع رشدی که شما به آن اشاره کردید، ناشی از این تغییر مدل جامعه است که به خصوص در طی ۲۵ سال گذشته چنین بوده است.

این پدیده بیشتر در چه طیفی از افراد جامعه متمرکز است؟

گرایش به تنوع و تغییر خاص، بیشتر در افراد زیر ۳۵ سال جامعه است؛ زیرا افراد بالای ۳۵ سال، معمولاً از لحاظ خصوصیات روانشناختی و ویژگی‌های خاص سنی، رویکرد چندانی به مد ندارد. سن میان‌سالی، سن محافظه‌کاری و سن تثبیت است. سن نهادینه شدن مفاهیمی است که فرد پیش از این آموخته است؛ چه این مفاهیم مثبت باشند و چه منفی و در بحث ما جای نمی‌گیرد؛ در حالی که جوانی، سن تغییر و تحول است. محال است شما جوانی را ببینید که در طول هفته یک لباس بپوشد؛ ولی یک میان‌سال را به راحتی از لباس هایش می‌توان تشخیص داد.

در جامعه ما نزدیک به ۴۰٪ از افراد را ۱۵ تا ۳۰ ساله‌ها تشکیل می‌دهند؛ یعنی جمعیتی معادل ۲۵ میلیون نفر. این جوانی جمعیت نشان می‌دهد که جامعه ما ذاتاً به دنبال تحول و تنوع است. جامعه‌ای که عنوان دومین کشور جوان جهان را بر دوش می‌کشد و این مسئله، بار مسئولیت ما را سنگین‌تر می‌کند و نباید آن را از یاد برد.

با توجه به صحبت‌هایتان، شما مد را صددرصد نفی و طرد نمی‌کنید؛ ولی آیا صددرصد تأیید می‌کنید؟

متأسفانه در جهان معاصر، مراجع سنتی که قابلیت ایجاد تحول رفتاری در زندگی انسان را داشته‌اند، - به ویژه در کارکردشان در مورد جوان و نوجوان، - دچار نوعی کاهش اقتدار شده‌اند و

جای آن‌ها را مراجع دیگری گرفته‌اند که در جهت دادن به زندگی و مفهوم آن از دیدگاه خود، به شدت مشغول فعالیت می‌باشند. با توجه به شناختی که ما از این مراجع مدرن - مثل رسانه‌ها، موسیقی، تصویر، فیلم و... - داریم و این که این مراجع بر زندگی جوان ما مستولی است و با توجه به مصداق‌هایی که «مد» را در جامعه، معرفی و عرضه می‌کند، به نحوی مدگرایی را یک خطر در زندگی انسان معاصر قلمداد می‌کنم.

منظور از مراجع، همان نیروهای فکری تأثیرگذار بر انسان است که می‌تواند یک معلم یا یک استاد دانشگاه یا یک خانواده و یا یک دولت باشد. هر کسی که به نحوی بتواند بر رفتار انسان تأثیر بگذارد، یک مرجع فکری محسوب می‌شود و چون رفتار، محصول تفکر است، پس این مرجع قبل از آن که بتواند بر کردار تأثیر بگذارد، باید بر افکار آدمی تأثیر گذارده باشد.

پیش از این، نیروهای فکری تأثیرگذار اقتدار داشتند و مردم نیز نسبت به این نیروها، احساس نیاز می‌کردند. از این رو جامعه طلب راهکار می‌کرد و آنان هم راهکار ارائه می‌کردند؛ اما امروزه نقش این مراجع فکری، به شدت کاهش یافته و مراجع جدید جای آنها را گرفته‌اند.

چرا؟

یکی از دلایل، تغییر فضا و سرمایه زده شدن یا به عبارت دیگر اقتصادزده شدن جهان است و دلیل دیگر، کم‌رنگ شدن حضور جدی این مراجع در جامعه می‌باشد. در جامعه متحول امروز، باید پایه پای زمان و تحولات سریع آن پیش رفت؛ اما مراجع سنتی از این پیشرفت زمانه، عقب مانده‌اند.

در واقع شما علت را از دو جنبه

بررسی کردید؛ یکی از درون جامعه که مربوط به ثروت گرایی و اقتصاد محوری است و دیگری از جنبه خود مراجع که باید مؤثرتر از این عمل می کردند و چون این گونه نبوده، کنار زده شده و در حاشیه نشسته اند.

بله، کاملاً صحیح است. مصرف زدگی، به دنبال تغییر ظواهر زندگی است. وقتی گفته می شود که ما وارد یک جهان نو شده ایم، یعنی وارد جهانی با معیارهای جدید شده ایم؛ پس باید با توجه به این معیارها، به جوان الگو بدهیم.

متأسفانه مراجع سنتی ما نتوانسته اند فضاهای جدید را بپذیرند. معیارهای جدید، عوامل و ابزار جدید را می طلبد. مراجع باید آنها را بشناسند و در جهت ترویج و تبلیغ مبانی مورد تأیید خودشان، از آنها استفاده می کنند؛ اما گویا مراجع فکری سنتی از زمان عقب مانده اند و نتیجه این شده که نوجوان و جوان ما که به دنبال الگو می گردد، به سراغ الگوهای جهانی می رود. به طور قطع، او فضای زندگی خود را عریان و تهی نمی گذارد و به هر حال آن را پر می کند. در این صورت شما از یک طرف، نبود الگوی متناسب با زمان و فرهنگ را در نظر بگیرید و از طرف دیگر یک فضای خالی و مستعد برای پذیرش الگوهای جهانی را - با قدرت و عزم جدی رسانه های غربی - کنار آن بگذارید و ببینید چه پیش می آید. رسانه های غربی فقط به دنبال پر کردن اوقات فراغت جوانان نیستند و شبکه های مختلف ماهواره ای و فیلم های هالیوود، کاملاً هدفمند عمل می کنند. فیلم هایی که ما به اسم ماچوئزیم می شناسیم، قبضه زندگی نوجوان و جوان را در دست گرفته اند. فیلم هایی که یک قهرمان

افسانه ای - سوپر من - را تداعی می کند و آن قدر، قدرت دارد که می تواند بر محدودیت های پیرامون خود غلبه کند. نفس این قدرت نمایی، از آرمان های جدی انسان معاصر است. نمونه بارز این فیلم ها، مجموعه فیلم های هری پاتر است که به محض ورود به کشور ما، به سرعت در سراسر کشور پخش شد و در دسترس نوجوانان و جوانان قرار گرفت. هری پاتر، پدیده قرن ۲۱ است که تمام آرمان های یک نوجوان را برای یک زندگی متعالی در خود دارد. به وضوح می بینیم که این الگو دادن ها، با تمام مبانی روانشناسی مدرن منطبق است و مبتنی بر کشفیات باطن انسان و روان اوست. الگو دهنده، راه های نفوذی را دقیقاً می شناسد و به این ترتیب، بر تمام جهان تأثیر می گذارد. حال این قدرت تأثیرگذاری را در کنار کاهش قدرت مراجع سنتی بررسی کنید؛ نتیجه این می شود که گرایش، بیش از پیش به سمت مدهای وارداتی است.

ریشه های روانشناختی و جامعه شناختی این پدیده چیست؟

تعریف یک زندگی خوب در جهان امروز، این است که شما یک شغل خوب داشته باشید؛ یک ماشین خوب داشته باشید و بتوانید حداکثر بهره مادی را از زندگی ببرید. در این تعریف، معیارها کاملاً صوری و ظاهری است؛ نه باطنی و معنوی و چون انسان تجربه تمام پدیده های لذت گرا را به دست می آورد، بعد از مدتی، زندگی اش به یک مدار بسته تسلسل و تکرار تبدیل می شود و بنای زندگی اش بر این قرار می گیرد که فقط به نیازهای غریزی اش، در جهت کسب لذت بیشتر پاسخ دهد و چون بسترهای ارضای غریزه محدود است، پس از مدتی دست به تنوعاتی می زند که گاه انحراف آمیز است

و نتیجه تأسف بارش، انواع رابطه سکس در غرب امروز است که آمار وحشتناکی است. چرا؟ چون ذات انسان به دنبال تنوع و تکثر است. جهانی که همه چیزش در حال تکرار است، دلزدگی و ملامت را در روح انسان پدید می آورد. بنابراین، انسان امروز، انسانی است کم حوصله تر، خسته تر، پزمرده تر، افسرده تر و دلزده تر از دیروز.

## پاسخ (قسمت دوم)

گویا آدم های امروز وقت کم می آورند.

بله، همین طور است. به طور کلی پروسه قدرت و ثروت، چون پروسه رقابت است، به شما اجازه تأمل نمی دهد و باید همواره بدوید تا از سرعت دنیای دیجیتال عقب نمانید. این که به کجا می روید، مهم نیست؛ بلکه باید بدوید تا از همسایه عقب نیفتید و وقتی به آخر خط می رسید، می بینید که هیچ خبری نیست و دنیا همان است که بود.

در دنیای امروز، اصل، ارضای غرایز نیست؛ بلکه تنوع در ارضای غرایز است. انسان خسته ای که زیر گردونه تکرار، زندگی خویش را بر فنا؛ سح ه می بیند، به دنبال خلق راه های جدید می گردد. راه هایی که مهم نیست از کجا و با چه هدفی به وجود آمده اند؛ مهم این است که انسان از این راه ها بتواند تکرارها را کنار بزند، فضاها را بشکند و راه های جدید را بیابد.

مد، امروزه جزئی از زمان انسان است؛ یعنی لحظه به لحظه به دنبال تغییر قالب ها و شکستن موانع است.

بله، در جهان امروز، مُید نسبت ذاتی با زمان انسان پیدا کرده است و این نکته خیلی مهم است. برخی شبکه های ماهواره ای که به شبکه نیوشون (مد) معروف هستند، کارشان تولید و عرضه مدهای جدید است. برنامه این شبکه ها در ۲۴ ساعت شب و روز،

نشان می دهد که مد، جزء لاینفک و ذاتی زندگی انسان شده است.

از ابتدای بحث تاکنون، بیشتر به مدهای ظاهری پرداختیم؛ شکل ظاهری لباس، آرایش مو و صورت و... آیا شما شکل دیگری از مد را سراغ دارید؟

تلقی جامعه از «مد» همین تغییر شکل ظاهری است؛ اما در روانشناسی و جامعه شناسی، مد را فراتر از این و خیلی عمیق تر می بینیم. انسان با حرص و ولع، به دنبال خلق مدهای جدید - اعم از ظاهری و روحی و روانی - است. وقتی یک جوان، یک هنر پیشه هالیوود یا یک خواننده راک یا یک فوتبالیست را به عنوان الگوی اصلی زندگی اش انتخاب می کند، در واقع در صدد ارضای روحیه مدگرایی خود در بعد الگویی است.

بر اساس پروسه ای که رسانه ها در خلق مدهای جدید، ایجاد کرده اند، دیگر مراجع سنتی نمی توانند به جوان خط بدهند و او را هدایت کنند؛ چون جوان منتظر خط دهی آنها نمی نشیند و به همین دلیل است که مدها خیلی سریع از سوی جوامع پذیرفته شده، در آنها نهادینه می شوند و خیلی زود به جزء رفتاری جوامع، بدل می شوند.

برای رفع این فاصله بین جامعه و مراجع فکری در جوامع سنتی چه باید کرد؟

من دو راهکار به هم پیوسته را پیشنهاد می کنم؛ اول این که مراجع فکری ما، باید به خودشان بیایند و رسالت خود را باز شناسند و بدانند که باید در جامعه الگوآفرینی و موج آفرینی کنند و الگوهایشان هم امروزی و با توجه به زمان باشد.

برای این کار، مراجع ما در درجه اول به یک مخاطب شناسی جدی نیاز دارند؛ یعنی باید بدانند که انسان عصر حاضر،



انسانی است تنوع طلب و تجدد طلب و این امر، نیاز ذاتی اوست و قابل نفی و طرد هم نیست و در درجه دوم، باید به یک بینش عمیق در شناخت زمان دست یابند و در یک جمله، یعنی زبان زمانشان را بفهمند. هر زمانی، زبان خاص خودش را دارد و یک مرجع فکری، اگر می خواهد تأثیرگذار باشد، باید با این زبان و رموزش آشنا باشد. دومین راهکار که در واقع جدا از مسئله اول قابل بحث نیست، این است که ما به جای منع و نفی مد - حتی مدهای جهانی - ابتدا باید از طریق فیلترهای داخلی مثل وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما و... این مدهای وارداتی را پالایش کنیم و مدهای خوب را برای مصرف جوانان خود ارائه دهیم.

همه مدها بد نیستند. در همین هالیوود، فیلم های تأثیرگذار فراوانی دیده می شود که مبانی قوی معنوی و انسانی را القا می کند. فیلم «رویاهایی که می آیند»، یکی از اینهاست که درباره بهشت و جهنم است و شباهت های بسیار زیادی هم با اعتقادات مسلمانان دارد.

در یک نگاه منصفانه، نمی توان همه مدها را نفی و طرد کرد. وقتی مدهای خوب و مثبت را جدا کردیم، آنچه را که باقی می ماند، کاملاً منع نکنیم؛ بلکه بیاییم و در یک بحث علمی و موشکافانه و با دلایل منطقی، آنها را نقد کنیم تا جوان با آگاهی انتخاب کند و یک انسان خطی و سطحی نباشد؛ بلکه عمقی و چند بعدی فکر کند و تصمیم بگیرد.

من درباره فیلم تایتانیک، این روش را تجربه کرده ام. هنگام ورود این فیلم به عرصه های جهانی، موج سنگینی کشور را

فرا گرفت. تلاش وزارت ارشاد برای مجوز دادن به این فیلم از یک سو و تلاش گروه های مخالف برای منع آن از سوی دیگر، هیچ کدام صحیح نبود. این دعوای خانگی بین دو بخش از یک سیستم، تشنگی بیشتر مخاطب را در پی داشت. من این فیلم را در ۷۰ یا ۸۰ دقیقه خلاصه کردم و همراه نمایش آن در بسیاری از دانشگاه ها، برنامه نقد داشتم. فیلم را نقد می کردم و به این ترتیب، هم فیلم - به صورت مجاز و نه خلاف اخلاق - به نمایش درآمد و هم بیننده به یک شناخت عمقی از فیلم دست می یافت. این خیلی مهم است که به جوان آگاهی بدهیم؛ نه آن که هر چه را بر خلاف میل ماست، منع کنیم؛ زیرا این منع، نه امکان فنی دارد و نه توجیه عقلانی و در عین حال هم نمی شود فضا را کاملاً باز کرد. آگاهی دادن و نقد امواج مسموم وارداتی، بهترین راه حل است. تأکید می کنم که منع و نفی نکنیم؛ بلکه نقد کنیم و جهت بدهیم. جمع کردن ماهواره ها امکان پذیر نیست؛ بلکه باید نسبت به استفاده از آن در جامعه و خانواده به مخاطب آگاهی داد و در کنار آن، رفتار سازی و نمادسازی کرد.

کدام نمادسازی؟ در این باره، جای سخن بسیار است؛ لطفاً بیشتر توضیح دهید.

جهان پست مدرنیسم، جهان نمادهاست؛ نه مصداق ها و اگر شما بتوانید نمادها را در جامعه عینی کنید، تا حدود زیادی مسئله حل شده است. ما اگر بتوانیم بر اساس ارزش های خود تولید مد بکنیم، موفق خواهیم بود. مثال مناسب، واقعه عاشورا در فرهنگ اسلامی است که به

یک نماد تبدیل شده است و همه در ایام عاشورا این نماد را رعایت می کنند. یک تمدن موفق، از مد استفاده می کند؛ نه این که آن را نفی می کند. به جای منع، ارزش های خود را در قالب مد، ارائه می دهد و تولید مد می کند. با سی دی ها، فیلم ها، سریال ها و با کمک ادبیات نمایشی قوی، مطبوعات و دیگر رسانه ها به کمک پروسه تولید مد می آید و آینده را در دست می گیرد. نبض رفتارسازی جامعه را به دست می گیرد و رسالت خود را به این ترتیب بهتر به انجام می رساند.

به تازگی مراجع فکری جامعه ما به خصوص صدا و سیما، جسته و گریخته، دست به این الگوسازی و ارائه مد زده اند؛ این تولید مد، تا چه حد در قالب های ارزشی ما می گنجد؟

مراجع رفتارسازی و تأثیرگذار در ایران، مراجع قوی و قدرتمندی نیستند و در کنار این ضعف بزرگ، افزایش هجوم فرهنگی و معایب اینترنت - علاوه بر محاسنش - را در نظر بگیرید؛ ماهواره ها را هم فراموش نکنید و بعد ببینید ما در کجای این پروسه قرار داریم.

گرچه صدا و سیما و به خصوص تلویزیون کم کم وارد گردونه ماچوئیسم می شود و روی جلال و جمال صوری کار می کند، اما در عین حال، ملاکی که برای خرید فیلم های خارجی در نظر گرفته می شود، این است که فقط سکس نداشته باشد و مواردی مثل دزدی، کشت و کشتار و... مطرح نیست. من یکی از فیلم هایی را که بررسی کرده ام، در طول ۹۰ دقیقه آن، شما ۴۸ مورد کشته می بینید و این نشان می دهد که صدا و سیما ناخواسته چیزهایی را به جامعه القا می کند که اصلاً مثبت

نیست. تخریب روانی و میل به خشونت در این فیلم‌ها وجود دارد و اکثر سریال‌های تلویزیون، فعالیت یک گروه پلیسی را نشان می‌دهد؛ گرچه گاهی سریال‌هایی مانند افسانه شجاعان هم نمایش داده می‌شود که بنا به روحیه عدالت‌خواهی قهرمانان فیلم، یک آرامش روانی را به بیننده القا می‌کند و موسیقی هم همین‌طور است. این که گرایش به مد، تخریبی باشد یا ممکن است جهت تخریبی پیدا کند، بستگی مستقیم به جهتی دارد که مراجع سنتی ما به می‌دهند و این خیلی مهم است. صدا و سیما باید آگاهانه تر عمل کند. رسانه‌های ما در مورد اعتیاد خوب عمل کرده‌اند؛ اما اثر تربیتی مخربی را در مورد قرص‌های مهیج در پیش گرفته‌اند. مصرف سه بار این قرص‌ها، منجر به مرگ می‌شود؛ اما همواره در مجلات، از مخدر نبودن این قرص‌ها بحث می‌شود و این مسئله به طور غیر مستقیم، جنبه زشت و عامل بازدارنده در مصرف این قرص‌ها را از بین می‌برد و نوعی توجیه و اعتماد در مصرف را ایجاد می‌کند که اصلاً خوب نیست.

شما به مصداق‌های مد اشاره کردید و این که نسبت به مصداقی که مد با آن تعریف می‌شود، باید در مورد رد یا قبول آن نظر داد؛ درباره این مصداق‌ها برایمان بگویید.

بر این مسئله تأکید می‌کنم که حتی در اسلام هم مدگرایی نفی نمی‌شود و عقل هم می‌داند که این مدگرایی از یک مبانی فکری ناشی می‌شود و آن هم نیاز به تغییر و تحول است و به قول فلاسفه، نیاز به صیروت و شدن‌های متوالی است. اگر از این زاویه نگاه کنیم، نفس

مسئله مورد تأیید است و ما هم از همین زاویه نگاه می‌کنیم؛ اما گاهی برخی از مفاهیم در زمان‌های خاص از نظر مصداقی تعریف می‌شوند و نه مفهومی و چون مصداق قابل نفی و رد است، مفهوم هم بنا به آن مصداق قابل رد می‌شود و مد یکی از آن مفاهیم است. ما گاهی هنر پیشه‌های زمان طاغوت را داریم که به عنوان مصداق، ضدارزش هستند و گاه الگوهای را داریم که کاملاً ارزشی و قابل قبول می‌باشند؛ مثل الگوهای دفاع مقدس. پس «مد» فی نفسه قابل قبول است؛ اما گاه بر اثر مصداق‌هایی که می‌پذیرد، ممکن است مطرود یا مقبول واقع شود.

آقای دکتر! من به عنوان یک جوان دلم می‌خواهد هم از مظاهر مد پیروی کنم و در واقع یک جوان امروزی باشم و هم از سوی دیگر به ارزش‌های خودم پایبند بمانم و جوانی باشم که هم با جامعه پیش می‌رود و هم به مبانی ارزشی پایبند است؛ چطور می‌توانم از تک بعدی بودن پرهیزم و یک جوان چند بعدی باشم و در عین حال، به تضاد و تناقض هم نرسم؟

فضا، فضایی پیچیده‌ای است. از یک طرف هم نظام حکومتی و هم نظام فرهنگی و هم فطرت پاک جوان می‌خواهد که ارزش‌های سنتی و انسانی بر زندگی او حاکم باشد و از طرف دیگر موج افسار گسیخته‌ای که جوامع را مورد هجوم خود قرار داده است، سبب شده که همواره مدهای نوینی که از معیارهای ضد انسانی نشأت می‌گیرد، بر رفتار و کردار حداقل بخشی از جوانان و نوجوانان حاکم شود که به عنوان یک واقعیت نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم.

هر چه جلوتر می‌رویم، به این تضاد بیشتر دامن زده می‌شود؛ اما شدت این اختلاف به گونه‌ای نیست که غیر قابل کنترل و مهار باشد. حل این تضاد باز هم تا حدود زیادی بر عهده مراجع فکری و الگوساز است.

«رابرت برتون» در روانشناسی اجتماعی برای جوامعی که دچار این فاصله شده‌اند و به فکر درمان هم نیستند، چهار مرحله را پیش‌بینی می‌کند؛ اولین مرحله نوآوری است؛ اما نوآوری به معنای منفی آن؛ یعنی گرایش به خلق راه‌های جدید، برای رسیدن سریع به اهداف و آرمان‌ها تحت هر شرایطی و چون این راه‌ها بر اساس یک معیار عقلانی و منطقی سالم انتخاب نشده‌اند، به انحراف کشیده می‌شوند.

مرحله دوم، تبدیل جامعه به یک جامعه سازمانی است. که در واقع بوروکراسی بر نظام جامعه حاکم می‌شود.

مرحله بعد واپس‌زنی است؛ یعنی فرد به یک حالت انفعالی و بی‌خیالی رضایت می‌دهد و او آن قدر درگیر بحران‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود که دیگر نسبت به همه چیز بی‌تفاوت می‌شود و چون نمی‌تواند فاصله موجود بین حال و ایده آل را کم کند، یک واپس‌زنی ایجاد می‌شود.

چهارمین مرحله شورش است؛ انفعال اگر مدت‌مدتی ادامه یابد، جامعه را به انفجار می‌کشاند. اینها مواردی است که در هر جامعه‌ای ممکن است رخ دهد.

**شنیده‌ام خود را به کوچه علی‌چپ زدن را مسیحیان ساخته‌اند و منظور از علی، حضرت علی (ع) است و به کار بردن آن صحیح نیست.**

### پرسش

شنیده‌ام خود را به کوچه علی‌چپ زدن را مسیحیان ساخته‌اند و منظور از علی، حضرت علی (ع) است و به کار بردن آن صحیح نیست.

### پاسخ

این که عبارت یاد شده ساخته مسیحیان است و یا منظور، علی (ع) است چندان قابل اثبات نیست و لیکن شیطان و شیطان صفت‌ها، تلاش می‌کنند از هر راهی به حریم دین و مؤمنین نفوذ کرده به اسلام و امت اسلامی و مخصوصاً رهبران و اشخاص تأثیرگذار در هدایت دینی مردم اهانت کنند. یکی از راه‌های آن همین ضرب‌المثل‌ها است.

لذا گرچه مدرک معتبر برای اثبات گفتار فوق در دسترس ما نباشد ولی به لحاظ عملکرد شیاطین و سابقه رفتاری آنها، به نظر می‌رسد که دست دشمنان ولایت در کار است تا نام مقدس علی (ع) از قداست افتاده، آنگاه مردم را از اقتداء و اهتداء به آن وجود مقدس و نورانی محروم کنند.

خدایا، بهترین نعمت و سرمایه دنیا و آخرت ما ولایت است که مغز و باطن توحید است. پس خودت این سرمایه را برای ما از دستبرد شیاطین درون و برون مصون دار و شر و سوسه‌گران خناس و توطئه‌گران علیه ولایت را از سر همه برطرف فرما.

### پرسش

مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟

### پاسخ

سخنان بیهوده و پریشان که ناخوشایند باشند. عادات مألوفه و شیوه های متبعه ای که نه بر مبنای عقل و خرد و نه بر پایه شرع و شریعت، بلکه به استناد خوابی که کسی دیده باشد یا عادتتی که از گذشتگان به یادگار مانده باشد. این صفت را در انسان می توان به انحراف حالت دین جویی وی مستند دانست.

اسلام در بدو ظهور خود با تمام قدرت، با این شیوه غلط به مبارزه برخاست.

انسان را به یاد عقل در پرده کشیده اش آورد. و در صدد برآمد که فکر وی را از اوهام و خرافات و عقاید بی اصل و اساس برهاند و وی را به پیروی از عقل و منطق متوجه سازد. جامعه جاهلیت آن روز، سخت اسیر موهومات بود. این حالت، وی را از شکوفا شدن و به فعلیت رسیدن عقل بالقوه اش باز می داشت. قرآن با ندای بیدار کننده توحید، وی را به خود آورد. قرآن غل و زنجیرهایی که خود به دست خویش بر گردن و دست و پا فکنده بود، بگشود(۱).

مردم را از پیروی عادات پدران به پیروی عقل و خرد سوق داد(۲). به آنها فهمانید که چه کسی قادر است آدمی را از سختی ها و محنت های روزگار و بن بست های زندگی نجات دهد. به آنها آموخت که بایستی در حوادث ناگوار به چه کسی پناه برد. کدام شخصیت قادر و مهربان و آگاه، شایسته است که وی را به یاری بخوانی و ندای تو را بشنود و تو را پاسخ گوید(۳).

انسان را از بندگی بندگان آزاد ساخت و به بندگی آفریدگار خویش کشانید و رشته وابستگی به هزاران امید هوم از او

بگسست و او را به پناهگاهی بایسته و شایسته ربط داد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

(۱) سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

(۲) سوره بقره، آیه ۱۷۰.

(۳) سوره اعراف، آیه ۱۹۴.

**به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟**

**پرسش**

به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟

**پاسخ**

هر فرهنگی، معیارها و قانون های خاص خود را دارد، و واژه ها نیز بر همین اساس، استعمال می شوند. مثلاً همین لغت شهید از چنین بار فرهنگی برخوردار است.

از آنجا که کار دین، انقلاب در انگیزه ها بوده است، پس بهترین انگیزه برای کارها و نیز، شرط قبولی اعمال را همین ایمان به خدا دانسته است. در قرآن آمده است: «من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه؛ (۵) هر مرد و زنی که عملی نیکو انجام دهد و (به شرط آنکه) مؤمن باشد، به او زندگی طیب عطا می کنیم».

و این روشن است که کار با هدف و انگیزه برتر، است. و اما شهید کسی که به خویشتن و ارزش خویش واقف و شاهد شده و در بازار خریداران، عمر خود را به بهترین کس سپرده است. پس مدال شهید به او اعطا می شود. و نه به دیگری؛ زیرا اوست که به این ندای خداوند پاسخ داده که می فرماید: «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة؛ (۶) خداوند جان و مال مؤمنان را در ازاء بهشت، از آنان خریده است». و این شهید است که حتی غسل ندارد (۷) و با لباس خویش به خاک سپرده می شود. البته در دیدگاه وسیع قرآن، نیکوکاران با بدکاران مساوی نیستند، امّا هر عملی با میزان های ویژه سنجیده می شود.

« بخش پاسخ به سؤالات »

(۵) سوره نحل، آیه ۹۷.

(۶) سوره توبه، آیه ۱۱۱.



۷) اگر در معرکه جنگ شهید شود.

## معیارها و ضوابط در فرم و شکل لباس مطلوب چیست و آیا لباس شیک و زیبا مانعی دارد؟

### پرسش

معیارها و ضوابط در فرم و شکل لباس مطلوب چیست و آیا لباس شیک و زیبا مانعی دارد؟

### پاسخ

تردید نیست که لباس باید با نیازهای انسان هماهنگ باشد اما این نیاز اگر به دست مد روز و تنوع طلبی بیفتد هم نشئت روحی و روانی ایجاد می کند و هم مخارج سنگین را به عهده می آورد. به همین دلیل در دین مترقی ما حتی برای رنگ در لباس تمحیداتی در نظر گرفته شده، مثلاً رنگ سفید ممدوح و رنگ سیاه مکروه است مگر در جاهایی که استثناء شده باشد (مثل عزاداری امام حسین «علیه السلام») ولی از آن جا که جنس، سن، فضا و خیلی از شرایط در نوع پوشش اثر دارد برای مثال زنان به خاطر حساسیت اندام باید لباس های تیره را در اجتماع انتخاب کنند اما در مجالس خودمانی و خانوادگی به ویژه برای همسر، هرگز انتخاب رنگهای جذاب و با نشاط مانعی نداشته بلکه تشویق شده است. پوشیدن لباس مردان برای زنان و بالعکس تحریم شده است. لباسهایی که با فرهنگ و سنت های حاکم بر جامعه اسلامی در تضاد است اشکال دارد. لباس شهرت، که چشم ها را به خویش جلب می کند و مورد نكوهش شدید است. و در بعضی موارد محرم. این مرزها به خاطر مبانی معرفتی دین است. دین می خواهد انسان به سوی خدا برود که بهترین و بالاترین جهت زندگی و سعادت اوست. و هیچ کس حق ندارد با لباس یا اندام خویش دلها را منحرف کند و از رشد باز دارد. و در این باره کتابهایی از دکتر پاک نژاد (اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، بهداشت لباس) و دکتر اردوباری مراجعه گردد. در

استفتائات مراجع گرامی نیز احکام لباس تبیین شده است.

در نهایت اسلام با انواع لباس پوشیدن مخالفتی ندارد لباس زیبا و شیک پوشیدن از نظر اسلام گناهی نیست ولی مدپرستی و هواپرستی و به دنبال شهوات حرکت کردن مذموم است و مال را بیهوده در راه مد پرستی ها و غریزدگی ها مصرف کردن از نظر اسلام ممنوع است، آری انسان سرمایه مملکت و محصول زحمات خود را بی جهت به جیب مدسازان اروپایی بریزد صحیح نیست البته لباسهایی که زنان یا جوانان می پوشند که باعث برانگیختگی شهوت یکدیگر می شود به هر صورتی که باشد حرام است و گناه دارد زیرا فساد و خطری که از این جهت جامعه را تهدید می کند بسیار و غیرقابل جبران است البته زن برای شوهر خود آن هم در داخل خانه به هر جوری که مایل باشد خود را زینت دهد و آرایش کند اشکال ندارد بلکه از نظر اسلام ثواب هم دارد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

### منشأ مراسم چهلم برای مردگان چیست؟

#### پرسش

منشأ مراسم چهلم برای مردگان چیست؟

#### پاسخ

مراسم چهلم برای اموات در بین شیعیان مرسوم است و در بین اهل سنت و دیگر فرق مرسوم نیست. این رسم در بین پیروان ائمه و شیعیان ناشی از (اربعین) چهلم امام حسین(ع) می باشد که به خاطر تجلیل از شهدای کربلا و یاد آوری آن مظلومان برای همه مردم و برای همیشه تاریخ بنیاد نهاده شده و برای این که درسی باشد و واقعه عاشورا در ذهن ها بماند و به دست فراموشی سپرده نشود، لذا امام حسن عسکری(ع) فرمود: علائم شیعه پنج چیز است: ۱- زیارت اربعین امام حسین(ع)؛ ۲- بلند خواندن بسم الله در نمازها؛ ۳- سجده کردن بر خاک؛ ۴- ۵۱ رکعت نماز در شبانه روز؛ ۵- به دست کردن انگشتر عقیق. (۱)

زیارت کردن جابرین عبدالله انصاری با عطیه کوفی در چهلم امام حسین(ع) که در تاریخ ماندگار شده و سخنان و زیارت جابر بر سر قبر حسین(ع) از وقایع و حوادث و مؤثر در تاریخ اسلام است. با توجه به این که جابر از شخصیت های پذیرفته شده بین فرق اسلامی است و کار و عمل و گفتار جابر به عنوان حجت و دلیل نزد بسیاری از مسلمین مورد قبول است، زیرا از صحابه پیامبر است و عمری دراز داشته و امام پنجم را درک کرده و سلام پیامبر را به حضرت رسانیده است، لذا پیروان اهل بیت و شیعیان در تمام مراسمی که برای اموات خود می گیرند سعی می کنند احیاگر راه و رسم حسین باشند.

مراسم چهلم هم به عنوان یک کار پسندیده و خوب، نزد محبین اهل بیت(ع) محسوب می شود و هدف شیعیان از مراسمی که

برای اموات خود می گیرند زنده کردن راه و رسم اهل بیت (ع) است، در روایات درباره اربعین آمده:

پیامبر (ص) در سن ۴۰ سالگی به پیامبری مبعوث شد. "صدع (ص) بالرساله... وله يومئذ اربعون سنه". (۲)

انسان در سنه ۴۰ سالگی به کمال عقلی می رسد: "اذا أتت على العبد اربعون سنه قيل له، خذ حذرک" (۳) امام باقر (ع) فرمود: "وقتی بر بنده خدا چهل سال گذشت، به او گفته می شود: دامت را جمع کن (مواظب خود باش).

پیامبر (ص) فرمود: اگر چهل نفر درباره امری دعا کنند خداوند دعای آنان را مستجاب می کند. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: "اذا مات المؤمن فحضر جنازته اربعون رجلاً من المؤمنين فقالوا: اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا و انت اعلم به منا" قال الله تعالى: انى قد اجزت شهادتکم و غفرت له ما علمت مما لا تعلمون". (۵)

هنگامی که مؤمنی فوت می کند و چهل نفر از مؤمنین بر جنازه او حاضر می شوند و می گویند: "خدایا ما به جز خوبی از او ندیدیم و تو داناتر هستی" خدای تبارک و تعالی می فرماید: من شهادت شما را در حق او قبول کردم و او را بخشیدم.

در روایاتی وارد شده که هر کس چهل حدیث حفظ کند، خداوند او را فقیه محشور می گرداند: "من حفظ على اربعين حدیثنا ینتفعون به بعثه الله تعالى يوم القيامة فقیها عالما". (۶)

میقات حضرت موسی چهل شب: "و واعدنا موسی ثلاثین ليله فاتمناها بعشر فتم میقات ربه اربعین ليله". (۷)

آدم بر هابیل چهل شب گریه کرد. (۸) و آسمان بر حسین (ع) چهل روز خون گریست. (۹)

پیامبر (ص) فرمود: "ما أخلص عبدالله عزوجل اربعین صباحا الا جرت ینابیع الحکمه من قلبه على لسانه". (۱۰)

هر بنده ای که ۴۰ شبانه روز

برای خدا اخلاص داشته باشد، چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می شود.

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۴۸.
۲. بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۲۸۱، ح ۲۵، طبع بیروت.
۳. همان، ج ۷، ص ۳۸۹، ح ۷، طبع بیروت.
۴. همان، ج ۹۰، ص ۳۹۴، ح ۶، طبع بیروت.
۵. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۶، ح ۲۷.
۶. همان، ج ۲، ص ۱۵۶، ح ۸.
۷. سوره (۷) آیه ۱۴۲.
۸. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۴۴، ح ۴۹.
۹. همان، ج ۴۵، ص ۲۰۶، ح ۱۳.
۱۰. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲، ح ۱۰، طبع بیروت.

**از نظر دین و فرهنگ آیا زن می تواند از مرد خواستگاری کند؟ اگر می تواند از چه راهی اقدام کند؟**

**پرسش**

از نظر دین و فرهنگ آیا زن می تواند از مرد خواستگاری کند؟ اگر می تواند از چه راهی اقدام کند؟

**پاسخ**

از نظر اسلام اشکال ندارد زن از مرد خواستگاری کند، ولی از نظر فرهنگ کنونی ما معمولاً اگر زن از مرد خواستگاری کند، تحقیر می شود، مگر از طریق واسطه علاقه او گفته شود، اما با روحیه خاصی که زنان دارند بایستی آمادگی کامل داشته باشند تا اگر جواب رد شنیدند غمگین و دل شکسته نگردند.

البته از چه راهی باید اقدام کرد، به صورت کلی نمی شود قضاوت کرد، هر کس باید ببیند از چه راهی برایش امکان دارد: یکی به وسیله نامه این تمایل را می رساند، یکی به وسیله دوستان خود، یکی به وسیله خواهر و یا سایر بستگان، یکی به وسیله

همسایگان و فامیل خود. باید بهترین راه را انتخاب کند تا از پی آمدهای احتمالی در امان باشد و باعث حرف و حدیث نشود.

**آیا پوشیدن لباس سیاه در مرگ افراد، ریشه مذهبی دارد و آیداعوت کردن مردم به صرف شام یا نهار، ریشه مذهبی دارد یا رسم ملی است، نظر اسلام چیست؟**

### پرسش

آیا پوشیدن لباس سیاه در مرگ افراد، ریشه مذهبی دارد و آیداعوت کردن مردم به صرف شام یا نهار، ریشه مذهبی دارد یا رسم ملی است، نظر اسلام چیست؟

### پاسخ

پوشیدن لباس سیاه در عزاداری امام حسین: و دیگر ائمه: به دلیل این که از مصادیق تعظیم شعایر است، رجحان شرعی دارد و بسیاری از بزرگان در روز عاشورا، لباس سیاه می پوشیدند به علاوه در برخی از روایات وارد شده (۱) که

برخی از اولیای الهی در عزای عزیزانشان از لباس سیاه استفاده می کردند، البته استفاده از لباس سیاه، حتی برای زنان در حال نماز مکروه است، ولی در عزاداری استثنا شده است. (۲)

دعوت کردن مردم به صرف شام یا نهار، اطعام بوده که در اسلام به اصل اطعام، سفارش شده است، هم چنین خیرات و مبرات برای کسانی است که از دنیا رفته اند و این احسان در مغفرت و آمرزش آنان مؤثر است، لیکن از نظر فقهی، مستحب است تا سه روز برای بازماندگان میت غذا ببرند و اسباب مزاحمت آنان فراهم نمایند، بنابراین، آن چه در میان ما ایرانیان مبنی بر دعوت مهمان ها به غذا در ایام عزا و مرگ افراد، رواج دارد، نوعی رسم ملی است، گرچه این رسم، اگر باعث اذیت و آزار بازماندگان مرده نشود و با رضایت کامل آنان صورت گیرد، رسم خوبی است که موجبات آمرزش، رحمت و عفو را فراهم می سازد.

(پاورقی ۱.ر.ک: ابوالحسن منذره علی، کتاب سیاهپوشان).

(پاورقی ۲.ر.ک: محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ج ۱ ص

**در مراسم عزاداری اهل بیت: مشاهده می شود که عده ای از جوانان، لباس از تن در آورده، سینه می زنند، در حالیکه روحانی ها آرام و بدون سر و صدا سینه می زنند. کدام یک از این دو برتر است و ثواب بیشتری دارد؟**

### پرسش

در مراسم عزاداری اهل بیت: مشاهده می شود که عده ای از جوانان، لباس از تن در آورده، سینه می زنند، در حالیکه روحانی ها آرام و بدون سر و صدا سینه می زنند. کدام یک از این دو برتر است و ثواب بیشتری دارد؟

### پاسخ

عزاداری در ایام مصایب اهل بیت عصمت و طهارت: بسیار مطلوب و از افضل قربات است؛ یعنی موجب تقرب انسان به مقام قرب ربوبی می گردد. (۱)

هر چه عزاداری بیان گر سوز و گداز بیش تری باشد، بهتر است؛ البته عزاداری و سینه زنی باید همراه با معرفت و شناخت بیش تر اهل بیت: باشد. بدون شك استفاده از منبر، مجلس و عظم، ارشاد عالمان دین و آشنایی با زندگانی اهل بیت عصمت و طهارت از طریق واعظان محترم، بسیار خوب است. در طول تاریخ، علما، مراجع معظم تقلید و روحانیت مکرم در مجالس عزاداری شرکت می کردند و خود زمینه مجالس عزا و سینه زنی و زنجیر زنی را برای اهل بیت: فراهم می نمودند و عزاداران را تشویق می کردند، لیکن گاهی شئون عرفی اقتضا می کند که عالمان دین، بدون سر و صدا و با متانت و وقار، اقدام به سینه زنی و عزاداری نمایند.

(پاورقی ۱. ر.ک: امام خمینی، استفتائات، درباره عزادای و سینه زنی).

**چه دلیلی بر نحوه خاص عزاداری برای ائمه، همچون سینه زنی یا زنجیر زنی وجود دارد؟**

### پرسش

چه دلیلی بر نحوه خاص عزاداری برای ائمه، همچون سینه زنی یا زنجیر زنی وجود دارد؟

### پاسخ

اصل عزاداری برای ائمه: به ویژه برای سیدالشهدا (مورد توجه اولیای دین است؛ زیرا عزاداری به صورت گریه و برپایی مجالس و ذکر و گریاندن و نوحه خوانی، احیای خط ائمه و تبیین مظلومیت آنان است). امام باقر (در زمینه برپایی عزا در خانه ها برای امام حسین (ع) فرماید: (۱)

استاد مطهری می گوید: عزاداری حسین بن علی ۷ یک حرکت است ؛ یک موج است ؛ یک مبارزه اجتماعی است . (۲)

این عزاداری به شیوه های مختلف مانند روضه های خانگی و دسته های عزاداری و هیأت های سینه زنی و زنجیر زنی و پوشیدن لباس مشکی انجام می گیرد و از دیرباز مطرح بوده و جنبه مردمی یافته است .

این گونه شیوه ها چون با روح و جان و عاطفه شیعه آمیخته است ، عامل جذب و تشکل شیفتگان اهل بیت : می گردد . از روایات بر می آید شیوه مرسوم نزد مردم ، بیش تر مورد اهتمام ائمه : بوده است .

ابوهارون می گوید: روزی خدمت امام صادق ۷ رسیدم . حضرت فرمود: برایم شعر بخوان . من نیز خواندم . حضرت فرمود: نه این طور، بلکه همان گونه که برای خودتان شعر خوانی می کنید و همان گونه که نزد قبر حضرت سیدالشهدا مرثیه می خوانی (۳).

حفظ این سنت ، ضامن تداوم خط اهل بیت است . امام خمینی ره همواره بر حفظ عزاداری سنتی تأکید می کرد ؛ بنابراین دلیل اصل عزاداری ، در مورد سینه زنی و زنجیر زنی کفایت می کند و دلیل جداگانه ای لازم

ندارد. البته باید عزاداری از هر گونه خرافته و اعمال ناروا به دور باشد، تا قداست آن محفوظ گردد.

(پاورقی ۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۲)

(پاورقی ۲. استاد مطهری، نهضت های اسلامی صد ساله اخیر، ص ۸۹)

(پاورقی ۳. بحارالانوار، ج ۴۴ ص ۲۸۷)

### چرا سؤال های شخصی جوانان را جواب نمی دهید؟ آیا تیپ زدن اشکال دارد؟

#### پرسش

چرا سؤال های شخصی جوانان را جواب نمی دهید؟ آیا تیپ زدن اشکال دارد؟

#### پاسخ

خوشبختانه واحد پاسخ به سؤالات تمام سؤال های اعم از شخصی و غیر شخصی، مذهبی و غیر مذهبی، از جوانان و غیر جوانان، از زنان و مردان را پاسخ می دهد.

شما می توانید با اطمینان کامل هر گونه سؤالی را با مکاتبه یا تلفن برسید و ما هم راز دار اسرار شما هستیم.

تیپ زدن که عبارت از انتخاب شکل و قیافه خاصی برای خود است، اگر مستهجن نباشد و موجب سبکی وزشتی و انگشت نمایی نشود، اشکالی ندارد، ولی خوب است جوانان مسلمان از ظاهری آراسته و زیبا و معقول برخوردار باشند و از ظواهر اسلامی خود را جدا نکنند.

### یک نوجوان موهایش را چگونه و به چه مدلی کوتاه کند؟ آیا زدن عطر و ادکلن اشکال دارد؟

#### پرسش

یک نوجوان موهایش را چگونه و به چه مدلی کوتاه کند؟ آیا زدن عطر و ادکلن اشکال دارد؟

#### پاسخ

انسان می تواند به هر نوع و هر شکلی که مستهجن و زشت نباشد و در جامعه انگشت نما نشود، مو و زلف های خود را آرایش کند. تمیزی و نظافت و منظم بودن وضع لباس و سر و صورت، از سفارش ها و دستوره های اسلامی است. زدن عطر و ادکلن مخصوصاً عطرهاى خوش بو مانند عطر گل محمدی بسیار مناسب و خوب است. پیامبر اسلام ۶۰مقداری از پول خود را صرف خرید عطر و بوی خوش می کرد و از علما و صلحا نیز این روش پسندیده نقل شده است.



در قرآن آمده است :

تمیز و سر و صورت مزین ( استفاده کنید > . مسجد رفتن , مخصوص پیران نیست ؛ شما نوجوانان نیز با هر نوع زیبایی و لباس به مساجد بروید . وضعیت سر و صورت از ظواهر است ؛ زیرا آراستگی شیوه پیامبران است , ان الله جميل و يحب الجمال ؛ خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد .

برای هر انسان مخصوصاً نوجوانان , پاکی دل و صداقت و رسیدن به عشق خدا و عبادت و نماز , از زیبایی خاصی برخوردار است . وضعیت سر و صورت و لباس را بر اساس وضعیت روحی و معنوی و بر اساس عشق به خدا و نماز تنظیم کنید .

امام رضا ۷ فرمود: (۱)

امام صادق ۷ فرمود: (۲)

پیامبر ۶ فرمود: (۳)

پیامبر اسلام ۶ با مشک و عنبر خود را خوشبو می کرد. (۴)

امام رضا ۷ با عود هندی خانه را خوشبو می کرد و با گلاب و مشک خود را خوشبو می کرد. (۵)

از امام صادق ۷ نقل

شده است : هنگامی که خواستی روغن و کرم برای بدن و سر و صورت خود استعمال کنی , بگو: اللَّهُمَّ اِنِّي سَأَلُكَ الزَّيْنَةَ  
والدين و اعوذ بك من الشَّيْنِ و الشَّانِ ; خدایا از تو می خواهم زیبا و دیندار باشم و از زشتی و بد اخلاقی به تو پناه می برم .<  
(۶)

در مورد موهای سر و صورت و شانه زدن , در روایات آمده است : پیامبر فرمود: هر کس موهایش راشانه کند, دچار بیماری  
مربوط به کثافت موها نمی شود.(۷)

شانه زدن , ذهن (حافظه و هوش ) را زیاد می کند و بلغم و زردی را از بدن دفع می کند.(۸)

نیز پیامبر فرمود: .(۹)

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که اسلام از تمام ادیان و مذاهب به نظافت , بهداشت آرایش و تمیزی توجه بیشتری  
داشته بر آن بسیار تأکید کرده است .

(پاورقی ۱. بحار الانوار, ج ۷۶ ص ۱۴۰

(پاورقی ۲. همان , ص ۱۴۱

(پاورقی ۳. همان , ص ۱۴۲

(پاورقی ۴. همان .

(پاورقی ۵. همان .

(پاورقی ۶. همان , ص ۱۴۵

(پاورقی ۷. همان , ص ۱۱۷

(پاورقی ۸. همان .

(پاورقی ۹. همان , ص ۱۱۶

**جوان هایی که در کنکور قبول نمی شوند چگونه باید اوقات فراغت خود را بگذرانند؟**

**پرسش**

جوان هایی که در کنکور قبول نمی شوند چگونه باید اوقات فراغت خود را بگذرانند؟

**پاسخ**

جوانی که در کنکور قبول نشده است . برای پر کردن اوقات فراغت باید اوقات شبانه روز خود را تقسیم کند، قسمتی را به آشپزی ، نظافت خانه و کمک به مادر اختصاص دهند. ساعاتی را به کارهایی مثل خیاطی ، قالی بافی ، کامو بافی ، قلاب بافی و گلدوزی و... پردازد. حداقل هر روزی یک ساعت وقت خود را در خواندن نماز و تلاوت قرآن . و خواندن دعا اختصاص بدهد. پاره ای از ساعات را با استراحت و نگاه کردن به برنامه های تلویزیون و... بگذراند. هر روزی چند ساعت مطالعه کند. اگر می خواهد در سال آینده در کنکور شرکت کند کتاب های درسی را تقسیم بندی کند و هر نیم ساعت و یا یک ساعتی یک و یا چند فصل یک کتاب را بخواند. و اگر نمی خواهد در کنکور شرکت کند کتاب هایی مثل توضیح المسائل و آشنایی با احکام اسلامی به خصوص احکام بانوان و کتاب های روان شناسی کودک ، شوهر داری و... را مطالعه کند که برای آینده اش بسیار مفید خواهد بود.

حضرت علی ۷ فرمود: (۱)

(پاورقی ۱. نهج البلاغه ، کلمات قصار، شماره ۳۹۰)

**سفره ای به نام حضرت زهرا ۳۱ مرسوم است که می گویند باید این سفره در محلّ تاریک باز شود و هیچ مردی نباید سر سفره باشد! آیا این درست است ؟**

**پرسش**

سفره ای به نام حضرت زهرا ۳۱ مرسوم است که می گویند باید این سفره در محلّ تاریک باز شود و هیچ مردی نباید سر سفره باشد! آیا این درست است ؟

**پاسخ**

مدرکی برای چنین اعتقادی ، در جایی مشاهده نکردیم . البته خیرات کردن و سفره انداختن و طعام دادن ، کار بسیار خوبی است ، اما با این شکل و روش که مطرح کرده اید، مدرکی نیافتیم .

**آیا عطسه نشانهء درستی موضوع است ؟**

**پرسش**

آیا عطسه نشانهء درستی موضوع است ؟

**پاسخ**

از نظر اسلام ، این گونه مطالب درست نیست ، بلکه شبیه به خرافه است .

از امام صادق ۷ روایت شده که عطسه، امان از مرگ است و علامت سلامتی مزاج است، لذا مستحب است هنگامی که شخصی عطسه می زند به او بگوییم و طرف مقابل نیز بگوید، (۱)

اما صبر و مکث کردن و یا فرق گذاردن بین یک عطسه و دو عطسه، همگی افسانه و خرافه است که باید مسلمان آگاه و دانا از این افسانه‌ها پرهیزد و عزم را جزم کند و اساساً روح اسلام با این گونه مطالب سازش ندارد تا آن جا که دستور می دهد هنگامی که بر کاری مصمم شدید، اگر کسی فال بد زد اعتنا نکنید و بر خداوند توکل کرده به دنبال هدف بروید و فال بد زدن را نشانه شرک قرار داده است و همواره فرموده اند: (۲) همواره به خیر و نیکی تفأل بزنید تا آن خیر و خوبی را از پیشگاه حق دریابید. صدای زاغ، آهنگ جغد و پرش چشم و یا عطسه نباید در عزم و تصمیم انسان خللی ایجاد کند.

(پاورقی ۱. سفینه البحار، ج ۲ ماده عطس .

(پاورقی ۲. همان، ماده سَمَت .

**فامیلی هایی که به نام (محمدی) یا (حسینی) است، به افراد سید و صالح مربوط می شود و یا فامیلی به نام (مرادی) به ابن ملجم مرادی مربوط می شود، مشاهده می شود بعضی از افراد که به نام محمدی یا حسینی هستند، آدم های بدی هستند و یا بعضی از افرادی که به نام (مراد**

### پرسش

فامیلی هایی که به نام (محمدی) یا (حسینی) است، به افراد سید و صالح مربوط می شود و یا فامیلی به نام (مرادی) به ابن ملجم مرادی مربوط می شود، مشاهده می شود بعضی از افراد که به نام محمدی یا حسینی هستند، آدم های بدی هستند و یا بعضی از افرادی که به نام (مرادی) هستند آدم های خوبی هستند؟

### پاسخ

فامیل هایی که افراد دارند، عناوین اعتباری هستند، چنان که اسم های افراد نیز اعتباری است، پدری که نام فرزندش را حسن یا حسین می گذارد یا مغازه داری که اسم مغازه اش را (حقیقت) نام می گذارد، هیچ دلیلی بر واقعی بودن این نام ها نمی شود؛ یعنی نمی توان از این نام ها کشف کنیم که این مغازه هیچ کارخلاف حقیقت انجام نمی دهد یا این حسن و حسین هیچ وقت بد نمی شود. بسیاری از اسم ها و فامیلی ها این چنین هستند؛ بنابراین، اگر فامیلی کسی محمدی یا حسینی یا ابوالفضل یا کاظمی یا غیره باشد، دلیل نمی شود که او سید است و یا آدم صالحی است و یا از نسل آنان است و بالعکس، اگر فامیل و نام کسی مرادی یا بکری یا غیره باشد، دلیل نمی شود که آدم بدی است و یا از نسل ابن ملجم مرادی است. این نوع فامیل ها را حدود صد سال قبل روی افراد گذارده اند و هیچ ربطی به هزار سال قبل در زمان ائمه: ندارد. بسیاری از افراد خوب بوده اند که ما نام های آنان را نمی پسندیم، مثلاً معاویه بن

عمّار، معاویه بن وهب ، مفضل بن عمر، محمد بن سنان ، ابان بن عثمان ، عمر بن علی بن ابی طالب ، محمد بن مروان ، عثمان بن عیسی و دیگران غالباً افراد خوبی بوده و از راویان حدیث بوده اند، پس اسم و فامیلی ، دلیل بر خوبی یا بدی افراد نمی شود. یکی از فرزندان حضرت علی (ع) عثمان است .

در قرآن کریم از القاب زشت نهی شده است و مردم نباید یک دیگر را با لقب زشت خطاب و در احادیث آمده است که نام خوب روی بچه ها بگذارید که آن ها احساس عظمت و غرور کنند.

**چرا اجازه می دهند زنان و دختران به ورزشگاه ها بیایند و به مردان و پسران نگاه کنند؟ متأسفانه شما تا به حال تذکر نداده اید.**

**پرسش**

چرا اجازه می دهند زنان و دختران به ورزشگاه ها بیایند و به مردان و پسران نگاه کنند؟ متأسفانه شما تا به حال تذکر نداده اید.

**پاسخ**

تا آن جا که ما اطلاع داریم ، ورزشگاه های مردانه ، تماشاگر زن نداشته است و چنین مسئله ای فقط یک بار در یکی از ورزشگاه های تهران در سال گذشته اتفاق افتاد که با اعتراضات شدید رو به رو شد.

اگر در ورزشگاه های دیگر و در حال حاضر، تماشاگران زن مجاز هستند شرکت کنند، برای ما بنویسید تا تذکر دهیم .

**چرا می گویند: کلّ یوم عاشور و کلّ أرض کربلا؟**

**پرسش**

چرا می گویند: کلّ یوم عاشور و کلّ أرض کربلا؟

**پاسخ**

هر روز عاشورا و هر سرزمین کربلا است / این جمله و شعار، نشان دهنده پیوستگی و تداوم درگیری حق و باطل در همه زمان ها و مکان ها است . عاشورا و کربلا یکی از بارزترین حلقه های این زنجیره است . همیشه حق و باطل رو در روی هم قرار دارند و انسان های آزاده ، وظیفه پاسداری از حق و پیکار با باطل را بر عهده دارند و بی اعتنا گذشتن از کنار حق و باطل ، بی دینی است . امام خمینی قدس سرّه بارها به این نکته مهم توجه دادند، از جمله در ایام جنگ تحمیلی : و در پیامی به مناسبت هفدهم شهریور فرمود: . .

نبرد عاشورا، گرچه از نظر زمان ، کوتاه ترین درگیری بود (نیم روز) ولی از نظر امتداد، طولانی ترین درگیری باستم و باطل

است و تا هر زمان که هر آرزومندی آرزو کند کاش در کربلا بود و در یاری امام شهیدان ، به فوز عظیم شهادت می رسید. جبههء کربلا- گرم و درگیری عاشورا دایر است . آن گونه که حسین ۷وارث آدم و ابراهیم و نوح و موسی و عیسی و محمد است ، پیروان عاشورایی او نیز وارث خط سرخ جهاد و شهادت اند و پرچم کربلا را بر زمین نمی نهند و این جوهر تشیع در بُعد سیاسی است . (۱)

(پاورقی ۱. جواد محدثی ، فرهنگ عاشورا، ص ۳۷۱ با تلخیص .

**چرا به روز نهم و دهم محرم تاسوعا و عاشورا گفته می شود؟ آیا فلسفه خاصی دارد یا چون در زبان عربی به این دو روز تاسوعا و عاشورا می گویند، ما هم به همان اسم می خوانیم ؟**

**پرسش**

چرا به روز نهم و دهم محرم تاسوعا و عاشورا گفته می شود؟ آیا فلسفه خاصی دارد یا چون در زبان عربی به این دو روز تاسوعا و عاشورا می گویند،

ما هم به همان اسم می خوانیم؟

## پاسخ

همان طور که می دانیم در زبان عربی به روز نهم هر ماه تاسوعا یا تاسوعاء و به روز دهم ، عاشوراء یا عاشورا گفته می شود، ولی چون در روز نهم و دهم ماه محرم سال ۶۱ هـ. ق حادثه بزرگ و جان سوز کربلا پیش آمد، بعد از آن سال تنها به روز نهم و دهم محرم ، تاسوعا و عاشورا اطلاق می شود، و فلسفه خاصی ندارد؛ هرچند، شاید بتوان از بعضی روایات ، علت و فلسفه خاصی برای این نام گذاری پیدا کرد.

به عنوان مثال ، امام صادق ۷ فرمود:

پدرم به فدای کسی باد که او را غریب گذاشته و در تضعیف او کوشیدند. (۱)

در روایتی می خوانیم : حضرت موسی بن عمران ۷ در مناجات خود عرضه داشت : بار خدایا! چرا امت حضرت محمد را بر دیگر امت ها برتری دادی ؟ خطاب آمد: به خاطر ده چیز. حضرت موسی عرض کرد: آن ده چیز کدام است تا به بنی اسرائیل بگویم عمل کنند؟ فرمود: نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و جمعه و جماعت و قرآن و علم و عاشورا. حضرت موسی عرض کرد: عاشورا چیست ؟ خطاب رسید: عاشورا عبارت است از گریستن یا حالت گریه به خود گرفتن و نوحه و مرثیه خواندن در عزای سبط رسول خدا ۶

ای موسی ! هیچ بنده ای از بندگانم بر حسین و مظلومیت او گریه و ناله نمی کند مگر این که اهل بهشت خواهد بود. (۲)

(پاورقی ۱. محدث قمی ، سفینة البحار، ماده تسح .

(پاورقی ۲. الشیخ فخر الدین الطریحی ، مجمع البحرین ، ج ۳

## فرق بین مرد و پسر چیست ؟

### پرسش

فرق بین مرد و پسر چیست ؟

### پاسخ

در اصطلاح عرف ، مرد به کسی می گویند که ازدواج کرده، و زن گرفته است و پسر به کسی می گویند که هنوز ازدواج نکرده است ، ولی اگر پسر به سنّ بلوغ رسیده باشد، مرد است و فرقی با او ندارد.

در لغت نامه ، مرد را به انسان نر (مقابل انسان ماده ) می گویند.(۱)

(پاورقی ۱. لغت نامه دهخدا، ج ۴ ص ۴۸۹۳)

**به نظر من روز عید غدیر باید به دیدار افرادی رفت که در عصر خودشان بر محور ولایت فقیه حرکت می کنند و اگر از سادات باشند. بهترند؛ حال نظر شما در خصوص رسم موجود در جامعه که صرف نظر از ویژگی های سادات و رویه آنان به دیدارشان می روند چیست ؟ و اگر آن را نمی پسندید**

### پرسش

به نظر من روز عید غدیر باید به دیدار افرادی رفت که در عصر خودشان بر محور ولایت فقیه حرکت می کنند و اگر از سادات باشند. بهترند؛ حال نظر شما در خصوص رسم موجود در جامعه که صرف نظر از ویژگی های سادات و رویه آنان به دیدارشان می روند چیست ؟ و اگر آن را نمی پسندید چه راه هایی را برای رفع آن پیشنهاد می کنید؟

### پاسخ

برادر مجتبی کیانی ! با آرزوی موفقیت برای شما. مقدماتی که نوشته اید و منتهی به نتیجه مورد نظر شده است ، بسیار عالی و به جا است و مانظر شما را می پسندیم . همه سفارشات و توصیه های پیامبر ۶ راجع به اهل بیت : ذریّه و خاندانش در جهت تقویت امامت و ولایت بوده است و تشویق هایی که از زبان پیامبر یا ائمه ۷ در زمینه احترام به اهل بیت : شده است ، همگی باید در مسیری باشد که ولایت را تقویت کند و گرنه سیدی که در زمان طاغوت امام جمعه تهران و منصوب از طرف محمد رضا شاه بود، هرگز قابل احترام نبوده و نیست و در آخرت با محمد رضا محشور خواهد شد و در روایت است که امام رضا ۷ فرمود: . و رسول الله ۶ خطاب به فرزندان عبدالمطلب فروده است : . خداوند فرموده است :

دمیده شود، هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی میان آن ها در آن روز نخواهد بود و از یک دیگر تقاضای کمک نمی کنند.



(چون کاری از کسی ساخته نیست) کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است, همان رستگارانند و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد, کسانی هستند که سرمایه وجود

خود را از دست داده ، در جهنم جاودانه خواهند ماند.>().

(پاورقی ۱. مجلسی ، بحارالانوار، ج ۷ ص ۲۴۱ حدیث ۱۱)

آن چه در روایات به آن اهمیت داده شده شیعه بودن و پیرو بودن است ، نه سید بودن ؛ البته سیدی که پیرو باشد، باید بیش تر مورد احترام قرار گیرد؛ زیرا یادآور دودمان پاک پیامبر و اهل بیت : است ؛ دودمانی که در پاکی و طهارت مَثَل اعلا هستند و خداوند آیهء تطهیر() را در شأن ایشان نازل کرده است ،(پاورقی ۲. احزاب (۳۳) آیهء ۳۳

ولی سید گنه کار، نه تنها مورد احترام نیست ، بلکه بیش از یک انسان معمولی باید مؤاخذه شود.

وقتی سلمان غیر سید و در برهه ای از زمان غیر مسلمان ، به خاطر پیروی و واقفیت از اسلام ، یکی از خاندان اهل بیت می شود،  
(

(پاورقی ۳..(بحارالانوار، ج ۱۷ ص ۱۷۰.

باید متوجه شد که معیارها در اسلام چگونه است و شیعیان باید به چه کسانی احترام بگذارند و روز عید غدیر به دیدن چه کسانی بروند و صرف سید بودن ولو سیدی که با نظام ولایت فقیه مخالف است و در مقام ضدیت و دشمنی است . نباید معیار دیدارها باشد، بلکه باید به دیدار سیدی بروند که اگر به خاطر تبلیغات و به خاطر اوضاع آشفته ،، لااقل طرف دار صددرصد نظام و ولایت فقیه نیست ، خدای نکرده مخالف نباشد و پرچم ضدیت را بر در خانه خود نصب نکرده باشد و دهان و زبانش به بدگویی و عیب جویی از نظام ولایت فقیه باز نباشد.

امام چهارم فرموده است :

زیرا آن کس از خاندان ما که نیکوکاری می کند، در حقیقت دو کار

کرده ، یکی این که مانند دیگران کار نیکی کرده و دیگر این که حیثیت و احترام پیغمبر را حفظ کرده است . آن کس هم که گناه می کند، دو گناه مرتکب شده است ، یکی این که مانند دیگران کاربندی کرده و دیگر این که آبرو و حیثیت پیغمبر را از بین برده است ... اساس کار، پیوند معنوی و صلاح عمل و اطاعت امر خدا است ، گو این که هیچ گونه نسبت و رابطه نسلی و جسمانی با ما نداشته باشد و هر کس گناه کار باشد از ما نیست ، گو این که از اولاد حقیقی و صحیح النسب زهرا ۳ باشد .

(پاورقی ۱. بحار الانوار، ج ۱ ص ۶۵)

در خاتمه نظر آن برادر عزیز را به این مسئله جلب می کنیم که دیدار از سادات و احترام به سادات ، تداوم همان مسئله امامت و ولایت بوده است ، به ویژه در زمان طاغوت ، وقتی مردم به دیدار سادات ، آن هم در روز عید غدیر می رفته اند، می خواسته اند مسئله امامت و ولایت را تقویت کنند و خاطره غدیر را زنده نمایند و امروز هم ، گرچه بعضی از عوام بدون توجه به مسئله ولایت فقیه ، به دید و بازدید سادات می روند، ولی چون اساس این موضوع یک سنت حسنه بوده است ، مخالفت با آن صلاح نیست ، ولی می شود مردم را راهنمایی کرد که به دیدار ساداتی بروند که در خط ولایت و امامت باشند تا غیر از دید و بازدید معمولی که کار خوبی است ، پاداش مضاعفی داشته باشند. ان شاء الله .

**معنای این جمله چیست : کس پیراهن ندوخت که آخر قبا نکرد!!**

**پرسش**

معنای این جمله چیست : کس پیراهن ندوخت که

آخر قبا نکرد؟!

### پاسخ

قبا، لباس بلندی است و جلوی آن باز است و آن را با بند یا با دکمه می بندند.

قبا کردن اصطلاحی است به معنای چاک کردن پیراهن و به معنای تنگ شدن معیشت و سخت شدن کار نیز می آید. (۱)

ظاهراً مراد از جملهء بالا- این باشد که هر کس پیراهن دوخت ، بالا-خره آن راچاک خواهد کرد و یا به دشواری و سختی خواهد افتاد؛ کنایه از این که روزی خواهد مرد و قبا و پیراهن او را چاک خواهند زد و از بدنش بیرون خواهند آورد و او را با کفنی داخل گور خواهند کرد.

(پاورقی ۱. دهخدا، لغت نامه ؛ فرهنگ معین ، لغت قبا.

**این شعر به چه معنا است ؟ اگر با دیگرانش بود میلی چراظرف مرا بشکست لیلی ؟**

### پرسش

این شعر به چه معنا است ؟ اگر با دیگرانش بود میلی چراظرف مرا بشکست لیلی ؟

### پاسخ

این شعر از مجنون است که عاشق لیلی بود. چون عاشقان لیلی فراوان بودند، هر کسی ظرفی نزد او می برد تا از او هدیه ای ببرد مجنون نیز ظرفی رانزد او برد، ولی از بین همهء ظرف ها، ظرف مجنون را شکست . مجنون ، شکستن ظرف خود را دلیل تمایل لیلی می دانست ، چرا که شکستن سبب ظرف ، علامت محبت است ، این گونه کارها از معشوق ، برای شعله ور ساختن عشق عاشق قلمداد می شود.

**آیا فقط هر کس لیاقت داشت ، شهید می شود، اگر چنین است ،چرا بعضی افراد لاابالی که حتی اهل نماز نبودند، در جنگ به شهادت رسیدند؟**

### پرسش

آیا فقط هر کس لیاقت داشت ، شهید می شود، اگر چنین است ،چرا بعضی افراد لاابالی که حتی اهل نماز نبودند، در جنگ به شهادت رسیدند؟

### پاسخ

مسئلاً رسیدن به مقام شهادت و لقای پروردگار، توفیق و لیاقت می خواهد. البته ما به مصداق شهید که فلانی و فلانی باشد، کار نداریم و کلی بحث می کنیم. برای رسیدن به این مقام، اولین و اساسی ترین شرط، اخلاص عمل است. کسی که به خاطر خدا حفظ ارزش های دینی و نگه داری از جان و مال و آبروی مسلمانان، به مرزهای کشور اسلامی می رود یا با ناهلان درگیر و کشته می شود، شهید محسوب می گردد و نزد خدا مأجور است. البته بیش تر کسانی که در جنگ تحمیلی شرکت کردند، برای حفظ کشور و به فرمان مرجع تقلید و رهبرشان و به خاطر خدا حرکت کردند که بعضی به شهادت رسیدند، گرچه بعضی قبلاً به نماز یا بعضی دیگر از دستورهای اسلام کم توجه بودند، ولی با توجه و رفتن به صحنه خطرو درگیری و ایثار جان خود در راه خدا، تمام گناهانشان پاک می شود.

**چرا وقتی از واقعه کربلا یادی به میان می آید، نام حضرت زینب از بین بقیه زنان حاضر در آن واقعه، گیراتر و بیش تر مطرح است؟ چرا نامی از زنان یا دختران حضرت که رنج های فراوانی کشیدند، برده نمی شود؟**

### پرسش

چرا وقتی از واقعه کربلا-یادی به میان می آید، نام حضرت زینب از بین بقیه زنان حاضر در آن واقعه، گیراتر و بیش تر مطرح است؟ چرا نامی از زنان یا دختران حضرت که رنج های فراوانی کشیدند، برده نمی شود؟

### پاسخ

شخصیت حضرت زینب با دیگر زنان در کربلا، قابل مقایسه نیست.

می توان گفت بعد از امام حسین ۷ شخصیت دوم در این صحنه جاودانه، حضرت زینب بود.

آن حضرت، دختر بزرگ امام علی بن ابی طالب ۷ و شخصیتی علمی و ایمانی محسوب می شد.

او زنی بود که دو فرزند خود به نام های عون و محمد را قبل از این که پسران امام حسین به میدان بروند، به میدان فرستاد. این دو برادر (محمد و عون) نزد امام حسین ۷ (دایی شان) آمدند و گفتند: به حق مادرت فاطمه زهرا! به ما اجازه بده به میدان برویم. امام ۷ اجازه داد. این دو برادر با شجاعت عجیبی به دشمن حمله کردند تا به شهادت رسیدند. امام حسین ۷ به بالین این دو نوجوان آمد و ایشان را به سینه چسباند و کشان کشان به خیمه شهیدان برد. همه زنان و کودکان بر بالای جنازه آن دو جمع شدند و گریه کردند، اما حضرت زینب حاضر نشد و فرمود: می ترسم بالای جنازه کودکانم بیایم و از بی طاقتی گریه کنم و برادرم ناراحت شود.

از بین زنان حاضر در واقعه عاشورا، کسی مانند زینب که این قدر با شناخت عالی و با معرفت باشد وجود نداشت. او را عقیده بنی هاشم، عقیده الطالبین، عارفه، عالمه، محدثه، فاضله،

کامله , عابدهء آل علی لقب داده اند. این بانوی بزرگ دارای قوت قلب , فصاحت زبان , شجاعت , زهد و ورع , عفاف و شهامت فوق العاده بود. او پیام آور کربلا, افشاگر ستمگری های حکام اموی , سرپرست کاروان اسیران اهل بیت و مراقب امام زین العابدین بود. خطبه های آتشین او در کوفه و شام , احیاگر خون شهیدان بود. او را لقب داده اند.

صبح ازل طلعهء ایام زینب است پاینده تا به شام ابد نام زینب است

در راه دین لباس شهامت چون دوختند زینبده آن لباس بر اندام زینب است

[بارزترین بُعد زندگی حضرت زینب , پاسداری از فرهنگ عاشورا بود, که باخطابه های آتشینش , پیام خون شهیدان را به جهانیان رساند.

حضرت زینب از فصاحت و ادب برخوردار بود و هنگام مشاهدهء سربریدهء برادر, خطاب به او سرود: , بعدها در سوگ امام حسین ۷شعاری با این مطلع سرود: (۱)

(پاورقی ۱. جواد محدّثی , فرهنگ عاشورا, ص ۲۱۶

## سنت چهارشنبه سوری در ایران ریشه از چه اعتقادی دارد؟

### پرسش

سنت چهارشنبه سوری در ایران ریشه از چه اعتقادی دارد؟

### پاسخ

در آخرین چهارشنبهء اسفند ماه هر سال شمسی , ایرانیان در شب آن , جشن چهارشنبه سوری می گیرند و آداب و رسوم خاصی را بر گزار می کنند. این شب را برای جشن و سرور بنیاد گذاشته اند. از مهم ترین مراسم آن , آتش افروزی و جستن از روی آن و شادی کردن در کنار آتش است . در هر جستن از روی آتش می گویند: زردی من از تو سرخی تو از من / یعنی ای آتش ! زردی و ناتوانی و بیماری را از من بگیر و سرخی و شادابی و تندرستی خود را به من ببخش . پس از سوختن هیزم ها, خاکستر را در خاک اندازی جمع می کنند و از خانه بیرون می برند و در کنار دیوار می ریزند و آن کس که آن را بیرون ریخته است , در بازگشت در می زند و باید از درون خانه پرسند: کیست ؟ او در جواب بگوید: منم . سؤال کنند: از کجا آمده ای ؟ جواب دهد: از عروسی . پرسند چه آورده ای ؟ گویند: تندرستی .

یکی دیگر از آداب چهارشنبه سوری , آجیل خوری است . یکی دیگر, فالگوش است / کسانی که حاجتی دارند, شب چهارشنبه سوری نیت می کنند و چهار راه یا گذر می ایستند و اولین عابری که می گذرد, به سخن او توجه می کنند و هر چه از دهان او بیرون آید, در استحابت حاجت به فال نیک یا بد می گیرند. یکی دیگر از آداب , کوزه شکستن است و دیگر دفع

### چشم

زخم و بخت گشایی ، که به دباغ خانه می روند و از آب آن جا اندکی بر می دارند و باخود به خانه می آورند و برای گشوده شدن بخت ، بر سر می ریزند. البته آداب و رسوم دیگری در هر شهری ذکر شده است . به لغت نامه دهخدا رجوع شود.(۱)

(پاورقی ۱. لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۷۰۰۷)

### **سنت سفره هفت سین در ایران ریشه در چه اعتقادی دارد و هفت سین سمبل چه چیزهایی است ؟**

#### **پرسش**

سنت سفره هفت سین در ایران ریشه در چه اعتقادی دارد و هفت سین سمبل چه چیزهایی است ؟

#### **پاسخ**

از مشهورترین مراسم نوروز، هفت سین است و آن گردآوردن هفت چیز است که نام آن ها با حرف سین آغاز می گردد. معمولاً بین اشیای ذیل : سیب سیاهدانه ، سنجد، سماق ، سیر، سرکه ، سبزه ، سمند و سبزی ، هفت چیز را انتخاب می کنند. سنت مزبور بسیار کهن به نظر می رسد و هفت سین ، هفت سبزی یا هفت سبزه است .(۱)

(پاورقی ۱. فرهنگ معین ، ج ۴ ص ۵۱۵۵ لغت نامه دهخدا، ج ۱۴ هفت سین .

### **در صحن پستی امامزادگان پنج تن ، واقعی در جمکران ، در اطراف یک درخت را میله کشیده اند و افرادی در آن جا راز و نذر می کنند و آن رازبارت می کنند. آیا این کار درست است ؟**

#### **پرسش**

در صحن پستی امامزادگان پنج تن ، واقعی در جمکران ، در اطراف یک درخت را میله کشیده اند و افرادی در آن جا راز و نذر می کنند و آن رازبارت می کنند. آیا این کار درست است ؟

#### **پاسخ**

التزام به این مطالب خالی از اشکال نیست و نذر و دعا و راز و نیاز گرچه ذاتاً مطلوب است ، لیکن متعلق نذر باید مشروع و راجح باشد.

بهرتر است عبادت در مساجد و زیارتگاه های معتبر انجام شود. پارچه و نخ بستن به درخت یا چیز دیگر درست نیست . این کار جاهلانه ای است که یکی به تبعیت از دیگری بدون تأمل و اندیشه انجام می دهد. باید از این کارها جداً خودداری کرد، مخصوصاً که شیعیان را به خاطر این کارهای اشتباه ، نزد دشمنان مخصوصاً وهابیان مورد طعن و بدگویی قرار می دهند. شیعه عقیده دارد نذر باید برای خدا باشد و در صیغه نذر می گوئیم : **لله علی و می گوئیم : عبادت و خضوع و خشوع و پرستش**

مخصوص خدا است و جز او را پرستش نمی کنیم، لذا از کارهایی که ممکن است مستمسک دشمنان بشود و ما را مورد طعن قرار دهند و احیاناً مشرک و غیر مسلمان بدانند، جداً خودداری کنیم.

باید بینیم روش علمای بزرگ و فقهای عظام در این موارد چگونه است. آید دیده شده است یک فقیه و عالم اسلامی از این قبیل کارها انجام دهد؟ خداوند بعضی از شیعیان را از قید و بندهای خرافی که احتمالاً دست های بیگانه در آن هادخیل است نجات دهد.

## به نظر شما موقع ازدواج یک دختر چه وقت است؟

### پرسش

به نظر شما موقع ازدواج یک دختر چه وقت است؟

### پاسخ

هدف از ازدواج، بقای نسل و پرورش انسان های صالح و انس باجنس مخالف است. بر همین اساس انسان طوری آفریده شده است که زن بدون مرد و مرد بدون زن نتواند زندگی معتدلی داشته باشد و اگر کسی از ازدواج خودداری کند، در حالی که مانعی برای ازدواج نداشته باشد، دچار اختلالات جسمی و روانی می شود و سلامت و تعادل خود را از دست خواهد داد. عدم تعادل در مردها محسوس است و در زن ها ظهور کمتری دارد.

معلوم می شود سلامت جسمی و روانی انسان در گرو ازدواج است؛ به همین جهت رسول خدا عزنناشویی را یکی از سنن مهم خود بر شمرد. (۱)

برای وضو به این هدف خداوند متعال از نظر آفرینش در زن و مرد تجهیزاتی قرار داد که آنان به سوی ازدواج کشانده شوند. به عبارت دیگر: عطشی در زن و مرد وجود دارد که جز با پیوند زناشویی برطرف نمی شود. ازدواج یک واقعیت طبیعی است. با توجه به این قانون، افراد باید سعی کنند به ازدواجی اقدام کنند که سعادت طرفین در آن باشد. ضمن این که ازدواج، سنت و واقعیت طبیعی است، نمی توان ادعا کرد هر ازدواجی که انجام می گیرد، اهداف ازدواج را در بر دارد.

عطش درونی در مرد و زن هنگامی بروز می کند که آن دو به سن بلوغ و رشد برسند، که در پسران و دختران از حدود سیزده سالگی شروع می شود و تا مدتی قابل کنترل می باشند، ولی پس از گذشت چند سالی باید اقدام کنند،



چون اگر سن دختر از ۲۰ تا ۲۵ بگذرد و ازدواج نکند، دچار اضطراب و درگیری های درونی و برونی با پدر و مادر و برادران و خواهران خواهد شد.

دختران باید هر چه زودتر ازدواج بکنند، همان طور که دستور اسلام است . هرچه تأخیر بیفتد، به ضررشان تمام می شود.

(پاورقی ۱. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴ ص ۶)

## تهاجم فرهنگی

### تعریف تهاجم فرهنگی

### آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

#### پرسش

آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

#### پاسخ

متأسفانه گرایش به مظاهر غرب امروزه به عنوان مظاهر مدرنیته شناخته شده، از این رو گرایش به مدها و آرایش ها و به طور کلی زندگی غربی نوعی پیشرفت تلقی می شود. کسی کار ندارد که آیا این سبک زندگی با فرهنگ ما سازگاری دارد؟ یا نه از این رو، فرهنگ خودمان، بر اثر بی توجهی و سهل انگاری، کم کم فراموش می شود.

الگوپذیری تنها در مد و لباس و آرایش و موسیقی و... نیست، بلکه در معماری ساختمان ها، نظام آموزشی و بانکداری و بیمه و... نیز جریان دارد که شرح آن فرصتی دیگر می طلبد.

تقلید اگر به معنای اخذ فرهنگ و خودسازی آن باشد، به این معنا که انسان از فرهنگ های دیگر خوبی ها و امتیازاتش را اخذ کند و آن را جزء فرهنگ خود نماید، نه تنها ناپسند نیست، بلکه امری مطابق عقل و منطق است، ولی اگر تنها صورتی سطحی داشته و پیروی محض باشد، بدون در نظر گرفتن خوبی ها و بدی هایش کار بیهوده ای است و این نوع تقلید است که مولانا آن را نفرین نموده است:

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

متأسفانه ما در شناخت فرهنگ خودی و شناساندن آن و در لزوم تبادل با فرهنگ های دیگر دچار مشکل هستیم و این کاری است که هم مسئولان باید در مورد آن جدیت به خرج دهند و هم توده مردم.

فرهنگ اسلامی به مراتب بهتر و ارزشمندتر از فرهنگ غرب است. در فرهنگ اسلامی با مظاهر فساد و فحشا

و ظلم و اجحاف و بی عدالتی مبارزه می شود، ولی متأسفانه فرهنگ غربی تبلیغ کننده فساد و فحشا است و باعث از هم پاشیدن زندگی خانوادگی و نابودی رحم و مروت و انصاف می شود و بر مبنای سود خواهی و سودپرستی است. از این رو مسلمانان باید از نظر فرهنگی استقلال داشته باشند. در عین حال از موارد خوب فرهنگ های دیگر نیز استفاده کرده و آن ها را در فرهنگ خود وارد کنند.

### تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

#### پرسش

تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

#### پاسخ

هر نهضت و حرکتی که هدف آن برانداختن آداب و تمدن و رسوم تعلیم و تربیت و آداب و شعائر و سنن دینی و قومی یک جامعه و تضعیف اعتقاد و پایبندی افراد آن جامعه خصوصاً جوانان و نوجوانان به فرهنگ و آداب خودشان برای آماده سازی آنها به قبول عادات بیگانگان باشد، تهاجم فرهنگی به آن جامعه است.

بنابراین، تهاجم فرهنگی به جوامع اسلامی، نهضتها و برنامه های ویرانگری است که با سیاستهای فرهنگی استعماری و با ترویج اخلاق بیگانه و در حال حاضر غربی برای محو شخصیت اسلامی و مسلمانان و ذوب آنها در فرهنگ و عادات و رسوم بیگانگان و برداشتن مرزهای اخلاقی خصوصاً در روابط زن و مرد و تأسیس حکومت بر اساس حکومتهای غربی، و نفی اصالت حکومت دین و حاکمیت احکام، مخصوصاً از حدود دو قرن پیش در بلاد و ممالک اسلامی به صورتهای گوناگون و شامل تقریباً کل مظاهر زندگی، کم و بیش شکل گرفت و می توان گفت: جز چند نقطه از سرزمینهای اسلام همه جا را فرا گرفت و بسیاری از عادات و آداب و حتی لباس و پوشش مسلمانان و طرز و روش ملاقاتها، برخوردها و دیدارها، پذیرایی ها و مراسم عزا و عروسی ها را شامل گردید.

### تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

#### پرسش

تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

#### پاسخ

هر نهضت و حرکتی که هدف آن برانداختن آداب و تمدن و رسوم تعلیم و تربیت و آداب و شعائر و سنن دینی و قومی یک جامعه و تضعیف اعتقاد و پایبندی افراد آن جامعه خصوصاً جوانان و نوجوانان به فرهنگ و آداب خودشان برای آماده سازی آنها به قبول عادات بیگانگان باشد، تهاجم فرهنگی به آن جامعه است.

بنابراین، تهاجم فرهنگی به جوامع اسلامی، نهضتها و برنامه های ویرانگری است که با سیاستهای فرهنگی استعماری و با ترویج اخلاق بیگانه و در حال حاضر غربی برای محو شخصیت اسلامی و مسلمانان و ذوب آنها در فرهنگ و عادات و رسوم بیگانگان و برداشتن مرزهای اخلاقی خصوصاً در روابط زن و مرد و تأسیس حکومت بر اساس حکومتهای غربی، و نفی اصالت حکومت دین و حاکمیت احکام، مخصوصاً از حدود دو قرن پیش در بلاد و ممالک اسلامی به صورتهای گوناگون و شامل تقریباً کل مظاهر زندگی، کم و بیش شکل گرفت و می توان گفت: جز چند نقطه از سرزمینهای اسلام همه جا را فرا گرفت و بسیاری از عادات و آداب و حتی لباس و پوشش مسلمانان و طرز و روش ملاقاتها، برخوردها و دیدارها، پذیرایی ها و مراسم عزا و عروسی ها را شامل گردید.

### **در چه صورت چیزی که از خارج سرزمینی وارد آن سرزمین شود اجنبی و ضد ملی شمرده می شود؟**

#### **پرسش**

در چه صورت چیزی که از خارج سرزمینی وارد آن سرزمین شود اجنبی و ضد ملی شمرده می شود؟

#### **پاسخ**

در یک صورت آن چیزی که از خارج رسیده است بیگانه و اجنبی خوانده می شود و پذیرش آن بر خلاف اصول ملیت شناخته می شود و احیاناً پذیرش آن نوعی تغییر ملیت به شمار می آید که آن چیز رنگ یک ملت بالخصوص داشته باشد و از شعارهای یک ملت بیگانه باشد. بدیهی است که در این صورت اگر ملتی شعار ملت دیگر را بپذیرد و رنگ آن ملت را به خود بگیرد، بر خلاف اصول ملیت خود عمل کرده است. مثلاً نازیسم آلمان و صهیونیسم یهود، رنگ ملیت بالخصوصی دارد؛ اگر افراد یک ملت دیگر بخواهند آن را بپذیرند، بر خلاف ملیت خود عمل کرده اند.

اما اگر آن چیز رنگ مخصوص نداشته باشد، نسبتش با همه ملتها علی السواء باشد، شعارهایش شعارهای کلی و عمومی و انسانی باشد و ملت مورد نظر هم آن را پذیرفته باشد، آن چیز اجنبی و بیگانه و ضد ملی شمرده نمی شود. به همین دلیل، حقایق علمی به همه جهان تعلق دارد. جدول فیثاغورث و نسبیت اینشتین به قوم معینی تعلق ندارد و با هیچ ملیتی منافات ندارد، برای اینکه این حقایق بی رنگ است و رنگ و بوی قوم و ملت مخصوصی را ندارد.

به این دلیل، دانشمندان و فیلسوفان و پیامبران به همه جهانیان تعلق دارند، که عقاید و آرمانهای آنها محصور در محدوده یک قوم و ملت نیست.

از نظر احساسات ملی و عواطف قومی، نه هر چیزی که از وطن برخاست جنبه ملی پیدا می کند و نه هر چیزی که از مرز و بوم

دیگر آمده باشد بیگانه به شمار می رود، بلکه عمده آن است که اولاً بدانیم آن چیز رنگ ملت بالخصوصی دارد یا بی رنگ است و عمومی و جهانی است، ثانیاً آیا ملت مورد نظر آن چیز را به طوع و رغبت پذیرفته است یا به زور و اکراه.

### منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

#### پرسش

منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

#### پاسخ

- برای ارایه تفسیری دقیق و کامل از تهاجم فرهنگی لازم است علاوه بر بررسی معنا و مفهوم آن ، علل و ریشه های ابعاد و شیوه ها و ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلامی ایران را مورد تحلیل قرار داده و در نهایت به راه های مبارزه به تهاجم فرهنگی بپردازیم . الف ) بررسی معنا و مفهوم تهاجم فرهنگی : تهاجم فرهنگی به این معنا است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسارت یک ملت ، به بنیان های فرهنگی آن ملت هجوم می برد و باورهای تازه ای را به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می کنند تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو به دین و به اصول انقلابی انجام می گیرد . در واقع تهاجم فرهنگی دو رکن اساسی و مهم دارد : ۱- جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی و این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی انجام می گرفت . ۲- حمله به جمهوری اسلامی و ارزش های آن و ارزش های ملت ایران و یک تهاجم فوق العاده فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی با ابعاد گسترده در سرتاسر جهان به صورت عام و متمرکز کردن این حملات علیه ایران به عنوان کانون بیداری نهضت اسلامی . ب ) علل و ریشه های تهاجم فرهنگی : دشمنان اسلام به این نتیجه دست یافتند تا زمانی که فرهنگ ملی بر جامعه حاکم است ، اجرای هر طرح استعماری قطعاً " فاقد توفیق خواهد بود، زیرا

سلطه سیاسی بدون پشتوانه های فرهنگی میسر نیست ، بنابراین برای تضعیف اسلام و ارزش های اعتقادی و همچنین کم رنگ ساختن روحیه ایثار، جهاد، شهادت ،خوداتکایی و ضدیت با ظلم و تخریب فرهنگ ملی کشور و جایگزین کردن فرهنگ آمریکایی در راستای ایجاد بحران هویت ، طرح تهاجم فرهنگی را با برنامه ریزی های حساب شده به مرحله اجرا درآوردند .بر این اساس مهم ترین علل و ریشه های تهاجم فرهنگی عبارتند از : ۱- احیا و اعتلای اسلام انقلابی در ایران و جهان . ۲- انقلاب اسلامی ایران هر مونی نظام سلطه را به چالش کشاند . ۳- مطرح شدن جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرا و کانون حرکت جهانی اسلام . ۴- ناکامی دشمنان در شکست جمهوری اسلامی از طریق تهاجم نظامی ، محاصره سیاسی ، اقتصادی و ... ج ) بررسی ابعاد، شیوه ها و ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلام : ۱- اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا میان جوانان . ۲- تضعیف روحانیت با حربه های تبلیغاتی . ۳- تحقیر و منزوی کردن جریان ادب ، هنر و فرهنگ اسلامی . ۴- متهم کردن نظام اسلامی به سلب آزادی های مدنی و ضدیت با حقوق بشر. ۵- ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی . ۶ تبلیغ گسترده سکولاریسم ، لایسیسم ، اومانیسم ، وجود قرایت های مختلف از اسلام ، تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق . ۷- سازماندهی حملات لجام گسیخته به باورهای ملی ، مذهبی و ارزش های حیاتی . این موارد به عنوان محورهای استراتژی رادیوهای بیگانه ، رسانه های غربی

نیروهای سکولار، روشنفکران غربزده و مزدوران اجیر شده نظام سلطه در عرصه تهاجم فرهنگی بر ضد اسلام و ایمان مردم ایران می باشد. د) راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی: هر چند دشمنان اسلام برنامه ریزی گسترده ای را برای کم اهمیت جلوه دادن تهاجم فرهنگی و توهم خواندن آن با هدف کم کردن حساسیت ها نسبت به اهداف تهاجم فرهنگی و ایجاد روحیه یاس و ناامیدی در مردم، به ویژه در نسل جوان با ترویج و اشاعه غیر قابل اجرا بودن ارزش های والای الهی در جامعه، انجام داده اند ولی واقعیت این است که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه ریزی های منظم و سازماندهی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصاً "دستگاه های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم، براساس برنامه ای دقیق، حساب شده می باشد. براین اساس مهم ترین راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی عبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت در مردم و مسوولین. قرآن کریم در سوره آل عمران، آیه ۱۳۹ می فرماید: (( و انتم الاعلون ان کنتم مومنین )) . ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تامین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی. ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل



انحراف معنوی جامعه اسلامی . ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد . ۵- تحقق باوری عمیق ، درونی ، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی ، تقنینی ، اجرایی ، قضایی ، نظامی ، انتظامی ، آموزشی ، فرهنگی و تبلیغی و ... نقش ایفا می کند . نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه ، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال ، یاس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت . ۶- تلاش و تدبیر جدی ، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات ، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و ... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران ، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی ... در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلماً " برخورد فیزیکی و بستن مرزها و ... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست ، اما درموردی لازم است و از تاثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد . از طرف دیگر این نکته را نیز باید در نظر داشت که آمریکا در حال

حاضر رهبری جهانی نظام سلطه و استکبار را بر عهده دارد و سایه شوم صهیونیسم و سرمایه داری خون آشام را بر سر تمام ملل جهان دامن گستر می کند. از این رو مبارزه با آمریکا در حال حاضر قابل قیاس با هیچ جریان دیگری نیست. به عبارت دیگر ستیز با آمریکا یعنی مقابله با ام الفساد جهانی. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی بر گرفته از سخنان مقام معظم رهبری ۲- انقلاب و ارزش ها علی ذوعلم ;

## گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟

### پرسش

گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟

### پاسخ

گرایش به فرهنگ غربی و فساد عوامل متعددی دارد از جمله : ۱- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که طبیعتا فرد را به سوی پورنو گرافی غربی متمایل می سازد. ۲- استفاده غربی ها از عوامل . ابزارها و سرمایه های عظیم و به کارگیری تکنیک ها و شیوه های فریبنده در سطحی بسیار گسترده . ۳- نا آگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطیه های دشمنان و نا دانسته پیروی نمودن از آنان . ۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی ( مانند برخی از دانشگاهیان و ... ) . ۵- به کار نگرستن درست و کامل اصول و تعالیم اسلام در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی . ۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی . مساله غرب گرایی ، پدیده ای است که سابقه ای طولانی نه تنها در کشور ما، بلکه در سطحی بسیار گسترده تر در همه کشورهای جهان سوم وجود دارد . برخی از علل این پدیده عبارت است از : ۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است . ۲- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی ، اخلاقی ، علمی و مادی خود . ۳- افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد . انقلاب اسلامی آوای بلندی بود که در سراسر جهان اسلام و مستضعفین طنین

افکن شد و توانست برای بسیاری از جوانان ، روشنفکران ، نویسندگان و اندیشمندان تغییر جهت دهد .لیکن از دیگر سو عوامل غرب نیز همواره در کمین نشسته و از هر سو برای ربودن نظرها و اندیشه ها تلاش مضاعفی در سطح جهان انجام می دهند .طبیعی است که در این میان برخی به آن سو و برخی به این سو می خرامند .در ارزیابی نهایی هر چند ما حرکت های موجود در جهت مبارزه اصولی و ریشه ای با پدیده غرب گرایی را کافی نمی دانیم و هرگز نمی توان انتظار داشت که کامل ترین برنامه ها بتواند به طور کلی ریشه این گونه گرایش ها را خشکاند؛ زیرا انسان ها بر اساس امیال وخواست های متفاوت که دارند و نیز متناسب با محیط های مختلفی که در آن رشد کرده اند و اندیشه های گوناگونی که ذهنشان با آن رشد یافته است ، گرایش های متفاوتی می یابند .بنابر این ضمن آنکه تا حد زیادی می توان کارنامه مبارزه با این پدیده را مثبت ارزیابی کرد، ولی همواره پرونده این گونه گرایش ها باز است و حرکت های موجود یا هر حرکت دیگری می تواند آن را محدود سازد، ولی نمی تواند به طور کلی آن را نابود کند .

### معنای رپ ( rap ) چیست و چه آرمانی دادند؟

#### پرسش

معنای رپ ( rap ) چیست و چه آرمانی دادند؟

#### پاسخ

(( رپ )) ( Rap ) در لغت به معنای زخم زبان ،ضربت سریع و تند زدن ، آدم بی توجه و حقه باز و مورد سرزنش قرار گرفته است . هواداران این گروه ، پسرانی با موهای بلند و یا کلاه گیس هستند،لباس (( جیر )) به تن کرده و دم پای شلوارشان تنگ است و با عینک دودی ، کفش مخصوص و کمر بند و دست بندهای آرم دار در اجتماع ظاهر می شوند .علامت و آرم این گروه از صلح جهانی ( Peace ) گرفته شده ، اماهیچ سنخیتی با طرز فکر و رفتار گروه ندارند .از نظر تاریخی ، در دهه ۱۹۸۰ میلادی عده ای سیاه پوست آمریکایی که ریشه اصلی نژاد آنها آفریقایی بود، جهت رسیدن به صلح و آزادی در قاره آفریقا و در اعتراض به نژادپرستی اقدام به تظاهرات کردند .نقطه اجتماع سیاه پوستان و آغاز تظاهرات آنها از محله معروف (( هارلم )) در نیویورک بود و هنوز هم از این محل به عنوان مرکز هدایت Rap نام برده می شود .اجتماعکنندگان که نام رپ را انتخاب کرده بودند اعتراض خود را با نوعی رقص و پایکوبی اعلام کردند و سپس با مرور زمان نوعی موسیقی مخصوص این گروه رواج یافت و حمایت های مالی و نیز پیوستن برخی خوانندگان معروف ، باعث شهرت گروه رپ گردید .رفته رفته رپ جای خود را در جامعه آمریکا باز کرد.موسیقی گروه غنا و تنوع زیادی یافت به طوری که پس از مدتی موسیقی رپ با عناوین

مختلفی پدید آمد که مشهورترین آن گروه (ام. سی مهامر) است. شهرت غیرمنتظره رپ باعث شد تا استعمار از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند و با به انحراف کشاندن اهداف رپ، این گروه به ابزاری در دست قدرت های بزرگ تبدیل شد تا جوانان را به انحراف اخلاقی بکشاند. امروزه در سراسر آمریکا، اروپا، آسیا و حتی آفریقا، جوانان بی بند وباری دیده می شود که با سر و وضع عجیب و غریب در اجتماع ظاهر می شوند، بدون آن که به بررسی ریشه یابی این حرکت خود پردازند. آنان به نوعی خودباختگی و حتی گاهی به فساد و انحراف کشیده می شوند درحالی که مدعی هواداری از رپ یعنی کمک به قیام سیاهان برای کسب صلح و آزادی هستند. از سوی دیگر موسیقی گروه رپ مورد استفاده گروه های منحرف اخلاقی قرار گرفته است. آنان خود را فارغ از تمامی مسایل زندگی دانسته و در پی یک آسایش مفرط و بی حد و اندازه هستند و به همین علت دوستی و سازش را که شعار صلح جهانی است به اشتباه تعبیر کرده و خود را متصل و پیرو آن می دانند. این گروه برای خود گردن بند و دست بندهای مخصوص دارند و آرم گروه نیز به صورت یک تکه یا دو تکه بر آنها نقش بسته و به وسیله زنجیر به یکدیگر متصل شده اند. گروه رپ به چندین فرقه یا زیرمجموعه تبدیل شده و یکی از مهمترین این مجموعه ها گروه RAS دختران است. طرفداران ( ( راس ) ) خط و مشی رپ را انتخاب کرده اما

در هدف معتقد به آزادی تام و کامل دختران می باشند. یکی از فرقه های مهم در میان زیرمجموعه رپ که به شیطان پرست غیرمشهور است گروه WASP می باشد که مخفف جمله ( ما پیامبران سکس هستیم ) گرفته شده است. افراد هوادار این فرقه دارای تفکرات هوسرانی، هم جنس بازی، ولگردی های شبانه و آزاد از هرگونه قید و شرطی هستند. یکی دیگر از فرقه های رپ، گروه ( هوی متال ) می باشد که خود دارای چندین فرقه می باشد که مهمترین آنها عبارتند از: متالیکا، ایرون، مادن، تی برگتر، انترمتال. نقطه مشترک و متصل همه آنها آزادی جنسی است و در رده بعدی نیز صلح برای آزادی سکس، آزادی اعتیاد مواد مخدر، آزادی بی بند و باری، روابط آزاد دختر و پسر، نژادپرستی، خشونت علیه خانواده و... قرار دارد.

## در مورد "مد گرایی جوانان" چه آیاتی در قرآن، آمده است؟

### پرسش

در مورد "مد گرایی جوانان" چه آیاتی در قرآن، آمده است؟

### پاسخ

"مد" کلمه‌های فرنگی است، در کنار "مد" کلمه‌های دیگری به نام "الگو" قرار دارد که میتوان آن را از نظر مفهوم با کلمه عربی "اسوه" مقایسه کرد. در اصطلاح، مد تنها به مظاهر و نمادهای زندگی روزمره اشاره میکند و تنها بخشی از مقدمه الگو پذیری است. در دیدی وسیعتر الگو پذیری شامل رفتار و منشهای اجتماعی، فردی در زندگی است و محدود به ظواهر زندگی مادی و صورت زندگی نمیشد.

انسانها و جوامع انسانی برای نمایش روحیات، علایق و محتوای مطلوب زندگی خویش، به علایم و نمایهها نیاز دارند و مدها و الگوها همان مظاهر و نمایهها هستند.

از آن جا که گرایش به الگو و مد که از جمله گرایشهای انسان است و روح انسان از یک نواختی، گریزان بوده و میل به تنوع دارد، قرآن کریم که کتاب هدایت و پاسخ گو به نیازهای فطری انسان است، به این نیاز مهم بشر (نیاز به الگو) پاسخ گفته است و انسانها را به الگو پذیری از شخصیتها و چیزهایی که باعث کمال میشود تشویق کرده و از مدهایی که منجر به از خود بیگانگی میشود بر حذر داشته است.

قرآن کریم، برای پیمودن مسیر کمال، پیامبران و اولیاء الهی را الگوی انسان معرفی کرده و پیامبر اکرم (مظهر انسان کامل و بهترین فرد عالم) را بهترین سرمشق انسانها قرار داده است: "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ  
الْيَوْمَ الْأَخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا" (احزاب، ۲۱)

در مقابل این نوع الگو، انتخاب هر چه که

باعث شود، انسان از مسیر واقعی منحرف شود و در مسیر دوری از خدا و سعادت جاودانه اخروی گام بردارد، به عنوان الگوها و مدهای نامناسب مطرح شده است. در قرآن مجید بارها نسبت به غفلت از خود و سرسپردگی انسان نسبت به غیر خدا هشدار داده شده و از بت پرستی، پیروی از شیطان، هوای نفس، تقلید کورکورانه از نیاکان و بزرگان و دیگران، نکوهش شده است. مفاهیم یاد شده در فرهنگ بشری و بینش اسلامی مفاهیمی آشنا و قابل درکند. این مفاهیم را میتوان از زاویه مسأله مد پرستی که منجر به از خود بیگانگی میشود نگریست و جلوه تازهای به آنها بخشید.

به هر حال، "مد پرستی" و از خود بیگانگی در منظر قرآن یک حالت روانی و فکری است که دارای لوازم، نمودها و آثاری است.

انسان مد پرست، هویت دیگری را هویت خود میپندارد و این هویت دیگر هر چه باشد، انسان از خود بیگانه، تصویری متناسب با آن، از خود خواهد داشت.

در این جا به برخی از نمودهای از خود بیگانگی و مد پرستی اشاره میکنیم:

۱. اصالت دادن به دیگری: انسان مد پرست، در تمام یا برخی از شوون خود اصالت را به دیگری میدهد و در ارزیابیها، احساس دردها، تشخیص درمانها و... آن دیگری را اصل قرار میدهد و امور خود را بر اساس او میسنجد، در موردشان قضاوت میکند، انتخاب میکند و طبق آن عمل میکند. و به طور مرتب وضع مادی خویش را با دیگران مقایسه میکند. این طرز تفکر که نشانه عدم رشد کافی و احساس حقارت درونی و کمبود همت میباشد، یکی



وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُو سَبِيلاً (النساء: ۱۴۳) بین خدا و غیر خدا سرگردان اند نه با گروه مؤمنان و نه با گروه کافران [یکسو و یکدل] اند و هر که را خدا گمراه کند برایش راهی نیابی"

۴. عدم بهره‌گیری از عقل و دل و... (ر.ک: انسانشناسی، آیه الله مصباح یزدی، ص ۱۷۶ ۱۶۳، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۷، ص ۲۴۲، دارالکتاب الاسلامیه).

## آیا در تاریخ اسلام، تهاجم فرهنگی وجود داشته است؟

### پرسش

آیا در تاریخ اسلام، تهاجم فرهنگی وجود داشته است؟

### پاسخ

تهاجم فرهنگی، به معنای هجوم بردن یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی به بنیانهای فرهنگی یک ملت، به منظور جایگزین کردن فرهنگ خود به جای فرهنگ آن ملت است.

طبق این تعریف در تهاجم فرهنگی دو هدف مورد نظر است.

۱. بی اعتقاد کردن نسل نو به معتقدات خود؛

۲. جایگزینی فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی. (فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی).

در قرون اولیه مسلمانان با عمل به آموزه‌های قرآن و تکیه بر نیروی علمی، فرهنگی و نظامی خود، اگرچه در درون خود دچار انحرافات شدند ولی اجازه هیچ گونه تهاجمی را به بیگانگان ندادند، بلکه خود را تا آفریقا و اروپا رسانیدند اما در قرن هفتم و پس از آن، با سستی و ضعفی که از خود نشان دادند و با رشد و رونق علمی، که در قرنهای اخیر، در غرب پدید آمد، خود را باخته و مورد انواع تهاجمهای فرهنگی قرار گرفتند. از جمله این تهاجمهاست:

۱. تهاجم فرهنگی مسیحیان برای تصرف اندلس

در تاریخ اسلامی اندلس اسلامی، یعنی اسپانیای فعلی، میخوانیم که مسیحیان برای تصرف آن با کارهای فرهنگی، از قبیل فراهم کردن وسایل عیاشی، وقف باغها و بوستانها برای تهیه شراب، اشاعه روسپیگری و... روح ایمان و اعتقاد را از مسلمانان گرفته و به راحتی بر آن استیلا یافتند. (امدادهای غیبی در زندگانی بشر، شهید مطهری، ص ۴۲، انتشارات صدرا).



۲. تهاجم فرهنگی غرب به اسلام با رشد علمگرایی

از قرن هیجده میلادی با رونق علمی و صنعتی، که در غرب پدید آمد، غربیها با انواع

شیوهها، فرهنگ دینی مسلمانان را در همه نقاط مورد تاخت و تاز قرار دادهاند.

**چرا در رسانه ها گفته می شود ما غر بزده هستیم در صورتی که بیشتر ضربه هایی که به ما می رسد از اعراب است ؟**

**پرسش**

چرا در رسانه ها گفته می شود ما غر بزده هستیم در صورتی که بیشتر ضربه هایی که به ما می رسد از اعراب است ؟

**پاسخ**

آنچه را که شما به کشورهای عربی نسبت می دهید درست است ولی همه اینها همان ترویج فرهنگ غربی و غر بزدگی است که با واسطه دستگاه های تبلیغاتی کشورهای عربی و... ترویج می شود. } }

**هنرمندان و فیلم سازان ما متعهد نیستند و مدگرا هستند. اینان به نوعی در تهاجم فرهنگی شریکند، پس چرامی گوییم تهاجم فرهنگی کار کشورهای غربی است ؟**

**پرسش**

هنرمندان و فیلم سازان ما متعهد نیستند و مدگرا هستند. اینان به نوعی در تهاجم فرهنگی شریکند، پس چرامی گوییم تهاجم فرهنگی کار کشورهای غربی است ؟

**پاسخ**

مقصود از تهاجم فرهنگی غرب آن است که آنان سرمنشأ و سلسله جنبان این حرکت هستند ولی عوامل متعدد دیگری نیز ممکن است در استحاله فرهنگی جامعه موثر باشد و غالب عوامل داخلی دانسته یا ندانسته و خواسته یا ناخواسته ترویج فرهنگ آنان را می کنند و واسطه سلطه فرهنگی آنان می باشند. } }

**خیلی می خواهم در مورد لباس هایی که از غرب می آید بدانم که آیا در این لباسها نیز تهاجم فرهنگی نهفته است یا خیر. تا چه حد.**

**پرسش**

خیلی می خواهم در مورد لباس هایی که از غرب می آید بدانم که آیا در این لباسها نیز تهاجم فرهنگی نهفته است یا خیر. تا چه حد.

لباس دست کم پاسخ گوی سه نیاز آدمی است؛ یکی این که او را از سرما و گرما حفظ می کند، دیگر این که در جهت حفظ عفت و شرم، به او کمک می کند و سوم این که به او آراستگی و وقار می بخشد. در هر جامعه ای نوع و کیفیت لباس زنان و مردان، علاوه بر آن که تابع شرایط اقتصادی و اجتماعی و اقلیمی آن جامعه است، تابع جهان بینی و ارزش های حاکم بر فرهنگ آن جامعه نیز می باشد. انسان بسته به این که برای جهان، چه معنایی قائل باشد، خود را چگونه موجودی بداند، چه سرنوشتی برای خود تصور کند و سعادت خود را در چه بداند، لباس پوشیدنش تفاوت می کند.

همان طور که گفتیم انسان به وسیله لباس به خود آراستگی و زیبایی می بخشد. خود آرایی و زینت کردن، نه تنها آثار مثبت روحی و روانی در دیگران داشته و موجب آرامش روحی می شود، بلکه اثرات روانی مثبتی نیز در خود فرد دارد. بنابراین، نه تنها کیفیت لباس پوشیدن حاکی از شخصیت انسان است، بلکه در شکل گیری و تحول شخصیت او نقش دارد. اینک بعضی از موارد ارتباط نوع پوشش و شخصیت آدمی را بر می شماریم:

۱. پوشیدن لباس آراسته و پرهیز از هر نوع آشفتگی و پریشانی، نشانه ای از وجود نظام فکری و ذوق سلیم در انسان است. بنابراین می توان گفت که آشفتگی برونی، حکایت از آشفتگی درونی می کند؛ زیرا انسان اگر دارای شخصیت طبیعی

و سالم باشد، از آشفتگی و بهم ریختگی گریزان است و نظم و ترتیب و تمیزی را بر ژولیدگی و پریشانی ترجیح می دهد.

۲. پرهیز از خودآرایی و پذیرفتن آشفتگی و ژولیدگی در لباس، به جهت تعارضی که با خواسته های فطری انسان دارد، اثرات بدی در زمینه روانی بر انسان می گذارد؛ بطوری که به تدریج سبب بروز افسردگی روحی و انهدام ذوق سلیم در انسان شده، منجر به بی اعتدالی روانی می شود تا آن جا که علائق انسان را به زندگی و مواهب موجود در آن، از حد اعتدال کاهش می دهد و او را به شخصی منزوی و گوشه گیر تبدیل می کند.

۳. آراستگی ظاهری اگر با خودآرایی درونی همراه شود، تنها رمز موفقیت انسان در جلب محبت و راه یافتن در دل هاست؛ به طوری که بدون برخورداری از چنان شرایط ظاهری و باطنی، انتظار محبوبیت پیدا کردن، انتظاری بی جا خواهد بود.

در این جا بعضی از ویژگی های لباس را که با شخصیت انسان مرتبط است، از زبان روایات اسلامی یادآور می شویم:

۱. لباس زیبا، باعث تقرب به خداست. امام صادق(ع) می فرماید: خود را به وسیله لباس زیبا کنید؛ زیرا خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد. ۱. بنابراین وقتی انسان احساس کند خدا او را دوست دارد، تأثیر مثبتی بر شخصیت او می گذارد.

۲. امام علی(ع) می فرماید: لباس تمیز، غم و ناراحتی را برطرف می کند و برای نماز، یک نوع پاکیزگی است. ۲.

بنابراین یکی از عوامل نشاط و شادابی روانی، پوشیدن لباس تمیز است.

۳. لباس تمیز، باعث ذلت و خواری دشمنان می شود و انسان را در مقابل آنان سربلند می کند. امام صادق(ع) می فرماید:  
لباس پاکیزه، دشمن

را ذلیل می نماید. ۳.

۴. لباس مناسب، انسان را در میان مردم عزیز می کند. امام علی(ع) می فرماید: براستی نیکوترین لباس، آن لباسی است که تو را با مردم همسان سازد و موجب آرایش تو در میان آنان شود و زبان های آنان را از بدگویی تو باز دارد. ۴.

۵. لباس انسان، باید معرف جنس او نیز باشد؛ بنابراین لباس مردان باید با لباس زنان تفاوت داشته باشد و هر کدام لباس مخصوص خود را بپوشند. پیامبر خدا(ص) مردانی را که لباس زنان و زنانی را که لباس مردان می پوشند، از رحمت خدا دور دانست. ۵.

۶. لباس نباید غیر متعارف و به اصطلاح لباس شهرت باشد. گاهی انسان بر اساس خود خواهی و تکبر، لباسی را انتخاب می کند که نظیرش در هیچ کس نبوده باشد. امام صادق(ع) می فرماید: برای انسان از نشانه های خفت و خواری همین بس که لباسی بپوشد که به آن مشهور شود. ۶. بنابراین لباس شهرت، نشانه شخصیت خود خواه و متکبر است. از سیره و زندگی پیامبر اکرم(ص) و سایر پیشوایان دینی استفاده می شود که آنها با مسئله تجمل پرستی در لباس سخت مخالف بودند و از آن چه نشانه خودخواهی و تکبر داشت، بر حذر می داشتند. درباره هیئت نمایندگی نجران، چنین آمده است: در پاسخ به دعوت پیامبر اکرم(ص) در سال دهم هجری، هیئتی از مسیحیان نجران وارد مدینه شدند تا با پیامبر مذاکره کنند. این هیئت در حالی که لباس های تجملی ابریشمی بر تن و انگشترهای طلا بر دست و صلیب ها بر گردن داشتند، وارد مسجد شدند؛ ولی وضع زننده و نامناسب و حاکی از تکبر و خودخواهی آنان، پیامبر(ص) را ناراحت نمود و

در نتیجه آنان را به حضور نپذیرفت؛ اما علت ناراحتی پیامبر(ص) را ندانستند. از علی(ع) در این باره چاره خواستند و علت به حضور نپذیرفتن هیئت توسط پیامبر اکرم(ص) و ناراحتی آن بزرگوار را جویا شدند. علی(ع) فرمود: من چنین فکر می‌کنم که آنها باید این لباس‌های تجملاتی و انگشترهای گران قیمت را از تن بیرون کنند و بعد خدمت پیامبر(ص) برسند. آنها چنین کردند و پیامبر اکرم(ص)، آنها را به حضور پذیرفت و مورد احترام و تکریم قرار داد.

۷. پرهیز از لباس فرهنگ‌های بیگانه؛ کسی که فرهنگ اسلامی و ملی خود را رها کند و به رنگ و لباس بیگانگان (که مظهر آن دنیای غرب است) در آید، نشانه نداشتن استقلال و نشانه وابستگی به آنان است. چنین فردی، دچار احساس خود کم بینی شده است و شخصیتی ذلیل دارد. امام علی(ع) می‌فرماید: همواره حال این امت نیکو خواهد بود تا زمانی که لباس بیگانگان را نپوشند و غذاهای آنان را نخورند و آن زمان که چنین کنند، خداوند آنها را ذلیل خواهد کرد. ۷.

۸. استفاده از رنگهای شاد در لباس، اثرات غیر مستقیمی در افزایش حرکت و فعالیت و پیشرفت کار افراد دارد و در سلامت روانی و شخصیتی افراد مؤثر خواهد بود. پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: لباس سفید رنگ پوشید که سبب آرامش و پاکیزگی شماست. ۸. بنابراین انسانی که از رنگ‌های روشن و شاد در لباس استفاده می‌کند، از آرامش روانی بیشتری برخوردار است. امام زین العابدین(ع) می‌فرماید: زمانی که امام حسن(ع) متولد شدند، او را در جامه زردی پیچیدند و به خدمت رسول اکرم(ص) آوردند تا نامی را برای وی انتخاب کند. آن حضرت فرمود:

مگر من شما را نهی نکردم که نوزاد را در جامه زرد نیچید! بعد آنان جامه زرد نوزاد را بیرون آوردند و او را در جامه سفیدی پیچیدند و به حضور پیامبر اکرم(ص) آوردند تا مراسم نام گذاری صورت گیرد. ۹.

از آن چه گذشت، معلوم می شود که کیفیت و چگونگی لباس هم از نظر رنگ و هم از نظر مدل و هم از نظر آراستگی و تمیزی، نشانه نوع شخصیت انسان است و چه بسا افرادی که با پوشیدن نوع خاصی از لباس ها، دچار مسخ شخصیتی می شوند و به کلی رفتار و اعمالشان تغییر پیدا می کند.

مدگرایی غربی با انگیزه های مختلف صورت می گیرد:

الف) تحمیل فرهنگ خویش به دیگران،

ب) بازاریابی برای اجناس خود،

ج) جامعه را از مسیر صحیح و پاک به انحراف و آلودگی کشاندن،

د) سنت های بجا و صحیح را از امتی گرفتن و سنت های ناپسند و احیاناً خرافی را جایگزین آن ساختن،

ه) از طریق سنت های یک ملت وارد شدن ولی آن را از دورن مسخ کردن.

شاید اطلاع داشته باشید که برای ساختن این مدها، مدت ها و ساعات زیادی متخصصین روان شناس، جامعه شناس و... به مطالعه می پردازند و راجع به تأثیری که مد خاصی می تواند در یک جامعه از خود به جای گذارد، آینده نگری و تحلیل می کنند وقتی تصویب شد، با شگردهای عجیبی به تبلیغ آن می پردازند. جهت اطلاع از شگردهای تبلیغی شایسته است «مبانی تبلیغ» از دکتر حسن زورق و همچنین «روش تبلیغ» از محمد تقی رهبر، را مورد مطالعه قرار دهید. آنجا ملاحظه خواهید فرمود که چگونه برای جازدن یک شیء مضر نظیر سیگار و مواد مخدر یا نظایر آن از طریق عکس های شرطی و به خصوص

از قیافه سکس زن ها استفاده می کنند.

نکته دیگر در این راستا، این است که آنها به رنگ و مدل کفش، لباس، کیف و کمر بند اکتفا نمی کنند؛ بلکه ملتی را در این گونه مسائل مجذوب خود می سازند و به تقلید خود در می آورند، سپس به تدریج سراغ افکار و اندیشه و ایده یک ملت آمده و آن را هم به طرف خود جذب می کنند.

چادر به عنوان حجاب اسلامی یک سنت نیکو و پسندیده است. فراموش نمی کنیم که در زمان طاغوت ناگهان بازار اسلامی، پر از چادرهای بدن نما شد و... حال ساده اندیشی و خامی است اگر ما فکر کنیم که آنها در به وجود آوردن مدروز به نقطه خاصی اکتفا می کنند. طبیعی است که چنین نخواهد بود. اگر امتی به نام مد و طرح روز به دنبال آنها راه بیفتد، تا نهایت هرزگی و فساد پیش خواهند رفت. ملاحظه کنید امروزه در غرب (اروپا و آمریکا) در زمینه شهوت پرستی و فساد جنسی و طرح لباس های سکس به نام تمدن و تجدد چه خبر است؟ این ویژگی و خصیصه انسان است که در هر وادی جلو رفت، حد نهایی برای خودش نمی شناسد.

« بل یرید الانسان لیفجر امامه »؛ انسان می خواهد هرمانعی را از سر راهش بردارد (سوره قیامت ، آیه ۵). اگر به وادی کمال قدم گذاشت تا بی نهایت پر می کشد و اگر به وادی فساد و انحطاط قدم نهاد، در آنجا هم تا بی نهایت جلو می رود، به گونه ای که نمی توان آنها را در جایی متوقف کرد. ناگفته پیداست که بشر تنوع طلب است و از یکسانی خسته می شود. قرآن کریم نیز به این نکته توجه داشته است که می فرماید: «مختلفاً الوانه» (سوره



نحل ، آیه ۱۲). گیاهان و میوه ها با رنگ ها و گونه های مختلف برای شما آفریده ایم یا بشر در نژادها و قبائل گوناگون آفریده شده است و... راستی اگر همه چیز یکسان بود (یک رقم گیاه، یکنژاد، یک زبان) و دیگر هیچ در آن صورت چه لطفی باقی می ماند؟

حال با توجه به تنوع طلبی انسان، مدل لباس و طرح کیف و کفش و ساختمان و ماشین و ... اگر با موازین شرع و سنت های نیک ما، تضادی نداشته باشد، نمی توان تا این حد بر آن ایراد گرفت. حرف ما در این است که چرا ما خودمان طراح مد و مدل روز نباشیم؟ چرا افراد مبتکر و خلاق جامعه ما سعی نمی کنند تا طرح جدیدی را ارائه دهند. و اصولاً این یکی از ایرادهای ماست که نسبت به این گونه مسائل آن قدر منتظر می مانیم تا دیگران با طرح جدید خود بر ما یورش آورند. آن گاه مبتکران ما بعد از فشار زیادی که از افکار عمومی متوجه آنها می شود، تازه دست به کار می شوند که مثلاً مدل فلان ماشین یا طرح ساختمانی و یا شیوه لباس قشر خاصی را تغییر دهند. در حالی که اگر ما در این راستا ابتکار عمل را به دست گیریم، چه بسا بتوانیم فرهنگ خویش را برای دیگران اسوه و الگو قرار دهیم. همچنان که در برخی از جهات چنین بوده است. به هر حال نسبت به مسأله «مدگرایی» خیلی باید هوشیار بود و ازاینکه زمام فرهنگ و سنت و فکر خویش را به نام تمدن و تجدد، به دست مدهای غربی بسپاریم به شدت پرهیز کنیم.

پی نوشت:

۱. وسائل، ج ۳، ص ۳۴۰.

۲. وسائل، ج ۳، ص ۳۴۶.

۳. همان، ص ۳۴۶.

۴. غررالاحکم، ص ۱۵۲.

۵. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۶۰.

۶. بحار، ج ۷۸، ص ۲۵۲.

۷. وسائل، ج ۳، ص ۳۵۶.

۸. همان، ص ۳۵۵.

۹. منتهی الامال، ج ۱، ص ۴۱۱.

**چرا روند تهاجم فرهنگی را یک روند ناخودآگاه نامیده و هیچ گروهی را مسوول و برنامه ریز آن ندانسته اند. بودجه هایی که در آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی به شبکه های مستهجن ماهواره ای و رادیویی و ... اختصاص داده می شود اگر تهاجم فرهنگی نیست پس چیست.**

### **پرسش**

چرا روند تهاجم فرهنگی را یک روند ناخودآگاه نامیده و هیچ گروهی را مسوول و برنامه ریز آن ندانسته اند. بودجه هایی که در آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی به شبکه های مستهجن ماهواره ای و رادیویی و ... اختصاص داده می شود اگر تهاجم فرهنگی نیست پس چیست.

### **پاسخ**

واقعیت این است که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و برنامه ریزی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا "دستگاه های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم، براساس برنامه ای دقیق و حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و ... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- ایجاد

باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی... به طور کلی برای مصون ماندن از تهاجم فرهنگی بیگانگان و گریز از الگوها و گرایشات غربی دو جهاد عمده لازم است: جهاد علمی و عملی.

الف) در جهاد علمی شخص باید معرفت خویش را نسبت به ارزش ها و هنجارهای دینی پیوسته روزافزون سازد و نیک را از بد و سره را از ناسره به خوبی بازشناسد و با شعور و آگاهی همواره در مسیر نیکی ها گام بردارد.

ب) جهاد عملی به دو بخش تقسیم می شود:

۱- جهاد عملی فردی؛ این جهاد حرکتی دائمی و خستگی ناپذیر در برابر هواها و خواسته های نفسانی است. این جهاد عزمی استوار و مراقبتی دائمی می طلبد و بدون ارتباط پیوسته با خدا و جدیت در مخالفت با شیطان نفس نمی توان از آن سرافراز بیرون آمد. یکی از راه های کاربردی مناسب برای بالا بردن میزان موفقیت در این مسیر اجرای برنامه مشارطه، مراقبه،

محاسبه است که به ضمیمه ارسال می گردد.

در این مسیر شخص باید ابتدا به انجام واجبات و ترک محرمات همت گمارد، در مرتبه دوم انجام مستحبات و ترک مکروهات را وجهه همت خویش قرار دهد و در مرتبه سوم هر آنچه غیر الهی است، حتی برخی از مباحات، را از خود دور سازد و به غیر خدا و آنچه مطلوب اوست نپردازد.

۲- جهاد عملی اجتماعی؛ کوششی جمعی در جهت تغییر و اصلاح جامعه و مبارزه با آلودگی ها و انحرافات و بسط علم، اخلاق، معنویت و فضیلت و تقوی در جامعه است. این مهم نیز مستلزم برنامه ریزی دقیق و مشورت و همگامی با صاحب نظران و دیگر دوستان همراه و هم رأی است.

در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلمانان "برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست، اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۲- انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم

۳- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی)

آشنایی جوانان با سابقه ممتد تهاجم فرهنگی در عصر حاضر به ۱۵۰ سال اخیر و اهداف و تلاش های دشمنان را به ناکامی می کشاند و زمینه مقاومت فرهنگی را در نسل جوان افزایش می دهد.

تجزیه و تحلیل

رویدادهای تاریخی و اجتماعی، منجر به درک قانونمندی هایی می شود که در هر برهه از زمان قابل انطباق با شرایط مورد نظر می باشد. تعقیب رد پای دشمنان در طول سال های اخیر، زمینه ساز بصیرتی ژرف و عمیق در جوانان خواهد بود.

ترمیم و تصحیح روابط متقابل جوانان با اطرافیان و تأمین نیازهای روانی آنان، راه را بر تفاهم می گشاید و جذابیت زندگی خانوادگی، جوان را از لغزش های اجتماعی و فرهنگی، مصونیت می بخشد.

میزگردهای بحث و انتقاد، فرصت مطلوبی فراهم می کند تا تردیدهای فلسفی و نگرانی های فکری زدوده شود و شیوه مناسبی برای حل معضلات فکری در اختیار آنان قرار گیرد.

نباید فراموش کنیم که ملت ما، ملتی جوان و مستعد است، بیشترین نیروی سازنده اجتماع نیز قشر جوان آن جامعه می باشند. علاوه بر آن کشور ما در دوران حساس بازسازی و نوسازی است. دشمنانی که از ترفندهای نظامی، اقتصادی و سیاسی طرفی برنستند تمام امید خود را در تهاجم فرهنگی متمرکز کرده اند تا با هدف قرار دادن نسل جوان، نیروی فعال کشور را از پای درآورند و روح بی تفاوتی نسبت به ارزش ها و اعتقادات را در این نیروی جوان، تقویت کنند.

گفتگوهای صمیمی و سازنده با نسل جوان در هر فرصتی، مفید و درخور توجه است و زمینه را برای گشودن معضلات فکری این نسل فراهم می کند. محورهای اصلی چنین گفتگوها می تواند معیارهای صحیح انتخاب دوست، نوع تأمین اوقات فراغت، چگونگی تجزیه و تحلیل اخبار و رویدادهای ایران و جهان، شناخت فرهنگ ها آن چنان که هستند و انتخاب خط مشی زندگی از جمله مواردی هستند که محورهای قابل توجهی برای نسل جوان محسوب می شوند.

نسل جوان با درک جایگاه و موقعیت خود و

شرایط حساس انقلاب می تواند تهاجم فرهنگی دشمنان را به شکست آنان و انزوای سیاسی شان تبدیل نمایند.

نویسندگان و کارشناسان نیز در هر فرصتی می توانند با به تصویر کشیدن پیامدهای مخرب و نامطلوب تهاجم و مقایسه چنین شرایطی با پایبندی به فرهنگ خودی، فرصت مناسب را برای انتخاب و گزینش صحیح به جوانان اعطاء نمایند.

در رابطه با مقابله با شیخون فرهنگی دشمنان وظایفی بر عهده دولت و وظایفی بر دوش مردم بویژه جواناناست:

الف) وظایف دولت:

۱) اصلاح برنامه های رادیو و تلویزیون.

۲) احیای مساجد و کانون های دینی فرهنگی و تربیتی.

۳) سرمایه گذاری جدی در اصلاح وضعیت مدارس و دانشگاه ها.

۴) جدیت در برخورد با منکرات اجتماعی.

۵) آگاهی بخشیدن به جامعه از ترفندهای دشمن و خطرات آن و راه های پیشگیری و مقابله و...

۶) ایجاد سرگرمی های سالم و مفید و جاذب که مانع بزرگ از توجه مردم به برنامه های مبتذل دشمن گردد.

ب) وظایف مردم:

۱) حضور هر چه بیشتر در مراسم دینی.

۲) کیفیت و غنا بخشیدن به برنامه های مذهبی.

۳) بالا بردن سطح معلومات و تعمیق آگاهی های دینی و استحکام بخشیدن به ایمان و اعتقادات مذهبی.

۴) احیای هر چه بهتر امر به معروف و نهی از منکر.

**مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟**

**پرسش**

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

**پاسخ**

برای اصطلاح فرهنگ بیش از ۲۵۰ تعریف ذکر شده است که پرداختن به آن در حوصله این مقال نیست. در میان این تعاریف یکی از تعاریف های نسبتاً جامع توسط تایلور (E.B.Taylor) مردم شناس انگلیسی ارایه شده است، او عقیده دارد فرهنگ، عبارت است از «مجموعه پیچیده ای از علوم، دانش ها، هنرها، افکار و اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و سنت ها و به طور خلاصه کلیه آموخته ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می کند». {۱}

به طور کلی، برای فرهنگ سه بخش اساسی می توان در نظر گرفت؛ نخست، شناخت ها و باورها؛ دوم، ارزش ها و گرایش ها و سوم، رفتارها و کردارها/

منظور از تهاجم فرهنگی به طور خلاصه این است که جامعه ای بکوشد، فرهنگ خود را به جامعه ای دیگر که دارای فرهنگ ویژه خویشتن است، تحمیل کند و نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه پدید آورد. فرهنگ مهاجم، در ذات خود، سلطه جویی پنهان دارد و همواره در جهت بسط سیطره خود، تلاش می کند به عنوان نمونه گمانه «دهکده جهانی» بر اساس مبانی و ارزش های غربی مثالی از سلطه جویی فرهنگ مهاجم غرب است. پدیده تهاجم فرهنگی با توجه به حرکت پنهان خود دارای دو شاخصه غافلگیری و تحمیل است و هدف آن دگرگونی جامعه با استفاده از عنصر قدرتمند فرهنگ است/

یکی از مهم ترین ابزارهای این تهاجم، شبکه های پیشرفته ارتباطی است. در واقع، تلاش غرب در گسترش شبکه های خبری و ارتباطی بدان منظور است که سلیقه ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را در قالب فیلم ها و دیگر برنامه های سرگرم کننده مبتذل، در سراسر جهان به همه انسان ها تحمیل کند/

در جهان معاصر،



یکی از مهم ترین شیوه های تسلط، سلطه فرهنگی است؛ چرا که در صورت تحقق این نوع سلطه، خود بخود سلطه در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی نیز محقق خواهد شد. هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی می گوید: «اخلاق، آداب، زبان و تمدن خود را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان را به حال خود واگذارید که همیشه از آن شما خواهند بود.» {۲}

از سوی دیگر آسان ترین راهی که سلطه جویان را بدون کمترین هزینه به هدف می رساند، سلطه فرهنگی است. یعنی بر خلاف گونه های دیگر سلطه که هزینه های مالی فراوان و تلفات جانی و انسانی، به دنبال دارد، سلطه فرهنگی آسان ترین و کم خرج ترین راه برای رسیدن به هدف است /

امروزه دشمنان اسلام برای رسیدن به این هدف، با همه ابزارها و شیوه ها و به کارگیری برترین فن آوری ها و جدیدترین روش های علمی، در جبهه ای به وسعت همه دل های معتقد و دین باور، به میدان آمده اند و سعی دارند استعماری نوپدید را جایگزین استعمار کهن نمایند. در این خصوص مرزبان بزرگ معنویت و انسانیت، حضرت امام خمینی ۱ می فرماید: «ما از حصر اقتصادی نمی ترسیم، آن چیزی که ما را می ترساند، وابستگی فرهنگی است. استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگی آن نشأت می گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود، با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر، یا یکی از آنها، امکان پذیر است.... بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران، که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به جوامع زیر سلطه است» /

امید است همه مردم ما و بویژه اندیشمندان و متفکران و نیز مسئولان جامعه، با شناخت توطئه های فرهنگی دشمنان، آنان را در این جبهه پیچیده با

[۱]. مبانی جامعه‌شناسی، علی اکبر ترابی ۱۵۴/

[۲]. اسلام بر سر دوراهی، اطریشی، ص ۲۳/

[۳]. با استفاده از کتاب تهاجم فرهنگی، مصباح یزدی/

موضوع: سکولاریسم

**درباره تهاجم فرهنگی توضیح دهید و کتابهایی معرفی کنید.**

### پرسش

درباره تهاجم فرهنگی توضیح دهید و کتابهایی معرفی کنید.

### پاسخ

شواهد حاکی از آن است که شما بطور جدی و فعال قصد دارید سطح آگاهیهای خویش را افزایش داده و با تکیه بر آن هدایت و ارشاد دیگران و بحث و مناظره پردازید. در این صورت شما باید سطح مطالعات خویش را افزایش دهید ما نیز سعی می کنیم یار و مددکار شما باشیم و ضمن پاسخگویی به سؤالات، آثار و کتابهای متناسب و مفید معرفی کنیم.

درباره تهاجم فرهنگی توضیح خواسته بودید. برای ارائه توضیح دقیق و کامل به بررسی معنا و مفهوم و علل و ریشه ها و شیوه های آن می پردازیم.

فرهنگ واژه ای فارسی و مرکب از دو جزء "فر" و "هنگ" است. "فر" به معنای شکوه و عظمت است و اگر به عنوان پیشوند به کار رود به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است. "هنگ" از ریشه اوستایی سنگ **Thanga** به معنای کشیدن، سنگینی و وقار است این واژه مرکب به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن و برکشیدن می باشد که در ادبیات فارسی به مفهوم لغوی خود بکار رفته است. "۱"

اصطلاح فرهنگ دارای معانی و مفاهیم متفاوت و متنوعی است و در سیر تاریخی خود، معانی مختلفی را به خود گرفته است. مرحوم علامه محمد تقی جعفری چنین تعریف کرده است: "فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه ی بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت های حیات مادی و معنوی انسان ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی باشد. "۲"

شاید بتوان بر این معنا برای فرهنگ توافق کرد: "فرهنگ مجموعه ای از بینش ها، باورها، گرایش ها، رفتارهای مادی و معنوی افراد یک جامعه است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود"

تهاجم از مصدر هجوم است و هجوم به معنای حمله ناگهانی، یورش،

تاخت و تازناگهانی، تهاجم به معنای به یکدیگر حمله کردن به یکدیگر هجوم بردن و یورش آوردن می باشد. "۳"

تهاجم فرهنگی عبارتست از: "حمله فرهنگی یک قوم (یا گروه یا ملت) به قوم، گروه یا ملت دیگر به منظور تبدیل و تغییر عناصر و پدیده فرهنگی طرف مقابل".

بنابراین تهاجم فرهنگی دورکن دارد:

۱. تهاجم به باورها و ارزش های یک قوم، ملت و...

۲. جایگزین فرهنگ خود بجای فرهنگ قوم مغلوب

مهاجمان فرهنگی غالباً از ابزارها و روشهای زیربرای هجوم بهره برداری می کنند:

#### الف ابزارها

۱. هنر و ابزارهای هنری (رادیو، تلویزیون، ویدئو، سینما، ماهواره) و ساخت برنامه های جذاب

۲. ادبیات و ابزارهای ادبی (رمان های مبتذل، داستانهای شهوت انگیز، مقالات مایوس کننده، اشعار پوچگرا و سرد و بی هویت، مجلات ضد اخلاقی و...

۳. ورزش و میادین ورزشی (تبلیغات تجاری و سیاسی، اجتماعی، فرهنگی در میادین ورزشی، برگزاری مسابقه با اهداف سیاسی، تأکید بیش از حد بر ورزش به منظور بازسازی از کار و تلاش و سازندگی و ابزار قرار دادن ورزشکاران و قهرمانان)

۴. بهره برداری از روشنفکران و غربگرایان خودباخته، به عنوان عمده استعمار و بلندگوی فرهنگ بیگانه

۵. استفاده ابزاری از زنان و دختران در اجتماع و فیلم های مبتذل، مجلات نامناسب و...

۶. استفاده از فنون و تکنولوژی های پیشرفته ارتباطی و انتقال مبتذل و فساد به جوامع مورد هجوم

۷. استفاده ابزاری از سازمانها، نهادها و بنیادهای بین المللی و منطقه ای در محکومیت کشور و قوم مورد هجوم و اسمیت بخشیدن به حاکمیت و سلطه فرهنگی و سیاسی خود بر آن قوم.

۸. استفاده از مواد مخدر و منکرات، مسکرات، مواد تهییج کننده قوای جنسی و توزیع ارزان و فراوان در بازار.

#### ب روشها:

۱. تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی

۲. تحریف گرایشهای معنوی

۳. تخریب ونفی هویت ملی

۴. ایجاد گسستگی تاریخی (تخریب گذشته تاریخی)

۵. طرد الگوها واسوه های خودی

۶. تخریب وترور شخصیت‌های خودی

۷. گسترش روحیه غربگرایی

۸. تقویت روشنفکران نخبگان وابسته

۹. ایجاد جریانهای انحرافی و تفرقه های قومی

۱۰. ترویج خط و زبان بیگانه

۱۱. خبرپردازی و تصویر سازی

۱۲. ترویج فساد و فحشاء و منکرات

۱۳. استفاده از مذهب علیه مذهب (معرفی اسلام آمریکایی بجای اسلام ناب)

۱۴. متهم کردن کشور و دولت به ضدیت با حقوق بشر و...

۱۵. ترویج روحیه تجمل گرایی و اشرافی گری

مهم ترین علل و ریشه های تهاجم فرهنگی به جمهوری اسلامی عبارتند از :

۱- احیاء و اعتلای انقلاب اسلامی در ایران و جهان

۲- به چالش کشیدن نظام سلطه جهانی توسط انقلاب اسلامی

۳- مطرح شدن جمهوری اسلامی به عنوان کشور کانونی اسلام در جهان

۴- ناکامی در شکست جمهوری اسلامی از طریق تهاجم نظامی، محاصره اقتصادی و سیاسی و...

راههای مقابله با تهاجم فرهنگی یا ایجاد مقاومت فرهنگی :

۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت در مردم "۴"

۲- تحقق عدالت اسلامی، حفظ ارزش دینی، تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت همگانی در سایه ایمان و حاکمیت

ارزشهای الهی

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحرافات جامعه

۴- احیای فریضه مقدس و مبارک امر به معروف و نهی از منکر به طور صحیح و درست

۵- باور عمیق مسئولان و مردم به توانایی و کارآمدی نظام در اداره درست و صحیح جامعه و اجتناب از یأس و ناامیدی و...

۶- تلاش، پشتکار و جدیت گسترده در عرصه های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و...

۷- تجلی نظام ارزشی در منش و رفتار مسئولان و مدیران بخشهای مختلف

جهت اطلاع بیشتر درباره تهاجم فرهنگی می توانید به کتب زیر مراجعه بفرمایید :

۱. فرهنگ و مقاومت فرهنگی، مهدی نوید

۲. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۳. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، دکتر حداد عادل

۴. جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، دکتر جواد منصوری

۵. علل گرایش به مادیگری، شهید مطهری

**شبه خون به چه می گویند؟ آیا همان تهاجم فرهنگی است؟**

**پرسش**

شبه خون به چه می گویند؟ آیا همان تهاجم فرهنگی است؟

**پاسخ**

در لغت نامه ها در تعریف واژه شبیخون چنین آمده است : به تاختن ناگهانی در شب و غافلگیر کردن دشمن در شب، شبیخون گفته می شود.

شبیخون فرهنگی در واقع همان تهاجم فرهنگی است اما علت اینکه از تهاجم فرهنگی به نام شبیخون فرهنگی یاد می شود این است که از آنجا که تهاجم فرهنگی بر خلاف سایر تهاجمات و جنگ ها نامحسوس و نامرئی است معمولاً کسانی که مورد هجوم فرهنگی قرار می گیرند در صورتی که هوشیار نباشد متوجه تهاجم دشمن نمی شوند و این مثل آن می ماند که در خواب فرو رفته باشند و موقعی متوجه این امر می شوند که کار از کار گذشته و دشمن پیشرفت زیادی کرده است. مولوی در مثنوی خود تمثیلی دارد که بی ارتباط با بحث ما نیست، می گوید : "شبی دزدی بر بالای بام خانه ای رفت، صاحب خانه متوجه سرو صدایی شد و پرسید بر بالای پشت بام کیست؟ دزد گفت : من هستم، و صاحب خانه گفت : تو بالای پشت بام خانه من چه می کنی؟ دزد گفت : دهل می زنم صاحب خانه گفت : پس چرا صدایش نمی آید دزد گفت فردا صبح صدای

آن را خواهی شنید".

رهبر معظم انقلاب در این رابطه می فرماید: "تهاجم فرهنگی مثل خود کار فرهنگی، یک کار آرام و بی سرو صداست... این نوع جنگ به صورت پنهانی و آرام صورت می گیرد و باور ایجاد کردن به وجود چنین تهاجمی خود یک مرحله از مقابله است".

و در جای دیگر می فرماید



"سعدی در گلستان داستانی را تعریف می کند که دزدان بر سر عده ای رفتند و آنها خواب بودند او می گوید اولین دشمن که بر آنها تاخت "خواب" بود! اول دشمن درون چشم آنها را بست و دست آنها را از کار انداخت و بعد دشمن بیرون آمد و دستهای آنها را بست و اموال آنها را برداشت و برد"، دشمن در تهاجم فرهنگی همین طور عمل می کند. اول مردم را خواب می کند و بعد همه چیز آنها را می برد. امیرمؤمنان حضرت علی (فرمودند):

"اگر شما رادر سنگر خواب برد، دلیل بر این نیست که دشمن در سنگر روبروی شما نیز خوابش برده است؛ شما اگر غافل شدی باید انتظار داشته باشی که ضربه را بلافاصله بخوری، لذا دشمن هوشیار نشسته و میلیونها پول صرف می کند بلکه اگر مبالغه نباشد باید عرض کنم میلیاردها صرف می کند تا بتواند ضربه ای کاری به این انقلاب بزند".

دوست عزیز! با توجه به نکاتی که درباره ویژگیهای تهاجم فرهنگی بیان شد به نظر می رسد علت این که گاه از تهاجم فرهنگی با نام شیخون فرهنگی یاد می شود روشن شده باشد و در این زمینه ابهامی باقی نمانده باشد.

### منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

#### پرسش

منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

#### پاسخ

برای ارائه تفسیری دقیق و کامل از تهاجم فرهنگی لازم است علاوه بر بررسی معنا و مفهوم آن، علل و ریشه هایابعد و شیوه ها و ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلامی ایران را مورد تحلیل قرار داده و در نهایت به راه های مبارزه به تهاجم فرهنگی پردازیم.

الف) بررسی معنا و مفهوم تهاجم فرهنگی: تهاجم فرهنگی به این معنا است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسارت یک ملت، به بنیان های فرهنگی آن ملت هجوم می برد و باورهای تازه ای را به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می کنند

تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو به دین و به اصول انقلابی انجام می گیرد. در واقع تهاجم فرهنگی دورکن اساسی و مهم دارد:

۱- جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی و این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی انجامی گرفت.

۲- حمله به جمهوری اسلامی و ارزش های آن و ارزش های ملت ایران و یک تهاجم فوق العاده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با

ابعاد گسترده در سرتاسر جهان به صورت عام و متمرکز کردن این حملات علیه ایران به عنوان کانونی‌داری نهضت اسلامی.

ب) علل و ریشه‌های تهاجم فرهنگی: دشمنان اسلام به این نتیجه دست یافتند تا زمانی که فرهنگ ملی بر جامعه حاکم است، اجرای هر طرح استعماری قطعاً فاقد توفیق خواهد بود، زیرا سلطه سیاسی بدون پشتوانه‌های فرهنگی‌میسر نیست، بنابراین برای تضعیف اسلام و ارزش‌های اعتقادی و همچنین کم‌رنگ ساختن روحیه ایثار، جهاد، شهادت، خوداتکایی و ضدیت با ظلم و تخریب فرهنگ ملی کشور و جایگزین

کردن فرهنگ آمریکایی در راستای ایجاد بحران هویت، طرح تهاجم فرهنگی را با برنامه ریزی های حساب شده به مرحله اجرا درآوردند. بر این اساس مهم ترین علل و ریشه های تهاجم فرهنگی عبارتند از:

۱- احیاء و اعتلای اسلام انقلابی در ایران و جهان.

۲- انقلاب اسلامی ایران هر مونی نظام سلطه را به چالش کشاند.

۳- مطرح شدن جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرا و کانون حرکت جهانی اسلام.

۴- ناکامی دشمنان در شکست جمهوری اسلامی از طریق تهاجم نظامی، محاصره سیاسی، اقتصادی و...

ج ( بررسی ابعاد، شیوه ها و ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلام:

۱- اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا میان جوانان.

۲- تضعیف روحانیت با حربه های تبلیغاتی.

۳- تحقیر و منزوی کردن جریان ادب، هنر و فرهنگ اسلامی.

۴- متهم کردن نظام اسلامی به سلب آزادی های مدنی و ضدیت با حقوق بشر.

۵- ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی.

۶ تبلیغ گسترده سکولاریسم، لائسیسم، اومانیسم، وجود قرائت های مختلف از اسلام، تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق.

۷- سازماندهی حملات لجام گسیخته به باورهای ملی، مذهبی و ارزش های حیاتی.

این موارد به عنوان محورهای استراتژی رادیوهای بیگانه، رسانه های غربی، نیروهای سکولار، روشنفکران غریزدهو مزدوران اجیر شده نظام سلطه در عرصه تهاجم فرهنگی بر ضد اسلام و ایمان مردم ایران می باشد.

د ( راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی: هر چند دشمنان اسلام برنامه ریزی گسترده ای را برای کم اهمیت جلوه دادنتهاجم فرهنگی و توهم خواندن آن با هدف کم کردن حساسیت ها نسبت به اهداف تهاجم فرهنگی و ایجاد روحیه آس و ناامیدی در مردم، به ویژه در نسل جوان با ترویج و اشاعه غیرقابل اجرا بودن ارزش های والای الهی در جامعه، انجام داده اند ولی واقعیت این

است که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه ریزی های منظم و سازماندهی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا دستگاه های فرهنگی و بسیج همهاقشار مردم، براساس برنامه ای دقیق، حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت در مردم و مسئولین. قرآن کریم در سوره آل عمران، آیه ۱۳۹ می فرماید: وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین .

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فریض و ارزش های الهی می باشد.

۵- تحقق باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف

جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی...

در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلماً برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست، اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد. از طرف دیگر این نکته را نیز باید در نظر داشت که آمریکا در حال حاضر رهبری جهانی نظام سلطه و استکبار را بر عهده دارد و سایه شوم صهیونیسم و سرمایه داری خون آشام را بر سر تمام ملل جهان دامن گستر می کند. از این رو مبارزه با آمریکا در حال حاضر قابل قیاس با هیچ جریان دیگری نیست. به عبارت دیگر ستیز با آمریکا یعنی مقابله با ام الفساد جهانی.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی بر گرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۲- انقلاب و ارزش ها علی ذوعلم

**موسیقی های راک (ب آ پ ت) و پاپ (پ پ) چه نوع موسیقی هایی هستند؟**

**پرسش**

موسیقی های راک (ب آ پ ت) و پاپ (پ پ) چه نوع موسیقی هایی هستند؟

**پاسخ**

پاپ، موسیقی مردمی است (۱) و راک، رقص و چرخش است که ممکن است همراه با موسیقی باشد. (۲)

(پاورقی ۱. عباس آریان پور کاشانی، فرهنگ انگلیسی به فارسی، ص ۸۲۴)

(پاورقی ۲. همان، ص ۹۲۵)

**به نظر شما آیا در زمان ما پدیده ای به نام تهاجم فرهنگی وجود دارد یا تبادل فرهنگی است؟ اگر تهاجم فرهنگی وجود دارد، وظیفه جوانان برای مقابله با آن چیست؟**

**پرسش**

به نظر شما آیا در زمان ما پدیده ای به نام تهاجم فرهنگی وجود دارد یا تبادل فرهنگی است؟ اگر تهاجم فرهنگی وجود دارد، وظیفه جوانان برای مقابله با آن چیست؟

## پاسخ

دو مقوله تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی با هم تفاوت اساسی دارند. تبادل فرهنگی بسیار خوب و برای پیشرفت بشر لازم است. شاخصه ها در تبادل فرهنگی چند چیز است:

۱ - در تبادل فرهنگی نزاع و درگیری و تنش نیست، مانند این که دو عالم با هم می نشینند و نظریات یکدیگر را برای هم می گویند و با هم بحث و گفت و گو می کنند.

۲ - در تبادل فرهنگی، سیاسی کاری و قصد نابود کردن و براندازی را ندارند.

۳ - در تبادل فرهنگی تحمیل و فشار و خورد کردن نیست.

۴ - تبادل فرهنگی همیشه بین صاحبان فرهنگ و اندیشمندان و متخصصان هر جامعه انجام می گیرد، نه بین افراد کم سواد و احساساتی.

۵ - در تهاجم فرهنگی قصد مهاجمان خورد کردن یکدیگر و از بین بردن فرهنگ دیگری از راه نفوذ بر افراد کم سن و سال و کم سواد و احساساتی است.

۶ - در تبادل فرهنگی برخلاف تهاجم فرهنگی اگر یکی از طرفین به حقانیت طرف دیگر پی برد، تسلیم می شود و گردن می نهد و دنبال بهانه جویی و توجیه کردن نمی رود.

## تهاجم فرهنگی را تعریف کنید؟

## پرسش

تهاجم فرهنگی را تعریف کنید؟

## پاسخ

تهاجم فرهنگی (larutluc (noisavni): این اصطلاح مترادف اصطلاح امپریالیسم فرهنگی - خبری، یعنی اعمال قدرت به منظور اشاعه ارزش های فرهنگی امپریالیسم در میان ملل جهان سوم و خفه کردن فرهنگ این ملتها است. به عبارت دیگر

تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسارت یک ملت، به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می برد، و باورهای تازه ای را به زور به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای آن ملت وارد کشور کند. تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو به دین و به اصول انقلابی انجام می گیرد، (ر.ک: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۸۱)

### فرهنگ را تعریف کنید، و ویژگی های فرهنگ اسلامی را بیان کنید.

#### پرسش

فرهنگ را تعریف کنید، و ویژگی های فرهنگ اسلامی را بیان کنید.

#### پاسخ

واژه فرهنگ (culture): اگر چه در علوم انسانی و اجتماعی عموماً "و در جامعه شناسی و مردم شناسی خصوصاً" موارد استعمال فراوان دارد، فاقد مفهوم واحد و معین و مشخص است، به قسمی که تاکنون بیش از دویست و پنجاه تعریف مختلف از آن ارائه شده است. در ادبیات غرب، نخستین تعریف علمی ((فرهنگ)) که در سال ۱۸۷۱ توسط ادوارد تایلر ارائه گردید فرهنگ چنین بیان شده است: ((فرهنگ یا تمدن کلیت درهم بافته ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد))، (یدالله هنری لطیف پور، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، ص ۲۱). تعریف دیگر فرهنگ از پالمرو مونتی: ((ارزش ها، هنجارها و نظام اعتقادات یک جامعه، مشتمل بر سنت ها، آداب و رسوم و مذاهب، ایدئولوژی ها و تشریفات مذهبی، میراث و زبان و کلیه عادت ها با دیدگاه های مشترک))، پالمرو مونتی، نگرشی جدید بر علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی، ص ۹۹).

برای مطالعه بیشتر ر.ک: فرهنگ شناسی، دکتر چنگیز پهلوان، تهران، پیام امروز، ۱۳۷۸.

در ادبیات اسلامی نیز از گذشته های بسیار دور اندیشمندان و متفکران علوم اجتماعی مسلمان به فرهنگ، عناصر و تقسیم بندی ها و سایر مسائل مربوط به آن پرداخته اند هر چند از واژه فرهنگ استفاده نشده است که از جمله می توان به اخوان الصفا (قرن سوم و چهارم

هجری و قرن نهم و دهم میلادی و ابوریحان بیرونی متولد ۳۶۲ ه.ق برابر با ۹۷۳ میلادی اشاره نمود)، (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، ص ۸۹).

برخی از اندیشمندان اسلامی معاصر ((فرهنگ)) را به معنایی عام به کار برده اند که شامل علوم عقلی مانند ریاضیات و منطق، علوم تجربی و علوم نقلی مانند صرف و نحو و تاریخ و بر فلسفه عرفان، دین، هنر، ادبیات، کلام، اخلاق، فقه، نظام های ارزشی حقوقی، اخلاقی، دینی و زیبایی شناسی، عرف و عادات و آداب و رسوم می باشد، (محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۲۷۱). در مقایسه فرهنگ اسلامی با فرهنگ غربی می توان به بررسی های ذیل برای فرهنگ اسلامی اشاره نمود:

۱- در فرهنگ اسلامی کهکشانی از الگوهای اخلاقی، معنوی وجود دارد که هر یک برای تحول جامعه بشری کفایت می کند در حالی که در فرهنگ غربی، اگر چه دانشمندان زیادی ظهور یافته اند ولی از لحاظ الگوهای اخلاقی، هیچ یک از آنان، انسان کامل و آئینه تمام نمای فضایل اخلاقی به شمار نمی آیند.

۲- فرهنگ اسلامی قادر است به دغدغه همیشگی انسان یعنی معنا و مفهوم زندگی پاسخ دهد و به روشنی آن را تبیین کند در حالی که فرهنگ غربی از پاسخ دادن به این پرسش بنیادین عاجز است.

۳- در فرهنگ اسلامی میان دنیا و آخرت رابطه منطقی وجود دارد و بهره گیری مشروع از دنیا و توجه به آخرت هر دو



توصیه شده است، در حالی که در فرهنگ غربی این دو با یکدیگر در تضادند و پیوستن به دنیا لازمه پشت کردن به آخرت تلقی می شود.

۴- در فرهنگ اسلامی بر اصل احترام به ملت ها و استقلال و آزادی آنان تأکید فراوان شده است در حالی که در فرهنگ غربی مفاهیمی نظیر توسعه بی قید و شرط، قدرت طلبی، استثمار ملت ها و تحقیر توده های مردمی که در جوامع دیگری نظیر جهان سوم زندگی می کنند به چشم می خورد.

۵- در فرهنگ اسلامی، دین و سیاست، جلوه هایی از یک حقیقت واحدند، در حالی که در فرهنگ غربی با تسلط سکولاریسم دین از سیاست منفک می شود، (دکتر محمدرضا شرفی، پاسخ به سوئالات نسل جوان، ص ۱۲۴).

جهت مطالعه بیشتر ر.ک: تعاملات علمی و فرهنگی ایران و غرب، مجموعه مقالات، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۲.

### مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

#### پرسش

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

#### پاسخ

برای اصطلاح فرهنگ بیش از ۲۵۰ تعریف ذکر شده است که پرداختن به آن در حوصله این مقال نیست. در میان این تعاریف یکی از تعریف های نسبتاً جامع توسط تایلور (؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟) مردم شناس انگلیسی ارایه شده است، او عقیده دارد فرهنگ، عبارت است از «مجموعه پیچیده ای از علوم، دانش ها، هنرها، افکار و اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و سنت ها و به طور خلاصه کلیه آموخته ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می کند».

به طور کلی، برای فرهنگ سه بخش اساسی می توان در نظر گرفت؛ نخست، شناخت ها و باورها؛ دوم، ارزش ها و گرایش ها و سوم، رفتارها و کردارها/

کند به عنوان نمونه گمانه «دهکده جهانی» بر اساس مبانی و ارزش های غربی مثالی از سلطه جویی فرهنگ مهاجم غرب است. پدیده تهاجم فرهنگی با توجه به حرکت پنهان خود دارای دو شاخصه غافلگیری و تحمیل است و هدف آن دگرگونی جامعه با استفاده از عنصر قدرتمند فرهنگ است/

این تهاجم، شبکه های پیشرفته ارتباطی است. در واقع، تلاش غرب در گسترش شبکه های خبری و ارتباطی بدان منظور است

که سلیقه‌ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را در قالب فیلم‌ها و دیگر برنامه‌های سرگرم‌کننده مبتدل، در سراسر جهان به همه انسان‌ها تحمیل کند/

این نوع سلطه، خود بخود سلطه در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی نیز محقق خواهد شد. هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی می‌گوید: «اخلاق، آداب، زبان و تمدن خود را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان

را به حال خود واگذارید که همیشه از آن شما خواهند بود».

از سوی دیگر آسان ترین راهی که سلطه جویان را بدون کمترین هزینه به هدف می رساند، سلطه فرهنگی است. یعنی بر خلاف گونه های دیگر سلطه که هزینه های مالی فراوان و تلفات جانی و انسانی، به دنبال دارد، سلطه فرهنگی آسان ترین و کم خرج ترین راه برای رسیدن به هدف است /

ز استقلال فرهنگی آن نشأت می گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود، با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر، یا یکی از آنها، امکان پذیر است.... بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران، که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به جوامع زیر سلطه است» /

امید است همه مردم ما و بویژه اندیشمندان و متفکران و نیز مسئولان جامعه، با شناخت توطئه های فرهنگی دشمنان، آنان را در این جبهه پیچیده با ناکامی مواجه سازند.

موضوع: سکولاریسم

### مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

#### پرسش

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

#### پاسخ

برای اصطلاح فرهنگ بیش از ۲۵۰ تعریف ذکر شده است که پرداختن به آن در حوصله این مقال نیست. در میان این تعاریف یکی از تعاریف های نسبتاً جامع توسط تایلور (E.B.Taylor) مردم شناس انگلیسی ارائه شده است، او عقیده دارد فرهنگ، عبارت است از «مجموعه پیچیده ای از علوم، دانش ها، هنرها، افکار و اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و سنت ها و به طور خلاصه کلیه آموخته ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می کند». {۱}

به طور کلی، برای فرهنگ سه بخش اساسی می توان در نظر گرفت؛ نخست، شناخت ها و باورها؛ دوم، ارزش ها و گرایش ها و سوم، رفتارها و کردارها /

منظور از تهاجم فرهنگی به طور خلاصه این است که جامعه ای بکوشد، فرهنگ خود را به جامعه ای دیگر که دارای فرهنگ ویژه خویشتن است، تحمیل کند و نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه پدید آورد. فرهنگ مهاجم، در ذات خود، سلطه جویی پنهان دارد و همواره در جهت بسط سیطره خود، تلاش می کند به عنوان نمونه گمانه «دهکده جهانی» بر اساس مبانی و

ارزش های غربی مثالی از سلطه جویی فرهنگ مهاجم غرب است. پدیده تهاجم فرهنگی با توجه به حرکت پنهان خود دارای دو شاخصه غافلگیری و تحمیل است و هدف آن دگرگونی جامعه با استفاده از عنصر قدرتمند فرهنگ است /

یکی از مهم ترین ابزارهای این تهاجم، شبکه های پیشرفته ارتباطی است. در واقع، تلاش غرب در گسترش شبکه های خبری و ارتباطی بدان منظور است که سلیقه ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را در قالب فیلم ها و دیگر برنامه های سرگرم کننده مبتذل، در سراسر جهان به همه انسان ها تحمیل کند /

در جهان معاصر،

یکی از مهم ترین شیوه های تسلط، سلطه فرهنگی است؛ چرا که در صورت تحقق این نوع سلطه، خود بخود سلطه در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی نیز محقق خواهد شد. هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی می گوید: «اخلاق، آداب، زبان و تمدن خود را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان را به حال خود واگذارید که همیشه از آن شما خواهند بود.» {۲}

از سوی دیگر آسان ترین راهی که سلطه جویان را بدون کمترین هزینه به هدف می رساند، سلطه فرهنگی است. یعنی بر خلاف گونه های دیگر سلطه که هزینه های مالی فراوان و تلفات جانی و انسانی، به دنبال دارد، سلطه فرهنگی آسان ترین و کم خرج ترین راه برای رسیدن به هدف است /

امروزه دشمنان اسلام برای رسیدن به این هدف، با همه ابزارها و شیوه ها و به کارگیری برترین فن آوری ها و جدیدترین روش های علمی، در جبهه ای به وسعت همه دل های معتقد و دین باور، به میدان آمده اند و سعی دارند استعماری نوپدید را جایگزین استعمار کهن نمایند. در این خصوص مرزبان بزرگ معنویت و انسانیت، حضرت امام خمینی ۱ می فرماید: «ما از حصر اقتصادی نمی ترسیم، آن چیزی که ما را می ترساند، وابستگی فرهنگی است. استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگی آن نشأت می گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود، با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر، یا یکی از آنها، امکان پذیر است.... بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران، که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به جوامع زیر سلطه است» /

امید است همه مردم ما و بویژه اندیشمندان و متفکران و نیز مسئولان جامعه، با شناخت توطئه های فرهنگی دشمنان، آنان را در این جبهه پیچیده با

[۱]. مبانی جامعه‌شناسی، علی اکبر ترابی ۱۵۴/

[۲]. اسلام بر سر دوراهی، اطریشی، ص ۲۳/

[۳]. با استفاده از کتاب تهاجم فرهنگی، مصباح یزدی/

## مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

### پرسش

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

### پاسخ

مقوله فرهنگ، مقوله‌ای بس گسترده است که درباره آن بسیار سخن گفته شده است. آنان که با مباحث جامعه‌شناسی آشنا هستند، می‌دانند که برای این واژه نزدیک به پانصد تعریف ذکر شده که پرداختن به آن در حوصله این مقاله نیست.

شاید بهترین و ساده‌ترین تعریف برای فرهنگ این باشد که بگوییم: «فرهنگ عبارت از مجموعه مایه‌هایی است که رفتار انسان را از رفتار حیوانات مشخص و متمایز می‌گرداند.»

به طور کلی، برای فرهنگ سه بخش اساسی می‌توان در نظر گرفت: نخست، شناختها و باورها. دوم، ارزشها و گرایشها و سوّم، رفتارها و کردارها.

منظور از تهاجم فرهنگی آن است که جامعه‌ای بکوشد فرهنگ خود را بر جامعه‌ای دیگر که بالطبع دارای فرهنگ ویژه خویش است، تحمیل کند یا دست کم، نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه پدید آورد. فرهنگ مهاجم، در ذات خود، سلطه‌جویی را نهان دارد و همواره در جهت بسط سیطره خود، برنامه‌ریزی و تلاش می‌کند و همانگونه که سردمداران کنونی آن اعلام کرده‌اند، در پی آنند که جهان را به صورت «دهکده واحد جهانی» بر اساس مبانی و ارزشهای غربی در آورند. بنابراین در معنای تهاجم، غافلگیری و تحمیل نهفته است. سبب آنکه این واژه در عرف جامعه ما، بار منفی دارد، این است که دشمن می‌خواهد باورها و ارزشهای متعالی را از جامعه ما ستانده و بجای آن فرهنگ منحط غربی را بنشانند.

یکی از مهمترین ابزارهای این تهاجم، شبکه‌های پیشرفته ارتباطی است. در واقع، تلاش غرب، در گسترش شبکه‌های خبری و ارتباطی، بدان منظور است که سلیقه‌ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را در

قالب فیلمها، شوهای تلویزیونی و دیگر برنامه های سرگرم کننده مبتذل، در سراسر جهان به همه انسانها تحمیل کند که در لوای این کار، اهداف سودجویانه شیطانی نهفته است.

در میان شیوهای گوناگونی که از دیرباز برای تسلط بر دیگران شناخته و آزموده شده است، در دوران معاصر، کاراترین آن بنام سلطه فرهنگی شناخته می شود، چرا که اولاً در صورت تحقق این نوع از سلطه، خود بخود انواع دیگر آن همانند سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی هم، محقق خواهد شد، همانگونه که هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی گفته است:

«اخلاق و آداب و زبان و تمدن خود را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان را به حال خود واگذارید که همیشه از آن شما خواهند بود.» {۱}

ثانیاً آسان ترین راهی که سلطه جویان را بدون کمترین هزینه به هدف می رساند، سلطه فرهنگی است. یعنی بر خلاف گونه های دیگر سلطه جویی که صرف هزینه های مالی فراوان و حتی گاه تلفات جانی و انسانی، لازم می آید، در سلطه فرهنگی کمترین هزینه برای رسیدن به هدف صرف می شود.

بنابراین، در میان شیوه های استعماری، آنچه از همه خطرناکتر و در عین حال پنهانتر است، شیوه سلطه فرهنگی است. خطری که در این زمینه، جبهه اسلامی را تهدید می کند، به جهت گستردگی جبهه تهاجم، پیچیدگی آن و صدماتی است که از لحاظ معنوی به او وارد می آورد و در پی آن است که افکار و عقاید و ارزشها را در درون وی به نابودی کشد و حیات معنوی را دچار اختلال سازد.

امروز، دشمنان اسلام، برای رسیدن به این هدف، با همه ابزارها و شیوه ها و بکارگیری برترین تکنولوژی ها و جدیدترین روشهای علمی، در جبهه ای

به وسعت همه دل‌های معتقد و دین‌باور، به میدان آمده‌اند. دیگر مسئله آمدن بیگانه به داخل یک خاک مطرح نیست، بلکه سخن از بیگانه شدن از خویشتن و از درون پوسیدن است.

مرزبان بزرگ معنویت و انسانیت، حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) می‌فرمود: «ما از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم، آن چیزی که ما را می‌ترساند، وابستگی فرهنگی است. استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود، با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر، یا یکی از آنها، امکان‌پذیر است... بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران، که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به جوامع زیر سلطه است.»

امید است همه مردم ما و بویژه اندیشمندان و متفکران و نیز مسئولان جامعه ما، با شناخت توطئه‌های فرهنگی دشمنان، آنان را در این جبهه پیچیده با ناکامی مواجه سازند. {۲}

[۱]. - اسلام بر سر دوراهی، ص ۲۳

[۲]. - با استفاده از کتاب تهاجم فرهنگی، گرد آمده از سخنرانیهای استاد مصباح یزدی.

## تهاجم فرهنگی و موارد آن را توضیح دهید؟

### پرسش

تهاجم فرهنگی و موارد آن را توضیح دهید؟

### پاسخ

تهاجم فرهنگی عبارت است از تلاش مستمر و حيله‌گرانه استکبار برای مسخ فرهنگ‌های اصیل و الهی از ملت‌ها و دور ساختن آنان از هویت مستقل دینی و ملی خودشان و نیز سلب اتکا به اراده خود و اعتماد به نفس، به منظور سلطه اقتصادی و سیاسی چنانکه از تعریف نیز بر می‌آید، هدف اصلی تهاجم فرهنگی، گرفتن هویت فرهنگی و ملی برای فراهم شدن زمینه غارت ثروت ملی و سلب کیان و استقلال ملت‌ها است تا بتوانند گزینه توسعه طلبی و سلطه جویی خود را اشباع نمایند.

به دیگر سخن، هدف دشمن از تهاجم فرهنگی عبارت است از: ۱. دور کردن جوانان از دین با القای جدایی دین از سیاست و جدایی دین از علم؛ ۲. ایجاد این باور که زندگی و فرهنگی غربی می‌تواند بهترین الگو باشد؛ ۳. جایگزین کردن ارزش‌های مادی به جای ارزش‌های الهی؛ ۴. ترویج فرهنگ لذت‌جویی، مصرف‌گرایی و بی‌تفاوتی.

مهاجمان به عرصه فرهنگ، روش‌ها و ابزار گوناگونی را به کار می‌برند، از جمله ۱. ترویج اندیشه‌های ناسالم غربی در قالب مکتب‌های فکری و فلسفی همچون حس‌گرایی، شک‌گرایی، و غیره؛ ۲. ترویج افکار ویرانگر ضد اخلاقی در شکل نظریات



و فرضیات علمی؛ ۳. ترویج فساد اخلاقی و آزادی جنسی از طریق فیلم های مبتذل ویدئویی و پخش عکس های مستهجن؛ ۴. پوشش نیرومند رسانه ای بر جهان اسلام به وسیله ماهواره ها؛ ۵. به استهزا گرفتن معتقدات، آداب و رسوم ملی و دین با استفاده از بحران های استقلال طلبی و نوگرایی در نسل جوان؛ ۶. تشویق قلم به دستان مزدور برای نوشتن کتاب ها و مقالات در ابعاد

مختلف با هدف مخدوش کردن چهره های رهبران اسلامی و معتقدات آنان؛ ۷. اعزام جاسوس به مراکز مختلف اسلامی برای آمادگی بیش تر در راستای اهداف دراز مدت تهاجم فرهنگی؛ ۷. القای این شبهه که اسلام توان اداره جامعه را ندارد؛ ۸. ترویج روحیه بی اعتمادی به مسؤلان.

اما راه های مقابله با تهاجم فرهنگی: آگاهی و هشدار دادن به جامعه از طریق احیای امر به معروف و نهی از منکر؛ تبیین خطرات، مضرات و نتایج خسارت بار فرهنگ های مهاجم غربی به وسیله صدا و سیما و دیگر وسایل ارتباط جمعی؛ تهیه خوراک فرهنگی سالم برای جوانان با شیوه های جدید و متنوع؛ کوشش برای جایگزین کردن برخورد فعال و سازنده با تهاجمات فرهنگی به جای برخوردهای انفعالی؛ استفاده از تکنیک و دانش ارتباطات و تبلیغات؛ ایجاد سرگرمی های سالم برای جوانان؛ به کارگیری و استفاده از کارشناسان مسلمان در زمینه مسایل اجتماعی، تربیتی و تبلیغی؛ تقویت اساتید و معلمان متعهد در سطح جامعه و فعال کردن مساجد.

### چرا جوانان ایرانی فرهنگ خودمان را قبول ندارند و از غربی ها تقلید می کنند؟

#### پرسش

چرا جوانان ایرانی فرهنگ خودمان را قبول ندارند و از غربی ها تقلید می کنند؟

#### پاسخ

مظاهر تمدن غرب امروزه به عنوان مظاهر مدرنیته شناخته می شوند، از این رو گرایش به مدها و آرایش ها و به طور کلی زندگی غربی نوعی مردن شدن تلقی می شود. کسی کار ندارد که آیا این سبک زندگی با فرهنگ ما سازگاری دارد؟ از این رو، فرهنگ خودمان، بر اثر بی توجهی و سهل انگاری، کم کم فراموش شده و می شود.

البته این را هم بگوئیم که این الگو پذیری تنها در مد و لباس و آرایش و موسیقی و ... نیست، بلکه در معماری ساختمان ها نظام آموزشی و بانکداری و بیمه و ... نیز جریان دارد که شرح و بسط آن ها فرصتی دیگر می طلبد.

این را هم اضافه کنیم که تقلید اگر به معنای اخذ فرهنگ و خودسازی آن باشد، به این معنا که انسان از فرهنگ های دیگر خوبی ها و امتیازاتش را اخذ کند و آن را جزء فرهنگ خود نماید نه تنها ناپسند نیست بلکه امری مطابق عقل و منطق است، ولی اگر تنها صورتی سطحی داشته باشد و پیروی محض باشد بدون در نظر گرفتن محسنات و مضراتش کار بیهوده ای است و این نوع تقلید است که مولانا آن را لعن نموده است:

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

پاسخ این که چرا گرایش به تقلید در جوانان ما زیاد است، یک جمله بیش نیست و آن این که: متأسفانه در شناخت فرهنگ

خودی و شناساندن آن و در لزوم تبادل با فرهنگ های

دیگر و اخذ فرهنگ های غیر خود دچار مشکل هستیم و این کاری است که هم مسئولان باید در مورد آن جدیت به خرج دهند و هم توده مردم.

## ضرر نوار های ترانه چیست؟

### پرسش

ضرر نوار های ترانه چیست؟

### پاسخ

یکی از مهم ترین مسائلی که امروز در دنیا مطرح است و اندیشوران زیادی درباره آن به تحقیق مشغولند، مبحث "آلودگی صوتی" و "بهداشت شنوایی" است. طبق این تحقیقات گوش سپردن به هر نوع صدای مصنوعی (صدای تلویزیون، رادیو و ...) زیانبار است و این شامل صداهای موسیقیار هم می شود. از بین موسیقی ها، آن چه که از جهت فن موسیقی و تنفیق شعر و موسیقی که مایه یا بی مایه هستند، زیان بار تر است.

اما موسیقی های پاپ امروز ایرانی که معروف به ترانه هستند غیر از معضلات بالا، مشکل دیگر هم دارند و آن ضربی بودن آن ها است. این موسیقی ها اکثراً ریتمیک هستند و پدیده تکرار در آن ها یک اصل است. حال خوب بدانید که اعصاب انسان تا حدی ظرفیت شنیدن قطعات ضربی و ریتمیک را دارد و در صورت گوش سپردن فراوان به این نوع موسیقی ها، اثرات زیانبار آن ها بر اعصاب بسی بیشتر خواهد بود.

کم مایه بودن و بی محتوایی اکثر اشعار و ملودی های مورد استفاده را نیز نباید از نظر دور داشت که از نگاه اخلاقی و حتی عرفی مکروهند.

امید است که تا حدی به زیان های این نوع موسیقی ها آگاهی یافته باشید.

تا نامه بعد و پاسخی بعد به خدایتان می سپاریم.

## آیا دانشگاه محل فساد است؟ بعضی با این حرف پدر و مادرها را بدبین کرده اند. آیا این حرف صحیح است؟

### پرسش

آیا دانشگاه محل فساد است؟ بعضی با این حرف پدر و مادرها را بدبین کرده اند. آیا این حرف صحیح است؟

خواهر گرامی این سخن به صورت کلی صحیح نیست. قضاوت بعضی از والدین بر اساس گزارش هایی است که از بعضی دانشگاه ها به گوش آن ها رسیده که معلوم نیست آن اطلاعات چقدر درست است. البته بعضی از مراکز دانشگاهی متأسفانه موازین اسلامی را رعایت نمی کنند و به این شایعات دامن می زنند. بنابراین باید به پدران و مادران گفت: همه دانشگاه ها چنین وضعیتی ندارند. از طرفی کسی که اهل فساد باشد، در هر کجا باشد، به این امر مبادرت می ورزد، چه دانشگاه باشد و چه محیط دیگر. افراد متدین هر جا باشند، ایمان خود را حفظ می کنند، همان طوری که دانشجویان زیادی در دانشگاه وجود دارند که از نظر اخلاقی نمونه اند. آمار معتکفان دانشجو و شرکت کنندگان در نماز جماعت و حضور در مجلس دعا و زائرین عمره گویای این حقیقت است.

### خودباختگی چیست و آثار و پیامدهای آن کدام است؟

#### پرسش

خودباختگی چیست و آثار و پیامدهای آن کدام است؟

#### پاسخ

خودباختگی به معنای مرعوب فرهنگ بیگانه شدن، عدم استقلال فکری و نتیجه از خود بیگانگی فرهنگی است.

خودباختگی به خود باختگی فردی و خود باختگی اجتماعی تقسیم می شود.

خودباختگی فردی بدان معنا است که شخص اعتماد به نفس نداشته و قابلیت ها و استعداد خویش را نادیده گرفته و از خودشناسی نیز عاجز بوده و مجذوب و مرعوب ایده دیگران می شود؛ خود و ارزش های خویش را فراموش می کند.

یکی از پیامدهای منفی خودباختگی احساس حقارت است. انسان خود باخته به دلیل این که جذب ارزش ها و قابلیت های دیگران می شود، احساس حقارت و کم بینی می کند که نتیجه آن از دست دادن عزت مندی و کرامت انسانی است.

از این رو، در آموزه های دینی از احساس حقارت نهی شده و انسان ها به عزت مندی و عزت گرایی فراخوانده شده است. امام هادی (ع) فرمود: "من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره؛ کسی که خویشتن را ناچیز و خوار می یابد و در باطن نسبت به خود احساس سستی و حقارت دارد از شر او ایمنی نداشته باش". [۱]

پیامبر اسلام (ص) در خصوص عزت نفس فرمود: "بر هیچ مسلمانی جایز نیست که خود را ذلیل و خوار نماید". [۲]

امام علی (ع) خطاب به فرزندش فرمود: "و لا تکن عبداً غیرک و قد جعلک الله حراً". [۳]

جامعه خود باخته نیز بدان معنا است که آن جامعه استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ... نداشته و در برابر فرهنگ و تمدن جامعه دیگر خود باخته و مرعوب و مجذوب جوامع دیگر می گردد.

از سوی دیگر قابلیت ها

و استعداد های خویش را فراموش نموده و استقلال و اقتدار و عزت خویش را از دست می دهد.

پیامدهای منفی جامعه دراستقلال فرهنگی و سیاسی... ظهور می کند. اگر جامعه از نظر فرهنگ و تمدن خود باخته باشد، جذب فرهنگ بیگانگان شده، از فرهنگ و آداب آن ها استفاده کرده و از باورهای دینی و ارزش های خود دست بر می دارد.

خود باختگی سیاسی موجب می شود که جامعه به کشورهای بیگانه و وابسته شده و در تصمیم گیری های سیاسی و روابط بین الملل مشکل داشته و اصولاً سیاسی منفعلانه داشته باشد و در برابر ابر قدرت ها تسلیم شده و کاملاً به آن ها وابسته گردد.

یکی از پیامدهای منفی خود باختگی در بعد نظامی ظاهر می شود. جامعه خود باخته توان و قدرت نظامی خویش را نادیده گرفته و به کشورهای دیگر که توان نظامی بیشتر دارد جذب شده و امکانات نظامی خویش را از آنان می گیرد، حال آن که در آموزه های دینی به استقلال و خود اتکایی نظامی تأکید شده است. [۴]

برای رهایی از خود باختگی فردی و اجتماعی لازم است که باورهای فردی حفظ شده و عوامل عزت مندی در انسان تقویت شود. در خصوص خود باختگی جامعه نیز باید گفت: جامعه باید قابلیت ها و استعداد های خویش را باور نموده و راهکارهای استقلال سیاسی و اقتصادی ... را ایجاد و با عوامل خود باختگی مبارزه شود و در فضای جامعه این نگرش به وجود آید که هر جامعه ای قابلیت و استعداد خاص خود را داشته و میراث فرهنگی گرانسنگ و افتخارات را حفظ نماید. [۱] تحف العقول، ص ۴۸۳.

[۲] تاریخ یعقوبی

ص ۶۷؛ به نقل از: محمد تقی فلسفی، جوان از نظر عقل واحساس، ج ۲، ص ۲۹۱.

[۳] نهج البلاغه، نامه ۳۱.

[۴] انفال (۸) آیه ۸۰.

**آیا می توان گفت علت گسترش فساد و بی حجابی که شاهد آن هستیم پس از انقلاب اسلامی ایران فقط تهاجم فرهنگی بوده است آیا می شود روزی بی حجابی در ایران از بین برود؟**

### پرسش

آیا می توان گفت علت گسترش فساد و بی حجابی که شاهد آن هستیم پس از انقلاب اسلامی ایران فقط تهاجم فرهنگی بوده است آیا می شود روزی بی حجابی در ایران از بین برود؟

### پاسخ

فساد و بدحجابی و دیگر مفاسدهای که در کشور ما فراوان شده معلول عواملی است

۱ بازمانده افکار ولننگاری و بی حجابی و تربیت های ناصحیح قبل از انقلاب آنان که سن و سالشان اقتضا می کند می دانند که قبل از انقلاب وضعیت فساد و بی حجابی برگرفته از نسخه های غربی بود و توسط دست های پیدا و پنهان استعمار در این کشور اجرا می شد و حتی برداشتن حجاب را اجباری کرده بودند. وضع طوری بود که اگر دختری یا زنی می خواست با حجاب باشد، مورد تهاجم سخریه ها و استهزاها و دهن کژی ها واقع می شد. اُمُل و کوتاه فکر و عقب افتاده می دانستند. این نسخه توسط رضاخان اجرا شد، سپس مدت پنجاه سال این فرهنگ ادامه پیدا کرد. فرهنگ ولننگاری و فساد را در جامعه محکم کردند اما انقلاب اسلامی که به وجود آمد، این وضعیت حدود ۱۸۰ درجه عوض شد، به طوری که بی حجابی به طور کلی رخت بر بست ولی باقیمانده آن افکار پس از مدتی کم کم و به طور خزنده رشد کرد و متأسفانه مسئولان و دست اندرکاران فرهنگی تدبیری نیاندیشیدند بلکه با بعضی از اعمال و شیوع فرهنگ و افتراء، عده ای اعتماد و اعتقاداتشان را به نظام از دست دادند.

۲ تهاجم فرهنگی می توان گفت یکی از بزرگ ترین عوامل گسترش فساد و ولننگاری تهاجم گسترده فرهنگی



غربی است ورود سی دی ها و فیلم های مستهجن ایجاد شبکه های ماهواره ای و اینترنتی و پخش و گسترش افکار شهوی نیز تبلیغات گسترده رسانه ای در روزنامه ها، هفته نامه ها، ماه نامه ها و... نمونه ای از تهاجم فرهنگی دشمن است البته دست های مرموز و مشکوک داخلی نیز پیدا است هدف از تهاجم گسترده فرهنگی قبضه کردن افکار و ایده های مردم مخصوصاً جوانان است تا بتوانند بر آنان مسلط شوند.

۳ هواهای نفسانی و شهوت رانی و شهوت پرستی زمینه شهوت در وجود هر مرد و زنی هست که اگر کنترل نشود، کم کم بر انسان مسلط می شود.

از امیرالمؤمنین (ع) آمده " أشجع الناس من غلب هواه ؛ شجاع ترین مردم کسی است که بر هواهای نفسانی اش غلبه کند." [۱]

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: " غالب الشهوه قبل قوه ضراوتها فانها ان قويت ملكتك و استفادتك و لم تقدر علی مقاومتها؛ پیش از آن که تمایلات نفسانی به تندروی عادت کنند، با آنها به ستیز، زیرا اگر تمایلات سرکش در تجاوز و خودسری نیرومند شوند، فرمانروای تو خواهند شد و تو را به هر سو که بخواهند می برند، در نتیجه قدرت مقاومت در برابر آن ها را از دست خواهی داد." [۲]

در درجه اول مسئولان فرهنگی کشور باید با مفساد مبارزه کنند و جلو فساد و فحشا را بگیرند. نیز زمینه ازدواج را فراهم کنند. تورم و گرانی و ثابت نبودن قیمتها را حل کنند. وظیفه مردم نیز امر به معروف و نهی از منکر است و در انجام وظیفه مهم نباید کوتاهی کنند.

[۱] بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۶.

[۲] فهرست غرر الحکم ص ۱۸۷ شماره ۶۴۴۴.

**تهاجم غربی برای مسلمانان شامل چه مواردی در اسلام می شود (در کل فرهنگ غرب؟)**

**پرسش**

تهاجم غربی برای مسلمانان شامل

چه مواردی در اسلام می شود (در کل فرهنگ غرب)؟

## پاسخ

متأسفانه پرسش مبهم است، زیرا معلوم نیست مقصود از تهاجم غربی، تهاجم فرهنگی است و یا تهاجم نظامی، از این رو لازم است در نامه های بعدی به طور شفاف پرسش های خویش را مطرح نمایید، اگر مقصود، ابعاد تهاجم فرهنگی باشد، باید در جواب گفت: غرب با تهاجم فرهنگی به تضعیف باورهای دینی پرداخته و ارزش ها و سنت و آداب، تمدن و مبانی اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و به طور کلی تمام چیزهایی را که موجب استحکام یک نظام و کشور می شود، مورد تهاجم قرار می دهد.

این تهاجم با بهره گیری از پیشرفته ترین ابزار فرهنگی صورت گرفته و تبلیغات غرب، نظام یافته و همسو با شرایط زمان می باشد. از سوی دیگر غرب با زیر سؤال بردن باورهای دینی مسلمانان و هجمه قرار دادن فرهنگ آنان، به تقویت فرهنگ غرب پرداخته و انمود می کند که فرهنگ غرب بهترین فرهنگ بوده و تمام خواسته های سعادت انسان در بهره گیری فرهنگ غرب تأمین می شود.

اگر مقصود از تهاجم غربی، تهاجم نظامی باشد، این نوع تهاجم نیز با رایزنی ها و فضا سازی خاصی شکل می گیرد. غرب در ابتدا سعی می کند که افکار عمومی را جهت حمله نظامی به کشورهای اسلامی فراهم نموده و سپس حمله نظامی کند، مانند حمله نظامی آمریکا به عراق و یا افغانستان که نخست وجود سلاح های شیمیایی در عراق را مطرح نمود و سپس حمله نظامی نمود، حمله نظامی غرب در کشورهای اسلامی پیامدهای منفی را در پی داشته و موجب از بین رفتن امکانات مادی می شود، از سوی دیگر مسلط شدن غرب به کشور مورد تهاجم موجب می شود که باورهای دینی مردم

ضعیف شد، و آداب و فرهنگ اسلامی آن کشور به مرور زمان از بین برود.

**چرا به اندازه ای که تبلیغات غربی ها بر جوانان ما تأثیر گذار بوده، تبلیغات ما روی جوانان غرب چنین تأثیری را نداشته است؟**

**پرسش**

چرا به اندازه ای که تبلیغات غربی ها بر جوانان ما تأثیر گذار بوده، تبلیغات ما روی جوانان غرب چنین تأثیری را نداشته است؟

**پاسخ**

ار چند جهت تأثیر گذاری تبلیغات غربی ها بیشتر بوده است:

۱. غربی ها برای تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی اسباب و ابزارهای فراوانی را در اختیار دارند که اصلاً قابل مقایسه با امکانات ما نیست. نمونه اش پایگاه های متعدد اینترنتی، دستگاه های مدرن ارتباط جمعی مانند ماهواره، شبکه های تلویزیونی، خبرگزاری های متعدد و غیره می باشد.

۲. غربی ها برای تأثیر تبلیغات خود از هر شیوه ای استفاده می کنند و به مسائل اخلاقی خود را مقید نمی دانند، از این رو از حيله و ترفند و تظاهر و مظلوم نمایی و تحریف حقایق به راحتی بهره می جویند، در حالی که بر اساس نظام اخلاقی اسلام ما نمی توانیم این شیوه ها را به کار بگیریم.

۳. این واقعیت را نیز نباید نادیده بگیریم که به دلیل سابقه و پیشینه تهاجم، کشورهای استعمارگر، از راه کارهای مدرن و عناصر حرفه ای برخوردارند که در جذب مخاطبان بسیار مؤثر است، ولی ما به دلیل عدم سابقه طولی.....نیاز به آزمون و خطا داریم و چه بسا از شیوه های جذاب استفاده نکرده ایم.

۴. آنها با دست گذاشتن روی یک سری نیازهای فطری و غریزی انسان مانند غریزه جنسی و حس آزادی، در کار تبلیغاتی خود بسیار بهره می گیرند و طبیعی است که این مسائل علاوه بر این که نیاز انسانی است، حتی گاهی از نیازهای اولیه است که هر انسانی در صدد پاسخ گویی و ارضا آن نیازها است. در این راه غربیان با تکنیک ها و تبلیغات گسترده ای که دارند و با توجه به آزاد بودن ارتباطات رسانه ای بهره بسیار می برند.

۵. این

نکته را نباید نادیده گرفت که کار تهاجم، از دفاع آسان تر است. و همیشه تخریب راحت تر از سازندگی است

## اهداف تهاجم فرهنگی

**رپ، آیا گروه خاصی هستند؟ چه هدف و خط مشی دارند؟**

### پرسش

رپ، آیا گروه خاصی هستند؟ چه هدف و خط مشی دارند؟

### پاسخ

"رپ" از اول به نوعی موسیقی در غرب اطلاق می شد و بعدها توسط گروهی به این اسم ترویج شد، اگر چه از ابتدا مبتذل و فاسد نبود، ولی بعدها به این موضع اسفبار و مبتذل دچار گردید، رپ هم اکنون به عنوان سمبل گروه های مبتذل در ایران شناخته می شود و تمامی مدهای فاسد و مبتذل منتسب به گروه های "رپ" می باشند، که با ارائه مدها و سبک های خود، الگویی برای جوانان و پیروان خود بوه و آن ها را نیز به انحراف می کشانند. از مشخصه های این گروه در ایران، پوشیدن کفش های لنگه و لنگه و پوشیدن شلوارهایی با پاچه های کوتاه و گشاد می باشد.

انسان ها در جوامع انسانی برای نمایش روحیات و علایق و مطلوب یا موجود زنگی خویش، به نمایه هایی نیاز دارند و "مدها" نمایه های فرهنگ و هویت یک عدد است. مد تظاهر به فرهنگ و الگوهای مورد نظر، و در آخرین حد می تواند نمایشی از تحول شخصیتی و هویتی فرد یا جامعه باشد.

یکی از اهداف استکبار جهانی و گروه های مبتذل در تهاجم فرهنگی، بهره گیری از نیازها و غرائز فطری و تقاضاهای انسان ها است.

آن ها با برنامه گسترده و فراگیر، با چهره سازی و قهرمان پروری در صدد ارائه الگو و روش در زمینه های مختلف، جهت مسخ و تغییر فرهنگ دینی و ملی به ویژه ملت های اسلامی هستند. حجم عظیم تبلیغات بنگاه های تبلیغتی استعماری و ارائه مدها و الگوهای مغایر با دین و سیره ائمه معصومین(ع) و اختصاص برنامه های گسترده از رسانه ها در طول شبانه روز و ارسال آن به اقصی نقاط دنیا، جهت

القای فرهنگ مبتدل غربی است، به علت ضعف فرهنگی و آسیب پذیری جوامع وارداتی، تأثیر مدها و تبلیغات می تواند بسیار مخرب باشد.

انسان ها در نهاد و نیازهای درونی و در طبیعت خود، به مدگرایی و انتخاب روش و طرز زندگی، گرایش دارند غریزه حس کمال جویی در همه وجود دارد. بر همین اساس، انسان همواره به دنبال الگو و انتخاب روش بهتر برای حرکت خود به سوی کمال جویی است. همانند نوجوانی که همواره تلاش می کند تشنگی خود را در ابعاد گوناگون سیراب نماید و یا رفتار و ظاهر خود را با مشاهده رفتار دیگران تغییر دهد. همه این ها حاکی از نیاز درونی است. مشکل اصلی این است که انسان به چه منبعی مراجعه نماید و چه مراجعی را برای تنظیم زندگی خود مورد توجه قرار داده و چه روش هایی را برای پیاده کردن رفتارها و هنجارهای خویش انتخاب نماید؟

اصل گرایش به مد و پیروی از روش و رفتار دیگران ریشه درونی دارد تا انسان بتواند خلائای شخصیتی خویش را پر کند.

میزان تحصیلات رابطه مستقیمی با مدگرایی دارد، زیرا اگر تعلیم بر اساس الگوهای فکری و رفتاری بیگانه باشد، در مدگرایی معطوف به خارج از مرزهای "هویت"، اثر خواهد داشت.

آراستن و پوشیدن لباس به نحو معقول و مشروع، یک تمایل طبیعی در انسان ها است، اما اگر از روی غفلت یا دخالت پاره ای از نقاط ضعف، این تمایل از مسیر طبیعی و صحیح خود خارج شود، یکپاز مهم ترین عوامل دامن زدن و ارضای خودنمایی و فخر فروشی و خودپرستی است که از حالت طبیعی خود آرایی به حالت انحراف خودنمایی تغییر پیدا می کند و در مراحل پیشرفته، تبدیله

هوس بازی ها و خودخواهی ها ارضای حسادت ها و رقابت های احمقانه خواهد گردید. در این حال، حالت مرض روحی گرفته و به سوی معایب اخلاقی و سقوط و انحطاط روحی خواهد رفت.

رپ ها که گرفتار عارضه مد پرستی هستند، انواع امراض روحی و صفات برگرفته از خودپرستی را نشان می دهند، مگر کسانی که با ناآگاهی و ساده لوحی تحت تأثیر عوامل محیطی به تقلید کورکورانه از دیگران، در این مسیر قرار گرفته اند و مد سازان با تیزهوشی آمیخته به شیادی، وجود چنین نقطه ضعف در نهاد آدمی را درک نموده و کار خود را پیش می برند. این ما هستیم که باید هوشیارانه نقشه های دشمنان را نسبت به فرزندانمان و دین و دیانت، نقش بر آب کرده و از اصالت و هویت حقیقی و دینی خود دفاع کنیم. (۱)

پی نوشت ها:

۱ - روزنامه کیهان، مد پذیری و مد گرایی، ۱۳۷۵/۵/۲۷، ص ۶ و علل گرایش به مد گرایی، ۱۳۷۵/۵/۲۲، ص ۷ و روزنامه رسالت، بررسی ریشه های روانی نوگرایی و مد گرایی، ۱۳۵۷/۵/۱۷، ص ۱۳، با تلخیص.

**علت این که مردم ایران و جهان به فساد و کارهای زشت و شهوترانی کشیده می شوند چیست؟ چرا باید به خاطر کارهای زشت و بی بندوباری بعضی از جوانان ایرانی که هر کاری می خواهند انجام می دهند، دیگران هم باید در تنگنا باشند و باید خشک و تر با هم بسوزند؟**

**پرسش**

علت این که مردم ایران و جهان به فساد و کارهای زشت و شهوترانی کشیده می شوند چیست؟ چرا باید به خاطر کارهای زشت و بی بندوباری بعضی از جوانان ایرانی که هر کاری می خواهند انجام می دهند، دیگران هم باید در تنگنا باشند و باید خشک و تر با هم بسوزند؟

**پاسخ**

علت اصلی رواج فساد در عالم در یک چیز خلاصه می شود و آن "کم رنگ شدن تعهد انسان ها است. این تعهد هم شامل ایمان به خدا و اعتقادات مذهبی می شود و هم شامل تعهد نسبت به هم نوع که سعدی از آن به "آدمیت" تعبیر می کند.

وقتی یک انسان - در هر کجای عالم که باشد و هر دینی که داشته باشد - تنها خود و زندگی خویش را معیار اعمالش بداند و تمام تکاپوی حیاتش در دستیابی به امیال درونیش باشد، دیگر نه از ایمان در او خبری می ماند نه آدمیت، زیرا ایمان انسان را به راهیابی به دریچه های گشوده آسمان دعوت می کند. همت انسان را از ورطه خاک فزون تر می سازد و آدمیت، آسایش و آرامش نسل انسان را در افق فکر انسان روشن می سازد و او را از آمال فردی جدا می سازد. نبود این تعهد در انسان امروزی سبب شیوع فساد و رواج بی بند و باری شده است که البته تمام ضررها و زیان های آن هم به خود انسان ها می رسد،

زیرا بالاخره روزی می رسد که این یدوارها بلند تر می گردند و زندگی فردی به قدری افزایش می یابد که انسان در چاهی  
که به

دست خود کنده است، به تنهایی در می ماند و پشیمان می گردد.

اما این که چرا باید انسان های خوب هم با انسان های بد یکی دانسته شوند و به قول شما خشک و تر با هم بسوزند؟ نکته را یاد آوری می کنیم و آن این که شما اگر در یک آپارتمان ده طبقه زندگی کنید که بیست تا سی خانوار در آن سکونت دارند، کافی است یکی از این خانه ها به هر دلیلی - دچار حریق شود. آن گاه ملاحظه می کنید که تمامی ساختمان دستخوش تخریب می گردد! آیا در این مورد می توان گفت چرا خشک و تر با هم سوخته اند؟ مسلماً خیر!

به همین قیاس، ما در جامعه ای زندگی می کنیم که دارای زیر ساخت ها و اسکلت خاصی ارتباطی می باشد. وقتی یک عده از افراد جامعه دست به فساد و تبهکاری بزنند. مسلماً الباقی جامعه نیز دستخوش شوک حاصل از آن می گردند. به طور مثال این باند های سرقت دختران و زنان را مثال می زنیم که به بهانه مسافر کشی به تبهکاری دست می زنند، به طور خیلی طبیعی امروزه دختران و زنان مواظب هستند که سوار هر اتومبیلی نشوند و بیشتر با وسایل عمومی سفر کنند! در حالی که گروه تبهکاران فقط عده معدودی هستند و شاید در صد اندکی را شامل شوند، ولی ما از احتمال خطر هر پرهیز می کنیم و در حقیقت به نوعی خشک و تر را با هم می سوزانیم. حال اگر این استرس به وجود آمده خیلی زود بر طرف شود و آرامش به انسان ها باز



گردد تعادل روانی جامعه به هم نخواهد خورد، برعکس اگر روز به روز آمار فساد بیشتر شود، جامعه ای خواه ناخواه فاسد یا تحت فشار فساد خواهیم داشت.

مسئله مورد نظر شما همین طور است. افزایش روابط بدون ضابطه دختران و پسران با هم سبب شده است که هر نوع رفت و آمدی - حتی مقدس و پاک - محکوم به نادرستی باشد و این قضاوتی است که جامعه در مورد این نوع رفتار دارد.

**آیا این درست است که می گویند آمریکا به ایران حمله نظامی نمی کند ولی تبلیغات فرهنگی می کند روی نسل جوان که تا حدود زیادی هم موفق شده است؟ نظر شما چیست؟**

**پرسش**

آیا این درست است که می گویند آمریکا به ایران حمله نظامی نمی کند ولی تبلیغات فرهنگی می کند روی نسل جوان که تا حدود زیادی هم موفق شده است؟ نظر شما چیست؟

**پاسخ**

با سلام و آرزوی موفقیت و توفیق روز افزون برای شما خواهر عزیز و معلم گرانقدر که با اندیشه و تدبیر خود به تربیت و تعلیم نسل جوان مشغول هستید برای شما خواهر بسیار عزیز و فهیم دعا می کنیم تا بتوانید رسالت الهی خویش را به خوبی به انجام رسانید.

خواهر محترمه آمریکای جنایتکار که بیش از سه دهه بر همه مقررات این کشور سلطه داشته است و دل کندن از ایران بسیار سخت و جانکاه است. بخصوص در شرایطی که انقلاب اسلامی ایران این پدیده کم نظیر و بی همتای قرن معاصر نه تنها ایران را از چنگال ابرقدرت آمریکا رها ساخته است که در سراسر گیتی منافع شیطان آمریکای را به خطر انداخته است. لذا سردمداران کاخ سفید از همان آغازین روزهای طلوع پیروزی انقلاب اسلامی و حتی قبل از حاکمیت انقلاب اسلامی و در دوره حکومت بختیار زمانی که پیروزی مردم قریب الوقوع بود با اعزام ژنرال کارکشته خود "بنام هایزر" قصد کودتا علیه مردم را داشتند که با اعلام بیطرفی ارتش، توطئه آنان در نطفه خفه شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در همه ادوار از توطئه چینی علیه نظام دست برداشته اند از تحریک و تسلیح گروهکها و منافقان گرفته، تا طراحی کودتا و حمله مستقیم نظامی به بهانه آزادی گروگانها و نیز حمایت از کشور عراق برای حمله به عراق. پس از پایان تجاوز عراق به ایران نیز بارها و بارها خواسته است ایران را به صحنه درگیری بکشاند، جنگ عراق علیه کویت

جنگ افغانستان و اکنون حمله به عراق و... درهمه موارد فوق آمریکا با بهانه تراشی سعی کرده است ایران اسلامی را به جنگ ناخواسته ای وارد سازد ولی غافل از آن است که مسئولان عالیرتبه کشور و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت ا...خامنه ای بسیار هوشیار تراز آنند که در چاه حفر شده شیطانی غرب و سردمداران صهیونیسم جهانی فروبروند. رهبران جمهوری اسلامی با پشتوانه الهی و مردمی نه تنها گول دسیسه های آمریکای خونخوار را نمی خورند بلکه با تدابیر حکیمانه توطئه های طراحی شده آنان را در نطفه خفه می کنند و تاکنون بارها و بارها حسرت و آه را بردل سنگ و سیاه آنان باقی گذاشته اند.

او از طریق جوسازی و تبلیغ و ترویج مفاسد و تباه کاریها و تهی ساختن شرف و انسانیت نسل امروز به جنگ با جمهوری اسلامی می آید. او اگر بخواهد روزی به ایران حمله کند، باید احساس کند زمینه داخلی برایش فراهم شده و مردم در برابر او ایستادگی قابل توجهی نخواهند داشت. رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت ا...خامنه ای جدا کردن مردم از نظام از طریق القای ناکارآمدی دستگاه های حکومتی و ایجاد دسته بندی و فضای هرج و مرج را دو نقطه امید صهیونیست ها و آمریکایی ها در مواجهه با ایران اسلامی دانستند و یاد آور شدند :

"آمریکا می داند که در مقابل ملت شجاع و عزیز ایران و جوانان پرنشاط و شهادت طلب که از مرگ نمی ترسند حمله نظامی هیچ نتیجه ای جز شکست و سرافکنندگی ندارد. بنابراین تلاش برای تضعیف ارتباط مستحکم مردم با نظام و ایجاد اختلاف را در دستور کار خود قرار داده است که ملاک این توطئه نیز در گرو خدمت به مردم و وحدت کلمه است." ۱

بنابراین اگر آمریکا روزی تصمیم بگیرد به ایران حمله کند، روزی خواهد بود

که احساس کند مردم و جوانان ایران زمین در برابر او مقاومت چشمگیری نخواهند کرد. ولی تا زمانی که احساس کند مردم و جوانان برومند ایران اسلامی با همه وجود و توان آماده مقابله با متجاوز و دفاع از سرزمین و دین خویش هستند، نه تنها حمله نخواهد کرد، بلکه تخیل تجاوز هم در مخیله اش وارد نخواهد شد. پس حمله یا عدم حمله بسته به عملکرد من و شما و امثال ما و دولتمردان و... می باشد. بکوشیم با اعداد و آمادگی و گسترش این آمادگی در میان نسل جوان، آمریکا را برای همیشه از رسیدن به ایران پشیمان سازیم، (وبه تعبیر شهید مظلوم ایت... دکتر بهشتی) از عصبانیت بمیرد.

روزنامه خراسان، شنبه ۱۶ فروردین ۱۳۸۲، ص ۴

**چه عامل و یا عواملی سبب شده است که این همه فساد و بی اعتقادی و ناهنجاری در بین جوانان امروز که در جمهوری اسلامی دنیا آمده و تربیت یافته اند زیاد می باشد؟ در عین حال که قبول داریم جوانان معتقد نیز کم نیستند.**

**پرسش**

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که این همه فساد و بی اعتقادی و ناهنجاری در بین جوانان امروز که در جمهوری اسلامی دنیا آمده و تربیت یافته اند زیاد می باشد؟ در عین حال که قبول داریم جوانان معتقد نیز کم نیستند.

**پاسخ**

طرح سؤال حضرت تعالی به این شکل نشان دهنده این است که با توجه به اینکه فرهنگی بوده و با قشر جوان سروکار داشته اید قضاوتی عادلانه دارید و قبول دارید که در کنار عده ای که دارای ناهنجاری های اخلاقی و اعتقادی هستند جوانان معتقد در جامعه کم نیستند اما با توجه به اینکه این جوانان در جمهوری اسلامی پرورش یافته اند، فساد و بی اعتقادی و ناهنجاری، از آنان توقع نیست. در پاسخ حداقل باید به این مسأله توجه داشت که با توجه به گسترش وسائل ارتباط جمعی، تربیت جوانان امروز که در عصر انفجار اطلاعات زندگی می کنند مانند گذشته تنها متأثر از خانواده و محیط آموزشی نیست بلکه امروز از دورترین نقاط دنیا به راحتی با فرزندان این مرز و بوم در چهاردیواری و داخل منازل ارتباط فرهنگی برقرار می شود و آنها متأثر از این فضای باز فرهنگی که به مدد تکنولوژی فراهم شده می باشند لذا بخش عمده ای از این انحرافات را بایستی در توطئه و تهاجم فرهنگی دشمن جستجو کرد هر چند لازم است مسئولین امر در این تهاجم وسیع که مقام معظم رهبری راجع به آن مکرراً هشدار داده اند چاره ای بیندیشند.

**علل تنزل اوضاع فرهنگی کشور در سال های اخیر چیست ؟**

**پرسش**

علل تنزل اوضاع فرهنگی کشور در سال های اخیر چیست ؟

این مسأله علل متفاوتی دارد، از جمله:

- ۱- گسترش تهاجم فرهنگی بیگانه،
- ۲- فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصه مطبوعات کشور،
- ۳- دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد،
- ۴- تلاقی با فرهنگ بیگانه در پرتو توسعه و تأثیرگذاری آن بر عناصر داخلی،
- ۵- جدی نگرفتن خطر تهاجم فرهنگی و عدم جدیت کافی در حفظ فرهنگ ناب اسلام محمدی از سوی برخی از عناصر داخلی، حتی در سطح برخی از مسؤولیت های اجرایی و فرهنگی کشور.

}}

### علل گرایش جوانان به فساد چیست ؟

پرسش

علل گرایش جوانان به فساد چیست ؟

پاسخ

قبل از روی آوردن به جواب ، از مکاتبه شما که در زمینه ارائه خدمت به شما انسان های حقیقت جو و دوستدار پاکی را فراهم آورده است ، تقدیر و تشکر می کنیم . راه های آلوده شدن به فساد از نظر عملی برای هر انسانی متفاوت است و نمی توان گفت به تمام انسان ها به یک شیوه مبتلا می گردند ولی از نظر تئوری و علمی آلوده شدن به گناه و فساد و انحرافی - هر چند خلاف عقل - معلول دو عامل یا یکی از دو عامل زیر است : ۱- جهالت و عدم شناخت صحیح . ۲- پیروی از خواهش های زودگذر و فارغ از تأمل (پیروی از هوای نفس) . گاهی اوقات جهالت باعث می شود که آدمی در ورطه گناه و فساد سقوط کند در این صورت راه علاج کسب علم و رسیدن به مرتبه یقین و تعمیق فکر و اندیشه است . اما در کنار این علت ، علت اساسی و عمده که بیشتر آدمیان از کانال آن به فساد مبتلا می شوند پیروی از هوای نفس است . در این مورد آدمی علی رغم آگاهی از حق و شناخت دقیق حق و باطل ولی عوامل پراکنده ای چون تنبلی ، تن آسایی ، مقام پرستی ، پول و ثروت ، دوستی و پیروی از غضب ، شهوت او را به سوی عملی خلاف آنچه حق می داند و شایسته می شمارد انجام دهد. از

بین این دو عامل , عامل دوم گستردگی بیشتر و عامل اول عمق تاثیر بیشتری

در انحراف انسان دارد، لذا باید با تحصیل دانش مربوطه و رها کردن نفس اماره راه نفوذ دو عامل را سد نمود که هدف از ارسال رسل و انزال کتب همین بوده که آدمی به این دو عالم مسلح شوند و همای سعادت را در آغوش گیرند.

### **ارتباط فرهنگ کشورها را از جنبه مثبت و منفی بنویسید؟**

#### **پرسش**

ارتباط فرهنگ کشورها را از جنبه مثبت و منفی بنویسید؟

#### **پاسخ**

ذات و ماهیت یک فرهنگ حالت ایستا و ثابت ندارد بلکه پیوسته در حال تغییر و تاثیر و تاثیر در ارتباط با سایر فرهنگها می باشد. حال اگر در یک فرهنگ عناصر مضر و مبتذل که از راه ارتباط با فرهنگهای بیگانه وارد شده اند، به هنجار و ارزش تبدیل شوند و در جهت عکس رشد و پویایی و بالندگی آن فرهنگ حرکت کرده و جامعه را به رکود بکشانند تاثیر منفی می باشد اما اگر عناصر وارد شده در اثر ارتباط با سایر فرهنگها در جهت غنا بخشیدن به فرهنگ یک قوم و رشد و شکوفایی آن و در نتیجه حرکت آن جامعه به سوی رشد و کمال و توسعه باشد، اثرات مثبت نام دارد.

### **گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟**

#### **پرسش**

گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟

#### **پاسخ**

گرایش به فرهنگ غربی و فساد عوامل متعددی دارد از جمله :

۱- وجود گرایش های نیرومندی همچون گزینه جنسی که طبیعتاً فرد را به سوی پورنو گرافی غربی متمایل می سازد.

۲- استفاده غربی ها از عوامل . ابزارها و سرمایه های عظیم و به کارگیری تکنیک ها و شیوه های فریبنده در سطحی بسیار گسترده .

۳- ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نا دانسته پیروی نمودن از آنان .

۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از دانشگاهیان و...).

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلام در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی .

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.

مسأله غرب گرایی و پدیده ای است که سابقه ای طولانی نه تنها در کشور ما، بلکه در سطحی بسیار گسترده تر در همه کشورهای جهان سوم وجود دارد. برخی از علل این پدیده عبارت است از:

۱ - مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است .

۲ - به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی ، اخلاقی ، علمی و مادی خود.

۳ - افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد.

انقلاب اسلامی آوای بلندی بود که در سراسر جهان اسلام و مستضعفین طنین افکن شد و توانست برای بسیاری از جوانان

، روشنفکران ، نویسندگان و اندیشمندان تغییر جهت دهد. لیکن از دیگر سو عوامل غرب نیز همواره در کمین نشسته و از هر سو برای ربودن نظرها و اندیشه ها تلاش مضاعفی در سطح جهان انجام می دهند. طبیعی است که در این میان برخی به آن سو و برخی به این سو می خرامند. در ارزیابی نهایی هر چند ما حرکت های موجود در جهت مبارزه اصولی و ریشه ای با پدیده غرب گرایی را کافی نمی دانیم و هرگز نمی توان انتظار داشت که کامل ترین برنامه ها بتواند به طور کلی ریشه این گونه گرایش ها را خشکانند؛ زیرا انسان ها بر اساس امیال و خواست های متفاوت که دارند و نیز متناسب با محیط های مختلفی که در آن رشد کرده اند و اندیشه های گوناگونی که ذهنشان با آن رشد یافته است ، گرایش های متفاوتی می یابند. بنابراین ضمن آنکه تا حد زیادی می توان کارنامه مبارزه با این پدیده را مثبت ارزیابی کرد، ولی همواره پرونده این گونه گرایش ها باز است و حرکت های موجود یا هر حرکت دیگری می تواند آن را محدود سازد، ولی نمی تواند به طور کلی آن را نابود کند.

### علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟

#### پرسش

علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟

#### پاسخ

علت گرایش برخی جوانان به مکتب کمونیستی ناآگاهی و عدم اطلاع درباره مکتب درخشان اسلام و تعلیمات حیات بخش و زندگی آفرین آن می باشد.

مکتب کمونیسم براساس انکار خدا و حقایق متافیزیکی و ماوراء طبیعت بنیان نهاده شده است و کسی که اعتقاداتش براساس دلیلهای محکم استوار شده و به مبدأ و معاد عقیده دارد و خدای دانا و توانا را حکیم دانسته و قوانین الهی را از علم غیر محدود و گسترده الهی می داند هیچگاه به طالب بی اساس کمونیسم گرایش پیدا نمی کند.

و اگر گفته شود این مکتب خیلی بهتر و عالی تر از اسلام در چین اجرا می شود صحیح نیست زیرا اولاً- کمونیسم تاکنون در جهان اجرا نشده است و قابل اجرا هم نیست ثانیاً چنانکه یاد آوری شد در کمونیسم کمالات روحی و معنوی انسان بطور کلی نادیده گرفته شده است در حالی که بعد روحی و کمالات مربوط به آن بسیار عالی تر و ارزشمندتر از دیگر ابعاد وجود انسانی است ثالثاً دورانهای پر شکوهی بر اسلام گذشته در عین حال که کوتاه و محدود بوده اما گواهی راستین و شاهد عینی بر صلاحیت تعالیم آسمانی اسلام برای پیاده شدن در جوامع انسانی است.

برای آگاهی قسمتی از نقاط ضعف کمونیسم می توانید به کتاب فیلسوف نماها نوشته آقای مکارم و کتاب درسهایی درباره مارکسیسم نوشته جلال الدین فارسی و کتاب علمی بودن مارکسیسم نوشته آقای مهدی سبحان مراجعه فرمایید.



در ضمن این مکتب به قول امام خمینی (ره) به موزه های تاریخی سپرده شد و اکنون موردی ندارد. مگر برخی از عقاید و نظریات آنان که در بعضی از مکاتب

اکنون غربی یافته می شود. و راز گرایش شاید در چند مورد خلاصه شود.

۱. ناآگاهی از تأمین نیازهای انسان در مکتب مرفعی اسلام .

۲. موقعیت تاریخی کشور و تبلیغات جذاب مارکسیست ها.

« بخش پاسخ به سؤالات »

### **چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟**

#### **پرسش**

چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟

#### **پاسخ**

امکانات تبلیغی اگر تمام همّت خویش را به کار گیرند باز این انحراف به چند دلیل خواهد بود.

۱. آزادی انسان.

۲. مطابقت این برنامه ها با تمایلات آدمی به ویژه در سنین جوانی.

۳. ضعف عملکرد در گسترش فرهنگ ازدواج.

۴. تهاجم فرهنگی غرب.

در قرآن می خوانیم «یرید الانسان لیفجر امامه یسئل ایان یوم القیامه» انسان می خواهد که گناهکاری پیشه کند و به همین خاطر، مبانی دینی را هم مورد تردید قرار می دهد. در نظام اسلامی انسان مجبور به اطاعت نمی شود. بلکه باید خوبی را انتخاب کند.

با همه این احوال، باید معترف به برخورد ضعیف و عدم برنامه ریزی صحیح در این باره اعتراف نمود به ویژه آنکه گاهی دشمنان مقاصد خویش را از راه به ظاهر دوستان اجرا می کنند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

### **علت انحراف جوانان چیست؟**

علت انحراف جوانان چیست؟

پاسخ

هدایت و تربیت نسل جوان به لحاظ اهمیتی که دارد امروزه بیش از گذشته مورد توجه اندیشمندان و دل سوزان جوامع مختلف قرار گرفته است. جوان دارای خصوصیات عاطفی، اجتماعی و جسمانی است. حساسیت، تنوع خصلت های رفتاری، هیجان های درونی، علاقه شدید به دوستی با همسالان، عدم کنترل رفتار، ذات، الگو پذیری و تقلید، افتخار، به شخصیت و تشخیص طلبی و میل به آزادی، شمه ای از ویژگیهای اوست. امام صادق (ع) در مورد یکی از ویژگی های جوانان یعنی الگوپذیری و تقلید سریع از دیگران هشدار داده و فرمود: جوانان و نوجوانان خود را با احادیث ما آشنا کنید قبل از اینکه گروه های منحرف بر شما پیشی گرفته و آنان را جذب کنند/

و همچنین آن حضرت به روحیه پذیرش سریع سجایای اخلاقی در نوجوانان توجه کرده و به ابوجعفر؛ مومن طاق می فرماید: «علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر» {۱} بر تو باد تربیت نوجوانان، زیرا آنان زودتر از دیگران خوبی ها را می پذیرند.

با توجه به اینکه جوانان روحيات مخصوص به خود را دارند و باید برای بهره گیری از این گنجینه های سرشار جامعه، سرمایه گذاری های شایسته ای انجام گیرد به برخی از علل و عوامل انحراف جوانان اشاره می کنیم: {۲}

کمبود محبت و فقر عاطفی

اگر جوانان این قشر فعال جامعه مورد کم لطفی و بی احترامی قرار بگیرند و با این قلب های پاک و زلال رفتاری حکیمانه و کریمانه صورت نگیرد، آنان بتدریج مورد محبت افراد منحرفی و گروه های فریبنده قرار خواهند گرفت و هویت آنان در معرض جدی ترین آسیب های اجتماعی خواهد بود. همچنانکه امروزه در جوامع صنعتی فقر غالب فقر اقتصادی و فرهنگی نیست بلکه فقر غالب

فقر عاطفی است.

مهمترین علت انحراف جوانان و نوجوانان امروزی در خانواده ها کمبود عشق، عاطفه و محبت است. انسان همان طور که به آب و غذا نیاز دارد به «محبت» هم نیازمند است و حتی نیازهای عاطفی و معنوی او به مراتب بیشتر از نیازهای جسمانی است.

عمده ترین دلیل ناسازگاری در خانواده ها و علت بسیاری از انحرافات و ناهنجاری های جوانان تندخویی ها، خشونت ها، لج بازی ها، زورگویی ها، بدبینی ها، اعتیادها، افسردگی ها، گوشه گیری ها، ناامیدی ها، ناسازگاری ها، طلاق و فرار از خانه و مدرسه و غیره - ریشه در کمبود محبت دارد. مطالعه سیره تربیتی رسول گرامی اسلام ما را با این حقیقت آشنا می کند و متوجه می شویم که آن رهبر آسمانی چگونه با محبت قلبها را صید کرده و جوانان را جذب نموده و از انحرافات نجات داد. و خداوند متعال هم به این راز توفیق رسول الله(ص) اشاره کرده و می فرماید: به برکت رحمت الهی در برابر آن مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. {۳}

نداشتن روحیه اعتماد به نفس

بخشی از انحرافات و مشکلات نسل جوان ریشه در نداشتن روحیه اعتماد به نفس و عدم خود باوری دارد. ترس از ورود به اجتماعات و اظهار اندیشه ها، عدم پذیرش مسئولیت ها بسیاری از ناکامی ها و عدم موفقیت ها از جمله عوارض احساس حقارت و نداشتن عزت نفس است. بنابراین برای تقویت شخصیت جوان و به وجود آمدن بسترهای مناسب برای ایجاد خصلت های نیکو و صفات ستوده در وجود آنان باید از راههای مختلفی اقدام نمود. احترام به افکار جوانان، تقویت ارتباط صمیمانه، سلام کردن با لحن دلنشین، هدیه دادن مشورت کردن و عادت دادن جوانان

بر اتکال به خداوند متعال در مشکلات، برخی از شیوه‌های تقویت عزت نفس و خود باوری در نسل جوان می باشد خداوند متعال در برخی آیات قرآن به این شیوه‌ها اشاره کرده و به پیامبر بزرگوار خویش می فرماید: «پس آنها را ببخش و برای آنان طلب آموزش کن و در کارها با آنان مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.» {۴}

نداشتن رابطه کلامی با والدین و مریدان

عموم جوانان و نوجوانان به ارتباط کلامی بسیار حساس هستند. لحن و صوت والدین مریدان و مبلغان در ارتباط کلامی باید دارای بار عاطفی مثبتی باشد در غیر این صورت آنان از متولیان تربیتی جامعه جدا شده و به دامن افراد منحرف پناه خواهند برد/

### مشکل ازدواج

هر جوانی فطرتاً نیازمند ازدواج است و باید به این نیاز خدادادی و طبیعی از طریق مشروع جواب داد. بقای نسل، رسیدن به آرامش و سکون، تکمیل و تکامل، تأمین نیاز جنسی، سلامت و امنیت اجتماعی و تأمین نیازهای روحی و روانی بخشی از دستاوردهای امر مقدس ازدواج بر جوانان است. وجود مشکلات و موانع متعدد بر سر راه ازدواج جوانان اسباب انحراف آنان را فراهم خواهد ساخت.

### مسأله اشتغال

بیکاری نه تنها موجب از میان رفتن استعدادهای درونی یک جوان می شود و او را به فردی تن پرور و بی خاصیت تبدیل می کند، بلکه به عنوان یک معضل اجتماعی، یک جوان مسلمان را دچار انواع مفسد اخلاقی و اجتماعی می نماید و یک نیروی انسانی را که باید به عنوان سرباز جامعه باشد سربار اجتماع نموده و گرفتار انواع انحرافات می نماید.

تهاجم فرهنگی عوامل بیگانه

استکبار جهانی برای مقابله

با رشد روزافزون اسلام خواهی و شناخت هویت حقیقی جوانان کشور با ساماندهی تهاجم فرهنگی در اشکال گوناگون از جمله شبهه افکنی، ترویج بی بندوباری و... در انحراف جوانان عزیز کشور تلاش می کند.

[۱].لتهذیب، ج ۸، ص ۱۱۱ /

[۲].الکافی، ج ۸، ص ۹۳ /

[۳].سوره آل عمران، آیه ۱۵۹ /

[۴].مان /

## علت انحراف جوانان ما چیست؟

### پرسش

علت انحراف جوانان ما چیست؟

### پاسخ

این پرسش دامنه ای وسیع از علتها و عوامل عمومی و همه گیر و نیز عواملی خصوصی و فردی را در بر می گیرد و پرداختن به آن مجال گسترده و همه جانبه در تمامی ابعاد جامعه شناختی، روانشناسی و جغرافیای فرهنگی - مذهبی محتاج است اما برخی از عوامل عمومی آن که به گونه ای ملموس تر و فراگیرتر از سایر عوامل باعث این انحرافات در برخی از جوانان گردیده را می توان به این شرح بیان داشت.

#### ۱- توهم آزادی در اسلام

بسیاری از جوانان همواره با این پرسش روبرو هستند که چرا پاره ای از اعمال در کشورهای غرب جایز بوده اما اسلام انجام آنها را ممنوع و حرام نموده است؟ این پرسش به واسطه غلیان احساسات و عواطف دوران جوانی به طور معمول در نوجوانان و جوانان بروز می نماید اما برخی سعی کرده اند که این موضوع را نوعی تقيه و پایبندی زاید و عدم آزادی جلوه دهند و آن را به عنوان شهادی بر مخالفت اسلام با آزادی قلمداد نموده و باعث دوری نسل جوان از مذهب و انحراف آنان گردند. بدیهی است که چنین نگرشی ناشی از نوعی سطحی نگری و یا غرض ورزی است ولی متأسفانه عدم تبیین فلسفه برخی از حدود و؟؟؟؟ مورد سفارش شارع مقدس و نیز تبلیغات گسترده رسانه های غرب و جاذبه کاذب برخی از آزادیهای نامشروع به تلقی نادرست عدم آزادی و به تبع آن انحراف برخی از جوانان انجامیده است.

#### ۲- توهم بی فایده و زاید بودن دینی و عقاید دینی در زندگی انسان

به طور معمول جوانان خود را نسل جدید و صاحب تفکرات و عقاید نو

می دانند و سعی می کنند از نسل گذشته که در دید آنان صاحبان تفکر کهنه هستند فاصله بگیرند اگر چه هدایت و جهت بخش به این تمایل نسل نو می تواند به بالندگی، شکوفایی و خلق استعدادهای بینجامد ولی متأسفانه نبود ساز و کار و سیستم پرورش کافی در آموزش این نسل باعث شده آنان هر چیز را که متعلق به نسل گذشته باشد کهنه از کار افتاده و زاید باقی نمایند و بدیهی است عقاید دینی و مذهبی نیز در دید برخی از جوانان شامل همین برداشت گردیده و زاید و بی فایده تلقی گردیده است و همین امر باعث شده گروهی عقاید دینی و مذهب را در زندگی انسان بی فایده تلقی گردیده است و همین امر باعث شده گروهی عقاید دینی و مذهب را در زندگی انسان بی فایده و زاید بینگارند. از سوی دیگر روند مدر نیفتد و نوگرایی در غرب که شکل سازمان یافته این نوگرایی است و اطلاع ناکافی گروهی از جوانان از آن بر این تمایل افزوده و باعث انحراف گروهی از جوانان گردیده است و می توان آن را به عنوان یکی از عوامل انحراف نسل نو به شمار آورد.

### ۳- عدم تبیین صحیح و دقیق معتقدات مذهبی

یکی دیگر از عوامل انحراف نسل جوان ناآگاهی و عدم اطلاع درست آن از مذهب و معتقدات مذهبی است و بدون تردید جوانانی که یا نتوانسته اند؛ مبانی و عقاید مذهبی آشنا شوند و یا نخواسته اند چنین شناختی به دست آورند در معرض خطر انحراف و لغزش قرار گرفته و به راحتی جذب تبلیغات منحرف مروجان انحراف قرار گرفته اند.

البته پر واضح است که این عدم آشنایی



کافی ویژه جوانان نبوده بلکه بسیاری از نخبگان و خواص نیز هنوز تصویر صحیحی از جهان بینی الهی باورهای دینی و عقاید مذهبی ندارند و این امر وظیفه خطیری را متوجه مبلغان و روحانیان نموده و نیاز به نهضتی عمومی برای ایجاد آگاهی کافی از مذهب و معتقدات دینی دارد.

نکته دیگری که در این خصوص باید به آن توجه نمود تحریف و وارونه جلوه دادن باورهای دینی و معارف مذهبی است چنان که القای تصویر نابهنجار و خرافه آلود از مذهب از سوی گروهی و نیز تبلیغ وسیع دشمنان مذهب در مخدوش جلوه دادن چهره مذهب باعث آگاهی ناصحیح از مذهب گردیده است که در نهایت به روند انحراف انجامیده شهید مطهری درباره ارایه تصویر نادرست از مذهب توسط گروهی از مبلغان می گوید: «یکی دیگر از موجبات اعراض و روگرداندن از دین، جنگ و ستیزی است که برخی از داعیان و مبلغان دینی بی خرد میان دین و سایر غرایز دیگر معرفی کننده آن را منافی و دشمن سایر فطریات بشر معرفی می کنند... یکی از مختصات دین اسلام این است که همه تمایلات فطری انسان را در نظر گرفته و هیچ کدام را از قلم نینداخته و به هیچ کدام سهم بیشتری از حق طبیعی آنها نداده است... بعضی از مقدس مآبان و مدعیان تبلیغ دین به نام دین با همه چیز به جنگ برمی خیزند و شمارشان این است: اگر می خواهی دین داشته باشی پشت پا بزن به همه چیز، گرد مال و ثروت نگرد، ترک حیثیت و مقام کن، زن و فرزند را رها کن و...» {۱}

۴- شبهه تعارض مفاهیم مذهبی با علوم تجربی و

عده ای گمان کرده اند که دین اسلام نیز همانند مسیحیت قرون وسطایی با علوم تجربی و پیشرفتهای علمی مخالف است و این شبهه ای باعث روی گردانی گروهی و از جمله جوانان شده و باعث انحراف آنان گردیده است و حال آن که گزارش در آیات و روایات اسلامی نشان می دهد که اسلام نه تنها با علوم تجربی و پیشرفتهای آن مخالف نیست بلکه در بسیاری از آیات به اسرار و رموز آن اشاره شد و تنها تلقی نادرست گروهی از افراد از آیات و روایات به این شبهه دامن زده است. قرآن کریم درباره خلقت آسمان و زمین و این که آسمانها در آغاز به صورت توده گازی به هم پیوسته بوده و پس با قدرت الهی از هم جدا شده و نیز گردش هر یک از کرات در مداری معین و با رعایت فواصلی که با یکدیگر تصادم نکنند و این که نور خورشید از خود اوست و نور ماه از خورشید و این که نور خورشید از انوار متعددی ترکیب شده و همه مطالب علمی دیگر سخن گفتن {۲} و می توان گفت این عامل تنها توهم و شبهه ای بوده که در جامعه القا شده و می توان با معرفی صحیح اسلام آن را از جمله عوامل انحراف نسل جوان حذف کرد.

#### ۷- ضعف عملکرد مسئولان و متصدیان جامعه

ضعف عملکرد مسئولان و متصدیان جامعه در تمامی ابعاد آن در انحراف نسل جوان نقش بسزایی داشته است. چه بسیار جوانانی که به دلیل تند خویهای والدین خود مذهب و عقاید مذهبی را مجموعه قوانین خشک و خشن انگاشته و از مذهب رویگردان شده اند و کم نبوده اند جوانانی که

به خاطر آموزش ناکافی متصدیان آموزش - تربیتی خودتوانسته اند باوری صحیح از مذهب به دست آمدند و از این رو از عقاید مذهبی رویگردان شده اند و متأسفانه بر این مجموعه باید عملکرد نادرست برخی از مروجان مذهبی و نیز متصدیان اجرایی جامعه را افزود که با اعمال ناصحیح خود تصویری نادرست از مذهب ارایه نموده و باعث بی میلی جوانان به مذهب و در بسیاری از موارد انحراف آنها شده اند.

آنچه گفته شد مجموعه ای از عوامل عمومی رویگردانی جوانان از مذهب و به تبع آن انحراف گروهی از آنان است که با اندکی تأمل، علاج پذیری این عوامل مشهود است. البته پر واضح است که پرداختن به مبحث انحراف جوانان مستلزم پژوهش همه جانبه در تمامی ابعاد اجتماعی فردی، روانی، فرهنگی، فکری و مذهبی می باشد و نیاز به کاوش ژرف تر و گسترده تر دارد.

[۱]. امدادهای غیبی، ص ۴۵ - ۴۷.

[۲]. برای اطلاع بیشتر ر.ک: تاریخ و علوم قرآن، علی حجت کرمانی.

## چرا تهاجم فرهنگی بر ضد ایران است؟

### پرسش

چرا تهاجم فرهنگی بر ضد ایران است؟

### پاسخ

تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسارت یک ملت، به بنیادهای فرهنگی آن ملت هجوم ببرد. در این هجوم، باورهای تازه ای را به زور و به قصد جایگزین با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می کنند. تهاجم فرهنگی همانند کار فرهنگی، یک کار آرام و بی سرو صداست و دو شاخه مهم دارد: یکی جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی و دیگری حمله به جمهوری اسلامی و ارزشهای ملت ایران. {۱}

تهاجم فرهنگی علیه ملت ما، مشخصاً از دوران رضاخان شروع شد. البته قبل از او مقدمات تهاجم فراهم شده بود؛ اما بزرگ ترین قدم را به نفع سلطه غرب و استعمار انگلیس بر ایران برداشت. آنها نخست لباس ملی این ملت را ممنوع کردند و گفتند با این لباس نمی شود عالم شد. سپس چادر را از سر زنها برداشتند و چنین القا کردند که با چادر ممکن نیست زنی عالم و دانشمند شود و در فعالیت اجتماعی شرکت کند. او بسیاری از سنت های مردم را تغییر داد، دین را ممنوع کرد و کارهایی را با قلدری انجام داد و بدین ترتیب برای سلطه گران غربی به چهره ای محبوب تبدیل شد. {۲}

آنچه همواره آتش کینه مستکبران را نسبت به کشورهای اسلامی شعله ور ساخته، باورها و اعتقادات دینی است که تا ژرفای

وجود مسلمانان ریشه دوانده و برای منافع متکبران خطر ساز است. توجه به این باور، فزون خواهان را بر آن داشت تا درصدد برآیند تلاش وسیعی برای محو هویت و نفی فرهنگ دینی در جوامع اسلامی شروع کنند. اهداف و علل تهاجم

آنان به ایران عبارت است از:

۱. بیگانه نمودن کشورهای اسلامی با فرهنگی خودی. در مسائل اعتقادی و فرهنگی این گونه است که تا اندیشه و باوری از ذهن و قلب انسان زدوده نگردد، نفوذ اندیشه ای معارض با آن امکان پذیر نیست. بر این اساس استکبار در نخستین گام های یورش فرهنگی خود، در صدد زدودن فرهنگ بومی و باورهای دینی کشورهای اسلامی برآمد.
۲. تضعیف اسلام از تبلیغات مهم مستکبران تبلیغات وسیعی است که می خواهد مردم را از اسلام و نظام اسلامی مأیوس کند.
۳. تضعیف حکومت اسلامی ایران که تمام آرزوهای مستکبران را بر باد داد و بر نقشه های آنان خط بطلان کشید و انقلاب اسلامی را کانون توجه جهانیان قرار داد.
۴. جداسازی حوزه از دانشگاه با توجه به اهمیت این دو مرکز، استکبار سعی دارد با نفوذ در آنها، زمینه های انحراف فکری و دینی نیروهای موجود را فراهم کند و به خاطر گستردگی دانشگاهها در سراسر کشور، نفوذ خود در آنها را آسان تر می بیند و در آن جا سرمایه گذاری بیش تر می کند.
۵. معرفی الگوهای ضد اخلاقی آنان می خواهند بدین وسیله اندیشه و استعداد جوانان را در مسیری پوچ و بیهوده قرار دهند.
۶. جلوگیری از خیزش اسلامی ملل مسلمان.
۷. جلوگیری از احیا و اعتلای اسلام از انقلابی در ایران.
۸. جمهوری اسلامی ایران، ام القرا و کانون یک حرکت جهانی اسلام است و این برای مستکبران خطرناک است.
۹. ضدیت انقلاب اسلامی با نظام سلطه های حاکم بر جهان که این منافی اهداف دشمنان است.
۱۰. کنترل نظام آموزشی دانش آموزان امروز، کارگزاران فردای جامعه به شمار می آیند و غربی ها با توجه به این امر، نفوذ در نظام آموزشی و دگرگونی ساختار آن را در جهت اهداف استکبار، از دیربار مورد

توجه قرار داده اند.

۱۱. استیلای سیاسی: استیلای همه جانبه بر ملل ضعیف و محروم، و در اختیار گرفتن منابع آنان، از اهداف پلید و غیر انسانی آنها است؛ بر همین اساس همواره سلطه سیاسی به عنوان کارآمدترین وسیله مورد توجه و استفاده آنها بوده است.

۱۲. سلطه اقتصادی سلطه اقتصادی را می توان مهم ترین هدف یورش فرهنگی غرب به شمار آورد.

۱۳. دگرگونی ارزش ها.

۱۴. سست کردن بنیادهای اخلاقی و باورهای دینی.

۱۵. تجربه و تاریخ ثابت نموده است که تهاجم فرهنگی کارآمدترین طریق مبارزه است و در جاهایی که هیچ حربه دیگری کارسازترین، تهاجم فرهنگی کارساز است و چون در به کارگیری سایر شیوه ها شکست خورده، اینک با تهاجم فرهنگی به میدان آمده است.

[۱]. فرهنگ و تهاجم فرهنگی (برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری)، ص ۳۷.

[۲]. همان، ص ۱۰۲.

### **چرا غرب با تهاجم فرهنگی خود به مقابله با کشورهای جهان سوم برخاسته است؟**

#### **پرسش**

چرا غرب با تهاجم فرهنگی خود به مقابله با کشورهای جهان سوم برخاسته است؟

#### **پاسخ**

هجوم غرب به ویژه آمریکا به کشورهای جهان سوم اختصاص به تهاجم فرهنگی ندارد، بلکه برای رسیدن به اهداف - خود که تسلط سیاسی، اقتصادی و ... نیز تأخیر منافع همه جانبه است - از اهرم فشار و سیاست های همسو با شرایط زمان می گیرند؛ از این رو نیز جهت تحقیق اهداف خود گاهی از حمله نظامی و گاهی از تحریم اقتصادی و ... استفاده می کنند.

یکی از راهکارهای بسیار کار آمد که غرب از آن بهره می گیرد، تهاجم فرهنگی و

یا به تعبیر مقام معظم رهبری شیخون فرهنگی است. مقام معظم رهبری فرمود: "تهاجم فرهنگی همانند کار فرهنگی، یک کار آرام و بی سرو صدا است."

هدف اساسی غرب از این تهاجم، تهی کردن جامعه از معیارها و هنجارهای پذیرفته شده آن و عدم تعلق خاطر نسبت به جامعه خود است تا استحاله فرهنگی صورت گیرد و کسانی که در جهان سوم حقند، شیفته فرهنگ و جامعه غربی گردند. با این هدف نتایج بسیاری برای جهان غرب به دست می آید: اولاً- اگر جزء متفکران و دانشمندان باشد، خود را در خدمت کشورهای غربی قرار دهد تا از خدمات آن بهره مند شود. ثانیاً بازار پرسودی برای کالای مصرفی صنایع و کارخانه های بزرگ جهان غرب ایجاد می شود. ثالثاً تسلط فرهنگی، تسلط سیاسی و اقتصادی را به دنبال دارد و از این طریق ضمن به دست گرفتن بازار کشورهای جهان سوم، از منابع آن ها به نفع خود استفاده کامل می برند. کاری که در گذشته با حمله نظامی

انجام می دادند امروزه با تهاجم فرهنگی انجام می دهند. حتی تهاجم فرهنگی و تبلیغات می تواند زمینه تسلط نظامی را هم در صورتی که لازم ببینند فراهم آورد.

اگر غرب در برخی اوقات حمله نظامی نمایند، مردم با غرب درگیر شده و به دفاع از کشور خود می پردازند، زیرا حمله مستقیم، دشمنی آشکار غرب را به نمایش می گذارد؛ از این رو غرب از آن پرهیز می کنند، ولی تهاجم فرهنگی توطئه پنهانی است که پیامدای منفی آشکار حمله نظامی را ندارد.

غرب برای تهاجم فرهنگی نخست به گسترش و تقویت فرهنگ خود و این که سنت ها و فرهنگ غرب بهترین و کارآمدترین فرهنگ است می پردازد تا زمینه های پذیرش فرهنگ غرب را برای همه مردم به ویژه جوانان فراهم کنند. از سوی دیگر غرب سعی می کند باورهای دینی و ارزش های جهان سوم را تضعیف و نوعی خلاء فرهنگی به وجود آورد.

مقام معظم رهبری فرمود: "تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو انجام می گیرد و هم بی اعتقاد کردن به دین، هم بی اعتقاد کردن به اصول انقلابی و هم بی اعتقاد کردن به آن تفکر فعالی که امروز استکبار و قلمرو قدرت های استکباری را به خطر و وحشت انداخته است."

تقویت فرهنگ غرب از یک سو و تضعیف و خلاء فرهنگی جهان سوم از جانب دیگر، زمینه تهاجم فرهنگی و پذیرش آن را فراهم می کنند.

هدف غرب از تهاجم فرهنگی، سلطه بر دیگر کشورهای است. نه تنها تهاجم به کشورهای جهان سوم، حتی خود کشورهای پیشرفته نسبت به هم تهاجم فرهنگی دارند و این ریشه



در سلطه گری دارد. در قرن های ۱۷، ۱۸ و ۱۹ با تهاجم نظامی استعمار در پی سلطه بودند. در قرن بیستم با مصیبت های دو جنگ جهانی اول و دوم احساس شد که از طریق حمله نظامی مشکلاتی وجود دارد. زین پس در پی استعمار نو برآمدند، و امروزه با تهاجم فرهنگی و جهانی سازی در پی آقایی و سیادت خویش بر جهان می باشند.

## چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

### پرسش

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

### پاسخ

از چند جنبه می توان پرسش را بررسی کرد:

۱ - آیا واقعاً گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است.

۲ - به فرض اثبات مدعا ، علل آن چیست؟

۳ - راه های رویارویی با آن کدام است.

ملاک کمتری و بیشتری؟

"کمتر شدن" در پرسش با چه زمانی مقایسه شده است؟ آیا نسبت به پیش از انقلاب یا پس از پیروزی؟ سال های مربوط به دوران جنگ هشت ساله؟ هر وضعیتی پاسخ خود را دارد.

اگر گفته شود نسبت به پیش از انقلاب ، معلوم می شود پرسشگر محترم از اوضاع ایران در پیش از انقلاب و "فرهنگ شدن فساد اجتماعی" در عرصه های مختلف اطلاع صحیحی ندارد.

کافی است بدانید برای مبارزه به اصطلاح علمی با اسلام و شستشوی مغزی و فکری جوانان، از یک سو مارکسیسم و کمونیسم را تبلیغ کردند و آن را نشانه روشنفکری شرقی شمردند. از دیگر سو ، تفکر جدایی دین از سیاست و قرار دادن دین در مقابل علم و صنعت و پیشرفت و تمدن ، ملاک روشنفکری غربی به حساب می آمد. در واقع تفکر غربی و شرقی دو تیغه قیچی بودند و هر دو یک هدف را دنبال می کردند و آن ضدیت و مخالفت با دین اسلام و مظاهر دینی بود. قشر عظیمی از جوانان جامعه گرفتار یکی از این دو تفکر بودند.

از سویی دیگر با گسترش و ترویج فساد و فحشا از طریق کاباره ها ، سینماها، فیلم ها و تئاترها ، نیز تجویز تأسیس رسمی و

علنی روپی گری، عشرتکده ها و شهرک های فحشا و مشروب فروشی

ها ، نیز به کارگیری مطبوعات، رادیو و تلویزیون به تضعیف اعتقادات دینی و مبارزه عملی با احکام اسلام ، برخاسته بودند.

پیروزی انقلاب با تکیه بر فرهنگ اسلام، نوری بود میان ظلمات درهم تنیده آن روزگار.

پس چگونه می توان وضعیت دین گرایی جوانان امروز را با پیش از انقلاب مقایسه کرد؟

وضعیت غیر عادی پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب و فرو ریختن کاخ سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ، اکثر مردم به مقتضای "الناس علی دین ملوکهم" افکار و عقاید ، سیره و روش رهبران انقلاب را پیش گرفتند. جوانان نیز به مقتضای تنوع و تجدد طلبی و عدالت خواهی و ستم ستیزی شان از یک سو، شور و نشاط برخاسته از احساسات و عواطف سنی و جوانی از دیگر سو، به رودخانه انقلاب پیوستند.

این حرکت و گرایش مردمی به انقلاب ، اگر چه میان گروهی عظیم از توده ها بر پایه شناخت و معرفت بود، لیکن میان همه اقشار حامی انقلاب آگاهی نبود، بلکه مبتنی بر آگاهی سطحی و اجمالی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه یا شناخت غیر تحقیقی و ابتدایی فطری از دین بود. با بروز جنگ تحمیلی و شکوفایی "روح حماسی" و فراگیر شدن "عرفان گرایی و معنویت" فضا و زمینه مساعدی برای خودسازی و روگردان شدن از مجالس بزم پیش از انقلاب و رو آوردن به میادین رزم فراهم شد، از این رو هر چه از دوران جنگ فاصله می گیریم، به بیان دیگر: هر چه از حماسه و عرفان و بسترهای مهیا برای خودسازی و غلبه احساسات و عواطف فاصله می گیریم، احساس (۱)

می شود که گرایش به مظاهر مذهب مانند شرکت در نماز جمعه و جماعت کم رنگ تر شده است.

علاوه بر آن چه ذکر شد، عوامل دیگر نیز باعث افزایش گسست از ارزش ها و گرایش نوجوانان و جوانان به سمت و سوی رفتارهای غیر مذهبی گردیده است که از یک نگاه می توان آن ها را به سه دسته تقسیم کرد:

#### أ) عوامل طبیعی و تکوینی

رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی هایی در اخلاق و رفتار و روان می گردد، در نتیجه علاقه به دیدن صحنه های تحریک کننده، تمایلات جنسی، خواندن

داستان های عشقی و جنایی و پلیسی تشدید می شود، که اگر کنترل و هدایت نشود، و در مسیر طبیعی و

تکوینی اش قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده های سرخورده فراهم می گردد. و آن گاه به صورت بزهکاری های اجتماعی و جرایم اخلاقی، خودفروشی و از دست دادن عزت و عفت نفسانی ظاهر می شود.

#### ب) ضعف برخوردها و عملکردها و فقدان مدیریت کارآمد داخلی

عوامل تکوینی و تمایلات طبیعی انسان نیازمند هدایت و راهنمایی در مسیر بالندگی و رشد است تا بتواند به کمال شایسته خویش و مقام انسانیت برسد. در غیر این صورت آدمی به یک موجود مسخ شده تبدیل

می گردد. به دیگر بیان: بی توجهی به تربیت و هدایت استعداد های طبیعی باعث می شود که "فرصت ها" به جای بهینه سازی به سوی تبهکاری سوق داده شود، که سبب کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی جوانان به مسایل معنوی

و ارزشی شود. از آن جمله می توان به امور زیر اشاره کرد.

۱ - برخوردهای نامناسب خانواده والدین و اطرافیان ، معلمان و اولیای مدرسه،

۲ - فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصه مطبوعات کشور و ایجاد جو ناسالم در جامعه و تحریک آن به سوی جرم آفرینی،

۳ - حرکت ها و رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دستگاه های اجرایی و قضایی و قانونگذاری،

۴ - انتصاب افراد ناکارآمد و فاقد مدیریت و نداشتن روح تعاون و دلسوزی اسلامی ، نیز حاکمیت فامیل سالاری و حزب و جناح سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای شایسته سالاری،

۵ - اختلافات جنایی و سلیقه ای در مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و...

۶ - فقر و تهیدستی جوانان و خانواده آنان و حل نشدن بسیاری از مشکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج،

نیز عدم اجرای ارزش های اسلامی و دینی در جامعه مانند عدالت اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد، همچنین ترویج آزادی های لجام گسیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود ندارد،

۷ - دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ناآگاهی از عوامل و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد،

۸ - جدی نگرفتن خطرها و تهاجم فرهنگی و توهم پنداشتن آن.

ج) تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی

هر هجوم و تهاجمی هدف معین ، شیوه و شکل خاص ابزارهای ویژه ، نیرو و نفرات انسانی به خصوص دارد.

پرداختن به سه عامل ذکر شده در حوصله این پاسخ نیست اما یادآوری این نکته لازم است:

پیروزی انقلاب اسلامی ( که در حقیقت پیروزی

اسلام بر کفر جهانی بود) به دنیا نشان داد که "دین" به خصوص "اسلام" می تواند به عنوان یک قدرت سیاسی و حکومتی علیه زورمداران و زرپرستان قد علم کند. ظهور این قدرت موجب شد دنیاگرایان در اندیشه مقابله با آن برآیند، آن را براندازند و نابود کنند، یا جلوی گسترش و صدور انقلاب را بگیرند، یا آن را از درون از کارآیی و نیل به اهداف ساقط کنند.

ایجاد آشوب ها و درگیری های داخلی، تحریک صدام برای جنگ از خارج، تحریم های اقتصادی و نظامی، استفاده از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل و حقوق بشر و عفو بین الملل و... همه برای تحقق گام اول و دوم بود.

چون در آن دو گام نتوانستند توفیق حاصل کنند، درصدد دگرگون کردن فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب "شیخون فرهنگی" برآمدند.

پیچیده ترین و خطرناک ترین حرکت تهدید کننده انقلاب و دین و ارزش های معنوی، تهاجم فرهنگی است. دشمن برای نیل به این هدف شوم از همه فرصت های داخلی و خارجی استفاده می کند.

علاوه بر راه اندازی ده ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی و ماهواره ها و انتشار کتاب و روزنامه و سایر وسائل ارتباطی، نیز به استخدام در آوردن خبرگزاری های مهم جهان و دستگاه های جاسوسی، به سراغ طیف های مخالف انقلاب و کسانی که با نظام و حاکمیت مشکل دارند، هم چنین روشنفکرانی رفتند که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح استعمارگران را کمک نمایند و آگاهانه یا ناآگاهانه، مستقیم یا با واسطه، مجری سیاست قدرت ها باشند و با استفاده از

شیوه های متفاوت و ارائه نظریه های دیکته شده، به جنگ فرهنگی با انقلاب برخیزند.

در ذیل به برخی از "نظریه ها و شیوه های جنگ فرهنگی" اشاره می شود:

۱ - سیاست به کارگیری مذهب علیه مذهب و ایجاد یا تشدید اختلاف دینی و مذهبی،

۲ - راه اندازی جنگ علم و دین یا تقابل تمدن با تدین،

۳ - القای شبهات و طرح نظریه ها و پرسش هایی برای تضعیف باوری های دینی و قداست زدایی،

۴ - القای عدم کارآیی دین در عرصه اجتماعی و ناکارآمدی آن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی.

۵ - القای پاسخگو نبودن دین و باورهای سنتی به بسیاری از مسایل و نیازهای انسان معاصر و این که دین و باورها و احکام و آیات آن مربوط به گذشته است، نه برای زمان حاضر.

۶ - به کارگیری ابزارهایی مانند ماهواره و اینترنت و... نیز تأکید بر نیازهای غریزی انسان ها و موجه جلوه دادن آزادی های بی حد و حصر جنسی و این که این امور حق بشر است و انسان باید بتواند به هر شکلی خواست از آن استفاده کند.

۷ - بزرگ نمایی برخی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد و ربط و پیوند دادن آنها با اعتقادات و باورهای دینی.

از تظاهر تا واقعیت

با توجه به حجم گسترده آفات ارزش های دینی که به آن اشاره شد، اگر می بینیم برخی از جوانان از جهت ظاهری و رفتاری به این سو و آن سو کشیده می شوند، مفهومی این نیست که از بعد اعتقادی و نظری نیز استحاله و تهی شده اند، اگر چه ممکن

است در برخی از آنان که از اول مایه دینی و هویت فرهنگی ضعیفی داشته اند چنین باشد، اما بحمداله وضعیت ظاهری و رفتاری نامطلوب اکثر این دسته از جوانان، امری گذری و موقتی است.

نظر خواهی ها و آمارها این مطلب را تأیید می کند. مضافاً حضور همان جوانان در گردهمای مذهبی تاسوعا و عاشورا، شب های قدر ماه رمضان، حرم امامان و امام زاده ها، حضور در اعتکاف ها و هم چنین حضور در صحنه هایی که نیاز به فداکاری و ایثار بوده، دلیل این مدعا است. به علاوه، جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشگاهی و غیر آن هستند که عملاً به اسلام و ظواهر دینی پایبند می باشند.

به تحلیل نگرش ها و گرایش های دینی جوانان که از نتایج تحقیقی تحت عنوان گرایش های دینی جوان اخذ شده توجه کنید.

گرایش های دینی (دینداری) ۱۵۲۲ دانشجو در ۲۰ دانشگاه کشور سال ۱۳۸۰

(۱) ۸۲ درصد دانشجویان به مسلمان بودن خود افتخار می کنند. (کاملاً موافق و موافق)

(۲) ۱۶ درصد دانشجویان خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

(۳) ۱۱ درصد دانشجویان پدر و مادر خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

(۴) ۸۰ درصد دانشجویان نقش خداوند را در زندگی بسیار مهم دانسته اند و ۱۳ درصد نیز نقش خداوند را در زندگی مهم ارزیابی کرده اند.

(۵) ۴۳ درصد دانشجویان خود را مسلمان عادی دانسته اند. ۲۸ درصد نواندیش، ۱۶ درصد انقلابی و ۵/۲ درصد خود را مسلمان شناسنامه ای معرفی کرده اند. (شناسنامه ای کمترین نشانه ی مسلمانی)



( ۹۷ درصد دانشجویان در مورد اعتقاد به خداوند کاملاً موافق و موافقت‌کنند.

( ۷ ) ۹۵ درصد دانشجویان اعتقاد دارند قرآن کلام خدا و راهنمای سعادت بشر است. (کاملاً موافق و موافق)

( ۸ ) ۹۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند روز جزا، بهشت و دوزخ، حقیقت انکار ناپذیر است. (کاملاً موافق و موافق)

( ۹ ) ۸۸ درصد دانشجویان اعتقاد دارند ظهور حضرت مهدی (عج) و عده ای انکار ناپذیر الهی است. (کاملاً موافق و موافق)

( ۱۰ ) ۸۷ درصد دانشجویان اعتقاد دارند خداوند حاضر و ناظر زندگی آنهاست.

( ۱۱ ) ۸۰ درصد دانشجویان گاهی اوقات از خداوند برای جبران بعضی از خطاها کمک خواسته اند.

( ۱۲ ) ۷۱ درصد دانشجویان گفته اند هر روز نماز می خوانند. ۱۰ درصد بیشتر روزها و بقیه یا نماز نمی خوانند و یا به ندرت نماز می خوانند .

( ۱۳ ) ۷۳ درصد دانشجویان گفته اند همه ی روزهای ماه رمضان را روزه می گیرند.

( ۱۴ ) ۵۷ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

( ۱۵ ) ۸۵ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

( ۱۶ ) در سال ۱۳۷۵ یک تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد دانش آموزان اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی کنند.

( ۱۷ ) در سال ۱۳۵۳ یک تحقیق نشان داده است که ۲۶ درصد مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. همین تحقیق در سال ۱۳۷۹ فقط ۶ درصد از مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند.

( ۱۸ ) ۶۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که امر به معروف و نهی از منکر در زندگی اجتماعی

تقلیل پیدا کرده است.

منبع تحقیق:

در هفته نامه ی فرهنگ، پژوهش (۱۳۸۳) شماره ی ۱۵۸.

حسین سراج زاده، فرهنگ پژوهش (۱۳۸۳)، تحلیلی بر نگرش ها و گرایش های دینی جوانان و نوجوانان، شماره ۱۵۸، ص ۱۱ - ۱۰.

### چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

#### پرسش

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

#### پاسخ

از چند جنبه می توان پرسش را بررسی کرد:

۱ - آیا واقعاً گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است.

۲ - به فرض اثبات مدعا، علل آن چیست؟

۳ - راه های رویارویی با آن کدام است.

ملاک کمتری و بیشتری؟

"کمتر شدن" در پرسش با چه زمانی مقایسه شده است؟ آیا نسبت به پیش از انقلاب یا پس از پیروزی؟ سال های مربوط به دوران جنگ هشت ساله؟ هر وضعیتی پاسخ خود را دارد.

اگر گفته شود نسبت به پیش از انقلاب، معلوم می شود پرسشگر محترم از اوضاع ایران در پیش از انقلاب و "فرهنگ شدن فساد اجتماعی" در عرصه های مختلف اطلاع صحیحی ندارد.

کافی است بدانید برای مبارزه به اصطلاح علمی با اسلام و شستشوی مغزی و فکری جوانان، از یک سو مارکسیسم و کمونیسم را تبلیغ کردند و آن را نشانه روشنفکری شرقی شمردند. از دیگر سو، تفکر جدایی دین از سیاست و قرار دادن دین در مقابل علم و صنعت و پیشرفت و تمدن، ملاک روشنفکری غربی به حساب می آمد. در واقع تفکر غربی و شرقی دو تیغه

قیچی بودند و هر دو یک هدف را دنبال می کردند و آن ضدیت و مخالفت با دین اسلام و مظاهر دینی بود. قشر عظیمی از جوانان جامعه گرفتار یکی از این دو تفکر بودند.

از سویی دیگر با گسترش و ترویج فساد و فحشا از طریق کاباره ها ، سینماها، فیلم ها و تئاترها ، نیز تجویز تأسیس رسمی و علنی رومی گری، عشرتکده ها و شهرک های فحشا و مشروب فروشی

ها ، نیز به کارگیری مطبوعات، رادیو و تلویزیون به تضعیف اعتقادات دینی و مبارزه عملی با احکام اسلام ، برخاسته بودند.

پیروزی انقلاب با تکیه بر فرهنگ اسلام، نوری بود میان ظلمات درهم تنیده آن روزگار.

پس چگونه می توان وضعیت دین گرایی جوانان امروز را با پیش از انقلاب مقایسه کرد؟

وضعیت غیر عادی پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب و فرو ریختن کاخ سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ، اکثر مردم به مقتضای "الناس علی دین ملوکهم" افکار و عقاید ، سیره و روش رهبران انقلاب را پیش گرفتند. جوانان نیز به مقتضای تنوع و تجدد طلبی و عدالت خواهی و ستم ستیزی شان از یک سو، شور و نشاط برخاسته از احساسات و عواطف سنی و جوانی از دیگر سو، به رودخانه انقلاب پیوستند.

این حرکت و گرایش مردمی به انقلاب ، اگر چه میان گروهی عظیم از توده ها بر پایه شناخت و معرفت بود، لیکن میان همه اقشار حامی انقلاب آگاهی نبود، بلکه مبتنی بر آگاهی سطحی و اجمالی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه یا شناخت غیر تحقیقی و ابتدایی فطری از دین بود. با بروز جنگ تحمیلی و شکوفایی "روح حماسی" و فراگیر شدن "عرفان گرایی و معنویت" فضا و زمینه مساعدی برای خودسازی و روگردان شدن از مجالس بزم پیش از انقلاب و رو آوردن به میادین رزم فراهم شد، از این رو هر چه از دوران جنگ فاصله می گیریم، به بیان دیگر: هر چه از حماسه و عرفان و بسترهای مهیا برای خودسازی و غلبه احساسات و عواطف فاصله می گیریم، احساس (۱)

می شود که گرایش به مظاهر مذهب مانند شرکت در نماز جمعه و جماعت کم رنگ تر شده است.

علاوه بر آن چه ذکر شد، عوامل دیگر نیز باعث افزایش گسست از ارزش ها و گرایش نوجوانان و جوانان به سمت و سوی رفتارهای غیر مذهبی گردیده است که از یک نگاه می توان آن ها را به سه دسته تقسیم کرد:

#### أ) عوامل طبیعی و تکوینی

رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی هایی در اخلاق و رفتار و روان می گردد، در نتیجه علاقه به دیدن صحنه های تحریک کننده، تمایلات جنسی، خواندن

داستان های عشقی و جنایی و پلیسی تشدید می شود، که اگر کنترل و هدایت نشود، و در مسیر طبیعی و

تکوینی اش قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده های سرخورده فراهم می گردد. و آن گاه به صورت بزهکاری های اجتماعی و جرایم اخلاقی، خودفروشی و از دست دادن عزت و عفت نفسانی ظاهر می شود.

#### ب) ضعف برخوردها و عملکردها و فقدان مدیریت کارآمد داخلی

عوامل تکوینی و تمایلات طبیعی انسان نیازمند هدایت و راهنمایی در مسیر بالندگی و رشد است تا بتواند به کمال شایسته خویش و مقام انسانیت برسد. در غیر این صورت آدمی به یک موجود مسخ شده تبدیل

می گردد. به دیگر بیان: بی توجهی به تربیت و هدایت استعداد های طبیعی باعث می شود که "فرصت ها" به جای بهینه سازی به سوی تبهکاری سوق داده شود، که سبب کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی جوانان به مسایل معنوی

و ارزشی شود. از آن جمله می توان به امور زیر اشاره کرد.

۱ - برخوردهای نامناسب خانواده والدین و اطرافیان ، معلمان و اولیای مدرسه،

۲ - فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصه مطبوعات کشور و ایجاد جو ناسالم در جامعه و تحریک آن به سوی جرم آفرینی،

۳ - حرکت ها و رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دستگاه های اجرایی و قضایی و قانونگذاری،

۴ - انتصاب افراد ناکارآمد و فاقد مدیریت و نداشتن روح تعاون و دلسوزی اسلامی ، نیز حاکمیت فامیل سالاری و حزب و جناح سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای شایسته سالاری،

۵ - اختلافات جنایی و سلیقه ای در مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و...،

۶ - فقر و تهیدستی جوانان و خانواده آنان و حل نشدن بسیاری از مشکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج،

نیز عدم اجرای ارزش های اسلامی و دینی در جامعه مانند عدالت اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد، همچنین ترویج آزادی های لجام گسیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود ندارد،

۷ - دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ناآگاهی از عوامل و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد،

۸ - جدی نگرفتن خطرها و تهاجم فرهنگی و توهم پنداشتن آن.

ج) تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی

هر هجوم و تهاجمی هدف معین ، شیوه و شکل خاص ابزارهای ویژه ، نیرو و نفرات انسانی به خصوص دارد.

پرداختن به سه عامل ذکر شده در حوصله این پاسخ نیست اما یادآوری این نکته لازم است:

پیروزی انقلاب اسلامی ( که در حقیقت پیروزی

اسلام بر کفر جهانی بود) به دنیا نشان داد که "دین" به خصوص "اسلام" می تواند به عنوان یک قدرت سیاسی و حکومتی علیه زورمداران و زرپرستان قد علم کند. ظهور این قدرت موجب شد دنیاگرایان در اندیشه مقابله با آن برآیند، آن را براندازند و نابود کنند، یا جلوی گسترش و صدور انقلاب را بگیرند، یا آن را از درون از کارآیی و نیل به اهداف ساقط کنند.

ایجاد آشوب ها و درگیری های داخلی، تحریک صدام برای جنگ از خارج، تحریم های اقتصادی و نظامی، استفاده از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل و حقوق بشر و عفو بین الملل و... همه برای تحقق گام اول و دوم بود.

چون در آن دو گام نتوانستند توفیق حاصل کنند، درصدد دگرگون کردن فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب "شیخون فرهنگی" برآمدند.

پیچیده ترین و خطرناک ترین حرکت تهدید کننده انقلاب و دین و ارزش های معنوی، تهاجم فرهنگی است. دشمن برای نیل به این هدف شوم از همه فرصت های داخلی و خارجی استفاده می کند.

علاوه بر راه اندازی ده ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی و ماهواره ها و انتشار کتاب و روزنامه و سایر وسائل ارتباطی، نیز به استخدام در آوردن خبرگزاری های مهم جهان و دستگاه های جاسوسی، به سراغ طیف های مخالف انقلاب و کسانی که با نظام و حاکمیت مشکل دارند، هم چنین روشنفکرانی رفتند که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح استعمارگران را کمک نمایند و آگاهانه یا ناآگاهانه، مستقیم یا با واسطه، مجری سیاست قدرت ها باشند و با استفاده از

شیوه های متفاوت و ارائه نظریه های دیکته شده، به جنگ فرهنگی با انقلاب برخیزند.

در ذیل به برخی از "نظریه ها و شیوه های جنگ فرهنگی" اشاره می شود:

۱ - سیاست به کارگیری مذهب علیه مذهب و ایجاد یا تشدید اختلاف دینی و مذهبی،

۲ - راه اندازی جنگ علم و دین یا تقابل تمدن با تدین،

۳ - القای شبهات و طرح نظریه ها و پرسش هایی برای تضعیف باوری های دینی و قداست زدایی،

۴ - القای عدم کارآیی دین در عرصه اجتماعی و ناکارآمدی آن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی.

۵ - القای پاسخگو نبودن دین و باورهای سنتی به بسیاری از مسایل و نیازهای انسان معاصر و این که دین و باورها و احکام و آیات آن مربوط به گذشته است، نه برای زمان حاضر.

۶ - به کارگیری ابزارهایی مانند ماهواره و اینترنت و... نیز تأکید بر نیازهای غریزی انسان ها و موجه جلوه دادن آزادی های بی حد و حصر جنسی و این که این امور حق بشر است و انسان باید بتواند به هر شکلی خواست از آن استفاده کند.

۷ - بزرگ نمایی برخی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد و ربط و پیوند دادن آنها با اعتقادات و باورهای دینی.

از تظاهر تا واقعیت

با توجه به حجم گسترده آفات ارزش های دینی که به آن اشاره شد، اگر می بینیم برخی از جوانان از جهت ظاهری و رفتاری به این سو و آن سو کشیده می شوند، مفهومی این نیست که از بعد اعتقادی و نظری نیز استحاله و تهی شده اند، اگر چه ممکن



است در برخی از آنان که از اوّل مایه دینی و هویت فرهنگی ضعیفی داشته اند چنین باشد، اما بحمداله وضعیت ظاهری و رفتاری نامطلوب اکثر این دسته از جوانان، امری گذری و موقتی است.

نظر خواهی ها و آمارها این مطلب را تأیید می کند. مضافاً حضور همان جوانان در گردهمای مذهبی تاسوعا و عاشورا، شب های قدر ماه رمضان، حرم امامان و امام زاده ها، حضور در اعتکاف ها و هم چنین حضور در صحنه هایی که نیاز به فداکاری و ایثار بوده، دلیل این مدعا است. به علاوه، جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشگاهی و غیر آن هستند که عملاً به اسلام و ظواهر دینی پایبند می باشند.

به تحلیل نگرش ها و گرایش های دینی جوانان که از نتایج تحقیقی تحت عنوان گرایش های دینی جوان اخذ شده توجه کنید.

گرایش های دینی (دینداری) ۱۵۲۲ دانشجو در ۲۰ دانشگاه کشور سال ۱۳۸۰

(۱) ۸۲ درصد دانشجویان به مسلمان بودن خود افتخار می کنند. (کاملاً موافق و موافق)

(۲) ۱۶ درصد دانشجویان خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

(۳) ۱۱ درصد دانشجویان پدر و مادر خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

(۴) ۸۰ درصد دانشجویان نقش خداوند را در زندگی بسیار مهم دانسته اند و ۱۳ درصد نیز نقش خداوند را در زندگی مهم ارزیابی کرده اند.

(۵) ۴۳ درصد دانشجویان خود را مسلمان عادی دانسته اند. ۲۸ درصد نواندیش، ۱۶ درصد انقلابی و ۵/۲ درصد خود را مسلمان شناسنامه ای معرفی کرده اند. (شناسنامه ای کمترین نشانه ی مسلمانی)

( ۹۷ درصد دانشجویان در مورد اعتقاد به خداوند کاملاً موافق و موافقتند.

( ۷ ) ۹۵ درصد دانشجویان اعتقاد دارند قرآن کلام خدا و راهنمای سعادت بشر است. (کاملاً موافق و موافق)

( ۸ ) ۹۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند روز جزا، بهشت و دوزخ، حقیقت انکار ناپذیر است. (کاملاً موافق و موافق)

( ۹ ) ۸۸ درصد دانشجویان اعتقاد دارند ظهور حضرت مهدی (عج) و عده ای انکار ناپذیر الهی است. (کاملاً موافق و موافق)

( ۱۰ ) ۸۷ درصد دانشجویان اعتقاد دارند خداوند حاضر و ناظر زندگی آنهاست.

( ۱۱ ) ۸۰ درصد دانشجویان گاهی اوقات از خداوند برای جبران بعضی از خطاها کمک خواسته اند.

( ۱۲ ) ۷۱ درصد دانشجویان گفته اند هر روز نماز می خوانند. ۱۰ درصد بیشتر روزها و بقیه یا نماز نمی خوانند و یا به ندرت نماز می خوانند .

( ۱۳ ) ۷۳ درصد دانشجویان گفته اند همه ی روزهای ماه رمضان را روزه می گیرند.

( ۱۴ ) ۵۷ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

( ۱۵ ) ۸۵ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

( ۱۶ ) در سال ۱۳۷۵ یک تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد دانش آموزان اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی کنند.

( ۱۷ ) در سال ۱۳۵۳ یک تحقیق نشان داده است که ۲۶ درصد مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. همین تحقیق در سال ۱۳۷۹ فقط ۶ درصد از مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند.

( ۱۸ ) ۶۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که امر به معروف و نهی از منکر در زندگی اجتماعی

تقلیل پیدا کرده است.

منبع تحقیق:

در هفته نامه ی فرهنگ، پژوهش (۱۳۸۳) شماره ی ۱۵۸.

حسین سراج زاده، فرهنگ پژوهش (۱۳۸۳)، تحلیلی بر نگرش ها و گرایش های دینی جوانان و نوجوانان، شماره ۱۵۸، ص ۱۱ - ۱۰.

### **دلیل بی حجابی در جامعه اسلامی ایران چیست و برای مقابله با آن چه کار باید کرد؟**

#### **پرسش**

دلیل بی حجابی در جامعه اسلامی ایران چیست و برای مقابله با آن چه کار باید کرد؟

#### **پاسخ**

عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود: الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مولفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است از: ۱. از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می فرماید: (( انا هدیناه السبیل اما شاکرا" و اما کفورا ))، ( انسان، آیه ۳). بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما - که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای نیست - بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت است و... می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند. یکی از راه های

اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می باشد. قرآن کریم می فرماید: (( ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند ))، (رعد، آیه ۱۱). ۲. ریشه های تاریخی این مساله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترش این معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد. ۳. کوتاهی و بی توجهی برخی از مسوولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است. گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین

وقت و انرژی مسوولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسایل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد. ۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ ( از قبیل سیاست های پولی و ارزی و ...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی ، صنعت و ... انجام گرفت ، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه ، به سوی هنجارهای مادی ، مدرک گرایی ، تجمل پرستی و ... گردید. ۵. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی ( از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر ) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه ، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده ، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید. ۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و ... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید. ۷. اجرا نشدن فریضه مهم

امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف احاد جامعه ، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و ... شمرده شده است . ب ( عوامل بیرونی : مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان ، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی - اعم از نرم افزاری و سخت افزاری ، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و ... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب . مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی ، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد . اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد : ۱ . راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد . ۲ . کار بنیادی فرهنگی . مسلماً " برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی ، بسیار دشوار و تا حدی ناممکن است . زیرا اگر ما در مسیله لباس و پوشش اسلامی صرفاً " بخواهیم از طریق زور وارد شویم ، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی ، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد

و فلسفه حجاب و ... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و ... به زیباترین و بهترین صورت ، ارایه دلیل و برهان ، ثابت کنیم ، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم . عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است . بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده ، عملی سازد دستگاههای فرهنگی نیز بهتری می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند . برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- حداد عادل ، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲ . فرامرز رفیع پور ، توسعه و تضاد ۳ . علی ذوعلم ، انقلاب و ارزشها ۴ . شهید مطهری ، مسأله حجاب . ۵

### عوامل بدحجابی در جامعه چیست ؟

#### پرسش

عوامل بدحجابی در جامعه چیست ؟

#### پاسخ

عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود : الف ) عوامل درونی : منظور از عوامل درونی ، مجموعه مولفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است . مهم ترین آنها عبارت است از : ۱ . از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد ، یعنی ، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را . قرآن می فرماید : (( انا هدیناه السبیل اما شاکرا )) و اما کفورا (( ، انسان ، آیه ۳ ) . بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما - که بسیاری از احکام ، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای نیست - بعضی از احکام الهی ( مانند حجاب ) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود ، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد . به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه ، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا ، تزلزل شخصیت است و ... می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی ، خودنمایی در مقابل بیگانگان و ... نمود پیدا می کند . یکی از راه های اصلاح جامعه از

این معضل، مقابله با عوامل روان‌شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: (( ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینقضوا ما بانفسهم...؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را درخودشان است تغییر دهند ))، (رعد، آیه ۱۱). ۲. ریشه‌های تاریخی این مساله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ غربی به ویژه در بعد فرهنگی، بی‌بند و باری و کشف حجاب بر می‌گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی‌حجابی را در خانواده‌ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترش این معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه‌ها و ریشه‌های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد. ۳. کوتاهی و بی‌توجهی برخی از مسوولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش‌ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است. گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی



مسوولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسایل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد. ۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ ( از قبیل سیاست های پولی و ارزی و ...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و ... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و ... گردید. ۵. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی ( از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر ) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسیولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید. ۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و ... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید. ۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و

نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف احاد جامعه ، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، ناامنی و ... شمرده شده است . ب ) عوامل بیرونی : مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان ، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی - اعم از نرم افزاری و سخت افزاری ، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و ... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب . مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی ، معضل بدحجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد . اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد :

۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد . ۲. کار بنیادی فرهنگی . مسلماً " برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی ، بسیار دشوار و تا حدی ناممکن است . زیرا اگر ما در مسیله لباس و پوشش اسلامی صرفاً " بخواهیم از طریق زور وارد شویم ، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی ، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و ... را با کار فرهنگی

مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاہهای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و ... به زیباترین و بهترین صورت ،  
ارایه دلیل و برهان ، ثابت کنیم ، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در  
جامعه اسلامیمان باشیم . عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه  
به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است . بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این  
فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده ، عملی سازد دستگاہهای فرهنگی نیز بهتر می توانند  
در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند . برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- حداد عادل ، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲  
فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد ۳. علی ذوعلم ، انقلاب و ارزشها ۴. شهید مطهری ، مساله حجاب . ۵

## علت اصلی گمراه شدن جوانان چیست؟ و چطور می توان آنان را به دین اسلام دعوت کرد؟

### پرسش

علت اصلی گمراه شدن جوانان چیست؟ و چطور می توان آنان را به دین اسلام دعوت کرد؟

### پاسخ

گمراه شدن جوانان انگیزه های مختلفی دارد که می توان مهمترین آنها را چند عامل دانست:

۱. ناآشنایی جوانان به عقاید اسلامی و تعالیم زندگی آفرین اسلام که این خود معلول عواملی است.

۲. شیوع و گسترش عوامل انحراف و فساد در اجتماع که فکر و اندیشه جوانان را به خود جلب نموده و آنان را بی بندوبار و به  
سوی گناه سوق داده است و فرصت گرایش به مسایل اصیل زندگی و اندیشیدن درباره معتقدات صحیح و آیین راستین را از  
آنان سلب نموده است.

۳. گسترش اشکالات و ایرادات بسیار در مسایل مختلف دینی از ناحیه استعمار و دشمنان اسلام بدین لحاظ که وقتی جوانی با  
منطق اسلام آشنایی نداشت و با ایرادهایی روبرو شد و اساساً در این اندیشه نبود که تحقیق و پی جویی به عمل آورد تا پاسخ  
ایرادات مذکور را به دست آورد تسلیم آنها شده و به دین صحیح و آیین درست بدین می شود. با توجه به این عوامل روشن  
می شود که اگر بخواهیم جوانان را به اسلام دعوت کنیم لازم است با تبلیغات صحیح و درست اسلام راستین را به آنان معرفی  
کنیم و با گوشزد کردن زیانهای سهمگین انحراف و بی بندوباری و لزوم گرایش به ایمان، شناخت صحیح را در آنان زنده  
کنیم و اشکالاتی که باعث تزلزل و نوسان فکری آنان می شود پاسخ گوئیم.

۴. سبب دیگری که باید دردمندان به آن پرداخت اینست که بدانیم نیاز به دین بزرگترین احتیاج انسان است و اگر کسی

در بند نیازهای

شیطان و شیطان صفتان از این موضوع استفاده نموده و راه های فساد و گمراهی را نشان می دهند. بنابراین وقتی جوانی نیاز به ازدواج دارد و احساس جنسی او را آزار می دهد، باید در قدم اول او را یاری دهیم که با رفع این مشکل نیاز بزرگ خویش را بیابد و از خود صیانت کند. چرا که رسول اکرم ((صلی الله علیه وآله)) فرمود: کسی که ازدواج کند نیم دین خود را مصون دانسته است. و مشکل ما این است که همه چیز را می خواهیم با موعظه حل کنیم این حس همکاری و همیاری نتایج درخشانی داشته و دارد ولی ما دینداران غالباً در این مسائل ضعیف عمل می کنیم. و حال آنکه اگر اقدام کنیم خدا هم یاری خواهد داد و همه تقصیر را به دوش دیگران نخواهیم گذاشت.

(بخش پاسخ به سؤالات)

### علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟

#### پرسش

علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟

#### پاسخ

علت گرایش برخی جوانان به مکتب کمونیستی ناآگاهی و عدم اطلاع درباره مکتب درخشان اسلام و تعلیمات حیات بخش و زندگی آفرین آن می باشد.

مکتب کمونیسم براساس انکار خدا و حقایق متافیزیکی و ماوراء طبیعت بنیان نهاده شده است و کسی که اعتقاداتش براساس دلیلهای محکم استوار شده و به مبدأ و معاد عقیده دارد و خدای دانا و توانا را حکیم دانسته و قوانین الهی را از علم غیر محدود و گسترده الهی می داند هیچگاه به طالب بی اساس کمونیسم گرایش پیدا نمی کند.

و اگر گفته شود این مکتب خیلی بهتر و عالی تر از اسلام در چین اجرا می شود صحیح نیست زیرا اولاً کمونیسم تاکنون در جهان اجرا نشده است و قابل اجرا هم نیست ثانیاً چنانکه یاد آوری شد در کمونیسم کمالات روحی و معنوی انسان بطور کلی نادیده گرفته شده است در حالی که بعد روحی و کمالات مربوط به آن بسیار عالی تر و ارزشمندتر از دیگر ابعاد وجود انسانی است ثالثاً دورانهای پر شکوهی بر اسلام گذشته در عین حال که کوتاه و محدود بوده اما گواهی راستین و شاهد عینی

بر صلاحیت تعالیم آسمانی اسلام برای پیاده شدن در جوامع انسانی است.

برای آگاهی قسمتی از نقاط ضعف کمونیسم می توانید به کتاب فیلسوف نماها نوشته آقای مکارم و کتاب درسهایی درباره مارکسیسم نوشته جلال الدین فارسی و کتاب علمی بودن مارکسیسم نوشته آقای مهدی سحاب مراجعه فرمایید.

۲

در ضمن این مکتب به قول امام خمینی (ره) به موزه های تاریخی سپرده شد و اکنون موردی ندارد. مگر برخی

از عقاید و نظریات آنان که در بعضی از مکاتب اکنون غربی یافته می شود. و راز گرایش شاید در چند مورد خلاصه شود.

۱. ناآگاهی از تأمین نیازهای انسان در مکتب مرفعی اسلام .

۲. موقعیت تاریخی کشور و تبلیغات جذاب مارکسیست ها.

( بخش پاسخ به سؤالات )

۳

**در مورد گروههای غربی که در میان جوانان رواج پیدا کرده مثل گروه هیپی و... لطفاً توضیح داده و چگونگی پیدایش آن و از چه کشوری وارد شده، راهکارها و اهداف این گروهها را توضیح دهید؟**

**پرسش**

در مورد گروههای غربی که در میان جوانان رواج پیدا کرده مثل گروه هیپی و... لطفاً توضیح داده و چگونگی پیدایش آن و از چه کشوری وارد شده، راهکارها و اهداف این گروهها را توضیح دهید؟

**پاسخ**

گروههای مختلف غربی امروزه در بین جوانان مملکت ما بعضاً رسوخ کرده اند، افکار، علائم و شعارهای آنها از طریق مختلفی چون ماهواره، سی دی و فیلمها و مطبوعات به جوانان رسیده که به اختصار به بعضی از آنها اشاره می شود.

رپ RAP: در مورد لفظ رپ به عنوان یک اصطلاح باید گفت: گروههایی از سیاه پوستان آمریکایی در آغاز دهه ۸۰ میلادی در اعتراض به "نژاد پرستی" و با شعار "صلح و آزادی" به عصیان علیه وضع موجود، دست زدند. این افراد و گروههای معترض که از ساکنین فقیر محله "هارلم" نیویورک بودند در پیروی از نسبتهای قومی آفریقایی اعتراضات خود را با نوعی رقص و پای کوبی همراه نمودند.

به تدریج اینگونه رقصها با ابداع نوعی از "موسیقی" تلفیق گردید و با تقویت و حمایت مالی سیاه پوستان متمکن، هنرمندانی از جامعه آمریکا به این گروههای معترض پیوستند.

در همان سالهای نخستین شکل گیری "رپ" با دخالت قدرتمندان، هدفهای سیاسی و اجتماعی گروههای سیاه پوست، دست خوش نوعی تحریف گردیده و در نتیجه به ابزاری در دست سیاستمداران و صهیونیسم تبدیل شدند.

در طول مدتی که رپ شکل می گرفت، عناوین مختلفی از این نوع موسیقی توسط موزیسین ها به وجود آمد که با پیوستن

خوانندگان معروف به این گروه "موسیقی رپ" طرفداران زیادی را به خود جلب و جذب نمود.

آن "رپ" نسبت به گروههای دیگر طرفداران بیشتری دارد و جوانان علاقمند به موسیقی آن گوش

می سپارند و بر اساس مدل‌هایی که به آنها القاء می شود لباس می پوشند و آرایشهای ظاهری رپ را بر می‌گزینند.

شلوارهایی که پاچه‌های گشاد آن بر روی زمین کشیده می‌شد، ماتوهای با آستینهای بلند، موهای روغن زده و چسبیده بر سر، عینکهای دودی با قالب فلزی، خط ریش پایین تر از گوش پسران و روسری‌های کوچک و معمولاً سفید رنگ دختران، ویژگی ظاهری آنها است.

هوی متال: هوی متال به معنای فلز سنگین است و نوعی از موسیقی نسبتاً جدید آمریکایی اطلاق می‌شود که در آن اصوات مرتعشه از سازها، نزدیک به صدای برخورد فلزات است. در این موسیقی اوج و فرود (نواس) قطعات بسیار شدید بوده و ضرب آهنگها معمولاً فوق العاده تند است. استفاده از آلات موسیقی الکترونیکی و سازهای "کوبه" ای چنان فضای تند موسیقیایی پدید می‌آورد که کمتر کسی قادر به گوش دادن آن است.

هوی متال در کنسرت‌های خود (اخیراً) فریادهای دلخراشی را به موسیقی خود افزودند که از "گیتار برقی" که قابلیت ایجاد صداهای ناهنجار را دارد بیش از سایر سازها استفاده می‌نمایند.

از بررسی موسیقیهای این آهنگها، تحلیل محتوای ترانه‌هایی که خوانندگان این گروهها می‌خوانند و نیز از شعارهای آنها چنین بر می‌آید که در آنها عصیانی کور نسبت به "حال" و "میل" بازگشت به گذشته "فوق العاده قوی" است. آنچنان که گاه از آن بوی "بدویت" به مشام می‌رسد.

تأکید و تعریفی که آنها از مفاهیمی همچون صلح، جنگ، عشق، حقیقت و آزادی دارند مؤید این نکته است.

برخی از گروه‌های زیر مجموعه هوی متال عبارتند از: گروه کیس، نیروانا، سپول ترا، گانزس روزیس و ...

**چرا در جامعه ما فرهنگ مصرف‌گرایی روز به روز و لحظه به لحظه رو به افزایش است و چرا هیچکس کاری نمی‌کند؟ چرا؟**

**پرسش**

چرا در جامعه ما فرهنگ مصرف‌گرایی روز به روز



و لحظه به لحظه رو به افزایش است و چرا هیچکس کاری نمی کند؟ چرا؟

## پاسخ

به میزانی که کشورهای اسلامی و همچنین ایران اسلامی، به فرهنگ غرب نزدیک می شوند آثار آن را نیز می پذیرند. اقتصاد مرکانتیلیسمی غرب به سه عنصر منابع اولیه، نیروی کار ارزان و بازار مصرف بنا شده و شهروندان خود را به مصرف هرچه بیشتر توصیه می کند.

اما در فرهنگ اسلامی با توجه به اینکه قناعت حرف اول در اقتصاد را می زند، باید فرهنگ سازی شود، البته بسیاری از خانواده های ایرانی قناعت جزء زندگی آنها است و کم هم نیستند. اما نمود ندارند ولی مظاهر مصرف گرایی چون نمود بیشتری دارند چشمگیر به نظر می رسد.

متأسفانه مشکلات و تنگناهای اقتصادی سبب شده است برخی از سیاست های غلط پول ساز سرلوحه فعالیت های صدا و سیما قرار گیرد که تبلیغات کالا به سبک غربی و اشاعه فرهنگ مصرفی از کمترین تأثیرات مخرب آن است سیاست های دیگری مانند ترویج جهانگردی با شکل غلط آن که فرهنگ بیگانگان و بی قیدی نسبت به دین و اخلاق را در جامعه نشر می دهد نیز به فرهنگ مصرف گرایی دامن می زند و روش های غلط دیگری که بی توجه به شیخون فرهنگی غرب راه را برای دشمنان هموار می سازد. اما اینکه در کنار این سیاست های غلط که باید اصلاح شود جهت گیری مصوبات مجلس و سیاست های کلی نظام در جهت مبارزه با فرهنگ ابتذال و مصرف گرایی است حقیقتی است که نباید به آن تردید نمود و همچنین نباید تلاش خدمتگزاران صدیق دولت و مجلس را در این راه نادیده گرفت و لیکن هجوم تهاجم و مبارزه منفی دشمنان در ترویج فرهنگ مبتذل خود آنقدر وسیع است که این

تلاشها به چشم نمی آید.

**دلیل بدحجابی هایی که امروزه در جامعه اسلامی می بینیم چیست و آیا نمی شود جلوی این بدحجابی ها را گرفت تا جوانان کمتر به فساد کشیده شوند و جامعه ما به عنوان یک جامعه اسلامی نمونه و دارای پیشرفت محسوب شود؟**

### پرسش

دلیل بدحجابی هایی که امروزه در جامعه اسلامی می بینیم چیست و آیا نمی شود جلوی این بدحجابی ها را گرفت تا جوانان کمتر به فساد کشیده شوند و جامعه ما به عنوان یک جامعه اسلامی نمونه و دارای پیشرفت محسوب شود؟

### پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد.

از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود همه آنچه که نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد: الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی.

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز کرده است. امید است با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری

در این زمینه حاصل گردد. بهبود وضعیت حجاب نیاز به برنامه ریزی وسیع فرهنگی و اجتماعی دارد. در این راستا علاوه بر تکالیف فردی، در جهت ارشاد دیگران بایستی با برنامه های کلان تلاش کرد. عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود: الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلفه هایی است که در به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است: ۱. از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را و قرآن می فرماید: *إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا، الف*). بر این اساس در جامعه ای

مانند جامعه اسلامی ما- که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای نیست- بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از طرف برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت و ... است و می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، برخی در مقابل بیگانگان و ... نمود پیدا می کند. یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه

و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می باشد. قرآن کریم می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**. خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (ب) - ریشه های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ غربی به ویژه در بعد فرهنگی، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش در آورد. روند رو به گسترش این معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد.

(ج) - کوتاهی و بی توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است. گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی، محاصره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه کار و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد.

(د) - بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از

سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و... گردید

ه)- عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

و)- برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

ز)- اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف احاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملی ما، برای بی هویت نمودن

نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی- اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب. مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بدحجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد

(الف)- راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد.

(ب)- کار بنیادی فرهنگی. مسلماً برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر

است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگامهای فرهنگی نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند. برای آگاهی بیشتر ر. ک: ۱- حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد ۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها ۴. شهید مطهری، مسأله حجاب.

منابع و مأخذ:

الف) انسان، آیه ۳

ب) رعد، آیه ۱۱

**چرا فرهنگ غرب در بین جوانان کشور ما اینقدر گسترش پیدا کرده است بخصوص در بین دختران آیا راه پیشگی ندارد؟**

**پرسش**

چرا فرهنگ غرب در بین جوانان کشور ما اینقدر گسترش پیدا کرده است بخصوص در بین دختران آیا راه پیشگی ندارد؟

**پاسخ**

با پوزش فراوان از تأخیر در ارسال پاسخ سؤال شما!

با توجه به مباحث رشد جسمانی و روانی، ویژگی های این مرحله سنی را از مراحل قبل و بعد به خوبی می توان تمییز داد.

نوجوان، از نظر رشد شناختی، دوره های حسی حرکتی، و عملیات عینی را پشت سر می گذارد و به شناخت انتزاعی دست می یابد، یعنی کودک دیروز که شناخت هایش مبتنی بر دریافت های حسی بود و اگر اسباب بازی اش را مخفی می کردند، دیگر بدنبال آن نمی گشت و آن را غیر موجود تلقی می کرد، تبدیل به نوجوان امروز شده است و با تکیه به اندوخته های حسی قبلی، وچه بسا فارغ از حواس فعلی خود، دست به تفکر انتزاعی می زند و به طور مرتب، هر روز و هر ساعت، با سؤالهای مختلف و کنجکاوی های متعدد درونی و بیرونی در همه جهات، رو به رو می شود. (۱)

از نظر اخلاقی، در دوران کودکی اولیه و ثانویه، که اصطلاحاً آن را اخلاق "پیش قرار دادی" می نامند، بر اساس خودگرایی و لذت گرایی عمل می کرد و در نوجوانی که اصطلاحاً مرحله "قرار دادی" نامیده می شود، رفتار او تابع سازگارهای فردی و قوانین قرار دادی است؛ از این که به او برچسب "دختر خوب و پسر خوب" زده شود خوشحال می شود؛ و در انتهای این دوره، تعهدات اجتماعی را مهم می داند و کم کم متوجه اخلاق خود پذیرفته گردیده، وارد اخلاق فوق قرار

دادی می شود. در این مرحله، دیگر تنبیه و پاداش و یا بر چسب دختر یا پسر خوب برایش اهمیت ندارد، بلکه وارد اخلاقی می شود که حداقل بر اساس نظم و قانون، یا بر اساس پیمان اجتماعی شکل گرفته است؛ و این خود باعث بروز مسائل عاطفی و احساسی شدیدی برای نوجوان می شود. (۲)

در رشد اجتماعی سیاسی نیز به مرحله خاصی می رسد که باید تصمیم گیری کند، احساس بالندگی نماید، به تدریج از خانواده جدا شود و احساس استقلال کند، در مسائل اجتماعی و سیاسی نظر داشته باشد، رأی بدهد و حداقل، با شغل و تحصیل و ازدواج وارد جامعه شود.

از نظر رشد جسمانی و بلوغ هم، با مسائل خاصی رو به رو می شود، تغییرات بیولوژیک و فیزیولوژیک، حاصل، و باعث ظهور و بروز علایم ثانویه جنسی می شود؛ محتلم شدن و تغییر صدا در پسران، و رشد سینه ها و عادت ماهانه در دختران، رویدن مو، رشد سریع تر بدنی، و آشکار شدن میل جنسی در هر دو، از پیامدها و نشانه های دوره بلوغ است؛ و همه این تغییرات با وضعیت روحی فرد و آموزش محیطی او در تعامل است و وضعیت خاصی را برای هر فرد ایجاد، و این طبقه سنی را از طبقات قبل و بعد کاملاً جدا می سازد.

اگر چه در مقام تعلیم و تعلم و پژوهش، هر یک از این ابعاد، جداگانه مورد بحث واقع می شوند، ولی در عرصه وجود نوجوان، مجزای از یکدیگر عمل نمی کنند؛ بلکه یک رفتار که از نوجوان سر می زند، برآیند همه ویژگی های روان شناختی اوست



که به صورت یک رفتار، تجلی پیدا می کند. برای تحلیل همان یک رفتار، باید ویژگی های کلی جوان و نوجوان را بشناسیم.

حال با توجه به آن ریشه ها و تحقیقات بنیادی، که معمولاً در مباحث رشد به آن پرداخته می شود، برخی از ویژگی های روانی (شناختی، عاطفی، و رفتاری) نوجوان را که بیش تر می تواند در رفتار او بروز پیدا کند، بیان خواهیم کرد:

الف) از نظر عاطفی، در مقایسه با بزرگسال، ثبات عاطفی کم تری دارند؛ زودرنج و حساس اند و به محض این که خلاف انتظاری را مشاهده کنند، از عمق وجودشان متأثر می شوند.

ب) اهمیت بسیاری به هم سالان می دهند؛ اگر مشکل خاصی برایشان ایجاد شود، ترجیح می دهند که از هم سالان کمک گرفته، از تأیید آنها برخوردار باشند؛ در عین حال می دانند که مخالفت با بزرگسالان، به نفع آنها نیست؛ چه این که از بعضی وابستگی های خود آگاه هستند.

بر این اساس، نوجوان گاهی گرفتار تعارض میشود؛ والدین و بزرگسالانی موفق اند که حتی المقدور، با خواسته های نوجوان مخالفت نکنند؛ و هرگاه مخالفت می کنند، یعنی نوجوان بداند که غیر از میل او یا والدین، ملاک و معیاری در کار است.

ج) انتقاد ناپذیری و انتقاد گری: به مقتضای فعالیت زیاد ذهنی، به هر جایی نظر دارند و اشکالها را می بینند و ابراز می کنند؛ اما هنوز به واقع بینی های لازم و کافی دست نیافته اند. به کارهای خود، نوعی تعلق خاطر دارند و کم تر به خود اجازه فکر و انتقاد کردن به کارهای خویش را می دهند، انتقاد دیگران را هم دارد نمی

دانند و نمی خواهند از منش و رفتار خود دست بردارند.

د) احساس فداکارانه در مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم؛ در این جهت بسیار بلند می اندیشند و ایده آل گرا هستند؛ نیروی روانی و عاطفی بسیار آنان، نیروی جسمانی شان را نیز تحت کنترل گرفته، آن را افزایش می دهد. هر جا ظلمی احساس کنند دوست دارند به مبارزه با آن بروند؛ محدودیتهای موجود را تجربه نکرده اند و نمی خواهند آنها را بپذیرند. این احساس بسیار ارزشمند است و ممکن است از آن استفاده صحیح یا باطل بشود.

ه) دوست دارند افراد مهمی تلقی بشوند؛ لازم است خانواده ها و بزرگسالان، آنان را به رسمیت بشناسند و احترام قایل باشند و اگر گاهی، از جهاتی، نظر آنها را تام نمی دانند، آنان را توجیه کنند و اگر در مواردی با آنها مخالفت کردند، از جهات دیگر جبران نمایند؛ اهمیت نظراتشان را ابراز کنند و موقعیتی مناسب برای آنان در خانواده و فامیل به تصور بکشند.

و) در برابر ناکامی ها، احساس یأس و ناامیدی به آنها دست می دهد؛ به علت کمی تجربه، هنوز نمی دانند که یک شکست به معنی شکست همیشگی نیست؛ بزرگ ترها باید ضمن تشویق و ایجاد شور و نشاط و واقع بینی، تجربیات خود را نیز به آنها منتقل کنند، تا آنها مجموع شکست و پیروزی و تلخ و شیرین زندگی را در یک چرخه منطقی و معقول ببینند.

ز) به وضع ظاهر و سر و لباس و آرایش و اندازه بدنی خود، بسیار اهمیت می دهند؛ این ویژگی، فی نفسه خوب است و نباید با آن مخالفت

شود؛ اما این میل باید با توجه به واقعیات اطراف، مانند توانایی های مادی، مطلوب یا نامطلوب بودن در بین دوستان و هم کلاسی، عرف اجتماعی و غیره ارضاء شود؛ پسر و دختر دبیرستانی، نباید امکاناتی فراتر از متوسط هم شاگردی های خود را به نمایش بگذارند و برای خود و دوستان و مسئولان دبیرستان مشکل ایجاد کنند؛ هم چنین در همه محیط های اجتماعی دیگر نیز باید در این زمینه، اعتدال رعایت شود.

ح) حالات رویایی و عاشق پیشگی دارند؛ ذهن و قوای آنها متوجه دنیای وسیع اطراف می شود، و قدرت تخیل آنان بسیار زیاد است؛ آنچه را که دوست دارند، اما امکان تجربه مستقیم و واقعی آن را ندارند، با حالتی خیال بافانه و به امید فردایی آرمانی، برای خود به تصویر می کشند؛ این حالتی خوب و مبارک است و نباید از چنین حالتی نگران بود؛ ولی باید به این رؤیاهای و عاشق پیشگی ها جهت داد. اگر خوبی ها با ساز و کارهای صحیحی ارائه شوند، می توانند موضوع عشق جوان و نوجوان باشند؛ مثلاً ممکن است فردی عاشق امام خمینی (ره) یا فلان شاعر عارف یا فلان مخترع و یا عاشق علم بشود؛ ولی اگر این عشق درست هدایت نشود، متوجه موضوعات منفی، مثل هیپی گری، بی بند و باری و امثال این ها می شود.

ط) نگران آینده هستند؛ آینده شغلی، تحصیلی، اقتصادی، اخلاقی و جنبه های دیگر برایشان مهم است و اشتغال ذهنی ایجاد می کند.

با توجه به این ویژگی ها و حساسیت های روان شناختی، هجوم فرهنگی بیش تر متوجه این طبقه سنی می شود. آنها نیرومند، تأثیر

پذیر و تأثیر گذارند؛ همانند ظرفهای خالی، پر شدنی هستند، کنجکاو و به دنبال هویت مطلوب برای خودند و جمعیت آنها زیاد است؛ از این رو مهاجمان فرهنگی بیش تر به این گروه توجه دارند.

علی رغم تأثیرات اجتماعی و وظایفی که برای مسئولین ووالدین وجود دارد، باید دانست که اصلی ترین و مهم ترین تصمیم گیرنده در این خصوص، خود نوجوان و جوان است. همواره واقعیتها با مطلوب های نهایی فاصله دارد. آنچه در مورد فضای فرهنگی، ارزش های مسلط جامعه و وظایف والدین گفته می شود مطلوب است؛ اما همه اش واقع نمی شود. فضای فرهنگی و ارزشهای مسلط جامعه، به طور کامل، اسلامی و انسانی نیست. گاهی مسئولین به هر دلیل، به تمام وظایف خود عمل نمی کنند. بسیاری از والدین با محدودیتهایی، مثل بی سوادی و کم سوادی، نارسایی اقتصادی، نداشتن روابط ووجهه اجتماعی مناسب، وجود مشکلاتی مثل بیماری و اختلاف نظر، نزاع های خانوادگی و ...؛ مواجه هستند و در نتیجه نه تنها نمی توانند به نوجوان کمک کنند بلکه چه بسا نیاز به هدایت و کمک نوجوان و جوان خود دارند.

در چنین موقعیتی، منطقی نیست که نوجوان به بهانه وظیفه ناشناسی یا ناتوانی دیگران، به آینده و ظرفیت ها و توانمندی های خود کم توجهی کند. او باید این دوره را قبل از اینکه دیر شود، بشناسد و از آن به اندازه کافی بهره ببرد. در این دوره قدرت بدنی و نیروهای روانی فوق العاده است؛ اگر این نیروها جهت داده شوند و پراکنده نشوند و هر روز و هر ماه به سویی نروند، بسیار ارزشمند و قابل استفاده اند. همان

طور که گذشت، نیروی این دوران را می توان به آبی تشبیه کرد که هم ممکن است تبدیل به سیل شود و هم ممکن است که آن را به باغ ها و مزارع تشنه هدایت کرد تا باعث سیرابی آنها بشود.

در این خصوص، بر نکات کلیدی مسلم و مهم تأکید می کنیم:

الف: نوجوان باید از همان ابتدای نوجوانی، به تدریج، به فکر هویت آینده خود باشد. تلاش کند تا مجموعه ی افکار و احساسات و فعالیت های او، هم جهت و مکمل یکدیگر باشند؛ به علایق و امکانات خود و نیازهای جامعه بیندیشد؛

ب: همت بلند داشته باشد به افق های دور دست نگاه کند و به حداقل ها اکتفا نکند؛ ضمن اینکه واقعیتها و محدودیتها را می بیند به راحتی تسلیم مشکلات نشود و حتی المقدور، جهانی بیندیشد،

ج: در تصمیم گیری هایش از مشورت با دیگران بهره مند شود و عقل دیگران را به عقل خود بیفزاید.

د: در انتخاب و داشتن دوستان خوب، بسیار جدی و از دوستان بد کاملاً بر حذر باشد چه بسا دوستان خوبی که می توانند همه خوبی ها را به او هدیه دهند و چه بسا دوستان بدی که ممکن است همه خوبی هایش را از او بگیرند.

ه: به واجبات الهی پردازد و از محرّمات اجتناب کند به هیچ وجه توصیه نمی شود که با عبادات بسیار خود را بیازارد اما همیشه یک ارتباط ذهنی و روانی را با خداوند داشته و در تصمیم گیریها و زندگی روزمره اش سهمی هم برای خداوند قایل باشد.

و: وقت خالی برای خود نگه ندارد و حتی المقدور به فعالیتی مناسب اشتغال داشته

باشد منظور از اشتغال شغل رسمی درآمدزا نیست؛ بلکه بی کار نبودن مطلوب است.

ز: به مطالعه و افزودن بر دانش خود و فکر کردن به موضوعات گوناگون پردازد امروزه دانستنی ها به صورت تصاعدی (و چه بسا به صورت تصاعد هندسی) افزایش می یابند یک نوجوان، باید خودش استعداد، فعال، قوی برخوردار از امکانات کافی و دارای انگیزه قوی باشد تا بتواند به دریای موج معارف و دانش و فناوری امروز بشر، درست بنگرد و درست انتخاب کند و سهم مناسب خود را از آن برگیرد. علم بهترین سرمایه ای است که هم بالفعل او را مشغول می کند و هم در آینده در اختیار او خواهد بود، و چه بسا بسیاری از تمایلات دیگرش را تحت الشعاع قرار دهد، چرا که آدمی از دو چیز سیر نمی شود یکی مال و دیگری علم. در این دو موضوع هر قدمی قدم بعدی را می طلبد.

ح: به ورزش و تفریحات سالم و مناسب اهمیت بدهد؛ جسم و روح خود را سالم نگه دارد. ورزش و تفریحات سالم را به هدف سالم سازی جسم و روح خود انجام دهد، نه با اهدافی که چه بسا بوی انحراف می دهند.

ط: توجه به کف نفس (خود داری از گناه) نیز برای نوجوان لازم و ضروری است. نوجوان باید بدان دکه در کنار کارهایی که باید انجام دهد، کارهایی نیز وجود دارد که باید از آنها اجتناب کند؛ و خود داری از گناه کار آسانی نیست، بلکه نیاز به تمرین بسیار دارد. این همان جهاد اکبر است که پیامبر اکرم (ص) اهمیت آن را بیش تر از جهاد در میدان

نبرد دانسته اند. فقط محرمات شرعی منظور نیست، بلکه مراد رفتار و احساساتی است که هر فرد (ولو غیر متدین) آن را ناصحیح و غیر مطلوب می داند.

اگر نوجوانان و جوانان ما به مسائلی از این قبیل توجه داشته باشند، تا حدود زیادی در مقابل هجوم های فرهنگی بیگانگان واکنش می شوند. این اقدام بسیار ضروری و مهم است چه اینکه اگر همه افراد و مجموعه ها وظایف خود را به خوبی انجام دهند، اما خود نوجوانان و جوانان، توجه به این موضوعات نداشته باشند آن اقدامات سودی به حالشان نخواهد داشت.

منابع و مآخذ:

۱. ر.ک. محمود منصور، روان شناسی ژنتیک، ص ۹۸۱۱۶

۲. ر.ک. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان شناس رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج ۲

### **علل گسترش فرهنگ ابتدال در جامعه ما چیست**

#### **پرسش**

علل گسترش فرهنگ ابتدال در جامعه ما چیست

#### **پاسخ**

۱. از نگاه تاریخی به طور عمده در ساختار فرهنگ توسعه و به جای پرداختن به توسعه فرهنگی در شکل صحیح آن همواره در ایران تلاش شده است که سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های توسعه مبتنی بر الگوهای توسعه غرب و شیوه های فرهنگی آن ها صورت گیرد. این مسئله یکی از عوامل گسترش ابتدال فرهنگی در کشور است به دیگر سخن گسترش ابتدال فرهنگی از تفکر افرادی غرب زده سرچشمه می گیرد که تصور می کنند، پیشرفت جامعه وام دار غربی شدن است راه چاره آن است که به جای پذیرش الگوهای اشتباه فوق سعی شود متناسب با بافت تاریخی فرهنگی کشورمان الگویی سازگار با آن انتخاب شود.

۲. توجه جدی به تعلیم و تربیت و تزکیه و پاک سازی درون افراد جامعه از راه های دیگر مقابله با فرهنگ ابتدال است در پیش گرفتن راه نورانی هدایت الهی به جای رهروی در مسیر حيله های شیطان راه کار عملی در این راه است

۳. در پایان می توان به سودجویی ها، فرصت طلبی ها و سیاست بازی ها، به جای پرداختن به مشکلات حقیقی جامعه و یافتن راه حل های منطقی برای آن ها، به عنوان عامل دیگر جلوگیری از گسترش ابتدال فرهنگی اشاره کرد.

**علت گسترده گی تهاجم فرهنگی چیست؟ و چگونه می توان از آن جلوگیری کرد؟**

## پرسش

علت گستردگی مهاجم فرهنگی چیست؟ و چگونه می توان از آن جلوگیری کرد؟

## پاسخ

**علت روی آوردن مردم به مصرف گرایی ، تجمل و افزایش فساد و قاچاق چیست ؟**

## پرسش

علت روی آوردن مردم به مصرف گرایی ، تجمل و افزایش فساد و قاچاق چیست ؟

## پاسخ

این مسأله از سویی بازگشت به مسأله مهاجم فرهنگی می کند و در واقع بخشی از مظاهر آن است از طرف دیگر معلول یک سری از عوامل و مشکلات داخلی؛ مانند گرفتاری های اقتصادی تغییرات سریع در بافت اقتصادی و اجتماعی عدم برنامه ریزی جامع در فرهنگ عمومی و نداشتن تعریفی مشخص برای کار فرهنگی سیل مهاجرت به شهرها بیکاری جوانان تغییر الگوهای مصرف و... است. }]

**دقیقا بفرمائید مدگرایی به چه انگیزه ای است**

## پرسش

دقیقا بفرمائید مدگرایی به چه انگیزه ای است

## پاسخ

مدگرایی غربی با انگیزه های مختلف صورت می گیرد:

الف) تحمیل فرهنگ خویش به دیگران.

ب) بازاریابی برای اجناس خود.



ج) جامعه را از مسیر صحیح و پاک به انحراف و آلودگی کشاندن.

د) سنت های بجا و صحیح را از امتی گرفتن و سنت های ناپسند و احیاناً خرافی را جایگزین آن ساختن.

ه) از طریق سنت های یک ملت وارد شدن ولی آن را از دورن مسخ کردن.

شاید اطلاع داشته باشید که برای ساختن این مدها، مدت ها و ساعات زیادی متخصصین روان شناس، جامعه شناس و... به مطالعه می پردازند و راجع به تأثیری که مد خاصی می تواند در یک جامعه از خود به جای گذارد، آینده نگری و تحلیل می کنند وقتی تصویب شد، با شگردهای عجیبی به تبلیغ آن می پردازند. جهت اطلاع از شگردهای تبلیغی شایسته است «مبانی تبلیغ» از دکتر حسن زورق و همچنین «روش تبلیغ» از محمد تقی رهبر، را مورد مطالعه قرار دهید. آنجا ملاحظه خواهید فرمود که چگونه برای جازدن یک شیء مضرى نظیر سیگار و مواد مخدر یا نظایر آن از طریق عکس های شرطی و بخصوص از قیافه سکس زن ها استفاده می کنند.

نکته دیگر در این راستا، این است که آنها به رنگ و مدل کفش، لباس، کیف و کمر بند اکتفا نمی کنند؛ بلکه ملتی را در این گونه مسائل مجذوب خود می سازند و به تقلید خود درمی آورند، سپس به تدریج سراغ افکار و اندیشه و ایده یکملت آمده و آن را هم به طرف خود جذب می کنند.

چادر به عنوان حجاب اسلامی یک سنت نیکو و پسندیده است. فراموش نمی کنیم که در زمان طاغوت ناگهان بازار اسلامی، پر از چادرهای بدن نما شد و... حال ساده اندیشی و خامی

است اگر ما فکر کنیم که آنها در به وجود آوردن مدروز به نقطه خاصی اکتفا می کنند. طبیعی است که چنین نخواهد بود. اگر امتی به نام مد و طرح روز به دنبال آنها راهیفتد، تا نهایت هرزگی و فساد پیش خواهند رفت. ملاحظه کنید امروزه در غرب (اروپا و آمریکا) در زمینه شهوتپرستی و فساد جنسی و طرح لباس های سکس به نام تمدن و تجدد چه خبر است؟ این ویژگی و خصیصه انسان است که در هر وادی جلو رفت، حد نهایی برای خودش نمی شناسد. بل یرید الانسان لیفجر امامه انسان می خواهد هرمانعی را از سر راهش بردارد {M}، (سوره قیامت ، آیه ۵). اگر به وادی کمال قدم پا گذاشت تا بی نهایت پر می کشد و اگر بهوادی فساد و انحطاط قدم نهاد، در آنجا هم تا بی نهایت جلو می رود، به گونه ای که نمی توان آنها را در جایی متوقفکرد.

ناگفته پیداست که بشر تنوع طلب است و از یکسانی خسته می شود. قرآن کریم نیز به این نکته توجه داشته است کهمی فرماید: مختلفاً الوانه ، (سوره نحل ، آیه ۱۲). گیاهان و میوه ها با رنگ ها و گونه های مختلف برای شما آفریده ایم یا بشر در نژادها و قبائل گوناگون آفریده شده است و... راستی اگر همه چیز یکسان بود (یک رقم گیاه، یکنژاد، یک زبان) و دیگر هیچ در آن صورت چه لطفی باقی می ماند؟

حال با توجه به تنوع طلبی انسان، مدل لباس و طرح کیف و کفش و ساختمان و ماشین و ... اگر با موازین شرع و سنت های نیک ما، تضادی نداشته باشد، نمی توان تا این حد بر آن ایراد گرفت. حرف ما در این است که چرا

ما خودمان طراح مد و مدل روز نباشیم؟ چرا افراد مبتکر و خلاق جامعه ما سعی نمی کنند تا طرح جدیدی را ارائه دهند. و اصولاً- این یکی از ایرادهای ماست که نسبت به این گونه مسائل آن قدر منتظر می مانیم تا دیگران با طرح جدید خود بر ما یورش آورند. آن گاه مکبران بعد از فشار زیادی که از افکار عمومی متوجه آنها می شود، تازه دست به کار می شوند که مثلاً مدل فلان ماشین یا طرح ساختمانی و یا شیوه لباس قشر خاصی را تغییر دهند. در حالی که اگر ما در این راستا ابتکار عمل را به دست گیریم، چه بسا بتوانیم فرهنگ خویش را برای دیگران اسوه و الگو قرار دهیم. هم چنان که در برخی از جهات چنین بوده است. به هر حال نسبت به مسأله «مدگرایی» خیلی باید هوشیار بود و از اینکه زمام فرهنگ سنت و فکر خویش را به نام تمدن و تجدد، به دست مدهای غربی بسپاریم به شدت پرهیز کنیم. }J

### شبهات چه اثرات خوب و بد اجتماعی در بر دارد؟

#### پرسش

شبهات چه اثرات خوب و بد اجتماعی در بر دارد؟

#### پاسخ

شبهه و اشکال، نوعاً دارای آثار مفید فکری است و پس از حل و جواب دادن به هر شبهه ای، نوعاً فرد به پله ای بالاتر از تفکر صعود می کند. البته القای شبهه برای افراد ضعیف و عوام، ممکن است مخاطراتی در پی داشته باشد. بنابراین نباید در هر شرایطی به القای شبهه پرداخت؛ زیرا برای افرادی که از نظر فکری ضعیف اند، ممکن است شبهه، خوب گرفته شود، ولی پاسخ مناسبی دریافت نگردد.

### ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی چیست ؟

#### پرسش

ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی چیست ؟

#### پاسخ

شناخت چگونگی تهاجم فرهنگی غرب، کار مشکلی نیست. غرب دارای افکار و جهت گیری های مشخصی در زمینه سیاست، اقتصاد، روابط اجتماعی، اخلاق و... می باشد و با سرعت و گستردگی هر چه تمام تر، به نشر آن نیز اقدام می کند. این نشر و تبلیغ، از طریق فیلم، رادیو، ماهواره، مجلات همسو و تقویت هم فکران خود در هر نقطه از جهان صورت می گیرد. تنها راه

مقابله با این تهاجم، شناخت فرهنگ خودی و شناساندن و تبلیغ ارزش های آن به جامعه است. ایجاد خودباوری در جوانان و شناخت قرآن و ارزش های آن، از مهم ترین راه های مقابله با این تهاجم محسوب می شود.

تهاجم فرهنگی ابعاد مختلفی دارد و در محیط دانشگاهی از راه های ویژه ای انجام می گیرد؛ برخی از آن راه ها عبارت است از:

الف - ایجاد دگرگونی در نظام فکری و اعتقادی. این برنامه از طریق استفاده های نادرست فلسفی و نظری از ره آوردهای علمی و القای علمی بودن برخی از آموزه های مغایر با جهان بینی دینی صورت می پذیرد.

ب - القای نگرش های معرفت شناختی، جامعه شناختی، روان شناختی و تفکرات سیاسی و اجتماعی غربی و بیرون راندن اندیشه های دینی از عرصه های فوق و تبلیغ خالی بودن دین از محتویات مربوط به این ساحت ها.

ج - کم رنگ سازی ارزش های اصیل و پایدار دینی و تبلیغ نسبییت و تاریخ مندی اصول ارزش ها و تبعیت آن از ذوق و سلیقه های تجدد طلبانه قومی، ملی، نژادی و ...

د - نفوذ در جریانات نقش گذار و تلاش در جهت ایجاد انحراف در مسیر آنان و کشاندن آنها به سوی حرکت های معارضة آمیز و سیاسی کاری به جای تلاش های انقلابی و اسلامی.

در مقابله با مسائل فوق هر دانشجوی متعهد و با ایمان

با سه جهاد پیگیر و پر دامنه روبه روست :

۱- جهاد علمی و تلاش پیوسته جهت شناخت هر چه بیشتر اسلام و معارف آن و محتویات دین در عرصه های مختلف و شناخت و درک درست مسائل سیاسی واجتماعی.

۲- جهاد عملی در راستای تقویت بنیان معنوی و ایمانی خویش از طریق ارتباط پیوسته با خدا، قرآن و پیشوایان دین.

۳- جهاد اجتماعی؛ یعنی، تلاش در جهت گستراندن نور معنویت در محیط دانشگاه و تقویت بخشیدن به آگاهی، شعور و احساس دینی در دانشگاهیان.

آنچه که درباره تربیت نیروهای نفوذی در قشرهای مختلف جامعه توسط سرویس های جاسوسی غرب گفته اید، صحیح است؛ ولی این که توانسته باشند در بین روحانیت، در رده های نخست آن افرادی را ساخته و مطرح کنند، واقعیت ندارد؛ چون نظام روحانیت به صورتی است که مطرح شدن مصنوعی در آن راهی ندارد؛ چون ارتقای رتبه افراد، تنها مستعد به عملکرد، سوابق، میزان علم، تقوا و دیگر شرایط است و هرگز یک جاسوس نمی تواند تا این اندازه صحنه سازی کند. البته نهادهای انقلاب در شناسایی چنین افرادی کوشا هستند و تا به حال عده بسیاری از آنها شناخته شده و دستگیر شده اند. در عین حال همواره باید هشیار بود.

**آیا جامعه ای که فرهنگ قوی و غنی دارد از تهاجم فرهنگی می ترسد پس دلیل اینهمه وحشت چیست**

**پرسش**

آیا جامعه ای که فرهنگ قوی و غنی دارد از تهاجم فرهنگی می ترسد پس دلیل اینهمه وحشت چیست

**پاسخ**

پاسخ های اجتماعی:

اسلام یک دین کامل و غنی و دارای فرهنگ خاص خود است که اگر به آن جامعه عمل پوشانده شود، جامعه از بسیاری

معضلات رهایی خواهد یافت؛ ولی آیا ما نیز مسلمان واقعی هستیم؟

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست

آیا مسلمانان بیشتر تابع آداب و رسوم نیاکان و فرهنگ بومی خود قبل از اسلامند یا تابع واقعی اسلام؟ اگر تمام احکام الهی راجع به رابطه زن و مرد و ازدواج اجرا شود، آیا مشکل به اسم تهاجم فرهنگی در این زمینه باقی خواهد ماند؟ و... پس به جای

نالیدن و غصه دار شدن از تهاجم فرهنگی، باید به ترویج فرهنگ اسلام پرداخت. باید ایثار کرد و حتی مسؤولان کشور باید از آبرو و تمام سرمایه های خویش مایه بگذارد تا فرهنگ ما اصلاح گردد، در نتیجه اگر منظور از شعار غنای فرهنگی، غنای فرهنگ اسلام می باشد، درست است؛ ولی تا وقتی که ما ترویج پفک نمکی و ماکارونی را بر ترویج فرهنگ اصیل اسلام ترجیح دهیم، آن غنا ربطی به ما ندارد و در یک جمله احکام اسلام نه به تمامی در حال حاضر اجرا می گردد و نه حتی ترویج می گردد و...!!

جواب های سیاسی:

هیچ کس نمی تواند - نه در جامعه اسلامی و نه در هیچ جامعه دیگر - جلو فکر کردن انسان ها را بگیرد؛ چه رسد به این که در این زمینه اجبار کند. پس اختلاف افکار گریزناپذیر است؛ ولی مسؤولان اداره یک جامعه موظف اند جو علمی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی کشور را طوری سالم سازند که منجر به

تفکر صحیح گردد؛ یعنی، مسؤولان و حتی آحاد ملت، وظیفه دارند از اشتباهات یکدیگر جلوگیری کنند و... مثلاً اگر در پس پرده ای موجود خطرناکی باشد ولی اطلاعات غلط به شما داده شود و آن موجود را بی خطر بلکه مفید جلوه دهند، این اطلاع رسانی سبب می شود که شما نه تنها راجع به آن موجود پس پرده صحیح فکر نکنید؛ بلکه موجب می گردد تدابیر درست هم نیندیشید. پس اندیشمندان وظیفه دارند حقایق را ترویج کنند و احیاناً به مسؤولان و مردم گوشزد و یادآوری نمایند؛ ولی اگر گروهی پیروی نکردند اجبار در این زمینه کاربردی ندارد. در زمان پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) نیز دیدگاه و اندیشه حق در جامعه فراگیر نشد. قرآن به پیامبر می فرماید: تو نمی توانی کسانی را که مرده باطنی شده اند، بینا و شنوا کنی. در نتیجه در صدر اسلام نیز افکار مختلفی وجود داشت تا حدی که در زمان حضرت علی (ع) قاسطین، مارقین و ناکثین پدید آمدند؛ ولی باید توجه داشت که مخالفان حق تا جایی آزادند که به ترویج باطل و گمراه نمودن افراد جامعه مخصوصاً مردم عادی - که از اطلاعات کافی برخوردار نیستند - نپردازند.

پس آزادی اندیشه مطلقاً هست؛ ولی آزادی بیان، قلم و عمل مشروط به عدم سوء استفاده از بی اطلاعی یا کم اطلاعی اقشار مختلف جامعه است. این گونه حدود و قیود در نزد هر عقل سلیمی مفید بلکه لازم است. البته اگر حاکمی آزادی بی شرط و نامحدودی را تجویز نماید به مردم ظلم کرده و سبب گمراهی آنان را فراهم آورده است. وقتی عقل می گوید: قاتل و دزد نباید در جامعه آزاد باشد، به طریق اولی می گوید: قاتل هدایت و

دزد دین و اخلاق مردم نیز نباید در جامعه آزاد باشد. از این رو حضرت امیر(ع) با خوارج و شامی ها به جنگ برخاستند، حال ممکن است بگویید آنها معصوم بودند و حق و باطل را هم تشخیص می دادند و لذا جلو ابراز باطل را می گرفتند، ولی در جامعه کنونی ما مرجع تشخیص حق و باطل کیست؟ و از کجا بفهمیم این مسأله حق است یا صرفاً سلیقه اشخاص خاصی است؟

پاسخ این است که مسائل بر دو دسته است: بدیهی و نظری؛ همان طور که آیات قرآن نیز بر دو دسته است: محکمت

و متشابهات. در مسائل بدیهی و محکمت دین (مثل حفظ بیت المال، عدم جواز ترویج فحشا و منکرات، عدم جواز ظلم، دنیاگرایی، تحریک شهوات نفسانی بدون فراهم آوردن اسباب شرعی، ارضای آن و بسیاری از این قبیل) سلیقه های شخصی نمی تواند دخالتی در آن داشته باشد. در مسائل نظری و متشابهات نیز در قسمتی که بین کارشناسان اتفاق هست، باید به آنان رجوع کرد و نظر حق را فهمید. در نتیجه در مواردی که حق روشن است، باید انجام دهنده آن تشویق و ترغیب و تارک یا منکر آن، مورد مؤاخذه قرار گیرد. پس روشن شد که آزادی فکر کردن، چیزی غیر از آزادی بیان است؛ چون هر یک، احکام مختص به خود را دارد و خلط بین آنها صحیح نیست.

اما این که: «چرا در جامعه ما با افکار و نظرات مختلف و مخالف با نظر آقایانی مخالفت می شود؟» این مطلب بسیار کلی است و روشن نکرده اید که با چه افکاری در جامعه ما مخالفت می شود و مخالفان چه کسانی هستند و منظورتان از آقایان چه اشخاصی می باشد؟ اگر منظور علمای دین باشد، خوب آنان خود



را کارشناس و متخصص دین می دانند و معتقدند در موارد لازم باید تذکرات بلکه مقابله هایی با ترویج غیر اسلام انجام گیرد و اگر منظور مسؤولان کشور است، آنها نیز خود را مسؤول می دانند و معتقدند وقتی مردم به آنان رأی داده اند، یا به هر نحوی این مسؤولیت به آنها واگذار شده است، باید تفکرات و اعتقادات خود را به اجرا درآورند نه یافته های دیگران را. در عین حال هیچ یک مصون از خطا و اشتباه نیستند. البته راه صحیح ایجاد زمینه های مناسب جهت تضارب و تبادل افکار می باشد؛ ولی آنچه برای همه مهم است، تلاش جهت ارتقای سطح اطلاعات دینی و اجتماعی است تا بتوان قضاوت و تحلیل درست و واقعی از مسائل داشت. در غیر این صورت در هر زمانی گروهی مدعی بوده و هستند که فقط آنان حق و حقیقت را می فهمند و دیگران را غریزه یا متحجر معرفی می کنند. جالب این جا است که همه طیف ها و جناح های مختلف جامعه ما، در این نقص مشترکند و در یک سو نگری، خود مصداق بارز برای این نقص هستند.

اما این که «آیا وضعیت فعلی جامعه ما مطلوب و دلخواه امام راحل است یا نه؟» باید گفت: در زمان خود ایشان هم وضع جامعه صد در صد مطلوب ایشان نبود چه رسد به حالا؛ مثلاً حضرت امام (ره) - که معمار انقلاب بودند - راجع به مذمت نهضت آزادی و مصدق (در صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۵) بیانات شدید اللحنی ایراد فرمودند؛ اما متأسفانه امروزه در جامعه ما آنها ترویج می شوند. هم چنین راجع به رابطه با آمریکا، سلمان رشدی، قانون اساسی، ولایت فقیه و... سفارش هایی داشتند که متأسفانه امروز حتی در

حد یک شعار هم به بعضی از آنها نگریسته نمی شود. در زمان حیات آن عزیز هم مسائل مشابهی وجود داشت؛ مثلاً درباره مالیات، خمس، جنگ و... گروهی زیربار نمی رفتند. پس کسی واقعا در خط امام است که فراجناحی فکر کند و خود را محصور به افکار و خط مشی های جناحی خاص ننماید و سیره قولی و عملی امام(ره) را برنامه زندگی خود قرار دهد.

درباره صدا و سیما هم اگر اشکالی دارید باید ایرادات خود را به صورت جزئی و ریز، ذکر کنید و... البته خود ما نیز اشکالات فراوانی نسبت به بعضی از برنامه های آن سازمان داریم؛ ولی باید فراجناحی اندیشید و بدون هیچ پیش داوری، درباره راه های رشد و بالا بردن کیفیت برنامه های صدا و سیما، طرح ارائه داد.

درباره ابراز احساسات با کف زدن، باید گفت که موارد آن فرق می کند؛ مثلاً کف زدن برای تشویق محصلان، ورزشکاران و سخنرانان فی نفسه اشکال ندارد؛ ولی اگر کسی به ضروریات دین و اعتقادات مذهبی اهانت کند یا

حرف باطلی بزند و برای او کف بزنند، این مصداق همان حدیث است که: «راضی به گناه گنهکار مانند انجام دهنده آن گناه است»؛ زیرا با کف زدن اعلام می کنیم که ما هم آن اهانت را قبول داریم. البته تقسیم بندی مذکور مختص به کف زدن نیست و در صلوات و تکبیرهایی که در جلسات مختلف گفته می شود نیز جاری است. از این رو اگر صلوات هم برای استهزای دیگران یا هو کردن شخصی و یا تأیید باطلی باشد، اشکال دارد.

درباره مطبوعات نیز گفتنی است که اصل حساسیت نسبت به مطبوعات کار صحیحی است؛ زیرا مطبوعات با فرهنگ دینی، سیاسی، اجتماعی و فردی اشخاص سر و کار دارند

و می توانند نقش مهمی در شکل دهی باورهای جامعه ایفا نمایند؛ مخصوصاً در زمان فعلی که خوشبختانه شاهد افزایش کمی مطبوعات هستیم. پس باید مراقب کیفیت آنها نیز بود و برای ارتقای سطح کیفی آنها برنامه ریزی کرد. متأسفانه امروزه در خیلی از اینها احکام اسلام صریحاً رد می شود و به جای اجرای احکام الهی، راه هایی غربی پیشنهاد می گردد؛ به طوری که تحجّر و عقب ماندگی دین را امری مسلم والگوهای غربی را مدینه ای فاضله جلوه می دهند، یا غرایز جوانان را تحریک می نمایند بدون این که راه صحیحی برای برآوردن خواسته های آنان پیشنهاد گردد. بسیاری از این نشریه ها مروج خودباختگی ها، ابتذال سیاسی، باندبازی ها، ابتذال فرهنگی و اخلاقی و... هستند. خلاصه نقد و ردّ نظریات بنیانگذار انقلاب اسلامی و رواج داستان های عاشقانه غربی با پیام های ضد اخلاقی، ترویج سیاست منهای دین و... از مسائلی است که برخی از مطبوعات بدان ها کمر همت بسته اند. شاید شما فقط کیهان و اطلاعات را می بینید که آسوده خاطرید، آیا می دانید در نشریات ما حتی عکس انسان بدون هیچ گونه پوششی و به صورت لخت به چاپ رسیده است؟ یا در بعضی دیگر اصولی ترین مبانی انقلاب اسلامی نفی و ردّ شده است آن هم نه به صورت بحث علمی بلکه به شکل یک حرکت تبلیغاتی و عوام فریبانه .

\*و مسائلی دیگر از این قبیل ..... در دیدگاه کلی برای از بین بردن یک جامعه ابتدا باید آن جامعه و ملت از فرهنگ و آیین خویش دور ساخت که در او این مرحله ایجاد شبهه است و... سرانجام خود زمینه بی هویتی فراهم کرده، آن گاه یک هویتی متزلزل جایگزین شود، آن جامعه از درون بی ثبات می شود و اقدامات بعدی دشمن را آسان می

کند، هر چند آن جامعه دارای فرهنگ غنی باشد (دیرباز)»\*

## پوشیدن لباس های مد به تقلید از غرب چه عواقبی دارد؟

### پرسش

پوشیدن لباس های مد به تقلید از غرب چه عواقبی دارد؟

### پاسخ

مد گرایی غربی با انگیزه های مختلف صورت می گیرد:

الف) تحمیل فرهنگ خویش به دیگران،

ب) بازاریابی برای اجناس خود،

ج) جامعه را از مسیر صحیح و پاک به انحراف و آلودگی کشاندن،

د) سنت های بجا و صحیح را از امتی گرفتن و سنت های ناپسند و احیاناً خرافی را جایگزین آن ساختن،

ه) از طریق سنت های یک ملت وارد شدن ولی آن را از دورن مسخ کردن.

شاید اطلاع داشته باشید که برای ساختن این مدها، مدت ها و ساعات زیادی متخصصین روان شناس، جامعه شناس و... به مطالعه می پردازند و راجع به تأثیری که مد خاصی می تواند در یک جامعه از خود به جای گذارد، آینده نگری و تحلیل می کنند وقتی تصویب شد، با شگردهای عجیبی به تبلیغ آن می پردازند. جهت اطلاع از شگردهای تبلیغی شایسته است «مبانی تبلیغ» از دکتر حسن زورق و همچنین «روش تبلیغ» از محمد تقی رهبر، را مورد مطالعه قرار دهید. آنجا ملاحظه خواهید فرمود که چگونه برای جازدن یک شیء مضر نظیر سیگار و مواد مخدر یا نظایر آن از طریق عکس های شرطی و به خصوص از قیافه سक्स زن ها استفاده می کنند.

نکته دیگر در این راستا، این است که آنها به رنگ و مدل کفش، لباس، کیف و کمر بند اکتفا نمی کنند؛ بلکه ملتی را در این گونه مسائل مجذوب خود می سازند و به تقلید خود درمی آورند، سپس به تدریج سراغ افکار و اندیشه و ایده یک ملت آمده و آن را هم به طرف خود جذب می کنند.

چادر به عنوان حجاب اسلامی یک سنت نیکو و پسندیده است. فراموش نمی کنیم که در زمان طاغوت ناگهان بازار اسلامی، پر از چادرهای بدن نما شد و... حال

ساده اندیشی و خامی است اگر ما فکر کنیم که آنها در به وجود آوردن مدروز به نقطه خاصی اکتفا می کنند. طبیعی است که چنین نخواهد بود. اگر امتی به نام مد و طرح روز به دنبال آنها راه بیفتد، تا نهایت هرزگی و فساد پیش خواهند رفت. ملاحظه کنید امروزه در غرب (اروپا و آمریکا) در زمینه شهوت پرستی و فساد جنسی و طرح لباس های سکس به نام تمدن و تجدد چه خبر است؟ این ویژگی و خصیصه انسان است که در هر وادی جلو رفت، حد نهایی برای خودش نمی شناسد.

« بل پرید الانسان لیفجر امامه »؛ انسان می خواهد هرمانعی را از سر راهش بردارد (سوره قیامت ، آیه ۵). اگر به وادی کمال قدم گذاشت تا بی نهایت پر می کشد و اگر به وادی فساد و انحطاط قدم نهاد، در آنجا هم تا بی نهایت جلو می رود، به گونه ای که نمی توان آنها را در جایی متوقف کرد. ناگفته پیداست که بشر تنوع طلب است و از یکسانی خسته می شود. قرآن کریم نیز به این نکته توجه داشته است که می فرماید: «مختلفاً الوانه» (سوره نحل ، آیه ۱۲). گیاهان و میوه ها با رنگ ها و گونه های مختلف برای شما آفریده ایم یا بشر در نژادها و قبائل گوناگون آفریده شده است و... راستی اگر همه چیز یکسان بود (یک رقم گیاه، یکنژاد، یک زبان) و دیگر هیچ در آن صورت چه لطفی باقی می ماند؟

حال با توجه به تنوع طلبی انسان، مدل لباس و طرح کیف و کفش و ساختمان و ماشین و ... اگر با موازین شرع و سنت های نیک ما، تضادی نداشته باشد، نمی توان تا این حد بر آن ایراد گرفت.

حرف ما در این است که چرا ما خودمان طراح مد و مدل روز نباشیم؟ چرا افراد مبتکر و خلاق جامعه ما سعی نمی کنند تا طرح جدیدی را ارائه دهند. و اصولاً این یکی از ایرادهای ماست که نسبت به این گونه مسائل آن قدر منتظر می مانیم تا دیگران با طرح جدید خود بر ما یورش آورند. آن گاه مبتکران ما بعد از فشار زیادی که از افکار عمومی متوجه آنها می شود، تازه دست به کاری می شوند که مثلاً مدل فلان ماشین یا طرح ساختمانی و یا شیوه لباس قشر خاصی را تغییر دهند. در حالی که اگر ما در این راستا ابتکار عمل را به دست گیریم، چه بسا بتوانیم فرهنگ خویش را برای دیگران اسوه و الگو قرار دهیم. همچنان که در برخی از جهات چنین بوده است. به هر حال نسبت به مسأله «مدگرایی» خیلی باید هوشیار بود و از اینکه زمام فرهنگ و سنت و فکر خویش را به نام تمدن و تجدد، به دست مدهای غربی بسپاریم به شدت پرهیز کنیم.

### **دلیل گرایش جوانان به الگوهای بیگانه چیست ؟**

#### **پرسش**

دلیل گرایش جوانان به الگوهای بیگانه چیست ؟

#### **پاسخ**

گرایش به الگوهای بیگانه ناشی از امور زیر است:

- ۱- عدم شناخت کافی از ارزشهای بومی،
- ۲- عدم درک صحیح و ژرف از ارزش های بیگانه و ماهیت آنها،
- ۳- سرخوردگی اجتماعی،
- ۴- لابیگری و پوچ گرایی.

}]

### **علت این که جوامع مختلف به پوشیدن لباس های تنگ و کوتاه روی آورده اند چیست ؟**

#### **پرسش**

علت این که جوامع مختلف به پوشیدن لباس های تنگ و کوتاه روی آورده اند چیست ؟

علت اساسی آن گسترش فرهنگ غربی به ویژه در بخش لذت گرایی و هوس رانی مادی آن است. در فرهنگ مادی، حقیقت والا و گوهر شریف روحانی انسان و سیر و صعود معنوی فرو گذاشته می شود و تن آرای و شهوات پست و حیوانی، اصالت و اعتبار تام داده می شود. این وضعیت یکی از چیزهایی است که در نصوص اسلامی به عنوان «مفاسد آخر الزمان» بیان شده است. }

### علت ترویج فرهنگ غرب در بعضی موارد با توجه به اینکه ما یک کشور اسلامی هستیم چیست ؟

#### پرسش

علت ترویج فرهنگ غرب در بعضی موارد با توجه به اینکه ما یک کشور اسلامی هستیم چیست ؟

#### پاسخ

این موضوع عوامل متعددی دارد که به توضیح برخی از مهم ترین آنها می پردازیم:

۱. تغییر هنجارهای اجتماعی از ارزش های دینی و معنوی به ارزش های مادی و سودانگاری در اثر برخی اقدامات اقتصادی و در پیش گرفتن مدل توسعه ای می باشد که باعث بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از ارزش های اسلامی گردیده است.

۲. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در چندین سال گذشته و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی نداشتند و استفاده از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجب نشر و ترویج فرهنگ فاسد و منحط دوران پهلوی و ارزش های حاکم بر جوامع غرب زده گردید و اوضاع فرهنگی کشور به شدت مسموم شد؛ به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدیدی به مسئولین فرهنگی داده،

نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

۳. کم کاری نیروها و دستگاه های انقلابی در تصدی مدیریت های اجرایی، فرهنگی و ...

۴. ضعف نظام گزینش و نظارتی دقیق و مستمر.

۵. تهاجم گسترده و همه جانبه ی غرب به ارزش های اسلامی و ملی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای

عقیدتی در مردم و شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژیکی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری ، عناصر وابسته ی داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... .

توجه به این نکته لازم است که در جامعه ی اسلامی



هرگز چنین اعمالی که مخالف ارزشهای اسلامی باشد، اجازه فعالیت داده نمی شود و اگر مسئولی یا دستگاہی خود سرانه این عمل را انجام داد، نباید به حساب کل نظام گذاشته شود؛ بلکه نظام اسلامی چنان که از ابتدا تاکنون نشان داده است در مبارزه با این مفسد تلاش کرده و هزینه های زیادی را پرداخته و اقدامات چشمگیری را انجام داده است. اگر هنوز این مفسد در جامعه وجود دارد، ناشی از گستردگی و حجم تهاجم فرهنگی غرب و وجود عواملی است

که به آن اشاره شد، اما در مورد پدیده غربگرایی باید گفت که: مسأله غرب گرایی و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای اسلامی پدیده ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می نمایم:

نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می دهد که هر چه احساس بی هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش های حاکم در جامعه بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه های غربی رپ و هوی متال و... بیشتر می شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه پذیری، فراهم

نکرده است، گرایش های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط

نظام های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی های شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها

جلوه گر شده است. از جمله عواملی که زمینه های این روند را فراهم نموده و به آن شدت می بخشد عبارتند از:

۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی استوار دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است.

۲- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن از آنها.

۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب زده و مطبوعات وابسته به خارج و...).

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.

در مورد راه های مبارزه با غرب گرایی باید گفت: واقعیت این است که غرب گرایی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه ریزی های منظم و سازماندهی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا دستگاه های

فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم، بر اساس برنامه ای دقیق، حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- تحقق باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی...

در هر صورت

امید می رود تا انشاءالله با اصلاح ساختار و نظام مدیریتی کشور و دقت در گزینش مدیران اجرایی و نظارت دقیق و مستمر بر عملکرد آنان و برخورد قانونی مراجع ذی صلاح با متخلفان به هیچ وجه شاهد این گونه رفتارها و اقدامات مغایر ارزش های اسلامی و متناقض با اهداف و آرمان های نظام اسلامی در جامعه نباشیم.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۲- انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم

۳- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی)

۵- فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد

۶- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه

### **دلیل رواج بی حجابی در شهرهای بزرگ ایران چیست؟**

#### **پرسش**

دلیل رواج بی حجابی در شهرهای بزرگ ایران چیست؟

#### **پاسخ**

در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در سراسر کشور از جمله شهرهای بزرگ و نیز مخصوصا در دانشگاه ها ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حساب شده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود:

الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم ترین آنها عبارت است از:

۱. از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا»، (انسان، آیه ۳).

بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما که بسیاری از احکام، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین

شده و جای هیچگونه عذر و بهانه ای نیست بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت است و... می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان

و... نمود پیدا می کند.

در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می گردد. بر اثر خودباختگی ملاک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه های عالی و معرفت صحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می دهد.

یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می باشد. قرآن کریم می فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم...» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱).

۲. ریشه های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترش این معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه ها و

ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد.

۳. کوتاهی و بی توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.

گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد.

۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و... گردید.

۵. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد

اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب.

مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد:

۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد.

۲. کار بنیادی فرهنگی. مسلماً برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش



اسلامی صرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه ها نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شئونات اسلامی، راه کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسئولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکبوی صفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش های اسلامی در دانشگاه ها باشیم، ان شاءالله.

ناگفته نماند بسیاری از ناهنجاریهای اجتماعی از جمله بدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسیاری از مفاصل اجتماعی هستند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف

صورت می پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجام دهند. فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی به شکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی

۲. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد

۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها

۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

### **علت پائین آمدن سن تماشای فیلم های مبتدل در جامعه چیست؟ و چه کسانی این فیلمها را وارد می کنند؟**

#### **پرسش**

علت پائین آمدن سن تماشای فیلم های مبتدل در جامعه چیست؟ و چه کسانی این فیلمها را وارد می کنند؟

#### **پاسخ**

گر چه پاسخ به این سؤال چندان دشوار نیست و مواردی را می توان بر شمرد که می توانند نقش تعیین کننده ای در موضوع مورد بررسی یعنی کاهش سن در تماشای فیلمهای مبتدل، داشته باشد اما توجه به این نکته مهم است که این سؤال شما در واقع یک ادعایی است که نیازمند به یک پژوهش و تحقیق میدانی است، واقعا استناد شما به اینکه تماشا کنندگان فیلمهای مبتدل در جامعه بالا رفته است، چیست؟ آیا خود شما در این زمینه یک تحقیق علمی انجام داده اید یا دیگران تحقیق کرده اند و شما به تحقیقات دیگران استناد می کنید یا اینکه با مواردی که در شهر و یا محله خودتان برخورد داشته اید و آنرا به همه جامعه تعمیم می دهید. بنابراین مسئله شقوقی دارد و جواب نیز باید بر اساس شقوق مسئله باشد سؤال شما حاکی از اینست که خود شما تحقیقی در این زمینه انجام نداده اید و همچنین دیگران نیز اگر تحقیقی انجام داده اند حداقل شما به آن تحقیقات استناد نکرده اید بنابراین جواب ما مبتنی بر شق سوم است یعنی شما اجمالا به مواردی برخورد کرده اید که کودکان و افراد کم سن و سال فیلمهای مبتدل تماشا می کرده اند و بر همین اساس تصور شما اینست که بقیه جامعه نیز اینچنین است با این فرض باید گفت که این آسیب فرهنگی - اخلاقی - اجتماعی علل گوناگون و متعددی می تواند داشته باشد که به آنها اشاره

می

شود:

۱ - گسترش روز افزون و نامتناسب صنعت و بکارگیری آن در ترویج فرهنگ مبتدال.

۲ - رعایت نکردن والدین و خانواده‌ها در تماشای این فیلمها یعنی اگر حداقل خانواده‌ها این فیلمها را که برای خود آنها نیز مضر است در یک ساعتی از شب یا روز تماشا می‌کردند که کودکان مدرسه هستند یا بخواب رفته‌اند تا حدود زیادی از گسترش آن در میان کودکان و نوجوانان جلوگیری می‌شد.

۳ - کاهش سطح باورهای دینی و بعبارتی دیگر تضعیف ایمان مذهبی عامل بسیار مؤثری در گسترش مبتدال فرهنگ مبتدل در نوجوانان و کودکان است.

۴ - بیکاری و عدم تفریح‌های سالم نیز مؤثر است البته عوامل دیگری نیز در این مسئله دخیل هستند. اما اینکه فرمودید چه کسانی این فیلمها را وارد می‌کنند:

۱ - تمام کسانی که دنبال سودجویی و منافع خودشان هستند.

۲ - عوامل نفوذی که در سطوح مختلف به ویژه در نهادهای فرهنگی جامعه وجود دارند.

۳ - افراد غافل و از خدا بی‌خبر و بی‌دین که با سفر به کشورهای دارای فرهنگ مبتدال، آنها را به عنوان سوغات به داخل کشور می‌آورند این افراد ممکن است هیچگونه سود شخصی هم عایدشان نشود بلکه هزینه‌ها داشته باشد ولی فقدان ایمان مذهبی و عدم ثبات شخصیت آنها باعث می‌شود که چیزهای ضد فرهنگی را فرهنگی تلقی کنند و آوردن این برنامه‌ها از خارج و تماشای آنها را نشانه با فرهنگ بودن، بدانند. عوامل مؤثر دیگری نیز ممکن است وجود داشته باشد که فعلا مجال بر شمردن آنها نیست. در هر حال اصل این

سؤال نیاز به یک تحقیق دقیق دارد که صرفاً یک ادعا و تعمیم دهی نباشد آنگاه می توان بر اساس آن سؤال دقیق علمی پاسخ مناسب نیز ارائه داد.

## ابزار و روشها تهاجم فرهنگی

### با این وضع حجاب در دخترخانم های جوان و ظاهر نامناسب پسرهای جوان آینده دین را چگونه می بینید؟

#### پرسش

با این وضع حجاب در دخترخانم های جوان و ظاهر نامناسب پسرهای جوان آینده دین را چگونه می بینید؟

#### پاسخ

و با تقدیر و تشکر از شما به خاطر ارتباط با مؤسسه، در خصوص سؤال شما باید عرض کنم؛

از جمله شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد و منکرات به شکلهای مختلف در جوامع اسلامی می باشد و یکی از نمونه های بارز آن شیوع بدحجابی و بی حجابی در میان زنان مسلمان است چرا که اخلاق و عفت عمومی جامعه با تحریف زنان و جوانان نسبت به مسأله حجاب و آزادیهای اجتماعی آنها آسیب پذیرتر می گردد. اصولاً جلوگیری از مفاسد اجتماعی کار آسانی نیست و دولت هم به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ یک جامعه با اندیشه ها و باورها و اعتقادات مردم سروکار دارد. درخصوص مبارزه با پدیده شوم بدحجابی و بعضاً بی حجابی و فساد اخلاقی همه افراد جامعه اسلامی باید با کار فرهنگی قدم اساسی در رفع این معضل بردارند و نباید مأیوس شد چرا که زندگی هدفدار و معنادار یعنی مبارزه با فساد و تباهی ها و گام برداشتن برای اصلاح جامعه؛ می توان با تشکیل هسته های فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه به روشنگری پرداخت البته انتظار نتیجه فوری نیز نباید داشت. با احیای اصل حیاتی امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط آن هر کس می تواند گامهای مؤثری در جهت محو و نابودی منکر بردارد. و بدانید که مبارزه حق و باطل همواره در طول تاریخ بشر وجود داشته و مخصوص زمان و مکان معینی نیست امام سرانجام پیروزی نهایی باحق خواهد

بود بفرموده قرآن کریم: "بل نقذف بالباطل فیدمغه فاذا هو زاهق" (ما حق را بر سر باطل می کوبیم تا آن را نابود و هلاک سازد و باطل محو و نابود خواهد شد).

و یا در سوره رعد آیه ۱۷، باطل را به کفهای روی امواج تشبیه می کند که چند صباحی خودنمایی و جولان دارند اما این کفها نه هرگز تشنه ای را سیراب می کند و نه درختی را می رویاند باطل پرسروصدا و پرغوغاست ولی توخالی و بی محتوا و نابود شدنی است. مطمئن باشید قدرت خدای متعال و تقدیر او بی تردید از حرکت پاک انقلاب اسلامی حمایت کرده و به شکلی که صلاح حضرت حق باشد جریانات باطل را که مانع اصلی اشاعه معنویت و گسترش انقلاب اسلامی است سرکوب خواهد کرد چرا که این انقلاب با خون شهدای بسیاری بیمه شده و با خود دعای صالحان و اولیای خدا را به همراه دارد. پس نگران و مأیوس نباشید بلکه سعی و تلاش جدی خویش را بکار گیرید تا الگوی رفتاری مناسبی لاقلاً برای فرزندان خود باشید تا آنها را از این گونه آسیبها نجات بخشید.

البته این نکته نیز قابل تأمل است که درصد جوانان پاک، معتقد و متدین در جامعه کم نیست. یکی از وجوه تبلیغ حجاب در جامعه این است که جوانان پاک در جامعه بیشتر ظهور داشته باشند و با حضور خود در اماکن مختلف شهر و مراسمات مختلف جوّ تبلیغی دشمن را از بین ببرند چرا که دشمنان اسلام و انقلاب در صدد این هستند که اکثریت جوانان را بی بندوبار جلوه دهند ما علاوه بر تدوین یک برنامه

ریزی دقیق برای تبلیغ حجاب در سطوح مختلف از خانواده تا جامعه باید حضور خود را در مجامع مختلف بیشتر نشان دهیم تا سبب دلگرمی متدینین و معتقدین نظام اسلامی شود.

### نوارهای مبتذل به چه نوارهایی می گویند؟

#### پرسش

نوارهای مبتذل به چه نوارهایی می گویند؟

#### پاسخ

نوارهایی که انسان را از راه راست و صراط مستقیم دور می سازد و مسیر حرکت تکاملی انان را عوض می کند؛ از جمله نوارهای مبتذل محسوب می شوند. این گونه نوارها انسان را از خدا غافل و روح بی ایمانی را در او تقویت می کند، غریزه شهوت را در انسان بر می انگیزد و به اخلاق وی آسیب می رساند.

بنابراین، نوارهای موسیقی و ترانه های شهوت برانگیز که مناسب با مجالس لهو و لعب است، از دیدگاه فقهای اسلامی (نوارهای مبتذل) می باشند.

### چرا بی حجابی روز به روز بیشتر می شود؟

#### پرسش

چرا بی حجابی روز به روز بیشتر می شود؟

#### پاسخ

۱- اولین عامل بی حجابی، بی تقوایی و عدم رسوخ ایمان در روح و جان خانم های بی حجاب است، زیرا اگر ایمان به خدا و روز جزا و اعتقاد به قرآن و احکام آن که یکی از آن ها حجاب است، کامل باشد، انسان باور می کند که دستورهای خداوند حکیم صد در صد به نفع فرد و جامعه می باشد و تخلف و سرپیچی از آن فرامین در دنیا موجب بدبختی و در آخرت باعث عذاب و خذلان خواهد شد. با چنین باوری قهراً انسان از ارتکاب معاصی که یکی از آن ها بی حجابی است، خودداری می کند. پس در درجه اول باید خانواده ها سعی کنند افراد با تقوا تحویل جامعه نمایند و عوامل تبلیغاتی هم به جد مردم را تقوا و پاکی دعوت کنند.

۲- دومین عامل بی‌حجابی، ترک امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر دو وظیفه بزرگ اجتماعی است؛ یعنی مؤمنان جامعه اسلامی موظفند که مردم را به نیکی‌ها دعوت کرده و از بدی‌ها بازدارند که انجام این دو فریضه مهم الهی، عامل فلاح و رستگاری جامعه اسلامی است و با به فراموشی سپردن این وظیفه مقدّس، افراد نالایق و بی‌تقوا با تظاهر به اعمال خلاف و ناشایسته، جامعه را آلوده کرده و تباہ می‌نمایند. امیرمؤمنان(ع) در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: "تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون آب دهان است در برابر دریای پهناور". (۱)

این همه تأکید در مورد امر به معروف و نهی از منکر به خاطر این است که آن دو ضامن اجرای بقیه وظایف فردی و اجتماعی است و با تعطیل آن‌ها تمام احکام و اصول اخلاقی ارزش خود را از دست خواهد داد.

۳- سومین چیزی که ممکن است برخی را به بی بندوباری از جمله بی حجابی بکشاند، خیال یا مشاهده بی عدالتی و سوء استفاده های مالی و مقامی از سوی عده ای از مسئولان نظام اسلامی می باشد که بعضی می خواهند با ارتکاب اعمال خلاف در مقابل این گونه کارها عکس العمل نشان دهند.

پی نوشت ها:

۱. نهج البلاغه (فیض الاسلام)، کلمات قصار، شماره ۳۶۶، ص ۱۲۵۳.

### هدف دخترها از پوشیدن لباس های غیر اسلامی چیست؟

#### پرسش

هدف دخترها از پوشیدن لباس های غیر اسلامی چیست؟

#### پاسخ

پوشیدن لباس های غیر اسلامی، عوامل متعددی دارد، از جمله:

۱ - نداشتن درک و شناخت صحیح و کامل از حجاب و فلسفه آن.

برخی از دختران و زنان توجه نشده اند که رعایت حجاب شرعی از واجبات دین است و مثل نماز و روزه و دیگر واجبات رعایت آن ضروری است و از شرایط ایمان می باشد.

۲ - نداشتن تربیت صحیح،

در خانواده و محیطی پرورش یافته که حجاب برای آنان مسئله مهمی نبوده و توجهی به آن نداشته اند یا برای آنان محرم و نامحرم و مقررات اسلامی مطرح نبوده است.

خلاصه این گونه بزرگ شده است و هدف دیگری در کار نیست.

۳ - تقلید کورکورانه.

یکی از تمایلات طبیعی نوجوانان و جوانان، "تقلید" است. آنان برای ساختن شخصیت خویش و برگزیدن صفات لازم و



سازگار با اجتماع، از دیگران تقلید می کنند و روش آن ها را برنامه کار خود قرار می دهند.

تقلید یکی از ارکان اساسی تری بشر است و انسان باید از آن در زندگی بهره مند گردد، اما به شرطی که از افراد منحرف و آلوده پیروی ننماید، زیرا دچار خطا و گمراهی شده و از مسیر فضیلت و مصلحت منحرف می شوند.

برخی از دختران متأسفانه از زنان بدحجاب و یا بی حجاب پیروی کرده و آن ها را الگوی زندگی خود قرار می دهند و می بینیم با پوشش غیر اسلامی وارد اجتماع می شوند.

۴ - جبران احساس حقارت.

یکی دیگر از تمایلات طبیعی نوجوانان و جوانان تشخیص طلبی و برتر جویی است.

این خواسته اگر در مسیر صحیح هدایت شود، می تواند آنان را به کمال سوق دهد و استعدادها را به فعلیت بیاورد.

اگر

در راه درست راهنمایی نشود و جوانان به افراط و تندر روی بگرایند، موجبات تیره روزی آنان را فراهم می سازد. هر جوانی طبعاً میل دارد در جامعه شهرت و آوازه پیدا کند. مورد توجه دیگران قرار بگیرد و همه از او تمجید کنند، ولی نمی دانند راه شهرت این نیست. می توان گفت: میل شدید نوجوان به جلب توجه دیگران و سرفرازی، عکس العمل احساس حقارت می باشد.

نوجوانی که در کودکی محبت بیش از اندازه دیده و لوس بار آمده و اکنون در جامعه به وی اعتنا نمی شود، عملاً تحقیر می شود. نوجوانی که در طفولیت مورد بی مهری پدر و مادر بوده و عزت نفسش سرکوب شده دست به کارهای ناشایسته می زند.

نوجوانی که به علت تنبلی یا نارسایی عقل و هوش از تحصیل عقب افتاده یا به خاطر نقص عضو و برخوردار نبودن از زیبایی احساس کمبود می کند، یا در محیط خانواده و اجتماع مورد ظلم قرار گرفته، دچار کج رفتاری می شود.

نوجوانی که در خانه و بیرون تحت کنترل شدید و خشک پدر و مادر و افراد خانواده بوده، یا ضمیر آرام ندارد و در خود احساس کوچکی و حقارت می کند، به فکر جبران آن می باشد (۱) و می خواهد از هر طریقی شخصیت خود را نشان دهد و مورد توجه همگان قرار بگیرد، حتی اگر از طریق بی حجابی یا بد حجابی باشد.

#### ۵ - عمل بیگانه؛

احتمال دارد دشمن سرسخت نظام ارزشمند جمهوری اسلامی برای ضربه زدن به نظام و مخالفت با قوانین اسلامی و ناموفق جلوه دادن آن، عده ای را اجیری کرده باشد که با بعضی اعمال مثل بدحجابی؛ اعمال خلاف عفت و چهره نظام

را مشوه نماید.

پی نوشت ها:

۱ - جوان، فلسفی، ج ۱، ص ۴۰۲ - ۴۱۶.

**دشمن از چه راه هایی می خواهد جوانان را؟ به فساد بکشاند و از اسلام دور سازند؟**

**پرسش**

دشمن از چه راه هایی می خواهد جوانان را؟ به فساد بکشاند و از اسلام دور سازند؟

**پاسخ**

دشمن برای بیرون کردن مردم مخصوصاً جوانان از صحنه از راه های مختلفی وارد شده است

۱ مواد مخدر: گسترش مواد مخدر و ترویج آن عامل مهمی در بیرون کردن قشر مهم جامعه یعنی جوانان از صحنه سیاست و اسلام است مشاهده معتادان در خیابان ها و بروز اختلافات خانوادگی و جدایی و طلاق به سبب اعتیاد نمونه هایی از این مسئله است .

۲ ترویج فرهنگ ابتذال گسترش و کثرت فیلم ها و سی دی های مبتذل و برنامه های ماهواره ای بزرگ ترین و خطرناک ترین عامل به فساد کشاندن جوانان محسوب می شود .

۳ ترویج فرهنگ اباحی گری و به اصطلاح تبلیغ از تساهل و تسامح و تشکیک در مبانی اعتقادی مردم در سال های اخیر از طریق برخی روزنامه ها و مجلات و هفته نامه ها و سیاسی کردن همه چیز و هجوم گسترده و پی در پی به آن چه عامل پیروزی انقلاب اسلامی شد، نیز تشکیک درباره برخی از تصمیمات گذشته مانند دفاع مقدس و حمله به نیروهای مذهبی د راستای زدودن و پاک کردن افکار انقلابی و اسلامی بوده و این خطری بزرگ برای ملت شریف ایران مخصوصاً جوانان عزیز است ؛ مخصوصاً که اخیراً تز جدایی دین از سیاست را به اذهان القا می کنند؛ تزی که مسلمان را از هویت دینی و استقلال خواهی و عزت طلبی تهی می کند و آنان را برای ذلت طلبی آماده می سازد.

۵ بد عمل کردن برخی از دست اندرکاران و مجریان و مدیران مملکت آن هم در نظامی که به نام اسلام و روحانیت است یکی دیگر از عوامل

مهم دل زدگی مردم مخصوصاً جوانان است .

را به پای ناتوانی اسلام برای اداره جامعه می پندارند، در حالی که چنین نیست .

مسئولیت و ریاست به عنوان خدمت به مردم و آسان کردن کارهای اینان است نه اشکال تراشی و بی احترامی و تأخیر انداختن کارها. برخی از مدیران یا کارمندان ریاست خود را به این می دانند که مردم را اسیر گردانند؛ آنان را در سالن انتظار معطل کنند کار را مشکل و مهم جلوه دهند، در حالی که آنان مزد بگیران مردم و==== آنان هستند .

ما نباید بد عمل کردن برخی افراد را پای اسلام و نظام اسلامی بدانیم .

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

هر عیب که هست از مسلمانی ما است

**گاه گاهی مطالبی را به چاپ می رسانند منبی بر این که فلان مطلب را پیامبر در عالم خواب به شخصی فرموده و دستور داده که آن را پنجاه مرتبه چاپ کنید و هر کس این کار را نکند مثلاً فلان بلا گرفتار می شود و اگر این کار را بکند چقدر حاجات او**

**پرسش**

گاه گاهی مطالبی را به چاپ می رسانند منبی بر این که فلان مطلب را پیامبر در عالم خواب به شخصی فرموده و دستور داده که آن را پنجاه مرتبه چاپ کنید و هر کس این کار را نکند مثلاً فلان بلا گرفتار می شود و اگر این کار را بکند چقدر حاجات او بر آورده می شود و رزق و روزی فراوان می شود. آیا این مطالب صحیح است و باید به این عمل کرد؟

**پاسخ**

این گونه مطالب ریشه در تهاجم فرهنگی دارد و دست های پیدا و پنهان می خواهند ملت ما را خرافی معرفی کرده و اوقات آنها را به کارهای بی هوده بکشانند وانگهی چون مدرک منبع صحیح و معتبری ندارد نمی توان بر آن ها اعتماد کرد گر چه مطالبی که در برخی از این نوشته ها هست صحیح و مطابق با واقع است مثلاً خطاب به زن ها نوشته شده حجاب خود را مراعات کنید، به فرزندان بگویید از پدر و مادرشان اطاعت کنند. این گونه مطالب درست و صحیح است وظیفه مؤمنان این است که به امر به معروف و نهی از منکر کرده واجب مهم الهی است همت بگمارید از خویشان و فرزندان شروع کنند و اگر در افراد جامعه فساد و بدی مشاهده کردند تذکر بدهند و یکدیگر را نصیحت کنند و آنان را از خرافات و پوچی ها بر حذر دارند. قرآن درباره پیامبر(ص) می فرماید: "یا مرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر...؛" [۱] (پیامبر) آنان را به معروف امر می کرد و از منکر باز می داشت پاکیزه ها را برای آنان حلال می شمرد، ناپاکی ها را تحریم می کرد و بارهای سنگین و زنجیرهایی که بر مردم بود

از دوششان بر می داشت آن ها که به او ایمان آوردند و حمایتش کردند و یاریش نمودند

و از تنوری که با او نازل شده (قرآن پیروی کردند آنان رستگارانند).

محتوای دعوت پیامبر با فرمان عقل کاملاً سازگار است به نیکی ها و آن چه خرد می شناسد دعوت می کند و از بدی ها و زشتی ها نهی می نماید.

دعوت پیامبر (ص) با فطرت سلیم هم آهنگ است طبیعت و آنچه را که طبع سلیم می پسندد، برای مردم حلال می شمارد و آن چه خبیث و تنفرآمیز باشد، بر آنان تحریم می کند. پیامبر تنها باری بر دوش آنان نمی گذارد، بلکه بارها را از دوش آنان بر می دارد و غل و زنجیرهایی را که بر دست و پا و گردنشان سنگینی می کرد می شکند. پیامبر با خرافات موافق نیست بلکه با آنها مبارزه می کند!

در هر صورت به این نوشته ها اعتنا نکنید. و به تکثیر و چاپ این مطالب اقدام نکنید.

[۱] اعراف (۷) آیه ۱۵۷.

## راههای نفوذ دشمن در قشر جوان را برشمرد؟

### پرسش

راههای نفوذ دشمن در قشر جوان را برشمرد؟

### پاسخ

۱. سکوت نسبت به ارزش اسلامی و انقلابی مانند جهاد، شهادت، فداکاری، زهد و پارسایی و دم زدن از مفاهیمی نو مانند دموکراسی، توسعه، آزادی و... که از سویی برای همه خصوصاً قشر جوان جذاب باشد و از سوی دیگر مقدمه و تمهیدی برای از بین بردن و محو ارزش های اسلامی قرار گیرد. ۲. معرفی روحانیت به عنوان عامل مشکلات اقتصادی مردم، گرانی و تورم، کمبود وسائل رفاهی، وقوع جنگ و پیامدهای آن و وانمود کردن اینکه مسوول همه این نابسامانیها روحانیت هستند. ۳. از بین بردن حساسیت ها و غیرت دینی ۴. دین و دینداری را عامل اختلاف معرفی کردن.

## علل و عوامل پیدایش و گسترش « الحاد » را بر شمرد ؟

### پرسش

علل و عوامل پیدایش و گسترش « الحاد » را بر شمرید ؟

## پاسخ

۱- علل روانی : یعنی انگیزه هایی که ممکن است برای بی دینی و گرایش به الحاد در شخص وجود داشته باشد ، هر چند خودش از تأثیر آنها بی خبر باشد و مهمترین آنها راحت طلبی است ( در مقابل زحمت تحقیق و پژوهش در دین ) و میل به بی بند و باری ( در مقابل قبول مسئولیتهایی که دین به عهده انسان گذاشته ، و جلوگیری دین از هواپرستی ) است .

۲- علل اجتماعی : یعنی اوضاع و احوال اجتماعی نامطلوبی که در پاره ای از جوامع به وجود می آید و متصدیان امور دینی نقشی در پیدایش یا گسترش آن دارند ، در چنین شرایطی بسیاری از مردم از نظر تفکر عقلانی ضعیف هستند ، این نابسامانیها را به دلیل دخالت دینداران در وقوع آنها ، بحساب مکتب و دین می گذارند .

۳- علل فکری : یعنی اوهام و شبهاتی که به ذهن شخص می آید یا از دیگران می شنود و در اثر ضعف نیروی تفکر و استدلال ، قدرت بر دفع آنها را ندارد و کمابیش تحت تاثیر آنها قرار می گیرد.

## چه عواملی، ما جوانان را گمراه می کند؟

## پرسش

چه عواملی، ما جوانان را گمراه می کند؟

## پاسخ

ما این عوامل را به دو عامل خارجی و داخلی تقسیم می کنیم .

عامل خارجی همان برنامه ریزیهای غرب است که به خاطر دستیابی به منابع مادی و اقتصادی ما نیاز به سرگرمی و انحراف سرمایه های توانمند یعنی جوانان دارد. آنها به سرعت انواع مدها والگوهای فاسد و ضدفرهنگی را از طریق رادیو تلویزیون، ماهواره و دوستان داخلی خود به معرض ما می گذارند. و سوگمنده این کالاهای فاسد را به نام تمدن و فرهنگ غالب می کنند و دلسوزان جامعه را خلع سلاح می کنند. در حالیکه متفکرین غربی خود این عصر را عصر ایمان عقب نشینی و بن بست مکتبهای غربی می دانند.

۲ عامل داخلی داریم که خود دو قسمت می شود یکی سرسپردگان و دلبستگان فرهنگ غربی در داخل کشور که بانوشتن مقالات داستانها و ادبیات و استانی، غذای مسمری را به آسانی به ذهن بچه های ما تزریق می کنند. متأسفانه امروز آنان نشریات متنوع هم دارند و افکار پوسیده و ناهماهنگ با تاریخ مکتب ما را به خورد بچه های مظلوم می دهند مسیحیت که در

غرب نتوانست فلسفه و جهان بینی توانایی که مغز و دل را سیراب کند عرضه کند، باصطلاح اندیشمندان غربی را واداشت که چاره ای بیندیشند و انواع انحرافات را دچار شوند آنوقت عدّه ای آن کالایی بی ارزش را برای جوانان ما به ارمغان می آورند. از آنجمله حرفهایی مثل پلورالیزم آزادی (بدون حدود) روشنفکری بدون روشندلی، سکولاریزم و... البته اندیشمندان متعمد حوزه و دانشگاه در مقابل اینها ایستاده اند به تألیفات آن مراجعه

۰۳ از آنجا که نباید همه گناهها را به گردن بیرون گذاشت معترفیم که انسان با نفسی

۳

تنوع خواه روبروست که اگر با معرفت و عبادت و عشق الهی جهت نیابد. آدمی را به راحتی به انحراف می کشاند چون این دزد در خانه است.

(ان النفس لاماره بالسوء).

شیطان و جلوه های دنیا اگر شناسائی نشوند و با عبرتها و ایمان محکم مسدود نگردند بزرگترین عامل گمراهی می شوند. چنانکه مجاهدان دیروز را به منافقان امروز تبدیل می کنند.

برای ایمانی که دارید کار کنید و به تقویت آن پردازید. خداوند خودیاری خواهد داد. و الا این یک قانون است، ایمان بی تحرک به کفر می پیوندد (طلحه و زبیر) و کفر و متحرک به ایمان (حرّبن یزید).

۰۴ نقش دوستان و معاشران را دست کم نگیرید بزرگان فرموده اند انسان بر دین دوست خود می باشد. آدمی که در تاریکی می رود برای خود دنبال همراه می گردد. لازم است اگر توانمند بر تغییر دوستان ناباب نیستیم از آن... جدا شویم.

۰۵ بعضی از نوشته های مفید در این مورد را حتماً بخوانید و بر دیگران توصیه کنید.

کتاب جوان حجه الاسلام فلسفی (ره) با جوانان وطنم نوشته مهدی شجاعی پشت دیوار ندامت (از انتشارات کیهان)....

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴

**با توجه به گذشت ۲۳ سال از پیروزی انقلاب و با توجه به برقراری حکومت اسلامی چرا سطح فساد در جامعه نسبت به سال ۱۳۵۸ رو به افزایش می باشد؟**

**پرسش**

با توجه به گذشت ۲۳ سال از پیروزی انقلاب و با توجه به برقراری حکومت اسلامی چرا سطح فساد در جامعه نسبت به سال ۱۳۵۸ رو به افزایش می باشد؟

**پاسخ**



آیت الله مصباح در پاسخ به این سؤال می فرمایند: "این سؤال درباره حکومت امیرالمومنین ( نیز مطرح می شود. مطابق معتقدات دینی، امیر المومنین علی ( معصوم است . در حقانیت و مشروعیت حکومت علی هیچ تردید و شبهه ای میان فرقه های مختلف اسلامی وجود ندارد. نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت، میزان موفقیت آن حضرت را در ایجاد پایداری ای..... آل نشان می دهد. جنگهای داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی به کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت شده، کثرت مشکلات، گسترده‌گی بدعتها و سنت های فاسد و آلودگیهای مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی، زمینه های این وضع را فراهم آورده بود. در همان حال علی ( شایسته ترین فرد برای حکومت در اوضاع آن روز بود. اکنون نیز در نظام جمهوری اسلامی مشکلات فراوانی به چشم می خورد. مثلا مشکلات اقتصادی کشور.

توضیح آنکه: جمعیت تاکنون دو برابر شده، قیمت کالاها متناسب با تورم جهانی بالا رفته است ولی قیمت نفت به کمتر از یک سوم تنزل یافته است. فرهنگ مصرف جامعه بسیار تغییر کرده و سطح توقعات، به نحو چشمگیری بالا رفته، تحریمهای اقتصادی، جنگ و ویرانیهای بسیاری که بر کشور ما تحمیل شد. گروهی از ارزشمندترین تربیت یافتگان در حوادث آغازین انقلاب به شهادت رسیدند بزرگانی چون شهید بهشتی ، شهید مطهری و افزون بر این، دخالت دشمن در ایجاد فضای آلوده فرهنگی برای نسل جوان و ... در

نابسامانیهای فرهنگی تأثیری عمیق گذاشت با این همه این مشکلات و نارساییها مشروعیت نظام را زیر سؤال نمی برد" (۱)

پاسخی که ارائه شد نسبتاً کامل است اما عوامل دیگری هم وجود دارد که می توان آنها را به عنوان علت‌های مهم ضمیمه کرد. به طور کلی قبل از پیروزی انقلاب مردم ایده ها و آرزوهایی داشتند اما وقتی به آن دست یافتند عملاً دیدند که برای نگهداری و حفظ این مرحله مشکلات زیادی دارند "ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا" (۲) بودند که زیر سیطره ظلم و محرومیتها زندگی می کرده اند اما بعداً وقتی این مردم به واسطه رهبری الهی از یوغ استعمار و ظلم نجات پیدا کردند خودشان حاکم و وارث شدند. بنابراین این دو دوره با هم متفاوت است. در دوره اول مردم به خاطر قرار داشتن در موقعیت محرومیت و ظلم در یک وضعیت روحی خاص قرار داشتند لذا برای رها کردن خودشان تلاش می کردند ولی در دوره جدید چون مردم در حقیقت می خواهند خودشان وارثانی باشند که حکومت در دست آنها باشد و در یک دوره راحتی و آسایش قرار می گیرند. آمال، ایده ها که قبلاً داشتند در این دوره به خاطر برداشته شدن آن فشارها عوض می شود. شاهد بر این مطلب آیه شریفه قرآن است که می فرماید: "ان الانسان ليطغى ان رآه استغنى" (۳) در این آیه به تصریح در مورد این دوره آمده که وقتی انسان به استغنا و بی نیازی می رسد طغیانگر می شود. در داستان انبیا می بینید همان مردمی که مظلوم بودند حاکم می شوند و بعد از مدتی ایده ها فراموش

می شود و همانها تبدیل به ظالمانی می شوند که به زیر دستان خود ظلم می کنند و باز آن مظلومین برای رهایی دعا می کنند و سالیانی می گذرد و باز آنها حاکم می شوند و به همین ترتیب سنت الهی ادامه پیدا می کند.

در مورد انقلاب شکوهمند اسلامی باید بگویم که این وضعیت قابل تعمیم نسبت به تمام افراد طبقه حاکم نیست، بلکه رهبران شخصیت‌های فرزانه ای هستند که از این آفت تا حدود بسیار زیادی مصون هستند و افرادی نیز هستند که این دوره عافیت برای آنها عافیت نبوده، بلکه چه بسا در سختی و فشار بیشتری قرار می گیرند و حتی آسایش گذشته را هم ندارند که اینها در پیگیری اهداف اسلامی رهروان صدیق و در حقیقت یاران مخلص رهبری محسوب می شوند ولی کل جامعه در دو دوره جنگ و صلح وضعیت متفاوتی پیدا یافته است در زمان ۸ سال دفاع مقدس شاهد بودیم که حتی جوانهایی که خیلی مذهبی بودند و افرادی عادی بودند وقتی ظلم و تجاوز و تعدی را دیدند سینه سپر کردند و همه به میدان نبرد آمدند و شهادت و ایثار جان در راه هدف یک دانشگاه آدم سازی برای همه شده بود. اما وقتی دوره عافیت فرا رسید و جنگ تمام شد اینها برگشتند. دغدغه ها، دغدغه های زندگی، تامین کار، معاش و خانه شد و آن روحیات و ثبات ایثار و فداکاری به سرو سامان دادن به وضع زندگی و تحصیل رفاه تبدیل شد، به عنوان مثال آن جوانی که در جنگ رهبری دسته و گروهی را به عهده می گرفت یا یک آرپی جی زن

بود که در شدید ترین وضعیتها از خودش فداکاری نشان می داد الان دغدغه اش تهیه یخچال، فرش و جنسهای کوپنی و ... شده است و در یک جو دیگری قرار گرفته در اینجا طبیعی است که این مرحله خیلی سخت تر از مرحله قبل است اینجا دارای عافیتی است که مصداق آیه "ان الانسان لیطغی ان راه استغنی" (۴) است چون در زمان جنگ انسان مرتب ظلم و ستم به خویشان و نزدیکان خود را می بیند و این صحنه ها حمیت و جوهره انسانی او را پر نور و تازه نگه می دارد، اما در زمان صلح و عافیت انسان غافل می شود و دغدغه های دیگری برای او بوجود می آید. لذا متذکر شدن به جوهره انسانیت دیگر مانند گذشته وجود ندارد و همه چیز، انسان را به یک حال و هوای دیگری که خاص دوره عافیت است دعوت می کند، این شرایط خیلی سخت است و انسانها حال و وضعشان عوض می شود لذا عواملی در این زمینه مؤثر است که باید آنها را به عواملی که در ابتدا ذکر شد اضافه نمود. یکی از این عوامل این است که انسان در یک مرحله نسبت به وضعیتی که در آن قرار گرفته بیدار شده و طالب رهایی می شود تلاش می کند و برای رسیدن به وضعیت مطلوب انقلاب می کند اما بعد از این انقلاب و سرنگونی حکومت فاسد و برقراری حکومت مشروع الهی، دورانی شروع می شود که این دوران در واقع دوران تربیت است و این دوران، دوارن تغییر فرهنگ اجتماع است که این تغییر به صورت دفعی و آنی

نیست بلکه به تدریج صورت می گیرد.

بنابراین عوض کردن عادات، خلیات و روحیات مردم کار یک شب و دو شب یا یکسال و دو سال نیست . سال ۵۸ را فرض کنید همانهایی که ابتدا در این انقلاب داوطلب بودند و ثبت نام کرده بودند و حاضر بودند هر سختی را در راه انقلاب تحمل کنند شاید برخی هم فکر این را که تربیت و سازندگی خیلی سخت است و تربیت و ساختن مساوی است با چشم پوشیدن از خیلی چیزها را نکرده بودند، لذا در این دوره بعضی ها عقب نشینی کردند. شاهد بر این مطلب دوران حکومت حضرت علی ( است که وضعیت مردم به همین صورت بود به طوری که وقتی مردم برای بیعت با حضرت آمدند آنقدر ازدحام جمعیت زیاد شد که حضرت در این باره می فرمایند "ناگهان دیدم مردم از هر سوی رو به من نهادند و چون یال کفتار پس و پشت هم ایستادند چندانکه حسنین فشرده گشتند و دو پهلویم آزرده شد و به گرد من اجتماع نمودند و چون گله گوسفندان بی سرپرست..." (۵) اما وقتی مردم شیوه و روش مولا علی ( را مشاهده کردند چون اجرای عدالت حضرت بر ایشان سخت بود و باید از خیلی چیزها از جمله عشرتها، بی بند و باریها، هرزه گیها، و آزادیهای شیطانی دست بر می داشتند با اینکه حضرت از ابتدا فرموده بودند که: " به خدا اگر بینم که بیت المال به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد آن را باز می گردانم که در عدالت گشایش است و آن که عدالت را بر نتابد ستم را سخت

اینها فکر نمی کردند حضرت سخنانش را عمل کند و گمان می کردند اینها فقط شعار است اما وقتی دیدند این حرفها اجرا می شود خیلی ها از راه برگشتند.

در مورد مقایسه بین حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی اگر بخواهیم آماری از رواج فساد و فحشا ارائه دهیم حقیقت این است که سالهای قبل از سال ۵۸ فساد و فحشا علنی و رسمی بود اما در حال حاضر فساد و فحشا به صورت علنی نیست و جلوی آن گرفته شده است. ما حتی بی حجابی نداریم در حالی که در آن زمان بی حجابی داشتیم درست است که در حال حاضر بدحجابی در جامعه وجود دارد اما باز هم نسبت به آن سالها قابل مقایسه نیست. با این حال بعد از این همه سال که از انقلاب گذشته و توقع بسیاری که از حکومت اسلامی داریم این اندازه فساد موجود هم برای ما قابل تحمل نیست و دیگر زمینه های فساد مانند احتکار، سرقت و دزدی و ... نیز قصه ای مشابه دارد.

۱ پرسشها و پاسخ ها، آیت الله مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، ص ۷۵، ۷۶

۲ احقاف / ۱۳

۳ علق / ۶

۴ علق / ۶

۵ نهج البلاغه / خ ۳

۶ نهج البلاغه / خ ۱۵

### **علت اصلی دوری از مسائل اخلاقی جوانان آنهم جوانان تحصیل کرده چه می باشد؟**

#### **پرسش**

علت اصلی دوری از مسائل اخلاقی جوانان آنهم جوانان تحصیل کرده چه می باشد؟

#### **پاسخ**

فاصله و دوری از اخلاق و ارزش های اخلاقی پدیده ای تازه و نو نیست که هرگز بشر شاهد آن نباشد بلکه تاریخ حتی در عصر معصومین (شاهد آن بوده و گزارش های تأسف باری از آن دارد جامعه ما نیز در کنار حضور مردم بویژه جوانان تحصیل کرده و دانشگاهی در مراسم معنوی دعای کمیل، ندبه، اعتکاف و عزاداریها و ... شاهد دوری قشر نسبتاً قابل ملاحظه

ای از جوانان مسائل اخلاقی می باشد که زنگ خطر و هشدار است جدی به همه مردم بویژه صاحبان مسئولیت در مسائل فکری، فرهنگی و تربیتی جامعه از والدین و معلمان و روحانیون و روشنفکران و فرهیخته گان گرفته تا همه نهاد ها و سازمان ها آموزشی، فرهنگی، ارشاد و تبلیغی.

در پدیده فوق می توان عوامل ذیل را موثر دانست.

۱. طبیعت انسان به حیوانیت گرایش دارد زیرا انسان از حیث طبیعتش حیوان بالفعل و انسان بالقوه است.

۲. تزئین و آرایش و ویرایش دنیا و دنیاگرایی.

۳. جایگزینی تهاجم فکری و فرهنگی بجای سلاح های کشتار جمعی در جهان بویژه در ایران توسط استکبار جهانی.

۴. اختلاف و حزب بازی های برخی دولتمردان.

۵. جایگزینی مدیریت دنیاگرایی بجای مدیریت خدا محوری در بدنه مدیریت سیاسی.

۶. عدم پاسخگویی مناسب و به روز نبودن سیستم تبلیغاتی و فرهنگی جامعه.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ چنین فرموده اند: "به عقیده ما فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مجامع دینی عوامل متعددی دارد که از همه مهمتر دو عامل است. اول: تبلیغات مسمومی است که عمال بیگانه از مدت ها پیش در میان جوانان ما کرده و آنها را نسبت به جوامع دینی

و روحانیت بدین ساخته اند، و حقایق را طوری دیگر در نظر آنها جلوه داده اند."

دوم: عدم انضباط در بعضی جلسات دینی، و عدم رعایت اصول صحیح سخنرانی و تبلیغات دینی در بعضی از این مجامع، به طوری که بتواند افکار تشنه جوانان تحصیل کرده را با تعلیمات علی و ارزنده اسلام سیراب نمایند.

عوامل مهم دیگری هم هست که می توان نام برد مانند: بعضی از اختلافات میان دولتمردان و ایجاد خطوط و جناح بندیها که اتحاد مردم را خدشه دار می کند. عامل دیگر دنیاگرایی بعضی مسئولین و منتسبین به دین می باشد. هنر بزرگ امام راحل این بود که راه روحانیت در باری و جاه طلب و دنیا گرا را از اهل زهد و تقوی جدا نمود. همانطور که مخلصین و خدمتگزاران از قشر روحانیت و مسئولین در انقلاب، روشنی چشم ملت محل اعتماد آنها است هستند. دنیاگرایی و رفاه طلبی برخی نیز صدمات جبران ناپذیری به اعتماد و حمایت مردم وارد می آورد. حضرت امام فرمودند: "مبادا خدای نخواستہ یک وقت از این زی طلبگی خارج بشود و خروج آنها موجب تزلزل عقیدتی در مورد مردم بشود" و درباره دولتمردان فرمودند: "بدبختی و خوشبختی ملتها بسته به اموری است که یکی از مهمات آن صلاحیت داشتن هیأت حاکمه است."

**چرا در جامعه ما برای تهیه کتاب یا سی دی یا نوار مذهبی برای نمونه تفسیر قرآن باید پول زیادی بدهیم ولی برای کتابها یا سی دی مبتذل پول زیادی لازم نیست؟**

**پرسش**

چرا در جامعه ما برای تهیه کتاب یا سی دی یا نوار مذهبی برای نمونه تفسیر قرآن باید پول زیادی بدهیم ولی برای کتابها یا نوارها یا سی دی مبتذل پول زیادی لازم نیست؟

**پاسخ**

احساس وظیفه و مسئولیت و دلسوزی جنابعالی نسبت به اسلام و نظام اسلامی در خور ستایش و تحسین و موجب افتخار و مباهات است. از این که می بینیم زنانی با مسئولیت درپهنه این مرز و بوم به زندگی شرافتمندانه توأم با حس مسئولیت پذیری و روح نقد و نقادی زندگی می کنند احساس غرور و افتخار می کنیم. همان گونه که جنابعالی اشاره کرده ای سرمایه گذاری دشمنان و عوامل استکبار برای نابودی و کمرنگ نمودن فرهنگ غنی و پر محتوای اسلام و انقلاب اسلامی با همه توان خویش به صحنه آمده است و در راه محو فرهنگ دینی از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی کند ولی در مقابل، جامعه و مسئولان کشور تنها با نازیدن و افتخار به گذشته فرهنگی خویش و اقتدار و عظمت فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون گذشته اکتفا می کند و به جای پرداختن به برنامه ریزی اساسی و زیربنایی برای تحکیم پایه های فرهنگ و نوزایی و پویایی فرهنگی متأسفانه به نزاع های بی مصرف و بی خاصیت سیاسی و قومی ... مشغول شده و هستی و انرژی متراکم و سرشار نسل جوان را به نابودی و فلاکت می کشاند و حال آن که برای مقابله با ابتذال فرهنگی و ایستادگی در برابر فرهنگ پوچ و بی مصرف مادی غرب که از پایه های لرزان مادی شکل گرفته است، اقدام در خور و شایسته ای صورت نمی پذیرد و بجز چند حرکت



خوب و ارزنده همانند برگزاری مسابقات بین المللی قرآن

مسابقات سالانه قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی، حرکت‌هایی که در خصوص ترویج فرهنگ اقامه نماز صورت گرفته و ...، سایر فعالیت‌ها و تلاش‌های صورت گرفته در عرصه فرهنگ و اندیشه چندان قابل توجه نیست.

برادر عزیز آنچه شما را نگران ساخته و اظهار داد نموده اید درد مشترک همه دلسوزان اسلام و انقلاب اسلامی است ولی متأسفانه از حد همین دلسوزی و گاه اظهار یأس و ناامیدی فراتر نمی‌رود که این امر نه تنها دردی دوا نمی‌کند بلکه در بسیاری از مواقع شوق و امید را از نسل آتی و آینده ساز کشور می‌رباید و زمینه پذیرش فرهنگ ابتذال با ترویج حس ناتوانی فرهنگ خودی در وجود آنان فراهم می‌گردد.

برادر عزیز کم نیستند کسانی که همانند شما گرانی کتاب را عامل کتاب نخواندن می‌دانند ولی حقیقت چیز دیگری است؛ چگونگی است که روزانه و در هفته و ماهانه هزاران ریال خرج خرید تنقلات بی‌خاصیت و بی‌مصرف برای فرزندانمان و خودمان می‌کنیم ولی یک هزارم آن برای تغذیه فکری او هزینه نمی‌کنیم. در هفته چقدر شکلات کیک کلوچه، پفک، چیپس و ... می‌خریم. اینها همه به عنوان غذای جسم است که ارزش غذایی ندارد آیا تصور نمی‌کنید اگر یک هزارم همین هزینه‌ها را خرج خرید کتاب بکنیم مقدار زیادی کتاب می‌توانیم تهیه کنیم. اینها را مرتب باید خرید ولی یک کتاب را یک بار باید بخریم و روزها و ماهها بطور مرتب به عنوان غذای روح از آن تغذیه کنیم. انصافاً کتاب در مقایسه با سایر اقلام گران نیست.

چه بسیارند کسانی که به بهانه گرانی کتاب، کتاب نمی‌خرند ولی حتی کتابهایی که خریده‌اند

و در منزل نگهداری می کنند مطالعه نکرده اند. چه بسیاری کسانانی که چنین فکر می کنند ولی از تلاوت روزانه چند آیه از قرآن کریم به عنوان عالی ترین غذای روح بشری غفلت می ورزند. چه بسیاری کسانانی که گران بودن کتاب را بهانه کتاب نخواندن می دانند ولی هرگز به کتابخانه های عمومی برای عضو شدن و کتاب گرفتن مراجعه نکرده اند. آیا کتاب خواندن فقط با کتاب خریدن میسر است و گاهی برخی از کتابهای کتابخانه ها سالهای سال مورد مطالعه قرار نمی گیرد و حال آن که سرمایه عظیمی است که دولت برای استفاده عموم هزینه کرده است.

اتفاقاً کتاب خواندن با حضور در کتابخانه و عضویت در کتابخانه مفهوم پیدا می کند نه کتاب خریدن. وقتی کتابی مطالعه شد کنار گذاشته و بلااستفاده می شود ولی در کتابخانه افراد مختلف مطالعه می کنند. انسان با عضویت در کتابخانه می تواند میلیونها کتاب بخواند که خرید آن برایش مقدور نیست. مشکل جامعه ما افت فرهنگی و عقب ماندگی فرهنگی است که باید با همت همگانی برطرف شود. انشاء...

### **چرا در جامعه بی بندوباری و فساد زیاد شده است**

#### **پرسش**

چرا در جامعه بی بندوباری و فساد زیاد شده است

#### **پاسخ**

بی بند و باری و فساد کنونی جامعه معلول

امور متعددی است که برای رفع آن باید آن علل رفع

و دفع شود از جمله:

فقر و بیکاری؛

گرانی و سختی اداره زندگی؛

مشکل شدن ازدواج برای جوانان؛

تفسیرهای ناصحیح از آزادی و خلط آزادی با

بی بندوباری در این چند ساله اخیر؛

تهاجم فرهنگی دشمن و رواج ماهواره، فیلم های

مبتذل و عکسهای مستهجن؛

کمبود امکانات برای تفریحات سالم؛

- اعتیاد و متلاشی شدن کانون گرم خانواده ها

### **علت بی توجهی جوانان به نماز و معنویت و سستی ایمان و اعتقاد آنها چیست**

#### **پرسش**

علت بی توجهی جوانان به نماز و معنویت و سستی ایمان و اعتقاد آنها چیست

#### **پاسخ**

این موضوع دلایل متعددی دارد که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف) حجم عظیم تبلیغات غرب و دنیای دور از دین با وسایل مختلف و متعدد ارتباطی؛

ب) ضعف تبلیغات دینی و نامتناسب بودن آن با شرایط زمان؛

ج) سردرگمی جوانان در مورد الگوهای دینی ارائه شده که ناشی از اختلاف و تفاوت نظرها در این مورد است.

د) مشکلات اجتماعی و موانعی که انقلاب را در رسیدن به اهداف خود دچار مشکلات و صدماتی کردند.

البته باید توجه داشته باشید در عین حال به دلیل حقانیت دین و

خداپرستی گرایش به دین بسیار نیرومند است و فطرت ها هم چنان مسیر

حقیقی خود را می پیمایند. گرچه جوانان به سرعت به خواسته های پدران و

مادران پاسخ نمی گویند.

باید مشکلات فکری جوانان را حل کرد تا مسیر دینداری آنان با مشکلات کمتری روبرو باشد.

### علل بی رغبتی جوانان به نماز و مسائل مذهبی چیست

#### پرسش

علل بی رغبتی جوانان به نماز و مسائل مذهبی چیست

#### پاسخ

بی رغبتی و ترک نماز علل متعددی دارد از جمله:

۱. عدم آشنایی به فلسفه نماز؛ ۲. احساس تحجر و عقب ماندگی؛

۳. تنبلی و تن پروری؛ ۴. مسامحه کاری؛

۵. احساس خودنمایی و ریاکاری؛ ۶. احساس بی فایده بودن نماز

به علت گناهکار بودن؛

۷. خانواده؛ ۸. محیط و اجتماع فاسد؛

۹. دوست فاسد؛ ۱۰. برخوردهای نامناسب افراد مذهبی

شخصی که در خواندن نماز سستی می کند و به آن بی رغبت

است، باید به عوامل یاد شده توجه کند و در هر موردی که درباره ی او

صادق است، به درمان و برطرف کردن آن مشغول باشد؛ مثلاً اگر

دوست فاسد عامل ترک نماز است، باید رابطه با او را کاملاً قطع کند و

اگر با فلسفه نماز آشنایی ندارد؛ به مطالعه و تفکر در اسرار و

فلسفه های نماز بپردازد.

## چرا گرایش بزرگسالان به مساجد نسبت به جوانان بیشتر است؟

### پرسش

چرا گرایش بزرگسالان به مساجد نسبت به جوانان بیشتر است؟

### پاسخ

این مساله علت های مختلفی دارد از جمله:

۱. جوانان الان بیشتر مشغول تحصیل یا اشتغال هستند و در مواقع نماز، نمی توانند در مساجد حاضر شوند.  
در عین حال بزرگسالان و پیران چون کاری انجام نمی دهند، اوقات خالی خود را در مساجد سپری می کنند.
۲. ایمان و باور افراد مسن، بیشتر از جوانان است و لذا آنان بیشتر به دین و دستورات آن اهمیت می دهند و ترس آنان از عذاب های الهی و مرگ و قیامت، بیشتر از جوانان است.
۳. برخوردهای ناروا و ناشایست بعضی از افراد با جوانان و نوجوانان، باعث دوری و فرار آنان از مساجد شده که باید هیات امنای مساجد و روحانیان، این مشکلات رفتاری را برطرف سازند.
۴. اشتغالات دیگر (مثل ورزش، تفریح و...) و نیز ضعف بنیان های عقیدتی و فکری، جذاب و مناسب نبودن بعضی از برنامه ها با روحیه جوانان و.. باعث دوری آنان از مساجد و نماز شده که باید سعی کرد ضمن بررسی این موانع، درصدد رفع و ریشه کنی آنها بر آمد.

## چرا در تهران بی حجابی رواج بیشتری دارد؟

### پرسش

چرا در تهران بی حجابی رواج بیشتری دارد؟

### پاسخ

معمولاً- پایتخت کشورها مرکز تلاقی بیشتر با اشخاص جریانات بازارها و تفکرات ملل گوناگون است. از همین رو تأثیر گذاری و تأثیر پذیری آنها هم در این موارد بیشتر می باشد. }J

**با توجه به اینکه اعتقاد داریم حکومت اسلامی کامل ترین قوانین حکومتی را دارد، چرا گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه روز به روز افزایش می یابد؟**

**پرسش**

با توجه به اینکه اعتقاد داریم حکومت اسلامی کامل ترین قوانین حکومتی را دارد، چرا گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه روز به روز افزایش می یابد؟

**پاسخ**

گرایش به فرهنگ غربی و فساد عوامل متعددی دارد از جمله:

- ۱- وجود گرایش های نیرومندی همچون گزینه جنسی که طبیعتاً فرد را به سوی پورنوگرافی غربی متمایل می سازد.
- ۲- استفاده غربی ها از عوامل. ابزارها و سرمایه های عظیم و به کارگیری تکنیک ها و شیوه های فریبنده در سطح بسیار گسترده.
- ۳- ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نا دانسته پیروی نمودن از آنان.
- ۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از دانشگاہیان و...).
- ۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلام در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.
- ۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی. }J

**علت تقلید جوانان کشورهای اسلامی در مسائل گوناگون از غرب چیست ؟**

**پرسش**

علت تقلید جوانان کشورهای اسلامی در مسائل گوناگون از غرب چیست ؟

**پاسخ**

مسأله غرب گرایی و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای اسلامی پدیده ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می نمایم:

نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می دهد که هر چه احساس بی هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش های حاکم در جامعه بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه های غربی رپ و هوی متال و... بیشتر می شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه پذیری، فراهم نکرده است، گرایش های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی های شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه گر شده است. از جمله عواملی که زمینه های این روند را فراهم نموده و به آن شدتی بخشد عبارتند از:

۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های



کشورهای عقب مانده و ضعیف است.

۲- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن از آنها.

۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب زده و مطبوعات وابسته به خارج و...).

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.

در مورد راه های مبارزه با غرب گرایی باید گفت: واقعیت این است که غرب گرایی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه ریزی های منظم و سازماندهی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا دستگاه های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم، براساس برنامه ای دقیق، حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه

ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- تحقق باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی اینمجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی...

در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلماً برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست، اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۲- انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم

۳- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی) {J}

**عوامل فساد و چگونگی تهاجم فرهنگی دشمن را بیان کنید و وظایف ما در برابر آن چیست ؟**

**پرسش**

عوامل فساد و

چگونگی تهاجم فرهنگی دشمن را بیان کنید و وظایف ما در برابر آن چیست؟

**پاسخ**

برای شناخت وظیفه و چگونگی مقابله با فساد در جامعه ابتدا لازم است که عوامل و موجبات فساد را موردشناسایی قرار داده و سپس به راههای مقابله با آن بپردازیم:

**الف عوامل ایجاد فساد در جامعه و تأثیرات مخرب آنها:**

۱ مشروبات الکلی: که نوشیدن آن آدمی را سست اراده، پست و بی شخصیت می سازد و موجب سلب توفیقات و دوری از خداوند می گردد و هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی و هم از نظر اجتماعی، پیامدهای ناگوار به دنبال داشته و زمینه بسیاری از جرائم را فراهم می کند.

۲ قماربازی، انسان را لاپالایی می کند، روابط خانوادگی را از هم می پاشد، عامل دشمنی و کینه توزی می شود، زمینخشم و انتقام را فراهم می سازد و زیان های اقتصادی و روانی جبران ناپذیر به قمار بازان وارد می کند.

۳ مواد مخدر، که اعتیاد به آن نابود کننده استعداد های جسمی و روحی انسان است، و باعث می شود آدمی، شرافت، ناموس، ثروت، حیثیت و دین و همه چیز خود را بر باد دهد.

۴ روابط نامشروع، نکته مهم این است که روابط نامشروع به صورت تدریجی محقق می شود یعنی از نگاه شهوت انگیز شروع می شود و با یک لبخند و یا گفتگویی تداوم می یابد و زمینه را برای ارتباط های بعدی فراهم می شود. جوانانی هستند که برای رابطه نامشروع به گرفتاری های فراوان روحی، اجتماعی و جسمی دچار شده اند و عاقبت رسوا گشته و شخصیت اجتماعی و معنوی خویش را از دست داده اند، لذا باید با توکل به خدا، دست رد بر سوسه های شیطان زد و هنگام برخورد با چنین مخالف، تقوای الهی را پیشه

کرد و با نگاه شهوت انگیز، که تیری از تیرهای زهر آلود شیطان است، به دیگران نگاه نکرد.

۵ مجالس خوش گذرانی: افرادی که روح تقلید از فرهنگ غرب، آنان را به طور مخفیانه به تشکیل چنین مجالسیوادر می کند، از دوستان خود دعوت می نمایند با شرکت در آن مجالس عیش و عشرت، برای چند ساعتی خود را درعالم خوش گذرانی و بی خیالی وارد سازند، مجالسی که با لهو و لعب، موسیقی های مبتذل و رقص و پایکوبی و... همراه است شرکت در اینگونه مجالس زمینه بسیار مناسبی را برای فساد و ارتکاب گناهان کبیره و... مهیا می سازد، مگر کسی بتواند جلوی این اعمال خلاف شرع را بگیرد.

۶ خود ارضایی، که گاهی بر اثر عادت و تکرار به صورت اعتیاد در می آید، پیامدهای شوم و ضررهای بسیاری، هم از جهت جسمی و هم از جهت روحی برای فرد مبتلا به آن به وجود می آورد این کار مانند سایر کارهای غیر مشروعجنسی از دیدگاه شریعت اسلام حرام و ممنوع است و محققان مضرات بسیاری را برای آن شمرده اند از جمله ضعفچشم، لاغر شدن صورت، ضعف اعصاب ضعف بدن، کم خونی، سست شدن زانو، ضعف شدن حافظه، زرد شدنصورت، گوشه گیری و بسیاری از عوارض دیگر از پیامدهای آن می باشد. جوانان باید زمینه هایی که باعث تحریکگریزه جنسی و در نتیجه خودارضایی می شود بشناسند و سعی کنند از آن پرهیز نمایند این زمینه ها عبارتند از:لباس های تنگ و چسبان، غذاهای شهوت زا مانند موز، پیاز، زعفران و... که غریزه جنسی را تحریک می کنند وهمچنین پرخوری. مشاهده صحنه های محرک و شهوت انگیز مانند فیلم ها و عکس های سکس و چشم چرانی و...شنیدنیهای مهیج و رکیک مخصوصا درباره مسائل جنسی و ترانه های فاسد،  
بستر

نا مناسب خواب، (مانند خلوتبودن محل خواب، گرم و نرم بودن بستر خواب، قبل از خستگی کامل به رختخواب رفتن).

۷ فیلم های مبتذل: که باعث شهوت پرستی، خوشی گذرانی بی عفتی، بی حیایی، پوچی، روابط نامشروع،

و بسیاری از انحرافات می شود.

۸ موسیقی های مطرب: آن دسته از موسیقی که حالت ابتذال داشته، مناسب لهو و لعب باشد انسان را در افکار شیطانی بیندازد و از امور معنوی دور نماید. موسیقی مبتذل علاوه بر ضررهای معنوی و اخلاقی مانند شهوت رانی، مردن دل ها، محروم شدن از لذت انس با خدا، پاره شدن پرده های عصمت، سبک شدن عقل، زمینه را برای فراهم شدن گناه، عدم استجابت دعا، بر جسم و اعصاب هم آثار سوئی دارد که امروزه از نظر علمی ثابت شده است.

۹ دوستان ناباب که باعث فساد و سقوط انسان در منجلاب گناهان و آلودگیهای متعدد می شود. نشانه های دوستان ناباب عبارتند از: بی تقیدی به دستورات الهی، تملق و چاپلوسی، ارتباط با ناپاکان، وسوسه گری و...

علاوه بر عواملی که موجب فساد در جامعه می شوند یکسری زمینه های فساد نیز وجود دارد که جوانان باید مواظب این زمینه ها بوده و به گونه ای برخورد کنند که این امور، آنها را به انحطاط و فساد نکشاند:

۱ مسافرت به خارج گرچه فوائد بسیار متعددی دارد ولی جوانان باید مواظب باشند در صورت مسافرت به اینکشورها برای کارهایی مانند تحصیل، سیاحت یا سایر کارهای مفید، تحت تأثیر جاذبه های فریبنده فرهنگ آنان واقع نشوند.

۲ اوقات فراغت: منظور ساعاتی است که جوانان مشغول به کاری، اعم از کار فرهنگی، هنری، تولیدی، خدماتی و سرگرمی سودمند و... نباشند. جوانان باید به شدت مراقب اوقات فراغت خویش بوده و نگذارند وسوسه گران درونی بیرونی و فرصت طلبان خناس صفت، از اوقات

فراغت آنان سوء استفاده کنند و آنان را به فساد بکشانند جوانان باید اوقات فراغت خود را سرگرم امور مفید مانند کارهای علمی، هنری، ورزشی، مطالعه، دید و بازدید، تفریح سالم و... بنمایند تا هم از عمر و حیات خویش بیشترین استفاده را کرده باشند و هم دچار انحراف و مفاسد نگردند.

۳ فقر و تنگدستی. بسیاری از جوانانی که به فحشا و فساد کشیده شده اند برای فقر و تنگدستی آنان بوده است. جوانان عزیز، اگر کار و تلاش بنمایند و بر خداوند توکل کنند و راه تقوا پیشه نمایند، هرگز ضعف مالی، عاملی برای بهانحراف کشاندن آنان نخواهد بود.

۴ تجرد و عزوبت فرد اگر طولانی باشد ممکن است جزء عوامل فساد و تباهی قرار گیرد.

۵ ثروت و رفاه زیاد گاهی می تواند زمینه انحراف و فساد گردد برای افرادی که از ایمانی ضعیف برخوردار باشند. گرچه ثروت به طور کلی عامل انحراف نمی تواند باشد اما برای عده ای ممکن است زمینه انحراف فراهم نماید لذا هوشیاری لازم هنگام برخورداری از ثروت ضروری است.

و در پایان این بخش ذکر این نکته لازم است که اشاعه فساد و فحشا و ترویج منکرات یکی از نمونه های تهاجم فرهنگی است. دشمنان انقلاب و فرهنگ اصیل اسلام اشاعه فساد و منکرات را بهترین راه برای تضعیف و نابودی فرهنگ اسلام و جایگزین کردن فرهنگ غرب می دانند و به دنبال اهداف زیر می باشند: ۱ غرق نمودن جوانان ایراندر شهوات و در نتیجه غافل ماندن از مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ۲ روحیه انقلابی را از آنان سلب کند ۳ گرایش به فرهنگ غرب

ب راههای مبارزه با فساد و دوری از گناه:

بطور کلی در جامعه ای که فساد در آن رایج

شده، از نظر اسلام دو نوع وظیفه برای فرد مسلمان وجود دارد: وظایف فردی و وظایف اجتماعی.

منظور از وظایف فردی کلیه اقداماتی است که فرد برای حفاظت خود از آلوده شدن به گناه انجام می دهد این اقدامات شامل:

۱ آشنایی به اعمال و رفتاری که از نظر احکام اسلامی گناه و معصیت شمرده می شوند. که ما در بخش اول بهپاره ای از آنان اشاره کردیم، چه بسا جوانانی که به خاطر بی اطلاعی از گناه بودن عملی، مرتکب آن شده اند و آثار و پیامدهای وضعی گناه در تمام عمر گریبان گیر آنها بوده است.

۲ مواظبت بر ترک گناه هر چند آن گناه کوچک باشد. زیرا ارتکاب گناهان صغیره خود زمینه ساز گناهان بزرگتری باشد.

۳ در زمان مواجهه با گناه همیشه خداوند را در نظر داشته باشد و به عواقب و پیامدها و آثار سوء و خطرناک دنیوی و اخروی گناه فکر کند و بداند که لذت گناه بسیار زودگذر و عواقب آن (مشکلات روحی و جسمی، رفتن آبرو، مجازات دنیوی و اخروی و...) پایدار و مانع از پیشرفت انسان به سوی کمال و سعادت می باشد.

۴ تقویت ایمان به خدا و توکل بر او و تمسک به تقوای الهی که دارای آثار مثبتی است از قبیل: اشباع حسکمال گرایی، گرایش به ارزش های اخلاقی، برخورداری از لذت های معنوی، هدفدار کردن حیات، جلوگیری از جرایم و مفسدات، آرامش روان و...

۵ اهمیت به نماز و انجام سایر عبادات، خصوصا روزه که در تقویت اراده انسان برای مقابله با گناه نقش زیادیدارد و مداومت بر ذکر خداوند و تلاوت قرآن و تمسک به اهل بیت (ع) زیرا موجب نورانی شدن دل و دور شدن افکار و وسوسه های شیطانی می شود و انسان را در لغزش گاه های

حساس یاری می نماید.

۶ کنترل تمام اعضاء و جوارح و تسلط بر آنان از حواس ظاهری گرفته تا حواس باطنی.

۷ پر نمودن اوقات فراغت خود با کارهای علمی، فرهنگی، مطالعه کتاب های مفید، اشتغال به ورزش و تفریحات سالم و...

علاوه بر وظایف فردی مسلمان برای مصون نگه داشتن خود از گناه، در مقابل محیط اجتماعی و جامعه ای که در آن زندگی میکند یک سری وظایفی دارد که عبارتند از:

۱ بسیج همگانی اصلی ترین راه مقابله با مفاسد اجتماعی: مسلماً فردی که خواهان پاکی و مصون ماندن از گناه می باشد در صورتی موفق می باشد که علاوه بر انجام وظایف فردی برای دوری از گناه، یکسری اقدامات را انجام دهد تا محیطش نیز از گناه پاکیزه شود والا در محیط فاسد احتمال لغزش و ارتکاب گناه می رود و از آنجا که مفاسد بصورت گسترده وجود دارد و به واسطه تهاجم فرهنگی دشمنان شدت بخشیده می شود. برای مقابله با آن نیازمند بسیج همگانی می باشد. همه باید احساس مسئولیت کنند و فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه عملی سازند. ۲- شرکت کردن در جلسات مذهبی، نماز جمعه و جماعت و تشویق دوستان و آشنایان به شرکت در این مراسم. ۳- ایجاد محیط گرم خانوادگی و برخورد صمیمی و دوستانه و سازنده با جوانان باعث جلوگیری از جذب شدن افراد خانواده یا جوانان توسط دوستان ناباب و منحرف می شود. ۴- آگاه نمودن جوانان به پیامدهای مخرب و نامطلوب فساد، و شناساندن معیارهای صحیح انتخاب دوست، دوری از فرهنگ مبتذل غرب و پایبندی به فرهنگ خودی. ۵-



تشکیل میزگردهای بحث و انتقاد فرصت مطلوبی را فراهم می کند تا تردیدهای خلقی و نگرانی های فکری زدوده شود و شیوه مناسبی برای حل معضلات فکری در اختیارشان می گذارد. ۶- ترویج ارزش های اسلامی از راه بحث و گفتگو، منطق و استدلال زیرا آنچه موجب می شود که انسان بتواند امیال خود را کنترل کند پذیرفتن یک سلسله ارزش های برتر است و علت بعثت انبیاء هم همین بوده که مردم نسبت به برخی از ارزش ها باور پیدا کنند تا بتوانند مانع از طغیان شهوات بشوند. یکی دیگر از راه های ترویج ارزش های اسلامی و مبارزه با فساد آن است که با استفاده از آخرین دستاوردهای تکنولوژی مدرن و ارزش های اسلامی خود را در مقابل هنرمندانه ترین فیلم ها، نمایش نامه ها، کتاب ها، رمان ها و در قالب سایر آثار هنری با استفاده از وسایل هنری و تبلیغاتی عرضه کنیم و دیگران را تحت تاثیر قرار دهیم. برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- جوانان در طوفان غرایز همات سهراب پور ۲- تهاجم فرهنگی استاد محمدتقی مصباح یزدی ۳- انقلاب و ارزش ها علی ذوعلم

**ریشه های مد و مدگرایی از کجا منشأ می گیرد و آیا جنبه ها مثبتی هم دارد؟ در خصوص جنبه های منفی آن در اجتماع چه باید کرد؟**

**پرسش**

ریشه های مد و مدگرایی از کجا منشأ می گیرد و آیا جنبه ها مثبتی هم دارد؟ در خصوص جنبه های منفی آن در اجتماع چه باید کرد؟

**پاسخ**

در خصوص موضوع مورد نظرتان نکات زیر را تقدیم می داریم:

مدگرایی و تنوع طلبی از ویژگیهای دوران جوانی زندگی است اما آنچه در این میان حائز اهمیت است سه موضوع زیر می باشد:

الف. آیا آن مدگرایی با مشی و زندگی یک مسلمان مغایرت دارد یا نه؟

ب. اگر مغایرت دارد وظیفه افراد مدگرا چیست؟

ج. در صورت مغایرت وظیفه دیگران در برابر چنین افرادی چیست؟

مثلا در دین اسلام توصیه مؤکد، که نشانه وجوب عمل در رفتار پوششی ویژه باشد وجود ندارد یعنی شکل خاصی از لباس و با رنگ مخصوصی از لباس واجب نشده و یا تحریم نگردیده است آنچه در قالب کلی بیان می گردد آن است که پوشیدن لباس و یا عمل به رفتاری خاصی که موجب شهرت و شناخته شدن انسان می گردد و یک فرد به آن لباس و رفتار معرفی می شود، جایز نیست یعنی همان لباس شهرت و یا عمل شهرت تحریم شده است و از جانب دیگر همانند کفار و غیر مسلمانان عمل کردن و پوشیدن نیز شایسته مسلمانان نیست و این اعمال اگر موجب اهانت به مقام مسلمانان شود که امروزه گاه چنین

است جایز نیست . یعنی اگر مدگرایی ابزار و زمینه سلطه بیگانگان گردد بگونه ای که مشاهده مظاهر رفتار مسلمانان همه را به یاد کشورهای کفر بیاندازد حرام است.

آنچه گفته شد از زاویه احکام فقهی است در حالی که اخلاق اسلامی چیز دیگری را اقتضا می کند و معیار آن چنین است که هر

عمل، رفتاری که یاد خداوند را از دلها بزدايد و دنياپرستی و دلبيستگي به دنيا را در دل ما فزوني بخشد شايسته مسلماني نيست. مسلمان بايد در تمام حالات و رفتارهاي خود خدا را بجويد و رضاييت او را به طلبد و حتي اگر لباسی را انتخاب می کند و می پوشد علاوه بر حفظ بدن خود و رعایت عفت و حجاب که واجب است به شکلي بايد خود را بيارايد (چه لباس جلوه ای از زيبائي است) که خداوند راضي است. بی تردید شخصی که هنوز گرفتار رنگ لباس و مد آن باشد و هم و غم او متوجه ظاهرسازی می گردد نمی تواند آنگونه که شايسته است به خداوند دل دهد و رضاييت او را بجويد. و چه بسا که توجه به همین امور سطحی آدمی را از انجام واجبات و ترک محرمات الهی باز دارد و در این صورت پرداختن به این امور يقیناً حرام خواهد بود چون مانع انجام واجبات و ترک محرمات می گردد در حالی که شخص مسلمان در ذره ذره اعمال خود و لحظه لحظه عمر خویش باید در صدد تقرب جستن به حضرت حق باشد و از عمق دل باور داشته باشد که تعلق به دنيا مانع تعالی و تکامل اوست. و مدگرایی از برترین و بارزترین مظاهر دنياپرستی و روی آوردن به دنياست. و از جانب دیگر از دیدگاه اجتماعی اهتمام به مد و مانند آن زمینه ساز سلطه فرهنگی و اجتماعی بيگانگان بر مسلمانان می باشد که این عمل بی تردید جایز نيست.

ساده زیستی از وظایف اخلاقی و گاه بنابر برخی حالات از وظائف شرعی ما مسلمانان است و توجه جدی و افراطی به لباس

و شیوه دوخت و مدگرایی در لباس پدیده ای است که کاملاً با ساده زیستی مغایرت دارد و هر چه مانع این روحیه شود مذموم و نکوهیده است و باید از آن اجتناب نمود و اسلام در حالی که به پوشش عنایت کامل دارد و برخی از رنگ ها را برای لباسها توصیه می کند هیچگاه آن رنگ خاص را واجب نکرده است تا موجب رها کردن درون و اهتمام به ظاهر شود و آدمی در جنبه اهتمام به امور گذرا و ظاهری از پرداختن به طهارت قلب و پاکی اعمال غافل شود. در اینجا این نکته را باید خاطر نشان سازیم که برای زنان در کنار رعایت حجاب، اهتمام به عفت و حیا نیز واجب است و چه بسا افرادی که در ظاهر محجوب هستند اما شکل حجاب آنها از حیا و عفت کاملاً عاری است و در این زمینه گاهی اوقات مدگرایی موجبات زیر پا نهادن عفت و حیا می شود که از این زاویه نیز باید (واجب است) رعایت گردد تا عفت عمومی محفوظ بماند که اگر حیا از جامعه رخت بپوشد به قول امام(ع) آدمی از انجام هیچ عملی ابا نخواهد داشت. پس از این زاویه باید رفتارهای پوششی خود را مورد مذاقه قرار دهید و در یک کلام پوشش کامل همراه با عفاف و حیا که بر تکبرورزی استوار است شیوه زندگی اجتماعی زنان مسلمان است و بس.

### **به نظر شما شیوع و رشد بی بند و باریهای اخلاقی به ویژه جنسی در جامعه اسلامی ما چرا رشد کرده است؟**

#### **پرسش**

به نظر شما شیوع و رشد بی بند و باریهای اخلاقی به ویژه جنسی در جامعه اسلامی ما چرا رشد کرده است؟

#### **پاسخ**

متأسفانه دنیای امروز با همه امکانات عالی و فرهنگی نه تنها در راه ارشاد و هدایت جوانان و آگاه ساختن آنان به ابعاد مختلف زندگی قدمی بر نداشته است، بلکه با ایجاد عوامل تحریک کننده مسائل شهوانی سبب انحراف جوانان از مسیر صحیح زندگی و بهره گیری صحیح از استعدادها و غرایز وجودی شده است.

اگر در جامعه غربی انحراف جنسی یک امر عادی محسوب می شود، خیلی نباید مورد تعجب ما باشد زیرا که در آن جامعه مذهب به عنوان یک ماده مخدر شناخته شده و جوان غربی بارهایی از مذهب به قیود شهوانی روی آورده و اسیر هواهای نفسانی و مسائل خاص دنیوی شده است، اما در جامعه مذهبی ما چرا؟ چون ایرانی از نظر وجود فرهنگ سازنده انسانی و مسائل عالی انسانی کمبودی ندارد بی برنامه ای ما، و خود باختگی بسیاری در برابر زرق و برقهای مادی غرب و دور شدن از مبانی و اصول فرهنگ اسلامی، جوانان را در دام تحریکات شهوانی انداخته، و آنان را قربانی غرور و هوسهایی جاهلانه ساخته است.

اولاً: باید عوامل محرک شهوات را در جامعه از بین ببریم. ثانیاً: به خواسته های جوانان در بعد مادی (ازدواج) اقتصادی با برنامه صحیح و نفی تورم پاسخ دهیم ثالثاً: به جای مذهب سنی و احساس، مذهبی عقلانی متکی بر قرآن و سنت و استدلال به او ارائه دهیم رابعاً: او را نسبت به هدف زندگی، کیفیت زندگی آگاه سازیم و...

آنگاه که انسان از خدا، غافل شود

و از شئون انسانی خارج گردد شکی نیست که گناه برای او امری عادی و سبک خواهد بود.

( بخش پاسخ به سؤالات )

**دیدن کمی از موی زن برای نامحرم چه فرقی با دیدن تمام موی آن زن دارد؟ اگر فرقی ندارد چه فرقی بین جامعه ما با جامعه غربی وجود دارد زیرا در جامعه ما کمی از موی زنها معلوم است ولی در جوامع غربی تمام موی زن.**

### پرسش

دیدن کمی از موی زن برای نامحرم چه فرقی با دیدن تمام موی آن زن دارد؟ اگر فرقی ندارد چه فرقی بین جامعه ما با جامعه غربی وجود دارد زیرا در جامعه ما کمی از موی زنها معلوم است ولی در جوامع غربی تمام موی زن.

### پاسخ

براساس روایات و آیات کریمه قرآن، برتری و حرمت و شرافت و کرامت زن مسلمان بر زنان اهل کتاب یا مشرک مسلم و حتمی است، بنابراین نظر در خصوص سؤال شما باید عرص کنیم که دیدن کمی از موی نامحرم مسلمان یا دیدن تمام موهای او، اگر عمداً و اختیاراً یا از روی لذت و شهوت صورت گیرد از نظر اسلام حرام می باشد، اما در مورد زن غیر مسلمان، مثل زنهای جوامع غربی بنا بر فتوای اکثر مراجع عالیقدر، اگر کسی به جاهائی که عادتاً آنها را نمی پوشانند نگاه کند حرام نمی باشد منتهی باید به قصد لذت و خوف افتادن در گناه نباشد. "۱"

و اما به نظر می رسد که سؤال جنابعالی بیشتر ناظر به گلایه از بدحجابی بعضی از افراد جامعه می باشد که در این مورد باید بگوئیم که حقیقتاً بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست و این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود همه آنچه که نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد

. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد : الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی . هر یک از دو طریق از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تاثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت امید است با برنامه ریزی دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد.

نکته دیگر این که متاسفانه شهرهای مرزی (مانند اهواز) بیش از نقاط مرکزی در زیر فشارهای تبلیغاتی دشمنان قرار دارند و لغزیدن به سمت شهوات و بی بند و باری نیز کار آسانی است؛ چرا که حرکت در سراسرایی سقوط است، ولی بالا رفتن از قله و کمال یابی، کاری دشوار است. از سوی دیگر در حال حاضر بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دهند و این نیز خود مزید بر علت شده است . ولی این که وضعیت از زمان طاغوت بدتر باشد واقعیت ندارد؛ چرا که ما هم آن زمان را دیده ایم و هم حال را. امید است غیرت و حمیت اسلامی، در افراد متدین فراموش نشود و آنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند و قانون نیز با راه کارهای مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند و باری بردارد و همگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم . برادر عزیز! زندگی در جامعه ای سالم آرمان همه بندگان خدا است؛ ولی می دانیم که پاکان و تقوای پیشگان همواره در

چه شرایط سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه برنداشته و حتی جان خود را در این راه داده اند. پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار و معنادار؛ یعنی، مبارزه با فساد و تباهی ها و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابراین به جای یأس، از خون شهیدان پیام بگیریید و باتشکیل هسته های فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه به روشنگری بپردازید و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشید. در این صورت خداوند شما را یاری خواهد کرد و به اهداف خود نایل خواهید شد. "ان تنصروا...ینصرکم و یشبب اقدامکم" موفق باشید.

احکام روابط زن و مرد، سیدمسعود معصومی، ص ۳۱ به بعد

برگرفته از سایت پرسش و پاسخ نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه [www.nahad.net](http://www.nahad.net)

### مظاهر تهاجم فرهنگی در جامعه کدامند؟

#### پرسش

مظاهر تهاجم فرهنگی در جامعه کدامند؟

#### پاسخ

مظاهر تهاجم فرهنگی در واقع همان نمودهای عینی و تحقق یافته ای که در اثر تهاجم فرهنگی در یک جامعه بوجود آمده اند، که می تواند در بخشهای مختلف، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... مظاهر مختلفی داشته باشد، مثلاً "در بخش اقتصاد، فرهنگ مصرف گرایی، اسراف و تبذیر و... در بخش سیاست: فرهنگ هجو و تخریب و... در بخش اجتماع: بزهکاری، قانون گریزی، مدرک گرایی، ابتذال، فسادهای اخلاقی و... (ر.ک: فرامرز رضیع پور، آناتومی جامع، ص ۳۳۳)

### ابزارهای تهاجم فرهنگی چیست؟

#### پرسش

ابزارهای تهاجم فرهنگی چیست؟

#### پاسخ

هر جریان فرهنگی نیاز به ابزارها و روشهایی دارد که از طریق آن به طرف مقابل رسوخ و نفوذ نماید، امپریالیسم آمریکا در



کشورهای غربی در تهاجم به بنیانهای فرهنگی کشور از روشها و ابزارهای مختلفی استفاده کرده اند که بطور مختص عبارتند: الف - ابزارها و روشهای فرهنگی؛ که از موثرترین ابزارهای فرهنگی است. استفاده از هنر، سینما، و تئاتر، انواع فیلمها، و سریالهای تلویزیونی، مطبوعات و کتب، چاپ و نشر اشعار و مقالات و رمانهای مختلف جهت ترویج پوچ گرایی و بی هویت کردن مردم یک کشور و زیر سوئال بردن مبانی تئوریک نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نفوذ در مدارس و دانشگاهها و ترویج اومانیزم، لائسیسم و پلورالیسم دینی برای تضعیف مبانی معرفتی حکومت دینی و... ب - ابزارها و روشهای اقتصادی: صندوق بین الملل پول و بانک جهانی در راستای اهداف امپریالیستی غرب همیشه در دادن وامها به دولتها شرایطی را می گذارد که در تحمیل فرهنگ سرمایه داری غرب موثر است مثلاً "شرایط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای دادن وام به ایران مبتنی بر تسریع خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی و هماهنگ با بازار آزاد جهان، ایجاد مناطق آزاد تجاری که زمینه بسیار مناسبی برای ترویج فرهنگ غربی از جمله تغییر الگوی مصرف تجمل گرایی، مدهای غرب و... از طرف دیگر مراکز کنترل صدور تکنولوژیهای غرب شرط همکاری و انتقال تکنولوژی را به گونه ای ترسیم می نمایند که فرهنگ بیگانه را نیز وارد آن کشور سازد. ج - ابزارها و روشهای اجتماعی

تهاجم فرهنگی مانند فساد جنسی در جامعه، فیلمهای ویدئویی و برنامه های تلوزیونی و ماهواره ای، مجلات و تصاویر مبتذل، کاتالوگ کالاهای لوکس و تبلیغاتی، همگی در ترویج فسادهای اجتماعی، بی هویت کردن نسل جوان، گسترش فساد و خشونت، و نا امنی، بیکاری و غیره دانسته تا بدین وسیله افراد جامعه را خصوصاً "نسل جوان را از اهداف معنوی و فرهنگ انقلاب اسلامی منحرف نمایند. ایجاد روحیه مدگرایی و اخلاق خاص ترویج کنندگان این مدها در قالب گروههای رپ و هوی متال و... دیده می شود که ترویج کننده ارزشهای ضد اخلاقی از جمله همجنس بازی و برقرار روابط آزاد جنسی و... هستند. از طرف دیگر صنعت توریسم گسترش مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی از دیگر ابزارهای اجتماعی تهاجم فرهنگی می باشند، (ر.ک: علی ذوعلم، جرعه جاری (سی مقاله پژوهشی پیرامون انقلاب اسلامی) علیرضا کریمیان، ماهیت انقلاب اسلامی و تهاجم فرهنگی، ص ۴۶۹)

### علت عادی بودن رقص در جامعه ما چیست؟

#### پرسش

علت عادی بودن رقص در جامعه ما چیست؟

#### پاسخ

حساسیت شما نسبت به مسائل فرهنگی، اجتماعی و ارزش قابل تقدیر است. اما این که نوشته اید «رقص در جامعه ما عادی شده» قبول این معنی به صورت کلی شاید درست نباشد. در ارتباط با حکم شرعی رقص و انواع آن دیدگاه های مختلفی وجود دارد که فعلاً در پی بیان حکم شرعی آن نیستیم. اما به طور خلاصه و فقط برای تبیین موضوع باید گفت، برخی از فقها به جایز بودن آن برای همجنس و نیز برای شوهر نظر داده اند و برخی دیگر تنها رقص زن برای شوهر را مجاز دانسته اند و برخی هیچ کدام را که دلایل فقهی آن در کتاب های مربوطه موجود است.

مقام معظم رهبری در این باب فرموده اند: «رقص برای همجنس در صورتی که محرک شهوت نباشد و موجب مفسده ای نشود و همراه آن موسیقی حرام استفاده نشود، اشکال ندارد» و در مجموع فرقی بین رقص های سنتی و غیرسنتی و محلی و... نیست».

پیرامون فلسفه تحریم از دیدگاه اسلام، باید به کرامت و جودی و اعتبار و ارزش توجه داشت که خداوند برای انسان در نظر گرفته است. و اگر هدف انسان را رسیدن به کمال بدانیم. هر آن چه که انسان را به نحوی از این مسیر دور کند، در اسلام منع شده است و میزان منع نیز بستگی به میزان غفلتی است که آن عمل می تواند برای انسان در مسیر یاد شده، ایجاد کند. و به همین دلیل بعضی اعمالی که زمینه ورود انسان را به مسیرهای انحرافی و فساد فراهم می سازد مثل مشروبات الکلی، قمار، رقص، موسیقی مطرب و... در اسلام منع شده است

و فراگیر شدن چنین اعمالی در جامعه دامی در جهت انحطاط آن جامعه، به پایین ترین مرحله خود و دور شدن از کمال انسانی می باشد.

اما چرا رقص حالت عادی پیدا کرده (بر فرض قبول)، دلایل متعددی می تواند داشته باشد که مهم ترین آن کم توجهی مسئولین به مسایل فرهنگی و دینی و ایجاد شیفتگی و تبلیغ نسبت به فرهنگ مبتذل غرب، با اهداف خاص می باشد و از طرف دیگر برنامه ریزی دشمنان انقلاب اسلامی برای به انحراف کشیدن این حرکت اصیل و اسلامی است که بر اساس تجربیات و تحقیقات انجام شده از سوی استعمارگران در کشورهای اسلامی به ویژه ایران، مؤثرترین راه برای تغییر مسیر اصلی و الهی و زمینه سازی برای دستیابی به اهداف شوم استکباری خود را «ایجاد بی بند و باری و فساد» در این کشورها دانسته اند و به این منظور از هیچ کوششی برای رسیدن به آن هدف فروگذار نمی کنند. «رقص» نیز یکی از اموری است که می تواند آرام آرام جامعه را به سوی فساد و بی بند و باری های مختلف همراه با اعمال مفسده انگیز دیگر سوق دهد و زمینه را برای ترویج فساد فراگیر فراهم کند.

اما چه باید کرد و یا وظیفه ما در برابر این گونه اعمال مفسده انگیز چیست؟

۱ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه عمومی البته با رعایت شرایط، آداب و مراتب آن (که در پاسخ سؤالات بعدی مفصل توضیح خواهد آمد) و با شناخت دقیق موضوع، موقعیت جامعه، روحیات افراد، تفکیک امور حرام از غیر حرام و....

۲ تدوین و تصویب قوانین متقن، استوار و جامع.

۳ وجود تشکیلات قوی جهت قوانین مزبور.

۴ اهتمام کلیه مجموعه های فرهنگی کشور و

مسئولین آن مراکز در ایجاد و تقویت فرهنگ دینی و جلوگیری از نفوذ فرهنگ ابتذال و بیگانه، که صدا و سیما، رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی در این زمینه وظیفه سنگین تری دارند.

۵ برخورد قاطع قوه قضائیه با مروجین فرهنگ بیگانه و اعمال خلاف قانون.

۶ ارائه جایگزین های مجاز برای تفریح و تنوع در زندگی جوانان.

بنابر این، باید به این نکته توجه داشت که علاوه بر وظیفه عمومی (بند ۱) عمده مسئولیت بر دوش مسئولین اجرائی، قانونگذاری و دستگاه قضایی کشور است که چنانچه در جامعه شاهد بعضی مظاهر فساد هستیم نشانه آن است که درست به وظایفمان عمل نمی کنیم.

**علت اصلی روی آوردن جوانان روشن فکر کشور عزیز ما به فرهنگ غرب و دوری از فرهنگ غنی اسلامی و نخواندن نماز و فرائض دینی را انجام ندادن و نسبت به دین و مسئولین نظام بدبین بودن چیست. و چرا باید این تازه میوه های رسیده کشور ما در دست دشمن قسم خورده بیفتد و فاسد ش**

### پرسش

علت اصلی روی آوردن جوانان روشن فکر کشور عزیز ما به فرهنگ غرب و دوری از فرهنگ غنی اسلامی و نخواندن نماز و فرائض دینی را انجام ندادن و نسبت به دین و مسئولین نظام بدبین بودن چیست. و چرا باید این تازه میوه های رسیده کشور ما در دست دشمن قسم خورده بیفتد و فاسد شود و از دست برود و چرا به فکر این نسل بعد از انقلاب کسی نیست.

### پاسخ

اثبات اصل این موضوع یعنی وجود دین گریزی و یا دین ستیزی در جامعه کنونی ما نیازمند ارائه تحقیقات دقیق میدانی و پژوهش های آماری با ذکر مصادیق و نمادهای دین گریزی و میزان آن در جامعه است؛ زیرا افراد بسیاری وجود دارند که در ظاهرشان حرکت ها و اعمالی مغایر با ارزش ها و آموزه های دینی مشاهده می شود، ولی اگر به صورت عمیق تر به بررسی سایر رفتارهای آنها بپردازیم مشخص می شود که همان افراد، در بسیاری از اعمال و رفتار خویش پای بند، مقید و معتقد به دین می باشند. از این رو به نظر می رسد دین گریزی مطلق - که افراد به طور کامل هیچ گونه پای بندی به دین نداشته باشند - در جامعه ما بسیار محدود است، لذا به سادگی نمی توان گفت، نسل امروز جامعه ما دین گریز و احیاناً دین ستیز هستند. اینان نسبت به واقعیات موجود جامعه، دیدگاه های متفاوتی دارند و چه بسا بخشی از آن دیدگاه ها و نارضایتی ها، وارد باشد؛ ولی ممکن است، بعضی از افراد جامعه و جوانان با توجه به شرایط محیطی و خانوادگی، از نارضایتی بیشتری برخوردار

باشند و بعضی از نارسایی‌ها را ناشی از قوانین دینی بدانند و در نتیجه اشکالات خویش را متوجه دین نکنند. البته کارآمدی دین بحثی است و کارآمدی برخی از مدیران بحث دیگر. اتفاقاً در گفت و گو با این قبیل افراد، غالباً تصریح می‌کنند که اشکالات آنان نه به اصل دین؛ بلکه به مدیران و کارگزاران بر می‌گردد.

بنابراین، بی‌تردید می‌توان گفت: جوانان کشور از بهترین جوانان از حیث سلامت فکری، روحی و دینی می‌باشند البته سرمایه‌گذاری کلان دشمنان دین و کشور، برای تسخیر این دژ مستحکم و انحراف جوانان، خطری بزرگ است؛ که باید نسبت به آن هوشیار بود.

به هر حال، دین‌گریزی \_ هر چند در حد خیلی ضعیف \_ عوامل متعددی دارد؛ از جمله:

۱. تبلیغات سوء دشمنان و ایجاد و القای شبهه درباره دین،
  ۲. روش‌های نادرست در آموزش دینی در دوران کودکی و نوجوانی،
  ۳. ضعف و سستی بنیان‌های دینی در خانواده،
  ۴. گرایش به سوی تمایلات و هواهای نفسانی،
  ۵. ضعف بینش و نداشتن آگاهی درست از ماهیت دین و نقش و کارکرد آن در تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان.
  ۶. ناکارآمدی برخی از مدیران جامعه در اجرای برنامه‌های اعلام شده حکومت دینی، در نتیجه، بی‌پاسخ ماندن نیازهای اولیه اجتماعی جوانان (ازدواج، اشتغال، مسکن و...)،
  ۷. عدم توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها در برخی از ادارات و دستگاه‌های کشور،
  ۸. درگیری برخی گروه‌ها و جناح‌های سیاسی برای کسب قدرت سیاسی و در نتیجه، ایجاد یأس و ناامیدی جوانان برای نیل به خواسته‌های مشروع خویش.
- برای مبارزه با دین‌گریزی باید پس از بررسی همه‌جانبه علل و عوامل آن، راه‌کارهای مناسب را برگزید. آنچه در جامعه امروز ما بسیار مهم است، ایجاد موجی سهم‌گین

و توفنده در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان و ارایه چهره زیبای دین و زدودن غبار خرافات و کژاندیشی هاست، در این صورت دین با جذابیت فوق العاده ای که دارد، با توان مندی جوانان را به سوی خود فرا می کشاند. از طرف دیگر شدیداً باید مواظب خطر دگرگونی در هویت فرهنگی و گرایش های نسل جوان بود. یکی از خطرات جدی فرهنگ مهاجم غرب این است که جوانان را چنان به سوی تمایلات شهوانی و آزادی های جنسی سوق دهد که اساساً گرایش به دین و دیانت در آنان رنگ بازد و دیگر برای آنان حق و باطل چندان اهمیتی نداشته باشد.

به هر حال، جوانی، از بزرگ ترین نعمت های الهی به بشر است و مثل هر نعمت خداداد دیگر، باید از آن استفاده ای بهینه کرد. جوانان، گران بهاترین سرمایه های کشورها به هنگام جنگ و صلح بوده و به عنوان سربازان و مدیران بالقوه در عرصه های سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و... به شمار می آیند. بنابراین، باید با برنامه ریزی دقیق، موانع پیش روی نسل حاضر (عوامل دینگریزی پیش گفته) را زدود و برای مشکلات آنان، راه کارهای عملی ارائه کرد.

در رابطه با بدینی به دین و مسئولین نظام باید گفت هر چند این موضوع به هیچ وجه عمومیت و کلیت نداشته و نه همه مردم از نظام اسلامی و مسئولین زده شده اند و نه این بدینی نسبت به کل نظام و همه مسؤولان آن وجود دارد و این واقعیت را مردم آگاه و انقلابی ما به کرات در راهپیمایی ها، انتخابات و حضور گسترده در مواقع نیاز، به اثبات رسانیده اند، اما متأسفانه به علت پاره ای از مشکلات و معضلات و مفاسد اداری و... که

در بدنه اجرایی نظام وجود دارد شاهد وجود نوعی بدینی و نارضایتی از برخی رفتارها و عملکردهای مسؤولان خصوصاً" در رده های پایین اجرایی از سوی مردم عزیزمان می باشیم . در ریشه یابی علل و عوامل ایجاد این موضوع می توان آن را در دو بخش مورد بررسی قرار داد.

الف ) بدینی و نارضایتی از برخی مسؤولان غیرروحانی : که مطالب ارائه شده در پاسخ سؤال اول تا حد زیادی گویای علل و عوامل آن می باشد.

ب ) بدینی و نارضایتی از برخی مسؤولان روحانی : که در این قسمت می توان به چند مطلب اشاره کرد:

۱. عملکرد و رفتار تعداد محدودی از افراد روحانی که در دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی اشتغال دارند موجب پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده ی مردم گشته و این امر موجبات بدینی به تمامی روحانیت را فراهم آورده و باعث شد که بسیاری از خدمات افراد صادق و دلسوز با تقوا نیز تحت الشعاع قرار گرفته و مورد غفلت واقع شود.

۲. برخی افراط و تفریط، رفتارها و برخوردهای ناصحیح در بیان احکام شرع و... موجبات بدینی عده ای از افراد را فراهم آورده است .

۳. اختلافات جناحی و سلیقه ای در مسائل اقتصادی , سیاسی , اجتماعی و... باعث افت جایگاه و منزلت روحانیت در دیدگاه مردم شده است .

۴. از دیگر علل آن , حل نشدن برخی از مشکلات و معضلات , عدم اجرای ارزش های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی , مبارزه با مظاهر فساد و...) و تحلیل نادرست مردم

(یعنی مشکلات را همواره از چشم روحانیت دیدن) است .

۵. تغییر ارزشهای جامعه یکی دیگر از عوامل بروز این مشکل است . گفتنی است پس از پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادها و تغییر ارزشهای جامعه به سوی ارزش های مادی ، تجمل پرستی ، مدرک گرایی و... شد. نتیجه ی طبیعی آن تغییر دیدگاه جامعه نسبت به روحانیان که مدافع ارزش های اسلامی اند - شد.

۶. تهاجم شدید و گسترده ی فرهنگی غرب علیه ارزشهای اسلامی با استفاده از تمامی امکانات نرم افزاری و سخت افزاری و تکنولوژی های پیشرفته ، عناصر وابسته داخلی و مطبوعات وابسته و... برای ضربه زدن به مهمترین رکن انقلاب اسلامی یعنی ولایت فقیه و حوزه های علمیه و روحانیت با ناکارآمد خواندن مدیریت فقهی و فراهم آوردن موجبات بدبینی مردم نسبت به این گروه .

۷. به فرموده ی امام علی (ع) (من ملک استأثر) قدرت در دست هر کسی باشد مردم به طور طبیعی از آنها فاصله می گیرند.

۸. انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از روحانیت داشتن چه در حل مشکلات در زمینه های گوناگون ، و چه در شیوه های سلوک فردی و اجتماعی.

۹. تعمیم نادرست اشکالات مشاهده شده از پاره ای عناصر به مجموعه و تمامی روحانیت چنانچه اگر شخصی از یک فردت روحانی خطایی ببیند فریاد می زند که کل روحانیت منحرف گشته است .

مجموعه عوامل فوق و عواملی از این قبیل موجبات بدبینی برخی از افراد جامعه را که دارای قوه تحلیل و شناخت



کامل نبوده و یا این که از بسیاری از مشکلات مانند تبعیض، فساد، معضلات اجتماعی، بیکاری به ستوه آمده بودند را، فراهم آورد.

اما در مورد راهکارهای حل این معضل، هم می توان آنها را به دو بخش تقسیم نمود:

الف. راهکارهایی که خود سازمان روحانیت باید انجام دهد از قبیل، دقت در گزینش ها خصوصا "افراد روحانی که در دستگاههای دولتی و نهادهای حکومتی مشغول به کار هستند یا می شوند و نظارت دقیق بر اعمال آنان و برخورد با افراد خاطی پرهیز از اختلافات جناحی و تفرقه و..."

ب. اقداماتی که در جامعه باید انجام بگیرد مانند بالا- بردن درک و شناخت مردم و شناساندن علل و عوامل مشکلات اقتصادی و اجتماعی، توطئه های دشمنان در تضعیف روحانیت و... از طریق ارائه برنامه های فرهنگی دقیق و کارشناسانه به وسیله مطبوعات و رسانه های ملی و... و یادآوری و تبیین دستاوردهای با ارزش و مفیدی که در کشور ما به برکت رهبری روحانیت حاصل شده در مقایسه با سایر کشورهای همسایه و زمان قبل از انقلاب.

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱. علی ذو علم، انقلاب و ارزشها

۲. امام خمینی و حکومت اسلامی، ج ۸، روحانیت، اجتهاد و دولت

۳. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد

## مقابله با تهاجم فرهنگی

**با توجه به تهاجم فرهنگی غرب، آینده کشور را چگونه پیش بینی می کنید؟**

### پرسش

با توجه به تهاجم فرهنگی غرب، آینده کشور را چگونه پیش بینی می کنید؟

### پاسخ

{آینده جامعه ما به خط مشی فکری و عملی امروز جامعه ما بستگی دارد: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینقضوا ما بانفسهم .

اگر جامعه ای اسیر شهوات نفسانی و لذایذ مادی شد، روشن است که سرنوشتی جز اضمحلال مادی و معنوی نخواهد داشت؛ ولی اگر ارزش ها و معیارهای الهی و انسانی محور باشد، در این صورت جامعه رو به کمال خواهدرفت. در حال حاضر با

وجود برخی گرایش های دنیاطلبانه، نایستی از آینده ناامید بود؛ چرا که شعله های پرفروغی از ایمان و ارزش نیز در جامعه به چشم می خورد که نور امید را در دل ها زنده نگاه می دارد.

وجود جوانانی همانند شما - که به حمدالله اندک هم نیستند - و خانواده هایی که چنین فرزندان را پرورش می دهند، برهان روشنی بر این مدعا است. در هر صورت آینده در گرو امروز و فعالیتی است که در جهت تحقق اهداف الهی و آرمان های انسانی صورت می گیرد.

در جامعه ما با وجود زمینه های غنی فرهنگی و الگوهای لازم در این زمینه، امیدهای فراوانی برای این سیر وجود دارد: ولا تأسوا من روح الله .

احساسات پاک و علایق دینی شما بسیار ارزنده و مهمترین رکن بالندگی و رشد و کمال معنوی است. با اخلاص و اعتقاد راسخی که در وجود شما عزیزان می باشد خداوند همواره یاور و دستگیرتان خواهد بود. برای این که بهترین شکل در حساس ترین و ارزنده ترین دوران حیات خویش بتوانید گل زیبای فطرت را شکوفا ساخته و هر چه بیشتر آن را بارور سازید باید با عزمی قاطع و اراده ای استوار و برنامه ای منظم و حساب شده به پیش روید

و لحظه ایدرننگ نورزید. در این راستا در دو زمینه باید خود را رشد دهید:

۱) رشد علمی و فکری: در این زمینه باید به جهادی علمی پردازید و با برنامه ریزی دقیق برای خود سیر مطالعاتی منظمی ترتیب داده و از هر فرصت ممکن در این راستا بهره جوئید. در مرحله اول - بویژه در تعطیلات تابستان - سری ۷ جلدی «مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی» استاد مطهری را توصیه می نمایم. آنها را دوبار مطالعه نموده و خلاصه برداری نمایید. پس از اتمام این برنامه نتیجه را گزارش نمایید تا مراحل بعدی اعلام گردد.

۲) در بعد عملی: اولین گام انجام واجبات و ترک محرمات است. در این زمینه دو جزوه خدمتتان ارسال می گردد. در عمل به روش های ذکر شده در آنها بسیار جدی باشید و در صورت مخالفت خود را تنبیه نمایید. در جدولی همه روزه برنامه های انجام شده و خدای نخواستہ خلاف هایی که مرتکب شده اید را ثبت کنید و بلافاصله تصمیم به از بین بردن آنها با روش های ذکر شده بگیرید. نتیجه و میزان موفقیت هر یک از آنها را ثبت کنید و در پایان برای ما ارسال دارید. از خداوند بزرگ توفیقات روز افزونتان را خواستاریم و امید آن داریم که همواره تحت عنایات حضرت ولی عصر (عج) باشید.

هم چنین کتاب های «نامه ها و برنامه ها» و «در آسمان معرفت» از علامه حسن زاده آملی را بخوانید. }

### **چرا جوانان از روحانیون و انقلاب فاصله می گیرند؟ چه باید کرد؟**

#### **پرسش**

چرا جوانان از روحانیون و انقلاب فاصله می گیرند؟ چه باید کرد؟

#### **پاسخ**

متأسفانه به رغم وجود ارزش های والای انسانی و غنای مسائل فرهنگی و معنوی در جامعه ما، نسل اول انقلاب، دستگاه های فرهنگی و... در انتقال این ارزش ها به نسل دوم و سوم انقلاب و حتی تعمیق آنها برای خود نسل اول انقلاب، سهل انگاری و متأسفانه علیرغم هشدارها و توصیه های شدید مقام معظم رهبری و بزرگان حوزه به مسؤولان نسبت به اوضاع وخیم و اسفناک فرهنگی جامعه و روند تغییر ارزش های اسلامی که جلوه های بارز آن در برخی تولیدات و محصولات هنری و سینمایی به وضوح قابل مشاهده می باشد و برخی اقدامات صورت گرفته در این خصوص مانند استعفای وزیر پیشین وزارت ارشاد، جلوگیری از پخش و اکران برخی فیلم ها و... همچنان ما شاهد گسترش این روند در جامعه می باشیم که این خود نیازمند بررسی و شناخت دقیق عوامل و زمینه های به وجود آورنده آن و ارائه راه کارهای اصولی و مناسبی باشد. در هر صورت آنچه در پاسخ این سؤال می توان گفت این است که برخی از این قبیل معضلات مربوط به عملکرد دستگاه های فرهنگی نظام می باشد. وزارت ارشاد بود و برخی به صدا و سیما.

در مورد اقدامات مربوط به وزارت ارشاد باید گفت که متأسفانه عملکرد این وزارت خانه خصوصاً در سال های اخیر به هیچ

وجه مطلوب نبوده و مقام معظم رهبری به کزّات نارضایتی خود را از آن اعلام نموده اند که منجر به تعویض وزیر آن وزارتخانه گردید. ایشان در ۲۴ آذر ۷۸ در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «... سؤال من این است که وزارت ارشاد چند کتاب برای تقویت تفکر اسلامی چاپ

کرده است؟ چند فیلم برای تقویت فکری اسلامی و انقلاب ساخته است؟ الان مرتب در سالن های وابسته به ارشاد نمایش داده می شود، بعضی هاصد در صد ضد دین است، ضد انقلاب است. اگر در کنار این همه چند نمونه تئاتر و فیلم اسلامی می ساختند که این مبلغ اسلام است، من اعتراض نمی کردم. بنده اهل رمان خواندن بودم، و الان هم با رمان بی ارتباط نیستم، خیر دارم که در دنیای رمان چه خبر است فاسدترین رمان ها الان منتشر می شود و...».

اما در مورد صدا و سیما هم معظم له تذکراتی داشته اند. ایشان در این باره فرمودند: «... من به صدا و سیما هفته ای یک بار یا کم تر، اعتراض می کنم و پیغام تند می دهم؛ اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلام انجام داده و برنامه های اسلامی درست کرده است. برنامه هایهنری، اسلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد...»، ولی در هر صورت کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه ها خالی از عیب و نقص نمی باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش های جامعه و وظایف سنگینیکه این رسانه ملی خصوصاً بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن، آن هم در حدی که زیننده حکومتاسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام بردید می توان

گفت که بخشی از اینها مربوط به وزارت ارشاد و صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیندهو مخاطبین آن می باشد.

کم کاری هایی داشته اند که، انضمام، جماعت فاصله گرفتن تدریجی برخی از جوانان از ارزش های اسلامی شده است. بعضی از این عوامل عبارت است از:

۱. مشکلات پس از انقلاب (مانند جنگ و توجه به مسائل امنیتی و دفاعی و...) که نتیجه طبیعی آن فقدان برنامه ریزی های دقیق و کارشناسی شده برای نهادینه سازی و تثبیت ارزش ها و معارف اسلامی است.

۲. تغییر هنجارهای اجتماعی از ارزش های دینی و معنوی به ارزش های مادی و سودگرایی، در اثر بعضی از اقدامات اقتصادی و در پیش گرفتن مدل توسعه، باعث بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از ارزش های اسلامی گردیده است.

۳. عملکرد منفی و نامطلوب بعضی از دستگاه های فرهنگی در سال های اخیر و میدان دادن به افراد و عناصری که غیر معتقد به نظام اسلامی و ترویج فرهنگ غربی از سوی آنان.

۴. پاره ای برخوردهای نسنجیده و نامطلوب و یا همراه با زیاده روی و افراط توسط بعضی از افراد مذهبی دلسوز در مقابله با ناهنجاری ها و منکرات جامعه.

۵. کم کاری برخی از افراد مذهبی در نشان دادن چهره واقعی و محبت آمیز اسلام و برطرف نمودن دیدگاه منفی ایجاد شده در عمل.

۶. کم کاری نیروها و دستگاه های انقلابی، در تولید برنامه های سالم، جذاب و مفیدی که بتواند اوقات فراغت جوانان را پر کند و آنان را از توجه به برنامه های ضد اخلاقی و فاسد فرهنگ بیگانه باز دارد.

۷. تهاجم فرهنگی غرب در جهت بی هویت کردن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی مردم، ایجاد شکاف میان نسل جوان و مسؤولان حکومتی و ایجاد

تردید نسبت به کارآیی مدیریت فقهی، شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژیو...

۸. پیروی از امیال و هواهای نفسانی که ناشی از عوامل محیطی، تربیت ناصحیح با بی اعتنایی، به ارزش های معنوی و... است. این مشکل ناشی از اراده و اختیار خود انسان است. خداوند می فرماید: انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا ، (انسان، آیه ۳). متأسفانه بسیاری از افراد تحت تأثیر هوای نفس و پیروی از امیال و خواهش های نفسانی، راه ضلالت و گمراهی را بر می گزینند. قرآن در این زمینه فرموده است: لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم \* ثم ردناه اسفل سافلین ، (تین، آیه ۴ و ۵). متأسفانه این عوامل، باعث فاصله گرفتن برخی جوانان از ارزش ها و مسائل معنوی و دوری آنان از روحانیان و مساجد شده است. هر چند مردم و جوانان تیز بین و آگاه ما همواره کمال ارادت را به شخصیت های روحانی مانند حضرت امام و مقام معظم رهبری و بسیاری از شخصیت های دیگر که هیچ گونه حقوقی از دولت دریافت نکرده و زندگی کاملاً ساده و در سطح خیلی پایینی داشته و همواره در خدمت انقلاب بوده اند، دارند.

۹. تأثیر گذاری جریانات التقاطی و یا روشنفکری وابسته و سکولار در داخل کشور در جهت ایجاد بدبینی نسبت به اسلام و روحانیت.

جدایی عده ای از جوانان از روحانیون ممکن است دلایل دیگری هم داشته باشد، از جمله:

۱. عملکرد و رفتار ناشایست گروهی از شاغلان در دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی باعث پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل آنان شده و موجب بدبینی به تمامی روحانیت گشته است.

۲. برخی از رفتارها و برخوردهای ناصحیح و

مخالف شرع در بیان احکام شرعی، موجبات بدبینی عده ای از افراد خصوصا جوانان را فراهم آورده است، حضرت امام(ره) و رهبر معظم انقلاب بارها خطر این گونه افراد را متذکر شده و در این خصوص می فرمایند: «معنایتحجر آن است که کسی که می خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه به لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد، این بلائی بزرگی است»، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷/۳/۱۳۷۶).

۳. اختلافات جناحی و سلیقه ای در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جایگاه و منزلت روحانیت را پایین آورده است.

۴. حل نشدن برخی از مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (مانند اشتغال، مسکن و رفاه)، و عدم اجرای ارزش های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی، مبارزه با مظاهر فساد و...)، باعث شده که مردم این مشکلات را همواره از چشم روحانیت ببینند و انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از آنان داشته باشند.

مجموعه این عوامل باعث شده تا دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی با تهاجم فرهنگی، و درشت نمایی مشکلات، به القای اندیشه نسبی بودن ارزشها، جدایی دین از سیاست، ناکارآمدی مدیریت فقهی، اسلام منهای روحانیت پرداخته اند. اما برای مقابله با این روند، کارها و اقدامات متعددی انجام شده که آنها را می توان در دو بعد، مورد بررسی قرار داد.

الف) اقدامات نظری و اندیشه ای:

۱- تقویت و تثبیت ارزشهای اسلامی و



ایمان مذهبی و ترسیم چهره واقعی و محبت آمیز اسلام از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره بصورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و برگزاری جلسات روح بخش دعا و سخنرانی های مفید و پرمحتوی نماز جماعت در مؤسسات و ادارات برگزاری و گسترش برنامه روح بخش اعتکاف در سطح شهرها خصوصاً دانشگاهها بطوریکه هر سال با استقبال بیشتری روبرو بوده است.

۲- ایجاد و تقویت هویت جوانان از طریق شناخت استعدادها و تواناییهای بالقوه ای که دارند آشنا نمودن آنها با گذشته درخشان اسلامی و ملی خود و دستاوردهایی که در دوران انقلاب و بعد از آن داشته اند و آگاهی دادن نسبت به عقاید شوم دشمنان و خطرات ناشی از انحرافات اخلاقی و اعتیاد و بالا بردن درک و شناخت و قدرت تحلیل جوانان و شناساندن عوامل مشکلات اقتصادی و معضلات اجتماع

### بهترین مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

#### پرسش

بهترین مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

#### پاسخ

مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب در گرو رعایت اموری است که ذیلاً به آن اشاره می شود:

۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت: قرآن مجید دو عامل اصلی را از اسباب گمراهی و انحراف عمومی می داند: یکی دور شدن از ذکر خدا؛ یعنی فراموش کردن معنویت و دیگری شهوترانی و دنیاطلبی است آن جا که می فرماید: "فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاه و اتبعوا الشهوات" (۱)

دشمن نیز با علم به این موضوع در یان دو محور سرمایه گذاری می کند برای مقابله با دسیسه شیطنی دشمن باید جوانان را مسلح به ایمان و معنویت کرد. مقام معظم رهبری می فرماید: چیزی که به یک نظام قدرت می دهد بمب اتمی نیست قدرت نظامی اسلامی که آمریکا و شوروی سابق و بقیه قدرت های ریز و درشت عالم تا امروز نتوانسته اند و نخواهند توانست با آن مقابله کنند، قدرت ایمان نیروهای حزب الله است. (۲)

۲- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر: با نظارت عمومی و مراقبت دستگاه های مربوطه فساد و تباهی از جامعه ریشه کن می شود. بر این اساس اسلام امر به معروف و نهی از منکر را در کنار نماز و روزه واجب کرده است تا جایی که علی (ع) می فرماید:

" و ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفته فی بحر لَجّی؛ (۳) امر به معروف و

نهی از منکر در مقیاس وسیع و عمومی حتی از جهاد بالاتر است کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون دمیدنی است به دریایی پرموج پهناور".

۳- بها دادن به

امور فرهنگی: از آن جا که دشمن با ابزار فرهنگی مبارزه می کند برای خنثی ساختن آن باید با همان ابزار مانند فیلم و عکس و رسانه های جمعی وارد میدان شد، از این رو رسالت مبلغان و صدا و سیما و مطبوعات و مؤسسات فرهنگی بسیار مهم و تعیین کننده است.

۴- توجه ویژه به جوانان: مقام معظم رهبری خطاب به جوانان می فرماید: واضح است که شما در خط مقدم تهاجم فرهنگی هستید و من این را قبول دارم، چون تهاجم فرهنگی به مقصود بی اعتقاد کردن نسل نو انجام می گیرد. هم بی اعتقاد کردن به دین، هم بی اعتقاد کردن به اصول انقلابی. (۴)

با مسئولیت دادن جوانان و درک صحیح از خواسته های آن ها و رفع نیازهای مشروع و ارتقای سطح آگاهی جوانان می توان این نسل پر طراوت را در برابر تهاجم فرهنگی دشمن مقاوم ساخت.

۵- خودباوری مردم و مسئولین:

تهاجم فرهنگی دشمن به منظور سست کردن اراده مردم و خودباختگی آن ها صورت می گیرد. برای مقابله با آن باید جوانان را باور کنیم و به نیروهای متخصص و متعهد خود اعتماد داشته باشیم تا با ابتکار و خلاقیت رشته های وابستگی را در بخش اقتصادی بگسلند. امام خمینی می فرماید:

"اساس همه شکست ها و پیروزی ها از خود آدم شروع می شود. انسان بر اساس پیروزی است و اساس شکست است. باور انسان اساس تمام امور است. شما اگر چنانچه باورتان باشد که نمی توانید صنعت بکنید و نمی توانید صنایع بزرگ و کوچک را و چیزهایی که احتیاج به غرب بوده است، خودتان آن ها را درست بکنید تا این باور هست نمی توانید که انجام بدهید. اول باید خودتان را درست کنید. اول باید باورتان

بیاید که ما هم انسانیم، ما هم قدرت تفکر داریم". (۵)

پی نوشت ها:

۱. مریم، آیه ۵۹.

۲. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۱۷۹.

۳. نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۳۷۴.

۴. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۴۰۲.

۵. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۹۳ و ۱۹۴.

**در دیگر کشورهای اسلامی یکتاپرستی چگونه روالی را طی می کند؟ و آیا آن ها نیز دچار مشکلات دامنگیری چون تهاجم فرهنگی می باشند در صورت مطلع بودن راه های مقابله این ملل را بامشکلات شرح دهید؟**

**پرسش**

در دیگر کشورهای اسلامی یکتاپرستی چگونه روالی را طی می کند؟ و آیا آن ها نیز دچار مشکلات دامنگیری چون تهاجم فرهنگی می باشند در صورت مطلع بودن راه های مقابله این ملل را بامشکلات شرح دهید؟

**پاسخ**

مسلمانان در سایر کشورها نیز گرفتار مشکلات هستند تهاجم فرهنگی لاابالی گری بی بند و باری و آزادی در معاشرت و اختلاط مدارس آنها را ویران ساخته است . گرچه امروزه مسلمین تا حدودی بیدار شده اند و به مقابله پرداخته اند، ولی حکومت آن ها زیرسلطه ابرقدرت ها است آنها باید با داخل و خارج مبارزه کنند تا از چنگال آن ها نجات پیدا کنند.

**وقتی نمی توانیم جلوی ابتدال در دانشگاهها را بگیریم چگونه با ابتدال عمومی در نقاط مختلف مبارزه کنیم؟**

**پرسش**

وقتی نمی توانیم جلوی ابتدال در دانشگاهها را بگیریم چگونه با ابتدال عمومی در نقاط مختلف مبارزه کنیم؟

**پاسخ**

مبارزه با ابتدال و هجوم در دانشگاه جدا از مبارزه با شیخون فرهنگی در جامعه نیست، البته تفاوت‌های اندکی که در این زمینه وجود دارد نباید با این حال باید توجه داشته باشید که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق حکومت جمهوری اسلامی اقدامات چشم گیری نیز در این راستا صورت گرفته است که در ذیل به آن اشاره می شود:

۱. ایجاد تغییرات و اصلاحاتی در برنامه های صدا و سیما و افزایش برنامه های سازنده و معنوی.

۲. اجرا و تقویت برنامه های دینی و تربیتی در مدارس، دانشگاهها، ادارات و ... مانند طرح نماز و ...

۳. کنترل مرزها و جلوگیری از ورود مواد مخدر و ابزارها و وسایل فساد انگیز.

۴. کشف شبکه های گسترش فساد و انهدام آنها.

۵. ارایه آموزشهایی در سطح مدیران مدارس جهت آشنایی با شیوه های تهاجم فرهنگی در مدارس و راه های مقابله با آنها.

۶. ایجاد ممنوعیت و محدودیت استفاده از برنامه های ماهواره ای.

کوشش های مذکور و اقدامات دیگری که در سطح وسیعی انجام گردیده و با توجه به گستردگی بسیار بالای توطئه دشمنان، نتایج درخشانی نیز به بار آمده ولی هرگز نباید پنداشت که این امور کافی است و با این تلاش ها توطئه تهاجم فرهنگی ریشه کن می شود. بلکه هر یک از عوامل فوق تأثیری در حد و در زمینه خاصی دارد و بدون همکاری جدی و بی وقفه مردم و مسئولین مصونیت از گزند تهاجم فرهنگی و رواج ابتدال ممکن نیست.

بر گرفته از: [ww.Nakad.net](http://ww.Nakad.net)

**چنانچه موجی به داخل جامعه ای راه یافت ، مقابله با آن چگونه خواهد بود ؟ آن را نفی کنیم و مقاومت کنیم یا این که جامعه را با آن به نحوی سازگار کنیم که خطر ابتدال فرهنگی بیشتر نشود ؟**

**پرسش**

چنانچه موجی به داخل جامعه ای راه یافت ، مقابله با آن چگونه خواهد بود ؟ آن را نفی کنیم و مقاومت کنیم یا این که جامعه را با آن به نحوی سازگار

کنیم که خطر ابتدال فرهنگی بیشتر نشود؟

**پاسخ**

از ظاهر سؤال شما اینگونه بر می آید که منظور جنابعالی از نفوذ موج به داخل جامعه ، موج فرهنگی را منظور نظر داشته اید در پاسخ به این پرسش باید گفت : امواج فرهنگی بر دو قسمند :

۱- امواج فرهنگی مثبت و سازنده

۲- امواج فرهنگی منفی و مخرب

امواج فرهنگی حرکت آفرین و پیش برنده جامعه ، ریشه در اصالت‌های اسلامی و ارزش‌های انسانی دارد . بطور مثال موج فرهنگی بیداری دینی و بازگشت به هویت اسلامی و موج حمایت و دفاع از ارزش‌های ملی و انقلابی در جریان جنگ تحمیلی ، یک موج اصیل و یک حرکت رو به جلو بود که رهبری آن را امام راحل و روحانیت بیدار بر عهده داشتند . ولی امواج فرهنگی مخرب ریشه در فرهنگ وارداتی و ضد ارزش‌ها دارد که سردمدار آن استکبار جهانی است و شعار اصلی آنان لیبرالیسم و سکولاریسم می باشد . طبیعی است که هر انسان خردمند و هر جامعه بیداری در قبال چنین فرهنگی مقاومت و ایستادگی می کند . البته این سخن به این معنا نیست که اگر احیاناً جنبه های مثبتی در فرهنگ دیگران مشاهده می شود آن را نادیده گرفته و نفی کنیم اساساً در مقوله های فرهنگی و روابط فرهنگی بین المللی دو مبحث خودنمایی می کند :

- تبادل فرهنگی

- تهاجم فرهنگی

رهبر معظم انقلاب در این خصوص چنین می فرمایند :

و دلنشین و خوب و سازنده و مورد علاقه را می گیرد . ملت فراگیرنده ، نقاط درست و چیزهایی که فرهنگ او را کامل می کند تعلیم می گیرد .

تبادل

فرهنگی از طرف ماست ولی تهاجم فرهنگی از طرف دشمن است . تا فرهنگ خودی را ریشه کن کند . تبادل فرهنگی خوب است ولی تهاجم فرهنگی بد است . تبادل فرهنگی هنگام قوت و توانایی یک ملت انجام می گیرد ، ولی تهاجم فرهنگی در روزگار ضعف یک ملت به وقوع می پیوندد .

استفاده از فرهنگ دیگران انسان را تکمیل می کند . اما فرق است بین اینکه انسان یک داروی مقوی یا یک غذای مقوی را برود با معرفت و بیدرایی و هوشیاری از بین صد قلم دارو و غذا انتخاب کند یا دارو و غذایی را به او تحمیل کنند که به ضرر او هم باشد.

تا آخر دوران پهلوی فرهنگ بیگانه را به این ملت تزریق کردند . اخذ فرهنگ بیگانه در گذشته به عنوان تکمیل نبود بلکه غرق شدن و مفعول فرهنگ بیگانه قرار گرفتن بود که ارزشی نداشت . اگر انسان برود با اختیار خودش انتخاب بکند، صحیح است . الا این در فرهنگ غرب انصافاً یک عناصر خوبی وجود دارد که برای ما حیاتی است و ما باید آنها را یاد بگیریم ، چیزهای خوب زیادی دارند ، اگر این چیزهای خوب نبود که غرب به اینجا نمی رسید . این همه فسادی که غرب دارد باید غرب را اصلاً مضمحل می کرد و مثل دود به هوا می برد . علت اینکه دود نشدند و نرفتند هوا، این است که عناصر واقعاً حسابی در کار آنها بوده ، اینها آدمهای منظمی هستند ، آدمهای پرکاری اند در تلاشهایشان خستگی ناپذیرند و از همین روی عناصر مثبت و مطلوب فرهنگ آنها را باید گرفت

و استفاده کرد .

وقتی اروپائیاها تهاجم فرهنگی را به کشور ما شروع کردند روحیه وقت شناسی ، شجاعت ، خطر کردن در مسائل ، تجسس و کنجکاوی علمی را برای ما نیاوردند ، نخواستند تا با تعلیمات و تبلیغات و پیگیری ، ملت ایران یک ملت دارای وجدان کار وجدان علمی بشود . آنها فقط بی بندوباری جنسی را وارد کشور ما کردند .»

نقش نخبگان جامعه و اندیشمندان آن همچون نقش یک فیلتر است اگر فرهنگ دیگران بشکل صحیح پالایش شود نه تنها مضر نیست بلکه نقشی سازنده نیز ایفا خواهد کرد ولی تن دادن به فرهنگ دیگران بدون در نظر داشتن جنبه های منفی و مخرب آن امری ناپسند و مذموم است که باید در برابر آن مقاومت و ایستادگی کرد .

ایستادگی به این معناست که آگاهی دینی و بینش سیاسی و هوشیاری انقلابی جامعه روز به روز افزایش یابد . نقش فرهیختگان و اندیشمندان در این زمینه یک نقش پیشرو و پیش برنده است .

هر چه به آگاهی جامعه افزوده شود مصونیت او در تبادل فرهنگ بیگانه بیشتر خواهد بود

### **وظیفه ما در قبال فساد فرهنگی که در جامعه حاکم است چه می باشد؟**

#### **پرسش**

وظیفه ما در قبال فساد فرهنگی که در جامعه حاکم است چه می باشد؟

#### **پاسخ**

در قبال فساد فرهنگی که معمولاً آثار تهاجم فرهنگی دشمن است، ضمن اینکه باید خود را حفظ نمود و به تقویت باورها و اعتقادات خویش پرداخت و با عمل صالح رابطه خویش را با آن باورها مستحکم نمود، باید به مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن پرداخت که نیاز به برنامه ریزی دقیق است.

در بحث تهاجم فرهنگی به تعبیر رهبر انقلاب باید یک کار ویژه انجام شود، که نکاتی را باید دقت نمود:

الف. الگوهای فرهنگی، که جهت زندگی مردم را تغییر می دهند.

ب. نظام فرهنگی، اگر نظام فرهنگی همه مناسبات اجتماعی و سیاسی را احاطه نکند، عواملی به اقتضای شرایط هدایت جامعه را به دست می گیرد.

ج. کار فرهنگی، به معنی هدایت عمومی جامعه در کشور ما کمتر توجه شده است.



د. همانند سازی و پالایش جامعه باید در حوزه فرهنگ صورت گیرد.

حالا با توجه به نکات بالا در مقابله با تهاجم در دید کلی باید مراحل زیر را طی نمود:

۱. شناسائی سازمانهای حمله کننده، که در قدم اول باید سازمانها و مراکزی که کار حمله فرهنگی را شکل می دهند شناسائی کرد و از کیفیت حمله آنان مطلع شد.

۲. تشخیص کار فرهنگی، انسان اگر کارشناس مسائل فرهنگی نباشد، یقیناً نمی تواند فعالیت مضر دشمنان را تشخیص دهد، لذا برای شناسائی تهاجم فرهنگی دشمن باید با کار فرهنگی آشنا بود.

کار سلبی و ایجابی، مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند: "کار سلبی مقابله با آنها و جلوگیری از توطئه آنها است، کار ایجابی، کار فرهنگی صحیح است، منبری خوب منبر خوب موعظه مردم و توجیه فکری آنها،

این روزنامه های ما، این مجلات ما، این گویندگان ما، این آقایان مسؤولان که مرتب در این جا و آنجا در مسجدها و پشت تریبونها و این شهر و آن شهر حرف می زنند، حرف اصلیشان این باشد " و نهایتاً در این رابطه کلام رهبر بزرگوار انقلاب در پاسخ به سؤال از نحوه پاسخگویی به تهاجم فرهنگی را می آوریم: "نبرد فرهنگی را با مقابله به مثل می شود پاسخ داد، کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی شود جواب داد، تفنگ او، قلم است، این را می گوئیم تا مسؤولان فرهنگ کشور و کارگزاران فرهنگی در هر سطحی و فرهنگیان □□...□□ احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شماست رادیو، تلویزیون، مدارس، وزارت ارشاد، روزنامه ها، مجلات و کلاً مجموعه بنای فرهنگی کشور، مسؤولیت دارند"

با همه نکاتی که تذکر داده شد نمی توان انکار نمود که هیچ عاملی در اصلاح فرهنگی جامعه و مقابله با تهاجم بیگانگان به نیرومندی عامل امر به معروف نیست که می باید با قوت به وسیله دولت و قوای اجرایی ملت احیا شود.

### **راه عملی مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ (راهی که با توجه به شرایط کنونی عملی باشد)**

#### **پرسش**

راه عملی مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ (راهی که با توجه به شرایط کنونی عملی باشد)

#### **پاسخ**

در بحث تهاجم فرهنگی به تعبیر رهبر انقلاب باید یک کار ویژه انجام شود، که نکاتی را باید دقت نمود:

الف. الگوهای فرهنگی، که جهت زندگی مردم را تغییر می دهند.

ب. نظام فرهنگی، اگر نظام فرهنگی همه مناسبات اجتماعی و سیاسی را احاطه نکند، عواملی به اقتضای شرایط هدایت جامعه را به دست می گیرد.

ج. کار فرهنگی، به معنی هدایت عمومی جامعه در کشور ما کمتر توجه شده است.

د. همانند سازی و پالایش جامعه باید در حوزه فرهنگ صورت گیرد.

حالا با توجه به نکات بالا در مقابله با تهاجم در دید کلی باید مراحل زیر را طی نمود:

۱. شناسائی سازمانهای حمله کننده، که در قدم اول باید سازمانها و مراکزی که کار حمله فرهنگی را شکل می دهند شناسائی کرد و از کیفیت حمله آنان مطلع شد.

۲. تشخیص کار فرهنگی، انسان اگر کارشناس مسائل فرهنگی نباشد، یقیناً نمی تواند فعالیت مضر دشمنان را تشخیص دهد،

لذا برای شناسائی تهاجم فرهنگی دشمن باید با کار فرهنگی آشنا بود.

۳. کار سلبی و ایجابی، مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند: "کار سلبی مقابله با آنها و جلوگیری از توطئه آنها است، کار ایجابی، کار فرهنگی صحیح است، منبری خوب منبر خوب موعظه مردم و توجیه فکری آنها، این روزنامه های ما، این مجلات ما، این گویندگان ما، این آقایان مسئولان که مرتب در این جا و آنجا در مسجدها و پشت تریبونها و این شهر و آن شهر حرف می زنند، حرف اصلیشان این باشد"

و نهایتاً در این رابطه کلام رهبر بزرگوار انقلاب در پاسخ به

سؤال از نحوه پاسخگویی به تهاجم فرهنگی را می آوریم: "نبرد فرهنگی را با مقابله به مثل می شود پاسخ داد، کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی شود جواب داد، تفنگ او، قلم است، این را می گوئیم تا مسؤولان فرهنگ کشور و کارگزاران فرهنگی در هر سطحی و فرهنگیان عزیز، احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شماست، تلویزیون، مدارس، وزارت ارشاد، روزنامه ها، مجلات و کلاً مجموعه بنای فرهنگی کشور، مسؤولیت دارند"

با همه نکاتی که تذکر داده شد نمی توان انکار نمود که هیچ عاملی در اصلاح فرهنگی جامعه و مقابله با تهاجم بیگانگان به نیرومندی عامل امر به معروف نیست که می باید با قوت به وسیله دولت و قوای اجرایی ملت احیا شود.

**توسعه فرهنگی خوب بوده است ولی قدرت تهاجم فرهنگی و تلاشهای دشمن بیشتر می باشد چرا این وضع را پیدا کرده ایم؟**

**پرسش**

توسعه فرهنگی خوب بوده است ولی قدرت تهاجم فرهنگی و تلاشهای دشمن بیشتر می باشد چرا این وضع را پیدا کرده ایم؟

**پاسخ**

همانطور که خود شما اشاره کرده اید، تلاش دشمن در راه براندازی دین و انقلاب ما بسیار بیشتر از زحمات ما در زمینه های فرهنگی می باشد، و اگر ما بخواهیم در این زمینه ها موفق باشیم باید ضمن سرعت دادن به کارهای فرهنگی خود، از اصل خودسازی و توکل به خداوند در کنار توسل به امامان معصوم (نیز غافل نشویم. همچنین باید به سرمایه گذاری های مالی نیز فکر کنیم، زیرا یکی از حربه های دشمن بهره گیری از امکانات مالی وسیع می باشد. و نیز باید خود را به آخرین پیشرفتهای علمی روز مجهز کرده و از تکنولوژی نرم افزاری نیز غافل نباشیم.

خلاصه اینکه ما در صورتی بر دشمن غلبه خواهیم کرد که مانند او در کار خود جدیت داشته باشیم، و بخاطر ناملایمات و سختی های راه، آقا امام زمان (و مقام معظم رهبری را تنها نگذاریم، و از هیچ کوششی در این راه فروگذار نباشیم) هر چند که همین الآن هم با وجود کوچکی کشورمان و کمی جمعیتمان نسبت به سایر کشورهای قدرتمند، خواب را از چشم آمریکا و ... ربوده ایم"

با نظری به تاریخ بشریت به حقیقتی لذت بخش می رسیم و آن این است که در اکثر زمانها و مکانها در طول تاریخ، قدرت مادی و آمیخته با وسوسه های شیطانی در دست ظالمین بوده است مثل فرعون، نمرود و ابوسفیان و معاویه و ... اما قدرت حقیقی که قدرت معنوی است و تجلی قدرت خداوند است در دست انسانهای

موّحد بوده است، نظیر پیامبر بزرگوار اسلام (امیرالمؤمنین علی) و پیامبران و سایر معصومین (و سرانجام هر قوم و دینی به خیر و حاکمیت الهی ختم شده است. خداوند متعال موسی را بر فرعون و ابراهیم را بر نمروود و نوح را بر قوم نوح پیروز گردانید و شرق و غرب عالم را به زیر پرچم اسلام آورد. گرچه مسلمانان از مسیر حقیقی اسلام خارج شدند و گرفتار حکومت‌های ظالمانه بنی امیه و بنی عباس و... شدند ولی به برکت انقلاب اسلامی و همت فرزندان پاک زهرا)، امام خمینی (ع)، اسلام زنده شد و بر اقتدار کفار و ظالمین جهان پایان داد. وما معتقدیم و ایمان داریم که خون سرخ شهیدان و اشک چشم مادران شهدا اجازه نخواهد داد که فرعون زمان (آمریکا) به تخت ظلم خویش باقی بماند و عاقبت، این فرعون متکبر زمان در دریای نیل عشق و اخلاص مردم مسلمان ایران، غرق خواهد شد. پرچمی که به دست امام (برافراشته شد، بر زمین نخواهد افتاد که در دست سید بزرگوار قرار گرفته است که حسینی می اندیشد و علوی حکومت می کند. و این سردار عشق و ایثار پرچم نظام مقدس جمهوری اسلامی را به دست امام زمان (خواهد رساند و این وعده قرآن است.

پس به امید روزی که بتوانیم پرچم انقلاب اسلامی خود را به دست آقا امام زمان (برسانیم).

آمین

**آیا برای از بین بردن این فرهنگ غرب که با لباس های مبتذل وارد شهر می شوند و همه را به طرف خود می کشانند چه باید کرد؟**

**پرسش**

آیا برای از بین بردن این فرهنگ غرب که با لباس های مبتذل وارد شهر می شوند و همه را به طرف خود می کشانند چه باید کرد؟

**پاسخ**

انحراف نوجوانان و جوانان در عصر کنونی موضوعی نیست که تنها گریبان قشر جوان این مرز و بوم را گرفته باشد، بلکه بلایی است که در سراسر دنیا ریشه دوانده و روز به روز هم بر ابعاد این معضل جهانی افزوده می گردد. بحث ارتباطات و وجود وسایل ارتباط جمعی و رسانه های مختلف و حجم وسیع و گسترده تبلیغات غرب در ترویج فساد و فحشا از طریق انتشار فیلم و عکس و مجله و سی دی و ماهواره و حتی شبکه اینترنت میان نوجوانان و جوانان و سایر اقشار به عنوان ابزاری جهت مقابله با فرهنگها و سنتهای بومی هر منطقه از جهان و در نهایت نابودی این فرهنگها و جایگزین شدن فرهنگ غرب که خود آغاز روح جدید استعمار غربی و اروپایی است، خودباختگی ملتها در برابر این تبلیغات، و در نتیجه پشت کردن به آداب و رسوم فرهنگ خودی و لاقیدی و عدم پایبندی به اصول مذهبی، همه و همه گسترش فساد و انحراف در سطح جهانی را موجب گشته، و متأسفانه در جوامع اسلامی علیرغم تلاشهای مثبتی که در زمینه حفظ و احیای شعائر دینی صورت می گیرد، عملکردها و فعالیتهای ضد ارزشی برخی مسؤولین و رسانه ها و عدم برخورد قاطع و صریح و منطقی با جلوه های آشکار و پنهان انحراف و فساد اجتماعی از سوی آنان، سهل انگاری خانواده ها و مربیان در امر تربیت کودکان و نوجوانان، خود به



در این جوامع دامن زده، اما چاره چیست؟ آیا باید نشست تا فرهنگ لجام گسیخته و ضد اخلاقی غرب تمام ابعاد زندگی ما را در برگیرد، یا خیر باید راه مقابله با این آفت قرن را در پیش گرفت و برای نابودی آن اقدامات همه جانبه کرد؟ مسلّم است که اگر کسی به نجات خویش و جامعه ای که در آن زندگی می کند می اندیشد، باید راه مقابله را در پیش گیرد که خیر و سعادت دنیا و آخرت او در همین است. اما چگونه؟

در منطق اسلام هر مسلمانی علاوه بر اینکه مسؤول حفاظت خویش از انحرافات و گناهان است، در قبال دیگر افراد بشر هم مسؤول است، و تا آنجا که در توان دارد باید مانع انحراف دیگران شود، و نمی تواند و نباید در برابر اعمال و افعال خلافی که دیگران انجام می دهند، بی تفاوت و ساکت بماند. از اینروست که مسأله امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین موضوعات مباحث تعلیم و تربیت اسلامی است، به گونه ای که طبق روایات، امر به معروف و نهی از منکر، شعبه ای از جهاد در راه خداست و به فرموده قرآن ترک این فریضه، عذاب الهی و نابودی جوامع بشری را در پی خواهد داشت.

پیامبر (ص) می فرماید: "باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و الا خداوند بدان را بر نیکان شما مسلط می کند و هر چه دعا کنید مستجاب نخواهد شد."<sup>(۱)</sup> اهمیت موضوع بقدری است که علی (ع) می فرماید: "تمام کارهای خیر و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی

از منکر همانند آب دهن است در برابر دریا" (۲)

موضوع دیگری که در بحث مقابله با انحراف و فساد فردی و اجتماعی حائز اهمیت است آموزش دینی کودکان و نوجوانان و چگونگی تربیت آنان در عمل به تکالیف دینی است. آموزش و انجام تکالیف دینی نباید تا سن بلوغ به تأخیر افتد و انسان باید از کودکی با عبادت پروردگار خو گیرد. فردی که از خردسالی عملاً با نماز و روزه و طهارت و نجاست و محرم و نامحرم و حلال و حرام از طریق والدین در محیط خانواده آشنا می گردد، با آداب اسلامی تربیت می گردد و ادب می آموزد، آنگاه در نوجوانی و جوانی و حتی بزرگسالی دچار انحراف نمی گردد، و یا میزان لغزش او از اصول و مبانی دینی و اخلاقی بسیار اندک خواهد بود. کسانی که قوانین و احکام اسلامی را در محیط خانواده درک نکرده و یا به گونه ناقص با تعالیم اسلامی آشنا شده باشند، در دوران پس از کودکی، نسبت به انجام فرائض دینی دچار کندی و سستی و بی میلی هستند و آنچه مطلوب آنهاست پیروی از شهوات و هوای نفس و گرایش به امور انحرافی است.

امام صادق (ع) می فرماید: "احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی سرعت عمل داشته باشید، پیش از آنکه مخالفین گمراه بر شما پیشی گیرند و سخنان نادرست خویش را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان کنند." (۳)

خداوند به والدین و خصوصاً به پدران که سرپرست خانواده هستند فرمان می دهد که در قبال فرزندان و امور خانواده بی تفاوت نباشند و مانند نگهبانی



دلسوز و آگاه، مراقب حریم خانواده از دستبرد شیاطین جن و انس باشند،(۴) تا محیط خانواده عاری از هر گونه آلودگی و انحراف و گناهی گردد و شرایط برای تربیت و رشد فرزندان سالم و پاک و خداجو فراهم آید. حق زن و فرزند بر پدر تنها این نیست که او عهده دار تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آنها باشد، بلکه پدر به عنوان قیم خانواده باید در اصلاح رفتار و گفتار و خط فکری اعضای خانواده خویش از هیچ تلاشی فروگذار نباشد.

موضوع دیگری که در تربیت فرزندان دارای اهمیت است و در روایات بسیار مورد تأکید قرار گرفته، توجه جدی به روابط دوستی و همنشینی فرزندان است. رسول خدا (ص) می فرماید: "هر انسانی از دین و روش دوست و همنشین خود پیروی می کند." (۵) و نیز می فرماید: "سعادت‌مندترین مردم کسی است که با افراد بزرگوار مجالست و معاشرت کند." (۶)

برای جلوگیری از انحراف و یا درمان انحراف فرزندان به طور فشرده به چند نکته اشاره می گردد:

- در برخورد با این پدیده باید بسیار جدی بود و هر نوع سهل انگاری از سوی والدین عقاب و عذاب الهی را در پی خواهد داشت.

- اگر محیط زندگی و وضع اخلاق و منش خانواده و رفت و آمدهای فامیلی در بروز انحراف فرزندان تأثیرگذار بوده، باید در تغییر و تبدیل و کنترل آنها به گونه ای منطقی و بدور از جنجال به چاره اندیشی پرداخت.

- زندگی در برخی مناطق شهری در نوع افکار و گرایشات نوجوانان بی تأثیر نیست، در صورت امکان تغییر محیط نیز باید مورد بررسی قرار گیرد.

- پدر و مادر

باید به طور جدی در معاشرتهای مفسده انگیز، تجدید نظر کنند و در عوض رفت و آمد با افرادی را ترتیب دهند که بر سلامت دین و اخلاق اعضای خانواده تأثیرگذار است.

- رفتار و معاشرت پدر و مادر با یکدیگر و نوع پوشش آنها در خانه در انحراف فرزندان نقش داشته باشد.

- نحوه کسب معاش و تأمین درآمد خانواده نیز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، زیرا غذای ناپاک قلب و روح انسان را تاریک می کند، تا جایی که انسان را از درک و قبول حقیقت دین باز می دارد.

- دوستی و رفاقت والدین با نوجوان و جوان و احترام به شخصیت او باید به عنوان یک اصل تلقی گردد و برای خواسته ها و گفته های او باید گوش شنوایی وجود داشته باشد و بهترین کس همان پدر و مادرند.

- در پند و موعظه و نصیحت باید به گونه ای غیرمستقیم عمل کرد و از افراط و تفریط در محبت و تنبه فرزندان پرهیز کرد، که هر دو مخرب است.

- ارتباط با افراد یا مراکزی که می توانند در زمینه تربیت و اصلاح فرزندان، والدین را یاری دهند، باید مهم تلقی گردد.

- رفت و آمد به اماکن مقدس همراه با فرزندان و شرکت در مجالس دینی و برگزاری این مجالس در خانه در صورت امکان، قرائت و انس با قرآن و دعا توسط والدین در محیط خانواده، همه در سلامت فکری و روحی فرزندان مؤثر است.

خلاصه کلام اینکه از آنجایی که اولین محیط تربیتی هر انسانی کانون خانواده است، ابتدا باید در اصلاح این واحد اجتماعی سعی و تلاش جدی کرد، که اگر خانواده از جایگاه

اصیل و اسلامی خود برخوردار گردد، سهل انگاری و اهمال کاری و بی کفایتی و بی قیدی و ناآگاهی افراد به حداقل خواهد رسید و تمام ارکان جامعه اصلاح می گردد. بنابراین برای مقابله با هر نوع انحراف و فساد باید در وهله اول والدین خود را ملزم به رعایت دستورات اخلاقی و دینی کنند تا فرزندان با پیروی از آنان در برابر انحرافات واکسینه شوند.

منابع و مأخذ:

(۱) سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۴۸ و ۴۴۹

(۲) نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۷۴، بنقل از تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴

(۳) اصول کافی، ج ۶، ص ۴۶

(۴) سوره مبارکه تحریم / آیه ۶

(۵) وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۷، مستدرک ج ۲، ص ۶۲

(۶) بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۵۱

- آئین تربیت، ابراهیم امینی

- مسائل تربیتی اسلام، سید محمد باقر حجتی

- خانواده و تربیت کودک، علی قائمی

- تربیت از دیدگاه اسلام، دکتر احمد بهشتی

**آیا تبلیغاتی که کشورهای دیگر برای جوانان شیعه و انقلابی ایران برای به فساد کشاندن آنها می کنند ما نیز برای مبارزه با این تبلیغات و مبارزه با این شیخون فرهنگی انجام می دهیم؟ آیا این مقدار مبارزه کافی است؟**

**پرسش**

آیا تبلیغاتی که کشورهای دیگر برای جوانان شیعه و انقلابی ایران برای به فساد کشاندن آنها می کنند ما نیز برای مبارزه با این تبلیغات و مبارزه با این شیخون فرهنگی انجام می دهیم؟ آیا این مقدار مبارزه کافی است؟

**پاسخ**

موجب کمال خوشوقتی و خوشحالی است که جوانان عزیز کشورمان حتی در شهرهای کوچک و دور افتاده از مرکز از

روحیات پر شور انقلابی و دینی برخوردارند و برای اسلام و مکتب حیاتبخش تشیع دل می سوزانند و برای ترویج و توسعه آن همت می گمارند و از نقص تبلیغ و ترویج مذهب گلایه و شکوه دارند. آفرین بر این همت و پشتکار و تلاش و جدیت و شور و نشاط. آرزو می کنیم این روحیه بیش از پیش گسترش یابد و بخش قابل توجهی از جوانان عزیز کشور به این صحنه شور و حماسه گام نهند و با ابتکار و خلاقیت و شور و شوق به میدان مبارزه با جهل و ناآگاهی و بی بصیرتی و مقابله با هجمه های گسترده جوامع استکباری قدم بگذارند و آینده ای توأم با حماسه های جاودان و ماندگار خلق کنند.

دوست عزیز! قدر مسلم تلاش فرهنگی کشور و جامعه ما در برابر حجم وسیع و طوفانهای سهمگین تبلیغات سموم و زهر آگین جوامع استکباری و نظام سلطه جهانی اندک و ناچیز است و نمی توان با آن همه دستگاههای عظیم خبری و تبلیغی جهانی مقابله و مبارزه کند. چه بسیار انسانها و افراد و جوامعی بوده و هستند که تاکنون حتی یک کلام از زبان ما نشنیده اند. و اسلام و انقلاب اسلامی و امام و جمهوری اسلامی

و قرآن و اهل بیت و شیعه و ... را از زبان مستشرقان شنیده اند. و از قلم شرق شناسان اسلام ستیز خوانده اند. چه بسیار قرآنهایی که توسط آنان ترجمه و چاپ و نشر شده و هر آنچه خواسته اند به اسم اسلام و قرآن نوشته اند. چه بسیار کتابها، مجلات، مقالات و سخنرانی هایی که در کشورهای گوناگون در طول قرنهای متمادی توسط مجامع شرق شناس و اسلام شناس غربی ارائه شده و اسلام و مذاهب اسلامی، قرآن، اهل بیت، نبوت، امامت و ... را به جهانیان معرفی و عرضه کرده اند اسلام و قرآنی که با اسلام و قرآن حقیقی فرسنگها فاصله دارد بلکه اسلام و قرآنی که درست در نقطه مقابل اسلام و قرآن قرار دارد. کافی است شما کتابهای مربوط به شرق شناسی و آثار و نوشته های مربوط به خاور شناسان را

مرور کنی آنگاه اندکی متوجه خواهی شد چه توطئه های بزرگی بر ضد اسلام در طول قرنهای گذشته سامان داده اند ولی به برکت قرآن کریم که فرموده است: دشمنان می خواهند نور خدا را خاموش کنند ولی شدنی نیست.

امروز هم با همه هجوم وسیع و گسترده استکبار اسلام یکی از ادیان زنده اروپاست. مسیحیت با همه تلاش خودش نتوانسته است جوامع اسلامی و ایران را تسخیر کند ولی اسلام می رود که اروپا و غرب را تسخیر کند و برخی از متفکران غربی گفته اند قرن ۲۱ قرن غلبه و حاکمیت اسلام بر اروپاست.

دوست عزیز! همچنان ما در سطح جهان مظلوم هستیم و صدایمان به جایی نمی رسد. اما باور داریم که دین ما حق است و

روزی فاتح جهان خواهد شد و البته باید خیلی بیش از این تلاش کنیم و از نزاعهای پست و حقیر بپرهیزیم و نیرویمان را متمرکز کنیم برای مقابله با دشمنان عنود و لجوج تا دندان مسلح.

به امید پیروزی و حاکمیت دین حق، اسلام راستین بر این گیتی. انشاء الله

**مطالب لازم در مورد تهاجم فرهنگی و راههای جلوگیری آن و مصادیق تهاجم فرهنگی که راهگشای جوانان در حل مشکلات آنان در این زمینه باشد، را بفرمایید.**

### پرسش

مطالب لازم در مورد تهاجم فرهنگی و راههای جلوگیری آن و مصادیق تهاجم فرهنگی که راهگشای جوانان در حل مشکلات آنان در این زمینه باشد، را بفرمایید.

### پاسخ

به طور خلاصه باید گفت: تهاجم فرهنگی غده چرکینی است که پیکره جامعه اسلامی را تهدید می کند. استکبار جهانی و دشمنان اسلام بخوبی دریافته اند که برای دستیابی به منابع ملی مسلمین و از بین بردن فرهنگ مذهبی و به استضعاف کشیدن کشورها، باید به تهاجم فرهنگی غرب در درون کالبد جوامع اسلامی پرداخت. بر این اساس استکبار بعد از شکستهای پی در پی در زمینه های سیاسی و نظامی با استفاده از رسانه های عمومی ماهواره مطبوعات، عناصر نفوذی و روشنفکران وابسته و ... به القای فرهنگ غربی پرداخته است. عوامل مؤثر در تهاجم فرهنگی عبارتند از: ۱ ضعف آگاهی افراد از معارف غنی اسلام ۲ ضعف ایمان که مهمترین عامل نفوذ فرهنگ اجنبی است زیرا دین بینش فرد و طرز تفکر اوست هر اندازه که پایه های اعتقادی فرد سست تر باشد، احتمال خطا و تأثیرپذیری از سایر عقاید و فرهنگها بیشتر خواهد شد. از این رو زمانی تهاجم فرهنگی در عمل موفق تر است که جامعه دارای ضعف ایمان و عقیده باشد و بر عکس اگر جامعه از بعد ایمان و عقیده محکم باشد، هر قدر هم که تهاجم فرهنگی قوی باشد هیچ گونه اثری نخواهد پذیرفت حضرت علی (۷) در نهج البلاغه خطبه ۵۷ می فرمایند: بندگان خدا! بدانید که تقوی حصار بلند و غیر قابل تسلط است و بی تقوایی و هرزگی حصار و بارویی پست است که حافظ

ساکنان خود نیست و آن کس را که به آن پناه برد، حفظ نمی کند. همانا با نیروی تقوی نیش گزنده خطا کارها بریده می شود. مقام معظم رهبری این کار را به شیخون فرهنگی و گاهی به غارت فرهنگی تعبیر کرده اند. حال ما وظیفه داریم با هوشیاری تمام اوضاع و احوال را بخوبی بشناسیم و با استعانت از خدای متعال و ائمه اطهار(ع) به قدر وسع و توانایی، با آن مقابله کنیم

اما حل مشکل جوانان راه حل اساسی این است که جوانان عزیز باید با استفاده از فطرت خدادادی و زمینه های مناسب فعلی که به برکت جمهوری اسلامی راه برای تحقیق و مطالعه باز است، در بازسازی اعتقادی و استدلالی کردن باورها بکوشند تا فکر و دل آنها با باورهای دینی آرام گیرد و طوفان تهاجم بر آنها تأثیر نگذارد.

**با توجه به گستره تهاجم فرهنگی به گفته مقام معظم رهبری شیخون فرهنگی در حوزه مقدّس علمیه قم برای مقابله با آن چه راه های عملی در پیش گرفته شده است**

### پرسش

با توجه به گستره تهاجم فرهنگی به گفته مقام معظم رهبری شیخون فرهنگی در حوزه مقدّس علمیه قم برای مقابله با آن چه راه های عملی در پیش گرفته شده است

### پاسخ

۱. بی تردید، رسالت حوزه مقدّس علمیّه شناخت دین با توجه به منابع دست اوّل آن یعنی وحی و سنّت پیامبر ۶ و امامان از یک سو و تزکیه پالایش درون از رذایل اخلاقی و آراسته شدن به زیور گران قدر تقوی و معنویت در منش و روش از سوی دیگر است زمینه حرکت در بستر این دو عنصر بنیادین و ضروری برای هر عضو حوزه علمیه الهام گیری از سفارش قرآن کریم است که فرمود: "وَيُزَكِّهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ" (آل عمران ۱۶۴) تزکیه همان پالایش درون و تعلیم نیز بازسازی و جهت دهی اندیشه از بیرون است که به یقین برای آن پردازش درونی امری ضروری و اساسی و بلکه زمینه ساز آن است

۲. این دو گوهر گران مایه که هویت حوزه را رقم می زند، تربیت یافتگانی را به جامعه تحویل می دهد و گنجینه هایی را در دامن خود می پروراند که مقتدای مردم در گرایش به معنویت و ایمان قرار می گیرند.

۳. شبکه مقدّس مساجد، از مهم ترین راهبردهای این تلاش برای محقق ساختن آن حرکت به منظور بسط و گسترش معنویت در مردم است عنصر اصلی رونق یافتن مساجد، و به اصطلاح کاتالیزور فعال شدن آن ها، روحانی است به دیگر سخن گفته می شود که نمک دین مسجد است و نمک مسجد هم روحانی است قرآن کریم

درباره جایگاه و اهمیت مساجد می فرماید: "...وَمَسْجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا" (حج ۴۰) روحانی هم چون چراغی تابناک در مسجد می درخشد و فضای آن در پرتو نورانیت او جان می گیرد و زنده می شود. قرآن کریم در آیه ای که چندان بی ارتباط با وظیفه روحانی نیست می فرماید: "فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ" (توبه ۱۲۲) چرا از هر گروهی از مؤمنین طایفه ای کوچ نمی کنند تا در دین (و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن ها را بیم دهند؟ شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند." این که روحانی با چه معیاری به مسجدی دعوت شود، برای جذابیت برنامه های مسجد و سوق گسترده مردم به این مرکز مهم دینی چه تدابیری باید اندیشه شود، و... از مسائلی است که اعضای هیئت امنأ در آن بسیار مؤثرند. اعضای فوق نیز، عموماً از سوی مردم برگزیده می شوند.

۵. در حوزه شبکه مساجد، آن چه که به روحانی به عنوان وظیفه طلبگی مربوط می شود، حرکتی مخلصانه و صادقانه به منظور فعال کردن و رونق بخشیدن آن ها است بخشی دیگر از مسائل به مردم مربوط می شود که چه مسئولینی را به عنوان هیئت امنأ برگزینند تا آن ها راه را برای ورود روحانی شایسته هموار سازند.

۶. در زنجیره کار دینی و معنوی روحانی با مردم سازمان های متعددی از قبیل سازمان تبلیغات اسلامی اداره امور مساجد، و... وجود دارند که عملکرد منطقی آن ها در سامان بخشی به امر مقدس تبلیغ دینی مؤثر است



حتی اگر این مجموعه ها، درست عمل نکنند، شبکه مساجد با تکیه بر مردم به گونه خودجوش می توانند امور مسجد را به پیش ببرند و ضرورتاً در این راستا، ملزم به استفاده از سازمان های مذکور نیستند.

۷. خلاصه آن که از دیدگاه این نوشتار، مهم ترین حلقه ارتباط معنوی روحانی با مردم مساجد می باشند. سازمان دهی امر مساجد همان گونه که بیان شده برآیندی از دو عنصر روحانی و مردم است

۸. افزون به شبکه مقدس مساجد، امروز به لطف الهی روحانیت در حوزه مقابله با شیخون فرهنگی با قلم و بیان خود، در عرصه های مختلف از جمله روزنامه ها، مجلات شبکه اینترنت و... فعال است آن چه ضروری می نماید، توجه به روی آوردن مردم در یادگیری وظایف دینی خود، به این صنف و گروه است استفتا از مراجع تقلید، و پرسیدن تکالیف دینی از روحانی محل و در یک کلام انطباق وظایف دینی خود با مراجع تقلید که روحانی حلقه واسطه میان آن مقام والا با مردم است از جمله راه کارهای هم کاری مردم و روحانی در مقابله با پدیده شوم تهاجم و شیخون فرهنگی است

**با توجه به این که در جامعه امروز، عده ای با اشاعه فساد و بی بند و باری و... قصد دارند جامعه را از مسیر درست منحرف کنند؛ نظر قرآن درباره این را موضوع تشریح فرمایید؟**

### پرسش

با توجه به این که در جامعه امروز، عده ای با اشاعه فساد و بی بند و باری و... قصد دارند جامعه را از مسیر درست منحرف کنند؛ نظر قرآن درباره این را موضوع تشریح فرمایید؟

### پاسخ

مسئله انحرافات اجتماعی و ترویج فساد و فحشا و فسق و فجور در بین اجتماع از طرف افراد فاسد، مطلبی است که همواره از آغاز آفرینش انسان وجود داشته و دارد و انبیای عظام و اولیای الهی همیشه با فاسدان زمان خود درگیر بوده اند.

بعد از رسالت خاتم پیامبران حضرت محمد ۹، دشمنان اسلام نیز در محیطهای مختلف و با استفاده از پیشرفته ترین ابزارهای تبلیغی همواره سعی در منحرف کردن مسلمانان داشته اند که نمونه روشن آن فریب کاری های معاویه و یزید است که به شهادت حضرت علی ۷ و امام حسین ۷ منجر شد.

قرآن کریم برای مبارزه و مقابله و پیشگیری از این تهاجم برنامه های جامع و عملی را ارائه داده که نمونه ای از آن چنین است

۱. شناخت خدا و اطاعت از او؛ چنان که قرآن می فرماید: "وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (یس ۶۱) و این که مرا پرستید. این راه راست است"

۲. تقویت باورهای دینی قرآن می فرماید: "قُلْ هَ أَنْدَعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا (انعام ۷۱) بگو: آیا به جای خدا

چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می‌رساند و نه زیانی " بنابراین به هیچ بهایی نباید در باورهای دینی مان تردید کنیم و از آن‌ها دست برداریم

۳. به پا داشتن نماز و احیای این فرهنگ در جامعه و مراقبت در اوقات نمازهای پنجگانه چنان که قرآن می‌فرماید:

"إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنكبوت ۴۵) نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد".

۴. اجرای فرهنگ "امر به معروف و نهی از منکر" و احیای آن در جامعه و فضای جامعه قرآن می فرماید:

"وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران ۱۰۴) [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند." (ر.ک فرهنگ و مقاومت فرهنگی مهدی نوید / تهاجم فرهنگی آیه الله مصباح یزدی / فرهنگ و تهاجم فرهنگی سخنان مقام معظم رهبری دامت برکاته .)

۵. ترویج فرهنگ ازدواج و تسهیل آن چنان چه در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره نور آمده است و پیامبرگرامی اسلام ۹ فرمود: "من تزوج فقد احرز نصف دینه هر کس ازدواج کند به درستی که نیمی از دین خود را پاسداری کرده است. (برای دیدن برخی روایات در این باره ر.ک بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹-۲۲۰).

آن چه مهم است انجام وظیفه است و خداوند بیش از حد توان تکلیفی نخواسته است "لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْرَهَا (بقره ۲۸۶) خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانائیش تکلیف نمی کند."

لذا، انسان متعهد، تا توان دارد خوب است انجام وظیفه کند، ولی نتیجه را به خداوند واگذار کند؛ زیرا، خود خداوند می فرماید: "وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَأِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (ابراهیم ۸) و موسی غ (به بنی اسرائیل گفت اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زبانی نمی رسد، چرا که

خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است "

به هر حال اقدام مقتضی در حد توان در تمامی جهات و ابعاد، امر به معروف و نهی از منکر با شرایط و ضوابطی که دارد، دعا و توسل برای بهبودی وضع جامعه هماهنگ شدن با مقام معظم رهبری به عنوان ولی فقیه و... از جمله اموری است که شایسته است به آن توجه شود.

### **یک نوجوان چگونه با تهاجم فرهنگی مبارزه کند**

#### **پرسش**

یک نوجوان چگونه با تهاجم فرهنگی مبارزه کند

#### **پاسخ**

تهاجم فرهنگی از موضوعات اجتماعی

مهم و شاخص دنیای امروز است. دنیای صنعتی با

استفاده از تکنولوژی و ابزارهای خود، سعی در

ترویج فرهنگ خود و برافکندن بنیان های فرهنگی

دیگر جوامع دارد. مسلماً اگر ملت ها و دولت های

جهان سوم به فکر نباشند و راهی برای مقابله و دفع

تهاجم نیندیشند فرهنگ آنها به تاراج خواهد رفت و

به دنبال آن همه چیز آنها در جهت منافع قدرت های

جهانی قرار خواهد گرفت. برای مقابله با تهاجم

فرهنگی در آغاز کاری فرهنگی لازم است که

عمده ترین عناصر آن عبارت است از :

دقیق تهاجم فرهنگی و تعریف و ابعاد و فلسفه آن

۲- شناخت

روش های تهاجم ۳- شناخت راه های مقابله با تهاجم

۴- تبدیل

کردن ایده ها به عمل و کار عملی وسیع برای مقابله با

آن

۵- شناساندن تهاجم و ابعاد آن به دیگران

در صورت تحقیق در موارد فوق به کار انداختن

اندیشه ها در این جهت قطعاً نتایج مفیدی در پی

خواهد داشت.

**در مقابل تهاجم فرهنگی، چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم؟**

**پرسش**

در مقابل تهاجم فرهنگی، چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم؟

**پاسخ**

تقویت ایمان و عقیده راه های متعددی دارد از جمله:

۱- بالا- بردن سطح شناخت و آگاهی های دینی. در این زمینه گسترش مطالعات و تحقیقات دینی با برنامه ریزی های هدایت شده و منظم بسیار ضروری است.

۲- گسترش فعالیت های فرهنگی و تبلیغاتی با شیوه هایی نو و جذاب.

۳- تقویت جلسات و برنامه های مذهبی و هر چه با شکوه تر و پرمحتواتر برگزار کردن آنها. }J

## به نظر شما بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی چیست ؟

### پرسش

به نظر شما بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی چیست ؟

### پاسخ

مساله تهاجم فرهنگی از معضلات اجتماعی عصر حاضر در کشورهای جهان سوم خصوصا کشورهای اسلامی است که به علت پیچیدگی و آمیخته بودن آن با مسائل دیگر اجتماعی راه مقابله با آن بسیار دشوار است آنچه که بهطور کلی می توان ابراز داشت این که باید تمامی امکانات در راه استقرار ارزشهای اسلامی و ملی به کار گرفته شود و تمام دین داران با مایه گذاشتن از امکانات خود در این راه به مبارزه پردازند مبارزه ای که از یک سو جنبه تولیدی دارد (یعنی تولید برنامه ها و به کار گرفتن ابزارهای لازم در این مورد) و از سوی دیگر مبارزه منفی و تحریم آنچه که در صدد کندن بنیانهای اعتقادی و دینی جامعه است. به هر ترتیب افزونی آگاهی ها و بینش سیاسی و اجتماعی به وسیله مطالعه تفکر و ارتباط مداوم با قرآن و مکتب اهل بیت (ع) زیربنای مبارزه با تهاجم فرهنگی است. }J

## در خصوص تهاجم فرهنگی چه باید کرد؟

### پرسش

در خصوص تهاجم فرهنگی چه باید کرد؟

### پاسخ

مقابله با تهاجم فرهنگی حرکتی گسترده با همیاری ملت و دولت را می طلبد. بر شماست که بکوشید در محیط پیرامون خود اعم از خانواده دانشگاه و محل کار به فعالیت های خوب و مفید فرهنگی دست بزنید و با برنامه ریزیهای حساب شده و گسترده با همیاری دیگر دوستان به مبارزه با عوامل فساد برخیزید و روح معنویت را حاکم سازید. }J

## برای جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب به جامعه اسلامی چه باید کرد؟

### پرسش

برای جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب به جامعه اسلامی چه باید کرد؟

## پاسخ

این مسأله ابعاد و راه های مختلفی دارد. برای مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب و حرکت به سوی اسلامی شدن دانشگاه ها هر دانشجوی متعهد و مسلمانی باید خود را برای سه جهاد آماده کند.

الف - شناخت تهاجم دشمن و شیوه های آن

ب - شناخت فرهنگ اسلام و باور داشتن آن

ج - اتخاذ روش های مناسب در جهت مقابله با تهاجم

د - تحکیم مبانی عقیدتی و فکری

}}}

## در برابر شبهات چه باید کرد؟

### پرسش

در برابر شبهات چه باید کرد؟

### پاسخ

پاسخ گویی به شبهه، نیازمند داشتن اطلاعات کافی از شبهه و از مکتبی است که باید به دفاع از آن پرداخت. طبیعیاست شخصی که می خواهد از اسلام دفاع کند، باید اطلاع کافی از کلیت منابع آن داشته باشد و بدون آن، مسلما قادر به دادن پاسخ صحیح به شبهات نخواهد بود. }}}

## برای برطرف کردن معضلاتی از قبیل غرب زدگی ، عدم رعایت شئون اسلامی و غیره چه باید کرد؟

### پرسش

برای برطرف کردن معضلاتی از قبیل غرب زدگی ، عدم رعایت شئون اسلامی و غیره چه باید کرد؟

{در این رابطه نکات چندی را یادآور می شویم:

الف) تنها به معضلات و ابعاد منفی اجتماع فکر نکنید، بلکه به جنبه های مثبتی که به شکرانه انقلاب برای ملت ما پیش آمده نیز بیندیشید. اگر شما بتوانید دوران پس از انقلاب را با دوران قبل از آن مقایسه کنید نگرش دیگری خواهید داشت.

ب) علاوه بر این نباید از معضلات اجتماعی آنچنان ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه ور سازید، چون خود این حالت نیز باعث کندی کار و سدّ راه تکامل شما خواهد بود. نبی اکرم(ص) درباره نابسامانی اجتماع و عدمایمان مردم به شدت ناراحت می شدند تا این که خدای سبحان حضرتش را دلداری داده و می فرماید: طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی پیامبرا ما این قرآن را برای این نفرستادیم که به خاطر کفر و عدم گرایش این مردم خود را به رنج و مشقتیفکنی {M}، (طه، آیه ۱) و نیز می فرماید: لعلک باخع نفسک الا یكونوا مؤمنین ای رسول، تو چنان در اندیشه اینخلقی که از غم بی ایمانی این مردم خود را هلاک کنی {M}، (شعراء، آیه ۲۳).

ملاحظه می کنید که قرآن مجید چگونه نبی اکرم(ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذر داشته است و نیز تعبیر حکیمانه علی(ع) در این راستا حائز اهمیت است که می فرماید: اللهم نصف الهرم ؛ هم وغم نصف پیری را تشکیلی دهد {M}، (نهج البلاغه قصار ۱۴۳)؛ یعنی، غصه و اندوه انسان را می شکند و زود از پا در می آورد. با این نگرش، گرچه ما به احساس پاک شما ارج می نهم ولی رهنمود ما این است



که خود را چنان دچار اندوه و حسرت نکنید که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید.

ج) و اما چه باید کرد؟ از نکات مزبور چنین برداشت نکنید که پس ما مسئولیتی در ازای این رویدادها نداریم؛ بلکه به پیشنهادی چند، نیک بیندیشید.

۱- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امر به معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت و ظرافت به انجام برسانید.

۲- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشکل داشته باشید.

۳- و در محافل و مجالسی که تشکیل می دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری از دانشجویان به طور فعّال و کوشا در این راه گام بردارید و مطمئن باشید که خدای کریم در صدد ارشاد چنین فرزانه‌گانی است. و امیدوار باشید که در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت.

<Table align=center width=۹۵% cellspacing=۱ ><TR align=Center><TD > چند از این الفاظ  
واضمار و مجاز <TD> E/> <TD> سوز خواهم سوز با آن سوز ساز <TR align=Center>/> <TD></TR> </Table

### وظیفه یک دانشجو در مقابل تهاجم فرهنگی چیست ؟

#### پرسش

وظیفه یک دانشجو در مقابل تهاجم فرهنگی چیست ؟

#### پاسخ

تهاجم فرهنگی ابعاد مختلفی دارد و در محیط دانشگاهی از راه های ویژه ای انجام می گیرد؛ برخی از آن راه ها عبارت است از:

الف - ایجاد دگرگونی در نظام فکری و اعتقادی. این برنامه از طریق استفاده های نادرست فلسفی و نظری از ره آوردهای علمی و القای علمی بودن برخی از آموزه های مغایر با جهان بینی دینی صورت می پذیرد.

ب - القای نگرش های معرفت شناختی، جامعه شناختی، روان شناختی و تفکرات سیاسی و اجتماعی غربی و بیرون راندن اندیشه های دینی از عرصه های فوق و تبلیغ خالی بودن دین از محتویات مربوط به این ساحت ها.

ج - کم رنگ سازی ارزش های اصیل و پایدار دینی و تبلیغ نسبیّت و تاریخ مندی اصول ارزش ها و تبعیت آن از ذوق و

سلیقه های تجدد طلبانه قومی، ملی، نژادی و ...

د - نفوذ در جریان‌ات نقش گذار و تلاش در جهت ایجاد انحراف در مسیر آنان و کشاندن آنها به سوی حرکت های معارضة آمیز و سیاسی کاری به جای تلاش های انقلابی و اسلامی.

در مقابله با مسائل فوق هر دانشجوی متعهد و با ایمان با سه جهاد پیگیر و پردامنه روبه روست :

۱- جهاد علمی و تلاش پیوسته جهت شناخت هر چه بیشتر اسلام و معارف آن و محتویات دین در عرصه های مختلف و شناخت و درک در ستمسائل سیاسی و اجتماعی.

۲- جهاد عملی در راستای تقویت بنیان معنوی و ایمانی خویش از طریق ارتباط پیوسته با خدا، قرآن و پیشوایان دین.

۳- جهاد اجتماعی؛ یعنی، تلاش در جهت گستراندن نور معنویت در محیط دانشگاه و تقویت بخشیدن به آگاهی، شعور و احساس دینی در دانشگاہیان.

### وظیفه ما در مقابل مشکلات فرهنگی و غیر فرهنگی جامعه چیست ؟

#### پرسش

وظیفه ما در مقابل مشکلات فرهنگی و غیر فرهنگی جامعه چیست ؟

#### پاسخ

دانشجوی گرامی ما این روحیه ارزشمند که حاکی از تعهد، مسؤولیت پذیری، حق شناسی و قدردانی از نعمت های الهی است را به شما تبریک عرض می نماییم. آری همه کسانی که نسبت به مسائل و مشکلات فرهنگی و غیر فرهنگی موجود در جامعه رنج می برند در واقع با شما همدرد هستند و ما نیز به نوبه خود با شما ابراز همدردی می کنیم اما وظیفه در مقابل این مشکلات چیست؟ ما چند وظیفه در قبال این گونه مسائل داریم:

۱- اولاً سعی کنید این روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری را همواره در خود حفظ کنید.

۲- مراقب باشید که خودتان به این گونه اشتباهات آلوده نشوید.

۳- در صورت امکان و احتمال تأثیر از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نکنید که یکی از علل شیوع این مشکلات عمل نکردن مردم به این وظیفه همگانی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است البته اگر احتمال اثر نمی دهید و یا ممکن است برای شما خطر جدی به دنبال داشته باشد همان تأثیر و ناراحتی درونی شما کافی است ولی در صورت امکان به هر اندازه ای

که می توانید باید به تکلیف شرعی خود عمل نمایید و لازمه این کار آشنایی با احکام امر به معروف و نهی از منکر است.

۴- سعی نمایید با خودسازی، کسب مهارت های لازم خودتان را آماده خدمت به جامعه کنید تا حداقل جای یکی از افرادی که موجب این نابسامانی ها می شوند را پر نمایید.

۵- وجود این گونه کاستیها و نابسامانی ها یا مشکلات فرهنگی و اخلاقی از قبیل بی حجابی نباید موجب یأس

و ناامیدی شما شود بلکه باید شما را مصمم کند تا خود برای اصلاح و بهبود وضع موجود مهیا کنید و از خداوند بخواهید که این امکان و توفیق را به شما بدهد تا در کنار دیگر دردمندان دلسوز بتوانید گام‌های مؤثر در جهت رفع این مشکلات بردارید از خداوند متعال موفقیت روزافزون شما را مسئلت می‌نماییم. }J

## راه مقابله با نفوذ تهاجم فرهنگی در خود و اطرافیان چیست؟

### پرسش

راه مقابله با نفوذ تهاجم فرهنگی در خود و اطرافیان چیست؟

### پاسخ

نقش مخرب تهاجم فرهنگی دشمن از آن جهت حائز اهمیت است که کارکرد آن ایجاد اختلال در روابط کلیدی و استراتژیک نظام است یعنی اگر نتوان به نحو مقتضی کارکردهای تهاجم فرهنگی دشمن را اصلاح نمود به تدریج رابطه مردم با اسلام، رهبری و سایر مسؤولین نظامست و آسیب پذیر خواهد شد و سلامت کلیت نظام به خطر خواهد افتاد در اینجا ابتدا لازم است که تعریف دقیقی از تهاجم فرهنگی داشته باشیم: حرکت‌ها و مجموعه اقدامات آگاهانه و هدفمند دشمنان نظام برای تغییر باورداشته‌ها گرایش‌ها، تمایلات و رفتارهای غالب اکثریت مردم جامعه را با هدف دورسازی این باورداشته‌ها گرایش‌ها، تمایلات و رفتارهای از حوزه جهان بینی و فرهنگ اسلامی و نزدیک ساختن حوزه جهان بینی و خواسته‌ها و فرهنگ مهاجم را تهاجم فرهنگی می‌نامند.

اما در مورد راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی ابتدا لازم است اهداف دشمنان را از تهاجم فرهنگی و ابزارهای آن را به صورت مختصر مرور نمود و در مرحله بعد راه کارهای دفاعی و عملکردهایی را که داشته ایم مورد بررسی قرار دهیم:

الف) بررسی اهداف تهاجم فرهنگی:

- ۱- ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی و ابتدال.
- ۲- حمله مستمر به مبانی ارزشی و پایه‌های اعتقادی با تحریف حقایق ترویج نسبی گرایی.
- ۳- تبلیغ مستمر و گسترده سکولاریسم و لائیسزم و جداسازی دین از سیاست، القای تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق.
- ۳- ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظالم زندگی غربی و ابتدال.
- ۴- کوشش برای جداکردن نسل جوان از ارزش‌های اعتقادی

و آرمانهای انقلاب با هدف ایجاد بحران هویت.

۵- سوءاستفاده از نارسایی‌ها معضلات ضعفهای مدیریتی و اجرایی برای القاء ناکارآمدی دین در اداره جامعه و تئوری حکومت دینی.

۶- ایجاد روحیه یأس و ناامیدی در مردم به ویژه نسل جوان با ترویج و اشاعه فرسودگی و غیر قابل اجرا بودن ارزشهای الهی در جامعه و نیز القای اندیشه تاریخی و نسبی بودن ارزشها.

۷- آسیب رسانی به تحقق روند دستیابی به توسعه پایدار یا متوازی و همسو با آرمانها و ارزشهای دینی در کشور.

ب) هر جریان فرهنگی نیاز به ابزارها و روشهایی دارد که از طریق آن به طرف مقابل رسوخ و نفوذ نماید، امپریالیسم آمریکا در کشورهای غربی در تهاجم به بنیانهای فرهنگی کشور از روشها و ابزارهای مختلفی استفاده کرده اند که بطور مختص عبارتند:

۱- ابزارها و روشهای فرهنگی؛ که از مؤثرترین ابزارهای فرهنگی است. استفاده از هنر، سینما، و تئاتر، انواع فیلمها، و سریالهای تلویزیونی، مطبوعات و کتب، چاپ و نشر اشعار و مقالات و رمانهای مختلف جهت ترویج پوچ گرایی و بی هویت کردن مردم یک کشور و زیر سؤال بردن مبانی تئوریک نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نفوذ در مدارس و دانشگاهها و ترویج اومانیزم، لائیسزم و پلورالیسم دینی برای تضعیف مبانی معرفتی حکومت دینی و...

۲ ابزارها و روشهای اقتصادی: صندوق بین الملل پول و بانک جهانی در راستای اهداف امپریالیستی غرب همیشه در دادن وامها به دولتها شرایطی را می گذارد که در تحمیل فرهنگ سرمایه داری غرب مؤثر است مثلاً شرایط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای دادن وام به ایران مبتنی بر تسریع خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی و هماهنگ با

بازار آزاد جهان، ایجاد مناطق آزاد تجاری که زمینه بسیار مناسبی برای ترویج فرهنگ غربی از جمله تغییر الگوی مصرف تجمل گرایی، مدهای غرب و... از طرف دیگر مراکز کنترل صدور تکنولوژیهای غربی شرط همکاری و انتقال تکنولوژی را به گونه ای ترسیم می نمایند که فرهنگ بیگانه را نیز وارد آن کشور سازد.

۳ ابزارها و روشهای اجتماعی تهاجم فرهنگی مانند فساد جنسی در جامعه، فیلمهای ویدئویی و برنامه های تلویزیونی و ماهواره ای، مجلات و تصاویر مبتذل، کاتالوگ کالاهای لوکس و تبلیغاتی، همگی در ترویج فسادهای اجتماعی، بی هویت کردن نسل جوان، گسترش فساد و خشونت، و نا امنی، بیکاری و غیره دانسته تا بدین وسیله افراد جامعه را خصوصا نسل جوان را از اهداف معنوی و فرهنگ انقلاب اسلامی منحرف نمایند.

ایجاد روحیه مدگرایی و اخلاق خاص ترویج کنندگان این مدها در قالب گروههای رپ و هوی متال و... دیده می شود که ترویج کننده ارزشهای ضد اخلاقی از جمله همجنس بازی و برقرار روابط آزاد جنسی و... هستند. از طرف دیگر صنعت توریسم گسترش مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی از دیگر ابزارهای اجتماعی تهاجم فرهنگی می باشند، (ر.ک: علی ذوعلم، جرعه جاری (سی مقاله پژوهشی پیرامون انقلاب اسلامی) علیرضا کریمیان، ماهیت انقلاب اسلامی تهاجم فرهنگی، ص ۴۶۹)

ج) بررسی راه های مقابله و راه کارهای دفاعی و برخی اقدامات انجام شده در مقابل تهاجم فرهنگی:

مجموعه این راهکارها را می توان در دو بعد اندیشه ای فکر و نظری و اقدامات عملی مورد بررسی قرارداد اما مجموعه راهکارها و اقداماتی که در بعد فرهنگ و اندیشه انجام شده عبارتند از:

۱- تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی و ایمان مذهبی از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره بصورت

شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و برگزاری جلسات روح بخش دعا و سخنانی های مفید و پرمحتوی نماز جماعت در مؤسسات و ادارات برگزار و گسترش برنامه روح بخش اعتکاف در سطح شهرها خصوصا دانشگاهها بطوریکه هر سال با استقبال بیشتری روبرو بوده است.

۲- ایجاد و تقویت هویت جوانان از طریق شناخت استعدادها و تواناییهای بالقوه ای که دارند آشنا نمودن آنها با گذشته درخشان اسلامی و ملی خود و دستاوردهایی که در دوران انقلاب و بعد از آن داشته اند و آگاهی دادن نسبت به عقاید شوم دشمنان و خطرات ناشی از انحرافات اخلاقی و اعتیاد و ... .

۳- از آن جا که تهاجم فرهنگی بیشتر فکر و فرهنگ و اندیشه افراد یک جامعه را مورد هجوم خود قرار می دهد در این راستا مؤسسات و دستگاه های فرهنگی اقدامات بسیار شایسته ای را در جهت مصونیت بخشیدن و زدودن آثار مخرب فکری و فرهنگی تهاجم فرهنگی با استفاده از محققین و متفکران و صاحب نظران علوم انسانی انجام داده اند که به برخی از آنان اشاره می نمایم: به عنوان نمونه در سال ۱۳۷۷ تعداد ۳۶۰۹ عنوان کتاب در مورد دین و معارف اسلامی با تیراژی در حدود ۲۰۷۷۹۹۳۵ جلد و همچنین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم تاکنون بیش از هزار عنوان کتاب با تیراژ بالا در زمینه های مختلف فرهنگی و علوم اسلامی منتشر نموده است هم اکنون بیش از ۱۸۰ مؤسسه در سطح قم در زمینه های تحقیقاتی اطلاع رسانی و... با همکاری محققین زبده فعال می باشد. نتایج و دستاوردهای بسیار چشمگیر و مثبتی را به دنبال داشته اند و در ارائه معارف دینی و اندیشه های اسلامی از پیشرفته ترین تکنولوژی های پیشرفته و با جدیدترین

شیوه استفاده می شود سعی شده با استفاده از اینترنت مجموعه آثار فرهنگی اسلامی را به این شبکه جهانی منتقل نموده و راه آشنایی ملت های دیگر را با فرهنگ اسلامیفراهم سازند تا اوائل سال ۷۹ تعداد ۱۵ سایت (پایگاه) جهانی به وسیله شیعیان و ۱۳ سایت توسط اهل سنت ایجاد شده است (به نقل از مجله نگاه حوزه شماره ۶۲، ۵۹ ص ۱۵۱).

یکی از ملموس ترین اثرات و پیامدهای این اقدامات فکری و اندیشه ای ناکارآمدی تهاجم فرهنگی دشمن برای القاء شبهه در خصوص ناکارآمدی دین در اداره جامعه و تئوری حکومت دینی و تلاش در جهت سکولار کردن و لائیک نمودن جامعه دینی ایران بود چنانکه شاهد هستیم به خاطر ارائه پاسخهای دقیق علمی و مستدل در این زمینه ها عناصر شبهه افکن مانند سالهای قبل دیگر مجال و عرصه ای برای جولان دادن نمی یابند و در واقع در مهمترین رکن تهاجم فرهنگی دشمن دچار شکست شده است و این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق افراد جامعه ما همه خواهان اجرا و تحقق حکومت عدل علوی و عمل شدن به ارزش ها و احکام اسلامی می باشد و انتقادهایی نیز که به مؤلین ایراد می نمایند در این خصوص می باشد که این خود یکی از آثار مثبت نامگذاری سال ۷۹ به نام سال علی(ع) و سال ۸۰ به نام رفتار علوی(ع) که بواسطه معرفی شیوه ها و ارزشهای حکومتی امام علی(ع) که از طریق مقالات و کتابهای متعددی که در این زمینه ارائه شد می باشد.

۴- تهیه برنامه های جذاب مفید و سالم و تفریحی از طریق دستگاههای فرهنگی و صدا و سیما به عنوان نمونه رادیو جوان با برنامه های جذاب و متنوع



به صورت سراسری در سال ۷۷ در حدود ۷۶۱۶ ساعت برنامه داشته که از مجموع آن ۱۷۰۱ ساعت فرهنگی و ۱۲۳۸ ساعت معارف اسلامی و ۸۵۹ ساعت اجتماعی بوده است در همان سال مجموعه شبکه های اول و دوم و سوم و چهارم و شبکه تهران و مراکز شهرستانها ۳۸۵۹ ساعت فرهنگی ۲۹۸۰ ساعت معارف اسلامی و ۷۱۵۳ ساعت اجتماعی و شبکه های سحر و جام جم ۳۸۶ ساعت برنامه های فرهنگی ۵۸۷ ساعت برنامه های اجتماعی و ۲۸۳ ساعت معارف اسلامی داشته اند. (منبع گزارش فرهنگی کشور ۱۳۷۷ مرکز آمار و برنامه ریزی پژوهش های فرهنگی و هنری).

اما اقدامات عملی که در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی انجام شده عبارتند از:

۱- برخورد قانونی با عوامل داخلی دشمن از قبیل روزنامه ها و گروه های معاند و شبهه افکن.

۲- تقویت نیروهای نظامی و انتظامی از نظر کمی و کیفی در مقابله با باندهای فساد و اشراری که در صدد ایجاد ناامنی در مناطق مرزی کشور بوده و سعی در گسترش اعتیاد و

### **در مقابل هجوم تبلیغات جهانی (اینترنت) چگونه باید رفتار کرد که از عوارض نامطلوب آن در امان بود؟**

#### **پرسش**

در مقابل هجوم تبلیغات جهانی (اینترنت) چگونه باید رفتار کرد که از عوارض نامطلوب آن در امان بود؟

#### **پاسخ**

ضمن تشکر از دغدغه و اهتمام شما به این آسیب مهم اجتماعی که متوجه همه انسانها و به ویژه انسانهای ارزش گرا شده است توجه به نکات ذیل شاید در پاسخ به پرسش شما مفید باشد:

۱- این یک واقعیت اجتماعی است که قرآن کریم نیز گوشزد کرده است، اگر دشمنان بر ما مستولی گردند ارزش های (بایدها و نبایدها) نادرست خود را بر ما تحمیل خواهند کرد، از این رو اولین وظیفه ما تولید دانش، تقویت فناوری و تولید برنامه های نرم افزاری مناسب و مقابله با هجوم بیگانگان است. واضح است که در هر مبارزه ای مسلح بودن به تسلیحات مناسب با آن را می طلبد بنابراین به مقتضای «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه...» باید بالاترین توان تولید برنامه های اینترنتی را به ویژه از طریق حوزه های علمیه و دانشگاهها کسب نموده و تبلیغات مستقیم و غیر مستقیم، متنی و یا حاشیه ای (همان طور که شما در پرسش خود مطرح نمودید که حتی در سایت ها علمی نیز به نحوی برنامه های مبتدل را می گنجانند) انجام دهیم.

۲- یک وظیفه مهم دولت اسلامی (به عنوان یک دولت فضیلت مدار) بر اساس آیات قرآن «الذین ان مکتنا هم فی الارض اقاموا الصلاه و اتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر...» (سوره حج آیه ۴۱) و نیز روایات متعدد اشاعه فضایل اخلاقی و تلاش در ازاله منکر و نهی از آن است. ولی متأسفانه بسیاری از کسانی که اکنون کارگزار حکومت اسلامی هستند



جای ایده «دولت فضیلت محور» ایده «دولت لیبرال و دموکراسی» را با رویکرد و حداکثر آزادی و حداقل مداخله در پیش گرفته آنگاه که فساد در سینماها و فرهنگسراها غوغا می کند و حتی در جشنواره های انقلابی مانند ۲۲ بهمن فیلم های آنچنانی پخش و بدتر از آن جایزه گرفته و تشویق می شوند و سایت های اینترنتی بدون فیلتر آزادی مطلق دارند با تلاش عده ای از نیروهای ارزشی مبنی بر «فیلتر گذاشتن» سایت ها و انجام نسبی آن فریاد وامصیبتای عده ای به نام اصلاحات در آمده که این بحث ما بحث سیاسی نیست ولی چه کنیم که متأسفانه همه مباحث حتی خدا شناسی، اقتصاد، روان شناسی و ... همه و همه سیاسی شده است.

والله بالله فساد و ابتذال چپ و راست و میانه رو نمی شناسد مانند اعتیاد و بدتر از آن جوانان و سرمایه های عزیز انسانی ما را از ما میگیرد حتی در خود آمریکا و اسرائیل و برخی از کشورهای اروپائی نیز مسئله فیلتر گذاری سالیان سال قبل از ما انجام شده است.

۳- علاوه بر و بلکه مقدم بر بحث فیلتر گذاری یا راهکارهای دیگر به نحوی که هم از مباحث علمی آن استفاده شود و هم از این آسیب ها مصون بمانیم، مصونیت بخش داخلی بسیار حائز اهمیت است.

جامعه اسلامی، جامعه پلیسی نیست، جامعه تقوایی و ارزشی است باید کاری کنیم که از درون هر کس به مقتضای ایمان خود از این آفات در امان بماند. تقویت اخلاق اسلامی و درونی کردن ارزش ها نه تحمیل از بیرون البته با مقتضیات و راهکارهای مناسب

آن گامی اساسی در این مسئله است.

ناگفته نماند که معنای سخن ما نفی پلیس یا برخورد اقتدارگرایانه نیروهای انتظامی و امنیتی نیست، بلکه مفهوم سخن ما اصالت دادن و محور قرار گرفتن ارزشهای درونی به جای برخورد از بیرون است و گرنه همان طور که شهید بهشتی می فرمودند اصل کار فرهنگی صحیح است و لیکن ۲۰٪ اعمال قدرت نیز لازم است. اگر اصل بر کار فرهنگی و خودسازی و ترویج ارزش های دینی گذاشته شد و مردم و مخصوصا جوانان ما در این مسیر قدم برداشتند طبیعی است که عده ای به هیچ صراطی مستقیم نمی شوند و ناگزیر با آنان باید برخورد مناسب و قاطع صورت گیرد.

پرسیدی که: «... چگونه باید رفتار کرد تا از بلایای شیطانی هم در امان بود؟» مناسب دانستیم به این نکات توجه فرمائید:

۱- هدف تمام توطئه ها، روح پاک جوانان است. قلب لطیف جوان مؤمن ایرانی، بزرگترین مانع نفوذ و تأثیر شیطنت هاست. از این رو از همین حالا برنامه ای جهت تهذیب نفس و عرفان داشته باشید. حتما با نام حضرت آیت الله بهجت که از مراجع تقلید و علماء ربانی و عرفای مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است آشنائید. توصیه ای خاطره گونه از ایشان که عمری را در مسیر سیر الهی پیموده نقل می کنیم:

«شخصی به محضر ایشان رسید و عرض کرد: از شما تقاضای دستورالعمل عرفانی جهت خودسازی و سیر و سلوک دارم. ایشان از او که طلبه حوزه علمیه بود پرسید: به چه درسی مشغولید؟ پاسخ داد: سال دوم حوزه هستم. آقا خطاب به ایشان فرمودند: یک سال دیر آمدی! باید از همان

سال اولی که به درس مشغول شدی مراجعه می کردی. فعلا- روزی یک صفحه از کتاب معراج السعاده (در علم اخلاق) مطالعه کن و همان روز سعی در عمل به آن یک صفحه نما و روزی ۵ دقیقه درباره آن فکر کن.»

دوست عزیز! هرچند دین داری کار سختی شده است اما نشدنی نیست. استاد شهید مطهری کلامی دارد روح بخش و امید آفرین؛ می گوید: من در همین تهران [منظور تهران زمان طاغوت] عرفائی دیده ام که یا هرگز مثل آنها را ندیده ام یا خیلی کم مانند بوده اند. [آنگاه علت پرورش چنین بزرگانی آن هم در محیط پر از فساد تهران آن روز را توضیح می دهند که علت عظمت آنها این است که آنان خلاف جریان آب شنا کردند و همین سختی دو چندان، اجری دو برابر دارد.»

۲- با الهام از دو گفته یاد شده به ذکر نکاتی می پردازیم که در صفای روحان مؤثر است. فقط یک شرط دارد! و آن اینکه نکات زیر را هر چند کم و اندک، اما مستمر و هر روز پیگیری کنید:

- ساعت خواب و بیداری خود را کنترل کنید. شب ها زودتر استراحت کرده و سحرخیز باشید. به یاد داشته باشید که به فرمایش حضرت امیر (علیه السلام) «خواب، بسیاری از تصمیم ها و برنامه ها را خراب می کند» («ما انقص النوم لعزایم الیوم» - نهج البلاغه) خواب بی جا ضد حال برنامه های عرفانی، علمی است.

- نماز! بویژه نماز اول وقت ( و چه بهتر که امام جماعت عادل انتخاب کرده و با او نماز بگذارید)

- روزی یک گناه از کتاب گناهان کبیره شهید

دستغیب را بخوانید.

مرجع تقلید جامع الشرائطی برگزینید و از او تقلید نمائید. در غیر این صورت معمولاً اکثر اعمالی که بدون تقلید انجام می شود خالی از اشکال نیست.

- به توصیه اکید آیت الله بهجت «اگر کسی طالب صادق مسیر سیر و سلوک و قرب الی الله است، انجام واجبات و ترک معصیت برایش کافی است اگر چه هزار سال باشد.»

- حتماً روزی ۵۰ آیه قرآن بخوانید. (برای راحتی و عادت از جزء ۲۹ و ۳۰ شروع کنید)

- درس! درس! درس!

- مطالعه غیر درسی: معراج السعاده، معاد (شهید دستغیب) مطالعه شود و همواره در ارتباط بیشتری با همین بخش باشید.

- سعی کنید توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام) را با زیارت عاشورای هر روز استمرار بخشید.

- اذکار مستحبی مثل صلوات، استغفار، آیه الکرسی، آیه و ان یکاد ... را مراقبت نموده و اعمال مستحبی خود را به نیابت از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) انجام داده و ایشان را یاد کنید.

### برای بهبود یافتن وضعیت فرهنگی چگونه رفتار و برخورد کنیم؟

#### پرسش

برای بهبود یافتن وضعیت فرهنگی چگونه رفتار و برخورد کنیم؟

#### پاسخ

هر چند این سؤال ابهام دارد و منظور حضرت عالی کاملاً روشن نیست ولی با توجه به سؤال قبلی شاید بتوان گفت منظورتان چگونگی رفتار در وضعیت فرهنگی موجود در جامعه و وظیفه فردی و اجتماعی، اخلاقی و شرعی یک جوان در چنین فضایی باشد که در این صورتمی توان گفت: به طور کلی در جامعه ای که فساد در آن رایج شده، از نظر اسلام دو نوع وظیفه برای فرد مسلمان وجود دارد: وظایف فردی و وظایف اجتماعی.

منظور از وظایف فردی کلیه اقداماتی است که فرد برای حفاظت خود از آلوده شدن به گناه انجام می دهد این اقدامات شامل:

۱ آشنایی به اعمال و رفتاری که از نظر احکام اسلامی گناه و معصیت شمرده می شوند. که ما در بخش اول به پاره ای از آنان اشاره کردیم، چه بسا جوانانی که به خاطر بی اطلاعی از گناه بودن عملی، مرتکب آن شده اند و آثار و پیامدهای وضعی گناه

در تمام عمر گریبان گیر آنها بوده است.

۲ مواظبت بر ترک گناه هر چند آن گناه کوچک باشد. زیرا ارتکاب گناهان صغیره خود زمینه ساز گناهان بزرگتر می باشد.

۳ در زمان مواجهه با گناه همیشه خداوند را در نظر داشته باشد و به عواقب و پیامدها و آثار سوء و خطرناک دنیوی و اخروی گناه فکر کند و بداند که لذت گناه بسیار زودگذر و عواقب آن (مشکلات روحی و جسمی، رفتن آبرو، مجازات دنیوی و اخروی و...) پایدار و مانع از پیشرفت انسان به سوی کمال و سعادت می باشد.

۴ تقویت ایمان به خدا و توکل بر او و تمسک به تقوای الهی که دارای

آثار مثبتی است از قبیل: اشباع حس کمال گرایی، گرایش به ارزش های اخلاقی، برخورداری از لذت های معنوی، هدفدار کردن حیات، جلوگیری از جرایم و مفاسد، آرامش روان و...

۵ اهمیت به نماز و انجام سایر عبادات، خصوصاً روزه که در تقویت اراده انسان برای مقابله با گناه نقش زیادی دارد و مداومت بر ذکر خداوند و تلاوت قرآن و تمسّیک به اهل بیت (ع) زیرا موجب نورانی شدن دل و دور شدن افکار و وسوسه های شیطانی می شود و انسان را در لغزش گاه های حساس یاری می نماید.

۶ کنترل تمام اعضاء و جوارح و تسلّط بر آنان از حواس ظاهری گرفته تا حواس باطنی. ۷ پر نمودن اوقات فراغت خود با کارهای علمی، فرهنگی، مطالعه کتاب های مفید، اشتغال به ورزش و تفریحات سالم و...

علاوه بر وظایف فردی مسلمان برای مصون نگه داشتن خود از گناه، در مقابل محیط اجتماعی و جامعه ای که در آن زندگی میکند یک سری وظایفی دارد که عبارتند از:

۱ بسیج همگانی اصلی ترین راه مقابله با مفاسد اجتماعی: مسلماً فردی که خواهان پاکی و مصون ماندن از گناه می باشد در صورتی موفق می باشد که علاوه بر انجام وظایف فردی برای دوری از گناه، یکسری اقدامات را انجام دهد تا محیطش نیز از گناه پاکیزه شود والا در محیط فاسد احتمال لغزش و ارتکاب گناه می رود و از آنجا که مفاسد بصورت گسترده وجود دارد و به واسطه تهاجم فرهنگی دشمنان شدت بخشیده می شود. برای مقابله با آن نیازمند بسیج همگانی می باشد. همه باید احساس مسؤلیت کنند و فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه عملی سازند.

۲ شرکت کردن در جلسات مذهبی، نماز جمعه و جماعت



و تشویق دوستان و آشنایان به شرکت در این مراسم.

۳ ایجاد محیط گرم خانوادگی و برخورد صمیمی و دوستانه و سازنده با جوانان باعث جلوگیری از جذب شدن افراد خانواده یا جوانان توسط دوستان ناباب و منحرف می شود.

۴ آگاه نمودن جوانان به پیامدهای مخرب و نامطلوب فساد، و شناساندن معیارهای صحیح انتخاب دوست، دوری از فرهنگ مبتذل غرب و پابندی به فرهنگ خودی.

۵ تشکیل میزگردهای بحث و انتقاد فرصت مطلوبی را فراهم می کند تا تردیدهای خلقی و نگرانی های فکری زدوده شود و شیوه مناسبی برای حل معضلات فکری در اختیارشان می گذارد.

۶ ترویج ارزش های اسلامی از راه بحث و گفتگو، منطق و استدلال زیرا آنچه موجب می شود که انسان بتواند امیال خود را کنترل کند پذیرفتن یک سلسله ارزش های برتر است و علت بعثت انبیاء هم همین بوده که مردم نسبت به برخی از ارزش ها باور پیدا کنند تا بتوانند مانعاز طغیان شهوات بشوند.

یکی دیگر از راه های ترویج ارزش های اسلامی و مبارزه با فساد آن است که با استفاده از آخرین دستاوردهای تکنولوژی مدرن، ارزش های اسلامی خود را در مقابل هنرمندانه ترین فیلم ها، نمایش نامه ها، کتاب ها، رمان ها و در قالب سایر آثار هنری با استفاده از وسایل هنری و تبلیغاتی عرضه کنیم و دیگران را تحت تأثیر قرار دهیم.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱ جوانان در طوفان غرایز همت سهراب پور

۲ تهاجم فرهنگی استاد محمدتقی مصباح یزدی

۳ انقلاب و ارزش ها علی ذوعلم

}}

**با توجه به جو درسی دانشگاه و تهاجم فرهنگی غرب چگونه می توانیم به یاد خدا باشیم و با اشتیاق وظایف دینی را انجام دهیم ؟**

**پرسش**

با توجه به جو درسی دانشگاه و تهاجم فرهنگی غرب چگونه می توانیم به یاد خدا باشیم و با اشتیاق وظایف دینی را انجام دهیم

؟

انس و ارتباط دائمی با خدا و مسائل اسلامی در همه حال میسر است ولی نه برای همه بل برای آنان که جدا به خودسازی پرداخته و بنای ایمان خویش را بسیار مستحکم ساخته اند. بنابراین هر قدر مرتبه معرفت و ایمان و عشق آدمی به ذات اقدس الهی افزون گردد و آن کس که از سلسبیل عشق و معرفت قطره ای نچشیده باشد به اندک چیز خدای را از یاد برده و در گرداب اوهام شیطانی غرق می گردد. آیا تاکنون دیده اید که عاشق جز به معشوق خویشاندیشد و جز در طریق رضای او و وصل بدو گامی نهد؟ نیز آنکه خدای را شناخت و به او دل سپرد در همه چیز و همه حال به یاد اوست و برای نیل به مقصود حقیقی؛ یعنی قرب به سوی پروردگار گام می نهد. چنین آرمانی هرگز باتلاش های صحیح دنیوی و فراگیری دانش های طبیعی صنعتی انسانی اجتماعی و ... تضاد ندارد بل همه اینها را در راستای همان هدف تکاملی قرار می دهد و یاد و ذکر و توجه پیوسته به معبود و معشوق حقیقی را با آن مقارن ولاینفک می سازد. لیکن چنان که معروض افتاد در این راه باید گامی استوار برداشت معرفت خویش را بالا برد و دل از هواها و تعلقات نفسانی شست و خانه قلب را مالا مال از عشق باری تعالی ساخت. بر دانشجویان عزیز با ایمان است که در برابر تهاجم فرهنگی غرب یک صدا خیزش معنوی و آرمانی بلندی نموده و بر محیط دانشگاه عطر معنویتافشانند و

نگذارند آلودگی ها از هر سوی این محیط مقدس را لکه دار ساخته و چراغ نور افشان ایمان و معنویت را در آن خاموش سازد.

}}

## آیا واقعا از تهاجم فرهنگی به ستوه آمده اید، آیا دانشجویان را دوست دارید؟

### پرسش

آیا واقعا از تهاجم فرهنگی به ستوه آمده اید، آیا دانشجویان را دوست دارید؟

### پاسخ

زندگی و مرگ هر کشوری را باید در فرهنگ آن کشور جستجو نمود، چه این که هویت هر کشوری به فرهنگ اوست نه به رنگ و نژاد و ... مردم آن کشور. از این رو امام حسین (ع) برای احیاء یک جامعه سالم اسلامی، فرهنگ ذلت پذیری، ظلم پذیری و بی تفاوتی در برابر حق و باطل را نفی می کند و در این مسیر حتی از نثار جان خود دریغ نمی ورزد. به خاطر داشته باشید همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «عاشورا یک حادثه نبود، یک فرهنگ است». از این رو دشمنان ما، دشمنان جوانان ما، دشمنان مملکت اسلامی ما، ریشه ای ترین کارشان تهاجم فرهنگی و ایجاد تزلزل در بنیان های فکری و فرهنگی و باورهای دینی این مردم به ویژه در سطح دانشگاهها است. و چون حقیقتاً ما جوانان مخصوصاً فرهیختگان آنان یعنی دانشجویان را دوست داریم، نسبت به این عامل انحطاط بشریت یعنی تهاجم فرهنگی بسیار متأسف بوده و همواره خطرات آن را گوشزد می کنیم.

**با توجه به این که جدیداً در شهر ما فرقه صوفیه مشغول فعالیت هستند در این خصوص راهنمایی لازم و راهکارهای مقابله را مطرح فرمائید.**

### پرسش

با توجه به این که جدیداً در شهر ما فرقه صوفیه مشغول فعالیت هستند در این خصوص راهنمایی لازم و راهکارهای مقابله را مطرح فرمائید.

### پاسخ

در خصوص راهنمایی برای شناخت گروه صوفیه و راهکارهای مقابله با آن ابتداءً باید این نکته را یادآور شوم که برای این که ما یک اندیشه و مکتبی را قبول و یا رد کرده و با آن مقابله کنیم ابتداءً باید حقیقت آن اندیشه و مکتب را خوب بفهمیم و در مرحله بعد به نقادی عقل گذارده و اینکه آیا با ضروریات علمی و عقلی منافات دارد یا خیر و در مرحله سوم شخص صاحب

مکتب و دین باید ملاحظه کند که این اندیشه و مکتب آیا با حقایق قطعی دینش همخوانی و سازگاری دارد یا خیر؟

بررسی مکتب تصوف هم از این قاعده مستثنی نیست. لهذا باید در مرحله اول تعریفی از این مکتب ارائه کنیم. درباره طریقه تصوف که تقریباً از قرن دوم به صورت یک مسلک معینی درآمده و تا قرن هفتم رو به تکامل بوده و قرنهای ۷ و ۸ اوج این مکتب است و از قرن نه تا کنون رو به نزول و انحطاط داشته ما اگر نگوئیم که تعریفش غیرممکن است باید اعتراف کرد که بسیار مشکل است. که در روشن شدن این مطلب کافی است که بدانیم که ابوالمنصور بغدادی حدود ۱۰۰۰ تعریف درباره تصوف جمع آوری کرده، (تاریخ تصوف، دکتر مهدیزاده، ص ۴) و علت این مطلب این است که در تصوف در طول تاریخ دگرگونی های بسیار زیادی حاصل شده که تصوف در اسلام از زهد ابتدائی شروع تا اوج عرفان که امروزه

بعضی عرفان را تکامل یافته تصوف می دانند علاوه بر اینکه در هر دوره در تصوف فرقه های گوناگون که حتی گاه در مقابل هم بودند پیدا شده اند که همین مکاتب متعدد گاه متضاد نشان می دهد که تصوف واقعاً دارای چهارچوب منظم و قابل تعریف نیست و رد کردن آن بصورت مطلق و یا قبول کردنش بنحو مطلق درست نیست لهذا باید آراء و عقاید فرقه خاصی از صوفیه را که ما شخصاً با آن مواجه هستیم مورد شناخت قرار دهیم تا بتوانیم بصورت مستدل قبول یا رد کنیم.

ولی با تأمل و کنجکاوی در آثار و نوشته های صوفیه اشاره به دو نوع مطلب بر می خوریم:

۱. مطالب ساده و در خور مطالعه و احیاناً سودمند که از مذاهب و ادیان و اندیشه های مختلف چه از اسلام، مسیحیت، بودا، خسروانی، زردشت و افلاطون و دیگران گرفته اند.

۲. مطالبی نادرست و نابخردانه و خرافات آشکار و مطالب ضد دین و عقل و ادعاهای عجیب و غریب که گاه به خواب پریشان بیشتر شباهت دارد مانند معراج نامه بایزید بسطامی، شطحیات حلاج، دعاوی ابن عربی و کرامات شیخ احمد جامی که بسیاری از این مفاهیم در صورتی که به ظاهر آن اخذ کنیم با قرآن و حدیث و حتی عقل در تضاد هستند.

و واضح است که با این چند سطر جواب نمی تواند فرقه ها و عقاید و آداب و رسوم مصوفه را بیان کرد. لهذا برای این که شما برادر عزیز به صورت کامل پی به حقیقت این فرقه ببرید، به منابعی مانند تاریخ تصوف در اسلام تألیف دکتر قاسم غنی؛ کتاب جلوه

حسن، تألیف آیت الله مکارم شیرازی و یا کتاب تلبیس ابلیس عبدالرحمن جوزی و ریشه های عرفان در قرآن، نوشته داریوش احمدی و یا منابع دیگر مراجعه فرمائید.

با این حال به صورت مختصر بعضی کلیات که تقریباً مورد قبول فرق گوناگون تصوف است را ذکر می کنیم و قضاوت را به خود شما دانشجوی عزیز وا می گذاریم.

یکی از ویژگیهای این فرقه که همه محققین به آن اعتراف کرده اند التقاطی بودن این مکتب است. بدین معنا که مبانی خود را از ادیان و مذاهب و اندیشه های گوناگون مانند اسلام، مسیحیت، هندو، بودا، زردشت گرفته و از مزج اینها تصوف ایجاد شده که همین التقاطی بودن باعث ایجاد تضادهای در درون این مکتب شده، (جلوه حق، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۲۴) و اینکه بعضی دعاوی آنها با عقل و بعضی با دین و بعضی با هر دو در تضاد باشد که به مواردی اشاره می کنیم.

دو ویژگی منفی صوفیه:

الف) مخالفت با علم و دانش

این مخالفت با علم و دانش و اموری از علم و مدرسه و اینکه بشوی اوراق دفتر اگر مدرس مائی چنانچه جنید بغدادی که از بزرگترین مشایخ تصوف است می گوید: خواندن و نوشتن سبب پراکندگی اندیشه صوفی می شود، (آثار ادبی صوفیه، دکتر قاسم غنی، ص ۵۰۶) و شیخ عطار در حالات بشر حافی که از عرفای بزرگ است نقل می کنند که هفت صندوق از کتب حدیث داشت که همه را زیر خاک پنهان کرد، (تذکره الاولیاء، جلد ۱۱، ص ۱۰۸). و بگونه ای تعلیم و تعلم بین آنها زشت بود که بدست گرفتن قلم را ننگ

ب: شکستن حریم احکام دین

که در زمینه های گوناگون احکام صریح و قطعی اسلام را زیر پا می نهند. مانند ترک نماز، رقص و سماع، ترک ازدواج، ریاضت کشیهای سخت عزلت و گوشه نشینی، ایجاد خانقاه، خرقة پوشی، خرد کردن شخصیت خود، در کتاب اسرار التوحید در حالات ابو سعید ابوالخیر که از بزرگان صوفیه است نوشته شده روزی بعد از دعوت به مهمانی سماع کردند و شیخ ما را حالتی پدید آمد... مؤذن بانگ نماز ظهر گفت و شیخ همچنان در حال بود و جمع در وجد و رقص می کردند. امام محمد قاینی (میزبان) گفت وقت نماز است شیخ گفت ما در نمازیم و همچنان در رقص بود امام ایشان را بگذاشت و در نماز شد. در ریاضت کشیهای ایشان درباره ابوبکر شبلی از بزرگان صوفیه نقل شده به اول که به مجاهده دست بر گرفت سالهای دراز نمک در چشم کشیدی تا در خواب نشود و گویند که هفت من نمک در چشم کرده بود، (تذکره الاولیاء، شیخ قره الدین عطار، جلد ۲، ص ۱۶۴) و داستان معروف لُص (دزد) حمام \_ که غزالی از یکی از شیوخ بنام ابن کزینی نقل می کند که: من زمانی وارد یکی از مناطق شدم و در آنجا حسن سابقه ای پیدا کردم. برای نجات از این حسن شهرت روزی به گرمابه ای رفتم و لباس گرانبهائی را دزدیده از گرمابه خارج شدم مردم دویدند مرا گرفته جامعه های گرانبهائی از من برکنند پس از این واقعه در میان مردم به دزد حمام مشهور شدم و به

این وسیله نفس من راحت شد!! و غزالی هم این عمل را تأیید کرده که باعث تعجب دانشمند بزرگ ابن جوری شده که می گوید آیا هیچ راهی صحیح برای اصلاح قلب نبود که به این گونه امور بپردازند و آیا رواست که مسلمان بر خود نام دزد نهد. که باید گفت این نهایت شکستن حریم احکام دین است. بعضی از ادعاهای بزرگان این گروه را برای نمونه ذکر می کنیم: درباره بایزد بسطامی که در میان صوفیه مقام فوق العاده ای دارد بطوری که او را سلطان العارفین ملقب کرده اند نقل شده روزی مردی پیش او آمد بایزد گفت: کجا می روی؟ گفت به حج خانه خدا گفت چه داری گفت دویست درهم. گفت: آن را بمن بده که صاحب عیالم و هفت بار دور یمن بگرد و باز گرد که حج تو همین است!

و بالا- تر از این شیخ عطار نقل می کند. که بایزد را گفتند روز قیامت که می شود مردم در زیر لوای محمد(ص)، جمع می شوند گفت به خدا قسم که لوای و پرچم من از لوای محمد بزرگتر است، (تذکره الاولیاء، ج ۲، ص ۱۱۲). و جمله ما اعظم شأنی که فقط در حق خداوند متعال سزاوار است گفته شود همیشه ورد زبان او بوده به این معنا که چه مقام بالا است و صدها نمونه از این قبیل کفریات از این شخص که به عقیده خود صوفیها بعنوان بزرگترین صوفی مطرح شده داریم. لهذا گرچه ممکن است بعضی گفته های آنها هم خوب و درست باشد ولی غالب مطالب آنها مخالف با عقل و



دین و شریعت است و آگاهی پیدا کردن به همین موارد بهترین راهکار برای مقابله با آنهاست.

صوفیه از نگاه دین

اما از نظر دین حکم این گروه چیست کتابهایی در این زمینه نوشته شده و به جمع آوری روایاتی که درباره صوفیه وارد شده پرداخته اند که از همه مهمتر ۲ کتاب است یکی کتاب حدیقه الشیعه محقق اردبیلی و یکی کتاب الاثنی عشریه شیخ حر عاملی که هر ۲ از دانشمندان بسیار معروف شیعه هستند. برای نمونه فقط یک حدیث معتبر و صحیح که در هر ۲ کتاب ذکر شده بسنده می کنیم.

بزنطی و اسماعیل ابن بزیع از امام رضا(ع) نقل می کنند، قال علی ابن موسی(ع) من ذکر عنده الصوفیه و لم ینکرهم بلسانه و قلبه فلیس منا و من انکرهم فکانما جاهد الکفار بین یدی رسول الله(ص)، امام رضا(ع) فرمود هر کس در نزد او از صوفیه ذکری بشود و به زبان و دل ایشان را انکار نماید چنین کسی از ما نیست و هر کسی صوفیه را انکار کرد مانند کسی است که در راه خدا و در حضور رسول خدا(ص) جهاد کرده باشد، (الاثنی عشریه، شیخ حر عاملی، ص ۳۲ و حدیقه الشیعه، محقق اردبیلی، ص ۵۶۳).

که به خاطر این روایات و بعضی دعاوی بزرگان این گروه و فتاوی خاص آنها معمولاً علماء و فقهاء شیعه با این فرقه مخالفت کرده و به ابطال عقاید آنان پرداخته اند و بزرگانی مانند آیت الله شیخ حر عاملی و محقق اردبیلی و... و از علمای معاصر آیت الله مکارم شیرازی در رد عقاید آنان کتاب نوشته اند. انشاء الله که در شناخت

حق و ابلاغ آن و در مقابله با اندیشه های باطل موفق باشید.

**امر بمعروف و نهی از منکر اکنون در کشور دچار هجمه فرهنگی غرب شده و جوانان نیز گرفتار شده اند و فساد در جوانان و ترویج اخلاق فرنگی رونق پیدا کرده چگونه است تکلیف ما با برخورد با اینها؟**

### **پرسش**

امر بمعروف و نهی از منکر اکنون در کشور دچار هجمه فرهنگی غرب شده و جوانان نیز گرفتار شده اند و فساد در جوانان و ترویج اخلاق فرنگی رونق پیدا کرده چگونه است تکلیف ما با برخورد با اینها؟

### **پاسخ**

واقعیت این است که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و برنامه ریزی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا "دستگاه های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم، براساس برنامه ای دقیق و حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- ایجاد باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی

بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی... به طور کلی برای مصون ماندن از تهاجم فرهنگی بیگانگان و گریز از الگوها و گرایشات غربی دو جهاد عمده لازم است: جهاد علمی و عملی.

الف) در جهاد علمی شخص باید معرفت خویش را نسبت به ارزش ها و هنجارهای دینی پیوسته روزافزون سازد و نیک را از بد و سره را از ناسره به خوبی بازشناسد و با شعور و آگاهی همواره در مسیر نیکی ها گام بردارد.

ب) جهاد عملی به دو بخش تقسیم می شود:

۱- جهاد عملی فردی؛ این جهاد حرکتی دائمی و خستگی ناپذیر در برابر هواها و خواسته های نفسانی است. این جهاد عزمی استوار و مراقبتی دائمی می طلبد و بدون ارتباط پیوسته با خدا و جدیت در مخالفت با شیطان نفس نمی توان از آن سرافراز بیرون آمد. یکی از راه های کاربردی مناسب برای بالا بردن میزان موفقیت در این مسیر اجرای برنامه مشارطه، مراقبه، محاسبه است که به ضمیمه ارسال می گردد.

در این

مسیر شخص باید ابتدا به انجام واجبات و ترک محرمات همت گمارد، در مرتبه دوم انجام مستحبات و ترک مکروهات را وجهه همت خویش قرار دهد و در مرتبه سوم هر آنچه غیر الهی است، حتی برخی از مباحات، را از خود دور سازد و به غیر خدا و آنچه مطلوب اوست نپردازد.

۲- جهاد عملی اجتماعی؛ کوششی جمعی در جهت تغییر و اصلاح جامعه و مبارزه با آلودگی‌ها و انحرافات و بسط علم، اخلاق، معنویت و فضیلت و تقوی در جامعه است. این مهم نیز مستلزم برنامه ریزی دقیق و مشورت و همگامی با صاحب نظران و دیگر دوستان همراه و هم رأی است.

در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلماً "برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست، اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۲- انقلاب و ارزش‌ها، علی ذوعلم

۳- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی)

مبارزه با منکرات و مفسدات اجتماعی و ناهنجاری‌های موجود در جامعه را می توان در دو بخش انجام داد:

۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند، فرصت

ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ از جمله:

اولاً: فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد.

ثانیا، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد.

ثالثا، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده، اصرار بر استمرار آن نداشته باشد.

رابعا، در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد.

علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه پایین تر، جایز نیست که به مرتبه بالاتر تعدی کند. در مرتبه اول ناراحتی قلبی و تنفر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت، روی بر گرداندن و.. از او، ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه دوم امر و نهی زبانی، موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن، گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه سوم، مرحله اقدامات عملی است. اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت، واجب است از اعمال قدرت استفاده کند، (تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵).

البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به

زور، موضوع را به مسؤولان ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، (استفتاآت آیت الله خامنه ای، ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۳۱).

۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی، قوه قضائیه، دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ستاد مبارزه با مواد مخدر و...) موظف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون، نسبت به انجام مسؤولیت های خودکوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند.

در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است، ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات، مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است. راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، ازدواج، تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی، اجرا شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر، فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاههای مربوطه با افراد شرور و مخلّ به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های اسلامی و تهدید کننده سلامت جامعه، مطلوب است. اما با وجود این یکی از نکاتی که نباید مورد غفلت قرار گیرد شناخت دقیق روحیات و ویژگی های شخصیتی جوانان، علائق آن، نفرت ها و انزجارهای آنان از یک طرف و آگاهی به راه های ارتباط و نفوذ در آنان با توجه به اصول روان شناسی است.

## چگونه می توان در برابر شبهه افکنی مغرضان ایستادگی کرد و دچار شک و تردید نشد؟

### پرسش

چگونه می توان در برابر شبهه افکنی مغرضان ایستادگی کرد و دچار شک و تردید نشد؟

### پاسخ

هر فرد ایرانی خصوصا " دانشجویان عزیز که خود را نسبت به حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ارزشهای الهی متعهد و مسئول می بیند و دغدغه دفاع از آن را دارد لازم است که اولاً", درباره موضوعاتی که در جامعه و محیط دانشگاهی مورد بحث قرار می گیرد, اطلاعات و معلومات در حد کافی داشته باشد, تاریخ و تئوریهها و رهیافتهای گوناگون فرهنگی, اجتماعی, اقتصادی, سیاسی و... در مورد انقلاب اسلامی, حوادث مهم دوران انقلاب و بعد از آن, شخصیت ها و گروه های فعال و تأثیرگذار در عرصه سیاسی کشور, افکار و عقاید آنان و... را به خوبی بشناسد تا بتواند در مواقع نیاز با منطق و دلیل و مدرک به صورت مستدل از انقلاب دفاع نماید. و این کار نیازمند مطالعات گسترده منابع معتبری که در این زمینه ها نوشته شده, می باشد. ثانیاً": علاوه بر آمادگی های علمی, هر وقت شبهه یا مسأله ای را کسی مطرح کرد که برای شما ابهامات و یا شک و تردیدهایی را به وجود آورد. اگر شخصا از راه تأمل و تفکر و یا مطالعه توانایی حل آن را دارید از این طریق اقدام نمایید و در اینجا ذکر این نکته لازم است که اکثر شبههاتی که در جامعه مطرح می شود, شبهه علمی به مفهوم دقیق آن نیست, بلکه بیشتر مغالطه است که اگر در مقدمات آن به خوبی تأمل شود قابل حل است و اگر شخصا این توانایی را ندارید

حتما در اولین فرصت با افراد و یا مراکزی که توانایی پاسخگویی به چنین شبهاتی دارند، ارتباط و به پاسخ قطعی آن برسید.  
در هر صورت نباید در مقابل شک و تردید بی تفاوت ماند؛ زیرا آفتی است که چه بسا ایمان و معتقدات مذهبی و ارزش های فرد را به نابودی می کشاند.

### **وظیفه تشکلهای دانشجویی در زمینه رفع معضلات فرهنگی فوق چیست.**

#### **پرسش**

وظیفه تشکلهای دانشجویی در زمینه رفع معضلات فرهنگی فوق چیست.

#### **پاسخ**

قیام برای رضای خدا با زنده کردن روحیه عدالت طلبی، آرمان طلبی، احیای ارزش ها، علم خواهی و پژوهش گری و انضباط اخلاقی، با بهره گیری از همه توان هایتان اموری که در این مسیر باید رعایت شود:

۱- اولاً سعی کنید این روحیه تعهد و مسئولیت پذیری را همواره در خود حفظ کنید.

۲- مراقب باشید که خودتان به این گونه اشتباهات آلوده نشوید.

۳- در صورت امکان و احتمال تأثیر از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نکنید که یکی از علل شیوع این مشکلات عمل نکردن مردم به این وظیفه همگانی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است البته اگر احتمال اثر نمی دهید و یا ممکن است برای شما خطر جدی به دنبال داشته باشد همان تأثیر و ناراحتی درونی شما کافی است ولی در صورت امکان به هر اندازه ای که می توانید باید به تکلیف شرعی خود عمل نمایید و لازمه این کار آشنایی با احکام امر به معروف و نهی از منکر است.

۴- سعی نمایید با خودسازی، کسب مهارت های لازم خودتان را آماده خدمت به جامعه کنید تا حداقل جای یکی از افرادی که موجب این نابسامانی ها می شوند را پر نمایید.

۵- وجود این گونه کاستیها و نابسامانی ها یا مشکلات فرهنگی و اخلاقی از قبیل بی حجابی نباید موجب یأس و ناامیدی شما شود بلکه باید شما را مصمم کند تا خود برای اصلاح و بهبود وضع موجود مهیا کنید و از خداوند بخواهید که این امکان و توفیق را به شما بدهد تا در کنار دیگر دردمندان دلسوز بتوانید گام های



مؤثر در جهت رفع این مشکلات بردارید.

۶- درست شناختن کاری که در پی انجام آن هستیم - تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند - باید اولاً کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید.

۷- در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلاً اگر می خواهید نشریه داشته باشید - کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگاری آشنایی کافی را دارند.

۸- از افراط و تفریط پرهیز نمایید.

۹- اهل مدارا و گذشت و ملاحظت باشید زیرا کار فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود.

۱۰- صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد.

۱۱- از افراد با انگیزه ای به عنوان همکار کمک بگیرید. پراکنجه باشید و صرفاً برای وقت گذرانی یا کسب درآمد به آن کار نپرداخته اند.

۱۲- نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بازرسی و دیدن و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید.

۱۳- هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید.

۱۴- هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پرثمر و با برکت خواهد بود.

برای مطالعه بیشتر ر.ک:

دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، نشر روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام

## چطور می شود از تهاجم فرهنگی جلوگیری کرد؟

### پرسش

چطور می شود از تهاجم فرهنگی جلوگیری کرد؟

### پاسخ

از آنجا که فرهنگ با اندیشه ها و باورها و اعتقادات مردم سروکار دارد باید با مبانی و عقاید عقلانی و مبتنی بر فطرت و بصیرت زمینه پذیرش یا نفی یک فرهنگ را پدید آورد و رویارویی با فرهنگ مهاجم نیز نیاز به یک کار فرهنگی دقیق و حساب شده دارد و در این میان دو کار عمده فرهنگی ضروری به نظر می رسد :

مورد اول شناسایی فرهنگ مهاجم یا فرهنگ غرب است. برای مقابله با هر پدیده ای ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نمود تا بتوان سازوکارهای لازم را مهیا کرد. غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت عملکرد و باطن و جوهر حقیقی این فرهنگ است و شناخت عمیق فرهنگ غرب به معنای این است که از ظاهر فریبنده آن پرده برگیریم و به درون آن راه یابیم.

مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند : "این ملت برای این که حیثیت و کیان حقیقی و انسانی اسلامی و انقلابی و فرهنگ ملی اش حفظ بشود، احتیاج به مجاهدت و مقاومت و ایستادگی در مقابل تهاجم دشمن و تهاجم بردن به نقاط ضعف دشمن دارد".

فرهنگ غرب نقاط ضعف فراوان دارد که اگر ما به این نقاط ضعف آشنا نباشیم قدر فرهنگ غنی خود را نخواهیم دانست و همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند "این ما هستیم که باید به فرهنگ غرب تهاجم داشته باشیم و ضد ارزشها و نقاط ضعف و انحرافات و پوچی آن فرهنگ مادی و مبتدل را افشاء نماییم تا جوامع و از جمله جامعه خودمان را واکسینه و از فریب زرق

و برق و ظاهر زیبا و باطن گنبدیده آن مصون بداریم".

در این مجال اندک در حد توان پرده از چهره کرب برداشته و به گوشه ای از نقاط ضعف این فرهنگ نازبا می پردازیم :

از جمله نقاط ضعفی که غرب را در سرایشی سقوط و سرنگونی قرار داده است این موارد است :

۱- نژاد پرستی و قومیت گرایی : مقام معظم رهبری در این رابطه می فرماید : "امروز کشورهای متری دنیا که از لحاظ مادی پیشرفته هستند، هنوز گرفتاری سیاه و سفید دارند... هنوز در آنجا جنگ نژاد، جنگ خون و جنگ قومیتها وجود دارد.

۲- برده داری دوران جاهلیت در عصر جدید : دختران باکره از دهکده های فقیر تایلند با قیمت ۱۰۰۰ مارک توسط دلان خریداری و برای خدمتگزاری اما در واقع برای فاحشه گری به کلوپ های شبانه بانکوک، هنگ ننگ، ژاپن و آلمان فرستاده می شوند؛ بردگی عصر جدید تجارت دختران جوان است.

۳- دزدی و قتل : هر خانواده آمریکایی بطور متوسط سالانه حدود ۳۰۰ دلار در ازاء دزدیهایی که در کشور صورت می گیرد خسارت می پردازند.

۴- سقوط خانواده در غرب : ۲۸٪ کل خانواده های آمریکایی را خانواده های بدون پدر یا مادر تشکیل م...

دهند (زوجها با همسران خود زندگی نمی کنند)

۵- نا امنی : در حدود ۲۰۰ میلیون اسلحه گرم در دست مردم غیر نظامی قرار دارد و ۱۲ میلیون زن آمریکایی به منظور حفاظت از خود اسلحه کمری دارند.

۶- قاچاق و مصرف انواع مواد مخدر : آمریکاییان در طول یک سال ۴۰ میلیارد دلار صرف مواد مخدر قاچاق کرده اند. در آلمان ۵۰/۰۰۰ کودک معتاد به نیکوتین هستند

و اغلب جوانان (دختر و پسر) در سن ۱۵ سالگی یا کمتر معتاد به سیگار می شوند.

۷- وضع نامطلوب مدارس: بیش از یک سوم از دانش آموزان آمریکا در طول سال گذشته مرتکب سرقت شده اند.

۸- توحش قرون وسطایی: در جنگهای ساریو صربها لباس زنان مجروح را پاره کرده و با کارد روی سینه آنها علامت صلیب را کشیده اند.

۹- روابط جنسی نامشروع با محارم: ۳۲٪ دختران فرانسوی قربانی تجاوز پدران خود می شوند؛ روابط نامشروع جنسی بین دختران فرانسوی و نزدیکان آنها روند صعودی طی می کند. "۱"

اینها گوشه ای از نقاط ضعف فرهنگ غرب بود که ذکر شد بی جهت ن... که رهبر معظم انقلاب در گ... ای از بیانات خود می فرمایند: "آمریکا باید به حل مشکلات عظیم انسانی و اخلاقی و نیز فقدان امنیت در جامعه خود پردازد." "۲"

و کار دوم فرهنگی و ارتباط با مقابله با فرهنگ مهاجم درک هویت فرهنگ خودی است؛ شناخت یک فرهنگ در حقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها و برتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگها است. نسل جوان باید به امتیازات فرهنگ اسلامی و ملی خویش آشنا باشد تا در مقابله با فرهنگ بیگانه از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد. تاریخ تحلیل فرهنگ خودی و مطالعات تطبیقی فرهنگهای معاصر و بویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که بر معادلات سیاسی و اجتماعی جهان معاصر داشته است جوانان را در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه مقاوم می کند و با این امر بازگشت به فرهنگ خودی امکان پذیر خواهد بود.

۱- مقابله با شیخون فرهنگی دشمن از دیدگاه رهبری، ص ۶۹ و...

سخنرانی مقام معظم رهبری در تاریخ ۷/۱۱/۷۱

—چه کنیم که بتوانیم به طور جدی از اعتقادات خود حفاظت کنیم؟

**پرسش**

—چه کنیم که بتوانیم به طور جدی از اعتقادات خود حفاظت کنیم؟

**پاسخ**

جواب :

باهداء سلام و آرزوی توفیق الهی ضمن تشکر از حسن اعتماد شما به این بخش پاسخ سؤال مطرح شده به حضورتان تقدیم می گردد.

با عرض سلام خدمت شما دوست عزیز و با تشکر از اینکه سؤال خود را با ما مطرح نمودید پاسخ سؤال خوبتان را با کلامی از حضرت علی؟ شروع می کنم ایشان می فرمایند : ای گروه جوانان ، شرف انسانی و سجایای اخلاقی خود را با ادب آموزی و تربیت محافظت نمائید و سرمایه گرانبهای دین خویش را با نیروی علم و دانش از دسبرد نا پاکان و خطرات گوناگون برکنار نگاه دارید . (تاریخ یعقوبی ص ۱۵۲)

پایبندی به دین و ایمان و فضائل اخلاقی نیازمند به تربیت و مراقبت است و اگر در کودکی و نوجوانی به این مسأله اهمیت و ارزش داده شود اثرات خوب آن تا پایان عمر باقی خواهد ماند .

دکتر کارل میگوید : کسیکه در آغاز زندگی به شناخت خوب و بدی عادت کرد در تمام عمر انتخاب خوبی و پرهیز از بدی برای او آسان خواهد بود و همانطور که از آتش دوری میکند از بدی نیز می پرهیزد و عهد شکنی و دروغ و خیانت در نظر او نه تنها اعمالی ممنوع بلکه غیر ممکن می آید. (جوان از نظر عقل و احساسات تألیف محمد تقی فلسفی)

البته این به آن معنا نیست که نتایج تربیتهای صحیح در هر گونه شرایط و به هر صورت پایدار بماند حضرت علی؟ می فرمایند : کسیکه قبل از بلوغ با خواهشهای نفسانی خویش مجاهده نکرده باشد در بزرگی به مقام

فضل و بزرگی نائل نمی شود. (غرر الحکم علی؟ ص ۶۴۵)

و نیز میفرمایند آن کسیکه بر خلاف میلش به ادب آموزی و تربیت صحیح وادار شود و به مشقتهای آن تن در دهد به گفتار و رفتار زشت کمتر آلوده می شود. (غرر الحکم علی؟ ص ۶۴۵)

اما برای محافظت از سرمایه گرانبهای دین و محکم کردن پایه های آن نیازمند به علم کامل و صحیح از منبعی اطمینان بخش هستیم و در این زمینه نباید به شناختهای کمی که از گذشته آموخته ایم اکتفا کنیم و همراه با افزایش آگاهیمان در معارف دین سعی در عمل به آنها داشته باشیم .

بنابراین مهمترین مسأله در این زمینه افزایش آگاهی در مسائل دینی و سؤال و مشورت با افراد خبره و استفاده از امکاناتی است که در این زمینه در نظر گرفته شده است مانند کلاسهای آموزش مسائل دینی، نوارهای ویدئویی و کاست و... برای شروع می توانید با مطالعه کتب آقای دستغیب، محسن قرائتی و حسین مظاهری آگاهی خویش را افزایش دهید و اگر توانائی داشته باشید به مطالعه کتب استاد مطهری بپردازید.

البته مطالعه به تنهایی کار ساز نیست بلکه در کنار جستجو و مطالعه می بایست به تفکر و نیایش و توسل و ارتباط با خداوند نیز پرداخت تا مفاهیم دینی تا عمق جان نفوذ کند و در زندگی به کار گرفته شود .

در منابع اسلامی و منابع سایر ادیان به تفکر و تدبر بسیار اهمیت داده شده است به طوری که در روایتی آمده که بیشتر عبادت ابوذر تفکر بوده است. مذاهب مختلف دارای رسمها و عباداتی هستند تا انسان را وادار به تفکر کنند

اما تمام راههای رشد روحی انسان به تفکر در اوقات فراقت و آرامش نیاز دارند، پیروان مذهب تائو میگویند وقتی آب ساکن میشود و باد به آن نمی وزد میتوان انعکاس هر چیزی را به روشنی در آن دید حتی تک تک موهای ریش مردان و ابروان زنان را میتوان در تصویر آب تشخیص داد. حال که آب میتواند در سکون و آرامش چنین پاک و روشن باشد اگر قلب آدمی به آرامش و سکون برسد تا چه حد پاک و زلال خواهد شد؟ در این صورت آسمانها و زمین و هزاران چیز دیگر در قلب انسان منعکس خواهد شد. (کلیدهای تربیت کودکان، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، تألیف دکتر ایریس یاب، مترجم دکتر مسعود حاجی زاده ص ۱۳۳)

دوست خوبم! در پایان عرایضم خاطر نشان می کنم که بهتر است به هر مرحله ای از دانش دینی که دست پیدا میکنید به آنها قانع و خشنود نباشید بلکه سعی کنید به درک و شناخت عمیقتری از خدا و آموزه ای دینی دست یابید چه بسا که در این مسیر تصاویر قلبی خود را نیز تغییر دهید مهم این است که با تلاش و توکل و تدبر به درکی اطمینان بخش از خداوند و معارف دینی برسید نه به درک و تصویری ثابت.

## ۲- چه کنیم تا بتوانیم از افرادی که در کوچه و خیابان میبینیم الگو پذیری نکنیم؟

### پرسش

۲- چه کنیم تا بتوانیم از افرادی که در کوچه و خیابان میبینیم الگو پذیری نکنیم؟

### پاسخ

جواب: سؤال دوم:

در پاسخ به سؤال خوبتان عرض می شود دوران جوانی ایام سپری شدن ایام کودکی، و آغاز زندگی اجتماعی است. نوجوان بر اثر بلوغ، از محیط محدود خانواده خارج می شود و به فضای پهناور اجتماع قدم می گذارد کسیکه می خواهد عضو مؤثر اجتماع باشد و در صف افراد مفید قرار گیرد باید واجد شخصیتی باشد که بتواند خویشتن را با جامعه تطبیق دهد و به صفات لازم عضویت اجتماعی برسد.

موضوع احزار شخصیت و برگزیدن صفات لازم برای سازگاری با اجتماع، یکی از بزرگترین مشکلات نسل جوان است. بسیاری از نوجوانان به علت خود سری یا نداشتن مربی لایق از مسیر صحیح منحرف می شوند و به جای برگزیدن صفات مفید و پسندیده به خلقیات مضر و ناپسند آلوده می شوند و در نتیجه از منطبق کردن خود با اجتماع عاجز می مانند.

نوجوانان برای ساختن شخصیت خویش و برگزیدن صفات لازم از دیگران تقلید می کنند و روش آنان را برنامه کار خود قرار می دهند با توجه به اینکه تمایل به خود نمایی و تشخیص طلبی در نوجوانان شدید است کوشش می کنند تا جائیکه میسر است از مردان مشهور و ممتاز پیروی کنند و صفات آنان را الگوی شخصیت سازی خود قرار دهند به این امید که هر چه

زودتر و بیشتر شهرت و افتخاری کسب کنند و مورد توجه عموم مردم قرار گیرند .

گاهی پیر و ستاره سینما می شوند و کارهای ساختگی و غیر واقعی آنها را برنامه



زندگی حقیقی خود قرار می دهند و این رفتار نادرست را مایه افتخار و شهرت خویش می پندارند مانند آنان راه میروند ، حرف میزنند ، لباس می پوشند ، نگاه می کنند ، می خندند ، معاشقه میکنند ، روی و موی خود را مثل آنها می آریند و خلاصه به جای اینکه جوانان شخصیت خویش را بر اساس سجایای اخلاقی و صفات انسانی پی ریزی کنند و خود را انسان لایقی سازند از ستاره های سینما تقلید می کنند رفتار آنها را برنامه کار خود قرار می دهند و از این راه بزرگترین ضربه را به شخصیت خود میزنند .

بدون تردید مطالبی را که جوانان در جرائد می خوانند یا در پرده سینما میبینند در آنان اثر عمیق می گذارد و بدون آنکه خودشان متوجه باشند به همان مسیر سوق داده میشوند و به همان روحیه پرورش داده میشوند .

به نظر روانشناسان حس تقلید یکی از تمایلات طبیعی است که در تمام افراد بشر در سنین مختلف وجود دارد اما این حس در نسل جوان شدیدتر است .

دکتر جان بی کیزن در کتاب شادکامی میگوید: رفتار ما به طور کلی بر اثر تقلید است اگر این گزینه نبود می بایستی هر کس از طفولیت تجربیات زندگی را از سر بگیرد و رفتار و کردار مخصوص به خود داشته باشد و البته در این صورت زندگی در اجتماع بسیار دشوار و شاید غیر ممکن می شد .

متأسفانه گاهی تشخیص نادرست و هوی و هوس ، برخی را به تقلید از افرادی وا میدارد که مورد تصدیق همه کس و پسندیده عقلا نیستند چنانکه ممکن

است جوانی عجول و شیفته خود نمائی و سرافرازی، به عوض اینکه با صبر و حوصله اسباب بزرگی را یک به یک فراهم آورد، از کسی پیروی و تقلید کند که اتفاقاً از راه نا صواب به کام رسیده و در نتیجه این تقلید ناروا خود را به هزار زحمت و مهلکه بیندازد.

بدون تردید تقلید یکی از ارکان اساسی ترقی بشر و از عوامل بسیار مؤثر در پیشرفتهای فردی و اجتماعی است و باید نوجوانان در راه ساختن شخصیت خود از این تمایل طبیعی استفاده کنند ولی برای آنکه بر اثر تقلید های کور کورانه و نادرست دچار خطا و گمراهی نشوند و از مسیر فضیلت و مصلحت منحرف نگردند لازم است همواره به دو نکته توجه داشته باشند.

اول آنکه از افراد منحرف و گمراه پیروی نکنند و به امید نیل درجه قهرمانی در رسیدن به مقام رفیع اجتماعی، اعمال نادرست آنان را سرمشق خود قرار ندهند چه آنکه گمراهان و گنهکاران خیلی زود با شکست و ناامیدی مواجه خواهند شد امام حسین؟ می فرمایند: کسیکه از راه گناه از پی کاری بر خیزد امیدش بیشتر فوت میشود از آنچه می ترسد سریعتر به آن مبتلا می گردد (بحار ج ۱۷ ص ۱۴۹)

دوم آنکه بدانند ساختمان طبیعی و استعدادهای نظری بشر با یکدیگر متفاوت است. خداوند مردم را مختلف آفریده و هر انسانی برای انجام کار مناسب با ساختمان خود آمادگی بیشتری دارد.

پیامبر(ص)؟ می فرمایند: کار کنید که هر کس برای کاری که آفریده شده مهیا تراست و آن را بهتر انجام میدهد(سفینه ص ۷۳۲)

آدمی زمانی به

کمال لایق خویش میرسد که از ذخایر نهائی خود استفاده کند و استعدادهای درونی خویش را به فعلیت آورد منظور از تقلید آن است که شخص در راه احیای قابلیت و ابراز لیاقت خود از روش دیگران استفاده کند و راهی را که آنان پیموده اند و به نتایج ثمر بخش رسیده اند بیاماید نه آن که به خیال قهرمان شدن، کورکورانه از قهرمان تقلید کند و استعدادهای فطری خود را که میتواند مایه شهرت و سر بلندی وی گردند را سرکوب نماید.

دکتر اوستاس در کتاب رشد و زندگی میگوید: اگر شما فقط یک قسمت از شخصیت خود را بگیرید و آن را پرورش دهید تا به شکل یک قهرمان خیالی در آید هرگز شخصیت واقعی خودتان نخواهد بود، شخص تا وقتی حرکات و رفتار و انگارش طبیعی و حقیقی باشد بیش از کسیکه با رفتار مصنوعی خود را به رخ دیگران میکشد دارای ارزش و احترام خواهد بود انسان میتواند با کوشش و اراده خود را از گمنامی به شهرت و افتخار برساند و شخصیت برجسته ای را دارا شود ولی اشخاصی که فقط می خواهند از قهرمان تقلید کنند هیچ وقت بیش از یک شخص مقلد نخواهند بود.

خوشبختی، عشق موفقیت و پیشرفت همه زمانی نصیب شما میشوند که شما از قوا و استعداد های طبیعی خود استفاده کنید نه اینکه استعداد های خویش را با اخلاق و رفتار ناپسند، غرور و حرص، عدم اعتیاد یا اعتیاد بیش از اندازه به دیگران یا پیروی کورکورانه از آنان از بین ببرید

دوست عزیز با توجه به مطالبی که

به عرضتان رسید نوجوانان و جوانان که از دوره کودکی پا به دوره نوجوانی و جوانی میگذارند برای ساختن شخصیت خویش و ارضای میل تفوق طلبی و برتری در اجتماع دست به تقلید از دیگران میزنند اما اشتباه اصلی در تعیین شخص یا اشخاص است که مورد تقلید قرار می گیرند و در ارتباط با سؤالی که مطرح کرده اید با توجه به سخنان آسمانی ائمه دین و دانشمندان روانشناسی به نظر نمی رسد افراد کوچ و خیابان در روش پوشش و رفتار اجتماعی آنان الگوی مناسبی برای تقلید باشد چرا که مارا از هدف اصلی که رسیدن به موفقیت و کامیابی اجتماعی و داشتن شخصیت مطلوب است نمی رساند .

منبع جوان از نظر عقل و احساسات ، آقای فلسفی ج ۱ ص ۴۰۳-۴۱۷ (با حذف و جابجایی)

**با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظائف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟**

**پرسش**

با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظائف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟

**پاسخ**

مسأله تهاجم فرهنگی از معضلات اجتماعی عصر حاضر در کشورهای جهان سوم خصوصا کشورهای اسلامی است که به علت پیچیدگی و آمیخته بودن آن با مسائل دیگر اجتماعی راه مقابله با آن بسیار دشوار است آنچه که به طور کلی می توان ابراز داشت این که باید تمامی امکانات در راه استقرار ارزش های اسلامی و ملی به کار گرفته شود و تمام دین داران با مایه گذاشتن از امکانات خود در این راه به مبارزه پردازند مبارزه ای که از یک سو جنبه تولیدی دارد (یعنی تولید برنامه ها و به کار گرفتن ابزارهای لازم در این مورد) و از سوی دیگر مبارزه منفی و تحریم آنچه که در صدد کندن بنیان های اعتقادی و دینی جامعه است. به هر ترتیب افزونی آگاهی ها و بینش سیاسی و اجتماعی به وسیله مطالعه تفکر و ارتباط مداوم با قرآن و مکتب اهل بیت (ع) زیربنای مبارزه با تهاجم فرهنگی است. {J}

**چرا پس از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب جوانان از دین روی گردان شده اند و راه حل معضلات اجتماعی و اخلاقی در جامعه چیست ؟**

**پرسش**

چرا پس از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب جوانان از دین روی گردان شده اند و راه حل معضلات اجتماعی و اخلاقی در جامعه چیست ؟

**پاسخ**

قبل از هر چیز لازم است از حسن اعتمادتان به این اداره سپاسگزاری کنیم و از این که شفاف و صریح نقطه نظرات خود را درباره دین گریز شدن جوانان بیان فرمودید خرسندیم و از شما تقدیر و تشکر می کنیم.

این که فرموده اید همه جوانان ایران زمینی با دلی روشن دوستدار آزادی و عدالت در پرتو دین و معنویت هستند، مطلب صحیحی است. ما نیز با شما هم عقیده هستیم و نشانه های آن را می توان به روشنی در جامعه مشاهده کرد. بعضی تحقیقات علمی و تجربی نیز که در این مورد به خصوص در سطح دانشجویان و دانش آموزان انجام گرفته گویا به همین مطلب است که توده جوانان ایرانی علاقه مند به دین و معنویت هستند. ولی این نکته را نیز نباید به فراموشی سپرد و یا نادیده گرفت که بعضی اعمال و رفتارهای نابهنجار و خلاف دین و اخلاق در میان افراد جامعه به خصوص در بین جوانان و حتی دانش آموختگان و دانش آموزان و دانشجویان نیز وجود دارد. خود شما بسیاری از آنها را از نزدیک می توانید مشاهده و لمس کنید. علاوه بر این آمار و ارقام تحقیقات میدانی و تجربی نیز وجود پاره ای از نابهنجاری های اخلاقی و دینی و اجتماعی را تأیید می کند. اعتیاد حتی بین دانش آموزان و نوجوانان، روابط نامشروع دختران و پسران مصرف و نوشیدن آشامیدنی های غیرمجاز و مشروبات الکلی، دزدی و انواع و اقسام خلاف های دیگر را نمی توان انکار کرد، بنابراین گرچه جوانان علاقه مند به دین و معنویت هستند ولی عملاً و در خارج با اینگونه نابهنجاری ها نیز

مواجه هستیم و باید برای مبارزه با مفاسد اخلاقی و اجتماعی، برنامه ریزی و با آن به طور جدی مقابله شود، تا این مفاسد به بخش های دیگر جامعه سرایت نکند و اقشار مختلف و جوانان آینده کشور از خطرات آن محفوظ بمانند.

اگر به دنبال علل و عوامل اینگونه مشکلات و نابهنجاری های اجتماعی و اخلاقی برویم، یقیناً بهتر خواهیم توانست راه حل مناسب ارائه کنیم. البته این امری نیست که بتوان بدون تحقیق و بررسی درباره آن اظهار نظر کرد، بنابراین ضرورت دارد کارشناسان، متخصصان و خبرگان بدون هرگونه تشریفات و به قول شما بدون هرگونه گرایش سیاسی و گروهی به شناسایی نابهنجاری های جامعه پردازند و راهکارهای عملی و عینی و قابل اجرا را پیشنهاد کرده و به اجرا درآورند. در این راستا، دین و آموزه های دینی که ضامن سعادت انسان و جامعه اسلامی است می تواند بهترین و بیشترین کمک را برای رسیدن به اهداف داشته باشد. طبیعی است که باید از هرگونه جلسه و سمینار و کنفرانس توخالی و بی محتوا جدا خودداری کرد.

اما این که فرموده اید «رفتار و سلوک و عملکرد بعضی از مسئولین، جوانان را دچار تشویش خاطر و تشویق به نفاق و ریا و تظاهر و به عبارتی باعث دوری از دین شده است» بر فرض قبول این فرضیه و ادعاء، باید به تصحیح این نتیجه گیری پرداخت و به جوانان این آگاهی و شناخت را داد که اگر به قول شما جوانان جامعه علاقه مند به دین هستند نباید عملکرد افراد خاصی را ملاک و معیار خود بدانند، بلکه معیار عمل ما باید دین، آموزه های دینی و ارزش های اخلاقی باشد. باید لزوم پای بندی خود به دین را از اصول و ارزش های دینی و اخلاقی بگیریم، نه از

عمل این فرد یا آنگروه و یا فلان مسؤل. اگر کسی با الفبای منطق آشنایی داشته باشد و از عقل سلیم برخوردار باشد، به طور عادی و طبیعی خواهد توانست، بین دین و ارزش های اخلاقی و دینی و بین افراد به ظاهر متدین و دور از محتوای دین فرقی بگذارد و ملاک عمل خود را رفتار و سلوک چنین افرادی قرار نخواهد داد. ما و شما نیز موظفیم که این بینش و آگاهی و شناخت را نسبت به تفکیک دین از افراد متظاهر در خود ایجاد کنیم. پس به منظور جلوگیری از دین گریزی جوانان شایسته است اجازه ندهیم (تا آنجا که ممکن است و توان و قدرت ما اجازه می دهد) افراد ریاکار و متظاهر مسؤلیتچنین نقش های کلیدی را به عهده بگیرند تا چهره دین مسخ نشود. اگر دین به دست انسان های راستین و معتقد واقعاً قیامه شود و یا نماز و اعمال عبادی دیگر احیاء شود و توسط آنها ارزش های اخلاقی پاسداری شود و به طور صحیح و مناسب و منطبق با دین و اخلاق به مظاهر دینی توجه شود، یقیناً باعث اعتلای دین و آموزه های دینی شده و مانع دین گریزی تعدادی از جوانان خواهد شد. شما نیز حتماً با این سخن موافقت کنید. پس چه زیباست امثال شما که چنین دلسوزانه قلبتان آکنده از محبت و علاقه و عشق به دین و اجرای دستورات دینی است، قدم به جلو بگذارید و حرکت را آغاز کنید و جلو نابهنجاری های بیشتر را بگیرید و وظیفه خود را انجام دهید.

در پایان لازم به ذکر است ما نیز آماده ایم نقطه نظرات، پیشنهادات شما را درباره مسائل مربوط به جوانان جهت رشد فرهنگ دینی، اعتقادی و عملی آنان دریافت نمایم

تا برای مقابله با معضلی که بیان فرموده اید از خود شما طلبیاری می کنیم.

## چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد، افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟

### پرسش

چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد، افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟

### پاسخ

مشکل اعتیاد بالای خانمان سوزی است که ناشی از فقر فرهنگی و بیکاری است . ما و شما باید تلاش کنیم که با آگاه کردن جوانان و خانواده های آنها پوچی و بی هدفی و لابلالی گری را از جوانان دور کنیم و آنها را با وظایفشان آشنا سازیم . شما می توانید با فراهم کردن ارتباط و دوستی مناسب و صحیح با آنها و راه اندازی مکان های فرهنگی - تفریحی و مذهبی خوب و جذاب و برگزار نمودن مجالس مذهبی و دعوت اهالی , جوانان را جذب کرده و خلائهای فکری و فرهنگی آنها را پر نموده آنها را به فکر اشتغال مناسب و مفید و فعال بودن در جامعه بیاندازیم و از بیکاری و بیهودگی و هدر رفتن وقت آنها جلوگیری کنیم و از طرف دیگر با شناسایی افراد فاسد و سودجو و جنایتکار که جوانان را منحرف می کنند و معرفی آنها به نیروهای انتظامی و مراکز قضایی و ضابطین آنها جلوی گسترش فساد را بگیریم و زمینه را برای پاک بودن جوانان فراهم سازیم . به هر حال ؛ ارائه الگوهای صحیح , گسترش فرهنگ دینی , هدفمند کردن جوانان در زندگی , فراهم کردن اشتغال مناسب , ایجاد ارتباط و دوستی صمیمانه و صحیح , فراهم کردن امکان مطالعه و پیشرفت و تفریحات سالم , سوق دادن افراد به سمت مراکز دینی مثل مساجد و مراکز فرهنگی اسلامی می تواند جوانان ما را از افسردگی و اعتیاد نجات بخشد. شما باید خود در حد توان و امکاناتی



که در اختیار دارید با بکارگیری راه های فوق الذکر به این هدف ایده آل دست یابید و بدانید که این کار فعالیتی بس مشکل و در عین حال سرشار از ثواب و پاداش است و دنیا و آخرت شما و دیگران را آباد می سازد. لازم است با ذوق و سلیقه و پشتکار و به تناسب افراد و موقعیت ها از راه های ارائه شده استفاده کنید و هرگز احساس خستگی و ناتوانی نکنید. به هر قیمتی شده با جوانان دوست شوید و آنها را جذب کنید تا جذب مراکز فساد نشوند. لذا ایثار و از خود گذشتگی تنها سرمایه این کار است که می تواند شما را به هدف برساند. در پایان از دلسوزی عاقلانه و دوراندیشی مدیرانه شما عزیز دانشجو تقدیر و تشکر می کنیم و امیدواریم به دعای خیر حضرت صاحب الزمان (عج) در این کار خطیر موفق باشید.

### چگونه می توان با تهاجم فرهنگی مبارزه کرد؟

#### پرسش

چگونه می توان با تهاجم فرهنگی مبارزه کرد؟

#### پاسخ

از آنجا که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه ریزیهای منظم و سازماندهی شده می باشد، تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز و بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا "دستگاههای فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم، بر اساس برنامه های دقیق حساب شده می باشد، بر این اساس مهمترین راههای مبارز با تهاجم فرهنگی و جلوگیری از نفوذ و گسترش آن عبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت در مردم و مسئولین، قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۳۹ می فرماید ((و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین)) ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزشهای انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی، تأمین رفاه، سعادت و خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزشهای الهی. ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی. ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزشهای الهی می باشد. ۵- تحقق باوری عمیق، درونی و ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رهبری، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی و انتظامی، آموزش فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند نسبت به

جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یائس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه، که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت. ۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخشهای مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی و... برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- سخنان مقام معظم رهبری، فرهنگ و تهاجم فرهنگی ۲- علی ذو علم، انقلاب و ارزشها

### نقش رسانه های گروهی در تهاجم فرهنگی چیست؟

#### پرسش

نقش رسانه های گروهی در تهاجم فرهنگی چیست؟

#### پاسخ

مهمترین وظایف رسانه های گروهی در برخورد با تهاجم فرهنگی را می توان به صورت مختصر چنین بیان نمود: تهیه برنامه های مفید و سالم برای تبلیغ و ترویج الگوهای مناسب بر اساس ارزش های فرهنگی و دینی انقلاب و اسلام برای نسل نوجوان و جوان جامعه و ایجاد و تقویت یک هویت مذهبی و ملی در آنان، که با استفاده از پیشرفته ترین فن آوریها بوده و از جذابیت و شیرینی لازم برخوردار باشد و فاخرترین هنرهای نمایشی با مضامین پر بار اجتماعی و اخلاقی و سیاسی را در این رسانه ها ارائه نمایند تا بدین وسیله علاوه بر هویت بخشی از در دام افتادن جوانان ما توسط فرهنگهای مهاجم جلوگیری بعمل آورد. به علاوه رسانه های گروهی وظیفه هدایت جامعه را بر عهده داشته و ضمن معرفی اهداف و اغراض شوم دشمنان و شناساندن ابزارها و نتایج عناصر شوم تهاجم فرهنگی، باید جوانان و نوجوانان را نسبت به عواقب وخیم فساد، اعتیاد، بی بند و باری و... آگاه سازند.

### چگونه برخورد دانشجویان با شبهاتی که در کلاس یا محیط مطرح می شود؟

#### پرسش

چگونه برخورد دانشجویان با شبهاتی که در کلاس یا محیط مطرح می شود؟

#### پاسخ

هر فرد ایرانی خصوصاً دانشجویان عزیز که خود را نسبت به حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ارزشهای الهی متعهد و مسئول می بیند و دغدغه دفاع از آن را دارد لازم است که اولاً، درباره موضوعاتی که در جامعه و محیط دانشگاهی مورد بحث قرار می گیرد، اطلاعات و معلومات در حد کافی داشته باشد، تاریخ و تئوریه‌ها و رهیافت‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... در مورد انقلاب اسلامی، حوادث مهم دوران انقلاب و بعد از آن، شخصیت‌ها و گروه‌های فعال و تأثیرگذار در عرصه سیاسی کشور، افکار و عقاید آنان و... رابه خوبی بشناسد تا بتواند در مواقع نیاز با منطق و دلیل و مدرک به صورت مستدل از انقلاب دفاع نماید. و این کار نیازمند مطالعات گسترده منابع معتبری که در این زمینه‌ها نوشته شده، می باشد.

ثانیاً: علاوه بر آمادگی‌های علمی، هر وقت شبهه یا مسأله‌ای را کسی مطرح کرد که مورد قبول و پسند شما نبود، هیچ وقت عصبانی نشوید بلکه در کمال خونسردی و خوشرویی از طرف مقابل مدرک و مستند ادعایش را بخواهید و سعی کنید طرف مقابل را کاملاً حلاجی کرده‌و به سؤال بکشانید که منظور شما چیست؟ و بالفرض چنین باشد چه هدفی را دارید؟؟؟ و... زیرا اکثر شبهاتی، که در جامعه مطرح می شود ناشی از عدم فهم دقیق آن مسأله برای گوینده آن می باشد یعنی آن فرد بر اساس برداشتهای ذهنی خود شبهه را مطرح می کند. که با کمی سؤال خود او نیز در ادعایش سست می شود. }J

### **بهترین راه حفظ نفس از تهاجم فرهنگی و غرق شدن در فساد چیست ؟**

#### **پرسش**

بهترین راه حفظ نفس از تهاجم فرهنگی و غرق شدن در فساد چیست ؟

#### **پاسخ**

توفیق روز افزون شما را در راه کسب کمالات معنوی و تقوا از خداوند بزرگ خواهانیم.

آری برادر عزیز! یگانه راه نجات انسان از سقوط به مهلکه‌های گمراهی، حفظ تقوا است. کسی که تقوا پیشه سازد، قطعاً خداوند راه‌هایی برای او قرار خواهد داد تا از مرحله‌های سخت زندگی به سلامت عبور کند و سرافرازانه از خطرات بگذرد.

همواره از خداوند بخواهید که توفیق را همراهمان ساخته و لحظه‌ای شما را به خودتان وانگذارد.

برنامه عملی برای حفظ تقوا، همان تقیّد به احکام شرعی، انجام واجبات، ترک محرمات و پناه بردن دائمی به خداوند است. تلاوت و تدبّر در آیات قرآن را در برنامه روزانه خود قرار دهید و هیچ‌گاه از یاد خداوند غافل نشوید. }

**همانطور که مستحضرید عروسک Barbey یکی از مظاهر شوم تهاجم فرهنگی صهیونیست هاست که متأسفانه در سالهای اخیر با همه وسع تبلیغاتی آنان به جامعه ما راه یافته است و تقریباً هیچ فروشگاه‌های وجود ندارد که فاقد اجناسی با تصویر این عروسک باشد. لطفاً**

همانطور که مستحضرید عروسک Barby یکی از مظاهر شوم تهاجم فرهنگی صهیونیست هاست که متأسفانه در سالهای اخیر با حجم وسیع تبلیغاتی آنان به جامعه ما راه یافته است و تقریباً هیچ فروشگاه‌های وجود ندارد که فاقد اجناسی با تصویر این عروسک باشد. لطفاً در مورد سابقه فکری و اهداف سازندگان آن توضیح فرمایید و راه‌های مقابله با آثار آن را ذکر کنید (اگر ممکن است منابع یا مقالاتی برای مطالعه بیشتر معرفی نمایید)

### پاسخ (قسمت اول)

جهت آشنایی کامل با تاریخچه ساخت این عروسک و اهداف سازندگان آن می‌توانید به منابع ذیل مراجعه نمایید:

۱. کالبدشناسی یک محصول، حمید قاجاریان، نشریه صنایع پلاستیک

۲. همه چیز درباره باربی، انوشه فاضلی، روزنامه همشهری، ۳۰ خرداد ۱۳۸۱

۳. جنگ جهانی چهارم، حسن عباسی، انتشارات پارسایان، ۱۳۸۲

و در مورد راهکارهای مقابله و اقداماتی که در مقابل این پدیده انجام شده است دو مقاله در ذیل آورده می‌شود:

یکم: غریبه‌های ایرانی

(مقاله‌ای از محمدعلی زم درباره تفاوت سارا و دارا و باربی، منبع: همشهری ۱۳۸۲/۲۱/۲، به نقل از سایت باشگاه اندیشه)

چندین نسل متوالی است که کودکان سرزمین من از اوان نونهالی با عروسک‌های موطلابی و چشم سبز یا چشم آبی آشنا شده و به آن‌ها انس می‌گیرند. عمده پدران و مادران، بی آن‌که به الگوپذیری و قهرمان‌طلبی فرزندان خود بیندیشند هر آن‌چه را که خود دوست می‌دارند و یا به دست می‌آورند در دسترس فرزندانشان قرار می‌دهند و با این کار خود الگوهای ذهنی آینده این خردسالان را با صبغه سبز و آبی برای چشم و طلائی برای مو رنگ آمیزی می‌کنند. این

عجیب نیست که بسیاری از دختران نوجوان و جوان ما با عدسی های رنگی چشمان سیاه و زیبای خود را که ده ها قرن الهام بخش شاعران ایرانی در توصیف زیبایی زنانه بوده است به رنگ های آبی و خاکستری و عسلی و سبز در می آورند و موهای مشکی و مطهر خود را که صدها سال چون قناره قلب عاشقان را بر خم طره خود می آویخته پسرانه کوتاه کرده و به رنگ های طلا-یی و آفتابی و نقره ای جلوه می دهند چون بسیاری از پسران و مردان آینده ما هم در انتخاب همسر خود لعبتکان دوران کودکی را به عنوان الگو پیش رو قرار داده و به دنبال عروس هایی به زیبایی عروسک می گردند. این گونه است که مصرف رنگ موهای بور و طلایی در کشور ما بیش از بسیاری از دیگر نقاط دنیا است و با این که نوعاً در همه جای دنیا زنان مسن برای پوشاندن موی سپید خود به رنگ مو روی می آورند این پدیده «عروسک آفرین» این همه مورد استقبال نوجوانان و جوانان ایرانی است. از همان اوایل فعالیت در حوزه هنری مراقب زندگی و عملکرد علیا مخدره ای به نام «باربی» بودم. از دوستانی که با آن سوی مرزها می رفتند و می آمدند خواهش می کردم حکایت های باربی را برایم جمع آوری و تعریف کنند. اگر هر چند سال یک بار سفری دست می داد بخش جدی و مهمی از وقتم را به مذاقه در فروشگاه هایی که کالاهای فرهنگی و اسباب بازی می فروختند اختصاص می دادم. به این ترتیب زمانی که باربی حدود

بیست سال پیش - با آقا پسری زلف آویخته و چهارشانه و قد بلند به نام «کن» دوست شد نگران رفتار و روابط شان بودم و چند سال بعد که با هم ازدواج کردند و صاحب دو فرزند - یکی دختر و دیگری پسر - شدند نفس راحتی کشیدم! بحث طراحی و ارائه عروسک های ملی را برای اولین بار در ابتدای دهه شصت در حوزه هنری مطرح کردم. به خاطر دارم که در یکی از همان اولین جلسات گفتم که داشتن یک عروسک ملی برای ملتی که تصمیم گرفته استقلال و اقتدار فرهنگی داشته باشد ضرورتی اجتناب ناپذیر است. لیکن دشواری کار به سبب فقدان مغزافزار لازم به حدی بود که بحث ها به بررسی نرم افزارهای لازم هم کشیده نمی شد چه رسد به سخت افزار و شکل و شمایل خود عروسک. معتقد بودم پیش از دستیابی به تولید و عرضه باید ابتدا مغزافزار لازم تعریف شده سپس براساس آن نرم افزار مناسب طراحی شود و در نهایت به وجوه تکنیکی و هنری که موجب خلق سخت افزار می شد پردازیم. یک مثال ساده مقصود مرا از این سه اصطلاح روشن می سازد. فرض کنید در خودرویی نشسته و در حال حرکتیم. مغزافزار پاسخ این سؤال است که: به کجا می رویم و برای چه می رویم؟ نرم افزار قوانین راهنمایی و رانندگی و دستور العمل های رانندگی و شیوه های استفاده از گاز و کلاژ و ترمز است به گونه ای که این خودرو به نرمی و در کمال امنیت راه را بییماید و سخت افزار قطعات خودرو هستند که در یک ترکیب

سیستماتیک به هم متصل شده و چرخ ها را به حرکت در آورده و بر سطح آسفالت به پیش می برند ماه ها در این تلاش بودم که به کمک همفکران و دوستانم تبیین کنیم برای چه عروسک ملی می خواهیم و کاربردهای عروسک ملی چیست؟ پس از آن می بایست ماجراها و قصه های متعدد زندگی آن عروسک را بر اساس پاسخ هایی را که برای چیستی و چرایی اش به دست آورده بودیم به صورت رمانی با ورسیون ها و در سطوح سنی مختلف تنظیم می کردیم و بالاخره نوبت به قد و قواره و شکل و شمایلی که با آن سناریوها می خوانند می رسید. برای این منظور شرکتی مستقل به نام شرکت اسباب بازی نشاط آفرین تأسیس کردم اما به دلیل ناشناخته بودن بازار اقتصادی این «کالا پدیده» ضرورت موضوع برای بانک ها و سرمایه داران هرگز متقن نشد و تنها چالش های ما در پس پرده بازار حرفه ای و اقتصادی با گردآوری اطلاعات و گفتگو پیرامون صنعت و اقتصاد و بازار اسباب بازی و عروسک ادامه یافت.

با عزمیت برخی هنرمندان حوزه به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اندیشه دستیابی به عروسک ملی به منصفه ظهور رسید و تولید عروسک های دارا و سارا - ولو با تاخیر طولانی - آغاز شد. اما علی رغم سرمایه و تلاش هنگفتی که پشتوانه تولد این دو عروسک بود چنان که انتظار می رفت مورد استقبال خانواده ها و بچه های ایرانی واقع نشد. چندی پیش یکی از دوستان قدیم که استاد نشانه شناسی فرهنگی (Semiology) بود و در آمریکای شمالی

به سر می برد ضمن تبریک نوروز، تلفنی از من خواست تا چنانچه وقت دارم مقاله ای تطبیقی در مورد باری و سارا بنویسم و برایش بفرستم و اطمینان داد که از نظرات من تنها در حوزه های آکادمیک استفاده خواهد شد و بدون موافقت من در نشریه یا روزنامه ای چاپ نخواهد شد. از او عذرخواهی کردم و توضیح دادم ذهنم پرمشغله تر از این است که بتوانم در این موضوع مذاقه و غور کنم. تلفن را که قطع کردم دیدم دلمشغولی قدیم دوباره به سراغم آمده و رهایم نمی کند. در یکی از روزهای تعطیل نوروز خستگی را بهانه کردم چند ساعتی اندیشه ام را از صدها دغدغه فرهنگی که این اواخر هر روز به تعدادشان در ذهنم افزوده می شود فارغ کردم. در کتابخانه ام را بستم و حاصل، چند ورقی شد که پیش رو دارید.

مناسب دیدم همزمان با ارسالشان برای آن دوست گرامی، هموطنان فهیم و سنجش گرم را نیز از نقطه نظراتم آگاهی دهم تا با نقد و نکته یابی آنان زمینه تبیین و تعدیل اشتباهاتم را فراهم آورم. پیش از آغاز متن دست منتقدان خیرخواه را به گرمی می فشارم و از شنیدن هر اندیشه و سخن نویی استقبال می کنم. تفاوت های سارا و باری و دلایل کم توفیقی آن و موفقیت این را به سه بخش اساسی تقسیم می کنم، یکی بخش سخت افزاری، دومی بخش نرم افزاری و بالاخره بخش مغزافزاری.

الف بخش سخت افزاری:

نکته یکم: یک عروسک خوب، عروسکی است که بتوان با آن به راحتی بازی کرد و به اصطلاح به



سیری دل با آن ور رفت. باربی را می توان برهنه و بی لباس خرید. تنوع لباس های باربی به حدی است که می توان از او از یک کارگر ساختمانی یا باغبان گرفته تا یک ملکه یا هنرپیشه ساخت و این ها همه تنها به مدد لباس های متعدد ساده و گوناگونی است که متناسب با حالات باربی و اتفاقات زندگی روزمره اش طراحی و عرضه شده است لباس های خوب فاخر و غیر قابل انعطاف دارا و سارا مانع از وررفتن بچه ها با آن هاست. دارا و سارا در شکل کنونی خود بیشتر عروسک های زینتی هستند که باید سراغشان را در ویتترین و سرطاقچه خانه ها گرفت. البته اگر در طاقچه های زندگی امروزی جایی برای آن ها مانده باشد.

نکته دوم: آناتومی و ساختمان بدنی باربی ساده و در عین حال متحرک است. اما سارا و دارا توان حرکتی پیچیده باربی را که در تمامی مفاصل (به جزء انگشتان پا) از الگوی انسانی تبعیت می کنند ندارند. تا آنجا که من می دانم حرکت انگشتان دست باربی از ابتدای دهه هشتاد میلادی شروع شد و این به دنبال فراگیر شدن رقص هایی بود که به تحرک سریع و پیچیده اعضای بدن نیاز داشت. این رقص ها که با «رقص رعد» (Flash dance) در سال ۱۹۷۰ میلادی شروع شد بلافاصله به دسته بندی جدیدتری به نام «رقص شکسته» (dance break) تبدیل شد و در نهایت به مدد حرکات محیرالعقول سیاه پوستی به نام مایکل جکسون و رقصی که به نام خود او معروف شد به اوج خود رسید. به هر تقدیر

باربی همراه با محبوبیت این گونه رقص ها ساختمان بدنی خود را کامل کرد تا بتواند بازی کودکان با خود را «به روز» نگاه دارد. اگر یکی از کارکردهای عروسک و اسباب بازی را وسیله کمک آموزشی و یا ابزار توان بخشی برای کودکان بدانیم باید این وسیله در آناتومی، شکل ظاهری و حرکات خلاق از چنان کیفیتی برخوردار باشد که بتواند در صاحبان خردسال خود حس همذات پنداری ایجاد کند و این به دست نمی آید مگر به مدد انعطاف فوق العاده بدنی و حرکات فیزیکی عروسک.

نمونه دیگر این استفاده روانشناسانه از انعطافات بدنی را می توان در نسل نو کارتون های کودکان که با شیوه های بیش از بیست و چهار عکس در ثانیه تولید می شود جستجو کرد. در این کارتونها - که اتفاقاً کارتونها باربی و سیندرلا از جمله آنها است - تلاش شده است تا با نمایش انعطاف بیشتر در حرکات شخصیت های کارتونها جذابیت فیلم و حس همذات پنداری در بینندگان افزایش داده شود. به هر تقدیر اگر برای انعطاف حرکات بدنی امتیازی در نظر بگیریم و مثلاً نمره باربی را در این زمینه پانزده از بیست بدانیم متأسفانه باید به سارا و دارا گفت که بروند و شهریور برگردند.

نکته سوم: در کنار تمام محاسن باربی، یکی از ایرادهای سخت افزاری و تکنیکی که به او وارد است این است که باربی اصلی یک چهره بیشتر ندارد. یعنی باربی به عنوان نماد دختر یا زن آمریکایی تنها نشان دهنده درصد کوچکی از نژادهای گوناگونی است که در آمریکا زندگی می کنند. البته او دوستانی با

چهره های سیاه پوست، خاور دوری، سرخ پوست و حتی آسیایی دارد لیکن خودش دارای فنوتیپ ثابت و تغییر ناپذیری است که بیش از چهل سال است حتی مویش سفید نشده است. همواره امیدوار بودم این نقیصه که نشان از سلطه جویی فرهنگی اقلیت کوچکی در آمریکا دارد در مورد عروسک ملی ایران تکرار نخواهد شد لیکن در کمال تأسف با آن که ایران سرشار از اقوام گوناگون است و حس چهره شناسی بعضاً در میان ایرانیان به قدری کاراست که بسیار پیش می آید که از قیافه فردی می فهمند کجایی است و از چه فرهنگ و رفتاری آمده است اما سارا و دارا دارای چهره های ثابت هستند تنها از روی لباسشان می توان به تفاوت های قومی - نژادی آنان پی برد. کدام کودک بالای هفت هشت ساله در ایران نمی تواند چهره های شمالی، ترکمن، ترک، کرد و بلوچ را از یکدیگر تشخیص دهد؟ اگر سارا و دارا نماد کودک ایرانی بدون در نظر گرفتن تفاوت های قومی هستند چرا لباس هایشان قومی طراحی شده است و اگر هر یک نماد قومی از اقوام ایران هستند و با هدف ایجاد اتحاد در ذهن و قلب کودکان ایران طراحی شده اند به جز کودکان تهرانی که در محیطی کاملاً مختلط زندگی می کنند کدام بچه سیه چرده و آفتاب سوخته بلوچ یا کودک چشم کشیده و زرد پوست ترکمن آن را صرفاً به سبب لباسشان «خودی» خواهد انگاشت.

در مورد باربی این مشکل با دوستان رنگ و وارنگ و ریز و درشت باربی و کن تا حدی حل شده است و همبازی

باربی چنانچه دارای تفاوت ظاهری فاحش با عروسکش باشد، به جای هم ذات پنداری با باربی خود را دوست باربی خواهد انگاشت. طفلک دارا و سارا که در کشوری با این همه گوناگونی فرهنگ و قوم از داشتن دوست بی بهره اند و امیدوارند در هر منطقه بومی «خودی» انگاشته شوند.

ب بخش نرم افزاری:

نکته یکم: عروسک و اسباب بازی حلقه های یک زنجیره کامل (آن هم در یک مدل سیستماتیک) هستند.

واقعیت این است که ناتوانی ما در عرصه عروسک سازی به ضعف ما در شناخت زنجیره فرهنگ ملی باز می گردد. ما در زنجیره فرهنگ همواره از دو نقیصه عمده آسیب دیده ایم اول این که تبیین نمی کنیم چه محتوای فرهنگی را باید برای کدام سن (از نونهالی تا کهنسالی) تدارک ببینیم. اگر هم به باور این ضرورت رسیده و عزم و اراده بر انجام این کار داشته باشیم نمی دانم کدام نهاد یا سازمان باید مسئولیت پشتیبانی مطالعاتی، پژوهشی و فکری این کار را بر عهده بگیرند.

دوم این که نمی دانم چه ابزارها و کدام وسایل برای انتقال دیدگاه های فرهنگی خود استفاده کنیم. باز چنان چه این ابزارها را بشناسیم، برنامه ها و نرم افزارهای استفاده از آن ها برایمان ناشناخته است. ما چون فاقد سیستم ارزشیابی، رده بندی و درجه بندی امور محتوایی - به خصوص در عرصه های فرهنگی - هستیم طبیعتاً فاقد شناخت چگونگی عرضه آن ها و نسبتشان با ابزارها و وسایل عرضه و انتقال می باشیم. در جهان امروز برای تربیت و بهره گیری از استعداد بی همتای انسان نرم افزارهای فراوان و

متنوعی تدارک دیده شده است که نسل من و نسل های پیش و پس از من از آن ها محروم مانده است.

نکته دوم: باربی و کن هر دو به روز هستند و نگاه به آینده دارند. این نگاه به آینده از لوازم جانبی مورد استفاده آنان از تلفن همراه و کامپیوتر گرفته تا مدل ماشینی که سوار آن می شوند کاملاً هواید است. بسیاری از وسایلی که آنان در زندگی روزمره خود از آن استفاده می کنند نیاز به مهارت های تکنیکی و دانش تئوریک دارد.

به تازگی باربی هایی به بازار آمده که به زبانی علاوه بر انگلیسی نیز تکلم می کند. در کنار خیل عظیم لوازم جانبی و لواحق مدرن زندگی آنان برنامه ها و فیلم ها و سریال های تلویزیونی و سینمایی و بازی های کامپیوتری که در مورد آنان ساخته شده و می شود هر روز منظره و بعد جدیدی از زندگی آنان را به نمایش در آورده و در دسترس کودکان قرار می دهد. به این ترتیب باربی و کن تنها بخشی از سمفونی عظیمی هستند که به مدد هزاران قطعه مینیاتوری لوازم زندگی و ده ها فیلم و سریال و صدها کتاب قصه و جزوه در ذهن کودکان جا افتاده و الگو می شوند. تا آن جا که من در بازار سارا و دارا گشت و گذار کرده ام این دو بلا دیده از ابتدایی ترین وسایل زندگی بی بهره اند و هر کجا پیش بیاید می خوابند و بر هر خودرویی که دم دست باشد سوار می شوند. نگاه نرم افزاری دارا و سارا رو به گذشته

دارد. این دو سعی در حفظ سنت ها دارند و می خواهند ارزش های به میراث رسیده را حفظ کنند اما تکلیف کودک را در رویارویی با مدرنیسم روشن نمی کنند و در سکوت و با چشم های مهربان و خیس از اشک در مقابل تلفن همراه یا کامپیوتر جیبی یا دی وی دی و امثال آن مبهوت و منفعل می مانند.

### **پاسخ (قسمت دوم)**

نکته سوم: اگر دختری داشته باشید و او روزی با عزم راسخ به شما اعلام کند که تصمیم گرفته مثل سارا زندگی کند شما چگونه او را در این تصمیم خود یاری خواهید رساند؟ سارا چه می کند؟ چه وسایلی در اختیار دارد؟ از وسایلش چگونه استفاده می کند؟ اگر ناچارید از ذهن خود کمک بگیرید و برای دخترکتان قصه های زندگی سارا را تعریف کنید پس فرق قصه با عروسک چیست؟ چرا اجازه نمی دهید سارا هم مثل ننه نقلی یا خاله سوسکه یا عمو زنجیرباف در ذهن پاک کودکتان ساخته و پرداخته شود. باربی مشکل شما را حل کرده! از مسواک و خمیر دندان و کیف مدرسه و دفترچه مشق گرفته تا میز و کمد و تخت خواب و لباس و ملحفه همه را برایتان در سبزه واقعی فراهم کرده است. حتی تلفن همراه و لوازم آشپزخانه واقعی باربی هم در دسترس و قابل خرید هستند. شیرینی هایش را که دیگر هر کودکی در آمریکا بارها به دست خودش پخته و خورده است. این سخت افزار در خدمت نرم افزاری است که به یک سؤال ساده پاسخ می دهد: چگونه آمریکایی زندگی کنیم؟ سؤال من این است که آیا در پشت

طراحی سخت افزاری عروسکی به نام سارا پاسخ این سؤال مشخص شده و در جایی ثبت و ضبط شده است که؛ چگونه ایرانی زندگی کنیم؟ به نظر می رسد سارا بیشتر باید بتواند پاسخ دهد. چگونه ترکمن زندگی کنیم؟ یا مثلاً چگونه بلوچ زندگی کنیم؟ اما آن چنان که از توان ذهنی سارا بر می آید تا او پاسخ این سؤال ها را آماده کند باربی دست کودک شما را گرفته و با خود به جایی برده است که سارا هم اگر رویش می شد لباسش را عوض می کرد و به دنبالشان می تاخت.

## پنج نکته اقتصادی

پیش از آن که به بخش مغزافزاری پردازم تبیین پنج نکته اقتصادی را ضروری می دانم:

نکته یکم: تنظیم و بهبود سخت افزارهای اقتصادی خود از موجبات بهره وری، توسعه و راهبردی کردن مغزافزارها و نرم افزارهای فرهنگی است. واقع مطلب این است که در طول ??? سال اخیر اتفاق چندان مثبتی در رابطه با صنایع و توسعه تکنولوژی فرهنگی در کشور ما نیفتاده است. طرح ها و کارهای فرهنگی نظیر پروژه «دارا و سارا» از این بابت تولد سوخته ای خواهند داشت که در گردونه صنعت و تکنولوژی تکلیفشان روشن نشده و به اصطلاح دارای خط تولید مشخصی نیستند لذا بدون وجود رقیب قدری چون باربی و کن به خودی خود محکوم به شکست و فنا هستند.

پیش از آن که به بخش مغزافزاری پردازم تبیین پنج نکته اقتصادی را ضروری می دانم:

نکته یکم: تنظیم و بهبود سخت افزارهای اقتصادی خود از موجبات بهره وری، توسعه و راهبردی کردن مغزافزارها و نرم افزارهای فرهنگی است. واقع

مطلب این است که در طول ??? سال اخیر اتفاق چندان مثبتی در رابطه با صنایع و توسعه تکنولوژی فرهنگی در کشور ما نیفتاده است. طرح ها و کارهای فرهنگی نظیر پروژه «دارا و سارا» از این بابت تولد سوخته ای خواهند داشت که در گردونه صنعت و تکنولوژی تکلیفشان روشن نشده و به اصطلاح دارای خط تولید مشخصی نیستند لذا بدون وجود رقیب قدری چون باربی و کن به خودی خود محکوم به شکست و فنا هستند.

نکته دوم: آنطور که در یکی از خبرها خواندم درآمد اسباب بازی در جهان از درآمد توریسم (که ??? میلیارد دلار است) بالاتر است. ما هنوز هیچ اطلاعات اقتصادی از حجم واردات اسباب بازی و عروسک ها از راه های مجاز و غیرمجاز نداریم. همچنان که هنوز به رقم سرانه هزینه ملی در مصرف اسباب بازی و عروسک دسترسی نداریم. از این رو اقتصاد حرفه ای «دارا و سارا» برای دست اندرکاران آن مشخص نبوده و نیست و از نظر من هر فعل فرهنگی که اقتصادش یافت نشده باشد محکوم به شکست و در راه ماندن است. نکته سوم: دنیای امروز، دنیای پیچیده رقابت هاست از این رو سرعت، کیفیت و قیمت (ارزانی) از اصول اقتصاد رقابتی جهان است. دیگران نمی ایستند که ما به آنها برسیم. آنها با سرعت رو به جلو حرکت می کنند و زیرساخت های ملی خود را برای رقابت تدارک می بینند. روزی بود که ما اجناس وارداتی تایوان و سنگاپور و چین را پس می زدیم و می گفتیم تقلبی است و در جست و جوی مارک های اصلی آمریکایی



و آلمانی و ژاپنی بودیم، در آن روزها به فکر تولید و اصلاح زیرساخت های اقتصاد رقابتی خود برنیامدیم و از خلاقیت در تولید و سرمایه گذاری ارزان با دلارهای ?? ? تومن و پول های کم بهره جهان بازماندیم. نتیجه اینکه امروز مصرف کننده کالاهای چینی و تایوانی (به عنوان کالاهای موفق) هستیم. اگر به منظر فرهنگی از زاویه اقتصاد و صنعت و تکنولوژی نگریسته بودیم امروز می بایست بخش عمده ای از درآمد ما از ناحیه تولیدات و صادرات اسباب بازی رقم می خورد. تحقیقات ?? ? سال پیش من موید این بود که تایوان سالانه از این بخش ?? ? میلیارد دلار صادرات دارد.

گرانی دارا و سارا در مقایسه با عروسک های پرتحرکی که مسافران ایرانی در دوبی و کیش خریداری می کنند و یا از طریق قاچاق وارد فروشگاه های شهر می شود گاه متجاوز از ?? ? تا ?? ? درصد است. باری ارزان قیمت که دیگر جای خود را دارد. نکته چهارم: بسته بندی و تنوع و کیفیت آن در جهان امروز به تلفیقی از یک علم با صنعت و اقتصاد و هنر تبدیل شده است. ما در کلان محصولات ملی ضعف بسته بندی داریم از این رو ضعف عمومی بر بسته بندی کالاهای فرهنگی و از جمله عروسک های دارا و سارا نیز سایه انداخته است و از جاذبه آنان می کاهد. نکته پنجم: فقدان شبکه توزیع و خدمات بازرگانی از رنج های اقتصاد ملی ماست. به کتابی در کتابخانه برخورد کردم که سال انتشار آن شهریور ??? ? بود و شمارگان نخست آن ??? ? جلد بود. متأسفانه پس

از گذشت شش دهه و افزایش جمعیت از حدود ?? به ?? میلیون نفر هنوز تیراژ معمول کتاب در جامعه ما همان تعداد ??? جلد است و بعضاً نویسندگان باید خود متکفل توزیع کتاب هایشان هم باشند. فقدان زنجیره توزیع و شبکه سراسری بازرگانی کالاهای فرهنگی که تاکنون دولت بابت آن کلی هزینه کرده است و طرح های پرهزینه و نیم بند فراوان به اجرا درآمده است ضایعه ای است که گریبانگیر همه آثار فرهنگی و هنری و سینمایی و صوتی ما از جمله عروسک های دارا و سارا است.

### ج بخش مغزافزاری

نکته اول و آخر: متأسفانه مدیریت کلان فرهنگی اجتماعی انقلاب آنطور که می بایست به ثروت عظیم و ذخیره ملی حافظه و استعداد دوره کودکی توجه نکرده و عمدتاً کودکان را چون «بچه» هستند به حال خود رها کرده است. حال آنکه با توجه به این دوره از زندگی (کودکی و نوجوانی) علاوه بر بهره مندی های فراوان از این ثروت نهفته ملی، در هزینه های عمومی که برای دوران بعد از آن (جوانی و...) می شود صرفه جویی های زیادی خواهد شد. علاوه بر آن باید بخشی از ضایعات و آسیب های دوره جوانی و بزرگسالی را در این واقعیت جست وجو کرد که بچه های ما خوب بچگی نکرده اند. یعنی دوران بچگی را با مقتضیات لازمه این دوره نگذرانیده اند. از این رو بعضاً مشاهده می کنیم بسیاری از مردم ما حتی در بزرگسالی و سنین کهولت نیز همچنان منش و روش های دوران کودکی را همراه دارند و آن را در تعاملات اجتماعی خویش دخالت می دهند.

خداوند متعال برای هر دوره از عمر کوتاه بشرویشگی ها و خصایصی را قرار داده است که مخصوص آن دوره است و این ویژگی ها اگر در دوره خاص خود مورد استفاده واقع نشده و از درون انسان استخراج نشود در وجود آدمی رسوب و در آینده نه چندان دور در جایی نقش خود را آشکار خواهد کرد. از این رو روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی ما همواره در معرض مشاهدات غیرقابل پیش بینی و نامنتظر است و به راحتی نمی توان از روی افکار عمومی و شاخص های معمول وقایع را مورد برداشت و تحلیل علمی قرار داد. به بیان دیگر بچه های ما خوب بچگی نمی کنند! به تبع آن جوان هایمان هم خوب جوانی نمی کنند و از این رو جامعه در بزرگسالی و کمال دچار فعل و انفعالات نامعقول و یا نامطبوع می شود. در مورد سارا و دارا بحث مغزافزایی این است که این دو بزرگوار به میدان آمده اند تا چه دردی را از جامعه محروم و مظلوم ایرانی دوا کنند؟ آیا آمده اند تا جلوی سلطه و تهاجم فرهنگ غرب را که از کودکی به کمین اندیشه های پاک و مستعد فرزندان این وطن نشسته بگیرند؟ اگر چنین است پرداختن به سارا و دارا در کنار عدم سیاستگذاری صحیح در مورد اینترنت و اصرار بر جلوگیری از راه اندازی شبکه های خصوصی تلویزیونی در داخل کشور مانند این است که در توفان بلا راه دودکش را ببندیم ولی در خانه را چهارطاق باز بگذاریم.

حتی اگر خوشبینانه بنگریم و قائل شویم که به هر حال اگر دیگران درب

های فرهنگ ملی را خوب نمی یابند دست کم ما نگهبانان خوبی برای دودکش اجاق فرهنگ باشیم باز جای صدها سوال مغزافزاری در مورد دارا و سارا که کیستند و چه می کنند، چه اعتقادات و رفتارهایی دارند و سرگذشت های الگوسازشان چیست باقی خواهد ماند. تا زمانی که صدها صفحه مطلب کارشناسانه در پاسخ به این سوالات اولیه و بدیهی تألیف و تدوین نشده و تکلیف دارا و سارا برای کودکان ایرانی مشخص نگردد بسنده کردن بچه های ایرانی به بازی با عروسک های سارا و دارا باید در نوع خود یک جهاد و ایثار ملی دانست.

دوم: جایگزینی برای باربی

(نویسنده: نیمو دبرین Mimo Debryn, مترجم: حمیده پشتوان, منبع: باشگاه اندیشه ۲/۱۰/۱۳۸۲)

در نگاه اول، این دخترک که جدیداً به بازار عرضه شده، چنان رقیب سرسختی برای «باربی» به نظر نمی آید. هرچه باشد، باربی چیزهایی دارد که او ندارد، هیکل خوش تراش، پرزرق و برق و جاذبه ی جنسی.

این عروسک که Razanne نام دارد دقیقاً همان چیزی است که بسیاری از مسلمانان آمریکایی آن را با آن لباسهای آستین بلند و روسری به باربی ترجیح می دهند. از نظر آقای سعاده، این عروسک، هم جای خالی چنین عروسک هایی را در بازار پر می کند و هم به دختران مسلمان چیزی را عرضه می کند که می توانند با او ارتباط برقرار کنند. آقای سعاده که شرکت Noor Art را به کمک همسرش و چند سرمایه گذار دیگر راه اندازی کرده می گوید: «مهمترین پیامی که ما سعی می کنیم از طریق این عروسک ارایه دهیم این است که: آنچه که در درون شماست اهمیت دارد نه آنگونه که به نظر می رسید».

شرکت فوق که حدود هفتاد سال پیش در

**Livonia** واقع در میشیگان تأسیس شد، علاوه بر تولید و عرضه ی **Razanme**، اسباب بازی های دیگری نیز که مطابق با نیاز کودکان مسلمان است می فروشد.

به گفته ی آقای سعاده این که شما کوتاه یا بلند، لاغر، زشت یا زیبا هستید، هیچ اهمیتی ندارد. زیبایی واقعی، روح شماست که خداوند و سایر هم کیشانانتان ناظر آن هستند.

عروسک **Razanne** اندام کودکان یازده، دوازده ساله دارد و در سه نوع به بازار عرضه شده: سفید پوست با موهای بور، سبزه (پوست زیتونی) با موهای مشکی و سیاه پوست با موهای مشکی.

سازندگان این عروسک می خواهند چهره ی زن مسلمان امروزی را عرضه کنند، در لباس دکترو در صورت لزوم حتی در لباس یک فضانورد، برنامه ی آینده ی تولید این عروسک است. هم اکنون در بازار عروسک رضانه پیشاهنگ مسلمان وجود دارد که یک نوار کاست حاوی سوگند پیشاهنگ مسلمان از جمله متعلقات آن است. آقای سعاده خاطر نشان می کند که: «آنچه رضانه را از رقبای خود پیش می اندازد، تقاضای جهانی آن برای کودکان مسلمان است». به همین دلیل بود که خانم میمو دبرین، چهار سال پیش بر آن شدند که یکی از این عروسک ها را برای دخترش خریداری کند. به گفته ی خانم دبرین، رضانه شبیه زنانی است که دخترش با آنها سروکار دارد؛ او ادامه می دهد: «دخترم به این عروسک عشق می ورزد و از او مراقبت می کند. برایش در اتاق جای خاصی را در نظر گرفته و با احترام با او رفتار می کند».

همچنین می گوید: «دخترم هرگز سعی نکرد که روسری عروسکش را بردارد. در حالیکه لباس های عروسک های باربی معمولاً قابل تعویض است».

بازار جهانی

**Mattel** تولید کننده ی عروسک های باربی در ایالات متحده، نوعی باربی مراکشی به بازار عرضه کرده و

نیز عروسکی به نام «لیلا» را هم در معرض فروش قرار داده است. لباس محلی پرزرق و برق و داستان خیالی اسارت لیلا در دربار یکی از سلاطین ترک، گویای سختی و مشکلات دختری مسلمان در دهه ی ۱۷۲۰ است. به گفته ی سعاد، تعجبی ندارد اگر ببینیم که تولیدکنندگان این عروسکها، باریهایی از خاورمیانه بسازند که بدکاره یا رقاصه عربی باشند. مقابله با چنین ذهنیت غلطی، یکی از هدف های اصلی تولید رضانه بوده است. اتحادیه ی عرب عروسکی به نام لیلا (Laila) را برای دختران مسلمان بیست و دو عنصر اتحادیه عرضه کرده است که از نظر فرهنگی جایگزینی قابل قبول برای باری، با آن زندگی پرزرق و برق محسوب می شود. اما این عروسک هرگز جوابگوی نیاز بازار نبود. دو سال پیش هم در ایران عروسک های سارا و دارا، مشابه باری و دوستش کن، ساخته شدند. این دو عروسک دو شخصیت کارتونی ایرانی بودند.

اما به عقیده سعاد این نوع عروسک ها نمی توانند بازاری سراسری در خاورمیانه داشته باشند؛ چراکه بیشتر جنبه ی فرهنگی دارند. آقای سعاد امیدوار است که رضانه بتواند بازار را تسخیر کند. این عروسک به زودی به بازارهای کویت و امارات متحده ی عربی عرضه خواهد شد و جای خود را در بازارهای آسیای جنوب شرقی بیش از پیش باز خواهد کرد. رضانه هم اکنون در کشورهای آمریکا، کانادا، سنگاپور و آلمان به فروش می رسد. آقای سعاد درباره ی تعداد کل عروسک های فروخته شده چیزی نگفت ولی خاطرنشان کرد که تک فروشی هایی که از طریق سایت اینترنتی شرکت صورت می گیرد، فروش سی هزار عروسک در سال را نشان می دهد.

قیمت رضانه از ۱۰ دلار برای یک عروسک تنها تا ۲۵ دلار برای یک سری کامل، شامل عروسک

و وسایل جنبی آن (مثل رضانه معلم به علاوه ی کیف و سایر متعلقات) متغیر است.

اخیراً پلیس مذهبی عربستان سعودی ضمن توهین آمیز دانستن عروسک های باربی [با لباس های قابل تعویض] نسبت به اسلام، این عروسک ها را تهدیدی برای اصول اخلاقی قلمداد کرده است.

عروسک رضانه ی نمازگزار که دارای پوششی بلند و لباس عبادت باوقاری است، به احتمال زیاد عربستان سعودی و سایر کشورهای خاورمیانه را مجذوب خود خواهد کرد. سازندگان این نوع رضانه از بیم آنکه مبادا مردم فکر کنند این عروسک دائماً در حال نماز و عبادت است، نوع دیگری از این عروسک را ساخته اند که پوشش او در خارج و داخل خانه متفاوت است. کشوی لباس این عروسک حاوی لباس های کوتاه و رنگارنگ، از جمله وسایل جنبی این عروسک است که نشان می دهد رضانه در داخل منزل و در حضور افراد محرم از چه نوع پوششی استفاده می کند. خانم دبرین می گوید: حضور رضانه به دخترش کمک می کند تا از این که دختری مسلمان است، بیشتر احساس راحتی و رضایت کند.

### چه راه عملی در جهت رشد فرهنگی و کاهش بی بندوباری جامعه پیشنهاد می کنید؟

#### پرسش

چه راه عملی در جهت رشد فرهنگی و کاهش بی بندوباری جامعه پیشنهاد می کنید؟

#### پاسخ

بررسی و ارائه پاسخی دقیق به ابعاد مختلف این سؤال، نیازمند ارائه پژوهش و تحقیقی ژرف است که از حوصله یک نامه خارج می باشد از این رو به اختصار نکاتی را بیان می نمایم:

الف- مفهوم توسعه فرهنگی:

مقصود از توسعه فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آن و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان ها و آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه می باشد. توسعه فرهنگی با تأکید بر هویت فرهنگی، بهینه سازی شرایط فرهنگی و رشد کمی و کیفی مسایل مربوط به خود را نوید می دهد و به اخلاق و آداب و سنن جامعه بهبود می بخشد و بر رونق بازار فنون و دانش و تکنیک می افزاید (ارزش ها و توسعه، محمد نقی نظرپور، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۲).

عنصر فرهنگ، محور توسعه فرهنگی می باشد، بر این اساس فرهنگ، مجموعه پیچیده ای است در بردارنده اطلاعات، باورها، هنرها، اخلاق و دین، قوانین، آداب و رسوم و هرگونه توانایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد و در قبال

آن تعهداتی را بر عهده دارد (تایلور، به نقل از داریوش آشوری، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

به طور کلی همه فرهنگ‌ها را در دو نوع مادی و الهی می‌توان تقسیم



۱. فرهنگ مادی: این فرهنگ بر پوچ انگاری ارزش های الهی و انسانی بنا نهاده شده است. در این فرهنگ، جنبه انسانی انسان به فراموشی سپرده شده است و آدمی تنها به عنوان موجود مادی ارزیابی می شود. چنین فرهنگی، پیروان خویش را برای به دست آوردن رفاه بیشتر، آزادی و بهره وری افزون تر از غرایز و سودپرستی به جنبش در می آورد، در فرهنگ مادی، هدف وسیله را توجیه می کند، بنابراین برای رسیدن به هدف های مادی و بهره مندی هر چه بیشتر از مزایای زندگی، به هر وسیله ای دست می یازند و از هر شیوه ای سود می جویند. در پرتو چنین فرهنگی، بنیادهای اخلاقی جامعه فرو می ریزد، ارزش های انسانی کم رنگ و معضلات و ناهنجاری های اجتماعی فزونی می یابد و جامعه به سوی انحطاط و نابودی پیش می رود.

۲. فرهنگ الهی: این فرهنگ، انسان را آمیزه ای از پیکر و روان آسمانی می داند و فرهنگ اسلامی نشان دهنده کامل این فرهنگ است که هدف خود را دست یابی به کمال می داند که در پرتو وحی و آموزه های الهی به دست می آید. معیار برتری افراد را نیز پای بندی به اصول ثابت اخلاقی می داند به فرموده قرآن کریم «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» ویژگی های فرهنگ اسلامی را می توان چنین برشمرد: خدامحوری، عدالت خواهی و مساوات، شایسته سالاری، مصلحت گرایی، مسؤولیت فردی و اجتماعی، تقواگرایی، پاسداری از کرامت انسان (خط و مشی های سیاسی نهج البلاغه، محمد مهدی ماندگار، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱، صص ۱۷۳ - ۱۴۱).

بر این اساس وقتی صحبت از

توسعه فرهنگی در جامعه اسلامی ما می شود؛ در واقع تعقیب فرایندی است که دگرگونی در حوزه های ادراکی، شناختی و گرایش هایی را که در ساختار جدید جامعه اسلامی مطلوب است، به دنبال داشته باشد. توسعه فرهنگی به هیچ وجه به معنای گسستن از فرهنگ گذشته نیست، بلکه بهینه سازی و شکوفایی عناصر اصیل فرهنگ اسلامی و ملی در سطوح مختلف جامعه و زدودن عناصر نامطلوب و ناشایست از آن می باشد. بنابراین هدف توسعه دیگر نمی تواند صرفاً اقتصادی و بالا بردن نرخ رشد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه باشد بلکه اهداف کلی توسعه علاوه بر موارد مذکور فقرزدایی، ایجاد رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و تعادل منطق ها و تعالی و الهی گونه شدن انسان ها می باشد (توسعه فرهنگی در جامعه ایران، مژگان حق خواه، ۱۳۸۲، باشگاه اندیشه جوان).

ب) توسعه فرهنگی در ایران:

ورود فرهنگ و تعالیم حیات بخش اسلام به ایران که با استقبال و پذیرش گرم ایرانیان همراه بود، تأثیرات بسیار درخشانی در شکوفایی فرهنگی ایرانی داشته است تا آنجا که ایران را به عنوان مرکز تمدن درخشان اسلامی تبدیل نمود و آثار و نتایج بسزایی در تحول و پیشرفت سایر تمدن ها به جای گذاشت (ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی ۱۳۸۲؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴).

اما متأسفانه چند عامل از توسعه و تکامل این فرهنگ جلوگیری کرد:

۱. انحرافات و کج اندیشی هایی که در فرهنگ اصیل اسلامی به وجود آمد.

۲. رسوبات و بقایای برخی عناصر فرهنگی غیر صحیح و ناسالم قبل

۳. عناصر فرهنگی وارداتی از مکاتب مادی غرب و شرق.

۴. ساختار مدیریتی و سیاسی ناسالم و مخالف و یا ناآشنا با فرهنگ اصیل اسلامی و...

مجموعه عوامل فوق باعث شد تا فرهنگ اصیل اسلامی نتواند در جامعه ایرانی به صورت کامل شکل گرفته و پویایی و بالندگی خود را در حد مطلوب حفظ و استمرار بخشد.

متأسفانه دوره قاجار و پهلوی به دلیل فساد شدید ساختار سیاسی، وابستگی و مرعوب شدن آن در مقابل فرهنگ و تمدن بیگانه، صدمه های عمده ای به فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی جامعه ما وارد شد و آن را در سراسیمگی سقوط قرار داد، هر چند وقوع انقلاب اسلامی و تدابیر مسئولین دلسوز در این روند وقفه ایجاد کرده و آن را معکوس نمود تا جایی که به حمدالله در بخش های زیادی از جامعه شاهد شکوفایی، رشد و پویایی فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی می باشیم و البته باز هم تأکید می نمایم تا زمانی که رگه هایی از دلایل فوق در جامعه خصوصاً بخش های اجرایی و تصمیم گیرنده نظام وجود داشته باشد و مجموعه ارکان نظام و جامعه به اجماعی واحد پیرامون اهمیت و اهتمام شدید به برتری فرهنگ اصیل اسلامی در مقابل سایر فرهنگ ها نرسند، تعمیق و پویایی فرهنگ اصیل اسلامی در حد مطلوب در جامعه ممکن نخواهد بود.

واقعیت این است که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و برنامه ریزی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد

از همه امکانات خصوصاً "دستگاه های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم , براساس برنامه ای دقیق و حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده , مدرسه , رسانه ها و ... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی .

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی , استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه , سعادت , صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی .

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی .

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- ایجاد باوری عمیق , درونی , ریشه دار, عقلانی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی , تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی , انتظامی , آموزشی , فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند.

۶- تلاش و تدبیر جدی , گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات , در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی , اقتصادی , فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران ,

ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی ... به طور کلی برای مصون ماندن از تهاجم فرهنگی بیگانگان و گریز از الگوها و گرایشات غربی دو جهاد عمده لازم است : جهاد علمی و عملی .

الف ) در جهاد علمی شخص باید معرفت خویش را نسبت به ارزش ها و هنجارهای دینی پیوسته روزافزون سازد و نیک را از بد و سره را از ناسره به خوبی بازشناسد و با شعور و آگاهی همواره در مسیر نیکی ها گام بردارد.

ب ) جهاد عملی به دو بخش تقسیم می شود:

۱- جهاد عملی فردی ؛ این جهاد حرکتی دائمی و خستگی ناپذیر در برابر هواها و خواسته های نفسانی است . این جهاد عزمی استوار و مراقبتی دائمی می طلبد و بدون ارتباط پیوسته با خدا و جدیت در مخالفت با شیطان نفس نمی توان از آن سرافراز بیرون آمد. یکی از راه های کاربردی مناسب برای بالا بردن میزان موفقیت در این مسیر اجرای برنامه مشارطه , مراقبه , محاسبه است که به ضمیمه ارسال می گردد.

در این مسیر شخص باید ابتدا به انجام واجبات و ترک محرمات همت گمارد, در مرتبه دوم انجام مستحبات و ترک مکروهات را وجهه همت خویش قرار دهد و در مرتبه سوم هر آنچه غیر الهی است , حتی برخی از مباحات , را از خود دور سازد و به غیر خدا و آنچه مطلوب اوست نپردازد.

۲- جهاد عملی اجتماعی ؛ کوششی جمعی در جهت تغییر و اصلاح جامعه و مبارزه با آلودگی ها و انحرافات و بسط علم , اخلاق , معنویت و فضیلت و تقوی در

جامعه است. این مهم نیز مستلزم برنامه ریزی دقیق و مشورت و همگامی با صاحب نظران و دیگر دوستان همراه و هم رأی است.

در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلماً "برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست، اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

۲- انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم

۳- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی)

مبارزه با منکرات و مفسدات اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه را می توان در دو بخش انجام داد:

۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند، فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ از جمله:

اولاً: فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد.

ثانیا، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد.

ثالثا، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده، اصرار بر استمرار آن داشته باشد.

رابعا، در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد.

علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد

شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه پایین تر، جایز نیست که به مرتبه بالاتر تعدی کند. در مرتبه اول ناراحتی قلبی و تنفر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت، روی بر گرداندن و.. از او، ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه دوم امر و نهی زبانی، موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن، گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه سوم، مرحله اقدامات عملی است. اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت، واجب است از اعمال قدرت استفاده کند، (تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵).

البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسؤولان ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، (استفتاآت آیت الله خامنه ای، ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۳۱).

۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی، قوه قضائیه، دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ستاد مبارزه با مواد مخدر و...) موظف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون، نسبت به انجام مسؤولیت های خود کوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند.

در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با

منکرات و مفسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است، ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات، مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است. راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، ازدواج، تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی، اجرا شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر، فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاههای مربوطه با افراد شرور و مخلّ به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های اسلامی و تهدید کننده سلامت جامعه، مطلوب است. اما با وجود این یکی از نکاتی که نباید مورد غفلت قرار گیرد شناخت دقیق روحیات و ویژگی های شخصیتی جوانان، علایق آن، نفرت ها و انزجارهای آنان از یک طرف و آگاهی به راه های ارتباط و نفوذ در آنان با توجه به اصول روان شناسی است.

### بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

#### پرسش

بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

#### پاسخ

تهاجم فرهنگی از سه محور حرکت خویش را سامان داده و شروع به تخریب می کند:

۱. بینش ها و باورها.

۲. ارزش ها و گرایش ها.

۳. رفتارها و کردارها.

در مورد اوّل مثلاً می گویند معنویات، خیالات است. معاد و وحی و روح تجربی نیستند!

در مورد دوّم می گویند؛ ارزش ها و وسیله با خود ما آدم ها تعیین می شوند و اعتباراتی بیش نیستند و می توانند تغییر کنند.

در مورد سوّم نیز اعمال اسلامی را با تمسخر و یا روشهای دیگر کم رنگ می کنند و هویت ملی و دینی را نابود کرده و مدها و روش های متروک را زنده می کنند.

در اینجا دو راهکار داریم:

۱. راهکار ریشه ای.



۲. راهکار سطحی.

راهکار سطحی همانا تحریک احساسات و عواطف و روش های تکراری و کهنه است اما راهکار ریشه ای همانا ترویج ارزش هاست با هر وسیله، با گفتگو، تبلیغ فیلم، هنر. که در چند محور خلاصه می شود:

۱. آگاه نمودن مردم از اهداف فرهنگ سازان غربی.

۲. هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب.

۳. ترویج ارزش های معنوی.

۴. آگاهی بر مواضع کار و به کارگیری زبان مناسب. یعنی فرق دبستان، با دبیرستان و دانشگاه برایمان روشن باشد و مناسبت را رعایت کنیم.

۵. تکیه بر منابع اصیل دینی قرآن و سیره اهل بیت «علیهم السلام».

«بخش پاسخ به سؤالات»

**دشمنان اسلام با شیخون فرهنگی سعی در نابودی افکار آزادیخواهی، ناموس پرستی، ارزش خواهی در چارچوب اسلام ناب را دارند. وظیفه ما چیست و چگونه در مقابل آنها مقاومت کنیم؟**

**پرسش**

دشمنان اسلام با شیخون فرهنگی سعی در نابودی افکار آزادیخواهی، ناموس پرستی، ارزش خواهی در چارچوب اسلام ناب را دارند. وظیفه ما چیست و چگونه در مقابل آنها مقاومت کنیم؟

**پاسخ**

وظایف سنگین است و راه های مقابله با آنها زیاد که گفتن آن ها وقت زیادی لازم دارد به خاطر عدم اطاله کلام فقط به بعضی به طور اختصار اشاره می کنیم:

اول، تبیین جایگاه انسان در دنیا، که هدف از آفرینش انسان چه بوده و چرا او به دنیا آمده است. اگر هدف رسیدن به کمال مطلق و قرب الهی است، بهترین راه رسیدن به آن هدف چیست؟

دوم، حل مشکل اساسی جوانان، مثل بی کاری و ازدواج و مسکن است. حداقل می توان آن ها را با ورزش که لازمه اش تهیه مکان های ورزشی مثل استخر و زمین فوتبال و... است، سرگرم کرد.

سوم ، ارتقای سطح علمی جوانان ، از طریق تشریح دستوره‌های اسلامی به طور ساده و روان و عموم پسند و تشویق آنان به مطالعه است ، تا از اتلاف وقت آن ها جلوگیری شود.

چهارم ، شناخت دشمن و این که او هدفی جز بدبختی و ذلت و نابودی مردم به خصوص نسل جوان مسلمان را ندارد.

**چرا مردم برای گرفتن حاجات خود مستقیماً نزد خدا نمی روند و ائمه اطهار و امام زاده ها را وسیله و شفیع قرار می دهند؟**

**پرسش**

چرا مردم برای گرفتن حاجات خود مستقیماً نزد خدا نمی روند و ائمه اطهار و امام زاده ها را وسیله و شفیع قرار می دهند؟

**پاسخ**

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

می خوانند، پاسخ می گویم <.

بنابراین ، همان طور که نوشته اید، شاید چنین به نظر آید که برای خواستن حاجت از خدا نیازی به واسطه نیست و ما به راحتی و در هر زمان می توانیم خدا را بخوانیم و خداوند به ما جواب خواهد داد؛ پس چرا ما در مواقع زیادی به زیارت مرقد امامان و امام زادگان می رویم و از آن ها حاجت می طلبیم و آن ها را واسطه درگاه خدا می کنیم ؟

شواهدی از قرآن و روایات می آوریم که به این مسئله اشاره دارد و واسطه قرار دادن افراد صالح و اعمال نیک را تجویز و تشویق می کند.

خداوند می فرماید:

برای تقرب به خدا انتخاب نمایید <.

موضوع مهمی که در این آیه باید بحث شود، دستوری است که درباره انتخاب در این آیه به افراد باایمان داده شده است . در اصل به معنای تقرب جستن و یا چیزی که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می شود، می باشد.

بنابراین ، وسیله در آیه فوق معنای بسیار وسیعی دارد و هر کار و چیزی را که باعث نزدیک شدن به پیشگاه مقدس پروردگار شود، شامل می گردد که مهم ترین آن ایمان به خدا و پیامبر اکرم و جهاد و عبادات هم چون نماز و زکات و روزه و زیارت خانه خدا و هم چنین صله رحم و انفاق در راه خدا و هر کار نیک

و خیرمی باشد و نیز شفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح خدا که طبق صریح قرآن باعث تقرب به پروردگاری گردد در مفهوم وسیع توسل است و هم چنین پیروی از پیامبر و امام و گام نهادن در جای آن‌ها نیز زیرا همه این‌ها موجب نزدیکی به ساحت قدس پروردگار می‌باشد، حتی سوگند دادن خدا به مقام پیامبران و امامان و صالحان که نشانهء علاقه به آن‌ها و اهمیت دادن به مقام و مکتب آنان می‌باشد، جزء این مفهوم وسیع است. پس به معنی هر چیز است که باعث تقرب می‌گردد.

از آیات دیگر قرآن نیز به خوبی استفاده می‌شود وسیله قرار دادن مقام انسان صالحی در پیشگاه خدا و طلب چیزی از خداوند به واسطه او، ممنوع نیست و منافات با توحید ندارد. در آیه ۶۴ سوره نساء آمده است: .:

و نیز در آیه ۹۷ سوره یوسف می‌خوانیم: برادران یوسف از پدر تقاضا کردند در پیشگاه خداوند برای آن‌ها استغفار کند و یعقوب نیز این تقاضا را پذیرفت.

در آیه ۱۱۴ سوره توبه نیز موضوع استغفار ابراهیم در مورد پدرش آمده است که تأثیر دعای پیامبران را در باره دیگران تأیید می‌کند.

از روایات متعددی که از طرق شیعه و سنی در دست داریم، نیز به خوبی استفاده می‌شود توسل به این معنا هیچ گونه اشکالی ندارد، بلکه کار خوبی محسوب می‌شود. روایات اهل تسنن می‌گویند: حضرت آدم قبل از خلقت پیامبر اسلام ۶۰۰۰ سالگی که از آفرینش آن حضرت داشت و به مقام و موقعیت او نزد خداوند متعال آگاهی یافت می‌گوید: خداوند! به حق

محمد ۶ از تو تقاضا می کنم مرا ببخشی! و در روایت دیگری دارد: مرد نابینایی تقاضای دعا از پیامبر برای شفای بیماریش کرد و پیغمبر به او دستور داد بگوید: خداوندا! من از تو به واسطه پیامبر رحمت تقاضا می کنم و به تو روی می آورم ... خداوندا! او را شفیع من ساز.

اما در منابع شیعه موضوع به قدری روشن است که نیاز به نقل حدیث ندارد.

موضوع مهم قابل توجه این است که: منظور از توسل این نیست که کسی حاجت را از شخص پیامبر یا امامان مستقلاً بخواهد و اگر کسی چنین کند، از فرهنگ اسلام به دور است؛ منظور این است که به مقام معصوم در پیشگاه خدا متوسل شود و این در حقیقت توجه به خدا است؛ زیرا احترام پیامبر نیز به سبب این است که فرستاده او بوده و در راه او گام برداشته است. (۱)

پس باید توجه داشت رفتن به حرم امامان و امام زادگان از این جهت که انسان خود را کنار شخص بزرگی قرار می دهد که از نظر معنوی انسان صالح و شایسته و حتی معصوم از گناه است و به خاطر اجر و قربی که نزد خداوند دارد، سعی می کند درخواست خود را به واسطه این موقعیت مناسب از خداوند بخواهد، این چیزی نیست که هیچ انسان با انصافی آن را مردود بشمارد؛ البته رفتاری که برخی مسلمانان به ویژه شیعیان انجام می دهند و مستقیماً و مستقلاً از امامان یا امام زادگان حاجت می طلبند، قابل دفاع نیست و کار نادرستی است.

(پاورقی ۱. اقتباس از تفسیر نمونه، ج ۴ ص ۳۶۳، ۳۷۰)

**علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست مخصوصاً برای جوانانی که در دانشگاه ها مشغول هستند؟**

**پرسش**

علت

نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست مخصوصاً برای جوانانی که در دانشگاه هامشغول هستند؟

**پاسخ**

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که در حقیقت پیروزی اسلام بر سردمداران کفر جهانی بود و به دنیانشان داد که دین مخصوصاً اسلام می تواند به عنوان یک قدرت جهانی علیه زورمداران دنیا عرض اندام نماید و درمقابل قدرت ها بایستد، قدرتمندان سیاسی دنیا مخصوصاً غرب در صدد برآمدند در مقابل این فرهنگ بایستند یا آن را نابود کنند یا جلوی گسترش آن را بگیرند و یا آن را از کارایی بیاندازند. در هر مورد هجوم هایی بردند، که امروز نیز با نوعی مشکل تر و برنده تر، تهاجم فرهنگی علیه انقلاب اسلامی در سطح جهان ادامه دارد.

امروز به اعتباری می توان گفت صاحبان قدرت های برتر نظامی و صنعتی، مغول های ضد فرهنگ عصر حاضر و صلیبیون قرن اتم اند، اما به جای شیعه اسب ها و برق شمشیرها و غبار سپاه، شیعه بی امانی است که از حلقوم رادیو و تلویزیون ها بر می آید و بر خیره کننده ای است که از چشم دوربین ها ساطع می شود و غبار عالمگیری است که از موج ماهواره بر می خیزد. ماهواره ها و دکل ها همهء نقاط زمین را هدف بمباران فرهنگی قرار داده و از این طریق تسلط خود را بر رگ و ریشه و مغز انسان ها وارد می کنند. امروز صاحبان قدرت های برتر صنعتی و نظامی در قرن بیستم دجال های عصرند. از هر نای آنان آوازی، همگان را شیفتهء خود کرده، چندان که گاه بسیاری از فرهنگ سازان

رافرفته خود می سازد. کسانی که در برابر ظواهر پر جذبه غرب، خودباخته اند و فرنگ را با فرهنگ یکی دانسته اند، قدر و قیمت فرهنگ اسلام و ایران و اصولاً نقش و تأثیر آن در گذشته و حال را نمی دانند یا اگر اندکی بدانند، احساس حقارتشان در پیشگاه تمدن صنعتی و تکنیکی غرب و گاه کینه توزی هایی که بعضاً نسبت به فرهنگ و سنن خود داشته و دارند، آنان را از پذیرش حقیقت باز می دارد.

تهاجم فرهنگی به این معنا است که: دشمن مسلمانان می خواهد منابع قدرت آنان را تحت سلطه خویش قرار دهد و از ما اذن و اجازه نمی طلبد و برای وصول به مقصود، حمله و هجوم را آغاز کرده است. هر هجوم و تهاجمی دارای شکل خاص و واجد ابزار ویژه ای است، هم چون ابزار نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که ابزار فرهنگی گاه به عنوان مقدمه، گاه متمم و مکمل به کار برده می شود.

تهاجم فرهنگی یعنی دشمن ابزارهای غیر نظامی و غیر اقتصادی و غیر سیاسی را به کار می گیرد تا افکار و آرای مردم را برای پذیرش هجوم ناگهانی یا نفوذ تدریجی به منظور تصرف و تملک منابع و منافع مادی و معنوی آنان مهیا کند.

راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی:

مبارزه با غرب زدگی و روشنفکری غربی: جوانان باید بدانند در انقلاب مشروطیت و دیگر انقلاب ها بزرگ ترین ضربه ای که انقلاب ها و مردم خوردند، از روشنفکر مآبانی بود که دل در گرو غرب و آمریکا داشتند. آنان با نوشتن مقاله ها و تأسیس روزنامه

ها و اهانت به علما و روحانیان و پایین آوردن اعتبار احکام اسلامی، بزرگترین ضربه را بر انقلاب مشروطیت و دیگر نهضت‌ها زدند.

از نوشته‌های جلال آل احمد چنین برمی‌آید که: روشنفکر ایرانی وارث بدآموزی‌های صدر مشروطه بدآموزی‌های روشنفکران قرن هیجده و نوزده فرنگ است. مخالفت و ضدیت با مذهب و روحانیت میراثی است از این جمله اینان غالباً در دعوی میان روحانیت و حکومت، طرف حکومت را گرفته‌اند و آخرین بار در قضیه ۱۵ خرداد ۴۲ از قضیه تحریم تنباکو بگیر تا کشتار بی رحمانه ۱۵ خرداد. در تمام صدساله اخیر روشنفکر ایرانی، مردم میان حکومت و مردم و نومید از بی‌خبری عوام و خسته از تحجر برخی روحانیون، در آخرین دقایق، طرف حکومت را گرفته است.

روشنفکر مآبان همیشه عقده نداشتن تأثیر در جامعه و در میان اکثر مردم، آنان را آزار و اذیت و وادار کرده دست به قلم بزنند و با نوشتن و ایجاد شبهه و تردید، دل‌ها را خالی کنند و به آرزوی دور و دراز دامن بزنند.

روشنفکر غرب زده چون دید در حضور مذهب و علمای دین، کاری از او ساخته و حرفی از او شنیده نیست، ناچار لامذهبی‌اش تحریک شد و احکام اسلامی را که بر پایه قرآن و سنت نهاده شده است، مورد شک و تردید قرارداد.

اینان به یک جا وابسته نیستند؛ یک دسته به فرهنگ فرانسه و دسته دیگر انگلیس، دسته دیگر امریکا یا به آلمان دل بسته و شیفته فرهنگ آنان هستند.

بهایب‌گری، فراماسونری، کسروی‌بازی،

زردشتی بازی، فردوسی بازی، احزاب، مطبوعات، مجامع ادبی و هنری، کلوپ های بولینگ و سونادار و جمع کننده تفنن و سیاست و معامله و امثال این ها را می توان پاتوق این گونه روشنفکران دانست. ضدیت با مذهب و ملیت و بیگانگی با محیط بومی، از خصایص روشنفکران غرب زده است. (۱)

در تهاجم حساس و سرنوشت ساز فرهنگی، سراغ گروهی از روشنفکران رفتند؛ آنان که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح حساب شده، استعمارگران را کمک کنند و آگاهانه یا ناآگاهانه مجری سیاست قدرت ها باشند. استعمارگران ابتدا تعدادی از روشنفکران مزدور را به کار گرفته، حرکت را آغاز کردند، سپس بسیاری از روشنفکران مذهبی بدون توجه به نقشه های شیطانی ابر قدرت ها، تنها با احساس مسئولیت برخاسته از داوری های شخصی در برابر کاستی های موجود در جامعه اسلامی، به این حرکت شیطانی حساب شده دامن زدند و طرح های استعماری زیادی را به کار گرفتند، مانند:

۱ سیاست مذهب علیه مذهب؛

۲ سیاست دین سازی؛

۳ سیاست ایجاد جنگ بین علم و دین؛

۴ سیاست تحقق تفکر التقاطی اختلاط اصول اسلام با دیگر مکاتب مادی و غربی؛

۵ سیاست براندازی دین.

از بُعد سیاست ایجاد تضاد و جنگ بین علم و دین، با روش های فرهنگی و علمی بسیار ظریف و حساب شده، به محافل دانشگاهی و فرهنگی، تئوری ها و فرضیه های علمی مکاتب غربی و شرقی را به دروس دانشگاهی راه دادند و توسط برخی اساتید روشنفکر، به این طرح و نقشه شیطانی دامن زدند



که : علم روز مخالف مذهب و مذهب مخالف علم است ! تا بتوانند بر ضد مذهب و روحانیت , دانشجویان را بسیج نمایند.

سیاست تفکر التقاطی توسط روشنفکران مذهبی , به عنوان اسلام و مذهبی نو, متناسب با مکاتب شرق و غرب که هر غربی و هم مسلمان باشیم , هم مذهب بماند و هم غرب پسندانه باشد, هم به مذهبی ها بگویند با شماییم و هم به روی غرب و شرق لبخند بزنند.

اینان نمی دانستند اگر علمای دین و روحانیت و فقهای شیعه را که سنگربان اسلام و انقلاب و کشورند, تضعیف کنند و به انزوا بکشانند, دشمن سود خواهد برد.

برخی از روشنفکران با تز و بعضی با تز جدایی دین از سیاست و برخی با عقیده ء یا و یا و یا و و و مبارزه و ایجاد بدینی با احکام اسلامی , از قبیل , و مبارزه با شخصیت های سیاسی و علمی روحانی و مشوه جلوه دادن آنان در سطح گسترده , از فعالیت های روشنفکران مذهبی و غیر مذهبی است که خطر بزرگی برای انقلاب و امنیت و استقلال کشور است .

اگر روشنفکران به وحی و قرآن و اصول مسلم اسلام و معیارهای روشن اجتهاد, آگاهی داشته باشند و دست از هوی و خود پرستی و غرور بردارند و به دانشمندان و فقها و عالمان متدین ارج بنهند و متوجه توطئه های دشمنان باشند و به مرزهای اسلام و تشیع یورش نبرند و احزاب و گرایش های سیاسی , وحدت و هم دلی و تقوای الهی را حفظ کنند, خواهند توانست در برابر دشمن , سدّی محکم و برای اسلام و کشورشان

مفید باشند و استقلال کشور را که ثمره خون هزاران شهید مظلوم و فداکار و زحمات طاقت فرسای علمای دین از سال ها قبل تا کنون بوده ، محافظت کنند.(۲)

البته راه های دیگری نیز برای مبارزه با تهاجم فرهنگی هست ، از جمله :

۱ رسیدگی مسئولان به خواسته های فطری و طبیعی جوانان و زمینه سازی ازدواج آنان .

۲ جلوگیری از ورود فیلم ها و عکس های مستهجن و نوارهای مهیج ، همان طور که مبارزه با مواد مخدر یک امر معقول و پسندیده است .

۳ ایجاد شغل .

۴ توجه جوانان به اشتغال ، حتی شغل های مشکل و سخت و بی توجهی به شغل های کاذب و غیر مفید.

۵ توجه و امعان نظر در کلمات امام راحل (ره) و عنایت به وصیت های ایشان و تبعیت از منویات رهبر معظم انقلاب . امام (ره) فرمود: .

۶ حفظ تقوا با مطالعه کتاب های اخلاقی قرائت قرآن ، مناجات ، رفتن به مساجد و اجتماعات ، مطالعه کتاب های روایی از قبیل اصول کافی ، تحف العقول و دیگر کتب مفید.

۷ مطالعه تاریخ انقلاب ها و علل شکست آن ها و عوامل تسلط بیگانگان .

۸ پرهیز از خواندن نوشته های افراد سیاسی و روشنفکر مآبی که مورد تأیید دشمنان اند.

خداوند ما را از شرور نفسمان و انقلاب اسلامی را از گزند حوادث مصون دارد.

### **جوانان برای مبارزه با تهاجم فرهنگی چه باید بکنند؟**

#### **پرسش**

جوانان برای مبارزه با تهاجم فرهنگی چه باید بکنند؟

#### **پاسخ**

در دنیای ارتباطات و انفجار اطلاعات خواه ناخواه فرهنگ ها به یکدیگر منتقل شده و امر الگوبذیری تسریع می شود. رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و حتی مطبوعات هر کدام در این مقوله به نوعی سهم دارند.

جوان به اقتضای طبع خود، همان گونه که در این مقطع از دوران زندگی از نظر جسمی درخشنده و زیبا می شود و این را باید از آثار خلقت دانست، در پی زیباطلبی خواهد بود. تشریح ادیان برای جلوگیری از انحراف هایی است که در پی هوی و هوس به وجود می آید و جوان چون بیشتر از دیگران در معرض خطا و لغزش است و باید بیشتر از دیگران از خود مواظبت کند. اگر کسی دارای مبانی اعتقادی قوی باشد و نیز از اصالت خانوادگی برخوردار بوده و به واجبات تن دهد و از محرّمات بپرهیزد، در مقابل طوفان حوادث و تهاجم بیگانگان در امان خواهد بود. دنیا از همان ابتدا قایل و هایل داشت. قایل در پی تطمیع نفس و هایل در پس کسب رضای خدا بود.

پس دنیاطلبی و علاقه مندی به آن، مصدر تمام لغزش ها و بدی ها است و آفت اولیه در وجود انسان از لغزش های خود او شکل می گیرد و نفس برای پذیرش انواع انحراف ها آماده می شود.

اگر جوانی بخواند در مقابل تهاجم فرهنگی مقاومت کند و از شیخون دشمن نهراسد، لازم است خود را به سلاح تقوا مجهز کند و کمی فکر نماید که نهایت کارش به کجا می انجامد. مرگ را حق بداند و از مردگان عبرت بگیرد.

خوشی های دنیا را لذاتی زودگذر بداند و به

آن دل نبندد. مبانی اعتقادی خویش را تقویت کند و در مجامع معنوی چون مساجد و نماز جماعت حاضر شده و حضور در مراکزی که به تقویت شعائر مذهبی می پردازند، را برای خود لازم بداند و هر تئوری اگر به عمل آمیخته نشود و فقط حرف باشد، نمی تواند سازنده شود. انسان هم به نصیحت احتیاج دارد و هم به عمل. اگر با جوانح و قلب خود پندی را گوش می دهد، باید با جوارح و اعضای خود آن را عملی سازد. اما گفتن این مسائل آسان و عمل سخت است، ولی همراه با امید به این آیه قرآن گوش می دهیم که: "وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ" و این که برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست". (۱)

پی نوشت ها:

۱. نجم (۵۳) آیه ۳۹.

### **حجاب را دوست دارم، اما در مجالس عروسی و خیابان و نزد آشنایان چه کنم؟**

#### **پرسش**

حجاب را دوست دارم، اما در مجالس عروسی و خیابان و نزد آشنایان چه کنم؟

#### **پاسخ**

در مجالس عروسی که نامحرم شما را ببیند، آرایش کردن و بدون حجاب بودن اشکالی ندارد، اما اگر نامحرم شما را ببیند، جایز نیست و قطعاً شما که اهل نماز و ارتباط با خدا هستی، نمی خواهی با عمل خود خدا را از خود ناراضی سازی.

پیوسته در شبانه روز اقلّاً ده بار به خدا عرض می کنیم: "ایاک نعبد و ایاک نستعین؛ خدایا! عبد و بنده تو هستیم و تنها از تو فرمان می بریم و از تو کمک می طلبیم. آیا لازمه "فقط بنده و مطیع خدا بودن" این نیست که از برخی کارهایی که خواسته هوای نفسانی است و شیطان از آن خوشحال می گردد، ولی خدا آن را ناپسند می داند. پرهیز کنیم؟ آیا خداوند که ارحم الراحمین است و نسبت به بندگان خویش "رئوف و رحیم" است، با امر کردن به رعایت حجاب نزد نامحرم، چیزی جز خیر و سعادت انسان را می خواهد.

**برای خنثی کردن شبهات و تردیدها و دغدغه های فکری، و مقابله با جنگ روانی که دشمنان اسلام و بعضی از روزنامه های سرسپرده و برخی از جناح های سیاسی... به وجود می آورند، چه باید کرد؟**

#### **پرسش**

برای خنثی کردن شبهات و تردیدها و دغدغه های فکری، و مقابله با جنگ روانی که دشمنان اسلام و بعضی از روزنامه های سرسپرده و برخی از جناح های سیاسی... به وجود می آورند، چه باید کرد؟

برادر بزرگوار از پرسنل فداکار "ناجا" در... بر شما. از این که با ما مکاتبه نکرده و شبهات خود را با ما در میان گذاشتید سپاس گزاریم. در این گونه موارد وظیفه این است که :

۱ - با کمال متانت و دقت علمی شبهات را برطرف نموده و تبلیغات مسموم را خنثی کرد.

۲ - اگر امر به معروف و نهی از منکر اثر دارد، ارشاد کرد و از عواقب شوم چنین کاری آگاه ساخت.

۳ - اگر قدرت بر رد شبهات نداشته باشیم و از طرفی بدانیم امر به معروف و نهی از منکر ندارد، شبهات را باید به مراکز علمی فرستاده و پاسخ را دریافت نماید.

### اگر ترانه را از جوانان بگیریم، چه چیزی را جایگزین کنیم؟

#### پرسش

اگر ترانه را از جوانان بگیریم، چه چیزی را جایگزین کنیم؟

#### پاسخ

یکی از محرمات در اسلام غنا و موسیقی مطرب می باشد. هر آن چه که در شرع ممنوع اعلام گردید، مسلماً به خاطر مفاسد و ضرری بوده که بر ارتکاب آن مترتب می شود، چه بشر به آن فساد رو ببرد یا از آن بی خبر باشد. وقتی انسان معتقد به خدا باشد و باور کند تمام منهیات الهی بر اثر ضرر و مخرب بودن آن ها حرام گردیده است، قطعاً از انجام معاصی اجتناب می کند و سجده شکر به جا می آورد که خدای مهربان وی را بر آن چه بر ضرر او است، آگاه نموده است. حضرت رضا (ع) فرمود: "گناهان نه تنهادر زندگی بشر مود احتیاج و ضرورت نیست، بلکه مایه فساد و باعث هلاکت است". [۱۱] خوشبختانه از مدت ها پیش بر اثر پیشرفت علم پزشکی و روان شناسی مضرات غنا و موسیقی معلوم گردید. فلسفه تحریم موسیقی از طرف اسلام برای بشر روشن شده است. ممکن است تصور شود اگر ترانه و موسیقی مطرب زیان بار است، چرا عده ای گوش می دهند؟! جوابش این است که آثار زیان بار موسیقی بر اعصاب آدمی مدتی بعد پیدا می شود و این یکی از عواملی است که مردم نسبت به آن بی اعتنا هستند، همان گونه که مضرات شراب و تریاک و هروئین و سیگار بر همگان معلوم است و در رسانه های گروهی سراسر جهان تقریباً همه روزه از مفاسد این ها مردم را مطلع می کنند، ولی باز بینید چقدر سیگاری داریم و روز به روز

هم به تعداد سیگاری ها افزوده می شود، چون که ضرر این ها مخصوصاً سیگار دیر آشکار می شود. افزون بر این که گناهان در دنیا مضرند ، در آخرت هم موجب بدبختی آدمی شده و موجب می شود انسان به عذاب دردناک جهنم گرفتار آید. انسان مسلمان با کمی دقت می فهمد خداوند مهربان است و هر چه دستور عبادی داده؛ به نفع خود انسان است و از هر چه نهی کرده، به ضرر خود وی می باشد و اگر از دستور الهی سرپیچی کند، خود را بدبخت نموده است. در این صورت گناهان از جمله گوش دادن موسیقی را ترک می کند و اصلاً مرتکب گناه نمی شود. وقتی سر منشأ اجتناب از گناه اعتقاد به خدا باشد، آدمی از این ترک لذت می برد، چون خود را در حال اطاعت از خدا می بیند و می داند که در مقابل ترک گناه به چه پاداش خوبی خواهد رسید. پس اولین چیزی که به جوانان باید یاد داد، ایمان و اعتقاد پاک است که باور کنند آن چه دستور اسلام است، دقیقاً به نفع شان است و سرپیچی از قوانین الهی مساوی با تبعیت از دشمن آشکار و درجه یک و قسم خورده انسان یعنی شیطان است که تا انسان را به جهنم نیندازد، راضی نمی شود. نیز جوانان می توانند به جای گوش دادن به ترانه از نوارهای قرآن ، سخنرانی های مذهبی، نوارهای خنده دار، خواندن کتاب، تشکیل جلسات انس با دوستان، ورزش ، رفتن به کوه، بحث های علمی و تفریحات سالم دیگر استفاده نمایند.

[۱۱] محمد تقی فلسفی، کودک، ج

## چرا در برنامه های تلویزیون بعضی از مسایل مجرم و نامحرمی، و یا مسایل دیگر را رعایت نمی کنند؟

### پرسش

چرا در برنامه های تلویزیون بعضی از مسایل مجرم و نامحرمی، و یا مسایل دیگر را رعایت نمی کنند؟

### پاسخ

صدا و سیما در موقعیتی قرار دارد که اگر درست عمل کند می تواند تأثیر بسیار مثبتی در دین و فرهنگ و ترقی جامعه داشته باشد و چنان چه درست عمل ننماید برای جامعه مخرب و زیان بار است. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: "صدا و سیما دستگاهی است که با صحت آن مردم صحیح می شوند، و با فساد آن فاسد. ما می توانیم به وسیله صدا و سیما اسلام را همان طور که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی شود مورد قبول همه خواهد شد." ۱۴.

به نظر می رسد باید مردم انقلابی و مؤمن جامعه اسلامی اعتراض خود را نسبت به بعضی از برنامه های تلویزیون با صلاح دید علمای محل و توسط امام جمعه های محترم به سمع مبارک مقام معظم رهبری برسانند تا ایشان اقدام لازم را بفرمایند. امیدواریم خدای مهربان همه ما را در راه اسلام ثابت قدم و قدر دان خون پاک شهیدان گلگون کفن و ناله های جانکاه جان بازان در بستر افتاده انقلاب و زحمات طاقت فرسای امام راحل (ره) قرار بدهد.

۱۴ امام خمینی (ره)، صحیفه نور ج ۱۸، ص ۲۴۲ - ۲۴۷.

## وظیفه جوانان در برابر تهاجم فرهنگی دشمن چیست؟

### پرسش

وظیفه جوانان در برابر تهاجم فرهنگی دشمن چیست؟

### پاسخ

در برابر تهاجم فرهنگی دشمن آحاد جامعه، به ویژه نسل جوان وظایف سنگینی دارند که عبارتند از:

- ۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت: قرآن مجید رمز موفقیت و برتری جامعه انسانی را ایمان به خدا می داند و می فرماید: "انتم الا علون ان کنتم مؤمنین؛ شما برترید اگر مؤمن باشید." ۹.

۲- هوشیاری در مقابل انحراف معنوی: قرآن مجید دو عامل برای گمراهی و انحراف عمومی ذکر کرده است: "فخلف من بعد هم خلف اضاعوا الصلاه واتبعوا الشهوات" ۱۰. یکی دور شدن از ذکر خدا و نماز و دیگری پیروی از شهوات. جوانان باید در برابر هجوم فرهنگی دشمن از ارزش های اسلامی دفاع کنند و به معنویت روی آورند.

۳- احیای امر به معروف و نهی از منکر: قوام حکومت اسلامی و پیشگیری از تبلیغات مسموم دشمن بستگی به انجام این فریضه خطیر دارد امام علی(ع) می فرماید: اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید اشرار بر شما مسلط می شوند و هر چه دعا کنید خداوند دعایتان را مستجاب نمی گرداند. ۱۱

۴- استقلال فرهنگی: جوانان باید با تکیه بر فرهنگ بومی و اعتقادات مذهبی خود را از هجوم فرهنگ وارداتی دشمن حفظ نمایند و با خود باوری و استقلال فکری از تقلید کورکورانه اجتناب ورزند.

۵- آشنایی با ترفند دشمن: راه اساسی برای مقابله با توطئه های دشمن شناخت شیوه ها و نقشه های آنان است. امام صادق(ع) می فرماید: "العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس؛ کسی که به زمان خود آشنا باشد مشکلات بر او غالب نخواهد شد" ۱۲.

دشمن هرگز در لباس دشمنی ظاهر نمی



شود، بلکه با نفاق و دورویی و شایعه پراکنی و دلسر کردن مردم می کوشد اهداف خود را تأمین نماید.

۹ آل عمران (۳) آیه ۱۳۹.

۱۰ مریم (۱۹) آیه ۵۹.

۱۱ بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۸.

۱۲ همان، ج ۷۸، ص ۲۶۹.

**ما جوانان چگونه می توانیم خود را از فساد تهاجم فرهنگی دور سازیم، در صورتی که همه این ها را جلوی چشم مان هر روز مشاهده می کنیم؟**

### **پرسش**

ما جوانان چگونه می توانیم خود را از فساد تهاجم فرهنگی دور سازیم، در صورتی که همه این ها را جلوی چشم مان هر روز مشاهده می کنیم؟

### **پاسخ**

راه مقابله با تهاجم فرهنگی، نخست مقاومت فرهنگی به منظور بی اثر کردن کار دشمن و به زانو در آوردن مهاجم است تا به فرار ذلیلانه مجبور گردد. سپس باید از یک سو به تعقیب دشمن فراری پرداخت و با شوک های فرهنگی، علمی، تبلیغاتی و سیاسی، زمینه فروپاشی قدرتش را فراهم ساخت؛ از سویی دیگر به خانه تکانی افکار و پاک نمودن دل ها از رسوبات فرهنگ بیگانه و جایگزین کردن فرهنگی دینی و ملی اقدام نمود. رمز موفقیت در مقاومت فرهنگی، شناخت فرهنگی خودی و پدیده های اصولی آن و عملیاتی کردن آن است.

روش های مقاومت فرهنگی

روش های تربیتی اسلام که موجب پرورش انسان آگاه، مؤمن و متعادل می شوند، هم چنین تمامی شیوه هایی که سبب سالم سازی و پایداری جامعه اسلامی می گردند، در زمره روش های مقاومت فرهنگی محسوب می شوند.

مصون سازی، بهترین شیوه مقابله با تهاجم فرهنگی

در تهاجم فرهنگی، عقاید و اخلاق ملت، به خصوص نسل جوان آن مورد هجوم قرار می گیرد در برنامه ریزی مقاومت فرهنگی برای مقابله با هجوم بیگانگان باید به دنبال مصون سازی جوانان و دانش آموزان در برابر تهاجمات بود.

مصون سازی وابسته به خود آگاهی است. جمع آوری آنتن های ماهواره ای، فیلم ها و نوارهای مبتذل و سیار مظاهر فساد امری لازم است که از طرف مسئولان باید دنبال شود، اما کافی نیست. باید گیرنده های درونی و فکری ضعیف را جمع آوری نمود و به جای آن گیرنده های قوی و فکری مقابله گر و مهاجم

دشمن شناس و دشمن ستیز نصب کرد.

بنیادی ترین روش مقاومت فرهنگی

بنیادی ترین روش مقاومت فرهنگی، گسترش شناخت معارف اسلامی و تعمیق باورهای اصیل مذهبی است. فرد خداشناس و خدا باور به خود آگاهی و خود باوری می رسد. چنین فردی مفتون و مرعوب فرهنگ الحادی و هوس گرایانه بیگانه نمی شود.

سایر راه کارهای مقابله با هجوم فرهنگی بیگانگان

پناه بردن به قرآن و آشنایی با معانی و پیام های آن، تمسک به ولایت ائمه (ع) و برقراری ارتباط روحی و معنوی با آنان از راه آشنایی با روایات و احادیث و زیارت و توسل به آنان، آشنا شدن با تجلی دین و دین باوری در صحنه های مختلف انقلاب اسلامی به ویژه صحنه های جاویدان هشت سال دفاع مقدس، و مطالعه خاطرات رزمندگان و ایثارگران و آزادگان، مطالعه وصیت نامه شهدا، و بالاخره خلوت کردن با خدا و راز و نیاز با او و در نظر آوردن خداوند در همه احوال از جمله عواملی است که دین و باورهای دینی را در درون انسان نهادینه میکنند و جوان را به خود آگاهی و خود باوری می رسانند. انسان خود آگاهی که توانایی های ذاتی و مفاخر دینی و ملی خویش را باور دارد و از اعتماد به نفس برخوردار است، نه تنها در برابر پیام های مهاجمان تسلیم نمی شود، بلکه آن پیام ها را علیه آنان به کار می گیرد. آگاه کردن مردم از اهداف فرهنگ سازان غربی و استفاده از شیوه های تهاجمی مانند فیلم و کتاب و رمان، نیز تولید فکر و اندیشه و حضور فعال در عرصه فرهنگ و هنر، هم چنین رفع بیکاری و فقر و اشتغال به کارهای مفید و مناسب و بسط عدالت اجتماعی

از شیوه های مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان است.

## آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟

### پرسش

آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟

### پاسخ

منظور از روش های کنونی در سؤال روشن نیست. مسلّم است تهاجم فرهنگی از پیچیدگی خاصی برخوردار است. مقابله با آن نیز کاری ساده و کوتاه مدت نیست، بلکه به عوامل مختلفی بستگی دارد. از آن جا که دشمن از ترفندهای جدیدی استفاده می کند، مقابله با آن نیز باید متناسب با ابزارهای تهاجمی باشد و یک روش ثابت و غیر قابل تغییر در مقابله با آن وجود ندارد، بلکه می تواند روش ها متناسب با تهاجم متغیر باشد.

در این باره همه جامعه با تمام امکانات باید به دنبال خنثی کردن تهاجم فرهنگی باشند. از سوی دیگر هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب را در برنامه قرار دهند و همیشه در مقابل دشمن موضع انفعالی نگیرند. این امر با ترویج ارزش های اسلامی از راه فیلم، نمایشنامه، کتاب، رمان و آثار هنری حاصل می شود.

علاوه بر آن باید زمینه های تهاجم فرهنگی را از بین برد، مانند بیکاری، فقر، بی عدالتی و موانع ازدواج و مسکن جوانان.

به نظر می رسد با وجود همه تلاش هایی که ارگان های مختلف در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی داشته اند، این اندازه کفایت نمی کند، چون آن چه واقع شده، دفع تهاجم بوده و حالت انفعالی داشته است. دستگاه های فرهنگی اعم از آموزش و پرورش، آموزش عالی، صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه های تبلیغاتی مانند سازمان تبلیغات و رسانه های گروهی و روزنامه ها باید به طور ریشه ای و اصولی، فرهنگ

بومی و خودی را با استفاده از روش های مدرن معرفی کنند و ایمان و خدا باوری را در بین نسل جوان نهادینه نمایند، نیز چهره واقعی فرهنگ غرب را بشناسانند و با ارتباط صمیمی با جوانان ، از مشکلات آگاه گردند، همچنین برای رویارویی با تنگناها چاره جویی نمایند و فرهنگ غنی اسلامی را به رخ جهانیان بکشانند

در عین حال باید حجم گسترده تهاجم فرهنگی و ابعاد مختلف آن را نیز در نظر داشت که مقابله با آن کار ساده و آسانی نخواهد بود . البته کارهای صورت گرفته را نیز با توجه به موانع موجود نباید کوچک و حقیر دانست.

### **چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟**

#### **پرسش**

چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟

#### **پاسخ**

تأثیر فرهنگ در جوامع یک طرفه نیست، یعنی فقط غربی ها بتوانند فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار دهند، ولی ما نتوانیم و شواهدی در دست است که انقلاب اسلامی ایران به رغم رویارویی با توطئه های پی در پی در مقابل چشمان بهت زده تحلیل گران، تأثیر شگفت آور خود را در جهان داشته است. حیات مجدد کلیساها، افزایش بی سابقه مبلغان مذهبی ، استقبال وسیع مردم از آثار صوتی و تصویری و مکتوب دینی، افزایش مخالفت های مردمی با پرده دری های اخلاقی ، بخشی از نشانه های تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در غرب می باشد.(۱)

این مسئله حتی از طرف مخالفان اسلام و انقلاب ایران مانند هانیتگتون (نظریه پرداز جنگ تمدن ها) مورد اعتراف قرار گرفته است. رشد روز افزون اسلام در غرب دلیل دیگر بر تأثیر انقلاب اسلامی و تبلیغات ما می باشد.

شبکه تلویزیونی سی ان ان آمریکا با بیان این مطلب که دین اسلام با سرعتی فراتر از ادیان دیگر در حال گسترش است . اعلام نمود : "رشد اسلام در جوامعی که اکثریت آنان را مسیحیان تشکیل می دهند، باعث شده تا صاحب نظران آن جوامع از نوعی رنسانس اسلامی سخن به میان آورند".(۲)

نویسنده غربی در مقاله خود می نویسد : "اسلام به بمب ساعتی تبدیل شده است".(۳) برای مطالعه بیش تر در این باره به کتاب عصر امام خمینی از آقای صاحبی را پیشنهاد می کنیم.

غرب به دلیل اثرگذاری انقلاب اسلامی ، بودجه های هنگفتی را برای رویارویی با انقلاب و تهاجم فرهنگی در سطح گسترده

در نظر گرفته است و این طور وانمود می شود که آن ها موفق ترند، در حالی که اگر هوشیارانه عمل کنیم، با توجه به برتری اسلام و معارف بلند و بی نظیر قرآن و پشتوانه عقلی و فطری مسلمانان و وعده تخلف ناپذیر الهی، پیروزی از آن ما خواهد بود.

واقعیت آن است که غرب به دلیل عواملی توانسته بر جوامع دیگر به ویژه ملت های مشرق و جهان سوم چیرگی یابد و به یاری تسلط خویش، فرهنگ خود را نیز در آن جوامع نفوذ داده و گسترش دهد.

هانتینگتون معتقد است: "پیروزی غرب بر جهان ناشی از برتری اندیشه ها، ارزش ها یا دین نبود، بلکه معلول برتری غرب در استفاده از خشونت سازمان یافته بود". (۴)

وی می افزاید: "عواملی که باعث گسترش فوق العاده و منحصر به فرد سلطه غرب شد، از این قرار بود:

۱ - ساختار اجتماعی و روابط طبقاتی موجود در غرب

۲ - رشد شهرها و گسترش تجارت

۳ - پراکندگی نسبی قدرت در جوامع غربی

۴ - ایجاد نظام اداری کشوری

۵ - رشد فن آوری

۶ - اختراع عوامل حمل و نقل دریایی

۷ - بسط ظرفیت های نظامی برای تصرف سرزمین ها". (۵)

امکانات گسترده دشمن و تأسیس سایت های متعدد و استفاده از ماهواره و ابزارهای تبلیغاتی، نیز جذابیت ظاهری برنامه های فرهنگی آنان و انگشت نهادن بر نیازهای غریزی انسان ها، همچنین مقید نبودن به حدود و مرزهای اخلاقی و توسل جستن به شیوه های ناجوانمردانه و مزورانه، نیز شایعه و دروغ پردازی و تخریب شخصیت بزرگان باعث شده فرهنگ غرب، خود را پیش

تر مطرح کند. البته نباید ضعف و سستی مسلمانان و تفرقه موجود میان کشورهای اسلامی را نادیده گرفت.

وضع نابسامان موجود هوشیاری ما را می طلبد. اگر خود را آماده رویارویی با فرهنگ بیگانه نکنیم و اختلافات را کنار نزنیم، به شدت آسیب پذیر می شویم اما اگر به هویت ملی و اسلامی خود برگردیم، به فرمایش قرآن، حق ماندنی و جاودان است و باطل زوال پذیر.

پی نوشت ها :

۱ - میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی، ص ۴ - ۳۶۳.

۲ - همان، ص ۳۷۲.

۳ - همان، ص ۳۷۳.

۴ - محمد رضا شرفی، جوان و بحران هویت، ص ۱۵۵.

۵ - همان.

## آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟

### پرسش

آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟

### پاسخ

منظور از روش های کنونی در سؤال روشن نیست. مسلم است تهاجم فرهنگی از پیچیدگی خاصی برخوردار است. مقابله با آن نیز کاری ساده و کوتاه مدت نیست، بلکه به عوامل مختلفی بستگی دارد. از آن جا که دشمن از ترفندهای جدیدی استفاده می کند، مقابله با آن نیز باید متناسب با ابزارهای تهاجمی باشد و یک روش ثابت و غیر قابل تغییر در مقابله با آن وجود ندارد، بلکه می تواند روش ها متناسب با تهاجم متغیر باشد.

در این باره همه جامعه با تمام امکانات باید به دنبال خنثی کردن تهاجم فرهنگی باشند. از سوی دیگر هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب را در برنامه قرار دهند و همیشه در مقابل دشمن موضع انفعالی نگیرند. این امر با ترویج ارزش های اسلامی از راه فیلم، نمایشنامه، کتاب، رمان و آثار هنری حاصل می شود.

علاوه بر آن باید زمینه های تهاجم فرهنگی را از بین برد، مانند بیکاری، فقر، بی عدالتی و موانع ازدواج و مسکن جوانان.

به نظر می‌رسد با وجود همه تلاش‌هایی که ارگان‌های مختلف در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی داشته‌اند، این اندازه کفایت نمی‌کند، چون آن‌چه واقع شده، دفع تهاجم بوده و حالت انفعالی داشته است. دستگاه‌های فرهنگی اعم از آموزش و پرورش، آموزش عالی، صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه‌های تبلیغاتی مانند سازمان تبلیغات و رسانه‌های گروهی و روزنامه‌ها باید به‌طور ریشه‌ای و اصولی، فرهنگ



بومی و خودی را با استفاده از روش های مدرن معرفی کنند و ایمان و خدا باوری را در بین نسل جوان نهادینه نمایند، نیز چهره واقعی فرهنگ غرب را بشناسانند و با ارتباط صمیمی با جوانان ، از مشکلات آگاه گردند، همچنین برای رویارویی با تنگناها چاره جویی نمایند و فرهنگ غنی اسلامی را به رخ جهانیان بکشانند

در عین حال باید حجم گسترده تهاجم فرهنگی و ابعاد مختلف آن را نیز در نظر داشت که مقابله با آن کار ساده و آسانی نخواهد بود . البته کارهای صورت گرفته را نیز با توجه به موانع موجود نباید کوچک و حقیر دانست.

### **علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست؟**

#### **پرسش**

علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست؟

#### **پاسخ**

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که در حقیقت پیروزی اسلام بر سردمداران کفر جهانی بود و به دنیانشان داد که دین مخصوصاً اسلام می تواند به عنوان یک قدرت جهانی علیه زورمداران دنیا عرض اندام نماید و درمقابل قدرت ها بایستد، قدرتمندان سیاسی دنیا مخصوصاً غرب در صدد برآمدن در مقابل این فرهنگ بایستند یا آن را نابود کنند یا جلوی گسترش آن را بگیرند و یا آن را از کارایی بیاندازند. در هر مورد هجوم هایی بردند، که امروز نیز با نوعی شدیدتر و برنده تر، تهاجم فرهنگی علیه انقلاب اسلامی ادامه دارد.

امروز به اعتباری می توان گفت صاحبان قدرت های برتر نظامی و صنعتی ، مغول های ضد فرهنگ عصر حاضر و صلیبیون قرن اتم اند، اما به جای شیهه اسب ها و برق شمشیرها و ، شیهه بی امانی است که از حلقوم رادیو و تلویزیون ها بر می آید و بر خیره کننده ای است که از چشم دوربین ها ساطع می شود و غبار عالمگیری است که از موج ماهواره ها بر می خیزد. ماهواره ها و دکل ها همهء نقاط زمین را هدف بمباران فرهنگی قرار داده و از این طریق تسلط خود را بر رگ و ریشه و مغز انسان ها وارد می کنند.

امروز صاحبان قدرت های برتر صنعتی و نظامی در قرن بیستم دجال های عصرند. از هر نای آنان آوازی ، همگان را شیفته خود کرده ، چندان که گاه بسیاری از فرهنگ سازان رافرخته خویش می سازد. کسانی که در برابر ظواهر پر جذبهء غرب ، خودباخته

اند و فرهنگ را با فرهنگ یکی دانسته اند، قدر و قیمت فرهنگ اسلام و ایران و اصولاً نقش و تأثیر آن در گذشته و حال را نمی دانند یا اگر اندکی بدانند، احساس حقارتشان در پیشگاه تمدن صنعتی و تکنیکی غرب و گاه کینه توزی هایی که گاه نسبت به فرهنگ و سنن خود داشته و دارند، آنان را از پذیرش حقیقت باز می دارد.

تهاجم فرهنگی به این معنا است که : دشمن می خواهد منابع قدرت مسلمانان را تحت سلطه خویش قرار دهد ، از این رو برای وصول به مقصود خود، حمله و هجوم را آغاز کرده است .

هر هجوم و تهاجمی دارای شکل خاص و ابزار ویژه ای است ، همچون ابزار نظامی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی که ابزار فرهنگی گاه به عنوان مقدمه ، گاه متمم و مکمل به کار برده می شود.

تهاجم فرهنگی، یعنی دشمن ابزارهای غیر نظامی و غیر اقتصادی و غیر سیاسی را به کار می گیرد تا افکار و آرای مردم را برای پذیرش هجوم ناگهانی یا نفوذ تدریجی به منظور تصرف و تملک منابع و منافع مادی و معنوی آنان مهیا کند.

راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی :

مبارزه با غرب زدگی و روشنفکری غربی : مردم مخصوصاً جوانان باید بدانند در انقلاب مشروطیت و دیگر انقلاب ها بزرگ ترین ضربه ای که انقلاب ها و مردم خوردند، از روشنفکر مآبانی بود که دل در گرو غرب و آمریکا داشتند. آنان با نوشتن مقاله ها و تأسیس روزنامه ها و اهانت به علما و روحانیون و پایین آوردن اعتبار احکام اسلامی ، بزرگ ترین ضربه را بر انقلاب مشروطیت

و دیگر نهضت‌ها زدند.

از نوشته‌های جلال آل احمد بر می‌آید: روشنفکر ایرانی وارث بدآموزی‌های صدر مشروطه بدآموزی‌های روشنفکران قرن هیجده و نوزده فرنگ است. مخالفت و ضدیت با مذهب و روحانیون است. از این رو روشنفکران غالباً در دعوی میان روحانیت و حکومت، طرف حکومت را گرفته‌اند. آخرین بار در قضیه ۱۵ خرداد ۴۲؛ از قضیه تحریم تنباکو بگیر تا کشتار بیرحمانه ۱۵ خرداد. در تمام صدساله اخیر روشنفکر ایرانی، مردد میان حکومت و مردم و نومید از بی‌خبری عوام و خسته از تحجر برخی روحانیون، در آخرین دقایق، طرف حکومت را گرفته است.

روشنفکر مآبان همیشه عقده نداشتن پایگاه در جامعه و میان اکثر مردم، آنان را آزار و اذیت نموده و وادار کرده دست به قلم بزنند و با نوشتن و ایجاد شبهه و تردید، دل‌ها را خالی کنند و به آرزوی دور و دراز دامن بزنند.

روشنفکر غرب زده چون دید در حضور مذهب و علمای دین، کاری از او ساخته و حرفی از او شنیده نیست، ناچار لامذهبی‌اش تحریک شد و احکام اسلامی را که بر پایه قرآن و سنت نهاده شده است، مورد شک و تردید قرارداد.

اینان به یک جا وابسته نیستند؛ یک دسته به فرهنگ فرانسه و دسته دیگر انگلیس، دسته دیگر امریکا یا به آلمان دل بسته و شیفته فرهنگ آنان هستند.

بهایایی‌گری، فراماسونری، کسروی‌بازی، زردشتی‌بازی، فردوسی‌بازی، حزب‌گرایی مطبوعات، مجامع ادبی و هنری، کلوپ‌های بولینک و سونادار و جمع‌کننده تفنن و سیاست

و معامله و امثال این ها را می توان پاتوق این گونه روشنفکران دانست . ضدیت با مذهب و ملیت و بیگانگی با محیط بومی و از خصایص روشنفکران غرب زده است . (۱)

ابر قدرت ها در تهاجم حساس و سرنوشت ساز فرهنگی ، سراغ گروهی از روشنفکران رفتند؛ آنان که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح حساب شده ، استعمارگران را کمک کنند و آگاهانه یا ناآگاهانه مجری سیاست قدرت ها باشند. استعمارگران ابتدا تعدادی از روشنفکران مزدور را به کار گرفته ، حرکت را آغاز کردند، سپس بسیاری از روشنفکران مذهبی بدون توجه به نقشه های شیطانی ابر قدرت ها، تنها با احساس مسئولیت برخاسته از داوری های شخصی در برابر کاستی های موجود در جامعه اسلامی ، به این حرکت شیطانی حساب شده دامن زدند و طرح های استعماری زیادی را به کار گرفتند، مانند:

۱ سیاست مذهب علیه مذهب ؛

۲ سیاست دین سازی ؛

۳ سیاست ایجاد جنگ بین علم و دین ؛

۴ سیاست تحقق تفکر التقاطی اختلاط اصول اسلام با دیگر مکاتب مادی و غربی ؛

۵ سیاست براندازی دین .

از بُعد سیاست ایجاد تضاد و جنگ بین علم و دین ، با روش های فرهنگی و علمی بسیار ظریف و حساب شده ، به محافل دانشگاهی و فرهنگی ، تئوری ها و فرضیه های علمی مکاتب غربی و شرقی را به دروس دانشگاهی راه دادند و توسط برخی اساتید روشنفکر، به این طرح و نقشه شیطانی دامن زدند که : علم روز مخالف مذهب و مذهب مخالف علم است ! تا بتوانند بر ضد مذهب و روحانیون ، دانشجویان را

بسیج نمایند.

سیاست تفکر التقاطی توسط روشنفکران مذهبی، به عنوان اسلام و مذهبی نو، متناسب با مکاتب شرق و غرب که هم غربی و هم مسلمان باشیم، هم مذهب بماند و هم غرب پسندانه باشد، هم به مذهبی ها بگویند با شما ایم و هم به روی غرب و شرق لبخند بزنند.

اینان نمی دانستند اگر علمای دین و روحانیت و فقهای شیعه را که سنگربان اسلام و انقلاب و کشورند، تضعیف کنند و به انزوا بکشانند، دشمن سود خواهد برد.

برخی از روشنفکران با تز <اصالت خرد و اندیشه > و بعضی با تز جدایی دین از سیاست و برخی با عقیده <فداست روحانیت به این است که در کارهای مملکت دخالت نکنند > یا <بازسازی دین > و یا <هر چه علما از دین می فهمند، برداشت های خودشان می باشد و غیر از دین است > و یا <دین و شریعت، معرفت بشری است و هر روز در حال تغییر و دگرگونی است / پس می توان با توجه به ضرورت های زمان، شریعت را قبض و بسط نمود و مطابق فرهنگ روز، شریعت اسلامی را بازسازی کرد > و <دین نه تنها افیون ملت ها، بلکه دولت ها است > و <دوران دین سپری شده > و مبارزه و ایجاد بدبینی با احکام اسلامی، از قبیل <لایحه قصاص، انسانی نیست >، <هم جنس گرایی و خودارضایی جنسی (آنانیسم) یک ضرورت برای نسل جوان است و آن چه در رساله های عملیه آمده، مبنای علمی ندارد > و مبارزه با شخصیت های سیاسی و علمی روحانی و مشوه جلوه دادن آنان در

سطح گسترده، از فعالیت های روشنفکران مذهبی و غیر مذهبی است که خطر بزرگی برای انقلاب و امنیت و استقلال کشور است.

اگر روشنفکران به وحی و قرآن و اصول مسلم اسلام و معیارهای روشن اجتهاد، آگاهی داشته باشند و دست از هوی و خود پرستی و غرور بردارند و به دانشمندان و فقها و عالمان متدین ارج بنهند و متوجه توطئه های دشمنان باشند و به مرزهای اسلام و تشیع یورش نبرند و احزاب و گرایش های سیاسی، وحدت و همدلی و تقوای الهی را حفظ کنند، خواهند توانست در برابر دشمن، سدی محکم و برای اسلام و کشورشان مفید باشند و استقلال کشور را که ثمره خون هزاران شهید مظلوم و فداکار و زحمات طاقت فرسای علمای دین از سال ها قبل تا کنون بوده، محافظت کنند. (۲)

البته راه های دیگری نیز برای مبارزه با تهاجم فرهنگی هست، از جمله:

۱ رسیدگی مسئولان به خواسته های فطری و طبیعی جوانان و زمینه سازی ازدواج آنان.

۲ جلوگیری از ورود فیلم ها و عکس های مستهجن و نوارهای مهیج، همان طور که مبارزه با مواد مخدر یک امر معقول و پسندیده است.

۳ ایجاد شغل.

۴ توجه جوانان به اشتغال، حتی شغل های مشکل و سخت و بی توجهی به شغل های کاذب و غیر مفید.

۵ توجه و دقت نظر در کلمات امام راحل (ره) و عنایت به وصیت های ایشان و پیروی از منویات رهبر معظم انقلاب. امام (ره) فرمود: <پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت آسیبی نرسد.>

۶ حفظ تقوا با مطالعه کتاب های اخلاقی

قرائت قرآن , مناجات , رفتن به مساجد و اجتماعات , مطالعه کتاب های روایی از قبیل اصول کافی , تحف العقول و دیگر کتب مفید.

۷ مطالعه تاریخ انقلاب ها و علل شکست آن ها و عوامل تسلط بیگانگان .

۸ پرهیز از خواندن نوشته های افراد سیاسی و روشنفکر مآبی که مورد تأیید دشمنان اند.

خداوند ما را از شرور نفسمان و انقلاب اسلامی را از گزند حوادث مصون دارد.

پی نوشت ها :

۱. جلال رفیع , فرهنگ و مهاجم فرهنگ مولد, ص ۱۹۲ به بعد, با تلخیص و تصرف .

۲ . محمد دشتی , مذهبی روشنفکری , با تلخیص و تصرف .

**در روستایی زندگی می کنم که پر از خرافات و عقاید بیهوده است لطفاً مرا راهنمایی کنید؟**

**پرسش**

در روستایی زندگی می کنم که پر از خرافات و عقاید بیهوده است لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

**پاسخ**

تمامی مطالبی که در نامه به آن اشاره کرده اید، همان طور که خود یادآور شده اید، خنده آور است و برخاسته از عادات موهوم و خرافات بیهوده ای می باشد که نه مبنای عقلی و نه مبنای شرعی دارد، بلکه مستند به عملی است که از گذشتگان به یادگار مانده است. این صفات را می توان حالت دین جوئی انحرافی مردم دانست.

مردم آن منطقه با این کارها بی جهت خود را مشغول کرده و از اهداف اصلی زندگی شان بازمانده اند.

مطالب ذکر شده انسان را به یاد سخنان بیهوده و خرافی پیش از اسلام می اندازد . عربستان برای بارش باران چوب های درخت را به دم گاو می بستند، گاو را به بالای کوه می راندند، سپس چوب ها را آتش می زدند، وقتی چوب ها شعله ور می شد، گاو بر اثر سوختگی شروع به دویدن و نعره زدن می کرد. آنان این عمل غیر انسانی جاهلانه را به عنوان تشبیه به رعد و برق آسمان انجام می دادند! شعله را به جای برق و نعره گاو را به جای رعد می پنداشتند و این عمل را در بارش باران مؤثر می دانستند! (۱) تاریخ پیش از اسلام پر است از این مسائل بیهوده.

اسلام در آغاز ظهور با تمام قدرت با این شیوه های غلط به مبارزه برخاست و درصدد برآمد فکر مردم را از اوهام و خرافات و

عقاید بی اساس برهاند و آنها را به پیروی از عقل و منطق متوجه سازد.



متأسفانه برخی اوهام و خرافات طوری در اذهان بعضی مردم رسوخ می کند و آنها را اسیر می نماید که به سختی می توان آنها را برطرف کرد. از این رو بر مبلغان اسلام و آگاهان لازم است مردم را در مناسبت های مختلف با مسائل اسلامی آشنا کنند و به آنان بگویند که بنده حقیقت باشند، نه بنده افسانه و خرافات. نیز موهومات و خرافات را از ذهنشان بزدايند و افکارشان را به حقایق نورانی اسلام روشن کنند. در اسلام تمامی دستورها و آداب مربوط به زندگی بشر ( که به آن نیاز دارند) وجود دارد. می باید به آنان فهمانده شود زنده کننده و میراننده فقط خدا است و سعادت و خوشبختی تنها در پیروی از دستورهای خدا و پیغمبر و امامان معصوم است.

گاهی برخی از حوادث اتفاق می افتد که انسان های خیال پرداز و خرافی آنها را به چیزهای خاصی نسبت می دهند، مانند همان داستان مسافرت یک روز به عید مانده، در حالی که چیزی جز خرافات نیست. هزاران انسان یک روز مانده به عید مسافرت می کنند، اما برای آنها اتفاقی نمی افتد یا اگر تصادفی پیش آید، مانند روزهای دیگر سال است.

بسیاری از موارد، مطابق عقیده خرافی نمی باشد اما انسان های خرافی هیچ گاه توجه نمی کنند و تنها یک مورد ( که آن هم دلیل خاص و منطقی دارد) وقتی اتفاق می افتد، آن را به عقیده خرافی خود ربط می دهند.

گاهی اوقات مردم مناطق مختلف دنیا یا حتی یک کشور، عقاید خرافی متضاد دارند، مثلاً یکی حادثه ای را شوم

می پندارند و دیگری خوب و نیک! این نیز نشانه آن است که چیزی جز خرافات نیست؛ زیرا چگونه می تواند هر دو عقیده ناهمگون و متضاد درست باشد، در حالی که قانون علیت و سنت الهی در همه دنیا و

جهان هستی به یک صورت عمل می کند؟!

پی نوشت ها :

۱ - فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۵۹.

۲ - مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۵، ص ۱۰۹.

۲۱

## راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

### پرسش

راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

### پاسخ

۱ شناختن ارزشها و ضد ارزشها از دیدگاه اسلام و نظر فقه و فقها و تمسک محکم و ثابت به انجام ارزشها و ترک ضد ارزشها و به عبارت دیگر معیار قراردادن تعالیم مأخوذه از فقه جواهری در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی و تنظیم کل روابط بر اساس راهنماییهای فقهی.

۲ تبلیغ و ترویج و تشویق همگان بر محافظت بر این ارزشها به وسیله سخنرانیها و مطبوعات و جراید و همه رسانه های گروهی.

۳ نشان دادن عکس العملهای منفی مناسب نسبت به برنامه ها و افرادی که این ارزشها را هتک و به قداستهای اسلامی آنها بی اعتنایی می نمایند و یا ضد ارزشها را به کار می گیرند و نیز نشان دادن عکس العملهای مثبت و تحسین برانگیز نسبت به بانوان و مردانی که ارزشها و آداب اسلامی را احترام می نمایند و به آنها متعهدند.

۴ تأکید بر اسلامی بودن نظام آموزش و پرورش و تربیت جوانان بر اساس هدایتهای عالی اسلام و گزینش اساتید و دبیران و آموزگاران شایسته و متعهد و مؤمن به فرهنگ اسلام.

۵ سالم ساختن محیط گردشگاهها و پارکها و فرهنگسراها از ظواهر مخرب اخلاق، مثل: ارکستر و موسیقی و اختلاط زن و مرد و بدآموزیهای مختلف.

۶ ترویج فرهنگ استقلال و اعتماد به نفس و تجلیل از شعائر اسلام و تحقیر وابستگی به کفار و تقلید از آداب و عادت آنها.

۷ تبیین و تبلیغ مفاسد مکتبهای مضره و فرهنگهای مادی و ضد ایمان به خدا و اصالت اخلاق و معنویات و مضار مدنیت منهای دین، و پوچی و پوسیدگی آن و ارشاد همگان، خصوصاً دانشجویان، به

فواید و مصالح اسلام گرایی و تعهد دینی و کمالات حقیقی انسانی.

۸ نشر و تبلیغ سیره انبیا، خصوصاً سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرين عليهم السلام و دعوت به تأسی به آن بزرگواران در مظاهر زندگی.

۹ بیان و تفهیم این حقیقت ناب، خصوصاً به جوانان که مدتیت صناعی غرب معلول بی ایمانی و بی اعتنائی آنها به مبانی اخلاقی نیست و توجه به ترقی صنعتی و کسب علوم مادی با تمسک به دین و اخلاق در کمال توافق و سازگاری بوده و بلکه مکمل یکدیگرند؛ و سعادت حقیقی برای جمیع افراد بشر در سایه کمال او در این دو ناحیه فراهم خواهد شد. و استفاده درست و صحیح از علم و صنعت و همه نعمتهای مادی به طوری که موجب ظلم و تظلم و استضعاف و استکبار نشود، فقط در پرتو ایمان به خدا و اخلاق حقیقی حاصل خواهد شد.

۱۰ بالا-خره با پشتیبانی همه، به خصوص صاحبان مقامات و علمای اعلام و ارباب سخن و اهل قلم و سایر اقشار و مؤمنین از فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، و نظارت بر اجرای احکام الله و سد ابواب ورود فرهنگ بیگانه، به طوری که هر مسلمان آگاه و متعهد، همه جریانها و سازمانها و مطبوعات و نوشته ها و کتابها و رسانه های گروهی و سیره و روش و تمام مقامات و رفت و آمدها و کیفیت برخوردها را در رابطه با این تهاجم فرهنگی زیر نظر داشته باشد.

## راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

### پرسش

راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

### پاسخ

۱ شناختن ارزشها و ضد ارزشها از دیدگاه اسلام و نظر فقه و فقها و تمسک محکم و ثابت به انجام ارزشها و ترک ضد ارزشها و به عبارت دیگر معیار قراردادن تعالیم مأخوذه از فقه جواهری در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی و تنظیم کل روابط بر اساس راهنماییهای فقهی.

۲ تبلیغ و ترویج و تشویق همگان بر محافظت بر این ارزشها به وسیله سخنرانیها و مطبوعات و جراید و همه رسانه های گروهی.

۳ نشان دادن عکس العملهای منفی مناسب نسبت به برنامه ها و افرادی که این ارزشها را هتک و به قداستهای اسلامی آنها بی اعتنائی می نمایند و یا ضد ارزشها را به کار می گیرند و نیز نشان دادن عکس العملهای مثبت و تحسین برانگیز نسبت به بانوان و مردانی که ارزشها و آداب اسلامی را احترام می نمایند و به آنها متعهدند.

۴ تأکید بر اسلامی بودن نظام آموزش و پرورش و تربیت جوانان بر اساس هدایتهای عالی اسلام و گزینش اساتید و دبیران و آموزگاران شایسته و متعهد و مؤمن به فرهنگ اسلام.

۵ سالم ساختن محیط گردشگاهها و پارکها و فرهنگسراها از ظواهر مخرب اخلاق، مثل: ارکستر و موسیقی و اختلاط زن و مرد و بدآموزیهای مختلف.

۶ ترویج فرهنگ استقلال و اعتماد به نفس و تجلیل از شعائر اسلام و تحقیر وابستگی به کفار و تقلید از آداب و عادت آنها.

۷ تبیین و تبلیغ مفاسد مکتبهای مضره و فرهنگهای مادی و ضد ایمان به خدا و اصالت اخلاق و معنویات و مضار مدنیتهای دین، و پوچی و پوسیدگی آن و ارشاد همگان، خصوصاً دانشجویان، به

فواید و مصالح اسلام گرایی و تعهد دینی و کمالات حقیقی انسانی.

۸ نشر و تبلیغ سیره انبیا، خصوصاً سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرين عليهم السلام و دعوت به تأسی به آن بزرگواران در مظاهر زندگی.

۹ بیان و تفهیم این حقیقت ناب، خصوصاً به جوانان که مدتیت صنایع غرب معلول بی ایمانی و بی اعتنائی آنها به مبانی اخلاقی نیست و توجه به ترقی صنعتی و کسب علوم مادی با تمسک به دین و اخلاق در کمال توافق و سازگاری بوده و بلکه مکمل یکدیگرند؛ و سعادت حقیقی برای جمیع افراد بشر در سایه کمال او در این دو ناحیه فراهم خواهد شد. و استفاده درست و صحیح از علم و صنعت و همه نعمتهای مادی به طوری که موجب ظلم و تظلم و استضعاف و استکبار نشود، فقط در پرتو ایمان به خدا و اخلاق حقیقی حاصل خواهد شد.

۱۰ بالا-خره با پشتیبانی همه، به خصوص صاحبان مقامات و علمای اعلام و ارباب سخن و اهل قلم و سایر اقشار و مؤمنین از فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، و نظارت بر اجرای احکام الله و سد ابواب ورود فرهنگ بیگانه، به طوری که هر مسلمان آگاه و متعهد، همه جریانها و سازمانها و مطبوعات و نوشته ها و کتابها و رسانه های گروهی و سیره و روش و تمام مقامات و رفت و آمدها و کیفیت برخوردها را در رابطه با این تهاجم فرهنگی زیر نظر داشته باشد.

### در مقابل تهاجم فرهنگی در دانشگاه ها، چه فعالیتی می توان داشت ؟

#### پرسش

در مقابل تهاجم فرهنگی در دانشگاه ها، چه فعالیتی می توان داشت ؟

#### پاسخ

تهاجم فرهنگی ابعاد مختلفی دارد و در محیط دانشگاهی از راه های ویژه ای انجام می گیرد؛ برخی از آن راه ها عبارت است از: الف - ایجاد دگرگونی در نظام فکری و اعتقادی. این برنامه از طریق استفاده های نادرست فلسفی و نظری از ره آوردهای علمی و القای علمی بودن برخی از آموزه های مغایر با جهان بینی دینی صورت می پذیرد. ب - القای نگرش های معرفت شناختی، جامعه شناختی، روان شناختی و تفکرات سیاسی و اجتماعی غربی و بیرون راندن اندیشه های دینی از عرصه های فوق و تبلیغ خالی بودن دین از محتویات مربوط به این ساحت ها. ج - کم رنگ سازی ارزش های اصیل و پایدار دینی و تبلیغ نسبییت و تاریخ مندی اصول ارزش ها و تبعیت آن از ذوق و سلیقه های تجدد طلبانه قومی، ملی، نژادی و ... د - نفوذ در جریانات نقش گذار و تلاش در جهت ایجاد انحراف در مسیر آنان و کشاندن آنها به سوی حرکت های معارضه آمیز و سیاسی کاری به جای تلاش های انقلابی و اسلامی. در مقابله با مسایل فوق هر دانشجوی متعهد و با ایمان با سه جهاد پیگیر و پردامنه روبه روست: ۱- جهاد علمی و تلاش پیوسته جهت شناخت هر چه بیشتر اسلام و معارف آن و محتویات دین در عرصه

های مختلف و شناخت و درک درست مسایل سیاسی و اجتماعی . ۲- جهاد عملی در راستای تقویت بنیان معنوی و ایمانی  
خویش از طریق ارتباط پیوسته با

خدا، قرآن و پیشوایان دین . ۳-جهاد اجتماعی ؛ یعنی ، تلاش در جهت گستراندن نور معنویت در محیطدانشگاه و تقویت بخشیدن به آگاهی ، شعور و احساس دینی دردانشگاهیان .

### قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟

#### پرسش

قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟

#### پاسخ

همان طور که هر انسانی در طول زندگی تحت تاثیر عوامل مختلف درونی و بیرونی به نوسانات مختلف روحی دچار می شود، مثلاً "گاهی شاد و با نشاط است و گاه غمگین و کسل و افسرده خاطر می شود، به همین خاطر، از یک حالت روانی یکنواخت برخوردار نیست و با توجه به فضای روانی حاکم بر او و حوادثی که اتفاق می افتد، حالات روحی مختلفی بر وی غلبه می کند؛ به همان نحو، جامعه ای که انسان در آن زندگی می کند نیز با توجه به مقتضیات زمان و مکان ، حالات و اشکال مختلفی به خود می گیرد، مثلاً" در برهه ای از زمان مثل اوایل انقلاب و در زمان جنگ تحمیلی که فضای جبهه و شهادت در جامعه حاکم بود، وضع حجاب و پوشش خانم ها و آقایان و نیز خیلی چیزهای دیگر، بسیار مناسب و مطلوب بود و خیلی ها به خود اجازه نمی دادند این گونه که شما توصیف می کنید وارد جامعه شوند، اما در برهه ای دیگر از زمان مثل زمان بعد از جنگ و زمانی که ما اکنون در آن زندگی می کنیم با توجه به تبلیغات زیاد و زشتی که در رابطه با خیلی از ارزش های حاکم بر جامعه و از جمله حجاب و پوشش ، صورت گرفت مساله حجاب نهایتاً" به این صورت درآمد که شما ملاحظه می نمایید در برخی از شهرها بنابه دلایل محیطی و فرهنگی ، مواردی از بدحجابی دیده می شود



که این موضوع بیشتر از آنچه که به قوانین مربوط شود به فرهنگ عمومی جامعه و نیز نفوذ سبک های غربی ، ماهواره و نیز افراد غرب زده و از همه مهم تر،تهاجم فرهنگی گسترده ای که در جهان غرب علیه کشور ما به راه انداخته است ، مرتبط است و اصلاح آن نیز، نیازمند برنامه های درازمدت و دقیق فرهنگی است ، چرا که تنها وضع قوانین نمی تواند ضامن اجرای مقررات اسلامی باشد و همین مساله ، وظایف ما را به عنوان یک فرد مذهبی و دین دار دو چندان می کند؛ یعنی ، اولاً" ما در این جامعه ابتدا باید باخودسازی و تهذیب نفس مراقب و مواظب دین داری خودمان باشیم و ثانياً" برای جلوگیری از انحراف در جامعه و اشاعه فحشا در آن ، باید با امر به معروف و نهی از منکر جلو این انحراف را گرفت . اما راه کاری که برای بازدهی بهتر و بیشتر امر به معروف و نهی از منکر ارایه می دهیم این است که : ۱- سعی کنید افراد همفکر مذهبی را شناسایی کرده و با آنها رفت و آمد کرده و در حل مشکلات مشورت و از آنها کمک بگیرید . ۲- با اساتید معارف و اساتید متدین و دلسوز رابطه تان را زیادتر کرده و از رهنمودهای آنها در زمینه های مختلف ، استفاده نمایید . ۳- سعی کنید به طور گروهی و متشکل به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقاً"فراگیرید . ۴- باید امر به معروف و ناهی از

منکر خود را به زیور اخلاق و التزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند. ۵- در صورتی که احساس می کنید چنین نابسامانی های فرهنگی باعث به خطا افتادن و گناه شما می شود و امکان ازدواج هم برایتان فراهم می باشد، برای کنترل غریزه جنسی خود، ازدواج کنید تا کمتر دچار خطر لغزش شوید. ۶- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. ۷- عدم تاثیر آنی و فوری نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد، چرا که دشمنان ما با اجرای برنامه های درازمدت توانستند به این حد از پیشرفت در کارشان برسند. ۸- با مطالعه آیات قرآنی و زندگی پیامبران و مخصوصاً " زندگی پیامبر اسلام و ایامه اطهار (ع) و تحمل مشقت ها و سختی هایی که آنها در زندگی کشیدند، میزان صبر و بردباری خود را افزایش داده و بدانید که یک فرد مذهبی برای رسیدن به هدف، نباید از حرف های نابخردانه و غیرمنطقی بعضی ها، دچار سستی و خدای ناکرده دچار یاس و ناامیدی شود. به خدا توکل کرده و در راه انجام این مسوولیت سنگین از او کمک و مدد بخواهید. ۱

**با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظایف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟**

**پرسش**

با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظایف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟

**پاسخ**

مساله تهاجم فرهنگی از معضلات اجتماعی عصر حاضر در کشورهای جهان سوم خصوصاً کشورهای اسلامی است که به علت پیچیدگی و آمیخته بودن آن با مسایل دیگر اجتماعی راه مقابله با آن بسیار دشوار است آنچه که به طور کلی می توان ابراز داشت این که باید تمامی امکانات در راه استقرار ارزش های اسلامی و ملی به کار گرفته شود و تمام دین داران با مایه گذاشتن از امکانات خود در این راه به مبارزه پردازند مبارزه ای که از یک سو جنبه تولیدی دارد ( یعنی تولید برنامه ها و به کار گرفتن ابزارهای لازم در این مورد ) و از سوی دیگر مبارزه منفی و تحریم آنچه که در صدد کندن بنیان های اعتقادی و دینی جامعه است . به هر ترتیب افزونی آگاهی ها و بینش سیاسی و اجتماعی به وسیله مطالعه تفکر و ارتباط مداوم با قرآن و مکتب اهل بیت (ع) زیربنای مبارزه با تهاجم فرهنگی است. ۱

**در مقابل تهاجم فرهنگی، چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟**

**پرسش**

در مقابل تهاجم فرهنگی، چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟

تقویت ایمان و عقیده راه های متعددی دارد از جمله : ۱- بالا بردن سطح شناخت و آگاهی های دینی . در این زمینه گسترش مطالعات و تحقیقات دینی با برنامه ریزی های هدایت شده و منظم بسیار ضروری است . ۲- گسترش فعالیت های فرهنگی و تبلیغاتی با شیوه هایی نو و جذاب . ۳- تقویت جلسات و برنامه های مذهبی و هر چه با شکوه تر و پرمحتواتر برگزار کردن آنها .

### برای جلوگیری از فساد، در جوانان شهرستانی چه پیشنهادی می شود؟

#### پرسش

برای جلوگیری از فساد، در جوانان شهرستانی چه پیشنهادی می شود؟

#### پاسخ

درباره چنین کار ارزشمندی چند راهکار هست. راهکارهای کوتاه مدت و دراز مدت.

۱. راههای کوتاه مدت مثل تشکیل کلاس عقیدتی، قرآن(قرائت، حفظ، تشویق) جذب نمودن مراکز فرهنگی سالم مثل مساجد و ارتباط دادن جوانان با مراکز فرهنگی خارج از شهرستان همانند مؤسسه در راه حق برای پاسخگویی و مشاوره.

۲. راهکار دراز مدت: این روش گرچه ممکن است دیر به نتیجه برسد. اما درست ترین راه است. و مهم این نیست که زود برسیم بلکه درست رسیدن مهم است.

این روش نیز به دو شکل میسر است.

الف) احساس مسئولیت و اقدام از طرف خود ما، یعنی افراد دلسوز به این ترتیب که توانمندی دینی را کسب کنیم و از طریق ارتباطهای فردی با جوانان، فکر دینی را به آنان منتقل نماییم، سپس با ایجاد جمع های مذهبی تحت عنوان هیئت ها و اجتماعات صمیمی آنان را پیوند داده و سپس این ارتباط را به وسیله کارهای جمعی مثل زیارت کاروان، و تفریحات سالم دوستانه(در شکل ورزش، مسابقه) تغذیه کنیم.

برای چنین حرکت عمیقی خودمان باید سه مرحله را طی کنیم، سازندگی فکری (شناخت) سازندگی روحی(ایمان قلبی) داشتن طرح عملی.

پس یک مطالعه روی روشها الزامی است.(مثل کتاب روش سازندگی نسل جوان سید کاظم ارفع - مسئولیت و سازندگی،

ب) دعوت از روحانیون توانمند از خارج شهرستان و تشکیل جلسات پرسش و پاسخ و ایجاد ارتباط نزدیک با این عزیزان.

۴

و چنانچه در خود شهرستان موجود باشند چنین سازماندهی به نتیجه می رسد.

البته یکی از تمهیدات عملی، همانا استفاده از روحانیون اعزامی، در مناسبت های سال است

و ماه مبارک که زمان طولانی تربیت، بهتر است. بدیهی است باید در کار از روحانیونی استفاده شود که در این کار تجربه لازم را دارند شایان توجه است که چنین کارهای عظیم و ارج داری نیازمند صبر و عشق و استمرار و یقین به حمایت قطعی خداوند است. «ولینصرن الله من ینصره» (۱) خداوند حتماً کسانی را که او را (دین را) یاری می کنند، نصرت می نماید.»

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره حج.

۵

## بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

### پرسش

بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

### پاسخ

تهاجم فرهنگی از سه محور حرکت خویش را سامان داده و شروع به تخریب می کند:

۱. بینش ها و باورها.

۲. ارزش ها و گرایش ها.

۳. رفتارها و کردارها.

در مورد اول مثلاً می گویند معنویات، خیالات است. معاد و وحی و روح تجربی نیستند!

در مورد دوم می گویند ارزش ها و وسیله با خود ما آدم ها تعیین می شوند و اعتباراتی بیش نیستند و می توانند تغییر کنند.

در مورد سوم نیز اعمال اسلامی را با تمسخر و یا روشهای دیگر کم رنگ می کنند و هویت ملی و دینی را نابود کرده و مدها و روش های متروک را زنده می کنند.

در اینجا دو راهکار داریم:

۱. راهکار ریشه ای.

۲. راهکار سطحی.

راهکار سطحی همانا تحریک احساسات و عواطف و روش های تکراری و کهنه است اما راهکار ریشه ای همانا ترویج ارزش هاست با هر وسیله، با گفتگو، تبلیغ فیلم، هنر. که در چند محور خلاصه می شود:

۱. آگاه نمودن مردم از اهداف فرهنگ سازان غربی.

۲. هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب.

۶

۳. ترویج ارزش های معنوی.

۴. آگاهی بر مواضع کار و به کارگیری زبان مناسب. یعنی فرق دبستان، با دبیرستان و دانشگاه بر ایمان روشن باشد و مناسب را رعایت کنیم.

۵. تکیه بر منابع اصیل دینی قرآن و سیره اهل بیت ((علیهم السلام)).

(بخش پاسخ به سؤالات)

۷

**دلیل اینکه ارزشهای دینی و فرهنگی ما کم رنگ شده اند چیست و چه کاری باید برای بهبود آن انجام شود.**

**پرسش**

دلیل اینکه ارزشهای دینی و فرهنگی ما کم رنگ شده اند چیست و چه کاری باید برای بهبود آن انجام شود.

**پاسخ**

آیه الله مصباح در این زمینه فرموده اند: انسان موجودی است که از درون تحت تاثیر عواطف و احساسات است و از بیرون نیز متأثر از عوامل گوناگونی است این عوامل بیرونی عواطف و گرایش های انسان را جهت می دهند و به هر میزان که فربه تر باشند از قدرت بیدار کردن عواطف و جهت دهی بیشتری نیز برخوردار خواهند بود حال با توجه به این مقدمه باید عوامل کم رنگ شدن ارزشها را نسبت به اوائل انقلاب و دوران جنگ چنین گفت: ۱- تغییر شرائط حاکم بر جامعه، ۲- نبود تصویری روشن از دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس. ۳- وجود مشکلات معیشتی و تحصیلی ۴- مشکل اشتغال و ازدواج ۵- تغییر سیاست استکبار در مقابله با نظام اسلامی از تهاجم نظامی به تهاجم فرهنگی و ساماندهی آن در اشکال مختلف از جمله شبهه

افکنی در مسائل عقیدتی که با در نظر گرفتن عدم غنای فکری دینی جوانان و سوء استفاده از احساسات و عواطف آنان صورت میگیرد... " و در ارتباط با اینکه چه باید کرد که وضعیت فعلی بهبود یابد ایشان می گویند:

به نظر می رسد کارآمدترین راه این است که دست اندرکاران امور فرهنگی کشور از موقعیت عاطفی دوران جوانی کمال استفاده را بکنند و آنرا زمینه تقویت قوای فکری و عقلانی جوانان قرار دهند و به شناخت آنها عمق بخشند- لذا باید با تدوین کتب و نشریات فرهنگی از یک سو و از سوی دیگر برنامه ریزی و تشکیل جلسات منظم و

ارتباط مستقیم که جوانان براحتی پرسشهای خود را مطرح کنند و پاسخ در خور را بیابند. شرایطی فراهم کرد تا نگرش و بینش جوانان بالنده و در مقابل هجمه های دشمنان بیمه شوند.

## فرهنگ سازی

دوست دارم در مورد مفهوم توسعه فرهنگی و نقش فرهنگ در توسعه در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران بعد از اسلام و قبل از اسلام و مخصوصا عوامل و موانع توسعه فرهنگی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی به دلیل جدید بودن مطلب توضیحاتی داده شود و به عبارتی آیا می شود گفت در

### پرسش

دوست دارم در مورد مفهوم توسعه فرهنگی و نقش فرهنگ در توسعه در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران بعد از اسلام و قبل از اسلام و مخصوصا عوامل و موانع توسعه فرهنگی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی به دلیل جدید بودن مطلب توضیحاتی داده شود و به عبارتی آیا می شود گفت در طول چه شاخص هایی را می توانیم در این زمینه مطرح کنیم تا باعث رشد فرهنگ ما در سطح ملی و پایین اسلامی شود؟

### پاسخ

بررسی و ارائه پاسخی دقیق به ابعاد مختلف این سؤال، نیازمند ارائه پژوهش و تحقیقی ژرف است که از حوصله یک نامه خارج می باشد از این رو به اختصار نکاتی را بیان می نمایم:

الف- مفهوم توسعه فرهنگی:

مقصود از توسعه فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آن و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان ها و آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه می باشد. توسعه فرهنگی با تأکید بر هویت فرهنگی، بهینه سازی شرایط فرهنگی و رشد کمی و کیفی مسایل مربوط به خود را نوید می دهد و به اخلاق و آداب و سنن جامعه بهبود می بخشد و بر رونق بازار فنون و دانش و تکنیک می افزاید (ارزش ها و توسعه، محمد نقی نظرپور، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۲).

عنصر فرهنگ، محور توسعه فرهنگی می باشد، بر این



اساس فرهنگ، مجموعه پیچیده ای است در بردارنده اطلاعات، باورها، هنرها، اخلاق و دین، قوانین، آداب و رسوم و هرگونه توانایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد و در قبال آن تعهداتی را بر عهده دارد (تایلور، به نقل از داریوش آشوری، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

به طور کلی همه فرهنگ ها را در دو نوع مادی و الهی می توان تقسیم بندی کرد:

۱. فرهنگ مادی: این فرهنگ بر پوچ انگاری ارزش های الهی و انسانی بنا نهاده شده است. در این فرهنگ، جنبه انسانی انسان به فراموشی سپرده شده است و آدمی تنها به عنوان موجود مادی ارزیابی می شود. چنین فرهنگی، پیروان خویش را برای به دست آوردن رفاه بیشتر، آزادی و بهره وری افزون تر از غرایز و سودپرستی به جنبش در می آورد، در فرهنگ مادی، هدف وسیله را توجیه می کند، بنابراین برای رسیدن به هدف های مادی و بهره مندی هر چه بیشتر از مزایای زندگی، به هر وسیله ای دست می یازند و از هر شیوه ای سود می جویند. در پرتو چنین فرهنگی، بنیادهای اخلاقی جامعه فرو می ریزد، ارزش های انسانی کم رنگ و معضلات و ناهنجاری های اجتماعی فزونی می یابد و جامعه به سوی انحطاط و نابودی پیش می رود.

۲. فرهنگ الهی: این فرهنگ، انسان را آمیزه ای از پیکر و روان آسمانی می داند و فرهنگ اسلامی نشان دهنده کامل این فرهنگ است که هدف خود را دست یابی به کمال می داند که در پرتو وحی و آموزه های الهی به دست می آید. معیار برتری افراد را نیز پای بندی

به اصول ثابت اخلاقی می‌داند به فرموده قرآن کریم «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» ویژگی‌های فرهنگ اسلامی را می‌توان چنین برشمرد: خدامحوری، عدالت خواهی و مساوات، شایسته سالاری، مصلحت گرایی، مسئولیت فردی و اجتماعی، تقواگرایی، پاسداری از کرامت انسان (خط و مشی‌های سیاسی نهج البلاغه، محمد مهدی ماندگار، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱، صص ۱۷۳ - ۱۴۱).

بر این اساس وقتی صحبت از توسعه فرهنگی در جامعه اسلامی ما می‌شود؛ در واقع تعقیب فرایندی است که دگرگونی در حوزه‌های ادراکی، شناختی و گرایش‌هایی را که در ساختار جدید جامعه اسلامی مطلوب است، به دنبال داشته باشد. توسعه فرهنگی به هیچ وجه به معنای گسستن از فرهنگ گذشته نیست، بلکه بهینه‌سازی و شکوفایی عناصر اصیل فرهنگ اسلامی و ملی در سطوح مختلف جامعه و زدودن عناصر نامطلوب و ناشایست از آن می‌باشد. بنابراین هدف توسعه دیگر نمی‌تواند صرفاً اقتصادی و بالا بردن نرخ رشد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه باشد بلکه اهداف کلی توسعه علاوه بر موارد مذکور فقرزدایی، ایجاد رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و تعادل منطقی‌ها و تعالی و الهی‌گونه شدن انسان‌ها می‌باشد (توسعه فرهنگی در جامعه ایران، مژگان حق خواه، ۱۳۸۲، باشگاه اندیشه جوان).

ب) توسعه فرهنگی در ایران:

ورود فرهنگ و تعالیم حیات بخش اسلام به ایران که با استقبال و پذیرش گرم ایرانیان همراه بود، تأثیرات بسیار درخشان در شکوفایی فرهنگ ایرانی داشته است تا آنجا که ایران را به عنوان مرکز تمدن درخشان اسلامی تبدیل نمود و آثار و نتایج بسزایی در تحول و پیشرفت سایر تمدن‌ها به جای گذاشت

(ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی ۱۳۸۲؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴).

اما متأسفانه چند عامل از توسعه و تکامل این فرهنگ جلوگیری کرد:

۱. انحرافات و کج اندیشی هایی که در فرهنگ اصیل اسلامی به وجود آمد.

۲. رسوبات و بقایای برخی عناصر فرهنگی غیر صحیح و ناسالم قبل از اسلام.

۳. عناصر فرهنگی وارداتی از مکاتب مادی غرب و شرق.

۴. ساختار مدیریتی و سیاسی ناسالم و مخالف و یا نا آشنا با فرهنگ اصیل اسلامی و...

مجموعه عوامل فوق باعث شد تا فرهنگ اصیل اسلامی نتواند در جامعه ایرانی به صورت کامل شکل گرفته و پویایی و بالندگی خود را در حد مطلوب حفظ و استمرار بخشد.

متأسفانه دوره قاجار و پهلوی به دلیل فساد شدید ساختار سیاسی، وابستگی و مرعوب شدن آن در مقابل فرهنگ و تمدن بیگانه، صدمه های عمده ای به فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی جامعه ما وارد شد و آن را در سرراشویی سقوط قرار داد، هر چند وقوع انقلاب اسلامی و تدابیر مسؤولین دلسوز در این روند وقفه ایجاد کرده و آن را معکوس نمود تا جایی که به حمدالله در بخش های زیادی از جامعه شاهد شکوفایی، رشد و پویایی فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی می باشیم و البته باز هم تأکید می نمایم تا زمانی که رگه هایی از دلایل فوق در جامعه خصوصاً بخش های اجرایی و تصمیم گیرنده نظام وجود داشته باشد و مجموعه ارکان نظام و جامعه به اجماعی واحد پیرامون اهمیت و اهتمام شدید به برتری فرهنگ اصیل اسلامی در مقابل

سایر فرهنگ‌ها نرسند، تعمیق و پویایی فرهنگ اصیل اسلامی در حد مطلوب در جامعه ممکن نخواهد بود.

در پایان مقاله ای به نام «امام خمینی و فرهنگ» نگاشته مصطفی شگری، باشگاه اندیشه ۱۳۸۲ آورده می‌شود:

### امام خمینی (ره) و فرهنگ

از دیدگاه امام خمینی (ره) فرهنگ اساس سعادت یا شقاوت یک ملت است و رستگاری هر جامعه از راه اصلاح و احیاء فرهنگی امکان پذیر است. از نگاه امام فرهنگ دارای دو ساحت اصلی است. نخست بعد فردی فرهنگ که با انسان و سعادت او ارتباط دارد و دیگری بعد اجتماعی فرهنگ که در عرصه حیات اجتماعی انسان‌ها حضور دارد. به هر روی با این نگاه فرهنگ موضوعی است ویژه انسان و ارتباطی وثیق با هدایت و تربیت او دارد. از نگاه ایشان فرهنگ سازنده و پیشرو در حوزه های فردی و اجتماعی سبب هدایت انسان‌ها و جامعه و تربیت الهی هر دو خواهد شد. ایشان با توجه به هر دو بعد فردی و اجتماعی فرهنگ، تأثیراتی عمیق بر هر دو ساحت فرهنگ اسلامی - ایرانی گذاشته اند، به گونه ای که الگوی تحول فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌تواند به تنهایی موضوع تحقیقی جامع و فراگیر باشد. ایشان در بُعد فردی مسائل فرهنگی سال‌ها به خودسازی و تربیت خویش و دیگران پرداختند و در قالب سلوک اخلاقی و عرفان عملی اسلام نمونه ای از انسان تربیت یافته الهی را به جهان امروز معرفی نمودند. جوانان بسیاری نیز در این نظام تربیتی که امام احیاگر آن بودند رشد یافتند و سیر الی... خویش را با مراد خود پیمودند و به عناصر اصلی انقلاب اسلامی تبدیل شدند. در ابعاد اجتماعی نیز تئوری

اصلاح فرهنگی امام در قالب انقلاب اسلامی معرفی و تبیین شده است. از نگاه امام فرهنگ مطلوب یک جامعه باید حاوی ۳ ویژگی زیر باشد:

۱. دارای یک نظام تربیتی برای رشد و تعالی انسان باشد.

۲. فعال، پیش رو و روزآمد باشد و هیچ گاه دچار تحجر، انفعال و غرب زدگی نشود.

۳. با محوریت فرهنگ خودی تأمین کننده استقلال فرهنگی باشد.

در ادامه سعی خواهیم نمود به تبیین این سه ویژگی از دیدگاه فرهنگی امام پردازیم:

۱. امام خمینی (ره) معتقد است تربیت الهی انسان اصل و اساس دعوت انبیاء و ادیان بزرگ جهان است. همانگونه که مسیح برای تربیت، عروج و رشد انسان مبعوث شد، پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز وظیفه تربیت و هدایت انسان ها را بر عهده داشت. بنابراین اساس فرهنگ دینی بر هدایت و تربیت انسان به سوی خداوند متعال شکل گرفته است. از نگاه امام اصلی ترین و اولی ترین نقش و وظیفه فرهنگ، تربیت انسان صالح است. ایشان در انتقاد از غرب و حکومت پیشین ایران در نادیده گرفتن این ضرورت فرهنگی می فرمایند:

"آنها فرهنگ ما را آن طور درست کرده اند که نگذاشتند انسان در آن تربیت پیدا کند. این ها نگذاشتند که جوانان ما رشد پیدا کنند. اینها در فرهنگ ما رخنه کردند و فرهنگ ما را به روزی انداختند که انسان نتواند در آن رشد پیدا کند." (۱)

ایشان اصل رشد و هدایت انسان به سوی خداوند متعال را نیز به عنوان اولین وظیفه دولت موقت ایران در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ میلادی) معرفی کردند و فرمودند:

"باید در این سال جدید عنایت زیادی شود اول به فرهنگ که این خیلی مهم است، این فرهنگ باید متحول شود، فرهنگ استعماری فرهنگ استقلالی شود

باید معلمان ما متناسب با فرهنگ ما انتخاب شوند و جوانان ما را به گونه ای صحیح تربیت کنند یعنی جوانان ما تربیت انگلی پیدا نکنند. چنان چه که تا به حال این گونه بوده که آنها را غربی بار آورده اند. این مسأله در فرهنگ ما مطلب بسیار مهمی است. بالأخره فرهنگ ما باید متحول شود." (۲)

امام در تبیین عدم توجه به این مسأله مهم خصوصاً در دانشگاه ها می فرمایند:

"ما بیش از پنجاه سال است که دانشگاه داریم لکن چون خیانت شده است به ما از این جهت رشد انسانی ندارد. تمام انسان ها و نیروی انسانی ما را از بین برده است." (۳)

۲. بر اساس دیدگاه امام، فرهنگ باید روزآمد و پیش رو باشد و در عرصه توسعه فرهنگی جامعه نقشی فعال و پویا داشته باشد. در دیدگاه امام آلوده شدن فرهنگ به تحجر و واپس گرایی نیز از آسیب های بزرگ فرهنگ است. لذا امام در اولین روزهای انقلاب در پاسخ به عده ای از متحجرین و در پاسخ به شایعاتی مبنی بر تحریم سینما از سوی مراجع دینی فرمودند:

(۴)

"ما کی با تجدد مخالفت کرده ایم؟ سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت مردم و تربیت آنها باشد. ما با فساد مخالفیم نه با سینما."

پویایی و سرزندگی فرهنگ از نگاه امام یکی از ویژگی های اصلی فرهنگ است. به اعتقاد امام فرهنگ مشرق زمین این توانایی را دارد که بدون تأثیر از سایر فرهنگ ها نقشی فعال و پویا ارائه نماید. ایشان در وصیت نامه خویش در فرازی به نقشه دامنه دار استعمار غرب برای رخوت و رکود فرهنگی جوانان به وسیله مظاهر فساد اشاره می نمایند و آن را مغایر پویایی فرهنگ مشرق

و به خصوص ایران می دانند. از نگاه امام الگوی خودباوری شرق یکی از راه های پویایی و سرزندگی فرهنگ شرقی است و به همین جهت در وصیت نامه خویش خطاب به جوانان ایرانی می فرمایند:

"و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد اگر خودی خود را بیابد." (۵)

۳. از نگاه امام خمینی (ره) فرهنگ خودی هر جامعه مناسب ترین فرهنگ برای رشد و بالندگی آن جامعه است و تلاش در جهت هرچه پربارتر کردن این فرهنگ موجب استقلال فرهنگی خواهد شد. در ادبیات امام فرهنگ غرب، ویرانگر فرهنگ شرقی است ولی با این وجود امام بر اخذ وجوه مثبت فرهنگ غربی تکیه دارد. خودباوری فرهنگی در اندیشه امام یک اصل اساسی است.

امام معتقد است غرب در پی استیلای فرهنگی خویش بر شرق است و این استیلا نظم فرهنگی جامعه شرقی را بر هم خواهد زد. ایشان در پیام تاریخی خویش به گورباچف به این نکته اشاره کرده و می فرمایند:

"شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده اید که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند." (۶)

غرب ستیزی منطقی امام، همواره بر جهت خاص حفظ و کسب استقلال فرهنگی استوار بوده است. از نگاه امام غرب ستیزی فرهنگی در کنار تحول فرهنگی در چارچوب فرهنگ شرقی باید به استقلال فرهنگی بیانجامد چنانکه فرمودند:

"بالآخره باید فرهنگ متحول شود به یک فرهنگ سالم و یک فرهنگ مستقل و یک فرهنگ انسانی." (۷)

از نگاه امام خمینی (ره) باید اصلاح یک جامعه را

از اصلاح فرهنگی آن جامعه آغاز کرد. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام نیز در پی تجدید حیات معنوی و فرهنگی انسان و جامعه بوده و هست. این شیوه اصلاح فرهنگی امام الگویی از تحول فرهنگی در پرتو تعهد فرهنگی را به جهان امروز عرضه نمود.

والسلام

پی نوشت ها:

۱. امام خمینی، صحیفه نور، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۵، ص ۱۹۵.

۲. همان، ص ۲۰۰.

۳. همان، ص ۲۸۴.

۴. امام خمینی، وصیت نامه، انتشارات آستان قدس رضوی.

۵. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۶۶.

۶. همان، ص ۲۰۰.

### یک «مبلغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟

#### پرسش

یک «مبلغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟

#### پاسخ

اولین شرط برای یک نفر مبلغ شناسایی خود مکتب است، شناسایی ماهیت پیام است؛ یعنی کسی که می خواهد پیامی را به جامعه برساند باید خودش با ماهیت آن پیام آشنا باشد، باید فهمیده باشد که هدف این مکتب، اصول و پایه های این مکتب و راه این مکتب چیست و به کجا می رسد، اخلاق و اقتصاد و سیاست این مکتب چیست، معارف این مکتب، توحید و معاد این مکتب، احکام و مقررات این مکتب چیست. آخر مگر کسی می تواند پیامی را به مردم برساند بدون آنکه خودش آن پیام را شناخته و درک کرده باشد؟! این مثل این است که بگوییم یک نفر مرجع تقلید باشد اما فقه نخوانده باشد. چطور می شود کسی مرجع تقلید باشد و بخواهد بر اساس فقه فتوا بدهد و فقه نخوانده باشد؟! و یا مثل این است که یک نفر می خواهد طبیب باشد اما پزشکی نخوانده باشد. از اینجا معلوم می شود که برای یک نفر مبلغ تا چه اندازه وسعت اطلاعات علمی و



شناخت اسلام، آنهم به صورت يك مکتب لازم است

دومین شرط برای کسی که حامل يك پیام است اولاً مهارت در به کار بردن وسایل تبلیغ و ثانیاً شناسایی آنهاست؛ یعنی باید بداند چه ابزاری را مورد استفاده قرار بدهد و چه ابزاری را مورد استفاده قرار ندهد و بلکه خودش از نظر ابزارهای طبیعی، چه ابزاری را داشته باشد و چه ابزاری را نداشته باشد. داستان بعثت موسی بن عمران به رسالت را حتماً شنیده اید. بعد از ده سال که دوباره

می خواهد به مصر برگردد، با همسرش حرکت می کند. شبی تاریک و بارانی است. زن حامله اش را درد زایمان می گیرد. هوا هم سرد است و باید زنش را گرم کند ولی وسیله گرم کردن هم ندارد. ناگهان در نقطه ای از آن بیابان نوری را می بیند (در وادی طور، وادی سینا). فکر می کند آتش است. می رود آنجا، معلوم می شود که آتش نیست؛ جریان، جریان دیگری است. در همان جا موسی بن عمران مبعوث می شود؛ ندا می رسد که از این به بعد رسول ما هستی یعنی مبلغ خدا هستی، پیام ما را باید به فرعون و فرعونیان برسانی. موسی می فهمد که یک مبلغ شرایطی دارد. پیغمبری خودش را کافی نمی داند، تقاضاهایی دارد: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» خدایا به من حوصله فراوان بده، شرح صدر بده آنچنان که عصبانی نشوم، ناراحت نشوم، به تنگ نیام، دریادلم کن که کار تبلیغ دریادلی می خواهد، «وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي» طه/۲۵ و ۲۶ این مأموریت سنگین را بر من آسان گردان (ببینید کار تبلیغ را ما چقدر کوچک می شماریم و موسی بن عمران چقدر بزرگ می شمارد). مؤید این مطلب مطلبی است راجع به پیغمبر اکرم. قرآن کریم به پیغمبر اکرم راجع به مأموریتش یعنی تبلیغ اسلام و هدایت مردم می فرماید: «أَنَا سَيُنَلِّقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» مزمل/۵ عن قریب یک بار سنگین به دوش تو خواهیم گذاشت. باری است که به دوش پیغمبر سنگینی می کند، به دوش پیغمبران سنگینی می کند! چه می گوئیم ما؟! موسی(ع) در ادامه تقاضاهای خود گفت: «وَأَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّ لِسَانِي» خدایا گره را از زبان من

باز کن، به من بیانی رسا و گوارا بده، قدرت سخنوری و ناطقه بده، «یَفْقَهُوا قَوْلِي» طه/۲۷، ۲۸ به من قدرت تفهیم بده که آن حقیقتی را که به من وحی می کنی به مردم القاء کنم و مردم بفهمند، درک کنند؛ رابطه ای بین من و مردم برقرار کن که مردم مطلب را عینا آن طوری که تو می خواهی از من بگیرند نه اینکه من چیزی بگویم و آنها پیش خود چیز دیگری خیال کنند و من نتوانم آنچه را که دارم بیان کنم. قدرت و قوه بیان یک امر طبیعی است (البته مقداری از آن اکتسابی است) ولی امور طبیعی باید با تمرین و اکتساب تقویت بشوند، مثل کارهای ورزشی که شخص باید یک استعدادی داشته باشد و این استعداد در اثر تمرینهای ورزشی تکمیل می شود.

### چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

#### پرسش

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

#### پاسخ

اسلام با ظهور خود فرهنگ نوینی را به بشریت ارزانی داشت و با طرح مفاهیم جدید، بینش انسان ها را دگرگون ساخت ، این مفاهیم که از مجرای وحی و سنت رسول خدا ( ص ) که ترجمان حقیقی وحی بود، نازل شد و با عمل و رفتار مومنان در شبه جزیره عربستان بسط یافت ، بنیان های تکوین یک امت واحد جهانی را فراهم آورد .قرآن شریف ، سفارش های مکرری نسبت به اندیشیدن و تمیز درست از نادرست دارد و این سفارش ها کاملا " منطقی است . این کتاب عظیم چنان که عقل راراهنمای انسان میدانند، از فرد بشر می خواهد تا حکمت و رشد خود را گسترش دهد [ در این باب نگا : تفکر از دیدگاه اسلام عباس محمود عقاد، ترجمه محمدرضا عطایی ، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ، مشهد، چاپ اول ۱۳۷۱ ش ، صص ۲۶ - ۹ ] . همچنین در این کتاب بی نظیرآموزه هایی وجود دارد که سمت و سوی حرکت آدمی را به کلی دگرگون ساخته است . آموزه هایی در باب اخلاق ، خداشناسی ، انسان شناسی ، جهان شناسی ، تاریخ و ... حضرت رسول ( ص ) با سیره عملی و گفتار زبانی وبعد از او ایمه ( ع ) کوشش کردند تا این آموزه ها را به طور صحیح و درست برای ما تفسیر نمایند، هر چند به دلایلی نشد آنچه را که حق این کتاب بود به بشریت ارزانی دارند .اما باید به این نکته توجه

داشت که هدف اصلی و اولی قرآن شریف کدام یک از این آموزه ها بوده است ، آیا علاوه بر طرح مسایلی چون خداشناسی ، انسان شناسی ، راهنماشناسی و اخلاق ، مواردی چون جهان شناسی به معنی شناخت جهان و طبیعت مانند فیزیک ، گیاه شناسی ، زمین شناسی ، ستاره شناسی و در یک کلام دانش تجربی نیز مد نظر وحی بوده است تا ما انتظار داشته باشیم که چنین قضایایی نیز در قرآن طرح شده باشد؟! به نظر می رسد قرآن کتاب انسان سازی است تا آنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی یعنی تقرب به خدای متعال نیاز دارد به او بیاموزد . بر این اساس آموزه هایی که در ارتباط مستقیم با این مساله بوده اند مورد اهتمام آیات قرآن اند؛ یعنی در باب خداشناسی ، انسان شناسی ، معادشناسی ، راهنماشناسی ، اخلاق و احکام عبادی . اما در باب جهان ، طبیعت و مسایل فیزیکی و جسمانی بدن ، قرآن به طور استطرادی و تطفلی بحث کرده است و شاید هیچ آیه ای را نیابیم که مستقلاً و مستقیماً" به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان ها و زمین پرداخته باشد . در برخی موارد، گفت و گو از آفرینش جهان و انواع آفریده ها برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی اوست به عظمت الهی و سترگی حکمت هایی که خدا در آفرینش به کار برده است . درباره ای مواضع نعمت های خدا در آسمان و زمین به تفصیل یادآوری شده است تا انگیزه ای باشد برای شکر و حق شناسی ، و در همه جا ممکن است این هدف مد نظر باشد که

انسان با نگرش به عالم از آن جهت که آفریده خداو در چنبره تدبیر اوست ، معرفت فطری و شناخت حضوری خود را شکوفایی دهد و شدت و نیروی بیشتری بخشد [ معارف قرآن ، محمدتقی مصباح یزدی ، موسسه در راه حق قم ، چاپ اول ۱۳۶۷ ش ، ج ۱ ، صص ۲۲۶ - ۲۲۵ ] . با توجه به این نکته ، در پاسخ به پرسش شما خاطر نشان می شویم که اگر مقصود شما از نظریات قرآن در باب آموزه هایی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن است ، بله در این جهت ما باید کوشش کنیم تا آموزه های قرآنی را محور نظریات علمی خود قرار دهیم و از آنها سودجوییم ، به راستی ما در انسان شناسی و اخلاق و حتی مباحث خداشناسی ، راهنماشناسی و معادشناسی هنوز مطالب ناگفته بسیاری در قرآن داریم که با استخراج و انتظام منطقی آنها می توانیم مسایل جدیدی را در این ساحت هابه جهان بشریت عرضه کنیم . اما اگر منظور شما آموزه هایی در ساحت دانش تجربی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن نبوده و در این مورد تنها به ذکر کلیاتی استطرادی اکتفا شده است ، به نظر ما نباید تلاش بیهوده ای را آغاز کنیم ، چنان که برخی چون رشید رضا در تفسیر ( ( المنار ) ) و طنطاوی در تفسیر ( ( الجواهر فی تفسیر القرآن ) ) کوشش کردند که بسیاری از مسایل علمی را با آیات قرآن تطبیق دهند . زیرا از آن جا که این آیات جنبه استطرادی داشته ، در هیچ زمینه ، هیچ گاه به بحثهای تفصیلی در این باب

نپرداخته بلکه به همان اندازه که هدف قرآن در هدایت مردم تامین می شده بسنده کرده است، به همین جهت برخلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات غالباً "دارای ابهام هایی است و کمتر می توانیم نظر قطعی در این مورد به قرآن نسبت دهیم [ برای آگاهی بیشتر نگا: همان، صص ۲۳۲ - ۲۲۸ ]. در اینجا تذکر چند نکته لازم و ضروری است: ۱- هر چند قرآن به دانش تجربی چنان که توضیحش گذشت نپرداخته است ولی با لحن خاصی انسان را تشویق و ترغیب نموده است که در این باب به کند و کاو و جستجو و کشف عالم طبیعت پردازد [ نگا: اعراف، آیه ۱۸۵؛ غاشیه، آیه ۲۰ - ۱۷؛ بقره، آیه ۱۶۴ و ... ] ۲- خداوند حجت باطنی به عنوان عقل برای انسان قرار داده است تا در پرتو آن بشر خود دست به خلاقیت زده و با استفاده از آن مجهولات جهان طبیعت را کشف نماید. در حقیقت این موضوع به انسان واگذار شده است. از این رو در این باب باید از عقول دیگران و تجارب آنها سود جوید. ۳- علوم اسلامی همچون تفسیر، فقه، اصول، حدیث، نحو، بلاغت، تاریخ، اخلاق، فلسفه و کلام هر چند در پرتو هدایت های رسول خدا (ص) و پایه گذاری حضرت علی (ع) پدید آمد ولی بسط و تسدید آن توسط انسان صورت گرفت و آدمی با عقل خود آن را توسعه بخشید. بنابراین علوم غیراسلامی نیز می تواند باخود آدمی رشد و بالندگی

خود را به دست آورد [ در این باب نگا : ظهورشیهه ، علامه سید محمد حسین طباطبایی ، انتشارات فقیه ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۶۰ ش ، صص ۴۴ - ۳۳ ] . ۴- تطفلی و استطرادی بودن برخی از آموزه های قرآنی در باب دانش تجربی به این معنا نیست که آنها پندارهای خیالی اند که برای ارایه یک پیام ارزشی ساخته و پرداخته شده باشند . حاشا و کلا که چنین باشد . گزارش های وحی از خلقت آسمان و زمین کلام خداوندی است که بهتر و برتر از همگان به اسرار خلقت و چگونگی آفرینش آگاه است . مقصود آن بود که قرآن در پی تبیین چنین آموزه هایی نبوده است و از این رو این سلسله آیات با ابهام مطرح شده است . در واقع با این سلسله آیات ، خداوند آدمی را تحریک و تشویق و ترغیب نموده است تا با استمداد از عقل خود به کشف رازهای مجهول آن نایل آید . ۵- ناگفته نماند که نگاه دینی قرآن به طبیعت و تاریخ از یک امتیاز عمده نسبت به نگاه مفسران مادی طبیعت برخوردار است ؛ زیرا قرآن همراه با طرح این مسایل ، به علت فاعلی و غایی حوادث طبیعی و تاریخی نیز توجه می دهد و در نتیجه علوم طبیعی و اجتماعی را با دو بال ( ( هو الاول ) ) و ( ( هو الاخر ) ) تا اوج گاه مبدا و معاد پرواز می دهد [ شریعت در آینه معرفت ، آیت الله عبدالله جوادی آملی ، مرکز نشر فرهنگی رجاء ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۷۲ ، صص ۱۶۶ -

[ به هر روی ما باید در برخی آموزه های قرآنی که اهتمام اولی به آن شده است، نظریات آن را استخراج کرده و به جهانیان عرضه نماییم ولی در بعضی از دانش ها چون دانش تجربی و تاریخی باید با استمداد از عقل بشری و تبادل آرا و افکار، از دیدگاه دانشمندان در کشف مجهولات خویش استفاده نماییم. ]

**چرا به افرادی مانند نویسندگان و مخترعان اهمیت داده نمیشود، در حالی که آثار آنان باقی میماند؛ ولی به گروهی مثل ورزشکاران یا بازیگران بها داده میشود، در حالی که کار آنان محصور در زمان است؟**

**پرسش**

چرا به افرادی مانند نویسندگان و مخترعان اهمیت داده نمیشود، در حالی که آثار آنان باقی میماند؛ ولی به گروهی مثل ورزشکاران یا بازیگران بها داده میشود، در حالی که کار آنان محصور در زمان است؟

**پاسخ**

از دیدگاه قرآن کریم، معیار ارزش، تقوا است. "يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ" (حجرات، ۱۳) ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است."

بی شک هر انسانی به طور فطری خواهان این است که موجود باارزش و پر افتخاری باشد؛ به همین جهت با تمام وجودش برای کسب ارزشها تلاش میکند؛ ولی شناخت معیار ارزش، با تفاوت فرهنگها، کاملاً متفاوت است و گاه ارزشهای کاذب جای ارزشهای راستین را میگیرد.

اگر ما در ارزشگذاری گروهها و افراد، معیار قرآن را (تقوا) رعایت کنیم، دچار بحران در ارزشگذاری نخواهیم شد. آنچه در تفاوت ارزشگذاری گروهها، گاهی در جامعه مشاهده میشود، ناشی از اهمیت ندادن به معیارهای اسلامی در ارزشها است. در اسلام تقوا، علم، عبودیت، ظلمستیزی و مانند آن ارزش است و ارزش گذاری در جامعه اسلامی باید بر اساس این معیارها باشد. متأسفانه، گاهی در اثر تأثیرپذیری از فرهنگ غیر اسلامی (فرهنگ غربی) معیار ارزشگذاریها تغییر کرده است و یکی از علت‌های آن، ناآگاهی از فرهنگ اسلامی یا خودباختگی در برابر فرهنگ بیگانه است. (ر.ک: تفسیر نمونه، آیت الله مکارم

شیرازی



از آنجا که کارهای فرهنگی نیاز به برنامه‌ریزیهای دقیق و حساب شده دارد و پیاده کردن ارزشگذاری بر اساس معیارهای ارائه شده از سوی اسلام در جامعه، یک کار فرهنگی است، باید مسئولان فرهنگی در حکومت اسلامی، برای این کار برنامه‌ریزی کنند. البته این گونه نیست که به نویسندگان و مخترعان اهمیت داده نشود، به آنان هم ارزش و اهمیت داده میشود گرچه مناسب است که مسئولین نظام اسلامی به این مطلب توجه بهتر و بیشتری داشته باشند.

**حاجیان خانه خدا که برای حج به کشور عربستان می روند، از طرف آن کشور، قرآن هایی دریافت می کنند: الف آیا این قرآن ها از هر نظر صحیح است ب هدف کشور عربستان از دادن قرآن به زائران چیست ج آیا اگر این کار در کشور ایران قبل از این که حاجیان به مکه بر**

### پرسش

حاجیان خانه خدا که برای حج به کشور عربستان می روند، از طرف آن کشور، قرآن هایی دریافت می کنند: الف آیا این قرآن ها از هر نظر صحیح است ب هدف کشور عربستان از دادن قرآن به زائران چیست ج آیا اگر این کار در کشور ایران قبل از این که حاجیان به مکه بروند، انجام شود بهتر نیست

### پاسخ

الف این قرآن ها از هر نظر صحیح و منطبق با قرائت عاصم به روایت حفص است که مورد تأیید شیعه بوده و مطابق با همین قرآن هایی است که در کشور ایران به چاپ می رسد.

ب معمولاً هر کشوری که میزبان تعدادی میهمان است سعی می کند هنگام بدرقه میهمانان عزیزترین و گران بهاترین چیزش که هم نزد او و هم نزد میهمانان عزیز و گران بها است را به آن ها هدیه دهد و به این راه "میهمان دوستی و ارادت خود را به میهمانان اظهار می کند" به همین جهت نه تنها عربستان سعودی حاجیان را با دادن یک جلد کلام الله مجید، بلکه با مقداری آب زمزم که هر دو نزد مسلمانان از پاکی خاصی برخوردارند بدرقه می کند و هدیه ها، به زائرین ایرانی اختصاص ندارد، بلکه به کشورهای دیگر نیز داده می شود.

ج البته دادن قرآن به حاجیان قبل از تشرّف به طوری که قرآن ها هنگام ورود به عربستان همراه حاجیان باشد از چند جهت بهتر به نظر می رسد: ۱. دشمنان شیعه و آنان که بر ضدّ شیعه توطئه می کنند و شیعه را نسبت به قرآن

بی توجه جلوه می دهند خلع سلاح می شوند، زیرا می بینند که به همراه هر شیعه قرآنی است که مثل آن نزد خودشان موجود است ۲. حاجی می تواند در خارج از مساجد هم هنگام اقامت در هتل از قرآن استفاده نماید، و هم چنین هنگام وقوف در عرفات و مشعر و منی که قرآنی در دسترس نیست به همراه او باشد. ۳. حاجی می تواند یک جلد قرآن منتشر شده کشورمان را به دیگر برادران مسلمانی که به شدت علاقه دارند با شیعیان ایران ارتباط داشته باشند، به رسم یادبود هدیه کند.

**با توجه به این که زبان هر ملتی جزئی از فرهنگ آن ملت است که آن را بر سایر زبان ها ترجیح می دهند، پذیرش و ترویج زبان عربی از سوی دیگر ملت های اسلامی چگونه توجیه پذیر است**

### **پرسش**

با توجه به این که زبان هر ملتی جزئی از فرهنگ آن ملت است که آن را بر سایر زبان ها ترجیح می دهند، پذیرش و ترویج زبان عربی از سوی دیگر ملت های اسلامی چگونه توجیه پذیر است

### **پاسخ**

پرسش گر گرامی در بین ملت های اسلامی فقط زبان عربی به عنوان زبان بیگانه تعلیم و ترویج نمی شود، بلکه بنابه علل و ضرورت هایی به دیگر زبان ها هم پرداخته شده و شاید بیش از همه به زبان انگلیسی که رایج ترین زبان دنیاست توجه می شود. با این حال می توان گفت به طور کلی فراگیری دیگر زبان ها و خطها، با حفظ خط و زبان ملی کاری بی خطر و بی اشکال است اما در خصوص توجه به زبان عربی از سوی مسلمانان که برای شما هم ایجاد حساسیت نموده به عرض می رسد که محور وحدت و فرهنگ یک جامعه عواملی مانند زبان خط، نژاد، تاریخ جغرافیا و... و از همه مهم تر وحدت فکری (دینی) است که تمام مرزهای نژادی زبانی و... را درنوردیده و می تواند پایه های اتحاد جهانی را بنا کند. آن چه در بین ملت های اسلامی مهم ترین عامل شکل دهنده وحدت و فرهنگ مردم است دین مبین اسلام و کتاب آسمانی قرآن و پیامبری محمد مصطفی و هدایت معصومین می باشد که بر عوامل دیگر مقدم هستند. اگر ما اسلام و معارف والای آن را از فرهنگ امت اسلامی برداریم و به دوران قبل از آشنایی با اسلام برگردیم و بخواهیم پاسدار میراث گذشتگان خود باشیم چیز چشم گیری نخواهیم داشت مردم

مسلمان جهان از ابتدای ظهور اسلام به علت گرایش های اسلام خواهانه خود و به شوق تسلط بر قرائت و فهم عمیق تر قرآن و روایات و ادعیه معصومین ، و مطالعه آثار قلمی به جا مانده از بزرگان دین به فراگیری زبان عربی همت گماشتند و به مرور زمان در محاوره ها و مکاتبه های خود از واژگان عربی استفاده کردند، تا اندازه ای که این کلمات را بخشی از زبان و فرهنگ خود قرار دادند، حتی مردم برخی کشورها، مانند مصر و شام زبان اصلی خود را کنار گذاشته به زبان عربی پرداختند، زبان و ادبیات ایران نیز پس از نفوذ و گسترش زبان عربی هر چند کلمات فراوانی از آن را در خود هضم کرد، اما قالب و پیکره اصلی خود را حفظ نمود، و به وسیله آشنایی با معارف اصیل اسلامی بر غنای محتوایی خویش افزود. مقایسه آثار ادبای ایران پس از اسلام با پیش از آن به آسانی بر این غنا و سرشاری شهادت می دهد. امروزه وضعیت زبان ملت های اسلامی و از جمله ایران به گونه ای است که اگر بخواهیم کلمات عربی رایج در آن ها را حذف نماییم در واقع به حذف بخش مهمی از فرهنگ والای خود پرداخته ایم و هیچ خدمتی به زبان خود نکرده ایم اگر به پرسش خود دقت نمایید، خواهید دید که کلمات "توجه ملت جزء، سایر، ترجیح ترویج توجیه با این که عربی هستند، اما هیچ یک از ما در حال حاضر آن ها را کلمات غیر ایرانی نمی شماریم

در پایان تذکر این

نکته ضروری است که نباید شیطنت استعمارگران و دشمنان اسلام و مسلمانان را در دور نگه داشتن امت اسلام از فراگیری زبان عربی که زبان کتاب خدا<sup>۱</sup> قرآن کریم و معصومین است را از نظر دور داشت آنان از طرفی آموزش و ترویج زبان عربی را در بین جوامع اسلامی تضعیف می نمایند، و از طرفی با هزار دلیل خط و زبان خود را بر برخی از کشورهای اسلامی زیر نفوذ خود رواج می دهند؛ آن گونه که در پاکستان و ترکیه انجام دادند.

**شما به منظور جذب دانشجویان و پیاده کردن فرهنگ قرآنی در دانشگاه و جامعه به ویژه قشر دانشجو، و شناساندن قرآن کریم به دانشجویان چه راه کارهایی را پیشنهاد می کنید و چگونه می توان با این سازمان ارتباطی تنگاتنگ و نزدیک برقرار نمود؟**

### پرسش

شما به منظور جذب دانشجویان و پیاده کردن فرهنگ قرآنی در دانشگاه و جامعه به ویژه قشر دانشجو، و شناساندن قرآن کریم به دانشجویان چه راه کارهایی را پیشنهاد می کنید و چگونه می توان با این سازمان ارتباطی تنگاتنگ و نزدیک برقرار نمود؟

### پاسخ

۱. شناساندن جایگاه قرآن نخستین گام در گسترش فرهنگ قرآن در جامعه است قرآن کلام تغییرنیافته و تحریف نشده خداوند، معجزه جاودان آخرین سفیر و رسول الهی حجت خدا بر بندگان و عرصه سخن گفتن خدا با انسان هاست و به طور کلی گسترش توصیف های فراوانی که از ائمه و پیامبر بزرگوار اسلام درباره این کتاب الهی به دست ما رسیده است

۲. گام دوم آثار قرائت قرآن چه آثار دنیایی و آثار معنوی با استفاده از روایات در فضای فرهنگی جامعه است احادیث فراوانی در این باره از معصومان بیان شده است که برای نمونه به جلد چهارم کتاب شریف اصول کافی می توان اشاره کرد که بخش عظیمی از آن به این موضوع ارتباط دارد.

۳. شیوه قرائت قرآن از جمله گام های دیگری است که باید در جهت گسترش فرهنگ قرآنی در جامعه برداشته شود. قرآن کریم خود در این باره رهنمودهای فراوانی را مطرح فرموده است که به نمونه هایی از آن ها اشاره می شود:

الف خواندن همراه با تدبّر و اندیشه ورزی "افلا یتدبّرون القرآن (نساء، ۸۲) آیا آن ها در قرآن نمی اندیشند." تدبّر در واژه "دبر"، به معنای پشت و قبل است یعنی قرائت قرآن باید با چنان تمرکزی

همراه باشد که ارتباط معانی با آیات قبل گسسته نشود و قرائت کننده هنگام قرائت هر آیه مفاهیم یاد شده در آیات پیش را هم به خاطر داشته باشد.

ب خواندن قرآن به صورت ترتیل قرآن کریم در این باره می فرماید: "و رتل القرآن ترتیلاً". (مزمل ۴) تلاوت همراه با ترتیل یعنی خواندن شمرده شمرده و توأم با تفکر. از امام صادق در تفسیر این آیه چنین آمده است "ان القرآن لا یقرء هذر مه و لکن یرتل ترتیلاً، اذا مررت بآیه فیها ذکر النار وقت عندها، و تعوذت بالله من النار قرآن را، تند و دست و پا شکسته نباید خواند، بلکه باید به آرامی تلاوت نمود. هنگامی که به آیه ای می رسی که در آن آتش دوزخ ذکر شده است توقف می کنی [و می اندیشی و به خداوند از آتش دوزخ پناه میبری]" (تفسیر نمونه آیت اللهم کارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۴۰۲، دارالکتب الاسلامیه)

ج پناه بردن به خداوند از شیطان رجیم "فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم (نحل ۹۸) هنگامی که قرآن می خوانی از شر شیطان مطرود و رانده شده به خداوند پناه ببر." روشن است این پناه بردن به لفظ و سخن محدود نیست بلکه باید در اعماق روح و جان نفوذ کند، به گونه ای که انسان هنگام تلاوت قرآن از خوی های شیطانی جدا شود، و به صفات الهی نزدیک گردد تا موانع فهم کلام حق از محیط فکر او برخیزد. (همان ص ۴۰۱).

۴. تشکیل

جلسات گروهی قرائت قرآن در منازل مساجد، محله‌ها، کانون‌های قرآن در محیطهای آموزشی و... از جمله راه‌های دیگر گسترش فرهنگ قرآن در جامعه است

۵. پای بندی به دستورهای قرآنی امر به معروف و نهی از منکر، در مواردی که اصول مسلم قرآنی در محیطهای آموزشی از جمله دانشگاه زیر پا گذاشته می‌شود، از جمله راه‌های دیگر گسترش فرهنگ قرآنی بلکه مهم‌ترین آن‌هاست امر به معروف و نهی از منکر، سبب می‌شود ریشه گناه در جامعه بخشکد. بی تفاوتی در برابر گناه‌های انجام یافته در جامعه سکوت مرگ باری است که قرآن را در انزوا قرار می‌دهد.

۶. در پایان یادآور می‌شویم که یکی از راه‌های گسترش فرهنگ قرآن برخورد نکردن مشابه یهود و نصارا با کتاب خود است قرآن کتابی نیست که تنها برای مُرده‌ها و در مجالس ختم به کار گرفته قرائت شود. همه ما مسلمانان باید خانه‌های خود را با قرائت قرآن نورانی کنیم پیامبر بزرگوار اسلام در این باره می‌فرماید: "تَوَرُوا بِيوتكم بتلاوه القرآن و لا تتخذوها قبوراً كما فعلت اليهود والنصارى، صلّوا فى الكنائس والبيع و عطّلوا بيوتهم فان البيت اذا كثر فيه تلاوه القرآن كثر خيره واتسع اهله و اضعاف لاهل السّيماء كما تضییء نجوم السّيماء لاهل الدنيا؛ خانه‌های خود را به تلاوت قرآن روشن کنید و آن‌ها را گورستان نکنید، چنان‌چه یهود و نصاری‌چنین می‌کنند؛ آن‌ها در کلیساهای خود نماز می‌گذارند، ولی خانه‌های خود را معطل گذارده [و در آن‌ها عبادتی انجام نمی‌دهند]، زیرا که هرگاه در خانه قرآن زیاد تلاوت شود، خیر

و برکتش زیاد گردد و اهل آن در وسعت [آروزی قرار گیرند، و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد، چنان چه ستارگان آسمان برای اهل زمین می درخشند." (اصول کافی شیخ کلینی (ره، ج ۴، ص ۴۱۳، دفتر نشر فرهنگ اهل البیت).

۷. برای ارتباط تنگاتنگ با مرکز فرهنگ و معارف قرآن واحد پاسخ به پرسش های قرآنی می توانید با تهیه فرم های پست رایگان به صورت کتبی و با تماس تلفنی با آن ارتباط برقرار کنید.

## دستاوردهای فرهنگی انقلاب بعد از بیست سال چیست ؟

### پرسش

دستاوردهای فرهنگی انقلاب بعد از بیست سال چیست ؟

### پاسخ

برای آگاهی در این موضوع به منابع ذیل مراجعه کنید.

۱- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۰

سال یا دوره: ۱۵/۱۱/۱۳۷۷

صفحه شروع: ۲

صاحب اثر: شجاعی، ابولاقاسم / سخنرانی

خلاصه مطلب: آثار و ثمرات انقلاب اسلامی ایران

۲- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۵

سال یا دوره: ۲۰/۱۱/۱۳۷۳

صفحه شروع: ۲

صاحب اثر: خمینی، احمد / سخنرانی

خلاصه مطلب: نگرشی بر دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

۳- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۲

سال یا دوره: ۱۷/۱۱/۱۳۷۳

صفحه شروع: ۸

صاحب اثر: حبیبی، حبیب الله / سخنرانی

خلاصه مطلب: بررسی دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در بعد داخلی و خارجی

۴- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۴

سال یا دوره: ۱۹/۱۱/۱۳۷۳

صفحه شروع: ۸

صاحب اثر: سیدی علوی، قدسیه / سخنرانی

خلاصه مطلب: تشریح دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

۵- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۴

سال یا دوره: ۱۹/۱۱/۱۳۷۳

صفحه شروع: ۸

صاحب اثر: زارع، کریم / سخنرانی

خلاصه مطلب: نگرشی بر دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

دیدگاه ها و انقلاب اسلامی، باقری بیدهندی و دیگران، نشر روح

۸- درآمدی بر تهاجم فرهنگی، محمد سعید فیاضی، وزارت ارشاد اسلامی ۱۳۷۲

۹- جنگ فرهنگی علیه انقلاب، جواد منصوری، آستان قدس رضوی ۱۳۶۹

۱۰- سرمقاله درباره پنتاگونیسیم

**چرا در دانشگاه های ما در کلاس درس استادان از اسلام دفاع که نمی کنند هیچ، همه چیز را سر اسلام خراب می کنند. به ولایت توهین می کنند به مقدسات توهین می کنند، عقب افتادگی ما را در اسلام و مسلمانی بودن می دانند چرا و چرا ... واقعاً قلب من با دیدن این همه مظلومی**



چرا در دانشگاه های ما در کلاس درس استادان از اسلام دفاع که نمی کنند هیچ، همه چیز را سر اسلام خراب می کنند. به ولایت توهین می کنند به مقدسات توهین می کنند، عقب افتادگی ما را در اسلام و مسلمانی بودن می دانند چرا و چرا ... واقعاً قلب من با دیدن این همه مظلومیت که اسلام دچارش شده است می گیرد. چرا عده ای از ما مسلمانها با کارهای خودمان باعث شدیم چهره اسلام کریه شود. چرا کارهای بد ما مسلمانها را به پای اسلام می نویسند؟

## پاسخ

اولاً، از غیرت مندی شما تشکر می کنیم، حق هم همین است. فلسفه بسیاری از دستورات دینی از جمله فرمان به نهی از هم نشینی و شرکت در جلساتی که به مقدسات دینی اهانت می شود (آیه ۱۴۰ سوره نساء) و نیز تأسیس نهاد امر به معروف و نهی از منکر در همه شرایع دینی، احیاء همین روحیه پاک و لطیف است.

ثانیاً، علت تخریب مبانی فرهنگی و اهانت به شعایر و مقدسات دینی و انقلابی، علت های گوناگونی می تواند داشته باشد که به برخی از موارد مهم آن اشاره می کنیم:

۱- عدم تقید به مبانی دینی، انقلابی و باورهای اسلامی.

۲- سرسپردگی به غرب یا خودباختگی نسبت به آن.

۳- وازدگی از عملکرد نادرست (و یا آنچه به ظاهر نادرست می نماید) از سوی معتقدین به مبانی دینی و انقلابی و مسئولین.

۴- منفعت طلبی و لجام گسیختگی، به لطف الهی تا حد زیادی (حداقل آن حدی که لیبرال مسلک ها می خواستند) سد شده است.

۵- بی غیرتی و بی تفاوتی برخی دانشجویان.

مقصود از بی غیرتی، اهانت

به دانشجویان نیست، بلکه به عنوان یک واقعیت مد نظر است. غیرت یعنی حساس بودن، ابراز احساسات (مثبت یا منفی)، تأیید یا نفی) نسبت به رفتار و گفتاری که درخصوص بنیان های فرهنگی و دینی ما جهت گیری می شود.

۶- البته در خیلی از موارد نیز عدم شناخت درست، عدم دسترسی به اخبار و اطلاعات صحیح، خصوصاً با این اطلاع رسانی و آلودگی در افکار عمومی که از سوی برخی مطبوعات و یا محافل ایجاد می شود، ریشه چنین سخنان یا رفتارهایی است.

ثالثاً، وظیفه ما :

- تثبیت و افزایش این روحیه غیرت مندی در خود و دیگران می باشد.

- شناخت صحیح و انتقال این اطلاعات صحیح به دیگران با شیوه مناسب هدایت گرانه و دلسوزانه.

- گسترش امر به معروف و نهی از منکر.

- کمک گرفتن از نهادهای نظارتی دانشگاه از جمله نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ریاست دانشگاه، کمیته انضباطی اساتید، بسیج اساتید و تشکل های اسلامی صاحب نفوذ در دانشجویان و در دانشگاه .

**ما به عنوان مسلمان که در کشور اسلامی زندگی می کنیم چرا در مدارس ما فقط قرآن در حد روخوانی تدریس می شود و از تفسیر آن در مدارس کشور بی بهره ایم.**

### پرسش

ما به عنوان مسلمان که در کشور اسلامی زندگی می کنیم چرا در مدارس ما فقط قرآن در حد روخوانی تدریس می شود و از تفسیر آن در مدارس کشور بی بهره ایم.

### پاسخ

مجموعه سؤالات شما دانشجوی گرامی، مبین روحیه حق پرستی و عدالت جویی است و بیانگر اهتمام شدید شما به معارف عظیم اسلامی و تحقق آن در جامعه می باشد، از این رو خواسته ها و نظرات شما را که همه در راستای این هدف متعالی است می ستاییم.

اما در خصوص این سؤال باید گفت که بحمدالله جامعه اسلامی ما به برکت پیروزی انقلاب اسلامی و تلاش های مخلصانه مسؤولین عالی رتبه نظام و حوزه های دینی و سایر برنامه های ارزنده ای که بخش های مختلف فرهنگی کشور انجام داده اند در مجموع رویکرد خوبی - هر چند ناکافی - به قرآن و سایر معارف اسلامی داشته است و تحت تأثیر این اقدامات قرآن تا حدی از محجوریت و غربتی که در زمان پهلوی در مدارس و دانشگاه ها پیدا کرده بود خارج شد. بحمدالله در زمان حاضر علاوه بر اقشار فرهنگی، بسیاری از اقشار دیگر نظیر نیروهای مسلح و...، رویکرد قابل توجهی به قرآن دارند.

اما با این همه، همانگونه که مشاهده می‌کنیم فرهنگ قرآن آنگونه که شایسته و زیننده یک جامعه و نظام اسلامی است در بخش‌ها و سطوح مختلف جامعه نهادینه نشده است و در ریشه‌یابی این موضوع می‌توان به کوتاهی و یا تغافل بخش‌هایی از دستگاه‌های قانونگذار یا عوامل فرهنگی و برنامه‌ریز یا عوامل اجرایی به عنوان مهمترین عامل این موضوع اشاره نمود

که نتیجه آن بی توجهی یا کم توجهی مراکز آموزشی کشور اعم از مدارس و دانشگاه ها به گسترش و تعمیق مفاهیم قرآنی در میان دانش آموزان و دانشجویان است. چنانکه مقام معظم رهبری می فرماید: «ما در جامعه خودمان مبالغ زیادی از آموزش قرآن عقب افتادگی داریم؛ اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبر در قرآن را به خود بدهد بسیاری از شبهات دشمنان بی اثر خواهد شد. البته همه دستگاه های فرهنگی کشور باید کمک کنند. باید مفاهیم قرآنی به وسیله خبره های این کار دسته بندی شود و به تناسب در جای خود در کتاب های درسی - چه مدرسه ها، چه دانشگاه ها - گنجانده شود؛ این ارتباط باید دایمی باشد» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهال و نوجوان کشور، ۲۸/۶/۱۳۸۰).

**همانطور که حضرت علی(ع) اسامی فرزندان خود را که خداوند بر آنها نهاد را، درخواست کرد از عبری به عربی برگردانده شود؟ چرا ما هم اسامی عربی را و از جمله نام اهل بیت را که عربی است به فارسی برنگردانیم و یا اصلاً استفاده نکنیم؟**

### پرسش

همانطور که حضرت علی(ع) اسامی فرزندان خود را که خداوند بر آنها نهاد را، درخواست کرد از عبری به عربی برگردانده شود؟ چرا ما هم اسامی عربی را و از جمله نام اهل بیت را که عربی است به فارسی برنگردانیم و یا اصلاً استفاده نکنیم؟

### پاسخ

فرض سؤال شما تصویری است که از تغییر اسامی فرزندان حضرت علی(ع) از عبری به عربی و به درخواست حضرت صورت گرفته است. که باید گفت چنین نبوده بلکه مطلب به گونه ای دیگر است. ماجرا از این قرار است: هنگامی که امام حسن(ع) به دنیا آمدند، انتخاب نام این کودک به عهده ی پیامبر اکرم(ص) نهاده شد و ایشان نیز در این امر بر خدای خود پیشی نگرفتند لذا جبرئیل نازل شد و عرض کرد، از آنجا که جایگاه علی بن ابیطالب نسبت به شما مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است، نام عربی فرزندان هارون (حسن و حسین) را بر فرزندان علی بن ابیطالب قرار بده و ایشان نیز چنین کردند. ۱

و چنین نبوده که جبرئیل اسامی عبری فرزندان هارون را ابلاغ کند و بعد حضرت علی(ع) تغییر آنها را تقاضا کند.

به هر حال چه این تغییر اسامی را بپذیریم و چه نپذیریم باید توجه داشت که:

۱. یکی از نکات مهم در بکارگیری الفاظ و واژه ها تفاهم عرفی آنهاست بگونه ای که مشکلی در تلفظ و استفاده پیش نیاید. در زمان حضرت علی(ع) دو زبان عبری و عربی کاملاً از یکدیگر متمایز و جدا بودند و استفاده از واژه های عبری کار پسندیده ای به نظر نمی رسید ولی در زمان ما چنین تمایز و جدائی بین زبان عربی و فارسی وجود

ندارد و اصلاً نمی‌توان فارسی را از واژه‌های عربی جدا نمود. لذا استفاده‌ی از اسامی عربی آن هم با این سابقه‌ی طولانی در استفاده و آشنایی ما با آنها اشکالی ندارد.

۲. با توجه به اینکه محتوای دین اسلام و کتاب آسمانی آن قرآن، کامل‌ترین محتواست، باید این کامل‌ترین محتوا در کامل‌ترین قالب ریخته شود که آنهم زبان عربی است، پس تغییر کلمات از زبان عبری به عربی حرکت از ناقص به کامل است و نوعی پیشرفت محسوب می‌شود، آیا تغییر اسامی از عربی به فارسی نیز پیشرفت است؟ علاوه بر اینکه عربی بعنوان زبان قرآن، اسلام و مکتب ما از جایگاه و شأن خاصی برخوردار است. و استفاده از نام‌های اسلامی نوعی فرهنگ‌سازی و گسترش فرهنگ دینی بشمار می‌آید که حرکتی مثبت است.

۳. تغییر اسامی از زبانی به زبان دیگر هر چند ممکن است، ولی باید توجه داشت که تمام معنای کلمه هنگام تغییر و ترجمه، منتقل نمی‌شود و هیچگاه واژه‌ی ترجمه شده آن پیشینه‌های تاریخی و جهات مثبت و منفی کلمه‌ی اصلی را به همراه ندارد. یعنی معادل هر واژه‌ای از اصل آن ناقص‌تر است.

علاوه بر اینکه اسامی افراد و مکان‌ها قابل ترجمه و تغییر نیستند، مثلاً نمی‌توان هنگام ترجمه‌ی مطلبی پیرامون «شهید کشوری (ره) فامیل او را مثلاً به انگلیسی تغییر داد و گفت: civil (به معنای کشوری)، باید متذکر شد که اسامی ائمه (ع) همگی حالت وصفی دارند یعنی در صورت تغییر و ترجمه اینگونه می‌شوند، محمد؟ ستوده، علی؟ بلند مرتبه، صادق؟ راستگو و ... که البته معادل‌های آنها بار معنایی واژه‌ی اصلی را نمی‌رسانند.

۴. یکی از حقوق فرزندان

بر پدر و مادر انتخاب نام نیک و خوب است و این وظیفه ای است که هر پدر و مادری نسبت به فرزندان خود باید به خوبی انجام دهد.

از امام علی(ع) در حدیثی حکایت شده: «حق کودک بر پدر و مادر این است که اسم نیکویی بر او بگذارند، او را با آداب اسلامی و آداب نیکو پرورش دهند و به او قرآن را بیاموزند.»<sup>۲</sup>

۵. هدف از خلقت و زندگی انسان سعادت یافتن اوست و تمام کارها باید در این راستا قرار گیرد حتی نامگذاری و انتخاب اسم. هر اسمی تاثیرات خاص خود را دارد چنانچه هر چیزی اثرات خود را بروز می دهد. انتخاب نام خوب و زیبا مقدمه ای برای تشویق به خوبی ها و صفات پسندیده است. اسمی که از یک پیشینه ی مثبت برخوردار است باعث تلقین همان خوبی ها در فرد می شود و این درباره ی اسامی با پیشینه بد و منفی نیز صادق است.

به عنوان مثال: تاثیر پوشیدن لباس های مختلف:

کسی که لباس سفید و تمیز می پوشد از مکان های آلوده و کثیف پرهیز می کند، و سعی می کند که لباس سفید تمیزش، تمیز و سفید باقی بماند. یا ورزشکاری که لباس ورزشی می پوشد و تاثیر روانی خاص دارد برای ورزش کردن انگیزه ی بیشتری دارد تا زمانی که لباس مخصوص ورزش را پوشیده است.

۶. یکی از علائم و نشانه های دوستی و دشمنی ما نسبت به افراد، استفاده و یا عدم استفاده ی ما از اسامی ایشان است. بهتر است اسامی افراد مورد علاقه ی خود را بر فرزندان خود انتخاب کنیم. نام های ائمه(ع) به عنوان محبوب ترین افراد نزد ما بهترین اسامی برای فرزندانمان محسوب می شوند.

یکی از وظایف ما زنده نگهداشتن نام

و یاد بزرگان است که می تواند با قراردادن نام این بزرگان بر کودکان محقق شود. همانگونه که امام حسین (ع) برای زنده نگه داشتن نام و یاد پدر بزرگوارش امام علی (ع)، نام تمام پسران خود را علی قرار داد.

۷. یکی از آثار و نتایج استفاده از نام های ائمه (ع) ایجاد یک فضای پر مهر و عطف در خانه است زیرا در احادیث متعدد از پیامبر اکرم (ص) حکایت شده:

«هر گاه نام فردی را «محمد» قرار دادید، کارهایش را زشت بشمارید (سوء ظن نداشته باشید) خواسته ی او را رد نکنید و در مجالس خود او را جای دهید.»<sup>۳</sup>

با چنین توصیه هایی که در مورد افراد با اسامی ائمه (ع) شد، اگر افراد به احترام صاحب اسم همدیگر، حرمت یکدیگر را نگه دارند. دیگر جایی برای بد اخلاقی و سایر صفات زشت در محیط مقدس خانواده باقی نمی ماند.

۸. باید یادآوری کرد که استفاده از اسامی ائمه (ع) خیرات و برکات مادی و معنوی فراوانی در زندگی ما به ارمغان می آورد که بسیاری از این برکات از توجه ما به دور است. بعنوان مثال از امام باقر (ع) حکایت شده: «شیطان از نام «محمد» و «علی» متنفر و گریزان است و از شنیدن نام دشمنان ما اهل بیت خوشحال و مغرور می شود.»<sup>۴</sup>

یا پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: خانه، مجلس و گروهی که فردی با نام «محمد» در آن باشد، مبارک و سرشار از برکات است.<sup>۵</sup>

و در برخی کتب فقهی از امام رضا (ع) حکایت شده: «خانه ای که در آن افرادی با نام محمد یا احمد یا علی و یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه از زنان آنان باشد؛ در آن خانه فقر

داخل نمی شود.» ۶

ملاک های انتخاب بهترین اسم:

۱. گویای خصلت نیکو و اخلاق خوب و پسندیده باشد.

۲. نشان و علامتی از آرمان، عقیده و مکتب اعلای شیعه داشته باشد.

۳. بدور از خرافات و هوس ها باشد.

۴. یادآور افتخارات گذشته و افتخار آفرینان گذشته باشد.

۵. همراه عقل، خرد و اندیشه ی صحیح باشد.

بر طبق ملاک های بالا ترتیب اسماء انتخابی چنین است:

۱. یکی از نام ها و صفات نیکوی الهی مانند، عبدالله، عبدالرحیم و ...

۲. یکی از نام های انبیاء و ائمه اطهار(ع) باشد مانند: موسی، عیسی، ابراهیم، محمد، علی، فاطمه، مریم، حسن و حسین و مهدی و ...

۳. بر گرفته از اسامی رهپویان راه حقیقت مانند: سلمان، مقداد، اباذر و ... باشد.

معرفی کتاب:

برای مطالعه ی بیشتر در این باره مراجعه فرمایید به:

۱. کتاب «فرهنگ نامگذاری در آیات و روایات»، محمد موحدی نژاد

۲. کتاب فاطمه الگوی زن مسلمان، احمد صادقی اردستانی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، تابستان ۷۴.

منابع:

۱. منتخب میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۱۲ و ج ۲، ص ۱۰۹۶، دارالحدیث، چاپ ۸۱، تلخیص سید حمید حسینی، ترجمه: حمیدرضا شیخی.

۲. الحدیث، ج ۱، روایات تربیتی، ص ۱۹۲، چاپ یازدهم، ۷۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت(ع)، محمد جواد مروجی طی، ص ۴۱، چاپ بوستان کتاب قم، ۸۳.



۴. فرهنگ نامگذاری در آیات و روایات، محمد موحدی نژاد، نشر روح، قم، تابستان ۸۱.

۵. شرح لمعه، شهید ثانی.

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۱.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹.

۳. بحار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۸.

۴. وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

۵. مستدرک، ج ۲، ص ۶۱۸.

۶. شرح لمعه، ج ۲، ص ۳۶۲.

**برای چه اینقدر برای ازدواج جوانها سخت گیری می کنند؟**

**پرسش**

برای چه اینقدر برای ازدواج جوانها سخت

گیری می کنند؟

## پاسخ

سخت گیری خانواده هادر امر ازدواج به سبب عوامل زیادی است که عمده ترین آنها ضعف اعتقاد و ایمان به خداوند و همچنین تجمل گرایی، چشم و هم چشمی و افکار و دیدگاههای غلط در باب ازدواج می باشد بعضی از پدر و مادر ها د رفکر مال و ثروت عروس و داماد خود هستند و مهریه و جهیزیه بسیار را معیارهای خوشبختی فرزندان خودشان می دانند .

کسیکه با ..... عناوین مختلف مثل حفظ آبرو، شرایط سخت، مخارج سنگین جشن ازدواج و یا مهریه بالا را بر زندگی زن و مرد جوان تحمیل می کنند دارای اعتقاد ضعیف به خداوند است زیرا در این کار خود رضایت خداوند متعال را در نظر نگرفته و فقط چشمش به رضایت مخلوق است .

بسیاری از مردم می دانند آنچه که در زندگی مشترک مهم است تفاهم، صداقت، ایمان و اخلاق خوب است اما روحیات زشتی که در وجودشان ریشه دوانیده نمی گذارد آنان به راه صدق و صفا بروند و بخاط چشم و هم چشمی و تجمل گرایی در صدد پیاده کردن خواسته های خود هستند که زمینه ساز بسیاری از مشکلات برای زوجهای جوان می شود .

اسلام به پدر و مادر توصیه می کند که در انتخاب همسر برای فرزندانشان دقت و توجه کنند ولی اشکال تراشی نکنند اینکه باید از دین و اخلاق و نجابت پسر و اصالت خانوادگی او سر در آوریم جای بحثی نیست ولی در عین حال باید مراقب بود که متهم بر خشخاش نگذارند و بی جهت مانع پیوند پسر و دختری مسلمان نگردند آنچه

مایه صفای زندگی است اخلاق و ایمان و خلوص و صداقت است نه خانه و اتومبیل و مدرک تحصیلی و خرده گیری والدین در این زمینه ها سبب محروم کردن دو جوان از تشکیل زندگی سالم بر مبنای معیارهای الهی شده و بفرموده امام عسکری (سبب ایجاد مفسده در زمین خواهد شد .

سوال :

برخی خانواده ها برای ازدواج دخترشان مخارج زیادی را به داماد تحمیل می کنند مانند برپایی مجالس در تالارها با هزینه سنگین ، دعوت از صدها نفر میهمان و امثال آن که حقیقتاً در ابتدای زندگی به بهانه آبرو داشتن،.... مخارج کمر شکن را بر دوش داماد قرار می دهند او را مجبور به زیر بار قرض رفتن و بسیاری از مشکلات دیگر می کنند تا جایی که قلباً راضی به پرداخت این مخارج نیست و اما مجبور می شوند . آیا این بهانه که به نوعی سد راه ازدواج جوانها می گردد شرعاً چگونه است و در صورت عدم رضایت داماد به انجام این مخارج استفاده از آن چه صورت دارد ؟

حضرت آیه الله خامنه ای :

خانواده ها باید در آسان نمودن امر ازدواج جوانان تلاش کنند و در هر صورت .... تصرف در خوراکی که داماد در اختیار میهمانان قرار می دهد بی اشکال است .

حضرت آیه الله فاضل لنکرانی :

ترویج این امور فی نفسه وجهی ندارد و گاهی خلاف شرع است.

حضرت آیه الله مکارم شیرازی :

جایز نیست .

حضرت آیه الله بهجت :

می تواند انجام ندهد و با وساطت افراد عاقل طرفین نوعاً مشکل کم می شود .

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع ص ۵۳ و ۵۴

۲- بهشت

۳- نظام حیات خانواده در اسلام دکتر علی قائمی

### چرا در بخش فرهنگی در کشور ما زیاد مسئولان سرمایه گذاری نمی کنند؟

#### پرسش

چرا در بخش فرهنگی در کشور ما زیاد مسئولان سرمایه گذاری نمی کنند؟

#### پاسخ

حقیقت این است که در بخش فرهنگی سرمایه گذاری می شود من جمله بخش کتاب، سینما، تئاتر، موسیقی، روزنامه ها و نشریات و... اما مشکل اساسی این است که محصولات فرهنگی که حاصل این سرمایه گذاری هستند چندان مناسب جامعه اسلامی نیستند و بعضی از این محصولات متأسفانه در نقطه مقابل فرهنگ اسلامی هستند. وظیفه مسئولان این است که از سرمایه گذاری انجام شده در بخش فرهنگ استفاده صحیح و مطابق با آرمانهای اسلام و امام راحل "ره" بکنند و فرامین مقام معظم رهبری را مد نظر داشته باشند.

البته اگر از دیده انصاف بنگریم وضعیت فرهنگی بعد از انقلاب با قبل از انقلاب خیلی فرق کرده است و به موازین اسلام بسیار نزدیک شده است. اما به هر حال نقاط ضعفی هنوز در فرهنگ جامعه ما به چشم می خورد که سؤال دلسوزانه و خیرخواهانه شما متوجه همین نقاط ضعف است و وظیفه ما و شما این است که به عنوان یک مسلمان و یک ایرانی از فرهنگ دیرینه ایرانی و اسلامی خود دفاع کنیم و دائماً مسئولان را به طرق مختلف به وظایفشان یادآور شویم.

### چگونه می توان به جوانان امروزی فهماند که به بزرگان خود احترام بگذارند؟ زیرا جوانان امروزی به این امر کم توجه شده اند.

#### پرسش

چگونه می توان به جوانان امروزی فهماند که به بزرگان خود احترام بگذارند؟ زیرا جوانان امروزی به این امر کم توجه شده اند.

#### پاسخ

در باطن آدمی دو نیروی عظیم و دو قدرت مؤثر وجود دارد: یکی عقل و دیگری احساسات، با فرار رسیدن بلوغ همزمان با رشد اندام عقل و احساسات نیز در راه رشد و شکوفایی قدم می گذارند با این تفاوت که رشد احساسات مانند رشد اندام خیلی سریع صورت گرفته اما عقل در کمال آرامی و به تدریج منازل کمال خود را طی می کند. حضرت علی (در این رابطه در مستدرک ۲، ص ۶۲۵ می فرمایند: "عقل آدمی در ۲۸ سالگی کامل می شود" و نیز می فرمایند: "آخرین مرحله نهایی تکامل

طبیعی عقل در ۲۵ سالگی است و از آن پس هر ترقی در کمال که نصیب عقل شود تجربی است نه طبیعی" ناموزونی رشد عقل و احساسات بزرگترین مشکل روانی جوانان را تشکیل داده و منشاء انحرافات اخلاقی آنان می باشد جوان به علت شدت تمایلات عاطفی همه چیز و همه کس را از پشت عینک احساسات می نگرد و ممکن است با یک تحریک کوچک و یا یک ضربه روحی منقلب شده و از راه اعتدال منحرف گردد.

با توجه به نکات ذکر شده، در تربیت جوانان و حفظ حریمهایی که اسلام قداست خاصی برای آنها قائل است باید موارد ذیل را مراعات نمود:

۱- والدین و مربیان طبع حساس و زود رنج جوانان را در نظر داشته و با آنان بر اساس تکریم و احترام برخورد نمایند و متوجه باشند که بی احترامی به جوانان و تحقیر شخصیت آنان یکی از عوامل طغیان و سرکشی نسل جوان را تشکیل می دهد، پیامبر اکرم (می فرمایند: "از رحمت خدا دور باد آن

پدر و مادری که با رفتار و گفتار نادرستشان موجبات بدکاری فرزندان خود و نارضایتی خویشان را از وی فراهم آورند. "۱"

اگر والدین مطالب تربیتی یا راهنماییهای خود را دوستانه و به زبان اندرز بگویند یا به صورت مشورت و تبادل فکر با آنان در میان گذارند به خوبی می توانند در اعماق روح جوان نفوذ کرده و در تربیت صحیح آنان موفق گردند و در مواردی که می خواهند نسبت به لغزش جوان تذکر انتقادی داشته باشند طوری آنرا ادا کنند که باعث هتک حرمت و توهین به جوان نشده و به راه عصیان سوق داده نشود. حضرت علی (در این رابطه می فرمایند: "لغزش انسان عاقل را با کنایه تذکر دادن برای او مؤثر و دردناکتر از سرزنش و توبیخ صریح است" اگر تخلف و لغزش نوجوان با کنایه و در کمال ادب تذکر داده شود بعید نیست که تأثیر کرده و لااقل برای

الگو والدین باشند. امام صادق (فرمودند: "کونوا دعاه الناس بغير السننکم" یعنی مردم را با اعمالتان به دین دعوت کنید نه با گفتار تنها، و در مورد نوجوان و جوان این مسأله مهم تر است زیرا آنان تذکر و توبیخ و انتقاد زیاد را نمی پسندند و اعمال خود را بیشتر بر اساس الگوهایی که می بینند یا می شنوند تنظیم می کنند مثلاً اگر والدین در خانه به یکدیگر احترام بگذارند حتماً فرزندان به والدین احترام می گذارند یا اگر پسری ببیند که پدر نسبت به پدر بزرگ مؤدب نیست او نیز نسبت به پدرش مؤدب نخواهد بود.

۲- پدر و مادر خود را شریک خوشبختی فرزند خویش بدانند و به وی بفهمانند که تو بر اثر حب ذات طالب سعادت خود هستی و ما نیز به علت مهر

پدري ومادري خوشبختي ترا خواهانيم. ما وشما هدف داريم و آن رستگاري و پيروزي شماست و براي نيل به اين هدف بايد ديگر همكاري مي كنيم با اين تفاوت كه ما عمر بيشترى كرده ايم و تجربه هاي زيادي اندوخته ايم و از خطرات ايام جواني به خوبي آگاهيم و از تو انتظار داريم با پذيرفتن و بكار بستن نصايح ما صميانه، با ماهمكاري كرده موجبات پيروزي و موفقيت خود را كه هدف مشترك ماست فراهم آوري. به نظرمي رسد جوان از چنين منطقي كه سرشار از خيرخواهي و محبت است استقبال كرده و از راهنمايهاي مصلحت آميز پدر و مادر بهره مند شود همانگونه كه حضرت امام صادق (در روضه كافي، ص ۹۳ مي فرمايند: "بيروي خويش را در راه هدايت جوانان به كار انداز زيرا جوانان زودتر حق را مي پذيرند و سريعتر به هر خير و صلاحی مي گرايند."

در پايان تذكر اين نكته ضروري به نظر مي رسد كه جوانان نيز بايد به اين امر توجه داشته باشند كه پدران و مادران حق بزرگي برگردن آنها دارند و در مواردی كه ايشان به علت بي سوادى يا خودسرى يا سهل انگارى شخصيت جوان خود را محترم نشمرند يا حتى احياناً ستمى كنند فرزندان مكلفند در مقابل رفتار والدین صابر و بردبار بوده و از تلافی و انتقام خوددارى نمايند. در كتاب رشد و زندگى، ص ۱۶۳ در اين باره آمده است "همواره به خاطر داشته باشيد كه پدران و مادران شما انسان هستند بنابراين هم داراي صفات برجسته هستند و هم داراي نقاط ضعف، حال اگر نقاط ضعف آنها در مورد طرز رفتارشان با شما باشد بهتر اين است كه با واقع بينی اين عيب را از آنها يك امر طبيعى بدانيد و ضمناً

صفات برجسته و محاسن آنها و محبت پاک و بی آلايش آنها را نسبت به خود و توجه و مواظبتی را که از شما می نمایند در نظر بگیرید و از آنان قدردانی کنید.

برای اطلاع بیشتر در این زمینه می توانید به کتاب جوان از نظر عقل و احساسات، آقای فلسفی مراجعه کنید. با تشکر از شما که سؤال خود را با ما در میان گذاشتید امیدوارم نکات ذکر شده در بهبود مشکلاتان مفید واقع گردد. وسایل، ج ۵، ص ۱۱۵

منابع: جوان از نظر عقل و احساسات، آقای فلسفی

**آیا افزایش جلسات مذهبی در کشور دلیل بر انزجار مردم از جامعه نمی باشد، مراجع در کفرگویی بعضی از مداحان چه عکس العملی نشان داده اند؟**

**پرسش**

آیا افزایش جلسات مذهبی در کشور دلیل بر انزجار مردم از جامعه نمی باشد، مراجع در کفرگویی بعضی از مداحان چه عکس العملی نشان داده اند؟

**پاسخ**

در خصوص سؤال شما نکات زیر قابل توجه می باشد:

۱. در مورد افزایش جلسات مذهبی باید گفت که چون ملت مسلمان و مظلوم ما، آماج حملات همه جانبه فرهنگی و تهاجمات ضد دینی واقع شده، افزایش این جلسات نه تنها باعث انزجار مردم نخواهد شد، بلکه باعث امیدواری و قوت قلب و استحکام ایمان و اتحاد و همدلی و باورهای مذهبی آنها خواهد گردید، منتهی باید به طور جدی به این نکته توجه شود که جلسات مذهبی بر اساس مبانی دینی و شیوه های صحیح اسلامی باشد و بهترین راه این است که از مجالس بزرگان دین و علمای برجسته سرمشق بگیریم تا خدای ناکرده دچار انحراف و بدعت نگردیم.

۲. انسان ها موظفند ارتباط عمیق روحانی و معنوی خود را با خداوند متعال و ائمه معصومین "علیهم السلام" نه تنها حفظ کنند، بلکه روز به روز بر قوت و استحکام آن بیفزایند، یکی از عوامل حفظ و افزایش این ارتباط همین جلسات مذهبی است که بزرگان ما خیلی به آن سفارش و تأکید کرده اند تا اسلام همیشه زنده باشد و ما نیز به برکت اسلام زندگی کنیم، و اصلاً کار خوب و خداپسندانه، با تکرار و مداومت است که اثر واقعی خود را می بخشد.

۳. در مورد اشعار کم محتوا و بدعت آمیز بعضی از مداحان، اکثر مراجع عالیقدر فرموده اند که از خواندن اینگونه اشعار اجتناب و پرهیز شود.

**چرا عموم مردم نسبت به دین بیگانه شده اند؟**

**پرسش**



چرا عموم مردم نسبت به دین بیگانه شده اند؟

## پاسخ

با احترام و ابراز ارادت به شما و تمامی جوانان برومندی که نسبت به مفاهیم ارزشهای متعالی انسانی والهی و مظاهر مذهبی احساس تعهد و مسؤولیت می نمایند و نسبت به تغییر ارزشها و بی اعتنایی به مصادیق دینی عکس العمل مناسب نشان می دهند.

اما در مورد سؤال شما باید عرض کنیم ما نیز قبول داریم که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و توقف جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جامعه دچار تغییراتی گردید که یکی از مهم ترین تغییرات، دگرگونی در نظام ارزشی است که برای اکثریت افراد جامعه کم و بیش محسوس است. اما تغییر ارزشها و دگرگونی آنها با قاطعیت نمی توان بیگانگی با دین یا خدای ناکرده بی دینی و لامذهبی و لاقیدی گذاشت. در گذر زمان جامعه نسبت به بعضی از مسائل ارزشی تغییر عقیده می دهد. برخی ارزشها به ضد ارزش و بعضی ضد ارزشها ارزش تلقی می گردد، ولی در عین حال اگر همین افراد در موضع تصمیم گیری و انتخاب قرار گیرند خود را دیندار می دانند و اگر ما اصرار ورزیم آنها بی دین هستند موجب طرد بیشتر آنان و دور شدن از مظاهر دینی خواهیم شد.

درست است که وقتی به کوچه و بازار و پارک و ... می رویم مظاهر مادی و کم توجهی به برخی احکام و دستورات دینی را مشاهده می کنیم و همین افراد را نیز می توان در مساجد، حسینیه ها، بارگاه منور امام رضا "ع"، تشییع جنازه شهدا، هیأت عزاداری و ... مشاهده کرد. در این صورت آیا می توانیم این افراد را لامذهب و لاقید بدانیم. ممکن است به برخی مصادیق مذهبی بی توجهی داشته باشند ولی لاقید نباشند. بندرت می توان افراد بی توجه به مظاهر دینی را یافت که تماماً تظاهر

به مخالفت با بعضی احکام دینی بنمایند. آیا با جرأت می توانیم بگوییم اگر فرد یا افرادی برخی مظاهر دینی را در پوشش رعایت نمی کنند، بی دین و یا لاقید هستند، قطعاً بطور قاطع نمی توان پاسخ داد. چقدر از دخترانی که پوشش نامناسب دارند به قصد مخالفت و مبارزه با دین پوشش خود را برگزیده اند. آنان در شرایط محیطی و جو حاکم رفتاری همسو با هموعان خویش از خود بروز می دهند، بسیاری از جوانان از محاسن و معایب اعمال خویش بی خبرند. اهمیت و ضرورت آنچه انجام می دهند به خوبی درک نکرده یا نمی کنند. آثار مثبت و منفی عمل خودشان را به روشنی دریافت نکرده اند.

بعضاً با برخوردهای سطحی و ظاهری و اوامر و نواهی بدور از شرایط تأثیرگذار خانواده و بستگان و... مواجه شده اند. زمینه جوانی کردن نیافته اند. شخصیت خود را در مسیر درست و صحیح نتوانسته اند به ظهور و بروز برسانند بنابراین برای ابراز وجود و شخصیت دست به کارهایی می زنند که بسیاری از آنها با تعالیم دینی و مذهبی ممکن است در تعارض باشد و بسیاری از اعمال آنها فی نفسه ممکن است معارض با دستورات اسلامی نباشد ولی عرف حاکم و آداب و رسوم

و سنت ها و باورهای گذشته و... آنها نپذیرد. از سوی دیگر بسیاری از مردان و زنان و جوانانی (دختران و پسران) که به حفظ ظواهر دینی تقید دارند جز در هنگام ضرورت به کوچه و بازار و خیابان نمی آیند. بسیاری از آنان از اینکه در کوچه و بازار پرسه بزنند و... اکراه دارند. بنابراین اگر بخواهیم قضاوت کلی در مورد جامعه بکنیم باید همه اینها را ببینیم، خوب است بدانید بر اساس تحقیقاتی که سازمان ملی جوانان انجام داده است و در روزنامه کیهان، پنجشنبه ۸ خرداد ۱۳۸۲ درج

گردیده است: ۴/۷۶٪ درصد از جوانان نظام مبتنی بر ولایت فقیه را مظهري از مردم سالاری دینی دانسته اند ۷۶٪ معتقدند مردم سالاری دینی بهترین روش حکومت است. ۷۹٪ تحقق و اجرای عدالت در جمهوری اسلامی را بهتر از سایر کشورهای اسلامی دانسته اند. ۷۷٪ درصد از جوانان قانون اساسی کشور را که براساس تعالیم دینی تدوین شده است از بهترین قوانین اساسی می دانند. آیا این درصد عظیم از جوانان را می توان با دین بیگانه دانست؟

دوست عزیز، دانشجو در شرایط کنونی که کشور، احساسات و شور و هیجان انقلابی و شور حماسی دوران دفاع مقدس را سپری کرده و احساس می کند باید به امور غیر رزمی و بازسازی و سازندگی و رسیدگی به امور دنیوی بپردازد و در شرایطی که استکبار با همه توان و امکان خودش برای به زانو درآوردن این نظام مقدس به پا خاسته است. وظیفه و تکلیف ما و شما بسیار سنگین است. دشمن غدار کمر همت بسته است تا ثابت کند دین قادر به اداره جامعه نیست و باید به گوشه و زوایای منازل و مساجد پناه برد و به مرور حذف شود. انقلاب اسلامی ایران برخلاف چنین اندیشه ای می خواهد ثابت کند دین اسلام قادر است سعادت دنیوی و اخروی نوع بشر را تأمین و تضمین کند.

بنابراین برادر ارجمند همه ما باید در نهایت جدیت و با همه وجود و توان بکوشیم با شیوه های عملی درست و صحیح به هدایت عالمانه و مشفقانه نسل امروز بپردازیم و از طرد و حذف و نیش و کنایه جداً اجتناب ورزیم. باید بشیروندیر باشیم. امید و امیدواری را تزریق کنیم و با یأس و ناامیدی مقابله و مبارزه کنیم و برای تحقق اهداف عالیه دین مبین اسلام که اجرای عدالت و شفقت و رحمت و اسعه است، با قلم و قدم و امر و نهی مشفقانه

ودوستانه، مجدانه تلاش کنیم. دستان پر انرژی و توانمند شما جوانان برومند و روشن ضمیر را در هدایت جامعه بسوی فلاح و سعادت و رستگاری به گرمی می فشاریم و به همت عالی شما چشم امید بسته ایم.

**چرا پس از دو سه سال از انقلاب که گذشت در ارتباط با مردم حشر و نشر و تعامل اجتماعی از صداقت افراد کاسته شده است و مردم در نتیجه بیشتر دچار استرس و اضطراب می گردند، آن قناعت و پاکی که در مردم وجود داشت، وجود ندارد. سؤال من این است چه کنیم تا این صداقت و قناعت**

### پرسش

چرا پس از دو سه سال از انقلاب که گذشت در ارتباط با مردم حشر و نشر و تعامل اجتماعی از صداقت افراد کاسته شده است و مردم در نتیجه بیشتر دچار استرس و اضطراب می گردند، آن قناعت و پاکی که در مردم وجود داشت، وجود ندارد. سؤال من این است چه کنیم تا این صداقت و قناعت مانند اول انقلاب حکم فرما گردد؟

### پاسخ

برای پاسخ به سؤال شما بهتر است ما سفری به اول انقلاب داشته باشیم و این سؤال را طرح کنیم که چرا مردم ما انقلاب کردند؟ بی شک مردم ما (اکثریت تأثیر گذار) به مرحله ای از رشد فکری رسیده بودند که توانستند نظریه سیاسی اسلام را که توسط امام خمینی (طرح گردید) بپذیرند. پس مردم دوران انقلاب ما به یک رشد علمی و اخلاقی بالایی رسیده بودند که این مهم را انجام دادند، ولی جناب عالی در مقدمه سئوالتان از تغییر خصیصه اجتماعی افراد و رفتار آنها در طول دوران سخن گفته اید پس بهتر است مایک تقسیم ساختار در ابتدا ارائه بدهیم.

الف اخلاقیات ثابت افراد در اجتماع: بعضی از خلقیات در انسان می تواند ثابت باشد، حتی فرد اگر در اجتماعی مخالف آن روحیه زندگی کند با همه اصطکاکهای اجتماعی باز هم بر آن خلقیات پا برجا بماند. البته تغییر این نوع از خلقیات در دراز مدت ممکن است و چه بسا خیلی از مردم خلقیاتشان در دراز مدت تغییر می کند. البته به سن و طبقه اجتماعی افراد نیز این مهم بی ارتباط نیست.

۱- تغییر خلقیات افراد در اجتماع در دراز مدت: در دراز مدت می توان با تبلیغات

روحیات افراد را تا حدی تغییر داد. تغییر روحیات افراد در جامعه در ارتباط اجتماعی‌شان پدیدار می‌شود. هر قدر روحیاتی مانند صداقت، درستی و راستی افراد در درونشان ریشه دار نباشد امکان تغییر به آسانی صورت می‌گیرد.

۲- عدم تغییر خلیات افراد اجتماع : هر قدر خصیصه های خوب افراد اجتماع بیشتر تکرار شود و اصطکاک اجتماعی در برخورد افراد صورت نگیرد خلیات افراد اجتماع ادامه پیدا کرده و رشد و تعالی پیدا می‌کند.

ب اخلاقیهای متغیر افراد اجتماع : در برخی از اتفاقات اجتماعی و سیاسی افراد جامعه در مدت کوتاهی و به خاطر عواملی مختلف یک سری حالاتی پیدا می‌کنند که بعد از مدتی آن حالات را ترک می‌کنند. و باید عرض شود که اگر حال خوشی که انسان کسب می‌کند همراه با تفکر نباشد و استمرار نیابد و تعمیق نگردد، در معرض خطر است و اگر تبدیل به ملکه شود و در درون قلب انسان ریشه یابد هرگز از روح، قلب و فکر انسان پاک نمی‌شود. معمولاً در انقلاب‌ها و کودتاها و یا برخی از اتفاقات خوب و بد اجتماعی این روحیات و حالات ظهور می‌کنند و بعد از مدتی فروکش می‌نمایند. از جمله عواملی که باعث ظهور این نوع روحیات می‌شود عبارت است از :

۱. خلق افراد تابع احساسات و هیجانها و عواطف اجتماعی : مثلاً به خاطر تلقینات صفت شجاعت در موقع جنگ افراد اجتماع شجاعت به نظر می‌آیند و یا در موقع بلاهای طبیعی مثل زلزله، مظلوم به نظر می‌رسند، و یا موقع انقلاب افراد احساس می‌کنند دنیا

عوض شده و دیدشان تغییر کرده است.

۲. خلق و خوهای گزینشی در افراد جامعه: برخی از افراد اجتماع به خاطر منفعت ها و هم رنگ شدن با افراد برای سودطلبی اقدام به تظاهر و ظاهر سازی های شخصی و اجتماعی می نمایند و این رفتار بیشتر در همان اتفاقات اجتماعی خود را نشان می دهد. مثل انقلاب ها و جنگ ها و ...

ممکن است برخی افراد جامعه خودشان را در انقلاب افراد مهذب و مخلص نشان دهند که بعد از مدتی درون اصلی شان خود را نشان می دهد.

به نظر بنده مهمترین عاملی که صداقت افراد جامعه را در دوران انقلاب سبب می شد، عبارت بود از:

شخصیت والای امام (و انقلابیون: بی شک امام خمینی) تندیس اخلاق و صداقت بود. او الگویی بود برای تمام رهبران، انسانی مهذب و بزرگوار و صادق که باید سالها بگذرد که بزرگواری او خود را از پشت حجاب زمان نشان دهد. جوانان به او عشق می ورزیدند و او را مرشدی تمام برای خود می دانستند و او را الگوی همه چیز خود می دانستند و پیران به او اقتدا می کردند. در کنار امام (نیز شخصیت های وارسته ای همچون شهید مطهری، بهشتی، رجایی باهنر و ... بودند، در چنین شرایطی بی شک افراد جامعه یا به حقیقت یا به تظاهر خود را با صداقت نشان می دادند.

ولی هر قدر که روزگار سپری شد برخی از افراد شعارهای اصلی انقلاب را زیر پا گذاشته و رفته رفته برخی از افراد جامعه مورد حملات تبلیغاتی گسترده رسانه های مخالف انقلاب اسلامی قرار گرفتند از طرفی برخی از افراد از

شرایط موجود سوء استفاده نموده و باعث شدند دلسردی جای امید را بگیرد اگر ما آن چنان رشادت و فداکاری را که در میدانهای جنگ داشتیم بعد از جنگ در دوران سازندگی ادامه می دادیم، شاید وضع اجتماعی ما این گونه نمی بود. پس باید به قول مقام معظم رهبری پیوسته در فکر اصلاح و انقلاب باشیم و سعی کنیم هر جا و هر قدر که خدا از ما بازخواست خواهد کرد و می کند سعی در اصلاح خویش داشته باشیم. به قول تولستوی نویسنده بزرگ روسی، همه در فکر اصلاح جهان هستند و هیچ کس به فکر اصلاح خویش نیست. ما اگر خودسازی و اصلاح نفس داشته باشیم خداوند ما را ترفیع می دهد، رشد می دهد، الگو قرار می دهد، چنانچه شاید خودمان متوجه نشویم. باید افراد شایسته را به مجلس و دولت بفرستیم. برای برگشتن به صداقت، قناعت و ساده زیستی باید قدم برداریم. ما که انتقاد می کنیم به زندگی خود توجه داشته باشیم که ما چقدر گرفتار شدیم. باید فرهنگ سازی شود تا جامعه ای درست نشود که رهبرانش هر قدر هم انسان های بزرگی مثل علی (باشند آنها را در میدان های جهاد تنها می گذارند. و خدا دور کند از جامعه ای که هم گردانندگان آن بی صلاحیت باشند هم مردمانش، که دیگر از آن جامعه انتظار امر خیری نخواهد بود.

**من نمی دانم به کدام ارگان یا شخص و جایی مربوط می شود ولی از شما سؤال می کنم آیا شما صبح ها از ساعت ۴ الی ۸ تا ۵/۸ سری به پارک ملت در ملاً عام زده اید که ببینید جوانان ما که برای امر به این پاکیزه و سالمی به نام ورزش به چه وضعی هستند؟! وقتی جوان و نوجوان من**

**پرسش**

من نمی دانم به کدام ارگان یا شخص و جایی مربوط می شود ولی از شما سؤال می کنم آیا شما صبح ها از ساعت ۴ الی ۸ تا ۵/۸ سری به پارک ملت در ملاً عام زده اید که ببینید

جوانان ما که برای امر به این پاکیزه و سالمی به نام ورزش به چه وضعی هستند؟! وقتی جوان و نوجوان من نوعی می خواهد به پارک مراجعه کند چطور می توانم او را منع کنم وقتی می بینم محیط سالم نیست. (وقتی بنده به مأمورین پارک اعتراض کردم گفتند از مقامات دستور آمده جوانان آزاد باشند نگذارید جوانتان اینجا بیاید)

## پاسخ

که درارتباط با مسأله فساد اخلاقی جوانان دو گونه برخورد می توان داشت: یکی این که با تهدید و ارباب و برخوردهای خشن مانع از تحقق فساد در جامعه شد و دیگر آن که بجای توسل به زور برای توسعه فرهنگی، کاهش ناهنجاریهای اجتماعی به اصلاح و دگرگونی باورها و نگرشها پرداخت. و تجربه نشان داده در این گونه موارد برخورد فیزیکی و ارباب نه تنها کارساز نیست بلکه در بسیاری از موارد نتیجه عکس می دهد و از لحاظ روانشناسی نیز روش تنبیه و مجازات آخرین حربه تربیتی می باشد حال آنکه در طول سالیان گذشته ما برای اصلاح جامعه آنرا به عنوان اولین ابزار و وسیله به کار بردیم و با آن که رهبر معظم انقلاب آیت...خامنه ای بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر بصورت لسانی تأکید ورزیدند اما متولیان امر به تجای امر و نهی زبانی به امر و نهی عملی و برخورد فیزیکی پرداختند و به جای اصلاح امور به تشدید آن کمک کردند.

راه حل دوم برای اصلاح ساختار اجتماعی و کاهش ناهنجاریهای اجتماعی اصلاح و دگرگونی باورها و نگرشها است. اصلاح جامعه و روابط حاکم بر آن از جمله روابط دختر و پسر نیازمند بستر سازی



مناسب و کارهای تأثیر گذار فرهنگی است. لابد می دانید تا زمانی که زشتی امری برای فرد فرد آشکار نشود از آن اجتناب نخواهد کرد و اگر شخص یا اشخاصی مانع از انجام آن شوند وقوع آن امر صورت مخفی و غیر علنی پیدا کرده و در خفا گسترش می یابد و به مرور ر صحنه اجتماع بروز و نمود خواهد یافت، و چون از گستردگی برخوردار گردد عملاً ممانعت و مخالفت عملی با آن به آسانی میسر نخواهد بود. البته ما نیز همانند ماخواستار محیلی سالم برای رشد ارشها و کمالات هستیم و همه ما مسئول اصلاح وضع موجود بوده و از مسئولان نیز انتظار داریم راهکارهای عملی و تأثیر گذاری در این امر حیاتی ارائه و دنبال نموده و محیط را برای رشد ارزشهای انسانی اسلامی مهیا کنند.

و در ارتباط با این مسأله که فرموده بودید چگونه جوانان در محیطی که آلوده به انواع فساد است دچار آلودگی نشود، عرض می شود: اولاً غیر از پارک ملت مکانهای ورزشی دیگری در سطح شهر احداث شده که برای اطمینان بیشتر می توانید جهت ورزش به آن مکان ها مراجعه کنید. ثانیاً تذکر این نکته خالی از لطف نیست که با این که محیط نقش زیادی در اخلاق و روحایات افراد باز می کند اما انسان ها در سخت ترین شرایط و بدترین محیط های اجتماعی می توانند با اراده ای قوی دامان خود را از آلودگی ها پاک نگه دارند. چنانچه در همین دوره کنونی بسیاری از جوانان سلیم العقل نه تنها آلوده به گناه نشده بلکه مراحل رشد و کمال معنوی خود را یکی

پس از دیگری طی می کنند که البته این مسأله وابستگی بسیار شدیدی در مرحله اول به تربیت خانوادگی افراد و در مرحله دوم به تربیت مربیان دلسوز دارد. اول معلمانی که درس زندگی به کودک می آموزند و در دل پاک او نقش های خوب و بد ترسیم می کنند پدر و مادر هستند. اولین عاملی که دل بی آرایش طفل را به صفات پسندیده یا ناپسند متصف می کند و در وی تمایلات روا یا ناروا پدید می آورد تربیت خانوادگی است.

امام باقر (می فرمایند: "فرزندان بشر با صلاحیت اخلاقی پدران خود از خطر انحراف مصون می مانند" <sup>۱</sup>)

البته از تأثیر دوست بد نباید غافل بود، چنانچه حضرت علی (در وصایای خود به امام حسن مجتبی) به این مسأله اشاره کرده و می فرمایند: "از مراکز بد نام پرهیز، از مجالسی که مورد سؤظن است دوری کن، و بدان که رفیق بد دوست خود را فریب می دهد و میل او را به کارهای ناپسند تحریک می کند و سرانجام آلوده اش می سازد" <sup>۲</sup>

در پایان به این مطلب نیز اشاره ای می کنیم که ؛ انقلاب و نظامی که با خون هزاران هزار شهید به ثمر رسیده است امانتی است الهی، و همه ما در حفظ و حراست آن مسؤولیم، لذا باید ضمن تلاش در جهت سالم نگه داشتن جوانان خویش در جهت حفظ ارزشها نیز بکوشیم و به صور مختلف در خصوص حفظ ارزش ها متوجه سازیم. در چنین محیطی یقیناً افراد سودجو و غیر ارزشی مجال فعالیت نخواهند داشت و کسی جرأت نخواهد کرد ارزشهای انقلابی و اسلامی را فدای بی بند

و باری جوانان کند.

منابع :

۱. بحار ۱۵/ص ۱۷۸

وسایل ۳/ص ۲۰۶

### بهترین صورت شناساندن ولایت فقیه به مردم عام با تحصیلات کم چیست؟

#### پرسش

بهترین صورت شناساندن ولایت فقیه به مردم عام با تحصیلات کم چیست؟

#### پاسخ

از طرفی می دانیم که اسلام به همه نیازها و ضرورت‌های انسان پاسخ مثبت داده و برای آن قانون وضع کرده است تا آنجا که برای مسائل غیر ضروری و پیش پا افتاده نیز احکامی قرار داده است.

نتیجه آنکه باید در دوران غیبت امام "ع" پیش بینی لازم را برای ضروری ترین و حیاتی ترین مسائل جامعه که حکومت است نموده باشد و نمی توان باور کرد که اسلام برای این مقطع از زمان که ممکن است طولانی هم باشد هیچ نوع پیش بینی نکرده باشد. زیرا فرض اینکه در جامعه ای حکومت اسلامی نباشد مساوی است با اینکه اسلام نباشد.

به خاطر اینکه قوانین اجتماعی و سیاسی اسلام از قبیل مسائل اقتصادی، حدود، دیات، قصاص قضاوت و... همگی با نبود حکومت تعطیل و تنها مسائل اخلاقی و عبادی اسلام باقی می ماند که آن هم در یک حکومت طاغوتی و غیر اسلامی به طور صحیح و کامل پیاده نخواهد شد و در نتیجه هیچ یک از احکام و مسائل اسلامی بدون حکومت و نظام اسلامی به طور کامل اجرا نمی گردد.

بدیهی است که اسلام برای همه زمانها و همه انسانهاست و محدود به زمان پیامبر و ائمه اثنی عشر "ع" نیست.

بنابراین برای حفظ نظام و پیاده شدن اسلام که قطعاً مطلوب و مورد خواست خداوند است حکومت هم مطلوب و مورد خواسته اوست. و از اموری است که لازم است جامعه مسلمین در انجامش بکوشند و با توجه به هدف حکومت که بسط عدالت و اجراء قوانین اسلام و تربیت جامعه با آداب اسلامی است ناچار باید در رأس حکومت، فقیهی عادل، مدبر و آگاه به زمان قرار گیرد تا حکومت

جهت اطلاع بیشتر رک : رعایت فقیه و حاکمیت ملت، سید حسن طاهری خرم آبادی، ص ۵۱

**آیا ذکر نام مبارک امام حسین ( با آهنگی تند و سریع برای تحریک جوانان سینه زن و همچنین مقابله با آهنگ های محرک هیجان آور غربی و داخلی کار درستی است؟ آیا این بی احترامی به اهل بیت ( که مقامی بس بالاتر از اینها دارند نیست؟ آیا به جای اینکه برای مبارزه با فرهنگ غ**

### پرسش

آیا ذکر نام مبارک امام حسین ( با آهنگی تند و سریع برای تحریک جوانان سینه زن و همچنین مقابله با آهنگ های محرک هیجان آور غربی و داخلی کار درستی است؟ آیا این بی احترامی به اهل بیت ( که مقامی بس بالاتر از اینها دارند نیست؟ آیا به جای اینکه برای مبارزه با فرهنگ غرب روی عمق مطالب ذکر شده توسط امامان و همچنین اهداف ایشان کار کنیم از نام مبارک ایشان بدون هیچ بهره فرهنگی و دینی برای مقابله با فرهنگ غربی و موسیقی آنها استفاده کنیم کار درستی است؟

### پاسخ

با استفاده از سبک های جدید در صورتیکه موجب سبک شمردن ذکر مصیبت نشود مانعی ندارد. اما اگر مداحی به سبک موسیقی حرام اجرا شود و باعث ایجا غنا شود خواندن و گوش دادن به آن حرام است. مراد از آهنگهای غیر مجاز حرام همان موسیقی غنایی لهوی متناسب با مجالس لهو و معصیت می باشد. بنابر آنچه ذکر شد : ۱. مداحی توأم با غنا حرام است ۲. از مداحی توأم با آهنگهای حرام باید اجتناب شود.

البته تشخیص موارد یاد شده به عهده مکلف و تشخیص موسیقی حرام عرفی می باشد.

اما ذکر این نکته لازم به نظر می رسد که از آنجایی که باید حرمت ائمه ( در هر حال حفظ شود به نظر می آید که حتی اگر به فرض مداحی به سبک موسیقی غیرمجاز باعث غنا نشود به جهت امکان و هن نسبت به ائمه اطهار ( باید از خواندن و استماع این نوع مداحیها اجتناب شود و علت اجتناب نیز توهین آمیز بودن آن به مقام شامخ ائمه اطهار ( می باشد و همانطور که شما دوست عزیز مرقوم داشته

اید بجای تأیید و گسترش این سبک عزاداریها می بایست سیره علمی و اهداف ائمه (بیشتر مطرح و شفاف

سازی شود و در این ارتباط تک تک افراد جامعه مسئولند. سوره سباء، آیه ۴۶ در این ارتباط می فرماید :

"قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادی" حضرت امام خمینی "ره" در صحیفه نور، ج ۵، در توضیح این آیه چنین می فرمایند: "خداوند تبارک و تعالی در این آیه می فرمایند که یک موعظه به شما می کنم و این موعظه ای است که واعظش خداست و آورنده اش پیامبر اکرم (و می فرماید: "فقط یک موعظه است این موعظه اهمیتش خیلی زیاد

باید باشد که با این تعبیر می فرماید آن موعظه این است که: "إن تقوموا لله مثنی و فرادی" اینکه قیام کنید برای خدا برای اقامه حق قیام کنید لازم نیست که اول یک اجتماعاتی باشد "ثم" انسان بعد از اجتماعات قیامی کند. یکی یکی هم این تکلیف هست مثنی و فرادی هم هست دو تا دو تا هم هست یعنی تنهایی تکلیف قیام لله هست میزان این است که انسان تشخیص دهد لله است و قیام برای خداست و اگر الله شد از اینکه تنها هستیم و جمعیتان کم است دیگر وحشتی نیست. قیام لله هیچ خسران ندارد.

در پایان به نکته ای اشاره می کنم که قابل توجه می باشد؛ اسلام با اصل موسیقی مخالف نیست بلکه در بعضی موارد موسیقی ها را تجویز نموده است آیات قرآن کریم از آهنگ دلربایی برخوردار است و همین آهنگ دلنشین بسیاری از کفار قریش را جذب نمود، روایات معصومین (نیز چنین هستند. پس اصل موسیقی در اسلام حرام

نیست. درخصوص نام مقدس معصومین (نیز اگر در این حد از موسیقی و آهنگ استفاده می شود اشکالی ندارد و چه بسا جوانان را جذب نموده و به مرور دعوت به تفکر در سیره معصومین (نماید. نقطه مقابل آن بیان نام معصومین (است، با صدای زشت و ساده که ممکن است تأثیر منفی در مستمع داشته باشد. مطلب دیگری که باید در خصوص سؤال شما بیان کرد این است که در همه مسائل از واجب و حرام و مستحب و مکروه و مباح باید مقتضیات زمان و مکان را مدنظر داشت. در همه زمانها و مکانها نمی شود یک حکم واحد کرد مگر در اصول مسلمة لا تغییر اسلام.

امیدواریم همه ما توفیق قیام لله برای بهبود وضعیت جامعه داشته باشیم.

\* صحیفه النور، ج ۵، امام خمینی "ره"

### ۱- چرا کسانی که می خواهند برای نسل جوان برنامه ریزی کنند اول نظر خود آنها و نیاز آنها را از خودایشان سوال نمی کنند؟

#### اشاره

۲- آیا فکر نمی کنید مقداری دیر شده و دیگر این حرکتها پاسخگوی نیازهای دقیق و ظریف نسل جوان نیست؟

۳- به نظر شما آیا صادق ترین جوان هم از برگ

#### پرسش

۱- چرا کسانی که می خواهند برای نسل جوان برنامه ریزی کنند اول نظر خود آنها و نیاز آنها را از خودایشان سوال نمی کنند؟

۲- آیا فکر نمی کنید مقداری دیر شده و دیگر این حرکتها پاسخگوی نیازهای دقیق و ظریف نسل جوان نیست؟

۳- به نظر شما آیا صادق ترین جوان هم از برگه سوالات پاسخی مورد نیاز خود خواهد یافت؟ چرا رودر روی جوان پرسش و پاسخ نمی کنید؟

#### پاسخ

ج س ۱ : ۱) ما هم معتقدیم برای برنامه ریزی برای نسل جوان داشتن نیازها و نقطه نظرات جوانان ضروری و لازم است .

۲) اگر منظور شما همین طرح پاسخ به سوالات معرفتی و عقیدتی است ، این واضح است که یکی از نیازهای واقعی و مهم نسل جوان ، داشتن اطلاعات مفید از مسائل دینی و رفع شبهات و پرسشهای اعتقادی آنان است . و این طرح پس از بررسی و کارشناسی لازم و با توجه به نقطه نظرات جوانان مومن و متدین و ابراز نیاز از سوی آنان برگزار می شود .

۳) اگر منظور شما برنامه ریزی در سطح کلان جامعه است ، برای این منظور شورای عالی جوانان که مرکب از کارشناسان

متخصص و با تجربه و مسئولین ذیربط کشوری است ، باروشهای مختلف از نیازها و نظرات نسل جوان کسب آگاهی می نمایند .

به عنوان نمونه از جمله جلسات برگزار شده توسط شورای عالی جوانان می توانید به دیداری که برگزیدگان نسل جوان در رشته های مختلف علمی \_ ورزشی \_ هنری و غیره با مقام معظم رهبری داشتند و در آن دیدار خواسته ها و نظرات خود را مستقیماً با ایشان مطرح نمودند و گفتگوی آنان بطور مفصل از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد و در رسانه های عمومی منعکس گردید

، اشاره کرد .

۴) با همه این مطالب باید اذعان کرد که هنوز برای تحقق خواسته ها و رفع مشکلات نسل جوان فرصت بسیاری برای کار و عمل وجود دارد .

ج س ۲: ۱) به هیچ وجه و هیچ وقت برای ارائه مطالب جدید و توجه به خواسته ها و نیازهای نسل جوان دیر نیست . و به قول معروف از هر جای ضرر که برگردی به نفع است . اگر تا به حال به دلایلی دربرخی زمینه ها به جوانان بی توجهی شده است دلیل نمی شود که این روند همچنان ادامه پیدا کند .

۲) مسئولیت این طرح ، جوابگویی به شبهات و سوالات اعتقادی و معرفتی است نه پاسخ و حل نیازها و مشکلات نسل جوان و به نظر می رسد یک نوع تعامل فکری و فرهنگی مفیدی باشد . اساساً چنین انتظاری از یک موسسه و یک نهاد و یا حتی یک وزارتخانه انتظار بجایی نیست برنامه ریزی صحیح و دقیق می طلبد نهادها و سازمانها از توان از یک مجموعه فراتر است . در این خصوص که هر نهادی متولی یک بخش از نیازهای اساسی اجتماع باشد زیرا حجم گسترده وظائف این طرح باید گفت : پاسخ به نیازهای عقیدتی و سیاسی نسل جوان .

ج س ۳: ۱) البته ارزیابی دقیق از میزان موفقیت این طرح و اینکه سوال کنندگان محترم به پاسخ قانع کننده و مفید دست یافته اند یا نه ، بعداً باید انجام شود . یکی از راههای رسیدن به این ارزیابی تکمیل فرم نظر سنجی ارسالی است که امید است مورد توجه دریات کنندگان پاسخ قرار گیرد .

۲) پاسخ به سوالات به دو شکل صورت می گیرد : حضوری و غیر حضوری .

وهر کدام دارای محاسن و معایبی



است. مثلاً در شکل حضوری این خوبی را دارد که جوان و شخص سوال کننده می تواند صریح و بی پرده و باشهامت خواسته و سوال خود را مطرح نماید که چه بسا در نوشتن این مقدر نمی باشد. و همچنین شخص پاسخگو می تواند مخاطب خود را ببیند و بهتر حرف او را بفهمد، و مرحله ای از مخاطب شناسی انجام گرفته و وضعیت سوال کننده را درک کند و در نتیجه پاسخ مناسب تری ارائه نماید. و در مقابل در شکل غیر حضوری هم فوایدی وجود دارد از جمله اینکه افراد می توانند مطالب را که به دلایلی از گفتن آن در جمع و در حضور دیگران خود داری می کنند بطور مکتوب مطرح نموده و بدون اینکه شخص سوال کننده شناخته شود جواب را دریافت نماید.

۳) علاوه بر پاسخگویی غیر حضوری، در این طرح همایش های ویژه ای برای تحقق خواسته جنابعالی پیش بینی شده که در پشت برگه سوالات نیز ذکر شده است.

**در پاسخ به افرادی که می گویند کسانی که در عزاداری ها شرکت می کنند ابتدا باید سیره عملی را یاد بگیرند بعد عزاداری کنند چه بگوئیم؟**

**پرسش**

در پاسخ به افرادی که می گویند کسانی که در عزاداری ها شرکت می کنند ابتدا باید سیره عملی را یاد بگیرند بعد عزاداری کنند چه بگوئیم؟

**پاسخ**

حادثه عاشورا حادثه عظیمی در تاریخ اسلام بوده و نقش بسیار زیادی در سعادت مسلمان ها و هدایت مردم داشته است این حادثه در نظر ما بسیار با اهمیت است لذا باید با بزرگداشت و زنده نگهداشتن یاد و خاطره آن از برکات و آثار عاشورا استفاده کنیم.

توجه به این نکته اساسی ضروری است که علاقه ما شیعیان به اهل بیت "ع" و جریان عاشورا را وقیام سید الشهداء "ع" در اثر دو عامل تقویت می شود، پرواز محبان اهل بیت به سر منزل عشق و محبت به معصومین "ع" با دو بال میسر است.

الف: عامل احساس محبت و عاطفه

ب: عامل شناخت و آگاهی

حقیقت اینست که شیعیان به هر دو عامل و هر دو بال نیاز دارند یعنی عشق بدون شناخت و عاطفه بدون آگاهی چندان مفید نیست و شناخت بدون عشق و محبت نیز کارساز نخواهد بود هر یک از این دو عامل در دیگری تولید اثر می کند. پس نباید از این دو عامل غفلت کرد. خصوصاً عامل شناخت و آگاهی. زیرا سوز و گداز شیعیان در مصائب اهل بیت و خصوصاً مصائب سید الشهداء با الطاف خداوندی و استمداد از روح سالار شهیدان در ما علاقمندان به ابا عبدا.. "ع" بسیار زیاد است اما مراتب آگاهی و شناخت ما نسبت به اهداف آن بزرگوار و چگونگی پیدایش انقلاب عاشورا بسیار کم است. استاد شهید مرتضی

مطهری درباره حادته عاشورا می فرمایند : "حادته کربلا- یک تجسم است از اسلام در همه جنبه ها اما جان دارو روح دار  
حادته امام حسین گوئی

برای ایجاد یک نمایش حماسی و پرخاشگری و تراژدی و وعظی و عشق الهی و مساوات اسلامی و عواطف انسانی، همه

در آخرین اوج به وسیله قهرمانهای مختلف از پیر و جوان، زن و مرد، آزاد و برده و یا آزادشده، بالغ و کودک به وجود آمده و همه ابعاد اسلام را هم نشان می دهد. هم توحید و عرفان و عشق الهی و تسلیم و رضا و نرد محبت با حق باختن و پاکبازی با خدا، و هم

درعین حال جنبه اعتراض و پرخاشگری شدید و همدردی با محرومان، و هم حماسه اخلاقی تحرک و تجسم شجاعت و حماسه انسانی، و هم وعظ و اندرز و سکون خاص به آن، و هم برابری و مساوات اسلامی، و هم تجلی عالیتین عواطف اخلاقی و اسلامی؛ مثلاً ایثار (داستان ابوالفضل "ع")، فداکاری و سبقت در آن، اینست معنی جامع بودن قیام حسینی "۱"

بنابراین می بینیم که حادثه عاشورا سیره عملی ائمه است که در حادثه عاشورا به نمایش درآمده است و برای یادگیری این سیره یکی از بهترین راه ها، عزاداری است که با تحریک احساسات و عواطف پیام عاشورا بطور بلیغی به مردم می رسد.

آیت... مصباح یزدی در این رابطه می فرماید: "جواب این است که این صحنه ها باید به وجود بیاید که غیر از عامل شناخت، عامل احساسی، عاطفی نیز در ما تقویت شود. اگر این عواطف تحریک شود، آن گاه می تواند اثر کند. نمونه چنین تأثیری را می توانید در زندگی فردی و نیز زندگی اجتماعی خود بیابید. بخصوص در این سی چهل سال اخیر که حرکت حضرت امام "ره" علیه دستگاه طاغوت و کفر شروع شد، ملاحظه کردید که در ایام محرم و صفر نام سیدالشهداء "ع" و عزاداری سیدالشهداء "ع" مردم را به حرکت وادار می کرد. این شور و هیجان جز در ایام عاشورا

پیدا نمی شود و جز با همین مراسم سنتی عزاداری یا نظایر آن حاصل نمی شود، باید عمل کرد و رفتاری نشان داد که احساسات و عواطف مردم را تحریک کند، آنگاه اثر بخش خواهد بود. این جا است که متوجه می شویم چرا امام "ره" بارها می فرمود آنچه داریم از محرم و صفر داریم. چرا این همه اصرار داشت که عزاداری به همان صورت سنتی برگزار شود؟ چون در طول سیزده قرن تجربه شده بود که این امور نقش عظیمی در برانگیختن احساسات و عواطف دینی مردم ایفا می کند و معجزه می آفریند. تجربه نشان داد که بیشترین پیروزیهایی که در دوران انقلاب و یا در دوران جنگ در جبهه ها حاصل شد، در اثر شور و نشاطی بود که مردم در ایام عاشورا و به حرکت نام سیدالشهداء "ع" حاصل می کردند<sup>۲</sup>

در پایان مطلب سخنی از مقام معظم رهبری ذکر می شود که مطلب را تمام کرده اند

"شما مداحان و گویندگان فضایل اهل بیت "ع" بهترین کسانی هستید که می توانید حلقه عمل را به حلقه محبت وصل کنید و یک سلسله و زنجیره واقعی به وجود بیاورید.

برادران عزیز! این انقلاب دشمن دارد و دشمنان جدی هم دارد. اما انقلاب روی دوش ایمان مردم است و این ایمان باید هم عمق پیدا کند، هم صفا و جلا و هم مردم به این ایمان تشویق شوند. لهذا کدام زبان می تواند برای این کار از زبان مدحان اهل بیت "ع" مناسبتر باشد.<sup>۳</sup>

(۱) حماسه حسینی، ج ۳، ص ۳۴۳

(۲) آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، ص ۲۱ و ۲۲

رازهای غم، ص ۱۰۴

**چرا امروزه به راحتی از کنار برخی از مفاسد اجتماعی می گذریم؟**

**پرسش**

چرا امروزه به راحتی از کنار برخی از مفاسد اجتماعی می گذریم؟

**پاسخ**

بی توجهی نسبت به مفاسد اجتماعی دلایل مختلفی می تواند داشته باشد. از جمله طبیعی شدن موضوع بخاطر کثرت آن مانند پدیده بدحجابی نسبت به اول انقلاب و یا بی توجهی و عدم برخورد قاطع ارگانهای مسئول با موضوع که دیگران را در برخورد با مفاسد بی انگیزه کرده است و یا آلوده شدن خود افراد و ضعف ایمان در هر حال برای مؤمنین در هر شرایطی امر به معروف و نهی از منکر جزء وظایف دینی است که در این راستا باید از اطلاعات کافی در شناخت معروف و منکر و نحوه انجام آن برخوردار باشد به فرمایش شهید مطهری امر به معروف و نهی از منکر از پند شروع می شود و به بند ختم می شود ولی فاصله پند و بند راههای زیادی است که اگر در نهایت به آنها مؤثر واقع نشد باید از بند استفاده کرد اما متأسفانه عده ای فکر

می کنند اولین وسیله برای برخورد و امر به معروف و نهی از منکر توسل و استفاده از بند است.

### چرا نوجوانان و جوانان نسبت به مسائل دینی و امور مذهبی کم رغبت می باشند؟

#### پرسش

چرا نوجوانان و جوانان نسبت به مسائل دینی و امور مذهبی کم رغبت می باشند؟

#### پاسخ

عوامل زیادی دخالت دارد از جمله:

- ۱- عدم آشنایی به فلسفه دین و مذهب.
- ۲- مسامحه کاری و اهمیّت ندادن به مذهب.
- ۳- توهم هدم سازش باور دینی با لذات دنیوی.
- ۴- خانواده یعنی خانواده شان یا مذهبی نیستند یا مذهبی هستند منتهی جوّ معنوی در منزل حاکم نیست، یا جو معنوی هم حاکم است منتهی عمل کرد و برخورد خشن و غیر اصولی است.
- ۵- برخوردهای نامناسب افراد مذهبی با دیگران.
- ۶- عدم موفقیت متدصیان امر تبلیغ در استفاده شیوه های درست تبلیغ.

### چگونه می توان برادران کوچکم را به نماز تشویق کنیم؟

#### پرسش

چگونه می توان برادران کوچکم را به نماز تشویق کنیم؟

#### پاسخ

آنان را سفارش کنید به مسجد بروند و با جماعت نماز بخوانند. فواید نماز را برایشان تذکر دهید. کتاب هایی درباره نماز نماز که مناسب با آنان باشد، برای آنان تهیه کنید. آیات و روایاتی که درباره بی نماز است و عذاب هایی که برای آنان مقرر شده است به صورت ساده با زبان خودشان، برایشان توضیح دهید و آنان را از دوستان بد و بی نماز جدا کنید. به معلمشان بگویید که در کلاس به نماز تشویق کند.

## برای معرفی اسلام و انقلاب و امام به مردم به ویژه نسل جوان چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟

### پرسش

برای معرفی اسلام و انقلاب و امام به مردم به ویژه نسل جوان چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟

### پاسخ

معرفی و شناساندن اسلام و انقلاب و امام باید در دو بخش نظری و عملی انجام گیرد؛ یعنی مبانی اسلام و انقلاب و تفکر امام ره باید در بین مردم به صورت شفاف و عمیق مورد بررسی قرار گیرد و به شبهات پاسخ داده شود و از طرفی نقش اسلام در احیای تمدن بشری و دستاوردهای انقلاب اسلامی و خصوصیات رفتاری حضرت امام در صحنه های مختلف سیاسی علمی، اجتماعی در قالب شعر و داستان و فیلم و غیره به صورت جذاب تبیین شود.

## در شرایطی که روحانی محل به دلیل کهولت سن نمی تواند به وظیفه تبلیغی خود عمل نماید ما چه وظیفه ای داریم؟

### پرسش

در شرایطی که روحانی محل به دلیل کهولت سن نمی تواند به وظیفه تبلیغی خود عمل نماید ما چه وظیفه ای داریم؟

### پاسخ

وظیفه امر به معروف و نهی از منکر تنها به عهده روحانی محل نیست، بلکه این وظیفه بر دوش همه اقشار جامعه قرار دارد و در شرایط مذکور این فریضه مهم نباید ترک شود. در این راستا باید جوانان مؤمن و نیروهای فرهنگی در قالب تجمع و تشکیلات مذهبی از قبیل بسیج، انجمن اسلامی و غیره با جذب نوجوانان و برنامه ریزی دقیق در جهت ارتقای سطح فکری مردم و تشکیل جلسات مذهبی، ترویج فرهنگی کتاب خوانی، توجه به قرآن و اهل بیت (ع) معرفی الگوها و تأسیس کتا بخانه به وظیفه خود عمل نمایند.

## یکتاپرستی به خصوص در دوره جوانی را بین کشور عزیزمان ایران و دیگر کشورهای اسلامی مقایسه نمایید؟

### پرسش

یکتاپرستی به خصوص در دوره جوانی را بین کشور عزیزمان ایران و دیگر کشورهای اسلامی مقایسه نمایید؟

### پاسخ

هیچ کشوری در توحید و یکتاپرستی قابل قیاس با ایران نیست؛ زیرا همه کشورها طوق بندگی و عبودیت آمریکا را بگردن انداخته اند.

## چه کمبودهایی را در جامعه احساس می کنید که موجب دوری ما از یکتاپرستی ایده آل گشته است؟

### پرسش

چه کمبودهایی را در جامعه احساس می کنید که موجب دوری ما از یکتاپرستی ایده آل گشته است؟

### پاسخ

در جامعه ما هنوز عدال کیفی به معنای واقعی کلمه اجرا نمی شود و عقاید دینی هنوز فراگیر و همگانی نیست، صدق و راستی عمومی نشده، شرک و نفاق برای رسیدن به مقاصد در مقیاس قابل توجهی حکم فرما است. اگر توکل و اتکال همه ما به خدا باشد اگر او را رازق حقیقی بدانیم اگر عبد واقعی او باشیم امروز قطعاً مدینه فاضله را تشکیل داده بودیم، ولی هنوز از توحید واقعی فرسنگ ها دوریم.

**چرا اداره مساجد وضعیت مطلوبی ندارد؟ و گاهی افراد بدسابقه مجاور مسجد هستند؟ چرا در عصر کامپیوتر و تکنولوژی، امور مساجد به طور رایانه این انجام نمی گیرد و وظایف روحانیون مشخص نمی شود تا آن هامسئولیت داشته باشند؟**

### پرسش

چرا اداره مساجد وضعیت مطلوبی ندارد؟ و گاهی افراد بدسابقه مجاور مسجد هستند؟ چرا در عصر کامپیوتر و تکنولوژی، امور مساجد به طور رایانه این انجام نمی گیرد و وظایف روحانیون مشخص نمی شود تا آن هامسئولیت داشته باشند؟

### پاسخ

مطلب فوق درباره تمام مساجد صدق نمی کند، زیرا الآن مساجد بسیاری در تهران و شهرهای بزرگ وجود دارند که با شیوه مدرن و برنامه مشخص و امکانات پیشرفته اداره می شوند، حتی سازمانی به نام در تهران و بعضی شهرها فعال هستند و امور مساجد را فیصله می دهند که اگر این امر با برنامه ریزی گسترش پیدا کند و نسبت به همه مساجد تعمیم داده شود، مشکلات مرتفع خواهد شد، البته چون اداره کنندگان اصلی مساجد، مردم هستند و تأمین هزینه آن به عهده آن ها است، طبیعی است فرهنگ و افکار مناطق گوناگون و توانایی مردم بی تأثیر نیست.

در هر حال رفع نقص گسترده، زمان و امکانات بیش تری می طلبد.

**چگونه می توان شخصی را که اعتقاد به مذهب و دین ندارد، به راه راست هدایت کرد؟**

### پرسش

چگونه می توان شخصی را که اعتقاد به مذهب و دین ندارد، به راه راست هدایت کرد؟

از دو راه می توان دیگران را هدایت کرد:

۱ تبلیغ منطقی و مستدلّ (وجادلهم بالّتی هی أحسن). (۱) استدلال و مجادلهء عاقلانه و با روش صحیح و بااخلاق حسنه ;

۲ تبلیغ عملی : وقتی رفتار و اخلاق خوب شما را مشاهده کنند, تحت تأثیر واقع می شوند (کونوا دعاهللناس بغیر ألسنتکم لیروا منک الورع والاجتهاد والصلاح والخیر فانّ ذلک داعیه) (۲) مردم را با اعمال و رفتارشان هدایت روایت از امام صادق ۷ است .

کنید. اگر مردم از شما تقوا و ورع و عبادت و نماز و کارهای خیر را ببینند به خیر و صلاح هدایت می شوند).

(پاورقی ۱. نحل (۱۶) آیه ۱۲۵

(پاورقی ۲. بحارالانوار, ج ۶۷ ص ۳۰۳

**آیا هم اکنون یزیدیان وجود دارند! در چه مناطقی زندگی می کنند و وظیفه ما در برخورد با آنان چگونه باید باشد؟**

پرسش

آیا هم اکنون یزیدیان وجود دارند! در چه مناطقی زندگی می کنند و وظیفه ما در برخورد با آنان چگونه باید باشد؟

پاسخ

اگر مقصودتان این است که افرادی از نسل باقی مانده اند یا نه , از این مطلب اطلاعی نداریم . و اگر مراد شما از یزیدیان , کسانی است که منطق و عمل یزید را انجام می دهند و یزیدی رفتار می کنند و با اسلام و دستورهای آن و با حسین زمان خود می جنگند, می توان گفت افرادی که اهل شراب و قمار و فسادهای اخلاقی و مبارزه با حق و امامت می باشند, یزیدی اند, که شاید تعداد آنان در دنیا فراوان باشد.

در برخورد با آنان باید را پیدا کرد و همراه با ایشان به جنگ یزیدیان رفت . اما اگر مرادتان فرقه است , آنان چند گروه هستند:

۱ یزیدیان : گروهی منسوب به و فرقه ای از خوارج نهروان هستند.

۲ گروهی دیگر کیش را صورت دگرگون شده دین زردتشتی و لفظ را از ریشه به معنی یزدان می دانند.

۳ یزدیان , پیروان شیخ شرف الدین ... ابن روان , از مشایخ قرن ششم می باشند که از نسل یزیدبن معاویه است .

۴ یزیدیان سلسله شروان شاهیان اند, به اعتبار این که نام یکی از نیاکان آنان است . بدین مناسبت خاقانی , شروانشاهان را



یزیدیان و آل یزید می خواند. (۱)

(پاورقی اله .دهخدا، لغت نامه ، ج ۱۴ ص ۲۱۰۳۳

## عبرت های عاشورا برای جامعه و نسل جوان چیست ؟

### پرسش

عبرت های عاشورا برای جامعه و نسل جوان چیست ؟

### پاسخ

یکی از منابع مهم عبرت پذیری سرگذشت دیگران است . در قرآن نیز تاریخ امت های گذشته برای عبرت پذیری مطرح شده است .

در سرگذشت فرعون آمده است :

سرگذشت عبرتی است برای کسانی که خدا ترسند . امام علی ۷ فرمود: (۱)

یکی از حوادث مهم در واقعه کربلا پیام ها و عبرت های نهفته آن است . از جمله پیام های این حادثه ، دین مداری ، خدامحوری ، شجاعت ، عرفان ، ایثار ، عدالت گرایی و آزادی خواهی است .

قیام امام حسین ۷ به همه مسلمانان ، به ویژه جوانان این درس را داد که پاسدار دین و معنویت و ایثار و غیرت دینی باشند .

غیرت دینی ، یعنی اجازه تجاوز به حریم دین ندادن و خشم مقدس در برابر دین ستیزان .

تاریخ زمان رسول اکرم ۶ نشان می دهد مسلمانان چگونه از اسلام وارزش های آن دفاع کردند ، اما در زمان امام حسین ۷ بر اثر سیاست حاکمان ستمگر ، مسلمانان غیرت دینی خود را از دست دادند .

یکی از عوامل مهم زمینه ساز کربلا دنیا گرایی است .

بی تردید یکی از علل شهادت امام و یارانش ، حُب جاه و دنیا بود . وعده های ثروت و ریاست به مسلمانان ، توسط دستگاه حکومت ، سبب شد انگیزه قتل امام ۷ در مردم به وجود آید . عمر بن سعد برای رسیدن به حکومت ری ، دستور قتل امام ۷ را صادر کرد . امام فرمود: مردم بندگان دنیایند و دین لقلقه زبانی بیش نیست .

در زمان رسول اکرم ۶ دین اسلام به عنوان دینی پویا و جامع ، اساسی ترین نقش را در تمدن

و معنویت مسلمانان داشت . متأسفانه مسلمانان بعد از پیامبر، از معارف اسلام فاصله گرفتند و همین سبب شد دچار ناهنجاری های سیاسی و اجتماعی شوند. از این رو جامعه اسلامی نیاز به اصلاح داشت .

امام ۷ یکی از علل قیام راه اصلاح امت دانست . مقام معظم رهبری در خصوص عبرت پذیری عاشورا می نویسد: اولین عبرت این است که بینیم چه شد پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر (ره) جامعه اسلامی به آن حد رسید که امام حسین ۷ ناچار شد برای نجات جامعه ، فداکاری کند! چه وضعی بود که حسین بن علی ۷ احساس کرد اسلام فقط با فداکاری او زنده می ماند و گرنه از دست می رود؟!

پیامبر ۶ برای هدایت مردم ، قرآن و عترت را باقی گذاشت ، تا مسلمانان با پیروی از این دو امانت گران سنگ ، سعادت دنیا و آخرت را تأمین کنند. متأسفانه بعد از رحلت رسول ۶ کسانی بر مسند قدرت نشستند که لیاقت رهبری جهان اسلام را نداشتند. از این رو جریان غدیر فراموش شد و خلافت از مسیر اصلی منحرف و نتیجه آن شد که در زمان امام ۷ یزید به عنوان جانشین پیامبر ۶ بر مسند قرار گرفت !

یکی از علل شکست امام ۷ جهل مردم و بی وفایی آنان بود. هر انقلابی نیاز به دو عنصر عمده رهبری و مردم دارد. در حادثه طف ، امام ۷ لایق ترین و شایسته ترین فرد برای رهبری بود، ولی جهل مردم و بی وفایی مسلمانان سبب شد امام ۷ شکست بخورد.

با توجه به مطالب گذشته باید گفت : افول غیرت دینی ، دنیا گرایی ، فاصله گیری از معارف اسلامی ، کنار گذاشتن اهل بیت : و بی وفایی مردم ،

عبرت های عاشورا برای مردم است . جوانان باید توجه داشته باشند غیرت دینی و بهره گیری معقول از دنیا و کسب معارف دینی و پیروی از اهل بیت : و وفاداری به نظام و رهبر، عوامل حفظ و تداوم انقلاب اسلامی است .

(پاورقی ۱. عبدالمجید معادیخواه , فرهنگ آفتاب , ج ۷ ص ۳۵۸۹)

## چه کنیم نسل جوان , عاشق قرآن و اهل بیت : شوند؟

### پرسش

چه کنیم نسل جوان , عاشق قرآن و اهل بیت : شوند؟

### پاسخ

برای آشنایی بیشتر جوانان با قرآن و اهل بیت : و عشق ورزی آنان به این دو, راه کارهای متعددی وجود دارد. یکی از آن ها بیان فضایل اهل بیت است . ائمه : نیز بدین معنا اشاره کرده اند. امام رضاؑ فرمود: اگر مردم خوبی های تعالیم ما را بشناسند, از ما پیروی می کنند.

یکی از راه کارهای مهم آشنا شدن جوانان , اهل بیت : بیان جایگاه محبت به آنان می باشد. در برخی احادیث آمده است : هر که با عشق آل محمد بمیرد, شهید است .

یکی از شعرای معاصر در این باره می سراید:

[تولای شما فرضی خدایی است قبول و رد آن مرز جدایی است

هر آن کس را که در دین رسول است ولایت , مهر و امضای قبول است

دیانت , بی شما کامل نگردد به جز با عشقتان دل , دل نگردد(۱)

[شافعی یکی از علمای اهل سنت می گوید:

[کفاکم من عظیم القدر انکم من لم یصلّ علیکم لا صلاه له (۲)

[در عظمت قدر شما اهل بیت همین بس که هر کس در نماز بر شما درود و صلوات نفرستد, نمازش صحیح نیست .

در جامعه باید به اهل بیت : احترام گذاشت و از آنان به عظمت یاد کرد. و باانتخاب نام های آنان برای فرزندان , تعظیم اهل بیت : را به نمایش گذاشت .

معرفی کتاب و مجله درباره ابعاد شخصیت و زندگانی اهل بیت : گامی بلند در معرفی اهل بیت : و ایجاد علاقه به آنان است .

والدین , حکومت و همه رسانه های گروهی باید با معرفی

کتاب و آفرینش های فرهنگی و وظیفه خویش را انجام دهند.

ساخت سریال و به تصویر کشیدن ابعاد وجودی و فضایل اهل بیت : یکی از راه کارهای آشنایی جوانان به اهل بیت : می باشد. مردم ایران ، به ویژه جوانان ، عاشق معصومان : هستند و به تصویر کشیدن جذاب زندگانی آنان ، جوانان علاقه بیشتر تری به اهل بیت : پیدا می کنند.

برای آشنایی جوانان و ایجاد علاقه به قرآن راه های متعددی وجود دارد!

۱ تبیین معارف بلند قرآن ؛ بی تردید معارف قرآن همسو با فطرت انسان ها بوده و در راستای نیاز آنان تشریح شده است و لذا اگر معارف قرآن تبیین شود، جوانان با آن بیش تر آشنا می شوند، آن گاه جذب قرآن خواهند شد.

۲ فعالیت های قرآنی ؛ یعنی ایجاد کلاس و درس ، برای معرفی آن به جوانان است .

۳ تشویق حافظان و قاریان قرآن ؛ بعد از انقلاب ، چنین کاری در جامعه صورت گرفت و سبب شد طیف وسیعی از جوانان قرآن گرا شوند.

۴ برنامه های رادیویی و تلویزیونی نیز در گرایش به کتاب آسمانی مؤثر است .

(پاورقی ۱. جواد محدثی ، ابیات مثنوی (اهل بیت آفتاب).

(پاورقی ۲. الغدیر، ج ۲ ص ۳۰۳)

**چند مجله و نشریه خوب برای دانش آموزان نام ببرید.**

**پرسش**

چند مجله و نشریه خوب برای دانش آموزان نام ببرید.

**پاسخ**

مجلات زیادی برای اقشار مختلف جامعه به ویژه دانش آموزان منتشر می شود که مهم ترین آن عبارتند از: بینات ؛ با معارف اسلامی آشنا شویم ؛ سلام بچه ها ؛ پیوند از انجمن اولیا و مربیان ؛ پوپک ؛ کیهان بچه ها و بشارت .

**رزمندگان در جبهه بیش تر نمازشان را به جماعت می خواندند یا انفرادی ؟**

**پرسش**

رزمندگان در جبهه بیش تر نمازشان را به جماعت می خواندند یا انفرادی ؟

رزمندگان علاقه خاصی به نماز جماعت داشتند، اما مانع مهمی بر سر راه آنان، یعنی غالباً نمی توانستند تجمع کنند، چون احتمال خطر بمباران هوایی یا گلوله های خمپاره و موشک وجود داشت و فرماندهان، آنان را از تجمع در یک مکان منع می کردند، مگر در مکان هایی که فاصله آن با دشمن زیاد بود. در آن مکان ها مانعی برای تجمع نبود و حتماً نماز جماعت بر پا می کردند، به ویژه اگر روحانی بود.

### معنای لغوی واژه نماز چیست و چه راه هایی برای جذب جوانان به نماز پیشنهاد می کنید؟

#### پرسش

معنای لغوی واژه نماز چیست و چه راه هایی برای جذب جوانان به نماز پیشنهاد می کنید؟

#### پاسخ

نماز که عربی آن است به معنی دعا و رحمت است، (۱) و الآن به معنای عبادت مخصوص به شکلی که خوانده می شود، است.

در مورد جذب جوانان به نماز، باید گفت اگر موانعی که بر سر راه جوانان برای رسیدن به کمالات معنوی است، برداشته شود، جوانان جذب می شوند. جوان با روحیه شاداب و پرهیجان و با رشد غرائز جنسی و بروز امیال نفسانی، موانع فراوانی بر سر راه دارد. نماز خود به خود جاذبیت دارد، مخصوصاً با روحیه پاک و صافی که در جوان هست، تمایل او به خدا و معنویت از کسی که مدت طولانی با مظاهر دنیا دست به گریبان بوده، بیش تر است. چند نمونه از مانع ها را بر می شمیریم:

۱ ترغیب و تشویق جوانان به شهوت رانی جنسی از طریق نشریات و فیلم و کتاب و عکس ها. ۲ جلوه و جاذبیت های مظاهر دنیوی، از قبیل مدها و لباس ها.

۳ تشکیک در امور و شخصیت های معنوی.

۴ بیکاری و فقر اقتصادی.

۵ اخلاق بد پدر و مادر و برخوردهای نامناسب با جوانان.

هر کدام از این ها می تواند مانع بزرگی بر سر راه جوانان برای رسیدن به کمالات معنوی مخصوصاً نماز باشد. اما جاذبیت هایی که می توان ایجاد کرد:

۱ عملکرد عاقلانه و مدبرانه علما و روحانیون، مخصوصاً ائمه جماعات و داشتن روحیه شاد و برخورد صحیح و گرم گرفتن با جوانان.



بیان آثار و فوائد نماز و توجیه جوانان و ایجاد انگیزه در آنان .

۴ معلمان مدارس نقش بسیار مهمی در جذب جوانان به نماز دارند.

۵ نقش پدر و مادر و عملکرد آنان در خانه می تواند مشوق خوبی برای فرزندان باشد. بدیهی است وقتی فرزند ببیند والدین از نظر اخلاقی پسندیده و اهل نمازند، تأثیر مثبتی بر فرزند خواهد داشت .

۶ بردن جوانان به مکان های معنوی و مقدّس مانند مساجد و زیارت گاه های ائمه .

(پاورقی ۱. مجمع البحرین ، ج ۱ ص ۶۳۱)

**در خانواده ای مذهبی بزرگ شده ام ، ولی پسرم که در دوم دبستان است ، علاقه ای به قرآن و حفظ آن ندارد و بیش تر به موسیقی و ترانه علاقه دارد. چه کنم ؟**

**پرسش**

در خانواده ای مذهبی بزرگ شده ام ، ولی پسرم که در دوم دبستان است ، علاقه ای به قرآن و حفظ آن ندارد و بیش تر به موسیقی و ترانه علاقه دارد. چه کنم ؟

**پاسخ**

عوامل مختلفی می تواند در تباهی اخلاقی نقش داشته باشد.

۱ تربیت ناسالم . چه بسا افرادی در خانواده هایی مذهبی تربیت یافته اند، اما با برخوردهای ناصحیح و تند و خشن بچه ها را که ظرفیتشان کم است ، از دین و دین داری منزجر و زده می کنند یا بد اخلاقی در داخل خانه از طرف پدر یا مادر، بچه را متمایل به افراد خارج از خانه می سازد و اگر دوستان خارج از خانه افرادی منحرف یا متمایل به انحراف باشند، باعث تمایل به فساد می شود. بنابراین پدر و مادر با رفتار خوب و سالم و عمل به دستورهای اسلامی کم کم بچه ها را تحت تأثیر خود قرار دهند و از جذب آنان به دیگران جلوگیری کنند. در این زمینه نقش مادر مخصوصاً برای کودکان و نوجوانان بیش تر است .

۲ آزادی بیش از اندازه به بچه ها دادن و این که بچه ها بدون هراس با هر کس رفت و آمد کنند.

۳ لوس و نتر بودن بچه ها مخصوصاً اگر در خانواده تک باشند و هر چه خواست ، برایش تهیه کنند و هر کچاخواست ، او را ببرند و کودک در زندگی خود هیچ رنجی و محنتی را تحمل نکند.

۴ بعضی از بچه ها که تمایل به فساد دارند، به طینت و خمیره و سرشت آن ها بر می گردد، حال از جهت پدری یا از ناحیه



مادری . که برخورد با این گونه بچه ها مشکلات زیادی باید متحمل شد و باید سعی شود تا این گونه بچه ها از زمینه های فساد دور باشند و وقت بیش تری صرف هدایت آنان کرد و آنان را مشغول به کاری کرد, تا فرصت کارخلاف پیدا نکنند.

حال جنابعالی از دوستان فرزندتان , جويا شوید. ببینید آیا آنان افراد صالحی هستند یا از طریق بعضی دوستان که خوش اخلاق و متدین هستند, با فرزندتان صحبت و سعی کنید کم کم او را همراه خود به مسجد ببرید, تا بابت بچه های مسجد آشنا و دوست شود.

### مقصود از این که مردم باید با سنت های ماندگار علی آشنا شوند, چیست ؟

#### پرسش

مقصود از این که مردم باید با سنت های ماندگار علی آشنا شوند, چیست ؟

#### پاسخ

امام علی ۷ یک سلسله کارهای اجتماعی , حکومتی , فعالیت های اقتصادی عام المنفعه و کارهای خداپسندانه داشت . ما که ادعا می کنیم : به علی ۷ علاقه مندیم و از او الگو می گیریم و می خواهیم پیرو او باشیم و او را امام و مقتدای خویش قرار بدهیم , باید اولاً: بدانیم که آن حضرت چگونه زندگی می کرد و ثانیاً: بعد از آگاهی و آشنایی به سیره اش , آن حضرت را الگو و مقتدای خویش قرار دهیم و به او تمسک کنیم . به عنوان نمونه توجه شما رابه این واقعه تاریخی جلب می کنم :

روزی عثمان بن حنیف فرماندار حضرت در بصره در یک میهمانی باشکوهی شرکت کرد. در این میهمانی ثروتمندان حضور داشتند, ولی از مستمندان و بیچارگان خبری نبود میزبان غذاهای رنگارنگ را برای میهمانان آماده کرده بود, به مجرد این که امام علی ۷ با خبر شد که فرماندارش در این میهمانی شرکت کرد, نامهء شدیدالحنی به او نوشت که محتوای این نامه درس بزرگی برای یکایک مسلمانان خصوصاً شیعیان است . حضرت فرمود:

آن گاه آن چه حلال بودنش برای تو مشتبه بود از دهان بینداز و آن چه را یقین به پاکیزگی و حلیتیش داری تناول کن !

آگاه باش ! هر مأمومی امام و پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند. و از نور دانشش بهره گیرد, بدان ! امام شما ازدنیایش به همین دو جامه کهنه و از غذاها به دو قرص نان اکتفا کرده است , آگاه باش ! شما

توانایی آن را ندارید که چنین باشید. امامرا با ورع , تلاش , عفت , پاکي و پيمودن راه صحيح ياری دهيد, به خدا سوگند من از دنياي شما طلاو نقره ای نیندوخته ام , و از غنايم و ثروت های آن مالی ذخيره نکرده ام و برای این لباس کهنه ام بدلی مهيا نساخته ام و از زمین آن حتی يك وجب در اختيار نگرفته ام . و از این دنيا بيش از خوراک مختصر و ناچيزی برنگرفته ام . این دنيادر چشم من بی ارزش تر و خوارتر از دانهء تلخی است که بر شاخه درخت بلوطی بروید ....

من نفس سرکش را با تقوا تمرین می دهم و رام می سازم , تا در آن روز بزرگ و خوفناک با ایمنی وارد صحنه قیامت شود, در آن جا که همه می لغزند او ثابت و بی تزلزل بماند (فکر نکن من قادر به تحصیل لذت های دنيا نیستم) به خدا سوگند اگر می خواستم می توانستم از عسل مصفا ... و مغز این گندم , و بافته های این ابریشم برای خود خوراک و لباس تهیه کنم , اما هیئات که هوا و هوس بر من غلبه کند و حرص و طمع مرا وادار کند تا طعام های لذیذ را برگزینم . در حالی که ممکن است در سرزمین یا کسی باشد که حتی امید به دست آوردن يك قرص نان رانداشته باشد و نه هرگز شکمی سیر خورده باشد, آیا من با شکمی سیر بخوابم در حالی که در اطرافم شکم های گرسنه و کبدهای سوزانی باشند؟

آیا به همین قناعت کنم که گفته شود:

من امیر مؤمنانم؟ اما با آنان در سختی های روزگار شرکت نکنم؟! و پیشوا و مقتدایشان در تلخی های زندگی نباشم؟ من آفریده نشدم که خوردن خوراکی های پاکیزه مرا به خود مشغول دارد، هم چون حیوان پرواری که تمام همش و علف است و یا هم چون حیوان رها شده ای که شغلش چرید و خوردن و پرکردن شکم می باشد و از سرنوشتی که در انتظار او است بی خبر است، آیا بیهوده یا مهمل و عبث آفریده شده ام؟ آیا باید سر رشته دار ریسمان گمراهی باشم؟ و یا در طریق سرگردانی قدم گذارم؟ گویا می بینم گوینده ای از شمامی گوید:.

آگاه باشید! درختان بیابانی چوبشان محکم تر است، اما درختان سر سبز که همواره در کنار آب قرار دارند پوستشان نازک تر (و کم دوام ترند)، درختانی که در بیابان روییده و جز با آب باران سیراب نمی گردند، آتششان شعله ورتر و پر دوام تر است و من نسبت به پیامبر ۶ هم چون روشنی که از روشنایی دیگر گرفته شده باشد و هم چون ذراع نسبت به باز و هستم (بنابراین روش او را از دست نمیدهم) به خدا سوگند اگر عرب برای نبرد با من، پشت به پشت یکدیگر بدهند من به این نبرد پشت نمی کنم و اگر فرصت دست دهد که بتوانم آن را مهار کنم به سرعت بسوی آنان خواهم شتافت و بزودی تلاش خواهم کرد ...<(۱)

(پاورقی ۱ نهج البلاغه، ترجمهء گویا و شرح فشرده، ناصر مکارم شیرازی، ج ۳ ص ۱۰۹ ۱۱۳)

**آیا وجود آموزشگاه از دواج برای جوانان زیر نظر دولت خوب است؟**

**پرسش**

آیا وجود آموزشگاه

ازدواج برای جوانان زیر نظر دولت خوب است ؟

## پاسخ

ازدواج یکی از سنت ها و نعمت های الهی است و زناشویی و تأسیس زندگی مشترک خانوادگی یک خواسته طبیعی است که غریزش در وجود انسان ها نهاده شده است تا جائی که رسول خدا فرمود: بنایی در اسلام پایه گذاری نشده که نزد خدا محبوب تر و عزیزتر از ازدواج باشد. (۱) در اسلام برای ازدواج و زندگی مشترک آدابی وجود دارد که بخشی از این آداب در کتاب های مختلف که در این زمینه تألیف شده است مانند ازدواج در اسلام آیت الله مشکینی آمده است . هم اکنون قبل از عروسی و در آغاز ازدواج در مرکز بهداشت جلساتی برای آموزش عروس و داماد تشکیل می دهند.

(پاورقی ۱ محمد باقر مجلسی ، بحارالانوار، ج ۱۰۳ ص ۲۲۲)

**چرا با وجود نهادهای دینی ( حوزه های ، ارشاد، امور تربیتی ... ) با هم جوانان روبرو از دین گریزان می شوند. آیا شیوه تبلیغی این نهادها ایراد دارد. مثلاً شیوه های ایراد دارد. مثلاً شیوه های تبلیغی خشک و سستی است و مبتنی بر اصول روان شناسی و علمی نیست ؟...**

## پرسش

چرا با وجود نهادهای دینی ( حوزه های ، ارشاد، امور تربیتی ... ) با هم جوانان روبرو از دین گریزان می شوند. آیا شیوه تبلیغی این نهادها ایراد دارد. مثلاً شیوه های ایراد دارد. مثلاً شیوه های تبلیغی خشک و سستی است و مبتنی بر اصول روان شناسی و علمی نیست ؟...

## پاسخ

برای ارائه تبلیغات موفق و قانون مند، نیاز به راهکارهای علمی و تحقیقی است . از این رو در جهان امروز، در خصوص تبلیغ و پیام رسانی ، رشته های تخصصی به وجود آمده و صدها دانشجو به تحصیل مشغول هستند. از سوی دیگر تبلیغات امروز، با بهره گیری از پیشرفته ترین ابزار و شیوه های مانند استفاده ماهواره ، رایانه و سایت های اینترنت ... به وجود می آید.

متأسفانه یکی از آسیب های مهم تبلیغات جامعه اسلامی ایران ، عدم همسو با شرایط زمان و تحولات است . بعد از گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی ، هنوز تبلیغات ایران سنتی بوده و از رهیانت راهکارهای علمی برخوردار نیست . امروز جهان به دهکده ای تبدیل شده است که ارتباطات سریع شکل می گیرد و نسل جوان از این ارتباطات تأثیر می پذیرند. تبلیغات امروز که بیشتر از سوی غرب به وجود می آید، جوانان را قربانی شبیه خون فرهنگی کرده است . بی تردید تهاجم فرهنگی تغذیه فرهنگی می طلبد. نهادها و مراکز فرهنگی ایران در راستی تبلیغات موفق نبوده اند. تبلیغات همسو با شرایط زمان سیاست های کلان فرهنگی و استراتژی منطقی و معقول را می طلبد. البته هر جامعه ای علاوه بر آنکه از ابزارهای تبلیغات روز، باید بهره گیرد، ابزارهای سنتی

خودش را نیز باید حفظ کند. در جامعه اسلامی ایران علاوه بر اینکه از شیوه ها و ابزار تبلیغات همسو با فرهنگ خود، استفاده کنند، از ابزارها و شیوه های تبلیغی مدرن نیز باید بهره گیرد. بر این اساس می توان گفت یکی از علل دین گریزی جوانان نبود تبلیغات قانون مند است، از این رو باید در ایران فرایند تبلیغات ضابطه پذیر و همسو با شرایط زمان شود. دین گریزی جوانان اختصاصی به عدم تبلیغات نظام یافته ندارد. بلکه عوامل مهم دیگر نقش زیربنای در دین گریزی جوانان دارد. خانواده ها، دوستان عبد صالح و محیط... عوامل تاثیر گذار هستند. برای گرایش جوانان ضروری است که خانواده ها با برنامه ریزی در محیط خانواده، جوانان را از آسیب های فردی و اجتماعی حفظ کنند. مدرسه ها به عنوان خانه دوم دانش آموزان نیز رسالت دارد که با طرح و برنامه های ضابطه مند، از دین گری جوانان جلوگیری کنند. نهادها و حوزه های علمیه که نیز وظیفه دارند که با بهره گیری از ابزارها و شیوه های مناسب، مانند تدوین مجله ها، مقاله ها... تبلیغات موفق را ارائه دهند. از سوی دیگر عزم ملی و سیاست های کلان فرهنگی می تواند، بزرگترین نقش را در گرایش جوانان به دین داشته باشد. که عملکرد مدعیان دین داری، از برنامه های دین جدا است. اسلام غنی ترین دینی است که عیب ندارد. و عیب ها در عملکرد مسلمانان ظهور می کند

اسلام به ذات خود ندارد هیچ عیبی هر عیبی که هست از مسلمانی ما است <

۷- دعوت از امام جماعت شایسته

برگزاری نماز جماعت نیاز به امام

جماعت شایسته، اهل مطالعه و خوش برخورد دارد اگر امام جماعت مشکلات جوانان را درک کرده و رفتار منطقی و معقول با آنان داشته باشد و مطالب همسو با نیاز جوانان را مطرح کند، جوانان بیشتر به نماز جماعت جذب می شوند. از سوی دیگر باید نماز جماعت ها طولانی شود که سبب خستگی جوانان گردد.

#### ۸- شبهه زدایی

امروزه که همه مردم، بویژه جوانان مورد تهاجم شیخون فرهنگی دشمن قرار گرفته اند و دشمن با بهره گیری از پیشرفته ترین ابزار تبلیغات مانند ماهواره و اینترنت، دین و اعتقادات جوان را نشانه گرفته است و جوان با دهها پرسش و شبهه روبرو شده است. ضرورت دارد که مسئولان فرهنگی و حوزه های علمیه به شبهه زدایی بپردازند. گرچه شبهه زدایی سیاست های کلان فرهنگی و تبلیغات ضابطه پذیر را می طلبد. نویسندگان و رسانه ها صدا و سیما و مطبوعات، باید با تدوین مقاله ها، روزنامه ها و تهیه سریال ها و فیلم های مفید، شبهه را شناسایی و سپس به رفع آن بپردازند.

#### ۹- دعوت از شخصیت ها

یکی از راهکارهای مهم جذب جوانان به معنویت، بویژه به نماز جماعت، دعوت از شخصیت های وارسته و بامعنویت تقواگرا است. حضور جوانان در جلسات این گونه افارد و بهره گیری از کلام و اخلاق حسنه آنان، اساسی ترین نقش را در گرایش جوانان به معنویت دارد. چه بسا جوانانی که در معرض سقوط اخلاقی قرار گرفته بودند، که با ملاقات و دیدار با بزرگان دین، قله رفیع معنویت را فتح کردند.

#### ۱۰- معرفی اهل بیت و معارف آنان

یکی

از راهکارهای مهم جذب جوانان به معنویت معرفی اهل بیت ۷ و معارف آنان است. جوانان ایران عاشقانه و دلباخته اهل بیت ۷ هستند که اگر زندگانی و معارف آنان درست تبیین شود، جوانان به معنویت گرایش پیدا می کنند. اگر جوانان به زیارتگاهها و اماکن مقدسه برده شده، آن گاه معارف اهل بیت بیان گردد، بیشتر تأثیر گذار خواهد بود.

### یک هیئت عزاداری بر چه اساسی تأسیس می شود و نحوه پیشرفت و هدایت امر تبلیغ با چه روشی امکان پذیر است؟

#### پرسش

یک هیئت عزاداری بر چه اساسی تأسیس می شود و نحوه پیشرفت و هدایت امر تبلیغ با چه روشی امکان پذیر است؟

#### پاسخ

هیئت مذهبی، نوعی تشکّل مذهبی بر محور عزاداری برای سید الشهداء و ائمه علیهم السلام است. مجموعه هایی از مردم هر محله، در شهرها یا روستاها که برای سوگواری و روضه خوانی نسبت به امام حسین ۷ به ویژه در ایام عاشورا تشکیل می شود. هیئت، سنتی دیر پا و مردمی است و با بودجه علاقه مندان به امام حسین ۷ تشکیل می یابد. در طول سال هم فعالیت می کند و جلسات هیئت برگزار می گردد، اما روز عاشورا، برای سیه زنی و عزاداری از حسینیه یا محله بیرون می آیند و به حرم ها و امام زاده و تکیه ها می روند. هر هیئت نام خاص و پرچم و علامت ویژه دارد. هیئت های عزادای گاهی متوسلین به یکی از ائمه یا شهدای کربلا هستند. هیئتی... که نوعی سوگواری گروهی است، در قدیم هم رایج بوده و شیعیان به صورت دسته جمعی نوحه خوان و با تشکیلاک طعام، به زیارت قبر امام حسین ۷ می رفتند. امام صادق ۷ به فائد حنّاط که خبر اینگونه زیارت های جمعی را باز می گفت، فرمود: هر کس قبر حسین ۷ را زیارت کند، در حالی که به حق او آشنا باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد. (۱)

برای این که در امر تبلیغ، پیشرفت وجود داشته باشد باید شیوه حکیمانه اسلام در هدایت و ارشاد مردم که مستفاد از قرآن کریم است مورد توجه قرار گیرد. قرآن کریم طی آیه شریفه ای،

چگونگی تبلیغ و دعوت جوامع بشری به دین خدا را اعلام می دارد. کیفیت تبلیغ در اسلام برنامه خاصی دارد و باید در کادر معینی صورت گیرد. قرآن کریم می فرماید:

شریفه , باید روش خطابه و تبلیغ بر سه محور استوار باشد: ۱ حکمت و منطق ۲ مواعظ بلیغ ۳ شیوهء جدل و مجادله نیکوتر. (۲)

برای توسعه و گسترش همراه با کیفیت در خور شأن تبلیغ , باید به ...آ.....رِیزی منسجم و منظم در امر تبلیغ ...رِزید و در خصوص اجرای آن باید از مبلغان توانا که تأثیرگذار باشند استفاده نمود و از طرف دیگر شناخت مخاطبان نیز می تواند در تأثیر به سزای تبلیغ نقش داشته باشد.

(پاورقی ۱. جواد محدّثی , فرهنگ عاشورا, ص ۴۷۲)

(پاورقی ۲. محمد باقر شریعتی سبزواری , اصول و مبادی سخنوری , ص ۱۶۱ و ۱۶۲)

### پیام عاشورا برای جوانان چیست ؟

#### پرسش

پیام عاشورا برای جوانان چیست ؟

#### پاسخ

پیام زیاد است , از جمله :

۱ دست رد به سینهء نامحرم زدن و رهبری فاسد و تبه کاری را نپذیرفتن ;

امام حسین ۷ فرمود: (۱)

۲ کرامت نفس و عزّت و شرافت نفس پیدا کردن و زیر بار ذلّت و ننگ نرفتن ,

امام حسین ۷ فرمود: (۲)

در بیان دیگری فرمود: (۳)

۳ در مقابل بی عدالتی ها و نابرابری ها و ظلم و ستم و فریب و دغل بازی ساکت نماندن و امر به معروف و نهی از منکر کردن ;

امام حسین ۷ (۴).



۴ در راه حق از هیچ چیز باک نداشتن و همه چیز حتی جان را فدای حق نمودن .

بعد از گذشتن از قصر نبی مقاتل و یکی از منازل بین راه مکه و کوفه ، امام حسین در جایی که سوار است بودند، خوابیدند و پس از آن که از خواب بیدار شدند سه بار فرمود: . حضرت علی اکبر از علت جویا شد. امام در جواب فرمود: . عرض کرد: مگر برحق نیستیم؟ امام جواب مثبت داد. گفت: در این صورت از مرگ در راه حق باکی نداریم. (۵)

(پاورقی ۱. مجموعه آثار، ج ۱۷ ص ۴۹ نقل از لهوف سید ابن طاووس ، ص ۴۷

(پاورقی ۲. همان ، ص ۴۶

(پاورقی ۳. همان ، نقل از ارشاد مفید، ص ۲۳۵

(پاورقی ۴. شهید مطهری ، مجموعه آثار، ج ۱۷ ص ۱۸ نقل از مقتل الحسین ، مقررّم ، ص ۱۵۶

(پاورقی ۵. اعیان الشیعه ، ج ۸ ص ۲۶ طبق نقل فرهنگ عاشورا، ص ۳۲۳-

**به نظر شما آیا عزاداری ما فقط باید در دههء محرم باشد؟ آیا تبلیغات ما در این زمینه کم نیست؟ در این صورت وظیفه چیست؟**

**پرسش**

به نظر شما آیا عزاداری ما فقط باید در دههء محرم باشد؟ آیا تبلیغات ما در این زمینه

کم نیست؟ در این صورت وظیفه چیست؟

## پاسخ

متأسفانه باید با کمال شرمندگی به این واقعیت تلخ اعتراف کنیم که عزاداری و تبلیغات ما دربارهٔ عنهضت اباعبدالله ۷ خیلی کم است.

تازه در این مدت کم اهداف واقعی قیام اباعبدالله ۷ بیان نمی‌شود و درسی که حسین ۷ به انسان‌ها آموخت، به مردم تدریس نمی‌شود.

وظیفه این است که:

۱ از روحانیون با سواد و متدین در این گونه مجالس استفاده شود و از آن‌ها خواسته شود که از علل قیام اباعبدالله ۷ سخن بگویند. بدبختانه امروزه در برخی از مجالس، تنها به دعوت مداحان و شنید مصیبت حسین ۷ و اهل بیتش بسنده می‌شود.

۲ بانیان متعددی پیدا شوند که هر کدام یک دهه، مجلس عزاداری برپا کنند، چنان که در برخی شهرها مثل تهران، قم و مشهد و اصفهان مرسوم است.

۳ در صورت عدم امکان تشکیل جلسات عزاداری، حداقل کتاب‌های مربوطه (مقتل‌های صحیح) را مطالعه کرده و از این طریق با واقعیت‌های قیام عاشورا آشنا شوند.

۴ چنان چه از این طریق ممکن نباشد، وظیفه این است که با مراکزی مثل واحد پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی قم مکاتبه نموده و شبهات خود را با آن در میان بگذارید و پاسخ‌های خود را دریافت دارند.

## آیا در جامعه ما تمام اهداف امام حسین ۷ پیاده می‌شود؟

### پرسش

آیا در جامعه ما تمام اهداف امام حسین ۷ پیاده می‌شود؟

### پاسخ

بعد از انقلاب شکوهمند و پرافتخار جمهوری اسلامی ایران، بیش‌تر اهداف مقدس حضرت اباعبدالله ۷ در جامعه پیاده شده است و می‌شود. اگر چه در حد مطلوب و ایده‌آل نمی‌باشد. کراراً گفتیم: از جمله اهداف قیام اباعبدالله ۷ عبارت است از:

۱ زنده کردن اسلام؛

۲ نشان دادن چهرهء واقعی دودمان بنی امیه ؛

۳ اصلاح جامعه از نظر اعتقادی و عملی و اخلاقی ، که متأسفانه در این خورد خیلی موفق نیستیم .

۴ از بین بردن سلطهء بنی امیه ، که ما دست استعمارگران را از کشور جمهوری اسلامی ایران قطع کردیم ، گرچه عده ای با انواع حيله ها می خواهند ما را دوباره گرفتار استعمار کنند.

۵ آزاد سازی ملت از سلطهء زورمداران ؛

۶ حاکم ساختن حق ؛

۷ تأمین قسط و عدل اجتماعی ، که در این مورد خیلی موفق نبودیم .

۸ زنده کردن سنت بزرگ و سرنوشت ساز امر به معروف و نهی از منکر، که با کمال تأسف باید بگوییم : این سنت بزرگ در جامعهء ما خیلی ضعیف شده و بلکه در حد فراموشی قرار گرفته است .

۹ مبارزه با بدعت ها و کج روی ها و بدبختانه اخیراً به دست گروهی از روشنفکران ، نادانسته یا مغرضانه کج روی های زیادی در جامعهء ما پیدا شده و می شود، مانند اعتقاد به پلورالیزم ، سکولاریزم ، قرائت های مختلف ، نداشتن حکومت دینی و مخالفت با حجاب و قصاص و ...

### قیام عاشورا و امام حسین ۷ در دین و افکار جامعه های دیگر چه تأثیری گذاشته است ؟

#### پرسش

قیام عاشورا و امام حسین ۷ در دین و افکار جامعه های دیگر چه تأثیری گذاشته است ؟

#### پاسخ

بسیار واضح و روشن است . انقلاب و قیامی که دم از آزادی و عدالت بزند و چگونگی امتناع از قبول ظلم و جور را نشان بدهد و غیرت و شجاعت و فداکاری و پایداری در برابر مصایب و ثبات قدم بر طریق حق را به دیگران تعلیم دهد و حرمت سکوت را در برابر باطل و فساد ثابت سازد و بالاخره قیامی که ثابت می کند حق و فضیلت و عدل و ایمان در هر وضعی می تواند بر خودسری و مکر و حيله و ستم و کفر غلبه نماید، در افکار و عمل کرد و ایدئولوژی دیگران حتی غیر مسلمانان اثر فوق العاده ای می گذارد. به عنوان نمونه گفتار چند نفر از رهبران و اندیشمندان غیر اسلامی و اسلامی را به نظرتان می رسانیم :

۱ مهاتما گاندی ، رهبر استقلال هند می گوید: اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از امام حسین پیروی کند.

۲ محمد علی جناح , قائد اعظم پاکستان می گوید: به عقیده من تمام مسلمانان باید از شهیدی که خود را درسرزمین عراق قربانی کرد, پیروی نمایند.

۳ موریس دوکبری می گوید: در مجالس عزاداری حسین گفته می شود: که او برای حفظ شرف و ناموس و بزرگی مقام و مرتبه اسلام , از جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار و ماجراجویی یزید نرفت .

پس بیایید ما هم شیوه او را سرمشق قرار داده و از زیر یوغ استعمار بیرون بیاییم و مرگ با عزت را بر

زندگی باذلت ترجیح دهیم .

۴ بالاخره عباس محمود عقّاد، نویسنده و ادیب مصری می گوید: جنبش حسین یکی از بی نظیرترین جنبش های تاریخی است که تاکنون در زمینه دعوت های دینی و یا نهضت های سیاسی پدیدار گشته است. (۱)

همان طور که ملاحظه شد، حادثه کربلا و قیام اباعبدالله ۷ در افکار دیگران اثر فوق العاده ای داشته است .

(پاورقی ۱. شهید هاشمی نژاد، درسی که حسین به انسان ها آموخت ، ص ۴۴۷ طبق نقل فرهنگ عاشورا، ص ۲۸۳)

## نقش مساجد در تربیت جوانان چگونه است ؟

### پرسش

نقش مساجد در تربیت جوانان چگونه است ؟

### پاسخ

از این که با ما مکاتبه نمودید سپاسگزاریم . مسجد از صدر اسلام تا کنون پایگاه معنوی و اجتماعی مسلمانان بوده است . تاریخ مسجد با تاریخ اسلام گره خورده و این نهاد مقدس بی درنگ پس از بعثت پیامبر اکرم ۶ عهده دار نقش های مهم و گوناگونی در نهضت و انقلاب آن حضرت بوده است . مسجد پایگاهی است که نقش حساسی در تربیت جوانان دارد.

انقلاب اسلامی ایران همانند نهضت صدر اسلام خود گواهی است بر این مدعا که مساجد کانونی برای جذب و تربیت جوانان تأثیر گذار باشند:

۱ در بُعد معنوی و اخلاقی : اگر جوانان با مسجد انس و پیوند داشته باشند، حالت درونی و معنوی خوب و خوشی برای آنان حاصل می شود. نماز جماعت تجلی بخش حالات خوش و معنوی انسان هنگام ارتباط با پروردگار خویش و نقش ارزنده آن در جهت ایجاد شور و نشاط بیشتر در مسیر الی الله است .

اگر خمیرمایه فکر و عمل جوانان با عبادات خدا در مسجد شکل بگیرد، با انجام عبادت خالصانه در این مکان مقدس ، در اوج تقرب به حق تعالی قرار می گیرند. اگر جوانان با معنویت و عشق به خدا پرورش یابند، آینده درخشانی را برای خود و جامعه ترسیم خواهند کرد. مسجد کانون مهمی جهت تقویت حیات معنوی و ارتباط با خدادر جان های مستعد جوانان است .

۲ بُعد اعتقادی و پاسخ به شبهات : دوران جوانی ، دوران پرسشگری و مواجهه با شبهات است . مساجد فعال نقش مهمی در پاسخگویی به شبهات و پرسش های جوانان ایفا می کنند و مساجد

به عنوان کانون های مهمی جهت پاسخگویی به مسایل و شبهات جوانان مطرح می باشند که در ابعاد مختلف مخصوصاً شبهات اعتقادی نقش مهمی ایفا می کنند، یعنی یکی از نیازهای مهم نسل جوان را پاسخگو هستند. مسجدی که امام جماعت فعال و مجموعه پرتلاشی داشته باشد، می تواند در این مسیر موفق تر باشد.

۳ بعد روابط اجتماعی: دوران جوانی، دوران بااهمیتی است که در این دوران به سرعت علاقه مند به گسترش روابط با دیگران و حضور در اجتماع است. مسجد کانون مناسبی جهت یافتن دوستان خوب و با ایمان است و شخص، با مشارکت در فعالیت های مسجد می تواند فعالیت اجتماعی سالمی را آغاز کند و عرصه جدید روابط اجتماعی خود را به شکل خوبی توسعه و گسترش دهد.

## راه های جذب جوانان به مسجد چگونه است؟

### پرسش

راه های جذب جوانان به مسجد چگونه است؟

### پاسخ

برای جذب جوانان به مسجد، باید مساجد فعال و پویا داشته باشیم. در این زمان از یک سو دامنه آتهاجم دشمن به قلمرو اندیشه های دینی گسترش یافته و از سوی دیگر، جامعه ما یک جامعه جوان است که شیفته آشنایی با مبانی اسلامی است. باید نهادهای مذهبی مانند در خصوص جامعه جوان برنامه داشته باشند تا این جان های مستعد را در مسیر درست هدایت کنند.

بی گمان به عنوان سنگری که از آغاز بنای آن تا کنون دارای نقش فرهنگی و آموزشی بوده است، نمی تواند در خصوص نسل جوان و پرسشگر، ساکت و بی برنامه باشد. برای جذب جوانان به مسجد باید تمامی ابزارها و امکانات را در خدمت گرفت و یک فعالیت فرهنگی و تبلیغی پر جاذبه را از سنگر مساجد پی ریزی نمود. در مساجد با بهره گرفتن از روش های آموزشی و فرهنگی، مفاهیم بلند دینی را به صورتی زیبا ارائه دهند تا آمدن جوانان به مساجد استمرار داشته باشد و جوانان گمشده خود را در این مکان مقدس بیابند و با این مکان مأنوس گردند.

امروزه در کنار فعال نمودن مساجد، بنا نهادن مؤسسات و مراکز آموزشی، فرهنگی در کنار مساجد، یک ضرورت اجتناب ناپذیر به شمار می رود. این مراکز آموزشی وابسته به مساجد محسوب خواهد شد و اداره و مدیریت آن ها جدا از اداره مسجد نیست. چنان چه این مراکز بتوانند به اندازه توان خود، پاسخگوی نیازهای مردم مخصوصاً نسل جوان در خصوص کتاب، نشریات سودمند، فیلم، نوار، مراکز اطلاع رسانی و حتی نیازهای تفریحی

باشند، زمینه بسیار مناسبی برای جل بو جذب جوانان و دانش پژوهان به نماز و مسجد فراهم می آید.

چه زیبا و دلنشین است هرگاه انبوه جوانانی که در کتابخانه مسجد به مطالعه نشسته اند، با شنیدن آوای ملکوتی اذان، به مسجد بشتابند و پس از بجا آوردن نماز، به کار خود ادامه دهند. وجود چنین مراکزی در کنار مساجد ویوسته به آن، نسل جوان را با مساجد پیوند می دهد. (۱) هر قدر در مساجد جاذبه های معنوی و مورد قبول جوانان تقویت شود، آسان تر سریع تر می توان جوانان را به مساجد کشاند و این پیوند را استمرار بخشید.

(پاورقی ۱. رحیم نوبهار، سیمای مسجد، ج ۲ ص ۱۶۴)

## آیا جواب بودن امام جماعت و یا حتی خادم مسجد، در گرایش جوانان به مسجد نقش دارد؟

### پرسش

آیا جواب بودن امام جماعت و یا حتی خادم مسجد، در گرایش جوانان به مسجد نقش دارد؟

### پاسخ

جوان بودن امام جماعت نمی تواند معیاری برای گرایش جوانان به مسجد باشد، چون امام جماعت باید اولاً دارای فضایل علمی و اخلاقی باشد؛ ثانیاً نزد مأمومین از مقبولیت برخوردار باشد، به نحوی که مردم رغبت داشته باشند به او اقتدا کنند. پیشوایان اسلام بر مقبولیت امام جماعت و اینکه مورد رضایت و پذیرش نماز گزاران باشد، تأکید فراوان نموده اند. اگر این مقبولیت نزد جوانان بیشتر شود، آن ها حضور فعال تری در مساجد خواهند داشت. امام جماعت باید با استفاده از تدابیر لازم جهت جذب جوانان و برخوردی پر جاذبه و کم دافعه، آنان را به این سنگر الهی دعوت کند. هر قدر امام جماعت با درایت و آگاه به زمان باشد، بهتر و سریع تر می تواند جوانان را به مسجد جذب کند. حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با این که جوان نبود، اما بهتر از همه، جوانان را می شناخت و با آنان بود و جوانان و همه مردم ایران به او عشق می ورزیدند و تا سر حد جان به او اعتقاد داشتند. از این رو می توان عنوان کرد که جوان بودن امام جماعت موضوعیت ندارد، بلکه امام جماعت باید جوانان و نوجوانان و خواسته های آنان را بشناسد و رای آنان دوست و یاور صدیق و هدایتگر باشد. جوان بودن امام جماعت ممکن است مشکلاتی را به همراه داشته باشد، همان طوری که عدم شناخت جوانان و تنها اهمیت دادن به بزرگسالان مشکل ساز خواهد بود و میزان

جذب جوانان به مساجد را قطعاً پایین خواهد آورد. امام جماعت باید نسبت به همه مردم راهنما و مهربان باشد و با توجه به حساس بودن اقشار نوجوان و جوان، نسبت به آن‌ها برخورد مناسب و پرجاذبه‌ای داشته باشد. این امر قطعاً گرایش جوانان را به مسجد افزایش می‌دهد.

## آیا وجود کانون فرهنگی، بسیج، کتابخانه و امثال آن را می‌توان از علل جذب جوانان به مسجد دانست؟

### پرسش

آیا وجود کانون فرهنگی، بسیج، کتابخانه و امثال آن را می‌توان از علل جذب جوانان به مسجد دانست؟

### پاسخ

وجود مراکز فرهنگی، کتابخانه و بسیج در کنار مسجد، نقش مفیدی در جذب جوانان به مسجد دارد. اگر این نهادها و مراکز بتوانند برنامه‌های مفید و تأثیرگذاری برای نسل جوان داشته باشند، زمینه جذب جوانان به مسجد را به همراه خواهد داشت. جوانی که از لذت معنوی بهره‌مند شده است، سعی می‌کند این لذت معنوی را در چه بیشتر استمرار بخشد و پیوند خود با مسجد را مستحکم کند. هر اندازه که کانون‌های فرهنگی، کتابخانه و بسیج در کنار مسجد فعال باشند و برنامه‌های جالب و معنوی و مورد قبول جوانان داشته باشند، می‌توان امیدوار بود جوانان بیشتری به سوی مساجد جذب شوند. سرمایه‌گذاری این مراکز و نهادها برای هدایت و ارشاد نسل جوان باید با برنامه‌ریزی مناسب همراه باشد و این خود موجب افزایش تمایل جوانان به مساجد خواهد بود.

## استقبال جوانان را در مساجد مختلف چگونه می‌بینید؟ علت عدم حضور برخی جوانان در مساجد چیست؟

### پرسش

استقبال جوانان را در مساجد مختلف چگونه می‌بینید؟ علت عدم حضور برخی جوانان در مساجد چیست؟

### پاسخ

استقبال جوانان و حضور آنان در مساجد مختلف فرق می‌کند. از بعضی مساجد جوانان استقبال خوبی می‌کنند و حضور آنان در عرصه مسجد چشمگیر است. در بعضی دیگر حضور جوانان کم‌رنگ است و استقبال خوبی از آنان مشاهده نمی‌شود.

عدم حضور برخی جوانان در مساجد می‌تواند علل مختلفی داشته باشد که برخی از آن‌ها را بر می‌شماریم:

۱ فرهنگ حاکم بر خانواده که نقش مهم و اساسی در ارتباط جوان با مسجد ایفا می‌کند؛ به این معنا که هر قدر خانواده متدین باشد، در فرزند زمینه علاقمندی و الگوپذیری در خصوص مفاهیم مذهب یو دینی و از جمله فرهنگ آنس با مسجد، بیشتر آماده است. اگر فرزند در خانواده‌ای پرورش یابد که اعضای آن بیگانه با دین و مسجد باشند، قطعاً زمینه ارتباط با فرهنگ



دینی و مسجد بسیار کمتر مهیا می شود.

۲ فرهنگ حاکم بر محیط اطراف ؛ یعنی هر آن چه که جدای از محیط خانواده بر روی جوان تأثیر گذار است ، می تواند نقش مثبت یا منفی بر روی جوانان داشته باشد. هر محیطی که فضای فرهنگی نامطلوبی داشته باشد، زمینه عدم گرایش جوانان به مسایل دینی و پیوند با مسجد در آن کمتر خواهد بود.

۳ امام جماعت مساجد اگر انسان وارسته ، آگاه به زمان و آشنا به نیازهای نسل جوان باشد، موجب جذب جوانان به مسجد می شود. اگر خدای ناکرده امام جماعت فاقد شرایط تأثیر گذار بر دیگران باشد، قطعاً استقبال کمتری خواهد بود و حتی  
زمینه

گریز جوانان از مسجد را ممکن است ایجاد کند.

۴ اگر مساجد از امکانات جانبی، مراکز فرهنگی و کتابخانه برخوردار باشند، جوانان بیشتری را می‌توانند جذب کنند. در مقابل اگر مساجدی باشند که از هیچگونه امکانات جانبی برخوردار نباشند، قطعاً میزان استقبال جوانان کمتر خواهد بود.

### خصوصیات مسجد فعال و امام جماعت خوب را بنویسید.

#### پرسش

خصوصیات مسجد فعال و امام جماعت خوب را بنویسید.

#### پاسخ

مسجد فعال مسجدی است که از خصوصیات زیر برخوردار باشد:

۱ حضور گسترده و چشمگیر مؤمنان و نمازگزاران در مسجد اولین نشانه‌ی یک مسجد فعال است. حضور گسترده‌ی مردم، جلوه‌ی عملی مسجدی فعال و پویا است.

۲ امام جماعتی فعال، پرجاذبه و خوش برخورد داشته باشد و مقبولیت اجتماعی خوبی داشته باشد. این یک عامل مهم جهت جذب مردم به مسجد محسوب می‌شود.

۳ فعال بودن مراکز فرهنگی مسجد از قبیل کانون‌های فرهنگی و کتابخانه می‌تواند نقش مهمی در فعال نمودن یک مسجد داشته باشد.

۴ برخورداری مسجد از برنامه‌های تبلیغی و آموزشی مناسب یکی از محورهای فعال بودن مسجد محسوب می‌شود.

خصوصیات یک امام جماعت خوب عبارت است از:

۱ مقبولیت اجتماعی: پیشوایان اسلام در کنار واجد شرایط برای احراز منصب امام جماعت، بر مقبولیت امام جماعت و این که او مورد رضایت و پذیرش نمازگزاران باشد، تأکید فراوان نموده‌اند. عمل به این رهنمود موجب حضور پر شور و علاقه‌مندانه مؤمنان در مسجد و نماز جماعت خواهد بود. (۱)

۲ اخلاق شایسته و در خور شأن امام جماعت؛ امام جماعت باید دارای اخلاق نیکو و شایسته‌ای باشد و بامردم به خوبی مدارا کند. امام جماعتی موفق است که بتواند با مردم، متواضع و خوش اخلاق باشد و به تعبیر دقیق تر علاوه بر اخلاق فردی در بُعد اخلاق اجتماعی هم موفق باشد.

۳ شایستگی‌های علمی، اگر امام جماعت عالمی دین‌شناس و متعهد باشد و در مسجد به تفسیر قرآن و آموزش مسایل دینی



به کانون اجتماع مؤمنان و مشتاقان فضیلت تبدیل خواهد شد.

۴ نظم و انضباط؛ اگر امام جماعت بخواهد پیوند مردم را با مسجد مستحکم تر کند و حضور مردم را روزافزون تر کند، باید منضبط و حضور او در مسجد منظم باشد. این امر موجب افزایش حضور مؤمنان در مسجد خواهد شد.

(پاورقی ۱. رحیم، نوبهار، سیمای مسجد، ج ۲ ص ۲۶۳)

## ویژگی های یک مسجد جوان پسند کدام است ؟

### پرسش

ویژگی های یک مسجد جوان پسند کدام است ؟

### پاسخ

مسجدی مورد توجه جوانان قرار می گیرد که از ویژگی های زیر برخوردار باشد:

۱ امام جماعت و مجموعه افرادی که در مسجد خدمت می کنند، اعم از هیأت امناء و خادم و سایر افرادی که به نوعی در ساماندهی فعالیت های مسجد مشارکت دارند، باید رفتاری پر جاذبه، صبورانه و با محبت نسبت به جوانان داشته باشند. در کنار محبت و مهربانی نسبت به جوانان، باید امام جماعت و مجموعه مسئولان، در مسجد به آنان بهابدهند و از مشارکت آنان در امور مسجد استفاده کنند.

۲ هر مسجدی که مراکز فرهنگی و آموزشی دارد، قطعاً بیشتر مورد پسند جوانان خواهد بود، چون فعالیت های فرهنگی و آموزشی به عنوان مکمل فعالیت عبادی، زمینه بیشتری را برای جذب جوانان به مسجد مهیا می کند و جوانان رغبت بیشتری پیدا می کنند که در مسجد حضور یابند.

۳ روزآمد بودن برنامه ها و فعالیت های مسجد نقش مهمی در افزایش حضور جوانان خواهد داشت.

اگر برنامه های آموزشی، تبلیغی و کمک آموزشی در یک مسجد به صورتی تنظیم شود که نیازهای فرهنگی، علمی و عاطفی جوانان را در حد مطلوبی تأمین کند، گرایش جوانان به آن مسجد بیشتر خواهد شد. وقتی جوانان به مسجد راه پیدا کرد، کم کم این رفت و آمد به انس و محبت تبدیل می شود، به حدی که دیگر جوانان از مسجد تلقی بسیار نیکویی پیدا می کنند و با آن مانوس می شود.

## برای نهادینه شدن اصول عقاید جوانان چه باید کرد؟

### پرسش

برای نهادینه شدن اصول عقاید جوانان چه باید کرد؟

## پاسخ

ایمان به خدا و رسوخ توحید در اعماق جان و باور یقینی به معاد و روز بازپسین و اعتقاد به نبوت خاتم پیامبران ۶ و آن چه حضرتش برای هدایت و سعادت بشریت آورده است و ایمان به امامت دوازده امام معصوم: و اعتقاد به عدل الهی که اصول دین هستند، سرمایه اصلی سعادت بشر می باشد. بهترین راه آشنایی بیشتر جوانان با اصول اعتقادی، گنجاندن آن در کتب درسی و تکرار آن در کتاب ها و مقطع های بعدی تحصیلی به طور ژرف تر است.

## برای تشکر از علمای دین و روحانیون چه باید کرد؟

### پرسش

برای تشکر از علمای دین و روحانیون چه باید کرد؟

## پاسخ

نقش علمای اسلام در دوران غیبت کبری که عصر غیبت امام عصر، امام زمان ۷ است، در موردحراست از دین خدا و مذهب حقه تشیع، در درجه اول اهمیت است، زیرا زندگی بشر به دو دوره تقسیم می شود: زندگی در دنیا و زندگی در عالم پس از مرگ. زندگی در دنیا کوتاه مدت، ولی حیات در آخرت ابدی است. زندگی سعادت‌مندانه جهان پس از مرگ کاملاً بستگی دارد به ایمان، تقوا و پاکی در دنیا، رسول خدا فرمود: (۱)

انسان هر چه در دنیا عمل کرد و آماده نموده همان را در سرای آخرت دریافت خواهد کرد.

قرآن می فرماید: (۲)

دانشمندانی برای بشریت صنعت و فناوری به ارمغان آوردند و بدین وسیله خدمات بزرگی به جهان انسانیت نموده اند، ولی همه این خدمات برای دنیای انسان است. اما علمای دین با هدایت مردم به سوی معنویت و دین دار کردن آنان، علاوه بر خدمت دنیایی، جهان ابدی انسان را آباد و سراسر نور و نعمت می کنند. با این حساب نعمتی که دیگران در این دنیا در اختیار انسان می گذارند، زودگذر و پایان پذیر و محدود است، ولی نعمتی که به وسیله هدایت عالمان دین به انسان می رسد، جاودان و همیشگی است.

از همین جا ارزش والای علمای اسلام و فقهای دین و نایبان امام زمان ۷ در زمان غیبت کبری روشن می شود.

امام دهم حضرت هادی ۷ فرمود: (۳)

با این تأثیری که عالمان دینی در سعادت و خوش بختی ما دارند، وظیفهء ما آن

است که اولاً پای بند به احکام اسلام شده و کاملاً به دستوره‌های آن عمل نمایم. این بهترین شیوه تشکر از علمای اسلام است، چرا که بیش‌ترین دغدغه آنان این است که مردم مسلمان با تقوا شده و زندگی پاک داشته باشند. در این صورت دین و دنیایشان آباد می‌شود.

ثانیاً حرمت و احترام علما را حفظ نمایم. امام علی ۷ فرمود: (۴)

(پاورقی ۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲ ص ۵۲۰)

(پاورقی ۲. زلزله (۹۹ آیه ۸۷)

(پاورقی ۳. محمد ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳ ص ۲۰۸۷ ماده علم، شماره ۱۳۹۱۹)

(پاورقی ۴. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲ ص ۴۴ حدیث ۱۳)

**قبل از انقلاب در تهران مرکزی برای برطرف نمودن غریزه جنسی بود، اما بعد از انقلاب آن جا را خراب کردند و همه زن‌ها که شوهرانشان به علت فروش مواد مخدر و جرایم دیگر به زندان افتاده اند، مجبور به خودفروشی در سطح شهر تهران شده اند و هیچ کس نیست که رسیدگی کند.**

#### پرسش

قبل از انقلاب در تهران مرکزی برای برطرف نمودن غریزه جنسی بود، اما بعد از انقلاب آن جا را خراب کردند و همه زن‌ها که شوهرانشان به علت فروش مواد مخدر و جرایم دیگر به زندان افتاده اند، مجبور به خودفروشی در سطح شهر تهران شده اند و هیچ کس نیست که رسیدگی کند. مسئولیت دولت و مردم در این مورد چیست؟

#### پاسخ

بروز و ظهور و گسترش بیشتر این گونه مفاسد، ریشه اقتصادی دارد. مشکلات اقتصادی و فقر، اکثر افراد جامعه را دچار این گونه ناهنجاریها کرده است. دولت باید فقر را از جامعه بردارد و اخلاق اسلامی و نورعبودیت خدا را در جامعه گسترش دهد. می‌توان گفت بیشترین نقش را در برطرف مفاسد دولت دارد، ولی وظیفه مردم در این مورد سنگین است.

امر به معروف و نهی از منکر و کمک‌های مادی افراد خیر برای زدودن فقر از افراد جامعه نقش به‌سزایی دارد.

**علت کم‌رنگ شدن مسایل دینی و مذهبی در میان خانواده‌ها و نیز جامعه چیست؟ باتوجه به این که بعضی مواقع ظاهراً مشکل اقتصادی وجود نداشته و یا شدید نیست؟**

#### پرسش

علت کم‌رنگ شدن مسایل دینی و مذهبی در میان خانواده‌ها و نیز جامعه چیست؟ باتوجه به این که بعضی مواقع ظاهراً

## پاسخ

طبیعی است دین داری در هر زمانی ، مشکل خاص خود را دارد. مقوله دین اگر چه جاذبه و مقبولیت عامه دارد، اما عمل به دستوره‌های آن که بیشتر سر از التزامات و تقیدات مخصوصی در می آورد، مقوله ای مشکل است . بسیاری از آدمیان در عمل ، هم خدا را می خواهند و هم خرما را! هم از ترس آتش جهنم و رسیدن به وعده های چون بهشت و راحتی های دایمی ، به عبادت خدای متعال بر می خیزند و هم دینای پر زنگ و جاذبه و مسکنی راحت و مرکبی راهوار و رز زیور می طلبند. گویا برای همیشه می خواهند بمانند و حتی از مرگ هم نوعان و خویشان عبرت نمی گیرند!

عده ای با دین معارضه و مبارزه می کنند و عده ای پاک سرشت و نیک نمان باقی می مانند و عده ای خدا را بافطرت خویش می جویند، ولی دنیا را بر وفق طبیعت دانسته و با چنگ و دندان محافظت می کنند! ریشهء بدبختی ها و کم رنگ شدن امور اعتقادی در چیست ؟

در احادیث و روایات اشاره شده است دوستی دنیا و علاقه مندی با آن رأس تمام خطاها و لغزش ها است .

حدیث معروف (۱) گواه این مطلب است که دوستی با دنیا و نداشتن هدف و عدم استحکام پیوندها و پایه های اعتقادی ، موجب کم زنگ و یا فراموش شدن مبدأ و



معاد می شود. انسانی که دنیا دوست می شود، غیر از خوردن و خوابیدن و یا در پی کسب محرمات بودن و یا خدعه و نیرنگ زدن به هم نوعان و تهمت و دروغ و غیبت گفتن و به لهو و لعب مشغول شدن، به چیز دیگری نمی اندیشد. طبیعی است هر اندازه بر حب و دوستی دنیا افزوده شود، اندازه و مقدار معنویت و امور مربوط به آن کاسته می شود، زیرا روح برای پرواز و سیر در ملکوت، نیاز به تصفیه و پالایش دارد و این مهم میسر نمی شود جز به تقوای جسم از محرمات و ریاضت هایی که از حضور مادی بشر کاسته و بر درک معنواش می افزاید. قرآن می فرماید: (۲)

مفسران درباره دوستی دنیا می فرمایند:

این، نیاز به آموزش فکری و فرهنگی و عقیدتی و سپس تهذیب نفس دارد و از جمله اموری که می تواند بالاترین کمک را به سالکان راه در این مسیر کند، ملاحظه عاقبت کار دنیاپرستان است.

فراعنه با آن همه قدرت و امکانات مالی، سرانجام چه کردند؟ قارون از این همه گنج هایی که کلید آن ها را چندین انسان نیرومند، به زحمت می کشیدند، چه اندازه با خود برد؟ قدرت های عظیمی را که در عصر و زمان خود می گیریم و با نسیمی دفتر زندگی شان بر هم می خورد و با یک گردش لیل و نهار از تخت فرو می افتند و کاخ ها و ثروت هایشان را می گذارند و می گریزند و یا به زیر خاک پنهان می شوند، خود بهترین واعظ ما است <(۳).

نتیجه: علت اصلی کم رنگ شدن

ارزش های معنوی در جامعه ، نمودار شدن هر چه بیش تر جلوه های مادی و دنیوی است . بنا به گفته قرآن زندگی دنیا جز زینت و لهو و لعب و تفاخر نیست : (۴). اگر چه وجود مشکلات اقتصادی می تواند در به وجود آمدن بی نظمی و ناهنجاری ها مؤثر باشد، اما کم نیستند افرادی که در رفاه کامل به سر برده ، ولی از معنویت بهره ای ندارند. اینان مصداق اکمل افرادی هستند که حتی از زیادی خوشی و راحتی ، دل زده و خسته می شوند، چه رسد به این که نسبت به امور معنوی اهمیت قائل شوند!

(پاورقی ۱. تفسیر نمونه ، ج ۲۶ ص ۴۰۴)

(پاورقی ۲. ق (۵۰) آیه ۲۲)

(پاورقی ۳. تفسیر نمونه ، ج ۲۶ ص ۴۰۸)

(پاورقی ۴. حدید (۵۷) آیه ۲۰)

**روند قانونی و متعارف جهت چاپ یک کتاب چیست ؟ چه مواردی باید لحاظ شود تا یک اثر آسان تر و سریع تر به چاپ برسد؟ نظر به عدم تمکن مالی اینجانب چگونه و از چه مرجعی می توانم مورد مساعدت قرار گیرم ؟ در صورت تأیید مطالب از طرف شما، آیا می توانم از کمک و مساعدت شما**

### **پرسش**

روند قانونی و متعارف جهت چاپ یک کتاب چیست ؟ چه مواردی باید لحاظ شود تا یک اثر آسان تر و سریع تر به چاپ برسد؟ نظر به عدم تمکن مالی اینجانب چگونه و از چه مرجعی می توانم مورد مساعدت قرار گیرم ؟ در صورت تأیید مطالب از طرف شما، آیا می توانم از کمک و مساعدت شما برخوردار شوم ؟

### **پاسخ**

برادر گرامی ! از این که با ما مکاتبه نمودید سپاس گزاریم . شما در ترویج معارف اهل بیت : قابل تقدیر و تشکر است . برای چاپ و انتشار یک کتاب ، در ابتدای امر مطالب و محتوای مورد نظر آماده می شود و سپس مجوز نشر را از وزارت ارشاد اسلامی اخذ می کنند. مرجع رسمی برای صدور جواز انتشار کتاب ، وزارت ارشاد اسلامی است که بعد از تأیید محتوا، مجوز انتشار را صادر می کند.

برای این که یک اثر آسانتر و سریع تر به چاپ برسد، رعایت این امور قابل توجه است :

۱ برخورداری از پشتوانه مالی برای چاپ کتاب ،

۲ تأیید محتوای کتاب توسط وزارت ارشاد اسلامی .

در صورتی که محتوای کتاب شما مورد تأیید ناشر قرار بگیرد و تمایل داشته باشد، از شما حمایت مالی می کند و برای چاپ اثر شما، مساعدت به عمل می آورد.

در خصوص تأیید و حمایت از اثر شما این واحد از امکاناتی برخوردار نیست و نمی تواند از اثر علمی شما حمایت مادی بنماید. اما می توانید با ارایه اثر خود به انتشارات مختلف و مراکز حوزوی، از حمایت آن ها برخوردار شوید.

ضمناً برای این که اثر شما از نظر محتوا و ترتیب و تنظیم

بدون نقص باشد، سزاوار است کتاب های آیین نگارش ویژه نوشته دکتر احمد سمیعی گیلانی از انتشارات سمت و نوشته دکتر یا حقی و دکتر ناصح از انتشارات آستان قدس رضوی را مورد استفاده قرار دهید.

## پرسش: نقش نماز در اصلاحات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... چیست؟

### پرسش

پرسش: نقش نماز در اصلاحات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... چیست؟

### پاسخ

فلسفه نماز بر کسی پوشیده نیست و دقت در متون آیات و روایات اسلامی، حکمت و فواید بیشتری در این خصوص را در اختیار انسان قرار می دهد که انسان بیش تر با فلسفه و هدف و نتیجه نماز آشنا می شود:

۱ هدف نماز، ذکر و یاد خداوند متعال است؛ ذکرى که مقدمهء فکر و فکرى که مقدمهء عمل باشد.

در روایت آمده که امام ۷ فرمود (۱) یعنی به یاد خدا بیفتد و به سراغ حلال برود و از حرام چشم پوشد.

۲ نماز وسیلهء پاک کردن گناهان است، زیرا خواه ناخواه انسان را متوجه توبه و اصلاح اعمال و رفتار گذشته می کند. پیامبر اکرم ۶ فرمود: (۲)

۳ نماز ماع و سد بزرگی است در برابر گناهان، چون روح ایمان را در انسان تقویت کرده و نهال تقوا را در دل پرورش می دهد. روی همین جهت شرح حال افراد گناهکاری را نزد پیامبر ۶ و اولیای گرامی اسلام بیان می کردند و آنان می فرمودند: نگران نباشید. نماز آن ها را اصلاح می کند و آرام آرام ایمانشان تقویت شده و گناه را رهایی کنند.

۴ نماز غفلت زدا است، چون در ظرف، پنج بار نماز خواندن در شبانه روز به انسان اخطار می کند و هدف آفرینش را به او گوشزد می کند و موقعیت او را در جهان به یادش می آورد، تا از خالق هستی غافل نشده و بداند از کجا آمده و برای چه آمده و به کجا می رود.

۵ برطرف کنندهء غجب و کبر (خودخواهی و

خود برترینی) است؛ زیرا وقتی انسان روزی هفده رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی بوباره پیشانی بر خاک گذاشته و اظهار تذلل کند، این کار بهترین وسیله ابرای از میان برداشتن غرور و منیت است.

امام علی می فرماید: (۳)

۶ موجب پرورش فضایل اخلاق و تکامل معنوی است.

نماز انسان را از دیواره مادیت بیرون برده و به ملکوت آسمان ها دعوت کرده و با فرشتگان هم صدا و همساز می سازد. امام علی ۷ می فرماید: (۴)

۷ ارزش و قبولی اعمال به نماز است. در حدیثی می خوانیم: امام صادق ۷ فرمود: (۵)

شاید دلیل این سخن آن باشد که نماز رمز ارتباط نمازگزار با خالق عالم هستی است که اگر به طور صحیح انجام گیرد، قصد قربت و اخلاق در نماز زار زنده می شود که قبولی همه اعمال به قصد قربت و اخلاص بستگی دارد.

۸ نماز شرایط صحت دارد که از این طریق دعوت به پاکسازی زندگی و اصلاح آن دارد.

می دانیم مکان و لباس و فرشی که بر آن نماز می گذارند و آبی که با آن وضو می گیرند و غسل می کنند، باید از هرگونه غضب و تجاوز و تعدی به حقوق دیگران و افراد جامعه پاک باشد.

کسی که آلوده به تجاوز، ظلم، ریا، غضب، کم فروشی، رشوه خواری و کسب اموال حرام باشد، چگونه می تواند مقدمات و شرایط صحت نماز را فراهم سازد؟

چنین کسی اگر بخواهد نماز بخواند، باید این گونه صفات و افعال رذیله را از خود دور سازد، تا جامعه اصلاح گردد.

۹ نماز علاوه بر شرایط صحت، شرایط قبول یا کمال دارد

ک رعایت آن ها عامل ترک بسیاری از گناهان و اصلاح فرد و جامعه می باشد.

در روایتی می خوانیم : (۶)

در روایات دیگر آمده : نماز پیشوا و حاکم ستمگر و کسی زکات اموال خود را نمی دهد و آن که غذای حرام می خورد و کسی که عجب و خودبینی و تکبر می کند، قبول نیست .

روشن رعایت این گونه شرایط به اصلاح جامعه و فرهنگ کمک می کند.

۱۰ نماز روح نظم و انضباط در انسان را تقویت می کند.

چون نماز باید در اوقات معینی از روز و شب انجام بگیرد که تقدم و تأخر آن موجب بطلان می شود، واضح است مقید بودن به رعایت وقت ، انسان و جامعه را منظم می کند که همه وقت شناس باشند و کار امروز را به فردا نیندازند و مردم را معطل و سرگردان نکنند. (۷)

(پاورقی ۱. محمد باقر مجلسی ، بحارالانوار، ج ۷۹ ص ۲۰۰

(پاورقی ۲. شیخ حرعاملی ، وسائل الشیعه ، ج ۳ ص ۷ ابواب اعداد الفریض .

(پاورقی ۳. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۵۲

(پاورقی ۴. همان ، شماره ۱۳۶

(پاورقی ۵. بحار، ج ۷۹ ص ۲۳۶ حدیث ۶۴

(پاورقی ۶. بحار، ج ۸۴ ص ۳۱۷ و ۳۲۰

(پاورقی ۷. تفسیر نمونه ، ج ۱۶ ص ۲۸۹ ۲۹۴

**تزئین مساجد باعث کم شدن مقام معنوی آن نمی گردد؟ چرا بر ساده بودن مساجد تأکید شده است ؟**

**پرسش**

تزئین مساجد باعث کم شدن مقام معنوی آن نمی گردد؟ چرا بر ساده بودن مساجد تأکید شده است ؟

**پاسخ**

تزئین مساجد اگر به معنای منظم و تمیز بودن و زیبا سازی داخل مسجد باشد، اشکالی ندارد و از مقام معنوی آن نمی کاهد و

با ساده بودن منافاتی ندارد، زیرا ساده بودن به معنای کثیف و نامنظم بودن نیست طلاکاری و تزیین مسجد به طلا و نقش و تصویر حیوانات و رنگارنگ کردن آن به طوری که باعث غفلت نمازگزاران شود، جائز نیست. محقق در شرایع فرمود: .

مرحوم صاحب جواهر می فرماید: .

مرحوم محقق ادله ای برای تحیم طلاکاری آورده، از جمله: پیامبر به عبدالله بن مسعود فرمود: (۱).

دلیل های دیگر ایشان در حرمت تزیین به طلاکاری، اسراف بودن این کار و بدعت بودن است، زیرا در زمان رسول خدا مسجدها را زینت نمی کردند. وقتی پیامبر وارد مسجد الحرام شد، دستور داد زیورها و نقش و نگارهایی را که به کعبه بود برداشتند. (۲)

صاحب جواهر می فرماید: از این دلیل ها حرام بودن تزیین و نقش و نگار مسجد استفاده نمی شود، زیرا عثمان (خلیفه سوم) مسجد را توسعه داد و دیوارهایش را با سنگ های منقوش بالا- برد و ستون های مسجد را از سنگ هامنقوش قرار داد و امیرالمؤمنین ۷ او را منع نکرد. نیز از امام کاظم ۷ درباره مسجدی که دیوار طرف قبله آن را گچکاری یا رنگ کاری می کنند، سؤال شد، حضرت فرمود: اشکالی ندارد. (۳) و اسراف یا بدعت بودن قابل قبول (پاورقی ۳. همان، ص ۹۱ به نقل از وسائل، باب ۱۵ از ابواب احکام مساجد.

نیست

و مخدوش است. (۳)

بهتر است مساجد ساده و تمیز و نظیف و زیبا باشد. نقش و نگار یا طلاکاری در مسجد مذموم می باشد و از شأن مسجد به دور است، ولی مقام معنوی مسجد کم نمی شود گرچه ممکن است توجه نمازگزاران را از خدا و از نماز بکاهد و باعث کم شدن ثواب نماز شود.

(پاورقی ۱. جواهر الکلام، ج ۱۴ ص ۸۹ به نقل از مکارم الاخلاق، ج ۲ ص ۳۴۴)

(پاورقی ۲. همان، ص ۸۹)

(پاورقی ۳. همان، ص ۹۱)

### منظور از احیای رفتار علوی چیست؟

#### پرسش

منظور از احیای رفتار علوی چیست؟

#### پاسخ

خواهر گرامی! از این که با ما مکاتبه کرده و پرسش خود را با ما در میان گذاشتید سپاسگزاریم.

مراد از احیای رفتار علوی، زنده کرده روش اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... حضرت امیر مؤمنان ۷ است، مثلاً حضرت برای دنیا و پست و مقام ارزش قایل نبود و فرمود: (۱) هنگام عزیمت برای جن با مردم بصره (جنگ جمل) ابن عباس می گوید: در سرزمین بر علی بن ابیطالب وارد شدم، در حالی مشغول اصلاح کفش خود بود. به من فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم: اصلاً ارزشی ندارد.

فرمود: (۲).

در بیت المال سختگیر بود و حاضر نمی شد حتی به نزدیک ترین افراد چیزی اضافه بدهد.

حضرت در این باره می گوید: (۳).

امام سازشکار نبود و در این خصوص فرمود: (۴).

در مقام عمل هم چنین بود. به عنوان نمونه به محض این که مردم انتخابش کردند بعضی از حکام، از جمله معاویه را عزل کردند و در این خصوص حرف هیچ ناصحی را نپذیرفتند، در نامه ای به او نوشتند، طبق عقیده تان تعیین خلیفه به دست



اجماع امت , همان مردمی که ابوبکر و عمر و عثمان را به خلافت برگزیدند مرا نیز انتخاب کردند. از این جهت همه باید مرا بپذیرند. اگر کسی اطاعت نکند باید او را به اطاعت وادارند, اگر مطیع نشد و تمرد کرد طبق عقیده شما باید باو جنگید چون راه غیر مؤمنین را انتخاب نموده است. (۵) و در نامه ای به جرید بن عبداللّه بحلی فرمان می دهد که به معاویه

بگوید: تکلیف خود را روشن کند و کار را به امروز و فردا نیندازد، سپس او را بین جنگ و صلح مخیر کن اگر پذیرای جنگ شد پیمان امان را به سوی او بیندازد و اگر صلح را پذیرفت از او بیعت بگیر. (۶) همان طوری که ملاحظه می شود امام ۷هیچگونه نرمشی نسبت به معاویه از خود نشان نمی دهد.

سخت طرفدار ستمدیدگان و پابرهنگان و دشمن ستمگران و عیاشان بود.

به امام حسن و امام حسین ۸سفرارش می کند: دشمن ظالم و یاور مظلومان باشید. (۷)

خود را در غم و اندوه مردم شریک می دانست. می فرمود: آیا تنها قناعت کنم که به من بگویند: امیرالمؤمنین، درحالی که در سختی های روزگار با آنان همدرد و در تلخ کامی ها جلو آنان نباشم؟! (۸)

از نظر مملکت داری و امور سیاسی اجتماعی بسیار دقیق و آینده نگر و به فرمانروایان خود سفارش می کرد تمام توان خود را در بهتر اداره کردن امور مردم به کار بگیرند. به عنوان نمونه بهمالک اشتر نخعی، استاندار مصر می فرماید:

۱ قبل از این که افرادی را به کار بگماری و آن ها را در زمره کارمندان و حقوق بگیران قرار دهی، ابتدا آن ها را آزمایش کن. چنان چه به خوبی از بوته آزمایش به در آمدند، آن گاه آنان را استخدام کن، یعنی تا دیانت و راستی و درستی و التزام عملی به حکومت اسلامی توسط آنان را نیازموده ای به کار نگیر.

۲ از میان نویسندگان و منشی ها، صادق ترین و راز دارترین آن ها را انتخاب کن، تا اسرار مملکت و جنگ

را در اختیار دشمن قرار ندهد و ایجاد مشکل نکند.

۳ خود را بیش از حد از مردم پنهان مکن ، چون حاکمان با نشست و برخاست و سخن گفتن با مردم ، بیش تر از احوال مملکت و رعیت و اسرار و رموز کار آگاهی پیدا می کنند.

۴ متوجه بستگان و خویشاوندان خود باش . مبادا از موقعیت و منزلت شما سوء استفاده کرده و به مردم زور بگویند. احیای رفتار علوی یعنی زنده کردن این نوع روش های حضرت علی ۷

(پاورقی ۱. نهج البلاغه ، خطبه ۳ ترجمه محمد دشتی .

(پاورقی ۲. نهج البلاغه ، خطبه ۳۳ فیض الاءسلام .

(پاورقی ۳. نهج البلاغه ، خطبه ۲۱۵ فیض الاءسلام و ۲۲۴ صبحی صالح .

(پاورقی ۴. نهج البلاغه ، حکمت شماره ۱۱۰ ترجمه آیت الله مکارم .

(پاورقی ۵. نهج البلاغه ، نامه ۶ فیض الاءسلام .

(پاورقی ۶. همان ، نامه ۸

(پاورقی ۷. همان ، نامه ۴۵

(پاورقی ۸. نهج البلاغه ، نامه شماره ۴۷ فیض الاءسلام .

**دسترسی به دانش افرادی که دارای سمت استادی در یک علم هستند از چند راه امکان پذیر است ؟ آیا برای دسترسی به علم یک استاد در هر رشته ای حتماً باید به دانشگاه برویم ؛ یعنی در کنکور قبول شویم یا به حوزه علمیه بیاییم و چند سال درس بخوانیم ؟ آیا خارج از برنامه های**

**پرسش**

دسترسی به دانش افرادی که دارای سمت استادی در یک علم هستند از چند راه امکان پذیر است ؟ آیا برای دسترسی به علم یک استاد در هر رشته ای حتماً باید به دانشگاه برویم ؛ یعنی در کنکور قبول شویم یا به حوزه علمیه بیاییم و چند سال درس بخوانیم ؟ آیا خارج از برنامه های درسی این اساتید، راهی برای ارتباط با آن ها و پرسش وجود دارد؟

**پاسخ**

برادر گرامی ! از این که با ما مکاتبه نمودید سپاسگزاریم . برای دسترسی به دانش اساتید دانشگاه و حوزه ، طریق متعارف و تحصیل در دانشگاه ها و حوزه های علمیه است . این آسان ترین و بهترین روش بهره مندی از دانش اساتید است ، چون انسان

بر اساس اسلوب مشخص بر دانش خود می افزاید و با حقایق آن آشنا می شود. راه فراگیری علوم و فنون , منحصر به تحصیل در دانشگاه و حوزه نیست , بلکه شخص می تواند با مطالعات عمیق و گسترده در رشته و دانش مورد علاقه خود, پیشرفت نماید و از آگاهی های لازم برخوردار شود. به هر حال جهت کسب اطلاعات عمیق تر و پیمودن راه صحیح , انسان باید از راهنما و استادی برخوردار باشد تا راه را از بیراهه به او نشان دهد.

آثار قلمی و گفتاری اساتید و دانشمندان هم می تواند مورد استفاده افراد قرار گیرد و از این طریق افراد از نقطه نظرات اندیشوران مطلع شوند. نهایت این که افراد از طریق مکاتبه یا پرسش حضوری مشکلات و معضلات علمی خود را با اساتید در میان بگذارند و از راهنمایی ها و پیشنهادهای آنان بهره مند شوند.

از این رو، انسانِ طالبِ علم و عاشقِ کمالاتِ فکری و معنوی سعی می‌کند به جواب‌های مورد نظر برسد و در این راه از خود استاد، آثار قلمی و گفتاری او و هر آنچه که او را به مطلوب برساند، کمک می‌گیرد. اما هر شخصی به طور معین باید بداند که در چه گرایش خاصی می‌خواهد مطالعه و تحقیق کند، بعد از آن باید به دنبال استاد آن فن و علم برود تا بتواند از سرمایه علمی او بهره‌مند شود.

**آداب و رسوم منطقه ما چند سالی است که متزلزل شده و رسم‌های خوب از بین رفته، ریاکاری، چشم‌هم‌چشمی، تجملات گرایایی فراوان شده است. آنان که از نظر مادی و وضعشان بهتر است بیشتر مورد احترام اند حتی این مسئله در ساختن قبرها هم اثر کرده وقتی من این‌ها را می‌بینم**

### پرسش

آداب و رسوم منطقه ما چند سالی است که متزلزل شده و رسم‌های خوب از بین رفته، ریاکاری، چشم‌هم‌چشمی، تجملات گرایایی فراوان شده است. آنان که از نظر مادی و وضعشان بهتر است بیشتر مورد احترام اند حتی این مسئله در ساختن قبرها هم اثر کرده وقتی من این‌ها را می‌بینم از مسلمانی زده می‌شوم وظیفه ما چیست؟

### پاسخ

از آثار تهاجم فرهنگی غربی بر کشور ما همین چیزهایی است که شما مطرح کرده‌اید. که اخیراً بیشتر شده و در سطح گسترده‌ای حتی در رسانه‌های داخلی رواج پیدا کرده است و این خود توطئه‌ای بر فروپاشی نظام اسلامی و تهی کردن نظام از ارزش‌های اسلامی است.

رهبر معظم انقلاب فرمود: تهاجم فرهنگی برای بی‌اعتقاد کردن نسل نو انجام می‌گیرد. هم بی‌اعتقاد کردن به دین و هم بی‌اعتقاد کردن به اصول انقلابی... در تهاجم فرهنگی، دشمن آن نقطه‌ای از فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد و وارد این کشور می‌کند که خودش می‌خواهد و معلوم است که دشمن چه چیز می‌خواهد. ما باید باور داشته باشیم که امروز آماج تهاجمات فرهنگی دشمنانمان هستیم.

ایشان در قسمتی دیگر از سخنانشان فرمودند: هدف این است در سینما، در مطبوعات، حتی در رادیو و تلویزیون که مال دولت است، در سالن‌های فرهنگی، در جشنواره‌ها، در جای‌جای مناطق فرهنگی، بخشی و مهره‌ای از آن مجموعه حاضر است. دارند کار می‌کنند اول هم فرهنگی محض حرکت کردند. حالا وارد مسائل سیاسی شدند. [۱]

تهاجم فقط در عرصه

فرهنگ نیست بلکه مادی گرایی، تجملات در زندگی، اسراف و تبذیر، دزدی و کلاه گذاری و چپاول، چشم و هم چشمی، مسابقه در اشرافی گری، افزون طلبی همه و همه از مفاصدی است که دامنگیر جامعه می شود و آن جامعه را بیمار می کند.

[۱] فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۱۲ به بعد با تلخیص.

**آیا انسان می تواند کمک های مردمی را روی کاغذ بنویسد و در تابلوی مسجد نام اشخاصی را که کمک کرده اند، برای تشویق دیگران نصب کند؟**

**پرسش**

آیا انسان می تواند کمک های مردمی را روی کاغذ بنویسد و در تابلوی مسجد نام اشخاصی را که کمک کرده اند، برای تشویق دیگران نصب کند؟

**پاسخ**

نوشتن و نصب نام افراد خیر در تابلوی مسجد برای تشویق دیگران اشکالی ندارد مگر این که خود افراد خیر از این کار راضی نباشند.

**امروزه که همه جان سخن از تهاجم خانمانسوز فرهنگی و اثرات مخرب و زیانبار آن بر ارزش ها و بنیان های دینی جامعه است، آیا مادر ارایه صحیح و بهینه اسلام تعالیم انسان ساز آن به جوانان و نوجوانان موفق بوده ایم.**

**پرسش**

امروزه که همه جان سخن از تهاجم خانمانسوز فرهنگی و اثرات مخرب و زیانبار آن بر ارزش ها و بنیان های دینی جامعه است، آیا مادر ارایه صحیح و بهینه اسلام تعالیم انسان ساز آن به جوانان و نوجوانان موفق بوده ایم.

**پاسخ**

در پاسخ سؤال شما با نهایت تأسف باید عرض کنیم که: ما آن طور که باید و شاید در این زمینه موفق نبوده ایم، اما به هر حال موفق شده ایم تا حدودی به بازسازی و احیاء ارزش های اسلامی که در دوران پهلوی در حال نابودی بود پردازیم. برای مثال در چند دهه پیش مفهوم جهاد در راه خدا جای خود را به حفظ تمامیت ارضی کشور و ایران دوستی و عشق به میهن بدل شده بود. یعنی ما از نوعی اعتقاد و ایمان به نوعی ناسیونالیسم محدود و حتی مضحک رسیده بودیم. هم چنین مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، غیرت، شجاعت و ایثار و... در حال فراموشی بود، به طوری که نماد غیرت و شرف و ناموس در آن دوران قهرمان فیلم قیصر بود با آن چاقوی ضامن دار و لهجه تهرانی و پاشنه های خوابیده اش. در بسیاری از ارزش های دیگر هم ما موفقیت های بسیاری در احیاء و بازسازی مفاهیم داشته ایم، ولی متأسفانه بیشتر ارزش های ما در همین مرحله مانده و ما نتوانسته ایم برای پیشبرد آن ها و پیاده کردنشان راهکارهای عملی مناسبی پیدا کنیم که امید است با توجه به رشد فکری نسل

جوان و نوجوان و همت مردم و مسئولین با یک هم اندیشی اجتماعی وسیع بتوانیم به این دقیقه نیز دست پیدا کنیم.

## چرا ازدواج سخت شده است؟ علل سختی و مشکلات ازدواج چیست؟

### پرسش

چرا ازدواج سخت شده است؟ علل سختی و مشکلات ازدواج چیست؟

### پاسخ

از نظر اسلام، یکی از محبوب ترین و با ارزش ترین مسائل ازدواج است.

نبی گرامی اسلام(ص) فرمود: «هیچ بنایی در اسلام، نزد خدا محبوب تر از ازدواج نیست». (۱)

ازدواج به قدری مهم است که پیامبر اکرم(ص) سه مرتبه فرمود: مردی که همسر ندارد، نیازمند است، هر چند متمول و ثروتمند باشد».

نیز سه بار فرمود: «فقیر است زنی که شوهر ندارد، هر چند ثروتمند باشد». (۲)

اسلام به گونه ای به ازدواج اهمیت می دهد که پیامبر(ص) فرمود: «از سعادت مرد است که دخترش در خانه او حیض نبیند»؛ یعنی قبل از حیض به خانه شوهر رفته باشد. (۳)

از نظر اسلام بهترین معیار برای انتخاب همسر، دین و اخلاق نیک است و سفارش می کند به خاطر ثروت با او ازدواج نکند.

اسلام می گوید: ازدواج باید تحمیلی نباشد، مهریه سنگین نباشد، هزینه عروسی کمر شکن نباشد و متأسفانه پیروان اسلام به خصوص جامعه امروزی عملاً از چنین فرهنگ غنی و واقع بینانه ای فاصله گرفته است، و در نتیجه ازدواج سخت شده است و بسیاری از جوانان از زیر بار این امر مقدس شانه خالی می کنند.

این مسئله عللی دارد که به برخی اشاره می کنیم:

۱ - اعمال نظرهای یک سویه و آمرانه برخی از والدین عرصه را به قدری برای فرزندان تنگ می کنند که جوان حاضر است بمیرد اما ازدوا نگیرد.

۲ - به خاطر چشم و هم چشمی ها مهریه سنگین، جهیزیه های طاقت فرسا، خرج های اضافی و تشریفاتی به بهانه های مختلف مانند آبرو و شأن و مقام مثل فیلم برداری، تالار پذیرایی، دعوت از عده زیاد، تهیه لباس عروس، خرید طلا و تهیه

لباس و لوازم داماد.

۳ - مشکلات اقتصادی موجود در جامعه، نداشتن مسکن، کار و درآمد بخور و نمیر، مهم تر از همه عدم قدرت تحمل برخی از والدین و آگاهی نداشتن به نقش حساس خود در مقابله با مشکلات و ایجاد آرامش در محیط خانواده و در نتیجه زیاد شدن درگیری های خانوادگی و افزایش طلاق.

۴ - حاکم نبودن جو صمیمی و دوستانه در بسیاری از خانواده ها. (۴) معمولاً والدین حرف اول و آخر را می زنند. فرزندان هر چه بزرگو رشیده شده باشند، بچه فرض می شوند و به ارزش های اجتماعی، نیازهای جوانی، تفکر و اندیشه آنان توجه نمی شود.

پی نوشت ها:

۱ - محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۱.

۲ - کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۹.

۳ - شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۲۳، ابواب مقدمات نکاح، حدیث ۱۲.

۴ - راهنمای نوعروسان و تازه دامادان، نادعلی صالحی.

**جشن عروسی هایی که در این دوره می گیرند، سراسر گناه و بی عفتی است. جوان مؤمن اگر شرکت کند، دچار گناه می شود. اگر شرکت نکند مورد ملامت واقع می شود و می گویند: فلانی اجتماعی نیست. لطفاً بگوید اگر جوان مؤمنی بخواهد جشن عروسی بگیرد، باید چه کار کند، که هم ساده**

**پرسش**

جشن عروسی هایی که در این دوره می گیرند، سراسر گناه و بی عفتی است. جوان مؤمن اگر شرکت کند، دچار گناه می شود. اگر شرکت نکند مورد ملامت واقع می شود و می گویند: فلانی اجتماعی نیست. لطفاً بگوید اگر جوان مؤمنی بخواهد جشن عروسی بگیرد، باید چه کار کند، که هم ساده نباشد تا مورد تمسخر قرار نگیرد و هم مجلس گناه و معصیت نباشد؟

**پاسخ**

آرزوی ما این بوده که در مملکت شیعه گناهی صورت نگیرد، اما به رغم داشتن صدها هزار شهید و جانباز و آزاده و اسیر مشاهده می شود جشن عروسی ها با گناه و بی عفتی برگزار می شود به جای این که گناهکاران شرمنده باشند و مورد تمسخر قرار گیرند، باید جوانان و افراد مؤمن شرمنده باشند.

جوانان متدین اگر مجلس زنانه و مردانه را جدا کنند، می توانند جشن خوبی برقرار کنند و می توانند کف و دف بزنند و به



فتوای امام(ره) زن برای زنان و مردان برقصند.

جوان ها می توانند بعضی از مداحان را که می توانند از عهده مجلس جشن برآیند، دعوت کنند و از وجودشان استفاده کنند، به سبب تمسخر و ریشخند دیگران جایز نیست، جوانان متدین مجالس معصیت و لهو لعب بر پا کنند.

آنان باید عملاً مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنند و جشن عروسی را به گونه ای برقرار کنند که برای همگان آموزنده باشد.

## **اوقات فراغت خود را چگونه پر کنم، در حالی که در روستا نه کلاس آموزشی هست و نه تفریح؟ چگونه زندگی را در دوران مجردی و متاهلی از حالت یکنواختی خارج کنم؟**

### **پرسش**

اوقات فراغت خود را چگونه پر کنم، در حالی که در روستا نه کلاس آموزشی هست و نه تفریح؟ چگونه زندگی را در دوران مجردی و متاهلی از حالت یکنواختی خارج کنم؟

### **پاسخ**

با توجه به این که شما دختری ۱۹ ساله هستی یعنی دختری دم بخت که انشاء الله در آینده نزدیک ازدواج خواهید کرد و دارای زندگی و شوهر خواهی شد، باید خود را آماده کنی آن چه را که زندگی به آن نیاز دارد بلد باشید.

زندگی وقتی شیرین و با نشاط و صمیمی است که طرفین همدیگر را درک کنند و آن چه را که باعث خوشحالی یا ناراحتی همسر است بدانند و فضایی برای ایجاد خوشی ها و از بین بردن ناراحتی ها بیافرینند.

بنابر این باید چند آمادگی را در خود ایجاد کنی. مشغول شدن به امور آمدگی برای تشکیل زندگی، قیمت عمده اوقات فراغت شما را پر خواهد کرد.

آن چه که باید بدانید و خود را برای آن آماده نمایید:

گل های گلخانه زندگی وقتی جوانه می زند و غنچه های آن باز و خندان می گردد که هر یک درصدد پیدا کردن راهی جهت جلب رضایت و خشنودی همسر و زدودن گرد و غبار خستگی و غم و ناراحتی از چهره وی باشد. هیچ خیر و سعادت برای مرد بهتر و بالاتر از این نیست که همسری خوش اخلاق، آگاه به وظایف خانه داری آشپزی و شوهر داری داشته باشد و از هنرهایی که نیاز زندگی است مانند خیاطی، گلدوزی و انواع کارهای دستی و بافندگی، آگاهی لازم را داشته باشد.

بنابر این اوقات شبانه روز خویش را تقسیم کنید. قسمتی را به

یادگیری نظری و عملی این گونه امور اختصاص بدهید.

قسمتی دیگر را به مطالعه کتاب های مفید و هم چنین اشعار شاعرانی چون مولوی، سعدی، حافظ و پروین اعتصامی مخصوص گردانید.

جوان پر انرژی است و نیاز به ورزش و نرمش دارد. جهت حفظ سلامتی تن و روان خویش قسمتی از اوقات را به انواع ورزش یا نرمش های مناسب پردازید مثلاً طناب زدن ورزشی است که در شهر و روستا حتی بدون خرج و هزینه می توان انجام داد.

بنابر این با تقسیم اوقات شبانه روز و اختصاص دادن هر قسمتی را به یک از کارهای مورد نیاز مانند خواب، عبادت، تفریح و میهمانی، ورزش، مطالعه، انجام کارهایی که به عهده شما است، یا می توانید خود را با آن سرگرم سازد، زندگی شما را از یکنواختی خارج می کند.

**متأسفانه در شهر ما در مراسم ازدواج و عروسی از کنسرت موسیقی استفاده می کنند و بنده هم به شدت مخالف این مسئله هستم و این امر، سدّ راه بزرگی بر سر ازدواج اینجانب قرار گرفته است، خواهشمندم برای این که بتوانم یک ازدواج ساده ای را ترتیب دهم، مرا راهنمایی بفرمای**

**پرسش**

متأسفانه در شهر ما در مراسم ازدواج و عروسی از کنسرت موسیقی استفاده می کنند و بنده هم به شدت مخالف این مسئله هستم و این امر، سدّ راه بزرگی بر سر ازدواج اینجانب قرار گرفته است، خواهشمندم برای این که بتوانم یک ازدواج ساده ای را ترتیب دهم، مرا راهنمایی بفرمایید.

**پاسخ**

مسائل دینی و شرعی و حلال و حرام، چیزی نیست که انسان بخواهد به خاطر چند روز زندگانی دنیا و یا مراسم ازدواج، آن را به بازی و تمسخر گرفته یا کنار زند، چرا که در روایت وارد شده: "حلاله حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه".

تعصب و نگاه شما به خدا و قرآن و ائمه معصومین(ع) و قبر و قیامت مورد تقدیر و تشکر بوده و عندالله مأجور خواهید بود. به شما توصیه می شود اولاً: در انتخاب همسر و شریک زندگی آینده خویش نهایت دقت را داشته باشید و همسر خویش را با مشورت بزرگان و نیکان دلسوز و صادق، از خانوادههای مذهبی و نجیب و پای بند به موازین شرعی انتخاب کنید، این انتخاب، هم در مراسم ازدواج شما و هم در زندگی مذهبی آینده شما و فرزندانان و پای بند ماندن نسین به دین، مؤثر خواهد بود.

ثانیاً: قبل از انجام مراسم جشن ازدواج، خواسته مشروع خود را با والدین و فامیل های نزدیک و خانواده همسران در میان بگذارید و محترمانه از آن ها بخواهید مراسم را سنگین و شاداب و بدون آلودگی به مسائل حرام و نواختن موسیقی انجام

دهند.

با این کار و امر به معروف و نهی از منکر، حجت شرعی را بر آن ها تمام کرده اید. اگر در انجام مراسم

و پیاده شدن خواسته مشروع شما خلاف شرع و یا مشکلی ایجاد شد، دیگر مسئولیت شرعی نخواهد داشت و عند الله مأجور خواهید بود. ما را از حال خود بی خبر نگذارید. منتظر نامه های بعدی شما و دوستانتان هستیم.

### در کشور ما چه قدر به برنامه‌های مذهبی و تبلیغ برای جوانان اهمیت داده می شود؟

#### پرسش

در کشور ما چه قدر به برنامه‌های مذهبی و تبلیغ برای جوانان اهمیت داده می شود؟

#### پاسخ

برادر گرامی، هر چند دولت اسلامی و نهادهای مختلف به امر تبلیغ و ارشاد مردم اهتمام ورزیده و بودجه هایی را برای آن اختصاص داده اند، اما باید اعتراف کرد که در این بخش نقص ها و ناهماهنگی هایی وجود دارد، اعزام مبلغان از طرف دفتر تبلیغات و سازمان تبلیغات از جمله وظایفی است که در این راستا بر عهده گرفته اند، در چند ساله اخیر توجه خاصی به تبلیغ و جذب جوانان صورت گرفته است مانند اقامه نماز در مدارس و دانشگاه ها و طرح هجرت و تشکیل کلاس های تابستانی و طرح بسیج دانشجویی و غیره. علاوه بر این ها سازمان ملی جوانان هلال احمر و صدا و سیما نیز برنامه هایی برای جوانان ترتیب داده اند اما آن چه ضرورت دارد عمق بخشی به کارها و هماهنگی آن ها و متمرکز ساختن امور پراکنده است که امیدواریم هر چند زودتر این مسئله اتفاق افتد.

### چرا برای کشیدن جوانان و نوجوانان به مساجد بودجه ای منظور نمی شود؟

#### پرسش

چرا برای کشیدن جوانان و نوجوانان به مساجد بودجه ای منظور نمی شود؟

#### پاسخ

هر چند به این عنوان بودجه ای لحاظ نشده است اما به طور عام نهادهایی که متولی امور فرهنگی هستند قطعاً بودجه هایی در اختیار دارند که می توانند در این راه مصرف کنند ولی متأسفانه غفلت هایی صورت گرفته است. البته جذب جوانان یک کار بسیار ظریف و تخصصی است که از عهده یک ارگان خارج است. این کار مهم یک برنامه جامع و هماهنگ می طلبد تنها با شعار و تبلیغ زبانی نمیتوان جوانان را به مساجد فرا خواند. مساجد به این شکل کنونی که فاقد امکانات لازم است نمی تواند در این راه موفق باشد. مساجد باید آراسته و پیراسته و جوان پسند باشد و از جاذبه های هنری و علمی در پیشانی مسجد استفاده شود. پاکیزگی، طراوت و زیبایی مسجد و تجهیز آن به امکانات هنری، ورزشی، نمایشی، کتابخانه، جوانان را به این کانون مهم فرهنگی راغب تر می کند. بدیهی است که امور مذکور، کار عظیمی است که برنامه دراز مدت و طولانی را می طلبد و تا همه ابعاد در نظر گرفته نشود نتیجه حاصل نخواهد شد. با توجه به تهاجم فرهنگی دشمن و سرمایه گذاری رسانه

های گروهی غرب در انحراف جوانان لازم است در جهت مقابله با آن به جوانان توجه بیشتری صورت گیرد این توقع بجایی است که همه دلسوزان انقلاب و دردمندان جامعه دارند.

**چگونه می توان شاخصه ها و ویژگی های عزت و افتخار را در عصر کنونی مد نظر قرار داد؟ راهکار های کاربردی ایجاد عزت حسینی چیست؟**

### پرسش

چگونه می توان شاخصه ها و ویژگی های عزت و افتخار را در عصر کنونی مد نظر قرار داد؟ راهکار های کاربردی ایجاد عزت حسینی چیست؟

### پاسخ

بیان راهکار های کاربردی ایجاد عزت و افتخار حسینی، شاخصه ها و مؤلفه های عزت و افتخار حسینی را نیز مشخص می کند. از این رو در این نوشته به راهکارهای کاربردی ایجاد عزت و افتخار حسینی پرداخته می شود. راهکارهای ایجاد جامعه عزت مند متعدد بوده، به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- عزت مندی و استقلال گرایی: بی تردید همه انبیا در صدد جامعه ای مبتنی بر دین مداری، عزت مندی و خدا محوری بودند؛ از این رو با دین ستیزان و ستمگران مبارزه می کردند. امام حسین(ع) به عنوان رهبری آزادی خواه در برابر یزید قیام نمود، زیرا یزید ستمگر و دین ستیز بود و جامعه اسلامی را به ستمگرایی و دین ستیزی سوق می داد. از سوی دیگر فاسق و فاجری بود. بودن چنین رهبری با جامعه عزت مند منافات داشت.

امام حسین(ع) به رغم این که می دانست آینده جنگ به نفع او نیست، در برابر ستم و زورگویی یزید تسلیم نشد و او را رهبر جائز خواند[۱۷] و با او بیعت نکرد، زیرا بیعت با یزید نوعی ذلت بود و ذلت در فرهنگ امام حسین(ع) جا ندارد. او در برابر بیعت خواستن یزید فرمود: "مرا بین دو چیز: شمشیر و ذلت مخیر نموده است. ذلت از ما بسیار دور است". [۱۸] همو فرمود "موت فی عز خیر من حیاه فی ذل". [۱۹]

امام حسین(ع) تسلیم شدن در برابر ستم را عار دانسته [۲۰] و اهل بیت خود

را همراه برد تا عملاً اثبات کند در فرهنگ امام حسین(ع) ذلت و خواری معنا ندارد، و یکی از شاخصه های جامعه عزت مند ستم ستیزی و آزادی خواهی است.

اعلامیه از قتلگه کرب و بلا داد

این جمله ز خون بود در آن نشریه مطور

با زینب و سجاد سوی شام فرستاد

باید بشر از قید اسارت شود آزاد

امروزه نیز یکی از راهکارهای مهم ایجاد جامعه عزت مند، ستم ستیزی و تقویت روحیه استقلال گرایی است. استقلال طلبی و روحیه ستم ستیزی مردم ایران موجب شد که دشمنان آزادی - بویژه آمریکا - توطئه های گسترده ای علیه انقلاب اسلامی را سامان دهند، ولی جامعه عزت مند اسلامی که با بهره گیری از پیام عاشورا شکل گرفته بود، با صلابت و بالنده و پویا به سوی اهداف بلند خود ادامه داده و در برابر ستم و استکبار جهانی تسلیم نشد. البته برای حفظ عزت مندی نیاز به ایثارگری و فداکاری و شهادت یاران انقلاب بود که این عناصر در انقلاب اسلامی وجود داشت.

۲- پاسداری از دین و ارزش ها: یکی از شاخصه های مهم جامعه دینی و عزت مند اجرای قوانین اسلامی است. پیامبر اسلام(ص) با بهره گیری از قوانین اسلامی توانست در مدینه النبّی، جامعه عزت مند به وجود آورد.

متأسفانه بعد از رحلت پیامبر با کنار گذاشتن اهل بیت، جامعه عزت مند نبوی به افول گرایید و رهبران دین ستیز و قانون شکن بر مسند قدرت قرار گرفته و مردم از معارف دین فاصله گرفتند.

از سوی دیگر بدعت گذاری، خرافات و حق ستیزی به اوج رسید؛ از این رو امام حسین(ع) یکی از اهداف قیام خویش را حفظ

دین و بدعت زدایی بیان نمود. [۲۱] و به مرگ در راه حفظ دین را زینت دانست. [۲۲] و همگان را به قیام علیه رهبران دین ستیز و قانون شکن فرا خواند. [۲۳]

همچنین او هدف قیام خویش را اجرای دو فریضه الهی - امر به معروف و نهی از منکر - دانسته [۲۴] و عدم حاکمیت حق را از شاخصه های جامعه ذلت بار آن عصر دانست: "ألا ترون أنّ الحق لا يعمل به و إلی الباطل لا یتناهی عنه لیرغب المؤمن فی لقاء الله...". [۲۵]

هر جامعه دارای اصول و ارزش ها است که ستون فقرات جامعه بوده و لازم است حفظ شود. متأسفانه در عصر معاویه و یزید ارزش زدایی به اوج خود رسیده بود؛ از این رو امام حسین (ع) قیام نمود تا جامعه مبتنی بر ارزش ها به وجود آید و از ارزش زدایی جلوگیری گردد. امام علی (ع) که جامعه علوی مبتنی بر عزت ایجاد نمود، یکی از پایه های آن را ارزش مداری دانست و مالک اشتر را به حفظ سنت ها و ارزش ها فرا خواند و از هر گونه ارزش زدایی بر حذر داشت. [۲۶]

امروزه نیز یکی از راهکارهای ایجاد جامعه عزت مند، پاسداری از دین و ارزش ها است. پاسداری از دین و ارزش مداری انقلاب اسلامی ایران سبب شد که دشمنان تبلیغات گسترده علیه دین و مقدسات و ارزشی ها سامان دادند. تدوین کتاب آیات شیطان و شیخون فرهنگی راهکارهایی بودند که به منظور تضعیف باورهای دینی و ارزش زدایی شکل گرفت.

برای حفظ عزت و افتخار حسینی، شایسته است که از سنگرهای عقیدتی دفاع و از شیخون فرهنگی جلوگیری شود و به پاسداری از دین و ارزش

ها پرداخته شود.

۳- وفاق ملی و وحدت اسلامی: یکی از راهکارهای مهم ایجاد عزت و افتخار وفاق ملی و همگرایی همه افراد جامعه، به ویژه گروه های سیاسی است. تاریخ صدر اسلام نشان داد که پیامبر اسلام(ص) جامعه ای مبتنی بر عزت و افتخار ایجاد نمود که یکی از راهکارهای مهم آن وحدت اسلامی بود. پیامبر(ص) با تمام عوامل اختلاف مبارزه نمود و همگان را به وحدت اسلامی فرا خواند. وحدت موجب ترقی تمدن اسلامی شد.

"جان دیون پورت" دانشمند معروف انگلیسی می نویسد: "یک نفر عرب ساده، قبائل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه کشور خودش را مبدل به یک جامعه فشرده و با انضباط [نمود] و در میان ملل روی زمین آن ها را با صفات و اخلاق تازه ای معرفی نمود و در کمتر از سی سال، این طرز و روش، امپراتور قسطنطیه را مغلوب [کرد] و سلاطین ایران را از بین برد. سوریه و بین النهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنه فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانه دریای خزر و تا رود سیحون بسط داد". [۲۷]

وحدت اسلامی بدان معنا نیست که گروه های سیاسی و احزاب وجود نداشته باشد بلکه وجود تشکل ها ضروری است، ولی اختلافات غیر منطقی که منافع و مصالح ملتی را تهدید می کند، جایز نیست. تاریخ انقلاب اسلامی ایران نشان داد که وحدت ملی چه نقشی را در جامعه عزت مند داشته و امروزه نیز دشمنان همگرای یو همسویی ملت ایران را نشانه رفته اند؛ از این رو بر همه مردم است که با وحدت و وفاق ملی ستون فقرات نظام را مستحکم کند که وحدت نعمت



الهی است [۲۸] و اختلاف موجب عذاب الهی است. [۲۹]

۴- تقویت بنیه نظامی و دفاعی: جوامع استقلال طلب و عزت مند، بیشتر توسط استقلال و عزت ستیزان تهدید می شوند. استکبار جهانی که منافع خویش را در سرکوبی جوامع دیگر جستجو می کند. با ابزار پیشرفته جنگی، استقلال و امنیت جوامع دیگر را نشانه می گیرند. طبیعی است دفاع از جامعه عزت مند در برابر تهدید دشمن نیاز به تقویت بنیه نظامی دارد؛ از این رو در اسلام سفارش شده و همه مسلمانان فرا خوانده شده اند که با توجه به شرایط زمان، از امکانات نظامی بهره گیرند. " در برابر آن ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید، آماده سازید تا دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید". [۳۰]

از سوی دیگر در آموزه های دینی شهادت در راه خدا [۳۱] و جهاد و دفاع عناصر ارزشمندی شناخته شده اند، تا آن جا که علی (ع) جهاد را بابتی از بهشت خواند [۳۲] و آن را عامل عزت مندی و ترک آن را مایه ذلت دانسته است. [۳۳]

امام حسین (ع) نیز در صدد تشکیل جامعه عزت مند بود، از این رو مرگ عزت مند را از زندگی ذلت بار برتر دانست: "لا أرى الموت إلا سعادة و الحياه مع الظالمين إلا برماً". [۳۴]

بزرگ فلسفه قتل شاه دین آن است

که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

۵- رشد سیاسی و دشمن شناسی: یکی از راهکار های مهم ایجاد جامعه مبتنی بر عزت، رشد سیاسی افراد جامعه است که دشمن شناسی را در پی دارد. متأسفانه یکی از آسیب های جدی صدر اسلام همین بود، زیرا رشد سیاسی مسلمانان بعد از رحلت پیامبر (ص) به افول گرایید و

آنان دوست و دشمنان دین را خوب نشناخته و دشمن شناس نبودند؛ از این رو در جنگ های علی(ع) و امام حسن(ع) با معاویه، از وی حمایت کردند و امام حسن(ع) را مذل المؤمنین خواندند.[۳۵]

در زمان امام حسین(ع) نیز در جنگ حضرت با یزید، بیشتر مسلمانان به حمایت از وی پرداختند. امام سجاد(ع) فرمود: "سی هزار نفر در کربلا- برای کشتن پسر پیغمبر جمع شده بودند و همه آن ها به قصد قربت آمده بودند که به امام حسین بن علی(ع) شمشیر زدند".[۳۶]

امروزه نیز برای حفظ عزت مداری و عزت مندی، رشد سیاسی مردم لازم است. مردم ایران باید دشمنان خویش را شناخته و در تشخیص حق و باطل و دشمن شناسی دچار مشکل شوند. متأسفانه دشمنان با چهره های حق گرایی، مدافع آزادی و عدالت خواهی ظاهر شده و با بهره گیری از ابزار تبلیغی جوّ جامعه را آلوده می کنند. برای غبار زدایی رشد سیاسی، مردم بهترین راهکار می باشد.

۶- رشد معنویت: واقعیت آن است که حفظ آزادی و تقویت روحیه عزت مندی در سایه تقویت معنویت امکان پذیر است. معنویت گرایی امام حسین(ع) و یاران او موجب شد آنان در برابر ستم و حق گریزی تسلیم نشده و مرگ را در راه خدا را افتخار بدانند.[۳۷]

خصلت یاران شهید او روح معنوی و حال عبادت و نیایش و نماز بود و شب عاشورا، زمزمه نیایش آنان در خیمه ها پیچیده بود.[۳۸]

متأسفانه جامعه اسلامی از معارف دین و معنویت فاصله گرفته و جذب دنیا شده بودند. از سوی دیگر یزید فاسق و شراب خوار بر مسند قدرت قرار گرفته و شعار کفر سر می داد،[۳۹] از

این رو امام حسین(ع) یکی از اهداف قیام خود را اصلاح امت اسلامی بیان نمود.[۴۰]

قیام امام حسین(ع) علیه یزید دین ستیز و ستمگر نشان از آن دارد که جامعه آن عصر مبتنی بر عزت مندی و معنویت نبوده است. امروزه نیز برای حفظ و ایجاد جامعه مبتنی بر عزت و افتخار نیاز به تقویت معنویت است. یکی از شاخصه های جامعه دینی، معنویت است.

[۱۷] لهوف، ص ۱۹.

[۱۸] همان، ص ۵۷.

[۱۹] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸.

[۲۰] بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

[۲۱] وقعه الطف، ص ۱۰۷؛ حیاة الامام الحسين، ج ۲، ص ۳۲۲.

[۲۲] اعیان الشیعه ج ۱، ص ۵۹۳.

[۲۳] موسوعه کلمات الامام الحسين(ع)، ص ۳۶۰.

[۲۴] همان، ص ۳۲۸؛ حیاة الامام الحسين، ج ۲، ص ۲۶۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۹.

[۲۵] بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱.

[۲۶] نهج البلاغه، نامه ۵۳.

[۲۷] جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۷۷، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۰ - ۳۱.

[۲۸] آل عمران، آیه ۱۰۳.

[۲۹] آل عمران، آیه ۱۰۵؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۴.

[۳۰] انفال، آیه ۶۰؛ تفسیر نمونه ج ۷، ص ۲۲۰ - ۲۳۴.

[۳۱] بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۰.

[۳۲] نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۲۷.

[۳۳] همان.

[۳۴] تحف العقول، ص ۱۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱؛ لهوف، ص ۶۹.

[۳۵] ابن جوزی، تذکرہ الخواص، ص ۱۸۱.

[۳۶] بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸.

[۳۷] اعیان الشیعہ، ج ۱، ص ۵۹۳.

[۳۸] حیاہ الامام الحسین، ج ۳، ص ۱۷۵؛ جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۴۵۲.

[۳۹] مقدم، مقتل الحسین، ص ۳۵۷، مقاتل الطالبین، ص ۸۰.

[۴۰] حیاہ الامام الحسین، ج ۲، ص ۲۴۶.

**چه نقاط مشترکی بین سال ۱۳۸۱ با سال شمسی ۶۱۰ هجری قمری وجود دارد که سال امام حسین (ع) نامیده شد؟**

**پرسش**

چه نقاط مشترکی بین سال ۱۳۸۱ با

سال شمسی ۶۱۰ هجری قمری وجود دارد که سال امام حسین (ع) نامیده شد؟

## پاسخ

در ابتدا لازم است قسمت هایی از پیام مقام معظم رهبری در آغاز سال ۱۳۸۱ بیان شود:

امسال آغاز بهار و سال نو با روز های عاشورای حسینی و تجدید خاطره آن حماسه بزرگ تاریخی مقارن است. برای ملت عزیز ما که ارادتمند و عاشق حسین بن علی (ع) هستند اگر چه عید به معنای جشن و شادی کودکانه وجود ندارد، اما به جهات معنوی ای که ناشی از عزت و افتخار است، وجود دارد، زیرا حسین بن علی (ع) مظهر عزت راستین و نمودار کامل افتخار حقیقی است."

دیدگاه و مبانی بزرگان نیاز به تبیین دارد که باید از سوی آن ها یا صاحباناندیشه تبیین گردد. اعلام سال ۱۳۸۱ به عنوان سال عزت و افتخار حسینی، از این قاعده جدا نبوده و نیاز به تبیین دارد.

نهضت ها و انقلاب ها در برخی از اصول مشترک هستند. بی تردید انقلاب اسلامی ایران با بهره گیری از اهداف و شعار قیام حسینی به وجود آمد و ریشه در نهضت عاشورا دارد، از این رو این دو نهضت در اکثر اصول اشتراک دارند. اعلام سال ۱۳۷۱ و سال ۱۳۸۰ به عنوان سال امام علی (ع) و رفتار علوی وجه تشابه حکومت ایران را با حکومت علوی نشان می دهد، زیرا حکومت ایران باید اهداف و سیاست حکومت علوی را مانند قانون گرای، حمایت از محرومان و برقراری عدالت اجتماعی دنبال کرده و مسئولان نظام مانند علی (ع) رفتار کنند.

به نظر می رسد اعلام سال ۱۳۸۱ به عنوان سال عزت و افتخار حسینی مبتنی بر عوامل زیر باشد:

۱- عزت و آزادی: یکی

از ویژگی های قیام امام حسین(ع) عزت مندی و عزتمداری است. در آموزه های دینی آزادی و عزت با نگرش مادی تفاوت دارد. در اسلام عزت و افتخار و آزادی در بندگی خدا، معنویت گرایی و رهایی از اسارت شهوت گرایی و تجمل گرایی ظهور می کند؛ از این رو امام علی(ع) عرضه داشت: "الهی کفی بی عزاً أن أكون لك عبداً و کفی بی فخراً أن تكون لی رباً..." [۱] از این رو در قرآن همه عزت ها به خدا بر می گردد: "من كان يريد العزّه فليله العزّه جميعاً" [۲]

تکلیف گرایی و ستم ستیزی از مصادیق آزادی است، گرچه موجب شهادت شوند.

آزادی خواهی که افتخار را نیز در پی دارد، در صحنه کربلا- به اوج رسید. امام حسین(ع) در زمانی قیام نمود که جامعه اسلامی را خفقان گرفته و یزید شعار بی دینی سر می داد. [۳] و به دین ستیزی و ستمگری پرداخت. از سوی دیگر حق و حق گرایان و عدالت در اوج مظلومیت قرار گرفته و جامعه نیاز به تحول و اصلاحات داشت. امام حسین(ع) در برابر بیعت خواستن یزید فرمود: "مرا بین دو چیز: شمشیر و ذلت، مخیر نموده است و ذلت، از ما بسیار دور است" [۴]

گرچه آزادی خواهی امام حسین(ع) منجر به شهادت او و یارانش شد، ولی شهادت در راه خدا مرگ عزت مند و افتخار است "خطّ الموت علی ولد آدم مخطّ القلاده علی جیده الفتاه..." [۵]

استقلال طلبی و آزادی خواهی جمهوری اسلامی ایران موجب شد که یزید و یزیدیان زمان - به ویژه آمریکا - همان گونه که یزید امام حسین(ع) را آشوبگر [۶] و خشونت گرا معرفی نموده بود،

ولی دشمنان باید بدانند ملت ایران عاشوریان زمان هستند که مرگ در راه دین و آزادی را عزت و افتخار می دانند. آزادی خواهی و استقلال طلبی نه تنها خشونت نیست، بلکه عزت و افتخار است. از این رو سال ۱۳۸۱ شمسی با سال ۶۱ هجری قمری پیوند می خورد. مقام معظم رهبری فرمود: " امیدوارم ان شاءالله سالی که در پیش داریم، برای ملت ما، سال اعتلای مادی و معنوی ... باشد و همچنان که حسین بن علی (ع) مظهر عزت بود، او بود که فرمود "هیئات منا الذلّه، این ملت هم در عرصه های مختلف نشان دهند که گرد ذل بر دامانشان نخواهد نشست و در عزت مندی و عزت مداری پیرو آقا و سالار خود حسین بن علی (ع) خواهد بود".

۲- تقویت معنویت: متأسفانه بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) مسلمانان به دنیا گرایی رو آورده و از معنویت فاصله گرفتند، به ثروت اندوزی پرداختند [۷]، از این رو امام علی (ع) به نکوهش دنیا گرایی پرداخته و مسلمانان را به معنویت گرایی فرا خواند. [۸] متأسفانه در عصر امام حسین (ع) دنیا گرایی مسلمانان افزایش یافت، تا آنجا که امام خطاب به دشمن فرمود: "فقد ملئت بطونکم من الحرام...". [۹]

همو در مسیر کربلا فرمود: "إِنَّ النَّاسَ عبيد الدّنيا و الدّين لعقّ علی ألسنتهم". [۱۰] در صحنه کربلا معنویت امام حسین (ع) و یاران او به اوج خود رسید که در انجام تکالیف و خدامحوری ظهور نمود. امام در آخرین لحظات زندگی عرضه داشت: "پروردگارا! راضی به رضای تو و تسلیم امر تو هستم. در مقابل قضای تو صبر خواهم نمود. ای خدایی که جز تو معبودی نیست ای پناه بی پناهان!". [۱۱] حضرت

زینب (س) در کنار بدن امام حسین (ع) عرضه داشت "اللهم تقبل منا هذا القرآن". [۱۲]

یکی از وجه تشابه انقلاب اسلامی ایران با نهضت امام حسین (ع) در معنویت ظهور می کند. در مدت پیروزی انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، معنویت مردم به اوج رسید. متأسفانه بعد از جنگ دنیا گرایی در جامعه درمان رشد است، از این رو رهبر فرزانه انقلاب در پیام نوروزی خود مردم را به معنویت گرایی فرا خواند و آنان را از دنیا گرایی بر حذر داشت. دنیا پرستی با انقلاب منافات داشته و فاصله انقلاب را با نهضت امام حسین (ع) زیاد می کند. از سوی دیگر رهبر با طرح اصلاحات در سه محور، همه به ویژه مسئولان نظام را از هر گونه ثروت اندوزی و تجمل گرایی بر حذر داشت. رهبر معظم انقلاب در قسمتی از پیام خود فرمود: "امسال، سال شمسی ما هم در فروردین و هم در آخر سال در اسفند، با عاشورای حسینی مقارن و مصادف است. بنابراین جا دارد که ما امسال را سال عزت و افتخار حسینی بدانیم و امیدواریم ملت عزیز ما با تمسک به معنویت حسین بن علی (ع) و با آشنایی بیشتر با آن بزرگوار عزت و افتخار و سربلندی را برای خود کسب کند، هم چنان که بحمدالله به برکت حسین بن علی (ع) و به برکت اسلام و قرآن از عزت و افتخار معنوی برخوردار بوده و هست".

۳- مظلومیت: یکی از وجه تشابه انقلاب اسلامی با نهضت کربلا در مظلومیت است. دشمنان خاندان پیامبران، علیه این خاندان به ویژه علی (ع) تبلیغات گسترده انجام داد [۱۳] تا آن جا که امام حسین (ع) را آشوبگر [۱۴]



و خارجی [۱۵] معرفی نمود. از سوی دیگر حکومت یزید را دارای خاستگاه الهی دانست. [۱۶] متأسفانه این تبلیغات بسیار تأثیر گذار بود، تا آن جا که هنگام ورود اهل بیت (ع) به کوفه و شام با آن ها مانند

۴- اسیران و کافران برخورد نمودند [۱۷] و جشن گرفتند. [۱۸] این تبلیغات با توجه به شرایط زمان صورت گرفت که رشد سیاسی مردم ضعیف شده بود. متأسفانه یکی از آفات تاریخ اسلام عدم رشد فکری مسلمانان است، از این رو مردم در جنگ های امام علی (ع) و امام حسن (ع) با معاویه، از معاویه حمایت کردند و در جنگ امام حسین (ع) با یزید، از یزید حمایت نمودند. از این رو امام حسین، در اوج مظلومیت قرار داشت.

امروزه نیز دشمنان خارجی و داخلی تبلیغات گسترده ای با بهره گیری از پیشرفته ترین ابزار تبلیغاتی علیه ایران به راه انداخته اند که با هدف دین زدایی و شکست نظام دینی صورت می گیرد، که مظلومیت جمهوری اسلامی و حق گرایان و عدالت خواهان را در پی داد.

از سوی دیگر دشمنان دین مدافع آزادی و پاسداران حقوق بشر معرفی شده اند.

برای مظلومیت زدایی لازم است که در جامعه رشد سیاسی تقویت شده و مردم با بصیرت کامل از نظام و انقلاب خویش دفاع کنند. همان گونه که یاران با بصرت امام حسین (ع) به پاسداری از دین و آزادی پرداختند.

۵- یاد آوری خاطرات انقلاب معمولاً در انقلاب ها، بعد از گذشت زمان ایثار و حماسه های مردم و انقلابیون فراموش می شود، از این رو نیاز به یادآوری دارد تا بار دیگر حماسه های مردم به نمایش گذاشته شود، از این رو نیاز به

یاد آوری دارد تا بار دیگر حماسه های مردم به نمایش گذاشته شود تا نسل نو بدانند که اوائل انقلاب، انقلابیون چه کردند. شاید یکی از علل عزاداری برای امام حسین(ع) - که بزرگان دین بر این سفارش نموده اند - این باشد که در ایام محرم و صفر با عزاداری ها یاد و خاطره امام حسین(ع) و یاران او فراموش نشود.

رهبر معظم انقلاب با اعلام سال ۱۳۸۱ به عنوان سال عزت و افتخاری حسینی؛ همگان را به ویژه نسل جوان را به عزت مندی و افتخار آفرینی فرا خواند. سال امام حسین(ع) بهانه خوبی بود که افتخار آفرینی ملت ایران با انتضار آفرینی امام حسین(ع) و یاران او پیوند خورد.

۶- تجدید روحیه انقلابی و ایثار: بی تردید یکی از ویژگی های مهم نهضت امام حسین(ع) ایثار گری و روحیه انقلابی است.

از این رو امام حسین(ع) یاران خویش را با وفاترین انسان ها یاد نمود. [۱۹]

در راه دوست کشته شدن آرزوی ماست دشمن اگر چه تشنه به خون گلوی ماست

گردیم دور یار، چون پروانه گردد شمع چون سوختن در آتش عشق آرزوی ماست

از جان گذشته ایم و به جانان رسیده ایم در راه وصل این تن خاک عود ماست

ما را طراف کعبه به جز دور یار نیست کز هر طرف رویم، خدارو به روی ماست [۲۰]

روحیه انقلابی یاران امام حسین(ع) عامل مهمی برای روحیه انقلابی مردم ایران بود مردم با بهره گیری از روحیه انقلابی یاران امام انقلاب نمودند و در هشت سال دفاع مقدس نیز روحیه فداکاری و انقلاب آنان به اوج رسید. به نظر می رسد بعد از دفاع مقدس، روحیه مردم افول کرده است. و نیاز به

تجدید روحیه می باشد. از این رو رهبر انقلاب؛ اعالم سال ۱۳۸۱ به عنوان سال عزت و افتخار حسینی، بار دیگر همگان را به حفظ و تقویت روحیه انقلابی فراخواند و از همه، به ویژه فرزندان انقلاب خواست روحیه انقلابی خود را حفظ کنند و آسب‌ها موجب نشود که روحیه انقلابی آنان از بین برود. طبیعی است در جامعه‌ای که امام حسین(ع) در آن جایگاه بلندی دارد، بهره‌گیری از نهضت او و پیوند انقلاب به نهضت حسینی بهترین راهکار جهت تجدید روحیه انقلابی است.

[۱] مفاتیح الجنان، ص ۲۷۳.

[۲] فاطر( ) آیه ۱۰.

[۳] مقرر، مقتل الحسین، ص ۳۵۷؛ مقاتل الطالبین، ص ۸۰.

[۴] نفس المهموم، ص ۱۳۱؛ مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۷؛ لهوف، ص ۱۹.

[۵] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۳.

[۶] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۸۹؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۱۳.

[۷] مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه ص ۲۵۸ - ۲۶۲.

[۸] همان؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷ و ۱۸۵.

[۹] بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸.

[۱۰] همان، ج ۷۵، ص ۱۱۷.

[۱۱] مقرر مقتل الحسین ص ۳۵۷؛ ینابیه الموده ص ۱۸.

[۱۲] ینابیع الموده، ص ۳۰۷.

[۱۳] الغدیر، ج ۱۰، ص ۲۲۶ مروج الذهب، ج ۲، ص ۷۲؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۸۸.

[۱۴] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۸۹؛ مقتل خوارزمی ج ۱، ص ۲۱۲.

[۱۵] همان، ص ۳۳۱.

[۱۶] همان، ص ۳۵۵؛ مقتل خوارزمی، ج ۲ ص ۵۷.

[۱۷] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۵۶.

[۱۸] ناسخ التواریخ حالات سید الشهداء (ع) ج ۳، ص ۱۱۹.

[۱۹] مقتل خوارزمی ج ۱، ص ۲۴۶؛ لهوف، ص ۷۹.

[۲۰] جواد محدّثی، فرهنگ عاشورا، ص ۵۳.

**واژه های عزت و افتخار حسینی را تفسیر و توضیح دهید.**

**پرسش**

واژه های عزت و افتخار حسینی را تفسیر

## پاسخ

عزت به معنای ارجمند، سرافرازی و گرامی شدن است. [۲۱] به قول راغب واژه عزت به معنای حالتی است که نمی گذارد انسان شکست بخورد و مغلوب واقع شود. [۲۲]

در برابر عزت، ذلت قرار دارد که به معنای نبود حالت شرافت و عزت در آدمی است، به طوری که انسان به سادگی پذیرای شکست شده، مغلوب دیگران شود.

واژه افتخار به معنای مرتفع و بلند گردیدن، فخر و شرف [۲۳] تازی، سرافرازی، فخر و آبرو و حرمت [۲۴]: "أفتخر إفتخاراً بكذا؛ به آن بالید و افتخار نمود" [۲۵]

دو واژه عزت و افتخار با پسوند حسینی بیانگر آن است که عزت و افتخار در فرهنگ امام حسین (ع) با عزت و افتخار فرهنگ مادی تفاوت دارد.

در آموزه های دینی عزت و آزادی، افتخار بندگی و معنویت گرایی و رهایی از قید و اسارت شهوت گرایی و پرهیز از تجمل گرایی ظهور می کند. از این رو امام علی (ع) عرض داشت: "الهی کفی بی عزاً أن أكون لك عبداً و کفی بی فخراً أن تكون لی ربياً" [۲۶] پیامبر اسلام (ص) که جامعه عزت مند در مدینه به وجود آورد، با تمام افتخارات غیر معقول مانند ثروت اندروزی و قوم گرایی مبارزه نمود [۲۷] و عزت و افتخار را در عبودیت تفسیر نمود.

از سوی دیگر عزت و افتخار در مبارزه علیه ستم و حق کشی ها به وجود می آید و پیروزی در جنگ ها عزت و افتخار به حساب نمی آید. و این درست مقابل معنای مادی آزادی و افتخار قرار می گیرد؛ زیرا در فرهنگ مادی پیروزی در مغلوب نمودن طرف مقابل شکل می گیرد.

در صحنه کربلا عزت و افتخار

حسین به اوج خود رسید. امام حسین (ع) در زمانی قیام نمود که یزید شعار بی دینی سر داد [۲۸] و جامعه اسلامی را خفقان گرفته و دین ستیزی و عدالت گشی به اوج خود رسیده بود. از این رو امام حسین (ع) مرگ در راه خدا را زینت خواند [۲۹] و تسلیم نشدن در برابر یزید و اسیر ذلت نشدن را عزت و افتخار دانست: "موت فی عزّ خیر من حیاة فی ذلّ؛ [۳۰] مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است."

هم چنین حضرت در برابر بیعت خواستن یزید فرمود: "ناپاک ناپاک زاده مرا بین دو چیز: شمشیر و ذلت مخیر قرار داده، اما ذلت از ما بسیار دور است." [۳۱] به قول بهجتی:

اندر آنجا که باطل امیر است

اندر آنجا که حق سر به زیر است

اندر آنجا که دین و مروّت

پایمال و زبون و اسیر است

راستی زندگی ناگوار است

مرگ، بالاترین افتخار است

جاویدان آید بانگ پر شور

لا أرى الموت إلا سعادة [۳۲]

امام حسین (ع) فرمود: "من از مرگ باکی ندارم، مرگ راحت ترین راه برای رسیدن به عزّت است. مرگ در راه عزّت زندگی جاودانه است و زندگانی ذلت بار، مرگ بی حیات است." [۳۳]

عزت و افتخار حسینی در آخرین لحظات زندگی امام حسین (ع) به اوج رسی و حضرت بندگی را عامل عزت دانسته و بدان افتخار می کند. شهید مطهری می نویسد:

"در روز عاشورا حسین (ع) حدّ اخر مقاومت را می کند. دیگر وقتی است که به کلی توانایی از بدنش سلب شده است: یکی از تیر اندازان ستمکار تیر زهر آلودی را به کمان می کند و به سوی اباعبدالله (ع) می اندازد که در سینه ابا عبدالله (ع) می نشیند و حضرت بی

اختیار روی زمین می افتد. آیا در این لحظه تن به ذلت می دهد؟ آیا خواهش و تمنا می کند؟ نه، بلکه بعد از گذشت این دوره جنگیدن رویش را به سوی همان قبله ای که از آن هرگز منحرف نشده است می کند و می فرماید: "رضاً بقضائک و تسليماً لأمرک و لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین". [۳۴]

در حادثه کربلا یزید و یزیدیان عزت و افتخار خویش را در پیروزی ظاهری دانسته و به نسب و اجداد و دوران جاهلیت افتخار می کردند، غافل از این که پیروزی و جاودانگی از آن حق و حق گرایان است و پیروزی باطل مقطعی است. از این رو امام علی(ع) فرمود "للحق دوله، للباطل جوله؛ [۳۵] برای حق، دولت و عظمت بزرگی است، ولی باطل را جولان و چرخشی است".

از این ردو قرآن عزت مداری را از آن رسول و مؤمنان دانسته است: "لله العزّه و لرسوله و للمؤمنین". [۳۶]

روشن ترین دلیل این عزت و شکوه درباره شهدای کربلا مشهود است. هنوز امام حسین(ع) عزیز است محبوب دل ها است و مزارش میعادگاه عاشقان حق است. امام راحل(س) فرمود "محرم ماهی است که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل قیام کرده و به اثبات رسانده است که در طول تاریخ، همیشه حق بر باطل پیروز شده است". [۳۷]

[۲۱] محمد معین فرهنگ فارسی، واژه عزت؛ علی اکبر دهخدا، لغت نامه واژه عزت؛ مصطفی دشتی، معارف و معاریف ج ۷، ص ۳۵۳.

[۲۲] راغب اصفهانی مفردات راغب، ص ۵۶۳.

[۲۳] اقرب الموارد، ج ۷ ص ۹۰۷؛ علی اکبر دهخدا، پیشین، واژه افتخار.

[۲۴] خلیل جز، فرهنگ لاروس (ترجمه حمید طیبیان)

[۲۵] مفردات راغب،

ص ۳۷۴؛ محمد معین ، پیشین، واژه افتخار.

[۲۶] مفاتیح الجنان، ص ۲۷۳.

[۲۷] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۰؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۲.

[۲۸] مقرر، مقتل الحسین، ص ۳۵۷.

[۲۹] اعیان الشیعه، ج ۱ ص ۵۹۳.

[۳۰] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸.

[۳۱] مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۷؛ نفس المهموم، ص ۱۳۱.

[۳۲] محمد حسین بهجتی، بهار آزادی، ص ۷۱، با اقتباس از جواد محدثی فرهنگ عاشورا، ص ۳۸۹.

[۳۳] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۱.

[۳۴] مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۵۷.

[۳۵] تحف العقول ص ۲۳۹.

[۳۶] اسرا(۱۷) آیه ۸۱.

[۳۷] صحیفه نور ج ۴، ص ۲۷.

### چگونه می شود قرآن را در دانشگاه ها پیاده نمود؟

#### پرسش

چگونه می شود قرآن را در دانشگاه ها پیاده نمود؟

#### پاسخ

اگر مقصود از پیاده نمودن قرآن آشنا نمودن دانش جویان با معارف دل نشین و احکام نورانی و قوانین انسان ساز قرآن باشد، مسئولان کتب درسی و فرهنگی می توانند این مسئله را حل نمایند.

اگر منظور پیاده نمودن احکام و برنامه های سعادت بخش قرآن است به نظر می رسد:



۱- کسانی که به نام اسلام بر مردم حکومت می کنند، از خورد و کلان نخست خود باید به قوانین اسلام عمل کنند و به آن پای بند باشند. این روش نه تنها دانشجویان بلکه مردم کوچه و بازار را هم به اسلام جذب کرده و آنان را عملاً دعوت به نیکی و پذیرش عینی برنامه های قرآن می نماید.

در احادیث آمده است: "کونوا دعاه الناس بغير السننهم؛ [با عمل و] نه زبان تان، مردم را دعوت کنید".

۲- عالمان عامل که از نظر دانشجویان، علم و عملشان مورد پذیرش باشد، باید در جلسات هفتگی با تبیین معارف قرآن روشن کنند که دین اسلام و قرآن تأمین کننده سعادت زندگی بشر و تضمین کننده خوش بختی حیات اخروی است.

رسول خدا(ص) فرمود: "وقتی دو صنف از امت من صالح شدند امت صالح می شود وقتی زمانی که این دو قشر فاسد شدن امت فاسد می شود: فقها و حاکمان". [۲۳]

[۲۳] بحارالأنوار، ج ۲، ص ۴۹، حدیث ۱۰.

## آیا ورزش در طول عمر انسان تأثیر دارد، تا چه حد؟

### پرسش

آیا ورزش در طول عمر انسان تأثیر دارد، تا چه حد؟

### پاسخ

علی(ع) می فرماید: "ان الله يحب عبده القوی...؛ خداوند بنده قوی اش را دوست دارد". زیرا انسان قوی بهتر می تواند اطاعت و عبادت کند و به دین خدا و بندگانش خدمت نماید.

در دعای کمیل از خداوند زور و قوت اعضا و جوارح را طلب می کند: "قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتَكُمْ جَوَارِحِي".

انسان را از آن جهت انسان گفته اند که سه چیز لازمه زندگی و زنده بونش است: انس، نسیان و نویسان. اگر به یکدیگر انس و الفت نداشته باشند، اجتماع انسانی جز مجتمع حیوانات پستاندار چیزی نخواهد بود. [۸]

اگر نسیان و فراموشی به او دست ندهد، بسیاری از معایب و اندوه ها و خاطره های تلخ زندگی اجازه زنده بودن به او نمی دهند.

مهم تر از همه نوسان و تحرک و فعالیت است. اگر جنبش بدن کم شود، قدرت دفاع بدن کم می شود و اگر در حد اعتدال باشد، قدرت دفاع افزایش می یابد. [۹]

ورزش، کمک شایانی به ایجاد و تقویت سلامت جسمانی و روانی می کند، و افرادی که با روش صحیح ورزش می کنند و

یا دارای کارهای با تحرک می باشند، سالم تر بوده و عمرشان از افراد فاقد تحرک، بیشتر است.[۱۰]

فواید و آثار ورزش:

۱- ورزش تغییرات چندی در بدن ایجاد می کند، از جمله سرعت جریان خون را زیاد می کند و سبب می شود سرعت تبدلی بین پلاسمای خون و مایع بین سلولی افزایش یابد و گلبول های انباشته شده در جدار رگ ها و مویرگ ها هم در اثر شدت جریان وارد خون شوند.[۱۱]

۲- ورزش متناسب مخصوصاً پیاده روی سبب

می شود اشخاص کمتر به بیماری های عروقی قلب مبتلا شوند.

۳- اصولاً افرادی که شغل آن ها با فعالیت جسمی روزانه همراه است، کمتر به سکتته قلبی دچار می شوند.

آقای دکتر پاک نژاد می نویسد: اگر ورزش با شرایط صحیح بهداشتی انجام گیرد نتایج ذیل به دست می آید:

۱- قدرت انقباض و نظم جریان قلب پس از مدتی ورزش کردن بهتر می شود.

۲- گنجایش ریه ها بیشتر می گردد و در نتیجه اکسیژن بهتر به بدن می رسد.

۳- هر چه شخص ورزش کرده تر باشد مقدار سوخت بدنش نقصان می یابد. در نتیجه بدن بهتر از مواد غذایی بهره می برد.

۴- رشد و نمو بهتر انجام می گیرد و بر فعالیت غدد داخلی افزوده می شود.

۵- هماهنگی بین اعصاب و مراکز عصبی و تقویت اعصاب ایجاد می شود و کارهای فکری آسان تر می شود.

۶- به تنگی نفس دچار نمی شود و ضربان قلب تند نمی زند و در کارها دیرتر خسته می گردد. [۱۲]

ورزش و تقویت قوای جسمی و روحی سبب طول عمر و شادابی در زندگی می گردد. [۱۳]

[۸] دکتر پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۴، ص ۵۱، چاپ سال ۱۳۵۰، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه.

[۹] همان.

[۱۰] حسین صبوری، ورزش در اسلام، ص ۱۸، ویزایش دوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

[۱۱] دکتر پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ص ۱۰۵.

[۱۲] همان، ص ۱۰۴.

[۱۳] همان، ص ۵۶ - ۵۷.

**متأسفانه در جامعه خیلی از منکرات، منکر به حساب نمی آید. در برابر این جریان چه باید کرد؟**

**پرسش**

متأسفانه در جامعه خیلی از منکرات، منکر به حساب نمی آید. در برابر این جریان چه باید کرد؟

**پاسخ**

اگر می بینیم بعضی از منکرات در جامعه منکر به حساب نمی آید دلایل آن است که وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به خوبی انجام نمی شود. در اثر عدم جلوگیری منکر، معروف می گردد. پیامبر اکرم(ص) همین امر را پیش بینی کرد و خطاب به عده ای از اصحاب فرمود: چگونه خواهید شد هر گاه زن ها و جوان های ...فاسد شوند اما امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟ صحابه گفتند: مگر چنین چیزی امکان دارد، حضرت فرمود: آری، از این هم بدتر می شود. چگونه خواهید شد هر گاه امر به منکر کنید و نهی از معروف؟ گفتند: مگر چنین چیزی امکان دارد؟ حضرت فرمود: آری، از این هم بدتر می شود. چگونه خواهید شد هر گاه معروف را منکر و منکر را معروف بدانید. ۱۴

وقتی در جامعه با منکر مقابله نشد کم کم به مرحله ای می رسیم که دیگر مردم باور می کنند که منکر دیگر منکر نیست بلکه معروف است. برای مقابله با این پدیده چاره ای جز عمل به وظیفه شرعی یعنی امر به معروف و نهی از منکر و خروج از بی اعتنایی نیست. نهی از منکر اگر هیچ تأثیری نداشته باشد همین تأثیر را لااقل خواهد داشت که از معروف شدن منکر پیشگیری خواهد کرد.

۱ اصول کافی ج ۳، ص ۲۳۸.

۲ همان، ص ۲۳۹.

۳ نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۴ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۵۹.

۵ اصول کافی، ج ۴، ص ۱۵۳.

۶ نهج البلاغه، قصار ۱۸۴.

۷ همان، قصار ۳۰۴.

۸ آل عمران )

۹ میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۱۱.

۱۰ نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲.

۱۱ میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۱۶.

۱۲ نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۱۳ منتهی الآمال، ص ۴۶۹ - ۴۷۰.

۱۴ تحف العقول، ص ۴۹.

**آیا می شود نمایندگانی از تمام ادیان جمع شوند و دین خود را ارایه دهند و دیدگاه ادیان خود را در ارتباط با انسان مرگ، سعادت و ... عنوان نمایند تا مردم جهان بتوانند راه درست و دین کامل را بشناسند؟**

### پرسش

آیا می شود نمایندگانی از تمام ادیان جمع شوند و دین خود را ارایه دهند و دیدگاه ادیان خود را در ارتباط با انسان مرگ، سعادت و ... عنوان نمایند تا مردم جهان بتوانند راه درست و دین کامل را بشناسند؟

### پاسخ

در طول تاریخ بارها نمایندگان ادیان و مذاهب جهان با هم گفتگو داشتند. از مهم ترین آن، نشستی بود که مأمون عباسی در طوس، بزرگ ترین عالمان ادیان مختلف را در جلسه ای با حضور امام رضا(ع) دعوت نمود و هر یک دیدگاه های خویش را بیان نمودند و امام هشتم(ع) در این جلسه با "جائلیق" (رئیس اسقف ها و علمای مسیحیت)، "رأس الجالوت" (= لقب دانشمندان بزرگ یهود)، با هر بزرگبر (= لقب مخصوص بزرگ زردشتیان) مناظراتی داشت و حقانیت دین اسلام را بر همگان روشن نمود. ۱۵ نیز امام هشتم(ع) با علمای اسلام همانند علی بن محمد بن جهم و سلیمان مروزی، مناظراتی برگزار کرد. حدود پانزده سال پیش در ایتالیا نمایندگان دو دین بزرگ دنیا، اسلام و مسیحیت دور هم جمع شدند و دیدگاه های خود را برای همگان تبیین نمودند. در دو سال گذشته در آغاز هزاره سوم در سازمان ملل بزرگ ترین تجمع نمایندگان ادیان و مذاهب جهان تحت عنوان گفتگوی ادیان صورت گرفت و از سوی ایران هیئتی به سرپرستی آیت الله جوادی آملی در آن شرکت نمودند.

کوتاه سخن این که نشست عالمان ادیان از دیر زمان تا کنون برقرار بوده و هست و هر یک دیدگاه های خویش را برای دیگران تبیین می کنند.

۱ اعراف (۷) آیه ۱۵۷.

۲ همان، آیه ۳۲ و ۳۳.

۳ مؤسسه در راه حق،

بیست پاسخ، ص ۱۸۴.

۴ بیست پاسخ، مؤسسه در راه حق، ص ۱۸۴ به بعد، با تلخیص.

۵ مجمع البحرین، ماده عشق.

۶ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار ج ۶۷ ص ۲۵۳.

۷ ص (۳۸) آیه ۸۳.

۸ شیخ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۴، ج ۷.

۹ شیخ طوسی، الخلاف، مسئله ۱۱۲ و ۱۱۳.

۱۰ همان.

۱۱ همان.

۱۲ کنز العمال، ج ۷، ص ۴۶۰، حدیث های ۱۹۷۷۶ و ۱۹۷۷۷ و ۱۹۷۷۸.

۱۳ همان.

۱۴ همان.

۱۵ طبرسی، احتجاج ج ۲، ص ۱۹۹ - ۲۲۴.

**ما جوانان چگونه می توانیم از علوم اسلامی به نحو احسن آگاه شویم و همانند یک روحانی متعهد به اسلام اظهار نظر نماییم؟ نظر شما در مورد قرار دادن درسی به نام تفسیر موضوعی قرآن در دانشگاه ها و علاقه مند نمودن دانشجویان به علم قرآنی چیست؟**

**پرسش**

ما جوانان چگونه می توانیم از علوم اسلامی به نحو احسن آگاه شویم و همانند یک روحانی متعهد به اسلام اظهار نظر نماییم؟ نظر شما در مورد قرار دادن درسی به نام تفسیر موضوعی قرآن در دانشگاه ها و علاقه مند نمودن دانشجویان به علم قرآنی چیست؟

**پاسخ**

آگاهی کامل مبتنی بر طّیّ مقدماتی است که بدون آن ها آگاهی بر علوم اسلامی ممکن نیست، چون قرآن و روایات به زبان

عربی است. باید به زبان عربی خوب مسلط بشوید و با قواعد و قوانین دستور زبان عربی آشنایی کامل داشته باشید. نیز با علم فصاحت و بلاغت و منطق و فلسفه و اصول و فقه در سطح عالی آشنا باشید.

گذراندن این دوره تقریباً ۳ سال طول می کشد. سپس باید یک یا دو دوره کارشناسی به عنوان درس خارج را طی کند در این دوره با تفسیر قرآن و تاریخ اسلام و فقه اسلامی به طور کامل آگاه می شود.

بنابراین اظهار نظر کارشناسی شده درباره اصول و فروع دین اسلام محتاج به گذراندن دوران سخت پژوهش و تحقیق است، که برای همه کس مقدور نیست. البته هر کس به اندازه هوش و استعداد و علاقه اش می تواند به مراحل دست یابد.

به نظر ما تمامی جوانان مسلمان باید دوره فشرده ای از علوم اسلامی و قرآنی را بگذرانند و گذراندن این دوره باید الزامی باشد. مخصوصاً در دانشگاه ها قرار دادن درس تفسیر قرآن خواه به صورت آیه به آیه و خواه به صورت موضوعی بسیار مفید است. البته جوانان عزیز باید علاقه مندی خود را نشان بدهند و علوم اسلامی را از علوم ارزشی بدانند



و برای خواندن آن ثواب و قرب الهی قائل باشند، گرچه تمامی علوم اگر برای برطرف کردن نیازهای جامعه اسلامی خوانده شود، وظیفه الهی محسوب می شود و موجب قرب الهی می تواند باشد، ولی علوم انسانی و اسلامی چون با آیات و روایات همراه است، به مسیر تقوا و هدایت و تهذیب نفس نزدیک تر است. کسانی که در علوم دیگر متبحر می شوند اگر با علوم اسلامی نیز آشنایی داشته باشند و اهل تقوا و عمل به دستورهای اسلامی باشند، برای جامعه مفید تر خواهند بود.

**فرزندم در اسفند ماه جاری به سنّ تکلیف می رسد. قصد دارم مراسم با شکوهی برای جشن تکلیف او بگیرم. وظیفه من به عنوان پدر نسبت به پسر در این زمینه و چگونگی معرفی مراجع تقلید و به دست آوردن رساله چیست؟ محتاج راهنمایی هستم.**

### پرسش

فرزندم در اسفند ماه جاری به سنّ تکلیف می رسد. قصد دارم مراسم با شکوهی برای جشن تکلیف او بگیرم. وظیفه من به عنوان پدر نسبت به پسر در این زمینه و چگونگی معرفی مراجع تقلید و به دست آوردن رساله چیست؟ محتاج راهنمایی هستم.

### پاسخ

برادر گرامی! امیدواریم با خانواده و نور چشم عزیزتان در پناه ایزد متعال باشید و مورد توجه حضرت صاحب الزمان(ع) و در سایه عنایات حضرت باشید.

فرا رسیدن ایام تکلیف فرزندتان را به شما و ایشان تبریک می گوئیم. اگر قرار باشد برای امری جشنی گرفته شود، بهترین جشن، جشن تکلیف است، چون با فرا رسیدن تکلیف، انسان مورد توجه و خطاب الهی قرار می گیرد و باید وظایف شرعی و اجتماعی خود را انجام دهد. برای این جشن بر اساس رسوم محلی در حدّ توان مراسمی بر پا کنید. و طی مراسمی که ترتیب می دهید به او هدیه کنید. اگر وضع مالی تان خوب است برای او خانه یا زمینی در نظر گرفته و آن را در مجلس جشن به او هدیه کنید. برای یاد دادن احکام شرعی گاهی، مسئله ای را طرح و به او تفهیم کنید. وی را به مطالعه توضیح المسائل تشویق و راهنمایی کنید. راجع به مسائل اخلاقی که زیر بنای انسانیت و کمال هر انسان است، او را راهنمایی کنید. گاهی حدیث اخلاقی برای او بخوانید یا در جمعی که او حاضر است آن را مطرح کرده یا وی را برای نماز و سخنرانی به مسجد ببرید. با بزرگان دین و علما و شایستگان او را آشنا کنید. موفقیت شما و فرزندتان را از خداوند

## روش نوین برای حفظ ایمان جوانان و نوجوانان کنونی چیست؟

### پرسش

روش نوین برای حفظ ایمان جوانان و نوجوانان کنونی چیست؟

### پاسخ

برای حفظ ایمان جوانان باید به اموری توجه داشت:

۱\_ اصلاح روابط خانوادگی: از آن جا که محیط خانواده اولین کانون آموزش علوم و معارف و مهم ترین نهاد تأثیر گذار است، از این رو در روایت آمده است: "خداوند رحمت کند پدر و مادری را که فرزندش را در کار نیک یاری نمایند". [۱۶]

در فرایند شکل گیری شخصیت نوجوانان بیشترین نقش متوجه الگوهای رفتاری است. خمیر مایه شخصیت افراد در کانون خانواده شکل می گیرد. به سخن دیگر: همه آموخته ها، عادت ها و رفتارهای ما ناشی از مربیان و یادگیری های مستقیم و غیر مستقیم است. بر این اساس رعایت اصول اخلاقی و التزام عملی به دستورهای مذهبی توسط والدین اثر مستقیمی در گرایش جوانان به مذهب دارد. اگر رفتار والدین مناسب نباشد فرزندان مدل رفتاری خوبی نخواهند داشت. امام کاظم(ع) می فرماید: "رفتار کودکان در اثر رفتار درست والدین اصلاح می شود". [۱۷]

۲\_ انتخاب دوست مناسب: دوستان نقش مهمی در شکل گیری رفتار جوانان دارند. چه بسا جوانانی که در اثر همنشینی با دوستان ناباب به انحراف کشیده شده اند و به فرمایش قرآن کریم خود را در روز قیامت ملامت می کنند که چرا فلانی را دوست خود گرفته بودند. [۱۸]

تو اوّل بگو با کیان دوستی که تا من بگویم که تو کیستی

۳\_ پرکردن اوقات فراغت: بیکاری و فراغت جوانان را به انحراف می کشاند. علی(ع) می فرماید: "اگر شغل و کار زمینه فعالیت فرد است، فراغت زیاد باعث تباهی و فساد است". [۱۹]

برای حفظ ایمان جوانان باید زمینه کار و فعالیت را فراهم کرد و

اوقات فراغت آن‌ها را با برنامه‌هایی مانند ورزش و تفریح سالم پر نمود.

۴\_ تدارک ازدواج: جوانان در دوران جوانی با طوفان غریزه جنسی مواجه‌اند که اگر به‌طور صحیح ارضا نشود به انحراف کشیده می‌شوند. مهم‌ترین امر در این مقطع که غریزه جنسی را تعدیل می‌کند ازدواج است. از این رو رسول اکرم (ص) می‌فرماید: "هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را حفظ کرده است". [۲۰]

[۱۶] مستدرک الوسائل، چاپ قدیم، ج ۲، ص ۶۲۵.

[۱۷] بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۲۳۶.

[۱۸] فرقان (آیه ۲۸).

[۱۹] ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۹۷.

[۲۰] سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۶۱.

**جامعه امروز طوری شده که به همه نیازهای نفسانی خود می‌توان رسید، از نوار و فیلم و سی‌دی و مشروبات الکلی و خیلی لذات دیگر...! چگونه می‌توانیم خود را از کثافات نگه‌داری کنیم؟ آیا ما هم باید با این روند همسو شویم؟ خیلی از رفقای ما می‌گویند چرا خود را با نماز**

### **پرسش**

جامعه امروز طوری شده که به همه نیازهای نفسانی خود می‌توان رسید، از نوار و فیلم و سی‌دی و مشروبات الکلی و خیلی لذات دیگر...! چگونه می‌توانیم خود را از کثافات نگه‌داری کنیم؟ آیا ما هم باید با این روند همسو شویم؟ خیلی از رفقای ما می‌گویند چرا خود را با نماز و روزه محدود کرده‌ای؟! بیا این دو روز دنیا را خوش باشیم!

### **پاسخ**

از این که جامعه امروز چنین شده بسیار متأسفیم ولی تأسف، تکلیف سنگین عالمان و مسئولان و مردم را ساقط نمی‌کند. وقتی امر به معروف و نهی از منکر ترک شود و جلوی هجوم فساد گرفته نشود و کنسرت‌های موسیقی و جشن‌های مختلط در شهرهای مختلف برگزار شود و به عنوان هنر و موسیقی، از هر بی‌هنری تجلیل شود و از متدینین و مذهبی‌ها به عنوان خشت طلب و متجحر و با انواع تهمت‌ها تبلیغ شود و آنان که هشت سال دفاع مقدس را بر عهده داشتند و جسم و جان خود را در راه خدمت به مملکت و دین فدا کردند تحقیر شوند، وضع جامعه بهتر از این نمی‌شود.

در روایت از امام رضا (ع) از پیامبر (ص) آمده است: زمانی که امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کنند، بدانند که حوادث بدی از جانب خدا بر آنان واقع خواهد شد". [۱۲]

باز رسول خدا(ص) فرمود: "چگونه می باشید آن گاه که زنانان فاسد و جوان های تان فاسق و تبهکار شوند و شما امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟ گفتند: یا رسول

الله! آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری، بدتر از این خواهد شد. زمانی پیش می آید که به بدی فرمان دهید و از خوبی ها نهی کنید، و از آن بدتر زمانی خواهد رسید که خوبی ها را زشت و ناشایست و بدی ها را زیبا و پسندیده بدانید". [۱۳]

رسول خدا(ص) فرمود: "به راستی خداوند ویژگیان و خاصّیان را به گناهان همه مردم عامی عذاب نفرماید تا آن که اعمال زشت و منکر پیش رویشان عمل شود و آن ها با این که قدرت بر انکارش داشته باشند انکارش نمایند". [۱۴]

امیرالمؤمنین(ع) فرمود: "هر کس نهی از منکر را (با قلب و زبانش) ترک کند، مرده ای میان زندگان است". [۱۵]

بنابراین وظیفه ما در برابر زشتی ها این است که در برابر آن ها موضع گیری کنیم و جلوی آن ها را بگیریم و لااقل قلباً راضی نباشیم، نه این که با آن ها هماهنگ شده و در جلسات آنان شرکت کنیم. شرکت در مجالس گناه انسان را تحت تأثیر قرار می دهد و انسان را از مسیر انسانیت به سقوط می کشاند.

قرآن می فرماید: "ثم کان عاقبه الذین اساءوا السؤواى ان کذبوا بايات الله و کانوا بها يستهزئون؛ [۱۶] سرانجام آنان که به گناه اصرار می ورزند، به تکذیب آیات خدا و مسخره کردن آن می رسد".

مرحوم نراقی می فرماید: مبادا کسی فکر کند که وزرو وبال گناه گریبان او را نمی گیرد. چنین چیزی نشدنی است زیرا پیامبران از آثار ترک اولی مصون نماندند چه برسد به دیگران. البته چون خداوند پیامبران و اولیای خود را دوست دارد آن ها را در همین دنا زود گوشمالی می دهد

تا در آخرت آسوده باشند اما کفار از این نعمت محرومند. آنقدر به آن ها مهلت داده می شود که بر گناهان خود بیفزایند تا مستوجب عذاب بیشتر شوند. [۱۷]

[۱۲] آثار الصادقین، ج ۱، ص ۱۲۱، به نقل از فروغ کافی، ج ۵، ص ۵۹.

[۱۳] همان، به نقل از وسائل، ج ۶، ص ۳۹۷.

[۱۴] همان، ص ۱۲۳، به نقل از محجه البیضاء، ج ۴، ص ۱۰.

[۱۵] همان به نقل از وسائل، ج ۶، ص ۴۰۴.

[۱۶] روم (۳۰) آیه ۱۰.

[۱۷] اخلاق عملی، ص ۱۱۶، به نقل از جامع السعادات، ج ۳، ص ۴۸.

**من دوستان زیادی داشتم که چندین سال پیش با هم به مسجد می رفتیم. کم کم دیدم خودم و چند پیرمرد در مسجد مانده ایم! در عوض کلوپ ها و سی دی فروشی ها پر شده از جوانان شلوار تنگ و با موهای آن چنانی! می دانم اگر خود را رها کنم مانند آن ها می شوم. توصیه شما چیست؟ چ**

### **پرسش**

من دوستان زیادی داشتم که چندین سال پیش با هم به مسجد می رفتیم. کم کم دیدم خودم و چند پیرمرد در مسجد مانده ایم! در عوض کلوپ ها و سی دی فروشی ها پر شده از جوانان شلوار تنگ و با موهای آن چنانی! می دانم اگر خود را رها کنم مانند آن ها می شوم. توصیه شما چیست؟ چگونه می توانم دوستانم را به سوی مسجد بکشانم؟

### **پاسخ**

برادر عزیز! عواملی باعث شده که جوانان از مساجد زده شده یا لااقل بگوییم از مسجد زده نشده اند ولی جاهای دیگر را پرجاذبه تر دیده اند. آن عوامل عبارتند از:

۱- تهاجم و شیخون فرهنگی از طریق رواج بی بندوباری و شهوترانی: مشاهده می شود مغازه های فیلم و سی دی فروشی در هر خیابان و کوچه فراوان شده است، یا سی دی های مبتذل به طور قاچاق و مخفیانه و یا علناً پخش می شود یا جشنواره های مختلف بر پا می شود. نیز کنسرت های موسیقی در شهر ها و حتی روستاها بر پا می شود. طبیعی است جوانان که موقعیت سنی آنان اقتضای کشش به این گونه مسائل را دارد، به این سو کشانده می شوند.

۲- کم جاذبه یا بی جاذبه بودن مساجد: متأسفانه مساجد ما جاذبه خاصی که بتواند جوانان را جذب کند ندارد. از لحاظ نظافت، ساختمان، شرکت کنندگان و احیاناً امام جماعت یا هیأت امناء و خادم. وقتی که جوانی به مسجد می آید از طرف

برخی نمازگزاران یا هیئت امنای خادم مسجد مورد بی مهری قرار می گیرند یا به او تندی و اهانت می شود. وقتی که

مساجد بار علمی و اخلاقی مفیدی نداشته باشد یا بی نظمی و عدم انضباط در مسجد حاکم باشد و برنامه های پرجاذبه ای در مسجد اجر نشود خواه ناخواه کم کم تعداد نمازگزاران کم می شود و فقط چند پیرمرد در مسجد می مانند.

۳- تبلیغات بر ضد دین داری و دین داران و تبلیغ علیه آنان در روزنامه ها و سخنرانی ها و مشوّه جلوه دادن چهره مذهبیهون، تأثیر به سزایی در دوری مردم مخصوصاً جوانان از مساجد دارد.

۴- اشتباهات برخی مسئولان که به نام اسلام و نظام اسلامی صورت می گیرد و شایعات و بزرگ نمایی بعضی اشتباهات و جو سازی های مفرط باعث ناامیدی و بی توجهی مردم و جوانان از مراکز مذهبی شده است.

وجود این عوامل در صحنه اجتماعی کشور ما، همچنین در اکثر کشورهای اسلامی وظیفه شرعی و وجدانی را از انسان سلب نمی کند. هر مسلمانی وظیفه دارد اهل نماز و عبادت و مسجد و دعا و امر به معروف و نهی از منکر باشد. یک مسلمان آگاه و متعهد اگر میان کفار هم قرار بگیرد همچون ابراهیم خلیل الرحمن به وظیفه اش عمل می کند و هرگز به شعار پوچ و بی معنای "خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو" تمسک نمی کند. بنابراین شما باید خود را از گناهان و آلودگی ها مبرا کنید و دست رفقا و دوستانتان را بگیرید و با برنامه های جذاب و خوب آنان را به مسجد و نماز سوق بدهید. اگر بتوانید حتی یک نفر را نجات بدهید به ارزش و ثواب زیادی رسیده اند. می توانید از سروده های زیبا و



تواشیح و همخوانی های فارسی و عربی، نوار قرائت قرآن از قاریات خوب، مداحی های خوش صوت، سفرهای دسته جمعی به کوه و مکان های زیارتی، تهیه جوایز برای جذب آنان به نماز و مسجد و مراسم مذهبی کمک بگیرد. از دعا و مناجات و نماز لذت ببرند، به این گونه مراسم می شتابند.

[۲۸] بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۸.

**دختری دارم در کلاس دوم راهنمایی درس می خواند. قبل از زمان تکلیف مرتب نماز، قرآن، دعای توسل و دعای کمیل می خواند و برای نماز صبح بیدار می شد ولی از دوران راهنمایی نسبت به نماز و دعا و قرآن کم اهمیت شده است. از شما راهنمایی می خواهم.**

### پرسش

دختری دارم در کلاس دوم راهنمایی درس می خواند. قبل از زمان تکلیف مرتب نماز، قرآن، دعای توسل و دعای کمیل می خواند و برای نماز صبح بیدار می شد ولی از دوران راهنمایی نسبت به نماز و دعا و قرآن کم اهمیت شده است. از شما راهنمایی می خواهم.

### پاسخ

طبع انسان فطرتاً خدا خواه و خدا جو است. تا وقتی که این فطرت دست نخورده باشد از انس با خدا و عبادت و نماز لذت می برد ولی عواملی که انسان را به خود جذب می کند و انسان را از فطرت پاک دور می کند، بسیار است.

جاذبه ها به سرعت انسان را جذب می کنند و چون در ایام طفولیت و نوجوانی، فطرت دست نخورده برهانی و استدلالی نشده و در مرحله ساده است اگر عامل جاذبه داری به آن ها سو کند زود جذب می شوند و نمی توانند مقاومت کنند. اما همان عامل اگر برای یک شخص مسن و تحصیل کرده که با عقل و درایت، مشکلات زندگی را تجربه کرده باشد، چنان تأثیر و جاذبه ای نخواهد داشت.

اکثر نوجوانان در برهه ای از زمان اهل نماز و قرآن و عبادت اند و در برهه ای دیگر شکل دیگری پیدا می کنند. به تعبیر دیگر: زود تحت تأثیر قرار می گیرند. شیاطین و استعمارگران اگر بخواهند بر ملت مسلط شوند سعی می کنند از راه جذب این گونه اقشار به اهداف خود برسند.

ببینید دختر خانمستان تحت تأثیر چه عواملی قرار گرفته یا چه عواملی باعث انزجار او از عبادت شده است. گاهی تنیدی های پدر و مادر و سخت گیری های

بیش از اندازه و دستور دادن باعث انزجار آنان می شود. تا زمانی که کوچکتر بود هر چه به او دستور داده یا احیاناً با او تندی می شد، می پذیرفت ولی حالا که جوانی شده است توقعات او بالا رفته و غرور او اجازه نمی دهد کسی با او آمرانه برخورد کند. حتی نصیحت کردن به او نیز احتیاج به دقت و احترام دارد.

باید به او شخصیت بدهید و از او تعریف و تمجید کنید.

یکی دیگر از عواملی که باعث جدایی جوانان از دعا و نماز می شود

جاذبه های تخیلی از ناحیه دوست یا فیلم یا عکس یا کتاب های نامناسب یا معلمی است که باعث بد آموزی او شده است. نیز الگوهای نامناسب که در روحیه او تأثیر منفی می گذارد.

روحیه جوان بسیار لطیف است. ممکن است با یک جمله متغیر شود. کافی است معلم یا دوست او یک بار به او بگوید: این همه نماز خواندی چه کردی یا به کجا رسیدی؟ یا درباره دعا خوانان یا نماز گزاران بدگویی بشود یا احیاناً نماز خوان و دعاخوانی را که دارای اخلاق فاسد است یا سر مردم کلاه می گذارد یا دروغ

می گوید، دیده و تحت تأثیر قرار گرفته باشد و نسبت به نماز و دعا بی اعتنا شود.

بنابراین باید علت و عامل بی توجهی او را نسبت به نماز جويا شوید و دوستان یا معلم یا مدیر یا جو درسه را بررسی کنید. گاهی او را به مسافرت های زیارتی مانند مشهد مقدس یا قم یا جمگران یا به مساجدی که نماز جماعت

گسترده ای در آن جا برگزار می شود ببرید. شرکت

در این گونه مجالس در روحیه انسان بسیار تأثیر گذار است.

## برای درخواست احداث مسجد در منطقه ای که فاقد مسجد است باید به کدام اداره یا مسئول مراجعه کنیم؟

### پرسش

برای درخواست احداث مسجد در منطقه ای که فاقد مسجد است باید به کدام اداره یا مسئول مراجعه کنیم؟

### پاسخ

ساختن مساجد توسط مردم و ثروتمندان متدین صورت می گیرد. البته می توان در این راستا از برخی مسئولان یا ارگان ها کمک هایی دریافت کرد. هماهنگی با سازمان تبلیغات، اداره اوقاف و امور خیریه، بنیاد امور مساجد، ارتباط با دفتر مراجع معظم تقلید شاید مؤثر باشد. قرآن احداث و تعمیر مساجد را از وظایف مؤمنان

می داند: "أَمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ".

## از دیدگاه اسلام و قرآن، نقش بسیج در اهداف الهی جامعه را بیان کنید؟

### پرسش

از دیدگاه اسلام و قرآن، نقش بسیج در اهداف الهی جامعه را بیان کنید؟

### پاسخ

یکی از اصول حیاتی که در هر عصر باید مورد توجه مسلمانان باشد، لزوم آمادگی رزمی و بسیج نیروهای مذهبی و فداکار در برابر دشمنان دین و قرآن و ممالک اسلامی خصوصاً ایران عزیز می باشد. این مسئله به قدری مهم است که قرآن بر آن سخت تأکید ورزیده است: "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...؛ در برابر آن ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از "نیرو" آماده سازید (هم چنین) اسب های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید (همچنین) گروه دیگری غیر از این ها را که شما نمی شناسید و خدا می شناسد و هرچه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به شما بازگردانده می شود و به شما ستم نخواهد شد" ۹.

نخست می فرماید: در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید از نیرو و قدرت آماده سازید؛ یعنی در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آن گاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حدّ کافی آمادگی برای هجوم های احتمالی دشمن داشته باشید. از همین رو امام راحل (ره) فرمان تشکیل "بسیج" را صادر فرمود. نقش و هدف آن بالا بردن بنیه دفاعی نظام مقدس جمهوری اسلامی و حاکم کردن امتیّت بیشتر در مرزها و جامعه اسلامی و ایجاد آمادگی و وحدت بیشتر بین نیروهای اسلامی برای مقابله با دشمنان خارجی و داخلی نظام بود.

این مهم در صورتی جاودان خواهد ماند که از بسیج و پایگاه های مقاومت آن،

سوء استفاده سیاسی و جناحی و محلی نشود.

بسیجیان عزیز باید به مولایشان علی(ع) اقتدا کنند که در راه نبوت و ولایت پیامبر(ص) سر از پا نشناخت. بسیجی باید به فاطمه زهرا(س) اقتدا نماید که در راه ولایت علی(ع) جانش را فدا نمود.

جایگاه بسیج با توجه به جوانان پرشور و رزمنده و مذهبی و فداکار آن و با وجود هزاران شهید مخلص، بسیار مقدس و والاست. امام راحل فرمود: "ای کاش من هم یک بسیجی بودم". مقام معظم رهبری، شال گردن بسیجیان را بر گردن نهاده و خود را بسیجی می داند، چرا که بسیجیان دست پرورده های علما و مراجع و امام راحل(ره) و سربازان ولایت فقیه می باشند. توصیه می کنیم مواظب باشید به جایگاه بسیج و قداست کار و پیدایش آن، لطمه ای وارد نشود تا همچنان شور و نشاط امتیت در این مملکت و در بین جوانان آن، باقی بماند.

۹ انفال (۸) آیه ۶۰.

**کسی که قبلاً نماز می خواند ولی مدتی است که نماز را ترک کرده، چگونه می توان او را دوباره به خواندن نماز تشویق و ترغیب نمود؟**

**پرسش**

کسی که قبلاً نماز می خواند ولی مدتی است که نماز را ترک کرده، چگونه می توان او را دوباره به خواندن نماز تشویق و ترغیب نمود؟

**پاسخ**

باید دید کسی که پیش تر اهل نماز بوده، چه عاملی موجب شده که نماز را ترک کند؟ آیا علت خاصی داشته یا تنبلی و بی حوصلگی باعث شده در این ورطه قرار گیرد؟ به دیگر بیان: عدم اطلاع و فقدان معرفت و شناخت لازم از فلسفه نماز، و این که چرا باید نماز بخوانیم، و نماز و نیایش چه آثار مادی و معنوی در سرنوشت دنیوی و اخروی انسان می گذارد و ترک نماز و نیایش که یکی از نیازهای ذاتی و فطری آدمی است، چه آثار سوء و تخریبی دارد و عدم آگاهی از این گونه مسایل موجب شده که نمازگزار، نمازش را ترک کند. شناخت از روحیات و فرهنگ خانوادگی و اجتماعی شخص و اطلاع داشتن از میزان معلومات و تحصیلات و سن فرد و آگاهی از علت ترک نماز می تواند شما را در تشویق و ترغیب و راهنمایی آن طرف مدد رساند. اگر شخص مذکور نوجوان یا جوان است، همسالان در ایشان نقش مؤثری دارند. بر این اساس از دوستان صمیمی نماز خوان بخواهید او را به نماز ترغیب نماید. تشویق زبانی و عملی اطرافیان و تهیه هدایای مناسب و کمک گرفتن از الگوها بسیار مؤثر است. پیشنهاد می کنیم کتاب های مفید و مناسب که درباره نماز به نگارش در آمده است تهیه کنید و در اختیار ایشان قرار دهید.

**چرا در کشور ما که کشور قرآن، روحانیت و معنویت است، وضعیت جامعه به این جا رسیده است؟ چرا آن هایی که قرآن و نهج البلاغه می خوانند کارهایی می کنند که مناسب با شأنشان نیست؟!**

## پرسش

چرا در کشور ما که کشور قرآن، روحانیت و معنویت است، وضعیت جامعه به این جا رسیده است؟ چرا آن هایی که قرآن و نهج البلاغه می خوانند کارهایی می کنند که مناسب با شأنشان نیست؟!

## پاسخ

در پاسخ به این سؤال باید روی عوامل متعددی بحث و تجزیه و تحلیل شود که در پاسخ نامه نمی گنجد. توجه داشته باشید که علم به قرآن و منابع اسلامی برای سعادت‌مندی فرد و جامعه کافی نیست، بلکه ایمان و عمل به آن لازم است. قرآن مجید ایمان و علم را وسیله تکامل انسان دانسته است، یعنی آگاهی و تقوا که هیچ کدام بدون دیگری برای هدایت و پیروزی کافی نیست: "یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات؛ خداوند آن ها را که ایمان آورده اند و کسانی را که از علم بهره دارند، درجات عظیمی می بخشد". [۲]

گردانندگان جامعه باید علاوه بر دانش، تعهد داشته باشند و مهذب باشند تا فریفته مقام و مال نشوند.

باز گفتنی است که پاسخ شما در خور یک کتاب است تا ریشه ها و عوامل انحراف و فساد اجتماعی و سیاسی و اداری بررسی شود.

[۲] مجادله (۵۸) آیه ۱۱.

**می خواستم بدانم که چرا مردم ما زمانی که عزاداری ها برگزار می شود، مانند عزاداری امام حسین (ع) آن را با شور و شوق برگزار می کنند، ولی فساد در این جامعه زیاد است؟**

## پرسش

می خواستم بدانم که چرا مردم ما زمانی که عزاداری ها برگزار می شود، مانند عزاداری امام حسین (ع) آن را با شور و شوق برگزار می کنند، ولی فساد در این جامعه زیاد است؟

## پاسخ

عظیم ترین سرمایه روحی شیعه، عشق به اباعبدالله الحسین (ع) و برپایی عزاداری برای حضرت است. در سایه همین عشق و شور، یاد حسین و عاشورا زنده مانده و با مرور زمان، قیام حسینی کهنه و فرسوده نگردیده است. این عشق، امری خدادادی و فراتر از محاسبات مادی و ظاهری است. امام صادق (ع) می فرماید: "برای کشته شدن حسین (ع) حرارتی در دل های مؤمنان است که هرگز سرد نخواهد شد". [۱۱]

محبت حسین بن علی (ع) نه تنها در دل زمینیان است، بلکه عرشیان نیز او را دوست می دارند.

ای که آمیخته مه‌رت با دل کرده عشق تو مرا دریا دل

بذر عشقی که به دل کاشته ام جز هوای تو ندارد حاصل

از می عشق تو، عاقل مجنون و زخم مهر تو مجنون، عاقل

گر شود کار جهان زیر و زبر نشود عشق تو از دل زایل [۱۲]

در عین حال باید اذعان کرد که عزاداری‌ها در مواردی فلسفه خود را فراموش می‌کنند و تنها به ابراز احساسات و تحریک عواطف بسنده می‌شود. اگر عزاداری به مفهوم واقعی انجام گیرد، به تعبیر استاد مطهری عزاداری حسین بن علی یک حرکت است، یک موج است، یک مبارزه اجتماعی است. [۱۳] محبتی که در دل شیعیان است، بجا است و اگر آنان را به هم‌رنگی و هم‌سوئی و سنخیت فکری، اخلاقی و عملی با مولایشان بکشد و در گفتار و کردار، شیعه حسین باشند، عزاداری به عنوان

عامل بازدارنده از گناه و فساد مطرح خواهد بود. بنابراین اگر با وجود عزاداری، شاهد فساد در جامعه می باشیم، دلیلش عدم بهره برداری صحیح از عزاداری و جهت ندادن به مراسم و فراموش کردن فلسفه عزاداری است.

[۱۱] جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۵.

[۱۲]

[۱۳] استاد مطهری، نهضت های اسلامی صد ساله اخیر، ص ۸۹.

### نظر اسلام درباره ورزش چیست؟ آیا آیه ای در این باره آمده است؟

#### پرسش

نظر اسلام درباره ورزش چیست؟ آیا آیه ای در این باره آمده است؟

#### پاسخ

ابتدا تصور می شود که ورزش یا بازی از یک مقوله اند و به یک معنا می باشند، ولی اگر به حقیقت این دو بیشتر توجه شود، معلوم می گردد که ورزش غیر از بازی است، زیرا ارزش به معنای تمرین منظم برای سلامتی بدن و فکر و روح است. دهخدا در لغت نامه گفته است: "ورزش کردن به معنای تمرین و ممارست کردن است". [۸]

امّا بازی که در عربی به آن لهُو و لعب می گویند، به هر کار که مایه سرگرمی باشد یا به رفتار کودکانه و غیر جدی می گویند. [۹]

ممکن است بازی و ورزش در مواردی با هم اشتراک داشته باشند و در مصداق نتیجه مشترک باشند ولی بسیار فرق دارند. ورزش، کاری است عاقلانه، چون ورزشکار، ورزش و تحرکات بدنی را به اندازه ای که لازم باشد انجام می دهد و از افراط و تفریط خودداری می کند مثلاً اگر روزی نیم ساعت برای بدن، نرمش و تحرک لازم باشد، به همان مقدار انجام می دهد، ولی در بازی ممکن است یک بازیکن چندین ساعت به بازی مشغول باشد، در حالی که افراط باشد.

به بازی، لهُو و لعب گفته، چون بیش از اندازه لازم وقت و عمر انسان را می گیرد.

در اسلام به ورزش اهمیت داده شده، ولی از بازی و لهُو و لعب مذمت شده است.

قرآن می فرماید: "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...؛ [۱۰] هر چه در توان دارید (از نیرو و اسب های آماده) بسیج کنید تا با این تدارکات دشمن خدا و دشمن تان را بترسانید".

پیامبر(ص) فرمود: "کل



لهو المؤمن باطل إلا في ثلاث: في تأديبه الفرس و رميه قوسه و ملاعبته امرئته فإنهنَّ حق؛ [۱۱] همه سرگرمی های مؤمن جز در سه مورد باطل است: در آموزش اسب و پرورش آن، تیراندازی با کمان، و شوخی با زنش. این سه مورد صحیح و حق است."

تیراندازی در اسلام و حتی شرط بندی برای برد و باخت مذموم نیست و امامان و پیامبران به تیراندازی اهمیت می دادند. حضرت داوود تیرانداز قابلی بود. او با فلاخن موفق شد بزرگترین طاغوت زمان خود (جالوت) را از پا در آورد. امام باقر(ع) آن قدر دقیق هدف می گرفت که در برابر هشام بن عبدالملک ده تیر پرتاب کرد که هر کدام بر ته تیر قبلی نشست. [۱۲]

شنا نیز از بازی های مشروع می باشد و مسابقه برد و باخت در مورد آن روا است. پیامبر (ص) فرمود: "هر چیزی که انسان را از یاد خدا بیرون ببرد، لهو است، مگر شوخی با همسر، تربیت کردن اسب، حرکت و دویدن و آموزش شنا برای مرد". [۱۳]

[۸] دهخدا، لغت نامه، کلمه ورزش.

[۹] همان، کلمه بازی.

[۱۰] انفال (۸) آیه ۶۰.

[۱۱] حسین صبوری، ورزش در اسلام، ص ۱۲۷، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۴۷.

[۱۲] همان، ص ۱۳۱.

[۱۳] همان، ص ۱۳۶.

## چرا کارمندان ادارات با ارباب رجوع برخورد خوبی ندارند؟

### پرسش

چرا کارمندان ادارات با ارباب رجوع برخورد خوبی ندارند؟

### پاسخ

از نظر فرهنگ اسلامی کارگزاران نظام موظف اند با ارباب رجوع برخورد شایسته ای داشته باشند چنان که در فرمان امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر این مسئله مطرح شده است. حضرت می فرماید: "پر و بالت را برابر رعیت بگستران و بامردم گشاده رو و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم، سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند". [۴]

با این حال، متأسفانه نظام اداری ما متأثر از فرهنگ منحط رژیم گذشته می باشد و نتوانسته است رضایت مردم را جلب نماید. به نظر می رسد که انقلاب اداری و اصلاح ساختاری لازم دارد که باید قانون گذاران و دست اندرکاران نظام به این مسئله

اهمیت بیشتری بدهند. البته طرح اکرام ارباب رجوع مطرح شده ولی اهتمام بیشتر با ضمانت اجرایی می تواند جوابگوی نیاز به حق مردم باشد. امیدواریم کاستی ها بر طرف گردد.

[۴] نهج البلاغه، نامه ۵۳.

### کسانی که مدعی هستند با گوش دادن به موسیقی اعصاب آرامش پیدا می کند چه باید گفت

#### پرسش

کسانی که مدعی هستند با گوش دادن به موسیقی اعصاب آرامش پیدا می کند چه باید گفت

#### پاسخ

موسیقی دو نوع یا چند نوع است بعضی از انواع موسیقی آرام است و باعث تهیج شهوت نیست و افکار انسان را پریشان نمی کند.

بعضی موسیقی ها نه تنها آرامش ایجاد نمی کند بلکه افکار و احساسات انسان را متلاطم می کند و باعث هجوم افکار شیطانی می شود، در نتیجه نه تنها آرامش به او دست نمی دهد بلکه دچار تنش های درونی و افکار پریشان و هیجانات روحی و روانی می شود.

ممکن است قسم دوم برای لحظاتی باعث تخدیر انسان شود، مثلاً انسان را از بعضی افکار تخلیه کند و به جهت دیگری سوق دهد ولی در مجموع ضررهای جبران ناپذیری در روح و روان به وجود می آورد که به مراتب از مختصر منفعی که داشته باشد، بیشتر خواهد بود.

در اسلام موسیقی هایی که باعث تهیج شهوت شود و انسان را از خدا غافل نماید و به انحراف دعوت کند، تحریم شده است دانشمندان و روانشناسان می گویند: موسیقی به ویژه آهنگ های حساس آن تحریکاتی در اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک به وجود می آورد که در نتیجه تعادل این اعصاب به هم می خورد و انسان دچار ضعف اعصاب می گردد. ضعف اعصاب امراض دیگری از قبیل اختلال حواس پریشانی جنون ثقل سامعه نابینایی و سل را به وجود می آورد. به علاوه موسیقی به سبب ایجاد هیجانات روحی و مغزی گاهی به جمله و خفقان قلبی (سکته منجر می شود. دکتر "ولف آدلر" پرفسور دانشگاه کلمبیا می گوید: بهترین و دلکش ترین نواهای موسیقی شوم ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی

می گذارد.[۱۰] اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت در اعصاب یک نوع اثر تخدیری ایجاد می کند. گاهی آن چنان شدید است که شنونده را مانند افراد بهت زده می سازد. لذت فوق العاده ای که افراد از آن می برند، از همین اثر تخدیری است واضح است که این گونه تخدیرها، زیان های فراوانی دارد و اگر شدت یابد، گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جذبه آهنگ های تند موسیقی کند و دیگر نتواند خوب و بد را از هم تمیز دهند و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزنند و در آن حال نتوانند به عواقب وخیم آن بیاندیشند. دیگر مفساسدی که از موسیقی های مخرب نصیب انسان و جامعه می شود، عبارتند از: ضررهای اقتصادی و اخلاق دوری از خدا، رواج بی بند و باری و ولنگاری های جنسی بی رغبتی نیست به رعایت شئون دینی گوش دادن به موسیقی های مهیج حاصل شود.

[۱۰] هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، بیست پاسخ، ص ۱۸۳ به بعد.

### چگونه باید جوانی را که دچار بیماری عشق شده است، نجات داد؟

#### پرسش

چگونه باید جوانی را که دچار بیماری عشق شده است، نجات داد؟

#### پاسخ

عشق به سادگی درمان پذیر نیست.

عاشق عاقل نیست که او را به درکی عبرت انگیز راهنمایی کرد. او باید مسیر خود را ببیند، هر چند تجربه های تلخ را ذخیره کند. گرچه گاهی آن چنان خود را می بازد که در دنیا و آخرت، جاهل و مغبون باقی می ماند. عاشقان دنیا و خوشی ها جاهلند، زیرا به متاعی دل خوش می کنند که زود گذر و تغییر پذیر است.

عاشق جاهل و طالب شهوت و اسیر هوی و هوس، باید بداند آن چه را دوست دارد و کعبه آمال خویش می بیند، جز بازی و سرگرمی نیست که بر غفلت انسان می افزاید.

معشوق اصلی جز خدا نمی تواند باشد، زیرا به جز او همه فانی و از بین رفتنی اند. حضرت ابراهیم پیامبر بزرگ خدا از معشوقه های مجازی می گریزد و عشق حقیقی و واقعی را فقط در خدا می بیند.

ابراهیم عشقی را که در وقتی آغاز شده و هنگامی دیگر پایان می پذیرد، جز عشق مجازی ابراهیم سرانجام به معشوقی توجه می کند که آسمان ها و زمین را آفرید.

بعضی از عشق ها چون دل بستن به شخصی برای ازدواج اگر به سرانجامی خوش پایان پذیرد، می تواند توجیه پذیر باشد، امام عشق حرام فقط خسارت است و چنین شخصی را باید با مقدماتی مانند ملاقات با عالمان دینی، روان شناسان و مطالعه کتاب اخلاقی به راه راست هدایت کرد.

با توجه به این که شرکت در مجالس روزه و ذکر مصیبت اهل بیت (ع) بسیار مطلوب است مشاهده می شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می کنند. جواز برخورد با آن ها و راه برچیده شدن خرافات را

## پرسش

با توجه به این که شرکت در مجالس روزه و ذکر مصیبت اهل بیت (ع) بسیار مطلوب است مشاهده می شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند

قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می کنند. جواز برخورد با آن ها و راه برچیده شدن خرافات را بیان کنید؟

## پاسخ

خواهر گرامی بر پایی مجالس روضه و ذکر مصیبت و شرکت در آن مورد تأکید قرار گرفته و امری شایسته و مطلوب است زیرا در این گونه مجالس علوم و احکام اسلامی و اهداف و سیره اهل بیت (ع) بیان می شود. مردم با شرکت در آن مجالس با فضائل و مناقب اهل بیت آشنا می شوند و قوائد دیگری از قبیل ایجاد ارتباط با یکدیگر و رسیدگی به فقرا و بیچارگان دارد. بنابراین لزوم چنین مجالس شک و تردید ندارد، ولی باید در این مجالس از مداحان و سخنرانانی استفاده شود که مطالب مستند و قابل قبول ارائه دهند. نباید افرادی را که مطالب غیر صحیح و غیر منطقی بیان می کنند، دعوت کرد، چرا که بیان آن مطالب نه تنها ثوابی ندارد بلکه دروغ و افترا و حرام است و احياناً باعث وهن اهل بیت می شود و افرادی از تحصیل کرده ها با شنیدن مطالب غیر منطقی از این مجالس کناره می گیرند.

شهید مطهری درباره تحریفات در عزاداری ها گفته است آنقدر زیاد است که اگر بخواهیم روضه های دروغی را که می خوانند جمع آوری کنیم شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه ای شود. سپس نمونه هایی از تحریفات را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری (ره) نقل می کند.

اما نقل برخی مطالب موهن و انحرافی در مجالس روضه خوانی دلیل نمی شود که در آن مجالس شرکت نکنیم حضور در مجالس روضه ابا عبدالله (ع) فوائد بسیاری دارد و در روایات بر آن تأکید کرده است

اگر از مداحان یا روضه خوانان مطالب خرافی نقل شد، باید با آنان صحبت کرد و دلیل و مدرک آن را جویا شد و به آنان سفارش کرد که مطالب صحیح و مستند را نقل کنند.

**برای دفاع از ارزش های اسلامی حوزه علمیه چگونه می تواند از جانبازان دفاع بنماید؟ بسیاری از جانبازان یکی یکی شهید می شوند. ۱۵ سال است که جانباز شده ام ولی نا امید نیستم و اعتراض ندارم چون داوطلب بوده ام ولی خیلی از جانبازان هستند**

### پرسش

برای دفاع از ارزش های اسلامی حوزه علمیه چگونه می تواند از جانبازان دفاع بنماید؟ بسیاری از جانبازان یکی یکی شهید می شوند. ۱۵ سال است که جانباز شده ام ولی نا امید نیستم و اعتراض ندارم چون داوطلب بوده ام ولی خیلی از جانبازان هستند که باید به آن ها توجه بیشتری بشود.

### پاسخ

شما برای اسلام و با نیت پاک و مقدس از کشور اسلام و برای برقراری و تثبیت اهداف عالی امام خمینی (ره) که ارزش های اسلامی براساس ولایت امیرالمؤمنین (ع) و اهل بیت بوده قدم برداشته اید. اجر معنوی خود را دریافت کرده اید و با صبر و متانت از همه ارزش هایی که خدا برای شما در نظر گرفته محافظت می کنید. وظیفه بنیاد جانبازان است که کاملاً از جانبازان مراقبت نماید و مشکلات آنان را بر طرف کند. البته زندگی بدون مشکل نیست برای همه مشکلاتی هست چه کسانی که به مقام مقدس جانبازی نائل شده اند و چه برای دیگران مشکلات لازمه زندگی است مرد کسی است که در برابر مشکلات صبور و شاکر باشد. در روایات درباره صفات مؤمنان حقیقی از امام صادق (ع) آمده است "و قور عندالهزاهز، صبور عند البلاء، شکور عندالرخاء، قانع بمارزقه الله (۱) مؤمن در شدائد با وقار و صبور است در گرفتاری ها شکرگزار است و به آنچه خدا به او روزی داده راضی است افراد مؤمنی بودند که با این که جانباز جنگی نبودند، ولی در اثر بیماری حدود ۱۴ سال در بیمارستان بستری بودند، ولی در سه نوبت اذان گفتن شان ترک نمی شد و یک باز ناشکری نکردند و لب به

اعتراض باز نکردند. مسلماً اینان نزد خدا درجات والایی دارند.

بدانید جایگاه شما عزیزان جانباز در بهشت در عرش اعلا خواهد بود، به طوری که دیگر بهشتیان به حال شما غبطه خواهند خورد. خداوند یار و نگهدار شما باشد.

پی نوشت ها : ۱ - بحار الانوار، ۷۵، ص ۲۴۴.

## این که حضرت امام فرمود: "جبهه دانشگاه انسان سازی است این چه دانشگاهی است و این چه انسانی است"

### پرسش

این که حضرت امام فرمود: "جبهه دانشگاه انسان سازی است این چه دانشگاهی است و این چه انسانی است"

### پاسخ

منظور از دانشگاه در جمله مذکور، دانشگاه مصطلح و محیط رسمی نیست بلکه منظور محلی است که به انسان چیزی می فهماند و می آموزاند. مراد از دانشگاه مرکز تبادل نظر و فراگیری دروس مختلف و نشر فرهنگ و سازندگی است از این رو حضرت امام از صدا و سیما نیز به عنوان دانشگاه عمومی یاد کرد. جبهه حق علیه باطل دانشگاهی است که در آن جا می توان درس عشق و ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی را آموخت در زمان خود دیدیم افرادی در این جبهه حق علیه باطل و در صحنه نبرد، با انقطاع از دنیا و تعلقات مادی ره صد ساله را یک شبه پیموده و قله های سعادت را در نور دیدند، همچون شهید فهمیده که امام او را رهبر دانست منظور از انسان افراد کوچه و بازار، اعم از کوچک و بزرگ دانشجو و روحانی کارگر و کشاورز هستند که در جبهه ها حضور پیدا می کردند و در پرتو ریاضت و جهاد فی سبیل الله و خودسازی به مقامات عالیه انسانی نائل می گشتند. بچه های جبهه فقیه بزرگواری را نیز منقلب کردند.

درس عشق در دفتر و کتاب نیست بلکه در گسستگی از غیر حق است

به شوی اوراق اگر همدرس مایی که علم عشق در دفتر نباشد

**با توجه به این که شرکت در مجالس روضه و ذکر مصیبت اهل بیت ع بسیار مطلوب است مشاهده می شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می کنند. جواز برخورد با آن ها و راه برچیده شدن خرافات را ب**

### پرسش

با توجه به این که شرکت در مجالس روضه و ذکر مصیبت اهل بیت ع بسیار مطلوب است مشاهده می شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می کنند. جواز برخورد با آن ها و راه برچیده شدن خرافات

## پاسخ

بر پایی مجالس روضه و ذکر مصیبت و شرکت در آن مورد تأکید قرار گرفته و امری شایسته و مطلوب است زیرا در این گونه مجالس علوم و احکام اسلامی و اهداف و سیره اهل بیت (ع) بیان می شود. مردم با شرکت در آن مجالس با فضائل و مناقب اهل بیت آشنا می شوند و قوائد دیگری از قبیل ایجاد ارتباط با یکدیگر و رسیدگی به فقرا و بیچارگان دارد. بنابراین لزوم چنین مجالس شک و تردید ندارد، ولی باید در این مجالس از مداحان و سخنرانانی استفاده شود که مطالب مستند و قابل قبول ارائه دهند. نباید افرادی را که مطالب غیر صحیح و غیر منطقی بیان می کنند، دعوت کرد، چرا که بیان آن مطالب نه تنها ثوابی ندارد بلکه دروغ و افترا و حرام است و احياناً باعث وهن اهل بیت می شود و افرادی از تحصیل کرده ها با شنیدن مطالب غیر منطقی از این مجالس کناره می گیرند.

شهید مطهری درباره تحریفات در عزاداری ها گفته است آنقدر زیاد است که اگر بخواهیم روضه های دروغی را که می خوانند جمع آوری کنیم شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه ای شود.<sup>[۱]</sup> سپس نمونه هایی از تحریفات را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری (ره) نقل می کند.

اما نقل برخی مطالب موهن و انحرافی در مجالس روضه خوانی دلیل نمی شود که در آن مجالس شرکت نکنیم حضور در مجالس روضه ابا عبدالله (ع) فوائد بسیاری دارد و در روایات بر آن تأکید شده است اگر از مداحان یا روضه خوانان مطالب خرافی نقل شد، باید با آنان صحبت کرد و دلیل و



مدرک آن را جویا شد و به آنان سفارش کرد که مطالب صحیح و مستند را نقل کنند.

[۱] حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۹.

## نظر اسلام درباره ورزش چیست؟

### پرسش

نظر اسلام درباره ورزش چیست؟

### پاسخ

هر چند در قرآن مجید مسئله ورزش و مسابقات ورزشی به معنایی که امروز مورد توجه مردم قرار گرفته، مطرح نشده است، ولی آیاتی از قرآن به گونه ای بر اهمیت نیرومند سازی جسم، دلالت دارد، از جمله در داستان طالوت، خداوند دو خصلت گسترش علمی و توانایی جسمی ایشان را به عنوان شرایط زمام داری ذکر کرده است. [۷] رسول اکرم (ص) نیز در این باره فرموده اند: خوشا به حال کسی که اسلام را پذیرفته و به مقدار معاش خود درآمد دارد و قوای بدنی اش نیرومند است. [۸]

امام علی (ع) در دعا و نیایش، از خداوند قدرت جسمانی طلب می کند و می فرماید: "خدایا بدنم را در جهت خدمت به خودت قوی ساز". [۹]

از این رو اسلام به ورزش های خاصی مثل اسب سواری، شنا و تیراندازی تأکید کرده است تا جایی که شرط بندی و برد و باخت در این دو مورد را تجویز کرده و حتی بنا بر روایتی، شخص رسول خدا (ص) مخارج جوایز برندگان مسابقه را نیز خود به عهده می گرفتند. [۱۰]

شنا نیز از جمله ورزش های مفیدی است که اسلام بر آن تأکید داشته تا جایی که آموزش شنا به فرزند را یکی از وظایف پدر بر شمرده است. [۱۱]

ورزش دیگری که اسلام درباره آن نظر مثبت دارد، ورزش کشتی است. البته منظور از ورزش، صرفاً اتلاف وقت و یا کسب قدرت در جهت ارضای خواسته های نفسانی نیست. از نظر اسلام هر گونه عملی که بیهوده بود و تنها به منظور وقت گذرانی صورت گیرد تحت عنوان لهو و لعب قرار گرفته و به شدت از آن بر

حذر داشته است، ولی وقتی یک هدف عقلایی در کار باشد مثلاً ورزش به منظور تقویت جسم کسب سلامتی، تقویت بنیه نظامی و رزمی، ایجاد نشاط در جامعه، صورت گیرد مطلوب خواهد بود. هدف اصلی ورزش از دیدگاه اسلام، کسب رضایت پروردگار و کسب قدرت جهت انجام فرامین الهی است. امام علی (ع) می فرماید: "هرگاه توانا باشی، بر طاعت خدا توانا باش و اگر ناتوان بودی، از معصیت خدا ناتوان باش". [۱۲]

[۷] بقره (۲) آیه ۲۴۷.

[۸] محمد تقی فلسفی، جوان، ج ۲، ص ۴۳۶.

[۹] دعای کمیل.

[۱۰] وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۵۱.

[۱۱] میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۲۰.

[۱۲] نهج البلاغه، قصار ۳۷۵.

**منظور از تفریحات سالم که در احادیث به آن اشاره شده چیست؟ چگونه در جامعه کنونی زمینه تفریحات سالم را در جامعه باید ایجاد کرد؟**

**پرسش**

منظور از تفریحات سالم که در احادیث به آن اشاره شده چیست؟ چگونه در جامعه کنونی زمینه تفریحات سالم را در جامعه باید ایجاد کرد؟

**پاسخ**

تفریحات سالم از دیدگاه اسلام، هدف دار و عاملی برای رفع خستگی و ایجاد سرور و نشاط و موجب رشد فکری است. در این جا به بعضی از تفریحات سالم مورد نظر اسلام اشاره می کنیم:

۱\_ مسافرت: اسلام مسلمانان را به این تفریح صحیح فرا خوانده است. پیامبر اسلام (ص) می فرماید: "سفر کنید تا سالم و تندرست باشید". [۱۳] البته مسافرت هایی که به منظور هوس رانی و عیاشی صورت می گیرد نمی توان تفریح سالم نامید و اسلام شدیداً از آن ها جلوگیری کرده است.

۲\_ ورزش: از جمله تفریحات سالم که نشاط انگیز هم هست ورزش است که به سلامت جسم و روح کمک می کند. مسابقه اسب دوانی و تیراندازی و شنا کردن از جمله ورزش هایی است که مورد توجه پیشوایان اسلام قرار گرفته است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: "به فرزندان خود تیراندازی و شنا بیاموزید". [۱۴]

پیامبر اسلام(ص) خود در مسابقه اسب دوانی شرکت می کرد و مسلمانان را به این ورزش تشویق می فرمود و جوایزی به برندگان اختصاص می داد.[۱۵]

۳\_ مطالعه: یکی دیگر از تفریحات که در رشد فکری مردم مؤثر است مطالعه و کتاب خواندن است که اگر با ذوق و اشتیاق همراه باشد لذت بخش و نشاط آور خواهد بود. امام علی(ع) می فرماید: "با مطالب حکیمانه نوین و شگفت، جان های خود را نشاط دهید زیرا روان هم مانند بدن خسته می شود".[۱۶]

یکی از وظایف دولت اسلامی فراهم کردن زمینه تفریحات سالم و ترویج

فرهنگ ورزش در جامعه می باشد و از طرفی والدین نیز باید برای فرزندان خود در حدود امکانات و سائل تفریح آن ها را در خانه خویش فراهم کنند و مسئولان کشور افراد خیر و نیکوکار را به سمت تأسیس چنین مراکزی هدایت نمایند.

[۱۳] بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۹.

[۱۴] وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۴.

[۱۵] همان، ج ۱۳، ص ۳۵۱.

[۱۶] نهج البلاغه، قصار ۱۸۸.

**جوانی که در معرض خواش های نفسانی قرار دارد و نیاز به ازدواج دارد، ولی از لحاظ اقتصادی و جهات دیگر قادر به ازدواج نیست و خانواده اش هم نمی توانند به او کمک بکنند، چه باید بکند و چگونه خود را از این بحران نجات دهد؟**

### پرسش

جوانی که در معرض خواش های نفسانی قرار دارد و نیاز به ازدواج دارد، ولی از لحاظ اقتصادی و جهات دیگر قادر به ازدواج نیست و خانواده اش هم نمی توانند به او کمک بکنند، چه باید بکند و چگونه خود را از این بحران نجات دهد؟

### پاسخ

در شرایطی که ارضای غریزه جنسی از راه ازدواج ممکن نیست باید از اموری دیگر استمداد گرفت که عبارتند از:

۱- کنترل غریزه جنسی: به اعتقاد کارشناسان، بهترین و کم هزینه ترین درمان، پیشگیری است. برای غلبه بر غریزه جنسی، جوان باید از ابتدای بلوغ، خواسته های نفسانی خویش را با نیروی ایمان و عقل و وجدان مهار کند؛ زیرا اگر از اول، غرایز، خودسر بار آیند راه اصلاح و برگشت مشکل خواهد بود. در این راستا نکاتی قابل توجه است: افکار شیطانی. باید اندیشه را از نفوذ افکار شیطانی دور نگه داشت؛ زیرا گام نخست در انحراف، فکر کردن پیرامون آن است. در حقیقت مشکل ترین مرحله، همین مرحله سالم سازی اندیشه است. یکی از مواقع حساس که ممکن است انسان به گناه فکر کند زمانی است که جوان در بستر خواب می رود. بیدار ماندن در رختخواب ممکن است زمینه ساز برخی انحرافات فکری و عمل بشود. از این رو، به جوانان توصیه می شود زمانی وارد بستر شوند که به حد کافی خسته شده و آماده خواب باشند تا بدون فاصله و معطلی به استراحت پردازند و فرصت اندیشیدن درباره امور جنسی پیدا نکنند.

ب) پر کردن اوقات فراغت: یکی دیگر از عوامل غلبه بر غریزه جنسی پر کردن اوقات فراغت است. تنهایی، محیط کاملاً مساعدی

را برای شیوع انحرافات جنسی فراهم می کند. تفریح سالم، ورزش، نقاشی، مطالعه و غیره، اثر زیادی در انصراف فکر از عادات ناپسند دارد.

ج) کنترل چشم: نگاه، راهبر دل و دام شیطان و بذر شهوت است. امامعلی(ع) می فرماید: "بهترین عامل روی گردانی از شهوت، فرو بستن چشم ها، است." [۱۹]

ز دست دیده و دل هر دو فریادهر آن چه دیده بیند دل کند یاد

د) عدم اختلاط زن و مرد؛ هم نشینی زن و مرد و هم سخن شدن با یکدیگر، زمینه لغزش را فراهم می کند.

۲\_ انجام مقررات دینی: اسلام برای مهار غرایز، برنامه های منظمی را ارائه داده که مهم ترین آن، نماز و روزه است.

قرآن مجید می فرماید: نماز، آدمی را از کارهای زشت باز می دارد. [۲۰]

رسول اکرم(ص) به جوانان توصیه می کند برای کنترل غریزه جنسی خود از روزه و امساک استفاده کنند آن جا که می فرماید: ای گروه جوانان، هر کدام از شما اگر توانایی هزینه زن گرفتن را دارد پس ازدواج کند و اگر نتواند بسیار روزه بگیرد که روزه گرفتن از شهوت می کاهد. [۲۱]

۳\_ دقت در دوست یابی: یکی از عوامل تشدید غریزه جنسی، رفاقت با افراد آلوده است. دقت در انتخاب دوست می تواند در پیشگیری از انحرافات جنسی مؤثر باشد.

۴\_ پرهیز از عوامل تحریک زا: عواملی مثل نگاه شهوت آمیز، تخیلات تحریک کننده، تماس با اجنبی و گفتگو با نامحرم، دیدن فیلم ها و عکس های مبتذل، آتش سوزان غریزه جنسی را در جوان شعله ور می کند. برای کنترل غریزه جنسی باید از این عوامل، پرهیز کرد.

[۱۹] غررالحکم، ج ۶، ص ۱۶۴.

[۲۰] عنکبوت (۲۹)

**به من ایراد می گیرند که چرا در عروسی ها مثل پیر زن ها شرکت می کنی! به نظر شما موها را از نامحرم پوشاندن، جلو نامحرم ظاهر نشدن و حرام و حلال را رعایت کردن رفتار پیر زن ها است؟**

### پرسش

به من ایراد می گیرند که چرا در عروسی ها مثل پیر زن ها شرکت می کنی! به نظر شما موها را از نامحرم پوشاندن، جلو نامحرم ظاهر نشدن و حرام و حلال را رعایت کردن رفتار پیر زن ها است؟

### پاسخ

جوان باید نشاط و شادابی داشته باشد و نشاط خود را در اخلاق و شیوه برخورد و معاشرت با دیگران نیز نوع لباس هایی که می پوشد، آشکار سازد. در عین حال ضوابط و قوانین اسلامی را رعایت کند. رعایت حدود اسلامی با مزاح و شوخی و خنده، حُسن خُلق و خوش برخورد بودن و پوشیدن لباس شیک در مجالس زنانه ای که نامحرم نیست، هیچ منافاتی ندارد. مُد گرایی و چشم و هم چشمی و تقلید کورکورانه از بیگانگان و اسراف و تبذیر زشت است اما سرزنده و با نشاط بودن، لباس زینت و متناسب با مجالس پوشیدن، کاری پسندیده است.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: "هر کس خوش اخلاق و نیک خو شد، دوستانش بسیار می شوند و محبوب قلوب مردم می شوند و مردم با او انس و الفت می گیرند". [۱]

نیز فرمود: "خوش اخلاقی و خوشخویی در سه چیز است از حرام خدا دوری کردن، به دنبال حلال رفتن، و بر خانواده سخت نگرفتن". [۲] در عین حال اگر به وظیفه شرعی و اخلاقی خود عمل کردید، دیگر به حرف دیگران اعتنایی نکنید. شماتت و استهزا و به کار بردن کلماتی نظیر مرتجع و یا رفتار پیرزن ها داشتن از حربه های شیادان است که می خواهند شما را از طریق هدایت خارج کنند. حفظ حدود اسلامی نامش عفت و پاکدامنی است و این افتخاری است که

نصیب هر کس نمی شود. خود را از نامحرم پوشاندن، تاسی به حضرت زهرا(ع) است، حال نامش را دیگران هر چه می خواهند بگذارند.

[۱] محمد صادق احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۵، ص ۴۰۴.

[۲] همان ص ۴۱۰.

**بهترین طریقه مداحی و روضه خوانی چگونه است چه کنیم تا به گونه مطلوبی جلسه را اداره کنیم و در آن خطایی رخ ندهد؟**

### پرسش

بهترین طریقه مداحی و روضه خوانی چگونه است چه کنیم تا به گونه مطلوبی جلسه را اداره کنیم و در آن خطایی رخ ندهد؟

### پاسخ

شکی نیست که سخن گفتن زیباترین نمودار زندگی انسان های اندیشمند و بزرگوار است از دیر زمان که بشر در راه تمدن و زندگی اجتماعی گام نهاده نیروی بیان به عنوان امتیاز انسان و شرافت وی قلمداد گردیده است

خداوند بزرگ در قرآن از بیان و سخن به عنوان پرگهرترین نعمت یاد کرده است "الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه الیابان [۴] خدای مهربان قرآن را آموخت و انسان را آفرید و بیان و سخن گفتنی را به او آموخت "

پیامبر(ص) فرمود: "الجمال فی اللسان [۵] زیبایی انسان در زبان است " نیز فرمود: "جمال المرء فی فصاحه اللسان [۶] زیبایی انسان در فصاحت و شیوایی زبان اوست. [۷]

مداحی و روضه خوانی و اداره مجالس مذهبی باید مصداق "ادع الی سبیل ربك بالحكمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی أحسن [۸] باشد. در این مورد به چند نکته باید توجه کرد:

۱ - باید سخنران و مداح مردم را به راه خدا دعوت کند، یعنی هدفش راهنمایی مردم به دستورهای الهی باشد. تمام هم و غم خود را صرف هدایت مردم کند، نه این که قصدش این باشد که مردم از او تعریف و تمجید کنند، یا پول خوبی دریافت کند و هدفش کاسبی باشد.

روایات از این گونه افراد بسیار مذمت کرده است

۲ - دعوت و سخنرانی و یا مداحی باید حکیمانه باشد و همراه با موعظه و نصیحت های زیبا باشد.

اگر سخنران و مداح بتواند اشعار زیبا و پند گونه را در لابه لای اشعارش به مناسبت جاسازی کند، سخنرانی و مداحی او پر جاذبه خواهد شد.

۳ - سخنرانی و مداحی نباید طولانی باشد، به طوری که شنوندگان خسته شوند.

۴ - مطالب و اشعار نباید برای شنوندگان تکراری باشد. همواره از اشعار زیبا و مناسب با زمان استفاده نماید.

۵ - سخنان و اشعار مخصوصاً روضه نباید مشتمل بر دروغ و مطالب نامعقول باشد. کسانی که به خاطر گریاندن شنوندگان مطلبی را که مستند و درست نیست می گویند، گناه کرده اند.

۶ - مداح باید کمتر حرف بزند و حتی در روضه از اشعار بهره جوید سعی کند مروری بر روضه به اشعار بسنده کند. برای پیوند دو گونه شعری چند کلمه حرف زدن مانعی ندارد.

۷ - سخنران باید قبل از سخنرانی مطالعه کند و مطالبش را منظم و مدارک و مستندات آن ها را یاد داشت کند. باید مطالب او به گونه ای باشد که اگر فردی مدرک آن را مطالبه کرد، به او بگوید.

۸ - نحوه دست تکان دادن و نگاه کردن به شنوندگان و تغییر صوت و لحن (بالا بردن و پایین آوردن صدا و کلفت و نازک کردن صوت در جذب شنوندگان بسیار مؤثر است انسان هایی که یکنواخت صحبت می کنند یا به یک جهت نگاه می نمایند، در سخنرانی و مداحی موفق نیستند.

[۴] الرحمن (۵۵) آیه ۱.

[۵] بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۴۱.

[۶] تحف العقول و کنز العمال خبر ۷۷۵ ۲۸.

[۷] محمد باقر شریعتی سبزواری موازین سخن و سخنوری ص ۲۵.

[۸] نحل (۱۶)، آیه ۱۲۵.

**پسری هشتم ۲۷ ساله که ده ماه است با دختری ۱۹ ساله ازدواج کرده ام و هر دو دیپلم داریم. خانواده همسرم از نظر مالی بهتر و از نظر اعتقادی ضعیف تر است. چگونه می توانم این اختلاف فرهنگی را که بسیار کم است، از بین ببرم؟**

**پرسش**

پسری هشتم ۲۷ ساله که



ده ماه است با دختری ۱۹ ساله ازدواج کرده ام و هر دو دیپلم داریم. خانواده همسر از نظر مالی بهتر و از نظر اعتقادی ضعیف تر است. چگونه می توانم این اختلاف فرهنگی را که بسیار کم است، از بین ببرم؟

## پاسخ

یکی از عوامل تعادل و استحکام خانواده، همسانی در بُعد فرهنگی است. هرچه این هماهنگی بیشتر باشد، سازگاری در محیط خانواده افزون تر خواهد بود، ولی باید این واقعیت را در نظر گرفت که هیچ گاه بین زوجین همسانی صد در صد یافت نمی شود. آن چه مضر است و منشأ اختلافات و کشمکش ها می شود، اختلاف شدید و ناهمگون بودن زوجین در بُعد فرهنگی است، که به نظر می رسد اختلاف فرهنگی شما به این اندازه نباشد.

همان طوری که در نامه مرقوم داشته اید، خانواده شما نسبت به مسائل اسلام پایبند تر است اما پدر خانم شما بیشتر اهل خوشگذرانی است. با توجه به بافت خانواده همسرتان و اوضاع محیطی و تربیتی و وراثتی که در شکل گیری شخصیت ایشان نقش داشته، شما نمی توانید به راحتی این وضع را تغییر دهید و اختلاف فرهنگی را از بین ببرید. از این رو کاری به خانواده همسرتان نداشته باشید و در صورت لزوم فقط به امر به معروف و نهی از منکر بپردازید، ولی می توانید با تبادل نظر و شرکت در جلسات مذهبی و زیارت اماکن مقدس و تهیه کتاب های مذهبی و معاشرت با دوستان مؤمن، همسرتان را از نظر اخلاقی و فرهنگی به خود نزدیک کنید. همسر بیش از آن که متأثر از پدر و مادر باشد، از همسر خود تأثیر

می پذیرد. گفتار و رفتار خوب و سنجیده و محبت های فراوان شما می تواند جهت گیری فکری و فرهنگی ایشان را عوض نماید. البته تغییر و دگرگونی وقت می خواهد و به تدریج حاصل می شود.

## **استفاده صحیح از اینترنت برای جوانان چگونه باید باشد؟ آیا این وسیله یک وسیله آموزشی برای جوانان است یا راهی برای انحراف جوانان؟**

### **پرسش**

استفاده صحیح از اینترنت برای جوانان چگونه باید باشد؟ آیا این وسیله یک وسیله آموزشی برای جوانان است یا راهی برای انحراف جوانان؟

### **پاسخ**

اینترنت مانند یک بازار بزرگ است. منتهی بازار اطلاعات که تنوع و گوناگونی آن باعث حیرت و شگفتی است. بازاری که در آن هر جور کالایی وجود دارد و این بسته به انسان است که دنبال چه کالایی رود. کالایی مضر یا کالایی مفید؟

این که می گوئیم اینترنت یک بازار اطلاعات است بدین سبب است که در آن همه نوع اندیشه، فکر، اطلاعات و حتی ابزار و وسایل، ارائه شده و خرید و فروش می گردد. بعضی از این اجناس تقلبی و بعضی اصیل اند؛ بعضی سبب انحراف و بعضی مایه رشد و باروری است. این بستگی بدان دارد که هر کس در پی چه باشد و نیاز به چه متاعی داشته باشد.

از جهت فن آوری رایانه ای و تجهیز به پیشرفته ترین وسایل ارتباطی، اینترنت و پدیده ای است شبیه به معجزه، از همین رو اهمیت فوق العاده زیادی دارد و نقش آن را نمی توان نادیده گرفت. امروزه شما می توانید با مراجعه به پایگاه های اینترنتی از امکانات اکثر کتابخانه های دنیا و موزه های معروف استفاده کنید، درحالی که پیش از این مثلاً دیدن یک نسخه خطی در موزه لندن مستلزم صرف هزینه های بسیار و مسافرت به کشور انگلستان بود. این یک مثال ساده بود تا معلوم شود چه مقدار از صرف توان، نیرو و وقت آدمی به وسیله این پدیده جلوگیری می شود.

جوانان کشور ما هم باید بدانند که اینترنت وسیله بازی و سرگرمی و یا دسترسی به آدرس

های ممنوعه نیست. مگر ما هر چیزی در هر جایی بفروشند می خریم یا هر جا روزنامه یا فیلمی پخش کنند، به نظار می ایستیم؟ اینترنت هم مثل هر وسیله دیگری فقط یک ابزار است و بستگی به نوع استفاده ای دارد که از این ابزار می کنیم و دارای فرهنگی است که بدون داشتن آن، نه تنها کارآیی و اهمیت خود را از دست می دهد، بلکه سبب شیوع بی فرهنگی، فساد اخلاق و لاپالایی گری می شود که ضرری غیر قابل جبران و محدود است.

**چگونه می توان از تبعیض قائل شدن برخی معلمان نسبت به بعضی دانش آموزان مثل دانش آموزهای پولدار و لوس جلوگیری کرد؟**

**پرسش**

چگونه می توان از تبعیض قائل شدن برخی معلمان نسبت به بعضی دانش آموزان مثل دانش آموزهای پولدار و لوس جلوگیری کرد؟

**پاسخ**

یکی از راه ها تذکر کتبی یا شفاهی به معلم، همراه با حفظ احترام و ادب در گفتار و نوشتار است. در بیرون از کلاس از معلم تان بخواهید که می خواهم چند دقیقه با شما صحبت کنم. حرف های خود را به استدلال قوی و ذکر نمونه و مثال برایش توضیح دهید.

در صورت مانع شدن شرم و حیا، با وی مکاتبه کنید، یا با تلفن با وی صحبت کنید. اگر تأثیر نبخشید، با مدیر یا یکی از معاونان موضوع را در میان بگذارید و از وی بخواهید بدون ذکر نام شما و بدون این که معلم بفهمد که شما این اطلاعات را در اختیار مدیر گذاشته اید، با او صحبت کند.

**چگونه می توان از خود و دوست خویش شخصیتی همانند شهید بابایی ساخت؟**

**پرسش**

چگونه می توان از خود و دوست خویش شخصیتی همانند شهید بابایی ساخت؟

**پاسخ**

الگوگرایی همانند خداگرایی و کمال طلبی از صفاتی است که ریشه در ذات و فطرت آدمی دارد.

شناخت کمالات، صفات و ویژگی های اعتقادی، ایمانی، اخلاقی، علمی و عملی الگوهای برتر، ایمان و تقوا را تقویت می کند و آثار آن در عمل و رفتار انسان تجسم و تجلی می یابد.

شهید عباس بابایی، الگویی است از میان رودخانه فیض همیشه جاری شهادت، به بیان دیگر: ایمان و عقیده، ایثار و گذشت،

معنویت و رشادت، قوت قلب و تعبد و بالاخره روح خدایی و خدایی کاروان شهیدان است که شما را تحت تأثیر و مجذوب خود ساخته است، و چون با شهید بابایی بیشتر آشنا بوده اید، او را به عنوان نخونه و مصداقی از آن کمالات ارزشمند از میان شهدا مثال زده اید.

پرسش اساسی این جا است: چه درس ها و کتاب ها و رفتارها و استادها و مکاتب و مذاهبی، از شهدا، انسان هایی ساخته است که خدا خریدار آن ها و انبیا مشتاق زیارتشان و فرشتگان خدمت گزاران آنان شده اند؟

خواهر! همه علایم جمع را بردار، به وحدت واحد بیندیش. یک درس و یک کتاب و یک استاد و یک مکتب و یک مذهب بیش نبود. درس عشق از کتاب عشقی که نویسنده اش خدا بود و مدرس، معلم آن پیامبر و فاطمه و امامان علیهم السلام بودند و یاران و پیروان آنان در طول تاریخ، شاگردان آن کلاس بودند. آن مکتب مکتب اسلام (ان الدین عند الله الاسلام) و آن مذهب، مذهب و راه علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر ائمه علیهم السلام است و امروز استادی کلاس عشق و

عاشقی را حضرت ولی زمان (عج) به عهده دارد.

پس برای آن که بتوانید حال و هوای شهدا را پیدا کنید، باید شناخت و معرفت خود را نسبت به چهارده معصوم علیهم السلام تکمیل نمایید و از راه و سیره و سنت آنان آگاه گردید؛ با اخلاق و افکار و عقایدشان آشنا شوید؛ دوستان و دشمنانشان را بشناسید؛ با موانع ظهور امام زمان (عج) یا معرفت پیدا کنید، و علم و معرفت به دست آمده را در عمل و اخلاق خویش متحقق سازید، تا جوانه های عشق پدید آید.

پس برای عاشق شدن لازم است راه شناخت و معرفت و راه عمل و عبادت را پیش گیرید؛ یعنی باید عارفِ عامل و عاملِ عارف گشت تا خورشید عرفان در مشرق روح طلوع کند و عالم وجود درون را روشن سازد و ظلمت و سیاهی های قلب را بزدايد و دل سرمازده و یخبندان وجود را گرم سازد و یخ های آن را آب کند.

پس باید گام های معرفت و عمل را با هم برداشت. در همان حین که زندگی نامه و وصیت نامه شهدا را مطالعه می کشید و با سیره و سنت قول و عملی آشنا می شوید، گام های عملی را نیز تمرین کنید. تمرینات عملی هر فردی متناسب با میزان معرفت و عشق و علاقه اش به الگوهای برتر است.

توصیه ما، در برنامه اول به شما این است که به پنج امر اقدام کنید:

۱ - هیچ گاه به شوخی یا جدی دروغ نگوئید

۲ - هیچ وقت عصبانی نشوید

۳ - غیبت نکنید

۴ - همیشه با وضو باشید

۵ - همه نمازهایت را در اول وقت بخوانید.

هر شب پیش از

خواب کارکردهای روزانه خود را محاسبه کنید. ببینید آیا توانستید به این توصیه ها عمل کنید. هر گاه توانستید تا چهل روز به طور کامل و دقیق به آن عمل کنید، با ما مکاتبه نمایید، تا توصیه گام بعدی گفته شود. هر روز که تخلف کردید، روزهای گذشته را نادیده بگیرید و از فردا با جدیت و مراقبت بیشتر شروع کنید و آن را از روز اول چهل روز به حساب آورید.

دوره کتاب آداب و مراحل سلوک الهی، نوشته استاد کریم محمود حقیقی را برای مطالعه تهیه کنید.

در صورت عدم دسترسی به آن، کتاب نقطه های آغاز در اخلاق عملی نوشته آقای مهدوی کنی را بخوانید.

### **علل بی رغبتی دانشجویان به تحقیق و پژوهش چیست؟ پاسخ این سؤال را با ذکر منابع بیان نمایید.**

#### **پرسش**

علل بی رغبتی دانشجویان به تحقیق و پژوهش چیست؟ پاسخ این سؤال را با ذکر منابع بیان نمایید.

#### **پاسخ**

همه دانشجویان به فرایند تحقیق و امر پژوهشی بی رغبت نیستند. ابتکار و ارائه آثار علمی و پژوهشی از سوی برخی دانشجویان حکایت از آن دارد که به تحقیق اهمیت داده و بدان علاقه دارند. از سوی دیگر بی رغبتی به تحقیق اختصاص به دانشجویان ایران ندارد، بلکه در برخی از کشورهای دیگر بسیاری از دانشجویان به تحقیق بی رغبت هستند. به نظر می رسد علل و زمینه های متعدد در بی رغبتی دانشجویان تأثیر گذار است که به مهم ترین آن ها اشاره می شود:

۱- عدم تعریف جایگاه تحقیق در سیاست های کلان نظام یکی از موانع مهم آن است که تحقیق در ساختار حکومت تعریف نشده و جایگاه خود را پیدا نکرده و در سیاست های کلان نظام بدان توجه خاصی نشده است.

بر این اساس بودجه هایی که به امر تحقیق اختصاص می یابد، پاسخگو نیست. بر همین اساس رهبر فرزانه انقلاب، مسئولان نظام را به اهمیت دادن به پژوهش فرا خواند. عدم توجه به تحقیق در سطح کلان، بی رغبتی دانشجویان به پژوهش را در پی دارد.

۲- عدم فرهنگ سازی:

گسترش و اهمیت دادن به چیزی نیاز به فرهنگ سازی دارد. متأسفانه در جامعه ایران به امر تحقیق بها داده نشده و نقش بنیادی تحقیق در تحولات و بهینه سازی مملکت بیان نشده است و این فرهنگ به وجود نیامده که تحقیق و محقق جایگاه بلند داشته و موفقیت یک نظام مبتنی بر امر پژوهش است. عدم حمایت افکار عمومی از پژوهش و پژوهشگر،

جامعه دانشجویی را تحت تأثیر قرار داده و دانشجویان را نسبت به تحقیق بی رغبت می کند. برای تشویق به امر تحقیق لازم است که فرهنگ سازی صورت گرفته و از محقق و آفرینش های پژوهشی حمایت شود.

۳ فراهم نبودن شرایط و امکانات:

یکی از عوامل عمده بی رغبتی به فرایند پژوهش، فراهم نبودن شرایط و امکانات است. پژوهش مانند سایر فعالیت های دیگر با بهره گیری از امکانات به وجود می آید. در غیر این صورت روحیه تحقیق از پژوهشگر گرفته شده و روند فعالیت پژوهشی کند می گردد؛ مثلاً یک محقق نیاز به وسایل و ابزاری مانند رایانه دارد. اگر این وسیله نباشد، محقق نمی تواند به آسانی و سرعت، فعالیت های پژوهشی را ادامه دهد. عدم ادامه تحقیق، پژوهش را آسیب پذیر می کند و آسیب پذیری موجب می شود که پژوهشگر در ادامه فعالیت بی رغبت شود. بر این اساس برای ایجاد انگیزه تحقیق باید شرایط تحقیق فراهم گردد و با آسیب ها مبارزه شود، حال این شرایط مربوط به محقق باشد و یا مربوط به نظام.

۴ عدم حمایت از دستاورهای پژوهشی:

یکی از موانع دیگر پژوهشی، عدم حمایت از محصولات پژوهشی است. یک محقق با زحمات طاقت فرسا تحقیق نموده و یک اثر علمی و یا یک ابتکار علمی را به عنوان محصول تحقیق ارائه می دهد، ولی از سوی نظام و یا خانواده حمایت و تشویق نمی شود. شاید یکی از عوامل بسیار مهم بی رغبتی دانشجویان به امر پژوهش، مربوط به عدم حمایت از محصولات پژوهشی باشد.

۵ عدم آشنایی با اصول و روش تحقیق پژوهش و تحقیق نیاز به یادگیری روش

و اصول دارد. آشنایی با اصول و روش تحقیق موجب می شود که پژوهشگر در فعالیت ها کم تر دچار مشکل شده و تحقیق زودتر نتیجه دهد. عدم بهره گیری از اصول و روش موجب می شود محقق احساس خستگی نموده و به تحقیق بی رغبت شود.

۶ روحیه راحت طلبی:

بی تردید تحقیق تحمل زحمات طاقت فرسا را می طلبد. تدوین یک پایان نامه و ارائه یک اثر علمی موفق با راحت طلبی همسویی ندارد، از سوی دیگر انسان ها - به ویژه جوانان به رغم آن که توان جسمی دارند - راحت طلب هستند! راحت طلبی انسان از یک سو و زحمات طاقت فرسای پژوهش از جانب دیگر موجب می شود که عملاً روحیه تحقیق از انسان گرفته شود.

مضافاً بر این که فرد در ایام جوانی به فکر ازدواج، کسب موقعیت سیاسی - اجتماعی و شغل است. آرزوها و راحت طلبی جوان نقش بنیادی در بی رغبتی او به تحقیق دارد. علاوه بر موارد فوق، عوامل دیگری نیز می تواند نقش داشته باشد.

درباره اصول و روش تحقیق کتاب های متعددی تدوین شده است که در برخی به موانع و عوامل بی رغبتی به امر تحقیق پرداخته شده است. در این جا به برخی اشاره می شود:

۱ روش های تحقیق، دکتر علی اکبر سر فراز.

۲ روش تحقیق در یک مکتب، دکتر علی قائمی.

۳ ابزار و وسایل تحقیق، محمد دشتی.

۴ روش تحقیق، س . ک . موز، ترجمه دکتر کاظم ایزدی.

**نحوه برخورد یک جوان شیعه با انحرافات اجتماعی چگونه باید باشد؟**

**پرسش**

نحوه برخورد یک جوان شیعه با انحرافات اجتماعی چگونه باید باشد؟

**پاسخ**

وظیفه همه آحاد جامعه به ویژه نسل جوان در برابر انحرافات اجتماعی، نهی از منکر است. قرآن مجید به صراحت به این نکته اشاره کرده و فرموده است: "باید از شما مسلمانان برخی، مردم را به خیر و صلاح دعوت کنند و آن ها را به نیکوکاری فرمان داده و از منکرات نهی کنند و اینان رستگار خواهند بود". امام آل عمران (۳) آیه ۱۰۴.

علی علیه السلام کسانی را که از این وظیفه مهم، شانه خالی می کنند، در زمره مردگان برشمرده است. البته نهج البلاغه، قصار



برخورد و اجرای نهی از منکر باید بسیار سنجیده و با علم و آگاهی از شرایط آن و رعایت آنها صورت گیرد که به مهم ترین آن ها اشاره می کنیم:

۱ - آشنایی با معروف و منکر: ابتدا لازم است کسی که می خواهد با انحرافات مبارزه کند، به حقیقت کار توجه داشته باشند؛ یعنی خودش آگاهی کامل داشته باشد که چه کاری خوب و پسندیده است و چه کاری ناپسند و منکر.

۲ - دفاع منطقی: در برخورد با ناهنجاری ها، باید با رفق و مدارا و صبر و حوصله و با نصیحت و استدلال پیش رفت. قرآن مجید می فرماید: "ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی أحسن؛ ای رسول! خلق را به حکمت و برهان و موعظه به راه خدا دعوت کن و به بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن".

نحل (۱۶) آیه ۱۲۵.

۳ - جلب اعتماد: تا جلب اعتماد صورت نگیرد، موعظه و نصیحت اثری ندارد. امام علی علیه السلام می فرماید "دل های مردم وحشی است. پس کسی

که دل ها را جذب کند، به او روی خواهند آورد". از این جهت لازم نهج البلاغه، قصار ۴۷.

است با افراد خطاکار با صمیمیت و رفاقت مواجه شد و در گام بعدی با شیوه ای مناسب سخن گفت.

۴ - رعایت ادب و نزاکت: در برخورد با ناهنجاری ها نمی توان به بهانه اجرای فریضه نهی از منکر حقوق دیگران را نادیده گرفت. در این جهت هرگونه تندخویی و درشتی مردود است. خداوند متعال که موسی علیه السلام را مأمور مقابله با طاغوت زمان خود یعنی فرعون کرد و به ایشان سفارش می کند: "با او به نرمی سخن گویند، شاید پند گیرد یا بترسد".

طه (۲۰) آیه ۴۴.

۵ - احتمال ترتیب اثر دادن: انسان باید احتمال بدهد که توصیه و سخن درست او، دارای اثری مثبت است. اگر چه اطمینان به ترتیب اثر لازم نیست، زیرا گاهی توصیه و امر به معروف و نهی از منکر نه تنها تأثیر

مثبت ندارد، بلکه دارای آثار منفی می شود، مثلاً شخص را جری تر می کند.

۶ - اقدام عملی: گاهی منکر چنان ریشه دارد شده که با زبان ریشه کن نمی شود و نیازمند عمل می باشد. در این صورت اقدام عمل لازم است، ولی نخستین مرحله اقدام عملی به خود پرداختن و از خود الگوی مناسبی برای دیگران فراهم کردن است. به نظر صاحب جواهر از بزرگ ترین و مؤثرترین جلوه های امر به معروف و نهی از منکر به ویژه نسبت به رهبران دینی آن است که خود، جامه معروف را به تن کنند و پوشش منکر را از تن بدر کنند و نفوس خود را با اخلاق والا برآورند و از اخلاق پست بپیرایند. البته

این شرط، حتی در زمانی که با جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۸۳.

زبان نهی از منکر می کند، نیز لازم است؛ یعنی اگر چیزی را که خود رعایت نمی کند، بخواهد به دیگران توصیه کند، نه تنها اثری ندارد، بلکه گاهی اثر معکوس می گذارد. در مرحله بعد یک جوان متعهد باید در صورت توان از وقوع جرم و جنایت و فساد در جامعه جلوگیری نماید. البته در اوضاع فعلی که نظام اسلامی حاکم است، برای اجتناب از هرج و مرج، باید مرحله مجازات و تنبیه خطاکار را به مسئولان سپرد. از این رو گزارش دادن به مراجع ذی صلاح و پیگیری عملی کفایت می کند. شرایط و ویژگی های دیگر نیز لازم است. می توانید با مراجعه به کتاب هایی که در این باره نوشته شده و آگاهی از آنها در کار خود موفق تر باشید.

در پایان بخشی از سخنان رهبر انقلاب را نقل می کنیم: "در جامعه اسلامی تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان (زبان) است، اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر به عهده مسئولین است که باید وارد بشوند و آن ها این کار را بکنند. البته نقش مهم تر از هم همین زبان دارد. چیزی که جامعه را اصلاح می کند، همین نهی از منکر زبانی است. اگر مردم به آدم بدکار، خلافکار و کسی که اشاعه فحشا می کند و می خواهد قبح گناهی را از جامعه ببرد، بگویند و ده، صد یا هزار نفر به طور کلی افکار عمومی جامعه روی وجود او سنگینی کند، این برای او شکننده ترین چیزهاست".

فرهنگ و تهاجم، ص ۲۳۰.

**در روستای ما افرادی به عنوان هیأت امنای مسجد هستند که بعد از ساختن مسجد هیچ گونه فعالیت فرهنگی و تبلیغی ندارند و برخی از آن ها غیر از ماه رمضان به مسجد نمی آیند و از عضویت در هیأت هم استعفا نمی دهند؛ از طرفی جوانان محل هم در معرض خطر تهاجم فرهنگی و انحراف**

**پرسش**

در روستای ما افرادی به عنوان هیأت امنای مسجد هستند که بعد

از ساختن مسجد هیچ گونه فعالیت فرهنگی و تبلیغی ندارند و برخی از آن ها غیر از ماه رمضان به مسجد نمی آیند و از عضویت در هیأت هم استعفا نمی دهند؛ از طرفی جوانان محل هم در معرض خطر تهاجم فرهنگی و انحراف قرار دارند؛ تکلیف ما چیست؟

## پاسخ

جا دارد به حساسیت، غیرت دینی، فرهنگی و اجتماعی شما آفرین بگوییم. توجه جناب عالی را به نکاتی چند جلب می نمایم:

۱ خداوند به همه اهالی و مؤمنین روستای شما که همت نموده و مسجدی ساخته اند پاداش خیر عطا فرماید. این کار نشانگر عشق و علاقه ایشان به مسجد و اقامه شعائر دینی و ارزشی است.

با این حال، ساختن مسجد، هر چند نیکو بنا گردد و با فرش های دیبا و کاشی های زیبا، زینت یابد، در درجه اول اهمیت قرار ندارد، زیرا زینت مسجد به حضور گسترده نمازگزاران و فعالیت های فرهنگی و دی[نی در آن است که در این میان، حضور هیأت امنای مسجد نیز جلوه ای خاص خواهد داشت و این عزیزان نباید از آن غافل باشند و سعی کنند حضورشان بیشتر و چشمگیرتر باشد.

۲ شکی نیست که در کارهای فرهنگی و تعظیم شعائر اسلامی، استفاده از تمامی امکانات و مشارکت همه جانبه اهالی، بستر و زمینه فعالیت ها را آماده تر و رسیدن به اهداف را آسان تر می سازد. از افرادی چون شما، انتظار می رود با زبانی نرم و خوش و توأم با احترام و حفظ عزت افراد به خصوص بزرگان، معتمدان و هیأت امنای مسجد از آنان بخواهید که در این حرکت فرهنگی حضور بیشتری داشته باشند،

تا جوان ترها بتوانند از تجربیات و حمایت های همه جانبه آنان استفاده کنند و خدای ناکرده بر خورد ناصحیح موجب بریدن افراد از مسجد نشود.

۳ نیامدن و عدم حضور افراد (حتی هیأت امناء) به مسجد به هر دلیل، مسئولیت را از دوش شما عزیزان بر نمی دارد و همان طور که اشاره کردید، در عصر تهاجم فرهنگی که دشمنان و بدخواهان مبارزه ای جدی را علیه دین و دنیا و نسل و ناموس ما آغاز کرده اند، می بایست کمر بند ها را محکم بست و همت ها را چند برابر ساخت تا بتوانیم از این بحران با افتخار و سربلندی به در آییم. لذا هیت امنای هیچ مسجدی حق ندارند مانع فعالیت های دینی و فرهنگی شوند و در کارهای فرهنگی نیز نیازی به تأیید یا حضور آن ها نیست.

[۱] توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۴۵۳؛ و آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۴۱۲ و ۴۱۳.

**در حال حاضر با توجه به جو فرهنگی حاکم بر کشور ما نیازی به فرهنگ شهید و شهادت و احیای این فرهنگ هست؟ ضرورت وجود چنین فرهنگی را چگونه ارزیابی می نمایید؟ مشروحاً توضیح دهید.**

### پرسش

در حال حاضر با توجه به جو فرهنگی حاکم بر کشور ما نیازی به فرهنگ شهید و شهادت و احیای این فرهنگ هست؟ ضرورت وجود چنین فرهنگی را چگونه ارزیابی می نمایید؟ مشروحاً توضیح دهید.

### پاسخ

انقلاب اسلامی ایران که عظمت و سربلندی خود را مرهون فرهنگ شهادت و شهیدان است، الهام گرفته از فرهنگ عاشورا و عاشوراییان می باشد. امام حسین (ع) با شهادت خود و فرزندان و یارانش درس عزت و آزادی خواهی را به همه آموختند.

هرگاه جامعه اسلامی سر دوراهی زندگی همراه با ذلت پذیری یا مرگ شرافتمندانه قرار بگیرد، تنها فرهنگ ایثار و شهادت است که می تواند جامعه را از سقوط حتمی نجات داده و به سعادت ابدی رهنمون باشد

قیام حضرت سیدالشهداء (ع) نمونه ای بارز بلکه چراغی فروزان برای طی کردن این خط مشی به شمار می رود؛ حضرت در این راستا از مرگ سرخ استقبال کرد و در برابر خوارج زمان خویش چنین فرمود: "ابن زیاد مرا میان شمشیرهای آخته و ذلت پذیری معیّر ساخته است، ولی هیئات که ذلت و ننگ را بپذیریم؛ "هیئات منّا اللّٰله" پذیرش ذلت از ما خاندان به دور است."

آن چه مایه بقا و قدرت و شکوه دین است، جهاد و فرهنگ شهادت طلبی است و امام حسین (ع) برای این که به همگان اعلام کند که دین تنها نماز و روزه و حجّ نیست، دست به آن قیام زد تا مکتب شهادت و فداکاری در راه دین خدا را زنده نگه دارد و روحیه رفاه طلبی و سازش را از میان بردارد. جایگاه و ارزش دین تا حدی است که همه چیز، حتی خون عزیز

ترین انسان ها همانند حسین بن علی (ع) و اصحاب و یارانش باید فدای آن شوند.

از این که حضرت حاضر شد در راه دین شهید شود و به استقبال شهادت رفت، روشن می شود که ارزش دین از هر چیز دیگری بالاتر است و لازم است در هنگام نیاز همه چیز فدای دین گردد.

بنابراین می توان گفت:

الف) شهید با شهادت خود حیات جاویدان و سعادت دنیا و آخرت و سرافرازی را برای جامعه اسلامی ضمانت می کند.

ب) تنها فرهنگی که می تواند جامعه اسلامی را زنده و شاداب و میان دیگر جوامع سربلند نگه دارد، فرهنگ شهید و شهادت است. صحت این ادعا در نهضت عاشورای امام حسین (ع) و شکل گیری و پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ایران به ویژه در دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی رژیم متجاوز و وابسته عراق علیه ایران به روشنی ثابت شد.

ج) تا این فرهنگ در جامعه ما باشد، سعادت و سربلندی ملت ایران تضمین شده است و در غیر این صورت چنین عزتی ضمانتی ندارد.

پی نوشت ها : ۱ - علی بن موسی ابن طاووس، لهوف، دارالاسوه، ص ۱۵۶.

### به منظور پاسخ گویی سریع و علمی و دقیق به سؤالات دینی و مذهبی نسل جوان چه راهکاری را ارائه می دهید؟

#### پرسش

به منظور پاسخ گویی سریع و علمی و دقیق به سؤالات دینی و مذهبی نسل جوان چه راهکاری را ارائه می دهید؟

#### پاسخ

پاسخ گویی به سؤالات نسل جوان، در گرو شناسایی پرسش های آنان و به بیان دیگر شبهه شناسی است. این کار در حد محدودی از طرف سازمان ملی جوانان انجام گرفته و موضوعات قابل توجه نسل جوان را ارائه نموده است.

در مرحله بعد باید پاسخ های مناسب را از منابع موثق و متخصصان رشته مربوطه دریافت نمود.

خوشبختانه، مراکز مختلفی متولی پاسخ گویی به سؤالات مذهبی جوانان هستند، مانند:

۱- مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها که به پرسش های دانشجویان پاسخ می دهد.

۲- پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۳- مرکز فرهنگ قرآن که به سؤالات قرآنی پاسخ می دهد.

در مرحله سوم آشنایی با ابزارها و شیوه های پیام رسانی و توجه به روحیات نسل جوان است. بنابراین، تنها شناخت پرسش و تهیه پاسخ کافی نیست، بلکه روش استفاده صحیح از آموخته ها و انتقال آن به نسل جوان و نوع برخورد با مسائل، بسیاری مهم و سرنوشت ساز است. چه بسا کلام پاسخگو از محتوای عمیقی برخوردار است، ولی طرز بیان آن طوری است که با روحیات جوان سازگاری ندارد. هم چنین شخصیت انسان و کردار او نیز در پاسخگویی و نشر معارف دینی بسیار مؤثر است.

استاد مطهری در موفقیت یا شکست یک پیام چهار عامل را مؤثر می داند:

۱- ماهیت پیام، ۲- شخصیت خاص پیام رسان، ۳- ابزار پیام رسانی، ۴- کیفیت و متد و اسلوب رساندن پیام. (۱)

پی نوشت ها:

۱. استاد مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۰۹ - ۲۱۱.

## مبارزه با مفاسد اجتماعی از قبیل بدحجابی چگونه باید صورت گیرد؟

### پرسش

مبارزه با مفاسد اجتماعی از قبیل بدحجابی چگونه باید صورت گیرد؟

### پاسخ

مفاسد اجتماعی و از جمله بدحجابی مانند هر پدیده دیگر، معلول عواملی است که مبارزه با آن جز از طریق شناخت علل امکان پذیر نیست.

عوامل بدحجابی عبارتند از :

۱ - تربیت ناصحیح خانواده: بسیاری از ناهنجاری ها ریشه در بی اعتنائی پدران و مادران و طرز برخورد آن ها دارد. دختران نابالغ اگر توسط والدین خود آمادگی ورود به مرحله بلوغ را نداشته باشند و آموزش های لازم نینند، در نوجوانی و جوانی، پوشش کامل اسلامی را به سختی خواهند پذیرفت.

خانواده ها باید برنامه مشخصی در زمینه آموزش حجاب و محرم و نامحرم و حلال و حرام به فرزندان خود داشته باشند و از کودکی، دختران خود را با حجاب آشنا سازند و آن را تا زمان بلوغ به تأخیر نیندازند. در این راه از راهکارهای تشویق و تنبیه بهره گیرند. البته سخت گیری های بیجا نه تنها راه حل مناسبی به شمار نمی رود، بلکه معضل را دو چندان می کند. در صورتی که غیرت با دوراندیشی و تعقل و صبر همراه نباشد، چه بسا به ضد خود تبدیل شود.

۲ - دگرگونی ارزش ها: شیوه نگرش افراد به ارزش ها در چگونگی موضع گیری آن ها تأثیر می گذارد. اگر زنی، خودنمایی را به جای حجب و حیا، ملاک ارزش گذاری قرار دهد و ارزشمند بداند، طبیعی است که خود را نشان می دهد و

حتی پوشش را برای نمایاندن خود برمی‌گزینند.

۳- الگوهای ناهنجار: الگو در اخلاق اسلامی و روان‌شناسی جایگاه مهمی دارد. در گذشته که الگوها و نقش‌ها اندک و محدود بودند، هویت یابی آسان بود، اما امروزه الگوهای متنوع و متضادی که رسانه‌های متعدد ارائه می‌دهند، هویت یابی و



انتخاب راه صحیح را بر جوانان مشکل کرده است. از این رو یکی از دلایل بدحجابی، مدگرایی و هم‌رنگ جماعت شدن و تأسی به هنرپیشه‌ها و شخصیت‌های مطرح در رسانه‌ها می‌باشد.

۴ - فقر معنوی: سقوط اخلاقی، بروز ناهنجاری در جامعه و از جمله بدحجابی، ثمره نبود نظریات بنیادی مذهبی درباره هستی درباره هستی و انسان و معنای زندگی و در یک کلمه، عدم اعتقاد به مبدأ و معاد است.

۵ - کمبود شخصیت: کمبود محبت و محرومیت‌های زمان خردسالی، افرادی را که به عقده حقارت مبتلا شده‌اند، وادار به جبران می‌کند تا از این طریق خلأ درونی خود را پر نمایند. یکی از راه‌های ایجاد شخصیت‌پنداری، خودآرایی است.

۶ - تهاجم فرهنگی دشمن: یکی از اهداف استعمارگران و سلطه‌جویان، زدودن پوشش زنان به منظور هویت‌زدایی آن‌ها است.

پس از روشن شدن علل بدحجابی باید راه‌های صحیح مقابله با آن را جستجو کرد که عبارتند از:

۱ - تقویت بنیان خانواده

۲ - آموزش صحیح از طریق اولیا و مربیان

۳ - تقویت باورهای مذهبی

۴ - معرفی الگوهای شایسته

۵ - مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن

۶ - برقراری ارتباط صمیمی با جوانان

۷ - از بین بردن زمینه‌های بدحجابی

۸ - ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

۹ - تسهیل امر ازدواج

۱۰ - قاطعیت در اجرای قوانین و مبارزه با باندهای فساد

۱۱ - خلق آثار فرهنگی و هنری ۱۲ - جذب جوانان از طریق گفتگوهای چهره به چهره و پاسخ‌گویی به شبهات آنان

۱۳ - بازشناسی ناهنجاری‌ها و نقاط منحنی فرهنگ غرب ۱۴ - همخوانی گفتار و رفتار مربیان



- تکیه بر دعوت عملی و زبان رفتاری ۱۶ - سالم سازی محیط

از آن چه گفته شد روشن می شود که برای مقابله با بدحجابی، اولین قدم را باید خانواده بردارد. والدین فرزندشان را از ابتدا با فرهنگ پوشش و حجب و حیا آشنا سازند و احکام شرعی و حدود اسلامی را به آن ها بیاموزند.

قدم دوم را محیط آموزشی به خصوص مقطع ابتدایی و راهنمایی باید بردارند.

گام سوم باید توسط محیط اجتماع و فرهنگ عمومی برداشته شود. وظیفه حکومت و دلسوزان جامعه به ویژه رسانه های گروهی مانند صدا و سیما و روزنامه ها آن است که با ارائه فیلم، مقاله و غیره، موضوع حجاب را به صورت فرهنگ در آورند. نیز عوامل اجرایی مراقب عناصر فاسد باشند و به پاک سازی محیط پردازند. افراد عادی و عموم اشخاص نیز سعی در ایجاد زمینه برای تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر بوده و با آگاهی از آن شرایط و رعایت آنها این فرمان الهی را در جامعه پیاده نمایند.

### برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟

#### پرسش

برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟

#### پاسخ

مفاسد اجتماعی و از جمله بدحجابی مانند هر پدیده دیگر، معلول عواملی است که مبارزه با آن جز از طریق شناخت علل امکان پذیر نیست.

عوامل بدحجابی عبارتند از :

۱ - تربیت ناصحیح خانواده: بسیاری از ناهنجاری ها ریشه در بی اعتنایی پدران و مادران و طرز برخورد آن ها دارد. دختران نابالغ اگر توسط والدین خود آمادگی ورود به مرحله بلوغ را نداشته باشند... آموزش های لازم نینند، در نوجوانی و جوانی، پوشش کامل اسلامی را به سختی خواهند پذیرفت.

خانواده ها باید برنامه مشخصی در زمینه آموزش حجاب و محرم و نامحرم و حلال و حرام به فرزندان خود داشته باشند و از کودکی، دختران خود را با حجاب آشنا سازند و آن را تا زمان بلوغ به تأخیر نیندازند. در این راه از راهکارهای تشویق و تنبیه بهره گیرند. البته سخت گیری های بیجا نه تنها راه حل مناسبی به شمار نمی رود، بلکه معضل را دو چندان می کند. در صورتی که غیرت با دوراندیشی و تعقل و صبر همراه نباشد، چه بسا به ضد خود تبدیل شود.

۲ - دگرگونی ارزش ها: شیوه نگرش افراد به ارزش ها در چگونگی موضع گیری آن ها تأثیر می گذارد. اگر زنی،

خودنمایی را به جای حجب و حیا، ملائک ارزش گذاری قرار دهد و ارزشمند بداند، طبیعی است که خود را نشان می دهد و حتی پوشش را برای نمایاندن خود برمی گزیند.

۳- الگوهای ناهنجار: الگو در اخلاق اسلامی و روان... ۳..... جایگاه مهمی دارد. در گذشته که الگk..... و نقش ها اندک و محدود بودند، هویت یابی آسان بود، اما امروزه الگوهای متنوع و متضادی که رسانه های متعدد ارائه می دهند، هویت یابی و انتخاب راه صحیح

را بر جوانان مشکل کرده است. از این رو یکی از دلایل بدحجابی، مدگرایی و همرننگ جماعت شدن و تأسی به هنرپیشه ها و شخصیت های مطرح در رسانه ها می باشد.

۴ - فقر معنوی: سقوط اخلاقی، بروز ناهنجاری در جامعه و از جمله بدحجابی، ثمره نبود نظریات بنیادی مذهبی درباره هستی درباره هستی و انسان و معنای زندگی و در یک کلمه، عدم اعتقاد به مبدأ و معاد است.

۵ - کمبود شخصیت: کمبود محبت و محرومیت های زمان خردسالی، افرادی را که به عقده حقارت مبتلا شده اند، وادار به جبران می کند تا از این طریق خلأ درونی خود را پر نمایند. یکی از راه های ایجاد شخصیت پنداری، خودآرایی است.

۶ - تهاجم فرهنگی دشمن: یکی از اهداف استعمارگران و سلطه جویان، زدودن پوشش زنان به منظور هویت زدایی آن ها است.

پس از روشن شدن علل بدحجابی باید راه های صحیح مقابله با آن را جستجو کرد که عبارتند از:

۱ - تقویت بنیان خانواده

۲ - آموزش صحیح از طریق اولیا و مربیان

۳ - تقویت باورهای مذهبی

۴ - معرفی الگوهای شایسته

۵ - مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن

۶ - برقراری ارتباط صمیمی با جوانان

۷ - از بین بردن زمینه های بدحجابی

۸ - ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

۹ - تسهیل امر ازدواج

۱۰ - قاطعیت در اجرای قوانین و مبارزه با باندهای فساد

۱۱ - خلق آثار فرهنگی و هنری ۱۲ - جذب جوانان از طریق گفتگوهای چهره به چهره و پاسخ گویی به شبهات آنان

۱۳ - بازشناسی ناهنجاری ها و نقاط منحنی فرهنگ غرب ۱۴ - همخوانی گفتار و رفتار مربیان



از آن چه گفته شد روشن می شود که برای مقابله با بدحجابی، اولین قدم را باید خانواده بردارد. والدین فرزندشان را از ابتدا با فرهنگ پوشش و حجب و حیا آشنا سازند و احکام شرعی و حدود اسلامی را به آن ها بیاموزند.

قدم دوم را محیط آموزشی به خصوص مقطع ابتدایی و راهنمایی باید بردارند.

گام سوم باید توسط محیط اجتماع و فرهنگ عمومی برداشته شود. وظیفه حکومت و دلسوزان جامعه به ویژه رسانه های گروهی مانند صدا و سیما و روزنامه ها آن است که با ارائه فیلم، مقاله و غیره، موضوع حجاب را به صورت فرهنگ در آورند. نیز عوامل اجرایی مراقب عناصر فاسد باشند و به پاک سازی محیط پردازند. افراد عادی و عموم اشخاص نیز سعی در ایجاد زمینه برای تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر بوده و با آگاهی از آن شرایط و رعایت آنها این فرمان الهی را در جامعه پیاده نمایند.

### چه راهی وجود دارد تا افراد کوچک تر به افراد بزرگ تر احترام بگذارند و به صورت یک عرف در جامعه در آید؟

#### پرسش

چه راهی وجود دارد تا افراد کوچک تر به افراد بزرگ تر احترام بگذارند و به صورت یک عرف در جامعه در آید؟

#### پاسخ

جامعه سالم نیازمند خانواده سالم است. در محیط خانه است که کودک می آموزد چگونه با دیگران باید معاشرت نماید. بنابراین سنت تکریم بزرگ ترها باید در کانون خانواده احیا گردد تا به جامعه سرایت نماید.

در این مورد همه دستگاه های تبلیغاتی و رسانه های فرهنگی مانند رادیو و تلویزیون و روزنامه ها و مجلات نقش تعیین کننده دارند.

مهم نقش های متفاوتی است که هر یک از اعضای خانواده باید ایفا نمایند که به مهم ترین آن ها می پردازیم:

۱ - افراد کوچک و کودکان حرف کسان را می شنوند و به افرادی از روی میل و رغبت احترام می گذارند که به آن ها ارزش می دهند و توجه می نمایند. بنابراین وظیفه بزرگ ترها، مهربانی به کوچک تر و دل جویی از آنان است. رسول اکرم (ص) می فرماید: "دل های مردم با این تمایل فطری آفریده شده است که نیکی کنندگان به خود را دوست داشته باشند و بدکنندگان به خویش را دشمن دارند." (۲)

۲ - بزرگ ترها باید موقعیت خود را حفظ نمایند. متأسفانه بعضی والدین به عوض این که بر نفوذ و احترام یکدیگر در برابر کودک بیفزایند، با انتقادهای بی مورد اختلاف نظرهای غیر معقول از منزلت خود نزد او می کاهند. این نوع والدین نمی

توانند احترام و همکاری بچه ها را جلب نمایند.

اگر والدین و بزرگ ترها احترام خود را نگه بدارند، باید توقع احترام از دیگران را داشته باشند.

۳- والدین باید درس تکریم بزرگ ترها را در قول و عمل به فرزندانشان آموزش دهند. اگر والدین وظیفه تکریم رانسبت به بزرگ ترهای خود مراعات نمایند، خودشان نیز مورد تکریم فرزندان واقع خواهند شد. امام صادق(ع) می فرماید:



"به پدران خود نیکی کنید تا فرزندان تان هم به شما نیکی نمایند". (۲)

۴ - رابطه پدر و مادران با فرزندان باید رابطه عاطفی و مانند دو دوست باشد. البته دو دوستی که یکی بزرگ تر و دارای علم و آگاهی و تجربه بیشتر و دیگری دوست کوچک تر است. در این حال، احترام فرزند به پدر و مادر از روی علاقه و اختیار خواهد بود، همانند دوست کوچکی که با علاقه به دوست بزرگ تر خود احترام می گذارد و از او حرف شنوی دارد.

پی نوشت ها:

۱ - تحف العقول، ص ۳۷.

۲ - بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۶۵.

### برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟

#### پرسش

برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟

#### پاسخ

مفاسد اجتماعی و از جمله بدحجابی مانند هر پدیده دیگر، معلول عواملی است که مبارزه با آن جز از طریق شناخت علل امکان پذیر نیست.

عوامل بدحجابی عبارتند از :

۱ - تربیت ناصحیح خانواده: بسیاری از ناهنجاری ها ریشه در بی اعتنائی پدران و مادران و طرز برخورد آن ها دارد. دختران نابالغ اگر توسط والدین خود آمادگی ورود به مرحله بلوغ را نداشته باشند و آموزش های لازم نینند، در نوجوانی و جوانی، پوشش کامل اسلامی را به سختی خواهند پذیرفت.

خانواده ها باید برنامه مشخصی در زمینه آموزش حجاب و محرم و نامحرم و حلال و حرام به فرزندان خود داشته باشند و از کودکی، دختران خود را با حجاب آشنا سازند و آن را تا زمان بلوغ به تأخیر نیندازند. در این راه از راهکارهای تشویق و تنبیه بهره گیرند. البته سخت گیری های بیجا نه تنها راه حل مناسبی به شمار نمی رود، بلکه معضل را دو چندان می کند. در صورتی که غیرت با دوراندیشی و تعقل و صبر همراه نباشد، چه بسا به ضد خود تبدیل شود.

۲ - دگرگونی ارزش ها: شیوه نگرش افراد به ارزش ها در چگونگی موضع گیری آن ها تأثیر می گذارد. اگر زنی، خودنمایی را به جای حجب و حیا، ملاک ارزش گذاری قرار دهد و ارزشمند بداند، طبیعی است که خود را نشان می دهد و حتی پوشش را برای نمایاندن خود برمی گزیند.

۳- الگوهای ناهنجار: الگو در اخلاق اسلامی و روان شناسی جایگاه مهمی دارد. در گذشته که الگوها و نقش ها اندک و محدود بودند، هویت یابی آسان بود، اما امروزه الگوهای متنوع و متضادی که رسانه های متعدد ارائه می دهند، هویت یابی و

انتخاب راه صحیح را بر جوانان مشکل کرده است. از این رو یکی از دلایل بدحجابی، مدگرایی و هم‌رنگ جماعت شدن و تأسی به هنرپیشه‌ها و شخصیت‌های مطرح در رسانه‌ها می‌باشد.

۴- فقر معنوی: سقوط اخلاقی، بروز ناهنجاری در جامعه و از جمله بدحجابی، ثمره نبود نظریات بنیادی مذهبی درباره هستی درباره هستی و انسان و معنای زندگی و در یک کلمه، عدم اعتقاد به مبدأ و معاد است.

۵- کمبود شخصیت: کمبود محبت و محرومیت‌های زمان خردسالی، افرادی را که به عقده حقارت مبتلا شده‌اند، وادار به جبران می‌کند تا از این طریق خلأ درونی خود را پر نمایند. یکی از راه‌های ایجاد شخصیت‌پنداری، خودآرایی است.

۶- تهاجم فرهنگی دشمن: یکی از اهداف استعمارگران و سلطه‌جویان، زدودن پوشش زنان به منظور هویت‌زدایی آن‌ها است.

پس از روشن شدن علل بدحجابی باید راه‌های صحیح مقابله با آن را جستجو کرد که عبارتند از:

۱- تقویت بنیان خانواده

۲- آموزش صحیح از طریق اولیا و مربیان

۳- تقویت باورهای مذهبی

۴- معرفی الگوهای شایسته

۵- مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن

۶- برقراری ارتباط صمیمی با جوانان

۷- از بین بردن زمینه‌های بدحجابی

۸- ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

۹- تسهیل امر ازدواج

۱۰- قاطعیت در اجرای قوانین و مبارزه با باندهای فساد

۱۱- خلق آثار فرهنگی و هنری ۱۲- جذب جوانان از طریق گفتگوهای چهره‌به‌چهره و پاسخ‌گویی به شبهات آنان

۱۳- بازشناسی ناهنجاری‌ها و نقاط منحنی فرهنگ غرب ۱۴- همخوانی گفتار و رفتار مربیان



- تکیه بر دعوت عملی و زبان رفتاری ۱۶ - سالم سازی محیط

از آن چه گفته شد روشن می شود که برای مقابله با بدحجابی، اولین قدم را باید خانواده بردارد. والدین فرزندشان را از ابتدا با فرهنگ پوشش و حجب و حیا آشنا سازند و احکام شرعی و حدود اسلامی را به آن ها بیاموزند.

قدم دوم را محیط آموزشی به خصوص مقطع ابتدایی و راهنمایی باید بردارند.

گام سوم باید توسط محیط اجتماع و فرهنگ عمومی برداشته شود. وظیفه حکومت و دلسوزان جامعه به ویژه رسانه های گروهی مانند صدا و سیما و روزنامه ها آن است که با ارائه فیلم، مقاله و غیره، موضوع حجاب را به صورت فرهنگ در آورند. نیز عوامل اجرایی مراقب عناصر فاسد باشند و به پاک سازی محیط بپردازند. افراد عادی و عموم اشخاص نیز سعی در ایجاد زمینه برای تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر بوده و با آگاهی از آن شرایط و رعایت آنها این فرمان الهی را در جامعه پیاده نمایند.

چه راهی وجود دارد تا افراد کوچک تر به افراد بزرگ تر احترام بگذارند و به صورت یک عرف در جامعه در آید؟

پاسخ: جامعه سالم نیازمند خانواده سالم است. در محیط خانه است که کودک می آموزد چگونه با دیگران باید معاشرت نماید. بنابراین سنت تکریم بزرگ ترها باید در کانون خانواده احیا گردد تا به جامعه سرایت نماید.

در این مورد همه دستگاه های تبلیغاتی و رسانه های فرهنگی مانند رادیو و تلویزیون و روزنامه ها و مجلات نقش تعیین کنند دارند.

مهم نقش های متفاوتی است که هر یک از اعضای خانواده باید ایفا نمایند که به مهم ترین آن ها می پردازیم:

۱ - افراد کوچک و کودکان حرف کسانی را می شنوند و

به افرادی از روی میل و رغبت احترام می گذارند که به آن ها ارزش می دهند و توجه می نمایند. بنابراین وظیفه بزرگ ترها، مهربانی به کوچک تر و دل جوایی از آنان است. رسول اکرم (ص) می فرماید: "دل های مردم با این تمایل فطری آریده شده است که نیکی کنندگان به خود را دوست داشته باشند و بدکنندگان به خویش را دشمن دارند." (۲)

۲ - بزرگ ترها باید موقعیت خود را حفظ نمایند. متأسفانه بعضی والدین به عوض این که بر نفوذ و احترام یکدیگر در برابر کودک بیفزایند، با انتقادهای بی مورد اختلاف نظرهای غیر معقول از منزلت خود نزد او می کاهند. این نوع والدین نمی توانند احترام و همکاری بچه ها را جلب نمایند.

اگر والدین و بزرگ ترها احترام خود را نگه بدارند، باید توقع احترام از دیگران را داشته باشند.

۳ - والدین باید درس تکریم بزرگ ترها را در قول و عمل به فرزندان آموزش دهند. اگر والدین وظیفه تکریم رانسبت به بزرگ ترهای خود مراعات نمایند، خودشان نیز مورد تکریم فرزندان واقع خواهند شد. امام صادق (ع) می فرماید: "به پدران خود نیکی کنید تا فرزندان تان هم به شما نیکی نمایند." (۳)

۴ - رابطه پدر و مادران با فرزندان باید رابطه عاطفی و مانند دو دوست باشد. البته دو دوستی که یکی بزرگ تر و دارای علم و آگاهی و تجربه بیشتر و دیگری دوست کوچک تر است. در این حال، احترام فرزند به پدر و مادر از روی علاقه و اختیار خواهد بود، همانند دوست کوچکی که با علاقه به دوست بزرگ تر خود احترام می گذارد و از او حرف شنوی دارد.

پی نوشت ها:

۱ - تحف العقول، ص ۳۷.

۲ - بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۶۵.

**با توجه به این که اکثر مشکلات جامعه به نوعی به تمایلات جنسی برمی گردد، چرا به جای محکوم کردن یا سرکوب نمودن، راهکارهای مناسبی برای آن پیدا نمی کنند؟ نقش حوزه علمیه چیست؟**

**پرسش**

با توجه به این که اکثر مشکلات

جامعه به نوعی به تمایات جنسی برمی گردد، چرا به جای محکوم کردن یا سرکوب نمودن، راهکارهای مناسبی برای آن پیدا نمی کنند؟ نقش حوزه علمیه چیست؟

## پاسخ

شکی نیست که ریشه بسیاری از مفاسد لذت جویی و شهوت رانی است. امام علی (ع) شهوات را شکارگاه شیطان (۱) و ریشه آفت ها (۲) یاد کرده و فرموده: "کسی که به سوی شهوات حرکت کند، به سمت آفات سرعت گرفته است!" میل جنسی بخشی از قوه شهویه است و با دست حکیمانه آفرینش وجود انسان قرار داده شده است و مانند سایر تمایلات درونی، تا ارضا نشود، از بین نمی رود و انسان به آرامش نمی رسد. اسلام هرگز خواهان سرکوبی آن نیست. راهکار اسلام نه مطابق با نظریه تعدیلی کلیسا (یعنی نادیده گرفتن و محکوم کردن غریزه جنسی) است و نه مطابق با دیدگاه افراطی فروید و طرفداران آزادی بی حد و حصر غریزه، بلکه خواهان ارضای معین و محدوده و منطقی غریز می شابد. بهترین راه تعدیل غریزه جنسی را، عمل زناشویی و ازدواج می داند. رسول خدا (ص) می فرماید: "ای جوانان، هر یک از شما که قدرت ازدواج دارد، حتماً اقدام کند، زیرا بهترین وسیله است که چشم را از نگاه های آلوده و عورت را از بی عفتی محافظت می کند" (۳) نه تنها غریزه جنسی به طور مشروع و در حد خاص، جایز است، بلکه در آیات و روایات و به عنوان امر پسندیده و حتی ضروری شناخته شده و به آن توصیه و تأکید فراوان شده است. در مواردی که ازدواج دائم میسر نباشد، اسلام، ازدواج موقت را پیشنهاد کرده است که متأسفانه در اوضاع فعلی، از این راهکار اصلی غفلت شده

و روز به روز موانع ازدواج بیش تر می گردد، در حالی که امروزه برای همه جوانان امکان ازدواج دائم وجود ندارد و بین بلوغ جنسی و تشکیل خانواده، چند سال فاصله می افتد و بیکاری و فقر و تجملات ازدواج، به این شکل بیش تر دامن می زند، از سوی دیگر مردان و زنان بدون همسر در جامعه فراوان اند. ضرورت طرح موضوع ازدواج موقت بیش از گذشته احساس می شود. امام علی (ع) می فرماید: "اگر عمر از ازدواج موقت نهی نمی کرد، جز انسان بدبخت سراغ زنا نمی رفت." (۴)

در این راستا همه نهادهای فرهنگی و اجرایی مسئولیت دارند و نمی توان نهاد خاصی را مقصر دانست. وظیفه حوزه علمیه و مراکز فرهنگی، تبلیغ و ارشاد مردم در جهت آسان گیری ازدواج و تبیین منطقی از ازدواج موقت است. فرهنگ سازی آن از طریق رسانه های گروهی به خصوص صدا و سیما با ارائه فیلم و غیره می باشد. وظیفه دولت که امکانات وسیعی را در اختیار دارد، برطرف کردن موانع ازدواج و بهره گیری از عوامل تشویقی مانند وام های قرض الحسنه و اولویت دادن برای کار و غیره و حتی پرداخت هزینه ازدواج نیازمندان از بیت المال می باشد.

والدین نیز با حذف تشریفات و آسان گیری و پرهیز از بهانه جویی و عمل به سنت پیامبر (ص) و بستر سازی ازدواج نقش تعیین کننده ای در ارضای صحیح غریزه جنسی فرزندان دارند.

پی نوشت ها

۱- غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۴۳.

۲- همان، ج ۱، ص ۲۳.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۱۰۰.

۴- شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۲۵۳.

**چرا با وجودی که امام حسن (ع) فرزند بزرگ امام علی (ع) است، در سخنرانی ها کمتر از ایشان صحبت می شود و به مراسم میلاد و عزاداری ایشان کم تر توجه می شود؟**

**پرسش**

چرا با وجودی که امام حسن (ع) فرزند بزرگ امام علی (ع) است، در سخنرانی ها کمتر از ایشان صحبت می شود



و به مراسم میلاد و عزاداری ایشان کم تر توجه می شود؟

## پاسخ

بی تردید همه ائمه (ع) نور واحدی بوده و میان مسلمانان به خصوص شیعیان از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند. بر همین اساس در جامعه اسلامی ایران ایام ولادت آنان جشن گرفته می شود و در ایام شهادت آنان عزاداری صورت می گیرد. این گونه نیست که احترام نسبت به بعضی از ائمه کم رنگ باشد و نسبت به بعضی دیگر پر رنگ. البته برخی از امامان از ویژگی هایی برخوردار هستند که موجب می شود به آنها توجه بیشتری صورت گیرد. بدان جهت که آنان به حسب شرایط زمان و مکان، فعالیت هایی را انجام داده اند که زندگی آنان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، مثلاً فعالیت های فرهنگی امام صادق (ع) موجب شد مذهب شیعیان به نام مذهب جعفری یاد شود. در زمان امام صادق (ع) شرایط به گونه ای فراهم شد که امام به فعالیت های فرهنگی پرداخته و هزاران روایت از او به عنوان "میراث گران سنگ" باقی بماند.

هرگاه پژوهشگران و نویسندگان به بیان معارف اسلامی می پردازند، از کلمات و سیره حضرت بیشتر استفاده و در مجالس و محافل علمی بیشتر از وی یاد می کنند. همچنین سخنرانان که اخلاق و آموزه های اسلامی را بیان می کنند، از روایات امام صادق (ع) بیشتر بهره می برند و بدین سان نام امام صادق (ع) تکرار می شود.

قیام امام حسین (ع) که به حسب شرایط زمان و انجام تکلیف الهی شکل گرفت، نقش مهمی در آزادی خواهی، حفظ دین و احیای فرهنگ معصومان (ع) داشت؛ از این رو همه آزادیخواهان بویژه شیعیان برای

حضرت عزاداری نموده و در منبرها بیشتر از او یاد می شود. افزون بر آن معصومان دیگر هم برای امام حسین (ع) عزاداری می کردند و دیگران را به آن سفارش می نمودند. رفتارها و برخوردها و توصیه های معصومان به قیام امام حسین (ع) و شهادت او و یا مثلاً ظهور حضرت مهدی (عج) بیشتر از دیگران بوده است. رویکرد معصومان (ع) موجب شد که عزاداری برای امام حسین (ع) پر رنگ شود. البته این واقعیت را باید پذیرفت که فرهنگ برگزاری عزاداری برای بعضی از ائمه کم رنگ است، حال آن که جایگاه و مقام شان اقتضا می کند برای آنان نیز مراسم عزاداری و جشن، مناسب شأن آنان بر گزار شود، زیرا همه ائمه (ع) نور واحد هستند.

**بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟**

### **پرسش**

بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

### **پاسخ**

هر چند قانون منع استفاده از ماهواره، راه حل نهایی و اصولی برای کنترل جوانان نیست، ولی با توجه به حجم گسترده تبلیغات دشمن از طریق ماهواره و گسترش فحشا و فیلم ها (یی که با فرهنگ و هویت ملی و اسلامی همخوانی ندارد، چه بسا موجب ترویج و آموزش ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی و دینی می شود) آزاد گذاشتن آن نیز به صلاح نمی باشد، تا به انتخاب خود افراد آن را ترک کنند. این سخن مانند آن است که بگوییم مغازه های شرابخواری یا مراکز قماربازی و غیره را آزاد بگذاریم و به مردم بگوییم خودتان از رفتن به آن اماکن دوری کنید! بدیهی است گناه لذت و جاذبه ای دارد که بسیاری از جوانان را به سوی خود می کشاند. از طرفی از نظر اسلام موظفیم زمینه گناه را از بین ببریم.

ماهواره هرگز با ویدئو قابل مقایسه نیست. اگر مردم ویدئو را رها کردند، دلیلش آن نبود که ویدئو آزاد شد، بلکه دلیل مهم اش آن بود که به جای ویدئو، استفاده از اینترنت و ماهواره برای افرادی که دوست داشتند فراهم شد. از طرف دیگر صدا و سیما با ارائه فیلم ها و برنامه های ورزشی تا حدی توانست وقت جوانان را پر کند و به سوی خود جذب نماید. در ضمن تهیه فیلم های خاص ویدئویی با مشکلاتی مواجه است و هزینه دارد و فراهم آوردن آن نیاز

به صرف وقت دارد، هر وقت و هر کس بخواهد آماده، مانند ماهواره نیست.

در ضمن ماهواره ها تنها در نمایش فیلم خلاصه نمی شود؛ برنامه های هنری و تبلیغاتی و سیاسی (که با فرهنگ و هنجارهای جامعه دینی، کاملاً تضاد دارد) در واقع یک نوع فرهنگ و تفکری هم از جهت ظاهر و هم از جهت درونی القا می کند.

هر کشور و هر نظامی بالاخره به زبان خودش حلال و حرامی دارد؛ مجاز و ممنوعی دارد؛ فرهنگ خاص خود را دارد. در آمریکا هم شرابخواری علنی در معابر عمومی قانوناً ممنوع است و این ممنوعیت را ضد آزادی نمی دانند. البته کار سلبی به برکت کار ایجابی است که مؤثر است، یعنی علاوه بر ممنوعیت استفاده از ماهواره، باید جریان جدید فکری ایجاد کرد و با دشمن به رقابت برخاست. فرهنگ هر چه دارای جوهر قوی تر و هویت اصیل تر باشد، جریان های تازه وارد را بهتر می تواند در خود حل و هضم کند و نکات منفی آن را دفع کند. همان طوری که یک دریای عمیق، جریان ها و موج ها را در دل خود حل می کند، پس باید به فرهنگ خود بها دهیم؛ فرهنگی که مبتنی بر میراث عظیم و درخشان تاریخی است. چنین فرهنگی مصونیت دارد. (۱)

پی نوشت ها:

۱. جلال رفیع، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، ص ۴۵۷.

**چگونه عشق و معرفت ائمه را در دل های خود و دیگران تقویت کنیم؟ آیا این گفته که جوان چون احساسی است، باید با او از راه احساس وارد شد و استدلال عقلی آن چنان اثری ندارد، صحیح است؟**

**پرسش**

چگونه عشق و معرفت ائمه را در دل های خود و دیگران تقویت کنیم؟ آیا این گفته که جوان چون احساسی است، باید با او از راه احساس وارد شد و استدلال عقلی آن چنان اثری ندارد، صحیح است؟

**پاسخ**

شناخت ائمه اطهار(ع) و حقیقت مقام ملکوتی شان نه تنها برای هیچ صاحب اندیشه و متفکر تیز پروازی مقدور نیست، بلکه قوه وهم و تخیل شان نیز از تصور افق و کرانه های آنان عاجز است.

آنان انسان های کاملی هستند که خداوند، آسمان و زمین، بهشت و جهنم و همه فرشتگان را تحت فرمان آنان قرار داده و ملائکه را مأمور ساخته برای انجام هر مأموریتی در زمین، نخست خدمت آنان شرفیاب شوند و مأموریت خود را به عرض امام برسانند ("ما من ملک یهبطه الله فی أمر ما یهبط له إلاّ بدأ بالاءمام فعرض ذلک علیه"). (۱)

جهت روشن شدن حقیقت مطلب به داستان شهود حضرت موسی(ع) از زبان قرآن توجه کنید:

موسای کلیم که در آغاز دریافت وحی، خدا را به واسطه "نار و شجره" (۲) شهود کرده بود، سال ها پس از آن و بعد از غلبه بر فرعون و فرعونیان از خدا می خواهد او را "بی واسطه" مشاهده کند، اما نه با چشم سر، بلکه با شهود قلبی. خدای سبحان در پاسخ موسی (ع) فرمود: "به این کوه بنگر! اگر توان تحمل تجلی نور مرا داشت، تو هم می توانی شهود مرا تحمل کنی". وقتی خداوند بر کوه تجلی کرد، کوه متلاشی شد و موسی (ع) مدهوش گشت. وقتی به هوش آمد، به عجز و ناتوانی خویش اعتراف کرد و عرض نمود: تو منزّه از آنی که بدون

واسطه دیده شوی.

چشم تو و خورشید جهان تاب کجا؟

یار رخ دلدار و دل خواب کجا؟

با این تن خاکی، ملکوتی نشوی

ای دوست، تراب و ربّ الارباب کجا؟

خواهر گرامی! وقتی موسای کلیم از تجلی یکی از اسمای الهی بی هوش می شود، چگونه برای انسان های عادی بلکه انبیا و اولیای خدا همچون موسی(ع) میسر است که بتواند معرفت کامل به ائمه اطهار(ع) پیدا کنند، در حالی که ائمه(ع) متجلی همه اسمای حسنا و صفات کمال و جمال و جلال الهی هستند؟

پیامبر اکرم(ص) چه قدر زیبا و شفاف فرمود: "یا علی ما عرف الله حق معرفته غیری و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری؛(۳) ای علی! حقیقت حق تعالی را غیر از من و تو کسی نشناخته و به حقیقت مقام و معرفت تو جز خدا و من کسی دست نیافته است."

چه باید کرد؟

اگر گفته شد ائمه اطهار"ابواب" و "بیوت" توحید و معرفت خدا هستند که معرفت به آنان ممکن نیست، منظور شناخت کامل و معرفت به حقیقت جامع آنان است. هر انسانی موظف است به قدر وسعت وجودی و ظرفیت عقلی و ذهنی برای شناخت آنان تلاش کند، تا مسیر بندگی و عبودیت خدا و راه صحیح زندگی را بشناسد و در صراط مستقیم گام گذارد.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

راه دست یابی به معرفت اولیا و ائمه کدام است؟

این راه پیمودنی است و به حرکت و رفتن مداوم محتاج است، نه شنیدنی و عبور کردنی. برای شناخت ائمه(ع):

۱ باید با کلام و سخنان آنان و احادیث و روایاتشان مأنوس گشت. سیره و سنت آنان

را در امور شخصی اجتماعی، عبادی، سیاسی و اقتصادی شناخت و آن را الگوی عمل قرار داد.

۲ یکی دیگر از راه‌هایی که می‌توان با آن نسبت به ائمه(ع) معرفت پیدا کرد، تأمل و تدبر در معانی و مفاهیم دعاها و مناجات‌های منقول از ائمه(ع) است، مانند دعای کمیل، ابو حمزه ثمالی، دعای ندبه، مناجات شعبانیه مناجات خمس عشر، دعای عرفه و ...

۳ یکی از بهترین و ساده‌ترین، ولی مهم‌ترین و ارزشمندترین راه‌های شناخت ائمه(ع)، خواندن زیارت‌نامه‌های ائمه(ع) مخصوصاً زیارت جامعه و تفکر و کند و کاو، در معانی و مفاهیم بلند آن است.

کتاب "ادب فنای مقربان" که شرح زیارت جامعه کبیره، از آیت الله جوادی آملی است، هم چنین "شرح مناجات شعبانیه از حضرت آیت الله محمدی گیلانی کتاب‌های مفیدی برای این مقصود هستند.

منظور از معرفت به ائمه و میزان و حد آن چیست؟

قدر و ارزش هر کسی به میزان معرفت او بستگی دارد. هر چه معرفت وسیع‌تر و جامع‌تر باشد، قرب و کمال شخص و ارزش اعمال او افزون‌تر است. معرفت منشأ پیدایش محبت و عشق است. وقتی عشق آمد، چون و چرا و دلیل خواهی عاشق کنار می‌رود و اطاعت و پیروی محض از معشوق به میان می‌آید. بنابراین باید تلاش کرد به معرفت خود نسبت به خدا و انبیا و ائمه(ع) توسعه بیشتر بدهیم و هیچ‌گاه از جهاد علم‌آموزی و کسب معرفت، خستگی به خود راه ندهیم.

حمزه بن حمران می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: منظور از معرفت حق امام چیست؟ فرمود: بدانند که او حجت

و ولیّ خدا است و باور داشته باشد که او وصیّ و خلیفه پیامبر(ص) و واجب الاطاعه است و برای تبلیغ دین و هدایت مردم و پایداری و استقامت در راه حق، غریبانه به شهادت رسید.(۴)

معرفت به ائمه ما را به این حقیقت نایل می گرداند که: ائمه(ع) مظهر جامعیت علمی و عینی اسما و صفات خداوند هستند. آنان هر کمالی را که برای غیر خدا ممکن و مقدور است دارند و هر چه دارند، به طور کامل مصون از هر عیب و نقص است. رضایت و خشم و خشنودی آنان، رضایت و خشم و خشنودی خدا است.

به دلالت آیه تطهیر،(۵) عالی ترین مراتب عصمت از آن ائمه است. آنان صاحب معجزات و کرامات، و ولایت تکوینی و تشریحی هستند. "علم الکتاب"(۶) و علم لدنی نزد آنان است. آنان از امور قلبی و باطنی انسان و سایر موجودات از عالم مُلک تا ملکوت اُغلی آگاهند.

پیروی از آنان در تمام عرصه های زندگی واجب و لازم است.

چگونه می توان محبت به اولیا و انبیای الهی را در دل افزایش داد؟

پاسخ: معرفت پایه اصلی محبت است و محبت ملازم با اطاعت و عامل بزرگ دوری از گناهان و راه اساسی تهذیب نفس است. ممکن است بسیار اتفاق بیفتد که از کنار دوستان صمیمی یا شخصیت های مورد احترام علمی و اجتماعی یا دینی و حتی محبوب دل همه منتظران و مستضعفان یعنی حضرت بقیه الله(ع) عبور کنیم و هیچ کاری که بیانگر احترام باشد، انجام ندهیم، چون متوجه وجود آن فرد نشدیم یا دیدیم ولی نشناختیم، چون اگر می شناختیم، ابراز محبت و ارادت می

کردیم. انسان وقتی عاشق کسی شد و دوستدار او گشت، از وی پیروی می کند.

قرآن می فرماید: "إِن كُنْتُمْ تَحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ؛(۷) اگر دوستدار خدا هستید، پس از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا شما را دوست داشته باشد". هرچه پیروی بیشتر و خالصانه تر انجام گیرد، بر محبت و ارادت افزوده می گردد.

امام صادق(ع) می فرماید: "ما کسی را شیعه نمی دانیم مگر آن را که از همه اوامر ما پیروی کند".(۸)

#### معرفت یا معارفه

وقتی معرفت موجب ایمان و عقیده شد، عشق و محبت می آفرینند. هر چه درجه معرفت افزون تر گردد، ایمان و محبت از صلابت و استواری بیشتری برخوردار می گردد. وقتی عشق و محبت، همه هستی فرد را به احاطه در آورد، عاشق را تابع بی چون و چرای معشوق می سازد، در نتیجه محبت و لطف معشوق را متوجه خود می نماید چنان که خداوند(معشوق واقعی و حقیقی عشاق حقیقت طلب) می گوید: "فاذکرونی أذکرکم؛(۹) پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم".

امیرالمؤمنین(ع) پس از معرفی ائمه که سیاستگذاران و تدبیرکنندگان امور مردمند و از طرف خدا سرپرستی و ریاست خلایق را به عهده دارند، می فرماید: "لا یدخل الجنة إلا من عرفهم و عرفوه؛(۱۰) داخل بهشت نمی شود مگر کسی که نسبت به امامان معرفت داشته باشد و آنان نیز آن فرد را در زمره شیعیان و صاحبان معرفت به حق خود بدانند و بشناسند". معرفتی که به محبت و عشق مبدل می گردد یک طرفه نخواهد بود. پس کسانی که اظهار دوستی و محبت می کنند و باور دارند که آن ها امامان به حق هستند، ولی از آنان اطاعت



و پیروی نمی کنند، امامان را نشناخته و از این دوستی و اعتقاد سرسری و یک طرفه نمی توانند به کمال مطلوب نایل گردند.

## معرفت و ارتباط قلبی

برای افزایش محبت به اولیای الهی، باید نسبت به آنان و مقام و منزلتشان، افکار و عقاید و عملکردها و سیره و سنت شان در میادین مختلف زندگی معرفت پیدا کرد و آن چه که آنان را خوشحال و رضایت شان را جلب می کند، شناخت و سیر و حرکت های خود را بر محور جلب رضایت آنان تنظیم کرد و از هر چه که باعث ناخشنودی آنان است، فاصله گرفت.

نتیجه معرفت محبت است و نتیجه محبت اطاعت است، اما میان محبت و اطاعت رابطه متقابل وجود دارد. هرچه محبت بیشتر، اطاعت قوی تر و هر اندازه اطاعت قوی تر و گسترده تر باشد، محبت افزایش می یابد، و این تحقق نمی یابد مگر با ارتباط قلبی با آنان. در همه حالات زندگی (سختی ها و آسایش ها) به آنها باید متوسل شود و آنان را هادی، واسطه و شفیع خود نزد خدا قرار دهد. پاسخ را با ذکر روایتی از علی (ع) در مورد ملاک دوستی و دشمنی به پایان می بریم "إِنَّ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ (ص) مَنْ اطاع الله ... و انَّ عدوَّ محمد من عصی الله و ...؛ (۱۱) دوست محمد (ص) کسی است که خدا را اطاعت کند، اگر چه در خویشاوندی نسبت به پیامبر دور باشد، و دشمن حضرت کسی است که گناه کند و نافرمانی خدا نماید، اگر چه خویشاوند نزدیک او باشد".

در مورد راه جذب جوانان باید گفت: از طریق گفتگو و منطق و استدلال نیز می توان جوان را به

ترویج ارزش‌ها فراخواند. این راه عمیق‌تر و پایرجاتر است، ولی از آن جا که دشمن با شیوه تبلیغاتی و استفاده از قوه خیال و تحریک احساسات و عواطف، ایمان جوانان را نشانه گرفته، ما نیز باید از احساسات استفاده کنیم و از طریق برگزاری مجالس مذهبی از ارزش‌ها پاسداری نماییم.

پی نوشت:

- ۱ - بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۵۷.
- ۲ - اشاره به آیه ۲۹ و ۳۰ سوره قصص.
- ۳ - بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۸۴.
- ۴ - بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۵، حدیث ۱۷.
- ۵ - احزاب (۳۳) آیه ۳۳.
- ۶ - رعد (۱۳) آیه ۴۳.
- ۷ - آل عمران (۳) آیه ۳۱.
- ۸ - کلینی، اصول کافی، ج ۳، باب الورع، حدیث ۱۳.
- ۹ - بقره (۲) آیه ۱۵۲.
- ۱۰ - نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، خطبه ۱۵۲.
- ۱۱ - همان، کلمات قصار، شماره ۹۲.

### بهترین راه‌های گرایش جوانان به دین و اسلام چیست؟

#### پرسش

بهترین راه‌های گرایش جوانان به دین و اسلام چیست؟

#### پاسخ

مقدمه یکی از سؤالات مهم در شیوه تربیت، هدایت و راهنمایی جوانان و جذب آنان به سوی ارزش‌های دینی این است که آیا در جذب و هدایت آنان بر اصول "عقلی و استدلالی" باید تکیه نمود یا مبنای کار و فعالیت را "فطرت" و درون انسان

قرار داد و با تسخیر دل و درون آنان و بیدار ساختن استعداد های خدادادی شان آنان را به سوی اخلاق و عرفان سوق داد یا مبنای فعالیت را رفتار های شرعی و مناسکی قرار دهیم که در این صورت عرصه؟ کارم احکام شرعی و توضیح المسائل می شود، یا مدار و محور کار تربیت و جذب جوانان به سوی دین را، عواطف و احساسات جوانان قرار دهیم؟

همه می دانیم که جوانان از جنبه های گوناگون: فردی خانوادگی و جنسی، احوال متنوع روانی و کثرت طلبی های مادی و معنوی دارند.

یکی از اندیشمندان در امر تربیت می گوید: "جوان ها مثل دانه های چوب کبریت نیستند که همه یک اندازه و یک شکل باشند و بشود آن ها را قالبی در قوطی های هم شکل بسته بندی یا دسته بندی کرد. هر آدمی برای خودش عالمی است" (۱)

بنابر این نمی شود یک نسخه کلی برای همه جوانان یا نوجوانان نوشت.

به بیان دیگر: در امر تربیت و جذاب و هدایت جوانان یا نوجوانان باید از همه عناصر و شیوه ها بهره جست، هم از عقل استفاده کرد، هم از نقل و حدیث و روایت، هم از اخلاق و عرفان، نیز احساسات و عواطف درونی باید بهره جست، چنان که به بیان احکام شرعی و مناسک عبادی پرداخت، لیکن میزان استفاده

از هر یک از این عناصر بر حسب سن و دوره و مایه های اولیه تربیتی و حتی خصوصیات شخصی و فردی متفاوت است. نمی توانیم در صدد بهره وری از این عناصر را در دور؟ ابتدایی یا دور؟ راهنمایی یا متوسط و بالاتر را یکسان بگیریم.

تبیین اهداف دین و نقش آن در زندگی

بدون توجه به جنبه های گوناگون جوانان و نوجوانان و اصول مهمی که در مقدمه پاسخ ذکر کردیم، امر تربیت و جذب نوجوانان یا جوانان به سوی ارزش های دینی به نتیجه نخواهد رسید.

نکته اساسی که باید به آن توجه داشت این است که دین نیاز به تبلیغ به مفهوم رایج امروزی ندارد، بلکه نیاز به معرفی صحیح دارد. امروزه تبلیغ برای جنس و کالایی مورد دارد که نمی تواند خودش را نشان دهد، از این رو پیش از آن که بگوییم دین اسلام جامع ترین، کامل ترین و نیکوترین دین ها است، باید بگوییم دین اسلام چیست و اهداف آن کدام است؟

چه نقشی در زندگی مادی و معنوی انسان دارد؟ اگر حقیقت دین و نقش آن در خوشبختی انسان و اصلاح معاش و معادش به درستی تبیین گردد، فطرت دین گرا و خدا جویی جوانان آن را به راحتی می پذیرند.

خوشایند سازی

پیامبر اکرم (ص) گروهی را به سرپرستی "معاذ بن جبل" جهت ابلاغ دین و تبیین معارف بلند آن به یمن اعزام فرمود، هنگام عزیمت آنان چند نکته را تذکر داد از جمله فرمود:

۱ - تا می توانید کار را برای مردم آسان کنید. دستور مسازید و تکالیف سختی بر مردم تحمیل نکنید که باعث اذیت و اضطراب خاطرشان شود.

مردم را امیدوار کنید. از دین ناامید و مأیوس نسازید به مردم نوید و بشارت بدهید، در این صورت عزم و اراده گرایش و پیوستن به دین در آنان ایجاد می شود، و به کارهای نیک رغبت و علاقه پیدا می کند.

درک زبان، منطق و احساسات جوانان

بزرگ ترین مشکل رهبری نسل جوان، در نفهمیدن زبان و منطق او، احساسات ویژه و خواسته های واقعی و ادراکات خاص جوانی است، بنابراین برای پاسخگویی به نسل جوان و رهبری آنان به سوی دین و ارزش های معنوی، ابتدا باید "آنان را شناخت" و احساسات پرشور جوانی شان را درک نمود. نقاط قوت و مثبت روحیات اخلاق و عملکرد های آنان را دریافت، نیز جهات ضربه پذیری و منفی آنان را فهمید. روی نکات مثبت تکیه کرد و با دادن شخصیت و کرامت بر آنان، در دلشان نفوذ کرد.

شهید مطهری می گوید: ابتدا باید نسل جوان را بشناسیم. نسل جوان مزایا و عیب هایی دارد، زیرا این نسل یک نوع ادراکات و احساسات دارد که در گذشته نبود، از این جهت باید به او حق داد. در عین حال یک انحرافات فکری و اخلاقی نیز دارد و باید آن ها را شناخت و چاره کرد. (۲)

اجتناب از افراط و تفریط

در هدایت نسل جوان همان گونه که باید به سلیقه ها و علاقه های آنان توجه کرد و امر رشد و تربیت آنان را با مقتضیات ذات و جوهره شان هماهنگ ساخت، باید از ایجاد شخصیت کاذب و توقع بی جا پرهیز نمود.

یکی از مسئولان دست اندرکار امر تربیت می گوید: برخورد با نسل جوان باید بر اساس واقع بینی، منطق و به دور از افراط و تفریط باشد، نه برخورد تند

و خشن و غیر منطقی و سرکوب احساسات آن‌ها و نه برخوردهای غیر واقعی که هم؟ خواسته‌های جوانان را درست و برحق بدانیم و در آنان رشد کاذب و توقع نابجا ایجاد کنیم، بلکه باید متناسب با ذات و جوهر؟ او و با استفاده از سلايق و علايق او، امر هدايت نسل جوان را دنبال کنیم." (۳)

شیوه گفتگو و راهنمایی از منظر قرآن کریم:

قرآن کریم برای راهنمایی انسان و هدايت او به سوی ارزش‌های دینی سه روش را متذکر می‌شود:

۱ - برخوردها باید حکیمانه و پاسخ‌ها مستدل و منطقی و سازگار با حکمت باشد.

۲ - دلسوزانه، همراه با رأفت و رحمت، و عشق و موعظ؟ حسنه باشد.

۳ - گفتگو باید از جدال خصمانه و غرور و خودمحموری به دور باشد پرسش و پاسخ‌ها نیکو، منطقی و اقناع‌کننده و برای کشف حقیقت باشد. (۴)

تبیین فلسفه احکام:

از نکاتی که در بیان احکام و مسایل شرعی برای جوانان لازم است، این است: تا آن‌جا که امکان دارد حکمت احکام و مناسک و تعالیم دینی تبیین و تشریح شود تا از روی آگاهی و بینش و بصیرت و با انگیزه قوی‌تر به تعالیم دین روی آورند.

تبلیغ عملی از سوی الگوها:

زبان رفتار و زبان حال بسیار مؤثرتر از زبان گفتار است. عطش جوانان نسبت به مذهب در صورتی سیراب می‌شود که در جهت درست هدايت شود و صداقت و خلوص را در همه امور مشاهده کنند. جوانان تمام مسائل را زیر ذره بین انتقاد و موشکافی خود قرار می‌دهند و در اصول و بنیان‌های اعتقادی خود هیچ‌گونه تسامح و

سهل انگاری را روا نمی دارند. اگر با ناهمخوانی و تضادی در گفتار و عمل مذهبی روبه رو شوند، به دو صورت واکنش نشان می دهند: یکی این که در اعتقاد خود سست شوند (و این در صورتی است که زمین؟ اعتقادی محکمی نداشته باشند) و دیگر این که صدای خود را به اعتراض بلند کنند و طالب جریان یافتن قوانین مذهبی در کلیه شئون و امور باشند. (۵)

عدم هماهنگی میان گفتار و کردار، پندار و اندرز مریبان را بی اعتبار می کند. امام صادق (ع) می فرماید: "به وسیله؟ عمل خود راهنما و راهبر مردم به سوی فضیلت ها شوید و تنها دعوتگر زبانی نباشید". (۶)

به کارگیری روش های نو:

در حال حاضر با توجه به تغییرات پر شتابی که در عرصه فرهنگ و ادبیات مخاطبین به ویژه بین نسل جوان ایجاد شده، برای جذب جوانان باید ارائه پیام ها را متناسب با شعور حاضر و کنونی تنظیم کرد.

نسل کهن، باید در بستر زمان حضور یابد و نیازهای نسل نو جامعه را همواره در نظر داشته باشد. امام علی (ع) بر زمان شناسی در ارائه پیام تأکید ورزیده و فرموده است: "فرزندان را به ادب خود مجبور نسازید که آنان پدیده های زمان دیگر هستند". (۷)

استاد مطهری می گوید: در هدایت و رهبری نسل قدیم که سطح فکرش پایین تر بود، ما احتیاج داشتیم به طرز خاص بیان و تبلیغ و یک جور کتاب ها که امروز آن طرز بیان و آن طور کتاب ها به درد نمی خورد.

باید و لازم است رفرم و اصلاح عمیقی در این قسمت ها به عمل آید. باید با منطق روز و زبان روز و افکار روز آشنا شد

و از همان راه به هدایت و رهبری مردم پرداخت. (۸)

استفاده از ابزارهای ارتباطی نوین نیز می تواند مؤثر باشد.

پی نوشت:

۱ - حداد عادل، آسیب شناسی تربیتی دینی، ج ۱، ص ۷۵.

۲ - مجله پیوند، شماره ۲۶۰، ص ۱۸.

۳ - مجله پیوند، ش ۲۶۰، ۱۸.

۴ - نحل (۱۶)، آیه ۱۲۵.

۵ - دکتر سید احمد احمدی، روان شناسی نوجوانان و جوانان، ص ۶۲.

۶ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۷۸.

۷ - شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، قصار ۱۰۲.

۸ - استاد مطهری، ده گفتار، ص ۱۸۵.

**راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.**

**پرسش**

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

**پاسخ**

برای فرهنگ سازی در یک محیط ابتدا باید فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شناخت و نسبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد، زیرا لازمه نشر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقد بوده و ایمان داشته باشیم، نیز با تصمیم و اراده جدی به پیامد آن عمل کنیم، آن گاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم. در واقع اگر هر کسی به آیین و آداب و رسوم فرهنگ مورد نظر پایبند باشد، موجب ترویج و نشر آن فرهنگ می شود. بنابراین راهکارهای زیر به طور کلی توصیه می شود:

۱ - نسبت به فرهنگ مورد نظر باید به صورت مشخص آگاهی کسب شود.



۲- با دقت، تأمل، مطالعه و تحقیق ایمان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشند.

۳- راهکارهای تحقق و دست یابی به اهداف فرهنگی را با مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث و تبادل نظر مشخص کنند (اهداف عینی، قابل تعریف و اندازه گیری، نه کلی و مبهم و نامعلوم).

۴- سعی شود هدف کلی را به اهداف جزئی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایند.

۵- با مشخص شدن شیوه اجرای کار و دست یابی به اهداف با توکل بر خدا کار را به تدریج آغاز کنند و ضمن آن که خود صمیمانه به آنها عمل می کنند با روش های پسندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایند. به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسلامی:

- ابتدا اعتقاد و ایمان خود به اسلام و اعتقادات دینی اسلامی را تقویت کنید.

۲ - مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را مشخص کنید مثل: اعتقادات صحیح، نماز، حجاب، احکام شرعی،

شکل روابط فردی و اجتماعی، اخلاق اسلامی و...

۳ - پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلاً: برای گسترش اعتقادات صحیح

اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟

- تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح و مورد پسند.

- برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف.

- برگزاری کلاس های عقیدنی .

- برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور افراد متبحر.

- تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری.

- مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده.

۴ - اجرای یک یک راه های به دست آمده.

۵ - امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها .

۶ - تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.

**چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟**

**پرسش**

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

**پاسخ**

منظور از شناساندن به صورت منطقی چیست؟

اگر منظور "تبیین دین به صورت مستدل است که مبتنی بر تعاریفی باشد که در علم منطق به عنوان "برهان" مطرح است، چنین کاری انجام گرفته، ولی اگر مقصود این است که چرا در معرفی دین "خوشایندسازی" نمی شود و با استفاده از هنر و

ادبیات روز و ابزارهای علمی و روان‌شناسی رشد جوان به شناساندن دین اقدام نمی‌گردد، عدم انجام این موضوع به صورت کلی صادق نیست، زیرا صاحب نظران زیادی هستند که اکنون در محیط دانشگاهی به نشر معارف اسلام می‌پردازند و در کار خود موفق بوده‌اند، ولی باید اذعان کرد کوتاهی‌های زیادی در این خصوص وجود دارد اما خوشبختانه حرکت‌های مفیدی در این زمینه انجام گرفته است.

در عین حال باید توجه داشت که بسیاری از جوانان، آشنا به مراکز و کتاب و نوشته‌های پرمحتوا که به شناسایی درست و منطقی اقدام کرده‌اند، نمی‌باشند. یعنی در واقع خود جوان باید به دنبال تحقیق و بررسی عمیق‌تر مسایل برآید و به شناخت صحیح و منطقی از دین اقدام نماید. آثار و نوشته‌های زیادی وجود دارد اما اعتقادات و باورها چیزی نیست که به دیگران تزریق شود، بلکه باید شخص، روح جستجوگر داشته باشد تا به مقصود دست یابد.

**بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می‌کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدین شده‌اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟**

### پرسش

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می‌کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدین شده‌اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

### پاسخ

اگر چه پوشیدن یا نپوشیدن لباس طلبگی ارتباطی به شخصیت حقیقی افراد ندارد، نیز تأثیری بر آن نخواهد گذارد، اما به عنوان نماد و ابزار تبلیغ، کاربرد وسیعی دارد. شخصی که طلبه می‌شود، اگر بخواهد تبلیغ دین کند با پوشیدن این لباس مقدس، خود را به عنوان عالم به احکام و معارف دینی معرفی می‌کند تا بشناسند و بدانند احکام اسلامی و اصول و فروع دین را باید از چه کسی بیاموزند.

البته در این بین هستند کسانی که خودسازی نکرده‌اند و با پوشیدن لباس طلبگی، از این موقعیت سوء استفاده می‌کنند یا ناگاهانه موجب بدگمانی دیگران می‌شوند، با این حال دلیل نمی‌شود شخصی که به خاطر تبلیغ اسلام به طلبگی رو می‌آورد و به این هدف مقدس ایمان و اعتقاد دارد، به خاطر عملکرد غلط بعضی که منجر به سوء ظن افراد شده یا می‌شود، از پوشیدن لباس روحانی منصرف شود، برعکس، چنین فردی می‌بایست در این راه قاطعانه‌تر عمل کند تا با الگو شدن نزد مردم، نقایص و کاستی‌های دیگر هم صنفان خود را جبران کند. به عبارت دیگر افراد شایسته باید این لباس را بپوشند، تا شأن و مقام روحانیت و ارزش این لباس حفظ شود. کنار رفتن افراد شایسته، به معنای تأیید کار کسانی است که احیاناً از این لباس استفاده نامطلوب می‌کنند.

نیز باید یادآوری کرد افراد

و شخصیت های با عظمتی چون حضرت امام را که هیچ کس حداقل در قرن اخیر به پایه او نرسیده است. او همین لباس را می پوشید و یا مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری.

پس به خاطر حرف دیگران نباید از ادامه کار مأیوس شد. لباس روحانیت دارای پیام است و آن، دعوت به اسلام و یاد خدا و آخرت می باشد. در این شرایط که زخم زبان ها زیاد شده، پوشیدن لباس روحانیت یک نوع مجاهده با نفس حساب می شود که اگر برای خدا باشد، ثواب دارد. این تصور که بدون این لباس، بهتر می توان از دین اسلام تبلیغ کرد، به دلائل متعدد نمی تواند مورد قبول باشد. از مهم ترین آفات این تفکر، جدایی انداختن بین دین و روحانیت است و این فکر اشتباه که مردم معارف و حقایق دین را از شخص غیر روحانی بهتر و صحیح تر می آموزند.

**روزی یکی از هم کلاس هایم از این که دوست پسر ندارم، به من خندید و مرا امل صدا زد. هر جا از حجاب گفتم، مرا به تمسخر گرفتند. حرف از خدا زدن این همه دردسر دارد؟**

### پرسش

روزی یکی از هم کلاس هایم از این که دوست پسر ندارم، به من خندید و مرا امل صدا زد. هر جا از حجاب گفتم، مرا به تمسخر گرفتند. حرف از خدا زدن این همه دردسر دارد؟

### پاسخ

تا شدم حلقه به گوش در میخانه عشق هر دم آید غمی از نو به مبارک بادم

حرف از خدا زدن و در راه خدا بودن، دردسرهای بسیار بیشتر از این به همراه دارد. آنچه شما آورده اید، تنها مورد بسیار ناچیزی از آنها است.

مگر اولیای الهی و بزرگان دین نبودند که سختی و مشکلات و طعنه و زخم زبان های بسیار سنگین را به جان خریدند، اما از راه خدا و جلب رضای او و دوستی خداوند دست نکشیدند؟

پیامبران و اولیای الهی نیز همواره با این گونه برخوردها مواجه بوده اند. امام صادق(ع) به "علقمه" که از تهمت زدن مردم ناراحت شده بود فرمود: "مردم را نمی توان راضی نگه داشت و جلو زبان آنان را نمی توان گرفت. شما انتظاری دارید که برای پیامبران خدا نیز انجام نشده است. مگر یوسف را متهم نکردند که قصد زنا داشته است؟

مگر مردم نگفتند: بیماری ایوب کیفر گناهانش می باشد؟ مگر به موسی اتهام دیگری نبستند؟ مگر تمام پیامبران را جادوگر و دنیا دوست نخواندند؟ مگر نگفتند: مریم از راه نامشروع باردار شده است؟ مگر محمد(ص) را شاعر و مجنون نخواندند؟". (۱)

خداوند در مورد انسان های مؤمن می فرماید: "و هیچ عیبی در آن ها نیافتند جز آنکه به خداوند ایمان داشتند". (۲)

قرآن کریم نترسیدن و توجه نکردن به انتقاداتِ بی جا را از صفات نیک کسانی می شمارد که در

یکی از روانشناسان می گوید: "اگر می خواهید از انتقاد بی جا، نگران نشوید، به خاطر داشته باشید که انتقاد بی جا و ظالمانه، خود یک نوع تعریف و تحسین در لباس مبدل است. فراموش نکنید کسی به سگ مرده لگد نمی زند". (۴) در واقع چنین کسانی چون توانایی و قابلیت و همت و تلاش رسیدن به کمالات را ندارند، سعی می نمایند دیگران را تحقیر کنند. اینها چیزی می گویند که هیچ گاه یقین به آن ندارند، بلکه حتی می فهمند که خوب و بد چیست، اما می خواهند خود را فریب دهند.

آن چه مهم است، گام نهادن در مسیر سعادت و عمل به وظیفه و کسب رضایت پروردگار است. اگر ما حجاب را به عنوان یک ارزش تلقی کردیم، باید با قاطعیت از آن دفاع کنیم و تحت تأثیر حرف دیگران قرار نگیریم. راه مقابله با قضاوت های سطحی دیگران، بی توجهی و بی اعتنایی به حرکات زشت و جاهلانه است. قرآن مجید یکی از اوصاف پارسایان را بی اعتنایی توأم با بزرگواری می داند و می فرماید: "بندگان خاص خدا کسانی هستند که وقتی جاهلان آنان را خطاب می کنند و به سخنان زشت می پردازند، در پاسخ سلام می گویند". (۴) این سلام ناشی از ضعف و درماندگی نیست، بلکه وداع گفتن با سخنان بی منطق آنان و حفظ کرامت و بزرگواری خویش است. امام علی (ع) می فرماید: "با نادیده گرفتن چیزهای کوچک، خود را بزرگ کنید و بر قدر و منزلتان بیفزایید". (۵) با این روش دیگران احساس حقارت نمی کنند، بلکه در دیگران تأثیر

می گذارد.

خواهر گرامی، موضوعی که نوشته اید، مخصوص این زمان نیست. همیشه افرادی بوده اند که اهل حق را با زبان اذیت کرده اند. قبل از انقلاب، افراد مذهبی از این مسئله رنج می بردند. پس از انقلاب نیز در زمان جنگ عده ای کنار گود نشسته و رزمندگان را ملامت می کردند، ولی کسی که به درستی و حقیقت کار خود اطمینان دارد، از کوره در نمی رود و هزینه باورهای خود را می پردازد که یکی از آن ها شنیدن سخنان ناروا است.

گفتار و کردار دیگران نباید مبنای تصمیم گیری ما باشد. اعتماد به نفس و استقلال فکر می تواند از نگرانی ها پیشگیری نماید. امام کاظم(ع) بر این امر تأکید کرد و خطاب به هشام فرمود: "اگر گردویی داشته باشی و دیگران به تو گویند: چه گوهری داری، وقتی خودت می دانی آن چه در دست است گردو است، نباید این سخن در تو اثر داشته باشد. اگر گوهری در دست داشته باشی و به تو بگویند: این گردوها را از کجا آورده ای، نباید ترتیب اثر دهی. این سخن نباید به تو آسیب رساند، در حالی که می دانی گوهر در اختیار داری". (۶)

خداوند در قرآن می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید، مراقب خویشتن باشید. (و مطمئن باشید) اگر هدایت یافته باشید، گمراهان هیچ آسیبی به شما وارد نخواهند کرد". (۷)

حافظ نیز زیبا می سراید.

تو با خدای خویش انداز کار دل خوش دار که رحم اگر نکند مدعی، خدا بکند

پیشوایان دین به ما آموخته اند که پیرو جوّ و متأثر از افکار عمومی نباشیم و بر پایه خرد ورزی و

مصلحت اندیشی گام برداریم و از قضاوت و نگاه تحقیر آمیز دیگران، ترسی به خود راه ندهیم که خداوند با نیکوکاران است.

چه بسیار افرادی که به جهت ضعف ایمان و اعتقاد به خدا و نداشتن اعتماد به نفس با همین الفاظ دروغین و فریبکارانه مانند امل، از جاده صداقت و پاکی و عفت به در آمدند و عاقبت به جایی کشیده شده اند که جز تاریکی و ظلمت و بی کسی و پوچی نتیجه ای به بار نیاوردند. به یاد داشته باشیم افتادن و غلطیدن در گناه و سپس غرق شدن در آنها به حدی که دیگر نمی توان از آن بیرون آمد، ابتدا با همین حرف ها و کارها شروع

می شود. ابتدا با چیزهای بسیار ساده مانند رابطه معمولی با یک پسر و بی اعتنایی به حجاب شروع می شود، سپس به جایی ختم می گردد که هیچ گاه خود شخص تصور نمی کرد و یا حتی از تصور آن در ابتدا وحشت می کرد، دیگر حتی این احساس در او می میرد. و یا چیزهای زیبا برای او زشت شده و زشت زیبا نمایان می شود، افراد زیادی را سراغ داریم یا داستان های آنها را شنیده ایم که جز تأسف و تأثر انسان را بر نمی انگیزد، اما متأسفانه انسان های غافل و یا شهوت پرست از آنها درس عبرت نمی گیرند.

اگر کسی به اشتباه به شما توهین کرد، با پاسخ دندان شکن او را برای همیشه پشیمان کنید. مطمئن باشید که دیگر تکرار نخواهد شد. دوری از اجتماع، راه حل مناسب برای مقابله با مشکلات نیست بلکه صورت مسئله



را پاک کردن است.

پی نوشت ها:

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۱۱، ماده لسن.

۲. بروج (۸۵) آیه ۸.

۳. مائده (۵) آیه ۵۴.

۴. دلیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۲۰۱.

۵. فرقان (۲۵) آیه ۶۳.

۶. تحف العقول، ص ۲۲۴.

۷. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۳۶.

۸. مائده (۵) آیه ۱۰۵.

### افرادی که محیط آلوده یا وراثت باعث آلودگی آنان شده است، نزد خدا چگونه اند؟

#### پرسش

افرادی که محیط آلوده یا وراثت باعث آلودگی آنان شده است، نزد خدا چگونه اند؟

#### پاسخ

محیط آلوده و یا وراثت هر چند زمینه گناه را فراهم می کند اما هرگز علت کامل برای انجام گناه و ناهنجاری های اجتماعی نیست. چه بسا افرادی که از محیط مساعد و یا عامل وراثت برخوردار نبوده اند اما در اثر تلاش و پشتکار خود توانسته اند به مدارج علمی و عملی و اخلاقی نائل شوند. بر عکس افرادی که در دامن خانواده ای پاک و محیطی مساعد بزرگ شده اند اما راه گمراهی را برگزیده و به بدبختی رسیده اند. این امر نشان می دهد اراده انسان قوی تر از عوامل دیگر است. بر این اساس خداوند عذر و بهانه را از این گونه افراد نپذیرفته و در روز قیامت به آنان می گوید: چرا از محیط آلوده هجرت نکردید، مگر زمین خدا گسترده نبود؟! پس افرادی که در محیط نامناسبی پرورش یافته اند و کمبودهایی دارند، باید با جدیت و تلاش چند برابر، کاستی ها را جبران کنند و در برابر عوامل تأثیر گذار مقاومت نمایند و گرنه گناهی که توسط آنان انجام شود، برای آن ها ثبت خواهد شد و روز قیامت باید نزد خدا پاسخ دهند، مگر این که از عمل خود پشیمان شوند و توبه کنند.

البته بر اساس قانون عدل الهی، محاسبه عمل چنین افرادی به میزان کسانی که شرایط ایمان و عمل صالح برایشان فراهم بوده، نخواهد بود، یعنی اگر کسی در محیط آلوده یا خانواده غیر مؤمن به دنیا آمده و زندگی کرده و در عین حال رو به سوی ایمان به خداوند

و اعمال نیک آورده، از کسی که شرایط مطلوب تری داشته است، در درگاه الهی از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود.

**بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟**

### **پرسش**

بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

### **پاسخ**

هر چند قانون منع استفاده از ماهواره، راه حل نهایی و اصولی برای کنترل جوانان نیست، ولی با توجه به حجم گسترده تبلیغات دشمن از طریق ماهواره و گسترش فحشا و فیلم ها (یی که با فرهنگ و هویت ملی و اسلامی همخوانی ندارد، چه بسا موجب ترویج و آموزش ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی و دینی می شود) آزاد گذاشتن آن نیز به صلاح نمی باشد، تا به انتخاب خود افراد آن را ترک کنند. این سخن مانند آن است که بگوییم مغازه های شرابخواری یا مراکز قماربازی و غیره را آزاد بگذاریم و به مردم بگوییم خودتان از رفتن به آن اماکن دوری کنید! بدیهی است گناه لذت و جاذبه ای دارد که بسیاری از جوانان را به سوی خود می کشاند. از طرفی از نظر اسلام موظفیم زمینه گناه را از بین ببریم.

ماهواره هرگز با ویدئو قابل مقایسه نیست. اگر مردم ویدئو را رها کردند، دلیلش آن نبود که ویدئو آزاد شد، بلکه دلیل مهم اش آن بود که به جای ویدئو، استفاده از اینترنت و ماهواره برای افرادی که دوست داشتند فراهم شد. از طرف دیگر صدا و سیما با ارائه فیلم ها و برنامه های ورزشی تا حدی توانست وقت جوانان را پر کند و به سوی خود جذب نماید. در ضمن تهیه فیلم های خاص ویدئویی با مشکلاتی مواجه است و هزینه دارد و فراهم آوردن آن نیاز

به صرف وقت دارد، هر وقت و هر کس بخواهد آماده، مانند ماهواره نیست.

در ضمن ماهواره ها تنها در نمایش فیلم خلاصه نمی شود؛ برنامه های هنری و تبلیغاتی و سیاسی (که با فرهنگ و هنجارهای جامعه دینی، کاملاً تضاد دارد) در واقع یک نوع فرهنگ و تفکری هم از جهت ظاهر و هم از جهت درونی القا می کند.

هر کشور و هر نظامی بالاخره به زبان خودش حلال و حرامی دارد؛ مجاز و ممنوعی دارد؛ فرهنگ خاص خود را دارد. در آمریکا هم شرابخواری علنی در معابر عمومی قانوناً ممنوع است و این ممنوعیت را ضد آزادی نمی دانند. البته کار سلبی به برکت کار ایجابی است که مؤثر است، یعنی علاوه بر ممنوعیت استفاده از ماهواره، باید جریان جدید فکری ایجاد کرد و با دشمن به رقابت برخاست. فرهنگ هر چه دارای جوهر قوی تر و هویت اصیل تر باشد، جریان های تازه وارد را بهتر می تواند در خود حل و هضم کند و نکات منفی آن را دفع کند. همان طوری که یک دریای عمیق، جریان ها و موج ها را در دل خود حل می کند، پس باید به فرهنگ خود بها دهیم؛ فرهنگی که مبتنی بر میراث عظیم و درخشان تاریخی است. چنین فرهنگی مصونیت دارد. (۱)

پی نوشت ها:

۱. جلال رفیع، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، ص ۴۵۷.

### راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

#### پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

#### پاسخ

برای فرهنگ سازی در یک محیط ابتدا باید فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شناخت و نسبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد، زیرا لازمه نشر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقد بوده و ایمان داشته باشیم، نیز با تصمیم و اراده جدی به پیامد آن عمل کنیم، آن گاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم. در واقع اگر هر کسی به آیین و آداب و رسوم فرهنگ مورد نظر پایبند باشد، موجب ترویج و نشر آن فرهنگ می شود. بنابراین راهکارهای زیر به طور کلی توصیه می شود:

۱ - نسبت به فرهنگ مورد نظر باید به صورت مشخص آگاهی کسب شود.

۲ - با دقت، تأمل، مطالعه و تحقیق ایمان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشند.

۳ - راهکارهای تحقق و دست یابی به اهداف فرهنگی را با مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث و تبادل نظر مشخص

کنند (اهداف عینی، قابل تعریف و اندازه گیری، نه کلی و مبهم و نامعلوم).

۴- سعی شود هدف کلی را به اهداف جزئی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایند.

۵- با مشخص شدن شیوه اجرای کار و دست یابی به اهداف با توکل بر خدا کار را به تدریج آغاز کنند و ضمن آن که خود صمیمانه به آنها عمل می کنند با روش های پسندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایند. به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسلامی:

- ابتدا اعتقاد و ایمان خود به اسلام و اعتقادات دینی اسلامی را تقویت کنید.

۲ - مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را مشخص کنید مثل: اعتقادات صحیح، نماز، حجاب، احکام شرعی،

شکل روابط فردی و اجتماعی، اخلاق اسلامی و...

۳ - پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلاً: برای گسترش اعتقادات صحیح

اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟

- تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح و مورد پسند.

- برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف.

- برگزاری کلاس های عقیدنی .

- برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور افراد متبحر.

- تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری.

- مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده.

۴ - اجرای یک یک راه های به دست آمده.

۵ - امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها .

۶ - تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.

**چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟**

**پرسش**

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

**پاسخ**

منظور از شناساندن به صورت منطقی چیست؟

اگر منظور "تبیین دین به صورت مستدل است که مبتنی بر تعاریفی باشد که در علم منطق به عنوان "برهان" مطرح است، چنین کاری انجام گرفته، ولی اگر مقصود این است که چرا در معرفی دین "خوشایندسازی" نمی شود و با استفاده از هنر و

ادبیات روز و ابزارهای علمی و روان شناسی رشد جوان به شناساندن دین اقدام نمی گردد، عدم انجام این موضوع به صورت کلی صادق نیست، زیرا صاحب نظران زیادی هستند که اکنون در محیط دانشگاهی به نشر معارف اسلامی می پردازند و در کار خود موفق بوده اند، ولی باید اذعان کرد کوتاهی های زیادی در این خصوص وجود دارد اما خوشبختانه حرکت های مفیدی در این زمینه انجام گرفته است.

در عین حال باید توجه داشت که بسیاری از جوانان، آشنا به مراکز و کتاب و نوشته های پرمحتوا که به شناسایی درست و منطقی اقدام کرده اند، نمی باشند. یعنی در واقع خود جوان باید به دنبال تحقیق و بررسی عمیق تر مسایل برآید و به شناخت صحیح و منطقی از دین اقدام نماید. آثار و نوشته های زیادی وجود دارد اما اعتقادات و باورها چیزی نیست که به دیگران تزریق شود، بلکه باید شخص، روح جستجو گر داشته باشد تا به مقصود دست یابد.

### چرا خانه های عفاف باز گشایی نمی شود؟

#### پرسش

چرا خانه های عفاف باز گشایی نمی شود؟

#### پاسخ

از آن جا که موضوع ناموس و آبروی مردم از نظر اسلام بسیار مهم و حساس است ( که علاوه بر مقوله اخلاق، رابطه مستقیم با امنیت ملی دارد) هرگونه بی اعتنائی و سستی و یا ساده انگاری در این امر، صدمه ها و آسیب های جبران ناپذیری به جامعه وارد می کند که به هیچ وجه قابل اصلاح نیست. البته موضوع ازدواج موقت در جای خود یکی از راهکارهای اصولی جهت ارضای غریزه جنسی و جلوگیری از روابط بی حد و حصر و نامشروع است. و در کاهش مشکلات جوانان مجرد مؤثر است و در بین فقهای شیعه امری مسلم و پذیرفته شده است. اما مانند امور اجتماعی دیگر باید ضابطه مند گردد و شرایط اجتماعی مورد توجه قرار گیرد راه سوء استفاده از آن بسته شود و بهترین راهکارها برای تحقق، از هر جهت اندیشیده شده و به صورت سهل و ساده با آن برخورد نشود.

از آن جا که خانه های عفاف قابل کنترل نبوده و عناصر فرصت طلب می توانستند تحت عنوان ازدواج، در آن جا به هوسرانی پردازند، برای پیشگیری از این امر نابهنجار، خانه عفاف اگر چه مطرح شد، مورد اجرا قرار نگرفت، ولی راه ازدواج موقت منحصر به خانه عفاف نیست.

نکته ای که توجه به آن در مورد ازدواج موقت بسیار مهم است، این که باید از نظر فرهنگی و فکری نیز برای جامعه قابل توجیه باشد. برای بسیاری از مردم جامعه که به حقیقت مسئله ازدواج موقت آگاه نشده اند، این نوع ازدواج، مسئله فحشا را تداعی می

کند. اگر در چنین فضای فکری و فرهنگی بحث خانه عفاف مطرح شود، این ذهنیت و برداشت عمیق تر و مؤثرتر می شود. بنابراین فرهنگ و فکر جامعه را نمی توان از نظر دور داشت.

در آینده با تدبیر و اتخاذ روش های مبتنی بر علم و دین و بررسی همه جانبه موضوع، طرحی جامع ارائه شود تا هم بتواند پاسخ گوی نیاز غریزی باشد و هم به فساد و بی بند و باری منجر نگردد و از نظر فکری و فرهنگی نیز قابل فهم و قابل قبول میان توده مردم باشد.

## **چرا ما ایرانیان با وجود داشتن تمدن کهن و میراث فرهنگی غنی و نقش بزرگ ایرانیان در تمدن اسلامی اکنون به این روز رسیده ایم و فساد در مملکت ما زیاد است!؟**

### **پرسش**

چرا ما ایرانیان با وجود داشتن تمدن کهن و میراث فرهنگی غنی و نقش بزرگ ایرانیان در تمدن اسلامی اکنون به این روز رسیده ایم و فساد در مملکت ما زیاد است!؟

### **پاسخ**

رشد و پیشرفت های علمی و فرهنگی و اخلاق جامعه، وابسته به عوامل فراوانی است.

ما ایرانیان به قدر توان و امکاناتمان تلاش کرده ایم. شاید پدران دانشمند یا دانش دوست ها علاقه فراوانی به کسب علم و پیشرفت داشته اند. شاید وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران به گونه ای بوده که دانشمندان را تکریم می کرده اند، یا مثلاً به کشاورزان و دامداران اهمیت زیادی می داده اند، به همین دلیل ما در آن دوران سیری صعودی داشته ایم، در دوره تمدن اسلامی، ایرانیان سرآمد دیگران بودند و نقش بزرگی در پیشرفت علوم و فنون ایفا کردند، لیکن از پانصد سال پیش تاکنون در جا زدند و کم کم چراغ پر فروغ تمدنی آنان به خاموشی گرایید. این وضع از مجموعه ای از علت ها و زمینه ها برخاسته است که عبارت اند از:

۱ - درگیری های مداوم داخلی و جنگ های بی شمار داخلی و خارجی که سبب به هم خوردن نظم اجتماعی و بافت اقتصادی شده است.

می دانیم که علم در آرامش و امنیت رشد می کند، نه در جنگ و آشوب و اضطراب.

۲ - کمبود امکانات و ابزارهای مورد نیاز، مثل کتابخانه ها و اساتید فن و مشکل بودن زندگی از نظر معیشتی و ...

۳ - حضور پادشاهان و حاکمان نالایق و ناآگاه که کمتر از ذوق و علاقه به دانش بهره مند بودند و میان پادشاهان



ایرانی، حاکمی که به علم پروری و دانش اندوزی و احترام به علم و فرهنگ همت گمارد، اندک است. اما پادشاهان مستبد و حریص و نادان و اهل عیش و عشرت فراوان داشته ایم!

۴ - عدم وجود نظام آموزشی درست. ابن خلدون در مقدمه خود به نکته جالبی اشاره می کند، او یکی از دلایل رشد عالمان اسلامی و عدم رشد علم در غرب را طولانی بودن مدت تحصیل در غرب و کوتاه بودن آن در شرق اسلامی می داند! متأسفانه امروزه این رویکرد برعکس است. مدت تحصیلات در غرب کوتاه و در ایران بلند است.

۵ - عدم حمایت کافی از دانشمندان، مبتکران و صاحبان تولید اندیشه.

دنیای غرب اگر احساس کند در کسی توانایی انجام کاری جدید یا نوآوری هست، از او حمایت می کند، ولی ما صبر می کنیم تا ۵۰ سال بعد از مرگش نابغه بودن او را برای ما اثبات کنند!

مسئله فساد هم که مطرح کردید، ربطی به رشد علمی ندارد و مرتبط با فرهنگ غنی گذشتگان نمی باشد. فساد اجتماعی به واسطه خصلت های اخلاقی و فرهنگی و ضعف های شخصیتی شکل می گیرد.

مشکل اساسی، فرهنگی است. با کمال تأسف میان ما ایرانیان تنبلی راحت طلبی افراطی و دروغ گویی، نیز لاف زدن و کبر و غرور و عدم رعایت قانون و دورویی و دیگر مفاصد اخلاقی اجتماعی که رایج است.

مشکل اصلی ما است، مثلاً چند نفر برای کاری در نوبت و صف ایستاده اند، یکی از افراد با پارتنی بازی و یا پول دادن، بر دیگران پیشی می گیرد و زودتر به خواسته اش می

رسد! در عرف و فرهنگ ما به او می گویند: آفرین که زرنگی کرده است. این کار در فرهنگ ما به عنوان زرنگی یاد می شود و برای او ارزش و شایستگی قائلند ، نه این که او را طرد کنند . وقتی که در فرهنگ اجتماعی و افکار عمومی؛ چنین امور برخورد نشود، معنایش فساد فرهنگی است که باعث عقب ماندگی است. اگر توانستیم فرهنگ را درست کنیم، می توانیم مشکل فساد را چاره اندیشی کنیم.

## چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟

### پرسش

چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟

### پاسخ

تأثیر فرهنگ در جوامع یک طرفه نیست، یعنی فقط غربی ها بتوانند فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار دهند، ولی ما نتوانیم و شواهدی در دست است که انقلاب اسلامی ایران به رغم رویارویی با توطئه های پی در پی در مقابل چشمان بهت زده تحلیل گران، تأثیر شگفت آور خود را در جهان داشته است. حیات مجدد کلیساها، افزایش بی سابقه مبلغان مذهبی ، استقبال وسیع مردم از آثار صوتی و تصویری و مکتوب دینی، افزایش مخالفت های مردمی با پرده دری های اخلاقی ، بخشی از نشانه های تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در غرب می باشد.(۱)

این مسئله حتی از طرف مخالفان اسلام و انقلاب ایران مانند هانیتگتون (نظریه پرداز جنگ تمدن ها) مورد اعتراف قرار گرفته است. رشد روز افزون اسلام در غرب دلیل دیگر بر تأثیر انقلاب اسلامی و تبلیغات ما می باشد.

شبکه تلویزیونی سی ان ان آمریکا با بیان این مطلب که دین اسلام با سرعتی فراتر از ادیان دیگر در حال گسترش است . اعلام نمود : "رشد اسلام در جوامعی که اکثریت آنان را مسیحیان تشکیل می دهند، باعث شده تا صاحب نظران آن جوامع از نوعی رنسانس اسلامی سخن به میان آورند".(۲)

نویسنده غربی در مقاله خود می نویسد : "اسلام به بمب ساعتی تبدیل شده است".(۳) برای مطالعه بیش تر در این باره به کتاب عصر امام خمینی از آقای صاحبی را پیشنهاد می کنیم.

غرب به دلیل اثرگذاری انقلاب اسلامی ، بودجه های هنگفتی را برای رویارویی با انقلاب و تهاجم فرهنگی در سطح گسترده

در نظر گرفته است و این طور وانمود می شود که آن ها موفق ترند، در حالی که اگر هوشیارانه عمل کنیم، با توجه به برتری اسلام و معارف بلند و بی نظیر قرآن و پشتوانه عقلی و فطری مسلمانان و وعده تخلف ناپذیر الهی، پیروزی از آن ما خواهد بود.

واقعیت آن است که غرب به دلیل عواملی توانسته بر جوامع دیگر به ویژه ملت های مشرق و جهان سوم چیرگی یابد و به یاری تسلط خویش، فرهنگ خود را نیز در آن جوامع نفوذ داده و گسترش دهد.

هانتینگتون معتقد است: "پیروزی غرب بر جهان ناشی از برتری اندیشه ها، ارزش ها یا دین نبود، بلکه معلول برتری غرب در استفاده از خشونت سازمان یافته بود". (۴)

وی می افزاید: "عواملی که باعث گسترش فوق العاده و منحصر به فرد سلطه غرب شد، از این قرار بود:

۱ - ساختار اجتماعی و روابط طبقاتی موجود در غرب

۲ - رشد شهرها و گسترش تجارت

۳ - پراکندگی نسبی قدرت در جوامع غربی

۴ - ایجاد نظام اداری کشوری

۵ - رشد فن آوری

۶ - اختراع عوامل حمل و نقل دریایی

۷ - بسط ظرفیت های نظامی برای تصرف سرزمین ها". (۵)

امکانات گسترده دشمن و تأسیس سایت های متعدد و استفاده از ماهواره و ابزارهای تبلیغاتی، نیز جذابیت ظاهری برنامه های فرهنگی آنان و انگشت نهادن بر نیازهای غریزی انسان ها، همچنین مقید نبودن به حدود و مرزهای اخلاقی و توسل جستن به شیوه های ناجوانمردانه و مزورانه، نیز شایعه و دروغ پردازی و تخریب شخصیت بزرگان باعث شده فرهنگ غرب، خود را پیش

تر مطرح کند. البته نباید ضعف و سستی مسلمانان و تفرقه موجود میان کشورهای اسلامی را نادیده گرفت.

وضع نابسامان موجود هوشیاری ما را می طلبد. اگر خود را آماده رویارویی با فرهنگ بیگانه نکنیم و اختلافات را کنار نزنیم، به شدت آسیب پذیر می شویم اما اگر به هویت ملی و اسلامی خود برگردیم، به فرمایش قرآن، حق ماندنی و جاودان است و باطل زوال پذیر.

پی نوشت ها:

۱ - میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی، ص ۴ - ۳۶۳.

۲ - همان، ص ۳۷۲.

۳ - همان، ص ۳۷۳.

۴ - محمد رضا شرفی، جوان و بحران هویت، ص ۱۵۵.

۵ - همان.

## آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

### پرسش

آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

### پاسخ

متأسفانه گرایش به مظاهر غرب امروزه به عنوان مظاهر مدرنیته شناخته شده، از این رو گرایش به مدها و آرایش ها و به طور کلی زندگی غربی نوعی پیشرفت تلقی می شود. کسی کار ندارد که آیا این سبک زندگی با فرهنگ ما سازگاری دارد؟ یا نه از این رو، فرهنگ خودمان، بر اثر بی توجهی و سهل انگاری، کم کم فراموش می شود.

الگوپذیری تنها در مد و لباس و آرایش و موسیقی و... نیست، بلکه در معماری ساختمان ها، نظام آموزشی و بانکداری و بیمه و... نیز جریان دارد که شرح آن فرصتی دیگر می طلبد.

تقلید اگر به معنای اخذ فرهنگ و خودسازی آن باشد، به این معنا که انسان از فرهنگ های دیگر خوبی ها و امتیازاتش را اخذ کند و آن را جزء فرهنگ خود نماید، نه تنها ناپسند نیست، بلکه امری مطابق عقل و منطق است، ولی اگر تنها صورتی سطحی داشته و پیروی محض باشد، بدون در نظر گرفتن خوبی ها و بدی هایش کار بیهوده ای است و این نوع تقلید است که مولانا آن را نفرین نموده است:

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

متأسفانه ما در شناخت فرهنگ خودی و شناساندن آن و در لزوم تبادل با فرهنگ های دیگر دچار مشکل هستیم و این کاری است که هم مسئولان باید در مورد آن جدیت به خرج دهند و هم توده مردم.

فرهنگ اسلامی به مراتب بهتر و ارزشمندتر از فرهنگ غرب است. در فرهنگ اسلامی با مظاهر فساد و فحشا

و ظلم و اجحاف و بی عدالتی مبارزه می شود، ولی متأسفانه فرهنگ غربی تبلیغ کننده فساد و فحشا است و باعث از هم پاشیدن زندگی خانوادگی و نابودی رحم و مروت و انصاف می شود و بر مبنای سود خواهی و سودپرستی است. از این رو مسلمانان باید از نظر فرهنگی استقلال داشته باشند. در عین حال از موارد خوب فرهنگ های دیگر نیز استفاده کرده و آن ها را در فرهنگ خود وارد کنند.

## چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟

### پرسش

چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟

### پاسخ

از آن جا که موضوع ناموس و آبروی مردم از نظر اسلام بسیار مهم و حساس است ( که علاوه بر مقوله اخلاق، رابطه مستقیم با امنیت ملی دارد) هرگونه بی اعتنایی و سستی و یا ساده انگاری در این امر، صدمه ها و آسیب های جبران ناپذیری به جامعه وارد می کند که به هیچ وجه قابل اصلاح نیست. البته موضوع ازدواج موقت در جای خود یکی از راهکارهای اصولی جهت ارضای غریزه جنسی و جلوگیری از روابط بی حد و حصر و نامشروع است. و در کاهش مشکلات جوانان مجرد مؤثر است و در بین فقهای شیعه امری مسلم و پذیرفته شده است. اما مانند امور اجتماعی دیگر باید ضابطه مند گردد و شرایط اجتماعی مورد توجه قرار گیرد راه سوء استفاده از آن بسته شود و بهترین راهکارها برای تحقق، از هر جهت اندیشیده شده و به صورت سهل و ساده با آن برخورد نشود.

از آن جا که خانه های عفاف قابل کنترل نبوده و عناصر فرصت طلب می توانستند تحت عنوان ازدواج، در آن جا به هوسرانی بپردازند، برای پیشگیری از این امر نابهنجار، خانه عفاف اگر چه مطرح شد، مورد اجرا قرار نگرفت، ولی راه ازدواج موقت منحصر به خانه عفاف نیست.

نکته ای که توجه به آن در مورد ازدواج موقت بسیار مهم است، این که باید از نظر فرهنگی و فکری نیز برای جامعه قابل توجه باشد. برای بسیاری از مردم جامعه که به حقیقت مسئله ازدواج موقت آگاه نشده اند، این نوع ازدواج، مسئله فحشا را تداعی می

کند. اگر در چنین فضای فکری و فرهنگی بحث خانه عفاف مطرح شود، این ذهنیت و برداشت عمیق تر و مؤثرتر می شود. بنابراین فرهنگ و فکر جامعه را نمی توان از نظر دور داشت.

در آینده با تدبیر و اتخاذ روش های مبتنی بر علم و دین و بررسی همه جانبه موضوع، طرحی جامع ارائه شود تا هم بتواند پاسخ گوی نیاز غریزی باشد و هم به فساد و بی بند و باری منجر نگردد و از نظر فکری و فرهنگی نیز قابل فهم و قابل قبول میان توده مردم باشد.

## راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

### پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

### پاسخ

برای فرهنگ سازی در یک محیط ابتدا باید فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شناخت و نسبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد، زیرا لازمه نشر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقد بوده و ایمان داشته باشیم، نیز با تصمیم و اراده جدی به پیامد آن عمل کنیم، آن گاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم. در واقع اگر هر کسی به آیین و آداب و رسوم فرهنگ مورد نظر پایبند باشد، موجب ترویج و نشر آن فرهنگ می شود. بنابراین راهکارهای زیر به طور کلی توصیه می شود:

۱- نسبت به فرهنگ مورد نظر باید به صورت مشخص آگاهی کسب شود.

۲- با دقت، تأمل، مطالعه و تحقیق ایمان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشند.

۳- راهکارهای تحقق و دست یابی به اهداف فرهنگی را با مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث و تبادل نظر مشخص کنند (اهداف عینی، قابل تعریف و اندازه گیری، نه کلی و مبهم و نامعلوم).

۴- سعی شود هدف کلی را به اهداف جزئی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایند.

۵- با مشخص شدن شیوه اجرای کار و دست یابی به اهداف با توکل بر خدا کار را به تدریج آغاز کنند و ضمن آن که خود صمیمانه به آنها عمل می کنند با روش های پسندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایند. به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسلامی:

- ابتدا اعتقاد و ایمان خود به اسلام و اعتقادات دینی اسلامی را تقویت کنید.

۲ - مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را مشخص کنید مثل: اعتقادات صحیح، نماز، حجاب، احکام شرعی،

شکل روابط فردی و اجتماعی، اخلاق اسلامی و...

۳ - پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلاً: برای گسترش اعتقادات صحیح

اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟

- تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح و مورد پسند.

- برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف.

- برگزاری کلاس های عقیدنی .

- برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور افراد متبحر.

- تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری.

- مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده.

۴ - اجرای یک یک راه های به دست آمده.

۵ - امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها .

۶ - تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.

تلفن مستقیم: ۷۷۴۳۱۸۳ و ۹۴-۷۷۴۳۱۸۹-۰۲۵۱ -

۲۱

**علل دین گریزی و افول فرهنگی جوانان و نسل امروز چیست؟**

**پرسش**

علل دین گریزی و افول فرهنگی جوانان و نسل امروز چیست؟

**پاسخ**



از چند جنبه می توان پرسش را بررسی کرد:

۱ - آیا واقعاً گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است.

۲ - به فرض اثبات مدعا ، علل آن چیست؟

۳ - راه های رویارویی با آن کدام است.

ملاک کمتری و بیشتری؟

"کمتر شدن" در پرسش با چه زمانی مقایسه شده است؟ آیا نسبت به پیش از انقلاب یا پس از پیروزی؟ سال های مربوط به دوران جنگ هشت ساله؟ هر وضعیتی پاسخ خود را دارد.

اگر گفته شود نسبت به پیش از انقلاب ، معلوم می شود پرسشگر محترم از اوضاع ایران در پیش از انقلاب و "فرهنگ شدن فساد اجتماعی" در عرصه های مختلف اطلاع صحیحی ندارد.

کافی است بدانید برای مبارزه به اصطلاح علمی با اسلام و شستشوی مغزی و فکری جوانان، از یک سو مارکسیسم و کمونیسم را تبلیغ کردند و آن را نشانه روشنفکری شرقی شمردند. از دیگر سو ، تفکر جدایی دین از سیاست و قرار دادن دین در مقابل علم و صنعت و پیشرفت و تمدن ، ملاک روشنفکری غربی به حساب می آمد. در واقع تفکر غربی و شرقی دو تیغه قیچی بودند و هر دو یک هدف را دنبال می کردند و آن ضدیت و مخالفت با دین اسلام و مظاهر دینی بود. قشر عظیمی از جوانان جامعه گرفتار یکی از این دو تفکر بودند.

از سویی دیگر با گسترش و ترویج فساد و فحشا از طریق کاباره ها ، سینماها، فیلم ها و تئاترها ، نیز تجویز تأسیس رسمی و علنی روی گری، عشرتکده ها و شهرک های فحشا و

مشروب فروشی ها ، نیز به کارگیری مطبوعات، رادیو و تلویزیون به تضعیف اعتقادات دینی و مبارزه عملی با احکام اسلام ، برخاسته بودند.

پیروزی انقلاب با تکیه بر فرهنگ اسلام، نوری بود میان ظلمات درهم تنیده آن روزگار.

پس چگونه می توان وضعیت دین گرایی جوانان امروز را با پیش از انقلاب مقایسه کرد؟

وضعیت غیر عادی پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب و فرو ریختن کاخ سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ، اکثر مردم به مقتضای "الناس علی دین ملوکهم" افکار و عقاید ، سیره و روش رهبران انقلاب را پیش گرفتند. جوانان نیز به مقتضای تنوع و تجدد طلبی و عدالت خواهی و ستم ستیزی شان از یک سو، شور و نشاط برخاسته از احساسات و عواطف سنی و جوانی از دیگر سو، به رودخانه انقلاب پیوستند.

این حرکت و گرایش مردمی به انقلاب ، اگر چه میان گروهی عظیم از توده ها بر پایه شناخت و معرفت بود، لیکن میان همه اقشار حامی انقلاب آگاهی نبود، بلکه مبتنی بر آگاهی سطحی و اجمالی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه یا شناخت غیر تحقیقی و ابتدایی فطری از دین بود. با بروز جنگ تحمیلی و شکوفایی "روح حماسی" و فراگیر شدن "عرفان گرایی و معنویت" فضا و زمینه مساعدی برای خودسازی و روگردان شدن از مجالس بزم پیش از انقلاب و رو آوردن به میادین رزم فراهم شد، از این رو هر چه از دوران جنگ فاصله می گیریم، به بیان دیگر: هر چه از حماسه و عرفان و بسترهای مهیا برای خودسازی و غلبه احساسات و عواطف فاصله می گیریم،

احساس (۱) می شود که گرایش به مظاهر مذهب مانند شرکت در نماز جمعه و جماعت کم رنگ تر شده است.

علاوه بر آن چه ذکر شد، عوامل دیگر نیز باعث افزایش گسست از ارزش ها و گرایش نوجوانان و جوانان به سمت و سوی رفتارهای غیر مذهبی گردیده است که از یک نگاه می توان آن ها را به سه دسته تقسیم کرد:

#### أ) عوامل طبیعی و تکوینی

رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی هایی در اخلاق و رفتار و روان می گردد، در نتیجه علاقه به دیدن صحنه های تحریک کننده، تمایلات جنسی، خواندن

داستان های عشقی و جنایی و پلیسی تشدید می شود، که اگر کنترل و هدایت نشود، و در مسیر طبیعی و

تکوینی اش قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده های سرخورده فراهم می گردد. و آن گاه به صورت بزهکاری های اجتماعی و جرایم اخلاقی، خودفروشی و از دست دادن عزت و عفت نفسانی ظاهر می شود.

#### ب) ضعف برخوردها و عملکردها و فقدان مدیریت کارآمد داخلی

عوامل تکوینی و تمایلات طبیعی انسان نیازمند هدایت و راهنمایی در مسیر بالندگی و رشد است تا بتواند به کمال شایسته خویش و مقام انسانیت برسد. در غیر این صورت آدمی به یک موجود مسخ شده تبدیل

می گردد. به دیگر بیان: بی توجهی به تربیت و هدایت استعداد های طبیعی باعث می شود که "فرصت ها" به جای بهینه سازی به سوی تبهکاری سوق داده شود، که سبب کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی جوانان به

مسائل معنوی و ارزشی شود. از آن جمله می توان به امور زیر اشاره کرد.

۱ - برخوردهای نامناسب خانواده والدین و اطرافیان ، معلمان و اولیای مدرسه،

۲ - فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصه مطبوعات کشور و ایجاد جو ناسالم در جامعه و تحریک آن به سوی جرم آفرینی،

۳ - حرکت ها و رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دستگاه های اجرایی و قضایی و قانونگذاری،

۴ - انتصاب افراد ناکارآمد و فاقد مدیریت و نداشتن روح تعاون و دلسوزی اسلامی ، نیز حاکمیت فامیل سالاری و حزب و جناح سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای شایسته سالاری،

۵ - اختلافات جنایی و سلیقه ای در مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و...،

۶ - فقر و تهیدستی جوانان و خانواده آنان و حل نشدن بسیاری از مشکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج،

نیز عدم اجرای ارزش های اسلامی و دینی در جامعه مانند عدالت اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد، همچنین ترویج آزادی های لجام گسیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود ندارد،

۷ - دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ناآگاهی از عوامل و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد،

۸ - جدی نگرفتن خطرها و تهاجم فرهنگی و توهم پنداشتن آن.

ج) تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی

هر هجوم و تهاجمی هدف معین ، شیوه و شکل خاص ابزارهای ویژه ، نیرو و نفرات انسانی به خصوص دارد.

پرداختن به سه عامل ذکر شده در حوصله این پاسخ نیست اما یادآوری این نکته لازم است:

پیروزی انقلاب اسلامی ( که در

حقیقت پیروزی اسلام بر کفر جهانی بود) به دنیا نشان داد که "دین" به خصوص "اسلام" می تواند به عنوان یک قدرت سیاسی و حکومتی علیه زورمداران و زرپرستان قد علم کند. ظهور این قدرت موجب شد دنیاگرایان در اندیشه مقابله با آن برآیند، آن را براندازند و نابود کنند، یا جلوی گسترش و صدور انقلاب را بگیرند، یا آن را از درون از کارآیی و نیل به اهداف ساقط کنند.

ایجاد آشوب ها و درگیری های داخلی، تحریک صدام برای جنگ از خارج، تحریم های اقتصادی و نظامی، استفاده از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل و حقوق بشر و عفو بین الملل و... همه برای تحقق گام اول و دوم بود.

چون در آن دو گام نتوانستند توفیق حاصل کنند، درصدد دگرگون کردن فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب "شیخون فرهنگی" برآمدند.

پیچیده ترین و خطرناک ترین حرکت تهدید کننده انقلاب و دین و ارزش های معنوی، تهاجم فرهنگی است. دشمن برای نیل به این هدف شوم از همه فرصت های داخلی و خارجی استفاده می کند.

علاوه بر راه اندازی ده ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی و ماهواره ها و انتشار کتاب و روزنامه و سایر وسائل ارتباطی، نیز به استخدام در آوردن خبرگزاری های مهم جهان و دستگاه های جاسوسی، به سراغ طیف های مخالف انقلاب و کسانی که با نظام و حاکمیت مشکل دارند، هم چنین روشنفکرانی رفتند که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح استعمارگران را کمک نمایند و آگاهانه یا ناآگاهانه، مستقیم یا با واسطه، مجری سیاست قدرت ها باشند و با

استفاده از شیوه های متفاوت و ارائه نظریه های دیکته شده، به جنگ فرهنگی با انقلاب برخیزند.

در ذیل به برخی از "نظریه ها و شیوه های جنگ فرهنگی" اشاره می شود:

۱ - سیاست به کارگیری مذهب علیه مذهب و ایجاد یا تشدید اختلاف دینی و مذهبی،

۲ - راه اندازی جنگ علم و دین یا تقابل تمدن با تدین،

۳ - القای شبهات و طرح نظریه ها و پرسش هایی برای تضعیف باوری های دینی و قداست زدایی،

۴ - القای عدم کارآیی دین در عرصه اجتماعی و ناکارآمدی آن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی.

۵ - القای پاسخگو نبودن دین و باورهای سنتی به بسیاری از مسایل و نیازهای انسان معاصر و این که دین و باورها و احکام و آیات آن مربوط به گذشته است، نه برای زمان حاضر.

۶ - به کارگیری ابزارهایی مانند ماهواره و اینترنت و... نیز تأکید بر نیازهای غریزی انسان ها و موجه جلوه دادن آزادی های بی حد و حصر جنسی و این که این امور حق بشر است و انسان باید بتواند به هر شکلی خواست از آن استفاده کند.

۷ - بزرگ نمایی برخی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد و ربط و پیوند دادن آنها با اعتقادات و باورهای دینی.

از تظاهر تا واقعیت

با توجه به حجم گسترده آفات ارزش های دینی که به آن اشاره شد، اگر می بینیم برخی از جوانان از جهت ظاهری و رفتاری به این سو و آن سو کشیده می شوند، مفهومی این نیست که از بعد اعتقادی و نظری نیز استحاله و تهی شده اند، اگر

چه ممکن است در برخی از آنان که از اول مایه دینی و هویت فرهنگی ضعیفی داشته اند چنین باشد، اما بحمداله وضعیت ظاهری و رفتاری نامطلوب اکثر این دسته از جوانان، امری گذری و موقتی است.

نظر خواهی ها و آمارها این مطلب را تأیید می کند. مضافاً حضور همان جوانان در گردهمای مذهبی تاسوعا و عاشورا، شب های قدر ماه رمضان، حرم امامان و امام زاده ها، حضور در اعتکاف ها و هم چنین حضور در صحنه هایی که نیاز به فداکاری و ایثار بوده، دلیل این مدعا است. به علاوه، جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشگاهی و غیر آن هستند که عملاً به اسلام و ظواهر دینی پایبند می باشند.

به تحلیل نگرش ها و گرایش های دینی جوانان که از نتایج تحقیقی تحت عنوان گرایش های دینی جوان اخذ شده توجه کنید.

گرایش های دینی (دینداری) ۱۵۲۲ دانشجو در ۲۰ دانشگاه کشور سال ۱۳۸۰

(۱) ۸۲ درصد دانشجویان به مسلمان بودن خود افتخار می کنند. (کاملاً موافق و موافق)

(۲) ۱۶ درصد دانشجویان خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

(۳) ۱۱ درصد دانشجویان پدر و مادر خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

(۴) ۸۰ درصد دانشجویان نقش خداوند را در زندگی بسیار مهم دانسته اند و ۱۳ درصد نیز نقش خداوند را در زندگی مهم ارزیابی کرده اند.

(۵) ۴۳ درصد دانشجویان خود را مسلمان عادی دانسته اند. ۲۸ درصد نواندیش، ۱۶ درصد انقلابی و ۵/۲ درصد خود را مسلمان شناسنامه ای معرفی کرده اند. (شناسنامه ای کمترین نشانه

۶) ۹۷ درصد دانشجویان در مورد اعتقاد به خداوند کاملاً موافق و موافقند.

۷) ۹۵ درصد دانشجویان اعتقاد دارند قرآن کلام خدا و راهنمای سعادت بشر است. (کاملاً موافق و موافق)

۸) ۹۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند روز جزا، بهشت و دوزخ، حقیقت انکار ناپذیر است. (کاملاً موافق و موافق)

۹) ۸۸ درصد دانشجویان اعتقاد دارند ظهور حضرت مهدی (عج) و عده ای انکار ناپذیر الهی است. (کاملاً موافق و موافق)

۱۰) ۸۷ درصد دانشجویان اعتقاد دارند خداوند حاضر و ناظر زندگی آنهاست.

۱۱) ۸۰ درصد دانشجویان گاهی اوقات از خداوند برای جبران بعضی از خطاها کمک خواسته اند.

۱۲) ۷۱ درصد دانشجویان گفته اند هر روز نماز می خوانند. ۱۰ درصد بیشتر روزها و بقیه یا نماز نمی خوانند و یا به ندرت نماز می خوانند.

۱۳) ۷۳ درصد دانشجویان گفته اند همه ی روزهای ماه رمضان را روزه می گیرند.

۱۴) ۵۷ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

۱۵) ۸۵ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

۱۶) در سال ۱۳۷۵ یک تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد دانش آموزان اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی کنند.

۱۷) در سال ۱۳۵۳ یک تحقیق نشان داده است که ۲۶ درصد مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. همین تحقیق در سال ۱۳۷۹ فقط ۶ درصد از مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند.

۱۸) ۶۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که امر به معروف و نهی از منکر در



زندگی اجتماعی تقلیل پیدا کرده است.

منبع تحقیق:

در هفته نامه ی فرهنگ، پژوهش (۱۳۸۳) شماره ی ۱۵۸.

حسین سراج زاده، فرهنگ پژوهش (۱۳۸۳)، تحلیلی بر نگرش ها و گرایش های دینی جوانان و نوجوانان، شماره ۱۵۸، ص ۱۱ - ۱۰.

### چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

#### پرسش

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

#### پاسخ

از چند جنبه می توان پرسش را بررسی کرد:

۱ - آیا واقعاً گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است.

۲ - به فرض اثبات مدعا\_علل آن چیست؟

۳ - راه های رویارویی با آن کدام است.

ملاک کمتری و بیشتری؟

"کمتر شدن" در پرسش با چه زمانی مقایسه شده است؟ آیا نسبت به پیش از انقلاب یا پس از پیروزی؟ سال های مربوط به دوران جنگ هشت ساله؟ هر وضعیتی پاسخ خود را دارد.

اگر گفته شود نسبت به پیش از انقلاب، معلوم می شود پرسشگر محترم از اوضاع ایران در پیش از انقلاب و "فرهنگ شدن فساد اجتماعی" در عرصه های مختلف اطلاع صحیحی ندارد.

کافی است بدانید برای مبارزه به اصطلاح علمی با اسلام و شستشوی مغزی و فکری جوانان، از یک سو مارکسیسم و کمونیسم را تبلیغ کردند و آن را نشانه روشنفکری شرقی شمردند. از دیگر سو، تفکر جدایی دین از سیاست و قرار دادن دین در مقابل علم و صنعت و پیشرفت و تمدن، ملاک روشنفکری غربی به حساب می آمد. در واقع تفکر غربی و شرقی دو تیغه قیچی بودند و هر دو یک هدف را دنبال می کردند و آن ضدیت و مخالفت با دین اسلام و مظاهر دینی بود. قشر عظیمی از

جوانان جامعه گک.....льXیکی از این دو تفکر بودند.

از سویی دیگر با گسترش و ترویج فساد و فحشا از طریق کاباره ها ، سینماها، فیلم ها و تئاترها ، نیز تجویز تأسیس رسمی و علنی روی گری، عشرتکده ها و شهرک های فحشا و مشروب فروشی ها ،

نیز به کارگیری مطبوعات، رادیو و تلویزیون به تضعیف اعتقادات دینی و مبارزه عملی با احکام اسلام، برخاسته بودند.

پیروزی انقلاب با تکیه بر فرهنگ اسلام، نوری بود میان ظلمات درهم تنیده آن روزگار.

پس چگونه می توان وضعیت دین گرایی جوانان امروز را با پیش از انقلاب مقایسه کرد؟

وضعیت غیر عادی پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب و فرو ریختن کاخ سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی، اکثر مردم به مقتضای "الناس علی دین ملوکهم" افکار و عقاید، سیره و روش رهبران انقلاب را پیش گرفتند. جوانان نیز به مقتضای تنوع و تجدد طلبی و عدالت خواهی و ستم ستیزی شان از یک سو، شور و نشاط برخاسته از احساسات و عواطف سنی و جوانی از دیگر سو، به رودخانه انقلاب پیوستند.

این حرکت و گرایش مردمی به انقلاب، اگر چه میان گروهی عظیم از توده ها بر پایه شناخت و معرفت بود، لیکن میان همه اقشار حامی انقلاب آگاهی نبود، بلکه مبتنی بر آگاهی سطحی و اجمالی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه یا شناخت غیر تحقیقی و ابتدایی فطری از دین بود. با بروز جنگ تحمیلی و شکوفایی "روح حماسی" و فراگیر شدن "عرفان گرایی و معنویت" فضا و زمینه مساعدی برای خودسازی و روگردان شدن از مجالس بزم پیش از انقلاب و رو آوردن به میادین رزم فراهم شد، از این رو هر چه از دوران جنگ فاصله می گیریم، به بیان دیگر: هر چه از حماسه و عرفان و بسترهای مهیا برای خودسازی و غلبه احساسات و عواطف فاصله می گیریم، احساس (۱) می شود

که گرایش به مظاهر مذهب مانند شرکت در نماز جمعه و جماعت کم رنگ تر شده است.

علاوه بر آن چه ذکر شد، عوامل دیگر نیز باعث افزایش گسست از ارزش ها و گرایش نوجوانان و جوانان به سمت و سوی رفتارهای غیر مذهبی گردیده است که از یک نگاه می توان آن ها را به سه دسته تقسیم کرد:

#### أ) عوامل طبیعی و تکوینی

رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی هایی در اخلاق و رفتار و روان می گردد، در نتیجه علاقه به دیدن صحنه های تحریک کننده، تمایلات جنسی، خواندن

داستان های عشقی و جنایی و پلیسی تشدید می شود، که اگر کنترل و هدایت نشود، و در مسیر طبیعی و

تکوینی اش قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده های سرخورده فراهم می گردد. و آن گاه به صورت بزهکاری های اجتماعی و جرایم اخلاقی، خودفروشی و از دست دادن عزت و عفت نفسانی ظاهر می شود.

#### ب) ضعف برخوردها و عملکردها و فقدان مدیریت کارآمد داخلی

عوامل تکوینی و تمایلات طبیعی انسان نیازمند هدایت و راهنمایی در مسیر بالندگی و رشد است تا بتواند به کمال شایسته خویش و مقام انسانیت برسد. در غیر این صورت آدمی به یک موجود مسخ شده تبدیل

می گردد. به دیگر بیان: بی توجهی به تربیت و هدایت استعداد های طبیعی باعث می شود که "فرصت ها" به جای بهینه سازی به سوی تبهکاری سوق داده شود، که سبب کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی جوانان به مسایل معنوی و ارزشی

شود. از آن جمله می توان به امور زیر اشاره کرد.

۱ - برخوردهای نامناسب خانواده والدین و اطرافیان ، معلمان و اولیای مدرسه،

۲ - فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصه مطبوعات کشور و ایجاد جو ناسالم در جامعه و تحریک آن به سوی جرم آفرینی،

۳ - حرکت ها و رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دستگاه های اجرایی و قضایی و قانونگذاری،

۴ - انتصاب افراد ناکارآمد و فاقد مدیریت و نداشتن روح تعاون و دلسوزی اسلامی ، نیز حاکمیت فامیل سالاری و حزب و جناح سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای شایسته سالاری،

۵ - اختلافات جنایی و سلیقه ای در مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و...،

۶ - فقر و تهیدستی جوانان و خانواده آنان و حل نشدن بسیاری از مشکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج،

نیز عدم اجرای ارزش های اسلامی و دینی در جامعه مانند عدالت اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد، همچنین ترویج آزادی های لجام گسیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود ندارد،

۷ - دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ناآگاهی از عوامل و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد،

۸ - جدی نگرفتن خطرها و تهاجم فرهنگی و توهم پنداشتن آن.

ج) تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی

هر هجوم و تهاجمی هدف معین ، شیوه و شکل خاص ابزارهای ویژه ، نیرو و نفرات انسانی به خصوص دارد.

پرداختن به سه عامل ذکر شده در حوصله این پاسخ نیست اما یادآوری این نکته لازم است:

پیروزی انقلاب اسلامی ( که در حقیقت پیروزی اسلام بر

کفر جهانی بود) به دنیا نشان داد که "دین" به خصوص "اسلام" می تواند به عنوان یک قدرت سیاسی و حکومتی علیه زورمداران و زرپرستان قد علم کند. ظهور این قدرت موجب شد دنیاگرایان در اندیشه مقابله با آن برآیند، آن را براندازند و نابود کنند، یا جلوی گسترش و صدور انقلاب را بگیرند، یا آن را از درون از کارآیی و نیل به اهداف ساقط کنند.

ایجاد آشوب ها و درگیری های داخلی، تحریک صدام برای جنگ از خارج، تحریم های اقتصادی و نظامی، استفاده از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل و حقوق بشر و عفو بین الملل و... همه برای تحقق گام اول و دوم بود.

چون در آن دو گام نتوانستند توفیق حاصل کنند، درصدد دگرگون کردن فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب "شیخون فرهنگی" برآمدند.

پیچیده ترین و خطرناک ترین حرکت تهدید کننده انقلاب و دین و ارزش های معنوی، تهاجم فرهنگی است. دشمن برای نیل به این هدف شوم از همه فرصت های داخلی و خارجی استفاده می کند.

علاوه بر راه اندازی ده ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی و ماهواره ها و انتشار کتاب و روزنامه و سایر وسائل ارتباطی، نیز به استخدام در آوردن خبرگزاری های مهم جهان و دستگاه های جاسوسی، به سراغ طیف های مخالف انقلاب و کسانی که با نظام و حاکمیت مشکل دارند، هم چنین روشنفکرانی رفتند که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح استعمارگران را کمک نمایند و آگاهانه یا ناآگاهانه، مستقیم یا با واسطه، مجری سیاست قدرت ها باشند و با استفاده از شیوه های

متفاوت و ارائه نظریه های دیکته شده، به جنگ فرهنگی با انقلاب برخیزند.

در ذیل به برخی از "نظریه ها و شیوه های جنگ فرهنگی" اشاره می شود:

۱ - سیاست به کارگیری مذهب علیه مذهب و ایجاد یا تشدید اختلاف دینی و مذهبی،

۲ - راه اندازی جنگ علم و دین یا تقابل تمدن با تدین،

۳ - القای شبهات و طرح نظریه ها و پرسش هایی برای تضعیف باوری های دینی و قداست زدایی،

۴ - القای عدم کارآیی دین در عرصه اجتماعی و ناکارآمدی آن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی.

۵ - القای پاسخگو نبودن دین و باورهای سنتی به بسیاری از مسایل و نیازهای انسان معاصر و این که دین و باورها و احکام و آیات آن مربوط به گذشته است، نه برای زمان حاضر.

۶ - به کارگیری ابزارهایی مانند ماهواره و اینترنت و... نیز تأکید بر نیازهای غریزی انسان ها و موجه جلوه دادن آزادی های بی حد و حصر جنسی و این که این امور حق بشر است و انسان باید بتواند به هر شکلی خواست از آن استفاده کند.

۷ - بزرگ نمایی برخی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد و ربط و پیوند دادن آنها با اعتقادات و باورهای دینی.

از تظاهر تا واقعیت

با توجه به حجم گسترده آفات ارزش های دینی که به آن اشاره شد، اگر می بینیم برخی از جوانان از جهت ظاهری و رفتاری به این سو و آن سو کشیده می شوند، مفهومی این نیست که از بعد اعتقادی و نظری نیز استحاله و تهی شده اند، اگر چه ممکن است در

برخی از آنان که از اوّل مایه دینی و هویت فرهنگی ضعیفی داشته اند چنین باشد، اما بحمداله وضعیت ظاهری و رفتاری نامطلوب اکثر این دسته از جوانان، امری گذری و موقتی است.

نظر خواهی ها و آمارها این مطلب را تأیید می کند. مضافاً حضور همان جوانان در گردهمای مذهبی تاسوعا و عاشورا، شب های قدر ماه رمضان، حرم امامان و امام زاده ها، حضور در اعتکاف ها و هم چنین حضور در صحنه هایی که نیاز به فداکاری و ایثار بوده، دلیل این مدعا است. به علاوه، جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشگاهی و غیر آن هستند که عملاً به اسلام و ظواهر دینی پایبند می باشند.

به تحلیل نگرش ها و گرایش های دینی جوانان که از نتایج تحقیقی تحت عنوان گرایش های دینی جوان اخذ شده توجه کنید.

گرایش های دینی (دینداری) ۱۵۲۲ دانشجو در ۲۰ دانشگاه کشور سال ۱۳۸۰

(۱) ۸۲ درصد دانشجویان به مسلمان بودن خود افتخار می کنند. (کاملاً موافق و موافق)

(۲) ۱۶ درصد دانشجویان خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

(۳) ۱۱ درصد دانشجویان پدر و مادر خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند.

(۴) ۸۰ درصد دانشجویان نقش خداوند را در زندگی بسیار مهم دانسته اند و ۱۳ درصد نیز نقش خداوند را در زندگی مهم ارزیابی کرده اند.

(۵) ۴۳ درصد دانشجویان خود را مسلمان عادی دانسته اند. ۲۸ درصد نواندیش، ۱۶ درصد انقلابی و ۵/۲ درصد خود را مسلمان شناسنامه ای معرفی کرده اند. (شناسنامه ای کمترین نشانه ی مسلمانی)



درصد دانشجویان در مورد اعتقاد به خداوند کاملاً موافق و موافقند.

(۷) ۹۵ درصد دانشجویان اعتقاد دارند قرآن کلام خدا و راهنمای سعادت بشر است. (کاملاً موافق و موافق)

(۸) ۹۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند روز جزا، بهشت و دوزخ، حقیقت انکار ناپذیر است. (کاملاً موافق و موافق)

(۹) ۸۸ درصد دانشجویان اعتقاد دارند ظهور حضرت مهدی (عج) و عده ای انکار ناپذیر الهی است. (کاملاً موافق و موافق)

(۱۰) ۸۷ درصد دانشجویان اعتقاد دارند خداوند حاضر و ناظر زندگی آنهاست.

(۱۱) ۸۰ درصد دانشجویان گاهی اوقات از خداوند برای جبران بعضی از خطاها کمک خواسته اند.

(۱۲) ۷۱ درصد دانشجویان گفته اند هر روز نماز می خوانند. ۱۰ درصد بیشتر روزها و بقیه یا نماز نمی خوانند و یا به ندرت نماز می خوانند.

(۱۳) ۷۳ درصد دانشجویان گفته اند همه ی روزهای ماه رمضان را روزه می گیرند.

(۱۴) ۵۷ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

(۱۵) ۸۵ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

(۱۶) در سال ۱۳۷۵ یک تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد دانش آموزان اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی کنند.

(۱۷) در سال ۱۳۵۳ یک تحقیق نشان داده است که ۲۶ درصد مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. همین تحقیق در سال ۱۳۷۹ فقط ۶ درصد از مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند.

(۱۸) ۶۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که امر به معروف و نهی از منکر در زندگی اجتماعی تقلیل پیدا

کرده است.

منبع تحقیق:

در هفته نامه ی فرهنگ، پژوهش (۱۳۸۳) شماره ی ۱۵۸.

حسین سراج زاده، فرهنگ پژوهش (۱۳۸۳)، تحلیلی بر نگرش ها و گرایش های دینی جوانان و نوجوانان، شماره ۱۵۸، ص ۱۱ - ۱۰.

### چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

#### پرسش

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

#### پاسخ

منظور از شناساندن به صورت منطقی چیست؟

اگر منظور "تبیین دین به صورت مستدل است که مبتنی بر تعاریفی باشد که در علم منطقی به عنوان "برهان" مطرح است، چنین کاری انجام گرفته، ولی اگر مقصود این است که چرا در معرفی دین "خوشایندسازی" نمی شود و با استفاده از هنر و ادبیات روز و ابزارهای علمی و روان شناسی رشد جوان به شناساندن دین اقدام نمی گردد، عدم انجام این موضوع به صورت کلی صادق نیست، زیرا صاحب نظران زیادی هستند که اکنون در محیط دانشگاهی به نشر معارف اسلامی می پردازند و در کار خود موفق بوده اند، ولی باید اذعان کرد کوتاهی های زیادی در این خصوص وجود دارد اما خوشبختانه حرکت های مفیدی در این زمینه انجام گرفته است.

در عین حال باید توجه داشت که بسیاری از جوانان، آشنا به مراکز و کتاب و نوشته های پرمحتوا که به شناسایی درست و منطقی اقدام کرده اند، نمی باشند. یعنی در واقع خود جوان باید به دنبال تحقیق و بررسی عمیق تر مسایل برآید و به شناخت صحیح و منطقی از دین اقدام نماید. آثار و نوشته های زیادی وجود دارد اما اعتقادات و باورها چیزی نیست که به دیگران تزریق شود، بلکه باید شخص، روح جستجو گر داشته باشد تا به مقصود دست یابد.

**با وجود این که متأسفانه جوان های ما از اسلام روی گردان شده اند، چگونه با آن ها رفتار کنیم که از مذهب زده نشوند و پایبند نماز شوند؟**

#### پرسش

با وجود این که متأسفانه جوان های ما از اسلام روی گردان شده اند، چگونه با آن ها رفتار کنیم که از مذهب زده نشوند و

## پاسخ

در برخورد با جوانان نباید همه کارهایی را که از آنان سر می زند و بزرگ ترها نمی پسندند، زشت بدانیم و با آنان مانند جنایتکاران و گناهکاران برخورد کنیم و آنان را بی دین بدانیم، چون بسیاری از کارهای آنها نشانه بی دینی نیست، ولی ما تصور صحیحی از آنها نداریم. اگر کارهای خلافی از آنان سر می زند، می توانیم با روشی صحیح و منطقی و با اخلاقی نیکو برخوردی صحیح و عاقلانه داشته باشیم تا از دین و معنویت زده نشوند. نقش خانواده ها در گرایش های مذهبی و غیر مذهبی جوانان بسیار است، بلکه اساس و زیربنای ساختار رفتاری فرزندان، در خانواده ها شکل می گیرد. از این جهت در آیات و روایات نسبت به فرزندان و تربیت آنان سفارش های فراوانی به پدران و مادران شده و بر تربیت صحیح آنان تأکید شده است. رفتارها و اخلاق پدران و مادران تأثیر مثبت یا منفی بر فرزندان دارد. اگر پدر و مادری گرایش مذهبی نداشته باشند، در این که با فرزندان آنان چگونه باید برخورد شود تا عشق به مذهب در دل آنان شعله ور شود و به سوی حق و عدل تمایل پیدا کنند، شاید کاری بسیار مشکل باشد و ظرافت خاصی لازم دارد.

برای جذب جوانان به عنوان پدر و مادر لازم است:

۱ اخلاق و رفتار شما عاقلانه و صحیح باشد. کج فکری، کوتاه بینی و کج خلقی بازدارندگی دارد و از تاثیر گفتارها و نصایح شما می کاهد.

۲ شما باید برای جوان جذابیت داشته باشید

تا سخنان و رفتار شما برای او مؤثر و الگو باشد.

۳ استفاده از آیات قرآن و احادیث مناسب و نقل روش و سیره پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و بزرگان اگر به طور صحیح انجام شود، تأثیر بسیاری در جذب آنان دارد. امام رضا(ع) فرمود: انّ الناس لو علموا محاسن کلامنا لا تتبعونا؛ (۱) اگر مردم زیبایی های کلام ما را بدانند، از ما پیروی می کنند. " شخصی به نام خیمه می گوید: بر امام باقر(ع) وارد شدم. حضرت فرمود: ای خیمه! شیعیان ما محبت در دلشان افکنده می شود و آنان ما را دوست دارند، در حالی که ما را ندیده و کلام ما را نشنیده اند. اگر آنان ما را ببینند و کلام ما را بشنوند، بر هدایت آنان افزوده می شود". (۲) از امام رضا(ع) نقل شده است: تقوا و ورع را مراعات کنید. امانت دار و راستگو باشید. نسبت به همسایه ها خوشرفتار باشید. این ها چیزهایی است که محمد(ص) بدان ها سفارش کرده است. در بین مردم نماز را برپا کنید و به دیدار خویشان خود بروید و به عیادت مریضان بروید. در تشییع جنازه ها شرکت کنید. زینت ما باشید و باعث زشتی و وهن ما نباشید. ما را پیش چشم مردم، بد جلوه ندهید و باعث نشوید که مردم به ما بدبین شوند". (۳) حُسن خلق و رفتار زیبا نقش مؤثری در جذب دیگران مخصوصاً جوانان دارد و آنان را به اسلام و رفتار اسلامی جذب می کند. معاشرت با خانواده های مذهبی به خصوص معاشرت با خوبان بسیار مؤثر است.

در صورتی که نوع برخورد با جوانان را برای جذب به باورهای دینی و واجبات و تکالیف، از زاویه فریضه دینی امر به معروف نگاه کنیم،

در پاسخ می‌گوییم:

امر به معروف و نهی از منکر مسئولیت بزرگی است که باید با ظرافت خاص انجام گیرد. طبیعی است که اگر این فریضه الهی به طور شایسته عملی نگردد، چه بسا اثر معکوس خواهد داشت. از این رو اسلام آداب خاصی را برای امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- حُسن برخورد:

قرآن مجید خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "ای پیغمبر! به بندگانم بگو که با مردم با نیکوترین وجه صحبت نمایند". (۴) خداوند از حضرت موسی (ع) می‌خواهد با فرعون‌ی که ادعای خدایی دارد با نرمی و ملامت تکلم کند و به ایشان بگوید: آیا میل داری که پاکیزه شوی؟ آیا می‌خواهی تو را به راه خداوند هدایت کنم تا به درگاه او خاشع شوی؟ (۵)

هرگز نمی‌توان با خشم و خشونت، جوانی را از گناه باز داشت. روح جوان بسیار آسیب‌پذیر است و در برابر برخورد قهرآمیز و اکثراً نشان می‌دهد، از این رو باید مواظب بود تا لطمه‌ای به شخصیت افراد وارد نشود. استفاده از جملاتی مانند "این عمل در شأن شما نیست" و "شأن شما بالاتر از این‌ها است"، "شما سرمایه‌های این مملکت هستید و جامعه و تاریخ به شما امید دارد" بسیار مؤثر است. امام خمینی در این باره می‌گوید: سزاوار است آمر به معروف و ناهی از منکر، در امر و نهی خود و مراتب انکارش، چون طیبی دلسوز و پدری مهربان که مصلحت مرتکب را رعایت می‌کند باشد و انکارش بر او خصوصاً و بر امت

عموماً لطف و رحمت باشد. (۶)

۲\_ جلب اعتماد: امر به معروف و نهی از منکر در صورتی با موفقیت انجام می گیرد که اعتماد طرف مقابل جلب شود. بدون جلب اعتماد نمی توان در شخصی نفوذ کرد، از این رو امام علی (ع) می فرماید: "دل های مردم وحشی است، پس هر کسی بتواند با آن ها الفت برقرار کند، به او روی خواهند آورد". (۷) برای این کار باید به خطا کار شخصیت داد و از به کار بردن الفاظ تحقیر آمیز خودداری کرد.

۳\_ در نظر گرفتن وضع روحی و روانی:

در اجرای صحیح امر به معروف و نهی از منکر باید شرایط مخاطب را در نظر گرفت. اگر عصبانی است نمی توان نصیحت کرد. امام علی (ع) می فرماید "برای دل های آدمیان، علاقه و اقبال و گاهی تنفر و ادبار است. هنگامی که می خواهید کاری را انجام دهید از طریق علاقه اشخاص وارد شوید زیرا هنگامی که کسی را مجبور بر کاری کنید نابینا می شود". (۸) یعنی خود را به کوری و کری می زند.

۴\_ محترم شمردن عقاید افراد: دختر خانمی که لباس مبتذل پوشیده و یا جوانی که سر و وضع خاصی دارد، این ها را ارزش تلقی می کند و نشانه شخصیت می داند. اگر چه از دید ما این نظریه باطل است اما باید توجه داشت که توهین کردن به عقیده و نظر آن ها توهین به همه وجودشان خواهد بود. از این رو اسلام به مسلمانان دستور می دهد که از توهین کردن به بت پرست ها خودداری کنند. (۹)

پی نوشت ها :

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰.

۲. همان، ج

۲۴، ص ۱۵۱.

۳. همان، ج ۷۸، ص ۳۴۸.

۴. اسراء (۱۷) آیه ۵۳.

۵. نازعات، آیه ۱۸ و ۱۹.

۶. تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۴۸۱.

۷. نهج البلاغه، قصار ۴۷.

۸. نهج البلاغه، قصار ۱۹۳.

۹. انعام (۶) آیه ۱۰۸.

**چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی، چه راهی را باید انتخاب نمود؟**

### **پرسش**

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی، چه راهی را باید انتخاب نمود؟

### **پاسخ**

به عقیده ما فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مجامع دینی عوامل متعددی دارد که از همه مهمتر دو عامل است: اول تبلیغات مسمومی است که عمال بیگانه از مدت‌ها پیش در میان جوانان ما کرده اند و آنها را نسبت به جوامع دینی و روحانیت بدبین ساخته اند و حقایق را طور دیگری در نظر آنها جلوه داده اند. دوم عدم انضباط در بعضی از جلسات دینی و عدم رعایت اصول صحیح سخنرانی و تبلیغات دینی در بعضی از این مجامع، بطوری که بتواند افکار تشنه جوانان تحصیل کرده را با تعلیمات عالی و ارزنده اسلام سیراب نماید. این دو موضوع دست به دست هم داده و بسیاری از جوانان ما را از این مجامع فراری ساخته است. ولی خوشبختانه در سالهای اخیر اکثر جوانان ما بیدار شده اند و به سوء نیت بیگانگان که در میان آنها سمپاشی می کردند پی برده اند. لذا در بسیاری از جلسات دینی اکثریت یا قسمت مهمی را جوانان ما تشکیل می دهند و ما خود از نزدیک شاهد و ناظر این گونه جلسات بوده و هستیم. در قسمت دوم نیز تدابیری اتخاذ شده، هم اکنون مبلغین ورزیده ای که به زبان روز آشنا باشند و بتوانند عقده های روحی جوانان را با منطق صحیح اسلامی بگشایند کم

نیستند ، اگرچه اعتراف می کنیم که تعداد آنها به اندازه احتیاجات امروز ما نیست .

**چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی ، چه راهی را باید انتخاب نمود ؟**

### **پرسش**

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی ، چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

### **پاسخ**

به عقیده ما فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مجامع دینی عوامل متعددی دارد که از همه مهمتر دو عامل است : اول تبلیغات مسمومی است که عمال بیگانه از مدت‌ها پیش در میان جوانان ما کرده اند و آنها را نسبت به جوامع دینی و روحانیت بدبین ساخته اند و حقایق را طور دیگری در نظر آنها جلوه داده اند . دوم عدم انضباط در بعضی از جلسات دینی و عدم رعایت اصول صحیح سخنرانی و تبلیغات دینی در بعضی از این مجامع ، بطوری که بتواند افکار تشنه جوانان تحصیل کرده را با تعلیمات عالی و ارزنده اسلام سیراب نماید . این دو موضوع دست به دست هم داده و بسیاری از جوانان ما را از این مجامع فراری ساخته است . ولی خوشبختانه در سالهای اخیر اکثر جوانان ما بیدار شده اند و به سوء نیت بیگانگان که در میان آنها سمپاشی می کردند پی برده اند . لذا در بسیاری از جلسات دینی اکثریت یا قسمت مهمی را جوانان ما تشکیل می دهند و ما خود از نزدیک شاهد و ناظر این گونه جلسات بوده و هستیم . در قسمت دوم نیز تدابیری اتخاذ شده ، هم اکنون مبلغین ورزیده ای که به زبان روز آشنا باشند و بتوانند عقده های روحی جوانان را با منطق صحیح اسلامی بگشایند کم



نیستند ، اگرچه اعتراف می کنیم که تعداد آنها به اندازه احتیاجات امروز ما نیست .

**چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی ، چه راهی را باید انتخاب نمود ؟**

### **پرسش**

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی ، چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

### **پاسخ**

به عقیده ما فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مجامع دینی عوامل متعددی دارد که از همه مهمتر دو عامل است : اول تبلیغات مسمومی است که عمال بیگانه از مدت‌ها پیش در میان جوانان ما کرده اند و آنها را نسبت به جوامع دینی و روحانیت بدبین ساخته اند و حقایق را طور دیگری در نظر آنها جلوه داده اند . دوم عدم انضباط در بعضی از جلسات دینی و عدم رعایت اصول صحیح سخنرانی و تبلیغات دینی در بعضی از این مجامع ، بطوری که بتواند افکار تشنه جوانان تحصیل کرده را با تعلیمات عالی و ارزنده اسلام سیراب نماید . این دو موضوع دست به دست هم داده و بسیاری از جوانان ما را از این مجامع فراری ساخته است . ولی خوشبختانه در سالهای اخیر اکثر جوانان ما بیدار شده اند و به سوء نیت بیگانگان که در میان آنها سمپاشی می کردند پی برده اند . لذا در بسیاری از جلسات دینی اکثریت یا قسمت مهمی را جوانان ما تشکیل می دهند و ما خود از نزدیک شاهد و ناظر این گونه جلسات بوده و هستیم . در قسمت دوم نیز تدابیری اتخاذ شده ، هم اکنون مبلغین ورزیده ای که به زبان روز آشنا باشند و بتوانند عقده های روحی جوانان را با منطق صحیح اسلامی بگشایند کم

نیستند، اگرچه اعتراف می‌کنیم که تعداد آنها به اندازه احتیاجات امروز ما نیست.

## علماء و مخترعین و مکتشفین بیشتر به بشر خدمت کرده‌اند یا شهدا؟

### پرسش

علماء و مخترعین و مکتشفین بیشتر به بشر خدمت کرده‌اند یا شهدا؟

### پاسخ

هیچکس به اندازه شهدا به بشریت خدمت نکرده است، چون آنها هستند که راه را برای دیگران باز میکنند و برای بشر آزادی را به هدیه می‌آورند، آنها هستند که برای بشر محیط عدالت به وجود می‌آورند که دانشمند به کار دانش خود مشغول باشد، مخترع با خیال راحت به کار اختراع خودش مشغول باشد، تاجر تجارت کند، محصل درس بخواند و هرکسی کار خودش را انجام بدهد. اوست که محیط [مناسب] را برای دیگران به وجود می‌آورد.

ابن سینا قانون نوشت، محمد بن زکریا الحاوی نوشت، سعدی ذوق خودش را در بوستان و گلستان نشان نداد، مولوی همینطور، مگر از پرتو شهدا، آنهایی که تمدن عظیم اسلامی را پایه‌گذاری کردند، موانع را از سر راه بشریت برداشتند، آنهایی که مثل شعله‌هایی در یک ظلمتهایی درخشیدند و جان خودشان را فدا کردند، آنهایی که سراسر وجودشان حماسه الهی بود، حق خواهی و حق پرستی بود، آنهایی که پرچم توحید را در دنیا به اهتزاز در آوردند و مستقر کردند، آنهایی که منادی عدالت بودند، منادی حریت و آزادی بودند. ما و شما مدیون قطرات خون آنها هستیم، مدیون حماسه‌های آنها هستیم.

## چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟

### پرسش

چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟

### پاسخ

در این مورد هم مثل همه موارد، ما باید قبل از توجه به علل خارجی قضیه، سخن معروف منسوب به امیر المومنین (ع) را فراموش نکنیم که فرمود: «دَوَاؤُكَ فَيْكُ وَ دَوَاؤُكَ مِنْكَ» دوی درد تو در خود تو است و منشا درد هم در خود تو است. این خود ما بودیم که این عنصر را به صورتی درآوردیم که مردم را بیزار کردیم و این اصل را فراموشانندیم.

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام از نظر اجرایی شرایطی دارد. اولین شرطش حسن نیت و اخلاص است. ما فقط در مورد منکراتی که علنی است و به آنها تجاهر می‌شود حق تعرض داریم. دیگر حق تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است نداریم. ولی در گذشته نزدیک، یک عده مردم ماجرا جو و شرور بالطبع که می‌خواستند ماجرا

جویی کنند و حساب خرده های خود را با دیگران صاف کنند، این اصل مقدس را دست آویز قرار می دادند ، احیاناً برای آنکه بتوانند، مقاصد خود را عملی کنند چند صباحی در گوشه مدرسه زندگی می کردند و برای خود عبایی و ردایی و عمامه و نعلینی و ریش و هیکلی می اхتند و بعد به جان مردم می افتادند. چه جرمها و جنایتها که به این نام نشد! و چه منکرات شیعی که به نام نهی از منکر واقع نشد! داستان ها در این زمینه هم شنیده ایم و می دانیم.

### چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟

#### پرسش

چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟

#### پاسخ

در این مورد هم مثل همه موارد، ما باید قبل از توجه به علل خارجی قضیه، سخن معروف منسوب به امیر المومنین (ع) را فراموش نکنیم که فرمود: «دَوَاؤُكَ فِیْكَ وَ دَاؤُكَ مِیْنَكَ» دواى درد تو در خود تو است و منشأ درد هم در خود تو است. این خود ما بودیم که این عنصر را به صورتی درآوردیم که مردم را بیزار کردیم و این اصل را فراموشانندیم.

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام از نظر اجرایی شرایطی دارد. اولین شرطش حسن نیت و اخلاص است. ما فقط در مورد منکراتی که علنی است و به آنها تجاهر می شود حق تعرض داریم. دیگر حق تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است نداریم. ولی در گذشته نزدیک، یک عده مردم ماجرا جو و شرور بالطبع که می خواستند ماجرا جویی کنند و حساب خرده های خود را با دیگران صاف کنند، این اصل مقدس را دست آویز قرار می دادند ، احیاناً برای آنکه بتوانند، مقاصد خود را عملی کنند چند صباحی در گوشه مدرسه زندگی می کردند و برای خود عبایی و ردایی و عمامه و نعلینی و ریش و هیکلی می اхتند و بعد به جان مردم می افتادند. چه جرمها و جنایتها که به این نام نشد! و چه منکرات شیعی که به نام نهی از منکر واقع نشد! داستان ها در این زمینه هم شنیده ایم و می دانیم.

### برای فرهنگ سازی اسلامی در جامعه اسلامی چه باید کرد؟

#### پرسش

برای فرهنگ سازی اسلامی در جامعه اسلامی چه باید کرد؟

#### پاسخ

باید از فرهنگ غنی و پرمایه اسلام کمک گرفت، و از طرق مختلف، آن را بارور و پر ثمر ساخت؛ به عنوان نمونه، طرق زیر پیشنهاد می شود:

۱ بهره‌گیری هر چه بیشتر از آیات مناسب قرآن مجید با تحلیل و تفسیر روشن برای ارتقای سطح فرهنگ و اخلاق.

۲ بهره‌گیری از متون اصلی سخنان پیشوایان بزرگ اسلام، مخصوصاً سخنان پیامبر (ص) و خطبه‌های نهج البلاغه و دعاهای صحیفه سجّادیه که برای هر یک از رشته‌های مدیریت و فرماندهی، فرازهای زنده‌ای در آنها می‌توان یافت و از آنها الهام گرفت.

۳ تجزیه و تحلیل حکومت پیامبر (ص) و حوادث تاریخی غزوات او و حکومت و جنگ‌های علی (ع) و یارانانش، و ریشه‌یابی حادثه خونین کربلا- و ریزه‌کاریهایش که صحنه‌های مشابه آنها دائماً در زندگی ما به چشم می‌خورد، و بطور کلی، بهره‌گیری از سنت رسول خدا (ص) و سیره ائمه طاهرین (ع) و بزرگان تاریخ اسلام و حوادث مهم زندگی آنان.

۴ استفاده از دعاها و مناجات پر محتوای ائمه هدی (ع) که فوق العاده پرمایه و غنی و الهامبخش است و جمله به جمله آن، حرکت آفرین می‌باشد؛ دعاهائی همچون کمیل؛ ندبه؛ صباح؛ و صحیفه سجّادیه و دعاهای عرفه امام حسین (ع) و ابو حمزه و مانند آن که روح و جان افراد را چنان نور و صفائی می‌بخشد که آمادگی برای هرگونه فداکاری به آنها می‌دهد؛ البته باید به دقت مراقب بود که به صورت افراطی و خسته‌کننده و ملال‌آور نباشد.

۵ آموزشهای مکتبی و اسلامی در مقطع‌های مختلف، برای تحکیم پایه‌های ایمان و اعتقاد به «الله» و معاد و زندگی پس

از مرگ.

۶ نشر انتشارات جالب و پرمایه و غیر تکراری عمومی یا مخصوص همان تشکیلات برای تداوم بخشیدن به جوشش انگیزه ها؛ و تأسیس کتابخانه، هر چند کوچک اما پرمایه، در محدوده مدیریت برای سرعت بخشیدن به آگاهیهای فزاینده.

۷ تجلیل و بزرگداشت خدمتگذاران گذشته و حال و تجلیل از شهدا و خانواده های آنها و قدردانی از زحمات افراد زحمتکش، و دریدن «حجاب معاصرت» در این رابطه، و امور ابتکاری دیگری که در ایجاد و تقویت انگیزه ها مؤثر است.

## راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟

### پرسش

راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟

### پاسخ

کسانی که داعیه پیروی از امیرالمؤمنین و امام حسین(ع) دارند و خواهان بازگشت دوباره قرآن و عترت به صحنه جامعه و زندگی هستند، باید قرآن را درست بررسی کنند و حقایق آن را بفهمند و باید از والی قرآن شناس عالم و آگاه یعنی فقیه عادل پیروی کنند.

نکته قابل توجه در اینجا این است که باید همه با هم قرآن را بفهمند؛ چون تا قرآن را با هم نفهمند هماهنگی و وحدت اسلامی که مورد سفارش قرآن و عترت است، ممکن نخواهد بود. آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» آل عمران/۱۰۳

بدین معنا نیست که همه شما قرآن را به تنهایی و طبق برداشت شخصی بفهمید، بلکه به این معناست که آن را با هم به نحو تضارب آرا و توافق افکار بفهمید، همه با هم مسلمان باشید و در این مسیر از یکدیگر جدا نشوید و تفرقه و دوگانگی راه نیندازید، اگر توانستیم با هم قرآن را بفهمیم و مسایل اسلامی را در پرتو قرآن تحلیل کنیم؛ با تبادل اندیشه ها اختلاف نظر، اختلاف فکر، اختلاف سلیقه و در نهایت یکدیگر را تحمل می کنیم. چنان که در حوزه های علمیه فقیهان فراوانی داریم که فهم های گوناگون از یک روایت و در نتیجه فتوای مختلف دارند، اما یکدیگر را تحمل می کنند، یکدیگر را عادل می دانند پشت سر یکدیگر نماز می خوانند و عمل یکدیگر را صحیح می دانند؛ چون با هم تبادل نظر می کنند.

با هم فهمیدن متون مقدس دینی غیر از بدون هم فهمیدن است. بدون هم فهمیدن تنازع، ضعف، ترس، سستی و زوال شوکت را

به دنبال دارد و مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته است: «لا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ». انفال/۴۶

همان طور که در حرکت‌های دیگر اجتماعی، سیاسی، مذهبی نیز باید این وحدت را حفظ کرد. باید بدانیم که با هم عزاداری کردن، غیر از بدون هم عزاداری کردن و دسته و جمعیتی جدا راه انداختن است. عزاداری جمعی، مشتی محکم بر دهان یاوه گویان و خار چشم دشمنان است و ضد انقلاب خارج و داخل کشور را ناامید می کند.

خداوند به ما فرموده است هر کدام به تنهایی دستورهای الهی را انجام دهید. بلکه همواره سفارش به اجتماع و همراهی با جامعه و جمعیت مسلمین، مؤمنین و متدینین نموده است. رهبران الهی فرمودند: با هم نماز بخوانید، با هم روزه بگیرید، با هم قرآن بخوانید و... .

البته ممکن است کسی فریب نفس مسؤله را بخورد و گمان کند که در خانه به تنهایی عزاداری کردن، نماز خواندن و مانند آن، حضور قلب بیشتری برای انسان می آورد. لیکن چنین افرادی باید بدانند که ممکن است خدای نخواستہ در اثر ترک جامعه و انزوای از امت اسلامی تحت ولایت شیطان قرار گیرند و ندانسته عمری را به عبادت شیطان سپری کنند. اینجاست که پاهای برهنه عزیزان عزادار و سینه زن ابا عبدالله الحسین(ع) که مناسک عبادی و مراسم سوگواری را با هماهنگی کامل انجام می دهند بیشتر از پیشانی پینه بسته متحجران سطحی نگر و ظاهر بین ارزش دارد. او نمی فهمد که به عبادت شیطان مشغول است. هیچ گاه به ما دستور انزوا نداده اند بلکه همه جا دستور به عبادت و اطاعت جمعی داده اند. حتی پیامبر اکرم(ص) فرمود: اگر کسی

در نماز جماعت شرکت نکنند من خانه اش را آتش می زنم. هرگز کسی خیال نکند که اگر ما نمازمان را در خانه به تنهایی بخوانیم کار صحیحی است. نماز داخل خانه غیر از نماز در مساجد است. مساجد را همیشه باید پر کرد که ما هر چه داریم از مسجد داریم.

علاوه بر این چنانچه ارتباط خود را با مسجد مستحکم کردیم بچه ها و نسل آینده خود را بیمه خواهیم کرد و باید توجه داشته باشیم که اگر خدای ناکرده فرزندی از خانواده ای به انحراف کشیده شود آن خانواده به دردی توان فرسا مبتلا می شود، پس چه بهتر که رابطه را با مساجد که مهد تربیت همه افراد، خصوصاً نوسالان و نونهالان است، برقرار کنیم.

## راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟

### پرسش

راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟

### پاسخ

کسانی که داعیه پیروی از امیرالمؤمنین و امام حسین (ع) دارند و خواهان بازگشت دوباره قرآن و عترت به صحنه جامعه و زندگی هستند، باید قرآن را درست بررسی کنند و حقایق آن را بفهمند و باید از والی قرآن شناس عالم و آگاه یعنی فقیه عادل پیروی کنند.

نکته قابل توجه در اینجا این است که باید همه با هم قرآن را بفهمند؛ چون تا قرآن را با هم نفهمند هماهنگی و وحدت اسلامی که مورد سفارش قرآن و عترت است، ممکن نخواهد بود. آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» آل عمران/ ۱۰۳

بدین معنا نیست که همه شما قرآن را به تنهایی و طبق برداشت شخصی بفهمید، بلکه به این معناست که آن را با هم به نحو تضارب آرا و توافق افکار بفهمید، همه با هم مسلمان باشید و در این مسیر از یکدیگر جدا نشوید و تفرقه و دوگانگی راه نیندازید، اگر توانستیم با هم قرآن را بفهمیم و مسایل اسلامی را در پرتو قرآن تحلیل کنیم؛ با تبادل اندیشه ها اختلاف نظر، اختلاف فکر، اختلاف سلیقه و در نهایت یکدیگر را تحمل می کنیم. چنان که در حوزه های علمیه فقیهان فراوانی داریم که فهم های گوناگون از یک روایت و در نتیجه فتوای مختلف دارند، اما یکدیگر را تحمل می کنند، یکدیگر را عادل می دانند پشت سر یکدیگر نماز می خوانند و عمل یکدیگر را صحیح می دانند؛ چون با هم تبادل نظر می کنند.

با هم فهمیدن متون مقدس دینی غیر از بدون هم فهمیدن است. بدون هم فهمیدن تنازع، ضعف، ترس، سستی و زوال شوکت را

به دنبال دارد و مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته است: «لا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ». انفال/۴۶

همان طور که در حرکت‌های دیگر اجتماعی، سیاسی، مذهبی نیز باید این وحدت را حفظ کرد. باید بدانیم که با هم عزاداری کردن، غیر از بدون هم عزاداری کردن و دسته و جمعیتی جدا راه انداختن است. عزاداری جمعی، مشتی محکم بر دهان یاوه گویان و خار چشم دشمنان است و ضد انقلاب خارج و داخل کشور را ناامید می کند.

خداوند به ما فرموده است هر کدام به تنهایی دستورهای الهی را انجام دهید. بلکه همواره سفارش به اجتماع و همراهی با جامعه و جمعیت مسلمین، مؤمنین و متدینین نموده است. رهبران الهی فرمودند: با هم نماز بخوانید، با هم روزه بگیرید، با هم قرآن بخوانید و... .

البته ممکن است کسی فریب نفس مسؤله را بخورد و گمان کند که در خانه به تنهایی عزاداری کردن، نماز خواندن و مانند آن، حضور قلب بیشتری برای انسان می آورد. لیکن چنین افرادی باید بدانند که ممکن است خدای نخواستہ در اثر ترک جامعه و انزوای از امت اسلامی تحت ولایت شیطان قرار گیرند و ندانسته عمری را به عبادت شیطان سپری کنند. اینجاست که پاهای برهنه عزیزان عزادار و سینه زن ابا عبدالله الحسین(ع) که مناسک عبادی و مراسم سوگواری را با هماهنگی کامل انجام می دهند بیشتر از پیشانی پینه بسته متحجران سطحی نگر و ظاهر بین ارزش دارد. او نمی فهمد که به عبادت شیطان مشغول است. هیچ گاه به ما دستور انزوا نداده اند بلکه همه جا دستور به عبادت و اطاعت جمعی داده اند. حتی پیامبر اکرم(ص) فرمود: اگر کسی



در نماز جماعت شرکت نکنند من خانه اش را آتش می زنم. هرگز کسی خیال نکند که اگر ما نمازمان را در خانه به تنهایی بخوانیم کار صحیحی است. نماز داخل خانه غیر از نماز در مساجد است. مساجد را همیشه باید پر کرد که ما هر چه داریم از مسجد داریم.

علاوه بر این چنانچه ارتباط خود را با مسجد مستحکم کردیم بچه ها و نسل آینده خود را بیمه خواهیم کرد و باید توجه داشته باشیم که اگر خدای ناکرده فرزندی از خانواده ای به انحراف کشیده شود آن خانواده به دردی توان فرسا مبتلا می شود، پس چه بهتر که رابطه را با مساجد که مهد تربیت همه افراد، خصوصاً نوسالان و نونهالان است، برقرار کنیم.

### چگونه می توان جامعه را از گناهای مثل غیبت دور نگه داشت ؟

#### پرسش

چگونه می توان جامعه را از گناهای مثل غیبت دور نگه داشت ؟

#### پاسخ

برای از دست دادن این حالت باید اراده ای جدی و قوی داشته باشد و از شنیدن یا گفتن هر غیبت و تهمت ، هر اندازه هم به نظر کوچک و سطحی می آید، اجتناب ورزید؛ زیرا انسان در روز قیامت جوابی برای آن نخواهد داشت . در این رابطه به برنامه ای که پیشنهاد می شود به مدت ۴۰ روز عمل کنید و نتیجه را در صورت تمایل برای ما ارسال دارید . امید است ان شا الله بر این گناه غالب شوید : ( ۱ ) هر ده روز یک بار بحث غیبت را در کتاب گناهان کبیره مطالعه کنید . ( ۲ ) هر روز صبح با خدا ( ( شرط ) ) کنید که امروز غیبت نمی کنم . در طول روز کاملاً مراقب رعایت این شرط باشید و جدا بکوشید برای اولین بار از آن تخلف نکنید . شب ها هنگام خواب اعمال روزتان را واریسی کنید . اگر مرتکب غیبت شده اید تعداد دفعات آن را ثبت کنید و برای مبارزه با آن توبه نمایید و برای خود تنبیهی قرار دهید مثلاً تصمیم بگیرید با دوستی که نزد او بیشتر غیبت می کنید یک روز رفت و آمد و گفت و گوی غیر ضروری نکنید یا در جایی که بیشتر غیبت هست شرکت نکنید یا یک روز، روزه بگیرید .

### تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟

#### پرسش

تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟

#### پاسخ

اینترنت محصول علمی و فنی بشر است و مانند هر ابزار دیگری می تواند استفاده مثبت یا منفی داشته باشد بنابراین آنچه دارای

اهمیت است بالابردن ضریب مثبت در ابعاد مختلف ( تکنولوژی ، فن آوری ، تبلیغ در اسلام و ... ) و جلوگیری کامل یا کاهش اثرات منفی این رسانه مهم جهانی می باشد مسلماً" ما برای دستیابی به توسعه ای سریع و همه جانبه و ایجاد تمدن اسلامی و عقب نماندن از قافله علم و تمدن بشری نیازمند استفاده از تکنولوژی و فن آوریهای پیشرفته می باشیم که یکی از مهمترین آن شبکه جهانی اینترنت است که در همه زمینه های علمی ، تحقیقی ، هنری ، سیاسی ، تاریخی ، مذهبی با همه فروع و جزئیات رشته های گوناگون می توان از آن بهره برد اما در عین حال از آن جا که مراکز از طریق اینترنت اکنون اطلاعات غیر علمی و غیر انسانی در جهت یکسان سازی فرهنگی ، هنری ، سیاسی ، تاریخی ، مذهبی با همه فروع و جزئیات رشته های گوناگون می توان از آن بهره برد اما در عین حال از آنجا که مراکز از طریق اینترنت اکنون اطلاعات غیر علمی و غیر انسانی در جهت یکسان سازی فرهنگی جهان و مسلط نمودن فرهنگ آمریکا و محو سایر فرهنگها و بالاخره تحقیق دهکده جهانی به رهبری آمریکا ارایه می نمایند صدها برابر مراکز است که اطلاعات مفید و علمی و فنی ارایه می نمایند باید با ارایه مکانیزمی دقیق و حساب شده

است. توسط متخصصان از معایب و مضرات آن جلوگیری نمود در این راستا راه کارهای بهره بری صحیح از اینترنت در جهت گسترش فرهنگ اسلامی عبارتند از: ۱- تهاجم تبلیغی را باید با شیوه های نوین تبلیغی پاسخ داد با استفاده از اینترنت مجموعه آثار فرهنگی اسلامی رابه این شبکه جهانی منتقل نمود و راه آشنایی ملت های دیگر را با فرهنگ اسلامی فراهم ساخت در این مورد البته قدمهایی برداشته شده است. ۲- در کشورهای اسلامی با استفاده از شیوه نامه نگاری الکترونیکی با صاحب نظران، جوانان کسانی که آمادگی دریافت پیام های اسلامی را دارند مکاتبه شود و سوالات و نیازهای آنان پاسخ داده شود. ۳- فرهنگ غرب آسیب پذیری زیادی را دارد که با زیر سوال بردن آنها و آگاهی به نسل جوان کشورهای اسلامی و حتی غربی امواجی در مخالفت با آن را می توان ایجاد نمود. ۴- دولت اسلامی باید یک شبکه واحد و مادر از مجموعه شبکه های داخلی ایجاد نماید و سپس ساختار خاصی را برای ارتباط با شبکه جهانی مشخص نماید حتی کشورهایی مانند فرانسه ساختار خاصی را برای اتصال به اینترنت ایجاد کرده است. ۵- باید راهی را برای گزینش اطلاعات جهانی پیدا کرد و از ورود اطلاعات آلوده از طریق شبکه جهانی جلوگیری کرد صاحب نظران معتقدند این از نظر تیوری و عملی امکان دارد با کنترل همه جانبه ارتباطات شبکه جلوی تماس با مراکز غیراخلاق گرفته شود، (ر.ک مجله نگاه حوزه شماره ۶۲-۵۹ ارتباطات و نقش اینترنت در حوزه اطلاعرسانی دینی، حمیدفغفور مغربی ص ۱۴۸).

## روش های گسترش فرهنگ نماز خوانی چگونه است ؟

### پرسش

روش های گسترش فرهنگ

## پاسخ

اولاً: یکی از وظایف نظام اسلامی تنظیم شعایر و اقامه احکام الهی و نشر و گسترش آنان می باشد. قرآن کریم می فرماید: (الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوه ... )، ( حج ، آیه ۴۱ ) . ثانیاً: " با توجه به ابعاد گسترده تهاجم فرهنگی علیه احکام و ارزشهای اسلامی ، وظیفه سایدستگاههای فرهنگی ایجاب می کند که به مبارزه با آن برخواسته که یکی از موثرترین راههای آن تشویق سایر اقشار مردم عموماً و جوانان و نوجوانان خصوصاً ، از راههای گوناگون به نماز می باشد زیرا به فرموده قرآن کریم ( ان الصلوه تنهی عن الفحشا و المنکر ) ، ( عنکبوت ، آیه ۴۵ ) . ثالثاً: یکی از راههای تشویق به نماز انتخاب و معرفی افرادی به عنوان نمونه می باشد، در اینجا باید توجه داشت که این صرفاً " یک کار سمبلیک و نمادین می باشد که دستگاههای مربوطه را در رسیدن به هدف خود یعنی احیا ارزشها و احکام اسلامی در جامعه کمک می کند و فواید و آثار مثبتی بدنبال دارد مانند : ۱- ارزش گذاشتن به نماز و نماز گزار، و اعلام اینکه در جامعه ما علیرغم تهاجم فرهنگی و توجه به رفاه طلبی ، مادیات و ... به ارزشهای اسلامی بها داده می شود . ۲- تشویق بسیاری از نوجوانان و جوانان به نماز و در مدارس ، موسسات فرهنگی و ... رابعاً: " با توجه به مطالب فوق می توان گفت که اصل چنین اقدامی فی نفسه امری مطلوب و لازم می باشد اما در مورد

کیفیت اجرای آن باید گفت: علیرغم اینکه حقیقت و ماهیت نماز امریست که صرفاً نمی توان بر شرایط و اجزا ظاهری آن تکیه نمود بلکه یکسری مسایل معنوی نیز (مانند: اخلاص، حضور قلب و...) در آن دخیل باشد. ولی از آنجا که شناخت مسایل معنوی بصورت طبیعی غیر ممکن بوده و معیار و ملاکی برای اندازه گیری آن نمی توان در نظر گرفت، لذا چاره ای جز توجه به ابعاد ظاهری آن نمی باشد مانند: اهمیت دادن به نماز و حضور مرتب در نماز جماعت ها در مدارس، ادارات و ...

## چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟

### پرسش

چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟

### پاسخ

- وجدان کاری در جامعه از چند طریق قابل حصول است: ۱- تقویت مبانی دینی و احساس مسوولیت شرعی؛ این راه فطری ترین، سالم ترین و کارآمدترین راه شروع و تبلیغ (( وجدان کار )) است. ۲- ایجاد نظم آهنین از طریق اعمال زور و سرنیزه؛ این روش اگر چه نظم ظاهری را ایجاد می کند، ولی چون افراد از درون احساس مسوولیت نمی کنند؛ نظمی شکننده به وجود خواهد آمد (مانند آنچه در شوروی سابق اتفاق افتاد). ۳- از راه تقویت حس مشارکت و منافع متقابل؛ این روش گرچه نسبت به روش دوم کارآمدتر است؛ ولی به دلیل گسترش منفعت گرایی فردی، جامعه را در وضعیت خطرناکی قرار خواهد داد.

## برای این که بتوانم در حل اختلافات خانواده ام موثر عمل نمایم چه کنم؟

### پرسش

برای این که بتوانم در حل اختلافات خانواده ام موثر عمل نمایم چه کنم؟

### پاسخ

برای اینکه بتوانی در حل اختلافات خانوادگی نقش موثری داشته باشی رهکارهای زیر را به صورت جدی مد نظر قرار بده و به آنها عمل نما: الف) سعی کن با رفتار خوب ابتدا اعتماد اعضای خانواده ات را بدست آوری بگونه ای که مورد اعتماد آنها باشی. ب) برای جلب اعتماد آنها سعی کنیید به همه آنها اعم از کوچک و بزرگ، پدر، نامادری و دیگر خواهران و برادرانت به همه آنها احترام بگذار و نسبت به آنها به معنای واقعی دلسوز باشی. ج) خشم و نفرت و کینه اعضای خانواده را از دل خودت بیرون کن و فکر کن هر کدام از آنها اعضای بدن تو هستند. د) تلاش کن تا دوگانگی و دودستگی که در خانواده شما وجود دارد را از بین ببری و آن برادر ناتنی را که از زن پدر خداوند به شما عطا کرده مورد لطف و مهربانی قرار

دهی چه این که او برادر یا خواهر واقعی شماست و دلیلی ندارد او را دوست نداشته باشید. ط ) از موضع گیری مخالف در مقابل پدر و نامادری جدا " پرهیز کن . ظ ) در کارهای منزل مشارکت داشته باشد . ک ) سعی کنید از رفتارهایی که موجب عصبی شدن پدرتان می شود جدا " پرهیز کنید . گ ) سعی کن با صحبت کردن با برادر بزرگت او را قانع کنی که پدر دشمن ما نیست و خیر و خوبی ما را می خواهد . ف ) سعی کنید شما خواهران و برادران ، پدرتان را با ازدواج

مجدد و همسر جدید و فرزندش بپذیرید آیا می دانید که ازدواج مجدد برای پدر شما امری ضروری و بر اساس نیاز است پس چرا و به چه دلیل واهی شما مخالف با او و زندگی مجدد او باشید. اگر پدر شما واقعا "فردی مومن است باید شکر گذار خداوند باشید که چنین پدری را نصیب شما کرده است آیا با از دست دادن مادران چیزی به دست آوردید یقینا" با از دست دادن خدای نکرده پدرتان نیز نه تنها چیزی بدست نخواهید آورد بلکه ضربات جبران ناپذیری بر زندگی شما وارد خواهد شد بنابراین قدر پدرتان را بدانید و سعی کنید رضایت او را بدست آورید تا خداوند از شما راضی شود و به زندگی شما خیر و برکت عطا کند.

### چگونه می توان جامعه را از گناهی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

#### پرسش

چگونه می توان جامعه را از گناهی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

#### پاسخ

برای از دست دادن این حالت باید اراده ای جدی و قوی داشته باشد و از شنیدن یا گفتن هر غیبت و تهمت ، هر اندازه هم به نظر کوچک و سطحی می آید، اجتناب ورزید؛ زیرا انسان در روز قیامت جوابی برای آن نخواهد داشت . در این رابطه به برنامه ای که پیشنهاد می شود به مدت ۴۰ روز عمل کنید و نتیجه را در صورت تمایل برای ما ارسال دارید . امید است ان شا الله بر این گناه غالب شوید : ( ۱ ) هر ده روز یک بار بحث غیبت را در کتاب گناهان کبیره مطالعه کنید . ( ۲ ) هر روز صبح با خدا ( ( شرط ) ) کنید که امروز غیبت نمی کنم . در طول روز کاملا مراقب رعایت این شرط باشید و جدا بکوشید برای اولین بار از آن تخلف نکنید . شب ها هنگام خواب اعمال روزتان را واریسی کنید . اگر مرتکب غیبت شده اید تعداد دفعات آن را ثبت کنید و برای مبارزه با آن توبه نمایید و برای خود تنبیهی قرار دهید مثلا تصمیم بگیرید با دوستی که نزد او بیشتر غیبت می کنید یک روز رفت و آمد و گفت و گوی غیر ضروری نکنید یا در جایی که بیشتر غیبت هست شرکت نکنید یا یک روز، روزه بگیرید.

### چه کنیم تا فریب زر، زور و تزویر را نخوریم ؟

#### پرسش

چه کنیم تا فریب زر، زور و تزویر را نخوریم ؟

#### پاسخ

فریب خوردن از زر، زور و تزویر ریشه در حب دنیا دارد . عن ابی عبدالله ( ع ) : ( ( راس کل خطیبه حب الدنیا؛ حب دنیا راس هر خطا و اشتباهی می باشد ) ) ، ( اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۳۱۵ ، روایت ۱ ، به نقل از سرالاسرا ، استاد علی سعادت پرور ، ج ۱ ،

ص ۱۰۲). اگر حب دنیا در دل انسان خانه کرده‌م در مقابل زر، زود تطمیع می‌گردد و هم در برابر تهدید زور، زود تسلیم می‌شود و هم در قبال تزویر دیگران زود رنگ می‌بازد. آیه شریفه قرآن می‌فرماید: (( یا ایها الناس ان وعدالله حق ، فلا تغرنکم الحیوه الدنیا ولا یغرنکم بالله الغرور؛ ای مردم! وعده خداوند حق است مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد ))، (فاطر، آیه ۵). چرا زندگی دنیا همه را نمی‌فریبد؟ زیرا زندگی دنیا برای اندکی از مردم حب و علاقه نمی‌سازد فقط زندگی دنیا کسانی را می‌فریبد که حب و علاقه به دنیا دارند از این رو ریشه همان حب دنیامی باشد. زر، زور، تزویر همه در حیطه دنیا می‌باشند، اگر کسی حب دنیا داشت فریب هر سه را می‌خورد و گرنه سرافراز بیرون می‌آید نقطه مقابل حب دنیا، زهد می‌باشد بنابراین زهد و بی‌رغبتی به دنیا هم انسان را از فریب و مکر زر نگه می‌دارد و هم از فریب زور



مصون می سازد و هم از فریب تزویر سد می کند. این نکته دقیق در خور دقت است که زهد یک صفت نفسانی است و این دل و باطن انسان است که باید نسبت به دنیایی اعتنا و بی رغبت گردد نه این که زهد معنایش این باشد که انسان به کلی دنیا را رها سازد و نه مالی داشته باشد و نه ثروتی بیندوزد و... بلکه تلاش برای کسب مال حلال به هدف آسایش فرزند و عیال و پویایی جامعه انسانی و بالندگی جامعه اسلامی از عبادات بزرگ می باشد و هیچ منافاتی با زهد ندارد. یکی از راه های کسب زهد عمل به مقدمه پنجم جواب سوال ۵می باشد. یعنی فکر در مرگ به هر اندازه که این فکر با دل و جان عجین شود و با اشک چشم قرین گردد بی رغبتی دل به دنیا بیشتر می گردد اگر این فکر تشدید یابد بلند بلند برای قبر و قیامت می گرید و از تهیدستی سرای آخرت در فغان و در غوغاست. چنین انسانی کمتر برایش زر، زینت، زور، هیبت و تزویر مکر و حیلت دارد. عن ابی عبیده قال: قلت لابی جعفر (ع): ((حدثنی ما انتفع به فقال: یا ابا عبیده اکثر ذکر الموت فانه لم یكثر ذکره انسان الا زهد فی الدنیا؛ ابو عبیده می گوید به امام باقر (ع) گفتم: سخنی را برایم بفرما تا به وسیله آن بهره برم سپس حضرت فرمود: ای ابو عبیده بسیار یاد مرگ کن زیرا یادآوری مرگ به انسان نمی افزاید مگر زهد در دنیا را

(( (المحجه البيضا، ملا- محسن فيض كاشاني، ج ٨، ص ٢٤١). ولي چون اين راه حل در درازمدت به دست مي آيد علاوه بر آن مي توان دست به نقد، قبل هر اقدامي و تصميمي و بعد از هر پيشنهادي عميقاً" به فكر و مشورت درجواب آن پرداخت تا به همان اندازه از فريب زر و زور و تزوير در امان ماند.

## راهكارهاي فرهنگ سازي در محيط دانشگاهي را بيان نماييد .

### پرسش

راهكارهاي فرهنگ سازي در محيط دانشگاهي را بيان نماييد .

### پاسخ

در مورد سوالي كه مطرح فرموديد نكات ذيل را به عرض مي رسانم البته مطالب ارايه شده شما نمائي از يك طرح است . براي فرهنگ سازي دريك محيط ابتدا بايد فرهنگ مورد نظر را به صورت كامل شناخت و نسبت به مباني اعتقادي و علمي آن آگاهي كسب كرد زيرا كه لازمه نشر و اشاعه يك فرهنگ آن است كه ابتدا آن فرهنگ و مباني آن را بشناسيم و به آن معتقد بوده و ايمان داشته باشيم و با تصميم و اراده جدي به لوازم آن عمل كنيم و آنگاه براي تبليغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماييم در واقع اگر هر كسي به آيين و آداب و رسوم فرهنگ مورد نظر پاييند باشد خود موجب ترويج و نشر آن فرهنگ مي شود . بنا بر اين راهكارهاي زير به طور كلي توصيه مي شود : ١- نسبت به فرهنگ مورد نظر به صورت مشخص آگاهي كسب كند و مثلاً " با فرهنگ اسلام آشنائي پيدا كني . ٢- با دقت ، تامل ، مطالعه و تحقيق ايمان خود را به آن فرهنگ تقويت و تعميق بخشي . ٣- راهكارهاي تحقق و دست يابي به اهداف فرهنگي خود را با مطالعه و تفكر و جلسات مشورتي و بحث و تبادل نظر مشخص كنيد ( اهداف عيني ، قابل تعريف و اندازه گيري نه كلي مبهم نامعلوم ) . ٤- سعي كنيد هدف كلي را به اهداف جزيي تر و به صورت مرحله به مرحله تجزيه نماييد . ٥- با مشخص شدن نحوه اجرائي كار و دست يابي به اهداف با توكل بر خدا كار را به تدريج

آغاز کنید و ضمن آنکه خود صمیمانه به آنها عمل می کنید با روش های پسندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایید. به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسلامی : ۱- ابتدا اعتقاد و ایمان خود به اسلام و اعتقادات دینی اسلامی را تقویت کنید. ۲- مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را مشخص کنید مثل : اعتقادات صحیح، نماز، حجاب، احکام شرعی، شکل روابط صحیح فردی و اجتماعی، اخلاق اسلامی و ... ۳- پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلاً: " برای گسترش اعتقادات صحیح اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟ - تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیحو موردپسند. - برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف. - برگزاری کلاسهای عقیدتی. - برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور افراد متبحر. - تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری. - مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده. ۴- اجرای یک یک راههای بدست آمده. ۵- امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها. ۶- تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.؛

### چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم؟

#### پرسش

چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم؟

#### پاسخ

در این باره لازم است اصول و ضوابطی که به آن اعتقاد داریم مراجعه کنیم از جمله : ۱- حفظایمان و اعتقاد خودمان از همه چیز مهمتر است نباید عملی انجام دهیم که به دینداری ما صدمه زند. ۲- تقویت بچه های مذهبی از نظر روحی و روانی لازم است و مذهبی ها نباید تضعیف شوند اگر هم به آنان انتقادی داریم بیان انتقاد نباید به تضعیف آنان بیانجامد. ۳- امر به معروف و نهی از منکر مصادیق و انواع گوناگون دارد، گاه با رفاقت و دوستی می توان این کار را انجام داد گاه با کنار کشیدن و به کار خود مشغول بودن گاه با بی اعتنایی و گاه ... باتوجه به این اصول و ضوابط اگر برقراری روابط و رفات با آنان با این اصول سازگار است اشکال ندارد. در عین حال برخوردهای نسنجیده و ناگهانی وبدون زمینه و مقدمه وبدون طرح و برنامه صحیح نیست.؛

### قیام امام حسین((علیه السلام)) چه آثاری در جامعه اسلامی بر جای گذاشت؟

#### پرسش

قیام امام حسین((علیه السلام)) چه آثاری در جامعه اسلامی بر جای گذاشت؟

#### پاسخ

ارزیابی حادثه خونین کربلا و آثار و نتایج این قیام پرشور و فداکاری بی نظیر، نیازمند مطالعه ای گسترده است. این حقیقتی است که از مطالعه نوشته های دانشمندان به دست می آید. درسهایی که قیام امام حسین ((علیه السلام)) به ما می آموزد بسیار است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

۱. هدف اصلی مصلحان حقیقی و پاسداران حق، تحکیم حق، کوبیدن باطل، احیای نام خداوند، مواسات، اعتلای دین و آزادی و عدالت اجتماعی است تا در پرتو آن طبقات محروم و ستمدیده بتوانند از حق خویش برخوردار شوند. امام حسین ((علیه السلام)) می دید که ملت اسلام در اثر تبلیغات سوء دشمن، فساد و ستم را پیشه کرده و عدالت، حریت و کمالات را به فراموشی سپرده و به تبهکاری و بندگی شهوات روی آورده است. امام حسین ((علیه السلام)) می دید که قوانین الهی در حال فراموشی و نابودی اند و اسلام عزیز فدای هوسرانیهای افراد نالایق و خواسته های شوم بلهوسان شده است. پس قیام کرد و با نهضت خود اسلام را جانی تازه بخشید.

۲. امام حسین ((علیه السلام)) به مردم فهماند که ملت اسلام و بلکه هر ملتی باید از زیر بار ستم نجات یابد.

۳. با قیام امام حسین ((علیه السلام)) احکام اسلام و برنامه های عالی دینی و توحیدی پس از آنکه مدّت ها در حال فراموشی بود، دوباره محور زندگی مردم قرار گرفت.

۴. قیام امام حسین ((علیه السلام)) این بصیرت را به مسلمانان داد که اسلام بالاتر از همه چیز است و برای برقراری آن باید از همه چیز گذشت و

برای بزرگداشت احکام و سنن آن فداکاری کرد.

۱۶۷۰

۵. نهضت عاشورا درس دینداری و استقامت در برابر ظلم و کفر به مسلمانان و انسان ها داد و روح شهادت و شجاعت را در مسلمان ها زنده کرد.

۶. قیام کربلا احساسات و عواطف دینی مردم را برانگیخت تا همه بدانند در پیشگاه چه کسی باید خضوع کرد.

۷. حادثه خونین کربلا موجب تأسیس مکتب عالی فضیلت و تعلیم تربیت صحیح شد که خود رمز بقای مذهب تشیع و اسلام است.

۸. این قیام زمینه ساز محکومیت بنی امیه در ذهن مسلمانان و سایر ملل جهان شد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۶۷۱

**چگونه می توان جوانی را که در آستانه بلوغ است، به پیروی از دستورات دینی دعوت کرد؟**

**پرسش**

چگونه می توان جوانی را که در آستانه بلوغ است، به پیروی از دستورات دینی دعوت کرد؟

**پاسخ**

انسان فطرتاً طالب سعادت و رستگاری خویش است و از عوامل زیان بخش می گریزد. یگانه وسیله ای که سعادت انسان را در تمام جنبه های زندگی تأمین می کند، پیروی از دستورات دینی است؛ زیرا قوانین دینی را خداوند - که دارای علمی محیط و گسترده و آگاه به تمام نیازهای انسان در زندگی است - مقرر فرموده است و مخالفت با قوانین الهی سبب کیفر و مجازات در دنیا و آخرت است. بر این اساس، کسی که به حد بلوغ رسیده باشد، باید در احکام دینی از مجتهدی که شرایط تقلید را دار است، احکام را فرا گرفته، به آنها عمل کند، تا به سعادت در زندگی نایل گردد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

**چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟**

**پرسش**

چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟

## پاسخ

امکانات تبلیغی اگر تمام همت خویش را به کار گیرند باز این انحراف به چند دلیل خواهد بود.

۱. آزادی انسان.

۲. مطابقت این برنامه ها با تمایلات آدمی به ویژه در سنین جوانی.

۳. ضعف عملکرد در گسترش فرهنگ ازدواج.

۴. تهاجم فرهنگی غرب.

در قرآن می خوانیم «یرید الانسان لیفجر امامه یسئل ایاں یوم القیامه» انسان می خواهد که گناهکاری پیشه کند و به همین خاطر، مبانی دینی را هم مورد تردید قرار می دهد. در نظام اسلامی انسان مجبور به اطاعت نمی شود. بلکه باید خوبی را انتخاب کند.

با همه این احوال، باید معترف به برخورد ضعیف و عدم برنامه ریزی صحیح در این باره اعتراف نمود به ویژه آنکه گاهی دشمنان مقاصد خویش را از راه به ظاهر دوستان اجرا می کنند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲

**با مجموعه از جوانان هستیم و می خواهیم کار تبلیغی داشته باشیم تا در مسیر هدایت و ارشاد قرار گیرند. کیفیت برنامه به صورت بهتر چگونه است؟**

## پرسش

با مجموعه از جوانان هستیم و می خواهیم کار تبلیغی داشته باشیم تا در مسیر هدایت و ارشاد قرار گیرند. کیفیت برنامه به صورت بهتر چگونه است؟

## پاسخ

۱. مهم ترین موضوع قبل از هدایت و ارشاد شناخت جوان و روحیه اوست، پس کار و حوصله می طلبد.

۲. جوان از حدود ۱۳ تا ۱۹ سالگی نوجوان نامیده می شود. و مهم ترین ویژگی این دوران همراه تغییرات جسمانی، موضوع

هویت طلبی است. او می خواهد هویت خویش را کشف کند و الگویی را انتخاب نموده و پیروی کند. پس با این خصوصیت باید برنامه ریزی کرد.

۳. به مجموعه آنها شخصیت بدهید و با احترام برخورد کنید. خود نگهداری این جمع برای اهداف عالی اسلام و تشیع عزیز که بهترین الگوها را می دهد مطلوب است.

۴. در مرحله بعد در سه موضوع کلاس بگذارید.

الف: انسان شناسی یا خودشناسی (که رسول اکرم ((صلی الله علیه و آله)) فرمود: هر کسی خود را شناخت خدا را خواهد شناخت).

ب: جهان شناسی یا همان سیر آفاق (با این توجه که در جهانی با حساب و هدف زندگی می کنیم).

ج: تاریخ

اسلام

ائمه ((رحمه الله))

۵. معاصر ۵. توجه داشته باشید که برای کلاس ها از روحانیان و اساتیدی کمک بگیرید که با صمیمیت کار می کنند و گرنه حاصل نخواهد داشت. چون صمیمیت در این دوران از

۴

طرف والدین (در مرحله اول) و سپس از مربیان بسیار سازنده خواهد بود.

۶. از بزرگی کار نترسید خداوند کسانی را که دین او را یاری کنند یاری می کند. (قرآن)

(بخش پاسخ به سؤالات)

۵

**چگونه کسی که از دین بریده است، با دین آشتی دهیم؟**

**پرسش**

چگونه کسی که از دین بریده است، با دین آشتی دهیم؟

**پاسخ**

قدم اوّل علت یابی است. فهرست این علل...

۱. گرایش سنتی و یا عاطفی به دین. روشن است که این اساس زود متزلزل می شود. و راه این است که مذهب اصیل معرفی شود. مذهب اصیل با تفکر شروع می شود پس کفایت با تفکر به نیاز به مذهب شروع کنیم. آنگاه می بینیم انسان در گذشته و انسان معاصر به شدت در جستجوی دین بوده و هست. در این باره شواهد زیادی هست. انسان غیب را می خواهد و به آنچه که هست خشنود و آرام نمی شود.

۲. رفتار ناپسند دیندارانه بی مبالا - و راه این است که با موارد شایسته و رفتار خود خویش این تنفر را از ذهن و دل شخص بزدایم.

۳. عدم پاسخ به سؤال های شخص. پس باید این فرد را با اشخاص و نهادهای پاسخگو و یا کتاب های خوب مرتبط نمود.

۴. احساس مخالفت دین با ارضای هواهای نفس و به تعبیر دیگر مانع دیدن دین برای انجام گناهان. در اینجا نیز باید شخص را از این توهم بیرون آورد که دین با ارضای تمایلات طبیعی انسان مطلقاً مخالف است و این تحدید و مرز گذاشتن دین به سود اوست چون او را از صدمات هرزگی و بی بندوباری حفظ می کند و از تکراری شدن و دلزدگی از ارضای نیازها نیز نجات می دهد. تازه همه باید بدانیم دنیا جایگاه مزاحمت هاست انسان هرگز میدان کاملی برای ارضای همه هوی نخواهد یافت.

۷

۵. فرصت دادن و استمرار بر مقصد. این کار شکیبایی می خواهد چنانکه پیامبر اکرم ((صلی



الله علیه وآله)) برای آن جوان یهودی ۴ سال آزار تحمّل کرد تا جوان اسلام آورد.

۶. احتمالات دیگری نیز موجود است که برای مثال تغذیه حلال در پذیرش حق مؤثر و تغذیه حرام مانع محسوب می شود. توجه به این احتمالات نیز در تسهیل کار، مطلوب است.

۷. کتاب علل گرایش به یادگیری از شهید مطهری توصیه می شود.

( بخش پاسخ به سؤالات )

۸

### آیا می توان با کنار نگذاشتن ارزشهای اسلامی و انسانی در علم و صنعت پیشرفت کرد؟

#### پرسش

آیا می توان با کنار نگذاشتن ارزشهای اسلامی و انسانی در علم و صنعت پیشرفت کرد؟

#### پاسخ

چنانکه ارزشهای انسانی و اسلامی تضادی با صنعت و تکنیک داشتند ممکن بود سؤال شود که چگونه با وجود این رازشها می توان به صنعت دست یافت، ولی اعتقاد به ارزشهای اسلامی و انسانی مستلزم این است که انسان خویشتن را به فضایل و کمالات انسانی آراسته کرد، خویشتن را از اخلاق زشت تزکیه نماید. انسان برای پرستش خداوند در این جهان آمده، تا از رهگذر انجام وظایف عبودیت به کمال مطلوب، که قرب به خدا است، نایل گردد. بدیهی است که لازمه این امر این نیست که انسان از علم و صنعت بهره نبرد؛ بلکه علم و تکنیک، خود می تواند وسیله ای برای نیل به این هدف باشد.

آری کسانی که از اسلام این برداشت را دارند که باید از زندگی مادی فاصله گرفت و به هیچ یک از نعمتهای دنیوی توجه نکرد و همواره مشغول به عبادت بود و به طور کلی زهد در دنیا را این گونه تفسیر می کنند، زمینه ای برای آن شبهه وجود خواهد داشت؛ اما براساس برداشت صحیح از اسلام و تعالیم حیات بخش آن که اسلام دینی جامه و کامل است، دستورات آن تمام ابعاد زندگی را شامل می شود و همان گونه که برای زندگی آن جهان تکالیف و وظایفی قرار داده، برای این جهان نیز احکام و دستورات حیات بخشی

۱۰

E مقرر فرموده است، استفاده از علم و صنعت، نه تنها ممنوع و مذموم نیست بلکه مورد تاکید نیز هست؛ چرا که اساساً اسلام، دین علم و دانش

است و اینکه مسلمانها از کاروان تمدن و صنعت عقب مانده اند، نه به خاطر اعتقاد دینی آنان، بلکه به دلیل عمل نکردن به تعالیم اسلام است. همچنانکه پیشرفت علمی و صنعتی غرب به این دلیل نبوده است که از اسلام فاصله گرفتند و به مسیحیت گرایش پیدا کردند. چرا که کلیسای مسیحیت در صول چند قرن [قرون وسطی] با علم و پیشرفتهای علمی مخالفت می کرد.

امید است که انقلاب اسلامی ایران بتواند حقیقت اسلام را، آنچنانکه هست، به دنیا معرفی کند و با پیشرفت گسترده علم و تکنیک در ایران اسلامی کشورما به عنوان الگویی از یک کشور اسلامی معرفی شود و از این رهگذر مسلمانان و همه ملل جهان ره متوجه اسلام سازد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۱

### چرا ما مسلمانان دروغگو و حيله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟

#### پرسش

چرا ما مسلمانان دروغگو و حيله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟

#### پاسخ

در این پرسش چند موضع دقیق نهفته است:

۱. یکی از علت‌های ایجاد این پرسش، تصور ناصحیحی است که از اخلاق غربیان داده شده و آن اینکه آدمها دروغ نمی گویند... در حالی که حقیقت این نیست، نظام حاکم بر آن جامعه و نظارت‌های الکترونیکی در خیابانها، فروشگاهها و محل کار، اخلاق امانت دارانه را تحمیل می کند. و هیچکس نمی تواند به راحتی خطا کند، چنانکه اگر کس در خیابانها از چراغ قرمز رد شده و یا تخلفی دیگر انجام دهد، با چشماهای الکترونیکی ضبط شده و خلافکار تنبیه می شود.

این اخلاق زیربنای صحیحی ندارد و از ارزش اخلاقی که با اراده و تصمیم و انتخاب شخص متحقق می شود، برخوردار نیست. دلیل روشن آن این است که زمانی که برق به مدت دو ساعت در نیویورک می رود، بدترین دزدیها و تجاوزها انجام می شود. البته هیچ گاه منظور ما انگار رفتارهای خوب آنان نیست.

۲. در ضمن آنکه به بدی بسیاری از رفتارهای خود اعتراف داریم، باید توجه داشته باشیم که فرهنگ اسلامی عقاید و زیربنای متین و محکمی را به مسلمان ارائه می دهد، که براساس آن زیباترین جلوه های راستی و صداقت شکل می گیرد. اما شیطان که دشمن قسم خورده انسان مؤمن است، برای تخریب عقیده ها اقدام می کند. وقتی نتوانست ریشه عقاید را بخشکاند به سراغ اعمال می رود. در حالی که فرد بی اعتقاد در حزب شیطان است و دلیلی برای وسوسه او نیست. این حقیقت را زمانی به

خوبی در می یابیم که تصمیم بر اصلاح خویش می گیریم. در این زمان هجوم شیطان و

۳

وسوسه های گسترده تر می گردند.

۳. اگر برای اصلاح رفتار انسان از روش مکتبی کمک نگیریم و کنترل و نظارت‌هایی مثل امر به معروف و نهی از منکر ترک بشود، چنین فجایع اخلاقی گسترده تر می شود، در حالی که اگر در جوامع غربی این ساختار دفاعی وجود ندارد، کنترل و نظارت الکترونیکی و قانونی را اعمال می کند.

۴. فراموش نکنیم در همین جامعه ای که از آن شاکی هستیم، بسیاری ملکات اخلاقی هست که قابل ستایش است. و از فسادهای گسترده پنهان و پیدای غرب نیز نباید غافل شد.

۵. راه نجات همانا گسترش و تقویت ایمان و نظارت های مکتبی و قانونی می باشد، که به قاطعیت محتاج است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴

**آیا اگر رویدادهای اسلامی را با تقویم شمسی حساب کنیم، بهتر نیست؟**

**پرسش**

آیا اگر رویدادهای اسلامی را با تقویم شمسی حساب کنیم، بهتر نیست؟

**پاسخ**

بزرگداشت رویدادهای تاریخ اسلام بر همه مسلمانان لازم است. اگر تقویم آنها قمری باشد - که مسلمانان یا دست کم تمام شیعیان در آن با یکدیگر متفقند - با اتحاد و یگانگی سازگارتر است؛ زیرا بسیاری از شیعیان در غیر ایران زندگی می کنند و اگر در ایران تقویم شمسی معیار باشد و در غیر ایران، تقویم قمری، گونه ای پراکنندگی و از همگسیختگی میان مسلمانان پدید می آید؛ در حالی که مسلمانان بیش از هر چیز به یگانگی و هماهنگی نیازمندند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۳۹۱

**برای جلوگیری از مفاسد خانوادگی چه کارهایی بایستی صورت گیرد؟**

برای جلوگیری از مفاسد خانوادگی چه کارهایی بایستی صورت گیرد؟

پاسخ

یکی از موضوعاتی که برای انسان بسیار اهمیت دارد، موضوع خانواده و شناخت موانع و عوامل رشد آن است. زیرا؛ آخ ۵ بر اثر مسخ یا فراموشی ارزش های انسانی و اسلامی، کارایی تربیتی خانواده از بین می رود و در عوض کانونی برای مفاسد و مشکلات اخلاقی و روانی می شود. اگر به ارزش هایی که باید در یک خانواده حاکم باشد، بی توجهی شود هرگز نمی توان انتظار تربیت فرزندان صالح داشت. اما در رابطه با سؤال شما، ما به بعضی از علل مفاسد و کارایی غلط خانواده اشاره می کنیم و راه های جلوگیری از آن را بیان می کنیم.

۱) ملاک غلط در انتخاب همسر: خانواده از انتخاب و خواستگاری شروع می شود. نکته بسیار مهم در این جا ملاک انتخاب همسر است. یعنی پسر و دختر چه معیاری برای ارزش گذاری یکدیگر دارند. اگر ملاک انتخاب همسر صرفاً مسائل مادی و زیبایی ظاهری باشد، چنین ازدواجی از استحکام زیادی برخوردار نیست. زیرا با زوال مال و زیبایی همسر ازدواج هم متزلزل می شود. بر همین اساس بسیاری از دختران و پسرانی که بر اثر یک آشنایی سطحی به یکدیگر علاقه مند می شوند، پس از ازدواج عشق و علاقه شان از بین می رود و ادامه زندگی ناممکن می شود. اما اگر ملاک در انتخاب همسر اخلاق و ایمان و ویژگی های انسانی باشد، نظام خانواده پابرجا خواهد ماند.

۲) نداشتن هدف صحیح در ازدواج: بسیار از زوج ها دقیقاً نمی دانند به چه دلیل باید ازدواج کنند. فقط به صرف این که یک نیاز طبیعی و یک کشش عاطفی به جنس مخالف پیدا می کنند تن به ازدواج می دهند. معمولاً چنین ازدواج هایی دچار مشکل

می شود. زیرا اگر ببینند برای ارضای نیازهای غریزشان راه های آسان تری هم یافت می شود، خود را از قید و بند ازدواج می رهانند.

چنان چه هم اکنون در بین جوانان غربی ازدواج سنتی در حال افول است. اما کسانی که اهداف عالی و انسانی از ازدواج دارند، مثل رسیدن به آرامش (روم، آیه ی ۲۱) و تربیت فرزندان صالح، از فروپاشی و تزلزل خانواده محفوظند.

۳) عدم آگاهی از وظائف همسری: برخی از مردان فکر می کنند زن گرفتن یعنی خدمتکار برای خود گرفتن است. از زنانشان انتظار دارند تمام کارهای منزل را بکنند و همیشه مطیع و دست به سینه در مقابل فرامین آن ها باشند. همچنین بعضی زنان تصور می کنند شوهر گرفتن یعنی مردی را به خدمت گرفتن که به وسیله او آرزوهای بر باد رفته در منزل پدر را عملی کنند و در مقابل خواسته های نامحدودشان تسلیم محض باشند.

وقتی زن و مرد به زندگی این طور نگاه کنند، توقعات شان از یکدیگر بالا می رود و صحنه زندگی به جنگ و نزاع دائمی مبدل می شود. این در حالی است که وظیفه اصلی مرد و زن محبت کردن و عشق ورزیدن به یکدیگر است، نه توقع داشتن و امر و نهی کردن. انسان هرگز معشوق خود را به زحمت نمی اندازند، بلکه عاشقانه برای راحتی او تلاش می کند. زن و شوهر یعنی دو عاشق و دو معشوق، نه یک عاشق و یک معشوق.

۴) نداشتن گذشت و فداکاری: خاصیت ازدواج این است که «من» به «ما» تبدیل می شود. یعنی زن و مرد از خودخواهی بیرون می آیند و خواهان آسایش و موقعیت دیگری هم هستند.

اما یک خانواده فاسد به این مرحله نمی رسد. مرد فقط به فکر

خود است، کاری با همسر و فرزندانش ندارد. در این خانواده ها اگر کوچک ترین مشکلی به وجود بیاید، هر یک از آن ها سعی می کنند مشکل را به گردن دیگری بیندازد و خود را از معرکه بیرون بکشد. در واقع ایشار و فداکاری و گذشت و مهربانی وجود ندارد و هیچ کس به دیگری احترام نمی گذارد. بلکه هر کدام که از قدرت بیشتری برخوردار باشد به اعضای دیگر زور می گوید و آن ها را به خدمت خود می گمارد. تنها راه جلوگیری از این حالت، کنار گذاشتن خودخواهی و رعایت حقوق هر یک از اعضا است.

۵) عدم آگاهی از روش های تربیت فرزند: تربیت فرزند یکی از مشکل ترین و در عین حال مهم ترین وظایف خانواده هاست. خانواده می تواند یک فرزند را به یک جانی خطرناک تبدیل کنند. چنان چه می تواند از او انسان صالحی به وجود آورد که جهانی را به نور علم و ایمان روشن گرداند. تربیت صحیح نیازمند روش صحیح است. بسیاری از والدین از روش های تربیتی هیچ اطلاعی ندارند، تنها راه تربیتی آن ها، امر و نهی و خشونت و کتک کاری است. روشن است فرزندان که دائماً به خاطر هر اشتباه کوچک و بزرگی تنبیه شده و به انواع مختلف آزرده خاطر می شوند تبدیل به انسانی های عقده ای و روانی می شوند و برای آینده جامعه بسیار خطرناک خواهند بود. اما اگر تربیت فرزند توأم با صبر و متانت و مهربانی و تشویق باشد و کرامت و احترام فرزندان حفظ شود، یقیناً آنان انسان های صالح و نیکوکاری خواهند شد.

۶) عدم توجه به ارزش های مذهبی: در بعضی از خانواده ها توجهی به ارزش های مذهبی از قبیل نماز، روزه، و تقوی و خداشناسی نمی شود

و به جای آن فقط به فکر مادیات و راحتی مادی هستند. خود به خود فرزندان در چنین خانواده ای هرگز با دین و معارف بلند آن آشنا نمی شوند و به افرادی لابلالی و بی دین تبدیل می شوند.

نتیجه ای که عائد افراد می شود علاوه بر بی بند و باری اخلاقی، رسیدن به پوچی و بی معنا بودن زندگی است. همان طوری که امروزه در غرب جوانان به پوچی و خلاء معنوی رسیده اند و با این که والدین آن ها از تمام روش های تربیتی و روان شناسی برای تربیت آنان استفاده می کنند، ولی جوانان از رنج بزرگ نداشتن هدف از زندگی رنج می برند و چه بسا دست به خودکشی هم می زنند.

۷) آزادی بیش از حد: همان طور که سختگیری زیاد باعث فساد و تباهی در جریان خانواده می شود، آزادی زیاد هم سبب توقف رشد اخلاقی و شخصیتی اعضاء، خصوصاً فرزندان می شود. در روایات اسلامی آمده که کودکان را تا هفت سال اول زندگی آزاد بگذارید، ولی در هفت سال دوم به آن ها تربیت و اخلاق و علم را آموزش دهید و در هفت سال سوم آن ها را مشاور خود قرار دهید و به نظراتشان احترام بگذارید. این در حالی است که در بعضی خانواده ها هیچ بهایی به فرزندان داده نمی شود و در بعضی دیگر بدون این که برای تربیت و اصلاح اخلاقی فرزندان قدمی بردارند، آنان را در هر کاری آزاد می گذارند. این هم یکی از عوامل فساد خانوادگی است.

البته همان طور که گفتیم این ها بخشی از عوامل مفسد خانوادگی و راه های جلوگیری از آن بود که بیان شد. اگر شما خواهان اطلاعات بیشتری هستید باید به کتاب های فراوانی که در این

زمینه تألیف شده است مراجعه نمایید. ر.ک:

۱. آئین همسر داری، ابراهیم امینی

۲. آئینه ازدواج و روابط همسران، دکتر افروز

**برای این که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ما همگانی گردد و همه افراد از این وظیفه الهی که دارند هیچ هراسی نداشته باشند، چه باید کرد؟ (با این توضیح که این یک امر واجب است و البته در سطح جوانان کارساز نبوده است.)**

### پرسش

برای این که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ما همگانی گردد و همه افراد از این وظیفه الهی که دارند هیچ هراسی نداشته باشند، چه باید کرد؟ (با این توضیح که این یک امر واجب است و البته در سطح جوانان کارساز نبوده است.)

### پاسخ

در پاسخ این سؤال چند تذکر لازم است:

۱- به نظر می رسد یکی از عوامل مهم کم رنگ بودن این اصل حیاتی در جامعه اسلامی و علت حساسیت نداشتن مردم نسبت به آن، نگرش سطحی و شعار گونه مردم و مسئولین نسبت به آن است. اگر مسئولین نظام و مردم بدانند که حفظ اسلام و نظام اسلامی و اجرای احکام الهی (عدالت، حدود، عبادات و...) به معنای واقعی اش تنها در پرتو اجرای عملی امر به معروف و نهی از منکر میسر است (چنان که امام باقر(ع) فرمود: *بها تُقَامُ الْفَرَائِضُ*) و از طرفی با تعطیل شدن این اصل، از {P} - وسائل، ج ۱۶، ص ۱۱۹. {P}

اسلام و نظام اسلامی جز اسم چیزی باقی نمی ماند، قطعاً با حضور جدی و گسترده خویش در برابر حکم حیاتی الهی، رسالتشان را انجام خواهند داد.

۲- از طرفی منحصر کردن امر به معروف و نهی از منکر در برخی مسائل فرعی و غفلت از منکرات اساسی جامعه مانند فقر، تبعیض، رباخواری، فساد اداری و... از دیگر اسباب بی تفاوتی جامعه در برابر این اصل اسلامی است. طبعاً برای مردم این سؤال مطرح می شود که چرا نهی کنندگان در برابر منکرات اصلی جامعه نظیر بی عدالتی، مفساد اقتصادی و... واکنش و حساسیت لازم را نشان نمی دهند. بنابراین توسعه قلمرو امر به معروف و نهی از



منکر به تمامی اموری که به مصالح فردی و اجتماعی منتهی می گردد، از جمله راه هایی است که در تعمیم این فرهنگ در اقشار مختلف جامعه نقش بسزایی خواهد داشت.

۳- نهادینه کردن فرهنگ والای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و این که روح این اصل قرآنی به حضور و مشارکت و نظارت دائمی مردم و مسئولین نسبت به عملکرد یکدیگر بر می گردد، می تواند تأثیر زیادی در همگانی کردن این اصل داشته باشد و در نتیجه هراس از اجرای آن را نیز از بین ببرد. اگر روحیه تملق گویی و مداحی بیجا در جامعه مورد سرزنش قرار گرفته، بجای آن روحیه انتقادگری سازنده مورد تقدیر قرار گیرد و سیره نبی اکرم (ص) و امامان (ع) در زمینه اهتمام {P- «کُونُوا نُقَاةَ الْكَلَامِ»، بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۶؛ «أُحْتُوا التُّرَابَ عَلَيَّ وَجْهَ الْمَدْحِينَ»، الفروق اللغویه، ابوهلال عسکری، ص ۲۰۲. {P

جدی آنها به اصل امر به معروف و نهی از منکر برای مردم بازگو گردد، تأثیر فراوانی در تثبیت نظام اسلامی و گرایش مردم به اجرای این اصل خواهد داشت و در نتیجه جوانان نیز که قشر عظیمی از جامعه را تشکیل می دهند بیش از گذشته جذب دین خواهند شد.

۴- به کارگیری شیوه های منطقی و عقلایی نیز می تواند در تعمیم فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر تأثیر بسزایی داشته باشد. امر به معروف هرگاه فاقد شناخت لازم از مراتب امر به معروف و نیز آشنایی با روحیات مخاطبش باشد قادر به استفاده از بهترین شیوه در اجرای وظیفه خود نخواهد بود. از این رو لازم است متولیان فرهنگی نظام، آموزش های لازم را؛ به نسبت به مراتب

امر به معروف و نیز به کارگیری بهترین شیوه های اجرایی آن مبذول دارند. خلاصه آن که تکلیف امر به معروف و نهی از منکر، همگانی بوده و تمامی اقشار جامعه به ویژه

مسئولین نظام اسلامی موظفند زمینه اجرای این اصل سرنوشت ساز و حیاتی را در جامعه فراهم کنند؛ مردم نیز در این زمینه باید از مسئولین نظام به طور جدی بخواهند تا با تدوین قوانین و ضوابط معقول و منطقی، حمایت های لازم را از آمرین به معروف نموده و زمینه های اجرایی همه جانبه این رکن دینی را فراهم کنند.

**با وجود نیروی مخلص بسیج، چرا باز هم متأسفانه شاهد مفاسد اجتماعی هستیم، بخصوص در مراکز آموزشی، و چرا با سازماندهی درست و کمک گرفتن از مبانی روانشناسی، سعی نمی کنید، جوانان را هرچه بیشتر به معنویت جذب کنید؟**

### پرسش

با وجود نیروی مخلص بسیج، چرا باز هم متأسفانه شاهد مفاسد اجتماعی هستیم، بخصوص در مراکز آموزشی، و چرا با سازماندهی درست و کمک گرفتن از مبانی روانشناسی، سعی نمی کنید، جوانان را هرچه بیشتر به معنویت جذب کنید؟

### پاسخ

سؤال از دو جنبه قابل بررسی است:

اولاً، باید بپذیریم در دهه دوم تهاجم و شیخون و غارت فرهنگی در غالب نفوذ عناصر در نهادهای فرهنگی صورت گرفته و نمی توان منکر این قضیه شد، از طرف دیگر برای حمایت از این عناصر رسانه های خارجی بویژه شبکه های تلویزیونی به زبان فارسی به صورت ۲۴ ساعته برنامه پخش می کنند به عنوان مثال، شبکه تلویزیونی آپادانی مأموریت تشکیک در آیات و روایات را به عهده دارد. شبکه NI TN و (تلویزون ملی ایران) مأموریت تشکیک در نظام دینی، و جدایی دین از سیاست را بر عهده دارد. پارس تی وی (PARS TV) شایعه پردازی علیه مسئولین نظام و همچنین ITV. علاوه بر این شبکه ها رادیویی نیز مزید بر علت می باشند.

ثانیاً: خود بسیج نیز با توجه به تبلیغات گسترده داخلی و خارجی علیه او بویژه بعد از دوم خرداد شرایط برای اجرای مأموریت سخت تر شده است، اگر به ایام انتخابات ۱۸ خرداد (انتخاب ریاست جمهوری) نگاه کنیم، بدترین ناسزاگویی ها در تجمعات علیه بسیج به صورت شعار مطرح می شود. اما علی رغم اینها تا جایی که امکان داشته و شرایط مناسب بوده بسیج حضور خودش را در تمام صحنه ها و در بین تمام اقشار جامعه حفظ کرده، به میزانی که شرایط مساعد شود وارد عمل می شود. اما اینکه فرمودید از مبانی روانشناسی جهت جذب جوانان به معنویت استفاده شود، این هم مطلب درستی است

که کمتر به آن پرداخته شده ولی به عنوان یک موضوع اساسی در دستور کار مسئولین فرهنگی بسیج هست.

**برای گسترش وهمه گیر شدن امر به معروف ونهی از منکر در جامعه چه باید کرد ؟ چرا این مسئله و آموزش آن در سطح مدارس وجود ندارد ؟**

**پرسش**

برای گسترش وهمه گیر شدن امر به معروف ونهی از منکر در جامعه چه باید کرد ؟ چرا این مسئله و آموزش آن در سطح مدارس وجود ندارد ؟

**پاسخ**

در رساله های عملیه واجبات وارکان امر به معروف ونهی از منکر به تفصیل آمده است از جمله اینکه : باید معروف ومنکر شناخته شود . پس برای همگانی کردن آن یک بحث تعلیم و آموزش معروف ومنکر را داریم . امّا در اقدام به آن از جمله کسانی که می توانند در این آموزشها مؤثر باشند روحانیون هستند و آموزش وپرورش با قرار دادن آن در دروس رسمی ، نماز جمعه ها ، مساجد ، رسانه ها وهمه نهادهایی که با عموم مردم در ارتباط هستند می توانند نقش مؤثری داشته باشند .

بطور کلی دشمن هرچه پنهان تر باشد قوی تر شده وشکست آن سخت تر می شود . لذا باید دشمن را معرفی کرد . یک سری از دشمنی ها با انقلاب صورت می پذیرد که مردم در تشخیص آنها نیازمند همین آموزشها هستند . ودر اجرای این فریضه باید یک هماهنگی میان قوای سه گانه با مردم وجود داشته باشد . در مسئله جنگ این هماهنگی بود . مشکل عمده بعد از معرفی منکر ومعروف عدم این هماهنگی است و وضع بگونه ای نیست که اگر حرکت عمومی در مقابل بعضی منکرات ، صورت پذیرفت ، جایگاه مشخصی داشته باشد واز آن حمایت شود . نیاز به یک سری آموزشهایی است که وقتی مردم به میدان دعوت می شوند نیروهای مسئول مثل انتظامات و ... هماهنگ باشند . اگر استقبال مناسب نباشد ونیروها یکدیگر را خنثی کرده

یا در مسئولیت خود اهمال کنند موفق نمی شوند .

برای شرکت عموم باید مجموعه های کوچکتر مانند تشکلهای مذهبی ، بسیجی ها احساس موفقیت کنند و بعد از آن مجموعه های بزرگتری اقدام کنند . اگر در این راه ابهام وجود داشته باشد و اول کسانی که آمادگی دارند و نیروهای پیشتاز محسوب می شوند ، متوقف شده نتایج مطلوبی بدست نیاورند یک حرکت عمومی شکل نمی گیرد .

البته این اشکال بیشتر متوجه مسئولین اجرایی است زیرا مردم وقتی دعوت رهبر خود را به این امر مهم می بینند در صحنه حاضر می شوند . مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید : " وقتی همه آحاد یک جامعه را موظف به امر به معروف و نهی از منکر می کنند ، این به چه معناست ؟ چه وقت ممکن است همه آحاد یک ملت امر به معروف و خیر و ناهی از منکر باشد ؟ آن وقت که همه در متن مسائل کشور به معنای واقعی حضور داشته باشند . همه باید به کارهای جامعه کار داشته باشند و اهتمام بورزند . همه باید آگاه باشند . همه باید معروف شناس و منکر شناس باشند . این به معنای نظارت ، حضور و همکاری عمومی است ، به معنی معرفت بالا- در همه است . امر به معروف به این معناست . والا- اگر ما امر به معروف را در یک دایره محدود آن هم بوسیله افراد معلوم زندانی بکنیم و دشمن هم در تبلیغات خودش سمپاشی کند که در ایران قرار است از این به بعد نسبت به زنهای بد حجاب اینجور عمل بشود ، این صحیح نیست آیا معنای

امر به معروف این است که این واجب به این عظمت را که قوام همه چیز به اوست ، بیاورند در یک دایره محدود در خیابانهای تهران . آن هم نسبت به چند نفر زن که وضع حجابشان مثلاً درست نیست ؟ این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه های گوناگون جامعه ؟ خیر ، قضیه بالاتر از این حرفها ست . تخلفها یک اندازه ویکجور نیست . تخلفها تنها تخلفهای فردی نیست . بالاترین تخلفها ، تخلفها وجرایمی است که پایه های نظام را سست می کند .

نا امید کردن مردم ، مأیوس کردن دلهای امیدوار ، کج نشان دادن راه راست ، گمراه کردن انسانهای مؤمن و با اخلاص ، سوء استفاده کردن از اوضاع واحوال گوناگون در جامعه اسلامی ، کمک کردن به دشمن ، مخالفت کردن با احکام اسلامی وپیاده شدن مقررات اسلام ، تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن ، منکرهای مهم است .

امروز دستهایی تلاش می کنند تا فساد را به صورت نا محسوس (نه آنجور که شما در خیابان ببینید وبفهمید ومشاهده کنید ) به شکلهای گروهکی وبا هدایت دشمن در بین جوانها ترویج کنند ، پسرها را به فساد وبی تفاوتی بکشانند ، اینها منکرات است . منکرات ، هم اخلاقی ، هم سیاسی وهم اقتصادی است . همه جا هم جای نهی از منکر است . یک دانشجو هم می تواند در محیط درس وعلم نهی از منکر کند . یک کارمند شریف هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند . یک کاسب مؤمن هم در محیط کار خود می تواند نهی

از منکر کند . یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می تواند نهی از منکر کند . روحانیون در محیطهای مختلف یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر و امر به معروف هستند . نمی شود این واجب بزرگ الهی را در دایره های کوچک محدود کرد .

این کار، کار همه است ، اینجور نیست که مخصوص عده خاصی مثل نیروهای مسلح یا نیروهای دیگر باشد ، کار همه است . البته هر کسی وظیفه ای دارد . من در پیام تشکری که منتشر شد عرض کردم که قشرهای مختلف باید جایگاه خود را در امر به معروف و نهی از منکر پیدا کنند . هر کس جایگاهی دارد . اینکه کجا باید نهی از منکر بکنید و در مقابل کدام منکر می توان اُمّا اگر پرسیده شود این ناهماهنگی تقصیر چه کسی است ؟ باید اعتراف کرد که موانعی برای عملی شدن این فریضه وجود دارد و آن وجود خطوط و جناحهای مختلف است که در روشهای اصلاح جامعه نظرهای مختلف ارائه می کنند و هر کدام برداشتی را از پیش خود ارائه می کنند و آن تبعیت از رهبری که باید در همه مسئولین باشد ، نیست . یکی از نتایج بسیار نامطلوب این جناح بندیها که فقط جنبه سیاسی هم ندارد مثل بحث آزادی و ... آنقدر اختلاف آراء و نظرها در مقابل خط رهبری مطرح می شود که از موانع اساسی اجرایی این فریضه است . این مانع وقتی به مسئولین دولتی سرایت می کند و آنها در اساس این فریضه و اجرای آن تردید می کنند یا بعضی از آنها خود به بسیاری منکرات مبتلا هستند این سبب بر زمین ماندن

این فریضه الهی می شود و راه نجات هم دست برداشتن از تشنه آراء و اختلافات سیاسی و گوش به فرمان رهبری بودن و اجرای اوامر ایشان و حفظ وحدت رویه و وحدت ملی است .

**راه حل نشان دادن چهره جذاب دین برای قشر جوان چیست و به عهده کیست ؟ و چگونه می توان با (بریدن سردین بوسیله دین ) مبارزه کرد.**

### پرسش

راه حل نشان دادن چهره جذاب دین برای قشر جوان چیست و به عهده کیست ؟ و چگونه می توان با (بریدن سردین بوسیله دین ) مبارزه کرد.

### پاسخ

آنچه در دین مطرح شده است هماهنگی با فطرت انسانها دارد و این کمال جوئی را وقتی به چشمه سار دین می رسانیم حلاوت آنرا اندکی بچشانیم این بطور قطع بدان آرامش می یابیم و آنرا در آغوش خویش می گیریم بنابراین دین خود جذاب است برای روشن شدن این حقیقت می توان کمالات انسانی را در مولای متقیان امیرالمؤمنین (ع) شاهد آورد مانند انصاف ، عدالت ، شجاعت ، حیا ، شرف ، یتیم نوازی و صفات دیگری که حتی دشمنان دین در برابر عظمت آن سرفرو می آوردند و گاهی ناچار به اعتراف می شدند و پروریدگانی مانند امام راحل در به اعتراف و اداشتن دشمن که اگر بتوانیم دین را که همان برخورداری از کمالات انسانی و الهی به نسل جوان برسانیم یقیناً مورد پذیرش و استقبال قرار خواهد گرفت البته متأسفانه گاه بین عمل ما آنچه دین مطرح نموده تفاوت بسیار است و در ذهن جوانان بین دین و رفتار مامسلمانان پیوندی برقرار شده که هرگز واقعیتی ندارد . چون ممکن است گاه اعمال ما هیچ مربوط با آنچه حقیقت دین مطرح می کند نباشد ، بنابراین به عهده تک تک ما نیست که واقعیت دین را درک نموده و آنرا به جوانان برسانیم ، البته در این وظیفه هر کدام از... و دیگران سهم خود را دارند. و اما نسبت به سؤال دوم حضرتعالی باید گفت اگر بتوانیم زمینه تقویت قوای فکری و عقلانی جوانان را تقویت نموده و آنها را به بصیرت و شناخت عمیق در مباحث دینی برسانیم و پایه و اساس دینداری که همان فهم و بصیرت در آن هست را در آنها تقویت نموده و از طرفی با آنها که

در قالب دین می خواهند به دین ضربه بزنند برخورد نمائیم می توان امیدوار بود که جوان ما از هجمه وسیع نسبت به ارزشهای دینی مصون بماند ، به وصیت نامه امام (ره) در این زمینه مراجعه کنید.

**جدیدا رسم شده که هیئتهای مذهبی در شهرستانها بالأخص مشهد مقدس سینه زنی را همراه با جهش و به سرو صورت کوبیدن انجام می دهند یا اینکه در حین مداحی مداح صداهای ناجور در می آورند حال سوال اینجاست که آیا این نحوه عزاداری برای اهل بیت و بخصوص برای امام حسین ( صحنی**

### پرسش

جدیدا رسم شده که هیئتهای مذهبی در شهرستانها بالأخص مشهد مقدس سینه زنی را همراه با جهش و به سرو صورت کوبیدن انجام می دهند یا اینکه در حین مداحی مداح صداهای ناجور در می آورند حال سوال اینجاست که آیا این نحوه عزاداری برای اهل بیت و بخصوص برای امام حسین ( صحیح است و تاثیر مثبت دارد یا اینکه بالعکس می باشد و نوعی بازار گرمی و شور کردن است که در این صورت ضربه ای ریشه ای به نهضت حسینی وارد می آید و در واقع اینگونه افراد طبق گفته زیارت عاشورا "و تابعت و شایعت علی قتله" می باشند ؟

### پاسخ

بدون شك فداکاری سید الشهداء ( و حادثه عاشورا و کربلا بزرگترین نقش و کاراترین ابزار در زنده ماندن اسلام و ارائه آن به نسلهای بعد را داشته و دارد و زنده نگهداشتن آن در همان شکل سنتی و حماسی و احساسی تداوم بخش تشیع و بیمه گر اسلام عزیز خواهد بود. بنابراین هر گونه عملکردی در راستای اهداف مذکور جایز و انجام آن مفید و بلا مانع است و آنچه دروغ و یا موجب وهن و بی پایگی مذهب و دین گردد ممنوع و غیر مجاز است به ویژه بانگیزه های دنیا گرایانه .

امام خمینی ( در این باره فرموده اند : باید ما محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت ( که با ذکر مصائب اهل بیت ( زنده مانده است این مذهب تا حالا با همان وضع سنتی، با همان وضع مرثیه سرایی و روضه خوانی . شیاطین به گوش شما نگویند که



ما انقلاب کردیم، حالا باید همان مسائل انقلاب را بگوییم و مسائلی که در سابق بود حالا دیگر منسی باید بشود، خیر.

ما باید حافظ این سنتهای اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر در مواقع مقتضی به راه می افتند (باشیم) تاکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند. محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. فداکاری سید الشهدا سلام الله علیه است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است زنده نگه داشتن عاشورا با همان وضع سنتی خودش

از طرف روحانیون، از طرف خطبا، با همان وضع سابق و از طرف توده های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم

از طرف روحانیون از طرف خطبا، با همان وضع سابق و از طرف توده های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم و منظم دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می افتاد باید بدیند که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند باید این سنتها را حفظ کنید. البته اگر یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام و منظم، دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می افتاد. باید بدانید که اگر بخواهیم نهضت شما محفوظ بماند باید این سنتها را حفظ کنید البته اگر یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام بوده آنها باید یک قدری تصفیه شود لکن عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند و گویندگان پس از اینکه مسائل روز را گفتند روضه را همان طور که سابق می خواندند و مرثیه

را همان طور که سابق می خواندند بخوانند و مردم را مهیا کنند برای فداکاری .

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای نیز در این باره فرموده اند: (۱)

س ۳۵۴: در حسینیه ها و مساجد بیشتر مناطق بخصوص روستاها مراسم شبیه خوانی به اعتبار اینکه از سنتهای قدیمی است برگزار می شود که گاهی اثر مثبتی در نفوس مردم دارد این مراسم چه حکمی دارند؟

ج: اگر مراسم شبیه خوانی مشتمل بر امور دروغ و باطل نباشند و مستلزم مفسده هم نباشند و با توجه به مقتضیات زمان باعث وهن مذهب حق هم نشوند اشکال ندارند ولی در عین حال بهتر است که به جای آنها مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب حسینی و مرثیه خوانی بر پا شود .

س: ۳۶۲: نظر شریف حضرتعالی نسبت به ادامه حرکت دسته های عزاداری در شبهای محرم تا نصف شب همراه با استفاده از طبل و نی چیست؟

ج: به راه انداختن دسته های عزاداری برای سیدالشهداء و اصحاب او ( و شرکت در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبی است و از بزرگترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می کند ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران می شود و یا فی نفسه از نظر شرعی حرام است پرهیز کرد.

س ۳۶۳: استفاده از آلات موسیقی مانند ارگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است ) و سنج و غیر آنها در مراسم عزادای چه حکمی دارد؟

ج: استفاده از آلات موسیقی ، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت

متعارفی که از قدیم متداول بوده برگزار شود .

س ۳۶۴: آیا آنچه متداول شده که به عنوان عزاداری برای امام حسین ( گوشت بدن را سوراخ کرده و قفل و سنگ کیلو به آن آویزان می کنند جایز است؟

ج: این گونه اعمال که موجب وهن مذهب می شوند جایز نیست .

۱ اوجوبه الاستفتائات، ج ۲، ص ۱۲۹ ۱۳۰

### بهترین راه مأنوس کردن نوجوانان با مضامین بلند عرفانی قرآن کریم چیست؟ شرایط توبه را لطفاً بیان فرمائید؟

#### پرسش

بهترین راه مأنوس کردن نوجوانان با مضامین بلند عرفانی قرآن کریم چیست؟ شرایط توبه را لطفاً بیان فرمائید؟

#### پاسخ

شکی نیست که آشنایی و تبیین مضامین و معانی بلند قرآن کریم برای آنها که فطرت خویش را سالم نگه داشته اند و در پیشگاه قرآن سر تواضع فرود آورده اند، انس ایجاد می کند. استاد جوادی آملی در کتاب قرآن در قرآن می فرماید: "اگر کسی به ره آورد تشریحی قرآن ایمان آورد و پا بر هوس خود گذاشت و در این راه کمی مقاومت نمود، خداوند او را برمی گزیند و هدایت پاداش خود را نصیب او می فرماید (الله یجتبی الیه من یشاء) کسی که فطرت خود را سرکوب و خاموش نکرده باشد، در پیشگاه هدایت قرآن سر تواضع و فروتنی را فرود می آورد و پس از آن، انس و الفتی بین او و قرآن ایجاد می شود و آیات نورانی آن در دل و جاننش می نشیند و او را بسوی لقاء الله صعود می دهد."

حال برای انس نوجوانان با قرآن و معانی آن اولاً- باید از کودکی چنین انسی را با تلاوت و آشنایی با زبان عربی برای فهم آیات دنبال نمود، ثانیاً- خود تلاوت قرآن که تأکید زیادی بر آن در روایات و کتب اخلاق شده است نقشی والا در ایجاد ارتباط با قرآن دارد.

ثالثاً رعایت شرایط قرائت و تدبر در آیات الهی می تواند قلوب را به حرکت آورد و دلها را تکان دهد.

رابعاً- رعایت واجبات الهی و ترک گناهان تأثیر زیادی در حیات دلها دارد و حیات دل رکن اساسی در استفاده از قرآن است  
كما اینکه کریمه شریفه "ان هو الا ذکر و قرآن مبین لینذر من کان

حیاً" بر آن دلالت دارد.

و اما شرایط توبه، معلوم است که توبه شرایطی دارد، اولین مرتبه آن پشیمانی از عملی است که مرتکب آن شده است لذا گفته اند التوبه الندم و مرتبه بالای آن در شش امر خلاصه می شود: ۱. ندامت و پشیمانی از گناهان گذشته ۲. تصمیم بر عدم عود بر معصیت ۳. ادای حقوق دیگران و جبران آن ۴. قضای فرائض فائمه ۵. ترس از گناهان گذشته و اصرار در طلب عفو ۶. به جای لذت گناه سختی طاعت را چشیدن.

تذکر: پرسشگر گرامی جهت برطرف شدن نواقص و عیوب کار و بهبود روند پاسخگویی، لطفاً بر گه های نظرسنجی سؤال را به این مؤسسه ارسال فرمایید.

### چرا مسائل فرهنگی در حرف بسیار گفته می شود ولی مسئولین اصلاً هیچ اهمیتی به فرهنگ ملت نمی دهند؟

#### پرسش

چرا مسائل فرهنگی در حرف بسیار گفته می شود ولی مسئولین اصلاً هیچ اهمیتی به فرهنگ ملت نمی دهند؟

#### پاسخ

برادر عزیز مرادتان از مسئولین کدام بخش مسئولیتی است، مسلماً رهبر بزرگوار انقلاب بارها این مسئله را تأکید داشتند و اهتمام شدیدی به آن دارند، ایشان می فرمایند: "مسئله فرهنگ در یک جامعه، یک مسئله حیاتی است، فرهنگ به معنای یک چیز زیادی و تجملاتی برای جامعه نیست، فرهنگ اساس است، اگر فرهنگ در یک جامعه، به معنای درست کلمه، فرهنگ صحیح باشد با هر تلقی که انسان از فرهنگ صحیح دارد طبعاً به نظر ما فرهنگ صحیح، آن فرهنگی است که با مبانی اسلامی و منطق و عقل و خرد، همسان و همگام باشد آن جامعه به سمت رشد اقتصادی و رفاه و آزادی و این چیزها هم حرکت خواهد کرد، یعنی این فرهنگ خوب، زمینه خواهد شد که جامعه، ثروتمند هم بشود، عالم هم بشود، از لحاظ سیاسی هم قدرت پیدا کند رهبر معظم انقلاب بارها به نهاد های مختلف فرهنگی بر انجام رسالت حقیقی خود تأکید ورزیده و در جای دیگر فرمودند، "باید اعتراف کنیم که در زمینه های فرهنگی، آن کار مطلوب و مورد انتظار را خیلی انجام نداده ایم، نه اینکه کس خاصی یا جمع خاصی مورد سؤال باشد، نه مجموعاً در زمینه های فرهنگی، ما کم کاری داریم، حتماً این را باید قبول کنیم ولی در این مدت شاید انتظار هم نباشد تحول کامل فرهنگی انجام شود" و در این جهت اگر مرادتان نهاد یا مسئول خاصی است، باید بخصوص مورد بررسی و توجه قرار گیرد.

**آیا بدلیل قباحت عرف عمومی جایز است ازدواج موقت بعنوان یکی از زیباترین راه حل های بحران جوانان که توسط خدا حلال شده است را ترک کرد ؟ راه حل اجرایی شما برای این مساله چیست؟**

#### پرسش

آیا بدلیل قباحت عرف عمومی جایز است ازدواج موقت بعنوان یکی از زیباترین راه حل های بحران جوانان که توسط خدا

حلال شده است را ترک

کرد؟ راه حل اجرایی شما برای این مساله چیست؟

## پاسخ

برادر بزرگوار شکی نیست که پاسخ سؤال اول شما منفی است یعنی نمی توان بواسطه قبح عرفی یک حکم شرعی جائز را حرام دانست. این امر با کمی توجه به مدارک احکام که بر اساس مصالح و مفسدات مبتنی است روشن خواهد شد البته در این جهت ممکن است ابهامات و شبهاتی در ذهن انسانها خصوصا خانمها مطرح شود که در کتب متعدد و توسط بزرگان بررسی شده و پاسخ داده شده است که از جمله آنها کتاب نظام حقوق زن در اسلام از شهید بزرگوار استاد مطهری است و آنچه نباید مورد غفلت واقع شود این است که باید دید عرف چرا اقبال عمومی نسبت به این موضوع نشان نداده است اگر علت آن بررسی شود و آن عوارض یا رفع گردد و یا روشن شده و پاسخ داده شود، بسیاری از این قباحت عرفی از بین می رود. مرحوم شهید مطهری در همان کتاب می فرمایند: "منفوریت ازدواج موقت در میان زنان، مولود سوء استفاده هایی است که مردان هوسران در این زمینه کرده اند." که خود ایشان سپس پیشنهاد نموده اند که قانون اگر قانون خوب و جامع تدوین شود می تواند جلوی آنها را بگیرد، یکی دیگر از مشکلات نوع نگاهی است که در مردم نسبت به مسئله ازدواج کلا هست که آنرا فقط برای ارضاء جنسی می دانند که قرآن کریم بزرگترین نفع آنرا "سکون" می داند و وقتی چنین دیدی نسبت به ازدواج داشته باشیم نوع نگاه ما بصورت نگاه به یک امر غیر مقدس بلکه شیطان خواهد

بود به هر حال اینکه راه حل اجرایی قضیه چیست؟ باید گفت ضمن یک کار فرهنگی وسیع و طولانی و تدوین قانونی جامع با رفع مشکلات و عوارض منفی احتمالی ازدواج موقت، می توان امیدوار به اجرای این حکم از احکام اسلام بود .

مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول (ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند .

برگرفته از : ۱ معاد، استاد مطهری (ره)

## آیا ایجاد یک فضای باز فرهنگی برای تبادل همه انواع فرهنگها در کشور ما امکان پذیر است یا نه؟

### اشاره

اگر امکان پذیر است آیا کاری در این زمینه انجام می شود؟

### پرسش

آیا ایجاد یک فضای باز فرهنگی برای تبادل همه انواع فرهنگها در کشور ما امکان پذیر است یا نه؟

اگر امکان پذیر است آیا کاری در این زمینه انجام می شود؟

### پاسخ

شکی نیست در جامعه ای که افراد آن دارای فرهنگ سالمی باشند، هر نوع آزادی معقول نه تنها ضرر ندارد بلکه به سود آن جامعه است، شهید مطهری در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی می نویسند: " هر کس می باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد، اتفاقاً تجربه های گذشته نشان داده است که هر وقت جامعه از یک نوع آزادی فکری برخوردار بوده است این امر به ضرر اسلام تمام نشده، بلکه در نهایت بسود اسلام بوده است، اگر در جامعه ما محیط آزاد برخورد آراء و عقاید بوجود بیاید، بطوری که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرفهایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل، آراء و نظریات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین زمینه سالمی خواهد بود که اسلام هر چه بیشتر رشد می کند- البته همانطور که توضیح دادیم برخورد عقاید غیر از اغوا و اغفال است، اغوا و اغفال یعنی کاری توأم با دروغ- توأم با تبلیغات نادرست انجام دادن- " بنابراین اصل اینکه فرهنگهای مختلف مطرح شود نه تنها ایرادی ندارد بلکه اگر با رعایت حدود جامعه باشد باعث رشد و ترقی هم خواهد بود.

البته در چنین فرضی باید فرهنگ ملی و دینی جامعه را تقویت نمود و آنرا برای همه افراد جامعه تبیین کرد، که این همان تبادل فرهنگی است، یعنی در عین حفظ هویت دینی و ملی

خود، بتوانیم عناصر مثبت فرهنگی دیگران را در جهت تحول و سازندگی کشور گزینش و متقابلاً تجارب و مهارت‌های سازنده خود را به منظور هدایت و اصلاح ساختار توسعه به دیگر کشورها منتقل کنیم، البته تبادل فرهنگی نباید به معنای سلطه فرهنگی دیگر کشورها بر فرهنگ دینی و ملی ما معنی شود که مسلّم منفی است و رهبر انقلاب هم تصریح دارند که نفی غرب بمعنای نفی سلطه غرب است، هر نوع سلطه ای باشد حتی سلطه فرهنگی، بنابراین در جامعه ما تبادل فرهنگها امکان دارد، البته باید دقت کرد که زمینه سلطه دیگران فراهم نشود، و اما آیا کاری در این زمینه شده یا خیر؟ باید گفت: امروز فکرها و نظریات متفاوت در جامعه کم و بیش مطرح است و تا در مسیر تقابل با اهداف دینی و ملی ما قرار نگرفته باشند فضای تلاش و فعالیت برای آنها باز است. در انتها باید به نکته ای مهم توجه داشت و آن نقش تربیتی فرهنگهای بیگانه در کودکان، نوجوانان و بطور کلی قشری از جامعه که به دیده نقّادی و تحلیل نمی نگرند می باشد. و اساساً تکرار و شیوع فرهنگ غیر اسلامی تحت عنوانی مخالف اهداف تربیتی اسلام عزیز می باشد زیرا سالم سازی فضای جامعه و حاکمیت روح ایمان و تقوا و شعائر اسلامی از ضروریات نیاز تربیتی فرزندانمان و سایر قشرهای آسیب پذیر است. از اینرو آزادی فرهنگی به معنای تنوع فرهنگهای رایج اسلامی و غیر اسلامی در جامعه امری مطلوب شمرده نمی شود و این غیر از آزادی در بیان و اندیشه است که آنهم نباید بطور نامحدود و بی حساب موجب تخریب و تضعیف عقاید و ایمان



مردم باشد و به نظر می رسد در جامعه اسلامی شکل مطلوب بیان عقاید غیر اسلامی همان محیط کلاسهای درس با حضور مربی نیز و محیطهای علمی دیگر به همراه تحلیلهای مناسب آن است، تا از تأثیرات نامطلوب آن جلوگیری شود.

بنابراین آنچه برخی به عنوان آزادی در جامعه اسلامی مطرح می کنند بدون محدودیتهای ذکر شده جز به تخریب ایمان و باور دینی مردم و ایجاد بی بندوباری نمی انجامد و توهم مقاوم شدن در معارضه فرهنگها و رویارویی افکار و اندیشه ها به شکلی که اکنون مطرح است جنبه اسلامی نداشته و نباید ترویج شود.

## آیا ما در مقابل کشورهای مستکبر سلاح علم و تلاش و کوشش در راه علم و صنعت بهتر است بکار ببریم یا شعار؟

### پرسش

آیا ما در مقابل کشورهای مستکبر سلاح علم و تلاش و کوشش در راه علم و صنعت بهتر است بکار ببریم یا شعار؟

### پاسخ

واضح است که شعار بدون عمل ناروا و ناپسند است "یا ایها الذین آمنولم تقولون ما لاتفعلون" (چرا می گوید چیزی را که به آن عمل نمی کنید) کبر مقتاً عند الله ان تقولوا ما لاتفعلون (گناه بزرگی است در نزد خدا که بگوید آنچه را که عمل نمی کنید).

بدون شک سلاح علم و دانش و فن آوری از کارآترین و برنده ترین ابزار پیشرفت و تمدن جامعه است بگونه ایکه از دیدگاه اسلام توقف و کند شدن آهنگ دانش آموزی و رشد و ارتقاء سطح فرهنگی حتی برای لحظه ای قابل قبول نبوده و حرکت علمی و دانشجویی فراتر از محدودیت های زمانی و مکانی و حتی شرایط سنی ضرورتی است اجتناب ناپذیر ولی تلاش برای فن آوری و کسب مهارتهای علمی و صنعتی منافات و تنشی با بهره گیری از ابزارهایی نظیر شعار در راستای ارزشها و آرمانهای مقدس نداشته بلکه خود نوعی استفاده کاربردی از دانش و تبلیغ و ارائه ایده های حقیقت مدارانه و آرمانهای سعادت‌مندانانه بشریت تشنه حقیقت است به شرط آنکه

۱. شعار، دروغ، توخالی و بی اساس نباشد.

۲. به جا، به موقع و به اندازه از آن استفاده گردیده و از هرگونه افراط و تفریط، تند روی و کندروی پرهیز گردد نظیر استفاده کاربردی از همه ابزارها.

مقام معظم رهبری در این باره چنین فرموده اند: "اگر ایران اسلامی به همت شما جوانها و به همت این نسل رو به رشد امروز، مدارج علمی را طی کند و از لحاظ صنعت و صنعت برتر، تکنولوژی برتر و علمی که

امروز مورد نیاز است، بتواند سهم وافر را به خودش اختصاص بدهد که نتوانند به او زور بگویند؛ بتواند قدرت نظامی خودش و پایه های اقتصادی کشور را مستحکم کند، بتواند این محرومیت ها را برطرف بکند، بتواند از منابع سرشار و غنی این کشور در همه جا بهره برداری بکند، بتواند معرفت سیاسی را در آحاد مردم بالا ببرد، آن وقت ممکن است دشمنی آنها کم بشود؛ بنابراین اگر ممکن باشد، آن روز ممکن خواهد بود. این که بعضی بردارند طبق میل دل کارشناسان سیاسی آمریکا، دم از نزدیکی و مذاکره و ارتباط بزنند و فضا را عادی سازی کنند، این بزرگترین توهین و خیانت به این مردم است. اگر قرار است سخن از رفع دشمنی دشمنان سوگند خورده بر زبان آورد، باید آن روزی باشد که این کشور از لحاظ اقتصادی پایه های خودش را مستحکم کرده باشد؛ محرومیت ها را رفع کرده باشد؛ این نسبت بیکاری را از بین برده باشد؛ آینده جوانها را روشن کرده باشد؛ جوان تحصیل کرده و فارغ التحصیل دغدغه معاش و دغدغه کار نداشته باشد؛ از لحاظ مسائل فرهنگی این کشور بتواند هنرمندانی تربیت کند که بر طبق منافع و مصالح ملی، سینمای کشور را اداره کنند؛ هنر کشور را اداره کنند؛ مطبوعات کشور را اداره کنند. اگر این جور شد، آن وقت نوبت این خواهد رسید که برای رفع دشمنی فکر کنیم؛ والا در غیر این صورت، هرگونه نزدیک شدن به دشمن، هرگونه نرمش نشان دادن در مقابل دشمن، تیز کردن آتش دشمنی و ستمگری دشمن است."

استاد مصباح در این باره فرموده اند:

"این که ما نسبت به دشمنان اسلام و شیطان بزرگ

این قدر کینه داریم و اجازه نمی دهیم شعار "مرگ بر آمریکا" حذف شود، تاسی به حضرت ابراهیم ( است. قرآن می فرماید شما باید از ابراهیم ( یادبگیرید و صریحاً بگویید مرگ بر دشمن اسلام، و عداوت و دشمنی خود را نسبت به دشمنان دین اعلام کنید. همه موارد، جاری لبخند نیست. در بعضی موارد باید عبوس بود، باید اخم کرد، باید صریحاً گفت ما دشمن شمایم، ما آشتی نمی کنیم، مگر دست از خیانت بردارید. این دستور قرآن است. سابقاً می گفتند فروع دین ده تا است. بعد از "امر به معروف" و "نهی از منکر" دو فرع "تولی" و "تبری" را نیز جزء فروع دین به حساب می آوردند.

### **چرا بعد از انقلاب حتی آزادی های که از نظر اسلام مجاز بودند را نداریم همچون ازدواج موقت و ...؟**

#### **پرسش**

چرا بعد از انقلاب حتی آزادی های که از نظر اسلام مجاز بودند را نداریم همچون ازدواج موقت و ...؟

#### **پاسخ**

اینکه فرموده اید پس از انقلاب برخی از آزادی های مجاز را نداریم نمی توان بصورت کلی قضاوت نمود، بلکه باید مصادیق آن را مطرح نموده تا پیرامون آن بتوان از نقطه نظرات یکدیگر بهره برد و اما عدم تحقق مواردی چون ازدواج موقت بصورت رایج بدلیل نحوه نگاه منفی جامعه ما به آن، ربطی به انقلاب ندارد زیرا قبل و بعد از انقلاب دید مردم ما نسبت به آن یک دید منفی یا همراه با ابهام و تردید بوده است و این خود عواملی دارد که مرحوم شهید مطهری در کتاب حقوق زن در اسلام به آن بطور مفصل پرداخته و اینکه این مشکل چگونه باید حل شود بحث دیگری می طلبد که ضمن نیاز به یک کار فرهنگی وسیع برای خانواده ها و تدوین و تبیین قوانین جامع که در آن ضمن تعیین راهکار برای جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی، تمام عوارض ارتباط پسر و دختر در قالب ازدواج موقت لحاظ و کنترل شده باشد می توان امیدوار بود این مشکل حل شود، البته فعلاً نیز از نظر قانونی انجام چنین کاری مانعی ندارد و مسیر قانونی خود را دارد و مشکل، عدم استقبال عمومی جامعه است .

### **چرا خود بسیج هم در استفاده از بیت المال و تلاش و کوشش و خلوص نیت و بخصوص لحظه استخدام که اقوام مسؤولین در اولویت می باشند و استفاده از کلاس های آموزشی عقاید و طریقه تحلیل مسائل بهترین وجه اقدام لازم تا الآن نداشته است؟**

#### **پرسش**

چرا خود بسیج هم در استفاده از بیت المال و تلاش و کوشش و خلوص نیت و بخصوص لحظه استخدام که اقوام مسؤولین در اولویت می باشند و استفاده از کلاس های آموزشی عقاید و طریقه تحلیل مسائل بهترین وجه اقدام لازم تا الآن نداشته است؟

#### **پاسخ**

از آنجائیکه پاسخ سؤال جنابعالی در حیطه وظائف نیروی مقاومت بسیج می باشد عین نامه حضرتعالی را به فرماندهی آن نیرو

ارسال نمودیم در صورت دریافت پاسخ خدمت شما تقدیم خواهد شد. با تشکر از ارتباط شما .

## چرا مسئولین تزکیه ندارند؟

### پرسش

چرا مسئولین تزکیه ندارند؟

### پاسخ

اینکه مسئولین تزکیه ندارند بصورت کلی چه بسا بی انصافی باشد، برادر عزیز ما هم قبول داریم که در بین مسئولین کسانی هستند که متأسفانه تزکیه ندارند ولی اینکه این را تعمیم داده و طوری بگوئیم که همه مسئولین را شامل شود قابل قبول نخواهد بود، اما چرا بعضی مسئولین تزکیه ندارند، ما هم ضمن تأسف این را امری نامطلوب برای چهره نظام جمهوری اسلامی می دانیم و امیدواریم که همه مردم در سیر تهذیب و تزکیه گام برداشته خصوصاً آنها که در صدر امور هستند و؟؟؟ مسئولیت را در نظام جمهوری اسلامی که بر مبنای دینی و تلاش و خون شهدا و مردم عزیز برپا شده را بر نمودند، ناگفته پیداست که احراز مسئولیت ها در پستهای کلیدی به دو شاخه مهم تخصص و تعهد نیازمند است. در صورتیکه چهره های اداره امور مملکت برخوردار باشند جای تردیدی نیست که بر سایرین ترجیح دارند چنین افرادی کمتر یافت می شوند س

**چرا کشور اجازه خروج مغرها را می دهد یعنی قرارداد کمی بودجه برای این کار، کار دشواری است چرا این کار به عنوان یک قانون ممنوع نمی کنند و چرا کشور از این افراد با استعداد استفاده نمی کند؟**

### پرسش

چرا کشور اجازه خروج مغرها را می دهد یعنی قرارداد کمی بودجه برای این کار، کار دشواری است چرا این کار به عنوان یک قانون ممنوع نمی کنند و چرا کشور از این افراد با استعداد استفاده نمی کند؟

### پاسخ

البته خروج مغرها در ذات خود بد نیست و به همین خاطر بعضی وقتها تحت عنوان فرار مغرها و بعضی وقتها تحت عنوان صادرات مغز از آن یاد می شود بنابراین اگر خروج مغرها به کشور به بازگشت آنها بیانجامد چه بسا ثمرات خوبی هم داشته باشد. بد نیست بدانیم که سیاست دولت جمهوری اسلامی در استفاده از اینترنت، راهی بود برای اینکه مغرها از کشور خارج نشوند و بتوانند نیازهای علمی خودشان را از این طریق تأمین کنند و نیاز به خارج کشور نداشته باشند، علی رغم اقدامات مثبت دولت باز هم کسانی خارج می شوند، بهترین راه فراهم کردن امکانات در داخل کشور است که بعضی اقدامات دولت مثبت بوده و بعضی اقدامات مثل کم شدن بودجه تحقیقاتی منفی تلقی می شود.

**فرهنگ کشور رو به ابتذال است میخوا هم بدانم که فکری برای این وضع شده یا خواهد شده ؟**

فرهنگ کشور رو به ابتذال است میخواهم بدانم که فکری برای این وضع شده یا خواهد شد؟

درباره واقعیت امر که چه تمهیداتی برای مبارزه با ابتذال فرهنگی در کشور شده است یا خیر، پاسخ نیاز به کارشناسی دقیق و وسیع دارد لیکن آنچه مسلم است اینکه ابتذال فرهنگی بدون اجرای جدی اصل امر به مروف ونهی از منکر از سوی دولت و ملت از میان نخواهد رفت اما اینکه چه برنامه ای باید به مورد اجرا در آورده شود در این باره می توانیم راهکارهای زیر را در نظر آوریم:

۱ شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران. در این مسیر لازم است تا شناخت خود و دیگران را از باورها و ارزش های دینی، افزایش دهیم. مثلا- "در زمینه عقاید یک سلسله باورهای درست را به دیگران عرضه و بر آنها روشن و ثابت کنیم (هستی شناسی). در زمینه ارزشها، وجود یک سلسله ارزشهای ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بی پایه کسانی که ارزشها را امور اعتباری می دانند آشکار سازیم (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنین در برابر کسانی که می کوشند از میزان یابی بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و تقید به مسایل شرعی را تضعیف کنند ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسایل شرعی سوق دهیم. از همه مهم تر در برابر کسانی که اصل وجود یقین را یک صد ارزش تلقی می کنند و از شکایت در معرفت تبلیغ می کنند، امکان یقین در معرفت را ثابت کنیم و از این رهگذر عقاید

دینی و ارزشهای آن را از یک پشتوانه معرفت شناختی بر خوردار سازیم.

۲ تقویت و تثبیت هویت مذهبی و ملی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار آفرین اسلام، دانشمندان نامی آن و نیز دستاوردهای ممتاز جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی ( .

۳ تقویت و تثبیت ارزشهای اسلامی و ایمان مذهبی از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و همچنین مشاوره کتبی برای پاسخ به پرسشهای مردم و شبهات ایشان.

۴ راه اندازی مراکزی برای رسیدگی و حل مشکلات روحی، اقتصادی و اجتماعی و شغلی مردم، بویژه طبقه جوان

۵ برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت، دعا، اعتکاف.

۶ ارائه نشریات مفید و غنی از فرهنگ اسلامی و دانش و علوم رایج به گونه ایی جوان پسند.

### چرا در جامعه ای که فرهنگ صحیح آزادی جای نیفتاده مسأله آزادی زودتر مطرح شده است؟

#### پرسش

چرا در جامعه ای که فرهنگ صحیح آزادی جای نیفتاده مسأله آزادی زودتر مطرح شده است؟

#### پاسخ

خواهر گرامی ما هم با شما در کلیت مسئله فوق موافق هستیم، یعنی اینکه قبل از تبیین هر امر فرهنگی باید بینش و ظرفیت آن در بین افراد جامعه فراهم گردد، شکی نیست که افرادی که در جامعه هستند وقتی با فرهنگ دینی و اسلامی نسبت به آزادی آگاه باشند زمینه سوء استفاده و به انحراف کشیده شدن این نعمت الهی (آزادی) محدود خواهد شد، البته مدافعین از طرح زود هنگام بحث آزادی، ادله ای برای خویش دارند که در جای خود قابل بررسی است، ضمناً آنچه در این پاسخ مورد پذیرش قرار گرفت منافاتی با مطرح شدن اصل آزادی در ارائه نظر و اندیشه ندارد اساساً آنچه مورد اشکال است طرح مسئله آزادی در ابعادی است که اکنون مطرح گشته آنچنان که برخی از حدود آزادی از دیدگاه اسلام و قرآن مورد تعرض قرار گرفته است که باید از آن پاسداری شده اسلام آنطور که هست نمایانده شود نه آنطور که امروزها می پسندند از این نظر دیر یا زود مطرح شدن مسأله آزادی نیست که مشکل ایجاد کرده است (چه اینکه نمی توان عقاید و معارف دین را از نظر جامعه پنهان نمود) بلکه فراهم نمودن شرایط و مقدمات آن در اجرا و عمل پایبندی به حدود است. کما اینکه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در این مملکت دیده اید که همه گروه ها، احزاب و اشخاص موافق و مخالف براحتی سخن گفته اند، نشریه داشتند و تا آنجا که نظرات و فعالیت های آنها در تقابل با نظام اسلامی قرار گرفته یا نگرفته بود آزادانه گفتند و نوشتند و

مراسم گرفته اند، بنابراین آنچه شما به عنوان مشکل مطرح کردید قابل قبول است و رهبر معظم انقلاب هم در جمع شورای انقلاب فرهنگی (۱۵/۱۰/۷۷) می فرمایند: "اگر فرهنگ یک کشور فرهنگ منحطی بود، اگر رشد اقتصادی هم پیدا کند، به ضررش تمام خواهد شد، اگر رفاه هم پیدا کند، رفاه او را به فساد خواهد کشاند، چنانچه آزادی و دموکراسی و حق رأی و اینها هم داشته باشد، موجب هرج و مرج و موجب فساد و تباهی او خواهد شد، یعنی فرهنگ، ذهنیت و عقلیت جامعه، و بقیه امور مرتبط با بشر است، پیداست که عقل و ذهن انسان، راهنما و جهت بخش و تعیین کننده است.

### چرا در جامعه ما من که چادر می پوشم به صورت تمسخر نگاه می کنند و مورد آزار و اذیت قرار می دهند؟

#### پرسش

چرا در جامعه ما من که چادر می پوشم به صورت تمسخر نگاه می کنند و مورد آزار و اذیت قرار می دهند؟

#### پاسخ

دینداری و عمل به مقررات دینی بعضاً با بی مهری ها و نامهربانی ها مواجه است که سابقه دیرینه داشته و اختصاص به عصر خاص ندارد و با نوسان در شدت و ضعف این اقبال و ادبارها، پذیرش و عدم پذیرشها، تشویق و تضعیف ها و آزار و اذیت ها، خود میدانی دیگر و امتحان الهی است که وظیفه دیگری ایجاد می نماید (افضل الاعمال أحمرها) (بهترین اعمال سختترین آنها است) بویژه در عصر غیبت امام زمان (و در این برهه که هجمه گسترده علیه دین و دین ستیزی آهنگی قوی پیدا نموده که دل هر دینمداری را مجروح ساخته و دینداری را همچون نگه داشتن آتش در کف دست ساخته است.

و چه لذت بخش است تحمل اذیت و آزار جاهلان و گمراهان و غرض ورزان در راه کسب رضای الهی و عشق ورزی به ساحت حضرت دوست "والعصر... و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر"<sup>(۱)</sup> و چه درس زیبایی را قهرمان صبر و کوه استقامت زینب کبری ( شیر زن کربلا به ما می آموزد در حالی که دستهایش را با ریسمان بسته بودند و با حضور سر بریده برادر در پاسخ زخم زبان عبید الله (علیه لعنه الله) که گفت شکر خدای را که مردانتان را کشت و شما را به ذلت افکند، فرمود "ما رأيتها الا جمیلاً" من آنها را جز تکالیف زیبا و پرتوی از جمال جمیل الهی ندیدم.

لازم به یادآوری است ضرورت صبر و استقامت نسبت به آزار و اذیت های جاهلان و دشمنان چیزی از مسؤولیت مسؤولان

و دستگاه های عریض و طویل به خواب رفته فرهنگی و امنیتی در راستای ایجاد محیط آرام و مذهبی نمی کاهد.

### چرا در جامعه ما به فردی که چادر می پوشد با دید دیگر نگاه می کنند و مورد اهانت قرار می گیرد؟

#### پرسش

چرا در جامعه ما به فردی که چادر می پوشد با دید دیگر نگاه می کنند و مورد اهانت قرار می گیرد؟

#### پاسخ

دینداری و عمل به مقررات الهی آزمایشی می باشد که بی مهری و نامهربانی هایی را در طول تاریخ به دنبال داشته و اهانت به دین مداران کم و بیش دارای سابقه دیرینه است گر چه دارای شدت ضعف بوده و هست و عبور از آن با استحکام و استقامت و وظیفه ای است همیشگی بویژه در عصر غیبت و در برهه های تهاجم گسترده علیه دین و دین مداران که دینداری همچون نگه داشتن آتشی است در کف دست.

و دست بر داشتن از تکالیف شرعی چیزی جز تأمین اهداف مهاجمان و غارتگران باورهای دینی نخواهد بود.

لازم به یادآوری است ضرورت صبر و استقامت در برابر آزار و اذیت جاهلان و دشمنان چیزی را از مسؤلیت مسؤلان فرهنگی و امنیتی در ایفای وظیفه در سالم سازی جامعه اسلامی و مذهبی نخواهد کاست و کاملاً با شما موافقم که عدم امنیت برای بانوان محجبه آن هم در جمهوری اسلامی ایران خلاف توقع و انتظار است و سهل انگاری در اصلاح این وضعیت از جمله از گناهان عظیم در نزد خداست.

### نقص و ضعف در برنامه ریزی آموزشی و مدیریتی تا کی؟ کی و چگونه می خواهیم فرهنگ خود را اصلاح کنیم؟

#### پرسش

نقص و ضعف در برنامه ریزی آموزشی و مدیریتی تا کی؟ کی و چگونه می خواهیم فرهنگ خود را اصلاح کنیم؟

#### پاسخ

باید این را بپذیریم که آنچه قبل از انقلاب اسلامی از مدیریت اسلامی سخن می گفتیم در تئوری و نظر بود و هیچگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی جامعه عمل نپوشید. جز مقطع کوتاهی در عصر نبی اکرم و علی (. بعد از انقلاب اسلامی وقتی بنابر این شد که نظریه های مدیریتی اسلامی عملی شود، با توجه به عدم سابقه اجرایی آن بعضاً به نتیجه نرسید، و بعضاً نیز گرفتار مدیریت های ضعیف گردید اما امروز خوشبختانه مسؤلین نظام در صدد رفع اشتباهات گذشته هستند من جمله بحث تکمیل و نرخی شدن ارزش در نظام اقتصادی، عام و فرا گیر شدن مالیاتها، نظارت سیستمی و برخورد قضایی جدی با سوء مدیریت ها، از این جمله می باشند.



اما قسمت دوم سؤال، مشخص نیست منظور سؤال کننده چه تعریفی از فرهنگ و یا چه قسمتی از فرهنگ مورد نظر او است، اگر منظور فرهنگ اسلامی باشد که ما باید در صدد نهادینه کردن آن برآئیم و اگر منظور اصلاح فرهنگ غربی، مثل تجمل گرایی، اسراف، مصرف سودگرایی و... باشد باید هرچه سریعتر در صدد رفع آن برآئیم، که به نظرمی رسد مقام معظم رهبری که از سال ۷۵ بحث تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی و عوام و خواص و زندگی اشرافی و تجمل گرایی را مطرح کردند ناظر به همین نوع از اصلاح بود متأسفانه بعضی آن روز نپسندیدند ولی امروز اگر مسئولین بر این امر متفق هستند که تا فرهنگ بیگانه را نزدائیم و فرهنگ اسلامی را جایگزین نکنیم موفق نخواهیم شد، باید عملاً وارد صحنه

## چگونه می‌توانیم به بهترین صورت حق رسالتی را که شهدا بر دشمن گذاشتند، ادا کنیم؟

### پرسش

چگونه می‌توانیم به بهترین صورت حق رسالتی را که شهدا بر دشمن گذاشتند، ادا کنیم؟

### پاسخ

ابتدا باید کار عظیم آن عزیزان را شناخت و آنچه واقعاً آن بزرگواران انجام دادند فتح بزرگ جمهوری اسلامی بود که به تعبیر رهبر بزرگوار انقلاب آن فتح این بود که توانست این جوانان را به این مرحله از عظمت و اعتلای روحی برساند که بتوانند احساس خود باوری کنند و بایستند و در مقابل تهاجم عظیم یکپارچه دنیا از کشور و موجودیتشان و از اسلام دفاع کنند " سپس باید دید که امروز دشمنان از چه طریقی می‌خواهند آن ارزشهایی که با خون شهدا زنده شده را از ما بگیرند که رهبر انقلاب در این رابطه نیز می‌گویند: " همین اخیراً در یکی از مجلات آمریکایی، سرمقاله‌ای بوسیله یک نویسنده معروف آمریکایی نوشته شده بود که خلاصه اش این بود که برای مقابله با کشورهای مثل ایران، " ما نمی‌توانیم از راه‌های نظامی و اقتصادی عمل کنیم، اینها راه‌های تجربه شده و شکست خورده است، از راه‌های فرهنگی باید وارد بشویم، تصریح هم می‌کند. می‌گوید چگونه باید وارد بشویم و در وسط همان صفحه، عکس کاملاً عریان یک زن را کشیده و گفته از این طریق! گفته اینها را بایستی ترویج کنیم، تا بتوانیم برای آنها فایده بیابیم. راست هم می‌گوید؛ راه این است. متأسفانه عده بی‌نمی‌فهمند در کشور دارند چکار می‌کنند. البته به هول و قوه الهی نمی‌گذاریم و نخواهند توانست. "

بنابراین اگر می‌خواهیم راه شهدا را که همان دفاع جانانه از دین و ارزشهای دینی و انقلابی بود ادامه یابد، امروز نیز در این تهاجم فرهنگی باید ضمن حفظ خود در مسیر ارزشها،

با وسایل و ابزار و سلاح مناسب در این جبهه تلاش کرد و با استقامت و راه ندادن ناامیدی گامهای بلندی را برداریم. و به تعبیر رهبر انقلاب در دیدار با جوانان که فرمودند<sup>11</sup> این کارهایی که جوانان می کنند، اینها کوچک نیست، نه، شما کارتان را خوب انجام دادید، اگر صد نفر دیگر مثل شما فکر کنند اعتلای عظیم و همان کار بزرگ اتفاق خواهد افتاد. عین همین مسأله در باب ورزش است؛ عین همین مسأله در باب درس خواندن و در باب تحقیق است؛ عین همین مسأله در باب کارهای خاص جوانان است. این، درست مثل روز راهپیمایی است. اگر همه بگویند که حالا- من یک نفر چه تأثیری دارم، این سیل عظیم میلیونی در روز بیست و دوم بهمن یا در نماز جمعه راه نمی افتاد؛ اما هر کسی احساس می کند که تکلیف خودش را دارد انجام می دهد. من می خواهم تأکید و تکرار کنم که کار تک تک این جوانان هر جا و در هر زمینه که دارند کار می کنند، در زمینه قرآن، در زمینه معلومات، در زمینه معارف، در حوزه در دانشگاه، در کتاب نویسی کاری مهم است؛ همان کاری است که ان شاء الله کشور را به اعتلاء خواهد رساند."

**چرا در جامعه ای که این قدر فساد رواج پیدا کرده است، و جوانها هم قدرت ازدواج ندارند، چرا ازدواج موقت در جامعه ما جا نیفتاده است و چنین مراکزی هم نیست که کسانی که نمی توانند ازدواج کنند به آنجا مراجعه کنند؟**

### پرسش

چرا در جامعه ای که این قدر فساد رواج پیدا کرده است، و جوانها هم قدرت ازدواج ندارند، چرا ازدواج موقت در جامعه ما جا نیفتاده است و چنین مراکزی هم نیست که کسانی که نمی توانند ازدواج کنند به آنجا مراجعه کنند؟

### پاسخ

علت اینکه ازدواج موقت بطور رایج در جامعه تحقق پیدا نکرده، بدلیل نگاه منفی جامعه به آن می باشد. بطوری که در افکار عمومی بصورت یک مسأله بسیار زشت و قبیح جلوه کرده است. برای اینکه ازدواج موقت جایگاه خود را پیدا کند، نیاز به یک کار فرهنگی وسیع و همچنین تدوین و تبیین قوانین جامع که در آن راهکاری اندیشیده شود که از سوء استفاده افراد هوس باز جلوگیری شود، و عوارض ازدواج موقت لحاظ و کنترل شود. قابل ذکر است که در حال حاضر از نظر شرعی و قانونی انجام چنین کاری مانعی ندارد و مشکل، عدم استقبال عمومی جامعه است. ضمن اینکه باید عرض کنیم راهکار جلوگیری از فساد موجود در جامعه، منحصر به ازدواج موقت نمی باشد، بلکه باید گفت فساد موجود جامعه، ناشی از مسائلی است که باید ریشه یابی شده و علاج شود. عواملی که سبب فساد جامعه می شود را می توان ذیل عناوین زیر گنجانند:

عدم تربیت اخلاقی و جنسی افراد، رعایت نکردن حریم عفاف در جامعه، غریزه سرکش شهوانی که اگر تقوی نباشد مفسده آور خواهد بود، تهاجم فرهنگی که بوسیله ماهواره، سی دی های مبتذل، اینترنت، ویدئو و امثال این قبیل موارد صورت می گیرد. قابل ذکر است که اگر به این مواردی که ذکر شد توجه نشود، فساد دامن افراد متأهل را هم

خواهد گرفت. بطوری که همه ما شاهد هستیم چه بسیار افرادی که ازدواج کرده اند اما دارای مفاسد اخلاقی زیادی نیز می باشند.

بنابراین ازدواج موقت را نمی توان راه حل اساسی برای حل مشکل فساد جامعه دانست، بلکه باید دنبال راههای اساسی تر دیگر بود.

### چرا با اینکه عوامل مشروع ازدواج و صیغه وجود دارد جوانان به عوامل نامشروع متوسل می شوند؟

#### پرسش

چرا با اینکه عوامل مشروع ازدواج و صیغه وجود دارد جوانان به عوامل نامشروع متوسل می شوند؟

#### پاسخ

در خصوص سؤالی که بیان فرمودید نکاتی به عرض شما می رسد که امیدواریم راهگشا باشد :

۱. دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب اسلامی با تجربه هایی که به دست آورده اند به این نتیجه رسیده اند که (اگر بخواهیم ملّتی را ذلیل و نابود و مستعمره خود کنیم و منافع آن را به چنگ بیاوریم، بهترین راه آن، گسترش تبلیغات مسموم و فحشا و بی بندوباری و فساد و اعتیاد است، بدون اینکه حتی یک گلوله هم خرج کنیم، خود به خود آن ملّت نابود خواهد شد) همانطور که در آندلس (اسپانیا) که از ممالک اسلامی بود این عمل را انجام داده و نتیجه گرفتند، الآن هم نقطه امید دشمنان اسلام، برای از بین بردن اسلام استفاده از موارد ذکر شده می باشد.

۲. یکی از مسائلی که برای ملّتها، خصوصاً ملّت های مسلمان، بسیار ضربه زننده و نابود کننده است و تاکنون هم چنین بوده است، تعهد نداشتن و سست و ترسو و خائن بودن بعضی مسؤولین و خواص و افراد مهم ملّتها بوده است. تاریخ نشان می دهد که بسیاری از مشکلات و اختلافها و بی بندوباری ها و ... که در هر ملّتی به وجود آمده بی ارتباط با مسؤولین نمی باشد و همچنین بسیاری از خوشبختیها و اصلاحات واقعی در کشورها نیز بی ارتباط با مسؤولین و خواص یک ملّت نیست.

یکی از عوامل فساد و بی بندوباری و مسائل نامشروع را نیز باید در بعضی مسؤولین بی تعهد و ترسو و خائن و بی

بند و بار جست. خصوصاً مسؤولینی که در کارهای فرهنگی و دینی و اسلامی فعالیت می کنند، گاهی اوقات امضاء کردن یک برگه کاغذ توسط مسؤولی، موجی از فساد ایجاد می کند، و حتی یک گناه کوچک ممکن است گروهی از مردم عوام را بی دین و بدین به اسلام کند. بعضی عوامل دیگر را به صورت تیتروار ذکر می نمایم؛

۳. دگرگون شدن بعضی ارزش ها به منکر و بعضی کارهای منکر به صورت ارزش و کار خوب.

۴. رواج فرهنگ تساهل و تسامح و ضعیف شدن اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر چه در مسؤولین و چه در مردم.

۵. ارزشمند شدن ثروت و رواج تشریفات خصوصاً در امر ازدواج.

۶. شرایط اقتصادی و بسته بودن راههای رسیدن به درآمد بیشتر.

۷. نبود مهارهای درونی (ایمان و تقوی) و بیرونی (مانند امر به معروف و نهی از منکر در شکل وسیع آن).

۸. نبود برنامه های مناسب برای نسل جوان.

۹. فقدان ارائه برنامه ها و پیامهای دینی در قالب گفتار و رفتار زیبا و منطقی.

۱۰. بی احترامی والدین و درخواستهای غیرمنطقی آنان و عدم تربیت صحیح آنها و ...

البته مسائل و عوامل دیگری هم می باشد که نیازی به ذکر نیست منتهی باید دانست خیلی از این عوامل و عوامل دیگر شاید ریشه اش همان عامل دوم باشد که با کمی فکر و تعمق می توان این نکته را دریافت کرد.

خداوند متعال همه ما را از عارفین و عاملین و خالصین در گاهش قرار دهد و ملت و جوانان ما را از گزند حوادث شیطانی حفظ بفرماید بحق محمد و آل الاطهار)

**چرا در رابطه با عذاب های جهنم به وسیله گناه صحبت نمی شود؟**

**پرسش**

چرا در رابطه

با عذاب های جهنم به وسیله گناه صحبت نمی شود؟

## پاسخ

- سؤال فرموده بودید درباره کمتر صحبت شدن از نعمت های بهشتی، شب اول قبر و سؤال نکیر و منکر و عذابهای جهنمی، خدمت شما عرض شود، برادر گرامی؛ در این مورد هم صحبت های زیادی می شود و هم کتب و منابع مختلفی موجود می باشد، بخصوص در کتابخانه آستان قدس رضوی که از این لحاظ بسیار غنی می باشد، ضمناً شما می توانید در هر جلسه و یا اجتماعی که مراسم مذهبی برگزار می شود از سخنران بخواهید که در مورد موضوع پیشنهادی شما صحبت کند و این امر شدنی است تا هم خود بهره ببرید و هم دیگران استفاده کنند و یا از طریق دفاتر ائمه و جماعات موضوع را پیگیری نمایید و یا از طریق سازمان تبلیغات بخش اعزام مبلغ.

**چرا در رسانه های گروهی از خانمهایی کد بانو سازگار استفاده نمی کنند، که اینطور زننده صحبت می کنند، با همسرانشان و بعضی از دختران الگو برای خودشان می گیرند و پیاده می کنند، بعضی از خانمهایی که با آبروداری زندگی می کنند و اموراتشان را خوب می گذرانند من بارها**

## پرسش

چرا در رسانه های گروهی از خانمهایی کد بانو سازگار استفاده نمی کنند، که اینطور زننده صحبت می کنند، با همسرانشان و بعضی از دختران الگو برای خودشان می گیرند و پیاده می کنند، بعضی از خانمهایی که با آبروداری زندگی می کنند و اموراتشان را خوب می گذرانند من بارها با خانوادهایی که در تماس راه قناعت و زندگی را می آموزم که چه کنند دچار سوء تغذیه بر اثر فقر نشوند.

## پاسخ

ما نیز با تو هم عقیده هستیم و معتقدیم تلویزیون به عنوان پر مخاطب ترین رسانه عمومی کشور می تواند به عنوان یک دانشگاه عمومی بزرگ در تعالی جامعه به ایفای نقش پردازد، ولی متأسفانه پس از سالها هنوز نتوانسته به این جایگاه عظیم دست یابد. اگر چه گسترش شبکه ها و مراکز و توسعه پوشش صدا و سیما، نسبت به قبل از انقلاب گسترش چشمگیری یافته است. هر چند از بُعد سرگرمی برای طبقات مختلف جامعه، به پیشرفتهایی نایل شده و نتوانسته است بخشهایی از جامعه را با برنامه های خودش سرگرم کند، ولی جنبه های بدآموزی در برنامه های سیما هنوز بسیار زیاد است، و علت آن هم این است که آنهایی که برنامه می سازند یا خود نسبت به مسایل آگاهی ندارند و نمی توانند آن را درک کنند، یا بکلی از مسأله دور هستند، و در فضایی رشد کرده اند که مسایلی همانند آنچه شما خواهر عزیز و گرامی مطرح کرده اید اصلاً برای آنان مطرح نیست، شاید آنها هنوز وضعیت موجود را سطح پایین بدانند. آنان نمی توانند آنچه شما درک کرده ای و مشاهده می کنی، درک کنند

و ببینید، زیرا در میان طبقات پایین و متوسط جامعه نیستند و اگر هم بشنوند نمی توانند باور کنند.

لذا کسانی امثال شما باید جنبه های غلط و ضد تربیتی و برنامه هایی که آثار ضد اخلاقی و اثر سوء بر اجتماع دارد را گوشزد کرده و بصورت تلفنی به خود صدا و سیما و یا بصورت مقاله و ... در روزنامه ها منعکس کنند، تا به مرور زمان بر اثر فشار افکار عمومی انشاء... اصلاح گردد، و مردم نیز نسبت به آن آگاهی پیدا کنند و بدانند که آنچه نمایش داده می شود زندگی واقعی نیست، فیلم است، و فیلم هم غیر واقعی است نه واقعی، چرا که فیلم سازان سیما نمی توانند فیلم واقعی بسازند.

**به نظر شما مشکلات عمده فرهنگی کشور با گسترش فرهنگ نماز و زکات در شهر و روستا و امر به معروف و نهی از منکر و انجام فرهنگی چگونه بایستی حل شود؟ هدف مهمی که از تحقق آرمان های اسلام عزیز برای شما مجموعه های فرهنگی چه می باشد؟**

### پرسش

به نظر شما مشکلات عمده فرهنگی کشور با گسترش فرهنگ نماز و زکات در شهر و روستا و امر به معروف و نهی از منکر و انجام فرهنگی چگونه بایستی حل شود؟ هدف مهمی که از تحقق آرمان های اسلام عزیز برای شما مجموعه های فرهنگی چه می باشد؟

### پاسخ

از آنجایی که کشور ما از سالهای قبل گرفتار تهاجم یا قتل عام فرهنگی دشمنان بزرگ چون آمریکا و هم پیمانان او شده است، بر عهده تک تک افراد دلسوز می باشد که به هر طریق ممکن برای نجات جوانان و سرمایه های این کشور اسلامی بکوشند تا انشاء... بتوانند پرچم انقلاب را به دست صاحب آن آقا امام زمان (تحویل دهند. به این خاطر از سالهای پیش حرکتی فرهنگی در سراسر کشور شروع شده است. مانند فعالیتهای مؤسسه پیوند با امام (و ... که نتیجه دادن زحمات آنان به تلاش سایر مردم بستگی دارد. البته کارهای فرهنگی بسیار وقت گیر بوده و معمولاً دیر به ثمر می نشیند، اما افراد مؤمن و با تقوی، با امید به نظر لطف الهی تلاش خود را خواهند کرد و نتیجه آن را به خدا واگذار می کنند، در این راه تلاش شما عزیزان نیز کمک زیادی خواهد کرد.

در خصوص ترویج فرهنگ نماز و سایر عبادات نیز باید گفت؛ به فرموده قرآن کریم: "ان الصلوه تنهی عن الفحشاء والمنکر" نماز بهترین اسلحه برای رویارویی با دشمن در میدان جنگ فرهنگی است، البته شیوه های تبلیغ نماز و عبادات بسیار مهم است و در برخورد با مردم، مخصوصاً جوانان و نوجوانان، باید بسیار دقت نمود تا گرفتار افراط و تفریط

نشوند، بحمدا... در سال های اخیر، ستاد اقامه نماز اقدامات بسیار مفیدی در راه تحقق این امر مهم انجام داده است که انشاء... ثمرات و نتایج تلاش خالصانه مسئولین مربوطه در جامعه بروز خواهد نمود. این مجموعه فرهنگی نیز بعنوان یک سرباز فرهنگی در این میدان جهاد اکبر با جان و دل سعی در راه تحقق این اهداف عالی خواهد نمود.

در پایان از اینکه دلسوزانه امور فرهنگی جامعه را پیگیری می کنید، از شما تشکر می کنیم، و برای شما آرزوی توفیق روزافزون از خداوند متعال داریم.

## هدف از برگزاری گفتمان دینی در مساجد چیست؟

### پرسش

هدف از برگزاری گفتمان دینی در مساجد چیست؟

### پاسخ

در این طرح با بکارگیری روشهای تحقیقاتی و هنری برای تغذیه علمی و پاسخگویی به سؤالات مذهبی، اجتماعی و سیاسی مخاطبان، نظامی نوین در تبلیغ و آموزش معارف دین ایجاد می گردد. در واقع این طرح درصدد ایجاد یک شبکه منسجم برای نشر علم و معنویت در مساجد می باشد (زکاه العلم نشره)

اهداف اصلی طرح :

۱. پاسخگویی به نیازهای فکری نسل جوان که یکی از مطالبات اساسی آنان می باشد.

۲. طراحی روشهایی مناسب برای افزایش بهره وری فعالیت های فرهنگی در مساجد و گسترش کمی و کیفی خدمات آنان.

۳. فعال سازی و سازماندهی جوانان خصوصاً متصدیان امور فرهنگی مساجد در قالب یک برنامه منسجم فرهنگی (بخشهای عمده ای از این طرح توسط جوانان مسجدی اجرا می شود).

۴. گسترش و تقویت ارتباط سازنده مراکز فرهنگی با جوانان.

۵. تقویت روحیه همدلی و همراهی به خصوص در مساجد با ایجاد یک میدان مبارزه فرهنگی و علمی با تأکید بر محوریت مساجد.

این طرح به نظر مؤسسه ما، از فعالیت هایی است که در میدان مبارزه فرهنگی بسیار ضروری به نظر می رسد، و یکی از ضرورت های جامعه امروز بر طرف کردن شبهات و ابهامات در مورد دین است. علاوه بر این جایگاه مساجد را در جامعه اسلامی روشن می سازد زیرا مسجد در صدر اسلام و در دوران ائمه (محل برطرف کردن مشکلات علمی، دنیوی و اخروی مسلمانان بوده است.



از شما نیز که به این مسائل توجه می کنید و با مؤسسه ما در ارتباط هستید بسیار متشکریم.

**چرا جوانان در این زمان که نظام جمهوری اسلامی بر ایران اسلامی حاکم می باشد و از نظر اعتقادات اسلامی و دینی مذهبی نسبتاً ضعیف و کم رنگ می باشد؟**

**پرسش**

چرا جوانان در این زمان که نظام جمهوری اسلامی بر ایران اسلامی حاکم می باشد و از نظر اعتقادات اسلامی و دینی مذهبی نسبتاً ضعیف و کم

## پاسخ

سؤالی که فرمودید: "درباره حکومت امیرالمؤمنین (نیز مطرح می شود. مطابق معتقدات دینی، امیرالمؤمنین علی (معصوم هستند. در حقانیت و مشروعیت حکومت علی (هیچ تردید و شبهه ای میان فرقه های اسلامی وجود ندارد. نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت، میزان موفقیت آن حضرت را در ایجاد جامعه ایده آل نشان می دهد. جنگهای داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی با وجود منافقان داخلی، کمبود نیروی انسانی، از مشکلات حکومت آن حضرت است. کثرت مشکلات، گسترده شدن بدعتها و سنتهای فاسد و آلودگیهای مزمن اجتماعی، تغییر چهارچوب نظام ارزشی، زمینه های این وضع را فراهم آورده بود. در همان حال علی (شایسته ترین فرد برای حکومت در اوضاع آن روز بود.

اکنون نیز در نظام جمهوری اسلامی مشکلات فراوانی به چشم می خورد، مشکلات اقتصادی، افزایش جمعیت، بالارفتن قیمت کالاها متناسب با تورم جهانی، کاهش قیمت نفت به کمتر از یک سوم، تحریمهای اقتصادی، جنگ و ویرانیهای بسیاری که بر کشور ما تحمیل شد. گروهی از ارزشمندترین تربیت یافتگان و دانشمندان اسلامی نظیر شهید مطهری و شهید بهشتی در حوادث آغازین انقلاب به شهادت رسیدند، و دخالت دشمن در ایجاد فضای آلوده فرهنگی (تهاجم فرهنگی) برای نسل جوان و ... در نابسامانیهای فرهنگی تأثیر عمیق گذاشته است. (۱)

سرنگونی حکومت فاسد و برقراری حکومت مشروع الهی، دورانی را شروع می کند که دوران تغییر فرهنگ اجتماع است. این تغییر به صورت دفعی و آنی نیست، بلکه به تدریج صورت می گیرد.

اما با همه این حرفها با مقایسه دوران پس از انقلاب و قبل از انقلاب خواهیم دید سطح دینی و ایمانی مردم

چقدر پیشرفت کرده و اصلاً سزاوار نیست با دوران قبل از انقلاب مقایسه شود که مشروب فروشها از طرف حکومت مجوز کار می گرفتند و زنان حق رأی و انتخاب نداشتند و اکثر دولتمردان از بزرگترین وارد کنندگان مواد مخدر بودند.

از رهبر معظم انقلاب سؤال پرسیدند که : کسانی دارند وانمود می کنند نسلی که روی کار می آید از ارزشهای دینی رویگردان است، آیا این تحلیل صحیح است؟ ایشان در پاسخ فرمودند : " بنده صددرصد حرف آنها را رد می کنم. نه این که من عوامل فساد

برانگیز فرهنگی را نمی بینم یا نمی شناسم یا از آنها خبر ندارم، نخیر، بنده از ماهواره و اینترنت و رمانها و فیلمها و آهنگها و حرفهای فاسد کاملاً خبر دارم و آنها را دست کم نمی گیرم، من عمرم را در میان جوانان گذرانده ام. بنابراین می دانم حال و هوای جوانی چیست و امروز در فضای جوانی ما چه می گذرد. اما معتقدم نسل کنونی امروز این قدر هم آسیب پذیر و شکننده نیست. این را بد فهمیده اند. این نسل در محیطی بارآمده که از محیط سی سال و سی و پنج سال قبل به مراتب پاکیزه تر و بهتر است. کسانی که در این محیط متولد شده اند، به برکت هدایت دینی توانستند آن کار عظیم را انجام دهند و آن ایمانهای پولادین و استوار را عرضه کنند من معتقدم که این نسل نسبت به آن نسل، در محیط بهتری پرورش یافته و آمادگیهای به مراتب بهتر و بالاتری دارد ... چه چیز موجب می شود که با این بمباران فرهنگی که سال گذشته در

مجموعه‌ی بی از مطبوعات زنجیره‌ی ای (با حمایت و کمک مالی آمریکا و استخبار جهانی) علیه مذهب و علیه فکر مذهبی و علیه انقلاب و علیه امام (و علیه همه چیز صورت گرفت، وقتی روزهای اعتکاف ماه رجب فرار رسید، مسجد دانشگاه تهران جزء شلوغ‌ترین مراکز اعتکاف شود؟ چه کسی به جوانها گفت بروید اعتکاف کنید؟ چه کسی به جوانها بخشنامه کرده بود؟ جوانی که پرورش یافته انقلاب است، از معرفت دینی برخوردار است، ایمانش هم ایمان عمیقی است، البته احتیاج دارد که تغذیه معنوی و فکری دائمی شود. به نظر من، جوانان ما امروز هم خدایی و مؤمن و با صفایند. شما ببینید دانشگاههای ما چگونه است. ببینید کارگاههای ما چگونه است. ببینید فضای کشور چگونه است. شما ببینید در روز راهپیمایی بیست و دوم بهمن یا روز قدس، اکثریت این جمعیتی که مثل سیل به خیابانها می آیند، چه کسانی هستند، همین جوانانند. همان روح الهی، همان انگیزه و صاعقه الهی، هنوز هم در کشور وجود دارد و باز هم کارساز است. همین روحیه، باز هم کشور را به ساحل نجات خواهد رسانید." (۲)

منابع و مأخذ :

۱. پرسشها و پاسخها : آیت ... مصباح یزدی، ص ۷۵ و ۷۶

پرسش و پاسخ از محضر مقام معظم رهبری، صص ۲۵۵، ۲۳۷ و ۲۳۸

### چه کار کنیم اینقدر رشوه خواری و پارتی بازی کم شود؟

#### پرسش

چه کار کنیم اینقدر رشوه خواری و پارتی بازی کم شود؟

#### پاسخ

از این که با ما تماس برقرار کرده‌ای سپاسگزاریم و امیدواریم مشاور خوبی برای شما و امثال شما باشیم. در خصوص سؤالی که مطرح کرده‌ای باید عرض کنم که مشکلات و معضلات اجتماعی در همه جا و نسبت به همه افراد علل و عوامل یکسانی ندارد. لذا هر جایی که این معضلات وجود دارد و هر کس که به آن مبتلا است باید تحقیق و جستجو کرد تا علل و عوامل آن شناسایی شود.

یکی از مسائلی که در ترویج رشوه خواری و پارتی بازی نقش دارد این احساس است که بدون پرداخت رشوه یا داشتن پارتی نمی‌توان به اهداف خود رسید. لذا می‌بینیم برای انجام برخی کارهای جزیی که از طریق معمول براحتی قابل انجام و اجرا هم هست افراد به دنبال پارتی می‌گردند و حاضرند رشوه بدهند و یا اگر با اندک مانعی برخورد می‌کنند بلافاصله پیشنهاد رشوه می‌دهند و حتی قبل از هر مانعی از منزل که راه می‌افتد هدیه و... را با خود می‌برد تا کارش براحتی پیش برود. احساس ناامنی به مراتب بدتر از ناامنی است. اگر کسی احساس کند بدون رشوه و پارتی نمی‌تواند به هدف برسد طبیعی است که در همان گام اول اقدام به رشوه و پارتی بازی خواهد کرد.

مسأله دیگری که در ترویج دو مورد فوق و سایر معضلات اجتماعی و اخلاقی نقش دارد ضعف اخلاقی و انسانی است؛ وقتی انسانها از تربیت نفسانی و فضایل انسانی بصورت عمیق برخوردار نباشند با اندک وسوسه ای از کوره به در می روند و به خطا و اشتباه دچار می شوند و اصول و ارزشهای

والای انسانی را زیر پا می گذارند.

مسأله دیگری که به گسترش پارتی بازی و رشوه خواری کمک می کند، مشکلات اقتصادی و معیشتی است وقتی کسی در خانه و زندگی از کمبودهایی رنج می برد، برای درمان خودش مشکل دارد، ما یحتاج اولیه و ضروری خودش را نمی تواند به راحتی تأمین کند و . . با وسوسه های شیطانی و نفسانی برای رسیدن به این خواسته ها و نیازها، تن به رشوه خواری و پارتی بازی می دهد و از طریق فوق می خواهد بر مشکلات اقتصادی و معیشتی غلبه پیدا کند. طبیعتاً اگر کارمندان و کارکنان بخشهای گوناگون از نظر مایحتاج عمومی و ضروری تأمین بشوند به حدی که افراد احساس کمبود و نیاز نکنند این معضلات کاهش خواهد یافت. البته احساس نیاز و نیاز کاذب و غیر ضروری و تلقی کردن ضروری نیز به این معضل دامن می زند. زیاده طلبی و گرایش به زندگی تجملی و اشرافی و احساس نیاز کاذب و عدم تأمین آن نیازهای کاذب و تجملی و اشرافی نیز افراد را به سوی این معضلات سوق می دهد. روشن است که اگر در انسان چنین احساسی زنده شود سیری ناپذیر خواهد بود و هر آنچه بدست آورد باز هم احساس کمبود خواهد کرد و برای تأمین نیاز خودش به هر کاری دست خواهد زد. برای مقابله با این پدیده های شوم باید:

۱ تربیت های اخلاقی افزایش یابد.

۲ مسئولان مختلف باید نظارت های خود را افزایش دهند و با متخلفان به صورت جدی برخورد نمایند و از زندگی تجملی و اشرافی بشدت پرهیز نمایند.

۳ نیازهای اولیه کارکنان و کارمندان تأمین شود.

۴ رسانه ها با برنامه های مختلف الگوسازی کنند و از احساس نیازهای کاذب بکاهند و .

چرا در جامعه اسلامی ایران که در بین مردم قرآن حضور دارد مردم از لحاظ علمی خیلی کند عمل می کنند ولی در جامعه های بیگانه زیادی که دینی چون اسلام وجود ندارد آن مردم از لحاظ علمی بالاتر از جامعه اسلامی هستند ، دلیل چیست ؟ چه کسی باعث شده است که جامعه به این ف

### پرسش

چرا در جامعه اسلامی ایران که در بین مردم قرآن حضور دارد مردم از لحاظ علمی خیلی کند عمل می کنند ولی در جامعه های بیگانه زیادی که دینی چون اسلام وجود ندارد آن مردم از لحاظ علمی بالاتر از جامعه اسلامی هستند ، دلیل چیست ؟ چه کسی باعث شده است که جامعه به این فلاکت گرفتار شود ؟

### پاسخ

ارادت شما جوان پاک نهاد و سلیم النفس به قرآن کریم این کتاب حیات بخش و هدایت آفرین را از صمیم قلب می ستایم و آرزو می کنیم عشق و ارادت هر چه بیشتر به قرآن و تعالیم و احکام و دستورات آن افزایش یابد .

دوست عزیز آیا شما گمان می کنی حضور یک کتاب مثل قرآن می تواند ارتقاء علمی بدهد و عدم حضور آن عقب ماندگی باید بیاورد و یا عوامل دیگری لازم است . آنچه شما بیان کرده ای یک حقیقت تلخ است ولی به قرآن و احکام حیات بخش و تعالی آفرین آن مربوط نیست . اگر مردم به قرآن بی اعتنا باشند و این کتاب مقدس در لبه های طاقچه منازل خاک بخورد و تلاوت نشود و حتی اگر تلاوت بشود و به خواندن و حفظ کردن آن دلخوش باشند آیا از نظر علمی رشد خواهند کرد ؟ آیا شما گمان می کنی تمام چیزها در قرآن وجود دارد . همه علوم در قرآن وجود دارد . همه علوم در قرآن نهفته است ؟ یا باید جور دیگری اندیشید و با قرآن تعامل برقرار کرد ؟

برادر عزیز و دوست داشتنی رمز موفقیت یک ملت داشتن یک کتاب حتی اگر قرآن باشد

نیست . رمز موفقیت هر ملتی در گرو تلاش و پشتکار و مطالعه و تحقیق و تفحص و جستجوی علمی است .

خواه مردم این تلاش و تکاپو را از تعالیم دینی و کتاب آسمانی فرا گرفته باشند و به آن عمل کنند و خواه خودشان بر اثر تجربه فردی و جمعی بشری به آن نتیجه رسیده باشند. ملتی پیشرفت خواهد کرد که دو ویژگی عمده و بارز در او وجود داشته باشد : ۱- کار و تلاش خستگی ناپذیر ۲- قناعت و قانع بودن به حداقل امکانات زندگی .

نمونه بارز این ، ملت ژاپن است . توصیه می کنم کتاب اسلام در ژاپن که گزارش سفر حجه الاسلام مسیح مهاجری به ژاپن و هند و هنگ کنگ است مطالعه کنید تا متوجه بشوید عامل پیشرفت آنها چیست .

علت عقب ماندگی علمی و فنی جوامع اسلامی در وجود کتاب قرآن نیست بلکه علت آن عمل نکردن به تعالیم قرآن است . غریبها به دلیل این که دین آنها را از پیشرفت علم و دانش منع می کرد دین را رها کردند و پیشرفت کردند ولی شرقیها همه می خواستند از همان راه به پیشرفت برسند لذا دین را رها کردند و عقب افتادند . دین تحریف شده مسیحیت و کلیسای قرون وسطی مانع پیشرفت بود لذا نهضت رنسانس بر ضد کلیسا به راه افتاد و با رها شدن از سلطه کلیسا، غرب به اوج پیشرفت فنی و تکنولوژی علمی رسید ولی هم اکنون از جنبه های انسانی و معنوی و روحی و روانی بدلیل تضعیف مذهب دچار بحران هستند. اما دین اسلام مشوق ارتقاء علمی



است . دانش را ارزشمندترین چیز می داند و مقام دانشمند را بر همه مقامات برتری داده است و تحصیل دانش را واجب شمرده و کار و تلاش علمی و معیشتی را عبادت و بلکه برتر و والاتر شمرده است .

اما متأسفانه مسلمانان به اسلام و قرآن عمل نکرده اند و تصور کرده اند با پشت پا زدن به احکام دین پیشرفت می کنند ، غافل از آنکه غریبها به دلیل ممانعت دین از پیشرفتهای علمی ، دین را از صحنه جامعه و سیاست کنار زدند ولی اسلام نه تنها مانع پیشرفت دانش نیست بلکه آغاز و انتهایش با دانش است و کسب علم را بدون محدودیت زمانی و مکانی و جنسی واجب شمرده است ، اما کو عمل ! آیا افراد مسلمان روزانه چقدر مطالعه می کنند چقدر برای مطالعه و کتاب هزینه می کنند . در مقایسه با تغذیه جسمی چقدر به تغذیه روحی (مطالعه و تحقیق که بالاترین غذای روحی است) اهمیت می دهند؟!

دوست عزیز توصیه می کنیم سخنرانی استاد شهید مرتضی مطهری تحت عنوان " علم " را در کتاب ده گفتار مطالعه کنید.

برخی منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. اسلام در ژاپن ، مسیح مهاجری

۲. ده گفتار ، شهید مطهری

۳. علل پیشرفت و انحطاط مسلمین ، زین العابدین قربان

۴. دانش مسلمین - محمد رضا حکیمی

۵. انسان و ایمان - شهید مطهری

۶. آداب تعلیم و تعلم در اسلام - سید محمد باقر حجتی

**با توجه به این امر که مردم کشور ما مسلمانان و دوستدار ائمه اطهار(ع) هستند، چرا باید در این کشور بی بندوباری و فساد رایج شده است؟ چرا در مشهد که شهری مذهبی است باید این وضع فجیع اتفاق افتاده باشد؟**

**پرسش**

با توجه به این امر که مردم کشور ما مسلمانان و دوستدار ائمه اطهار(ع) هستند، چرا باید در این کشور بی بندوباری و فساد رایج شده است؟ چرا در

مشهد که شهری مذهبی است باید این وضع فجیع اتفاق افتاده باشد؟

### پاسخ (قسمت اول)

تبادل و تعامل فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی واجتناب ناپذیر است. تنویر افکار و رشد فرهنگی جامعه در پرتو تفاهم فرهنگی با دیگران قابل حصول است. لیکن اگر جامعه ای از درون تهی و آسیب پذیر شد، تبادل فرهنگی تبدیل به تهاجم فرهنگی می شود. بنابراین نفس هجوم فرهنگی دشمنان وحشتناک نیست، بلکه خطر درضعف و ناتوانی و آسیب پذیری درونی است که زمینه سلطه پذیری را فراهم می سازد. از دشمنان نباید انتظار داشت هجوم نیاورند. حیات امپریالیسم جهانی وابسته به سلطه گری است بویژه آنکه رشد اسلام گرایی مرگ فرهنگ غرب را به همراه خواهد داشت. باید عوامل درونی سلطه پذیری را شناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسیب پذیری به حداقل برسد. در مقام تشبیه، می توان از هجوم میکروبها به بدن انسان نام برد که همواره هجوم و برخورد میکروب با بدن وجود دارد. هر چند باید تلاش کرد تا از این تلاقی و قرار گرفتن بدن در فضای آلوده جلوگیری شود لکن انسانهایی بیمار می شوند که بدن مجروح، مستعد و آسیب پذیر داشته و قوای دفاعی شان به تحلیل رفته و قدرت مقابله با ایجاد پادزهر مناسب را نداشته باشند.

بنابراین در بررسی عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی، در مرحله اول باید به این سوال پاسخ داد که: چرا جامعه سلطه پذیر

می شود؟ چرا افراد جامعه تسلیم هجوم فرهنگی دشمن می شوند؟ چرا جامعه قدرت صیانت از فرهنگ و هویت خودی را از دست داده و به فرهنگ بیگانه روی می آورد؟ چرا جوانان و نوجوانان فرهنگ بیگانه را بر فرهنگ خودی ترجیح می دهند؟ و یا بطور کلی باید دو سوال

زیر را پاسخ داد :

۱. چرا فرد آسیب پذیر می شود؟

۲. چرا جامعه آسیب پذیر می شود؟ با توجه به آنچه بیان شد برخی از علل و عوامل آسیب پذیری فرد و جامعه که در واقع همان عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی است، به اختصار بیان می گردد :

۱- احساس حقارت و کهتری : نوجوانان و جوانان گاهی به علت داشتن نقایص بدنی و یا به علت مسایل و دشواری های خانوادگی، شکست ها، محرومیت ها، ناآگاهی های دوران گذشته زندگی، تمسخر و استهزای دوستان و همسالان، سرزنش های مکرر معلمان و شاگردان، و یا به دلیل طرد شدن ها و بی توجهی ها و یادداشتن مسایل روانی دیگر، اعتماد به نفس خود را از دست داده دچار احساس حقارت می شوند و تصور می کنند دیگران برتری هایی دارند که آنها ندارند و در انجام اموراتوان تر از دیگران هستند و مسولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند . مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه کمتری خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است و آن اصل جبران یا تلافی است. "۱"

۲- عدم ارضاء نیازها : جوانان همانند سایر مردم دارای مجموع ای از نیازها و احتیاجات می باشند که برای حل یا رفع آنها تلاش می کنند . نیازهای جوانان دریک تقسیم بندی کلی به دو گروه نیازهای زیستی (خوردن، خوابیدن، پوشیدن و...) و نیازهای روانی (نیاز به محبت، تعلق خاطر، امنیت، مقبولیت و...) تقسیم می شود "۲" ارضاء شدن یا بدارضاء شدن این نیازها، مسایل و مشکلاتی را برای نوجوان ایجاد می کند . در چنین شرایطی جوان احساس تنش و ناآرامی می کند و این تنش باعث ایجاد بی قراری و عدم تعادل می شود. نوجوان برای برطرف کردن این حالت از مکانیزمهای دفاعی یا رفتار جبرانی استفاده

می‌کند. مکانیزم‌های دفاعی که با درجات مختلفی توسط افراد به کار برده می‌شوند عبارتند از: پرخاشگری، جبران، والایش، همانند سازی (درون فکنی)، دلیل تراشی، فرافکنی، سرکوبی، عکس‌العمل‌سازی، خودمداری، منفی‌گرایی، عقب‌نشینی و فرار، بازگشت به عقب، جابجایی، و... "۳". به عنوان مثال دختر جوانی که نتواند زیبایی خویش را در مدرسه و در بین همسالان به نمایش بگذارد با استفاده از مکانیزم دفاعی "جابجایی" در خیابان و خارج از مدرسه نیاز خود را ارضاء می‌کند. دانش‌آموزی که نتواند محبت لازم را در مدرسه از معلم دریافت کند با بهره‌گیری از رفتار جبرانی "خودمداری" به پوشیدن لباس‌های مبتذل و آرایش نامناسب موی سر روی می‌آورد تا کانون توجه دیگران قرار گیرد...

۳- عدم مقبولیت و محبوبیت: هرانسانی دوست دارد دیگران او را دوست داشته و محبوب بدانند. این نیاز در کودکان و نوجوانان گستره‌تر و عمیق‌تر است و در جوانی شدیدتر می‌شود زیرا جوانی و سن بلوغ، سن غرور و خود دوستی است. نوجوان تمایل دارد هر چه سریعتر وارد دنیای بزرگسالی گشته و مورد احترام و تکریم دیگران قرار گیرد. او می‌خواهد دیگران باور کنند که دوران کودکی راسپی کرده و نیازی به کنترل و تسلط دیگران به ویژه پدر و مادر ندارد. جوان دوست دارد روی پای خویش بایستد و خودش برای خود تصمیم بگیرد و استقلال خویش را حفظ نماید. او به دنبال کسب محبوبیت و مقبولیت بخصوص در بین همسالان است. اگر این نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشوند بهداشت روانی جوان و نوجوان آسیب می‌پذیرد و اختلالات عاطفی و رفتاری بروز می‌کند. پذیرش فرهنگ بیگانه و پشت‌پازدن آگاهانه به هنجارها، آداب، رسوم و اخلاقیات حاکم بر جامعه می‌تواند نمودی

از عدم ارضاء این نیاز باشد. تبعیت جوانان از افکار جدید حضور فعال آنان در صحنه ها و جریانات مخالف وضع موجود رد و بدل کردن مخفیانه وسایل غیرمجاز نظیر فیلم و نوار و مجلات و ... نشانگر عدم پاسخگویی به نیاز استقلال طلبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است.

۴- فشار دوستان و همسالان: یکی از ویژگیهای سنین کودکی و نوجوانی، دوست یابی است. نوجوان و جوان نیاز دارد تا فرد یا افرادی را به دوستی برگزیند و در یک ارتباط عاطفی و صمیمی به همانند سازی برسد. "هراس از گمنامی و تنهایی، نوجوان را برمی انگیزد تا خود را در ارتباط با گروه همسالان قرار دهد .... در مواردی، نوجوان، سرخورده از گروه به باندها و گروههای ناسالم اجتماعی می پیوندد تا بر تنهایی و عدم تعلق اجتماعی خویش فایق آید." "۴"

از عوامل مهم انحرافات نوجوانان و تسلیم پذیری آنان در برابر تهاجم دشمن، پیدا نمودن دوستان نامناسب و فاسد است که زمینه اعمال بزهکارانه را در آنها تقویت می کنند. ترس و اضطراب از انجام اعمال بزهکارانه را در آنها تقویت می کنند. ترس و اضطراب از برخورد همسالان و طرد آنها در صورت تخلفی از آداب و رفتار گروه، سبب می شود تا فرد تسلیم گروه باشد. تشکیل مهمانی ها، شب نشینی ها، جلسات نمایش فیلم، کوهنوردی های گروهی، گردشهای دسته جمعی، مسافرتها و... اگر بدون نظارت و هماهنگی بزرگترها صورت گیرد می تواند زمینه ساز آلودگی های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی باشد.

۵- بی هدفی و بی ثمری: زندگی بدون هدف پوچ و فاقد معناست، و هر کس نیاز دارد که فعالیت های خود را متوجه هدف یا هدفهای مشخص نماید. هدف هر چه بزرگتر و مقدس تر باشد، انگیزه حرکت بیشتر، و قوی تر است. داشتن هدف در زندگی به فرد، احساس رضایت و تحرک بیشتر

می دهد. انسانهای بی هدف، انسانهای خودگم کرده هستند که ثبات شخصیت و سلامت روانی خود را از دست می دهند. جوانانی که در زندگی هدف مشخصی ندارند و یا هدفهای کوچک را دنبال می کنند غالباً در تزلزل و ناامنی بسربرده و دچار افسردگی، یا س و نومیدی می شوند.

۶- احساس ناامنی اقتصادی (بیکاری و فقر): صرف انرژی جوان در اوقات فراغت داشتن شغل و درآمد برای او اهمیت دارد. معمولاً اکثر نوجوانان قبل از پایان تحصیلات به شغل آینده خود فکر می کنند. داشتن کاری مناسب و شغلی مفید و پردرآمد در این دوره باعث بی نیازی و عزت نفس و اعتماد به نفس آنها می شود و برعکس بیکاری بخصوص در سنین جوانی منشاء بسیاری از ضعفها و مفاسد و آلودگیها می باشد و امنیت روانی فرد را به خطر می اندازد براساس تحقیقات، بسیاری از موارد شدید بزهکاری، ناشی از بیکاری و احساس پوچی و بیهودگی در جوانان است. "۵"

۷- خلاء فرهنگی جامعه: یکی از مهمترین ریشه های تهاجم فرهنگی، پیدایش خلاء فرهنگی در جامعه است. هیچ جامعه ای تا آمادگی نداشته باشد از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پذیرد. معمولاً جوامعی که دچار آشفتگی و ناآرامی اند برای بخورد و پیوند فرهنگی آماده ترند. البته هیچ جامعه ای نیست که از هر جهت در هر زمان آرام و سامان یافته باشد ولی گاهی بی آرامی و بی سامانی جامعه شدت می گیرد و سازمان اجتماعی را به خطر می اندازد. جامعه در این گونه موارد ناگزیر است با تدابیری بی آرامی و بی سازمانی مفرط را از بین ببرد. "۶"

بنابراین تهاجم فرهنگی به خودی خود کار ساز نیست بلکه نیاز به زمینه مساعد یعنی خلاء فرهنگی و فکری دارد. اگر جامعه امروز نتواند نیازهای فکری

و فرهنگی افراد جامعه بویژه نسل جوان و تحصیل کرده و تشنه حقیقت و انسانیت را پاسخ دهد، خلاء حاصله میدان را برای موفقیت هجوم فکری و تبلیغی غرب و مکاتب آن باز می کند و عطش نسل جوان با سراب بیگانه و آبهای آلوده غریبان سیراب می شود.

۸- تضعیف نهاد دولت : دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسئولیت حراست از استقلال و امنیت ملی و تمامیت ارضی و پاسداری از بقاء و رشد و رفاه ملت را به عهده دارد. هرچه نهاد دولت قویتر و توانمندتر باشد آسیب پذیری آن در برابر تهاجم دشمنان کمتر است. همچنانکه در تهاجمات نظامی دولتهای ضعیف مجبور به تسلیم و قبول شرایط دولتهای قوی و مهاجم هستند، در تهاجمات فرهنگی و سیاسی نیز این اصل حاکم است و دولتهای ضعیف قدرت مقابله با تهاجم بیگانگان و پاسداری از حریم هویت ملی و فرهنگ خودی را ندارند. دولتهای ضعیف و ناتوان مرعوب توانمندی و اقتدار دولتهای سلطه گر شده و خواسته یا ناخواسته سیاست، فرهنگ و راه آنان را الگوی خود قرار می دهند. نهاد دولت برای ایفای نقش و وظایف خویش نیاز به قدرت و اقتدار دارد که این اقتدار نه از طریق استبداد و حکومت جبارانه، بلکه از طریق وفاق، مشارکت و پشتیبانی مردم باید بوجود آید تا زمینه رشد و توسعه و استقلال کشور را فراهم آورد.

۹- ضعف و ناهماهنگی نهادهای اجتماعی : اگر هر یک از نهادهای اجتماعی وظایف خویش را به خوبی و با دقت در راستای اهداف نهایی جامعه انجام داده و با هماهنگی سایر نهادها در حفظ و حراست از فرهنگ خودی و هویت اسلامی و ملی کوشا باشند، تهاجم فرهنگی دشمنان آسیبی نخواهد رساند. آسیب پذیری زمانی آغاز می شود که هر یک از نهادها یا وظایف خودشان را انجام ندهند و یا همسو و هم راستا

با اهداف کلی جامعه حرکت نمایند درچنین شرایطی تهاجم فرهنگی به بار می نشیند.

اگر درجامعه انقلابی و اسلامی ما الگوهای مورد قبول، نظیر روحانیت و دولتمردان نتوانند آرمانها و باورهای اسلامی و انقلابی را درزندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی خویش پیاده نمایند درنتیجه عملکرد آنان زمینه ساز موفقیت تهاجم فرهنگی می شود. رسانه های گروهی اگر همسو با رهبری و دولت درپاسداری از آرمانهای مکتب اسلام و هویت ملی حرکت نکنند خود به ابزاری برای انتقال فرهنگ بیگانه تبدیل خواهند شد .

۱۰- گسستگی عواطف و پیوندهای اجتماعی : جامعه یکپارچه و آسیب ناپذیر دربرابر تهاجمات دشمنان جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسست ناپذیر وجود داشته باشد . این جامعه نه تنها مرعوب و مقهور تهاجم بیگانگان نمی شود بلکه همچون دژی مستحکم درمقابل تهاجم آنان پایداری می کند . نمونه این پایداری را می توان در دوران دفاع مقدس و جاودانه امت مسلمان ایران دربرابر تهاجم بیگانگان به روشنی نظاره کرد. متقابلاً عدم پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشار مختلف به ویژه عدم پیوند عمیق بین شنوندگان و حکومت کنندگان به شدت جامعه را آسیب پذیر می کند . اگر حکومت کنندگان، مردم را نابالغ، ناآگاه، متخلف، نیازمند سرپرستی و... انگارند و اگر مردم حکومت کنندگان خود رامستبد، خودخواه، دنیا پرست، غیر مسوول، نالایق بیندارند، اگر توانمندان مردم ضعیف و مستمند را بی خرد، بی تدبیر، تنبل و کاهل ولایق بدبختی ببینند و اگر فقراء ثروتمندان را مال اندوز، متجاوز، حيله گر و ستمگر بدانند، اگر تحصیل کرده ها توده مردم را قبول نداشته باشند و اگر مردم عادی روشنفکران و تحصیل کرده های خود را از خود ندانند و اگر... درچنین شرایطی که عواطف و پیوندهای



اجتماعی به حداقل خود رسیده است، جامعه به شدت آسیب پذیر است و تهاجم دشمنان در هر زمینه می تواند اساس جامعه را از هم متلاشی سازد.

### پاسخ (قسمت دوم)

همچنین اگر قبایل، نژادها و اقوام مختلف یک جامعه به تمسخر و تحقیر و استهزاء هم برخیزند آسیب پذیری جامعه حتمی است و احساس هویت ملی و هویت اسلامی در چنین شرایطی از بین می رود و بیدایی چنین بیگانگی هایی از سوی مردم نسبت به نظامات حاکم و از سوی نظام نسبت به مردم و از سوی مردم نسبت به هم، برهم اثر متقابل داشته و رفته رفته به مراحل سهمگین و خطرناکی کشیده می شود. روابط تنش زایی بین نظام و ملت بوجو می آید و خشم و انزجار ملت و سقوط دولت رابه دنبال خواهد داشت. در چنین شرایطی هر نهاد و هر قشری از جامعه درصدد کسب هویت برای خویش است تا به حیات خود ادامه دهد. اگر این هویت را در درون جامعه خویش نیافت به بیگانه متمسک می شود و هویت خود را در فرهنگ و اندیشه و حکومت بیگانه جستجو می کند.

۱۱- عدم عدالت اجتماعی: جامعه آسیب پذیر در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان، جامعه ای است که از درون پوسیده و سست گردیده و قدرت مقابله با تهاجمات رانداشته باشد. یکی از مهم ترین عوامل پوسیدگی جوامع عدم عدالت اجتماعی در آن جوامع است. عدالت اجتماعی عامل پیوند اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر و موجب پیوستگی نهادهای اجتماعی است.

ستون انقلاب و رکن اساسی حرکتهای سازنده اجتماعی، تأمین و تعمیم عدالت است بویژه عدالت اقتصادی و اجتماعی که همه مردم به خصوص انسانهای محروم و انقلابگر با آن سروکار دارند به همین دلیل حضرت علی (ع) فرمود: "العدل حیاة الاحکام" سبب زنده شدن و زنده ماندن احکام خدا در میان

مردم عدالت است. "۷" تهاجم فرهنگی و آسیب رسانی آن با جریان سرنوشت ساز عدالت اجتماعی و حرکتهای اقتصادی جامعه پیوستگی مستقیم دارد. هر چه عملکردهای اقتصادی با عدالت بیشتری عجین باشد آسیب پذیری کمتر می شود و جامعه به صورت یک مجموعه به هم پیوسته در برابر تهاجمات پایداری می کند. به بیان دیگر در جامعه قرآنی، احکام قرآن قابل اجراست و جامعه قرآنی جامعه قائم به قسط و عامل به عدل است یعنی برخوردار از قسط و پی ریخته و ساخته شده برشالوده عدالت، یعنی اگر عدالت نباشد بطور قطع تکاثر و فقر خواهد بود و این پدیده هر دوفنی کننده زمینه اعتقاد و عمل به احکام الهی اند.

۱۲- فقر و توسعه نیافتگی: صیانت از فرهنگ اسلامی و هویت ملی و دستیابی به استقلال فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در بستری از توسعه و رشد یافتگی و کسب قدرت مادی و معنوی امکان پذیر است. حفظ ارزشهای آرمانی نیازمند استقلال و توجه است. استقلال قدرت اعمال اراده یک ملت درباره هر گونه عمل، سیاست و یا حرکت داخلی و خارجی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر مبنای تشخیص منافع و مصالح خود می باشد. بدیهی است هر چه توان اقتصادی، سیاسی و علمی و استحکام و انسجام اجتماعی و ظرفیت فرهنگی یک ملت بیشتر و در مقایسه با جهان پیرامون خود قویتر باشد استقلال او نیز بیشتر است. بنابراین بیشتر و بهتر می تواند از فرهنگ و اندیشه و باورهای خود دفاع نماید. فقر، نیازمندی می آفریند و نیازمندی، وابستگی به وجود می آورد. در فرهنگ تحت اسلام فقر محکوم گردیده و پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام با گسترش فقر به مخالفت برخاسته اند چنانکه فرموده اند: "كاد الفقران یکون کفرا" "۸"

قرآن کریم نیز می فرماید شیطان ابتدا به فقر و سپس به

فحشاء فرا می خواند: الشیطان یعدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء... "۹" (شیطان شما را به سوی فقر فرامی خواند و به فحشاء فرمان می دهد)

در شرایطی که فقر و توسعه نیافتگی بر کشور حاکم است ورود کالا و تکنولوژی بیگانه، ورود فرهنگ و ایدئولوژی خاص آنان رانیز به همراه دارد که این همان مصداق عینی تهاجم فرهنگی است. فقرزدایی و توسعه براساس ارزشها و معیارهای خودی و منبعث با منابع و امکانات خودی، ارزشمند و قابل تحقق است و توسعه مبتنی برالگوها و ارزشهای بیگانه و استوار بر پایه منابع و امکانات آنان، خود نیز زمینه ساز تهاجم فرهنگی بوده و موجبات توسعه در توسعه نیافتگی را فراهم می آورد.

۱۳- مهاجرت، تجارت، جنگ: مهاجرت، تجارت و جنگ سه عامل مهم در طول تاریخ برای برخورد فرهنگی جوامع با یکدیگر بوده اند. یکی از جالب ترین صحنه های تاریخ، بسط ملتها از طریق کوچ نشینی مسالمت آمیز می باشد. "۱۰" مهاجرت و کوچ نشینی هر چند دارای اثرات مثبت در تاریخ بشری بوده و زمینه بسط و گسترش دانش اقوام را فراهم آورده است لکن در شرایط تهاجم فرهنگی مهاجرین می توانند به عوامل انتقال فرهنگ بیگانه به داخل کشور و جامعه خود تبدیل گردند. تجارت و جنگ نیز در برخورد فرهنگی ملتها ایفای نقش می کنند. تجار و بازرگانان با انتقال کالا، تکنولوژی و خدمات در واقع فرهنگ کشورها را به هم منتقل می کنند. "کالاها و ابزارهای مشرق زمین که به وسیله تجارت و در طی جنگهای صلیب به اروپا راه یافتند بیش از آثار علمی شرقی زندگی اجتماعی اروپا را دگرگون کردند. "۱۱"

۱۴- گسترش فحشاء، فساد، منکرات: زیر پا نهادن قوانین و شکستن حدود، مقررات و متلاشی نمودن روابط سالم اجتماعی، جامعه را به سوی بی ثباتی و هرج و مرج سوق داده

و آنرا به شدت آسیب پذیر می سازد. یکی از شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد و منکرات بویژه روابط جنسی و شهواتی می باشد. جامعه آلوده به کژیها و زشتیها، جامعه ی بیماری است که در برابر میکروبهای مهاجم قدرت دفاع از خویش را نخواهد داشت. به همین دلیل ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، منکرات، بدحجابی، روابط نامشروع به صورت سازمان یافته و برنامه ریزی شده در جامعه انقلابی ما در سرلوحه فعالیت های مهاجمان فرهنگی قرار دارد.

در تعالیم اسلامی، نابودی جامعه فاسد و مفسد، به عنوان یک سنت تغییر ناپذیر اجتماعی در قانونمندی الهی مطرح شده است. و در آیات زیادی امتهای واقوام گذشته به دلایل شیوع فساد و فحشا و بی تفاوتی در برابر معاصی، در بین آنان مطرح شده است. گسترش رشوه فساد اداری باندهای باز و تقلب قانون شکنی دزدی طلاق فرار از خانه خودکشی نیز رواج منکرات و اعمال خلاف اخلاق، همچون موریانه ستونهای استوار جامعه را از پای درمی آورند و آن را آسیب پذیر می کنند.

برادر ارجمند و بزرگوار، اکنون که برخی از علل و عوامل موفقیت روزافزون تهاجم فرهنگ را بیان کردیم. حتماً دریافته اید که جلوگیری از آن نیز کار ساده ای نیست ولی به هر حال همان گونه که قبلاً بیان شد در مقابله با تهاجم فرهنگی برخلاف تهاجم نظامی، دولت و نیروی انتظامی به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ با اندیشه ها و باورها و اعتقادات مردم سروکار دارد که این امر زورپذیر نیست بلکه باید با مبانی و عقاید عقلانی و مبتنی بر فطرت و بصیرت زمینه پذیرش یا نفی یک فرهنگ را پدید آورد و به بیان دیگر ایجاد محدودیت توسط دولتها نمی تواند راه گشا باشد بلکه باید با ایجاد "مصونیت"

از ارزشها و فرهنگ خودی دفاع کرد. در رویارویی با فرهنگ مهاجم باید علل و عوامل ساعد کننده تهاجم را از بین برد و مصونیت سازی راه کارهای استوار و مطمئن می طلبد که به برخی از آنها اشاره می شود :

۱- بازیابی هویت : هویت جویی، از اصلی ترین و مهم ترین نیازهای نسل امروز است و بازیابی هویت در حقیقت بازشناسی نفسی است که این نسل برعهده دارد . جوانان ما باید برای پرسشهای اساسی زیر پاسخهای روشن و مستدلی بیابند :

- غایت و مقصود زندگی چیست؟

- جایگاه من در حیات معقول چیست؟

- چه عاملی فلسفه وجودی جوانان را در نظام هستی، توجیه و تبیین می کند؟

- آیا جوانان در نظام هستی، از کرامت و منزلتی برخوردارند؟ پاسخ به این پرسشها، جوان را از جایگاه رفیعی که نزد پروردگار دارد، مطمئن نموده و او را از رنج درون تهی بودن و آسیب پذیری می رهاند .

۲- درک هویت فرهنگی : شناخت یک فرهنگ، در حقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها و برتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگهاست . نسل جوان، باید به امتیازات فرهنگ اسلامی و ملی خویش، آشنا باشد تا در مقابله با فرهنگ بیگانه، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد . تاریخ تحلیلی و فرهنگ خودی و مطالعات تطبیقی فرهنگ های معاصر و به ویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که بر معادلات سیاسی و اجتماعی جهان معاصر داشته است، جوانان را در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقارم می کند . و با این امر بازگشت به فرهنگ خودی، امکان پذیر خواهد بود .

۳- غرب شناسی زمینه غرب ستیزی: برای مقابله با هر پدیده ای، ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نموده تا بتوان سازو کارهای لازم را مهیا کرد . غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت، عملکرد، باطن

وجوه حقیقی این فرهنگ است. جوانان، چون غالباً ظاهر گرا هستند به باطن و درون چندان معطوف نیستند. شناخت عمیق و مستدل فرهنگ غرب، به معنای این است که آنها بتوانند از ظاهر فریبده آن، پرده بگیرند و به درون آن راه یابند، مغرب زمین، از درون به شدت احساس تزلزل، روزمرگی و تهی شدن می کند. زیرا قادر نیست به نسل جوان خویش، معنا و مفهومی برای زیستن بیخشد و فلسفه ارضاء کننده ای برای زندگی آنان، تبیین نماید. و به گفته نیچه "کسی که نداند برای چه زندگی می کند، قادر نخواهد بود با هر "چگونه ای" بسازد." ۱۲"

منابع و مأخذ:

(۱) خدایاری فرد، محمد: مسایل جوانان و جوانان (انتشارات انجمن اولیاء و مربیان ۱۳۷۲) ص ۶۸

(۲) برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: دکتر شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، موسسه اطلاعات ۱۳۶۴

(۳) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و ناهنجار در کودکان و نوجوانان (انتشارات ابتکار ۱۳۶۲) ص ۱۲۸

(۴) شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان (انتشارات تربیت، ۱۳۷۰) ص ۳۰۶

(۵) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و ناهنجار در کودکان و نوجوانان ص ۱۱۷

(۶) بارنفروبوکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان (جلد اول نشرنی تهران) ص ۳۰۷

(۷) غرالحکم و دررالکلم، ص ۳۰

(۸) حکیمی محمد رضا، الحیاء، جلد ۴ ص ۳۰۸

(۹) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۶۸

(۱۰) بارنفروبوکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، جلد اول ص ۲

(۱۱) همان ص ۳۰۶

(۱۲) دکتر شرفی محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی، ص ۶۸

**چرا از یک جوان نه هر جوانی که خود را مسلمان می داند اگر پرسیده شود دلیل انتخاب اسلام چیست؟ نمی تواند جواب درست دهد. آیا شما علمای دین را در این زمان مسؤل و مقصر نمی دانید؟**

**پرسش**

چرا از یک جوان نه هر جوانی که خود را مسلمان می داند اگر پرسیده شود دلیل انتخاب اسلام چیست؟ نمی تواند جواب

درست دهد . آیا شما علمای دین را در این زمان مسئول و مقصر نمی دانید ؟

## پاسخ

دوست گرامی سؤال مناسب شما که نشانه دغدغه حضرتعالی در این باره است پرسشی مناسب است اما پاسخ به آن خود بحثی مفصل است که اشاراتی به آن می کنم .

همانطور که حضرتعالی فرمودید بخشی از مسئولیت این امر به عهده علمای دین و روحانیون می باشد . خداوند تبارک و تعالی در این باره می فرماید : " پس چرا از هر فرقه ای از مؤمنان ، دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند . باشد که آنان از کیفر الهی بترسند ۱ " .

اما از سوی دیگر از همین آیه و آیات و روایات دیگر بدست می آید که تک تک افراد جامعه ، خود نیز در این باره مسئول می باشند .

از جمله در روایتی از رسول مکرم صلوات الله علیه است که : " اف بر هر مسلمانی که در هر هفته روزی را برای کسب فهم در امر دینش قرار ندهد تا از دینش پرسش کند ۲ . در این باره روایات فراوانی است نظیر فرموده امام باقر ( که : اگر بجوانی شیعه برسم که در دینش به فهم نرسیده ، حتماً او را ادب می کنم ۳

و یا آنچه از امام صادق ( رسیده است که : دوست ندارم جوانی از شما را ببینم جز آنکه در یکی از دو حالت باشد ، یا عالم یا

پس نتیجه گرفتیم که دولت و علماء موظف به پیگیری و تلاش در این امر هستند ، اما بار اصلی در این زمینه به دوش خود مردم و جوانان است . چرا که انسانها مختار هستند و خودشان باید راه سعادت یا شقاوت را برگزینند . بطور مثال در همین مشهد ، کتابخانه آستان قدس ، یکی از بزرگترین کتابخانه های خاورمیانه است که راه را برای آنکس که جویای فهم و بصیرت باشد هموار کرده و کسی که بگوید عالمی نبود تا مرا هدایت کند ، این عذر او در این زمان ، پذیرفتنی نیست .

در پایان این نکته را هم خدمت شما عرض کنم که در بین جوانان نیز کسانی هستند که اسلام را با عقل و عشق پذیرفته اند و فعالیت هایی که اخیراً در آموزش و پرورش و حوزه علمیه می شود بسیار امیدوار کننده است و بنده آینده جوانان مسلمان را بسیار روشن تر از گذشته می بینم .

منابع و مأخذ :

۱-سوره توبه آیه ۱۲۲

۲-میزان الحکمه ، ج ۷ ، ص ۵۲۷ ، حدیث ۱۵۸۳۶

۳ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۸ ، حدیث ۹۰۸۸

۴ همان حدیث ۹۰۸۹

**زمان امام عزیز وشهدای گرانقدر ما شاهد اینگونه بی حرمتی و بی عفتی ها از سوی زنانمان و بی غیرتی از سوی مردانمان و آرایش کردن مردها و مرد پوشش زنانه داشته باشد ؟ این مسائل از سوئی قوه قضائیه و نیروی انتظامی و مقامات دیگر پیگیری می شوند اگر نمی شود چرا از نیر**

**پرسش**

زمان امام عزیز وشهدای گرانقدر ما شاهد اینگونه بی حرمتی و بی عفتی ها از سوی زنانمان و بی غیرتی از سوی مردانمان و آرایش کردن مردها و مرد پوشش زنانه داشته باشد ؟ این مسائل از سوئی قوه قضائیه و نیروی انتظامی و مقامات دیگر پیگیری می شوند اگر نمی شود چرا از نیروهای مؤمن و انقلابی کمک نمی گیرید چرا از این بیشتر دل



امام زمان(عج) را می رنجانیم و نایب بر حقش آقا سید علی خامنه ای را شکنجه می کنیم . تا کی باید صبر کنیم ؟

## پاسخ

دوست عزیز دانشجو و سرباز لایق ولایت سلام علیکم؛

روحیه انقلابی و غیرتمندانه و دلسوزانه شما جوان با فضیلت و کمال، موجب خوشحالی وجدان انسان می گردد و از این که در میان جوانان کشور چنین احساسات پاک و وجدانهای بیداری مشاهده می شود خداوند را شاکر و سپاسگزاریم.

برادر عزیز قاعدتاً شما به عنوان یک دانشجو می دانید که فرهنگ سازی در یک جامعه کاری است بس مشکل و طاقت فرسا و نیازمند وقت و زمان مناسب و کافی و تدبیر و تدبیر هوشمندانه و....

تنها روش منع و جلوگیری از برخی موارد و مسایل و پافشاری بر اجرای برخی آداب و رسوم با قوه قهریه برای همیشه نمی تواند دوام و استمرار داشته باشد.

لابد سن شم...اقتضا نکرده یا بخاطر نمی آورید که حدود ۱۵ سال قبل رهبر معظم انقلاب اسلامی طی سخنانی در چند مرحله و مرتبه بحث امر به معروف و نهی از منکر و تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی غرب را مطرح فرمودند و همگان بخصوص نسل جوان را برای مقابله با این پدیده شوم فراخواندند ولی افسوس که بجای تدبیر و برنامه ریزی اصولی و زیر بنایی ، به برخی مسایل ظاهری و جزئی پرداخته شد که نه تنها آثار مطلوب و مثبت چندانی نداشت بلکه در برخی موارد آثار و تبعات منفی داشت .

دوست عزیز دردنیای کنونی نمی توان با همه روشهای کهنه و قدیمی به فرهنگ سازی و مقابله با فرهنگ های وارداتی پرداخت امروز باید با استفاده

از ابزار علمی و کارآمد و شناخت ویژگیها و خصوصیات جوانان و جوامع و وضعیت جامعه خودی و بیگانه و رسانه ها و ارتباطات و... و با استفاده از همه ابزار و وسایل فنی و تکنیکی به برنامه ریزی اصولی و زیر بنایی فرهنگی پرداخت که متأسفانه نظام جمهوری اسلامی از داشتن یک استراتژی کلان فرهنگی که همه دستگاههای فرهنگی از آن پیروی کنند محروم و بی نصب... است. و هر کسی به سلیقه خود و عمدتاً با استفاده از روشهای قدیمی و کهنه و ابزار ناکارآمد و بعضاً تخریبی می خواهند

به مقابله با فرهنگ غرب پردازند.

عمدتاً به نهی می پردازیم و از امر به خوبیها سرباز می زنیم و غافل می مانیم از این که اگر خیرات را ترویج کنیم و در جامعه رشد پیدا کند بطور طبیعی زشتی ها کاهش خواهد یافت و نیاز کمتری به مقابله و مبارزه خواهد بود ضمن این که مبارزه و مقابله هم آگاهی، شناخت، تدبیر، روش و... می خواهد که غالباً از آن بی بهره ایم.

شما و کسانی همانند شما لحظاتی با خودتان خلوت کنید، بدون این که دیگران را متهم کنید که کار نکرده اند و احساس کنید تمام نابسامانی ها به گردن آنهاست. (البته آنها که فعالیت نکرده اند مقصرند ولی غالباً ما عادت داریم گناه را به گردن دیگران بیندازیم) ببینید چه اقداماتی در حد توان خودتان برای ترویج نیکی ها و خوبی ها انجام داده اید تصور کنید اگر هر جوانی مثل شما - که تعدادشان کم نیستند - در هر سال فقط یک جوان را به مسیر درست هدایت

کند ( از طریق دوستی و ابزار محبت و .. ) چه اتفاقی بزرگی می افتد چرا ما عادت کرده ایم به تعبیر شهید مطهری فقط بگوییم "نکن" چرا فقط راننده ای هستیم که ترمز می کند چرا گاز نمی دهیم . به راست و چپ دور نمی زنیم و... یعنی بایدهوشهای گوناگون و مختلفی متناسب با افراد مختلف را به کار بگیریم و آنها را به مسیر صحیح هدایت کنیم و منتظر نمایم منحرف بشوند بعد هم انتظار داشته باشیم دستگاه قضایی و امنیتی با آنان شدیداً برخورد کنند . آیا اگر فساد و تباهی بی نهایت گسترش یافت آیا برای این دستگاهها مقدر است با آنان برخورد کند؟ البته این بدان معنا نیست که دستگاههای فوق نباید کار و فعالیت بکنند بلکه آنها باید بسیار جدی و فعال وارد شوند ولی فعالیت آنها پس از وقوع جرم و خطاست . وقتی مجرمان زیاد شدند آیا مطلوب است؟ باید کاری کرد جرم و جنایت و خطا و گناه کاهش یابد نه این که مرتب از برخورد ضعیف با جرم گلاویه کنیم . که البته برخورد جدی با جرم نیز می تواند پیشگراانه باشد ولی کافی نیست بایدزمینه های انحراف و خطا کاهش پیدا کند و این محقق نمی شود مگر با بسیج همگانی همه دستگاههای و مسئولان وبخصوص همت جوانان برای هدایت دوستان و همسالان خودشان .

**با توجه به اینکه ما مسلمانان فقط یک کتاب آسمانی (قرآن) را داریم چرا دولت برای حفظ قرآن و تشویق جوانان به این امر سرمایه گذاری قابل توجهی نمی کند در صورتیکه برای خوابانیدن سرمایه در بانکها برای ثبت نام خودرو پیکان و یا قرعه کشی در بانکها مرتب از تلویزیون ت**

**پرسش**

با توجه به اینکه ما مسلمانان فقط یک کتاب آسمانی (قرآن) را داریم چرا دولت برای حفظ قرآن و تشویق جوانان به این امر سرمایه گذاری قابل توجهی نمی کند در صورتیکه برای خوابانیدن سرمایه در بانکها برای ثبت نام خودرو پیکان و

یا قرعه کشی در بانکها مرتب از تلویزیون تبلیغ می شود و جایزه تعیین می نمایند؟

## پاسخ

سوز و گداز و عشق شما به قرآن و اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام قابل تحسین و تقدیر است امیدواریم این روحیه عالی و والا هر روز افزایش یابد و با گامهای عملی در راه ترویج این مکتب حیات بخش همراه و همسو شود.

در ضرورت توجه بیشتر دولت و مسئولان و مردم به قرآن و بیان احکام نورانی و درک و فهم تعالیم نجات بخش این کتاب آسمانی ما نیز با شما همصدا هستیم و دوست داریم سرمایه گذاری در این امر مهم و خطیر و ارزنده هر روز بیش از پیش افزایش یابد و در آینده ای شاهد جامعه ای اسلامی، قرآنی و علوی باشیم. جامعه ای که در آن نه فقط حفظ قرآن بلکه عمل به احکام نورانی آن سرمشق و سرلوحه کار آحاد جامعه در بخشهای گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مراکز آموزشی شهر و روستا، بازار و منازل و ... قرار گیرد. آرزو می کنیم روزی برسد که احکام روشن بخش قرآن نه تنها در سرتاسر کشور پهناور ایران اسلامی تبلور و تجسم عینی و حقیقی پیدا کند بلکه در سراسر بلاد اسلامی و غیر اسلامی کنونی نیز سرمشق و سرلوحه زندگی فردی و جمعی جوامع گوناگون قرار گیرد.

برادر عزیز اگر چه نمی خواهیم بپذیریم که سرمایه گذاری موجود درباره ترویج قرآن آموزی و درک و فهم و شناخت قرآن کافی است بلکه با اذعان به نقص عمده در راه نشر و انتشار احکام منور قرآن یادآور می شویم که الحق و و الانصاف نسبت به گذشته های این کشور حقیقتاً حرکات قرآنی بسیار خوبی در

کشور شکل گرفته است که نتیجه آن به خوبی در داخل کشور و مجامع بین المللی نمود و بروز دارد لذا جمهوری اسلامی ایران علی رغم تفاوت زبانی با زبان قرآن، یکی از کشورهای است که در بحث قرآن و مسابقات قرآن همیشه خوش درخشیده و افتخار جهان اسلام است.

نکته دیگری که لازم می دانیم یادآوری کنیم این است که همه طبقات و افراد و همه جوانان را نمی توان فقط به یک نوع فعالیت (حفظ قرآن) سرگرم کرد. سلیقه ها، علاقه ها و ... متفاوت است. بسترهای اجتماعی خانواده ها، آموزش ها، آموزشگاهها و ... همه و همه متفاوت اند بنابراین باید برای جوانان فعالیت های متنوع و گوناگون تدارک دید. برخی به سوی قرائت قرآن، گروهی حفظ قرآن عده ای ترجمه و تفسیر، برخی ترجمه قرآن، گروهی را به تحقیق و مطالعه در قرآن و منابع اسلامی، برخی را با حضور در میادین مختلف ورزشی (فوتبال، والیبال و ...) وارد کرد و در زمینه های مختلف علاوه بر پرورش جسم و روح، نسلی با نشاط و شاداب در عرصه قهرمانی نیز در سطح بین المللی صاحب مقام و جایگاه بشویم و پرچم پر افتخار جمهوری اسلامی ایران که منقش به لفظ جلاله ... و شعار توحید "لا اله الا الله" است در سراسر گیتی به اهتزاز درآوریم.

بدون شک اگر جوانی با استفاده از توان و انرژی و علاقه مندی خود با حفظ حرمت اسلام و قرآن و مقدسات دینی با نیت الهی به میدان بازی فوتبال گام نهد تا پرچم مقدس جمهوری اسلامی برافراشته شود گمان نمی رود اجر و پاداشی کمتر از حفظ و قاری قرآن داشته باشد. این میدان

نیز میدان تربیت و ترسیم چهره مقدس دین و کتاب عظیم آسمانی قرآن است اگر با اعتقاد و باور و ایمان به هدفی مقدس پا به عرصه گذاشته شود.

در اسلام همه امور روزمره زندگی فردی و جمعی و تمامی فعالیت های مباح و جایز اگر با نیت قربت و بقصد استقرار حاکمیت الهی و ترویج دین صورت گیرد مقدس است همگان به حداقلی از تعالیم دین که در عمل ضرورت دارد نیاز دارند و بیش از آن خیر. بلکه بقیه نیرو و توان خود را باید در راستای علاقه مندی خویش در امور گوناگون علمی، ورزشی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... صرف کنند. البته همه آنها با هدف قربت و رضایت حق .

امید است این روحیه متعالی بیش از پیش رواج و رونق گیرد.

**با توجه به اینکه صدای اذان بلا را از زمین دور می کند صدای بلند گویهای مساجد بسته شده که مزاحم همسایه های مسجد نباشد در صورتی که صدای نوارهای موسیقی که شرعاً حرام است در خیابانها و جاده ها و پارک ها و داخل خودروهای در حال حرکت کاملاً واضح و با صدای بلند شنی**

### پرسش

با توجه به اینکه صدای اذان بلا را از زمین دور می کند صدای بلند گویهای مساجد بسته شده که مزاحم همسایه های مسجد نباشد در صورتی که صدای نوارهای موسیقی که شرعاً حرام است در خیابانها و جاده ها و پارک ها و داخل خودروهای در حال حرکت کاملاً واضح و با صدای بلند شنیده می شود و هیچ کس اقدامی برای این معزل بزرگ نمی کند.

### پاسخ

متأسفانه جامعه ایران جامعه افراط و تفریط است. در سال های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ساعتهای متمادی بلندگویهای مساجد را روشن می گذاشتند و تا نیمه های شب برای بسیاری از مردمی که به دلایل گوناگون قادر نبودند در مسجد حاضر بشوند مزاحمت ایجاد می کردند. عزاداری های شبهای محرم و شب های احیاء، مراسم سخنرانی و دعاها توسل و کمیل و ندبه و ... همه و همه از بلندگویهای مأذنه ها و بام های مساجد پخش می شد، و گاهی آن قدر این صداها زیاد بود که مثلاً صدای بلندگوی مسجد امام رضا "ع" در ژاندارمری گناباد و صدای بلندگوی مسجد جامع در سه راهی بجستان بخوبی شنیده می شد کما اینکه هم اکنون نیز چنین است. حال تصور کنید وقتی ساکنان منطقه سه راهی بجستان و خیابان غفاری و شوریده گناباد صدای بلندگوی مسجد جامع را استماع کنند به گونه ی که بتوانند در منزلشان سخنرانی فلان شخصیت را گوش کنند ساکنان اطراف مسجد چه شکنجه ای را تحمل خواهند کرد.

برادر عزیز، غالب مردم از صدای اذان و اقامه و دعا و سخنرانی متنفر نیستند ولی حتماً قبول داری که در یک مجلس صدای بلندگو خیلی زیاد

باشد بشدت زجردهنده است که از اصل قضیه حاضری بگذری. واقعاً در بسیاری از شرایط آن قدر صدا زیاد است که غیر قابل تحمل است. حال اگر فقط اذان باشد هر چقدر هم زیاد باشد افراد تحمل می کنند ولی آیا باید ساعتها صدای بلندگو ساکنان اطراف مسجد را عذاب دهد؟ اگر کسی بخواهد بخوابد یا مریض باشد و ... چه باید بکند. آیا پخش سخنرانی از بلندگوی مساجد واجب است؟ این افراط ها باعث اعتراض های زیاد مردمی شد، به گونه ای که حالا برخی حتی صدای اذان را هم پخش نمی کنند، یا آن قدر صدا را کم می کنند که حضار در بیرون مسجد هم صدا را نمی شنوند. هر دو غلط است، هم افراط گری های گذشته و هم تفریط های فعلی. هرگز مردم و مسؤولان نگفته اند که صدای اذان پخش نشود. البته گفته اند سایر برنامه ها از بلندگو پخش نشود. حتماً شما نیز تأیید می فرمایید. البته این تفریط ها ریشه در آن افراط ها دارد. شما وقتی شاخه درختی را به پایین بکشی یا سرطنابی را بکشی وقتی رها کردی سر جای خودش قرار نمی گیرد بلکه مسافتی را به عقب تر از محل استقرار اولیه اش خواهد رفت. این واکنش و عکس العمل در مسائل اجتماعی نیز صدق می کند. در خصوص موسیقی نیز این افراط ها در گذشته بوده است. چند سال اول پس از پیروزی انقلاب در برخورد با موسیقی نیز چنین افراط هایی وجود داشت. سال اول از برگزاری مراسم تعزیه و شبیه خوانی جلوگیری شد و چند سال قبل نیز از زدن طبل

و سنج و ... ممانعت شد و آن را مصداق موسیقی خواندند. طبیعی است وقتی کوبیدن استکان به نعلبکی موسیقی و حرام تلقی شود و حال آن که امام خمینی "ره" هم خوانی زنان را جایز می‌شمارند برخی افراط در موسیقی و ... بوجود می‌آید. ما باید رفتارهای دینی خودمان را تعدیل کنیم و از افراط و تفریط بشدت اجتناب ورزیم.

**چرا نظام آموزشی و پرورشی ما از ریشه خراب است دلیل آن اینست که یک فرد لیسانس یا فوق لیسانس در ایران اول بی سوادی است و نمی‌تواند مسائل شرعی خود را به خوبی بشناسد و به اعتقادات خود پای بند باشد؟**

### پرسش

چرا نظام آموزشی و پرورشی ما از ریشه خراب است دلیل آن اینست که یک فرد لیسانس یا فوق لیسانس در ایران اول بی سوادی است و نمی‌تواند مسائل شرعی خود را به خوبی بشناسد و به اعتقادات خود پای بند باشد؟

### پاسخ

در این که نظام آموزشی ما در سطوح گوناگون (ابتدایی راهنمایی- دبیرستان- دانشگاه و ...) دچار نقصان و ضعف است تردیدی وجود ندارد و از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی توسط مسئولان و دست اندرکاران برای ایجاد تحول در نظام آموزشی تلاش‌های گسترده و فراوانی صورت گرفته است ولی به دلایل مختلف و گوناگون آثار ملموس و روشنی هویدا نیست. البته در راستای تحول آموزشی کارهای بزرگی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان رفع و نابودی زمینه‌های فساد و تباهی در مراکز آموزشی را ذکر کرد. راه اندازی واحد تربیت و کلاسهای فوق برنامه آموزش قرآن و ... در مراکز آموزشی، تغییر و تحولات گوناگون رشته‌های تحصیلی، تأسیس نهاد نمایندگی ولی فقیه و دفاتر فرهنگ اسلامی و افزایش تعدادی از دروس تحت عنوان دروس معارف اسلامی تاریخ اسلام، اخلاق اسلامی و ... به مجموعه واحدهای عمومی درسی تمامی رشته‌های تحصیلی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و ... از این جمله است. اما متأسفانه این اقدامات عمیق و مؤثری نداشته است. فشار شدید و تهاجم وسیع فرهنگی استعمار و ندانم کاری‌ها و ... در ناکارآمدی این دروس و تغییرات قطعاً مؤثر بوده است.

آنچه موجب نگرانی شماست عدم آگاهی و نادانی و جهل تحصیلی کرده‌هاست نسبت به مسایل شرعی و دینی و حال آن که در مدارس دروسی مثل بینش دینی،



قرآن، عربی و ... با این هدف پیش بینی شده که دانش آموزان را با مسایل اعتقادی و احکام فقهی و دستورات شرع مقدس و نیز فراگیری و آموزش قرآن آشنا سازد در دانشگاهها نیز دروس معارف اسلامی، اخلاقی اسلامی، متون اسلامی، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، آموزش قرآن پیش بینی و به مجموعه دروس تمام رشته های تحصیلی دانشگاهها افزوده شده است ولی با کمال تأسف کارآیی نداشته است و گاهی نیز تأثیر منفی نیز بجای گذاشته است.

البته نمی توان پیش بینی کرد که اگر این دروس وجود نداشت الآن وضعیت دینی و مذهبی دانشگاهها چگونه بود و شاید هم توقع ما زیاد است ولی با این دغدغه بایستی میزان کارآمدی این دروس افزایش یابد به گونه ای که بتواند بخشی قابل توجهی از دانش آموزان و دانشجویان را به سوی مذهب و مسایل دینی سوق دهد.

آنچه آنچه جنابعالی ذکر کرده اید نشانه بیسوادی نیست بلکه نشانه کم توجهی به مسایل دینی و ضعف فرهنگی است. بسیاری از همین تحصیل کرده هایی که شما ذکر کرده اید در رشته تحصیلی خودشان بسیار هم تبخر دارند و حتی مقالات عصر ملی و بین المللی اخذ می کنند ولی در ابتدایی ترین مسایل شرعی و دینی خود گیر دارند این دلیل بیسوادی نسبت بلکه ناشی از احساس بی مسئولیتی نسبت به شرع مقدس و دین مبین است. افرادی می شناسیم که نفرات اول کنکور و ... شده اند ولی از حداقل مسایل دینی خود بی خبر است علت آن این است که فراگیری آن دانش خاص به هر دلیلی برایش مهم و اساسی و تأثیر گذار در زندگی اش جلوه کرده است ولی نسبت به مسایل شرعی و دینی

خود چنین احساس پیدا نکرده است لذا دروس معارف اسلامی را فقط به قصد نمره گرفتن و مدرک گرفتن خوانده است. ولی از آنها تأثیر نپذیرفته است اما سایر دروس را به خوبی هضم کرده است و با آن ها مأنوس شده و زندگی کرده است لذا همه ما باید تلاش کنیم احساس مسئولیت دینی را در جامعه افزایش دهیم و فرهنگ دینی و تعالیم حیات بخش اسلام را با شیوه های جذاب و شیرین نشر و گسترش دهیم.

## چرا امروزه در کشور ما ایران جلوی زنان بی حجاب گرفته نمی شود ؟

### پرسش

چرا امروزه در کشور ما ایران جلوی زنان بی حجاب گرفته نمی شود ؟

### پاسخ

در خصوص سؤال شما دوست عزیز باید عرض کنیم آنچه بیشتر جامعه ما مبتلا به آن است بد حجابی است نه بی حجابی با این تصحیح کوچک در سؤال شما ، باید گفت که مسأله بد حجابی از معضلات کنونی جامعه است. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته ها و ریشه های تاریخی مسأله که بگذریم ، متأسفانه خود باختگی در برابر غرب ، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را در جامعه دیده اید . البته با وجود آنچه نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات، نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد :

الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد . ب ) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی .

هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات بسیاری از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است ، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از

سوی غرب ، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد.

نکته دیگر این که متأسفانه شهرهای مرزی (مانند اهواز) بیش از نقاط مرکزی کشور در زیر فشارهای تبلیغاتی دشمنان قرار دارند و لغزیدن به سمت شهوت و بی بند و باری نیز کار آسانی است؛ چرا که حرکت در سراسیبه سقوط است، ولی بالا رفتن از قله و کمال یابی، کاری دشوار است. از سوی دیگر در حال حاضر بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دهند و این نیز خود مزید بر علت شده است. این نکته را هم فراموش نکنیم که بدحجابی از میوه های شجره خبیثه فساد و بی بند و باری است، اگر مسئولین امور نیز مدتی به صورت قهری و جبری با این مقوله برخورد کنند گرچه برای دوره ای کوتاه افراد شئون اسلامی و اجتماعی را رعایت می کنند اما این حالت پایداری نیست و بعد از مدتی دوباره این گونه هنجارهای رفتاری به شکل دیگری در جامعه ظهور و بروز می کند. مانند بیماری که برای معالجه غده سرطانی خود نیاز به اطاق عمل و جراحی داشته باشد، اما پزشک او مرتب به جای برداشتن غده و علت دردش برایش مسکن تجویز کند. بهترین درمان برای معالجه مرض بدحجابی در جامعه مبارزه با عوامل و ریشه های این جریان است که آن تهاجم فرهنگی غرب به سرکردگی آمریکا \_ سنبل و نماد استکبار جهانی \_ است.

امید است غیرت و حمیت اسلامی ، در افراد متدین فراموش نشود و آنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند و قانون نیز با راهکاری مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند و باری بردارد و همگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم. برادر عزیز! زندگی در جامعه سالم و مدینه ای فاضله آرزو و آرمان همه بندگان خداست ؛ ولی می دانیم که پاکان و تقوا پیشگان همواره در چه شرایطی سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه بر نداشته و حتی جان خود را در این راه داده اند. پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار و معنادار ، یعنی مبارزه با فساد و تباهی و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابر این به جای یأس و نومیدی و گوشه گیری از فعالیتهای جمعی در مساجد ، از خون شهیدان پیام بگیریم و با تشکیل هسته های فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه به روشنگری پردازیم .

و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشیم. در این صورت خداوند نیز ما را یاری خواهد کرد و به اهداف خود نایل خواهیم شد. ( ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم ).

علاوه بر موارد و عوامل فوق ، بی توجهی نسبت به مفسد اجتماعی ، دلایل مختلفی می تواند داشته باشد . از جمله طبیعی شدن موضوع به خاطر کثرت آن مانند همین پدیده بد حجابی نسبت به اول انقلاب و یا بی توجهی و عدم بر خورد قاطع ارگانهای مسؤول با موضوع که دیگران را در برخورد با مفسد بی انگیزه کرده است و یا آلوده شدن

خود افراد و ضعف ایمان، در هر حال برای مؤمنین در هر شرایطی امر به معروف و نهی از منکر جزء وظایف دینی است که در این راستا باید از اطلاعات کافی در شناخت معروف و منکر و نحوه انجام آن برخوردار باشد. به فرمایش شهید مطهری (ره) امر به معروف و نهی از منکر از پند شروع می شود و به بند ختم می شود ولی فاصله پند و بند راههای زیادی است که اگر در نهایت آنها مؤثر واقع نشد باید از بند استفاده کرد اما متأسفانه عده ای فکر می کنند اولین وسیله برای برخورد و امر به معروف و نهی از منکر توسل و استفاده از بند است.

۱ \* برگرفته از سایت پرسش و پاسخ نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها [www.nahad.net](http://www.nahad.net)

## را ههای کشاندن افرادی که بدین به اسلام هستند به مسجد چیست ؟

### پرسش

را ههای کشاندن افرادی که بدین به اسلام هستند به مسجد چیست ؟

### پاسخ

عنایت و توجه خاص و ویژه شما به مسجد کانون و مرکز نشرو گسترش اسلام و محور وحدت و انسجام اجتماعی جامعه ی اسلامی و علاقه مندی تان به فعال شدن و جذب هر چه بیشتر اعضای جامعه بسیار ارزشمند و قابل تحسین و تقدیر است امید می رود این توجه و تعصب مثبت و مفید در سایر بندگان مومن روز بر روز افزایش یابد و مساجد به عنوان کانون و مرکز ثقل جامعه ی اسلامی رونق و حیات سیاسی اجتماعی و فرهنگی خود را باز یابد .

دوست عزیز در خصوص سؤال شما چند نکته را یاد آور می شویم :

۱ درباره افرادی که شما سؤال کرده ای ابتدا باید توجه آنان را به اسلام جلب کرد. یعنی قبل از جذب آنان به مسجد باید بد بینی آنان از اسلام سلب شود و به اسلام و احکام تعالی ترقی آن ایمان و اعتقاد پیدا کنند و آن را با همه وجود پذیرا بشوند بدیهی است از کسی که اسلام را نپذیرفته یا باورو ایمانش نسبت به اسلام دچار نقصان است انتظار حضور در مسجد توقعی خارج از انتظار است . مثل اینکه کسی اسلام را باور نداشته باشد بگوئیم چکار کنیم که زکات بدهد یا روزه بگیرد . بنابر این گام اول این است که اعتقاد و باورش را به اسلام تحکیم و تقویت کند و در این راه باید به او کمک کرد .

۲ شاید تعبیر بدبین بودن به اسلام تعبیری مبالغه آمیز باشد چرا که اگر کسی به اسلام بد بین باشد ، اصل مساله منتفی

است. از کسانی باید توقع داشته باشیم در مسجد حاضر بشوند که اسلام را پذیرفته اند و به آن ایمان و اعتقاد راسخ دارند به نظر می رسد فرد یا افراد مورد نظر با اصل اسلام مشکلی نداشته و آن را قبول دارند ولی به دلایلی از حضور در مساجد خود داری می نمایند.

۳ اگر افراد مسلمان و مومن در مسجد حضور پیدا نمی کنند باید علل و عوامل آن را شنا سایی کرد و آن را از میان برد در این صورت بدون شک افراد به مسجد، این کانون و وحدت سرازیر خواهند شد. اگر مردم مسلمان بطور عملی کارایی و نقش مثبت و سازنده مساجد را درک و لمس کنند سراسیمه به سوی مساجد رهسپار خواهند شد. مشکل این است که مساجد کشور ما و سایر جوامع اسلامی از ایفای نقش مثبت و سازنده جامع خود باز مانده اند و تنها به عبادت های خشک و بی روح بسنده کرده اند.

راه جذب مردم مسلمان به مساجد احیای نقش اصلی مساجد است. برای آشنایی با نقش مساجد توصیه می کنم

کتابهای تاریخ آموزش و پرورش و تاریخ تعلیم و تربیت را مطالعه بفرمائید به عنوان نمونه دو کتاب معرفی

می گردد:

۱ تاریخ آموزش در اسلام، نوشته احمد شعبی، ترجمه محمد حسین ساکت.

۲ تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، نوشته عبد الرحیم غنیمه ترجمه مرحوم استاد.

**چه کنیم تا مساجد ما به رسالت مساجد زمان رسول... (نزدیک شود صرفاً گفتمان دینی نه، بلکه جنبه های مصداقی و تطبیق اجتماعی، بومی و محلی؟)**

**پرسش**

چه کنیم تا مساجد ما به رسالت مساجد زمان رسول... (نزدیک شود صرفاً گفتمان دینی نه، بلکه جنبه های مصداقی و تطبیق اجتماعی، بومی و محلی؟)

**پاسخ**

اما اینکه چه کنیم تا مساجد به رسالت مساجد زمان رسول... (نزدیک شود؟ این است ابتدا باید سیره و برخورد رسول خدا) درباره مسجد را دقیقاً مطالعه کنیم، و اینکه پیامبر اکرم (چه اقدامات و کارهایی را در مسجد انجام می دادند. یعنی اینکه از مسجد برای چه کارهایی استفاده می کردند. از مجموع روایات و سنت پیامبر (این بدست می آید که ایشان مسجد را مرکز عبادت خدا، برقراری نماز، دعاها و مرکز سازماندهی نیروها برای دفاع از کیان اسلام و جنگ با کفار و محیط و مکان آموختن علم و دانش و مرکز اجتماع مردم در مراسمات دینی مثل عید فطر، نماز جمعه و... قرار داده بودند. و همانطور که فهمیده می شود؛ باید مسجد از مکانی که فقط برای نماز و مجالس ختم اموات است خارج شود و در آن کلاسهای علمی و

فرهنگی برگزار شود، البته باید توجه داشت که باید حرمت مسجد حفظ شود.

مثلاً چه اشکالی دارد مراسم ازدواج یعنی عقد زن و مرد در مسجد برگزار شود و زندگی خود را از مسجد آغاز کنند و باید همانند عصر پیامبر (مسجد مرکز تمام فعالیتهای اجتماعی و سیاسی باشند. در این صورت است که مساجد ما رسالت خودشان را به خوبی ایفا می کنند.

### چرا در کشور ما دین روز به روز کمرنگتر و در دیگر ملل فهمیدند که تازه باید دنبال دین بروند؟

#### پرسش

چرا در کشور ما دین روز به روز کمرنگتر و در دیگر ملل فهمیدند که تازه باید دنبال دین بروند؟

#### پاسخ

به درگاه حضرت حق جلّ و اعلیٰ پیشانی سجده بر خاک می ساییم که ما را در میان ملت و جوانانی فهیم و مؤمن و با صفا قراردادده است تا از فیض فضایل و کرامات آنان بهره مند باشیم و احساس مسئولیت و تعهد شما جوان خوب و صمیمی نسبت به ارزش های دینی و جلوه های مذهبی در جامعه را قدر می نهیم و آرزو می کنیم هر روز نسبت به گذشته آگاهی و دانش و بینش و تعهد و مسئولیت افزون گردد.

برادر عزیز ضمن تأیید تغییر برخی مظاهر و ظواهر دینی در جامعه و قبول آنچه شما اشاره کرده ای یاد آورد می شویم که البته باید ببینیم منظور از دین چیست که در گذشته پررنگتر بوده است و حالا کم رنگ تر. در گذشته برخی مظاهر مثل حجاب و پوشش بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی پررنگ تر بوده است و حالا کم رنگ شده است ولی برخی موارد نیز نسبت به گذشته افزایش یافته است؛ از جمله آگاهیهای جوانان مؤمن و انقلابی نسبت به دین و مسایل دینی نسبت به گذشته در بسیاری از مسایل پررنگ تر شده است. بسیاری از جوانان عمده مسایل مهم دینی و مملکتی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...) بطور عمیق درک می کنند و می فهمند. بنابراین اگر منظور شما از دین مظاهر و ظواهری است که از آنها به دین تعبیر می کنید درست است تغییرات قابل توجهی در جامعه مشاهده می شود که در گذشته وجود نداشته و حالا پیدا شده و اتفاقاً این مسایل از جمله مسایل و مواردی است

که به بی دینی و یا کم رنگ شدن دین و ارزشهای دینی تعبیر می شود.

اما اگر کم رنگ شدن دین را به قبول و باور خدا و پیامبر و امامان بدانیم چنین چیزی مورد قبول نیست و تحقیقات متعدد نشان می دهد اکثریت جوانان کشور با خدای قادر متعال سرستیز و جنگ ندارند و اگر اعتراض و انتقاد دارند از مسئولان و دست اندرکاران امور جامعه است که با انتساب خودشان این حیثیت و بهره مقدس و زیبای دین را لکه دار و خدشه دار می سازند و وقتی جوانان زبان به اعتراض می گشایند متهم به بی دینی می شوند.

دوست عزیز براساس شواهد و بررسیهای متعدد بسیاری از حرکات جوانان و افراد در جامعه عکس العملی است که در برابر دست اندرکاران و متولیان امور جامعه انجام می گیرد و باعث می شود مردم از حاکمان نظام دینی و حاکمیت اسلام احساس نارضایتی کنند ولی هرگز از اصل اسلام و خدایی خداوند و حاکمیت دین بر شئون گوناگون زندگی شان ناراضی نیستند. گاهی بیان مسایل به گونه ای است که جوان را به عکس العمل شدید و مخالفت آمیز سوق

می دهد. طبیعی است وقتی جوانی را به خاطر رفتاری، ضد دین و بی دین قلمداد کنیم ممکن است بر اثر مرور زمان، خودش هم به این باور برسد و احساس کند راه بازگشت به دین وجود ندارد و حال آن که اتهام بی دینی به خاطر پوشیدن نوعی لباس، آرایش کردن و ... نمی توان به کسی زد. کسی بی دین است که خدایی خداوند و رسالت پیامبر (ص) را نپذیرد ولی کسی که ایمان به خداوند دارد و رسالت پیامبر (ص) را پذیرفته، نمی توان متهم به بی دینی کرد. و حال آن که ما گاهی



به خاطر خطایی کوچک که خود خداوند هم آنرا گناه صغیره خوانده است افراد را بی دین می خوانیم. دوست عزیز، قلب و دل بسیاری از جوانان برای اسلام و حاکمیت اسلامی می تپد ولی متأسفانه عملکرد ناشایست و نادرست برخی از دینداران و مسئولان موجب دلزدگی تعداد قابل توجهی از اعضای جامعه بخصوص جوانان شده است که باید با همت شما جوانان خوب و عزیز اصلاح شود. توفیق شما را از درگاه حضرت حق مسئلت می نمایم.

**با عنایت به سخن امام راحل در مورد شهید مطهری که ایشان و آثارش را بی اثنا مفید دانسته اند چرا حوزه های علمیه بخصوص مشهد و قم تابحال همایش و یا سمینار و حرکتی مشابه حرکت امسال صدا و سیما انجام نداده اند؟**

### پرسش

با عنایت به سخن امام راحل در مورد شهید مطهری که ایشان و آثارش را بی اثنا مفید دانسته اند چرا حوزه های علمیه بخصوص مشهد و قم تابحال همایش و یا سمینار و حرکتی مشابه حرکت امسال صدا و سیما انجام نداده اند؟

### پاسخ

از سؤال شما مشخص می شود احتمالاً نسبت به علامه شهید آیت ... مرتضی مطهری (ره) و آثار و کتب ایشان عنایت و توجه خاصی دارید و احتمالاً کتابهای ایشان را مطالعه کرده و می کنید. ما نیز همانند شما به این مسأله اعتراض و انتقاد داریم که چرا آنگونه که باید به آثار شهید مطهری و توسعه مطالعه کتابهای ایشان و بسط فکر و اندیشه و آرمانهای ایشان توجه نشده است؟

سخنرانی آن شهید والامقام در خصوص فلسطین و شمر خواندن نخست وزیر اسرائیل که حدود ۴۰ سال پیش صورت گرفته است متأسفانه ۳۰ سال پس از ایراد سخنرانی و حدود بیست سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار در سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردید. هنوز هم بسیاری از تحصیل کرده ها اعم از حوزوی و دانشگاهی که با فکر و اندیشه و اعتقادات و باورهای مردم سروکار دارند از دیدگاههای این متفکر بی نظیر جهان اسلام در دوران معاصر بی اطلاع هستند. هنوز هم بسیاری از خطباء و وعاظ، منبرهای حماسه حسینی و تحریفات عاشورای مطهری را نخوانده اند و به روضه خوانی دروغ که به تعبیر شهید مطهری حرام است ادامه می دهند!

دوست عزیز شاید علت این بی توجهی ریشه در گذشته قبل از انقلاب داشته باشد. در آن دوران شهید مطهری (ره) و امثال او مثل شهیدان بهشی و باهنر و ... شخصیت هایی بوده اند که به دلیل افکار

و اندیشه های نو و جدید مورد پذیرش جامعه متدین و کسانی که به سنت ها بصورت غیر پویا و از سوی تعصب عاری از تفکر و تعمق پای بند بوده اند، مورد بی مهری قرار گرفته و در میان آنان جایگاهی نداشته اند. لذا حضور این عزیزان در میان قشر روشنفکر و تحصیل کرده دانشگاهی و نو اندیشان اندک حوزه بیشتر بوده است و در حوزه های علمیه به دلیل حاکمیت بافت سنتی حضوری نداشته یا بسیار کم رنگ بوده است. حتی پس از بیان سخن امام و توصیه به مطالعه آثار آن شهید بزرگوار و تأکید بر مفید بودن همه آثار، متأسفانه برخی از حضرات برخی از کتابهای شهید مطهری مثل مسأله حجاب را قبول نداشتند و بصورت علنی توصیه می کردند جوانان آن را مطالعه نکنند و ...

اکنون نیز آن طیف فکری سنت گرا که بیشتر به ظواهر دلخوش می کنند و از اندیشه هایی غیر پویا و دگم برخوردار هستند، در پیکره این مراکز حضور دارند. مظلوم تراز شهید مطهری. آیت ... شهید بهشتی است که از نظر علمی و فقهی دیدگاههایی همانند شهید مطهری داشته است نه تنها تاکنون دیدگاههایی همانند شهید مطهری داشته است نه تنها تاکنون برایش همایش همانند همایش حکمت مطهر برگزار نشد، بلکه مراسم ظاهری و صوری نیز کمتر برایش گرفته می شود و از او یاد می شود و حال آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی به مقدار زیادی مرهون زحمات و خدمات و افکار و اندیشه های شهید بهشتی است که امام خمینی (ره) فرمودند: بهشتی یک ملت بود. یعنی به لحاظ قدرت و قیمت و ارزش و توانایی فکری و عملی، او به اندازه

کل یک ملت کارآمد و ارزشمند بود ولی متأسفانه در زمان حیاتش در جمهوری اسلامی مورد بی مهری قرار گرفت و پس از شهادتش نیز همچنان مظلوم است و گمنام.

دوست عزیز آنچه شما ذکر کرده ای حسرت و آه و ناله ما نیز هست اما چه کنیم که توان تغییر از ما سلب شده است و جوانان برومند و دلسوزان باید همتی مردانه کنند و با تشکیل هسته هایی کوچک مطالعاتی در مدرسه و محل خودتان با راهنمایی معلمان و روحانیون و استادان حوزه و دانشگاه و افراد خوش فکر به تجزیه و تحلیل آثار آن شهید عزیز همت بگمارند قطعاً آثار و نتایج آن به مراتب از همایش حکمت مطهر بیشتر خواهد بود.

## چه کار کنیم قرآن و معارف جذب جوانان گردد؟

### پرسش

چه کار کنیم قرآن و معارف جذب جوانان گردد؟

### پاسخ

الکسیس کارل فیلسوف مشهور می گوید: "نیایش اصولاً کشش روح است به سوی کانون غیر مادی جهان و نیایش، بلند ترین قله تعبیر را در پرواز عشق از میان شب ظلمانی عقل پیدا می کند"

برخی از اندیشمندان معتقدند جوانان با ندای ارزشها به لرزه در می آیند و عده ای بر این باورند که: "معنویت، داربست وجودی نسل جوان است." ۲

گرایش به معنویت، همچون یک نیاز فطری از درون جوانان، سر بر می آورد و از دیگر سوی، آنان مایلند دنیا را اصلاح کنند. با پیچیدگی و دشواری فزاینده زندگی، نیاز جوانان به معنویت، جدی تر احساس می شود و اگر مشاهده می شود که کشش های معنوی در این دوران، بیش از سایر اوقات زندگی است، رمز آن در فطرت پاک و زلال آنان است. ما باید برای ارتقاء معنوی جوانان تلاش کنیم و به یک بعد خاص اصرار نورزیم که ممکن است مفید نباشد. رسالت و وظیفه مادر قبال معنویت خواهی جوانان سنگین و مهم است برخی از مواردی که می توانیم برای آنان نقش مؤثری ایفا کنیم عبارتند از:

۱- تفهیم این واقعیت که معنویت و رابطه با خداوند فقط به روزهای سخت زندگی محدود نمی شود بلکه تجلی کامل ارتباط با پروردگار، در همه فراز و نشیب های زندگی، قابل مشاهده است به آنان بگوییم، آنان که روزهای خوب زندگی به یاد خداوند هستند پروردگار شان آنها را در روزهای سخت زندگی، تنها نخواهد

گذاشت .

۲- آثار مثبت و ارزنده معنویات را در جنبه های فردی و اجتماعی برایشان باز گو کنیم تا انگیزه قوی تری برای ارتباط با خالق بیابند .

۳-۳- آنان را آگاه کنیم که برخورداری از معنویت ، می تواند بر عوامل باز دارنده ای همچون اضطراب ها و استرس های زندگی ، غلبه نماید و اطمینان و آرامش را بجای آن ، قرار دهد .

۴- شیوه های نزدیک شدن به پروردگار را بدانان ارایه دهیم . شیوه هایی که هم از طریق عقل و هم از راه عشق می تواند ، جوان را و اصل به حقیقت بنماید .

۵- به جوانان یاد آوری نماییم که بهره گیری از معنویت ، به آدمی و شخصیت او ، ساختاری منطقی و قابل اعتماد می بخشد و او در پرتو چنین روشی قادر خواهد بود ، دوستان خود را جذب نموده و ارتباط اجتماعی سالم و فعالی پایه ریزی نماید .

۶- مطالعه زندگی بزرگان دین و سیره اولیای خدا ، یکی از بهترین شیوه های تقریب نسل جوان به معنویات و حضور پروردگار می باشد .

۷- و چنانچه جوانان مایل باشند که بیشتر از گذشته خود را به خالق ازلی نزدیک نمایند ، رمز آن را باید در عمل به واجبات و ترک محرمات بیابند .

برادر عزیز و گرامی ما باید نسبت به جوانان به توسعه معنویت اهتمام بورزیم و تنها در یک بعد مثلاً اصرار در قرائت قرآن، حفظ قرآن به صورت اجباری و با فشار شدید ، نماز جماعت بصورت جدی و اجباری و مرتب ، خواندن نماز شب بصورت اجباری و... به مصلحت جوانان نیست

باید احساس نیاز و علاقه مندی به امور معنوی را در جوانان ارتقاء بدهیم با تشویق و ترغیب و دادن هدیه ، حضور در مجالس تلاوت قرآن قاریان برجسته و مطالعه شرح حال قاریان بزرگ و آثار تلاوت و عمل به دستورات قرآن در زندگی افراد و قاریان را مطالعه کنند به مرور زمان علاقه مندی به قرآن در آنها ایجاد خواهد شد ولی اگر تمایل و گرایش به حفظ و تلاوت نداشتند و یا از صدا و صوت زیبایی برخوردار نبودند نباید اصرار بکنیم به سمت قاری شدن و حافظ شدن سوق داده شوند بلکه در حد خواندن و فهم مفاهیم و عمل به دستورات قرآنی تشویق شوند. آنچه در برخورد با قرآن مهم است عمل به دستورات قرآنی است نه تلاوت و حفظ ، اینها مقدمه است برای عمل به قرآن و تلاوت و حفظ بدون عمل نه تنها ارزش ندارد بلکه آثار منفی به دنبال دارد و جامعه را به سوی لاقیدی و بی دینی سوق می دهد .

موفق و سربلند باشی

منابع و مآخذ :

۱. کتاب نیایش ، ترجمه محمد تقی شریعتی ، ص ۴۱

سیری در بلوغ ، ترجمه کاظم سامی

### چرا ما در مراسم عزاداری قرآن می خوانیم در مراسم عروسی و دیگر مراسمها قرآن نمی خوانیم؟

#### پرسش

چرا ما در مراسم عزاداری قرآن می خوانیم در مراسم عروسی و دیگر مراسمها قرآن نمی خوانیم؟

#### پاسخ

سؤالی که مطرح فرمودید بسیار مهم و اساسی است و در پاسخ به این سؤال باید عرض کنم که؛

عرصه ظهور قرآن بسیار فراتر از مواردی است که فرمودید . در واقع تمام زندگی مسلمین باید تجلیگاه معارف الهی قرآن باشد. زیرا قرآن یکی از دو یادگار گرانبهایی است که رسول خدا "ص" برای هدایت مسلمین به یادگار نهاد. اما واقعیت این است که از همان ابتدای اسلام و رحلت رسول بزرگوار اسلام و بعد از قضیه غصب خلافت و خانه نشین شدن امیرالمؤمنین علی "ع" عامه مسلمین به معارف و دستورات قرآن عمل کردند و در طول تاریخ به تدریج قرآن را برای رسیدن به ثواب قرائت آن استفاده کردند (البته علت اصلی آن وجود خلفا و حکام ستمگر در جامعه اسلامی بود که اکثر یا تمام حقایق قرآن مانع حکومت و ثروت اندوزی آنان بود) و به همین علت قرآن نقش تسکین دهنده در مجالس عزرا را پیدا نمود اما در مجالس عروسی که صریح آیات قرآن مخالف لهو و لعب و رقص و ... می باشد، قرآن ظهوری نیافت. عدم معرفت مسلمین به حقیقت قرآن مانع شد تا قرآن بعنوان کتاب هدایت در جامعه اسلامی جایگاه خود را بیابد حضرت امام "ره" در مورد جایگاه حقیقی قرآن و تأثیر تلاوت آن می فرمایند :

"مطلوب در قرائت قرآن کریم آن است که در قلوب صورت آن نقش بیندد، و اوامر و نواهی آن تأثیر کند و دعوات آن جایگزین شود. و عمده آنها (آداب قرائت قرآن)

تفکر و تدبیر و اعتبار به آیات آن است و معلوم است کسی که تفکر و تدبیر در معانی قرآن کرد، در قلب آن اثر کند و کم کم به مقام متقین رسد." (۱)

با دقت در کلام آخر امام راحل "ره" (کم کم به مقام متقین رسد) در می یابیم که تلاوت قرآن و تدبیر در آیات آن انسان را به مقام تقوا می رساند و انسان را از گناه باز می دارد و با وضعی که اکثر مراسم عروسیها در جامعه ما دارد تلاوت قرآن در این مراسمها اصلاً مناسبت ندارد و نمی شود در مراسمی هم رقص و پایکوبی و لهو و لعب برقرار باشد و هم قرآن تلاوت شود.

### **اینکه به بهانه حفظ شأن حکومت ساختمانهای آنچنانی ساخته شود و صندلی های آنچنانی تکیه گاه بعضی شود آیا درست است؟**

#### **اشاره**

چرا نباید روحانیت معظم همچون سابق مظهر ساده زیستی و زهد باشند وقتی با یک پیکان مدل بالا می شود کارها را انجام داد استفاده از ماشینهای دیگر که

#### **پرسش**

اینکه به بهانه حفظ شأن حکومت ساختمانهای آنچنانی ساخته شود و صندلی های آنچنانی تکیه گاه بعضی شود آیا درست است؟

چرا نباید روحانیت معظم همچون سابق مظهر ساده زیستی و زهد باشند وقتی با یک پیکان مدل بالا می شود کارها را انجام داد استفاده از ماشینهای دیگر که برای مردم لوکس و گران قیمت است آیا دور از احتیاط نیست؟ آیا این همه اسراف در بیت المال و اعمالی اینگونه کار کمتری از منافقین انجام می دهد؟

#### **پاسخ**

سؤال کننده محترم، شاید شما هم با این سخن موافق باشید که در شرایط فعلی نباید عمل مسلمانان و حتی همه افراد روحانیت را به حساب اسلام گذاشت، زیرا اگر چه اصل حکومت و نظام اسلامی است و مایه خوشبختی است لیکن حداقل بخشی از عملکرد مسؤولان و مردم هنوز اسلامی نیست و باید تلاش شود تا همگان گامی به سوی اسلامی شدن تمام عیار عملکرد خویش بردارند. و یکی از مواردی که در زندگی برخی از مقامات حکومتی و به ویژه روحانیت دیده می شود و مغایر آموزه های اسلامی است و شما هم بدرستی اشاره کردید، مسأله تشریفات ویژه و رفاه طلبی در زندگی خصوصی آنان است و این امر تأثیر بسیار منفی در ذهن مردم و به خصوص طبقه محروم جامعه نسبت به اسلام و مسؤولان دارد. البته از طرفی نباید این ماجرای مربوط به امام صادق (ع) را از یاد ببریم که حضرت روزی با لباسهای نو و آراسته از منزل بیرون آمده بود، یکی از مسلمانان مقدس مآب و عارف مسلک امام را دید و به عنوان اعتراض به او گفت: چگونه

شما چنین لباسهایی می پوشید در حالیکه علی بن ابی طالب (ع) لباسهای بسیار کهنه و فرسوده می پوشید؟ امام صادق فرمود: شرایط امروز مردم و جامعه با شرایط زمان علی (ع) متفاوت است و اگر علی (ع) هم در این دوران زنده بود مانند من می پوشید همانگونه که اگر من در زمان علی (ع) زنده بودم مانند او لباس می پوشیدم. (۱) البته با این وجود امام صادق (ع) پیراهن خود را بالا زد و لباس زیر خود را که پارچه ای خشن و زبر داشت به وی نشان داد و به او آموخت که علی رغم پوشیدن لباسهای نو و آراسته، لباس زیرینش به دلیل تواضع در برابر پروردگارش، از بدترین نوع پارچه است.

مهمترین آموزه و درس این ماجرا این است که رهبران و زمامداران جامعه حتی در مورد پوشش خود نیز باید شرایط مردم و جامعه را مد نظر داشته باشند نه آن گونه زندگی صوفیانه داشته باشند که عموم مردم از اسلام روی گردان شوند و نه آن گونه رفاه طلب باشند که طبقه محروم جامعه افسوس بخورند. با این حال شما هم با ما هم عقیده اید که در شرایط فعلی و در ایران حداقل مقام معظم رهبری به عنوان شخص اول کشور و نیز برخی از سران کشور هیچ گونه نشانه رفاه طلبی و تشریفات در زندگیشان دیده نمی شود گرچه عملکرد بخش قابل توجهی از مسئولین نیز مایه تأسف است.

منابع و مآخذ:

۱ اصول کافی یا بحار الانوار

## چه چیزهایی برای جذب جوانان و نوجوان در نظر دارید؟

### پرسش

چه چیزهایی برای جذب جوانان و نوجوان در نظر دارید؟

### پاسخ

از این که شما دوست و برادر عزیز و گرانقدر به مسأله مهم جذب نوجوانان و جوانان به مسجد می اندیشی بسیار مسروریم و امیدواریم با همت و تلاش خالصانه و مجددانه و طلبکارانه شما از متولیان امور مساجد حضور نوجوانان و جوانان هر روز بیشتر در مساجد رونق بگیرد.

برادر عزیز دوستانی که متکفل پاسخگویی به پرسشهای شما در مساجد پاسخ می گویند متولی امور مساجد نیستند تا بخواهند برای جذب نوجوانان و جوانان به مساجد برنامه ریزی کنند ولی اگر از طرف متولیان مساجد مورد سوال قرار گیرند قطعاً دوستان عزیز و صاحب نظران گوناگون در حیطه های مختلف راه هایی ارائه خواهند نمود ولی به نظر می رسد بهترین راه جذب نوجوانان و جوانان این باشد که خود آنان بگویند دوست دارند مساجد چگونه باشند، چه برنامه هایی در مساجد ارائه شود جذابتر است نه تنها بگویند بلکه خودشان در اداره مساجد شرکت کنند و برنامه های باب طبع و دل خواه خودشان را طراحی و اجرا کنند. نوجوانان و جوانان نباید منتظر باشند دیگران برای آنان برنامه ریزی کنند و آنان به عنوان افراد منفعل در آن شرکت جویند، حال قابل استفاده باشد یا نباشد. ولی اگر خود جوانان با مشورت با بزرگترها و افراد باتجربه مثل روحانیون



بزرگوار، استادان دانشگاهها، معلمان و آموزگاران گرامی و متولیان امر تعلیم و تربیت و صاحب نظران در مسایل نوجوانان و جوانان برای خودشان برنامه ریزی کنند، بهترین برنامه ها طراحی و اجرا خواهد شد و قطعاً نتایج مثبت و خوبی نیز به دنبال خواهد

داشت.

دوست عزیز شما می توانید با همکاری سایر نوجوانان و جوانان مذهبی و متدین در قالب بسیج مسجد، گروههای علمی و مطالعاتی، ورزشی و ... در مسجد منسجم و تشکیل شده و برای خودتان برنامه ریزی مدون و منظمی داشته باشید. و نه تنها می توانید برنامه هایی در مسجد اجرا کنید بلکه می توانید در مسجد برای کارهای ورزشی، اردو و ... نیز برنامه ریزی کنید و مبداء حرکت شما مسجد باشد. مرکز وحدت و انسجام و ... مسجد باشد ولی این بدان معنا نیست که حتماً هر برنامه ای باید در مسجد اجرا شود. آنچه بتوانید در مسجد اجرا کنید و هر آنچه امکان اجرای آن در مسجد وجود نداشت و آنرا برای نسل جوان مفید دانستید انجام دهید. مسجد را مرکز ثقل تصمیم گیری و برنامه ریزی و مبداء حرکت و تعالی جسمی و فردی خودتان قرار دهید. انشاء الله مفید و سربلند باشید.

**اگر بگوییم شاید باورتان نشود، من همیشه در سلام کردن سعی می کنم پیش قدم باشم چرا که:**

**اشاره**

۱ دستور اسلام است. ۲ باعث افزایش محبت آن شخص در نزد افراد می شود.

تنها یک بار مشاهده کردم که بعد از بیرون آمدن از مسجد امیر المومنین (ع) گناباد پیش نماز این مسجد هن

**پرسش**

اگر بگوییم شاید باورتان نشود، من همیشه در سلام کردن سعی می کنم پیش قدم باشم چرا که:

۱ دستور اسلام است. ۲ باعث افزایش محبت آن شخص در نزد افراد می شود.

تنها یک بار مشاهده کردم که بعد از بیرون آمدن از مسجد امیر المومنین (ع) گناباد پیش نماز این مسجد هنگامی که از روبرو ما را دید با این که حواس ما در تقدم سلام کردن پرت بود با چنان صدای بلند و رسایی سلام کرد که جمعی که با من بودند چنان لذتی را تا به حال نبرده بودند. حال سؤال من این است که چرا روحانیون عزیز به این مسایل واقعاً با ارزش اهمیت کمی می دهند یا مثلاً من کمتر دیده ام که یک فرد روحانی در عزاداری امام حسین (ع) مثل بقیه مردم و در کنار مردم و محل مردم سینه بزند آیا با این کار محبوبتر نمی شوند؟ و آیا با این کارها فاصله مردم با ایشان کمتر نمی شود حال نمی دانم دلیل این رفتارها از طرف گویندگان دین ما چیست؟

**پاسخ**

برادر عزیز و بزرگوار سلام،

از این که می بینم جوانانی همانند شما به این مسایل و قداست روحانیت و رهبران مذهبی و نیز اجرای دستورات اسلامی

اهمیت داده و مقید هستید و دل می سوزانید خداوند بزرگ را شاکر و سپاسگزاریم.

ما نیز با شما برادر عزیز و گرامی موافق هستیم و معتقدیم اجرای دستورات دینی قشر و طبقه نمی شناسد و کسانی که لباس مقدس هدایت جامعه بر تن دارند باید رفتارشان شباهت بیشتری به رفتار پیامبر (ص) داشته باشد. پیامبر (ص) در سلام کردن

سبقت می گرفت و هیچکس نتوانسته است در سلام کردن بر پیامبر (ص) سبقت بگیرد. اگر رفتار و منش رهبران دینی با رفتار و منش پیامبر (ص) شباهت بیشتری داشته باشد اثر بیشتری در تربیت دینی مردم می گذارد تا این که بخواهند با شیوه بیانی و گفتاری به هدایت مردم پردازند چنانچه شاعر گفته است:

دو صد گفته چون نیم کردار نیست.

دوست عزیز با اذعان به آنچه شما برادر ارجمند و محترم بیان کرده ای و تایید درک و فهم و استنباط شما باید اضافه کنیم که در میان روحانیت نیز همانند سایر طبقات افرادی با روحيات و حالات گوناگون وجود دارد. چه بسا بسیاری از آنها به این نکاتی که مطرح کرده ای توجه ندارند یا به لحاظ ارثی به گونه ای بار آمده اند و تربیت شده اند که تحول شخصیتی آنان کمی مشکل و سخت به نظر می رسد و گاهی نیز ممکن است تعداد اندکی با روحیه اقتدار گرایانه و از موضع برتری جویانه ای با جامعه برخورد نمایند و خود را از سایر افراد جامعه برتر بشمارند و توقعی مشابه با این احساس داشته باشند و برخی کارها و امور را در شأن خودتان بحساب آورند.

از سوی دیگر برخی از کارها اگر چه برای روحانی بدون اشکال است ولی عرف جامعه آنرا قبیح و کوچک و سبک می شمارد. بنابراین عزیزان روحانی با توجه به این جنبه اجتماعی از برخی کارها اجتناب می کنند. مثلاً آیا مکیدن شکلات و آدامس برای روحانی حرام است؟ قطعاً از نظر شرعی حرمت ندارد ولی اگر امام جمعه یا امام جماعت در حالی که

آدامس می جود در جمع مردم حاضر شود همه مردم این عمل را تقبیح می کنند و حال آن که عملی حرام نیست.

بنابراین برخی از کارها را عرف جامعه برای برخی طبقات سبک و خلاف شأن آنها می شمارند. این قبیل کارها اگر چه از نظر شرعی حرام نیست ولی افراد باید با توجه به شأن اجتماعی خودشان کارهایی که جامعه آنها خلاف شأنشان می شمارد ترک کنند. البته گاهی نیز افراط و تفریط می شود و برخی کارهایی که اجتماع دون از شأن نمی داند به بهانه دون شأن بدان ترک می کنند و گاهی برخی کارها به بهانه این که دون شأن نیست انجام می شود. رفتار متعادل و متناسب با هر جامعه توسط افراد جامعه نشان دهنده سطح والای فرهنگی آن جامعه است و تا زمانی که ما به این سطح از فرهنگ نرسیم در همه طبقات از جامعه روحانیت این مشکلات وجود داشته و خواهد داشت.

امید است با افزایش سطح فرهنگ عمومی این رفتارها متعادل گردد.

**در مورد متولی های مسجد و سازمانهای مسؤل در مورد این سنگر اسلام توضیح بفرمایید. چرا مساجد اینقدر راکد و بی جاذبه هستند و چه راهکاری را در این زمینه (پویایی مساجد) پیشنهاد می کنید.**

### پرسش

در مورد متولی های مسجد و سازمانهای مسؤل در مورد این سنگر اسلام توضیح بفرمایید. چرا مساجد اینقدر راکد و بی جاذبه هستند و چه راهکاری را در این زمینه (پویایی مساجد) پیشنهاد می کنید.

### پاسخ

احیای مساجد و جذب نیروهای جوان مستلزم یک خیزش و یک حرکت عمومی است جا دارد نخبگان جامعه و کارگزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی در این خصوص یک طرح فراگیر ملی را مورد مطالعه قرار دهند و با دید ملی به آن نگاه کنند. پاسخ مفصل به سؤال جنابعالی در این مختصر نمی گنجد اما نکاتی به استحضار می رسد:

۱- مدیریت مساجد با شیوه های سنتی کنونی، فاقد جاذبیتها و اولویتهاست عمده افراد هیأت امنای مساجد (با همه احترامی که برای آنان قائل هستیم و باید به عنوان پیش کسوتان مورد تکریم قرار گیرند) اما از افراد مسن و گاهی کم سواد هستند. فاصله سنی میان دو نسل دو پیامد منفی بیار آورده است:

الف: مدیریت و توجه و پویایی مساجد به روز نیست.

ب: شیوه های تبلیغ دین با روشهای کار فاصله زیادی دارد.

علاج این دو مشکل به این است که اولاً- حداکثر تلاش بعمل آید نیمی از اعضای هیأت امنای جوان و پر انرژی باشند که درد جوان و خواسته های او را درک کنند. ثانیاً با شیوه های تبلیغ مدرن آشنا باشند. بقول معروف کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز اگر نیروهای فعال مسجد از جنس جوانان باشند تمایل بیشتری برای مشارکت و حضور

دیگر جوانان فراهم می شود.

۲ در برخی موارد مشاهده شده که در خدمه مسجد، خصوصاً خادم مسجد

نسبت به وظایف محوله توجیه نشده است. اینجانب چندین بار با چشم خود دیدم که تلاش بیچه ها توسط خادم مسجد به هدر رفته و بقول معمول، هر چه آنان بافته بودند توسط بابای مسجد پنبه شد. علت آن بود که جوانان و یا حتی نوجوانان بر اساس شور جوانی و تحرک و انرژی فوق العاده شان تلاشهایی می کردند که یا با سلیقه خادم مسجد و برخی از پیر مردان و ریش سفیدان جور در نمی آمد. و یا اساساً آن را مخالف می دانستند. مثلاً اجرای برنامه سرود، یا تزئینات مسجد یا دعوت از سخنرانان جوان پسند و ...

پس یکی از مشکلات فرا روی پویایی مسجد، خدمه مسجد هستند که باید در برنامه ریزی ها و طرحها مدنظر قرار گیرند و چاره مناسبی در پیش گرفته شود.

۳ در نظام فعلی سازمان تبلیغات اسلامی مسجد، جایگاه واقعی را بدست نیاورده و با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. آیا نمی توان مساجد را با سیستمهای کامپیوتری و اینترنت مرتبط ساخت و برخی از سایتهای فعال مساجد را برای جوانان نمایش داد؟

آیا نمی توان فیلمهای مذهبی و عمده را در ساعاتی معین پخش کرد و جوانان را با شیوه های مدرن امروزی با بهترین سیستم های تبلیغاتی آشنا کرد. و با بکارگیری ویدیو پروژکشن های مجهز، سخنرانی های پرطرفدار آقای پناهیان و برخی از مداحان بنام را نمایش داد؟

آیا نمی توان برخی از درسهای آموزشی و کمک آموزشی را در مساجد اجرا کرد و نسل جوان را در راه تقویت بنیه علمی و آموزشی یاری رساند. راستی تاکنون چند کلاس تقویتی کنکور را در مساجد اجرا

کرده ایم. مساجد در صدر اسلام محور همه تبلیغات و فعالیتها بوده است، آیا اکنون نیز چنین است. آیا نمی توان بگونه ای برنامه ریزی کرد که هر از چند گاهی، با حضور یکی از اساتید توانمند و مطرح (دکتر عباسی، دکتر رحیم پور و ...) کنفرانسهایی و فراگردهایی بمنظور پاسخ به شبهات و خواسته های جوانان برگزار کرد و نسل جوان را جذب نمود.

آنچه مطرح شد و دهها "آیا" و "اگر" دیگر ممکن است بشرط آنکه بودجه های هزینه شده در برخی از سمینارها و کنگره ها و گرد همایی ها در مصارف صحیح و ضروری هدایت و بجا مصرف شوند. هر چند به نظر می رسد دعواهای جناحی در قالبهای سیاسی دو جناح به همراه داشته است نخست آنکه اعتماد عمومی نسل جوان را نشانه رفته و نوعی گریز از دین و مذهب را در اندیشه اش دامن خواهد زد و دوم فرصت سوزی است. مسؤولینی که می توانند از فکر و اندیشه خود در جهت جلب و جذب جوانان بهره ببرند در یک دعوی بی حاصل جناحی وارد می شوند و فرصت خدمتی بزرگ با این همه اهمیت را از دست میدهد. مسؤالی که توان اداره تبلیغات یک یا چند مسجد را دارد در یک مدیریت نامناسب قرار گرفته و مساجد را از وجود خود محروم ساخته است.

نتیجه آنچه مطرح شد. (۱) پویایی مساجد از عوامل اساسی پویایی انقلاب اسلامی و حفظ و تداوم آن است. ۲ در نگاه اول به یک طرح ملی در حد کلان نیاز داریم که ساز و کار مناسب را بر اساس یک مطالعه فراگیر ارائه دهد. البته



تحقق این امر در دراز مدت ممکن است جواب دهد .

۳ در کوتاه مدت چند کار برای پویایی مساجد در اولویت است.

الف: خواسته های معقول و مشروع جوانان در برنامه ریزی های مساجد در اولویت قرار گیرد مثلاً در مسجد کمیته ازدواج و حتی کمیته تهیه جهیزه و ...

ب: سخنرانان و مبلغان از میان طلبه های جوان و با استعداد انتخاب شوند که با فهم جوان و نیازهای او آگاه باشند.

ج: از ابزار مدرن تبلیغات امروزی در حد مشروع بنحو مطلوب استفاده لازم بعمل آید.

د: رفتار کادر هیأت امنا و خادم مسجد با کانون مسجد و بسیج و کلاً نوجوانان، توأم با محبت و دلسوزی باشد.

**آیا با این همه فساد اداری که در کشور وجود دارد، ارزشهای فرهنگی و ایرانی و اسلامی ما می تواند اسلحه ای در مقابل استعمار باشد؟ چرا در انجام تکالیف اسلامیمان درماندیم نمونه های مختلف بی عدالتی را می بینیم مثلاً شنیده ام که در زندانی توسط مأموران در قالب سا**

### **پرسش**

آیا با این همه فساد اداری که در کشور وجود دارد، ارزشهای فرهنگی و ایرانی و اسلامی ما می تواند اسلحه ای در مقابل استعمار باشد؟ چرا در انجام تکالیف اسلامیمان درماندیم نمونه های مختلف بی عدالتی را می بینیم مثلاً شنیده ام که در زندانی توسط مأموران در قالب ساندویج مواد مخدر پخش می کنند چرا در زندان به این کوچکی کنترلی وجود ندارد؟ یا بعضی از مسئولیتهای مهم را به افرادی که صلاحیت اخلاقی ندارند می دهند؟ و یا موارد دیگر فساد و بی عدالتی موجود در بعضی دستگاهها و ارگانها و ... چطور ما هنوز خودمان را اصلاح نکردیم اما دم از انتشار انقلاب اسلامی به دیگر کشورها می زنیم آیا نسبت به این مسائل باید بی توجه بود؟ ممکن است بگویید موردی اندک بوده و مسائلی از این بزرگتر در اطرافمان هست اما کجا؟ خدا می داند. خیلی ها در اوایل با انقلاب و همگام با مردم قدم برمی داشتند و تلاش می کردند اما حالا با دیدن

این مسایل و نارسایی ها و مشکلات نسبت به خیلی از مسائل نظر خوبی ندارند. آیا روش حکومت پیامبر (۹) هم همینطور بوده این حرفها را از روی غرض نگفتم امیدوارم به بهانه این که مسایل از این مهم تر هم در اطرافمان وجود دارد و آن قدر هم بزرگ نیست که شما تصور می کنید از جواب دادن خودداری نکنید.

## پاسخ

اسلام عزیز، دینی همه جانبه و مطابق با فطرت پاک بشری و در برگیرنده همه نیازهای انسان است هر چه کمبود احساس می کنیم به علت کوتاهی و تقصیراتی است که از خودمان سر می زند. همه ما باید وظیفه خویش را بشناسیم و بدان عمل کنیم تا مدینه فاضله نبوی تحقق یابد و گر نه در زمان حکومت حضرت علی (۷) یا در صدر اسلام در زمان حیات پیامبر گرامی نیز افرادی مغرض یا خطاکار وجود داشته اند که پس از اطلاع از انحراف و کجروی عمدی یا سهوی آنان به نحو مناسب با آنان برخورد می شد و این در زمان دولت حضرت مهدی (۷) هم خواهد بود. و تصور این که همه افراد در همه سطوح خطا و اشتباه و غرض ورزی نکنند یک آرمان دست نیافتنی است اما وجود افراد فاسد یا وظیفه شناس در یک ارگان و نهاد یا در یک دستگاه حکومتی دلیل بر فساد و یا انحراف کل آن دستگاه نخواهد بود گرچه نقص هر چه کمتر باشد بهتر است البته در مورد خلفها و گناهیایی که در جامعه صورت می پذیرد نه فقط رؤسای مملکتی بلکه همه ما مسئولیم تک تک ما باید با سخن و عمل خود آمر به

معروف و ناهی از منکر باشیم و در واقع بخش عمده ای از رواج فساد و گناه در جامعه ناشی از مسامحه و سهل انگاری خود ماست

نکته دیگر این که انتشار انقلاب اسلامی و صدور آن به سراسر جهان امری است که خداوند متعال وعده آن را داده است چرا که صدور انقلاب یعنی صدور اسلام و دستورات آن و ما وظیفه داریم در راه نشر و تبلیغ احکام اسلام تلاش نماییم

البته بهترین وسیله برای تبلیغ عمل ماست و لذا می بینیم فداکاری جوانان سلحشور ما در جبهه های جنگ اسلام علیه کفر مهمترین عامل صدور انقلاب بوده و هست زندگی ساده و پر از صمیمیت امام خمینی (ؑ) و حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دام عزه و سفرهای ارزشمند و پر ثمر مسئولینمان به کشورهای دیگر، باعث جذب میلیونها نفر به سمت اسلام و ایران اسلامی شده است و قهراً به هر اندازه که ما ویژگیهای مثبت نظام و کشورمان را افزایش دهیم در وظیفه مهم صدور انقلاب موفق تر خواهیم بود. البته این مسئله ربطی به رفع کمبودها ندارد؛ چه بسا ما در کشورمان با کمبودهایی مواجه باشیم ولی نسبت به مسلمانان مظلوم جهان وظایفی داریم که باید انجام دهیم اسلام عزیز دستاوردهایی داشته و ارزشهای والایی برای ملت ما به ارمغان آورده که اگر صادقانه و منصفانه بنگریم هرگز به خاطر نواقص یا انحرافات که وجود دارد، نسبت به اسلام انقلاب و رهبران دلسوز و تلاشگر آن بدبین نخواهیم شد.

**چگونه می توان به عنوان یک خواهر شهید در مقابل تبلیغات تهاجم فرهنگی کمرنگ شدن ارزشها، تخریب نیروهای حزب اللهی و همچنین نگرانی نسبت به دختران و پسران به خصوص نسل آینده ایفای وظیفه نمود و مانع از پایمال شدن خون شهیدان شد.**

**پرسش**

چگونه می توان به عنوان یک خواهر شهید در مقابل تبلیغات تهاجم فرهنگی کمرنگ شدن ارزشها، تخریب نیروهای

حزب اللّهی و همچنین نگرانی نسبت به دختران و پسران به خصوص نسل آینده ایفای وظیفه نمود و مانع از پایمال شدن خون شهیدان شد.

## پاسخ

خواهرم تعهد شما نسبت به فرهنگ جامعه اسلامی قابل تقدیر و ستایش است همان گونه که می دانید اجتماع دریایی خروشان است که هر قطره آن یکی از افراد بشر است اگر هر شخص مراقب اعمال خود بوده به وظیفه انسانی خویش عمل نماید، جامعه رو به سعادت و هدایت پیش خواهد رفت و این سعادت و هدایت مقدمه یک غیرت دینی در مردم خواهد شد. غیرتی که شخص را در برابر مفسد جامعه آسوده خاطر نخواهد گذاشت بلکه با تدبیر و درایت احساس مسئولیت کرده و از راه های صحیح به امر به معروف و نهی از منکر اقدام خواهد نمود و این چنین جامعه به سوی خیر و صلاح همگام و هماهنگ پیش خواهد رفت ان شاءالله یکی از نکات حائز اهمیت از بین بردن زمینه های گرایش به فرهنگ غرب و آگاهی کامل از فرهنگ غنی اسلام است فرهنگی که دشمن با سلاح های گوناگون گرد آن حلقه زده و قصد تصرف در این قلعه فتح ناشدنی را دارد. آری خواهرم این ما هستیم که باید با آگاهی کامل و پیروی از خط امام و ولایت در جهادی که سنگرش علم و تقوی و سلاحش گاهی قلم و گاهی بیان است به جنگ با دشمن برخیزیم در این میان باید دانست همان گونه که بی تفاوتی امری نکوهیده است رویارویی نسنجیده نیز می تواند

مضر باشد. پس همان گونه که خدای متعال فرموده و اذفع بالتی هی احسن به بهترین روش باید بدی ها را دفع نمود. پس با توجه به مطالب فوق وظیفه ما در نخستین گام کسب آگاهی لازم و شناخت معروف و منکر از نظر شرع مقدس اسلام است تا پس از آن با سعه صدر و برخورد های مناسب و بزرگوارانانه در راه ترویج ارزش های اسلام ناب و جلوگیری از نفوذ هجمه فرهنگی دشمن اقدام نماییم

با آرزوی پیروزی و سعادت شما را به خدای بزرگ می سپاریم

## چرا قرآن میگوید: سختیها باعث تکامل افراد جامعه است؟

### پرسش

چرا قرآن میگوید: سختیها باعث تکامل افراد جامعه است؟

### پاسخ

یکی از حکمتها و فلسفه های مشکلات و سختیها، کنار رفتن حجابها از روی فطرت پاک آدمی است. در کوره حوادث تمام قشرهای سیاهی که روی این فطرت را پوشانده است، میسوزد و از میان میرود، و برای مدتی هر چند کوتاه، درخشش این نور توحیدی آشکار میگردد.

از برخی از آیات قرآن مجید استفاده میشود که یکی از خواص مهم حوادث سخت و دشوار، کنار رفتن پرده های غرور و غفلت از مقابل چشم دل و شعله ور گشتن فروغ ایمان، و بازگشت و انابه، به سوی پروردگار عالم است؛ در سوره زمر، آیه ۸ میخوانیم: "وَ إِذَا مَسَّ الْأَلْمِئِسَنَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ...؛ چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت کننده است میخواند"

تعبیر "مُنِيبًا إِلَيْهِ" نشان میدهد که انسان، در حالات سخت، که تمام پرده های غرور و غفلت کنار میرود، هر چه غیر از خداست، رها کرده و به سوی او باز میگردد.

و در مفهوم "انابه" بازگشت این حقیقت نیز نهفته است که جایگاه اصلی انسان و مبدأ و مقصد او نیز خدا بوده است. (ر.ک: تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۱۹، ص ۳۹۱).

در جای دیگری از قرآن میفرماید: "فَأَخَذْنَهُمْ بِالْبُاسِ أَلْوَسَّ الْأَعْنَاقِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ" (انعام، ۴۲) آنها را به شدت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم شاید [بیدار شوند و در برابر حق] تسلیم گردند". از این آیه، استفاده میشود، که خداوند افراد را به بأساً و ضرراً [سختیها، رنجها و گرفتاریها] مبتلا میکند، تا این که با این واسطه، آنها به سوی

خداوند، تضرع نمایند. و همین آمدن آنها به بارگاه قدسی خداوند، سبب قرب و نزدیکی آنها به خدا شده، در نتیجه تکامل یابند. یعنی خداوند افراد را به سختیها گرفتار میکند، تا آنان به سوی خدا برگردند و در نتیجه به تکامل برسند.

البته خداوند در جایی از قرآن، بیان نمیکند که سختیها باعث تکامل افراد میگردد، بلکه از آیاتی استفاده میشود که گرفتاری در دام سختیها نهایتاً منجر به بازگشت افراد به حقیقت خویش و خدای خویش شده، در نتیجه باعث تکامل آنان میگردد.

**چرا با وجود تبلیغات بیش از اندازه درباره نماز و... هر روز از تعداد نمازگزاران کاسته میشود؟ آیا در قرآن در اینباره دستور و راهکاری وجود دارد؟**

### پرسش

چرا با وجود تبلیغات بیش از اندازه درباره نماز و... هر روز از تعداد نمازگزاران کاسته میشود؟ آیا در قرآن در اینباره دستور و راهکاری وجود دارد؟

### پاسخ

پرسشگر گرامی! به چند نکته توجه فرمایید:

۱. تبلیغات درباره نماز و ساختن مساجد و... نه تنها بیش از اندازه نیست، بلکه به اندازه هم نیست و اگر تبلیغات در مورد مسائل دیگری در جامعه را با تبلیغات درباره مراسم و فرایض دینی مقایسه کنیم روشن میشود که درباره نماز و... تبلیغات ضعیف و در سطح پایینی قرار دارد؛ ولی با این وجود ادعای شما که روز به روز از تعداد نمازگزاران کاسته میشود نیاز به آمار دقیق و تحقیقی دارد.

۲. تهاجم فرهنگی به اعتقادات دینی مردم به خصوص جوانان از جمله ابزارها و روشهای دین ستیزی و مبارزه با خداپرستی است که همواره از سوی استعمارگران و ستمگران به کار گرفته شده و میشود و در این راستا از پیچیدهترین و پیشرفتهترین ابزارهای تبلیغاتی بهره میگیرند و در انحراف انسانها تلاش میکنند.

۳. دامن زدن به اختلافهای اجتماعی و حکومتی و وارد و مشغول شدن به بازیهای سیاسی و غفلت از مشکلات اصلی مردم و کوتاهی برخی از نهادهای فرهنگی نسبت به انجام وظایف اصلی خویش و... همگی دست به دست هم میدهند و باعث تضعیف مبانی اعتقادی مردم و کمرنگ شدن انگیزه آنها و سهلانگاری و سستی آنان در انجام دستورهای خداوند متعال میشود.

قرآن کریم و دین مقدس اسلام، برنامههای جامع و عملی جهت مقابله و پیشگیری از تهاجم فرهنگی دشمنان و جلوگیری از متفرق شدن جامعه اسلامی و... پیشبینی کرده که برخی از

آنها عبارتند از:

۱. توصیه به پرستش خداوند متعال به جای اطاعت از شیطان؛ (یس، ۶۰-۶۱) ۲. حفظ روحیه دشمنستیزی؛ (فتح، ۲۹) ۳. تقویت و تعمیق باورهای دینی؛ (انعام، ۷۱ و اسراء، ۳۶) ۴. اقامه و احیای فرهنگ نماز در جامعه؛ (عنکبوت، ۴۵) ۵. احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه؛ (آل عمران، ۱۰۴) ۶. عبرتآموزی از امتهای گذشته؛ (یوسف، ۱۱۱ و حشر، ۲) ۷. دعوت به اتحاد و وحدت؛ (آل عمران، ۱۰۳) و...

و البته آنچه مهم است و باعث ساخته شدن سد محکم در مقابل دشمنان میشود و از نفوذ آنها میتواند جلوگیری کند، عمل به دستورهای قرآن کریم است. (ر.ک: تهاجم فرهنگی، آیت الله مصباح یزدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛).

## آیا از نظر قرآن دین میتواند تمدن ساز باشد یا خیر؟

### پرسش

آیا از نظر قرآن دین میتواند تمدن ساز باشد یا خیر؟

### پاسخ

پاسخ پرسش نیازمند تبیین و تعریف دین و تمدن است.

### تمدن

تمدن در عرف پارهای از مردم و دانشمندان خودباخته، به معنای لیبرالیسم اخلاقی، برهنگی و... است. در صورتی که مراد از تمدن این معنا باشد، دین با آن به شدت مخالف بوده، و هدفش در مقابل آن است.

اما تمدن با توجه به معنای لغوی آن نه عرفی اگرچه تاکنون تعاریف متعددی را از سوی صاحب نظران به خود دیده است؛ ولی غالباً آن را "تخلق به اخلاق شهر و انتقال از خشونت و هجمه و جهل به حالت ظرافت، انس و معرفت" (لغتنامه دهخدا، واژه تمدن.) معنا کرده اند.

### دین

تعریف ما از دین، در نوع حضور دین در جامعه بشری و قلمرو آن، نقش تعیین کننده های دارد. اگر دین را منحصر به رفتارهای زاهدانه و عبادات فردی بدانیم، نباید از دین انتظاری بیش از اصلاح رفتار فرد داشته باشیم.

اما اگر به جامعیت دین در همه ابعاد معتقد باشیم که حق همین است و دانشمندان دین شناسی، چون علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و... آن را پذیرفته اند، در این صورت قلمرو دین وسیع بوده و میتواند در همه زمانها و ابعاد زندگی بشر

حضور خود را به اثبات برساند. تعریف علامه طباطبایی از دین چنین است: "آن روش مخصوصی است در زندگی که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخروی و حیات دایمی حقیقی باشد تأمین مینماید" پس، در شریعت باید قانونهایی وجود داشته باشد که روش زندگانی را به اندازه احتیاج روشن سازد. "(المیزان، علامه طباطبایی، ترجمه محمدباقر موسویهمدانی، ج



ر.ک: انتظار بشر از دین، عبدالله نصری).

طبق تعریفی که از دین و تمدن شد روشن میشود که دین نه تنها با تمدن مخالف نیست، بلکه تمدن واقعی را میسازد و هدفی جز پیشرفت، معرفت، دوری از بربریت و...؛ البته با معیارهای الهی ندارد.

اثبات این مدعا نیازمند بررسی عوامل ظهور تمدن است.

عناصر و عوامل تمدن

در تمدن معمولاً چهار عنصر اساسی وجود دارد:

۱. پیدا شدن سنتهای اعتقادی، اخلاقی؛

۲. پیدا شدن سازمان سیاسی؛

۳. پیشینی و احتیاط در امور اقتصادی؛

۴. تلاش و کوشش در راه علم و گسترش هنر.

عوامل تمدن ساز یاد شده با معیارهای متفاوت در ادیان مختلف آسمانی، به ویژه دین اسلام، وجود دارد. بهترین مؤید بر آن، استمرار تمدن توحیدی؛ البته با فراز و نشیبها از پیدایش انسان تا کنون است.

در ذیل به اختصار به دیدگاه قرآن، درباره عوامل یاد شده با معیار قرآنی و الهی اشاره میکنیم:

بُعد اعتقادی و اخلاقی

هر جامعه و تمدنی دارای نوعی عقیده نسبت به جهان و هستی است. و در همه اقوام و ملل نوعی اخلاق وجود دارد.

از نظر قرآن کریم، معیارهای تمدن در بُعدهای یاد شده عبارتند از:

۱. ایمان به خدای یگانه "إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون" (انبیاء، ۹۲)؛ ۲. تسلیم محض در مقابل خداوند (احزاب، ۳۶)؛ ۳. تقوی (اعراف، ۶۵)؛ ۴. وفای به عهد (مؤمنون، ۸)؛ ۵. صبر و استقامت (بقره، ۱۷۷)؛ تعاون (مائده، ۲) و ...

بُعد مدیریتی و سیاسی

پرواضح است سیستم مدیریت و نظام سیاسی یک جامعه، حساسیت و اهمیت زیادی داشته و در پیشرفت یا انحطاط

آن نقش به سزایی دارد. اسلام با تبیین نظام سیاسی دقیق و پویا به این بُعد از عامل پیشرفت جامعه و تمدن نیز پرداخته است. قرآن کریم در چند جهت این امر را بررسی کرده است:

۱. تبیین صلاحیت شخصی رهبر (مائده، ۵۵؛ نساء، ۱۴۱؛ بقره، ۲۴۷؛ یوسف، ۵۵)

۲. وظایف مدیر و رهبر در مقابل مردم (آل عمران، ۱۵۹؛ اعراف، ۱۵۰؛ انفال، ۶۵)

۳. وظایف مردم در قبال رهبر (نساء، ۵۹؛ انفال، ۶۲؛ حجرات، ۱؛ انفال، ۲۷)

۴. قانونگذاری (یوسف، ۴۰؛ آل عمران، ۸۳)

#### بُعد اقتصادی

یک جامعه متمدن، علاوه بر مسایل معنوی، در بُعد مادی از جمله اقتصاد نیز باید کامل و پیشرفته باشد. از دیدگاه قرآن، شکوفایی و بهبود وضعیت مالی شرایط زیر را میطلبد:

۱. پرداختن مالیات (توبه، ۱۰۳)؛ ۲. عدم تراکم ثروت (حشر، ۷)؛ ۳. مشروعیت در تحصیل مال (بقره، ۱۸۸)؛ ۴. روابط سالم اقتصادی و...

#### بُعد علم و هنر

شاید در تاریخ هیچ دین و تمدنی به اندازه دین اسلام تشویق و حمایت از علم و دانش و عالمان و دانشمندان نتوان یافت. از بسیاری از آیات قرآن مجید و احادیث پیشوایان معصوم، این نکته به خوبی روشن میشود. برخی از آیات عبارتند از:

"فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ" (توبه، ۱۲۲) و نیز (کهف، ۶۶؛ بقره، ۱۲۹) (ر.ک: همان / معیارها و عوامل تمدن از نظر قرآن، بنیاد باقرالعلوم، دارالقرآن الکریم).

**لطفاً به طور صریح بفرمایید که چگونه میتوان یک ایدئولوژی (جهان بینی) و یا تفکرات سنتی، فرهنگی و یا مذهبی ملت یا نژاد و... را گسترش داد؛ و یا به ملتهای مختلف دیگر فهمانید و یا مسلط نمود؟**

#### پرسش

لطفاً به طور صریح بفرمایید که چگونه میتوان یک ایدئولوژی (جهان بینی) و یا تفکرات سنتی، فرهنگی و یا مذهبی ملت یا نژاد و... را گسترش داد؛ و

## پاسخ

انتقال فرهنگ و سنن از یک ملت به ملت دیگر، گاهی به صورت هجمه و حمله یک فرهنگ به فرهنگ دیگر صورت می‌گیرد، و بعضی اوقات، به صورت عرضه یک فرهنگ بر فرهنگ دیگر و گاهی هم با رفع موانع اختلاط و تسری، صورت می‌گیرد. این سه مقوله "تهاجم"، "عرضه" و "رفع موانع اختلاط"، مقولاتی کاملاً اختیاری، برای انتقال فرهنگها هستند و قابلیت دارند که تحت برنامه قرار بگیرند. و گاه هم، انتقال به صورت خودجوش از ملتی به ملت دیگر، صورت می‌گیرد که عوامل مختلفی، در این نوع انتقال نقش دارند.

الف. عوامل انتقال، از نوع اختیار آن، عبارتند از:

۱. تهاجم فرهنگی: این نوع انتقال، همواره از یک فرهنگ منحن و مبتذل، به یک فرهنگ سالم و غنی، صورت می‌گیرد و این به جهت طبیعت سست و غیر قابل عرضه فرهنگهای منحن است. این امر بیشتر در سایه قدرت نظامی و یا حيله و فریب، اتفاق می‌افتد و فرهنگ غنی، جای خود را، به فرهنگ پست و منحن می‌دهد؛ مانند فرهنگ گوساله پرستی بنی اسرائیل که پس از فرهنگ خداپرستی، در میان آن قوم رایج شد، که از عوامل مهم آن، جهل و نادانی بسیاری از بنی اسرائیل و مهارت و زبردستی "سامری" کارگردان اصلی غوغای گوساله پرستی بود. (تفسیر نمونه، آیه الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۶، ص ۳۷۰-۳۷۱، نشر دارالکتب الاسلامیه.) "وَأَتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا ۖ جَسَدًا لَّهُوَ خُورًا" (اعراف، ۱۴۸) قوم موسی، بعد از [رفتن] او [به میعادگاه خداوند] از زیور آلات خود، گوساله‌های ساختند." و

یا مانند تهاجم فرهنگ منحنی غرب در زمان حاضر به فرهنگ اصیل و ارزشهای ناب اسلامی.

۲. عرضه فرهنگ: این نوع از انتقال، معمولاً به شیوه ارشاد و راهنمایی، از طرف فرهنگ اصیل و غنی صورت میگیرد، و به جهت اصلیتی که دارد، لزومی نمیبیند که از راه تهاجم و شیخون عمل کند، زیرا قصد آن، خدمت به فرهنگ مقابل و ارتقا بخشیدن به آداب و سنن آن است و چنین عملکردی، بر بیداری ملت‌ها و پذیرش آگاهانه و آزادانه آنان، توقف دارد. این نوع از دگرگونی و یا انتقال فرهنگ را میتوان در شیوه انبیای عظام و فرهنگهای اصیل الهی مشاهده کرد، که شاهکار و نمونه جاوید آن، عرضه فرهنگ اسلام، توسط پیامبر گرامی اسلام است و نمونه زنده آن نیز، در این زمان، در حال وقوع است و آن، عرضه انقلاب و دست آوردهای اصیل فرهنگ اسلامی، به ملت‌های مختلف و استقبال آگاهانه بسیاری از ملت‌ها، از آن است، و همین نمونه کوچک (= انقلاب اسلامی) که در این سوی تاریخ اتفاق افتاد، نشان میدهد که الگوی آن نیز (= ترویج اسلام در صدر اسلام)، نه تنها به طریق "عرضه" بود، بلکه با عرضهای بسیار کاملتر و زیر نظر شخصیتی که از راه وحی رهبری میشد، اتفاق افتاد: "فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَّغُ" (شوری، ۴۸) و اگر روی گردان شوند [غمگین مباش]، ما تو را حافظ [و مأمور اجبارشان] قرار ندادهایم. وظیفه تو، تنها ابلاغ رسالت است." آیات بسیار زیادی بر این مطلب تأکید دارد، که فرهنگ سالم، بایستی آگاهانه مورد پذیرش قرار گیرد.

۳. رفع موانع انتقال: این نوع

از انتقال، طبیعتی دو سویه دارد، که هم میتواند از جانب فرهنگ منحنی و غیر اصیل انجام شود، و هم از طرف فرهنگ متأصل صورت بگیرد. حذف موانع فیزیکی و یا ارتباطی در این راستا میتواند مؤثر واقع شود. اسلام در عین حالی که پایبند و معتقد به شعار "لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ" (بقره، ۲۵۶) در قبول دین اکراهی نیست. "لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ" (کافرون، ۶) آیین شما برای خودتان و آیین من برای خودم. "میباشد، در مقام پذیرش آگاهانه فرهنگ است، اما از حذف موانع انتقال و آماده کردن زمینه تماس با فرهنگ اسلام، غافل نمانده است، و از این راه، همواره ملت‌های تحت حکومت و ستم را، متوجه رایحه دلپذیر فرهنگ اسلام نموده است.

ب. انتقال به صورت قهری و بدون برنامه ریزی: از عوامل آن، میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سلطه سیاسی: یکی از عواملی که به طور قهری، یک جامعه را تحت تأثیر جهان بینی خود قرار میدهد، سلطه، قدرت و حاکمیت سیاسی یک جهانی مخصص است که در این گونه موارد، عقاید و ایدئولوژی ملت تحت حاکمیت، تحت تأثیر جهان بینی قدرت حاکم، قرار میگیرد.

۲. روابط بازرگانی و تجارت: این نیز از عواملی است که بدون برنامه ریزی، جهان بینیها و عقاید مختلف را در عالم جابجا کرده و به صورت قهری، هر صاحب جهان بینی که دارای رابطه گستردهتر و عمیقتر در این زمینه باشد، جهان بینی او به تبع روابط تجاریاش، گسترده و عمیق میشود.

### چگونه کودک خود را با قرآن مانوس کنیم؟

#### پرسش

چگونه کودک خود را با قرآن مانوس کنیم؟

#### پاسخ

برای علاقه‌مند کردن فرزندان به قرآن نکاتی را به طور اختصار بیان میکنیم:

۱. بیان اهمیت این کتاب آسمانی؛ ۲. بیان قصه‌ها و تمثیلهای قرآنی با زبان کودکانه؛ ۳. تشویق و ترغیب دائمی فرزندان؛ ۴. الگو قرار دادن معارف، احکام و اخلاقیات قرآنی در حرکات، سکنات، اعمال، گفتار و رفتار؛ ۵. فراهم کردن وسایل لازم از قبیل قرآن و جزوات آموزشی، نوارهای کاست برای تمرین، رحل، کتابهای مخصوص و... ۶. تشویق فرزندان برای رفتن به کانونهای فرهنگی برای تعلیم قرآن؛ ۷. فراهم کردن جوّی سالم در محیط منزل به صورتی که توجه به قرآن به صورت یک فرهنگ فراگیر مانند "محرم و عاشورا" بشود؛ ۸. رعایت حلال و حرام از جانب والدین؛ ۹. مقابله قرآن با فرزندان و...

### چگونه می توان پایه های فرهنگی و استقلال یک کشور، در بُعد فرهنگی را تقویت کرد؟

#### پرسش

چگونه می توان پایه های فرهنگی و استقلال یک کشور، در بُعد فرهنگی را تقویت کرد؟

## پاسخ

روشن است که بُعد فرهنگی یک کشور، هم چون ابعاد دیگر آن از اهمیت به سزایی برخوردار است حتی می توان گفت که ابعاد فوق مبتنی بر این بُعد فرهنگی است زیرا اگر جنبه های مختلف فرهنگ یک مردم قوی باشد، ابعاد دیگر هم از ضمانت لازم برخوردار خواهند بود، درباره این که چگونه می توان پایه های فرهنگی را تقویت کرد، چند نکته را خاطر نشان می کنیم

۱. روشن گری و آگاه نمودن مردم به ارزش های اسلامی و ملی با توجه به این که بخشی از باورهای مردم بر پایه گزاره های دینی تشکیل شده است و این فرامین و نواهی الهی است که به گرایش های نهفته در ضمیر بشری شکل می دهد و آن را تصحیح می کند، جایگاه ویژه ارزش های اسلامی نزد مردم روشن می شود. این اهمیت به نوبه خود می طلبد که این حقایق و معارف با لحاظ مقتضیات زمان و مکان به صورت روشن و شفاف در اختیار مردم گذاشته شود تا مردم با آشنا شدن به فواید و ثمرات آن با جان و دل به آن ها عمل کنند. خداوند، پیامبر ۶ خود را نیز به چنین وظیفه سنگینی گوشزد می کند: "وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ - إِلَّا لِيُذَكِّرَ الَّذِينَ فِيهِ - الَّذِينَ اسْتَلَفُوا فِيهِ (نحل ۶۴) ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای این که آن چه را در آن اختلاف دارند، برای آن ها روشن کنی "

۲. ارج نهادن به عاملین ارزش های اسلامی و الهی در جامعه شکی نیست در

این که تشویق و پاداش دادن به کسانی که ارزش های الهی را عمل می کنند، نه تنها قدردانی از آن ها به حساب می آید، بلکه ترغیب دیگران نیز، برای عمل به این نوع ارزش ها به شمار می آید.

روشن است که دادن این امتیازات برخاسته از منطق قرآنی و اسلامی است زیرا قرآن خود می فرماید: "لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً (نساء، ۹۵) هرگز افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد باز نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا، با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند. خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [= ترک کنندگان جهاد] برتری مهمی بخشیده است "

۳. مجازات نمودن متخلفان و تعدی گران به ارزش های ملی و دینی معلوم است که گاهی برخی افراد، ممکن است در اثر عواملی در جامعه در صدد حرکت و اقدام بر ضد ارزش های دینی و ملی برآیند و به کارهای خلاف دست بزنند، در چنین موقعیتی نوع اقدام با افراد متخلف هم چون نوع خلاف آن ها، تفاوت پیدا می کند، به همین علت اسلام مجازات های مختلفی مانند: قصاص دیات حدود و تعزیر را وضع کرده است به راستی اگر به این قوانین عمل شود، نه تنها متمرّدان درس عبرت می گیرند، بلکه آدم های خوب نیز، با دل گرمی بیش تر و با پشتوانه محکم تری در انجام کارهای پسندیده تلاش خواهند کرد.

قرآن می فرماید: "تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ

يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأَوْلَعَهُمْ الظَّالِمُونَ (بقره ۲۲۹) این ها حدود و مرزهای الهی است از آن تجاوز نکنید و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است "

حاصل سخن این که اگر به مردم آگاهی کافی و کامل بدهیم و از راه رسانه های گروهی و تبلیغی اندیشه های مردم را درست هدایت و راهنمایی کنیم و در مقام عمل نیز، به عاملان بها بدهیم و متخلفان را مجازات کنیم به بهترین وجه می توانیم پایه های فرهنگی و ملی خودمان را تقویت کنیم از این رو، بیش تر باید به متون کتاب های درسی و دانشگاهی و برنامه های تلویزیونی و آثار علمی و هنری و صنعت جهان گردی توجه کافی و عمیق کنیم که با اهمیت به این ها می توان بعد فرهنگی را بیمه و تقویت کرد.

**چرا مراکزی مثل مرکز شما، مانع خواندن قرآن در قبرستان ها، توسط افراد بد صوت و با قرائت غلط و ظاهری غیر شایسته نمی شوید؟ آیا این اقدام آنان از ارزش قرآن نزد قشر جوان نمی کاهد؟**

**پرسش**

چرا مراکزی مثل مرکز شما، مانع خواندن قرآن در قبرستان ها، توسط افراد بد صوت و با قرائت غلط و ظاهری غیر شایسته نمی شوید؟ آیا این اقدام آنان از ارزش قرآن نزد قشر جوان نمی کاهد؟

**پاسخ**

آری زیبا خوانی در آیات قرآن کریم از چنان اهمیتی برخوردار است که پیامبر اسلام و اهل بیت ، نیز مردم را به زیبا خوانی قرآن تشویق می نمودند. "زینوا القرآن باصواتکم قرآن را با صدای نیکوی خویش بیاراید." (میزان الحکمه محمد ری شهری ج ۸، ص ۸۲، مرکز نشر اسلامی )

قاری قرآن شایسته است در قرائت خودش روح و تصویر به معانی آیات بدهد، تا این که در قلب ها تأثیر بگذارد و هر شنونده ای را در دریای معارف الهی غرق نماید.

البته این مطلب به این معنا نیست که افرادی که از صداهای خوب بی بهره هستند، از خواندن قرآن در حضور دیگران و جمع منع گردند و قوای قهریه ای موظف باشند که جلوی آن ها را بگیرند، بلکه هر کسی با هر صوتی می تواند قرآن را بخواند و خود و دیگران را از آن بهره مند نماید.

**لطفاً خاطره ای از رزمندگان اسلام درباره قرآن از کتاب "فرهنگ جبهه می توان استفاده کرد برایم بنویسید؛ البته به جز خاطره زیر: من در دست دشمن اسیر بودم عراقی ها به ما قرآن نمی دادند؛ بنابراین هر کس "آیه یا "حدیثی حفظ بود، با انگشت روی خاک می نوش**

**پرسش**



لطفاً خاطره ای از رزمندگان اسلام درباره قرآن از کتاب "فرهنگ جبهه می توان استفاده کرد برایم بنویسید؟ البته به جز خاطره زیر: من در دست دشمن اسیر بودم عراقی ها به ما قرآن نمی دادند؛ بنابراین هر کس "آیه یا" حدیثی حفظ بود، با انگشت روی خاک می نوشت و دیگران می خواندند. روزی به عراقی ها گفتیم می خواهیم مسابقه والیبال بدهیم عراقی ها هم گفتند: به تیم برنده قرآن می دهیم با شنیدن این خبر، خوشحال شدیم تیم اردوگاه ما در مسابقه برنده شد و عراقی ها به ما قرآن دادند، ولی با آمدن قرآن هم شاد و هم غمگین شدیم زیرا

از آثار ترکش هایی که در آن بود، فهمیدیم که قرآن متعلق به مسجد خرمشهر بوده است (خاطره از رزمنده اسلام محمد شهبواری)

## پاسخ

عراقی ها هر از چند گاهی از اسرای ایرانی می خواستند تا نیازهای خود را بگویند، ولی بچه ها علی رغم احتیاجات ضروری که داشتند هیچ گاه در مقابل پرسش آنان درخواست لباس غذا، آب آشامیدنی و دارو و غیره نمی کردند، بلکه فقط می گفتند، برای ما قرآن بیاورید.

بعد از اصرار مکرر بچه ها، سرانجام پس از گذشت هجده ماه از اسارت برای هر آسایشگاه صد نفری یک قرآن آوردند. به نظرم این سومین دفعه ای بود که من قرآن را در آن مدت زیارت می کردم اما این بار با دو دفعه قبل بسیار متفاوت بود؛ یک قرآن برای صد نفر، آن هم برای افرادی که اغلب بسیجی بوده و قرآن خوان و اهل دل و راز و نیاز بودند؛ بنابراین هر فرد، مدت کمی می توانست آن قرآن را پیش خود داشته باشد؛ اما همین فرصت کم هم برای ما ارزشی دیگر داشت ما با تشکیل یک گروه به حفظ قرآن پرداختیم تشکیل گروه برای این بود که ممکن بود عراقی ها هر لحظه قرآن را از ما بگیرند و یا خواندن آن را ممنوع کنند، از این رو، افراد این گروه موظف شدند قسمت های مختلفی را حفظ کنند تا در صورت بروز هرگونه اتفاقی بتوانیم به کمک هم دیگر، به حفظ آن بخش هایی که از حفظ نیستیم پردازیم از نکات جالب و چشم گیر این بود که

تمام اوقات شبانه روز (۲۴ ساعت ، به صورت ده دقیقه تقسیم شده بود و هر کس در وقت مشخصی از قرآن بهره می برد و تقریباً قرآن هیچ زمانی بدون استفاده نبود. (نشریه قرآنی بشارت سال چهارم شماره ۲۴، مرداد و شهریور ۱۳۸۰، ص ۳۸، از سعید عطاریان )

## چگونه می توان دانشجویان را به ویژه دانشجویان دانشگاه پیام نور را که کم تر در دانشگاه حضور دارند، با معارف قرآن آشنا کرد؟

### پرسش

چگونه می توان دانشجویان را به ویژه دانشجویان دانشگاه پیام نور را که کم تر در دانشگاه حضور دارند، با معارف قرآن آشنا کرد؟

### پاسخ

با تشکر از شما و به امید موفقیت شما در اهداف قرآنی که دارید، نکاتی را در زمینه یاد شده متذکر می شویم امیدواریم مفید باشد.

۱. تشکیل جلسات سخنرانی به ویژه روزهای پنج شنبه و جمعه که دانشجویان در دانشگاه حضور دارند، بهره گیری از اساتید برجسته و شناخته شده در این جلسات مؤثر خواهد بود.

۲. استفاده از فرصت ها<sup>۱</sup> برای نمونه در همه دانشگاه ها معمولاً نماز جماعت خوانده می شود. در بین نماز امام جماعت می تواند در حداقل زمان تفسیر آیه ای یا نکته قرآنی مهمی را برای دانشجویان باز گو کند.

۳. بهره گیری از نشریات دانشگاه ها و دانشکده ها حتی گروه های گوناگون دانشجویی نشریات خاص خود را دارند. و از آن راه اخبار و مطالب علمی را به خوانندگان منتقل می کنند. شما نیز می توانید مطالب قرآنی خود را در نشریه خود یا نشریات دیگر گروه ها چاپ کنید.

۴. استفاده از تابلوهای نصب شده در دانشگاه برای انتقال مطالب و نصب بریده های مجلات قرآنی در آن

۵. اجرای مسابقات قرآنی به اشکال گوناگون

۶. ارتباط با نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها<sup>۲</sup> بخش فرهنگی این نهاد راهنما و حامی خوب می تواند در اجرای برنامه های شما باشد.

در پایان شایان ذکر است استمرار در هدفی که دارید، بهره گیری از خود دانشجویان در اجرای برنامه ها، استفاده از اعضای هیأت علمی آگاه و آراسته بودن ظاهر افرادی که با شما کار می کنند، نقش مهمی در ترغیب دانشجویان خواهد داشت

ضمن مرکز فرهنگ و معارف قرآن آمادگی دارد، ضمن پاسخ گویی به پرسش های قرآنی دانشجویان مطالب درخواستی شما را ارسال تا آن ها را در نشریات چاپ یا در تابلوها نصب کنید.

شماره تلفن های واحد پاسخ به پرسش های قرآنی این مرکز برای مشاوره و راهنمایی بیشتر عبارتند از: ۷۷۴۰۸۰۴ و ۷۷۴۱۶۷۹۰۲۵۱

## چگونه می توانم قرآن و دستورات آن را در روستای خود به دیگران بیاموزم و به آن عمل کنم

### پرسش

چگونه می توانم قرآن و دستورات آن را در روستای خود به دیگران بیاموزم و به آن عمل کنم

### پاسخ

شما برای عمل به دستورات قرآن کریم و آموزش آن به دیگران ابتدا باید از آن دستورات اطلاع داشته باشید و گرنه نه خود می توانید به آن عمل کنید و نه به دیگران بیاموزید. دستورات قرآن بر دو دسته است الف یک دسته مطالبی است مردم معمولاً از آن اطلاع دارند که برای دانستن آن ها لازم نیست از کسی سؤال کنیم مانند: رعایت حجاب خواندن نماز، گرفتن روزه دادن خمس و زکات رفتن به حج امر به معروف و نهی از منکر و مانند این ها. شما در این گونه دستورات بایستی به وظایف عمل کرده هر روزتان بهتر از دیروز باشد. ب دسته ای از معارف قرآن است که باید آن ها را از دیگران فرا گیرید و به کسانی که در این زمینه مهارت دارند، مراجعه نمایید، مانند: علما و روحانیان و دانش مندان اسلامی

اما برای ترویج قرآن و دستورات آن باید جلسات و کلاس های قرآن در سطح خودتان تشکیل دهید و ابتدا از روخوانی ساده شروع کرده سپس به تدریج بر کیفیت آن بیفزایید و در مراحل بعدی کلاس آشنایی با قواعد تجویدی بگذارید در این صورت کم کم شما می توانید از ترجمه های روان قرآن در فهم آیات کمک بگیرید و برای آشنایی با تفسیر آیات الهی از کتاب های تفسیری که مانند شما می توانند آن را بفهمند استفاده کنید مانند: تفسیر نمونه آیه الله مکارم

شیرازی و دیگران تفسیر نور آقای قرائتی و تفسیر جوان و مانند این ها. همچنین می توانید از کتب قصص قرآن استفاده نمایید. البته این واحد واحد پاسخ به پرسش ها نیز، طرحی در دست دارد که در آینده نزدیک می توانید با آن آشنا شوید.

## جهان بینی برای یک فرهنگ و یک کشور، چه آثاری در پی دارد؟

### پرسش

جهان بینی برای یک فرهنگ و یک کشور، چه آثاری در پی دارد؟

### پاسخ

نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می کند، زیرساز و تکیه گاه آن مکتب به شمار می رود. این زیرساخت و تکیه گاه در اصطلاح "جهان بینی نامیده می شود. به تعبیر استاد شهید مطهری ر.ک جهان بینی توحیدی شهید مطهری ص ۷۵). هر مسلک و فلسفه زندگی خواه ناخواه بر یک نوع تفسیر و تحلیل از جهان و انسان مبتنی است

معلوم است که این نوع اعتقاد و بینش می تواند آثار زیادی داشته باشد که برای نمونه به بعضی از آن ها اشاره می کنیم

۱. مقام زن و انتخاب پوشش از نظر قرآن کریم جسم باید پوشش داشته و چشم نیز کنترل شود تا غرایز حیوانی به ویژه غریزه جنسی مهار شود و استعدادهای معنوی و گنجینه های عظیم عقلانی انسان شکوفا گردد.

قرآن در این باره می فرماید: "قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذٰلِكَ اَزْكٰى لَهُمْ.." (نور، ۳۰) به مؤمنان بگو چشم های خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند، و عفاف خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه تر است.

۲. منزلت انسان و حفظ حرمت و کرامت او: از دیدگاه ادیان الهی انسان در میان آفریده های جهان از جایگاه بی همتایی برخوردار است او وظیفه و رسالتی خاص بر عهده دارد. او مسئول تکمیل و تربیت خود و اصلاح جامعه خویش است قرآن در یک جا می فرماید: "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ - وَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا

تَفْضِيلًا ۛ (اسراء، ۷۰) ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و... و آن ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم برتری بخشیدی ۛ. " و در جای دیگر می فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال ۲۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد."

۳. جایگاه جامعه و اجتماع بر اساس بینش توحیدی و قرآنی فرد و جامعه به نوعی اصالت دارند، و هر يك مكمل دیگری به شمار می روند ۛ این گونه نیست که جامعه به حال خود رها شود، بلکه از نظر نگرش توحیدی محقق کردن محیط پاک و حفظ بقای آن از مهم ترین واجبات برای انسان به شمار می آید: "فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِم رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّغَ لَهُمْ (شمس ۱۴) ولی آن ها [قوم ثمود] او را تکذیب کرده و ناقه را پی کردند ۛ از این رو، پروردگارش آن ها را به خاطر گناه شان در هم کوبید و با خاک یکسان و صاف کرد." علی در تبیین و توجیه این مطلب می فرماید: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ ۛ ای مردم فقط خشنودی و خشم است که انسان ها را گرد می آورد. شتر ثمودیان را فقط يك مرد پی کرد ۛ خدای متعال عذاب را بر عموم آنان فرود آورد، چرا که عموم شان از [کار] او = پی کننده خشنود بودند." (نهج البلاغه صبحی صالح خطبه ۲۰۱، ص ۳۱۹، طبعه اولی - بیروت ۱۳۸۷، ۱۰۱) (U)

۴. برتری ارزش های الهی و عاملان به آن در جامعه معلوم است که اگر جامعه ای بینش توحیدی داشت به

یقین تقوا و ایمان و خلوص و ایثار را به نقطه مقابل آن‌ها برتری خواهد بخشید و به سعی و تلاش کسانی که به این اوصاف عمل کرده دیگران را نیز تشویق می‌کنند، ارج خواهد نهاد: "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَعُكُمْ" (حجرات ۱۳) گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست" و نیز فرمود: "كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ" (آل عمران ۱۱۰) شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید؛ [چه این که] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید."

**لطفاً نکته‌های قرآنی که در مورد تبلیغ دین مبین اسلام آمده است را بیان کنید و مرا با فرستادن کتاب‌ها و مجلات در راه تبلیغ و نشر فرهنگ قرآن یاری فرمایید.**

### پرسش

لطفاً نکته‌های قرآنی که در مورد تبلیغ دین مبین اسلام آمده است را بیان کنید و مرا با فرستادن کتاب‌ها و مجلات در راه تبلیغ و نشر فرهنگ قرآن یاری فرمایید.

### پاسخ

قرآن کریم برای تبلیغ دین نکته‌های مهمی را بیان فرموده که برخی از آن‌ها به قرار زیر است

۱. قاطعیت اخلاص و ترس از عظمت الهی و نترسیدن از دیگران قرآن کریم در این باره می‌فرماید: "الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ (احزاب ۳۹) [پیامبران پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و [تنها] از او می‌ترسیدند و از هیچ کس جز او واهمه نداشتند."

۲. بدی را با نیکی جواب دادن کسی که منادی توحید است باید دیگران را دعوت به خداوند نماید، عمل صالح داشته در برابر حق تسلیم باشد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: "وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ... اذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.. (فصلت ۳۳ و ۳۴) گفتار چه کسی بهتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: من از مسلمین هستم.. بدی را با نیکی دفع کن تا دشمنان سرسخت هم چون دوستان گرم و صمیمی شوند."

۳. برداشتن موانع از سر راه و مبارزه با وسوسه‌های شیطانی قرآن کریم در این باره می‌فرماید: "وَمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ" (فصلت ۳۶) و هر گاه وسوسه‌هایی از شیطان متوجه تو گردد، از خدا پناه طلب که او شنونده

و آگاه است "

۴. با نرم خوئی و مهربانی مردم را به حق دعوت کردن قرآن کریم با صراحت به پیامبر اکرم می فرماید: "فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَأْمُرْ اللَّهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لَافْتَرَيْنَا لَهُ دَرَجَاتٍ مِمَّا نَحْمَدُ لَكُمْ وَإِن كُنْتُمْ لَسَاءً فَاعْتَبِرُوا يَوْمَ تَأْتُوا سَاءَ يَوْمًا حَسْبُكُمْ يَوْمَ تَأْتُوا بِلُجُجٍ كَثِيرٍ تُمْسِكُونَ خُنُوقًا فَاسْمِعُوا بَنِيكُمْ إِنِّي رَأَيْتُكُمْ يَوْمَ تَأْتُوا سَاءَ يَوْمًا حَسْبُكُمْ إِذْ يُخَالِفُكُمْ أَهْلُكُمْ وَأَكْثُ الْأَشْقَاتِ إِذْ يُنَادُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَعْمِلُوا كَمَا أُمِرْتُمْ فَاصْبِرُوا" (آل عمران ۱۵۹) به خاطر رحمت الهی است که نسبت به آن ها نرم خو شده ای که اگر خشن و سنگ دل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند."

۵. دعوت عملی مهم ترین برنامه اساسی برای عالمان و مبلغان راه حق این است که پیش از سخن گفتن مردم را با عمل خود به خوبی ها دعوت کنند، چرا که سخنی که از دل برخیزد بر دل نیز خواهد نشست امام صادق در این باره می فرماید: "کونوا دعاه الناس باعمالکم و لا تکنوا دعاه بالسنتکم مردم را با عمل خود به نیکی ها دعوت کنید، با زبان خود آن ها را دعوت نکنید." (سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۶، ص ۵۱۴، دارالاسوه)

قرآن کریم نیز در این باره می فرماید: "اتَّأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ (بقره ۴۴) آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می نمایید."

پرسشگر محترم این مرکز فقط پاسخ گوی پرسش های قرآنی شما است شما می توانید برای تهیه جزوه و کتاب با مؤسسه در راه حق مکاتبه نمایید. (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۶، ص ۳۰۸؛ ج ۱، ص ۲۱۵؛ ج ۱۷، ص ۳۳۰؛ ج ۲۰، ص ۲۷۸۲۸۵، دارالکتب الاسلامیه / پیام قرآن آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۱۸، دارالکتب الاسلامیه)

**برای داشتن یک جلسه خوب آموزش قرآن در قسمت های مختلف مانند: نحوه اداره جلسه آموزش قواعد و... چه توصیه و راهکاری ارائه می فرمایید؟**

**پرسش**

برای



داشتن یک جلسه خوب آموزش قرآن در قسمت های مختلف مانند: نحوه اداره جلسه آموزش قواعد و... چه توصیه و راهکاری ارائه می فرمایید؟

## پاسخ

هدف اصلی از آموزش و قرائت قرآن کریم فهم و عمل به آن است آموزش قرآن به افراد، نیز باید در این راستا انجام شود، و به گونه ای باشد که شرکت کنندگان تدریجاً به قرآن علاقمند، با آن مأنوس و به قرائت و فهم و عمل به قرآن روی آورند، بنابراین کلاس و جلسه ای که تشکیل می شود باید طوری باشد که افراد شرکت کننده هم خسته نشوند، و هم تمام افراد (در سطوح مختلف، از آن استفاده کنند، و بی بهره نمانند.

در این جا به برخی نکات که در بهتر برگزار کردن این نوع کلاس ها و جلسات می تواند مؤثر باشد اشاره می کنیم

۱. استاد آمادگی اطلاع کافی و تسلط بر موضوع درس داشته باشد، تا هم خوب درس را بیان کند، و هم قادر بر رفع شبهات باشد. در این رابطه مطالعه کتاب های لغت قرآن تاریخ معارف تفسیر، تجوید و علوم قرآن مناسب می باشد.

۲. جدا کردن کلاس های آموزشی روخوانی حفظ، تجوید، و تفسیر از یکدیگر، و برای هر یک کلاس متناسب خود برگزار کردن البته در کلاس های روخوانی حفظ و تجوید می توان جهت تنوع چند دقیقه ای را به استفاده از پیام های قرآن اختصاص داد.

۳. در نظر گرفتن زمان و مکان مناسب برای کلاس و جلسه قرآن از جهت نور، سرما، گرما، هوای مطلوب خسته نبودن افراد، طولانی نبودن زمان تدریس و...

۴. استفاده از وسایل هنری

و کمک آموزشی (سمعی و بصری ، از قبیل فیلم نوار، تابلو، طرح نمودار، تخته و ابزار نوشتن مرغوب و...

۵. استفاده از قصه معما، تمثیل و شعر متناسب با موضوع کلاس در لابلاي سخن در این رابطه مطالعه کتاب های قصه های قرآن قصه های تفسیر نمونه قصه های اصول کافی و... و همچنین مطالعه کتاب های متون ادب فارسی جهت استفاده از اشعار و قطعه های ادبی متناسب با موضوع کلاس مؤثر می باشد.

۶. آموزش قواعد و همچنین مفاهیم قرآن به صورت کاربردی باشد (رنگ کاربردی داشته باشد تا تئوری .

۷. تشویق و هدیه دادن به افراد، البته بجا، باندازه و متناسب با عمل آنان

۸. پرسش از افراد جلسه (استاد خودش جواب را نگوید، بلکه از افراد شرکت کننده جواب را بخواهد).

۹. علاقه و صمیمیت نسبت به شرکت کنندگان و شوخ طبعی و بشاش بودن با آنان در حد تعادل

۱۰. داشتن تواضع صبر، بردباری خوش خلقی دلسوزی ایمان به کار، علاقمندی به تدریس و دوری از غرور، خود برترینی و دیگر صفات رذیله

۱۱. آراستگی نظافت ظاهری استاد، و تکیه ندادن به دیوار، میز، بازی نکردن با تسبیح قلم لباس و هر چیز دیگر در هنگام تدریس

۱۲. نظم انضباط، خوش قولی و رعایت وقت از نظر شروع ختم میزان تدریس و حضور به موقع

۱۳. ارزشیابی از کار خود و تأثیر درس و فهم افراد، و توجه به نظرات شرکت کنندگان در بهتر شدن جلسه

۱۴. مطالعه کتاب هایی

که مهد قرآن کریم تهران تهیه کرده است و همچنین کتاب های روش تدریس و کلاس داری نیز مناسب می باشد. (ر.ک روشها، جواد محدثی ص ۱۷۷ ۱۹۳، نشر معروف / روش تدریس و فن کلاس داری دکتر عبدالله جاسبی امور تربیتی تهران / کاربرد مهارت ها در تدریس فاطمه شاکری جهاد دانشگاهی / آداب تعلیم و تعلم (شهید ثانی ، ترجمه محمد باقر حجتی دفتر نشر فرهنگ اسلامی و...)

برای ارتقای دانش قرآنی خودتان و انتقال آن به دانش آموزان نیز مطالعه کتاب های تفسیر قرآن مجید، مانند: ۱. تفسیر نمونه ۲. تفسیر المیزان ۳. تفسیر نور، محسن قرائتی ۴. تفسیر احسن الحدیث سیدعلی اکبر قرشی و کتاب های تاریخ و علوم قرآنی مانند: ۱. درسنامه علوم قرآنی حسین جوان آراسته ۲. تاریخ قرآن آیه الله معرفت ۳. تاریخ قرآن دکتر محمود رامیار بسیار خوب است

### قرآن مجید بهترین شیوه تبلیغ اسلامی را در چه می داند؛ به عبارت دیگر برای تبلیغ دین باید از چه شیوه ای بهره جست

#### پرسش

قرآن مجید بهترین شیوه تبلیغ اسلامی را در چه می داند؛ به عبارت دیگر برای تبلیغ دین باید از چه شیوه ای بهره جست

#### پاسخ

خداوند در قرآن مجید به پیامبر گرامی اسلام می فرماید: "ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ - أَحْسَنَ (نحل ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای که نیکوتر است مجادله نمای " این آیه شریف سه راه دعوت را به پیامبر ۶ معرفی می کند. ۱. حکمت ۲. موعظه حسنه ۳. جدال احسن

حکمت یعنی علم و عقل دانش منطقی و استدلال نخستین گام در دعوت به سوی حق استفاده از منطق صحیح و استدلال است فکر و اندیشه مردم را به حرکت درآوردن و مورد خطاب قرار دادن آغاز دعوت است (تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۴۵۵، دارالکتب الاسلامیه)

دومین گام موعظه و بهره گیری از عاطفه انسان هاست اندرز، بیش تر جنبه عاطفی دارد. درحقیقت حکمت از بُعد عقلی وجود انسان استفاده می کند و موعظه حسن از بُعدی عاطفی او. (همان ص ۴۵۶).

البته آیه شریف موعظه را به حسن بودن مقید نموده است یعنی موعظه غیرحسن راه خوبی برای دعوت به اسلام نیست (تفسیر المیزان علامه طباطبایی، ج ۱۲، ص ۳۷۲، جامعه مدرسین)

اندرز نیکو اشاره به این است که موعظه در صورتی اثر می کند که از هر گونه خشونت برتری جویی تحقیر، تحریک حس لجاجت و... خالی باشد. (تفسیر نمونه ج ۱۱،

سومین گام جدال و مناظره است این گام مخصوص کسانی است که ذهن آن‌ها در گذشته از مسایل نادرستی انباشته شده و باید از راه مناظره آن‌ها را برای پذیرش حق آماده نمود، جدال هم باید احسن باشد، یعنی به دور از هر گونه توهین تحقیر و خلاف گویی و... و تمام جنبه‌های انسانی آن حفظ شود. (همان ص ۴۵۶).

این که چه راهی بهتر است باید گفت این مسئله به مخاطب ارتباط دارد که در چه وضعیتی به سر می‌برد؛ برخی از مفسران گفته‌اند: این سه راه که در آیه مطرح شده بر حسب مراتب فهم مردم در قبول حق بیان شده است برخی از خواصند و استعداد عقلانی دارند و حقایق عقلی برایشان حل شدنی است این‌ها را با حکمت باید دعوت نمود؛ برخی از مردم عوامند و با محسوس‌ها سر و کار دارند و فهم‌شان از درک حقایق عقلی کوتاه است اینان را با موعظه حسن باید دعوت نمود؛ و برخی اهل لجاج و عنادند که باید با مناظره و جدال دعوت شوند.

اما آن‌چه صحیح است این است که این راه‌ها، به افراد خاصی اختصاص ندارند و چه بسا عوام از مجادله پند گیرند و خواص نیز، با موعظه بیدار شوند، و حتی در یک مورد نیز، ممکن است انسان از هر سه راه بهره گیرد. (تفسیر المیزان علامه طباطبایی، ج ۱۲، ص ۳۷۳، جامعه مدرسین)

در سیره پیامبر ۶ نیز بهره‌گیری از این راه را مشاهده می‌کنیم آن‌چه قابل توجه می‌باشد این است

که عقل احساس و... مخاطبند، اما وسایل و شیوه های تبلیغ به مقتضای عصر و زمان تفاوت می کند؛ شاید روزی شعر و موعظه بهترین وسیله اثرگذاری در احساس بوده اما امروز فیلم و نمایش و... بهتر بتواند اثر کند ما می توانیم در تبلیغ دین مبین اسلام از وسایل عصری نیز بهره ببریم نکته دیگری که در بیان ائمه معصوم بدان سفارش شده نقش مهمی در تبلیغ دینی دارد، تبلیغ باعمل است یعنی مباحث دینی ویژگی خاص خود را دارد و مبلغ نمی تواند عامل به سخنان خود نباشد، امام صادق در این باره فرموده اند: "کونوا دعاه الناس باعمالکم و لا تکنوا دعاه بالسنتکم مردم را با اعمال خود دعوت کنید و صرفاً با زبان خویش فرا نخوانید." (بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۹۸، الوفا بیروت)

مبلغ دین خود باید به گفته های خویش عمل کند و "عالم بی عمل، در عرصه تبلیغ دینی چون زنبور بی عسل است

**الف دیدگاه قرآن به طور کلی درباره معرفی و عمل به احکام دین چیست ب آیا به خاطر سقوط فرهنگی جامعه درست است که برخی احکام تعطیل شود؟ ج در جامعه ای که اساس نامه آن قرآن است و بیش ترین افراد آن جامعه را شیعیان تشکیل می دهند، چرا به طور جدی جلوی ر**

**پرسش**

الف دیدگاه قرآن به طور کلی درباره معرفی و عمل به احکام دین چیست ب آیا به خاطر سقوط فرهنگی جامعه درست است که برخی احکام تعطیل شود؟ ج در جامعه ای که اساس نامه آن قرآن است و بیش ترین افراد آن جامعه را شیعیان تشکیل می دهند، چرا به طور جدی جلوی رواج بی حجابی و فساد گرفته نمی شود؟ ح اگر رهبر مشکلی در جامعه ببیند آیا می تواند آن را نادیده بگیرد، اگر نمی تواند، پس وضعیت جامعه اسلامی و قرآنی با وجود رهبری فقیه و فرزانه چگونه توجیه می شود؟

**پاسخ**

الف بخشی از آیات قرآن کریم به احکام عملی و فروع مانند: نماز، روزه وضو، تیمم غسل خمس زکات حج امر به معروف نهی از منکر و... مربوط می باشد، که به آن ها "آیات الاحکام می گویند: پیش ترین احکام در قرآن کریم کلی است که با بیان جزئیات در روایات تکمیل می شود، ضمن این که فلسفه بعضی از آن ها، مانند حرمت شراب بیان شده است در حالی که فلسفه بسیار از آن ها نیز، بیان نشده است

از نظر قرآن کریم عمل به احکام خداوند، سبب رشد، تکامل امنیت و سعادت دنیا و آخرت می شود و دوری گزیدن از دستورها، زندگی را بر انسان تنگ می کند: "وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ وَمَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى" (طه ۱۲۴) و هر کسی از یاد من روی گردان شود، زندگی [سخت و] تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را

نابینا محشور می کنیم " روشن است آیات قرآن که بخشی از آن را آیات احکام تشکیل می دهد، یاد خدا است و به یقین عمل به آن ها، گشایش در دنیا و آخرت و سرپیچی از آن ها، زندگی سخت را در پی دارد.

ب تعطیل کردن احکام الهی بدون مصلحت جایز نیست چه بسا سقوط فرهنگی در برخی مواقع به علت نادیده گرفتن احکام الهی است برای مثال قرآن کریم می فرماید: "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" (آل عمران ۱۰۴) باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن ها رستگارانند. " بدیهی است اگر این اصل مهم (امر به معروف و نهی از منکر) نباشد و انسان ها بی تفاوت شوند، بسیاری از حرمت ها از بین می رود، فساد، شراب خواری ربا، بی بند و باری بی حجابی بی عفتی و... در جامعه رواج پیدا می کند و در نتیجه در عمل برخی احکام خدا تعطیل می شود، آن گاه فرهنگ غلط رایج می گردد.

ج اگر همه افراد حتی شیعیان به تمام احکام قرآن عمل کنند، به یقین بی حجابی و فساد از بین می رود و اما این که در جامعه بی حجابی و برخی فسادها وجود دارد، به علت آن است که همه احکام قرآن اجرا نمی شود و کم تر امر به معروف و نهی از منکر انجام می گیرد؛ این همان "مهجور" کردن قرآن است که در روز قیامت پیامبر اکرم نسبت به آن شکایت می کند: "وَقَالَ الرَّسُولُ يُرَبِّ" (سوره بقره ۱۷۸)

إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (فرقان ۳۰) و پیامبر عرض کرد: پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند.

د البته مسامحه و مصلحت اندیشی به موقع از جانب هر کس به ویژه رهبر جامعه که بسیاری از امور و ابعاد را باید در نظر بگیرد، امری معقول است لکن واقعیت این است که فساد جامعه و بی بند و باری مردم حل نمی شود، مگر آن که خود مردم اصلاح شوند و اگر افراد، خود را اصلاح نکنند، بودن رهبر فرزانه و فقیه جامع الشرایط نیز نمی تواند کاری از پیش ببرد، زیرا همین بی بند و باری ها، فسادها و... در زمان امامان معصوم و پیامبران نیز بوده است در حالی که قدرت و علم آن ها را نمی توان با غیر معصوم مقایسه نمود از این رو، رهبر، در صورتی می تواند وضعیت اخلاقی جامعه را تغییر دهد که افراد در اصلاح خود هم آهنگ باشند قرآن کریم در این باره می فرماید: "إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ.. (رعد، ۱۱) خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملتی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آن ها خود تغییر دهند... (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۰، ص ۱۴۲، ۱۴۰، دارالکتب الاسلامیه )

### جهت ترویج نماز در مساجد و مدارس چه باید کرد؟

#### پرسش

جهت ترویج نماز در مساجد و مدارس چه باید کرد؟

#### پاسخ

۱ انتخاب امام جماعت فعال خلاق و علاقمند به ترویج مسائل دینی

۲ تقسیم کار بین خود دانش آموزان

۳ صحبت های کوتاه مختصر و مفید در بین دو نماز حد اکثر ۳ دقیقه

۴ برنامه ریزی آموزشی در طول هفته یک روز احکام یک روز داستان یک روز مسابقه کتبی یک روز پرسش و پاسخ و...؛

۵ استفاده از تابلوی اعلانات و نصب آثار قلمی دانش آموزان

۶ جذاب کردن و تزئین ظاهری نمازخانه

...

نماز چگونه در بهبود اجتماع و فرهنگ و سیاست یک کشور مؤثر است

#### پرسش

به طور خلاصه باید بگوییم گرچه نماز چیزی نیست که آثار فردی و اجتماعی آن بر کسی پوشیده باشد ولی با دقت در متون آیات و روایات اسلامی آدمی را به ریزه کاریهای بیشتری رهنمون می گرداند.

روح اساس هدف و نتیجه نماز همان یاد خداست و یاد خدا، یکی از آثار فردی و اجتماعی در هم شکستن خود بینی و کبر و غرور و برتری جویی است که بواسطه غرق شدن در زندگی مادی و لذائذ رود گذر مردم و جامعه هدف آفرینش را فراموش می کنند. که این منشأ بیشتر ناهنجاریهای اجتماعی فرهنگی مثل قتل غارت رشوه گیری بی بندوباری و خلاصه ذلت و خواری در برابر انسانهای فاسد داخلی و خارجی را به همراه دارد که حتی حاضر است برای گذراندن چند روزه دنیا در برابر قدرتهای بزرگ به هر پستی و خواری تن دهد و کاملاً از هویت و انسانیت خویش قالب تهی نماید.

چه زیبا مولای متقیان علی ع فرمود: «فرض الله الایمان تطهیراً من الشرك و الصلاه تنزیهاً عن الکبر؛ شناخت و ایمان به خدا را وسیله پاکسازی جامعه از شرک و نماز را وسیله پاکسازی از کبر و غرور که منشأ تمام پستی های یک ملت است واجب فرموده است . نماز، دعوت به پاکسازی زندگی فردی و اجتماعی و رعایت حقوق دیگران می کند؛ زیرا از شرایط صحت نماز مکان نماز گزار، لباس نماز گزار، فرش می خواند، آبی که با آن وضو گرفته یا غسل می کند و خلاصه محلی که در آن غسل و وضو انجام می شود باید از هر گونه غصب و تجاوز به حقوق جامعه



پاک باشد پس نماز در برگیرنده پاکسازی مادی جامعه نیز می شود.

یکی دیگر از آثار نماز این است که موجب فراهم آوردن بخش مهمی از اقتصاد افراد جامعه است مثلاً در روایات تصریح شده نماز کسی که زکات اموال خود را به مستمندان و فقیران جامعه نمی دهد قبول نخواهد بود... آثار دیگر نماز روح نظم و انضباط در جامعه اسلامی است که تقویت می شود چرا که دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخر و تقدم آن موجب بطلان نماز است و رعایت آن پذیرش انضباط را در برنامه های زندگی رواج می دهد. دیگر اینکه نماز یک حالت همگرایی و وحدت و همبستگی با شکوه در برابر نیروهای طبیعی کشورهای جهان و هم در برابر نیروهای درونی ذات خود انسان ایجاد می کند و برای اینکه بتواند در برابر عوامل مخرب و منحرف ویرانگر آشکار و پنهان مقاومت کند نیاز به یار و مددکاری دارد که همه ملت مسلمان خود را در زیر چتر پروردگار قرار داده و با جمله (ایاک نعبد و ایاک نستعین) اعتراف به عبودیت و بندگی کرده و برای یاری از خدای خود

درخواست کمک می جویند. بخصوص نماز جماعت و جمعه که موجب تقویت روح برادری و ایثار یک ملت می گردد و بهترین پاک ترین و کم خرجترین اجتماعات دنیاست و نوعی دید و بازدید مجانی آگاهی از مشکلات و نیازهای یکدیگر و زمینه ساز تعاون اجتماعی بین آحاد ملت مسلمان است آثار سیاسی نماز به خصوص جماعت نشان دهنده قدرت مسلمین و الفت بین دلهاست تفرقه ها را می زداید. بیم در دل دشمنان ایجاد می کند و خار چشم بدخواهان است آثار اخلاقی و فرهنگی نماز این است که امتیازات موهوم خیالی صنفی نژادی زبانی

مالی همه و همه کنار می رود و صفا و صمیمیت و نوع دوستی در دلها زنده می شود و ملت بادیوار یکدیگر در صف عبادت احساس دلگرمی می کنند.

## چگونه افراد را به نماز تشویق و ترغیب کنیم

### پرسش

چگونه افراد را به نماز تشویق و ترغیب کنیم

### پاسخ

تلاش شما برای آشنا ساختن جوانان با نماز،

کاری بس ارزشمند و مورد پسند است. دعوت

مردم به آشنایی با خداوند و عبادت او از

برجسته ترین و متعالی ترین امور است.

برای ترغیب و تشویق به نماز، در آغاز بایستی

زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داده و در

اصلاح آن کوشید.

دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی،

انسان، معاد و... اموری است که دارای نتیجه

مستقیم بر عملکرد فرد است. پس باید به تقویت و

اصلاح این مبانی کوشید.

نماز، عملی است که در مجموعه عقیده

توحیدی، دارای معنا و فلسفه است. پس در آغاز

بایستی این مجموعه شناخته شود تا نماز جایگاه

خود را در ذهن و اندیشه فرد باز نماید.

در بینش توحیدی اسلام و دیگر ادیان الهی،

انسان موجودی است که به سوی کمال و لقای

پروردگار در حرکت است. ((انا الله و انا الیه راجعون

از خدائیم و به سوی او باز می گردیم)).

حال در این مسیر، ابزارهایی به مدد انسان

می آید، تا او را از فراموش کردن مسیر و هدف باز

دارد که از مهم ترین آنها ((نماز)) است. ((اقم الصلوه

لذکری نماز را برای یاد من بپا دار)).

آدمی بدون نماز راه را گم خواهد کرد. نمازهای

پنج گانه همانند چراغ های برق هستند که مسیری

طولانی و پر خطر را روشن کرده اند تا کسی راه را گم

نکند و به بیراهه و سقوط کشانده نشود.

آنچه که موجب می گردد برخی از نماز،

رویگردان باشند و یا نسبت به آن تساهل کنند،

ندانستن فلسفه نماز و یا درکی غلط از آن است.

برخی چنین می پندارند که نماز انسان، نیازی را از

خداوند برطرف می کند که البته خیالی واهی است.

خداوند نیازی به هیچ مخلوقی ندارد. از این رو آنچه

- به عنوان عبادات بر آن تاکید شده، جملگی در جهت کمال انسان است. نماز دارای آثار و فلسفه های متعدد دیگری نیز هست که به آن اشاره می کنیم:
- ۱) نماز، تقدیر و سپاس گذاری از خداوند است.
- ۲) موجب آرامش انسان است.
- ۳) موجب یاد خداست.
- ۴) نماز زمینه پرهیز از گناه را در انسان فراهم می کند.
- ۵) تأکیدی بر نظافت و سلامتی است.
- ۶) موجب انضباط و وقت شناسی است.
- ۷) دارای آثار وحدت بخش اجتماعی است.

برای مطالعه بیشتر ر. ک :

پرتوی از اسرار نماز محسن قرائتی

اسرار الصلوه ملکی تبریزی

### **چگونه میتوان اعتقادات مذهبی افراد بزرگسال را تقویت کرد**

#### **پرسش**

چگونه میتوان اعتقادات مذهبی افراد بزرگسال را تقویت کرد

#### **پاسخ**

معتقد ساختن افراد سست ایمان، تلاشی

پر دامنه همراه با آگاهی، استقامت و تعهد می طلبد.

از دیگر سو این افراد از جهت میزان آگاهی، روند

تاثیرپذیری، میزان حقیقت‌طلبی یا حقیقت‌گریزی،  
مراتب بسیار متفاوتی دارند. بنابراین هرگز نمی‌توان  
انتظار داشت که با ارائه نسخه واحدی، بتوان همه  
افراد را به سهولت به سوی دین دعوت کرد؛ بلکه  
این مسأله از سویی مرتبط با توان مندی‌ها و قدرت  
جذب شخص‌هدایتگر از جهت بهره‌مندی‌های  
عملی، کشش‌های اخلاقی و کیفیت اثرگذاری است  
و از دیگر سو مرتبط با ویژگی‌های روحی، اخلاقی،  
روانشناسی و ذهنی مخاطب می‌باشد. بنابراین

آنچه به صورت کلی می‌توان بر شمرد این است که:

۱- کسی که در صدد هدایت دیگران است، باید از نظر  
اخلاقی به گونه‌ای باشد که بتواند مخاطب را به خود  
جذب نماید.

۲- هدایتگر باید درک درستی از مخاطب، میزان انحراف  
وی، ارزش‌هایی که بدان وابسته است یا به سمت آنها  
گرایش دارد، راه نفوذ و تاثیر درونی و ...

داشته باشد.

۳- ارشاد‌کننده باید آگاهی کافی نسبت به دین‌حق داشته  
باشد و بتواند به خوبی

از عهده پاسخ‌گویی به سوالات و شبهات مخاطب برآید.

علاوه بر امور فوق، شخص باید به گونه های مختلف از عوامل تاثیر گذار بر مخاطب استفاده کند و با برنامه ریزی حساب شده و تدریجی او را به سمت دین و حقایق الهی دعوت نماید.

## **آیا ستاد اقامه نماز برای جذب جوانان به مساجد برنامه ریزی کرده است**

### **پرسش**

آیا ستاد اقامه نماز برای جذب جوانان به مساجد برنامه ریزی کرده است

### **پاسخ**

بلی، ستاد اقامه نماز تاکنون برنامه های

متنوع و مختلفی جهت جذب جوانان و نوجوانان

داشته و خواهد داشت از جمله:

۱ - برگزاری مسابقات نویسندگی که سالانه جمع

کثیری در آن شرکت می کنند و اخیرا نیز نسخه

شرکت کنندگان و برندگان سومین مسابقه آن اعلام

گردید.

۲ - گردهمایی جوانان تحت عنوان ((اندیشه های

سبز)).

۳ - شرکت در فراخوان مقالات اجلاسیه های

سراسری نماز.

۴ - عضویت در ستادهای اقامه نماز مدارس جهت

برپایی هر چه با شکوهتر نماز جماعت.

۵ - حضور فعال در مسابقات عکاسی، نقاشی،

روزنامه دیواری و... .

## نماز چه آثار فرهنگی در جامعه دارد؟

### پرسش

نماز چه آثار فرهنگی در جامعه دارد؟

### پاسخ

در ابتدا باید به معنای اصطلاحی فرهنگ اشاره ای کرد تا بهتر بتوان مسأله «فرهنگ سازی نماز» را ترسیم نمود.

در یک تعریف متداول از فرهنگ آمده است: «مجموعه آموختنی ها، کتاب ها و فراگرفتنی های غیر غریزی که در فرآیند آموزشی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود؛ یا مجموعه ای از علائق معنوی، ذوقی، ذهنی، رفتاری، اخلاقی و آداب و رسوم و رفتارها و کردارهای انسان هایی است که در یک مجموعه باهم زندگی می کنند»

در تعریف دیگری آمده است: «فرهنگ عبارت است از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی در یک جامعه که بر اثر کنش ها و واکنش های مستمر زندگی جمعی حاصل می شود و توان ماندگاری پیدا می کند»

با توجه به این تعاریف، از مجموع ایستارها، ارزشها، پیام ها و هنجارهایی که نماز در جامعه به وجود می آورد، می توان به «فرهنگ سازی نماز» پی برد.

بر این اساس پیام فرهنگی نماز عبارت است از تاثیر نماز در زندگی فردی و جمعی و پیشبرد اهداف معنوی، ذوقی، اخلاقی و... و شکل گیری رفتار معنوی و دینی در جامعه.

به یقین ایستارها و ارزش های ناشی از نماز زیاد است که در ذیل به بعضی از آنها اشاره ای می شود.

۱- طهارت و پاکی فرد و جامعه و توجه به نیکی ها و فضایل؛

۲- حرکت انسان ها به سوی کارهای خیر و پالایش و تزکیه نفوس جهت حرکت و سیر به سوی خیر مطلق؛

۳- زدودن کناهان و رذایل اخلاقی از سطح جامعه .

۴- ترویج فرهنگ تواضع، فروتنی و دوستی دیگران در راستای تعظیم و بزرگداشت معبود؛

۵- ترویج فرهنگ وقت شناسی، نظم و انضباط فردی و اجتماعی؛

۶- بالا رفتن سطح آگاهی و اندیشه مسلمین و



تقویت اتحاد و همدلی در جامعه (با حضور در نماز جمعه و جماعات)؛

۷- به وجود آمدن روحیه تعاون، همکاری، مردم داری و حسن خلق در میان نماز گزاران.

## برای ترویج فرهنگ نماز چه راههایی وجود دارد

### پرسش

برای ترویج فرهنگ نماز چه راههایی وجود دارد

### پاسخ

برای ایجاد فرهنگ نماز و ترویج آن مطالب

ذیل را سفارش می نمایم:

۱ و تشویق افراد و جوانان اهل نماز متناسب با

سن و روحیه آنها و اهمیت دادن به آنها به طوری که

خود آنها و دیگران بفهمند برای نماز محترم هستند.

۲ و تبلیغ و مطرح کردن فوائد و ثمرات فردی و

اجتماعی و آخرتی نماز به جوانان.

۳ و آشنا کردن آنها با اهمیت فوق العاده نماز در

بین عبادات و توجه خاص قرآن، ائمه و بزرگان دین

به نماز.

۴ و جذب نوجوانان به نمازهای جماعت و

مساجد به وسیله تشویق و زبان خوب و ارتباط

تنگاتنگ و دوستانه شما با آنها.

۵ و تهیه کتاب های مناسب درباره نماز و در اختیار

دانش آموزان گذاشتن آنها.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: هدایت نوجوانان به سوی نماز (دکتر

علی قائمی)

### چه راهکارهایی برای تعمیق گرایش جوانان و نوجوان به مسائل مذهبی وجود دارد

#### پرسش

چه راهکارهایی برای تعمیق گرایش جوانان و نوجوان به مسائل مذهبی وجود دارد

#### پاسخ

### چگونه می توان افراد تارک نماز را به نماز تشویق و ترغیب کرد

#### پرسش

چگونه می توان افراد تارک نماز را به نماز تشویق و ترغیب کرد

#### پاسخ

### راههای جذب و رغبت جوانان و نوجوانان به نماز چیست

#### پرسش

راههای جذب و رغبت جوانان و نوجوانان به نماز چیست

#### پاسخ

راه کارهای عملی تعمیق گرایش جوانان و نوجوانان به مسائل مذهبی

عبارت است از:

۱. ارائه الگوهای عملی، یعنی، روش الگویی و عرضه و نمونه، از مهم ترین

روش های تربیتی در اسلام است. آنان از راه مشاهده مستقیم عمل والدین

، مربیان، فرهیختگان جامعه و...، حالات و رفتار اینها را می بینند و از آنان الگو

می پذیرند. پس دین آموزی باید مستلزم عمل و رعایت عمل باشد. اگر تمامی مبلغان دینی، اساتید و فرهیختگان به گفته های خود عمل می کردند، گفتارشان مانند باران بر دشت سرسبز دل ها فرو می رفت؛ اما گفتار عالمان بی عمل، مانند باران رحمت الهی است که بر تپه ها می بارد و از آن جا جاری می شود و راهی به درون تپه ها نمی یابد.

۲. مسأله دوم آموزش صحیح عقائد و احکام دینی است. نخستین مسأله، دامنه معرفتی است که در دین باید به نوجوانان و جوانان القا کنیم. معرفت خدای یگانه، مسأله خلقت، علم الهی، قدرت و اراده ی او، عدالت خداوندی، هدایت و رهبری او، حسابرسی و معاد، احاطه و نظارت پروردگار بر بندگان، نعمت های بیشمار او، مفاهیم مذهبی مثل عبادت، قرب و تقوا، احسان و نیکی و... از جمله راه های پرورش و نوسازی فطرت پاک جوانان است.

در اینجا باید به دو مسأله توجه داشت:

الف) رعایت شرط سنی؛ زیرا هر سنی مقتضایی دارد و باید متناسب با فهم و درک و توانایی او با وی ارتباط آموزشی برقرار کرد.

ب) شرط جنس است که پسران و دختران در این زمینه متفاوت اند.

۳ و آرایش ظاهر (اعمال، رفتارها، مکان ها و...)؛ غرض این است که برنامه ها و مراسم را گیرا و جذاب کنیم؛ مثلاً محل برگزاری مراسم را زیبا و معطر نماییم.

تشکیل گروه و دسته های فرهنگی، هنری و دینی (مانند گروه شعر و نویسندگی، گروه سرود و تواشیح، گروه نقاشی و خط و...).

۵ و تمرین زندگی اسلامی؛ اردوها و مسافرت های گروهی، یکی از بهترین شیوه های جذب جوانان است.

۶ و دوری از تحکم و اجبار؛ یعنی، جوانان ما، دین گریز یا دین ستیز نیستند؛ بلکه از تحکم و فرمان های اجباری فرار می کنند. ما باید یاد بگیریم که آنان را دوست داشته باشیم و با عطف و مهربانی با آنها برخورد کنیم. و به جای تندخویی و الزام، از شیوه های دیگر تبلیغ و امر به معروف استفاده کنیم.

۷ و سهل گیری در دین؛ از مطلب قبلی به این می رسیم که خداوند دین را برای آسانی مردم می خواهد؛ نه در تنگنا و فشار قرار دادن آنها (یرید الله بکم اليسر و لا یرید بکم العسر). پس ما باید دین و احکام و آداب آن را به شکلی آسان، زیبا، قابل پسند و فهم پذیر ارائه بدهیم.

۸ و حرکت های جمعی؛ اصولاً حضور جمع چشمگیر است. اگر فعالیت های دینی و مذهبی را گسترش بدهیم و افراد بیشتری را جذب کنیم (مثلاً صد نفر برای قرائت قرآن)، همین مسأله باعث جذب عده زیادی از افراد بی تفاوت یا کم رو می شود.

۹ و طولانی نکردن مراسم و برنامه های دینی و مذهبی؛

نگذاریم جوانان، نوجوانان و حتی کودکان، در مراسم های دینی و سایر فعالیت های مذهبی احساس خستگی کرده و زده شوند. بنابر این باید سعی کنیم مدت دعاها و برنامه را کاهش دهیم.

در این راستا عمل به موارد زیر ضروری می نماید:

الف) استفاده از لذات کامی یا دهانی؛ گاهی مراسم را با یک شربت یا شیرینی

می توانیم جذاب کنیم؛

ب) زمینه سازی برای اغنا؛ مراسم اسلامی به صورتی باشد که لذات گوناگونی

را

اغنا کند (لذت های عاطفی، زیبایی، آرامش روان، محبت و پیوند با خدا و...)؛

ج) ذکر داستان ها و قصه های واقعی؛

د) دادن جوایز مختلف (به بهانه های نظم و انضباط، رتبه ی درسی، خط زیبا و...)؛

ه) استفاده از هنر: نمایش، سرود، صوت خوب، کاریکاتور و طنز، نقاشی و خط

و...؛

و) استفاده از ادبیات: متون ادبی، متن های حماسی و عاطفی، شعری سازنده،

بحث های علمی، تحقیق و پژوهش و...؛

ز) استفاده از عواطف؛ روان شناسان می گویند: عاطفه، خمیر مایه ی گرایش

مذهبی است. هر قدر پیوند و انس با مردم در امر دین بیشتر باشد، دین بیشتر در

آنان نفوذ می کند؛

ح) استفاده از جاذبه ی احسان و نیکی و خوش رفتاری.

**بهترین راه برای جذب بیشتر دانشجویان برای امور مذهبی و همچنین نماز جماعت چیست و بهترین راه برای وحدت بین اهل تشیع و تسنن چیست؟**

**پرسش**

بهترین راه برای جذب بیشتر دانشجویان برای امور مذهبی و همچنین نماز جماعت چیست و بهترین راه برای وحدت بین اهل تشیع و تسنن چیست؟

**پاسخ**

برای جلب هر چه بیشتر دانشجویان در فعالیت های دینی لازم است برنامه های متنوع و جذاب - که دارای بار علمی و متناسب با وقت دانشجویان باشد - برگزار گردد و برای آن که اجتماعات دینی به ویژه نماز جماعت بین اهلتشیع و تسنن به نیکوترین شکل انجام گیرد لازمه اش حفظ وحدت و پرهیز از دامن زدن به اختلافات است. برای حفظ استحکام وحدت باید از طرح مسائل اختلافی پرهیز نمود و همگام با یکدیگر در مسائل مشترک به تحقیق و مطالعه مساعی پرداخت از امور حساسیت برانگیز دوری جسته و افکار و اندیشه ها را متوجه دشمنان مشترک نمود. }J

**با محیط و جوی که در آن دختران دانشجو بالباس های کدایی وبدحجابی جوانان را به سوی خود می کشند چه باید کرد؟**

**پرسش**

با محیط و جوی که در آن دختران دانشجو بالباس های کدایی وبدحجابی جوانان را به سوی خود می کشند چه باید کرد؟

**پاسخ**

در این رابطه باید با تمام مظاهر خلاف شرع مقابله ای صحیح و منطقی نمود. لازم است دانشجویان متعهد وتشکیلات دانشجویی با همکاری نهاد نمایندگی برای از بین بردن چنین جوی تلاشی پیگیر نمایند. }J

**علت مختلط شدن دانشگاهیان چیست و چرا از هم دیگر جدا نمی کنند که این اختلاط برای روح جوانان خیلی مضر است علتش را جواب دهید؟**

**پرسش**

علت مختلط شدن دانشگاهیان چیست و چرا از هم دیگر جدا نمی کنند که این اختلاط برای روح جوانان خیلی مضر است علتش را جواب دهید؟

**پاسخ**

اختلاط پسر و دختر در دانشگاه ها مضر است و حتی الامکان برای رفع آن باید کوشش شود. البته این کار در بعضی از موارد با مشکلات همراه است ولی متأسفانه در حد مقدور نیز اقدام شایسته به عمل نیامده در مواردی نیز بطور آزمایشی دانشگاه هایی غیر مختلط ایجاد شده (مانند دانشگاه الزهرا و علوم پزشکی فاطمیه). امید است مسوولین نظام آموزشی کشور در این رابطه اهتمام بیشتری نمایند. در عین حال اقدامات دانشجویان متعهد و درخواست جدی آنان از مسوولین تهیه طومار نوشتن مقالات در روزنامه ها و ... موثر خواهد بود. }J

**چرا اعتقاد مردم و جوانان امروزی نسبت به دین و احکام بسیار پایین آمده است ؟**

**پرسش**

چرا اعتقاد مردم و جوانان امروزی نسبت به دین و احکام بسیار پایین آمده است ؟

**پاسخ**

التزام به مسائل دینی به عوامل مختلفی بستگی دارد که یکی از آنها آگاهی ها و شناخت های دینی است. البته نه آگاهی سطحی مانند فقط دانستن فلان حکم شرعی بلکه آگاهی عمیق از حقیقت دین و اهمیت و فلسفه احکام الهی و چگونگی تأثیر

اعمال و کنش های دینی در پرورش شخصیت و سرنوشت آدمی. از طرف دیگر عوامل متعدد دنیوی - بویژه در وضع کنونی جهان که روح ماده گرایی شدیداً حاکم است - انسان ها را به نوعی غفلت و فراموشی در برابر خدا و ارزش های الهی می کشاند و برای مقابله با آن شدیداً باید در برابر تهاجم فرهنگی با ابزارهای دقیق علمی و منطقی و ایمانی ایستاد و با سامان دادن به وضع اجتماعی و فرهنگی جامعه زمینه را برای رشد و اعتلای معنوی بیش از پیش فراهم نمود. }J

### بهترین راه برای اینکه خواهر و برادرهایم را علاقه مند به نماز و قرآن کنم چیست ؟

#### پرسش

بهترین راه برای اینکه خواهر و برادرهایم را علاقه مند به نماز و قرآن کنم چیست ؟

#### پاسخ

برای علاقه مند ساختن آنان به قرآن و نماز باید چند چیز را در نظر بگیرید:

- ۱) شرایط سنی میزان استعداد نوع علاقه ها و گرایش ها و به تعبیر دیگر روان شناسی آنان را دقیقاً در نظر بگیرید.
- ۲) حتی الامکان در برنامه های خود «انگیزانندگی» داشته باشید. به عبارت دیگر به جای آنکه آنان را امر کنید در آنان شور و علاقه ایجاد کنید. برای اینکار وسایل کمک آموزشی مانند کتاب نوار تشویق ایجاد رقابت و ... موءثر است.
- ۳) حتی الامکان از ارائه برنامه سنگین به آنان خودداری نموده و از اصل تدریج استفاده کنید.
- ۴) از کسان دیگری مانند معلم و ... در جهت هدایت و تشویق بیشتر آنان استفاده کنید. }J

### پیشنهاد شما برای هرچه غنی تر شدن فرهنگ اسلامی در دانشگاه ها چیست ؟

#### پرسش

پیشنهاد شما برای هرچه غنی تر شدن فرهنگ اسلامی در دانشگاه ها چیست ؟

#### پاسخ

در مورد غنای فرهنگی دانشگاه ها غنای فرهنگی رابطه مستقیمی با مجموعه دانشگاهیان و دانشجویان دارد که مهمترین عنصر آن اندیشه و تفکر و اهل مطالعه و تدبر بودن است. شناخت افکار و عقاید گوناگون جریانات سیاسی و فرهنگی تاریخ معاصر ایران شناخت صحیح از سیاست ها و برنامه های شرق و غرب و ... زمینه های لازم برای رشد فرهنگی سیاسی و اجتماعی دانشجویان را فراهم می آورد. }J



**چرا با اینکه ایران یک کشور توریستی است اما هیچ گونه اقدامی برای جلب توریست صورت نمی گیرد و صرفاً جلسات بی مورد و بی فایده تشکیل می دهند؟**

**پرسش**

چرا با اینکه ایران یک کشور توریستی است اما هیچ گونه اقدامی برای جلب توریست صورت نمی گیرد و صرفاً جلسات بی مورد و بی فایده تشکیل می دهند؟

**پاسخ**

جذب توریست در چند ساله اخیر بسیار بیشتر شده است در عین حال این کار باید به گونه ای حساب شده انجام گیرد به طوری که با حفظ ارزش های انقلاب تضاد و اصطکاک ایجاد نکند. [J]

**حضور در مراسم مذهبی و مساجد چقدر در جلوگیری از تهاجم فرهنگی موثر است ؟**

**پرسش**

حضور در مراسم مذهبی و مساجد چقدر در جلوگیری از تهاجم فرهنگی موثر است ؟

**پاسخ**

حضور در مراسم دینی و مساجد یکی از قوی ترین عوامل مبارزه با تهاجم فرهنگی است. هر قدر حضور مردم در این گونه مراسم جدی تر باشد و از طرف دیگر کیفیت برنامه ها و مراسم دینی بهبود یابد و غنای علمی و فرهنگی بیشتری یابد تأثیر چشمگیری در جهت جلوگیری از ابتلا به ابتدال فرهنگی دارد. [J]

**چرا مسئولین نمی توانند الگویی مناسب جایگزین الگوهای نامناسب کنند؟**

**پرسش**

چرا مسئولین نمی توانند الگویی مناسب جایگزین الگوهای نامناسب کنند؟

**پاسخ**

در جامعه ما الگوهای متفاوتی از زمان های پیشین تا هم اکنون حاکم بوده و هست و هر کس متناسب با فرهنگ خاصی که بدان تعلق دارد الگو گزینی می کند. مثلاً اگر در میان خوانندگان کسانی داریوش را الگو قرار می دهند به نوعی فرهنگ او تمایل دارند و در مقابل هم بسیاری مثلاً آقای آهنگران را الگوی خود می سازند و به گونه های خاصیشویه های رفتاری خود را با او منطبق می سازند یا ممکن است کسی به جای خوانندگان از میان اولیای دینسیاستمداران متفکران و ... الگو برداری

کند. کما اینکه الگوی صدها هزار جوان رزمنده بسیجی ما در صحنه های نبرد حضرت امام حسین (ع) بود. }J

**با توجه به ادعای اسلامی بودن چرا نمی توانید مشکل ازدواج جوانان را حل کنید؟ حال که نمی توانید چرا نمی گذارید به شیوه غرب مسائل جنسی حل شود؟**

### پرسش

با توجه به ادعای اسلامی بودن چرا نمی توانید مشکل ازدواج جوانان را حل کنید؟ حال که نمی توانید چرا نمی گذارید به شیوه غرب مسائل جنسی حل شود؟

### پاسخ

فلسفه آفرینش زن و مرد و اهمیت ازدواج و مسأله تأخیر ازدواج در جامعه کنونی و رابطه آن با نظام حاکم هر یکباید به دقت بررسی گردد تا بتوان به قضاوتی درست و فارغ از پیشداوری های خام دست یافت.

الف) فلسفه آفرینش زن و مرد صرفاً این نیست که با یکدیگر درآمیزند و زندگی کنند. بلکه این خود یکی از راهکارهای مقدماتی نظام خلقت در راستای هدف و فلسفه ای برتر و بالاتر است.

ب) ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. زیرا از طریق آن نه تنها نیازهایغریزی انسان به گونه ای نظام وار و سامان مند تأمین می شود. بلکه زمینه های بسیار مناسبی برای پرورش فضایل و کمالات و تربیت انسان های پاک و شایسته در محیطی آکنده از عشق و صفا و صمیمیت فراهم می گردد.

ج) تأخیر در ازدواج از واقعیت های تلخی است که در قرن اخیر در سطح جهانی از جمله کشور ما شیوع بسیار یافته است. البته احساس نگرانی از این مسأله در جامعه ما بیش از دیگر جوامع است. زیرا دغدغه دینی و میل به پاکریستن و دامن به مفسد نیالودن و درکنار آن شدت و قوت گرایش های جنسی در جوانان فشار شدیدی را بر آنان وارد می سازد. ولی آیا این مسأله به منزله آن است که در کشورهای دیگر فلسفه آفرینش زن و مرد رعایت شده و در جامعه مانمی شود؟ اگر منظور اصل مسأله تأخیر در ازدواج است آمارهای جهانی نشان می دهد که در بسیاری از جوامع تأخیر سنی ازدواج بیش

از جامعه ماست و اگر مقصود آن است که آنان با فساد و بی بندوباری به هر طریقی که شده نیازجنسی خود را تأمین می کنند این جز دور شدن از فلسفه خلقت زن و مرد و گرفتار آمدن در انواع تیره بختی ها چیز دیگری نیست.

د) علت تأخیر ازدواج در ایران و دیگر جوامع بشری چیست؟ شرایط نوین زندگی بشر و تحولاتی که در پی تمدنجدید رخ داده اساسی ترین عامل تأخیر ازدواج می باشد. این مسأله نیاز به تحقیقات تاریخی جامعه شناختی گسترده ای دارد. لیکن به طور خلاصه و اجمال یادآور می شویم که در گذشته معمولاً از سنین پایین جوانان و نوجوانان جذب بازار کار و فعالیت در جامعه می شدند. این برنامه نتایج چندی را به دنبال داشت. از جمله:

۱- شخص از آغاز نوجوانی کسب درآمد و ثروت می نمود و از حالت مصرف کنندگی خارج می شد علاوه بر آنکه هزینه سنگین تحصیل نیز بر او یا خانواده و دولت تحمیل نمی شد.

۲- فرد دارای پایگاه اجتماعی ثابت و مشخص بود. یعنی وقتی کسبی را پیشه خود می ساخت و پس از مدتی در آن ورزیدگی می یافت دیگر برایش مشخص بود که زندگی او و آینده اش همین است و چندان دغدغه اینکه فردا و فرداها چه خواهد شد و چه تغییرات اساسی در زندگی و کار او رخ خواهد داد آزارش نمی داد.

۳- شخص با کار و فعالیت اجتماعی از تجارب خاص زندگی بهره مند می شد تدریجاً مشکلات را پشت سر می نهاد و پختگی مناسب برای تشکیل خانواده پیدا می کرد. عوامل فوق باعث می گردید که شخص به سهولت و بدون دردسر ازدواج کند. زیرا:

\* کمبود هزینه های زندگی و سهولت شرایط ازدواج

\* دارا بودن درآمد لازم عدم ابهام نسبت به وضعیت آینده

\* ورزیدگی

تجربه و آبدیده شدن در برخورد با مشکلات و پشت سر نهادن تدریجی آنها دیگر هیچ حالت منتظره ای برای فرد باقی نمی گذاشت.

اما شرایط عصر نو: در جهان نو شرایط زندگی تغییرات شگرفی نموده و عمده ترین تأثیرات شکننده خود را بر جوانان تحمیل کرده است. در دنیای کنونی تقریباً همه نوجوانان به استثنای افراد بسیار قلیلی به تحصیل اشتغالداشته و آن چنان آینده مبهم و نامعینی دارند که گویی فکر آن را هم در سر نمی پروارند و تمام هم آنها گذران موفق ایندوران است و بس. با پایان یافتن دوران دانش آموزی - که به طور متوسط در سنین ۱۷ - ۲۰ سالگی انجام می پذیرد - شخص یا در اندیشه راه یابی به دانشگاه است و یا باید به خدمت سربازی برود. بنابراین چند سالی دیگر جهتتشکیل خانواده مشکل دارد و اگر به دانشگاه راه یافت تازه دغدغه های دیگر آغاز می شود که آیا موفق به ارتقایمراتب تحصیلی خواهد شد؟ پس از فراغت از تحصیل چند سال به خدمت نظام وظیفه باید گذراند. تازه پس از هماینها آیا کار مناسب در جامعه خواهد یافت؟ تا کی باید در پی کاریابی باشد و ... اینها همه ره آوردهای طبیعی عصر ماشین و تکنولوژی است و برای دولت جمهوری اسلامی نیز یکی از مشکلات بسیار اساسی می باشد. زیرا در کشور ماتعداد انبوهی از جوانان به تحصیلات دانشگاهی اشتغال دارند و حل مشکل ازدواج آنان در سطح کلان آن هم با توجهبه مشکلات مالی فقدان پایگاه اجتماعی مشخص و تغییر جایگاه اجتماعی و باعنایت به آسیب شناسی های اجتماعیمسأله کاری است سخت دشوار. اینک بر شما عزیزان است که به جای متهم ساختن نظام دقیقاً چشم بر واقعیت هایموجود گشایید و بدون پیروی

از احساسات تند و هیجانی به اندیشه و تعمق در مسأله پرداخته و با ارائه راه کارهای مفید و سازنده در حل این معضل بزرگ همیاری و همکاری نمایید. }]

**در دانشگاه ها هنوز مشکلاتی از قبیل غربزدگی و عدم تعهد برخی اساتید و ... وجود دارد، آیا زمان آن نرسیده که برای رفع این نقایص اقدام شود؟**

**پرسش**

در دانشگاه ها هنوز مشکلاتی از قبیل غربزدگی و عدم تعهد برخی اساتید و ... وجود دارد، آیا زمان آن نرسیده که برای رفع این نقایص اقدام شود؟

**پاسخ**

نامه حاکی از تعهد و دلسوزی و باریک بینی شما در مورد مسائل مختلف دانشگاه ها واصل گردید. مشکلاتی که مطرح کرده اید از معضلات اصلی و مهم در سطح آموزش عالی کشور است. مسأله غربزدگی عدم تعهد برخی از اساتید سوء استفاده از اختیارات و ... نمونه های بارز این موضوع هستند. مطالب نامه شما به قسمت های ذیربط در نهادنمایندگی و وزارت علوم منعکس گردید امید است مورد توجه قرار گیرد.

آنچه گفتنی است این است که وقتی تفاوتی فراگیر شد همه این اشکال ها زمینه بروز و ظهور پیدا می کنند از این رو حفظ روحیه تعهد و سعی در بسط آنبخصوص در دانشجویان می تواند مانعی بر سر راه آفات باشد. امید است خسته نشوید و بی امان به تلاش خود برای استواری ارزش های حقیقی همت گمارید.

**چرا برای جلوگیری از فساد و مشکلاتی که در جامعه از حیث اخلاقی وجود دارد قیام همگانی نمی شود؟**

**پرسش**

چرا برای جلوگیری از فساد و مشکلاتی که در جامعه از حیث اخلاقی وجود دارد قیام همگانی نمی شود؟

**پاسخ**

در جهت مقابله با سرقت قاچاق و... از نظر قوانین کمبودی نداریم. زیرا سیستم قضایی اسلام قاطعیت بسیار خوبیدر جهت مقابله با عوامل مخرب اجتماعی دارد. لیکن ریشه کن کردن این امور تنها به زندان اعدام و... بستگی ندارد بلکه عوامل گوناگونی در این زمینه سهم دارند. که بایستی مجموعا مورد بررسی و اقدام قرار گیرد تا نتیجه مطلوب حاصل شود }]

**وظیفه ما در مقابل مشکلات فرهنگی محیطمان چیست ؟**

**پرسش**

وظیفه‌ها ما در مقابل مشکلات فرهنگی محیطمان چیست؟

## پاسخ

در تغییر محیط تلاقی با گرایش‌ها فرهنگ‌ها اندیشه‌ها و آرمان‌های متفاوت امری کاملاً طبیعی است و بویژه محیط‌های دانشگاهی جامعه ما در برگیرنده بیشترین آمیزه‌های رنگارنگ بینشی و گرایشی است. بنابراین بر جوانان متدین و متعهد چون شما فرض است که در این میدان وسیع افکار سلیق و علایق با قوت و صلابت هرچه بیشتر - علاوه بر پاسداری و حفظ ایمان - در بالندگی علمی و عملی دین خود بیش از پیش کوشیده و در برابر سیل تهاجمات گوناگون نه تنها چون سدی استوار مقاومت کنید بلکه خود موجی نوین انگیزنده و شور و شعور ایمانی جوانان پیرامون خود را روز به روز بیشتر و بهتر سازید. }]

## چرا ازدواج موقت در جامعه ما امری منفور و زشت تلقی می‌شود؟

### پرسش

چرا ازدواج موقت در جامعه ما امری منفور و زشت تلقی می‌شود؟

## پاسخ

آنچه شما در نامه خود در مورد متعه (صیغه) نوشته‌اید و نیاز شدیدی که جوانان به آن دارند از مسائل بسیار مهمی است که باید موانع روانی و اجتماعی آن را شناخت و با آن مبارزه‌ای دامن‌دار آغاز کرد. آنچه که متأسفانه مانع اجرایی این سنت پسندیده در جامعه ما شده رسوبات فکری غلط و جاهلانه و هم‌چنین تبلیغات سوء غربی‌ها و عوامل آن در گذشته و حال است. تردیدی نیست که باید راه صحیح و معقولی برای ارضای غریزه سرکش جنسی برای جوانانی که مدت‌ها قادر بر ازدواج نیستند وجود داشته باشد. گرچه آحادی از جوانان ممکن است به درجه‌ای از تقوا رسیده باشند که در سخت‌ترین شرایط نیز خود را حفظ نمایند ولی اکثر در چنین وضعیتی نیستند. بنابراین متعه با حفظ شرایط خود بهترین راه برای ارضای سالم این غریزه است. امیدواریم با برنامه‌ریزی‌هایی که برای جوانان در کشور صورت می‌گیرد موانع روانی و اجتماعی این مسأله از سر راه آنها برداشته شده و آنان بتوانند به صورت مشروع غریزه خود را ارضا نمایند. شما نیز در این راه با روشنگری و احساس مسوولیت گام بردارید و با مطرح ساختن مسأله و بررسی ابعاد آن در راه برداشتن موانع عمل به این سنت حسنه گام بردارید. }]

## برای آگاهی و شناخت عمیق‌تر نسبت به اسلام و قرآن از کجا شروع کنم؟

### پرسش

برای آگاهی و شناخت عمیق‌تر نسبت به اسلام و قرآن از کجا شروع کنم؟

## پاسخ

نکته ای که اشاره فرموده اید بستگی به عزم قوی و همت والای شما دارد. در این رابطه کوششی فراوان و مستمر در دو جنبه علمی و عملی لازم است تا تدریجا ثمرات شیرین و ارزشمند آن در زندگی شما پدیدار شود بنابراین از سویباید به انجام دستورات الهی و ترک محرمات کمر همت بندید و تدریجا انجام مستحباتی همچون نماز شب و ترک مکروهات را وارد برنامه عملی خود سازید. از سوی دیگر باید با برنامه ریزی دقیق به مطالعه و تحقیق منظم و پیوسته معارف دینی و قرآنی پردازید. برای اولین گام در مطالعه توصیه می شود در یک برنامه ریزی یک ساله به دقت کتاب های استاد شهید مطهری بویژه: «سری هفت جلدی جهان بینی» «نظام حقوق زن در اسلام» «اسلام و مقتضیات زمان» «علل گرایش به مادیگری» و «امامت و رهبری» را که پاسخگوی بسیاری از نیازهای فکری عصر ما هستند مطالعه فرمایید. پس از انجام این برنامه چنان چه مکاتبه فرمایید برنامه مطالعاتی دیگری تقدیم خواهد شد. }J

**با توجه به تکنولوژی پیشرفته دنیا مخصوصا ماهواره آیا میتوان در را بروی خود بست و از آن استفاده نکرد و شما چه تدابیری در این زمینه دارید؟**

### **پرسش**

با توجه به تکنولوژی پیشرفته دنیا مخصوصا ماهواره آیا میتوان در را بروی خود بست و از آن استفاده نکرد و شما چه تدابیری در این زمینه دارید؟

### **پاسخ**

مسئله وضعیت جهان امروز با گذشته تفاوت های اساسی دارد. امروز جهان در حال تبدیل شدن به یک دهکده بزرگ جهانی است و تکنولوژی و وسایل ارتباطی، آن را به صورت نوینی در آورده است.

روشن است که در جهان کنونی نمی توان چشم خود را بر روی حقایق بست و دیواری به دور خود کشید.

پس باید از جنبه های مثبت تکنولوژی بهره جست و آن را در خدمت انسانیت و دین قرار داد، ولی متأسفانه بازارهایی مانند ماهواره و ... سکه های دو رو هستند. به دلیل تسلط منحرفان بر این شبکه ها و تبلیغات شیطنی و زهر آگین آنها برای کشورهای جهان سوم، یک نوع شیخون فرهنگی بر این جوامع صورت گرفته است که اگر حد و مرزبیرای استفاده از این امکانات وجود نداشته باشد، مسلما عوارض نامطلوب آن، بر فوایدش غلبه خواهد کرد.

شما به عنوان یک دانشجو ممکن است از دست آوردهای مطلوب آن بهره ببرید و آن را وسیله ای برای پیشبرد دانش و مهارت خود قرار دهید، ولی عموم مردم چه؟

تجربه نشان داده است که استفاده های ناسالم از امکانات ماهواره بیش از بهره های مفید آن است. از این رو تا زمانیکه فرهنگ صحیح استفاده از ماهواره شکل نگیرد و نیز برنامه های داخل، جواب گوی نیازها نباشد، محدودیت در استفاده از این ابزارها به نفع فرهنگ جامعه و استقلال فکری، سیاسی و اجتماعی آن است. }J

## با توجه باینکه ریشه های مفاسدا اجتماعی را ازدواج ازبین می برد لکن مشکلات و رسوم غلط باعث تاثیر در این امر شده \* چه راه های علمی برای اینکار وجود دارد؟

### پرسش

با توجه باینکه ریشه های مفاسدا اجتماعی را ازدواج ازبین می برد لکن مشکلات و رسوم غلط باعث تاثیر در این امر شده \* چه راه های علمی برای اینکار وجود دارد؟

### پاسخ

موضوع ازدواج جوانان از مسائل غامض کنونی در کشور ماست؛ زیرا از یک سو از نظر اقتصادی و با توجه به سطح بالای توقعات امکان ازدواج دائم آسان برای جوانان فراهم نیست. ثانيا، امکان ارضای غرایز جنسی از طریق مشروعدیگر موجود نیست. ثالثا، مسائل اجتماعی دیگری نیز از نظر رشد جمعیت و ... این اقتضا را دارد که سن ازدواج بالا برود. با توجه به آنچه گفته شد برای حل این معضل باید یک سری اقدامات صورت گیرد تا بلکه در آینده این مشکل تا حدودی حل گردد. از جمله:

۱- مبارزه با ریشه های فرهنگی و اجتماعی سخت گیری در امر ازدواج.

۲- کاستن از سطح توقعات خانواده ها.

۳- ترویج زندگی ساده و به دور از تشریفات و زواید.

۴- تبلیغ ازدواج موقت و تصحیح نگرش اجتماعی مردم در این زمینه. }J

## اسلامی شدن دانشگاهها یعنی چه ؟ آیا معنایش این است که دختر و پسر با هم نباشند؟

### پرسش

اسلامی شدن دانشگاهها یعنی چه ؟ آیا معنایش این است که دختر و پسر با هم نباشند؟

### پاسخ

در موضوع اسلامی شدن دانشگاه ها مع الاسف تنها به برخی از امور ظاهری توجه شده و اصل موضوع در بوته ابهامرها شده است، بلکه حرکات ظاهری در برخی مراکز پوششی برای حرکت های غیر اصولی شده است. یعنی این که جنبه های ساده و سطحی قضیه مورد توجه قرار گرفته و جنبه های پیچیده و مشکل آن بایگانی شده.

اسلامی شدن یعنی عمق یافتن، تعهد، حرکت و تلاش جهاد گونه، مبارزه با افکار وارداتی، حفظ استقلال فکری و ...



البته حفظ ظواهر اسلامی نیز در این جدول برای خود جایگاهی دارد، ولی نه این که تنها برای اسلامی شدن بههمین مورد آن همه به صورت دست و پا شکسته و یا با برخی از تبعات منفی دنبال شود. }L

## نحوه انتقاد از روحانیون مسئول در حالیکه حرمت آنان حفظ شود چگونه است

### پرسش

نحوه انتقاد از روحانیون مسئول در حالیکه حرمت آنان حفظ شود چگونه است

### پاسخ

همان گونه که در نامه خود متذکر شده اید، پذیرش مسئولیت های اجرایی از سوی روحانیون، این مسأله را در اذهانپدید می آورد که آنان هرچه می گویند و هر چه انجام می دهند، بیرون از محدوده انتقاد و بررسی است و لذا یک نوعجنبه تعبد به خود می گیرد.

این موضوع از جوانب مختلفی قابل بررسی است. یکی از جهات آن این است که آیا اساسا کسی حق چنین ادعایرا دارد یا خیر؟ دیگر آنکه چه زمینه هایی موجب بروز این اندیشه شده و بالاخره چه باید کرد؟

جهت اول: هیچ کس جز معصوم نباید خود را عاری از خطا بیندارد، بلکه باید عملکرد خویش را در بوته نقد خود و دیگران قرار دهد تا از خطاها و اشتباهات احتمالی جلوگیری گردد.

ولی یک نکته را نیز باید مدنظر قرار داد و آن اینکه گاه شخص از جانب خود سخنی نمی گوید، بلکه سخن معصوم یا کلام خدا را نقل می کند. در این صورت نبایستی قدر و منزلت آن سخن را با سخنان شخصی و برداشت های فردیکسان دانست. برای مثال اگر کسی گفت: خداوند نماز را واجب کرده و یا فلان مطلب را در آیه ای بیان نموده است (منهای برداشت های شخصی) نمی توان این سخن را هم طراز گفته های خود فرد قرار داد.

آنچه را که مجتهد با توجه به مبانی متقن خود از احکام شرعی بیان می کند، باید جزء همین مقوله دانست.

البته نظرات شرعی مجتهد نیز بر دو قسم است: برخی از ضروریات و دین شمرده می شود که نقد ناپذیرند (مگر کسی در اساس و اصول دین تردید داشته باشد که مقوله دیگری است) و برخی

دیگر از ضروریات نیستند. این دسته رامی توان با ابزار خاص خود مورد نقد قرار داد. همان گونه که هر دانشی را باید با روش و متولوژی ویژه خود در بوته نقد گذاشت؛ نه اینکه هرکس از هر دری و به هر جهت از راه برسد و بخواهد هر دانشی را مورد نقد قرار دهد.

اما در اجرائیات: در مسائل اجرایی به هیچ وجه تعبدی در کار نیست، ولی این سخن را نیز باید به درستی درک نمود که «تعبدی نبودن به معنای هرج و مرج نیست» بلکه مجری چه روحانی باشد و چه غیر آن، باید محترم باشد و در مرزقانون از او تبعیت شود. و در کنار آن نیز انتقاد سازنده صورت پذیرد.

بنابر این هر چیز به جای خویش نیکوست. گرچه برخی مباحث و شئون را با یکدیگر مخلوط می کنند و عدم تعبد را به بی نظمی و بی قانونی می کشانند. کوتاه سخن آن که در غیر تعبدی ترین نظام های عالم نیز اطاعت بی چون و چرا ازقانون، سرلوحه فرهنگ عمومی شهروندان آن جامعه است گرچه انتقاد نیز در کنار آن ممکن است وجود داشته باشد.

از جهت دیگر، گاهی فرهنگ جامعه بنا به سوابق خود، نوعی اطاعت ویژه برای برخی اشخاص قائل است و ازهمین رو حتی در مسائل اجرایی نیز زبان به انتقاد گشوده نمی شود.

در این جا باید با روشنگری واقع بینانه مسائل را به مردم تفهیم کرد و شئون را از یکدیگر جدا نمود و مرزانتقادناپذیری را برای آنان مشخص کرد.

موضوع دیگری که در پایان نامه شما آمده است، مسأله حفظ حرمت روحانیت و تقدس آن است که موضوع بسیارحائز اهمیتی می باشد. واقعیت آن است که حضرت امام (ره) به عنوان

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در آغاز انقلاب، این نکته را در نظر و عمل بیان کرده بودند که روحانیون باید وظیفه اصلی خود را - که همان هدایت و تبلیغ است - انجام دهند و کارهای اجرایی مملکت به غیر آنان واگذار گردد.

ولی تجربه مشروطیت و نیز حوادث پس از انقلاب، ثابت نمود که اکثر روحانیت (روحانیان متعهد و انقلابی) به‌عنوان تئوریسین‌های یک انقلاب بزرگ در قرن بیستم، از صحنه سیاست و پست‌های کلیدی خارج گردند، مسلماً اینخیزش عظیم اسلامی به انحراف کشیده خواهد شد و داعیه‌های دیگری به روی صحنه خواهند آمد.

شرایط سنگین پذیرش مسؤولیت پس از انقلاب و مشکلات آن نیز مزید بر علت گردید و روحانیان متعهد احساسوظیفه کردند که در صحنه قانون‌گذاری و اجرائیات مملکت حضور فعال تری داشته باشند. گرچه از جهت حرمت و قداست تاریخی خود نیز با مشکلاتی مواجه گردند.

حال یا می‌بایست وظیفه را ترک می‌کردند و تقدس را حفظ می‌نمودند و یا برعکس، حال به نظر شما در این صحنه‌می‌بایست چه رفتاری می‌کردند؟!

البته در این زمینه سخن‌های دیگری نیز وجود دارد که در این مجال نمی‌گنجد. }]

### **چرا به زندانیها رسیدگی نمی‌شود و بجای اینکه با فرهنگ و ایجاد شغل آنها بسازند آنها را زندانی می‌کنند؟**

#### **پرسش**

چرا به زندانیها رسیدگی نمی‌شود و بجای اینکه با فرهنگ و ایجاد شغل آنها بسازند آنها را زندانی می‌کنند؟

#### **پاسخ**

مسئله زندانیان مشکلی جدی است و در نظام اسلامی نیز به زندان به عنوان یک اصل فراگیر نگاه نمی‌شود. اینمسئله بر مسؤولین امور روشن است که زندان جز در موارد اضطرار، قابل استفاده نیست و در همه جای دنیا این نکتهپذیرفته شده است که زندان‌ها یکی از مراکز یادگیری برخی از ناهنجاری‌ها توسط عوامل تازه وارد است. در عین حالزندان و حبس قابل نفی نیست. از این رو در اسلام هم عوامل تنبیهی متنوع و هم عامل عفو در حد اعلای امکان وجود دارد. در جامعه ما نیز از عوامل مختلف فوق استفاده می‌شود، ولی در عین حال شرایط اجتماعی باعث شده است کهبیش از دیگر عوامل تنبیهی از زندان استفاده شود. اما اینکه معمولاً عناصر اصلی از دام قانون می‌گریزند، هر چند در مواردی با ترفندها و امکاناتی که به کار می‌گیرند چنین می‌شود، ولی این مسئله کلیت ندارد و در موارد متعددی نیزعناصر مهم و اصلی گرفتار تیغ عدالت شده و می‌شوند. }]

### **چرا ما آذربایجانها از ابتدایی ترین حقوق (زبان و فرهنگ مطبوعات و) محرومیم؟**

#### **پرسش**

چرا ما آذربایجانیها از ابتدایی ترین حقوق (زبان و فرهنگ مطبوعات و) محرومیم؟

## پاسخ

در اندیشه واقع بینانه اسلام هیچ فرقی بین انسان ها وجود ندارد و برتری و بزرگی فقط با تقوا پیشگان است. پس سزاوار است که در تمام جوامع - بخصوص در جامعه اسلامی خودمان - صحبت از اختلاف و فرق بین اقوام به میان آورده نشود و برعکس باید مشترکات فرهنگی و دینی مورد توجه قرار گیرد.

به هر صورت نامه شما حاوی نکاتی چند است که ما با برخی از موارد آن موافقیم و با برخی نه. ما با دوران پیش از انقلاب کاری نداریم، ولی بعد از انقلاب اسلامی ایران، شاهد برادری و برابری بین آذری زبان ها و فارس زبان هاستیم.

همان طور که می دانیم بسیاری از مسئولین و مقامات رده بالای کشور؛ از نخست وزیر گرفته تا وزرا، استانداران، فرمانداران، مسئولین قضایی و ... از برادران آذری زبان بوده و هستند و الان نیز شاهد این رویه هستیم؛ بخصوص اینکه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای، منتسب به دیار شهید پرور آذربایجان هستند.

هم اینک اساتید زیادی در دانشگاه ها و حوزه های علمیه، وجود دارند که آذری تبار بوده و به نحو شایسته و اکمل، دانش خود را در جامعه ما گسترانده اند؛ مانند علامه محمد تقی جعفری، جعفر سبحانی و ... همچنین کتاب ها و تحقیقات فراوانی توسط نویسندگان و ادیبان آذری، نگاشته و منتشر گردیده است. بازیگران و کارگردان های خوبی در صحنه سینما و تلویزیون وجود دارند و ...

حتی زمانی که در حوزه علمیه قم، برای مرجعیت تصمیم گیری می شود، می بینیم از هفت نفر مرجع انتخاب و معرفی شده، چهار نفر آنان (حضرات آیات: خامنه ای، تبریزی، فاضل لنکرانی و شبیری زنجانی) مربوط

به این خطّه از کشور عزیزمان هستند.

در رابطه با مسأله فرهنگ و ادب، الین کتاب‌ها و نشریات گوناگونی به زبان آذری، چاپ و منتشر می‌شود؛ مانند: یول، وارلیق، میثاق، آذربایجان نامه، فروغ آزادی، دیوان فضولی، حدیقه السعداء، آذربایجان ادبیاتینه بیر باخیش (هیئت)، دیوان شهریار، سحاب الدموع، ادبیات اوجاقی و ... و صدها کتاب نوحه و مصیبت نامه آذری.

همچنین بعد از انقلاب شاهد برپایی کنگره‌های بزرگداشت و نکوداشت برای بزرگان این دیار همانند: علامه محمد تقی جعفری، علامه طباطبائی، فضولی، شهریار، سرداران شهید آذربایجان، و ... بوده و هستیم.

پس می‌توان نتیجه گرفت که در این زمینه‌ها شاهد پیشرفت‌های چشمگیری می‌باشیم و در واقع هیچ تفاوتی بین ترک و فارس گذاشته نمی‌شود.

اما با برخی از گفته‌های جناب عالی موافقیم؛ مانند اینکه در مقطعی از دوران تحصیلی باید ادبیات و فرهنگ آذربایجان و زبان ترکی گنجانده شود و برادران و خواهران آذری، حداقل بتوانند نوشته‌های ترکی را بخوانند یا بنویسند.

همچنین در صدا و سیما باید دقت و تلاش بکنند که در فیلم‌ها و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، رایحه قوم گرایو ... به مشام نرسد و احترام تمام اقوام، بخصوص وفادارترین آنها به ایران اسلامی (آذری‌ها) نگه داشته شود. در این زمینه شما و دیگر عزیزان آذری می‌توانید اعتراض خود را در نشریات مطرح کنید و یا کتباً و مستقیماً به مسؤولین صدا و سیما ارسال دارید که آنها نیز در برنامه‌های خود تجدید نظر کرده و از پخش برنامه‌های اختلاف برانگیز و توهین‌کننده جلوگیری و پرهیز کنند.

در آخر ذکر این نکته خالی از لطف نیست که دشمنان این مرز و بوم برای از بین بردن اقتدار و وحدت مردم و دولت، دست به تفرقه افکنی و انواع توطئه‌ها زده‌اند که

از جمله آنها طرح مسائلی چون پان ترکیسم، پان عربیسم، پان کردیسمو ... می باشد.

البته با وجود افراد فرهیخته و آگاه در کل این سرزمین مقدّس، توطئه شوم این افراد نقش بر آب شده و ایرانیان همبها اتحاد و سربلندی به زندگی خود ادامه خواهند داد. }J

### آیا ازدواج موقت الان در جامعه ما رایج است ؟

#### پرسش

آیا ازدواج موقت الان در جامعه ما رایج است ؟

#### پاسخ

متأسفانه رواج صحیح و درستی ندارد و همین مسأله موجب بروز مشکلاتی برای جوانان گردیده است

### اسلامی کردن دانشگاهها به چه صورت انجام می پذیرد

#### پرسش

اسلامی کردن دانشگاهها به چه صورت انجام می پذیرد

#### پاسخ

فرایند اسلامی کردن دانشگاه ها، جهادی دراز آهنگ و فراگیر است که باید همه مؤلفه های دانشگاهی اعم از: استاد، دانشجو، کارکنان، مدیران، نظام مدیریت، نظام و سیاست آموزشی، نظام تحقیق و پژوهش، متون آموزشی و فضایدانشگاه را فرا گیرد و در همه زیر ساخت ها و روساخت ها ریشه دوانده و جایگاه شایسته خود را بیابد. }J

### چرا با صرف هزینه می خواهید به سؤالات ما پاسخ دهید

#### پرسش

چرا با صرف هزینه می خواهید به سؤالات ما پاسخ دهید

#### پاسخ

تبلیغ و بیان حقایق معارف آسمانی از وظایفی است که قرآن مجید بر دوش تمامی افرادی که توان آن را دارند گذاشته است و از اهداف بعثت انبیا تبیین حقایق آسمانی بوده است و خداوند از عالمان دینی ، بر این امر میثاق گرفته است و چون خداوند

پیمان گرفت از آنان که کتاب به آنها داده شده تا حقایق کتاب آسمانی را برای مردم بیان کرده و آن را کتمان ننمایند (آل عمران ، آیه ۱۷۸). صدها آیه قرآن دال بر این رسالت بزرگ است . وانگهی در دنیایی که بی دینی و لایبالی گری ، با صدها چهره فریبنده و از هر دریچه و زاویه ، تبلیغات بی انتهای خود را مجاناً در اختیار همه قرار می دهد و صدا و تصویر و شبکه های ارتباطی و... معرکه ای بزرگ به پا کرده اند، آیا بیشتر از گذشته نباید احساس مسوئولیت کرد. حال چرا ما می خواهیم به سوئال جوانان پاسخ بدهیم؟! لابد باید منتظر بنشینیم تا برای این موضوع یانکی ها و... برای ما کانال رادیویی (مجاناً) به راه بیندازند. البته سخن در این مقوله بسیار است ، ولی انتظار آن است که جوانانی مانند شما بتوانند مسائل را خوب تحلیل کنند و زمانه را به درستی بشناسند. لازم است به اطلاع برسانیم که بودجه مصرفی ما برای پاسخ گویی به سوئالات ، یک صد هزارم ۱۱۰۰۰۰۰ بودجه یکی از کانال های رادیویی بیگانگان - که برای ما و شما شبانه روز برنامه پخش می کنند - نیست .

**چرا جوانان به مدل های غربی و غربگرایی علاقه دارند چرا نظام در این مورد اقدام نمی کند**

**پرسش**

چرا جوانان به مدل های غربی و غربگرایی علاقه دارند چرا نظام

## پاسخ

مسئله غرب گرایی، پدیده ای است که سابقه ای طولانی نه تنها در کشور ما، بلکه در سطحی بسیار گسترده تر در همه کشورهای جهان سوم وجود دارد. برخی از علل این پدیده عبارت است از:

۱ - مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است.

۲ - به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۳ - افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد.

انقلاب اسلامی آوای بلندی بود که در سراسر جهان اسلام و مستضعفین طنین افکن شد و توانست برای بسیاری از جوانان، روشنفکران، نویسندگان و اندیشمندان تغییر جهت دهد. لیکن از دیگر سو عوامل غرب نیز همواره در کمینشسته و از هر سو برای ربودن نظرها و اندیشه ها تلاش مضاعفی در سطح جهان انجام می دهند. طبیعی است که در این میان برخی به آن سو و برخی به این سو می خرامند. در ارزیابی نهایی هر چند ما حرکت های موجود در جهت مبارزه اصولی و ریشه ای با پدیده غرب گرایی را کافی نمی دانیم و هرگز نمی توان انتظار داشت که کامل ترین برنامه هابخواند به طور کلی ریشه این گونه گرایی ها را خشکاند؛ زیرا انسان ها بر اساس امیال و خواست های متفاوت که دارند و نیز متناسب با محیط های مختلفی که در آن رشد کرده اند و اندیشه های گوناگونی که ذهنشان با آن رشد یافته است، گرایی های متفاوتی می یابند. بنابر این ضمن آنکه تا حد زیادی می توان کارنامه مبارزه با این پدیده را مثبت ارزیابی کرد، ولی همواره پرونده



این گونه گرایش ها باز است و حرکتهای موجود یا هر حرکت دیگری می تواند آن را محدود سازد، ولی نمی تواند به طور کلی آن را نابود کند. }J

### چرا ازدواج موقت که یکی از احکام ناب اسلام است در جامعه ما انجام نمی شود؟

#### پرسش

چرا ازدواج موقت که یکی از احکام ناب اسلام است در جامعه ما انجام نمی شود؟

#### پاسخ

ازدواج موقت (متععه) یکی از برنامه های ارزشمند اسلام برای تامین نیازهای موقت جنسی با حفظ عفاف و بهداشت نسل است و پشت پا زدن به آن به معنای سوق دادن جامعه به سوی رهبانیت و یا کمونیسم جنسی است. در جامعه امروز ما نیز متعه هم قابل اجراست و هم مورد نیاز ولی متأسفانه نسبت به شیوه های اجرایی و چگونگی انجام صحیح آن برنامه ریزی درستی انجام نگرفته است. در عین حال این به معنای آن نیست که با متعه بتوان مشکل جنسی جوانان را حل نمود و چه بسا یک درصد آن هم از این طریق جبران پذیر نباشد. بنابراین لازم است بیش از هر چیز نسبت به مساله ازدواج دائم سرمایه گذاری جدی شود و مشکلات آن برطرف گردد.

### چرا ازدواج موقت مورد پذیرش افکار عمومی مردم نیست ؟

#### پرسش

چرا ازدواج موقت مورد پذیرش افکار عمومی مردم نیست ؟

#### پاسخ

الف) ما پیشنهاد خاصی در این زمینه نداریم.

ب) لازمه الگو بودن آنان این نیست که دخترانشان ازدواج موقت کنند، به ویژه آن که برای ازدواج موقت زنان بیوهمناسب ترند و دختران برای ازدواج دائم بهتر.

ج) اسلام در کجا گفته است که جوان محصل ازدواج دائم نکند؟ آنچه هست این است که بالاخره با تشکیل خانواده مسؤلیت زندگی بر عهده مرد است. اما اسلام هرگز مانع این نیست که والدین طرفین با میل و رضایت خودشان مخارج آنان را بپردازند. اتفاقاً یکی از پیشنهادات ما برای حل مشکل ازدواج این است که خانواده های طرفین به جای سخت گیری های بی جا و مخارج سنگین، چند سالی هزینه های زندگی زوجین را بر عهده گیرند، تا آنانبا خیال راحت به تحصیل ادامه دهند، لیکن این مسأله نیاز به تبلیغات دارد، ولی نمی توان آن را الزامی نمود. نکته بسیار شگفت انگیز و تأسف آور این است که نوشته اید

شرع این مسأله را تأیید نمی کند!!! در حالی که شرع آن را یکی از بزرگترین مستحبات و دارای پاداش بزرگ می داند. }J

### چرا به جای گرفتن مهریه های سنگین برای جلوگیری از طلاق قوانین دیگری وضع نمی کنند؟

#### پرسش

چرا به جای گرفتن مهریه های سنگین برای جلوگیری از طلاق قوانین دیگری وضع نمی کنند؟

#### پاسخ

اولاً، این جا نیز خلط فوق صورت گرفته و پاسخش همان است.

ثانیاً، مواردی که مثال زده اید، مربوط به جایی است که هدیه و پیشکش به صورت شرط ضمن العقد قرار نگیرد. در این صورت تنها اراده واهب دخالت دارد؛ اما آن جا که شرط ضمن العقد شود، از دو جهت با صورت اول تفاوت می یابد: یکی این که اراده و خواست متهب نیز دخیل می شود، دیگر آن که جنبه حقوقی و الزامی پیدا می کند. اینمسأله نه تنها در عقد ازدواج، بلکه در هر عقد و قراردادی می تواند راه یابد. لیکن رایج ترین مصداق آن در مورد ازدواج است و اختصاص به ایران و جهان اسلام هم ندارد؛ بلکه در همه جای دنیا مرسوم و در نظام های حقوقی جهان، پذیرفته شده است. }J

### چرا مردم به ظواهر بیشتر از امور بنیادی می پردازند؟

#### پرسش

چرا مردم به ظواهر بیشتر از امور بنیادی می پردازند؟

#### پاسخ

مسلم تبلیغ و معرفی اسلام ناب از بزرگترین خدمت هایی است که در شرایط فعلی باید انجام داد. البته اسلام هم دارای اصول و آموزه هایی بنیادی است و هم دارای ظواهر و برنامه های فرعی، هر دوی این ها حافظ یکدیگرند. اگر تنها بر بنیان ها تکیه شود و به ظواهر اهمیت داده نشود بنیان ها نیز پایدار نمی ماند، همان گونه که اگر تنها بر ظواهر تکیه شود بنیان ها به فراموشی سپرده خواهند شد. پس بایستی هر دو را در کنار یکدیگر عرضه نمود، لیکن یک نکته را بایدادعان نمود و آن این که کارهای ظاهری و در دسترس را هم زودتر می توان انجام داد و هم کسانی که آن را دریابند و پی گیری کنند فراوانند. ولی در مورد کارهای بنیادی هم فهم کنندگان آن اندکند و هم اقدام برای آن دشواری های فراوانی را دنبال دارد. لذا کار ترویج اذان بسیار ساده تر از ترویج عدالت و پیاده سازی آن است.

در هر صورت بایستی کمر همت را محکم بست و اسلام را به طور جامع و کامل دریافت و الگوهای آن را به درستی و شایستگی مطرح نمود.

## برای حل مشکل ماهواره چه راه‌هایی وجود دارد؟

### پرسش

برای حل مشکل ماهواره چه راه‌هایی وجود دارد؟

### پاسخ

در این رابطه اقدامات متعددی لازم است از جمله:

الف) آگاه‌سازی مردم نسبت به خطرات آن.

ب) ایجاد بدیل سالم.

ج) تقویت روح ایمان و تقوای اجتماعی، به گونه‌ای که انگیزه گرایش به ماهواره کاسته شود.

د) احساس مسئولیت همگانی و مشارکت عمومی در کنترل و ارشاد کسانی که در جست‌وجوی این گونه‌ها هستند.

## با توجه به واقعیت موسیقی در جامعه و مخالفت روحانیت با آن با این معضل چگونه باید برخورد کرد

### پرسش

با توجه به واقعیت موسیقی در جامعه و مخالفت روحانیت با آن با این معضل چگونه باید برخورد کرد

### پاسخ

اولاً- روحانیت با «بحث موسیقی» مخالفت نکرده است؛ بلکه خود همواره آن را مورد بحث قرار داده و پیرامون آن کتابها نوشته است. ثانیاً موسیقی انواع و اقسام دارد و قرآن خود بهترین و زیباترین موسیقی را دارد. مجالس دینی، نیایش و ... موسیقی خاص خود را دارند. تکیه روحانیت بر آن است که باید به جای موسیقی‌های مبتذل و خلاف شرع، موسیقی مشروع و حلال را جایگزین کرد.

## وظیفه بسیج در رویارویی با مشکلات و مسائل اجتماعی چیست ؟

### پرسش

وظیفه بسیج در رویارویی با مشکلات و مسائل اجتماعی چیست ؟

### پاسخ

بسیجی همان وظیفه ای را برعهده دارد که هر مسلمان متعهد و شیعه اهل بیت(ع) برعهده دارد. استواری در رأی و اندیشه، پایداری در دین، الگو بودن در عمل، اخلاق نیک و ... گوشه ای از شرایطی است که باید ایجاد کرد تا بتوان در صحنه عمل انجام وظیفه نمود.

روشنگری، اصلاح، ارشاد، تبلیغ در عمل، از جمله رسالت های یک بسیجی در عرصه رویارویی با مشکلات است.

## بسیجیان چگونه تفکر بسیجی را در میان دانشجویان و نسل جوان ترویج نمایند

### پرسش

بسیجیان چگونه تفکر بسیجی را در میان دانشجویان و نسل جوان ترویج نمایند

### پاسخ

در آغاز باید دقیقاً تفکر بسیجی را شناخت و از یک سری امور ظاهری و روبنایی، گذر کرد و به عمق اندیشه ای که در فراسوی آن وجود دارد توجه شود. تفکر بسیجی، همان تفکر شیعه علوی و پیروان واقعی اهل بیت(ع) است. باید شناخت که حضرت علی(ع) چگونه می زیست و چرا آن گونه زندگی می کرد؟ چگونه روزها به مانند شیری در میدان بود و شب ها به مانند بنده ای خاکسار؟ زندگی علی چگونه بود؟ نان او، خانه او، بر خورد او، کلام پرمغز و پرمحتوای او چه بود و ...؟ باید این الگوها را شناخت و شناساند تا ریشه های تفکر بسیجی در دل رسوخ کرده و خود را در عمل بنمایاند.

## روش صحیح تبلیغ در دانشگاهها چیست

### پرسش

روش صحیح تبلیغ در دانشگاهها چیست

### پاسخ

تشخیص شما درباره ی ضعف تبلیغات متعارف در دانشگاه ها، تاحدودی بجا و درست است . پس بایستی به فکر راه های نو برای تبلیغ پیام اسلام بود. در این زمینه ، مسلماً استفاده از گونه های مختلف هنر باید مد نظر قرار گیرد. طرح هایی که نوشته اید بسیار مناسب و کارآمد است ؛ مشروط بر آن که در مواردی که با مسائل محتوایی سر و کار دارد، مطالعه دقیق صورت گیرد؛ مثلاً در مورد آیات قرآن و یا شأن نزول آنها باید، پژوهش و مطالعه زیادی انجام گیرد. برای مسابقات کتاب خوانی ، می توان از روش تهیه سوال های مهم از هر کتاب و دریافت پاسخ های تشریحی و یا تستی از آن استفاده کرد. هم چنین دادن کنفرانس از فصل های کتاب در جلسات و تشویق بهترین آنها نیز در این زمینه ، مناسب است . نقد و بررسی پیرامون یک کتاب و یا فصلی از آن نیز در بعضی موارد کارآیی خوبی دارد. در مورد نوع کتاب ها، سعی کنید تنوع را در این زمینه رعایت کنید؛ مثلاً می توان از کتاب های علامه حسن زاده آملی و نیز کتاب های مناسب دیگر در برخی زمینه ها بهره ببرید.

در پایان برای آشنایی بیشتر شما با وظایف نهاد، و داشتن اطلاع از زمینه فعالیت این نهاد یک نسخه از اساسنامه آن برای شما ارسال می گردد.

**با اینکه حضرت امام (ره) فرموده اند باید دانشگاه کارخانه آدم سازی باشد اما امروز کاملاً بر عکس شده است. چرا؟**

**پرسش**

با اینکه حضرت امام (ره) فرموده اند باید دانشگاه کارخانه آدم سازی باشد اما امروز کاملاً بر عکس شده است. چرا؟

**پاسخ**

همواره بین آرمان ها و آنچه که اتفاق می افتد، فاصله زیادی هست. آدم ساز شدن دانشگاه، آرمانی الهی است که امام (ره) بر آن تأکید بسیار داشتند. تا حدود زیادی هم زمینه آن در دانشگاه ها فراهم شد و جوان های پاک و متعهدی در آن تربیت یافتند و اکنون نیز نسبت به زمان طاغوت و دانشگاه های دیگر کشورها مزیت های فراوانی را از این جهت دارا می باشند.

البته به دلیل گستردگی تهاجم فرهنگی غرب و نفوذ غرب زدگی در برخی اقشار دانشگاهی و نیز مشکلات دیگر فرهنگی جامعه، آن گونه که بایسته است، این امر برآورده نشده است. امید است با احساس تعهد دانشجویانی همانند شما زمینه بهتری برای رشد معنویت و اخلاق در دانشگاه ها فراهم گردد.

**با توجه به فراوانی فساد و گناه در جامعه چطور می توان با خداوند در ارتباط بود و تا عمق معنویات پیش رفت و در جامعه هم نقش فعال داشت؟ آیا حفظ دین با این وضعیت جامعه و دانشگاه ها ممکن است؟**

**پرسش**

با توجه به فراوانی فساد و گناه در جامعه چطور می توان با خداوند در ارتباط بود و تا عمق معنویات پیش رفت و در جامعه هم نقش فعال داشت؟ آیا حفظ دین با این وضعیت جامعه و دانشگاه ها ممکن است؟

**پاسخ**

قبل از هر چیز بزرگی روح و بزرگواری شما را جهت انجام وظایف عرفی و شرعی و تلاش برای کسب رضای خدا را تبرک می گوئیم.

آنچه از نامه شما به خوبی به دست می آید آن است که به این نکته مهم توجه دارید که نباید عرفان و سیر و سلوک، آدمی را از وظایف فردی و اجتماعی دور کند و این همان روش پیامبران و امامان و اولیاء شایسته خداوند است که در مضمون حدیث شریف زیر متجلی است: «کن فی الناس ولا تکن معهم»؛ در میان مردم باش ولی هضم در آنان نباش» و از ویژگی های ممتاز «امامان» نسبت به برخی «عرفا» آن است که عبادت ها و تلاش های خودشان را تنها در سیر «من الخلق الی الحق» خلاصه نمی

کنند بلکه سیر «من الحق الی الخلق، فی الخلق الی الحق» را نیز دارا می باشند و در عین حضور در جامعه به مقام «فناء فی الله» نیز نائل شده اند.

در چنین سیر و سلوکی است که بیشترین مبارزه برای دفع و رفع وسوسه های شیطانی انجام می پذیرد و بیشترین فشار را از ناحیه رفتار مردم، انسان سالک باید تحمل کند و تمامی این تلاش ها است که وقتی بر مدار حق و اخلاص انجام می گیرید. موجب سنگینی کفه ترازوی عمل و ایمان می شود و مصداق این آیه شریفه می شود که: «فاما من ثقلت موازینه فهو فی عیشه راضیه»

هر که سنجیده هایش سنگین برآید، پس وی در زندگی خوشی خواهد بود»، (قارعه، آیه ۶ و ۷).

بنابراین تمامی وسوسه ها و غفلت ها و محدودیت ها، اگر چه از یک سو موجب کندی ظاهری سیر و سلوک می شود، ولی از سوی دیگر همچون موانع در میدان رزم است که عبور از آنها انسان سالک را ورزیده تر می کند و لذت «وصال» پس از «هجران» را برای آدمی محسوس تر می کند.

بنابراین بدون آن که انگیزه خود را نسبت به وظایف فردی و اجتماعی و ادامه تحصیل از دست بدهید. تلاش کنید و با پی گیری برنامه «مشارطه، مراقبه و حاسبه» در هر شبانه روز طی مراحل سیر و سلوک را برای خود هموارتر سازید.

برای تقویت ارتباط با خدا توجه شما را به یک راه کار مهم معنوی جلب می کنیم.

در روایات آمده است که: در دل آدمی دو گیرنده و گوش وجود دارد. یکی صدای رحمان را می شنود که آدمی را دعوت به تقوا و خیر و صلاح و ایمان می کند و گوش دیگر ندای شیطان را دریافت می کند. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۹۸۸، ح ۱۶۹۵۰)

در آیات قرآن نیز این مطلب آمده است که: «فَالهَمها فجورها و تقویها؛ راه فجور و تقوا هر دو به انسان نمایانده شده تا وی کدام یک را در خود تقویت نموده و برگزیند».

شاید بارها این تجربه برای شما تکرار شده باشد که هنگام انجام کار نیکی و یا برخاستن برای نماز شب، دو نیروی تشویق کننده و بازدارنده به سراغ شما می آید و برای لحظاتی با خود درگیری درونی پیدا می کنید. اینجا همان مرحله تصمیم گیری است که کدام سو را انتخاب کنید.

مطمئن باشید اگر به هاتف رحمانی پاسخ مثبت

دهید، رفته رفته نیروی معنوی شما تقویت می شود و الهامات رحمانی بیشتر رو به سوی شما می آید و اوهام شیطانی سریع تر از شما دور می شود.

این همان است که از آن به «جهاد اکبر» یاد می شود و این همان دوام ذکر در طول شبانه روز می باشد بدون این که از تحصیل و کار و روابط با دیگران کناره گیری کرده باشید. چنین زندگی، شیوه اولیا خداست که در عین حضور در عرصه های مختلف زندگی و جامعه همیشه در درون با خدا و فرشتگان رحمانی در ارتباطند و بدون گوشه گیری و ایجاد حساسیت، سیر و سلوک معنوی خود را طی می کنند.

### چرا امر به معروف و نهی از منکر در کشور ما اجرا نمی شود؟

#### پرسش

چرا امر به معروف و نهی از منکر در کشور ما اجرا نمی شود؟

#### پاسخ

احیای امر به معروف نیازمند امور زیر است:

(۱) فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه زنده شود؛ یعنی جامعه آن را به عنوان یک ارزش بپذیرد و دیدگاه های منفی نسبت به آن زدوده شود؛ مثل این که برخی آن را «فضولی» تلقی می کنند. در این زمینه تبلیغ گسترده امر به معروف و بیان اهمیت و فلسفه آن نقش به سزایی دارد.

(۲) آمران به معروف و ناهیان از منکر دارای ویژگی های زیر باشند:

الف) خود عامل به معروف و ترک کننده منکرات باشند.

ب) موارد معروف و منکر را به درستی بشناسند، و عقاید و باور داشت ها و عادات شخصی، سلیقه ای و محلی را جایگزین تعالیم حقیقی دینسازند.

ج) مراتب و شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر را به درستی بدانند.

د) در انجام امر به معروف و نهی از منکر نیز باید از شیوه های زیر بهره برد:

۱ در درجه اول به تبلیغ عملی پردازند و با رفتار خود، دیگران را جذب کنند.

۲ حتی الامکان از شیوه های غیرمستقیم استفاده کنند، مانند آنچه در شیوه امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در آموزش وضو به مرد کهنسال نقل شده است.



۳ از افراط و تفریط بپرهیزند.

۴ با تشکل و سازماندهی و انتقاد از بهترین تجربیات و شیوه های جذب اقدام نمایند.

لازم به ذکر است شایسته ترین افراد برای احیای جدی امر به معروف و نهی از منکر همان بسیجیان و رزمندگان و جوانان با ایمان هستند؛ بنابراین توصیه می شود در این زمینه با دیگر برادران بسیجی به تلاش و فعالیت پردازید؟ در صورتی که امثال شما به این مهم اقدام نکنند، مشکل

فوق همواره باقی است.}

## به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه و خوابگاه های دانشگاه چیست ؟

### پرسش

به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه و خوابگاه های دانشگاه چیست ؟

### پاسخ

به طور مطلق نمی توان کار مشخص را به عنوان بهترین کار فرهنگی معرفی نمود، زیرا این مسأله تابع متغیرهای گوناگونی از جهت وضع خوابگاه، گرایش های افراد، امکانات و... می باشد. بنابراین بهتر است در هر خوابگاهی یککانون فرهنگی از برادران آگاه و متعهد تشکیل گردد و با مشورت و مشارکت دفتر نهاد، بسیج و دیگر تشکلات اسلامیفعالیت های مناسبی برنامه ریزی و اجرا شود.

## چرا بیشتر جوانان ما نسبت به دین و مسائل آن بی اطلاع اند؟

### پرسش

چرا بیشتر جوانان ما نسبت به دین و مسائل آن بی اطلاع اند؟

### پاسخ

اساساً دین گریزی در جامعه ما امری بسیار نادر و استثنایی است. اکثر قریب به اتفاق جامعه و جوانان ما دین گرا و اسلامخواه می باشند. حتی بسیاری از کسانی که ظاهر دینی نداشته و گاه تظاهر به امور خلاف دین می کنند، به طور جدی دین گریز نبوده و در نهایت تمایلات دینی دارند. در عین حال دین گریزی ناشی از علل مختلفی است؛ از جمله:

۱- پوچ گرایی و فقدان فلسفه و هدف اساسی در زندگی،

۲- گرفتاری در دام مشکلات و ناتوانی در برخورد با آنها و لاجرم گزینش راه های انحرافی،

۳- تربیت نادرست،

۴- ضعف آگاهی های دینی،

۵- گرفتاری در دام شبهات و تبلیغات سوء دشمنان دین.

در مورد الگوسازی عملی از ائمه اطهار (ع) بیشتر توضیح دهید.

در مورد الگوسازی عملی از ائمه اطهار(ع) بیشتر توضیح دهید.

در روان شناسی به این مسأله توجه شده که انسان احتیاج به الگوی رفتار و نمونه عمل دارد و این مطلب به تجربه نیز ثابت شده است و می بینیم که در کارها هر انسانی به دنبال الگو می گردد و در پی شخصیت برجسته ای است که به او دل بندد و ارادت بورزد. در بین بچه ها و جوانان معمول است که اگر امتیازاتی در فردی ببینند و به او علاقمند شوند در همه کارها و حتی نوع و شکل لباس و آرایش از او تقلید می کنند. وجود الگوهای رفتار و شخصیت های نمونه و مربی نقش بسیار مهمی در سازندگی انسان ها دارد.

قرآن کریم می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یوجوا الله والیوم الاخر و ذکر الله کثیرا؛ برای شما در زندگی و عملکرد پیامبر(ص) سرمشق نیکویی بود برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند» (احزاب، آیه ۲۱).

روحیات عالی، استقامت و شکیبایی پیامبر، هوشیاری و درایت و اخلاص و توجه به خدا و تسلط او بر حوادث و زانو نزدن در برابر سختی ها و مشکلات هر کدام می تواند الگو و سرمشقی برای همه مسلمین باشد.

به دلیل اسوه و الگو بودن پیامبران و رهبران الهی برای امت ها و به دلیل این که مهمترین و مؤثرترین بخش تبلیغ و دعوت انبیا(ع) دعوت عملی آنهاست. دانشمندان اسلام معصوم بودن را شرط قطعی مقام نبوت دانسته اند، چون کسی که می خواهد الگو و

مقتدای انسان ها باشد باید از هرگونه خطا و گناه و حتی اندیشه آن مصون و محفوظ باشد و حتی از نسیان و سهو نیز برکنار باشد، چون فردی گناه کار و در معرض لغزش و سهو و خطا چگونه می تواند الگو و اسوه دیگران باشد و مردم به راحتی به او سر بسپارند و به او دل ببندند و عمل و رفتار او را الگوی خود قرار دهند؟

اهل بیت به تصریح قرآن کریم دارای مقام عصمت بوده و از هرگونه آلودگی پاک و پیراسته می باشند: «انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» (احزاب، آیه ۳۳).

امامان معصوم و نیز حضرت زهرا(س) تمام شرایط الگو بودن و مقتدا بودن را دارا می باشند و عقل حکم می کند انسان دنباله رو کسانی باشد که به گواهی تاریخ و اعتراف دوست و دشمن گوی سبقت را در میدان کمالات و فضایل و خوبی از همه ربوده اند و همه خوب  $O$  و پاکان و صالح  $O$ .. کمال ریزه خوار سفره خصال  $U$ .. آنها می باشند. راهبرانی که با علم خداداد و لدنی کاملاً با پیچ و خم راه سعادت آشنایند و خود این راه را تا آخر پیموده اند و با علم و قدرت الهی، توانایی دستگیری و راهنمایی رهروان این راه را دارند.

در الگوگیری، حضور یا عدم حضور افراد چندان مهم نیست؛ بلکه چه بسا کسانی که در گذشته ای دور زندگی می کردند، بهتر از بسیاری از مصاحبان بتوانند الگو واقع شوند؛ لیکن

برای این کار باید از طریق بررسی تاریخ زندگی درس های لازم را فرا گرفت . گذشت چهارده قرن هم چیزی را عوض نمی کند، زیرا محور اصلی در الگوگیری اصول کلی تربیتی و ارزش های اخلاقی است که با مرور زمان پوسیده و کهنه نمی شود.

زندگی ائمه(ع) برای ما الگو است و پذیرش این مطلب و بیان این سخن گزاف و بیهوده نیست و لذا هم گوشه گوشه زندگی آنها برای ما روشن است و بیان شده و هم می توان همچنان از آنها الگو گرفت و پیروی نمود. و برای رسیدن به آن می توان کتب مشتمل بر معارف دین را که بسیار فراوان است مورد مطالعه قرار داد. نماز شب حضرت زهرا(س)، ساده زیستی آن حضرت، برخورد وی با نامحرم ، پیروی کامل از فرامین دین، بها دادن به ارزشهای انسانی و معنوی در برابر معیارهای دنیوی و مادی و از خودگذشتگی و خود را فراموش کردن و هزار نکته دیگر که تنها یک دستورالعمل نیست بلکه بنیان رفتار فاطمی است برای همیشه می تواند سرمشق زندگی باشد.

سخنان ائمه(ع) در مورد کیفیت و شکل زندگی [نه سخنان معرفتی و تحلیلی آنها] برای هر انسانی قابل فهم و راهگشاست، کافی است به کتاب هایی که در مورد زندگانی ائمه(ع) نوشته شده مراجعه کنید و یا از کلمات گهربار آنها فیض ببرید تا زندگی شما رنگ دینی و الهی بگیرد. به هر حال در این مورد می توانید به کتاب های سیری در سیره ائمه(ع) تعلیم و تربیت، انسان کامل و سیری در سیره نبوی ، نوشته شهید مطهری ، مراجعه و از آنها بهره

مند شوید همین طور مطالعه کتب معتبر زندگانی ائمه هدی (ع) به خصوص کتابهای جناب آقای شهیدی و آقای آیتی و آقای سیدمهدی شمس الدین و یا کتب روایی که سخنان ائمه را جمع آوری نموده مانند کتاب فرهنگ سخنان حضرت زهرا(س) و یا نهج البلاغه، نهج الفصاحه، اصول کافی و تحف العقول استفاده کنید. شما با ترجمه این کتب می توانید خود از آن بهره برده و برنامه زندگانی خود را تنظیم کنید. پرواضح است که هر چه بیشتر به حق عمل کنید راه آگاهی جدیدتری به روی شما گشوده خواهد شد و به معرفت علمی و عملی شما افزوده می گردد.

نکته ای که در اینجا مهم و اساسی است این است که هر چند کامل بودن و بی عیب و نقص و کاستی بودن الگو در تربیت و رهبری انسان ها بسیار مؤثر است چون انسان به راحتی به آنها سر می سپرد و از آنها اطاعت می کند ولی وجود زمینه ها و بسترهای مناسب در فرد الگو گیرنده نیز دارای اهمیت ویژه ای است بنابراین باید خود انسان با سعی و تلاش و مجاهده و با پیروی از حجت و پیامبر و واعظ درونی اش یعنی عقل این زمینه را فراهم سازد تا سخنان و رفتار حجت بیرونی و خارجی یعنی پیامبران و امامان و بزرگان اهل کمال و معرفت در او تأثیرگذار باشند و گرنه در خود زمان پیامبر و امامان(ع) کم نبوده اند کسانی که دایما با آنها در تماس بوده اند و با آنها انس و معاشرت داشته اند ولی سرسخت ترین دشمنان آنها به شمار می آمدند و

بالاترین مخالفت ها و عنادها را با حق و حقیقت داشته اند. پس الگو داشتن لازم ولی غیر کافی است.

به عبارت دیگر باید هم فاعل (یعنی الگو) در فاعلیتش کامل باشد و هم قابل (یعنی الگو قرار دهنده) در قابلیتش کامل باشد تا الگو سازی مفید و نتیجه بخش باشد و چون الگوهای رفتاری ما یعنی اولیای الهی در فاعلیت و تأثیرگذاری کامل و بی نقص می باشند، این ما هستیم که باید قابلیت پذیرش در خود ایجاد کنیم تا بتوانیم خود را در معرض وزش نسیم رحمت و هدایت آنها قرار دهیم و غنچه وجود خود را شکوفا سازیم:

گوهر پاک ببايد که شود لایق فیض ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

### چرا فرهنگ ازدواج در جامعه تغییر کرده است ؟

#### پرسش

چرا فرهنگ ازدواج در جامعه تغییر کرده است ؟

#### پاسخ

گم کردن فلسفه حیات و معقول شدن به ظواهر زندگی مادی، باعث پدیدار شدن فرهنگی منحط و خطرناک درمسأله ازدواج است. فساد مترفان و عملکرد آنان در مطرح ساختن الگوهای دنیا پرستانه، از جمله ریشه های این پدیده شوم است. امید آن که با الزام و تعهد مردم نسبت به ارزش های اسلامی، این مشکل برطرف گردد.

البته مطرح و تبلیغ شدن الگوهای مناسب برای زندگی نیز زمینه را برای رشد انحرافات فراهم کرده است.

### برای جلوگیری از رقص و ترانه در مراسم عروسی چه باید کرد؟

#### پرسش

برای جلوگیری از رقص و ترانه در مراسم عروسی چه باید کرد؟

#### پاسخ

بر پا کردن مجلس عروسی واجب نیست البته آنچه به عنوان حکم مستحبی داریم ولیمه دادن است در هر صورتاگر می توانید جلسه عروسی با رعایت موازین شرعی یعنی بدون ساز و آواز حرام و کارهایی که در بعضی عروسی ها انجام می شود بر پا کنید اشکالی ندارد و الا در صورتی که ممکن است با مسافرت به مشهد مقدس کار را تمام کنید و اگر نمی توانید این هم واجب نیست. بعد از این که همسرتان را عقد کردید شرعاً می توانید دست او را بگیرید و به خانه بیاورید. رعایت حرف مردم لازم نیست خوش آمدن یا نیامدن مردم و حرف هایی که می زنند هیچ وقت نباید ملاکشما باشد. مسلمان باید ببیند چه کند تا

خدا از او راضی باشد. }

## بهترین راه ها برای حل مشکلات فرهنگی چیست ؟

### پرسش

بهترین راه ها برای حل مشکلات فرهنگی چیست ؟

### پاسخ

{از دیدگاه ما روش های حل مشکلات و تحوّل فرهنگی را می توان این گونه طبقه بندی کرد:

الف) در درجه اول باید به تربیت و سازندگی نوجوانان و جوانان پرداخت.

ب) صدا و سیما نقش بارزی در این راستا دارد. بنابراین هر چه بیشتر باید بر روی فیلم های سازنده و جذاب فرهنگی سرمایه گذاری کرد؛ چون محسوس است که بیشترین بیننده و شنونده را تلویزیون به خود اختصاص داده است و بهره وری از این ابزار باید فزون تر گردد. فیلم های سینمایی و ویدیویی و تئاتر نیز در این ردیف قرار دارد.

ج) ترویج فرهنگ قرآن در بین جوان ها، آشنایی و انس با قرآن و تفسیر آن از روش های خیلی مفید در این زمینه است؛ چون قرآن کتاب بزرگ آسمانی ما است و از زیبایی و جاذبه خاصی برخوردار است و همه فرق اسلامی به آن گرایش دارند.

د) آموزش و پرورش و دانشگاه ها باید مورد توجه اکید مسؤولان نظام باشد و به ویژه کتابهای درسی را باید مورد توجه قرار داد و از محتوای لازم و جذابیت هر چه بیشتری برخوردار کرد.

ه) مطبوعات، روزنامه ها و مجلات نقش بارزی را در فرهنگ جامعه ایفا می کند. از این رو لازم است مطبوعات را با عناوین جذاب و محتوای با ارزش و نیز با ویراستاری و آرایش هنری روانه جامعه کرد و حتی الامکان با قیمت ارزان در اختیار مردم قرار داد.

و) تابلوهای تبلیغاتی در راستای مسائل فرهنگی در نقاط حساس شهر نصب گردد. در این مسیر باید از تکنیک روز استفاده کرد و از تابلوهای رایانه ای پیشرفته بهره بیشتری گرفت.

ز) ترویج فرهنگ کتاب خوانی و کتابخانه به گونه ای که در سطح شهرها و



روستاها هر کجا نیاز است کتابخانه ساخته شود و یا نمایشگاه های کتاب برگزار گردد تا با ارائه کتاب های با ارزش و علمی بتوان جوان ها را جذب کرد.

ح) خطابه های جمعه و محافل علمی و سخنرانی ها را نیز نباید دست کم گرفت. گرچه فیلم و نمایش نقش سازنده و بیشتری دارد؛ ولی سخنرانی های زنده و با محتوا نیز هم چنان ارزش خود را حفظ کرده است. بنابراین از برگزاری این سخنرانی ها نباید دریغ کرد.}

**دوستم نماز نمی خواند برای این که او را به سوی نماز بکشانم هم چنین برای این که اخلاق او در ما تاثیر نگذارد چه کنم ؟**

**پرسش**

دوستم نماز نمی خواند برای این که او را به سوی نماز بکشانم هم چنین برای این که اخلاق او در ما تاثیر نگذارد چه کنم ؟

**پاسخ**

پیشنهاد ما به شما در راهنمایی ایشان چند چیز است که ان شاء الله با دقت، سعی در انجام آن داشته باشید:

الف) سعی کنید افرادی که صحبت آنها بر روی ایشان نافذ است، پیدا کنید و از آنان بخواهید که با مهارت و شگردشایسته ای، با وی درباره نماز صحبت کنند.

ب) با عمل خویش انگیزش خواندن نماز را در او ایجاد کنید. سعی کنید شما و بقیه دوستانتان، نمازتان را در حضور ایشان برگزار کنید و شور اشتیاق خود به نماز و راز و نیاز با خدا را هر چه بهتر به منصفه ظهور برسانید.

ج) فلسفه نماز را در فرصت های مناسب بیان کنید؛ مثلاً سؤال و جواب هایی که قبلاً تهیه دیده اید، بین شما و بقیه دوستانتان و یا هر کس دیگری مطرح و جواب داده شود. البته لازمه اش مطالعه و پیش بینی قبلی است. به عنوان نمونه در اینجا به چند جمله اشاره می شود: فطرت انسان خواهان تشکر از ولی نعمت است. جبلت القلوب علی حب مناحسن الیها؛ قلب ها بر اساس دوستی و محبت کسی که به انسان احسان کند، آفریده شده است {M} و از آنجا که در اصل خدای سبحان خالق و هستی بخش ماست و از سویی همه نعمت ها و برکاتی که در زندگی ما وجود دارد از آن اوست. بنابراین لازم است به اقتضای تکلیف فطری خودمان از قادر ممان تشکر کنیم. حال این تشکر باید به چه شکل و کیفیت باشد؟ انبیای الهی روشنگر این حقیقت بوده اند و نبی

مکرم اسلام نیز به نوبه خویش نماز را با این شکل و هیئت خاصه ما معرفی فرموده اند. بنابراین همان گونه که پروردگار مهربان هر شب و روز، ما را رهین الطاف و برکات خویشگردانیده است، ما بندگان نیز موظفیم هر چند ساعت یک بار در برابر محبوب قلب و عزیز دلمان بایستیم و از او نهایتسپاسگزاری و تشکر را بنماییم. نماز تشکر است، تواضع است، تجدید عهد با خداست، ابراز نیاز در برابر بی نیاز مطلقاست. نماز زنده نگاه داشتن یاد خدا در دل است. نماز انسان را به خدا نزدیک و با او مأنوس می کند و اصولاً اگر نماز با توجه و خشوع و حضور قلب ادا شود، به یقین در روح و جان ما اثر گذاشته و انسان را از زشتی ها و گناهان مصونیت می بخشد.

د) پیشنهاد دیگر اینکه تلاش کنید به هر کیفیت و طریقی شده، ایشان را به نماز جمعه و جماعت ببرید.

و) تلاش کنید از نماز بزرگان و شخصیت ها در نزد ایشان صحبت کنید؛ مثلاً حضرت علی(ع) با همه شخصیت و گرفتاری هایی که داشتند، چگونه و با چه اشتیاقی به اقامه نماز می پرداختند. همچنین گرایش رجال بزرگ سیاسی، علمی و... به نماز را، به ایشان گوشزد کنید.

در ضمن مطالعه کتاب های ذیل در این زمینه مفید است:

۱- راز نماز محسن قرآنی

۲- پاداش های نمازگزاران

۳- داستانها و حکایت های نماز (۱)

۴- یکصد و چهارده نکته درباره نماز

**چگونه می توان اصل (دانشگاه اسلامی) را بین دانشجویان مطرح کرد؟**

**پرسش**

چگونه می توان اصل (دانشگاه اسلامی) را بین دانشجویان مطرح کرد؟

**پاسخ**

{ در این باره باید جلسات و نشست های متعددی برگزار نمود و ضرورت، اهمیت، ابعاد و نتایج دانشگاه اسلامی را برای دانشجویان برشمرد. سپس باید با یافتن راه های کاربردی نقش مهم دانشجویان در این زمینه را به آنان یادآور شده و در جهت ایفای این رسالت بزرگ آنان را تحریض کرد. }

**چگونه می توان از راه فرهنگی زمینه رشد فکری دانشجویان را بالا برد؟**

**دانش**

چگونه می توان از راه فرهنگی زمینه رشد فکری دانشجویان را بالا برد؟

### پاسخ

اگر مقوله فرهنگ به درستی شناخته شود، راه های رشد فکری نیز به روشنی نمایان خواهد شد. «فرهنگ» مجموعه ای از افکار، آداب، هنرها، آثار مکتوب، ارزش ها، هنجارها، نمادها و مقوله هایی از این سنخ است، با مطالعه و تحقیق درباره این عناصر راه رشد فرهنگی هموار می گردد. شناخت تاریخ گذشته تمدن اسلامی، آشنایی با دانشمندان بزرگ مسلمان و اندیشه های آنان، مطالعه آثار متفکران بزرگ اسلامی (مانند ابن سینا، ابن رشد، فارابی، ملایرومی، شهید مطهری و...) زمینه های رشد فرهنگی را فراهم می آورد. }J

**چرا به جوانان این قدر امر و نهی می شود و با مهربانی و عطف ، آنها را راهنمایی نمی کنند؟**

### پرسش

چرا به جوانان این قدر امر و نهی می شود و با مهربانی و عطف ، آنها را راهنمایی نمی کنند؟

### پاسخ

تعهد دلسوزانه شما درباره تصویر ارائه شده از دین در تبلیغات جای تأمل دارد. مسلماً اگر روش های تبلیغ کارآمد نباشد، به جای تأثیر مثبت، اثر منفی خواهد داشت. بنای اسلام و دین الهی نیز بر رحمت و عطف است: رحماء بینهم . امید است با توجه به آنچه که شما نوشته اید، همگان با بیداری و هشیاری در صدد رفع نقیصه ها و مشکلات برآیند و نظام تبلیغاتی دقیقا منطبق بر حقیقت دین و چهره واقعی آن باشد. مسلماً روش دعوت بهدین باید همراه با عطف باشد؛ وگرنه قهر و غلبه تغییری در بنیان شخصیتی فرد ایجاد نخواهد کرد. }J

**چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟**

### پرسش

چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟

### پاسخ

وجدان کاری در جامعه از چند طریق قابل حصول است:

۱- تقویت مبانی دینی و احساس مسئولیت شرعی؛ این راه فطری ترین، سالم ترین و کارآمدترین راه شروع و تبلیغ «وجدان

کار» است.

۲- ایجاد نظم آهنین از طریق اعمال زور و سرنیزه؛ این روش اگر چه نظم‌ی ظاهری را ایجاد می‌کند، ولی چون افراد از درون احساس مسئولیت نمی‌کنند؛ نظم‌ی شکننده به وجود خواهد آمد (مانند آنچه در شوروی سابق اتفاق افتاد).

۳- از راه تقویت حس مشارکت و منافع متقابل؛ این روش گرچه نسبت به روش دوم کارآمدتر است؛ ولی به دلیل گسترش منفعت‌گرایی فردی، جامعه را در وضعیت خطرناکی قرار خواهد داد. }J

### چگونه می‌توان جوانان را درباره ولایت فقیه توجیه کرد؟

#### پرسش

چگونه می‌توان جوانان را درباره ولایت فقیه توجیه کرد؟

#### پاسخ

همه جوانان را نمی‌توان در یک طیف و دسته گنجانند و برای همه آنان راه کار واحدی را ارائه کرد؛ خود شخص در ابتدا باید با مبانی عقلی و نقلی و مسائل تئوریک ولایت فقیه، شرایط اختیارات و جایگاه او و شبهات موجود در این زمینه آشنا باشد آن گاه با ریشه‌یابی و شناخت مشکل اساسی هر کدام از جوانان در ارتباط با ولایت فقیه و سپس ارائه راه حل‌های مناسب با آن پردازد. مهترین سؤالات و شبهات موجود در مورد ولایت فقیه، عموماً در مسائل و مضوعات ذیل خلاصه می‌شود:

۱- مبانی و زیر ساخت‌های نظری ولایت فقیه ارتباط دین و سیاست، نظام سیاسی، اجتماعی اسلام و...؛

۲- ادله دینی و خصوصی (آیات و روایات) که در این زمینه وارد شده است.

۳- امتیاز و برتری نظام ولایت فقیه بر دیگر نظام‌های سیاسی؛ مثل نظام‌های ریاستی، پارلمانی، توتالیتریسم و...؛

۴- شرایط و اختیارات ولی فقیه که آیا مطلقه است یا محدود؟ فراتر از قانون اساسی است یا مقید به آن؟ و آیا قلمرو اعمال ولایت، جهان اسلام است یا جمهوری اسلامی ایران و...؟

۵- عملکردهای کلان نظام ولایت فقیه آثار و نتایج آن در سطوح و ابعاد مختلف.

۶- بعضی از انتخابات درباره عملکردهای مسئولان مملکتی و وجود مشکلات و مفاصل اجتماعی مانند تبعیض، فقر، فساد اداری و...؛

پس باید به صورت دقیق نوع مشکل جوان را شناسایی کرد و متناسب با آن پاسخ‌های منطقی، علمی و مستند ارائه نمود مثلاً

برای جوانی که ولایت را (به دلیل میل به سکولاریسم).

در ابتدا باید

به صورت روشن سکولاریسم را از دیدگاه اسلام نقد نمود و با استدلال‌های قانع‌کننده این نظریه را رد کرد هم‌چنین برای جوانی که وجود پاره‌ای از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و... باعث به وجود آمدن شبهه در عقیده او به ولایت شده باید ضمن بیان دقیق فلسفه وجودی و اهداف حکومت دینی به آثار و نتایج مثبت و ارزنده ولایت فقیه اشاره کرد. از قبیل پیروزی در انقلاب اسلامی و در جنگ تحمیلی حفظ استقلال، تمامیت ارضی، منافع ملی و امنیت ملی پیشرفت‌های علمی، صنعتی و... مطرح شدن به عنوان ام‌القرای جهان اسلام و کانون مبارزه علیه استکبار جهانی و یک کشور مهم و تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای و جهان و...

در صورتی که پاسخ‌ها و استدلال‌ها شما برای آن جوان قانع‌کننده نبود، می‌توانید با معرفی یا در اختیار گذاشتن کتاب‌های مفید در این زمینه به تقویت بنیه علمی و نظری و حل شبهات کمک نمایید.

بعضی از کتب‌های مفید در این زمینه عبارت است از:

- ۱- امام خمینی ولایت فقیه، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- ۲- جوادی آملی، ولایت فقیه، نشر اسراء.
- ۳- نبی‌الله ابراهیم زاده آملی، حاکمیت دینی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ۴- مصباح یزدی، پرسشها و پاسخ‌ها، نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۵- عبدالحسین خسروپناه، جامعه مدنی و حاکمیت دینی انتشارات وثوق.
- ۶- محسن غرویان، پرسشهای فکری و دینی جوانان، نشر مؤسسه فرهنگی یمین.
- ۷- علی شیرازی، پاسخ به شبهات پیرامون ولایت فقیه، نشر دارالصادقین.
- ۸- کاظم قاضی زاده، اندیشه‌های فقهی سیاسی امام خمینی، مرکز تحقیقاتی استراتژیک ریاست جمهوری.
- ۹- احمد جهانی بزرگی اندیشه‌های

## علل بی رغبتی جوانان به اسلام و مسایل معنوی چیست ؟

### پرسش

علل بی رغبتی جوانان به اسلام و مسایل معنوی چیست ؟

### پاسخ

این که جوانان کشور به اسلام، مسائل معنوی بی رغبت شده اند، تعبیری درست و مطابق با واقع نیست و بحمداله جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشگاهی و... عملاً به اسلام و ظواهر دین پایبند هستند و آمار و ارقام نیز این موضوع را تأیید می کند. از طرفی مایه هایتشکیل دهنده هویت فرهنگی جامعه اسلامی ما، از استحکام و توانایی زیادی برخوردار است و جوانان کشور در برابر آسیب ها و خطرات فراوان در طول تاریخ حداقل در طول بیست و چند سال گذشته مقاومت کرده اند و هر موقع به فداکاری، ایثار و حضور آنان نیاز بوده، ارزش های دینی و اخلاقی دفاع کرده اند. لیکن باید توجه داشت که همواره آفاتی جوانان ما را تهدید می کند و گاهی انسان به سبب اختیاری که دارد، تحت تأثیر عوامل شیطانی مختلف، گاهی به این سو و آن سو کشیده می شود و شیطان های ظاهری و باطنی نیز همیشه و در طول تاریخ، به دنبال به انحراف کشاندن اهل ایمان بوده اند؛ ولی در عین حال می توان به بعضی عواملی که باعث کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی از جوانان به مسائل معنوی و ارزشی شده، اشاره کرد.

۱- گسترش تهاجم فرهنگی بیگانه،

۲- فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصه مطبوعات کشور،

۳- دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد،

۴- تلاقی با فرهنگ بیگانه در پرتو توسعه و تأثیر گذاری آن بر عناصر داخلی،

۵- جدی نگرفتن خطر تهاجم فرهنگی و عدم جدیت کافی در حفظ فرهنگ ناب اسلام محمدی از

سوی برخی از عناصر داخلی، حتی در سطح برخی از مسؤولیت های اجرایی و فرهنگی کشور.

}}

## چگونه می توان جوانان را نسبت به ولایت فقیه آشنا ساخت ؟

### پرسش

چگونه می توان جوانان را نسبت به ولایت فقیه آشنا ساخت ؟

### پاسخ

متأسفانه علی رغم این که بسیاری از ارزش ها و دستاوردهای انقلاب از پشتوانه های مستحکم و دقیق برخوردار می باشد، نسل اول انقلاب و به خصوص دستگاه های فرهنگی و... در انتقال این ارزش ها به نسل دوم انقلاب و حتی تعمیق این ارزش ها برای نسل اول انقلاب سهل انگاری و کم کاری هایی داشته اند که این خود به عواملی از قبیل:

۱- مشکلات پس از انقلاب مانند جنگ و توجه به مسائل اقتصادی و...

۲- جدید و نوبودن نظریه ولایت فقیه به شکلی که حضرت امام توانستند از آیات و روایات و ادله و منابع کلامی و فقهی استخراج نموده و آن را در جامعه اسلامی پیاده سازند.

بنابراین در سال های اول انقلاب طبیعی بود که از نظر علمی و فرهنگی انتشار و تعمیق این اندیشه سیاسی در جامعه با کندی پیش رود هر چند در مجامع علمی و فقهی مورد توجه و قبول علماء و اندیشمندان بود. اما در سال های اخیر تلاش های بسیاری صورت گرفته تا کتاب های مناسب و قابل فهم برای گروه ها و صنف های مختلف جامعه در خصوص این موضوع و حل شبهات آن نگاشته شده و در دسترس عموم قرار دارد. در هر صورت بهترین راه ها برای توجه جوانان به این مسائل:

اولاً؛ بازگو نمودن آثار و نتایج مثبت نظریه ولایت فقیه از قبیل پیروزی در انقلاب اسلامی و در جنگ، حفظ استقلال، تمامیت ارضی، منافع ملی و امنیت ملی، مطرح شدن به عنوان ام القرای جهان اسلام و کانون مبارزه علیه استکبار جهانی و... و همچنین بازگو نمودن وضعیت کشورهای مشابه ما که به دلیل فقدان نظام ولایت فقیه در بدترین اوضاع اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و...

بسر



ثانیا؛ معرفی کتاب های مختصر جذاب و مفیدی که در این زمینه نگاشته شده برای تقویت بنیه علمی و نظری و حل شبهات جوانان می باشد. نکته اساسی دیگری که در این زمینه راه گشاست بررسی ماهیت نظام سیاسی اسلام و تفاوت های بنیادین آن با دیگر نظام های سیاساست.

ضرورت وجود «ولایت فقیه» در نظام اسلامی بدون شناخت ماهیت حکومت دینی، لوازم و کار ویژه های آن در مقایسه با دیگر نظام های سیاسی سکولار (Secular)، لائیک (Laic) و بی اعتنا به دین امکان پذیر نیست. اکنون به اختصار پاره ای از تفاوت های بنیادین نظام های دینی و غیردینی را مرور می کنیم تا در پرتو آن بتوانیم پاسخ پرسش بالا را دریابیم.

۱ منشأ حاکمیت: رژیم های نامبتنی بر دین، اعم از مردم سالار (Democratic)، فردسالار (Monarchy)، الیگارش (Oligarchy) همچنین رژیم های فردگرای لیبرال (Liberal) و یا نظام های سوسیالیستی و کمونیستی همه و همه به یک معنا دولت های حداقلی (Minimal) هستند، هر چند این گونه نظام ها براساس میزان دخالت در آزادی های فردی به رژیم های حداقلی و حداکثری و تمامیت خواه (Totalital) تقسیم پذیرند، لیکن با توجه به این که اساسی ترین هدف آنها تأمین نیازمندی های دنیوی است و هدفی فراتر از آن در نظر ندارند، از این رو می توان همه آنها را دولت های حداقلی و یا تک منظوره (Monoplau) به حساب آورد. در مقابل نظام دینی هر دو عرصه حیات بشری را منظور می دارد و علاوه بر نیازمندی های این جهان، تأمین خیر و سعادت اخروی و جاودانی را نیز هدفگیری می کند.

۲ تفاوت در کار ویژه های دولت: وظایف و کارکردهای (Functions) نظام های غیردینی نیز متناسب با هدف آنها قلمرو محدودی دارد. یعنی اساسی ترین وظیفه آنها تأمین بهداشت، آموزش، امنیت، رفاه و توسعه (Development) مادی تأمین آزادی و یا عدالت اجتماعی است. در مقابل وظایف حکومت دینی گستره ی وسیع تری دارد، یعنی

علاوه بر لزوم ارایه خدمات بالا باید به برنامه ریزی صحیح و تلاش در جهت تربیت دینی و معنوی جامعه و ایجاد بستر مناسب جهت رشد و بالندگی فضایل و کمالات عالیه انسانی و گسترش تقوی همت گمارد و امور جامعه را همسو با تأمین سعادت پایان و فناپذیر هدایت و رهبری کند.

۳ تفاوت در روش ها و قوانین: روش های اجرایی نظام های سکولار و دینی در پاره ای از موارد تفاوت بنیادین دارد. تفاوت در اهداف و کار ویژه ها لاجرم در گزینش شیوه ها کارگر خواهد افتاد. در نظام های بی اعتنا به دینجستجوی اهداف مادی صرف عقلانیت ابزاری (Instrumental Reason) را عمده ترین مرجع تصمیم گیری قرار می دهد. تکیه اساسی بر خواسته های مادی و هواهای نفس اماره آدمی و میدان داری انحصاری خردابزاری در بسیاری از این رژیم ها تابدان جا پیش می رود که شعار «هدف وسیله را توجیه می کند» و صدرنشین هنجارهای معمول بین سیاستمداران می گردد. اما در حکومت دینی استفاده از روش های معارض با ارزش های والای اخلاقی کرامت الهی انسان و آنچه ویرانگر سعادت جاودانی بشر شناخته شود مجاز نیست، از همین رو خردابزاری در کادر هنجارهای الهی و احکام عقل کل نگر توحیدی فعالیت می کند.

در حکومت دینی تنها روش ها و قوانینی رسمیت دارد که از سوی خداوند جعل شده و یا لااقل با اصول و قواعد مورد قبول شارع سازگار باشد. از همین رو کارکرد عمده مجاری قانون گذاری در چنین نظامی کشف و استنباط قوانین الهی و یا تطبیق آنها بر مقتضیات و نیازمندی های زمان است.

۴ تفاوت در زمامداران و کارگزاران: رهبری هر جامعه ای متناسب با ارزش ها و آرمان های جامعه و اهداف اساسی حکومت در آن جامعه تعیین می شود. از این رو در نظام های لائیک و سکولار اگر شرایطی

پیش بینیشود چیزی افزون بر توانایی مدیریت کلان اجتماعی مورد توجه نیست. اما در نظام اسلامی شرایط بیشتری لازم است که اصول آنها عبارت است از:

(۱) صلاحیت علمی، که عمدتاً ناظر به درک نیازمندی های جامعه و نیز شناخت دقیق آموزه های فقهی و حقوقی اسلام در همه ابعاد و مسائل فردی و اجتماعی است. زیرا فرض آن است که آنچه در جامعه اسلامی ملاک عمل و قانون قرار می گیرد همان قوانین الهی است. بنابراین وجود رهبری که توانا بر استنباط احکام الهی در مسائل خرد و کلان اجتماعی بوده و بتواند در مسائل مختلف حکم دینی را کشف و به اجراء درآورد کاملاً ضروری می نماید.

ممکن است گفته شود مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان برای این امر کافی است. در حالی که چنین نیست، این مسأله علل متعددی دارد که پاره ای از آنها در مطالب بعدی آشکار خواهد شد.

(۲) صلاحیت اخلاقی، یعنی التزام و پای بندی جدی به هنجارها و ارزش های دینی و اخلاقی، پیراسته بودن از اوصاف رذیله، دوری از هواپرستی و خودخواهی و دنیاطلبی، که اصطلاحاً از آن به عدالت و تقوی تعبیر می کنیم.

رهبر یک جامعه اسلامی را شاید که فاقد ارزش های عالی اخلاقی باشد، زیرا چنین فردی هرگز نمی تواند کارکرد مثبت تربیتی و اخلاقی که از اهداف نظام اسلامی است داشته باشد. معمولاً انسان ها الگوپذیری شدیدی از اخلاق، سیره و منش زمامداران دارند، چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: الناس علی دین ملوکهم، (بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۷) بنابراین کسی که الگوی درستی برای جامعه نباشد نمی تواند در رأس نظام اسلامی قرار گیرد.

(۳) کفایت در مدیریت کلان اجتماعی، منش صحیح سیاسی و اجتماعی، شجاعت، تدبیر و هوشمندی، حد

اعلی و ایده آل این ویژگی ها را در شخص معصوم می توان یافت و در عصر غیبت به نیابت از امام معصوم (ع) کسی باید عهده دار زمامداری جامعه اسلامی باشد که حدنصاب لازم از ویژگی های پیش گفته را دارا باشد. کسی که صلاحیت علمی و اخلاقی و مدیریتی لازم برای اداره کلان جامعه براساس احکام و هنجارهای الهی را دارا باشند اصطلاحاً «ولی فقیه» می گویند. از این رو در قانون اساسی آمده است: اکنون اگر قرار باشد ولی فقیه در رأس نظام نباشد یکی از دو کار باید انجام گیرد:

۱/۳ رئیس جمهور دارای همه صلاحیت های لازم رهبری باشد. در این صورت همان ولایت فقیه را اعمال کرده ایم با این تفاوت که اولی فقیه رئیس قوه مجریه نیز قرار داده ایم. بنابراین نقش او را در امور اجرایی پررنگ تر کرده و در واقع به سمت یک نظام متمرکز (Centralized) حرکت کرده ایم.

۲/۳ ولی فقیه نقش مشاور برای رئیس قوه مجریه داشته باشد و در مسائل کلان حکومتی نظر او را راهنمایی کند. در این صورت دو فرض پدید می آید:

۱/۲/۳ یا اینکه رئیس جمهور موظف به اجرای منویات او است، در این صورت این همان ولایت فقیه است، زیرا او بر رئیس قوه مجریه ولایت دارد.

۲/۲/۳ رئیس جمهور موظف به پیروی از منویات او نباشد، در این صورت رعایت احکام الهی تضمین نشده و دیگر اسلامیت نظام از تضمین کافی برخوردار نخواهد بود. به همین ترتیب می توان افزون بر آن ولایت فقیه کارکردهای مهم دیگری نیز دارد، از جمله: ایجاد تعادل و هماهنگی بین قوا. این مسأله در نظام های مبتنی بر تفکیک قوا (Decentralized) همواره یکی از مهمترین معضلات بوده و عملاً موجب دخالت روزافزون قوه مجریه در دیگر قوا شده است، به طوری که

طرفداران لیبرالیسم جدید (Neo Liberalism) به برتری قوه مجریه گراییده اند. ولی فواید هماهنگی قوا در نظام جمهوری اسلامی خارج از سه قوه یعنی توسط ولی فقیه انجام می شود و بدینوسیله از برتری جویی قوه مجریه بر دیگر قوا جلوگیری می شود. لیکن رعایت اختصار ما را از بررسی و تفصیل آن معذور می دارد.

برای آگاهی بیشتر نک:

۱- فلسفه سیاست، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۲- لیبرالیسم در ایران، شهریار زرش

### علت فاصله گرفتن جوانان از ارزش های اسلامی چیست ؟ و راه حل آن کدام است ؟

#### پرسش

علت فاصله گرفتن جوانان از ارزش های اسلامی چیست ؟ و راه حل آن کدام است ؟

#### پاسخ

مشکل بی اعتنایی به ارزش های معنوی، ناشی از اراده و اختیار خود انسان است. خداوند می فرماید: انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا، (انسان، آیه ۳). متأسفانه بسیاری از افراد تحت تأثیر هوای نفس و پیروی از امیال و خواهش های نفسانی، راه ضلالت و گمراهی را بر می گزینند. قرآن در این زمینه فرموده است: لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم \* ثم رددناه اسفل سافلین، (تین، آیه ۴ و ۵). متأسفانه این عوامل، باعث فاصله گرفتن برخی جوانان از ارزش ها و مسائل معنوی و دوری آنان از روحانیان و مساجد شده است. هر چند مردم و جوانان تیز بین و آگاه ما همواره کمال ارادت را به شخصیت های روحانی مانند حضرت امام و مقام معظم رهبری و بسیاری از شخصیت های دیگر که هیچ گونه حقوقی از دولت دریافت نکرده و زندگی کاملاً ساده و در سطح خیلی پایینی داشته و همواره در خدمت انقلاب بوده اند، دارند. جدایی عده ای از جوانان از روحانیون ممکن است دلایل دیگری هم داشته باشد، از جمله:

۱. عملکرد و رفتار ناشایست گروهی از شاغلان در دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی باعث پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل آنان شده و موجب بدبینی به تمامی روحانیت گشته است.

۲. برخی از رفتارها و برخوردها ناصحیح و مخالف شرع در بیان احکام شرعی، موجبات بدبینی عده ای از افراد خصوصا جوانان را فراهم آورده است، حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب بارها خطر این گونه افراد را متذکر شده و در این خصوص می فرمایند:

«معنای توحید آن است که کسی که می خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه به لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد، این بلای بزرگی است»، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۳/۱۷).

۳. اختلافات جناحی و سلیقه ای در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جایگاه و منزلت روحانیت را پایین آورده است.

۴. حل نشدن بسیاری از مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (مانند اشتغال، مسکن و رفاه)، و عدم اجرای ارزش های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی، مبارزه با مظاهر فساد و...)، باعث شده که مردم این مشکلات را همواره از چشم روحانیت ببینند و انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از آنان داشته باشند.

مجموعه این عوامل باعث شده تا دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی با تهاجم فرهنگی، و درشت نمایی مشکلات، به القای اندیشه نسبی بودن ارزشها، جدایی دین از سیاست، ناکارآمدی مدیریت فقهی، اسلام منهای روحانیت پرداخته اند اما کارها و اقدامات انجام شده را می توانند دو بعد، مورد بررسی قرار داد.

الف) اقدامات نظری و اندیشه ای:

۱- تقویت و تثبیت ارزشهای اسلامی و ایمان مذهبی از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره بصورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و برگزاری جلسات روح بخش دعا و سخنرانی های مفید و پرمحتوی نماز جماعت در مؤسسات و ادارات برگزاری و گسترش برنامه روح بخش اعتکاف در سطح

شهرها خصوصا دانشگاهها بطوریکه هر سال با استقبال بیشتری روبرو بوده است.

۲- ایجاد و تقویت هویت جوانان از طریق شناخت استعدادها و تواناییهای بالقوه ای که دارند آشنا نمودن آنها با گذشته درخشان اسلامی و ملی خود و دستاوردهایی که در دوران انقلاب و بعد از آن داشته اند و آگاهی دادن نسبت به عقاید شوم دشمنان و خطرات ناشی از انحرافات اخلاقی و اعتیاد و بالا بردن درک و شناخت و قدرت تحلیل جوانان و شناساندن عوامل مشکلات اقتصادی و معضلات اجتماعی و جدا نمودن برخی افراد روحانی نما و متحجر از سایر روحانیون وارسته، دلسوز و متعهد.

۳- از آن جا که تهاجم فرهنگی بیشتر فکر و فرهنگ و اندیشه افراد یک جامعه را مورد هجوم خود قرار می دهد در این راستا مؤسسات و دستگاههای فرهنگی اقدامات بسیار شایسته ای را در جهت مصونیت بخشیدن و زدودن آثار مخرب فکری و فرهنگی تهاجم فرهنگی با استفاده از محققین و متفکران و صاحب نظران علوم انسانی انجام داده اند که به برخی از آنان اشاره می نماییم: به عنوان نمونه در سال ۱۳۷۷ تعداد ۳۶۰۹ عنوان کتاب در مورد دین و معارف اسلامی با تیراژی در حدود ۲۰۷۷۹۹۳۵ جلد و همچنین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم تاکنون بیش از هزار عنوان کتاب با تیراژ بالا در زمینه های مختلف فرهنگی و علوم اسلامی منتشر نموده است هم اکنون بیش از ۱۸۰ مؤسسه در سطح قم در زمینه های تحقیقاتی اطلاع رسانی و... با همکاری محققین زبده فعال می باشد. نتایج و دستاوردهای بسیار چشمگیر و مثبتی رابه دنبال داشته اند و در ارائه معارف دینی و اندیشه های اسلامی از پیشرفته ترین تکنولوژی های پیشرفته و با جدیدترین شیوه استفاده می شود

سعی شده با استفاده از اینترنت مجموعه آثار فرهنگی اسلامی را به این شبکه جهانی منتقل نموده و راه آشنایی ملت های دیگر را با فرهنگاسلامی فراهم سازند تا اوائل سال ۷۹ تعداد ۱۵ سایت (پایگاه) جهانی به وسیله شیعیان و ۱۳ سایت توسط اهل سنت ایجاد شده است (به نقل از مجله نگاه حوزه شماره ۶۲، ۵۹ ص ۱۵۱).

یکی از ملموس ترین اثرات و پیامدهای این اقدامات فکری و اندیشه ای ناکارآمدی تهاجم فرهنگی دشمن برای القاء شبهه در خصوص ناکارآمدی دین در اداره جامعه و تئوری حکومت دینی و تلاش در جهت سکولار کردن و لائیک نمودن جامعه دینی ایران بود چنانکه شاهد هستیم به خاطر ارائه پاسخهای دقیق علمی و مستدل در این زمینه ها عناصر شبهه افکن مانند سالهای قبل دیگر مجال و عرصه ای برای جولان دادن نمی یابند و در واقع در مهمترین رکن تهاجم فرهنگی دشمن دچار شکست شده است و این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق افرادجامعه ما همه خواهان اجرا و تحقق حکومت عدل علوی و عمل شدن به ارزش ها و احکام اسلامی می باشد و انتقادهایی نیز که به مؤلین ایراد می نمایند در این خصوص می باشد که این خود یکی از آثار مثبت نامگذاری سال ۷۹ به نام سال علی(ع) و سال ۸۰ به نام رفتار علوی(ع) که بواسطه معرفی شیوه ها و ارزشهای حکومتی امام علی(ع) که از طریق مقالات و کتابهای متعددی که در این زمینه ارائه شد می باشد.

۴- تهیه برنامه های جذاب مفید و سالم و تفریحی از طریق دستگاههای فرهنگی و صدا و سیما به عنوان نمونه رادیو جوان با برنامه های جذاب و متنوع به صورت سراسری در



سال ۷۷ در حدود ۷۶۱۶ ساعت برنامه داشته که از مجموع آن ۱۷۰۱ ساعت فرهنگی و ۱۲۳۸ ساعت معارف اسلامی و ۸۵۹ ساعت اجتماعی بوده است در همان سال مجموعه شبکه های اول و دوم و سوم و چهارم و شبکه تهران و مراکز شهرستانها ۳۸۵۹ ساعت فرهنگی ۲۹۸۰ ساعت معارف اسلامی و ۷۱۵۳ ساعت اجتماعی و شبکه های سحر و جام جم ۳۸۶ ساعت برنامه های فرهنگی ۵۸۷ ساعت برنامه های اجتماعی و ۲۸۳ ساعت معارف اسلامی داشته اند. (منبع گزارش فرهنگی کشور ۱۳۷۷ مرکز آمار و برنامه ریزی پژوهش های فرهنگی و هنری).

ب) اقدامات عملی:

۱- برخورد قانونی با عوامل داخلی دشمن از قبیل روزنامه ها و گروه های معاند و شبهه افکن.

۲- تقویت نیروهای نظامی و انتظامی از نظر کمی و کیفی در مقابله با باندهای فساد و اشراری که در صدد ایجاد ناامنی در مناطق مرزی کشور بوده و سعی در گسترش اعتیاد و بزهکاری در میان جوانان در راستای اهداف شوم تهاجم فرهنگی داشته اند که در این زمینه نیروی انتظامی بیش از سه هزار شهید تقدیم انقلاب می نماید که این خود نشانگر عزم نظام در مقابله با مظاهر و ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی می باشد.

۳- از آن جا که فقر و مشکلات اقتصادی و اجتماعی از زمینه های مهم در تأثیرگذاری تهاجم فرهنگی می باشد برنامه ریزی های گسترده ای در جهت حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم خصوصا قشر جوان از قبیل (اشتغال، مسکن، ازدواج و...) انجام شده و یا در دست اقدام می باشد.

۴- مبارزه با مفسد اداری و مالی و برخورد قاطع با متخلفان که در این راستا فرمان مبارزه با فساد مقام معظم رهبری به سران سه قوه در تاریخ ۱۰/۲/۱۳۸۰

صادر شد.

۵- برگزاری مسابقات حفظ و قرائت قرآن مجید و نهج البلاغه و اردوهای سیاحتی، زیارتی و تفریحی خصوصاً در ایام تعطیل و عید به مناطق جنگی که با استقبال میلیونی جوانان و دانشجویان هر ساله روبرو بوده و در انتقال ارزشهای اسلامی و انقلابی به قشر جوان تأثیر زیادی داشته. در پایان ذکر این نکته لازم است که اقدامات فوق به معنای عدم آسیب پذیری افراد جامعه از تهاجم فرهنگی نمی باشد زیرا قطعاً تهاجم فرهنگی توانسته است برخی آسیب های اجتماعی و فرهنگی را به کشور ما وارد کند همچنانکه متأسفانه ما شاهد تقلید برخی از جوانانکشورمان از الگوهای فرهنگ غرب در قالب گروههای موسوم به رپ و هوی متال و.. می باشیم اما در مقابل ارزیابی و قضاوت باید با دیدی کلان مسأله را مورد بررسی قرار داد لذا اولاً باید این قبیل معضلات و ناهنجاری ها را با اهداف دشمن (شکست نظام اسلامی و دور نمودن جامعه از دین) و بودجه ها و اقدامات وسیع نرم افزاری و سخت افزاری او سنجید. ثانیاً، نقاط مثبت و خیلی عظیم جوانان پاک و با تقوی را دید که در مقابل این طوفان سهمگین تهاجم فرهنگی پایدار و مقاوم مانده اند ثالثاً حمایت مردم از نظام جمهوری اسلامی ایرا

### چه راهکارهای برای رفع مشکلات فرهنگی دانشگاهها متناسب است ؟

#### پرسش

چه راهکارهای برای رفع مشکلات فرهنگی دانشگاهها متناسب است ؟

#### پاسخ

مجموعه راه کارهای فرهنگی در دانشگاه ها و بیرون از آن را می توان در دو بعد نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. در این زمینه راه کارهایی چند پیشنهاد می شود.

الف) راه کارهای نظری و اندیشه ای

۱. شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران. در این زمینه لازم است پایه های فهم دینی بر اساس تعیین بوده و با نفوذ شک و ترویج شک گرای، مبارزه شود. بهترین راه برای مبارزه با این مسأله آن است که شناخت خود و دیگران را از باورها و ارزش های دینی، فزون سازیم و به تعیین منطقی دست یابیم. مثلاً در زمینه عقاید، یک سلسله باورهای درست و تعیینی را به دیگران عرضه و برای آنها روشن و ثابت کنیم (هستی شناسی). در زمینه ارزشی ها، وجود یک سلسله ارزش های ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بیپایه کسانی که ارزش ها را امور اعتباری و نیاز پرورده می دانند، آشکار سازیم، (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق).

هم چنین در برابر کسانی که می کوشند از میزان پای بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و امور گناه و حرام خوب جلوه داده، تقید به مسائل شرعی را تضعیف کنند، ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسائل شرعی سوق دهیم.

از همه مهم تر این که برابر کسانی که اصل وجود یقین را یک ضد ارزشی تلقی می کنند و از شکاکیت و نیت در معرفت تبلیغ می کنند، امکان معرفت یقینی را ثابت کنیم و از این رهگذر «عقاید دینی و ارزش های اسلامی را از یک پشتوانه معرفت شناختی برخوردار سازیم.

۲. تقویت و تثبیت هویت مذهبی و

ملی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار اسلامی و دانشمندان نامی و نیز دستاوردهای مهم و با ارزشی تشکیل جمهوری اسلامی و...

۳. تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی و ایمان مذهبی از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ به مشاوره به صورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و ... .

ب. راه کارها و اقدامات عملی:

۱. برگزاری اردوها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و تدارک برنامه های جاذبه دار مفید و سالم به وسیله تشکلات فرهنگی موجود در دانشگاهها یا گروهی از دانشجویان؛

۲. راه اندازی مرکزی برای رسیدن و حل مشکلات روحی، اقتصادی و مالی دانشجویان، فراهم نمودن زمینه های ازدواج دانشجویی و...؛

۳. برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت، دعا، مراسم مذهبی (مانند اعتکاف) و...؛

۴. تهیه نشریات داخلی حاوی مطالب مفید و جذاب، ارائه فیلم های خوب و مفید و ... .

اما در پاسخ قسمت دوم سؤال باید گفت که: هدف از تأسیس و راه اندازی این مرکز، ارائه راهکارهای فرهنگی در جهت مقابله با مشکلات فرهنگی موجود در دانشگاه ها است. مجموعه اقدامات و وظایف این مرکز، عبارت است از برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره به صورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی، اجتماعی، سیاسی و... اعزام مبلغان و روحانیون فاضل و اندیشمند به دانشگاه ها، برگزاری اردوهای تفریحی، علمی و زیارتی، تهیه و تکثیر جزوات و مجلات مختلف و گوناگون، ارائه خدمات سمعی و بصری و... گفتنی است که دفاتر نمایندگی ولی فقیه مستقر در دانشگاه ها، آماده استقبال و ارائه کمک های مختلف در زمینه های یاد شده در حد توان و امکانات می باشند. }]

**برای رواج بیشتر مسائل دینی در بین دانشجویان چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟**

**پرسش**

برای رواج بیشتر مسائل دینی در بین دانشجویان چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

**پاسخ**

باید عنایت داشته باشیم که تمام فعالیت های فردی و اجتماعی یک دانشجوی باید بر محور دانش اندوزی دور بزند و هر عملی که چنین ثمره ای را در پی ندارد باید رها کنید و آنگونه که از نام دانشجوی پیداست همیشه در پی دانش است و جویای علم می باشد، لذا به برگزارکنفرانس های علمی، ارائه برنامه های معرفتی، برگزاری اردوهای علمی و تهیه مقالات علمی همت

بگمارید و این کار را از یک جمع چند نفره متعهد و پای بند و دقیق می توان آغاز کرد و به گروه های بزرگتر گسترش داد. همانگونه که خود می دانید در کنار علم اندوزی، تقوا و برخورداری از سرمایه زهد و اخلاق نیکو و پاکی نیز برای یک دانشجو ضروری است که علم بدون تقوا جز ضرر و آسیب پیامدی ندارد، لذا در تهذیب نفس نیز باید بکوشید و پایه پای علم اندوزی به سوی پاکی و طهارت دل خود نیز اهمیت بدهید و در اجتماع دانشجویی نیز این گونه فعالیت هاییکه دانشجویان را به این سو [دین داری و تقوا] دعوت می کند و باعث افزونی سطح دین داری و زهدورزی آنها می گردد برگزار کنید. مانند مراسم مذهبی، نماز جماعت در اول وقت و با حضور قلب، روزه های مستحبی گروهی، قرائت قرآن، برپایی مراسم دعای ندبه، کمیل و حتی وقتیجهت مناجات گروهی با خداوند و باز کردن دریچه دل به سوی منبع فیض لایزال الهی و...

پس باید در تمام صحنه های فردی و گروهی باید در پی علم اندوزی و تحصیل طهارت باطن بود و رفتارهایی که شما را به این سوی می خواند و این گونه پیامدهایی دارد را انجام دهید. }]

### برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم؟

#### پرسش

برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم؟

#### پاسخ

برای انجام امور دینی توجه به راهکارهای زیر ضروری است:

۱- اعتقاد به این که تنها راه سعادت مند شدن عمل به احکام دینی و تقویت ایمان است.

۲- سعی کنید با ایجاد ارتباط با دوستانی مؤمن و جداشدن از دوستان ناباب (در صورتی که با چنین افرادی ارتباط دارید) زمینه انجام احکام الهی را در خود تقویت کنید.

۳- سعی کنید برای انجام امور عبادی و دینی بیشتر به مراکز مذهبی مثل مسجد، حسینیه ها و... بروید.

۴- در انجام کارهای عبادی سعی کن افراط و زیاده روی نکنید سعی نمایید ابتدا به انجام واجبات و ترک محرمات اکتفا کنید.

۵- کارهایی که واجب است انجام دهید و همچنین کارهایی که انجام آن حرام است فهرست کنید و هر روز آن فهرست را مرور کنید..

۶- سعی کنید مشغول هر کاری که هستید هنگام نماز دست از کار بردارید و نماز را در اول وقت انجام دهید.

۷- با خودتان شرط کنید که اگر واجبی را ترک کردم یا به موقع انجام ندادم مقداری پول باید به عنوان جریمه صدقه بدهم یا

یک روز روزه بگیرم.

۸- هر گاه موفق شدید وظیفه دینی خود را انجام دهید سر به سجده شکر بگذارید و از خداوند تشکر کنید که توفیق انجام تکلیف را به شما عطا کرده و از او بخواهید که همیشه خداوند توفیق انجام وظیفه را به شما عطا کند.

۹- به خودتان تلقین کنید که می توانم در انجام وظایف دینی ام موفق شوم.

۱۰- اگر گهگاهی موفق نشدید مأیوس نشوید دوباره اقدام

کنید.

اما این که فرمودید چگونه همه را از خودم راضی کنم البته اینکه انسان بتواند به گونه ای رفتار کند که جلب توجه دیگران شود و دیگران از او راضی باشند بسیار خوب است ولی واقعیت اینست که ما نمی توانیم همه افراد را از خودمان راضی کنیم بنابراین بهترین راه اینست که سعی کنیم خداوند را از خودمان راضی کنیم و هیچ گاه رضایت دیگران را بر رضایت خداوند ترجیح ندهیم ممکن است بعضی افراد از ما راضی شوند که ما مرتکب گناه شویم یا اینکه واجبات دینی را انجام ندهیم و اگر خدای ناکرده ما چنین افرادی را راضی کنیم به قیمت خشم و غضب الهی به ما تمام خواهد شد و چنین کاری هرگز شایسته نیست اما در عین حال انجام راهکارهای در جلب علاقه دیگران به شما مؤثر است:

۱- در مقابل دیگران متواضع باشید و به آنها احترام بگذارید.

۲- در سلام کردن سعی کنید زودتر سلام کنید.

۳- اگر مشکلی برای آنها پیش آمد به آنها کمک کنید و در صورت عدم توانایی حداقل ابراز همدردی کنید.

۴- از خطای دیگران چشم پوشی کنید و آنها را ببخشید.

۵- اگر توانایی دارید هدیه ای ولو کوچک برای آنها تهیه کنید.

۶- با دیگران با گشاده رویی برخورد کنید.

۷- از برخوردهای تند و عصبی اجتناب کنید.

۸- نسبت به دیگران دلسوز و مهربان باشید.

۹- در کارهای اجتماعی و همچنین کارهای منزل مشارکت داشته باشید.

۱۰- از تکبر و دوری از دیگران و همچنین از گوشه گیری و انزواطلبی جدا پرهیز کنید. }]

**با توجه به شرایط دانشگاه برای احیاء نماز جماعت در سطح دانشکده چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟**

**پرسش**

با توجه به شرایط دانشگاه برای احیاء نماز جماعت در سطح دانشکده

چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

## پاسخ

چاره کار در افزایش انگیزه و ارتقاء سطح انگیزش است تا شما را به انجام آنچه می خواهید سوق دهد انگیزش نیز از طرق مختلف ارتقاء می یابد که یکی از بهترین روشها افزایش سطح آگاهی و اطلاع است. لذا برای افزایش سطح انگیزش خود نسبت به نماز جماعت لازم است ابتدا به اهمیت، نقش و تأثیر مثبت نماز جماعت در زندگی بیشتر آگاهی پیدا کنید و از سوی دیگر علم و آگاهی خود را نسبت به تأثیر ترک نماز جماعت افزایش دهید اگر شما بدانید که نماز جماعت چه تأثیرهای در زندگی دنیوی و اخروی شما دارد و قبل از آن توجه کنید که ارزش قائل شدن برای نماز جماعت نوعی اهتمام به نظر خداوند و جلب رضایت اوست دیگر هرگز رضایت خود و دیگران را بر رضایت خداوند مقدم نمی دارید و برای پرهیز از خجالت و خود را شرمنده نساختن! دستور خدا را رها نمی کنید. اگر خدای ناکرده روزی مادرتان مریض شود و در این بیماری احتمال از دست دادن او می رود و از طرف دیگر نجات او اقتضاء می کرد که در بین صف جماعت به مردم التماس دعا بگوئید آیا باز هم به بهانه خجالت کشیدن مادرتان را تسلیم مرگ می سازید؟ نه هرگز، نه، چون نجات مادرتان از هر چیزی برای شما مهم تر است. حال در اینجا هم اگر اطاعت از خداوند و عمل به آنچه او دوست دارد، عمل مستحبی می تواند برای شما از همه چیز اهمیت بیشتری داشته باشد و به هیچ قیمتی حاضر به ترک آن نیستید و نمی شوید. اشکال اساسی اینجاست که ما هنوز به اهمیت و تأثیر



اینگونه اعمال عبادی درسرنوشت و سعادت انسانها پی نبرده ایم و چون آنها را کم اهمیّت می بینیم و می پنداریم به آنها اولویت نداده و اهتمام جدی نسبت به آنها نداریم و به اموری که آنها را مهم می شماریم مانند کار، مطالعه، بازی و... سرگرم می شویم. و لذا نماز اول وقت را به آخرین فرصت ها حواله داده و بهکار خود ادامه می دهیم. برای آشنایی بیشتر خوب است به مطالعه کتاب های زیر پردازید تا بیشتر به تأثیر نماز و نماز جماعت و نماز اول وقت آگاه شده و آنگاه به آن اهتمام بیشتر بورزید:

۱- صلاه الخاشعین، نوشته شهید دستغیب

۲- ترجمه آداب الصلاه، نوشته حضرت امام خمینی {J}

### بینش دانشجویی نسبت به مسائل سیاسی و فرهنگی را چگونه بالا ببریم ؟

#### پرسش

بینش دانشجویی نسبت به مسائل سیاسی و فرهنگی را چگونه بالا ببریم ؟

#### پاسخ

مشارکت سیاسی و تحلیل سیاسی یک حق طبیعی است و از دگر سو مشارکت در امور سیاسی بدون داشتن بینش و آگاهی های سیاسی لازم تحلیل قضایا و بدون تفسیر و تأویل رفتار شخصیت ها، رفتار دولت و گروه ها (حزب)، امری غیر محتمل یا حداکثر سمبلیک است بنابراین موضوعات سیاسی باید با متدولوژی علم سیاست مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند نه با نظر شخصی و تحلیل حوادث سیاسی بدون داشتن علم سیاست و آگاهی سیاسی نازا و عقیم است و لذا در حیطه معرفت سیاسی اگر اطلاعاتی در چهار حوزه سیاسی داشته باشیم و کُتب مربوط به آنها را مطالعه کنیم می توانیم اظهار نظر درستی ارائه دهیم.

قبل از ورود به بحث و معرفی کتب مربوطه چند مسأله باعث رشد سیاسی و آگاهی سیاسی دانشجویان می شود عبارتند از:

۱- برگزاری جلسات علمی و دعوت از صاحب نظران برای دیدگاه های علمی در هر زمینه،

۲- ایجاد خانه مطبوعات در محیط دانشجویی،

۳- برگزاری میزگردهای سیاسی، علمی، فرهنگی از سوی دانشجویان،

۴- فعال کردن تابلوهای اطلاع رسانی از خبرهای علمی و سیاسی،

۵- ایجاد تریبون آزاد برای دانشجویان،

۶- مطالعه کُتب و مجلات سیاسی،

۷- مطالعه نظرات شخصیت های سیاسی و احزاب و گروه ها.

در حیطه معرفت سیاسی شناخت چهار حوزه و تفکیک آنها مهم به نظر می رسد:

۱- حوزه علم سیاست: مجموعه ای از تئوری ها، فرضیه ها و قضایای اثبات پذیر و ابطال شدنی است و تعداد کتاب هایی که تحت عنوان علم سیاست منتشر شده کم نیست و شاید به دو علت چنین است یکی آن که بیشتر کتاب ها یک محتوا دارند ولی چون با عبارات و مثال های گوناگون بیان

می شوند بوی تازگی می دهند و دیگر این که کم نیستند افرادی که بین علم سیاست و موضوعات سیاسی تفاوتی قائل نیستند لذا بسیاری از کتاب ها در عنوان، علم سیاست است و در متن، موضوعات سیاسی را نه با روش علم سیاست، که با تحلیل های شخصی به بحث گذارده اند.

۲- حوزه علم به حوادث سیاسی: این حوزه از سویی کل تاریخ سیاسی را در برمی گیرد که آزمایشگاه علم سیاست نیز هست و از دگر سو پیش بینی حوادث سیاسی نیز در این حوزه است البته بین علم به صدق حوادث گذشته، با علم به وقوع حوادث آتی تفاوتی ماهوی وجود دارد. زیرا علم به حوادث گذشته از متدولوژی علم تاریخ پیروی می کند و پیش بینی حوادث آتی نیازمند تلفیق چند علم و فن و هنر است و همواره مشروط می باشد لذا بیشتر معرفتی شخصی تلقی می شود.

۳- حوزه تحلیل سیاسی: در این که تحلیل سیاسی یک علم است یا فن یا هنر یا تلفیقی از اینها هنوز جای بحث دارد اما در این حوزه همگان برای خود حق اظهار نظر قائلند. تحلیل سیاسی یک حق طبیعی برای همه افراد جامعه است و کسی را نمی توان منع نمود که در مورد مسائل جامعه و مسائل سیاسی تحلیل نکند زیرا رشد و توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر کشوری با مشارکت فعال همه اقشار در امور سیاسی صورت می گیرد. درست است که هر کی تحلیل سیاسی داشت عالم علم سیاست نیست اما معرفت سیاسی دارد و معرفت سیاسی و مشارکت سیاسی هم بدون تحلیل قضایا و بدون تغییر و تأویل شخصیت هایی که در امور سیاسی مؤثرند و هم چنین رفتار دولت و احزاب و گروه های سیاسی

امری غیر محتمل است.

۴- حوزه آراء و اندیشه های سیاسی: کسی را نمی توان یافت که در مسائل سیاسی اظهار نظر کند و دارای آراء و نظرات سیاسی نباشد. آراء سیاسی در جامعه قوام می گیرد و خاستگاه رسیدن به نظرات سیاسی تنها از علم سیاست نشأت نمی گیرد بلکه ده ها عامل دیگر از قبیل جهان بینی، ایدئولوژی، موقعیت شغلی، رفاقت ها، جنسیت، سن، علاقه به شخصیت های سیاسی، نوع مطالعات، وضعیت اقتصادی و... همگی دخیلند تا نظرات و آراء سیاسی افراد را شکل دهند و بین آرای سیاسی و اندیشه سیاسیفرق است. کسی که دارای آرای سیاسی است وقتی می رود آرای خود را نیز با خود می برد اما کسی که دارای اندیشه سیاسی است وقتی که نیست اندیشه هایش می ماند و اگر چه گاه کم رنگ می بازد، اما گاه نیز اندیشه اش رنگین تر از قبل جلوه می کند.

حال با توجه به مقدمات فوق، می پردازیم به چگونگی دستیابی به بینش و تحلیل سیاسی صحیح. در این زمینه می توان چنین گفت که اصولاً تحلیل سیاسی در ادبیات سیاسی عبارت است از تجزیه پدیده به اجزای تشکیل دهنده، شناخت اجزا و ارتباط آن ها با یک دیگر و شناسایی کلیت پدیده مورد بررسی باید مشاهده، بررسی و شناخت کامل اجزا به دقت انجام شود و تأثیرات هر یک بر سایر اجزا شناخته شود. هر تحلیل سیاسی از چهار مرحله تشکیل یافته است:

۱. جمع آوری اطلاعات و اخبار: هر تحلیل گر بیش از هر چیز و پیش از هر عملی نیازمند اطلاعات و آگاهی های لازم از موضوع مورد بررسی است. همه اطلاعات و منابع ارزشی یکسان ندارند، (ر.ک: دکتر عزت الله نادری و دکتر مریمسیف نراقی، روش های تحقیق در علوم انسانی).

۲. تعیین هدف: تعیین

هدف و محدود کردن بررسی ابعاد پدیده، موجب به نتیجه رسیدن تحلیل می شود. پس از تعیین هدف و ابعاد آن سؤال های مناسبی درباره موضوع مورد نظر می بایست طرح می شود و به دنبال پاسخ آن ها وارد مرحله بعدی می شود.

۳. انتخاب روش: شناخت و تحلیل پدیده های سیاسی اجتماعی از یک راه مشخص به دست نمی آید؛ زیرا موضوعات بنابر ماهیت و محتوای آن ها، شیوه های متفاوتی را می طلبد. مثلاً برای شناخت علل تورّم، نمی توان به شیوه شناخت علل نابسامانی های ترافیک عمل کرد. انتخاب روشی نامناسب، موجب تحلیل غیر واقعی و نتیجه گیری غلط می شود.

۴. جمع بندی: جمع بندی باید به گونه ای باشد که ضمن بیان خلاصه مراحل طی شده، نتیجه گیری لازم را داشته باشد و تصویری همه جانبه از موضوع مورد بررسی نشان دهد. تحلیل های یک جانبه تک بُعدی، معمولاً واقع بینانه نیست و نمی تواند پاسخ گوی سؤالات و ابهامات باشد و نمی تواند مقدمه و راهنمای مناسبی برای موضع گیری های سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

یک تحلیل گر خوب، باید دارای ویژگی هایی باشد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱. واقع بینی؛ تحلیل گر باید به دور از اغراض شخصی، پیش داوری ها و دخالت تمایلات خود، با واقع بینی به تحقیق پردازد. قوی ترین عاملی که انسان را از خطاها و لغزش ها باز می دارد و او را به سمت واقع بینی هدایت می نماید، تقواست. قرآن کریم می فرماید: یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله يجعل لکم فرقاناً ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر تقوای الهی پیشه کنید، خداوند برای شما قدرت تشخیص حق و باطل می دهد {M}، (سوره انفال، آیه ۲۹). و نیز می فرماید: واتقوا الله و يعلمکم الله تقوای خدا را پیشه و روش خود قرار دهید، چه خداوند شما را تعلیم و

۲. اجتناب از ظن: باید توجه داشت که هر گونه شناخت، تحلیل، جمع بندی و موضعگیری هر تحلیلی باید مبتنی بر علم، مستند و مستدل باشد. نمی توان ظن را پایه تحلیل قرار داد. خداوند می فرماید: ان الظن لا یعنی من الحقیثین، (یونس، آیه ۳۶).

۳. عدم تبعیت از هوای نفس: عامل بسیاری از انحراف ها و خطاها، بی توجهی به واقعیتها، تبعیت از امیال و هواهای نفسانی و خود محوری است.

۴. عدم تبعیت کورکورانه: مطالب رسانه های استکباری، حتی تحلیل های داخلی، باید به دقت بررسی شود. یک تحلیل گر باید فارغ از طیف های رسانه ای، بر اساس اسناد و مدارک و واقعیت های موجود به بررسی پدیده های سیاسی بپردازد.

اگر کسی توان و قدرت تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی را به صورت دقیق و مستدل دارد، طی مراحل فوق و داشتن ویژگی های تحلیل گری، می تواند ارائه تحلیل سیاسی نماید؛ اما اگر چنین توانی ندارد، یا امکانات لازم و اطلاعات کافی در اختیار نیست، باید به منابعمراجعه کند که دارای این ویژگی ها باشند. باید از تحلیل های دشمنان خارجی و داخلی که از طریق امواج رادیویی و برخی مطبوعات اقدام به تحریف حقایق و وارونه جلوه دادن واقعیت ها می کنند، پرهیز شود، (ر.ک: فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد - آنتاتومی جامع، نیز جواد منصوری، شناخت و تحلیل سیاسی)

۵. به کارگیری اصول مکتبی: در تحلیل حوادث و وقایع باید اصول و ارزش های دینی را ملاک قرار داد و در تمامی مراحل تحلیل و نتیجه گیری در نظر داشت. (ر.ک: شیوه های تعمیق بینش سیاسی، سید عبدالقیوم سجادی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲).

در پایان منابع ذیل و منابع دیگری از این قبیل را برای بالا رفتن

سطح معلومات و اطلاعات سیاسی دانشجویان پیشنهاد می گردد.

اندیشه سیاسی غرب:

- خداوندان اندیشه سیاسی مایکل فاستر، ترجمه: جواد شیخ الاسلامی

- تاریخ نظریات سیاسی جرج ساباین، ترجمه: بهاءالدین بازارگاد

- بنیاد فلسفه سیاسی در غرب حمید عنایت

- تاریخ تمدن آریل دورانت - ویلیام همیز دورانت، ترجمه: اسماعیل دولت شاهی

- تاریخ تمدن ویل دورانت (۵ جلدی)، ترجمه: صفدر تقی زاده و صارمی

اندیشه سیاسی در قرن بیستم:

- فلسفه های معاصر، علی ترابی

- سیر تفکر عصر جدید در اروپا، علیرضا رحیمی

- فهم نظریه های سیاسی، توماس اسپریگن، ترجمه: فرهنگ رجایی

- جهان در قرن بیستم، لوئیس انسایدر، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی

- فلسفه نوین تاریخ، آرنولد تاین بی، ترجمه: بازارگاد

- استعمار نو، محمد تقی برومند

- استعمار نو و ثبات سیاسی، همایون الهی

- تئوری های امپریالیسم، ولفگانگ موسن، ترجمه: کوروش زعیم

- امپریالیسم و عقب ماندگی، همایون الهی

- سیمای جهل در غرب، محمد قطب

اندیشه های سیاسی در اسلام:

- ولایت فقیه، امام خمینی (ره)

- ولایت فقیه ، آیت الله جوادی آملی

- ولایت فقیه ، عبدالحسین خسروپناه

- اندیشه های بنیادی اسلام ، محمد حسین طباطبائی

- اسلام شناسی ، علی شریعتی

- اسلام شناسی ، محمد قطب

- شش گفتار درباره دین و جامعه ، حمید عنایت

- تاریخ هانری کوربن ، کوربن

- برنامه اسلامی ، ابوالاعلی مودودی ، ترجمه : سعیدی

- حکومت در اسلام ، سید محمد حسین بهشتی

- مقدمه ابن خلدون ، ابن خلدون

- فلسفه مدنی فارابی ، رضا داوری

- سیاست و غزالی ، هانرر لاتوست ، ترجمه



: مهدی مظفری

اندیشه سیاسی اسلام در قرن بیستم :

- اسلام و فرهنگ قرن بیستم ، موسی صدر، ترجمه : علی حجتی کرمانی

- اسلام و تمدن غرب ، ابوالاعلی مودودی ، ترجمه : ابراهیم امینی

- سهم اسلام در تمدن جهان ، محمد حسن صاحب الزمانی

- جاهلیت در قرن بیستم ، محمد قطب

- شناخت استکبار جهانی ، جواد منصوری

احیای اندیشه سیاسی اسلام:

- احیای فکر دینی در اسلام ، محمد اقبال لاهوری ، ترجمه : احمد آرام

- اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید نهایت ، ترجمه : خرمشاهی

- احیای تفکر اسلامی ، مرتضی مطهری

- فلسفه و اندیشه های اسلامی اقبال ، غلامرضا سعیدی

- فلسفه و هدف زندگی ، محمد تقی جعفری

- نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری

اندیشه سیاسی در دوره مشروطیت :

- مقدمه فکری نهضت مشروطیت ، علی اکبر ولایتی

- نقش روحانیت پیشرو در بینش مشروطیت ، حامد الگار

- تشیع و مشروطیت ، عبدالهادی حائری

اندیشه سیاسی در انقلاب اسلامی :

- ولایت فقیه، امام خمینی (ره)

- بررسی فشرده ای پیرامون طرح حکومت اسلامی، ناصر مکارم شیرازی

- انقلاب یا بعثت جدید، هاشمی رفسنجانی

- ایران انقلاب بنام خدا، کلر بریر و پیر بلانشهر، ترجمه : صنعوی

کتب عمومی برای حوزه های دیگر:

- از دنیای شهر تا شهر دنیا محمد خاتمی

- اصول علم سیاست موريس دورژه

- اندیشه های سیاسی چنگیز پهلوان

- بنیادهای علم سیاست عبدالرحمن عالم

- تجزیه و تحلیل جدید سیاست آلن رابرت دال

- تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان فرهنگ رجائی جمهور افلاطون

- درسهای

سیاسی از نهج البلاغه محمد تقی رهبر

- روح القوانین شارل متسکیو

- زوال اندیشه سیاسی در ایران جواد طباطبائی

- سیاست به مثابه علم ویلفریت رودیش

- شناخت و تحلیل سیاسی جواد منصورى

- فرهنگ اصطلاحات سیاسی جمال برکات

- فرهنگ جامع سیاسی محمود طلوعی

- فهم نظریه های سیاسی تامس اسپریکنز

- قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو

- مبانی روش تحلیل سیاسی اسدالله بادامچیان

- مبانی سیاست عبدالحمید ابوالحمد

- متد تحلیل پدیده های سیاسی موسی میر مدرس

- مکتب ها و احزاب سیاسی فرشید

- نظام سیاسی در مکاتب غرب - شرق - اسلام علی حائری

- نظریه های نظام سیاسی (تحلیل سیاسی) تئودور ویلیام بلوم

- نوسازی و دگرگونی سیاسی حسین سیف زاده

مجله های سیاسی :

- نقد و نظردفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

- فصلنامه مطالعات راهبردی پژوهشکده مطالعات راهبردی

- کتاب نقدفصلنامه انتقادی , فرهنگی , فلسفی اندیشه

- فصلنامه فرهنگی - سیاسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- فصلنامه حوزه و دانشگاه دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
- ماهنامه گام چهارم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه شهید بهشتی
- بولتن اندیشه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها
- ماهنامه اسلام و غرب مجلس و پژوهش مجلس شورای اسلامی ایران
- حکومت اسلامی دبیرخانه مجلس خبرگان
- مشکوه دانشگاه امام صادق (ع)
- ۱۵ خرداد مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران
- فصلنامه یادبنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران
- نمایه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- پژوهشنامه متین پژوهشگاه امام خمینی (ره)
- اطلاعات سیاسی مؤسسه اطلاعات
- مجله سیاست خارجی فصلنامه علوم سیاسی آموزش عالی باقرالعلوم

(ع) قم - دفتر تبلیغات

- فصلنامه انقلاب اسلامی

- فصلنامه نگاه نو

- ماهنامه عاشورا

- فصلنامه حضور دانشگاه اسلامی

- ماهنامه امامت

- مجله سیاست دفاعی دنیای سخن

- فصلنامه گفتمان دیدگاه ها و تحلیل ها (بولتن ماهانه دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی) ترجمان سیاسی

- فصلنامه گفتگو

- فصلنامه فرهنگ

نرم افزارهای مربوط به علوم سیاسی :

۱- گنجینه (مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران - تهران): شامل: فرهنگ علوم سیاسی: پایان نامه های دانشجویان پایگاه موضوعی علوم انسانی چکیده تازه های تحقیق چکیده مقالات علمی راهنمای سمینارهای ایران

۲- بنیاد تاریخ (بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران - قم - تهران): شامل: مجلس ملی شورای اسلامی زندگی نامه شخصیت های سیاسی

**در کارهای قرآنی و فرهنگی چه عواملی موجب تداوم و جذابیت کار می شود؟**

**پرسش**

در کارهای قرآنی و فرهنگی چه عواملی موجب تداوم و جذابیت کار می شود؟

**پاسخ**

در این زمینه راه کارهای زیادی وجود دارد؛ از جمله:

(۱) موضوع بندی آیات تحت عنوان آیات موضوعی وارائه به جوانان

۲) ارایه تازه های علمی که با آیات الهی هم خوانی دارد تحت عنوان نشریه، مقاله، روزنامه دیواری و ... .

۳) استفاده از خود جوانان فعال جهت برنامه ریزی در این زمینه.

۴) جذابیت متولیان امور قرآنی (چه از لحاظ ظاهری و چه از لحاظ فکری و عملی).

۵) استفاده از اساتید مجرب و با سابقه و جوان پسند جهت کلاس های قرآنی.

۶) برگزاری مسابقات قرآنی و جشن های قرآنی و محافل نور و دعوت از پیش کسوتان قرآن به نحو شایسته.

۷) ایجاد انگیزه و نیاز در جوانان .

۸) محیط آرام و مطلوب قرآنی

۹) بها دادن به امور قرآنی .

۱۰) اساتید کاردان و جذاب.

۱۱) استفاده از ساعات مناسب برای برگزاری کلاس ها و ... .

۱۲) در اختیار قرار دادن کتاب های قرآنی، نشریات، مقالات و ... .

۱۳) ایجاد فضای عرفانی و معنوی به نحو شایسته با تبلیغات حساب شده.

۱۴) تبلیغات گسترده و مطلوب جهت اعلان شروع به کار .

۱۵) برخورد دوستانه در مراحل اولیه با تمام جوانان.

۱۶) استفاده از دانشجویان محل جهت راه اندازی هر چه بهتر کار قرآنی }J

**جامعه امروز چه نیازهایی را در اولویت می بیند و طلاب در چه زمینه ای باید کار کنند تا پاسخ گوی این نیازها باشند؟**

**پرسش**

جامعه امروز چه نیازهایی را در اولویت می بیند و طلاب در چه زمینه ای باید کار کنند تا پاسخ گوی این نیازها باشند؟

**پاسخ**

حوزه ی علمیه، از بدو تأسیس خویش و از گذشته های دور، کانون پرورش و پیدایش عالمانی بوده است که در ترویج و

تبلیغ از اسلام اصیل، لحظه ای تردید نداشتند و در پیروی از رسول گرامی اسلام(ص) و پیشوایان معصوم(ع)، پیمان پایداری بستند. آنان در این راه تا سر حدشهادت پیش رفتند و بدین سان پیشتاز و طلایه دار تبلیغ دین و جانشین آن بزرگواران شدند.

حفظ و تداوم حوزه های علمیه، به عنوان مهد تربیت و خاستگاه عالمان دینی و مجتهدان بزرگ و سنگر نگهداری از احکام نورانی اسلام، بر کسی پوشیده نیست.

حوزه های علمیه، به مقتضای بر دوش کشیدن رسالت تبلیغ دین الهی در هر سنگری که برای دفاع از کلیت دین ضروری است، به عنوان یک سرباز آماده و فداکار حاضر می شوند. البته آنها باید بر اساس رسالت الهی خود، با زمان خویش هماهنگ باشند و با نیازهای زمان حرکت کنند و نسبت به نیازهای اجتماعی و مسائل فکری نوظهور، حساس بوده و توجه داشته باشند. بدین منظور، لازم است با جامعه و تجربیات آنها چه با تحقیق فردی و چه با تحقیق گروهی آشنا شوند.

در این راستا، بزرگان حوزه با توجه به مسئولیت عظیم و تاریخی خود به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصلاحات شکلی و محتوایی ای را در بخش های گوناگون (تدریس، تحصیل، تبلیغ و نظام آموزشی) در حوزه های علمیه شروع کرده اند تا بر اساس آن، نسلجوان طلبه را بر مبنای نیازها و اقتضات زمان تربیت کنند.

البته این برنامه ها، هنوز به رشد و نتیجه نهایی نرسیده است؛ اما مهم آن است که این کار شروع شده و نتایج جالبی هم به دست آمده است.

بنابراین، علاوه بر علوم مصطلح حوزوی (اعم از ادبیات فارسی و عربی، معانی و بیان، فقه و اصول، تفسیر، حکمت، فلسفه، کلام و...) در سایر عرصه های علمی (از قبیل رشته ی اقتصاد، سیاسی، علوم تربیتی و زبان خارجه و...) پیشرفت هایی داشتند و گروه های تخصص و پژوهشی در سطوح مختلف و با توجه به نیازهای حال و آینده، در صدد یافتن راه حل هایی هستند تا بتوانند با تربیت نیروهای قوی و کارآمد، هماهنگ با پیشرفت زمان، حرکت کنند. اما از آن جا که بسیاری از پرسش ها و شبهات، از خارج و با زبان های زنده و مشهور دنیا، به صورت مقالات و کتاب منتشر می شود؛ ضروری می نماید که حوزه های علمیه، قبل از هر چیز عده ای را به عنوان زبان دان تربیت کنند. خوشبختانه به لطف خدا، امروزه حوزه ی علمیه قم و سایر حوزه ها، در صدد تعلیم و آموزش زبان انگلیسی، فرانسه و... برآمده اند و حتی با پیشنهاد و دستور مقام معظم رهبری، در آینده ی نزدیک، در دستور کار آموزش همه ی مدارس علوم دینی قرار خواهد گرفت. علت اهتمام به این امر (یادگیری زبان های زنده دنیا) این است که اولاً- برای تبلیغ دین و ایجاد ارتباط با مردم سایر کشورها، چاره ای جز فراگیری این زبان ها نیست. ثانياً برای شناخت هجوم تبلیغاتی بیگانگان و پاسخ مناسب به آن شبهات، یادگیری این زبان ها ضروری می نماید. در این راستا، آموزش و استفاده از رایانه و اینترنت برای تبلیغ معارف دینی مورد توجه حوزویان قرار گرفته است.

به طور خلاصه می توان گفت که حوزه های



علمیه باید با تکیه بر سرمایه ها و میراث های گذشتگان و با توجه به دارایی های امروز خویش، برای نیازهای حال و آینده برنامه ریزی کنند و در این رابطه تلاش مضاعف و برنامه ریزی دراز مدت داشته باشند.

امام خمینی (ره) با تأکید بر فقه سنتی که میراث فقیهان و بزرگان دین است درباره ی نیازهای علمی، تخصصی و عمومی طلاب علوم دینی می فرماید: «... البته در رشته های دیگر علوم، به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه های تهیه خواهد شد و رجالی در آن باید تربیت شود و از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله رزقنا الله و ایاکم، که جهاد اکبر می باشد»، (وصیت نامه ی سیاسی الهی امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۱۷). [J]

### علت دین گریزی جوانان چیستو چگونه می توان آنها را از این راه منحرف کرد؟

#### پرسش

علت دین گریزی جوانان چیستو چگونه می توان آنها را از این راه منحرف کرد؟

#### پاسخ

دلایل متعددی را می توان برای آن نام برد که به دو دسته عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم می شوند:

الف) عوامل درونی یا داخلی: منظور عواملی می باشند که مربوط به عملکرد مسءولان بوده و این وضعیت را پیش می آورند که عبارتند از:

۱- مقدم داشتن عادات فکری و عاطفی بر منطق و حقیقت و اسلام ناب و اصیل.

۲- برخی رفتارها و اقدامات ناشایسته بعضی از مدیران کارگزاران و مأموران دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی که ظاهری مذهبی دارند ولی در حقیقت عمل درست دینی نداشته و موجب پیدایش تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده مردم گشت و این امر موجب بدبینی به سایر افراد مذهبی شد.

۳- برخوردهای نامطلوب و ناصحیح و همراه با زیاده روی و افراط بعضی از افراد مذهبی دلسوز در مقابله با ناهنجاری ها و منکرات در جامعه موجب بدبینی به عموم افراد مذهبی شد.

۴- کم کاری برخی از افراد مذهبی در نشان دادن چهره واقعی و محبت آمیز اسلام و برطرف نمودن دیدگاه منفی ایجاد شده در عمل.

ب) عوامل بیرونی یا محیطی: منظور عواملی می باشند که خارج از حیطه عملکرد مسءولان بوده و منجر به وضعیت مذکور شده است:

۱- تحول نسل در جامعه و به صحنه آمدن نسل جدیدی که باورها و یافته های آنان با افراد مذهبی متفاوت است فقدان برنامه ای جامع و همه جانبه برای تربیت آموزش و توجیه آنان و نیز بی توجهی و یا کم توجهی به ایجاد تغییرات اساسی و ریشه ای در نگرش خانواده ها به اصول و آداب تربیت نسل نومنجر به این شکاف شده است.

۲- وجود مشکلات اقتصادی و اجتماعی در جامعه

و از مسوءولان حکومتی را باعث آن به حساب آوردن.

۳- رشد و رواج ابزارهای جدید اطلاع رسانی و تبلیغات در سطح جهان در دهه اخیر و تشدید تلاش ابر قدرت استعماری آمریکا برای نفوذ فرهنگی و رواج فرهنگ آمریکایی در جهان موجب تغییر جو کلی فرهنگی در سطح جهان شده به گونه ای باعث افول ارزش ها و شکاف میان دو قشر مذهبی و غیرمذهبی شده است (شکاف سنت و مدرنیته).

۴- وجود تمایلات نفسانی انسان و وسوسه های نفس اماره برای گریز از محدودیت های شرعی و ارتکاب شهوات و لذات فی نفسه عامل بدبینی و گریز افراد غیرمذهبی از افراد مذهبی می باشد.

۵- سازماندهی تهاجم فرهنگی توسط دشمنان نظام اسلامی برای تضعیف اسلام و ارزش های اعتقادی ترویج و اشاعه دنیاطلبی تبلیغ مستمر و گسترده سکولاریسم و لائسیسم نفی آرمان گرانی تحریک غرائز شهوانی حمله مستمر به مبانی ارزش و پایه های اعتقادی اشاعه چهره ای غیرواقعی و زشت و خشن از اسلام تبلیغ و ترویج تضاد میان اسلام و آزادی سوء استفاده از نارسایی ها معضلات و ضعف های مدیریتی و اجرایی برای حمله و هجوم به ماهیت اسلام و قوانین الهی ایجاد روحیه یأس و ناامیدی در مردم با ترویج غیرقابل اجرا بودن ارزش های والای الهی در جامعه تبلیغ و ترویج ناکارآمد بودن تئوری حکومت دینی و تضعیف فرهنگ اسلامی و مبانی عقیدتی و اشاعه این نظریه که دین متعلق به گذشته است.

۶- عملکرد گروه های معاند نظام اسلامی در داخل در جهت ایجاد بدبینی به افراد مذهبی از جمله مسوءولان و کاهش مشروعیت نظام.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: کتاب انقلاب و ارزش ها علی ذوعلم.

از این رو به آسانی می توان گفت: که دین و معنویت و به ویژه اسلام که دین تحریف نیافته است. مطلوب همه صاحبان خرد و مصلحت اندیشان برای

دنیا و دوراندیشان برای آخرت می باشد. اما آنچه موجب گریز از دین می شود از یک سو جامعه دین را وارونه بر تن کردن است و از سوی دیگر خواسته های نابجای برخی و ناهنجاری عاطفی و روانی آنان و بی بند و باری و گرفتاری در انواع دام های شیطانی شیطان صفتان و... موجب شده که بسیاری به سستی و فساد و راحتی و سودجویی و... روی آورند و التزام به دین و چارچوب های دینی را مزاحم خود ببینند. چنان که در قرآن کریم درباره مهمترین عامل روی گردانی از توحید و معاد آمده است: بل یرید الانسان لیفجر امامک بلکه انسان می خواهد راه فساد را پیش روی خود باز کند {M(قیامت، آیه ۵).

به همین جهت برای جلوگیری از دین گریزی هم باید دین واقعی را شناخت و هم باید عمل به دین و دوری از فساد و گناه در جامعه به عنوان ارزش تلقی شود و نباید آن روزی که فرهنگ جامعه به جایی برسد که درآمدهای از هر راه را زرنگی و توانمندی به شمار آورند و لذت های به هر صورت را نیاز طبیعی جوانان و عامل رفع افسردگی ها بدانند!!

اینجاست که باید به طور جدی به حفظ خود و خانواده و اطرافیان پرداخت و دغدغه اصلاح را در برنامه ریزی مسئولان به وجود آورد.

البته بدانیم حفظ ایمان و ارزش های آن در محیط نامساعد بسی دشوار است ولی ارزش افزون تری دارد. خداوند در سوره «تحریم» آیه ۱۱ نمونه ای را برای این گونه افراد یادآوری می نماید. خداوند برای مومنان آسیه همسر فرعون را مثال و نمونه می آورد هنگامی که از شوهرش بیزاری جست و عرضه داشت: خدایا! من از قصر فرعون و زیورهای دنیوی گذشتم

و تو خانه ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش. حفظ ارزش ها در محیط مناسب و مساعد هنر نیست؛ هنر آن است که در تندباد ضدا ارزش ها، ارزش ها مطرح شود. بنابراین سعی کنید با اعتماد به خدا و یقین به درستی راه دین ایمان خود را حفظ نموده و همواره آن را تقویت کنید.

در صورت نبود امکانات ازدواج قرآن می فرماید: «ولیستعفف الذین لایجدون نکاحا حتی یغنهم الله من فضله» (نور آیه ۳۳). خداوند در این آیه دستور به عفاف و عفت نفس می دهد و این بهترین شیوه و روشی است که با به کار بستن آن روح ایمان و تقوا در انسان پرورش می یابد و سبب تقویت اراده و تسلط بر نفس می شود و روحیه عفت در انسان زنده می گردد.

همچنین با عمل به سفارش های زیر و گسترش چنین برنامه هایی در سطح جامعه می توان بر ناهنجاری ها و گریز از دین غلبه کرد:

۱- سعی و کوشش در انجام وظایف و واجبات دینی.

۲- خواندن نماز با حضور قلب و در اول وقت.

۳- گرفتن روزه مستحبی به ویژه دوشنبه و پنجشنبه.

۴- تلاوت قرآن بویژه بعد از نماز صبح.

۵- تأمل و اندیشه در آیات قرآن.

۶- حتی المقدور سعی در خواندن نماز شب.

۷- سحر خیزی.

۸- شرکت در ورزش های فردی و دسته جمعی.

۹- تنظیم برنامه برای تمام شبانه روز و پر کردن اوقات فراغت با برنامه های صحیح و سودمند.

۱۰- شرکت در فعالیت های مذهبی و اجتماعی.

۱۱- پرهیز از نگاه نامشروع به افراد نامحرم. امام صادق (ع) فرمود: «نگاه پس از نگاه در دل بیننده شهوت را می انگیزاند» (وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۱۳۸).

و باز فرمود: «نگاه تیری از تیرهای شیطان

است چه بسا نگاهی که اندوه های دراز در پی دارد»)

۱۲- عدم معاشرت و دوستی با افراد منحرف و فاسد. همان ص ۱۳۹).

۱۳- انتخاب دوستان موءمن و سالم.

۱۴- به یاد خدا بودن در همه اوقات.

۱۵- کنترل افکار و نیندیشیدن به صحنه های شهوت انگیز.

به سادگی نمی شود گفت، نسل امروز جوانان ما دین گریز و احیانا دین ستیز هستند، اینان نسبت به واقعیات موجود جامعه، دیدگاه های متفاوتی دارند و چه بسا بخشی از آن دیدگاه ها و نارضایتی ها، وارد باشد. ولی ممکن است، بعضی از جوانان با توجه به شرایط محیطی و خانوادگی از روند نارضایتی بیشتری برخوردار باشند و برخی از نارسایی ها را ناشی از قوانین دینی بدانند و در نتیجه اشکالات خویش را متوجه دین بکنند، که البته کارآمدی دین بحثی است و کارآمدی بعضی از مدیران بحث دیگر. اتفاقا در برخورد با تعدادی از این جوانان و گفتگو با آنان، تصریح کردند که اشکالات آنان نه به اصل دین، بلکه به مدیران و کارگزاران بر می گردد.

بنابراین، بی تردید می توان گفت که، جوانان کشور از بهترین جوانان از حیث سلامت فکری و روحی و دینی می باشند و سرمایه گذاری دشمنان دین و کشور، برای تسخیر این دژ مستحکم و انحراف جوانان، گواهی است بر مدّعی ما، که البته موفق نخواهند شد.

به هر حال، دین گریزی عوامل متعددی می تواند داشته باشد، از جمله:

۱- تبلیغات سوء دشمنان و ایجاد و القای شبهه پیرامون دین،

۲- روش های نادرست در آموزش دینی در دوران کودکی و نوجوانی،

۳- ضعف و سستی بنیان های دینی در خانواده،

۴- گرایش به سوی تمایلات و هواهای نفسانی،

۵- ضعف بینش و نداشتن آگاهی درست از ماهیت دین و نقش و کارکرد آن در تأمین سعادت

۶) ناکارآمدی بعضی از مدیران جامعه در اجرای برنامه های اعلام شده ی حکومت دینی، در نتیجه، بی پاسخ ماندن نیازهای اولیه اجتماعی جوانان (ازدواج، اشتغال، مسکن و..).

۷) عدم توزیع عادلانه امکانات و فرصت ها در برخی از ادارات و دستگاههای کشور،

۸) درگیری برخی گروه ها و جناح های سیاسی بر سر کسب، حفظ و استمرار قدرت سیاسی و در نتیجه، ایجاد یأس و ناامیدی جوانان برای نیل به خواسته های مشروع خویش.

برای مبارزه با دین گریزی باید پس از بررسی همه جانبه علل و عوامل آن، راه کارهای مناسب را برگزید. آنچه در جامعه امروز ما بسیار مهم است، ایجاد موجی سهم گین و توفنده در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان و ارایه چهره زیبای دین و زدودن غبار خرافات و کژاندیشی ها، در این صورت دین با جذابیت فوق العاده ای که دارد، با توان مندی جوانان را به سوی خود فرا می کشاند. از طرف دیگر شدیداً باید مواظب خطر دگرگونی در هویت فرهنگی و گرایش های نسل جوان بود. یکی از خطرات جدی فرهنگ مهاجم غرب این است که جوانان را چنان به سوی تمایلات شهوانی و آزادی های جنسی سوق دهد، که اساساً گرایش به دین و دیانت در آنان رنگ بازد و دیگر برای آنان حق و باطل چندان اهمیتی نداشته باشد.

به هر حال، جوانی، از بزرگ ترین نعمت های خداداد به بشر است و مثل هر نعمت خداداد دیگر باید از آن استفاده ای بهینه ای کرد. و جوانان، گرانبهارترین سرمایه های کشورها به هنگام جنگ و صلح بوده و به عنوان سربازان و مدیران بالقوه در عرصه های سیاسی، اجتماعی علمی و فرهنگی و... به شمار می آیند. بنابراین، باید با برنامه ریزی دقیق، موانع پیش روی نسل حاضر (عوامل دین گریزی

پیش گفته) را زدود و برای مشکلات آنان، راه کارهای عملی ارائه کرد.

**گاهی هنگامی که با بعضی از دوستان در مورد مسائل دینی و اخلاقی صحبت می کنیم، حرفهای ما در ابتدا تأثیر بسیار خوبی روی آنها می گذارد ولی کم کم از بین می رود همچنین نمیدانم چرا چنین دوستانی بیشتر مایل به دوستی با افراد ناباب هستند در واقع مثل اینکه افراد خلاف ک**

### پرسش

گاهی هنگامی که با بعضی از دوستان در مورد مسائل دینی و اخلاقی صحبت می کنیم، حرفهای ما در ابتدا تأثیر بسیار خوبی روی آنها می گذارد ولی کم کم از بین می رود همچنین نمیدانم چرا چنین دوستانی بیشتر مایل به دوستی با افراد ناباب هستند در واقع مثل اینکه افراد خلاف کار جذابیت بیشتری نسبت به انسان های مومن دارند ؟

### پاسخ

تعهد اخلاقی و دینی شما قابل تقدیر و تحسین است. احساس مسئولیت در برابر دیگران و انگیزه تأثیر گذاری روی دیگران و نگاه دلسوزانه و متعهدانه داشتن به رفتار دوستان و اطرافیان خود حکایت از روح لطیف و مسئولیت پذیری شما دارد ولی علت عدم استمرار تأثیر سخنان شما و عدم ثبات در طریق صحیح عوامل مختلفی می تواند داشته باشد.

۱- انسان همیشه و هر لحظه در معرض وسوسه شیطانی است و یک لحظه و کمتر از آن هم شیطان از اغواء دست بردار نیست. بنابراین نیازمند ایمانی مستحکم و قوی هستیم تا به اندک وسوسه ای منحرف نشویم.

۲- معمولاً جذابیت مسائل مادی و شهوی و بی بند و باری و آزادی بی حد و حصر نسبت به قیود عقلانی و شرعی و راه صحیح که معمولاً نیازمند دقت و توجه کافی است، بیشتر است و با تنبلی و کسالت انسان سازگاری بیشتری دارد. به همین جهت پای بندی به اصول اخلاقی و دینی برای معمول مردم و افراد سخت تر است.

۳- همان طور که می دانید راه صحیح و حق یکی است ولی راه های باطل و غیر صحیح متعدد و زیاد است، بنابراین در بین روش های مختلف زندگی فقط یک راه صحیح خواهد بود و سایر روش های زندگی ناصحیح پس این نیز یکی



از عوامل انحراف افراد از طریق صحیح است.

در عین حال آنچه باید در اینجا متذکر شویم این است که همین پذیرش اولیه و تأثیرپذیری آنها نسبت به حق و مسائل اخلاقی و دینی خود نشان دهنده سلامت نسبی فکری و ذاتی چنین افراد است یعنی ذاتاً آنها مایل هستند اصول اخلاقی و دینی را عمل کنند و به آن پای بند باشند ولی متأسفانه همیشه شیطان در کمین است و در عمل دچار خطا می شوند پس این گرایش ذاتی و میل درونی آنها را قدر بدانیم.

ثانیاً، ما نیز باید با استفاده از روش هایی صحیح، جذابیت خود و افکار و اندیشه های خود را بیشتر کنیم و عملاً آنها را در مسیر حق و صحیح حفظ کنیم. بهترین راه برای جذب آنها اعمال صحیح و صادقانه و دلسوزانه ماست.

صلی الله علیه و سلم صلی الله علیه و سلم ج س ۵ - جهت کسب آگاهی و شناخت بیشتر در مورد مقام معظم رهبری، مطالعه منابع ذیل توصیه می شود:

۱- زندگی نامه مقام معظم رهبری، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ ششم ۱۳۷۹

۲- حکایت نامه سلاله زهرا(س) حسن صدری مازندرانی، نشر مؤسسه انتشارات مشهور، چاپ اول ۱۳۸۱ (به پیوست ارسال می گردد)

ج س ۶ - برای تهذیب نفس با عزمی استوار و اراده ای پولادین به رعایت امور زیر پردازید:

الف) در انجام واجبات و ترک گناهان جدی و قاطع باشید.

ب) به نماز شب اهمیت دهید هم چنین به خواندن دعاهایی؛ مانند مکارم الاخلاق دعاهای ایام هفته مناجات خمسه عشر و...

ج) در صورت توان جسمی روزهای دوشنبه و پنجشنبه را روزه بگیرید.

د) در مراسم دینی؛ از جمله دعای کمیل و ... شرکت جوید

و به زیارت اهل قبور بروید و در عالم پس از مرگ به تفکر پردازید.

ه) از صحنه ها و امور تحریک کننده به سوی گناه پرهیزید.

و) از پرگویی، پرخوری، پرخواهی و بیکاری دوری گزینید.

ز) برنامه مشارطه، مراقبه، محاسبه و ... را با توجه به مطالعه کتاب «چهل حدیث» امام خمینی (ره) انجام دهید.

در این زمینه باید دو چیز را دقیقاً و حتماً بدون سهل انگاری عمل نمایید:

۱- ترک زمینه گناه: این خود زیرمجموعه ای دارد که مهمترین آن عبارت از است:

\* ترک گناه چشم: دقیقاً باید مواظب چشم خود بود که مبادا به نامحرم و کلاً هر آنچه که شهوت انگیز است، نگاه شود. عن الصادق (ع): «النظر سهم من سهام ابلیس مسموم و کم من نظره اورثت حسره طویله؛ نظر دوختن تیری مسموم از تیرهای ابلیس است و چه بسا نگاهی که حسرت درازمدتی را (در دل) به ارث بگذارد»، (سفینه البحار، شیخ عباسی قمی، ماده نظر).

\* ترک گناه گوش: باید از کلیه شنیدنیهایی که حرام هستند پرهیز شود. نوار موسیقی باشد، صدای شهوت انگیز نامحرم باشد و ...

\* ترک مصاحبت با دوستان ناباب: دوستانی که باعث می شوند انسان مزه گناه را مززه کند، در واقع دشمن هستند و باید از آنها پرهیز کرد.

از امام سجاد (ع) نقل شده: «النهی عن مصاحبه خمسه و محادثتهم و مرافقتهم فی طریق و هم الکذاب و الفاسق و البخیل و الاحمق و القاطع لرحمه؛ حضرت از همراهی و سخن گفتن و رفیق بودن با پنج کس را نهی فرموده: کذاب (دروغگو)، گناهکار، بخیل، احمق و کسی که قطع رحم کرده است»، (همان، ماده صحب).

البته اینها از مهمترین زمینه های گناه هستند که باید ترک شوند ولی کلاً هر چیزی

که زمینه گناه را فراهم می کند باید ترک شود.

۲- ترک فکر گناه: ترک زمینه گناه سهم به سزایی در ترک فکر گناه دارد از این رو هر چه بیشتر و دقیقتر زمینه گناه ترک شود فکر گناه کمتر به سراغ انسان می آید ولی علاوه بر آن، چند چیز جزء برنامه زندگی شود (حداقل تا وقتی که مجرد هستید):

\* اشتغال به برنامه شبانه روزی: حتما باید شبانه روز خود را با برنامه ریزی صحیح و متناسب وضع روحی و جسمی خود پر کنید و هیچ ساعت بیکاری نداشته باشید تا نفس شما را مشغول کند. در اوقات بیکاری وسوسه های نفس و شیطان به سراغ انسان می آید و او را به فکر گناه و سپس به خود گناه می کشاند قال امیرالمؤمنین علی(ع): «ان هذه النفس لاماره بالسوء، فمن اهملها، جمحت به الی المآثم؛ براستی و حقیقت که این نفس (انسانی) پیوسته و مرتب به بدی امر می کند در نتیجه هر کس آن را به خود واگذارد (و به کاری نگمارد) نفس او را به سمت گناهان می کشاند»، (الغرر والدرر، باب النفس به نقل از سرالاسراء، استاد علی سعادت پرور، ج ۱، ص ۵۴۴، ح ۴).

\* روزه گرفتن: روزه گرفتن قوای حیوانی و شهوانی انسان را تضعیف می کند اگر قوای شهوانی ضعیف گشت قهرا فکر گناه هم کم رنگ می شود. عن ابی جعفر(ع) قال: «اذا شبع البطن طغی؛ هرگاه شکم پر شود طغیان می کند، (المحججه البیضاء، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۵، ص ۱۵۰). مفهومش این است اگر شکم پر نشود طغیان نمی کند و بهترین قسم جوع و گرسنگی همان روزه گرفتن است.

تذکر این نکته بسیار ضروری است که اولاً: روزه نباید برای بدن ضرری داشته باشد

وگرنه شرعاً حرام است. ثانیاً: برای کارهای روزمره مخل نباشد. ثالثاً: اگر نه مضر بود و نه مخل فقط روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه باشد نه بیشتر ولی در هر صورت اگر برای روزه گرفتن عذری است مورد بعدی یعنی ورزش دو برابر شود.

\* ورزش: هر روز ورزش لازم است البته آن ورزش هایی باشد که برای بدن ضرری ندارد مثل نرم دویدن و نرم طناب زدن و انجام حرکت های کششی و اگر برای روزه گرفتن عذری هست زمان ورزشی دوبرابر شود مثلاً از بیست دقیقه به چهل دقیقه افزایش یابد.

\* فکر در مرگ: این یکی دیگر از چیزهای بسیار مفید است که فکر گناه را یا از بین می برد و یا کم می کند که این به شدت و ضعف فرو رفتن در فکر مرگ بستگی دارد اگر انسان با این واقعیت انس بگیرد و مردن را باور دل سازد نقشی سازنده و بالا برنده دارد. قال امیرالمؤمنین علی(ع): «اذکروا هادم اللذات و منغص الشهوات و داعی الشتات؛ یاد کنید (مرگ را) درهم کوبنده لذات را و تیره و تلخ کننده شهوات را و دعوت کننده جدایی ها را»، (الغرر والدرر، باب الموت، به نقل از سرالاسراء، استاد علی سعادت پرور، ج ۲، ص ۱۵۹).

یاد مرگ دل را از تعلق به شهوات جدا می سازد و انسان را از گناه و فکر گناه باز می دارد آنچه که بسیار مهم است این است که اولاً این فکر هر روز و مستدام باشد اگر شبانه روزی نیم ساعت باشد کافی است ثانیاً در مکان خلوتی باشد مخصوصاً اگر آن مکان خلوت خود محیط قبرستان باشد به هر گونه که این فکر در مرگ با جان

عجین شود و باور دل گردد بسیار مطلوب است مثلاً یکی از کیفیت های فکر در مرگ را یکی از بزرگان چین می فرمود: تمام خاطرات تلخ و شیرین گذشته را در حد امکان مثل یک فیلم از ذهن بگذرانند و به خود بیاوراند که همه اینها گذشت و چند روز باقی مانده عمر هم می گذرد لحظات جان دادن، وقتی که خویشان و نزدیکان را رها می سازد و از تمام تلخ و شیرینی ها وداع می کند و... همه و همه را به خوبی تأمل کند تا دل بلرزد و چشم بگرید.

سخن آخر این است که این دستورات وقتی نتیجه می بخشد که هر چه دقیق تر به آن عمل شود زمان نتیجه آن بستگی به شرایط و خصوصیات افراد دارد، از این رو پی گیر زمان نتیجه نباید بود فقط هم و غم صرف عمل به دستورات شود.

کتاب زیر سفارش می شود:

۱- نردبان آسمان (دروس اخلاق حضرت آیت الله بهاءالدینی) تدوین و ویرایش: اکبر اسدی

۲- سلوک معنوی تدوین و ویرایش: آقای اکبر اسدی

۳- خودشناسی برای خودسازی محمد تقی مصباح یزدی

معنای مطالعه این کتاب عمل کردن به آن از آغاز تا پایان نیست بلکه برای عمل به دستورات عمل های اخلاقی ترتیبی لازم است که باید با علمای بزرگ اخلاق یا همین نهاد نمایندگی مشورت شود.

ج س ۷ - شما می توانید با مراکز ذیل الذکر مکاتبه نمایند.

۱- مرکز پژوهش های حوزه علمیه قم: ص. پ ۴۴۶۶

۲- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ص. پ ۱۹۷ - واحد پاسخ به سؤالات

۳- مؤسسه در راه حق: قم - خیابان آیت الله مرعشی نجفی

۴- ستاد اقامه نماز: قم - خیابان شهدا - کوچه آمار

«خوشبختی و موفقیت شما را از خداوند بزرگ

## دوستم به گریه کردن در عزاداری سیدالشهداء اعتقاد ندارد چگونه او را راهنمایی کنم؟

### پرسش

دوستم به گریه کردن در عزاداری سیدالشهداء اعتقاد ندارد چگونه او را راهنمایی کنم؟

### پاسخ

گریه کردن برای مصائب ائمه اهل بیت(ع) از بهترین اعمالی است که باعث صفای دل و تقرب به خداوند است و باعث تخفیف گناهان و آمرزش آنها می شود. البته این کار واجب نیست و همان رقت قلب هم بسیار خوب است. گفتنی است که هر چقدر انسان در تاریخ زندگی این بزرگان دقت کند و رنج ها و مصائبی که برای ارشاد و هدایت افراد بشر تحمل کرده اند، مورد توجه قرار دهد؛ خود به خود متأثر می شود و اشکش جاری می گردد و اگر کسی احساس کرد که هیچ حادثه و جریانی او را تکان نمی دهد و رقت قلب پیدا نمی کند، باید بداند که متأسفانه در اثر گناه و خوردن غذای حرام، به قساوت قلب دچار شده که به حسب روایات از بدترین م [ ]ها و از علایم شقاوت است و بای... هر چه زودتر خودش را معالجه کند؛ یعنی، در مرحله اول شکم را از لقمه حرام پاک کند و سپس با گرفتن روزه و تضرع و توبه به درگاه خداوند، از او بخواهد که وی را از این حالت نجات بخشد؛ و گرنه ائمه(ع) هیچ نیازی به گریه ما ندارند. }]

## چگونه افراد بی نماز و بی هدف را ارشاد کنیم؟

### پرسش

چگونه افراد بی نماز و بی هدف را ارشاد کنیم؟

### پاسخ

باید در این گونه موارد مراتب امر به معروف و نهی از منکر رعایت شود؛ یعنی، ابتدا باید از راه تذکر شروع کنید و بهتر است برای ترغیب و تشویق آنان به نماز، فواید و آثار آن و عواقب سوء دنیوی و اخروی ترک آن را برای آنها بیان کنید و بعضی از کتاب هایی را که در این زمینه نوشته شده به آنان معرفی کنید؛ مثل کتاب:

۱- پرتوی از اسرار نماز محسن قرائتی

۲- هزار و یک نکته درباره نماز حسین دیلمی

۳- جلوه های نماز در قرآن و حدیث احمد صادقی اردستانی

همچنین آنان را برای رفتن به مساجد و مجالس مذهبی تشویق و ترغیب کنید. در بعضی موارد نیز اگر کناره گیری و یا قهر کردن مؤثر باشد، می توانید از این راه وارد شوید و اگر هیچ یک از این امور تأثیری نداشت از راه پرخاش و تندی کردن وارد شوید و اگر هیچ یک از اینها در آنان تأثیر نکرد، بر شما تکلیفی نیست. }]

### چه شیوه ای را بکار گیریم تا جوانان ما با قرآن و نهج البلاغه بیشتر نزدیک شوند؟

#### پرسش

چه شیوه ای را بکار گیریم تا جوانان ما با قرآن و نهج البلاغه بیشتر نزدیک شوند؟

#### پاسخ

در این زمینه راه کارهای زیادی وجود دارد؛ از جمله:

- الف) موضوع بندی آیات با توجه به رشته های مختلف دانشگاهی و ارایه یک واحد درسی تحت عنوان آیات موضوعی.
- ب) ارایه تازه های علمی که با آیات الهی هم خوانی دارد تحت عنوان نشریه، مقاله، روزنامه دیواری و ...
- ج) اختصاص پایان نامه ها و تحقیقات درسی به موضوعات علمی قرآن و تحقیق و تفحص در این زمینه.
- د) ارایه کارگاه آموزشی برای اساتید دانشگاه همراه با اساتید حوزه مطابق با هر یک از رشته های دانشگاهی (جهت آگاهی این دو قشر از تازه های علمی و تفسیری).
- ه) برگزاری نشست های علمی و مذهبی، کنفرانس ها و همایش های قرآنی در سطح دانشگاه.
- و) استفاده از خود دانشجویان فعال جهت برنامه ریزی در این زمینه.
- ز) جدابیت متولیان امور قرآنی در دانشگاه (چه از لحاظ ظاهری و چه از لحاظ فکری و عملی).
- ح) اهمیت دادن رؤسای دانشگاه ها به امور قرآنی و در اختیار گذاشتن امکانات اولیه به نحو مطلوب و چشمگیر.
- ط) استفاده از اساتید مجرب و با سابقه و جوان پسند جهت کلاس های قرآنی و نهج البلاغه.
- ی) تشویق دانشجویان فعال در زمینه قرآنی به طور فراگیر در دانشگاه.
- ک) منظم بودن اساتید و مسئولان قرآنی دانشگاه چه از لحاظ زمانی و چه از لحاظ ظاهری.

ل) استفاده از علمای معزز حوزه جهت سخنرانی و کلاس های قرآن و نهج البلاغه.

م) برگزاری مسابقات داخلی قرآنی و جشن های قرآنی و محافل نور و دعوت از پیش کسوتان قرآن کشور به نحو شایسته.

### به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه چه می باشد؟

#### پرسش

به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه چه می باشد؟

#### پاسخ

الف) برگزاری جلسات دینی اعم از کلاس، سمینار، فوق برنامه و...

ب) برگزاری مسابقات جهت دار که به روشنگری و اشاعه افکار ناب اسلامی و انقلابی پردازد.

یکی از بهترین مسابقات، مسابقات قرآنی، نهج البلاغه، کتب مذهبی و سیاسی خوب مانند پرسش ها و پاسخ های آیت الله مصباح یزدی است. البته باید طرح این مسابقات با یک کار کارشناسی، از حالت کلیشه ای و قالب خشک درآید تا با جذابیت خوب برگزار گردد.

ج) نشریات دیواری، هفتگی، ماهیانه و یا فصلنامه و یا گاهنامه با مطالب مفید و متنوع و جذاب.

د) خنثی کردن تبلیغات سوء افراد جاهل یا مغرض به طرق مختلف از جمله پاسخ گویی به شبهات در سخنرانی ها، نشریات، بردها و...

و) برگزاری اردوهای مفید به دور از اختلاط و اجرای برنامه های اطلاع رسانی (جلسه گفتگوی صمیمانه با حضور برخی صاحب نظران فرهنگی اسلامی) و...

ناگفته نماند که کار فرهنگی یک تعریف مشخص و معینی ندارد و ما به برخی از مصادیق و نیز راهکارهای اجرایی آنها اشاره کردیم.

**آنچه در کتابها درباره غرب نوشته شده صرفاً نشان دادن نکات منفی آن است و از ذکر نکات مثبت غفلت می شود، چه بسا این نکات مثبت غالب بر منفی ها باشد و چه بسا مکاتب و دیدگاه های آنان جامع تر و پیشرفته تر از ما و اسلام باشد (این پاسخ را به دیدگاه کسی مرقوم فرمایید)**

#### پرسش

آنچه در کتابها درباره غرب نوشته شده صرفاً نشان دادن نکات منفی آن است و از ذکر نکات مثبت غفلت می شود، چه بسا



این نکات مثبت غالب بر منفی‌ها باشد و چه بسا مکاتب و دیدگاه‌های آنان جامع‌تر و پیشرفته‌تر از ما و اسلام باشد (این پاسخ را به دیدگاه کسی مرقوم فرمایید که به خاتمیت و کامل بودن اسلام اعتقادی ندارد) من می‌گویم این طرز ایجاد نگرش در ما صرفاً به خاطر دشمنی ما با غرب است.

## پاسخ

غرب مجموعه‌ای هماهنگ و یکپارچه است. در این مجموعه، عناصر خوب و مثبت پیدا می‌شود و همچنین عناصر بد و منفی نیز موجود است. ماندگاری فرهنگ و تمدن مدرن غرب به خاطر همان عناصر مثبت است و بحران در آن نیز به دلیل عناصر منفی‌اش می‌باشد.

نظم و انضباط اجتماعی، وجدان کاری، عقل جمعی، توجه ویژه به پژوهش و تحقیقات علمی و احترام به دانشمندان و نظایر آن از نقاط مثبت تمدن غربی است که هر فرهنگ و تمدنی باید آن را داشته باشد تا بتواند به جلو برود.

اما آنهایی که به نقاط منفی غرب توجه می‌کنند و آن نقاط را برجسته می‌نمایند دو گروه هستند. یکی گروهی که هدفی جز دشمنی با غرب ندارند و از دیدگاه سیاسی به غرب سلطه‌گر و خشن می‌نگرند که همه هستی و موجودی شرق را به نابودی می‌کشاند و برای پیشرفت خود، حداکثر بهره‌برداری و بهره‌کشی را از جهان غیر غرب روا می‌دارد و این که در پناه جهانی سازی (globalism) که جهان

را به مثابه دهکده ای کوچک تصور می کند که عمدتاً باید یک فرهنگ در سراسر آن مستقر شود و حاکمیت غرب و ارزش های سرمایه داری و به ویژه فرهنگ مصرفی آمریکا بر سراسر جهان حاکم باشد، بسط این حاکمیت ظالمانه بیشتر شده است. به زعم سردمداران جهان غرب، این جهان کوچک شده یک کدخدا دارد و آن هم آمریکاست و هرگاه لازم دانست می تواند آنهایی را که از نظم نوین جهانی تخطی کنند تنبیه کند.

(بین جهانی شدن و جهانی سازی، تفاوتی ظریف است. نگا: لواسانی، سید سعید، جهانی سازی، تهدیدها و فرصت ها در عرصه فرهنگ و دین، در جهان شمولى و جهانی سازی به اهتمام سید طه مرقاتی، ج ۲، صص ۳۷۷ - ۴۳۲، مجمع جهانی تقویت مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ تهران).

روشن است که غرب سیاسی که حیات و زندگانش با استعمار و خونریزی و خشونت و سلطه علیه دیگران همراه بوده است، دارای چنین دشمنانی باشد که نقاط منفی آن را برجسته کنند و نقاط مثبت آن را نادیده بگیرند و جامعه ما نیز از دیرزمان گرفتار چنین استعماری بوده و بسیاری از دشمنی ها نیز به این موضوع بر می گردد و البته ما باید خود را از این نوع دشمنی خلاص کنیم؛ دشمنی ای که ریشه در سیاست دارد نه فکر و اندیشه.

اما دیدگاه دوم در نقد غرب، دیدگاه مبتنی بر اندیشه است. در این دیدگاه به نقد مدرنیته و حیات فرهنگی غرب مدرن پرداخته می شود و مبنا و شالوده غرب که محور فرهنگ و تمدن و اقتصاد و اجتماع و سیاست و خلاصه همه فعالیت

های آن است به نقد کشیده می شود. واقعیت این است که شالوده و مبنای غرب جدید - به اتفاق اندیشمندان غربی - دوری از خدا و انسانمداری به معنای سوئرکتیویته (نفسانیت و خودبنیادی) است که باعث می شود انسانی در هر ورطه بحران و بی هویت سقوط کند.

گفتمان پست مدرن، گفتمانی عمومی است که طرف مقابلش نظم جهانی است. هدف این گروه مقابله با تخریب دستاوردهای مثبت مدرنیته است که به دلیل چنین شالوده ای بر مدرنیته سایه افکنده است. هدف آنها نجات غرب از ورطه اضطراب و آشفتگی است و آنهایی که همه حاکمیت غرب را به چالش کشانده اند نیز بر این اعتقادند که دیدگاه خود بنیاد غربی که مبدأ و مبنای تمدن مدرن غرب است باعث می شود که انسان به پرتگاه برهوت سقوط کند و اصولاً دلیل این که حیات تمدن غرب بجز از راه تغذیه از خون ملت های دیگر امکان پذیر نیست به دلیل همین مناسبت.

بنابراین اگر چه تمدن غربی دارای ویژگی های مثبتی است، اما چون مبنای آن بر بی خدایی است، باعث می شود که انسان غربی که با نیست خداوند در سیر اندیشه خود رو به روست، وطن اصلی خود - جایگاه الهی و آسمانیش - را فراموش کند و در بند نیست انگاری - نیهیلیسم - گرفتار آید و این بی وطنی انسان غربی منجر به ظهور ابر انسانی می شود که خشن ترین اعمال را علیه بشریت به دنبال دارد و همه انسان ها را - جزء اقلیتی که در دایره ابر انسانی - هستند به منزله حیوانات و حداکثر بردگانی که باید

مطیع باشند تنزل می دهد اگر چه ظاهر تبلیغات خلاف این مطلب را ترویج می کنند و مردم خود را در ظاهر آزاد می دانند.

این مطلب را نه ما - به عنوان مسلمان - بلکه فلاسفه و اندیشمندان معاصر غربی بازگو کرده اند و جهان را رو به نابودی و حداقل هرج و مرج می دانند.

آری وقتی معنویت و خدا از انسان گرفته شد، به تعبیر داستا یوسفکی همه چیز مجاز می شود و انسان روح خود را به شیطان می فروشد (چنان که کریستوفر مارلو نمایشنامه نویس و ادیب مشهور انگلیسی در صدر مدرنیته در نمایشنامه معروف تراژدی فادست آن را به خوبی نشان داده است) و در این صورت همه نقاط مثبتش تحت الشعاع مبنای و شالوده منفی اش قرار می گیرد. بنابراین مخالفت با غرب - از دیدگاه تفکر و اندیشه - مخالفت با چنین مبنایی است که انسان و جهان را از خود بیگانه می کند و گرنه دستاوردهای مثبت آن قابل دفاع است.

**چرا بعضی ارگان های دینی و حتی بعضی از روحانیون (اصلاً قصد توهین ندارم اما این یک واقعیت در جامعه ماست) با رفتارهای خشک مقدس مآبانه جلوی گسترش اسلام و احکام دینی را می گیرند و البته در بعضی موارد مانع ترویج آن می شوند؟**

### پرسش

چرا بعضی ارگان های دینی و حتی بعضی از روحانیون (اصلاً قصد توهین ندارم اما این یک واقعیت در جامعه ماست) با رفتارهای خشک مقدس مآبانه جلوی گسترش اسلام و احکام دینی را می گیرند و البته در بعضی موارد مانع ترویج آن می شوند؟

### پاسخ

جامعه متشکل از گروههای مختلفی است که برای شناخت آنها باید به اهداف و ضوابط پذیرفته شده در آن گروه ها توجه نمود. اعضای که به آن اهداف ملتزم و پایبند هستند اعضاء اصلی و واقعی آن گروه ها به شمار می روند و اگر مخالف آن قوانین و ضوابط مقبول عمل نمودند، اگر چه به ظاهر در گروه فعالیت دارند، اما در واقع مخالف عملکرد گروه کنش می کنند.

در اینجا نیز از سویی برای شناخت ارگانهای دینی و گروه روحانیت باید به عملکرد علمای راستین و افراد ملتزم به ضوابط درون گروهی مراجعه نمود، و با شناخت اعضای اصلی عملکرد اعضای غیر واقعی را تشخیص داد.

از سویی دیگر نیز برای شناخت اسلام و احکام دینی باید به دستوراتی که در شرع مقدس بیان شده مراجعه نمود. خداوند هم برای آشنایی بیشتر انسانها، الگوها و سرمشقهایی را قرار داده تا با نگرش به عملکرد ایشان بتوان به واقعیت نزدیک و نزدیکتر شد. این الگوها در درجه اول شخص پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و در درجه بعد بزرگان دینی و علمای راستین هستند که الگوهای زنده در هر جامعه ای قلمداد می شوند.

مسئلاً عملکرد غلط برخی از روحانی نمایان یا اعضای ارگانهای دینی نباید مورد سرمشق افراد قرار گیرد. آیا مسلمانان به

تمامی احکام اسلامی عمل می کنند؟ پس نباید به

خاطر عملکرد غلط برخی از آنها، اسلام را دارای نقص و عیبی دانست.

البته این نکته نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد که گاهی برداشت‌ها و شناخت‌های ما از اسلام ناصحیح است و چون دچار آفت فکری هستیم برخی از افراد مقید و متعهد به ارزش‌ها را که حاضر نیستند رضایت خدا را فدای هیچ چیز دیگر از جمله پسند یا ناپسند جامعه کنند، متهم به تعصب می‌کنیم.

بنابراین ضمن اذعان به وجود چنین کسانی در همه اصناف و گروه‌ها اظهار تأسف از اینکه در جمع متدینین چنین کسانی به چشم می‌خورند و وجود آنها باعث تبلیغات سوء علیه اسلام می‌شود، به این نکته نیز تأکید می‌ورزیم که مرز بین تعهد و تعصب باید حفظ شود.

**با توجه به اینکه مسؤول واحد فرهنگی بسیج دانشجویی دانشکده می‌باشم، راهنمایی‌هایی را در این زمینه خواستارم.**

### **پرسش**

با توجه به اینکه مسؤول واحد فرهنگی بسیج دانشجویی دانشکده می‌باشم، راهنمایی‌هایی را در این زمینه خواستارم.

### **پاسخ**

در دایره کارهای فرهنگی توجه به نکته‌های زیر ضروری است:

۱- کسی که پرچم فرهنگی یک مجموعه را به دست گرفت خود باید آراسته به آن فرهنگ باشد یعنی هم در بعد علمی و هم در بعد عمل‌الگو باشد و گرنه کسی که خود از بینش والا بهره‌ای نبرده است و از حیث عمل کردن به آن دستورات بی‌نصیب است نمی‌تواند خود را به عنوان مسول فرهنگی معرفی کند و در صورت مطرح کردن خود نه تنها بازدهی ندارد بلکه گاهی اوقات باعث منحرف کردن دیگران می‌شود.

۲- مسؤل فرهنگی یک مجموعه باید از یاران و نیروهای مخلص و دلسوزی برخوردار باشد تا کار او با مشورت آنان متقن‌تر به سایرین تحویل داده شود.

۳- آنان که در وادی فرهنگی قلم می‌زنند و قدم بر می‌دارند باید سعی کنند از باند بازی خودداری کنند و ابزار جناح‌های سیاسی قرار نگیرند.

۴- مسائل روز را درست تحلیل کردن و درست منتقل کردن و از تحلیل صاحب‌نظران متعهد استفاده کردن نیز نباید فراموش شود.

۵- در حل کردن مشکلات روحی و روانی دانشجویان کوشش لازم صورت گیرد و با منحرفان و ناآگاهان سنجیده و اسلامی برخورد شود و مراحل امر به معروف و نهی از منکر رعایت شود.

۶- دعوت از عالمان دین که پرهیزگار و متعهد باقی مانده اند و در دل دانشجویان جا دارند نباید فراموش شود.

۷- داشتن برنامه های مناسب و برگزاری اردوهای زیارتی و تفریحی هم می تواند مثمر ثمر واقع

شود. گفتنی است کارهای فرهنگی بدون هماهنگی با مسئولان مربوطه نمی تواند به سرانجام برسد.

۸- استفاده از تجربه دیگر واحدهای فرهنگی هم می تواند راهگشا باشد.

### مهمترین مشکلات فرهنگی جامعه خصوصاً جامعه دانشگاهی و دانشجویی کدام است؟ لطفاً دلایل ظهور مشکلات را بفرمایید.

#### پرسش

مهمترین مشکلات فرهنگی جامعه خصوصاً جامعه دانشگاهی و دانشجویی کدام است؟ لطفاً دلایل ظهور مشکلات را بفرمایید.

#### پاسخ

دانشگاه یکی از مراکزی است که باید فرهنگ ساز باشد و توده مردم هم با استفاده از این فرهنگ تولیدی راه و روش خود را اصلاح کنند و هر روز بر فرهنگ اصیل اسلام یخود بیفزایند ولی چون دانشگاههای ما تا کنون اسلامی نشده اند دانشجویان هم نتوانسته اند در حدی که انتظار می رود اثر گذار باشند از این رو جامعه اسلامی در تب مشکلات فرهنگی می سوزد و هم اینک مشکلات جامعه دانشگاهی را تقدیم حضورتان می کنیم:

۱- دانشگاه با زمینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران بیگانه است، به ویژه در حیطه علوم انسانی.

۲- به طور عمده نگاه پیش زمینه ای و سخت افزارانه به علم دارد و از ابعاد پس زمینه ای و نرم افزاری آن غافل است که نباید تنها به وجوه سخت افزاری علم توجه شود. باید به شرایط فرهنگی، ارزشی، اقتصادی و محیطی که علم در آن می بالدد نیز توجه کرد.

۳- با نهایت تأسف در حیطه علوم انسانی (به خصوص) به تدریج مرجعیت علم از داخل به خارج می رود چرا مرجع را به غرب کشانده اند؟ قانون تصویب می کنند به شرطی استادیار، دانشیار می شود که مقاله ای در نشریات خارجی بنویسد یا می گویند فارغ التحصیلان داخل را به کار نگیرید و بروید سراغ فارغ التحصیلان خارج از کشور.

۴- عدم توفیق در جامعه پذیری و انتقال فرهنگ و هویت تاریخی به دانشجوی، ما هنوز هویت ایرانی و ملی خود را نمی شناسیم. یکی از کار ویژه



های دانشگاه در بعد جامعه این است که انتقال دهنده فرهنگ از نسل گذشته به نسل بعدی باشد تا چه اندازه شاهد ایفای این نقش مهم و کارکرد اساسی هستیم؟

۵- خط ربط گرفتن از گروه های سیاسی به جای خط و ربط دادن به آنها. آرایش جناحی در مورد مسئولان دانشگاه به هیچ وجه توجیه پذیر نیست، سرنوشت دانشگاه را نباید ارتباطات سیاسی معلوم کند. بایستی تخصص، علم و شایستگی حرف اول و آخر را بزند نه اینکه هر کس به کر سیاسی وصل شود، مقام بالاتری داشته باشد.

۶- فقدان حقوق معنوی در دانشگاه، و کثرت سرقت های علمی در انواع و اقسام آن

۷- فقدان رابطه مناسب با نهاد آموزشی دیگر یعنی حوزه علمیه

۸- وجود خط قرمزهای سیاسی و صنفی علم سوز و تحقیقات سوز

۹- غفلت از فلسفه تعلیم و تربیت که همان غایات و جهت های علم است. (با استفاده از پگاه حوزه، ویژه نامه نهضت آزادی اندیشی در ایران، سخنرانی استاد عماد افروغ، شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۲)

اما مشکلات فرهنگی که در جامعه دیده می شود بسیاری از آنها زائیده تهاجم فرهنگی دشمن است که از جمله آنها توزیع و پخش نوارها و ... مبتذل می باشد و نیز شایعات و شبهه های که در مورد بعضی از شخصیتها و اعتقادات اصیل اسلامی مطرح می شود.

فاصله انداختن بین حکومت و مردم نیز از ترفندهای دشمن است.

گسترش دام اعتیاد نیز می توان از جمله مشکلات جامعه دانست.

تخریب سنگرهای که می توان با استفاده از آنها از اسلام راستین حفاظت کرد همانند تخریب حوزه های علمیه.

قبح ربا تا حدودی فراموش شده است و سن ازدواج هم بالا

رفته است.

و همه این مشکلاتی که ذکر شد یا ریشه در تهاجم فرهنگی دشمن دارد یا ناشی از مشکلات اقتصادی و بی کاری است.

## مبسوط

### اشاره

در باره فعالیت های فرهنگی و آبادانی مسجد

### پرسش

مبسوط

در باره فعالیت های فرهنگی و آبادانی مسجد

### پاسخ

قبل از هر چیز باید حساسیت و توجه تان نسبت به امور فرهنگی و معنوی و اظهار تمایل و علاقه مندی تان نسبت به رشد و کمال و تقویت بنیه اعتقادی اهالی محل زندگیتان را بستائیم و دلسوزی تان را در این زمینه تحسین کنیم و از خداوند متعال توفیق روز افزون شما و دیگر جوانان روشنفکر و روشن ضمیر شبیه شما را خواستاریم. ما نیز به وجود شما جوانان و افکار و اندیشه های ارزشمند و معنوی افتخار می کنیم.

مطمئن باشید هر گامی که برای مسجد و احیاء آن و آباد کردن خانه خدا (در هر مکانی که باشد) بردارید بی نتیجه نخواهد بود و دیر یا زود به آن نتیجه خواهید رسید. تمام فعالیت هایی که در جهت با رونق کردن مسجد کرده اید بسیار ارزشمند است. ایجاد چنین فضای معنوی و روحانی آن هم توسط جوان یا جوانانی همچون شما فی نفسه مطلوب است. بنابراین با همت بلند و تلاشی مضاعف به آن استمرار بخشید و هرگز خسته نشوید و در راه رسیدن به هدف مقدستان اصرار بورزید. امید است به تدریج قلوب مردم به سوی مسجد و رونق بخشیدن به آن جلب شود چرا که شرط حصول نتیجه، استمرار بخشیدن و پشتکار داشتن در این زمینه است. هر چند همانطور که گفته شد صرف ایجاد چنین فضائی هر چند با تعداد اندکی از افراد نیز مطلوبیت دارد و خداوند آن را دوست دارد و به بانیان آن یعنی شما عزیزان پاداش عنایت خواهد کرد. در عین حال چند راهکار برای حضور افراد بیشتر در

مسجد اقامه نماز جماعت در آن خدمتتان عرض می کنیم:

۱- از آنجا که قلب جوان از آلودگی کمتری برخوردار است و از طرف دیگر نیروی بیشتری برای فعالیت دارد مناسب است با تنی چند از جوانان هم سن و سال خود که به امور مذهبی و دینی علاقه مندند گفتگو کنید و از آنها در جهت فعال تر کردن مسجد کمک بطلبید و برنامه های مختلفی که دارید با مشورت و به کمک همدیگر به اجرا گذارید و نخواسته باشید به تنهایی کارها را انجام دهید. از این طریق هم از نظرات آنها استفاده کرده اید و هم از توانائی و نیروی آنها و هم اینکه به مسجد رونق بیشتری داده اید و تعدادی را از این طریق به مسجد دعوت نموده اید.

۲- از آنجا که رکن نماز جماعت، امام جماعت است و معمولاً امام جماعت روحانی است و مردم متدین نیز به روحانی محل خود اعتماد دارند، با روحانی منطقه خود گفتگو کنید و از وی بخواهید برای رونق بخشیدن به مسجدها به شما کمک کند و از او دعوت کنید در یکی از اوقات سه گانه نماز، در مسجدها نماز جماعت برقرار کنند، و علت یا علل نبودن مسجدها را از وی جویا شوید و اظهار تمایل کنید که در مسجدها نماز جماعت فعال داشته باشید.

۳- در صورت امکان به سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان یا به امام جمعه محترمین مراجعه کنید و گزارشی از وضعیت فرهنگی محله خدمتشان ارائه کنید و از آنها بخواهید در این جهت به شما کمک کنند.

۴- در صورت امکان برای نوجوانان و دانش آموزان ابتدائی و راهنمائی

کلاسهای آموزشی قرآن (روخوانی، قرائت، ...) تشکیل دهید و با حضورشان در مسجد قبل یا بعد از نماز مغرب و عشا به تدریج حضورشان را در مسجد و فعال تر کردن آن تلاش کنید. مطمئناً نوجوانان بهتر و زودتر و بیشتر به مسجد و انجام مراسم مذهبی در مسجد علاقه مند می شوند و با گفتگویی که با مراکز فرهنگی شهرستان (مثل سازمان تبلیغات و بسیج و غیره) انجام می دهید و تهیه جوایز برای آنها می توانید زمینه بیشتری در این رابطه فراهم کنید.

در پایان ضمن تقدیر و تشکر از شما بخاطر چنین روحیه ای و دعای خیر برای شما، توفیق روز افزون شما را از خداوند متعال خواستاریم.

## مبسوط

### اشاره

سوال در باره پی آمدهای اختلاط دختر و پسر در محیط دانشگاه است.

### پرسش

مبسوط

سوال در باره پی آمدهای اختلاط دختر و پسر در محیط دانشگاه است.

### پاسخ

ضمن تحسین از روحیه انتقادی ناصحانه و متدینانه شما باید گفت: اولاً، جانا، سخن از دل ما می گویی. ثانياً، مطالبی که در خصوص حریص شدن غریزه جنسی به خاطر اختلاط گفتید نیز مطلب کاملاً صحیحی است، چنان که شهید مطهری در جواب همین شبهه که شما اشاره کردید یعنی «الانسان حریص علی ما منع» که از سوی «برتراند راسل» تشریح و پیشنهادهایی نیز ارائه شده است، در کتاب مسأله حجاب بیان می کنند.

ثالثاً، آرمانی فکر کردن خیلی خوب است، اما باید دانست که آرمان ها در اذهان است آنچه که در عمل تحقق پیدا می کند متأثر از واقعیت ها و شرایط جامعه است و نقش ما آن است که شرایط اجتماعی و واقعیات جامعه را آن گونه بسازیم که روز به روز فاصله بین آرمان ها و واقعیات اجتماعی کم تر شده ما به آرمان ها نزدیک تر شویم. از این رو به نظر ما در وضعیت کنونی و با توجه به برخی از مسؤولین عالی فرهنگی و نیز با در نظر گرفتن واقعیات موجود در بسیاری از دانشگاهها مبنی بر عدم رعایت ارزشها و شئون اسلامی و برخی مشکلات و ناهنجاری های ناشی از آن که به هیچ وجه شایسته و زیبنده جو مقدس و محیط علمی دانشگاه نمی باشد، اختلاط پسر و دختر در دانشگاهها مضرات و آفتهایی را به دنبال دارد.. والا صرف وجود دو جنس در کلاس حرام نیست به شرط آنکه دقیقاً هنجارهای شرعی رعایت گردد.

اما بررسی کامل این آفات یا فواید اختلاط نیازمند تحقیقات گسترده جامعه شناختی

و نظر سنجی های آماری و... می باشد که از حوصله یک نامه خارج است لذا ما به اختصار به تعدادی از مهمترین آن ها می پردازیم:

الف) بررسی آفات و معایب: قبل از پرداختن به این بخش ذکر این نکته لازم است که معایبی که در ذیل می آید مبتنی بر پیش فرضهایی می باشد از قبیل عدم تثبیت کامل این ارزش های اسلامی، و عدم نظارت و کنترل و هدایت صحیح از سوی مسئولان دانشگاه و...

مهم ترین آثار اختلاط عبارتند از:

- ۱- به وجود آمدن برخی انحرافات جنسی، اخلاقی و اجتماعی در اثر عدم رعایت شئون اسلامی از قبیل حجاب کامل و...
- ۲- افت تحصیلی در اثر مشغول شدن روح، فکر و قوه خیال دانشجو به... و عدم توجه کافی به مطالب استاد یا مطالب کتاب در زمان مطالعه و...
- ۳- اضطراب و نگرانی ناشی از انگیزش شهوانی و دشواری ارضای صحیح و مشروع.

ب) بررسی فواید: این بخش نیز مبتنی بر یک پیش فرض می باشد و آن این که در صورتی که معایب فوق در اختلاط دانشجویان پسر و دختر وجود نداشته باشد یا در حدی که قابل توجه نباشد والا دیگر این فواید در مقابل مشکلات فوق قابل اعتنا نبوده و مسأله مهمتر چشم پوشی از این فواید و حل مشکلات و آفتهای ناشی از آن می باشد. در هر صورت مهمترین فوایدی که قابل تصور می باشد عبارتند از:

- ۱- فواید اقتصادی از قبیل: صرفه جویی در هزینه ها و بودجه ها، وقت استاد، فضاهای آموزشی و امکانات دانشگاه و...
- ۲- تمرین تقوا، عفت و پاکدامنی و قرار گرفتن در معرکه کار زار و جهاد جدی با نفس اماره.

ج) بررسی

وظایف راهکارهای مقابله با مشکلات ناشی از اختلاط پسر و دختر در دانشگاه: به طور مختصر می توان وظایف و راه کارهای مقابله با این ناهنجاریها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- وظایف و راه کارهای فردی: دانشجو باید در درجه نخست ارزش ها و معارف و احکام اسلامی را به صورت دقیق شناخته و در خود نهادینه سازد رهبر معظم انقلاب در این خصوص می فرمایند: (آن چه برای دانشجویها در دانشگاهها مهم است رشد ایمان مذهبی و اندیشه اسلامی در ذهن ها و دل های آنان است و مسأله رشد و روحیه تعبد در آنان تعبد با استدلال عقلی و گرایش به مسائل عقلانی با اعتقاد به علم و فعالیت های علمی و دانشگاهی و دانشجویی هیچ منافاتی ندارد و حقیقتا برای نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مایه افتخار است که در ایام البیض ماه رجب در مسجد دانشگاه تهران دانشجویها اعتکاف بکنند این خیلی چیز مهمی است) رسالت دانشجوی مسلمان رهنمودهای مقام رهبری در دیدار با تشکل های دانشجویی و در درجه دوم پای بندی در عمل به ارزش ها و احکام الهی و سایر وظایف عبادی و از دیگر اموری که می تواند در این زمینه مؤثر باشد پیوند دانشجویان با مراکز مذهبی بالاخص علماء دینی می باشد.

۲- وظایف و راه کارهای اجتماعی: اگر دانشجویان دغدغه صیانت از خود را داشته باشند نمی توانند نسبت به محیط و اطرافیان خود بی تفاوت باشند زیرا نقش محیط غیر قابل انکار می باشد لذا دانشجویان باید نسبت به تهذیب محیط خود اهمیت داده و سعی در ترویج و گسترش ارزشهای الهی در محیط دانشگاه خصوصا در جامعه، عموما داشته باشند و به فریضه

امر به معروف و نهی از منکر به زیباترین و مناسب ترین روشها عمل نمایند و با اجرای برنامه های فرهنگی و تفریحی مفید و سالم و سازنده از طریق مراکز موجود در دانشگاهها و جذب سایر دانشجویان اخلاق و رفتار مطابق با ارزشهای اسلامی در برخورد با جنس مخالف و رعایت حدود و موازین شرعی و.. فلسفه احکام اسلامی آفات و مشکلات فردی و اجتماعی رعایت نکردن موازین شرعی و... را به صورت گسترده نهادینه سازند و خدای ناکرده اگر بعضی موارد یافت شد که دست به برخی اقدامات ناشایست می زنند از طرق راه کارهای قانونی مراجعه به مسئولین دانشگاه و تهیه طومار و... اقدام نمایند.

در این زمینه دو راهکار مثبت و منفی وجود دارد که باید از هر دو استفاده کرد. مقصود از راهکار مثبت انجام برنامه های جذاب مانند اردوهای مشتمل بر تفریح و... است اما به شرطی که در آن اردو کار فرهنگی قوی و تأثیرگذار صورت گیرد و مقصود از راهکار منفی، جنبه تدافعی و جلوگیری و یا حتی پیشگیری از بروز مفسد است و یکی از مؤلفه های مهم چنین حرکت مقدسی، ارتباط تشکیلاتی و پیوندهای مستحکم بین دانشجویان مذهبی است که با برنامه، حساب شده و خارج از افراط و تفریط با یک راهکار روشن اقدام لازم را به عمل آورند.

**چرا در جامعه ما به شغل پرستاری اهمیت داده نمی شود، جامعه ای که تمام افراد آن مسلمان هستند جامعه ای که الگوی پرستاری آن حضرت زینب است. من فکر می کنم مردم ما فقط صحبت می کنند تا اینکه عمل کنند مثلا همه برای حضرت زینب گریه می کنند ولی وقتی به یک پرستار می رس**

#### **پرسش**

چرا در جامعه ما به شغل پرستاری اهمیت داده نمی شود، جامعه ای که تمام افراد آن مسلمان هستند جامعه ای که الگوی پرستاری آن حضرت زینب است. من فکر می کنم مردم ما فقط صحبت می کنند تا اینکه عمل کنند مثلا همه برای حضرت زینب گریه می

کنند ولی وقتی به یک پرستار می‌رسند اول می‌پرسند آیا به رشته‌ات علاقه داری یا در بین مردان آنقدر سطح اعتماد پایین آمده که تا پسری به خواستکاری دختری پرستار می‌آید می‌گویند نمی‌خواهم شب کاری برود ولی همین فرد اگر به مشکل پولی برخورد کند و زیر قرض برود می‌گویند اشکال ندارد که سر کار بروی و کمک خرج خانه باشی.

این رفتارها یعنی چه اگر شغل پرستاری را قبول نداری پس تا آخر باید قبول نداشته باشی و اگر قبول داری پس چرا افکار غلط را در جامعه ترویج می‌دهی؟

اما در کشورهای خارجی که مسلمان نیستند و شاید اصلاً حضرت زینب را نشناسند شغل پرستاری از شغل‌های بسیار شریف است. سؤال من این است چرا در جامعه اسلامی این طور و در جامعه غیر اسلامی آن طور است؟

## پاسخ

دوگانگی تئوری و عمل موضوعی هست که همیشه جامعه با آن روبرو بوده و هست و از آن رنج می‌برد و فرهنگ دینی و قرآنی ما نیز با آن مبارزه کرده است و آن را نشانه نفاق عملی می‌داند. بنابراین ما نیز مثل شما معتقدیم که آنچه در ذهن و اندیشه ما شکل گرفته و می‌گیرد باید به عمل بگراید و در صحنه واقعی و عملی مردم رنگ تحقق پیدا نماید. اما متأسفانه در بسیاری موارد آفات و موانع مختلف باعث می‌شود مردم از عمل فاصله بگیرند ولی لازم به ذکر است این اشکال و ایراد نه تنها در جوامع اسلامی، بلکه در جوامع غیر اسلامی نیز به گونه‌ای وجود



دارد و بسیاری از موارد آن از نظرها پنهان است. هر چند نظام اداری و مدیریت اجرایی برخی جوامع به گونه ای است که امکان بی انضباطی و فرار از مسئولیت شغلی شان به حداقل رسیده است ولی نمی توان نابهنجاری های رفتاری و شغلی را به طور کلی در جوامع دیگر نادیده گرفت.

اما وظیفه ما را در چنین موقعیتی و در برابر چنین فضای فرهنگی روشن می کند همان عمل کردن به دستورات و قوانین و مقررات شرعی و اخلاقی است و یکایک مردم باید پای بند آن باشند. سرنوشت و برآیند فضای جامعه ما را رفتار و عمل تک تک و آحاد مردم جامعه تعیین می کند بنابراین همه مسؤول هستند و هر فردی در حیطه شغلی و کاری خود باید سعی کند به آنچه که باور دارد عمل کند. قرآن نیز می فرماید: برنامه زندگی و سرنوشت جوامع و اقوام را ما تغییر نمی دهیم مگر این که خودشان بخواهند و خودشان تلاش کنند و اصلاح و تغییر را در خودشان ایجاد نمایند. اصلاح و تغییر باید از آحاد افراد جامعه آغاز شود تا تمام جامعه تغییر یابد و اصلاح شود.

لازم به ذکر است مسؤولین فرهنگی جامعه نیز که مسئولیت هدایت این جامعه را به عهده دارند باید در راه عملی ساختن و ایجاد فضای فرهنگی مناسب و رشد ارزش های اخلاقی، زمینه و شرایط کافی را فراهم نمایند و عهده دار گسترش آن شود و در هدایت و برنامه ریزی فعالیت های فرهنگی در این زمینه تسریع بخشند.

**با وجود آنکه سالها از جنگ عراق علیه ایران می گذرد و شرایط اجتماعی عوض گردیده است و نگرش ها نسبت به مسائل گذشته تغییر کرده پس چرا هنوز هم از جبهه و جنگ و ۸ سال دفاع مقدس نام برده می شود؟**

**پرسش**

با وجود آنکه سالها از جنگ عراق علیه ایران می گذرد و شرایط

اجتماعی عوض گردیده است و نگرش ها نسبت به مسائل گذشته تغییر کرده پس چرا هنوز هم از جبهه و جنگ و ۸ سال دفاع مقدس نام برده می شود؟

## پاسخ

تاریخ فرهنگ و تمدن هر کشور آمیزه ای است از جنگ ها و صلح ها، شکست ها و پیروزی ها و موفقیت ها. در تمدن آمریکایی با گذشت چندین سال از جنگ خونبار ویتنام، شاهد فعالیت هنرمندان و فیلمسازان در زمینه آن جنگ هستیم در حالی که آمریکا در آن جنگ با شکست سختی مواجه شد.

حال کشوری همانند ایران با تمدن اسلامی چند صد ساله و با رویکردهای استقلال طلبانه و ضد استبدادی باید این تمدن را در ضمن پیروزی ها و شکست های گذشته خود تعریف کند. اگر چه برتری تمدن ایران در دفاع مقدس به جنبه های گوناگونی هم باز می گردد و ایران برخلاف آمریکا در جنگ ویتنام، به پیروزی چشمگیری هم دست یافت.

به لحاظ تاریخی جنگ ایران نقطه عطفی در تمدن ایرانی است که نباید فراموش گردد. زیرا در آن جنگ، مردم ایران و نیروهای مسلح اعم از بسیج، سپاه و ارتش ثابت کردند با توجه به عنایات الهی می توانند در مقابل تجاوز بیگانگان ایستادگی کنند. پس پرداختن هر چه بهتر و به روزتر به مسأله دفاع مقدس می تواند تبیین بهتری از تمدن ایرانی و اسلامی داشته باشد. از سوی دیگر مسأله درس گرفتن از نکات جنگ ها در گذشته تاریخی هر کشوری است.

در قرآن کریم شاهد گوشزد کردن عیوب و برتری های مسلمانان در مقوله جهاد فی سبیل الله هستیم. خداوند مسلمانان را به درس گرفتن از

نکات آن جنگ ها و جهاد ها امر می کند. ایران نیز به عنوان یک کشور اسلامی باید از دفاع مقدس درس گرفته، آن روحیه جهادی و فداکاری را در مقابل متجاوزان به سرزمین اسلامی ایران را در زمینه های اقتصادی و فرهنگی نیز جاری سازد.

نتیجه: پیاده کردن روحیه مقاومت و ایستادگی زمان جنگ در زمینه های غیر نظامی (اقتصادی و فرهنگی) نیز راهشگا است.

**دفن کردن شهدای گمنام در دانشگاهها و پارکها و یا اماکن عمومی چه معنایی دارد؟ آیا فرهنگ شهید و شهادت در این است که اجساد مجهول الهویه را سرمایه بقای نظام گردانیم و از این طریق از این اجساد استفاده ابزاری کنیم؟**

### پرسش

دفن کردن شهدای گمنام در دانشگاهها و پارکها و یا اماکن عمومی چه معنایی دارد؟ آیا فرهنگ شهید و شهادت در این است که اجساد مجهول الهویه را سرمایه بقای نظام گردانیم و از این طریق از این اجساد استفاده ابزاری کنیم؟

### پاسخ

در اینجا دو موضوع قابل بررسی است؛ اول در مورد جایگاه شهید و آثار و نتایج دفن شهدا، دوم در مورد مکان دفن این عزیزان. از این رو به اختصار مطالبی را بیان می نمایم:

الف) واقعا اگر دیدی صحیح و واقع بینانه از جایگاه شهید و اهمیت آن در اسلام و اجتماع داشته باشیم، اذعان می نمایم که شهیدان از گرانقدرترین سرمایه های اصلی نظام هستند و بهتر است آنچنان که شایسته آنان است، نتوانسته ایم از این ذخایر عظیم برای خود و نسل های بعدی استفاده مناسب بنماییم.

در متون و آموزه های دین مبین اسلام جایگاه ویژه ای برای «شهید» و «شهادت» در نظر گرفته شده است و از «قداست» خاصی برخوردار است. اگر کسی با مفاهیم اسلامی آشنا باشد، در عرف خاص اسلامی، احساس می کند که هاله ای از نور کلمه «شهید» را فرا گرفته است. «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون، فرحین بما اتاهم الله من فضله و یستبشرون باللذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و الا هم یحزنون؛ البته نپندارید کسانی که در راه خدا کشته می شوند مردگانند، بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خداوند متنعم خواهند بود، آنان به فضل و رحمتی که خداوند نصیب آنها گردانیده شادمانند و بشارت و مژده می

دهند به کسانی که هنوز به آنان نپیوسته اند و بعدا در پی آنها برای آخرت خواهند شتافت که از مردن هیچ نترسند و از فوت متاع دنیا هیچ غم نخورند» (آل عمران، آیه ۱۷۰ - ۱۶۹).

امام علی(ع) می فرماید: خدا شهدا را در قیامت بآبهاء و جلال و عظمت و نورانیتی وارد می کند که اگر انبیا از مقابل اینها بگذرند و سوار باشند به احترام اینها پیاده می شوند. و آیات و احادیث بسیار زیادی که همه بیانگر جایگاه و ارزش والای شهید در اسلام هستند. چرا؟ چون «همه گروه های خدمتگزار در جامعه، مدیون شهدا هستند؛ عالم در علم خود و فیلسوف در فلسفه خود و مخترع در اختراع خود و معلم اخلاق در تعلیمات اخلاقی خود نیازمند محیطی مساعد و آزادند تا خدمت خود را انجام دهند ولی شهید آن کسی است که با فداکاری و از خودگذشتگی خود و با سوختن و خاکستر شدن خود محیط را برای دیگران مساعد می کند. مثل شهید مثل شمعی است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتو افکندن است تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند. آری، شهدا شمع محفل بشریت اند؛ سوختند و محفل بشریت را روشن کردند. اگر این محفل تاریک می ماند هیچ دستگاهی نمی توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه بدهد» (قیام و انقلاب مهدی، مقاله شهید، استاد مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴، ص ۹۰ - ۶۶).

بر این اساس است که حق شهید از حق تمام کسانی که از راه

علم، فلسفه و اندیشه، صنعت و اختراع و اکتشاف و اخلاق و حکمت عملی و... به بشریت خدمت کرده اند، بالاتر است (همان). و از این رو مشاهده می شود که عکس العمل احساسی انسان ها و ابراز عواطف خالصانه آنان درباره شهدا بیش از سایر گروه هاست.

البته احترام و ارزش والای شهید، اختصاص به جامعه ما ندارد بلکه در سایر جوامع و فرهنگ ها برای شهید مقام و جایگاه ویژه ای قائلند و این دقیقا به خاطر نقشی است که شهید هم در زمان حیاتش و در جهاد و مبارزه با دشمنان و دفاع از میهن و دین خود انجام داده و هم بعد از کشته شدنش به عنوان الگو، نماد واسوه پایداری و حماسه سازی و جانفشانی در راه دفاع از کشور و آرمان های آن ایفا نموده است. به فرموده شهید بزرگوار استاد مطهری «شهید چه می کند؟» شهید تنها کارش این است که در مقابل دشمن می ایستد، یا دشمن را می زند یا از دشمن می خورد؛ اگر تنها این بود، باید بگوییم آن وقتی که از دشمن می خورد و خونش را می ریزند، خونش هدر رفته، نه، هیچ وقت خون شهید هدر نمی رود... خون شهید هر قطره اش تبدیل به صدها قطره و هزارها قطره، بلکه به دریایی از خون می گردد و در پیکر اجتماع وارد می شود. لهنذا پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ما من قطره احب الی الله من قطره دم فی سبیل الله؛ هیچ قطره ای در مقیاس حقیقت و در نزد خدا از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست. شهادت تزریق

خون است به پیکر اجتماع؛ این شهدا هستند که به پیکر اجتماع و در رگ های اجتماع - خاصه اجتماعاتی که دچار کم خونی هستند - خون جدید وارد می کنند» (همان، ص ۸۸).

بزرگترین اثر و خاصیت شهید حماسه آفرینی اوست. در ملت هایی که روح حماسه، مخصوصا حماسه الهی می میرد بزرگترین خاصیت شهید این است که آن حماسه مرده را از نو زنده می کند، لهذا اسلام همیشه نیازمند به شهید است، چون همیشه نیازمند به حماسه آفرینی است، حماسه های نو به نو و آفرینش های جدید بر این اساس دیگر شهدای گمنام، مجهول الهویه نیستند هر چند نام و نشان خانوادگی ندارند، اما بزرگترین شناسه و مشخصه دینی و ملی را با خود داشته و برای تمام جامعه و نسل های آینده کاملا شناخته شده می باشند و بر این اساس بدن شهید هم در اسلام از جایگاه و قداست ویژه ای برخوردار است؛ بدن شهید یک «جسد متروح» است؛ یعنی جسدی است که احکام روح بر آن جاری شده است، همچنان که جامعه شهادتش «لباس متجسد» است؛ یعنی حکم روح بر بدن جاری شده و حکم جاری شده بر بدن، بر لباس و جامعه وی جاری شده است (همان، ص ۶۹).

لذا براساس دستورات و آموزه های حکیمانه اسلام، شهید با همان لباس خود دفن شده و احتیاج به غسل و کفن ندارد. بنابراین شهدا سرمایه و ذخایر عظیم هر ملتی هستند که باید تا آنجا که ممکن است از این سرمایه ها برای جامعه و نسل های آینده به عنوان الگو و اسوه قرار گیرند.

ب) اما در مورد مکان دفن

شهدا باید گفت که مسلماً انحصار دفن این پیکرهای عزیز در بهشت زهرا (به دلیل بعد مسافت و یا در حاشیه قرار گرفتن آن و...) به تنهایی نمی تواند نتیجه مطلوب و آن آثاری را که باید شهدا در اجتماع داشته باشند - آن هم در شرایط کنونی که شدیداً مورد تهاجم فرهنگی دشمنان هستیم به دنبال داشته باشد، از این رو اصل این طرح یعنی دفن پیکرهای مطهر شهدا در مناطق مختلفی از شهر، کاملاً منطقی است و این موضوع اختصاص به ایران نیز ندارد، بلکه در بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز، به دلیل اهمیت این مسأله و جایگاه شهید، محل ها و مکان های خاصی در داخل را برای شهدای گمنام در نظر گرفته و مردم و مسئولین در رفت و آمدهای روزانه به آنها ادای احترام و با آرمان های آنان تجدید بیعت می کنند. به عنوان نمونه، معروفترین مقبره سرباز گمنام، آرامگاهی است که در میدان «اتوال» (شارل دوگل) پاریس برپا شده است. این آرامگاه که زیر طاق نصرت معروف پاریس قرار گرفته پس از پایان جنگ اول جهانی ساخته شد و سمبل جانفشانی ۱/۳۹۰/۰۰۰ فرانسوی است که در این جنگ کشته شدند (فرهنگ جامع سیاسی، محمود طلوعی، نشر علمی، ۱۳۷۷، ص ۵۵۲). و همچنین در روسیه (جلوی پارلمان)، آمریکا و...

اما این که در چه منطقه ای از شهر و... باشد نیازمند کار کارشناسی است که باید تمامی جوانب و مسائل را در نظر گرفت. به عنوان نمونه در کلکچای که محل تفریحی و ورزشی است می تواند تأثیرات مثبتی به دنبال داشته باشد و یاد دانشگاه ها، زیرا دانشجویان می

توانند در کنار آموزه های علمی و تجربی و محیط درس، آموزه های معنوی را هم توسط این اسوه های رشادت و فداکاری و ایثار برای میهنشان فرا گرفته و عزم و اراده و همت خویش را در انجام وظایف و خدمت به میهن خویش، تقویت نمایند.

اما در برخی اماکن مانند میادین شلوغ و پرازدحام شاید مناسب نبوده و نتایج مطلوب را به دنبال نداشته باشد که تشخیص این امر به عهده مسئولین مربوطه و کارشناسان است.

در هر صورت هرگز نباید به این سمبل های مقاومت و این سرمایه های عظیم ملی و نقش سازنده آنان بی توجه بود. همان طور که مرحوم دکتر علی شریعتی در اهمیت این موضوع می گوید: «... پرورش انسان - مذهب، اخلاق، تعلیم و تربیتی - جز این نیست که همه انسان ها را با پیوند به این نمونه های ممتاز، یعنی تأسی به اینان که «اسوه» اند و چشم داشتن در اینان که «شهیدند» به انسان حقیقی یعنی حقانیت انسان نزدیک کنیم» (علی (ع) دکتر علی شریعتی، مجموعه آثار ش ۲۶، تهران، نشر آمون، چاپ هفتم، ۱۳۷۵، ص ۵۶۱).

**نظر شما در مورد فعالیت در تشکلهای دانشجویی چیست؟ و آیا برای دانشجو که وظیفه او درس خواندن است این گونه فعالیتها اشکالی ندارد؟ و در چه تشکلی فعالیت کنیم برای خود و جامعه مفید خواهد بود.**

### پرسش

نظر شما در مورد فعالیت در تشکلهای دانشجویی چیست؟ و آیا برای دانشجو که وظیفه او درس خواندن است این گونه فعالیتها اشکالی ندارد؟ و در چه تشکلی فعالیت کنیم برای خود و جامعه مفید خواهد بود.

### پاسخ

دانشجویان هر جامعه، یکی از اقشار آگاه جامعه نسبت به مسائل گوناگون هستند و ویژگی آرمان خواهی و منتقد بودن به عنوان یکی از صفات ممتاز آنان محسوب می شود. به همین خاطر نقد وضعیت موجود و در پی وضعیت بهتر بودن، قشر دانشجو را همواره در تلاش و تکاپو نگه می دارد و دائما او را با مسائل مختلف اجتماعی درگیر می کند. اگر چه دانشگاه، مؤسسه ای علمی است، اما دانشجویان و دانشگاهیان همانند سایر اقشار اجتماعی علاوه بر وظیفه تخصصی خود که تحصیل و تحقیق می باشد، به عنوان عضوی از جامعه انسانی در قبال سرنوشت جامعه و مناسبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه حساسیت دارند و واکنش نشان می دهند و به این ترتیب وارد عرصه سیاست می شوند.

اما از آنجایی که هر پدیده ای ممکن است دچار آفت شود، وارد شدن دانشجو به عرصه های سیاست نیز دارای آفت هایی است که یکی از مهمترین آنها بازماندن از تحصیل است. اما اگر از دیدگاه تقسیم کار اجتماعی به دانشگاه و دانشجو نگاه کنیم، تعلیم و تعلم، پژوهش و تحقیق و پاسداری از سنن علمی و فرهنگی، وظیفه اصلی دانشگاه و دانشجو تلقی می شود. اساسا از دانشجو نمی توان انتظار داشت به طور مستقیم در فعالیت های سیاسی دخالت کند، اما مانند سایر نهادها یا حرفه ها، برای دانشجو نیز دو وظیفه متصور



است: ۱. تحصیل و تحقیق، ۲. حساسیت در قبال سرنوشت جامعه.

وظیفه اول دانشجو فعالیت های علمی، آموزشی و پژوهشی و به عبارتی وظیفه ای حرفه ای است که به طور معمول به آن می پردازد. علاوه بر این گونه فعالیت ها، دانشجو همچون مفسر و منتقد اجتماعی به اوضاع جامعه می نگرد. این ویژگی گاه از موضع پژوهش بی طرفانه علمی صورت می گیرد و گاه براساس تعهدی سیاسی و ایدئولوژیک یا احساس وظیفه دینی. بنابراین دانشجو هرگز نباید فراموش کند که نسبت به درس و تحقیق و مطالعه علمی چه وظیفه سنگینی دارد اما این بدان معنا نیست که نسبت به مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه بی طرف بماند. زیرا به جهت حساسیتی که دانشگاه در سطح افکار عمومی و جامعه در جهت اثر گذاری و اثرپذیری از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد بی توجهی به آن اثرات نامطلوبی به دنبال خواهد داشت. به همین جهت ایادی دشمن که از این حساسیت کاملاً آگاه هستند همیشه به دنبال انحراف حرکت های دانشجویی و جهت دادن آنها در مسیر اهداف خود بوده اند. تنها راه نجات از گرفتاری در این جریان ها، حفظ اصالت دینی و ملی و توجه به آرمان های اسلام و انقلاب است که امروزه در پیروی از ولایت فقیه تبلور یافته است. ما در اینجا تشکل خاصی را به شما پیشنهاد نمی کنیم ولی به طور کلی توصیه می کنیم وارد هر تشکلی که شدید خود را سرسپرده به آن ندانید و اجازه ندهید تشکیلات شما را در خواسته های خودش حل کند. همیشه به یاد داشته باشید که مسلمان

هستید و دارای وظایف الهی هستید و از این رو آنچه را که موافق اسلام و اعتقادات مذهبی تان است بپذیرید. اجازه ندهید از شما سوء استفاده شود. جریاناتی مانند کوی دانشگاه به خوبی نشان داد که عده ای از دانشجویان فهیم ما چه سنجیده و خوب عمل کردند و نقشه دشمن را فهمیدند و خود را ملعبه دست آنها قرار ندادند ولی عده ای هم بدون فکر و هدف وارد این جریان شدند و به نفع دشمن خود حرکت کردند که به لطف خدا بسیاری از آنها بعداً به اشتباه خود پی بردند و از گذشته خود توبه کردند. خداوند انشاءالله همه ما را به راه راست هدایت فرماید.

**دانشگاه ما از نظر فعالیتهای فرهنگی گسترده بسیار در فقر به سر می برد و ما گروهی هستیم که قصد انجام این کار را داریم و بدون سابقه قبلی و اطلاعاتی در این زمینه از شما خواستارم طرحی قابل اجرا پیشنهاد کنید تا هم بتوانیم از نظر فرهنگی تاثیر گذار باشیم هم از نظر**

### **پرسش**

دانشگاه ما از نظر فعالیتهای فرهنگی گسترده بسیار در فقر به سر می برد و ما گروهی هستیم که قصد انجام این کار را داریم و بدون سابقه قبلی و اطلاعاتی در این زمینه از شما خواستارم طرحی قابل اجرا پیشنهاد کنید تا هم بتوانیم از نظر فرهنگی تاثیر گذار باشیم هم از نظر علمی و معرفتی و طرح گیرا و جذاب باشد در ضمن قادر هستیم در این زمینه از اساتید موسسه امام خمینی قم استفاده کنیم اما روند، شروع و هدف واقعی را نمی دانیم.

### **پاسخ**

کار در زمینه فرهنگی دارای گستره عامی است که زیر شاخه ها و زیر ساختارهای متعددی را شامل می شود و از هر طرف می توان نگاهی به وادی فرهنگ انداخت. به عنوان مثال: قسمت های سیاسی، ادبی، دینی، اجتماعی، هنری و... پس قبل از هر اقدامی توصیه می شود هدف خویش را به طور شفاف متفح و تبیین نمایید.

هدف های یک مجموعه نیز طبق نیازها و علائق آن مجموعه تعریف می شود. اگر شما دارای ذائقه هنری هستید و نیاز اصلی شما سمت و سوی چنان مسائلی را دارد پس بهتر است هدف خود را در قالب چنان امری تعریف کنید. پس باید چارت تشکیلاتی خود را برای رسیدن به آن هدف منسجم و تنظیم کنید (تخصیص منابع برای رسیدن به اهداف). یعنی مسؤولیت هر یک از منابع انسانی خود را مشخص نموده و در نهایت کار انجام شده از وی خواسته شود.

اما، با توجه به جامعه جوان ما و نیاز شدید ایشان به فهم صحیحی از دین، آنچه پیشنهاد می شود برنامه ریزی منسجم و مرتبی

است حول آثار شهید آیت الله مطهری زیرا آثار ایشان از طرفی مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی است و از سوی دیگر حضرت امام نیز توصیه کردند تا دانشجویان و طلاب آثار ایشان را به دست فراموشی نسپارند.

برای اقدام در این زمینه ابتدا افراد مایل به شرکت در این برنامه را جذب نموده سپس طبق سیر مطالعاتی ارائه شده توسط فضایی چون آقای معمار منتظرین و دیگران (در اصفهان) برنامه مطالعاتی را شروع نمایید. برای هر کتاب نیز با توجه به برنامه های درسی دانشگاه مدت زمانی را معین کرده پس از اتمام مطالعه کتاب جلسه گفتگوی گروهی تشکیل داده به بحث و سؤال در مورد مسائل خوانده شده می پردازید.

ناظر جلسه نیز بهتر است فردی آشنا به مبانی اسلام و شهید مطهری باشد (در این زمینه از نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه خود سؤال کرده با ایشان مسأله را مطرح نمایید) سپس به ترتیب سیر ارائه شده را که از آسان به مشکل ارائه شده به پیش برید.

نکته لازم به ذکر آن است که: اولاً- تمامی این امور وقتی بجاست که هیچ گونه لطمه ای به دروس شما وارد نشده به عنوان کار جانبی قلمداد شود.

ثانیاً، چنین تصمیمی را با برنامه ای منسجم و همه جانبه شروع کرده و تا آخر با استقامت ادامه داد زیرا شعار کار فرهنگی، شعاری جذاب است که در ابتدا سهل و آسان می نماید ولی به خاطر مداومت و استقامت زیادی که لازم دارد بسیاری در میان راه باز می گردند.

### چگونه می توان ارزشهای واقعی و دین را به جامعه بشری تعلیم داد؟

#### پرسش

چگونه می توان ارزشهای واقعی و دین را به جامعه بشری تعلیم داد؟

#### پاسخ

در فرایند تعلیم و تبلیغ ارزش های واقعی دین به جامعه، عناصر متعددی از قبیل؛ خصوصیات و توانایی های شخص معلم و مبلغ، ویژگی های متعلم یا مخاطب (جامعه تبلیغی)، موضوع یا پیام مورد انتقال، شیوه، ابزار، هدف، زمان و مکان، مورد نیاز بوده و هر کدام در جای خود از اهمیت زیادی برخوردارند (ر.ک: محمد تقی رهبر، پژوهش در تبلیغ، ص ۱۵۶).

بررسی شیوه های تعلیمی و تبلیغی قرآن کریم و پیامبران الهی، به عنوان بزرگترین معلمان بشریت در طول تاریخ مؤید این مطلب است. از این رو در پاسخ سؤال فوق نمی توان به یک روشی و یا چند روشی در تعلیم و تبلیغ دین و ارزش های آن بسنده کرد؛ زیرا موضوعاتی نظیر روحیات فرد متعلم، سطح علمی فرد و جهان بینی او، مقتضیات زمان و مکان و... هر کدام روش ها و شیوه های متفاوتی را طلب می نمایند. از سوی دیگر احکام و تعالیم اسلامی تماماً منطبق با مقتضیات طبیعی و

شرایط فطری و موافق با سنن الهی حاکم بر جهان است، بنابراین در هر شرایط، امکان اتخاذ یک روش برخاسته از مبانی دینی وجود دارد «انعطاف پذیری اسلام چنین اقتضا می کند که با روش های متناسب با زمان و مکان و با زبان روز و بهره گیری از ابزارهای مشروع گوناگون که متضمن رساندن پیام اسلام به مردم است تبلیغ و دعوت صورت پذیرد» (فتوحی یکن، مشکلات الدعوه والدعاه، ص ۱۱۷).

از سوی دیگر مسلماً روش الگویی «شیوه اسوه نمایی» در تربیت و تعلیم، ارشاد و هدایت

و تبلیغ از مؤثرترین شیوه هاست. سید قطب در اهمیت این شیوه می نویسد: «عملی ترین و پیروزمندانه ترین وسیله تربیت، تربیت کردن با یک نمونه عمل و سرمشق زنده است... سرمشق و الگو به مردم عرضه می شود تا مردم همانند صفاتش را در خود تحقق بخشند و به رنگ آن نمونه واقعی در آیند. هر کس به اندازه ظرفیت و استعدادش از آن شعله فروزان پرتوی بگیرد و تا آنجا که توانایی دارد برای رسیدن به قله کمال از کوه دانش و فضیلت بالا رود... از این جهت است که اسلام، سرمشق دادن را بزرگترین وسیله تربیت می داند و پایه روش تربیتی خود را بیش از هر چیز بر این سنگ استوار می سازد» (سید قطب، روش تربیتی اسلام، ترجمه محمد مهدی جعفری، ص ۲۵۱، ۲۵۲).

اهمیت این موضوع مورد تأیید یافته های علمی روان شناسان نیز واقع شده است (مصطفی عباسی مقدم، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، ص ۸۳).

در قرآن کریم و روایات متعدد و همچنین سیره معصومین (ع) بر این روش تأکید شده است. چنانکه قرآن کریم می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر» (احزاب، آیه ۲۱) و «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه» (ممتحنه، آیه ۴). و...

امام صادق (ع) نیز می فرماید: «کونوا دعاه الناس بغير السننکم لیروا منکم الورع والاجتهاد والصلاه والخیر فان ذلک داعیه؛ دعوت گر مردم با غیر زبان هایتان باشید تا پاکدامنی، کوشش، نماز و نیکی را از شما مشاهده کنند که این خود دعوت کننده است» (اصول کافی، کلینی، ج ۳،

اسوه بودن و انطباق گفتار و کردار یکی از مؤثرترین شیوه های تعلیم و تبلیغ دین است. «اسوه حسنه از موفق ترین شیوه ها و ابزارهای ارتباط با مردم است و از این رو بر هر حاکم و رهبر و پیشوایی که در اندیشه پیروزی و نیل به اهداف فکری و عملی دعوت می باشد، لازم است که خود اسوه و الگوی دیگران باشد» (عبدالطیف حمزه، الاعلام، تاریخه و مذاهبه، ص ۳۱).

البته همچنان که مشخص است هرگز نمی توان فقط به این روش در تعلیم و تبلیغ دین در جامعه اکتفا نمود بلکه استفاده از روش های جدید و شیوه های هنری مشروع و مناسب با مقتضیات زمان و مکان می تواند نقش مهمی در تعلیم و انتقال ارزش ها به جامعه داشته باشد. چنان که زیبایی و فصاحت و بلاغت قرآن که از مقوله هنر است، مؤید این مطلب می باشد. در هر صورت پرداختن به تمامی شیوه های مناسب برای تعلیم و تبلیغ دین در این مختصر نمی گنجد، از این رو توصیه می شود به منابع ذیل مراجعه نمایید:

۱. قرآن و تبلیغ، محسن قرائتی، وزارت ارشاد

۲. تعلیم و تربیت در اسلام، شهید مطهری، نشر صدرا

۳. اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، مصطفی عباسی مقدم، انتشارات دفتر تبلیغات

**لذا با توجه به افزایش فساد اخلاقی اعم از روابط نامشروع زناشویی فیلم مبتذل، عکس، اینترنت، خانه فساد و فحشا، فرار دختران از خانه که صدا و سیما برنامه به صورت مداوم و سراسری پخش نماید که در ازدواج والدین سخت بگیرند تا این عوامل به وجود نیاید و جامعه به فساد**

### **پرسش**

لذا با توجه به افزایش فساد اخلاقی اعم از روابط نامشروع زناشویی فیلم مبتذل، عکس، اینترنت، خانه فساد و فحشا، فرار دختران از خانه که صدا و سیما برنامه به صورت مداوم و سراسری پخش نماید که در ازدواج والدین سخت بگیرند تا این عوامل به وجود نیاید و جامعه به

## پاسخ

ضمن استقبال از پیشنهاد شما و پیگیری آن نکاتی را خاطر نشان می‌سازیم:

در مورد ازدواج شعارهای زیادی داده شده و بسیاری دم از این مطلب می‌زنند. اما برای تحلیل واقع‌گرایانه‌تر از این قضیه باید توجه داشت مشکلات ناشی از تأخیر یا سختگیری در ازدواج تنها با سفارش و توصیه حل نخواهد شد (که اگر قابل حل بود با این همه سفارش که در همان صدا و سیما گفته می‌شد قابل حل بود) بلکه خود این مشکل معلول مشکلات ساختاری دیگری درون جامعه است که تا آن موارد حل نشود، این هم قابل نخواهد بود. یعنی در عمل باید دست به اصلاحات ساختاری زد و الا در حرف چه بسیارند ناصحین و سخنگویان.

از جمله آن عوامل؛ نقش فرهنگ سازی و نیز ساماندهی اقتصادی را نباید مورد غفلت قرار داد. بسیاری از تشریفات بی‌خود و ساختگی مانع ازدواج است، کما این که نباید مشکلات اقتصادی از جمله شغل و مسکن برای جوانان نباید فراموش شود.

پس اگر کسی در فکر حل مشکلات ازدواج است باید در فکر اصلاح مشکلات ساختاری که باعث آن شده‌اند باشد. از سوی دیگر خداوند متعال نیز در قرآن کریم به جوانان توصیه فرموده اگر نتوانستند ازدواج کنند ولی اگر نتوانستند و شرایط و مشکلات اجتماعی مانع از آن بود نباید آن را دلیلی بر توجیه گناه کردن قرار دهند. بلکه باید عفاف پیشه کنند و تقوا بورزند.

از نظرگاه اسلام حتی اگر همه افراد نیز به سمت ضلال و نابودی رفتند فرد باز در برابر خداوند مسؤول است و اگر چه تقوا و عفاف ورزیدن

در این حالت سخت تر است اما اجر و پاداش بیشتری نیز دارد.

در نهایت:

اولاً؛ حل مشکلات ازدواج تنها به سفارش و توصیه تنها حل نخواهد شد بلکه نیاز به اصلاحات ساختاری تری دارد.

ثانیاً؛ والدین اگر چه باید در ازدواج ها دست از سخت گیری های بی جا بردارند ولی جوانان نیز در صورت عدم حل مشکلات ازدواج باید تقوا و عفاف بورزند.

**موسیقی هایی که از صدا سیما جمهوری اسلامی پخش می شود یا از طریق رادیو جوان و... و کنسرت هایی که در محیط های دانشجویی و در شهرهای مختلف این مملکت اسلامی در جریان است کاملاً غیر شرعی و خلاف اعتقادات روایات و آیات الهی می باشد . بنده در این مورد به قطع یقین رسی**

**پرسش**

موسیقی هایی که از صدا سیما جمهوری اسلامی پخش می شود یا از طریق رادیو جوان و... و کنسرت هایی که در محیط های دانشجویی و در شهرهای مختلف این مملکت اسلامی در جریان است کاملاً غیر شرعی و خلاف اعتقادات روایات و آیات الهی می باشد . بنده در این مورد به قطع یقین رسیده ام چون با علمای اهل مکتب اسلام مباحثات زیادی را داشته ام و متأسفانه این ترویج موسیقی از دانشگاهها رایج شده است بنده به عنوان یک پیرو اهل بیت چه باید بکنم . اگر ممکن است احادیث و روایات و یا آیاتی که در رد موسیقی وجود دارد برای بنده مشروحاً با ذکر منابع ارسال نمایید تا بنده به عنوان مبلغ آنها را تکثیر و در میادین مختلف مبارزات علیه بدعت های پخش شده در جامعه تا حد توان خصوصاً در بین دانشجویان و خوابگاههای دانشجویان منتشر نمایم.

**پاسخ**

به پیوست (کتاب انسان، غنا، موسیقی، احمد شرفخانی خویی) به پیوست ارسال می گردد.

**در روایات و احادیث و مخصوصاً قرآن بسیار تاکید شده است به دستگیری از فقرا. ولی جامعه امروز ما پر شده از بسیاری از اشخاص که به بهانه های گوناگون دست نیاز به سوی انسان دراز می کنند. و این مسئله باعث شده که تشخیص نیازمند واقعی از گدایان حرفه ای مشکل شود. با تو**

**پرسش**

در روایات و احادیث و مخصوصاً قرآن بسیار تاکید شده است به دستگیری از فقرا. ولی جامعه امروز ما پر شده از بسیاری از اشخاص که به بهانه های گوناگون دست نیاز به سوی انسان دراز می کنند. و این مسئله باعث شده که تشخیص نیازمند واقعی از گدایان حرفه ای مشکل شود. با توجه به این که توصیه شده سائل را از خود نرانید مخصوصاً اگر دم منزل بیاید آیا ما باید به این قبیل افراد کمک کنیم یا اینکه با کمک به آنها تکدی گری را رواج داده ایم در این شرایط وظیفه انسانی و اسلامی



یک شخص چیست؟

## پاسخ

قبل از هر چیز باید معنای فقیر را فهمید - از نظر شرع مقدس اسلام هر کسی که در آمدش کفاف خرج زندگی او را ندهد فقیر است و حتی می شود به او زکات واجب پرداخت کرد چه رسد به زکات و صدقه مستحبی، در نتیجه جستجوی فقرا در میان گدایان خیابانی اصلاً کار درستی نیست بلکه اکثر آنها از همین راه صاحب درآمدهای کلان می باشند.

در حالی که بسیاری از افراد زحمت کش و شریف در ضعف شدید اقتصادی به سر می برند و بسیار آبرومند هستند و به هیچ وجه راضی به درخواست کمک از دیگران نیستند. خوب است انسان چنین خانواده هایی را از طریق هیأت امنای مسجد محل یا افراد خیری که در این کار سابقه دارند شناسایی و اقدام به کمک آنها نماید. البته بسیار روشن است که شکل کمک مالی به خانواده هایی این چنین آبرومند کاملاً متفاوت با پرداخت صدقات در کوچه و بازار است و

از هر کسی هم بر نمی آید. لذا صدقات جزئی را بهتر است در صندوق های صدقات واریز نمود.

تکدی اگر همراه با دروغ و فریب نباشد حرام نیست اگر چه مکروه است (استفتاآت جدید امام خمینی، ج ۲، ص ۴۵، س ۱۱).

بنابراین کمک کردن به آنهایی که علم ندارید که آیا فقیر واقعی هستند یا نه حرام نیست و اگر قصد خدا باشد اگر چه در واقع آن شخص مستحق نباشد دهنده صدقه به ثواب می رسد. البته در جایی که علم داشته باشید که شخص این کار را وسیله ارتزاق و جمع اموال قرار داده جایز نیست.

**آیا می توانیم بگوییم به علت اینکه علوم غربی از فکر غربی (امانیستی) نشات می گیرد این علوم را نمی توان برای مقاصد الهی به کار برد یعنی مثلا تلویزیون اسلامی داشته باشیم و...**

### پرسش

آیا می توانیم بگوییم به علت اینکه علوم غربی از فکر غربی (امانیستی) نشات می گیرد این علوم را نمی توان برای مقاصد الهی به کار برد یعنی مثلا تلویزیون اسلامی داشته باشیم و...

### پاسخ

نخست باید دانست برخی از بنیادها و ابزارهای غربی به طور زیربنایی با تفکر اساسی در تضاد است مانند کنوانسیون رفع تبعیض از زنان. اما برخی ابزارها و بنیادهای پرداخته شده به وسیله آنها به کارشناسی و تغییر برخی کاربری ها قابل استفاده هستند.

از آن جمله تلویزیون و اینترنت می باشد (ر.ک: طلوع ماهواره و افول فرهنگی، دکتر صادق طباطبایی، انتشارات اطلاعات).

برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم:

۱. بی تردید، به طور کلی نمی توان گفت که، علوم غربی برای مقاصد الهی کاربرد ندارد، بلکه با توجه به معیارهای دین الهی، باید مرزبندی های میان دو دسته مزبور از دانش ها را شناسایی و از جهات مشترک آنها پیروی نمود.

۲. در یک چشم انداز کلی، شاید بتوان گفت، آن چه که مشخصا یافته های دانش غربی را در حوزه علوم انسانی، از مورد مشابه آن در علوم الهی جدا می سازد، نوع نگرش به انسان و جنبه های اوست.

بدین توضیح که آنان با گسیختگی از هویت روحانی انسان که بخش پایدار وجود او را تشکیل می دهد و همچنین با جدایی از عالم فرامادی، در ترسیم فلسفه حیات و راهکارهای شکوفایی آن به بی راهه افتاده اند. این رویکرد تنها در اندیشه و حیانی، با همه جوانب خود تبیین شده است.

۳. با توجه به نکته یاد شده در ردیف دوم، صرف نظر از یافته های علوم غربی در

حوزه علوم طبیعی که نوعاً معتبر و قابل پیروی است، اعتبار یافته‌های مزبور در قلمرو علوم انسانی، مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، فلسفه و ... تا بدان جااست که با اصول مسلم و مبانی فکری اندیشه وحیانی در تعارض نباشند، مثلاً وقتی که در روان‌شناسی غربی سخن از اعتماد به نفس می‌شود، توکل و اعتماد به خدا برای غنی‌سازی راهکار معقول و منطقی اعتماد به نفس، مطرح نیست یا در اقتصاد، روابط ظالمانه اقتصادی مانند ریسک و خطرپذیری یک‌جانبه با اصول مسلم اقتصاد اسلامی در تعارض است. با نگاهی مختصر به شرایط مندرج در ساختارهای مجاز اقتصاد اسلامی همچون مضاربه و غیره حذف روابط ظالمانه به خوبی نمایان است، چرا که اصل خطرپذیری برای سرمایه‌گذار و عامل (کارگر) به طور مساوی پذیرفته شده است. در سایر حوزه‌های علوم انسانی نیز باید این مرز اعتبار لحاظ شود.

برای مطالعه بیشتر ر.ک: مجله بازتاب اندیشه، شماره اخیر، مقاله تقابل تجدد و تدین.

**دلایل عدم رعایت فرهنگ حجاب و رابطه نامناسب دختر و پسر در محیطهای دانشگاهی چیست. با چه نمونه کارهای فرهنگی می‌توان در جهت اصلاح این معضلات فرهنگی قدم برداشت.**

### پرسش

دلایل عدم رعایت فرهنگ حجاب و رابطه نامناسب دختر و پسر در محیطهای دانشگاهی چیست. با چه نمونه کارهای فرهنگی می‌توان در جهت اصلاح این معضلات فرهنگی قدم برداشت.

### پاسخ

در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در ایران ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حسابشده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلفه‌هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. از نظر انسان‌شناختی و روان‌شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می‌باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا»، (انسان، آیه ۳).

بر این اساس در جامعه‌ای مانند جامعه اسلامی ما که بسیاری از احکام، ارزش‌ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچگونه عذر و بهانه‌ای نیست بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می‌شود، به این اصل و عنصر روان‌شناختی باز می‌گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت است و ... می‌باشد

و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند.

در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می گردد. بر اثر خودباختگی ملاک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه های عالی و معرفت صحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می دهد.

یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می باشد. قرآن کریم می فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم...» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱).

این عامل درونی اختصاص به جامعه ای خاص یا پیروان دین مخصوصی ندارد اما در هر جامعه ای عوامل تشدید کننده یا کنترل کننده وجود دارد که باید پیشینه تاریخی و وضعیت فرهنگی را بررسی کرد. در خصوص جامعه ایرانی به ریشه های تاریخی آن اشاره می کنیم.

۲. ریشه های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی بند

و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترش این معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد.

۳. کوتاهی و بی توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.

گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد.

۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و... گردید.

۵. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و

معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید.

۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید.

۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است.

ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی و ملی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب.

مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه های برخورد و مقابله با

این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد:

۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد.

۲. کار بنیادی فرهنگی. مسلماً برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت ولزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه ها نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شؤونات اسلامی، راه کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که



با همکاری مسئولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاک‌یو صفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش‌های اسلامی در دانشگاه‌ها باشیم، ان شاء الله.

ناگفته نماند بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله بدحجابی به بی‌سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسیاری از مفسدات اجتماعی هستند که ظهور و بروزهای آن در شکل‌های مختلف صورت می‌پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه‌مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجام دهند. فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفسدات اقتصادی و اجتماعی به شکل قاطع و نیز نهضت خدمت‌رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می‌شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی

۲. فرامرزی رفیع پور، توسعه و تضاد

۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها

۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

با توجه به شرایط خاص دوران جوانی، طولانی بودن دوران تجرّد غالب دانشجویان و خطرات جدی تمایلات آشکار و پنهان غرائز نفسانی، لازم است برادران و خواهران دانشجویان روابط خود را از نظر کمی و کیفی تحت کنترل قرار دهند و در سطح ضرورت حفظ کنند. بنابراین، توصیه اکید ما این است که:

اولاً اگر ضرورتی ایجاب نمی‌کند حتی الامکان چنین روابطی با نامحرم برقرار نشود و خواهران دانشجویان در مقابل افراد نامحرم، رفتاری متکبرانانه داشته باشند نه رفتاری صمیمانه. اینکه در احکام شرعی می‌فرمایند در غیر ضرورت مثلاً مکروه است مرد با زن هم صحبت شود، مخصوصاً مرد و زن جوان، به این دلیل است که چه بسا همین هم صحبت شدن‌ها، غرایز

جنسی افراد را تحریک کند و یک اُلفت و محبت شهوانی بین مرد و زن ایجاد گردد و نقطه آغازی برای غوطه ور شدن در انحراف و فساد شود.

در هر حال انسان باید دقیقاً درون خود را بکاود و باطنش را عمیقاً مطالعه کند که مثلاً صحبت کردن با افراد نامحرم چه ضرورتی برای او دارد.

ثانیاً: در صورت ناچاری و ضرورت، روابط با نامحرم تا آنجا که به شکستن حریم احکام الهی منجر نشود، اشکالی ندارد. بنابراین، گفتگو و نگاه های متعارف بدون قصد لذت و ریه، اشکالی ندارد. اما با این حال، حتی الامکان لازم است در کلاسها به گونه ای باشند که کمترین اختلاط پدید آید و در برخورد و گفتگو، هنجارهای شرعی زیر رعایت شود:

۱- از گفتگوهای تحریک کننده پرهیز شود.

۲- از نگاه های آلوده و شهوانی خودداری شود.

۳- حجاب شرعی رعایت شود.

۴- قصد تلذذ و ریه در کار نباشد.

۵- دو نفر نامحرم در محیط بسته، تنها نمانند.

بنابراین، سعی کنید خود را عادت دهید که:

۱- در صحبت با نامحرم به او نگاه نکنید و به هیچ قسمتی از بدن او خیره نشوید و قسمت های باز و پوشیده برایتان کاملاً مساوی فرض شوند، این مسأله را با تکرار و تلقین باید ادامه دهید.

۲- در همه حال، خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خود بدانید و عفت و حیا را فراموش نکنید.

روشن است که هر فرد خود بهتر می تواند تشخیص دهد که کجا از مرز فراتر رفته است. «بل الانسان علی نفسه بصیره؛ آدمی بر نفس خود آگاه و بیناست»، (قیامت، آیه ۱۴).

شوخی و خنده زن با نامحرم جایز نیست و اگر موجب فتنه و

فساد شود قطعاً حرام است.

**جامعه ما جامعه ای است اسلامی و ما جوانان این مرز و بوم برای ممت و حیات خود نیاز به راهبران و مشاورانی داریم که ما را هدایت کنند و راه درست زندگی و درست اندیشیدن را نشان دهند یکی قرآن این کتاب آسمانی است که باید آن را به عنوان الگوی خود قرار دهیم ای کاش د**

### پرسش

جامعه ما جامعه ای است اسلامی و ما جوانان این مرز و بوم برای ممت و حیات خود نیاز به راهبران و مشاورانی داریم که ما را هدایت کنند و راه درست زندگی و درست اندیشیدن را نشان دهند یکی قرآن این کتاب آسمانی است که باید آن را به عنوان الگوی خود قرار دهیم ای کاش در تمام رشته های دانشگاهی تفسیر قرآن اجباری بود و ما با این قرآن بیشتر آشنا می شدیم دوم متاسفانه دولت مردان ما راهی را می روند که با عقل در یک جوی نیست اینها به عنوان هدایت گران نسل جوان وظیفه ای دارند اما اینان امروز حرف می زنند و فردا فراموش می کنند. چرا باید قدرتمندان و رشوه دهندگان حق رفتن به پشت تریبون دارند و بس. به عنوان مثال رئیس جمهور رئیس مجلس و .... چرا کارهایی انجام داده اند که صدای ما ضعیفان نیز به گوش دیگران برسد. مرا که هزاران سؤال و پرسش سر در گم کرده راهنمایی کنید.

### پاسخ

در پاسخ قسمت اول سؤال باید گفت: پیشنهاد شما در مورد ترویج فرهنگ قرآنی و آشنایی جامعه خصوصاً دانشجویان با مفاهیم و آموزه های قرآن، بسیار پسندیده است که البته انجام این قبیل امور با دستگاه هایی نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، آموزش عالی و... می باشد که مناسب است پیشنهاد ات خود را به آن مرکز ارسال نمایید. مسلماً ارائه نقطه نظرات و پیشنهادات دانشجویان گرامی خصوصاً اگر به صورت دسته جمعه صورت پذیرد می تواند نتایج بهتری را به دنبال داشته باشد.

اما در قسمت دوم سؤال، باید توجه داشت که هر چند

متأسفانه بین گفتار با کردار برخی از مسئولین و کارگزاران نظام فاصله و شکاف زیادی وجود دارد و بعضاً رفتارهای غیر اسلامی و غیر منطقی مشاهده می شود اما به هیچ وجه نمی توان چنین موضوعی را به مجموعه کلان نظام و مسیر اصلی آن تسری داد؛ زیرا بحمدالله نظام اسلامی و خصوصاً مقام معظم رهبری علی رغم مشکلات و موانع بیشماری که ناشی از عوامل ساختار نامطلوب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و بین المللی می باشد، در مسیر پیشرفت و هدایت صحیح انقلاب و تلاش برای تحقق اهداف و آرمان های والای آن گام بر می دارند و البته طبیعی است با وجود این موانع، اشکالات و نارسایی هایی نیز در جامعه مشاهده بشود که باز هم تمامی سعی نظام اسلامی بر حل اساسی آنان می باشد و انصافاً اقدامات بسیار مناسبی هم - هر چند ناکافی - انجام شده و یا در حال انجام است.

نکته مهمی که در اینجا لازم است این است که نباید از یاد ببریم که تمامی کارگزاران و مسئولین نظام ما چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم، با رأی مردم انتخاب می شوند و در واقع رأی مردم است که امور اجرایی و تقنینی کشور را رقم می زند، از این رو اهتمام در امر انتخابات و تلاش برای تشخیص درست افراد واجد صلاحیت و کارآمد و مفید برای جامعه، می تواند بسیاری از مشکلات کنونی جامعه ما را حل نماید.

آخرین مطلب این که علی رغم بسیاری از مشکلات، بحمدالله به برکت نظام جمهوری اسلامی زمینه های هدایت در ابعاد مختلف اعتقادی و دینی، اجتماعی، سیاسی

و... برای تمامی اقشار جامعه خصوصا جوانان فراهم آمده است و آنان به سهولت و با کمال آزادی و اطمینان خاطر می توانند در تمامی زمینه ها، به طرح ابهامات و شبهات و اعتقادات خود به صورت منطقی بپردازند و پاسخ های خود را از طریق مطالعه، مشاوره و... دریافت نمایند. از این رو به شما دانشجوی گرامی توصیه می شود در هر کدام از این ابعاد دچار ابهام و یا سؤال لاینحلی می باشید با این مرکز مکاتبه نموده و ضمن طرح شفاف و منطقی سؤال خود، پاسخ های متین و مستدل دریافت نمایید.

برای نمونه به پیوست کتاب پرسش ها و پاسخ ها، ج ۷ ارسال می گردد.

### **وظیفه ما در جایی که مقابل ما به پیامبر و مقدسات یا امام راحل و انقلاب توهین می شود چیست؟**

#### **پرسش**

وظیفه ما در جایی که مقابل ما به پیامبر و مقدسات یا امام راحل و انقلاب توهین می شود چیست؟

#### **پاسخ**

اشخاص توهین کننده همگی یکسان نیستند. بعضی به علت مشکل یا مصیبتی که برایشان پیش آمده به جهت کم تحملی اقدام به توهین به مقدسات یا انقلاب اسلامی می نمایند. برخی به علت این که اغفال شده اند و اطلاعات کافی ندارند به جهت باطل دیدن حق اقدام به توهین می نمایند.

برخی نیز نه عصبانی هستند و نه بی اطلاع بلکه مغرض و معاند و کینه توز هستند و در این روحیه نیز سابقه دارند به طوری که از هر فرصتی برای بدگویی استفاده می کنند.

وظیفه ما در قبال هر یک از سه گروه مذکور از نظر شکلی و محتوایی مختلف می باشد پس قبل از هر چیز در این مسأله انسان باید موقعیت شناس باشد.

در برخورد با گروه اول باید مدتی سکوت نمود و خود را به تغافل زد زیرا بعد از فروکش شدن خشم و عصبانیت خود آن شخص از عمل خود پشیمان می شود.

در فقه اسلامی، جملاتی که حتی در حد ارتداد است اگر از شخص در حال خشم و عصبانیت صادر گردد مورد چشم پوشی است و حکم ارتداد بر چنین شخصی بار نمی شود.

اما وظیفه ما در قبال گروه دوم، اقدام به نصیحت و اطلاع رسانی صحیح است؛ یعنی اگر احتمال تأثیر بدهیم باید به بحث منطقی و علمی با این گونه افراد بپردازیم و نکته مهم این است در مقابل هر ادعایی که می کنند مطالبه دلیل نماییم و به صرف این که فلان مسأله و شایعه درست است چون

همه می گویند قانع نشویم. البته خود ما نیز باید برای تمام ادعاهای خود دلیل متقن و منطقی و قانع کننده داشته باشیم.

طبیعتاً اگر اطلاعات ما در آن موضوع کم باشد یا شیوه بحث و گفتگو و مناظره را به خوبی ندانیم یا از قدرت بیان کافی برخوردار نباشیم بهتر است شخصا وارد بحث نشویم و او را به فرد دیگری که از عهده این کار بر می آید معرفی کنیم زیرا در ابتدا هم ذکر نمودیم که اگر احتمال تأثیر می دهید اقدام به بحث کنید و مسلماً کسی که از نظر علمی یا بیان ضعیف است احتمال اثر عقلایی در مناظره اش نمی رود مگر این که طرف مقابل خیلی ضعیف باشد و توان ما برای قانع نمودن او کافی باشد.

اما نسبت به گروه سوم که معاند و هرزه گو هستند بهترین کار پرهیز از برخورد و گفتگو با این گونه افراد است. سخن منطقی با این گونه اشخاص اثر بخش نیست. گوش دادن به یاوه گویی های آنان نیز اعصاب انسان را خرد می کند. پس بهتر است از سخن و حرف و معاشرت با این اشخاص دوری نمود.

### مادانجویان مذهبی چه کنیم تا بتوانیم در دانشگاه اثر گذار باشیم ؟

#### پرسش

مادانجویان مذهبی چه کنیم تا بتوانیم در دانشگاه اثر گذار باشیم ؟

#### پاسخ

مجموعه راه کارهای فرهنگی در دانشگاه ها و بیرون از آن را می توان در دو بعد نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. در این زمینه راه کارهایی چند پیشنهاد می شود.

الف) راه کارهای نظری و اندیشه ای:

۱. شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران. در این زمینه لازم است پایه های فهم دینی را تبیین نموده و با نفوذ شک و ترویج شک گرایي، مبارزه شود. بهترین راه برای مبارزه با این مسأله آن است که شناخت خود و دیگران را از باورها و ارزش های دینی، فزون سازیم و به تبیین منطقی دست یابیم. مثلاً "در زمینه ارزشی ها، وجود یک سلسله ارزش های ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بی پایه کسانی که ارزش ها را امور اعتباری و نیاز پرورده می دانند، آشکار سازیم، (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنین در برابر کسانی که می کوشند از میزان پای بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و تقید به مسائل شرعی را تضعیف کنند، ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسائل شرعی سوق دهیم.

۲. تقویت و تثبیت هویت مذهبی و ملی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار آمیز اسلامی و دانشمندان نامی و نیز دستاوردهای مهم و با ارزشی تشکیل جمهوری اسلامی و...

۳. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره به صورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و... .

ب. راه کارها و اقدامات

عملی :

۱. برگزاری اردوها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و تدارک برنامه های پرجاذبه، مفید و سالم به وسیله تشکلات فرهنگی موجود در دانشگاهها یا گروهی از دانشجویان.

۲. راه اندازی مرکزی برای رسیدگی و حل مشکلات دانشجویان , مانند صندوق قرض الحسنه و دفتر مشاوره ازدواج دانشجویی و ... .

۳. برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت , دعا, مراسم مذهبی (مانند اعتکاف ) و ... .

۴. تهیه نشریات داخلی حاوی مطالب مفید و جذاب , ارائه فیلم های خوب و مفید و ... .

در پایان توجه به چند نکته ضروریست:

۱. آگاهی بر ابعاد مختلف کاری که در پی انجام آن هستیم - تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند - باید اولاً کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید.

۲. در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلاً اگر می خواهید نشریه داشته باشید - کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگارش آشنایی کافی را دارند.

۳. پرهیز از افراط و تفریط و شتابزدگی و سستی.

۴. اهل مدارا و گذشت و ملاحظت باشید زیرا کار فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود.

۵. صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد.

۶. از افراد با انگیزه ای



به عنوان همکار کمک بگیرید. پراکنگیزه باشید و وقت گذرانی یا صرفا کسب درآمد مد نظر نباشد.

۷. نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بررسی و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید.

۸. هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید.

۹. هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پرثمر و با برکت خواهد بود.

۱۰. در کارهای فرهنگی وظیفه اصلی خود را که ادامه تحصیل است فراموش نکنید.

البته جامعه دانشگاهی ما از مشکلاتی اساسی و ریشه ای رنج می برد که توجه به آنها ضروریست:

۱- دانشگاه با زمینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران بیگانه است، به ویژه در حیطه علوم انسانی.

۲- به طور عمده نگاه پیش زمینه ای و سخت افزارانه به علم دارد و به ایجاد تحول در شرایط فرهنگی، ارزشی، اقتصادی و محیطی جامعه کمتر توجه دارد.

۳- با نهایت تأسف مرجع صلاحیت علمی را به غرب کشانده اند؟ قانون تصویب می کنند به شرطی استادیار، دانشیار می شود که مقاله ای در نشریات خارجی بنویسد و یا بیشتر به جذب فارغ التحصیلان خارج از کشور توجه می شود.

۴- عدم موفقیت در انتقال فرهنگ و هویت تاریخی به دانشجوی، ما هنوز هویت ایرانی و ملی خود را نمی شناسیم. یکی از رسالت های دانشگاه انتقال فرهنگ اصیل از نسل گذشته به نسل بعدی و حفظ هویت جامعه باشد تا چه اندازه شاهد ایفای این نقش مهم و کارکردهای اساسی هستیم؟

۵- خط و ربط گرفتن از گروه های سیاسی به جای خط و ربط دادن به آنها. آرایش جناحی در مورد مسئولان دانشگاه به

هیچ وجه توجیه پذیر نیست، سرنوشت دانشگاه را نباید ارتباطات سیاسی معلوم کند. بایستی تخصص، علم و شایستگی حرف اول و آخر را بزند نه اینکه هر کس به زد و بندهای سیاسی وصل شود، مقام بالاتری داشته باشد.

۶- فقدان حقوق معنوی در دانشگاه، و کثرت سرقت های علمی در انواع و اقسام آن

۷- فقدان رابطه مناسب با نهاد های تحقیقاتی و پژوهشی کشور و عدم رابطه تعریف شده با وزارتخانه های مربوطه و کارخانجات که در نتیجه کاربردی شدن مواد درسی دانشگاه را کم رنگ کرده و انگیزه پویایی را در دانشجویان کم کرده است.

۸- عدم پیگیری مطالبات صنفی که منجر به علم سوزی و تحقیقات سوزی شده است.

۹- غفلت از فلسفه تعلیم و تربیت که همان غایات و جهت های علم است.

البته برخی از مشکلات فرهنگی که در جامعه دیده می شود، زاییده تهاجم فرهنگی دشمن است که از جمله آنها توزیع و پخش نوارها و ... مبتذل می باشد و نیز شایعات و شبهه های که در مورد بعضی از شخصیتها و اعتقادات اصیل اسلامی مطرح می شود.

فاصله انداختن بین حکومت و مردم نیز از ترفندهای دشمن است.

گسترش دام اعتیاد نیز می توان از جمله مشکلات جامعه دانست.

تخریب سنگرهای که می توان با استفاده از آنها از اسلام راستین حفاظت کرد همانند تخریب حوزه های علمیه.

قبح ربا تا حدودی فراموش شده است و سن ازدواج هم بالا رفته است.

دسیسه ها و تهاجم دشمن در ابعاد مختلف و مشکلات اقتصادی و بی کاری نیز از معضلاتی است که باید با تدبیر مسئولان و هوشیاری و همیاری مردم به حل آن پرداخت.

**چرا با برخی قوانین برای استخدام مانند متدین بودن و یا سایر خصوصیات ظاهری به ریا کاری در جامعه کمک می کنیم.**

**پرسش**

چرا

با برخی قوانین برای استخدام مانند متدین بودن و یا سایر خصوصیات ظاهری به ریا کاری در جامعه کمک می کنیم.

## پاسخ

اولاً، وجود شرایطی نظیر دین داری، تعهد و التزام به اسلام و نظام اسلامی، تخصص های لازم و ... در کار گزاران و مدیرانی که می خواهند در نظام اسلامی و جامعه ای اسلامی، به ایفای نقش پرداخته و مسؤولیت بخشی از این نظام و جامعه را بر عهده گیرند، امری کاملاً منطقی و مطابق آموزه های اسلامی می باشد، توضیح آن که نظام ما نظامی کاملاً ارزشی است که بر پایه خواست و اراده مردم این جامعه شکل گرفته است و طبیعی است که اگر بخواهد ارزشی بماند و مطابق ارزش های مورد نظر مردم عمل نماید و پاسخگویی خواست مردم باشد حتماً باید مدیران و کار گزارانی معتقد و ملتزم به آن مبانی ارزشی دانسته باشد. کما این که عکس این موضوع را در نظام های سکولار و لائیک مشاهده می نمایم که چگونه با کسانی که در بدنه نظام آن کشور به دین اسلام معتقد و ملتزم اند برخورد نموده و با هر دلیلی آنان را حذف می نمایند.

ثانیاً، در آموزه های اسلامی و سیره امامان معصوم(ع) نیز مشاهده می نمایم که بر انتخاب و گزینش افراد مؤمن و متعهد و متخصص و دارای خصوصیات ظاهری و باطنی مناسب با جامعه و نظام اسلامی تأکید دارند، چنان که امام علی(ع) در عهد نامه خویش به مالک اشتر می فرماید: «و توح منهم اهل التجربه والحیاه من اهل البیوتات الصالحه والقدم فی الاسلام...»؛ کار گزاران دولتی را از میان مردم با تجربه و با

حیاء، از خاندان های پاکیزه و با تقوا، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرامی تر، آبرویشان محفوظ و طمع ورزیشان کمتر و آینده نگری آنان بیشتر است» بر این اساس و با توجه به روایات و آیات بشماره که وجود دارد تأکید بر متدین بودن صفات ظاهری و باطنی نیک، باید در انتخاب کارگزاران و کارمندانی که به عنوان یک امین می خواهند حکومت را که امانتی از... خداوند و مردم در دستان آنهاست را اداره نموده و با سلامت پیش ببرند رعایت شود.

ثالثاً، بر اساس مبانی ارزشی نظام اسلامی و با الهام از آموزه های اصیل اسلامی، قانون اساسی و قوانین عادی نظام اسلامی، شرایطی را برای گزینش و استخدام مدیران و مسؤولان اجرایی و تقنینی کشور در نظر گرفته اند که از جمله آن شرایط پای بندی آنان به رعایت تعالیم و دستورات دینی در ابعاد فردی و اجتماعی است و طبیعی است هر چه مسؤولیت ها بالاتر باشد وجود چنین شرایطی هم از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد و اگر با دیدی کاملاً منطقی نیز به این موضوع نگاه کنیم مشخص می شود که تأکید بر این شرایط کاملاً مطابق با مصالح و منافع جامعه اسلامی ما می باشد، زیرا مسؤول یا کارمندی که در تمامی ابعاد زندگی خود حقیقتاً به احکام الهی و رعایت حقوق مردم پای بند است می تواند با تمام وجود در راه خدمت به جامعه گام برداشته و دچار مفاسد و کوتاهی در انجام وظایف خود نشود و حال آن که هرگز نمی توان چنین انتظاری را از افراد فاقد ای... شرایط داشت. بنابراین

تأکید بر O... شرایط از سوی قانونگذار در واقع از سویی رعایت مصالح و منافع نظام اسلامی و در نظر گرفتن معیارهایی برای حفظ سلامت، تداوم و کارآمدی نظام اسلامی است و از سوی دیگر می تواند خواست ها و انتظاراتی که مردم از نظام اسلامی مبنی بر سپردن امور کشور در بخش های مختلف به دست افراد اهل و صالح دارند برآورده می سازد.

رابعاً، مسلماً نظام اسلامی با وجود و گسترش ریاکاری و ظاهرسازی به شدت مخالف است و آن را آفتی برای خود و جامعه اسلامی می داند اما باید توجه داشت که اگر متأسفانه عده ای برای استخدام شدن دست به ظاهرسازی می زنند، نباید برای اصلاح این وضع از قوانین منطقی و الهی صرف نظر کرد، بلکه باید با در نظر گرفتن مکانیزم های دقیق در مقاطع گزینشی از ورود این گونه افراد متقلب و ظاهرنا به عرصه های اداری و قانونگذاری کشور جلوگیری نمود.

نتیجه آن که در نظر گرفتن معیارهایی در زمینه تعهد و تدین افراد، در قوانین استخدامی مطابق با آموزه های شرعی و عقلی مصالح و منافع جامعه و خواست و انتظار مردم از نظام اسلامی است و یکی از بهترین ساز و کارهای کنترل نظام سیاسی از مفاسد و رکود بوده و زمینه های پیشرفت و کارآمدی نظام را فراهم می نماید. البته باید برای حصول به این اهداف و جلوگیری از روی آوردن افراد به ریاکاری و ظاهرسازی مکانیزم های دقیق بیشتری در مقاطع گزینشی در نظر گرفته شود.

**تعریف کار فرهنگی چیست. به چه کاری فرهنگی و به چه کاری غیر فرهنگی می گویند.**

#### **پرسش**

تعریف کار فرهنگی چیست. به چه کاری فرهنگی و به چه کاری غیر فرهنگی می گویند.

#### **پاسخ**

اساس «فرهنگ» در نظر اندیشمندان اسلامی، جهان بینی ها و اعتقادات افراد است نه آداب و تشریفات و سنت ها و رسوم. از این رو هر آنچه که در راستای تصحیح، رشد و گسترش و تعمیق افکار عمومی از حیث جهان بینی و اعتقادات باشد، کار فرهنگی محسوب می شود و هر کاری که در جهت تخریب اعتقادات و ارزش ها باشد تهاجم فرهنگی حساب می شود.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک:

- تهاجم فرهنگی، سید مرتضی حسینی اصفهانی، انتشارات فرهنگ قرآن، ۱۳۷۹

- تهاجم فرهنگی، استاد محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶

- تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۸

- مبانی نظری تمدن غرب، سید مرتضی آوینی، مجله دانشجو، تابستان ۷۷

- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳

**تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید.**

**پرسش**

تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید.

**پاسخ (قسمت اول)**

به مطالب ذیل (جزوه راهبردهایی برای کار فرهنگی) توجه فرمایید.

تهدیدات فرهنگی

خطر از دو سوی فرهنگ جامعه ما را تهدید می کند ، یکی از جنبه داخلی و دیگری از جنبه خارجی.

خطراتی که از داخل جامعه ما را تهدید می کند در عرصه مطبوعات ، صدا و سیما ، سیاست و ... بروز و ظهور دارد که به اختصار به بررسی برخی از آنها پرداخته می شود :

الف) مطبوعات و جراید : مطبوعات با وارد شدن در بخشهایی که ورود آن بدون تخصص خطرناک است و اظهار نظر در بخش هایی که نیاز به کار کارشناسانه ( به وسیله مقاله، عکس و ...) زمینه تحول در عرصه فکر ، اخلاق و عمل را به صورت منفی ایجاد خواهد نمود.

ب) سینما و تلویزیون : به عنوان مثال پخش فیلم های خشن آمریکایی و فیلم هایی که از آنها خشونت استنباط و القاء می شود . باعث بروز خشونت و پرخاشگری در بین کودکان خواهد شد و این موضوع سبب می شود که کودک به راحتی در مقابل پدر و مادر بایستد. در یکی از کشورهای غربی از پسری که مادر و خواهرش را کشته بود سؤال شد که علت این کارت چه بود ؟ جواب می دهد که : فلان فیلم را که دیده بودم ، عین همان کار را پیاده کردم .

حیوانات را نیز نباید در مقابل کودکان ذبح کرد ، پدري در مقابل فرزندش مرغی را ذبح می کند ، بعد

از اینکه پدر می رود ، برادر بزرگتر همان صحنه را بر روی برادر کوچکتر پیاده می کند . پدر با دیدن این صحنه برادر بزرگتر را می کشد و خودش هم دق می کند و می میرد .

ج) برنامه ریزی غلط فرهنگی : مثلا ورزش و ترویج فوتبال در جامعه ما ، ورزش در جای خود بسیار مفید است و لازم . حتی می تواند مقدمه کار فرهنگی را نیز فراهم کند ، ولی بعضی با برنامه ریزی غلط و اشتباه وقتی در این عرصه وارد شدند مشکلات عدیده ای را فراهم نمودند .

د) بر خورد های سیاسی با مسائل فرهنگی : بدین معنی که جناحی خود را حق مطلق بدانند و جناحها روبروی همدیگر قرار گیرند و به تضعیف یکدیگر پردازند و بخشهای فرهنگی را در جامعه رنگ سیاسی بدهند . به عنوان مثال پلورالیسم یا سکولاریسم را در جامعه ترویج دهند . حرفهایی که در غرب مدتها پیش زده شده در کشور ما ترجمه می شود و در روزنامه ها و مطبوعات به گونه ای درج می گردد که خواننده فقط یک جنبه از آن را می تواند ببیند و بررسی موضوع فقط برای او فراهم نیست . متولیان امور فرهنگی این دعوای سیاسی را نباید به هیچ وجه در ذهن بچه های ۱۰ تا ۱۲ ساله وارد کنند.

اما از جنبه خطراتی که از بیرون جامعه ما را تهدید می کند به این شکل است که غرب سه رویکرد نسبت به فرهنگ ما داشته است ۱- تهاجم فرهنگی ۲- شیخون فرهنگی ۳- تربیت فرهنگی

در بین این فرایندها و مراحل ، تربیت فرهنگی از

همه مراحل دیگر خطرناک تر است . که یکی از کارهای دقیق غرب صرف بودجه های کلان برای این بخش است تا بتواند این تربیت فرهنگی و فرهنگ سازی غربی را به بهترین وجه از طریق ماهواره ، فیلم های ویدیویی ، کامپیوتر ، تئاتر ، موسیقی شعر ، بازیهای رایانه ای ، اینترنت و... انجام دهد. به عنوان نمونه اکثریت فیلم های غربی ، مردمی را به تصویر می کشند که در طول هفته مشغول کارهای روزانه ، فعالیت های سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، اجتماعی و ... هستند ولی یک روز هفته را برای امورات مذهبی ، دعا ، نیایش ، رفتن به کلیسا یا کنیسه صرف می کنند به گونه ای که برنامه های دینی از برنامه های سیاسی ، اجتماعی و ... کاملاً جداگانه ، انگاشته می شود و از این طریق در صدد نمایش جدایی دین از حوزه سیاست (سکولاریسم) ، اقتصاد (لیبرالیسم) اجتماع (پلورالیسم) و... می باشند

همچنین برای تربیت کودکان از سنین ابتدایی رشد، برنامه های بازی رایانه ای مثل «یا مهدی» ساخته می شود . در این بازی کودک برای اینکه امتیاز بگیرد کسانی را که «یا مهدی» می گویند نابود می کند . نتیجه این خطرات خارجی و غفلت های داخلی چیزی جز ناهنجاری های فرهنگی و دور ساختن کودکان ، نوجوانان و جوانان از حضور در عرصه های دینی نخواهد بود.

قابل تغییر بودن فرهنگ

در مورد اینکه فرهنگ قابل تغییر است و یا خیر ، سه دسته وجود دارند که هر دسته دیدگاه خاصی دارند.

دسته اول: این عده معتقدند که فرهنگ قابل تغییر نیست



. زیرا فرهنگ با نهاد و ذات و فطرت جامعه پیوند خورده است و از آن جهت که ذاتیات را نمی توان تغییر داد فرهنگ را نیز نمی توان تغییر داد .

دسته دوم : قائل به تغییر پذیری فرهنگ جامعه هستند اگر چه در نهان و نهاد تک تک افراد جامعه تأثیر کرده باشد.

دسته سوم : که نظر قابل قبول تری دارند معتقدند که آن بخشهایی از فرهنگ که در نهاد جامعه قرار گرفته و جزء ذاتیات آن شده ، تغییر دادنش مشکل است ولی بسیاری از فرهنگها را می توان تغییر داد که هدف بعثت انبیاء الهی هم همین بوده است. پیامبر اکرم (ص) نیز می فرماید: «انی بعثت لأتمم مکارم الاخلاق» و «انی بعثت معلما»

جاهلیت عرب ، با آن خصوصیات ویژه خود از جمله بت پرستی، ستاره پرستی، دختر کشی، فساد ، دزدی و غارتگری و... با بعثت حضرت رسول اکرم (ص) متحول می شود ولی همین جامعه نیز پس از رسول خدا (ص) سر فرزندش را در کربلا برای رسیدن به قرب الهی می برند.

### لزوم جهاد فرهنگی

هر بحرانی نیاز به یک جهاد خاص دارد ، زمانی که بحران مرزی داشتیم و مستلزم یک جهاد مرزی بود رزمندگان ما یک جهاد شبانه روزی را شروع کردند حتی وقتی به مرخصی می رفتند بیکار نمی نشستند و بعضی از چند روز نمی توانستند در شهر بمانند . در حال حاضر نیز با یک بحران فرهنگی روبرو هستیم که یک جهاد فرهنگی را (به تعبیر مقام معظم رهبری) می طلبد .

همان طور که جهاد مرزی وقت نمی شناخت و همیشه باید آماده می بودیم،

اکنون نیز باید تمام ساعات خودمان را صرف این جهاد نماییم ، آنگاه که باور نمودیم که این صحنه ، صحنه جهاد است ، دیگر خستگی معنا نخواهد داشت باید همچون یک جهاد گر به تکلیفمان عمل کنیم و به تعبیری خستگی را هم خسته کنیم .

فاطمه (س) در مورد حضرت علی (ع) می فرماید : علی (ع) دارای این مشخصه ها بودند

ممسوساً فی ذات الله = در راه خدا و برای رضای خدا در سختی و فشار قرار می گیرد.

مجتهداً فی امر الله = سخت کوش در امر الهی .

تقرباً فی الرسول الله = نزدیک به رسول خدا.

سیداً فی اولیاء الله = سید و سرور اولیاء خدا بود.

مستمراً "ناصحاً" = اصلاً" به فکر خواسته های شخصی نبوده و خیر خواه جامعه و اهل نصیحت و اصلاح بود.

مجداً "کادها" = کوششگر بسیار جدی بود .

لاتأخذه فی الله لومه لائم = اصلاً" به ملامت های ملامتگران توجه نداشت .

حال که ما خود را شیعه یا محب حضرت علی(ع) می دانیم با چنین حضوری که در عرصه تکلیف الهی داشتند چگونه باید در این صحنه جهاد حضور یابیم ؟

خود سازی مقدمه دیگر سازی

انسان آنگاه می تواند غیر را بسازد که خودش را ساخته باشد کسی که خودش را نساخته ، نمی تواند جامعه را بسازد . خیلی از تواناییها در درونمان نهفته است لذا باید یک توان شناسی داشته باشیم و این کار نیز نیاز به خود سازی دارد .

خود سازی به خودی خود ایجاد یک جاذبه می کند . آنکسانی که می خواهند کار فرهنگی کنند خوب است که یک کار سلوکی و خود سازی را با

هم شروع نمایند به عنوان مثال به همدیگر قول بدهیم تا چهل روز مراقب زبانمان باشیم و هر جا که خطایی از یک نفر سر زد به همدیگر تذکر بدهیم . در برخوردها ادب را رعایت کنیم . صبرمان را بیشتر کنیم .

شیوه های مختلف کار فرهنگی

کار فرهنگی می تواند از دو طریق انجام پذیرد : ۱- مستقیم ۲- غیر مستقیم .

کار فرهنگی مستقیم یعنی مباحث اعتقادی و دینی و فرهنگی را مستقیماً " و تحت عنوان کلاس و گفتگو ، فیلم و صدا و ... به جامعه عرضه نماییم .

اما کار فرهنگی غیر مستقیم آن است که در ضمن ابزار و وسایلی که داریم به ترویج فرهنگ دینی پردازیم . یک معلم در کلاس درس ، یک مربی در ورزش ، یک فیلمساز در فیلمی که می سازد و...

باید به صورت غیر مستقیم در صدد فرهنگ سازی باشیم . یک شاعر با شعر خوب می تواند نگرش انسان را تغییر دهد . یک معلم با استفاده از گوش و چشم و... دانش آموزان و ... همه و همه می توانند در این راه بهترین و بیشترین نقش را داشته باشند.

مهندسی فرهنگ

یکی از مسائلی که در جامعه ما مشکل ساز شده است تعدد متولیان فرهنگی است البته این تعدد از جهتی خوب است ولی جنبه های منفی آن بسیار است . در حال حاضر در صحنه فرهنگ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سازمان تبلیغات اسلامی ، بسیج و... هر کدام به نوعی مدعی کار فرهنگی هستند در این شرایط تنها از طریق یک مهندسی فرهنگی است که می توان به ساماندهی بخش فرهنگی جامعه

پرداخت . یعنی همانطور که در ساخت یک ساختمان نیاز به یک نقشه ای داریم که تمام زوایای کار در آن سنجیده شود باید نخست زوایای کار را بسنجیم و آنگاه هر زاویه ای را به عهده یک متولی خاص بگذاریم . سپس باید دقت نماییم که کارهای موازی یا مخالف هم در بین متولیان افزایش نیابد . به عنوان مثال فعالیتهای قرآنی را نباید هم سازمان تبلیغات و هم ارشاد ، موازی با هم انجام دهند .

اما این تعداد می تواند مفید باشد به شرطی که هر کدام از متولیان فرهنگی یک قسمت خاصی از کار را عهده دار بشوند تا در کنار هم فضای فرهنگی کشور را توسعه بدهند .

### نیاز شناسی و آسیب شناسی

برای رسیدن به اهداف نیاز به یک برنامه ریزی کار شناسانه داریم و در این برنامه ریزی به دو مقوله باید توجه نمود اول نیاز شناسی و دوم آسیب شناسی .

در بحث نیاز شناسی باید بررسی شود که در مراحل سنی مختلف از کودکی تا نوجوانی و جوانی شخص با چه نیازهایی روبرو است و ما از چه طریقی می توانیم مفاهیم دینی \_ فرهنگی را به او منتقل نماییم . معاد را اگر بخواهیم به یک کودک یا نوجوان و جوان بیاموزیم چگونه باید برنامه بریزیم . به عنوان مثال نواری را که از روی کتاب سیاحت غرب مرحوم نجفی قوچانی ساخته شده برای کودکان نه تنها مفید نیست بلکه مضر هم هست .

مرحله دوم مرحله آسیب شناسی است در این مرحله باید آن دسته از آسیب ها و آفتهایی را که جوان ،

نوجوان و... را تهدید می کند شناسایی نماییم و آنگاه به

آسیب درمانی بپرازیم .

اهداف ویژه

برای اینکه بتوانیم اهداف ویژه یک کار فرهنگی را تبیین نماییم باید نخست دردهای جامعه را شناسایی نموده و آنگاه در جهت درمان آن دردها و ضعفها برنامه ریزی نماییم .

پس ما در اینجا به پنج ضعف عمده و اصلی در جامعه کنونی اشاره می نماییم:

۱\_ ضعف روحیه تعبد : بندگی و عبودیت در جامعه

۲\_ ضعف روحیه علمی : یعنی عدم حضور با بصیرت در تمامی میدانها، اگر در زمینه سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و ... عموم مردم عالمانه برخورد نمایند بسیاری از مشکلات مرتفع خواهد شد .

۳\_ عدم تبیین فرهنگ سیاست دینی : یعنی علی رغم اینکه عنوان می شود که سیاست از دیانت جدا نیست ولی در جامعه خوب آن را تبیین ننموده ایم.

۴\_ عدم رشد فضائل اخلاقی بصورت عام و فراگیر : اخلاق دانشجویی ، اخلاق پزشکی ، اخلاق معلمی و استادی و ... هنوز در جامعه ما جا نیفتاده است .

### پاسخ (قسمت دوم)

۵\_ نشستن غبار بر روی فطرت پاک انسانی ( عدم توجه به گرایشهای فطری )

بر اساس همین مشکلات و ضعفها اهداف ویژه در جامعه ما می تواند اهداف زیر باشد :

۱\_ تقویت روحیه تعبد : البته در این زمینه هیئتهای مذهبی بسیار می تواند مؤثر باشد .

۲\_ تقویت روحیه علمی

۳\_ تبیین فرهنگ سیاست دینی

۴\_ بستر سازی برای شکوفایی و رشد گرایشهای فطری یا بینشهای فطری

۵\_ رشد فضائل اخلاقی

به عنوان مثال و برای روشن شدن مطلب در بخش تقویت روحیه علمی ما در مورد موضوعات دموکراسی ، آزادی ، پلورالیسم

، سکولاریسم ، ولایت فقیه و... نیاز به کار کردن

داریم که برای تقویت هر کدام از این بخشها می توان از جلسات پرسش و پاسخ ، میز گرد ، نشریات ، اردوهای آموزشی و تفریحی چند روزه و... استفاده نمود .

راه های تقویت انگیزه

کار فرهنگی یک کار تربیتی است. کار تربیتی نیز نیاز به صبر و حوصله، آرامش و شرح صدر دارد تا مشکلاتی که پیش رو خواهیم داشت را پشت سر بگذاریم. برای این کار هم باید انگیزه را تقویت نماییم. انگیزه هم می تواند از بیرون یا از درون نشأت بگیرد.

انگیزه الهی از درون می جوشد و باعث می شود انسان همیشه در صحنه تکلیف حضور داشته باشد. انبیاء الهی، اولیاء خدا، علما و فقها و... بر این اساس به جهاد در این راه می پرداختند. چند فاکتور نیز می تواند در تقویت انگیزه از بیرون تأثیر داشته باشد که به اختصار به آنها اشاره خواهیم کرد:

۱. اتحاد وحدت و حضور منسجم در کنار یکدیگر: این اتحاد متصدیان کار فرهنگی می تواند عاملی باشد تا دیگران هم در این صحنه وارد شوند.

۲. عامل بودن به حرف ها و شعارها: با توجه به شرایط کنونی جامعه که مردم از حرف شنیدن خسته شده اند یکی از مؤثرترین کارها عمل کردن به وظیفه است که در روایت نیز به آن سفارش شده است: «کن تفاعا ولا تکن فرارا» یعنی همیشه نفع رسان باشید نه ضرر رسان. حضرت آیت الله بهجت نیز مکررا سفارش می نمایند که: «بیشتر فعال باشید نه قوال».

۳. دنبال الگو، نمونه و مصداق رفتن: یعنی به مطالعه و بررسی زندگی افرادی که در راه رسیدن به هدف فرهنگ سازی دینی

لحظه ای از جهد و کوشش باز نایستاده اند. علما و بزرگانی که از جان و مال و آبروی خویش در راه دین گذشتند.

در کنار این موارد شب زنده داری، نماز خواندن، دعا کردن، توسل، زیارت عاشورا، انس با قرآن، ارتباط با ائمه معصومین(ع) و مطالعه سیره زندگانی ائمه(ع) اگر چه مکرر باشد می تواند در تقویت انگیزه بسیار مؤثر باشد.

### نکات مهم در کار فرهنگی

در کار فرهنگی باید به چند نکته و اصل توجه نمود که غفلت از هر کدام از اینها می تواند نقص بزرگی در کار ایجاد نماید .

نکته اول - اخلاص؛ در انجام یک کار فرهنگی نیاز به عاملی داریم که اثر کار را ماندگار و پایدار نماید و چیزی جز اخلاص نمی تواند عمل را پایدار نماید که البته باید در تمام مراحل کار (قبل، حین کار و بعد) حضور داشته باشد.

نکته دوم - استمرار برنامه ها؛ یا کاری را شروع نکنیم یا آنگاه که شروع کردیم، آمادگی کامل، با برنامه ریزی و پیختگی شروع نماییم که اگر چنین نباشد اثرات منفی خواهد داشت .

نکته سوم - قدم به قدم بودن برنامه؛ همیشه اهداف را بزرگ انتخاب کنیم ولی در عرصه عمل با توجه به امکانات و توان نیروها از کم شروع کنیم و قدم به قدم جلو برویم .

نکته چهارم - اهمیت مشورت؛ یک شورایی جهت مشورت و نظر خواهی تأسیس شود و یک شورایی جهت انجام مصوبات ( شورای مشورتی که فقط وظیفه اجراء را به عهده خواهد داشت ) شورای مشورتی مکانی است که حرفهای مختلف در آن زده می شود و

نظرات مختلف ارائه گردد، همه بحث‌ها رایزنی‌ها باید در این شورا انجام پذیرد ولی آنگاه که تصمیمی گرفته شد، آن تصمیم باید از سوی همه اعضا حمایت شود. حتی آنهایی که در جلسه مخالف آن طرح بودند در بیرون جلسه مدافع آن باشند. به عنوان نمونه در جنگ احد دو نظر وجود داشت، جوانان که اکثریت را تشکیل می‌دادند معتقد بودند که زره پیوشیم و در بیرون شهر به مبارزه با دشمن پردازیم ولی مسن ترها که پیامبر (ص) هم جزء آنها بودند اعتقاد داشتند که در داخل شهر با آنها مبارزه کنیم. چون جوانها اکثریت را دارا بودند، پیامبر زره پوشیدند و به همراه جوانها و مسن ترها به بیرون شهر رفتند. جوانان وقتی متوجه شدند که نظر پیامبر خلاف این بوده برای معذرت خواهی نزد پیامبر (ص) آمدند ولی پیامبر فرمودند: چون نظر جمع این است، تصمیم گرفته شده باید به آن عمل کنیم.

نکته پنجم - بدهکار دانستن خود؛ هر وقت کاری را انجام می‌دهیم بر کسی منت نگذاریم، ما باید خود را همیشه و در هر حال بدهکار بدانیم. شهید مطهری می‌فرمودند: هی نگوییم انقلاب برای ما چه کرد؟ بگوییم ما برای انقلاب چه کردیم. «الله یمن علیکم» خداوند تبارک و تعالی است که باید بر ما منت بگذارد.

نکته ششم - پیمان اخوت؛ همان طور که گفته شد کار فرهنگی یک جهاد گونه است و در این جهاد باید به هم تعهد بدهیم که تا انتهای کار با



هم و دوش به دوش همدیگر باشیم و یکدیگر را تنها نگذاریم . دست اخوت , برادری , همدلی و یکدلی به هم بدهیم و با هم پیمان ببندیم .

آیت الله روحانی (ره), آیت الله میانجی (ره) و آیت الله شبیری سه دوست بودند که با هم یک چنین پیمانی بسته بودند . آقای میانجی به آقای روحانی می گفتند: که از خدا خواسته ام که قبل از شما از دنیا بروم چون نمی توانم فراق شما را تحمل کنم . همینطور هم شد . اول آیت الله میانجی فوت کردند , بعد آیت الله روحانی پس از ۲ ماه و آیت الله شبیری هنوز زنده اند .

نکته هفتم - اتصال به چشمه ؛ همیشه باید به چشمه متصل باشیم, اگر از چشمه جدا بشویم, گندیده می شویم . آب کراگر چه پاک کننده است ولی هر چه بیشتر پاک کند کثیف تر می شود مگر اینکه به چشمه متصل باشد .

اتصال به چشمه مربوط به خودمان است . ارتباط با قرآن , نهج البلاغه ... و خود سازی . برای شروع نهج البلاغه را صبحها بعد از اذان صبح با هم بخوانید . یک هفته روی گوش , یک هفته روی چشم و... مراقبت داشته باشید و به هم کمک کنید .

نکته هشتم - نیرو شناسی ؛ در طول کار همواره باید به مسئله نیروشناسی توجه نمود و کار را برایشان توجیه و تبیین نمود تا به گسترش فعالیتها پردازیم .

نکته نهم - باور کردن یکدیگر ؛ باید همدیگر را باور کنیم . مسئولین باید نیروهایشان را

باور کنند و بر همین اساس به آنها مسئولیت بدهند. اصلاً امام (ره) هم با توجه به همین باوری که از مردم داشتند به این موفقیت و نفوذ دست یافتند.

نکته دهم - شایسته سالاری؛ در جذب و دفعها هیچگاه نباید حزب و گروهی را مد نظر قرار بدهیم. بلکه ملاک و معیار ما شایستگی و شایسته سالاری باشد و بر این مبنا افراد را انتخاب نمائیم فقط ملاک اصلی بدون دخالت دادن سلیقه ها باید ولایت فقیه و رهبری باشد.

نکته یازدهم - توجه نکردن به نقصهای ابتدای کار؛ در آغاز هر کاری احتمال بروز نقص ها و عیبها بی وجود دارد که یک آسیب شناسی را در طول مسیر می طلبد. ولی نباید به آن نقصها خیلی توجه کرد بلکه سعی شود زیبایی ها و نکات مثبت را ببینیم تا توان روحی دست اندر کاران بالا رود.

نکته دوازدهم - گذشتن از آبرو؛ در این صحنه جهاد فرهنگی باید از همه چیزمان حتی از آبرویمان بگذریم. شیخ کاشف الغطاء (ره) روزی در مسجد بین فقراء و مستمندان پول تقسیم می کردند. بعد از تقسیم یک پیر مرد سیدی آمد و سهم از شیخ مطالبه کرد. شیخ گفت: که دیگر پولی نمانده، انشاءالله دفعه بعد. پیر مرد آب دهان بر روی شیخ انداخت و سر و صدای زیادی بر پا کرد. شیخ عمامه خود را از سر برداشت و در دست خود نگه داشت و رو به جمع گفتند: به آبروی این ریشهای سفید کمی پول در این عمامه

بریزد تا به این پیر مرد بدهم .

توصیه هایی به مجریان امور فرهنگی

۱\_ عدم احساس خستگی در کار : در عرصه بسیار مهم و گسترده کار فرهنگی نباید احساس خستگی شود و شما باید این قدر کار کنید و کار را ادامه دهید تا اینکه خستگی از دست شما خسته شود ، خستگی ناپذیری از شاخصه های مهم افرادی است که کار فرهنگی می کنند .

۲\_ نگاه جامع و فراگیر در کار : در کار فرهنگی نیازی به اسم و رسم نیست و نگاهها باید فراتر از محدوده های کوچک و بسته بوده ، و جامع و فراگیر باشد . باید دنبال وصف بود نه دنبال اسم . مقصود نباید طرح خود باشد بلکه باید هدف شرکت جدی در عرصه جهاد فرهنگی باشد .

۳\_ برنامه ریزی و نظم و انضباط: در کار فرهنگی باید از کارهای بدون برنامه ریزی به شدت پرهیز نمود .

۴\_ خدا محوری و رنگ خدایی دادن به کار : همیشه خدا را به عنوان یک اصل و پایه و محور اعمال و عبادات و اذکار در نظر بگیریم و همه چیز را برای او قرار دهیم ، به کارهای خود رنگ خدایی بدهید ، اگر کسی کاری را توانست انجام بدهد ولی عمدا انجام ندهد به قصد اینکه دیگران به نتایجی درباره وی و نقش و تأثیر او در آن کار برسند ، این معلوم است که کار او رنگ خدایی ندارد و شرکت در اعمال او ظاهر شده است . فلذا لازم است ما انگیزه الهی را در خود تأسیس بکنیم و ایجاد بکنیم و سپس تقویت بکنیم .

منتقد خویش باشیم: ما دو نوع نقد داریم فردی و جمعی. در هر نقدی تکامل، پیشرفت و افزایش و... وجود دارد و اگر نقد منجر به این نتیجه نشود ناقص است، نقد همیشه یک راه روشن را به روی انسان باز می کند.

۶\_ کار فرهنگی یعنی کار حسینی: بدانید که اگر کاری به زمین بماند، کارهای امام حسین (ع) بر زمین می ماند. پس بدانید با اینکار چه کسی ضربه می خورد. آیا ما ضربه می خوریم یا دین ضربه می خورد؟

۷\_ کار فرهنگی متکی به فرد و من و شما نیست: هیچ وقت در مخیله خویش راه ندهیم که اگر من نباشم، این کار انجام نمی شود. اسلام و انقلاب به شخصی متکی نبوده و نیست. تفکرات شرک آلود را از خود دور کنیم. احترام ها و عزت هایی که کسب کرده ایم به واسطه اهل بیت بوده است. پس برای انجام یک وظیفه و یک کار شروط تعیین نکنید. برای چه کسی و چه چیزی شرط می گذاریم؟

۸\_ برای کار خود حرمت قائل شوید: برای جمع خودتان حرمت قائل شوید و برای تصمیمات و کارهای خود بها قائل شوید. پشتیبان عملکرد و کارها و برنامه های خود باشید.

۹\_ کار فرهنگی، کار آگاهانه و عاشقانه: هر کاری را و خصوصاً کار فرهنگی را آگاهانه و عاشقانه آغاز کنید و از افراط و تفریط پیشگیری کنید که این امر باعث تعدیل در هر کاری می شود. «والسلام»

منابع:

۱\_ سخنرانی حجه الاسلام والمسلمین رضوانی در تاریخ

۱۴/۳/۷۸ همزمان با سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) تحت عنوان « تکلیف از نظر امام خمینی (ره) »

۲\_ سخنرانی حجه الاسلام و المسلمین رضوانی در تاریخ ۳۱/۴/۷۹ در مراسم افتتاحیه کلاس تربیت مربی کانون فرهنگی دینی ثقلین رشت

۳\_ رهنمودهای حجه الاسلام و المسلمین رضوانی در تاریخ ۲۷/۵/۷۹ در جمع اعضای فعال کانون فرهنگی دینی ثقلین

۴\_ بیانات حجه الاسلام و المسلمین رضوانی در تاریخ ۷/۶/۷۹ در جلسه شورای فعال کانون فرهنگی دینی ثقلین

۵\_ رهنمودهای حجه الاسلام و المسلمین رضوانی در تاریخ ۱۴/۱۰/۷۹ در جلسه عمومی خادمین هیأت متوسلین به ائمه اطهار (ع)

۶\_ بیانات حجه الاسلام و المسلمین رضوانی در تاریخ ۱۲/۱/۸۰ در جلسه شورای کانون فرهنگی دینی ثقلین رشت

۷\_ بیانات حجه الاسلام و المسلمین رضوانی در تاریخ ۲۳/۵/۸۰ در جلسه شورای کانون فرهنگی دینی ثقلین رشت

۸\_ رهنمودهای حجه الاسلام و المسلمین رضوانی در تاریخ ۳/۱۰/۸۰ در جلسه عمومی کلیه مسئولین و اعضاء و خادمین هیأت متوسلین به ائمه اطهار (ع) و کانون فرهنگی دینی ثقلین رشت .

**چرا مردم حاضر نیستند تفکراتشان را تغییر دهند این قدر که به تغییر و تعویض لباس و وسایل و تجملات اهمیت می دهند؟ ارتقاء سطح فکری و تغییر و رشد عقلی اهمیت قائل نمی شوند. راه درمان چیست؟**

**پرسش**

چرا مردم حاضر نیستند تفکراتشان را تغییر دهند این قدر که به تغییر و تعویض لباس و وسایل و تجملات اهمیت می دهند؟ ارتقاء سطح فکری و تغییر و رشد عقلی اهمیت قائل نمی شوند. راه درمان چیست؟

**پاسخ**

انسان در دامان مادر طبیعت و عالم ماده چشم به جهان می گشاید و از همان لحظه نخستین و آغازین زندگی، با طبیعت و محسوسات ارتباطی تنگاتنگ دارد. لذت های گوناگون مادی را بارها تجربه می کند و با آنها انس و الفت عمیق داشته و گاه این انس و الفت در او دلبستگی و وابستگی شدید ایجاد می کند به گونه ای که هر واقعیتی جز آن را انکار می کند و حقیقتی جز دنیا و محسوسات و مادیات در نزد آنها وجود ندارد. این نوع تفکر و اندیشه اصالت را به ماده و محسوسات می دهد و تمام هدف انسان را بهره مندی هر چه بیشتر از دنیا و مواهب آن می داند. توجه به مدهای جدید و تنوع در بهره مندی از زندگی و تجملات آن و صرف گوهر ارزنده عمر که سرمایه حیات ابدی انسان است در غوطه ور شدن در لذت های فناپذیر و ناپایدار دنیا ثمره چنین تفکر و عقیده ای است. واقعیت این است که در یک نظر سطحی و کوتاه، لذت های دنیا نقد و در

دسترس انسان است و لذت های آخرتی و معنوی و روحی نسیه و دور از دسترس است و انسان عاقل هرگز نقد را با نسیه سودا و معامله نمی کند. علم و تعقل و اندیشه از سنخ مجردات و عالمی ورای ماده و محسوسات است

و ورود در این عالم و انس با تفکر و تعقل برای کسانی که در گرداب دنیا و محسوسات و تعلقات مادی غوطه ور شده اند و همه نیروی خود را در این راه صرف کرده اند کار دشوار و ناگواری است.

امیر مؤمنان علی(ع) در سخنی زیبا و کوتاه در این باره می فرماید «الناس ابناء الدنيا ولا يلام الرجل على حب امه؛ مردم فرزندان دنیایند و نباید کسی را به خاطر علاقه به مادرش سرزنش نمود» (نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۳۰۳).

راه درمان این بیماری و حل این مشکل تصحیح باور و عقیده و اصلاح جهان بینی و بینش این گونه افراد است. بیان ارزش و اهمیت تفکر و تعقل و جایگاه محوری و اساسی آن و تأثیر عمیق آن در سعادت و شقاوت انسان می تواند این نوع اندیشه و تفکر را تا حد زیادی تغییر دهد. انسان چون فطرتاً به دنبال سود و منفعت است و همه فعالیت های او در زندگی برای رسیدن به سود و نفع بیشتر است اگر این آگاهی و توجه را پیدا کند که بالاترین سود و منفعت برای یک انسان رسیدن به قرب خداوند و کمال انسانی است که با ترقی و عروج روح ممکن می شود و عروج و تعالی روح نیز در سایه تفکر و اندیشه و تعقل که زمینه ساز ایمان است حاصل می گردد و ایمان و عمل صالح دو بال برای پرواز به عالم ملکوت است. انسان طبعاً لذت گرا است و اگر لذت ها را منحصر در همین لذت های مادی و محسوس بداند و انسی با لذت های معقول و

معنوی مانند تفکر و اندیشه و تحقیق علمی و کشف حقایق نداشته باشد. تحقق لذتهایش را تنها در سایه امور مادی و چنگ زدن به آنها می بیند و کاری با تعقل و معقولات نخواهد داشت ولی اگر عمق لذت مادی علمی و عقلی و معنوی برای او تشریح شود و عمیقاً با آنها آشنا گردد و با همه وجودش آنها را لمس کند بدون شک همه عمر و سرمایه خود را صرف دنیا و لذت های ناپایدار و سطحی آن نخواهد کرد بلکه از آنها به اندازه نیاز و برای اداره زندگی مادی و دنیوی خود استفاده خواهد کرد و اصالت و ارزش را به دنیا و امور دنیوی نخواهد داد.

استفاده از تجملات دنیا و زر و زیور آن در حد معقول و معتدل نه تنها مذموم و ناپسند نیست بلکه مورد تأیید شرع و عقل است و آراستگی و زیبایی و برخورداری معقول از مواهب دنیا و لذت های آن از سفارش های دین مبین و شرع مقدس است این افراط و زیاده روی و اصالت دادن در بهره مندی از دنیا و لذت های آن و غفلت از مقصد نهایی و هدف عالی انسانی است که مذموم و نکوهیده است.

### **لطفا در مورد بحران هویت توضیح دهید و راههای پشت سر گذاشتن این بحران را بیان کنید.**

#### **پرسش**

لطفا در مورد بحران هویت توضیح دهید و راههای پشت سر گذاشتن این بحران را بیان کنید.

#### **پاسخ**

مسأله بحران هویت و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان پدیده ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می نمایم: نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می دهد که هر چه احساس بی هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش های حاکم در جامعه خویش بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه های غربی رپ و هوی متال و... بیشتر می شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه پذیری، فراهم نکرده است، گرایش های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی های شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه گر شده است. از جمله عواملی که زمینه های این روند را فراهم نموده و به آن شدت می بخشد عبارتند از:

۱- مظاهر زیبا و دلنشین حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول



غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است.

۲- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن از آنها.

۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب زده و مطبوعات وابسته به خارج و...) و همچنین سخت گیری ها و تنگ نظری های برخی از عناصر فعال در زمینه فرهنگی نسبت به مسائلی مانند مد و آرایش بومی و ملی جوانان که باعث سوق دادن آنها به طرف الگوهای غربی و بیگانه و در نتیجه بی هویتی شده است.

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.

به نظر می رسد از جمله مناسب ترین راهها برای مصونیت بخشیدن جوانان از بحران هویت و خارج ساختن آنان از باتلاق «الیناسیون» و از خود بیگانگی، بازگرداندن آنها به ساحل نجات هویت اجتماعی، فرهنگی و دینی است و در این عرصه، نزدیک تر شدن گروه های همسال و جوانان متفکر، متدین و با اخلاق به آنان، گامی مهم در جهت جذب آنان می باشد. به طور کلی، جوانانی که در محیط خانواده و تحت نظارت والدین خویش بسر می برند و همواره دریافت کننده ی محبت های پدر و مادر خویش می باشند. سعی می کنند هنجارهای حاکم بر خانواده و

محیط خویش را رعایت کنند، اما اکنون که بهانه‌ی تحصیل یا کار از محیط با صفای خانه و خانواده جدا شدند، سرمایه‌ی بزرگ توجه و محبت اطرافیان را از دست داده‌اند و خود را فراموش شده می‌بینند و اصولاً هر چیزی که بتواند باعث توجه دیگران به ایشان شود، اقدام به آن کارها خواهند کرد. امروزه با توجه به الزامات عصر ارتباطات و پرتاب موشک‌های تهاجم فرهنگی غرب به جهان سوم و اصابت ترکش‌های آن به جوانان پاک و بی‌پناه، لازم است با تجدید نظر در ارزیابی‌هایمان نسبت به آنان، چترهای حمایتی جامعه را گستراند و این جوانان پیرو مدل‌های غربی را به ارزش‌های فرهنگی و معنوی جامعه بازگرداند. بسیاری از این جوانان تشنه‌ی محبت و مهربانی هستند و این اکسیر محبت را هر کجا بیابند به آن سمت خواهند رفت و چه بسا در این راه در دام‌های مفسد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (جذب جنس مخالف، اعتیاد، قاچاق و...) گرفتار خواهند شد. بهترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای جلوگیری از چنین انحرافات فرهنگی، عرضه کردن فرهنگ ناب اسلامی در قالب فنون و هنرهای مختلف، از طریق جوانان خوش فکر، خوش ذوق و خوش برخورد است، مطمئن باشید اگر جوانان با مکتب حیات بخش اسلام و احکام نورانی آن و سیره‌ی معصومین (ع) آشنا شوند آن را با هیچ چیز عوض نخواهند کرد.

بر این اساس مهم‌ترین راه‌های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش‌های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه‌پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه‌های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی

و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- تحقق باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در

دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی

۸- و بالاخره توجه جدی به نیازهای اساسی جوانان مانند حس زیبایی دوستی، آرایش، مرتب بودن، تنوع طلبی و... و تلاش برای ارائه پاسخی منطقی و متناسب با این نیازها بر اساس الگوهای دینی و ملی، همچنان که مقام معظم رهبری در تیرماه ۱۳۸۳ در اجتماع پر شور جوانان همدان مطرح و مسؤولین

و دستگاه های فرهنگی را مؤظف به انجام آن نمودند.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

- انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم

- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی).

**لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.**

**پرسش**

لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.

**پاسخ**

تصمیم و عزم راسخ شما را در جهت انجام برنامه های فرهنگی می ستاییم و برای شما عزیزان آرزوی موفقیت داریم، مسلما کار فرهنگی از ضروری ترین، با اهمیت ترین و زیربنایی ترین اقدامات مورد نیاز جوامع کنونی است که خود گام مهمی برای بیداری و اصلاح بشریت و آماده سازی مقدمات ظهور امام زمان(عج) می باشد. درست همان هدف مقدسی که انقلاب اسلامی ایران براساس آن شکل گرفته و به پیش می رود.

اما با این همه با توجه به اهمیت و ظرافت کار از یک سو و گسترده بودن دامنه کاری که برای خود مشخص نموده اید، دستیابی به نتایج مطلوب در این زمینه نیازمند امور متعددی است که اولین گام آن استحکام مبانی عقیدتی و دینی دست اندرکاران این طرح است. داشتن معرفت و بینش صحیح و کامله اسلامی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریطی در برداشت و اجرا، ارتباط مستمر با اسلام شناسان متعهد و بالاخره استفاده از امکانات مادی و متناسب با شرایط زمانی از این رو توصیه ما این است که در بدو شروع کار واقع بینانه چنین مسائلی را در نظر گرفته و دامنه کاری دقیقی متناسب با توانایی های مادی و معنوی خویش تعریف بنمایید تا ضمن دستیابی سریع تر به اهداف، از هرگونه اخلال و یا تعللی در ادامه راه، جلوگیری شود.

در ادامه به معرفی برخی منابع که می تواند در راستای اهداف شما مفید باشد می پردازیم:

الف - معرفی کتب:

- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، انتشارات دلیل ما،

- پرتوی از خورشید، علی شیرازی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲
- حکایت نامه سلاله زهرا(س)، حسن صدری مازندرانی، انتشارات مشهور، ۱۳۸۱
- عصر امام خمینی، میر احمد رضا حاجتی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲
- آسیب شناسی انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۹
- راهکارهای اصلاح اجتماعی در حکومت دینی، حسین ردایی الاملی، نسیم حیات، ۱۳۸۲
- شیوه های درمانی مفسد اجتماعی، علی اکبر بابازاده، انتشارات دانش و ادب، ۱۳۸۱
- توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷
- آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۸
- جامعه سازی قرآن، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸
- تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۸
- تهاجم فرهنگی، سید مرتضی حسینی اصفهانی، انتشارات فرهنگ قرآن ۱۳۷۹
- تهاجم فرهنگی، محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶
- پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰
- مبانی نظری تمدن غرب، سید مرتضی آوینی، مجله دانشجو، تابستان ۷۷
- ب - سایت های مفید فرهنگی:

- سایت باشگاه اندیشه [www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)

- سایت کانون [www.canoon.org](http://www.canoon.org)

- سایت آوینی [www.aviny.com](http://www.aviny.com)

- سایت احیا [www.ehyaa.net](http://www.ehyaa.net)

## چرا به سوگواری و مداحی امامان اینقدر اهمیت داده می شود به جای شناخت آنها

### پرسش

چرا به سوگواری و مداحی امامان اینقدر اهمیت داده می شود به جای شناخت آنها

### پاسخ

البته آنچه در عزاداری مهم است؛ بزرگداشت هدف امام حسین(ع) و یادآوری فضایل و رشادت و کمال و جانبازی در راه حق و دفاع از دین خدا و مبارزه با کجروی و بی عدالتی و ظلم می باشد و شکل و حالت خاصی در روایات مورد نظر نمی باشد.

بهترین شکل عزاداری بیان فضایل و کمالات و سخنان ارزنده و نورانی و راهگشای سیدالشهدا(ع) و سایر اولیای بزرگ و مکرم خداوند است. ممکن است فردی بدون حرکت و حالت خاصی اهل معرفت و بصیرت باشد و با مطالعه نهضت مقدس امام حسین(ع) و اهداف الهی و انسانی او، در درون بر این مصیبت و جنایت بزرگ غمگین و نالان باشد و ممکن است کسی با وجود شور گرفتن و بالا و پایین پریدن به این درجه از معرفت و بصیرت نرسیده باشد. البته باید از سوء ظن و بدبینی جدا پرهیز نمود چون کم نیستند انسان های با معرفت و آگاه و دلسوخته ای که عمق احساسات و ارادت خالصانه خود را به ساحت اقدس سیدالشهدا و اولیای خداوند به صورت شور گرفتن و هروله کردن نشان می دهند و این حرکات و اعمال هیچ منافاتی با معرفت و شناخت و بصیرت آنها ندارد.

لذا مسأله گریه و عزاداری بر حضرت سیدالشهدا(ع) از افضل قربات است و فلسفه های سازنده و تربیتی متعددی دارد از جمله:

۱- توجه به هدف قیام امام حسین که همانا احیای ارزش های دینی و جلوگیری از انحراف بود.

۲- زنده داشتن یاد و تاریخ پرشکوه نهضت حسینی،

۳- الهام بخش

روح انقلابی و ستم ستیزی،

۴- پیوند عمیق عاطفی بین امت و الگوهای راستین،

۵- اقامه مجالس دینی در سطح وسیع و آشنا شدن توده ها با معارف دینی،

۶- پالایش روح و تزکیه نفس،

۷- اعلام وفاداری نسبت به مظلوم و مخالفت با ظالم و ... .

اما اصل عزاداری و سوگواری از خود اهل بیت(ع) است ولی چگونگی آن تا حدود زیادی با شیوه های قومی و ملی عجین شده است و این آمیزش تا زمانی که مشتمل بر خلاف شرع نباشد اشکالی ندارد.

داستان گریه و عزاداری پس از شهادت حضرت امام حسین(ع) از سوی امامان(ع) داستان دامنه داری است. به مواردی اشاره می شود:

۱- امام چهارم(ع) که خود در کربلا شاهد مصائب دردناک حسین(ع) و یاران فداکار او بود و ۲۳ سال داشت، پس از آن واقعه سوزناک تا زمانی که در قید حیات بودند یعنی مدت ۳۴ سال طبق برخی روایات برای پدر و عزیزان خویش گریه و سوگواری می کرد، (بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۸ و ۱۰۹).

گریه های امام سجاد(ع) در سخت ترین شرایط علاوه بر جنبه عاطفی، یکی از راه های مهم مبارزه و افشاگری بود.

۲- امام صادق(ع) به ابوهارون مکفوف دستور می دهد مرثیه بسراید و آنگاه که وی مرثیه خود را می خواند مشاهده می نماید امام(ع) سخت گریه می کند متوجه می شود از صدای گریه امام صادق(ع) زنانی که پشت پرده حضور داشته اند صدای خود را به گریه و شیون بلند کردند، (کامل الزیارات، ابن قولویه، نقل از ره توشه راهیان نور، ویژه محرم ۱۳۷۶).

۳- امام رضا(ع) دعبل خزایی شاعر را در ایام سوگواری حضرت حسین(ع) به حضور می پذیرد به او عنوان یاری دهنده اهل بیت، خوش آمد می گوید و از وی می خواهد در

روزهای غم و اندوه اهل بیت؛ یعنی عاشورا در مورد مصایب جد خویش ابا عبدالله (ع) مرثیه بسراید، (بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷).

در مورد سینه زنی نیز برخی از منابع تاریخی نشان می دهد که وقتی بنی هاشم برای اولین از مدینه به کربلا آمده و با کاروان اسراء در آن مکان برخورد نمودند به رسم عزاداری زنانشان دست به سینه می زدند.

برای آگاهی بیشتر ر. ک :

۱- فلسفه شهادت و عزاداری امام حسین، سید عبدالحسین شرف الدین، مترجم: علی صحت، انتشارات مرتضوی

۲- حماسه حسینی، شهید مطهری، انتشارات صدرا

۳- پیام های عاشورا، جواد محدثی، انتشارات پیک جلال

۴- عبرت های عاشورا، سید احمد خاتمی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم

۵- فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، نشر معروف

**اگر امکان دارد کمتر از پلاکاردها و اعلامیه ها استفاده شود درست است که به مناسبتها ی مختلف این کار انجام میشود و برای یادآوری ارزشها مناسبتها است اما در بسیاری از موارد اسراف است. و باین هزینه ای که صرف میشود میتوان کارهای زیادی به نفع مردم انجام داد که جن**

### **پرسش**

اگر امکان دارد کمتر از پلاکاردها و اعلامیه ها استفاده شود درست است که به مناسبتها ی مختلف این کار انجام میشود و برای یادآوری ارزشها مناسبتها است اما در بسیاری از موارد اسراف است. و باین هزینه ای که صرف میشود میتوان کارهای زیادی به نفع مردم انجام داد که جنبه فرهنگی هم داشته باشد. تهیه بروشورها به تعداد زیاد و پخش کردن آن در دانشگاه به نظر من اسراف است. حداقل میتوان این برگه هارا در قطع های کوچکتری تهیه کرد. اگر به دانشجویان مثلا بن کتاب داده شود بهتر است باخودشان کتاب بخرند. از توجه شما سپاسگزارم ؟

### **پاسخ**

در این زمینه باید گفت که ما نیز با شما هم عقیده ایم متأسفانه در عملکردهای فرهنگی برخی افراد و تفریطها و یا غفلت از اولویت ها وجود دارد. در مورد توصیه ای که نمودید، سعی این مرکز - که به عنوان یک مرکز فرهنگی در دانشگاهها مشغول به انجام وظیفه است - همواره بر این بوده که به اولویت ها و نیازهای فرهنگی مهم دانشجویان با استفاده از بهترین شیوه ها پرداخته شود از این رو ارسال کتاب، مجله و... برای دانشجویان مستعد و نیازمند، یکی از مهمترین فعالیتهای این مرکز می باشد.



شایسته است این پیشنهاد در اجرای سایر مراکزی که به کار فرهنگی مشغولند نیز ارسال نماید.

## نظر شما اگر ازدواج موقت شیوع پیدا کند کسی دنبال ازدواج دائم می رود

### پرسش

نظر شما اگر ازدواج موقت شیوع پیدا کند کسی دنبال ازدواج دائم می رود

### پاسخ

البته فرض مذکور درباره ازدواج موقت مطابقت با واقعیت ندارد. زیرا ازدواج موقت بیشتر برای رفع بحران ها و پاسخ به نیازهای فوری و زودگذر است. لذا هیچگاه جایگزین ازدواج دائم نمی شود. و از آنجا که انسانها به دنبال سامان دهی نظام زندگی و رسیدن به آرامش و سکونت هستند لذا حتی کسانی که قبل از ازدواج و یا بعد از ازدواج برای مدتی دنبال ازدواج موقت می باشند؛ سرانجام به یک ازدواج دائم رو می آورند.

## بسیاری از روحانیون به راحتی در خیابان راه می روند و نسبت به اطراف خود حداقل واکنشی نشان نمی دهند چرا؟

### پرسش

بسیاری از روحانیون به راحتی در خیابان راه می روند و نسبت به اطراف خود حداقل واکنشی نشان نمی دهند چرا؟

### پاسخ

شاید منظور شما وجود برخی از مفاسد و مظاهر ناپسند اجتماعی مانند بدحجابی یا روابط ناسالم اجتماعی و عدم امر به معروف و نهی از منکر از سوی روحانیون باشد که در اینصورت باید اعتراف کنیم متأسفانه آنقدر تهاجم دشمنان و گستاخی برخی از افراد زیاد شده است که هم غیرت دینی خیلی از ما مسلمانان اعم از روحانیون و دیگران کم شده است و هم احتمال تأثیر که یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر است، در اینجا وجود ندارد.

البته ما این دیدگاه را قبول نداریم چه اینکه احتمال تأثیر از شرایط وجودی وجوب امر به معروف و نهی از منکر است و همه ما باید با شگردها و راهکارهای مختلف آن را بوجود بیاوریم و ثاباً فرهنگ بی تفاوتی، تساهل و تسامح که متأسفانه برخی از اصلاح طلبان مطرح کردند ریشه تدین و تعهد را خشکاند.

از کارشناسان محترم نهاد تقاضا دارم تخصصها و منابع و روشهایی را که یک نیروی فرهنگی برای انجام کار فرهنگی در دانشگاه و دیگر مکانهای فرهنگی نیاز دارد را برای اینجانب شرح دهند. اگر جدول و برنامه خاصی در این زمینه نیز وجود دارد برای اینجانب معرفی نماید.

### پرسش

از کارشناسان محترم نهاد تقاضا دارم تخصصها و منابع و روشهایی را که یک نیروی فرهنگی برای انجام کار فرهنگی در دانشگاه و دیگر مکانهای فرهنگی نیاز دارد را برای اینجانب شرح دهند. اگر جدول و برنامه خاصی در این زمینه نیز وجود دارد برای اینجانب معرفی نمایید.

## پاسخ

از نظر اندیشمندان اسلامی اندیشه اخلاق و رفتار گروهی یک قوم را فرهنگ آن قوم می گویند بنابراین

مجموعه راه کارهای فرهنگی در دانشگاه ها و بیرون از آن را می توان در دو بعد نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. در این زمینه راه کارهایی چند پیشنهاد می شود.

الف) راه کارهای نظری و اندیشه ای:

۱. شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران. در این زمینه لازم است پایه های فهم دینی را تبیین نموده و با نفوذ شک و ترویج شک گرایي، مبارزه شود. بهترین راه برای مبارزه با این مسأله آن است که شناخت خود و دیگران را از باورها و ارزش های دینی، فزون سازیم و به تبیین منطقی دست یابیم. مثلاً "در زمینه ارزشی ها، وجود یک سلسله ارزش های ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بی پایه کسانی که ارزش ها را امور اعتباری و نیاز پرورده می دانند، آشکار سازیم، (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنین در برابر کسانی که می کوشند از میزان پای بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و تقید به مسائل شرعی را تضعیف کنند، ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسائل شرعی سوق دهیم.

۲. تقویت و

تثیت هویت مذهبی و ملی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار آمیز اسلامی و دانشمندان نامی و نیز دستاوردهای مهم و با ارزشی تشکیل جمهوری اسلامی و...

۳. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره به صورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و...

۴. مسلط بودن بر جامعه شناسی ارتباطات و شیوه ها و روانشناسی تبلیغی.

ب. راه کارها و اقدامات عملی :

۱. برگزاری اردوها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و تدارک برنامه های پرجاذبه، مفید و سالم به وسیله تشکلات فرهنگی موجود در دانشگاهها یا گروهی از دانشجویان.

۲. راه اندازی مرکزی برای رسیدگی و حل مشکلات دانشجویان، مانند صندوق قرض الحسنه و دفتر مشاوره ازدواج دانشجویی و...

۳. برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت، دعا، مراسم مذهبی (مانند اعتکاف) و...

۴. تهیه نشریات داخلی حاوی مطالب مفید و جذاب، ارائه فیلم های خوب و مفید و...

در پایان توجه به چند نکته ضروریست:

۱. آگاهی بر ابعاد مختلف کاری که در پی انجام آن هستیم - تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند - باید اولاً کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید.

۲. در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلاً اگر می خواهید نشریه داشته باشید - کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگارش آشنایی کافی را دارند.

۳. پرهیز از افراط و تفریط و شتابزدگی و سستی.

۴. اهل مدارا و گذشت و ملاطفت باشید زیرا کار

فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود.

۵. صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد.

۶. از افراد با انگیزه ای به عنوان همکار کمک بگیرید. پتانسیل باشید و وقت گذرانی یا صرفا کسب درآمد مد نظر نباشد.

۷. نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بررسی و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید.

۸. هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید.

۹. هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پربار و با برکت خواهد بود.

۱۰. در کارهای فرهنگی وظیفه اصلی خود را که ادامه تحصیل است فراموش نکنید.

البته جامعه دانشگاهی ما از مشکلاتی اساسی و ریشه ای رنج می برد که توجه به آنها ضروریست:

۱- دانشگاه با زمینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران بیگانه است، به ویژه در حیطه علوم انسانی.

۲- به طور عمده نگاه پیش زمینه ای و سخت افزارانه به علم دارد و به ایجاد تحول در شرایط فرهنگی، ارزشی، اقتصادی و محیطی جامعه کمتر توجه دارد.

۳- با نهایت تأسف مرجع صلاحیت علمی را به غرب کشانده اند؟ قانون تصویب می کنند به شرطی استادیار، دانشیار می شود که مقاله ای در نشریات خارجی بنویسد و یا بیشتر به جذب فارغ التحصیلان خارج از کشور توجه می شود.

۴- عدم موفقیت در انتقال فرهنگ و هویت

تاریخی به دانشجو، ما هنوز هویت ایرانی و ملی خود را نمی شناسیم. یکی از رسالت های دانشگاه انتقال فرهنگ اصیل از نسل گذشته به نسل بعدی و حفظ هویت جامعه باشد تا چه اندازه شاهد ایفای این نقش مهم و کارکردهای اساسی هستیم؟

۵- خط و ربط گرفتن از گروه های سیاسی به جای خط و ربط دادن به آنها. آرایش جناحی در مورد مسئولان دانشگاه به هیچ وجه توجیه پذیر نیست، سرنوشت دانشگاه را نباید ارتباطات سیاسی معلوم کند. بایستی تخصص، علم و شایستگی حرف اول و آخر را بزند نه اینکه هر کس به زد و بندهای سیاسی وصل شود، مقام بالاتری داشته باشد.

۶- فقدان حقوق معنوی در دانشگاه، و کثرت سرقت های علمی در انواع و اقسام آن

۷- فقدان رابطه مناسب با نهاد های تحقیقاتی و پژوهشی کشور و عدم رابطه تعریف شده با وزارتخانه های مربوطه و کارخانجات که در نتیجه کاربردی شدن مواد درسی دانشگاه را کم رنگ کرده و انگیزه پویایی را در دانشجویان کم کرده است.

۸- عدم پیگیری مطالبات صنفی که منجر به علم سوزی و تحقیقات سوزی شده است.

۹- غفلت از فلسفه تعلیم و تربیت که همان غایات و جهت های علم است.

البته برخی از مشکلات فرهنگی که در جامعه دیده می شود، زاییده تهاجم فرهنگی دشمن است که از جمله آنها توزیع و پخش نوارها و ... مبتذل می باشد و نیز شایعات و شبهه های که در مورد بعضی از شخصیتها و اعتقادات اصیل اسلامی مطرح می شود.

فاصله انداختن بین حکومت و مردم نیز از ترفندهای دشمن است.

گسترش دام اعتیاد نیز می توان از جمله

مشکلات جامعه دانست.

تخریب سنگرهای که می توان با استفاده از آنها از اسلام راستین حفاظت کرد همانند تخریب حوزه های علمیه.

قبح ربا تا حدودی فراموش شده است و سن ازدواج هم بالا رفته است.

دسیسه ها و تهاجم دشمن در ابعاد مختلف و مشکلات اقتصادی و بی کاری نیز از معضلاتی است که باید با تدبیر مسئولان و هوشیاری و همیاری مردم به حل آن پرداخت.

و بالاخره اینکه شیوه ها و راه کارهای فوق تنها بخشی از کار است و شما می توانید جهت اطلاع بیشتر در خصوص جزئیاتی که مورد نظرتان است سؤال نمایید تا دقیق تر بررسی و پاسخ داده شود.

### چرا تعداد الگوهای اعتقادی و عملی در فرایند اسلامی شدن دانشگاهها اندک هست؟

#### پرسش

چرا تعداد الگوهای اعتقادی و عملی در فرایند اسلامی شدن دانشگاهها اندک هست؟

#### پاسخ

آنچه که از دانشگاه در نظام اسلامی انتظار می رود و مطلوب می باشد اینست که دانشگاه اسلامی باشد. و این قید اسلامی بودن آن با توجه به نقش و جایگاه و کارکردهای مهم دانشگاه در جامعه بسیار با اهمیت و قابل توجه همه مسئولین از امام راحل گرفته تا مقام معظم رهبری و سایر مسئولین فرهنگی بوده و می باشد. زیرا دانشگاه نقطه اساسی هر جامعه و کشور است. اگر دانشگاه اصلاح شود، آینده آن جامعه اصلاح خواهد شد. و اگر خدای نکرده دانشگاه پرورشگاه متخصصان مسلمان و متعهد نباشد، دانشگاه مطلوب انقلاب نبوده و موجب عدم توسعه و پیشرفت و به فساد و تباهی کشاندن جامعه و وابستگی و استیلائی استعمارگران خواهد بود. بر این اساس دانشگاه مطلوب انقلاب با دو شاخص علم و ایمان سنجیده و مشخص می شود. رهبر معظم انقلاب می فرمایند: ((در دانشگاه اسلامی، علم با دین، تلاشگری با اخلاق و تضارب افکار با سعه صدر و تنوع رشته ها با وحدت هدف و کار سیاسی با سلامت نفس، تعمق و ژرف نگری با سرعت عمل و خلاصه دنیا با آخرت همراه است)) (روزنامه رسالت، ۵/۷/۱۳۷۵) یا در جای دیگر می فرمایند ((از شاخصه های اسلامی شدن دانشگاه ها، علمی شدن آنها است، عمیق شدن خود باور بودن و اتکا به نفس داشتن دانشجو و استاد، از جمله نکات بارز دانشگاه اسلامی است، در دانشگاه اسلامی تدین و دین باوری وجه غالب است و در آن ایستادگی بر روی

اصول و تسلیم ناپذیری در برابر دشمن و عزم و اراده در برابر تهاجم فرهنگی به زیر بنای مستحکم فکری است. دانشگاه اسلامی شکوفا و پر نشاط است و در آن علم و عالم عزیز و باکرامتند، دانشجو به قصد قربت درس می خواند و مظاهر فسق و فساد در آن وجود ندارد. بنابراین لازمه علمی شدن دانشگاه ها اسلامی شدن آنهاست، (روزنامه جمهوری، ۷/۱۲/۱۳۷۶) بنابراین دانشگاه مطلوب باید این چنین محلی باشد. اما آیا در عمل این ایده آلهای و ارزشها تحقق یافته است؟ متأسفانه علیرغم تلاش ها برنامه ریزی ها و مجاهدت هایی که توسط مراکز و نهادها و مسوئولین مربوطه و عناصر خدوم و فداکار در این زمینه صورت گرفته و دستاوردهای بسیار مثبت و ارزنده ای که به همراه داشته، هنوز تا رسیدن و دستیابی به آن هدف و جایگاه مطلوب راه طولانی مانده است. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می فرماید: ((دانشگاه هنوز اسلامی نشده است... این نمی شود مگر با یک تحول عمیق و بنیادی، دل سوزانه، بلند مدت، برنامه ریزی شده و همه جانبه))، (فصلنامه فرهنگی، شماره ۲۱، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۷۴) البته هر چند بررسی عوامل جلوگیری و ممانعت از اسلامی کردن دانشگاهها، بحثی مفصل و خارج از موضوع ما می باشد ولی بصورت اختصار باید گفت که: بدلیل اهمیت و جایگاه دانشگاه در پیروزی انقلاب و آینده انقلاب: دشمنان داخلی و خارجی نظام اسلامی از این موضوع مهم غفلت نداشته و با تمام توان سعی در جلوگیری از اسلامی شدن دانشگاه

و دانشجویان از طرق و روش های گوناگون داشته و دارند. البته عوامل متعدد دیگری از قبیل عوامل تاریخی ، نواقص و نارسائیهای نظام آموزشی ، عدم تحقق کامل وحدت حوزه و دانشگاه ، تهاجم فرهنگی و... در این امر موثر می باشند.

در این میان آنچه که به نظر می رسد در این فرآیند نقش اساسی داشته و دارد، عدم اجماع فکری میان مسئولین اجرایی کشور با مسئولین و دست اندرکاران دانشگاههاست. که متأسفانه بخشهایی از این مجموعه کلان یا اصلاً به اسلامی شدن دانشگاهها معتقد نبوده و یا اینکه درک درستی از ضرورت این موضوع ندارند. نتیجه طبیعی این مسأله، ناکارآمدی و عدم موفقیت نظام اسلامی در اسلامی کردن دانشگاههاست.

مسئله تا زمانی که تمامی مجموعه تاثیر گذار بر دانشگاهها از مسئولین عالی رتبه گرفته تا هیئت های علمی دانشگاهها، به اسلامی کردن دانشگاهها نیاندیشند و برای آن ارزش قائل نشوند، توفیق کامل حاصل نمی شود.

بنابراین اولین قدم هماهنگی کامل و اجماع فکری و وحدت نظر تمامی مسئولان و دست اندرکاران دانشگاهها است که در صورت تحقق این مسأله قطعاً می توانیم جهش عظیمی در مسأله اسلامی شدن دانشگاهها داشته باشیم ، البته مسأله برنامه ریزی و یافتن الگوهای مناسب و مفید نیز به عنوان گام بعدی اقدام ضروری و مهم است که باید توسط کارشناسان متعهد و متخصص صورت پذیرد. که امید می رود با توجه به به منابع عظیم اسلامی و تجارب و نظرات سایر اندیشمندان، این مرحله نیز با موفقیت کامل انجام شود. در آخر ذکر این نکته هم لازم است که با همه این مشکلات، بحمد الله دانشگاه و دانشجویان



ما چه نسبت به قبل از انقلاب و چه در مقایسه با سایر کشورهای دیگر از وضعیت بسیار بهتری برخوردار بوده و دانشگاه‌های ما پر است از جوانان متعهد و انقلابی و پای بند به اصول و ارزش‌های اسلامی و اساتید متعهد و متخصص که غیر قابل انکار می باشد.

**درباره پیشگیری از اعتیاد نوجوانان و جوانان چه راهکارهای عملی پیشنهاد میکنید. "لطفا پاسخ را بصورت کاملا تشریحی بیان کنید**

### **پرسش**

درباره پیشگیری از اعتیاد نوجوانان و جوانان چه راهکارهای عملی پیشنهاد میکنید. "لطفا پاسخ را بصورت کاملا تشریحی بیان کنید

### **پاسخ**

گرایش روز افزون به مواد مخدر و علت آن نیاز به انجام پژوهش های دقیق علمی دارد که این امر به عهده کسانی است که مسؤولیت سلامت جامعه را به عهده دارند. مانند سازمان بهزیستی، سازمان های بهداشتی در سراسر جامعه، نیروهای انتظامی و...

اما آنچه که در جامعه ما محسوس است و می توان به عنوان علت گرایش نوجوانان به مواد مخدر مطرح کرد و لو به صورت غیر دقیق عبارتند از:

۱- روابط نامطلوب والدین در خانواده با یکدیگر و همچنین با فرزندانشان نقش مهمی می تواند داشته باشد چه این که کودکان چنین خانواده هایی معمولا- از خانواده گریزانند و با توجه به پایین بودن سن آنها و عدم ثبات عاطفی و شخصیتی آسیب پذیری آنها بالاست و یکی از آسیب هایی که ممکن است به آنها برسد آلوده شدن به استفاده از مواد مخدر است.

۲- فقر یا رفاه اقتصادی هر دو می تواند عامل اعتیاد به نوجوانان باشد. آمار نشان می دهد که تعداد چشمگیری از مشتریان مخدر را افراد پر درآمد و ثروتمند تشکیل می دهند. این خانواده ها با پول زیادی که در اختیار فرزندان خود قرار می دهند و عدم نظارت بر این که چگونه این پول را هزینه کنند می تواند عاملی برای این که نوجوانان که از حس کنجکاوی بالایی نیز برخوردارند به خرید مواد مخدر روی بیاورند و بخواهند استفاده از این مواد را مانند سایر کارهایی که انجام می دهند تجربه کنند. همچنین فقر نیز می

تواند عامل استفاده از مواد مخدر باشد چه این که شیادان و دلالانی دنبال کسب درآمد هستند. نوجوانان کم تجربه و نیازمند را برای توزیع مواد مخدر به خدمت می گیرند و همین کار زمینه ای می شود که این افراد کم سن و سال و بی تجربه علاوه بر توزیع این مواد خود نیز به استفاده از آن مبادرت ورزند.

۳- عوامل اجتماعی مثل در دسترس بودن مواد مخدر: یکی از مهمترین عوامل اعتیاد در همه سطوح سنی در دسترس بودن مواد مخدر است، چون چیزی که به آسانی در اختیار مردم قرار می گیرد گرایش به آن آسان تر صورت می پذیرد. عوامل دیگری نیز می توان برشمرد که در گرایش نوجوانان به استفاده از مواد مخدر نقش دارد.

برای مبارزه با اعتیاد و جلوگیری از عواقب شوم آن از قبیل سست شدن ارکان خانواده، اقداماتی از قبیل: اشتغال زایی و حل مشکل بیکاری، گسترش امکانات تفریحی، ورزشی، مبارزه قاطع با پخش مواد مخدر را باید سرلوحه کارها قرار داد.

به عبارت دیگر مشکل اعتیاد جوانان بلای خانمان سوزی است که ناشی از فقر فرهنگی و بیکاری است. همه باید تلاش کنیم که با آگاه کردن جوانان و خانواده های آنها پوچی و بی هدفی و لاپالی گری را از جوانان دور کنیم و آنها را با وظایفشان آشنا سازیم. باید با فراهم کردن ارتباط و دوستی مناسب و صحیح با جوانان و راه اندازی مکان های فرهنگی - تفریحی و مذهبی خوب و جذاب و برگزار نمودن مجالس مذهبی و دعوت اهالی، آنان را جذب کرده و خلائیهای فکری و فرهنگی آنها را

پر نموده آنها را به فکر اشتغال مناسب و مفید و فعال بودن در جامعه بیاندازیم و از بیکاری و بیهودگی و هدر رفتن وقت آنها جلوگیری کنیم و از طرف دیگر با شناسایی افراد فاسد و سودجو و جنایتکار که جوانان را منحرف می کنند و معرفی آنها به نیروهای انتظامی و مراکز قضایی جلوی گسترش فساد را بگیریم و زمینه را برای پاک بودن جوانان فراهم سازیم . به هر حال ؛ ارائه الگوهای صحیح ، گسترش فرهنگ دینی ، هدفمند کردن جوانان در زندگی ، فراهم کردن اشتغال مناسب ، ایجاد ارتباط و دوستی صمیمانه و صحیح ، فراهم کردن امکان مطالعه و پیشرفت و تفریحات سالم ، سوق دادن افراد به سمت مراکز دینی مثل مساجد و مراکز فرهنگی اسلامی می تواند جوانان ما را از افسردگی و اعتیاد نجات بخشد. همه افراد باید در حد توان و امکاناتی که در اختیار دارند با بکارگیری راه های فوق الذکر به این هدف ایده آل دست یابند و بدانند که این کار فعالیتی بس مشکل و در عین حال سرشار از ثواب و پاداش است و دنیا و آخرت آنها و دیگران را آباد می سازد. لازم است با ذوق و سلیقه و پشتکار و به تناسب افراد و موقعیت ها از راه های ارائه شده استفاده کنند و هرگز احساس خستگی و ناتوانی نکنند. به هر قیمتی شده با جوانان دوست شوند و آنها را جذب کنند تا جذب مراکز فساد نشوند. لذا ایثار و از خود گذشتگی تنها سرمایه این کار است که می تواند ما را به هدف برساند.

در پایان از دلسوزی عاقلانه و دوراندیشی مدبرانه شما عزیز دانشجو تقدیر و تشکر می کنیم و امیدواریم به دعای خیر حضرت صاحب الزمان (عج) در این کار خطیر موفق باشید.

### وقتی مردم اجتماع نمی خواهند درست شوند چه باید کرد؟

#### پرسش

وقتی مردم اجتماع نمی خواهند درست شوند چه باید کرد؟

#### پاسخ

مردمی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود نداشته باشند. اما رمز تحرک جامعه در دو عنصر گنجانده شده است:

۱. تبیین اهداف بلند و خوبیها.

۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در این هدف.

کسانی که تحرک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند و آنچه می توانند باشند را نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده انتظار چای نمی تواند داشته باشد. ما در قرآن کریم که این قدر اهتمام به سازندگی دارد می بینیم چگونه یونس ((علیه السلام)) را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ ائمه ((علیهم السلام)) و احادیث آنان چگونگی دعوت و پایداری و طبقه بندی افراد یک فرهنگ تحرک را پایه ریزی کرده است. باید با مطالعه ای کاربردی اقدام نمود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۴۸

### چرا مسلمانان روزی را با عنوان عید قربان جشن می گیرند و چرا گوسفند قربانی می کنند؟

#### پرسش

چرا مسلمانان روزی را با عنوان عید قربان جشن می گیرند و چرا گوسفند قربانی می کنند؟

#### پاسخ

عید قربان یکی از اعیاد رسمی اسلامی است در این عید کسانی که برای انجام مناسک حج به مکه رفته اند در منی قربانی می کنند و کسانی نیز که در مکه نیستند شایسته است گوسفند قربانی کنند و گوشت آن را میان تنگدستان و مؤمنان تقسیم نمایند.

شاید یکی از اسرار این که روز مذکور در اسلام عید شمرده شده است، این باشد که مسلمانان خاطره آمادگی حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیهم السلام) برای انجام فرمان خداوند و فداکاری در راه حق را زنده نگاه دارند و به یاد بیچارگان و مستمندان افتند و بدانند که در زندگی تنها نباید به فکر خویش باشند، بلکه باید به چنین کسانی نیز رسیدگی کنند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۵

## آیا مراجع با گناه کردن مردم آن هم علناً راضی هستند؟

### اشاره

چرا باتصویب یک قانون از طرف مجلس شورای اسلامی، گذاشتن نوارترانه را در مجالس عروسی ممنوع نمی کنند؟

### پرسش

آیا مراجع با گناه کردن مردم آن هم علناً راضی هستند؟

چرا باتصویب یک قانون از طرف مجلس شورای اسلامی، گذاشتن نوارترانه را در مجالس عروسی ممنوع نمی کنند؟

### پاسخ

۱) مراجع عالیقدر شیعه بالاتفاق در فتاوی خود مکرراً گوش دادن و پخش نوارهای موسیقی و مناسب با مجالس لهو و لعب را حرام اعلام نموده اند و به هیچ وجه راضی به این کار نه مخفیانه و نه آشکارا نیستند. که در رساله های عملیه و استفتائاتی که از آنان شده موجود می باشد.

۲) و اما از نظر قانون نیز قوانین متعددی قبلاً از تصویب مجلس و شورای محترم نگهبان گذشته است، به عنوان نمونه یک مورد ذکر می شود:

طبق ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی بند یک و سه هر کس فیلم، نوار ویا هر چیزی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید به نحوی که منتشر نماید ویا به معرض انظار عمومی بگذارد به حبس از ۳ ماه تا یکسال ویا جزای نقدی از ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال تا ۶ میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم میشود.

۳) تمام مشکل در این رابطه، سستی در برخورد با این منکر اجتماعی است. که متأسفانه هر چه می گذرد این سستی و بی تفاوتی هم در دستگاههای حکومتی بیشتر می شود هم در مردم. و برای رفع این مشکلات حرکتی همه جانبه لازم است و به هر حال ساقط کننده تکلیف شرعی اشخاص نمیشود.

کتاب قانون مجازات اسلامی

### چرا با اقداماتی نظیر .... باعث کاهش علاقه جوانان برای حضور در مساجد می شوید؟

#### پرسش

چرا با اقداماتی نظیر .... باعث کاهش علاقه جوانان برای حضور در مساجد می شوید؟

#### پاسخ

بسیار مایل بودیم که سؤال خود را بطور صریح و شفاف بیان می فرمودید و بجای نقطه چین، اقداماتی که باعث کاهش علاقه جوانان برای حضور در مساجد می شود را دقیقاً می نوشتید تا ما هم با اطلاع دقیق از منظور جنابعالی پاسخ مورد نظر را ارسال می کردیم. اما بهر حال توجه شما را به مطلب ذیل جلب می کنیم :

تلاش همه مسئولان دلسوز نظام مقدس جمهوری اسلامی این است که علاقه جوانان روز به روز به مساجد بیشتر شود و حضور آگاهانه این نسل پرتلاش با انسجام و هماهنگی بیشتر صورت پذیرد، از همین رو برنامه های متنوع گوناگونی را در مساجد تدارک دیده اند که برخی از آنها مورد اشاره قرار می گیرد :

۱. کانونهای فرهنگی مساجد با تنظیم برنامه های فرهنگی در جهت رشد و اعتلای فرهنگ اسلامی تلاش می کنند.

۲. پایگاههای مقاومت بسیج با برنامه های آموزشی و ورزشی در جهت پر کردن اوقات فراغت جوانان و بالا بردن آگاهیهای مذهبی جامعه تلاشهای شایسته ای انجام داده اند.

۳. سازمان تبلیغات اسلامی و برخی از ارگانهای علاقمند همچون اداره اوقاف و آستان قدس رضوی و... نیز برنامه های خوبی را در مساجد اجرا کرده اند اما در عین حال باید اذعان داشت و اقرار نمود تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم.

ما هم معتقدیم نسل جوان امروز ایران اسلامی نیازمند توجه و عنایت بیشتری است خواسته های مشروع و بجای جوانان مؤمن و متدین در سایه مناقشه های سیاسی بی نتیجه کم رنگ شده است. امید است که کارشناسان دلسوز و متخصص، با برنامه ریزی دقیق در جهت تحقق اهداف جوانان ایران اسلامی با اتکال

به خدای عزوجل گامهای مؤثری بردارند. ان شاء...

**چرا کسانی که می خواهند پسرشان را داماد کنند به ظاهر زندگی و ثروت نگاه می کنند ولی به نجابت دختر نگاه نمی کنند؟**

### پرسش

چرا کسانی که می خواهند پسرشان را داماد کنند به ظاهر زندگی و ثروت نگاه می کنند ولی به نجابت دختر نگاه نمی کنند؟

### پاسخ

علت اینکه افراد در ازدواج به معیارهای ظاهری توجه دارند این است که دل بسته به ظواهر زندگی دنیا بوده و تنها معیارهای مادی و ظاهری را موثر در سعادت و خوشبختی فرزندانشان می دانند و آنطور که شایسته است به معیارهای واقعی در ازدواج توجه نمی کنند.

اسلام برای انتخاب همسر ضوابط و معیارهایی معین کرده از زن و شوهر خواسته است در گزینش همسر آنها را مراعات نمایند. ایمان و اعتقاد، خانواده، اخلاق، سلامت جسم و سلامت فکر و روان از جمله معیارهای اصلی در امر مقدس ازدواج است که ضامن خوشبختی و سعادت زن و شوهر می باشد. به هر حال ازدواج امری مهم است و باید اندیشید و حساب شده باشد. انتخاب شریک زندگی به خاطر علل و انگیزه های اقتصادی و یا جمال و ظاهر ممکن است خطر آفرین باشد. در روایت است که ازدواج برای مال و یا جمال فردی سبب می شود که مالش موجب طغیان و جمالش مایه تباهی شود و نیز فرموده اند ازدواج برای زیبایی زن سبب پستی و سقوط اخلاق می شود و حتی ممکن است سبب طغیان گردد.

اسلام به پدرها و مادرها توصیه میکند در انتخاب همسر برای فرزندانشان توجه و دقت کنند ولی اشکال تراشی نکنند آنچه برای صفای زندگی است اخلاق و ایمان و خلوص و صداقت است نه ثروت، مدرک تحصیلی و از این قبیل موارد.

خرده گیری

والدین در این زمینه ها سبب محروم کردن دو جوان از تشکیل بنای زندگی بر محور معیارهای الهی شده و به فرموده امام حسن عسکری (سبب ایجاد مفسده در زمین خواهد شد). (کافی جلد ۴)

فرزندان نیز باید از نظریات پدر و مادر و بزرگان خانواده در انتخاب همسر بهره گیرند و از تجربه آنها استفاده کنند و چنانچه انحرافی در آنها مشاهده کردند و دیدند که آنها دچار اشتباه هستند با کمک افراد عاقل و خردمند و همچنین با لحنی بسیار آرام و با توجه به رعایت احترام والدین به ارشاد آنها پرداخته و معیارهای واقعی در ازدواج را به آنها ارائه کنند و همچنین از دعا و درخواست از خداوند متعال و در ضمن توسل به آقا علی بن موسی الرضا (که در مورد ازدواج بسیار سفارش شده است غفلت نورزند .

### چرا ارزشهای مذهبی در نزد جوانان ما کمرنگ شده است؟

#### پرسش

چرا ارزشهای مذهبی در نزد جوانان ما کمرنگ شده است؟

#### پاسخ

به عقیده روانشناسان دوران بلوغ و جوانی دوره بروز احساسات مذهبی و شکفته شده تمایلات ایمانی و اخلاقی است جوانان بطور فطری مایلند از مبدأ عالم باخبر شوند خداوند خالق هستی را بشناسند و او را پرستش کنند جوانان به طبع انسانی خود در جستجوی حق هستند و در راه پی بردن به حقیقت مجاهده و کوشش می کنند و بدینوسیله تمایل فطری خود را به معرفت ارضا می نمایند. "۱" اما اینکه چرا در برهه ای از زمان این تمایل فطری کم رنگ شده و ارزشهای مذهبی جاذبه ای نزد جوانان ندارد باید گفت علل و عوامل مختلفی در کم رنگ شدن ارزشهای مذهبی نزد جوانان مؤثر است. استاد مطهری در کتاب امدادهای غیبی در زندگی بشر به تعدادی از این عوامل اشاره کرده است که این عوامل هنوز هم علت اساسی کم رنگ شدن ارزشها در زمان مانیز می باشد ایشان می فرمایند: "مسئله اعراض بسیاری از افراد این است که مفاهیم دینی و مذهبی بطور صحیحی به آنها تعلیم نشده است و در واقع آن چیزی که آنها انکار می کنند مفهوم واقعی خداوند و دین نیست و چیز دیگری است و در ادامه می فرمایند: افرادی مانند من که با پرسش های مردم درباره مسائل مذهبی مواجه هستیم کاملاً این حقیقت را درک می کنیم که بسیاری از افراد تحت تأثیر تلقینات پدران و مادران جاهل یا مبلغان بی سواد افکار غلطی در زمینه مسائل مذهبی در ذهنشان رسوخ کرده است و همان افکار غلط اثر سوء بخشید. و آنها را درباره حقیقت دین و



مذهب دچار تردید و احياناً انکار کرده است از این رو کوشش فراوانی لازم است صورت بگیرد که اصول و مبانی مذهبی به صورت صحیح و واقعی خود به افراد تعلیم و القا شود.

یکی دیگر از چیزهایی که موجب اعراض و تنفر مردم از خدا و دین و همه معنویات می شود آلوده بودن محیط و غرق شدن افراد در شهوت پرستی است که موجبات تحریک شهوات را فراهم کرده و احساسات مذهبی را می میراند. در تاریخ اندلس اسلامی یعنی اسپانیای فعلی می خوانیم نقشه ای که مسیحیان برای تصرف اندلس و بیرون کشیدن آن از دست مسلمین کشیدند این بود که به صورت دوستی و خدمت وسایل عیاشی برای آنها فراهم کردند و باغها و بوستانها وقف ساختن شراب و نوشیدن و نوشانیدن مسلمین شد و دختران زیبا در خیابانها به دلربایی پرداختند و روح ایمان و جوانمردی مرد، پس از این جریان بود که توانستند مسلمانان را بیدرنگ از دم تیغ بگذرانند.

یکی دیگر از علل گریز جوانان رفتار بعضی مدعیان تبلیغ دین است که شعارشان این است که اگر می خواهی دین داشته باشی گرد مال و ثروت نگرد، ترک حیثیت و مقام کن، شادمباش و شادی نکن، از خلق بگریز... و امثال اینها، بنابراین اگر کسی بخواهد به غریزه دینی خود پاسخ مثبت دهد باید با همه چیز در حال جنگ باشد و بدیهی است که وقتی دین بدین گونه معرفی شود قطعاً مردم به دین بدبین خواهند شد.

بنابراین برای اصلاح امور و قدردانی جوانان از دین می بایست این نکات را مورد توجه قرار داد :

۱- مرییان دین باید در درجه اول

بکوشند که خود عالم و محقق و دین شناس شوند و به نام دین مفاهیم و معانی نامعقول در اذهان مردم وارد نکنند که همان معنای نامعقول منشأ حرکت‌های ضد دینی می شود.

۲- مسئولین امر با برنامه ریزیهای اصولی در اصلاح محیط از آلودگیها بکوشند تا زمینه مناسب برای اثرگذاری تبلیغات دینی فراهم شود.

۳- به نام دین و به اسم دین با فطریات مردم معارضه و مبارزه نشود. "۲"

البته ناگفته نماند که خانواده نیز نقش بسزایی را در شکفتگی احساسات مذهبی جوانان بر عهده دارند. و با این حال بعضی والدین از دادن تعلیمات لازم در این زمینه غفلت می ورزند از پیامبر اکرم (روایت شده است که ایشان بعضی از کودکان را دیدند و فرمودند: "وای بر فرزندان آخرالزمان از پدرانشان"، عرض شد یا رسول الله! از پدران مشرک آنها؟ فرمودند: "نه بلکه از پدران مسلمانان که هیچ چیز از فرائض مذهبی را به آنان نمی آموزند و اگر خود فرزندان پاره ای از مسائل دینی را فراگیرند آنها را از اداء این وظیفه مقدس باز می دارند و تنها به این قانع هستند که فرزندانشان متاع ناچیزی از دنیا بدست آورند من از این قبیل پدران بری هستم و آنان نیز از من بیزارند."

۱. جوان از نظر عقل و احساسات، آقای فلسفی

امدادهای غیبی در زندگی بشر، شهید مرتضی مطهری، ص ۴۳ و ۴۴

**برای کار کردن یا مبادله کالا همه دروغ می گویند. آیا این حرفهایی که زده می شود درست است؟**

**پرسش**

برای کار کردن یا مبادله کالا همه دروغ می گویند. آیا این حرفهایی که زده می شود درست است؟

**پاسخ**

از این که با ما تماس گرفته ای و سؤال کرده ای، خوشحالیم. و از درگاه حضرت حق درخواست می کنیم، هر آنچه را که حق و حقیقت است، بر قلم قاصر ما نازل سازد، تا نویسنده و خواننده منتفع و بهره مند گردند.

روح اله جان ما نیز با شما هم عقیده هستیم. و از این که دروغ بسیار گسترده رواج دارد، بشدت رنج می بریم. و در هر جا و با هر کس، و در هر موقعیتی که زمینه مناسب فراهم باشد، سعی می کنیم این نقیصه و معضل اجتماعی را گوشزد کنیم. ولی مادامی که بصورت فراگیر عمل نشود، معضل کاهش نمی یابد.

دروغ از گناهان بزرگ و کبیره است، ولی متأسفانه قبح و زشتی آن آنگونه که شایسته است، در جامعه ما جانفته است؛ و گاهی نیز با توجیه، از قبح آن می خواهند بکاهند.

دروغ به عنوان یک مرض روحی روانی، از ابتدای کودکی در افراد بوجود می آید. کودک بطور فطری از دروغ متنفر است. ولی وقتی دیگران و بستگان دروغ می گویند، و یا او را وادار به دروغ گفتن می کنند، به مرور زمان برای او نیز قبح و زشتی آن از بین می رود. کم کم هنگام دروغ گفتن، احساس گناه نیز نمی کند. و در مرتبه بالاتر، آنرا مصلحتی می شمارد، و دروغ گفتن را جایز می شمرد، یعنی امری که گناه بحساب نمی آید.

برای مقابله با دروغ گویی، لازم است یک نهضت عظیم اخلاقی در جامعه راه

اندازی شود. و همگان به عنوان یک وظیفه دینی و انسانی، سعی کنند از دروغ گفتن اجتناب ورزند. و کودکانشان را از این امر زشت نهی کنند. مدارس و مراکز آموزشی و مسئولان امور تربیتی، و صاحب نظران کشوری و لشکری، و...، و روحانیت عظیم الشان و طلاب علوم دینی، و دانشجویان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، و دانش آموزان، و جوانانی فهیم همانند تو، تصمیم بگیرند نهضتی اخلاقی در کشور به راه اندازند. در این صورت، به مرور زمان عمل به فضائل اخلاقی، و دوری از زشتیهای اخلاقی، فرهنگ خواهد شد.

به هر حال مادامی که چنین عزمی بوجود نیاید، و مسئولان مختلف در سطوح گوناگون، و پدران و مادران و بزرگان و اولیاء تربیتی و آموزشی و...، از دروغ گفتن اجتناب نورزند، و تنها به بیان قباحت آن اکتفا شود، ولی کمتر به آن عمل کنند، همچنان شاهد رواج این رذیله زشت اخلاقی خواهیم بود. در این شرایط، جوانان عزیز و برومند و آشنا به حقایق و فضائل و کرامات انسانی،

همانند شما برادر عزیز، باید ضمن مراقبت شدید برای آلوده نشدن به این امر قبیح، با همت والا و تلاش مجددانه، و با لطافت و مهربانی، و با شیوه های درست و عاطفی، سعی کنند تا جایی که برایشان مقدور است، در خانه، مدرسه، بازار و...، راستی را ترویج، و از دروغگویی نهی کنند.

البته شناخت ضرورتها و جاهایی که دروغ گفتن اجتناب ناپذیر است، و انسان مجاز است و حتی مکلف، که دروغ بگوید، نیز برای جوانانی چون شما عزیز گرانقدر، لازم و ضروری است. تا ضمن بهره مندی

از این آگاهی و عمل به آن، بتوانید در جاهایی که با دروغ مواجه می شوید، تشخیص بدهید که آیا دروغ گفتن در اینجا ضروری و غیر حرام است، یا خیر و نیز به سایر افراد و اعضای جامعه نیز تنبّه بدهید، و آنان را با این مسائل آشنا کنید. بخصوص کسانی که با توجیه و تأویل نابجا، می خواهند بر اشتباه خودشان صحّه بگذارند.

بدون شک دروغ گفتن حرام مسلم و قطعی است، و کلید بسیاری دیگر از شرور و بدیهاست؛ و جز در موارد استثنائی، عذاب شدید الهی را در بردارد؛ و باید از شرّ آن به خدای بزرگ پناه برد. آرزو می کنیم در راستگویی و صداقت، و اجتناب از دروغ، و بازداشتن جامعه از رذیله زشت دروغ، و ترویج فضیلت راستی و درستی، توفیق الهی نصیب و روزیت گردد.

موفق و سربلند باشی.

منابع و مأخذ :

جهت آگاهی بیشتر در مورد دروغ، مراجعه کنید به : کتاب گناهان کبیره آیت ا... شهید دستغیب، و سایر کتب اخلاقی

**\*- آیدار مجالس روضه و یامیهمانی های مذهبی مثل عاشورا اربعین و..... که به خاطرائمه (ع) برگزار می شود وعده ای میهمان دعوت می شوند اینکه خیلی ساده برگزار نشود و کمی باسلیقه تر و مرتب تر و با ذوق بیشتر دروسایل و لباس های افراد باشد اشکال دارد ؟ یعنی ممکن است مورد**

**پرسش**

\*- آیدار مجالس روضه و یامیهمانی های مذهبی مثل عاشورا اربعین و..... که به خاطرائمه (ع) برگزار می شود وعده ای میهمان دعوت می شوند اینکه خیلی ساده برگزار نشود و کمی باسلیقه تر و مرتب تر و با ذوق بیشتر دروسایل و لباس های افراد باشد اشکال دارد ؟ یعنی ممکن است مورد قبول واقع نشود ؟

**پاسخ**

برگزاری جلسات مذهبی امری است بسیار خوب و پسندیده به شرط این که در آن جلسات گناه و معصیت و وهن نسبت به ائمه صورت نپذیرد .

اما منظم و تمیز بودن پذیرایی عالی کردن از شرکت کنندگان در صورتی که از روی اخلاص باشد نه تنها مورد قبول میباشد. بلکه امری است مطلوب و ارزشمند فقط باید به این نکته توجه کنیم که اعمال ما بانیت ها سنجیده می شود. نه باصورت ظاهری یعنی اعمال ما باید کیفیت داشته باشد.

در هر جلسه زیندگی و زیبایی و تمیزی و مرتب بودن پسندیده است . اما در هر جلسه چه عروسی و چه عزاداری و جشنها میلاد ائمه «علیهم السلام» و میهمانیها خانوادگی و جشن تولد ، و هر گونه شب نشینی باید از اسراف ، تبذیر ، ریخت پاش ، بی جا که باعث تلف شدن نعمت خدا است و در عوض گرسنه ماندن عده ای از مردم حاشیه نشینان گرسنه قشر آسیب پذیر

می شود جلوگیری کرد و آیه { کَلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا } فراموش نشود .

منابع :

مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید .

**۱- لطفا شیوه ترویج فرهنگ اطاعت از اهل بیت علیه السلام « به جای تشریفات برای اهل بیت علیهم السلام » رایان فرمایید ؟ اطاعت بهتر است یا تشریفات و مراسم ؟**

**پرسش**

۱- لطفا شیوه ترویج فرهنگ اطاعت از اهل بیت علیه السلام « به جای تشریفات برای اهل بیت علیهم السلام » رایان فرمایید ؟  
اطاعت بهتر است یا تشریفات و مراسم ؟

**پاسخ**

باتشکر از دلسوزی و احساس مسئولیت شما نسبت به ترویج فرهنگ اسلام و اهل بیت (ع) هر کس برای رسیدن به اهداف خویش در کمین فرصت است هم مسلمانان و هم کافران.

امیر المومنین علی (ع) می فرمایند: { انتهزوا فرص الخیر فانها تمر مر السحاب } (۱) ترجمه: «فرصتهای خیر را غنیمت شمارید زیرا همانند ابرها می گذرد» در تبلیغ معارف و فرهنگ اطاعت از رسول و ائمه اطهار مبلغ نیز باید با بهره گیری هوشیارانه از فرصتها باید بدنبال نشر معارف و احکام دین باشد. پیامبران در فرصتهای مختلف برای اهداف عالی خود بهره ی جستند و از تبلیغ دین خود از عهده اینکار خوب برمی آمدند . حضرت یوسف (ع) در زندان مقابل زندانیان مادی مسلک دلباخته زر و زیور می فرماید: { رب الجن احب الی مما یدعونی .... } (۲) «خدایا زندان را با تمام سختیایش برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا بدان می خوانند.» دنباله داستان زندان یوسف (ع) دو زندانی خواب می بینند و برای تغییر خواب حضور یوسف (ع) شرفیاب می شوند و از او تعبیر خواب میخواهد . یوسف از فرصت استفاده کرد و ضمن آنکه قول میدهد که صبر کند تعبیر خوابتان خواهم گفت لیکن از خدای خود سخن به میان می آورد و بدنبال آن می فرماید : {

یا صاحبی السجن الرباب متفقرون خیرام الله الواحد الهقار} (۳) حضرت با ایجاد یک سوال تأمل بر انگیز شکی بر اندیشه خفته آنان وارد می کند. و سوال میکند ای دو رفیق زندانیم آیا خدایان پراکنده بتها و الهیه اساطری بهترند یا خدای یگانه مقتدر. و فطرت خفته آنان را بیدار میکند و سپس به تعبیر خواب آنان می پردازد و ایضا حضرت ابراهیم (ع) هنگامیکه شهر را ساکت و آرام می بینید تردردست همه بتها را روی زمین می ریزد و وقتی مردم به شهر برگشته و به بتخانه بتها را سرنگون و شکسته مشاهده میکنند کارشناسان ابراهیم (ع) را متهم ردیف اول میدانند ابراهیم را دستگیر و به محل وقوع جرم می آورند و سوال میکنند، که این کار توست؟ ابراهیم (ع) فرصت طلائی را از دست نمی دهد و می فرماید: {بل فعله کبیرهم فسئلواهم ان کانو ینطقون}

ترجمه: «آن بت بزرگ اینها را شکسته است اگر سخن می گویند از آنها پرسید!! بت پرستان بخود آمده و به یکدیگر گفتند در حقیقت شما ستمکارید و این همان نتیجه ایست که ابراهیم (ع) به دنبال آن بود».

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) هم به طور کلی هیمن روش را پیگیری میکردند و نزول تدریجی قرآن غالباً بر اساس بیان معارف دینی بوده است، هنگامیکه حادثه ای پیش می آمد یا مسئله ای مطرح میگرددند و اذهان مردم را بسوی مطلبی متوجه ساخت به همان مناسب و در همان فرصت آیاتی از قرآن مجید نازل میگردد.

گاهی رسول خدا

(ص) فرصت سازی کرده و سپس پیام خود را ابلاغ مینمودند. بعنوان مثال پیامبر (ص) همراه اصحاب خود از بیابان بی آب و علف میگذرند حضرت به اصحاب فرمان گرد آوری هیزم میدهند آنان میگویند . یا رسول الله اینجا کویر است و هیزم نایاب پیامبر فرمودند : برگردید هر چه یافتید بیاورید مسلمانان به امر پیامبر ( ص ) به دنبال هیزم در بیابانها پراکنده شدند و هرکس مقداری هیزم ناچیزی با خود آورد و روی هم ریختند و تپه ای هیزم نمودار گردید، در این جا بود که پیامبر (ص) فرصت را غنیمت شمرده و فرمود « گناهان شما در حالیکه اندک بنظر میرسید اینگونه گرد می آید و شما از آن بی خبرید »

شیوه ترویج و تبلیغ فرهنگ اهل بیت ( ع ) باید از فرصتهای ماههای رمضان محرم ، صفر ، ایام فاطمیه ، تابستان و ایام تولد امامان و شهداتشان استفاده بهینه کرد و فراخوانی عمومی بسوی خدا و عمل نیکو و سیره پیامبر و ائمه اطهار کتابهای ما شیعیان پرست از احادیث و کلمات گهر بار که سعادت دنیا و آخرت پیروانشان در آن نهفته است ب مردم برسانیم و از مراسم مذهبی کمال استفاده را ببریم .

البته این را نباید منکر شد که گاهی تشریفات و مراسم تاثیر آن بیشتر است . اما تشریفات و مراسمی که موجب وهن دین و برزخ و اسرافکاری نباشد و در لابلای مراسمات و تشریفات نکات سازنده از زندگی پیامبران و امامان ( ص ) به شنوندگان بیندگان القاء نمود .

خدا به شما توفیق بیشتر مرحمت



فرماید.

البته منظور شما از تشریفات واضح نیست؛ اگر منظورتان خرج و مخارجی است که در حرم مطهر انجام میشود، که آن خودش دارای توجیهی است که باید در جای خود بیان شود. اگر منظور شما مجالس است که برای اهل بیت (ع) برگزار می شود، که این خودش یک نوع بستر سازی است تا بتوان تبلیغ کرده برای تبلیغ زندگی ائمه باید فضا و بستر آماده باشد و الانمی شود پیام ائمه (ع) را به دیگران انتقال دارد و پس از نوعی این تشریفات واجب و لازم است که مقدمه ای هستند انجام آن واجب که تبلیغ فرهنگ ائمه (ع) است .

منابع :

۱- غررالحکم

۲-سوره مبارک یوسف , آیه ۳۳

۳-سوره مبارکه انبیاء , آیه ۶۳

**۱- لطفا بفرمائید چگونه میتوان ازدواج آسان توأم با احکام الهی را در جامعه امروزی بصورت یک فرهنگ در آورد ؟**

**پرسش**

۱- لطفا بفرمائید چگونه میتوان ازدواج آسان توأم با احکام الهی را در جامعه امروزی بصورت یک فرهنگ در آورد ؟

**پاسخ**

با اهداء سلام و آرزوی توفیق الهی ضمن تشکر از حسن اعتماد شما به این بخش پاسخ سؤال مطرح شده به حضورتان تقدیم می گردد.

در کل ازدواج در دین اسلام آسان است و این ما هستیم که در طول سالها و قرن ها با افزودن پیرایه و تشریفات دست و پا گیر موانع پیچیده و دشواری سر راه ازدواج ایجاد کرده ایم . ولی اگر به دستورات اسلام عمل کنیم تمام موانع برداشته خواهد شد و امر مقدس ازدواج برای همگان سهل و آسان می شود. مشروط بر اینکه همه تصمیم بگیرند تا دستور های اسلام را بپذیرند و به آن عمل کنند .

اما بعضی از مشکلات مصنوعی و غیر معقول باعث شده بسیاری از دختران و پسران و زنان و مردان در تنگنا قرار بگیرند و از ازدواج غولی وحشتناک برای آنها ساخته است . از جمله ی این مشکلات :

۱- تشریفات و پیرایه های عریض و طویل و مهریه ی سنگین .

۲- مشکل پسندی به بهانه های مختلف.

۳- مسئله ی ناداری و فقر.

۴- آزادی غلط و گریز از مسئولیت سرپرستی خانواده.

۵- عذر ادامه تحصیل .

۶- تأخیر ازدواج به بهانه ی آنکه هنوز زود است.

۷- مشکل عدم توافق پدر و مادر یا فرزندان یا اقدام شوهر اول.

۸- مشکل مسکن.

۹- ترس از بچه دار شدن یا تقدس بینی و تعصب غلط وفاداری به شوهر اول .

که باید هر یک از اینها به گونه ای حل شود :

۱) حذف تشریفات و رسم های غلط: جوانی که هنوز از

نظر اقتصادی لوازم ابتدایی زندگی خود را نتوانسته تأمین کند و به سن ازدواج رسیده و کل سرمایه او مثلاً؛ « ۵۰ هزار تومان» است، ناگهان متوجه می شود که ازدواج او نیاز به دو برابر پول او دارد در صورتی که اگر اسلامی عمل شود بایست هزار تومان آن برای ازدواج ساده کافی باشد. ولی بعضی در همان اول کار با قرض و قوله و اقساط و چک و سفته درگیر شده و ابتدای زندگی شیرینش با رنجها و تخلیها همراه است؟

در مورد مهریه هم نظر اسلام روی کم گرفتن میزان مهریه است به طوری که پیامبر اکرم « صلی الله علیه و اله » می فرماید: « خوش قدمی و برکت زن در کمی مهریه اوست و کم پولی برای جوان عیب نیست بلکه باید تشریفات زائد و اسراف ها و رسوم واهی و غلط را در همه ی امور زندگی در مراسم ازدواج حذف کنیم و مطابق دستورات اسلام و شیوه پیشوایات بزرگ اسلام رفتار نمائیم تا امر مقدس ازدواج برای همگان آسان شود .

۲) مشکل پسندی: یا وسوسه در انتخاب همسر چه از طرف پسر و چه از طرف دختر چرا که یگانه هدف آنها از ازدواج جمال و زیبایی ظاهری است از این رو دختران یا زنان معرفی شده را به خاطر قیافه شان نمی پسندد یا O...J...O...و زنان خواستگاران را از نظ...جمال و قامت پسند نمی کنند. اگرچه زیبایی از نظر اسلام معیار ازدواج محسوب میشود، اما مشکل پسندی به بهانه های غیر منطقی نباید در میان باشد و گرنه توفیق به دست نمی آید. رسول خدا فرمود:

«کسی که در ازدواج هدفش تنها زیبایی است به این هدف نخواهد رسید. و کسی که هدفش ثروت است، خداوند او را به همان ثروت و امی گذارد او (ثروت عامل نجات او نخواهد بود) بنابراین بر شما باد به اینکه همسر دیندار بر گزینید.

«وسائل، ج ۱۴، ص ۳۱»

۳) فقر و نداری: بسیاری به خاطر اینکه خواستگار فقیر است، یا شغل پر درآمد ندارد، جواب منفی به او داده اند و بسیاری برای خواستگار به درخانه می مستمندان نمی روند. بلکه سراغ ثروتمندان را می گیرد. از آنجا که فقر و نداری، برای بعضی بهانه ای است برای ازدواج نکردن، قرآن به تمام مسلمانان خطاب می کند: {ان یكونوا فقراء یغنیهم من فضلہ و اللہ واسع علیم} یعنی: «اگر فقیر و تهیدست هستید خداوند آنها را از فضل خود بی نیاز می سازد، خداوند وسعت بخش و آگاه است.»

(آیه ۳۲، سوره مبارکه نور)

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و اله» هم فرمود: کسی که از ترس فقر و هزینه‌ی عیالمندی ازدواج نمی کند سوءظن به خدا دارد. راه حل مشکل فقر، همت مردم را می طلبد تا تشریفات و مخارج غیر لازم ازدواج حذف گردد و هزینه‌های بیجا از میان برود و ساده زیستن و توجه به معنویات به عنوان یک اصل دنبال شود تا ازدواج و تداوم آن برای همگان آسان باشد.

۴) آزادی غلط و گریز از مسئولیت سرپرستی خانواده: بعضی از جوانان می گویند: ازدواج

انسان را مقید و مسئول می کند.

زنانشان می گویند: آزاد باشیم بهتر از این است که آقا بالا سر داشته باشیم. اگر انسان زن و بچه نداشته باشد همه جا می تواند برود، شب دیر به خانه برگردد و کسی او را بازخواست نمی کند و گفتاری از همین قبیل. این همان آزادی غلط و گریز از مسئولیت است. اما ازدواج انسان را مقید و کنترل و منظم می کند در صورتی که انسان بی بند و باری می خواهد. و دوست دارد که هیچگونه قانون و ضابطه و دست اندازی سر راه او نباشد غافل از اینکه این آزادی به طور سریع او را به سوی هلاکت می کشاند.

۵) عذر ادامه تحصیل: بعضی ادامه تحصیل را بهانه ای برای ترک ازدواج با تأخیر آن قرار می دهند و همین باعث می شود، که تا آخر عمر ازدواج نکنند و یا در سن بالا ازدواج کنند در صورتی که سن ازدواج سن جوانی است و ادامه تحصیل و امثال اینها عذر موجه برای آنها محسوب نمی شود.

۶) تأخیر ازدواج به بهانه ی زود بودن آن: آئین اسلام که آیینی کامل و سلامت بخش است درباره ی تسریع در امر مقدس ازدواج تأکید فراوان می کند و هرگز چنین بهانه ای را نمی پذیرد. روزی پیامبر «صلی الله علیه واله» مردم را به مسجد دعوت کرد و بالایی منبر رفت و خطاب به مردم گفت: «جبرئیل نزد من آمد و این پیام را از طرف خدا به من داد و گفت: دوشیزه گان همانند میوه های

روی درختان هستند ، که اگر رسیده شوند باید آنها را چید و گرنه تابش خورشید آن میوه را تباه میکند . و باد اجزای فاسد شده ی آنها را پراکنده می سازد . همچنین دوشیزه گان وقتی که به سن رشد رسیدند دواپی برای آنها جز شوهر انشان نیست و در غیر این صورت در پرتگاه خطر فساد هستند . زیرا آنها هم بشر می باشند .

« فروع کافی ، ج ۵ ، ص ۳۳۷ »

۷) مشکل عدم توافق پدر و مادر یا سایر بستگان : بعضی فامیل به جای اینکه تلاش در تشکیل پیوند دو جوان بکنند در عوض با سنگ اندازی ، گره در کار ازدواج جوانان می اندازند از نظر اسلام عدم توافق بستگان هیچگونه مانع بر سر راه نخواهد بود و فقط در ازدواج دختر و دوشیزه اجازه ی پدر شرط است . و او هم اگر به حد رشد رسیده و مصلحت خود را تشخیص می دهد . هر گاه همسر مناسب پیدا شود به فتوای بسیاری از مراجع تقلید اجازه ی پدر و مادر در این مورد نیز شرط نیست . باید توجه داشت که پیامبر اکرم « صلی الله و علیه واله » فرموده : پدری که فرزندش به حد بلوغ رسیده و امکانات ازدواج او را داشته و در عین حال به آن اقدام نکرده در گناهی که فرزندش بر اثر بی همسری انجام می دهد شریک بوده و آن گناه برای هر دو نوشته می شود .

« وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۱۰ »

۸) مشکل مسکن : اگر چه این مشکل اساسی است . اما در عین

حال نباید سد راه ازدواج گردد زیرا؛ اولاً: بسیاری پس از ازدواج این مشکل را حل کرده و دارای مسکن میشوند:

ثانیا: روی هم رفته وقتی که زیانهای بی همسری را با مشکل مسکن مقایسه می کنیم ضایعات مشکل مسکن بسیار کمتر از ترک ازدواج است.

ثالثا: مشکل مسکن باید با همت و کاردانی بر اساس روحیه ی استقلال طلبی و بعلاوه تعاون و همکاری دولت و ملت حل گردد.

۹) ترس از بچه دار شدن: بعضی از نظر نیازهای مادی و بعضی تربیتی و فرهنگی به این موضوع می نگرند. از نظر مالی پیامبر اکرم «صلی الله علیه واله» می فرماید: هر کس ازدواج را به خاطر ترس از مخارج زن و فرزند ترک کند به خدای بزرگ سوء ظن دارد.

« وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۴ »

از نظر فرهنگی هم اختیار با خود انسان است او می تواند با کنترل های شرعی فرزند خود را هر طور می خواهد تربیت کند.

۱۰) تقدس بی جا و تعصب غلط و فاداری به شوهر اول: هیچ جای اسلام نیامده که باید به شوهر اول وفادار بود و در صدر اسلام زنان پاکدامن و مورد قبول خاندان نبوت پس از فوت یا شهادت شوهر اول ازدواج مجدد می کردند و آن را موجب خشنودی خدا می دانستند. اگر این عوامل و مشکلات برداشته شود، براستی می توان ازدواج آسان توأم با احکام الهی را در جامعه گسترش داد.

« ازدواج آسان و شیوه ی همسر داری، محمد مهدی اشتهاردی،

برای اطلاعات بیشتر به کتا بهای زیر مراجعه کنید .

۱- راهنمای ازدواج و طلاق , حسن جمشیدی و عطاری کرمانی.

۲- بهداشت روانی ازدواج , احمد حسینی.

۳- جوانان می پرسند و با چه کسی ازدواج کنیم ؟ استاد اسد الله داستانی بنیستی .

### ۱- چگونه می توان از جریان حادثه کربلا در زندگی فردی و اجتماعی الگو برداری کرد ؟

#### پرسش

۱- چگونه می توان از جریان حادثه کربلا در زندگی فردی و اجتماعی الگو برداری کرد ؟

#### پاسخ

دوست عزیز: از حادثه کربلا- و وقایعی که در تاریخ کربلا آمده الگوهای زیادی می توان برداشت کرد و در واقع جزء جزء جریان کربلا- سرمشق و الگو است و انسان هر چه تأمل و تفکر بیشتری در وقایع و ریز کاریهای این حادثه داشته باشد نکات جدید تری را کشف می کند، چرا که حادثه کربلا تجسم عملی اسلام است .

استاد مطهری در این زمینه می فرماید : خود این حادثه تمام این حادثه تجسم اسلام در همه ابعاد و جنبه ها این حادثه حادثه ای است شبیه پذیر نمایش پذیر دارای سوژه های بسیار زیاد که گویی برای نمایش دادن تهیه کرده اند و از اینکه این حادثه نمایش پذیر و شبیه پذیر است اینست که تجسم فکر و ایده چند جانبه و چند بعدی اسلام است با همه جنبه ها و اصول اسلامی عملا در این حادثه تجسم پیدا کرده است اسلام است در جریان و در عمل و در مرحله تحقق حادثه کربلا خودش یک نمایش از سربازان اسلام است اما نه نمایش که صرفا نمایش یعنی صورت سازی می باشد آدمکهایی بسازند و صورتی درست کنند ولی در واقع حقیقت نداشته باشد مثلا- آیه ( ان الله اشتری من المومنین انفسهم و امولهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله ) (۳)

یعنی خداوند جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری نکرده است آنها در راه خدا جهاد می کنند در این حادثه کربلا خودش را در عمل نشان می دهد (۴)

همانطور ذکر شد حادثه کربلا تجسم



عملی اسلام است آیات قرآن که راه و رسم زندگی را نشان می دهد در این حادثه عینیت یافته است .

یک از دیگر آیاتی که حادثه کربلا تجسم یافت و به نمایش در آمد آیه

( من الناس من يتخذ من دون الله اندادا سيحبونهم كحب الله والذين آمنوا اشد حبا لله ( ۵ ) یعنی بعضی از مردم خدا را همانند خدا می گیرند و چنانکه خدا راد وست داشت آنان دوستی ورزند و لیکن آنها که اهل ایمان هستند کمال محبت و دوستی و علاقه شان به غیر خدا به اندازه خداست حال بینیم امام حسین ( ع ) جزء کدام گروهند کدام کسانی که دل بستگی و دوستی و علاقه شان به غیر خدا به اندازه خداست یا کسانی که بیشترین دوستی و دل بستگی شان را به خداوند اختصاص داده اند در حادثه کربلا امام حسین علیه السلام نشان می دهند که اهل ایمانند و شدید ترین دوستیها و محبت ها را در ارتباط با خدا دارند } والذین امنوا اشد حبا لله { هستند استاد مطهری در این زمینه چنین می گویند : ما بچه ها یمان راد وست داریم آیا حسین بن علی بچه های خود راد وست نداشت مسلما او بیشتر دوست داشت ابراهیم خلیل هم اینطور نبود که کمتر از اسماعیلش راد وست داشته باشد خیلی بیشتر دوست داشت به این دلیل که از ما انسان تر بود و این عواطف انسانی است او انسان تر از ما بود و قهر عواطف انسانی او همه چیز بیشتر بود حسین بن علی بیشتر از ما فرزندان خود را دوست داشت اما در عین حال او خدا

را از همه کس و همه چیز بیشتر دوست داشت و در مقابل خداوند در راه خدا هیچ کس را به حساب نمی آورد (۶)

در تاریخ واقعه کربلا آمده است هنگامیکه عده ای به امام حسین پیشنهاد میدادند خود که می روید اهل بیت را در این سفر خطر ناک همراه نبرید فرمودند: در عالم رویا(رویا امام بارویای مردم عادی فرق می کند خواب امام برایشان حجت است) جدم به من فرموده است ( ان شاء الله ان يراك قتيلًا یعنی خداوند اراده کرده که ترا کشته ببیند و برای خانواده ام نیز فرموده: ان شاء الله ان يراهن سبایا یعنی خداوند خواسته که اینها اسیر باشند البته منظور از اینکه گفته شده خداوند اراده تشریحی است: مثلاً خداوند درباره زکات می فرماید: {يريد ليطهرکم} یعنی خداوند پاکی شما را اراده کرده است در اینجا معنای اراده این نیست که چون خداوند اراده کرده مردم مجبور باشند زکات بدهند بلکه منظور اینست که رضای حق در دادن زکات است در اینجا نیز رضای حق و مصلحت الهی در کشته شدن امام حسین (ع) و اسیر شدن اهل بیت علیهم السلام بوده است (۷) یکی دیگر از آیه هایی که در حادثه عاشورا را تجسم یافت و به نمایش درآمد و سرمشق عملی انسانها شد آیه { لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم با المومنین رثوف رحیم (۸) یعنی همانا رسولی از جنس خود شما برای خلق آمد که از فرط محبت و نوع پروری فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او

سخت می آید نجات شما حریص و به مومنان مهربان است می باشد . اسلام دین محبت و مهرورزی است اما همانطور که گفتیم این محبت ها جهت دارند و جهت آن خدایی است . ممکن است کسی چیزی یا کسی را به خاطر خود خواهی منافعش دوست داشته باشد که اگر آن منافع تامین نشود آن دوستی هم نیست اما گاهی دوستیها به خاطر خداست دوستی و محبت امام حسین علیه السلام از اینگونه دوستیها و محبت ها بود وجود مبارک ابا عبد الله از بدبختی سیاهی که به جنگش آمده بودند متاثر بود نمی خواست حتی یک نفر شان به این حال بماند و تمام سعی خود را برای بر گرداندن آنها کرد : می گویند ابا عبدالله برای آنکه آنها را از جنگ با دین منصرف کند یک دفعه سوار شتری می شوند و می روند اندرز می دهند و بر می گردند عمامه پیامبر را به سر می گذارند لباس پیامبر را می پوشند سوار اسب می شوند و بسوی آنها می روند بلکه بتوانند از این گروه شقاوت کار کسی را کم کنند . در اینجا حسین علیه السلام یکپارچه محبت است یکپارچه دوستی است که حتی دشمن خود را هم واقعا دوست دارد .

آیه دیگری که در عاشورا تجسم یافت و جان گرفت آیه { ان الانسان خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا و اذا مسه الخير منوعا الا المصلين ( ۹ )

یعنی انسان مخلوقی سخت حریص و بی صبر است چون شر وزیانی به او رسد جزع و بیتابی می کند و چون مال و دولتی به او رو کند منع

احسان کند مگر نماز گزار آنکه اینگونه نیستند امام حسین علیه السلام در حادثه کربلا نشان دادند که از مصلین واقعی هستند که در کوران حوادث و سختی ها با جزع و فرع و بی تابی نمی افتند این آیه کریمه در جای جای حادثه کربلا تجسم یافته و جان گرفته است اما اوج تجسم آن در شب عاشورا است . از مظاهر درخشنده حادثه کربلا تجلیات بزرگ الهی آن موضوع جمع کردن اصحاب در شب عاشورا و سخنرانی امام حسین علیه السلام برای آنهاست باید در نظر داشت که این سخنرانی در شب عاشورا است هنگامی که عوامل محیط از هر جهت نامساعد و نا امید کننده است در چنین شرایطی هر سردار و رهبری که تنها مادی فکر کند جز لب به شکایت گشودن کاری ندارد . منطقش اینست : افسوس که بخت با ما مساعده نشد .... مثل نا پلئون می گوید طبیعت با من مساعدت نکرد همه سخنانش شکایت از روزگار و احساس یا س است آنچه شرایط را برای او سخت تر می کند اینست که زنان و فرزندان و خواهرانش تا ۲۴ ساعت دیگر اسیر دست دشمن می شوند برای یک مرد غیور و فداکار این خیلی سخت و ناگوار است . در یک چنین وضعی دیگران چه کرده اند ؟ مادر تاریخ می خوانیم که المقنع وقتی که محصور شد و در شرایط نامساعد و نا امید کننده ای قرار گرفت اول خاندان خود را کشت بعد خودش را همچنین است یکی از خلفای اموی که در هنگام گرفتاری همین رفتار را داشت تاریخ از این نمونه ها بسیار دارد . امام حسین

بن علی علیه السلام وقتی که شروع کرد به سخنرانی گفت ( اثنی علی الله احسن الثناء و احمده علی السراء والضراء اللهم انی احمدک ..... ) با اینهمه شرایط نامساعد مادی دم از رضا و سازگاری با عوامل می زند چرا؟

چون در شرایط معنوی مساعدی سیر می کند او اعتقاداً و عملاً موحد و خدا پرست است و بعلاوه او به نتیجه نهایی کار خود آگاه است او هدفش مثل اسکندر و ناپلئون جهانگیری نبو د که خود را شکست خورده بداند هدفش اعتلای کلمه حق بود و از این نظر کار خود را بسیار سودمند و موثری دید ( ۱۰ )

و تاریخ کربلا- نشان داد که نه تنها امام حسین علیه السلام بلکه هیچکدام از یاران ایشان در این موقعیت حساس و یاس و ناامیدی و شکوه و شکایت نشدند و این نشان می دهد که دستوراتی که در دین برای انسان سازی آمده است عملی و شدنی است و انسانها در نهایت سختی ها و مشکلات اگر توکل و اعتمادشان به خدای بزرگ و مهربان باشد عزت و شرف خود را از دست نمی دهند و به خرج و بی تابی نمی رسند .

منابع و ماخذ

مقتل الحسین , ص ۱۵۶

حماسه حسینی , استاد مرتضی مطهری

قرآن کریم , سوره مبارکه توبه آیه ۱۱۱

حماسه حسینی استاد مرتضی مطهری جلد ۱ ص ۳۸۱

قرآن کریم سوره مبارکه بقره آیه ۱۶۵

حماسه حسینی استاد شهید مطهری جلد ۱ ص ۲۲۴

حماسه حسینی استاد شهید مطهری جلد ص ۳۹۸

قرآن کریم سوره مبارکه توبه آیه ۱۲۸

قرآن کریم سوره مبارکه معارج آیه ۱۹-۲۸

حماسه حسینی استاد

## چه نوع فعالیت های فرهنگی می توان در مساجد داشت ؟

### پرسش

چه نوع فعالیت های فرهنگی می توان در مساجد داشت ؟

### پاسخ

فعالیت های فرهنگی اقسام زیادی دارد، عمده ترین آنها در مساجد؛ آموزش قرآن، عقاید، احکام، اخلاق و تفسیر است. هم چنین برقراری مسابقات در زمینه های یاد شده.}}]

## چرا به جای موسیقی های حرام , نوارهای اسلامی جایگزین نمی شود؟

### پرسش

چرا به جای موسیقی های حرام , نوارهای اسلامی جایگزین نمی شود؟

### پاسخ

جانشین کردن از طریق دولتی و قوه قهریه ممکن نیست، خود مردم باید سراغ این نوارها نروند و گرنه هیچ کس نمی تواند چیز دیگری را جایگزین آنها کند.}}]

## چگونه می توان فعالیت فرهنگی انجام داد بدون این که لطمه ای به درس و ... برسد؟

### پرسش

چگونه می توان فعالیت فرهنگی انجام داد بدون این که لطمه ای به درس و ... برسد؟

### پاسخ

نکته ای که در نامه خود مطرح کرده اید، نشانگر احساس مسئولیت و آرمان پاک شماسست. با توجه به نیاز مبرم در محیط دبیرستان و دانشگاه به فعالیت های فرهنگی شما عزیزان، باید چند نکته را در نظر داشته باشید:

۱- در کار خود برنامه ریزی کنید و با حفظ اصل میانه روی، عمده وقت خویش را به درس ها و مابقی را به فعالیت های جنبی اختصاص دهید.

۲ - در صرف وقت بخیل باشید تا به وظایف اصلی خودتان برسید و در آنها موفق گردید.

۳ - در اوقات امتحان از فعالیت های دیگر دست بکشید و برای آن وقت زیاد صرف کنید.

۴ - این را باید توجه داشته باشید که انجام وظایف جنبی فرهنگی شما را با تجربه و با مهارت خواهد ساخت.

همچنین در محضر ربوبی نیز از اجر و پاداش برخوردار خواهید بود. باری، فرق است بین افراد بی تفاوت و کسانی که با همه وجودشان برای خدا تلاش می کنند و مسئولیت های خطیری را از روی اخلاص می پذیرند. توصیه آخر ما این است که با رفتار عملی و اخلاق نیکو، سرمشق و الگویی برای دیگر دوستان خود باشید.

}}

### هدف زندگی دانشجویی و اموری که وقت دانشجو باید برای آن صرف شود چیست ؟

#### پرسش

هدف زندگی دانشجویی و اموری که وقت دانشجو باید برای آن صرف شود چیست ؟

#### پاسخ

این واژه (زندگی دانشجویی) بیانگر حالات رفتاری و شیوه عملی در مواجهه با دیگران و جامعه است. یک واژه یا واژه خاصی و صرفاً "جامعه شناختی نیست که بیانگر چگونه بودن باشد؛ بلکه به شکلی به بیان چگونه باید بودن نظر دارد. در یک کلام زندگی دانشجویی به معنای زندگی ساده در مسیر دانش اندوزی است؛ نه زندگی ساده، تنها که با تحولات علمی و سیاسی بیگانه است و نه متحرک همراه با جریانات سیاسی و علمی که خود باری ندارد بلکه زندگی علمی پر رونق و پر تکاپو است در حالی که از امور زندگی و تعلق دنیوی عاری بوده و به اصطلاح ساده می باشد اما به صورت تفصیلی زندگی دانشجویی از ویژگی های زیر برخوردار است: ۱- خوب درس خواندن و تلاش جهت ارتقای علمی: برجسته ترین ویژگی این دوره آن است که دانشجو باید تمام همت خود را صرف تحصیل علم نموده و در پی دانش اندوزی باشد. زندگی دانشجویی یعنی زندگی که لحظه لحظه آن یک اندوخته علمی را در پی دارد و همیشه بدنبال کسب معرفت بسر می برد. اگر شخصی در این مسیر گام بر دارد و چنین زندگی داشته باشد یک دانشجو است ولی اگر چنین نباشد هر چند در معتبرترین دانشگاهها زندگی کند، دانشجو نیست در یک کلام به هر میزان که در پی اندوختن معرفت و تحصیل دانش باشد و وقت و همت خود را در این راه صرف نماید، به همان میزان از ویژگی

دانشجو بودن برخوردار است . لذا سعی کنید در برنامه ریزی و تنظیم کارهای روزانه بیشتر وقت و تلاش خود را صرف تحصیل علم و دانش نمائید. ۲- دومین ویژگی اساسی زندگی دانشجویی کسب آمادگی برای ارائه خدمات اجتماعی مطابق با نیاز اجتماعی و علاقه فردی است یعنی از درس و تحصیل خدمت گزار بودن را انتظار داشته باشد. نه اندوختن و اندوختن ولی یک قدم در راه نشر و بکارگیری آن دانش بر ندارد این ویژگی می طلبد که از دریچه بکارگیری به تحصیل دانش بنگرد و درصدد کاربرد نمودن تحصیلات خود باشد. بی تردید امروز هیچ خدمتی بهتر از بکارگیری دانش در مسیر برآوردن نیاز جامعه و پیشرفت اهداف اسلام نیست . اگر بتوانید به عنوان یک دانشجوی مسلمان با تحصیل دقیق و صحیح و کارآمد تئوری نو و طرح جدیدی به بازار اندیشه و صحنه خدمات ارائه کنید و بزرگترین خدمت را به دین و انسان ها نموده اید. ولی افسوس که امروز عده ای از تحصیل واقعی غفلت نموده و در پی مدرک و رسیدن به شغل و... در تلاش هستند و عده ای دیگر که سر در کتاب و مطالعه دارند از زاویه ارائه خدمت و بکارگیری دانش خویش و کاربردی کردن به آن نمی نگرند. در حالی که فرهنگ سازی , مستحکم ساختن بنیان های فنی و مهارتی جز از تحصیل کردگان توقع نیست . ۳- ویژگی سوم زندگی دانشجویی ارتقای سطح معنویت فردی و به دنبال آن ارتقای کیفی امور معنوی دانشگاه و بعد جامعه می باشد. همانگونه که مردم از دانشجو و فرد تحصیل کرده



انتظار گره‌گشایی را دارند همینطور انتظار دارند که در برنامه زندگی معنوی خود نیز باعث پیشرفت گردد و همچون یک الگو عمل کند. لذا برخوردار بودن از صفات عالی اسلامی و انسانی مانند ادب، تقوی، عبادت و بنده خدا بودن صداقت - پاکی، صفای دل، خیرخواهی، دوراندیشی، حسن تدبیر، و در یک کلام نیکی سیرت و صورت و... و دعوت نمودن دیگران به این سمت (با عمل و حرف) باید از جمله برنامه‌های زندگی شما باشد و الا دیگر تفاوتی بین شما و کسی که فارغ از کلاس و دانشگاه با اندوختن تجربه و نقل قولهای کوچک و بازار و یا مراکز علمی غیر اسلامی به بهره علمی رسیده است، نیست. ۴- هوشیاری و تیزبینی و داشتن قدرت تحلیل سیاسی و قبل از آن آگاهی صحیح و دقیق از پدیده‌های اجتماعی و اتخاذ موضع آگاهانه و صحیح و بجا و مناسب و برخاسته از مبانی اسلامی از دیگر ویژگی‌های دانشجوی مسلمان و از ضروریات زندگی دانشجویی است. بی تردید اگر دانشجویی علی‌رغم تحصیل و دانش اندوزی فریب خورده و دچار امواج سیاسی شود دیگر نمی‌توان وی را یک فرد تحصیل کرده و آگاه نامید دانشجو بودن اقتضا می‌کند که شما از علل، اسباب، کیفیت، اهداف و عوامل بروز یک پدیده اجتماعی آگاهی داشته باشید و بتوانید خودتان آن را تحلیل کنید و در برابر آن یک تصمیم آگاهانه و موضع‌گیری برخاسته از فکر و تدبیر داشته باشید. مبدا نسنجیده عمل کرده و وارد این

صحنه شوید که موج این نوع پدیده‌ها آدمهای قویتر را با خود برده و مبتلا به نابهنجاری‌های سهمگین سیاسی می‌نماید تا چه رسد به افرادی که تازه مشغول هجی کردن الفبای سیاسی هستند. جامعه از یک دانشجو انتظار دارد که افزون بر تدبیر و تفکر در مورد پدیده‌ها و امور سیاسی بصورت آگاهانه بر روی آنها تاثیر بگذارد و مردم را در این مواقع هدایت و راهنمایی کند. چرا که به او به چشم شخص آگاه و تحصیل کرده نگاه می‌کنند و انتظار آنها از فردی که چنین اوصافی را دارد یک توقع بجای است. توجه داشته باشید که حتی بی تفاوت بودن در این امور خلاف انتظار است لذا باید بر پایه مبانی دینی و اعتقادی خویش و بر اساس اطلاعات دقیق و صحیح (نه گفته‌های خیابانی و شایعاتی اتوبوسی) که در اختیار دارد به تحلیل صحیح و مناسب از این پدیده‌ها پردازد و در برابر آن برای خود اتخاذ موضع نماید به تعبیر کوتاه از دانشجو انتظار نیست که بنده افکار دیگران و در بند تصمیمات حزبی و گروهی باشد او شخصی است آگاه، تحصیل کرده و باید برای خود قدرت تحلیل و تبیین داشته باشد. در پایان ضمن آرزوی موفقیت روز افزون برای شما امیدواریم با برنامه ریزی مناسب و دقیق در راه رسیدن به ویژگی‌های دانشجویی برگزیده و زندگی دانشجویی ایده‌آل موفق باشید چه آنچه بیان شد ویژگیهاست و برای رسیدن به آنها و تحقیق بخشیدن آنها باید برنامه ریزی کرد و برنامه را به اجرا گذارد و در

اجرای آن تلاش و پشتکار داشت تا بعد از مدتی به نتیجه نائل آمد به امید آن روز.

## اگر ازدواج موقت حلال است ، چرا عده ای خاص از آن بهره مندند؟

### پرسش

اگر ازدواج موقت حلال است ، چرا عده ای خاص از آن بهره مندند؟

### پاسخ

مسئله ازدواج موقت از نظر تئوریک کاملاً پذیرفته شده ، و نه تنها در اسلام بلکه برخی از متفکران بزرگ غربی ، مانند راسل نیز یکی از راه های حل مشکل ازدواج دائمی دیررس در دنیای کنونی را ، پناه بردن به ازدواج موقت می دانند. از نظر عملی نیز در نظام جمهوری اسلامی این مسئله مقبول افتاده ، لیکن دید اجتماعی در این رابطه مشتمل بر نوعی خطاست . به عبارت دیگر متعه نیز نوعی ازدواج است ، بنابراین هر کسی از افراد واجد شرایط ازدواج موقت می تواند از شخصی خواستگاری کند و برای مدتی موقت مانند چند ساله دوران تحصیل ، با وی ازدواج نماید. آنچه در این جا مشکل ایجاد نموده آن است که غالب افراد، ازدواج موقت را با کامیابی آنی اشتباه گرفته اند و همین مسئله سبب شده که این موضوع نتواند در جامعه ما جایگاه حقیقی خود را باز یابد. همچنین این مسئله در جامعه تابع تبلیغات سوئی است که بیش از یک قرن در جامعه ما توسط غربگرایان تاثیر نهاده و در ضمیر مردم رخنه کرده است. به گونه ای که گاه روابط نامشروع با تسامح نگریسته می شود ولی به ازدواج موقت با دیدگاه دیگری برخورد می شود. ولی مسئله از چند جهت دچار مشکل است . ۱- از نظر فرهنگی جامعه ما هنوز ظرفیت پذیرش این حکم الهی را به نحو شایسته پیدا نکرده است . ۲- از نظر بهداشتی و سیستم قانونی ، پیش بینی های لازم برای آن صورت

نگرفته است. برای حل این مشکلات می بایستی تلاش فرهنگی و اجتماعی به صورت گسترده صورت پذیرد تا این جوانان از آسیب شیاطین مصون بمانند. بنا بر آنچه که گفته شد، ازدواج موقت نه مخصوص عده ای خاص است و نه نیازمند به مراکز خاص می باشد بلکه از نظر قوانین و مقررات کشوری افراد باید شبیه ازدواج دائم خواستگاری نموده و در دفاتر ازدواج و طلاق آن را به ثبت برسانند، بنابراین از نظر قانونی هیچ گونه مشکلی وجود ندارد بقیه مسائل مربوط به خود شخص می باشد.

}}

## قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟

### پرسش

قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟

### پاسخ

همان طور که هر انسانی در طول زندگی تحت تأثیر عوامل مختلف درونی و بیرونی به نوسانات مختلف روحی دچار می شود، مثلاً گاهی شاد و با نشاط است و گاه غمگین و کسل و افسرده خاطر می شود، به همین خاطر، از یک حالت روانی یکنواخت برخوردار نیست و با توجه به فضای روانی حاکم بر او و حوادثی که اتفاق می افتد، حالات روحی مختلفی بر وی غلبه می کند؛ به همان نحو، جامعه ای که انسان در آن زندگی می کند نیز با توجه به مقتضیات زمان و مکان، حالات و اشکال مختلفی به خود می گیرد، مثلاً در برهه ای از زمان مثل اوایل انقلاب و در زمان جنگ تحمیلی که فضای جبهه و شهادت در جامعه حاکم بود، وضع حجاب و پوشش خانم ها و آقایان و نیز خیلی چیزهای دیگر، بسیار مناسب و مطلوب بود و خیلی ها به خود اجازه نمی دادند این گونه که شما توصیف می کنید وارد جامعه شوند، اما در برهه ای دیگر از زمان مثل زمان بعد از جنگ و زمانی که ما اکنون در آن زندگی می کنیم با توجه به تبلیغات زیاد و زشتی که در رابطه با خیلی از ارزش های حاکم بر جامعه و از جمله حجاب و پوشش، صورت گرفت مسأله حجاب نهایتاً به این صورت درآمد که شما ملاحظه می نمایید.

در برخی از شهرها بنا به دلایل محیطی و فرهنگی، مواردی از بدحجابی دیده می شود که این موضوع بیشتر از آنچه که به قوانین مربوط شود به فرهنگ عمومی جامعه و نیز نفوذ سبک های غربی،

ماهواره و نیز افراد غرب زده و از همه مهم تر، تهاجم فرهنگی گسترده ای که در جهان غرب علیه کشور ما به راه انداخته است، مرتبط است و اصلاح آن نیز، نیازمند برنامه های درازمدت و دقیق فرهنگی است، چرا که تنها وضع قوانین نمی تواند ضامن اجرای مقررات اسلامی باشد و همین مسأله، وظایف ما را به عنوان یک فرد مذهبی و دین دار دو چندان می کند؛ یعنی، اولاً ما در این جامعه ابتدا باید با خودسازی و تهذیب نفس مراقب و مواظب دین داری خودمان باشیم و ثانياً برای جلوگیری از انحراف در جامعه و اشاعه فحشاء در آن، باید با امر به معروف و نهی از منکر جلو این انحراف را گرفت.

اما راه کاری که برای بازدهی بهتر و بیشتر امر به معروف و نهی از منکر ارایه می دهیم این است که:

۱- سعی کنید افراد همفکر مذهبی را شناسایی کرده و با آنها رفت و آمد کرده و در حل مشکلات مشورت و از آنها کمک بگیرید.

۲- با اساتید معارف و اساتید متدین و دلسوز رابطه تان را زیاده تر کرده و از رهنمودهای آنها در زمینه های مختلف، استفاده نمایید.

۳- سعی کنید به طور گروهی و متشکل به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط و جوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقاً فراگیرید.

۴- باید آمر به معروف و ناهی از منکر خود را به زیور اخلاق و التزام عملی بیاراید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند.

۵- در صورتی که احساس می کنید چنین نابسامانی های فرهنگی باعث به خطا افتادن و گناه شما می شود و امکان ازدواج هم برایتان

فراهم می باشد، برای کنترل غریزه جنسی خود، ازدواج کنید تا کمتر دچار خطر لغزش شوید.

۶- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد.

۷- عدم تأثیر آنی و فوری نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد، چرا که دشمنان ما با اجرای برنامه های درازمدت توانستند به این حد از پیشرفت در کارشان برسند.

۸- با مطالعه آیات قرآنی و زندگی پیامبران و مخصوصاً زندگی پیامبر اسلام و ائمه اطهار(ع) و تحمل مشقت ها و سختی هایی که آنها در زندگی کشیدند، میزان صبر و بردباری خود را افزایش داده و بدانید که یک فرد مذهبی برای رسیدن به هدف، نباید از حرف های نابخردانه و غیرمنطقی بعضی ها، دچار سستی و خدای ناکرده دچار یأس و ناامیدی شود. به خدا توکل کرده و در راه انجام این مسؤولیت سنگین از او کمک و مدد بخواهید. }J

### چگونه می توان جامعه را از گناهایی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

#### پرسش

چگونه می توان جامعه را از گناهایی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

#### پاسخ

برای از دست دادن این حالت باید اراده ای جدی و قوی داشته باشد و از شنیدن یا گفتن هر غیبت و تهمت، هراندازه هم به نظر کوچک و سطحی می آید، اجتناب ورزید؛ زیرا انسان در روز قیامت جوابی برای آن نخواهد داشت. در این رابطه به برنامه ای که پیشنهاد می شود به مدت ۴۰ روز عمل کنید و نتیجه را در صورت تمایل برای ما ارسال دارید. امید است ان شاءالله بر این گناه غالب شوید:

۱) هر ده روز یک بار بحث غیبت را در کتاب گناهان کبیره مطالعه کنید.

۲) هر روز صبح با خدا «شرط» کنید که امروز غیبت نمی کنم. در طول روز کاملاً مراقب رعایت این شرط باشید و جدا بکوشید برای اولین بار از آن تخلف نکنید. شب ها هنگام خواب اعمال روزتان را واریسی کنید. اگر مرتکب غیبت شده اید تعداد دفعات آن را ثبت کنید و برای مبارزه با آن توبه نمایید و برای خود تنبیهی قرار دهید مثلاً تصمیم بگیرید با دوستی که نزد او بیشتر غیبت می کنید یک روز رفت و آمد و گفت و گوی غیرضروری نکنید یا در جایی که بیشتر غیبت هست شرکت نکنید یا یک روز، روزه بگیرید.

### چگونه در طول مدت دانشجویی برنامه هایمان را در خوابگاهها تنظیم کنیم که از وقتمان استفاده بهینه داشته باشیم ؟

#### پرسش

چگونه در طول مدت دانشجویی برنامه هایمان را در خوابگاهها تنظیم کنیم که از وقتمان استفاده بهینه داشته باشیم؟

## پاسخ

این که چگونه در طی مدت ۴ سال در خوابگاه دانشگاه بتوانید زندگی کنید مربوط به تصمیم و اراده شما است. برای این امر باید تصمیم قوی بگیرید که با یک برنامه درازمدت از اوقات خود بهترین استفاده را ببرید. به عبارت دیگر برنامه ریزی کنید و برای خود برنامه روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه تدوین نمایید. در مقام اجرا نیز تلاش کنید طبق برنامه بدون خود عمل کنید. مثلاً در برنامه روزانه خود، ساعت بیداری و انجام امور شخصی و نماز و نرمش و ورزش صبحگاهی را معین کنید. ساعات درس و کلاس را طبق برنامه آموزشی علامت بزنید و اوقات فراغت بین کلاس ها یا بعد از ظهرها و شب ها را با یک برنامه قابل اجرا بر طبق ساعات مقرر مشخص نمایید. اوقاتی را که برای مطالعه معین کرده اید، سعی کنید از کتابخانه یا سالن مطالعه خوابگاه استفاده کنید و به طور کلی ساعات روز را تقسیم بندی نموده و برای هر ساعتی، کار مشخصی در نظر گرفته و طبق آن عمل کنید، چرا که بدون برنامه ریزی، اوقات زیادی از شما تلف خواهد شد.

## یک دانشجو چگونه باید اوقاتش را پر کند و همهء جنبه ها را رعایت کند؟

### پرسش

یک دانشجو چگونه باید اوقاتش را پر کند و همهء جنبه ها را رعایت کند؟

### پاسخ

برنامه ریزی چیست؟ چرا اهمیت دارد؟ اصول آن کدامند؟ لوازم آن چیست؟

یکی از تفاوت های اساسی میان انسان و حیوان این است که حیوان فقط در زمان حال زندگی می کند و انسان در سه زمان: گذشته، حال و آینده. گذشته محمل تجارب است، حال منزلگاه تصمیم گیری است، و آینده سکوی رشد و ارتقاء. انسان با تجزیه و تحلیل رویدادهای گذشته، دست به برنامه ریزی زمان حال می زند و آینده را رقم می زند.

متخصصان برنامه ریزی می گویند:

نگرش انسان نسبت به آینده باید از زاویه سه افق صورت گیرد: افق باز؛ افق دور و افق روشن.

افق باز: ضامن مانور فکری آدمی نسبت به مصالح و مسائل پیرامونی و یکی از عوامل دوری آدمی از اندیشه های محدود و برنامه های جزئی نگری است. هر انسانی که از افق باز بهره مند است، در برابر معادلات زندگی، به صورت تخطی نمی اندیشد؛ بلکه نگرش او حالت شبکه ای و گسترده دارد و راه حل های مختلف را فقط از زاویه یک راهنمی بیند و به اصطلاح پژوهش گران، به ورطه تک سبب بینی نمی افتد، لذا راه های مختلف را آزمایش می کند. افق باز روش مؤثری در نگرش است و در همه فعالیت های هدفمند به کار می آید.

افق دور: یکی از خصلت های ممتاز انسان، خصلت دوراندیشی (Providence) است. افق دور در نگاه و نگرش آدمی، ضامن شفاف شدن ابهامات آینده است و تصمیمات آتی را رقم می زند. افراد دور اندیش در مقایسه با دیگران، تصویری شفاف تر در مسائل، رفتارها، عکس العمل، رویدادها و اتفاقات دارند.

افق روشن: بهره مندی انسان از زاویه روشن و کم ابهام، با استفاده از دو افق قبلی میسر است.



افق روشن محصول دو افق دور و باز است. افق روشن، میوه انسان در اصل برنامه ریزی بهینه و کارآمد برای آینده در حال اتّفاقات.

محصول این سه افق، بحث شناخت (Recognition) است. بنابراین سه افق، اساس برنامه ریزی عبارت است از:

۱. خودشناسی.

۲. جهت بخشی فعالیت ها.

۳. بهبود کیفیت زندگی در ظرف زمان.

تا شناخت موجود نباشد، ضمانتی برای آینده وجود ندارد.

می توان آینده را به زمان حال منتقل نمود، یعنی می توان زمینه ساختن پله های آینده را در زمان حال بررسی نمود و آن ها را شکل داد.

تعداد بسیار اندکی از مردم وقت کافی در اختیار دارند. همه از کمبود وقت می نالند. طبق تخمین ها و برآوردهای انجام شده، حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد توان انسان ها به کار گرفته می شود و محاسبات نشان می دهد که افراد ۶۰ درصد از زندگی کاری خود را هدر می دهند. بیشتر وقت ها، انرژی ها، توانایی ها و استعدادها به هدر می روند، چون شناخت کافی وجود ندارد، هدف ها روشن نیست و برنامه ریزی ها و اولویت گذاری ها دقیق نمی باشد.

عمر ما محدود است. ما یک بار فرصت زندگی کردن داریم. امروزه طبق محاسبات انجام شده، یک انسان با امید بهزندگی طولانی، حداکثر ۲۰۰/۰۰۰ ساعت از زمان را، به عنوان وقت قابل استفاده، در اختیار دارد.

استفاده از سرمایه عمر: استفاده بهینه و بهتر از «زمان» محدود و ارزشمند، تنها از طریق برنامه ریزی و «مدیریت زمان» که هوشیارانه، مستمر و پایدار تدوین شده باشد، فراهم می شود. مدیریت زمان که در واقع، همان برنامه ریزی است، به معنای تسلط و کنترل بر فرصت ها و جهت دادن به فعالیت هاست.

برنامه ریزی فرصت ها: برای طراحی برنامه مناسب جهت استفاده از فرصت ها، لازم است که هر فرد شبانه روز خود را به سه بخش تقسیم نماید: بخش اول: صبح

تا ظهر، بخش دوم: بعد از ظهر، بخش سوم: شب.

باید هر کدام از این بخش ها را دو قسمت کرد و هر قسمت را به فعالیت های دو ساعته تقسیم کرد.

بهبتر است فعالیت های علمی، اجرایی، شغلی و تفریحی خود را در قالب این زمان ها تعریف کنیم و هر قسمت را بینیک الی یک و نیم ساعت و حداکثر تمام شش قسمت را در ۹ ساعت تقسیم نماییم. افراد شاغل یا در حال تحصیل ممکن است کل صبح یا بعد از ظهر یا صبح و بخشی از بعد از ظهر را به شغل و تحصیل خود اختصاص دهند. آن ها روی وقت باقیمانده می توانند برنامه ریزی نمایند.

با این تقسیم بندی، در هر هفته ما می توانیم ۴۲ قالب زمان را احیاء کنیم و فعالیت های خود را در قالب آن تعریف کنیم و اگر این قالب ها یک ساعتی باشند، باز هم در هر شبانه روز ۱۸ ساعت از ۲۴ ساعت آزاد خواهد ماند؛ یعنی با احتساب این که ۲ ساعت صبح، ۲ ساعت عصر و ۲ ساعت شب را برای فعالیت های علمی، پژوهشی و... خارج کرده باشیم، باقیمانده هر روز ۱۸ ساعت و در هفته ۱۲۶ ساعت آزاد خواهد ماند. لذا می بینیم که در هفته، چقدر ما زمان را قربانی و فدا کرده ایم. و این یعنی ذبح زمان! یعنی نابودی فرصت ها؟

سرمایه عمر آسان به کف نیامده است، که آسان از دست رود. برنامه ریزی کمک می کند که به فعالیت های خویش، نظام یافته بنگریم و این نکته را مد نظر داشته باشیم که:

«زمان در عصر ما، ساعت ها و روزها و هفته ها نیست؛ بلکه زمان، با دقیقه و ثانیه و لحظه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و فعالیت ها در قالب آن تعریف می شوند.»

یک

جوان پشت کنکوری رشته ریاضی سؤال های متعددی از من پرسید. از او سؤال کردم: چند وقت دیگر به کنکور باقی مانده است؟ او پاسخ داد: ۷۵ روز، یعنی ۱۷۰۰ ساعت که با ساعت های باقیمانده امروز تا شب که ۱۱ ساعت است، می شود ۱۷۱۱ ساعت.

ضمن تشویق، به نگرش او آفرین گفتم و اضافه کردم: انشاء... از این به بعد، زمان را در قالب دقیقه و ثانیه بین و بنگرچه فرصت هایی داری و چه فرصت هایی را هر روز ما از بین می بریم.

باید در «امروز»، فرداها را دید و ماه های بعد را به تصویر کشید، حتی سال آینده را در قالب زمان حال به تماشانشست.

بعد از شهادت آیت الله دکتر بهشتی، که به وقت تقویم ایشان نگریستند، فهمیدند که او برنامه ریزی خود را تا ۶ ماه آینده ترسیم کرده بود.

از آن جا که قصدمان این است که سخن به درازا کشیده نشود، پیش در آمد این مقاله را در این جا به پایان می رسانیم و امیدواریم که در فرصت های دیگر، ادامه بحث را در خصوص:

سارقین زمان؟

برنامه ریزی زخمی؟

برنامه ریزی بیولوژیک؟

تکثیر زمان تا ۲ برابر

و غیره ادامه دهیم.

منابعی برای مطالعه بیش تر:

۱. مدیریت برتر زمان، راجیو ستی، ترجمه نازلی سید گرگانی.
۲. چگونه برنامه ریزی کنیم، کیت کنان، ترجمه قاسم کریمی.
۳. مدیریت زمان، لوتارجی بسی ورت، ترجمه منصور توکلی نیا.

**برای اداره صحیح یک گروه فرهنگی و اخلاص در کار این گروه ها چه برنامه هایی باید مد نظر قرار گیرد؟**

**پرسش**

برای اداره صحیح یک گروه فرهنگی و اخلاص در کار این گروه ها چه برنامه هایی باید مد نظر قرار گیرد؟

این که چه کارهایی می تواند افراد را به سوی اخلاص سوق دهد می توان به کارهای زیر اشاره کرد: برگزاری نماز جماعت، عبادت ها و دعاهاى جمعی، برگزاری جلسات سخنرانی مذهبی، پاسخ به سؤالات مذهبی و اعتقادی، جلسات توسل و عزاداری اهل بیت (ع)، زیارت ها و سفرهای سیاحتی جمعی، برگزاری هیئت های هفتگی، جلسات تفرات قرآن و حفظ حدیث و برگزاری مسابقات کتاب خوانی (از کتب شهید مطهری و دیگر نویسندگان متعهد) و مسابقه مقاله نویسی و تقویت زیرساخت های اعتقادی یا برگزاری جلسات درس و سخنرانی مفید و منظم و تقویتزمینه های شناخت و آگاهی از آداب اجتماعی و اخلاقی یک مسلمان برای جوانان که بسیار ضرورت دارد. }]

**در جامعه ای که انسان صحنه های تأسف باری از فساد مانند اختلاط زن و مرد نامحرم پوشیدن لباسهای مبتذل بی حجابی و آرایش غلیظ زنان و ... را می بیند گاهی احساس پوچ گرایی زندگی، احساس دوری از خدا و آخرت را می کنیم چه کنیم تا بنیه اعتقادیمان همچنان استوار بماند.**

### پرسش

در جامعه ای که انسان صحنه های تأسف باری از فساد مانند اختلاط زن و مرد نامحرم پوشیدن لباسهای مبتذل بی حجابی و آرایش غلیظ زنان و ... را می بیند گاهی احساس پوچ گرایی زندگی، احساس دوری از خدا و آخرت را می کنیم چه کنیم تا بنیه اعتقادیمان همچنان استوار بماند.

### پاسخ

«بسم الله الرحمن الرحيم. قد افلح المؤمنون. الذين هم في صلاتهم خاشعون. والذين هم عن اللغو معرضون...؛ مؤمنان رستگار شدند. آنها که در نمازشان خشوع دارند و آنها که از بیهودگی روی گردانند...» (مؤمنون، آیات ۳ - ۱)

قبل از بررسی راه های تقویت ایمان، لازم است مطالبی پیرامون زمینه و جایگاه ایمان خدمتتان بیان کنیم. انسان با ذهن خود می اندیشد و علم به دست می آورد. پس جایگاه علم و شناخت، ذهن آدمی است. اما قرآن کریم، جایگاه ایمان را قلب معرفی می کنند. این کتاب آسمانی درباره عده ای که ادعای ایمان می کردند می فرماید: «بادیه نشینان خدمت پیامبر آمدند و گفتند ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید بلکه بگوید اسلام آوردیم و هنوز ایمان در دل هایتان وارد نشده است» («قالت الاعداب امانا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا ولما يدخل الايمان في قلوبكم..» (حجرات، آیه ۱۴).

از این رو شناخت هدف و راه سعادت زمانی به حرکت در آن راه منجر خواهد شد که قلب به آن هدف و آن راه ایمان آورد. ایمان قلبی محرک انسان برای حرکت خواهد بود. به تعبیر دیگر بین «ایمان» و «عمل» رابطه ضروری هست و این دو از هم جدا شدنی نیستند.

به این ترتیب درس بزرگی که از قرآن کریم می

آموزیم این است: اگر می‌خواهیم به هدفی که برای زندگی خود شناخته‌ایم، ایمان بیاوریم و به سوی آن حرکت کنیم، ابتدا باید قلب خود را برای پذیرش آن هدف آماده‌سازیم.

آمادگی قلب برای ایمان:

قلب در صورتی برای پذیرش حقیقت و راه زندگی آماده می‌شود که به زیبایی‌های آراسته و از زشتی‌های دور گردد. قرآن کریم این زیبایی‌ها و آلودگی‌ها را به ما نشان می‌دهد که در اینجا به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱- در زمین سیر کنید، آن‌گاه حقیقت زیبایی دینی را به وسیله قلب خود درک کنید (حج، آیه ۴۶).

۲- در قلب خود را به وسیله تفکر و تدبر در قرآن بازنگه دارید (محمد، آیه ۲۴).

۳- قلب خود را از آلودگی‌ها و تعلق‌های دنیایی مانند دوستی مال و فرزند، پاک‌سازید (شعرا، آیه ۸۹)

۴- قلب خود را از پلیدی‌ها پاک‌نگه دارید تا منزلگاه نیکی‌ها و زیبایی‌ها گردد، (بقره، آیه ۲۸۳).

۵- از غفلت بپرهیزید و قلب خود را متوجه زیبایی‌های زندگی‌سازید تا سیر شما راحت و هموار شود، (کهف، آیه ۲۸).

۶- توانایی قلب خود را برای تعقل و درک عمیق حقایق افزایش دهید، (حج، آیه ۴۶).

۷- قلب خود را در مقابل درستی‌ها و خوبی‌ها نرم و خاضع‌نگه دارید، (مائده، آیه ۱۳).

ایمان همچون درختی است که در قلب جوانه می‌زند، تناور می‌گردد و بر شاخه‌های آن اعمال شایسته پدیدار می‌شود.

راه‌های تحصیل، تحکیم و تقویت ایمان:

۱- تفکر پیرامون آیات و نشانه‌های خداوند در گستره هستی: توجه به این نشانه‌ها، یاد

خدا را در دل ها زنده می کند و لطف و رحمت او را به ما یادآور می شود و در نهایت بر دوستی و محبت ما به خدا می افزاید. (ر.ک: سوره یس، آیات ۲۳ تا ۴۰).

۲- توجه دائم به خداوند و ذکر و یاد او: حضور خداوند در خاطر ما، در همه لحظات زندگی، ارتباط ما را با او افزایش می دهد و به تدریج به پیوندی استوار می انجامد. یکی از حکمت های نمازهای پنجگانه، زنده نگه داشتن یاد خدا در طول شبانه روز، در دل مؤمن است.

«یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید» (احزاب، آیه ۴۱).

انجام برخی کارها مانند قرائت قرآن، دعا و زیارت، مطالعه سیره ائمه و همنشینی با نیکان و صالحان، ما را به یاد خدا می اندازد.

برخی کارها نیز مانع توجه به خداوند است که باید این موانع را کنار زد تا غفلت بر آن حاکم نشود.

قرآن کریم می فرماید: «یاد خدا دل های مؤمنان را می لرزاند و هنگامی که آیات الهی را گوش دهند، بر ایمانشان افزوده می شود» (انفال، آیه ۲).

۳- توجه به نعمت ها و الطاف خدا نسبت به انسان: اگر در زندگی خود توجه کنیم، خود را غرق در نعمت های الهی خواهیم یافت. فلسفه آفرینش این نعمت ها این است:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

(سعدی)

انسان بر خوان نعمت حق نشسته تا با یادآوری لطف او، یاد خدا را در دل زنده نگه دارد و قلب

خود را به او نزدیک تر کند.

۴- انجام نیکی ها و دوری از بدی ها: هر عمل نیک دل را نورانی تر می کند و برعکس هر گناه صفحه دل را تیره و کدر می سازد. باید بکوشیم با عمل به نیکی ها، دل خود را نورانی تر کنیم و با دوری از گناهان رشته محبت خود را با خدا استوار سازیم.

مطالعه کنید: شهید مطهری، انسان و ایمان (ج ۲ از مجموعه آثار)

توجه داشته باشید که حفظ ایمان در میان عوامل نامساعد و ناسازگار و یا مخالف، از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار است. اگر انسان در محیطی کاملاً مناسب و مساعد زندگی کند نمی تواند ایمان و استواری عقیده و باور خود را محکم بزند و از صلابت و راسخ بودن آن اطمینان حاصل کند ولی در محیط نامساعد، انسان می تواند میزان ایمان خود را بسنجد و با حرکت برخلاف جو موجود و فضای ناسالم ریشه های ایمان و باور خود را تحکیم بخشد. هنر مردان خدا و زنان با صلابت و خدا باور این است که با وجود زندگی در اجتماع و در بین مردم، از آنها رنگ و بو نمی گیرند و برنامه های غلط و روش نادرست آنها را نمی پذیرند و با حرکت در سایه ایمان به سوی هدف های الهی و انسانی خود گام بر می دارند. ایمانی که در چنین فضا و شرایطی شکل گیرد و بارور شود به سادگی از انسان گرفته نمی شود و با هر تندبادی ریشه کن نمی گردد. فراموش نکنیم اگر ما یک قدم برای خدا و در راه عمل به دین او

و جلب رضایت او برداریم، حق تعالی ده قدم برای یاری و کمک ما بر می دارد. اگر بنده ای در راه عمل به وظایف الهی خود کوشا باشد لشکریان حق و فرشتگان الهی و امدادهای غیبی خداوند، پشتیبان و یاور او خواهد بود و او را در این مبارزه سنگین و جهاد مقدس تنها نخواهند گذاشت. خداوند خود چنین وعده داده است: «والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا؛ کسانی را که در راه ما کوشش و مجاهده نمایند به راه های خود راهنمایی و هدایت می کنیم» (عنکبوت، آیه ۶۹).

در روایات فراوانی به کسانی که در زمان غیبت ولی عصر(عج) ایمان خود را حفظ کنند، بشارت های عجیبی داده شده و آنها را مدح کرده و ستوده اند.

در روایتی زین العابدین(ع) در این باره چنین می فرماید: کسانی که در روزگار غیبت ولی عصر(عج) زندگی می کنند و قائل به امامت آن بزرگوار هستند و منتظر ظهور آن حضرت(ع) می باشند از اهل هر زمانی برترند. چون خداوند به آنها چنان عقل و درک و معرفتی عطا فرموده که زمان غیبت در نزد آنها مانند زمان حضور است. اینان همانند مجاهدانی هستند که پیشاپیش پیامبر(ص) شمشیر زده و مبارزه کرده اند. اینان مخلصان واقعی و شیعه راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدا در پنهانی و آشکار می باشند (الشموس المضيئه، علی سعادت پرور، ص ۷۸، ح ۱۰).

### راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

#### پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

#### پاسخ

در مورد سؤالی که مطرح فرمودید نکات ذیل را به عرض می رسانم البته مطالب ارائه شده شما نمایی از یک طرح است .

برای فرهنگ سازی در یک محیط ابتدا باید فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شناخت و نسبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد زیرا که لازمه نشر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقد بوده و ایمان داشته باشیم و با تصمیم و اراده جدی به لوازم آن عمل کنیم و آنگاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم در واقع اگر هر کسی به آیین و آداب و رسوم فرهنگ مورد نظر پایبند باشد خود موجب ترویج و نشر آن فرهنگ می شود. بنابراین راهکارهای زیر به طور کلی توصیه می شود:

- نسبت به فرهنگ مورد نظر به صورت مشخص آگاهی کسب کند و مثلاً " با فرهنگ اسلام آشنایی پیدا کنید.

- با دقت ، تأمل ، مطالعه و تحقیق ایمان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشید.

- راهکارهای تحقق و دست یابی به اهداف فرهنگی خود را با مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث و تبادل نظر مشخص کنید (اهداف عینی ، قابل تعریف و اندازه گیری نه کلی مبهم نامعلوم).



- سعی کنید هدف کلی را به اهداف جزئی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایید.

- با مشخص شدن نحوه اجرای کار و دست یابی به اهداف با توکل بر خدا کار را به تدریج آغاز کنید

و ضمن آنکه خود صمیمانه به آنها عمل می کنید با روش های پسندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایید. به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسلامی :

۱- ابتدا اعتقاد و ایمان خود به اسلام و اعتقادات دینی اسلامی را تقویت کنید.

۲- مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را مشخص کنید مثل : اعتقادات صحیح , نماز, حجاب , احکام شرعی , شکل روابط صحیح فردی و اجتماعی , اخلاق اسلامی و...

۳- پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلاً: " برای گسترش اعتقادات صحیح اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم ؟

- تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح و موردپسند.

- برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف .

- برگزاری کلاسهای عقیدتی.

- برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور افراد متبحر.

- تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری .

- مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده .

۴- اجرای یک یک راههای بدست آمده .

۵- امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها.

۶- تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.

**چگونه می توان فردی که از اسلام و روحانیت گریزان است را هدایت کرد؟**

**پرسش**

چگونه می توان فردی که از اسلام و روحانیت گریزان است را هدایت کرد؟

**پاسخ**

اولاً، بهترین راه این است که ما خودمان الگو و نمونه خوب و مناسبی از اسلام و عمل به آن باشیم ((کونوا دعا<sup>2</sup> للناس بغير

السنتمکم)) انسان‌ها بیشتر به ظاهر و عمل و رفتار توجه می‌کنند تا گفتار و بحث علمی. البته شرایط اجتماعی و خانوادگی و محیطی و نوع تربیت انسان نیز خیلی موثر است. شما می‌توانید تلاش کنید زمینه مناسب و مساعدی را برای جذب و اعتقاد وی ایجاد نمایید. ثانیاً، دلیل بی‌علاقه‌ای به برخی چیزها عدم اطلاع و آگاهی است شما سعی کنید اطلاعات دینی ایشان زیاد شود و معرفت کامل و صحیح نسبت به آن چیز پیدا کند. ثالثاً، اگر شیرینی دین و عبادت را کسی بچشد دیگر به غیر خدا عشق نمی‌ورزد. عشق به خداوند دارای آثاری است که اگر شیرینی آن چشیده شود، قابل مقایسه با هیچ‌علاقه و عشقی نیست. عشق‌های مجازی نیز دارای آثاری است. یکی از راه‌های بیرون نمودن عشق‌های مجازی از دل و جایگزینی عشق الهی این است که انسان با تفکر و تعقل آثار این دو عشق را با هم مقایسه کند و با منطقی و عقل قضاوت نماید عشق به خداوند بهتر و شیرین‌تر است، یا عشق مجازی. اگر عقل در این زمینه به کار گرفته شد و حکم کرد، خود آن در بیرون کردن عشق‌های مجازی موثر است. از آثار عشق خداوند به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

غناى نفس , عزت نفس , كوچك شدن مشكلات در نظر انسان , عدم تاثير تعريف يا مذمت ديگران . اگر انسان عشق به خدا داشته باشد, ديگر گم شده اى ندارد و هميشه آرام و با اطمينان نفس است . او از گذشته ئ خود غمگين نخواهد بود و نسبت به آينده مضطرب نمى باشد. اراده اش قوى خواهد شد, زيرا متصل به قدرت لايزال معشوق است و از هيچ پيشامد احتمالى يا فعلى هراس نخواهد داشت و بسيارى آثار ديگر. اما اين راه كافى نيست , مخصوصاً "براي اشخاصى كه روحيه ئ عاطفى قوى دارند. انسان بايد علاوه بر انجام اين پيشنهاد, از همان شيوه هاى كه عشق هاى مجازى را تقويت مى كنند, براي تقويت عشق الهى استفاده نمايد, مثلاً رفت و آمد و مروده و مصاحبت فراوان با معشوق , علاقه را زياد و ترك آن عشق را سرد مى كند, اگر انسان با دعاها و عبادت ها و تلاوت قرآن - مخصوصاً "در دل شب - با خداوند مروده داشته باشد و با معبود بسيار سخن گفته و درد دل نمايد, موجب كثرت محبت و اهنس با خداوند مى شود. توكل بر خداوند, هسن ظن به او, استعانت از خداوند و توسل به اهل بيت (ع), پالایش نفس از رذائل , همراهى با استادى وارسته , التزام به احكام شريعت , مطالعه ئ كتيبى كه راجع به خداشناسى و صفات او نوشته شده و مطالعه ئ حالات و زندگى نامه ئ عرفا در اين امر بسيار موثر است . به عنوان نمونه مى توانيد به كتاب هاى ذيل مراجعه كنيد:

۱- نشان از بی نشان ها علی مقدادی ۲- احوال عارفان دکتر علی اصغر حلبی

## چگونه می توان فرد لجوج را به نماز و روزه و انجام امور مذهبی تشویق کرد؟

### پرسش

چگونه می توان فرد لجوج را به نماز و روزه و انجام امور مذهبی تشویق کرد؟

### پاسخ

تلاش شما برای آشنا ساختن افراد با نماز، کاری بس ارزشمند و مورد پسند است. دعوت مردم به آشنایی با خداوند و عبادت او از برجسته ترین و متعالی ترین امور است. اما راه کارهای عملی قابل ارائه به قرار زیر است:

۱- برای ترغیب و تشویق به نماز، در آغاز بایستی زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن بکوشید. دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و... اموری است که دارای نتیجه مستقیم بر عملکرد فرد است. پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی بکوشید.

۲- نماز، عملی است که در مجموعه عقیده توحیدی، دارای معنا و فلسفه است. پس در آغاز بایستی این مجموعه شناخته شود تا نماز جایگاه خود را در ذهن و اندیشه فرد باز نماید، از این رو یک شناخت صحیح و سالم و واقعی را در ذهن شخص رقم بزنید و او را به صورت مستقیم و غیرمستقیم از این واقعیت آگاه سازید. مانند این که گوشزد گردد که در بینش توحیدی اسلام و دیگر ادیان الهی، انسان موجودی است که به سوی کمال و لقای پروردگار در حرکت است. «انا لله و انا الیه راجعون» از خدائیم و به سوی او باز می گردیم». حال در این مسیر، ابزارهایی به مدد انسان می آید، تا او از فراموش کردن مسیر و هدف باز دارد که از مهم ترین آنها «نماز» است. «اقم

الصلاه لذكري ; نماز را برای یاد من بپا دار».

آدمی بدون نماز راه را گم خواهد کرد. نمازهای پنج گانه همانند چراغ های برق هستند که مسیری طولانی و پر خطر را روشن کرده اند تا کسی راه را گم نکند و به بیراهه و سقوط کشانده نشود. آنچه که موجب می گردد و برخی از نماز، روی گردان باشند و یا نسبت به آن تساهل کنند، ندانستن فلسفه نماز و یا درکی غلط از آن است .

برخی چنین می پندارند که نماز انسان ، نیازی را از خداوند برطرف می کند که البته خیالی واهی است . خداوند نیازی به هیچ مخلوقی ندارد. از این رو آنچه که به عنوان عبادات بر آن تأکید شده ، جملگی در جهت کمال انسان است .

نماز دارای آثار و فلسفه های متعدد دیگری نیز هست که به آن اشاره می کنیم :

- نماز، تقدیر و سپاس گزاری از خداوند است .

- موجب آرامش انسان است .

- موجب یاد خداست .

- نماز زمینه پرهیز از گناه را در انسان فراهم می کند.

- تأکیدی بر نظافت و سلامتی است .

- موجب انضباط و وقت شناسی است .

- دارای آثار وحدت بخش اجتماعی است .

مجدداً " تکرار می کنیم که دادن این اطلاعات و تصحیح اندیشه آن فرد درباره نماز ضروری است و باید انجام گیرد تا به کمک یک نیروی درونی و انگیزه شخصی در پی آن باشند و نیازمند تحریک خارجی و هول دادن و وادار کردن نباشد. این اطلاعات را به دو روش مستقیم و یا غیرمستقیم می توان منتقل کرد و انتخاب

روش به روحیه مخاطب و توان روحی و علمی شما بستگی دارد. مانند این که خود، این گونه مطالب را گوشزد کنید و در صورت عدم پذیرش از طرف مخاطب دیگران بگویید و یا کتاب های معرفی شده را در اختیار او بگذارید.

پرتوی از اسرار نماز، قرائتی

اسرار الصلاه، ملکی تبریزی

آداب الصلاه، امام خمینی

صلاه الخاشعین، دستغیب

اسرارالصلاه، جوادی آملی

۳- در هیچ یک از مراحل ارشاد و راهنمایی از برخورد نیک و ملامت آمیز و احترام نهادن دور نشوید. این را بدانید که با فشار و اجبار کسی را نمی توان هدایت نمود و چه بسا تأثیر منفی آن بیشتر از هدایت گردد. اگر رابطه شما با فرد مورد نظر اکنون به جبهه گیری و حساسیت نشان دادن و صف آرایی منتهی شده است برای مدتی سکوت کرده و حرفی به او نگویید و به دنبال اجرای روش غیرمستقیم باشید و به شکلی از همکاری افراد دیگر بهره مند شوید.

۴- هر شخصی یک نقطه پذیرش و به قول معروف «رگ خوابی» دارد، سعی کنید این رگ خواب و نقطه پذیرش را به دست آورید و از این کانال وارد شوید و هدف خود را تعقیب کنید و لذا به صرف این که باید شخصی را هدایت کرد بسنده نکنید بلکه با مطالعه بر روی خصوصیات وی راه نفوذ در او و جلب نظر او را به دست آورید و اقدام کنید.

۵- بیان تأثیرات منفی ترک نماز و روزه و استفاده از روایات بیان شده توسط اهل بیت (ع) در این زمینه بسیار موثر است. به خصوص اگر به روش غیرمستقیم

ارائه گردد و موجب تنبه و موعظه کردن را فراهم سازد. یعنی غیر از ارائه شناخت باید در صدد موعظه گری و تنبه قلبی وی نیز برآید و با ترس و بیم دادن از عذاب اخروی و پیامدهای منفی ترک نماز و روزه دل او را از غفلت آزاد سازیم .

۶- این راه کارها هم به صورت مستقل و هم به همراه یکدیگر می تواند مؤثر باشد و خوب تر آن است که روشنگری و موعظه و... همراه هم ارائه گردد تا نافذتر افتد.

### **تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟**

#### **پرسش**

تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟

#### **پاسخ**

اینترنت محصول علمی و فنی بشر است و مانند هر ابزار دیگری می تواند استفاده مثبت یا منفی داشته باشد بنابراین آنچه دارای اهمیت است بالابردن ضریب مثبت در ابعاد مختلف (تکنولوژی ، فن آوری ، تبلیغ در اسلام و...) و جلوگیری کامل یا کاهش اثرات منفی این رسانه مهم جهانی می باشد مسلماً " ما برای دستیابی به توسعه ای سریع و همه جانبه و ایجاد تمدن اسلامی و عقب نماندن از قافله علم و تمدن بشری نیازمند استفاده از تکنولوژی و فن آوریهای پیشرفته می باشیم که یکی از مهمترین آن شبکه جهانی اینترنت است که در همه زمینه های علمی ، تحقیقی ، هنری ، سیاسی ، تاریخی ، مذهبی با همه فروع و جزئیات رشته های گوناگون می توان از آن بهره برد اما در عین حال از آن جا که مراکز اینترنت اکنون اطلاعات غیر علمی و غیر انسانی در جهت یکسان سازی فرهنگی ، هنری ، سیاسی ، تاریخی ، مذهبی با همه فروع و جزئیات رشته های گوناگون می توان از آن بهره برد اما در عین حال از آنجا که مراکز اینترنت اکنون اطلاعات غیر علمی و غیر انسانی در جهت یکسان سازی فرهنگی جهان و مسلط نمودن فرهنگ آمریکا و محو سایر فرهنگها و بالاخره تحقیق دهکده جهانی به رهبری آمریکا ارائه می نمایند صدها برابر مراکز است که اطلاعات مفید و علمی و فنی ارائه می نمایند باید با ارائه مکانیزمی دقیق



و حساب شده است . توسط متخصصان از معایب و مضرات آن جلوگیری نمود در این راستا راه کارهای بهره بری صحیح از اینترنت در جهت گسترش فرهنگ اسلامی عبارتند از: ۱- تهاجم تبلیغی را باید با شیوه های نوین تبلیغی پاسخ داد با استفاده از اینترنت مجموعه آثار فرهنگی اسلامی را به این شبکه جهانی منتقل نمود و راه آشنایی ملت های دیگر را با فرهنگ اسلامی فراهم ساخت در این مورد البته قدمهایی برداشته شده است . ۲- در کشورهای اسلامی با استفاده از شیوه نامه نگاری الکترونیکی با صاحب نظران , جوانان کسانی که آمادگی دریافت پیام های اسلامی را دارند مکاتبه شود و سوئالات و نیازهای آنان پاسخ داده شود. ۳- فرهنگ غرب آسیب پذیری زیادی را دارد که با زیر سوئال بردن آنها و آگاهی به نسل جوان کشورهای اسلامی و حتی غربی امواجی در مخالفت با آن را می توان ایجاد نمود. ۴- دولت اسلامی باید یک شبکه واحد و مادر از مجموعه شبکه های داخلی ایجاد نماید و سپس ساختار خاصی را برای ارتباط با شبکه جهانی مشخص نماید حتی کشورهایمانند فرانسه ساختار خاصی را برای اتصال به اینترنت ایجاد کرده است . ۵- باید راهی را برای گزینش اطلاعات جهانی پیدا کرد و از ورود اطلاعات آلوده از طریق شبکه جهانی جلوگیری کرد صاحب نظران معتقدند این از نظر تئوری و عملی امکان دارد با کنترل همه جانبه ارتباطات شبکه جلوی تماس با مراکز غیراخلاق گرفته شود, (ر.ک مجله نگاه حوزه شماره ۶۲-۵۹ ارتباطات و نقش اینترنت در حوزه اطلاع رسانی دینی , حمید فغفور مغربی

## چرا برخلاف کشورهای توسعه یافته، مردم ایران کم مطالعه می کنند و بیشتر تلویزیون تماشا می کنند؟

### پرسش

چرا برخلاف کشورهای توسعه یافته، مردم ایران کم مطالعه می کنند و بیشتر تلویزیون تماشا می کنند؟

### پاسخ

متأسفانه با وجود تأکیدهای فراوان دین مقدس اسلام بر کسب دانش و نقش مهم آن در رشد و شکوفایی جامعه در جامعه اسلامی ما اهمیت چندانی به این مهم داده نمی شود و حتی افراد تحصیل کرده اوقات فراغت خود را به مسائلی چون تماشای تلویزیون که فواید چندانی در ارتقای فرد و جامعه ندارد اختصاص می دهند. در یک بررسی مختصر می توان عوامل این پدیده را به دو دسته تقسیم کرد: الف) عوامل فردی؛ از قبیل نداشتن توان مالی برای خرید کتاب و فقدان انگیزه لازم برای مطالعه که ناشی از عدم شناخت نقش مطالعه کتاب های مفید در رشد علمی و مادی فرد و جامعه می باشد. ب) عوامل محیطی از قبیل کم کاری رسانه ها در گسترش فرهنگ مطالعه و بیماری مدرک گرایی که باعث می شود افراد فقط به خاطر دست یابی به مدرک و موقعیت های اجتماعی مطالعه کنند و گرانی و یا کمبود کتاب های مفید. ((اظهار نظر دقیق شما [با ذکر شماره نامه قبلی] درباره ی پاسخ ها، موجب تکامل و پویایی کار ماست)). {J}

## با این که دانشجویان را به تقوا دعوت می کنید، چرا مسوولان تقوا را رعایت نمی کنند؟

### پرسش

با این که دانشجویان را به تقوا دعوت می کنید، چرا مسوولان تقوا را رعایت نمی کنند؟

### پاسخ

ما بر اساس وظیفه شرعی و سازمانی که داریم مسوولیت داریم تا آن جا که مقدور باشد در خدمت دانشجویان عزیز باشیم و سوئالات آنها را پاسخ گوئیم و نظرات مشاوره ای را برای آنان ارسال کنیم. البته ما هم باید به آنچه می گوئیم خودمان معتقد باشیم و در عمل به آن پایبند باشیم و الا شامل این آیه کریمه قرآن می شویم که می فرماید: ((یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون؛ ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی را می گوئید که در مقام عمل خلاف آن را می کنید بترسید از این عمل ک سخنی بگوئید و خلاف آن را کنید ک بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می آورید)). اما درباره این که چرا بعضی از مسوولین مملکتی خلاف احکام و ارزش های اسلامی عمل می نمایند باید گفت که این مسائله از دو عامل نشأت می گیرد: ۱- متأسفانه در مقام گزینش این افراد دقت لازم نشده و ملاکهایی که شایسته کارگزاران حکومت اسلامی است کاملاً رعایت نشده است. ۲- بعضاً نظارت جدی و مستمر توسط دستگاههای

مربوطه بر چگونگی انجام امور توسط کار گزاران و مسوئلان دولتی اعمال نمی شود. این مسائله همیشه یکی از آفات تهدید کننده انقلاب می باشد مقام معظم رهبری نیز مکرراً "نسبت به آن هشدار داده و خواستار تصفیه بدنه اجرایی نظام از این عناصر نامطلوب بوده اند. معظم له در این زمینه می

فرمایند ((باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان نظارت بر کار آنان نیز ضروری است چون مقام و قدرت غالباً "اخلاق و رفتار مسوئولان را تغییر می دهد بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان از بالا- بر عمل کرد آنان نظارت دقیق نشود ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند لذا نظام انقلابی در چگونگی انجام امور توسط کارگزاران و مسوئولان باید نظارت مستمر بر کار آنان داشته باشد (فجر انقلاب در بهار قرآن ص ۲۰۳ و ۲۰۵). J. V

**دلیل نام گذاری سال امام علی (ع) و یکصدمین سال امام (ره) و اختصاص بودجه های کلان از بیت المال , چگونه توجیه می شود؟**

**پرسش**

دلیل نام گذاری سال امام علی (ع) و یکصدمین سال امام (ره) و اختصاص بودجه های کلان از بیت المال , چگونه توجیه می شود؟

**پاسخ**

برای پاسخ به این سوئال , توجه شما را به چند نکته جلب می کنیم : ۱- یکی از وظایف حکومت اسلامی گسترش فرهنگ و ارزش های الهی و اسلامی در جامعه و مطرح نکردن الگوهای رفتاری کامل و شخصیت های الهی , برای تمسک و پیروی مردم و مسوئولین به اخلاق , منش , رفتار , گفتار , آن بزرگواران در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی می باشد. همچنان که خداوند نیز پیامبر اکرم را به عنوان اسوه معرفی می نماید ((ان لکم فی رسول الله اسوه حسنه)) بر این اساس رهبر معظم انقلاب , یکی از سال های اخیر را به عنوان سال امام خمینی و سال امام علی (ع) نامگذاری کردند. این مسائله فرصت جدیدی را برای تمرکز جهت گیری های فرهنگی و شناسایی و معرفی و الگوگیری از این شخصیت های برجسته پدید می آورد و از مقوله تعظیم شعائر الهی است که در قرآن بر آن تأکید شده است . ۲- با یک بررسی بسیار ساده می توان به این نتیجه رسید که هر چند چنان که شایسته بود, نهایت بهره برداری از این دو سال نشد, ولی دستاوردهای علمی فرهنگی و تحقیقاتی از قبیل کتاب ها, مقالات و... که اندیشمندان و محققان جامعه اسلامی ارائه داند, در قابل مقدار بودجه ای که مصرف شد, بسیار گران و با ارزش بود و جو علمی و معنوی افکار عمومی , رسانه ها, مطبوعات و

محافل دانشگاهی و فرهنگی و تحقیقاتی کشور را به این سمت هدایت نمود و افق‌های تازه‌ای را در مقابل محققان و مسوئولان اجرایی کشور برای تمسک به سیره حکومتی و زندگی شخصی آن دو بزرگوار گشوده است. ۳- متأسفانه در بعضی موارد بودجه‌های کلانی توسط برخی مسوولین حیف و میل می‌شود که ثمره‌ای جز خالی نمودن بیت‌المال و بدبینی مردم گسترش فرهنگ اسراف تبذیر و تجمل به دنبال ندارد، چه خوب بود شما از آن موارد گله می‌نمودید نه از یکی از بهترین فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که برای بالا بردن و حاکم نمودن فرهنگ مبارزه با اسراف، تبعیض، فقر و... انجام گرفته است. ۴- یکی از اهداف و ثمرات این ابتکار توسط مقام معظم رهبری این بود تا با تمسک به سیره امام علی (ع) و حضرت امام مسوولین، گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، از تفرقه و منافع جناحی دست برداشته و مانند آن دو بزرگوار تمام وجود خود را وقف اسلام و خدمت به جامعه اسلامی و مسلمانان نمایند و در شرایطی که دشمن با تهاجم فرهنگی، عناصر مزدور داخلی و... سعی در نابودی ارزش‌های اسلامی و حکومت اسلامی دارد با مطرح شدن نام و یاد و سیره آن دو بزرگوار وسیله‌ای مناسب برای خنثی کردن توطئه‌های دشمنان می‌باشد و با تمسک به آن، وحدت، امنیت و منافع ملی به بهترین وجه تحقق می‌یابد. ۵- برای ریشه کن کردن فقر، فساد، بیکاری و تمام مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

، باید شیوی درست حکومت ، فرهنگ ساده زیستی ، دوری از اسراف ، تبذیر، تجمل ، خودپرستی و جناح پرستی ، کمک به فقرا و مستضعفین ، تلاش برای حل مشکلات ، مقاومت در مقابل دشمنان و منافقان ، و الگوهای عملی حضرت علی (ع) و امام خمینی را به عنوان اصول و معیارهای اجتناب ناپذیر، فراروی مسوئولان نهاد و آویزه ی گوش کارگزاران داشت . اما در مورد این که چه فرقی بین این خرج ها با خرج های دوران شاه می باشد می توان به موارد ذیل اشاره نمود: "اولا": در اهداف متفاوت می باشند، خرج هایی که در زمان ما می شود برای بالا بردن سطح فرهنگ اسلامی و ارزش های الهی در جامعه برای خدمت به مردم می باشد و چنان که گفته شد نوعی تعظیم شعائر الهی است ، اما خرج های آن زمان در جهت احیای مجدد و بسط تقویت نظام طاغوتی شاهنشاهی ، رواج فرهنگ اسراف ، تبذیر، دنیاپرستی ، تجمل ، ضدیت با فرهنگ و ارزش های اسلامی و تحریف تاریخ ایران اسلامی به سمت ایران شاهنشاهی و هخامنشی بود. "ثانیا": در تاثیرات متفاوت می باشند: اجرای صحیح این طرح در زمان ما باعث کمک به پیشرفت صحیح توسعه همه جانبه و اجرای عدالت اجتماعی ، تقویت وحدت و امنیت ملی و کاهش فقر و تضاد طبقاتی و اجرای حکومت عدل الهی می باشد اما برنامه های دوران سلطنت منحوس پهلوی ، موجب عقب ماندگی کشور، هدر رفتن بودجه های کلان کشور در جهت تفریح ، عیش و نوش و خوشگذرانی و ازدیاد فاصله طبقاتی

، فاصله گرفتن مردم از حکومت و نفوذ بیشتر استعمارگران در ایران بود. ثالثاً<sup>۱۱</sup>: از نظر مقدار مخارج و هزینه ها هرگز قابل مقایسه نمی باشد. کافی است شما به کتب تاریخی مراجعه نموده و ملاحظه فرمایید که چه هزینه های سرسام آوری صرف خوشگذرانی ها و عیاشی های دربار در مراسم جشن ۲۵۰۰ ساله و... می شد. بنابراین با توجه به نکات فوق و شناخت اهمیت ضرورت این قبیل اقدامات و آثار مثبت آن حتی اگر در برخی ستادها ریخت و پاشی شود نباید اصل این مسئله و دستاوردهای مثبت آن را زیر سوئال ببریم ، بلکه باید با تمسک به سیره آن بزرگواران مبارزه با اسراف و تبذیر و انجام اصلاحات را از خودمان و از خود این مراکز و ستادهایی که می خواهند سیره و منش آن بزرگواران را گسترش دهند شروع نماییم زیرا تا وقتی که مسوولان و کارگزاران اسلامی خودشان سیره آن امام همام را در اعمال و رفتار خود پیاده نمایند نمی توان انتظار هیچ تاثیر سازنده و مثبتی را در افکار و عقاید و نگرش مردم داشت . برای آگاهی بیشتر ر.ک : مفاصد اقتصادی رژیم پهلوی ، مرکز بررسی اسناد تاریخی .J

## چرا در کشور ما فرهنگ انتقادپذیری وجود ندارد ؟

### پرسش

چرا در کشور ما فرهنگ انتقادپذیری وجود ندارد ؟

### پاسخ

ارائه پاسخی مناسب نیازمند تحقیقاتی گسترده و دقیق پیرامون اثبات صحت اصل این قضیه و میزان آن و سپس پرداختن به علل و عوامل آن می باشد که این موضوع خارج از گنجایش یک نامه است، لذا به اختصار مطالبی را در این خصوص بیان می نمایم:

واقعیت این است که این مسأله تا حدودی در جامعه ما وجود دارد که به هیچ وجه زینده ی جامعه اسلامی ما نیست. دین مبین اسلام برای انتقاد و انتقادپذیری ارزش و جایگاه ویژه ای را جهت اصلاح، تکامل و پیشرفت فرد و جامعه در نظر گرفته است. چنان که حضرت صادق(ع) می فرماید: «من رأی اِخاه علی امر یکرهه فلم یرده و هو یقدر علیه، فقد خانه ؛ هر کس برادر مؤمن خود را درحالی که ناخوشایند اوست ببیند و او را با این که می تواند از آن باز ندارد به او خیانت کرده است»(بحارالانوار، ج ۷۱، باب ۱۴).

امام باقر(ع) در باب انتقادپذیری می فرماید: «اتبع من ینبیک و هو لک ناصح...؛ از کسی که از روی خیرخواهی با یادآوری عیب هایت تو را به گریه درآورد پیروی کن و از کسی که از روی ناخالصی تو را به خنده وا می دارد، متابعت مکن...»(الکافی، ج ۲، ص ۶۳۸).

امام علی(ع) نیز در این زمینه از مردم می خواهد که حرف حق را در هر حال به او یادآوری کنند: «فلا تکفوا عن مقاله بحق او مشوره بعدل، فانی لست فی نفسی بقول ان اخطی ء ولا آمن ذلک من فعلی الا ان یکفی الله من نفسی ما هو املک به منی»(نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

بنابراین در آموزه های دینی تأکید بسیاری هم بر



انتقاد مشفقانه و هم برانتقادپذیری شده است. اما چرا با این وجود، هنوز در جامعه ما برخی از مردم یا مسؤولین در رفتار فردی و اجتماعی خود چنین موضوعی را برنمی تابند، نیازمند بررسی عوامل متعددی است که در اینجا از دو منظر انسان شناختی و جامعه شناختی به آن می پردازیم:

الف) حب ذات امری است که خداوند متعال آن را برای صیانت نفس در هر موجود زنده ای قرار داده است، ولی عدم جهت دهی صحیح آن توسط انسان، این صفت را گاهی منشأ انحراف در نگرش او نسبت به زشتی های اخلاقی و رفتاری خود نموده و خویشتن دوستی را به خودپسندی، کبر، غرور و... مبدل ساخته است. به گونه ای که ممکن است در کسی عیبی باشد ولی بدان توجه نکند و یا حتی آن را ستایش کند، در حالی که اگر همان عیب را در دیگری ببیند بر او خرده می گیرد.

انسان چه بسا در اثر حب نفس، در آغاز از توجه انتقاد دیگران به خود رنجیده خاطر شود، زیرا آن را نشانه نوعی شکست و عدم توفیق خود دانسته و اعتبار خویش را در معرض خطر و تهاجم می پندارد، در حالی که اگر نیک بنگرد خواهد یافت که حتی همان «حب ذات» خردمندانه او را به قبول نقدهایی که از روی خیرخواهی و نیک اندیشی بر او وارد می شود، دعوت می کند(انتقادگری و انتقادپذیری در حکومت علوی، مهدی موسوی کاشمیری، نشریه صدای عدالت).

اما وجود صفاتی از قبیل، غرور، خودخواهی و خودبرتری بینی در بسیاری از افراد، مانع از این ژرف اندیشی و خردنگری شده و لذا با همه وجود در برابر انتقاد دیگری ایستادگی و مقاومت می کنند.

ب) از دیدگاه جامعه شناختی در

بسیاری از جوامع به علت سابقه ی طولانی حاکمیت استبداد و عدم وجود آموزش رفتار مشارکتی و همراه با گفتگو در خانه، مدرسه و جامعه و از طرف دیگر شرایط سخت زندگی و ناکامی ها و عدم امکان اظهار نظر، فرهنگ انتقاد و انتقادپذیری نه تنها بسیار کم وجود دارد، بلکه بسیاری از دیدگاه منفی به آن می نگرند. به علاوه شیوه انتقاد نیز صحیح نمی باشد، زیرا:

۱- انتقادها عموماً همراه با احساس می باشند.

۲- طی آن از الفاظی استفاده می شود که بار ارزشی منفی دارند و توهین آمیز و پرخاشگرانه اند. در نتیجه باعث خدشه دار شدن وجهه و احترام شخص مقابل شده و آمادگی او برای پذیرش انتقاد کاهش می یابد و برعکس موجب تثبیت رفتار و مقابله با انتقادکننده می گردد.

۳- عموماً هدف شخص انتقادکننده از انتقاد، بزرگ نشان دادن خود و تحقیر انتقادشونده است.

۴- در طی فرایند انتقاد، جنبه های مثبت در نظر گرفته نمی شود و شخص مورد نظر در کلیه زمینه ها نفی می گردد (توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، ۳۹۳).

نتیجه عوامل فوق، کاهش روحیه انتقادپذیری و گسترش روحیه خودبینی، تملق و چاپلوسی است و در جهت مقابله با آن تحقق امور ذیل حائز اهمیت است:

- ترویج و نهادینه نمودن ارزش های اسلامی در مورد انتقاد و انتقادپذیری.

- انتقاد اقدامات مستقیم نظیر آموزش در خانواده و مدارس، امکان ابراز نظر و آزادی انتقادهای علمی بی غرض و کنترل شده.

- متجلی نمودن روحیه انتقادپذیری از سوی تمامی مسئولین در اعمال و رفتار خود آن گونه که امام علی (ع) در نامه ی خود به مالک اشتر می فرماید: «باید برگزیده ترین آنان نزد تو، آن کس از وزیران باشد که سخن تلخ حق را بیشتر به

تو بازگو کند و کمتر تو را در آن چه خدا از اولیایش نمی پسندد و مطابق هوای توست» یاری و مساعدت کند و خود را با صاحبان تقوا و صداقت، محشور کن و عادتشان بده که ثناگویی و ستایش نکنند و از این که باطلی را ترک کرده ای - که وظیفه توست، با مدح خود - تو را شادمان نسازند: زیرا ستایش زیاد، خودپسندی می آورد و شخص را به تکبر نزدیک می کند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

## با توجه به این همه فساد و فحشا در دنیا چگونه باید زندگی کرد که بتوان از نعمت های این دنیا استفاده نمود و هم بتوان برای سفر آخرت مهیا بود؟

### پرسش

با توجه به این همه فساد و فحشا در دنیا چگونه باید زندگی کرد که بتوان از نعمت های این دنیا استفاده نمود و هم بتوان برای سفر آخرت مهیا بود؟

### پاسخ

مسئله توازن بین دنیا و آخرت یکی از مهمترین اصول عملی اسلام است. این مسئله امری ممکن ولی مانند هر آرمانبند دیگری تا حدودی مشکل می باشد. مشکل بودن این مسئله ربطی به زمان حاضر و دنیای کنونی ندارد بلکه بشریت همواره در طول زندگی گرفتار مسئله تضاد و اصطکاک بین برخی از منافع دنیوی و اخروی بوده است و پیوسته کسانی دنیا را بر آخرت و قلیلی از بندگان آخرت را بردنیا ترجیح داده اند بلکه آن جا نیز که از پی دنیا رفته اند با پاس داشت حریم آخرت رفته اند. و اما چگونگی امکان آن زمانی روشن می شود که مفهوم حدیثی که به آن اشاره کرده اید به درستی فهم گردد. پیام این روایت آن است که فعالیت های دنیوی انسان باید از اصول و ویژگی هایی صحیح عقلانی و برنامه ریزی شده برخوردار باشد؛ به عنوان مثال شما که به تحصیل اشتغال دارید برای اینکه بتوانید آینده سالمی را برای زندگی خود پایه ریزی کنید اگر این دوراندیشی نبود ممکن بود فرصت و نشاط و استعداد جوانی را از دست بدهید و فردا گرفتار هزاران مشکل حل نشدنی گردید. همچنین است در امور اجتماعی؛ یعنی نباید طور بی برنامه ریزی کرد که فقط امروز سپری شود و برای فردا اندیشه نکرد. بنابراین معنای این بعد روایت دوراندیشی و برنامه ریزی معقول است. بعد دوم می گوید: با حفظ قسمت اول همواره آمادگی برای مرگ داشته باشید و کاملاً خود را درخواستها و گرایشات دنیوی هضم نکنید؛ به عبارت دیگر این هم نوعی دوراندیشی فراتراز قسم اول

است. این آمادگی در ضمن فعالیت های صحیح دنیوی باید انجام گیرد و این در صورتی ممکن است که به دنیا نگرشی ابزار انگارانه داشته باشد نه هدف انگارانه. البته آمادگی هر لحظه برای مرگ مراتب و درجاتی دارد حداقل آن که در این روایت خواسته شده این است که:

۱- انسان حقوق الهی را به درستی ادا کند پس اگر واجبی از او ترک شده قضا نماید و اگر گناهی مرتکب شده توبه و استغفار نماید.

۲- اگر حقوقی از جامعه پایمال نموده جبران نماید بطوری که اگر ناگاه مرگ او در رسید مشکلی نداشته باشد.

۳- در صورتی که برایش مقدور است از محصول تلاشهای دنیوی خود قسمی را به خدمات دینی اجتماعی و... بپردازد تا ذخیره بیشتری برای آخرت کسب نموده باشد.

اکنون می پرسیم آیا جمع بین این دو ناممکن است؟ چه مانعی دارد که انسان برای دنیای خود تلاش کند به رفاه خود خانواده و اجتماع بیندیشد تولید ثروت نماید از مواهب الهی در این دنیا بهره برد ولی در همه این امور پاس دین و هنجارهای الهی را نیز داشته باشد. و برخلاف ضوابط و مقررات شرعی عمل نکند. واجبات خود را انجام و محرمات را ترک کند و حقوق الهی و بندگان را به دقت رعایت نماید؟ اگر چنین شد دنیای خوب و آخرت خوب در انتظار اوست. البته کسی در هر شرایطی که بخواهد این مسیر را پیش گیرد به دو سلاح نیازمند است

الف) آگاهی؛ یعنی باید دقیقاً بتواند حکم الهی در رابطه با راه های مختلف زندگی را بشناسد و بداند که در هر مورد خداوند به کدامیک از آنها امر می نماید و از چه مسیری باز می دارد.

ب) مجاهده و مبارزه با نفس. مسلماً در کشاکش زندگی گرایشات گوناگون مادی و دنیایی

انسان را به سوی خود فرامی خواند و از یاد آخرت غافل می سازد. این جا است که شخص باید با عزمی استوار و اراده ای محکم در برابر تمنا تا آخرت ستیز نفس بایستد پس از دنیا به قدر نیاز واقعی برگیرد و حظوظ لازم دنیوی را فراموش نسازد ولی همان را نیز به عنوان مقدمه و کوششی برای تلاشهای خداپسندانه و اخروی. گویند: عارفی به خوردن تکه نانی مشغول بود. از وپرسیدند چه می کنی؟ گفت: دنیا را گول می زخم. گفتند چگونه؟ گفت: نان آن را می خورم و کار برای آخرت می کنم. }]

## راهکار مطالعاتی برای انجام کارهای اساسی و تبلیغاتی در دانشگاه چیست؟

### پرسش

راهکار مطالعاتی برای انجام کارهای اساسی و تبلیغاتی در دانشگاه چیست؟

### پاسخ

سؤال بسیار خوب و دقیقی است و نشانه توجه و احساس مسئولیت شما در قبال مسائل علمی و فرهنگی می باشد. اما با توجه به این که تبیین کامل و جامع موضوع نیاز به تفصیل بیشتری دارد. فعلاً به طور خلاصه به دو محور یکی «بیان اهمیت و کلیت بحث» و دیگری «پرداختن به مورد سؤال به صورت کاربردی» می پردازیم و چنانچه ابهامی باقی ماند در مکاتبات بعدی جبران خواهد شد.

1- اهمیت انجام امور علمی و فرهنگی در دانشگاه ها: T با پیروزی و استقرار نظام جمهوری اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی، دانشگاه ها به عنوان یکی از مهمترین بخش های عرصه فرهنگ کشور، جهت تحقق اهداف و آرمان های بلند انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفت که لازمه آن از یک طرف فراهم آوردن شرایط و فضای مناسب برای ایفای این نقش مهم متناسب با اهداف انقلاب اسلامی و از طرف دیگر، آمادگی لازم به منظور مقابله و یا خنثی نمودن هجوم فکری و فرهنگی مغایر با مبانی دین و اهداف بلند این انقلاب می باشد. آنچه مسلم است برای انجام این مهم محورهای مختلف و جایگاه های گوناگونی است که می بایست وارد کار شده و طبق اولویت بندی علمی و منطقی لازم و از پیش تعیین شده به وظیفه انسانی، دینی و انقلابی خود عمل نمایند که دانشجویان و تشکل های اسلامی در دانشگاه ها یکی از عناصری هستند که در این زمینه می توانند نقش عمده و فراگیری را داشته باشند که در کنار آن عناصر دیگری از قبیل سیستم آموزشی، محتوای آموزشی، مدیریت، اساتید و فضای دانشگاه، هر کدام به نوبه

خود محور مهمی از این حرکت را می توانده عهده داشته باشد.

حال برای توجه بیشتر و نزدیک شدن به پاسخ سؤال لازم است به نکته مهمی اشاره شود: طبق فرمایش مقام معظم رهبری، سه اصل مهم برای دانشگاه و دانشجو وجود دارد: ۱- علم و جایگاه دانش، ۲- دین، اخلاق اسلامی و تهذیب نفس، ۳- بینش و شعور سیاسی، که هر سه اصل مهم، لازم و ضروری است و چنانچه به هر یک از این سه اصل بی توجهی شود، دست یابی به اهداف و آرمان های مقدس انقلاب اسلامی ممکن نخواهد شد. مشکل های دانشجویی نیز به سهم خود می بایست زمینه های لازم برای ایجاد فضای علمی، دینی، اخلاقی و سیاسی را در دانشگاه ها فراهم کنند. که این مهم خود نیاز به مطالعه، تعمق و برنامه ریزی منظم و منسجم را دارد.

T {پاسخ مورد سؤال به صورت کاربردی:} T با توجه به مطالب فوق ضرورت برنامه ریزی برای دست یابی به هدف تعیین شده در سؤال (تعمیق مبانی اعتقادی در کنار انجام امور علمی و فرهنگی) بیشتر نمایان می گردد و برای تحقق آن دو راهبرد پیشنهاد می شود. یکی «راهبرد علمی و مطالعاتی» و دیگری «راهبرد رفتاری و عملی».

الف) راهبرد علمی و مطالعاتی: در اینجا بیان این نکته لازم است که موارد زیر با توجه به سه اصل تربیت علمی، اعتقادی و سیاسی، به عنوان اهداف و رسالت دانشگاه و دانشجو بیان می شود:

۱- اهتمام جدی به تحصیل در رشته ای که تحصیل می کنیم.

۲- توجه و اهتمام به دروس معارف به عنوان زمینه ورود به مباحث اعتقادی.

۳- با توجه به این که هر یک از دروس معارف (معارف ۱ و ۲، تاریخ اسلام، اخلاق و تربیت اسلامی، ریشه های انقلاب

اسلامی) پیش زمینه های امور اعتقادی اخلاقی و سیاسی یک دانشجو را می تواند فراهم کند. علاوه بر سیر عادی درس، دو محور ارتباطی خوب می تواند راهگشا باشد، یکی «ارتباط با اساتید این

دروس و کسب راهنمایی لازم»، دوم «توجه و مطالعه منابعی که به عنوان کمک درسی برای این دروس ارائه می گردد.

۴- باید توجه داشت که همزمان انتخاب محورهای متفاوت مطالعاتی صحیح نیست و نتیجه ای جز احساس خستگی و دلسردی ندارد. در نتیجه، با توجه به احساس نیاز و علاقه شخصی یک موضوع را انتخاب و سیر مطالعاتی را در آن مسیر فعال نمود و پس از کسب معلومات لازم در یک زمینه، موضوع دیگری را شروع نمود.

۵- برای انتخاب هر سیر مطالعاتی ضروری است با یک استاد که در زمینه مورد نظر تخصص کافی دارد مشاوره نمود تا مطالعات یک مسیر منطقی از ساده به مشکل را طی نماید.

ب) راهبردهای رفتاری و عملی: ۱- حفظ ظواهر اسلامی در فضای دانشگاه از قبیل، نوع پوشش، ترکیب آرایش موی سر، روابط با دوستان، نظم در حضور کلاس، چگونگی رابطه با اساتید و...

۲- رعایت و عمل به شعائر و مناسک اسلامی از قبیل: توجه به نماز و نماز جماعت، برگزاری و شرکت در مراسم مذهبی، رعایت اخلاق اسلامی در محیط دانشگاه، کلاس، خوابگاه ها، اردوها و...

۳- توجه به مراسم و سنت های ملی و فرهنگی از قبیل ۲۲ بهمن پیروزی انقلاب اسلامی، روز جمهوری اسلامی، هفته دولت، هفته دفاع مقدس، روز وحدت حوزه و دانشگاه روز مبارزه با استکبار جهانی و...

۴- پرهیز از شعارهای غیر قابل اجرا، مقطعی و زودگذر.

۵- انتخاب یک خط مستقیم و کنار گذاشتن ملاحظات خطی و جناحی مغایر

۶- تقویت روحیه بردباری، تحمل و برخورد منطقی.

### برای اصلاح وضعیت اجتماعی دانشگاه و حفظ اخلاق دانشجویان از این محیط نامساعد، چه کنیم؟

#### پرسش

برای اصلاح وضعیت اجتماعی دانشگاه و حفظ اخلاق دانشجویان از این محیط نامساعد، چه کنیم؟

#### پاسخ

دقت و حساسیت و دلسوزی و دل نگرانی تان را نسبت به وضعیت فرهنگی جامعه و دانشگاه و جوانان عزیز این کشور می ستاییم و دعا می کنیم و امیدواریم امثال شما دانشجویان متدین و پای بند به ارزش های اخلاقی و دینی که درد خود و دیگران همیشه در دلهایشان می خروشد و شعله ور است با استفاده از خلاقیت های خود و به دست گرفتن امور به سالم سازی فضای دانشگاه و هدایت جوانان و نجات دیگران که به پرتگاه سقوط نزدیک می شوند، همت می گمارند و اجازه ندهند نامحرمان بر اوضاع و احوال فرهنگی تسلط یابند. این امر در صورتی تحقق خواهد یافت که جوانان پرشور و آشنا به وضعیت موجود و اهل درد صحنه و محیط را خالی نگذاشته و از هیچ گونه سعی و تلاشی دریغ نکرده و نسبت به اصلاح و ایجاد تغییر و رسیدن به اهداف مقدس خود ناامید نشوند و مرعوب برخی فضا سازی ها نشوند چرا که ترس و دلهره از طرفی و یأس و ناامیدی از طرف دیگر دو مانع بزرگ هر حرکت اصلاحی است.

اولیاء الهی کسانی هستند که نه خوف و ترسی از انجام وظایف خود در برابر دشمنان دارند و نه ناامید از رسیدن به اهداف الهی خود هستند. A {الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولا هم یحزنون} A بنابراین توجه شما را به نکاتی چند جلب می کنیم:

۱- از ادامه تحصیل در دانشگاه منصرف نشوید (در صورتی که از محیط و فضای فرهنگی دانشگاه تأثیر سوء نمی گیرید) و با مقاومت در برابر ناملایمات و مشکلات فرهنگی و مقابله با نابهنجاری های فرهنگی صحنه را برای



نامحرمان خالی نگذارید و جبهه حق را در برابر افکار و اعمال باطل و غیر فرهنگی تقویت کنید. مطمئن باشید حضور بیشتر امثال شما دانشجویان گام بهتری است برای سالم سازی محیط دانشگاه ها.

۲- با تقویت باورها و اعتقادات دینی و مذهبی خود را در برابر انحرافات و خطرات و تهدیدهای مختلف واکسینه کنید. بدین منظور هم در جنبه اعتقادی، به گسترش و تعمیق بنیه های ایمانی خود پردازید و هم در جنبه عملی به واجبات دینی و اخلاقی بیشتر توجه کرده و به انجام واجبات مثل نماز و شعایر دینی پرداخته و از مظاهر گناه و خلاف و هرگونه انحراف خود را دور نگه دارید.

۳- با تشکیل گروه های مختلف و به کمک دانشجویان هم فکر و هم عقیده و کسانی که درد دین دارند، برای مقابله با ناهنجاریهای فرهنگی به تبادل نظر نشسته و تصمیم گیری نموده و راه کارهای پیشنهادی را عملی سازید و همان طور که با مسئولین دانشگاه و برخی تشکل های دانشجویی به گفتگو پرداخته اید با جدیت بیشتری این کار را پی گیری کنید. مطمئناً می توانید تأثیرگذار باشید.

۴- توجه داشته باشید که نباید از معضلات اجتماعی آنچنان ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه ور سازید، چون خود این حالت نیز باعث کنندی کار و سدّ راه تکامل شما خواهد بود. نبی اکرم(ص) درباره نابسامانی اجتماع و عدم ایمان مردم به شدت ناراحت می شدند تا این که خدای سبحان حضرتش را دلداری داده و می فرماید:

«طه ما انزلنا علیک القرآن لثشقی؛ پیامبر ما این قرآن را برای این نفرستادیم که به خاطر کفر و عدم گرایش این مردم خود را به رنج و مشقت بیفکنی»، (طه، آیه ۱) و نیز می فرماید:

«لعلکم باخع نفسک الا یكونوا مؤمنین؛ ای رسول، تو چنان در اندیشه این خلقی که از غم بی ایمانی این مردم خود را هلاک کنی»، (شعراء، آیه ۲۳).

ملاحظه می کنید که قرآن مجید چگونه نبی اکرم (ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذر داشته است و نیز تعبیر حکیمانه علی (ع) در این راستا حائز اهمیت است که می فرماید: «الهمّ نصف الهمّ؛ همّ و غمّ نصف پیری را تشکیل می دهد»، (نهج البلاغه قصار ۱۴۳)؛ یعنی، غصه و اندوه انسان را می شکند و زود از پا در می آورد. با این نگرش، گرچه ما به احساس پاک شما ارج می نهم ولی رهنمود ما این است که خود را چنان دچار اندوه و حسرت نکنید که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید.

۵- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امر به معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت و ظرافت به انجام برسانید.

۶- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشکل داشته باشید.

۷- در محافل و مجالسی که تشکیل می دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری از دانشجویان به طور فعال و کوشا در این راه گام بردارید و مطمئن باشید که خدای کریم در صدد ارشاد چنین فرزانه‌گانی است. و امیدوار باشید که در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت.

### نظر شما درباره اردوهای مختلط دانشجویی و وظیفه ما در این رابطه چیست؟

#### پرسش

نظر شما درباره اردوهای مختلط دانشجویی و وظیفه ما در این رابطه چیست؟

#### پاسخ

باید عرض نمایم که به این مسأله در دو زمان متفاوت می توان نگاه کرد:

۱- نگاهی به قبل از این اردوها انداخت؛ نگاه به خانه، مدرسه، کوچه و در یک کلام به جامعه و این که چه عواملی این قبیل ناهنجاری ها را در پی داشته و راه کار برون رفت از این بحران چیست؟

با همه پیچیدگی ها راه حل اصولی را با چنین دیدگاهی می توان یافت.

۲- نگاه به زمان حال، در این نگاه صرف نظر از علل و عوامل به وجود آورنده این ناهنجاری ها آنچه مطرح است نبود این ناهنجاری ها می باشد. به عبارت دیگر جریان سالم اجتماعی با چنین نگاهی خواهان عدم اظهار و ابراز این ناهنجاری هاست. چنین نگاهی اگر چه کافی نیست اما لازم است و به نظر می رسد در راستای همین امر لازم باشد که حضور و فعالیت در محیط های آموزشی و علمی محدود به ضوابطی از جمله رعایت هنجارهای اجتماعی است. به نظر می رسد که مشکل در اینجا فقدان ضوابط و مقررات نباشد و مسأله به اجرا و نظارت بر گردد. در مرحله اجرا باید مجری و ناظر را در مثل این مورد

معین کرد و به نظر می رسد حراست هر مؤسسه در این رابطه بی مسؤولیت نباشد. البته باید در این رابطه ضوابط به طور شفاف مسؤول یا مسؤولین مقرر... و ناظر را مشخص کند. بعد از مشخص شدن مسؤولین اجرا... و ناظر باید از آنان خواست تا پاسخگو باشند. در نهایت از آنجا که وجود این قبیل ناهنجاری ها صرفنظر از قبح ذاتی می تواند روحیه علمی و معنوی دانشجویان متشرع را تضعیف نماید باید

نیک نظر کرد و فقدان ضوابط شفاف، مسئولیت ناپذیری مجریان و عدم پیگیری ناظران را رفع نمود. ما فکر می کنیم که اگر مسئولین و ناظران براساس ضوابطی روشن با متخلفین برخورد قاطع نمایند، لاقلاً در این قبیل محیط ها و در این حد شاهد ناهنجاری ها نخواهیم بود. از همین جا وظیفه شما نیز مشخص می شود. شما اولاً، با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر و مراتب آن باید در برخورد با این قبیل ناهنجاری ها، موضع مناسب را اتخاذ نمایید و ثانياً راه حل اصولی آن است که پیگیر آن ضوابط، مسئولین و ناظران باشید

و در هر جا خلاء و نارسایی احساس کردید، برای رفع آن اقدام لازم را به عمل آورید. این اقدامات اگر به طور گروهی و در قالب برخی تشکل های دانشجویی صورت گیرد مؤثرتر خواهد بود.

چنانچه بدانید رفتن به این گونه اردو موجب ارتکاب گناه می گردد از رفتن به آن اجتناب کنید.

### **چرا با وجود نیاز به عالمان دینی در مناطق محروم، آنها خود را در محیط های بخصوصی محدود کرده اند؟**

#### **پرسش**

چرا با وجود نیاز به عالمان دینی در مناطق محروم، آنها خود را در محیط های بخصوصی محدود کرده اند؟

#### **پاسخ**

با نگاهی اجمالی به آیات کریمه ی قرآن و دستورات دینی در می یابیم که تبلیغ از دین در درجه ی اول متوجه حضرت پیامبر(ص) و سایر پیشوایان معصوم(ع) بوده و در مراحل بعد متوجه وارثان آنان یعنی عالمان دینی و در نهایت متوجه آحاد مسلمانان در قالب امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

در طول تاریخ، عالمان دین به عنوان وارثان رسالت الهی پیامبر(ص) و جانشینان معصومش(ع)، همواره مجاهدت های دامنه داری در راستای تبلیغ از دین داشتند و حتی برخی از آنان در راستای نشر هنجارهای دینی، مشکلات زیادی را بر خویش هموار کرده و کوله ی هجرت بر دوش بسته و دلبستگی های دنیایی را به کناری نهاده و برای تحکیم مبانی دینی با قلم و قدم و زبان خویش سرمایه گذاری وسیعی کرده و برخی از آنان در این مسیر شهد شیرین شهادت در راه خدا را چشیدند. حوزه های علمیه در گذشته، علاوه بر حضور جدی در زمان خویش، در صحنه ی تبیین، تبلیغ و رساندن پیام دین نیز همگام با

زمان خویش بوده و از شیوه های رایج پیام رسانی جامعه ی خود بهره می بردند، خطابه و منبر از شیوه های متداول و مهم ترین ابزار حوزه در رساندن پیام خویش در گذشته بوده است. در قرن چهارم، خطابه و منبر جایگاهی بس بلند داشته است. در آن زمان، مردم از واعظان و سخن وران مشهور دعوت

می کرده اند تا پیام های دینی را از آنان بشنوند و آنان را موعظه کرده و مصالح دین و دنیایشان را در مساجد مطرح کنند، حوزه های علمیه نیز بخشی از اوقات خود

را به وعظ و خطابه برای مردم اختصاص می دادند. در نیمه اول قرن چهارم، ابوالحسن علی بن الحسین، متولی مدرسه ی بیهقی، اوقات طلاب را به سه بخش تقسیم کرد، بخش اول برای تحصیل و تدریس، بخش دیگر برای نوشتن احادیث و قسمت آخر برای تبلیغ و وعظ. علامه محمدحسین مظفر درباره ی نقش سخنوری و منبر در آگاهانیدن مردم نوشته است: «منبر در معرفی تاریخ اسلام و تاریخ اهل بیت (ع) و نشر و تبلیغ اخلاق و فضیلت، دارای نقش جالبی بوده است به همین جهت، اکثر مردم شیعه، نسبت به احکام دین در بی خبری بسر نمی بردند و با سیره ی رسول اکرم (ص) و احوال عترت او... آشنایی دارند و گاهی بعضی از مردم شیعه قادر بر مناظره و استدلال در مسأله ی امامت و جز آنها می باشند و این مزایا را باید نتیجه ی این گونه تعلیمات و ارشادات ابناء علم و بیان و سخنرانی های خطبا و اهل منبر دانست.» امروزه و در عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات، به مدد ابزارهای پیشرفته از قبیل، مطبوعات صدا و سیما، رایانه، اینترنت و ماهواره، تحوّل اساسی در امر تبلیغات، صورت گرفته و دو عامل حجم عظیم اطلاعات و اخبار و به روز بودن آن و همچنین عامل سرعت در انتقال اطلاعات، فرصت های رقابتی نوینی در عرصه تبلیغات فراهم کرده است، بر این اساس، اکتفا کردن به شیوه های رایج در گذشته اعم از خطابه، منبر، تعزیه و... زیننده ی آوازه ی بلند و عنوان مقدس «دین اسلام» نمی باشد. T {حوزه های علمیه و زمان شناس:} T حوزه های علمیه و به ویژه حوزه علمیه قم با توجه به تجربیات نوین بشری در عرصه ی ارتباطات و پیام رسانی و با استفاده از

سخت افزارهای موجود، نرم افزارهای جدیدی را ارائه کرده اند که نه تنها شرایط تحقیقی و پژوهشی را برای محققان و پژوهشگران آسان کرده بلکه در امر تبلیغ پیام دین نیز تسهیلات خارق العاده ای فراهم آورده است. علاوه بر این که، حوزه های علمیه با تقویت نهادهای تبلیغی، از تجربیات گذشته در عرصه ی تبلیغ دین غفلت نورزیده و با برنامه ریزی در این بخش به پیشرفت های خوبی دست یافته که در نوع خود جالب توجه است، به عنوان مثال، بر اساس طرحی که در قالب «طرح هجرت» در نهادهای تبلیغی شکل گرفته و به سمت نهادینه شدن پیش می رود، طلاب علوم دین با تحصیل در علوم و فراگیری علوم و ابزارهای لازم تبلیغی، به صورت طرح های یک ساله و بیشتر، به مناطق مختلف کشور از جمله روستاها مهاجرت کرده و در آن محل ها مستقر شده و مردم را در امور دینی یاری می رسانند. گرچه این طرح، مراحل ابتدایی را سپری می کند، اما در نوع خود، یک نوآوری محسوب می شود به طوری که در قالب این طرح و طرح های مشابه، سالانه صدها بلکه هزاران نفر در قالب کاروان های تبلیغی به سراسر کشور اعزام می شوند. البته طرح هجرت نیز مثل همه ی طرح های اولیه ی دیگر خالی از اشکال و مشکل نخواهد بود که به مرور زمان باید آن را به کارآمدی لازم نزدیک کرده و از مشکلات آن کم کرد. علاوه بر شیوه های پیش گفته، طلاب علوم دینی، همچون گذشته، در فصل ها و ماه های تبلیغ (محرم، صفر، رمضان و...) با

حضور در مساجد و حسینیه های سراسر کشور، همگام با مردم مسلمان در احیای شعایر دینی مشارکت جسته و در برپایی آن تلاش می کنند. به هر

حال، امروزه رسانه های عمومی سهم عمده ای در عرصه ی تبلیغ گفتاری، تصویری و نوشتاری پیدا کرده و نمی توان سهم آنان را در تبلیغ دین انکار کرد و یا احیانا از آنان غفلت ورزید، اما همچنان تماس حضوری عالمان و سخنوران پارسا و اهل عمل با مردم و تبلیغ دین و ابلاغ پیام پیشوایان الهی در قالب خطابه و منبر، تأثیرات فزاینده و عمیقی دارد، چرا که ارائه الگوی عینی و عملی همراه با تبلیغات کلامی و زبانی، پایدارترین ابزار در عرصه ی نشر هنجارهای دینی و تحکیم مبانی دین است. لازم به تذکر اینکه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه قم، متولی امر تبلیغ در اقصی نقاط کشور در قالب «طرح هجرت» بوده و به درخواست های مختلف از شهرها و روستاهای کشور با اولویت بندی پاسخ می دهد. در صورت لزوم، شما هم می توانید با مراجعه به سازمان تبلیغات شهر خودتان و یا با مراجعه به دفتر امام جمعه آن شهر از چنین فرصتی بهره ببرید.

## آیا با توجه به شرایط نامناسب جامعه می توان پاسخگوی نیازهای جوانان بود؟

### پرسش

آیا با توجه به شرایط نامناسب جامعه می توان پاسخگوی نیازهای جوانان بود؟

### پاسخ

در مورد قسمت اول این سؤال باید گفت: بحمدالله کشور ما هم از جهت منابع و امکانات مادی و هم از جهت معنوی (فرهنگ و ارزش های غنی اسلامی و ملی) دارای پتانسیل ها و قابلیت های گسترده ای است که قطعاً در صورت بهره برداری صحیح و کارآمد، نه تنها پاسخگوی نیازهای جوانان کنونی بلکه نسل های آتی نیز خواهد بود. به برکت انقلاب اسلامی اقدامات مفید و مؤثری در جهت حل مشکلات اساسی و حرکت جامعه به سوی پیشرفت و تعالی جامعه در ابعاد مختلف اقتصادی، صنعت و تکنولوژی، فرهنگی و اجتماعی و... برداشته شده است ولی متأسفانه وجود عواملی از قبیل: ساختار بد اقتصادی، مشکلات فرهنگی و اجتماعی به جا مانده از زمان قبل از انقلاب، جنگ تحمیلی، رشد سریع جمعیت، محاصره های سیاسی - اقتصادی دشمنان، تهاجم فرهنگی و تغییر ارزش های جامعه، وجود

برخی نقاط ضعف در ساختار مدیریتی کشور، درگیری های جناحی و سیاسی و... باعث شده که هنوز شاهد برخی معضلات و مشکلات در جامعه خصوصاً برای جوانان عزیز باشیم.

یکی از مسائل اساسی جوانان، مسأله اشتغال است که حل اساسی آن می تواند راهگشایی برای حل بسیاری از مشکلات اساسی کشور و جوانان باشد. بر این اساس مقام معظم رهبری یکی از اصول پیام نوروزی خود را «اشتغال مولد و مفید» قرار داده و قوای سه گانه را مأمور به رسیدگی به این مسأله کردند. تشکیل شورای عالی اشتغال به ریاست، رئیس محترم جمهور، طرح های ضربتی اشتغال، اعطای وام به فارغ التحصیلان و... از دیگر اقدامات مفید و مؤثر در این راستا محسوب می شود.

اما باید این واقعیت را

نیز در نظر گرفت که حل اساسی این قبیل مشکلات نیازمند زمانی طولانی، همدلی و همکاری مسئولین، پرهیز از اختلافات و درگیری های سیاسی، سرمایه گذاری بخش خصوصی و... می باشد. اما در مورد قسمت دوم این سؤال یعنی مسأله مهم ازدواج جوانان باید گفت: مسأله ازدواج در شرایط حاضر، به عنوان یکی از بزرگ ترین معضلات جوانان ما خودنمایی می کند. آنچه این مسأله را چنین بغرنج ساخته است، ناشی از عوامل متعددی است. این عوامل عبارت است از:

الف) طولانی بودن مدت تحصیل،

ب) عدم اطمینان نسبت به آینده،

ج) مشکل نظام وظیفه،

د) مخارج سنگین ازدواج،

ه) روحیه گریز از مشکلات.

برای حل مشکل، حرکت هایی از چند سو لازم است؛ از جمله:

الف) تغییر فرهنگ ازدواج، و تلاش همه جانبه در جهت آسان و کم خرج سازی آن،

ب) گسترش امکانات دولتی، از قبیل خوابگاه های متأهلین، وام ازدواج و...

ج) درگیر ساختن خانواده ها در جهت کمک به زوج های جوان و در حال تحصیل،

د) گسترش خوداتکایی، مسئولیت پذیری و روحیه برخورد فعال با مشکلات در جوانان.

در حال حاضر ترس از مشکلات، بیش از خود آنها، جوانان را از ازدواج دور می سازد. واقع مطلب این است که در هیچ مسأله ای نمی توان نشست تا مشکلات حل شود و سپس اقدام نمود. همه پیشرفت ها و موفقیت هایی که بشریت تاکنون به دست آورده، مرهون اقدامات انسان های ماجراجویی است که خود را به آب و آتش زده، و قهرمانانه از انبوه مشکلات استقبال کرده، و با عزم و پشتکار بر آن فائق آمده اند.

به قول شاعر:

زندگی جنگ است جانا بهر جنگ آماده شو نیست هنگام تأمل بی درنگ آماده شو

بسیاری از جوانان همین که ازدواج کرده اند و خود را ناچار به کاریابی



دیده اند، به تلاش مضاعف پرداخته و پس از چندی ندگی خود را رو به سامان برده اند. برعکس کسانی هم در انتظار حل مشکلات نشسته اند، در حالی که هیچ راه امیدی برای حل مشکلاتشان وجود ندارد. در حال حاضر توصیه ما به جوانانی چون شما این است که برای حل مشکل خود، فردی مناسب، که هم مورد علاقه شما و هم با شرایطتان سازگار باشد پیدا کنید و با توافق طرف مقابل و خانواده اش، او را به عقد رسمی خود در آورید ولی زمان ازدواج را دو یا سه سال به تأخیر بیندازید. این کار مزایای زیر را در بر دارد:

۱ از شیرینی دوران نامزدی که دلپذیرترین دوران زندگی است بهره مند می شوید.

۲ مخارج سنگین ازدواج بر دوش شما سنگینی نمی کند.

۳ به تدریج در برخورد با مشکلات و تلاش برای حل آنها، پختگی بیشتری برای زندگی کسب می کنید.

۴ در طی این مدت، کم کم در جست و جوی کار برمی آید تا بتوانید در کنار تحصیل کاری نیز دست و پا کنید و بدین صورت بر مشکلات اقتصادی فائق آمده، و زمینه های ازدواج را فراهم می کنید.

محاسن ازدواج دانشجویی:

- یافتن نقطه اتکای روانی و روحی،

- حفظ ایمان و صیانت شخص از گناهان جنسی،

- سلامت محیط دانشگاه از مفاسد.

مشکلات ازدواج دانشجویی:

- مشکل تأمین مسکن و ضروریات زندگی،

- مشغول شدن فکر به مسائل داخلی،

- به وجود آمدن محدودیت هایی در انتخاب شغل و یا تغییر رشته و ...

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- جوانان و انتخاب همسر علی اکبر مظاهری

۲- ازدواج آسان و شیوه همسر داری محمد محمدی اشتهاردی

۳- ازدواج آسمانی علی اکبر مظاهری

۴- ازدواج پایدار کاظمی حقیقی

۵- ازدواج در اسلام مصطفی کاشفی

۶- ازدواج و روابط زن و مرد نجفی یزدی

۷- پیوند دو قلب یا راهنمای ازدواج مهدی پاکزاد

۸- جوانان و ازدواج - زندگی بهتر سید احمد واحدی

۹- جوانان، ازدواج و مسایل جنسی روح الله خالقی

۱۰- راهنمایی ازدواج بهزاد رحمتی

### چه توصیه ائی به جوان دارید؟

#### پرسش

چه توصیه ائی به جوان دارید؟

#### پاسخ

سؤالات شما نشانگر طینت پاک شماسست و پیداست که در صدد راه حل و تشنه حقیقت هستید توصیه ای که بهعنوان یک برادر دلسوز و مهربان به شما دارم این است که:

اولاً، مطالعه کتب ارزشمند اخلاق و تربیت را فراموش نکنید.

ثانیا، با علما و دانشمندان در ارتباط باشید و همیشه دفترچه سؤالاتی به همراه داشته باشید که بتوانید بهتر از وجود آنها استفاده کنید. نیز توصیه می شود کتب اخلاق خانواده، بویژه قسمت‌هایی که مربوط به جوانان دختر و پسر و شرایط انتخاب همسر می باشد را حتما جزو برنامه مطالعاتی خود قرار دهید. بدانید غفلت در این مسأله مهم و حساس هرگز روا نیست. با قرآن و تدبر در آن مأنوس باشید، نهج البلاغه را ورق بزنید و تکه های شیرین و جالب آنرا حفظ کنید که بسیار نافذ است. تکه های تاریخی شیرین و سازنده را مورد مطالعه قرار دهید. از اشعار دلنشین اخلاقی، عرفانی، تربیتی و سازنده نیز دریغ نفرمائید. توصیه نهائی ما به شما این است که ارتباط خود را با نمازهای جمعه و جماعت در مساجد همچنان حفظ کنید که برکات و الطاف مرئی و نامرئی بیشماری در آن نهفته است. به امید موفقیت و سرافرازی شما. }]

### بهترین خدمت به جامعه و مردم چیست ؟

#### پرسش

بهترین خدمت به جامعه و مردم چیست؟

## پاسخ

خدمت به مردم، اقسام مختلفی دارد و نمی توان به طور مطلق عمل خاصی را بهترین خدمت دانست؛ بلکه به تناسب شرایط و نیازهای اجتماعی و نیز توانایی های انسان، خدمات متفاوت است؛ مثلاً بهترین خدمت یک عالم دینی، تلاش و کوشش در جهت هدایت و ارشاد جامعه است و بهترین خدمت یک پزشک، تلاش در جهت درمان بیماران و بهسازی وضع درمان و بهداشت جامعه است و بهترین خدمت یک ثروتمند، کمک به تهی دستان و بنیانهادن انجمن های خیریه و خدماتی از این قبیل می باشد.

## در مورد مشکل ((هویت جوانان))، دست اندرکاران فرهنگی چه باید بکنند؟

### پرسش

در مورد مشکل ((هویت جوانان))، دست اندرکاران فرهنگی چه باید بکنند؟

### پاسخ

مسئله بحران هویت و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان پدیده ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می نمایم: نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می دهد که هر چه احساس بی هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش های حاکم در جامعه بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه های غربی رپ و هوی متال و... بیشتر می شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه پذیری، فراهم نکرده است، گرایش های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام

و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی های شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه گر شده است. از جمله عواملی که زمینه های این روند را فراهم نموده و به آن شدت می بخشد عبارتند از:

۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و

ضعیف است.

۲- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن از آنها.

۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب زده و مطبوعات وابسته به

خارج و...).

۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی.

به نظر می رسد از جمله مناسب ترین راهها برای مصونیت بخشیدن جوانان از بحران هویت و خارج ساختن آنان از باتلاق «الیناسیون» و از خود بیگانگی باز گرداندن آنها به ساحل نجات هویت اجتماعی، فرهنگی و دینی است و در این عرصه، نزدیک تر شدن گروه های همسال و جوانان متفکر، متدین و با اخلاق به آنان، گامی مهم در جهت جذب آنان می باشد. به طور کلی، جوانانی که در محیط خانواده و تحت نظارت والدین خویش بسر می برند و همواره دریافت کننده ی محبت های پدر و مادر خویش می باشند. سعی می کنند هنجارهای حاکم بر خانواده و محیط خویش را رعایت کنند، اما اکنون که بهانه ی تحصیل یا کار از محیط با صفای خانه و خانواده جدا شدند، سرمایه ی بزرگ توجه و محبت اطرافیان را از دست داده اند و خود را فراموش شده می بینند و اصولاً هر چیزی که بتواند باعث توجه دیگران به ایشان شود، اقدام

به آن کارها خواهند کرد. امروزه با توجه به الزامات عصر ارتباطات و پرتاب موشک های تهاجم فرهنگی غرب به جهان سوم و اصابت ترکش های آن به جوانان پاک و بی پناه، لازم است با تجدید نظر در ارزیابی هایمان نسبت به آنان، چترهای حمایتی جامعه را گسترانند و این جوانان پیرو مدل های غربی را به ارزش های فرهنگی و معنوی جامعه باز گردانند. بسیاری از این جوانان تشنه ی محبت و مهربانی هستند و این اکسیر محبت را هر کجا بیابند به آن سمت خواهند رفت و چه بسا در این راه در دام های مفاسد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (جذب جنس مخالف، اعتیاد، قاچاق و...) گرفتار خواهند شد. بهترین و کم هزینه ترین راه برای جلوگیری از چنین انحرافات فرهنگی، عرضه کردن فرهنگ ناب اسلامی در قالب فنون و هنرهای مختلف، از طریق جوانان خوش فکر، خوش ذوق و خوش برخورد است، مطمئن باشید اگر جوانان با مکتب حیات بخش اسلام و احکام نورانی آن و سیره ی معصومین(ع) آشنا شوند آن را با هیچ چیز عوض نخواهند کرد، چرا که در لابلای قوانین مترقی اسلام حتی برای جذب مخالفین و دشمنان هم، برنامه های جالبی داریم (البته این دسته از جوانان را نباید دشمن انگاشت) اینک به دو نمونه از رفتار عملی معصومین(ع) اشاره می کنیم:

۱. یکی از افرادی که در مدینه با پیامبر(ص) و مسلمانان مخالف بود و از هر فرصتی برای کارشکنی، البته به صورت مخفیانه، خودداری نمی کرد عبدالله بن ابی بود. این فرد، رئیس قبیله ی خزرج و رهبر منافقان در مدینه بود، با وجود این، زمانی که از دنیا رفت، اطرافیان او از پیامبر(ص) خواستند که پیراهن

خود را در اختیار آنان قرار دهد تا عبدالله بن ابی را با آن کفن کنند تا شاید بدان سبب مورد رحمت قرار گیرد. پیامبر(ص) خواسته ی آنان را اجابت کرد. برخی از اصحاب به وی اعتراض کردند که چرا با آنکه وی کافر است چنین کردی. آن حضرت فرمود: «پیراهن من مانع عذاب او در آخرت نیست. و من با این کار امید دارم جمع کثیری اسلام بیاورند.» گفته شده که هزار نفر از خزرج زمانی که دیدند عبدالله بن ابی به لباس پیامبر متوسل شده است اسلام آوردند، (تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۵۰).

۲. روزی بیرون از مدینه مردی امام زین العابدین(ع) را دید و به او ناسزا گفت. یاران امام(ع) به او حمله کردند. امام فرمود: دست بردارید. سپس رو به آن مرد کرد و گفت: آنچه از کارهای ما بر تو پوشیده است بیش از آن است که تو می دانی. آیا نیازی داری تا آن را برآورده سازم؟ مرد شرمنده شد. امام(ع) لباس خود را به او بخشید و دستور داد هزار درهم به او بدهند. مرد پس از آن واقعه، همیشه می گفت شهادت می دهم که تو از فرزندان رسول خدایی، (کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۹۳). بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از:

۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و

تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی.

۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی.

۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد.

۵- تحقق باوری عمیق، درونی، ریشه دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت.

۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی...

در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلماً برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست، اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری

- انقلاب



- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی).

**برخی عقیده دارند پایه گذاری دانشگاه در ایران غلط بوده است و با فرهنگ ما سازگاری نداشت امروز می بینیم که دانشجو دنبال هر چیزی است جز دانش . اولاً می خواهیم ریشه یابی این معضل را بدانم ثانیاً راه حل قابل دسترسی برای اصلاح این وضع چیست.**

### پرسش

برخی عقیده دارند پایه گذاری دانشگاه در ایران غلط بوده است و با فرهنگ ما سازگاری نداشت امروز می بینیم که دانشجو دنبال هر چیزی است جز دانش . اولاً- می خواهیم ریشه یابی این معضل را بدانم ثانیاً راه حل قابل دسترسی برای اصلاح این وضع چیست.

### پاسخ

این موضوع نیازمند بررسی و تحقیق گسترده است که از حوصله و گنجایش یک نامه خارج است، اما به اختصار می توان برخی از عوامل ناکارآمدی و مشکلات کنونی دانشگاه ها را در امور ذیل نام برد:

۱. نفوذ و تسلط بیگانگان بر پیدایش و تکوین دانشگاه و علوم دانشگاهی:

هر چند تشکیل دارالفنون به وسیله امیر کبیر، اقدامی بسیار مهم و مثبت در جهت پیشرفت علمی و صنعتی کشور و تأمین نیازهای اساسی آن بود، اما متأسفانه به دلیل حیات کوتاه امیر کبیر، این هدف به فراموشی سپرده شده و تأسیس مدارس و دانشگاه های جدید، به عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ بیگانگان و تحقق اهداف شوم آنان در جهت بسط و نفوذ فرهنگ خویش از یکسو و استثمار منابع انسانی و اقتصادی کشورمان، درآمد (امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، اکبر هاشمی رفسنجانی، انتشارات فراهانی، ۱۳۴۶، ص ۱۳۶).

۲. عدم تطابق این علوم با فرهنگ اسلامی و سنتی ایران:

علوم جدید غرب که بر پایه دیدگاه مادیگرایانه و سکولاریستی پایه ریزی شده بود و تنها حس و تجربه را معیار معرفت شناختی خویش قرار داده و بر آوردن نیازهای مادی انسان را هدف و وظیفه خود می دانست به هیچ وجه با فرهنگ و ارزش های اسلامی و سنتی ایران همخوانی و تطابق جدی نداشت.

طبیعی است رشد و پرورش علوم غربی

در فضایی کاملاً نامتجانس نمی تواند کارآمد و عملکرد مفید و مطلوبی داشته باشد.

۳. عدم تطابق با نیازهای اساسی جامعه:

متأسفانه بسیاری از علوم رایج دانشگاهی خصوصاً در رشته های انسانی، تناسب چندانی با نیازها و شرایط عینی جامعه ما ندارد و علاوه بر هدر رفتن سرمایه های عظیم انسانی و مالی، دستاوردهای مطلوبی را هم به دنبال نداشته است.

۴. ترجمه ای بودن علوم دانشگاهی:

هر چند انتقال علوم و بهره گیری از تجارب و دانش ملل مختلف، فی نفسه امری مطلوب می باشد، اما به هیچ وجه کافی نیست، بلکه این امر زمانی فایده بخش است که بتواند به فرآیند نظریه پردازی و تولید علم و دانش متناسب با فرهنگ و نیازهای عینی جامعه مبدل شود که متأسفانه در کشور ما بیشتر به ترجمه اکتفا شده و علوم دانشگاهی ما را با ناکارآمدی مواجه ساخته است.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. حوزه و دانشگاه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه ۱۳۷۸

۲. نقش جریان روشنفکری در سکولاریسم تربیتی، جمیله علم الهدی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰

مجموعه مشکلات فوق سبب شده تا مقام معظم رهبری بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، تأکید نموده و تمامی اندیشمندان و دلسوزان جامعه اسلامی ما را به تحقق عینی این موضوع مهم فراخوانده.

در ادامه مطالبی را در توضیح این مسأله و راهکارهای تحقق آن و... را بیان می نمایم:

نهضت آزاد اندیشی یکی از راهکارها و مقدمات جنبش نرم افزاری است. بررسی دقیق تمامی ابعاد این مسئله از ظرفیت یک نامه خارج است لذا به اقتضای مطالبی را بیان می نمایم:

الف. چیستی جنبش نرم افزاری:

این اصطلاح از دو کلید واژه مهم یعنی جنبش

و نرم افزاری تشکیل شده است. اصطلاح جنبش یا به تعبیر دیگر نهضت، معمولاً در جایی گفته می‌شود که آن جامعه گرفتار رکود، سکون و ثبات باشد. لذا جنبش و نهضت یک نوع حرکت فزاینده است.

لذا خود مقام معظم رهبری در تبیین این معنی، یکسری واژه‌های تبیینی دیگر هم ذکر کرده‌اند مانند پاسخ به سؤالات، تولید اندیشه، نظریه پردازی و مانند اینها.

اما اصطلاح نرم افزاری: به محتوای علوم و آن چیزی که به تولید اندیشه و نظریه پردازی است، مربوط می‌شود. این جنبش نرم افزاری صرفاً به معنای آموزشی، تدریس و تعلیم و تعلم نیست. زیرا این فرایند‌ها در جوامع و کشور خودمان هم وجود داشته است. بلکه یک پروسه و فرایندی است که می‌خواهد فرآیند آموزشی و علمی مجامع حوزوی و دانشگاهی ما را تغییر دهد. جنبش نرم افزاری می‌خواهد بگوید که فرایند علمی موجود در جامعه ما فاقد دو رکن مهم است: یکی رکن روحیه علمی و دوم نظام سیستماتیک علمی. جنبش نرم افزاری یک حرکت علمی اجتماعی است که این دو رکن روحیه علمی و نظام سیستماتیک را به فرآیند تعلیم و تعلم ما تزریق می‌کند. روحیه علمی آن روحیه‌ای است که همراه با اراده فهمیدن، گشودن باب گفت و گوی نقادی عالمانه، منطقی و نوآوری است. و هر کدام از اینها دارای مراتبی است، نوآوری معنایش این نیست که حتماً یک پایه معرفتی جدید، یک نظام و یک دستگاه معرفتی جدید ارائه شود و به تمام میراث گذشته، پشت پا بزنند. یک مرتبه نوآوری، پاسخ به سؤالات و شبهات و نیازهای جدیدی

است که در جامعه وجود دارد مثلا- کار فقهای ما در حوزه ها، یک کار نوآوری است و چون در برابر پرسش ها، به پاسخ های جدیدی می پردازند.

اما نظام سیستماتیک دارای عناصر ذیل است:

۱. تبیین و کشف مباحث زیرساختی و بنیادین علوم:

مسئله هر ادعایی که ما مطرح می کنیم یک سری پیش فرضهای معرفت شناختی، هستی شناختی و جهان شناختی دارد که به عنوان مباحث زیرساختی و بنیادین همه علوم به شمار می آید.

۲. نیاز شناسی فکری و نظری:

یعنی توجه به اینکه ما انسانیم و در جهانی متغیر زندگی می کنیم، تغییر جزء لاینفک حیات فردی و اجتماعی ماست. از طرف دیگر نیز دین یک سری متغیراتی دارد. باید نیازهای متغیری که روز به روز بوجود می آید را شناخته و آنها را کشف کنیم.

۳. بازپژوهی و بازپیرایی ذخایر علمی:

یعنی وقتی که ما به نیاز جدیدی برخورد می کنیم نباید خودمان را از هویت علمی و فرهنگی گذشته مان منفک کرده و بعد شروع کنیم به پاسخ یابی بلکه باید میراث گذشته را هم شناسایی کنیم.

۴. پاسخ یابی و دریافت اندیشه ها و علوم که جای نوآوری در اندیشه است.

۵. مطالعه تطبیقی بین اندیشه برگزیده و اندیشه ای که در مکاتب و نظریات معارض وجود دارد. یعنی باید به مکاتب، ایسم ها و نظریاتی که در کنارمان وجود دارد توجه نمود. اشتراکات و تمایزات را بررسی کرد. مطالعه تطبیقی باعث رشد و بالندگی در اندیشه ما می شود.

بعد از اینکه ما این فرایند را و این عناصر نظام سیستماتیک را طی کردیم، به تمدن سازی و فرهنگ سازی می رسیم؛ یعنی اگر ما

بتوانیم جنبش نرم افزاری را بارور کن روحیه علمی و نظام سیستماتیک تحقق ببخشیم فرهنگ سازی کرده ایم و بعد از این مرحله است که تمدن سازی تحقق پیدا می کند و در موضوعاتی نظیر تکنولوژی و صنعت، معماری و هنر و سایر مقولات که به عنوان دست آورد علوم و فرهنگ به شمار می آید، ظهور می یابد.

ب. چرایی جنبش نرم افزاری:

یکی از ویژگی های مهم جنبش «همگانی» بودن آنست: مفهوم جنبش، حرکت فزاینده همگانی است، پس اولاً حرکت است نه رکود و سکون، و یک حرکت رو به رشد و تزايد است نه یک حرکت آرام. از طرفی همگانی است یعنی جنبهء پابلیک و عمومی دارد و شخصی و فردی نیست. با این خصوصیت پاسخ برخی از پرسش هایی که مطرح می شود که مگر تا کنون باب گفت و گو بسته بوده، مگر نقد و نظری نبوده، مگر کسی نظریه پردازی نکرده است؟ تحولات عمیقی که در حوزه ها در رشته های کلام، فلسفه، تاریخ، تفسیر، اقتصاد، روان شناسی و جامعه شناسی و رشته های دیگر که در حوزه ها تاسیس شده و صاحب نظران و فرهیختگان زیادی که در سطح داخلی و بین المللی مطرح اند و همچنین در دانشگاه ها پیشرفت های خیلی خوبی مخصوصاً در رشته های پزشکی و فنی، حاصل شده است و همه اینها بعد از انقلاب اسلامی بوده، چگونه می توان اینها را نادیده گرفت؟ مسلماً همه اینها نوآوری و نظریه پردازی است اما جنبش نبوده است. بلکه حرکت های آرام و یا حرکت هایی شخصی و فردی است. و در مجموع جامعه، مجامع دانشگاهی

و حوزوی ما دچار رکود است. (ر.ک: تحلیل زیر ساخت های نظری جنبش نرم افزاری، گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین، دکتر عبدالحسین خسروپناه، روزنامه سیاست روز، ۱۳۸۲/۵/۱۳، ص ۶ و ۷).

افزون بر این آنچه که در شکل گیری و اهمیت جنبش نرم افزاری بسیار موثر است، مواجهه ما با دنیای جدید، پیچیده شدن مناسبات اجتماعی و نوع تحولاتی که در داخل جهان اسلام اتفاق افتاده، می باشد که نیازمندی ها و بایسته های جدیدی را مطرح کرده است.

به طور کلی دو ویژگی مشخص، دوران جدید را از گذشته متمایز کرده است:

ویژگی اول اینست که در این دوران تاریخی، اسلام با رقیبان جدی ای در حوزه اندیشه و نظر مواجه بوده است و اندیشه ها و مکاتب و دیدگاه های گوناگونی مطرح شده که در گذشته وجود نداشته است. طبیعتاً حضور این رقیبان جدید، برای حوزه های علمیه و اندیشمندان دینی نیازهایی را مطرح کرده که باید به آنها پاسخ گفت:

ویژگی دوم، نیاز به حضور دین در صحنه عمل اجتماعی بوده است. در گذشته به ادله و بهانه های مختلف، نفوذ و حاکمیت دین را بر نهادهای اجتماعی و حکومت ها کاسته یا به طور کلی قطع کردند و قلمرو دین را تنها در سطح اخلاق و اعتقادات فردی منحصر کردند. اما هم با ظهور انقلاب اسلامی در ایران و هم به دلیل وضعیت خاص جهان اسلام و احساس ضرورت همبستگی ملت های مسلمان و به دلیل پیچیده شدن مناسبات اجتماعی گستره نفوذ حکومت از حوزه اقتدار سیاسی فراتر رفت، و به همه جنبه های حیات انسان نفوذ پیدا کرد. بقای دین در

صحنه عمل، مرهون حضور در ابعاد مختلف، مناسبات اجتماعی و حاکمیت سیاسی گردید.

آنچه امروز به عنوان تولید اندیشه دینی یا تولید علم دینی مطرح است، در واقع به این دو نیاز بر می گردد: اول، بازاندیشی در میراث اسلامی و تنقیح افکار و معارف دینی از امور زائد و احیاناً چیزهایی که باز در ارتباط با دین و فرهنگ دینی بوده است؛ دوم، طراحی و مهندسی نظامهای اجتماعی بر اساس فرهنگ و آرمانهای دینی. (ساختار تولید علم و توسعه علوم دینی، گفت و گو با امینی و سبحانی، نشریه پژوهش و حوزه ش ۱۲).

به عبارت دیگر، اسلام مدعی جامعیت و کمال است و حضور اجتماعی دارد پس باید برای مناسبات اجتماعی، ارتباطات فرهنگی و پرسش ها و مکاتب نوین پاسخی داشته باشد. اگر بخواهیم اسلام را در دنیای امروز ظهورش را نشان بدهیم، چاره ای نداریم جز اینکه تولید اندیشه و نوآوری داشته باشیم و این با نقد، مناظره، گفت و گو و جنبش نرم افزاری فراهم می شود.

متأسفانه اگر بخواهیم تولید علم در ایران را با استانداردهای جهانی مقایسه کنیم، هم در شاخص های انسانی و مالی و هم از نگاه ساختاری و نیز از منظر رفتار و عملکرد هیچ یک در حد قابل قبول نیستند.

ج. چگونگی و راههای تحقق جنبش نرم افزاری و تولید علم:

برای رسیدن به تولید فکر و اندیشه دینی، به دو دسته نیازها باید توجه جدی کرد: یکی به ظرفیت ها و امکانات درونی (درون حوزه پژوهش و آموزش و درون حوزه و دانشگاه) و دیگری شرایط بیرونی.

در بخش اول که بخش ظرفیت های درونی است، مسئولیت اصلی به عهده

مدیران عالی مجموعه های علمی و دینی است. اینها باید حمایت کنند تا مدیریت های سالم و کارآمد و هدف دار در حوزه آموزشی و پژوهش حوزه و دانشگاه شکل بگیرد.

بخش دوم شرایط بیرونی است. اگر شما همه ظرفیت ها را هم ایجاد نکنید، باز هم برای تولید فکر کافی نیست. ممکن است شما رشته های تخصصی ایجاد کنید، استعدادهای برتر را جذب کنید، روش شناسی درستی را طراحی کنید و حتی حمایت هم بکنید، اما فضای لازم و نظام ارزشی مناسب برای نخبگان و تولید گران فکر و دانش موجود نباشد و یک نخبه احساس بکند که طرح بحثی جدید در فقه یا تفسیر یا کلام و یا سایر مسائل جامعه، همیشه با انگشت اتهام و تردید مواجه می شود. طبیعی است که در این صورت، ظرفیت بسیاری از نخبگان متوجه تولید فکر نخواهد شد.

صاحبان قدرت در حوزه علم و تفکر چیزی را می پسندند که به قدرت آنها بیفزاید (یا حداقل قدرت آنها را تهدید نکند) حال آنکه یک نخبه فکری اولین دغدغه اش این است که معضل موجود را حل کند و به اصلاح و بهبود شرایط پردازد. صاحبان ثروت هم در این زمینه نقش ایفا می کنند. وقتی امکانات و بودجه های پژوهشی بعضا در اختیار افرادی است که شرایط علم و دانش را ندارند و حداقل صاحبان علم و اندیشه نیستند، طبیعی است که توزیع ثروت در نهادهای فرهنگی و در بین عناصر فرهنگی، به گونه ای خواهد بود که انگیزه های نخبگان ما را دچار اختلال می کند.

از این جهت، باید به آزادی، به مفهوم درست خودش، یعنی آزادی



حوزه فرهنگ از قید و بندهای قدرت و ثروت و دور نگاه داشتن فرهنگ از جوسازی ها و غوغاسالاری هایی که معمولاً در شرایط کنونی جامعه ما وجود دارد، توجه جدی نمود. (پیشین)

**در سراسر کشور کارهای هماهنگ انجام شده (مانند گسترش جمله هایی نظیر حجاب مصونیت است و ... از طریق اماکن دولتی و تاکسی ها و ...) ولی چرا تبلیغات ما اثر نمی کند و در عوض تبلیغات ماهواره ای دشمن در جوانان اثر می کند مشکل کجاست. آیا راه حل را نمی دانیم امکانات**

### پرسش

در سراسر کشور کارهای هماهنگ انجام شده (مانند گسترش جمله هایی نظیر حجاب مصونیت است و ... از طریق اماکن دولتی و تاکسی ها و ...) ولی چرا تبلیغات ما اثر نمی کند و در عوض تبلیغات ماهواره ای دشمن در جوانان اثر می کند مشکل کجاست. آیا راه حل را نمی دانیم امکانات نداریم. نیرو نداریم یا اینکه اصولاً مسئولین فرهنگی کشور نمی خواهند یا برایشان اهمیتی ندارد که این مشکل حل شود.

منابع معتبر و در دسترس و در عین حال کم حجمی معرفی کنید برای مطالعه بیشتر در مورد ریشه یابی این مشکل و راه حل های آن ؟

### پاسخ

بررسی این موضوع و تبیین علل و عوامل آن نیازمند ارائه مطالبی مبسوط است که خارج از گنجایش یک نامه می باشد، از این رو ضمن اشاره مختصر به نکاتی در این خصوص، تحقیقات گسترده تر را با استفاده از منابعی که معرفی می شود، به شما وامی گذاریم:

اولاً این چنین نیست که تبلیغات و اقدامات فرهنگی ما - علی رغم وجود برخی نارسائی ها و عدم کفایت آنان - هیچگونه تأثیری نداشته باشد، اگر به نمادها و مظاهر غیر اسلامی در جامعه توجه می شود، در کنار آن باید به نمادها و مظاهر اسلامی هم توجه شود آیا می توان میلیون ها جوان پاک، مؤمن و خداجو را نادیده گرفت که با عشق و اخلاص به احکام و موازین اسلامی معتقد و ملتزم می باشند، به عنوان نمونه خیل عظیم سؤالات و پرسش های اعتقادی، مذهبی و... که از این مرکز مشاوره می شود و یا شرکت گسترده در مراسم های مذهبی ماه مبارک

رمضان، اعتکاف، ماه محرم و نمازهای جماعت، زیارتگاه ها، مراسم های انقلاب، استقبال از مقام معظم رهبری و... آنها را نادیده گرفت.

ثانیا، اصولا از دیدگاه قرآن باطل نمودی کاذب و فریبنده داشته و روی حق را می پوشاند: «انزل من السماء ماء فسالوا اودیه بقدرها فاحتمل السیل زبدا رابیا و مما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیه او متاع زبد مثله، كذلك یضرب الله الحق والباطل، فاما الزبد فیذهب جفاء و اما ما ینفع الناس فی الارض کذلک یضرب الله الامثال» (رعد، آیه ۱۷).

همانگونه که کف روی آب را می گیرد و می پوشاند، به طوری که اگر آدم بی خبری بیاید نگاه کند و از ماهیت قضیه خبر نداشته باشد کف خروشان را می بیند که در حرکت است و توجهی به آب باران که زیر این کف هاست نمی کند، در حالی که این آب است که چنین خروشان حرکت می کند نه کف، ولی چون کف ها روی آب را گرفته اند، چشم ظاهر بین که به اعماق واقعیات نفوذ نداشته باشد، فقط کف را می بیند. باطل هم همچنین است که بر نیروی حق سوار می شود و روی آن را می پوشاند، به طوری که اگر کسی ظاهر جامعه را ببیند و به اعماق آن نظر نیندازد، همان قله های شامخ و افراد چشم پر کن را می بیند (حق و باطل، استاد مطهری، انتشارات صدرا، ص ۴۹).

در جامعه ما هم وضعیت همین گونه است، از برداشت های سطحی به ظاهر برخی جوانان و... چنین استنباط می شود که ارزش های غیر اسلامی و غربی توانسته است بر روح و

جان جوانان ما حاکم شود، اما نگاهی دقیق بنمایه های فکری، اعتقادی و عملکردهای مذهبی آنان، خلاف این برداشت را به اثبات می رساند و این بنمایه های فکری و اعتقادی عمیق است که به راحتی می تواند در کوتاه مدت تحولی بسیار عمیق حتی در جوانان که به دنبال مظاهر غربی افتاده اند، تحولی عظیم به وجود بیاورد؛ به فرموده قرآن کریم «بل نقذف بالحق علی الباطل، فیدمغه فاذا هو زاهق؛ از حق یک نیروی انقلابی می سازیم، آن را بر باطل می افکنیم ناگهان می بینی که باطل بر افتاد، باطل اصلا رفتنی است» انبیاء، آیه ۱۸).

ثالثاً، بحمدالله به برکت انقلاب اسلامی و معارف و فرهنگ غنی اسلامی، از ظرفیت های بسیار بالای تبلیغاتی و فرهنگی برخوردار هستیم و انصافاً کارهای بسیار عظیمی هم انجام شده است ولی باید به این واقعیت نیز اذعان داشت که طرف مقابل ما هم از تکنولوژی و ابزارهای بسیار پیشرفته تبلیغی برخوردار بوده که این هم می تواند به میزان بسیار زیادی در تأثیرگذاری تهاجم فرهنگی بر روی برخی از جوانان ما مؤثر واقع شود و فرهنگ منحط و باطل خود را با استفاده از دقیق ترین، ظریف ترین و جذاب ترین شیوه های تبلیغاتی منتقل نمایند.

علاوه بر امکانات مادی پیشرفته آنان، عامل دیگری که به شدت در تأثیرگذاری تهاجم فرهنگی غرب نقش اساسی دارد، همسویی و همخوانی محتوای آن با خواسته ها و امیال نفسانی و غرایز شهوانی بشر می باشد و طبیعی است که سوق دادن جوامع انسانی به سوی انحطاط و تباهی با استفاده از این ابزارها به مراتب آسان تر از هدایت آنان

- که به نوعی محدودیت و تعیین محدوده برای غرایز و امیال نفسانی است - می باشد.

رابعاً، علاوه بر قوت امکانات مادی، دشمن و همسویی آن با امیال نفسانی، متأسفانه برخی نقاط ضعف در مدیریت فرهنگی کشور مشاهده می شود، به نحوی که از یک سو آنگونه که شایسته و مطلوب جامعه و نظام اسلامی ما بوده، نتوانسته است ارزش ها و فرهنگ اصیل اسلامی را در تمامی بخش های جامعه و خصوصاً دانشگاه ها، تثبیت و نهادینه سازد و از سوی دیگر، وحدت رویه و وفاق لازم در کارکردهای این مجموعه به صورت کامل مشاهده نمی شود و بالاخره این که وجود برخی تفکرها در برخی بخش های فرهنگی در مقطعی زمینه های ترویج و تأثیرگذاری تهاجم فرهنگی غرب را مساعد نمود. هر چند با مجاهدت های سایر مسئولین و بخش های فرهنگی متعهد، تا حدود زیادی از ادامه و عمق این فاجعه کاسته شد.

منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر در این زمینه :

۱. شیوه های درمانی مفاصل اجتماعی، علی اکبر بابازاده، انتشارات دانش و ادب، ۱۳۸۱
۲. انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹
۳. توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹
۴. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸
۵. تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۸
۶. تهاجم فرهنگی، استاد محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶
۷. تهاجم فرهنگی، سید مرتضی حسینی اصفهانی، انتشارات فرهنگ قرآن، ۱۳۷۹
۸. مبانی نظری تمدن غرب، شهید سید مرتضی آوینی، فصلنامه مجله دانشجو، تابستان ۱۳۷۷
۹. جوان مسلمان و دنیای متجدد، سید حسین نصر، تهران، انتشارات طرح

## تأثیر گذاری روی دیگران بخصوص جوانان چگونه ممکن است؟

### پرسش

تأثیر گذاری روی دیگران بخصوص جوانان چگونه ممکن است؟

### پاسخ

بهترین راه تأثیر گذاری، این است که با رفتار و عمل کردن به حقایق دینی و معلومات خود، دیگران را تحت تأثیر قرار دهیم. قطعاً موقعی می توانیم اثرگذار باشیم که خود اهل عمل باشیم؛ ولی اگر اهل عمل نباشیم ولو به ظاهر خود را متعبد هم جلوه دهیم - تأثیر گذاری ما خیلی کم می شود. قرآن در سوره بقره می فرماید: «تأمرن الناس بالبر و تنسون انفسکم»؛ «آیا دیگران را به نیکی دعوت می کنید در حالی که خودتان را فراموش کرده اید». معصوم (ع) هم می فرماید «کونوا دعاه الناس به غیر السننکم»؛ «مردم را به غیر زبانتان دعوت کنید»؛ یعنی، با عمل. بنابراین بهترین راه تأثیر گذاری اهل عمل شدن و الگوی مشاهده ای برای دیگران ایجاد کردن است. مسأله تأثیر پذیری یا تأثیر گذاری در حدود کیفیت آن، بستگی به توانایی و قابلیت های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم ترین اموری که در تأثیر گذاری دخالت دارد، ویژگی های روحی از قبیل اراده استوار، اخلاق نیکو، حسن معاشرت - و آگاهی ها و توانش های علمی بالا است. تأثیر پذیری مثبت نیز تا حدودی به این امور و نیز به میزان انعطاف پذیری و حقیقت طلبی شخص، ارتباط دارد. تأثیر پذیری های منفی برخاسته از ضعف آگاهی و اراده می باشد. بنابراین هر اندازه در تقویت اراده خود و گسترش صفات حسنه و خلق و خوی پسندیده و افزون سازی آگاهی ها و دانش های خود به ویژه در زمینه مسائل دینی، فرهنگی و اجتماعی - تلاش کنید، به تدریج توان تأثیر گذاری بیشتری خواهید یافت.

با رعایت اصول و نکات زیر، فرد می تواند میزان تأثیر گذاری خویش را افزایش دهد:

۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید.

۲. با اندکی

تفحص و جست و جو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت و ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به جهت وجود آن امر مثبت، ارتباط خود را با وی پی گیری کنید.

۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید، مستقیماً از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید.

۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید.

۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود، برای شما حرف بزنند.

۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید.

۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند.

۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می خواهی انجام دهد، میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام دادن آن عمل فراهم سازید.

۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید، همان را با ایشان در پیش گیرید.

۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاه های خویش را بر دیگران تحمیل نکنید؛ زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده اش را بر آنان تحمیل کند نمی پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند، دوستی نمی ورزند و به او اعتماد نمی کنند. پ. محمدی ری شهری، دوستی در قرآن. ++

**تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفاً مصداق ها را به دقت نام ببرید.**

**پرسش**

تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفاً مصداق ها را به دقت نام ببرید.

**پاسخ (قسمت اول)**

به طور کلی در ارتباط با این سؤال و سؤالات دیگر، مقاله ای آورده می شود.

سیاست فرهنگی

نویسنده: رضا اسماعیلی

منبع: سایت باشگاه اندیشه، به نقل از هفته نامه فرهنگ و هنر شماره ۳۳ بهمن ماه ۱۳۸۲

کارایی سیاست فرهنگی در گرو تبدیل آن به زبان برنامه است. اصول سیاست فرهنگی هنگامی در عمل تحقق می یابد که در قالب برنامه فرهنگی با اهداف میانی، کمی و خط مشی های اجرایی مورد توجه قرار گیرد. شاید برنامه ریزی در بخش فرهنگ نتواند دست نیافتنی ها را دست نیافتنی کند، اما قطعاً فقدان آن می تواند دست یافتنی ها را دست نیافتنی کند. برنامه ریزی فرهنگی می تواند امکان بکارگیری دقیق تر مدیریت سازمان ها و طراحی اقدام ها و فعالیت های فرهنگی متناسب با اهداف و اولویت ها را فراهم آورد. اصولاً برنامه ریزی براساس این فرض انجام می گیرد که ما با محدودیت امکانات و منابع در ابعاد مالی، انسانی و زمانی مواجه هستیم .

#### هدف برنامه ریزی فرهنگی در جامعه ایران

قبل از هر چیز باید توجه داشت که هدف از برنامه ریزی فرهنگی در جامعه ایران، ارتقای جامعه ی ایرانی به مقامی است که افراد آن با شناخت تمدن و فرهنگ عظیم ایرانی - اسلامی و آگاهی از فرهنگ های دیگر ملل جهان در حفظ ، اعتلا و اشاعه فرهنگ خودی بکوشند و جامعه را در سیر به سوی توسعه فرهنگی در ارتباط با توسعه اقتصادی و اجتماعی یاری برسانند و در نهایت هر

فرد ایرانی بتواند در سایه ی رسیدن به چنین توسعه ای، از زندگی مادی و معنوی بهتری برخوردار گردد.

برای رسیدن به چنین هدفی باید با توجه به شرایط، مقتضیات و اهداف، گرایش های اصلی در سیاست فرهنگی آینده را مشخص ساخت و بررسی کرد که آنها در قالب چه نوع سیاستی قابل اجرا هستند، به همین دلیل گزینش سیاست های فرهنگی مناسب، از جمله دلایل اصلی توفیق هر برنامه ریزی در این زمینه به شمار می آید.

### گزینش سیاست فرهنگی مناسب

در مبحث سیاست گذاری، می توان دو نوع سیاست فرهنگی را از هم تفکیک کرد. در سیاست فرهنگی سنتی، هدف، ارائه ی خدمات فرهنگی به گروههای خاص اجتماعی است، اما در سیاست فرهنگی جدید، هدف، همگانی ساختن فرهنگ و افزایش مشارکت شهروندان در تولید و خلاقیت فرهنگی است. سیاست فرهنگی سنتی نه با هدف ما از برنامه ریزی انطباق دارد و نه با مقتضیات و شرایط دنیای امروز، لذا باید به فکر برنامه ریزی فرهنگی در قالب سیاست فرهنگی جدید باشیم، یعنی باید به همگانی کردن فرهنگ در چارچوب برنامه ریزی جامع فرهنگی - آموزشی بیندیشیم و به ویژه باید توجه داشته باشیم که سیاستی را برگزینیم که به وجوه زمینه ساز فرهنگی توجه نموده و جامعه را برای تحولاتی که در پیش دارد آماده سازد، زیرا آماده سازی جامعه برای رسیدن به اهداف فرهنگی، اقتصادی و نظایر آن، در گرو توجه به این وجوه زمینه ساز است؛ از سوی دیگر، زمینه تحقق ارزش های متعالی مربوط به این قلمرو، نه فقط در حوزه فرهنگی محصور نمی ماند، بلکه در رابطه ی تنگاتنگ با حوزه های



دیگر به ویژه بخش های اقتصادی و سیاسی جامعه قرار می گیرد، از این رو در شرایط کنونی جامعه ما، توجه به برنامه ریزی جامع فرهنگی - آموزشی در قالب سیاست همگانی کردن فرهنگ و به عنوان جزئی از برنامه ی توسعه ملی که در رابطه با تمام حوزه های کشور است، اجتناب ناپذیر می نماید.

نکته مهم در برنامه ریزی فرهنگی آن است که در عین تأکید بر حفظ میراث فرهنگی و تحکیم هویت ملی و اسلامی جامعه، چگونگی جبران عقب ماندگی ها و توسعه نیافتگی ها در جامعه دنبال گردد. در این میان، نکته اصلی، اتخاذ سیاست هایی است که بر پیشرفت و امروزی شدن جامعه در ابعاد مختلف آن تأکید می کند و در ضمن، حفظ احساس تعلق و تعهد به فرهنگ بومی را اصل و اساس برنامه ها قرار میدهد. احیای هویت فرهنگی سنتی و تداوم آن از یک سو و حضور مؤثر در عرصه ی ارتباطات فرهنگی و اتخاذ رویکردهای نوگرایانه و دستیابی به فرهنگی جامع تر - که از ترکیب این دو عنصر حاصل می شود - از سوی دیگر، از مهم ترین راهبردهای برنامه ریزی فرهنگی در جامعه به شمار می آید.

گونه های مختلف برنامه ریزی فرهنگی

دکتر چنگیز پهلوان ، برنامه ریزی را به گونه های زیر تقسیم بندی کرده است:

۱. برنامه ریزی آرمان گرایانه:

این نوع برنامه ریزی جامع نگر بوده و تلقی کلاسیکی از مقوله ی فرهنگ دارد. از لحاظ روش شناختی، این نوع برنامه ریزی اهداف بزرگ و بلند مدت را مورد توجه قرار می دهد و به لحاظ برخورد اجتماعی - سیاسی ، تکنوکراتیک است به طوری که

تمرکز شدید قدرت را مد نظر قرار می دهد.

۲. برنامه ریزی واقع بینانه:

فرض اصلی این برنامه ریزی بر این واقعیت مبتنی است که تنوع بی پایانی از نیازها در برابر محدودیت وسایل قرار دارد. الگوی روش شناسی این نوع برنامه ریزی از به کار گرفتن حداکثر بازدهی از منابع محدود ناشی می شود. برخورد سیاسی - اجتماعی این نوع برنامه ریزی، مبتنی بر تجربه است و براساس شبکه ها و ساخت های موجود که در دسترس هستند، شکل می گیرد. این برخورد نیز دارای خصلت تکنوکراتیک است زیرا بسیاری داوری ها وجود دارد که نمی توان به مدد ضوابط مسلم علمی به توجیه آنها پرداخت.

۳. برنامه ریزی راهبردی (استراتژیک):

مشخص کردن حدود و نحوه ی دخالت بخش های عمومی در برنامه ریزی، فرض اصلی این نوع برنامه ریزی است و به مدیریتی بستگی دارد که برنامه را طراحی می کند. میدان عمل این برنامه ریزی گزینشی است. در برنامه ریزی استراتژیک، انتخاب ها براساس مطالعه و بررسی است، برخلاف برنامه ریزی واقع بینانه که انتخاب ها مبتنی بر تجربه است. تحلیل سیستم ها، مبنای روش شناسی این نوع برنامه ریزی است. در این تحلیل، نخست شرایط سیستم مورد بررسی قرار می گیرد و سپس سعی می شود که ارزش ها و هدف هایی که پشتیبان اقدام بخش های گوناگون هستند روشن شود. برخورد سیاسی اجتماعی این نوع برنامه ریزی معطوف به قدرت است.

۴. برنامه ریزی توسعه گرا (دموکراتیک):

پایه اصلی این برنامه ریزی به فرض اصلی برنامه ریزی آرمان گرایانه نزدیک است. این نوع برنامه ریزی نیازهای اصلی مردم را مورد توجه قرار می دهد و

با مطالعه و شناخت نیازهای مردم، برنامه مورد نظر به لحاظ قدرت، شیوه ی تحقق اهداف، ابزار و وسایل مورد نیاز، به داوری افکار عمومی نهاده می شود. برخورد سیاسی - اجتماعی این روش براساس مشاوره و سازگاری جمعی است.

تقسیم بندی یاد شده به زبانی دیگر مورد توجه دست اندرکاران امور فرهنگی جامعه واقع شده است. دبیرخانه ی شورای فرهنگ عمومی به عنوان یکی از مجامع تأثیرگذار در مقوله ی فرهنگ، سرمشق (پارادیم) های برنامه ریزی را از یکدیگر تفکیک ساخته است.

مقوله ی برنامه ریزی فرهنگی و گونه های مختلف آن، از جهات دیگر نیز مورد توجه صاحب نظران عرصه ی فرهنگی واقع شده است که در ادامه به یک نوع آن اشاره می کنیم.

برنامه ریزی پیوسته و گسسته

می توان براساس میزان فراگیری و پیوستگی برنامه ریزی های فرهنگی، به صورت بندی دیگری در زمینه ی طبقه بندی انواع برنامه ریزی فرهنگی دست یافت. برنامه ریزی گسسته و پیوسته از انواع برنامه ریزی برطبق ملاک یاد شده است. برنامه ریزی گسسته، به نوعی خاص از برنامه ریزی فرهنگی اطلاق می شود که حاصل تلاش برنامه ریزان در هر حوزه به طور مستقل و جداگانه است لذا بین بخش های مختلف، هیچ نوع ارتباط و همبستگی ارگانیک (اندام وار) به چشم نمی خورد. از سوی دیگر در برنامه ریزی فرهنگی پیوسته، برنامه ریز با مد نظر قرار دادن الگویی کلی و نظمی اندام وار، نسبت به برنامه ریزی مبادرت می کند که در نتیجه، حاصل کار، مجموعه ای همبسته از سلسله ی معضل بندی شده تصمیمات و اقدامات خواهد بود.

جایگاه دولت در برنامه ریزی فرهنگی

در زمینه‌ی مرکزیت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه‌ی فرهنگ، دو نظریه وجود دارد. پیروان نظریه نخست به عدم دخالت نهاد دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی معتقدند. این گروه بر این باور هستند که گسترش فرهنگ‌ها از طریق برنامه‌ریزی نبوده است زیرا برنامه‌ریزی وقتی ضروری به نظر می‌رسد که ما با مقاومت مواجه شویم، لذا اگر همه کارها به صورت عادی انجام شود و امور به صرافت طبع جریان یابد، کسی سراغ برنامه‌ریزی نمی‌رود.

در دیدگاه دوم، دولت به عنوان بزرگ‌ترین نهاد در نظام موازنه‌ی اجتماعی، مسئولیت سرپرستی و تکامل ساختارهای اجتماعی را برعهده دارد، از این رو نه تنها متولی تکمیل فرهنگ بلکه سرپرست رشد و تکامل ابعاد اجتماعی حیات بشری نیز است.

### مراحل برنامه‌ریزی فرهنگی

موفقیت در برنامه‌ریزی فرهنگی، مستلزم مراحل است که در پی به آن اشاره می‌شود:

۱. تجزیه و تحلیل گذشته‌ی پدیده فرهنگی (پدیده‌ای که می‌خواهیم برای آن برنامه‌ریزی را طراحی کنیم).

۲. طراحی، تدوین و ترسیم دقیق اهداف فرهنگی.

۳. بررسی علمی نیازها و نگرش‌های اجتماعی فرهنگی گروه مخاطب و شناسایی مناسبات حاکم بر آنها به منظور دستیابی به اولویت نیازها.

۴. شناسایی قابلیت‌ها، امکانات و توانمندی‌های ممکن در ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری.

۵. شناسایی موانع، مشکلات و محدودیت‌ها جهت اجرای برنامه در ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری.

### پاسخ (قسمت دوم)

۶. طراحی برنامه‌ها با توجه به اهداف، سنجش نیازها، قابلیت‌ها، و محدودیت‌ها.

۷. ابلاغ برنامه به مجریان.

۸. نظارت، ارزشیابی، رفع موانع احتمالی و در صورت نیاز، تجدید نظر در برنامه و طراحی برنامه عملیاتی.

برای تحقق هر برنامه فرهنگی، مقدمات

و شرایطی لازم است. در سطح کلان، ثبات و اقتدار نظام اجتماعی از جمله شرایط اولیه برنامه ریزی است. همچنین تأمین حداقل نیازهای اقتصادی گروههای هدف، باعث افزایش اثربخشی و کارآیی برنامه ریزی فرهنگی خواهد شد. عدم خنثی سازی فعالیت های فرهنگی توسط نهادها و مؤسسات فرهنگی موجود در جامعه از جمله الزامات برنامه ریزی فرهنگی مؤثر می باشد، در غیر این حالت، ماحصل برنامه ریزی فرهنگی، به حداقل ممکن، یعنی نزدیک به صفر خواهد رسید.

### سیر اجمالی تحولات برنامه ریزی فرهنگی در ایران

سابقه ی برنامه ریزی در ایران به سال ۱۳۲۷ یعنی سال شروع نخستین برنامه عمرانی کشور باز می گردد. در برنامه ریزی هفت ساله ی اول و دوم عمرانی که تا پایان سال ۱۳۴۱ به طول انجامید، فرهنگ به امور آموزشی اطلاق می شد. در برنامه ی پنج ساله ی سوم (۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶) بخش فرهنگ، در برگیرنده ی امور آموزشی، تربیت بدنی، پیشاهنگی، کتاب و کتابخانه بود.

پس از تأسیس وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۳ فعالیت های فرهنگی و هنری در قالب آن وزارتخانه متمرکز شد و بتدریج سازمان های دیگری نیز برای انجام بهتر برنامه های فرهنگ و هنر مانند سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، شورای عالی فرهنگ، سازمان ملی فولکلوریک ایران و هیأت امنای کتابخانه ها ایجاد شد. از برنامه ی عمرانی چهارم (۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱) به بعد بخش فرهنگ و هنر به صورت فصلی مستقل در برنامه های عمرانی مورد توجه قرار گرفت و ۳ درصد از کل اعتبارات برنامه به آن اختصاص یافت که صرف مرمت برخی بناهای تاریخی، تأسیس خانه های فرهنگ، آموزش هنر و

کمک به انتشار کتاب های بنیاد فرهنگ ایران شد.

در برنامه ی پنجم عمرانی کشور (۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶) اعلام شد که توجه ویژه ای به بخش فرهنگی خواهد شد و براین اساس در برنامه ی مذکور چنین آمده بود. که " هدف این بخش تعیین و تضمین خصلت ایرانی، توسعه ی ملی و حراست از ارزش ها و خصایل پسندیده ای است که از تاریخ کهن و درخشان خود به میراث گرفته ایم."

در برنامه پنجم در مجموع ۱/۱۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری ثابت در امر افزایش امکانات و فضاها ی فرهنگی - هنری از جمله کتابخانه های عمومی، موزه ها، واحدهای سیار آموزش سمعی و بصری و کاوش های باستان شناسی و تحقیقات مردم شناسی انجام شد.

در برنامه پیشنهادی ششم که تصویب آن با بروز انقلاب اسلامی مقارن بود و اجرای آن بدلیل پیروزی انقلاب متوقف شد، قرار بود بخش فرهنگی با هدف عدم تمرکز و رفاه اجتماعی و توسعه فرهنگی و با اعتباری حدود ۱۴ میلیارد ریال به اجرا درآید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فرهنگ به عنوان یک عامل اساسی و زیربنایی در ارتقای کیفیت زندگی انسان ها و زیستن مبتنی بر اندیشه مطرح شد.

لایحه ی برنامه ی اول توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶) با هدف فوق در ضرورت پیراستن جامعه ایرانی از مظاهر ضد اسلامی و معرفی فرهنگ غنی اسلام به عنوان سرچشمه ی زلال ولایت به همه جهانیان تدوین شد و در سال ۱۳۶۲ به تصویب هیأت وزیران رسید، اما به علت شرایط جنگ تحمیلی به اجرا در نیامد.

پس از انقلاب اسلامی، مهم ترین کارکرد مورد

انتظار از فرهنگ و برنامه ریزی فرهنگی، انتقال پیام انقلاب به مردم و حفظ و ترویج ارزش های ناب اسلامی و انقلابی بود. تشویق نیروهای انقلابی مسلمان به انجام فعالیت های فرهنگی و حمایت از تولیدات فرهنگی حاوی پیام های انقلابی و اسلامی، به رشد قشر وسیعی از کارگزاران و تولید کنندگان جدید در حوزه فرهنگ و هنر انجامید.

تولید کالاها و فرآورده های فرهنگی در کانون توجه نهادهای فرهنگی و حتی غیر فرهنگی قرار گرفت و این تلاش، بیشتر بر گروه های محروم تر اجتماعی اعم از شهری و روستایی - متمرکز گردید. وظیفه ی توزیع و ارتباط کالاها و خدمات فرهنگی میان تولید کننده و مصرف کننده، اغلب از سوی سازمان های دولتی و نهادهای انقلابی صورت می گرفت.

پیامد کاربرد سیاسی فرهنگ، همگانی کردن فرهنگ و افزایش مصرف آن در میان مردم بویژه اقشار محروم جامعه و علی القاعده افزایش تقاضاهای فرهنگی بود. این افزایش تقاضا را می توان ناشی از برخی تحولات اجتماعی دانست که گسترش آموزش و تعمیم آن، کاهش میزان بی سواد، گسترش مراکز و موسسات آموزش عالی، گسترش رسانه های جمعی و نفوذ آن به دورترین مناطق کشور، توسعه ی راه های ارتباطی و تحرکات بیشتر جمعیتی از آن جمله اند.

در پی چنین تحولات اجتماعی و پس از خاتمه یافتن جنگ تحمیلی است که برنامه ی اول توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲) با توجه به راهبردهای اساسی زیر تدوین شد:

- اتکا به مشارکت عمومی و توسعه ی فعالیت های مردمی؛

- بازنگری ظرفیت های موجود و جلوگیری از کاهش ظرفیت ها و نهایت بهره برداری از آن؛

به طور

کلی برنامه‌ی اول سعی داشت تا با سیاست محوری اتکا بر مشارکت عمومی و توسعه‌ی فعالیت‌های مردمی، دست کم مانع کاهش ظرفیت‌های موجود و افول وضعیت فرهنگی شود، بنابراین چشم انداز ده ساله این بخش را می‌توان به طور خلاصه در دو مرحله‌ی بازسازی ظرفیت‌های موجود و حداکثر بهره‌برداری از آن و سپس توسعه‌ی ظرفیت‌های جدید، بیان کرد و "بازسازی" و "توسعه" را به عنوان استراتژی (راهبرد) اساسی آن، برشمرد.

برنامه‌ی دوم توسعه (۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷) همزمان با گسترش مبحث تهاجم فرهنگی تنظیم شد، اما این موضوع در هدف‌های کمی برنامه، تجلی ویژه‌ای نیافت و به هر حال برنامه دوم، راهبردی معین را برای توسعه فرهنگی ارائه نداد. از جمله نکات مورد تأکید در این برنامه می‌توان به ترسیم خط مشی‌های کلی و تأکید بر آموزش‌های اخلاقی، معنوی، اعتقادات، علوم و فنون و پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری و صرفه‌جویی و سازماندهی و هماهنگی اشاره کرد. اما با گذشت دو دهه اخیر و در سال پایانی برنامه دوم توسعه، جامعه اسلامی ایران با تحولاتی بنیادین مواجه نشده است. تشدید فرایند تفکیک گروه‌های اجتماعی و ظهور قشر وسیع جوانان، زنان، افزایش جمعیت، جوانی جمعیت، افزایش باسوادی، گسترش تحصیلات عالی، تحولات فن‌آوری جهانی، واقع شدن در مسیر جهانی شدن فرهنگی و ... به ظهور علایق متفاوت و در نتیجه پیدایش تقاضاهای گوناگون فرهنگی منجر شده است.

در پی این تحولات:

- دستگاه‌های دولتی در تأمین نیازهای فرهنگی شهروندان، موقعیت انحصاری خود را از دست داده‌اند؛

- فرایند جهانی



شدن و پیشرفت های فن آوری ، کالاهای فرهنگی غیر بومی را با سهولت و به گونه ای گسترده در اختیار تمامی گروه ها قرار می دهد؛

- قدرت اقتصادی دولت، امکان و توان تولید کالاهای متناسب با این تقاضا را فراهم نمی کند؛

- سیاست های کنترل و نظارت بر صدور مجوز فعالیت ها و تولیدات فرهنگی، با پیشرفت فن آوری، اثر بخشی خود را به میزان زیادی از دست داده است به طوری که قدرت نظارتی حکومت بر نحوه تولید و مصرف کالاهای فرهنگی به شدت کاهش یافته است؛

افزون بر مسائل یاد شده، در سالهای پایانی برنامه دوم توسعه و به دنبال انتخابات دوم مرداد سال ۱۳۷۶ در عرصه تحولات اجتماعی ، شاهد دگرگونی هایی گسترده در سطح جامعه بوده ایم که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

• توسعه ی سیاسی - اجتماعی با ایجاد احزاب و تشکل های صنفی و گروهی.

• افزایش انتظار تحقق حقوق اجتماعی فرهنگی فردی و گروهی در سایه ی جامعه مدنی و حکومت قانون.

• گسترش روابط فرهنگی با سایر ملل در سایه سیاست تنش زدایی و گفت و گوی تمدن ها.

• برخورداری از امکانات بیشتر خبری و اطلاع رسانی.

• ضرورت رعایت شفافیت در گفتار و صداقت در رفتار و کردار از سوی متولیان و مسئولان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و امکان نقد منصفانه اعمال و رفتار مسئولان و کارگزاران از سوی مردم.

به این ترتیب ، هم کانون مسأله فرهنگ در جامعه ایران دگرگون شده و هم دستگاه فرهنگی موقعیتی متفاوت را نسبت به سالهای گذشته پیدا کرده است.

اکنون با ملاحظه ی تحولات اجتماعی - فرهنگی جامعه ی ایران، لازم است در وهله

ی نخست نیازهای واقعی فرهنگی جامعه را شناسایی کرد، در قالب سیاست گذاری های فرهنگی آنها را طبقه بندی و اولویت گذاری کنیم و آنگاه با برنامه ریزی واقع بینانه، نسبت به حل معضلات فرهنگی و رسیدن به رشد متوازن و توسعه ی فرهنگی مورد نیاز جامعه امروز ایران، همسو و هماهنگ با تلاش برای توسعه ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور دست به اقدام مقتضی بزنیم.

یادداشت ها:

۱. پهلوان، چنگیز. فرهنگی برنامه ریزی، انتشارات پژوهشکده ی علوم ارتباطی و توسعه ی ایران، ۱۳۵۸، ص ۴۱ تا ۴۶.
۲. اکبری، محمد علی. تجربیاتی از برنامه ریزی فرهنگی، مجموعه مقاله های ساماندهی فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۵۲.
۳. داوری، رضا. در تفسیر برنامه ریزی فرهنگی، مجله فرهنگ عمومی، شماره ی ۷، ۱۳۵۷، ص ۲۵ تا ۲۶.
۴. رضایی، عبدالعلی. جایگاه دولت در برنامه ریزی فرهنگی و الزامات برنامه ای آن، مجموعه مقاله های ساماندهی فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۱.

**لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.**

**پرسش**

لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.

**پاسخ**

تصمیم و عزم راسخ شما را در جهت انجام برنامه های فرهنگی می ستاییم و برای شما عزیزان آرزوی موفقیت داریم مسلما کار فرهنگی از ضروری ترین، با اهمیت ترین و زیربنایی ترین اقدامات مورد نیاز جوامع کنونی است که خود گام مهمی برای بیداری و اصلاح بشریت و آماده سازی مقدمات ظهور امام زمان می باشد. درست همان هدف مقدسی که انقلاب اسلامی ایران بر اساس آن شکل گرفته و به پیش می برد.

اما با این همه با توجه به اهمیت و ظرافت کار از یک سو و گسترده بودن دامنه کاری که برای خود مشخص نموده اید، دستیابی به نتایج مطلوب در این زمینه نیازمند امور متعددی است که اولین گام آن استحکام مبانی عقیدتی و دینی دست اندرکاران این طرح است. داشتن معرفت و بینش صحیح و کامل-اسلامی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریطی در برداشت و اجرا ارتباط مستمر با اسلام شناسان متعهد و بالاخره استفاده از امکانات مادی و متناسب با شرایط زمانی از این رو توصیه ما این است که در بدو شروع کار واقع بینانه چنین مسائلی را در نظر گرفته و دامنه کاری دقیقی متناسب با توانایی های مادی و معنوی خویش تعریف بنمایید تا ضمن دستیابی سریع تر به اهداف، از هرگونه اختلال و یا تعللی در ادامه راه، جلوگیری شود.

در ادامه به معرفی برخی منابع که می تواند در راستای اهداف شما مفید باشد می پردازیم:

الف-معرفی کتب:

-خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲

-پرتویی از

خورشید، علی شیرازی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲

- حکایت نامه سلاله زهرا(س)، حسن صدری مازندرانی، انتشارات مشهور، ۱۳۸۱
- عصر امام خمینی، میر احمد رضا حاجتی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲
- آسیب شناسی انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۹
- راهکارهای اصلاح اجتماعی در حکومت دینی، حسین ردایی الاملی، نسیم حیات، ۱۳۸۲
- شیوه های درمانی مفسد اجتماعی، علی اکبر بابازاده، انتشارات دانش و ادب، ۱۳۸۱
- توسعه و تضاد، فرامز رفیع پور، شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۷۷
- آناتومی جامعه، فرامز رفیع پور ف شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۷۸
- جامعه سازی قرآن محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸
- تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۸
- تهاجم فرهنگی، سید مرتضی حسینی اصفهانی، انتشارات فرهنگ قرآن ۱۳۷۹
- تهاجم فرهنگی، محمد تقی مصباح یزدی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶
- پاسخ استاد به جوانان پرسش گر، محمد تقی مصباح یزدی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰
- مبانی نظری تمدن غرب، سید مرتضی آوینی، مجله دانشجوف تابستان ۷۷

ب- سایت های مفید فرهنگی:

- سایت باشگاه اندیشه [www.bahgah.net](http://www.bahgah.net)

- سایت کانون [www.canoon.org](http://www.canoon.org)

- سایت آوینی [www.aviny.com](http://www.aviny.com)

- سایت احیا [www.ehyaa.net](http://www.ehyaa.net)

- سایت لوح [www.louh.net](http://www.louh.net)

## چگونه می توان شخصی را که از نظر مذهبی کامل نیست هدایت کرد به طوری که در طرف مقابل اثر داشته باشد؟

### پرسش

چگونه می توان شخصی را که از نظر مذهبی کامل نیست هدایت کرد به طوری که در طرف مقابل اثر داشته باشد؟

### پاسخ

تلاش و کوشش جهت هدایت و تشویق افراد به طرف خدا و تقویت ایمان آنها کاری بس ارزشمند است . دعوت مردم به آشنایی با دین و عبادت خداوند از برجسته ترین و متعالی ترین امور است. چنانچه در روایتی رسول خدا(ص) فرمود: هر کس بتواند یک نفر را هدایت کند و به طرف دین جذب نماید، ارزش آن برتر از تمام چیزهایی است که خورشید بر آنها می تابد.

برای ترغیب و تشویق به انجام فرائض دینی ، ابتدا باید زیربناهای فکری افراد را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن کوشید. دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و ... اموری است که نتیجه مستقیم بر ایمان فرد دارد . تقویت و اصلاح این مبانی تأثیر زیادی بر ایمان انسان می گذارد.

قدم بعدی چشیدن و مزه کردن ایمان است. اگر کسی شیرینی و لذت ایمان به خدا را حس کند و از انجام کارهای دینی لذت ببرد ، هرگز نسبت به آنها بی تفاوتی نشان نمی دهد. به همین جهت در دعاها آمده است: «اللهم اذقنی حلاوه ذکرک : خدایا شیرینی یاد خودت را به من بچشان».

قدم سوم پرهیز از اموری است که انسان را از توجه به خدا غافل می کند. گر چه یاد خدا و ارتباط عاشقانه با او بسیار لذت بخش است و هیچ لذتی به پای آن نمی رسد ، ولی اگر لذت های مادی و شیطانی که رسیدن به آنها بسیار آسان است و

روز به روز متنوع تر و گسترده تر می شود، در زندگی فرد وارد شود، کم کم او را از توجه به خدا باز می دارد و ایمان او را ضعیف می کند.

حال با توجه به این سه مطلب، راهکارهای زیر را جهت تقویت ایمان فرد و نزدیک کردن او به دین پیشنهاد می کنیم، اما قبل از آن این نکته را یادآوری می کنیم که هدایت و ارشاد دیگران به طرف خدا امری تدریجی است که لازمه آن صبر و بردباری و تلاش دائمی است و نمی توان انتظار داشت یک مرتبه افراد به همه چیز برسند. باید سعی کنیم قدم به قدم پیش رویم. این راهکارها عبارتند از:

۱. او را به مطالعه کتاب های مفید در زمینه های مذهبی تشویق کنید. گاهی هم کتاب های جالب را که برای او مناسب است خودتان مطالعه کنید و خلاصه آن را برایش بگویید، به این صورت که اگر می توانید با او قرار بگذارید و در یک زمان مناسب این کار را بکنید. شما می توانید این کار را به بهانه اینکه می خواهید از او کمک بگیرید تا اشتباهات شما را اصلاح کند، انجام دهید. زیرا در غیر اینصورت ممکن است زیر بار این کار نرود.

۲. نصیحت و تذکر مستقیم سودی ندارد. سعی کنید مطالبتان را غیر مستقیم به او بگویید.

۳. قبل از اینکه بخواهید تذکری به او بدهید بهتر است نکات مثبت او را برجسته کنید. و او را به عنوان فردی موفق جلوه دهید و طوری وانمود کنید که تذکرات شما برای بهتر شدن وضعیت او است.

۴. داشتن روابط صمیمی

و دوستانه تأثیر سخن شما را چند برابر می کند پس سعی کنید دائما او را مورد محبت و نوازش قرار دهید و او را از بهترین دوستان خود معرفی کنید.

۵. گاه گاهی از او بخواهید اشتباهاتتان را به شما تذکر دهد تا احساس کند نظرات او را قبول دارید و به آن احترام می گذارید.

۶. سعی کنید وی را به شرکت فعال در تشکلهای مذهبی دانشگاه تشویق کنید و از اعضای آنها بخواهید به او توجه و احترام لازم داشته باشند.

۷. او را به شرکت در مراسم جذاب مذهبی مثل زیارت عاشورا، دعای توسل و مانند آن تشویق کنید و روحیه توبه و انابه و مناجات با خدا را در او به وجود آورید.

۸. تا جایی که ممکن است ارتباط او را با لذایذ حرام مثل نوارها و سی دی های غیر مجاز و شرکت در مجالس آلوده، رابطه با جنس مخالف و مانند آن قطع یا محدود کنید، زیرا اینگونه برنامه ها در تخریب ایمان جوانان بسیار مؤثر است.

۹. آینده نگری، احساس مسئولیت و توجه به عالم آخرت را در او ایجاد کنید.

۱۰. از صمیم قلب برای موفقیت خودتان و برای هدایت او دعا کنید و بدانید که اگر در کارتتان جدیت و اخلاص داشته باشید، حتما موفق می شوید، اگر هم موفق نشدید اجرتان پیش خدا محفوظ است و از این جهت جای نگرانی نیست.

۱۱. سعی کنید با رفتارتان او را دعوت به دین و ارزشهای دینی کنید «کونوا دعاه الناس بغير السننکم» پیامبر فرمود مردم را با غیر زبان به دین دعوت کنید. زیرا مشاهده رفتار دیگران در

تأثیر پذیری انسان بسیار مؤثر است. این کار هم به نفع شماست یعنی عملاً خود شما کمال پیدا می کنید و هم باعث تشویق و تحریض ایشان برای عمل کردن به احکام و ارزشهای دنیوی می شوید.

در اینجا مناسب است با نگاهی روانشناختی به موضوع تأثیرگذاری به این سؤال پردازیم و نکاتی را یادآور شویم:

مسئله تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری در حدود کیفیت آن بستگی به توان ها و قابلیت های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم ترین اموری که در تأثیرگذاری دخالت دارند ویژگی های روحی از قبیل اراده استوار اخلاق نیکو حسن معاشرت و آگاهی ها و توانهای علمی بالا است. تأثیرپذیری مثبت نیز تا حدودی به این امور و نیز به میزان انعطاف پذیری و حقیقت طلبی شخص ارتباط دارد و تأثیرپذیری های منفی برخاسته از ضعف آگاهی و اراده می باشد. بنابراین هر اندازه در تقویت اراده خود گسترش صفات حسنه و خلق و خوی پسندیده و افزون سازی آگاهی ها و دانش های خود به ویژه در زمینه مسایل دینی فرهنگی و اجتماعی تلاش کنید تدریجاً توان تأثیرگذاری بیشتری خواهید یافت.

بنابراین تأثیرگذاری یک مهارتی است که به تدریج حاصل می شود و تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی برخوردار باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می شود. با رعایت اصول و نکات زیر فرد می تواند میزان تأثیرگذاری خویش را افزایش دهد.

۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید.

۲. با اندکی تفحص و جستجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت و ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به خاطر وجود آن امر



مثبت ارتباط خود را با وی پی گیری نمائید.

۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید مستقیماً از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید.

۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید.

۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود برای شما حرف بزنند.

۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید.

۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند.

۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می‌خواهی انجام دهد میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام آن عمل فراهم نمائید.

۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید همان را با ایشان در پیش گیرید.

۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را بر دیگران تحمیل نکنید زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده اش را بر آنان تحمیل کند نمی‌پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند دوستی نمی‌ورزند و به او اعتماد نمی‌کنند.

در این زمینه برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آئین دوست‌یابی، دیل کارنگی

۲. دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، انتشارات آستان قدس رضوی

۳. دوستی در قرآن، محمدی ری شهری

در پایان، توجه به این نکته لازم است، که بهترین راه برای تأثیر گذاری درسی جوانان ایجاد رابطه عاطفی است و برای دوست شدن با آنها و ایجاد ارتباط عاطفی سعی کنید با او همدردی کنید و در حل مشکلات او همراه او باشید. او را درک کنید و به نیازهای

روحي او توجه داشته باشيد، از سرزنش كردن او خودداري كنيد به او احترام بگذاريد و او را بدون شرط پذيريد؛ يعني پذيرش شما نسبت به او مشروط نباشد و به گونه اي رفتار كنيد كه او احساس كند شما دلسوز او هستيد رعايت نكات فوق باعث مي شود بين او و شما يك ارتباط صميمي و عاطفي برقرار شود آنگاه مي توانيد در قالب صميميت و دوستي مشكلات او را گوشزد كنيد و در حل آنها به او كمك كنيد. اگر برخوردی غير از اين با او داشته باشيد و بخواهيد از طريق تهديد و امر و نهي با او برخورد كنيد قطعاً نمي پذيرد و در تكرر اشتباهات اصرار مي ورزد و حتى طغيان مي كند.

**مشكلات فرهنگي دانشگاه را در چه موضوعاتي مي دانيد؟ همچنين اگر بخواهيم در قالب يك گروه دانشجويي روي شناسايي و سپس مقابله با آنها كار كنيم، چه توصيه اي براي ما در ابتدای كار داريد؟**

### پرسش

مشكلات فرهنگي دانشگاه را در چه موضوعاتي مي دانيد؟ همچنين اگر بخواهيم در قالب يك گروه دانشجويي روي شناسايي و سپس مقابله با آنها كار كنيم، چه توصيه اي براي ما در ابتدای كار داريد؟

### پاسخ

مجموعه راه كارهاي فرهنگي در دانشگاه ها را مي توان در دو بعد نظري و عملي مورد بررسي قرار داد. در اين زمينه راه كارهايي چند پيشنهاد مي شود.

الف) راه كارهاي نظري و اندیشه اي:

۱. شناخت دقيق عناصر اصلي فرهنگ اسلامي و شناساندن آنها به ديگران. در اين زمينه لازم است پايه هاي فهم ديني را تبين نمود. بهترين راه براي مبارزه با اين مسأله آن است كه شناخت خود و ديگران را از باورها و ارزش هاي ديني، فزون سازيم و به تبين منطقي دست يابيم. مثلاً "در زمينه ارزشي ها، وجود يك سلسله ارزش هاي ثابت و پايدار را تبين و وجه بطلان سخنان بي پايه كساني كه ارزش ها را امور اعتباري و نياز پرورده مي دانند، آشكار سازيم، (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنين در برابر كساني كه مي كوشند از ميزان پاي بندي مردم به اعمال شرعي بکاهند و تقيد به مسائل شرعي را تضعيف كنند، ايستادگي كنيم و خود و ديگران را به عمل كردن به مسائل شرعي سوق دهيم.

۲. تقويت و تثبيت هويت مذهبي و ملي دانشجويان از طريق آشنايي با تمدن افتخار آميز اسلامي و دانشمندان نامي و نيز دستاوردهاي مهم و با ارزشي تشكيل جمهوري اسلامي و...

۳. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره به صورت شفاهي و کتبي براي حل مشكلات و شبهات

عقیدتی و ... .

۴. مسلط بودن بر جامعه شناسی ارتباطات و شیوه ها و روانشناسی تبلیغی.

ب. راه کارها و اقدامات عملی :

۱. برگزاری اردوها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و تدارک برنامه های پرجاذبه، مفید و سالم به وسیله تشکلات فرهنگی موجود در دانشگاهها یا گروهی از دانشجویان.

۲. راه اندازی مرکزی برای رسیدگی و حل مشکلات دانشجویان، مانند صندوق قرض الحسنه و دفتر مشاوره ازدواج دانشجویی و ... .

۳. برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت، دعا، مراسم مذهبی (مانند اعتکاف) و ... .

۴. تهیه نشریات داخلی حاوی مطالب مفید و جذاب، ارائه فیلم های خوب و مفید و ... .

در پایان توجه به چند نکته ضروریست:

۱. آگاهی بر ابعاد مختلف کاری که در پی انجام آن هستیم - تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند - باید اولاً کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید.

۲. در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلاً اگر می خواهید نشریه داشته باشید - کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگارش آشنایی کافی را دارند.

۳. پرهیز از افراط و تفریط و شتابزدگی و سستی.

۴. اهل مدارا و گذشت و ملاحظت باشید زیرا کار فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود.

۵. صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که

با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد.

۶. از افراد با انگیزه ای به عنوان همکار کمک بگیرید. پراکنگیزه باشید و وقت گذرانی یا صرفا کسب درآمد مد نظر نباشد.

۷. نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بررسی و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید.

۸. هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید.

۹. هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پربار و با برکت خواهد بود.

۱۰. در کارهای فرهنگی وظیفه اصلی خود را که ادامه تحصیل است فراموش نکنید.

برخی از مشکلات فرهنگی که در جامعه دیده می شود، زاییده تهاجم فرهنگی دشمن است که از جمله آنها توزیع و پخش نوارها و ... مبتذل می باشد و نیز شایعات و شبهه های که در مورد بعضی از شخصیتها و اعتقادات اصیل اسلامی مطرح می شود.

فاصله انداختن بین حکومت و مردم نیز از ترفندهای دشمن است.

گسترش دام اعتیاد نیز می توان از جمله مشکلات جامعه دانست.

تخریب سنگرهای که می توان با استفاده از آنها از اسلام راستین حفاظت کرد همانند تخریب حوزه های علمیه.

قبح ربا تا حدودی فراموش شده است و سن ازدواج هم بالا رفته است.

دسیسه ها و تهاجم دشمن در ابعاد مختلف و مشکلات اقتصادی و بی کاری نیز از معضلاتی است که باید با تدبیر مسئولان و هوشیاری و همیاری مردم به حل آن پرداخت.

و بالاخره اینکه شیوه ها و راه کارهای فوق تنها بخشی از کار است و شما می توانید جهت اطلاع بیشتر در خصوص جزئیاتی که مورد نظرتان

است سؤال نمایید تا دقیق تر بررسی و پاسخ داده شود.

بنابراین فعالیت های فرهنگی تان را آغاز کنید و از خداوند متعال استمداد کنید و هرگاه با مشکل برخورد کردید با ما تماس گرفته و یا با افراد باتجربه مشورت کنید.

### چرا برای امر ازدواج فرهنگ سازی نمی شود.

#### پرسش

چرا برای امر ازدواج فرهنگ سازی نمی شود.

#### پاسخ

اصل ازدواج به عنوان یک نیاز غریزی نیازی به فرهنگ سازی ندارد. با وجود این آنچه که سؤال شما متوجه آن است، ازدواج آسان و با ملاک های فرهنگ و آموزه های اسلامی است و این سؤال شایسته ای است. در این زمینه شاید نکات ذیل گفتنی باشد:

یکم - همان طور که شما و همه ناصحان و خیرخواهان جامعه ملاحظه می کنند، گسترش زمینه های گناه و فراهم بودن بستر ارتباطات نامشروع و ناپسند از نظر شرع به حدی است که انسان ظهور یک بحران را پیش بینی می کند. پس بر همه ما لازم است که در این زمینه تأملی کنیم و هر کس به وظیفه خود عمل کند.

دوم - دولت اسلامی موظف است همان طور که در قانون اساسی ما به آن تصریح شده است تسهیلات ازدواج جوانان را فراهم کند و فراهم کردن این تسهیلات فقط به وام و... منحصر نمی گردد بلکه ایجاد زمینه اشتغال جوانان و... را در بر می گیرد. بعید می دانیم منظور شما از فرهنگ سازی فقط سخن گفتن و مقاله نوشتن باشد. بلکه باید کارها و اقداماتی صورت بگیرد که رغبت جوانان به ازدواج صحیح روز افزون گردد ولی آیا با وجود این مشکلات، رغبت ها از بین می رود یا...؟ اما آیا درست به این وظیفه عمل می کند یا نه؟ و چرا؟ به این بر می گردد که حکومت اسلامی کارگزاران شایسته می خواهد که به دور از باندهازی ها و سیاسی کاری ها، به فکر جوانان و منافع ملی باشد و در انتخاب این افراد همه مردم

مسئولند و هر کسی که دغدغه شما را داشته باشد یکی از وظایفش ایجاد حساسیت در مردم در حضور آگاهانه و مخلصانه در انتخابات و گزینش افراد با موازین اسلام و انقلاب و به دور از هیجانات گروه های سیاسی است.

سوم - رسانه های عمومی اعم از صدا و سیما و مطبوعات و کانون ها و تشکل های فرهنگی باید یکی از اولویت های کاری خود را در این جهت قرار دهند. البته کارهایی شده است اما احیانا برنامه ها و مقالات و اخبار به گونه ای است که یا ایجاد یأس و ناامیدی می کند و یا فرهنگ اباحه گری ترویج می شود که صد در صد باعث بی رغبتی جوانان به ازدواج و روی آوری آنها به ارتباط آزاد و نامشروع می شود و حتی کانون های خانوادگی شکل یافته را نابسامان می کند و یا این که زندگی های اشرافی ترویج می شود که طبیعتا در این وضعیت اقتصادی نمی توان به دنبال آن خانه ها و بلکه مقدمات آن است.

چهارم - مبلغین دین نیز وظیفه ای دارند گرچه در این جهت نیز تلاش های خوبی صورت گرفته است اما چه بسا هنوز عمق بحرانی که ناشی از عدم ازدواج آسان و اسلامی جامعه را تهدید می کند فهمیده نشده است تا تلاش جدی تر انجام پذیرد.

پنجم - مهمتر از همه دو عامل دیگر است:

۱. خود مردم باید تلاش کنند خود مؤمنین که به اسلام و قرآن وفادار و به جوانانشان علاقمندند باید از این وضعیت احساس خطر کنند و به جای خوی جاهلیت و ارزش دادن به مادیات و تشریفات بی ارزش

مقداری از رسومات بی خاصیت بلکه زیانبار بکاهند و فرهنگ تکاثر و چشم و هم چشمی را کنار بگذارند.

۲. بستر گناه باید برچیده شود و در این جهت نیز هم دولت اسلامی موظف است کارگزاران با تفکر بنیادگرایی اسلامی و نه سکولار یا لیبرال را در مصدر امور بگمارد و هم مردم همه وظیفه دارند با امر به معروف و نهی از منکر زمینه های گناه و امکان برقراری ارتباطات نامشروع را از بین ببرند و یا کاهش دهند و گرنه با وجود غذای مفت و بدون در دسر کسی به غذای گرانبها و تعهدات مترتب بر آن نخواهد داد و البته در این افرادی که در گناه غوطه ورنند نه از مسموم بودن آن غذای مفت آگاهند و نه از ارزش های این غذای گرانبها که لابد می ارزند که این گونه تعهدات پشت سر آن است.

**با توجه به اینکه قشر دانشجوی ما اکثر اوقاتش را به بطالت می گذراند وقتی فارغ التحصیل می شود چندان بار علمی ندارد آیا به فکر پرورش روحی فکری و علمی دانشجویان هستید.**

### پرسش

با توجه به اینکه قشر دانشجوی ما اکثر اوقاتش را به بطالت می گذراند وقتی فارغ التحصیل می شود چندان بار علمی ندارد آیا به فکر پرورش روحی فکری و علمی دانشجویان هستید.

### پاسخ

اگر با دیدی واقع بینانه و منصفانه به بررسی موضوع فوق پردازیم با دو واقعیت روبرو می شویم:

واقعیت اول این است که؛ به برکت انقلاب اسلامی و سایر اقداماتی که بعد از آن در زمینه دانشگاه انجام شد، دانشگاه ما دچار تحولی اساسی شد و پیشرفت های کمی و کیفی خیره کننده ای در بسیاری از زمینه ها داشت؛ مجموعه دانشگاه ما در قبل از انقلاب که قرار بود در راستای وابستگی هر چه بیشتر کشورمان به بیگانگان حرکت کند، بحمدالله بعد از انقلاب اسلامی، گام های اساسی در جهت استقلال و خودکفایی کشورمان در زمینه های متعدد برداشته و حتی توانسته در زمینه های بسیار مهم و حساس هم ردیف کشورهای برتر جهان قرار گیرد. پیشرفت های سریع و حیرت آور کشورمان در موضوعاتی نظیر علوم پایه دانش هسته ای، علوم پزشکی و مسأله سلول های بنیادی، کشاورزی، دامداری، صنعت و تکنولوژیک مسائل نظامی و دفاعی و... همه به خوبی مؤید این واقعیت است، که همه با همت و تلاش متخصصان داخلی کشورمان که عموماً از تحصیل کردگان و فارغ التحصیلان دانشگاه های کشور پس از انقلاب هستند، به وقوع پیوسته و در حال انجام است.

اما واقعیت دوم این است که مجموعه دانشگاهی ما علی رغم پیشرفت های درخشان، دچار برخی نقاط ضعف و کاستی ها خصوصاً در زمینه علوم انسانی و رشته های مختلف آن است و متأسفانه بعد از گذشت بیش

از دو دهه از انقلاب اسلامی نتوانسته آنچه‌ان که شایسته نظام اسلام است در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های آن گام بردارد و نیازهای اساسی جامعه و کشور را در این زمینه‌ها پاسخگو باشد و اگر متأسفانه مشاهده می‌شود که برخی دانشجویان از کارآیی لازم برخوردار نیستند و یا از وقتشان استفاده بهینه نمی‌کنند بیشتر مربوط به همین رشته است که امید می‌رود با برنامه‌هایی که دستگاه‌های مربوطه کشور در راستای تحقق به منویات مقام معظم رهبری در زمینه نهضت تولید علم و نظریه‌پردازی ما در دست اقدام دارند، گام‌های مثبت و اساسی در این زمینه نیز برداشته شود.

مقام معظم رهبری در اهمیت علم در دانشگاه‌ها همراه با تقویت بعد معنوی دانشجویان می‌فرماید: «دانشگاه‌ها امروز نسبت به گذشته قابل مقایسه نیست ممکن است در سیاست‌گذاری‌ها و اجرای آن سیاست‌ها اشتباهاتی وجود داشته باشد - از گسترش کمی به این شکل دفاع، من به طور مطلق دفاع نمی‌کنم - لیکن نکته اصلی این است که به علم اهمیت داده شد. ... عزیزان من به علم اهمیت دهید. کلید اصل باز کردن قفل‌های گوناگون اهمیت دادن به علم است. البته در کنار آن این امر بدیهی را در نظر داشته باشید که علم و عالم همان قدر که می‌توانند مفید باشند می‌توانند مضر هم باشند؛ «چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا». اگر کسی که علم در وجود او هست تقوا و پرهیزگاری و امانت و صداقت در وجود او نباشد، می‌تواند موجود مضری باشد؛



می تواند علیه کشور و مصالح کشور، علم خودش را مورد استفاده قرار دهد. بنابراین در کنار علم، فرهنگ و تزکیه و اخلاق و معنویت هم لازم است؛ در این هیچ شبهه نکنید. حرکت هایی که انجام می دهند برای این که محیط دانشگاه و دانشجو را محیط بی دینی و بی معنویت کنند، به نظر من گرچه یک مقدارش از روی غفلت است، اما یک مقدارش هم حساب شده است. در این قضیه خیلی ها مقصردند؛ هم در دانشگاه ها مقصر وجود دارد، هم در خود دستگاه های وزارتی و دولتی، عده ای حساب شده می خواهند محیط های دانشجویی و دانشگاه را - که محیط علم و گسترش علمی و رشد علمی و پرورش علمی و آینده علمی کشور است - از معنویت تهی کنند تا در آن، ایمان و تقوا و معنویت و خدا و تعهد دینی وجود نداشته باشد؛ این قطعاً حرکتی است به ضرر مصالح کشور» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۱۳۸۳/۸/۱۰).

و بالاخره علاوه بر این که مسؤول فرهنگی کشور و شورای عالی انقلاب فرهنگی در حال برنامه ریزی های اساسی برای حل این قبیل کاستی ها و معضلاتند، بدنه دانشجویی کشور و دانشجویان آگاه، متعهد و دلسوز نیز باید در صحنه حضور جدی داشته و به صورت کاملاً منطقی و قانونی از اجرای این برنامه ها در دانشگاه ها حمایت و دفاع نمایند.

**در محله ما یک حسینیه است که امکانات خوبی برای کارهای فرهنگی دارد اما مسئولیت آن با یک پیرمردی است که به جوانها خیلی میدان نمی دهد و یک خوی استبدادی دارد. لذا محیط آن به گونه ای نمی باشد که جوانها را جذب کند و حتی خیلی از جوانها محله از رفتن به آن مکان خود**

**پرسش**

در محله ما یک حسینیه است که امکانات خوبی برای کارهای فرهنگی دارد اما مسئولیت آن با یک پیرمردی است که به جوانها خیلی میدان نمی دهد و یک خوی

استبدادی دارد. لذا محیط آن به گونه ای نمی باشد که جوانها را جذب کند و حتی خیلی از جوانها محله .....رفتن به آن مکان خودداری می کنند و دیگر اینکه حس .....به شکل هیات امناء اداره نمی شود و نظرات آن پیرمرد ملاک است البته این فرد سوابق انقلابی زیادی دارد و در قبل از انقلاب و بعد از انقلاب بسیار فعال بوده است اما بیشتر تجربه دارد تا علم مثلا بلد نیست قرآن بخواند و یک حالت عامیانه دارد و افراط و تفریط می شود. به نظر شما ما چگونه می توانیم با مشکلات این حسینه برخورد کنیم.

## پاسخ

احساس مسئولیت شما برای انجام کارهای فرهنگی قابل تقدیر است و امیدواریم با تدبیر و مدیریت صحیح و استفاده از تجارب افراد مجرب و دلسوز بتوانید هم زمینه جذب جوانان و هم انجام کارهای فرهنگی را فراهم نمایید. بدون تردید قصد و نیت شما بسیار ارزشمند است اما باید برای علمی ساختن آن از راهکارهای مناسب استفاده کنید. قبل از این که راهکارهایی را خدمت شما ارائه کنیم بیان یک نکته را مفید می دانیم و آن این است که ایجاد تغییر در شخصیت افراد سالمند یا بزرگسال بسیار دشوار و در برخی مواقع غیر ممکن است زیرا مؤلفه های شخصیت آنها کاملا شکل گرفته و تثبیت شده است و سالیان متمادی نیز براساس آن زندگی کرده اند از طرفی کنار گذاشتن آنها نیز به دلیل موقعیت اجتماعی که دارند و همچنین زحماتی که در طول سالیان گذشته متحمل شده اند کار دشواری است و شاید صلاح هم نباشد بنابراین بهترین کار این است که شما

جوانان که انعطاف پذیرتر هستید کمی انعطاف بیشتری نشان دهید و به قول معروف کوتاه بیایید تا زمینه برای تحقق آرمان ها و اهداف فرهنگی که دارید فراهم شود. عمل به راهکارهای زیر در حل مشکل بسیار مؤثر است:

۱. از رفتارهایی که حساسیت برانگیز است و باعث می شود ایشان در مقابل شما موضع گیری کند اجتناب کنید.
۲. با برخوردهای مؤدبانه با ایشان و انجام فعالیت های مذهبی سعی کنید اعتماد ایشان را به خودتان جلب کنید به عبارت دیگر اینگونه افراد تا به کسی اعتماد نکنند به او میدان برای فعالیت نمی دهند بنابراین تلاش کنید اعتمادسازی کنید.
۳. برای استفاده از امکانات حسینه با یک واسطه اقدام کنید. البته واسطه ای که هم جوانان را خوب درک کند و هم از نظر فکری مورد قبول ایشان باشد و بتواند اعمال نفوذ کند.
۴. از سایر دوستان و همکارانتان بخواهید که نکات فوق را مراعات کند زیرا یک برخورد نسنجیده و توهین آمیز از طرف هر کدام از جوانان باعث می شود که ایشان بیشتر مقاومت کند و از پذیرش درخواست های شما اجتناب کند.
۵. برخی از کارهای فرهنگی و هنری که در فرهنگسراها انجام می گیرد شاید مناسب با حسینه نباشد بنابراین از انجام آن در حسینه اجتناب کنید.
۶. به تدریج زمینه به وجود آمدن هیئت امنای اداره حسینه را فراهم کنید.

**من دانشجویی هستم که می توان گفت امروزی نیستم و تیپ هایی که امروزه در دانشگاهها مد است سرکاری ندارم ولی از این وضعیت نیز دل خوشی ندارم دلم می خواهد یک برنامه ای در دانشگاهها وجود داشته باشد که این جوانان راه گم کرده را راهنمایی کنند نه با زبان توهین و تحقیر**

### **پرسش**

من دانشجویی هستم که می توان گفت امروزی نیستم و تیپ هایی که امروزه در دانشگاهها مد است سرکاری ندارم ولی از این وضعیت نیز دل خوشی ندارم دلم می خواهد یک برنامه ای در دانشگاهها وجود داشته باشد که این جوانان راه

گم کرده را راهنمایی کنند نه با زبان توهین و تحقیر بلکه با زبان خودشان چون یکی از دوستان من نیز از افراد امروزی هست ولی در مدت دو ترم من نتوانستم او را با علاقه ها و اعتقادات خودم همسو کنم و از شما می خواهم که راهی پیش روی من گذارید که با این گونه افراد چگونه برخورد کنم یا چگونه کمی آنها را عوض کنم.

## پاسخ

مسئله تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری در حدود کیفیت آن بستگی به توان ها و قابلیت های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم ترین اموری که در تأثیرگذاری دخالت دارند ویژگی های روحی از قبیل اراده استوار اخلاق نیکو حسن معاشرت و آگاهی ها و توانهای علمی بالا- است. تأثیرپذیری مثبت نیز تا حدودی به این امور و نیز به میزان انعطاف پذیری و حقیقت طلبی شخص ارتباط دارد و تأثیرپذیری های منفی برخاسته از ضعف آگاهی و اراده می باشد. بنابراین هر اندازه در تقویت اراده خود گسترش صفات حسنه و خلق و خوی پسندیده و افزون سازی آگاهی ها و دانش های خود به ویژه در زمینه مسایل دینی فرهنگی و اجتماعی تلاش کنید تدریجا توان تأثیرگذاری بیشتری خواهید یافت.

بنابراین تأثیرگذاری یک مهارتی است که به تدریج حاصل می شود و تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرایط کافی برخوردار باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می شود. با رعایت اصول و نکات زیر فرد می تواند میزان تأثیرگذاری خویش را افزایش دهد.

۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید.

۲. با اندکی تفحص و جستجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت و

ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به خاطر وجود آن امر مثبت ارتباط خود را با وی پی گیری نمائید.

۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید مستقیماً از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید.

۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید.

۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود برای شما حرف بزنند.

۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید.

۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند.

۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می خواهی انجام دهد میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام آن عمل فراهم نمائید.

۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید همان را با ایشان در پیش گیرید.

۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را بر دیگران تحمیل نکنید زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده اش را بر آنان تحمیل کند نمی پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند دوستی نمی ورزند و به او اعتماد نمی کنند.

در این زمینه برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آئین دوست یابی، دیل کارنگی

۲. دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، انتشارات آستان قدس رضوی

۳. دوستی در قرآن، محمدی ری شهری

**کتاب و کتابخانه در ارتقای سطح فرهنگ مردم چگونه و در چه حدی می تواند تأثیر گذار باشد؟**

**پرسش**

کتاب و کتابخانه در ارتقای سطح فرهنگ مردم چگونه و در چه حدی می تواند تأثیر گذار باشد؟

**پاسخ**

اهمیت کتاب و کتابخانه بر کسی پوشیده نیست. و بی تردید می توان گفت فرهنگ و تمدن جامعه ارتباطی ناگسستنی با کتاب و کتابخانه دارد و تاریخ کتاب کتابخانه بخشی از تاریخ پیشرفت معنوی و فرهنگی هر جامعه است.

در اسلام نیز که طبیعت آن با کتاب و کتابت عجین شده و معجزه جاویدان آن کتاب است به امر کتاب خوانی و گسترش کتابخانه ها توجه بسیار شده است. اما برای بررسی تاثیر کتاب و کتابخانه بر ارتقای فرهنگ، ابتدا باید به تعریف صحیح فرهنگ پرداخت.

فرهنگ در لغت به معنای ادب و تربیت، دانش، علم و معرفت، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم، کتابی که شامل لغات یک یا چند زبان و شرح حال آنها است و به معنا کاریز آب آمده است. {۱}

برای اصطلاح فرهنگ تعاریف زیادی ارائه شده، رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای در تعریف فرهنگ می فرمایند: «فرهنگ به معنای خاص برای یک ملت عبارت از ذهنیات، اندیشه ها، ایمانها، باورها، سنتها، آداب و ذخیره های فکری و ذهنی است». {۲}

بدیهی است که توسعه و ارتقای فرهنگی وابسته به گسترش کمی و کیفی دستاوردهای فرهنگی است.

چگونگی و میزان تاثیر کتاب و کتابخانه در ارتقای فرهنگ

۱ - کتاب و کتابخانه مرکز اطلاعات و جایگاه فراگیری علوم و دانشهاست. از کتابخانه ها با نگهداری کتابهای مربوط به علوم و دانشها اطلاعات لازم در همه زمینه ها در اختیار مراجعان قرار می دهند و موجب ارتقای اطلاعات آنها می شوند و این امر تاثیر بسیار زیادی در ارتقای فرهنگی جامعه دارد {۳}.

۲ - برخی کتابخانه

با چاپ و نشر کتب مورد نیاز جامعه و قرار دادن آن کتب در اختیار مشتاقان به ارتقای فرهنگ مردم کمک می نمایند {۴}.

۳ - کتابخانه محلی است برای تماس و ارتباط صاحب نظران مسایل اجتماعی و فرهنگی و محلی است برای شناخت جامعه و بررسی افکار، آداب و عقاید.

هنجارها و ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی می توانند در کتابخانه مورد بحث و تحقیق قرار گیرند و این امر در ارتقای فرهنگی تاثیر بسزایی دارد {۵}.

۴ - کتابخانه ها می توانند با درک نیاز جامعه و فراهم آوردن منابع مناسب با آن نیازها، قدمی اساسی در توسعه و ارتقای فرهنگی بردارند.

۵ - با گماردن افراد بصیر، دلسوز و با تجربه بر کتابخانه می توان میزان تاثیر آن را بر فرهنگ بالا برد. وقتی بنا باشد کتابخانه با دارا بودن مجموعه کتب مناسب با نیاز جامعه، به عنوان مرکزی جهت ارتقای سطح فرهنگی جامعه مطرح باشد بی شک مدیران کار آشنا و دلسوزی می توانند از سرمایه گذاری انجام شده حداکثر استفاده را ببرند. {۶} چنین مدیرانی می توانند مشاوران و راهنمایان خوبی برای مراجعان باشند و کاری کنند که آنان بیشتر و بهتر از کتب استفاده کنند. این نیز موجب رشد فرهنگی - علمی مراجعان می شود.

۶ - بهبود وضعیت کمی و کیفی کتابخانه ها نیز از عوامل است که اقبال خوانندگان به امر کتابخوانی را افزایش داده و باعث می شود با ترویج فرهنگ کتابخوان سطح فرهنگی جامعه ارتقا یابد از جمله این عوامل می توان از مکان مناسب، افزایش ساعت کار، بازبینی کتابهای موجود در کتابخانه و افزودن سایر منابع اطلاعاتی همچون نشریات، وسایل سمعی و بصری، رایانه و... نام برد.

[۱]. فرهنگ فارسی، معین، ج ۲، ص ۲۵۳۸، انتشارات امیرکبیر،

[۲]. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری، ص ۴۸، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳.

[۳]. کتابخانه ها و سوادآموزی، جانسون، دبرا ویلکاکس، ترجمه رحمت اله فتاحی، ص ۱۱، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۳.

[۴]. همان.

[۵]. فدایی عراقی، غلامرضا، کتاب و کتابخانه، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۷۴.

[۶]. همان.

### علاقه شدیدی به جذب نوجوانان به مکتب اهل بیت دارم لطفاً راهبردهایی که کاربرد فراوانی داشته باشند را برای من عنایت فرمایید

#### پرسش

علاقه شدیدی به جذب نوجوانان به مکتب اهل بیت دارم لطفاً راهبردهایی که کاربرد فراوانی داشته باشند را برای من عنایت فرمایید

#### پاسخ

از اینکه این علاقه و احساس در شما وجود دارد خیلی خوشوقتم و آرزوی توفیق برای شما می نمایم و توجه شما را در این زمینه به چند مطلب میدهم:

۱- تا جائیکه می توانید معرفت دینی خود را با اهل بیت زیاد کنید و در این زمینه زیاد مطالعه کنید.

۲- خود را مسلح به سلاحهای عملی دفاع از اهل بیت نمائید یعنی با تحقیق و مطالعه بتوانید حقانیت اهل بیت را بطور علمی و مستدل ثابت کنید.

۳- بیشتر از گفتار، سعی نمائید با عمل و کردار تان دیگران را جذب به مکتب اهل بیت نمائید یعنی با خوش اخلاقی و راستی در کلام و امانتداری و نماز اول وقت و پاکی و تقوا خود به خود دیگران را جذب نمائید.

۴- در معاشرت و دوستی هایتان حسن خلق و خوش اخلاقی را سرلوحه زندگی تان قرار دهید که بهترین راه جذب است.

۵- از آثار مکتب اهل بیت و ارتباط با آنها برای دیگران بگوئید، بگوئید پاکی و صفای نفس و اخلاص و محبت در سایه اهل



بیت است ، بگوئید درمکتب اهل بیت به انسان صبر می دهند که بهترین سرمایه زندگی است ، بگوئید اینجا ادب یاد می دهند که نشانگر شخصیت انسان است وهمانطور چیزهای دیگر.

خلاصه هرچه فرمایشات و رفتار ائمه را درزندگیتان پیاده کنید دیگران جذب شما می شوند ولازم نیست شما سراغ دیگران بروید البته این مسئله واضح است که باید دراین رابطه تلاشهایی هم بکنید یعنی درصدد تشکیل جلسات مذهبی باشید چراکه تا مکانهایی نباشد برای جذب جوانان کسی نمی داند کجا باید مراجعه کنند.

## فرهنگ دینی

### سنتهای دینی

**آیا مسلمان آمریکایی به جز اعیاد اسلامی می تواند در اعیاد سایر مذاهب به ویژه عید ژانویه و عید پاک یا، مراسم تهیه درخت کاج، ارسال تبریک هدیه و مانند آن... شرکت کند؟**

### پرسش

آیا مسلمان آمریکایی به جز اعیاد اسلامی می تواند در اعیاد سایر مذاهب به ویژه عید ژانویه و عید پاک یا، مراسم تهیه درخت کاج، ارسال تبریک هدیه و مانند آن... شرکت کند؟

### پاسخ

برای مسلمان صحیح نیست سنن و آداب غیراسلامی را ترویج کند و در این گونه مراسم شرکت نماید. گذشته از این برخی از این اعیاد، اساس صحیحی ندارند و غالباً همراه با مراسم ممنوع می باشد، پس مسلمان باید بکوشد تا آداب اسلامی را ترویج کند.

(بخش پاسخ به سؤالات )

۱۱۷۹

**چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم((علیهم السلام)) فرق می گذارند؟**

### پرسش

چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم((علیهم السلام)) فرق می گذارند؟

مسأله تعطیلی در تولد و شهادت برخی از ائمه ((علیهم السلام)) از امور اعتباری و قراردادی نظام دولتی است. دولت ملاحظه کرده که اگر بخواهد تمام تولدها و وفات ائمه ((علیهم السلام)) را تعطیل اعلام کند. قهراً وقفه در کارهای اداری و رسیدگی به امور معاش و فرهنگی و غیره مردم و... ایجاد می شود. و ائمه ((علیهم السلام)) به آن راضی نیستند. و از طرف دیگر برخی از وقایع تاریخی در تولد و شهادت برخی از ائمه بزرگوار مانند روز عاشورا و یا تولد حضرت امیر ((علیه السلام)) و یا نقش عظیم امام جعفر صادق ((علیه السلام)) را در احیاء تشیع و احکام و معارف اسلامی و... نمی توان نادیده گرفت و به همین جهت به تعطیلی آن قسم که از نظر حوادث و وقایع تاریخی دارای اهمیتی بیشتری بوده، اعلان تعطیلی کرده است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۷

**چرا اکثر مناسبت ها مانند ولادت پیامبر ۶ و شب های قدر، به شب زیارتی علی ۷ مبدل می شود؟**

**پرسش**

چرا اکثر مناسبت ها مانند ولادت پیامبر ۶ و شب های قدر، به شب زیارتی علی ۷ مبدل می شود؟

**پاسخ**

سفارش و تأکید بر زیارت امیرالمؤمنین ۷ و همین طور تأکید بر زیارت امام حسین ۷ مناسبت های مختلف، حاکی از توجه و عنایت معصومان: به امامت و رهبری دینی و سیاسی بعد از رسول خدا ۶ است. مهم ترین مسئله ای که بعد از رسول خدا ۶ بدان توجه نکردند، که باعث انحرافات روانی در جامعه اسلامی شد گذشته از انحراف امامت از مسیر اصلی اش که پیامبر بدان سفارش کرده بود انحرافات از قبیل تغییر بعضی از احکام و مخالفت و دشمنی با اهل بیت پیامبر: بود تا بدان جا که امام حسین ۷ را در کربلا با آن وضع فجیح و زشت به شهادت رساندند و دختران پیامبر را به اسارت بردند. این انحرافات تا بدان جا کشید که وقتی احکام اسلامی را نمی فهمیدند، دست به قیاس و حکم تراشی می زدند و حکم الهی را با تفسیر به رأی و قیاس واستحسان به دست می آوردند و بدعت ها و انحرافات را به عنوان دین به خورد مردم دادند. از این رو تأکید فراوان بر توجه مردم به ولایت امیرالمؤمنین و اهل بیت: مخصوصاً امام حسین ۷ است تا همواره مسلمانان این راه را دنبال کنند و مسیر آنان را بروند و هدایت بشوند.

امام باقر ۷ فرمود:

ولایت از بقیه افضل است، چون کلید و راه گشای بقیه است. والی، دلیل و راهنمای نماز و روزه است <. (۱)

جابرین عبداللہ انصاری می گوید: نازل شد، گفتم: یا رسول اللہ! مراد از اولی الامر چیست و آنان چه کسانی

اند؟ پیامبر فرمود: آنان جانشینان من هستند و امامان مسلمانان اند. اول آنان علی بن ابی طالب سپس حسن سپس حسین و بعد علی بن الحسین و سپس ... حسن بن علی و بعد از او هم نام و هم کنیه من و حجّت خدا بر مردم در روی زمین خواهد بود. خداوند او را از دیدگان غایب می گرداند. (۲)

ذکر و یاد امامان در مناسبت های گوناگون ، به خاطر فراموش نکردن راه و دستورهای آنان است .

(پاورقی ۱. بحارالانوار، ج ۶۵ ص ۳۳۲)

(پاورقی ۲. محمدی ری شهری ، میزان الحکمه، ج ۴ ص ۳۶۸۴)

### آیا نماز نخواندن پدر و مادر در زندگی فرزندان تأثیری دارد؟

#### پرسش

آیا نماز نخواندن پدر و مادر در زندگی فرزندان تأثیری دارد؟

#### پاسخ

نماز نخواندن پدر و مادر دو اثر وضعی و تربیتی بر فرزندان می تواند داشته باشد. اثر تربیتی از آن جهت است که فرزندان معمولاً از اعمال والدین الگو برداری می کنند. اگر فرزندان عمل کردن به آداب و وظائف دینی را از ابتدا در محیط خانه مشاهده کنند و با آن ها خو بگیرند، در سنین بالاتر انجام این کارها برای آن ها طبیعی و آسان خواهد بود.

گاهی با برخی افراد حتی در سنین بالا برخورد می کنیم که با وجود اعتقاد به مبانی دینی، در نماز خواندن سستی می ورزند که یکی از علت های آن می تواند راحت طلبی باشد، یعنی این قبیل افراد از ابتدا به انجام این فریضه عادت نکرده اند و به بهانه های گوناگون از آن سر باز می زنند.

اثر وضعی از این جهت است که هر گناهی آثار جسمی و روحی خاصی بر انسان می گذارد و ترک نماز یکی از گناهان بزرگی است که علاوه بر آثار عمومی، پیامدهای خاصی دارد. در روایتی رسول خدا(ص) پانزده اثر دنیوی و اخروی برای ترک نماز و سبک شمردن آن ذکر کرده اند که عبارتند از:

۱ کم شدن برکت از عمر، ۲ برداشتن برکت از روزی، ۳ محو نشانه نیکوکاران از چهره، ۴ پذیرفته نشدن عمل، ۵ مستجاب نشدن دعا، ۶ عدم برخورداری از دعای نیکوکاران، ۷ با ذلت مردن، ۸ با گرسنگی مردن، ۹ با تشنگی از دنیا رفتن، ۱۰ عذاب قبر ۱۱ تنگی قبر، ۱۲ تاریکی قبر، ۱۳ حساب ذلت آمیز در قیامت، ۱۴ سخت گیری در حساب رسی،

بدیهی است که بعضی از آثار مذکور خواه ناخواه گریبانگیر فرزندان تارک الصلاة است. در حقیقت از فضای عطر آگین معنوی و آثار و برکات نماز محروم اند، ولی باید توجه داشت که این آثار وضعی و تربیتی در حد مقتضی عمل می کند، یعنی فرزندان با انجام وظیفه خود می توانند با عامل وراثت مبارزه نمایند و آثار منفی را از خود دور سازند و خداوند فرزندان را به دلیل گناه پدر یا مادر مؤاخذه نمی کند و حتی برای فرزندی که در شرایط نامساعد خانواده به نماز اهمیت می دهد، ثواب دو چندانی عنایت خواهد کرد.

[۱] سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

**در فرهنگ بعضی از مناطق رایج است که در مجالس ترحیم سیگار توزیع می کنند و بعد از کشیدن سیگار برای اموال فاتحه طلب می کنند. آیا چنین کاری صحیح است؟ اگر صحیح نیست، وظیفه ما در مقابل این عمل چیست؟**

### پرسش

در فرهنگ بعضی از مناطق رایج است که در مجالس ترحیم سیگار توزیع می کنند و بعد از کشیدن سیگار برای اموال فاتحه طلب می کنند. آیا چنین کاری صحیح است؟ اگر صحیح نیست، وظیفه ما در مقابل این عمل چیست؟

### پاسخ

در فرهنگ اسلامی توجّه به قبور و ارواح مؤمنان امری رایج و مطلوب است و در روایات اهل بیت (ع) به آن سفارش فراوانی شده است.

اهدای هدایا به ارواح اموات گاهی به صورت زیارت قبور آنان و گاهی به صورت نماز و قرائت قرآن و دعا و برگزاری مجالس ترحیم و گاهی به صورت خیرات و هدایای مالی انجام می شود، که هر کدام از آن ها کاری شایسته به شمار می رود و حضرات معصومین (ع) هم به آن ها عنایت ویژه ای داشته اند. نمونه هایی از سخنان معصومین (ع) را ذکر می کنیم:

الف) عمر بن یزید از امام صادق (ع) پرسید: آیا می شود برای میت نماز خواند؟ امام فرمود: "بله، گاهی می شود میتی در تنگنا است. خدای متعال با این نماز آن گرفتاری را از او بر می دارد و به او گفته می شود: برطرف شدن گرفتاری تو به خاطر نمازی است که فلانی برای تو، به جای آورده است."

عمر بن یزید پرسید: در یک نماز می توانم دو نفر را شریک کنم؟ امام فرمود: "بله، روح میت با استغفار و ترحّم بر او شادی می شود، همان گونه که انسان زنده با هدیه ای که به او داده می شود، خوشحال می گردد." [۲]

ب) امام صادق (ع) فرمود: "نماز و روزه و حج و صدقه و دعا و کارهای خوب در قبر به میت می رسد و ثواب این اعمال برای



و میّت، هر دو نوشته می شود". [۳]

ج) امام رضا(ع) فرمود: "هر کس قبر مؤمنی را زیارت کند و هفت مرتبه در کنار قبر او، سوره قدر بخواند، خداوند، او و صاحب قبر را می آمرزد". [۴]

د) پیامبر اکرم(ص) فرمود: "اموات خود را در قبرها یشان فراموش نکنید. آنان از شما امید احسان دارند. آنان در قبرهای خود زندانی اند و منتظر اعمال خوب شما هستند و خود قادر به هیچ کاری نیستند به روح آنان صدقه و دعا هدیه کنید". [۵]

نتیجه: هدیه برای روح میّت از طریق نماز، قرائت قرآن، دعا، استغفار، صدقه و خیرات، امری صحیح و مورد سفارش معصومان(ع) است. در مراسم بزرگداشت نیز سزاوار است از طریق این امور و خیرات دیگر ثوابی برای درگذشته اهداء کرد اما کارهای غیر صحیح از قبیل کشیدن سیگار در این گونه مراسم، اثری برای ارواح مؤمنان ندارد، و تا آن مجالس آلوده به گناه نشود، فاتحه و دعا و دیگر خیرات آثار خود را می بخشد.

شایسته است در جامعه اسلامی مخصوصاً در مجالسی که به نام مؤمنان و شادی ارواح تشکیل می شود، از کارهای بیهوده و لغو همانند استعمال دخانیات که هم ضرر مالی دارد و هم ضرر جانی، پرهیز شود.

بنابراین بر همه کسانی که می دانند کلام آنان مؤثر واقع می شود، لازم است: برای برچیده شدن این گونه امور از مجالس مذهبی، با موعظه حسنه و رعایت شرایط امر به

معروف و نهی از منکر، ترویج و تبلیغ نمایند. به امید آن که با محو سنّت های غلط از مجالس ترحیم ثواب بیشتری به ارواح مؤمنان برسد.

[۲] صدوق، محمد بن علی بن

الحسین، من لا یحضره الفقیه، متوفای ۳۸۱ ه، نشر جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۵۵۴.

[۳] صدوق، همان، ص ۱۸۵، ح ۵۵۷.

[۴] بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۶۹، ح ۴ به نقل از الهدایه.

[۵] نوری، طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۱۴، ح ۱۵۷۴.

**آیا درست است که "اسپند" دود کردن هفتاد بلا را دفع می کند؟ آیا سند دارد؟**

**پرسش**

آیا درست است که "اسپند" دود کردن هفتاد بلا را دفع می کند؟ آیا سند دارد؟

**پاسخ**

با مطالعات و بررسی هایی که شد، به حدیثی درباره دود کردن اسفند دست نیافتیم.

اما در یکی از روایات اشاره شده است که اسفند، دوی هفتاد درد است.

امام صادق(ع) فرمود: "اسپند شفای هفتاد درد است که کم ترین آن ها جذام است، پس از (مداوا کردن با) آن غفلت نکنید.  
(۱)

ممکن است مقصود از عدد هفتاد، فراوانی فایده این گیاه در درمان دردها باشد، نه انحصار در آن عدد؛ زیرا در روایت دیگر از پیامبر(ص) دوی هفتاد و دو درد بیان شده است.(۲)

۱. طب الأئمه، عبدالله سabor، نيسابوری، منشورات رضی، قم، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۶۷.

**سنن و روایات در مورد سمرمه کشیدن و یا استفاده از عبا و عمامه وارد شده است. آیا در عصر حاضر که این امور با عرف مخالفت دارد، باز از این ها استفاده شود؟**

**پرسش**



سنن و روایات در مورد سرمه کشیدن و یا استفاده از عبا و عمامه وارد شده است. آیا در عصر حاضر که این امور با عرف مخالفت دارد، باز از این ها استفاده شود؟

### پاسخ

چیزهایی که در شرع مقدس اسلام مستحب هستند، به طور مسلم برای آخرت مفید است (مثل نماز شب) یا برای دنیا فایده بخش است.

در این صورت اگر امر مستحب به قصد قربت انجام شود، علاوه بر اثر دنیوی، اجر و پاداش اخروی به دنبال دارد، مثل سرمه کشیدن که برای چشم مفید است، که اگر به این نیست که مستحب است انجام شود، ثواب هم دارد. باید توجه داشت که این ها مستحب هستند و انجام آن ها واجب نیست و می شود آن ها را ترک کرد.

اما اگر چیزی برای انسان مفید باشد، دیگر مقید به زمان گذشته یا حال نمی شود، بلکه در همه زمان ها مفید و خوب است. پوشیدن لباس سفید یا عبا و عمامه اگر مستحب باشد، مقید به زمان خاصی نیست. اکنون نیز مستحب است مخصوصاً هنگام نماز. این که عرف جامعه می پسندد یا نمی پسندد، به خاطر این است که فرهنگ عرف را عوض کرده اند. ما مسلمانان نباید بگذاریم فرهنگ عرفی ما به دست دیگران عوض بشود.

باید عرفیات غلط جوامع دیگر را به فرهنگ غنی اسلامی برگردانیم و نباید جذب فرهنگ های بیگانه شویم، که بر ما مسلمانان عیب بزرگی محسوب می شود.

### در قرآن احسان به پدر و مادر یاد آور شده اما در مورد خواهر و برادر حکم چگونه است؟

### پرسش

در قرآن احسان به پدر و مادر یاد آور شده اما در مورد خواهر و برادر حکم چگونه است؟

### پاسخ

احسان و نیکی به همه خویشاوندان در قرآن کریم ذکر شده، از پدر و مادر به خاطر زحماتی که برای فرزندان متحمل می شوند و نقش مهمی که در تربیت و پرورش بچه ها دارند، به طور جداگانه و مشخص اسم برده شده است، مطمئناً زحمات و تلاش های هیچ انسانی به اندازه زحمات پدر و مادر نخواهد بود.

قرآن می فرماید: "و إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ و بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا و ذِي الْقُرْبَىٰ؛ (۱) یاد آورید هنگامی را که از بنی اسرائیل عهد گرفتیم به جز خدا نپرستید و نیکی کنید به پدر و مادر و خویشان خود".

در جای دیگر می فرماید: "نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشاوندان و... بدهد". (۲) نیز فرمود: "خدا به عدل و احسان فرمان می دهد و به بذل و عطا به خویشاوندان امر می کند". (۳)

صله رحم یکی از دستوره‌های مهم اسلام است و خواهر و برادر از ارحام نزدیک هستند. وابستگان هر چه نزدیک تر باشند، سفارشات دینی نسبت به آن‌ها بیشتر است.

علی (ع) فرمود: "به عشیره و فامیل هایت احترام و اکرام کن، زیرا بال و پرت هستند". (۴)

رسول خدا (ص) فرمود: "صله رحم عمر را زیاد و فقر را از بین می برد، (۵) و فرمود: وصیت می کنم حاضران و غائبان و همه آنان را که در صُلب مردان و رحم زنان هستند تا

روز قیامت که صله رحم کنند، گرچه یک سال راه بروند، چرا که صله رحم از دین است". (۶) نیز فرمود: "بر کسانی که قطع رحم کنند، رحمت و ملائکه نازل نمی شوند." (۷)

می بینیم که آیات و روایات چگونه در مورد صله رحم تأکید دارند و انسان را از قطع رحم نهی می کنند. می دانیم که بعد از پدر و مادر اولاد نزدیک ترین رحم، برادر و خواهر هستند.

پی نوشت ها:

۱. بقره (۲) آیه ۸۳.

۲. همان آیه ۱۷۷.

۳. نحل (۱۶) آیه ۹۰.

۴. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، واژه رحم، شماره ۷۰۴۰، ۷۰۴۹، ۷۰۶۰، ۷۰۷۶ و ۷۰۷۷.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

**آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می شود؟**

**پرسش**

آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می شود؟

**پاسخ**

باز کردن مغازه و کار کردن در روزهای شهادت ائمه (ع) اشکالی ندارد، مخصوصاً اگر باز بودن مغازه مورد نیاز مردم باشد، ولی خوب است به احترام ائمه (ع) که پدران روحانی و بزرگان دینی ما هستند، مغازه ها را ببندیم، گرچه برای چند ساعت، یا پارچه مشکی به عنوان عزاداری سر در مغازه برنیم، همان طور که اگر یکی از بستگان یا پدر یا مادر فوت می کند، تا چند روز مغازه و کار را تعطیل می کنند.

احترام به ائمه باعث ازدیاد محبت به آنان و نمایانگر عشق و ارادت به ساحت آنان است، نیز علامت دوستی و پیروی از آنان است. خدا به پیامبر فرمود: "به مردم بگو: از شما مزد رسالت نمی خواهم، مگر محبت و دوستی نسبت به خویشانم (که این مزد رسالت است)".

البته در روز شهادت امام حسین، کسب کراهت دارد و در روایات آمده که خیر و برکت را می برد. (۱)

پی نوشت ها:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۹۴، ابواب المزار، باب ۶۶، حدیث ۷.

**در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟ (پ)**

**پرسش**

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟ (پ)

**پاسخ**

بسیاری از چیزهایی که هم اکنون در جامعه جزء سنت های فراموش نشدنی مردم شده است فاقد وجاهت شرعی و دینی است. یکی از همان سنت ها مراسمی است که هنگام فوت و خصوصا بعد از فوت تحت عنوان های مختلف برگزار می شود.

در حالی که برخی از این کارها برعکس روایات و احکام دینی است.

اگر شخصی از خانواده ای رحلت کرد و از دنیا رفت مستحب است که تا سه روز غذایی از بیرون تهیه کرده و برای بازماندگان ارسال کنند و این سنت احتمالا تا به امروز در بعضی از کشورهای اسلامی متداول است نقل شده در نقاطی از استان لرستان ایران مردم به این مهم اهتمام داشته و عمل می کنند.

امام باقر (ع) فرمود: سزاوار است همسایگان صاحب عزا به مدت سه روز برای صاحبان عزا طعام درست کنند. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای دوران جاهلیت است و سنت (پسندیده) آن است که برای آنان (عزاداران) طعام و غذا ارسال شود. آن گونه که پیامبر اسلام (ص) درباره بازماندگان جعفر بن ابی طالب سفارش به ارسال طعام کردند (۲) پس سنت اسلام این است. البته گرفتن مجلس ترحیم و خواندن فاتحه بدون پذیرایی های مفصل خوب است، تا ثواب فاتحه و ... به میت واصل شود. و در عوض هزینه های هنگفتی که می شود، می توان در راههای بهتر و سودمند تر



بازماندگان خرج کرده مانند وقف و دیگر صدقات جاریه، خدمات آموزش و پرورش، مدرسه سازی، ساختن راه ها و بناهایی که عموم مردم از آن استفاده کنند و شناسایی افراد فقیر و مستمند و رسیدگی به وضع آنان .

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... در روایات چیزی ذکر نشده است ، اما مراسم چهلم به خصوص متأثر از برپایی مراسم اربعین سالار شهیدان می باشد.

پی نوشت ها :

۱ - وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۸۸۹، حدیث ۵.

۲ - همان، حدیث ۶.

### **برگزار نکردن مجلس ختم و یادواره شهدای عزیز چه حکمی دارد؟**

#### **پرسش**

برگزار نکردن مجلس ختم و یادواره شهدای عزیز چه حکمی دارد؟

#### **پاسخ**

برگزاری مجلس ختم و یادواره شهدای عزیز برای طلب مغفرت و آمرزش آنان می باشد. یاد نمودن از ایثارگری ها و رشادت های شهیدانی است که چون شمع سوختند و روشنی بخش محفل دیگران گشتند و باعث حفظ امنیت و استقلال کشور اسلامی شدند. برگزاری مجالس ختم و بزرگداشت شهدا اگر همراه با سادگی و مخارج کم باشد، امری شایسته و قابل قبول می باشد، ولی وجوب شرعی ندارد. اگر کسی انجام ندهد، کار حرامی و گناه نکردن است، مگر اینکه متوفی وصیت کرده که مجلس ترحیم برگزار کنند و هزینه را از ثلث اموال او بپردازند، اما اگر میت چیزی در این خصوص نگفته یا برای ثلث، مصارف دیگری را تعیین نموده باشد، ورثه او می توانند از اموال خود برای متوفی مصرف کنند. (۱) وجوهی که در این مجالس مصرف می شود، اگر صرف خیرات و دادن صدقه برای میت شود، از جهات گوناگون، بهتر و مستحب و موجب ثواب میت است. (۲) مگر آنکه بزرگداشت شهدا اثر اجتماعی و فرهنگی بزرگ تری داشته باشد.

پی نوشت ها :

۱ - آیت الله صافی گلپایگانی ، جامع الاحکام، ج ۱، ص ۵۳، س ۱۸۰.

۲ - همان، ص ۵۳، س ۱۸۱.

**چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟**

### **پرسش**

چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟

### **پاسخ**

۱) این نگرش که برگزاری مراسم برای مردگان، مرده گرایی است، قابل قبول نیست، زیرا عزاداری برای آن عده که از دنیا رفته اند، احترام به جایگاه و مقام بلند انسان است. در آموزه های دینی انسان جایگاهی والا دارد و هر گونه تجلیل از آن، احترام به حرمت و قداست بشر محسوب می شود. از این رو امروزه جهان برای بزرگان خود که رفته اند، مراسم می گیرند و یاد و خاطره آنان را گرامی می دارند.

از سوی دیگر پاسداشت ها برای شخصیت های سیاسی و علمی و فرهنگی برگزار می شود. تجلیل از این شخصیت ها، احیای فرهنگ و تمدن و علم است. پاسداری از علم و تمدن و خلاقیت ها نه تنها مرده پرستی نیست، بلکه تمدن سازی و نکو داشت از علم، فرهنگ و تمدن است.

آنچه که مورد احترام قرار می گیرد، شخصیت است، نه شخص. درست است که شخص و بدن او در خاک رفته است، اما شخصیت او (در صورت داشتن صفات ارزشمند) جاودانه و زنده است.

بر همین اساس بزرگان دین برای امام حسین (ع) عزاداری نموده و دیگران را نیز به عزاداری فرا می خواندند، چون شخصیت او که حماسه، تن به ذلت ندادن، فرهنگ ایثار، از خود گذشتگی و دیگر صفات عالی انسانی است، همه در فرهنگ عاشورا و حماسه آن وجود دارد و زنده و پایدار است، تا زمانی که انسان

روی زمین است.

افزون بر آن، در این گونه عزاداری ها، گویندگان، شاعران و نویسندگان به بیان مطالب و حقایقی می پردازند که انسان ها بدان نیاز دارند؛ مثلاً در عزاداری برای امام حسین (ع) از دین مداری، ستم ستیزی، شجاعت و ... سخنی به میان می آید که موجب رشد فکری و فرهنگ سازی می شوند.

البته باید در همه امور از جمله عزاداری ها، از افراط و تفریط جلوگیری شود. عزاداری ها و مراسم باید به گونه ای باشد که طراوت و شادابی از بین نرود و باعث دلزدگی و رنجش نشود که با هدف برپایی عزاداری در تضاد قرار می گیرد.

۲) در اسلام همان گونه که به پاسداشت از مردگان سفارش شده است، به وجود آوردن شادابی و نشاط نیز اهمیت دارد. بر اساس آموزه های دینی است که مردم وظیفه دارند مراسم ولادت بزرگان دینی، بعثت پیامبر و ایام عیدها را جشن بگیرند. این سفارش بدان جهت است که هم از مقام بزرگان و شخصیت ها تجلیل شود و هم شادی به وجود آید. از سوی دیگر در اسلام بر تفریحات سالم نیز تأکید شده است.

امروزه در جمهوری اسلامی ایران همان گونه که برای بزرگان دین و شخصیت ها مراسم عزاداری برگزار می شود، به مناسبت ولادت و مناسبت های دیگر نیز مراسم جشن برگزار می گردد؛ مثلاً در نیمه شعبان به مناسبت ولادت امام زمان (عج) جشن با شکوه برگزاری می گردد که مقدمات آن از هفته ها قبل فراهم می گردد این از ویژگی های اسلام است که جهت حفظ تعادل روحیه انسان ها هم به عزاداری توجه کرده است و هم به



شادی.

در جمهوری اسلامی از برخی شادی‌ها به دلیل غیر مشروع بودن آن جلوگیری می‌شود، از این رو بعضی تصور می‌کنند در جامعه اسلامی ایران از شادی‌ها کاسته شده است. عدم برگزاری برخی از جشن‌ها و یا عدم اجرای برخی از مراسم‌ها در جشن‌ها بدان جهت است که مشروعیت ندارند. خیلی از چیزهایی که در جوامع غربی به عنوان شادی مطرح هستند، در اسلام مشروع نبوده و از مصادیق شادی کاذب هستند. جامعه اسلام مؤلفه‌ها و شاخصه‌های خاص خود را دارد و باید عزاهای و جشن‌ها بر اساس آموزه‌های دینی تعریف شود. در عین حال که فرهنگ جوامع مختلف در کیفیت و چگونگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

**آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می‌شود؟**

**پرسش**

آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می‌شود؟

**پاسخ**

اگر افراد مورد نظر، آلودگی اخلاقی دارند، مثلاً اهل فسق و فجورند، فحش و ناسزا می‌گویند یا به واجبات و محرمات اهمیتی نمی‌دهند، در این صورت، صلاحیت لازم برای دوستی ندارند. از نظر اسلام انسان نباید با افراد فاسق و لایابالی دوست باشد، چون ناخود آگاه از عمل آن‌ها متأثر می‌شود و زیان می‌بیند. از طرفی آن دوستان قابل اعتماد نیستند.

اما اگر به این حد نمی‌باشند، بلکه خطاهای جزئی دارند (که مقتضای انسان بودن جائز الخطا بودن است) اگر تذکر شما با رعایت نزاکت و ادب همراه باشد، مشکلی را در روابط ایجاد نخواهد کرد، یا ادامه ارتباطات موجب روگردانی دوستان از کارهای بد خواهد شد.

**آیا دلیلی وجود دارد که آب زمزم و خاک کربلا شفا است؟ آیا اینها خرافات نیست؟**

**پرسش**

آیا دلیلی وجود دارد که آب زمزم و خاک کربلا شفا است؟ آیا اینها خرافات نیست؟

«خرافه»؛ یعنی، چیزی که فاقد سند و مدرک باشد و مردم بدون هیچ اصل و ریشه ای بدان معتقد باشند. ولی در مورد آب زمزم و تربت کربلا (مرقد امام حسین(ع)) مستندات متعددی وجود دارد. تجربه نیز در این موارد شاهد دیگری بر صحت این مدعا است.

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: «پس از طواف و نماز... اگر توانستی مقداری از آب زمزم بنوش و بگو: «خداوندا این آب را علمی نافع و رزقی واسع و شفای از همه دردها قرار بده»، (کافی، ج ۴، ص ۴۳۰).

اسماعیل بن جابر گوید: شنیدم از امام صادق(ع) که فرمود: «آب زمزم شفای هر بیماری است»، (کافی، ج ۶، ص ۳۸۶).

هم چنین از امام صادق مروی است که فرمود: «در خاک قبر حسین(ع)، شفای همه دردها است»، (التهذیب، ج ۶، ص ۷۴).

گفتنی است که در خوردن از تربت برای شفا گرفتن، باید توجه داشت که باید مقدار بسیار کمی از آن را تناول کرد.

### علت تقدس بعضی از اعداد مانند چهل به چه علت است ؟

#### پرسش

علت تقدس بعضی از اعداد مانند چهل به چه علت است ؟

#### پاسخ

عدد چهل ریشه در فرهنگ دینی ما دارد. در قرآن کریم آمده است وعده بین خداوند و حضرت موسی جهت سخن گفتن با خداوند و نزول تورات چهل شبانه روز بوده است. به همین جهت برخی عدد چهل را عددی کامل می دانند.

در روایتی از پیامبر گرامی اسلام آمده است: من اخلص لله اربعین یوما فجر الله ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه ؛ هر کس چهل روز فقطبرای خداوند تعالی اخلاص ورزد خداوند چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می سازد {M}، (سفینه البحار، شیخ عباس قمی، مادهخلص).

همچنین همان طور که نوشته اید برخی از ادعیه بر چهل مرتبه خواندن آن تأکید شده است. اما خصوصیت عدد چهل و اسرار نهفته در این عدد چیست، برای ما روشن نیست.

البته چه بسا با توجه به ویژگی های انسان، تکرار «چهل بار» موجب یک ملکه معنوی و تعمیق یک رفتار پسندیده و قابلیت نزول فیض خاص خداوند می شود. {J}

**دلیل اینکه در دین مقدس اسلام عدد ۷ هفت دارای اهمیت است و در خیلی از امور جمله طواف کعبه صفا و مروه و غیره .... و همچنین علت اینکه در فرهنگ ملی ما نیز به آن اهمیت داشته اند چیست.**

### **پرسش**

دلیل اینکه در دین مقدس اسلام عدد ۷ هفت دارای اهمیت است و در خیلی از امور جمله طواف کعبه صفا و مروه و غیره .... و همچنین علت اینکه در فرهنگ ملی ما نیز به آن اهمیت داشته اند چیست.

### **پاسخ**

عدد شوط های طواف، هفت مرتبه است، مثل عدد رمی جمرات و سعی صفا و مروه، عدد زمین و آسمان نیز هفت است. تعداد روزها هفته نیز هفت است. یعنی مجذور عمر انسان است و انسان به نیابت هر روز هفته یک شوط طواف (تولی) و یا یک سنگ به شیطان (تبری) و یک سعی میان صفا و مروه (فرار از غیر خدا به سوی خدا) دارد. پرسش شما تنها در عدد هفتاد خلاصه نمی شود، همین پرسش نسبت به اعداد ۵ و ۱۲ و ۴۰ و هفتاد نیز مطرح است.

واقعیت این است که اسرار و خواص این اعداد به خوبی برای ما روشن نیست هر چند در مورد هر کدام احتمالاتی داده شده است ولی حقیقت آن را به درستی نمی دانیم. ممکن است چون عدد ۷ در مورد برخی امور واقعی و تکوینی مثل طبقات آسمان و زمین به کار رفته است، سعی شده در امور تشریحی نیز این سنخیت و هماهنگی حفظ شود و به ویژه در فرهنگ ملی و آداب و سنن ملی مثل سفره هفت سین شاید این احتمال قوی تر باشد.

عدد ۱۲ ریشه قرآنی و روایی دارد. حضرت موسی(ع) با زدن عصا به سنگ، ۱۲ چشمه برای طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل جاری ساخت. حواریون حضرت عیسی(ع) نیز دوازده نفر بوده اند، جانشینان پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز

۱۲ نفرند و یا مثلا در مورد عدد ۵، انبیاء بزرگ و صاحب شریعت ۵ تا است و یا اصحاب کساء ۵ تن می باشد.

در مورد عدد ۴۰ شاید توجه به این ویژگی باشد که «چهل» بار تکرار کاری موجب ریشه دار شدن و ملکه شدن آن در وجود انسان می گردد مانند حدیثی که از پیامبر گرامی اسلام (ص) روایت شده که می فرماید: «من اخلص لله اربعین یوما فجز الله ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه؛ هر کس چهل روز تنها برای خداوند متعال اخلاص ورزد، خداوند چشمه های حکمت را از قلب بر زبانش جاری می سازد» (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۳۰).

و نیز در حدیثی دیگر می فرماید: «هر کس برای نفع امت من چهل حدیث حفظ کند، خداوند او را در روز حساب فقیه و دانشمند بر می انگیزد» (همان، ص ۱۹۳۱).

عدد ۷۰ معمولا برای تکثیر و فراوانی و زیادی به کار می رود. مثلا خداوند متعال در باره منافقین در آیه ۸۰ سوره مبارکه توبه می فرماید: «ان تستغفر لهم سبعین مره فلن یغفر الله لهم؛ حتی اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی هرگز خداوند آنها را نمی آمرزد. این گونه تعبیر در واقع برای تأکید مطلب است، یعنی هر قدر برای آنها استغفار کنی خداوند آنها را نمی آمرزد و منظور تعداد و شمارش نیست که معنا و مفهوم آیه این باشد که اگر مثلا ۷۱ بار استغفار کردی، خداوند آنها را می آمرزد، درست مثل این که کسی به دیگری می گوید: اگر صد بار هم اصرار کنی قبول نخواهم کرد، مفهوم این سخن آن نیست که

اگر ۱۰۱

بار اصرار کنی می پذیرم بلکه منظور این است که مطلقاً و هرگز نخواهم پذیرفت.

**در اقوام ما گاه اظهار می شود که فلان نوزاد توسط فرشتگان و بدون حضور پزشک ختنه شده است. آیا این مسئله واقعی است.**

### پرسش

در اقوام ما گاه اظهار می شود که فلان نوزاد توسط فرشتگان و بدون حضور پزشک ختنه شده است. آیا این مسئله واقعی است.

### پاسخ

ممکن است به ندرت نوزادی ختنه شده متولد شود. ولی دلیلی و یا روایتی نداریم که توسط فرشتگان ختنه می شود. در برخی روایات این گونه آمده است که امام معصوم(ع) ختنه شده متولد می شود. در روایتی از حضرت موسی بن جعفر(ع) این گونه نقل شده است که حضرت هنگام ولادت امام رضا(ع) فرمودند این فرزند من ختنه شده متولد شد و هیچ امامی نیست مگر این که ختنه شده متولد می شود لکن ما تیغ بریدن ختنه را بر محل ختنه می گذاریم به جهت تبعیت از سنت پیامبر و حنیفیت [شریعت حضرت ابراهیم]. در غیر معصومین نیز این اتفاق افتاده است که فردی ختنه شده متولد شود.

**اینجانب دانشجوی دکترای رشته مهندسی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوانسته ام به برخی از آنها که در ذیل می آید پاسخ قانع کننده بدهم:**

### اشاره

در طی چند سال عمر دیده ایم که نحوه انجام بسیاری از فروع دین عوض شده

### پرسش

اینجانب دانشجوی دکترای رشته مهندسی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوانسته ام به برخی از آنها که در ذیل می آید پاسخ قانع کننده بدهم:

در طی چند سال عمر دیده ایم که نحوه انجام بسیاری از فروع دین عوض شده است مثل جمله ؛ یا لطیف ارحم عبد الضعیف؛ که در سجده آخر قرائت میشود و اکنون تقریباً همه گیر شده و یا کیفیت سینه زنی و عزاداری برای امام حسین علیه السلام و یا از بین رفتن حرمت برخی از حرامها مثل ماهی ازونبرون و یا برخی موسیقیها و ... آیا ممکن است بسیاری از فروع دین، ناشی از افکار ما و پیروی از ظن باشد ( ان يتبعون الا الظن و ان هم الا یخرون)؟ همچنین آیا ممکن است بسیاری از صفات

منتسب به حضرت حجت زائیده ذهن ایده آل پرور ما باشد؟

**پاسخ**

در این باره باید به چند نکته توجه کرد:

۱. دین دارای اصول و محکومات است. که تغییر ناپذیر و پایدار است. به طور عموم معارف اساسی مانند توحید و معاد و احکام ضروری مانند اصل نماز و حرمت شراب از این باب است.

۲. برخی احکام بر موضوعات با تعریف خاص [منصوص العله] وارد شده لذا هرگاه موضوع بازشناسی شود و با تغییر یابد چه بسا حکم تغییر کند مانند حرمت ماهی بدون فلس و یا حرمت موسیقی اگر تشخیص داده شود که مطرب و یا لهوی نیست؛ و از آنجا شرایط حرمت را به طور کامل ندارد از باب شبهه موضوعیه و یا تغییر موضوع حکم حرمت برداشته می

شود.

۳. برخی اعمال و رسوم جزء مباحات است و انجام و عدم انجام آن به سلیقه و تشخیص خود مردم واگذار شده که از آن به «منطقه فراغ» یاد شده است. مانند مراسم سینه زنی که در هر جامعه ای فرهنگ خاصی در عزاداری دارند. به شرط اینکه به فعل حرام آلوده نشود از سوی شارع منع نمی شود.

۴. برخی اعمال از تجربیات بزرگان گرفته شده و جزء مقبولات گشته و از آنجا که در دایره بدعت و محرمات قرار ندارد بلکه فوایدی بر آن مترتب است انجام آن ترجیح دارد و دلیل بر منع شرعی نداریم مانند برخی اذکار در نمازها که به نیت مطلق ذکر گفته می شود.

۵. برخی احکام نیز امضائی است. یعنی در میان عرف عقلاء رایج است و شارع منع نکرده بلکه ادامه آنرا جایز شمرده مانند بسیاری از معاملات و داد و ستدها در نتیجه بخوبی می توان بدست آورد هر آنچه فایده عقلایی داشته باشد و منع شرعی نداشته باشد جایز است. و در دایره مضمونات قرار نمی گیرد.

درباره صفات حضرت حجت نیز از آنجا که ایشان از امامان معصوم علیهم السلام است هر آنچه مناسب مقام امامت و ولایت می باشد انتساب آن به ایشان جایز است و زاییده ذهن نیست. به ویژه اگر مسئولیت حکومت جهانی را نیز بر عهده ایشان بدانیم.

برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم:

یکم. باید توجه کرد که شیوه های عزاداری، غیر از ماهیت عزاداری است. در واقع عزاداری یک اصلی است که به گونه های متفاوت و در شکل های مختلف، ظهور می کند؛ بنابراین آنها صرفاً یک ابزارند نه

دوم. ابزار و اظهار ماهیت باید با محتوای عزاداری و مغز پیام متناسب باشد؛ به صورتی که بتواند با بهترین، شیواترین، نافذترین و نافع ترین وجهی، پیام و درس و آموزه را به دیگران منتقل کند. به بیان دیگر، باید لباسی باشد که به قامت آن راست آید؛ نه کوچک تر و نه بزرگتر. اگر کوچک باشد، که همه پیام را پوشش نمی دهد و اگر بزرگ تر باشد، ذهن مخاطب را منحرف می کند و او را از اصل فهم حقیقت باز می دارد.

سوم. می توان برای ابلاغ محتوای پیام، از ابزارهایی که در فرهنگ و تمدن ملل گوناگون وجود دارد سود جست و آنها را به خدمت گرفت؛ چنان که اسلام زبان اردو را در هند به خدمت گرفت و آن را ابزاری برای صدور اسلام به شبه قاره قرار داد. یا فلسفه را از یونان گرفت و آن را در خدمت آموزه های وحیانی گذاشت و ... .

چهارم. اسلام به آداب و رسوم ملل تا زمانی که با آموزه های اصلی و گوهر اسلام در تضاد و تهافت نباشد، احترام گذاشته و هیچ منعی نسبت به آنها روا نمی دارد؛ مثلاً اسلام هیچ گاه برای زبان و رنگ لباس و کیفیت غذای ملل مختلف، فنون، صنایع و علوم - مادامی که با روح اسلام منافات نداشته باشد - محدودیتی قائل نیست.

با توجه به آنچه گفته شد، از دیدگاه اسلام «عزاداری و سوگواری» اهل بیت(ع)، می تواند در قالب ها، فرم ها و ابزاری که در میان ملل و اقوام مختلف مرسوم بوده، محقق شود و به شیوه های گوناگون تجلی یابد. این تا زمانی است که قالب ها؛ شکل ها، شیوه ها و گونه ها، به اصل پیام و محتوا لطمه وارد نسازد؛



بلکه به بهترین نحو پیام را در ذهن و جان مخاطب جای دهد. از این رو استفاده از شیوه های عزاداری که در زمان صدر اسلام نبوده (مانند زنجیرزنی، سینه زنی، تعزیه و ...) نه تنها بدعت در دین نیست؛ بلکه مددکار اسلام بوده و می تواند در حد خود، شعارهای عاشورا و اهل بیت (ع) را به گوش انسان معاصر رسانده و قلب او را به سمت باور بدان ها سوق دهد.

در هر حال تأکید می کنیم که این ها تنها ابزارند نه بیشتر و باید همواره جنبه ابزاری آنها حفظ شود؛ نه آن که خدای ناکرده ابزار بر جان مسأله فائق آید! ابزار تنها پلی برای گذشتن و رسیدن به بن و مایه مطلب است و هیچ گاه هدف اولی نمی باشد. آنچه گاهی مشاهده می شود، متأسفانه همین قصه تلخ است که عده ای از روی نادانی، به ظاهر بیش از باطن اهمیت می دهند و اصل موضوع را مغفول می گذارند.

**آیا زیارت قبور شهدا، مختص روزهای پنج شنبه و جمعه است و زیارت در روزهای دیگر اشکال دارد؟ (مادرم مانع این کار می شود و بنده نیز برای اطاعت از پدر و مادر، چیزی نمی گویم)**

**پرسش**

آیا زیارت قبور شهدا، مختص روزهای پنج شنبه و جمعه است و زیارت در روزهای دیگر اشکال دارد؟ (مادرم مانع این کار می شود و بنده نیز برای اطاعت از پدر و مادر، چیزی نمی گویم)

**پاسخ**

زیارت قبور، به خصوص قبور شهدا، در همه ایام هفته ثواب دارد، ولی در برخی روزها، تأکید بیش تری شده است

مرحوم محدث نوری در مستدرک الوسائل بابی برای روزهایی که زیارت اهل قبور، ثواب بیش تری دارد، آورده که روز پنج شنبه و جمعه از آن جمله است بر این اساس زیارت اهل قبور، روز مخصوصی ندارد.

برای نمونه دو روایت را نقل می کنیم

پیامبر اکرم فرمود: "هر کس قبر والدین خود را یا یکی از آنان را در جمعه زیارت کند، بخشیده می شود و او در زمره نیکان محسوب می گردد." (مستدرک ج ۲، ص ۳۶۵، آل البیت)

سلیمان می گوید: "در باره زیارت اهل قبور از امام باقر ۷ پرسیدم امام فرمود: در روز جمعه آن ها را زیارت کن. (وسائل الشیعه ج ۷، ص ۴۱۵، آل البیت)

اما باید توجه داشت که اطاعت از والدین مسئله مهمی است که قرآن بدان تأکید فرموده است "وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ۚ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا" (اسراء، ۲۳) پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. "قضا، مفهوم مؤکدتری از "امر" دارد و این نشانه تأکید است

قرآن حتّی از اُف گفتن نیز نهی می کند. انسان نباید با صدای بلند و اهانت آمیز و داد و فریاد با آن ها سخن بگوید. (تفسیر

نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۲، ص ۷۶، دارالکتب الاسلامیه )

انسان باید در نهایت ادب و احترام با والدین برخورد نماید؛ بر این اساس گرچه زیارت اهل قبور، مستحب است ولی اطاعت از والدین واجب و رعایت حال آن ها لازم است

**اگر ماه مبارک رمضان ضیافت خداوند است پس چرا اتمام آن را یعنی عید فطر را جشن می گیریم.**

**پرسش**

اگر ماه مبارک رمضان ضیافت خداوند است پس چرا اتمام آن را یعنی عید فطر را جشن می گیریم.

**پاسخ**

ماه رمضان ماه ضیافت الله است و بعد از اتمام آن روز اول شوال روز عید فطر است . اما فلسفه عید فطر به جهت کسب فضائل و پاداش است که مؤمنان در این ماه به جهت طاعت و عبادت کسب کردند آنها یک ماه مهمان سفره کرم الهی بودند و حالا نتیجه این مهمانی را درک می کنند لذا این روزه روز عید و سرور است اما برای کسانی که توانسته اند از فیوضات این ماه بهره مند شود و در تکامل روحی خویش گام هایی برداشته اند ولی از دست دادن ضیافت الهی واقعا " ناراحتی دارد لذا در روایات وارد شده که از ماه رمضان در روزهای آخر آن , وداع کنید و توفیق درک روزه سال بعد را از خداوند بخواهید. برای نمونه حدیثی نقل می کنیم که مرحوم حر آملی در وسائل الشیعه در باب وداع صوم آورده است رسول الله به جابر در وداع از رمضان این دعا را تعلیم دادند: ((اللهم لا تجعله آخر العهد من صیامی ایا فان جعلته فاجعلنی مرحوما" ولا تجعلنی محروما"؛ خدایا این ماه را آخرین ماه رمضان من قرار مده و اگر آخرین ماه من است پس مرا ببخش و مرا از رحمت خویش محروم مگردان)).

**عید یعنی چه؟ و فلسفه اعیاد اسلامی چیست.**

**پرسش**

عید یعنی چه؟ و فلسفه اعیاد اسلامی چیست.

**پاسخ**

عید از ماده و ریشه «عود» به معنای بازگشت و رجوع است یعنی رجوع به اصل و حقیقت و فطرت پاک خدایی خود. عید روز توجه به خویشتن خویش و خود اصیل انسانی و دل کندن و گسستن از خود دروغین و غیر اصیل است که با مکر و فریب خود

را اصیل و حقیقی جلوه داده و لباس صاحبخانه را به دروغ بر تن کرده است. در روز عید انسان با حقیقت خود آشتی می کند و پس از مدت ها فاصله و دوری و جدایی از حقیقت خود آن را دوباره می یابد؛ موانع توجه به فطرت و حقیقتش را کنار می زند و به گوهر درخشان و ارزنده درونش متوجه می گردد. بنابراین هر روز و زمان و ساعتی که انسان بر امیال و خواهش های ناروای نفس چیره گردد و دامنش به گناه آلوده نگردد و مطیع خواست خداوند و بنده راستین او گردد، عید است گرچه عید معروف و رسمی نباشد.

امیر مؤمنان در حکمت ۴۲۸ نهج البلاغه می فرماید: «کل یوم لا یعصى الله فیه فهو عید؛ هر روزی که بدون گناه سپری گردد روز عید است». اعیاد اسلامی یادآور وقایع بزرگ و سرنوشت سازی است که اثر خود را در همه زوایای مادی و معنوی مسلمانان آشکار می سازد و عظمت و عزت مسلمانان را در اثر تمسک به قرآن و معارف اسلامی و احکام الهی را به آنها متذکر می گردد. عید فطر عید بازگشت به خدا و جشن اطاعت و تسلیم در برابر الهی و عمل به فریضه روزه

است. عید قربان، جشن تعبد و سرسپردگی به فرامین الهی و انجام فریضه بزرگ و دشوار حج است که انسان حج گزار به شکرانه اجابت دعوت حق مبنی بر انجام حج و توفیق انجام آن، خوشحال و مسرور است.

روز جمعه نیز به تعبیر روایات روز عید و بزرگ و سرور روزهاست و روز عبادت و دعا و ذکر و یادآوری الطاف و احسان الهی است. روزهای بزرگی مثل سیزده رجب و بیست و هفتم رجب و نیمه شعبان و هر روزی که به مناسبتی بزرگ و یا میلاد امامی از اولیای الهی و اهل بیت (ع) اختصاص دارد هر کدام یادآور عظمت و بزرگی و شکوه و فضیلت است و به تعبیر قرآن کریم از ایام الله و روزهای بزرگ خداوند است. با بزرگداشت این اعیاد و این مناسبت ها به یاد می آوریم که دارای پشتوانه غنی و سرشاری از معنویت و معرفت و علم و فضیلت هستیم و چون درختانی استوار و پر بار هستیم که ریشه در آب معرفت و کمال داریم، پس نباید خود را بی ارزش و یا کم ارزش قلمداد کنیم و خویش را به رایگان بفروشیم و به سرمایه های خدادادمان چوب حراج بزنیم.

اعیاد اسلامی فرصتی برای ارزیابی وضع موجود و فاصله زیادی است که از گذشته پرافتخار و ارزنده خویش گرفته ایم و وقت مناسبی است که ریشه ضعف ها و سستی های خود را بیابیم و برای رفع آنها برنامه ریزی اساسی و درستی داشته باشیم. در ضمن وجود این اعیاد و مناسبت های خجسته و میمون نیاز انسان به شادی و شادابی را تأمین می کند و

این بعد از نیازهای روحی و روانی انسان را برآورده می سازد.

### چرا عده ای در هنگام فاتحه خواندن دست را بر روی قبر می گذارند؟

#### پرسش

چرا عده ای در هنگام فاتحه خواندن دست را بر روی قبر می گذارند؟

#### پاسخ

گذاردن انگشت بر روی قبر هنگام خواندن فاتحه برای میت در روایات ائمه معصومین(ع) وارد شده است. ولی فلسفه این حکم و احکامی از این قبیل که در روایات معتبر وارد شده باشد برای ما روشن نیست و اطلاعات ما از جهان هستی و ارتباط های موجود در آن بسیار ناقص است و دسترسی به آن جز از طریق وحی ممکن نیست. ولی اجمالاً می دانیم دستوراتی که از جانب پیامبر و ائمه معصومین(ع) وارد شده دارای حکمت می باشد چرا که آنان متصل به سرچشمه وحی و مطلع بر واقعیات و حقایق عالم هستی اند.

### آغاز کردن کارها با نام خدا چه فایده ای دارد؟

#### پرسش

آغاز کردن کارها با نام خدا چه فایده ای دارد؟

#### پاسخ

از آنجا که انسان باید در تمامی اعمال خود، خدا را در نظر داشته باشد و رضای او را در نظر بگیرد شروع کردن کارها با نام خدا نقش بسزایی در این امر دارد.

آغاز کردن کارها با نام خدا به این معناست: که انسان کارها و به طور کلی زندگی خود را در جهت خداوند و الهام گرفته از فرامین او صورت می دهد و در هنگام عمل رضا و خشنودی خداوند را در نظر می گیرد که این امر در واقع علامت و نشانه خدایی زدن بر کارهاست و در رشد معنوی انسان و در ارتقاء فرهنگ انسانی در جامعه نقش بسزایی دارد.

علاوه بر این با یاد کردن خداوند در آغاز کار، انسان به قدرتی نامحدود و بی کران متوجه می شود و یاری و همراهی خدای قادر و توانا را در پیشبرد و توفیق آن کار مؤثر می بیند. به این گونه انسان از آن قدرت لایزال و آن رحمت بی انتها استمداد

می طلبد تا مشمول رحمت و عنایت خاصّ او قرار گیرد.

### چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم «علیهم السلام» فرق می گذارند؟

#### پرسش

چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم «علیهم السلام» فرق می گذارند؟

#### پاسخ

مسأله تعطیلی در تولد و شهادت برخی از ائمه «علیهم السلام» از امور اعتباری و قراردادی نظام دولتی است. دولت ملاحظه کرده که اگر بخواهد تمام تولدها و وفات ائمه «علیهم السلام» را تعطیل اعلام کند. قهراً وقفه در کارهای اداری و رسیدگی به امور معاش و فرهنگی و غیره مردم و... ایجاد می شود. و ائمه «علیهم السلام» به آن راضی نیستند. و از طرف دیگر برخی از وقایع تاریخی در تولد و شهادت برخی از ائمه بزرگوار مانند روز عاشورا و یا تولد حضرت امیر «علیه السلام» و یا نقش عظیم امام جعفر صادق «علیه السلام» را در احیاء تشیع و احکام و معارف اسلامی و... نمی توان نادیده گرفت و به همین جهت به تعطیلی آن قسم که از نظر حوادث و وقایع تاریخی دارای اهمیتی بیشتری بوده، اعلان تعطیلی کرده است.

«بخش پاسخ به سؤالات»

### آیا تعطیلی در ایام ولادت یا شهادت ائمه «علیهم السلام» نوعی تعظیم شعائر است؟

#### پرسش

آیا تعطیلی در ایام ولادت یا شهادت ائمه «علیهم السلام» نوعی تعظیم شعائر است؟

#### پاسخ

شکی نیست که باید در موقع سالگرد شهادت تمام امامان «علیهم السلام» بلکه تولد آنان هم شیعه مراسمی را به عنوان احترام و بزرگداشت آنان برگزار کند گرچه تعطیل نوعی احترام و بزرگداشت به شمار می آید که در مورد بسیاری از امامان ما این نوع از احترام چه به صورت رسمی و چه غیر رسمی در بسیاری شهرها وجود دارد و لکن وظیفه این است که برنامه هایی طرح، شود مانند اینکه مجالسی تشکیل شود و با سخنرانی و یادآوری شرح زندگی و مصائب و فداکاریهایی آنان شناخت بیشتری درباره آن امامان «علیهم السلام» فراهم گردد.

## آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟

### پرسش

آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟

### پاسخ

باید توجه داشت که تعظیم شعائر دینی از مهم ترین وظائف هر مسلمان و بلکه بر شیعه ای است، اگر ما معتقدیم که به فرموده امام خمینی «رحمه الله» «محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است» و اگر می دانیم که دشمنان خاندان پیامبر «صلی الله علیه و آله» سعی داشتند اسلام را از اساس نابود کنند، اما امام حسین «علیه السلام» با فداکاری و شهادت اهل بیت و یارانش، سبب احیای دین رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» و شریعت اسلام شد؛ باید بپذیریم که زنده نگه داشتن و گرامی داشتن عاشورا در واقع احیای اسلام و مکتب قرآن است، آن گاه به جای مخالفت با این امور، تلاش و اندیشه خود را در این مسیر خواهیم انداخت که بر شکوه و کار آمدی آن بیفزاییم.

آری، این که چگونه باید به تعظیم و تکریم شعائر مذهبی پرداخت، جای بحث و گفتگوی بسیار دارد؛ ولی مسلماً اصل این مراسم چه در شهادت ها و چه در تولدها و جشنها باید به شیوه ای بسیار باشکوه باشد، شیوه ای که خاطرات و یادهای چهارده قرن را همچنان تا قیام حضرت حجه «علیه السلام» به بهترین نحو زنده و پویانده نگه دارد. تا اسلامی که با همین عزاداریها و یا جشن تولد ائمه «علیهم السلام» به ما رسیده است به نسلهای بعد منتقل شود؛ که حیات دین به حیات شعائر الهی است.

## آیا اگر کودکی را به نام امام و پیامبر نام گذاری نکنند گناه دارد؟

### پرسش

آیا اگر کودکی را به نام امام و پیامبر نام گذاری نکنند گناه دارد؟

### پاسخ

به طوری که از گفتار رهبران راستین به دست می آید یکی از حقوق فرزند به پدر این است که نام نیکو روی وی بگذارد و



اساساً انتخاب نام بزرگان و برجستگان انسانیست که می‌توانند برای کودک و پیشرفت وی الگو باشند بسیار شایسته و مناسب است و چون ما مسلمانان در زندگی خویش از امامان و رهبران معصوم ((علیهم السلام)) الهام می‌گیریم انتخاب نام از این خاندان برای ما شایسته است ولی چنان نیست که اگر کسی اینگونه نام‌ها را برای فرزندش انتخاب نکند گناه کرده باشد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۵۹

### آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم (سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟

**پرسش**

آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم (سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟

**پاسخ**

مراسم ترحیم (سوم، هفتم و چهلم) از مراسم ما ایرانیان است و هیچ سفارشی در شرع مقدّس برای برگزاری این گونه مجالس نیست. البته، طلب مغفرت و تلاوت قرآن برای میّت مستحب است، ولی درباره مجلس سوم و هفتم و چهلم هیچ گونه سفارشی نشده است. متأسفانه، برخی چشم و هم چشمیها و رسوم نامعقول مردم، موجب رنج خود آنان شده است. در دین مقدّس اسلام آمده است که شایسته است همسایگان برای خانواده عزادار تا سه روز غذا بفرستند و غذا خوردن همسایگان در آن خانه مکروه است ولی میان ما رسم است که باید شخص عزادار هزینه‌هایی سنگین بر عهده گیرد و دیگران را غذا دهد. در بسیاری از روستاها و شهرها، بازماندگان عزادار برای برگزاری این گونه مجالس ناچار می‌شوند املاک خود را بفروشند و زیر بار وام‌هایی سنگین روند و تا سالها تاوان پس دهند تا به گمان خود، آبروداری کنند. خداوند به این کار راضی نیست و برگزار کنندگان اجری نخواهند برد زیرا به جای پیروی از دین مقدّس اسلام، گویی می‌گویند: «بل نَتَّبِعْ مَا الْفِئِنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا» (۱) بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم».

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره بقره آیه ۱۷۰.

۸۸۱

**آیا نام آدمها در وضعیت سعادت و شقاوت و یا شادمانی و ناراحتی آنها تأثیر دارد برای مثال آسیه که به مفهوم زن غمگین است برای صاحب نام عقیده ای ایجاد نمی‌کند!؟**

آیا نام آدمها در وضعیت سعادت و شقاوت و یا شادمانی و ناراحتی آنها تأثیر دارد برای مثال آسیه که به مفهوم زن غمگین است برای صاحب نام عقیده ای ایجاد نمی کند!؟

پاسخ

اولاً- در نامهایی که از شخصیتها انتخاب می شود معنی و مفهوم آنها معمولاً- مورد نظر نیست بلکه خود نام و انتساب آن با شخصیت، مورد توجه است و آسیه همسر فرعون یکی از بانوان با شخصیت و گرامی و مورد تمجید قرآن مجید و اسوه ی صبر و مقاومت است و انتخاب این نام بسیار شایسته و مطلوب است.

ثانیاً آسیه که نام همسر فرعون بوده معلوم نیست عربی باشد تا آنرا به فارسی به زن اندوهگین ترجمه نمایند ممکن است آسیه کلمه ی عبری باشد.

ثالثاً شخصیت انسان با عمل و تلاش و اراده خود انسان ساخته می شود و وجود یک نام در انسان نمی تواند حاکی از چیزی باشد خوشحالی و ناراحتی معیارهایی دارد که اسم و لفظ در آن دخالت ندارد انسان باید تلاش کند که با ایمان و عمل صالح سرنوشتی شایسته برای خود فراهم آورد و در آن صورت منشایی برای نگرانی البته مسلم است که دین عزیز ما تأکید نموده که نام خوب برگزیده شود، انسانی که با خدا ارتباط دارد و وظایف دینی را بطور کامل انجام می دهد و با نیایش و استعانت از خدا و توسل به پیامبر و امامان مخصوصاً امام زمان((علیه السلام)) همواره به زندگی خویش معنویت و روح می بخشد انسانی سعادت مند است.

آری در احادیث آمده که مؤمن دارای دو نور است یکی نور ترس و یکی نور امید و

همواره این دو در مؤمن هست به ثواب خداوند امیدوار و هم از عذاب خدا بیمناک است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

**در کتاب مفاتیح الجنان آمده که هر ساعتی از شبانه روز مخصوص یک امام بزرگوار است. مقصود چیست؟ برای متوسل شدن به امام رضا(ع) ساعت مختصّ به ایشان را چطور محاسبه کنیم؟**

**اشاره**

جواب: مرحوم شیخ عباس قمی از مرحوم شیخ طوسی و دو نفر از بزرگان نقل کرده که آن بزرگواران هر

**پرسش**

در کتاب مفاتیح الجنان آمده که هر ساعتی از شبانه روز مخصوص یک امام بزرگوار است. مقصود چیست؟ برای متوسل شدن به امام رضا(ع) ساعت مختصّ به ایشان را چطور محاسبه کنیم؟

جواب: مرحوم شیخ عباس قمی از مرحوم شیخ طوسی و دو نفر از بزرگان نقل کرده که آن بزرگواران هر روز را به دوازده ساعت تقسیم کرده و برای هر ساعتی، دعایی همراه با توسل به یکی از دوازده امام(ره) ذکر کرده اند. (۱)

گر چه در این مورد به روایت و حدیثی بر نخوردیم: مقصود این است که انسان در طول روز به یاد خدا باشد و حاجت های خود را از او بخواهد. و در این باره متوسل به ائمه اطهار(ع) باشد و از این طریق همواره متوجه باشد که امامان(ع) ارزش والایی در پیشگاه خدا دارند. بدون چنگ زدن به دامن آنان و بدون توسل به آن ها انسان راه به جایی نمی برد و در صراط مستقیم قرار نمی گیرد.

پیامبر اسلام(ص) در حدیث ثقلین امامت را در کنار قرآن معرفی فرمود و بیان کرد که قرآن و عترت تا روز قیامت از هم جدا نمی شوند. هر کس بخواهد سعادت مند شود، باید قرآن و عترت را با هم داشته باشد، و اگر تنها از یکی استفاده کرد و توجه به دیگری نکرد، راه سعادت و خوش بختی دور خواهد شد.

ساعت منسوب به امام رضا(ع) عبارت است از حدود پنج دقیقه بعد از اذان ظهر، یعنی بعد از اذان ظهر به

انداز؟ خواندن چهار رکعت نماز که گذشت، ساعت مربوط به امام رضا(ع) است.(۲)

پاورقی:

۱ - مفاتیح الجنان، ص ۳۱۹ (حاشیه)

۲ - مفاتیح الجنان، ص ۳۱۹ (حاشیه)

پرسش: شنیده ام که در روز عید قربان نباید کارهایی مانند، خیاطی، بافندگی و ... انجام داد، آیا این مطلب سندیت دارد؟

**پاسخ**

کار کردن در اعیاد اسلامی مثل عید قربان و عید غدیر و ولادت های پیامبر و امامان معصوم و ایام شهادت های آن بزرگواران اشکالی ندارد، ولی خوب است بخشی از ساعات این روزها را به دعا و عبادت و بزرگداشت آن ایام اختصاص و اعمال مخصوص آن روزها را انجام دهیم. نیز در ایام عزاداری برای بزرگداشت مقام شامخ ائمه (که شهدای راه فضیلت و تقوا و فدایی دین بوده اند) اقدام کنیم. هم چنین در روز های عید را خوشحال باشند و شادی های مشروع و به دیدن یکدیگر برویم.

نیز در روزهای شهادت به جهت احترام بر مصیبت های سخت و جانسوزی که بر آن بزرگواران وارد شده، به سوگواری پردازیم، چون این گونه کارها موجب خشنودی خدا و ثواب خواهد بود. البته اگر مردم کار لازم و ضروری داشتند و در آن روزها انجام دهند، اشکال ندارد. بخصوص در روز عید که کار کردن اشکال ندارد.

پاورقی:

۱ - مفاتیح الجنان، ص ۵۰۰.

**شهادت**

**به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟**

**پرسش**

به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟

**پاسخ**

هر فرهنگی، معیارها و قانون های خاص خود را دارد، و واژه ها نیز بر همین اساس، استعمال می شوند. مثلاً همین لغت شهید از چنین بار فرهنگی برخوردار است.

از آنجا که کار دین، انقلاب در انگیزه ها بوده است، پس بهترین انگیزه برای کارها و نیز، شرط قبولی اعمال را همین ایمان به خدا دانسته است. در قرآن آمده است: «من عمل صالحاً من ذکر او انشی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه» (۵) هر مرد و زنی که عملی نیکو انجام دهد و (به شرط آنکه) مؤمن باشد، به او زندگی طیب عطا می کنیم».

حتی غسل ندارد (۷) و با لباس خویش به خاک سپرده می شود. البته در دیدگاه وسیع قرآن، نیکوکاران با بدکاران مساوی نیستند، اما هر عملی با میزان های ویژه سنجیده می شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

### **شهادت چیست؟ (هدف، وسیله، عشق و آرزو ... ) رسیدن به مقام شهادت می تواند هدف باشد؟**

#### **پرسش**

شهادت چیست؟ (هدف، وسیله، عشق و آرزو ... ) رسیدن به مقام شهادت می تواند هدف باشد؟

#### **پاسخ**

در فرهنگ اسلام، شهادت دو معنی متفاوت دارد، یکی معنی خاص و دیگری معنی گسترده و عام. معنای خاص شهادت همان کشته شدن در معرکه جنگ، در راه خداست که احکام فقهی خاصی در اسلام دارد، از جمله، عدم نیاز شهید به غسل و کفن، بلکه با همان لباس خونین دفن می گردد. اما معنای عام و وسیع شهادت آن است که انسان در مسیر انجام وظیفه الهی کشته شود و یا بمیرد، که هر کس در حین انجام چنین وظیفه ای به هر صورت از دنیا برود، شهید است. از این رو تمام کسانی که عقیده به حق دارند و در مسیر حق گام بر می دارند و در همین راه از دنیا می روند طبق روایات در زمره شهدا هستند. ۲

طبق روایات اسلامی چند گروه از مردم شهید از دنیا می روند:

پیامبر ( می فرماید: کسی که در طریق تحصیل علم از دنیا برود شهید است. ۳

علی ( می فرماید: کسی که در بستر از دنیا برود اما معرفت حقیقی پروردگار و معرفت واقعی پیامبر ( و اهل بیتش را داشته باشد شهید از دنیا رفته است. ۴ امام صادق ( می فرماید: کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمین ایستادگی کند و کشته شود شهید است. ۵

امام باقر ( می فرماید: آن کسی از شما که به مسأله ولایت آشنا باشد و در انتظار ظهور مهدی (عج) سر برد و خود را آماده

حکومت عدل جهانی او سازد، مانند کسی است که همراه با مهدی (عج) آل محمد (با سلاحش جهاد کرده باشد... ۶

روایتی پرمعنا

از پیامبر ( وارد شده که عظمت و اهمیت شهادت و مقام شهید را در فرهنگ اسلامی بیان می کند توجه عمیق به این حدیث شریف، هر انسانی را آرزومند چنین مقام والایی می کند.

پیامبر ( می فرماید: " هنگامی که جنگجویان تصمیم بر شرکت در میدان جهاد می گیرند، خداوند آزادی از آتش دوزخ را برای آنان مقرر می دارد، هنگامی که سلاح بر می دارند و آماده میدان می شوند، فرشتگان بوجود آنان افتخار می کنند، زمانی که با بستگان خویش خداحافظی می کنند از گناهان خود خارج می شوند ... از این به بعد هرکاری کنند، پاداش آنان مضاعف می گردد و در برابر هر روز، پاداش عبادت هزار عابد برای آنان نوشته می شود. هنگامی که با دشمنان روبرو می شوند، کسی نمی تواند میزان ثواب آنها را درک کند. به هنگامی که گام به میدان نبرد بگذارند و نیزه و تیرها رد و بدل شود و جنگ تن به تن آغاز گردد، فرشتگان با پر و بال خود اطراف آنان را می گیرند و از خداوند ثبات قدم آنان را تقاضا می کنند ... ضربات دشمن بر پیکر شهید گواراتر است از نوشیدن آب خنک در روزهای گرم تابستان، آن هنگام که از مرکب می غلطد، هنوز به زمین نرسیده حوریان بهشتی به استقبال او می شتابند و نعمتهای بزرگ معنوی و مادی که خدا برای او فراهم ساخته، برایش شرح می دهند زمانی که به زمین می افتد، زمین می گوید: مرحبا به روح پاکیزه ای که از بدن پاکیزه پرواز می کند، بشارت باد تو را به نعمتهایی که در انتظار تو است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشه نشینده ... خداوند می فرماید: من سرپرست بازماندگان اویم، هرکس آنان

را خشنود کند مرا خشنود کرده و هر کس آنان را به خشم آورد مرا به خشم آورده." ۷

قرآن نیز موضوع مرگ را در مورد شهید منتفی می داند و می فرماید: "آنان زنده اند و نزد پروردگار خود روزی می خورند، اما شما نمی توانید درک کنید. (که آنان از چه فیض و رحمتی برخوردارند)." ۸

با عنایت به مواردی که ذکر گردید، شوق به دریافت پادشاهی الهی و درک مقام و منزلت شهید است که سعی و تلاش روزانه، محبت و گذشت و ایثار و بخشندگی ما را در قبال یکدیگر، دوستی و علاقه ما را به ( و بندگی و عبادت ما را در برابر خداوند منان، معنا و مفهوم حقیقی می بخشد، و بدین جهت است که موضوع شهادت باید به عنوان یک هدف اصیل و مقدس و فراتر از یک آرزو و یا عشق، نصب العین همه انسانهای موحد و خداجو قرار گیرد که اگر این منطق حاکم گردد، هر نوع رخوت و سستی و افسردگی و یأس و ظلم پذیری و تسلیم در برابر دشمنان را از جوامع بشری دور خواهد کرد.

در صدر اسلام آنچه که تقویت روحیه مسلمانان در برابر ظلم و ستم و شکنجه مشرکان قریش را موجب می گشت، و نیز در طول نبردهای مقدس باعث تحریک و مقاومت و پیشرفت مؤمنان و موحدان می گردید، انگیزه دستیابی به این مقام و موهبت بود.

در زمان ما نیز که دوران صلح است و حسرت خوردن بر راهی که بسته شد، جهاد و نبرد در میدان فرهنگی که از انواع جهات اکبر است فضیلت و جایگاهی والا دارد و مبارزه در این میدان و حمایت از فرماندهی معظم کل قوا



نشانه عشق به شهادت است.

منابع و مأخذ :

۱- تفسیر نمونه ج ۲۱ ص ۴۰۷

۲- تفسیر نمونه ج ۲۳ ص ۳۵۵

۳- سفینه البحار مادر شهید ج ۱ تفسیر نمونه ج ۲۱ ص ۴۰۷

۴- نهج البلاغه خطبه ۱۹۰ آخر خطبه

۵- سفینه البحار به نقل از تفسیر نمونه ج ۲۱ ص ۴۰۷

۶- تفسیر مجمع البیان ج ۹ ص ۲۳۸ بنقل از تفسیر نمونه ج ۲۳ ص ۳۵۶

۷- خلاصه روایتی از مجمع البیان مرحوم طبری ج ۲، آیه ۱۷۱ آل عمران بنقل از تفسیر نمونه ج ۳ ص ۱۷۳۱۷۲

۸- بقره ۱۵۴

**آیا شهیدان افراد استثنایی بودند یا اکنون نیز از آن اشخاص در جامعه وجود دارد برای نزدیک شدن به شخصیت آنها چه باید کرد**

**پرسش**

آیا شهیدان افراد استثنایی بودند یا اکنون نیز از آن اشخاص در جامعه وجود دارد برای نزدیک شدن به شخصیت آنها چه باید کرد

**پاسخ**

شهیدان نیز افرادی مانند دیگران هستند، لکن با پشت پا زدن به تمایات دنیایی و جست و جوی آرمانی برتر، توانسته اند عالی ترین مدارج کمال را کسب کنند. در طول تاریخ اسلام، همواره شخصیت هایی این چنین بوده و هستند. البته شرایط رشد و ظهور آنان، متفاوت بوده است. برای نزدیک شدن به شخصیت آنان، بهترین راه تقوا، خداگرایی و ترک تعلقات دنیوی است.

}}

**چه کسانی شهید محسوب می شوند**

## پرسش

چه کسانی شهید محسوب می شوند

## پاسخ

آدمی نوعا در پایان زندگی طبیعی و یا در اثر حوادث ناخواسته جان خود را از دست می دهد و غالبا بر آن امر رضایت نداشته و مرگ را بالاجبار پذیرا می گردد، ولی شهید (شاهد بر آرمان خود) کسی است که تمام وجود خود را در راه آرمان الهی خود به کار می گیرد. این افراد را نمی توان با افرادی که مرگ گریبانگیر آنان می شود یک سطح دانست، لذا خداوند در قرآن می فرماید: «به آنانی که در راه خدا کشته شده اند مرده نگوئید، بلکه آنان زنده هایی هستند که در نزد پروردگارشان روزی می خورند»، (بقره، آیه ۱۵۰)

هر اندازه انسان از نظر تقوا و عفاف و قطع وابستگی های دنیوی و دلبستگی به خدا و آخرت فراتر رود به مقام شهیدان نزدیک تر می شود. از طرف دیگر عشق راستین به جهاد و شهادت در راه خدا انسان را تا مقام شهادت بالا می برد.

## راه حفظ حرمت شهدا چیست ؟

## پرسش

راه حفظ حرمت شهدا چیست ؟

## پاسخ

پاسداری از حرمت خون شهیدان وظیفه هر مسلمانی است و همه ما در روز قیامت نسبت به آن سؤال و جواب خواهیم شد. طریقه آن نیز با توجه به هدف آن عزیزان روشن است. آنان برای حفظ اصل دین و اجرای احکام آن در جامعه شهید شدند. از این رو ادامه راهشان همانا اجرای احکام الهی و دوری از گناهان و پیروی از عالمان دینیمخصوصا رهبری انقلاب است. ما باید جامعه ای بسازیم که مطلوب آن عزیزان است.

## در باره شهادت و اینکه چطور می توان آرزوی شهادت را دل نکه داشت برای من توضیح دهید ؟

## پرسش

در باره شهادت و اینکه چطور می توان آرزوی شهادت را دل نکه داشت برای من توضیح دهید ؟

به قول شهید مطهری «مرگ‌هایی که شهادت است در آن مرگ انسان با توجه به خطرات احتمالی یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» از آن استقبال کند. شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا و فی سبیل الله باشد. هدف، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که آگاهانه صورت گرفته باشد. شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدس است و از هر گونه انگیزه‌ی خودگرایانه منزّه و مبرا است، تحسین انگیز و افتخارآمیز است و عملی قهرمانانه تلقی می‌شود. در میان انواع مرگ و میرها این نوع از مرگ است که ارزش آن از حیات و زندگی برتر و مقدس تر است» (قیام و انقلاب مهدی، به ضمیمه شهید از استاد مطهری).

انسانی که با چنین شرایطی به استقبال مرگ می‌شتابد شهید است و اجر شهید را نیز می‌برد. در احکام شهید می‌خوانیم کسی که به امر معصوم (ع) یا نایب او به جبهه برود و در میدان نبرد کشته شود شهید است غسل و حنوط و کفن از او ساقط است، بلکه با لباس خودش دفن شود» (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۶).

با این حال روایت‌ها و اخباری هست مبنی بر این که اگر کسی بمیرد، در حالی که در قلب دارای محبت اهل بیت است، شهید از دنیا رفته است، و نیز آمرزیده می‌شود و نیز با ایمان کامل از دنیا می‌رود (تفسیر کشاف، ج ۳،

ص ۴۰۳. این حدیث طولانی است که از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده است).

یا در روایتی دیگر از رسول خدا (ص) نقل شده است که حضرت فرمود: «من عاش مدارياً مات شهيداً؛ هر کس طوری زندگی کند که مردم از او آزاری نبینند و در حال مدارای با مردم از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است» (کنز العمال، حدیث ۷۱۷۳ و ۷۱۷۱).

این گونه روایت ها به این موضوع اشاره می کند: کسی که با چنین شرایطی از دنیا برود، اجر شهید را می برد. ولی حکم شهید را ندارد. یعنی غسل، حنوط، و کفن از او ساقط نمی شود، بلکه باید او را غسل داد یعنی احکام اموات را باید درباره او اجرا کرد.

در انتهای سخن سفارش می کنیم زیارت امین الله را هر روز یا هفته ای یک بار با توجه و تأمل بخوانید. یکی از قسمت های مهم این زیارت شریف این عبارت است: ... اللهم فاجعل نفسي مطمئنه بقدرک، راضیه بقضائك... بارخدایا! پس جان مرا مطمئن و آرام نسبت به سرنوشت قرار بده، و مرا خشنود نسبت به داوریت بگردان }M(حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۵۷۸).

که اشاره دارد خدایا مرا به مقام «رضا» و «خشنودی» برسان تا آن چه به من می رسد مرا از توجه به تو باز ندارد.

شهادت درجه ای است که خداوند نصیب افرادی می کند که قابلیت آن را داشته باشند، یعنی «واقعا» اهل تقوا بوده و عاشقانه آن را طلب کنند. البته در بعضی از روایات آمده است که: زن و مرد با ایمان اگر نیت کار خیری را داشته باشند، هر چند موفق به آن عمل نشوند ثواب آن را در نامه عمل آنها می

نویسند. در روایت دیگری نیز آمده است: فرد مؤمن (چه زن و چه مرد) اگر در بستر بیماری هم بمیرد، در زمره شهدا محسوب خواهد شد.

آرزوی شهادت به معنای برگزیدن بهترین نوع مرگ است. به عبارت دیگر همه از دنیا رفتنی هستند؛ اما هنر انسان با ایمان آن است که با بهترین انتخاب از دنیا می رود. شهادت به معنای پذیرش مسؤولیتی بزرگ تر در برابر مسؤولیت های کوچک تر است. شهادت خودکشی و مسؤولیت گریزی نیست؛ بلکه انجام رسالت های بزرگ تر اجتماعی و فداکاری در راه مصالح عالی اسلام و جامعه اسلامی است. شهادت طلبی به معنای آن است که در عرصه نیاز جامعه به فداکاری، مصالح شخصی و خانوادگی مانند غل و زنجیر انسان را پای بسته نمی کند؛ بلکه انسان شهادت جو، مرز و حصار خودیت و دلبستگی و تعلق خانوادگی را پاره می کند و در راه آرمان های مقدس عاشقانه و بدون اندک درنگ به پیش می تازد.

**در مورد شهدا سؤالی داشتم که مدتهاست ذهن مرا به خود مشغول کرده است آیا همه کسانی که در جنگ کشته شده اند شهید نامیده می شوند آیا همه آدمهای خوبی بوده اند. مثلا شاید یکی داشته دزدی می کرده و خمپاره ای به او خورده باشد و جانباز یا شهید شده باشد؟ یا اینکه مثلا**

### **پرسش**

در مورد شهدا سؤالی داشتم که مدتهاست ذهن مرا به خود مشغول کرده است آیا همه کسانی که در جنگ کشته شده اند شهید نامیده می شوند آیا همه آدمهای خوبی بوده اند. مثلا شاید یکی داشته دزدی می کرده و خمپاره ای به او خورده باشد و جانباز یا شهید شده باشد؟ یا اینکه مثلا سنی بوده. خواهش می کنم برایم توضیح دهید که چرا بعضی از جانبازان و حتی آزادگانی که سالها در دست رژیم بعث اسیر بوده اند الان آدمهایی هستند که اصلا از آنها انتظار نمی رود مثلا نماز نمی

مرگ‌هایی که شهادت است در آن مرگ انسان با توجه به خطرات احتمالی یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» از آن استقبال کند. شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا و فی سبیل الله و هدف، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که آگاهانه صورت گرفته باشد. شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدس است و از هر گونه انگیزه‌ی خودگرایانه منزّه و مبرا است، تحسین انگیز و افتخارآمیز است و عملی قهرمانانه تلقی می‌شود. در میان انواع مرگ و میرها این نوع از مرگ است که ارزش آن از حیات و زندگی برتر و مقدس‌تر است (قیام و انقلاب مهدی، به ضمیمه شهید از استاد مطهری).

انسانی که با چنین شرایطی به استقبال مرگ می‌شتابد شهید است و اجر شهید را نیز می‌برد. در احکام شهید می‌خوانیم کسی که به امر معصوم (ع) یا نایب او به جبهه برود و در میدان نبرد کشته شود شهید است و غسل و حنوط و کفن از او ساقط است، بلکه با لباس خودش دفن شود» (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۶).

با این حال روایت‌ها و اخباری هست مبنی بر این که اگر کسی بمیرد، در حالی که دارای محبت اهل بیت باشد، شهید از دنیا رفته است، و نیز آمرزیده می‌شود و نیز با ایمان کامل از دنیا می‌رود (تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۴۰۳). این حدیث طولانی است که از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده است.

یا در روایتی

دیگر از رسول خدا(ص) نقل شده است که حضرت فرمود: مَنْ عَاشَ مَدَارِيَّ مَاتَ شَهِيداً هَر كَس طوری زندگی کند که مردم از او آزاری نینند و در حال مدارای با مردم از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است(کنز العمال، حدیث ۷۱۷۳ و ۷۱۷۱).

این گونه روایت ها به این موضوع اشاره می کند: کسی که با چنین شرایطی از دنیا برود، اجر شهید را می برد. ولی حکم شهید را ندارد. یعنی غسل، حنوط، و کفن از او ساقط نمی شود، بلکه باید او را غسل داد یعنی احکام اموات را باید درباره او اجرا کرد.

اما این که در سؤال آورده اید اگر کسی بدون انگیزه الهی و یا حتی شیطانی مثل دزدی کردن که مورد سؤال شما است هدف گلوله دشمن واقع شد آیا شهید است یا خیر؟ باید گفت: قطعاً جزء شهدا نمی باشد به خصوص آنجا که در حال گناه باشد مورد مؤاخذه الهی قرار خواهد گرفت.

اما درباره کسانی که قبلاً در جبهه ها فداکاری کرده یا جانباز شده و یا اسیر بوده اند؛ حال، چرا بعضی از آنها اهل گناه و بی نمازند؛ آنچه می توان در پاسخ بیان کرد این که افراد انسانی همواره در آزمون الهی به سر می برند و با توجه به این که انسان دارای اختیار و اراده و عقل خدادادی است هم می تواند خوب باشد و هم بد، جبهه رفتن و جانباز یا آزاده شدن، همگی مثبت و باعث عزت و افتخار است، البته تا وقتی که انسان در طاعت بندگی خداوند متعال باقی بماند و اگر از مسیر حق انحراف پیدا کرد و دچار وسوسه های شیطانی

و اعمال آلوده شود، دیگر آن افتخارات و ارزش های گذشته ممکن است رنگ بیازد و حتی خدای ناکرده مورد قبول درگاه الهی نشود، ما در تاریخ افراد زیادی داریم که در مقطعی از زندگی بسیار خوب بودند - مثل طلحه و زبیر - (از اصحاب پیامبر اکرم(ص)) ولی در مقطع دیگر در برابر امام معصوم علی(ع) صف آرایی کرده و کشته شدند و به همین دلیل در اسلام توصیه شده است که همواره از خدا عاقبت به خیری بخواهید و همیشه مراقبت کنید تا گناهان پیش نیاید.

**چرا در اطلاعیه های شهادت، تبریک و تسلیت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟**

**پرسش**

چرا در اطلاعیه های شهادت، تبریک و تسلیت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟

**پاسخ**

یک موضوع می تواند از جهات مختلف چند جور تفسیر و بیان شود مثلاً یک شخص برای شاگرد خود معلّم است اما برای فرزند خود پدر و برای یک راننده مسافر است. با اینکه در همه این موارد یک نفر است پس از آنجا که بهترین نوع مردن شهادت است و یک توفیق محسوب می شود می توان تبریک گفت و از آنجا که فقدان یک مؤمن و یک عزیز از بین اّمت، کم شدن یک نیروی با ارزش و هجران از اوست می توان تسلیت گفت. چنانکه در حدیث آمده وقتی دانشمندی بمیرد رخنه ای در اسلام ایجاد می شود که چیزی آن را پر نمی کند و حال آنکه خود آن شخص مرگ در راه حق را افتخار می داند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

**آیا هر کسی به هر دلیلی در مدرسه فوت کند، شهید محسوب می شود؟**

**پرسش**

آیا هر کسی به هر دلیلی در مدرسه فوت کند، شهید محسوب می شود؟

**پاسخ**

رسول الله ﷺ فرمود:

علم و دانشجو در حالی که علم و دانش فرا می گیرد بمیرد، از شهدا به حساب می آید.

از حدیث شریف نبوی ﷺ امور استظهار می شود، از جمله :



۱ شخصی که در مدرسه است، باید طلبه و دانش آموز و یا دانشجو باشد.

۲ در حال فراگیری یا ساعات فراگیری علم و دانش باشد.

۳ علم و دانش مربوطه به امور دین و مذهب باشد. اگر مربوط به علوم تجربی و مادی باشد، باید قصد طالب علم این باشد که با فراگیری آن، به امور مادی و معنوی مردم خدمت کند.

۴ هدف فراگیرنده خدا و خدمت به خلق باشد، نه فخر فروشی به دیگران و ضربه زدن به دین و خلق خدا.

### **افرادی که در مراسم شهدای جنگ تحمیلی شرکت نمی کنند، چه حکمی دارند؟**

#### **پرسش**

افرادی که در مراسم شهدای جنگ تحمیلی شرکت نمی کنند، چه حکمی دارند؟

#### **پاسخ**

شهید کشته راه خدا است. نخستین کسی که به بهشت رود، شهید است، و شهدا از شفاعت کنندگان در قیامتند. (۱)

شهید قلب تاریخ است. شهدای جنگ تحمیلی سوختند تا اسلام پاینده باشد. آنان رفتند تا ما زنده باشیم. آنان رنج را بر جان خریدند تا دیگران راحت باشند. آنان در خاک و خون غلطیدند تا دشمن در خاک ذلت بغلطد. اگر امروز نام ایران سربلند است، به برکت خون شهیدان است و اگر دشمن تا دندان مسلح و حمایت شده توسط همه قدرت های جهان ناکام ماند، به خاطر جان فشانی های رزمندگان اسلام بود. کیست که نداند بقای کشور جمهوری اسلامی ایران مرهون خون شهدا و ناله جانبازان و مقاومت جانانه رزمندگان اسلام است؟ به همین خاطر شهید فقط مربوط به خانواده خود نیست، بلکه به همه ملت تعلق دارد و همه موظفند که از شهدا و خانواده مکرم شان تجلیل نمایند و در مراسم شان شرکت کنند. اگر کسی در مراسم شهید شرکت نمی کند، ممکن است بر اثر ضعف ایمان، ضعف فرهنگ و یا مشاهده نارسایی هایی در جامعه باشد که در هر حال باید چنین اشخاصی توجیه شوند که شهید عزیزترین سرمایه اش را که جانش است، برای اسلام و قرآن و مملکت داده است. بر همه ما لازم است که حرمت خون شهدا را پاس بداریم و این لرزش قائل شدن برای خودمان است و گرنه شهید به این چیزها احتیاج ندارد، چرا که او به عالی ترین مقام های اخروی نایل شده است. البته ممکن است که عدم شرکت به جهت مشغله های دیگر باشد و

صرف شرکت و عدم شرکت نمی تواند دلیل بر اعتقاد داشتن شخص به مقام شهدا یا عدم اعتقاد آن ها باشد. آنچه که گفتیم در مورد اعتقاد و باور به مقام شامخ این عزیزان است، اما در مورد حکم، اگر منظور حکم شرعی خاص در مورد عدم شرکت در مراسم شهید باشد، حکم خاصی وجود ندارد. اگر عدم اعتقاد یا خدای نکرده توهین به مقام شهید باشد، چنین افرادی باید آگاه و فهمانده شوند. آگاه کردن از باب امر به معروف با توجه به شرایط آن لازم است.

پی نوشت ها:

۱. مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۶، ص ۵۸۲، ماده شهید.

**آیا کسانی که از هموطنان ما به قصد زیارت عتبات عالیات به عراق سفر می کنند و در آن جابه دست آمریکایی ها کشته می شوند، نزد پروردگار از جایگاه یک شهید برخوردارند؟**

**پرسش**

آیا کسانی که از هموطنان ما به قصد زیارت عتبات عالیات به عراق سفر می کنند و در آن جابه دست آمریکایی ها کشته می شوند، نزد پروردگار از جایگاه یک شهید برخوردارند؟

**پاسخ**

اگر در سفر آن ها خوف ضرر عظیم یا خطر مرگ وجود نداشته و عبور از مرز کشور بر خلاف قانون جمهوری اسلامی ایران نباشد، می توان گفت که اجر شهید دارند، زیرا طبق نظر حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، و سایر مراجع عظام عمل کردن بر خلاف قانون مقدس جمهوری اسلامی ایران، شرعاً جائز نبوده و حرام می باشد.

چنانچه رفتن به زیارت عتبات عالیات، با توجه به روایات مؤکد و زیاد در این خصوص، بر خلاف فتاوی مراجع عظام تقلید بوده، نیز بر خلاف مقررات نظام باشد، جائز نمی باشد.

در صورتی که بر خلاف مقررات باشد نماز آن ها در این سفر و سفرهای شبیه به آن، تمام و کامل می باشد، زیرا سفر معصیت می باشد که در رساله های عملیه، دستور به خواندن نماز کامل در سفر معصیت داده شده است. (۱)

زائرانی که سفرشان بر خلاف مقررات نبوده و خوف ضرر عظیمی نمی داده اند و به زیارت عتبات عالیات رفته اند، اگر اتفاقاً به دست جنایتکاران کشته شوند، مظلوم هستند و ثواب عظیم دارند.

پی نوشت ها:

۱. دفتر مقام معظم رهبری در قم، استفتاء تلفنی.

**در حالی که می دانیم نبش قبر در اسلام جائز نیست، چرا استخوان های شهدای جنگ تحمیلی را بیرون می آورند و تشییع می کنند؟**

**پرسش**

در حالی که می دانیم نبش قبر در اسلام جائز نیست، چرا استخوان های شهدای جنگ تحمیلی را بیرون می آورند و تشییع می کنند؟

**پاسخ**

اگر میتی یا شهیدی را دفن کرده باشند، نبش قبر او حرام است، ولی در مواردی نبش قبر جائز است، از جمله آن که میت بی غسل یا بی کفن دفن شده باشد، یا بفهمند غسلش باطل بوده، یا به دستور شرع کفن نشده، یا در قبر، او را رو به قبله نگذاشته اند. نیز اگر در زمین غصبی دفن شده باشد، یا در جایی که بی احترامی به او است، دفن شده باشد. (۱)

در مورد شهدای جنگ تحمیلی باید توجه داشت: اولاً آنان دفن نشده اند تا آوردن آن ها از مناطق جنگی نبش قبر باشد.

ثانیاً اگر چه شهدا غسل و کفن نیاز ندارند، اما خواندن نماز بر آن ها واجب است و بر آن ها نماز میت می خوانند. ثالثاً برای زدودن ابهام لازم است با بررسی های لازم وضع مفقود الاثر یا مفقود الجسد... را روشن نموده ...خانواده های آنان را از سردرگمی...آورد.

پی نوشت ها:

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۶۴۳.

**چرا به کسانی که اکنون در عراق توسط نیروهای آمریکایی کشته می شوند، شهید اطلاق نمی شود اما به افرادی که در فلسطین کشته می شوند، شهید می گویند؟**

**پرسش**

چرا به کسانی که اکنون در عراق توسط نیروهای آمریکایی کشته می شوند، شهید اطلاق نمی شود اما به افرادی که در فلسطین کشته می شوند، شهید می گویند؟

**پاسخ**

از دیدگاه قرآن و روایات به کسی که در راه خدا در معرکه جنگ کشته شود، شهید گفته می شود. کسانی که به قصد تقرب

و نزدیکی به خدا و انجام تکلیف دینی و اطاعت از پیامبر یا امام از شهر و خانه خود "هجرت" نمایند و کشته شوند یا به مرگ طبیعی و یا حادثه ای از دنیا بروند؛ مشمول عنایت ها و لطف و رحمت های ویژه ای می شوند.

قرآن کریم، هر کجا این بحث را مطرح نموده، قید "فی سبیل الله" را آورده، یعنی مرگی ارزشمند است که "در راه خدا" و به خاطر اطاعت از فرمان او باشد.

ماهیت قیام مردم فلسطین به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال های اخیر روشن است. مردم با شعارهای اسلامی و با تمسک به قرآن، به دفاع از سرزمین اسلامی خویش می پردازند و کشته می شوند.

کشته شدگان از نگاه روایات شهیدند. امام صادق(ع) فرمود: "مَنْ قَتَلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ؛ کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمان و متجاوزان ایستادگی کند و کشته شود، شهید است". (۱)

البته مقصود آن است که پاداش شهید دارند یا مقصود شهید به معنای عام هر فردی یا گروهی با انگیزه الهی و دفاع از حق، با متجاوزان خارجی و ستم پیشه گان وابسته و مزدور داخلی، مخالفت و مبارزه کند و کشته شود، شهید است. مکان مهم نیست، انگیزه ملاک است. به بیان دیگر: حُسن فاعلی(نیت) و حُسن فعلی (شکل و

ساختار عمل به فرمان خدا)، ملاک ارزشمندی و فضیلت عمل است.

در مورد عراق به برخی از کشتگان مانند آیت الله حکیم شهید اطلاق شده است، اما این که در برخی موارد به کشته شده گان شهید اطلاق نمی شود، به چند جهت است:

۱- دشمنان امروز ایران را به دست داشتن در حوادث عراق متهم می کنند و برای این که بهانه جویی به دست دشمن داده نشود، در مواردی از کاربرد الفاظ خاصی مانند شهید خودداری می شود. در این موارد انگیزه سیاسی مطرح است.

۲- برخی از کشته گان بی آنکه قصد مبارزه با آمریکا داشته باشند، در بمباران ها و حوادث مختلف کشته می شوند.

۳- گروه های مختلف در عراق مبارزه می کنند که انگیزه برخی (مانند طرفداران صدام یا القاعده) در راه اسلام نیست.

۴- برخی از کشتگان معلوم نیست توسط چه کسانی کشته می شوند و هدفشان چیست. در پایان اینکه در عراق امروز دو جبهه کاملاً متمایز و مشخص که یکی اسلام و حق باشد، و دیگری کفر و باطل، وجود ندارد، بلکه گروه ها و اهداف شناخته شده و ناشناخته وجود دارند.

پی نوشت ها:

۱. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، جلد اول، ماده شهید، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۰۸.

### چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟

#### پرسش

چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟

#### پاسخ

شهادت به معنی حاضر بودن و گواهی دادن است و در فرهنگ دینی ما مسلمانان، به کشته شدن در راه خدا اطلاق شده است.

اهل لغت گفته اند: کشته شدگان در راه خدا را از آن روی شهید گویند که فرشتگان رحمت در صحنه شهادت حضور می یابند، یا بدان سبب که خدا و رسول (ص) بهشتی بودن او گواهی می دهند یا این که در قیامت همراه انبیا بر امت های دیگر گواهی می دهند یا این که شهید زنده و حاضر است. (۱) واژه شهید به معنای جان باخته در راه خدا یکی از مقدس ترین واژگان در قاموس دینی مسلمانان است.

فیض شهادت چنان ارزشمند است که اولیای دینی همواره از خداوند آرزوی آن را داشته اند. روایات بسیاری درباره شهادت

و جایگاه شهید آمده، از آن جمله:

شهادت برترین مرگ است. قطره خون شهید، نزد خدا از بهترین قطرات است. شهادت موجب آمرزش گناهان می شود. شهید از سؤال قبر مصون است و فشار قبر ندارد. شهید حق شفاعت دارد. شهدا اولین کسانی هستند که وارد بهشت می شوند و همه به مقام شهیدان غبطه می خورند. (۲)

ارزش و والای شهید در قرآن بیان شده: "مپندارید آنان که در راه خدا کشته شده اند، مردگانند، بلکه زنده اند و نزد خدایشان روزی می خورند". (۳)

چون شهید با ایثار والاترین گوهر خود در راه خدا گام برداشته، خدا حداقل پاداش او را بهشت برین قرار داده، شهادت به مثابه کلیدی است که با آن می توان به بهشت رضوان رسید. خداوند وعده داده است پاداش

مجاهدت و ایثار شهیدان بهشت باشد. (۴)

بر اساس آیات و احادیث معصومین (ع)، شهیدان گناهانشان آمرزیده می شود و پاداش بذل جان در راه خدا را با جای گرفتن در بهشت برین دریافت می دارند. این پاداش الهی برای جان نثاران راه خدا می باشد. (۵)

در واقع شهید با نثار جان، با ارزش ترین عنصر وجودی خود را در راه خداوند داده، در این حال تنها بهشت می توان پاسخ و پاداشی برای آن باشد، پس بی قید و شرط داخل بهشت می شود.

پی نوشت ها:

۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۸۰.

۲. جواد محدثی، همان، ص ۲۸۱.

۳. بقره (۲) آیه ۱۵۴.

۴. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۵. جواد محدثی، همان، ص ۲۸۱ و ۲۸۲.

### چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟

#### پرسش

چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟

#### پاسخ

شهادت به معنی حاضر بودن و گواهی دادن است و در فرهنگ دینی ما مسلمانان، به کشته شدن در راه خدا اطلاق شده است.

اهل لغت گفته اند: کشته شدگان در راه خدا را از آن روی شهید گویند که فرشتگان رحمت در صحنه شهادت حضور می یابند، یا بدان سبب که خدا و رسول (ص) بهشتی بودن او گواهی می دهند یا این که در قیامت همراه انبیا بر امت های دیگر گواهی می دهند یا این که شهید زنده و حاضر است. (۱) واژه شهید به معنای جان باخته در راه خدا یکی از مقدس ترین واژگان در قاموس دینی مسلمانان است.

فیض شهادت چنان ارزشمند است که اولیای دینی همواره از خداوند آرزوی آن را داشته اند. روایات بسیاری درباره شهادت

و جایگاه شهید آمده، از آن جمله:

شهادت برترین مرگ است. قطره خون شهید، نزد خدا از بهترین قطرات است. شهادت موجب آمرزش گناهان می شود. شهید از سؤال قبر مصون است و فشار قبر ندارد. شهید حق شفاعت دارد. شهدا اولین کسانی هستند که وارد بهشت می شوند و همه به مقام شهیدان غبطه می خورند. (۲)

ارزش و والای شهید در قرآن بیان شده: "مپندارید آنان که در راه خدا کشته شده اند، مردگانند، بلکه زنده اند و نزد خدایشان روزی می خورند". (۳)

چون شهید با ایثار والاترین گوهر خود در راه خدا گام برداشته، خدا حداقل پاداش او را بهشت برین قرار داده، شهادت به مثابه کلیدی است که با آن می توان به بهشت رضوان رسید. خداوند وعده داده است پاداش



مجاهدت و ایثار شهیدان بهشت باشد. (۴)

بر اساس آیات و احادیث معصومین (ع)، شهیدان گناهانشان آمرزیده می شود و پاداش بذل جان در راه خدا را با جای گرفتن در بهشت برین دریافت می دارند. این پاداش الهی برای جان نثاران راه خدا می باشد. (۵)

در واقع شهید با نثار جان، با ارزش ترین عنصر وجودی خود را در راه خداوند داده، در این حال تنها بهشت می توان پاسخ و پاداشی برای آن باشد، پس بی قید و شرط داخل بهشت می شود.

پی نوشت ها:

۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۸۰.

۲. جواد محدثی، همان، ص ۲۸۱.

۳. بقره (۲) آیه ۱۵۴.

۴. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۵. جواد محدثی، همان، ص ۲۸۱ و ۲۸۲.

**سربازانی که در حین مأموریت در برابر اشرار کشته می شوند، آیا حکم شهید را دارند؟ آیا می توان آنان را شهید نامید؟**

**پرسش**

سربازانی که در حین مأموریت در برابر اشرار کشته می شوند، آیا حکم شهید را دارند؟ آیا می توان آنان را شهید نامید؟

**پاسخ**

شهادت در فرهنگ اسلام دو معنای متفاوت دارد:

۱ - معنای خاص.

۲ - معنای گسترده و عام.

معنای خاص، کشته شدن در معرکه جنگ در راه خدا است که احکام خاص در فقه اسلامی دارد، از جمله عدم نیاز شهید به غسل و کفن، بلکه با همان لباس خونین دفن می شود.

معنای وسیع شهادت آن است که انسان در مسیر انجام وظیفه الهی کشته شود، یا بمیرد، مانند سربازی که در درگیری با اشرار و یا با منافقان به درجه رفیع شهادت رسیده است. هر کس در حین انجام وظیفه به هر صورت از دنیا برود، "شهید" است.

در روایات اسلامی آمده است که چند گروه شهید از دنیا می روند:

۱ - از پیامبر گرامی (ص) نقل شده: "کسی که در طریق تحصیل علم از دنیا برود، شهید مرده است". (۱)

۲ - حضرت علی (ع) می فرماید: "کسی که در بستر از دنیا رود، اما معرفت حق پروردگار و معرفت واقعی پیامبر (ص) او و اهلیتیش (ع) را داشته باشد، شهید از دنیا رفته است". (۲)

۳ - در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می خوانیم: "کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمان ایستادگی کند و کشته شود، شهید است". (۳)

همچنین کسان دیگری که در مسیر حق کشته می شوند یا می میرند.

پی نوشت ها :

۱ - سفینه البحار، ج ۱، ماده "شهید" ص ۷۲۰ چاپ قدیم.

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۱۹، آخر خطبه.

۳ - سفینه البحار، ج اول، ماده "شهد" چاپ قدیم.

**چرا یک سری از شهدا پس از شهادت ، بدنشان سالم می ماند، ولی بعضی دیگر فقط استخوان شان باقی می ماند؟!؟**

**پرسش**

چرا یک سری از شهدا پس از شهادت ، بدنشان سالم می ماند، ولی بعضی دیگر فقط استخوان شان باقی می ماند؟!؟

**پاسخ**

پوسیده شدن بدن در قبر یک واقعیت است. اصل طبیعی بر این است که بدن بعد از مردن پوسیده و متلاشی شود. از امام صادق (ع) پرسش شد: آیا بدن انسان در قبر پوسیده می شود، امام (ع) در پاسخ فرمود: "آری هیچ گوشتی و حتی استخوانی باقی نمی ماند مگر این که پوسیده می شود". (۱) بنابراین پوسیده شدن بدن شهدا در قبر مطابق قانون طبیعی است و نشان دهنده نقص و کمی درجه آنان نمی باشد.

به عللی که حکمت آن بر ما مخفی و پنهان است، بعضی از اجساد پوسیده نمی شود و بدن در قبر سالم باقی مانده و به صورت معجزه و یا کرامت قلمداد می شود.

از احادیث استفاده می شود اسبابی که موجب سالم ماندن اجساد و اشیای همراه میت می شود:

۱ بعضی از اعمال؛ پیامبر (ص) در حدیث معراج می فرماید: "کسی که می خواهد قبرش وسیع باشد، لازم است مسجد احداث کند، و هر کس دوست دارد بدنش در قبر تازه بماند و نپوسد، باید مسجد را جارو کند". (۲) نیز درباره عالم واقعی، شهید، مؤمن و کسی که چهل جمعه غسل جمعه را ترک نکند، گفته شده است.

۲ - دعای پیامبر (ص)؛ رسول خدا (ص) می فرماید: "در نماز بر جنازه فاطمه بنت اسد [مادر امیرالمؤمنین (ع)] از خدا خواستم که کفن فاطمه بنت اسد را تا ورود به بهشت از پوسیده شدن حفظ کند که خداوند قبول فرمود". (۳)

شهادت در راه خدا؛

۳ - گویند موقعی

که شاه اسماعیل صفوی به کربلا- مشرف شد و شنید که بعضی از مردم درباره "حزین یزید ریاحی" سخنان ناروایی می گویند، سر قبر وی آمد و دستور داد قبر او را نبش کردند، پس از نبش قبر دیدند که گویا حَرّ خواب است و به همان حالتی که شهید شده بود، میان قبر قرار دارد. (۴)

مرحوم مجلسی درباره انبیا و امامان می فرماید: "روح و جسمشان پس از مرگ به آسمان عروج می کند و در آن جا در نعمت به سر می برند. (۵)

پی نوشت ها :

۱ - محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷، ص ۴۳، ح ۲۱.

۲ - همان، ج ۸، ص ۱۴۴.

۳ - همان، ج ۱۸، ص ۶.

۴ - ستارگان درخشان، ج ۵، ص ۱۴۶.

۵ - همان، ج ۶، ص ۲۵۴.

**آیا این فرضیه که می گویند اگر بر سر نماز و یا در مسجد فوت کنی، شهید تلقی می شوی، درست است، چرا؟**

**پرسش**

آیا این فرضیه که می گویند اگر بر سر نماز و یا در مسجد فوت کنی، شهید تلقی می شوی، درست است، چرا؟

**پاسخ**

در مورد پرسش شما روایتی دیده نشد. اما درباره کسانی که خداوند آن ها را در حکم شهید قرار داده و به آن ها فضیلت و پاداش شهید عنایت می فرماید، روایات فراوانی وجود دارد که به نمونه هایی از آن اشاره می شود.

پیامبر اسلام (ص) فرمود:

"من مات علی حُبِّ آل محمد مات شهیداً؛ هر کس با دوستی خاندان پیامبر بمیرد، شهید است." (۱)

نیز "من بات علی طهاره ثم مات من ليله مات شهیداً؛ هر کس با طهارت (وضو) بخوابد و همان شب بمیرد، شهید است." (۲)

"من قتل دون مظلّمه فهو شهيد؛ هر کس در برابر ظلم بايستد و دادخواهي کند و کشته شود، شهيد است". (۳)

"من قتل دون ماله فهو بمنرله الشهيد؛ هر کس براي دفاع از مالش کشته شود، منزلت شهيد را دارد". (۴)

"هر کس براي دفاع از مالش يا جانش يا دينش و يا دفاع از ناموسش کشته شود، شهيد است". (۵)

حضرت علي (ع) فرمود: "المؤمن عليّ حال مات و في ايّ ساعه قبض ، فهو شهيد؛ مؤمن در هر حالي بميرد و در هر ساعتی جانش گرفته شود، شهيد است". (۶)

نيز فرمود: "هر کس از شما در بستر خویش بميرد، در حالي که خدا را آن چنان که شايسته خداوند است شناخته باشد، همچنين پيامبر و خاندانش را، شهيد از دنيا رفته و اجر او بر خدا است". (۷)

شخصی از امام صادق (ع) درخواست کرد که از خداوند براي او دعا کند تا شهادت روزيش شود، امام فرمود: "مؤمن شهيد است" و اين آيه را تلاوت

کرد: "والذین آمنوا بالله و رُسُلِهِ اولئک هم الصدیقون و اشهداء عند ربهم؛ (۸) کسانی که ایمان به خدا و رسولش آوردند، ایشان از راستگویان و شهدا نزد پروردگارشان هستند". (۹)

امام حسین (ع) فرمود: "شیعیان ما راستگویان یا شهدا هستند" زید به ارقم، به امام عرض کرد: چگونه این امر درست است در حالی که شیعیان در بسترشان می میرند، امام فرمود: "آیا کتاب خدا را نخواندی که

[ در آن آمده است ]: "کسانی که ایمان به خدا و رسول آوردند، ایشان از صدیقان و شهدا، نزد پروردگارشان هستند". (۱۰) حضرت در ادامه فرمود: "اگر شهادت در راه خدا، فقط برای کسانی بود که با شمشیر کشته می شوند، خداوند (تعداد) شهدا را کم کرده است، (۱۱) یعنی شهدای در راه خدا بسیار کم می شدند، در صورتی که آیه معنای وسیعی دارد و شامل افراد مؤمن راستگو می شود، همان گونه که در احادیث اشاره شد.

امام زین العابدین (ع) فرمود: "هر شخصی که در زمان غیبت قائم ما (حضرت مهدی) با ولایت [ و محبت ] ما از دنیا برود، خداوند اجر هزار شهید مانند شهدای بدر و اُحد را به او عطا خواهد کرد". (۱۲)

در روایاتی از پیامبر (ص) آمده است: کسانی که به علّت طاعون، غرق شدن، خراب شدن خانه بر رویشان، جنینی که درون شکم مادر است و زنی که در دوران بارداری است، از دنیا بروند، همه این موارد شهید هستند. (۱۳) نیز آمده است: "هر کس از خداوند صادقانه شهادت را بخواهد، خدا ثواب و اجر منزلت شهید را به او عنایت خواهد کرد، گرچه کشته نشود". (۱۴)

نکته آخر:

مقام و فضیلت شهدایی که در جبهه جنگ کشته می شوند، بسیار بالاتر و والاتر است و روایاتی که در مورد غرق شدن و خراب شدن آوار روی انسان و مانند آن است، با توجه به روایات دیگر، در مورد مؤمنان می تواند باشد، نه آنکه به صورت مطلق باشد.

پی نوشت ها :

۱ - محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۱۷، ح ۹۸۰۳.

۲ - آثار الصادقین، ج ۱۰، ص ۷۹؛ به نقل از کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۳۷.

۳ - همان، به نقل از فروغ کافی، ج ۵، ص ۵۲.

۴ - همان، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۹۳.

۵ - همان، به نقل از ریاض الصالحین، ص ۵۱۷.

۶ - میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۱۷، ح ۹۸۰۳.

۷ - همان، ح ۹۸۰۸.

۸ - حدید (۵۷) آیه ۱۹.

۹ - میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۱۷، ح ۹۸۰۶.

۱۰ - حدید، آیه ۱۹.

۱۱ - میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۱۷، ح ۹۸۰۵.

۱۲ - همان، ح ۹۸۱۰.

۱۳ - همان، ج ۹۸۰۰ و ۹۸۰۱؛ آثار الصادقین، ج ۱۰، ص ۷۷ و ۸۰.

۱۴ - میزان الحکمه، ص ۱۵۱۶، ح ۹۷۸۷.

**کلمه شهید و شهادت به چه معناست؟**

**پرسش**

کلمه شهید و شهادت به چه معناست؟

**پاسخ**

کلمه «شهید» و «شهادت» از کلمات رایج معمولی است که فقط در مورد بعضی افراد استعمال میکنیم. هر کشته یا مردهای شهید نیست. روزی صدها نفر کشته میشوند و هزارها نفر میمیرند و به آنها شهید نمیگوییم. اطراف کلمه «شهید» را هالهای از قدس و تعالی احاطه کرده است. به کسی شهید گفته میشود که در یک راه مقدس و برای هدفی مقدس جان خود را از دست بدهد.

**دلیل اینکه اگر غیرمسلمان در نبرد با دشمنان خدا کشته شود، شهید گفته نمی شود چیست؟**

**پرسش**

دلیل اینکه اگر غیرمسلمان در نبرد با دشمنان خدا کشته شود، شهید گفته نمی شود چیست؟

**پاسخ**

هر فرهنگی، معیارها و قانون های خاص خود را دارد و واژه ها نیز بر همین اساس، استعمال می شوند. مثلاً همین لغت شهید از چنین بار فرهنگی برخوردار است.

از آنجا که کار دین انقلاب در انگیزه ها بوده است پس بهترین انگیزه برای کارها را ایمان می داند و شرط قبول اعمال را هم همین ایمان به خدا دانسته است در قرآن آمده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ (۱)؛ هر مرد و زنی که عملی نیکو انجام دهد و (به شرط آنکه) مؤمن باشد به او زندگی طیب عطا می کنیم».

می دهد». و این شهید است که حتی غسل ندارد (۳) و با لباس خویش به خاک سپرده می شود. البته در دیدگاه وسیع قرآن کسانی که نیکو کارند با بدکاران مساوی نیستند اما هر عملی با میزان های ویژه سنجیده می شود.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره نحل، آیه ۹۷.

۲ - سوره توبه.

۳ - اگر در معرکه جنگ شهید شود.



## اگر روح همه انسان ها زنده و باقی است دیگر حیات امتیازی برای شهداء محسوب نمی شود؟

### پرسش

اگر روح همه انسان ها زنده و باقی است دیگر حیات امتیازی برای شهداء محسوب نمی شود؟

### پاسخ

حیات شهداء حیات ویژه ای است. تنها بقاء روح نیست که بگوئیم موجود زنده ای است.

انسان حیات را برای التذاذ و سعادت می خواهد و لذا اگر کسی با روح باقی در عذاب باشد مطلوب نیست. قرآن سوره اعلی آیه ۱۲ و ۱۳ می فرماید: «لایموت فیها و لایحیی».

کافران در دوزخ چنان در عذابند که نه مرده اند و نه زنده. و می دانیم که اگر زنده نباشند عذابی را درک نمی کنند. پس منظور این است که حیات مطلوبی ندارند و آرزو دارند بمیرند: «و ناروا یا مالکُ لَیَقْضِ عَلَینَا رَبُّکَ قَالَ اَنْتُمْ مَکْثُونَ» (۱).

به مالک دوزخ می گویند: هر چه عذاب کشیدیم بس است. به خدا بگو جان ما را بگیرد! جواب می دهد مرگی در کار نیست باید در عذاب باشید.

پس حیات شهداء نیز حیات ویژه ای است که لازمه آن روزی خوردن نزد خدا و شاد بودن است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره رخرف، آیه ۷۷.

## شهیدان در این جهان و جهان آخرت چه مقامی دارند؟

### پرسش

شهیدان در این جهان و جهان آخرت چه مقامی دارند؟

شهادت امری افتخار آمیز است و شهید جایگاه مقدسی دارد. اما به راستی شهادت، قداست خود را از چه چیزی گرفته است؟ بسیاری از کشته شدن‌هاست که "نفله" شدن است. احیاناً به جای اینکه افتخار باشد ننگ است. این جا لازم است توضیح بیشتری بدهیم. می دانیم مرگ و میرها انواع و اقسام دارد:

۱ مرگ طبیعی. این نوع مرگها نه افتخار آمیز است و نه سرزنش شونده.

۲ مرگی در اثر بیماری مسری مثل وبا، و یا سیل یا زلزله و حوادث طبیعی اتفاق می افتد اینگونه مرگها نیز هیچ افتخاری ندارد. ولی برای انسان مؤمن نوعی بخشش و رحمت الهی است که موجب کاهش گناهان او می شود.

۳ مرگ در اثر خودکشی. اینگونه مرگها نفله شدن و هدر دادن خود است و بدترین نوع مرگ است.

۴ مرگهایی که پای یک جنایت در کار است و قاتل، شخص مظلومی را بدون هیچ گناهی می کشد. مرگ مقتول نیز در اینجا هیچ افتخاری برای او به همراه ندارد.

۵ مرگهایی که "شهادت" است. مرگی شهادت است که انسان با توجه به خطرات احتمالی و یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی از آن استقبال کند.

شهادت دو رکن دارد: ۱ در راه خدا باشد. ۲ آگاهانه باشد.

شهادت به حکم اینکه عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدس است افتخار آمیز و تحسین برانگیز است و تنها مرگی است که از حیات و زندگی بالاتر و بهتر است. مثل شهید مثل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن

نورافشانی است. تا دیگران در این نور که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش ببینند و کار خویش را انجام دهند. آری شهدا شمع محفل بشریتند. اگر این محفل تاریک می ماند، هیچ دستگاهی نمی توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه دهد.

شهید اگر در میدان معرکه جان به جان آفرین تسلیم کند، بدون غسل و کفن، با همان تن خاک آلود و جامه خون آلود دفن می شود.

مقام شهید در آخرت: در حدیث است که خداوند شفاعت سه طبقه را در قیامت قبول می کند: طبقه انبیاء، بعد از آن طبقه علما، و بعد شهدا.

امیرالمؤمنین (می فرماید: خدا شهدا را در قیامت با بهاء و عظمت و نورانیتی وارد می کند که اگر انبیاء از مقابل اینها بگذرند و سوار باشند به احترام اینها پیاده می شوند. از شهید سؤال و جواب قبر و برزخ برداشته می شود. از پیامبر اکرم (علت را پرسیدند؟ پیامبر فرمودند: شهید در زیر برق شمشیری که بالای سرش بود آزمایش خودش را انجام داد و پیشاپیش پاسخ همه پرسشها را داد.

### **خداوند متعال بهترین راه برای بسیج نمودن مردم و متحد شدن آنان در برابر دشمن را چه می داند؟**

#### **پرسش**

خداوند متعال بهترین راه برای بسیج نمودن مردم و متحد شدن آنان در برابر دشمن را چه می داند؟

#### **پاسخ**

خداوند متعال برای بسیج مردم و اتحاد آنان در برابر دشمن راه هایی را توصیه فرموده است از جمله

۱. چنگ زدن به ریسمان الهی که قرآن اسلام اهل بیت و... می باشد؛ " و همگی به ریسمان خدا [قرآن اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر] چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت [بزرگ خدا را بر خود بیاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن جا برگرفت [و نجات داد]...".

۲. پرستش و ایمان به خداوند یکتا و پرهیز از هر گونه شرک (آل عمران ۶۴)

۳. آماده سازی تمام نیرو و بهره گیری از امکانات و تکنولوژی پیشرفته در برابر دشمنان اسلام "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ يَ عِدُّوا لِلَّهِ وَعِدُّوْكُمْ وَعَآخِرِينَ مِّن دُونِهِمْ ۚ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ يُوفَىٰ إِلَيْكُمْ ۖ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾ (انفال ۶۰) در برابر آن‌ها [دشمنان آن‌چه توانایی دارید از "نیرو" آماده سازید] و همچنین اسب‌های ورزیده [برای میدان نبرد] تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و [نیز] گروه دیگری غیر از این‌ها را که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد و هر چه در راه خدا [و تقویت بنیه دفاعی اسلام انفاق کنید، به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد

شد."

۴. تعاون و همکاری در امور مختلف و کارهای نیک و در واقع بسیج همگانی در جامعه اسلامی و پرهیز از گناه (مائده ۲) (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۲۸۳۴؛ ج ۴، ص ۲۵۰۲۳۴؛ ج ۷، ص ۲۲۱۲۳۴). همچنین قرآن کریم درباره سبقت در کارهای نیک می فرماید: "[مؤمنان امر به معروف و نهی از منکر می کنند] و در انجام کارهای نیک پیشی می گیرند و آن ها از صالحانند." (آل عمران ۱۱۴) و نیز آیه ۶۱، سوره مؤمنون حدید، ۲۱ و...

...

**الف با توجه به آیه ی ۱۵۴ بقره که می فرماید: و به آن ها که در راه خدا کشته می شوند مرده نگویید؛ بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید. منظور نفهمیدن چه چیزی است ب فرق بین "شهادت و مرگ طبیعی را بیان کنید؟**

**پرسش**

الف با توجه به آیه ی ۱۵۴ بقره که می فرماید: و به آن ها که در راه خدا کشته می شوند مرده نگویید؛ بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید. "منظور نفهمیدن چه چیزی است ب فرق بین "شهادت و مرگ طبیعی را بیان کنید؟

**پاسخ**

الف یکی از ویژگی های مهم شهیدان زنده بودن آنان در نزد خداوند متعال است قرآن کریم بر این مطلب تکیه کرده تا آن جا که می فرماید: "هرگز آنان را مرده نپندارید." (آل عمران ۱۶۹)

منظور از "نفهمیدن در آیه درک نکردن حقیقت زنده بودن شهیدان راه خداست زیرا بدون شک جسمشان دارای حیات و زندگی نیست و به گفته امام صادق آن حیات با بدنی است مثالی (=بدنی مجرد از ماده معمولی و همگون این بدن) (تفسیر نورالثقلین ابن جمعه حویزی ج ۳، ص ۵۹۹، انتشارات اسماعیلیان) و حیاتی است روحانی و برزخی با این امتیاز که در قرب رحمت پروردگار متنعم به انواع نعمت ها می باشند. پس مراد از این زنده بودن و زندگی زنده بودن است حقیقی نه زنده بودن مجازی و این حیات مختص به مؤمنان است می فرماید: "وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَمْ كُنُوا يَعْلَمُونَ" (عنکبوت ۶۴) و زندگی واقعی سرای آخرت است اگر می دانستند."

از آنجا که نوع انسان ها، در چهار دیواری محدود عالم ماده محبوس و زندانی هستند و چیزی که فوق زندگی مادی دنیا باشد را، درک نمی کنند، این حقایق را نمی توانند بفهمند و فرقی بین شهادت و فنا نمی گذرانند. (رجوع کنید به تفسیر المیزان علامه طباطبایی

، ج ۱، ص ۳۴۷، انتشارات اسماعیلیان / تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱، ص ۵۲۱، دارالکتب الاسلامیه )

ب واژه "شهادت" و "شهید"، به معنای جان باختن در راه خدا و فدایی در راه او، یکی از مقدس ترین واژگان قاموس دینی است که در قرآن کریم از آن به "مقتول فی سبیل الله" ، تعبیر شده است

در تفاوت "شهادت" با مرگ های دیگر، گفتنی است مرگ و میرهای اشخاص اقسامی دارد، برخی در اثر بیماری ها و یا حوادث و سوانحی مانند سیل و زلزله است در بعضی مرگ ها، پای یک جنایت در کار است مانند کشتار حکمرانان و هوس بازان و پاره ای از مرگ ها، خود جنایت است مثل خودکشی ها و... و یک قسم نیز مرگ طبیعی است که شخص عمرش به پایان رسیده و به طور طبیعی می میرد؛ در تمامی این اقسام مرگ افتخارآمیز نیست بلکه در مواردی مثل خودکشی ملامت خیز نیز است و در مواردی نفل و تلف شدن به آن اطلاق می گردد؛ در حالی که "شهادت" ، مرگی است که انسان با توجه به خطرات احتمالی یا ظنی و یا یقینی آن فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن "فی سبیل الله از آن استقبال می کند. رکن دیگر "شهادت" ، انتخاب آگاهانه آن است

به تعبیر شهید مطهری شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع این شهدا هستند که به پیکر اجتماع و در رگ های اجتماع خاصه اجتماعاتی که دچار کم خونی هستند

خون جدید وارد می کنند...

شهید به خون خود، و در حقیقت به تمام وجود و هستی خود ارزش و ابدیت و جاودانگی می بخشد. (قیام و انقلاب مهدی (به ضمیمه شهید)، شهید مرتضی مطهری، ص ۱۰۴۱۰۶، انتشارات صدرا.)

قرآن کریم ضمن بیان مقام والای شهیدان در نزد پروردگار، فضیلت ها و پاداش های خاصی را برای آنان ذکر فرموده که خود می تواند فرق مهم - شهادت با سایر مرگ ها باشد؛ مثلاً خود را خریدار و مؤمنان شهادت طلب را، فروشنده جان آنان معرفی کرده و بهشت را ثمن و کتب آسمانی را سند این معامله قرار داده است (توبه ۱۱۱) (ر.ک تفسیر نمونه همان ج ۸، ص ۱۴۷). زنده بودن در نزد خدا و بهره مندی از روزی خداوند، در عالم برزخ (آل عمران ۱۶۹) یکی دیگر از ویژگی شهید است این که مورد مغفرت خدا قرار گرفته (آل عمران ۱۵۷) و اعمال شان هرگز تباه نخواهد شد (محمد، ۴) و خود شهادت کفاره گناهان و ضمانت بهشت می باشد (آل عمران ۱۹۵) همه این ها، اموری است که در مرگ های طبیعی یافت نمی شود.

افزون بر این ها، مقام شهدا و شهادت در اسلام به قدری قداست و عظمت دارد که وقتی می خواهند مقام کسی یا کاری را بالا ببرند، می گویند: مقام فلان شخص (مثل طالب علم برای خدا) برابر است با مقام شهید و یا فلان کار (مثل کار کردن و اداره عائله برابر است با اجر شهید. در واقع مقام شهید، میزان فضایل بزرگ می باشد. (اللهم ارزقنا)

### تعریف دقیق شهادت و شهید از نظر شارع مقدس اسلام چیست

#### پرسش

تعریف دقیق شهادت و شهید از نظر شارع مقدس اسلام چیست

#### پاسخ

شهادت در فرهنگ دین مقدس اسلام به معنای کشته شدن در راه خدا می باشد و علت نامگذاری چنین کشته شدنی به شهادت به خاطر آن است که شهید در واقع نمرده بلکه زنده و حاضر است چنان که قرآن کریم می فرماید: "[ای پیامبر] هرگز گمان مبر آن ها که در راه خدا کشته شده اند مردگانند؛ بلکه آنها زنده اند و نزد پروردگارش روزی داده می شوند." (آل عمران ۱۶۹) و برخی نیز گفته اند کشته شدگان در راه خدا را از آن جهت شهید گویند چون فرشتگان رحمت بر محل شهادت او حاضر می شوند شهیدان راه خدا، جایگاه والایی در بهشت دارند و مورد آموزش و بخشش و رحمت خداوند قرار می گیرند. (ر.ک تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۱۶۸ ۱۷۳، دارالکتب الاسلامیه) (آل عمران ۱۵۷؛ نساء، ۶۹ و ۷۴)

شهادت در فرهنگ اسلام دو معنای متفاوت دارد: یکی معنای "خاص و دیگری معنای گسترده و "عام. معنای خاص شهادت همان کشته شدن در معرکه جنگ در راه خداست که احکام خاصی در فقه اسلامی دارد؛ از جمله شهید نیاز به غسل و کفن

ندارد؛ بلکه با همان لباس خونین دفن می شود؛ اما معنای وسیع شهادت آن است که انسان در مسیر انجام دادن وظیفه الهی کشته شود و یا بمیرد؛ بنابراین هر کس در حین انجام دادن چنین وظیفه ای به هر صورت از دنیا برود، "شهید" است لذا در روایات اسلامی آمده است که چند گروه شهید از دنیا می روند:

۱. کسی که



در طریق تحصیل علم از دنیا برود (سفینه البحار، ج ۱، ماده "شهید").

۲. کسی که در بستر از دنیا برود، ولی معرفت حق پروردگار و معرف واقعی پیامبر اکرم ۹ و اهلیتتش را داشته باشد. (نهج البلاغه خ ۱۹۰، آخر خطبه)

۳. کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمان ایستادگی کند و کشته شود (سفینه البحار، همان) و همچنین کسانی که در مسیر حق کشته می شوند و یا می میرند بنابراین از همین جا عظمت این فرهنگ اسلامی و گسترش آن روشن می شود.

بنابراین افرادی که هدف گلوله دشمن قرار می گیرند ظاهراً شهید محسوب می شوند هر چند که زمان دادرسی انگیزه ها و نیت ها شرط است و بنابر روایات هر کسی شهید راه و یا کشته همان نیتی که در سر داشته می شود. (ر.ک تفسیر نمونه همان ج ۲۱، ص ۴۰۸ / حماسه و عرفان آیه الله جوادی آملی ص ۳۱۳، نشر اسرا).

### شهید کیست و منظور از زنده بودن شهدا چیست ؟

#### پرسش

شهید کیست و منظور از زنده بودن شهدا چیست ؟

#### پاسخ

آدمی نوعاً در پایان زندگی طبیعی و یا در اثر حوادث ناخواسته جان خود را از دست می دهد و غالباً بر آن امر رضایت نداشته و مرگ را بالاجبار پذیرا می گردد. ولی شهید (شاهد بر آرمان خود) کسی است که تمام وجود خود را در راه آرمان الهی خود به کار می گیرد. این افراد را نمی توان با افرادی که مرگ گریبانگیر آنان می شود در یک سطح دانست از این رو خداوند در قرآن می فرماید: «آنانی که در راه خدا کشته شده اند مرده نگویید بلکه آنان زنده هایی هستند که در نزد پروردگارشان روزی می خورند». بقره ۱۵۰ {J}

### شرایط اطلاق واژه شهید به افراد چیست ؟

#### پرسش

شرایط اطلاق واژه شهید به افراد چیست ؟

#### پاسخ

آدمی نوعاً در پایان زندگی طبیعی و یا در اثر حوادث ناخواسته جان خود را از دست می دهد و غالباً بر آن امر رضایت نداشته و مرگ را بالاجبار پذیرا می گردد، ولی شهید (شاهد بر آرمان خود) کسی است که تمام وجود خود را در راه آرمان الهی خود به کار می گیرد. این افراد را نمی توان با افرادی که مرگ گریبانگیر آنان می شود یک سطح دانست، لذا خداوند در قرآن می فرماید: «به آنانی که در راه خدا کشته شده اند مرده نگوئید، بلکه آنان زنده هایی هستند که در نزد پروردگارشان روزی می خورند»، (بقره، آیه ۱۵۰).

هر اندازه انسان از نظر تقوا و عفاف و قطع وابستگی های دنیوی و دلبستگی به خدا و آخرت فراتر رود به مقام شهیدان نزدیک تر می شود. از طرف دیگر عشق راستین به جهاد و شهادت در راه خدا انسان را تا مقام شهادت بالا می برد.

اولاً از دیدگاه قرآن کسی که در راه خدا قدم بر دارد و در انجام عمل صالح خود خلوص نیت داشته و جز خداوند متعال قصد دیگری ندارد و تنها برای رضای خداوند نه مال یا مقام و... کاری را انجام دهد و کشته یا حتی بمیرد شهید محسوب می گردد، (حج / آیات ۵۸ و ۵۹ و نیز نگاه: المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۴، ص ۳۹۹)

ثانیاً فردی که در راه خدا جان را زنده نگه می دارد و جسم را می بازد تا جان زنده اش زنده تر و شکوفاتر گردد، همینکه نیتش خدا باشد در نایل شدن به مقام شهادت برای او کافی است، (آل عمران / ۱۶۹، بقره / ۱۵۴، نساء / ۷۴، توبه

۱۱۱ و..). و همینکه انگیزه ی قتل او مبارزه با حق و حق مداری و خدا و خدا پرستی باشد برای وصول او به این فوز عظیم، بس است، (بقره / ۶۱، آل عمران / ۲۱، ۱۱۲ و).

### آیا شهادت طلبی با توجه به مسئولیت انسان در قبال خانواده اش ، یک نوع خودخواهی نیست ؟

#### پرسش

آیا شهادت طلبی با توجه به مسئولیت انسان در قبال خانواده اش ، یک نوع خودخواهی نیست ؟

#### پاسخ

«شهادت طلبی» یک آرمان بزرگ است، در راه ایفای مسئولیتی بزرگ تر از آنچه ذکر کرده اید. به علاوه، کسی که هستی خویش را در راه خدا نثار می کند، می داند که اداره کننده عالم و آدم خداوند است و برای سرپرستی اهل و عیال و پدر و مادرش به صاحب حقیقی و سرپرست حقیقی امور توکل می کند. افزون بر آن، چه دلیلی وجود دارد که اگر شخصی به شهادت نرسد در انجام این وظیفه موفق است؟ مگر هر آن احتمال رسیدن مرگ نمی رود؟ شهادت طلبی در واقع انتخاب نوع مرگ است؛ یعنی، از مرگ پست به مرگ شریف تن دادن؛ ولی معلوم نیست که زمان آن را جلو اندازد؛ بلکه اجل در وقت خاص خود خواهد رسید.

### آیا کسانی که در راه مأموریت کشته می شوند (تصادف) نزد خداوند شهید هستند؟

#### پرسش

آیا کسانی که در راه مأموریت کشته می شوند (تصادف) نزد خداوند شهید هستند؟

#### پاسخ

به قول شهید مطهری: مرگ هایی که شهادت است در آن مرگ انسان با توجه به خطرات احتمالی یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» از آن استقبال کند. شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا و فی سبیل الله باشد. هدف، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که آگاهانه صورت گرفته باشد. شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدس است و از هر گونه انگیزه ی خود گرایانه منزّه و مبرا است، تحسین انگیز و افتخار آمیز است و عملی قهرمانانه تلقی می شود. در میان انواع مرگ و میرها این نوع از مرگ است که ارزش آن از حیات و زندگی برتر و مقدس تر است (قیام و انقلاب مهدی، به ضمیمه شهید از استاد مطهری).

انسانی که با چنین شرایطی به استقبال مرگ می شتابد شهید است و اجر شهید را نیز می برد. در احکام شهید می خوانیم کسی که به امر معصوم (ع) یا نایب او به جبهه برود و در میدان نبرد کشته شود شهید است و غسل و حنوط و کفن از او ساقط است، بلکه با لباس خودش دفن شود» (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۶).

با این حال روایت ها و اخباری هست مبنی بر این که اگر کسی بمیرد، در حالی که به دارای محبت اهل بیت است، شهید از دنیا رفته است، و نیز آمرزیده می شود و نیز با ایمان کامل از دنیا می رود (تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۴۰۳. این حدیث طولانی

است که از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده است).

یا در روایتی دیگر از رسول خدا (ص) نقل شده است که حضرت فرمود: مَنْ عَاشَ مَدَارِيَّ مَاتَ شَهِيداً هَر كَس طوری زندگی کند که مردم از او آزاری نینند و در حال مدارای با مردم از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است {M} (کنز العمال، حدیث ۷۱۷۳ و ۷۱۷۱).

این گونه روایت ها به این موضوع اشاره می کند: کسی که با چنین شرایطی از دنیا برود، اجر شهید را می برد. ولی حکم شهید را ندارد. یعنی غسل، حنوط، و کفن از او ساقط نمی شود، بلکه باید او را غسل داد یعنی احکام اموات را باید درباره او اجرا کرد.

در انتهای سخن سفارش می کنیم زیارت امین الله را هر روز یا هفته ای یک بار با توجه و تأمل بخوانید. یکی از قسمت های مهم این زیارت شریف این عبارت است: ... اللهم فاجعل نفسي مطمئنه بقدر ك، راضیه بقضائك... بارخدایا! پس جان مرا مطمئن و آرام نسبت به سرنوشت قرار بده، و مرا خشنود نسبت به داوریت بگردان {M} (حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۵۷۸).

که اشاره دارد خدایا مرا به مقام «رضا» و «خشنودی» برسان تا آن چه به من می رسد مرا از توجه به تو باز ندارد.

### برخی معتقدند کشته شدگان در زلزله شهید هستند آیا صحت دارد؟

#### پرسش

برخی معتقدند کشته شدگان در زلزله شهید هستند آیا صحت دارد؟

#### پاسخ

چند نکته شایان توجه است:

۱. مقام «شهید» و «شهادت» در فرهنگ اسلامی، منحصر به کسانی که در میدان جهان کشته می شوند، نیست؛ هر چند آنان از روشن ترین مصادیق برای این دو واژه هستند. بر اساس روایات و آیات، همه کسانی که عقیده حق داشته، در مسیر حقیقت گام بر می دارند و در همین راه از دنیا می روند در زمره شهدا هستند و اجرشان نه حکم شان (یعنی نیاز به غسل و کفن دارند، تنها ثواب و پاداششان مانند شهدا است) مانند آنان است. برای نمونه روایتی آمده است: «کسی که در راه تحصیل علم از دنیا برود، شهید مرده است» (سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوه، ج ۴، ص ۵۱۳) یا در روایت دیگری آمده است: «اگر کسی با وضو بخوابد و مرگ او در خواب فرا رسد، نزد خداوند شهید است» (همان) همچنین در روایت دیگری آمده است: «هر کس بمیرد و حب آل محمد صلی الله علیه و اله در دلش باشد، شهید است»

حاصل آن که ملاک در اجر شهید داشتن، همان گام برداشتن در مسیر حقیقت و عقیده حق و مردن به همین حال است.

۲. در روایات متعددی، افرادی که زیر آوار می مانند، از مصداق های شهدا دانسته شده اند. از جمله در روایتی آمده است: «پیامبر(ص) در عیادت عبدالله بن رواحه از اصحابشان پرسیدند؟ شهید امت من کیست؟ اصحاب عرض کردند، همان کسی نیست که در راه خدا می جنگد و به دشمن پشت نمی کند تا کشته شود؟ رسول خدا صلی الله علیه و

اله فرمود: در این صورت شهدای امت من اندکند! شهید کسی است که شما گفتید و نیز کسی که بر اثر طاعون در گذرد و کسی که بر اثر قولنج بمیرد و کسی که زیر آوار رود یا غرق شود و زنی که بچه اش در شکم او گیر کند بمیرد» (میزان الحکمه، ری شهری، حدیث شماره ۹۸۰۰)

۳. بلاها و مصیبت ها، انواع و اقسامی دارند و هر یک دارای علل و حکمتی هستند. حتی گاه یک مصیبت جمعی برای هر فردی حکمتی متفاوت از دیگری دارد. امتحان و ابتلای بنده، پی آمد برخی گناهان، پی آمد عدم مراقبت از خویش، قهر الهی، پاک شدن گناهان و ... از جمله این حکمت ها و علت ها است. (ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۴۰)

تعیین مورد بسیار کار مشکلی است و جز اولیای الهی \_ که آگاه بر اسرارند \_ کسی قادر به تشخیص قطعی آن نیست. بنابراین، به سادگی نمی توان قضاوت کرد که فلان حادثه برای فلان فرد نعمت است یا رحمت.

### شهیدان راه قرآن چه کسانی هستند؟

#### پرسش

شهیدان راه قرآن چه کسانی هستند؟

#### پاسخ

تمام کسانی که در راه خدا به مبارزه برخاستند و به شهادت رسیدند، شهیدان راه قرآن نیز محسوب می شوند؛ در این صورت آوردن نام آن ها، در حدّ شمارش نیست لکن در سال چهارم هجری مسلمانانی بودند که به دستور پیامبر اکرم برای تبلیغ قرآن به مأموریت تبلیغی رفتند و در این راه به شهادت رسیدند که این گروه یا گروه ها، در تاریخ اسلام به شهدای راه قرآن معروف شدند.

خلاصه ماجرا این است که گروهی از نمایندگان قبایل "عضل و" قاره، از در حيله از پیامبر اکرم خواستند افرادی را برای تبلیغ قرآن به قبیله آن ها بفرستند؛ آن حضرت از باب وظیفه عده ای را به فرماندهی "مرثد" همراه نمایندگان قبایل به آن نقاط فرستاد؛ اما متأسفانه در بین راه در محلی به نام "هذیل"، با کمک گرفتن از قبیله "هذیل" آن ها را محاصره کردند که مبلغان چاره ای جز دفاع از خود نداشتند و در نهایت تمام آن ها به شهادت رسیدند؛ از جمله شهدای راه قرآن "زید بن دثنه"، "حُییب عدی و" عبدالله است (ر.ک: فروغ ابدیت آیت الله سبحانی ج ۲، ص ۸۱۸۶، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)

### آیا حق الناس از شهید بخشیده می شود؟

#### پرسش

آیا حق الناس از شهید بخشیده می شود؟

## پاسخ

همچنان که در ردیف سوم پاسخ به پرسش ۶ یادآوری شد، بدهکاری که از نمونه های حق الناس به شمار می آید، از شهید بخشوده نمی شود. البته همانگونه که در این روایت گفته شده، کفاره حق الناس (از جمله بدهکاری) مجازات و به کیفر رسیدن شهید نیست بلکه این کفاره تنها پرداختن بدهکاری و به طور کلی، ادای حق الناس می باشد. از این رو با مطلب بیان شده در حدیث یاد شده نمی توان این نتیجه را گرفت که پس با شهادت گناهان شهید بخشوده نشده و او همچنان گرفتار عذاب الهی باقی خواهد ماند. بلکه این دین حتما باید پرداخت شود و همین پرداخت، کفاره گناه او محسوب می شود.

## شهید به چه کسی گفته می شود؟

### پرسش

شهید به چه کسی گفته می شود؟

## پاسخ

در لغت، شهید به معنای کشته شده در راه خدا (قتیل فی سبیل الله)، شاهد گواه و کسی است که هیچ چیز از علم او پنهان نیست و علم او بر همه چیز احاطه دارد. شهید از نام های خدا است. {۱}

در فرهنگ اسلام، شهادت دو معنای متفاوت دارد: خاص و عام. معنای خاص شهادت، کشته شدن در معرکه جنگ در راه خدا است و احکام خاصی در فقه اسلامی دارد؛ مثلاً شهید نیاز به غسل و کفن ندارد، بلکه با لباس خونین خود دفن شود.

معنای وسیع شهادت آن است که انسان در مسیر انجام وظیفه الهی کشته شود یا بمیرد. بنابراین، هر کس در حین انجام چنین وظیفه ای از دنیا برود شهید است. در روایات اسلامی آمده است که چند گروه شهید از دنیا می روند:

الف) پیامبر گرامی (ص) فرمود: «اذا جا الموت طالب العلم و هو علی هذا الحال مات شهیداً»؛ {۲} کسی که در طریق تحصیل علم از دنیا برود شهید مرده است.

ب) امیر مؤمنان (ع) می فرماید: «من مات منکم علی فراشه و هو علی معرف حق ربه و حق رسول ه و اهل بینه مات شهیداً»؛ {۳} کسی که با معرفت حق پروردگار و پیامبر او و اهل بیتش در بستر از دنیا برود شهید از دنیا رفته است.

ج) امام صادق (ع) فرمود: «من قتل دون ماله فهو شهید»؛ {۴} کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمین ایستادگی کند



و کشته شود شهید است.

د) رسول خدا(ص) فرمود: «من مات علی حب آل محمد مات شهیداً» {۵} هر کس با محبت آل محمد(ص) بمیرد شهید از دنیا رفته است /

[۱].لسان

[۲]. سفین البحار، ج ۱، ماده شهد و بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۶، باب ۱، روایت ۱۱۱ /

[۳]. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۱۱ /

[۴]. سفین البحار، ج ۱، ماده شهد /

[۵]. کشف زمخشری، ج ۳، ص ۴۴۶ - ۴۴۷ /

**دلم می خواهد برای مبارزه با اسرائیل جنایتکار و کمک به مردم مظلوم فلسطین ، به آن جا بروم تا در این راه کشته شوم . آیا کشته شدن در این راه شهادت در راه خدا محسوب می شود؟**

### پرسش

دلم می خواهد برای مبارزه با اسرائیل جنایتکار و کمک به مردم مظلوم فلسطین ، به آن جا بروم تا در این راه کشته شوم . آیا کشته شدن در این راه شهادت در راه خدا محسوب می شود؟

### پاسخ

جهاد در راه خدا یعنی مبارزه با کفاری که به سرزمین اسلامی حمله کرده و خون مسلمانان را می ریزند و اموال آنان را غارت می کنند. و مسلمانان را آواره و در به در کرده اند، یکی از وظایف واجب الهی است. امیر المومنین (ع) در نهج البلاغه فرمود: > ان الجهاد باب من ابواب الجنه فتحه الله لخاصه اولیائه ، (۱) جهاد دری از درهای بهشت است . خداوند تعالی این در را بروی اولیای خودش باز کرده است . <

شکی نیست که اسرائیل غاصب و سرزمین مسلمانان را غصب کرده و مسجد الاقصی قبله اول مسلمانان را تصرف کرده است و باید مسلمانان با همدلی و همیاری دست به دست هم داده ، این غده سرطانی را از منطقه مسلمانان ریشه کن کنند. جنگ با یهودیان صهیونیست و احیا است . بنابراین اگر توفیق یار باشد، می توانیم در این بجهه اسلامی علیه کفر بجنگیم و اگر شهادت در راه خدا نصیبمان شد، زهی سعادت . البته شرک ما در این جهاد بستگی به قوانین ومقررات کشورمان دارد و باید از طرف مسولان مربوطه اجازه گرفته شود و بدون هماهنگی و خودسرانه نمی توان به این کار مهم است یازید. خداوند به این نیت خیره به شما ثواب مجاهدان در راهش را عطا فرماید و از گناهان وتقصیرات همگان در گذرد.

(پاورقی ۱ نهج البلاغه ، خطبه

## آیا آرزوی شهادت برای کسی که مسئولیت زن و فرزند بر عهده او است، اشکال ندارد؟

### پرسش

آیا آرزوی شهادت برای کسی که مسئولیت زن و فرزند بر عهده او است، اشکال ندارد؟

### پاسخ

این مسأله خودخواهی و یا ناقض حقوق خانواده نیست؛ زیرا:

اولاً، آرزوی شهادت به معنای این نیست که فرد از خدا بخواهد بلافاصله جاننش را بگیرد و زن و بچه اش را رها کند؛ بلکه به معنای برگزیدن بهترین نوع مرگ است. به عبارت دیگر همه از دنیا رفتنی هستند؛ اما هنر انسان با ایمان آن است که با بهترین انتخاب از دنیا می رود.

ثانیا، شهادت به معنای پذیرش مسئولیتی بزرگ تر در برابر مسئولیت های کوچک تر است. شهادت خودکشی و مسئولیت گریزی نیست؛ بلکه انجام رسالت های بزرگ تر اجتماعی و فداکاری در راه مصالح عالی اسلام و جامعه اسلامی است.

شهادت طلبی به معنای آن است که در عرصه نیاز جامعه به فداکاری، مصالح شخصی و خانوادگی مانند غل و زنجیر انسان را پای بسته نمی کند؛ بلکه انسان شهادت جو، مرز و حصار خودیت و دلبستگی و تعلق خانوادگی را پاره می کند و در راه آرمان های مقدس عاشقانه و بدون اندک درنگ به پیش می تازد.

**چگونه می شود در این زمان انسان به مقام شهادت نائل آید؟ همچنین شهید شدن مقاماتی می خواهد چگونه می توان به این مقام ها راه پیدا کرد؟**

### پرسش

چگونه می شود در این زمان انسان به مقام شهادت نائل آید؟ همچنین شهید شدن مقاماتی می خواهد چگونه می توان به این مقام ها راه پیدا کرد؟

### پاسخ

هر اندازه انسان از نظر تقوا و عفاف و قطع وابستگی های دنیوی و دلبستگی به خدا و آخرت فراتر رود به مقام شهیدان نزدیک

تر می شود. از طرف دیگر عشق راستین به جهاد و شهادت در راه خدا انسان را تا مقام شهادت بالامی برد. }J

### چگونه باید باشیم تا شهادت نصیب ما شود؟

#### پرسش

چگونه باید باشیم تا شهادت نصیب ما شود؟

#### پاسخ

در «شهادت» جنسیت و زن و مرد بودن مطرح نیست. شهادت درجه ای است که خداوند عالم نصیب افرادی می کند که قابلیت آن را داشته باشند؛ یعنی، واقعا اهل تقوا بوده و عاشقانه آن را طلب کنند. البته در بعضی از روایات آمده است که: زن و مرد با ایمان اگر نیت کار خیری را داشته باشند، هر چند در خارج موفق به آن عمل نشوند ثواب آن را در نامه عمل آنها می نویسند. از آن جایی که شما نیز طالب شهادتید، خداوند ثواب آن را به شما خواهد داد. در روایت دیگری نیز آمده است: فرد مؤمن (چه زن و چه مرد) اگر در بستر بیماری هم بمیرد، در زمره شهدا محسوب خواهد شد. }

### منظور از باقیات الصالحات چیست؟

#### پرسش

منظور از باقیات الصالحات چیست؟

#### پاسخ

مفسران قرآن مجید در تفسیر باقیات صالحات، احتمالات متعددی ذکر کرده اند که به پنج نمونه از آنها اشاره می کنیم

الف منظور، نمازهای پنجگانه روزانه است؛ زیرا هم عملی صالح و شایسته است و هم ماندگار. نماز در هر خانه و اداره جامعه و کشوری اقامه شود، آن را آباد می کند و از هر کجا رخت بر بندد، آنجا ویران خواهد شد. (تفسیر جوامع الجامع ۲/۳۶۷)

ب مراد از « باقیات صالحات » ذکر شریف « شَيْبَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ » (ترجمه تفسیرالمیزان ۲۶/۱۸۷) [خداوند پاک و منزّه از هر عیب و نقصی و متّصف به هر صفت کمال است؛ چنین خداوندی شایسته حمد و ستایش است. حال که او هیچ عیب و نقصی ندارد و تمام صفات کمالیه را واجد است، تنها او شایسته پرستش است و هیچ معبودی جز او، شایسته عبادت نیست. خداوندی که بالاتر از تو صیفاً و بالاتر از فکر و اندیشه ماست.

## واژه شهید در قرآن به چه مفهومی است و منظور آیه به انبیا و صالحین و شهدا نعمت داده شده چیست ؟

### پرسش

واژه شهید در قرآن به چه مفهومی است و منظور آیه به انبیا و صالحین و شهدا نعمت داده شده چیست ؟

### پاسخ

واژه شهید در قرآن نه به صورت جمع و نه به صورت مفرد بر مقتول در راه حق اطلاق نشده است . در قرآن ۳۵ مرتبه کلمه شهید به کار رفته است که هیچ یک از آن موارد درباره مقتول در راه حق نیست . و ۲۰ بار کلمه ( شهدا ) استعمال شده است که ۱۷ مورد آن ظهور در شهادت دادن در مسایل دنیوی دارد و در سه مورد دیگر گرچه در اولین نظر، خواننده ممکن است آن را بر شهدا اصطلاحی حمل کند اما با تحقق بیشتر و مراجعه به تفسیر همگی ظهور در مساله شهادت دادن دارند . چنان که علامه طباطبایی مراد از شهدا در آیه ۶۹ سوره نسا را گواهان اعمال می داند و می فرماید : شهید در قرآن به گواهان اعمال مردم گفته می شود نه شهیدان میدان جنگ .

### مشورت

#### مشورت از دیدگاه قرآن چه جایگاهی دارد؟ پرسش

### اشاره

مشورت از دیدگاه قرآن چه جایگاهی دارد؟

### پاسخ

در چند آیه از قرآن مجید دستور به مشورت داده شده است.

در آیه ۱۵۹ آل عمران خداوند به پیامبر (ص) دستور می دهد که با مسلمانان در امور مهم مشورت کند. «وَأَشَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ».

و در آیه ۳۸ سوره شوری، هنگام بیان اوصاف برجسته مؤمنان راستین می فرماید

«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»

[آنها کسانی هستند که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده (و ایمان آوردند) و نماز را بر پا داشته و کارهایشان با مشورت

در میان آنها صورت می گیرد.]

همان گونه که ملاحظه می کنید در این آیه، مسأله شورا در ردیف ایمان به خدا و نماز قرار گرفته که بیانگر اهمیت فوق العاده آن است.

گاه گفته می شود مأمور شدن پیامبر (ص) برای مشورت با مردم تنها به خاطر احترام به شخصیت مسلمانان و شرکت دادن آنها در مسائل اجتماعی بوده، زیرا تصمیم گیرنده نهایی شخص پیامبر (ص) بوده است نه شورا، چنانکه قرآن در پایان آیه مشورت می فرماید «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» [هنگامی که تصمیم گرفتی (قانع باش و) بر خدا توکل کن.]

ولی مسلم است که منظور از ذیل آیه این نیست که پیامبر (ص) با مردم مشورت کند و بعد نظرات آنها را نادیده گرفته و راه دیگری را پیش گیرد، چنین کاری نه با هدف آیه سازگار است (زیرا سبب بی احترامی به افکار عمومی و در نتیجه رنجش مسلمانان می شود و نتیجه معکوس میبخشد) و نه با تاریخ پیامبر میسازد، چرا که در حوادث مهم، هنگامی که مشورت می کرد، به نظریه مردم مسلمان احترام می گذاشت و حتی گاه نظر مبارک خود را نادیده می گرفت، تا اصل

مشورت در میان آنها تقویت گردد.

قابل توجه اینکه آیه مشورت با توجه به آیات قبل و بعد آن، ناظر به غزوه «اُحُد» است و می دانیم در داستان احد، پیامبر(ص) موافق به خارج شدن لشکر از شهر نبود، ولی چون نظر اکثریت مسلمانان بر این امر قرار گرفت، موافقت فرمود.

و به فرض که این آیه برای پیامبر(ص) چنین ویژگی را قائل شود که مشورتش با مردم جنبه تشریفاتی داشته باشد، ولی آیه «سوره شوری» که دستور عام مسلمین را بیان می کند، کاملاً بیانگر این مطلب است که باید کارهای مهم در میان مسلمین با نظر شورا انجام پذیرد، و شورا نقش تعیین کننده دارد.

به هر حال شورا در محدوده ای که در بالا بیان شد یک اصل اساسی در اسلام است. تعبیر به «امر»، اشاره به کارهای مهم، مخصوصاً مسائل مورد نیاز جامعه است و این واژه چنان مفهوم گسترده ای دارد که تمام امور مهم سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی را در بر می گیرد.

### از دیدگاه روایات، مشورت چه جایگاهی دارد؟ پرسش

#### اشاره

از دیدگاه روایات، مشورت چه جایگاهی دارد؟

#### پاسخ

در احادیث اسلامی، چه احادیثی که از شخص پیامبر(ص) نقل شده یا از پیشوایان معصوم دیگر، اهمیت فوق العاده ای برای این امر ذکر شده، تا آنجا که در حدیث نبوی معروف به عنوان یکی از اسباب حیات جامعه و ترک مشورت یکی از اسباب مرگ جامعه معرفی شده است، می فرماید

«إِذَا كَانَ أَمْرُكُمْ خِيَارَكُمْ وَ أَعْيَابُكُمْ سِيَمَحَائِكُمْ وَ أَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ فَظَهَرُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِهَا، وَ إِذَا كَانَ أَمْرُكُمْ شِرَارَكُمْ وَ أَعْيَابُكُمْ بُخْلَانَكُمْ وَ لَمْ يَكُنْ أَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا» (تحف العقول)

[هنگامی که زمامداران شما نیکان شما باشند و توانگران شما سخاوتمندان و کارهایتان به مشورت انجام گیرد، در این موقع روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است، (و شایسته حیات و زندگی هستید) ولی هر گاه زمامدارانتان بدان شما و ثروتمندانتان افراد بخیل باشند و در کارها مشورت نکنید، در این صورت زیر زمین از روی آن برای شما بهتر است.]

اهمیت مشورت تا آن پایه است که علی(ع) فرمود «أَلَا سِتِّشَارَةُ عَيْنِ الْهَدَايَةِ، وَ قَدْ خَاطَرَ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ» (بحار الانوار ۷۵/۱۰۴)

[مشورت، عین هدایت است و کسی که تنها به فکر خود قناعت کند خویشتن را به خطر انداخته است.]

در حدیث دیگری از همان حضرت (ع) می خوانیم «لَا يَسْتَعْتَبِنِي الْعَاقِلُ عَنِ الْمَشَاوِرَةِ» (غرر الحکم) [انسان عاقل خود را بی نیاز از مشورت نمی بیند].

دلیل آن هم روشن است ، و آن به تعبیر زیبایی که در بعضی از روایات از علی (ع) در این زمینه وارد شده است چنین است «حَقَّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأَى الْعُقَلَاءِ وَيَضُمَّ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْحُكَمَاءِ» (غرر الحکم)



[سزاوار است که عاقل، رأی و فکر سایر عقلا را به رأی و فکر خود اضافه کند و علوم دانشمندان را به علم خود ضمیمه نماید و از مجموع آنها برای کارهای مهم تصمیم گیری کند.]

و در حدیث دیگری از همان حضرت (ع) آمده است «مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْعُقُولِ إِشْتِصَاءً بِأَنْوَارِ الْعُقُولِ» (غررالحکم) [هر کس با خردمندان مشورت کند، از نور خرد آنها روشنی می گیرد.]

بنابراین مشورت سبب افزودن عقل و علم و تجربه دیگران بر عقل علم و تجربه خویش است که در این صورت انسان کمتر گرفتار خطا و اشتباه می شود.

احادیث در این زمینه بسیار فراوان است و این بحث فشرده را با حدیث دیگری از پیامبر اکرم (ص)، و حدیثی از علی (ع) پایان می دهیم.

پیامبر اکرم (ص) فرمود «لَا مَظَاهِرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمَشَاوَرَةِ» (بحارالانوار ۷۵/۱۰۰) [هیچ پشتیبانی و یآوری محکمتر از مشورت نیست.]

و علی (ع) می فرماید «شَاوِرْ ذَوِي الْعُقُولِ تَأْمَنُ مِنَ الزَّلَلِ وَالنَّدَمِ» (غررالحکم) [با خردمندان مشورت کن تا از لغزش و پشیمانی در امان بمانی!]

## از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی شایسته مشورت معرفی شده اند؟ پرسش

### اشاره

از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی شایسته مشورت معرفی شده اند؟

### پاسخ

بی شک طرف مشورت انسان، مخصوصاً در امور مهمه و مسائل حساس اجتماعی، هر شخص نمی تواند باشد، بلکه باید دارای صفات ویژه ای باشد که او را صالح برای این کار کند، به همین دلیل در روایات اسلامی، گروهی به عنوان «افراد شایسته مشورت» معرفی شده اند

امام صادق (ع) در حدیثی می فرماید «إِنَّ الْمَشُورَةَ لَا تَكُونُ إِلَّا بِحُدُودِهَا الْأَرْبَعَةِ... فَأُولَئِهَا أَنْ يَكُونَ الَّذِي تُشَاوَرُهُ عَاقِلًا، وَ الثَّانِي أَنْ يَكُونَ حُرًّا مُتَدَيِّنًا وَالثَّالِثُ أَنْ يَكُونَ صَدِيقًا مُوَاحِيًا، وَ الرَّابِعُ أَنْ تُطْلِعَهُ عَلَى سِرِّكَ فَيَكُونَ عِلْمُهُ بِهِ كَعِلْمِكَ...»

[مشورت تنها با چهار شرط سودمند است، نخست اینکه مشاور تو عاقل باشد، دوم آزاده و باایمان و سوم دوست علاقمند و دلسوز باشد، چهارم اینکه او را بر سر خود آگاه سازی تا آگاهی او نسبت به موضوع مورد مشورت همچون آگاهی تو باشد.]

در حدیث دیگری از علی (ع) می خوانیم «خَيْرُ مَا شَاوَرْتَ ذُو النُّهْيِ وَ الْعِلْمِ وَ اَوْلُوا التَّجَارِبِ وَ الْحَزْمِ» (غررالحکم) [بهترین کسی که با او مشورت می کنی صاحبان عقل و علم و کسانی که دارای عقل و تجربه و دور اندیشی هستند، می باشد.]

### از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی غیر شایسته برای مشورت معرفی شده اند؟

#### پرسش

از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی غیر شایسته برای مشورت معرفی شده اند؟

#### پاسخ

در روایات اسلامی شدیداً از مشورت با افراد «بخیل» و «ترسو» و «حریص» و «احمق» نهی شده است، پیغمبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمود «یا علی! لا تُشاورُ جباناً فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ وَ لا تُشاورُ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يُقَصِّرُ بِكَ عَنْ غَايَتِكَ، وَ لا تُشاورُ حَرِيصاً فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ شَرَّهَا» (بحار ۷۰/۳۴)

[ای علی با آدم ترسو مشورت نکن که راه خروج (از مشکلات) را بر تو تنگ می کند و با بخیل مشورت مکن که تو را از (بذل و بخشش بجا و) رسیدن به هدف باز می دارد و با حریص نیز مشورت مکن که حرص و آز را برای تو زینت می دهد] تو را به راه خطا می کشاند.]

در روایات دیگری از مشورت با افراد احمق و نادان و کذاب و دروغگو نیز نهی شده است.

از آنچه در بالا گفته شد به خوبی استفاده می شود که مشاوران مخصوصاً در امور مهم باید افرادی هوشمند، عاقل، خیرخواه، باتجربه، راستگو، امین، شجاع و با سخاوت بوده باشند و از میان رفتن هر یک از این صفات موجب وهن و سستی و تزلزل پایه های مشورت می گردد.

مثلاً هرگاه مشاور آدم احمق و جاهل باشد، حقایق را در نظر انسان دگرگون می سازد و آن گونه که در احادیث وارد شده است اراده می کند به تو نیکي رساند، ولی مایه شرّ می شود! و اگر ترسو باشد مانع از اقدام به موقع و قاطعیت در امور می گردد و هرگاه دروغگو باشد به تعبیر روایات دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را دور می سازد.

### آیا هر کس را می توان به عنوان مشاور بویژه در کارهای مهم و سنگین انتخاب نمود؟ پرسش

#### اشاره

آیا هر کس را می توان به عنوان مشاور بویژه در کارهای مهم و سنگین انتخاب

## پاسخ

خیر، مشورت با کسانی که واجد شرایط نیستند نتیجه معکوس می بخشد، و انسان را در تصمیم گیریها ضعیف و ناتوان و گمراه می سازد.

امام صادق(ع) در این باره میفرماید «شورا شرایط و ابعادی دارد، کسی که به آن آگاه باشد، نتیجه می گیرد، و گرنه زیان آن برای مشورت کننده بیش از سود آن است

نخست این که، طرف مشورت فردی باشد صاحب عقل و خرد

دوم این که انسان آزاده و با ایمانی باشد

سوم این که دوست و دلسوز و علاقمند باشد

چهارم این که آنچنان باشد که اگر او را از سر خود آگاه کردی در کتمان آن نهایت دقت را به خرج دهد.

با این شرایط، نتیجه خواهی گرفت؛ زیرا وقتی عاقل و خردمند باشد، از نظراتش بهره خواهی گرفت؛ و هنگامی که آزاده و با ایمان باشد، نهایت تلاش را در نصیح و خیرخواهی انجام می دهد؛ و هر گاه دوست و دلسوز باشد، اسرار تو را پس از آگاهی، کتمان میکند، و آنگاه که او را از اسرار آگاه کردی و به تمام جوانب امور همچون خودت آگاهی یافت، مشورت به حدّ کمال می رسد و خیرخواهی در سر حدّ اعلا! (وسائل الشیعه، ج ۲/۱۰۸)

## از دیدگاه امام علی(ع) با چه کسانی نباید مشورت کرد؟ پرسش

## اشاره

از دیدگاه امام علی(ع) با چه کسانی نباید مشورت کرد؟

## پاسخ

امیر مؤمنان علی(ع) مشورت با چند گروه را ممنوع ساخته و به «مالک اشتر» در فرمان تاریخی اش تأکید می کند

«و لا تُدخِلَنَّ فی مَشُورَتِکَ بِخِیالٍ یَعْدِلُ بِکَ عَنِ الْفَضْلِ وَ یَعْتَدُکَ الْفَقْرَ، وَ لَا جَبَانًا یُضِعُّ عِفْکَ عَنِ الْأُمُورِ وَ لَا حَرِیصًا یُزِیِّنُ لَکَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ فَإِنَّ الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ وَ الْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى یَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ...» (نهج البلاغه، بخش نامهها و فرمانها، نامه ۵۳)

[هرگز بخیل را در مشورت خود دخالت مده، که تو را از نیکو کاری منصرف کرده و از فقر می ترساند و نیز با افراد ترسو و بزدل مشورت نکن که روحیه تو را تضعیف کرده، و از تصمیم گیری قاطع باز می دارند! همچنین حریص را به مشاوره مگیر، که حرص و ستم را در نظر تو زینت می بخشد! زیرا «بخل» و «ترس» و «حرص» تمایلات مختلفی هستند که سرچشمه آنها، سوء ظن به خداست!]

## آیا مشورت که مورد تاکید اسلام است، یک وظیفه اخلاقی است یا الزامی؟ پرسش

### اشاره

آیا مشورت که مورد تاکید اسلام است، یک وظیفه اخلاقی است یا الزامی؟

### پاسخ

در پاسخ این سؤال باید به این نکته توجه داشت که موارد مشورت بر سه گونه است.

۱ گاه یک مسأله مربوط به زندگی خصوصی خود انسان است که اصلاح و خرابی آن اثر مهمی به بار نمی آورد.

۲ گاه مربوط به مسائل اجتماعی و پستهای کلیدی است، ولی مسأله ای است روشن که همه روزه شخص مدیر یا فرمانده، با آن سرو کار داشته و برنامه مشخصی دارد.

۳ مسأله حساس و پیچیده ای است که در سرنوشت عموم یا لاقبل در سرنوشت گروهی مؤثر است.

در صورت اول و دوم ممکن است مشورت با پذیرش نتیجه آن الزامی نباشد و صرفاً به یک دستور اخلاقی باز گردد، اما بدون شك در قسمت سوم، هم اصل مشاوره، الزامی است و هم اقدام به نتیجه آن. چرا که بر مدیران و فرماندهان واجب است که به عنوان امانت دارانی از سوی خداوند انجام وظیفه کنند و عدم اقدام به مشاوره در این گونه مسائل، یک نوع خیانت به مصالح مسلمین است.

از نظر فقه اسلامی، این امانت داران باید «غبطه مسلمین» (آنچه به حال آنها اصلاح است) را در نظر بگیرند، و هرگز با وجود «اصلاح» به سراغ «صالح» یا با وجود «صالح» به سراغ «غیر صالح» نروند، و بدون تردید اقدام به مشاوره با اصل «رعایت غبطه» سازگارتر است.

این همان است که امیر مؤمنان علی (ع) در آن گفتار مشهورش به یکی از فرمانداران خود فرمود

«وَإِنَّ عَمَلَكُمْ لَيْسَ لَكُمْ بِطُعْمِهِ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكُمْ أَمَانَةٌ...» (نهج البلاغه، نامهها، نامه شماره ۵) [این پست وسیله آب و نان

برای

تو نیست؛ بلکه امانت خدا است در گردن تو]

## **بر اساس آیات قرآن آیا در همه امور و شئون اجتماعی باید مشورت کرد یا در پاره ای از آن ها؟ آیا حاکم برای تدبیر و اداره جامعه باید با دیگران به مشورت بنشیند؟**

### **پرسش**

بر اساس آیات قرآن آیا در همه امور و شئون اجتماعی باید مشورت کرد یا در پاره ای از آن ها؟ آیا حاکم برای تدبیر و اداره جامعه باید با دیگران به مشورت بنشیند؟

### **پاسخ**

در پاسخ باید گفت: قرآن در مقام بیان این نیست که مشورت در کجا و جوب شرعی و قانونی دارد و رأی اکثریت یا همه مستشاران در کجا حجت است. پس با استناد به اطلاق یا عموم آیات نمی توان پاسخ این دو پرسش را یافت. دو آیه مذکور چنان اطلاقی ندارند که بتوان از آن استفاده کرد که مشورت در همه جا واجب است؛ همچنین دارای چنان عمومی نیستند که وجوب عمل به رأی اکثریت مستشاران را در همه جا برساند. اگر دلیلی خاص در دست می بود که بر وجوب مشورت یا وجوب اطاعت از رأی اکثریت مستشاران دلالت می کرد، باید بررسی می کردیم که آن دلیلی خاص چه اقتضایی دارد و چه کسانی را به عنوان مستشار می شناسد. اما ما نه خود چنین دلیلی در کتاب و سنت یافته ایم و نه شنیده یا خوانده ایم که کسی ادعا کرده باشد که در شرع مقدس اسلام، امری تعبدی در باره موردی خاص، وارد شده است و بر وجوب مشورت یا وجوب پیروی از اکثریت مستشاران در آن مورد دلالت دارد. چون چنین دلیل خاص تعبدی در دست نیست، برای یافتن پاسخ آن دو پرسش باید به عقل رجوع کرد.

عقل حکم می کند در مواردی که مصلحت لازم الاستیفایی در کار باشد و حاکم جامعه خودش با قطع و یقین آن را شناسد و شناختن آن جز از راه مشورت، ممکن و مقدور نباشد - یا دست

کم، احتمال این که آن مصلحت از راه مشورت بهتر از هر راه دیگری شناخته شود قوی باشد و احتمال این که به طریق دیگری غیر از مشورت بهتر معلوم گردد ضعیف باشد - مشورت واجب است. از سویی نباید یکی از مسائل جامعه اسلامی تفویض شود و از سوی دیگر، تنها راه یا بهترین راه شناخت آن مصلحت و شیوه استیفا و تحصیل آن، مشورت است. در چنین وضعی باید با دیگران به مشاوره پرداخت و از آراء و نظرات کار آگاهان مورد اعتماد کمک گرفت و سود جست. این همان حسن عقلی مشورت است.

همچنین عقل حکم می کند که اگر بر اثر مشورت، حاکم واقع را کشف کرد و مصلحت را به قطع و یقین شناخت و بهترین راه تحصیل آن را کاملاً دریافت، باید بر طبق قطع و یقین خود عمل کند؛ و اگر پس از انجام یافتن مشورت، خود را دستخوش شک و تردید دید و امر دایر شد بین این که یا یکی از دو طرف شک را برگزیند یا رأی اکثریت مستشاران را - که همه کاردان و محل وثوق اند - رأی اکثریت اعضای شورا را باید ترجیح دهد. اما اگر مصلحت لازم الاستیفا در کار نباشد یا باشد و حاکم خودش آن را به خوبی بشناسد یا نشناسد اما بهترین راه یا تنها راه شناخت آن مشورت نباشد به حکم عقل مشورت نه فقط وجوب ندارد بلکه اساساً موضع حاجت نیست و به فرض انجام یافتن مشورت، پیروی رأی اکثریت افراد شورا به هیچ روی واجب (و حتی راجح) نیست، مگر این که در موضوعی خاص یک دلیل تعبدی داشته باشیم و گفتیم

که از چنین دلیل خاصی اثر و نشانی ندیده ایم.

## در چه مواردی بهتر است با دوستان، مشورت کرد؟

### پرسش

در چه مواردی بهتر است با دوستان، مشورت کرد؟

### پاسخ

مشورت در اسلام اهمیت خاصی دارد. روایات و آیات متعددی، مسلمانان را به این کار ترغیب میکنند؛ مثلاً خداوند، در سوره شوری، آیه ۳۸ یکی از اوصاف مؤمنان را مشورت آنان با دیگران دانسته و میفرماید: "وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْزُهُمْ سُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ" و آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا داشته و کارهایشان به طریق مشورت در میان آنان صورت میگیرد، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق میکنند."

میدانید که مهم در مشورت موضوع مشورت نیست؛ بلکه مهم طرف مشاوره ماست که طبق روایات باید شرایط زیر را داشته باشد: ۱. عاقل؛ ۲. آزاد و متدین؛ ۳. دوستی صمیمی؛ ۴. خبره.

اگر طرف مشورت ویژگیهای فوق را داشت، با او میتوان در هر امری (کارهای اجتماعی، اجرایی، شناسایی موضوعات نه احکام الهی) مشورت کرد، ولی اگر دوست این ویژگیها را نداشت، نباید او را در امور مهم طرف مشورت خود قرار دهیم و گرنه زیان او بیش از سودش خواهد بود.

در پایان با تشکر از اهتمام و ارتباط شما با این واحد، به عرض میرسانیم، این طرح (پرسش از مخاطبان و پاسخ از سوی مرکز فرهنگ و معارف قرآن) مسابقه نیست؛ بلکه این طرح، برای بالا بردن سطح آگاهیهای مخاطبان در زمینه معارف و علوم قرآنی است؛ بنابراین، هر زمان هر کسی، پرسش یا شبههای به ذهنش خطور کرد یا در کتاب و مجلههای آن را دید، میتواند آن را با ما در میان گذاشته و پاسخ مناسب را انشأ

اللّٰه دریافت نماید.

ضمناً در حال حاضر، با توجه به محدودیت امکانات، ارسال کتاب و... مقدور نیست. به امید استمرار ارتباط شما و دوستانتان با این مرکز.

## چرا باید با دیگران مشورت کنیم

### پرسش

چرا باید با دیگران مشورت کنیم

### پاسخ

برخی دلایل ضرورت مشورت به شرح زیر است

۱. مشورت از طرفی سبب از بین بردن استبداد رأی و از جهت دیگر، موجب کم شدن عیب ها و نقص ها و تقویت مدیریت می شود؛ به همین خاطر قرآن کریم به مشورت سفارش فرموده است "وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ - يَتَّبِعُهُم (شوری ۳۸) و کارهایشان از راه مشورت در میان آن ها صورت می گیرد." "وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (آل عمران ۱۵۹) و با آنان مشورت کن اما هنگامی که تصمیم گرفتی [قاطع باش و] بر خدا توکل کن" امام علی در این باره می فرماید: "کسی که مشورت می کند، از لغزیدن در خطاها مصون می ماند." (میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ج ۶، ص ۲۹۰۱، دارالحدیث)

۲. زندگی با مشورت بهتر پیش می رود؛ پیامبر ۶ در این باره می فرماید: "هنگامی که زمامداران شما، نیکان شما باشند و توان گران شما، سخاوت مندان و کارهایتان به مشورت انجام گیرد، در این موقع روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است (یعنی شایسته زندگی کردن هستید). و..." (تحف العقول حرانی، ص ۳۶، جامعه مدرسین)

۳. مشورت که نوعی استفاده از تجربه های دیگران است برای راهنمایی و انتخاب بهترین راه است امام سجاده ۷ در این باره می فرماید: "حق کسی که از تو مشورت می خواهد این است که اگر عقیده و نظری داری در اختیار او بگذاری و اگر درباره آن کار، چیزی نمی دانی او را به کسی راهنمایی کنی که می داند و اما حق کسی که مشاور تو است این است که در



آن چه با تو موافق نیست او را متهم نسازی" (امالی شیخ صدوق، ص ۳۷۳، کتابخانه اسلامیة) هم چنین پیامبر اکرم در این باره می فرماید: "احدی در کارهای خود مشورت نمی کند، مگر این که به راه راست و مطلوب هدایت می شود." (میزان الحکمه همان)

۴. مشورت سبب تفاهم و هم فکری در زندگی زناشویی و امور خانوادگی می شود؛ برای مثال قرآن کریم برای از شیر گرفتن کودک می فرماید: "...فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنِ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا... (بقره ۲۳۳)... و اگر آن دو [زن و شوهر] با رضایت یکدیگر و مشورت بخواهند کودک را [زودتر] از شیر بازگیرند، گناهی بر آن ها نیست.."

بدیهی است در این مسئله و در همه امور زناشویی و خانوادگی اگر با مشورت پیش نرود، نه تنها تفاهم نخواهد بود، بلکه خودسری ها پیش می آید و زندگی را تلخ می کند؛ از این رو، ضرورت مشورت به طور کامل روشن می شود.

و... (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۱۴۲۱۴۷، دارالکتب الاسلامیه همان ج ۲۰، ص ۴۶۲؛ همان ج ۲، ص ۱۳۱۱۳۵).

### آیا محور مشورت، کوچک و بزرگی و زیادی سن است؟

#### پرسش

آیا محور مشورت، کوچک و بزرگی و زیادی سن است؟

#### پاسخ

معیار مشورت همانا:

۱. آگاهی به موضوع.

۲. دلسوزی.

۳. دارای قوه ارزیابی (عقل).

۴. ایمان.

۵. تجربه.

۶. کارشناسی می باشد.

امّا از آنجا که به طور طبیعی، کسانی که سنّ بیشتری دارند، تجربه زیاده‌تری هم خواهند داشت، اعتماد به سن نیز می‌تواند یکی از معیار باشد ولی تمامی مطلب نمی‌باشد. البته در روایتی از علی ((علیه السلام)) آمده است رأی پیران را بر جنب و جوش جوانان ترجیح می‌دهم (۱).

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - نهج البلاغه، کلمات قصار.

۷

## درباره مشورت از نظر معنا و مفهوم توضیح دهید.

### پرسش

درباره مشورت از نظر معنا و مفهوم توضیح دهید.

### پاسخ

مشورت در لغت به معنای رایزنی، شور، رأی و تدبیر است. (۱)

مشورت و مشاوره در اموری که بدان نیاز است، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌باشد. در اهمیت مشورت همین بس که حتی پیامبر گرامی اسلام (ص) مأمور به آن بودند. "در کارها با آن‌ها مشورت کن" (۲) با این که پیامبر کامل‌ترین انسان‌ها بود و نیازی به مشورت با دیگران نداشت، اما مأمور شد این سنت حسنه را میان مسلمانان رواج دهد و اوّل خود شروع کند.

پیامبر در بعضی مواقع از نظر مشورتی افراد استفاده می‌کرد، چنان که در جنگ بدر لشکر اسلام طبق فرمان پیغمبر می‌خواستند در نقطه‌ای اردو بزنند. یکی از یاران عرض کرد: محلی را که برای لشکرگاه انتخاب کرده‌اید، طبق فرمان خدا است که تغییر آن جایز نباشد یا صلاح‌دید شما می‌باشد؟ پیامبر فرمود: فرمان خاصی در آن نیست، عرض کرد: جای مناسبی برای اردوگاه نیست، دستور دهید لشکر از این محل حرکت کند و در نزدیکی آب محلی انتخاب نماید.

پیغمبر نظر او را پسندید و مطابق رأی او عمل کرد. (۳)

علت اهمیت مشورت

انسان‌ها از آن جهت به مشورت نیازمندند که در بسیاری موارد در کارهای فردی یا اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های کلان‌قادر به اتخاذ شیوه صحیح نیستند، زیرا انسان به تنهایی، نمی‌تواند آن قدر تجربه کسب کند که به تمام امور آگاه شود و چنین

فرصتی را در اختیار ندارد، به علاوه وقتی اولیای الهی و معصومین مأمور به مشورت می شوند، در حالی که به علوم غیب دسترسی دارند،

این موضوع بر ما لازم تر است.

پیامبر فرمود: "هیچ کس هرگز با مشورت، بدبخت و با استبداد رأی خوشبخت نشده است". (۴)

امیر مؤمنان فرمود: "کسی که استبداد رأی داشته باشد، هلاک می شود و کسی که با افراد بزرگ مشورت کند، در عقل آن ها شریک شده است". (۵)

در چه اموری مشورت لازم است؟

انسان در بسیاری کارها به مشورت نیازمند است. زمامداران و حاکمان اسلامی و مسئولان نیز در امور مردم داری و تصمیم گیری های بزرگ می بایست از طریق مشورت وارد شوند که هم به صلاح خودشان است و هم به صلاح مردم. پیامبر فرمود: "هنگامی که زمامداران شما نیکان باشند و توانگران شما سخاوت مندان و کارهایتان با مشورت انجام پذیرد، روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است (یعنی شایسته حیات وزندگی هستید) ولی اگر زمامدارانتان، بدان و ثروتمندان، بخیل باشند و در کارها مشورت نکنید، زیر زمین از روی آن برای شما بهتر است". (۶) (به درد مردن می خورید).

در امور شخصی زندگی هم بدون مشورت خسارت خواهند دید، مثلاً در تصمیم گیری هایی چون انتخاب همسر، شغل، وارد شدن به امور تجارت، قبول مسئولیت و مسائل مربوط به تحصیل.

پی نوشت ها:

۱. فرهنگ معین، ج ۳، ص ۴۱۵۵.

۲. سوره آل عمران (۳) آیه ۱۵۹.

۳. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۴۳.

۴. همان، ص ۱۴۵.

۵. همان.

۶. همان.

## هنر و ادبیات

اهمیت هنر در جامعه اسلامی چگونه است؟ آیا هنرمند مسلمان کم نداریم علت این خلاء چیست؟ روند بهبود آن چیست؟

پرسش

اهمیت هنر در جامعه اسلامی چگونه است؟ آیا هنرمند مسلمان کم نداریم علت این خلاء چیست؟ روند بهبود آن چیست؟

## پاسخ

هنر در جامعه و فرهنگ اسلامی، از جایگاه رفیعی برخوردار است. دین مبین اسلام، آکنده از هنر است و کتابآسمانی آن، خود بزرگ ترین آفرینش هنری است. از صدر اسلام تا کنون، هنر به زندگی مسلمانان شادابی و طراوت ویژه ای بخشیده است. این جاست که غالب انواع هنرهای اسلامی، در ایران پدید آمده و رشد کرده است. البته هنرهایی که در جامعه اسلامی رشد کرده از نظر نوع، محتوا و کیفیت با آنچه در خارج از حوزه اسلامی پدید آمده متفاوت است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در ایران، رشد هنری چشمگیری را شاهد بوده و هستیم. در عین حال این بهمعنای رسیدن به حد نهایی و مطلوب نیست و کمبود چشمگیری در این زمینه مشهود است.

آنچه در حال حاضر در جامعه ما حائز اهمیت است، استفاده بهینه از هنر و جهت دهی صحیح آن در راستای اهداف اسلام و انقلاب می باشد. }]

## چرا قرآن از شعر نکوهش می کند با آنکه شعر یکی از هنرهای هفتگانه است؟

### پرسش

چرا قرآن از شعر نکوهش می کند با آنکه شعر یکی از هنرهای هفتگانه است؟

### پاسخ

نخست باید به حقیقت شعر رائج در دوران جاهلیت و آغاز طلوع خورشید اسلام توجه نمود، سپس به هدف آیه از نکوهش شاعران واقف گردید. شعر در آن دوران، یک مشت تخیلات بی اساس بود که برای یک سلسله هدفهای پست مادی در قالب نظم ریخته می شد، و به عنوان افتخار و خودستایی، و یا لطمه زدن به آبروی رقیب و تحریک افراد قبیله به جنگ و غارتگری و ۰۰۰ در محافل کوچک و بزرگ خوانده می شد (۱). زیر بنای این نوع سروده ها را یک سلسله اهداف مادی یا احساسات جنسی و تشویق به جنگ و خونریزی و ۰۰۰ تشکیل می داد. شعر در دوران جاهلیت، تجلیگاه یک سلسله عواطف کاذب انسانی و احساسات پست مادی بود. وسیله ای برای مغالزه با ماهرویان، عشق بازی با زنان و دختران، توصیف چهره و خال و ابرو و چشم معشوقه ها، بدگوئی پشت سر صالحان، ستایش افراد ستمگر، و تملق گوئی و چاپلوسی برای دارندگان زور و زر و مانند آنها به حساب می آمد. ناگفته پیداست، گوینده ای که محرک و انگیزه او، احساسات سودجویانه و ارضاء غرائز حیوانی باشد، از مواهب معنوی و تربیت صحیح انسانی برخوردار نباشد، هرگز برای میدان تاخت و تاز شاعرانه خود، حد و مرزی نخواهد شناخت. چنین شخصی درزنده کردن باطل، پنهان ساختن حق، پایمال ساختن بیچارگان، تعرض به نوامیس دیگران

، شعله ور ساختن آتش شهوت جوانان ، و دهها امور زشت و نکوهیده دیگر ، پروائی نخواهد داشت . براستی ، سخن ، معرف ، شخصیت و روشنگر و حیات هر انسان است . کلام - اعم از نثر و نظم - طرز تفکر و ضمیر گوینده را متجلی می سازد . قرآن ، درباره چنین شاعران بی هدفی که جز تامین منافع مادی و ارضاء نامشروع احساسات جنسی و غرائز پست حیوانی ، محرک و انگیزه ای ندارند ، چنین می فرماید : و الشعراء يتبعهم الغاوون الم تر انهم فی کل واد یهيمون و انهم یقولون مالا یفعلون (۲) . تنها افراد گمراه از شاعران پیروی می کنند آیا نمی بینی که آنان درباره هر چیزی به دروغ سخن می گویند ، و آنچه را که می گویند عمل نمی کنند ؟ . از این آیات ، کاملاً استفاده می شود که هدف قرآن ، آن دسته از شاعران است که بر اثر نبودن مبانی مذهبی و نگهبان باطنی صفات زیرا را دارند : ۱ - رهبری گمراهان ( يتبعهم الغاوون ) . ۲ - گفتار آنان را حد و مرزی نیست . چه بسا باطل را حق جلوه داده ، و احیاناً حق را در نظر مردم ، بد معرفی می کنند ( فی کل واد یهيمون ) . ۳ - چون به گفته خود معتقد نیستند ، به هنگام عمل ، به آنچه می گویند عمل نمی کنند . ( و انهم یقولون مالا یفعلون ) . بنابراین هر نوع سروده ای را که احساسات پاک و شورانگیز گوینده در آن ، از عشق به

بیان حقیقت ، مبارزه با باطل و دعوت به کارهای نیک سرچشمه گیرد ، این شعر و گوینده آن ، مشمول آیه های دیگری خواهند بود که دنبال این آیات به عنوان استثناء وارد شده اند ، چنانکه می فرماید : الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکرُوا اللّٰه کثیرا و انتصروا من بعد ما ظلموا (۳) . مگر افرادی که به خدا ایمان دارند و عمل نیک انجام می دهند و بسیار خدا را یاد می کنند و در برابر ستمی که کشیده اند ، دادخواهی می کنند . ناگفته پیدا است که هر گوینده و سراینده ای که زیر بنای افکار و سخنان او را ایمان به خدا ، عمل صالح ، یاد خدا ، و انتقام از ستمگران تشکیل دهد ، در اشعار و گفتار وی جز حکمت ، موعظه ، ترویج حق ، و نابود ساختن باطل ، چیزی پیدانمی شود . از این نظر ، پیامبر عالیقدر اسلام صلی اللّٰه علیه و آله درباره این دسته از شعرا فرموده است : ان من الشعر لحکمه . پاره ای از شعرها دانش و حکمت است (۳۴) . و لذا هنگامی که از حضرت صادق علیه السلام درباره معنی آیه مورد بحث سوال شد ، امام فرمود : مقصود ، داستان سرایان دوران جاهلیت هستند که به عنوان سرگرمی نادرست اشعاری را می سرودند (۵) . مفسران نقل می کنند : هنگامی که آیات فوق نازل گردید ، گروهی از شاعران عصر رسالت که همگی به وسیله اشعار خود از اسلام و مسلمانان حمایت می کردند ، خدمت پیامبر (ص) رسیدند و گفتند : بنا بر این سرانجام زندگی ما

جز تباهی چیزی نیست . در این موقع , آیه الا الذین آمنوا - تا آخر - نازل گردید , و این گروه باایمانی را که به خاطر حق و عشق به معنویت , شعر می گویند , استثناء نمود (۶) . شعراء در پیشگاه پیشوایان معصوم علیهم السلام تاثیر یک شعر آموزنده و یک سروده مفید در روحیه اجتماع , قابل انکار نیست . و گاهی آن چنان قدرت آفرین است که چیز دیگری نمی تواند جایگزین آن گردد . از این رو , پیشوایان اسلام همواره از سروده های شاعران با هدف استقبال نموده , و آنها را مورد احترام و محبت خود قرار می دادند . روزی که دعای پیامبر صلی الله علیه و آله درباره نزول باران مستجاب گردید , به یاد عمومی خویش ابوطالب علیه السلام افتاد و فرمود : اگر ابوطالب زنده بود , از دیدن این منظره شاد و خرسندمی شد . آیا کسی هست که شعر او را برای ما بخواند ؟ یکی برخاست و گفت : ظاهر ا مقصود شما این شعر است : و ما حملت من ناقة فوق ظهرها ابر و اوفی ذمه من محمد هیچ مرکبی در جهان , کسی را بر پشت خود حمل نکرده است که نیکو کارتر و باوفا تر از محمد باشد . پیامبر فرمود : گوینده این شعر , حسان بن ثابت است . در این لحظه علی علیه السلام برخاست و اشعاری چند از سروده های پدر و الامقام خود ابوطالب را خواند , که نخستین بیت آن , این است : و ابيض يستسقى الغمام بوجهه ثمال الیتامی عصمه للارامل چهره روشنی که



به احترام آن، باران از ابر درخواست می‌شود، شخصیتی که پناهگاه یتیمان و نگهبان بیوه زنان است. سپس یکی از افراد طایفه بنی‌کنانه برخاست و از حضرتش اجازه گرفت که اشعاری را که درباره آن حضرت سروده بود، بخواند. حضرت اجازه داد و او اشعار خود را خواند. پیامبر درباره او چنین دعا فرمود: لک لکل بیت قلته بیت فی الجنه. در برابر هر بیتی از این اشعار خانه‌ای در بهشت داری (۷). تقدیری که امام سجاد علیه السلام از فرزدق و حضرت صادق علیه السلام از هاشمیت کمیت و امام رضا علیه السلام از دعبل خزاعی نمودند، معروف و مشهور است. به دلیل اثرات بارزی که شعر در میدان دفاع از حق و زنده ساختن حقیقت، از خود می‌گذارد، هنگامی که عبدالرحمن بن کعب از پیامبر اکرم درباره شعر سوال نمود، آن حضرت چنین پاسخ داد: ان المومن مجاهد بسیفه و لسانه فوالذی نفسی بیده لکانما ینضحونهم بالنبل (۸). مرد با ایمان با شمشیر و زبان خود از حریم حق دفاع می‌کند. به خدائی که جان من در دست اوست، سروده‌های شما بسان تیری است که به قلب و چشم دشمن می‌نشیند (۹).

### دیدگاه پیامبر اکرم در مورد «شعر» چگونه است؟

#### پرسش

دیدگاه پیامبر اکرم در مورد «شعر» چگونه است؟

#### پاسخ

مسئله شعر را وقتی انسان در اسلام مطالعه می‌کند، مسائل عجیبی را می‌بیند. پیغمبر اکرم، هم با شعر مبارزه کرد و هم شعر را ترویج کرد؛ با شعرهایی مبارزه کرد که به اصطلاح امروز متعهد نیست یعنی شعری نیست که هدفی داشته باشد، صرفاً تخیل و سرگرمی است، اکاذیب است. مثلاً کسی شعر می‌گفت در وصف اینکه نیزه فلان کس این طور بود یا اسبش آن طور، یا در وصف معشوق و زلف او، یا کسی را هجو و شخصیتی را مدح می‌کرد برای اینکه پول بگیرد. پیغمبر شدیداً با این نوع شعر مبارزه می‌کرد؛ فرمود: «لان یمتلی جوف رجل قیحا خیر له من ان یمتلی شعرا» (نهج الفصاحه، ص ۴۷۰، ح ۲۲۱۵) اگر درون انسان پر از چرک باشد بهتر از آن است که پر از شعرهای مزخرف باشد. ولی همچنین فرمود: «ان من الشعر لحکمه» (الغدیر، ۲/۹) اما هر شعری را نمی‌گوییم؛ بعضی از شعرها حکمت است، حقیقت است. پیغمبر در دستگاه خودش چندین شاعر داشت. یکی از آنها حسان بن ثابت است. تفکیک بین دو نوع شعر نه تنها در حدیث پیغمبر آمده، بلکه خود قرآن نیز آن را بیان کرده است: «والشعراء یتبعهم الغاوان الم تر انهم فی کل واد یهیمون و انهم یقولون ما لا یفعلون الا الذین امنوا و عملوا الصالحات» شعراء ۲۲۴/ و ۲۲۷. شعرایی بودند که پیغمبر اکرم یا ائمه اطهار آنها را تشویق می‌کردند، اما چه جور شعرایی؟ شعرایی که پیام اسلام و حقایق آن را در لباس زیبای شعر به مردم می‌رساندند. و بدون

شک کاری که شعر می کند، یک نثر نمی تواند انجام دهد، چون شعر زیباتر از نثر است. شعر وزن و قافیه دارد، آهنگ پذیر است، اذهان برای حفظ کردن شعر آماده است. پیغمبر اکرم به حسان بن ثابت که شاعر دستگاه حضرت بود، فرمود: «لا تزال مؤیدا بروح القدس ما ذببت عنا اهل البیت» از طرف روح القدس تأیید می شوی مادامی که این راهی را که داری، بروی و از این راه منحرف نشوی؛ مادامی که مدافع حقیقت باشی، مادامی که مدافع خاندان ما باشی، مؤید به روح القدس هستی. درباره یک شاعر، پیغمبر اکرم این سخنان را می گوید.

## شعر در لغت عرب و در اصطلاح ادیبان به چه معنی است؟

### پرسش

شعر در لغت عرب و در اصطلاح ادیبان به چه معنی است؟

### پاسخ

شعر در لغت عرب به معنی « دانستن » است ولی در اصطلاح ادیبان سخن منظومی است که در قالب یکی از بحور شانزده گانه شعری ریخته شود، و سرانجام اندیشه ای را اعم از حق و باطل، حقیقی و خیالی در دامن خود بپرورد. و دیوان، مجموعه ای است که در آن سخنان منظوم سراینده ای گرد آید.

در تعریف یاد شده واقعیت شعر را « وزن » و « قافیه » تشکیل می دهد و سراینده باید بکوشد کلامی منظوم و مقفی بخواننده یا شنونده عرضه بدارد و اگر نظم او دچار « سکت » و « وقفه » گردد و یا از نظر قافیه خللی بر آن وارد شود، فاقد ارزش می گردد و ادبای اسلامی، برای تامین هر دو منظور دو علم را به نام « علم عروض » و « علم قوافی » پی ریزی کرده اند و دارندگان قریحه شعری، را تا حدودی رهبری نموده و آهنگهای طبیعی را با قواعد صناعی به هم آمیخته اند.

## نظر اسلام در مورد مقام و موقعیت شعر و شعراء چیست؟

### پرسش

نظر اسلام در مورد مقام و موقعیت شعر و شعراء چیست؟

### پاسخ

از نظر اسلام ارزش شعر، در وزن و قافی خلاصه نمی شود، بلکه باید سخن موزون، لباسی باشد بر اندیشه سالم، که در عارفان جذبه و کشش، در سیاستمداران تحول و تحرک، در جوانان شور و شوق. و بالاخره در هر قلمروی خلاق و سازنده باشد و در غیر اینصورت فاقد ارزش خواهد بود. اگر رسول گرامی (ص) می فرماید:

«ان من الشعر لحکمه و ان من البیان لسحرا» (تاریخ بغداد ۳/۹۸) ناظر به آن سروده های موزونی است که اندیشه حکیمانه را

در برداشته و در زندگی مفید و سودمند باشد.

اگر شعر باید از زیباترین الفاظ، و ظریف ترین کلمات، و استوارترین معانی برخوردار باشد، شاعر نیز باید از فضائل اخلاقی و ارزشهای ویژه ای برخوردار گردد و اشعار حکیمانه و عارفانه او، تبلوری از روحيات او باشد، تو گویی شخصیت انسانی و فضایل اخلاقی خود را در قالب الفاظ منظوم ریخته و به خواننده عرضه داشته و به اصطلاح، به ملکات بسیط خود، لباس کثرت پوشانیده است.

قرآن برخلاف نظریه معروف از شعر و شاعری انتقاد ننموده، بلکه شاعران را به دو گروه تقسیم کرده است:

۱. گروهی که مواهب خدادادی را وسیله اشباع غرائر خود قرار داده، و بدین اعتقاد راسخ، در هر وادی گام می نهند و به مدح و ذم شخصیتها می پردازند و به فساد اخلاقی دامن می زنند و درباره این گروه می فرماید:

«و الشعراء يتبعهم الغاؤون \* الم تر انهم فی کل واد یهيمون \* و انهم یقولون ما لا یفعلون». شعراء/ ۲۲۴ ۲۲۶

[افراد جاهل و گمراه

از شاعران پیروی می کنند آیا نمی نگری که آنان در هر وادی سرگشته اند و سخنانی می گویند که یکی را عمل نمی کنند.]

این گروه از شعرا قریحه شعری را نردبان ترقی مادی، وسیله اشباع شهوات و مایه گسترده فساد، و سرانجام دسیسه ای برای بزرگ جلوه دادن کوچکان، و تحقیر بزرگان قرار می دهند و به اصطلاح نان به نرخ روز می خورند، و در سخن آنان نه پندی حکیمانه، و نه اندیشه ای سالم، پیدا می شود، بلکه هدف نیل به اهداف نفسانی است که اسیر آن می باشند این گروه از شعرا پیوسته در خدمت زورگویان بوده و توجیه گر جنایات آنان می باشند.

۲. گروه دیگر شاعران دل سوخته، و یا دل سوختگان شاعری هستند که این نعمت الهی را در خدمت هدف مقدسی به کار می گیرند، جوانان را پند میدهند، جامعه را راه و رسم، سیاستمداران را هشدار می دهند و به آنچه که می گویند پیش از دیگران عمل می کنند، قرآن به این گروه از شعراء در آیه یاد شده اشاره می کند و می فرماید:

«الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و ذكروا الله كثيرا و انتصروا من بعد ما ظلموا ...» شعراء/ ۲۲۷

[مگر آنان که دارای ایمان و عمل نیک بوده و خدا را بسیار یاد کنند و پس از مظلومیت طلب پیروزی می کنند.]

شعر و شاعری وسیله تبلیغ و جهاد در راه حق و باطل است تا این شمشیر در دست چه کسی باشد، انسان متعهد از ذوق شعری خود، در طریق اهداف الهی بهره می گیرد و زیر بنای سرودهای او را تشریح نشانه های

خدا در انسان و جهان، سخنان حکیمانه پیامبران و اولیای الهی، راهنمایی توده ها، پرخاشگری بر ظلم و ستم و استبداد سیاه و ... تشکیل میدهد، در حالی که شعر سراینده مادی و غیر متعهد، بر محور زیبایی ابرو، ترسیم مناظر ضد اخلاقی، مسموم کردن افکار جامعه، تملق به صاحبان زور و زو تزویر، دور می زند.

به خاطر همین دو لبه بودن این شمشیر است که قدرتهای فاسد و ضد انسانی پیوسته این طبقه را از طریق بخشیدن صله و دادن هدایا، به کار می گرفتند.

فقط گروه مؤمن و متعهد بودند که در برابر عظمت مادی آنان سر فرود نیاورده و حقیقت گویی را با چیزی عوض نمی کردند.

ما از گروه دوم، نمونه هایی در عصر رسالت و زمان معصومان(ع) داریم که به جرم حقیقت گویی بلاکش بودند.

هیچ فرد آگاهی نمی تواند تاثیر شعر را در بیدار کردن جامعه انکار ورزد، آیا میتوان از عظمت شعر «فرزدق» و تاثیر بارز شعر او در مسجد الحرام در حضور ستمگران زمان، چشم پوشید، آنگاه که مردم به احترام فرزند پیامبر(ص) علی بن الحسین(ع) راه را برای استلام «حجر اسود» باز کردند و چشمهای جستجوگر اطرافیان خلیفه اموی، متوجه او شد و خواستند این شخصیت عظیم را بشناسند ولی متأسفانه حسد مانع از آن شد که حقیقت بازگو شود و همگی اظهار بی اطلاعی نمودند، اینجا بود که شاعری، حقیقت گویی را بر پرده پی... و رضای خدا را بر خشم خلیفه ترجیح داد، و اشعاری در معرفی زین العابدین(ع) سرود. که پیوسته بر تارک زمان نقش بست و چنین گفت:

هدا الذی تعرف البطحاء

این شعر به قدری سازنده و کوبنده بود که فوراً دستور دستگیری او صادر گردید و در زندانی به زنجیر کشیده شد.

در تاریخ اسلام نمونه هایی از این شعراء کم و بیش وجود دارند که همگی مورد تقدیر و تشویق خاندان رسالت بوده و پیوسته این شیفتگان حقیقت، گم شده خود را نزد معصومان جستجو می کردند و از طرف پیشوایان نیز مورد محبت و عنایت قرار می گرفتند، و به عنوان نمونه می توان از: کمیت بن زید اسدی، سید اسماعیل حمیری، ابو تمام طائی و دعبل خزاعی و ابونواس و مهیار دیلمی نام برد که گروهی از آنان به فیض درک حضور امامان معصوم (ع) نائل آمده و صله هایی را دریافت نموده اند.

برخلاف اندیشه کوتاه نظران، اسلام به پرورش هنر، و تربیت ذوق خلاق عنایت ورزیده و از آثار هنرمندان سالم استقبال نموده است و تجربه به خوبی به ما آموخته است که چگونه گاهی یک سروده، تحولی عظیم و بیداری ژرفی در جامعه پدید می آورد و سر چشمه اصلاحات میگردد. آیا میتوان از شعر اعجاز آسای ادیب الممالک در ترسیم استبداد سیاه عصر قبل از مشروطیت چشم پوشید و آن را در بیدار کردن مردم زمان نادیده گرفت، این استاد بزرگ در سال ۱۳۲۰ هجری قمری برابر ۱۲۸۱ هجری شمسی در منظومه معروف خود که به عنوان تبریک عید میلاد پیامبر (ص) سروده است وضع ایران آن روز را چنین توصیف می کند:

افسوس که این مزرعه را آب گرفته هقان مصیبت زده را خواب گرفته

خون دل ما، رنگ می ناب گرفته هوز سوزش تب، پیکرمان تاب

رخسار هنر، گونه مهتاب گرفتهچشمان خرد، پرده ز خوناب گرفته

ثروت شده بی مایه، و صحت شده بیمار

اشعار زنده و ظریف و سازنده این گروه بود که در دوران استبداد سیاه، افراد خواب زده را بیدار کرد، و بیداران را جوش و خروش بخشید، و آزادیخواهان را به هم پیوند داد و مقدمات تحول بنیادی را به نام « مشروطه مشروعه » ( که متأسفانه بعداً به عللی از مسیر اسلامی خود منحرف شد ) پی ریزی کرد.

اگر جهاد با دشمن بوسیله شمشیر و نیزه انجام می گیرد ولی پیامبر گرامی (ص) جهاد با زبان را، همانند جهاد با شمشیر می داند در حدیثی می فرماید:

«المومن یجاهد بسیفه و لسانه». (مسند احمد ۲/۴۵۶)

[مومن بوسیله شمشیر و زبان در راه خدا جهاد می کند.]

بخشی از جهاد با زبان را همان گفتار نغز و سخن منظوم و به اصطلاح شعر و سروده تشکیل میدهد که بر اثر آهنگ خاصی که دارد بر دل می نشیند و قلبها را تسخیر می نماید. هرگز تاریخ، تاثیر شعر کوتاه مرحوم آیت الله سید صدرالدین عاملی قدس الله سره را فراموش نکرده است آنگاه که در سال ۱۳۴۴ هجری قمری سعودیهای وهابی، آثار رسالت را ویران کردند و این مرد بزرگ در انتقاد از این عمل وحشیانه سه بیت سرود و در روزنامه های بغداد منتشر شد ولی این سه بیت آنچنان شور و ذوقی در توده مردم و بالخصوص شعرای نوپرداز عراق پدید آورد که دهها شاعر به استقبال آن رفته و به « تشطیر » و « تخمیس » آن پرداختند و انقلابی ادبی در عراق بر ضد وهابیه

پدید آمد و سرانجام با مداخله حکومت دست نشانده بریتانیا هر نوع سخن گفتن پیرامون آن ممنوع اعلام گردید و به عنوان تبرک نخستین بیت آن را در اینجا یادآور می شویم:

لعمری ان فاجعه البقیعیشیب لهولها فود الرضیع

(علمای معاصر/۲۱۷)

[به جانم سوگند مصیبت بزرگ (ویران کردن بقیع) دل کودک شیر خوار را پیر می سازد.]

سخن درباره مقام و موقعیت شعر و شعراء از نظر اسلام بیش از آن است که در این خلاصه بگنجد از این جهت دامن سخن در این بخش را با بیتی از حافظ به پایان می رسانم:

گفتگوی من و دلدار مرا پایان نیست آنچه آغاز ندارد، نپذیرد انجام

**با توجه به آیاتی از سوره شعرا که در مذمت شعر و شاعری است آیا این نگرش شامل همه اشعار و شاعران می شود؟**

**پرسش**

با توجه به آیاتی از سوره شعرا که در مذمت شعر و شاعری است آیا این نگرش شامل همه اشعار و شاعران می شود؟

**پاسخ**

نخست باید به حقیقت «شعر» رائج در دوران جاهلیت و آغاز طلوع خورشید اسلام توجه نمود، سپس به هدف آیه از نكوهش شاعران واقف گردید.

شعر در آن دوران، یک مشت تخیلات بی اساس بود که برای یک سلسله هدفهای پست مادی در قالب نظم ریخته می شد، و به عنوان افتخار و خودستائی، و یا لطمه زدن به آبروی رقیب و تحریک افراد قبیله به جنگ و غارتگری و .... در محافل کوچک و بزرگ خوانده می شد.

زیر بنای این نوع سروده ها را یک سلسله اهداف مادی یا احساسات جنسی و تشویق به جنگ و خونریزی و ... تشکیل می داد. شعر در دوران جاهلیت، تجلیگاه یک سلسله عواطف کاذب انسانی و احساسات پست مادی بود. وسیله ای برای مغالزه با ماهرویان، عشقبازی با زنان و دختران، توصیف چهره و خال و ابرو و چشم معشوقه ها، بدگوئی پشت سر صالحان ستایش افراد ستمگر، و تملق گوئی و چاپلوسی برای درندگان زور و زر و مانند آنها به حساب می آمد.

ناگفته پیداست، گوینده ای که محرک و انگیزه او، احساسات سودجویانه و ارضاء غرائز حیوانی باشد، و از مواهب معنوی و تربیت صحیح انسانی برخوردار نباشد، هرگز برای میدان ساخت و تاز شاعرانه خود، حد و مرزی نخواهد شناخت. چنین شخصی در زنده کردن باطل، پنهان ساختن حق، پایمال ساختن بیچارگان، تعرض به نوامیس دیگران، شعله ور ساختن آتش



شهوت جوانان، و دهها امور زشت و نکوهیده دیگر، پروائی نخواهد داشت.

براستی، سخن، معرف شخصیت و روشنگر روحيات هر انسان است.

کلام - اعم از نثر و نظم - طرز تفکر و ضمیر گوینده را متجلی می سازد.

قرآن، درباره چنین شاعران بی هدفی که جز تأمین منافع مادی و ارضاء نامشروع احساسات جنسی و غرائز پست حیوانی، محرک و انگیزه ای ندارد، چنین می فرماید:

«وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ أَلَمْ تَرَأَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ» شعراء/ ۲۲۴-۲۲۶

[تنها افراد گمراه از شاعران پیروی می کنند آیا نمی بینی که آنان درباره هر چیزی به دروغ سخن می گویند، و آنچه را که می گویند عمل نمی کنند؟].

از این آیات، کاملاً استفاده می شود که هدف قرآن، آن دسته از شاعران است که بر اثر نبودن مبانی مذهبی و نگهبان باطنی صفات زیر را دارند:

۱- رهبری گمراه (یتبعهم الغاؤون).

۲- گفتار آنان را حد و مرزی نیست. چه بسا باطل را حق جلوه داده، و احیاناً حق را در نظر مردم، بد معرفی می کنند (فی کل وادیهیمون).

۳- چون به گفته خود معتقد نیستند، به هنگام عمل، به آنچه می گویند عمل نمی کنند. (وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ).

بنابراین هر نوع سروده ای که احساسات پاک و شورانگیز گوینده در آن، از عشق به بیان حقیقت، مبارزه با باطل و دعوت به کارهای نیک سرچشمه گیرد، این شعر و گوینده آن، مشمول آیه های دیگری خواهند بود که دنبال این آیات به عنوان استثناء وارد شده اند، چنانکه می فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا» شعراء/ ۲۲۷

[مگر افرادی که به خدا ایمان دارند و عمل نیک انجام می دهند و بسیار خدا را یاد می کنند و در برابر ستمی که کشیده اند، دادخواهی می کنند].

ناگفته پیداست که هر گوینده و سراینده ای که زیر بنای افکار و سخنان

او را ایمان به خدا، عمل صالح، یاد خدا، و انتقام از ستمگران تشکیل دهد؛ در اشعار و گفتار وی جز حکمت، موعظه، ترویج حق، و نبود ساختن باطل، چیزی پیدا نمی شود.

از این نظر، پیامبر عالیقدر اسلام صلی الله علیه و آله درباره این دسته از شعرا فرموده است:

«ان من الشعر لحکمه»

[پاره ای از شعرها دانش و حکمت است] (من لایحضره الفقیه، ۴/باب النوادر)

و لذا هنگامی که از حضرت صادق علیه السلام درباره معنی آیه مورد بحث سؤال شد، امام فرمود: «مقصود، داستان سرایان دوران جاهلیت هستند که به عنوان سرگرمی نادرست اشعاری را می سرودند» (اعتقاد صدوق. به مجمع البیان، ۴/۲۰۸ مراجعه شود)

مفسران نقل می کنند: هنگامی که آیات فوق نازل گردید، گروهی از شاعران عصر رسالت که همگی به وسیله اشعار خود از اسلام و مسلمانان حمایت می کردند، خدمت پیامبر(ص) رسیدند و گفتند: بنابراین سرانجام زندگی ما جز تباهی چیزی نیست. در این موقع، آیه «الا-الذین آمنوا»-تا آخر- نازل گردید، و گروه با ایمانی را که به خاطر حق و عشق به معنویت، شعر می گویند، استثنا نمود [تفسیر ابن کثیر، ۳/۳۵۴. المیزان، ۱۵/۳۶۸]

شعراء در پیشگاه پیشوایان معصوم علیهم السلام

تأثیر یک شعر آموزنده و یک سروده مفید در روحیه اجتماع، قابل انکار نیست. و گاهی آن چنان قدرت آفرین است که چیز دیگری نمی تواند جایگزین آن گردد.

از این رو، پیشوایان اسلام همواره از سروده های شاعران با هدف استقبال نموده، و آنها را مورد احترام و محبت خود قرار می دادند. روزی که دعای پیامبر صلی الله علیه و آله درباره نزول باران مستجاب گردید، به یاد عمومی خویش ابوطالب علیه السلام افتاد و فرمود: اگر ابوطالب زنده بود، از دیدن این منظره شاد و خرسند می شد. آیا کسی

هست که شعر او را برای ما بخواند؟ یکی برخاست و گفت: ظاهراً مقصود شما این شعر است:

و ما حلمت من ناقة فوق ظهرها ابرّ و اوفى ذمه من محمد

[هیچ مرکبی در جهان، کسی را بر پشت خود حمل نکرده است که نیکو کارتر و با وفاتر از محمد باشد].

پیامبر فرمود: گوینده این شعر، حسان بن ثابت است. در این لحظه علی علیه السلام برخاست و اشعاری چند از سروده های پدر و الامقام خود ابوطالب را خواند، که نخستین بیت آن، این است:

و ابیض یشتسقی العمام بوجه شمال الیتامی عصمه لارامل

[چهره روشنی که به احترام آن، باران از ابر درخواست می شود، شخصیتی که پناهگاه یتیمان و نگهبان بیوه زنان است].

سپس یکی از افراد طایفه بنی کنانه برخاست و از حضرتش اجازه گرفت که اشعاری را که درباره آن حضرت سروده بود، بخواند. حضرت اجازه داد و او اشعار خود را خواند. پیامبر درباره او چنین دعا فرمود:

«لک لکل بیت قلته بیت فی الجنة»

[در برابر هر بیتی از این اشعار خانه ای در بهشت داری] [امالی شیخ طوسی، ص ۴۶].

تقدیری که امام سجاد علیه السلام از «فرزدق» و حضرت صادق علیه السلام از «هاشمیات» کمیت و امام رضا علیه السلام از «دعبل خزاعی» نمودند، معروف و مشهور است.

به دلیل اثرات بارزی که شعر در میدان دفاع از حق و زنده ساختن حقیقت، از خود می گذارد، هنگامی که عبدالرحمن بن کعب از پیامبر اکرم درباره شعر سؤال نمود، آن حضرت چنین پاسخ داد:

«ان المؤمن مجاهد بسیفه و لسانه فوالذی نفسی بیده لکأتما ینضحونهم بالنبل» (مجمع البیان، ۴/۲۰۸، چاپ صیدا).

[مرد با ایمان با شمشیر و زبان خود از حریم حق دفاع می کند. به خدائی که جان من

در دست او است، سروده های شما بسان تیری است که به قلب من و چشم دشمن می نشیند [در این زمینه، به بحث مبسوط مرحوم علامه امینی در الغدير ج ۲ (متن عربی) یا ج ۳ (ترجمه فارسی) مراجعه شود].

## آیا در قرآن کریم آیاتی در رابطه با هنر وجود دارد؟

### پرسش

آیا در قرآن کریم آیاتی در رابطه با هنر وجود دارد؟

### پاسخ

هر چند در قرآن کریم آیه ای درباره هنر صراحتاً وارد نشده است ولی از آن جا که دعوت قرآن کریم و اسلام به چیزهایی است که در فطرت آدمی یافت می شود، مثلاً میل به زیبایی و استفاده از شیوه های مختلف هنری برای جذب بیشتر در وجود انسان فطرتاً نهاده شده است قهراً قرآن کریم نیز تلویحاً به هنر و ارزش آن اشاره فرموده است از جمله

۱. "الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ... (سجده ۷) او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید..."

۲. "وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ... (غافر، ۶۴) و شما را صورت گری کرد و صورتتان را نیکو آفرید..."

۳. "فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (مومنون ۱۴) پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است

۴. "صَبَّغَهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَحْسَنَ مِنْ اللَّهِ صَبَّغَهُ (بقره ۱۳۸) رنگ خدایی [بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است ..."

۵. "قُلْ مَن حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ... (اعراف ۳۲) بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است"

۶. "يٰۤاَيُّهَا اٰدَمُ خُذْ زِينَتَكَ... (اعراف ۳۱) ای فرزندان آدم زینت را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید."

...

آیات فوق همگی دلالت دارد بر این که خداوند متعال نیز از زیبایی و اتقان و قامت موزون در پدیده ها، خبر می دهد و به نقش هنر، زیبایی هماهنگی دلنوازی و صورت های زیبا و دلپذیر در مخلوقات خود و ذرات

عالم اشاره می فرماید؛ پس ما باید درس گرفته و در کارها و اعمال مان از هنر و زیبایی و خلق شیوه های نو و دلنواز کمک بگیریم (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۰، ص ۱۵۹، دارالکتب الاسلامیه)

آهنگ در قرآن از مجموعه آواهای "نظم یافته در قالب یک" قافیه که آیه بدان ختم می شود و یا در قالب یک "تجانس میان حروف مختلفی که یک کلمه را تشکیل می دهد، آهنگ قرآن پدید می آید؛ البته جنبه های هنری دیگری نیز وجود دارد که پژوهشگران قدیم و جدید به آن پرداخته اند؛ به ویژه جنبه های هنری در مورد به کارگیری "مفردات و یا" ترکیب ها" که در آیات قرآن کریم زیاد به چشم می خورد. (ر.ک اسلام و هنر، دکتر محمود بستانی ترجمه حسین صابری ص ۱۴۶، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ۵۷. خرمشاهی به‌الدین دانشنامه قرآن ج ۲، بخش عرفان انتشارات دوستان)

## هنر چیست انواع ان را توضیح دهید.

### پرسش

هنر چیست انواع ان را توضیح دهید.

### پاسخ

از هنر تعریف های مختلفی شده است. افلاطون و شاگردش ارسطو، هنر را به توانایی آفرینش، یا ایجاد زمینه تحقیق غایاتی که خود ترسیم نموده است تعریف کرده اند. برخی هنر را تقلید از طبیعت تعریف کرده اند و گفته اند هنرمند کسی است که بتواند آنچه در طبیعت و عالم محسوس است به بهترین نحو منعکس نماید. یکی از تعریف های هنر «ابداع» و «خلاقیت» است و در تعریفی دیگر هنر را فرافکنی بیان احساس دانسته اند، یعنی هنرمند احساساتش را در اثر هنری خود بیان و منعکس می کند. حقیقت هنر، یک عطیه الهی و یک حقیقت بسیار فاخر است.

هنر در رابطه با هنرمند و جامعه دو قسم دارد و هر کدام طرفدارانی:

۱. هنر برای هنر: یعنی هنر بدان جهت که هنر است مطلوب است، زیرا هنر کاشف از نبوغ و روشن کننده عشق آدمی است بر شهود واقعیات آن چنان که باید باشند و هیچ قانون و الگویی نباید برای هنر که ابراز کننده شخصیت هنرمند و نبوغ او است وجود داشته باشد. اگر ما برای هنر حد و مرزی قائل شویم، در حقیقت فردیت فرد را از نظر امتیازی که دارد نابود ساخته ایم و در نتیجه هنر برای هنر یکی از عالی ترین موارد آزادی در عقیده و بیان است که مطلوب و مفید بودن آن ثابت شده است.

۲. هنر، برای انسان: یعنی از آن جهت که هنر نیز مانند دیگر محصولات فکری بشری برای تنظیم و بهره برداری در حیات جامعه است، لذا ضرورت دارد ما هر هنری را نپذیریم و نگذاریم هنرهایی

که به ضرر جامعه تمام می شود، در معرض و دیدگاه مردم قرار بگیرند، یک عقیده سوم را نیز می توان ابراز کرد آن این است «هنر انسانی برای انسان» که ما آن را «هنر برای انسان در حیات معقول» می نامیم.

تا مسأله تعلیم و تربیت نتواند مغزها و روان های انسان ها را از هر گونه آلودگی ها و اصول پیش ساخته غیرمنطقی پاک کند و آنها را با واقعیات آشنا سازد، «هنر برای هنر» اگر چه باز کردن میدان برای به فعلیت رسیدن نبوغ ها است ولی چون به فعلیت رسیدن نبوغ ممکن است از مغزهایی پر از برداشت ها و اصول پیش ساخته غیرمنطقی به جریان بیفتد، لذا این عقیده به طور مطلق قابل دفاع نیست.

هنر برای انسان نیز از آن جهت که تفسیر انسان بنا بر دیدگاه های مختلف، بسیار متفاوت است و تفسیر انسان از دیدگاه سیاستمداران غیر از تفسیر انسان از دیدگاه افلاقیون و از دیدگاه تقوا و معرفت های برین و مردم متعهد در زندگانی غیر از دیگر دیدگاه هاست، لذا هر گروهی خواهد گفت: هنر برای آن انسان که من تفسیر و توجیه می کنم. آن چه که با نظر به هدف و فلسفه زندگی انسان ها از دیدگاه اسلامی بر می آید، عقیده متوسط است که می گوید: «هنر برای انسان در حیات معقول». حیات معقول یعنی شخصیت انسانی را در تکاپو به سوی ابدیت که به فعلیت رساننده همه ابعاد روحی در جاذبه پیشگاه الهی است، به ثمر رسانیدن. معنای هنر برای انسان در حیات معقول آن است که ما هنر را، چه با نظر به

نبوغ خود هنرمند و چه با نظر به جامعه ای که از اثر هنری برخوردار می شود، یک واقعیت بسیار با ارزش تلقی کنیم که حذف آن از قاموس بشری چندان تفاوتی با حذف انسانیت انسان ندارد. حیات معقول یک هنرمند آن نیست که هدف او از به وجود آوردن اثر هنری فقط جلب تحیر و شگفتی مردم بوده باشد، بدون این که حقیقتی سودمند را در جریان زندگی آنها وارد نماید. حیات معقول یک هنرمند آن نیست که نامش را در کتاب ها ثبت کنند و با ذکر نام او در سخنرانی ها کف بزنند. اگر یک هنرمند پیش از آن که هنرمند باشد از حیات معقول برخوردار باشد، بارقه های ذهنی خود را در راه روشن ساختن واقعیات ضروری و سودمند برای مردم به کار می برد نه در آتش زدن به کشتگان حیات جامعه.

در یک تقسیم دیگر هنر به دو نوع پیرو و پیشرو تقسیم می شود:

#### ۱. هنر پیرو

پدیده پیرو آن است که از خواسته ها و تمایلات و اخلاقیات رسمی و دانسته های معمولی تبعیت می نماید. معنای هنر پیرو عبارت است از توجیه شدن نبوغ و فعالیت های عقلانی و احساساتی مردم. هنرمند پیرو دنباله رو تفکرات و آرمان های مردم جامعه است. هنرمند پیرو دنباله رو درک ها و خواسته های مردم متوسط در هنر می باشد.

او از شهرت و محبوبیت و دیگر امتیازات زندگی معمولی بهره ور می گردد ولی کاری برای انسان انجام نداده است مگر این که در آثار هنری خود بکوشد با مجسم ساختن واقعیات و با طنز و اشارات مناسب دردهای مردم را تقلیل



دهد و با عظمت ها و سرمایه ها و امکانات نهفته آنان در زیر پرده عوامل و محیطی و اجتماعی آشنایشان ساخته و با این راه آنان را به دروازه حیات معقول نزدیک سازد.

هنر پیرو جریان موجود را با حذف و انتخاب شخصی به وسیله احساسات به شکلی جالب بر جامعه عرضه می دارد و کاری با آن چه باید یا شایسته است که بشود، ندارد، لذا همواره در معرض ایستایی و فرسودگی قرار می گیرد و پس از گذشت اندک زمانی تنها از جوبه تاریخی برای آیندگان مطرح می شود مگر این که هنرمند این قدرت را داشته باشد که از دانسته ها و آرمان های مشترک انسان ها که از دستبرد دگرگونی های زمان در امان بوده، استفاده کند.

۲. هنر پیشرو:

منظور از هنر پیشرو آن نیست که یک هنرمند همه معلومات و تجارب و نبوغ سازنده خود را از زمان و محیط بریده و واحدهایی را مطرح کند که هیچ منشأ اجتماعی و عینی نداشته و به یک آینده بریده از حال حاضر و واقعیات جاری بجهد. چنین هنری با آن که امکان ناپذیر است، هیچ سودی برای مردم نخواهد داشت. بلکه منظور از هنر پیشرو تصفیه واقعیات جاری و استخراج حقائق ناب از میان آنها و قراردادن آنها در مجرای «حیات معقول» با شکل جالب و جذاب می باشد. نبوغ سازنده در این گونه هنر «آن چه هست» را به طور مطلق امضا نمی کند و آن را مطلق طرح نمی نماید و بلکه «آن چه هست» را به سود «آن چه باید بشود» تعدیل می نماید.

ما این هنر را جلوه

گاه تعهد، و به وجود آورنده آن را هنرمند متعهد می نامیم. این هنرمندان متعهد می توانند در تصفیه اوهام و پندارها و بیرون ریختن زباله هایی که در ذهن مردم به عنوان حقایق موج می زند و رسوب می نماید، رسالت بزرگی را ایفا نماید. اینان روشنگر مغزهای افراد جامعه و سازندگان آرمان های حیات بخش آنان می باشند، با نظر به جریان این قانون که «عوامل فراوانی موجب طبیعت گرایی مردم است» و این طبیعت گرایی بوده است که همواره مردم را در سودجویی و خودخواهی و بی اعتنایی به ارزش های تکاملی فرورده است، لذا هنر پیرو نتیجه ای جز تحکیم و امضای همین جریان پست و ضد تکاملی در برداشته است، در صورتی که پرچمداران هنر پیشرو با در نظر گرفتن طبیعت دو بعدی انسان دست به کار می شوند که یک بعد آن همان سودجویی و خودخواهی است که بی اعتنایی به ارزش های تکاملی را به وجود می آورد و بعد دیگر آن «حیات معقول» انسان ها را هدف قرار می دهد.

یک اثر هنری پیرو هر اندازه هم که نبوغ آفرین باشد نتیجه ای جز منعکس ساختن آنچه که در جهان عینی موجود است با تمام نیک و بد، زشتی و زیبایی، صحیح و غلط، با نظم و بی نظم و توهمات و واقعیات در شکل جالب توجه چیزی ندارد چنین هنرهایی کاری که می توانند انجام دهند، منتفی ساختن مقداری ملالت و یکنواخت بودن زندگی است، در صورتی که هدف هنرپیشرو از تماشا و درک واقعیات، هماهنگی ساختن منطق واقعیات با دریافت های کیفی و احساسات سازنده

درباره آنها است که یکی از دو عنصر اساسی روان آدمی است. به وجود آورندگان آثار هنری پیرو، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه وظیفه خود را در آن می بینند که هر چه بیشتر مردم را وارد نمایند که از اثر هنری آنان لذت ببرند و کاری ندارند که بر آگاهی ها و شایستگی ها و بایستگی های حیات مردم بیفزایند، در حالی که هنر پیشرو با یک اثر هنری می تواند کلاس درسی بر مردم جامعه عرضه نماید که در این کلاس، معلم و مربی و کتاب و محتوا یک حقیقت است که عبارت است از همان اثر هنری.

برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به:

۱. زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، علامه محمد تقی جعفری (ره)

۲. هنر و ماوراء الطبیعه، تدوین سید عباس نبوی

۳. هنر از دیدگاه سید علی خامنه ای \_مد ظله العالی\_

**نظر اسلام درباره هنر مجسمه سازی و نقاشی چیست؟ آیا صحیح است که همه مجسمه ها شکسته شود و آثار باستانی از بین برود؟**

**پرسش**

نظر اسلام درباره هنر مجسمه سازی و نقاشی چیست؟ آیا صحیح است که همه مجسمه ها شکسته شود و آثار باستانی از بین برود؟

**پاسخ (قسمت اول)**

احکام و قوانین ادیان آسمانی که برای بهبود زندگی بشر - به ویژه بعد معنوی او - وضع شده اند، با فطرت بشری هماهنگ بوده و با خواسته ها و نیازهای خردمندان و معقول و فطری او تضاد و تعارضی ندارد. هنر نیز جوششی است از درون انسان برای ابراز و اظهار خواسته ها، تمایلات و رفع نیازهای خردمندان و معقول او. بدیهی است که این دو، تا در مسیر طبیعی و درست خود حرکت می کنند نباید رودر روی هم قرار گیرند؛ مگر این که در هر دو، یا یکی از آنها انحرافی روی دهد و از مسیر طبیعی خود خارج شوند. در این صورت، این دو در عرصه ی عمل ناسازگاری هایی پیدا می کنند. ما در این نوشتار برآنیم که برخورد دین با هنر مجسمه سازی و نقاشی را بررسی و سازگاری ها و ناسازگاری های آنها را ریشه یابی کنیم. منظور از دین در این نوشتار دین اسلام است.

عوامل ناسازگاری:

در یک تقسیم کلی می توان عوامل ناسازگاری دین و هنر را به سه بخش تقسیم کرد:

۱. عوامل درون دینی که ریشه در احکام دین دارد.

۲. عواملی که از دین و هنر بیرونند و از چیزهای دیگری؛ چون برداشت سلیقه ای و صنفی از احکام دین، ادیان دیگر، آداب و رسوم و فرهنگ قومی و منطقه ای حکومت، سیاست و... متأثرند.

۳. عوامل هنری که از ذات هنر، مایه می گیرد.

عوامل درون دینی:

احکام دینی و حتی عقلانی در یک

تقسیم کلی بر دو گونه است:

۱. احکام ثابت و لا یتغیر.

۲. احکام متغیر و تابع شرایط زمان و مکان و شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی.

در نگاهی دیگر، برخی احکام، ضروری دین هستند و برخی چنین نیستند.

در اینجا در صدد توضیح احکام ثابت و متغیر و یا ضروری و غیر آن نیستیم، تنها به بیان این نکته بسنده می‌کنیم که احکام ضروری آنهایی است که امت بر آن اجماع داشته باشند؛ هم چون وجوب نماز، روزه، زکات و..

نکته ی دیگر این که حرمت مجسمه سازی و نقاشی از ضروریات دین و مذهب نیست، با این حال بسیاری از فقها با استناد به منابع و مدارک، فتوا به حرمت برخی از اقسام آن دو داده اند.

در فقه اسلامی، ادله و منابع احکام منحصر است در (کتاب، سنت، اجماع و عقل). فقها در حکم مجسمه سازی و نقاشی بیشتر به روایات (سنت) استناد کرده اند؛ زیرا در قرآن کریم نه تنها دستوری آشکار و صریح مبنی بر نهی و پرهیز از این دو نیامده، بلکه در آیه ای به طور ضمنی از این دو ستایش شده و از خواسته های سلیمان پیغمبر دانسته شده است (۱). اجماع و عقل نیز در این خصوص کارایی زیادی ندارند.

در میان روایات شیعه و سنی که به طرق مختلف از پیامبر اسلام (ص) روایت شده احادیثی وجود دارد که مضمون آنها افراد را از کشیدن نقاشی و ساختن مجسمه بر حذر می‌دارد. در بسیاری از این روایات، از حکم ساخت، نگهداری و... مجسمه و نقاشی سؤال نشده، بلکه سؤال از نماز خواندن در جایی مثل اتاق و مسجد است که در

آنها مجسمه و نقاشی وجود دارد. حتی در برخی از آنها مورد سؤال جایی است که این دو در سمت قبله باشند. این دسته، بیشترین روایات این باب را تشکیل می دهند. در مورد دسته دی دیگری از روایات نیز با مقداری مسامحه می توان گفت: به اصل موضوع؛ یعنی «ساخت مجسمه» و «کشیدن نقاشی» نظر دارد. در این روایات به کسی که چنین کاری انجام دهد وعده ی عذاب الهی داده شده است. خلاصه ی کلام آن که حتی روایات، با همه ی فراوانی اش حکم این دو را بی ابهام و روشن بیان نکرده اند و همین امر سبب ارایه ی نظرات گوناگون شده است.

فقه های دو گروه، در آثار خود و در باب روایات به تفصیل بحث و بررسی کرده اند و نظری گاه متضاد با یکدیگر داده اند. ما در این نوشتار به بررسی متن و سند روایات نمی پردازیم، بلکه از آنجا که قانونگذار (شارع) هنگام وضع قانون - به ویژه در احکام متغیر - به شرایط و اوضاع موجود نظر داشته و به نظر می رسد که فقها به شأن و شرایط صدور روایات توجه کافی نکرده اند، شایسته است به اختصار، اوضاع، شرایط، قوانین و برخی سنت های حاکم بر جزیره العرب را در هنگام ظهور اسلام و صدور این روایات بررسی کنیم.

محیط پیدایش اسلام:

هنگام ظهور اسلام، بیشتر مردم جزیره العرب، مشرک و بت پرست و گروهی نیز مسیحی، یهودی و یا زردشتی بودند و تعداد کمی نیز به دین ابراهیم (ع) پای بند بودند.

بت پرستی، بین مردم رایج بود و بت پرستان انواع بت ها را که پیکره ی

انسان و غیر آن بود می پرستیدند. بسیاری از بت ها مجسمه های بزرگی بودند که به شکل انسان (مرد یا زن) و از مواد گوناگونی؛ چون سنگ، چوب و انواع فزات ساخته شده بود. مجسمه سازی در آن دیار رونقی تمام داشت و هنرمندان مجسمه ساز، مجسمه ها را با هدف های گوناگون؛ از جمله پرستش (بت) تزیین و یا برای یاد بود مردگان می ساختند. در این میان، ساخت مجسمه های پرستشی از همه رایج تر بود؛ چرا که خواهان بیشتری داشت.

اگر شخص بزرگی؛ هم چون رئیس قبیله، سخاوتمند، شاعر، شجاع و... از دنیا می رفت، بستگان او مجسمه ای بزرگ، ظریف و زیبا (بیشتر از سنگ و کمتر از دیگر مواد) از او ساخته و بر قبرش نصب می کردند و در طی سالیان دراز و در مواقعی خاص، برای یاد بود و بزرگداشت او دور قبرش جمع می شدند و با مراسم و آیینی خاص یادش را گرامی می داشتند. به تدریج، روی این گونه قبه و بارگاه ساخته شد و سرانجام پس از گذشت چند نسل، کار از بزرگداشت و احترام، به پرستش می کشید و آن مجسمه به «بت» و آن بارگاه به بتخانه و معبد قبیله، تبدیل می شد.

عرب ها در دیار خود بت ها و بت خانه های بزرگ و بسیاری داشتند که در طول سال و در زمانی معین، بر گرد آن جمع می شدند و طواف، قربانی و زیارت می کردند؛ حتی مُحَرَّم شده، لیبک می گفتند و مراسمی شبیه مراسم حج برای بتان به جای می آوردند. بت پرستان به آیین بت پرستی و

سنت های نیاکان سخت پایبند بودند.

بت، نماد و نشان آیین شرک و محور وحدت و یکپارچگی آنان بود، تا این که اسلام ظهور کرد و پیامبر(ص) مردم را به یکتاپرستی و دوری از شرک فرا خواند و شعار اصلی، بنیادی و «نماد» آیین اسلام را «توحید» و یکتاپرستی اعلام کرد.

نماد اسلام و نماد شرک:

از آنجا که آیین پیامبر اسلام توحید و یکتاپرستی و سنبل و نماد آیین شرک «بت» و بت پرستی بود، لذا این دو آیین رو در روی هم قرار گرفته، با هم به مبارزه برخاستند. پیامبر(ص) هر چه بر دعوت به توحید بیشتر اصرار می کرد، مشرکان نیز بر آیین نیاکان خود (بت پرستی) پای می فشردند.

وقتی پیامبر(ص) با آیات الهی بت ها را نکوهش کرد و بت پرستان و نیاکان آنان را گمراه خواند، مبارزه جدی تر شد و پیکار «توحید» و «بت» بالا گرفت. هر کس مسلمان می شد، موظف بود، بت خود را بشکند و از تقدیس و احترام بت ها دست بردارد و از سنت ها و آداب و رسوم بت پرستان دوری کند. نومسلمانان، بستگان خود را به اسلام دعوت می کردند و بت های فامیل خود را در حد توان خود می شکستند. بدین گونه پیکار بین توحید و شرک به درون قبیله ها و حتی خانواده ها راه یافت و درگیری میان آنها بیشتر شد.

با توجه به این اوضاع و شرایط بود که دستورهای پیامبر(ص) مبنی بر پرهیز از احترام و تقدیس هرگونه مجسمه ای «بتی» پیایی و به الفاظ مختلف صادر می گردید و به مجسمه سازان (بت تراشان) وعده ی عذاب الهی می



داد؛ زیرا تازه مسلمان شده ها از شرک و بت پرستی فاصله ی زیادی نداشتند و خطر بازگشت آنان به بت پرستی به شدت احساس می شد.

به تدریج که اسلام نیرومند گردید «بت شکنی» (شمایل شکنی) بالا گرفت و مسلمانان بیشتر از سال ۸ تا ۱۰ هجری، تمام بت ها را شکستند و بتخانه ها را ویران کردند. در جریان این بت شکنی دو نکته ی در خور تأمل وجود دارد: یکی این که هر چیزی که پرستش می شد، چه مجسمه چه صخره، چه درخت و... بریده و درهم شکسته می شد. عرب ها درختانی چند را تقدیس و احترام کرده و آنها را می پرستیدند، پیامبر(ص) فرمان داد آنها را برینند(۲).

آن حضرت(ص) و مسلمانان می کوشیدند تا هیچ اثر و نشانه ای از بت، بتخانه و معبودهای مشرکان باقی نگذارند.

نکته ی دوم این که با تحقیق گسترده ای که در باب بت شکنی مسلمانان انجام دادم، مطلبی دال بر شکستن مجسمه های تزئینی و به طور کلی غیر پرستشی و از بین بردن نقاشی های زینتی نیافتم. حتی اگر چنین چیزی هم می بود عجیب نبود؛ زیرا هر جا که انقلابی فکری، یا سیاسی روی دهد، انقلاب کنندگان با تمام توان می کوشند تا آثار حکومت، دین و آیین پیشین را از بین ببرند و در این کار دقت زیادی به خرج می دهند. ما این کار را در انقلاب اسلامی خودمان و در فروپاشی شوروی سابق شاهد بوده ایم.

سیره ی پیامبر(ص) و یاران در شمایل شکنی:

آنچه در صدر اسلام و زمان حیات پیامبر اکرم(ص) روی داد، شکستن شماری مجسمه (بت) و

ویرانی بتکده ها، بتخانه ها و حتی مقبره هایی بود که در گذشت روزگار به بت و بتخانه تبدیل شده بودند، حال سؤال این است که آیا می توانیم از سیره پیامبر(ص) این درس را فرا بگیریم و هر جا مجسمه ای - هر چند تزئینی و غیر پرستشی - دیدیم بشکنیم؟ در پاسخ این سؤال شایسته است نگاهی کوتاه به سیره ی یاران و صحابه ی پیامبر(ص) داشته باشیم تا بینیم کسانی که در کنار آن حضرت(ص) بودند و در جنگ ها و شمایل شکنی ها حضور داشتند، از کردار، گفتار (روایات نهی)، تقریر و امضای پیامبر(ص) چه چیزی فهمیده اند؟ شکستن مطلق مجسمه را یا فقط شکستن بت را.

پیامبر(ص) تمام معبودهای عرب را که نشانی از شرک داشت، شکست و از بین برد. لذا مهم این بود که نشان و نماد شرک باشد و شکل و شمایل آن تفاوتی داشت. پیامبر(ص) بت ها را می شکست؛ بت های سنگی، فلزی، چوبی و... به شکل انسان، یا حیوان و حتی اگر شکل خاصی نداشتن و سنگ صاف و صیقلی بود. یا درختی بود که مردم به آن احترام می گذاشتند (۳).

### **پاسخ (قسمت دوم)**

یاران پیامبر(ص) که همراه آن حضرت بودند و گفتار او را شنیده و کردار او را دیده بودند، بهتر از کسانی که او را ندیده و همراهش نبودند، سیره ی او را می فهمیدند و گفتار او را درک می کردند. پس از رحلت آن حضرت بسیاری از یاران نزدیک او در مقام فرمانده سپاه اسلام، کشورهای زیادی مانند ایران، روم، شام، مصر، آفریقا و... را فتح کردند. آنان در این کشورها مجسمه

ها و پیکره های انسانی و حیوانی فراوانی دیدند؛ ولی هیچ یک را - تا آنجا که پرستشی نبود - نشکستند. در ایران مجسمه های فراوانی چون پیکره های بزرگ انسانی و حیوانی تخت جمشید، تاق بستان، نقش رستم، همدان و ... دیدند ولی هیچ کدام را نشکستند و هنوز هم بسیاری از آنها پابرجا و قابل دیدن است. در سوریه (حلب و تدمر)، اردن (بصری و پترا)، فلسطین و لبنان (بیت المقدس و بعلبک) و مصر (اهرام، ابوالهول و...) مجسمه های زیادی بود که همه ی آنها تا قرن ها بعد بر جای ماند و مسلمانان و صحابه ی بت شکن به آنان آسیبی نرساندند. بسیاری از صحابه؛ چون سعد بن ابی وقاص (۴) سلمان فارسی (۵) خذیفه بن الیمان (۶) و براساس روایتی امام علی (ع) (۷) کاخ های شاهان ساسانی را (به ویژه ایوان مداین و کاخ سفید را) که پر از تصاویر انسانی و مجسمه های گچی و سنگی انسان و حیوانات گوناگون بود دیدند و حتی در آنها نماز جمعه و جماعت خواندند، بی آن که تزینات، آرایه ها و تصاویر آن را از بین ببرند، یا مجسمه های آن را بشکنند. به گفته ی طبری (۸) ایوان مداین، یا کاخ سفید حدود ۱۴ ماه مصلا و نمازگاه عید و جمعه و جماعت مسلمانان بود با آن که پر از انواع آرایه ها، تصاویر و مجسمه های انسانی و حیوانی بود، اما حدود ۱۴ ماه به عنوان مصلا و نمازگاه عید و جمعه و جماعت مسلمانان بود.

اگر از کردار و گفتار پیامبر (ص) شکستن هر گونه مجسمه ای فهمیده می شد، یاران پیامبر (ص) باید تمام این مجسمه

ها را (در ایران و شام و مصر) می شکستند و تمام این آثار را از بین می بردند. ولی در عمل چنین نشد و بسیاری از مجسمه ها باقی ماند. حتی صحابه خانه های خود را از انواع پرده ها، پارچه ها و پستی های مصور و منقوش به تصاویر انسانی و حیوانی می آراستند (۹) و در خانه ی بعضی از آنان، چون یسار بن نمیر (۱۰) عبدالله بن عباس، فقیه بزرگ و بحر علم و حبر امت، مجسمه های تزینی حیوانی هم وجود داشت (۱۱).

نقش نگین انگشتری بسیاری از صحابه تصویر انسان، یا حیوان بود. از برخی الفاظ و عبارت های روایات بر می آید که روی برخی از نگین ها، مجسمه یا مجسمه های کوچکی نصب بوده است. نقش انگشتری عمران بن حصین، صحابی رسول خدا (ص)، معلم قرآن و قاضی بصره، تصویر برجسته ی (تمثال رجل) مردی بود که شمشیری به گردن آویخته داشت (۱۲).

نقش انگشتری انس بن مالک (م ۹۳هـ) خادم و صحابی پیامبر (ص) تصویر برجسته ی گرگ یا روباهی بود. براساس روایتی دیگر نقش انگشترش تصویر شیری در حالت خوابیده بود (۱۳) به نوشته ی طبری (۱۴) هنگامی که مسلمانان شوش را گشودند، جسد دانیال پیامبر (ص) آشکار شد. ابوموسی اشعری به خلیفه ی دوم نامه نوشت که در انگشت دانیال، انگشتری است که روی نگینش تصویر برجسته ی مردمی منقوش و دردو طرف آن، تصویر برجسته ی دو شیر است و این انگشتری پیش ماست. خلیفه ی دوم در پاسخ نوشت که انگشتر را به انگشت کن. به نوشته ی کتانی تصویر شیرها چنان می نمود که مرد را با زبان خود می لیسند.

این انگشتر پس از ابو موسی در انگشت پسرش ابو برده بود (۱۵).

به روایتی دیگر نقش یکی از انگشترهای ابو موسی، دو مگس، یا دو زنبور عسل بود (۱۶).

نیز در باب نقش انگشتری ابوهریره نوشته اند که دو زنبور عسل یا دو مگس بوده است (۱۷).

در میان فرزندان صحابه و کسانی که صحابه را درک کرده بودند (تابعین)، بودند کسانی که نقش انگشتری شان تصاویر برجسته ی حیوانات بود. نقش انگشتری پسر عبدالله بن مسعود (ابو عبیده) صحابی بزرگ رسول خدا تصویر منظره ای؛ شامل کوه، درخت، عقاب و دو درنا (پرنده ای درازپا) بود، عقاب در ارتفاع بالا و درناها میان کوه ها بودند (۱۸).

همچنین نقش انگشتری شریح قاضی - که در زمان عمر، عثمان و امام علی (ع) قاضی بود - تصویر برجسته ی دو شیر رو به روی هم بود که میان آن دو درختی قرار داشت (۱۹). این تصویر برگرفته از تصاویر تزیینی کاخ های مداین بود. نقش انگشتری ضحاک بن مزاحم، فقیه و قاری مشهور و صحابی امام سجاد (ع) نیز تصویر پرنده ای بود (۲۰). به روایتی نقش انگشتری زیاد بن ابیه، تصویر برجسته ی طاووس بود (۲۱). بر پایه ی روایتی دیگر عبدالله بن محمد بن عقیل بن ابی طالب انگشتری داشت که نقش نگین آن تصویر برجسته ی شیری بود و عقیده داشت که این انگشتر از آن پیامبر (ص) بوده و با آن نامه ها را مهر می کرده است (۲۲). به روایت حدیفه پیامبر (ص) انگشتری داشت که نقش آن تصویر دو درنا بود که رو به روی هم بودند و بین آن دو، جمله ی «الحمد لله» نقش بسته بود (۲۳) روایات منابع شیعه نیز حاکی از آن است که

نقش نگین انگشتی امام کاظم، امام رضا، امام جواد(ع) تصویر هلال ماه و یک گل سرخ بوده است که در وسط نگین جمله ی «حسبی الله» بالای آن هلال ماه و پایین آن یک گل سرخ نقش شده بود(۲۴).

بیشتر روایاتی که از نقاشی و مجسمه سازی نهی می کنند، در شرایطی صادر شده اند که بازار بت پرستی و بت تراشی گرم بوده و یکی از اصول کار پیامبر(ص) و یاران آن حضرت مبارزه با این خدایان دروغین و نابود کردن آنان بوده است. از این رو ضروری است به شأن صدور، شرایط و اوضاع حاکم بر زمان و مکان صدور آنها توجه کافی شود. به همین جهت است که برخی از فقهای معاصر الفاظی؛ مانند تمثال، تماثل، صوره، تصاویر، تصویر و... را بر «بت» و نهی از ساخت مجسمه را بر نهی از «بت سازی» حمل کرده اند(۲۵).

در این خصوص دو سؤال مطرح است: یکی این که اگر در واقع امر ساختن مجسمه به طور مطلق حرام بوده آیا ضرورت نداشت که خداوند متعال حکم آن را در کتاب خود آشکارا و بی ابهام بیان کند؟ چنان که از باب مثال، حکم باده، ربا، زنا، قمار و... را به طور صریح و روشن بیان کرده است. دو آن که اگر نماد شرک چیزی غیر از بت و مجسمه می بود، آیا در آن صورت هم، چنین حکم و روایاتی در خصوص نهی از ساختن مجسمه صادر می شد، یا این که روایات تنها در مورد نهی از ساخت همان نماد صادر می گردید؟ سیره پیامبر(ص)، صحابه، تابعین و مسلمانان حاکی از آن است که آن

چه مهم بوده، مبارزه با نماد شرک و حتی نماد ادیان دیگر بوده است، نه مبارزه با اشیا و ابزار. آنان با آن که تمام مجسمه های غیر پرستشی را به حال خود باقی گذاشتند، اما نماد شرک و ادیان دیگر را از میان بردند.

امام علی(ع) در عصر خلافت خود دستور داد، محراب مسجدی را به دلیل شاهدت به «مذابح» یهود خراب کنند(۲۶). خلیفه ی دوم نیز فرمان داد، درخت حدیبیه را که بیعت رضوان زیر آن انجام شده بود ببرند و نابود کنند؛ زیرا مسلمانان پس از رحلت پیامبر(ص) به طور فراوان پای آن درخت می رفتند و آن را زیارت، احترام و تقدیس می کردند و چون از بت پرستی فاصله ی کمی داشتند و خطر بازگشت به بت پرستی بود، دستور داده شد آن را بریدند(۲۷).

در عهد تابعان نیز همین روش برقرار بود. مسلمانان در کشور گشایی هایی خود هر جا به بت ها، بت خانه ها و یا بت پرستان بر می خوردند، بت ها را می شکستند و بتخانه ها را ویران می کردند. اگر جایی مجسمه ای بود، ولی مردم آنجا بت پرست نبودند، مجسمه های صحیح و سالم باقی می ماند. قتیبه بن مسلم هنگامی که در سال ۸۹ هجری، بخارا را فتح کرد، بتخانه اش را ویران نمود و بت هایش را شکست(۲۸) و در سال ۹۳ هجری سمرقند را فتح کرد و بتخانه اش را ویران و بت هایش را سوزاند(۲۹).

---

پی نوشت ها:

۱. سبأ، آیه ۱۳.

۲. کلبی، الاصنام، ص ۲۵ و ۲۶؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۴۰؛ ازرقی، «اخبار مکه»، ترجمه فارسی، ج

۱، ص ۷۸ و ۷۹. بت عزی چون بتان دیگر حرم، بتخانه ای بزرگ داشت. در کنار بتخانه درختانی (سه درخت) بود که پرستش می شدند و به فرمان پیامبر(ص) آنها را بریدند.

۳. همان (بت عزی در بطن نخله).

۴. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۲۴ و ۱۲۵؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۴۰؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۱۰۱.

۵. همان.

۶. همان.

۷. «جبریل بن شاذان»، کتاب الفضایل، ص ۷۱؛ بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۱۳ و ۲۱۴.

۸. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۳۹ - ۱۴۷.

۹. مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۱۴۵؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۳۰.

۱۰. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۴۰ و ۴۱؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۶۰؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۶۰؛ سنن بیهقی، ج ۷، ص ۲۷۰.

۱۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۶۴؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۰؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۵؛ بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۴۵.

۱۲. طبقات ابن سعد، ج ۷، ص ۱۰؛ سیر اعلام النبء، ج ۲، ص ۵۱۰؛ التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۸ و ۶۹.

۱۳. طبقات ابن سعد، ج ۷، ص ۱۸؛ اسد القابه، ج ۱، ص ۱۷۸؛ سیر اعلام النبأ، ج ۳، ص ۴۰۳.

۱۴. تاریخ طبری ۸ جلدی، ج ۳، ص ۱۸۸؛ التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۸.

۱۵. التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۷.

۱۶. همان، ج ۲، ص ۶۷.

۱۷. همان، ج ۲، ص ۶۷.

۱۸. همان، ج ۲، ص ۶۹؛ طبقات ابن سعد، ج ۶، ص ۲۱۰.

۱۹. طبقات ابن سعد، ج



۶، ص ۱۳۹؛ التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۹.

۲۰. طبقات ابن سعد، ج ۶، ص ۳۰۱؛ التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۹.

۲۱. طبقات ابن سعد، ج ۷، ص ۹۹.

۲۲. التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۸.

۲۳. همان، ج ۲، ص ۶۸.

۲۴. کافی، ج ۱، ص ۴۶؛ ج ۲، ص ۶۲ و ۲۱۱؛ مکارم الاخلاق، ص ۹۰؛ وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۳۲۳.

۲۵. امام خمینی «مکاسب محرمه»، ج ۱، ص ۱۶۹؛ تبریزی «التعلیقه علی منهاج الصالحین»، ص ۳۴، کتاب التجاره مسأله ی ۱۶. نیز نگاه کنید رساله ی عملیه ایشان را، تبریزی به جواز ساخت (عدم حرمت) مجسمه فتوا داده است.

۲۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۳؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۲۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۳؛ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۳.

۲۷. ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۱۰۱؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۲.

۲۸. تاریخ بخارا، ص ۶۷.

۲۹. الکامل فی التاریخ ج ۳، ص ۲۱۷؛ ابن فقیه «کتاب البلدان»، ص ۶۲۴؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۴۸.

## سنتهای ملی

### مبدأ سال های میلادی و شمسی چیست؟

#### پرسش

مبدأ سال های میلادی و شمسی چیست؟

#### پاسخ

مبدأ تاریخ مسیحی سال تولد حضرت مسیح می باشد و آن را تاریخ میلادی گویند. در این مورد گفته شده. در سال ۵۴۰ در شهر روم، کشیش به نام "دنی" خیلی کوشید که روز تولد مسیح را به دست آورد. دو قرن بعد این روز اساس مبدأ تاریخ قرار گرفت. این تاریخ در سال ۸۰۰ میلادی به وسیله شخصی به نام شارلمان به طور قطعی مورد قبول واقع شد و مبدأ تاریخ همه مسیحیان به استثنای مردم یونان قرار گرفت.

اکنون معلوم شده است که تولد مسیح از تاریخ متداول، چهار سال پیش تر است. (۱)

اما تاریخ شمسی مقیاسی برای زمانی است که مساوی با گردش زمین به دور خورشید است. به کارگیری تاریخ سال یا نه برای سنجش زمان از ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد نزد مصریان معمول بوده است. (۲)

تاریخ هجری شمسی محاسبه تاریخ است از سال هجرت پیامبر (ص) به حساب سال های شمسی. (۳)

پی نوشت ها :

۱ - لغت نامه دهخدا، ج ۴، ص ۵۴۵۲.

۲ - دائرة المعارف مصاحب، ج ۱، ص ۱۲۳۹.

۳ - لغت نامه دهخدا، ج ۴، ص ۵۴۵۰.

### ما باید اول مسلمان باشیم بعد ایرانی یا برعکس؟

#### پرسش

ما باید اول مسلمان باشیم بعد ایرانی یا برعکس؟

#### پاسخ

مسلمان بودن که نوعی گرایش خاص مذهبی است، آمیخته با فطرت و سرشت انسان است. وی ایرانی بودن و اصولاً ملیت مسأله ای است که در رابطه با محل سکونت انسان مطرح می شود و در سرشت انسان، اصالتی ندارد. از این رو باید گفت: ما اول مسلمان هستیم و بعد ایرانی.

چه اینکه ما در شیوه های مربوط به زندگی و شکل دادن آنها باید از اسلام الهام بگیریم نه از ملیت. فی المثل در نام گذاری باید به نام هایی که نوعی ارتباط با مذهب دارد بیشتر توجه شود نه به نام هایی که مربوط به شخصیت های ملی است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۲۰۹

### ریختن آب پشت سر مسافر تایید شرعی دارد یا خرافات است؟

#### پرسش

ریختن آب پشت سر مسافر تایید شرعی دارد یا خرافات است؟

## پاسخ

در متون دینی تأییدی برای این گونه امور نیافته ایم و به نظر می رسد بیش از هر چیز متأثر از سنن ملی باشد نه دینی. {J}

## آیا برای یک مسلمان افتخار به هویت ملی اشکال دارد؟ مصادیق مثبت و منفی این افتخار کدام اند؟

### پرسش

آیا برای یک مسلمان افتخار به هویت ملی اشکال دارد؟ مصادیق مثبت و منفی این افتخار کدام اند؟

### پاسخ

((هویت ملی)) مجموعه ای از تاریخ، فرهنگ و تمدن یک ملت است که در بستر زمان شکل گرفته است. در مورد افتخار کردن به هویت ملی چند نوع دیدگاه وجود دارد:

الف) دیدگاه کسانی که از هویت ملی ایدئولوژی می سازند و به شکلی ((نژاد پرستانه)) و یا ((سرزمین پرستی)) همه چیز را در شعاع آن می بینند چنین دیدگاهی هویت ملی را مطلق انگاشته و هر چیزی را که مربوط به آن باشد تقدیس می کند.

ب) دیدگاه دیگر در این موضوع، نظر کسانی است که ((هویت ملی)) را مطلق ندانسته و آن را در خور نقد می دانند. اینان با انتخاب دیدگاه منطقی برتری به ملیت می نگرند و نژاد و خاک را تقدیس نمی کنند؛ بلکه دیدگاهی فراتر داشته و ((هویت انسانی)) را اصل قرار می دهند. دیدگاه های ((انترناسیونالیستی)) نوعاً بر این منطق استوار است.

اسلام نیز به روشنی دیدگاه ((انترناسیونالیستی)) دارد و مردم را در قالب فرزندان خاک و نژاد ملاحظه نمی کند؛ بلکه سرشت بنی آدم را از یک گوهر دانسته و آنان را با هم برابر می داند. از نظر اسلام پرداختن به هویت ملی تا آن جا که هویت اسلامی را تحت الشعاع قرار ندهد اشکالی ندارد؛ ولی اگر بنا باشد به جای دین بنشینند و دیدگاه های خود را بر کرسی بنشانند، طبیعی است که با روند اصلی بینش دین در تضاد است. پس باید دیدگاهی نقادانه

و هشیارانه در برابر مدعیان ((هویت ملی)) داشت؛ بدین صورت که عناصر مفید آن را ارج نهاد و منطقه های غیر ارزشی و موهوم آن را رها ساخت.

برای مطالعه بیشتر ر. ک :

۱- سیر اندیشه ملی گرایی از دیدگاه اسلام مترجم : عقیقی بخشایشی

۲- جامعه انسانی اسلام مجتهد شبستری

۳- ناسیونالیسم و انقلاب رضا داودی

۴- سیر عقاید و اندیشه های سیاسی خزائلی

### چرا از قدیم مرسوم بوده است حلقه ازدواج را به دست چپ بپندازند؟

#### پرسش

چرا از قدیم مرسوم بوده است حلقه ازدواج را به دست چپ بپندازند؟

#### پاسخ

در منابع دینی در مورد حلقه ازدواج و یا این که در دست چپ باشد چیزی نیافتیم. انگشتر را به دست راست کردن برای زن و مرد مستحب است و سنت پیامبر گرامی اسلام است، (وسائل، ج ۵، ص ۸۱).

برتری دست راست و سمت راست از مواردی در آیات و روایات استفاده می شود.

الف) در قرآن کریم آمده است نامه اعمال مؤمنان به راستشان و نامه عمل کافران به چپشان داده می شود، (حاقه، آیات ۱۹ - ۲۵).

ب) غذا خوردن با دست چپ مکروه است مگر در هنگام ضرورت، (وسائل، ج ۲۴، ص ۲۵۹).

ج) شستن محل ادرار و غایط با دست راست مکروه است، (وسائل، ج ۱، ص ۳۲۱). {J}

### نظر اسلام درباره نوروژ چیست؟

#### اشاره

با سلام و احترام و ابراز سپاس از این که پرسش های خویش را با ما در میان گذارده اید. اینک

نظر اسلام درباره نوروز چیست؟

با سلام و احترام و ابراز سپاس از این که پرسش های خویش را با ما در میان گذارده اید. اینک

### پاسخ

در مورد نوروز روایات ضد و نقیضی در کتاب های روایی موجود است.

مرحوم علامه مجلسی از بحارالانوار فصلی را به بحث نوروز اختصاص داده و (۱) روایات متعددی را متذکر شده است.

از امام صادق (ع) روایتی را متذکر شده است که حضرت به معلی بن خنیس فرمود: می دانی نوروز چه روزی است؟! نوروز روزی است که خداوند در آن روز با بندگانش عهد و پیمان بسته است که شرک نوزند. نوروز اولین روزی است که خورشید طلوع کرده و در این روز حوادث مبارک بسیاری به وقوع پیوسته است. (۲)

به نظر می رسد از این که نوروز و مراسمی که ایرانیان در آغاز سال شمسی دارند، از این جهت که مشتمل بر یک سری روابط پسندیده و نظافت و امور خداپسندانه است، مورد تأیید اسلام است.

پی نوشت ها:

۱ - همان، ص ۹۲.

### آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

### پرسش

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

### پاسخ

دید و بازدید و صلح و دوستگیری از مستمندان که مردم در عید نوروز انجام می دهند، و خانواده ها و خویشان و بستگان از حال یکدیگر با خبر می شوند، از نظر اسلام کاری بسیار شایسته است. گذشته از این، فروردین، آغاز بهار است؛ هنگامی که طبیعت دوباره زنده می گردد و درختان سبز و خرم می شوند و رشد و بالندگی خویش را آغاز می کنند. این انگیزه ای است که انسانها نیز با طبیعت همراه شوند و برای شکوفایی و بالندگی در تمام ابعاد مادی و معنوی خویش بکوشند. ولی تأسف برانگیز است که گروهی از مردم کشور مانی، در این روزها، که طبیعت انسان را هشدار می دهد که نیروی خویش را تباه نسازد و عمر خویش را از میان نبرد، به بی بند و باری می پردازند و با کارهای زشت، روح خویش را می آلاینند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

### گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

**پرسش**

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

**پاسخ**

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین، علت عقلی و شرعی و قانونی ندارد، بلکه سنتی است ملى که برخی آن را می پسندند و بدان عمل می کنند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

### چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

**پرسش**

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

**پاسخ**

متأسفانه ایمان برخی مردم به نامیمونی عدد سیزده ژرف تر از ایمانشان قدرت خدا است. حتی گاه می بینیم که آنان برای این که به گمان باطل خویش از نامیمونی عدد سیزده بگریزند، کارهایی زشت انجام می دهند؛ کارهایی که با عقل و شرع ناسازگار است.

به فرض که عدد سیزده نحس باشد، راه گریختن از آن، توکل به خدا و دعا و نیایش و صدقه و صلّه رحم و دستگیری از بینوایان و تهیدستان است. یکی از بهترین نشانه های نادرستی این پندار، ولادت با سعادت حضرت علی «علیه السلام» در روز سیزدهم رجب است. پس، این عقیده، خرافه ای بیش نیست.

« بخش پاسخ به سؤالات »

### آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم (سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟

**پرسش**

آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم (سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟

مراسم ترحیم (سوم، هفتم و چهلم) از مراسم ما ایرانیان است و هیچ سفارشی در شرع مقدّس برای برگزاری این گونه مجالس نیست. البته، طلب مغفرت و تلاوت قرآن برای میّت مستحب است، ولی درباره مجلس سوم و هفتم و چهلم هیچ گونه سفارشی نشده است. متأسفانه، برخی چشم و هم چشمیها و رسوم نامعقول مردم، موجب رنج خود آنان شده است. در دین مقدّس اسلام آمده است که شایسته است همسایگان برای خانواده عزادار تا سه روز غذا بفرستند و غذا خوردن همسایگان در آن خانه مکروه است؛ ولی میان ما رسم است که باید شخص عزادار هزینه هایی سنگین بر عهده گیرد و دیگران را غذا دهد. در بسیاری از روستاها و شهرها، بازماندگان عزادار برای برگزاری این گونه مجالس ناچار می شوند املاک خود را بفروشند و زیر بار وامهایی سنگین روند و تا سالها تاوان پس دهند تا به گمان خود، آبروداری کنند. خداوند به این کار راضی نیست و برگزار کنندگان اجری نخواهند برد؛ زیرا به جای پیروی از دین مقدّس اسلام، گویی می گویند: «بل نَتَّبِعْ مَا الْفِئِنَا عَلَيْهِ أَبَاءَنَا» (۱)؛ بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، پیروی می کنیم».

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱ - سوره بقره آیه ۱۷۰.

## باورهای خرافی

### جدا نمودن آیین مقدس اسلام از سنتهای باطل چگونه است؟

#### پرسش

جدا نمودن آیین مقدس اسلام از سنتهای باطل چگونه است؟

#### پاسخ

اگر منظور این است که مسلمانان از نظر عملی تنها به سنن اسلامی عمل نمی کنند و از سنتهای باطل نیز پیروی کنند، برای اینکه تنها به سنن اسلامی عمل شود این است که نخست مردم را با سنن اسلامی به طور کامل آشنا کرد و سنتهای خرافی را برای آنان تشریح نمود و آنان را توصیه کرد تا به سنتهای اصیل اسلامی عمل نمایند.

اگر منظور این است که تعالیم اسلام با خرافات همراه شده، به گونه ای که اسلام اصیل تشخیص داده نمی شود، باید گفت که تعالیم اسلام روشن است و اعتقاد گروهی ناآگاه را نباید به حساب تعالیم اسلام گذاشت.

یادآوری این نکته لازم است که در زمینه ی تعالیم اسلام همواره باید به متخصصان آن - که دانشمندان و فقهای بزرگ می

باشند- مراجعه کرد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۰۹۳

### مراسم چهارشنبه سوری چه حکمی دارد؟

#### پرسش

مراسم چهارشنبه سوری چه حکمی دارد؟

#### پاسخ

این گونه مراسم از خرافات محسوب می شوند و انسان باید کارهایش بر اساس معیارهای عقلی و شرعی باشد و از هرگونه خرافات بپرهیزد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۷۷۴

اخلاق و تربیت

فضائل اخلاقی ایمان مراتب

### مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟

#### پرسش

مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟

#### پاسخ

سخنان بیهوده و پریشان که ناخوشایند باشند. عادات مألوفه و شیوه های متبعه ای که نه بر مبنای عقل و خرد و نه بر پایه شرع و شریعت، بلکه به استناد خوابی که کسی دیده باشد یا عادتتی که از گذشتگان به یادگار مانده باشد. این صفت را در انسان می توان به انحراف حالت دین جویی وی مستند دانست.

اسلام در بدو ظهور خود با تمام قدرت، با این شیوه غلط به مبارزه برخاست.



انسان را به یاد عقل در پرده کشیده اش آورد. و در صدد برآمد که فکر وی را از اوهام و خرافات و عقاید بی اصل و اساس برهاند و وی را به پیروی از عقل و منطق متوجه سازد. جامعه جاهلیت آن روز، سخت اسیر موهومات بود. این حالت، وی را از شکوفا شدن و به فعلیت رسیدن عقل بالقوه اش باز می داشت. قرآن با ندای بیدار کننده توحید، وی را به خود آورد. قرآن غل و زنجیرهایی که خود به دست خویش بر گردن و دست و پا فکنده بود، بگشود(۱).

مردم را از پیروی عادات پدران به پیروی عقل و خرد سوق داد(۲). به آنها فهمانید که چه کسی قادر است آدمی را از سختی ها و محنت های روزگار و بن بست های زندگی نجات دهد. به آنها آموخت که بایستی در حوادث ناگوار به چه کسی پناه برد. کدام شخصیت قادر و مهربان و آگاه، شایسته است که وی را به یاری بخوانی و ندای تو را بشنود و تو را پاسخ گوید(۳).

۱ - سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۲ - سوره بقره، آیه ۱۷۰.

انسان را از بندگی بندگان آزاد ساخت و به بندگی آفریدگار خویش کشانید و رشته وابستگی به هزاران امید هوم از او بگسست و او را به پناهگاهی بایسته و شایسته ربط داد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

**شایعاتی در خرم دره زنجان پخش شده که «علم» در حسینه جوش آورده و شفا یافتن مریض ها در این مکان زیاد شده، حال، ماندن در این مکان ها و طلب شفا و زیارت و امثال ذلک چگونه است؟**

### پرسش

شایعاتی در خرم دره زنجان پخش شده که «علم» در حسینه جوش آورده و شفا یافتن مریض ها در این مکان زیاد شده، حال، ماندن در این مکان ها و طلب شفا و زیارت و امثال ذلک چگونه است؟

### پاسخ

بدیهی است اکثر این گونه موارد و شایعات که هر از گاهی در یک گوشه مملکت مطرح و منتشر می شود، ساخته و پرداخته دست افراد متقلب و کلاشی است که به قصد مردم فریبی و اخذ پول و هدایا صورت می گیرد و هیچ مبنای شرعی و عقلی ندارد؛ هر چند ممکن است افرادی با دل پاک و نیت صادقانه توسل هایی به حضرات معصومین (ع) داشته و به نتایجی رسیده باشند و یا گاهی گمان کنند مورد عنایت قرار گرفته اند و اقدام به پخش خبر آن عنایت (واقعی یا ساختگی) کنند و مورد توجه مردم علاقمند به اهل بیت (ع) قرار گیرند، ولی کم کم مفسد زیادی به دنبال مراجعات مردم پدید آمده که اصل عنایت و توسل را زیر سؤال برده و حرکتی انحرافی در عقاید مردم ایجاد نموده است. بنابراین نه می توان به صورت قطع و یقین همه موارد را رد کرد و نه می توان به هر موردی - گرچه با آثار و شواهد همراه باشد - کاملاً اطمینان نمود.

پیشنهاد ما این است: کسانی که مشکلاتی دارند و می خواهند با توسل به خاندان عصمت و طهارت مشکلات آن ها رفع شود، با ارتباط مستقیم از طریق دعاهای وارده و در محل های معتبر مثل زیارتگاه ها و قبور شریف آن بزرگواران عرض حاجت نموده و با الحاح و اصرار از خداوند، رفع مشکلات خود را خواستار شوند.

**نامه ها و ادعیه هایی که هر از گاهی در منازل انداخته می شود یا در قرآن ها و مفاتیح ها در حرم مطهر نوشته می شود و در آن داستان هایی بیان می شود و تقاضای رونویسی به دفعات ۲۵ و ۳۰ و... در نامه های مذکور آورده می شود؛ آیا پایه و اساس درستی دارد و انجام خواسته**

نامه ها و ادعیه هایی که هر از گاهی در منازل انداخته می شود یا در قرآن ها و مفاتیح ها در حرم مطهر نوشته می شود و در آن داستان هایی بیان می شود و تقاضای رونویسی به دفعات ۲۵ و ۳۰ و... در نامه های مذکور آورده می شود؛ آیا پایه

و اساس درستی دارد و انجام خواسته های ذکر شده الزامی است یا خیر؟

## پاسخ

چنین نامه هایی پایه و اساس درستی ندارد و از اساس باطل است و به آن توجه نکنید.

**شنیده شده کسی بعد از این که با قرآن استخاره کرده و بد آمده، قرآن را پاره کرده و از نیم تنه تبدیل به خرچنگ شده است. چنین چیزهایی صحت دارد؟ پاسخ ما در قبال برخورد با این مسائل چه باید باشد؟**

## پرسش

شنیده شده کسی بعد از این که با قرآن استخاره کرده و بد آمده، قرآن را پاره کرده و از نیم تنه تبدیل به خرچنگ شده است. چنین چیزهایی صحت دارد؟ پاسخ ما در قبال برخورد با این مسائل چه باید باشد؟

## پاسخ

این خبر صحت ندارد و برگرفته از شایعات برخی از افراد به خصوص زنان عوام اندیش و ساده است. به دلیل آن که چنین خبری اگر درست باشد، باید شهر، کوی و برزن و آدرس آن شخص و نام و نشانش و شکل خرچنگ شدنش به پیوست اصل خبر برسر زبان ها می افتاد و از دید و گوش روزنامه نگاران پنهان نمی ماند. ولی چون شایعه ساز می داند که اگر این گونه اخبار را به صورت دقیق و با نام و نشان باز گوید، زود لو می رود و دروغگویی اش معلوم می شود. به همین جهت خبر را به صورت کلی و ناپخته می سازند.

ثانیاً به فرض صحت خبر، مگر او چه کرده بود که این چنین مجازات شود؟ نهایتش این است که قرآن را از روی خشم و یا از روی بی اعتنایی پاره کرده بود. آیا پاره کردن قرآن در این حد اثر نامطلوب فوری و مجازات تکوینی دارد؟ چگونه ممکن است خداوند برای این بی ادبی، مجازات سنگین و سه فوریتی در نظر بگیرد، ولی در برابر جرم های بسیار سنگین و گناهان زیاد و کارهای بسیار زشت و جنایات بزرگ، فوری مجازات نکند و حتی یک هزارم آن مجازات را با فوریت در نظر نگیرد؟ و همه اش را به آخرت حواله دهد؟ آیا پاره کردن یک جلد قرآن کریم، بدتر از کشتن هزاران زن و کودک بی گناه است؟

پس چرا سربازان ددمنش اسرائیل غاصب که روزی ده ها زن و کودک و جوان بی گناه را در خانه های خود به خاک و خون می کشند و آنها را از خانه و کاشانه خویش آواره می کنند بلایی به سرشان نمی آید و به صورت حیوان در نمی آیند؟ و خداوند خشم ظاهری خود را بر آنها نشان نمی دهد؟ و مسخشان نمی کند؟ علاوه بر آن، افرادی را در طول تاریخ می بینیم که از روی دشمنی و عداوت دینی قرآن را آتش زده و مورد هدف تیرهای خود قرار داده و آن را سوزانده و پاره پاره کرده اند؛ ولی «مسخ» نشده و به صورت حیوان در نیامده اند. مثلاً افرادی چون ولید از حاکمان بنی امیه و شاه و عمال او در ایران و... چرا اینها مسخ نشدند؟

ثالثاً مهم تر از همه اصولاً در اسلام مسئله ای به نام «مسخ» نیست؛ یعنی اصلاً بنا بر این نیست که هر کس کار بدی انجام داد، فوری به شکل حیوانی درآید و آن دور از سنت و عدل و حکمت الهی است. شما باید با این مسائل با بصیرت الهی و بینش مکتبی برخورد نمایند و نباید چنین اخبار کذب محض را بپذیرند و یا در جای دیگر به زبان آورید و باعث شایع شدن این اخبار در جامعه شوید.

**شخصی از شهر مدینه وصیت نامه ای فرستاده که مشتمل بر مطالب زیر می باشد: پیامبر اکرم (۹) را در خواب دیدم که به من فرمودند: حاج شیخ احمد در این هفته شصت هزار نفر مرده اند در حالی که یک نفر هم ایمان نداشتند، مردم احکام شرع را رعایت نمی کنند، زنان حجاب اسلامی ر**

#### **پرسش**

شخصی از شهر مدینه وصیت نامه ای فرستاده که مشتمل بر مطالب زیر می باشد: پیامبر اکرم (۹) را در خواب دیدم که به من فرمودند: حاج شیخ احمد در این هفته شصت هزار نفر مرده اند در حالی که یک نفر هم ایمان نداشتند، مردم احکام شرع را رعایت نمی کنند، زنان حجاب اسلامی را رعایت نمی کنند و... به مردم اعلام کنید

پرهیزگار باشید که قیامت نزدیک است رسول اکرم (۹) فرموده اند: هر کس این مطالب را بخواند یا چاپ کند در روز قیامت من به شفاعت او می آیم و هر کس به آن بی اعتنایی کند، خداوند او را از رحمت خود محروم می نماید. بعد شیخ احمد گفته اگر این نوشته ها دروغ باشد خداوند مرا لعنت کند. هر کس ۱۰۰ برگ از این مطالب را چاپ کند، ۱۴ روز خوشحالی می بیند شخصی چنین کاری کرد و مقدار زیادی پول استفاده کرده و هر کس آن را دروغ شمرده خود یا یکی از اهل او مرده است لطفاً بفرمایید آیا مطالب فوق صحت دارد؟ و مورد تأیید علما می باشد یا خیر؟ وظیفه ما در برخورد با این گونه موارد چیست

## پاسخ

خواهر عزیز! این گونه مطالب به هیچ وجه حجه شرعی ندارد چه از منظر خواب نگاه کنیم که خواب هیچ وقت چنین الزاماتی را برای انسان نمی آورد. و چه از حیث این که آن را فرمایش معصوم (۷) بدانیم که تا به حال حدیث معتبری که دال بر این عواقب در انجام و تروک عملی باشد، نیافته ایم با اندکی بررسی در می یابیم که همه این مضامین مثل امر به معروف حجاب راستگویی و ... در احادیث و آیات محکم موجود است پس چرا به آنها عمل نکنیم و نشر آنها را با عمل کردن و حتی چاپ و بیان آنها بعهدہ نگیریم وقتی مطالب دینی بخواهد به جای تکیه بر منطق آیه و حدیث خواب و ... متکی باشد و هن دین است ما در فرامین الهی دستور به

رعایت حجاب رسیدگی به مستضعفان و... را داریم لذا نیازی نیست این امور به کسی در خواب گفته شود. از طرفی هم سنت الهی بر این نیست که اگر کسی مطلب حقی و یقینی و ثابت را انکار کرد، دچار مرگ و... شود چه رسد به مطلبی که شرعاً ما موظف به تصدیق آن نیستیم البته در تحلیل این عمل اگر خیلی خوش بینانه و با حسن ظن قضاوت کنیم شاید پخش این گونه برگه ها از روی ساده لوحی و دلسوزی احمقانه باشد که به این طریق مردم را تشویق به خدا و پیامبر (۹) و ترک گناه کنند اما صورت دوم که به نظر صحیح تر می رسد آن است که توزیع این برگه ها با اهداف بالاتری صورت می گیرد که یکی از آنها سنجش مقدار ساده لوحی و بی دقتی افکار عمومی نسبت به فرامین الهی و میزان توجه مردم به شایعات خرافات و... است که برای برنامه ریزی دشمنان فرهنگ اصیل اسلامی مفید می باشد.

وظیفه ما در برخورد با چنین مطالبی این است که :

۱. مردم را با زبان نرم و ملایم آگاه نماییم

۲. هر کجا چنین مطالبی دیده شود جمع آوری و محو کنیم و به آن عمل نکنیم ۳. از راه درست مطالب صحیحی که همان قرآن و حدیث است را جایگزین آنها نماییم

**چرا بعضی ها روز سیزده را نحس می دانند؟ آیا اهل سنت این روز را نحس کرده اند به نام سیزده رجب که روز تولد آقا امیرالمؤمنین (است؟**

**پرسش**

چرا بعضی ها روز سیزده را نحس می دانند؟ آیا اهل سنت این روز را نحس کرده اند به نام سیزده رجب که روز تولد آقا امیرالمؤمنین (است؟

**پاسخ**

در میان مردم چیزی معمول و مرسوم است که بعضی از روزها را روز سعد و مبارک و بعضی را روز شوم و نحس می دانند. نکته مهم این است که این اعتقاد عمومی تا چه حد در اسلام قابل قبول است و یا تا چه حد از اسلام گرفته شد است. از نظر عقلی محال نیست که اجزاء زمان با یکدیگر تفاوت داشته باشند. بعضی دارای ویژگیهای نحوست و بعضی دارای ویژگیهای مبارک و سعد باشند هر چند از نظر استدلال عقلی راهی برای اثبات و یا نفی چنین مطلبی در اختیار نیست ولی واقع مطلب این است که چنین امری ممکن است، چرا که با توجه به دلایل شرعی که در این زمینه وجود دارد قبول این مطلب نه تنها مانعی ندارد بلکه لازم است.

در آیات قرآن کریم تنها در دو مورد اشاره به نحوست ایام شده است و آن در مورد نزول عذاب به سبب نافرمانی قوم عاد است :

"انا ارسلنا علیهم ریحاً صرصراً فی یوم نحس مستمر" "۱"

مانند باد وحشتناک و سردی را در یک روز شوم مستمر بر آنها فرستادیم. (منظور از روز شوم مستمر این است که حوادث آن روز همچنان استمرار یافته چنانکه در آیه ۷ سوره حاقه آمده است هفت شب و هشت روز این عذاب الهی بطور مداوم بر آنها مسلط بود تا همگی را در هم کوبید و کسی را زنده نگذاشت.)

در سوره فصلت نیز به همین ماجرا اشاره



"فارسلنا علیهم ریحاً صرصراً فی ایام نحسات" "۲"

پس مانند بادی سخت و سرد را در روزهایی شوم بر آنها فرستادیم.

نقطه‌مقابل این مطلب تعبیر مبارک و سعد می باشد که در بعضی آیات قرآن دیده می شود. از جمله در سوره دخان می خوانیم

"انا انزلناه فی ليله مبارکه" "۳" ما قرآن را در شبی پربرکت نازل کردیم.

در روایات اسلامی نیز احادیث بسیاری در زمینه نحس و سعد ایام وجود دارد گرچه تعداد زیادی از آنها از نظر سند ضعیف به نظر می رسند و آمیخته به خرافات گردیده اند ولی همه آنها چنین نیستند و روایات معتبر و قابل قبولی نیز در میان آنها وجود دارد.

در مورد نوروز در حدیثی از امام صادق (می خوانیم که فرمود: "نوروز روز مبارکی است روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی قرار گرفت و جبرئیل بر پیامبر (اسلام نازل شد، روزی است که علی (بر دوش پیامبر) رفت و بتهای کعبه را شکست و داستان غدیر خم مصادف با نوروز بود". "۴"

در مورد روز عاشورا نیز در روایات شدیداً از تبرک به آن روز نهی شده است. ناگفته پیداست که سعد و نحس ایام با برخی حوادث مطلوب و نامطلوب پیوند خورده است. نکته مهم و قابل توجه این است که در این باره نباید طریق افراط را در پیش گرفت و فی المثل چون فلاں روز شوم و نحس است دست از تلاش و فعالیت کشید و یا علت شکست و زیان در اموری را مربوط به شومی ایام دانست، بلکه باید با توکل به خدا و یاری جستن از لطف و کرم او در عرصه زندگی استوار و محکم گام برداشت. در روایات

می خوانیم در روزهایی که نحس نامیده شده اند با دادن صدقه و خواندن دعا و استمداد از لطف خداوند رحمان و قرائت بعضی از آیات قرآن به دنبال کارها بروید و پیروز و موفق باشید.

نکته اول اما در خصوص روز سیزده و ارتباط آن با سیزده رجب و تولد حضرت علی (باید به نکات زیر اشاره کرد (...اگر مراد از روز سیزده ، سیزدهم فروردین ماه باشد، همانگونه که می دانید فروردین از ماههای خورشیدی است که ملاک و مبنای آن گردش زمین به دور خورشید است که ۳۰ تا ۳۱ روز به طول می انجامد تا یک ماه خورشیدی کامل شود. سنت و اعتقادی که در مورد روز سیزدهم فروردین وجود دارد هیچ ارتباطی با اسلام و مسلمانان و خصوصاً اهل سنت ندارد. بلکه این رسم و آیین و اعتقاد مربوط به ایرانیان باستان است که صدها سال قبل از ظهور اسلام می زیسته اند و از آن زمان تاکنون این اعتقاد باقی مانده و دلیل شرعی نیز مبنی بر نحسی روز سیزده وجود ندارد و بیشتر به یک اعتقاد خرافی شبیه است.

نکته دوم اینکه ماه رجب از ماههای قمری است که ملاک و معیار آن گردش ماه به دور زمین است که ۲۹ تا ۳۰ روز به طول می انجامد و تولد حضرت علی (در سیزدهم آن ارتباطی به اعتقاد ایرانیان باستان در خصوص سیزده فروردین ندارد.

نکته سوم اینکه اگر منظورتان روز سیزده هر ماه باشد که برای نحس بودن چنین روزی دلیل و مدرکی در دست نیست.

نکته چهارم اینکه برادران و خواهران اهل سنت نسبت به امیرالمؤمنین

علی ( احترام و منزلت خاصی قائلند، اگر چه ایشان را جانشین بلافصل پیامبر ( نمی دانند ولی به عنوان خلیفه چهارم بسیار مورد احترام و قبول آنهاست. بنابراین دادن چنین نسبتی به آنها جایز نیست.

**اینکه گاهی اوقات در بعضی از کتابها مثل منتخب الا دعیه نوشته است که مثلاً یک روحانی در خواب دیده فلان جریان را وبعد مثلاً نوشته باید سه بار نوشته شود و لا اتفاقی برای انسان می افتد آیا این جریانان درست می باشد یا خیر توضیح کامل عنایت فرماید .**

### پرسش

اینکه گاهی اوقات در بعضی از کتابها مثل منتخب الا دعیه نوشته است که مثلاً یک روحانی در خواب دیده فلان جریان را وبعد مثلاً نوشته باید سه بار نوشته شود و لا اتفاقی برای انسان می افتد آیا این جریانان درست می باشد یا خیر توضیح کامل عنایت فرماید .

### پاسخ

عزیز گرامی :

آنچه مارابه عنوان انجام تکلیف « به یک دستور » ملزم می کند فرامینی است که جزو احکام و شریعت دینی می باشند و یا اینکه طی تعهدی که سپرده ایم مسئول به رعایت آن هستیم مثلاً من و شما مکلفیم نمازهای یومیه را اقامه کنیم و به تعداد رکعات مشخص نماز بگذاریم و سرباز زدن از چنین تکلیفی بی اعتنائی به فروع دین بوده و مستوجب مجازات الهی است و یا اینکه طی عقد قرارداد « متعهد می شویم که کاری را انجام دهیم . مثلاً می پذیریم در برابر دریافت مبلغ مشخصی پول کاری را برای کسی انجام دهیم ، در چنین مواردی نیز هرگونه کوتاهی کردن در انجام قراردادی که عقد کرده ایم مستوجب مجازات است و به عنوان « حق الناس » در برابر آن مسئولیم و لذا آنها چیزهایی برای ما تکلیف می آورد که جزو شریعت و احکام دینی بوده و یا در طی عقود مورد انتخابمان به آنها تعهد سپرده ایم . بجز این موارد هیچ کس حق ندارد از طرف خودش به ما حکمی را اجبار کند ولو آنکه آن حکم مربوط به مسائلی مثل دعا و مناجات باشد . باین توضیح نه فقط شما در برابر آن دستورهایی که روی کتابها مینویسند ، مسئول نیستید ، که نویسندگان آنها کار غلطی انجام داده اند و چنین دستورهایی خود مستوجب مجازات است .

اما اگر

از دلیل نویسندگان آن نوشته ها سؤال کنید باید بگویم نویسندگان آن نوشته ها می خواهند با چنین شیوه ای یک موضوع غلط یا غیر واقعی را تکثیر کنند و چون از تعهد دینی آدمها سوء استفاده می کنند به نیت غلط و انحرافی خود رنگ دینی هم می زنند . شما هیچگونه تعهد دینی رادر برابر آن دستورها نپذیرید و مطمئن باشید هیچ اثر سوئی برای شما ندارد . ۱٪

## در مبانی اسلامی عطسه زدن چه حکمی دارد؟ آیا نظر عرف مبنی بر این که دلالت بر صبر و مکث دارد، حجت است؟

### پرسش

در مبانی اسلامی عطسه زدن چه حکمی دارد؟ آیا نظر عرف مبنی بر این که دلالت بر صبر و مکث دارد، حجت است؟

### پاسخ

در این باره دستوری در اسلام مبتنی بر صبر و خودداری از انجام عمل نداریم، بلکه در حدیثی از امام صادق بازگو شده که در این هنگام عجله و شتاب کنید، نه این که باید عجله کرد و عجله موضوعیتی دارد. شاید امام می خواهد بفرماید با شتاب گرفتن، با این خرافه مبارزه کنید. اساساً روح اسلام با این گونه مطالب سازش ندارد، تا آن جا که دستور می دهد هنگامی که بر کاری مصمم شدید، اگر کسی فال بد بزند اعتنا نکنید، و بر خداوند توکل نموده به دنبال هدف روانه شوید. فال بد زدن را نشانه شرک قرار داده است.

همواره فرموده اند: "تفألو بالخیر تجده عند الله؛ همواره به خیر و نیکی تفأل بزنید تا خیر و خوبی را از پیشگاه حق دریابید". صدای زاغ و آهنگ جغد، پرش پلک های چشم و یا عطسه نباید در عزم و تصمیم انسان خللی ایجاد کند.

البته درباره "عطسه" وارد شده است: هر گاه یکی عطسه کرد، در حق او دعا کنید و بگویید "یرحمکم الله؛ رحمت خدا شامل حال تو گردد". طرف نیز متقابلاً دعا کند و بگوید: یغفر الله لک؛ خداوند تو را بیامرزد".

صبر کردن و مکث نمودن، یا فرق گذاردن بین یک عطسه و دو عطسه همگی افسانه است که باید مسلمان آگاه و دانا از این افسانه ها پرهیزد و عزم را جزم کند.

مبداء پیدایش این خرافه از آن جایی که صبر و مکث به هنگام عطسه، ریشه عقلی و علمی و همچنین علت

فطری و غریزی ندارد، ناگزیر باید از مبداء پیدایش آن جستجو کنیم.

گفته می شود در دوران حکومت های ملوک الطوائفی، حاکمی دلکی داشته که پادشاه را سرگرم می کرده است. شبی در بین بازی عطسه شدیدی می زند، به طوری که پادشاه می ترسد و می گوید: او را تنبیه نمایید. از آن تاریخ عطسه شوم تلقی می شود و هر کس عطسه می زد، به جای "عافاکم الله؛ خدا شفایت دهد". می گفتند سیاه سرفه بگیری! این خرافه مانند سایر خرافات به تدریج در بین ملت ما گسترش یافت.

**در بخش مهربان وابسته به تبریز یک روستایی است به نام شاه باغی. در ایام محرم و صفر یک علم دارند به صورت پنج دست. آن را روی یک چوب وصل می کنند، مردم پول و نذری می برند و کسی که نذر دارد، پنجه می آید روی دوش او می نشیند. آیا چنین چیزی امکان دارد یا کاسبی ب**

### پرسش

در بخش مهربان وابسته به تبریز یک روستایی است به نام شاه باغی. در ایام محرم و صفر یک علم دارند به صورت پنج دست. آن را روی یک چوب وصل می کنند، مردم پول و نذری می برند و کسی که نذر دارد، پنجه می آید روی دوش او می نشیند. آیا چنین چیزی امکان دارد یا کاسبی باز کرده اند.

### پاسخ

عزاداری در ایام سوگوارانی سالار شهیدان امام حسین(ع) مستحب است و از تعظیم شعائر الهی است و موجب زنده نگهداشتن پیام های عاشورای حسینی می باشد. علم برداشتن و نذر کردن برای علم (که در واقع نذر به صاحب علم است، یعنی نذر به امام حسین یا حضرت ابالفضل و ...) اشکال ندارد. (۱) اما نشستن علم روی دوش صاحب نذر اگر چه امکان دارد، ولی واقع شدن چنین چیزی بعید است و غالباً واقعیت ندارد، بلکه شایعه است. بارها از این اتفاقات شنیده ایم، ولی پس از بررسی معلوم شد، دروغ و شایعه است. متأسفانه از این امور در دین و اعتقادات بسیار رخنه کرده است.

پی نوشت ها:

۱. آیت الله تبریزی، استفتائات، ص ۴۵۵، سؤال ۲۰۰۷.

**در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنی ها اذیت می شود. آیا این مسئله صحّت دارد؟ اگر صحّت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جن دارد، مثلاً جنّ چه می شود؟**

### پرسش

در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنی ها اذیت می شود. آیا این مسئله صحّت دارد؟ اگر صحّت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جنّ

دارد، مثلاً جنّ چه می شود؟

## پاسخ

وجود جن حقیقت دارد و قرآن کریم با صراحت از وجود موجوداتی به نام جن خبر داده، (۱) تا جایی که اسم یکی از سوره های قرآن "جنّ" است، لیکن بودن جن ها در محل هایی که آب داغ ریخته می شود، صحت ندارد و از خرافات است. (۲) البته بسم الله گفتن برای هر کاری خوب است و گاهی موجب دور شدن موجودات شرور یا رفع شر می شود.

پی نوشت ها:

۱. جن (۷۲) آیه ۱.

۲. علی رضا رجالی تهرانی، جن و شیطان، ص ۱۴۹.

**آیا موقعی که عطسه می کنیم حتما باید صبر کنیم؟**

## پرسش

آیا موقعی که عطسه می کنیم حتما باید صبر کنیم؟

## پاسخ

صبر کردن در هنگام عطسه کاری عامیانه و فاقد مدرک و سند است تنها چیزی که در روایات آمده است اینکه پس از عطسه گفته شود الحمد لله و یا اگر کسی عطسه کرد به او بگوئید یرحمکم الله ]

## مراکز دینی

### حوزه علمیه

### مبسوط

### پرسش

مبسوط

## پاسخ

اگر بخواهیم به تمام سؤالات ریز و درشت شما پاسخ دهیم، مثنوی هفتاد من کاغذ شود ولی به اندازه حوصله شما و این نامه خدمتتان عرض می‌کنیم.

درس طلبگی هم مانند سایر رشته‌های تحصیلی دارای برنامه دقیق است، از طریق آزمون یا کنکور می‌توان وارد حوزه شد، حضوری و غیر حضوری دارد، کوتاه مدت و درازمدت دارد، امتحان و تجدیدی و مردودی دارد و ده‌ها شرایط دیگر که اگر تصمیم به تحصیل دروس حوزوی پیدا کردی خودت می‌توانی به آسانی از آن سردرآوری. گرچه پرسش‌های ریزی که در این باره کرده‌ای حاکی از اطلاعات نسبتاً خوب جنابعالی از برنامه‌های درسی حوزه است.

این درباره ظاهر حوزه که از نظر درسی همانند سایر مراکز علمی است که البته جدیت بیشتری لازم دارد اما درباره محتوای درس‌ها و این که شما برای آینده‌تان می‌خواهید چه تصمیمی داشته باشید باید بگوییم همان‌طور که می‌دانید علوم حوزوی مربوط به شناخت دین اسلام است که در سه بخش عقاید، اخلاق و فقه یا احکام خلاصه می‌شود.

کسی که در حوزه علمیه تحصیل می‌کند و به اصطلاح طلبه می‌شود علاوه بر این که باید در سه زمینه فوق‌الذکر اطلاعات کافی به دست آورد باید دو کار مهم دیگر هم انجام دهد.

اول این که سعی کند احکام و برنامه‌های اسلام را در اعمال و رفتار خود نشان دهد و به اصطلاح یک مسلمان واقعی باشد و دوم این که در تبلیغ دین و ارشاد مردم تلاش کند؛ یعنی با سخنرانی یا کلاس‌داری و تدریس و یا

نوشتن کتاب و مقاله سه اصل بالا را به مردم معرفی کند و آنها را به عمل به آنها تشویق نماید.

بنابراین همان طور که ملاحظه می کنید شغل یک طلبه یا روحانی شغل انبیاء و پیغمبران است با این تفاوت که طلبه باید درس بخواند تا عالم شود ولی پیامبران به معجزه الهی همه چیز را می دانند. به همین جهت پیامبر اسلام فرمود: دانشمندان و علمای اسلام وارث پیامبران هستند.

حال با توجه به این مطالب و توضیحات، شما باید بتوانید تصمیم بگیرید. یعنی باید ببینید اگر اولاً علاقه مند به این رشته هستید و ثانياً توان و استعداد آن را هم دارید پیشنهاد ما این است که طلبه شوید ولی اگر احساس می کنید علاقه ندارید یا توان و استعداد آن را دارا نیستید، بهتر است در زمینه های دیگر مثل دانشگاه خدمت کنید.

اما این که چگونه وارد حوزه شوید، باید وقت ثبت نام که معمولاً در فصل بهار است به یکی از حوزه ها (چه در قم و چه در شهرستان ها) بروید و برگه ثبت نام را پر کنید. توضیحات مربوطه و راهنمایی های دیگر را همانجا سؤال کنید.

البته رضایت والدین در هر کاری لازم است. در مورد حوزه هم همین طور است. حالا اگر مخالفت کردند، شما می توانید با توضیحات خود آنها را قانع کنید.

پوشیدن لباس روحانی یکی دیگر از ویژگی های حوزه علمیه است. یک فرد روحانی همانند سایر گروه های اجتماعی چون افراد نظامی و انتظامی، پزشکان و پرستاران و سایرین دارای لباس مخصوصی هستند که البته پس از تحصیل مقدار لازم علوم حوزوی، اجازه پوشیدن این لباس



مقدس را می توان به دست آورد.

القاب و عناوینی که به روحانیون می دهند تا حدودی جنبه تشریفاتی و احترام دارد و کلمه طلبه که به معنای دانشجو است اسم عام برای تمام روحانیون می باشد.

طلبه ها فقط در رشته های علوم انسانی دانشگاه می توانند ادامه تحصیل بدهند و اگر بخواهند در رشته های فنی و تجربی شرکت کنند باید مانند سایر دانشجویان مستقلا شرکت کنند و حوزه در این مورد مسؤولیتی ندارد.

### فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

#### اشاره

۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصی برای فقها در اسلام سفارش نشده است.

۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه اش را همانند طبقه اطبا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی کند.

۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عص

#### پرسش

فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصی برای فقها در اسلام سفارش نشده است.

۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه اش را همانند طبقه اطبا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی کند.

۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عص خویش ملتزم باشیم.

#### پاسخ

از احادیث موجود در کتب روایی شیعه و سنی استفاده می شود که پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنت معصومان (ع) است؛ از آن جمله:

۱- جابر نقل کرده است: پیامبر اکرم (ص) در هنگام فتح مکه، در آغاز ورود به مکه عمامه ای مشکی بر سر داشت. (۱)

علی (ع) فرمود: "رسول خدا (ص) در روز عید غدیر، عمامه ای بر سر گذاشت و گوشه آن را پشت سرم آویزان کرد؛ آن گاه

فرمود: "خدای متعال در جنگ بدر و حنین مرا با فرشتگانی کمک کرد که با چنین عمامه هایی معمم بودند". (۲)

۲- اصبع بن نباته که از نزدیکان امیرالمؤمنین (ع) به شمار می رود، روایت کرده است: در آغاز خلافت و پس از بیعت مردم، حضرت علی (ع) به مسجد آمد، در حالی که عمامه رسول خدا را بر سر داشت. (۳)

۳- عباس بن عبدالمطلب و ربیعہ بن الحارث فرزندان خود فضل و ربیعہ را به حضور علی (ع) فرستاده تا از حضرت تقاضا کنند که آنان را برای جمع آوری زکات به کار بگمارد؛ حضرت امیر (ع) فرمود: به خدا قسم هیچ کدام از شماها را به کار نخواهم گرفت.

ربیعہ (پس از شنیدن نظر امام به محضر علی (ع) شرفیاب شد و با لحنی اعتراض آمیز) عرض کرد: به مقام و منزلت دامادی پیامبر (ص) رسیدی، ما به خاطر آن بر تو حسادت نکردیم؛ امیرالمؤمنین (ع) (با

بی اعتنایی نسبت به سخنان ربیعہ) عباى خود را روی زمین انداخت و بر آن خوابید. (۴)

بنابراین از مجموع روایات می توان نتیجه گرفت:

پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنت پیامبر و امامان (ع) را تشکیل می دهد.

تا این قسمت، پاسخ پرسش اصلی شما یعنی فلسفه وجودی لباس روحانیت، روشن شد، هم چنین پاسخ اولین پرسش فرعی، نیز معلوم گردید. وقتی عبا و عمامه سنت پیامبر (ص) و امامان (ع) باشد، چه لزومی دارد که سفارش جداگانه برای آن در روایات شود، بلکه در هر زمان و مکانی ممکن است که روحانی پاسخگوی شبهات و پرسش های افراد باشد و این میسور نیست مگر آن که روحانی با پوششی خاص میان جامعه اسلامی حضور داشته باشد؛ به خلاف مراجعه به صاحبان مشاغلی همچون پزشکان و نیروهای نظامی و انتظامی که مراجعه به آنان در موارد و ساعاتی خاص انجام می شود، بنابراین، حتی اگر از نگاه شغلی نگاه کنیم، شغل روحانی اقتضا می کند که هر وقت در جمعی حاضر شده، چه در خیابان و چه در مهمانی و... باید این لباس را به تن داشته باشد.

پاسخ سومین سؤال فرعی:

در سؤال مطرح کرده اید: در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم، بله در این زمینه روایاتی رسیده است که به لحاظ رعایت اختصار فقط به بیان و تشریح یک روایت می پردازیم:

حمّاد بن عثمان در محضر امام صادق (ع) بود که شخصی به امام عرض کرد: به ما گفته اند که علی (ع) لباس خشن و پیراهن ارزان قیمت می پوشیده و شما را می بینیم که لباسی نیکو پوشیده اید.

امام صادق (ع) در پاسخ این اعتراض فرمود: "علی بن ابی طالب علیه السلام لباس با آن ویژگی ها

را در زمانی می پوشید که پوشش آن عیب به حساب نمی آمد، اما امروز هر کس به آن روش لباس بپوشد، لباس شهرت می شود و بهترین لباس در هر زمان، لباس اهل همان زمان است". (۵)

این روایت بهترین لباس را، لباس مردم هر زمان دانسته است، و لباس نوع دیگر را که به صورت لباس شهرت (انگشت نما) در آید، نفی کرده است. اما آیا لباس روحانیت از این نوع است؟ با توجه به این که نمایانگر طبقه خاص با وظایف خاص بوده و به لباس معصومین (ع) شباهت داشته و به لباس های سنتی ایرانیان نیز شباهت بیشتری دارد.

پی نوشت ها:

۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۶۵، ح ۱۸۰۹۶.

۲. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری (سنن بیهقی)، ج ۱۰، ص ۱۴.

۳. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، التوحید، ص ۳۰۴، ح ۱؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۰۹.

۴. محمود بن عمر بن محمد الزمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۲۲.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.

## وحدت روحانی و دانشجو یعنی چه توضیح دهید؟

### پرسش

وحدت روحانی و دانشجو یعنی چه توضیح دهید؟

### پاسخ

مساله وحدت حوزه و دانشگاه نه تنها ممکن بلکه یک ضرورت حیاتی برای جامعه ماست. جدایی این دو گروه علمی - فکری در جامعه ما نقش تخریبی بسیار زیانباری دارد و مملکت را به بدنی شبیه می سازد که دارای دو مغز است. این دو مغز اگر به همفکری بشتابند فعالیت ها و کنش های بدن را بهتر و حساب شده تر می سازند ولی اگر بیگانه از یکدیگر باشند هرج و مرجی وصف ناپذیر پدید می آورند. البته در رابطه با این که (( تعریف این وحدت چیست و چگونه وحدتی بین این دو نهاد مقدس مطلوب و شدنی است )) بررسی های انجام شده کافی نیست و از سوی هر دو گروه باید بررسی ها و کاوش های عمیق تری به عمل آید. تاکنون از دو سو شیوه های متعددی پیشنهاد گردیده؛ از جمله: الف) وحدت اخلاقی ب) وحدت معرفتی ج) وحدت ایدیولوژیک در معرفت بشری د) وحدت سازمانی (ارگانیک) ه) وحدت عملی (پراگماتیک) و) وحدت سیاسی ز) وحدت استراتژیک. مهمترین شیوه از موارد بالا وحدت استراتژیک است. r

## بنده تمایل به طلبه شدن دارم ولی پدر و مادرم مخالفت می کنند تکلیف من چیست ؟

### پرسش

بنده تمایل به طلبه شدن دارم ولی پدر و مادرم مخالفت می کنند تکلیف من چیست ؟

### پاسخ

در مورد طلبه شدن بیش از هر چیز خود شما باید تصمیم بگیرید. البته تصمیمی سنجیده و عاقلانه و با مشورت افراد آشنا به جزئیات این راه مثلا- می توانید با برخی از روحانیون برجسته محل خود مساله را در میان گذارید و چنانچه مصلحت بر گزینش این راه تشخیص داده شد از آنان بخواهید که والدین شما را قانع سازند. مسلما پدر و مادر شما خواهان سعادت و خوشبختی شما می باشند ولی ممکن است به خوبی زوایای این راه را نشناسند و یا به دلایلی موفقیت چندانی برای شما پیش بینی نکنند بنابراین برخورد خوب شما و مشورت با بزرگان منطقه و استمداد از آنان راهگشای خوبی است. امید است همواره در مسیر راستین اسلام موید و موفق باشید. ۱

## چرا در حوزه به علوم طبیعی توجه نمی شود در صورتی که علمای اسلامی همگی در چندین رشته صاحب نظر بوده اند؟

### پرسش

چرا در حوزه به علوم طبیعی توجه نمی شود در صورتی که علمای اسلامی همگی در چندین رشته صاحب نظر بوده اند؟

### پاسخ

گسترش دامنه علوم و تخصصی شدن آنها امکان وارد شدن در علوم طبیعی را از حوزه ها سلب می کند بویژه آنکه علوم حوزوی خود از گستره بسیار بالایی برخوردار بوده و لازم است آنها نیز به صورت تخصصی در آیند. البته برخی از علوم طبیعی مانند علم هیئت در مسایل دینی قابل استفاده است و در حد لزوم در حوزه مورد بحث قرار می گیرد و آگاهی آیت الله حسن زاده از علوم طبیعی نیز در همین زمینه هاست. به علاوه هیچ گاه مصداق واحد نمی تواند دلیل بر جهت دادن یک نظام آموزشی به سمت خاصی باشد× زیرا کاروان علوم باید به گونه ای طبقه بندی شده و سیر یابد که برای اکثریت ارباب دانش قابل استفاده باشد نه اینکه تنها متناسب با ظرفیت نوابغ باشد. ۱

## چرا ائمه (علیهم السلام) کار می کردند و روحانیون برای امرار معاش کار نمی کنند؟

### پرسش

چرا ائمه (علیهم السلام) کار می کردند و روحانیون برای امرار معاش کار نمی کنند؟

**پاسخ**

این صحیح است که امامان کار می کرده اند ولی باید توجه داشت که روحانیون اگر بخواهند به تحصیل و اشتغال علمی و دینی بپردازند امکان اینکه بتوانند به کارهای اقتصادی نیز مشغول باشند برای آنان وجود ندارد. امامان چون از علوم لدنی برخوردار بوده اند و برای علوم خویش به مدرسه نرفته و تحصیل نکرده اند طبعاً می توانستند به کار اشتغال داشته باشند.

آیا اگر یک روحانی واقعاً بخواهد به آن درجات عالی علمی برسد می تواند مشغول کاری دیگر هم بشود؟

آیا کسانی که کار تولیدی مستقیم ندارند منحصر بر روحانیون هستند؟ آیا برای اساتید دانشگاه و کارمندان مؤسسات آموزشی هم لازم می دانید که کار تولیدی انجام دهند؟ آیا تصوّر می توان کرد که آموزش دین از آموزش های دیگر کم ارزش تر باشد تا محصّلین و اساتید آنها را به علاوه بر تحصیل به کار دیگری هم ملزم بدانیم؟ یک طلبه با کمترین برداشت از جامعه بیشترین خدمت را انجام می دهد. دلیل این مدعا انتظار همین اجتماع از این قشر است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۲۱

**پاسخ ما در برابر افرادی که مقصر تمام مشکلات موجود در جامعه و جوانان را روحانیت می دانند چه می باشد؟**

**پرسش**

پاسخ ما در برابر افرادی که مقصر تمام مشکلات موجود در جامعه و جوانان را روحانیت می دانند چه می باشد؟

**پاسخ**

وقتی که ما می بینیم مثلاً یک سلسله کار بر مبنای حذف شخیصت و ارزش روحانیت در محیط سیاسی یا در محیط دانشگاهی و ... شروع می شود، این کار، یک کار ساده و یک کار فقط صنفی نیست. این که مثلاً ما بیاییم بساط حوزه ی علمیه را که بر مبنای تحقیق و دقت نظر و بر اساس مبنای سازی و مبنای ویران سازی و نوآوری و تجدید نظر و ابتکار است که این روشن است؛ سبک و شیوه ی آموزش و تعلیم در حوزه های علمیه، از اول بر مبنای تحقیق بوده یک چیز تقلیدی وانمود بکنیم و امثال مطهری و بهشتی و این شاگردان حوزه را، استثنای حوزه تلقی کنیم (۱) یک اشتباه است. طبیعتاً کسی که حوزه را درست نمی شناسد، کسی که نمی داند حوزه چیست، چنین اشتباهی را مرتکب می شود. البته به احتمال فراوان، بلکه شاید به طور یقین، آدم می داند که اینها از روی بی غرضی هم گفته می شود، یعنی نظر سوئی وجود ندارد؛ اما حرف خلاف واقع و فساد

آور است. این موجی می شود که ارزش علمی و معنوی روحانیت که پرچمدار و نماینده دین است در چشم محیط دانشگاهی و دانشجویی از بین برود؛ کما اینکه شبیه این کار، منتها با شیوه های ناشیانه تری، قبل از انقلاب انجام می شد و بی تأثیر هم نبود. واقعاً قبل از انقلاب، جماعت دانشگاهی، آخوند جماعت را آدمهای پر گوی نادان پر توقع هیچ چیز ندان می دانستند!

من

با عده زیادی از آنها مواجه بودم. مثلاً در یک جلسه که می نشستند و دو کلمه حرف حساب می شنیدند، می گفتند عجب، واقعاً در بین روحانیت، مثل شمایی وجود دارد؟! در حالی که آن طلبه یک طلبه معمولی بود. آنها روحانیت را نمی شناختند؛ یعنی تلقی دستگاههای علمی و دانش کشور از روحانیت غلط بود. حوزه علمیه، اصلاً مرکز علم و تحقیق بوده است. اگر علم برای علم، و علم بدون قصد مزد، مصداقی در کشور ما داشته باشد، از قدیم در حوزه های علمیه بوده است؛ ولی آنها اینجا را یک محیط بی علم می دانستند!

آن زهد و بی اعتنایی به دنیا، آن پارساییهایی که در محیط روحانیت و در محیط طلبگی و بیرون از طلبگی بود و امروز هم بحمد الله هنوز به ط... غالبی وجود دارد این را در چشم این جماعت دانشگاهی □□ تبدیل کرده بودند به این که آخوند مفت خور است! تعبیر مفت خور، چیز روشنی بود. وقتی در جایی می گفتند مفت خورها، بدون هیچ اشاره و قیدی مثل ضمیری که مرجع خودش را پیدا کند به روحانیون بر می گشت! این تبلیغاتی بود که انجام شده بود.

هدف از این تبلیغات چه بود؟ هدف از تبلیغات، روحانیت نبود روحانیت که خصوصیتی نداشت هدف از این تبلیغات، دین بود. اگر ما بیاییم حیثیت روحانیت و فقاقت و رتبه علمی فقاقت و تأثیر آن را در حرکت کلی یک کشور منکر بشویم، و زیر سؤال ببریم، یا دچار خدشه بکنیم، در حقیقت به گرایش دینی طبقه کار آمد و عظیمی لطمه زده ایم، و این همان کاری که آنها می خواهند، و آبی است به آسیاب



دشمن ریختن؛ لذا باید به این نکته خیلی توجه شود. (۱)

بنابراین باید توجه داشته باشیم که این مسأله، یک مسئله اساسی و ریشه ای است و حذف روحانیت از صحنه اجتماع و تأثیر گذاری در جامعه برای ریشه کن ساختن دین از صحنه جامعه و به انزوا کشیدن دین در اجتماع است تا همانند جوامع غربی دین به اموری فردی و غیر اجتماعی تبدیل گردد به عبارت دیگر همان سیاست قبل از انقلاب "جدایی دین از سیاست" مجدداً برقرار گردد و این سیاست تا زمانی که روحانیت مورد قبول جامعه باشد و رهبری جامعه را عهده دار باشد عملی نیست، پس باید تلاش کنند آنها را از گردونه سیاست خارج سازند و این امر شدنی نیست مگر با بدبینی جامعه از روحانیت"

منابع و مآخذ:

۱ اشاره به تحلیل یکی از نویسندگان در یک مجله فرهنگی، سیاسی

۲ حدیث ولایت، ج ۹، صص ۲۹۳۰

منبع: پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای، موسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۳۱۴۳۱۵

**چرا دید مردم نسبت به روحانیت نسبت به زمان انقلاب تغییر بسیار کرده است و آیا این تغییر ناشی از رفتار و عملکرد روحانیون است یا از طرف مردم؟**

**پرسش**

چرا دید مردم نسبت به روحانیت نسبت به زمان انقلاب تغییر بسیار کرده است و آیا این تغییر ناشی از رفتار و عملکرد روحانیون است یا از طرف مردم؟

**پاسخ**

مسأله فاصله گرفتن برخی از اقشار با روحانیت، نیازمند بررسی جامعه شناختی از موضوع است که در این مجال نمی گنجد ولی علل اجمالی آن به شرح زیر است: الف) مشکلات تحمیل شده بر انقلاب و تحلیل نادرست از آن، یعنی مسائل را همواره از چشم روحانیت دیدن ب) بالا-رفتن سطح توقع و انتظار مردم آن هم با تمرکز بر روحانیت ج) تبلیغات جهانی علیه انقلاب اسلامی و رهبران دینی د) عملکرد نادرست برخی از افراد روحانی با نگرشی واقع بینانه و منصفانه به این مسأله درمی یابیم که همچنان که تاریخ حوزه و روحانیت نشان می دهد و در زمان کنونی شاهد آن هستیم نمی توان یک حکم کلی در این زمینه ارائه نمود بلکه هر چند متأسفانه در قبل از انقلاب به دلایل متعددی تا حدودی شاهد تحجر و جمود بی خبری از مسائل روز و علوم و موضوعات جدید در گوشه و کنار حوزه ها بودیم اما عین حال در کنار آن نیز شاهد حضور و مشارکت فعال بسیاری از اندیشمندان و متفکران روحانیت در عرصه های مختلف علمی، فرهنگی جامعه و مجامع دانشگاه بوده و می باشیم که به

عنوان مثال آن از متفکرانی مانند: علامه طباطبایی، مرحوم امام (ره)، شهید مطهری، دکتر مفتح، دکتر بهشتی، مرحوم طالقانی را نام برد. اما در بعد از انقلاب با توجه به شرایط جدید و نیازهای جدید ناشی از حکومت اسلامی این خلا و نقصان به صورت بسیار جدی در زمینه تطبیق مسائل و

موضوعات جدید با احکام و ارزش های الهی و مقتضیات زمان و مکان و یافتن پاسخ های مناسب برای آنان احساس شد و حوزه ها به علت این ضرورت ها و با استفاده از فضای باز ایجاد شده بعد از انقلاب به چنان رشد و بالندگی و تحولی دست یافت که شاید تا قبل از این در تاریخ حوزه ها کم سابقه بود که شاهد تأسیس مراکز و مؤسسات پژوهشی تحقیقاتی و مطالعاتی متعددی در راستای تأمین نیازهای روحانیون در رشته های مختلف علوم جدید در دانشگاه ها و سایر مراکز علمی می باشیم و در بسیاری از رشته های علوم اجتماعی صاحب نظران و اساتید برجسته ای که به جدیدترین مباحث و موضوعات رایج در محافل آکادمیک و دانشگاهی غرب تسلط و اشراف کامل داشته باشند در میان روحانیون و دین پژوهان حوزه خصوصاً حوزه علمیه قم وجود دارند که معارف و ارزشهای اسلامی را با توجه به شناخت کامل موضوعات و مسائل جدید و با استفاده از پیشرفته ترین و جالب ترین روشهای هنری، تکنولوژی پیشرفته و وسایل ارتباطی به مخاطبان و علاقه مندان انتقال می دهند. کلیه اقدامات فوق در جهت جبران عقب ماندگیهای گذشته حوزه و برقراری رابطه بر اساس تفاهم و تبادل دیدگاه ها با مخاطبین حوزه خصوصاً قشر جوان که تشکیل دهنده اکثریت جامعه و آینده سازان ایران اسلامی عزیز می باشند انجام شده و می شود به عنوان مثال می توان از برگزاری اردوهای تفریحی، سیاحتی و زیارتی برای جوانان و نوجوانان در مقاطع مختلف تحصیلی با استفاده از روحانیون خوش فکر و اندیشمند و در عین حال خوش برخورد و مسلط به اصول روانشناسی تربیتی برای بررسی و شناخت مشکلات و مسائل مورد نیاز آنها و راهنمایی

و ارائه مشورت به آنان نام برد در هر صورت مطالب فوق به معنای موفقیت کامل حوزه در جذب جوانان و مخاطبان خود نیست بلکه گویای اینست که حوزه ها علیرغم وجود مشکلات تاریخی و مالی که دارند شدیداً به این موضوع بسیار مهم اهمیت داده و در صدد رفع نواقص خود در حوزه تبلیغ و اطلاع رسانی می باشند. متأسفانه به رغم وجود ارزش های والای انسانی و غنای مسائل فرهنگی و معنوی در جامعه ما، نسل اول انقلاب و دستگاه های فرهنگی در انتقال این ارزش ها به نسل دوم و سوم انقلاب و حتی تعمیق آنها برای خود نسل اول انقلاب، سهل انگاری و متأسفانه علیرغم هشدارها و تهدیدهای شدید مقام معظم رهبری و بزرگان حوزه به مسؤولان نسبت به اوضاع وخیم و اسفناک فرهنگی جامعه و روند تغییر ارزش های اسلامی که جلوه های بارز آن در برخی تولیدات و محصولات هنری و سینمایی به وضوح قابل مشاهده می باشد.

در مورد وزارت ارشاد باید گفت که متأسفانه عملکرد این وزارت خانه خصوصاً در سال های اخیر به هیچ وجه مطلوب نبوده و مقام معظم رهبری به کرات نارضایتی خود را از آن اعلام نموده اند ایشان در ۲۴ آذر ۷۸ دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: "سؤال من این است که وزارت ارشاد چند کتاب برای تقویت تفکر اسلامی چاپ کرده است؟ چند فیلم برای تقویت فکری اسلامی و انقلاب ساخته است؟ الان مرتب در سالن های وابسته به ارشاد فیلمها و تئاترهایی نمایش داده می شود که بعضی ها صد در صد ضد دین است، ضد انقلاب است. اگر در کنار این همه چند نمونه تئاتر و فیلم اسلامی می ساختند که این مبلغ

اسلام است، من اعتراض نمی کردم. بنده اهل رمان خواندن بودم، و الان هم با رمان بی ارتباط نیستم، خبر دارم که در دنیای رمان چه خبر است فاسدترین رمان ها الان منتشر می شود".

اما در مورد صدا و سیما هم معظم له تذکراتی داشته اند. ایشان در این باره فرمودند: "من به صدا و سیما هفته ای یک بار یا کم تر، اعتراض می کنم و پیغام تند می دهم اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلام انجام داده و برنامه های اسلامی درست کرده است. برنامه های هنری، اسلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد."، ولی در هر صورت کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه ها خالی از عیب و نقص نمی باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش های جامعه و وظایف سنگینی این رسانه ملی خصوصاً بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن، آن هم در حدی که زینده حکومت اسلامی بد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام بردید می توان گفت که بخشی از اینها مربوط به وزارت ارشاد و صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده مخاطبین آن می باشد. بعضی عواملی که موجب بدبینی جوانان شده است. عبارت است از: ۱. مشکلات

پس از انقلاب (مانند جنگ و توجه به مسائل امنیتی و دفاعی و...) که نتیجه طبیعی آن فقدان برنامه ریزی های دقیق و کارشناسی شده برای نهادینه سازی و تثبیت ارزش ها و معارف اسلامی است. ۲. تغییر هنجارهای اجتماعی از ارزش های دینی و معنوی به ارزش های مادی و سودگرایی، در اثر بعضی از اقدامات اقتصادی و در پیش گرفتن مدل توسعه، باعث بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از ارزش های اسلامی گردیده است. ۳. عملکرد منفی و نامطلوب بعضی از دستگاه های فرهنگی در سال های اخیر و میدان دادن به افراد و عناصر غیر معتقد به نظام اسلامی و ترویج فرهنگ غربی از سوی آنان. ۴. پاره ای برخوردهای نسنجیده و نامطلوب و یا همراه با زیاده روی و افراط توسط بعضی از افراد مذهبی دلسوز در مقابله با ناهنجاری ها و منکرات جامعه. ۵. کم کاری برخی از افراد مذهبی در نشان دادن چهره واقعی و محبت آمیز اسلام و برطرف نمودن دیدگاه منفی ایجاد شده در عمل. ۶. کم کاری نیروها و دستگاه های انقلابی، در تولید برنامه های سالم، جذاب و مفیدی که بتواند اوقات فراغت جوانان را پر کند و آنان را از توجه به برنامه های ضد اخلاقی و فاسد فرهنگ بیگانه باز دارد. ۷. تهاجم فرهنگی غرب در جهت بی هویت کردن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی مردم، ایجاد شکاف میان نسل جوان و مسؤولان حکومتی و ایجاد تردید نسبت به کارآیی مدیریت فقهی، شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی و. ۸. پیروی از امیال و هوای نفسانی که ناشی از عوامل محیطی، تربیت ناصحیح با بی اعتنایی، به ارزش های معنوی و... است. این مشکل ناشی از اراده و اختیار

خود انسان است. خداوند می فرماید: **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا**، (۱). متأسفانه بسیاری از افراد تحت تأثیر هوای نفس و پیروی از امیال و خواهش های نفسانی، راه ضلالت و گمراهی را بر می گزینند. قرآن در این زمینه فرموده است: **لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ \* ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ**، (۲). متأسفانه این عوامل، باعث فاصله گرفتن برخی جوانان از ارزش ها و مسائل معنوی و دوری آنان از روحانیان و مساجد شده است. هر چند مردم و جوانان تیز بین و آگاه ما همواره کمال ارادت را به شخصیت های روحانی مانند حضرت امام و مقام رهبری و بسیاری از شخصیت های دیگر که هیچ گونه حقوقی از دولت دریافت نکرده و زندگی کاملاً ساده و در سطح خیلی پایینی داشته و همواره در خدمت انقلاب بوده اند، دارند. ۹. تأثیر گذاری جریانات التقاطی و یا روشنفکری وابسته و سکولار در داخل کشور در جهت ایجاد بدبینی نسبت به اسلام و روحانیت.

جدایی عده ای از جوانان از روحانیون ممکن است دلایل دیگری هم داشته باشد، از جمله: ۱. عملکرد و رفتار ناشایست گروهی از شاغلان روحانی در دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی باعث پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل آنان شده و موجب بدبینی به تمامی روحانیت گشته است. ۲. برخی از رفتارها و برخوردهای ناصحیح و مخالف شرع در بیان احکام شرعی، موجبات بدبینی عده ای از افراد خصوصاً جوانان- فراهم آورده است، حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب بارها خطر این گونه افراد را متذکر شده و در این خصوص می فرمایند: "معنای تحجر آن است که کسی که می خواهد از مبانی اسلام

و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشتش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آن جایی که قابل کشتش است درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه به لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد، این بلای بزرگی است" (۳).

۳. اختلافات جناحی و سلیقه ای در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جایگاه و منزلت روحانیت را پایین آورده است. ۴. حل نشدن برخی از مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (مانند اشتغال، مسکن و رفاه)، و عدم اجرای ارزش های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی، مبارزه با مظاهر فساد و...)، باعث شده که مردم این مشکلات را همواره از چشم روحانیت ببینند و انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از آنان داشته باشند.

مجموعه این عوامل باعث شده تا دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی با تهاجم فرهنگی، و درشت نمایی مشکلات، به القای اندیشه نسبی بودن ارزشها، جدایی دین از سیاست، ناکارآمدی مدیریت فقهی، اسلام منهای روحانیت پردازند.

منابع و مأخذ:

۱ تین، ۴۵

۲ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷/۳/۷۶

**در زمینه تبلیغ روحانیون محترم شبهه ای مطرح می شود مبنی بر اینکه چرا برای آموختن احکام دین، روحانیون پول می گیرند؟ و همینطور برای نماز جماعت، بنده در پاسخ به دوستان دانشجوی خود و مردم عوام نمی توانم پاسخ کاملی بدهم. بویژه اینکه این قضیه را به صوفیان و خانق**

**پرسش**

در زمینه تبلیغ روحانیون محترم شبهه ای مطرح می شود مبنی بر اینکه چرا برای آموختن احکام دین، روحانیون پول می گیرند؟ و همینطور برای نماز جماعت، بنده در پاسخ به دوستان دانشجوی خود و مردم عوام نمی توانم پاسخ کاملی بدهم. بویژه اینکه این قضیه را به صوفیان و خانقاه نشینان قدیم تشبیه می کنند که از مردم غذا می گرفتند و دعا می کردند (!؟) علاوه اینکه دیده شده



است بین روحانیون محترم و مردم بر سر قیمت مذاکرای صورت می گیرد که این مطلب باعث خدشه دار شدن قداست و عظمت روحانیت می شود و دیگر اینکه باعث عوام زدگی روحانی و چشم بدست مردم بودن می شود. و باعث می شود روحانی بخوبی نتواند از مردم انتقاد کند آیا تا به حال برای سامان بخشیدن به وضع مادی مبلغان و از بین رفتن این حالت فکری شده است. و بعضی از روحانیون تأکید می کنند که پول نمیگیرند و این در نزد مردم باعث می شود به روحانیون دیگر به چشم بد نگاه کنند.

## پاسخ

فاصله طبقاتی در جامعه منحصر به طبقه روحانیت نیست بلکه در سایر طبقات اجتماعی نیز این فاصله طبقاتی وجود دارد. از جمله روستاییان، شهر نشینان، معلمان، بازاریان، دانشگاهیان و کارگران همه شان در یک سطح نیستند برخی از آنها ثروتمند هستند و برخی فقیر و عده ای هم زندگی متوسطی دارند. البته همه افراد ثروتمند از هر طبقه و قشر چنین نیستند که به فکر دیگران نباشند بسیاری از افراد ثروتمند و غنی از ثروت خودشان در راه خیر و خدا پسندانه بهره می برند و با ثروت خودشان به هموعان خویش خدمت می کنند و عده ای هم هستند که نه تنها از ثروت خودشان در راه خیر استفاده نمی کنند بلکه خود و خانواده ایشان نیز بهره چندانی از آن نمی برند.

برادر ارجمند! بنابراین نمی توان همه ثروتمندان خواه روحانی و خواه غیر روحانی را متهم به بی توجهی به فقرا کرد و البته برخی از ثروتمندان هستند که در برابر فقر فقیران و نیازمندان هیچ

احساس مسئولیتی نمی کنند و صد البته چنین روحیه ای برای برادران روحانی بسیار زشت تر و قبیح تر است. زیرا آنان رهبران دینی جامعه هستند و مردم را به مسیر درست و صحیح و از جمله کمک به محرومان و مستمندان هدایت و دلالت می کنند از آنان بیشتر انتظار می رود به گفته خودشان بیشتر عمل کنند و پای بند باشند وقتی آنان عمل و رفتارشان با گفتار و سخنانشان هماهنگ نباشد در دیگر افراد جامعه نیز تأثیر می گذارد و سخنان آن بی خاصیت و بی اثر می شود، نه تنها سخن آنان بدون اثر می شود بلکه وعظ و موعظه و نصیحت و پند و اندرزی

که از قرآن و احادیث هم می کنند بی اثر می شود و به قول استاد شهریار:

گفت اگر منبر تو منبر بود کار مردم نمی کشید به دار

اگر وعظ و خطابه و موعظه اینها از صمیم قلب و توأم با عمل و رفتار باشد جامعه به سوی فلاح و رستگاری هدایت می شد و اگر گرفتار و عمل آنها با همدیگر هماهنگ نباشد جامعه به سوی بدبختی و فلاکت سوق پیدا می کند.

اما توقع شما برادر عزیز توقع بجایی است و ما مثل تو از اینکه برخی از عزیزان روحانی چنین حالتی دارند نگران و ناراحتیم ولی می دانیم که این خواسته اکثریت قریب به اتفاق جامعه روحانی و مسولان عالیرتبه نظام و کشور نیست و هر جا برادری روحانی از مسیر نادرست و نامشروع صاحب ثروت و مکنت شده باشد با شدت تمام در دادگاه روحانیت بدون اغماض با او برخورد می کنند و

وظیفه ما و شما این است که با این عاملان فساد و تباهی برخورد کنیم و به مقامات ذی صلاح گزارش کنیم خواه روحانی باشد و خواه غیر روحانی و شاید بخشی از این وضعیت نیز متأثر از این حالت و خاصیت بی تفاوتی جامعه و شعائر به ما چه " و به من چه " باشد. باید در برابر این مسائل احساس مسئولیت کنیم و برای مقابله با آن بصورت همگانی و عمومی اقدام کنیم.

به امید روزی که اکثریت جامعه در برابر نابرابری ها برخوردند و به مقابله برخیزند. انشاء الله

## لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه را بیان کنید؟

### پرسش

لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه را بیان کنید؟

### پاسخ

با تبریک به شما به خاطر هدف مقدّسی که انتخاب کرده اید و به امید موفقیت شما، به عرض می رسد راه های متعدّدی برای ورود به حوزه علمیه برای خواهران وجود دارد که پس از ذکر مقدمه ای به آن ها اشاره می کنیم

شرط تحصیل در حوزه اخلاص است و هدف از آن باید کسب فضایل اخلاقی و دریافت معارف اسلامی و نشر آن ها در میان باشد. ورود به حوزه یا هر مکان علمی با این هدف اهمیت ویژه ای داشته و خداوند چنین عالمی را تمجید کرده است "خدا [رتبه کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد. (مجادله ۱)

روایات متعدّدی نیز به این فضیلت ها اشاره دارند. از جمله حضرت صادق می فرمایند: "عالمی که از علمش سود برده شود بهتر از هفتاد هزار عابد است" (الکافی کلینی (ره، ج ۱، ص ۳۳، دارالکتب الاسلامیه)

بدیهی است که این فضایل از عالمان عامل است و عالمانی که به خاطر هوای نفس یا دلایل مادی قدم در راه تحصیل معارف بگذارند، به سختی بازخواست خواهند شد.

راه های ورود به حوزه علمیه

۱. شرکت در آزمون اختصاصی "جامعه الزهراء قم این حوزه همه ساله از اواخر بهمن یا اوایل فروردین از خواهران داوطلب دانشجو می پذیرد، اطلاعیه پذیرش و چگونگی ثبت نام در این حوزه معمولاً در روزهای یاد شده در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر می شود.

از جمله شرایط اصلی آن در حال حاضر برای خواهران تمام وقت شهرستانی داشتن دیپلم با معدل ۱۴ به بالا

و حداکثر سن ۱۹ سال می باشد.

حوزه شبانه روزی و دارای خوابگاه بوده و طلاب از غذا و کمک هزینه تحصیلی بهره مند خواهند شد.

برای آگاهی بیشتر در این باره می توانید با شماره تلفن ۹۵۱۱۱۰۲۵۱ تماس بگیرید.

۲. شرکت در آزمون اختصاصی حوزه علمیه خواهران مرکز حوزه علمیه خواهران قم مدارسی را در بیشتر شهرستان ها تحت پوشش دارد که همه ساله معمولاً در ماه های اسفند و فروردین از خواهران داوطلب طلبه می پذیرد، اطلاعیه پذیرش این حوزه در روزهای یاد شده در روزنامه های جمهوری اسلامی کیهان و هفته نامه افق حوزه منتشر می شود.

از جمله شرایط اصلی آن در حال حاضر داشتن دیپلم و حداکثر سن ۲۰ سال می باشد که در صورت تأهل حداکثر سن ۲۳ سال می باشد.

برای آشنایی با شرایط ورود به این مدارس می توانید با حوزه علمیه مرکز استان خودتان یا مرکز حوزه علمیه خواهران قم (۷۷۴۰۹۴۵۰۲۵۱) تماس بگیرید.

۳. ثبت نام در مدارس مستقل برخی از مدارس در شهرستان ها وجود دارند که مستقل بوده و از میان خواهران طلبه می پذیرد و شرایط ثبت نام در این مدارس متفاوت بوده و به تصویب هیئت امنا یا مدیر مدرسه بستگی دارد.

### **شرایط ثبت نام در جامعه الزهراء قم چیست ؟**

#### **پرسش**

شرایط ثبت نام در جامعه الزهراء قم چیست ؟

#### **پاسخ**

جامعه الزهراء(س) هر سال پذیرش دارد فرم مربوط به ثبت نام و شرایط آن را اواخر دی ماه در روزنامه های کثیرالانتشار چاپ می کنند. کسانی که ثبت نام نمایند و از عهده امتحان ورودی و مصاحبه و دیگر شرایط برآیند از مکان مناسب و شهریه برخوردار می شوند.

گفتنی است که یکی از شرایط داشتن دیپلم با معدل ۱۴ به بالا است

برای آگاهی بیشتر می توانید با نشانی ذیل مکاتبه کنید:

قم بلوار امین جامعه الزهراء(س) بخش پذیرش

## چگونه و از چه راهی می توانم وارد حوزه شوم و به تحصیلات حوزوی مشغول شوم

### پرسش

چگونه و از چه راهی می توانم وارد حوزه شوم و به تحصیلات حوزوی مشغول شوم

### پاسخ

برخی از افراد، به دلیل ویژگی های جسمی

خود، خواب های سنگینی دارند و در بعضی سنین

این مساله حادتر است. توصیه های ما برای بیدار

شدن و نماز شب خواندن، عبارت است از:

۱) برنامه ریزی برای خواب (زودتر خوابیدن و زودتر بیدار

شدن)،

۲) خالی نگه داشتن معده به هنگام خوابیدن،

۳) طلب توفیق از خدای متعال برای بیدار شدن،

۴) برنامه نماز شب را آسان گرفتن،

۵) توجه به ارزش سحرخیزی (به گفته آیت الله حسن زاده

آملی ((از انسان سبر برود و سحر نرود)))،

۶) افزودن انگیزه های دیگر برای بیدار شدن در سحر

(مثلا اگر به خوردن چیزی علاقه دارید، آن را برای سحر

بگذارید و یا اگر دوستی دارید با او قرار بگذارید که یکدیگر

را بیدار کنید)،

۷) ترک همه گناهان ظاهری و باطنی که توفیق را از

انسان سلب می کنند،

۸) خواندن آیه آخر سوره کهف پیش از خواب، می تواند

مفید واقع شود.

۹ - هم چنین از ساعت های زنگ دار می توانید استفاده

کنید.

**آیا در حوزه اساتیدی هستند که به تدریس دروس فلسفه ، اخلاق و تفسیر مشغول باشند؟**

**پرسش**

آیا در حوزه اساتیدی هستند که به تدریس دروس فلسفه ، اخلاق و تفسیر مشغول باشند؟

**پاسخ**

دروس فلسفه تفسیر و اخلاق در سطوح مختلف تدریس می شود که غالب آنها در موءسسات و مراکز پژوهشی و تخصصی است. از اساتید بزرگ فلسفه و تفسیر می توان آیت الله جوادی آملی آیت الله مصباح یزدی و آیت الله الحسن زاده آملی را نام برد. }]

**در تعارض اندیشمندان حوزه و دانشگاه کدام طیف را پیشنهاد می کنید؟**

**پرسش**

در تعارض اندیشمندان حوزه و دانشگاه کدام طیف را پیشنهاد می کنید؟

**پاسخ**

ما هیچ طیف خاصی را برای تقلید از افکار آنان به شما پیشنهاد نمی کنیم. بلکه معتقدیم باید به دقت و تدبر به سخن ها گوش فرا داد و جدا از انگیزه های دیگر به تجزیه و تحلیل پرداخت تا سره از ناسره تمیز داده شده و در هر عرصه حقیقت نمایان

گردد. آنچه قابل توصیه است آنکه هرگز یک طرفه قضاوت نکنید و در هر عرصه ای بدون اطلاع کامل اظهار نظر ننمایید. چنان که اکنون بسیاری از افراد به این ضایعه مبتلا بوده و تنها براساس سلیقه ها و گرایش ها به قبول یا رد نظریه ای می پردازند بدون آنکه از کم و کیف قضیه چندان اطلاعی داشته باشند. }J

**این جانب علاقه شدیدی به حوزه دارم حاضر خدمت سربازی هم بروم , بعد وارد حوزه شوم , چه راهی برای مشکل من پیشنهاد می کنید؟**

**پرسش**

این جانب علاقه شدیدی به حوزه دارم حاضر خدمت سربازی هم بروم , بعد وارد حوزه شوم , چه راهی برای مشکل من پیشنهاد می کنید؟

**پاسخ**

علاقه شما به تحصیلات بیشتر و کسب علوم مختلف انگیزه ای مقدس و درخور ستایش است. امید است اینگرایش را همواره برای خود حفظ نمایید. گرچه متأسفانه تلقی اکثریت آن است که تحصیل علم یعنی گذراندن کلاس ها و گرفتن مدرک ولی واقعیت آن است که نوبت تحصیل علم واقعی و پژوهش پس از گرفتن مدرک است. آن زمان است که شخص با الفبای پژوهش آشنا شده و توان گام برداشتن برای آن را دارد. برادر عزیز! با توجه به علاقه و انگیزه ای که دارید شما می توانید در حین تحصیلات دانشگاهی خود. به تحصیل علوم حوزوی نیز مشغول شوید. برای این منظور راه های پیشنهادی را آزمایش کنید.

۱- به حوزه علمیه محل سکونت خود مراجعه و با آنان مشورت کنید و اگر میسر شد استادی خصوصی از جمعی از علمای برای خود بیابید و با برنامه ریزی صحیح درسی به پیش بروید.

۲- با مراجعه به سازمان تبلیغات و یا نوارخانه های حوزه سعی کنید با استفاده از نوارهای درسی حوزه همراه با مباحثه و مذاکره درسی برای خود برنامه ریزی کنید.

لازم به ذکر است در هر دو صورت مباحثه را از یاد نبرید. و بالاخره شما می توانید پس از پایان تحصیلات و انجام خدمات نظام وظیفه و مهیا بودن شرایط در حوزه علمیه قم و یا شهر دیگر به تحصیل پردازید. آنچه تعیین کننده استاخلاص همت و تلاش شماست که حتما موفقیت به همراه خواهد داشت. }J

**مردم روستای تولدم احکام شرعی نماز,روزه و...رأنی داندنیازبه مبلغ وکسی که احکام را آموزش دهد داریم ,آیا من می توانم در کنار تحصیلاتم دروس حوزه را بخوانم ؟**

**پرسش**

مردم روستای تولدم احکام شرعی نماز، روزه و... رانمی داند نیاز به مبلغ و کسی که احکام را آموزش دهد داریم، آیا من می توانم در کنار تحصیلاتم دروس حوزه را بخوانم؟

## پاسخ

توجه و اهتمام شما به مسائل فرهنگی و دینی زادگاه خود قابل تقدیر و تشکر است. این نهاد مشکلات فرهنگی این روستا را به مراکز اعزام مبلغ در قم گزارش خواهد داد تا در مورد آن اقدامات لازم را مبذول دارند. ضمناً شما نیز با تهیه نامه ای با امضای مسوولین محل از مرکز استان و یا شهرهای مجاور محل خود درخواست اعزام مبلغ نمایید برای اینکار به دفتر ائمه جمعه و یا سازمان تبلیغات مراجعه کنید. در مورد تحصیلات علوم اسلامی این امکان برای شما وجود دارد که در کنار دروس دانشگاهی به کسب این علوم بپردازید. البته این امر مستلزم سعی و کوشش بسزایی است. در این رابطه می توانید به مدرسه عالی شهید مطهری واقع در تهران میدان بهارستان مراجعه و یا با مراجعه به سازمان تبلیغات از نوارهای درسی حوزه استفاده نمایید. {J}

## فلسفه وجود روحانیت در اسلام چیست روحانیت برای اجتماع اسلامی چه می کند؟

## پرسش

فلسفه وجود روحانیت در اسلام چیست روحانیت برای اجتماع اسلامی چه می کند؟

## پاسخ

امروزه «دین» یک مسأله پیچیده و بغرنجی است؛ چه از نظر اعتقادات و جهان بینی و چه از نظر احکام فقهی و چه از بعد اخلاق و مسائل اجتماعی. بنابراین از چند جهت وجود روحانیت ضرورت پیدا می کند:

الف) قرآن که اساس اسلام است به تفسیر و بیان مطالب نیازمند است.

تفسیر قرآن در درجه اول بر عهده شخص رسول الله بود و انزلنا الیک الذکر لتبیین للناس ما نزل الیهم ذکر (قرآن) را به سوی تو نازل کردیم تا آن را برای مردم توضیح داده و بیان کنی {M} (نحل، آیه ۴۴). بعد از نبی اکرم (ص) تفسیر قرآن بر عهده جانشینان آن حضرت (ص)؛ یعنی، ائمه اثنی عشر قرار گرفت و در زمان غیبت نیز بر عهده علما و دانشمندان راستین که در حقیقت پیروان انبیا و جانشینان آنان هستند می باشد.

ب) منبع دیگری در معارف اسلامی احادیث و سننی است که از نبی اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) به یادگار مانده است. این روایات نیز نیازمند بیان و تفسیر است.

ج) هم چنین تطبیق احکام و موضوعات با منابع فقهی، باز نیاز به اجتهاد و تلاش دانشمندان متخصص این فن دارد.



## چرا روحانیت در مقابل کار تبلیغی که انجام می دهند مزد می گیرند؟

### پرسش

چرا روحانیت در مقابل کار تبلیغی که انجام می دهند مزد می گیرند؟

### پاسخ

روحانیت شغل نیست و نمی توان تبلیغ دین خدا را مشروط به پرداخت پول کرد. البته با توجه به این که روحانیان برای تأمین نیازمندی های مادی خود از کانال های رسمی دولتی استفاده نمی کنند، به طور معمول مردم به اشکال ویژه ای در این زمینه آنها را یاری می دهند؛ مثلاً به هنگام دعوت از آنان برای سخنرانی براساس میل و دلخواه خود، وجوهی را تقدیم می دارند.

## دلیل کم رنگ شدن گرایش به علما در سال های اخیر چیست ؟

### پرسش

دلیل کم رنگ شدن گرایش به علما در سال های اخیر چیست ؟

### پاسخ

{در هر زمان به عللی و شرایط مختلفی ممکن است گرایش به شخصیت ها و عالمان دینی تغییر کند. این عوامل به دو دسته کلی تقسیم پذیرند:

الف) علل داخلی: از جمله این علل عدم تحقق برخی انتظارات مردم از سوی برخی از عالمان دینی است.

ب) علل خارجی: مانند ترور شخصیت، تلاش برای خنثی سازی و کمرنگ ساختن تاثیر عالمان و مراجع دینی.

در حال حاضر هر یک از دو عامل فوق آثاری را بر جا گذاشته است، لیکن عامل دوم در سطح بسیار گسترده تری در جریان است.

## پوشیدن لباس روحانیت با این مقدار زیاد پارچه اسراف نیست و آیا ضرورت دارد؟

### پرسش

پوشیدن لباس روحانیت با این مقدار زیاد پارچه اسراف نیست و آیا ضرورت دارد؟

**پاسخ**

درباره سؤالاتی که درباره لباس روحانیان مطرح کرده اید، نکاتی قابل توجه می باشد:

یکم: این نوع لباس از زمان پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ص) رایج بوده است و آن بزرگواران، چنین لباس می پوشیدند.

دوم: عمامه بر سر بستن، از مستحبات بوده و تأکید فراوانی بر آن شده است. احادیث متعددی در این زمینه از حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) وارد شده است؛ از جمله: امام رضا (ع) می فرمایند: «حضرت رسول (ص) عمامه بر سر بستند و یک طرف آن را به جلو و طرف دیگر را به عقب انداختند.» از حضرت امام صادق (ع) نقل شده است که حضرت رسول (ص) با دست خود بر سر حضرت علی (ع) عمامه پیچیدند، (ر.ک: علامه مجلسی: حلیه المتقین، ص ۱۸).

سوم: جایگاه صنفی بسیاری از اقشار جامعه اقتضا می کند که از سایر اقشار مردم باز شناخته شوند؛ لذا دارای یک نوع لباس مشخص می باشند. مانند نیروهای نظامی و انتظامی و... درباره روحانیان نیز چنین است بر اساس روایات متعدد «العلماء ورثه الانبیاء» «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و... روحانیان، امانت داران ائمه اطهار (ع) و مرجع روحی و معنوی و اجتماعی و... مردم می باشند؛ لذا نیازمند لباسی مشخص می باشند تا بدین وسیله در جامعه مشخص شوند و مراجعه به آن ها در مواقع نیاز آسان تر باشد.

چهارم: پوشیدن این لباس، هر چند شأن و منزلتی نسبت به سایر اقشار مردم برای روحانیان ایجاد نمی کند، ولی موجب تعظیم شعائر الهی می گردد که مورد اهتمام قرآن است. وجود شخصیت‌های وارسته جامعه که به عنوان سمبل و مظهر علم و تقوا و وارستگی و

ارزش های اسلامی و ملبس به لباس رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) باشند، از شعائر الهی می باشد و در حفظ و گسترش ارزش های الهی و اسلامی در جامعه و تقویت هویت مذهبی در مقابل تهاجم ارزش های بیگانه، بسیار مؤثر است.

پنجم: هزینه تهیه یک دست کت و شلوار بیش تر از هزینه لباس روحانیت است و لباس های روحانیت در مقایسه با لباسهای دیگر برای مدت زمان طولانی قابل استفاده می باشد؛ از این رو، استفاده از لباس روحانی نه تنها موجب اسراف نیست، بلکه از جهت مالی به صرفه تر است.

ششم: اکثر قسمت های لباس روحانی از تولیدات داخل می باشد؛ ضمناً خارجی بودن و نبودن ربطی به نوع لباس ندارد مگر شخصی ها پارچه های خارجی مصرف نمی کنند!

فرانسوی ها در لبنان برای گسترش بی حجابی می گفتند: «لباس هر چه کم تر و دامن هر چه کوتاه تر باشد، بیشتر صرفه جویی می شود».

### **چرا طلاب حوزه علمیه مجبورند با شهریه طلبگی بسازند و نمی توانند اشتغالات دیگری داشته باشند؟**

#### **پرسش**

چرا طلاب حوزه علمیه مجبورند با شهریه طلبگی بسازند و نمی توانند اشتغالات دیگری داشته باشند؟

#### **پاسخ**

متأسفانه یکی از مسائل مهمی که با کیان حوزه ارتباط می یابد و به قول استاد مطهری *عله العلل* همه مشکلات حوزه است، مسأله معیشت طلاب می باشد، (ده گفتار، ص ۲۹۶ - ۲۸۹) این مسأله از مدت های طولانی ذهن بسیاری از بزرگان و اندیشمندان حوزه را به خود مشغول داشته، راه حل های گوناگونی ارائه شده ولی متأسفانه هنوز راه کار عملی مناسبی به مرحله اجرا در نیامده است. البته هیچ کس از بزرگان حوزه مخالف رفاه طلاب و داشتن امکانات در سطح زندگی عموم جامعه نمی باشد ولی مشکل اصلی از جای دیگر نشأت می گیرد و آن این که:

اولاً، تنها منبع مالی حوزه وجوهات شرعی است که توسط افراد خیر به عنوان سهم امام یا خمس و زکات به مراجع عظام تقلید پرداخت می شود و به علت این که این وجوهات به صورت کامل پرداخت نمی شود، تأمین همین مقدار اندک شهریه با مشکلات عدیده ای مواجه است.

ثانیا، از طرف دیگر حوزه برای حفظ استقلال خود و عدم وابستگی به دولت، از امکانات مالی دولت استفاده نمی کند.

ثالثاً، به علت گسترده شدن علوم اسلامی و با توجه به تغییراتی که در وضع زندگی مردم پیش آمده و توسعه روزافزون علوم و

احتیاجات، ضرورت دارد همیشه گروهی متمحض در تحصیل علوم دینیه باشند، لذا دروس حوزه با چند سال حتی با ده، پانزده سال تحصیل به پایانمی رسد، بلکه فراگیری آنها و تعمق و متخصص شدن در این علوم نیازمند مدت زمان بسیار طولانی و اختصاص دادن بیشترین اوقات در شبانه روز به آن می باشد، لذا مشغول شدن طلبه به اموری از قبیل کار

و اشتغال و پرداختن به مسائل اقتصادی و... به نوعی مانع عمده در دستیابی بههدف فوق محسوب می شود..

در هر صورت با توجه به مطالب فوق مشخص می شود محدودیتی که ذکر نمودید به هیچ وجه ساخته و پرداخته مسئولان حوزه نمی باشد. البته طلاب می توانند با پرداختن به اموری از قبیل تبلیغ، تدریس، تحقیق و... که هیچ گونه منافاتی با اهداف حوزه ندارد، ضمن انجاموظایف حوزوی و ارتقاء سطح معلومات خود، از برخی مزایا و امکاناتی که از این طریق حاصل می شود در بهبود وضع معیشت خود، مؤثر باشند. }]

### استفاده از شهریه و معافیت طلبه ها را در مقایسه با دانشجویان چگونه توجیه می نمائید؟

#### پرسش

استفاده از شهریه و معافیت طلبه ها را در مقایسه با دانشجویان چگونه توجیه می نمائید؟

#### پاسخ

این مسأله دلایل متعددی دارد که بعضی از آنها در ذیل اشاره می نمایم:

۱- خصوصیت دروس حوزه: به علت گستردگی علوم اسلامی، دروس حوزه با چند سال حتی با ده، پانزده سال تحصیل به پایان نمی رسد، بلکه فراگیری آنها و تعمق و تخصص شدن در این علوم نیازمند مدت زمان بسیار طولانی می باشد به خلاف تحصیل در دانشگاه نسبت به حوزه بسیار کوتاه مدت می باشد، بنابراین نمی توان محصلان و محققان حوزه را در مدت طولانی بدون حداقل درآمد برای امرار معاش گذاشت.

۲- ناکافی بودن وجوهات شرعیه: تنها منبع مالی حوزه وجوهات شرعیه ای است که توسط افراد خیر به عنوان سهم امام یا خمس و زکات به مراجع عظام تقلید پرداخت می شود و به علت این که این وجوهات به صورتتکامل پرداخت نمی شود، تأمین همین مقدار اندک طلبه به وسیله شهریه با مشکلات عدیده ای مواجه است. از طرف دیگر حوزه برای حفظ استقلال خود و عدم وابستگی به دولت، از امکانات مالی دولت استفاده نمی کند. در نتیجه شهریه بسیار مختصری که به طلاب پرداخت می شود کعبه هیچ وجه برای امرار معاش کافی نمی باشد، به صورتی که اکثریت طلاب حوزه در بدترین شرایط اقتصادی به ادامه تحصیل می پردازند.

درباره تشکیل خانواده و ازدواج در سنین جوانی از سوی طلاب، باید گفت این کار به هیچ وجه به معنای تأمین بودن وضعیت اقتصادی و سایر امکانات رفاهی و... نمی باشد، بلکه معلول دیگری از قبیل، ایمان به وعده های الهی ان یكونوا فقراء ینغمهم الله من فضله... توکل زیاد بر خداوند، عمل به مستحبات و ارزش های اسلامی، پرهیز

و ترس از وقوع در گناه و پایین بودن انتظارات خانواده های دوطرف در هنگام ازدواج و برگزاری مراسم ازدواج می باشد.

۳- مسئولیت حوزه: از آنجا که حوزه مسئولیت دفاع از مرزهای عقیدتی و نشر تعالیم مذهبی و فرهنگی اسلام را بر عهده دارد، حتی به دورترین و محروم ترین مناطق، همواره طلاب در شرایط بد آب و هوایی برای ارشاد و تبلیغ اعزامی شوند و به انجام مسئولیت خود می پردازند و از طریق پیشرفت و نشر آگاهی مذهبی و فرهنگی به مردم خدمت می کند و در زمان جنگ به صورت داوطلبانه بیشترین درصد اعزام به جبهه ها را تشکیل می دادند. با این همه اگر وظایف و مسئولیت حوزویان و خدماتی را که انجام می دهند بیشتر از سایر اقشار اعم از فرهنگیان (اساتید، معلمان و...) جامعه پزشکی و... ندانیم حداقل مساوی با دیگر اقشار می باشند. پس همان طور که سایر مشاغلی که در راستای خدمت به فرهنگ و سلامت جامعه و مردم و... تلاش می کنند از معافیت خدمت وظیفه برخوردارند، حوزویان نیز می توانند و لازم است که در راستای وظایف و مسئولیت های سنگین خود و در راه به انجام رساندن آن از خدمت سربازی معاف باشند.

۴- مشروط بودن استفاده از شهریه و معافیت سربازی به ادامه تحصیل و...: استفاده از همین مقدار کم شهریه مشروط به شرایطی می باشد از جمله:

الف) مشغول بودن به تحصیل یا تدریس یا تبلیغ و... در حوزه و ترک تحصیل نمودن.

ب) بعضی از مراجع علاوه بر شرط تحصیل و اشتغال در حوزه، شرط عدم درآمد مکفی و هم چنین عدم اشتغال در جاهای دیگر را لازم می دانند، بنا بر نظر این مراجع عظام، طلبه ای که اشتغال به تحصیل یا تبلیغ

و... در حوزه نداشته باشد، مجاز به گرفتن شهریه نمی باشد، هم چنین طلبه ای که درآمدمکفی داشته یا در جای دیگر اشتغال داشته باشد مجاز به دریافت شهریه نمی باشد.

هم چنین استفاده از معافیت تحصیلی برای طلاب تا زمانی است که در حوزه مشغول به تحصیل یا... باشد و الا معافیت تحصیلی آنها لغو خواهد شد و ملزم به انجام خدمت سربازی می باشند.

در پایان ذکر این نکته لازم است که مطالب یاد شده براساس قوانین و مقررات عمومی رایج در حوزه ها می باشد و متأسفانه مانند دیگر مشاغل احتمال تخلف از این مقررات منتفی نمی باشد.

۵- مقایسه بین هزینه های دولتی در دانشگاه با مصرف وجوهات در حوزه: با بررسی هزینه هایی که دولت برای دانشجویان عزیز در زمان تحصیل در دانشگاه و خدماتی از قبیل حقوق اساتید دانشگاه ها، حقوق پرسنل اداری دانشگاه ها، ارائه خدمات دانشجویی مانند غذا، خوابگاه، وام تحصیلی و برخی مساعدت ها مربوط به پایان نامه ها و... و مقایسه آنها با وجوهات شرعی ای که برای طلاب در حوزه ها مصرف می شود، این نتیجه به دست می آید که هزینه های دولتی که برای دانشجویان مصرف می شود نه تنها کمتر از شهریه طلاب نمی شود که به مراتب بیشتر نیز می باشد. }J

**وظیفه و جایگاه حوزه های اسلامی چیست. آیا فقط تربیت افرادی است که می توانند و می خواهند برای خود عالمی باشند یا بیشتر تربیت افرادی است که به مبادی اسلام آگاهی دارند و به اینجا پناه آورده اند تا از حوزویون کمک بطلبند.**

### پرسش

وظیفه و جایگاه حوزه های اسلامی چیست. آیا فقط تربیت افرادی است که می توانند و می خواهند برای خود عالمی باشند یا بیشتر تربیت افرادی است که به مبادی اسلام آگاهی دارند و به اینجا پناه آورده اند تا از حوزویون کمک بطلبند.

### پاسخ

مبنای عمل و برنامه ریزی در حوزه های علمیه در طول تاریخ تحقق و عینیت بخشیدن به این آیه ی کریمه است: و ما کان المؤمنون لینفروا کأفّه فلولا نفر من کلّ فرقه منهم طائفه لیتفقّھوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون نباید مؤمنان همگی بیرون رفته و رسول را تنها گذارند، بلکه چرا از هر طایفه ای جمعی برای جنگ و گروهی نزد رسول برای آموختن علم مهیا نباشند؟ تا آن علمی که آموخته اند به قوم خود بیاموزند که قومشان هم شاید خداترس شده و از نافرمانی حذر کنند }M(توبه، آیه ۱۲۲).

به عبارت دیگر از میان مؤمنین افراد مستعد و مشتاق به فراگیری علوم و معارف اسلامی باید رسیدن به درک عمیق نسبت به این علوم و معارف از اوطان خود به مراکز علوم اسلامی هجرت کنند و بعد از فراگیری در مراجعت به سوی وطن خود، هادی و منذر صادق برای قوم خویش باشند.

بدین سان مهاجران به این مراکز، با سطوح مختلفی از استعداد برای تزکیه و تعلّم روی می آورند، بدان امید که در آینده ای نزدیک به تعلیم و تزکیه دیگران پردازند. پس صرف عالم شدن هدف حوزه های علمیه نیست، بلکه هدف پرورش عالم عامل و معلّم است؛ هدف پرورش درختان تنومند و مثمر از ثمرات گوارای علوم الهی است که جان هر جوینده ای را با شهد خود شیرین



سازد، آن گونه که قرآن می فرماید: الم تر كيف ضرب الله مثلاً كلمه طيبه كشجره طيبه اصلها ثابت و فرعها في السماء تؤتي اكلها كل حين باذن ربها... ای رسول ما ندانستی که چگونه خدا كلمه پاکیزه را به درخت زیبایی مثل زده که اصل ساقه آن برقرار باشد و شاخه آن به آسمان برشود و آن درخت زیبا به اذن خدا همه اوقات میوه های ماکول و خوش دهد... {M} (ابراهیم، آیه ۲۴).

در پایان به عنوان نتیجه گیری می توان چنین گفت که هدف اصیل حوزه های علمیه مورد دوم در سؤال شماست که در این صورت قطعاً وظیفه ی اول را در بر دارد و بلکه آیه ی سوره ی توبه بالاتر از حرف شما را می زند و آن این که این وظیفه ی عالمان است که به سوی جویندگان هدایت بروند. البته ناگفته نماند که با توجه به مقتضیات زمان و گسترش علوم و فنون ابزار ارتباطی تحقق این هدف اشکال متفاوتی به خود خواهد گرفت. این که حوزه های علمیه تا چه حد در انجام این رسالت قرآنی خویش در ازمنه و مقاطع مختلف تاریخی موفق بوده اند نیاز به پژوهش های جداگانه دارد.

### آیا بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه می توانم در حوزه درس بخوانم ؟

#### پرسش

آیا بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه می توانم در حوزه درس بخوانم ؟

#### پاسخ

بله، البته حوزه نیز مانند سایر مراکز علمی شرایطی دارد اگر شما حائز آن شرایط باشید و در امتحان ورودی آن قبول شوید می توانید به حوزه بیاوید و مشغول تحصیل شوید اما برای تصمیم گیری توضیحاتی که در ذیل می آید مناسب است لذا با دقت آنها را مرور کنید.

به نظر می رسد شما برای ورود به حوزه علمیه مشکل چندانی نداشته باشید، در عین حال لازم است در تصمیم گیری خود شناخت، آگاهی و تدبیر لازم را معمول دارید. در این رابطه به اختصار، نکاتی را به اطلاع می رساند. ولی لازم است خود شما با مراجعه به حوزه و دوستان حوزوی، اطلاعات افزون تری کسب کنید. پیش از هر چیز باید هدف اصلی خود از تحصیل در حوزه علمیه را مشخص نمایید. احتمالاً انگیزه و محرک شما در این رابطه یک یا چند از موارد زیر است:

۱) جست و جوی کمالات نفسانی و معنوی. در صورتی که انگیزه این باشد باید گفت: هر چند حوزه علمیه محیط مساعدتری برای کسب فضایل روحانی است، ولی چنان نیست که در محیط دانشگاهی نتوان بدان رسید. به عبارت دیگر، رسیدن به آنها بیش از هر چیز به عزم و همت و اراده جدی شما و عنایات حق تعالی بستگی دارد، نه صرفاً به محیط.

۲) افزایش اطلاعات دینی. نیل به این هدف نیز با برنامه ریزی مطالعاتی منظم در کنار دروس دانشگاهی میسر است. حتی در کنار آنها می توان از نوار یا دوستان

روحانی برای گرفتن برخی از دروس ابتدایی حوزوی استفاده نمود و پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی نیز می توان در کنار فعالیت های شغلی این گونه مطالعات و دروس جانبی را استمرار بخشید.

۳) تخصص یابی در علوم مختلف دینی و خدمت در مسیر اعتلای دانش و فرهنگ دینی جامعه . اگر چنین آرمان بلند و ارزشمندی را منظور دارید می توانید پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی حداقل تا مرحله کارشناسی ، به حوزه وارد شوید و در مدرسه های مربوط به فارغ التحصیلان دانشگاهی شرکت کنید. حال اگر جدا با توجه به بند (۳) خواستار تحصیل در حوزه علمیه هستید، ورودتان را میمون و مبارک می شماریم ولیکن این نکته را نیز خاطر نشان می سازیم که دروس حوزوی بر اثر گستردگی بسیار، خیلی دیرتر از آنچه در دانشگاه ها مشهود است ، آثار و ثمرات خود را ظاهر می سازد؛ البته با عمق و ژرفای بیشتر. بنابراین علاقه مندان به دانش های حوزوی باید با همت و استواری ، عمر خود را وقف علم و دانش سازند و با جان و دل و چشم پوشی از یک سری تمایلات مادی و دنیایی ، مانند: عنوان ، پول و ... در مسیر دین و علوم دینی ره سپارند و تنها در این صورت دست حق یار و مددکارشان خواهد بود.

با دو قبله در ره معبود نتوان زد قدم یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن

بنابراین در صورت عزم جدی و دارا بودن شرایط می توانید با مراجعه به جامعه الزهراء ثبت نام نمایید. این مرکز هر سال یک بار امتحان ورودی می گیرد و بعد

از گزینش و مصاحبه طبق اولویت به مدارس حوزه علمیه که دارای خوابگاه هستند معرفی می کند. جامعه الزهرا که حوزه علمی علمیه خواهران است ، دارای چهار بخش عمده می باشد:

۱- شبانه روزی جهت خواهران شهرستانی ،

۲- روزانه با شرایط دارا بودن مدرک سیکل ،

۳- روزانه با مدرک دیپلم ،

۴- آموزش غیرحضوری (توسط ارسال نوار)،

از نظر درسی هم دارای یک دوره عمومی و یک دوره علمی تخصصی می باشد. دوره عمومی را که حدودا پنج سال به طول می انجامد برای همه است و دوره علمی تخصصی (تخصص تبلیغ ، تاریخ ، فقه و اصول و...) برای کسانی است که ثبت نام کرده و در امتحان ورودی آن قبول شوند. شرایط ثبت نام را هر ساله در دهه اول اسفندماه در روزنامه های کثیرالانتشار به اطلاع عموم می رسانند. جهت آگاهی بیشتر با نشانی قم : بلوار امین - جامعه الزهرا - تلفن : ۹۲۵۱۱۱ تماس حاصل نمایید.

**چگونه می توانم بعد از لیسانس ادبیات وارد حوزه شوم و آیا الان می توانم دو رشته را با هم بخوانم آیا سه ماه تابستان می توانم به حوزه بیایم و از استادان و کتابهای آنجا استفاده کنم و اگر هم شد چند واحد درسی بگیرم.**

### پرسش

چگونه می توانم بعد از لیسانس ادبیات وارد حوزه شوم و آیا الان می توانم دو رشته را با هم بخوانم آیا سه ماه تابستان می توانم به حوزه بیایم و از استادان و کتابهای آنجا استفاده کنم و اگر هم شد چند واحد درسی بگیرم.

### پاسخ

پیش از هر چیز باید هدف اصلی خود از تحصیل در حوزه علمیه را مشخص نمایید. احتمالا انگیزه و محرک شما در این رابطه یک یا چند از موارد زیر است :

۱) جست وجوی کمالات نفسانی و معنوی . در صورتی که انگیزه این باشد باید گفت : هر چند حوزه علمیه محیط مساعدتری برای کسب فضایل روحانی است ، ولی چنان نیست که در محیط دانشگاهی نتوان بدان رسید. به عبارت دیگر، رسیدن به آنها بیش از هر چیز به عزم و همت و اراده جدی شما و عنایات حق تعالی بستگی دارد، نه صرفا به محیط.

۲) افزایش اطلاعات دینی . نیل به این هدف نیز با برنامه ریزی مطالعاتی منظم در کنار دروس دانشگاهی میسر است . حتی در کنار آنها می توان از نوار یا دوستان روحانی برای گرفتن برخی از دروس ابتدایی حوزوی استفاده نمود و پس از اتمام

تحصیلات دانشگاهی نیز می توان در کنار فعالیت های شغلی این گونه مطالعات و دروس جانبی را استمرار بخشید.

۳) تخصص یابی در علوم مختلف دینی و خدمت در مسیر اعتلای دانش و فرهنگ دینی جامعه . اگر چنین آرمان بلند و ارزشمندی را منظور دارید می توانید پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی حداقل تا مرحله کارشناسی ، به حوزه وارد شوید و در مدرسه های

مربوط به فارغ التحصیلان دانشگاهی شرکت کنید. حال اگر جدا با توجه به بند (۳) خواستار تحصیل در حوزه علمیه هستید، ورودتان را میمون و مبارک می شماریم ولیکن این نکته را نیز خاطر نشان می سازیم که دروس حوزوی بر اثر گستردگی بسیار، خیلی دیرتر از آنچه در دانشگاه ها مشهود است، آثار و ثمرات خود را ظاهر می سازد؛ البته با عمق و ژرفای بیشتر. بنابراین علاقه مندان به دانش های حوزوی باید با همت و استواری، عمر خود را وقف علم و دانش سازند و با جان و دل و چشم پوشی از یک سری تمایلات مادی و دنیایی، مانند: عنوان، پول و... در مسیر دین و علوم دینی ره سپارند و تنها در این صورت دست حق یار و مددکارشان خواهد بود.

با دو قبله در ره معبود نتوان زد قدم یا رضای دوست باید یا هوای خویشان

بنابراین در صورت عزم جدی و دارا بودن شرایط می توانید با مراجعه به جامعه الزهراء ثبت نام نمایید. این مرکز هر سال یک بار امتحان ورودی می گیرد و بعد از گزینش و مصاحبه طبق اولویت به مدارس حوزه علمیه که دارای خوابگاه هستند معرفی می کند. جامعه الزهراء که حوزه ئ علمیه خواهران است، دارای چهار بخش عمده می باشد:

۱- شبانه روزی جهت خواهران شهرستانی،

۲- روزانه با شرایط دارا بودن مدرک سیکل،

۳- روزانه با مدرک دیپلم،

۴- آموزش غیرحضوری (توسط ارسال نوار)،

از نظر درسی هم دارای یک دوره عمومی و یک دوره ئ تخصصی می باشد. دوره ئ عمومی را که حدوداً پنج

سال به طول می انجامد برای همه است و دوره تخصصی (تخصص تبلیغ، تاریخ، فقه و اصول و...) برای کسانی است که ثبت نام کرده و در امتحان ورودی آن قبول شوند. شرایط ثبت نام را هر ساله در دهه اول اسفندماه در روزنامه های کثیرالانتشار به اطلاع عموم می رسانند. جهت آگاهی بیشتر با نشانی قم: بلوار امین - جامعه الزهرا - تلفن: ۲۹۲۵۱۱۱ تماس حاصل نمایید.

بنابراین از نظر قانونی معنی وجود ندارد و این موضوع بیشتر به اراده و همت شما بستگی دارد. اگر از توان کافی برخوردارید و می توانید با برنامه ریزی صحیح و متناسب با توان خود در کنار دروس دانشگاهی، اوقاتی را به دروس حوزوی اختصاص دهید، خوب است ولی باید مواظب باشید فشار بیش از اندازه به خود وارد نکنید و خارج از توان جسمی و روانی تان نباشد. در عین حال در اوقات تعطیل و خالی خود در صورتی که به دروس دانشگاهی لطمه وارد نشود، به آرامی و به تدریج دروس حوزوی را بخوانید و در تابستان نیز می توانید یا با حضور در یکی از مراکز حوزوی خواهران به طور غیر رسمی و یا با استفاده از نوارهای دروس حوزوی که برخی حوزه های علمیه در اختیار دارند دروس حوزوی را بخوانید و معمولاً معنی وجود ندارد. تعداد واحدها و میزان دروس بستگی به توان جسمانی و روحی شما دارد و نمی توان حد مشخصی برای شما بیان شود.

### شهریه آخوندها از کجا تامین می شود.

#### پرسش

شهریه آخوندها از کجا تامین می شود.

#### پاسخ

در پاسخ به این سوال توجه به دو نکته حائز اهمیت است:

۱. حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ بر آن بوده اند که با وجود مشکلات فراوان دست نیازی به سوی دولت ها دراز نکنند و این امر موجب روح آزادی و حریت و ضامن استقلال حوزه ها از دخالت حکام بوده است. استاد مطهری در این زمینه می گوید: «روحانیت شیعه از ابتدا بر اساس بی نیازی از قدرتهای حاکم پایه گذاری شده و همیشه سلاطین و بزرگان مجبور بودند آستان آنها را ببوسند و پیشانی به درگاه آنها بسایند.» (پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، ص ۱۸۵، ۱۳۷۴).

در زمان حاضر نیز هر چند نظام حاکم اسلامی برخاسته از حوزه های علمیه است، ولی همچنان این اصل باقی است و ضامن سلامت حوزه ها از وابستگی می باشد.

حوزه همیشه تلاش کرده که حتی الامکان مشکلات خویش را با امکانات محدود داخل خود برطرف سازد و از سرازیر شدن سیل امکانات دولتی که سرانجامی جز از بین رفتن استقلال و روح آزادگی حوزه در مقابل دولت ندارد، خودداری کند.

۲. در اسلام بخشی از وجوهات شرعیه، نظیر خمس، تبرعاتی که افراد خیر می پردازند در جهت آموزش احکام و تعالیم اسلامی و تبلیغ آن و تربیت مبلغان دینی اختصاص یافته است، از این رو حوزه های علمیه مقداری از این وجوهات که مبلغ بسیار ناچیزی می باشد را به عنوان شهریه به طلاب و مبلغان علوم اسلامی پرداخت نمایند.

**با بعضی از دوستان تصمیم گرفتیم دروس حوزه را آغاز کنیم. آیا به نظر شما حوزه الکترونیک سایت تبیان یا حوزه مجازی علوم اسلامی مؤثر است یا نه؟**

### اشاره

در ضمن حاج آقا من را از دعای خیرتان فراموش نفرمایید. دعا بفرمایید خدا من را هم هدایت کند.

التماس دعا

به امید ظهور

### پرسش

با بعضی از دوستان تصمیم گرفتیم دروس حوزه را آغاز کنیم. آیا به نظر شما حوزه الکترونیک سایت تبیان یا حوزه مجازی علوم اسلامی مؤثر است یا نه؟

در ضمن حاج آقا من را از دعای خیرتان فراموش نفرمایید. دعا بفرمایید خدا من را هم هدایت کند.

التماس دعا

به امید ظهور مولا

### پاسخ

علاقه شما و دوستانتان به علوم اسلامی و معارف الهی بسیار ارزشمند است و حاکی از فطرت پاک و ضمیر بیدار و آگاه شما دارد. این علاقه زیبا و این حسن انتخاب را به شما تبریک عرض می کنیم. بطور مسلم این علاقه و حسن انتخاب وقتی سودمند واقع می شود که جایگاه آن در برنامه کلی زندگی شما مشخص و برای دست یابی به آن راه صحیح نیز انتخاب شود تحقق صحیح این امر مستلزم رعایت مسائلی است که بشرح ذیل آنها را متذکر می شویم

۱- قبل از هر چیز برای اوقات شبانه روزی خود برنامه ریزی کنید و برای انجام هر کاری وقت مشخصی را تعیین کنید.

۲- از آنجایی که شما دانشجو هستید و موفقیت شما در رشته تحصیلتان در سرنوشت علمی و حرفه ای شما تأثیر بسزایی دارد، قبل از اینکه به هر کار دیگری بپردازید میزان وقتی را که برای دروس مربوط به رشته تان نیاز دارید را تعیین کنید و در آن اوقات به هیچ کار دیگری بجز مطالعه آن دروس نپردازید.

۳- بقیه اوقاتی که مازاد بر اوقات تحصیلی شما است را محاسبه کنید که مثلاً در هر هفته چند ساعت وقت اضافه دارید.

۴- در صورت امکان اگر بتوانید درسهای حوزوی را به صورت حضوری با اساتید حوزوی بگذرانید



بسیار مطلوب است.

۵- در صورت عدم دسترسی به استاد استفاده از امکانات آموزشی از قبیل نوار و سایت های موجود در برنامه های نرم افزاری مناسب است البته به شرط اینکه درسها را دقیقاً گوش کنید و بعد از مطالعه با یکدیگر مباحثه کنید و اشکالاتی که لاینحل باقی می ماند به صورت حضوری یا از طریق مکاتبه برسید.

۶- برنامه درسی خود را سنگین نکنید زیرا در دراز مدت حالت سرخوردگی و کسالت برای شما به وجود می آید بگونه ای که دیگر حال مطالعه درسهای معمولی خودتان را نیز ندارید.

۷- ضمن درس خواندن از وضعیت تغذیه، خواب، تفریح سالم و مسائل عبادی غفلت نکنید زیرا شما در صورتی می توانید در تحصیلات خود موفق باشید که به سایر نیازهای خود نیز اهتمام داشته باشید.

در پایان ضمن آرزوی موفقیت برای همه شما عزیزان، توفیق بیش از پیش و سعادت جاودانه از خداوند متعال مسألت می نمائیم و از اینکه سؤالات شما ما را به خدمت بیشتر به بندگان خدا وادار می کند متشکریم.

### ۱- برای ورود به حوزه علمیه چه شرایطی باید داشته باشیم ؟

#### اشاره

۲- آزمون حوزه های علمیه در چه زمانی انجام می شود ؟

۳- منابع آزمون کتبی که در آزمون کاربرد دارد چیست ؟

۴- یا برای عقیل در حوزه حتماً باید بطور دائم در حوزه اقامت کرد؟

۵- چطور می توانیم نزدیکترین حوز

#### پرسش

۱- برای ورود به حوزه علمیه چه شرایطی باید داشته باشیم ؟

۲- آزمون حوزه های علمیه در چه زمانی انجام می شود ؟

۳- منابع آزمون کتبی که در آزمون کاربرد دارد چیست ؟

۴- یا برای عقیل در حوزه حتماً باید بطور دائم در حوزه اقامت کرد؟

۵- چطور می توانیم نزدیکترین حوزه به محل سکونت خود را پیدا کنیم؟

با اهداء سلام و آرزوی توفیق روز افزون الهی و تشکر از حسن اعتماد شما به

### پاسخ

جهت ورود به حوزه علمیه شرایط زیر لازم است. شرایط عمومی ، التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه ، ایرانی بودن ، عدم محکومیت و

سوء سابقه . شرایط سنی برای دارندگان مدرک تحصیلی سیکل به حد اکثر ۱۷ سال و برای دارندگان مدرک

دیپلم حد اکثر ۲۰ سال می باشد ( برای دارندگان کارت پایان خدمت و وظیفه عمومی ۲۲ سال می باشد )

معدل مدرک تحصیلی ، حد اقل نمره ۱۲ می باشد .

آزمون حوزه های علمیه در اواخر تیر ماه هر سال بر گزار می شود که اطلاعیه ثبت نام آن در روزنامه قدس

دهه آخر اردیبهشت ماه هر سال ( ۲۰ الی ۳۱ اردیبهشت ) منتشر می شود و زمان ثبت نام خردادماه می باشد

. منابع آزمون کتبی ، برای دارندگان مدرک سیکل کتابهای عمومی ۳ سال راهنمایی شامل ، تعلیمات دینی ،

قرآن ، عربی ، دستور فارسی ، تاریخ و تعلیمات اجتماعی میباشد و برای دارندگان مدرک دیپلم نیز کتابهای

عمومی ۳ سال دبیرستان هر رشته ای که تحصیل کرده باشند میباشد که شامل بینش اسلامی ، قرآن ، عربی ،

دستور فارسی ، تاریخ و مطالعات اجتماعی میشود .

جهت تحصیل

در حوزه باید تابع مقررات حوزه علمیه ای که در آن تحصیل می کنید باشید . در اغلب مدارس

کلاسها صبح و بعد از ظهر برگزار میشود و برخی مدارس نیز شبها ساعاتی را برای تحصیل یا مباحثه دروس

اختصاص می دهند : لذا بصورت ۲۴ ساعت باید در اختیار حوزه بود. جهت دستیابی به نزدیکترین حوزه علمیه

باید در هر شهرستان چنانچه شورای مدیریت با دبیر خانه ای داشته باشد و یا به دفاتر سازمان تبلیغات در هر

شهرستان مراجعه کرد و یا میتوانید از ۱۱۸ شماره مدارس علمیه را سؤال کنید و بعد از تماس آدرس آنجا را

بگیرید و حضوراً جهت اطلاع بیشتر به آن مدرسه بروید .

## ۲- چه رابطه ای میان حوزه علمیه و دانشگاه وجود دارد ؟

### پرسش

۲- چه رابطه ای میان حوزه علمیه و دانشگاه وجود دارد ؟

### پاسخ

-رابطه میان حوزه علمیه و دانشگاه رابطه ایمان و علم است . رابطه شناختن و دانستن رابطه فهمیدن و درک کردن . بطور کلی رابطه این دو را میتوان به منزله دو بال برای یک پرنده دانست . انسان بدون ایمان به سر منزل مقصود نمی رسد که علم برای او حجابی اکبر است و او را به ورطه هلاکت سوق می دهد و از آنطرف انسان بدون علم هم جاهلی است که با جمعش به دین لگد می زند .

به بیان آقا علی (ع) که می فرماید : دو گروه کمر مرا شکستند دانشمندان منحرف ، نادانان باایمان . لذا تفکیک ایندو از یکدیگر مهلک و خطر ساز است.

انسان باید به حدی معتدل از علم و تهذیب برسد تا بتواند برای خود افراد جامعه مفید باشد و بتواند رسالت انسان بودن خود را ایفا کرده باشد.

البته درحوزه هم ایمان است و هم علم اینگونه نیست که علم فقط در دانشگاه باشد و برعکس آن نیز صادق است . اینگونه نمی باشد که ایمان فقط درحوزه باشد . چه بسیار دانشجویان باایمان و طلبه های کم ایمان .

لذا دانشگاه اگر اهداف اسلامی را دنبال کند خودش نوعی حوزه است ولی اگر اهداف آن غیر الهی باشد علمی است خطر ساز که ممکن است باعث هلاکت انسانها شود.

## علاقمندم که در حوزه علمیه تحصیل کنم , خواهشمندم در این رابطه مرا راهنمایی کنید؟

### پرسش

علاقمندم که در حوزه علمیه تحصیل کنم , خواهشمندم در این رابطه مرا راهنمایی کنید؟

### پاسخ

به نظر می رسد شما برای ورود به حوزه علمیه مشکل چندانی نداشته باشید، در عین حال لازم است در تصمیم گیری خود شناخت، آگاهی و تدبیر لازم را معمول دارید. در این رابطه به اختصار، نکاتی را به اطلاع می رساند. ولی لازم است خود شما با مراجعه به حوزه و دوستان حوزوی، اطلاعات افزون تری کسب کنید. پیش از هر چیز باید هدف اصلی خود از تحصیل در حوزه علمیه را مشخص نمایید. احتمالاً انگیزه و محرک شما در این رابطه یک یا چنداز موارد زیر است:

۱) جست وجوی کمالات نفسانی و معنوی. در صورتی که انگیزه این باشد باید گفت: هر چند حوزه علمیه محیط مساعدتری برای کسب فضایل روحانی است، ولی چنان نیست که در محیط دانشگاهی نتوان بدان رسید. به عبارت دیگر، رسیدن به آنها بیش از هر چیز به عزم و همت و اراده جدی شما و عنایات حق تعالی بستگی دارد، نه به محیط.

۲) افزایش اطلاعات دینی. نیل به این هدف نیز با برنامه ریزی مطالعاتی منظم در کنار دروس دانشگاهی میسر است. حتی در کنار آنها می توان از نوار یا دوستان روحانی برای گرفتن برخی از دروس ابتدایی حوزوی استفاده نمود و پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی نیز می توان در کنار فعالیت های شغلی این گونه مطالعات و دروس جانبی را استمرار بخشید.

۳) تخصص یابی در علوم مختلف دینی و خدمت در مسیر اعتلای دانش و فرهنگ دینی جامعه. اگر چنین آرمان بلند و ارزشمندی را منظور دارید می توانید پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی حداقل تا مرحله کارشناسی، به

حوزه وارد شوید و در مدرسه های مربوط به فارغ التحصیلان دانشگاهی شرکت کنید. حال اگر جدا با توجه به بند (۳) خواستار تحصیل در حوزه علمیه هستید، ورودتان را میمون و مبارک می شماریم ولیکن این نکته را نیز خاطر نشانی سازیم که دروس حوزوی بر اثر گستردگی بسیار، خیلی دیرتر از آنچه در دانشگاه ها مشهود است، آثار و ثمرات خود را ظاهر می سازد؛ البته با عمق و ژرفای بیشتر. بنابراین علاقه مندان به دانش های حوزوی باید باهمت واستواری، عمر خود را وقف علم و دانش سازند و با جان و دل و چشم پوشی از یک سری تمایلات مادی و دنیایی؛ مانند: عنوان، پول و ... در مسیر دین و علوم دینی ره سپارند و تنها در این صورت دست حق یار و مددکارشان خواهد بود.

<Table align=center width=۹۵%. cellspacing=۱> <TR align=Center><TD>  
معبود نتوان زد قدم <TD> E/> <TD> یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن </Table/> بنابراین  
در صورت عزم جدی و دارا بودن شرایط می توانید با مراجعه به جامعه الزهرا، ثبت نام نمایید. این مرکز هر سال یک بار  
امتحان ورودی می گیرد و بعد از گزینش و مصاحبه طبق اولویت به مدارس حوزه علمیه که دارای خوابگاه هستند معرفی می  
کند.

جامعه الزهرا که حوزه علمیه خواهران است، دارای چهار بخش عمده می باشد:

۱- شبانه روزی جهت خواهران شهرستانی،

۲- روزانه با شرایط دارا بودن مدرک سیکل،

۳- روزانه با مدرک دیپلم،

۴- آموزش غیرحضوری (توسط ارسال نوار)،

از نظر درسی هم دارای یک دوره عمومی و یک دوره تخصصی می باشد. دوره عمومی را که حدودا پنج سال به طول می  
انجامد برای همه است و دوره تخصصی (تخصص تبلیغ، تاریخ، فقه و اصول و...) برای

کسانی است که ثبت نام کرده و در امتحان ورودی آن قبول شوند.

شرایط ثبت نام را هر ساله در دهه اول اسفندماه در روزنامه های کثیرالانتشار به اطلاع عموم می رسانند.

جهت آگاهی بیشتر با نشانی قم: بلوار امین - جامعه الزهرا - تلفن: ۹۲۵۱۱۱ تماس حاصل نمایید.

### **چرا به حوزویان کمک هزینه تحصیلی می دهند ولی به دانشجویان نمی دهند؟**

#### **پرسش**

چرا به حوزویان کمک هزینه تحصیلی می دهند ولی به دانشجویان نمی دهند؟

#### **پاسخ**

این مسائله دلایل متعددی دارد که بعضی از آنها در ذیل اشاره می نمایم: ۱- خصوصیت دروس حوزه: به علت گستردگی علوم اسلامی، دروس حوزه با چند سال حتی با ده، پانزده سال تحصیل به پایان نمی رسد، بلکه فراگیری آنها و تعمق و متخصص شدن در این علوم نیازمند مدت زمان بسیار طولانی می باشد به خلاف تحصیل در دانشگاه نسبت به حوزه بسیار کوتاه مدت می باشد، بنابراین نمی توان محصلان و محققان حوزه را در مدت طولانی بدون حداقل درآمد برای امرار معاش گذاشت. ۲- مقایسه بین هزینه های دولتی در دانشگاه با مصرف وجوهات در حوزه: با بررسی هزینه هایی که دولت برای دانشجویان عزیز در زمان تحصیل در دانشگاه و خدماتی از قبیل حقوق اساتید دانشگاه ها، حقوق پرسنل اداری دانشگاه ها، ارائه خدمات دانشجویی مانند غذا، خوابگاه، وام تحصیلی و برخی مساعدت ها مربوط به پایان نامه ها و... و مقایسه آنها با وجوهات شرعی ای که برای طلاب در حوزه ها مصرف می شود، این نتیجه به دست می آید که هزینه های دولتی که برای دانشجویان مصرف می شود نه تنها کمتر از شهریه طلاب نمی شود که به مراتب بیشتر نیز می باشد. لیکن شکل و چگونگی مصرف و پرداخت آن متفاوت است.

**از وقتی که طلبه ای وارد حوزه می شود تا وقتی که به درجه اجتهاد می رسد چه مراحل را باید طی کند و چه مجتهدی می تواند مرجع تقلید شود؟**

#### **پرسش**

از وقتی که طلبه ای وارد حوزه می شود تا وقتی که به درجه اجتهاد می رسد چه مراحل را باید طی کند و چه مجتهدی می تواند مرجع تقلید شود؟

## پاسخ

هر کس می تواند با گذراندن مدارج علمی مربوطه به مقام اجتهاد در فقه برسد که در این صورت واجب است به رأی خود عمل کند و تقلید برای او حرام می شود. امّا از میان مجتهدین که تعداد آن ها زیاد است کسانی که احتمال اعلیت آن ها وجود دارد به عنوان مرجع تقلید معرفی می گردند

**تحصیل در حوزه به صورت مکاتبه ای چه شرایطی دارد و من، در صورت امکان، می خواهم تحصیل کنم؟**

## پرسش

تحصیل در حوزه به صورت مکاتبه ای چه شرایطی دارد و من، در صورت امکان، می خواهم تحصیل کنم؟

## پاسخ

تحصیل غیر حضوری دروس حوزوی با استفاده از نوارهای درسی از حوزه های شهرستانها یا سازمان تبلیغات میسر است. ضمناً می توانید در این امر با دفتر نهاد رهبری در دانشگاه محل تحصیل خود نیز ارتباط پیدا کرده و از مسؤول آن اطلاعات و کمک هایی دریافت نمایید.

به اطلاع می رساند که متاسفانه در برنامه های آموزشی حوزه علمیه قم آموزش مکاتبه ای برای برادران منظور نگردیده و تنها جامعه الزهرا(س) برای خواهران چنین برنامه ای دارد. جناب عالی می توانید دروس حوزوی را با راهنمایی های روحانیون محل و با استفاده از نوارهای درسی فراگیرید

**با توجه به اینکه پیامبر اکرم و تمامی ائمه اطهار با کار و تلاش تأمین معاش می کرده اند و به کارهایی چون کشاورزی و... می پرداختند چرا برخی از روحانیون تنها از راه منبر و روضه خوانی کسب روزی می کنند آیا مگر پیامبر اکرم نفرموده است هر کس از راه گریاندن مردم رو**

## پرسش

با توجه به اینکه پیامبر اکرم و تمامی ائمه اطهار با کار و تلاش تأمین معاش می کرده اند و به کارهایی چون کشاورزی و... می پرداختند چرا برخی از روحانیون تنها از راه منبر و روضه خوانی کسب روزی می کنند آیا مگر پیامبر اکرم نفرموده است هر کس از راه گریاندن مردم روزی کسب کند مسلمان نیست.

## پاسخ

قبل از پرداختن به موضوع لازم است نکته ای را به عنوان مقدمه بیان نماییم: الف ( چیزی را وسیله ارتزاق قرار دادن، ب ) ارتزاق جبری از اشتغال به چیزی .

توضیح :

الف ( وسیله قرار دادن چیزی برای ارتزاق به این معناست که ابتدا انسان هدف را کسب منافع مادی (مثلا درآمد اقتصادی ) قرار دهد و برای نیل هر چه بهتر و بیشتر بدان راهی را برگزیند.مانند اینکه رشته پزشکی را انتخاب کند به دلیل آنکه پول سازتر است . در این جا قداست این رشته و اهمیت آن در خدمت به جامعه مورد نظر نیست \* بلکه از آغاز هدف درآمد مادی است و آن علم تنها وسیله و آلت برای رسیدن به پول است .

ب ( ارتزاق جبری از اشتغال به این معناست که شخص به جهت اشتغال دائمی به چیزی نهایتا از همان طریق کسب معیشت کند هر چند هدفش ارتزاق نباشد.در همان مثال فوق می توان پزشکی را مثال زد که عمری برای خدمت به جامعه تلاش می کند و هدفی نیز جز خدمت ندارد\* ولی در عین حال وسیله کسب روزی و نیازهای مادی اش نیز از همین طریق است .

در دو مثال فوق اصل ارتزاق از معیشت مشترک است .



در عین حال شکل اول آن امری غیر اخلاقی و ناستوده است و شکل دوم آن اخلاقی و مورد ستایش . اکنون باید دید در مورد روحانیت کدامیک از دو مورد فوق صدق می کند.

الف) اگر بگوییم عملکرد روحانیت از قسم اول است بهترین دلیل بر رد آن شیوه و سلوک روحانیت در اعصار مختلف تاریخی است تا آنجا که ما اطلاع داریم حتی افرادی از روحانیت که تا حدودی از زی روحانی فاصله گرفته اند نیز به جهت در آمد مادی به سمت روحانیت نگرویده اند چه رسد به علماء و بزرگان حوزه به عنوان نمونه در زمان معاصر خودمان، بسیاری از علماء علی رغم این که وجوهات بسیاری در اختیار داشتند، به هیچ وجه در زندگی شخصی خود حتی در سخت ترین شرایط از این وجوهات استفاده نمی کردند (گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، نشر معروف ۱۳۷۹).

و بسیار کمیاب و نادرند عناصری که از پی دنیای مادی به سمت علوم دینی گروند و با دین تجارت دنیا کنند.

ب) اگر مقصود ارتزاق به نحو دوم باشد باید گفت چنین چیزی واقعیت دارد بالاخره روحانیت همانطور که چوب دین را خورده و برایش در طول تاریخ شکنجه ها دیده و زجرها و تبعیدها و زندانها و بر سر دار رفتن ها را تحمل کرده به ناچار لقمه نانی نیز در کنار آن خورده است اما این نه تنها مذموم و ناپسند نیست بلکه ضرورتی گریز ناپذیر است و برای تغییر آن تا کنون هیچ طرحی معقول به دست نیامده است زیرا:

۱) یا باید امر تبلیغ دین را به موجوداتی

ذاتاً فاقد نیازهای مادی و معیشتی و اگذار گردد یعنی ملایک آسمان این رسالت را به عهده گیرند و بار این تکلیف گران را از دوش عالمان دین برگیرند ، چنین چیزی محال است .

۲) عالمان دین و روحانیون به تمام نیازهای مادی خویش پشت پا زنند و درد دنیا به روی خود بندند هر چند مرگ آنان در رسد و جان به جان آفرین تسلیم کنند چنین چیزی نیز خلاف عقل و دین است.

۳) بساط روحانیت و تحقیقات و پژوهشها و تبلیغات دینی را برچید که این نیز خلاف نص آیه شریفه قرآن است آنجا که می فرماید: «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقھوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم ...» (توبه ۱۲۲).

۴) نیازهای روحانیون از طریق نهاد یا سازمانی دولتی یا مستقل مانند وجوهات شرعیه و هدایا و نذورات مردمی و... تأمین شود و این تنها راه شرعی و منطقی است. و اما این که عالمان و مبلغان دین از طرق دیگری به کسب روزی پردازند مثلاً به حرفه ای لزوماً غیر دینی اشتغال یابند و در کنار آن به تحقیق و فعالیت‌های دینی نیز پردازند هرچند فی نفسه امری خوب و ایده آل به نظر می رسد، اما لیکن مشکل اساسی آن است که گستردگی و فراخنای علوم اسلامی چنان است که اکثر عالمان دین با آنکه تمام عمر خویش را قهریمایی در ژرفنای این اقیانوس بی کران نموده و تا آخرین لحظات حیات خود با زحمات شبانه روزی به تحقیق و پژوهش می پردازند باز خود را در برابر فضای بی انتهایی می بینند که رسیدن به بلندای آن

عمری چند هزار ساله می‌طلبد و همه این تلاشها در برابر آن ناچیز و کم مقدار است بنابراین روش پیشنهادی فوق ثمری جز ناکام گذاردن و رها کردن تحقیقات و فعالیتهای ژرف دینی و تنها به چند مساله سطحی و عامیانه پرداختن و ره سپردن به سوی پیشنهاد سوم چیز دیگری نیست.

به علاوه حتی انبیا نیز بعضا از طریق دین کسب معیشت نموده اند چنانکه در مقررات مالی اسلام برخی از حقوق مقرره مربوط به پیامبر (ص) و امامان (ع) بوده و بعضا در نیازهای شخصی آنان صرف می شده است.

اما در مورد حدیثی که از پیامبر اکرم (ص) نقل فرمودید، نکات ذیل حائز اهمیت است:

اولا، چنین حدیثی را نیافتیم و خوب است آدرس آن را به صورت دقیق بیان نمایید و به علاوه با احادیث متعددی که در این باره وجود دارد، ناهمخوانی دارد؛ به عنوان نمونه به ذکر چند حدیث بسنده می‌نماییم:

۱. قال امام الصادق (ع): «لا بأس باجر النائحه التي تنوح على الميت؛ مزد گرفتن کسی که برای مرده مردم را می‌گریاند جایز می‌باشد» (مجمع الفایده، محقق اردبیلی، ج ۸، ص ۶۱).

۲. محمد بن علی بن الحسین قال: قال (ع): «لا بأس بكسب النائحه اذا قالت صدقا؛ مزد گرفتن برای گریاندن مردم در صورتی که راست و حقیقت گوید جایز است» (وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی ۷ ج ۱۶، کتاب التجاره، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۷، ح ۹).

از بررسی مجموع روایاتی که در این زمینه وارد شده است مشخص می‌شود که مزد گرفتن برای گریاندن مردم جایز می‌باشد، البته به شرط این که راست و حقیقت بگوید،

متضمن غناء نباشد؛ و شرایطی از این قبیل (همان).

ثانیا، در خصوص روضه خوانی باید گفت، این عمل از جمله تعظیم شعائر الهی و مورد تأکید معصومین(ع) بوده است و ائمه اطهار(ع) توصیه زیادی به برپایی مراسم عزاداری و ذکر مصائب اهل بیت(ع) داشته اند، به عنوان نمونه امام رضا(ع) فرمودند «من تذکر مصائبنا و بکی لما ارتکب منا کان معنای درجائنا یوم القیامه و من ذکر بمصائبنا فبکی و ابکی...؛ کسی که متذکر مصایب ما شود و به جهت ستم هایی که بر ما وارد شده گریه کند، در روز قیامت با ما خواهد بود و مقام و درجه ما را خواهد داشت و کسی که مصیبت های ما را بیان کند و خود بگیرد و دیگران را بگیراند در روزی که همه چشم ها گریان است چشم او نگیرد و هر کسی در مجلسی بنشیند که در آن مجلس امر ما را زنده می کنند روزی که قلب ها می میرند، قلب او نخواهد مرد» (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۸).

اهمیت تشکیل مجالس عزاداری برای اهل بیت(ع) تا جایی است که امام صادق(ع) می فرماید: «قال لی ابی یا جعفر اوقف لی من مالی کذا و کذا لنوادب تند بنی عشر سنین بمنی ایام منی؛ پدرم (امام باقر(ع) به من فرمود: بخشی از اموالم را وقف کن تا به مدت ده سال نوحه گران و مداحان، در ایام حج در منی به عزاداری و نوحه سرایی پردازند» (وسائل الشیعه، همان، ح ۱).

نتیجه آن که، علاوه بر مطالبی که در قسمت اول پاسخ رفت در زمینه سؤال باید گفت که روحانیون، براساس

وظیفه و برای تبلیغ و زنده نگه داشتن یاد ائمه (ع) و تبلیغ سیره فردی و اجتماعی آن بزرگواران به برپایی مراسم سوگواری و عزاداری می پردازند و عموماً از کسی هم درخواست وجه نمی کنند و مردم هم به عنوان هدیه و ادای نذورات خود، مبلغی را به آنها می پردازند در هر صورت نه تنها هیچ گونه منع شرعی و عرفی نداشته بلکه در صورت توجه و دقت در ارائه آموزه های صحیح اسلامی پویایی و تکامل فرهنگ اسلامی را باعث می شود.

### شرایط ورود به حوزه علمیه قم چیست ؟

#### پرسش

شرایط ورود به حوزه علمیه قم چیست ؟

#### پاسخ

برای آن که بتوانید مستقیماً با مرکز مدیریت حوزه علمیه قم تماس برقرار کنید، با این شماره تلفن تماس بگیرید ۰۹۷۱۰۴۷۴۰۹۷۱ به آدرس : قم ، خیابان ساحلی ، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم .

در هجر حال حضور شما برای کسب اطلاع بیش تر، در قم لازم است و اگر به این مقدار بسنده نمی کنید، با مسؤل محترم واحد، حاج آقا شریعتی سبزواری مشاوره کنید با شماره تلفن ۷۴۳۱۸۳ کد ۰۲۵۱

**برای کسب علوم حوزوی به طور یکه منافات با کارم نداشته باشد مرا راهنمایی کنید.**

#### پرسش

برای کسب علوم حوزوی به طور یکه منافات با کارم نداشته باشد مرا راهنمایی کنید.

#### پاسخ

با تشکر از جناب عالی شما می توانید در ضمن تدریس در هنرستان، دروس حوزوی را با تنظیم وقت مناسب با یکی از فضلا یا طلاب فاضل شهرستان کاشان یا آران، به طور خصوصی، درس بگیرید؛ مثلاً بعد از ظهرها یا شب یا صبح زود، یک درس یا دو درس از دروس حوزوی را نزد روحانی فاضل بخوانید. با این برنامه هم به کارتان که تدریس است می رسید و هم کم کم با علوم اسلامی آشنا می شوید. البته این کار شاید مشکل باشد، ولی با سعی و تلاش، امکان دارد.

**دوست دارم طلبه شوم ، لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟**

دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟

برادر عزیز! امیدواریم به هدف مقدسی که به آن می اندیشید، برسید. قرآن می فرماید: .

(پاورقی ۱.نجم (۵۳) آیه ۳۹

انسان کوشا، کسی که در زندگی سعی و جدیت به کار می برد، هر چند هدفی دور و دراز و به خیال بعضی ناممکن داشته باشد، اما به آن خواهد رسید.

البته افرادی متقاضی ثبت نام و ورود به حوزه مقدّسه دینی می شوند، باید دارای شرایط خاصی باشند. برکه شرایط ثبت نام حوزه علمیه ارسال می شود. اگر نیاز دارید می توانید با شماره های ۷۴۰۹۷۱ ۷۴۰۹۷۱ ۰۲۵۱ قم مرکز مدیریت حوزه علمیه تماس گرفته و از نحوه ثبت نام افراد متقاضی مستقیماً مطلع شوید. اما شخصی که وارد حوزه علمیه می شود، خوب است در هدفش خدا و خدمت به مردم و تبلیغ احکام دین را در نظر داشته باشد.

طلبه حوزه علمیه با دو بال تقوا و علم الگویی راهنمایی و هدایت جامعه خواهد شد. زندگی طلبگی زندگی راحتی از نظر مادی نیست ، اگرچه حق هر طلبه ای داشتن حداقل مزایای زندگی است ، ولی دنیاطلبی و مال پرستی و مقام خواهی ، از روح و شأن طلبه ، به دور است . طلبه وارد حجره امام زمان ۷ می شود، در حالی که بر سر سفره حضرت می نشیند. از آن پس باید به ریاضت های خاصی دست بزند و خود را متخلق به اخلاق حسنه و دینی کند تا اگر مردم امروزش را با دیروزش مقایسه کردند، تأثیر تربیت اسلامی و دینی را در حرکات او مشاهده کنند و او را الگویی خود

قرار دهند. امیدواریم که خداوند شما را در زندگی موفق کند. والسلام

**به شغل معلمی مشغول بوده و از طرفی علاقه مند به تحصیل در حوزه علمیه هستم . لطفاً راهنمایی ام بفرمایید.**

**پرسش**

به شغل معلمی مشغول بوده و از طرفی علاقه مند به تحصیل در حوزه علمیه هستم . لطفاً راهنمایی ام بفرمایید.

**پاسخ**

برادر محترم! ورود به حوزه مقدّسه شرایطی دارد که هم اکنون تحصیل حضوری در آن با وضع شما هم خوان نیست . شما اینک نمی توانید باروبنه خود را جمع کرده و برای خواندن درس های علوم دینی ، مثلاً به قم بیایید، چون هم اکنون شاغل بوده و به شغل شریف معلّمی که هدایت افراد جامعه در دست شما است . مشغول هستید. این را بدانید که معلّمی شغل پیامبران است .

در عین حال راه برای شما بسته نیست ، خصوصاً که عشق و علاقه خاصّی نسبت به فراگیری درس های حوزه دارید. به همین منظور می توانید به طور غیر حضور و بانوار در همان جا که هستید، درس های حوزه را فرا بگیرید. یادر صورت امکان ، به قم یا یکی از شهر هایی را که دارای حوزه علمیه است ، انتقال یابید و به صورت متفرقه درس بخوانید.

شماره تلفن دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم در اختیار شما قرار می گیرد تا با تماس تلفنی از واحد صوت آن جابخواهید شرایط پذیرش در آن واحد را به شما اعلام کنند. تا با ارسال نوارهای درسی بتوانید به شکل غیر حضوری استفاده کنید.

**علاقه زیادی به تحصیل در حوزه علمیه قم دارم . حضوراً امکان ندارد به خدمتتان شرفیاب شوم . لطفاً کمک کنید و بگویید: چگونه می توانم وارد حوزه شوم ؟**

**پرسش**

علاقه زیادی به تحصیل در حوزه علمیه قم دارم . حضوراً امکان ندارد به خدمتتان شرفیاب شوم . لطفاً کمک کنید و بگویید: چگونه می توانم وارد حوزه شوم ؟

**پاسخ**

از این که با مکاتبه کرده و مشکل خود را با ما در میان گذاشتید متشکریم .

حتماً می دانید تحصیل در حوزه علمیه قم، یک سری مشکلات را در پی دارد، از قبیل نداشتن حقوق کافی و غربت و در برخی اوقات نبود جا و مکان، و مهم تر از همه، زخم زبان شنیدن از یک عده، اعم از اقوام و غیره.

اگر با علم و آگاهی از مشکلات فوق تصمیم گرفتید وارد حوزه شوید و تحصیل علوم حوزه مقدسه کنید، جای بسی قدردانی و تشکر است، چون در عنوان جوانی پشت پازدن به امیان حیوانی و جیفه های دنیوی و رو آوردن به کسب فضایل انسانی بسیار مشکل است.

[در جوانی پاک بودن شیوه پیغمبری است ورنه هر گبری به پیری می شود پرهیزگار

[به هر روی، پیش از شروع سال تحصیلی، زمان ثبت نام اعلام می شود. منتظر باشید یا از حوزه علمیه شهرتان یا سازمان تبلیغات سؤال کنید.

### **چگونه می توان از طریق مکاتبه در دروس حوزه شرکت نمود؟**

#### **اشاره**

در صورت وجود نهاد، یا مؤسسه ای در این خصوص، آدرس کامل آن را ارسال نمایید.

#### **پرسش**

چگونه می توان از طریق مکاتبه در دروس حوزه شرکت نمود؟

در صورت وجود نهاد، یا مؤسسه ای در این خصوص، آدرس کامل آن را ارسال نمایید.

#### **پاسخ**

از بهترین راه هایی که می شود از راه دور از دروس حوزه علمیه قم استفاده کرد، تهیه نوارهای درسی است.

شما می توانید با تهیه برگه اشتراک و تقدیم مبالغی، آن نوارها را از دفتر تبلیغات یا سازمان تبلیغات و یا سایر مؤسسات تهیه نمایید.

لطفاً کم و کیف را شماره ۰۲۵۱ ۷۷۴۳۱۸۹ ۹۴ استفسار کنید.

**علاقه زیادی به تحصیل در حوزه علمیه خواهران دارم، به صورتی دیگر به ادامه تحصیل در دبیرستان بی علاقه شدم، ولی هر چه با حوزه علمیه الزهراء مسجد سلیمان تماس می گیرم به من پاسخ نمی دهند. شما لطف کنید با این حوزه تماس بگیرید، تا قبل از عید**



پرسش

علاقه زیادی به تحصیل در حوزه علمیه خواهران دارم , به صورتی دیگر به ادامه تحصیل در دبیرستان بی علاقه شدم , ولی هر چه با حوزه علمیه الزهراء مسجد سلیمان تماس می گیرم به من پاسخ نمی دهند. شما لطف کنید با این حوزه تماس بگیرید, تا قبل از عید نوروز از من ثبت نام کنند.

پاسخ

خواهر گرامی ! انگیزه شما برای فراگیری علوم و معارف الهی مقدس و قابل تقدیر است .

حوزه های علمیه (خواهران و برادران ) در وسط سال , پذیرش ندارند. با جامعه الزهرا قم تلفنی تماس گرفتیم , گفتند: اطلاعات این جامعه برای ثبت نام با ذکر شرایط و مدارک لازم و تاریخ آزمون ورودی برای سه بخش حضوری تمام وقت (مخصوص خواهران مجرد) نیمه حضوری و غیرحضوری که مخصوص افراد شهرستانی می باشد در تاریخ ۱۰۲۹ یا اوایل بهمن ماه ۷۹ در برخی روزنامه های کثیرالانتشار, درج می گردد. شما می توانید در بخش حضوری و یا غیرحضوری آن شرکت کنید. غیرحضوری آزمون ورودی دارد. در صورت قبولی , برای افراد نوارهای درسی به آدرس شهرستان می فرستند و بعد از هر ترم , امتحان حضوری خواهد داشت . در حال حاضر, صلاح شما در این است که با جدیت بیشتر و برنامه ریزی دقیق تری به درس خود ادامه دهید تا با معدل بالا بتوانید وارد حوزه علمیه شوید, چون اولاً: در پذیرش حوزه های علمیه , معدل یکی از شاخص ها و ملاک های قابل توجه است ; ثانياً: اگر شما خدای نکرده با معدل پایین و یا مردودی , به فرض بتوانید, ثبت نام کنید آیا خانواده و دوستان شما نخواهند گفت

فلانی چون ذهن و استعدادش دیگر نمی کشید، یا نمی توانست ادامه تحصیل دهد به حوزه رفته است؟ و آیا خیال نمی کنند که حوزه جای آدم های تنبل، درس نخوان و بی سواد است؟ با حوزه علمیه جامعه الزهراء مسجد سلیمان چندین بار زنگ زدیم موفق نشدیم با آن ها تماس بگیریم.

**لطفاً درباره گرایش های تحصیلی و برخی دروس حوزوی و دانشگاهی مرتبط با رشته های دانشگاه رضوی و مؤسسه امام خمینی توضیح دهید.**

**پرسش**

لطفاً درباره گرایش های تحصیلی و برخی دروس حوزوی و دانشگاهی مرتبط با رشته های دانشگاه رضوی و مؤسسه امام خمینی توضیح دهید.

**پاسخ**

برادر گرامی! از این که با ما مکاتبه کرده و مشکلات خود را با ما در میان می گذارید، سپاس گزاریم.

ما تنها می توانیم از وجود دانشگاه قدس رضوی در مشهد مقدس، یا مؤسسه امام خمینی، یا باقر العلوم و یادانگشگاه مفید در قم و دانشگاه امام صادق ۷در تهران به شما اطلاع بدهیم، اما از جزئیات دروس، کیفیت تدریس و امتحانات آن جا اطلاع کافی نداریم. لطفاً با آن مراکز مکاتبه کرده و از جزئیات مطلع شوید.

**آیا برای دانشجویان و دیپلمه های مراکز حوزوی، نام هایی از قبیل وجود دارد؟ اگر دارد، جزئیات آن را بنویسید.**

**پرسش**

آیا برای دانشجویان و دیپلمه های مراکز حوزوی، نام هایی از قبیل وجود دارد؟ اگر دارد، جزئیات آن را بنویسید.

**پاسخ**

آن چه ما اطلاع داریم، سازمان تبلیغات اسلامی و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم هر ساله در تابستان عده ای از طلبه را تحت عنوان به شهرها و روستاها می فرستند که با تشکیل کلاس های متعدد نوجوانان و جوانان را ارشاد کنند. از برنامه هایی مانند اطلاعی نداریم.

**آیا طلبه در پایه های سوم و چهارم و بالاتر می توانند به صورت غیر حضوری به صورت طلبه آزاد تحصیل کنند؟**

## پرسش

آیا طلبه در پایه های سوم و چهارم و بالاتر می توانند به صورت غیر حضوری به صورت طلبه آزاد تحصیل کنند؟

## پاسخ

اگر منظور این است که فقط از علوم حوزوی اطلاعاتی کسب نماید و دیگر چشمداشتی به شهریه و مدرک نداشته باشد، آری می توان از طریق گوش دادن به نوارهای دروس مختلف علوم حوزوی از آن ه اطلاع پیدا کرد و به صورت طلبه آزاد تحصیل نمود.

اما اگر مراد علاوه بر آگاهی از علوم حوزوی ، استفاده از مزایای حوزه باشد، متأسفانه ظاهراً چنین چیزی امکان ندارد.

در عین حال بهتر است با شورای مدیریت حوزه مکاتبه نموده تا از کم و کیف قضایا با خبر شوید، یا با تلفن ۷۴۰۹۷۱ تماس بگیرید و از روابط عمومی پرسید.

**متأسفانه هیأت امنای و شورای محل ما به مسجد رسیدگی نکرده و روحانی دعوت نمی کنند. به اداره اوقاف و سازمان تبلیغات مراجعه کردم ، اثری نداشته است . برخی از روحانیان نیز هزینه های گزاف برای تبلیغ می خواهند و به هدایت مردم نمی پردازند. لطفاً به سازمان تبلیغات ،**

## پرسش

متأسفانه هیأت امنای و شورای محل ما به مسجد رسیدگی نکرده و روحانی دعوت نمی کنند. به اداره اوقاف و سازمان تبلیغات مراجعه کردم ، اثری نداشته است . برخی از روحانیان نیز هزینه های گزاف برای تبلیغ می خواهند و به هدایت مردم نمی پردازند. لطفاً به سازمان تبلیغات ، امام جمعه و اداره اوقاف بگویید به شورای محل و هیأت امنای دهنده.

## پاسخ

خواهر گرامی! روحیه مذهبی و فرهنگ گرایی شما قابل تقدیر است .

پیامبر ۶در باره اهمیت مسجد فرمود: خداوند متعال می فرماید: (.) هم چنین فرمود:

مساجد انوار الهی است < .(.)

(پاورقی ۲. مستدرک الوسائل ، ج ۳ ص ۴۴۷)

بی تردید مسجد سنگر است و سنگرها را باید حفظ کرد. در صدر اسلام مساجد مهم ترین پایگاه تبلیغات دینی، سیاسی و اجتماعی بود. در انقلاب اسلامی ایران نیز مساجد مؤثرترین نقش را در جهت دادن به انقلاب داشتند. مسجد محل شما نیز از این اهمیت استثنا نبوده و باید به وضعیت فرهنگی آن توجه شود. وظایف همگان، به ویژه هیأت امنای مسجد و شورای محل است که به وضعیت مسجد توجه کرده و روحانی دعوت نموده و جلسات مذهبی و اجتماعی مسجد را هماهنگ کنند. متأسفانه یکی از آسیب های فرهنگی جامعه ما، عدم توجه به وضعیت فرهنگی مساجد است. عدم توجه به وضعیت فرهنگی، اختصاصی به مسجد محل شما ندارد. بلکه برخی از روستاها و شهرهای دیگر نیز این مشکل را دارند که نیاز به آسیب شناسی و طرح سیاست های معقول، منطقی و اصولی دارد.

در خصوصی بی توجهی هیأت امنای و شورای محل باید گفت: این واحد تنها جواب گوی

مسائل علمی و اجتماعی و مذهبی است و در کارهای اجرایی دخالت نمی کند. ارزیابی اقدامات سازمان تبلیغات اسلامی، امام جمعه و اداره اوقاف و تذکر دادن به آن ها در حوزه فعالیت این واحد نیست.

در خصوص عدم توجه روحانیت به هدایت و ارشاد مردم باید گفت: همه روحانیان آن گونه نیستند که اشاره کرده اید. اصولاً فلسفه حوزه های علمیه و تربیت طلاب در راستای پیام رسانی معارف و تبلیغ از دین است. آیا این روحانیت مسئول و متعهد نبوده که در طول تاریخ سکاندار هدایت مردم بود و کشتی نجات جامعه دینی را به ساحل نجات رساند؟!

عدم حضور مردم در مساجد عوامل متعددی دارد: یکی عدم توجه مردم به مسایل فرهنگی است. در برخی از مساجد فعالیت های تبلیغی از سوی روحانیت شکل می گیرد، و حال آن که مردم به بهانه های مختلف در مسجد حضور پیدا نمی کنند. اگر زمینه های فعالیت های فرهنگی در مسجد محل شما فراهم نیست، چگونه روحانیان اعزامی یا روحانیان محل، می توانند فعالیت کنند؟!

واقعیت آن است که اکثریت روحانیت طلایه داران تبلیغ معارف دینی بوده و در این راستا موفق بوده اند.

در خصوص هزینه ها باید گفت: یکی از مشکلات جامعه ما، روحانیت شناسی است. به رغم آن که روحانیت در کجای جامعه ما سابقه طولانی دارد، ولی هنوز وضعیت زندگی و فعالیت آنان شناخته شده نیست. روحانیت مثل بقیه افراد جامعه در همین کره خاکی زندگی کرده و همسر و فرزند دارند. طبیعی است تأمین زندگی آنان لازم است. روحانیان و همسر و فرزند آنان با سختی ها و

مشکلات اقتصادی، دست و پنجه نرم می کنند.

آنان با توجه به ساختار و فضای جامعه، انتظار دارند مانند بقیه افراد داز زندگی آبرومندانه ای برخوردار باشند، گرچه ضروری است آن ها نیز در روحیه قناعت بهره گیرند.

در جامعه ایران به رغم آن که حکومت دینی است، پس روحانیت بدون گرفتن هزینه از دولت، با زندگی خویش را تأمین می کند. کمک های مردمی بر اساس سنت پذیرفته شده ای است که سابقه طولانی دارد. مردم به خاطر علاقه ای که به امام حسین ۷ داشته و برای ماه رمضان احترام قایل هستند، به مبلغان کمک می کنند. کمک های مردم به روحانیت سبب نمی شود هزینه مساجد تأمین نشود. امروزه هیأت امانا، مساجد و حسینیه ها مداح دعوت کرده و چند برابر کمک های مالی روحانیان را به آنان می دهند. متأسفانه این پرسش و شبهه در خصوص روحانیت به وجود می آید و روحانیت را زیر سؤال می برند. زیر سؤال بردن روحانیت ناشی از عدم شناخت دقیق آنان است. البته دفاع از روحانیت بدان معنا نیست که همه روحانیون خوب بوده و برخوردهای غیر معقول با مردم ندارند، بلکه عده ای از آن ها متأسفانه از عنوان روحانیت سوء استفاده می کنند و در مقدار و چگونگی کمک های مردمی، خردورزی را رعایت نمی کنند. از سوی دیگر برخی از روحانیون روحیه زهد و قناعت را نداشته و همین عامل سبب شده است برخی از شبهه ها به وجود آیند. البته طبیعی است برخی از افراد در هر قشری از جامعه هستند که فعالیت آنان همسو با فلسفه وجودی آن قشر

نیست . در میان قشر روحانیت نیز افرادی وجود دارند، ولی در مجموع قشر مقدس روحانیت اصل موفق ترین قشر جامعه در ایفای مسئولیت خود هستند.

**دختری ۱۸ ساله از شهرستان فسا هستم و اکنون در مقطع پیش انشگاهی مشغول تحصیل هستم و به عقد یکی از بستگان که طلبه حوزه علمیه شیراز است، در آمدم. پس از اتمام دوره پیش دانشگاهی، به اتفاق همسرم عازم قم خواهیم شد و من قصد درس خواندن در جامعه الزهرا(س) را دارم. ولی**

**پرسش**

دختری ۱۸ ساله از شهرستان فسا هستم و اکنون در مقطع پیش انشگاهی مشغول تحصیل هستم و به عقد یکی از بستگان که طلبه حوزه علمیه شیراز است، در آمدم. پس از اتمام دوره پیش دانشگاهی، به اتفاق همسرم عازم قم خواهیم شد و من قصد درس خواندن در جامعه الزهرا(س) را دارم. ولی با مشکل کمی معدل دیپلم روبرو هستم. مشکل مراحل نمایید.

**پاسخ**

تحصیل در حوزه علمیه قم در بخش خواهران از طریق جامعه الزهرا(س) و حوزه علمیه خواهران دفتر تبلیغات اسلامی با شرایطی امکان پذیر است. برای اطلاع بیشتر با شماره تلفن های زیر تماس حاصل نمایید.

۱- جامعه الزهرا(ع): ۲۹۲۵۱۱۱.

۲- واحد خواهران دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ۷۷۴۳۱۸۹-۹۴ داخلی ۵۳.

به پیوست، اطلاعیه پذیرش جامعه الزهرا(س) ارسال می شود.

**دختری هجده ساله هستم که دارای افت تحصیلی می باشم و به همین خاطر هم از طرف نفس خودم و هم از طرف طرفین سرزنش می شوم . خلی دلم گرفته ام و دیگر نمی دان چه کنم !از طرفی بسایر علاقه مند به جامعه الزهرا ی حوزه علمیه هستم . چه کنم که راهی به طرف جامعه الزهرا یا ح**

**پرسش**

دختری هجده ساله هستم که دارای افت تحصیلی می باشم و به همین خاطر هم از طرف نفس خودم و هم از طرف دیگران سرزنش می شوم . خلی دلم گرفته است و دیگر نمی دان چه کنم !از طرفی بسایر علاقه مند به جامعه الزهرا ی حوزه علمیه هستم . چه کنم که راهی به طرف جامعه الزهرا یا حوزه علمیه شیراز داشته باشم ؟

افت تحصیلی دلایل فراوانی می تواند داشته باشد؛ اول مشکلات آموزشی است؛ دوم مشکلات خود فرد است. سوم معضلات خانوادگی، چهارم گرفتاری های محیطی. (۱) هر یک از این چهار گروه به صورتی جداگانه یا با هم می توانند افت تحصیلی در سطح امکان ایجاد کنند. شما هم احتمالاً درگیر یک یا چند نوع از مشکلات هستید، ولی این بدان معنا نیست که هر کس مشکلات بالا را داشته باشد. باید افت تحصیلی پیدا کند، بلکه در این میان، این اراده انسان است که نقش بسیار مهمی در پیشرفت کار دارد. در مورد مشکل درسی خود، در نامه ای جداگانه می توانید مشکلات خود را مطرح کنید و جواب کاملی دریافت دارید. در عین حال به اختصار به گوشه هایی از راهکارهای موفقیت در امتحانات اشاره می کنیم.

۱ بزرگ ترین معضل یک دانش آموز، عدم برنامه ریزی صحیح برای تحصیل است. شما باید با توجه به ظرفیت فعلی تان برای آموختن، انتخاب واحد کنید و اصلاح به فکر این نباشید که چند سال با چند ترم بعد موفق به اخذ دیپلم خواهید شد. اگر مقررات هم اجازه چینی کاری را به شما نمی دهند و مثلاً کمتر از ۱۲ واحد درسی



برای یک ترم را نمی پذیرد، شما ۱۲ واحد انتخاب کنید، ولی فقط ۴ یا ۶ واحد را امتحان دهید و اصلاً در ۶ واحد بعدی شرکت نکنید.

۲ از هیچ درسی نترسید، مطمئن باشید کتاب درسی شما از آسمان نیامه است و از فهم بشر معمولی بیرون نیست. به ویژه درس عربی درس نیست که انسان آن را نفهمد، منتها احتمال دارد شما از پایه در یک درس ضعیف باشید. به نظر ما، شما باید از کتاب های سال های پیش شروع کنید و حلقه های مفقوده اطلاعات را به هم وصل کنید. برای این کار باید بدانید هر درس دارای د محور است: محور اصلی و فرعی. محور اصلی هر درس، حکم زیر بنا و پایه یک ساختمان را دارد و محورهای فرعی حکم ساختمان و پیرآیهای آن را. مثلاً در درس عربی شناخت فعل و اسم و حرف و کاربرد آنها محور اصلی را دارد، و دانستن معنای کلمات و جملات محور فرعی است.

۳ هر کس به نوع خاصی کی مطلب را می آموزد: یکی از راه شنیدن، یکی از راه یادداشت کردن، یکی از راه مباحثه. یا دیگر و برخی از همه راه ها یا تلفیق چند را با یکدیگر. شناخت این مسائله می تواند در یادگیری شما بسیار موثر واقع شود.

۴ در نهایت مرحله مهم و حساس در موفقیت، و. توماس آلوا ادیسون، مخترع مشهور می گوید: این سخن گزافی نیست. ان شاء الله شا با تلاش روز افزون به موفقیت های مهمی خواهید رسید. و جبران عقب ماندگی های پیشین را خواهید کرد. اما درباره حضورتان به مدارس علمیه باید بگوییم هیچ فرقی

میان حوزه و دانشگاه و مراکز آموزش عالی دیگر، در آموختن علم موفق نباشید و در آن مشکل داشته باشید، بعید است در علوم حوزوی بتوانید خوب بدرخشید و پیشرفت کنید. ضمن این که درس خواندن در حوزه نیاز به پشتکار و تلاش بیشتری نسبت به دبیرستان و دانشگاه دارد. بدین معنا که شاید بتوان در دبیرستان یا دانشگاه درسی را نمره آورد و از آن گذشت، حتی اگر انسان خور درس را نفهمیده باشد، ولی دروس حوزوی از آن جا که نوعاً علوم مقدمه ورود به علم دیگری هستند و بدون فهم این، فهم آن ممکن نیست، چنانچه چیزی اماکان ندارد. مثلاً تا شما ادبیات عرب نفهمید، در فقه و اصول و سایر مباحث موفق نخواهید شد و... بنابراین اگر قصد حضور در حوزه را دارید، به این بعد که بعد علمی حوزه است، خوب توجه داشته باشید، تا خدای ناکرده متضرر و مغبون نگردید. اما اگر فقط منظورتان از دوره به حوزه، در جو معنوی آن است، باید بگوییم که پیشرفت در معنویات در غیر حوزه نیز امکان پذیر است. به هر حال، این یکی هم نیاز به برنامه ریزی و دقت و مراقبه فراوان دارد. ضمن این که شما میتوانید با استفاده از درس های اساتید اخلاق و مطالعه کتاب های سودمند و ارتباط با اساتید حوزه این بعد را تقویت نمایید.

به هر ترتیب، ورود به حوزه علمیه نیز، ضوابط و شرایط خاصی دارد که می توانید با مراجعه به دفاتر حوزه خواهان در قم یا شیراز از آن آگاهی بیابید.

(پاورقی ۱ مشکلات آموزشی مانند فقدان وسایل آموزشی)

و کمک آموزشی و فضای نامناسب و...؛ مشکلات فردی مانند مشکلات فکری و سن بالا- و کم هوشی و کند ذهنی و مشکلات جنسی و...؛ مشکلات خانوداگی مانند دعوا و مرافحه های دائمی و تعداد زیاد فرزندان و ناهمگونی خانواده و...؛ مشکلات محیطی مانند حوادث طبیعی و غیر طبیعی و گرما و سرما و فقر اجتماعی و...

### **علاقه به تحصیل علوم حوزوی دارم. خواهشمندم مرا در این خصوص راهنمایی نمایید؟**

#### **پرسش**

علاقه به تحصیل علوم حوزوی دارم. خواهشمندم مرا در این خصوص راهنمایی نمایید؟

#### **پاسخ**

در خصوص تحصیل شما به حوزه باید گفت: یکی از شرایط موفقیت در همه علوم، به ویژه علوم حوزوی، علاقه و تحمل زحمات طاقت فرسا است. علوم حوزوی، مراحل دارد که یادگیری آن، شرایط و ویژگی های خاصی را دارد. علاقه شما به علوم حوزوی، میزان موفقیت شما را افزایش می دهد، ولی یکی از شرایط مهم دیگر نحوه حضور در شهر دیگر، غیر از شهرتان است. به نظر می رسد ادامه تحصیل در حوزه نیاز به همراهی محرم مانند شوهر و پدر دارد. اگر شما در مرحله اول ازداج نموده و با اجازه شوهرتان در حوزه حضور پیدا کنید، بهتر است. همچنین اگر پدر یا سرپرست تان امکان حضور شما را در حوزه فراهم کند، تحصیل شما مشکل ندارد. جامعه الزهرا که متولی جذب خواهران در حوزه است، برخی از امکانات را مانند خوابگاه برای خواهران در نظر گرفته است. البته نحوه گزینش و فراهم نمودن امکانات، شرایطی دارد که باید رعایت شود.

بیان این نکته ضروری است که معمولاً در شهرستان ها مرکز یا واحدی وجود دارد، با آن ها به مشورت پردازید، در صورت موافقت، می توانید به حوزه قم آمده و به تحصیل علوم حوزوی پردازید.

در خصوص نحوه گزینش و شرایط جذب، برگه ای که از سوی جامعه الزهرا تهیه شده است، ارسال می گردد. شما با خواندن این برگه می توانید تصمیم نهایی را بگیرید.

### **چرا شورای مدیریت حوزه علمیه قم تمام حوزه های کشور را الزام می کند که تحت پوشش شورا قرار گیرند؟**

#### **پرسش**

چرا شورای مدیریت حوزه علمیه قم تمام حوزه های کشور را الزام می کند که تحت پوشش شورا قرار گیرند؟

## پاسخ

مسئلاً نظم و برنامه ریزی در هر کاری صحیح و مطلوب است. شورای مدیریت که به نمایندگی از مراجع معظم تقلید، عهده دار حوزه های علمیه است، باید به نحو احسن و جامع و کامل، دروس حوزوی را به طلاب حوزه ها تعلیم دهد و با برنامه ریزی و بر اساس نیازهای زمان پیش برود و از ورود سلیقه های مختلف مانع شود. اگر در این مورد بین حوزه های علمیه هماهنگی باشد و همه از روال صحیح و منظمی تبعیت کنند، بهتر است. لذا شورای مدیریت بر این کار اقدام کرده است.

**سالیانی از سفر مقام معظم رهبری به قم، دستور ایشان مبنی بر رسیدگی سریع به وضع درسی حوزه ها و جلوگیری از اتلاف عمر طلاب و ماندن طولانی در دوره سطح و اصلاح کتب درسی و حذف و جایگزینی برخی از دروس، می گذرد. چرا تا کنون اقدامی در خود توجه صورت نگرفته است؟**

## پرسش

سالیانی از سفر مقام معظم رهبری به قم، دستور ایشان مبنی بر رسیدگی سریع به وضع درسی حوزه ها و جلوگیری از اتلاف عمر طلاب و ماندن طولانی در دوره سطح و اصلاح کتب درسی و حذف و جایگزینی برخی از دروس، می گذرد. چرا تا کنون اقدامی در خود توجه صورت نگرفته است؟

## پاسخ

اقداماتی در رسیدگی به وضع درسی حوزه ها شده و بعضی از کتب جایگزین بعضی دیگر شده است. بعضی از دروس جنبی جزء برنامه های حوزه شده و از آن ها امتحاناتی از طلاب گرفته می شود. در مجموع شورای مدیریت سعی بر اجرای دستورهای معظم له و سایر مراجع تقلید دارد و اقدامات خوبی هم انجام گرفته است.

**مقام معظم رهبری عقیده داشتند که دوره سطح در طول پنج سال به اتمام رسد تا طلاب با ورود سریع تر به دوره خارج، زودتر استعداد خود را تشخیص دهند و آن را دنبال کنند. آیا عمل به فرمایش های ایشان این قدر پیچ و خم دارد که این مهم این قدر معطل مانده است؟**

## پرسش

مقام معظم رهبری عقیده داشتند که دوره سطح در طول پنج سال به اتمام رسد تا طلاب با ورود سریع تر به دوره خارج، زودتر استعداد خود را تشخیص دهند و آن را دنبال کنند. آیا عمل به فرمایش های ایشان این قدر پیچ و خم دارد که این مهم این قدر معطل مانده است؟

## پاسخ

البته استعداد طلبه متفاوت است. بعضی سریع تر از پنج سال این دوره را تمام می کنند و بعضی کندتر. البته با تنظیم درس ها و کتاب هایی که باید خوانده شود، اگر تعطیلی در حوزه کمتر شود، به همان پنج سال دوره سطح تمام می شود. موانع دیگری غیر از تنظیم درس ها و کتاب ها بر سر راه طلاب وجود دارد که مانع پیشرفت سریع آنان می شود، از جمله مشکلات اقتصادی و ازدواج و مسکن است.

**روال مدرک معادل در حوزه هنوز متداول است؟ آیا طرح اختصاص حقوق و مزایا به حوزه و حوزویان مورد موافقت قرار گرفت؟**

## پرسش

روال مدرک معادل در حوزه هنوز متداول است؟ آیا طرح اختصاص حقوق و مزایا به حوزه و حوزویان مورد موافقت قرار گرفت؟

## پاسخ

روال مدرک معادل در حوزه متداول می باشد و حذف نشده است، ولی طرح اختصاص حقوق و مزایا به حوزه و حوزویان مورد موافقت قرار نگرفته است.

**بنده در روستای مرزبان از توابع شهرستان سنقر کلیایی در استان کرمانشاه زندگی می کنم . این روستا حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ نفر جمعیت دارد، ولی در ایام محرم و رمضان و اعیاد و وفیات از روحانی و مبلغ دینی محروم هستیم . لطفاً در این مورد اقدامی بنمایید.**

## پرسش

بنده در روستای مرزبان از توابع شهرستان سنقر کلیایی در استان کرمانشاه زندگی می کنم . این روستا حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ نفر جمعیت دارد، ولی در ایام محرم و رمضان و اعیاد و وفیات از روحانی و مبلغ دینی محروم هستیم . لطفاً در این مورد اقدامی بنمایید.

## پاسخ

برادر عزیز و گرامی! از این که نسبت به تبلیغ دین و رشد و آگاهی مردم علاقه مند هستید، بسیار خوشحالیم و از شما تشکر می کنیم . شما می توانید از شورای روستا درخواست نمایید راجع به این مسئله توجه بیش تری بنماید، به این صورت که نزدیک فرا رسیدن ایام محرم یا ماه رمضان ، طی نامه ای از سوی شورای روستا، از دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در

خواست روحانی و مبلغ نمایند و یا این که به امام جمعه یکی از شهرهای مجاورتان مراجعه کرده و از او درخواست نمایید برای منطقه شما روحانی اعزام بنماید و یا توسط سازمان تبلیغات اسلامی مستقر در مرکز استان درخواست نمایید.

شما نیز مکان مناسبی برای اسکان موقت روحانی در نظر بگیرید و چه بهتر است در روستا یک خانه کوچک بدین منظور ساخته شود تا این که زمینه ماندن و اقامت همیشگی یک روحانی در آن جا میسر شود. ما نیز عین نامه را به طرح هجرت فرستادیم .

**دختری هشتم ۱۸ساله که به حجاب و دینداری اهمیت می دهد و با دیگران رفت و آمد ندارد و همین سبب شده است برخی من را مقدس مآب بدانند. علاقه دارم درس حوزوی بخوانم . لطفا مرا راهنمایی نمایید.**

### پرسش

دختری هشتم ۱۸ساله که به حجاب و دینداری اهمیت می دهد و با دیگران رفت و آمد ندارد و همین سبب شده است برخی من را مقدس مآب بدانند. علاقه دارم درس حوزوی بخوانم . لطفا مرا راهنمایی نمایید.

### پاسخ

دینمداری و غیرت دینی شما قابل تقدیر است یکی از ویژگی های مومنان دینداری و حفظ غیرت دینی است . متأسفانه برخی از افراد به دلیل عدم شناخت از تعلیمات دینی ، دینمداری و حفظ حجاب رانوعی مقدس مآبی و تحجرگرایی می دانند. شما بدون توجه به نگرش این طیف افراد، دینمداری بوده و غیرت دینی خویش را حفظ کنید. البته دینداری و حفظ عفت و معنایش آن نیست که با بستگان رفت و آمد نداشته و روابط فردی و اجتماعی را قطع کنید، زیرا انزواگرایی و گوشه گیری ، آرامش روانی را از انسان سلب می کند. رفت و آمدها که بر اساس رعایت قانون شرع شکل گیرد، ضروری است از این رو سعی کنید با مردم و در جامعه باشید.

در خصوص تحصیلات شما در حوزه های علمیه قم و اصفهان باید گفت : یادگیری همه علوم ، به ویژه علوم حوزوی مشکل بوده و زحمات طاقت فرسایی را می طلبد. یکی از شرایط موفقیت در علوم حوزوی ، عشق و علاقه است که این عنصر در شما وجود دارد. شما با برنامه ریزی دقیق می توانید در حوزه های علمیه ، به ویژه قم مشغول تحصیل شوید. جامعه الزهرا قم برای دختران ، برخی از امکانات مانند خوابگاه و تسهیلات دیگر راپیش بینی کرده است که خدمات دهی آن با شرایط و معیارهای خود آن مرکز است . از این

رو شما می توانید با شماره تلفن ۹۲۵۱۱۱ تماس گرفته و اطلاعات بیشتری را کسب کنید. طبیعی است برای یک دختر جوان مثل شما، تحصیل در شهرستان های دیگر مشکل به نظر می رسد، که می توانید با ازدواج یا اجازه پدر و یا سرپرست خود به قم آمده و مشغول تحصیل شوید.

در خصوص شرایط ثبت نام و معیارهای گزینش خواهران در جامعه الزهرای قم، بر گه ای که از سوی جامعه الزهرا تدوین شده است، ارسال می گیرد. در ضمن دیپلم داشتن شرط گزینش در جامعه الزهرا نیست.

**آیا با توجه به تعدد و تنوع سؤالات فقهی و کلامی و فلسفی و... حوزه و روحانیت برنامه مشخص ومدونی دارد؟ چند مرکز پاسخگویی رسمی وجود دارد؟ آیا صلاحیت این مراکز مورد تأیید بزرگان حوزه و روحانیت است؟ آیا چاپ کتب و نشریات مذهبی با نظارت و مجوز روحانیت صورت می گیر**

### **پرسش**

آیا با توجه به تعدد و تنوع سؤالات فقهی و کلامی و فلسفی و... حوزه و روحانیت برنامه مشخص ومدونی دارد؟ چند مرکز پاسخگویی رسمی وجود دارد؟ آیا صلاحیت این مراکز مورد تأیید بزرگان حوزه و روحانیت است؟ آیا چاپ کتب و نشریات مذهبی با نظارت و مجوز روحانیت صورت می گیرد؟

### **پاسخ**

برادر گرامی! حوزه علمیه قم و روحانیت آماده پاسخگویی به سؤالات و شبهات مختلفی است که در زمینه های گوناگون مطرح می شود. در حوزه علمیه قم برخی از مراکز تخصصی در زمینه خاص پاسخگویی سؤالات هستند، مثل مرکز تخصصی کلام و معارف قرآن که با توجه به رشته تخصصی خود، به سؤالات پاسخ می دهند، اما مرکز که در ابعاد مختلف وظیفه پاسخگویی به سؤالات و شبهات مختلف عقیدتی و اجتماعی و فرهنگی و... را بر عهده دارد، واحد پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم است. در این واحد، مجموعه ای از فضلا و کارشناسان دینی وظیفه پاسخگویی را بر عهده دارند. مسئولیت این واحد با دانشمند بزرگوار و دارای تألیفات متعدد، حضرت حجت الاسلام والمسلمین شریعتی است که پاسخگویی به سؤالات، با نظارت علمی ایشان صورت می پذیرد.

اما در خصوص چاپ کتب و نشریات مذهبی، صدور مجوز توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت می گیرد. نماینده روحانیت ممکن است در شورای نظارت حضور داشته باشد. به هر حال صدور مجوز برای چاپ کتب و نشریات مذهبی بر عهده روحانیت نیست.

**تحصیلات حوزوی غیر حضوری چند سال طول می کشد؟ کتب و جزوات مربوطه را از کجا باید تهیه کرد؟ هزینه اش چقدر است؟ آیا امتحانش حضوری است یا غیر حضوری؟ چند نوبت امتحان می گیرند؟ آیا در این سن بیش از ۵۰ سال می توانم در دروس حوزوی ادامه تحصیل بدهم؟**

## پرسش

تحصیلات حوزوی غیر حضوری چند سال طول می کشد؟ کتب و جزوات مربوطه را از کجا باید تهیه کرد؟ هزینه اش چقدر است؟ آیا امتحانش حضوری است یا غیر حضوری؟ چند نوبت امتحان می گیرند؟ آیا در این سن بیش از ۵۰ سال می توانم در دروس حوزوی ادامه تحصیل بدهم؟

## پاسخ

اولاً: در غیر حضوری شرایط سنی مطرح نیست. داوطلب در هر سنی می تواند از ادامه تحصیل حوزوی بهره مند گردد.

ثانیاً: غیر حضوری دو قسم است: رسمی و غیر رسمی.

در رسمی بعد از پایان دوره مقرر، مدرک تحصیلی رسمی داده می شود و در غیر رسمی از چنین مدرکی خبری نیست.

ثالثاً: هر کدام شرایطی دارد برای اطلاع بیشتر بر گه جامعه الزهرا به پیوست ارسال می گردد لطفاً مطالعه فرمائید.

**آیا برای تحصیل در حوزه های دینی داشتن شرایط خاصی لازم است ؟ آیا تحصیل در حوزه های دینی به صورت غیر حضوری امکان پذیر است ؟**

## پرسش

آیا برای تحصیل در حوزه های دینی داشتن شرایط خاصی لازم است ؟ آیا تحصیل در حوزه های دینی به صورت غیر حضوری امکان پذیر است ؟

## پاسخ

تحصیل در حوزه علمیه به دو صورت است :

۱ تحت برنامه شورای مدیریت حوزه علمیه ؛

۲ تحصیل به صورت آزاد.

برای تحصیل در حوزه علمیه با برنامه های شورای مدیریت حوزه ، داشتن شرایط خاصی لازم است ، مثلاً مدرک تحصیلی خاص و مشمول نبودن ، اما برای تحصیل آزاد هر کس خود می تواند به تحصیل پردازد و به مدارج بالای حوزوی نایل آید.



در خصوص خواهران ، تحصیل غیر حضوری از طریق جامعه الزهرا امکان پذیر است ، اما تحصیل برادران با عنوان تحصیل غیر حضوری تاکنون مشاهده نشده است ، اما برادران داوطلب می توانند از طریق نوار درسی به تحصیل بپردازند، اما به هر حال این گونه تحصیل کردن نمی تواند پاسخگوی شبهات و مسایل ایجاد شده باشد.

## شغل روحانیون در جامعه چیست و از چه طریقی امرار معاش می کنند و نتیجه درس خواندن آنان چیست؟

### پرسش

شغل روحانیون در جامعه چیست و از چه طریقی امرار معاش می کنند و نتیجه درس خواندن آنان چیست؟

### پاسخ

برادر عزیز و گرامی! شغل اگر به معنای مشغول بودن و کار کردن باشد روحانیان نیز مانند دیگران مشغول هستند، به این معنا که تا مدتی درس می خوانند و بعد به تربیت و تعلیم مردم همت می گمارند، همانند انبیای الهی که مردم را راهنمایی می کردند و به راه صلاح و خیر می کشانند. پیامبر(ص) فرمود: "العلماء ورثة الانبياء؛ عالمان وارثان انبیا هستند". آنان با علم می که از انبیا به ارث برده اند، مردم را هدایت می کنند. در قرآن در وصف پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) فرمود: هو الذی بعث فی الاممین رسولا - منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین؛ (۱) خدا از بین مردم پیامبری برانگیخت که آیات خدا را بر مردم بخواند و آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت را بر آنان بیاموزد، گرچه قبلاً در گمراهی آشکار بودند".

همان طور که بشر نیاز به طبیب و فیزیکیان و شیمیدان و مهندس و... دارد، نیاز به طبیبان روح نیز دارد، بلکه نیاز بشر به طبیب روح بیشتر از طبیب جسم است. انبیا و اولیاء و علما و اوتاد، به منزله طبیبان روح بشرند، که به آنان تهذیب و تزکیه و تقوا و اخلاق می آموزند و مردم را با معارف الهی آشنا می سازند. فرق بین طبیب روحانی و جسمانی آن است که اطبای جسمانی پول می گیرند، ولی طبیب روح مزدی مطالبه نمی کند، مگر مردم خود بدهند.

قرآن درباره تشویق به این که عده ای به دنبال فقه و معارف اسلامی بروند می فرماید:

"فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون؛(۱) چرا از هر فرقه ای، تعدادی برای یادگیری علوم اسلامی و تفقه در دین به مراکز علمی نمی روند (تا درس دین بخوانند و به مسائل دینی آشنا شوند) تا به هنگام بازگشت قوم خود را (از نابخاری ها و عذاب) بترسانند شاید آنان از بدی ها و مفسد حذر کنند".

از این آیه استفاده می شود که لازم است از هر فرقه و محله و روستا و شهر تعدادی برای فقیه شدن در دین به مراکز علمی و دینی سفر کنند و درس بخوانند و با قرآن و تفسیر آیات و کلمات پیامبر و ائمه آشنا شوند و به محلشان برگردند و مردم را به دین خدا آشنا سازند و آنان را از کارهای بد و از عذاب الهی بترسانند.

تا این جا روشن شد که وظیفه علما چیست و نیز معلوم شد که بر تعدادی از افراد جامعه واجب است این وظیفه را انجام دهند. حال این سؤال پیش می آید که زندگی مادی اینان از کجا تأمین می شود و چه کسانی باید آنان را تأمین کنند؟

جواب این است که اگر این افراد (علما و روحانیان) از وضعیت مادی خوبی برخوردار بودند، حال از طریق کمک پدر و مادر یا ارث و یا کمک افراد خیر، و یا برخی از آن ها که شغلی دارند و در فرهنگ و مراکز دولتی کار می کنند و امروز در تمام نهادهای انقلابی، به عنوان نماینده رهبری و یا امام جماعت و مسئله گو حضور دارند در این صورت مشکلی نخواهد بود. اگر چنین نبود، بر جامعه اسلامی لازم

است که این افراد را به نحوی تأمین کنند. در اسلام بودجه ای برای این منظور در نظر گرفته شده است. مراجع تقلید از وجوه خمس که از مردم دریافت می کنند، برای تأمین نسبی روحانیان، مبالغی را اختصاص می دهند. بنابراین رزق و روزی علما را مردم از طریق پرداخت خمس می پردازند. بعضی هم منبر می روند مانند یک معلم و یا استاد دانشگاه. اگر مراد شما از شغل، کار و کاسبی باشد، بله روحانیان و علمای دینی اکثراً کاسبی ندارند، گرچه مشغول تعلیم و تربیت مردم هستند، ولی درآمد و کار و کاسبی ندارند، چون تعلیم و تربیت دینی مانند بقیه شغل ها نیست که بتوان در ازای آن ها مزدی از مردم گرفت. این مردم هستند که باید به نحوی عالمان دینی را کمک کنند، چون روحانیان از ابتدا که شروع به درس خواندن می کنند تا حدود پنجاه سالگی باید درس بخوانند و بعد اگر بخواهند به شغلی مشغول شوند که درآمدی داشته باشد، مثلاً بخواهند مغازه ای بزنند یا به شغل های دیگر که در جامعه مرسوم است، مشغول شوند، سرمایه مادی ندارند که دست به کاسبی بزنند یا مردم آنان را به کار و انمی دارند، چون کسی که پنجاه سال از عمرش می گذرد، نه او را به ادارات دولتی راه می دهند و نه در جاهای دیگر. ثالثاً توان کارهای مرسوم را ندارند و رابعاً بعد از پنجاه سالگی باز باید مشغول باشند و مطالعه کنند، چون اگر انسان درس ها را رها کند، فراموش می کند. بنابراین عملاً زمینه کار و کاسبی بعد از دوران تحصیل منتفی است.

در پایان با نقشی که روحانیت در برطرف کردن اختلافات خانوادگی و طایفه ای و اجتماعیدارند،

مربی اخلاق و تأمین کننده امنیت روحی و اجتماعی است و نقش کلیدی در ایجاد پیوندهای اجتماعی (ازدواج) و امور معنوی و گاهی حل اختلافات مالی و مشاجرات دارند و باید جامعه آنان را اداره کند. در عین حال هرگز روحانی مطالباتی از مردم نداشته است. برخلاف روحانیت تمام ادیان جهان که بودجه های کلانی دارند، روحانیت شیعه هیچ گونه بودجه ای جز مقداری از وجوهات شرعی که مردم به طیب نفس و برای خدا، بدون اعمال قدرت می دهند، نداشته است. بیشتر قشرها زندگی مرفهی دارند، اما روحانیون زندگی ساده دارند و غالباً گرفتار فقرند. اگر کتاب "خدمت و خیانت روشنفکران" را که مرحوم جلال آل احمد نوشته است، بخوانید، بسیاری از مسایل روشن خواهد شد.

پی نوشت ها:

۱ - جمعه (۶۲) آیه ۲.

۲ - توبه (۹) آیه ۱۲۲.

**خانمی ۳۳ ساله ام و مدتی است که شوهرم را از دست داده ام و یک پسر دارم. مدتی است که دنبال شغلی هستم اما هنوز نیافته ام از طرفی مایلیم در مدارس حوزه تحصیل کنم، لطفاً مرا راهنمایی کنید؟**

**پرسش**

خانمی ۳۳ ساله ام و مدتی است که شوهرم را از دست داده ام و یک پسر دارم. مدتی است که دنبال شغلی هستم اما هنوز نیافته ام از طرفی مایلیم در مدارس حوزه تحصیل کنم، لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

**پاسخ**

از مکاتبه شما متشکریم. بسیاری از بانوان در فقدان شوهرانشان تلاش کرده اند تا به تحصیل ادامه داده و بر معلومات خود بیفزایند و در ضمن بچه ها را هم به سامان برسانند. ایشار و فداکاری مادران همواره اعجاب آور و تحسین برانگیز است، حضرت عالی هم می توانید به طول شبانه به تحصیل ادامه دهید و در تهران هم به یکی از مکتب ها مراجعه کرده دروس حوزی را بخوانید.

البته بهتر این است که با مسئول واحد پاسخ به سؤالات تماس بگیرید تا ایشان شما را به یکی از مدارس معرفی کند. تلفن واحد پاسخ به سؤالات ۷۷۴۳۱۸۳ می باشد.

**دانشجوی دوره کارشناسی رشته ادبیات فارسی هستم. آیا می توانم پس از گرفتن مدرک لیسانس برای طلبه شدن در حوزه علمیه قم ثبت نام کنم؟ در صورت امکان لطفاً تاریخ ثبت نام و شیوه رابط آن و هم چنین آدرس حوزه علمیه خواهران را ذکر نمایید تا مکاتبه نمایم؟**

## پرسش

دانشجوی دوره کارشناسی رشته ادبیات فارسی هستم. آیا می توانم پس از گرفتن مدرک لیسانس برای طلبه شدن در حوزه علمیه قم ثبت نام کنم؟ در صورت امکان لطفاً تاریخ ثبت نام و شرایط آن و هم چنین آدرس حوزه علمیه خواهران را ذکر نمایید تا مکاتبه نمایم؟

## پاسخ

خواهر گرامی! شرایط و مقرراتی برای طلبه شدن در جامعه الزهراي قم یا هر حوزه علمیه دیگر وجود دارد که اگر آن شرایط را داشته باشید می توانید ثبت نام کنید و هیچ مانعی برای تحصیل شما نخواهد بود. فرم شرایط و تاریخ ثبت نام حوزه علمیه خواهران (جامعه الزهرا(ع)) قم برای شما ارسال می گردد که شما می توانید در این خصوص برای دریافت اطلاعات بیشتر با آن جا مکاتبه فرمایید.

## غیر از مرجع تقلید، به کدام روحانی می توان اطمینان کرد؟

## پرسش

غیر از مرجع تقلید، به کدام روحانی می توان اطمینان کرد؟

## پاسخ

همان طور که خودتان مرقوم فرمودید تمامی روحانیان بزرگواری که در این کسوت به سر می برند، قابل اعتماد و اطمینان می باشند، حالا چه روحانی معمولی و امام جماعت محلی باشد و چه مرجع تقلید باشد، منتها درجه فضل و کمال و دانش علما و روحانیان کم و زیاد دارد. ممکن است روحانی نماهایی باشند که ناشناخته باشند و سرشناس در میان اهل محل یا شهر نباشند. اگر انسان به چنین اشخاصی برخورد کند که حرکات و اعمال خلاف شئون و زی طلبگی دارند، باید در مورد آن ها تحقیق و تفحص کند و یا اگر واقعاً آن شخص روحانی نبود، ولی لباس روحانی به تن داشت و با اعمال خودش می خواست آبروی روحانیان را خدشه دار نماید، باید به مراکز مربوطه مثل دفتر امام جمعه اطلاع دهید تا این افراد در جامعه نفوذ نکنند و عزت و اقتدار روحانیت در میان مردم و برای تبلیغ دین الهی باقی بماند. موفق و سعادت مند گردید.

## آیا همه روحانیون، طلبه هستند؟

## پرسش

آیا همه روحانیون، طلبه هستند؟

**پاسخ**

همه روحانیون، طلبه هستند، زیرا طلبه به معنای دانشجویان علم می باشد که از روز اول تحصیلشان تا آخر عمر به عنوان طالب علم محسوب می شوند، منتهی وقتی طلبه از علم و متانت و درخور شأن شغل خود برخوردار می شوند، از القاب محترمانه ای همانند حجهالاسلام و حجهالاسلام و المسلمین بهره مند می شوند. اگر روحانی بزرگوار به درجه اجتهاد رسیده باشند، از لقب آیهالله و اگر به مقام مرجعیت رسیده باشد، از لقب آیهالله العظمی برخوردار می شوند. اعمال و رفتار و اخلاق آن ها بیانگر این القاب می باشد.

**بی شک در دنیای کنونی ترویج اسلام احتیاج به روشهای جدید مناسب با پیشرفت زمان علاقه دارم در حوزه علمیه مشغول به تحصیل شوم لطفاً مرا راهنمایی کنید.**

**پرسش**

بی شک در دنیای کنونی ترویج اسلام احتیاج به روشهای جدید مناسب با پیشرفت زمان علاقه دارم در حوزه علمیه مشغول به تحصیل شوم لطفاً مرا راهنمایی کنید.

**پاسخ**

این امر حمایت از قلب پاک و نورانی شما دارد. باید برای این حالت معنوی ارزش قائل بشوید و آن را حفظ کنید. همان طور که گفته اید امروز در شرایط جدیدی قرار داریم. باید با شیوه های جدید فرهنگی، با تهاجم و شیخون فرهنگی دشمنان اسلام مقابله کرد. به زودی فرم پذیرش جدید حوزه در روزنامه های کثیرالانتشار در روزهای ۲۰ الی ۲۵ اردیبهشت ماه چاپ می شود. مراجعه نمایید.

ان شاءالله بتوانید با جدیت و کوشش و فداکاری، رشد علمی پیدا کرده تا بتوانید جوابگوی شبهات و مشکلات جهان بشریت که در دام جهالت ها و مشکلات دچار شده است باشید.

**علاقه زیادی به طلبه شدن دارم , ولی دوبار به حوزه قم مراجعه کردم نپذیرفتند, لطفاً راهنمایی فرمایید.**

**پرسش**

علاقه زیادی به طلبه شدن دارم , ولی دوبار به حوزه قم مراجعه کردم نپذیرفتند, لطفاً راهنمایی فرمایید.

این که شما علاقه و شوق زیاد به تحصیل علوم دینی دارید و طلبه شدن را دوست دارید روحیه خوبی است برای شما که می تواند منشأ ترقی و تعالی علمی باشد، و داشتن چنین روحیه ای قابل تحسین است. شما از عدم پذیرش حوزه علمیه قم مأیوس نشوید، چون تحصیل در حوزه علمیه قم شرایطی دارد که ممکن است فعلاً شامل حال شما نشود، ولی طلبه شدن منحصر به آمدن به قم نمی باشد، لذا شما به حوزه علمیه شهرتان مراجعه کنید و با مدیرحوزه علمیه علاقه و مشکل خود را در میان بگذارید و راه حل بخواهید.

### علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

#### پرسش

علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

#### پاسخ

علاقه و اشتیاق وافر به تحصیل علم خصوصاً تحصیل علوم اسلامی توفیق بزرگی برای شما است، که داشتن این روحیه تحمل مشکلات را آسان نخوده و پیمودن پله های ترقی را فراهم می نماید. یکی از صفات پسندیده روحیه داشتن علم است و فضیلت و برتری دانا بر نادان از آفتاب روشن تر است. دین مقدس اسلام بیش از همه نظامات اجتماعی و همه ادیان و شرایع مردم را به فراگرفتن علم و دانش تشویق و ترغیب نموده است، اسلام برای پیریزی یک فرهنگ اساسی فضیلت علم را بر هر زن و مرد لازم نموده است و برای علم ارزش بسیار والایی قائل شده است. امام علی ۷ فرمود: . هم چنین حضرت در (پاورقی ۱. محمد ری شهری، میزان الحکمه ج ۳ ص ۲۰۶۳ ماده علم، شماره ۱۳۶۵۵ و ۱۳۶۵۲

حدیث دیگر فرمود: (. اگر علم و دانش توأم با پاکی و تقوا و (پاورقی ۲. همان .

آگاهی باشد منشأ خیر و برکات فراوان شده و موجب آبادی دنیا و آخرت می گردد. امیدواریم شما در راه کسب علم و دانش، به ویژه علوم اسلامی موفق شد و مدارج عالی را طی نمایید.

با توجه به شرایطی که برای خود ذکر کرده اید بهتر است برای راهنمایی و رسیدن به یک راه عملی برای تحصیل علوم اسلامی به مدیر حوزه علمیه شهرستان کرج مراجعه فرمایید و از ایشان راهنمایی بخواهید.

**آیا در حوزه های علمیه مدرک رسمی می دهند و امکان استخدام در ادارات دولتی با مدرک حوزه هست؟ اگر کسی پس از گذراندن دوره ای در حوزه ادامه تحصیل دهد، شهریه های گرفته شد، استرداد می شود؟ آیا کتب درسی را خود طلاب باید تهیه کنند؟ در حوزه چه دروسی خوانده می شو**

آیا در حوزه های علمیه مدرک رسمی می دهند و امکان استخدام در ادارات دولتی با مدرک حوزه هست ؟ اگر کسی پس از گذراندن دوره ای در حوزه ادامه تحصیل دهد، شهریه های گرفته شده، استرداد



می شود؟ آیا کتب درسی را خود طلاب باید تهیه کنند؟ در حوزه چه دروسی خوانده می شود؟

## پاسخ

در حوزه های علمیه که با امتحان ورودی و به صورت گزینشی با مصاحبه پذیرفته می شوند و تعهدات و الزام هایی از ابتدای ورود از انسانی می گیرند که باید پای بند آنها بود. حداقل باید به مدت و پانزده سال دروس حوزوی به طور مداوم خوانده می شود تا انسان از نظر علوم دینی فی الجمله تبخر پیدا کند. در این مدت به موازات رسیدن بن مدارج بالاتر ماهانه شهریه ای دریافت می کند. اگر طلبه ای به جهت عذری نتوانست ادامه تحصیل دهد، شهریه های گرفته شده، مطالبه و مسترد نمی شود.

کتب درسی را باید خود طلاب تهیه کنند و مدارکی به طلاب داده می شود که با آن می توان از ادارات دولتی مانند آموزش و پرورش و جاهای دیگر استخدام شد (البته اگر پذیرش باشد). مدارکی که می دهند دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا است. غیر از مشاغل معمولی می توانند در بعضی مشاغل از قبیل آموزش پرورش و یاسازمان تبلیغات مشغول شوند، البته در همه این موارد بستگی به وجود تقاضای کار و شغل دارد و اگر نه باید با همان شهریه زندگی را سپری کند.

مدارس علمیه ای که در شهرستان ها هستند، اگر زیر نظر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم اداره شوند، همه از مزایای آن برخوردار هستند و مدارک آنها اعتبار دارد.

دروسی که در حوزه خوانده می شود: ادبیات عرب (صرف و نحو) منطق، علم فصاحت و بلاغت، تفسیر، اصول، فقه،

فلسفه , کلام , عرفان , رجال (شخصیت شناسی) , تاریخ اسلامی , مقداری جامعه شناسی و دروسی دیگر است .

اگر سرکار عالی از هوش و استعداد خوبی برخوردار هستید و قدرت بر سخن گفتن دارید و از ایمان قوی و اعتقادات صحیح و سالمی بهره مند هستید, خوب است در حوزه شرکت کنید. اگر این شرایط را ندارید, مشغول به شغلی شوید خداوند مشکلات همه را برطرف فرماید.

**تقاضای اشتغال در حوزه علمیه قم را دارم . راهنماییم فرمایید.**

**پرسش**

تقاضای اشتغال در حوزه علمیه قم را دارم . راهنماییم فرمایید.

**پاسخ**

دومین نامه شما حدود پنج سال بعد از اولین نامه تان در مورد عشق و علاقه شما به حوزه های علمیه و معارف اسلامی و خدمت به طلاب علوم دینی و شاگردان مکتب امام صادق ۷ که پرچم حفظ و حراست از کیان اسلام ناب محمدی را همواره به دوش داشته و دارند, نشانگر حبّ باطنی شما نسبت به حامیان و حافظان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت : می باشد. این عشق و علاقه مایه خوشبختی و سعادت است , زیرا رسول خدا فرمود: (.

(پاورقی ۳. محمدی ری شهری , میزان الحکمه, ج ۱ ص ۵۲۱ ماده المحبه, شماره ۳۲۲۶

در حدیث دیگر وارد شده که مردی خدمت رسول الله آمد و عرض کرد: مردی نماز گزار را دوست دارد, ولی خودش فقط نماز واجبش را می خواند, و صدقه دهنده را دوست دارد, ولی خودش فقط صدهاء واجبش (زکات) را می پردازد, و روزه داران را دوست دارد, ولی خودش فقط ماه رمضان را روزه می دارد.

حضرت فرمود: (.) امیدواریم علاقه شما به حوزه های علمیه و سربازان امام (پاورقی ۱. همان , شماره ۳۲۲۵

عصر ۷ همواره مستدام باشد.

در مورد درخواست شما مبنی بر اشتغال در حوزه علمیه قم با بخش پذیرش حوزه تماس گرفتیم . جواب دادند: لازم است فرد متقاضی حضوراً به بخش پذیرش حوزه علمیه مراجعه نموده و در جریان قرار گیرد. ضمناً گفتند: باتوجه به شرایط فرد مورد نظر امکان پذیرش هست . لذا در صورت تمایل می توانید حضوراً به بخش پذیرش , واقع در مدرسه دارالشفاء, جنب مدرسه مبارکه فیضیه مراجعه نمایید. البته هر ساله , معمولاً

در مرداد یا شهریور، آگهی پذیرش در حوزه علمیه، در روزنامه‌ها چاپ و منتشر می‌شود. نیز می‌توانید اطلاعات مورد نیاز را تلفنی بپرسید. در بروجرد نیز حوزه علمیه وجود دارد. از آن جا نیز می‌توانید بپرسید.

**علاقه مند به تحصیل دروس حوزه علمیه هستم . آیا می‌توانم به شکل غیر حضوری و با استفاده از نوار به این هدف برسیم ؟**

**پرسش**

علاقه مند به تحصیل دروس حوزه علمیه هستم . آیا می‌توانم به شکل غیر حضوری و با استفاده از نوار به این هدف برسیم ؟

**پاسخ**

برادر عزیز! تصمیم شما قابل تحسین است . رسول گرامی اسلام ۶ فرمود:

طلب علم بر هر مسلمانی واجب است < . اینک که در کشور اسلامی ایران به برکت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (س) باب علم گشوده شده و معلومات مردم افزایش یافته است ، رشد معلومات مذهبی و علوم دینی محسوس است و قم ، نگین جهاد و اجتهاد، شاخص ممتازی در بلاد اسلامی است که علوم اسلامی در آن گرد آمده است . اما اگر شما نمی‌توانید از نعمت حضور در محضر اساتید حوزه بهره مند شوید، لازم است با مراکزی چون دفتر تبلیغات ، واحد نوار شهرستان تماس برقرار کرده ، از نحوه اشتراک مطلع شوید.

تلفن تماس : ۷۷۴۳۱۸۹ ۹۴

**در حال اتمام دوره سطح یک تربیت معلم قرآن مجید در سازمان تبلیغات اسلامی هستم . آیا حوزه می‌تواند برای این چنین اشخاصی دوره های آموزش بازی با اعداد و کلمات و کتاب ره توشه برای کودکان و نوجوان را فراهم آورد؟**

**پرسش**

در حال اتمام دوره سطح یک تربیت معلم قرآن مجید در سازمان تبلیغات اسلامی هستم . آیا حوزه می‌تواند برای این چنین اشخاصی دوره های آموزش بازی با اعداد و کلمات و کتاب ره توشه برای کودکان و نوجوان را فراهم آورد؟

**پاسخ**

قسمت اول سؤال شما مربوط به مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان است . این مرکز یکی از واحدهای تابع دفتر تبلیغات اسلامی می‌باشد. می‌توانید با آن واحد تماس برقرار کرده و از کیفیت آموزش سؤال فرمایید.

قسمت دوم سؤال که از کتاب ره توشه جويا شده بوديد، اين کتاب نيز محصول تلاش فضلاي حوزه است که در واحد طرح هجرت دفتر تبليغات تهيه می شود برای تهيه اين کتاب به کتاب فروشی دفتر مراجعه کنید يا تماس بگيريد.

**دوست دارم به حوزه علميه قم بيايم، ولی از شرايط آن برخوردار نيستم. لطفاً راهنمايي بفرماييد.**

**پرسش**

دوست دارم به حوزه علميه قم بيايم، ولی از شرايط آن برخوردار نيستم. لطفاً راهنمايي بفرماييد.

**پاسخ**

خواهر گرامي! واحد پاسخ به سؤالات برای پاسخ گویی به سؤالات مذهبي، اخلاقي، اجتماعي، فلسفي، کلامي و روان شناسي تأسيس شده است. به همين جهت نمی تواند رابط بين مراکز ديگر برای مثلاً پذيرش افراد باشد. مراکز علمي چون جامعهالزهراء برای پذيرش، قانون و شرايطی در نظر دارند که کم يا زياد کردن آن به عهده ما نيست. اگر کسی به هر دليل نتوانست از شرايط ورود برخوردار باشد، اين واحد نمی تواند به شفاعت پردازد، زيرا از حوزه مسئوليت ما خارج است. در عين حال روحيه بالاي شما در فراگيري و علاقه مندی به تحصيل علوم ديني ستودنی است. می توانید با مراکز صوتی در تماس بوده و نوارهای درسي حوزه را گوش دهيد و در امتحانات حوزه شرکت کنید. با دفتر تبليغات، به شماره ۹۴ - ۷۷۴۳۱۸۹ واحد صوت و نوار شهرستان ها تماس بگيريد.

شهر قم اکنون شهر صد سال پيش نيست. که در آن زمان شهرهایی چون مشهد و تبريز و شيراز و اهواز و اصفهان نيز کوچک بوده اند قم اينک پایتخت جهان اسلام و مرکز اجتماع تمام مليت های مشتاقی است که به تحصيل علم مشغولند. در عين حال اگر لازم می بينيد برای صحبت با مسئول محترم واحد پاسخ به سؤالات، حضرت حجهالاسلام و المسلمین حاج آقای شريعتی سيزواری، با اين شماره تماس بگيريد: ۷۷۴۳۱۸۳-۰۲۵

**دانشجوی سال اول کاردانی الکترونیک هستم. علاقه وافری به دروس حوزوی دارم، منتها در اثر بعضی تلقینات منفي و شیطانی گاهی منصرف می شوم. قصدم اين است ان شاء الله بعد از اخذ فوق ديپلم وارد حوزه شوم. نظر شما چيست؟ شرايط و نحوه ثبت نام را بيان کنید.**

**پرسش**

دانشجوی سال اول کاردانی الکترونیک هستم. علاقه وافری به دروس حوزوی دارم، منتها در اثر بعضی تلقینات منفي و شیطانی گاهی منصرف می شوم. قصدم اين است ان شاء الله بعد از اخذ فوق ديپلم وارد حوزه شوم. نظر شما چيست؟ شرايط و نحوه ثبت نام را بيان کنید.

از این که جوان متدینی هستید و برای کسب معارف دین میل دارید وارد حوزه شوید، خوشنودیم. این عمل خوب است و جای قدردانی دارد. خداوند امثال شما جوانان را در این دوره و انفشا از شرور و سوسه گران و خناسان حفظ فرماید.

به نظر ما صلاح در این است پس از فراغت از تحصیل دوره دانشگاهی و گرفتن فوق دیپلم وارد حوزه شوید و از دروس حوزوی بهره مند گردید. در نتیجه از تلقینان منفی و شیطانی نجات پیدا می کنید.

دوره تحصیل دانشگاهی محدودتر از دوره حوزوی است. از فرصت به دست آمده کمال استفاده را بنمایید که فردا دیر است. امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند: " هر که از فرصت باز نشیند و آن را از دست بدهد، از دست رفتنش ناتوانش سازد". (۱)

به علاوه می توانید در کنار درس دانشگاهی در شهرستان خود از دروس حوزوی نیز استفاده کنید.

گفتنی است: اگر تصمیم گرفتید وارد حوزه شوید باید پیه همه چیز را به خود بمالید. حوزه آمدن، بی پولی دارد، غربت دارد ، نداشتن خوابگاه دارد، حتی گاهی فحش و ... دارد. اما ثمرات و منفعت معنویش خیلی زیاد است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: "افضل الأعمال احمزها؛ بهترین و باارزش ترین کارها سخت ترین و مشکل ترین آن است". (۲)

برای آگاهی از شرایط و کیفیت ثبت نام فرم مخصوص به پیوست ارسال

می گردد امیدواریم مفید باشد.

۱. احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۱۶، ص ۲۸۳، به نقل از مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲. بحار، ج ۶۷، ص ۱۹۱.

### آیا درس های حوزه علمیه سخت است؟

#### پرسش

آیا درس های حوزه علمیه سخت است؟

#### پاسخ

از این که با ما مکاتبه کرده و پرسشهای خود را با ما در میان گذاشتید سپاس گزاریم.

اگر منظور شما از سختی و دشواری درس های حوزه علمیه، فراگیری، درک و فهم آن است و یا برای تعلیم آن کم خوابی یا بی خوابی لازم است یا امتحان و تجدید و قبولی و یا مردودی و سال های متمادی وقت لازم دارد و ... باید بگوییم چنین است. اگر سخت ترا. دروس مقاطع مدارس و دانشگاه نباشد، کم تر از آن نخواهد بود.

به خصوص برای افرادی که می خواهند با سواد شوند و از احکام اسلامی دقیقاً مطلع گردند و به حد اجتهاد نایل شوند.

### چرا بین بعضی از روحانیون محترم اختلاف و درگیری است؟

#### پرسش

چرا بین بعضی از روحانیون محترم اختلاف و درگیری است؟

#### پاسخ

اختلاف و درگیری میان انسان ها یک امر قهری و فطری می باشد، چون به تعداد نفوس انسان ها سلیقه وجود دارد و تفاوت بین سلیقه، یک مسئله واضح و روشنی است.

پس این که باید همه یک جور فکر کنند و یک منبا داشته باشند و هیچ گونه اختلافی باهم نداشته باشند، فکری است غلط و

متنافی با طبیعت آدمی.

به علاوه، اختلاف آرا اگر جنبه سیاسی و صیغه گزایی و جناح بازی نداشته باشد و نشانه عناد و دشمنی نباشد، مایه بالندگی و رشد جامعه می باشد، زیرا در اثر تضارب آرای مثبت، استعدادها شکوفا شده و جامعه به تعالی می رسد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: "اختلاف اُمّتی رحمتُهُ؛ اختلاف و اصطکاک اندیشه های امت من رحمت است [۱]".

گفتنی است: امامان معصوم (ع) از جمله حضرت امام صادق در یکی از بیانات خود فرمود: مراد از اختلاف تردد و ایاب و ذهاب گروهی از مردم در حوزه علمیه برای کسب معارف اسلامی و انذار بین مردم است.

به هر حال اکثر اختلاف میان روحانیون ناشی از سلیقه است، نه ریشه ای.

متأسفانه گاهی اختلاف بین روحانیون رنگ سیاسی دارد و گاهی نیز غرض ورزی.

این نوع اختلاف خطرناک است و تنها دشمنان اسلام و نظام و روحانیت از آنان بهره مند می گردند و حتماً دشمنان اسلام به طور غیر مستقیم در آن نقش دارند، چون اتحاد و یک پارچگی ملت را موجب تقویت اسلام و نظام می دانند.

[۱] محمد تقی فلسفی، بحار، ج ۱، کتاب علم، باب آداب طلب العلم و احکامه، ص ۲۲۷، حدیث ۱۹.

**بعضی ها برای رد کردن روحانیت به جریان قند و چای استناد می کنند و می گویند آخوندها اول می گفتند قند نجس است، ولی اگر آن را در چای غسل دهند بخورند پاک می شود ریشه این جور چیزها به کجا برمی گردد؟ و آیا این مطلب واقعیت دارد؟**

**پرسش**

بعضی ها برای رد کردن روحانیت به جریان قند و چای استناد می کنند و می گویند آخوندها اول می گفتند قند نجس است، ولی اگر آن را در

چای غسل دهند بخورند پاک می شود ریشه این جور چیزها به کجا برمی گردد؟ و آیا این مطلب واقعیت دارد؟

**پاسخ**

چند نکته مهمی که پیش از بیان، مفهوم آن سخن و صحت و سقم آن لازم است مورد تنبه و توجه قرار گیرد این است. این مطلب شایعه ای بیش نیست. کدام روحانی گفته است قند نجس است.

هر عمامه به سری مورد تأیید نیست و نباید آن را روحانی نامید. روحانی کسی است که اساس و محور تلاش و همتش تزکیه و تعالی روح خویش و جامعه باشد و با سیر "لی الله" روحانی ربانی گردد و همه اموراتش به "رب" وصل و مرتبط شود. البته انبا و ائمه، فرشتگان و اولیای الهی، مصداق کامل "روحانی ربانی" اند و سایرین به تناسب میزان نزدیکی و شباهتی که از لحاظ قول و عمل و اخلاق با آنان دارند، بهره ای از آن برده اند.

۲ - تحقیق در تاریخ پرفراز و نشیب زندگی اجتماعی انبیا و ائمه (ع) و شناخت و معرفت ابعاد زندگی سیاسی و فرهنگی و تبلیغی آنان این سؤال را در آغاز کار در محقق ایجاد می کند. چرا مصداق اصیل الگوها و اسوه های کامل روحانیت، آن همه دشمن و مخالف داشتند؟ شیوه برخورد حذفی و حربه ها و حرف های دشمنان آنان چه بوده است؟

و بالاخره ریشه اصلی و علت مخالفت آنان چه بود؟

۳ - تاریخ را به خاطر شاخصه های متفاوتی به دوره ها تقسیم می کنند شما با مطالعه ادوار مختلف و قرون متفاوت تاریخ، کارکرد روحانیون ربانی و نحوه عملکرد و برخوردهای مخالفان آنان را با هم مقایسه کنید. ببینید چه قرابت و شباهتی میان عملکردها



در تاریخ مستمر و به هم پیوسته روحانیون و مخالفان آنان وجود داشته است؟

نتیجه گیری: پیامی که می توانید از مطالعه حلقه های به هم پیوسته تاریخ بگیریید این است که:

الف - روحانیون ربانی هر عصری همان گونه که وارث علوم و معارف و معنویت انبیا و ائمه (ع) هستند، وارث سختی ها و مصیبت های آنان و تهمت ها و توهین ها و تحقیرهای مخالفان و دشمنان زنجیره ای آنان نیز هستند.

ب - اگر چه طراحان اصلی آن اهانت ها دشمنان آگاهند اما باز گو کنندگان و باورمندان آن دوستان ساده لوح و ناآگاه می باشند.

ج - علت دشمنی دشمنان و هدف آن ها این است که دین و دین مداران را از صحنه سیاست و تصمیم گیری ها کنار بزنند تا راه برای ترک تازی شان باز باشد و هیچ سد و مانعی جلوی آن ها را نتواند بگیرد و برای رسیدن به این هدف از هر حربه و وسیله ای که بتواند آنان را به هدفشان برساند یا نزدیک کند، استفاده می کنند از تبلیغات دروغین و شایعه سازی و نسبت های ساحر، جادوگر، دیوانه، خرابکار، مرتجع کهنه پرست، کسانی که به علت جمود فکری، اساطیری می اندیشند تا ایجاد انواع خشونت ها و دست بردن به سلاح و جنگ. در قرون اخیر راه های دیگری به طرق گذشته اضافه شده تا از راه هایی مانند کاریکاتور، نوشتن کتاب ملا نصرالدین، و گفتن این که آخوندی گفته قند چون به دست کفار ساخته می شود نجس است، ولی اگر در استکان غسلش بدهی بعد در دهان بگذاری پاک می شود و از این حرف ها برادر مجدداً تأکید می کنیم و سخن خویش را از قول امام خمینی بیان می کنیم که فرمود: قضیه این

نیست که من بگویم هر که عمامه سرش است مورد تأیید است خیر. من از بسیاری از آن‌ها متنفرم. (۱) اما باید بیداری و هوشیاری خویش را در مقابل دسیسه‌ها و نقشه‌های شوم استعمار حفظ کنیم. امام خمینی (ره) در مقام تبیین حقایق و افشای توطئه‌ها می‌فرماید: یکی از نقشه‌های مهم این است که قشرهای ملت را از هم جدا کنند و مهم این است که روحانیت را از ملت جدا کنند این‌ها ضربه‌ای که از روحانیت خوردند از هیچ کس نخوردند. زمانی که روحانیت مبارزه سرسختش را در سال‌های ۴۱ و ۴۲ علیه شاه خائن شروع کرد. شاه روحانیت متعهد و مسئول را ارتجاع سیاه نامید. زیرا تنها خطر جدی برای او و سلطنتش روحانیون مبارزی بودند که ریشه در عمق جان مردم داشتند و در مقابل او و ستمکاریش ایستادند. (۲)

آن‌ها از روحانیون در طول تاریخ صدماتی دیده بودند و خصوصاً انگلستان در واقعه قضیه قرارداد تنباکو صدمه دیده بود. از این جهت یکی از نقشه‌ها این بود که این قدرت را از ملت بگیرند و این را سرکوب کنند و ملت را از آن‌ها و آن‌ها را از ملت جدا کنند. (۳) و باز با کلام امام (ره) این مقال را به پایان می‌بریم. آن‌هایی که می‌خواهند روحانیت را بشکنند اصل هدف شان اسلام است. می‌خواهند اسلام را بشکنند. (۴)

پی‌نوشت‌ها:

۱ - بلاغ، سخنان موضوعی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۹، شماره ۳، ص ۳۷۹.

۲ - همان، ص ۳۸۱.

۳ - همان، ص ۳۹۶.

۴ - همان، ص ۳۷۴.

**از همان ابتدا علاقه‌ای به تحصیل در علوم پزشکی نداشتم و آن را به خواسته اطرافیان و متأثر شدن از جو قبول کردم. در عین حال نسبت به تحصیل و فراگیری علوم حوزوی علاقمند هستم. چگونه می‌توانم از دوس پزشکی جدا شده و به تحصیل در حوزه علمیه بپردازم؟**

**پرسش**

از همان ابتدا علاقه‌ای به تحصیل در علوم پزشکی نداشتم و آن را به خواسته اطرافیان و متأثر شدن از جو

قبول کردم . در عین حال نسبت به تحصیل و فراگیری علوم حوزوی علاقمند هستم . چگونه می توانم از دوس پزشکی جدا شده و به تحصیل در حوزه علمیه بپردازم؟

## پاسخ

برای ورود به هر کاری و موفقیت در آن ابتدا به علاقه و سپس به پشتکار نیاز است . حتی یادگیری ابتدایی ترین حرفه و شغل بدون علاقه و جدیت غیر ممکن می نماید. علوم دینی شرط ویژه ای دارد:

۱\_ وضع مالی مناسب خانواده که حداقل تا ده سال شما را اداره نمایند و حضرت عالی شب و روز به تحصیل علوم دینی بپردازید تا به حد مطلوب برسید.

۲\_ معلوم نیست در رشته پزشکی موفق نباشید ، مضافا بر این که پس از پنج سال ترک رشته کردن بسیار مشکل است و حرف و حدیث خواهد داشت . جلب رضایت پدر و مادر و توجیه دوستان و بستگان نیز مشکل به نظر می رسد.

۳\_ اکنون برای شما تصمیم گیری بر بازگشت کمی پر خرج و دیر است . شما اینک در وسط راه تحصیل آن هم در حرفه حساس پزشکی هستید و صرف علاقه شدیدی که برای تحصیل علوم دینی دارید، مجوزی برای ترک تحصیل نمی شود ، حتی اگر پزشکی را تمام کنید، سپس با شرایطی که گفته شد طلبه شوید ، به مراتب بهتر است .

البته در صورتی که رضایت پدر و مادر و تأمین مخارج تحصیلی را فراهم فرمایید، چرا که تحصیل در حوزه علوم دینی با شرایط خاصی روبرو است . پس بهتر است کمی فکر کرده و حداقل دوره پزشکی را به اتمام برسانید . تا با خیالی راحت و به

صورت مستقل و آزاد و بدون داشتن چشم داشتی، تحصیل در مقاطع حوزوی را آغاز کنید.

علاقه ای که به تحصیل در علوم دینی دارید، ستودنی و تحسین بر انگیز است و اگر واقعا نمی خواهید تحصیل فعلی را ادامه دهید، باید خارج از شرایط و مزایای حوزه هدف خویش را پیش ببرید، چون اکنون افرادی که وارد حوزه علمیه می شوند، باید از شرط سنی دیگر شرایط برخوردار بوه و مشکل سربازی نداشته باشند تا بتوانند تحت پوشش برنامه های حوزه علمیه قرار گیرند.

شماره تلفن مدیریت حوزه علمیه قم در اختیار شما قرار می گیرد که با تماس با آن مرکز بهتر و بیشتر از وضع پذیرش و برنامه های حوزه علمیه قم مطلع شوید. ۱ - ۷۷۴۰۹۷۰ - ۰۲۵۱ بخش پذیرش.

اگر طی کردن مسیر ترقی را تنها در رسیدن به حوزه می دانید، ظرف را با مظروف اشتباه گرفته اید. در عصر حاضر عصری که در آن راه علم و تکامل مسدود نیست و نیز ارتباطات گسترده که انسان در هر گوشه از جهان می تواند بدان دست یابد، حوزه تنها مکان ترقی نیست. اگر هدف انسان پیمودن راه تعالی و تکامل است، پس فرقی نمیکند انسان هر کجا باشد، طبق آیه "فأینما تولوا فثم وجه الله؛ پس به هر جای که رو کنید، رو به خدا است" ۱. به خدا می رسید. انسان خدا شناس و بایمان در هر کجا و هر شغلی که باشد، چون نور می درخشد و الگوی هدایت قرار می گیرد.

۱ بقره (۲) آیه ۱۱۵.

**اینجانب داوطلب آزمون سراسری حوزه های علمیه می باشم. در صورت قبولی و اتمام سطح (یک) حوزه، چگونه می توان تحت پوشش سازمان تبلیغات اسلامی در آیم؟ به طور کلی بعد از سطح یک چه مشاغلی را یک روحانی می تواند عهده دار شود؟**

**پرسش**

اینجانب داوطلب آزمون سراسری حوزه های علمیه می باشم. در صورت قبولی و اتمام سطح (یک) حوزه، چگونه

می توان تحت پوشش سازمان تبلیغات اسلامی درآیم؟ به طور کلی بعد از سطح یک چه مشاغلی را یک روحانی می تواند عهده دار شود؟

### پاسخ

سطح یک حوزه علمیه قم معادل فوق دیپلم است. شرایط اشتغال در سازمان تبلیغات اسلامی و سایر نهادهایی که به روحانی احتیاج دارند، بستگی به زمان و مکان و عرضه و تقاضا دارد. نمی توان به طور حتم گفت که چند سال دیگر با مدرک سطح یک برای اشتغال پذیرش می شود، ولی با توجه به شرایط زمان و تعداد طلاب می توان حدس زد که با مدرک سطح یک شانس اشتغال در جای مناسب بسیار کم است.

البته کسی که مخلصانه برای خدا درس بخواند، با یاری خداوند ترقی کرده و به مقامات عالی دست می یابد.

### حوزه علمیه قم در چه سالی و با چه هدفی تأسیس شد.

### پرسش

حوزه علمیه قم در چه سالی و با چه هدفی تأسیس شد.

### پاسخ

در زمان قاجاریان چند مدرسه علمیه در قم ساخته شد، اما در سال ۱۳۴۰ ه ق مطابق با سال ۱۳۰۰ هجری شمسی حاج شیخ عبدالکریم حائری از اراک به قم هجرت کرد (۱) و با ورود او، علمای دیگر وارد قم شدند و حوزه علمیه قم، با هدف نشر و گسترش فقه جعفری و فرهنگ اسلامی شکل گرفت.

پی نوشت ها:

۱ - دایره المعارف فارسی مصاحب، ج ۲، ص ۲۰۸۰.

**علاقمند به تحصیل در رشته علوم و معارف اسلامی هستیم و چون این رشته در شهرستان وجود ندارد مجبور شدم در رشته علوم انسانی تحصیلاتم را ادامه دهم. الان به این نتیجه رسیده ام که دارم از استعداد خود دور می شوم. آیا در حوزه علمیه قم چنین وضعی وجود دارد که به آن جا**

### پرسش

علاقه‌مند به تحصیل در رشته علوم و معارف اسلامی هستم و چون این رشته در شهرستان وجود ندارد مجبور شدم در رشته علوم انسانی تحصیلاتم را ادامه دهم. الآن به این نتیجه رسیده‌ام که دارم از استعداد خود دور می‌شوم. آیا در حوزه علمیه قم چنین وضعی وجود دارد که به آن جا بیایم؟

### پاسخ

برادر عزیز و گرامی! شکی نیست که امروزه قم مرکز علم و معارف اسلامی است و امام این که همه بتوانند در هر وضعی برای تحصیل علم، به قم بیایند، بحث دیگری است. اکنون شما تشنه معارف اسلامی هستید و استعداد خود را در این راه آزموده‌اید، اما این که بتوانید به قم بیایید شاید از شرایط لازم برخوردار نباشید. بهتر است توان خود را در رشته‌هایی که به نوعی با معارف اسلامی هم خوانی دارند، به کار برید، تا موفقیت کسب کنید. با نبود رشته مورد علاقه تان در شهرستان انتخاب رشته‌های موازی و همخوان اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

اگر دارای شرایط لازم برای ورود به حوزه علمیه قم هستید، فرصت را غنیمت بشمرید. ضمناً برگه پیوست را مطالعه را بخوانید.

### آیا امکان دارد فردی هم زمان در دانشگاه و حوزه تحصیل کند؟

### پرسش

آیا امکان دارد فردی هم زمان در دانشگاه و حوزه تحصیل کند؟

### پاسخ

خواهر گرامی! در چند ساله اول که دروس حوزه فشرده است و طلاب چند سالی را موظف‌اند در حوزه بمانند حوزه اجازه تحصیل در دانشگاه را نمی‌دهد، ولی پس از گذراندن آن مرحله می‌توانند در کنار تحصیل دروس حوزوی به تحصیلات دانشگاهی نیز بپردازند. البته باید اذعان کرد که این امر بسیار مشکل است و شاید آسان‌ترین آن ادامه تحصیلات دانشگاهی در دانشگاه پیام نور است که حضور در کلاس ندارد. هر چند نیازی به آن هم نیست؛ زیرا بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، و طبق برنامه خاص، مدرک معادل مانند کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا داده می‌شود و در صورت استخدام در ارگان‌ها همان مزایا را دارد.

### حوزه علمیه از نظر روایات و آیات چه جایگاهی دارد؟

### پرسش

قرآن مجید تفقه در دین و فراگیری معارف و احکام اسلام را وظیفه شرعی و واجب کفایی می داند و می فرماید: "شایسته نیست مؤمنان همگی به سوی جهاد کوچ کنند. چرا از هر گروهی طائفه ای از آنان کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آن ها را انداز نمایند تا بترسند و خودداری کنند؟" ۱۱

آیه فوق بر وجوب تعلیم و تعلم در مسائل اسلامی دلالت دارد و حوزه علمیه به انجام این وظیفه مبادرت ورزیده است. امام صادق (ع) در تشویق پیروان خویش بر شناخت حلال و حرام می فرماید: "کاهش بر سر اصحابم تازیانه باشد تا حلال و حرام را دقیق بشناسند" ۱۲.

رسول گرامی اسلام (ص) علم سودمند را در سه چیز می داند: آیه محکم، فریضه عادلّه و سنت پا برجاء. ۱۳

مرحوم فیض کاشانی در تفسیر این روایت می گوید: علم حقیقی آن است که دانستن آن برای معاد و قیامت مفید باشد. علم سودمند به سه قسم منحصر شده است: آیه محکم که همان اصول عقاید است و فریضه عادلّه که اشاره به علم اخلاق است و سنت قائمه که اشاره به احکام شریعت است. در حوزه علمیه این سه رشته دیده می شود. بنابراین می توان گفت علم سودمند را باید در حوزه علمیه جستجو کرد. البته علوم دیگر نیز در جای خود برای بهبود وضع مردم و رفع نیازها مفید است ولی در مقایسه با این سه در رتبه پایین تری قرار دارد.

۱۱ توبه ( ) آیه ۱۲۲.

۱۲ بحار الأنوار ج ۱، ص ۲۱۳.

**دوست دارم به مراتب عالی علم و ایمان برسم و طالب خوب ترین هستم. می خواهم در حوزه علمیه درس بخوانم و تحصیلات در رشته های مهم دانشگاهی را داشته باشم و این دو برای من میسر نیست. لطفاً مرا راهنمایی کنید.**

### پرسش

دوست دارم به مراتب عالی علم و ایمان برسم و طالب خوب ترین هستم. می خواهم در حوزه علمیه درس بخوانم و تحصیلات در رشته های مهم دانشگاهی را داشته باشم و این دو برای من میسر نیست. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

### پاسخ

برادر گرامی! آرمان خواهی و کمال طلبی از ویژگی های دوران جوانی است و این مشخصه در شما به وضوح دیده می شود. البته تحصیل همه کمالات و خوبی ها و انتخاب بهترین ها یک خواسته و آرزوی تحقق ناپذیر است که تنها در عالم رویا و تخیل پرورش می یابد، که متأسفانه به دلیل محدودیت ها

و موانع امکان ندارد ولی با واقع بینی و در نظر گرفتن شرایط می توان به بخش اعظمی از کمالات دست یافت.

در نامه از دو هدف بزرگ یعنی کسب مقامات معنوی و خدمت به نظام اسلامی یا کرده ایم که ترسیم این دو حاکی از روح متعالی و فکر بالنده شما است اما رسیدن به اهداف مذکور را به تحصیل در حوزه و رشته های خاص دانشگاهی موقوف دانسته اید، در حالی که به نظر می رسد در هر حال می توان به این دو منظور نائل شد. نه پیمودن مراتب سیر و سلوک منوط به تحصیلات حوزوی است و نه خدمت در خط مقدم تقویت نظام به تحصیلات دانشگاهی وابسته است. ما در طول تاریخ افراد بی نام و نشانی را می بینیم که حتی سواد خواندن و نوشتن نداشته اند ولی با سیر و سلوک و تهذیب نفس به مقامات معنوی دست یافته اند مانند مرحوم کربلانی کاظم، مرد بی سوادى که ناگهان حافظ قرآن کریم شد. (۱)

شهید رجایی بدون اخذ مدرک دکترا یا مهندسی در خط مقدم خدمت به نظام اسلامی قرار گرفت.



از طرفی آن چه به کار انسان اهمیت می دهد نیت خالص و انگیزه پاک است. ما نباید ظاهر کار را ببینیم و یا رضایت و لذت بردن خود را در نظر بگیریم. اگر مقصود کسی کسب رضایت الهی باشد، در حقیقت به موقعیت نهایی دست یافته است گر چه به حسب ظاهر جایگاه رفیعی را احراز نکرده باشد. اگر در اندیشه رسیدن به تعالی، اختیارات و شرایط و امکانات را در نظر نگیریم همواره در حسرت از دست دادن فرصت ها نگران خواهیم بود و آرامش روحی را از دست خواهیم داد.

با نگرشی که شما دارید حتی اگر به موفقیت های بزرگی دست یابید باز با مقایسه با مراحل دیگر احساس ناخرسندی خواهید کرد. البته همت بلند داشتن و به افق های دور نظر افکندن برای کسب موفقیت لازم است:

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند به جایی رسیده اند

اما کسی که بیش از میزان توانایی و حد معقول اعتماد به خویشتن دارد و در این خصوص مبالغه و غلو می کند و راه افراط و گزافه در خوش بینی نسبت به خود می پیماید، چه بسا دچار خود برترینی شود و به اشتباهاتی دست زند و یا به دلیل نرسیدن به اهداف خود، از زندگی لذت نبرد و به دام افسردگی و پریشانی و اضطراب گرفتار آید. بنابراین به شما توصیه می کنیم با توجه به شرایط کنونی و امکانات موجود برنامه ریزی کنید و با تقلیل خواسته ها و در نظر گرفتن همه ابعاد و پرهیز از افراز و تفریط و احساس رضایت از زندگی، از ظرفیت موجود استفاده بیش تر ببرید و با جدیت در

امر تهذیب و خدمت به جامعه در حدی که مقدورتان است اهتمام ورزید که خداوند بیش از توانایی از شما تکلیف نخواسته است.

پاورقی:

۱ - بهاء الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن، ج ۲، ص ۱۸۷۰.

**آیا در حوزه علمیه هم چیزی شبیه پیام نور وجود دارد که فقط امتحان بگیرند؟**

**پرسش**

آیا در حوزه علمیه هم چیزی شبیه پیام نور وجود دارد که فقط امتحان بگیرند؟

**پاسخ**

برادر گرامی! در حوزه علمیه چنین برنامه ای وجود ندارد و کلاس ها معمولاً حضوری انجام می شود، ولی اگر به دروس حوزه علاقه مند می باشید می توانید از نوارهای درسی حوزه استفاده کنید. کلیه دروس حوزه در نوار کاست در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم موجود است و با شرایطی به صورت امانی در اختیار شهرستانی ها قرار می دهد با شماره تلفن دفتر تبلیغات ۹۲ ۷۷۴۳۱۸۹ ۰۲۵۱ قسمت نوارخانه را بخواهید و جزئیات آن را جویا شوید. هم چنین معادل سازی دروسی مانند تاریخ اسلام عربی، اخلاق و غیره در حوزه صورت نمی گیرد.

دروس غیر حضوری حوزه در مؤسسه پژوهشی امام خمینی در قم به صورت رایگان و ارسال نوار مجانی در گرایش الهیات و معارف اسلامی دایر است. مدت دوره حدود ۴ سال است. برای اطلاع بیشتر می توانید با شماره تلفن ۲۹۳۲۳۲۸ تماس بگیرید.

**در اداره کارمند روحانی داریم. وی در ماه های محرم و رمضان اداره را ترک می کند و در سائر ایام نیز به موقع رفت و آمد نمی کند و منظم نیست ولی حقوق و اضافه کاریش را کامل می گیرد و با افراد شوخی می کند و گاهی دروغ می گوید! آیا می توانیم به ایشان اقتدا کنیم؟**

**پرسش**

در اداره کارمند روحانی داریم. وی در ماه های محرم و رمضان اداره را ترک می کند و در سائر ایام نیز به موقع رفت و آمد نمی کند و منظم نیست ولی حقوق و اضافه کاریش را کامل می گیرد و با افراد شوخی می کند و گاهی دروغ می گوید! آیا می توانیم به ایشان اقتدا کنیم؟

چون از نزدیک با روحانی مذکور آشنا نیستیم و اعمال و رفتار او را ندیده ایم نمی توانیم درباره او قضاوت کنیم. ولی روحانی باید در نظم و انضباط کاری و در اخلاق اسلامی و تواضع و فروتنی الگوی دیگران باشد. نیز در تقید به حلال و حرام و آداب اسلامی، سرآمد دیگران باشد. در روایت آورده است: "عالمی که به علمش عمل نکند خداوند او را نایبنا محشور می گرداند".

قرآن از کسانی که به گفتارشان عمل نمی کنند مذمت می کند. "لم تقولن ما لا تفعلون". [۱] گرچه کلمه عالم در روایت و این آیه شریفه مخصوص روحانی ها و کسانی که دروس دینی خوانده اند نیست و شامل همه درس خوانده ها می شود ولی روحانیون به این خطاب ها سزاوارتر هستند.

بدی و کوتاهی کردن در انجام وظایف و انجام خلاف قانون از آنان بسیار بد و مذموم است. البته روحانیون در ماه محرم و رمضان که ایام تبلیغی است وظیفه دارند به مناطقی که نیاز به روحانی دارد بروند اما باید این دو ماه را مرخصی بگیرند و بعداً جبران نمایند. در سایر ایام باید در انضباط کاری دقیق و قانون مند و منظم باشند.

در نماز جماعت باید امام جماعت عادل و با تقوا باشد و مأموم

عدالت امام جماعت را احراز کند. البته حُسن ظاهر و ندیدن گناه از او برای احراز عدالت کافی است. اگر شما شخصی را آدم ظاهر الصلاحی دیدید و گناهی از او ندیده باشید

می توانید به او اقتدا کنید، ولی اگر گناه از او دیده باشید نمی توانید به او اقتدا کنید.

[۱] محمدی ری شهری، میزان الحکمه، عنوان ۲۸۹۵.

**آیا می شود همراه درس دانشگاه، دروس حوزه را خواند و یا به صورت غیر حضوری فقط تابستان شرکت کرد و امتحان داد؟**

**پرسش**

آیا می شود همراه درس دانشگاه، دروس حوزه را خواند و یا به صورت غیر حضوری فقط تابستان شرکت کرد و امتحان داد؟

**پاسخ**

در خصوص هماهنگی دروس حوزوی و دانشگاهی بیان نکات زیر ضروری است:

۱) علاقه و استعداد: ادامه تحصیل در دانشگاه و حوزه استعداد و قابلیت خاص خودش را می طلبد، زیرا دانشگاه ها زمان ها و کتاب های مخصوص خود را دارند. حوزه های علمیه نیز کتاب های خاصی داشته و زمان خاص خود را می طلبد؛ از این رو باید استعداد و علاقه وجود داشته باشد که بتوان از هر دو مرکز علمی بهره گرفت و علوم حوزوی و دانشگاهی را هماهنگ نمود و هر دو را در عرض هم پیشبرد و اگر نشد، در طول هم ادامه داد.

۲) همخوانی رشته ها: بی تردید برخی از رشته های دانشگاه ها و حوزه های علمیه همسویی ندارد، مانند رشته اصول فقه در حوزه با رشته برق و الکتروتکنیک. البته برخی از رشته های حوزوی با علوم و رشته های دانشگاهی همسویی دارد؛ مانند رشته ادبیات عرب با رشته ادبیات در حوزه علمیه یا فقه و حقوق با حقوق دانشگاهی. اگر رشته های حوزوی با دانشگاه تا اندازه ای همسویی داشته باشد، می توان ادامه تحصیل را هماهنگ نمود.

۳) شناخت شرایط و معیارهای حوزه: برای تحصیل در حوزه باید شرایط و امکانات و اهداف آن را شناخت. جهت اطلاعات بیشتر در خصوص شرایط و تحصیل در حوزه باید با مرکز مدیریت حوزه مکاتبه نموده و معیارها و شرایط خویش را با آن مرکز همسو نمایید.

۴) نظریه نهایی: به نظر می رسد با توجه به گستردگی

علوم حوزوی و دانشگاهی و عدم موفقیت در تحصیل علوم مختلف، اگر تحصیل در رشته های خاص متمرکز گردد، بهتر است، زیرا چند کتاب از حوزه خواندن و چند کتاب از دانشگاه خواندن، نوعی پراکندگی در تحصیل است که با تحصیلات قانون مند همخوانی ندارد. البته دانشگاهیان با حوزویان می توانند تبادل اطلاعات داشته و از علوم همدیگر آگاهی یابند؛ زیرا در حوزه های علمیه برخی از رشته ها با علوم دانشگاهی همخوانی دارند. از سوی دیگر آشنایی دانشجویان با نظام آموزشی حوزه و آشنای حوزویان با نظام آموزشی دانشگاه بهترین راهکار جهت وحدت حوزه و دانشگاه خواهد بود.

**مشتاق مهاجرت به قم و تحصیل در حوزه علمیه هستم، آیا با توجه به وضع این جانب، این کار میسر است؟**

**پرسش**

مشتاق مهاجرت به قم و تحصیل در حوزه علمیه هستم، آیا با توجه به وضع این جانب، این کار میسر است؟

**پاسخ**

برادر گرامی! با آرزوی توفیق و سلامتی برای شما از این که مشتاق تحصیل و سکونت در شهر مقدس قم هستید به شما تبریک می گوئیم. پاسخ تمام سؤال های شما در برگه پذیرش و نحوه ثبت نام در حوزه علمیه قم موجود است که برایتان ارسال می شود. اگر نیاز به پاسخ خاص و یا توضیح بیشتری داشتید، می توانید با شماره تلفن های موجود در برگه ارسالی، یا مرکز مدیریت حوزه تماس بگیرید. البته شرایطی که معمولاً هنگام پذیرش برای هر کاری وجود دارد، نسبت به افراد عادی، روی روال عادی می باشد، ولی در مورد شما مسئله فرق می کند و به کوشش و جدیت زیادی نیاز دارد، گویا وارد شهری شده اید و باید از صفر شروع کنید و مسائلی چون مسکن، شغل، درآمد و غیره را در نظر بگیرید. در عین حال مقصد و هدفی مترقی و متعالی دارید. امید است با کمک و مدد الهی به آن چه می خواهید برسید. با توجه به این که شاغل هستید می توانید با حوزه علمیه شهرتان تماس بگیرید و دروس حوزه را با استفاده از استاد فرا بگیرید.

**علاقه به درس خواندن در حوزه علمیه را دارم اما به علت بالا بودن سن مورد پذیرش قرار نگرفتم در صورت امکان راهنمایی نمایید.**

**پرسش**

علاقه به درس خواندن در حوزه علمیه را دارم اما به علت بالا بودن سن مورد پذیرش قرار نگرفتم در صورت امکان راهنمایی نمایید.

**پاسخ**

خواهر گرامی! حوزه علمیه مانند مراکز فرهنگی دیگر شرایط و ضوابط خاص خود را دارد و یکی از آن ها شرط سنی است. این قانون برای حوزه هایی که تحت برنامه و زیر نظر حوزه علمیه قم هستند، جاری است و حوزه علمیه شهرستان نمی تواند بر خلاف این مقررات عمل نماید. اگر به فراگیری دروس حوزوی

علاقه مندید، باید از اساتید و علمای شهرتان استفاده کنید، حتی از خواهرتان که درس می خواند، می توانید یاد بگیرید و یا استاد خصوصی بگیرید و یا از حوزه شهرتان بخواهید به طور غیر رسمی در کلاس درس شرکت کنید و در بخش غیر حضوری جامعه الزهرا شرکت نمایید. این مرکز در قم قرار دارد و با امتحان ورودی افراد را بر می گزیند و به صورت مکاتبه و ارسال کتب و جزوه و نوار، دروس حوزه را در اختیارشان قرار می دهد ولی مدرک معتبری ندارد، گرچه می تواند در اولویت استخدام قرار بگیرد. برای آشنایی شما با این مرکز اطلاعیه ای را ضمیمه نامه می کنیم.

**در دانشگاه تحصیل می کنم، اما علاقه خاصی به فراگیری علوم حوزوی دارم، لطفاً نحوه ثبت نام و شرایط آن را ذکر فرمایید.**

**پرسش**

در دانشگاه تحصیل می کنم، اما علاقه خاصی به فراگیری علوم حوزوی دارم، لطفاً نحوه ثبت نام و شرایط آن را ذکر فرمایید.

**پاسخ**

برادر گرامی! ثبت نام و حضور در حوزه مقدسه قم با محدودیت های خاص همراه است. داشتن سنّ و نمرات درسی مناسب و دیگر شرایط مربوطه، الزامی است. در هر حال تلاش و جدیت و نیز علاقه ای که به فراگیری تحصیل در حوزه های دینی را دارید، قابل تحسین و تقدیر است.

شما اکنون مشغول تحصیل در دانشگاه می باشید و لازم است از فرصت پیش آمده حداکثر استفاده را بکنید و با توجه به این که دارای روحیه مذهبی و معنوی هستید از این موهبت بهره جسته و در خدمت جامعه اسلامی باشید. در عین حال چون مشتاق تحصیل در حوزه مقدسه اسلامی هستید، می توانید از طریق برگه ارسالی به وضعیت ثبت نام حوزه آشنا شوید و یا با شماره تلفن ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۹۷۱ پذیرش حوزه علمیه تماس بگیرید.

**چرا مرکز مدیریت حوزه علمیه قم برای طلبه شدن شرایط مشکلی درست کرده است؟**

**پرسش**

چرا مرکز مدیریت حوزه علمیه قم برای طلبه شدن شرایط مشکلی درست کرده است؟

## پاسخ

با توجه به زیاد بودن متقاضی تحصیل در حوزه علمیه قم و نبودن امکانات کافی برای پذیرش همه، بهناچار باید برای پذیرش شرایطی باشد تا از بین متقاضیان، واجدین شرایط و صاحب امتیازهای بیشتر و بهتر برای تحصیل گزینش شوند، مانند همه مراکز علمی و دانشگاهی. بنابراین پذیرفتن همه داوطلبان تحصیل در حوزه علمیه قم به لحاظ نبودن امکانات است، نه به خاطر طرد آنان و نبودن علاقه به تحصیل آنان.

## شرایط تحصیل آزاد در حوزه علمیه قم چیست؟

### پرسش

شرایط تحصیل آزاد در حوزه علمیه قم چیست؟

## پاسخ

تحصیل آزاد هیچ گونه شرطی ندارد. فقط باید هزینه زندگی در قم را از قبیل اجاره خانه و مخارج روزانه، خود محصل فراهم نماید. یادآوری می شود کسی که مایل به رشته علوم حوزوی می باشد، بهتر است مقدمات را در شهر و دیار خود تحصیل نماید و برای ادامه تحصیل به قم مشرف شود.

## چرا غیر از قم شهر های دیگر از نظام مرکز مدیریت قم خارج است؟

### پرسش

چرا غیر از قم شهر های دیگر از نظام مرکز مدیریت قم خارج است؟

## پاسخ

شهر های دیگر که دارای مدرسه های علمیه اند، به ویژه مشهد مقدس و اصفهان که نام برده اید، اکثراً زیر نظر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم می باشد و تحت برنامه این مدیریت اداره می شوند.

**دختری هستم بیست و دو سال دارم. ترک تحصیلی سال اول دبیرستان می باشم و به خاطر مشکلات مادی و خانوادگی نتوانستم ادامه تحصیل دهم. علاقه دارم در جامعه الزهرا ادامه تحصیل دهم. لطفاً در مورد شرایط ثبت نام توضیحاتی بدهید.**

## پرسش

دختری هستم بیست و دو سال دارم. ترک تحصیلی سال اول دبیرستان می باشم و به خاطر مشکلات مادی و خانوادگی نتوانستم ادامه تحصیل دهم. علاقه دارم در جامعه الزهرا ادامه تحصیل دهم. لطفاً در مورد شرایط ثبت نام توضیحاتی بدهید.

## پاسخ

شرکت در حوزه علمیه خواهران (جامعه الزهراء) شرایطی دارد. جهت آگاهی از شرایط و برنامه های جامعه اطلاعیه پذیرش به پیوست ارسال می گردد. در صورت ابهام با شماره تلفنی که داده شده، تماس بگیرید.

**طلبه با مدرک سیکل با طلبه با مدرک دیپلم پایه شش حوزه را به اتمام می رسانند. آیا هر دو دارای یک مدرک حوزوی هستند یا با هم فرق می کنند؟ آیا هر دو را مدرک لیسانس می دهند یا تفاوت دارند؟**

## پرسش

طلبه با مدرک سیکل با طلبه با مدرک دیپلم پایه شش حوزه را به اتمام می رسانند. آیا هر دو دارای یک مدرک حوزوی هستند یا با هم فرق می کنند؟ آیا هر دو را مدرک لیسانس می دهند یا تفاوت دارند؟

## پاسخ

طلبه هایی که پایه شش حوزه را اتمام می کنند، چه دیپلم و چه سیکل داشته باشند، از نظر مدرک حوزوی یکسان هستند. برای اطلاع بیشتر با شماره تلفن ۴-۷۷۴۰۹۷۱ قسمت مدارج علمی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم تماس بگیرید.

**آیا در قم به طلبه دختر شهریه می دهند؟ ماهانه چقدر شهریه می دهند؟ آیا به طلابی که متأهل هستند، مسکن می دهند؟**

## پرسش

آیا در قم به طلبه دختر شهریه می دهند؟ ماهانه چقدر شهریه می دهند؟ آیا به طلابی که متأهل هستند، مسکن می دهند؟

## پاسخ

به طلاب دختر مقداری شهریه پرداخت می کنند. مقدار آن بستگی به سال تحصیلی و درجات علمی دارد.



به طلاب متأهل مسکن نمی دهند، گر چه فعلاً شهرکی در اطراف قم ساخته شده که با شرایطی به برخی از طلاب متأهل به طور موقت خانه هایی داده می شود. برای اطلاع بیشتر به شماره تلقن ۲۹۲۵۱۱۱ جامعه الزهرا تماس بگیرید.

**جهت ارتباط مستمر با حوزه علمیه قم و دفاتر مراجع تقلید و حضرات آیات راهنمایی و مساعدت فرمایید.**

**پرسش**

جهت ارتباط مستمر با حوزه علمیه قم و دفاتر مراجع تقلید و حضرات آیات راهنمایی و مساعدت فرمایید.

**پاسخ**

می توانید با مرکز مطالعات و پژوهش های مرکز مدیریت حوزه علمیه قم به نشانی قم ص . پ ۴۴۶۶ ۳۷۱۸۵ مکاتبه کنید. شماره تلفن دفاتر برخی از مراجع عظام تقلید به شرح زیر است:

۱ دفتر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ۷۷۴۶۶۶۶ ۷۴۷۴

۲ دفتر آیت الله فاضل لنکرانی ۷۷۲۰۵۰۰

۳ دفتر آیت الله مکارم شیرازی ۷۷۴۳۱۱۱

۴ دفتر آیت الله نوری همدانی ۷۷۴۱۸۵۰

۵ دفتر آیت الله بهجت ۷۷۰۲۲۲ ۷۷۴۰۲۲۰

**لباس روحانیت (عمامه و عبا) از چه زمانی مرسوم شد؟**

**پرسش**

لباس روحانیت (عمامه و عبا) از چه زمانی مرسوم شد؟

**پاسخ**

در حوزه تعلیماتی اسلام در خصوص چگونگی گزینش لباس و انتخاب رنگ آن شرایط و آداب خاص پیش بینی شده است در برخی از روایات به پوشیدن برخی از لباس ها سفارش شده است بزرگان دینی نیز از آنها بهره می گرفتند تا به عنوان سنت

پذیرفته گردند و مقبول جامعه شود. از جمله لباس هایی که در آموزه های دینی بدان سفارش شده عمامه است پیامبر اسلام (ص فرمود: "تفاوت میان ما و مشرکان عمامه روی کلاه است. از جابر نقل شده است که چون پیامبر (ص در فتح مکه وارد شهرشد، عمامه سیاه بسر داشت همچنین از پیامبر (ص گزارش شده است که در روی غدیر عمامه ای برسر علی (ع بست و دور سر آن را بین دو کتف او رها نمود.

بزرگان دین و علمای اسلامی و حتی مردم عادی در طول تاریخ از عمامه استفاده می کردند، اگر چه رنگ پارچه و نحوه بهره گیری از آن به حسب شرایط زمان و مکان تفاوت داشته است تاید بر اساس سفارش معصومان (ع، بوده است که علمای دین از عمامه بهره گرفته اند.

امروزه روحانیت از عمامه استفاده می کنند تا عملاً اثبات کنند که به پیامبر اسلام و معصومان دیگری اقتدا نموده اند. از سوی دیگر عمامه یکی از شاخصه هایی به حساب می آید که بوسیله آن می توان کارشناسان و متخصصان دین را شناخت پوشیدن این لباس موجب می شود که روحانیت شناخته شده و مردم مسایل دینی و شرعی خویش را از آنان پرسیده و احکام

اسلامی را از آنان یادگیرند. از جهت دیگر به جهت شباهت رساندن به لباس پیامبر در جامعه از قداست بر خوردار است

پوشیدن عمامه اختصاص به روحانیت ندارد، بلکه افراد دیگر جامعه نیز از آن استفاده می کنند. امروزه در برخی از روستاهای ایران از عمامه استفاده می کنند، حتی در جوامع دیگر از عمامه استفاده می کردند اگر چه استفاده از آن رواج و گسترش نیافت

استفاده از عبا نیز پیشینه طولانی دارد. میان اعراب به خصوص اعراب بدوی بهره گیری از عبا رواج داشته و در کشورهای اسلامی بویژه کشورهای عربی نیز رایج است حتی برخی از زنان عرب از آن استفاده می کنند. در ایران عبا از نشانه های علمای دین به حساب آمده و معمولاً آن ها از این لباس استفاده می کنند.

**در حوزه علمیه قم خواهران تا چه سطحی تحصیل می کنند؟ آیا شهریه می گیرند؟**

**پرسش**

در حوزه علمیه قم خواهران تا چه سطحی تحصیل می کنند؟ آیا شهریه می گیرند؟

**پاسخ**

حوزه علمیه خواهران مثل حوزه علمیه برادران سطح خاصی ندارد. هر طلبه ای با توجه به شرایط خود تا جایی که استعداد و ظرفیت دارد، می تواند درس را ادامه دهد. اما بعضی مراکز حوزوی مانند جامعه الزهراء دوره های خاصی را برای تحصیل خواهران در نظر گرفته اند، مثل دوره چهار ساله برای خواهرانی که به طور حضوری به تحصیل می پردازند و دوره هفت ساله برای کسانی که به صورت غیر حضوری از طریق نوار و جزوه به تحصیل می پردازند. البته برای طلبه هایی که حضوری درس می خوانند، مسکن و شهریه در نظر گرفته شده است

**اینجانب با مدرک لیسانس معارف الهی "الهیات" مشغول انجام وظیفه هستم. آیا می توانم دروس حوزوی بخوانم و مدرک فوق لیسانس یا دکترا بگیریم! اگر می توانم در کجا و با چه شرایطی؟**

**پرسش**

اینجانب با مدرک لیسانس معارف الهی "الهیات" مشغول انجام وظیفه هستم. آیا می توانم دروس حوزوی بخوانم و مدرک فوق لیسانس یا دکترا بگیریم! اگر می توانم در کجا و با چه شرایطی؟

**پاسخ**

خواندن دروس حوزوی برای همگان آزاد است. می توانید همراه با کارتان درس های حوزوی را بخوانید. برای این کار در شهرتان اگر حوزه علمیه هست یا عالم و روحانی با سواد هست، می توانید با هماهنگی او درس های حوزوی را بخوانید. اگر درس های حوزوی را خوب بخوانید، به راحتی و آسانی می توانید در امتحان کارشناسی ارشد دانشگاه شرکت کرده و قبول شوید

و مدرک فوق لیسانس یا دکترای از دانشگاه بگیرید. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه با مرکز مدیریت حوزه علمیه قم به شماره ۷۷۴۰۹۶۶ و ۷۷۴۰۹۱۷۴ تماس بگیرید.

**اگر بخواهیم دروس حوزوی را بخوانیم، از چه طریقی ممکن است؟ در صورتی که شاغل باشیم چطور**

**پرسش**

اگر بخواهیم دروس حوزوی را بخوانیم، از چه طریقی ممکن است؟ در صورتی که شاغل باشیم چطور

**پاسخ**

تحصیل دروس حوزوی از دو طریق ممکن است: ۱- طبق مقررات و شرایط مدیریت حوزه های علمیه که شرایط آن همه ساله در روزنامه ها اعلام می ود؛ نیز می توانید از حوزه علمیه محل سکونت خود سؤال بفرمایید.

۲- آزاد. بدین صورت که به حوزه علمیه محل سکونت خود مراجعه نموده و با هماهنگی یکی از اساتید روحانی تحصیل را شروع کنید، یا مراکزی که به صورت غیر حضوری ثبت نام می کنند و امکانات را در اختیار شخص قرار می دهند.

**چگونه می توانم از دروس حوزوی بهره مند شوم؟ آیا با وجود داشتن لیسانس می توانم در مقطع کارشناسی ارشد به صورت مکاتبه ای دروس حوزوی بخوانم؟**

**پرسش**

چگونه می توانم از دروس حوزوی بهره مند شوم؟ آیا با وجود داشتن لیسانس می توانم در مقطع کارشناسی ارشد به صورت مکاتبه ای دروس حوزوی بخوانم؟

**پاسخ**

افرادی که لیسانس دانشگاهی دارند، برای فراگیری دروس حوزوی باید از ابتدا شروع کنند، یعنی حوزه لیسانس را به منزله

مقطع کارشناسی حوزه نمی شناسد تا به مقطع کارشناسی ارشد راه یابند. بنابراین افرادی که لیسانس دارند، با افرادی که دیپلم دارند، از نظر حوزه یکسان اند و طبق برنامه باید دروس منظور شده را پشت سر بگذارند. اگر به دروس حوزه علاقه مندید می توانید به صورت انفرادی عمل نمایید، به این شکل که با استادی از حوزه هماهنگ کنید و در درس ایشان حاضر شوید و یا به طور مستمع آزاد از دروس ایشان استفاده نمایید.

حوزه علمیه برادران برنامه مکاتبه ای برای داوطلبان ندارد و همه مراحل حضوری انجام می گیرد.

**اینجانب دانشجویی ۲۴ ساله ام و الحمدلله از نظر شغلی و معیشتی مشکلی ندارم. علاقه مند به تحصیل در حوزه می باشم، ولی به علت سن زیاد، قادر به تحصیل در دوره روزانه نمی باشم. خواهشمندم در خصوص چگونگی تحصیل غیر حضوری در حوزه علمیه، بدون توجه به مدرک و شهریه ا**

### **پرسش**

اینجانب دانشجویی ۲۴ ساله ام و الحمدلله از نظر شغلی و معیشتی مشکلی ندارم. علاقه مند به تحصیل در حوزه می باشم، ولی به علت سن زیاد، قادر به تحصیل در دوره روزانه نمی باشم. خواهشمندم در خصوص چگونگی تحصیل غیر حضوری در حوزه علمیه، بدون توجه به مدرک و شهریه اینجانب را راهنمایی فرمایید.

### **پاسخ**

برادر بزرگوار! ضمن تقدیر و تشکر از اعتماد و مکاتبه شما با این مرکز و آرزوی توفیق و موفقیت بیشتر برای شما از درگاه حضرت احدیت.

با توجه به شوق و علاقه ای که در شما نسبت به تحصیل در حوزه علمیه و استفاده معنوی و علمی از حوزه وجود دارد، پیشنهاد می کنیم در وهله اول به حوزه علمیه شهر یا مرکز استان خودتان مراجعه نموده و در این خصوص با علما و مسئولان محترم حوزه آنجا صحبت و مشورتی داشته باشید. اگر بخواهید از مباحث علمی و دینی حوزه علمیه قم استفاده بیشتری را ببرید، بعضی از مؤسسات و مراکز، همانند مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (که تحت نظر حضرت استاد آیه الله مصباح یزدی اداره می شود) وجود دارد که به صورت غیر حضوری و پاره وقت و از طریق آزمون و امتحان، اقدام به جذب افرادی همانند شما می نماید.

برای پی بردن بیشتر به جزئیات این مراکز می توانید با شماره مرکز مدیریت حوزه علمیه قم ۰۷۷۴۰۹۷۱-۴-۰۲۵۱-۰۲۵۱ معاونت آموزش و یا پذیرش، تماس حاصل فرمایید.

**در حال اتمام تحصیلات دانشگاهی هستم و علاقه مند به گذراندن دروس حوزوی مخصوصاً فقه و فلسفه هستم. اولاً ورود به حوزه چه شرایطی دارد و چه مراحل را باید گذرانند، ثانیاً آیا با تحصیلات حوزوی، اشتغال به کار در رشته تحصیلاتم برایم مقدور است؟**

## پرسش

در حال اتمام تحصیلات دانشگاهی هستم و علاقه مند به گذراندن دروس حوزوی مخصوصاً فقه و فلسفه هستم. اولاً ورود به حوزه چه شرایطی دارد و چه مراحل را باید گذرانند، ثانیاً آیا با تحصیلات حوزوی، اشتغال به کار در رشته تحصیلاتم برایم مقدور است؟

## پاسخ

برادر گرامی! از ارتباط و اعتماد شما تشکر می کنیم.

پذیرش مرکز مدیریت حوزه علمیه قم هر سال همزمان با ثبت نام از دانش آموزان و دانشجویان در سطوح مختلف، تعدادی از فارغ التحصیلان دانشگاه را که دارای مدرک کارشناسی هستند، پذیرش می کند.

می توانید به مرکز فوق مراجعه کنید و اطلاعات و فرم ثبت نام را دریافت دارید، یا با شماره تلفن ۷۷۴۰۹۶۶ و ۷۷۴۰۹۷۱-۴ تماس بگیرید.

## حوزه علمیه نجف توسط چه کسی و در چه تاریخی ساخته شد؟

## پرسش

حوزه علمیه نجف توسط چه کسی و در چه تاریخی ساخته شد؟

## پاسخ

حوزه علمیه نجف توسط شیخ الطایفه، محمد بن حسن طوسی، در سال ۴۴۷ یا ۴۴۹ هجری قمری تأسیس شد.

توضیح این که در سال ۴۴۷ طغرل بیک سرسلسله سلجوقیان به بغداد حمله کرد و بر دولت بویه‌یان (آل بویه) پیروز گردید. لشکر ترکان سلجوقی به محله های شیعه نشین بغداد، از جمله محله های "کرخ" یورش بردند. کتابخانه مهم شیخ الطایفه را که در این محله بود به آتش کشیدند که ضربه سهمگین بر فرهنگ اسلامی و شیعی به شمار می آید.

شیخ طوسی با ستم های فراوان ترکان سلجوقی نتوانست در آن جا بماند و به فعالیت های فرهنگی خویش پردازد؛ ناچار به جوار مرقد امام علی (ع) نجف اشرف هجرت نموده بعد از هجرت ایشان به نجف و برقراری کرسی تدریس، طالبان علوم و معارف اسلامی از هر سو به نجف رو آوردند. از آن تاریخ تاکنون حدود هزار سال می گذرد، حوزه علمیه نجف یکی از مهم ترین حوزه های علمیه شیعه به شمار می آید. (۱)

پی نوشت ها:

۱ - غلام حسین مصاحب، دائرالمعارف فارسی، ج ۳، ص ۳۰۱۱؛ عباس علی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، ص ۳۲ و ۳۳.

حوزه علمیه قم در چه تاریخی تأسیس شد؟

پاسخ: در مورد شهرستان قم اجمالاً به اطلاع می رسانیم: در قرن اول اسلامی قبیله اشعری که خاندان بزرگی از شیعیان یمن بودند و نسبت به خاندان پیامبر اسلام (ص) مهرورزی داشتند، به جهت ظلم حاکمان ستمگر به قم مهاجرت نمودند و یا تبعید شدند. از این پس قم به عنوان آشیانه آل محمد و یکی از مراکز علم و حدیث و معارف شیعی نمودار گشت و از همان قرن های اول عالمان بزرگی

همانند ابن بابویه، شیخ صدوق، ابن قولویه، علی بن ابراهیم قمی ذکریا ابن آدم از این شهر برخاستند و یا رحل اقامت افکندند.

از آن تاریخ تاکنون، همواره و در هر عصری شهر قم از رجال علمی و دینی بهره مند بوده، اما با این همه خصوصیات، در تاریخ دیده نشده است که قم در قبال حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف مستقلاً مرکز دانش به شمار آید.

تا این که در سال ۱۳۳۷ هجری قمری مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد بافقی از نجف اشرف به قم مهاجرت نمود و از عالمان بزرگ شهر خواست که به تأسیس حوزه علمیه قم مبادرت ورزند. آنان از این خواسته امتناع نمودند و گفتند: ما در این کار پیش قدم نمی شویم، اما اگر فرد برجسته ای از نظر علم و تقوا از خارج قم به این شهر مهاجرت نماید و به تأسیس حوزه علمیه اقدام نماید، کمکش کرده و از حمایت او دریغ نمی ورزیم.

مرحوم بافقی پیشنهاد نمود که از آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی که در شهرستان اراک به تدریس علوم دینی مشغول بود، رسماً دعوت به عمل آید که به قم هجرت نماید و حوزه علمیه قم را تأسیس کند. علمای قم از این پیشنهاد استقبال کردند ایشان را. ایشان در سال ۱۳۴۰ هجری قمری برابر با ۱۳۰۱ هجری شمسی به قم هجرت نمود. (۱) در پی آن علمای دیگر نیز به قم آمدند و امر تعلیم و تربیت و فقه در حوزه علمیه قم رواج یافت.

تاکنون حوزه علمیه قم به عنوان یکی از حوزه های علمیه بزرگ شیعه در نورافشانی و هدایت جهان اسلام نقش بزرگی دارد.

نتیجه این که: حوزه



علمیه قم در سال ۱۳۴۰ هجری قمری تأسیس شده و مؤسس آن مرحوم شیخ عبدالکریم حائری یزدی است.

پی نوشت ها:

۱ - آثار الحجّه، محمد رازی، ص ۱۳ - ۱۵.

**تفاوت بین ثقهالاسلام، حجهالاسلام، آیت الله و آیت الله العظمی چیست؟ آیا رسیدن به این درجات بدون حضور در کلاس امکان پذیر است؟**

**پرسش**

تفاوت بین ثقهالاسلام، حجهالاسلام، آیت الله و آیت الله العظمی چیست؟ آیا رسیدن به این درجات بدون حضور در کلاس امکان پذیر است؟

**پاسخ**

در طول تاریخ همواره و هر زمان گروهی از مردم از خدا و دین از ارزش های دینی حمایت کرده و خود را وقف نشر و تبلیغ و دفاع از دین نموده اند.

قرآن از این گونه افراد و کلیه کسانی که حامی دین بوده اند "ربی" و "ربیون" تعبیر کرده: "و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله؛ (۱) چه بسیار پیامبرانی بودند که به کمک آنان انسان های فراوان شتافتند، پس در مصیبت هایی که به آنان وارد شده است سست نشده اند و استقامت ورزیدند. در جای دیگر می فرماید: "کسانی که رسالت های الهی را تبلیغ می کنند و از خدا می ترسند و به جز او از هیچ کس هراسی ندارند". (۲)

این گونه افراد همواره مورد احترام متدینان بوده اند و آنان را به نام ثقهالاسلام یا حجهالاسلام یا آیت الله احترام کرده اند. این تعبیرها از سوی مردم به عنوان احترام و تکریم بوده و همه این الفاظ حاکی از احترام است. در زمان ما برای عالمانی که کمتر علم دارند، تعبیر حجهالاسلام یا ثقهالاسلام می کنند.

برای افرادی که مجتهد و صاحب نظر در مسایل دینی شده باشند، آیت الله و برای آنان که عالم تر و به درجه مرجعیت رسیده اند، آیت الله العظمی اختصاص می دهند. این عنوان ها بیانگر مقام و منصب خاصی نیست.

برای رسیدن به مراتب علمی حوزوی باید سالیان دراز به درس و بحث و تدریس مشغول بود و بدون شرکت در کلاس های درس و بدون مباحثات علمی، رسیدن به این درجات علمی ممکن نیست.

پی نوشت ها:



آل عمران (۳) آیه ۱۴۶.

۲ - احزاب (۳۳) آیه ۳۹.

**اینجانب با داشتن کارشناسی چگونه می توانم در حوزه های علمیه تحصیل کنم؟**

**پرسش**

اینجانب با داشتن کارشناسی چگونه می توانم در حوزه های علمیه تحصیل کنم؟

**پاسخ**

اگر سنّ و سال شما زیاد نیست، می توانید در امتحان ورودی حوزه ها ( تاریخ آن رادر روزنامه ها اعلام می کنند) شرکت کنید. اگر قبول شدید بعد از مصاحبه ای ، شما را برای تحصیل در حوزّه علمیه می پذیرند. البته باید دارای شرایط مندرج در اطلاعی؟ پذیرش باشید.

می توانید به طور آزاد با هماهنگی یکی از مدارس علمی؟ شهرتان یا با یک روحانی، درس های حوزوی را بخوانید، در ضمن به شغل و کار خود نیز مشغول باشید. جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۷۷۴۰۹۷۱ - ۷۷۴۰۹۶۶ شورای مدیریت حوزه علمیه قم تماس بگیرید.

**بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟**

**پرسش**

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

**پاسخ**

اگر چه پوشیدن یا نپوشیدن لباس طلبگی ارتباطی به شخصیت حقیقی افراد ندارد، نیز تأثیری بر آن نخواهد گذارد، اما به عنوان نماد و ابزار تبلیغ، کاربرد وسیعی دارد... شخصی که طلبه می شود، اگر بخواهد تبلیغ دین کند با پوشیدن این لباس مقدس ، خود را به عنوان عالم به احکام و معارف دینی معرفی می کند تا بشناسند و بدانند احکام اسلامی و اصول و فروع دین را

باید از چه کسی بیاموزند.

البته در این بین هستند کسانی که خودسازی نکرده اند و با پوشیدن لباس طلبگی، از این موقعیت سوء استفاده می کنند یا ناگاهانه موجب بد گمانی دیگران می شوند، با این حال دلیل نمی شود شخصی که به خاطر تبلیغ اسلام به طلبگی رو می آورد و به این هدف مقدس ایمان و اعتقاد دارد، به خاطر عملکرد غلط بعضی که منجر به سوء ظن افراد شده یا می شود، از پوشیدن لباس روحانی منصرف شود، بر عکس، چنین فردی می بایست در این راه قاطعانه تر عمل کند تا با الگو شدن نزد مردم، نقایص و کاستی های دیگر هم صنفان خود را جبران کند. به عبارت دیگر افراد شایسته باید این لباس را بپوشند، تا شأن و مقام روحانیت و ارزش این لباس حفظ شود. کنار رفتن افراد شایسته، به معنای تأیید کار کسانی است که احیاناً از این لباس استفاده نامطلوب می کنند.

نیز باید یادآوری کرد افراد

و شخصیت های با عظمتی چون حضرت امام را که هیچ کس حداقل در قرن اخیر به پایه او نرسیده است. او همین لباس را می پوشید و یا مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری.

پس به خاطر حرف دیگران نباید از ادامه کار مأیوس شد. لباس روحانیت دارای پیام است و آن، دعوت به اسلام و یاد خدا و آخرت می باشد. در این شرایط که زخم زبان ها زیاد شده، پوشیدن لباس روحانیت یک نوع مجاهده با نفس حساب می شود که اگر برای خدا باشد، ثواب دارد. این تصور که بدون این لباس، بهتر می توان از دین اسلام تبلیغ کرد، به دلائل متعدد نمی تواند مورد قبول باشد. از مهم ترین آفات این تفکر، جدایی انداختن بین دین و روحانیت است و این فکر اشتباه که مردم معارف و حقایق دین را از شخص غیر روحانی بهتر و صحیح تر می آموزند.

### فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

#### اشاره

- ۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصی برای فقها در اسلام سفارش نشده است.
- ۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه اش را همانند طبقه اطبا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی کند.
- ۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عص

#### پرسش

فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

- ۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصی برای فقها در اسلام سفارش نشده است.
- ۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه اش را همانند طبقه اطبا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی کند.
- ۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عص

#### پاسخ

از احادیث موجود در کتب روایی شیعه و سنی استفاده می شود که پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنت معصومان (ع) است؛ از آن جمله:

- ۱- جابر نقل کرده است: پیامبر اکرم (ص) در هنگام فتح مکه، در آغاز ورود به مکه عمامه ای مشکی بر سر داشت. (۱)

علی(ع) فرمود: "رسول خدا(ص) در روز عید غدیر، عمامه ای بر سرم گذاشت و گوشه آن را پشت سرم آویزان کرد؛ آن گاه فرمود: "خدای متعال در جنگ بدر و حنین مرا با فرشتگانی کمک کرد که با چنین عمامه هایی معمم بودند".(۲)

۲- اصبع بن نباته که از نزدیکان امیرالمؤمنین(ع) به شمار می رود، روایت کرده است: در آغاز خلافت و پس از بیعت مردم، حضرت علی(ع) به مسجد آمد، در حالی که عمامه رسول خدا را بر سر داشت.(۳)

۳- عباس بن عبدالمطلب و ربیعہ بن الحارث فرزندان خود فضل و ربیعہ را به حضور علی(ع) فرستاده تا از حضرت تقاضا کنند که آنان را برای جمع آوری زکات به کار بگمارد؛ حضرت امیر(ع) فرمود: به خدا قسم هیچ کدام از شماها را به کار نخواهم گرفت.

ربیعہ (پس از شنیدن نظر امام به محضر علی(ع) شرفیاب شد و با لحنی اعتراض آمیز) عرض کرد: به مقام و منزلت دامادی پیامبر(ص) رسیدی، ما به خاطر آن بر تو حسادت نکردیم؛ امیرالمؤمنین(ع) (با

بی اعتنایی نسبت به سخنان ربیعہ) عبای خود را روی زمین انداخت و بر آن خوابید.(۴)

بنابراین از مجموع روایات می توان نتیجه گرفت:

پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنت پیامبر و امامان(ع) را تشکیل می دهد.

تا این قسمت، پاسخ پرسش اصلی شما یعنی فلسفه وجودی لباس روحانیت، روشن شد، هم چنین پاسخ اولین پرسش فرعی، نیز معلوم گردید. وقتی عبا و عمامه سنت پیامبر(ص) و امامان(ع) باشد، چه لزومی دارد که سفارش جداگانه برای آن در روایات شود، بلکه در هر زمان و مکانی ممکن است که روحانی پاسخگوی شبهات و پرسش های افراد باشد و این میسور نیست مگر آن که روحانی با پوششی خاص میان جامعه اسلامی حضور داشته باشد؛ به خلاف مراجعه به صاحبان مشاغلی همچون پزشکان و نیروهای نظامی و انتظامی که مراجعه به آنان در موارد و ساعاتی خاص انجام می شود، بنابراین، حتی اگر از نگاه شغلی نگاه کنیم، شغل روحانی اقتضا می کند که هر وقت در جمعی حاضر شده، چه در خیابان و چه در مهمانی و... باید این لباس را به تن داشته باشد.

پاسخ سومین سؤال فرعی:

در سؤال مطرح کرده اید: در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم، بله در این زمینه روایاتی رسیده است که به لحاظ رعایت اختصار فقط به بیان و تشریح یک روایت می پردازیم:

حمّاد بن عثمان در محضر امام صادق(ع) بود که شخصی به امام عرض کرد: به ما گفته اند که علی(ع) لباس خشن و پیراهن ارزان قیمت می پوشیده و شما را می بینیم که لباسی نیکو پوشیده اید.

امام صادق(ع) در پاسخ این اعتراض فرمود: "علی بن ابی طالب علیه السلام لباس با آن ویژگی ها

را در زمانی می پوشید که پوشش آن عیب به حساب نمی آمد، اما امروز هر کس به آن روش لباس بپوشد، لباس شهرت می شود و بهترین لباس در هر زمان، لباس اهل همان زمان است". (۵)

این روایت بهترین لباس را، لباس مردم هر زمان دانسته است، و لباس نوع دیگر را که به صورت لباس شهرت (انگشت نما) در آید، نفی کرده است. امّا آیا لباس روحانیت از این نوع است؟ با توجه به این که نمایانگر طبقه خاص با وظایف خاص بوده و به لباس معصومین (ع) شباهت داشته و به لباس های سنتی ایرانیان نیز شباهت بیشتری دارد.

پی نوشت ها:

۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۶۵، ح ۱۸۰۹۶.

۲. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری (سنن بیهقی)، ج ۱۰، ص ۱۴.

۳. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، التوحید، ص ۳۰۴، ح ۱؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۰۹.

۴. محمود بن عمر بن محمد الزمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۲۲.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.

### **چگونه می توان همزمان در دانشگاه و حوزه تحصیل نمود؟**

#### **پرسش**

چگونه می توان همزمان در دانشگاه و حوزه تحصیل نمود؟

#### **پاسخ**

ثبت نام و حضور در حوزه مقدسه قم با محدودیت های خاص همراه است. داشتن سنّ و نمرات درسی مناسب و دیگر شرایط مربوطه، الزامی است. در هر حال تلاش و جدّیت و نیز علاقه ای که به فراگیری تحصیل در حوزه های دینی دارید، قابل تحسین و تقدیر است.

اکنون مشغول تحصیل در دانشگاه می باشید و لازم است از فرصت پیش آمده حداکثر استفاده بکنید. با توجه به این که دارای روحیه مذهبی و معنوی هستید از این موهبت بهره جسته و در خدمت جامعه اسلامی باشید. در عین حال چون مشتاق تحصیل در حوزه هستید، می توانید با شماره ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۹۷۱

پذیرش حوزه علمیه تماس بگیرید.



**بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟**

### **پرسش**

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

### **پاسخ**

اگر چه پوشیدن یا نپوشیدن لباس طلبگی ارتباطی به شخصیت حقیقی افراد ندارد، نیز تأثیری بر آن نخواهد گذارد، اما به عنوان نماد و ابزار تبلیغ، کاربرد وسیعی دارد. شخصی که طلبه می شود، اگر بخواهد تبلیغ دین کند با پوشیدن این لباس مقدس، خود را به عنوان عالم به احکام و معارف دینی معرفی می کند تا بشناسند و بدانند احکام اسلامی و اصول و فروع دین را باید از چه کسی بیاموزند.

البته در این بین هستند کسانی که خودسازی نکرده اند و با پوشیدن لباس طلبگی، از این موقعیت سوء استفاده می کنند یا ناگاهانه موجب بدگمانی دیگران می شوند، با این حال دلیل نمی شود شخصی که به خاطر تبلیغ اسلام به طلبگی رو می آورد و به این هدف مقدس ایمان و اعتقاد دارد، به خاطر عملکرد غلط بعضی که منجر به سوء ظن افراد شده یا می شود، از پوشیدن لباس روحانی منصرف شود، بر عکس، چنین فردی می بایست در این راه قاطعانه تر عمل کند تا با الگو شدن نزد مردم، نقایص و کاستی های دیگر هم صنفان خود را جبران کند. به عبارت دیگر افراد شایسته باید این لباس را بپوشند، تا شأن و مقام روحانیت و ارزش این لباس حفظ شود. کنار رفتن افراد شایسته، به معنای تأیید کار کسانی است که احیاناً از این لباس استفاده نامطلوب می کنند.

نیز باید یادآوری کرد افراد

و شخصیت های با عظمتی چون حضرت امام را که هیچ کس حداقل در قرن اخیر به پایه او نرسیده است. او همین لباس را می پوشید و یا مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری.

پس به خاطر حرف دیگران نباید از ادامه کار مأیوس شد. لباس روحانیت دارای پیام است و آن، دعوت به اسلام و یاد خدا و آخرت می باشد. در این شرایط که زخم زبان ها زیاد شده، پوشیدن لباس روحانیت یک نوع مجاهده با نفس حساب می شود که اگر برای خدا باشد، ثواب دارد. این تصور که بدون این لباس، بهتر می توان از دین اسلام تبلیغ کرد، به دلائل متعدد نمی تواند مورد قبول باشد. از مهم ترین آفات این تفکر، جدایی انداختن بین دین و روحانیت است و این فکر اشتباه که مردم معارف و حقایق دین را از شخص غیر روحانی بهتر و صحیح تر می آموزند.

**منظور از دور؟ غیر حضوری پنج سال؟ کوتاه مدت حوز؟ علمیه چیست؟**

**پرسش**

منظور از دور؟ غیر حضوری پنج سال؟ کوتاه مدت حوز؟ علمیه چیست؟

**پاسخ**

طرحی در حوز؟ علمیه قم به عنوان "سفیران هدایت" وجود دارد که گروهی از طلاب به مدت پنج سال تحت آموزش فشرده برای اعزام به مناطق و شهرها و روستاها اجرا می شود. این دوره حضوری است، نه غیر حضوری، اما آنچه به عنوان تحصیل غیر حضوری بیان شده، تنها مربوط به تحصیل سطح خاصی از حوزه است بر اساس سطح بندی صورت گرفته در حوزه که به صورت پایه درسی، تعریف شده، فقط از پای ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ را می توان به صورت غیر حضوری شرکت کرد.

ولی از پای ۱ تا ۷ باید حتماً در حوزه به صورت حضوری باشد.

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۷۷۴۰۹۷۱ داخلی ۲۴۹ بخش آموزش تماس حاصل نمایید.

**جامعه منهای روحانیت به چه معناست و چه کسانی این شعار را می دهند**

**پرسش**

جامعه منهای روحانیت به چه معناست و چه کسانی این شعار را می دهند

**پاسخ**

جامعه منهای روحانیت یعنی جامعه ای که

روحانیت در آن محدود و محصور و کنار گذاشته

شده باشد و دخالتی در حکومت و سیاست آن

جامعه نداشته باشد.

این شعار همه کسانی است که با ((حاکمیت

دینی)) در جامعه مخالف هستند.

نیروهای ضد دین و خدا و نیروهای ملی

مذهبی که دین را برای اداره جامعه نمی دانند و تفکر

جدایی دین از سیاست دارند هم صدا با دشمنان

این شعار را کم و بیش داشته اند.

**مقاله آقای دکتر سروش درباره حریت و روحانیت که در کیان ۲۴ چاپ شده تا چه اندازه درست است ؟**

**پرسش**

مقاله آقای دکتر سروش درباره حریت و روحانیت که در کیان ۲۴ چاپ شده تا چه اندازه درست است ؟

**پاسخ**

سخنرانی فرد مذکور (آقای سروش) که در مجله کیان ش ۲۴ چاپ گردیده از جهات مختلفی خدشه پذیر است. البته چیزی که ما را از نقد جامع آن بی نیاز می سازد فرومایگی عقلانی و علمی شدید آن است. به گونه ای که هرخواننده ای به روشنی می تواند اشکالاتی چند از آن را دریابد. در این جا تنها به پاسخ جملاتی چند که در نامه جناب عالی نقل گردیده بسنده می کنیم: «کاری را که پیامبران بی اجر و مزد انجام می دادند روحانیون وسیله امرار معاش قراردادده اند».

۱ در این سخن بین دو نکته تمایز نهاده نشده است: الف) چیزی را وسیله ارتزاق قرارداد ب) ارتزاق جبری از اشتغال به چیزی.

توضیح: الف) وسیله قرارداد چیزی برای ارتزاق به این معناست که ابتدا انسان هدف را کسب منافع مادی (مثلا- درآمد

اقتصادی) قرار دهد و برای نیل هر چه بهتر و بیشتر بدان راهی را برگزیند. مانند اینکه رشته پزشکی را انتخاب کند به دلیل آن که پول سازتر است. در این جا قداست این رشته و اهمیت آن در خدمت به جامعه مورد نظر نیست. بلکه از آغاز هدف درآمد مادی است و آن علم تنها وسیله و آلت برای رسیدن به پول است.

ب) ارتزاق جبری از اشتغال به این معناست که شخص به جهت اشتغال دائمی به چیزی نهایتاً از همان طریق کسب معیشت کند هر چند هدفش ارتزاق نباشد. در همان مثال فوق می توان پزشکی را مثال زد که عمری برای خدمت به جامعه تلاش می کند و هدفی نیز جز خدمت ندارد. ولی در عین

حال وسیله کسب روزی و نیازهای مادی اش نیز از همین طریق است. در دو مثال فوق اصل ارتزاق از معیشت مشترک است. در عین حال شکل اول آن امری غیر اخلاقی و ناستوده است و شکل دوم آن اخلاقی و مورد ستایش. اکنون باید دید در مورد روحانیت کدامیک از دو مورد فوق صدق می کند:

الف) اگر ایشان مدعی باشند که حرکت روحانیت از قسم اول است بهترین دلیل بر رد آن شیوه و سلوک روحانیت در اعصار مختلف تاریخی است تا آنجا که ما اطلاع داریم حتی افرادی از روحانیت که تا حدودی از زی روحانی فاصله گرفته اند نیز به جهت در آمد مادی به سمت روحانیت نگروده اند و بسیار کمیاب و نادرند عناصری که از پی دنیای مادی به سمت علوم دینی بگردند و با دین تجارت دنیا کنند

ب) اگر مقصود ایشان ارتزاق به نحو دوم باشد باید گفت چنین چیزی واقعیت دارد بالاخره روحانیت همان طور که چوب دین را خورده و برایش در طول تاریخ شکنجه ها دیده و زجرها و تبعیدها و زندانها و بر سر دار رفتن ها را تحمل کرده به ناچار لقمه نانی نیز در کنار آن خورده است اما این نه تنها مذموم و ناپسند نیست بلکه ضرورتی گریز ناپذیر است و برای تغییر آن تاکنون هیچ طرحی معقول به دست نیامده است زیرا:

۱) یا باید امر تبلیغ دین را به موجوداتی ذاتا فاقد نیازهای مادی و معیشتی واگذار گردد یعنی ملائیک آسمان این رسالت را به عهده گیرند و بار این تکلیف گران را از دوش عالمان دین برگیرند چنین چیزی محال است.

۲) عالمان دین و

روحانیون به تمام نیازهای مادی خویش پشت پا زنند و در دنیا به روی خود بندند هر چند مرگ آنان در رسد و جان به جان آفرین تسلیم کنند چنین چیزی نیز خلاف عقل و دین است.

۳) بساط روحانیت و تحقیقات و پژوهشها و تبلیغات دینی را برچید که این نیز خلاف نص آیه شریفه قرآن است آنجا که می فرماید: فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقھوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم ... (توبه ۱۲۲)

۴) نیازهای روحانیون از طریق نهاد یا سازمانی دولتی یا مستقل تامین شود که این نیز سرانجام همان ارتزاق از دیناست و مطلوب صاحب مقاله حریت و روحانیت نیست.

۵) طرحی که مطلوب آقای سروش می باشد آن است که عالمان و مبلغان دین از طرق دیگری به کسب روزی پردازند مثلا به حرفه ای لزوما غیر دینی اشتغال یابند و در کنار آن به تحقیق و فعالیتهای دینی نیز پردازند امتیاز این روش به نظر ایشان آن است که پاک باختگان و عاشقان به کسوت تبلیغ دین درخواهند آمد و سوداگران از این جلگه رخت برخواهند بست لیکن مشکل اساسی آن است که گستردگی و فراخنای علوم اسلامی چنان است که اکثر عالمان دین با آنکه تمام عمر خویش را قهریمایی در ژرفنای این اقیانوس بی کران نموده و تا آخرین لحظات حیات خود با زحمات شبانه روزی به تحقیق و پژوهش می پردازند باز خود را در برابر فضای بی منتهایی می بیند که رسیدن به بلندای آن عمری چند هزار ساله می طلبد و همه این تلاشها در برابر آن ناچیز و کم مقدار است بنابراین روش پیشنهادی فوق ثمری جز ناکام

گذاردن و رها کردن تحقیقات و فعالیتهای ژرف دینی و تنها به چند مساله سطحی و عامیانه پرداختن و ره سپردن به سوی پیشنهاد سوم چیز دیگری نیست. افزون بر مطالب بالا نقوض و ایرادات دیگری بر سخن ایشان وارد است از جمله:

۱) ایشان ارتزاق از دین را چنان که در پایان مقاله اشاره کرده اند تنها به درآمد اقتصادی نمی دانند بلکه موقعیت اجتماعی و سیاسی و ... را نیز جزء آن می شمرند در حالی که یافتن موقعیت برتر اجتماعی در پرتو علم دینی در جامعه دینی امری طبیعی است.

۲) خود ایشان نیز از طریق مباحث دینی که انجام داده و به چاپ رسانده اند علی القاعده درآمدهایی دارند البته این درآمدها مشروع است و مذموم نیست ولی در عین حال نقض نظریه خودشان است

۳) قیاس مساله انبیا با عالمان دین مع الفارق است زیرا آنان نیازمند کسب علوم دین از طریق آموزش و تعلم و صرف وقت نبوده اند برخلاف عالمان دین که تمام عمر خود را باید بر سر آن صرف نمایند.

۴) حتی انبیا نیز بعضا از طریق دین کسب معیشت نموده اند چنانکه در مقررات مالی اسلام برخی از حقوق مقررره مربوط به پیامبر(ص) و امامان(ع) بوده و بعضا در نیازهای شخصی آنان صرف می شده

۵) بسیاری از علوم و فنون دیگر در زمانهای گذشته راه ارتزاق نبوده ولی امروزه با گسترش نهادهای اجتماعی و تفکیک و تخصصی شدن فعالیتهای و مهارت ها منشا ارتزاق گردیده است «روحانیون به خاطر ارتزاق خود مجبورند چنان سخن بگویند که عوام را از خود نرنجانند» بهترین پاسخ به این سخن تاریخ زندگی علما مبلغین و دانشمندان اسلامی در

طی قرون و اعصار متمادی است همین افتخار برای روحانیت شیعه بس که همواره در جهت پاسداری از دین و بیان حقایق آن بیشترین سختیها و دشواریها را به جان خریده و بیشترین شهدا را در راه اعتلای کلمه الله تقدیم داشته است و هیچ چیز آنان را از حق گویی باز نداشته است.

برای آگاهی بیشتر رک به :

۱- شهدا الفضيله علامه امینی

۲- یکصد سال مبارزه روحانیت مرفی عقیقی بخشایشی

۳- دیدار با ابرار ج ۱۹۰ چاپ سازمان تبلیغات اسلامی

البته در میان روحانیون و مبلغین افرادی نیز بوده و هستند که می کوشند مطابق سلیقه توده ها سخن بر زبان رانند اما چنین روندی وجه غالب روحانیت انسان که گوینده آن مقاله پنداشته نیست. }J

### در مورد چگونگی تحصیل فلسفه در حوزه و مدت زمان آن توضیح دهید؟

#### پرسش

در مورد چگونگی تحصیل فلسفه در حوزه و مدت زمان آن توضیح دهید؟

#### پاسخ

دروس فلسفه در حوزه علمیه قم پس از تکمیل دروس ادبیات عرب منطق صوری گذراندن مقداری از علم اصولفقه و کلام می باشد. در میان دروس ذکر شده منطق برای آشنایی بافلسفه ضرورت کامل دارد. هم چنین برای خواندنفلسفه اسلامی تسلط کافی به زبان عربی نیز لازم است. مقدار زمان لازم برای فراگیری فلسفه بستگی به میزانآگاهی هایی دارد که شخص در جست و جوی آن است. یعنی اگر کسی آشنایی نسبی با فلسفه اسلامی و امتیازات آننسبت به برخی از دیگر فلسفه ها داشته باشد سه الی چهار سال کافی است. لیکن کسی که در پی کسب تخصص واحاطه و تبحر در این فن است باید تلاشی پایان ناپذیر نماید و حداقل ده سال تلاش و تکاپوی جدی نیاز دارد. اما اینکه کیفیت تدریس فلسفه در حوزه بالاتر است یا دانشگاه؟ شاید بتوان گفت: فلسفه اسلامی در حوزه بهتر تدریسی شود. البته تدریس فلسفه غرب در دانشگاه ها رواج بیشتری داشته است لیکن پس از انقلاب در مراکز تحقیقی حوزهنیز با همکاری اساتید حوزوی و دانشگاهی کوشش های گسترده ای در جهت تدریس تطبیقی فلسفه های مختلف بهعمل آمده است. }J

آیا اگر حوزه به علوم طبیعی و ریاضی مجهز شود بهتر نیست ؟



## پرسش

آیا اگر حوزه به علوم طبیعی و ریاضی مجهز شود بهتر نیست؟

## پاسخ

در حوزه های علمیه قدیم چون دامنه علوم محدود بود معمولا علوم طبیعی و ریاضی نیز تدریس می شد و بسیاری از علما و دانشمندان دینی هم زمان در علوم طبیعی یا ریاضی نیز متخصص و صاحب نظر بودند ولی امروز به جهت گسترش دامنه علوم تجربی و ریاضی امکان تدریس همه علوم در حوزه وجود ندارد؛ اما تدریس بعضی از رشته های ریاضی و بخصوص بسیاری از رشته های علوم انسانی در حوزه ضروری است که هم اکنون مراکزی هستند که هم زمان با علوم و معارف دینی و حوزوی به بعضی از رشته های علوم انسانی پرداخته اند از جمله: پژوهشکده امام خمینی (ره) موسسه آموزش عالی باقر العلوم دانشگاه مفید و ... که در آنها رشته های حقوق روان شناسی جامعه شناسی فلسفه غرب اقتصاد علوم سیاسی و ... تدریس می گردد و امید است که در آینده جامع تر و فراگیرتر گردد.}}

**حوزه علمیه قم چرا به وجود آمد اهدافش چیست چه مسائلی در آن آموزش داده می شود؟**

## پرسش

حوزه علمیه قم چرا به وجود آمد اهدافش چیست چه مسائلی در آن آموزش داده می شود؟

## پاسخ

حوزه علمیه نهادی تعلیمی است و هدف اساسی آن تحقیق و پژوهش در معارف دینی و شناخت هر چه عمیق تر دین در همه ابعاد آن و سپس ترویج و تبلیغ فرهنگ و احکام و معارف دینی و اجرای احکام عملی و اجتماعی اسلام در سطح جامعه اسلامی است.}}

**حوزه علمیه قم تا چه اندازه به حکومت و دولت وابسته است؟**

## پرسش

حوزه علمیه قم تا چه اندازه به حکومت و دولت وابسته است؟

حوزه علمیه هیچ گونه وابستگی به دولت ندارد.}}

**اساتید و طلاب حوزه علمیه قم در زمینه های فکری و سیاسی چگونه اند و در چه خطوطی حرکت می کنند؟**

پرسش

اساتید و طلاب حوزه علمیه قم در زمینه های فکری و سیاسی چگونه اند و در چه خطوطی حرکت می کنند؟

پاسخ

اندیشمندان حوزوی نیز ممکن است در این مسائل، دارای آرا و نظرات گوناگونی باشند و نمی توان همه را در خطواحدی قلمداد کرد.}}

**آیا در حوزه کسانی مثل شهید بهشتی و مطهری وجود دارند که جوانان و دانشجویان را ارشاد کنند؟**

پرسش

آیا در حوزه کسانی مثل شهید بهشتی و مطهری وجود دارند که جوانان و دانشجویان را ارشاد کنند؟

پاسخ

در حال حاضر نیز شخصیت هایی مانند آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، حجت الاسلام لاریجانی و افراد متعدد دیگری وجود دارند، لیکن حضور مستقیم آنها در دانشگاه ها به جهت اشتغال به نگارش و تدریس درحوزه ها و پرورش نیروهای فکری تا حدودی کمرنگ است. در عین حال نگاهشده های آنان، درس ها و سخنرانی هایشان برای پاسخگویی به مسائل فکری روز بسیار غنی و ارزشمند است. در ذیل برخی از کتب نامبردگان معرفی می شود:

کتاب هایی از آیت الله جوادی آملی:

۱- تبیین براهین اثبات وجود خدا

۲- شریعت در آینه معرفت

۳- هدایت در قرآن

۴- زن در آینه جمال و جلال و ...

۵- ولایت فقیه

۶- اخلاق کارگزاران

کتاب هایی از آیت الله مصباح یزدی:

۱- جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن

۲- مقالات فلسفه سیاسی اسلام

۳- مقاله پیرامون پلورالیزم دینی

۴- آموزش فلسفه

۵- آموزش عقاید و ...

کتابهایی از حجت الاسلام لاریجانی:

۱- قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر

۲- معرفت دینی

۳- فلسفه اخلاق

**راه ورود به حوزه برای دانشجویانی که خدمت سربازی نرفته اند چیست ؟**

**پرسش**

راه ورود به حوزه برای دانشجویانی که خدمت سربازی نرفته اند چیست ؟

**پاسخ**

در رابطه با مشکل شما توجه به چند نکته لازم است:

۱ انجام خدمت نظام وظیفه، برای کسی که از تحصیلات دانشگاهی انصراف دهد و بخواهد به تحصیلات حوزوی بپردازد، جزو قوانین مصوب کشور است و حوزه علمیه، قانوناً نمی‌تواند چنین افرادی را پیش از انجام خدمت نظام وظیفه پذیرش کند.

۲ چنان نیست که رشته‌ای مانند زمین‌شناسی یا دیگر رشته‌های دانشگاهی، به کلی پوچ و بی‌ارزش باشند؛ بلکه هر یک از این علوم، زمینه‌نوعی خدمات اجتماعی است و اگر کسی با قصد قربت و با جدیت و تلاش، هر یک از آنها را دنبال کند، با عنایات الهی می‌تواند منشأ خدمات ارزنده‌ای برای جامعه اسلامی باشد.

۳ در صورتی که شما جدا خواستار تحصیل در حوزه علمیه‌اید، نباید از خدمت سربازی بیمناک باشید؛ زیرا حتی در این دوران هم می‌توانید از فرصت، بهترین استفاده را بکنید، یعنی با استفاده از نوارهای درسی در اوقات بیکاری، می‌توانید تمام دروس سال‌های اول و دوم حوزه را بخوانید.

از طرف دیگر حتی بدون انصراف از تحصیلات دانشگاهی، می‌توانید مقداری از اوقات خود را به فراگیری علوم حوزوی اختصاص دهید. افزون بر آن، اگر بتوانید خود را به تهران انتقال دهید یا در آنجا میهمان شوید، می‌توانید از حوزه علمیه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها که به تازگی جهت استفاده دانشجویان علاقمند تأسیس گردیده است بهره‌مند شوید. بنابراین موفقیت شما، در گرو تلاش و پشتکار شما و هم چنین استمداد از عنایات الهی است.

۴ حوزه علمیه قم نیز زیر نظر، ولی فقیه نیست و آزاد می‌باشد، از طرف دیگر تحصیل در حوزه نجف مشکلات تعدیده‌ای از جهت اقامت

در عراق و تنگناهای شدید رژیم بعثی به دنبال دارد و برای ایرانیان، در حال حاضر حوزه علمیه قم از هر جهت بهتر است و از نقاط مختلف جهان و حتی عراق، شیعیان برای تحصیل علوم دینی به قم مراجعه می کنند.

۵ حدیث اطلبوا العلم... اختصاص به علوم دینی ندارد و هر علم نفعی را شامل است، لیکن علوم دینی و معارف الهی مصداق اکمل آن و مورد تأکید بسیار می باشند و بخشی از آن برای همه مسلمانان واجب می باشد. {J}

**علاقه زیادی به علوم حوزوی علم الحدیث دارم و چگونه می توانم در ضمن تحصیل دانشگاهی به این علم دسترسی پیدا کنم**

**پرسش**

علاقه زیادی به علوم حوزوی علم الحدیث دارم و چگونه می توانم در ضمن تحصیل دانشگاهی به این علم دسترسی پیدا کنم

**پاسخ**

علم حدیث، گوشه ای از علوم حوزوی و وابسته به آن است. اگر شما تنها مایل به کسب اطلاعاتی در این زمینه هستید به کتاب های زیر مراجعه کنید؛ ولی اگر خواهان تحقیق و تعمق در این رشته هستید، می بایستی پایه های علوم حوزوی را گذرانده و سپس به رشته حدیث پردازید. این کار نیز بدون استاد امری دشوار است. شما می توانید در محل خود با مراجعه به حوزه های علمیه، از برنامه های آنان و یا از نوارهای درسی در این زمینه تحت نظر استاد استفاده کنید:

۱ علم الحدیث و درایه الحدیث شانه چی

۲ علم الحدیث کاظم عصار

۳ نقش ائمه در احیاء دین علامه عسکری

۴ سیر حدیث در اسلام میر خانی

۵ تحول علم حدیث اولیائی

۶ روایت و درایت امین {J}

**در حوزه علمیه چه دروسی تدریس می شود**

**پرسش**

در حوزه علمیه چه دروسی تدریس می شود

## پاسخ

دوره های دروس حوزه را می توان به طور کلی چنین تقسیم کرد:

الف) دوره ادبیات عرب (مقدمات)،

ب) سطح،

ج) سطح عالی،

د) خارج (اجتهاد و یا تخصص در یکی از رشته ها).

در مرحله ادبیات آشنایی با دستور زبان عربی در بعد صرف، نحو، معانی و بیان مطرح است. ضرورت این مرحله خاطر یاد گرفتن کامل زبان اسلام است؛ چون قرآن و احادیث نبی اکرم(ص) و ائمه هدی(ع) به زبان عربی است. در دوره سطح، آشنایی مقدماتی با فقه، اصول، منطق و فلسفه مطرح است، که برای هر یک کتاب های خاصی در نظر گرفته شده است. در سطح عالی نیز، مسائل فقهی و اصولی و فلسفی و کلامی به طور گسترده تر و عمیق تر مطرح می گردد. مرحله خارج، مرحله استنباط مسائل فقهی از منابع معتبر دینی است و چنانچه طلبه ای با استعداد باشد و در کمال جدیت در حدود ۱۰ ۱۵ سال این دوره را طی کند، به درجه اجتهاد نائل می گردد. اخیراً به برکت انقلاب اسلامی، دانشگاه هایی در حوزه تأسیس شده است که دروس تخصصی دیگری نظیر فلسفه، کلام، تفسیر قرآن، تاریخ اسلام، اقتصاد، روان شناسی، مدیریت و... در آنها تدریس می شود.

**آیا می توان مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوقی را در حوزه علمیه قم ادامه تحصیل دهم ؟**

## پرسش

آیا می توان مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوقی را در حوزه علمیه قم ادامه تحصیل دهم ؟

## پاسخ

شما برای رسیدن به این مطلوب می توانید خود را برای موفقیت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد دانشگاه قم آماده نمایید و با ورود در این دانشگاه در قم تحصیل نمایید تا ضمن تحصیل دروس دانشگاهی، از معارف و دروس حوزوی نیز در حد امکان استفاده نمایید.

ضمناً چنین رشته ای در سیستم تحصیلی حوزه به صورت کلاسیک وجود ندارد.

## مراحل دروس عمومی و تخصصی حوزه را برایم توضیح دهید

### پرسش

مراحل دروس عمومی و تخصصی حوزه را برایم توضیح دهید

### پاسخ

برادرانی که می خواهند طلبه شوند، اول باید شرایط لازم ورود به حوزه های علمیه را داشته باشند. برای این که جواب سؤال را کامل داده باشیم، بعضی از شرایط پذیرش طلاب در حوزه علمیه قم را ذکر می کنیم، سپس به متون درسی آنها می پردازیم:

۱- حداقل مدرک تحصیلی برای ساکنان قم، سیکل و برای ساکنان شهرستان ها، دیپلم،

۲- حداکثر سن برای مدرک سیکل، ۱۷ سال و برای مدرک دیپلم، ۲۱ سال،

۳- قبولی در امتحان ورودی،

۴- قبولی در مصاحبه،

۵- دارا بودن معدل مورد نظر حوزه در آخرین مدرک تحصیلی،

۶- عدم مشمولیت قانون نظام وظیفه و ... .

اگر کسی این مراحل را با موفقیت بگذراند، سه ماه به شکل آزمایشی، سپس به صورت رسمی در حوزه علمیه قم پذیرفته می گردد.

دوره درسی طلاب را می توان به سه دوره: ادبیات عرب، سطح و خارج تقسیم کرد.

در چهار سال اول عمده درس ها را ادبیات عرب، شامل: صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع و منطق تشکیل می دهد. (کتاب های جامع المقدمات، صرف ساده، سیوطی، مغنی، مختصرالمعانی، حاشیه ملاعبداللّه در منطق و منطق مظفر). البته در این چهار سال کلاس هایی در زمینه های اعتقادات، تفسیر، احکام و... نیز برگزار می گردد. سپس در سال پنجم و ششم یک دوره فقه نیمه استدلالی (شرح لمعه شهید ثانی) و اصول فقه استاد مظفر خوانده می شود.

در این شش سال طلاب باید تحت نظر مدارس علمیه ای که شورای مدیریت آنها را معرفی نموده و طلاب در آن ثبت نام نموده اند، باشند و در کلاس های همان مدرسه شرکت کنند که مانند دبیرستان ها دارای امتحانات هفتگی، نیمه سال و پایان سال هستند و در طول سال از طلاب



حضور و غیاب به عمل می آید.

اگر شخصی امتحان های سال ششم را با موفقیت به پایان رسانید، در شروع سال هفتم می تواند از هر کلاسی که مایل باشد، در حوزه علمیه قم استفاده نماید و دیگر ملزم به شرکت در کلاس خاص یا مدرسه مشخص نمی باشد. فقط در پایان سال هفتم تا دهم باید در آزمون های سراسری حوزه شرکت کرده و کتاب های مربوط به هر سال تحصیلی را امتحان دهد. این کتب عبارتند از: مکاسب شیخ انصاری (ره) در فقه، معاملات (تمام استدلالی)، رسائل شیخ انصاری (ره) در اصول فقه (تمام استدلالی)، کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی در اصول فقه (تمام استدلالی)، هم چنین تفسیر، رجال و درایه، فلسفه در حد نهاییه الحکمه، ملل و نحل، علوم قرآن، الهیات و ... .

این ده سال را دوره سطح (شامل دوره ادبیات عرب و فقه و اصول غیر تخصصی) می نامند.

بعد از اتمام سال دهم و موفقیت در امتحان های مربوطه، طلبه وارد دوره جدید تخصصی می گردد. بعضی در رشته های تخصصی کلام و فلسفه، تاریخ، تفسیر، اقتصاد، تبلیغ، قضا و ... شرکت می کنند و بعضی دیگر در رشته تخصصی فقه و اصول به تحقیق می پردازند. دلیل این که این دوره را درس خارج می گویند، این است که مختص کتاب خاصی نمی باشد و خارج از متن مشخصی است و یک دوره تحقیقاتی و اجتهادی است که از کتب و نظرات مختلف استفاده می گردد. اگر طلبه ای دوره سطح را به خوبی خوانده باشد و در دوره تخصص خارج فقه و اصول به تحقیقات و مطالعات گسترده ای دست زند و الطاف خداوند نیز شامل وی گردد، بعد از چند سال قدرت استنباط و اجتهاد احکام فرعیه فقهیه را از منابع اولیه دین

مانند قرآن و روایات پیدا می کند که به او مجتهد می گویند. شایان ذکر است حوزه دارای مجتهدانی در ادبیات عرب، کلام و اعتقادات، فلسفه و عرفان و... می باشد، ولی معمولاً به متخصصان در رشته فقه و اصول مجتهد گفته می شود. توجه به این نکته هم لازم است که طلاب مانند همه محصّیان و دانشجویان دیگر از استعداد های مختلفی برخوردارند و همه در یک سطح نمی باشند. بر همین اساس علامه بحرالعلوم، قبل از بلوغ مجتهد شده و امام راحل، مرحوم آیت الله بهاءالدینی، مرحوم سید مصطفی خمینی و خیلی دیگر از بزرگان در سنین قبل از ۳۰ سالگی مجتهد شده اند.

در حال حاضر شرط ورود به حوزه علمیه قم در مقطع کارشناسی، داشتن معافیت و یا پایان خدمت است. هر ساله در دهه اول خرداد ماه، شرایط و نحوه پذیرش در روزنامه های کثیرالانتشار، اعلام می گردد.

هیچ زمانی برای تحصیل علم دیر نیست؛ ولی برای ورود به حوزه بایستی شرایط را ملاحظه کرد، از جمله آنها؛ علاقه جدی و خستگی ناپذیر برای ادامه تحصیل است، چرا که با توجه به گستردگی دروس حوزوی، حداقل هشت سال زمان لازم است که شخص دروس سطح را پشت سر بگذارد. هم چنین اگر بخواهد در یکی از رشته های تحقیقی وارد شود، باید چند سال دیگر نیز درس بخواند. بنابراین بدون عزم جدی و راسخ برای ادامه تحصیل، موانع زیادی فراروی شخص قرار دارد که ممکن است باعث توقف شخص گردد.

برای اطلاع بیشتر از شرایط پذیرش با تلفن ۴ - ۷۴۰۹۷۱ و ۷۱۳۰۰۰ شورای مدیریت، قسمت پذیرش تماس حاصل کنید.

### **چرا حوزه های علمیه پاسخگوی شبهات جوانان نیستند؟**

#### **پرسش**

چرا حوزه های علمیه پاسخگوی شبهات جوانان نیستند؟

#### **پاسخ**

{به نظر می رسد مشکل اساسی در این زمینه اطلاع رسانی است و گرنه در حال حاضر صدها کتاب و مقاله در زمینه بررسی و ارائه پاسخ های منطقی و مستدل پیرامون شبهات رایج در جامعه به نگارش درآمده و آثار ارزشمندی را در ادبیات دینی معاصر به ارمغان آورده است. }

### **حوزه علمیه چه تاثیری در جامعه دارد؟**

#### **پرسش**

حوزه علمیه چه تاثیری در جامعه دارد؟

این که «حوزه ها در خودشان هستند»، دیدگاه درستی نیست و ناشی از ناآشنایی با حرکت ها و فعالیت های مختلف حوزه و نهادهای علمی و آموزشی تابعه آن در سطح کشور می باشد. البته بررسی همه ابعاد تأثیرگذاری حوزه ها - به ویژه حوزه علمیه قم - کار آسانی نیست؛ لیکن حداقل یکی از کارهای اساسی فرهنگی حوزه ها در حال حاضر، مبارزه عمیق، منطقی، علمی و فکری با انواع اندیشه های وارداتی و التقاطی است که در صورت پاسخ ندادن جدی به آنها، خطر انحراف بزرگی در تمام ارکان فکری و فرهنگی جامعه در پی دارد. }J

**چگونه می توانم دروس حوزه را مطالعه نمایم \* آیا سیستم نوار با توجه به شرایط بنده \* روش مناسبی است ؟ (یعنی مطالعه کتاب با نوار و بعد مباحثه )**

**پرسش**

چگونه می توانم دروس حوزه را مطالعه نمایم \* آیا سیستم نوار با توجه به شرایط بنده \* روش مناسبی است ؟ (یعنی مطالعه کتاب با نوار و بعد مباحثه )

**پاسخ**

تردیدی نیست که تحصیل در یک رشته تخصصی منافاتی با مطالعات دیگر بخصوص در زمینه های مذهبی ندارد. آنچه قابل تامل است شرایط روحی و محیطی است که برای این کار فراهم می باشد. شما می توانید در ضمن تحصیلات دانشگاهی خود با مراجعه به حوزه علمیه محل سکونت و مشاوره با اساتید به تحصیلات حوزوی نیز پردازید و یا فعلا از نوارهای درسی استفاده نموده تا بعدا زمینه مناسب تری برای رشد داشته باشید. ولی همواره یک نکته را در نظر داشته باشید و آن اینکه همت خود را در یک جهت قرار دهید و از پراکنده کاری پرهیزید چنان چه تمایل اصلی شما به تحصیلات حوزه ای است پس از پایان تحصیلات دانشگاهی خود بطور جدی وارد حوزه شده و سریعا مراتب علمی آن را طی نمایید. حتما موفق بوده به نتیجه خواهید رسید. ضمنا گرچه در حوزه زمینه مساعدتری برای تهذیب اخلاق و کسب معنویت وجود دارد ولی اختصاص به آن جا ندارد. در هر موقعیت و شغلی می توان به تهذیب و تکمیل مراتب معنوی پرداخت. آنچه مهم است داشتن برنامه منظم و اصولی است. }J

**برنامه درسی حوزه و نحوه گذراندن سطوح آنرا شرح دهید؟**

**پرسش**

برنامه درسی حوزه و نحوه گذراندن سطوح آنرا شرح دهید؟

دوره های دروس حوزه را می توان به طور کلی چنین تقسیم کرد (مقدمات، سطح متوسط، سطح عالی، خارج).

الف) دوره مقدمات؛ این مرحله جهت تسلط بر ادبیات عرب و آشنایی با مبانی اجتهاد و علوم اسلامی و... می باشد. ضرورت این مرحله به خاطر یاد گرفتن کامل زبان اسلام است چون قرآن و احادیث به زبان عربی می باشد. در این دوره کتاب های زیر خوانده می شود:

۱- جامع المقدمات که شامل (صرف میر، شرح تصریف، عوامل ملامحسن در نحو، هدایه فی النحو و کتاب صمدیه شیخ بهایی)

۲- کتاب سیوطی در نحو، جلال الدین سیوطی

۳- مختصر المعانی (در معانی و بیان و بدیع) تفتازانی

۴- آشنایی با علوم اسلامی (قسمت منطق) استاد شهید مطهری

۵- منطق مظفر (علامه محمدرضا مظفر)

۶- مغنی اللیب در نحو، ابن هشام

۷- معالم الدین (در علم اصول)

۸- آموزش فلسفه، استاد مصباح یزدی

۹- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی

۱۰- تاریخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی

۱۱- البدایه المعارف الالهیه (در عقاید) سید محسن خرازی

ب) مرحله سطح متوسط؛ هدف از این دوره آشنایی مقدماتی با فقه، اصول، منطق و فلسفه است. کتاب هایی که در دوره سطح متوسط خوانده می شوند عبارتند از:

۱- شرح اللمعه الدمشقیه (در فقه) شهید ثانی

۲- اصول الفقه (در علوم اصول) علامه محمدرضا مظفر

۳- رسائل (فرائدالاصول) شیخ مرتضیٰ انصاری

۴- ارشاد مفید (در تاریخ) شیخ مفید

۵- بدایه الحکمه (فلسفه) علامه طباطبائی

۶- جوامع الجامع (در تفسیر) شیخ طبرسی

۷- التمهید (در علوم قرآن) آیت الله محمد هادی معرفت

۸- الملل والنحل (در فرق و مذاهب) استاد جعفر سبحانی

۹- کلیات علم رجال (علم رجال) استاد جعفر سبحانی

ج (مرحله سطح عالی؛ در این مرحله مسائل فقهی و اصولی و فلسفی و کلامی به طور گسترده تر و عمیق تر

مطرح می گردد. کتاب هایی که در این دوره تدریس می شود:

۱- مکاسب (در فقه) شیخ مرتضی انصاری

۲- کفایه الاصول در علم اصول) مرحوم آخوند خراسانی

۳- نهایه الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی

۴- شرح منظومه (منطق و الهیات و فلسفه) ملا هادی سبزواری

۵- جوامع الجامع (تفسیر) طبرسی

۶- التمهید (در علوم قرآن) آیت الله معرفت

۷- کلیات علم الرجال، استاد جعفر سبحانی

۸- درایه الحدیث (حدیث شناسی) استاد جعفر سبحانی

۹- الالهیات (در عقاید و کلام) استاد جعفر سبحانی

ه) مرحله خارج؛ مرحله استنباط مسائل فقهی از منابع معتبر دینی است. درس خارج حوزه، درس باز است به صورت تحقیقی و استنباطی است، مباحث در بین مدرسین خارج فرق می کند، بعضی ها متون عروه الوثقی را مبنا قرار می دهند و براساس آن بحث می کنند و بعضی ها، شرایع الاسلام را و بعضی ها تحریرالوسیله حضرت امام را و... منابعی که بیشتر در این مقطع تحصیلی به کار می آید عبارتند از:

۱- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی

۲- مستدرک الوسائل، محدث نوری

۳- جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی

۴- عروه الوثقی و شروحاتی که بر این کتاب نوشته شده، سید محمد کاظم یزدی

۵- کشف اللثام، فاضل اصفهانی معروف به فاضل هندی

۷- تذکره الفقها، علامه حلی

۸- اجود التقریرات، آیت الله خویی

۹- جامع المقاصد، محقق ثانی

۱۰- مبسوط، شیخ طوسی

۱۱- خلاف، شیخ طوسی

۱۲- تحریر الوسیله، امام خمینی و...

چنانچه طلبه ای با استعداد باشد و در کمال جدیت در حدود ۱۰ - ۱۵ سال این دوره را طی کند به درجه اجتهاد نائل می گردد.

در ضمن در کنار این دروس به صورت آزاد، افراد می توانند در فلسفه و عرفان و تفسیر شرکت کنند. منتها این ها به صورت کلاس و درس رسمی نیست. در این باره می توان کتاب: اسفار اربعه ملاصدرا و فتوحات مکیه (در عرفان) محی الدین ابن عربی را نامبرد.

علاوه بر اینها، مراکز تخصصی نیز در حوزه

در رشته های مختلف فعالیت می کنند.

۱- مرکز تخصصی علم کلام

۲- مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن

۳- مرکز تخصصی قضا

۴- مرکز تخصصی تبلیغ

برخی مؤسسات نیز وجود دارند که در زمینه علوم انسانی و رشته های مربوط به آن مانند اقتصاد، روان شناسی، علوم سیاسی، تاریخ و... براساس مقررات آموزش عالی، مشغول به پرورش محققین توانا از میان طلاب می باشند.

**علاقمند به تحصیل علوم حوزوی هستم بفرمایید به چه نحوی میسر است و شرایطش چیست و لطفا کتبی در زمینه های اعتقادی، اخلاقی و سیره اهل بیت (ع) ذکر کنید**

**پرسش**

علاقمند به تحصیل علوم حوزوی هستم بفرمایید به چه نحوی میسر است و شرایطش چیست و لطفا کتبی در زمینه های اعتقادی، اخلاقی و سیره اهل بیت (ع) ذکر کنید

**پاسخ**

پرداختن به تحصیل در حوزه های علمیه به دو صورت امکان پذیر است :

۱- شرکت در امتحان ورودی حوزه های علمیه ( همانند حوزه علمیه قم ) که هر سال برگزار می گردد و سپس اشتغال به تحصیل به صورت تمام وقت.

۲- تحصیل به صورت پاره وقت. برای این منظور باید به یکی از مدارس علوم حوزوی در شهر خود مراجعه نمایید تا آنان هماهنگی لازم را جهت شرکت شما در کلاس درس انجام دهند. ضمناً کتب زیر جهت مطالعه در زمینه های اعتقادی معرفی می شود :

۱- آفریدگار جهان، ناصر مکارم شیرازی

۲- اثبات وجود خدا اثر چهل تن از دانشمندان



۳- بهترین راه شناخت خدا محمدی ری شهری

۴- آموزش عقاید ۲۱ مصباح یزدی

۵- سیره علوی محمد باقر بهبودی

۶- سیره نبوی شهید مطهری

۷- عبقریه محمد (ص) عقاد

۸- سنن النبی، علامه طباطبایی ترجمه هادی فقیهی {J}

**اگر دانشجویی بخواهد تحصیلات حوزوی و به خصوص علوم قرآنی را فرا بگیرد بدون آنکه تحصیلات طولانی و وقت گیر حوزه را بگذراند آیا راهی هست ؟**

**پرسش**

اگر دانشجویی بخواهد تحصیلات حوزوی و به خصوص علوم قرآنی را فرا بگیرد بدون آنکه تحصیلات طولانی و وقت گیر حوزه را بگذراند آیا راهی هست ؟

**پاسخ**

می توانید از کتاب ها، واحدهای درسی و سرفصل های رشته های علوم قرآنی که یکی از رشته های تحصیلی دانشکده های الهیات و معارف اسلامی است کمک بگیرید و به مطالعه ی آن پردازید. ولی لازم به ذکر است تفسیر قرآن خواندن (تفسیرهای ساده و به تدریج تفسیرهای تخصصی) مقداری از این نیازتان را ارضاء و تأمین می نماید.

هر چند اگر می خواهید در این زمینه تخصص پیدا کند و با یک رویکرد تخصصی وارد این حوزه شوید نیازمند تلاش زیاد و تمام وقت است. همان طور که در دیگر رشته ها وضعیت به همین شکل است.

**در مورد دروس حوزوی، سطوح و پایه ها و ... و کلا نظام آموزشی حاکم بر حوزه ها توضیح دهید.**

**پرسش**

در مورد دروس حوزوی، سطوح و پایه ها و ... و کلا نظام آموزشی حاکم بر حوزه ها توضیح دهید.

دانشجوی گرامی به طور کلی در حوزه چهار مقطع تحصیلی وجود دارد:

۱. مقطع اول یا دوره مقدمات:

این دوره سه سال است. در این دوره بیشتر دروس طلاب ادبیات عرب است. البته دروسی مانند منطق، احکام، تاریخ اسلام و معارف نیز آموزش داده می شود ولی تمرکز اصلی روی ادبیات است و علت آن هم این است که دروس حوزوی از سال دوم به بعد به زبان عربی است از این رو دانش پژوه علوم دینی باید عربی را خوب بیاموزد تا براحتی بتواند از متون علمی استفاده کند.

۲. مقطع دوم یا سطح یک :

بعد از فراغت از دوره مقدماتی و ادبیات سطح یک آغاز می شود این مقطع نیز حدوداً سه سال است. در این دوره دروس اصلی عبارتند از فقه، اصول و معارف. این دو دوره در مدارس تحت پوشش شورای مدیریت حوزه انجام می گیرد یعنی هر فردی که می خواهد طلبه رسمی حوزه باشد باید با نظارت شورای مدیریت در یکی از مدارس تحت برنامه در قم یا در شهرستان ها به تحصیل مشغول شود در غیر این صورت محصل رسمی حوزه محسوب نمی شود.

۳. دوره سوم یا سطح دو:

این دوره نیز حدوداً سه سال است که تمرکز اصلی روی دروس تکمیلی فقه و اصول، معارف و فلسفه است. منظور از معارف مجموعه ای از دروس است که رتبه بندی شده است مثل معارف ۱، ۲، ۳ و...

۴. دوره سطح عالی یا خارج فقه و اصول:

در این دوره دروس فقه و

اصول و همچنین سایر درس ها به صورت تخصصی و اجتهادی ارائه می شود معمولا. همه اساتید این دوره از مجتهدین یا مراجع تقلید هستند. در دوره سوم و چهارم طلاب ملزم به بودن در مدرسه خاصی نیستند و به عبارت دیگر اکثر آنها از مدارس تحت برنامه خارج می شوند و درس های خود به صورت آزاد و با اساتید مورد پسند و علاقه خود می گذارند یعنی درس هر استادی که بهتر می پسندند انتخاب می کنند و سپس در آن درس شرکت می کنند. در همه این چهار دوره ای که ذکر شد طلاب باید در همه درس ها امتحان کتبی یا هم کتبی و هم شفافی بدهند و مانند سایر مراکز آموزشی کارنامه تحصیلی دارند و باید امتحانات خود را طبق برنامه ای که مدرسه یا شورای مدیریت حوزه اعلان می کند بگذرانند و حد نصاب نمره قبولی را بیاورند در غیر این صورت مشروط می شوند و طبق مقررات با آنها رفتار می شود.

در کنار مراکز آموزشی حوزه، مراکز دیگری وجود دارد که آنها نیز به نحوی تحت پوشش حوزه هستند این مراکز به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. مراکز آموزشی دروس تخصصی حوزه مثل کلام، فقه و اصول، تاریخ، فلسفه، تفسیر و...

۲. مراکز آموزشی مربوط به رشته های علوم انسانی مانند جامعه شناسی، اقتصاد، روان شناسی، علوم تربیتی، حقوق، فلسفه، دین شناسی، علوم قرآنی و... کسانی که می خواهند وارد این مراکز شوند حداقل باید دو دوره ۱ و ۲ را حتما گذرانده باشند و نمره قبولی داشته باشند.

این مراکز نیز مانند سایر مراکز آموزش عالی امتحان کنکور برگزار

می کنند، سپس افرادی که قبول شوند وارد این مراکز آموزشی می شوند و در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مشغول به تحصیل می شوند. البته کسانی که در این مراکز مشغول به تحصیل می شوند ملزم هستند دوره ۳ و ۴ حوزه را نیز طی کنند. طبق برنامه آموزشی آنها سنگین تر می شود و در هر ترمی حداقل باید ۲۵ واحد درسی بگذرانند که این کار نیز به تلاش مضاعف نیاز دارد. ناگفته نماند هم حوزه و هم این مراکز طبق قوانین و مقرراتی که دارند و بر اساس پایه هایی تحصیلی، به طلاب و دانش پژوهان مدرک تحصیلی می دهند. حوزه مدارک خود را معادل سازی می کند که سطح یک آن معادل کارشناسی، سطح دو معادل کارشناسی ارشد و سطح سه معادل دکتری و مراکز آموزشی که دروس تخصصی حوزه یا علوم انسانی را آموزش می دهند طبق مقررات رسمی وزارت آموزش عالی و فن آوری مدارک رسمی لیسانس، فوق لیسانس و دکتری می دهند. این مراکز در واقع شبیه مراکز آموزش غیر انتفاعی هستند یعنی به نحوی استقلال در برنامه های خودش دارند و تا حدودی نیز خودشان را هماهنگ با برنامه ها و قوانین آموزش عالی و حوزه علمیه می کند و از تسهیلات هر دو نیز استفاده می کنند البته نه صد در صد.

در پایان بیان این نکته لازم است که پذیرش در حوزه به این صورت است که حداقل تحصیلات برای ورود به حوزه سوم راهنمایی است و کمتر از آن را پذیرش نمی کنند وقتی پذیرش انجام گرفت افرادی که سوم راهنمایی و تا

زیر دیپلم هستند در مدارس خاصی تحت برنامه آموزشی قرار می گیرند و دیپلمه ها در مدارس دیگری و افرادی که بالاتر از دیپلم هستند باز در کلاس های ویژه خودشان، بنابراین برنامه آموزشی حوزه به سه صورت است:

۱. زیر دیپلم، ۲. دیپلم و ۳. دیپلم به بالا.

شرایط سنی آنها نیز باید متناسب با میزان تحصیلات آنها باشد و از این نظر محدودیت هایی وجود دارد که هر کسی با هر سنی نمی تواند در برنامه های حوزه شرکت کند این بود اجمالی از برنامه های آموزشی و نحوه پذیرش در حوزه علمیه.

**آیا تحصیل علوم حوزوی از طریق سی دیهای درسی مفید هست یا نه؟ و آیا می توان با استفاده از این سی دی ها دروس را خوب فرا گرفت؟ توجه داشته باشید که بنده در خارج زندگی می کنم**

**پرسش**

آیا تحصیل علوم حوزوی از طریق سی دیهای درسی مفید هست یا نه؟ و آیا می توان با استفاده از این سی دی ها دروس را خوب فرا گرفت؟ توجه داشته باشید که بنده در خارج زندگی می کنم

**پاسخ**

پاسخ را با بیان قاعده ای که در مباحث فقهی مطرح است و در برخی موارد برای اثبات مطلبی به آن استناد می شود آغاز می کنیم. این قاعده می گوید: «ما لا یدرک کله لا یترک کله» یعنی اگر نمی توانید به تمام آنچه که در صدد دستیابی به آن هستید، دسترسی پیدا کنید، همه آن را نیز رها نکنید و از آن مقدار که امکان دستیابی و درک آن هست، نباید دست کشید.

به عبارتی «اگر به تمام چیزی نمی رسی، تمام آن را نیز رها نکن» بنابراین اکنون که شما امکان استفاده از دروس حوزوی بطور حضوری و تحصیل در یکی از حوزه های علمیه برایتان فراهم نیست و از طرف دیگر علاقه مند هستید در این زمینه به تحصیل ادامه داده و به معلومات خود بیافزایید، سی دی های دروس حوزوی حداقل چیزی است که می تواند در این زمینه به شما کمک کند.

در اینجا چند نکته را یادآور می شویم:

۱. رشد علمی عمیق در این زمینه و در هر گرایش دیگری مستلزم حضور در کلاس درس است تا با ارتباط مستقیم و چهره به چهره پرسش ها، مسائل و شبهاتی که در هنگام مطالعه یا کلاس درس مطرح می شود بلافاصله حل شود و آن مسائل به فراموشی سپرده نشود و به شکل دقیق و صحیحی حل شود که آن در گرو

حضور در کلاس درس است. البته به آن معنا نیست که بدون آن هیچ چیز فراگرفته نمی شود.

۲. برای تعمیق فهم و درک علمی تان، هنگام گوش کردن به سی دی های درسی، مشکلات و پرسش های مطرح شده و آنچه به ذهنتان می رسد یادداشت کرده تا از اهل فن و استاد مربوطه مستقیماً از طریق امکانات ارتباطی جدید که در دسترس است، پرسید.

۳. در صورت امکان گاهی اوقات فهم و تشخیص خود را از آنچه یاد گرفته اید و از سی دی ها فرا می گیرید به یک استاد شناخته شده ارائه کنید تا در صورت صحت، آن را تأیید کنید و در صورت اشتباه بودن به تصحیح آن پردازید. زیرا چه بسا گاهی اوقات مطلبی را به گمان اینکه درست فهمیده ایم، تلقی کرده و خشت های علم ها را روی آن بنا کرده و تا ثریا آن بنا به صورت کج به پیش خواهد رفت بنابراین لزوم حضور استاد به شکل گاه گاهی و ایجاد ارتباط با وی نیز مناسب بلکه لازم است.

گفتمنی است جهت استفاده بهینه از فرصتها و ذخیره های علمی، قبل از هر چیز گستره انتظارات خود را از تحصیل علوم حوزوی مشخص کنید اگر در حدی است که می خواهید با قرآن و نهج البلاغه و احکام و معارف اصلی آشنا شوید با مشورت تنها مواد درسی را بگذاریم که زودتر شما را به این مقصود برساند به طور مثال نیازی نیست ادبیات عرب را چندین دوره طی کنید. بلکه یک دوره فشرده کافی است. و باید بیشتر تلاش را برای تفسیر قرآن و آشنایی با اصول

و فلسفه متمرکز کنید.

در پایان تمایل و علاقه تان به دروس حوزوی و داشتن روحیه علم دوستی و تقویت بنیه دینی تان را می ستائیم و شما را تحسین می کنیم امید است در این راه پر خیر و برکت موفق و پیروز باشید.

**از درجه صفر تا به درجه اجتهاد رسیدن چگونه میباشد؟ پیش نیازها را نام ببرید لطفا ... به اضافه اینکه چند سال طول میکشد معمولاً...**

### پرسش

از درجه صفر تا به درجه اجتهاد رسیدن چگونه میباشد؟ پیش نیازها را نام ببرید لطفا ... به اضافه اینکه چند سال طول میکشد معمولاً...

### پاسخ

دوره های دروس حوزہ را می توان به طور کلی چنین تقسیم کرد (مقدمات، سطح متوسط، سطح عالی، خارج).

الف) دوره مقدمات؛ این مرحله جهت تسلط بر ادبیات عرب و آشنایی با مبانی اجتهاد و علوم اسلامی و... می باشد. ضرورت این مرحله به خاطر یاد گرفتن کامل زبان اسلام است چون قرآن و احادیث به زبان عربی می باشد. در این دوره کتاب های زیر خوانده می شود:

۱- جامع المقدمات که شامل (صرف میر، شرح تصریف، عوامل ملامحسن در نحو، هدایه فی النحو و کتاب صمدیه شیخ بهایی)

۲- کتاب سیوطی در نحو، جلال الدین سیوطی

۳- مختصر المعانی (در معانی و بیان و بدیع) تفتازانی

۴- آشنایی با علوم اسلامی (قسمت منطق) استاد شهید مطهری

۵- منطق مظفر (علامه محمد رضا مظفر)

۶- مغنی اللیب در نحو، ابن هشام

۷- معالم الدین (در علم اصول)

۸- آموزش فلسفه، استاد مصباح یزدی

۹- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی

۱۰- تایخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی

۱۱- البدایه المعارف الالهیه (در عقاید) سید محسن خرازی

ب) مرحله سطح متوسط؛ هدف از این دوره آشنایی مقدماتی با فقه، اصول، منطق و فلسفه است. کتاب هایی که در دوره سطح متوسط خوانده می شوند عبارتند از:

۱- شرح اللمعه الدمشقیه (در فقه) شهید ثانی

۲- اصول الفقه (در علوم اصول) علامه محمدرضا مظفر

۳- رسائل (فرائدالاصول) شیخ مرتضی انصاری

۴- ارشاد مفید (در تاریخ) شیخ مفید

۵- بدایه الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی

۶- جوامع الجامع (در تفسیر) شیخ طبرسی

۷- التمهید (در علوم قرآن) آیت الله محمد هادی معرفت

۸- الملل والنحل (در فرق و مذاهب) استاد جعفر سبحانی

۹- کلیات علم رجال (علم رجال) استاد جعفر سبحانی

ج) مرحله سطح عالی؛ در این مرحله



مسائل فقهی و اصولی و فلسفی و کلامی به طور گسترده تر و عمیق تر مطرح می گردد. کتاب هایی که در این دوره تدریس می شود:

- ۱- مکاسب (در فقه) شیخ مرتضی انصاری
  - ۲- کفایه الاصول در علم اصول) مرحوم آخوند خراسانی
  - ۳- نهایه الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی
  - ۴- شرح منظومه (منطق و الهیات و فلسفه) ملا هادی سبزواری
  - ۵- جوامع الجامع (تفسیر) طبرسی
  - ۶- التمهید (در علوم قرآن) آیت الله معرفت
  - ۷- کلیات علم الرجال، استاد جعفر سبحانی
  - ۸- درایه الحدیث (حدیث شناسی) استاد جعفر سبحانی
  - ۹- الالهیات (در عقاید و کلام) استاد جعفر سبحانی
- ه) مرحله خارج؛ مرحله استنباط مسائل فقهی از منابع معتبر دینی است. درس خارج حوزه، درس باز است به صورت تحقیقی و استنباطی است، مباحث در بین مدرسین خارج فرق می کند، بعضی ها متون عروه الوثقی را مبنا قرار می دهند و براساس آن بحث می کنند و بعضی ها، شرایع الاسلام را و بعضی ها تحریرالوسیله حضرت امام را و... منابعی که بیشتر در این مقطع تحصیلی به کار می آید عبارتند از:
- ۱- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی
  - ۲- مستدرک الوسائل، محدث نوری
  - ۳- جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی
  - ۴- عروه الوثقی و شروحاتی که بر این کتاب نوشته شده، سید محمد کاظم یزدی
  - ۵- کشف اللثام، فاضل اصفهانی معروف به فاضل هندی
  - ۷- تذکره الفقهاء، علامه حلی

۸- اجود التقریرات، آیت الله خویی

۹- جامع المقاصد، محقق ثانی

۱۰- مبسوط، شیخ طوسی

۱۱- خلاف، شیخ طوسی

۱۲- تحریر الوسیله، امام خمینی و...

چنانچه طلبه ای با استعداد باشد و در کمال جدیت در حدود ۱۰ - ۱۵ سال این دوره را طی کند به درجه اجتهاد نائل می گردد.

در ضمن در کنار این دروس به صورت آزاد، افراد می توانند در فلسفه و عرفان و تفسیر شرکت کنند. منتها این ها به صورت کلاس و درس رسمی نیست. در این باره می توان کتاب: اسفار اربعه ملاصدرا و فتوحات مکیه

(در عرفان) محی الدین ابن عربی را نامبرد.

علاوه بر اینها، مراکز تخصصی نیز در حوزه در رشته های مختلف فعالیت می کنند.

۱- مرکز تخصصی علم کلام

۲- مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن

۳- مرکز تخصصی قضا

۴- مرکز تخصصی تبلیغ

برخی مؤسسات نیز وجود دارند که در زمینه علوم انسانی و رشته های مربوط به آن مانند اقتصاد، روان شناسی، علوم سیاسی، تاریخ و... براساس مقررات آموزش عالی، مشغول به پرورش محققین توانا از میان طلاب می باشند.

**یکی از الزامات حضور در حوزه های علمیه داشتن موی سر کوتاه است. در غیر این صورت طلبه از مدرسه اخراج خواهد شد. هنگامی که صحبت از الگو بودن ائمه برای زندگی ما شیعیان می شود یکی از خصوصیات ظاهری آن بزرگواران ظاهر آراسته آنان است. در کتب معتبر شیعه در مورد ویژگیه**

### پرسش

یکی از الزامات حضور در حوزه های علمیه داشتن موی سر کوتاه است. در غیر این صورت طلبه از مدرسه اخراج خواهد شد. هنگامی که صحبت از الگو بودن ائمه برای زندگی ما شیعیان می شود یکی از خصوصیات ظاهری آن بزرگواران ظاهر آراسته آنان است. در کتب معتبر شیعه در مورد ویژگیهای ظاهری حضرت ولی عصر ارواحنا فداه آمده است که ایشان سیمایی نورانی، موهایی بلند و آراسته دارند و... در این حالت آیا الزاماً یک سرباز امام زمان باید ظاهری مخالف با ظاهر مولای خود داشته باشد؟

### پاسخ

شاید در گذشته کوتاه بودن موی سر طلاب علوم دینی شرط حضور آنها در این حوزه ها بوده ولی اگر فردی هم اکنون با این حوزه ها و به ویژه مدارس وابسته به آنها که محل تحصیل طلاب جوان است ارتباط داشته باشد می داند که اکنون در مورد این مسأله اجباری وجود ندارد و تنها به صورت مسأله ای اخلاقی مطرح است.

از نکاتی که در طول تاریخ علمای بزرگ دین که همه رفتار و کردار و شئون زندگی شان برگرفته از کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) و اولیای الهی است به آن توجه داشته اند و خود را ملزم به رعایت آن می دانسته اند، رعایت عرف و عادت ویژه

هر زمان هر مکان است که در حفظ جایگاه روحانیت و تثبیت موقعیت آنها به‌عنوان صنف و گروهی خاص، نقش مهمی دارد. بسیاری از آداب و سنت‌های که سابقاً در اجتماع مسلمانان مطرح و رایج بوده و مسلمین بر طبق آن عمل و زندگی می‌کرده‌اند در گذر تاریخ کم‌رنگ گشته

و رونق گذشته خود را ازدست داده است. به عنوان مثال سرمه کشیدن از جمله سنت ها و برنامه های متداولی در بین مردم و به ویژه مؤمنین بوده و در روایات فراوانی بر آن تأکید شده است. از حضرت رضا(ع) منقول است: هر که ایمان به خدا و روز قیامت دارد باید سرمه بکشد. و یا از حضرت صادق(ع) نقل شده که: سرمه کشیدن دهان را شیرین و بینایی را زیاد می کند و باعث رویدن موی مژه می گردد و مانع آب آوردن چشم می گردد. (ر.ک: حلیه المتقین، مرحوم مجلسی، ص ۴۸، انتشارات هجرت، چاپ یازدهم، تابستان ۷۸)

با این وجود الامن در جامعه اسلامی به جز برخی مناطق روستایی سرمه کشیدن معمول نمی باشد و اگر فردی سرمه به چشمانش بکشد باعث می شود که در میان مردم انگشت نما گردد و مورد تمسخر آنها قرار گیرد و با وجود سنت بودن آن، به لحاظ آثار و عکس العمل هایی که در عرف جامعه و در میان مردم به دنبال دارد شاید ترک آن به صورت آشکار و در منظر مردم بهتر و مناسبتر باشد.

درباره داشتن موی بلند باید گفت، پیامبر اسلام(صلی الله علیه و اله) و امامان(علیهم السلام) بدون شک در پاره ای از عمر مبارکشان دارای موی بلند بوده اند ولی استمرار آن در همه طول مدت عمر مبارکشان، مسلم نمی باشد.

مرحوم علامه مجلسی در حلیه المتقین، ص ۱۷۵، می فرماید: یکی از دو چیز برای مردان سنت است: یا آن که موی سر را بتراشند و این بهتر است و یا آن که موی سر را بگذارند و به

آن رسیدگی کنند یعنی آن را بشویند و شانه کنند و چون در صدر اسلام، تراشیدن مو در نزد عرب جاهلی کار قبیح و زشتی بود، حضرت رسول(ص) موی سر را به اندازه چهار انگشت می گذاشتند و در حج و عمره می تراشیدند.

در حدیث دیگری (با همان آدرس قبل) آمده که از حضرت صادق(ع) پرسیدند: آیا حضرت رسول(ص) موی سر را دو قسمت می کردند و میانش را می شکافتند (فرق باز می کردند؟)؟ حضرت فرمود: آن حضرت مو را به حدی بلند نمی گذاشت که احتیاج به این کار داشته باشد، بلکه آن قدر می گذاشتند که به نرمه گوش می رسید و هیچ یک از پیامبران موی سر نگاه نمی داشت.

در مورد امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز شاید بلندی موی ایشان، امری دائمی و مستمر که از ویژگی های دائمی و علامت های مشخصه ایشان باشد، نباشد و ایشان در بعضی اوقات چنین وضع و هیئتی را دارند.

نکته مهمی که در اینجا مطرح است این است که اگر وضعیت ظاهری خاصی در عرف کنونی جامعه نمایانگر گروه خاصی از جامعه باشد، آن هم گروهی که به باورهای دینی و سنت های مذهبی و اسلامی یا پای بند نیستند و یا سعی و اصرار در مخالفت با مظاهر دینی و شرعی دارند هر چند این عمل زمانی جزء سنت ها و آداب معمول در بین ساعین و مؤمنین بوده، باز باید بر آن تأکید نمود و با آن گروه خاص و دین گریز هماهنگ و همگام بود؟ چرا علمای بزرگی که در کشان از دین و معارف آن عمیقتر و همه جانبه

تر است، نه تنها در زمان پیری و کهنسالی بلکه حتی در زمان جوانی که هنگامه توجه به زینت و جمال و زیبایی است، چنین برنامه و وضعیتی نداشته اند؟ و حتی برای اهل ایمان و متدینین آن را روا نمی دارند؟ آیا نباید در وضع ظاهری و در نحوه پوشش و زینت و نوع لباس تفاوتی میان متدینین و غیر آنها باشد و صف هر کدام در جامعه مشخص و ممتاز باشد و عملاً در این گونه مسائل و این جنبه ها نیز از یکدیگر متمایز و جدا باشند؟ اگر داشتن موی بلند و پوشیدن نوع خاصی از لباس علامت هیپی گری و لابیالی گری و دین گریزی و هنجار شکنی باشد و در عرف جامعه، هیپی ها و سنت شکن ها با این علامت شناخته شوند، آیا روا است فرد متدینی، مرز خود را از آنها در این ظواهر رعایت نکند به گونه ای که مردم نتوانند بین آنها تفاوتی قائل شوند و یکی را با دیگری اشتباه بگیرند؟

علاوه بر این آیا ما به همه آداب دین و سنت های اولیای دین از نظری اخلاقی و معنوی و ظاهری و باطنی پای بند هستیم و تنها مشکل ما عمل نکردن به سنت بلند نگه داشتن مو است؟ آیا ما از هر جهت رضایت خاطر و خشنودی ولی عصر (ارواحنا فداه) را با عمل به وظایف و انجام واجبات و ترک محرمات و انجام اموری که قلب حضرتش (ع) را شاد می گرداند، فراهم ساخته ایم و تنها نگران شبیه شدن به آن حضرت در داشتن موی بلند هستیم؟ به نظر شما این مسأله را اگر

بخواهیم رتبه بندی کنیم، در چه درجه و رتبه ای از اهمیت قرار می گیرد؟ درست است که شیعه خالص باید ظاهر و باطنش را با امام و مقتدا و رهبرش هماهنگ گرداند ولی عملاً به ویژه در جهت باطنی در این کار چه مقدار موفق بوده ایم؟

گذشته از همه این ها، شما چند نفر از جوانان متدین و موفق را می یابید که موی خود را تنها به خاطر هماهنگی با ظاهر ولی عصر (علیه السلام) بلند می کنند و در این کار، هدفشان جلب رضایت آن امام انس و جان است؟ فرق است میان کاری که مطابق میل و خواست و اقتضای جوانی است ولی انسان برای آن به دنبال سند و مدرک و توجیهی می گردد و کاری که انگیزه انسان از آغاز آن کار، جلب رضای خداوند و اولیای پاک او است.

**بسم الله الرحمن الرحيم با سپاس فراوان به خاطر پاسخ های مدون دست اندرکاران من دانشجویی هستم که بسیار علاقمند هستم در زمینه دروس مذهبی و حوزوی مطالعات مدون و منظمی داشته باشم . اما نمی دانم از کجا شروع کنم . اگر چه منتخب اصول کافی را به عنوان یک متن درسی ا**

### پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با سپاس فراوان به خاطر پاسخ های مدون دست اندرکاران من دانشجویی هستم که بسیار علاقمند هستم در زمینه دروس مذهبی و حوزوی مطالعات مدون و منظمی داشته باشم . اما نمی دانم از کجا شروع کنم . اگر چه منتخب اصول کافی را به عنوان یک متن درسی اصول اعتقادات برگزیدم و سعی در کار کردن روی آن در حضور استاد دارم . نظر کارشناس محترم در این باب چیست . و اساساً من برای آنکه در زمینه علوم معارف پیشرفت کنم از کجا باید آغاز کنم و برای اینکه در اصول اعتقادات بسیار مسلط شوم چه کتاب هایی را پیشنهاد می فرمایید . باسپاس فراوان

### پاسخ

توصیه می شود در ابتدا کتاب های زیر را مطالعه کنید:

۱. معارف قرآن (۳ - ۱)، آیت الله مصباح یزدی

۲. راه و راهنماشناسی، آیت الله مصباح یزدی

۳. اخلاق در قرآن (ج ۱ و ۲)، آیت الله مصباح یزدی

در گام دوم ۶ جلد از سلسله دروس اندیشه های بنیادین اسلامی که توسط مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تهیه و تدوین شده است مطالعه کرده و در صورت مشکل بودن محتوای آن درس بگیرید. آن ۶ جلد عبارتند از: معرفت شناسی، انسان شناسی، هستی شناسی، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه سیاست.

لازم به ذکر است در صورتی که کتاب های فوق از نظر محتوایی سخت و مشکل بود و یا استاد مناسب پیدا نکردید از ۶ جلد



کتاب های شهید مطهری که تحت عنوان مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی تدوین شده است بهره بگیریید اسامی آنها عبارتند  
از: انسان و ایمان، جهان بینی توحیدی، وحی

و نبوت، انسان در قرآن، جامعه و تاریخ، زندگی جاوید یا حیات اخروی.

## آیا برای آشنایی هر چه بیشتر با علوم اسلامی امکانات و خدماتی وجود دارد؟

### پرسش

آیا برای آشنایی هر چه بیشتر با علوم اسلامی امکانات و خدماتی وجود دارد؟

### پاسخ

با تبریک به جناب عالی و به امید موفقیت در هدفی که انتخاب کردید، به اطلاع می‌رسد حوزه علمیه قم به دو صورت بلند مدت و کوتاه مدت با برگزاری آزمون اختصاصی داوطلبان را پذیرش می‌کند.

الف شرایط اختصاصی دوره بلند مدت ۱. قبولی حداقل سوم راهنمایی با حداکثر سن ۱۷ سال سنوات تحصیلی بالاتر از سوم راهنمایی و مدت خدمت سربازی به حداکثر سن اضافه می‌شود.

۲. تعهد تحصیل تمام وقت حداقل تا پایان سطح یک (معادل دیپلم

ب شرایط اختصاصی دوره کوتاه مدت (سفیران هدایت

۱. داشتن مدرک دیپلم با حداکثر سن ۲۱ سال

۲. تعهد تحصیل تمام وقت به مدت ۵ سال

۳. تعهد خدمت تبلیغی (به مدت سنوات تحصیلی در مناطق مورد نیاز)

آزمون کتبی در دو مقطع سوم راهنمایی و دیپلم با موضوعات قرآن احکام معارف اسلامی ادبیات فارسی عربی ریاضی معلومات عمومی هوش و استعداد برگزار می‌شود.

داوطلبان واجد شرایط می‌توانند با مراجعه به یکی از مدارس تحت پوشش حوزه علمیه قم در قم و شهرستان‌ها، نسبت به ثبت نام که معمولاً همه ساله در ماه‌های اسفند و فروردین انجام می‌گیرد، اقدام کنند.

همه پذیرفته شدگان موظفند در سال‌های اولیه ورود، دروس عمومی را (ادبیات عرب تاریخ اسلام منطق و...) بگذرانند. پس از آن با علاقه خود می‌توانند در یکی از گرایش‌های تخصص فقه و اصول فلسفه و کلام قضا و.. ادامه تحصیل دهند.



دوره های یاد شده نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها اقدام به تأسیس حوزه ای به نام "شهید بهشتی کرده است که دانشجویان می توانند در آن جا تحصیل کنند. لطفاً درباره چگونگی تحصیل حوزوی یا غیر حوزوی از نهاد مربوطه مستقر در دانشگاه خود استعلام نمایید.

همچنین سازمان تبلیغات اسلامی در سایت اینترنتی به آدرس [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net) اقدام به درج درس های حوزوی در همه سطوح کرده است از این سایت نیز می توانید استفاده کنید.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه می توانید با شماره تلفن ۰۲۵۱۹۰۱۹۴۰۷۷۴ پذیرش حوزه علمیه قم تماس بگیرید.

### لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه را بیان کنید؟

#### پرسش

لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه را بیان کنید؟

#### پاسخ

با تبریک به شما به خاطر هدف مقدسی که انتخاب کرده اید و به امید موفقیت شما، به عرض می رسد راه های متعددی برای ورود به حوزه علمیه برای خواهران وجود دارد که پس از ذکر مقدمه ای به آن ها اشاره می کنیم

شرط تحصیل در حوزه اخلاص است و هدف از آن باید کسب فضایل اخلاقی و دریافت معارف اسلامی و نشر آن ها در میان باشد. ورود به حوزه یا هر مکان علمی با این هدف اهمیت ویژه ای داشته و خداوند چنین عالمی را تمجید کرده است "خدا [رتبه کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد. (مجادله ۱)

روایات متعددی نیز به این فضیلت ها اشاره دارند. از جمله حضرت صادق می فرمایند: "عالمی که از علمش سود برده شود بهتر از هفتاد هزار عابد است" (الکافی کلینی (ره، ج ۱، ص ۳۳، دارالکتب الاسلامیه)

بدیهی است که این فضایل از عالمان عامل است و عالمانی که به خاطر هوای نفس یا دلایل مادی قدم در راه تحصیل معارف بگذارند، به سختی بازخواست خواهند شد.

راه های ورود به حوزه علمیه

۱. شرکت در آزمون اختصاصی "جامعه الزهراء قم این حوزه همه ساله از اواخر بهمن یا اوایل فروردین از خواهران داوطلب دانشجو می پذیرد، اطلاعیه پذیرش و چگونگی ثبت نام در این حوزه معمولاً در روزهای یاد شده در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر می شود.

از جمله شرایط اصلی آن در حال حاضر برای خواهران تمام وقت شهرستانی داشتن دیپلم با معدل ۱۴ به بالا و

حداکثر سن ۱۹ سال می باشد.

حوزه شبانه روزی و دارای خوابگاه بوده و طلاب از غذا و کمک هزینه تحصیلی بهره مند خواهند شد.

برای آگاهی بیشتر در این باره می توانید با شماره تلفن ۹۵۱۱۱۰۲۵۱ تماس بگیرید.

۲. شرکت در آزمون اختصاصی حوزه علمیه خواهران مرکز حوزه علمیه خواهران قم مدارس قم را در بیشتر شهرستان ها تحت پوشش دارد که همه ساله معمولاً در ماه های اسفند و فروردین از خواهران داوطلب طلبه می پذیرد، اطلاعیه پذیرش این حوزه در روزهای یاد شده در روزنامه های جمهوری اسلامی کیهان و هفته نامه افق حوزه منتشر می شود.

از جمله شرایط اصلی آن در حال حاضر داشتن دیپلم و حداکثر سن ۲۰ سال می باشد که در صورت تأهل حداکثر سن ۲۳ سال می باشد.

برای آشنایی با شرایط ورود به این مدارس می توانید با حوزه علمیه مرکز استان خودتان یا مرکز حوزه علمیه خواهران قم (۷۷۴۰۹۴۵۰۲۵۱) تماس بگیرید.

۳. ثبت نام در مدارس مستقل برخی از مدارس در شهرستان ها وجود دارند که مستقل بوده و از میان خواهران طلبه می پذیرد و شرایط ثبت نام در این مدارس متفاوت بوده و به تصویب هیئت امنا یا مدیر مدرسه بستگی دارد.

اما درباره استاد سیر و سلوک یا استاد اخلاق تذکر چند مطلب ضروری به نظر می رسد که به آن ها اشاره می شود:

۱. نقش و فایده های داشتن استاد: شکی نیست که انسان برای عبور از مسیرهای دشواری که هرگز عبور از آن را تجربه نکرده است داشتن راهنمایی که پیش تر آن راه ها را پیموده باشد، بسیار دارای اهمیت است به خصوص برای سلوک درجاده معنوی

و

پیمودن مراحل و منازل روحانی که گام به گام آن را ابلیس و ایادی او ناامن کرده اند و سالک این وادی را بدون مبارزه و جهاد، اجازه عبور نمی دهند: "قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَأَنْتَهُنَّ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَنِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ (اعراف ۱۶ و ۱۷) [ابلیس گفت اکنون که مرا گمراه ساختی من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آن ها کمین می کنم سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آن ها، به سراغ شان می روم]"

حضرت آیت الله جوادی آملی درباره نقش استاد اخلاق و مرشد، در تکامل انسان می فرمایند: "بعضی درس اخلاق می گویند، بعضی معلم اخلاق اند بعضی راهنما هستند. این راهنما یا استاد، گذشته از این که کلیات و تئوری را می داند، باید روان شناس خوبی هم باشد تا خصوصیات اشخاص مختلف را درک کند. بعضی از کارهاست که برای یک شخص خوب و برای دیگری بد است داروها همه اش برای همه افراد خوب نیست دارویی که برای یک نفر شفاست ممکن است برای دیگری سم باشد. خلاصه کسی باید استاد و راهنما باشد که خصوصیات روحی آدم را بداند، بگوید: فلان کار، برای تو این گونه خوب است و برای فلانی آن گونه" (توصیه ها، پرسش ها و پاسخ ها، آیه الله جوادی آملی ص ۳۰ و ۳۱، نشر: دفتر نشر معارف)

۲. وجود استاد و راهنما:

شکلی نیست که در میان انسان های مؤمن همواره کسانی هستند که در زمینه هدایت و دست گیری اشخاص به طور شخصی برای رسیدن به کمالات معنوی

مهارت دارند که برای نمونه می توان از مرحوم شاه آبادی نام برد که حضرت امام خمینی را در سنین جوانی راهنمایی می کردند، ولی در این هم شکی نیست که شناختن این اساتید و دست رسی به آنان کار آسانی نیست به خصوص که ممکن است انسان با اندک غفلتی به جای دست رسی به این گونه استادان در دام شیادانی که خود را این گونه جلوه داده اند، بیفتد<sup>۲</sup> به ویژه برای خانم هایی که برای دست رسی به این گونه اساتید تلاش می کنند، این امر، بسیار حساس تر و مشکل تر است البته گمان نکنید که تنها شما از این قافله عقب مانده اید و در این آرزو به سر می برید<sup>۲</sup> بلکه وقتی سخن از استاد و مرشد می شود، شخصی مانند حضرت آیت الله جوادی آملی نیز که خود خبره این مسائل هستند می فرمایند: "اگر استاد و مربی پیدا شود که نقش مهمی دارد: "آن که یافت می نشود آنم آرزوست "...اگر واقعاً کسی باشد که این خصوصیات را داشته باشد و لحظه به لحظه انسان را راهنمایی کند، نعمت خوبی است اما بسیار کم نصیب آدم می شود." (همان ص ۳۰ و ۳۱).

۳. بدون استاد: اکنون که دست رسی به آن گونه اساتید که خصوصیات آن در بالا گذشت و گویا جز با توفیق الهی نصیب انسان نمی شود میسر نشده است به معنای آن نیست که انسان از کمالات و کامل شدن محروم مانده است زیرا یک سری دستورالعمل های عمومی وجود دارند که با تمسک به آن ها و جلب عنایات ویژه خداوند، انسان می تواند راه خود را به سوی کمال ادامه دهد که



از جمله آن دستورالعمل‌ها "ترک محرمات و انجام واجبات است دانستن این که چه چیزهایی برای انسان حرام و چه چیزهایی واجب هستند، کار دشواری نیست زیرا بیش تر آن‌ها را فقها و مراجع تقلید در رساله‌های توضیح المسائل خود آورده‌اند. نقطه شروع شما در ابتدای راه باید همین باشد؛ یعنی حرام در زندگی شما نباشد و واجبی از واجبات شما ترک نشود، به گونه‌ای که هر گاه دیدید در زندگی خود، گناه و ترک واجب دارید، بدانید هنوز در ابتدای راه هستید، اما خداوند متعال پس از پیمودن این مرحله تضمین فرموده است که شما را در ادامه راه کمک و راهنمایی فرماید و شما را بر سر دو راهی‌ها، تنها نگذارد: "وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ" (عنکبوت ۶۹) و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نمایم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است "؛ "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا" (طلاق ۲) و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند. "؛ "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا" (انفال ۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از [مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد."

### جامعه الزهرای قم چه مرکزی است ؟

#### پرسش

جامعه الزهرای قم چه مرکزی است ؟

#### پاسخ

جامعه الزهرا که حوزه علمیه خواهران است، دارای چهار بخش عمده می‌باشد:

۱- شبانه روزی جهت خواهران شهرستانی،

۲- روزانه با شرایط دارا بودن مدرک سیکل،

۳- روزانه با مدرک دیپلم،

۴- آموزش غیرحضور (توسط ارسال نوار)،

از نظر درسی هم دارای یک دوره عمومی و یک دوره تخصصی می‌باشد. دوره عمومی را که حدوداً پنج سال به طول می‌انجامد برای همه است و دوره تخصصی (تخصص تبلیغ، تاریخ، فقه و اصول و...) برای کسانی است که ثبت نام کرده و در امتحان ورودی آن قبول شوند.

شرایط ثبت نام را نیز امسال در دهه اول اسفندماه در روزنامه‌های کثیرالانتشار به اطلاع عموم می‌رسانند.

جهت آگاهی بیشتر با نشانی قم: بلوار امین - جامعه الزهرا - تلفن: ۲۹۲۵۱۱۱ تماس حاصل نمایید. }J

## آیا کلمه روحانیت - آن گونه که دکتر شریعتی در کتاب (بازگشت به خویشتن) بیان کرده - از تحریفات عصر صفویه بوده و از مسیحیت وارد جامعه مسلمانان شده است ؟

### پرسش

آیا کلمه روحانیت - آن گونه که دکتر شریعتی در کتاب (بازگشت به خویشتن) بیان کرده - از تحریفات عصر صفویه بوده و از مسیحیت وارد جامعه مسلمانان شده است ؟

### پاسخ

در مورد مطلبی که در سوئال آمده نکاتی قابل بررسی می باشند که عبارتند از: اولاً: "در ابتدا لازم است نگاهی به تعریف واژه روحانیت و ویژگیهای آن در اسلام بیندازیم و سپس فرق بین آن و روحانیت در دین مسیح را بیان نمائیم: واژه روحانیت به معنای ((روح محوری)) در برابر ((جسم محوری)) است. گاهی این اصطلاح به جای واژه ((عالم دین)) و یا ((دین شناسی)) و نظیر آن به کار می رود که چندان رسا نیست, چنانکه برخی از اصطلاحات زمان های پیشین چون ((آخوند)) (پیشوای مذهبی یا دانشمند) و ((ملا)) (درس خوانده) نیز چندان رسا نبود و علاوه بر نداشتن دلالت لازم بر مراد, گاهی با تحقیر و توهین دشمنان دین و روحانیت همراه بود. در فرهنگ قرآن و اهل بیت (ع) در مورد دین شناسان و ادامه دهندگان رسالت انبیای الهی واژه ((عالم)) به کار رفته و با القایی چون ((وارثان پیامبر)), ((جانشینان پیامبر)), ((دژهای اسلام)) و ((صاحبان فهم عمیق)), ((منذران قوم)) و... به آنان اشاره شده است. اما از نظر اصطلاحی, روحانی یا عالم دینی به معنای ((دین شناس و دین دار عصر خویش الگویی عینی اجرای دین و هادی خود و جامعه و ناظر بر اجرای دین به منظور عروج در رسیدن انسان به کمال نهایی)). ویژگی های روحانیت عبارتند از: ۱- اسلام شناسی ۲- زمان شناسی

۳- شایستگی برای فهم دین و تبلیغ و تبیین آن , ۴- تبلور دین در ظاهر و باطن ۵- صلاحیت برای اجرای دین در عرصه اجتماع ۶- شایستگی برای هدایت و نظارت بر اجرای دین (ر.ک : محمدجواد حیدری کاشانی , مجموعه امام خمینی و حکومت اسلامی , ج ۸, ص ۱۶۶ - ۱۶۵) اما اگر شما روحانیت در دین مسیحیت را با ویژگیهایی که دارد مورد مطالعه قرار دهید در می یابید که بین این دو اصطلاح (روحانیت در اسلام با روحانیت در مسیحیت ) اختلافات ماهوی متعددی وجود دارد که به هیچ وجه قابل اقتباس از دیگری نمی باشد که ما به برخی از آنان اشاره می نمائیم : روحانیت در مسیحیت تنها مقام صاحب اعتبار در مسایل دینی و رابطه و واسطه خدا و انسان به شمار می آید که به نوعی از عصمت و قداست خاصی برخوردار بوده و کمتر به جنبه عملی و معرفتی اخلاقی و علمی او توجه می شود و به عنوان یک طبقه ممتاز از سایر طبقات شناخته می شود. به خلاف روحانیت شیعه که بر بعد معرفتی و علمی او توأم با بعد اخلاقی و عملی توجه می شود و... (ر.ک : مهندس جلال الدین آشتیانی , تحقیق در دین مسیح , ص ۴۰۹) ثانیاً:" مطالعه تاریخ صفویه به روشنی بیانگر این مطلب می باشد که علمای شیعه در برابر مبلغان مسیحی موضع گیری های متعددی داشته اند و کتابهای بیشمار در جهت مقابله با ترویج عقاید و افکار مسیحیت نگاشته شده است بنابراین اثبات چنین مطلبی مشکل می نماید. (ر.ک : رسول جعفریان , دین و

سیاست در دوره صفوی، ص ۳۰۱) ثالثاً: روحانیت در دید دکتر در دوره های مختلف و سالهای متمادی به شکل‌های مختلفی جلوه کرده و دیدگاهش گاه عوض شده گاه به افراط کشیده شده است. بنابراین برای درک شناخت موضع دکتر درباره روحانیت لازم است کار زمان بندی شده ای روی آثار دکتر بشود. رابعاً: برای ارائه نظر و انتقاد از عملکرد فرد یا افرادی حتماً باید شرایط، اوضاع و احوال آن زمان را در نظر گرفت نه با معیاری که امروز به دست آورده کما اینکه دکتر سعی می کند معیار تشیع سرخ را تا آخر تاریخ ببرد و هر دوره ای را با آن محک بزند. حضرت امام (ره) با اینکه به همه سلاطین بدبین بودند و فردی کاملاً انقلابی بودند اما در جای خود از علمای معاصر حکومت صفوی حمایت می کرد یعنی احساس می کرد که در آن مقطع زمانی، مرحوم مجلسی یا محقق کرکی و یا دیگران جز کاری که کردند، نمی توانستند کار دیگری انجام دهند. لذا رسماً از مرحوم مجلسی ستایش و دفاع کردند. خامساً: با این همه دکتر نهایت تمجید از تشیع علوی را دارد و به کرات از شیعیان مخلص مانند مرحوم سید شرف الدین یاد می کند. و از حضرت امام خمینی (ره) به دفعات تمجید و ستایش کرده و به روح خدا تعبیر می نماید، (دکتر شریعتی، مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۱۱۹). سادساً: اصل وجود تعزیه و عزاداری برای امام حسین (ع) و ائمه اطهار (ع) دارای پشتوانه محکمی از احادیث و روایات معتبر و سیره ائمه

اطهار(ع) می باشد که اصلاً قابل خدشه نیست. مراسم سوگواری عاشورا، (عزاداری، تعزیه خوانی، مراسم روضه خوانی و...) از پیش از صفویه در ایران به ویژه خراسان عصر تیموری رواج داشته و کتاب روضه الشهداء از ملا حسین کاشفی (م ۹۱۰) برای محافل روضه خوانی خراسان تالیف شده بوده است آن هم در روزگاری که هنوز پای شاه اسماعیل به خراسان نرسیده و قزلباشان شیعه در آنجا حضور و نفوذی نداشتند. در عصر حضور ائمه معصومین (ع) و پیامبر اکرم (ص) نیز برگزاری تعزیه برای شهدای و مرحومین امری رایج بوده است که می توان به : برگزاری مراسم عزاداری برای حمزه سیدالشهداء توسط زنان مدینه، برگزاری مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) توسط کاروان اسرای به مدت سه روز در شام و بعد از برگشتن از شام بر سر قبر مطهر امام حسین (ع) در کربلا، و سپس در مدینه اشاره نمود و حتی امامان معصوم (ع) نیز برای عزاداری جدشان هر ساله تشکیل مراسم عزاداری می دادند، (ر.ک: رسول جعفریان، صفویه از ظهور تا زوال، ص ۲۳۷) اما سبک عزاداری به فرهنگ هر قومی بر می گردد. به عبارت دیگر تعزیه از مقوله هنر است که ممکن است در آن از موارد مشابه حتی از کشورها و آئین های دیگر تقلید شود، و این تا جایی که با ارزشها و معارف اسلامی مغایرت نداشته باشد مشکلی ندارد. در عین حال برخی از منابع تاریخی برآنند که نخستین بار زنان بنی هاشم هنگام ورود به کربلا- به رسم عزاداری به سینه

خود می زدند.

## فهرستی از دروس حوزه را بیان نمائید؟

### پرسش

فهرستی از دروس حوزه را بیان نمائید؟

### پاسخ

- ۱- جامع المقدمات که شامل (صرف میر، شرح تصریف، عوامل ملامحسن در نحو، هدایه فی النحو و کتاب صمدیه شیخ بهایی)
- ۲- کتاب سیوطی در نحو، جلال الدین سیوطی
- ۳- مختصر المعانی (در معانی و بیان و بدیع) تفتازانی
- ۴- آشنایی با علوم اسلامی (قسمت منطق) استاد شهید مطهری
- ۵- منطق مظفر (علامه محمدرضا مظفر)
- ۶- مغنی اللیب در نحو، ابن هشام
- ۷- معالم الدین (در علم اصول)
- ۸- آموزش فلسفه، استاد مصباح یزدی
- ۹- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی
- ۱۰- تایخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی
- ۱۱- البدایه المعارف الالهیه (در عقاید) سید محسن خرازی

« قدس سرهما

۱- شرح اللمعه الدمشقیه (در فقه) شهید ثانی

۲- اصول الفقه (در علوم اصول) علامه محمد رضا مظفر

۳- رسائل (فرائد الاصول) شیخ مرتضی انصاری

۴- ارشاد مفید (در تاریخ) شیخ مفید

۵- بدایه الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی

۶- جوامع الجامع (در تفسیر) شیخ طبرسی

۷- التمهید (در علوم قرآن) آیت الله محمد هادی معرفت

۸- الملل والنحل (در فرق و مذاهب) استاد جعفر سبحانی

۹- کلیات علم رجال (علم رجال) استاد جعفر سبحانی

«

۱- مکاسب (در فقه) شیخ مرتضی انصاری

۲- کفایه الاصول (در علم اصول) مرحوم آخوند خراسانی

۳- نهایه الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی

۴- شرح منظومه (منطق و الهیات و فلسفه) ملا هادی سبزواری

۵- جوامع الجامع (تفسیر) طبرسی

۶- التمهید (در علوم قرآن) آیت الله معرفت

۷- کلیات علم الرجال، استاد جعفر سبحانی

۸- درایه الحدیث (حدیث شناسی) استاد جعفر سبحانی

۹- الالهیات (در عقاید و کلام) استاد جعفر سبحانی

« قدس سرهما

۱- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی

۲- مستدرک الوسائل، محدث نوری

۳- جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی

۴- عروه الوثقی و شروحي که بر این کتاب نوشته شده، سید محمد کاظم یزدی

۵- کشف اللثام، فاضل اصفهانی معروف به فاضل هندی

۷- تذکره الفقها، علامه حلی

۸- اجود التقریرات، آیت الله خویی

۹- جامع المقاصد، محقق ثانی

۱۰- مبسوط، شیخ طوسی

۱۱- خلاف، شیخ طوسی

۱۲- تحریر الوسیله،



امام خمینی و...

۱- مرکز تخصصی علم کلام

۲- مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن

۳- مرکز تخصصی قضا

۴- مرکز تخصصی تبلیغ

**سؤال ۱۰: فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟**

**پرسش**

سؤال ۱۰: فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

**پاسخ**

۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصی برای فقها در اسلام سفارش نشده است.

۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه اش را همانند طبقه اطبا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی کند.

۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم.

پاسخ: از احادیث موجود در کتب روایی شیعه و سنی استفاده می شود که پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنت معصومان (ع) است؛ از آن جمله:

۱- جابر نقل کرده است: پیامبر اکرم (ص) در هنگام فتح مکه، در آغاز ورود به مکه عمامه ای مشکی بر سر داشت. (۱)

علی (ع) فرمود: "رسول خدا (ص) در روز عید غدیر، عمامه ای بر سرم گذاشت و گوشه آن را پشت سرم آویزان کرد؛ آن گاه فرمود: "خدای متعال در جنگ بدر و حنین مرا با فرشتگانی کمک کرد که با چنین عمامه هایی معمم بودند". (۲)

۲- اصبع بن نباته که از نزدیکان امیرالمؤمنین (ع) به شمار می رود، روایت کرده است: در آغاز خلافت و پس از بیعت مردم، حضرت علی (ع) به مسجد آمد، در حالی که عمامه رسول خدا را بر سر داشت. (۳)

۳- عباس بن عبدالمطلب و ربیعہ بن الحارث فرزندان خود فضل و ربیعہ را به حضور علی (ع) فرستاده تا از حضرت تقاضا کنند

که آنان را برای جمع آوری زکات به کار بگمارد؛ حضرت امیر(ع) فرمود: به خدا قسم هیچ کدام از شماها را به کار نخواهم گرفت.

ربیعہ (پس از شنیدن نظر امام به محضر علی(ع) شرفیاب شد و با لحنی اعتراض آمیز) عرض کرد: به مقام و منزلت دامادی پیامبر(ص) رسیدی، ما به خاطر آن بر تو حسادت نکردیم؛

امیر المؤمنین (ع) (با بی اعتنایی نسبت به سخنان ربیعہ) عباى خود را روی زمین انداخت و بر آن خوابید. (۴)

بنابراین از مجموع روایات می توان نتیجه گرفت:

پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنت پیامبر و امامان (ع) را تشکیل می دهد.

تا این قسمت، پاسخ پرسش اصلی شما یعنی فلسفه وجودی لباس روحانیت، روشن شد، هم چنین پاسخ اولین پرسش فرعی، نیز معلوم گردید. وقتی عبا و عمامه سنت پیامبر (ص) و امامان (ع) باشد، چه لزومی دارد که سفارش جداگانه برای آن در روایات شود، بلکه در هر زمان و مکانی ممکن است که روحانی پاسخگوی شبهات و پرسش های افراد باشد و این میسور نیست مگر آن که روحانی با پوششی خاص میان جامعه اسلامی حضور داشته باشد؛ به خلاف مراجعه به صاحبان مشاغلی همچون پزشکان و نیروهای نظامی و انتظامی که مراجعه به آنان در موارد و ساعاتی خاص انجام می شود، بنابراین، حتی اگر از نگاه شغلی نگاه کنیم، شغل روحانی اقتضا می کند که هر وقت در جمعی حاضر شده، چه در خیابان و چه در مهمانی و... باید این لباس را به تن داشته باشد.

پاسخ سومین سؤال فرعی:

در سؤال مطرح کرده اید: در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم، بله در این زمینه روایاتی رسیده است که به لحاظ رعایت اختصار فقط به بیان و تشریح یک روایت می پردازیم:

حمّاد بن عثمان در محضر امام صادق (ع) بود که شخصی به امام عرض کرد: به ما گفته اند که علی (ع) لباس خشن و پیراهن ارزان قیمت می پوشیده و شما را می بینیم که لباسی نیکو پوشیده اید.

امام صادق (ع) در پاسخ این اعتراض فرمود: "علی بن ابی طالب علیه السلام لباس با

آن ویژگی‌ها را در زمانی می پوشید که پوشش آن عیب به حساب نمی آمد، اما امروز هر کس به آن روش لباس بپوشد، لباس شهرت می شود و بهترین لباس در هر زمان، لباس اهل همان زمان است". (۵)

این روایت بهترین لباس را، لباس مردم هر زمان دانسته است، و لباس نوع دیگر را که به صورت لباس شهرت (انگشت نما) در آید، نفی کرده است. امّا آیا لباس روحانیت از این نوع است؟ با توجه به این که نمایانگر طبقه خاص با وظایف خاص بوده و به لباس معصومین (ع) شباهت داشته و به لباس های سنتی ایرانیان نیز شباهت بیشتری دارد.

پی نوشت ها:

۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۶۵، ح ۱۸۰۹۶.

۲. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری (سنن بیهقی)، ج ۱۰، ص ۱۴.

۳. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، التوحید، ص ۳۰۴، ح ۱؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۰۹.

۴. محمود بن عمر بن محمد الزمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۲۲.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.

**من علاقه به فراگیری علوم و دروس حوزوی دارم و می خواهم بدانم مدت آن چند سال است و هم چنین در رشته علوم سیاسی چه درس هایی از همه بیش تر نیاز است؟**

**پرسش**

من علاقه به فراگیری علوم و دروس حوزوی دارم و می خواهم بدانم مدت آن چند سال است و هم چنین در رشته علوم سیاسی چه درس هایی از همه بیش تر نیاز است؟

**پاسخ**

اگر علوم حوزوی درست خوانده شود منشأ خیرات فراوانی می شود، ولی استقامت و توفیق الهی باید مددکار باشد تا انسان بتواند به علوم حوزوی دست یابد. مدت طلبگی در حوزه برای خواندن (مقدمات و سطح و خارج) حدود ۱۵ سال طول می کشد. اگر ۱۵ سال خوب درس خوانده شود، شخص می تواند مجتهد شود. و درباره ورود به دانشگاه و تحصیل در رشته علوم سیاسی، درس های عمومی و معارف اسلامی، اطلاعات سیاسی، و تاریخ و جغرافیا از همه بیش تر نیاز است و کتاب اندیشه سیاسی اسلامی را مطالعه فرمایید.

۴ چرا در گزینش طلبه دقت کافی نمی شود؟ چرا مانندبودایی ها که برای مسئولیت و رهبری معبدی ، از دوران کودکی شخص مورد نظرا کنترل می کنند، عمل نمی شود و مثلاً دانش آموزی را که در سوم راهنمایی متوقف شده ، می پذیرند و بعد هم در آمد روحانیت آغشته به دین است؟! چر

### پرسش

۴ چرا در گزینش طلبه دقت کافی نمی شود؟ چرا مانندبودایی ها که برای مسئولیت ...رهبری معبدی ، از دوران کودکی شخص مورد نظرا کنترل می کنند، عمل نمی شود و مثلاً دانش آموزی را که در سوم راهنمایی متوقف شده ، می پذیرند و بعد هم در آمد روحانیت آغشته به دین است؟! چرادر باره این مسئله فکر اساسی و اقدام قانونی نمی شود؟!

### پاسخ

مطلبی را که درباره دقت در نحوه تعیین رهبری معبد بوداییان بیان کردید در مورد رده بالای روحانیت است که این امر در روحانیت شیعه نیز برای تعیین مرجع تقلید و روحانیونی که بخواهند عهده دار مسئولیت حساس شوند، رعایت می شود، اما چون حوزه روحانیت در اسلام بسیار گسترده و دارای مراتب گوناگون است و به افراد بسیاری نیاز دارد، نمی شود همه آنان را ازدوران کودکی تحت نظر گرفت و به شیوه خاص تربیت کرد، بلکه بهترین راه همان است که پس از گذراندن حداقل دوره راهنمایی و آشنا شدن با مسائل اجتماعی ، کسانی که علاقه و ذوق ورود به حوزه را دارند، با آگاهی و اختیار و در صورت داشتن شرایط و قبولی در آزمون ورودی وارد حوزه شوند و ضمن خواندن دروس حوزوی و ارتقای علمی و تهذیب نفس و ابراز لیاقت و شایستگی... ..ت...های علمی و عقاید اخلاقی ، بتوانند مسئولیت های در...IS...توان را بپذیرند. طبیعی است کسانی که از استعداد بالایی برخوردار هستند، برای مسئولیت های بالاتر و کسانی از لیاقت پایین تری بهره مندند، به کارهای متناسب با شأن و لیاقتشان گمارده خواهند شد. البته باید اعتراف کرد سازمان روحانیت هنوز به وضعیت مطلوب نرسیده است

و در کیفیت اداره نیاز به اصلاحات دارد که باید توسط مراجع مربوط و کارشناسان آگاه به زمان برنامه ریزی شود تا به اهداف عالی خود نایل آید.

**شنیده ام که می شود از قم کتاب مجانی دریافت کرد. لطفاً راهنمایی کنید؟**

**پرسش**

شنیده ام که می شود از قم کتاب مجانی دریافت کرد. لطفاً راهنمایی کنید؟

**پاسخ**

با مؤسسه انتشارات در راه حق واقع در قم چهار راه شهدا مکاتبه کنید.

**علاقه به دروس حوزوی دارم ، ولی بندر انزلی نه جو خوبی دارد ونه حوزه مناسبی . آیا می توانم در حوزه علمیه قم مشغول شوم ، لطفاً از قم و کیف مسئله مرا مطلع فرمایید.**

**پرسش**

علاقه به دروس حوزوی دارم ، ولی بندر انزلی نه جو خوبی دارد ونه حوزه مناسبی . آیا می توانم در حوزه علمیه قم مشغول شوم ، لطفاً از قم و کیف مسئله مرا مطلع فرمایید.

**پاسخ**

برادر عزیز و گرامی ! از لطف و مرحمت جناب عالی تشکر و قدردانی می کنیم .

دروس حوزوی ، چون مقدمه شناخت خدا و شناخت نفس است (معرفه الله و معرفه النفس) از بهترین علوم محسوب می شود، اخلاص در این رشته ، رمز موفقیت است . اگر اخلاص نباشد دچار خسران و زیان خواهیم شد. در هر صورت ، علاقه شما ستودنی است . برای آگاهی از قم و کیف شرکت در حوزه علمیه قم ، فرمی که توسط شورای مدیریت حوزه علمیه قم تهیه شده برای شما ارسال می شود. امیدواریم بتوانید بدین سوی هجرت کنید و اگر زمینه فراهم نشد می توانید در حوزه های علمیه شهر خودتان یا شهرهای نزدیک چند سالی را سپری کنید و مقدمات را بخوانید و سپس برای پیمودن ادامه تحصیل به قم تشریف بیاورید. اغلب طلاب شهرستانی ، چند سالی را در شهر خود یا شهرهای اطراف مشغول می شوند و بعد از خواندن لمعه ، طی امتحاناتی ، مقدمات آمدن به قم فراهم می شود. امیدواریم به هدف های خالصانه خود برسید.

## نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چگونه است ، آیا تحصیل در حوزه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است ؟

### اشاره

آیا حوزه ، تعهدی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد، آیا پوشیدن لباس روحانیت اجباری است ؟

### پرسش

نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چگونه است ، آیا تحصیل در حوزه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است ؟

آیا حوزه ، تعهدی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد، آیا پوشیدن لباس روحانیت اجباری است ؟

### پاسخ

دوست عزیز! ضمن تبریک جهت اقدام شما برای ورود به حوزه علمیه قم نکاتی تقدیم می گردد:

۱ جذب طلاب و دانش پژوهان حوزه علمیه قم شرایطی دارد که به پیوست برای شما ارسال می شود.

رشته هایی که در حوزه های علمیه تدریس می گردد عبارتند از: ۱ ادبیات عرب ؛ ۲ منطق ؛ ۳ اصول ؛ ۴ فقه ؛ ۵ فلسفه و کلام ؛ ۶ عرفان و ادیان ؛ ۷ تاریخ ؛ ۸ تفسیر قرآن ؛ ۹ روان شناسی ؛ ۱۰ جامعه شناسی ؛ ۱۱ مدیریت ؛ ۱۲ حقوق .

بنابراین ، تحصیل در حوزه علمیه قم پس از طی دوره عمومی سطح ، به صورت تخصصی در رشته های مذکور امکان پذیر است ، علاوه بر آن که برخی از مراکز آموزشی و پژوهشی حوزه علمیه قم ، مثل مؤسسه امام خمینی ، دفتر تبلیغات اسلامی ، دانشگاه مفید، مرکز تربیت مدرس و... بر اساس سرفصل های دانشگاهی از طلبه ها ثابت نام کرده و پس از طی مراحل کنکور و گزینش و درس ، مدرک معتبر علمی دانشگاهی اعطا می کنند که با آن می توان استخدام شد، علاوه بر آن که درس های حوزه و پژوهش علمی حوزه پایان ناپذیر است و هرکس به هر میزان استعداد داشته باشد می تواند کار کند؛

۲ حوزه علمیه ، تعهد چندانی نسبت به اشتغال طلبه ها

ندارد، اما اگر طلبه ای، خوب درس بخواند و مراتب علمی را طی کند، می تواند در دانشگاه تدریس کند و در قوه قضاییه و مجریه، مشغول به کار شود؛ به علاوه درحوزه علمیه هم می تواند به تدریس و نگارش بپردازد؛

۳ لباس در حوزه اجباری نیست، اما از شرایط حوزه و تعهدات اخلاقی محصل این است که پس از استفاده از امکانات حوزه، از سلک روحانیت خارج نشود و ضمن افتخار به این لباس به خدمات دینی، فرهنگی بپردازد.

**در آزمون سراسری سال ۷۹ شرکت کرده ایم و دوست دارم در دانشگاه قم قبول شده و یا درحوزه مشغول شوم، چون در مورد درس عربی مشکل دارم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.**

**پرسش**

در آزمون سراسری سال ۷۹ شرکت کرده ایم و دوست دارم در دانشگاه قم قبول شده و یا درحوزه مشغول شوم، چون در مورد درس عربی مشکل دارم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

**پاسخ**

خواهر گرامی! ما هم آرزو مندیم در آزمون سراسری، به خصوص در رشته های تحصیلی دانشگاه قم قبول شوید، وظیفه شما در این مقطع این است که درس ها را کاملاً بخوانید، دروس عمومی و دروس اختصاصی را مطالعه کنید و خصوصاً درس های عربی را با دقت بخوانید و هر چه بیش تر در این زمینه ها کار کنید بهتر است؛ البته اگر در دانشگاه سراسری قبول نشدید، می توانید در جامعه الزهرا یا مدرسه علمیه حضرت زینب ۳ که مخصوص خواهران است و دروس عربی و دینی را می خوانند شرکت کنید و انشاءالله قبول شده و از محیط قم و معنویت این شهر مذهبی، به خصوص زیارت حضرت معصومه ۳ بهره مند می شوید.

جهت اطلاع بیش تر، برگه شرایط ثبت نام در جامعه الزهرا را به پیوست ارسال می داریم.

نگران نباشید، باتوکل بر خدا و با جدیت، این مدت باقی مانده را مطالعه کنید. انشاءالله قبول می شوید و اگر حیاناً در شهرهای دیگر و دانشگاه های دیگر قبول شدید با حفظ حجاب و ایمان کامل و پرهیز از گناهان می توانید معنویت خود را حفظ کنید.

**نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چیست؟ آیا تحصیل در جزوه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است و حوزه، تعهدی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد، آیا لباس روحانی اجباری است؟**

**پرسش**



نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چیست؟ آیا تحصیل در جزوه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است و حوزه و تعهدی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد، آیا لباس روحانی اجباری است؟

## پاسخ

دوست عزیز! ضمن تبریک جهت اقدام شما برای ورود به حوزه علمیه قم به اطلاع شمامی رسانیم که جذب طلاب و دانش پژوهان حوزه علمیه قم شرایطی دارد که به پیوست تقدیم می گردد.

درس هایی که در حوزه های علمیه تدریس می گردد عبارت اند از: ۱ ادبیات عرب؛ ۲ منطق؛ ۳ اصول؛ ۴ فقه؛ ۵ فلسفه و کلام؛ ۶ عرفان و ادیان؛ ۷ تاریخ؛ ۸ تفسیر قرآن.

بنابراین، تحصیل در حوزه علمیه قم پس از طی دوره عمومی سطح، به صورت تخصصی در رشته های فقه، اصول، فلسفه و کلام، تفسیر و... امکان پذیر است، علاوه بر آن که برخی از مراکز آموزشی و پژوهشی حوزه علمیه قم مثل مؤسسه امام خمینی، دفتر تبلیغات اسلامی، دانشگاه مفید، مرکز تربیت مدرس و... برای اساس سرفصل های دانشگاهی از طلبه های ثبت نام می کنند و پس از طی مراحل کنکور و گزینش و طی دوره، مدرک معتبر علمی اعطا می کنند که با آن می توان استخدام شد، افزون بر آن که درس های حوزه و پژوهش علمی حوزه پایان ناپذیر است و هر کس به هر میزان استعداد داشته باشد می تواند کار کند.

حوزه علمیه، تعهد چندانی نسبت به اشتغال طلبه ها ندارد، اما اگر طلبه ای، خوب درس

بخواند و مراتب علمی را طی کند، می تواند در دانشگاه تدریس کند و در قوه قضاییه و ارگان های دیگر مشغول به کار شود. به علاوه در حوزه علمیه هم می تواند به تدریس و نگارش بپردازد، در ضمن پوشیدن لباس روحانیت در حوزه اجباری نیست ، اما از شرایط حوزه و تعهدات اخلاقی محصل این است که پس از استفاده از امکانات حوزه ، از سلک روحانیت خارج نشود و ضمن افتخار به این لباس ، به خدمات دینی ، فرهنگی بپردازد.

## علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

### پرسش

علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

### پاسخ

علاقه و اشتیاق وافر به تحصیل علم خصوصاً تحصیل علوم اسلامی توفیق بزرگی برای شما است ، که داشتن این روحیه تحمل مشکلات را آسان نخوده و پیمودن پله های ترقی را فراهم می نماید. یکی از صفات پسندیده روحیه داشتن علم است و فضیلت و برتری دانا بر نادان از آفتاب روشن تر است . دین مقدس اسلام بیش از همه نظامات اجتماعی و همه ادیان و شرایع مردم را به فراگرفتن علم و دانش تشویق و ترغیب نموده است ، اسلام برای پیریزی یک فرهنگ اساسی فضیلت علم را بر هر زن و مرد لازم نموده است و برای علم ارزش بسیار والایی قائل شده است . امام علی ۷ فرمود: . هم چنین حضرت در (پاورقی ۱. محمد ری شهری ، میزان الحکمه ج ص ۲۰۶۳ ماده علم ، شماره ۱۳۶۵۵ و ۱۳۶۵۲

حدیث دیگر فرمود: (.) اگر علم و دانش توأم با پاکی و تقوا و (پاورقی ۲. همان .

آگاهی باشد منشأ خیر و برکات فراوان شده و موجب آبادی دنیا و آخرت می گردد. امیدواریم شما در راه کسب علم و دانش ، به ویژه علوم اسلامی موفق شد و مدارج عالی را طی نمایید.

با توجه به شرایطی که برای خود ذکر کرده اید بهتر است برای راهنمایی و رسیدن به یک راه عملی برای تحصیل علوم اسلامی به مدیر حوزه علمیه شهرستان کرج مراجعه فرمایید و از ایشان راهنمایی بخواهید.

## چگونه می توانیم برگه پرسش ها و شبهات را تهیه نماییم ؟

### پرسش

چگونه می توانیم برگه پرسش ها و شبهات را تهیه نماییم ؟

## پاسخ

می توانید با مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم مکاتبه کرده و از آن مرکز درخواست برگه کنید.

**مایلم وقتی بزرگ شدم، در حوزه علمیه قم تحصیل کنم. لطفاً مرا راهنمایی کنید باید چه کار کنم.**

## پرسش

مایلم وقتی بزرگ شدم، در حوزه علمیه قم تحصیل کنم. لطفاً مرا راهنمایی کنید باید چه کار کنم.

## پاسخ

از این که در سنین کودکی در این فکر هستید که وقتی بزرگ شدید، وارد حوزه علمیه مقدسه قم شوید و از مسائل دینی خود و جهان اسلام آگاهی پیدا کنید، جای بسی سپاس و تشکر است. قدر این نعمت را بدانید و همیشه از خدا بخواهید شما را در این عقیده ثابت قدم نگه دارد.

ارتباط با افراد مؤمن و متدین و رفتن به مجالس دینی و گوش دادن به پنندهای حکیمانه بعضی از منبری ها واقامه به موقع نمازهای پنجگانه و انس با قرآن و پیوند با ائمه اطهار: از دیگر راه های موفقیت است. البته ورود به حوزه، مسئولیتی خطیر و همراه با مشکلات و محرومیت های بسیاری است، که خود را برای آن باید آماده کرده باشید.

یکی دیگر از رموز موفقیت شما در آینده این است که دروس مقاطع تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) به خصوص درس های ریاضی و عربی و منطق و فلسفه و ادبیات و دینی را خوب بخوانید و بفهمید. ضمناً فرم جامع‌الزهره را به پیوست ارسال می گردد. ان شاء الله مطالعه آن مفید باشد.

**خانمی هشتم متولد ۱۳۳۴ و شاغل در یکی از مراکز درمانی. در یک بحران شدید روحی قرار گرفته ام و در سال آخر رشته علوم تربیتی پیام نور درس می خوانم. لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه را بنویسید.**

## پرسش

خانمی هشتم متولد ۱۳۳۴ و شاغل در یکی از مراکز درمانی. در یک بحران شدید روحی قرار گرفته ام و در سال آخر رشته علوم تربیتی پیام نور درس می خوانم. لطفاً شرایط ورود به حوزه علمیه را بنویسید.

از این که با ما مکاتبه کرده و مشکلات خود را مطرح کرده اید، متشکریم .

علت تجرد شما را بعد از چهل سالگی متوجه نشدیم . شاید علت خستگی شدید و احساس ناتوانی وضعف روحی و افسردگی ، ناشی از تجرد باشد. در نامه بعدی علت مجرد بودن را توضیح دهید. با این حال چون مشغول کار و تحصیل هستید، بسیار خوب است ، چون اگر مشغول شغلی نبودید، قطعاً بامشکلات بیشتری مواجه می شدید.

علاقه به علوم اسلامی و الهیات و دروس حوزوی بسیار مطلوب و پسندیده است ، ولی شرکت در حوزه علمیه و خواندن دروس حوزوی ، شرایط مخصوصی دارد. در هر حال فرم شرکت در جامعه‌الزهراء ۳ را ارسال می کنیم . اگر شرایط را داشتید می توانید در امتحان ورودی شرکت کنید. بدون شرکت در حوزه هم می توانید دروس حوزوی را نزد استادی که در شهرتان هست یا حوزه علمیه خواهران مراغه ، بخوانید. شرکت در دروس حوزه علمیه رایگان است و از بابت تحصیل در حوزه علمیه از کسی شهریه دریافت نمی شود، بلکه حوزه هامقداری شهریه به دانش پژوهان خود می دهند.

ما امیدواریم که با کوشش و جدیت بهاین هدف نایل می شوید. ابتدا سعی کنید اگر مورد مناسبی پیدا شد و شخص خوبی از شما خواستگاری کرد ازدواج کنید در آن صورت طبعی است که با آرامش بیش تر

می توانید به فعالیت های خود ادامه دهید.

ما برای شما آرزوی موفقیت و سعادت داریم .

**پسری هفده ساله هستم و دوست دارم طلبه شوم , مدرک و شرایط لازم برای ورود به حوزه علمیه چیست ؟ و امتحان ورودی آن چه زمانی است و مدت زمان برای ملّس شدن چند سال است ؟**

**پرسش**

پسری هفده ساله هستم و دوست دارم طلبه شوم , مدرک و شرایط لازم برای ورود به حوزه علمیه چیست ؟ و امتحان ورودی آن چه زمانی است و مدت زمان برای ملّس شدن چند سال است ؟

**پاسخ**

برادر عزیز و گرامی ! از این که با ما مکاتبه کرده و علاقه مند دروس حوزوی شده اید, متشکریم .دروس حوزوی حداقل مدت پانزده سال به طول می انجامد که با خواندن ادبیات عرب شروع می شود و بامنطق و فلسفه و اصول و فقه و فصاحت و بلاغت و تفسیر و اعتقادات و در مرحله آخر درس خارج فقه و اصول تمام می شود. اگر کسی بخواهد به مراحل بالاتر یعنی اجتهاد و فقهت دست یابد, باید تحقیقات خود را ادامه دهد و در همهء مراحل از اخلاق و تهذیب نفس برخوردار باشد. طلبه وقتی مقداری از اصول و فقه را خواند و توانایی پاسخگویی به مسائل دینی را داشت , ملّس می شود.

شرایط ورود و مدارک لازم و زمان امتحان ورودی حوزه علمیه در برگه ای به پیوست ارسال می شود.

**لطفاً دربارهء تحصیل در حوزه به صورت عموم و یا همراه با تحصیل در دانشگاه توضیح دهید.**

**پرسش**

لطفاً دربارهء تحصیل در حوزه به صورت عموم و یا همراه با تحصیل در دانشگاه توضیح دهید.

**پاسخ**

هر ساله حوزهء علمیهء قم و حوزه های شهرستان , اقدام به ثبت نام از داوطلبان ورود به حوزه می کنند و زمان ثبت نام و دیگر شرایط آن , از طریق مطبوعات اعلام می شود. پس از قبولی در امتحان , گزینش صورت می گیرد. داوطلبانی که از شهرستان هستند, بایستی به مدت چهار سال در محلی غیر از قم تحصیل کنند و سپس برای ادامهء تحصیل می توانند به قم بیایند.

داوطلبان بایستی یک دوره ده ساله را که در ده پایه تنظیم شده، بگذرانند و آخر هر سال امتحان دهند و قبول شوند تا بتوانند به دوره بعد راه یابند.

پس از دوره ده ساله می توانند یکی از رشته های تخصصی فقه، اصول، تفسیر، کلام، فلسفه و یا تبلیغ ادامه تحصیل دهند و به تدریس، تألیف و یا تبلیغ پردازند یا در ارگان ها استخدام شوند. مراکز فرعی موجود در کنار حوزه، مانند دانشگاه رضوی، دانشگاه مفید، دانشکده باقر العلوم و مؤسسه امام خمینی (ره)، قبل از اتمام دوره ده ساله از میان طلب واجد شرایط گزینش می کنند. برای اطلاع بیش تر با روابط عمومی شورای مدیریت حوزه علمیه قم تماس بگیرید و یا مکاتبه فرمایید.

**دوست دارم وارد حوزه شوم. راه هایی را که می توانم از آن طریق وارد حوزه شوم، بیان کنید.**

**پرسش**

دوست دارم وارد حوزه شوم. راه هایی را که می توانم از آن طریق وارد حوزه شوم، بیان کنید.

**پاسخ**

عشق و علاقه شما به دروس حوزوی، در خور تقدیر است و چون مشغول تحصیل در دانشگاه هستید و رشته دینی شما علوم تربیتی و مدیریت و برنامه ریزی آموزشی است، و با درس های حوزه مناسبت دارد، می توانید در کنار درستان دروس حوزوی را بخوانید. برای این کار، می توانید از نوارهای درسی حوزه استفاده کنید و یا با چند نفر از خواهران، نزد استادی، دروس را فرا بگیرید و مباحثه کنید. هدف از خواندن دروس حوزوی، تهذیب نفس و تربیت و هدایت دیگران است. شما در هر رشته ای که تحصیل کنید، این کار را انجام دهید و بانصیحت و تربیت دیگران، به این هدف عالی برسید. دانشگاه ها احتیاج به وجود امثال شما دارد.

**بنده طلبه ای هستم که پدرم نابینا و زمین گیر شده و خانواده ما شش نفری است و مقدار زیادی مقروض هستیم. اگر مقدرتان است ما را کمک کنید.**

**پرسش**

بنده طلبه ای هستم که پدرم نابینا و زمین گیر شده و خانواده ما شش نفری است و مقدار زیادی مقروض هستیم. اگر مقدرتان است ما را کمک کنید.

**پاسخ**

این واحد فقط پاسخ گوی سؤال های علمی و مذهبی می باشد و بودجه ای جهت برطرف کردن کمبودهای اقتصادی ندارد. از شما معذرت می خواهیم , ولی طی نامه هایی به کمیته امداد و امام جمعه محترم شهرتان , از آنان درخواست و نامه را ضمیمه نموده ایم . اگر مایل باشید, با پست بفرستید یا حضوراً بیاید.

**دارای لیسانس معارف اسلامی و مشتاق هستم در زمینه تفسیر و معانی قرآن مجید ادامه تحصیل بدهم . آیا در قم جایی هست که به صورت غیر حضوری و مکاتبه ای بتوانم ادامه تحصیل بدهم ؟**

**پرسش**

دارای لیسانس معارف اسلامی و مشتاق هستم در زمینه تفسیر و معانی قرآن مجید ادامه تحصیل بدهم . آیا در قم جایی هست که به صورت غیر حضوری و مکاتبه ای بتوانم ادامه تحصیل بدهم ؟

**پاسخ**

برگه جامعه الزهرا ۳۱ را ارسال می کنیم . با آن جا تماس بگیرید و از چگونگی ادامه تحصیل جویاشوید. اگر با ادبیات عرب و یعنی صرف و نحو و فصاحت و بلاغت و لغت , آشنایی داشته باشید, بسیاری از مشکلات ادامه تحصیل حل می شود. بنابراین علم صرف و نحو و فصاحت و بلاغت را که در دانشگاه خوانده اید, با دقت بیش تری مطالعه کنید, به طوری که بتوانید آن ها را تدریس کنید و کتاب جامع المقدمات و سیوطی و مغنی اللیب راتهیّه و مطالعه کنید. ان شاءالله در زمینه تفسیر و معارف اسلامی , آشنایی بیش تری کسب کنید.

با تلفن مستقیم مسؤل واحد ۷۴۳۱۸۳ برای راهنمایی تماس بگیرید.

**علاقه زیادی به شهر قم و اقامت در آن دارم , تنها راه رسیدن به آن را حوزه علمیه می دانم . امسال ثبت نام کرده ام , ولی ذخیره قبول شده ام اگر در حوزه علمیه قم قبول نشوم راه چاره ای برای مقصود من هست ؟**

**پرسش**

علاقه زیادی به شهر قم و اقامت در آن دارم , تنها راه رسیدن به آن را حوزه علمیه می دانم . امسال ثبت نام کرده ام , ولی ذخیره قبول شده ام اگر در حوزه علمیه قم قبول نشوم راه چاره ای برای مقصود من هست ؟

**پاسخ**

علاقه شما به شهر مقدس قم قابل تحسین است و عشق شما را نسبت به خاندان عصمت و طهارت نشان می دهد, اما این علاقه

نباید انگیزه تحصیل در حوزه علمیه قم باشد، تحصیل در حوزه که به مدت طولانی انجام می شود تنها به انگیزه عاطفی تداوم نمی یابد، چون احساسات و عواطف کم و یا زیاد می شود و چه بسا پس از مدتی کم فروغ می گردد و اثر خود را از دست می دهد. تحصیل در حوزه نیاز به پشتوانه ای قوی تر دارد؛ یعنی با قصد قربت و احساس نیاز به فراگیری علوم دینی و با توجه به شرایط زمانی و مکانی و در نظر گرفتن استعداد و ذوق و سلیقه باید انتخاب رشته تحصیلی صورت گیرد.

بر این اساس، لازم است شناخت خود را نسبت به دروس حوزه و ویژگی های آن بیش تر کنید تا با بصیرت کامل وارد حوزه شوید در این صورت هرگز به شک و تردید نخواهید افتاد، اما در مورد ذخیره بودن باید عرض کنیم که طبق ضوابط قانونی برای ورود در حوزه علمیه قم حداقل معدل ۱۷ لازم است. امیدواریم جزء پذیرفته شدگان حوزه باشید، ولی تنها به حوزه علمیه قم بسنده نکنید شهرهای هم جوار نیز برای تحصیل مناسب است و چه بسا برای



سال های اول شهرستان ها مفیدتر باشد، در این صورت رفت و آمد به قم نیز میسر است . بنابراین ، می توانید به حوزه علمیه شهرتان بروید و پس از طی مقدمات به قم تشریف بیاورید.

## برای تفقه در دین چه راهنمایی دارید؟

### پرسش

برای تفقه در دین چه راهنمایی دارید؟

### پاسخ

منظور از تفقه ، فراگیری معارف و احکام اسلام ، اعم از اصول و فروع است که قرآن مجید آن را برای گروهی از مسلمانان ، واجب کفایی می داند: .(۱) بر این اساس لازم است در هر عصری افرادی در تحصیل رشتهء فقه ممحض باشند، تا با اجتهاد بتوانند مسائل مورد ابتلای مردم را پاسخ گویند. رسیدن به این مقصود که در حقیقت رسیدن به تخصص و مهارت خاص است احتیاج به تحصیل در رشته های مختلف ، همچون ادبیات عرب ، منطق ، فقه و اصول در سال های متمادی دارد، که امروزه در حوزه های علمیه رائج است . مرتبه نازل تر از آن که برای عموم لازم است ، آشنایی با احکام و معارف اسلامی ، یعنی تقلید از مجتهد در احکام شرعی و فروع دین و تحقیق و تفحص در اصول دین می باشد. از این رو فقها فرموده اند: عقیده مسلمان به اصول دین باید مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد یا از مجتهد تقلید کند و به دستور او رفتار نماید.(۲) در جای دیگر فرموده اند: مسائلی را که انسان غالباً به آن ها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد.(۳) راه تحقیق در اصول برای همگان باز است و هر کس به مقتضای دانش و تمکن خود

می تواند با مطالعه کتب و نشریات ، به تحقیق پردازد.

خوشبختانه معارف قرآن و تفسیر آن و عقاید اسلامی ، در سطوح مختلف از طرف صاحب نظران تبیین شده است . در این راستا، مطالعه کتب شهید مطهری ، آیت الله

سبحانی ، آیت الله مکارم و علامه طباطبایی ، از جمله تفسیرالمیزان و تفسیر نمونه توصیه می شود.

(پاورقی ۱. توبه (۹ آیه ۱۲۲)

،(پاورقی ۲. توضیح المسائل امام خمینی ، مسئله ۱

(پاورقی ۳. همان ، مسئله ۱۱

**چه کسانی به سؤالات ما پاسخ می دهند؟ آیا بنده می توانم از طریق مکاتبه ای به تحصیل علوم حوزوی بپردازم ؟**

### **پرسش**

چه کسانی به سؤالات ما پاسخ می دهند؟ آیا بنده می توانم از طریق مکاتبه ای به تحصیل علوم حوزوی بپردازم ؟

### **پاسخ**

پس از سلام از ابراز لطف و محبت شما نسبت به واحد پاسخ به سؤالات بسیار متشکریم . گریه شوق جناب عالی از قلب پاک و دین باوری و کثرت محبت و علاقه شما به ترویج ارزش های الهی است .

امیدواریم بتوانیم وظیفه خود را در این راستا انجام دهیم . برای شما در همه زمینه ها به ویژه تربیت جوانان و نوجوانان آرزوی موفقیت داریم .

برای اطلاع سرکار عالی باید بگوییم افرادی که در این واحد به پاسخ گویی مشغولند همگی از فضیلتی حوزة علمیه قم و روحانی هستند که بیش از بیست سال تحصیل علوم دینی و مطالعات مذهبی داشته و برخی علاوه بر آن از تحصیلات جدید برخوردار و به تدریس در دانشگاه های کشور نیز اشتغال دارند و برخی دارای تألیفات نیز هستند. بعضی افراد این واحد زندان های ستم شاهی را نیز گذرانیده و از کوله باری از تجربه و برخورد فکری و فرهنگی با گروه های مختلف نیز برخوردارند.

جامعه الزهرا که مرکز اصلی تحصیل علوم دینی خواهران است برنامه های تمام وقت ، غیر حضوری ، نیمه وقت و پاره وقت دارد.

می توانید از طریق شرکت در آزمون در یکی از این مقاطع طبق ضوابط شرکت کنید.

برای اطلاع بیشتر سرکار عالی فرم مخصوص را ضمیمه می کنیم . با مطالعه و تماس مستقیم با آن مرکز در جریان امر قرار خواهید گرفت .

**دوست عزیز! نامه شما رسید. در نامه خود به نکات فراوانی اشاره نموده بودید؛ گاه انتقاداتی پسندیده داشتید و گاه پیشنهاداتی مفید.**

در عین حال نقدی که شما از وضعیت موجود جوانان , جامعه و روحانیت داشتید بیش از سایر موضوعات مطروحه به چشم می آمد, لذا  
ناچاریم اندکی

**پرسش**

دوست عزیز! نامهء شما رسید. در نامه خود به نکات فراوانی اشاره نموده بودید؛ گاه انتقاداتی پسندیده داشتید و گاه  
پیشنهاداتی مفید. در عین حال نقدی که شما از وضعیت موجود جوانان , جامعه و روحانیت داشتید بیش از سایر

موضوعات مطروحه به چشم می آمد، لذا ناچاریم اندکی درباره مباحث مذکور به گفت گوپردازیم .

در بخشی از نامه شما چنین آمده است : .

بعد ادامه داده اید: آن گاه دین گریزی و نماز نخوانی مردم را به نسبت داده اید و گناه هر فسادی که جوانان انجام دهند را به گردن آن هایی که به اسم اسلام به دین خیانت می کنند انداخته اید؟

## پاسخ

این گوشه و بخشی از نامه جناب عالی بود، البته آوردن این قطعات به خاطر این نبود که نامه شما ما را ناراحت کرده ، بلکه اولاً به این دلیل بود که اگر احیاناً نسخه ای از نامه خود را نگه نداشته اید یا به علت طول کشیدن جواب نامه ، مقداری از آن را فراموش کرده اید یادآوری و ثانیاً معلوم شود که نامه این واحد به کدام قسمت های نامه شما پاسخ می دهد.

برادر عزیز درباره اشتباهاتی که بعضی از آقایان ملبّس به لباس روحانیت در بعض شهرها و روستاها و... انجام می دهند یا انجام داده اند، ما نیز با شما موافقیم و اصولاً هیچ روحانی منصفی نیست که این واقعیت را قبول نداشته باشد، اما این که بگوییم همه چنین و چنانند کار ساده ای نیست این یک نوع کذب و افترا است نباید همه روحانیت به یک چوب رانده شود.

علت این اشتباهات هم واضح است ؛ زیرا هیچ روحانی یا طلبه ای معصوم نیست و غیر معصوم جایز الخطا است (مثل پزشک ها، مهندس ها و سایر مردم دیگر) روحانی نیز مثل مردم دیگر است و هیچ فرقی با آن ها ندارد، این که شما فکر

کنید چون مردم، روحانی را نماینده پیامبر و خدا می دانند و هرگز نباید اشتباه کند، خود تفکر اشتباهی است. از سوی دیگر روحانیون هم باید بسیار مراقبت کنند تا اشتباهی مرتکب نشوند؛ زیرا اشتباه آنان به هر دلیل معقول یا غیر معقول، متأسفانه به اسلام ضربه می زند.

ما امیدواریم فرهنگ این کشور این قدر رشد کند که اشتباه یک روحانی به پای اسلام و جامعه مسلمانان نوشته نشود و خبط یک نفر یا یک گروه ظاهر الصلاح، سبب تخطئه یک شجره طیبه و یک تفکر ناب نگردد. به همین دلیل، شما هم گمان نکنید که حالا هر کس در حوزه علمیه است به اسم اسلام دارد نان می خورد و یا این که دنبال هوا و هوس خودش است و کاری به مردم ندارد. اما در مورد این که هر طلبه ای یا به قول شما آخوندی ۴ تا ۵ زن صیغه می کند. حکایت کرده اند که روزی جوانی در یکی از خیابان ها فریاد می کشید که ای مردم من زنا کرده ام؟! از او پرسیدند که چرا به خودت فعل زنا را نسبت می دهی؟ گفت: زنی صیغه کردم! مردم فهمیدند آبرویم را بردند، بگذار بگویم زنا کرده ام شاید دست از سرم بردارند؟! حال سؤال ما این است که اگر یک آدم روحانی یا غیر روحانی، زنی را صیغه کند، گناه کرده یا کارخلافی مرتکب شده که از آن به این شکل گفت گو می شود؟ یا شاید فکر می کنید که باب صیغه، بابی است که تنها به روی روحانیت باز است و بر دیگران

بسته شده؟ متأسفانه عده زیادی از مردم از ازدواج موقت پرهیز می کنند و تا می شنوند که کسی چنین کاری کرده چشمشان گشاد می شود! حال آن که در برابر انواع واقسام فسادها و اعمال حرام اگر ازدواج موقت به صورت شایسته ای انجام می گرفت چنین فساد و تباهی مخفی و آشکاری به وجود نمی آید و مشکل جنسی نسل جوان حل می شد.

امام علی ۷ فرمودند: اگر عمر عقد موقت را حرام نکرده بود، هیچ کس زنا نمی کرد مگر این که شقی و ظالم باشد.

بدین ترتیب، می بینید که عقد موقت یکی از زیباترین و کارسازترین دستورات اجتماعی اسلام است. متأسفانه فرهنگ بی فرهنگی در جامعه ما جوّی ایجاد کرده که کسی که عقد موقت می کند از کسی که خلاف می کند، بیش تر مورد سرزنش و تحقیر قرار می گیرد و بیش تر رسوا می شود. امیدواریم که روزی این فرهنگ غلط هم به فرهنگی اسلامی بدل گردد و ارزش ها مقام واقعی خود را به دست آورند.

بنابراین، برادر گرامی: اولاً- هر روحانی و طلبه ای دارای همسر موقت نیست و بر فرض هم که بعضی ها به صورت موقت همسر اختیار کرده باشند. گناه نکرده اند و شاید اگر چنین نمی کردند به گناه و فسادی می افتادند.

با این حال قبول داریم که این نوع ازدواج ها نباید به صورتی در بیاید که در مردم ایجاد حساسیت و تنش نماید و این گمان پیش بیاید که پای هوا و هوس در کار است! از این بحث بگذریم.

نکته جالب دیگری را مطرح کرده بودید

که از طرفی هم درست است و هم غلط. این دوگانگی از آن جا حاصل می شود که از یک سخن ، چندین برداشت درست یا غلط می تواند کرد. سخن کسانی که می گویند: . این کلام به واقع کلام صحیحی است ؛ زیرا منظور از تقویت ارزش های اسلامی فقط توصیه به نماز خواندن و روزه گرفتن نیست ، بلکه سبک گرفتن مهریه برای دختران ، اشکال تراشی های بیهوده ، رایج شدن ازدواج موقت و روابط مشروع در جامعه ، ازدواج در سنین پایین تر و چیزهایی از این قبیل ، همگی در زمره فرهنگ و ارزش های اسلامی هستند که به واقع اگر تقویت شوند، بسیاری از مشکلات فرهنگی جامعه حل می گردد و تهاجم فرهنگی روندی قابل کنترل را طی خواهد کرد. البته فراهم ساختن زمینه کار و فعالیت هم لازم است و شیوه های خاصی را باید در نظر گرفت و تنها به سخنرانی و موعظه اکتفا نمود.

مطلب آخر هم این که ، قصد ما از پاسخگویی به سؤالات شما عزیزان ، فقط مجاب کردن شما به هر وسیله ممکن نیست . باید در نظر داشته باشید که ما از شما اطلاعاتی نداریم و با روحيات شما آشنا نیستیم ، فقط نامه شما در دست ما است که تا حدودی از صدر و ذیل آن باید پی به اصل مشکل یا سؤال شما ببریم و سعی کنیم جوابی در خورشان به آن بدهیم . توقع این را هم نداریم که هر چه ما می نویسیم مورد پسند و قبول واقع شود. به هر صورت ، اگر سرکار عالی را

به ازدواج دعوت نموده ایم ، جهت دلگرمی بیشتر شما به این امر بوده نه چیز دیگر و هم اکنون بر این باوریم وقتی شرایط ازدواج داریم فراهم نشد ازدواج موقت ضرورت پیدا می کند، ولی متأسفانه فرهنگ رفتاری جامعه به صورتی است که دولت هم نمی تواند اقدام عملی بکند. البته باید گفت این گونه نیست که به مجرد ارتباط دختر و پسر، آن ها رادستگیر و شکنجه نمایند. در این زمینه شاید تندروری وجود داشته ، اما بنای دولت و نظام اسلامی جلوگیری از فساد و فحشا است و امیدواریم در این مسیر با همکاری مردم موفق شوند.

هم اکنون رئیس جمهور محترم که بحق درد جوانان را می داند و در صدد رفع آن ها است ، ولی نمی تواند به آسانی برطرف نماید زیرا مشکلات خیلی زیاد و امکانات بسیار کم است . اگر حضرت عالی برای حل مشکلا جوانان طرحی و پیشنهادی دارید ما می توانیم به مجلس و دفتر رئیس جمهور برسانیم حرف و انتقاد از این و آن ، طرح معقولی نیست ، ما سؤال می کنیم اگر جناب عالی رئیس جمهور بودید چه می کردید؟

لطفاً پاسخ ما را بنویسید؟ شما در رابطه با تهاجم فرهنگی چه طرحی دارید؟ در ارتباط با حل مشکلات اقتصادی چه برنامه ای دارید؟ منتظر مکاتبات بعدی شما هستیم . ما برای شما آرزوی بهروزی و سعادت داریم و هر کجا که هستید خداوند یار و پشتیبان شما باد.

**آیا امکان تحصیل غیر حضوری در حوزه علمیه قم وجود دارد؟ لطفاً از کم و کیف آن مرا مطلع کنید.**

**پرسش**

آیا امکان تحصیل غیر حضوری در حوزه علمیه قم وجود دارد؟ لطفاً از کم و کیف آن مرا مطلع کنید.

**پاسخ**

تحصیل غیر حضوری در حوزه علمیه شاهد غیر ممکن باشد. بهتر است دروس حوزوی را نزد روحانی که در شهرتان است ، بخوانید یا اگر حوزه ای در آن جا است ، با مراجعه به آن جا از کم و کیف مسئله جویاشوید، چون فعلاً بیش تر حوزه های شهرستان ها با قم هماهنگ و زیر نظر شورای مدیریت حوزه علمیه قم هستند.

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۷۴۰۹۶۶ ۷۴۰۹۷۱ ۷۴۰۹۷۱ شورای مدیریت حوزه علمیه قم تماس بگیرید.

**در صورت امکان چگونگی راه یافتن به حوزه علمیه خواهران را برایم ارسال فرمایید؟**

**پرسش**

در صورت امکان چگونگی راه یافتن به حوزه علمیه خواهران را برایم ارسال فرمایید؟



## پاسخ

خواهر گرامی! از این که با ما مکاتبه کرده و مسائل خود را با ما در میان گذاشتید سپاس گذاریم .  
فرم شرایط پذیرش حوزه علمیه خواهران , به خدمت ارسال می گردد امیدواریم با مطالعه آن مشکلاتان رفع شود.

## آیا فارغ التحصیلان جامعه الزهرا استخدام می شوند؟

### پرسش

آیا فارغ التحصیلان جامعه الزهرا استخدام می شوند؟

## پاسخ

فرم عضویت جامعه الزهرا, خدمت شما ارسال می شود می توانید با شماره تلفن جامعه الزهرا تماس گرفته و از جزئیات مسئله بیشتر مطلع شوید. شماره تلفن جامعه الزهرا ۹۲۵۱۱۱ می باشد.

## دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟

### پرسش

دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟

## پاسخ

برادر عزیز! امیدواریم به هدف مقدسی که به آن می اندیشید, برسید. قرآن می فرماید: .

(پاورقی ۱. نجم (۵۳) آیه ۳۹

انسان کوشا, کسی که در زندگی سعی و جدیت به کار می برد, هر چند هدفی دور و دراز و به خیال بعضی نا ممکن داشته باشد, اما به آن خواهد رسید.

البته افرادی متقاضی ثبت نام و ورود به حوزه مقدسه دینی می شوند, باید دارای شرایط خاصی باشند. بر گه شرایط ثبت نام حوزه علمیه ارسال می شود. اگر نیاز دارید می توانید با شماره های ۷۴۰۹۷ ۷۴۰۹۷۱ ۷۴۰۹۷۱ ۰۲۵۱ قم مرکز مدیریت حوزه علمیه

تماس گرفته و از نحوه ثبت نام افراد متقاضی مستقیماً مطلع شوید. اما شخصی که وارد حوزه علمیه می شود، خوب است در هدفش خدا و خدمت به مردم و تبلیغ احکام دین را در نظر داشته باشد.

طلبه حوزه علمیه با دو بال تقوا و علم الگویی راهنمایی و هدایت جامعه خواهد شد. زندگی طلبگی زندگی راحتی از نظر مادی نیست، اگرچه حق هر طلبه ای داشتن حداقل مزایای زندگی است، ولی دنیا طلبی و مال پرستی و مقام خواهی، از روح و شأن طلبه، به دور است. طلبه وارد حجره امام زمان ۷ می شود، در حالی که بر سر سفره حضرت می نشیند. از آن پس باید به ریاضت های خاصی دست بزند و خود را متخلق به اخلاق حسنه و دینی کند تا اگر مردم امروزش را با دیروزش مقایسه کردند، تأثیر تربیت اسلامی و دینی را در حرکات او مشاهده کنند و او را الگویی خود

قرار دهند. امیدواریم که خداوند شما را در زندگی موفق کند. والسلام

## مساجد

### از نظر قرآن کریم ساختن مسجد چه حکمی دارد؟

#### پرسش

از نظر قرآن کریم ساختن مسجد چه حکمی دارد؟

#### پاسخ

مطابق قرآن ساختن و آباد کردن مسجد کار کسی است که ایمان کامل داشته باشد؛ "إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (توبه ۱۸) مساجد الهی را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز بپا دارد و زکات بپردازد و جز از خدا نترسد، امید است چنین گروهی از هدایت یافته گان باشند."

به حکم این آیه برای اینکه مسجد منسوب به خدا باشد و رنگ خدایی داشته باشد پنج شرط لازم است در غیر این صورت معلوم نیست خدا چنین مسجدی را قبول کند. و آن پنج شرط عبارتند از:

ایمان به خدا، ایمان به روز رستاخیز، برپا داشتن نماز، دادن زکات و تنها از خدا ترسیدن

درباره اهمیت بنای مسجد احادیث فراوانی داریم

در روایتی از پیامبر ۶ می خوانیم که آن حضرت فرمود: "کسی که مسجدی بنا کند هر چند به اندازه لانه مرغی بوده باشد، خداوند خانه ای در بهشت برای او بنا خواهد کرد. (وسائل الشیعه شیخ حر عاملی ج ۵، ص ۲۰۴، مؤسسه آل البیت / ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۳۱۳۳۱۹، دارالکتب الاسلامیه )

**اگر در محلی یا روستایی مسجد و حسینیه وجود داشته باشد و افرادی بخواهند در رقابت با هیئت امنأ مسجد دیگری همانجا بنا کنند. آیا بانیان این مسجد از نظر قرآن در آخرت اجر و پاداش نیک دارند یا خیر؟**

#### پرسش

اگر در محلی یا روستایی مسجد و حسینیه وجود داشته باشد و افرادی بخواهند در رقابت با هیئت امنأ مسجد دیگری همانجا بنا کنند. آیا بانیان این مسجد از نظر قرآن در آخرت اجر و پاداش نیک دارند یا خیر؟

اصل رقابت در امور خیر مورد سفارش و توصیه قرآن است خداوند می فرماید: "فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ (مائده ۴۸) در کارهای نیک از یکدیگر سبقت بگیرید" و هیچ منعی نیز وجود ندارد که اگر روستایی مسجدی وجود دارد دیگران همانجا مسجد جدیدی بسازند، ولیکن باید ساختن مسجد در صورت نیاز باشد و هدف تقرب به خدا باشد تا صدقِ کارِ خیر به آن بشود، نه این که مسجد را برای تفرقه و اختلاف بنا کنند، همانند مسجد ضرار. معیار سنجش اعمال در دستگاه عدل الهی نیت و اهداف انسان است و اگر بانی مسجد به هدف چشم و هم چشمی و یا سایر نیت های دنیوی آن را بسازد، علاوه بر اینکه از ثواب اولیه هنگام ساخت آن محروم است بعداً نیز خدا کار او را رشد و پرورش نمی دهد و برای او باقیات الصالحات نخواهد شد، مثلاً مسجد وی محل جمع شدن دشمنان خدا و انجام توطئه و... خواهد شد، قضیه "مسجد ضرار" نمونه ای از این مورد است "لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ (توبه ۱۰۷ و ۱۰۸)، خداوند به پیامبرش می فرماید که در این گونه مساجد اصولاً نرو نماز نخوان و مسجدی که از روز اول بر پایه پرهیزکاری بنا شده است سزاوار اینست که محل قیام و عبادت باشد.

**آبادانی مساجد به چیست****پرسش**

آبادانی مساجد به چیست

**پاسخ**

خداوند متعال در سوره توبه از آبادی مساجد و اشخاصی که شایستگی این کار را دارند، می فرماید: "مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ (توبه ۱۷ و ۱۸) مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند، در حالی که به کفر خویش گواهی می دهند. آن ها اعمال شان نابود [و بی ارزش شده و در آتش جاودانه خواهند ماند. مساجد الهی را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را به پا دارد و زکات را بپردازد و از چیزی جز خدا نترسد."

از جمله مسائلی که در صدر اسلام بعد از لغو پیمان مشرکان و حکم جهاد با آنان ممکن بود برای بعضی مطرح گردد، این بود که چرا ما این گروه عظیم یعنی مشرکان را از خود برانیم و اجازه ندهیم به مسجد الحرام برای مراسم حج قدم بگذارند، در حالی که شرکت آنان در این مراسم از هر نظر، مایه آبادی مسجد است هم آبادی ساختمان مسجد از راه کمک های مهمی که آن ها به این امر می کردند و هم آبادی معنوی از نظر افزایش جمعیت در اطراف خانه خدا! به همین سبب آیات

فوق نازل شد و به این گونه افکار واهی و بی اساس پاسخ گفت در این که آیا آباد ساختن مساجد به معنای آبادی ساختمان  
آن است

یا به معنای اجتماع و شرکت در آن بین مفسران اختلاف است و برخی آنان تنها یکی از دو قسمت را در تفسیر "عمران مساجد" در آیه فوق انتخاب کرده اند، در حالی که مفهوم این کلمه یک مفهوم وسیع است و شامل هر نوع آبادانی می شود. مشرکان و بت پرستان نه حق شرکت در مساجد را دارند، و نه حق تعمیر و بنای ساختمان آن ها را، زیرا بر اساس آیات شریفه قرآن همه این امور باید به دست مسلمانان انجام شود؛ حتی از آیات فوق استفاده می شود که مسلمانان نباید هدایا و کمک های مشرکان بلکه تمام فرق غیر اسلامی را برای ساختمان مساجد خود بپذیرند، زیرا آیه نخست گرچه تنها سخن از مشرکان می گوید، ولی آیه دوم که با کلمه "انما" [فقط] شروع شده آبادی مساجد را در مسلمانان منحصر می سازد.

از این جا روشن می شود که متولیان و پاسداران مساجد نیز باید از میان پاک ترین افراد انتخاب شوند، نه این که افراد ناپاک و آلوده به خاطر مال و ثروت شان و یا به خاطر مقام و نفوذشان بر این مراکز عبادت گمارده شوند. امروز آن چه بیش تر اهمیت دارد، آبادی معنوی مساجد است و به تعبیر دیگر، بیش از آن چه به ساختن مساجد اهمیت می دهیم باید به ساختن افرادی که اهل مسجد و پاسداران مسجد و حافظان آن هستند، اهمیت بدهیم مسجد باید کانونی برای هر گونه حرکت و جنبش سازنده اسلامی در همه زمینه ها باشد؛ مانند آگاهی و بیداری مردم پاک سازی محیط و آماده ساختن مسلمانان برای دفاع

از میراث های اسلام و غیره ( ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ص ۳۱۴۳۱۸، نشر دارالکتب الاسلامیه )

**در محل گنبد سبزه اردستان حسینه ای ساخته شده که تصمیم گرفتیم کتابخانه ای هم در آن مکان تاسیس شود، لذا احتیاج مبرم به قرآن و مفاتیح و مقداری کتاب های مفید برای جوانان و نوجوانان داریم لطفا مارا یاری کنید.**

### **پرسش**

در محل گنبد سبزه اردستان حسینه ای ساخته شده که تصمیم گرفتیم کتابخانه ای هم در آن مکان تاسیس شود، لذا احتیاج مبرم به قرآن و مفاتیح و مقداری کتاب های مفید برای جوانان و نوجوانان داریم لطفا مارا یاری کنید.

### **پاسخ**

هیئت امنای محترم حسینه گنبد سز! نامه آن هیئت محترم واصل شد. از شما دست اندرکاران این حسینه که دلسوز جوانان و نوجوانان هستید متشکریم .

متأسفانه واحد پاسخ به سؤالات توان مالی برای چنین کارهای خیری را ندارد، اما شما عزیزان را راهنمایی می کنیم که به نحو مطلوبی این کار صورت گیرد. انشاء الله در ماه محرم که مجلس عزای امام حسین ۷ پامی شود از روحانی محترممان درخواست کنید با سازمان تبلیغات اسلامی اردستان و یا امام جمعه محترم آن شهرستان در این باره مذاکره کند. و در ضمن نامه ای از هیئت امنا به ایشان داده شود تا با موسسه نشر الهادی درقم هماهنگی لازم برای دریافت قرآن به عمل آورد و نیز کمک های لازم را دریافت دارد. البته همراهی شماعزیزان در این باب کمک خوبی خواهد بود.

### **اولین مسجدی که در ایران ساخته شد، چه نام دارد؟**

### **پرسش**

اولین مسجدی که در ایران ساخته شد، چه نام دارد؟

### **پاسخ**

با تحقیقاتی که انجام شد، به تاریخ اولین مسجدی که در ایران ساخته شد دست نیافتیم دست یابی به پیشینه اولین مسجد در ایران مستلزم آن است که تمام مساجدی که در ایران ساخته شده اند، شناخته شود. این کار مشکل و حتی غیر مقدور است؛ زیرا ممکن است برخی از مساجد که از اولین مساجد ایران محسوب می شوند، از بین رفته و مورخان و جغرافی دانان بدان ها دست نیافته باشند. شاید بر همین اساس، کسانی که در صدد جمع آوری اطلاعات درباره اولین مسجد در ایران بوده اند، بدان

اشاره نکرده اند.

برخی در هنگام بیان وضع مساجد در ایران، از بعضی مساجد به عنوان قدیمی ترین مساجد یاد کرده اند که عبارتند از:

۱- مسجد خلیفه مهدی در ری، نزدیک تهران که پیشینه آن به پایان قرن دوم هجری بر می گردد از مسجد فقط پایه اش بر جای مانده است.

۲- مسجد تاری خانه در دامغان که قدمت آن به قرن سوم هجری بر می گردد.

۳- مسجد جامع نائین که مربوط به قرن چهارم هجری است.

۴- مسجد دماوند که تاریخ آن به قرن پنجم هجری قمری بر می گردد. (۱)

پی نوشت ها:

۱ - لغت نامه دهخدا، ج ۴۴، ص ۳۸۵.

### قطع ارتباط با مسجد، چه پیامدهایی دارد؟

#### پرسش

قطع ارتباط با مسجد، چه پیامدهایی دارد؟

#### پاسخ

۱. از آن جا که مساجد پایگاه های ترویج اسلام است دشمنان اسلام همواره از مسجد می ترسند و در صدد نابودی یا بستن درب مساجد هستند<sup>۱</sup> می فرماید: "وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا... لَّهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (بقره ۱۱۴) کیست ستم کارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟!... بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در آخرت عذاب عظیم (الهی). " صرف نظر از شأن نزول آیه و با توجه به مفهوم وسیع آن که محدود به زمان و مکان معینی نیست می توان گفت هر کس و یا هر گروهی به نوعی در تخریب مساجد الهی بکوشد و یا مانع از آن شود که نام خدا و عبادت او در آنجا انجام گیرد، مشمول همان رسوایی و عذاب عظیم الهی خواهد شد. توجه به این نکته نیز لازم است که جلوگیری از ذکر پروردگار و کوشش در تخریب مساجد، هر عملی است که نتیجه آن تخریب مساجد و از رونق افتادن آن باشد که قطع ارتباط با مسجد نیز یکی از مصادیق آن اعمال است که باعث غافل شدن از یاد خدا می گردد و ثمره ای جز سوق افراد به بی دینی نخواهد داشت و زیان این عمل از هر کاری بیشتر است و از همین رو خداوند چنان اشخاصی را ظالم ترین فرد می شمرد. (تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و



ديگران ج ۱، ص ۴۱۸، دارالکتب الاسلاميه )

۲. از آن جا که مساجد، محل ذکر خداست (حج ۴۰)، قطع ارتباط با آن به نوعی اعراض از ذکر خداست که خداوند نسبت به پیامد آن می فرماید: "وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ" (طه ۱۲۴) و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محسور می کنیم"

۳. در روایات ائمه نیز از قطع ارتباط با مساجد، به خصوص همسایگان آن به شدت مذمت شده امام صادق در این باره می فرمایند: "مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خدای تعالی شکایت کردند، خداوند عزوجل به آن ها وحی فرمود: به عزت و جلالم سوگند که حتی یک نماز از آنان نپذیرم و عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم و رحمت من به آنان نرسد و همسایه من در بهشت نشوند." (بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۸۳، ص ۳۴۸، ح ۱، مؤسسه الوفا.) و در روایتی دیگر حضرتش یکی از سه چیزی را که در نزد خداوند شکایت می کند مسجدی خرابی بر شمردند که اهالی آن در آن جا نماز نخوانند. (رجوع کنید: میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ترجمه حمیدرضا شیخی ج ۵، ص ۲۳۹۵، ح ۸۳۰۷ دارالحدیث / چهل حدیث مسجد، سیدحسین زینالی سازمان تبلیغات اسلامی)

۴. کناره گیری از مسجد، در واقع جدا شدن از مؤمنین را به دنبال دارد و به همین جهت در صدر اسلام عدم حضور در مساجد و جماعات مجازات هایی را در پی داشت که در تاریخ بیان شده

است مثلاً در حدیثی چنین می خوانیم "به امیرالمؤمنین خبر رسید که گروهی برای نماز در مسجد حاضر نمی شوند، حضرت خطبه ای خوانده و چنین فرمودند: به درستی که گروهی برای نماز در مساجد ما حاضر نمی شوند، پس با ما نه غذا بخورند و نه آب بیاشامند، نه مشورت کنند و نه از ما (زن بگیرند و از غنایم ما چیزی نگیرند تا این که در نماز جماعت با ما حاضر شوند." و در روایتی رسول اکرم کسانی که صدای اذان مسجد را بشنوند ولی در مسجد جهت نماز حاضر نشوند، آنان را به عنوان یهودی امت خویش نام نهاده و دستور دادند که بر این افراد سلام نکنید. (امالی شیخ طوسی ص ۶۹۶، ح ۱۴۸۷، انتشارات دارالثقافه / به نقل از گفتار علوی محمد باقر یزدانی ص ۸۸، انتشارات آوای نور).

## فواید ارتباط با مسجد چیست

### پرسش

فواید ارتباط با مسجد چیست

### پاسخ

۱. از آن جا که مسجد عبادتگاه عاشقان حق و تجلی گاه عشق و محبت اوست یکی از مهم ترین فواید ارتباط با این کانون معنوی "ذکر" و یاد خداست می فرماید: "فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ - وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ - يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (نور، ۳۶) (این چراغ پرفروغ الهی در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)، خانه هایی که نام خدا در آن ها برده می شود و صبح و شام در آن ها تسبیح او می گویند."

۲. خداوند می فرماید: "إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ - بِاللَّهِ - وَالْيَوْمِ - الْآخِرِ - وَأَقَامَ - الصَّلَاةَ - وَآتَى - الزَّكَاةَ - وَلَمْ - يَخْشَ - إِلَّا اللَّهَ - (توبه ۱۸) مساجد الهی را تنها کسانی آباد می کنند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را بر پا دارد و زکات را پردازد و از چیزی جز خدا نترسد." با توجه به این که "آباد ساختن مساجد" تنها به معنی ساختمان و تأسیسات آن نیست بلکه مفهوم آن شامل اجتماع و شرکت و ارتباط با مسجد است روشن می شود که ارتباط با این کانون عبادی باعث تقویت ایمان به خدا و ایمان روز رستاخیز شده و باید افزون بر پیوند فرد با خدا به وسیله نماز، باعث پیوندش با خلق خدا به وسیله پرداخت زکات باشد و یکی دیگر از آثارش توحید در ترس از خداست یعنی جز از خدا نترسیدن رجوع کنید: تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۳۱۶، دارالکتب

۳. یکی دیگر از فواید ارتباط با مسجد، "پاکیزگی روحی و روانی است می فرماید: "آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر است که در آن (به عبادت بایستی در آن مردانی هستند که دوست می دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد." (توبه ۱۰۸) (رجوع کنید: دو ماهنامه مسجد، سال یازدهم شماره ۶۱، ص ۳۷).

۴. دیگر از فواید ارتباط با مسجد، "اتحاد بین مؤمنین است که از مذمت خداوند متعال نسبت به مسجد ضرار استفاده می شود، می فرماید: "کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن (به مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه افکنی در میان مؤمنان [و تفریقاً بین المؤمنین. " (توبه ۱۰۷) پس مسجد باید کانون وحدت باشد نه عامل تفرقه

۵. در کلمات نورانی اهل بیت فواید بسیاری برای ارتباط با مسجد داشتن بیان شده در حدیثی از رسول اکرم می خوانیم ملازم مسجد دست کم با یکی از این سه به خانه اش بر می گردد: یا دعایی که به درگاه خدا می کند و خداوند با آن او را به بهشت می برد، یا دعایی می کند که به سبب آن خداوند بلائی دنیا را از او بر می گرداند و یا برادری که در راه خدای عزوجل از وجودش بهره مند می شود."

و در حدیث دیگری از امام علی آمده است "هر که به مسجد رفت و آمد کند به یکی از این هشت چیز دست یابد: برادر دینی سودمند، یا دانشی جدید، یا آیتی محکم و استوار، یا رحمتی منتظره یا سخنی که

او را از هلاکت برهانند، یا شنیدن جمله ای که او را به راه راست هدایت کند، یا آن که گناهی را از ترس یا شرم ترک گوید." (میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ترجمه حمیدرضا شیخی ج ۵، ص ۲۳۹۶، ح ۸۳۱۵ و ۸۳۱۷، دارالحدیث)

البته فضایل و ثواب فراوانی برای رفتن به سوی مسجد و یا نشستن در مسجد، در روایات بیان شده است

۶. هر چند بخشی از عبادات در اسلام فردی است ولی روح اسلام بر جماعت استوار است به جا آوردن نمازهای یومیه به جماعت نماز جمعه و حج که بزرگ ترین کنگره جهان اسلام است همه در مسجد برپا می شود. همه پاداش های الهی و آثار معنوی و اجتماعی و اخلاقی تربیتی این نوع عبادات را می توان از پی آمدهای مفید ارتباط با مسجد شمرد. (رجوع کنید: پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی ص ۲۰۷، ستاد اقامه نماز.)

### "مسجد خانه خداست یعنی چه

#### پرسش

"مسجد خانه خداست یعنی چه

#### پاسخ

بی گمان زمین و آسمان ها و آنچه در آنهاست برای خداست و تنها مالک اصلی اوست [بقره ۱۰۷/۱۱۶/۲۸۴]؛ (آل عمران ۱۲۹) و... [از طرفی خداوند، هدف از خلقت را عبودیت بیان کرده و می فرماید: "من جنّ و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند). (ذاریات ۵۶) از همین رو، محل عبادت خویش (مسجد) را خانه خود معرفی می نماید که حاکی از شرافت و قداست مساجد است می فرماید: "وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا" (جن ۱۸) و این که مساجد از آن خداست پس هیچ کس را با خدا نخوانید. " که منظور مکان هایی است که در آن جا برای خدا سجده می شود که مصداق اکمل آن مسجد الحرام و مصداق دیگرش سایر مساجد می باشد. (رجوع کنید: تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۵، ص ۱۲۴، دارالکتب الاسلامیه)

در روایات اهل بیت به این معنا تصریح شده و بر طبق حدیثی رسول اکرم ۹ فرموده اند: "در تورات نوشته شده که خانه های من در روی زمین مسجدهایند، پس خوشا بنده ای که در خانه اش خود را پاکیزه کند و سپس در خانه من به دیدارم بیاید." (میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ترجمه حمیدرضا شیخی ج ۵، ص ۲۳۹۰، ح ۸۲۹۲، دارالحدیث)

### مسجد چیست؟

#### پرسش

زمانی که رسول خدا «صلی الله علیه و آله» از مکه به مدینه هجرت کرد و با استقبال پرشکوه اهل مدینه رو به رو شد، پیش از هر کار تصمیم گرفت که برای مسلمانان مرکزی عمومی به نام «مسجد» بسازد تا برای انجام مراسم دینی و نماز و یاد خدا در آن جا گرد آیند. البته، مسجد تنها مرکز پرستش خدا نبود، بلکه تمام معارف و احکام اسلامی در آن جا بیان می شد. تا آغاز قرن چهارم هجری معمولاً مساجد جز پرستشگاه خداوند، جای آموختن نیز بودند. حتی گاهی مسجد مدینه به صورت یک مرکز ادبی در می آمد و سخن سرایان بزرگ عرب، که سروده هایشان ارزشهای اخلاقی و روش تربیتی اسلام سازگار بود، اشعار خود را در مسجد می خواندند. امور قضایی و پرداختن به خصومات و اجرای حدود و به کیفر رسانیدن بزهکاران و جنایتکاران نیز در مسجد انجام می گرفت و مسجد در آن روزها دادگاهی به تمام معنا بود.

همچنین، رسول خدا «صلی الله علیه و آله» خطابه های آتشین خود را برای گسیل مردم به جهاد مبارزه با کفر و شرک در آن جا ایراد می فرمود. از آن جا که پیشرفت هر ملت و گروهی وابسته به اتفاق و یگانگی آنان است، اسلام دستور داد که ملمانان نمازهای پنج گانه را در مسجد به جماعت بخوانند و فقیر و غنی و وضع و شریف و سیاه و سفید و... همه و همه دوشادوش هم گرد آیند و در صفی یگانه بایستند تا خودپسندیها فرو ریزد و دلها به یکدیگر راه یابند و میانشان یگانگی و صمیمیت پدید آید و فقیر از فقرش رنج نبرد و سیاه از

سیاهی اش آزرده نشود و همه از حال هم آگاه کردند و به درد دل یکدیگر برسند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

### منظور از مسجد الحرام چیست و آیا مسجد می تواند حرام باشد؟

#### پرسش

منظور از مسجد الحرام چیست و آیا مسجد می تواند حرام باشد؟

#### پاسخ

این که صفت حرام را برای مسجد به کار برده اند، ممکن است از این روی باشد که حرام از ماده حرمت و احترام است؛ یعنی مسجدی که دارای حرمت و احترام است و ممکن است از این رو باشد که انجام آنچه با احترام مسجد ناسازگار است، در آن مسجد حرام باست، یا کارهایی چون آزار دیگران در آن حرام است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

### آیا مسلمان در برابر مسجد وظیفه دارد

#### پرسش

آیا مسلمان در برابر مسجد وظیفه دارد

#### پاسخ

در فرهنگ اسلام از مسجد به عنوان «بیت الله یاد شده است (ر.ک وسائل الشیعه ج ۱، ص ۲۶۸) راز این نام گذاری آن است که مردم در این مکان به سوی معبود تقرب جویند و با عبارت خالصانه به سوی او ره بسپارند؛ همان گونه که انسان برای یافتن کسی او را در خانه اش می جوید، برای حضور یافتن در محضر خدا نیز باید به مسجد که خانه او است شتافت از همین رو قرآن کریم کعبه را خانه ای برای مردم به شمار آورده می فرماید: «ان اول بیت وضع للناس للذی ببکه همانا اولین خانه ای که برای مردم بناشد، در مکه است و در آیه دیگر می فرماید: «ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا؛ مساجد از آن خداست پس در کنار خداوند دیگری را نخوانید».

مفسران درباره کلمه مساجد در آیه شریفه چهار معنا ذکر کرده اند. در یکی از معانی مراد از آن مکان عبادت و پرستشگاه

مسلمانان دانسته شده است در حدیثی از امام ششم ع آمده است که ایشان خطاب به یاران خود فرمود: «ملعون ملعون من لم یوقر المسجد؛ ملعون است ملعون است کسی که مسجد را بزرگ نشمارد».

خداوند حق مسجد را بزرگ داشته می فرماید: «مساجد از آن خدا است پس در آن کسی را جز خداوند عبادت نکنید». امام صادق ع می فرماید: «مساجد نسبت به آن دسته از همسایگان خود که در آن حاضر نمی شوند، به خدا شکایت کردند، خداوند فرمود: به عزت و جلالم قسم یک رکعت نماز را هم از آنان قبول نخواهم کرد و نیز در میان



آنان عدالتی را از آنان آشکار نمی سازم رحمت من شامل آنان نمی شود و در بهشت همسایه من نیستند». بنابراین آیات و احادیث در این زمینه فراوان است که وظیفه سنگین مسلمانان را در قبال مساجد و پرستشگاهشان گوشزد می کند و از بی اعتنائی به مساجد شدیداً بر حذر می دارد. (برای اطلاع بیشتر رک سیمای مسجد).

## مسجد ضرار به معنای چیست؟

### پرسش

مسجد ضرار به معنای چیست؟

### پاسخ

ضرار به معنی زیان رسانیدن تعمدی است. و آیات ۱۰۷ تا ۱۱۰ سوره توبه اشاره به ماجرای مسجد ضرار می کند، که خلاصه آن به شرح زیر است :

در سال نهم هجری گروهی از منافقان که به ظاهر مسلمان بودند، نزد پیامبر؟ آمدند. و عرض کردند که به ما اجازه دهید که مسجدی در میان قبیله بنی سالم (نزدیک مسجد قبا) بسازیم. تا افراد ناتوان و بیمار و پیران از کار افتاده در آن عبادات خود را انجام دهند، و نیز در شبهای بارانی که گروهی از مردم توانایی آمدن به مسجد شما را ندارند، فریضه نماز را آنجا انجام دهند. و این زمانی بود که پیامبر (با گروهی از مسلمانان عازم جنگ تبوک بودند. پیامبر) به آنها اجازه دادند. آنها از پیامبر (تقاضا کردند که شخصاً بیایند و در آن مسجد نماز اقامه کنند. پیامبر) فرمودند: "من عازم سفرم، هنگامی که بازگشتم، به خواست خدا چنین خواهم کرد. پس از بازگشت پیامبر از تبوک، آنها مجدداً نزد پیامبر (آمده و تقاضای خود را مبنی بر اقامه نماز در مسجد آنها توسط پیامبر) تکرار کردند. و این هنگامی بود که هنوز پیامبر (وارد دروازه های مدینه نشده بود. در این هنگام فرشته وحی نازل گشت، و آیات ۱۰۷ تا ۱۱۰ سوره توبه را بر پیامبر (وحی کرد، و پرده از اسرار کار آنها برداشته شد. بدنبال این وحی آسمانی، پیامبر) دستور دادند که مسلمانان مسجد مزبور را آتش بزنند، و بقایای آن را نیز ویران کنند. (۱)

قرآن کریم در این باره می فرماید :

"والذین اتخذوا مسجداً ضراراً و

كُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

مِنْ قَبْلِ وَ لَتَحْلِفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحَسَنَىٰ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ " (۲)

یعنی "کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان) و تقویت کفر و تفرقه میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود، آنها سوگند یاد می کنند که نظری جز نیکی و خدمت نداشته ایم، اما خداوند گواهی می دهد که آنها دروغگو هستند."

"لَا- تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا... " یعنی "هرگز در آن قیام (و عبادت) مکن... " (۳) "لَا- يَزَالُ بِنِيَابِهِمُ الَّذِي بَنَوْا رِيْبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ " (۴)

یعنی " این بنایی را که آنها کردند، همواره به صورت یک وسیله شک و تردید در دلهای آنها باقی می ماند؛ مگر اینکه دلهایشان پاره پاره شود، (و بمیرند، و گرنه از دل آنها بیرون نمی رود). و خداوند دانا و حکیم است."

اما این منافقان چه کسانی بودند؟ قبل از هجرت پیامبر (از مکه به مدینه، فردی بود به نام ابوعامر که از راهبان مسیحی و از عبّاد و زهاد به شمار می رفت. و در میان قبیله خزرج از نفوذ وسیعی برخوردار بود. هنگامی که پیامبر (به مدینه هجرت کرد، و مسلمانان گرد او را گرفتند، و در جنگ بدر بر مشرکان پیروز شد، ابوعامر که خود روزی از بشارت دهندگان ظهور پیامبر اسلام (بود، اطراف خود را خالی دید؛ از اینرو به مبارزه با اسلام برخاست. از مدینه به سوی مشرکان مکه رفت، و برای جنگ با پیامبر از آنها کمک خواست؛ و حتی در غزوه احد علیه مسلمانان وارد عمل

شد. پس از جنگ احد به سوی فرمانروای روم، هرقل رفت و از او برای مبارزه با پیامبر اسلام کمک خواست. و از طرفی به هواداران خود در مدینه نیز نامه نوشت، که بزودی با لشکری از سوی هرقل به سمت مدینه خواهد آمد، و لازم است که منافقان مدینه کانونی را جهت فعالیتهای آتی او در مدینه برای او آماده کنند. هواداران او نیز چون نمی توانستند علناً خواسته خود را تحقق بخشند، به بهانه ساختن مسجدی برای بیماران و پیران، نیّات شوم خود را عملی ساختند. اما وحی الهی نازل گشت، و خیانت آنها آشکار گردید. شاید اینکه پیامبر (قبل از رفتن به تبوک با آنها مخالفت نکرد، بدان جهت بود که وضع کار آنها روشن تر شود. و از طرفی شاید نمی خواست فضای آرام مدینه در آن اوضاع و احوال دچار تشنج شود.

با توجه به آیاتی که در این باره نازل گشته، معلوم می گردد که منافقان با این عملشان، در واقع می خواستند مقدمات نابودی پیامبر اسلام (و دین او را فراهم کنند، در میان صفوف مسلمانان ایجاد تفرقه کنند، و کانونی جهت فعالیتهای ضداسلامی خود فراهم کنند.

داستان مسجد ضِعْرار درسی است برای عموم مسلمانان در هر عصر و دورانی، که هرگز نباید ظاهربین و سطحی نگر باشند، و فریب افراد به ظاهر حق به جانب را بخورند. و چهره نفاق و منافق در هر رنگ و لباسی ممکن است ظاهر شود، حتی در لباس طرفداری از قرآن و مسجد؛ و مخالفین اسلام ممکن است در لباس دین بر ضد دین فعالیت کنند. موضوع اتحاد میان مسلمانان بقدری اهمیت دارد،

که حتی اگر ساختن مسجدی در کنار مسجدی دیگر موجب تفرقه و پراکندگی مسلمانان گردد، مسجد تفرقه انداز نامقدس است خانه خدا نیست، بلکه کانون شیطان است.

منابع و مأخذ :

۱. تفسیر نمونه، جلد ۸، ص ۱۳۴

۲. سوره مبارکه توبه آیه ۱۰۷

۳. سوره مبارکه توبه آیه ۱۰۸

۴. سوره مبارکه توبه آیه ۱۱۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

# گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

**۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹**

